زندگینامه مشاهیر ایران و جهان

۸

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

زندگینامه مشاهیر ایران و جهان

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

زندگینامه مشاهیر ایران و جهان جلد ۸

مشخصات کتاب

سرشناسه : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰

عنوان و نام پدیدآور : زندگینامه مشاهیر ایران و جهان/ واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.

مشخصات نشر دیجیتالی: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان – ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : [۹۰۱۸] ص.: مصور.

یادداشت : عنوان روی جلد: زندگینامه مشاهیر ایران و جهان : دانشمندان – شاعران – نویسندگان....

یادداشت : کتابنامه: ص. [۹۰۱۸].

عنوان روی جلد : زندگینامه مشاهیر ایران و جهان : دانشمندان – شاعران – نویسندگان....

موضوع : سرگذشتنامه -- مجموعه‌ها

رده بندی کنگره : CT۲۰۳ /ف۲۸ و۶۷ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی : ۹۲۰/۰۲

شعر

اباذری، عبدالرحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرحیم اباذری

محل تولد : میانه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۷

زندگینامه علمی

فروردین سال ۱۳۳۹ برابر رمضان ۱۳۷۹ در شهر میانه به دنیا آمد. در آذر ماه ۱۳۶۰ پس از پایان خدمت مقدس سربازی به حوزه علمیه تبریز (مدرسه حضرت ولی عصر عج) وارد شد. مقدمات و سطح را در آن حوزه نزد اساتید معظم فرا گرفت. در نیمه شعبان ۱۴۰۴ برابر ۲۷/۲/۱۳۶۳ در حالی که در انتهای شرح لمعتین بود توسط حضرت آیه الله ملکوتی (امام جمعه وقت تبریز) ملبس و مفتخر به لباس روحانیت گردید.

در آغاز سال تحصیلی ۱۳۶۴ به حوزه علمیه قم هجرت کرد و در جوار حرم نورانی حضرت معصومه سلام الله علیها تحصیلات سطح عالی را از محضر حضرات آیات: محمد ستوده، مصطفی اعتمادی، عباس محفوظی، احمد پایانی بهره برد و درس خارج فقه، اصول، تفسیر و فلسفه را مجموعاً به مدت بیش از ۱۲ سال از محضر حضرات آیات عظام: محمد ابراهیم جناتی، عبد الله جوادی آملی، حسن زاده آملی، حسینعلی منتظری، یوسف صانعی، مسلم ملکوتی، سید محمد مفتی شیعه و زین العابدین عسگری گیلانی استفاده نمود. و در ضمن آن به طور پراکنده به تدریس بعضی کتب درسی و تحقیق پیرامون موضوعات علمی پرداخت.

در طول هشت سال دفاع مقدس در چند مرحله به عنوان رزمی، تبلیغی مجموعا "به مدت بیست ماه در جبهه ها و عملیات مختلف از جمله در جبهه های پاوه، مهران، میمک، موسیان، خرمشهر، پاسگاه زید، فاو، سرپل ذهاب، بازی دراز، پادگان ابوذر، استان سلیمانیه حضور یافت و در نهایت پس از عملیات بیت المقدس ۳ و آزاد سازی قله گوجار و تپه اولاغلو به همراه بچه های گردان محمد رسول الله از لشکر ۵ نصر خراسان، مجروح شیمیایی شده و به مدت یک هفته در سنندج ساختمان استانداری بستری گردید.

در سال ۱۳۷۰ به طور جدی کار پژوهشی، تحقیقاتی خود را با پژوهشکده باقر العلوم (ع) به مدیریت اندیشمند با اخلاص استاد محمود مهدی پور و با کاروان سالاری و هدایت ادیب و شاعر فرزانه استاد جواد محدثی آغاز کرد و در قالب مجموعه های: دیدار با ابرار، دیار ابرار، راویان نور، بانوان نمونه، گلشن ابرار و... به این همکاری ادامه داد که این کارها با فعالیت های تحت عناوین: عضو شورای نویسندگان، بررسی کتب و مقالات مجموعه مدیر گروه مجموعه «بانوان نمونه» و مسؤول بررسی و بازنگری مجدد مجموعه «دیدار با ابرار» به مرحله رشد و بالندگی رسید که هنوز هم بعضی از این همکاری ها ادامه دارد.

همچنین با مؤسسات فرهنگی، پژوهشی دیگر مانند: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، دار الحدیث، معاونت فرهنگی آستان مقدس حرم حضرت عبدالعظیم سلام الله علیه و حضرت معصومه سلام الله علیها، ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر در مجموعه هایی مثل: خاطرات انقلاب، تاریخ انقلاب، تاریخ منطقه ای انقلاب، شورای ستارگان حرم، ماهنامه کوثر، هفته نامه ری، آیینه رشد مدیران و ... همکاری می کند و به عنوان کارشناس در خدمت واحد اندیشمندان صدا و سیمای مرکز قم نیز هست. تا کنون حدود ۲۵ جلد کتاب و بیش از ۸۰ مقاله در موضوعات مختلف از وی در روزنامه ها، مجلات و مجموعه های دیگر از جمله روزنامه های: ایران، جام جم، جمهوری اسلامی، همشهری، پرتو و مجلات فرهنگ کوثر و پگاه و... به چاپ رسیده است. هم اکنون خاطرات انقلاب چند نفر از شخصیت های بارز حوزوی را در دست مصاحبه، بازنویسی تنظیم و تدوین دارد و تحقیقات خود را در برخی موضوعات دیگر پیگیری می کند.

اباذری، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود اباذری

محل تولد : نائین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۲۲

ابتکار، تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تقی ابتکار استادمهندسی مکانیک دردانشکده فنی دانشگاه تهران وابداع کننده اولین اتوموبیل حجم دود، ابداع کننده اتوموبیل ازمایع سوز، ابداع کننده وسوخته کردن تاکسی جهت کاهش آلودگی هوا می باشد.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی مکانیکتحصیلات رسمی و حرفه ای : تقی ابتکاردارای تحصیلات عالی درزمینه مهندسی مکانیک است، وی هم اکنون درجه استادی دانشکده فنی دانشگاه تهران راحایز است.فعالیتهای ضمن تحصیل : تقی ابتکاردرحین تحصیل به مطالعه تحقیق وبویژ ه ابداع درمسائل مربوط به سوخت اتوموبیل علاقه بسیاری داشت چنانکه بعدها توانست دراین زمینه اختراعاتی رابه نام خود ثبت کند.وقایع میانسالی : تقی ابتکارمراحل استادیاری دانشیاری واستادی راددانشکده فنی دانشگاه تهران طی کرده ونیز بهعنوان محققی نمونه ومخترعی مهم درصنعت سوخت خودرو مشهوراست.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : تقی ابتکارهم اکنون استادرشته مهندسی مکانیک دردانشکده فنی دانشگاه تهران می باشد. وی مراحل استادیاری ودانشیاری رانیز درهمان دانشگاه سپری کرده است.فعالیتهای آموزشی : تقی ابتکارسالهادرگروه مهندسی مکانیک دردانشگاه تهران به تدریس مشغول بوده است.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : تقی ابتکارطرح گازسوزکردن تاکسی های تهران ، شیراز، مشهدو. . . راخودبه اجرا رسانیده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : تقی ابتکاربه مطالعه تحقیق ونوآوری درزمینه سوخت خودروها ورابطه آن بامحیط زیست علاقه مند است.آرا و گرایشهای خاص : تقی ابتکاراجمله مهندسین مکانیک استکه توجه تخصصی ویژهای رادرباره سوخت اتومبیل وکاهش آلودگی هوا دارد.

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

ابتهاج، هوشنگ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هوشنگ ابتهاج «سایه» فرزند میرزا آقاخان متولد سال ۱۳۰۶ خورشیدی است. وی از جمله شاعرانی است که بیشتر به اشعار نو متمایل است و در غزلسرایی نیز سروده‌هایی نغز و شیوا دارد که از جمله بهترین غزلیات معاصر ایران به‌شمار می‌رود.

تاکنون مجموعه‌هایی از اشعار «سایه» به نام‌های: «نخستین نغمه‌ها»، «سراب»، «سیاه مشق»، «شبگیر»، «زمین» و... منتشر شده است.

«لب خاموش»

امشب به قصه دل من گوش می‌کنی
فردا مرا چو قصه فراموش می‌کنی
دستم نمی‌رسد که در آغوش گیرمت
ای ماه با که دست در آغوش می‌کنی؟
در ساغر تو چیست که با جرعه نخست
هشیار و مست را همه مدهوش می‌کنی
می جوش می‌زند بدل خم بیا ببین
یادی اگر ز خون سیاووش می‌کنی
گر گوش می‌کنی سخن خوش بگویمت
بهتر ز گوهری که تو در گوش می‌کنی
جام جهان ز خون دل عاشقان پیر است
حرمت نگاهدار اگرش نوش می‌کنی

سایه چو شمع شعله در افکنده‌ای بجمع
زین داستان که با لب خاموش می‌کنی
«تو ای پری کجایی»
شبی که آوای نی تو شنیدم
چو آهویی تشنه پی تو دویدم
دوان دوان تا لب چشمه رسیدم
نشانه‌ای، از نی و نغمه ندیدم
تو ای پری کجایی
که رخ نمی‌نمایی
از آن بهشت پنهان
دری نمی‌گشایی
من همه جا پی تو گشته‌ام
از مه و مهر نشانه گرفته‌ام
بوی تو را از گل شنیده‌ام
دامن گل از آن گرفته‌ام
تو ای پری کجایی که رخ نمی‌نمایی
از آن بهشت پنهان دری نمی‌گشایی
دل سرگشته توست
نفسم آغشته توست
به باغ رویاها چو گلت بویم
در آب و آینه چو مهت جویم
تو ای پری کجایی
در این شب یلدا از پیت پویم
به خواب و بیداری سخنت گویم
تو ای پری کجایی
مه و ستاره درد من می‌دانند
که همچو من پی تو سرگردانند
شبی کنار چشمه پیدا شو
چو گل میان اشک من واشو
تو ای پری کجایی
که رخ نمی‌نمایی
برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

ابدال اصفهانی، اسیر

قرن:۱۰
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

(وف ۹۳۰ ق)، شاعر، متخلص به اسیر اهل اصفهان بود و به عطاری اشتغال داشت. وی از همنشینان سام میرزا صفوی بود که به واسطه‌ی عشق کارش به جنون کشید و چند ماهی بستری شد، ولی درمان نشد. سه سال در اصفهان با سروپای برهنه می‌گشت، سپس به تبریز رفت و پنج سال در میخانه‌ها با ارامنه به سر برد. عاقبت توبه کرد. برخی از تذکره‌نویسان نوشته‌اند که وی در زمان حمله‌ی سام میرزا به قندهار، کشته شد و همان جا دفن گردید. صاحب «ریحانه» به اشتباه وی را از شعرای سده‌ی سیزدهم می‌داند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۳/ ۹۲۲)، تاریخ نظم و نثر (۶۶۶ -۶۶۵)، تحفه‌ی سامی (۲۱۶ -۲۱۲)، تذکره‌ی روز روشن (۴۹، ۱۳ -۱۲)، الذریعه (۹/ ۱۴)، ریحانه (۱/ ۶۹- ۷۰)، لغت‌نامه (ذیل/ ابدال).

ابدال بلخی

قرن:۱۰
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

(وف ۹۳۱ ق)، شاعر. اهل بلخ بود و ابتدای امر مطیعی تخلص می‌کرد و در آخر کار تخلص به الف کرد از مقربان دربار سلطان یعقوب در آذربایجان بود و پس از مرگ او به اصفهان رفت و در آنجا تقرب یافت. از جمله آثارش: «دیوان» شعر. این بیت از

اوست:

نظر افکنی به هر کس به منت نظر نباشد

شده‌ام اسیر دردی که از آن بتر نباشد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه‌ی سامی(۱۹۵)، تذکره‌ی روز روشن(۷۵)، الذریعه(۱۰۵۹ ،۹۰ ،۱۴ /۹)، صبح گلشن(۸)، فرهنگ سخنوران(۱۵).

ابراهیم پور لیالستانی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین ابراهیم پور لیالستانی

محل تولد : لاهیجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

ابراهیم پور، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر ابراهیم پور

محل تولد : گنبد کاووس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدائی خویش را از مشهد آغاز نمودم و همزمان در ایام تعطیل مکتب خانه‌ها به آموزش قرآن و مفاتیح و... پرداختم. دوره راهنمایی و یک سال از مقطع دبیرستان را نیز پشت سر گذاشته و وارد حوزه علمیه مشهد شدم.

از سال ۱۳۶۵ دروس حوزه را آغاز نموده و بخشی از مقدمات را در مدرسه المهدی و مابقی آن تا اصول فقه را در مدرسه امام باقر(ع) پشت سر گذاشتم و پس از آن از درس لمعه مرحوم فقیه سبزواری درک نموده و بهره بردم و همزمان خود را برای شرکت در امتحانات ورودی حوزه علمیه قم آماده می‌نمودم. در سال ۱۳۷۰ در امتحانات ورودی حوزه علمیه قم شرکت نموده و پس از قبولی و پذیرفته شدن در امتحانات شفاهی و مصاحبه، رسماً طلبه حوزه علمیه قم شده و به ادامه تحصیل پرداختم.

دروس رسائل را نزد استاد حسینی خراسانی و مکاسب محرمه را نزد استاد دوزدوزانی و بیع استاد پایانی، خیارات استاد بیگدلی و کفایه را نزد استاد اعتمادی گذرانده و دروس حوزه از قبیل، تفسیر، فلسفه، تاریخ و... را همزمان از اساتید حوزه در آن دوره فراگرفتم. ضمناً در این مدت دوره تخصصی تربیت مربی کودک و نوجوان را نیز سپری نمودم.

از سال ۱۳۷۵ با به پایان رساندن دوره سطح و قبولی در امتحانات کتبی، دروس خارج فقه و اصول را آغاز نمودم و با شرکت در درس فقه آیت الله مکارم شیرازی و اصول استاد سبحانی، به نحوه استنباط احکام از لابلای آیات و روایات پی برده و آشنا شدم. در این مدت حدود دو سال نیز در درس تفسیر استاد فرزانه آیت الله جوادی آملی نیز شرکت جسته و بهره بردم.

همزمان با حضور در درس خارج اساتید فوق در دوره‌ها و رشته‌های تخصصی گوناگون نیز شرکت می‌نمودم تا از تجربیات و علوم مختلف مورد نیاز بهره‌مند گردم. در این مدت دوره مدیریت مساجد و رشته تخصصی مذاهب اسلامی و رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآنی، دوره تقریب مذاهب اسلامی، دوره شناخت وهابیت و دوره کارورزی تفسیر را طی نموده و بهره‌های لازم را کسب نمودم. در این میان مدتی را نیز به کارهای تحقیقاتی پرداخته و با نقدهای مختلف با روشها و شیوه‌های مختلف تحقیق آشنا شدم، به طور مثال دو سال در واحد اخلاق بخش تربیت مربی کودک و نوجوان دفتر تبلیغات همکاری داشته و با قالبها و روش‌های کار کودک آشنا شدم و پس از آن با پاسخ به شبهات در بخش تحقیقات موسسه مذاهب اسلامی به چگونگی پاسخ‌ها و تحقیقات لازمه در این زمینه پی برده و پس از حدود یک سال فعالیت در آنجا بعضی از پاسخها به همراه تحقیقات دیگران ظاهراً به چاپ رسید. و هم اکنون سال دومی است که با واحد تفسیر دوره کارورزی تفسیر همکاری می‌نمایم که در این مدت تلاش دوستان به ثمر نشسته و دو جلد تفسیر همراه آیه‌های نور در قطع پالتویی آماده چاپ شده و مابقی نیز در دست انجام می‌باشد. طرح دیگری که در دست اقدام است تهیه درسنامه روشها و قالب‌های تفسیر است که کارهای مقدماتی آن در شرف اتمام است.

ابراهیم زاده، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن ابراهیم زاده

محل تولد : بغداد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حسن ابراهیم زاده در سال ۱۳۴۴ در شهر بغداد دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی تا مقطع دوم دبیرستان را در شهر ایلام سپری و آنگاه در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه آشتیان و سپس حوزه علمیه قم شد.

در کنار تحصیل، فعالیت های نگارشی خود را آغاز کرد. مخاطب نوشتارهای وی اغلب قشر جوان است. وی زمینه مطالعاتی و نگارش خود را در حوزه های سیره و حیات علمای شیعه، جریان شناسی نهضت روحانیت و نقد مسائل سیاسی اجتماعی و رسانه ای روز جهت داده است.

ایشان بنامهای مستعار حسن ملکشاهی و ... نیز در برخی از مجلات و روزنامه ها قلم می زند. وی که در کنار بهره گیری از اساتید فقه و اصول، تفسیر و اخلاق حوزه، به مدت ده سال در جلسات نقد و بررسی مرکز ادبی حوزه شرکت کرده است، به مناسبت های مختلف، نگارش متون کوتاه و بلند ادبی را نیز در برنامه نگارشی خود دارد.

ابراهیم زاده، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله ابراهیم زاده

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۷/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۶ هجری شمسی در حومه آمل به دنیا آمدم. دوران تحصیلی شش ساله ابتدایی و سه سال تحصیلی در دبیرستان را در شهرستان آمل گذرانیدم و در سال تحصیلی ۱۳۵۲ برای شروع تحصیلات علوم دینی وارد حوزه علمیه قم شدم. به استثنای چند سالی که در خلال مدت تحصیل در قم به خاطر مبارزات سیاسی پیش از انقلاب (حدود دو سال و اندی) تبعید به ارتش و در زندان گذرانیدم. و پس از انقلاب نیز چند سالی به ماموریت های تبلیغی، رزمی در پشت جبهه و ارگان ها و نهادها به ویژه در مراکز سپاه عزیمت کردم، بقیه ایام و سال ها را در حوزه علمیه قم به تحصیل، تحقیق، تدریس و نگارش آثار علمی مشغول بوده و هستم .

تا سال ۱۳۶۸ سطوح مقدماتی، متوسط و عالی دروس حوزوی را به پایان بردم و از این سال در دروس خارج فقه اصول و دروس معقول از منطق، کلام، فلسفه و عرفان شرکت کردم و در مجموع، علاوه بر اینکه حدود یک دوره دروس خارج فقه و اصول فرا گرفتم، در رشته معقول نیز کتاب های زیادی نظیر : شرح تجرید، بدایهٔ الحکمه، نهایهٔ الحکمه، المنطق مرحوم مظفر، بخش هایی از شرح منظومه سبزواری، الهیات، شفا و شرح اشارات شیخ الرئیس ابن سینا، اسفار اربعه ملاصدرا (به ویژه جلدهای اول تا سوم و ششم و هفتم) و غیر آن را نزد اساتید عالیقدر فرا گرفتم. اساتید مهم دروس منقول و معقول اینجانب عبارتند از آیات عظام : صالحی مازندرانی، اعتمادی، ستوده، جعفر سبحانی، فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، جوادی آملی، حسن زاده آملی، دوزدوزانی، پایانی و وجدانی فخر. دوره چهار ساله تخصصی علم کلام و عقاید را (از سال ۱۳۷۳ لغایت ۱۳۷۷) طی کردم. تبلیغات منبری را از سال های اول انقلاب آغاز کردم و همچنان ادامه دارد. تدریس در برخی از مراکز آموزش عالی، مراکز سپاه، بعضا حوزه و دانشگاه، را از سال های حدود ۱۳۶۰ و پس از آن آغاز کردم و به طور متناوب ادامه دارد .

به دلیل اشتیاق زیاد به نوشتن و نویسندگی و نیز پژوهش، از سال های آغازین طلبگی نگارش و نویسندگی را شروع کردم و از سال ۱۳۷۱ با ورود به پژوهشکده تحقیقات اسلامی در قم، کار نوشتن به طور رسمی و جدی شروع شد و تاکنون بیش از ۵۰ کتاب و مقاله به چاپ رسانیدم. برخی از کتاب ها و مقالاتی را که در کتاب سال حوزه و همایش های علمی و ... برگزیده شده است، از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد :

۱. کتاب حاکمیت دینی، که به عنوان یکی از کتب برگزیده کتاب سال حوزه علمیه (سال ۱۳۷۸) انتخاب گردید .

۲. مجموعه آثار اینجانب در همایش پاسداران اهل قلم در سال ۱۳۸۳ در تهران از میان حدود ۷۵ کتاب و مقاله علمی در رشته های مختلف، برگزیده شد . (البته در رشته فلسفه و کلام) و در ردیف آثار برگزیده و ممتاز مورد تشویق قرار گرفته و جوایزی اهدا کردند .

ابراهیم نژاد، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا ابراهیم نژاد

محل تولد : سبزوار بخش دیوانخوی

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۴/۲۰

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا ابراهیم‌نژاد در سال ۱۳۴۴ وارد حوزه علمیه سبزوار شـدم و ادبیات عرب را مطابق برنامه‌های موجود آغاز و ادامه دادم که تا سال ۱۳۵۱ ادامه داشت به موازات آن درس‌های کلاسیک را نیز تا دوره دبیرستان سپری نمودم.

در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه تهران شـدم و تـا سال ۱۳۵۴ دروس حـوزوی (ادبیـات، فقه و اصول) و دبیرسـتان را ادامه دادم و در اواخر سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم. در حوزه علمیه قم دوره سـطح و پس از آن دوره خارج فقه و اصول و فلسفه اسلامی را گذرانـدم، این برنـامه پیش از انقلاب، دوران انقلاب و پس از پیروزی انقلاب تا سال ۱۳۷۰ ادامه داشت و در نتیجه ادبیـات، منطق، معانی بیان، فلسـفه اسـلامی، فقه و اصول (دوره سـطح و خارج) را تحصیل و قسمتی از اینها را تدریس نمودم. در سال ۱۳۷۰ ضمن ادامه دروس حوزه تدریس در دانشگاه (دانشگاههای تهران، شهید بهشتی و علامه طباطبایی و...) را نیز آغاز نمودم که تاکنون ادامه دارد.

ابراهیم، خلیل

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۹ ق)، خطـاط. از کاتبـان روزگـار خود و ظـاهراً اهـل بخـارا بود. به خـط وی یک نسـخه کتاب «مهر و مشتری»، تألیف عصار تبریزی در پاریس است که به قلم کتابت خوش در بخارا نوشته شده است، با رقم: «ابراهیم خلیل» به سال ۹۲۹.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۸ -۱۷ /۱).

ابراهیم‌آبادی نطنزی، اسکندر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۰۳ ق)، خطاط. از آثار وی: کتیبه‌ی سـمت راست ایوان جنوبی مسجد جمعه‌ی نطنز، به خط نستعلیق، با رقم: «... فی ثامن شهر رجب سنهٔ ثلاث و مائهٔ و الف کتبه العبد الراجی اسکندر ابراهیم آبادی النطنزی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :آثار تاریخی شهرسـتانهای کاشان و نطنز (۲۸۰ -۲۷۹)، آثار ملی اصـفهان (۹۱۳)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصـفهان (۸۷۷- ۸۷۸).

ابراهیم‌زاده معبود، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکـتر حسن ابراهیم زاده معبود در ۱۳۱۴ه.ش در لنگرود متولد شد پس از طی تحصـیلات متوسطه (از دانشسرای مقدماتی تهران) به تـدریس در مـدارس گیلان پرداخت. در سال ۱۳۳۶در رشـته زیسـت شناسـی در دانشـگاه تهران به تحصـیل پرداخت . پس از اخذ مدرک کارشناسـی (۱۳۳۹ ه.ش) و کارشناسـی ارشـد (در سال ۱۳۴۴) از دانشـگاه تهران درسال ۱۳۴۳ برای تکمیـل معلوماتش به فرانسه رفت و در سالهـای ۱۳۴۵ و ۱۳۴۸ مدرک کارشناسـی ارشد و دکترای دولتی رشـته زیست شناسی را از دانشگاه پاریس اخذ کرد . او پس از مراجعت به ایران به امر تدریس پرداخت .دکتر ابراهیم زاده معبود در کنار تدریس و تحقیق، بعنوان رئیس دانشکده علوم دانشـگاه تهران (برای دو بـار) و معاون آموزشـی ،قائم مقام دانشـگاه تهران انتخاب شـد. او در سال ۱۳۸۰ درنخستین همایش

چهره هـای مانـدگار معرفی گردیـد.گروه : علوم پایه‌رشـته : زیست شناسیگرایش : زیست شناسـی گیاهیوالـدین و انساب : خانواده پدری و مادری حسن ابراهیم زاده معبود همانند پدرش همگی در کار خرید و فروش برنج بودند.خاطرات کودکی : دوران کودکی حسن ابراهیم زاده معبود به بـازی و تفریـح سپری شـد. ایشـان در پنـج سالگی بمـدت یکسال به مکتب رفت و به تحصـیل مکتبخانه پرداخت.از خاطراتی که دکتر ابراهیم زاده معبود به یاد دارد ، شـروع جنگ بود یک روز به کوه رفته بود .پس از آن که به نقطه ای مرتفع تر رفت و در آنجـا یکبـاره از کوه سـقوط می کننـد ولی چنـد متـر پـائین تر به یـک درختچه شـمشاد گیر کرده و نجـات می یابنـد.از دیگر خـاطرات ایشـان می توان به مورد زیر اشـاره کرد " : یک روز یک بازرس از اداره آموزش و پرورش مرکز اسـتان به مـدرسه ما آمدنـد...مـدتی در کلاس از دانش آموزان سوالاتی پرسـیدند و بعد چون از هوش و ذکاوت من خوشـش آمده بود یک خودنویسـی که در جیب خودش داشت به من بعنوان جـایزه داد تـا آن موقع حتی معلم هـا از طرز کار این خود نویس با خبر نبودند ولی بعـد از مـدتی کار با آن، با اتمام جوهر دیگر ننوشت".اوضاع اجتماعی و شـرایط زنـدگی : حسن ابراهیم زاده معبود درخانواده ای کشاورز و از نظر اقتصادی متوسط بـدنیا آمد.پدر ایشان برای ادامه تحصیل فرزندان خود حق تحصـیل بعد از سال شـشم ابتدایی نمی داد از آنجـایی که دکتر ابراهیم زاده معبود به ادامه تحصـیل علاقه وافر داشـتند با کمک مادر خود پـدر را برای ادامه تحصـیل راضـی کردند.بطوری که مجبور بود همراه تحصـیل به کار نیز اشـتغال داشته باشد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسن ابراهیم زاده معبود تحصیلات مقدماتی را در مکتب خانه ای در لنگرود آغاز کرد ولی سالهای آخر دبیرستان را در تهران گذراند. در ۱۳۳۰ه.ش به دانشسرای مقدماتی تهران وارد شد و دیپلم ششم متوسطه علوم تجربی رادر سال ۱۳۳۵اخذ کرد. از سال ۱۳۳۶ ه.ش به تحصیل در رشـته زیست شناسی در دانشگاه تهران پرداخت. وی در سال ۱۳۳۹ کارشناسی و در ۱۳۴۳کارشناسی ارشد رشته مذکور را دریافت کرد و در سال ۱۳۴۴ به فرانسه رفت و در سالهـای ۱۳۴۵ و ۱۳۴۸ مدرک کارشناسـی ارشد و دکترای دولتی رشته زیشت شناسی را از دانشگاه دولتی سوربن اخذ کرد .خاطرات و وقایع تحصـیل : حسن ابراهیم زاده معبود در طی دو سال که در دانشسـرای مقدماتی به تحصیل مشغول بود ،این حسن را داشت که به تمام آرزو های خودش رسیده است. هرماه پنـج تومان و هر عید نوروز یکصد و پنجاه تومـان به هر دانش آموز می دادنـد تـا نیـاز هـای خودش را به لوازم التحریر و پوشاک و غیره تامین نماینـد. ایشان از شوخیها ،دعواهـا و دوستی هـای بین دانش آموزان از قومیت هـای مختلف وجود داشت خـاطرات خوبی به یاد دارد و از آن دوران به نیکی یـاد می کنـد.فعالیتهـای ضـمن تحصـیل : حسن ابراهیم زاده معبود در سالهـای تحصـیل در دوره کارشناسـی دانشگاه تهران، به طور همزمان در مدارس شهرسـتان لنگرود به تدریس مشـغول بود.استادان و مربیان : آقای صفاری(دبیر ریاضی) ،آقای دکتر مقربی (دبیر ادبیات)،دکتر زاهدی ،دکتر ملکی ،دکتر شیبانی ،دکتر مستشفی (دانشگاه) از اساتید و مربیان حسن ابراهیم زاده معبود می باشند.هم دوره ای ها و همکاران : آقایان خدا بخش ،خرسندی ،زبان نژاد ، فخر و دکتر دیانت نژاد از همدوره ایهای حسن ابراهیم زاده معبود می باشـند که ایشان خاطرات بیاد مانـدنی از آنها به یاد دارد.همسـر و فرزندان : حسن ابراهیم زاده معبود در سال ۱۳۴۲ ازدواج کرد ایشان دارای یک فرزنـد دختر می باشد که هم اکنون دانشـجوی دوره دکتری در رشـته فیزیولوژی می باشد.وقایع میانسالی : حسـن ابراهیم زاده معبود پس از احراز مـدرک دکتری و بـازگشت از فرانسه، در دانشـگاه تهران به تـدریس مشـغول شـد. وی در سالهـای ۱۳۵۳ و ۱۳۶۲ به مقامهای دانشـیاری و اسـتادی نایل گشت و به تالیف آثاری در رشـته خود پرداخت. وی در سال ۱۳۸۰در نخستین همایش چهره های مانـدگار معرفی و برگزیـده شـد.ایشان همچنین از سـفر خود در گردشـهای علمی به کشورهای اروپایی همچون سوئیس ،ایتالیـا و فرانسه و غیره خـاطرات زیـادی به یاد دارد و از آن دوران به نیکی یاد می کنـد.مشاغل و سـمتهای مورد تصـدی : حسن ابراهیم زاده معبود پس از بازگشت از فرانسه و احراز مـدرک دکتری به عضویت هئیت علمی دانشـگاه تهران در آمـد وی هم اکنون با درجه اسـتادی مشغول به تدریس است. از دیگر مسئو لیت های ایشان می توان به چند مورد زیر اشاره کرد: – عضو پیوسته فرهنگسـتان علوم جمهوری اسـلامی ایران – رئیس دانشـکده علوم دانشـگاه تهران برای دو دوره – مدیر گروه زیست شناسی بمدت یـک دوره – ریـاست انجمن زیست شناسـی دانشگاه تهران – قائم مقام ریاست دانشـگاه تهران – عضویت در شورای واژه گزینی و کارگروههـای واژه گزینی زیست شناسـی در فرهنگسـتان زبـان و ادب فارسـی – مسـئولیت در کـار گروههـای برنامه ریزی زیست شناسـی و علوم پایه و شـرکت در شورای تخصصی گسترش و شورای عالی گسترش و برنامه ریزی وزارت علوم تحقیقات و فناوری – عضویت در شورای عـالی آموزش و پرورش فعالیتهـای آموزشـی : حسن ابراهیم زاده معبود پس از احراز مـدرک دکتری زیسـت شناسـی گیاهی از دانشـگاه سوربن فرانسه، به عنوان عضو هئیت علمی دانشـگاه تهران در آمد و به تدریس در گروه زیست شناسـی پرداخت. وی در سالهـای ۱۳۵۳ و ۱۳۶۲ به مدارج دانشـیاری و اسـتادی نایل گشت.ایشان در مقاطع کارشناسی ،کارشناسی ارشد و دکتری مشغول به تـدریس می باشـد.مراکزی که فرد از بانیـان آن به شـمار می آیـد : – ایجاد و راه انـدازی آزمایشـگاه فیزیولوژی گیـاهی و ضـمائم آن – دایر کردن دوره دکـتری فیزیولوژی گیـاهی – تاسـیس انجمن زیست شناسـی ایران – ایجـاد المپیـاد زیسـت شناسیسایر فعالیتها و برنامه های روزمره : تحقیق، تالیف و مطالعه دررشته زیست شناسی گیاهی از اموری است که بسیاری از اوقات حسن ابراهیم زاده معبود را به خود اختصاص داده است.آرا و گرایشـهای خاص : حسن ابراهیم زاده معبود در زیسـت شناسـی گیاهی به مبـاحث فیزیولوژی گیـاهی، بیوشـیمی و زیست شناسـی مولکولی علاقمنـد است و آثاری دراین زمینه تالیف نموده است.جوائز و نشانهـا : حسن ابراهیم زاده معبود درسال ۱۳۸۰در نخستین همایش چهره های مانـدگار برگزیـده و معرفی شد. از دیگر جوایز ایشان می توان به چند مورد زیر اشاره کرد: – سه جلد از کتابهای تالیفی ایشان بعنوان کتاب سال جمهوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انتخاب شده است (مهمترین تألیف دکتر ابراهیم زاده کتاب «فیزیولوژی گیاهی» است که بعنوان کتاب سال ۶۲ در رشـتهٔ زیست شناسـی انتخاب و معرفی گردید.) – اسـتاد نمونه ،اسـتاد ممتاز دانشـگاه تهران – استاد برجسته پژوهشی دانشگاه تهرانچگونگی عرضه آثار : –۱۶۲ مقـاله علمی که حـدود نیمی از آنها در مجلات داخلی و نیمی دیگر در مجلات خارجی به چاپ رسیده است. – ۱۰۶ خلاصه مقاله چهار پنجم آنها در گرد همایی داخلی و یک پنجم در گرد همایی های خارجی ارائه شـده است. – ۱۹ جلد کتاب که حدود نیمی از آنها را به تنهایی و نیمی دیگر را باتفاق همکارانش تالیف یا ترجمه کرده است.

آثار : ۱ بیوشیمی ویژگی اثر : این کتاب به رشته بیوشیمی مربوط می شود و شامل بحث های تخصصی پیرامون شیمی آلی و کاربردهای علم شیمی درزیست شناسی گیاهی می باشد۲ زیست شناسی عمومی ویژگی اثر : تالیف۳ زیست شناسی و مولکولی و تکامل ویژگی اثر : ترجمه۴ زیست شناسی سال های دوم ،سوم ، چهارم متوسطه در علوم تجربی ویژگی اثر : این کتاب حاصل سه سال کار دسته جمعی است. تالیف آن در سال ۱۳۵۱ توسط آموزش و پرورش از دکتر ابراهیم زاده معبود و همکارانش خواسته شده بودکه بیش از بیست سال ،هر سال با تغییراتی در آنها در دبیرستانهای کشور تدریس می شود.۵ فیزیولوژی گیاهی ویژگی اثر : این کتاب شامل مجموعه ای چند جلدی از متون درسی دانشجویان رشته زیست شناسی است که به گرایش زیست شناسی گیاهی می پردازد.این کتاب در شش جلد تالیف شده است و تالیف ان در سال ۱۳۸۶ به پایان رسیده است.-کتاب سال-کتاب فیزیولوژی گیاهی تحلیل گر تمایز گیاهان و اشکال مختلف آن است که دقت در آنها ما را با توانائیهای بالفعل و امکان آشکار کردن توانائیهای بالقوه و منشاء این توانائیها در گیاهان آشنا می سازد. در کتاب مزبور بررسی مکانیسم ملکولی تمایز نشان می دهد که پروتئینها و آنزیمها در وقوع تمایز نقش اساسی دارند و تغییرات مرفولژیکی در گروههای مختلف گیاهی از ظهور تغییرات بیوشیمیائی در آنها ناشی می شود. بنابراین هر تغییری، چه به طور طبیعی و چه تحت اثر عوامل مختلف اعم از داخلی یا خارجی، که در مرفولژی اندامکها، سلولها، بافتها، اندامها و یا یک گیاه کامل حاصل می شود نتیجه تغییری است که قبلا در ترکیب شیمیائی آن حاصل شده است. ویروسها، باکتریها، قارچها و گیاهان عالی هر یک به صورتی و عملاً ـ به صورتهائی که به ترتیب از ساده تا پیچیده تغییر می کند وقوع تمایز را نشان می دهند و با مطالعهٔ آنها معلوم می شود که اولاً انجام تقسیم سلولی برای وقوع تمایز لازم است و برای نمایش وجود رابطه بین آنها می توان از مدلهای سینتیکی استمداد گرفت. ثانیاً هومونهای گیاهی در وقوع تمایز در گیاهان نقش مهمی را ایفا می کنند و این ترکیبات موجبات تمایز جنین و ظهور جنسیت را در گیاهان فراهم می سازند. ثالثاً پیری در گیاهان صورتی از وقوع تمایز است و در نتیجهٔ تغییر شدت واکنشهای متابولیسمی مختلف آشکار می شود.-این کتاب در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «فیزیولوژی گیاهی»: این مجموعه شامل فصولی در مورد مبادله انرژی، آنزیم‌ها و تنظیم متابولیستی است که مدخل دو مبحث اصلی متابولیسم، فتوسنتز و تنفس، محسوب می‌شوند. البته اختصاص چند مبحث مهم فیزیولژی گیاهی به یک مجموعه مانع از آن بوده است که بتوان هر یک از مباحث مذکور را به تفصیل مورد بررسی قرار داد. این نقیصه در دو مجلد دیگر در دست تهیه است که اولی به فتوسنتز و دومی به تنفس اختصاص خواهد یافت بر طرف خواهد شد ۶ واژه نامه زیست شناسی ویژگی اثر : این کتاب در دو جلد متفاوت از هم تهیه شده است که هر کدام پس از ۹ سال کار دسته جمعی چند تن از زیست شناسان منتشر شده است. برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ابراهیمی دینانی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسین ابراهیمی دینانی در سال ۱۳۱۳ در یک خانواده مذهبی در روستای دینان در اصفهان چشم به جهان گشود، و پس از گذراندن تحصیلات ابتدائی به حوزه علمیه وارد شد و تا درجه اجتهاد تحصیل خود را ادامه داد. سپس به تحصیلات دانشگاهی روی آورد و مدرک دکترای فلسفه خود را از دانشگاه مشهد دریافت نمود(۱۳۵۵ ه.ش) وی مدتی درهمان دانشگاه حوزه علمیه و نیز در دانشگاه تهران تدریس نموده است و هنوز در دانشگاه تهران به فعالیت آموزشی خود ادامه می دهد. تا کنون از وی چند اثر منتشر گردیده است که مشهورترین و جدیدترین آنها کتاب سه جلدی دفتر عقل و آیت عشق می باشد. ککتاب(ترجمه") ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام "و کتاب"دفتر عقل و آیت عشق ("تالیف)غلامحسین ابراهیمی دینانی ، به ترتیب در دورهای هفدهم و بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شدند.وی برگزیده همایش طرح سپاس درسال ۸۵ در فرهنگسرای سینا می باشد. ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

گرایش : فلسفه اسلامی

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : غلامحسین ابراهیمی دینانی در سال ۱۳۲۱ در یک خانواده مذهبی که ساکن یکی از روستاهای تابع شهر اصفهان، بنام دینان بود، بدنیا آمد. اعضای خانواده او همگی متصدیان کارهای دولتی یا بازاری بودند و چندان توجهی به علم بویژه فلسفه اسلامی نداشتند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامحسین ابراهیمی دینانی تحصیلات ابتدائی خود را در اصفهان به پایان رساند و سپس دوره فقه اصول و ادبیات را در حوزه علمیه گذراند و تحصیل دروس دینی را تا دوره اجتهاد طی کرد. اما مدتی بعد تصمیم گرفت که به تحصیل در دانشگاه بپردازد، حاصل این تصمیم و تلاشهای پیگیر وی احزار درجه دکتری فلسفه از دانشگاه تهران در سال۱۳۵۵ ه.ش بود.

خاطرات و وقایع تحصیل : غلامحسین ابراهیمی دینانی از کودکی به درس و کتاب علاقمند بود. وی هنگامی که در حوزه دروس فقه، ادبیات منطق بلاغت و اصول را می گذراند فلسفه را قویتر از کلام یافت و به مطالعه آن پرداخت. دکتر دینانی درباره فضای حوزه ها در آن روزگار می گوید که این مراکز از فضایی بسته اما پر معنویت برخوردار بوده اند. با این وجود وی شیوه زندگی

درحوزه را نمی پسندید، اما به علوم آن علاقمند بود. از این رو وارد دانشگاه شد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : غلامحسین ابراهیمی دینانی هنگامی که در حوزه به تحصیل می پرداخت در همان مرکز نیز سطوح پایین تر علومی چون فقه، اصول، منطق، فلسفه و ادبیات را تدریس می کرد. از این گذشته ظاهراً در همان زمان به تمرین و آموختن زبان عربی می پرداخت. تا آنجا که بعدها توانست چند کتاب عربی را ترجمه نماید.

استادان و مربیان : غلامحسین ابراهیمی دینانی ،تحصیلات خود را در حوزهٔ علمیه اصفهان نزد استادانی چون شیخ محمد علی حبیب آبادی و حاج شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی آغاز کرد. آنگاه برای ادامه تحصیل عازم قم شد. دروس سطح را نزد اساتیدی مانند مرحوم مجاهدی، سلطانی طباطبایی، فکور یزدی و آقا شیخ عبدالجواد اصفهانی گذراند و مدتی هم درس خارج مرحوم آیهٔ الله بروجردی شرکت کرد. اصول را نیز نزد مرحوم سید محمد داماد خواند اما بیشترین مدت تحصیل خارج فقه و اصول را در درس امام خمینی (ره) سپری کرد. وی از محضر استاد علامه طباطبایی نیز بهره برده است که از آن دوران می گوید": در همان ایام- تحصیل در حوزه علمیه قم- ضمن این که در درس‌های خارج فقه و اصول شرکت می‌کردم در درس‌های فلسفه علامه طباطبائی نیز حضور پیدا می‌کردم. علاوه بر درس‌های روزانه خود که غالباً تدریس کتاب اسفار ملاصدرا و شفای ابن‌سینا را شامل می‌شد جلسه‌های خصوصی تدریس فلسفه در شب‌های پنج‌شنبه و جمعه را به‌عهده داشت که بنده نیز در آن جلسات شرکت فعال و مداوم داشتم علامه طباطبائی در هر سال چند ماه نیز در شب‌های جمعه به تهران می‌رفتند و با پرفسور هانری کرسی فرانسوی در موضوعات مختلف دینی و فلسفی به گفتگو می‌پرداختند این بنده به همراه مرحوم علامه به تهران می‌رفتم و در آن جلسات شرکت می‌کردم " وی از آغاز تحصیل در اصفهان، فراگیری فلسفه را نیز نزد شخصی به نام ضیاءپور شروع کرد و پس از عزیمت به قم بلافاصله به درس مرحوم علامه طباطبایی وارد شد و در حلقه خصوصی شاگردان ایشان نیز قرار گرفت. ایشان در کنار فلسفه اسلامی، تاریخ فلسفهٔ غرب را نیز نزد مرحوم دکتر غلامحسین صدیقی فرا گرفت.

وقایع میانسالی : غلامحسین ابراهیمی دینانی در سال ۱۳۴۵ به دانشگاه تهران راه یافت. پس از اخذ مدرک کارشناسی در رشتهٔ فلسفه به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمد. تا سال ۱۳۵۱ تهران بود. در سال ۱۳۵۲ از رسالهٔ دکتری خود دفاع کرد. تا سال ۱۳۶۱ در دانشکدهٔ الهیات دانشگاه فردوسی مشهد مشغول تدریس بود و پس از انقلاب شکوهمند اسلامی به عضویت هیئت علمی دانشگاه تهران درآمد. خروج غلامحسین ابراهیمی دینانی از حوزه علمیه و ورود به دانشگاه مشهد(۱۳۵۵ ه.ش) برای تدریس یکی از تحولات و تغییرات مهم در شیوه زندگی وی بود که طرز فکر وی به شیوه های تحقیق دانشگاهی سوق داد. با این وجود به فلسفه و کلام اسلامی وفادار ماند و مضامین این علوم ذهن او را به خود مشغول می نمود. وی در زمان تدریس در دانشگاه مشهد، مقالاتی را برای روزنامه ها و مجلات دانشکده تحریر می نمود.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : پس در حدود سالهای ۱۳۵۵-۵۶ با انجمن فلسفه ایران به ریاست دکتر سید حسین نصر همکاری و رفت و آمد داشت چنانکه توسط همان مرکز رسالهٔ دکترای خود تحت عنوان قواعد کل فلسفه را در سه جلد به چاپ رساند. وی هم اکنون استاد فلسفه دانشگاه تهران می باشد.

فعالیتهای آموزشی : غلامحسین ابراهیمی دینانی در حین تحصیل در حوزه علمیه، دروسی چون فقه، اصول، ادبیات منطق و فلسفه و ادبیات را تدریس می نمود. در حدود سالهای ۵۶-۱۳۵۵ نیز هنگامی که وی به تازگی رساله دکتری خود را نوشته بود، در دانشگاه فردوسی مشهد تدریس می کرد. وی در سال ۱۳۶۲ به دانشگاه تهران منتقل شد و تا هم اکنون در گروه فلسفه آن دانشگاه به تدریس فلسفه اشتغال دارد در خلال این مدت علاوه بر کار تدریس به تألیف کتاب‌هائی در زمینه‌های مختلف فلسفی مبادرت کرده است.

شاگردان : غلامحسین ابراهیمی دینانی چون از جوانی به تدریس می پرداخت، بدلیل فاصله سنی کمی که با شاگردان خود داشت روابط بسیار نزدیکی با آنان برقرار نمود. امروزه نیز همان صمیمیت میان استاد و دانشجویان وی برقرار است. و بیشتر فارغ التحصیلان فلسفه دانشگاه تهران از شاگردان او بشمار می روند.

همفکران فرد : دکتر عبدالکریم سروش، دکتر نصر ا.. پورجوادی، دکتر مصطفی محقق داماد و دکتر شهرام پازوکی نیز همانند دکتر دینانی سالها به تحقیق در زمینه فلسفه اسلامی پرداخته اند. درحوزه پژوهشی در عقاید فرقه های گوناگون نیز با کسانی چون علی اکبر مدرس یزدی اشتراکات فکری دارند.

آرا و گرایشهای خاص : غلامحسین ابراهیمی دینانی، فلسفه را پاسخگوی مهمترین و عمده ترین پرسشهای انسان درباره معنی هستی و حیات می داند از نظر وی تفاوت فیلسوف با مردم عادی در این است که از خارج از روز مرگی به زندگی می نگرد و درباره آن می پرسد.

جوائز و نشانها : کتاب(ترجمه") ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام "و کتاب"دفتر عقل و آیت عشق ("تالیف)غلامحسین ابراهیمی دینانی ، به ترتیب در دورهای هفدهم و بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شدند.وی برگزیده همایش طرح سپاس در سال ۸۵ در فرهنگسرای سینا می باشد. ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است.

چگونگی عرضه آثار : ابراهیمی دینانی در سمینارها و همایشهای متعدد داخلی و خارجی شرکت جسته و مقالات متعددی در حوزه‌های فلسفی و دین‌پژوهی به رشتهٔ تحریر درآورده است. کتابهای غلامحسین ابراهیمی دینانی در انتشارات انجمن فلسفه ایران، انتشارات طرح نو، و سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نشر شده است. ------------------------

----

آثار :

۱ اسماء و صفات الهی

ویژگی اثر : این کتاب نیز از کتابهای کلامی در باره توحید و خداشناسی است.

۲ دفتر عقل و آیت عشق

ویژگی اثر : جدیدترین کتابی که از دکتر دینانی منتشر شده است کتاب سه جلدی دفتر عقل و آیت عشق است این اثر در سه جلد به مقایسه عقل و عشق و بر شمردن تشابهات و تناقضات آنها می پردازد. [غلامحسین ابراهیمی دینانی، دفتر عقل و آیت عشق، ۳ جلد ، چاپ اول ، تهران: طرح نو، ۱۳۸۰، صفحات مقدمه]،این کتاب ، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. دفتر عقل و آیت عشق / تألیف غلامحسین ابراهیمی دینانی. – تهران: طرح نوح ۳).۱۳۸۳ ج). کتابنامه به صورت زیرنویس. در این سه مجلد کوشش وتلاش به عمل آمده تا نشان داده شود که منشأ پیدایش عقل و عشق امری واحد و یگانه است و در پایان سیر و سلوک و سرانجام تطورات و تکامل انسان نیز متحد و همراه خواهند بود. این واقعیت نیز به هیچ وجه قابل انکار نیست که در طی مراحل زندگی و برخی از مراتب هستی انسان، ممکن است عشق و عقل از یکدیگر فاصله بگیرند و حتی به نکوهش شدید از یکدیگر نیز زبان بگشایند. این جدایی و فاصله‌ای که ممکن است میان عقل و عشق پیدا شود، به اختلاف و تفاوت در مراتب آنها مربوط می‌گردد. یعنی آنجا که عقل در یک مرحله و موضع خاص متوقف گشته و از سیر به مراتب بالاتر باز می‌ماند، مورد نکوهش عشق واقع می‌شود. چنانچه عشق نیز وقتی به امور پست و فرومایه تعلق پیدا می‌کند و در آنجا وابسته و اسیر شود، از نکوهشهای عقل بر کنار نخواهد بود. قبل از این دفترهای سه‌گانه، کتاب دیگری تحت عنوان ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام به خامهٔ همین نگارنده در سه مجلد تنظیم یافته است. در آن دفترهای سه گانه نیز ضمن اینکه به ماجراهای عمده و مهم فکر فلسفی در جهان اسلام پرداخته شده، نزاع و کشمکش میان متکلمان و متشرعان از یک سو و فلاسفه و حکما از سوی دیگر مورد بررسی قرار گرفته است. در آنجا نیز کوشش و تلاش به عمل آمده تا نشان داده شود که میان عقل و دین اختلاف و تضاد وجود ندارد و اگر در برخی موارد با نوعی تضاد و اختلاف روبرو می‌شویم، باید آن را نتیجهٔ سوء فهم و کج‌تابیهای ذهن و زبان انسان به شمار آوریم.

۳ شرح فصوص‌الحکم مؤیدالدین جندی

ویژگی اثر : تصحیح ،در سال ۱۳۶۱ نیز با همکاری زنده‌یاد استاد سیدجلال‌الدین آشتیانی

۴ شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی

۵ قواعد کلی فلسفه در فلسفه اسلامی

ویژگی اثر : رساله دکترای وی بود که ابتدا در انجمن فلسفه در یک جلد به چاپ رساند و مدتی بعد با افزودن مطالب تکمیلی بدان، آنرا در سه جلد منتشر کرد.

۶ ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام

ویژگی اثر : این کتاب ترجمه ای است از عربی در سه جلد درباره تاریخ فلسفه اسلامی و فیلسوفان مسمان. معاد از نظر حکیم زنوزی در بردارنده بحث هایی کلامی درباره حیات انسان پس از مرگ در تفکر اسلامی می باشد.این کتاب ، در دوره هفدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام»: ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام/ غلامحسین ابراهیمی دینانی — تهران: طرح نو، ۱۳۷۷ -۲ج [تاکنون]. هر اندیش ?فلسفی معمولاً در نتیجه تعاطی و برخورد اندیشه¬های گوناگون شکل می گیرد و اندیش ?فلسفی در جهان اسلام نیز از این قاعده برکنار نیست. این کتاب شرح ماجرای پر نشیب و فراز فکر فلسفی در جهان اسلام است که از میان گروههای متعدد و مخالف عبور کرده و بحرانهای سخت و دشواری را پشت سر نهاده است. این کتاب با رجوع به اصل نوشته های معارضان با فلسفه در جهان اسلام نگاشته شده و سعی بر این بوده است که ضمن بیان آراء معارضان، تلاش فلاسفه را برای پاسخگویی به ردّیات مخالفان منعکس کند و از این رهگذر، خواننده را با سیر شکل¬گیری اندیش ?فلسفی در فرهنگ اسلامی تا زمان حاضر آشنا سازد

۷ معاد از نظر حکیم زنوزی

۸ مقدمه بر مجموعه رسائل کلامی و فلسفی و ملل و نحل [دینانی، حکایت عقل و عشق و فلسفه(مصاحبه)، فرهنگ و پژوهش،ص ۳۲] و علی اکبر مدرس یزدی، مجموعه مسائل کلامی و فلسفی و ملل و نحل، با مقدمه دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، صفحات مقدمه]

۹ منطق و معرفت در نظر غزالی

ویژگی اثر : از کتابهای حوزه غزالی شناسی بشمار می رود.

۱۰ نیایش فیلسوف

ویژگی اثر : مجموعه مقالاتی است که دکتر دینانی از عربی ترجمه نموده که عمدتاً مباحثی در فلسفه اسلامی را مطرح می نماید.

۱۱ وجود رابط و مستقل در فلسف ?اسلامی

منابع زندگینامه :

۱www.ketabesal.ir۲بانک رسانه ها روزنامه همشهری ۱۴-۱۰-۸۶" زندگینامه غلامحسین ابراهیمی دینانی"۳دینانی، حکایت عقل و عشق و فلسفه(مصاحبه)، فرهنگ و پژوهش، ص ۳۲۴علی اکبر مدرس یزدی، مجموعه وسائل کلامی و فقهی و ملل و نحل، با مقدمه غلامحسین ابراهیمی دینانی، صفحات مقدمه۵ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام در سه جلد و نیز معاد از نظر حکیم زنوزی و نیایش فیلسوف (مجموعه مقالات عربی)

ابراهیمی راد، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ابراهیمی راد

محل تولد : قوچان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه قوچان شدم و در سال ۱۳۵۵ در حوزه علمیه فاروج ادامه تحصیل دادم. در سال ۱۳۵۶ در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل شدم و در مدسه آیت الله گلپایگانی مغنی، المنطق، اصول فقه و شرح لمعه را به اتمام رساندم. پس از آن در درس اساتید حوزه شرکت کرده و سطح را به اتمام رساندم.

در سال ۱۳۶۳ دروس خارج اساتیدی همچون آیت الله وحید خراسانی و سید عباس خاتم یزدی و آیت الله مکارم شیرازی شرکت کردم. البته عمده درس های فقه و اصول را در درس آیت الله وحید خراسانی شرکت کرده ام و استفاده نموده ام. در فلسفه از اساتیدی همچون استاد فیاضی، انصاری شیرازی، جوادی آملی، و مصباح یزدی بهره برده ام و کتاب های فلسفی بدایه و نهایه و شرح منظومه و اسفار را خوانده ام.

از سال ۱۳۶۵ مشغول تدریس در دانشگاه اراک بوده ام که تاکنون ادامه دارد و حدود ۴ سال است که عضو هیأت علمی آن دانشگاه در گروه معارف اسلامی شده ام و به عنوان استاد یار مشغول تدریس هستم. در ضمن حدود ۸ سال در حوزه علمیه قم مشغول تدریس دروس حوزوی بودم و دروسی از قبیل اصول فقه، شرح لمعه، بدایه، رسائل و مکاسب را تدریس کرده ام.

ابراهیمی فر، عبدالجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالجواد ابراهیمی فر

محل تولد : گنبد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد عبدالجواد ابراهیمی‌فرد در سال ۱۳۴۱ در خانواده‌ای روحانی و در روستای نظام‌آباد از توابع شهرستان گنبد دیده به جهان گشود. سال اول و دوم ابتدایی را در زادگاه خود گذراند، آنگاه با هجرت به شهرستان گنبد ادامه تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در آنجا سپری نمود. پس از آن، دوران مقدماتی تحصیلات حوزوی خود را به مدت دو سال در مدرسه‌ای که توسط والد معظم ایشان مرحوم حجهٔ الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی‌اکبر ابراهیمی (طاب ثراه) در شهرستان گنبد (مدرسه علمیه منتظریه) تأسیس شده بود، در محضر اساتید بزرگواری همچون مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ حسن محدثی و مرحوم شهید آیت الله مدنی (ره) در آن زمان دوران تبعید خود را در آن سامان می‌گذراند به پایان برد.

آنگاه در سال ۵۶ ـ ۵۷ با عزیمت به شهر قیام و اجتهاد (قم) نخستین گام‌های آشنایی با دروس متوسطه حوزه را در مدرسه رسالت برداشت؛ و نزد اساتیدی همچون آقایان: حجهٔالاسلام حسینی بوشهری (منطق را) و حجهٔ الاسلام حاجیانی (تبصرهٔ المتعلمین را) و حجهٔ الاسلام محمدی امام جمعه فعلی همدان (بخشی از شرح لمعه را)، حجهٔ الاسلام باکوئی و مرحوم آیت الله سید محمد جواد ذهنی (بخشی از شرح لمعه را) و آیت الله استادی و آیت الله سیدعلی حائری (حلقات اصول شهید صدر را)، تلمذ نمود. در کنار منطق و فقه و اصول، مرحله مقدماتی آشنایی با فلسفه و روش نقد و بررسی تفسیر را آغاز نمود. کتاب بدایهٔ الحکمه را نزد اساتیدی همچون آیت الله محمد یزدی و آیت الله ممدوحی آموخت. کتاب درایهٔ الحدیث را همراه با دروس شیوه نقد تفسیر، در محضر آیت الله استادی فرا گرفت. دروس فقه و اصول پیشرفته مرحله سطح حوزه را در محضر اساتید بزرگواری همچون: آیت الله اعتمادی، (بخش‌های عمده رسائل شیخ انصاری)، مرحوم آیت الله وجدانی فخر (بخشی از رسائل شیخ انصاری) آیت الله پایانی و دوزدوزانی (مکاسب شیخ انصاری) را آموخت. کتاب کفایهٔ الاصول را از دروس مضبوط مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی فرا گرفت.

همزمان با فراگیری دروس فقه و اصول، اقدام به فراگیری دروس فلسفه و معارف نمود. و از سال ۵۸ با اساتید بزرگواری همچون آیت الله محمدتقی مصباح یزدی، آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن‌زاده آملی، آشنا شد.

در همان سال با عضویت در بخش آموزش موسسه در راه حق و شرکت در درسهای استاد مصباح فصل دیگری در مراحل تحصیل ایشان گشوده شد؛ و ادامه این فصل در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) و موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) رقم خورد؛ پرونده

این فصل نورانی همچنان مفتوح مانده است. کتاب‌های نهایهٔ الحکمه، دروس فلسفه، فلسفه اخلاق، برهان شفا، الهیات شفا مجلداتی از اسفار اربعه و یک دوره معارف قرآن را همراه با درس‌های اخلاق نزد استاد بزرگوار آیت الله محمدتقی مصباح یزدی فراگرفت. از ویژگی‌های این فصل از تحصیل، فراگیری برخی از رشته‌های علوم انسانی همچون علوم سیاسی و جامعه‌شناسی و نیز فراگیری زبان انگلیسی و آشنایی با فلسفه غرب بود که توسط اساتید مجرب دانشگاهی انجام می‌گرفت. کتابهای تمهید القواعد و شرح فصوص الحکم که از کتاب‌های معتبر عرفان اسلامی است و جلد ششم اسفار اربعه را از دروس مضبوط آیت الله جوادی آملی استفاده کرد (فراگیری این کتب جزء برنامه‌های موظفی گروه فلسفه موسسه در راه حق و بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) بود که ایشان نیز عضو آن گروه بود).

در محضر آیت الله حسن‌زاده آملی در جلسات درس هیئت و نجوم شرکت نمود و از لطایف سخن و پندهای حکیمانه و عارفانه ایشان در شرح و تفسیر برخی احادیث، در محافل خصوصی بهره برد.

سال تحصیلی ۶۲ ـ ۶۳ با شرکت در دروس خارج حوزه روند دیگری در مراحل تحصیل ایشان آغاز گردید. این روند تا سال ۱۳۷۵ ادامه یافت. هر چند طی این مرحله با فراز و نشیبهایی همراه بود. شرکت در درس خارج آیت الله العظمی وحیدخراسانی و آیت الله العظمی مظاهری ساختار بنیه فقهی و اصولی ایشان را در این مرحله شکل داده است. شرکت در دو دوره اصول آقای مظاهری و شرکت در درس فقه ایشان همچنین شرکت در درس‌های اصول و فقه آقای وحید خراسانی از ویژگی‌های این مرحله از تحصیل ایشان به شمار می‌آید.

از همان آغاز دوران تحصیل، به تدریس کتابهایی که خود فراگرفته بود پرداخت و تدریس را مکمل تحصیل خود قرار داد. کتابهای جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، حاشیه، شرح لمعه، حلقات اصول شهید صدر، اصول فقه و کفایهٔ الاصول را به طور پراکنده و خصوصی در حوزه تدریس نمود. علاوه بر آن، از سال ۷۳ در مراکز علمی، فرهنگی و حوزوی به طور رسمی به تدریس علوم و معارف اسلامی پرداخت. از جمله:

الف) در مرکز جهانی علوم اسلامی: (مدرسه حجتیه، مدرسه امام خمینی (ره)، مدرسه مومنیه و مدرسه مرعشیه) به تدریس قواعد فقهیه، فقه مقارن، اصول مقارن و علوم سیاسی، فلسفه و کلام (کتاب‌های تحریر بدایهٔ الحکمه و درآمدی بر آموزش عقاید تألیف خود ایشان) و حلقات اصول شهید صدر (حلقه ثانیه و دو جزء حلقه ثالثه) پرداخت.

ب) در دانشکده تربیت مربی عقیدتی سیاسی سپاه (دانشکده شهید محلاتی قم) از سال ۷۳ تا سال تحصیلی ۷۹ ـ ۸۰ به تدریس فلسفه و کلام، کتابهای: تحریر بدایهٔ الحکمه (تألیف خود ایشان) و درآمدی بر آموزش عقاید (تألیف خود ایشان) و نیز تدریس فلسفه اخلاق پرداخت.

ج) در اردوهای بسیج دانشجویی (طرح ولایت) از سال ۷۶ تا ۸۳ در زمینه‌های مختلف علوم سیاسی، معرفت‌شناسی و فلسفه اخلاق تدریس کرد.

د) در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره)، در زمینه‌های فلسفه و کلام، فلسفه اخلاق و اخلاق تدریس نموده و هم‌اکنون عضو هیئت علمی آن مؤسسه می‌باشد.

در سال ۱۳۶۹ با ارائه دو مقاله به کنفرانس بین‌المللی اندیشه اسلامی نخستین بار به تماشای تفسیر آیه شریفه «ن والقلم و ما یسطرون» نشست. مقاله «امام خمینی (ره) و احیاء حکومت اسلامی» و مقاله «امام خمینی (ره) و اسلام ناب محمدی (ره)» نخستین مقالاتی بود که نگاشت و از سوی کنفرانس اندیشه اسلامی در سال ۱۳۶۹ انتشار یافت و روح خودباوری و اعتماد به نفس را بیش از پیش در ایشان زنده کرد.

از آن پس فراخوان مجامع علمی و فرهنگی را در ارائه مقاله، بی‌پاسخ نگذاشت. مقاله «پژوهشی پیرامون حدوث و قدم جهان» را در سال ۱۳۷۲ به کنگره بین‌المللی شیخ مفید (ره) ارائه کرد که در مجموعه منشورات آن کنگره جهانی چاپ و منتشر گردید. همچنین مقاله «اجتهاد و تقلید از دیدگاه شیخ اعظم انصاری (ره)» را در سال ۱۳۷۳ به کنگره جهانی شیخ اعظم انصاری عرضه نمود که در کمیته ویژه علمی با حضور آیات بزرگوار: آیت الله استادی، و آیت الله حاج شیخ محسن اراکی و جمعی دیگر از اساتید فن بررسی و با دفاعیات نویسنده، برای چاپ و نشر توسط آن کنگره جهانی تصویب گردید که انتشار آن، نمایه‌ای از استعداد فقهی و اصولی ایشان قرار گرفت؛ و آغاز مبارکی از یک دوران گردید. نیز مقاله «تبیین فقهی ثابت و متغیر» را در سال ۷۴ به کنگره بررسی مبانی فقهی امام خمینی (ره)، نقش زمان و مکان در اجتهاد عرضه داشت که در جلد چهارم از مجموعه مقالات کمیته علمی کنگره مذکور به چاپ رسید. و مقاله «منشاء مشروعیت حکومت اسلامی» را در سال ۱۳۷۸ به کنگره امام خمینی (ره) و اندیشه حکومت اسلامی عرضه نمود که در مجموعه آثار (۲) آن کنگره در مجلد فلسفه سیاسی (۱) به چاپ رسیده است.

ابراهیمی فر، عبدالرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرضا ابراهیمی فر

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۳/۷/۱

ابراهیمی ورکیانی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ابراهیمی ورکیانی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد ابراهیم ورکیانی متولّد ۱۳۲۳ در روستای ورکیان از توابع شهرستان دامغان هستم. پدر و مادر و اجدادم هم دامغانی بوده اند. در سال ۱۳۳۵ پس از دوره شش ساله ابتدائی وارد حوزه علمیه دامغان شدم. برادرم هم قبل از من به حوزه علمیه وارد شده بود، مقدمات تا سیوطی و بخشی از مغنی و حاشیه ملاعبدالله و منطق کبری را در دامغان خواندم ولی سخت نگران بودم، چون روحانیت حرمت اجتماعی نداشت و سرانجام در سال ۱۳۴۳ با آیت الله شیخ محمد کاظم دامغانی (ره) در جلسه ای روبرو شدم و سخت مورد تشویق معظم له قرار گرفتم و از تردید درآمدم و پس از یکسال عازم مشهد مقدس شدم و معظم له نیز من را پذیرفتند و بمدت شش سال مورد عنایت ایشان بودم. مطول را در درس ادیب نیشابوری شرکت نمودم و لمعه را با استاد صالحی و فائقی گذراندم و با تأسیس بخش آموزش مدرسه آیت الله میلانی (ره) وارد این مدرسه شدم و مکرر مورد تشویق قرار گرفتم.

سرانجام عازم حوزه علمیه قم شدم و در بخش آموزشی مدرسه آیت الله میلانی از اساتید بزرگواری مانند حجةالاسلام آهنیان و حضرت آیت الله شیخ محمدرضا مهدوی دامغانی کتابهای رسائل و مکاسب و بخشی از کفایه را استفاده نمودم و در عین حال که آیت الله شیخ محمد کاظم دامغانی علاقه مند بودند که من در مشهد بمانم و آیت الله شیخ محمدرضا نیز سخت مخالف رفتن من به قم بودند من حوزه مشهد را پاسخگوی روحیه تنوع طلبی خود نمی دیدم و لذا به قم آمدم. در بدو ورود در درس خارج عروه آیت الله فاضل لنکرانی شرکت نمودم و درس کفایه را در خدمت استاد سبحانی ادامه دادم. یکسال و نیم هم در دارالتبلیغ آیت الله شریعتمدار حضور داشتم و از اساتید بزرگواری مثل دکتر شهابی، صدر بلاغی و آقای رضوانی بهره بردم و ضمناً در درس آیت الله وحید خراسانی شرکت داشتم.

در موسسه در راه حق زیر نظر دکتر سید علی گرمارودی تمرین نویسندگی مقاله داشتیم و سرانجام با تأسیس بخش آموزش مؤسسه در راه حق به دعوت آیت الله خرازی وارد این مؤسسه شدم و در خدمت استاد بزرگوار حضرت آیت الله مصباح یزدی بهره های فراوانی به مدت هشت سال بردم، در این دوره ۸ ساله اساتید دیگر ما آیت الله سید محمد کاظم حائری، آیت الله حسین مظاهری، استاد احمد احدی، استاد علی قائمی و آیت الله تسخیری و..... بوده اند.

سرانجام پس از پایان دوره هشت ساله مؤسسه و تحقق انقلاب اسلامی به دنبال فرمان تاریخی امام (ه) در مورد تدوین کتب مبنائی علوم انسانی و واگذاری این مسئولیت از ناحیه جامعه مدرسین به حضرت استاد مصباح یزدی به دعوت معظم له در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه به تحقیق و تألیف در رشته حقوق پرداختم و به مدت چهارده سال چهار جلد کتاب درآمدی بر حقوق اسلام ج ۱ و۲، اسلام و حقوق بین الملل ج ۱ و۲ فراهم آمد.

ناگفته نماند که در کنار تحقیق و تحصیل و احیاناً تدریس و تبلیغ از سال ۱۳۶۰ به دعوت استاد بزرگوار دکتر احمد احمدی به دانشگاه دعوت شدم و تاکنون عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی با رتبه و پایه ۱۴ استاد یاری هستم و مدرک دکتری در فقه و مبانی حقوق اسلام را در سال ۱۳۷۱ از خبرگان وزارت علوم گرفتم و پایان نامه اینجانب برای رساله دکتری، ازدواج با بیگانگان در ادیان الهی و مکاتب فقهی اسلام بوده است که با راهنمایی استاد بزرگوار محقق داماد و آیت الله مرعشی شوشتری فراهم آمده و مکرر در انتشارات دفتر تبلیغات به چاپ رسیده و در انتشارات الغدیریه معرفی و ترجمه شده و در لبنان به چاپ رسیده است.

موضوعاتی را که اینجانب در حوزه و دانشگاه تدریس داشته ام، عبارتند از: مبانی حقوق، حقوق و سیاست در قرآن، فقه سیاسی، حقوق بین الملل اسلامی، حقوق عمومی در اسلام، قواعد فقه، معارف تشیع، تاریخ تشیع، تاریخ اسلام، انقلاب اسلامی، حقوق اجتماعی سیاسی در اسلام، تاریخ امامت، فقه مقارن آیات الاحکام و .... که معمولاً در هر یک از موضوعات فوق جزوه درسی و یا کتاب درسی ارائه داده ام و به این مناسبت کتاب" تاریخ صدر اسلام ("بعثت نبوی تا حکومت علوی) تألیف کرده ام که در مرکز تهیه متون درسی وابسته به دفتر رهبری در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسید و اکنون چاپ دوم آن آماده چاپ است و در سال ۱۳۸۴ کتاب "انقلاب اسلامی در تئوری "به چاپ رسید و مقالات متعّددی پیرامون معارف تشیع در مجله گام چهارم انقلاب اسلامی و پیرامون حقوق اهل ذمه در مجله نور علم و حقوق بشر در ادیان در مجله آئینه معرفت و احکام ثابت و متغیر در کنفرانس بین الملل تقریب مذاهب و ... منتشر نموده ام و جزوه ای تحت عنوان" اسلام و آزادی "در دفتر تحقیقات وابسته به دفتر رهبری فراهم نموده ام و در حال حاضر سرگرم تدوین جلد دوم تاریخ اسلامی در رابطه با زندگی سیاسی امامان اهلبیت (ع) و کتابی در زمینه" حقوق بین الملل اسلامی و تاریخ امامت و حقوق اجتماعی سیاسی در اسلام "بر اساس جزوه های درسی که از قبل فراهم آمده می باشم «و ما توفیقی الابالله علیه توکلت و الیه انیب.»

البته بناست که پاره ای از موضوعات فوق بصورت طرح تحقیقاتی در مرکز متون درسی وابسته به نهاد معظم رهبری در دانشگاهها

و یا جائی دیگر مثل دانشگاه شهید بهشتی انجام شود که پاره ای از محققان نیز در انجام آن مشارکت داشته باشند. مقالاتی نیز در دست انجام است مثل": پیامبر اعظم(ص) تنها روح آئین جهانی "و" مبانی فقهی و حقوقی مردم سالاری دینی "و" نگاهی نو به ارتداد و مجازات مرتد در اسلام "که امیدوارم با یاری خدا و عنایت معصومین علهیم السلام بخوبی فراهم آید و عرضه گردد و نیز مقاله ای تحت عنوان" بلوغ دختران "را تقریبا آماده چاپ دارم.

ابراهیمی، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم ابراهیمی

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۳ در رشته علوم تجربی از دبیرستان فارغ التحصیل شدم. درسال ۱۳۷۴ وارد دانشگاه امام صادق علیه السلام شدم و در رشته فلسفه و کلام اسلامی تحصیلات دانشگاهی را در مقطع کارشناسی ارشد پیوسته ادامه دادم. در سال۱۳۸۲ از آنجا فارغ التحصل شدم.

پس از فارغ التحصیلی مدت ۶ماه با دانشنامه بزرگ جهان اسلام همکاری داشتم که به خاطر اقامت گزیدن در قم از همکاری با آن مرکز بی نصیب ماندم و از همان سال تاکنون با شورای سیاستگذاری ائمه جمعه واقع در تهران مشغول همکاری علمی می باشم.

در سال ۱۳۸۳پایه اول تا ششم حوزه را (حدودا۶۰ امتحان) در ظرف حدوداً یک ماه امتحان دادم که بحمدالله موفق به گذراندن ۶پایه اول حوزه شده و در پایه هفتم در همان سال تحصیلی ۸۳-۸۴ شرکت نموده و در نهایت و به شکر خدا پایه هفتم را همچون پایه های شش گانه قبل با درجه ممتازی گذراندم.

هم اکنون که در سال ۱۳۸۶می باشم در پایه دهم مشغول به تحصیل می باشم. لازم به توضیح است که در همان سال فارغ التحصیلی از دانشگاه یعنی سال ۱۳۸۳ دو سال پی درپی در مرحله علمی پذیرفته شدم، ولی با خواست خداوند و به مصلحت، جزو پذیرفته شدگان محسوب نشدم. در این مدت پس از فارغ التحصلی از دانشگاه با مؤسسات مختلف، عمر گذرانیدم و هم اکنون که درسن ۳۰سالگی به سر می برم، اکثر کارهایم را حول موضوع «فهم دین و ترمیم نظام فکری دین» منسجم و یکپارچه شده است که امید است پس از تلاش سالیان متمادی اثری گرانبها را در این مهم عرضه نمایم.

ابراهیمی، بهزاد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۹۴)، نقاش. در شهر تو (فردوس) خراسان متولد شد. از آثار رقم‌دار این هنرمند، تصویر زیبایی است که در نسخه «دیوان» خطی حافظ، مضبوط در موزه استانبول، که در ربیع‌الاول سال ۹۹۴ در شهر تو کتابت شده، قرار گرفته است؛ در این اثر ملیح به استادی، حقیقت ابیات:

روضه‌ی خلد برین خلوت درویشان است

مایه‌ی محتشمی خدمت درویشان است

گنج عزلت که طلسمات عجایب دارد

فتح آن در نظر رحمت درویشان است

خواجه حافظ شیرازی تصویر شده است، با رقم: «عمل بهزاد ابراهیمی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۲۱ -۱۲۰ /۱).

ابراهیمی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر ابراهیمی در سال ۱۳۳۰ش در یکی از روستاهای شهرستان اردبیل به دنیا آمد .میل و کشش او به داستان‌نویسی و ادبیات

کودکـان موجب شـد که در سال ۱۳۶۰ش. بنـا بـه درخـواست کـانون پرورش فکری کودکـان و نوجوانـان از وزارت دارایی به آن کـانون منتقـل شود و هم اکنون در همین مرکز به ارائهٔ خـدمات فرهنگی اشـتغال دارد. کتـاب " یک سـنگ و یک دوست " تالیف جعفر ابراهیمی ، در دوره هفتم کتـاب سـال جمهوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنـگ و ارشاد اسـلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ادبیات کودکان

تحصیلات رسمی و حرفه ای : جعفر ابراهیمی تحصیلات مقدماتی خود را در تهران به پایان رسانده است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : جعفر ابراهیمی پس از انجام خدمت سربازی به استخدام وزارت دارائی درآمد. امّا میل و کشش او به داستان‌نویسی و ادبیات کودکان موجب شد که در سال ۱۳۶۰ش. بنـا به درخواست کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به آن کانون منتقل شود و هم اکنون در همین مرکز به ارائهٔ خدمات فرهنگی اشتغال دارد.

جوائز و نشانهـا : کتـاب " یـک سـنگ و یک دوست " تالیف جعفر ابراهیمی ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنـگ و ارشـاد اسـلامی به عنوان کتاب سال برگزیـده شـد. شاعر، نازک خیال کودکان را گاه در «باران» و گاه در «گنجشک» گاه در «گیسوان سبز» یا که در «بقچ ?گلدار» به مدد تصویرگران به روی کاغذ آورده است.کتابهای «آب مثل سـلام»، «آواز پوپک» ، «قالی رنگین کمان» و «لبخند شـبنمها» توانسـته اند توأماً امتیاز بهترین کتاب سال کودکان (در دوره دوازدهم کتاب سال)در بخش شعر را به خود اختصاص بدهند.

چگونگی عرضه آثار : سالهاست که کودکان سرزمین ما، با سروده های جعفر ابراهیمی که همگون با روح لطیف آنهاست آشنایند. کودکان این بار شاهـد اشـعاری چند از این شاعر، در چهار کتاب: آب، مثل سـلام؛ آواز پوپک؛ قالی رنگین کمان و لبخند شـبنمها هستند که برای گروههای سنی «ج» و «د» مناسب می باشد. --

آثار :

۱ آب مثل سلام

ویژگی اثر : سرود ?جعفر ابراهیمی (شاهد)؛ تصویرگر: ساعد مشگی؛ تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۲.

۲ آواز پوپک

ویژگی اثر : سرود ?جعفر ابراهیمی (شاهد)؛ تصویرگر: مریم رحمتی اوینی؛ تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

۳ دوستی کلاغ و کبوتر

۴ شکوفه‌های شعر

۵ غنچه‌های شعر

۶ قالی رنگین کمان

ویژگی اثر : سرود ?جعفر ابراهیمی (شاهد)؛ تصویرگر: کارگاه شریف؛ تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۷۲.

۷ کبوتر

۸ گل باغ آشنایی

۹ لبخند شبنمها

ویژگی اثر : سرود ?جعفر ابراهیمی (شاهد)؛ تصویرگر: غلامعلی مکتبی؛ تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۷۲

۱۰ مادر بزرگ

۱۱ یک سنگ و یک دوست

ویژگی اثر : تالیف،این کتاب در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسـلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسـلامی معرفی و برگزیده شده است.قابل ذکر است که کتاب مذکور برای گروه سـنی «ج» و «د» (سالهای پایان دبستان و دوره راهنمایی) نوشته شده است.

ابراهیمی، رحمت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رحمت الله ابراهیمی

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

این حقیر متولد ۱۳۴۹ در شـهر آمل اسـتان مازنـدران در روسـتای شاه کتی در خانواده ای کشاورز به دنیا آمدم. دوران راهنمایی و

سال اول دبیرستان را در شهر آمل گذراندم. پس از آن وارد حوزه علمیه آمل شدم که در سال ۱۳۶۷ بوده است.
این حقیر مقدمات و سیوطی را در شهر آمل طی دو سال گذراندم و پس از آن یکسال را در شهر ساری ادامه تحصیل دادم. پس از آن در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و در محضر اساتیدی چون حضرت آیت الله اشتهاردی (دامت برکاته) و حضرت آیت الله وجدانی فخر(رحمت الله علیه) و حضرت آیت الله سبحانی و حضرت آیت الله دریاباری افاضه نمودم، که دروس سطح را به اتمام رساندم و فی الحال در درس خارج آیت الله دریاباری و دروس فلسفه و منظومه آقای دریاباری و خارج اصول آقای سبحانی مشغول تحصیل می باشم.
این حقیر تالیفات خود را از سال ۱۳۷۶ آغاز کردم که تاکنون ۵ اثر حقیر به چاپ رسیده و بعضی از آثار چاپ مجدد شده است که امید است خداوند قبول فرماید.

ابراهیمی، قنبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: چوب‌شناسی، دانشکده: منابع طبیعی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی منابع طبیعی از دانشگاه تهران، دکترای علوم فرآورده‌های چوبی از دانشگاه میشیگان آمریکا در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اندازه‌گیری مقاومت چوب‌های تیره از جنگل‌کاری‌ها، اندازه‌گیری خواص مکانیکی چوب گز و مطالعه اماکن مصرف آن، اندازه‌گیری خواص مهندسی چوب‌های ایران، مقایسه خواص مکانیکی چوب بلند مازو، عضویت در انجمن محققان فرآورده‌های صنایع چوب کانادا و آمریکا، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

چوب خشک کنی در هوای آزاد، طراحی سازه‌های چوبی، مکانیک چوب و مواد مرکب آن، فرآیند انتقال سیال در چوب، کنترل کیفیت، تکنولوژی، تولید تخته فیبر، چوب خشک کنی در کوره، محاسبه قالب چوبی برای ساختمانهای بتونی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

مهندسی فرآورده‌های چوبی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ابراهیمی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین ابراهیمی

محل تولد : کازرون

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۱/۱

ابراهیمی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی ابراهیمی

محل تولد : افغانستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد علی ابراهیمی فرزند غلامحسین، فرزند ابراهیم، متولد ۱۳۴۶ اهل افغانستان ولایت دایکندی (ارزگان شمالی) از توابع شهرستان کیساب هستم. از سال ۱۳۵۲ به مدرسه دولتی رفته و تا سال ۱۳۵۷ (که همراه بود با کودتای کمونیستی در افغانستان) درس خوانده و ششم ابتدائی را به پایان رساندم. در سال ۱۳۵۹ به پاکستان مهاجرت کردم. در سوم خرداد سال ۶۰ (روز آزادی خرمشهر) وارد بیرجند ایران شدم، پس از آن به تهران آمدم و در نواحی اطراف کرج (گرم دره و احمدآباد) به کار کشاورزی و باغبانی مشغول شدم.

در سال ۱۳۶۳ به قم مسافرت کردم و با تشویق یکی از بستگان درس طلبگی را شروع نمودم. در سال ۱۳۶۴ به طور رسمی در مدرسه الجواد قم پذیرفته شدم و تا سال ۱۳۶۸ ادامه دادم. در سال بعد وارد حوزه گشته و سطوح عالیه را آغاز نمودم.

از سال ۱۳۷۶ درس خارج را ادامه دادم و در سال ۱۳۸۲ وارد دوره تخصصی در رشته حقوق شدم و در مقطع کارشناسی پذیرفته گشتم و در مدرسه مرعشیه از طرف مرکز جهانی مورد حمایت قرار گرفتم. که ادامه آن در مقطع کارشناسی ارشد هنوز برقرار است. چندین مرتبه در طول دوره تحصیل به افغانستان مسافرت تبلیغی داشتم. هر مرتبه بین چهار ماه الی یکسال سفرم به درازا می کشید.

در جهاد علیه روسیه و سربازان آن در افغانستان شرکت کردم و نیز در میان مجاهدین به تدریس احکام، عقاید و برپایی نماز جماعت اقدام نمودم و در ایجاد وحدت بین گروه های جهادی به قدر توان خود تلاش کردم.

آخرین مسافرتم به افغانستان برمی گردد به سال های ۷۹ الی ۸۰ که همراه بود با برقراری دولت موقت و انتقالی بعد از کنفرانس بن آلمان؛ و در این مسافرت من با نیازمندی مبرم کشور آشنا شدم تا در برنامه های بعدی در اولویت کاری ام قرار گیرد که از جمله آن آموختن رشته های تخصصی کامپیوتر، بدست آوردن مدرک رسمی دولتی تا در افغانستان با شرایط روز مطابقت داشته باشیم و فعلا تلاشم در این راستا ادامه دارد.

آشنایی با فنون نویسندگی از دیگر ضرورت های روز افغانستان است که یک طلبه باید آن را فرا بگیرد. بنابراین سعی کردم تا در این راستا توفیقاتی بدست آورم که شکر خدا این آرزو برآورده شد و من اینک می توانم در این حوزه کم و بیش توانایی خود را آزمایش کنم و از سه سال به این طرف رشد تکاملی داشته ام و مقالاتی را در موضوعات مختلف دینی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تحریر کرده ام که در نشریات مختلف به نشر رسیده است.

آشنایی با رایانه و اینترنت نیز از اهداف دیگر حقیر بود که در طول دوره تحصیلی در این اواخر موفق شدم با خرید یک دستگاه رایانه، با تایپ، صفحه آرائی و تحقیق به وسیله آن با استفاده از نرم افزارهای تولید شده و کتابخانه های دیجیتالی به سرعت کار خود افزایش بدهم.

ابراهیمی، محمدمهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید بهشتی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ابراهیمی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی ابراهیمی

محل تولد : قائمشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

ابراهیمی، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید موسی ابراهیمی در سال ۱۳۲۴ ، در قزوین به دنیا آمد. در سال ۱۳۴۵ وارد حوزه علمیه قزوین شد و نزد اساتید این حوزه کسب فیض کرد. پس از آن بر اثر فشار حکومت پهلوی به قم مهاجرت کرد و علوم دینی را در این خطه دنبال نمود. حاج سید موسی ابراهیمی در سال ۱۳۵۶ شروع به تدریس نهج البلاغه برای جوانان و نوجوانان و بانوان و طلاب علوم دینی کرد. و پس از آن در سال ۱۳۶۶ در حوزه علمیه صالحیه و شیخ الاسلام و امام صادق ، در سطوح مختلف برای طلاب جوان تدریس داشته است. حجه الاسلام ابراهیمی درکنار تدریس و سمت های متعدد اداری ، مجموعه بزرگی به نام احادیثی که از پیامبر بزرگوار اسلام ، از طریق محدثین و مورخین و علما شیعه نقل شده را مورد تحقیق قرار داده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : الهیات و معارف اسلامی

والدین و انساب : سیدموسی ابراهیمی فرزند سید قدیر . در یک خانواده مذهبی دیده به جهان گشود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید موسی ابراهیمی پس از دوران کودکی و اتمام دروس ابتدایی ، در سال ۱۳۴۵ وارد حوزه علمیه قزوین شد و نزد اساتید این حوزه تلمذ نمود. پس از آن بر اثر فشار حکومت پهلوی به قم مهاجرت نمود و علوم دینی را در این خطه دنبال نمود.

استادان و مربیان : سید موسی ابراهیمی دروس مقدماتی را از محضر علما اعلام شیخ ابراهیم امیری ، آیت الله سیدجلیل زرآبادی و آیت الله شیخ حسن شالی فراگرفت. سپس دروس مکاسب و رسائل و کفایه را نزد آیت الله شیخ محمد مظفری ، آیت الله حاج شیخ هادی باریک بین و حاج شیخ محمد اویسی کسب فیض نمود. وی مقداری دروس خارج عروه را در قزوین از محضر آیت الله مظفری ، و دروس خارج خمس و ولایت فقیه را نزد آیت الله منتظری و بعضاً از روی نوارهای این استاد فراگرفت.

وقایع میانسالی : سید موسی ابراهیمی در جریان مبارزات سیاسی مردم ایران بر ضد حکومت پهلوی ، حضوری فعال داشته و به همین دلیل تحت تعقیب قرار گرفت و ناچار به شهر قم هجرت نمود.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید موسی ابراهیمی از سل ۱۳۵۴ سرپرست مدرسه علمیه صالحیه و بعد سرپرستی مدرسه علمیه شیخ الاسلام را عهده دار بود. از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۲ در سپاه پاسداران قزوین به عنوان مسئول روابط عمومی و مسئول آموزش انجام وظیفه نموده است. پس از آن در سال ۱۳۶۸ مدیریت حوزه علمیه امام صادق , و سال ۱۳۶۹ مدیریت حوزه علمیه کوثر ویژه خواهران را نیز عهده دار گردید.

فعالیتهای آموزشی : سید موسی ابراهیمی در سال ۱۳۵۶ تدریس نهج البلاغه را برای جوانان و نوجوانان و بانوان و طلاب علوم دینی شروع نمود و در مقاطع مختلف به تدریس پرداخت. او همچنین در سال ۱۳۶۶ در حوزه علمیه صالحیه و شیخ الاسلام و امام صادق ، در سطوح مختلف برای طلاب جوان تدریس داشته است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سید موسی ابراهیمی درکنار تدریس ، به نوشتن و تحقیق مجموعه بزرگی به نام احادیثی که از پیامبر بزرگوار اسلام ، از طریق محدثین و مورخین و علما شیعه نقل شده ، به شکل موضوع جمع آوری نموده است. وی همچنین در سطح شهر قزوین در مساجد مختلف ، اقامه نماز جماعت داشته اند. --

آثار :

۱ احادیثی که از پیامبر بزرگوار اسلام از طریق محدثین و مورخین و علما شیعه نقل شده

ویژگی اثر : این مجموعه تحقیقی تابه حال به ۹ جلد رسیده است

منابع زندگینامه :

فرزانگان علم و سخن قزوین، تالیف: رضا صمدی ها ، قزوین: بحر العلوم ، ص۱۳

ابراهیمی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی ابراهیمی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱۰/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مهدی ابراهیمی متولد ۱۳۴۲ در مشهد از خانواده ای روحانی هستم. دوران تحصیل ابتدایی را در مدرسه جوادیه که یکی از مدارس حاج آقای عابدزاده بود گذراندم و پس از تعطیلی آن مدارس توسط رژیم پهلوی به مدارس دولتی رفتم و تا پایان دوره راهنمایی تحصیل کردم. بعد از اتمام دوره راهنمایی که مصادف با سال ۵۷ شروع انقلاب اسلامی بود وارد حوزه علمیه مشهد شدم و در مدرسه علمیه حاج آقای موسوی نژاد به تحصیل پرداختم و همزمان دروس دبیرستان را نیز تا مقطع دیپلم ادامه دادم.

دروس سطح اول و عالی حوزه علمیه و ۲ سال درس خارج را در مشهد گذراندم و از سال سوم ورود به حوزه به تدریس ادبیات، منطق و معانی بیان و اصول نیز پرداختم. در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال ۱۳۷۲ در درسهای خارج فقه و اصول استادان محترم آن حوزه بنام آیت الله تبریزی، فاضل، وحید خراسانی و ... شرکت کردم و درسهای فلسفه را نیز در مشهد و قم نزد استاد آقای آشتیانی و آیت الله حسن زاده آملی گذراندم.

در ایام تحصیل در قم در امتحانات مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم شرکت کردم و در مقطع فوق لیسانس ادامه تحصیل دادم. در سال ۱۳۷۲ موفق به اخذ فوق لیسانس شدم و مجددا به مشهد مراجعت کردم و در گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی و فردوسی مشهد مشغول به کار شدم. در سال ۱۳۷۶ به استخدام دانشگاه علوم پزشکی مشهد درآمدم و به عنوان عضو هیئت علمی و مدیر گروه فعالیت خود را ادامه دادم. در بهمن سال ۱۳۷۷ در گرایش علوم قرآن و حدیث در دانشگاه قم در مقطع دکتری پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۲ فارغ التحصیل شدم و هم اکنون در رتبه استادیاری پایه در دانشگاه علوم پزشکی مشهد در گروه معارف اسلامی مشغول به کار هستم و بعضی از واحدهای درسی مرتبط با علوم انسانی مثل اصول و فلسفه تعلیم و تربیت را در این دانشگاه نیز تدریس می کنم.

ابراهیمی، نادر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نادر ابراهیمی در [چهاردهم] فروردین‌ماه سال ۱۳۱۵ در تهران به‌دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در این شهر گذراند و پس از گرفتن دیپلم ادبی از دبیرستان دارالفنون، به دانشکده‌ی حقوق وارد شد. اما این دانشکده را پس از دو سال رها کرد و سپس در رشته‌ی زبان و ادبیات انگلیسی به درجه‌ی لیسانس رسید. او از ۱۳ سالگی به یک سازمان سیاسی پیوست که بارها دستگیری، بازجویی و زندان رفتن را برایش درپی داشت. ارایه‌ی فهرست کاملی از شغل‌های ابراهیمی، کار دشواری است. او خود در دو کتاب "ابن مشغله" و "ابوالمشاغل" ضمن شرح وقایع زندگی، به فعالیت‌های گوناگون خود نیز پرداخته است. ازجمله شغل‌های او بوده است: کمک‌کارگری تعمیرگاه سیار در ترکمن‌صحرا، کارگری چاپخانه، حسابداری و تحویلداری بانک، صفحه‌بندی روزنامه و مجله و کارهای چاپ دیگر، میرزایی یک حجره‌ی فرش در بازار، مترجمی و ویراستاری، ایران‌شناسی عملی و چاپ مقاله‌های ایران‌شناختی، فیلمسازی مستند و سینمایی، مصور کردن کتاب‌های کودکان، مدیریت یک کتاب‌فروشی، خطاطی، نقاشی و نقاشی روی روسری و لباس، تدریس در دانشگاه‌ها و ... در تمام سال‌های پرکار و بی‌کار یا وقت‌هایی که در زندان به‌سر می‌برد، نوشتن را ـ که از ۱۶ سالگی آغاز کرده بود ـ کنار نگذاشت. در سال ۱۳۴۲ نخستین کتاب خود را با عنوان " خانه‌یی برای شب" به‌چاپ رسانید که داستان "دشنام" در آن با استقبالی چشمگیر مواجه شد. تا سال ۱۳۸۰ علاوه بر صدها مقاله‌ی تحقیقی و نقد، بیش از صد کتاب از او چاپ و منتشر شده است که دربرگیرنده‌ی داستان بلند (رمان) و کوتاه، کتاب کودک و نوجوان، نمایشنامه، فیلمنامه و پژوهش در زمینه‌های گوناگون است. ضمن آن‌که چند اثرش به زبان‌های مختلف دنیا برگردانده شده است. نادر ابراهیمی چندین فیلم مستند و سینمایی و همچنین دو مجموعه‌ی تلویزیونی را نوشته و کارگردانی کرده، و آهنگ‌ها و ترانه‌هایی برای آن‌ها ساخته است. او همچنین توانسته است نخستین مؤسسه‌ی غیرانتفاعی ـ غیردولتی ایران‌شناسی را تاسیس کند؛ که هزینه و زحمت‌های فراوانی برای سفر، تهیه‌ی فیلم و عکس و اسلاید از سراسر ایران و بایگانی کردن آن‌ها صرف کرد؛ ولی چنان‌که باید، شناخته و به‌کار گرفته نشد و با فرارسیدن انقلاب و جنگ، متوقف شد. او فعالیت حرفه‌یی خود را در زمینه‌ی ادبیات کودکان، با تاسیس "مؤسسه‌ی همگام با کودکان و نوجوانان" ـ با همکاری همسرش ـ در آن مؤسسه متمرکز کرد. این مؤسسه، به‌منظور مطالعه در زمینه‌ی مسائل مربوط به کودکان و نوجوانان برپا شد و فعالیتش را در حیطه‌ی نوشتن، چاپ و پخش کتاب، نقاشی، عکاسی، و پژوهش درباره‌ی خلق‌وخو، رفتار و زبان کودکان و نیز بررسی شیوه‌های یادگیری آنان دنبال کرد. "همگام" عنوان "ناشر برگزیده‌ی آسیا" و "ناشر برگزیده‌ی نخست جهان" را از جشنواره‌های آسیایی و جهانی تصویرگری کتاب کودک دریافت کرد. ابراهیمی در زمینه‌ی ادبیات کودکان، جایزه‌ی نخست براتیلاوا، جایزه‌ی نخست تعلیم و تربیت یونسکو، جایزه‌ی کتاب برگزیده‌ی سال ایران و چندین جایزه‌ی دیگر را هم دریافت کرده است. او همچنین عنوان "نویسنده‌ی برگزیده‌ی ادبیات داستانی ۲۰ سال بعد از انقلاب" را به‌خاطر داستان بلند و هفت‌جلدی "آتش بدون دود" به‌دست آورده است. نادر ابراهیمی در زندگی پرفرازونشیب خود، جایگاه خاصی برای ورزش نگهداشته است. او رشته‌های مختلف ورزشی را تجربه کرده، یکی از قدیم‌ترین گروه‌های کوهنوردی به‌نام "اَبَرمرد" را بنیان نهاده و در توسعه‌ی کوهنوردی و اخلاق کوهنوردی، تاثیرگذار بوده است. نادر ابراهیمی در حال حاضر که ۷۰ سال دارد، به علت بیماری در منزل استراحت می کند، بیماری اش آرام آرام در حال بهبود است. امید که بتواند انبوه کارهای ناتمامش را که شامل تحقیقات، داستانهای بلند و کوتاه و فیلمنامه می شود، به پایان برساند.

ابرزی فارسی، عمیدالدین، ابونصر اسعد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۲۴ ق)، شاعر و ادیب. وی اهل ابرج فارس بود و وزیر اتابک سعد بن زنگی و معاصر امام فخر رازی بود. پس از مرگ سعد

بن زنگی به اتهام مکاتبه‌ی پنهانی با سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه به وسیله‌ی ابوبکر سعد زنگی در قلعه‌ی اشکنوان زندانی شد و پس از چند ماه درگذشت. وی قصیده‌ای غرا در یکصد و یازده بیت به زبان عربی سروده که به قصیده‌ی «اشکنوانیه» معروف است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فارس (۷۲۰ -۷۱۶ /۳)، دستور الوزراء (۲۳۹ -۲۳۷)، ریحانه (۷۰ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابونصر)، مرآت الفصاحه (۵۷ -۵۵).

ابرسچی، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی‌اصغر ابرسچی شاهرودی از علماء اعلام و دانشمندان بنام معاصر شاهرود است.

در سال ۱۳۲۴ ق در یکی از کوه‌پایهای شاهرود بنام ابرسج بدنیا آمد و از سن هفت سالگی تا پانزده سالگی در مکتب خانهای آن قریه خواندن و نوشتن را آموخته و در اواخر ۱۳۳۸ در خدمت جدامی خود مرحوم ثقةالاسلام آقای آقا سید محمد به مشهد مشرف گردیده و در مدرسه نواب در تحت نظر دائی خود حجةالاسلام آقا سید رضا به علوم عربی اشتغال پیدا نموده.

و پس از مقدمات عربی بهائی را از مرحوم ادیب بزرگ نیشابوری فراگرفت و تا سال ۱۳۴۷ ق از سطوح فارغ شده و در سال ۱۳۴۸ به حوزه قم مشرف و حدود دو سال از محضر آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی استفاده نموده و در سال ۱۳۵۰ قمری مهاجرت به نجف اشرف و از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدحسین نائینی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی استفاده نموده و یک دوره از ابحاث اصول و بعض ابحاث فقهی آنها را به رشته تحریر آورده و پس از دوازده سال توقف در نجف با دریافت سه اجازه اجتهاد از مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه شاهرودی و آیت‌اللّه حاج شیخ موسی خونساری در جمادی‌الاولی ۱۳۶۳ ق به شهر خود مراجعت نموده و در مسجد خیابان فردوسی به انجام وظائف مربوطه اشتغال دارند.

از باقیات الصالحات معظم له است فرزند فاضل و ارجمندش جناب ثقةالاسلام و فخر المتکلمین آقای آقا شیخ محمدرضا دانش پژوه که از محصلین جدی و روشنفکر و گویندگان و وعاظ شایسته معاصر است و در منبر بیانی رسا و زبانی گویا و شیرین دارند و در ماه رمضان و محرم و صفر در تهران از راه منبر به خدمات تبلیغی پرداخته و در اوقات تحصیل در حوزه علمیه قم به تکمیل علوم دینی اشتغال دارند.

و جدا جوانی آراسته و فاضلی پیراسته و داماد حضرت آیت‌اللّه حاج شیخ عبداللّه مهدوی شاهرودی که ترجمه ایشان در جلد چهارم گذشت می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ابرقوهی، حاجی آقا

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۷۲ ق)، شاعر. وی از نسل اتابکان لرستان و معاصر سام‌میرزا بود. در اوایل عمر مهماندار نواب صاحبقرانی و بعد از آن یوزباشی و خلیفه‌ی قورچیان کرد شد. حاجی‌آقا شعر می‌گفت ولی، اشعار وی نظم شعری درستی نداشت. به گفته‌ی صاحب «الذریعه» وی به هند مسافرت کرد و در آنجا «دیوان» شعرش را نظم داد و به مصطفی خان از امراء هند تقدیم کرد. حاج در دکن محمدقلی قطب‌شاه را مدح گفت. از آثار وی: «دیوان» شعر، مشتمل بر قصایدی در مدح ائمه اثنی عشر (ع) و شاه طهماسب و ملوک هند؛ مثنوی «ناظر و منظور»؛ «غزلیات»؛ «رباعیات» که در حدود ۲۵۰۰ بیت است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۰۲/۵)، تحفه سامی (۳۵۴ -۳۵۳)، الذریعه (۱۷/۲۴ ،۲۱۸ -۲۱۷ /۹)، فرهنگ سخنوران (۲۳۶)، کاروان هند (۳۱۱/۱)، منظومه‌های فارسی (۲۴۱ -۲۴۰).

ابرقوهی، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ابرقوهی صاحب (سوانح‌الافکار) رشیدی که سال ۹۲۸ عبدالعلی رستمداری در ۱۴۹ صفحه نوشته و اکنون در کتابخانه ملک به شماره ۳۷۰۲ موجود است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

ابرقویی صدرالدین، اسماعیل

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۶۳ ق)، نویسنده و قاضی. وی از بزرگان و دانشمندان فارس بود و مؤلف «تعبیر سلطانی»، که به نام شاه شجاع مظفری، در ۷۶۳ ق، به پایان رسانیده است. از دیگر آثار وی «تاریخ ابرقوه» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۵۵)، کشف الظنون (۴۱۷)، هدیه العارفین (۲۱۴ / ۱).

ابرقویی، هادی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اهل ابرقو و برادر میر برهان ابرقویی بود. وی بیشتر عمر خود را در شیراز گذرانـد و دارای طبع شعر خوبی بود. از آثارش: «دیوان» شعر. از اوست:

از پیروی دل به حذر باید گشت

در همرهی‌اش کشیده سر باید گشت

سی سال به غفلتم به راهی برده است

که امروز تمام راه بر باید گشت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۹۱۹)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۳۵۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۰۲ -۳۰۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۳۹ -۸۳۸/ ۵)، الذریعه (۱۲۸۵/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۹۲)، مرآت‌الفصاحه (۷۰۳ -۷۰۲).

ابرکوهی، صادق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۳۸ ق)، شاعر. از شاعران مثنوی‌پرداز ایران در اوایل سده‌ی یازدهم هجری است. از او مثنوی کوتاهی با مضامین عرفانی به نام «رموز العاشقین» به جای مانده است. نسخه‌ای از این مثنوی در دانشگاه پنجاب نگهداری می‌شود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :منظومه‌های فارسی (۳۶۲).

ابریشم کار، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر ادیب متخلص به «فنائی» صاحب دیوان اشعار، متوفی در جمعه ۲۹ صفر ۱۳۶۸، مدفون در قسمت شرقی تکیه در حیاط.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ابریشمی مشهدی، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۳ ق)، خطاط و شاعر. اصلا مشهدی و از شاگردان سلطانعلی مشهدی بود که در کتابخانه‌ی امیرعلیشیر نوایی به امر کتابت اشتغال داشته است. صاحب «گلستان هنر» خط وی را ستوده و شیفته‌ی کتیبه‌ای شده که محمد ابریشمی شعر آن را سروده و خود بر سنگ قبر سلطانعلی مشهدی نوشته است، که اکنون اثری از آن باقی نیست. از آثار وی: یک قطعه سوره‌ی فاتحه، به قلم دو دانگ و نیم دو دانگ متوسط، با رقم: «الحقیر محمد ابریشمی المشهدی غفر ذنوبه»؛ یک رساله در علم قافیه، به قلم نیم دو دانگ متوسط، با رقم: «العبد الفقیر محمد ابریشمی المشهدی، فی شهور سنه عشرین و تسعمائه»؛ یک نسخه «منطق الطیر» عطار نیشابوری، به قلم کتابت جلی متوسط، با رقم: «العبد الفقیر محمد ابریشمی المشهدی... سنهٔ ثلث و عشرین و تسعمائه..»؛ دو قطعه از مرقع شاه اسماعیل، به قلم دو دانگ و نیم دو دانگ و کتابت و غبار خوش و دو بیت شعر از خود او، با رقم های: «مشقه العبد الفقیر محمد ابریشمی المشهدی...» و «العبد الفقیر محمد ابریشمی المشهدی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۳۲ -۶۳۰/ ۳)، اطلس خط (۴۶۵)، خوشنویسان و هنرمندان (۹،۳۷)، گلستان هنر (۶۳

-۶۲)، مناقب هنروران (۶۲)، هنر عهد تیموریان (۶۳۳، ۵۹۸، ۵۸۵، ۵۸۳، ۵۲۲).

ابطحی اصفهانی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابطحی شهرت سلسله‌ای از سادات رفیع‌الدرجات است و تیره‌های مختلفی هستند که در اصفهان و کاشان و تهران و قم و خراسان و سایر نقاط ایران و عراق سکونت دارند بعضی از آنها حسینی و بعضی موسوی و برخی رضوی و یا علوی و غیره می‌باشند ولی به این شهرت و صفت هویت خود را معروف ساخته‌اند مثلا اخ‌الزوجه نگارنده جناب حجه‌الاسلام حاج سید حسن ابطحی خانی نسبا موسوی هستند ولی به ابطحی شهرت یافته‌اند.

یکی از این تیره‌ها ابطحی‌های اصفهان و خمینی‌شهرند که در آن سامان و قم و تهران و ری زندگی می‌کنند و تمامی با همبستگی و خویشاوندی دارند و در پشت سوم و چهارم الی دهم یکی می‌شوند و از آنهاست جناب حجه‌الاسلام و محقق فهام و مفسر علام آقای حاج سید محمدباقر ابطحی فرزند آیت‌الله حاج سید مرتضی ابطحی که در تاریخ ۱۳۴۹ قمری در اصفهان متولد و پس از طی مقدمات و متون فقه و اصول در تاریخ ۱۳۶۶ قمری به قم مهاجرت نموده و از محضر زعیم اعظم آیت‌الله بروجردی و آیات دیگر حوزه علمیه چون آیت‌الله آقای خمینی و گلپایگانی و حاج سید احمد خونساری و آقای اراکی و محقق یزدی استفاده کامل نموده و هم علوم عقلیه فلسفه و الهیات شفا را از استاد بزرگوار علامه طباطبائی فراگرفته و ضمنا تدریس فقه و اصول را برای عده‌ای از محصلین می‌نمایند.

آثار علمی معظم‌له عبارت است از: ۱- الدور اللامعه فی الاحادیث الجامعه ۲- المدخل للتفسیر الموضوعی للقرآن الکریم پنج مجلد که جلد اول آن مطبوع و بقیه آماده برای طبع است.

۳- ترتیب اسانید الوسائل و مصادرها و تحقیق رجالها علی اسلوب منهجی دراسی

آیت‌اللّه آقای حاج سید محمدباقر موحد ابطحی اولین فرزند حجهٔ‌الاسلام والمسلمین حاج سید مرتضی موحد ابطحی و سبط مرحوم آیت‌اللّه متقی حاج سید محمد تقی فقیه احمدآبادی در سال ۱۳۴۶ قمری در شب دوم ماه مبارک رمضان در بیت علم و تقوا متولد شده و مقدمات و متون فقه و اصول را در حوزه علمیه (مدرسه صدر اصفهان) نزد والد ماجدش و اساتید مشهور اصفهان از جمله آیت‌اللّه حاج آقا رحیم ارباب و آیت‌اللّه حاج شیخ محمود مفید فراگرفته و در ربیع‌الاول سال ۱۳۶۵ قمری مهاجرت به قم نموده و در مدرسه حجتیه اقامت و از دراسات و ابحاث مرحوم آیت‌اللّه حجت و نیز محضر و درس زعیم اعظم آیت‌اللّه العظمی بروجردی قدس سره حاضر و با اینکه در آن موقع سنش از بیست تجاوز نکرده بود کاملا با ایراد و نقد و صحبت کردن در درس معظم له جلب نظر ایشان را نموده و پاسخ می‌گرفت و کتاب قضاء و شهادات را در محضر آیت‌اللّه العظمی حاج سید احمد خونساری استفاده نموده و در سال ۱۳۷۰ ق- ه به قصد استفاده از حوزه علمیه نجف مسافرت به آن سامان و از محضر آیات عظام و اساتید بزرگ آمیرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه حکیم و آیت‌اللّه شاهرودی و خوئی مستفیض و بهره‌مند شده لیکن به علت گرمای طاقت‌فرسای نجف مجبور به مراجعت به قم گردیده و پیوسته تحقیق راه و روش تعالیم فقه و اصول و رجال و حدیث و تفسیر را از محضر آیت‌اللّه العظمی بروجردی و نائب‌الامام آیت‌اللّه العظمی خمینی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و آقای شریعتمداری و آقای حاج شیخ محمد علی اراکی و مرحوم آقای محقق یزدی و فلسفه و اسفار و شفاء را از فیلسوف بزرگ علامه طباطبائی و قانون بوعلی را از والد ماجدش و علامه حاج میرزا محمد طبیب‌زاده فراگرفته و ضمناً به تدریس سطوح عالیه فقه و اصول پرداخته و اکنون دارای حوزه درسی تحقیقی و استدلالی فقه و اصول که جمعی از فضلا و محصلین با استداد از محضر و بیاشان استفاده می‌کنند. می‌باشند.

دارای تالیفات و آثار علمی چندی می‌باشند که از دیدگاه دانش‌پژوهان می‌گذرانم. ۱- کتاب زکوهٔ و خمس و صوم و اعتکاف از کتاب جامع‌الاحادیث آیت‌اللّه العظمی بروجردی که با شرکت و معاونت چند تن از فضلاء چون حجهٔ‌الاسلام حاج آقا جواد خندق‌آبادی و حاج آقا جلال گلپایگانی و آقای حاج سید محمدعلی موحد ابطحی (برادر گرامی خود) تالیف نموده و به آن مرحوم تحویل که بعد از رحلتش با تجدید نظر و مقابله با حضرت آیت‌اللّه العظمی خوئی به‌طبع رسید.

۲- الدرر العلامه فی الاحادیث الجامعه للاحکام الفقهیه... که آن مقدمه‌ای است برای کتاب جامع‌الاحادیث که اخبار طولانی در آن تقطیع شده است.

۳- المدخل الی (التفسیر الموضوعی) للقرآن الحکیم پنج جلد که جلد اول در دو جزء به چاپ رسیده است.

۴- جامع الاثار فی تفسیر القرآن که به اسلوب جدید تمام اخبار مصادر و جوامع احادیث اهلبیت علیهم‌السلام بررسی (به کمک فضلاء لجنه تحقیق).

۵- معجم اسناد روایات که از تمام احادیث موجوده در مصادر اولیه و جوامع بزرگ حدیث چون بحارالانوار و عوالم و وسایل اتخاذ و به اسلوب جدولی منظم و با کمک فضلاء لجنه تحقیق در شرف اتمام است.

۶- توحیدالروایات که در تمام اخبار مصادر و جوامع حدیث در هر موضوع با استقصاء وحدت روایت از نظر سند و متن (با کمک فضلاء لجنه انجام گرفته).

۷- فقه جامع‌الاحادیث که از نظر تفسیر و دلالت بر حدیث و جمع دلالات احادیث و بررسی معارضات و کیفیت علاج و جمع آن (با کمک فضلاء لجنه تحقیق).

اما باقیات الصالحات و آثار تاریخی معظم له.

۱- مـدرسه الامام‌المهدی در قم ۲- مدرسه علمی در شهرستان اقلید ۳- مساجد بسیاری در منطقه وسیع اقلید و سرحد چهار دانگه ییلاق تمـام عشایر فارس ۴- مراکز تبلیغ در شهرسـتان اقلیـد و سـرحد چهـار دانگه ۵- درمانگـاه ولی عصـر (ع) در حومه اقلیـد ۶- بیمارستان ولی عصر (ع) در شهرستان اقلید.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ابطحی حسینی سدهی، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد سید محمّد علی (برادر سید ابوالقاسم سدهی) عالم فاضل، از شاگردان حاج شیخ محمّد تقی نجفی، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و آخوند کاشی.

در سلخ جمادی الاولی ۱۲۹۰ متولّد، و در ۱۵ شعبان سال ۱۳۶۷ در مسافرت مشهد مقدس وفات یافته، در صحن نو مدفون گردید.

مشارالیه تقریرات فقهی و اصولی اساتید خود را به رشته تحریر درآورده، عالمی خوش بیان، و مجتهدی طلیق اللسان بود.

در مدرسه صدر و مدرسه کاسه گران سطوح فقه تدریس می‌نمود، و عدّه‌ای کثیر از طلّاب از محضر او مستفیض می‌شدند.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابطحی شیرازی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۷ ق)، فاضـل و شـاعر. ملقب به علم‌الهـدی. در شیراز تولـد یـافت. علـوم عربی و فارسـی را نزد اسـتادانی چـون حـاج سید محمـدعلی کازرونی و شـیخ عبـدالجبار و میرزا ابراهیم مجتهـد محلاتی آموخت. در سال ۱۳۰۶ ش به اصـفهان رفت و در آن شـهر ساکن شد و به کار قضا پرداخت. وی به عربی و فارسی شعر می‌سرود و از حافظه‌ای قوی برخوردار بود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شـعرای معاصر اصفهان (۲۳ -۲۱)، دانشـمندان و سخن سرایان فارس (۶۵۹ -۶۵۷ /۳)، فرهنگ سخنوران (۱۸).

ابطحی یثربی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیـد محمـد ابطحی سـبط مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حـاج سیـد محمـدرضا یثربی پشت مشـهدی کاشـانی از فضـلاء بنام کاشانی مقیم شهرسـتان قـم می‌باشـد ایشـان در شـهر کاشـان متولـد شـده و در بیت علم و تقـوا پرورش یـافته و پس از خوانـدن دروس ابتـدائی و مقدمات و ادبیات از محضـر و دراسات خالوی معظم خود مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقا میرزا سـید علی یثربی اسـتفاده نموده آنگاه به قـم عزیمـت و از درس و ابحـاث مرحـوم آیـت‌اللَّه حـاج سـید محمـد محقـق و آیت‌اللَّه العظمی موسـوی و مرحـوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و دیگران بهره‌منـد شـده و به مـدارج عالیه فضل و کمال ارتقا یافته و اکنون یکی از سـتارگان فروزان شـهر کاشانست در حوزه علمیه قم که اکثراً در قم و قسمتی از سال هم در کاشان افاده و افاضه می‌نمایند.

نگارنـده گویـد: جنـاب آقـای ابطحی کاشـانی که از بیت علم و دانش است امروز از افاضل نامی و در میان اقران و امائل خود مشار بالبنان و به متانت و مناعت و بزرگواری موصوف و متصف می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ابطحی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن بن سـید الجلیل حاج سیـدرضا ابطحی از علماء معاصـر مشـهد مقدس می‌باشـند نسب معظم‌له به سـی واسـطه به حضـرت موسی بن جعفر هفتمین امام شیعیان علیه صلوات اللَّه الملک المنان می‌رسد. به این کیفیت.

ایشان در سال ۱۳۵۲ قمری در مشهد مقدس چشم به دنیا گشوده و دروس ابتدائی را خوانده آنگاه در مدرسه نواب به تحصیل علم عربی و ادبی پرداخته تا در سال ۱۳۷۰ قمری که نگارنده به مشهد مشرف و در مدرسه مزبور که در سابق هم اقامت داشتم به حجره ایشـان و اردو پس از معـارفه و آشـنائی به تشویـق حقیر عزیمـت به قم نمـوده و سـطوح را از مدرسـین بزرگ حوزه متقن و به درس خـارج آیـت‌اللَّه العظمی نجفی مرعشـی و آیـت‌اللَّه العظمی شـریعتمداری مـدظلهما و بالاخـص زعیم اعظم مرحـوم آیت‌اللَّه العظمی

بروجردی شرکت و از مبانی فقه و اصول آنان بهره‌مند شده و ضمنا با معیت دوست عزیز و داماد گرام خود جناب مستطاب حجهٔالاسلام آقای حاج سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد صاحب (تالیفات عدیده) برای استفاده و درک محضر آیات عظام نجف عزیمت به عتبات عالیات نموده و چند ماهی در باب مدینه علم از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سید عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه العظمی شاهرودی و آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله و دیگران استفاده نموده ولی برای گرمای شدید نجف موفق به اقامه بیشتر نشده ناچار مراجعت به قم و تا آخر عمر مرحوم آقای بروجردی اقامت و استفاده نموده و بعد از فوت آن مرحوم به مشهد زادگاه خویش مراجعت و به خدمات دینی از قبیل اقامه جماعت در مسجد صاحب‌الزمان (ع) (فلکه گوهرشاد سابق) و صاحب الزمان حال و تبلیغ و ترویج دین و تنویر افکار نسل جوان در آنجا و حومه مشهد (چناران و قوچان و غیره) نموده و تا هم‌اکنون اشتغال دارند.

جناب آقای ابطحی معارف الهی را از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مجتبی قزوینی که از شاگردان مبرز و ممتاز مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی بودند استفاده نموده و بیشتر از همه از محضر و حالات عجیبه عالم ربانی و محدث صمدانی عارف کامل مرحوم حاج ملاـ آقاجان زنجانی که مجسمه فضیلت و پیکره معنوی بوده کامیاب و لذت روحی و معنوی برده و کتابی در حالات و نوادر حکایات آن مغفورله تألیف نموده که بسیار سازنده و ارزنده است دارای فرزندانی هستند که از آنها جناب آقای حاج سید محمدعلی ابطحی از محصلین روشن و جدی حوزه مشهد مقدس می‌باشند.

آثار خیر و علمی ایشان از این قرار است ۱- تأسیس کانون بحث و انتقاد دینی در این مرکز سوالاتی که به وسیله نامه و شفاها می‌شود طرح و پاسخ علمی به آنها داده و تاکنون چند جلد از سوال شما و پاسخهای این موسسه به طبع و نشر رسیده و بیش از بیست نفر از دانشمندان مسیحی آمریکا و اروپا در این مرکز و مسجدش به شرف اسلام رسیده که عکسهای آنها با بیوگرافی و هویتشان در کتاب مستقلی طبع شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

ابطحی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مدیریت، دانشکده: حسابداری و مدیریت، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا (در سال ۱۳۵۶) از دانشگاههای ایالتی مورگان و میسوری آمریکا در رشته‌های علوم، مدیریت مهندسی و عمران.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده حسابداری و مدیریت دانشگاه علامه طباطبائی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آموزش و توسعه منابع انسانی، مدیریت مسکن و شهرسازی، مدیریت صنعتی، مدیریت دولتی، بررسی و تعیین نیازهای آموزشی مدیران وزارت نیرو، بررسی نوع، میزان و علل فشارهای عصبی در مدیران بخش صنعتی کشور، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

آموزش و بهسازی منابع انسانی، طبقه‌بندی و ارزشیابی مشاغل، مهندسی روشها، اصول برنامه‌ریزی و کنترل پروژه، مدیریت منابع انسانی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

آموزش و توسعه منابع انسانی، فشارهای عصبی و نحوه مقابله با آن، مدیریت منابع انسانی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ابطحی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: خاک‌شناسی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شیراز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ابطحی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد ابطحی

محل تولد : کاشان

شهرت : ابطحی کاشانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۹/۱/۱

زندگینامه علمی

آیةالله ابطحی کاشانی در سال ۱۳۰۹ در کاشان به دنیا آمد. خانواده او خانواده‌ای مذهبی و از دوستداران خاندان پاک پیامبر (ص) بود و پدرش نیز در کسوت مقدس روحانیت بود که دو سال پس از تولد ایشان دارفانی را وداع گفت.

آیةالله ابطحی با به پایان رساندن دوره دبستان، در ۱۴ سالگی وارد حوزه علمیه کاشان شد. او بخشی از دروس دوره مقدمات را در کاشان فرا گرفت و سپس به حوزه علمیه قم عزیمت کرد. ادامه مقدمات را نزد اساتید این حوزه به پایان رسانید. او معالم را نزد امام موسی صدر فرا گرفت بعد از چندی به علت نداشتن شهریه به کاشان مراجعت نمود و از جلسات درس علمای کاشان بهره‌مند گردید. مطول و شرح لمعه را نزد شیخ عبدالله مدنی آموخت پس از آن مجدداً به قم آمد و رسائل و مکاسب را نزد استادان سلطانی، طباطبایی، شهید صدوقی، فکور یزدی و سید محمد صادق روحانی آموخت. برای فراگیری کفایه نیز به درس حضرات آیات مجاهدی، تبریزی، شیخ عبدالجواد اصفهانی و سلطانی طباطبایی رفت. او با به پایان بردن دوره سطح، به درس خارج حضرات آیات عظام بروجردی (ره)، محقق داماد (ره) و امام خمینی (ره) راه یافت.

آیةالله ابطحی در سالهای تحصیل خود با بسیاری از فضلای روزگار خود رابطه دوستی داشت که از جمله آنها، آیةالله شهید سید مصطفی خمینی (ره) را می‌توان نام برد. آیت‌الله ابطحی در عرصه علم و فرهنگ، فعالیت‌های بسیاری از خود بر جا نهاده است. او بسیاری از دروس حوزه را تدریس نموده و از این رهگذر طلاب بسیاری را تربیت کرده است. او تقریرات درس استادان خود را نگاشته و در مجله نور علم، مقالات بسیاری تألیف کرده است.

آیةالله ابطحی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و در بسیاری از فعالیتهای جمعی آن شرکت داشته است. او مدتی در معیّت حضرات آیات سید جعفر کریمی و محمدی گیلانی و حجةالاسلام والمسلمین قاضی خرم آبادی به نمایندگی از امام (ره) به امور زندانها در قوه قضائیه می‌پرداخته است.

ابطحی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

برادر معظم له حجةالاسلام ذخر العلماء الاعلام آقای آقاسید محمدعلی ابطحی در سال ۱۳۵۰ قمری در اصفهان متولد و پس از طی مقدمات و سطوح عالیه در سال ۱۳۶۸ به قم مهاجرت نموده و از محضر آیات عظام و بالاخص آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده، و در سال ۱۳۷۸ قمری مهاجرت به نجف نموده و در آنجا از محضر درس مرحوم آیت‌الله العظمی حکیم و آیت‌الله العظمی خوئی و مرحوم آیت‌الله میرزا عبدالهادی شیرازی استفاده نموده، و ضمنا اشتغال به تدریس فقه و اصول دارند از تالیفات ایشانست تهذیب المقال فی تنفیح الرجال للشیخ النجاشی که جلد اول و دوم آن به طبع رسیده است.

حاج سید محمد علی فرزند دوم حجةالاسلام و المسلمین آقای حاج سید مرتضی حفید آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی فقیه احمدآبادی صاحب (مکیال المکارم) معظم له که از فقهاء و جامع معقول و منقول و از اساتید حوزه علمیه نجف اشرف و اصفهان می‌باشد.

در شهر اصفهان سال در ۱۳۴۹ ق روز ۲۶ صفرالمظفر متولد گردید و پس از تحصیلات فارسی به علوم عربی اشتغال پیدا کرد و اکثر کتب نحو و صرف و منطق را نزد پدر بزرگوارش تلمذ نمود و منظومه منطق حاج سبزواری را نزد استاد بزرگوار آیت‌اللّه حاج شیخ محمدرضا کلباسی و شرح نفیسی و شرح اسباب را نزد پدر خود و مقداری از قانون را نزد اساتید معروف آیت‌اللّه حاج میرزا علی آقا شیرازی قدس سره و سطح اصول و فقه تا کفایه و مکاسب شیخ را نزد اساتید عالی‌قدر حوزه اصفهان از جمله آیت‌اللّه ارباب و آیت‌اللّه حاج شیخ محمود مفید استفاده کرد.

در سال ۱۳۶۴ به حوزه مقدسه (قم) مشرف و اکثر تحصیلات فلسفه را فیلسوف بزرگ علامه بزرگوار آیت‌اللّه حاج سید محمدحسین طباطبائی صاحب (المیزان) دام ظله بود.

و به درس اسفار و شفاء ابن سینا و سایر دروس و ابحاث معظم له حاضر شده و در فقه و اصول به درس آیات عظام حوزه مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی آقای حجت و سایر آیات و اساتید حوزه حاضر و از مبرزین فضلاء و مؤلفین و مدرسین حوزه به شمار می‌رفت و در درس آیت‌اللّه بروجردی ره اشکالات او مورد توجه بود و آن مرحوم اظهار علاقه به وی

می‌نمود و از مؤلفین کتاب نفیس (جامع‌الحادیث) می‌باشد.
و در ربیع‌الاول سال ۱۳۷۴ به نجف اشرف تشرف پیدا کرده و به درس آیات عظام آیت‌اللّه حکیم، و آیت‌اللّه سید عبدالهادی و آیت‌اللّه خوئی حاضر و پس از وفات استاد بزرگوارش آیت‌اللّه بروجردی به تدریس اصول و فقه خارج و تالیف منحصراً پرداخته و جماعتی از فضلاء به درس وی حاضر می‌شدند.
و پس از حادثه اسف‌بار بیرون کردن حوزه علمیه نجف اشرف و ایرانیان به مدتی در دهم جمادی‌الثانی ۱۳۹۴ به علت کسالت قلبی به ایران آمدند و تاکنون در اصفهان استاد خارج فقه و اصول و تفسیر و رجال در اصفهان و مورد استفاده حوزه علمیه اصفهان و مردم این شهر می‌باشند.
مترجم گرامی ما از دانشمندان پرکار و جدی چه در تحصیل و چه در تدریس و چه در تالیف می‌باشند و از روز ورود به تحصیل تا حال حاضر همواره اشتغال به مطالعه و تالیف کتب قیمه و مفیده داشته و هرگز بیکار نبوده و لذا تالیفات بسیاری در قم و نجف نموده‌اند که فهرست آن را غیر از تقریرات بحث اساتید از نظر اهل ادب می‌گذرانیم. و اکثراً تاکنون طبع نشده و از مطبوعات آن است. ۱- تهذیب المقال اول، و دوم که در نجف اشرف و اخیراً در بیروت- تجدید طبع شده.
۲- شرح رساله ابی‌غالب زراری ره.
۳- تاریخ آل زراره.
و از غیر مطبوع - مؤلفات معظم له:
۱- الطبقات‌الکبری، در احوال و تراجم اصحاب پیغمبر اکرم (ص) و ائمه طاهرین (ع) ۳۶ مجلد.
۲- شرح رجال نجاشی ۶ مجلد.
۳- شرح رجال کشی ۲ مجلد.
۴- شرح فهرست شیخ طوسی ۲ مجلد بزرگ.
۵- اخبارالرواهٔ در شناسائی رواهٔ شیعه از طریق روایاتی که در مدح و ذم آنان رسیده و یا از طریق روایاتی که او روایت نموده.
۶- شرح کفایهٔ‌الاصول ۳ مجلد دوره اصول تحقیقی استدلالی.
۷- شرح (عروهٔ‌الوثقی فقه استدلالی، کتاب طهارت، و صلوات و صوم، و خمس، و حج و اجاره و مضاربه و نکاح و وصیت آن تالیف شده.
۸- الجهاد فی الاسلام فقه استدلالی.
۹- الخمس فی الاسلام.
۱۰- شرح وسایل‌الشیعه شرح تحقیقی کامل از نظر سند، و دلالهٔ و سایر جهات فقهیه آنها و قسمتی از کتب آن تالیف شده مثل کتاب طهارت، صلواهٔ، صوم، حج، جهاد، نکاح.
۱۱- کتاب الامام امیرالمؤمنین علی ابن ابی‌طالب (ع) ۲ مجلد.
۱۲- علوم‌القرآن ۲ مجلد.
۱۳- المعراج- بحث استدلالی مبسوط در معراج.
۱۴- التوحید بحث استدلالی مبسوط در الهیات.
۱۵- النبوه.
۱۶- النهضهٔ.
۱۷- الحکومهٔ الاسلامیه بحث استدلالی مبسوط در انحاء حکومات و حکومت اسلامی. ۱۸- المالکیهٔ فی الاسلام.
۱۹- رسالهٔ فی الرضاع.
۲۰- رسالهٔ فی صلواهٔ الجمعه.
۲۱- رسالهٔ فی النیابه.
۲۲- رسالهٔ فی صلهٔ الرحم.
۲۳- رسالهٔ فی الشفاعه.
۲۴- رسالهٔ فی الذباحه.
۲۵- شرح‌الوسیله.
۲۶- نخبهٔ الاثر فی رجال المعتبر.
۲۷- مصادر تراجم رواهٔ الشیعه.
۲۸- موالید النبی الاکرم و الائمه (ع) و وفیاتهم.
۲۹- تاریخ اصبهان.
۳۰- الزهراء علیهاسلام.
۳۱- علی (ع) فی القرآن.
۳۲- النبی و عایشه.
۳۳- علی و عایشه.
۳۴- ازواج النبی و عایشه.
۳۵- تاریخ عایشه.
۳۶- ابوهریره.
۳۷- مراسیل ابن ابی‌عمیر و اصحاب الاجماع.

۳۸- الموعودالمنتظر (ع).

۳۹- اخبارالزمان و وفیات الاعیان.

۴۰- شرح کتاب طهارت و صلوهٔ وافی فیض، شرح استدلالی و غیر از این رسائل دیگری که تالیف آن کامل نشده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ابطحی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید مرتضی بزرگ خاندان موحد ابطحی فرزند مرحوم سید علی بن سید محمدعلی ابن سید محمدحسین ابن میر محمدتقی معروف به (له له) از اجله بیوت سادات موسوی در اصفهان که نسبت آنان به حضرت موسی بن جعفر علیهاالسلام مورد گواهی علماء بزرگ و مشاهیر سادات موسوی مانند پدر صاحب روضات می‌باشند. معظم له از علماء بنام و ائمه جماعت معاصر اصفهانند که در حدود سال ۱۳۱۹ قمری برابر ۱۲۷۸ شمسی در اصفهان دیده به جهان گشوده و در بیت مجد و سیادت پرورش یافته و پس ار رشد و بلوغ و خواندن مقدمات و ادبیات و متون فقه و اصول در خدمت مدرسین بزرگ اصفهان به افتخار دامادی مرحوم علامه متقی آیت‌اللّٰه حاج سید محمدتقی فقیه احمدآبادی صاحب (مکیال المکارم) نائل شده و از محضر و درس استاد محقق جامع المنقول و المعقول آیت‌اللّٰه حاج سید علی نجف‌آبادی و آیت‌اللّٰه حاج سید محمد نجف‌آبادی صاحب حاشیه کفایه و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدرضا نجفی صاحب (وقایهٔالاذهان) و سایر اساتید حاضر گردید.

و در علم طب از مبرزین و مشاهیر مدرسین بشمار می‌رود و در جدیت در تحصیل و تدریس شهرتی دارد و در حوزه علمیه اصفهان فضلاء از تدریس ادبیات و سطوح اصول و فقه او بهره کامل داشته و در علوم اسلامی مورد استفاده عموم طبقات مردم اصفهان می‌باشند.

فرزندان برومند ایشان همه از فضلاء و مبرزین حوزه‌های علمیه قم و نجف و اصفهان بشمار می‌روند بدین ترتیب.

۱- آیت‌اللّٰه محقق حاج سید محمدباقر که از اساتید حوزه علمیه قم می‌باشند.

۲- آیت‌اللّٰه محقق آقای حاج سید محمدعلی که از اساتید حوزه علمیه نجف و اصفهان می‌باشند.

۳- حجهٔالاسلام- حاج سید علی که از افاضل حوزه علمیه قم می‌باشند.

۴- حجهٔالاسلام حاج سید محمدرضا (داماد معظم آیت‌اللّٰه العظمی آقای گلپایگانی) ۵- حجهٔالاسلام حاج آقای حجت از افاضل حوزه اصفهان.

۶- حجهٔالاسلام حسن آقا از فضلاء حوزه علمیه قم.

۷- حجهٔالاسلام حسین آقا از فضلاء حوزه علمیه قم.

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۲۳ ق.، اصفهان.

درگذشت: ۱۳ آذر ۱۳۷۱ (نهم جمادی‌الثانی ۱۴۱۳).

آیت‌الله سید مرتضی موحد ابطحی در سن نوجوانی در محضر آقایان استاد جلال‌الدین همایی، میرزا احمد شهیدی، میرزا محمد تقی موسوی، احمدآبادی، (صاحب مکیال المکارم و پدر همسر خویش) و آقا سید محمد درچه‌ای به آموختن دروس سطح مشغول شد. پس از اتمام سطح به درس خارج حضرات آیات سید محمد و سید علی نجف‌آبادی، شیخ محمدرضا مسجدشاهی شتافت و مبانی فقهی و اصولی خویش را تکمیل نمود و همزمان از محضر آقا شیخ محمود مفید (حکمت و کلام)، شیخ محمدباقر قزوینی (هیئت) و میرزا ابوالقاسم طبیب (طب سنتی) فراگرفت.

آیت‌الله موحد ابطحی پس از تحصیلات، رو به تدریس آورد و در مدرسه صدر به تدریس دوره سطح پرداخت و دهها شاگرد تربیت نمود. وی از حضرات آیات شیخ آقا بزرگ تهرانی، محدث قمی، سید محمدتقی موسوی احمدآبادی و مرعشی نجفی اجازه روایت و از آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، بروجردی و ملا محمد حسین فشارکی اجازه‌ی امور حسبیه را دریافت نمود.

از آثار ایشان می‌توان دیوان اشعار، رساله‌های گوناگون در حدیث، تاریخ کلام، ادعیه و احراز، طب و زیارت را نام برد.

آیت‌الله موحد ابطحی در نود سالگی، در سیزدهم آذر ۱۳۷۱ دار فانی را وداع گفت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ابن ابی‌جید قمی، ابوالحسین، ابوالحسن علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، فقیه امامی. او از جماعت بسیاری از محدثین از جمله محمد بن حسن بن ولید قمی روایت کرده است. نجاشی و شیخ طوسی از شاگردان وی بودند و شیخ طوسی در «استبصار» احادیث بسیاری از او نقل کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :روضات الجنات (۲۸۳ /۴)، ریاض العلماء (۳۵۲ -۳۴۹ /۳)، ریحانه (۳۳۲ /۷)، الفهرست للطوسی (۳۶، ۲۶، ۱۴).

ابن ابی‌حاتم رازی، ابومحمد عبدالرحمان

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۳۲۷ – ۲۴۰ ق)، متکلم، مفسر، فقیه، رجال‌شناس، حافظ و محدث. در ری متولد شد و در همانجا نشو و نما یافت. وی در محله‌ی درب حنظله‌ی ری ساکن، و خانه و مسجدش در آن محل واقع بود. به همراه پدر به حج رفت و سفرهای بسیاری نیز به شهرهای مختلف اسلامی، همچون شام و مصر و اصفهان داشت. قرآن را نزد فضل بن شاذان آموخت و پس از آن به فراگیری حدیث روی آورد، زیرا پدرش اجازه نداده بود که قبل از قرائت قرآن به حدیث بپردازد. در فراگیری حدیث از محضر استادان بسیاری از جمله پدرش، ابوحاتم رازی، و ابوسعید اشج و یونس بن عبدالاعلی و علی بن مُنذر طریقی و احمد بن سِنان و مسلم بن حجاج و حجّاج بن شاعر و ابراهیم مُزنی و بحر بن نصر و محمد بن عبدالملک بن زَنجویه و ابوزرعه رازی و ابن وارهٔ بهره جست و از آنها حدیث شنید. ابن عدی، حسین بن علی حسینک تمیمی، علی بن عبدالعزیز بن مَردک، حَمد اصفهانی، ابواحمد حاکم، احمد بن محمد بصیر رازی، ابراهیم بن محمد بن یَزداد، احمد بن محمد بن یزداد، ابراهیم بن محمد نصرآبادی، ابوسعید عبدالوهاب رازی و دیگران از وی حدیث نقل کرده‌اند و او را ثقه دانسته‌اند. چون ابن ابی‌حاتم، امیرالمؤمنین علی (ع) را مقدم بر عثمان می‌داند، سلیمانی وی را شیعه به حساب آورده است. پدرش ابوحاتم، عبادت و ورع وی را ستوده ست. از آثار وی: «الجرح والتعدیل». «تقدمهٔ المعرفهٔ للجرح والتعدیل»؛ «التفسیر»؛ «الردعلی الجهمیه»؛ «العلل» یا «علل الحدیث»؛ «المسند»؛ «الفوائد الکبیر»؛ «ثواب الاعمال»؛ «المراسیل»؛ «فوائد الرازیین» یا «فوائد اهل الری»؛ «الکنی»؛ «الزهد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۹۹ /۴)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (۳۲)، تهذیب التهذیب (۲۹ /۹)، الجرح والتعدیل (مقدمه/ د– ط)، ریحانه (۲۸۶ /۲)، سیر النبلاء (۲۶۹ –۲۶۳ /۱۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۷ /۴)، کشف الظنون (۱۸۴۰، ۱۴۵۸، ۱۴۴۰، ۵۸۳، ۵۸۲– ۴۳۶،)، لسان المیزان (۳۰۰ –۲۹۹ /۴)، لغت‌نامه (ذیل/ رازی)، معجم المؤلفین (۱۷۱ – ۱۷۰ /۵)، هدیهٔ العارفین (۵۱۳ /۱).

ابن ابی‌ربیع، عمادالدین، ابوطاهر عبدالسلام

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۶۱ ق)، محدث و فقیه حنفی. در شیراز متولد شد. برای استماع حدیث به شهرهای گوناگون سفر می‌کرد و آنچه می‌شنید و می‌خواند و نیز اجازه‌هایی که می‌گرفت در کتابی جمع می‌کرد. مدتی در بغداد اقامت کرد. روزگاری مصاحب شهاب‌الدین سهروردی بود. پس از بازگشت به شیراز به تدریس پرداخت. ابوالفتوح عجلی، ابوالمکارم لبان و معمر قرشی از او حدیث شنیده و روایت می‌کردند. بسیاری از طالبان علم در خدمت وی علم و ادب آموختند. در شیراز درگذشت و در جوار شیخ کبیر دفن شد. از آثار وی: کتاب «صنوان الروایهٔ و قنوان الدرایهٔ»، که همه مسموعات و مقروءات و مستجازات خود را در این کتاب ضبط کرده؛ «الاطراف»؛ «الدررالمنثوره فی السنن المأثوره»؛ «ذخیرهٔ العبادلیوم المعاد»؛ «فضل الساجد و شرف المساجد»؛ «المعلی»؛ «الوسائل لنیل الفضائل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی هزار مزار (۹۹ –۹۸)، شیرازنامه (۱۷۰)، معجم المؤلفین (۲۳۲ –۲۳۱ /۵).

ابن ابی‌شکر، یحیی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۶۸۲ /۶۸۰ ق)، منجم و ریاضیدان. مشهور به حکیم مغربی. از مردم قرطبه بود. در موطن خود فقه مالکی را آموخت و در علم هندسه و نجوم و رصد استاد شد. سپس به دمشق و از آنجا به مراغه رفت و از دستیاران خواجه نصیرالین طوسی شد. پس از مرگ خواجه به بغداد رفت و مجدداً به مراغه بازگشت و در آنجا مقیم شد و به حرمت زیست و از طرف سلطان وظیفه‌ی معین به او می‌رسید. از آثار وی: «المدخل المفید فی حکم الموالید»؛ «احکام تحاویل سنی العالم»؛ «طوالع الموالید»؛ «الجامع الصغیر فی احکام النجوم»؛ «عمدهٔ الحاسب و غنیهٔ الطالب»؛ «تاج الازیاج و غنیهٔ المحتاج»؛ «کتاب النجوم»؛ «تسطیح الاسطرلاب»؛ «کتاب المخروطات»؛ «ملخص المجسطی»؛ «اصلاح کتاب مینیلاوس فی الاشکال الکریهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۰ /۹)، ایضاح المکنون (۳۵۴ /۱)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۴۶۲ –۴۶۰)، کشف الظنون (۱۵۹۶، ۱۵۹۵، ۵۶۵، ۱۸)، معجم المؤلفین (۲۲۵ –۲۲۴ /۱۳)، هدیهٔ العارفین (۵۱۶ /۲).

ابن ابی‌طیّب نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۵۸ ق)، مفسر و شاعر. در نیشابور متولد شد. در اوایل قرن پنجم قمری در نیشابور چهار مدرسه بزرگ برای چهار فرقه بنا شد و آن مدرسه را که جهت شیعه و عدلیه و زیدیه، در محله اسفریس بنا کردند، به نام امام علی بن ابی‌طیّب نامیدند. او را در ۴۱۴ ق برای موعظه به دربار سلطان محمود غزنوی بردند، به محض ورود بی‌اجازه نشست و بی‌اجازه شروع به حدیث خواندن کرد، سلطان پندناپذیر فرمان داد تا بر سر او چنان ضربه‌ای زدند که از اثر آن ناشنوا شد. وی را شاگردان بسیاری بود که از آن جمله: خواجه ابوالقاسم علی بن محمد است. وی در سبزوار درگذشت. از آثارش: «التفسیر الکبیر»، در سی جلد؛ «التفسیر الاوسط»، در یازده جلد؛ و «التفسیر الصغیر»، در سه جلد؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۱۹ /۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۶۷ /۱)، تاریخ بیهق (۱۹۴)، سیر النبلاء (۱۷۴ -۱۷۳ /۱۸)، معجم الادباء (۲۷۶ -۲۷۳ /۱۳)، معجم المؤلفین (۱۳۱ -۱۳۰ /۷).

ابن ابی‌مریم مروزی، ابوعصمهٔ نوح

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۷۳ ق)، فقیه و قاضی مرجئی. مشهور به جامع. وی چون عالمی ذوفنون بود به جامع شهرت یافت. پدرش زرتشتی بود. در مرو می‌زیست و عهده‌دار منصب قضای آن شهر بو. وی به ارجاء اعتقاد داشت. روایتهای او را سست و احادیث وی را عیبناک می‌دانند. او «فقه ابوحنیفه» را گرد آورد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۸ /۹)، التاریخ الکبیر (۱۱۱ /۸)، تهذیب التهذیب (۴۳۵ -۴۳۳ /۱۰)، الجرح والتعدیل (ج ۴، ق ۴۸۵ /۱)، معجم المؤلفین (۱۱۹ /۱۳).

ابن اخوه بغدادی، جمال‌الدین، ابوالفضل عبدالرحمان

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۴۸ ق)، شاعر، ادیب و محدث شیعی. از بزرگان دودمان آل‌اخوه بود. در بغداد متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت. نزد ابوالسعادات هبهٔ اللّه بن شجری، ابوشجاع صابر بن حسین، ابوالفوارس زینبی، ابوالخطاب نصر بن احمد، ابوعبداللّه نعالی و ابوغانم هروی درس خواند و حدیث شنید. بانوی دانشمند، دختر سید مرتضی، که کتاب «نهج‌البلاغه» را از عمویش سید رضی نقل کرده نیز از مشایخ اوست. وی در طلب حدیث به ایران آمد و در کاشان و خراسان و ری و طبرستان حدیث شنید و چندی در اصفهان مسکن گزید و سالهای واپسین عمر خود را در شیراز گذراند و در همان جا درگذشت. ضیاءالدین راوندی، قطب‌الدین راوندی و عمادالدین راوندی و سدیدالدین طوسی از شاگردان وی بودند. وی به خاطر خط خوبی که داشت حدود یکهزار مجلد کتاب را استنساخ کرد. او شعر را نیز خوب می‌گفت و اشعاری از او باقی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۶۵ /۴)، اعیان الشیعه (۴۶۹ -۴۶۶ /۷)، ریاض العلماء (۴۰۹ /۵، ۱۰۷ /۳)، ریحانه (۳۷۷ /۷).

ابن الاسود

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد بن علویه کرانی کرمانی (کوانی) کاتب اصفهانی، شاعر محدّث ادیب لغوی شیعی، از مجاهرین شعرای اهل بیت است.

ابوحاتم سجستانی که خود از بزرگان شعر و ادب است خطاب به اهل بصره گوید: قسم به خدا این شاعر اصفهانی در محکم بودن اشعار، و کثرت فوائد آن، بر همه تفوّق یافته است.

بیشتر از یک صد سال عمر کرده، و در ۳۱۲ (و به قولی ۳۲۰) وفات یافته است.

کتب زیر از اوست: ۱- الاعتقاد، یا دعاء الاعتقاد ۲- الفیّه، و آن قصیده‌ای است در هزار بیات در مدح حضرت علی علیه‌السلام ۳- الرسائل المختاره، در ادعیه ۴- الشیب و الخضاب، و غیره.

نجاشی در رجال خود (:۶۴) و عموم مؤلّفین شیعه در کتب خود او را به احترام نام برده‌اند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابن الرسول، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضا ابن الرسول

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در خانواده ای روحانی در اصفهان چشم به جهان گشوده ام. در شش ماهگی همراه پدر و مادرم به قم هجرت کرده و تا بیست و چند سالگی همواره در میان قم و اصفهان در تردد بوده ایم. بخشی از تحصیلات دوران ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را هم در قم گذرانده ام.

همه قبیله من عالمان دین بوده اند. پدربزرگم مجتهد و مدرس حوزه علمیه اصفهان، پدرم مدرس خارج حوزه علمیه اصفهان و ممتحن دروس سطح عالی است. خود نیز از سال ۱۳۶۴ رسماً وارد حوزه علمیه قم مدرسه علمیه رضویه شدم و در سال ۱۳۶۵ با قبولی در دانشگاه اصفهان همزمان به حوزه اصفهان منتقل شدم و دروس حوزوی را در کنار دانشگاه ادامه دادم. تاکنون این مقارنت به لطف خداوند ادامه یافته است. و اکنون مدرس دانشگاه مرکز تخصصی حوزه علمیه اصفهان بوده و گاه گاه در موسسات آموزشی دیگر و نیز مدارس علمیه به تدریس ادبیات عرب اشتغال داشته ام.

ابن الرضا، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا میرزا محمود ابن الرضا از اجله علماء خوانسار و در علم و تقوا و زهد و حسن اخلاق در عصر خود کم‌نظیر بوده‌اند.

این عالم بزرگوار مردم را به محاسن اخلاق خود به سوی خدا دعوت و افعال و اقوالش برای آنان موعظه بود و رفتارش جامعه را به یاد خدا می‌آورد و به آخرت راغب می‌نمود گفتارش بر علم آنها میفزود.

وی از عموزادگان مرحوم آیت‌اللّه آقا سید میرزا آقای دولت‌آبادی است که از مشاهیر شاگردان و خواص اصحاب مرحوم آخوند ملا حسینقلی همدانی معروف می‌باشند.

آقای آقا میرزا محمود ابن‌الرضا در سال ۱۲۸۵ قمری متولد و از همان اوائل زندگی اشتیاق به تحصیل علوم و فضائل داشته از محاضر علماء اعلام معاصر خویش ادبیات و منطق و فقه و اصول را فراگرفت و سپس برای تکمیل معلومات به اصفهان مهاجرت و حدود شش سال از محاضر آیات مرحوم آخوند کاشی و علامه جهانگیر خان و آیت‌اللّه آقا نجفی مسجد شاهی و آیت‌اللّه میرزا محمدهاشم چهارسوقی خوانساری و غیرهم استفاده نموده و به خوانسار مراجعت و به تدریس پرداخته آنگاه برای عتبات عالیات حرکت و در نجف اشرف به منزل مرحوم آیت‌اللّه آقا سید میرزا آقای دولت‌آبادی وارد و مدت شش سال از محضر و درس آیت‌اللّه العظمی آقا سید محمدکاظم یزدی و علامه آخوند خراسانی و شریعت اصفهانی و آقا سید اسماعیل صدر و غیرهم استفاده کامل نموده و از بعض آنان به دریافت اجازه نائل و در خلال این مدت به تهذیب نفس و فراگرفتن اخلاق و سیر و سلوک نزد آقا سید میرزا آقای مذکور و ملا فتحعلی اشتغال داشته آنگاه مراجعت به خوانسار و در اثر موقعیت خاص محل و اختلافات داخلی و هرج و مرج و حکومت خوانین و متنفذین انزوا و گوشه‌گیری اختیار و به تدریس و ترویج و نشر احکام و اقامه جماعت و تهذیب اخلاق جامعه پرداخته و علاوه بر تدریس فقه و اصول درس اخلاق نیز داشتند و در اواخر عمر بیشتر اوقاتش مستغرق در عبادت و دعا بود و در هفتاد سالگی به عالم بقا رحلت فرمودند.

وی دارای دو پسر ۱- حجهٔ‌الاسلام میرزا رضا بود که در علم و عمل و ذکاوت و اخلاق حمیده همچون والد ماجد خود از همگنان گوی سبقت را می‌ربود. او از محضر والد ماجدش علوم ادبی و منطقی و فقه و اصول را استفاده کرده و بعد به قم آمده و از حوزه درس علماء قم مخصوصاً مرحوم آیت‌اللّه حایری مؤسس حوزه بهره‌مند شده ولی متأسفانه در سن ۲۷ سالگی از دنیا رفته است.

۲- حجهٔ‌الاسلام والمسلمین آقای میرزا محمدعلی ابن‌الرضا که از علماء معاصر خوانسار است. وی در ربیع‌المولود ۱۳۳۱ قمری متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح در خوانسار به قم مهاجرت نموده و از حدود سال ۱۳۴۹ قمری از محضر آیات و مدرسین حوزه علمیه بهره‌مند شده آنگاه در سال ۱۳۵۶ قمری به خونسار مراجعت و تاکنون به اقامه جماعت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

اساتید آنجناب سطحاً و خارجاً به قرار ذیل است:

۱- حضرت آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی

۲- حضرت آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدتقی خوانساری.

۳- حضرت آیت‌اللّه العظمی آقای آقا سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی.

۴- حضرت آیت‌اللّه مرحوم آقا میرزا محمد همدانی.

فرزند ارجمند و برومند آنجناب جناب حجةالاسلام آقای آقا سید مهدی ابن‌الرضا در خوانسار متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و در ذی‌الحجه سال ۱۳۷۱ قمری مهاجرت به قم نموده و ادبیات و سطوح را از مدرسین فراگرفته آنگاه به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی موسوی و مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی اراکی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی استفاده نموده و قسمتی از معقول و تفسیر را هم از علامه طباطبائی بهره‌مند گردیده و در حال حاضر تابستانها را و تعطیلات حوزه را در خوانسار و بقیه را در قم اشتغال روحی و دینی دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ابن بابویه ابوجعفر، محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوجعفر محمد بن علی ابن حسین فرزند مهتر ابوالحسن علی بن حسین قمی و ملقب به صدوق (ف. ۳۸۱. ه‌.ق.). او از اساتید بسیار از جمله پدر خود و محمد بن حسن ابن‌الولید ادب و فقه را فراگرفت.

وی با سلاطین و اعاظم شیعه زمان خود آمیزش داشت. کتاب من لا یحضره الفقیه خود را که از کتب معتبر شیعه و یکی از کتب اربعه است به نام الولید نوشته است. مدتی نیز در بغداد تدریس می‌کرده در اواخر عمر در ری متوطن شد و وزیر رکن‌الدوله، صاحب بن عباد او را گرامی می‌داشت. ابن بابویه کتاب عیون الاخبار الرضا را به نام صاحب بن عباد نوشت. از کتب دیگر اوست: اکمال‌الدین، امالی، معانی، الاخبار، کتاب التوحید، ثواب الاعمال، علل الشرائع، کتاب الخصال، و کتاب الاعتقاد که همه به طبع رسیده.

محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی. کنیه وی ابوجعفر و لقبش (صدوق) است و او چنانکه شیخ گوید: به جلالت قدر معروف و به قوه حافظه موصوف در مضمار فقاهت یکه‌سوار و در میدان احادیث و اخبار و بصیرت به احوال رجال علمدار، او را کتابهای بسیار و مصنفات بیشماری است و آنها را در فهرست ذکر کرده‌ایم.

نجاشی و علامه فرموده‌اند: او پیشوای ما شیعه و فقیه ماست. و در خراسان رئیس طایفه بوده.

در سنه‌ی ۳۵۵ وارد بغداد شد و با حداثت سن شیوخ طائفه بسماع حدیث مستفیض و بهره‌مند شدند و علامه نیز پس از این سخن او را به جلالت قدر و حفظ و بصیرت به احوال رجال و ناقدیت اخبار ستایش کرده و گفته است در قمیین مانند او در قوه حافظه و حفظ حدیث و کثرت علم دیده نشده قریب سیصد کتاب تصنیف کرده و آنها را در کتاب کبیر خود ذکر کرده‌ایم و به موافقت نجاشی گفته وفات وی در ری سنه‌ی ۳۸۱ بوده.

وحید بهبهانی قدس سره الشریف در تعلیقه از محقق بحرانی نقل کرده که در حاشیه کتاب بلغه که در علم رجال است چنین گفته: مشایخ ما یکی از دیگری از شیخ‌بهائی رحمةاللّه‌علیه روایت کرده‌اند که: کسی از وی از حال این شیخ بزرگوار سؤال کرد. پس از تعدیل و توثیق و ثنا و ستایش او فرمود که در قدیم‌الایام کسی از من سؤال کرد که زکریا بن آدم و شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه کدام یک افضل و در مرتبه جلالت اکملند گفتم زکریا بن آدم، چه اخبار بسیار و احادیث بی‌شمار از ائمه اطهار علیهم صلوات‌اللّه الملک الغفار در مدح او وارد شده. پس از این جواب در خواب خدمت شیخ صدوق (ره) رسیدم آن جناب به من عتاب کرده فرمود، از کجا دانستی که زکریا بن آدم از من افضل است و روی از من برگردانید.

این بزرگوار در السنه اهل علم ملقب به رئیس المحدثین و صدوق مطلق است و گفتیم که او با برادرش (حسین بن بابویه) بدعاء حضرت صاحب‌الامر عجل‌اللّه‌فرجه متولد شده‌اند و مدح ایشان قبل از ولادتش به زبان آن لسان اللّه جاری شده.

بالجمله جلالت او پیدا و آشکار و عدالت او کالشمس فی رابعهٔ النهار است کتب و مصنفات وی بتفصیل در کتاب رجال شیخ و نجاشی (ره) مذکور است و حضرتش را در مجلس رکن‌الدوله دیلمی با علمای مخالفین در اثبات خلافت بلافصل حضرت امیرالمؤمنین و حقانیت مذهب شیعه مناظره‌ایست که قاضی نوراللّه شوشتری نوراللّه مرقده الشریف در (مجالس المؤمنین) آن را نقل کرده از خوف اطناب از درجش اجتناب شد.

قبر شریفش در شهر ری نزدیکی قبر منور حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام در وسط باغ مستوفی با بقعه و قبه عالی زیارتگاه عامه مردم است، این نویسنده ترجمه او را مفصلا با تراجم دانشمندان و رجال علمی که در اطراف مزار او مدفونانـد در کتاب «تذکرهٔ المقابر» فی «احوال المفاخر» خود نگاشته‌ام من جمله کرامات آن بزرگوار که جماعتی از اعلام در کتب خود ثبت نموده‌اند در زمان فتحعلیشاه خواستند قبر شریفش را تعمیر نمایند ناگزیر به نبش شدند دیدند جسد مطهرش بحال خود باقیست و نپوسیده است و بر نوک ناخن و محاسن او رنگ حنا باقی است.

مرحوم حاج شیخ عبداللّه مامقانی در رجال خود (تنقیح المقال) می‌گوید و از چیزهائی که گواهی به جلالت او می‌دهد اضافه بر آنچه گذشت که برای من نقل کرده‌اند بسند صحیح متجاوز از چهل سال قبل، از عدل ثقه امین سید ابراهیم لواسانی تهرانی (جد سادات لواسانی) قدس سره که در اواخر صده سوم بعد از هزار (۱۳۰۰) سیل قبر او را خراب کرد و جسد شریفش نمودار شد، سید لواسانی از اشخاصی بوده که داخل قبر شده و دیده که جسد شریفش صحیح و سالم است و تغییر نکرده گویا روح او الآن از جسدش مفارقت نموده و رنگ حنا بر محاسن و زردی حنا در پای او موجود است.

نگارنده گوید- این حکایت را شنیدم از سید استادم علامه بزرگوار فقیه و محدث اهل البیت علیهم‌السلام آیةاللّه نجفی مرعشی مدظله که فرمودند مرحوم پدرم علامه ورع حاج سید محمود مرعشی در سفر مشهدش در تهران با عده‌ای از علماء مرکز به زیارت بدن شریف مرحوم صدوق موفق شده و دست او را بوسیده که نرم بود و ناخن یک دستش را گرفته و دست دیگرش را نگرفته بود

(گویا دست راست را روز پنجشنبه گرفته و دست چپ را برای روز جمعه گذارده که در شب جمعه وفات نموده).

و این مطلب از متواتراتست و افرادی که به این فیض رسیده‌اند نامبردگان زیراند:

۱- سید ابراهیم لواسانی ۲- میرزا ابوالحسن جلوه حکیم و فیلسوف آن عصر ۳- سید محمود مرعشی ۴- حاج آقا محمد آل آقا سبط وحید بهبهانی ۵- آخوند ملا محمد اندرمانی و بعضی دیگر.

از تصنیفات و تألیفات آن بزرگوار قدس سره که مطبوع و در کتابخانه نگارنده موجود است نامبرده‌های زیر است: ۱- کتاب من لا یحضره الفقیه ۲- کتاب علل‌الشرایع ۳- کتاب معانی‌الاخبار ۴- کتاب الامالی ۵- کتاب التوحید ۶- کتاب خصال ۷- کتاب المقنع ۸- کتاب ثواب الاعمال ۹- کتاب عقاب الاعمال ۱۰- کتاب عیون اخبارالرضا ۱۱- کتاب الاعتقادات ۱۲- کتاب حقوق الاخوان ۱۳- کتاب صفات الشیعه ۱۴- کتاب اکمال‌الدین و اتمام النعمه که به امر حضرت صاحب‌الامر روحی له الفداء نوشته است و از کتابهای بسیار ارزنده او کتاب مدینهٔ‌العلم است که متأسفانه از قرن ششم به بعد مفقود شده و اثری از او نیست و به گفته بعضی از بزرگان اگر مفقود نشده بود ما را از کتب اربعه مستغنی می‌کرد.

این بزرگوار دانشمندی نابغه و متحرك بوده و فکری مواج داشته است. او در روزگار سلطنت رکن‌الدوله دیلمی و وزارت صاحب بن عباد که هر دو شیعی مذهب و شخصیتی ممتاز داشته‌اند به منظور معرفی شیعه، دست به یک سلسله مسافرتهای طولانی زد و همه جـا بـا استقبال شایـان اهـل فضل و رجال حـدیث روبرو شـد، این مسافرتها از ری که مقر وی بود شروع و به ری نیز پایان یافت، به طوری که از تألیفات او استفاده می‌شود صدوق در سال ۳۵۲ هجری در نیشابور بود که آن روز مرکز علمی بزرگ اهل تسنن بود توقف داشت و همانسال به بغداد و از بغداد به کوفه رفته و تا سال ۳۵۴ در کوفه بوده سپس در ۳۵۵ به بغداد مراجعت کرده و در ۳۶۷ به خراسان سفر کرد و تا سال ۳۶۸ در نیشابور مانـد و همان سال عازم ماوراءالنهر و بخارا شـد و در سال ۳۷۲ کتاب با عظمت «من لا یحضره الفقیه» را در قصبه «ایلاف» از توابع شهر تاریخی «بلخ» تألیف کرد.

رجال و دانشمندانی که افتخار مجاورت این بزرگوار را یافته‌اند بسیار و از معاریف و مشاهیر آنان نامبردگان زیر می‌باشند.

۱- مرحوم علامه عالیقدر و حکیم ربانی حاج شیخ علی مدرس نوری (ره)

۲- مرحوم سید المتالهین فیلسوف و حکیم امامیه علامه بزرگ میرزا ابوالحسن جلوه.

۳- مرحوم شیخ الحکماء والفقهاء میرزا طاهر تنکابنی.

۴- مرحوم عالم جلیل‌القدر میرزا مسیح طالقانی استاد و مدرس مدرسه مروی که ماده تاریخ فوتش این آیه: (لن یستنکف المسیح ان یکون عبداً للّٰه) است

۵- مرحوم حجهٔ‌الاسلام و شیخ الاعلام حاج شیخ محمد آملی والد ماجد آیهٔ‌اللّٰه آملی معاصر ما.

۶- عالم بزرگوار حاج شیخ احمد خندق‌آبادی پدر بزرگوار شیخ المحدثین حاج شیخ جعفر خندق‌آبادی معاصر.

۷- دانشمند جلیل‌القدر حاج شیخ محمد خندق‌آبادی فرزند آن مرحوم.

و بسیاری دیگر که ذکر آنها موجب اطناب و طالبین مراجعه به کتاب تذکرهٔ‌المقابر نویسنده کنند.

(وف ۳۸۱ ق)، محدث، مفسر، فقیه، اصولی، حافظ قرآن و رجال‌شناس شیعی. مشهور به شیخ صدوق. وی یکی از برجسته‌ترین فقها و محدثان شیعه است. اهل قم بود و در خانواده‌ای فقیه و دانشور به دنیا آمد. پدرش، ابوالحسن علی بن حسین، شیخ قمی‌ها در زمان خویش، نیز محـدث و فقیه والایی بود. در قم از پـدرش و محمـد بن حسـین بن ولیـد و محمـد بن علی ماجیلویه و احمد بن علی بن ابراهیم قمی و دیگران، فقه و حـدیث آموخت. استادان شـناخته شـده‌ی او را در قم و دیگر شـهرها متجاوز از دویست نفر می‌داننـد. سپس راهی سـفری دراز گردید و در ری، نیشابور، مشـهد، بلخ، بخارا، مدینه، کوفه، بغداد و همدان، نزد عالمان بزرگ آن عصر به تحصـیل علم پرداخت و از سـرآمدان شـیعه‌ی آن روزگار شد. شیخ مفید و حسین بن عبیداللّٰه غضائری و حسین بن علی بن بابویه از شاگردان معروف او بودند. دانش، حافظه قوی و استواری او در معارف شیعی، آثارش را به لحاظ اهمیت در صدر قرار می‌دهد. در آخرین سالهای زندگی به درخواست شیعیان ری در آن شهر ساکن شد و در همان جا درگذشت. تألیف حدود سیصد اثر را به وی نسبت می‌دهند و نجاشی از یکصد و هشتاد کتاب او نام می‌برد. مهم‌ترین اثار وی عبارت‌اند از: «من لا یحضره الفقیه»، یکی از کتب چهارگانه‌ی شـیعه؛ «الاعتقادات»؛ «مدینـهٔ العلم»؛ «عیون اخبار الرضا (ع)»، که به درخواست صاحب بن عباد نوشت؛ «الخصال» «اثبات الخلافهٔ»؛ «فضائل الشیعهٔ»؛.«علل الشـرایع»؛ «دعائم الاسـلام»؛ «ثواب الاعمال»؛ «کتاب الامالی»، معروف به «مجالس»؛ «معانی الاخبار»؛ «اثبات الوصیهٔ»؛ کتاب «التوحید»؛ «صفات الشیعهٔ»؛ «نصوص الائمهٔ».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۵۹ / ۷)، اعیان الشیعه (۲۵ -۲۴ / ۱۰)، ایضاح المکنون (۵۸۴، ۵۰۵، ۴۹۱، ۴۹۰، ۴۵۶، ۳۵۰، ۳۴۲، ۳۱۶، ۳۱۵، ۲۹۷، ۲۶۱، ۱۹۶، ۱۰۳ / ۲، ۴۷۷، ۴۷۳، ۳۴۸، ۱۲۳ / ۱)، تاریخ ادبی ایران (۵۴۸ -۵۴۷ / ۱)، تاریخ بغداد (۸۹ / ۳)، خاتمهٔ مستدرک الوسائل (۲۶۵ -۲۵۷، ۲۴۰ / ۳)، دانشنامه (۴۳۲ -۴۳۱ / ۳)، دایرهٔ المعارف فارسی (۱۷ -۱۶ / ۱)، الذریعه (۱۷۹ / ۲۴، ۲۳۲ / ۲۲، ۲۰۴ / ۲۱، ۲۶۰ / ۱۶، ۳۷۵، ۳۱۳، ۴۵ / ۱۵، ۱۶۲ / ۷، ۴۸۲ / ۴، ۳۱۵، ۲۲۶ / ۲)، رجال الطوسی (۴۹۵)، رجال النجاشی (۳۱۶ - ۳۱۱ / ۲)، روضات الجنات (۱۳۵ -۱۲۳ / ۶)، رجال ابن‌داود (قسم ۳۲۵ -۳۲۴ / ۱)، ریاض العلماء (۱۲۲ -۱۱۹ / ۵)، ری باستان (۴۲۲ / ۲، ۴۲۶ -۴۲۴ / ۱)، ریحانه (۴۳۹ -۴۳۴ / ۳)، سیر النبلاء (۳۰۴ -۳۰۳ / ۱۶)، الفهرست لابن الندیم (۳۶۳)، الفهرست للطوسی (۳۰۵ -۳۰۴)، فوائد الرضویه (۵۶۴ -۵۶۰)، کشف الظنون (۱۱۷۴)، الکنی والالقاب (۲۲۳ -۲۲۱ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ابن‌بابویه)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۷ -۶۱۲ / ۵)، مجالس المؤمنین (۴۶۳ -۴۵۴ / ۱)، معجم المؤلفین (۳ / ۱۱)، معجم رجال الحدیث (۳۲۶ - ۳۱۶ / ۱۶)، هدیهٔ الاحباب (۵۰ -۴۹)، هدیهٔ العارفین (۵۳ -۵۲ / ۲).

ابن بشر مرورودی، ابوحامد احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۶۲ ق)، فقیه شافعی. نزد ابواسحاق مروزی فقه آموخت. وی از مرو به بصره رفت و در آنجا ساکن شد، و به تدریس پرداخت. مقام افتاء و قضای آن شهر را نیز عهده‌دار شد. فقهای بصره از محضرش بهره گرفتند. ابوحیان توحیدی از شاگردان خاص وی بود. از آثارش: «الجامع»، در فقه شافعی، حدود هزر برگ؛ شرح «مختصر» مزن؛ «الاشراف علی اصول الفقه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۳۹، ۹۹ /۱)، روضات الجنات (۱۷۸ /۱)، ریحانه (۲۹۵ -۲۹۴ /۵)، سیر النبلاء (۱۶۷ -۱۶۶ /۱۶)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۳۹۴)، کشف الظنون (۱۶۳۵، ۵۷۵)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (۲۵۸ /۱)، الوافی بالوفیات (۱۰ /۷)، وفیات الاعیان (۷۰ -۶۹ /۱)، هدیهٔ العارفین (۶۶ /۱).

ابن بکا بلخی، عبدالمعین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۴۰ ق)، عالم حنفی. اصلاً بلخی است و در مصر نشو و نما کرد. وی مسلک تصوف داشت و از طریقه‌ی شاذلیه پیروی می‌کرد. او شاگرد ابن‌حجر هیتمی بود. در مدینه درگذشت. از آثار وی: «طراز الاسمی علی کنزالمعما»، که شرح «کنزالاسماء فی علم المعما» قطب‌الدین محمد بن علاءالدین علی مکی است؛ «غوانی الاشواق فی مغانی العشاق».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۱۵۱ /۲، ۵۶۹ /۱)، کشف الظنون (۱۵۱۳)، معجم المؤلفین (۱۷۸ /۶)، هدیهٔ العارفین (۶۲۳ /۱).

ابن بندار فرغانی، ابواحمد محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، عالم شافعی. وی از مشایخ شیخ صدوق است و شیخ صدوق در فرغانه از او حدیث شنید و در «عیون اخبار الرضا (ع)» و «الخصال» از وی روایت کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۶۲ /۲)، معجم رجال الحدیث (۱۶۰، ۱۵۸ /۱۵).

ابن خضرشاه اصفهانی، عیسی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۰۷۴ -۱۰۳۴ ق)، فقیه و محدث شیعی. پدرش از کارگزاران دربار شاه‌عباس بود. ۲۰ سال از زندگی خود را به فراگیری دانش پرداخت و در مجلس درس استادانی چون میرزا علی اصفهانی، محمدتقی مجلسی، رفیع‌الدین نایینی، علاءالدین محمد گلستانه و محمدصادق کرباسی حاضر شد و در انواع علوم عقلی، نقلی، ادبی، ریاضی و پزشکی مهارت یافت. وی در تقوا و پرهیزکاری و زهد و بی‌اعتنایی به دنیا تا بدان پایه بود که گرچه او را مکلف به منصب قضاوت و شیخ الاسلامی اصفهان کردند اما او نپذیرفت و با اینکه ثروت فراوان داشت به دست خود به استنساخ کتب می‌پرداخت. به گفته‌ی پسرش میرزا عبداللّه افندی، مؤلف «ریاض العلماء» کتب بسیاری را استنساخ کرد. ابن خضرشاه خوشنویسی چیره‌دست بود و با وجود سرعت کتابت انواع خط را به زیبایی می‌نوشت. به برکت او بیشتر خویشاوندان و خدمتگزاران و یاران و اهالی محل او موفق به کسب دانش شدند. از آثار وی: «رسالهٔ فی کیفیهٔ تحلیف اهل الذمه و سائر الکفار»؛ «رسالهٔ فی رؤیهٔ الهلال قبل الزوال»؛ «رسالهٔ فی صلاهٔ الجمعهٔ»؛ تعلیقاتی بر «کلام اللّه مجید»، و «کتب اربعه» حدیثی، و کتب فقهی و اصولی، و کتب ادبیات عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۰۹ /۱۱)، ریاض العلماء (۳۱۰ -۳۰۶ /۴)، معجم المؤلفین (۳۲ /۸).

ابن خطیب گنجوی، تاج‌الدین امیراحمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، شاعر و ادیب. مشهور به پسر خطیب گنجه یا پورخطیب گنجه. وی معاصر محمود غزنوی بود و با همسرش مهستی

گنجوی به دربار غزنوی پیوستگی داشت. همسرش از سرایندگان شهرآشوب بود و میان او و مهستی مناظره در می‌گرفت. در سده‌ی هفتم قمری داستان امیراحمد و مهستی درباره‌ی شوخ‌طبعیهای وی و همسرش به نثر نوشته شد. از وی اشعاری در تذکره‌ها باقی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ گزیده (۷۱۸)، تاریخ نظم و نثر (۳۹، ۷۳۹، ۸۵)، تذکره‌ی روز روشن (۱۸)، دانشمندان آذربایجان (۷۶)، الذریعه (۲۱ /۹)، مجالس النفائس (۳۲۷).

ابن دُوَل قمی، احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۵۰ ق)، عالم و نویسنده‌ی شیعی. از زندگانی وی چیزی در دست نیست، اما از آثارش چنین برمی‌آید که مؤلفی والا و نویسنده‌ای پرکار بوده است. عاملی برای وی ۷۷ کتاب و استرآبادی ۱۰۰ کتاب برشمرده است. از جمله آثار وی: «الحدائق»، در توحید، که برای فرزندش، محمد بن احمد، نوشته؛ «الطبقات»؛ «التفسیر»؛ «المؤمن»؛ «الایضاح»؛ «السنن»؛ «التهذیب»؛ «التنبیه»؛ «العلل»؛ «الصلاة»؛ «الزکاة»؛ «الزیارات»؛ «الاخوان»؛ «الدلائل»؛ «التحذیر»؛ «الکمال»؛ «التنافس»؛ «العواصم»؛ «الطب»؛ «خصائص الاطعمة»؛ «الادویة».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۰ /۱)، اعیان الشیعه (۱۴ -۱۰۳ /۳)، الذریعه (۱۴۵ /۱۵، ۷۷، ۴۰ /۱۲، ۲۳۶، ۸/ ۲۹۶، ۶/ ۱۴۹، ۵/ ۴۳۷، ۴/ ۳۷۶، ۳/ ۴۸۹، ۲/ ۳۸۲، ۱/)، رجال النجاشی (۲۳۴ -۲۳۲ /۱)، معجم رجال الحدیث (۲۵۹ -۲۵۸ /۲).

ابن شهرآشوب سروی مازندرانی، رشیدالدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۸۸ -۴۸۸ ق)، عالم، متکلم، محدث، فقیه، مفسر، ادیب و شاعر شیعی. در ساری متولد شد. نیای وی شهرآشوب از شاگردان شیخ طوسی بود و ابن شهرآشوب به واسطه‌ی پدر خود از او روایت می‌کرد. در هشت سالگی قرآن را حفظ می‌خواند. از زمخشری و احمد و محمد غزالی و خطیب خوارزمی اجازه‌ی روایت داشت. بنا به دلایل مذهبی به حلب که در آن زمان در پرتو حمایت حمدانیها پیشرفته‌ترین مرکز علمی تشیع و پناهگاه شیعیان بود، رفت. مدتی نیز در بغداد اقامت داشت. به دلیل اینکه بلاغتش در خطبه مورد پسند مقتفی، خلیفه‌ی عباسی، واقع شد و مواعظش در وی مؤثر افتاد، منصب تدریس در بغداد و لقب رشیدالدین گرفت. پدرش شیخ علی بن شهرآشوب، ابومنصور احمد طبرسی، امین‌الدین طبرسی، ابوالفتوح رازی، قطب راوندی، وفتال نیشابوری، از جمله‌ی استادان وی بودند. شاگردان زیادی نزد وی تربیت شدند. محقق حلی خود را به یک واسطه شاگرد او می‌دانسته است. شهرت و مقبولیت وی چندان بود که علی‌رغم اعتقادات شیعی، مورد احترام و قبول اهل تسنن نیز بود و وی را از محدثین ثقه می‌دانند. مقبره‌ی ابن شهرآشوب در جبل‌جوشن نزدیک مشهد حسینی قرار دارد. از آثار وی: «معالم العلما»، که فصلی از آن درباره‌ی شعرای شیعه است؛ «مناقب آل ابی‌طالب»؛ «متشابه القرآن»؛ «بیان التنزیل»؛ «اعلام الطرائق فی الحدود والحقائق»؛ «انساب آل‌ابیطالب»؛ «الاسباب والنزول علی مذهب آل‌رسول (ص)»؛ «الحاوی»؛ «الاوصاف»؛ «المنهاج»؛ «المخزون المکنون فی عیون الفنون».[۱]

ساری قدیم‌الایام معدن رجال و دانشمندان بزرگ علمی بوده و بزرگان از قبیل علامه جلیل‌القدر جناب محمد بن علی بن شهرآشوب ساروی مازندرانی منسوب به آن می‌باشد.

این بزرگوار از علماء قرن ششم هجری و صاحب تألیفات عدیده مانند مناقب آل ابیطالب و متشابهات القرآن و معالم‌العلماء و غیره می‌باشد.

علماء علم رجال وی را چنین ستوده‌اند.

محمد بن علی بن آشوب السروی نورالله مرقده السنی فخر الشیعه و تاج‌الشریعه محی آثار المناقب والفضائل والبحر المتلاطم الزخار الذی لیس له ساحل قطب المحدثین و شیخ مشایخهم رئیس‌العلماء و فقیههم رشید الملة والدین شمس‌الاسلام والمسلمین فقیه وجیه و محدث مفسر محقق ادیب اریب شاعر منشی بلیغ جامع فنون فضائل و محاسن عالم ربانی شیخ رشید بن ابن شهر آشوب المازندرانی صاحب ۱- مناقب آل ابیطالب ۲- والمعالم ۳- و مثالب النواصب ۴- والمخزون المکنون فی عیون الفنون ۵- و اعلام الطرائق فی الحدود ۶- والحقایق ۷- والاوصاف ۸- و مائدة الفایده ۹- والمثال فی الامثال والاسباب ۱۰- والنزول علی مذهب آل الرسول ۱۱- والحاوی ۱۲- والانصاف ۱۳- والمنهاج الی غیر ذلک مما ذکره فی رجاله المسمی بمعالم العلماء.

وی در شب جمعه ۲۲ شعبان سنه ۵۸۸ ق ه وفات یافته و در بیرون حلب در بالای کوه معروف به جبل جوشن در جوار مشهدالسقط (محسن بن حسین الشهید (ع)) و قبر احمد بن منیر و ابن‌زهره.

و ما به خواست خدا عده‌ای از رجال گذشته و معاصر این شهر را به نظر ارباب فضل و دانش می‌آوریم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۶۷ /۷)، اعیان الشیعه (۱۷ /۱۰)، ایضاح المکنون (۴۵۲، ۴۲۷، ۴۲۱ /۲، ۱۰۳، ۶۹ /۱)، خاتمهٔ مستدرک الوسائل (۶۰ -۵۶ /۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶۶۳ -۶۶۲ /۵)، الذریعه (۲۳۳، ۱۵۴ /۲۳، ۳۱۹، ۳۱۸- ۲۲/ ۲۰۱، ۹۹ -۹۸ /۲۱، ۲۳۱ /۲۰، ۷۶، ۷۳، ۶۳ -۶۲، ۱۱ -۱۰ /۱۹، ۱۷۸، ۱۷۷- ۳/ ۴۷۷، ۴۷۶، ۳۷۸، ۲۳۹، ۱۲ /۲)، روضات الجنات (۲۷۲ -۲۶۹ /۶)، ریاض العلماء (۱۲۸ -۱۲۴ /۵)، ریحانه (۶۰ -۵۸ /۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۴ -۲۷۳ /۶)، فوائد الرضویه (۵۷۱ -۵۶۸)، قصص العلماء (۴۲۹ -۴۲۸)، کشف الظنون (۱۵۸۴، ۱۲۶۹، ۷۷)، الکنی والالقاب (۳۳۳ -۳۳۲ /۱)، لسان المیزان (۳۹۵ /۶)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن شهرآشوب)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۵ -۶۲۴ /۵)، معجم المؤلفین (۱۷ -۱۶ /۱۱)، نامه‌ی دانشوران (۴۶ -۴۵ /۵)، الوافی بالوفیات (۱۶۴ /۴)، هدیهٔ الاحباب (۶۹)، هدیهٔ العارفین (۱۰۲ /۲).

ابن صدرالدین شروانی، محمدامین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۳۶ ق)، عالم حنفی. از مدرم شروان بخارا و به امیر پادشاه بخاری مشهور و به علامه موصوف بود. در انواع علوم دست داشت. مدتی درآمد (دیار بکر) و قسطنطنیه اقامت کرد. از آثار وی: «تعلیقات علی انوار التنزیل»، اثر بیضاوی؛ «تفسیر سورهٔ الفتح»؛ «حاشیهٔ علی شرح الشمسیهٔ»، در منطق؛ «رسالهٔ فی المبدأ والمعاد»؛ «شرح قواعد العقائد»، اثر غزالی، در کلام؛ و «الفوائد الخاقانیهٔ»، مشتمل بر پنجاه و سه علم عقلی و نقلی که برای سلطان احمد عثانی جمع‌آوری کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۶۶ /۶)، ریحانه (۶۷ /۸)، کشف الظنون (۱۹۰۶، ۱۳۵۸، ۱۹۲)، معجم المؤلفین (۷۴ -۷۳ /۹)، هدیهٔ العارفین (۲۷۵ /۲).

ابن طباطبا

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالحسن محمد بن احمد بن محمد بن احمد بن ابراهیم طباطبا، از محقّقین علما و بزرگان شعرا است که در دوره غیبت صغری در اصفهان می‌زیسته. در اعیان الشیعهٔ (۶۳:۶) گوید: ابن شهرآشوب او را از شعرای اهل بیت می‌شمارد.

در ریحانهٔ الادب(۸۲:۸) گوید: در سال ۳۲۲ هجری در اصفهان وفات یافته، و خانواده‌اش در آنجا مشهور، و علما و ادبا و نقبا در میان ایشان بسیار است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابن عبدالباقی بخاری مکی، علاءالدین، ابوالمعالی محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۹۱ ق)، قاضی، خطیب و ادیب. معروف به خطیب مدینه. وی در ۹۹۱ ق در مدینه به ایراد خطبه می‌پرداخت. از آثار وی: «الطراز المنقوش فی فضائل الحبوش»، تألیف ۹۹۱ ق، موسوم به «نزههٔ الناظر و سلوهٔ الخاطر»؛ «عقد الفرائد فیما نظم من الفوائد»، در ادب.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۵۵ -۵۴ /۷)، ایضاح المکنون (۱۰۹ /۲)، کشف الظنون (۱۱۰۹)، معجم المؤلفین (۱۲۳ /۱۰)، هدیهٔ العارفین (۲۵۶ /۲).

ابن عبدالوارث فارسی، ابوالحسین محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۱ ق)، شاعر. معروف به ابن اخت فارسی. از مردم نیشابور و خواهرزاده‌ی ابوعلی فارسی بود. علوم عربی را نزد دایی خود آموخت. و پس از آن به گردش در سرزمینهای مختلف پرداخت و در ری به خدمت صاحب بن عباد رسید. پس از آن در غزنه به خدمت دستگاه دیوانی غزنویان درآمد و در پادشاهی کوتاه اسماعیل بن سبکتگین وزارت یافت. پس از سقوط آن دولت مستعجل، به خراسان بازگشت و در نیشابور اقامت گزید. یک بار نیز به حج رفت. پس از بازگشت به ایران، در گرگان به تدریس مشغول شد. از جمله شاگردان او، عبدالقاهر جرجانی بود که به جز از محضر او، از محضر استاد دیگری استفاده نکرد. ابن عبدالوارث با صاحب بن عباد مکاتبه داشت. از آثار او: کتاب «الهجا»؛ «ماهیهٔ الشعر» و «دیوان» شعر، به زبان عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۰ /۶)، ایضاح المکنون (۴۲۱ /۲)، روضات الجنات (۳۳۹ /۳)، ریحانه (۱۰۴ –۱۰۳ /۸)، معجم الادباء (۱۸۷ –۱۸۶ /۱۸)، معجم المؤلفین (۲۵۴ –۲۵۳ /۹)، الوافی بالوفیات (۹ /۳)، هدیهٔ العارفین (۶۴ /۲).

ابن فاذِشاه اصفهانی، ابوعبداللّه محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۸۱ ق)، متلکم و فقیه شافعی اشعری. وی اهل اصفهان بود که به بصره مهاجرت کرد. او آثار زیادی در فقه و اصول و احکام داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۲۷ /۷)، معجم المؤلفین (۱۳۶ –۱۳۵ /۱۱).

ابن قاآنی خوارزمی، ابومحمد منصور

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۷۵ /۷۰۵ ق)، عالم اصولی و فقیه حنبلی. وی از مردم خوارزم بود، اما در مکه اقامت داشت و در همان جا درگذشت. از آثار وی: شرح «المغنی» خبازی، در اصول فقه؛ «حاشیهٔ علی المنتخب فی شرح المنتخب»، در اصول مذهب.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۳۴ /۸)، ایضاح المکنون (۵۶۹ /۲)، کشف الظنون (۱۷۴۹)، معجم المؤلفین (۱۰ /۱۳)، هدیهٔ العارفین (۴۷۵ –۴۷۴ /۲).

ابن لنکک، ابوالحسن محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۳۶۰ ق)، نحوی. شاعر. از مردم بصره و معاصر متنبی بود. به بغداد رفت و به خدمت مهلبی وزیر درآمد. احتمالاً به اشاره‌ی مهلبی، در ۳۵۱ ق که متنبی از وزیر دیدن کرد، ابن‌لنکک در اشاری وی را هجو کرد. «دیوان» اشعار او را گرد آورده بودند و شعر او پسند خاطر صاحب بن عباد افتاده بود، اما اکنون از سروده‌های وی مگر اندکی به جا نمانده است. از شهرت او به ابن‌لنکک (پسر مرد لنگ) چنین برمی‌آید که تبار ایرانی داشته است. وی قصیده‌ی تائیه‌ی دعبل را که در مدح اهل‌بیت سروده روایت می‌کرد. از این روی می‌توان حدس زد که وی با شیعیان همدلی داشته است. پسرش ابراهیم نیز شاعر بود و به ابن‌لنکک شهرت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۴۳ /۷)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۱۵ –۸۱۴ /۶)، دائرةالمعارف البستانی (۶۷۱ /۱)، ریحانه (۱۸۱ /۸)، معجم الادباء (۱۱ –۶ /۱۹)، الوافی بالوفیات (۱۵۷ –۱۵۶ /۱).

ابن ماکولا، سعدالملک، ابونصر علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۸۶ /۴۷۵ –۴۲۲ /۴۲۱ ق)، رجال‌شناس، حافظ، محدث و شاعر. از فرزندزادگان ابودلف عجلی است. اصل وی از گلپایگان بود. در عکبرا، نزدیک بغداد، متولد شد. نزد ابن‌بشران، خرائطی حنبلی، ابوالطیب طبری و قشیری درس خواند و در ۴۴۷ ق پس از مرگ عمویش، قاضی‌القضات بغداد شد. وی با ابراهیم بن اسحاق حبّال دوستی داشت و با احمد عتیقی و خطیب بغدادی معاشر بود. ابن مأکولا ـ با محافل نیمه حنبلی و نیمه شافعی اطراف ابن‌مسلمه وزیر و قائم، خلیفه عباسی که تلاش در براندازی آل‌بویه، که خاندان ماکولا قدرت و ثروت از آنها داشتند، پیوستگی داشت. ابونصر به شام، مصر، عراق، ماوراءالنهر، جزیره و خراسان سفر کرد و از دانشمندان آن مرز و بوم حدیث شنید و کسانی مثل حسن بن احمد سمرقندی و شجاع بن فارس ذهلی از وی روایت کرده‌اند. او سرانجام به دست غلام ترک خود به قتل رسید. در مکان و سال مرگ وی اختلاف است. از جمله آثارش: «الاکمال فی المؤتلف والمختلف» در اسماء الرجال و بررسی اسامی متشابه رجال حدیث است؛ «تهذیب مستمر الاوهام علی ذوی التمنی والاحلام»؛ «مفاخر القلم والسیف والدینار»؛ «الوزراء».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۸۳ /۵)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۲۶ –۸۲۵ /۶)، دائرةالمعارف البستانی (۶۷۴ –۶۷۳ /۱)، سیر النبلاء

(۵۷۸ -۵۶۹ /۱۸)، کشف الظنون (۱۷۵۸ ،۱۶۳۷)، الکنی والالقاب (۳۹۹ /۱)، المستفاد فی ذیل تاریخ بغداد (۲۰۳ -۲۰۱)، معجم الادباء (۱۱۱ -۱۰۲ /۱۵)، معجم المؤلفین (۲۵۷ /۷)، وفیات الاعیان (۳۰۶ -۳۰۵ /۳)، هدیهٔ الاحباب (۸۵)، هدیهٔ العارفین (۶۹۳ /۱)، ریحانه (۱۸۵ /۸).

ابن مدبر، ابواسحاق، ابویسر ابراهیم

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۷۹ /۲۷۵ ق)، دبیر، شاعر. وی از نزدیکان متوکل عباسی بود و در کارهای دولتی نیز در شخص خلیفه نفوذ داشت. در ۲۴۰ ق ابن‌خاقان وزیر متوکل او و برادرش احمد را برکنار کرد و به زندان افکند. اما پس از چند سالی آزادی یافت. روزگاری فرمانروای جلیله در فلسطین بود و مدتی کارگزار مالیات ایالت اخواس بود که با شورشیان زنج روبرو شد. آنان وی را بازداشت کرده به بصره برده و آنجا زندانی کردند. ولی وی از آنجا گریخت و با معتمد عباسی که آهنگ شام داشت همراه شد. چندی وزارت معتمد را داشت ولی آن هم دیری نپائید. آخرین شغل دولتی وی سرپرستی دیوان املاك معتضد در بغداد بود. وی گویا شعر نیز می‌سرود. کتاب «الرسالهٔ العذرا فی موازین البلاغهٔ و ادوات الکتابهٔ» را که یکی از کهن‌ترین کتابها درباره‌ی شیوه‌ی اداره و خدمات دیوانی است، به وی نسبت داده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۵۶ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۳۴ -۸۳۳ /۶)، دائرهٔالمعارف البستانی (۲۲۹ -۲۲۶ /۱)، ریحانه (۱۹۷ /۸)، سیر النبلاء (۱۲۶ -۱۲۴ /۱۳)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۷۸ ،۲۰۳)، الکامل (۷۵ /۶)، الکنی والالقاب (۴۰۵ -۴۰۳ /۱)، مروج الذهب، ترجمه (۴۸۵ /۲)، معجم الادباء (۲۳۲ -۲۲۶ /۱)، وفیات الاعیان (۳۴۴ /۴).

ابن مقله، ابوعبداللّٰه حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۳۸ -۲۷۸ /۲۶۰ ق)، خطاط. در بغداد به دنیا آمد. پدرش نیز خط را نیکو می‌نوشت. وی با برادرش، محمد، نزد پدر خود که از مردم بیضای فارس بود به فراگیری خط کوفی پرداخت. ابوعبداللّٰه خطهایی که برادر ابداع کرده بود به خوبی فراگرفت و تا آنجا پیش رفت که خط این دو را از هم باز نمی‌شناختند. برخی منابع اختراع خط نسخ را به او نسبت داده‌اند. ابوعبداللّٰه هنگامی که برادرش مغضوب و پنهان گردید، وی نیز پنهان می‌زیست. از آثار وی: قرآنی به خط کوفی، باقی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اطلس خط (۲۹۶ -۲۹۵)، پیدایش خط و خطاطان (۶۹ -۶۸)، خوشنویسان و هنرمندان (۲۲)، ریحانه (۲۲۷ -۲۲۶ /۸)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۵)، گلستان هنر (یازده، ۱۸ ،۶)، معجم الادباء (۳۴ -۲۸ /۹)، الوافی بالوفیات (۱۴۵ -۱۴۳ /۱۲).

ابن نقیب بلخی، جمال‌الدین، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۹۸ -۶۱۱ ق)، مفسر و فقیه حنفی. پدرانش از مردم بلخ بودند. در قدس به دنیا آمد. به مصر رفت و در مدرسه عاشوریه آنجا مشغول تدریس شد. سپس به قدس مراجعت کرد و در همان جا درگذشت. از آثارش: تفسیری است به نام «التحریر والتحبیر لاقوال ائمهٔ التفسیر فی معانی کلام السمیع البصیر»، شامل اسباب نزول و قراآت و اعراب و لغات و علم باطن و حقایق آن در پنجاه یا هفتاد یا نود و نه مجلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱ /۷)، دائرهٔالمعارف البستانی (۷۲۴ /۱)، ریحانه (۲۵۶ /۸)، کشف الظنون (۳۵۸)، الکنی والالقاب (۴۴۱ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ابن‌نقیب)، معجم المؤلفین (۵۰ -۴۹ /۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۳۷ -۱۳۶ /۳)، هدیهٔ العارفین (۱۳۹ /۲).

ابن ورقاء اودنی، ابوبکر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۸۵ ق)، فقیه و محدث شافعی. از مردم اودنه‌ی بخارا بود و در فقه شافعی آوازه‌ای بلند داشت، و امام شافعیان ماوراءالنهر، در زمان خود بود. از یعقوب یوسف عاصمی و هیثم بن کلیب شاشی و گروهی دیگر روایت می‌کرد. حاکم و ابوعبداللّٰه حلیمی و ابوعبداللّٰه غُنْجار و جعفر بن محمد مستغفری از شاگردان او بودند. ابن ورقاء هرگونه ربا را حرام می‌دانست و فروش کالا را در قبال

کالاء مگر متساوی، مجاز نمی‌دانست. پس از زیارت خانه‌ی خدا مدتی در نیشابور مسکن گزید، سپس به بخارا بازگشت و در همان شهر درگذشت و در محله کلاباذ دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دائرةالمعارف البستانی (۷۳۹/ ۱)، سیر النبلاء (۴۶۶ -۴۶۵/ ۱۶)، لغت‌نامه (ذیل/ابن ورقاء)، معجم البلدان (۳۲۹/ ۱)، الوافی بالوفیات (۳۱۶/ ۳)، وفیات الاعیان (۲۱۱ -۲۰۹/ ۴).

ابن یمین، امیر محمود

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(امیر) محمود بن (امیر) یمین‌الدین محمد طغرائی، در اواخر قرن هفتم در قصبه فریومد خراسان متولد شد. (ف. فریومد ۷۶۹ ه.ق.) پدرش شاعر بود و با او مشاعره می‌کرد. وی در آغاز مداح طغاتیمور بود و سپس به خدمت سربداران پیوست. در جنگی که به سال ۷۴۳ میان امیر وجیه‌الدین مسعود سربداری و ملك معزالدین حسین کرت رویداد دیوان ابن یمین گم شد، ولی او بار دیگر آنچه در نزد دیگران از اشعارش یافت می‌شد، گرد آورد و مجموعه‌ای ترتیب داد. نسخه کامل دیوانش در کتابخانه سلطنتی تهران موجود است. ابن یمنین شاعری متوسط و تا حدی پیرو انوری است. در زمان سلطان محمد خدا بنده در خراسان مورد توجه وزیر دانشمند خواجه علاءالدین محمد بود. بیش از هشتاد سال به زیست و اواخر عمر را در زادگاه خویش فریومد سپری کرد، و همانجا درگذشت و در مقبره پدر مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ابن‌اشرف سمرقندی، شمس‌الدین محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۶۷۵ ق)، ریاضیدان، منجم و منطقی. وی از ریاضیدانان و دانشمندان بزرگ زمان خود بود. از آثار وی: «الصحائف الاهیة»، در تفسیر؛ «التذکرة فی الهیئة»؛ «رسالة فی آداب البحث والمناظرة»؛ «اشکال التأسیس فی الهندسة»؛ «الفسطاط» یا «قسطاس المیزان»؛ «کتاب عینی النظر»، در منطق؛ «شرح تحریر مجسطی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۲۸۷ -۲۸۵)، کشف الظنون (۱۰۷۴، ۱۰۵، ۳۹)، لغت‌نامه (ذیل/ سمرقندی)، معجم المؤلفین (۶۳/ ۹)، هدیة العارفین (۱۰۶/ ۲).

ابن‌الوندی، قاسم، محمدقاسم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۱۰۰ ق)، عالم امامی، معروف به فقیه کاظمی. به سناباد طوس و مکه و طائف و قم و نجف سفر کرد و از مشایخ این شهرها اجازه‌ی روایت گرفت. وی در شهر نجف درگذشت و همان جا دفن شد. از آثارش: «استبصار الاخبار»، در چندین مجلد و معروف به «شرح الاستبصار»؛ «جامع اسرار العلماء» یا «جامع الاحادیث والاقوال»؛ حاشیه بر «الکافی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۴۵/ ۸)، الذریعه (۱۸۳/ ۶، ۳۹/ ۵، ۱۷/ ۲)، ریاض العلماء (۳۹۹ -۳۹۸/ ۴)، ریحانه (۳۹۰/ ۷).

ابن‌بابویه قمی، ابوالحسن علی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۲۹ ق)، فقیه شیعی. شیخ قمیون و پیشتاز آنان در عصر خود بود. وی دوران امام عسکری (ع) را دریافت و آن امام نامه‌ای برایش فرستادند و در آن وی را شیخ و مورد اعتماد خود خطاب کردند. در دوره غیبت صغری وی به عراق رفت و با ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی، سومین نایب امام زمان (عج) دیدار کرد. از ابوالعباس عبداللّه بن جعفر حمیری، عبداللّه بن حسن مؤدب، محمد بن احمد هشام و ابوخلف عجلی که از اصحاب امام عسکری (ع) است روایت کرده است. وی پدر شیخ صدوق ست. از او به جز دو فرزندش، حسین و محمدصدوق، عباس کلوذانی و تلعکبری و جعفر بن محمد بن قولویه و احمد بن داود قمی، مشهور به صاحب «نوادر» و سلامة بن محمد روایت کرده‌اند. در قم درگذشت و در همان جا دفن شد. قبر وی هنوز زیارتگاه است. فرزندش صدوق دویست کتاب را به وی نسبت داده. از آثار وی: «التوحید»؛ الامامة والتبصرة من الحیرة»؛ «الاملاء»؛ «المنطق»؛ «قرب الاسناد»؛

«کتاب الوضوء»؛ «کتاب الصلاهٔ»؛ «کتاب الجنائز»؛ «کتاب الاخوان»؛ «کتاب التسلیم والتمییز»؛ «التفسیر»؛ «الطب»؛ «الشرائع»، رساله‌ای که برای فرزندش نگاشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۸۷ /۵)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴۳۰ /۳)، الذریعه (۲۹۸ /۲۴ ،۵۸ /۱۵ ،۱۸۰ /۴ ،۳۸۳ -۳۸۲ /۱)، رجال الطوسی (۴۸۲)، رجال النجاشی (۹۰ -۸۹ /۲)، روضات الجنات (۲۷۲ -۲۶۴ /۴)، ریحانه (۴۰۲ -۴۰۱ /۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸۵ /۴)، فوائد الرضویه (۲۸۲ -۲۸۰)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۳۶۳)، الفهرست للطوسی (۲۱۸)، مجالس المؤمنین (۴۵۴ -۴۵۳ /۱)، معجم رجال الحدیث (۳۷۰ -۳۶۸ /۱۱)، معجم المؤلفین (۱۸ /۷)، نامه‌ی دانشوران (۶ -۱ /۱)، هدیهٔ الاحباب (۵۰ -۴۹)، هدیهٔ العارفین (۶۷۸ /۱).

ابن‌بابویه، ابوعبداللّٰه حسین

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۳۷۸ ق)، فقیه و محدث امامی. برادر شیخ صدوق. در خاندانی از اهل علم نشو و نما کرد. نزد پدرش و برادرش و حسین بن احمد بن ادریس و علویه صفار حدیث آموخت. کثرت محفوظات و قدرت حافظه‌اش حیرت‌آور بود. از او روایات بسیاری نقل شده. شریف مرتضی، شریف محمد بن حمزه مرعشی، خزاز، و ابن‌غضائری از وی روایت کرده‌اند. صاحب بن عباد او را بسیار گرامی می‌داشت و چون به حضور صاحب می‌آمد و او را در صدر می‌نشاند. فرزندش، ثقهٔالدین حسن بن حسین، و فرزندزادگانشان تا زمان شیخ منتجب‌الدین جملگی از بزرگان علما و فقها و محدثین بوده‌اند. از آثارش: کتاب «التوحید و نفی التشبیه»؛ کتاب «الردعلی الواقفهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۱۷ -۱۱۶ /۶)، الذریعه (۲۳۵ -۲۳۴ /۱۰ ،۴۸۷ /۴)، روضات الجنات (۳۰۴ -۳۰۳ /۲)، ریاض العلماء (۱۵۰ -۱۴۸ /۲)، ریحانه (۴۰۰ /۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۵ /۴)، لسان المیزان (۵۶۶ /۲)، مجالس المؤمنین (۴۲۹ /۱)، معجم رجال الحدیث (۴۵ -۴۴ ،۴۲ /۶)، معجم المؤلفین (۳۰ /۴).

ابن‌بَوّاب، ابوالحسن علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۳ /۴۱۳ ق)، خطاط مذهّب، حافظ، قاری، ادیب و شاعر شیعی. مشهور به ابن‌بواب یا ابن‌ستری و ملقّب به علاءالدین و قبلهٔالکتاب. پدرش پرده‌دار دستگاه آل‌بویه بود و شهرت وی هم از این رو است. ابوالحسن نیز یک چند در خدمت بهاءالدوله‌ی دیلمی سرپرستی کتابخانه‌ی بهاءالدوله را در شیراز بر عهده داشت. خوشنویسی را از ابن‌اسد کاتب آموخت، برخی او را شاگرد حسن بن مقله و بعضی شاگرد محمد بن مقله دانسته‌اند. خط نسخ را به شیوه‌ی خود می‌نوشت و اصولی نیز برای آن وضع کرد. وی را پایه‌گذار شیوه‌ی ریحانی و محقق نیز دانسته‌اند. آموزشگاهی برای تعلیم خط تأسیس کرد که تا ۶۹۸ ق برجا بود. شصت و چهار نسخه قرآن به خط خود نوشته بود. ابن‌بواب به خدمت فخرالملک، ابوغالب محمد بن علی بن خلف واسطی، والی عراق، از جانب بهاءالدوله، درآمد و ندیم وی شد. در بغداد درگذشت و در جوار امام احمد حنبل به خاک سپرده شد. آثاری از وی در مجموعه‌ی چستربیتی لندن و کتابخانه لاله لی استانبول باقی است. نسخه قرآن کتابخانه چستربیتی به امضای او و به تاریخ ۳۹۱ ق است که هم از نظر خط و هم از تذهیب مجلل است. اشعاری نیز در فن خط و لوازم آن سروده که ادیبان «القصیدهٔ الرائیهٔ» او را در نهایت بلاغت دانسته‌اند. شهرت او در تکمیل و تنقیح شیوه‌ی ابن‌مقله است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اطلس خط (۳۰۸ -۳۰۰)، الاعلام (۱۸۳ /۵)، پیدایش خط و خطاطان (۷۵ ،۷۴ -۷۰)، تاریخ گزیده (۶۹۶)، تاریخ هنرهای ملی (۷۴۴ -۷۳۹ /۲)، خوشنویسان و هنرمندان (۲۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴۵۴ /۳)، دائرهٔالمعارف البستانی (۴۱۱ -۴۱۰ /۱)، ریحانه (۴۲۴ -۴۲۲ /۷)، سرآمدان فرهنگ (۳۶ -۳۵ /۱)، سیر النبلاء (۳۲۰ -۳۱۵ /۱۷)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۴)، کشف الظنون (۱۳۳۹)، الکنی والالقاب (۲۳۴ /۱)، گلستان هنر (۱۹ ،۱۸ ،۱۲)، مجالس المؤمنین (۴۸۸ /۲)، معجم الادباء (۱۳۴ -۱۲۰ /۱۵)، معجم المؤلفین (۲۵۸ /۷)، مناقب هنرمندان (۱۱۳ ،۴۲ ،۳۸ -۳۷)، نامه‌ی دانشوران (۱۰۵ -۹۱ /۵)، وفیات الاعیان (۳۴۴ -۳۴۲ /۳)، هدیهٔ الاحباب (۵۱).

ابن‌تاج گیلانی، بهاءالدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به ابن‌تاج و ابن‌تاج گیل. چند غزل از او به جا مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۸۴۰).

ابن‌تمام دهقان، ابوالحسن، ابوالحسین محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۳۴۰ ق)، عالم شیعی. نیای بزرگ او ایرانی است. در کوفه متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت. وی را ثقه و صحیح الاعتقاد و دارای تصنیفات نیکو می‌دانند. حسین بن عبیداللّٰه غضائری از او روایت کرد، و تلعکبری در سال ۳۴۰ ق از وی حدیث شنید و اجازه روایت گرفت. از آثار وی: «الفرج فی الغیبهٔ»؛ «فضائل الکوفه» یا «کتاب الکوفه»؛ «کتاب الایمان»؛ «کتاب عددالایام»؛ «کتاب الزهد»؛ «کتاب فضل الایمان علی الاسلام».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۳۳ /۹)، رجال ابن‌داود (قسم ۳۲۶ /۱)، رجال الطوسی (۵۰۳)، رجال النجاشی (۳۰۶ -۳۰۵ /۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۹۱ -۲۹۰ /۴)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۸۱)، الفهرست للطوسی (۳۰۷ -۳۰۶)، معجم رجال الحدیث (۳۳۷ -۳۳۶ /۱۶)، معجم المؤلفین (۳۳ /۱۱)، هدیهٔ العارفین (۴۴ /۲).

ابن‌جنگ سجزی، ابوسعید، خلیل

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۷۸ -۲۸۹ ق)، فقیه و ادیب حنفی مذهب. در سیستان به دنیا آمد. به شهرهای بسیاری سفر کرد و در دمشق و نیشابور از ابوالقاسم بغوی و یحیی بن صاعد و ابوالعباس سراج حدیث شنید و الحاکم و ابوذر هروی و عبدالوهاب بن محمد خطابی از وی روایت کرده‌اند. او معاصر ملک مظفر صالح بن نوح سامانی، و در فقه بی‌نظیر بود. در ۳۲۰ ق امیر ابوجعفر، فرمانروای صفاری سیستان وی را به قضاوت سیستان گماشت. چندی نیز قاضی سمرقند بود. در فرغانه درگذشت. ابوبکر خوارزمی در رثای او شعر گفته است. از آثار وی: «الدعوات والآداب والمواعظ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۶۳ /۲)، ایضاح المکنون (۲۹۵ /۲)، تاریخ سیستان (۳۲۷، ۳۱۳، ۲۰)، سیر النبلاء (۴۳۹ -۴۳۷ /۱۶)، معجم الادباء (۸۰ -۷۷ /۱۱)، معجم المؤلفین (۱۱۳ /۴).

ابن‌حاتم قزوینی، ابوالحسن علی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۳۵۰ ق)، محدث و فقیه شیعی. از محمد بن ابی‌عبداللّٰه اسدی حدیث شنید و از وی نیز روایت می‌کرد. شیخ طوسی او را محدثی ثقه می‌داند، و کتب او را مورد اعتماد توصیف کرده است. ابن‌حاتم از مشایخ شیخ صدوق است و صدوق و تلعکبری از وی اجازه‌ی روایت گرفتند. ابوعبداللّٰه حسین بن علی بن شیبان قزوینی در ۳۵۰ ق از وی حدیث شنیده است و جعفر بن محمد قولویه و تلعکبری نیز از وی روایت کرده‌اند. ابوعبداللّٰه بن شاذان که از مشایخ نجاشی است از راویان اوست. از آثار وی: حدود سی کتاب به ترتیب کتب فقه، از جمله: کتاب «الوضوء»؛ کتاب «الاذان»؛ کتاب «القبلهٔ»؛ کتاب «الوقت»؛ کتاب «الصلاهٔ»؛ کتاب «الصوم» یا «الصیام»؛ کتاب «الحج» از دیگر آثار وی: کتاب «التوحید والمعرفهٔ»؛ کتاب «العلل»؛ کتاب «الصفوهٔ فی اسماء امیرالمؤمنین (ع)؛ کتاب «صفات الانبیاء»؛ کتاب «الردّ علی القرامطه»؛ کتاب «الردّ علی اهل البدع».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۰۵، ۱۱۱ /۲۵، ۹۲ /۲۱، ۴۱ /۱۷، ۱۴۶ /۱۶، ۳۱۲، ۱۰۲، ۵۸، ۴۷، ۴۴ /۱۵، ۲۶۵ /۱۲، ۲۵۱ /۶، ۴۸۷ /۴، ۴۰۵ /۱)، رجال ابن‌داود (قسم ۲۳۹ /۱ و قسم ۴۷۹ /۲)، رجال الطوسی (۴۸۲)، معجم رجال الحدیث (۲۳۶ -۲۳۵ /۱۱)، الفهرست للطوسی (۲۱۳).

ابن‌حِبّان تَمیمی بُستی، ابوحاتم محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۳۵۴ -۲۷۰ ق)، محدّث، مورخ و فقیه شافعی. در خانواده‌ای عرب‌تبار در بُست، بین سجستان و هرات، متولد شد. در خراسان، عراق، شام، حجاز، و مصر حدیث شنید، و استادان بسیاری دید، ولی از ابن‌خزیمه بیشترین تأثیر را پذیرفت. در بازگشت به

زادگاهش با حنبلیان به ستیزه پرداخت و به علت نگرش مخالفی که در توحید و نبوت داشت به زندقه متهم شد؛ لذا به سمرقند رفت و در آنجا به واسطه احاطه به حدیث و فقه، منصب قضاوت را به وی سپردند. در سفر به نیشابور خانقاهی در آنجا ساخت. در ۳۴۰ ق به زادگاهش بازگشت و تا پایان عمر در آنجا ماند. ابوحاتم خانه و کتابخانه خود را وقف دانش پژوهان کرد. از آثار وی: «المُسند الصحیح»، در حدیث که برخی آن را از «سنن ابن‌ماجه» صحیح‌تر می‌دانند؛ «روضهٔ العقلاء»، در ادبیات؛ کتاب«الانواع والتقاسیم» یا «التقاسیم والانواع»، در حدیث؛ «معرفهٔ المجروحین من المحدثین»؛ «وصف العلوم و انواعها»؛ «علل اوهام اصحاب التواریخ»؛ «تاریخ ابن‌حبان»؛ کتاب «الثقات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۷ -۶/ ۳۰۶)، تاریخ اسلام (حوادث ۱۱۴ -۱۱۲ /۳۸۰ -۳۵۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴۸۹ -۳/ ۴۸۸)، دائرةالمعارف البستانی (۴۳۹ /۱)، ریحانه (۴۶۴ -۷/ ۴۶۳)، سیر النبلاء (۱۰۴ -۹۲ /۱۶)، کشف الظنون (۱۴۰۰ ،۱۰۸۷ ،۱۰۷۵ ،۵۲۲ - ۵۲۱ ،۴۶۳ ،۲۷۷)، لسان المیزان (۹ /۶)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌حبان)، معجم البلدان (۴۹۸ -۴۹۳ /۱)، معجم المؤلفین (۱۷۴ -۱۷۳ /۹)، نامه‌ی دانشوران (۳۷۵ -۳۷۱ /۲)، الوافی بالوفیات (۳۱۸ -۳۱۷ /۲)، هدیهٔ العارفین (۴۵ -۴۴ /۲).

ابن‌حسام خوافی، جمال‌الدین محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۳۷ ق)، شاعر، متخلص به محمّد یا ابن‌حسام. در خواف متولد شد، ولی در هرات مقیم بود و از شاعران مخصوص ملک شمس‌الدین کرت و فرزندان او به شمار می‌رفت. وی در غزلسرایی توانا بود. مستزادی از وی در تذکره‌ها به جای مانده است.

آن کیست که تقریر کند حال گدا را

در حضرت شاهی

از غلغل بلبل چه خبر باد صبا را

جز ناله و آهی

هر چند نیم در خور درگاه سلاطین

نومید نیم هم

کز روی ترحم بنوازد گدارا

گاهی به نگاهی

ابن‌حسام هروی با ابن‌حسام خوسفی قهستانی از شعرای قرن نهم و جلال‌الدین بن حسام معروف به ابن‌حسام سرخسی که از شعرای قرن هفتم بوده متفاوت است. نظام هروی شاعر قرن نهم متخلص به ابن‌حسام نیز از نوادگان او بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۳۹۰ -۳۸۸ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۴/ ۳۱۵)، تاریخ نظم و نثر (۲۰۶)، تذکرهٔ الشعراء (۲۵۱ - ۲۵۰)، الذریعه (۲۰ -۱۹ /۹)، ریحانه (۴۷۶ /۷)، صبح گلشن (۹).

ابن‌حسام خوسفی، شمس‌الدین محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۷۵ ق)، شاعر. از مردم خوسف بیرجند بود. در قصیده‌سرایی و مدح بزرگان دین دستی توانا داشت. پدران وی اهل علم و ارشاد بودند و خود نیز از عالمان شیعی مذهب بود و از فنون ادب و علوم شرعی و اخبار و احادیث و سنت آگاهی داشت و در اشعار خود به کرّات از این اطلاعات سود جسته است. وی از راه کشاورزی گذران زندگی می‌کرد. به گفته‌ی دولتشاه «... و صباح که به صحرا رفتی تا شام اشعار خود را بر دسته‌ی بیل نوشتی...». برخی تذکره‌ها زندگینامه‌ی او را با ابن‌حسام هروی درآمیخته‌اند، در حالی که این دو از هم متمایزند. در تاریخ وفات ابن‌حسام نیز اختلاف بسیار است سال وفات او را به اختلاف ۸۷۵، ۸۷۳ و ۸۹۳ ق نوشته‌اند که با توجه به نزدیک بودن عصر دولتشاه با وی، تاریخ مذکور در «تذکره‌ی دولتشاه» (۸۷۵ ق)، صحیح‌تر است. قبر او در شهر خوسف بیرجند است. از آثار او: «خاوران‌نامه» یا «خاورنامه» بر وزن «شاهنامه» که از قدیم‌ترین منظومه‌های حماسی دینی در ادب فارسی است، در ذکر غزوات امیرالمؤمنین (ع) در سرزمین خاوران که در ۸۳۰ ق به پایان رسانده؛ «دیوان» اشعار که شامل قصائد، ترجیعات، مخمسات، مثمنات و مربعات است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بهارستان (۲۴۷ -۲۳۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۲۲ -۳۱۵ /۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۰۲)، تذکره‌ی روز روشن (۱۸ - ۱۷)، تذکرهٔ الشعراء (۴۹۶ -۴۹۴)، حبیب السیر (۳۳۶ /۴)، حماسه‌سرایی در ایران (۳۷۵ -۳۷۳)، الذریعه (۲۰ /۹، ۱۳۸ -۱۳۷ /۷)، ریحانه (۴۷۷ -۴۷۶ /۷)، طرائق الحقائق (۱۱۲ /۳)، کشف الظنون (۸۱۳، ۶۹۹)، مجالس المؤمنین (۶۸۲ -۶۷۵ /۲)، هدیهٔ العارفین (۲۱۵ /۲)، هفت اقلیم (۳۲۶ -۳۲۵ /۲).

ابن‌حسول رازی، صفی‌الملک، ابوالعلاء محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۴۵۰ ق)، ادیب و خوشنویس شیعی. از مردم همدان بود، اما در ری نشو و نما یافت. پدرش نیز ادیب و کاتب بود. وی از صاحب بن عباد و ابن‌فارس ادب آموخت. ابتدا در دستگاه آل‌بویه‌ی ری عهده‌دار دیوان رسایل بود، سپس به وزارت ابوطالب مجدالدوله رسید و با تسلط محمود غزنوی بر ری، به غزنویات پیوست و به دبیری گمارده شد. در ۴۳۴ ق به هنگام تسلط ترکان سلجوقی بر ری به خدمت آنها درآمد و منشی عمیدالملک کندری شد. از آثار وی: «تفضیل الاتراک علی سائر الاجناد»؛ «مناقب الحضرهٔ السلطانیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۶۲ /۷)، اعیان الشیعه (۳۸۳ /۲)، بزرگان و سخن سرایان همدان (۳۴ -۳۱ /۱)، تاریخ بیهق (۱۱۱)، دائرهٔالمعارف البستانی (۴۴۵ /۱)، راحهٔ الصدور (۴۸۲ -۴۸۰)، کشف الظنون (۴۶۲)، معجم المؤلفین (۳۱۸ /۱۰)، الوافی بالوفیات (۴/ ۱۳۲- ۱۳۵).

ابن‌حسین شریفی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک قطعه از مرقع مالک، به خط ثلث سه دانگ جلی ممتاز و نسخ و رقاع کتابت جلی عالی، با رقم: «حرره العبد المذنب الراجی ابن‌حسین الشریفی فی ذیحجهٔالحرام سنهٔ تسع و خمسین و تسعمائهٔ...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۱۵ /۴).

ابن‌حمزه‌ی طوسی، عمادالدین، ابوجعفر محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۵۶۰ ق)، فقیه، متلکم و واعظ شیعی. مشهور به صاحب «وسیله»، عماد طوسی، ابوجعفر ثانی و ابوجعفر متأخر. از مردم طوس بود. به دلیل تأخر وی از شیخ طوسی که در اسم و کنیه و نسبت با او مشترک است، وی را ابوجعفر ثانی و ابوجعفر متأخر نام نهادند. وی معاصر شیخ منتجب‌الدین رازی و از مشایخ ابن شهرآشوب بود. ابن‌حمزه در کربلا وفات یافت و همان جا در بیرون دروازه نجف دفن شد. از آثار وی: «الرایع فی الشرایع»؛ «ثاقب المناقب»، در ذکر معجزات پیغمبر (ص)، و ائمه (ع)؛ «الوسیلهٔ الی نیل الفضیلهٔ» و «الواسطهٔ»، که هر دو از متون فقهی‌اند. برخی از رجال‌شناسان، همچون نظام‌الدین ساوجی و به تبع او سید صدرالدین عاملی، ابویعلی محمد بن حسن بن حمزه‌ی جعفری را به اشتباه مؤلف «الوسیلهٔ» دانسته‌اند، در حالی که نجاشی در شرح حالی ابویعلی نامی از «الوسیلهٔ» نمی‌برد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۶۴ -۲۶۳ /۲)، ایضاح المکنون (۳۴۹، ۳۳۱ /۲)، بحارالانوار (۳۸، ۱۹ /۱)، تنقیح المقال (۱۵۶ -۱۵۵ ، ۱۰۱ /۳)، الذریعه (۷۶ -۷۵ ، ۱۱ /۲۵، ۶۶ /۱۰، ۵ /۵)، رجال النجاشی (۳۳۴ -۳۳۳ /۲)، روضات الجنات (۲۵۴ -۲۴۳ /۶)، ریاض العلماء (۱۷ -۱۶ /۶، ۱۲۴ -۱۲۲ /۵)، ریحانه (۲۰۳ -۲۰۲ /۴)، فقهای نامدار شیعه (۱۰۶ -۱۰۳)، فوائد الرضویه (۵۶۶ -۵۶۴)، فهرست منتجب‌الدین (۱۶۴)، الکنی والالقاب (۲۶۸ -۲۶۷ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌حمزه)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۰ -۶۱۹ /۵)، معجم رجال الحدیث (۳۲۷ /۱۶)، معجم المؤلفین (۴ /۱۱).

ابن‌حمزه‌ی طوسی، نصیرالدین، عبداللّه

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۵۷۸ ق)، فقیه شیعی. معروف به نصیرالدین طوسی. با شیخ منتجب‌الدین رازی معاصر بود و شیخ در فهرست خود او را فقیهی ثقه خوانده است. وی از مشایخ خواجه نصیرالدین طوسی و دایی پدر خواجه است. نیای او عبداللّه بن حمزه پسر عم شیخ طوسی بود. ابوالفتوح رازی از جمله استادان ابن‌حمزه بود. قطب‌الدین کیدری در ۵۷۳ ق در سبزوار نزد او درس خوانده و وی را مدح بلیغ کرده است. علامه حلّی با دو واسطه از وی روایت می‌کرد. به دلیل لقب نصیرالدین طوسی، برخی وی را با خواجه نصیرالدین طوسی و به دلیل کنیه، بعضی او را با عمادالدین محمد بن علی بن حمزه‌ی طوسی اشتباه گرفته‌اند. از آثار وی: «الوافی بکلام المثبت والنافی»، یا به گفته‌ی صاحب «ریاض العلماء»، «الشافی للمثبت والنافی والواسطهٔ بینهما»، که از کتب معتبر در حکمت است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶ /۲۵، ۱۰ /۱۳)، ریحانه (۴۸۰ /۷)، ریاض العلماء (۲۱۶ -۲۱۴ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۴ -۱۶۳ /۶)، فوائد الرضویه (۲۴۹)، فهرست منتجب الدین (۱۲۵)، الکنی والالقاب (۲۶۷ /۱ پانوشت)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌حمزه)، معجم رجال الحدیث (۱۷۷ /۱۰).

ابن‌حمّویه جوینی سرخسی، تاج‌الدین، ابومحمد عبداللّه

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۴۲ -۵۷۳ /۵۷۲ -۵۶۶ ق)، مورخ، ریاضیدان، پزشک، محدث و فقیه شافعی. اصل وی از خراسان بود و در دمشق به دنیا آمد. در ۵۹۳ ق به مغرب رفت و به منصور یعقوب بن یوسف، سومین فرمانروای موحدی پیوست. و تا ۶۰۰ ق در آنجا ماند آنگاه از راه مصر به دمشق بازگشت. از ابومحمد بن عبداللّه بن سلیمان بن حوط اللّه انصاری و ابوالقاسم بن عساکر حدیث شنید منذری و زین‌الدین فارقی از وی روایت کردند. وی در دمشق فوت کرد. از آثار: «المسالک والممالک»؛ «السیاسهٔ الملوکیه»؛ «المونس فی اصول الاشیاء»، در هشت مجلد؛ «الامالی»؛ «رحلهٔ المغربیهٔ» یا «رحلهٔ الی المغرب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۴۸ /۴)، ایضاح المکنون (۴۷۳، ۱۰۲، ۳۲ /۲، ۵۵ /۱)، دائرهٔالمعارف البستانی (۴۴۹ -۴۴۸ /۱)، سیر النبلاء (۹۷ -۹۶ /۲۳)، معجم المؤلفین (۹۶ /۶)، هدیهٔ العارفین (۴۶۱ /۱).

ابن‌حمّویه جوینی، صاحب، فخرالدین، ابوالمظفر یوسف

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۴۷ -۵۸۲ ق)، ادیب، شاعر و محدث. اصل وی از جوین نیشابور بود. در دمشق به دنیا آمد و در آنجا و مصر حدیث شنید. از ۶۲۴ ق به خدمت محمد بن محمد، فرمانروای ایوبی دمشق، درآمد و تا زمان مرگ او با وی همکاری داشت. در ۶۴۰ ق سلطان نجم‌الدین ایوب او را زندانی کرد. ابن‌حمویه تا ۶۴۳ ق در زندان به سر برد. سلطان در این سال وی را از بند رها کرد و فرماندهی سپاه خود را به او داد. پس از درگذشت نجم‌الدین، اروپائیان بر «دمیاط» دست یافتند که ابن‌حمویه در جنگ با آنها کشته شد و جنازه‌ی وی به مصر برده شد. از آثارش: «تقویم الندیم و عقبی النعیم المقیم»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۵ /۱۰، ۳۲۹ -۳۲۸ /۹)، کشف الظنون (۴۷۰)، معجم المولفین (۳۳۱ /۱۳).

ابن‌حَیّ همدانی، ابوعبداللّه حسن

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۰۰- وف ۱۶۹ -۱۶۷ ق)، فقیه و متکلم شیعی. اصل او از نواحی همدان است. خروج مسلحانه بر زمامداران ظالم را روا می‌دانست. مهدی عباسی در طلب او و عیسی بن زید بود. و وی از بیم اسارت در کوفه پنهانی می‌زیست و هفت سال با عیسی بن زید در یک خانه پنهان بود. او فقیهی پرهیزکار و عابدی والا بود. وکیع او را امام می‌داند و در بیان عبادت او گوید: حسن با برادرش علی و مادرشان شب را به سه بخش تقسیم کرده بودند و هر کدام در یک سوم آن به عبادت برمی‌خواستند. وقتی مادرشان مرد، دو برادر شب را بین خود به دو نیم تقسیم کردند؛ و آنگاه که علی مرد، حسن تمام شب را بیدار ماند و به عبادت مشغول بود. به گفته ابوزرعه، راستی، درستی، فقه، عبادت و زهد در او جمع بود. ابن‌حَیّ از اقران سفیان ثوری، بلکه مقدم بر او، و از محدثان بزرگ و مورد اعتماد است که از پدرش و برادرش، علی بن صالح، و عبداللّه بن دینار و علی بن اَقمر و ابواسحاق سبیعی روایت می‌کرد. ابن‌مبارک و وَکیع و ابونعیم و علی بن جَعد و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند. در پنج «صحیح» از «صحاح ششگانه» حدیث او آورده شده است. احمد حنبل گوید که او و برادرش علی هر دو از محدثان مورد اعتمادند. در کوفه، در حال اختفاء، شش ماه پس از درگذشت عیسی بن زید، درگذشت. از کلمات اوست که گوید: گاه شیطان ۹۹ در خیر بر انسان می‌گشاید تا بتواند دری از شر باز کند. از آثار وی: «التوحید»؛ «امامهٔ ولد علیّ من فاطمه»؛ «الجامع»، در فقه. به گفته‌ی شیخ طوسی او دارای «اصل» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۸ /۲)، تاریخ الاسلام (حوادث ۱۳۶ -۱۳۱ /۱۷۰ -۱۶۱)، التاریخ الکبیر (۲۹۵ /۲)، تهذیب التهذیب (۲۶۴ -۲۶۱ /۲)، الجرح والتعدیل (ج ۱، ق ۱۸ /۲)، حلیهٔ الاولیاء (۳۳۵ -۳۲۷ /۷)، رجال الطوسی (۱۶۶)، سیر النبلاء (۳۷۱ -۳۶۱ /۷)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۳۳۳)، الفهرست للطوسی (۹۰)، لسان المیزان (۲۶۹ /۸)، المعارف (۲۲۲)، معجم المؤلفین (۲۳۱ /۳)، میزان الاعتدال (۴۹۹ -۴۹۶ /۱)، الوافی بالوفیات (۶۰ -۵۹ /۱۲).

ابن‌حیدر قزوینی، ابوالقاسم عبداللّه، عبیداللّه

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۸۲ ق)، فقیه و محدث شافعی. در قزوین متولد شد. به خراسان مهاجرت و در محضر پیشگامان فقه شافعی آنجا تلمذ کرد. وی از زاهر شحّامی و فُراوی و یوسف همدانی حدیث شنید. سپس به همدان رفت و در آنجا مسکن گزید و همان جا درگذشت. کتابی به نام «المشیخهٔ»، در شرح زندگی استادانش نوشت. از دیگر آثارش: «اربعون حدیثاً»؛ «تصنیف فی الاصلین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۴ /۴)، لسان المیزان (۷۶۵ -۷۶۴ /۳)، معجم المؤلفین (۵۲ /۶)، هدیهٔ العارفین (۴۵۷ /۱).

ابن‌حَیُّویه نیشابوری، ابوالحسن محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۳۶۶ -۲۷۶ ق)، محدث و قاضی. در کودکی به مصر رفت و در همان جا ساکن شد. از عمویش، یحیی بن زکریای نیشابوری اعرج، از بکر بن سهل دمیاطی، و نسائی صاحب «سنن» و بسیاری دیگر حدیث شنید. عبدالغنی و علی بن محمد خراسانی و هارون بن یحیی طحّان و دیگران از وی روایت کرده‌اند. ابن‌ماکولا او را ثقه‌ای دانا و بزرگ توصیف کرده است. از آثار وی: رساله‌ای در «من وافقت کنیته کنیهٔ زوجه من الصحابهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۹۷ /۷)، سیر النبلاء (۱۶۰ /۱۶)، معجم المؤلفین (۲۱۵ /۱۰).

ابن‌خاتون طوسی، شمس‌الدین، ابوالمعالی محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۰۵۵ ق)، فقیه امامی و ادیب. از پیشوایان و برجستگان علمای امامیه و شاگرد شیخ‌بهایی و در علوم و فنون مختلف سرآمد بود. پس از فراغت از تحصیل مدتی در حیدرآباد دکن مسکن گزید، و از آنجا به مشهد مقدس رفت و پس از چندی به هندوستان بازگشت و در آن دیار وزارت سلاطین قطب شاهیه را در حیدرآباد عهده‌دار شد. در ۱۰۳۸ ق سلطان عبداللّٰه قطب شاه که به جای سلطان محمد قطب شاه نشسته بود، منصب صدارت عظمی را به وی داد و او را به لقب پیشوا ملقب ساخت. وی شیخ اجازه سید حسین فرزند حیدر کرکی است. در حیدرآباد دکن از دنیا رفت. از آثار وی: ترجمه‌ی «اربعین» استادش شیخ‌بهایی که به امر سلطان محمد قطب شاه از سلاطین قطب شاهیه‌ی هند نوشت و به نام ترجمه‌ی «قطب شاهی» نامید و در سفری که به عنوان سفیر حیدرآباد به ایران آمد ترجمه‌ی قطب شاهی را به استادش شیخ‌بهائی نشان داد، و شیخ در ۱۰۲۸ ق تقریظی لطیف بر آن نوشت؛ «شرح الارشاد» علامه‌ی حلی؛ «شرح جامع عباسی» شیخ بهائی؛ «توضیح اخلاق عبداللّٰه شاهی»، به فارسی، در شرح کتاب «اخلاق ناصری» خواجه نصیر طوسی، به درخواست عبداللّٰه قطب شاه؛ کتابی در «امامت»، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۱ -۱۰ /۱۰)، الذریعه (۱۷۲، ۸۰ -۷۹ /۱۳، ۷۶ /۴)، روضات الجنات (۸۷ /۱)، ریاض العلماء (۱۳۵ - ۱۳۴ /۵)، ریحانه (۴۹۰ -۴۸۹ /۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۱۳ -۵۱۲ /۱۱)، فوائد الرضویه (۵۶۷)، الکنی والالقاب (۲۷۲ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌خاتون)، معجم المؤلفین (۶ /۱۱)، هدیهٔ الاحباب (۵۶).

ابن‌خازن دینوری خراسانی، ابوالفضل احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۱۸ /۵۱۲ -۴۷۱ ق)، خطاط و شاعر. وی خوشنویس ایرانی‌تبار بغدادی است که در بغداد متولد شد. از مردم دینور بود. «دیوان» شعری از او به جا مانده که پسرش نصراللّٰه آن را گردآوری کرد. اشعار وی را به زیبایی ستوده‌اند. ابن‌خازن از خطاطین و از عجوبه‌های خوشنویسان بود و در مدت عمرش پانصد قرآن نگاشت، او از مخترعان خطوط رقاع و توقیع است. وی در بغداد درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۸ /۱)، پیدایش خط و خطاطان (۷۹ -۷۸)، دائرهٔالمعارف البستانی (۴۵۶ -۴۵۵ /۱)، ریحانه (۱۰۸ /۲)، کشف الظنون (۷۶۵)، معجم المؤلفین (۱۴۴ /۲)، الوافی بالوفیات (۸۰ -۷۸ /۸)، وفیات الاعیان (۱۵۱ -۱۴۹ /۱).

ابن‌خالویه، ابوعبداللّٰه حسین

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۷۰ ق)، نحوی، لغوی، ادیب و شاعر امامی. اصلش از همدان بود. در ۳۱۴ ق وارد بغداد شد و در محضر بزرگان علم و ادب حضور یافت. قرآن را از ابن‌مجاهد، نحو و ادب را از ابن‌دُرَید و ابن انباری و نِفْطویه، و لغت را از ابوعمر زاهد آموخت و از محمد بن مخلد عطار حدیث شنید. پس از آن ساکن حلب و ادب‌آموز فرزندان سیف‌الدوله حمدانی شد. ابن‌عدی معروف به ابن‌قطان، ابن‌غلبون، معافی بن زکریا و حسین بن سلیمان انطاکی از شاگردان وی بودند. او با متنبی در محضر سیف‌الدوله مباحثات بسیار داشته است. زجاجی نحوی و ابوعلی فارسی معاصر او بودند. وی در حلب وفات یافت. از آثارش: «الآل»؛ «الاشتقاق»؛ «شرح مقصورهٔ ابن‌درید»؛ «اعراب ثلاثین سورهٔ من القرآن العزیز»؛ «لیس»، در ادب؛ «الجمل»، در نحو؛ «شرح المقصور والممدود»؛ «الاسماء الاسد»؛ «الفصیح»؛ «شرح قصیده‌ی نفطویّه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۴۹ -۲۴۸ /۲)، اعیان الشیعه (۴۲۳ -۴۱۹ /۵)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵۲۸ -۵۲۷ /۴)، الذریعه (۳۷ /۱)، رجال النجاشی (۱۸۸ /۱)، روضات الجنات (۱۴۵ -۱۴۱ /۳)، ریاض العلماء (۲۸ -۲۳ /۲)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۴۱)، کشف الظنون (۱۳۹۱، ۱۳۴۳، ۱۲۷۲، ۶۰۲، ۱۲۳، ۸۶)، الکنی والالقاب (۲۷۵ -۲۷۴ /۱)، لسان المیزان (۴۹۰ -۴۸۹ /۲)، معجم الادباء (۲۰۵ -۲۰۰ /۹)، معجم المؤلفین (۳۱۰ /۳)، الوافی بالوفیات (۳۲۵ -۳۲۳ /۱۲)، وفیات الاعیان (۱۷۹ -۱۷۸ /۲).

ابن‌خراسانی، ابوالعزّ محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۷۶ -۴۹۴ ق)، شاعر، نحوی، عروضی و محدث. وی نزد ابومنصور جوالیقی به تحصیل پرداخت. از ابوالحسین طیوری و ابوسعد بن خشیش حدیث شنید و ابن‌الاخضر و ابوالفتوح بن حصری از وی روایت کرده‌اند. وی علاقه‌ی وافری به علم عروض داشت و در سرودن شعر بسیار توانا و استاد بود. در پایان عرم دچار پریشانی حواس شد. از آثار وی: «دیوان» اشعار، در پنج مجلد؛ «النوادر»؛ «العروض» و چندین اثر دیگر در فنون ادبی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۲ /۷)، ایضاح المکنون (۱۰۰ /۲)، ریحانه (۴۹۷ -۴۹۶ /۷)، سیر النبلاء (۸۳ -۸۲ /۲۱)، کشف الظنون (۷۶۵)، لسان المیزان (۵۱۰ /۶)، معجم الادباء (۴۷ -۴۶ /۱۹)، معجم المؤلفین (۳۰۴ /۱۱)، الوافی بالوفیات (۱۵۰ /۱)، هدیهٔ العارفین (۹۸ /۲).

ابن‌خُزَیمه، ابوبکر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۱۱ -۲۲۳ ق)، فقیه و محدث شافعی. اهل نیشابور و در آنجا پیشوای دینی بود. به عراق، شام، عربستان و مصر سفر کرد. از اسحاق بن راهویه و محمد بن حمید و عتبه مروزی و علی بن حُجر و اسحاق بن شاهین و دیگران حدیث شنید و استادان بسیاری دید و خود استاد محمد بن اسماعیل بخاری و مسلم بن حجاج نیشابوری و ابوحاتم بُستی و اسحاق نَسوی و ابن‌بالویه و ابواحمد حاکم و ابوالحسن آبری و بسیاری دیگر بود. آثارش را بیش از ۱۴۰ مجلد دانسته‌اند، از آن جمله: کتاب «صحیح ابن‌خزیمه» یا «مختصر المختصر من المسند الصحیح عن النبی (ص)».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۳ /۶)، تاریخ نیشابور (۱۲۰ -۱۱۹)، الجرح والتعدیل (ج ۳، ق ۱۹۶ /۲)، دائرةالمعارف البستانی (۴۵۹ /۱)، ریحانه (۴۹۹ /۷)، سیر النبلاء (۳۸۲ -۳۶۵ /۱۴)، کشف الظنون (۱۴۰۶، ۱۰۷۵)، الکنی والالقاب (۲۷۶ /۱)، معجم المؤلفین (۴۰ -۳۹ /۹)، الوافی بالوفیات (۱۹۶ /۲)، هدیهٔ العارفین (۲۹ /۲).

ابن‌خفیف، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۷۱ ق)، صوفی و عالم. ملقب به شیخ کبیر و شیخ شیرازی. اهل شیراز بود. از مشایخ بزرگ صوفیه به شمار می‌رفت، به همین خاطر وی را شیخ‌الاسلام می‌خواندند. ابن‌خفیف مؤسس مکتب عرفانی مستقلی بود و رباطی در شیراز بنا کرده که تا اواخر سده ششم دایر بود. تعلیمات او که کم و بیش متأثر از مذهب حلاج بود تا زمان آغاز حمله‌ی مغول در فارس نفوذ عمیق داشت. ابن‌خفیف در فقه، ظاهری مذهب و در کلام، اشعری مذهب و در الهیات عرفانی روشی ضد سالمیان داشته است. ابوعبداللّٰه صحبت

جنید و ابومحمد رُوَیم و ابوالعباس بن عطا را دریافت و با حسین بن منصور حلاج ملاقات داشت. شیخ کبیر در دستگاه عضدالدوله‌ی دیلمی صاحب نفوذی سیاسی بود و از حلاجیان حمایت آشکار می‌کرد. جامی سال مرگ وی را ۳۳۱ ق و هدایت در «ریاض العارفین» ۳۹۱ ق و در «مجمع الفصحا» به غلط ۳۱۹ ق می‌نویسند. ابن‌خفیف تألیفات بسیاری داشته است، از آن جمله: «آداب المریدین»؛ «اختلاف الناس فی الروح»؛ «جامع الارشاد»؛ «الجمع والتفریق»؛ «الرد علی ابن‌سالم»؛ «دیوان» شعر؛ «شرف الفقراء علی الاغنیاء» یا «شرف الفقراء المتحققین علی الاغنیاء المنفقین»؛ «فضل التصوف»؛ «کتاب الاستدراج»؛ «کتاب السماع»؛ «کتاب الفضائل و جامع الدعوات والاذکار»؛ «کتاب المعتقد الصغیر»؛ «کتاب المعتقد الکبیر»؛ «کتاب المعراج»؛ «کتاب المفردات»؛ «لبس المرقعات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۴۰۱، ۳۴۹، ۳۴۰، ۳۳۵، ۳۳۳، ۳۰۳، ۲۷۰، ۲۶۹، ۲۶۶، ۱۹۸، ۱۹۴، ۴۷، ۴۶ /۲، ۵۵۳، ۴۸۵، ۳۶۷، ۳۵۰، ۴ /۱)، بزرگان نامی پارس (۱۰۳ -۱۰۱ /۱)، تاریخ اسلام (حوادث ۵۱۱ -۵۰۶ /۳۸۰ -۳۵۱)، تاریخ گزیده (۶۵۷)، تذکره‌ی هزار مزار (۸۸ -۷۹)، تذکرة الاولیاء (۱۳۱ -۱۲۴ /۲)، تذکره‌ی روز روشن (۲۲)، حلیة الاولیاء (۳۸۹ -۳۸۵ /۱۰)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۱۴۹ -۱۳۹ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵۳۷ -۵۳۶ /۴)، الذریعه (۴۴ /۹)، ریاض العارفین (۴۳)، سفرنامه ابن‌بطوطه (۲۶۲ /۱)، سیر النبلاء (۳۴۷ -۳۴۲ /۱۶)، طبقات الصوفیه هروی (۵۳۹ -۵۳۷)، طبقات الصوفیه سُلمی (۴۶۶ -۴۶۲)، طرائق الحقائق (۴۸۷ /۳، ۴۷۷ -۴۷۴ /۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۲۰۰ /۲)، کشف الظنون (۱۴۴۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوعبداللّه)، مجمع الفصحا (۱۴۴ /۱)، معجم البلدان (۴۳۲ /۳)، معجم المؤلفین (۲۸۳ -۲۸۲ /۹)، نفحات الانس (۲۴۱ -۲۴۰)، نامه‌ی دانشوران (۳۵۹ -۳۵۰ /۵)، الوافی بالوفیات (۴۲ /۳)، هدیة العارفین (۵۰ -۴۹ /۲).

ابن‌داوود قمی، ابوالحسن محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۶۸ ق)، فقیه امامی و محدث. وی از فقها و مشایخ حدیث امامیه در قم بود. از قم به بغداد رفت و در آنجا به نشر حدیث پرداخت. ابن‌داوود ممدوح نجاشی و علامه و دیگر علمای رجال بود. شیخ مفید و احمد بن عبدون و ابوعبداللّه غضائری و ابن‌نوح سیرافی از وی روایت کرده‌اند. ابن‌غضائری می‌گوید: «افقه و احفظ از ابن‌داوود و اعرف نسبت به حدیث از او ندیدم». وی در بغداد درگذشت و در مقابر قریش دفن شد. از آثار وی: «کتاب البیان عن حقیقة الصیام»؛ «الحدیثین المختلفین»؛ «الذخائر»؛ کتاب بزرگ «المزار»؛ «الممدوحین والمذمومین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۲ /۶)، اعیان الشیعه (۶۵ /۹)، ایضاح المکنون (۲۰۵ /۱)، رجال الطوسی (۵۱۱)، رجال النجاشی (۳۰۵ - ۳۰۴ /۲)، ریحانه (۵۱۴ /۷)، الذریعه (۲۲۴ /۲۲، ۳۲۰ /۲۰، ۵ /۱۰، ۱۷۱ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۳۶ /۴)، فوائد الرضویه (۳۸۸)، الفهرست للطوسی (۲۷۰)، الکنی والالقاب (۲۸۳ -۲۸۲ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌داوود)، معجم المؤلفین (۲۵۹ /۸)، هدیة العارفین (۴۸ /۲).

ابن‌دُرُستُوَیه فسوی، ابومحمد عبداللّه

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۴۷ -۲۵۸ ق)، نحوی، لغوی و عالم دینی. پدرش از محدثین بزرگ بود. وی از مردم فسای فارس بود که در نوجوانی به بغداد رفت و در آنجا مقیم شد. در بسیاری از علوم، از جمله در علم حدیث، سرآمد زمان خویش بود. مجموعه‌هایی گرد آورده بود که حداقل تا زمان خطیب بغدادی باقی بود. در بغداد درس خواند و از محضر استادانی چون ابن‌قتیبه‌ی دینوری و ابوالعباس مبرد بهره گرفت. ابن‌درستویه مفسر قرآن نیز بود و در تفسیر دو دیدگاه اخفش بصری و ثعلب کوفی را تلفیق می‌کرد. ابن‌درستویه در آثار نحوی، طرفدار مکتب بصره بود. گویا کتبی نیز در رد افکار نحویون کوفی نیز نوشته بوده است. اما در تفسیر قرآن و حدیث روشی مختلط داشته است. دارقطنی، ابن‌شاهین و ابوعبیداللّه مرزبانی از شاگردان وی بودند. از آثار وی: «کتاب الکتّاب المتمم» یا «ادب الکاتب المتمم»، در بررسی جزئیات خط و املاء برای دبیران؛ کتاب «الارشاد»، در نحو؛ «معانی الشعر»؛ «اخبار النحویین»؛ «نقض کتاب العین»؛ «التوسط بین الاخفش و ثعلب»، در تفسیر قرآن؛ شرح «کتاب الجرمی»؛ «کتاب الهجاء»؛ کتاب «غریب الحدیث».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۴ /۴)، ایضاح المکنون (۵۵۸، ۳۷۴، ۳۴۳، ۳۳۰، ۲۹۹، ۲۹۸، ۲۸۲ /۲، ۵۵۶، ۵۵۳، ۳۷۴ /۱)، تاریخ بغداد (۴۲۹ -۴۲۸ /۹)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵۶۴ /۴)، دائرةالمعارف البستانی (۴۷۵ /۱)، دایرةالمعارف فارسی (۱۸ /۱)، روضات الجنات (۱۰۵ -۱۰۴ /۵)، ریحانه (۵۱۷ /۷)، سیر النبلاء (۵۳۲ -۵۳۱ /۱۵)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۰۷ -۱۰۶)، کشف الظنون (۲۰۴۱، ۱۷۳۰، ۱۷۲۹، ۱۴۷۲، ۱۴۶۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۱- ۱۴۱۵، ۱۲۷۲، ۱۲۰۵، ۱۱۰۸، ۸۳۹، ۷۰۰، ۵۰۶، ۱۱۶، ۱۱۵- ۶۸)، الکنی والالقاب (۲۸۴ /۱)، لسان المیزان (۷۴۴ -۷۴۲ /۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌درستویه)، معجم المؤلفین (۴۰ /۶)، نامه‌ی دانشوران (۱۲۶ - ۱۲۵ /۳)، وفیات الاعیان (۴۵ -۴۴ /۳)، هدیةالعارفین (۴۴۶ /۱).

ابن‌دوست، ابوسعید، ابوسعد عبدالرحمان

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۳۱ –۳۵۷ ق)، عالم، ادیب و شاعر. جدش ملقب به دوست بود. عبدالرحمان از مردم نیشابور و ناشنوا بود. نزد ابونصر جوهری لغت و ادب آموخت. ابوالحسن واحدی مفسیر از شاگردان اوست. از آثار او: «ردّ علی الزجاجی»، در استدارکش بر «اصلاح منطق» ابن‌سکیت؛ «دیوان» شعر. در «الاعلام» زرکلی نام او را به استناد «جواهر المضیئه» ابن‌درست نوشته است، اما با توجه به آنکه اغلب منابع او را ابن‌دوست ذکر کرده‌اند، بنا را بر ضبط ابن‌دوست می‌گذاریم. همین ضبط را «دائرةالمعارف البستانی» به صورت ابن‌دُوَست [dowast] آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۰۲ /۴)، دائرةالمعارف البستانی (۴۸۲ /۱)، ریحانه (۵۲۰ /۷)، سیر النبلاء (۵۱۰ –۵۰۹ /۱۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌دوست)، معجم المؤلفین (۱۸۸ /۵).

ابن‌رازی، ابومحمد جعفر

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، فقیه و محدث امامی. ساکن ری بود. پدرش محدثی ثقه بود و از مشایخ ابن‌رازی محسوب می‌شود. از دیگر استادان او محمد حمیری، سهل دیباجی، محمد بن همام اسکافی و محمد بن مظفر مصری می‌باشند. وی از مشایخ روایت شیخ صدوق است، و به نوبه‌ی خود، تفسیر امام حسن عسکری (ع) را از صدوق روایت کرده است. به گفته‌ی صاحب «روضات»، از کتب ابن‌رازی استفاده می‌شود که نامبرده از صاحب بن عباد روایت می‌کرده و ممکن است پاره‌ای از مقامات علمی را از او بهره‌مند شده باشد. ابن‌داوود او را دانشمندی ثقه می‌داند و شیخ طوسی او را در ردیف کسانی آورده است که مستقیماً از معصوم روایت نکرده‌اند. در «رجال الطوسی» و «رجال ابن‌داود» تحت نام جعفر بن علی بن احمد آورده شده است. محدث نوری معتقد است که شرح حال‌نویسان در مورد ابومحمد جعفر بن احمد قمی اهمال کرده‌اند و در «نَفِس الرحمان» از علمای رجال گذشته و حال تعجب می‌کند که چگونه به شرح حال او نپرداخته و از این مهم غفلت کرده‌اند. او را تصانیف بسیاری است. سید بن طاووس در «الدروع الواقیه» و شیخ ورام در «تنبیه الخواطر» و ابن‌فهد در «التحصین» و «عدة الداعی» از کتب او نقل کرده‌اند، و کراجکی در کتاب «الفهرس» ذکر کرده که وی در قم و ری ۲۲۰ کتاب تصنیف کرده است. از جمله آثار وی: «ادب الامام والمأموم»؛ «المانعات من دخول الجنهٔ» یا «الاعمال المانعهٔ من دخول الجنهٔ»؛ «جامع الاحادیث النبویهٔ»، مشتمل بر هزار حدیث نبوی به ترتیب حروف هجا؛ «المنبی عن زهد النبی (ص)»؛ «الغایات»؛ «المسلسلات» یا «مسلسلات الاخبار»، شامل کلیه‌ی وقایعی است که در تمام طبقات اسنادش نامعصوم، لفظ خاص تکرار شده؛ «العروس»، در فضل و آداب روز جمعه؛ «نوادر الاثر فی علی (ع) خیرالبشر»، که در آن حدیث نبوی «علیٌّ خَیُر البَشَر» را از، بیش از، ۷۰ طریق آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۸۳ –۸۲ /۴)، الذریعه (۲۱ /۲۱، ۳۱ –۳۰ /۱۹، ۳۱ /۵، ۳۸۶ /۱)، رجال ابن‌داود (قسم ۸۶ /۱)، رجال الطوسی (۴۵۷)، روضات الجنات (۱۷۰ –۱۶۸ /۲)، ریحانه (۵۲۸ /۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۹ –۶۸ /۴)، فوائد الرضویه (۶۱ – ۵۹)، لغت‌نامه (ذیل/ جعفر)، معجم رجال الحدیث (۸۳ –۸۲ /۴)، معجم المؤلفین (۱۳۳ –۱۳۲ /۳)، نفس الرحمان (۹۰ –۸۸).

ابن‌راهویه، ابویعقوب اسحاق

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۲۳۸ /۲۳۷ –۱۶۱ ق)، حافظ، محدث و فقیه شافعی. اهل مرو بود. وجه تسمیه‌ی اسم او بدان سبب است که پدر ابن‌راهویه، ابراهیم، در راه مکه متولد شده بود. وی به عراق، حجاز، یمن و شام سفر کرد. احمد بن حنبل او را ستوده و گفته که برای اسحاق در جهان نظیری نیست. احمد حنبل و یحیی بن معین و صاحبان «صحاح»: بخاری، مسلم، ترمذی، ابوداوود و نسائی از او حدیث نقل کرده‌اند. وی به همراه عده‌ای از محدثان در نیشابور با امام رضا (ع) دیدار کرد و از امام حدیث «سلسلهٔ الذهب» را شنید. در مکه با شافعی مناظره کرد. وی حافظه‌ی شگفت‌انگیزی در حفظ حدیث داشت، چنانکه گویند هفتاد هزار حدیث حفظ بود و درباره‌ی یک صد هزار حدیث مذاکره کرد، لذا ذهبی از او به عنوان «سید الحفّاظ» نام می‌برد. وی در پایان عمر در نیشابور ماندگار شد و در همان جا درگذشت. در تاریخ تولد و وفات او اختلافاتی هست، ابن‌خلکان تاریخ تولد وی را بین ۱۶۱ تا ۱۶۳ ق و وفاتش را میان ۲۳۷ و ۲۳۸ ق می‌داند؛ در «طبقات الحنابله» تولد وی در ۱۶۶ و وفاتش در ۲۴۳ ق ذکر شده است. از آثار او: کتاب «التفسیر»؛ کتاب «المسند»؛ کتاب «السنن»، در فقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۸۴ /۱)، تاریخ اسلام (حوادث ۹۰ –۸۰ /۲۴۰ –۲۳۱)، تاریخ بغداد (۳۵۵ –۳۴۵ /۶)، تاریخ الکبیر (۳۸۰ –

۳۷۹ /۱)، تهذیب التهذیب (۱۹۸ -۱۹۷ /۱)، الجرح والتعدیل (ج ۱، ق ۲۱۰ -۲۰۹ /۱)، حلیه الاولیاء (۲۳۸ -۲۳۴ /۹)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵۷۳ /۴)، دائرةالمعارف البستانی (۴۸۶ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌راهویه)، روضات الجنات (۷ -۵ /۲)، ریحانه (۵۳۱ - ۵۳۰ /۷)، سیر النبلاء (۳۸۳ -۳۵۸ /۱۱)، الفهرست لابن‌الندیم (۴۱۸)، کشف الظنون (۱۶۸۵ -۱۶۷۸ ،۴۴۲)، الکنی والالقاب (۲۹۰ /۱)، لسان المیزان (۲۰۵ /۸)، معجم المؤلفین (۲۲۸ /۲)، نامه‌ی دانشوران (۳۸۲ -۳۷۵ /۲)، الوافی بالوفیات (۳۸۸ - ۳۸۶ /۸)، وفیات الاعیان (۲۰۱ -۱۹۹ /۱)، هدیهٔ الاحباب (۶۰ -۵۹).

ابن‌رستم، عبدالرحمان

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۷۱ ق)، فقه اباضی. تبارش ایرانی و از خوارج اباضی است. وی مؤسس شهر تاهرت در الجزایر و اولین پادشاه رستمیان از فقهای اباضیه افریقا بود. جدش بهرام از موالی عثمان عفان بود. از آثار وی کتاب «التفسیر» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۷۸ /۴)، الکامل (۳۲ /۵).

ابن‌زیاد نیشابوری، ابوبکر عبداللّٰه

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۲۴ -۲۳۸ ق)، فقیه، حافظ و محدث شافعی. در نیشابور به دنیا آمد. مسافرتهای بسیار به مصر و شام و عراق کرد و در بغداد اقامت گزید. نزد مزنی و ربیع و ابن‌عبدالحکم فقه آموخت. از محمد بن یحیی ذُهْلی و احمد بن یوسف سلمی و احمد بن ازهر نیشابوری، و عبداللّٰه بن هاشم طوسی و ابوزرعه رازی و ابن‌حاتم و ابن‌واره و بسیاری دیگر حدیث شنید. وی پیشوای شافعیان عراق در زمان خود بود. ابن‌عقده، ابوعمر بن حیویه، ابن‌شاهین و دارقطنی و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند. دارقطنی از او به عنوان افقه‌المشایخ نام می‌برد. در نیشابور درگذشت. از آثار وی: «کتاب الربا»؛ افزوده‌هایی بر «مختصر» مزنی، در فروع فقه شافعی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۶۳ /۴)، تاریخ بغداد (۱۲۲ -۱۲۰ /۱۰)، سیر النبلاء (۶۸ -۶۵ /۱۵)، کشف الظنون (۱۶۳۶)، معجم المؤلفین (۱۱۹ /۶)، هدیهٔ العارفین (۴۴۵ /۱).

ابن‌زَیله، ابومنصور حسین

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۴۰ ق)، حکیم، ریاضیدان، فیلسوف و موسیقدان. اهل اصفهان و از شاگردان برجسته‌ی ابن‌سینا بود. در ادبیات نیز دست داشت. شرحی بر رساله «حیّ بن یقظان» ابن‌سینا نوشت که شارحان پس از وی از آن بسیار بهره بردند. از آثارش: «النفس»؛ کتاب «الکافی فی الموسیقی»؛ «الاختصار من طبیعیات الشفاء» ابن‌سینا است. ابن ابی‌اصیبعهٔ در «طبقات الاطباء» نام او را به صورت ابن زیلا آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :استادان موسیقی (۳۳)، الاعلام (۲۷۸ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۹ /۱)، تاریخ طب (۸۶۵ ،۵۱۴ ،۴۹۸ /۲)، تاریخ موسیقی (۱۵۴ -۱۵۳ /۱)، تاریخ هنرهای ملی (۷۴۵ -۷۴۴ /۲)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (۵۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶۱۹ -۶۱۸ /۴)، کشف الظنون (۸۶۲)، معجم المؤلفین (۱۳ /۴).

ابن‌ساعاتی خراسانی، ابوالحسن بهاءالدین علی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۰۴ -۵۵۳ ق)، شاعر. در دمشق متولد شد. وی از مشاهیر شعرای نامی و برادر ابن‌ساعاتی پزشک بود و چون پدرشان در دمشق به ساعت‌سازی می‌پرداخت آنها نیز به ابن‌ساعاتی مشهور شدند. پس ازمدتی به مصر رفت و در آنجا به مدیحه‌گویی امرا و پادشاهان روزگار خود پرداخت. در قاهره درگذشت. از آثار وی: «دیوان» اشعار، در دو مجلد؛ «مقطعات النیل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۰ /۵)، اعیان الشیعه (۲۴۱ /۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶۱۹ /۴)، الذریعه (۱۱۸ /۲۲ ،۲۵ /۹)، ریحانه (۵۵۸ /۷)، کشف الظنون (۷۶۶)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌ساعاتی)، معجم المؤلفین (۹۲ /۷)، وفیات الاعیان (۳۹۷ -۳۹۵ /۳).

ابن‌ساوجی، ابوالمحاسن محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۳۲ ق)، ادیب، شاعر و خطاط. از مردم نخجوان بود. از وی اشعاری در تذکره‌ها به جای مانده است. از آثار او: منظومه‌ای است به نام «درّة المعانی»، در ترجمه و شرح «لآلی المنثوره»، که ابن‌ساوجی آن را در ۷۳۲ ق سروده است؛ نسخه‌ای از ترجمه‌ی کتاب «مسالک و ممالک» ابواسحاق ابراهیم اصطخری به خط ابن‌ساوجی به تاریخ ۷۲۶ ق؛ کتاب «السامی فی الاسلامی»، به خط نسخ و رقاع و عناوین ثلث دودانگ، با رقم: «ابوالمحاسن محمد بن سعد بن محمد یعرف ابن الساوجی... سنهٔ احدی عشر و سبعمائهٔ الهجریهٔ، بالسلطانیهٔ» (۷۱۱).کاتب این نسخه را برای فرزندش، ابوطاهر محمد، کتابت کرده است و اکنون این کتاب در کتابخانه‌ی سلطنتی موجود است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۷۰ /۴)، تاریخ نظم ونثر (۷۷۱)، دانشمندان آذربایجان (۲۱)، فرهنگ سخنوران (۱۹).

ابن‌سدیر، ابوالحسن علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۰۶ ق)، پزشک و شاعر. در مداین متولد شد. در بغداد پزشکی خواند. با ناصرالدین اللّٰه عباسی معاصر و در مداین به معالجت عامه مشغول بود. شعرهایی از وی برجای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ طب (۷۱۴ /۲)، نامه‌ی دانشوران (۳۶۷ -۳۶۶ /۵).

ابن‌سرهنگ طبری، ابوالحسن مهدی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، فقیه. از ابوجعفر احمد بن محمد حدیث شنید و محمد بن عثمان و مَیدانی و ابوالقاسم محمد بن جعفر القَؤول از او روایت کرده‌اند. به گفته‌ی شیرویه ابن‌سرهنگ در ۴۴۰ ق به همدان رفت. وی محدثی راستگو بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :معجم البلدان (۵۳ /۵).

ابن‌سُرَیج، ابوالعباس احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۰۶ /۳۰۵ -۲۴۹ ق)، متکلّم، محدث و فقیه شافعی. معروف به باز اشهب. از مردم شیراز و پس از اصحاب خاص شافعی، بزرگ‌ترین عالم فرقه‌ی شافعی بود. در جوانی مدتی در شیراز منصب قضاء داشت. نزد عثمان بن سعید انماطی درس خواند. با محمد بن داوود بن خلف در محضر علی بن عیسی وزیر مناظره و مباحثه داشت. علی بن عیسی خواست که وی را قاضی بغداد کند و او نپذیرفت. مدتی در درسهای جنید حاضر شد، ولی به تصوف گرایشی نشان نداد. در قضیه‌ی منصور حلاج بی‌طرف ماند و از دادن فتوا خودداری کرد. در بغداد تدریس می‌کرد. و همان جا درگذشت. بیش از چهار صد اثر به او نسبت می‌دهند که ظاهراً تعداد کمی از آنها باقی مانده است. از آن جمله: کتاب «الانتصار»؛ کتاب «الزیادات»؛ کتاب «الودایع»، در امانات؛ کتاب «المختصر فی الفقه»؛ کتاب «العین والدین»؛ کتاب «الرد علی محمد بن حسن»؛ کتاب «الرد علی عیسی بن ابان» عالم حنفی، کتاب «جواب کاشانی». در ترجمه‌ی «الفهرست» ابن‌ندیم، و نه در اصل کتاب به عربی، و همچنین در «کشف الظنون» ذیل کتاب «العین والدین» و نیز در متن و پانوشت «فارسنامه» از او به عنوان ابن‌شریح یاد شده است که با توجه به دیگر منابع، ضبط ابن‌سریج صحیح‌تر به نظر می‌آید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۷۹ -۱۷۸ /۱)، تاریخ بغداد (۲۹۰ -۲۸۷ /۴)، تاریخ نجوم اسلامی (۲۸۶)، دائرةالمعارف البستانی (۲۱۶ - ۲۱۵ /۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶۲۷ -۶۲۶ /۴)، روضات الجنات (۲۱۸ -۲۱۶ /۱)، ریحانه (۲۲۰ /۱)، سیر النبلاء (۲۰۴ -۲۰۱ /۱۴)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۳۶)، الفهرست لابن الندیم (۳۰۰ -۲۹۹)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۳۹۲)، الکنی والالقاب (۳۰۶ /۱)، کشف الظنون (۲۰۰۵، ۱۴۴۴، ۱۲۵۸، ۱۲۵۷- ۷۰۵، ۱۲۵۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌سریج)، معجم المؤلفین (۳۲ -۳۱ /۲)، نامه‌ی دانشوران (۲۰۹ -۱۹۶ /۱)، الوافی بالوفیات (۲۶۱ -۲۶۰ /۷)، وفیات الاعیان (۶۷ -۶۶ /۱)، هدیهٔ العارفین (۵۷ /۱).

ابن‌سکّیت، ابویوسف یعقوب

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۴۴ -۱۸۶ ق)، لغوی، نحوی، شاعر و زبان‌شناس شیعی. پدرش سکیت، شاعر و از مردم دورق خوزستان بود. نخست نزد پدر، که در شعر و لغت صاحب‌نظر بود، و سپس نزد ابوعمرو شیبانی، فرّاء و ابن اعرابی و دیگران، درس خواند. ابن‌سکیت گوید: پدرم در شعر بر من مقدم است و من در نحو بر وی. از اصحاب خاص امام محمدتقی (ع) و امام علی‌النقی (ع)، و محدثی ثقه و صادق بود. در درب القنطره‌ی بغداد مقیم و همراه پدرش به تدریس مشغول بود. ابن‌سکیت معلم فرزندان متوکل خلیفه عباسی بود و در ابراز شیعیگری خود زبانی بی‌پروا داشت، چندان که جان خود را نیز به خاطر آن از دست داد. روزی متوکل که با اهل‌بیت (ع) دشمنی داشت، از او پرسید که آیا فرزندان من بهترند یا پسران علی (ع)، ابن‌سکیت در جواب گفت: من، تو و فرزندان تو را با قنبر، خادم علی (ع)، برابر ندارم. متوکل برآشفت و فرمان داد زبان وی را از قفا بیرون کشند. غلامان او را به بدترین صورت کشتند. ابن‌سکیت در نحو از پیروان مکتب کوفه بود. و سبب اشتهار وی آثار لغوی اوست کهبه مکتب بصره تعلق دارد، بدین سبب نیز او را نماینده‌ی مکتب تلفیقی کوفه و بصره دانسته‌اند. ابن‌سکیت متخصص لغت و شعر عرب بود و بیش از بیست اثر از خود بر جای گذاشته است که برخی از آنها عبارت‌اند از: «اصلاح المنطق» که به گفته مبرد کتابی در لغت همسنگ آن در بغداد دیده نشده؛ کتاب «الالفاظ»؛ کتاب «القلب والابدال»؛ کتاب «الاضداد». علاوه بر اینها، ابن‌ندیم از سی شاعر قدیم نام می‌برد که ابن‌سکیت دواوین ایشان را با دقت تحسین برانگیزی جمع‌آوری و شرح کرده است که از این تعداد تنها چند اثر باقی مانده است. از دیگر آثار او: «الاصوات»؛ «الامثال»؛ «معانی الشعر الکبیر»؛ «معانی الشعر الصغیر»؛ «المقصور والممدود»؛ «المذکر والمؤنث».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۵ /۹)، اعیان الشیعه (۳۰۶ -۳۰۵ /۱۰)، ایضاح المکنون (۵۰۷، ۳۴۸، ۳۴۵، ۳۴۲، ۳۳۵، ۳۳۰، ۳۲۸، ۳۲۰، ۳۱۸، ۳۰۲، ۲۹۰، ۲۷۷، ۲۷۶، ۲۷۳، ۲۶۲، ۲۶۱ /۲، ۹۴ /۱)، تاریخ بغداد (۲۷۴ -۲۷۳ /۱۴)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶۳۲ -۶۳۱ /۴)، دائرةالمعارف البستانی (۵۲۵ -۵۲۳ /۱)، الذریعه (۱۷۳ /۲)، رجال ابن‌داود (قسم ۳۷۹ /۱)، رجال النجاشی (۴۲۶ -۴۲۵ /۲)، روضات الجنات (۲۰۰ -۱۹۸ /۸)، ریاض العلماء (۲۱ /۶، ۳۸۷ -۳۸۱ /۵)، ریحانه (۵۷۱ -۵۶۹ /۷)، سیر النبلاء (۱۹ -۱۶ /۱۲)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۶۳ -۲۶۰، ۱۲۲ -۱۲۱)، کشف الظنون (۲۰۰۹، ۱۴۰۶، ۱۳۵۸، ۱۳۵۵، ۵۰۷، ۲۶۴، ۱۰۸)، الکنی والالقاب (۳۱۶ - ۳۱۴ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌سکیت)، مؤلفین کتب چاپی (۸۶۹ -۸۶۸ /۶)، مجالس المؤمنین (۵۵۶ -۵۵۵ /۱)، معجم الادباء (۵۲ - ۵۰ /۲۰)، معجم رجال الحدیث (۱۳۰ -۱۲۹ /۲۰)، معجم المؤلفین (۲۴۴ -۲۴۳ /۱۳)، نامه‌ی دانشوران (۲۶۰ -۲۵۲ /۲)، وفیات الاعیان (۴۰۱ -۳۹۵ /۶)، هدیة الاحباب (۶۴ -۶۳)، هدیة العارفین (۵۳۷ -۵۳۶ /۲).

ابن‌سمنانی، ابوالقاسم علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۹۹ ق)، مورّخ و فقیه حنفی. در رحبه، نزدیک حلب، متولد شد. در فقه و تاریخ کتبی نگاشت. از آثار وی: «روضة القضاة و طریق النجاة» در آداب قضا؛ «العروة الوثقی»، در شروط.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۴۹ -۱۴۸ /۵)، ایضاح المکنون (۹۹ /۲، ۵۹۶ /۱)، کشف الظنون (۱۱۳۳)، معجم المؤلفین (۱۸۰ /۷)، هدیة العارفین (۶۹۴ /۱).

ابن‌سیّار شیرازی، ابوماهر، ابوعمران موسی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۵۰ ق)، پزشک، حکیم، فیلسوف، شاعر. ولادت او در شیراز بود و در همان جا نشو و نما یافت و به تحصیل پرداخت. وی در فنون طب و حکمت مشهور بود. ابوعلی مندویه و احمد بن محمد طبری و علی بن عباس مجوسی اهوازی و اغلب بزرگان طب وقت به شاگردی وی مباهات می‌کردند. در علم منطق از استادان بود. پس از راه یافتن به دربار بویهان، عضدالدوله جوان را که به بیماری چشم مبتلا بود درمان کرد و همین امر موجب شهرت بیشتر او شد. او بر عقاید جالینوس اعتراضاتی وارد کرد. از جمله آثارش: «مقاله‌ای در فصد»؛ «اضافاتی بر «کناش» اسحاق بن حنین؛ رساله‌ای در «آلات جراحی»؛ «امراض العین و منافع خرافات»؛ کتاب «چهل باب»، در جزء نظری و عملی؛ «تعلیقات بر کتاب اغلوتن جالینوس»؛ «فی السنة الضروریة»؛ شرح بر کتابهای یوحنا بن سرابیون؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۴۸۵ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۶ /۱)، تاریخ طب (۶۶۹ -۶۶۸، ۴۴۶، ۴۴۵، ۲۹۶ /۲)، ریحانه (۱۰۳ -۱۰۲ /۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌سیار و موسی)، معجم المؤلفین (۵۰ /۱۳)، هدیة العارفین (۴۷۸ /۲).

ابن‌سیّار مروزی، ابوالحسن احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۶۸ -۱۹۸ ق)، فقیه، محدث شافعی و مورّخ. در مرو متولد شد. برای استماع حدیث بسیار سفر کرد و از اسحاق بن راهویه و عَبدان بن عثمان مروزی و عفان بن مسلم و از همطبقه آنان در خراسان و عراق و حجاز و شام و مصر حدیث شنید. ابن‌سیار در علم و پارسایی بلند آوازه بود و در روزگار خود با ابن‌مبارک مقایسه می‌شد و در میان معاصران خود حرمت و احترام فراوانی داشت. نسایی در «صحیح» خود و نیز محمد بن اسماعیل یخاری و محمد بن نصر مروزی و ابن‌خُزیمه و محمد بن عقیل بلخی و حاجب طوسی و دیگر خراسانیان از وی روایت کرده‌اند. رجال‌شناسان او را ثقه توصیف کرده‌اند. وی یکی از کسانی است که فقه شافعی را در خراسان پراکنده کرد. از آثار وی: کتابی در «اخبار مرو» یا «تاریخ مرو»؛ «فتوح خراسان».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الجرح والتعدیل (ج ۱، ق ۵۳ /۱)، تاریخ بغداد (۱۸۹ -۱۸۷ /۴)، تهذیب التهذیب (۳۴ -۳۳ /۱)، سیر النبلاء (۶۱۱ - ۶۰۹ /۱۲)، کشف الظنون (۳۰۳)، معجم المؤلفین (۲۴۱ /۱).

ابن‌سینا، ابوعلی حسین

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۲۷ /۴۲۸ -۳۷۰ ق)، پزشک، فیلسوف، منطقی و دانشمند. مشهور به ابن‌سینا یا ابوعلی سینا، در مغرب زمین آویسن یا آویسنا و ملقب به حجةالحق، شیخ‌الرییس، شرف‌الملک و امام الحکما. ابن‌سینا در افشنه‌ی بخارا، زادگاه مادرش، متولد شد. پدر وی از دیوانیان دستگاه سامانیان بود و در تربیت فرزندان خود سخت کوشا. پدر ابن‌سینا، عبداللّه، شیفته‌ی تعلیمات اسماعیلیان بود. ابن‌سینا، علی‌رغم اشراف به نظر و عقاید این گروه، گرایشی به این فرقه نداشت. در چهارده سالگی در علم بر استاد خود ابوعبداللّه ناتلی پیشی گرفت، چندان که مشکلات منطق را بر استاد خود می‌گشود. در شانزده سالگی جمعی از پزشکان فاضل زیردست او کار می‌کردند. ابوعلی با مداوای بیماری نوح بن منصور سامانی امیر خراسان اجازه یافت که از کتابخانه‌ی عالی امیر استفاده کند. در هجده سالگی جامع‌العلوم شد و از این پس ترقیات وی نتیجه‌ی اجتهاد شخصی خود وی بود. در بیست و یک سالگی نخستین اثر فلسفی خود را تحت عنوان «العروضیه» به درخواست ابوالخیر عروضی نوشت. پس از درگذشت پدر، به خدمات دیوانی روی آورد. به زودی فکر و تدبیر او مورد قدردانی واقع شد. امیران علاوه بر نصایح پزشکی او در سیاست نیز خواستار رأی او شدند. چندین بار به وزارت رسید، و در معرض رشک دیگران قرار گرفت. چندین بار فرار کرد. مدتی زندانی شد. ولی از زندان گریخت. چهارده سال در آرامش در دربار علاءالدوله دیلمی در اصفهان می‌زیست. بر اثر مسافرتها و شب زنده‌داریها و بی‌توجهی به خود به قولنج مبتلا شد و در ضمن لشکرکشی علاءالدوله در همدان درگذشت و در همین شهر به خاک سپرده شد. در جشن یادبود هزاره‌ی او بر مزارش بنایی ساختند. شهرت ابن‌سینا چندان است که از مرزهای سرزمینهای اسلامی گذشته و به سراسر جهان رسیده است. آثار او به زبانهای مختلفی ترجمه و منتشر شده‌اند. ابن‌سینا، علاوه بر پزشکی و فلسفه، در نجوم، فیزیک، علوم طبیعی نیز آثاری دارد از آن جمله، در اواخر عمر به دستور علاءالدوله آلتی شبیه ورنیه‌ی کنونی برای به دست آوردن نتایج دقیق در رصد اختراع کرد. از هوش و حافظه‌ی وی سخنها گفته‌اند و او را سرآمد فلاسفه اسلامی دانسته‌اند. وی با ابوریحان بیرونی و ابوسهل مسیحی، معاشرت و مباحثه داشت و از معاصرینش می‌توان ابن‌خمار و ابوالفرج بن طیّب را نام برد و از جمله شاگردان و ابوالحسن بهمنیار بن مرزبان، ابن‌زیله، ابوعبداللّه معصومی، ابوعبید جوزجانی را با ابوسعید ابوالخیر نیز مباحثه‌ای داشت که بسیار مشهور است. ابن‌سینا در زمینه‌ی ادبیات نیز کتابهایی نوشت و اشعاری نیز به وی منسوب است. از آثار او: «النجاة»؛ «الاشارات والتنبیهات»، در منطق و حکمت؛ «الشفا» در حکمت علمی نظری؛ «دانشنامه‌ی علائی»، به فارسی؛ «اسرار الصلاة»؛ «مبدأ و معاد»؛ «قانون»، در طب. این کتاب با وجود ناقص بودن، سبب اشتهار ابن‌سینا در اروپا شد. «اسباب حدوث الحروف و مخارجها»، در زبان‌شناسی؛ «الموجز الکبیر»؛ «الموجز الصغیر»، هر دو در منطق؛ «رساله حی بن یقظان»؛ «المدخل الی صناعة الموسیقی»، در موسیقی که از آثار فارابی کامل‌تر و جامع‌تر است؛ «مقالة فی آلة رصدیه». در کل ۲۷۶ عنوان کتاب به او نسبت می‌دهند که ۱۳۱ اثر را با انتساب صحیح و مابقی را با انتساب مشکوک از او دانسته‌اند.[۱]

شیخ‌الرئیس حجةالحق شرف‌الملک امام‌الحکماء ابوعلی حسین بن عبداللّه بن حسن بن علی معروف به ابن‌سینا (و. افشنه یا خرمیثن ۳۷۰- ف. همدان ۴۲۸ ه.ق.) پدر او از مردم بلخ و مادر وی ستاره از اهل افشنه (نزدیک بخارا) بود. ابن‌سینا در بخارا کسب علم کرد و در ده سالگی قرآن را از بر نمود و نزد ابو عبداللّه ناتلی منطق و هندسه و نجوم آموخت. و پایه وی از استاد در گذشت. از آن پس به تعقیب علوم طبیعی و ما بعدالطبیعه و طب پرداخت. آثار فارابی فکر ابن سینا را به خود جلب کرد و مشوق او در مطالعه آثار فلسفی گردید. وی در عنفوان شباب نوح بن منصور پادشاه سامانی را معالجه کرد و از کتابخانه گرانبهای او بهره‌ها برد. ابن سینا بخارا را ترک گفت و به گرگانج شتافت، و از آنجا به حکم ضرورت به خراسان و سپس به گرگان و ری و همدان و اصفهان شد و آثار ذی‌قیمت خویش را در این سفرها تحریر کرد. شیخ در همدان به وزارت شمس‌الدوله رسید. و سالهای اخیر عمر را در اصفهان در حمایت علاءالدوله کاکویه گذرانید و در سفری که همراه امیر مزبور به همدان می‌شد، در راه مریض گردید و در

همدان درگذشت. آرامگاه او را بدانجا برپا داشته‌اند. به مناسبت هزارمین سال تولد وی، جشنی در سال ۱۳۳۱، ه. ش. در ایران منعقد گردید. مؤلفات ابن سینا همواره مورد توجه بوده و شروح متعدد بر آنها نوشته‌اند و بسیاری از آنها نیز به زبانهای غربی ترجمه شده است. آثار مهم ابن سینا- کتاب‌الشفاء کتاب القانون فی الطب، کتاب اشارات، کتاب‌النجاة، دانشنامه علائی (به فارسی) و غیره است. آرامگاه ابن سینا.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الباقیه (۳۹۵)، از فردوسی تا سعدی (۱۵۷ -۱۵۲)، استادان موسیقی (۳۳ -۳۲)، الاعلام (۲۶۲ -۲۶۱ /۲)، اعیان الشیعه (۸۰ -۶۹ /۶)، ایضاح المکنون (۶۷۲، ۵۵۵ /۲)، بزرگان و سخن سرایان همدان (۱۴۹ -۱۴۸ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۷ -۳۴۶، ۳۴۳ -۳۴۲، ۳۱۹ -۳۰۳ /۱)، تاریخ الحکماء قفطی (۵۷۰ -۵۵۵)، تاریخ طب (۶۳۳ -۴۷۷ /۲)، تاریخ فلسفه در اسلام (۷۲۱ -۶۸۳ /۱)، تاریخ گزیده (۶۸۹ -۶۸۸)، تاریخ موسیقی (۱۵۳ -۱۴۸ /۱)، تاریخ نجوم اسلامی (۳۲۱ -۳۲۰، ۳۱۳، ۴۵، ۳۸، ۳۵ - ۳۴)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (۴۳ -۲۹)، حبیب السیر (۴۴۹ /۲)، دائرةالمعارف البستانی (۵۳۹ -۵۳۵ /۱)، الذریعه (۲۳۲، ۲۲۳ -۲۲۲، ۲۲۰، ۲۱۸ -۲۱۷، ۲۱۵، ۱۵۴، ۱۴۵، ۱۴۴، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۲۹، ۱۲۲، ۱۲۱، ۹۴، ۹۳، ۹۲، ۶۵، ۵۱، ۴۸، ۲۶، ۲۵ -۲۴ /۱۷، ۳۸۱ /۱۵، ۲۰۱ /۱۴، ۲۴۰، ۲۳۹ /۱۰، ۴۷ /۸، ۱۸۴، ۱۳۰، ۱۲۸ /۷، ۲۸۶، ۴۳ /۵، ۴۸۴، ۴۰۷، ۳۷۱ /۱)، روضات الجنات (۱۷۳ -۱۵۹ /۳)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۳۴ -۲۹)، سرگذشت ابن‌سینا (۱۹ -۱)، سیر النبلاء (۵۳۷ -۵۳۱ /۱۷)، فوائد الرضویه (۴۵۹ -۴۵۸ /۲)، کشف الظنون (۲۰۳۱، ۱۹۰۰، ۱۷۹۳، ۱۷۸۳، ۱۶۲۱، ۱۵۵۰، ۱۵۳۳، ۱۵۲۰، ۱۴۶۶، ۱۴۵۵، ۱۴۵۴، ۱۴۴۰، ۱۴۳۰، ۱۴۰۸، ۱۳۸۹، ۱۳۴۱، ۱۳۲۷، ۱۳۱۱، ۱۱۸۶، ۱۰۵۵، ۹۵۳، ۹۰۰، ۸۹۷، ۸۹۶، ۸۹۴، ۸۹۱، ۸۸۹، ۸۸۰ -۸۷۹، ۸۷۶، ۸۷۰، ۸۶۲، ۸۶۱، ۸۵۲، ۸۴۶، ۸۴۳، ۸۴۱، ۷۶۶، ۷۵۷، ۷۳۶، ۶۸۵، ۶۲۴، ۴۶۳، ۴۵۱، ۴۴۹، ۳۸۰، ۳۷۷، ۲۳۸، ۲۰۱، ۱۸۳، ۹۴، ۶۳، ۵۱، ۳۷، ۳۶ -۱۲)، الکنی والالقاب (۳۲۳ - ۳۲۰ /۱)، لسان المیزان (۵۴۱ -۵۳۸ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوعلی سینا)، مجالس المؤمنین (۱۸۹ -۱۸۱ /۲)، معجم المؤلفین (۲۳ -۲۰ /۴)، مقدمه بر تاریخ علم (۸۱۸ -۸۱۶ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۰۰ -۷۷۹ /۲)، نامه‌ی دانشوران (۱۴۶ -۸۹ /۱)، وفیات الاعیان (۱۶۲ -۱۵۷ /۲)، الوافی بالوفیات (۴۱۲ -۳۹۱ /۱۲)، هدیة الاحباب (۶۷ -۶۶)، هدیة العارفین (۳۰۹ -۳۰۸ /۱).

ابن‌شاذان قمّی، ابوالحسن محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۴۲۰ ق)، فقیه و محدث امامی. ابن‌قولویه دایی او یا دایی پدر اوست. وی از راویان ابن‌بابویه صدوق و از مشایخ علامه ابوالفتح کراجکی و نجاشی است. کراجکی در ۴۱۲ ق در مکه معظمه، در مسجدالحرام، کتاب «مناقب» را بر او خواند. آثار وی: «ایضاح دفائن النواصب»؛ «کتاب المناقب» یا «المأة منقبة» یا «مناقب امیرالمؤمنین (ع)»، حاوی صد منقبت از طریق عامه، معروف به «مناقب ابن‌شاذان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۰۲ -۱۰۱ /۹)، الذریعه (۳۱۶ /۲۲، ۳ -۲ /۱۹، ۴۹۴ /۲)، روضات الجنات (۱۷۷ -۱۶۷ /۶)، ریاض العلماء (۲۷ -۲۶ /۵)، ریحانه (۴۲ /۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۱ -۱۵۰ /۵)، فوائد الرضویه (۳۹۱ -۳۹۰)، الکنی والالقاب (۳۲۳ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌شاذان)، هدیة الاحباب (۶۸).

ابن‌شاذان قمّی، ابوالعباس احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم و پنجم ق)، فقیه امامی. وی نزد ابن‌تمام دهقان درس خواند و از وی و محمد بن حسن بن احمد حدیث شنید. پسرش، ابوالحسن محمد، و دیگران از او روایت کرده‌اند. وی در روزگار خود از مراجع بزرگ تشیع به شمار می‌رفت. در برخی منابع از او به نام ابن‌شاذان کوفی یاد کرده‌اند که پسوند کوفی شاید نشانه‌ی آن باشد که نیاکانش از کوفه به قم کوچیده بودند. از آثار وی: «امالی» و «زادالمسافر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۰ -۳۹ /۳)، الذریعه (۸ -۷ /۱۲)، رجال النجاشی (۲۲۳ -۲۲۲ /۱)، ریاض العلماء (۵۲ -۵۱ /۱)، ریحانه (۴۲ /۸)، فوائد الرضویه (۲۱)، الکنی والالقاب (۳۲۳ /۱)، لسان المیزان (۳۵۳ -۳۵۲ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌شاذان)، معجم رجال الحدیث (۱۶۶ /۲).

ابن‌شاذان نیشابوری، ابومحمد فضل

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۶۰ ق)، محدث، کلامی و فقیه شیعی. نیاکانش از قبیله‌ی ازد یمن بودند و پس از فتح خراسان به آنجا آمدند. پدرش نیز از

فقهای شیعه و از یاران یونس بن عبدالرحمان بود. خود وی از اصحاب امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری (ع) بود. برخی از محدثین وی را از اصحاب امام رضا (ع) نیز دانسته‌اند. یک بار زمانی که پوشنجی در محضر امام حسن عسکری (ع) در حال خارج شدن بود، یکی از کتابهای فضل بن شاذان را که با خود داشت از دستش بر زمین افتاد. امام وقتی کتاب را مشاهده می‌کند از آن تعریف و نویسنده‌ی آن را دعا می‌کند. عبداللّه بن طاهر ذوالیمینین امیر خراسان فضل را به جرم تشیع به بیهق تبعید کرد، اما پس از چندی از او دلجویی کرد. ابن‌داوود و کشّی و نجاشی و طوسی او را از ثقه‌ترین محدثان عصر می‌دانند و ابن‌ندیم از او به عنوان یکی از پیشوایان در قرآن و روایات نام می‌برد. فضل به هنگام حمله‌ی خوارج به بیهق از آنجا بیرون رفت و در راه بیهق به نیشابور درگذشت. آرامگاه وی در یک فرسنگی نیشابور است. علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری، محمد بن اسماعیل بندقی نیشابوری، سهل بن بحر فارسی و برادرانش علی و محمد از شاگردان وی بودند. شمار آثار وی را بیش از ۱۸۰ تصنیف و تألیف دانسته‌اند، و نجاشی چهل و هشت اثر وی را نام برده است. از آن جمله: «اثبات الرجعهٔ»؛ «التوحید»؛ «تبیان اصل الُضلالهٔ» که نجاشی از آن به نام «تبیان اهل الضلالهٔ» یاد کرده؛ «حذو النعل بالنعل»؛ «فرائض الکبیر»؛ «فرائض الاوسط»؛ «فرائض الصغیر»؛ «فضائل امیرالمؤمنین (ع)»؛ «کتاب الاعراض والجوهر»؛ «کتاب الایمان»؛ «ایضاح»، در رد فرق مختلف و یکی از کتب مهم و تقریباً کامل‌ترین اثر به جا مانده از فضل بن شاذان؛ «کتاب الطلاق»؛ «کتاب الملاحم»؛ «کتاب النجاح»؛ «کتاب التفسیر»؛ «کتاب القراآت».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۵۵ /۵)، ایضاح المکنون (۶۷۵، ۵۱۳، ۴۷۴، ۴۴۵، ۳۴۲، ۳۳۶، ۳۳۴، ۳۲۵، ۳۲۱، ۳۱۵، ۳۱۳، ۳۱۲، ۳۰۳، ۲۹۲، ۲۸۴، ۲۸۲، ۲۷۷، ۲۶۹، ۱۹۷، ۱۸۵، ۱۸۴، ۲/ ۴۰۰، ۲۲۳، ۲۳، ۱/)، الذریعه (۲۹۰، ۲۸۸، ۲۸۵، ۱۴۵، ۶۴، ۶۳- ۲۴/ ۳۷۳، ۳۵۹، ۳۵۶، ۳۴۳، ۳۳۹، ۳۳۶/ ۲۰، ۶۷/ ۱۹، ۳۲۵/ ۱۸، ۵۲، ۱/ ۱۷، ۱۴۷، ۷۸/ ۱۶، ۵۱۰، ۴۹۱- ۴۹۰/ ۲، ۹۳/ ۱)، رجال ابن‌داود (قسم ۲۷۳ - ۲۷۲ /۱)، رجال الطوسی (۴۳۴، ۴۲۰)، رجال الکشّی (۵۴۵ -۵۳۷)، رجال النجاشی (۱۶۹ -۱۶۸ /۲)، ریحانه (۴۲ -۴۱ /۸)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۴۲۱ -۴۲۰، ۶۱، ۴۵، ۴۴)، الفهرست للطوسی (۲۵۵ -۲۵۴)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌شاذان)، الملل والنحل (۱۵۱)، مجالس المؤمنین (۴۰۴ -۴۰۰ /۱)، معجم المؤلفین (۶۹ /۸)، معجم رجال الحدیث (۳۰۱ -۲۸۹ /۳)، مفاخر اسلام (۱۶۴ -۱۲۷ /۱)، هدیهٔ العارفین (۸۱۸ -۸۱۷ /۱).

ابن‌شاکر، موسی

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۲۰۰ ق)، منجم و ریاضیدان. از مردم خراسان بود. در عهد خلافت مأمون در خراسان راهزنی می‌کرد. قفطی نوشته است که موسی بن شاکر در ایام جوانی در خراسان به بیابان می‌رفت و راه را بر مردم می‌گرفت. پس از چندی کارش بالا گرفت و مردم به وی ظنین شدند. پس از آن توبه کرد و به یادگیری علم نجوم و هیئت و هندسه مشغول و از منجمان دربار مأمون شد. مأمون پس از مرگ موسی، تربیت سه پسر وی، احمد، محمد و حسن را بر عهده‌ی اسحاق بن ابراهیم مصعبی گذاشت و هر سه تن از منجمان مشهور آن عصر شدند که از ایشان تعبیر به بنی‌موسی می‌شود. از کتب منسوب به او، کتاب «الدرجات» است در طبیعت ستارگان هفتگانه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۷۳ /۸)، تاریخ الحکماء قفطی (۵۹۱ -۵۹۰، ۴۳۲ -۴۳۱)، دایرهٔالمعارف فارسی (۴۵۵ /۱)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۱۴۸ -۱۴۷)، سیر النبلاء (۳۳۸ /۱۲)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (پانوشت ۴۸۸ -۴۸۷)، معجم المؤلفین (۴۰ /۱۳).

ابن‌شاه، ابوبکر احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۷۶ -۳۱۳ ق)، شاعر، ادیب، صوفی و فقیه حنفی. اصل وی از خوارزم بود و خود از اهالی بخارا. ابن‌سینا از شاگردان او بود. به گفته‌ی ذهبی او از پیشگامان بود و تصانیف زیبائی داشت. از آثارش: «دیوان» اشعار، که ابن‌ماکولا آن را دیده که اکثرش به خط ابن‌سینا بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۲ /۱)، ایضاح المکنون (۴۸۵ /۱)، معجم المؤلفین (۷۷ /۲).

ابن‌شاهویه، ابوبکر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۶۲ ق)، فقیه شافعی. از مردم فارس بود. سفری به نیشابور کرد و مدتی در آنجا اقامت گزید و سپس به بخارا رفت و باز به فارس مراجعت کرد و در آنجا متصدی منصب قضا شد. او در فقه شافعی اقوالی مخالف دیگر فقهای آن مذهب دارد. در نیشابور

درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دائرةالمعارف البستانی (۵۳۹ /۱)، ریحانه (۴۴ -۴۳ /۸)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌شاهویه)، وفیات الاعیان (۲۱۱ /۴).

ابن‌شُمَیل مروزی، ابوالحسن نضر

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۰۴ /۲۰۳ -۱۲۲ ق)، قاضی، مورخ، محدث، ادیب و لغوی. اصل وی از بصره بود. در مرو متولد شد. در ۱۲۸ ق با پدرش به بصره رفت و نزد خلیل بن احمد عروضی تحصیل کرد. و مدتی برای درک فصحای عرب بادیه‌نشین شد. از هشام بن عروه و حمید طویل و اسماعیل بن ابوخالد و ابن‌جُریح و دیگران حدیث شنید. یحیی بن معین و ابن‌مداینی و یحیی بن یحیی نیشابوری و اسحاق بن راهویه و احمد دارمی و حسین بن حریث مروزی و دیگران از وی روایت کرده‌اند؛ و او را ثقه توصیف کرده‌اند. در «صحاح» ششگانه از وی نقل حدیث شده است. ابن‌شمیل پس از بازگشت به مرو، قاضی آن شهر شد. وی به مأمون خلیفه نزدیک شد و از مقربان او گشت. در مرو درگذشت. از آثار وی: «الصفات»، مشتمل بر چندین کتاب در چگونگی انسان و خانه‌ها و کوهها و شتر و گوسفند و پرنده و ستارگان و خورشید و ماه و شب و روز و روییدنیها؛ «کتاب السلاح»؛ «المعانی»؛ «الانواء»؛ «المصادر»؛ «غریب الحدیث».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۵۸ -۳۵۷ /۸)، تهذیب التهذیب (۳۹۱ -۳۹۰ /۱۰)، الجرح والتعدیل (ج ۴، ق ۴۷۸ -۴۷۷ /۱)، ریحانه (۵۶ /۸)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۹۱ -۹۰)، الکامل (۱۹۵ /۵)، معجم الادباء (۲۴۳ -۲۳۸ /۱۹)، وفیات الاعیان (۴۰۵ -۳۹۷ /۵).

ابن‌شهاب یزدی، حسن

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۸۵۵ ق)، مورخ و شاعر. از مردم یزد بود و «منظومه‌ای» در تاریخ سلجوقیان سرود و آن را به سلطان محمد بن بایسنقر بن شاهرخ از شاهزادگان تیموری اهدا کرد. کتاب دیگر وی «جامع التواریخ حسنی» نام دارد که آن را نیز به نام سلطان محمد بن بایسنقر در ۸۵۵ ق تألیف کرده است. ابن‌شهاب در «جامع التواریخ» اطلاعات مفیدی درباره‌ی عصر حافظ نقل کرده و در موارد متعدد به اشعار خواجه‌حافظ تمثل جسته است. نسخه‌ای از آن کتاب به تاریخ ۸۸۰ ق در کتابخانه‌ی ملی موجود است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ عصر حافظ (مقدمه: مو- مز، ۱۲۴، ۱۲۲)، تاریخ نظم و نثر (۲۳۹)، الذریعه (۴۷ -۴۶ /۵)، ریحانه (۵۸ /۸).

ابن‌شیرزاد خاقانی، ابوشرف یحیی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۱۶ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به کاوانی. وی کاتب طغرل بن ارسلان سلجوقی، آخرین پادشاه سلجوقی ایران و عراق بود. او به فارسی شعر می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۷۱ /۹)، هدیهٔ العارفین (۵۲۲ /۲).

ابن‌شیرویه‌ی دیلمی، ابومنصور اسپهدوست

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۶۹ ق)، شاعر. از زندگی وی اطلاع چندانی در دست نیست، جز آنکه ابتدا پیرو تشیع بوده و بسیار به آن مباهات می‌کرده است، ولی پس از چندی به تسنن گرویده و اشعاری نیز در این باره سروده است. وی در شعر پیرو ابن‌حجاج بود و اشعار ابن‌حجاج را نیز نقل می‌کرد. او صورتی نیکو اما زبانی بسیار گزنده داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۶۶ /۳)، دائرةالمعارف البستانی (۵۵۰ -۵۴۹ /۱)، ریحانه (۶۱ /۸)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌شیرویه)، الوافی بالوفیات (۳۸۵ -۳۸۴ /۸).

ابن‌شیرویه‌ی نیشابوری، ابومحمد عبداللّه

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۰۵ ق)، فقیه، محدث و حافظ. از نوادگان رُکامه، صحابی مشهور، بود. از اصحاق بن راهویه و احمد بن مَنیع و عمرو بن زُراره حدیث شنید، و کتاب سفیان بن عیینه را در حجاز از عدنی فراگرفت. ابن‌خزیمه و ابوعبداللّه بن اَخْرم و ابوحامد بن شرقی از او روایت کرده‌اند. حاکم نیشابوری گوید «ابن‌شیرویه از بزرگان نیشابور بود. در تصنیفات بسیار او عدالت و استقامتش آشکار است. حفّاظ شهر ما از وی روایت می‌کنند و به این روایات احتجاج می‌نمایند». مصنّفات بسیاری به جای گذاشت که از آن جمله: «محاسن الشرائع والاسلام».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۱۶۸ -۱۶۶ /۱۴)، معجم المؤلفین (۱۲۵ /۶)، هدیهٔ العارفین (۴۴۳ /۱).

ابن‌شیره کاشانی، ابوالحسن علی

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سوم ق)، محدث و فقیه شیعی. شیخ طوسی وی را در شمار اصحاب امام هادی (ع) نام می‌برد. محمد بن حسن صفار از وی روایت کرده است. از آثار وی: «کتاب التأدیب»؛ «کتاب الجامع الکبیر»، در فقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۶۸ /۵، ۲۱۱ -۲۱۰ /۳)، رجال ابن‌داود (قسم ۴۸۶ /۲)، رجال للطوسی (۴۱۷)، رجال النجاشی (۷۹ /۲)، الفهرست للطوسی (۱۶۰)، معجم رجال الحدیث (۱۵۱ -۱۴۹ /۱۲).

ابن‌صلاح همدانی، نجم‌الدین، ابوالفتوح احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۵۴۸ /۵۴۰ ق)، پزشک، ریاضیدان و فیلسوف. گرچه همگان موطن ابن‌صلاح را همدان می‌دانند امّا مشخص نیست به چه دلیلی صاحب «تاریخ الحکماء» اصل وی را از سمیساط دانسته است. به بغداد رفت و علم منطق و ریاضیات و طب را در آنجا فراگرفت. سپس به موصل به قصد خدمت نورالدین محمود بن عمادالدین زنگی رفت و در آنجا بسیار وی را معزز داشتند. از موصل به دمشق رفت و تا پایان عمر در آنجا رحل اقامت افکند. در موصل در محضر ابوالحکم مغربی که هم طبیب و هم شاعر بود، کسب علم کرد و او را شیخ خود می‌نامید، ولی ابوالحکم معتقد بود که ابن‌صلاح در تحصیل علم بر وی نیز پیشی گرفته است. وی با زمخشری، اوحدالدین انوری و ناصح‌الدین ارجانی معاصر بود. خاندان ابن‌صلاح همگی اهل علم بودند. از وی آثار و رساله‌های بسیاری در ریاضیات و طب به جا مانده است که از آن جمله‌اند: «شرح کتاب شفاء ابن‌سینا»؛ کتاب «الفوز الاصغر»؛ «جواب عن برهان مسئلهٔ مضافهٔ الی المقالهٔ السابعهٔ من کتاب اقلیدس فی الاصول و سائر ماجره الکلام فیه»؛ «قول فی بیان ما وهم فیه ابوعلی بن الهیثم فی کتابه فی الشکوک علی اقلیدس»؛ «قول فی ایضاح غلط ابی‌علی بن الهیثم فی الشکل الاول من المقالهٔ العاشرهٔ من کتاب اقلیدس فی الاصول»؛ «مقالهٔ فی کشف الشبههٔ التی عرضت لجماعهٔ ممن ینسب نفسه الی علوم التعالیم علی اقلیدس فی الشکل الرابع عشر»؛ «کتاب فی کیفیهٔ تسطیح البسیط الکری»؛ «مقالهٔ فی تزییف مقدمات مقالهٔ ابی‌سهل القوهی فی ان نسبهٔ القطر الی المحیط نسبهٔ الواحد الی ثلثهٔ و سبع»، درباره‌ی عدد پی؛ «حاشیه بر کتاب ایضاح البرهان علی حساب الخطأین»، تألیف جابر بن ابراهیم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۳۲۰ /۲)، تاریخ الحکماء قفطی (۵۷۴)، تاریخ طب (۷۰۴-۷۰۳ /۲)، ریحانه (۶۸ /۸)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۳۷ -۳۵)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌صلاح)، معجم المؤلفین (۱۰۵ /۲)، نامه‌ی دانشوران (۲۶۰ -۲۵۱ /۱)، هدیهٔ العارفین (۸۴ /۱).

ابن‌ضحاک باهلی، ابوعلی حسین

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۵۰ -۱۶۲ ق)، شاعر. مشهور به اشقر خلیع. اصل او از مردم خراسان و از موالی باهله بود. در بصره به دنیا آمد و همان جان نشو و نما یافت. به دربار امین عباسی رفت و ندیم او شد. در اشعار خود خلیفه را می‌ستود. پس از پیروزی مأمون به بصره گریخت و تا روزگار معتصم در آن شهر به سر برد. سپس به بغداد بازگشت و معتصم را مدح گفت و پس از وی به ستایش واثق پرداخت. او مردی بی‌بند و بار بود. وصف شراب درونمایه‌ی اصلی اشعار او بود و در فن سخنوری از بشار بن برد پیروی می‌کرد. گویند ابونواس توصیفهای وی از شراب را در اشعار خود گنجانده است. مجموعه‌ی اشعار وی به نام «اشعار الخلیع» گردآوری شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۹ -۲۵۸ /۲)، تاریخ ادبیات زبان عربی (۳۲۸ -۳۲۷)، تاریخ بغداد (۵۵ -۵۴ /۸)، معجم الادباء (۲۳ -۵ /۱۰)، وفیات الاعیان (۱۶۸ -۱۶۲ /۲).

ابن‌طباطبایی اصفهانی، ابوالحسن محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۲۲ ق)، عالم، ادیب، شاعر، و محقق. در اصفهان متولد شد. در همان جا تحصیل کرد و تا پایان عمر در همان شهر زیست، از این رو به ابن طباطبای اصفهانی شهرت یافت. گرچه در عصری می‌زیست که بازار سیاست گرم بود، اما او یکسره به کارهای علمی و ادبی و شعر و شاعری پرداخت و عمری را به آسودگی گذراند. بیشترین شهرت او از رهگذر توجه به شعر و شاعری به زبان عربی است. شعرهای او را متوسط دانسته‌اند، اما در نقد ادبی توانا بود. در شرح واقعه‌ی غدیر خم اشعاری سروده است. عبداللّه بن معتز، شاعر معروف بغدادی را بسیار دوست می‌داشت، اما هرگز با او ملاقات نکرد. برخی از آثار او: «المدخل فی معرفهٔ المعمی من الشعر»؛ «الشعر والشعرا»؛ «تهذیب الطبع»؛ «دیوان» شعر؛ «تقریظ الدفاتر»؛ «عیار الشعر». ظاهراً ابن‌خلکان در «وفیات» وجه تفاوتی میان او و احمد بن محمد بن اسماعیل الدیباج، ابن‌طباطبای مصری نیافته و به همین جهت در ضبط اشعارشان به اشتباه افتاده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹۹ /۶)، اعیان الشیعه (۸۰ -۷۲ /۹)، الذریعه (۱۳۶۳ /۱۵ ،۲۶ /۹ ،۵۱۱ ،۳۸۷ /۴)، ریحانه (۸۲ -۸۱ /۸)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۲۵)، معجم الادباء (۱۵۶ -۱۴۳ /۱۷)، معجم المؤلفین (۳۱۲ /۸)، وفیات الاعیان (۱۳۰ /۱)، الوافی بالوفیات (۸۰ -۷۹ /۲)، یادگار (س ۳، ش ۱۰، ص ۶۹ -۶۸).

ابن‌طبری مروزی، ابوحامد احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۷۷ /۳۷۶ ق)، قاضی، حافظ، محدث و مورّخ حنفی. اصل پدر وی از همدان بود و خود از مردم طبرستان. در جوانی وارد بغداد شد و نزد ابوالحسن علی کرخی فقه حنفی را فراگرفت. وی از احمد بن خضر مروزی، احمد بن محمد بن عمر منکدری، محمد بن عبدالرحمان دغولی، احمد بن محمد بن حارث عبدالکریم و محمد بن رزام مروزی حدیث شنید. ابوبکر برقانی و قاضی ابوالعلای واسطی و محمد بن حسین بن احمد بن بکیر و محمد بن مؤمل انباری و احمد بن محمد عتیقی از وی روایت کرده‌اند. وی مدتی عهده‌دار منصب قاضی‌القضاتی خراسان بود. او سرانجام در بخارا یا مرو درگذشت. از آثار وی: کتاب «التاریخ» که با صفت بدیع توصیف شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۱۲ -۱۱۱ /۱)، تاریخ بغداد (۱۰۸ -۱۰۷ /۴)، معجم المؤلفین (۲۰۷ /۱).

ابن‌عاصم اصفهانی، ابوعبداللّه محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۹۹ ق)، فقیه شافعی. وی کاتب قاضی اصفهان بود. به مصر رفت و نزد شافعیان آنجا به تحصیل پرداخت. ابواحمد عسال و ابوالقاسم طبرانی از وی روایت کرده‌اند. به گفته سبکی او کتابهای بسیاری تألیف کرده است که از جمله‌ی آنها کتابی است در مذهب شافعی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۵۰ /۷)، تهذیب التهذیب (۲۰۷ /۹)، معجم المؤلفین (۱۱۶ /۱۰).

ابن‌عَبدان همدانی، ابوالفضل عبداللّه

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۳۳ ق)، فقیه شافعی. او پیشوای دینی و مفتی همدان بود. از آثار وی: «شرائط الاحکام»، در فقه؛ «شرح العبادات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۲۹ /۴)، کشف الظنون (۱۰۳۰)، معجم المؤلفین (۸۰ /۶)، هدیهٔ العارفین (۴۵۰ /۱).

ابن‌عبدک گرگانی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۳۴۰ ق)، مفسر، ادیب، فقیه و متکلم امامی. معروف به عبدکی. عبدک اختصار عبدالکریم است. اهل گرگان بود و پیشوای شیعیان آنجا. مدتی در نیشابور توطن کرد. از عمران بن موسی جرجانی و همطبقه او حدیث شنید. حاکم نیشابوری از وی روایت کرده است. او سرانجام در گرگان درگذشت. از آثار وی: «التفسیر» یا «تفسیر ابن‌عبدک»؛ «شرح الجامع الصغیر» و «شرح الجامع الکبیر» محمد بن حسن شیبانی، در فروع فقه حنفی؛ «الاقتداء بعلی»؛ «الرد علی الاسماعیلیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۹ /۷)، اعیان الشیعه (۴۳۸ -۴۳۷ /۹)، الذریعه (۱۸۳ /۱۰، ۲۴۴ /۴)، رجال ابن‌داود (قسم ۳۲۵ /۱)، رجال النجاشی (۳۰۱ -۳۰۰ /۲)، ریحانه (۱۰۳ /۸)، الفهرست للطوسی (۳۶۸، ۳۰۶)، کشف الظنون (۵۶۸، ۵۶۲)، معجم رجال الحدیث (۳۳۱ /۱۶)، معجم المؤلفین (۲۶ /۱۱).

ابن‌عراق، ابونصر منصور

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بین ۴۲۷ -۴۰۸ ق)، منجم و ریاضیدان. خاندان وی از سلسله‌های قدیم سلاطین خوارزم در عهد سامانیان بودند. وی علوم بر نجوم، گویا در نقاشی نیز مهارت داشت و معلم ابوریحان بیرونی بود. ابونصر با ابن‌سینا همعصر بود و با او در دربار مأمونیان می‌زیست. به نقل از «تاریخ خوارزم»، ابونصر مردی ثروتمند بود، پس از بر سر کار آمدن محمود غزنوی به غزنه رفت. برخی ابوالوفای بوزجانی را استاد وی می‌دانند، زیرا در رساله‌ی «القسی الفلکیه» از او با لقب شیخنا یاد کرده است؛ اما بیرونی معتقد است که او حتی، کسانی را که از نظر علمی از او پایین‌تر بودند، استاد خود می‌نامید. گذشت از این، بوزجانی در بیست سالگی به بغداد رفت، در حالی که ابن‌عراق هرگز به بغداد سفر نکرد. عمر خیام او را جزو علمای درجه‌ی یک ریاضی می‌داند. ابونصر دوازده رساله‌ی ریاضی و نجوم خود را به نام شاگرد خود ابوریحان بیرونی نوشت. بیرونی در یک جا از او با نام ابونصر جعدی نیز نام برده است. از آثار ریاضی او: «رسالة فی حل شبهة عرضت له فی المقالة الثالثة عشر من کتاب الاصول»، در جواب بیرونی برای حل مقاله‌ی سیزدهم کتاب اصول اقلیدس؛ «اصلاح کتاب مانالاوس فی الاشکال الکریة»؛ «رسالة فی معرفة القسی الفلکیه»؛ «رساله فی الجواب عن بعض مسائل الهندسة»؛ «رسالة ابی‌الریحان البیرونی فی الشکل المغنی در مورد مثلث کروی و مسطح، که بیرونی در اثبات این قضیه حق تقدم را با استاد خود ابونصر می‌داند؛ «تهذیب التعالیم»؛ «المجسطی الشاهی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار الباقیه (۲۶۳)، احوال و آثار نقاشان (۵۰ -۴۹ /۱)، تاریخ گزیده (۶۹۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۳۷، ۳۰۶، ۲۱۸، ۲۰۸، ۲۰۷ /۱)، تاریخ نجوم اسلامی (۳۰۴، ۲۱۹)، چهارمقاله (۱۲۰ -۱۱۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۷۰۶ -۷۰۵ /۵)، دایرةالمعارف فارسی (۳۶ /۱)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۱۲۰ -۱۱۲)، گلستان هنر (بیست و پنج- بیست و شش).

ابن‌عربشاه اسفراینی، علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۷ ق)، ادیب و فقیه شافعی. معروف به عصامی و همچنین حفید یا حفید عصام. در مکه‌ی معظمه به دنیا آمد. و در همان جا نشو و نما یافت. از رجال بلاغت محسوب می‌شد. وی در زادگاه خویش منصب قضاوت داشت و سرانجام در همان شهر درگذشت. از آثار وی: حاشیه بر «شرح الاستعارات» جدش عصام‌الدین بر «سمرقندیه»، در بلاغت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۷۰ /۵)، معجم المؤلفین (۳۴ /۷)، هدیة العارفین (۷۵۱ /۱).

ابن‌عربشاه، شهاب‌الدین، ابومحمد، ابوالعباس احمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۵۴ -۷۹۱ ق)، مورخ، ادیب، لغوی، فقیه و محدث حنفی. معروف به عربی و گاهی به عجمی. در دمشق متولد شد و همان جا نشو و نما کرد. در لشکرکشی تیمور، در ۸۰۳ ق به همراه او به سمرقند انتقال یافت و نزد جرجانی، جزری و بسیاری دیگر، به تحصیل علم پرداخت و زبانهای فارسی، ترکی و مغولی را فراگرفت. در مغولستان، نزد بِّرامی حدیث آموخت. از سفرهایی به خوارزم، کریمه و ادرنه داشت و در ادرنه معتمد سلطان عثمان محمد اول شد و برای او کتابهای بسیاری به ترکی ترجمه کرد و به عنوان کاتب السر مسؤول نامه‌نگاریهای سلان به زبانهای عربی، ترکی، فارسی و مغولی شد. در ۸۲۴ ق به حلب و سال بعد به دمشق رفت

و نزد دوست خود، ابوعبداللّه محمد بخاری به تحصیل حدیث پرداخت. درطی سفر حج در قاهره با ابوالمحاسن ابن‌تغری بردی و دیگران روابط دوستی ایجاد کرد. سرانجام در مصر درگذشت. از آثار وی: «عجائب المقدور فی نوائب (اخبار) تیمور»؛ «فاکهة الخلفاء و مفاکهة الظرفاء» که تقلیدی است از «مرزبان‌نامه»؛ «الترجمان المترجم بمنتهی الارب فی لغة الترک والعجم»؛ «برهان الفارض بقول المعارض»؛ «العقد الفرید فی علم التوحید»؛ «عنقود النصیحة»؛ «غرة السیر فی دول الترک والتتر»؛ ترجمه «جامع الحکایات»؛ «مرآت الادب فی المعانی والبیان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۸ /۱)، ایضاح المکنون (۲۲۸ /۲ ،۱۷۸ /۱)، تاریخ ادبیات زبان عربی (۶۳۵)، دائرةالمعارف اسلامیه (۲۳۱ -۲۳۰ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۷۰۷ -۷۰۶ /۵)، الذریعه (۲۲۰ /۱۵)، ریحانه (۱۱۱ -۱۱۰ /۸)، کشف الظنون (۱۶۴۶ ، ۱۲۱۶ ،۱۱۹۸ ،۱۱۷۴ ،۱۱۵۲ ،۱۱۲۸ ،۷۱۴ ،۳۹۷)، الکنی والالقاب (۳۵۵ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (۱۲۲ /۲)، هدیة العارفین (۱۳۰ /۱).

ابن‌عطیه، ابوالهیجا مقاتل

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۰۵ ق)، شاعر. ملقب به شبل‌الدوله. وی از حجاز بود و بر اثر دشمنی با خانواده‌اش زادگاه خود را رها کرده به بغداد آمد، و از آنجا به خراسان رفت. چندی در غزنه زیست؛ سپس به خراسان بازگشت و به دستگاه نظام‌الملک پیوست و داماد وی شد. پس از کشته شدن نظام‌الملک به بغداد رفت. بعد از مدتی به خراسان بازگشت و ایامی را در هرات گذراند. از آنجا به مرو رفت و تا پایان زندگی در آن شهر زیست اشعاری از وی به جا مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۷ -۲۰۶ /۸)، سیر النبلاء (۲۷۱ /۱۹)، وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی (۸۷)، وفیات الاعیان (۲۶۰ -۲۵۷ /۵).

ابن‌عماد خراسانی، ملک‌الکلام

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۰۰ ق)، شاعر، متخلص به ابن‌عماد. در خراسان متولد شد، به شیراز رفت و در همان جا اقامت کرد. بیشتر در مناقب ائمه‌ی معصومین (ع) شعر می‌سرود و در سرودن غزل شهرت داشت. با حافظ و سلمان ساوجی همعصر بود. از زندگی او اطلاع دیگری در دست نیست، جز اینکه، منظومه‌ی «ده نامه» یا «روضة المحبّین» او در میان سخن‌شناسان چندان شهرت داشته که دولتشاه در «تذکره‌ی» خود صریحاً بدان اشاره کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۳۰ -۱۱۲۷ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۱۷)، تذکرة الشعراء (۳۵۲ -۳۵۱)، الذریعه (۳۰۳ /۱۱ ،۲۷ /۹ ،۲۸۴ -۲۸۳ /۸)، تذکره‌ی روز روشن (۱۸).

ابن‌عمید قمی، ابوالفضل محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۶۰ ق)، شاعر، ادیب، کاتب، حکیم معتزلی، لغوی، فیلسوف و منجم. از مردم قم بود. در همان جا نزد ابن‌سمکه تلمذ کرد. و پس از پدر در دربار آل‌بویه خدمت می‌کرد. در ری وزارت وشمگیر را داشت و مدتی هم وزیر رکن‌الدوله‌ی دیلمی بود. چندی در خدمت عضدالدوله در شیراز به سر برد. صاحب بن عباد از شاگردان او بود و به دلیل مصاحبت بیش از حد با وی به صاحب شهرت یافت. در طول عمر به بیماری نقرس و قولنج دچار بود. ابن‌عمید در اغلب علوم عصر خود تبحر داشت. شعرای بسیاری او را مدح کردند از آن جمله متنبی، شاعر معروف در ارجان به خدمت او رسید و به سبب قصیده‌ای که در مدح او گفت، صله دریافت کرد. ابن‌عمید کتابخانه‌ی بزرگی حاوی صد بار کتاب در علوم مختلف داشت که خازن آن ابوعلی بن مسکویه بود. اهمیت ابن‌عمید در آن است که صنایع لفظیه را با معانی دقیق گرد آورد و در بلاغت به درجه‌ای رساند که او را تالی عبدالحمید دانستند. وی در بغداد و به قولی در همدان یا ری درگذشت. پس از وی، پسرش نیز به وزارت رکن‌الدوله رسید که به سبب حسادت به شهادت رسید. در ادب و ترسل او را «جاحظ ثانی» می‌نامیدند. از آثار او: «تاریخ ابن‌عمید»؛ «دیوان رسائل» یا «رسائل ابن‌عمید». ابن‌ندیم، کتاب «المذهب فی بلاغة» را از آثار وی می‌داند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۲۸ /۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۳۹ -۶۳۸ /۱)، تاریخ گزیده (۷۹۲ ،۷۹۱ ،۴۱۷ ،۴۱۶ ،۴۱۲)، دانشنامه‌ی

ایران و اسلام (۷۴۰ -۷۳۹ /۵)، الذریعه (۲۴۱ ،۲۴۰ ،۱۰ /۲۲۴ /۳)، رساله‌ی شرح احوال و آثار ابن‌عمید، روضهٔالصفا (۵۰ /۴)، ریحانه (۱۲۸ -۱۲۵ /۸)، سیر النبلاء (۱۳۸ -۱۳۷ /۱۶)، فوائد الرضویه (۵۲۸ -۵۲۱)، مجالس المؤمنین (۴۴۵ -۴۴۳ /۲)، معجم المؤلفین (۲۵۸ -۲۵۷ /۹)، الوافی بالوفیات (۳۸۳ -۳۸۱ /۲)، وفیات الاعیان (۱۱۳ -۱۰۳ /۵)، هدیهٔ الاحباب (۷۸ -۷۷)، هدیهٔ العارفین (۲/ ۴۶).

ابن‌غیاث شیرازی، کمال‌الدین حسین، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۴۸ ق)، شاعر. وی معاصر ابراهیم سلطان تیموری و مردی ورزشکار بود که از پزشکی نیز سررشته داشت. کمال‌الدین هنگام نماز عصر در میدان سعادت شیراز بساطی می‌افکند و به مناقب خوانی می‌پرداخت. کمال‌الدین قصاید غرایی در مدح امامان شیعه می‌سرود و برای مردم می‌خواند، اما از تعصب و خشک‌اندیشی پرهیز می‌کرد. مردم به او اعتقاد داشتند و او را حرمت می‌نهادند. کمال‌الدین با وجوه اندکی که از مردم می‌گرفت گذران امور می‌کرد. او به عرفان گرایش داشت و اشعار عارفانه نیز می‌سرود. آنچه از اشعار او برجای مانده قصاید و غزلیاتی است که در مدح امامان و به مشرب عرفا سروده است. در شیراز درگذشت. از آثار وی: منظومه‌ای به نام «تشریح البدن» که به دست نمانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۰۰ -۲۹۹)، تذکره‌ی روز روشن (۶۸۴ -۶۸۳)، تذکرهٔ الشعراء (۴۷۳ -۴۷۱)، الذریعه (۹۲۰ /۹)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌غیاث).

ابن‌فارسی، ابوعبداللّه

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، فقیه. علامه حلّی در «خلاصه» گوید که او از مشایخ شیخ طوسی بود. رجال‌نویسان شیعی وی را از علمای خاصه می‌دانند. از زندگی او اطلاع چندانی در دست نیست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۷۸ /۲)، ریاض العلماء (۴۷۶ /۵).

ابن‌فورجه بروجردی، محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۵۵ -۳۳۰ ق)، ادیب، شاعر، مؤلف و محقق. اهل نهاوند بود. برخی منابع، وی را از مردم اصفهان می‌دانند. در بغداد از محضر سید مرتضی بهره برد و مناظراتی نیز با وی داشت، از ابوالعلاء معری بهره جست و در ری اقامت گزید و صدارت و ریاست علمی داشت. گویند بیش از یک صد و سی و دو سال عمر کرد. در سال تولد و وفات وی اختلاف است. ابن‌فورجه در نظم و نثر مبرّز بوده است. از آثار وی: «التجنی علی بن جنی»؛ «الفتح علی ابن الفتح»، که هر دو اثر در رد ابن‌جنی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۴۱ /۶)، تاریخ بروجرد (۴۸ -۴۲ /۲)، دائرهٔالمعارف البستانی (۶۴۱ /۱)، ریحانه (۱۴۲ -۱۴۱ /۸)، معجم الادباء (۱۸۸ /۱۸)، معجم المؤلفین (۲۶۹ /۹)، الوافی بالوفیات (۲۵ -۲۴ /۳).

ابن‌فورک اصفهانی، ابوبکر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۴۰۶ -۳۳۰ ق)، متکلم، محدث و فقیه شافعی. در اصفهان متولد شد. همراه باقلانی واسفراینی نزد ابوالحسن باهلی کلام خواند. برای تکمیل کلام و شنیدن حدیث به بصره، بغداد، ری و نیشابور سفر کرد. در کنار خانقاه پوشنجی، در نیشابور به تدریس پرداخت. در ۴۰۶ ق محمود غزنوی او را به غزنین فراخواند تا با کرامیه آن شهر یعنی پیروان ابوعبداللّه محمد بن کرام که معتقد به جسمیت و فرق بین صفات و ذات الهی بودند، مناظره کند. وی به آسانی در مناظره پیروز شد، اما گویند که در راه بازگشت وی را به زهر کشتند. ابن‌فورک برای بسط کلام اشعری در خراسان بسیار کوشید. ابوالقاسم قشیری از برجسته‌ترین شاگردان او بود. ابوبکر بیهقی و قشیری از وی روایت کرده‌اند. مدفن وی محله‌ی حیره نیشابور مشهور است. ابن‌عساکر تصنیفات وی را در اصول دین و اصول فقه و معانی قرآن بالغ بر صد اثر می‌داند. از آثار او: «مشکل الحدیث و غریبه»؛ «النظامی»؛ «الحدود»؛ «اسماء الرجال»؛

«التفسیر»؛ «حل آیات المتشابهات».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۱۳ /۶)، ایضاح المکنون (۴۸۹ /۲، ۴۷۵ /۱)، تاریخ نیشابور (۲۲۶ -۲۲۵)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۷۶۸ -۷۶۷ /۶)، ریحانه (۱۴۳ -۱۴۲ /۸)، سیر النبلاء (۲۱۶ -۲۱۴ /۱۷)، کشف الظنون (۱۹۶۰، ۱۱۰۶، ۴۳۹، ۲۰۰)، الکنی والالقاب (۳۸۰ /۱)، معجم المؤلفین (۲۰۸ /۹)، الوافی بالوفیات (۳۴۴ /۲)، وفیات الاعیان (۲۷۳ -۲۷۲ /۴)، هدیهٔ الاحباب (۸۱)، هدیهٔ العارفین (۶۰ /۲).

ابن‌فوطی، کمال‌الدین، ابوالفضل

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۲۳ -۶۴۲ ق)، محدث، مورخ، متکلم، حکیم، شاعر و منجم. نیاکانش از مردم مرورود خراسان بودند. در چهارده سالگی مغولان او را در بند کردند و نزدیک دو سال در بند بود. در زمان آخرین خلیفه‌ی عباسی در بغداد شغل دیوانی داشت. ابن‌فوطی در منطق، حکمت و خوشنویسی استاد بود و به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌سرود. پس از فتح بغداد، به خدمت خواجه نصیرالدین طوسی رفت و در محضر او علوم پایه را آموخت، و در رصدخانه‌ی مراغه مشغول کار شد. در ۶۷۹ ق به بغداد بازگشت و از علی بن ساعی بغدادی بهره گرفت. گفته‌اند که وی حدود پانصد استاد دید. در ایامی که عطاءالملک جوینی امارت بغداد داشت وارد دربار گردید. او مجدداً به سال ۷۰۴ ق به آذربایجان سفر کرد و سه سال در آن خطه زیست. او سفرهای دیگری نیز به آذربایجان کرد و سرانجام در اثر سکته و کهولت در بغداد درگذشت. چون نیای مادری او فوطه (لنگ) می‌فروخته، به ابن‌فوطی شهرت یافته است. برخی منابع نیز وی را به واسطه‌ی پیشه‌ی نیای پدرش ابن‌صابونی نام نهاده‌اند. در شیعی یا معتزلی یا شافعی بودن او جای تردید است. از آثارش: «الحوادث الجامعهٔ والتجارب النافعهٔ فی المائهٔ السابعهٔ»، در رویدادهای سده‌ی هفتم قمری در چند مجلد؛ «تاریخ الحوادث من آدم الی خراب بغداد»؛ «تذکرهٔ الرصد»، در تاریخ رصدخانه‌ی مراغه؛ «دررالاصداف فی غرر الاوصاف»، در بیست جلد، در شرح مراحل هستی؛ «مجمع الآداب فی معجم الاسماء والالقاب»؛ «معجم الشیوخ»؛ «الدرر الناصعهٔ فی شعراء المائهٔ السابعهٔ».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۲۴ /۴)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۷۷۰ -۷۶۸ /۶)، ریحانه (۱۴۴ -۱۴۳ /۸)، کشف الظنون (۱۷۳۶، ۱۵۹۷، ۷۵۰، ۶۹۳، ۵۷۳)، لسان المیزان (۳۴۷ -۳۴۶ /۴)، معجم المؤلفین (۲۱۶ -۲۱۵ /۵)، هدیهٔ العارفین (۵۶۷ -۵۶۶ /۱).

ابن‌قاصّ طبری، ابوالعباس احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۳۵ ق)، قاضی و فقیه شافعی. پدرش- قاص- قصه‌پردازی از مردم طبرستان بود که با سپاهیان مسلمان به روم شرقی رفت تا با رجزهایش سپاهیان را به جنگ برانگیزد. ابن‌قاص در زادگاهش بزرگ شد، سپس به بغداد رفت و نزد ابن‌سریج فقه آموخت. پس از چندی به زادگاهش بازگشت و به قضاوت و تدریس پرداخت. ابن‌قاص از ابوخلیفه جُمَحی و دیگران روایت کرد. او در عصر خود پیشوای مذهبی طبرستان بود و اهل علم در حوزه‌ی وی فقه می‌آموختند، در سفری به طرسوس، در جنوب ترکیه و شمال عراق و سوریه، مجلس وعظی برایش آراستند، که در اثنای موعظه او را رقت و خشیت فراگرفت. بیهوش افتاد و از دنیا رفت. از آثار وی: «المفتاح»، در مذهب شافعی؛ «ادب القاضی»؛ «المواقیت»؛ «التلخیص»، در فروع فقه شافعی؛ «دلائل القبله»؛ «فتاوی».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۸۶ /۱)، دائرهٔالمعارف البستانی (۶۲۲ /۱)، ریحانه (۱۴۹ -۱۴۸ /۸)، سیر النبلاء (۳۷۲ -۳۷۱ /۱۵)، کشف الظنون (۱۷۶۹، ۱۶۳۶، ۱۴۶۵، ۱۲۱۹، ۷۶۰، ۴۷۹، ۴۷)، الکنی والالقاب (۳۸۲ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (۱۴۹ /۱)، الوافی بالوفیات (۲۲۷ /۶)، وفیات الاعیان (۶۹ -۶۸ /۱).

ابن‌قبه‌ی رازی، ابوجعفر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، فقیه و متکلم شیعی. با کلینی معاصر بود. نزد ابوالقاسم کعبی بلخی، متکلم معتزلی، درس خواند. نخست معتزلی بود، اما پس از مدتی شیعه شد. ابن‌بطه و ابوالحسن سوسنجردی از شاگردان وی بودند. ابن ابی‌الحدید، شیخ‌مفید و سید مرتضی از کتاب «الانصاف فی الامامهٔ» روایت کرده‌اند. سوسنجردی در ملاقاتی که با ابوالقاسم بلخی داشت، کتاب «الانصاف» ابن‌قبه را به وی تسلیم کرد، بلخی ردّی بر آن نوشت به نام «المسترشد». سوسنجردی «المسترشد» را نزد ابن‌قبه آورد. ابن‌قبه نیز ردّی بر آن نوشت به نام «المستثبت» سوسنجردی دیگر بار به نزد بلخی رفت و «المستثبت» را به وی داد. بلخی نیز ردّی بر آن نوشت، اما ابن‌قبه قبل از آنکه این ردیه را دریافت کند، وفات کرد. از دیگر آثارش: «الامامهٔ»؛ «الرد علی الزیدیه»؛ «الرد علی ابی‌علی الجبائی»؛

«المسألة المفردة فی الامامة»؛ «التعریف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۸۰ /۹)، الذریعه (۲ -۱ /۲۱ ،۳۹۴ /۲۰ ،۲۰۰ /۱۰ ،۲۱۶ /۴ ،۳۹۷ -۳۹۶ ،۳۳۵ /۲) رجال النجاشی (۲۸۹ -۲۸۸ /۲)، ری باستان (۳۶۹ /۲)، ریحانه (۱۵۰ -۱۴۹ /۸)، الفهرست للطوسی (۲۹۸ -۲۹۷)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۳۳۰)، الکنی والالقاب (۳۸۳ -۳۸۲ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌قبه)، معجم المؤلفین (۱۴۹ -۱۴۸ /۱۰)، نامه‌ی دانشوران (۳۱۰ -۲۸۲ /۴)، هدیة العارفین (۱۰۶ /۲).

ابن‌قتلمش، ابومنصور محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۲۰ -۵۴۳ /۵۴۲ ق)، ادیب، نحوی، شاعر و ریاضیدان. از امیرزادگان سمرقند بود ولی در بغداد به دنیا آمد. در ریاضی و در حل مشکلات هندسه‌ی اقلیدسی تبحر داشت. گویند شوق بسیار به قمار داشت و مدتی حاجب خلیفه بود. در بغداد درگذشت و درشو نیزیه دفن شد. اشعار پراکنده‌ای از وی در تذکره‌ها به جا مانده است. از آثارش: «التبر المسبوک والوشی المحبوک».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دائرةالمعارف البستانی (۶۴۵ -۶۴۴ /۱)، ریحانه (۱۵۹ /۸)، معجم الادباء (۲۰۶ -۲۰۵ /۱۸)، معجم المؤلفین (۵۲ /۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۲۷ -۱۲۵ /۳).

ابن‌قولویه قمی، ابوالقاسم جعفر

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۶۹ /۳۶۸ ق)، فقیه و محدث شیعی. از پدرش، ابن‌قولویه قمی ابوجعفر محمد بن جعفر معروف به مَسلَمه متوفی (۳۰۱ /۲۹۹ ق)، و مدفون در قم نزدیک بقعه علی بن بابویه قمی، و نیز از احمد بن حسین زعفرانی، ابوالفضل صابونی، کلینی، ابن‌ولید قمی، ابن‌مهزیار اهوازی، ابن‌بابویه پدر صدوق، ابن‌عُقدَه و احمد بن اصفهبد و گروهی دیگر حدیث شنید. شیخ مفید شاگرد او بود و وی را شیخ‌صدوق توصیف می‌کرد. ابن‌غضائری نیز از شاگردان اوست. همگی وی را محدثی ثقه دانسته‌اند. برادرش ابوالحسین علی بن محمد نیز از محدثان شیعه و از مشایخ اوست. در ۳۳۹ ق عازم سفر حج شد، اما، در بغداد بیمار شد و نتوانست به حج برود و در همان جا درگذشت و در کاظمین دفن شد. از آثار وی: «کامل الزیارات»؛ «الجمعة والجماعة»؛ «تاریخ الشهور والحدوث»؛ «النوادر»؛ «الصلوة»؛ «الرضاع»؛ «الصداق»؛ «مداواة الجسد لحیاة الابد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۵۶ -۱۵۴ /۴)، تاریخ الاسلام (حوادث ۳۹۴ ،۳۹۳ /۳۸۰ -۳۵۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۰۱ -۸۰۰ /۶)، الذریعه (۲۵۵ /۱۷)، رجال النجاشی (۳۰۶ -۳۰۵ /۱)، روضات الجنات (۱۶۸ -۱۶۷ /۲)، ریحانه (۱۶۲ /۸)، الفهرست للطوسی (۷۸ -۷۷)، لسان المیزان (۲۲۴ -۲۲۳ /۲)، فوائد الرضویه (۸۰ -۷۸)، مفاخر اسلام (۱۵۲ -۱۳۲ /۳)، معجم المؤلفین (۱۴۶ /۳)، معجم رجال الحدیث (۱۱۶ /۴)، نامه‌ی دانشوران (۳۶۴ -۳۶۱ /۲)، الوافی بالوفیات (۱۵۱ /۱۱).

ابن‌کَبَن، جمال‌الدین محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۴۲ -۷۷۶ ق)، شاعر، نویسنده، فقیه و قاضی. نیاکانش از مردم طبرستان بودند. وی در عدن متولد شد و در آنجا نشو و نما یافت و پس از اتمام تحصیلات به تدریس پرداخت، پس از آن مفتی شده و عهده‌دار قضای عدن گردید، و حدود ۴۰ سال به قضاوت مشغول بود. با مردم به مدارا رفتار می‌کرد و به داشتن فروتنی، نرم‌خویی و مایل به اصلاح میان مردم مشهور بود. سرانجام در عدن درگذشت. از آثارش: «الدرالنظیم فی الکلام علی بسم اللّه الرحمن الرحیم» یا «شرح البسملة»؛ «مفتاح الحاوی المبین عن النصوص والفحاوی»، شرح گونه‌ای بر «الحاوی المبین عن النصوص والفحاوی»، شرح گونه‌ای بر «الحاوی الصغیر» نجم‌الدین قزوینی؛ «الرقم الجمالی فی شرح الآلی» یا «شرح قصیده جعبریه»، در فرائض.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۵۲۳ /۲ ،۴۵۴ /۱)، کشف الظنون (۱۰۳۵)، معجم المؤلفین (۳۳ /۱۰)، هدیة العارفین (۱۹۱ /۲).

ابن‌کربلایی قزوینی، درویش حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۸۸ ق)، صوفی، شاعر و خطاط. معروف به کربلایی، بابافرجی و حافظ حسین. وی از متصوفه‌ی طریقه‌ی عبداللهیه علویه و مرید سید احمد حسینی حسنی موسوی باب الابوابی بود. در سال ۹۸۸ ق به دمشق رفت و با شیخ بورینی ملاقات کرد و شیخ زبان فارسی را از او فراگرفت و در همین ایام بود که با شیخ بهایی ملاقات کرد. وی خط را نیکو می‌نوشت و از شاگردان علاءالدین علی بیگ تبریزی بود. وی در دمشق درگذشت و در موضع مرج الدحداح در جوار قبر شیخ ابوشامه دفن شد. از آثار وی: «روضات الجنان و جنات الجنان»، در خصوص مقابر فضلاء و مشاهیر اولیای تبریز.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۰۶)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۵۶۹ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۴۹)، الذریعه (۲۷ /۱۱ ، ۹۰۸ /۹)، روضات الجنان (۱/ مقدمه)، ریحانه (۱۶۸ /۸).

ابن‌کربویه رازی

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۲۵۳ ق)، شاعر. وی از یاران حسین بن احمد بن محمد بن اسماعیل بن محمد بن ارقط علوی، مشهور به کوکبی بود. هنگامی که کوکبی در قزوین بر خلیفه‌ی عباسی وقت خروج کرد وی نیز با او همراه بود. شوریدگان، ابهرو زنجان را تصرف کرده و فرستادگان خلیفه را بیرون راندند. در ۲۵۳ ق معتز، خلیفه‌ی عباسی، موسی بن بغا را به رویارویی آنان گسیل کرد و شورشگران را درهم شکست و ابن‌کربویه و کوکبی در طبرستان به حسن بن زید، داعی کبیر، پناهنده شدند، اما با کشته شدن کوکبی به دست حسن، ابن‌کربویه به کوهستان قصران گریخت. درباره‌ی زندگی وی در سالهای پس از این، تنها از اشعار بازمانده‌اش می‌توان آگاهی یافت. ابن کربویه در سروده‌هایش از مردم نصرآباد ری نالیده و بر سرنوشت خویش موییده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ری باستان (۲۷۲ /۲)، الکامل (۳۳۰ /۵).

ابن‌لال همدانی، ابوبکر احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۹۸ /۳۹۲ -۳۰۸ /۳۰۷ ق)، محدث و فقیه شافعی. مفتی همدان بود. وی از عبدالرحمان جلّاب و اسماعیل صفار و ابن‌حمدویه مروزی و حفص بن عمر اردبیلی و دیگران حدیث شنید. چندین بار به بغداد سفر کرد و در آنجا به روایت حدیث پرداخت و املای حدیث کرد و افرادی همچون دارقطنی از وی حدیث شنیدند. جعفر ابهری و محمد بن عیسی صوفی و حمید بن مامون نیز از وی روایت کرده‌اند. از آثار او: «کتاب السنن»؛ «مالا یسع المکلف جهله من العبادات»؛ «ماآت القرآن علی ترتیب السور»؛ «معجم الصحابه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (۳۱۹ -۳۱۸ /۴)، ریحانه (۱۷۸ /۸)، سیر النبلاء (۷۷ -۷۵ /۱۷)، الکامل (۲۴۲ /۷)، کشف الظنون (۱۷۳۶ ،۱۵۷۵)، معجم المؤلفین (۳۱۸ /۱)، الوافی بالوفیات (۲۱۷ /۷)، هدیهٔ العارفین (۶۹ /۱).

ابن‌لبان اصفهانی، ابومحمد عبداللّٰه

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۴۶ ق)، عالم و فقیه شافعی. در اصفهان به دنیا آمد و در بغداد و مکه اقامت گزید. در اصفهان از مشایخی چون ابن‌مقری و ابراهیم بن عبداللّٰه بن خرشید قوله و در بغداد از ابوطاهر مخلص حدیث شنید. در فقه شافعی از اصحاب ابوحامد اسفراینی و از مشایخ خطیب بغدادی بود. چندی نیز قاضی ایذه شد. قرآن را در پنج سالگی حفظ و به چندین روایت قرائت می‌کرد. در اصفهان درگذشت. از آثار وی: «الروضهٔ»؛ «دررالغواص فی علوم الخواص»؛ ویرایش «ادب القضاء» خصاف.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۶۶ /۴)، تاریخ بغداد (۱۴۵ -۱۴۴ /۱۰)، ریحانه (۱۷۹ -۱۷۸ /۸)، دائرهٔالمعارف البستانی (۶۶۹ /۱)، سیر النبلاء (۶۵۴ -۶۵۳ /۱۷)، الکامل (۶۹ /۸)، کشف الظنون (۹۳۱)، معجم المؤلفین (۱۲۵ /۶)، هدیهٔ العارفین (۴۵۱ /۱).

ابن‌مجاور شیرازی، نجم‌الدین ابوالفتح یوسف

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۰۱ ق)، ادیب و شاعر. پـدر وی از صوفیان شیراز بود که در دمشق خانقاه بنا کرده بود. یوسف در دمشق متولـد شـد و همان جـا نشو و نمـا یافت و در همان شـهر مکتب خانه‌ای بنا کرد و به تعلیم پرداخت. صـلاح‌الدین او را به عنوان مربی پسـرش برگزیـد و پس از آن هم مدتی وزارت مصر را عهده‌دار بود. وی در سرودن شعر نیز توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۲ -۳۰۱ /۹)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۳۱ /۶)، دائرةالمعارف البستانی (۶۷۶ /۱).

ابن‌محسد شیرازی، محمود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(شهادت ۷۶۶ ق)، فقیه شیعی. از بزرگـان و نـام‌آوران علمـای امامیه‌ی روزگار خود بود که در دمشق اقامت داشت و در مـدرسه‌ی ابی‌عمر آن شـهر بود. وی در جنبش ضد شـیعی که در شام روی داد، به همراه تعداد بسیاری از شـیعیان شام کشـته شد. ابتدا قاضی حنبلی چهـل روز وی را زنـدانی کرد. پس از آن او را نزد قاضـی القضات مالکی حاضـر کردنـد و او دسـتور ضـرب داد. سـپس نزد نائب‌السـلطنه بردند و علیه او شـهادت دادند و قاضی حکم به ریختن خون او کرد. پس او را به بیرون شهر برده و گردنش را زدند و او را سوزاندند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۰۱ /۱۰)، شهیدان راه فضیلت (۱۵۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۰ -۲۰۹ /۸).

ابن‌مدبر، ابوالحسن احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۷۰ ق)، کاتب و شاعر. در روزگار خلافت واثق عباسـی سرپرست دیوان سپاه و از دولتمردان بود. در سالهای نخست خلافت متوکل سـرپرستی هفت دیوان را داشت. متوکل اشعار او را می‌پسندید و آنها را ارج می‌نهاد. نفوذ ابن‌مدبر در دربار باعث بدگمانی وزیر خلیفه عبیـدالله بن خاقان شـد و گویا ابن‌مدبر و برادرش به زندان افتادند. اما پس از چندی کارگزار خراج دمشق و اردن شد و به دمشق رهسپار شد. پس از آن وی کارگزار مصـر شد و به علت مالیاتهای تازه که وضع کرده بود از منفورترین کارگزاران خراج شـد. وی با ابن‌طولون کشمکشـهایی پیـدا کرد که درگیری آنها به سامرا نیز کشـید و احمـد بن طولون ابن‌مـدبر را به زندان افکند و دارایی وی را مصادره کرد. برخی منابع گفته‌اند به اشاره ابن‌طولون در زندان کشته شد و برخی دیگر می‌گویند در ۲۵۸ ق آزاد شد و پیشـکار دارایی شام و اردن و فلسطین شد و به دمشق رفت. ابن‌طولون که دمشق را تسخیر کرد بار دیگر ابن‌مدبر را بازداشت نمود و به پرداخت ۶۰۰ هزار درهم محکوم کرد. وی را به مصر بردنـد و در آنجا تا پایان عمر زنـدانی بود. وی هر کسـی که شـعرش را می‌پسـندید صله می‌داد و به هر کسی که شعرش را نمی‌پذیرفت دستور می‌داد ۱۰۰ رکعت نماز بخواند. از آثارش: کتاب «المجالسه والمذاکره».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :دانشـنامه‌ی ایران و اسـلام (۸۳۳ /۶)، ریحـانه (۱۹۸ -۱۹۷ /۸)، سـیر النبلاء (۱۲۶ -۱۲۵ /۱۳)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۰۳)، الکنی والالقاب (۴۰۴ /۱)، معجم‌الادباء (۲۲۸ /۱)، الوافی بالوفیات (۴۰۳۸ /۸)، وفیات الاعیان (۵۷ -۵۶ /۷).

ابن‌مرزبان اصفهانی، ابواحمد عبدالرحیم

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۹۶ ق)، پزشک، فقیه و قاضـی. از مردم اصـفهان بود و در روزگار آل‌بویه در بغـداد به کار پزشـکی می‌پرداخت. چنـدی نیز قاضی شوشتر و خوزستان بود. در شوشتر درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۲۱ -۱۲۰ /۴)، الکامل (۲۲۹ /۷).

ابن‌مرزبان، ابونصر سهل

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۴۲۰ ق)، ادیب و شاعر. از مردم اصـفهان بود که در قاین متولد شد و در همان جا نشو و نما یافت. در نیشابور مسکن گزید

و چند بار در جستجوی کتاب به بغداد سفر کرد و کتابهایی نفیس گرد آورد. ابن‌مرزبان معاصر ثعالبی بود و با او مکاتبه داشت. از آثار وی: «اخبار ابی‌العیناء»؛ «اخبار ابن‌الرومی»؛ «اخبار جحظهٔ البرمکی»؛ «الآداب فی الطعام والشراب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۰ /۳)، معجم المؤلفین (۲۸۶ /۴).

ابن‌مشهدی حائری، ابوعبداللّه محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم و هفتم ق)، محدث و فقیه شیعی. از ابن‌بطریق، ورّام بن ابی‌فراس، ابن‌زهره، هبهٔ اللّه بن نما و ابن شاذان بن جبرئیل قمی حدیث شنید و از همگی آنان اجازه‌ی حدیث گرفت. محدث نوری او را در شمار مشایخ نجیب‌الدین بن نما آورده است. از آثارش: «بغیهٔ الطالب و ایضاح المناسک لمن هو راغب فی الحج»؛ «مزار کبیر»، معروف به «مزار محمد بن المشهدی»؛ «المصباح».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۰۲ /۹)، خاتمهٔ مستدرک الوسائل (۲۰ -۱۹ /۳)، الذریعه (۳۲۵ -۳۲۴ /۲۰ ،۱۳۵ -۱۳۴ /۳)، ریاض العلماء (۴۹ /۵)، ریحانه (۲۰۹ -۲۰۸ /۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۵۳ -۲۵۲ /۶)، فوائد الرضویه (۴۴۹)، الکنی والالقاب (۴۰۹ /۱)، مشاهیر دانشمندان اسلام (۳۳۷ -۳۳۶ /۲)، معجم المؤلفین (۱۵۳ /۹)، معجم رجال الحدیث (۲۶۰ -۲۵۹ /۱۷ ،۱۵۹ /۱۵).

ابن‌مظفر شیرازی، ضیاءالدین، ابوالوقت عبدالوهاب

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۳ ق)، عارف و عالم دینی. مردی توانگر بود. حج گزارد و سفری هم به آذربایجان کرد و با مشایخ بسیاری دیدار نمود. در محله‌ی سراجان شیراز نزدیک جامع عتیق خانقاهی ساخت. وی در مسجد عتیق و جامع سنقری هر هفته وعظ می‌کرد و درس می‌گفت. او از خود خیرات بسیار به جای گذاشت. جنید شیرازی از دانش وی بهره‌مند شد و خرقه‌ی خود را از او گرفت. در شیراز درگذشت و در مقبره خانوادگی نزدیک پدر و برادرانش دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان شیراز (۲۱۴)، تذکره‌ی هزار مزار (۲۴۷ -۲۴۶ ،۲۴ -۲۳)، شیرازنامه (۱۷۹).

ابن‌معین شیرازی، فخرالدین، یحیی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، شاعر. در غزل مهارت داشت و ابن‌معین تخلص می‌کرد. ابیات پراکنده‌ای از وی به جا مانده است، از جمله سه غزل شیوا که در «مونس الاحرار» نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۹۲ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۱۷).

ابن‌مقفع، عبداللّه

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۲- ح ۱۳۹ ق)، مترجم و عالم. وی یکی از نخستین مترجمان آثار ادبی تمدنهای هند و ایرانی به زبان عربی و یکی از آفرینندگان نثر ادبی عربی است. در خاندانی نجیب‌زاده در جور فارس، فیروزآباد کنونی، متولد شد. پدرش، دادویه که با نام اسلامی مبارک، معروف بود در زمان حجاج تحصیلدار مالیات بود و چون به جرم اختلاس شکنجه شد، وی را به تمسخر مقفع خواندند. عبداللّه نام اسلامی روزبه بود. در آغاز در کرمان منشی حکام و صاحب منصبان اموی بود. در آنجا ثروتی هنگفت به دست آورد. پس از آن به خدمت عیسی بن علی، عموی منصور، خلیفه‌ی عباسی، درآمد. بهترین سالهای عمر وی در کوفه و بصره طی شد. در محفل ادیبان و ظریفان رفت و آمد داشت. مرگ وی عللی سیاسی داشت. ابن‌مقفع با دست بردن در متن دستخط امان نامه‌ی منصور خلیفه سبب برآشفتگی و بدگمانی خلیفه در حق خود شد. خلیفه فرمان داد تا دست کاتب گستاخ را قطع کنند. حاکم بصره که از مدتها پیش کینه‌ی وی را در دل داشت از این پیشامد برای گرفتن انتقام شدید بهره برد و ابن‌مقفع را زیر شکنجه‌های سهمناک به قتل رساند. ابن‌مقفع، با وجود کمی عمر خود آثار گرانبهایی را تألیف و ترجمه کرد، از آن جمله‌اند: ترجمه‌ی «کلیله و دمنه»، که قدیمی‌ترین ترجمه از این اثر هندی است؛ «ادب الصغیر» و «ادب الکبیر»؛ «الیتیمهٔ»؛ «خدای نامه» که ترجمه‌ای است از

«آیین نامه‌ی» عهد ساسانیان؛ «کتاب مزدک»؛ «کتاب التاج».[۱]

عبداللّه روزبه (مقت. ۱۴۲ یا ۱۴۳ یا ۱۴۵ ه.ق.) اصل وی از فارس است و او در آغاز کاتب عیسی بن علی بود و یکی از ناقلان بزرگ کتب از فارسی به عربی است. از تألیفات اوست: التاج در سیرت انوشروان، آیین‌نامه، کلیله و دمنه، الیتیمهٔ (در رسائل). ابن مقفع به تحریک سفیان بن معاویه و موافقت منصور خلیفه در ۳۶ سالگی کشته شده و در کیفیت مرگ او روایات مختلف است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۸۴ –۲۸۳ /۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۸۷ –۱۸۵)، تاریخ ادبیات زبان عربی (۳۵۲ –۳۴۶ ،۳۳۸ – ۳۲۹)، تاریخ الحکماء قفطی (۳۰۷ –۳۰۶)، تاریخ گزیده (۶۸۷)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۶۸ –۸۶۴ /۶)، دائرةالمعارف اسلامی (۱۶۷۴ /۲)، روضات الجنات (۲۱۹ /۳)، ریحانه (۲۲۶ –۲۲۲ /۸)، سیر النبلاء (۲۰۹ –۲۰۸ /۶)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۹۶ – ۱۹۵)، کشف الظنون (۷۴۵ ،۲۱۷)، الکنی والالقاب (۴۲۵ –۴۲۱ /۱)، لسان المیزان (۱۷۵ –۱۷۳ /۴)، لغت‌نامه (ذیل/ابن‌المقفع)، معجم المؤلفین (۴۰۲ /۱۳ ،۱۵۶ /۶)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۰۱ –۹۹۹ /۳)، الوافی بالوفیات (۶۳۹ –۶۳۳ /۱۷)، وفیات الاعیان (۱۵۵ – ۱۵۱ /۲)، هدیهٔ العارفین (۴۳۸ /۱).

ابن‌مُقْله، ابوعلی محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۲۸ –۲۷۲ ق)، خطاط، شاعر و دانشمند. از مردم بیضای فارس بود. در بغداد تحصیلک کرد و به خدمات دیوانی مشغول شد. ابن‌مقله سه بار به وزارت خلفای عباسی، مقتدر و قاهر و راضی باللّه رسید. ولی هربار با توطئه‌ی درباریان دستگیر و از کار برکنار شد. مدتی نیز حکومت فارس را در دست داشت و مدتی سرپرستی دیوان مظالم و قضا بر عهده‌ی او بود. ابن‌مقله چندین بار بر ضد خلفای عباسی تلاش نمود که هربار بی‌اثر ماند. سرانجام ابن‌رائق که امیرالامرا بود، خلیفه را واداشت تا او را از وزارت بردارد و دستور دهد دست راست او را قطع کنند تا چیزی ننویسد. ولی وی با دست چپ می‌نوشت. ابن‌مقله شعر نیز نیکو می‌سرود و در اشعارش از سرنوشت شوم خویش می‌نالید. چندی بعد زبانش را نیز بریدند و سرانجام در زندان بغداد درگذشت. وی در فقه و تفسیر و ادب چیره‌دست بود. او را مبتکر خط ثلث و نسخ می‌دانند. اصلاحات ابن‌مقله در خط سبب تسهیل در امر نگارش شد. ولی نسبت وضع تمام شش قلم به او روا نیست. اسماعیل بن حماد، محمد بن اسماعیل بغدادی، ابواسحاق ابراهیم بن هلال صابی، شمس المعالی قابوس بن وشمگیر، حسن بن مرزبان سیرافی، ابن‌بواب و گروهی دیگر از شاگردان و پیران او بودند، ابن‌ندیم جد ابن‌مقله را نیز خوشنویس دانسته و قرآنی به خط وی دیده است.[۱]

ابوعلی محمد بن علی (ف. ۳۲۸ ه.ق.). وی به خدمت ابوالحسن بن فرات درآمد و مورد لطف او شد و ثروتی اندوخت و سپس بین آن دو کدورتی ایجاد شد و ابن‌مقله کفران احسان او کرد و در زمره دشمنان وی درآمد تا آنگاه که ابن فرات معزول و دستگیر شد و چون بار دیگر به وزارت رسید ابن مقله را بگرفت و مصادره کرد. مقتدر خلیق در ۳۱۶ ابن‌مقله را به وزارت انتخاب کرد و او در ۳۱۸ معزول و محبوس شد، و بار دیگر به وزارت راضی خلیفه منصوب گردید و به سعایت حاسدان دست راست او را بریدند و مدتی در زندان ماند و همانجا درگذشت. وی مخترع خطوط ثلث، توقیع، ریحان، رقاع و محقق است.

ابوعلی محمد بن علی بن حسین بن مقله‌ی فارسی، پدرانش از مردم فارس بودند و خود به سال ۲۷۳ در بغداد متولد شد، واضع خط ثلث و نسخ است. وی از دانشمندان عصر خود بود و در علوم فقه و تفسیر و قرائت و ادبیات دست داشت و شعر می‌گفت و در ترسل و انشاء و خط سرآمد بود. در اوایل زندگی خود شهرت جهانی داشت تا حدی که ممدوح شعرا واقع شد. ابن‌مقله در اوان جوانی به کارهای دیوانی در دستگاه خلافت پرداخت، و زمانی از طرف «المقتدر بالله» عباسی به حکومت بعض نواحی فارس مأمور بود و پس از چندی به بغداد فراخوانده شد و در مرکز خلافت به خدمت مشغول گردید ولی با توطئه‌هایی که شده بود، به حبس خلیفه افتاد و مدتی در حبس گذرانید تا دوباره خلیفه او را از حبس بیرون آورد و وزارت خود به او داد.

از سال ۳۱۶ ه.ق مدت سه سال با قدرت کامل به رتق و فتق امور مشغول بود ولی در این تاریخ به سعی ساعیان و دشمنان از کار برکنار و به فارس تبعید شد. هنگامی که ابن‌مقله در تبعید روزگار می‌گذرانید، مقتدر را کشتند و «القاهر باللّه» (۳۲۲ –۳۲۰) را خلیفه کردند. وی به محض جلوس بر مسند خلافت، ابن‌مقله را به بغداد طلبید و وزارت به وی تفویض شد. مدتی برنیامد که دشمنان وی را نزد خلیفه متهم کردند و از بیم جان در گوشه‌ای پنهان گردید. چندی بعد القاهرباللّه را گرفتند و چشم وی را میل کشیدند و محمد بن مقتدر «الراضی باللّه» (۳۲۹ –۳۲۲) را به خلافت نشانیدند و او ابن‌مقله را به مقام وزارت بازآورد و پس از مدت اندکی از وی رنجیده گشت و او را به حبس افکند. چندی بعد دست راست او را قطع کردند و به این اندازه هم اکتفا نکرده زبانش را هم بریدند و سرانجام او را کشتند (۳۲۸).

این مرد بزرگ ایرانی پیشقدم یکی از زیباترین مظاهر هنری یعنی خوشنویسی در تمدن اسلامی است و جمله‌ی مورخین برآنند که تا ظهور وی هیچ یک ازخطاطان به قدرت او در نوشتن اقلام مختلف و تتبع او در اختراع خطوط نیامده است و بعضی گویند اقلام سته را که از اصول خطوط متعارفه‌ی اسلامی بود. وی از خط کوفی اقتباس کرده است، قدر مسلم اینکه ابن‌مقله در تکمیل اقلام موجود کوشیده است و شاید بعض خطوط را نیز وضع کرده و یا سر و صورتی به آنها داده باشد (محقق و توقیع و رقاع و نسخ)، ولی نسبت وضع تمام شش قلم به او روا نیست.

ابن‌مقله را به کثرت آثار ستوده‌اند ولی متأسفانه از آثار خطوط وی اکنون چیزی به جای نمانده و آنچه به نام او دیده شده شش رقعه (از مرقع) ثلث رقاع چهار دانگ و دو دانگ جلی و نسخ خوش در کتابخانه سلطنتی است و رقم «خط ابن‌مقلهٔ» دارد و این رقم

نیز قدیم است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۱۶ -۱۰۱۵ /۴)، اطلس خط (۳۰۰ -۲۹۵)، الاعلام (۱۵۸ -۱۵۷ /۱)، پیدایش خط و خطاطـان (۶۸ -۵۷)، تاریخ برگزیـدگان (۴۵۷)، تاریـخ هنرهـای ملی (۷۳۱ -۷۳۰ /۲)، خوشـنویسان و هنرمنـدان (۲۲ -۲۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۷۰ /۶)، دائرةالمعارف البستانی (۷۰۴ -۷۰۳ /۱)، دایرةالمعارف فارسی (۲۲ /۱)، ریحانه (۲۲۸ -۲۲۷ /۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶ ۲۸۶ /۴)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۸۳ ،۱۱۳۴ ،۱۱۱۰ /۲)، الفهرست ابن‌الندیم،ترجمه (۱۵)، الکنی والالقاب (۴۲۶ -۴۲۵ /۱)، گلسـتان هنر (۱۸ -۱۶)، لغت‌نـامه (ذیـل / ابن‌مقله)، مجمل فصـیحی (ذیل/ سالهای ۳۲۸ ،۳۲۳ ،۳۲۲ ،۳۲۰ ،۳۱۴ ، ۳۱۱)، معجم المـؤلفین (۳۲۰ -۳۱۹ /۱۰)، منـاقب هنروران (۴۳ -۳۷)، نـامه‌ی دانشوران (۹۰ -۷۲ /۵)، الوافی بالوفیـات (۱۶۸ /۱)، وفیات الاعیان (۱۱۸ -۱۱۳ /۵)، هدیهٔ الاحباب (۹۰).

ابن‌مَکّی رازی، حسام‌الدین، ابوالحسن علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۹۸ /۵۹۳ ق)، فقیه حنفی. چنـدی در حلب می‌زیست، سپس به دمشق رفت و تا پایان زنـدگی در آن شـهر ماند. پیکر وی را پس از مرگ در بیرون باب الفرادیس به خاک سپردنـد. از آثار وی: «سلوهٔ الهموم»؛ «خلاصهٔ الدلائل فی تنقیح المسائل»، که تکمله و شرحی است بر «مختصر القدوری»، در فروع فقه حنفی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الاعلام (۶۱ /۵)، کشـف الظنون (۱۶۳۳ ،۱۶۳۲ ،۹۹۹)، معجم المـؤلفین (۳۰ /۷)، هدیـهٔ العارفین (۷۰۳ /۱)، ری باستان (۳۲۹ /۲).

ابن‌منتجب مروزی، ابوالحسن علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۳۶ ق)، کـاتب، ادیب و شـاعر. از مردم مرو بـود. پـدرش محمـد نیز ادیب و شـاعری فاضـل بـود و خطی نیکو داشت و لقب منتجب‌الملک داشت و زمخشری وی را مدح و مرثیه گفته بود. وی به عراق سـفر کرد و شـهرهای این سرزمین را سیاحت کرد. در مرو از ابوعلی اسـماعیل بن احمـد بن حسـین بیهقی حدیث شـنید. سرانجام در یورش خوارزمشاهیان به مرو کشـته شد. از آثار وی: «تعلهٔ المشتاق الی ساکنی العراق».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۴۹ /۵)، ایضاح المکنون (۲۹۷ /۱)، معجم الادباء (۶۱ -۵۸ /۱۵)، معجم المؤلفین (۱۸۳ /۷).

ابن‌منجّم، ابوالحسن علی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۵۲ -۲۷۷ /۲۷۶ ق)، ادیب، شاعر، منجم، متکلم و نسب‌شـناس. وی در بغـداد متولـد شد. با صاحب بن عباد نیز مدتی معاشر بود.، ندیمی گروهی از خلفاء را کرد گویا به وزارت نیز رسـید. از آثارش؛ کتاب «القوافی»؛ فضائل «شـهر رمضان»؛ «الرّد علی الخلیل»، در عروض؛ کتـاب «النیروز النوروز والمهرجـان»؛ «الفرق بین ابراهیم بن المهـدی و اسـحاق الموصـلی فی الغناء» و «اللفظ المحیط بنقض مالفظ به اللقیط»، در معارضه‌ی کتاب «الفرق والمعیار» ابوالفرج اصفهانی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الاعلام (۱۸۳ /۵)، ریحانه (۲۶۷ /۸ ،۳۶۹ /۷)، الفهرست ابن‌نـدیم، ترجمه (۲۳۸)، کشـف الظنون (۱۵۵۹ ،۱۴۶۸ ، ۱۲۵۶)، لغت‌نـامه (ذیـل/ علی)، معجم الادبـاء (۱۲۰ -۱۱۲ /۱۵)، معجم المـؤلفین (۲۵۶ /۷)، وفیـات الاعیان (۳۷۶ -۳۷۵ /۳)، هدیهٔ العارفین (۶۸۰ /۱).

ابن‌منجّم، ابوعبداللّه هارون

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۸۸ -۲۵۱ ق)، ادیب، اخباری و شاعر. معروف به ابن ابی‌منصور منجم. وی در بغـداد متولـد شد. با ادیبان و خلفای هم روزگارش مجـالست داشت. در جوانی در شـهر بغـداد درگـذشت. از آثـارش. «البـارع»، در اخبـار شـعراء مولـدین؛ «المختار»، در اغانی؛ کتاب

«النساء و ماجاء فیهن من الخبر و محاسن ماقیل فیهن من الشعر والکلام الحسن» یا «اخبار النساء»؛ «اختیار الشعراء کبیر»، که ناتمام ماند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۴۳ -۴۲ /۹)، ریحانه (۳۶۸ /۷)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۳۸)، کشف الظنون (۲۱۷)، الکنی والالقاب (۲۱۰ /۳)، لغت‌نامه (ذیل / ابوعبداللّه). سیر النبلاء (۴۰۵ -۴۰۴ /۱۳)، معجم الادباء (۲۶۳ -۲۶۲ /۱۹)، معجم المولفین (۱۲۹ /۱۳)، وفیات الاعیان (۷۹ -۷۸ /۶)، هدیه العارفین (۵۰۳ /۲).

ابن‌منده اصفهانی، عبدالرحمان

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۲۰ ق)، دانشمند. پدربزرگ او ابراهیم (منده) فرزند ولید بن سَنده بن بُطّه بن اُستندار فیروزان بن چهاربُخت است. چهار بُخت از کاربدستان روزگار ساسانیان بوده است. سردودمان خاندان منده خاستگاهشان اصفهان بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۷۸ /۶)، سیر النبلاء (۱۳ /۱۵).

ابن‌مهزیار اهوازی، ابوالحسن علی

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۲۵۴ ق)، محدث امامی و فقیه شیعی. وی از یاران امام رضا (ع) و امام محمدتقی (ع) و امام علی‌النقی (ع) بود. در اهواز به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت. پدرش از مردم دورق خوزستان بود که نخست آیین مسیحی داشت. به واسطه‌ی حسن بن سعید اهوازی، وی و پسرش، علی، نزد امام رضا (ع) رفتند و به دست امام اسلام آوردند. ابن‌مهزیار از جانب امام محمدتقی (ع) و امام علی‌النقی (ع) وکالت داشت و این دو امام درباره‌ی خوبیهای وی توقیعاتی صادر کرده‌اند. ابن‌مهزیار از محمد بن ابی‌عمیر، علی بن فضال، حسن بن علی بن فضال و ابان بن عثمان و حسن بن محبوب و حسین بن سعید اهوازی و ابراهیم بن محمد همدانی و احمد بن اسحاق ابهری و جمعی دیگر که شمار آنها به ۵۵ تن می‌رسد، روایت کرده است. وی شاگردان بسیاری تربیت کرده است که ابوعبداللّه برقی و برادرش، ابراهیم بن مهزیار، و ابراهیم بن هاشم قمی و پسرش، حسن بن علی بن مهزیار، از آن دسته‌اند. بسیاری از رجال‌نویسان شیعه او را محدثی ثقه می‌دانند و حدود ۳۳ کتاب از وی برمی‌شمارند. از آثار وی: «کتاب الوضوء»؛ «کتاب الصلاهٔ»؛ «کتاب الزکاهٔ»؛ «کتاب الصوم»؛ «کتاب الحج»؛ «کتاب الانبیاء»؛ «کتاب المثالب»؛ «کتاب البشارات»؛ «المواریث»؛ «الملاحم»؛ «التقیّه»؛ «الرد علی الغلاهٔ»؛ «تفسیر ابن‌مهزیار»؛ «التجمل والمروءهٔ»؛ «المکاسب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۷۸ /۵)، ایضاح المکنون (۳۴۹، ۳۴۶، ۳۳۶، ۳۲۸، ۳۲۱، ۳۱۹، ۳۰۱، ۲۹۳، ۲۸۹، ۲۸۳، ۲۸۰، ۲۷۸، ۲۷۳، ۱۹۸ /۲ ،۳۰۴ /۱)، الذریعه (۳۳۶ /۲۴، ۲۱۴ /۱۰، ۲۴۹، ۲۴۸ /۴)، رجال الطوسی (۴۱۷، ۴۰۳، ۳۸۱)، رجال النجاشی (۷۶ -۷۴ /۲)، ریحانه (۲۳۹ /۸)، الفهرست للطوسی (۲۳۱)، الکنی والالقاب (۴۳۳ -۴۳۲ /۱)، لغت‌نامه (ذیل / علی اهوازی)، مجالس المؤمنین (۴۲۳ -۴۲۱ /۱)، معجم المؤلفین (۲۴۷ /۷)، مفاخر اسلام (۱۲۶، ۱۰۷ /۱)، هدیهٔ العارفین (۶۷۴ /۱).

ابن‌نصوح شیرازی، فضل‌اللّه

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۹۳ ق)، شاعر، متخلص به ابن‌نصوح. در خاندانی توانگر در شیراز متولد شد. نزد علاءالدوله‌ی سمنانی کسب طریقت کرد و در بغداد از سلمان ساوجی ادب آموخت. در تبریز به دستگاه سلطان حسین ایلکانی پیوست و وی را مدح کرد. پس از او برادرش، سلطان‌احمد، را مدح گفت. علاوه بر ایشان، کمال‌الدین علی وزیر و عبدالرحمان وزیر، دولت مردان آن دستگاه، و شیخ محمد کججی را ستایش کرد. مجموع اشعار او حدود چهار هزار بیت بوده که تنها هزار بیت از آن باقی مانده است. از دیگر آثار وی «ده نامه» است که آن را برای خواجه غیاث‌الدین محمد پسر رشیدالدین فضل‌اللّه سروده و همچنین مثنوی «محبت‌نامه»، در مذهب تشیع.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۲۴ -۱۱۰۸ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۱۱)، تذکرهٔ الشعراء (۲۵۰)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۷۰ /۱)، ریحانه (۲۵۳ /۸)، الذریعه (۳۲ /۹)، صبح گلشن (۹)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌نصوح فارسی)، مرآت الفصاحه (۳۳)، هفت اقلیم (۲۱۱ -۲۱۰ /۱).

ابن‌نصیر انبردوانی، ابوکامل احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۴۹ ق)، عالم و فقیه حنفی. از مردم روستای انبردوان در بخارا بود. وی در مذهب حنفی تعصب می‌ورزید و دشمن سرسخت شافعیان به شمار می‌آمد. از عالمان به انساب به شمار می‌رفت. از آثار وی: «المضاهاهٔ والمضافات فی الاسماء والانساب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۷ /۱)، کشف الظنون (۱۷۱۲)، معجم المؤلفین (۱۳۶ /۲).

ابن‌ولید قمی، ابوجعفر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۴۳ ق)، فقیه، محدث و رجال‌شناس شیعی. از محمد بن صفار و سعد بن عبداللّٰه اشعری و دیگران علم آموخت. وی به دقت در شنیدن حدیث شهرت داشت. نجاشی او را ثقه خوانده است. شیخ صدوق، تلعکبری، ابوالحسین بن ابی‌جیدوعلی بن حسین بن بابویه از شاگردان وی بودند و از او روایت کرده‌اند. فرزندش، احمد بن محمد استاد شیخ مفید و از مشایخ اجازه اوست. از آثارش: «التفسیر القرآن»؛ «الجامع»؛ و فهرستی در رجال.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :رجال ابن‌داود (قسم ۳۰۸ /۱)، رجال الطوسی (۴۹۵)، رجال النجاشی (۳۰۲ –۳۰۱ /۲ ،۱۲۳ /۱)، ریحانه (۲۶۵ /۸)، الفهرست للطوسی (۲۸۵ –۲۸۴)، الکنی والالقاب (۴۴۶ /۱)، معجم رجال الحدیث (۲۰۸ –۲۰۶ /۱۵).

ابن‌هارون دشت میشانی، ابوعمرو سهل

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۱۵ ق)، حکیم، شاعر، نحوی و لغوی. معروف به بزرگمهر اسلام. وی از مردم دشت میشان بود که به بصره نقل مکان کرد و در آنجا شهره گشت. و به خدمت هارون‌الرشید درآمد و تا آنجا اوج گرفت که به جای یحیی برمکی برگزیده شد. او همچنین از خادمان خاص مأمون گردید و متصدی خزانهٔالحکمهٔ و کتابدار مأمون شد. ابن‌هارون از شعوبیان بود و عجم را بر عرب برتری می‌داد. و در این باره کتابها و رسایل مختلفی نگاشته است. جاحظ شیفته اوست و در وصفش گوید که او خطیب، شاعر و نویسنده قطعات بلند و کوتاه و کتب بزرگ است. گویند که وی بخیل و خسیس بود، به طوری که رساله‌ای در «بخل» نوشت و در آن خساست و بخل را ستود، و آن را به نام حسن بن سهل وزیر کرد. از جمله آثارش: کتاب «ادب اسل بن اسل»؛ کتاب «اسباسیوس فی اتحاد الاخوان»؛ «تدبیر الملک والسیاسهٔ»؛ کتاب «دیوان الرسائل»؛ «ثعلهٔ و عفراء»، که بر اساس «کلیله و دمنه» برای مأمون نوشت؛ «المسائل»؛ «ندود و ودود و لدود»؛ «النّمر والثعلب»؛ «الوامق والعذراء».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۱ /۳)، اعیان الشیعه (۳۲۳ /۷)، ایضاح المکنون (۴۱ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۸۷ /۱)، ریحانه (۲۶۶ /۸)، الفهرست لابن‌الندیم (۱۷۴)، لغت‌نامه (ذیل/ سهل)، معجم الادباء (۲۶۷ –۲۶۶ /۱)، معجم المؤلفین (۲۸۶ /۴).

ابن‌هندو، ابوالفرج علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۰ /۴۱۰ ق)، ادیب، شاعر، طبیب و منجم. از مردم ری بود. در نیشابور تحصیل کرد و هم در آنجا با دانش یونانی آشنا شد. از شاگردان ابوالحسن دائلی بود. پزشکی را نزد ابن‌خمار آموخت. مدتی در گرگان در خدمت قابوس وشمگیر بود. در اشعارش قابوس و فرزند وی، منوچهر، را ستود. پس از آن به خدمت عضدالدوله‌ی دیلمی درآمد و تا پایان زندگی دبیر وی بود. از آثارش: «مفتاح الطب»؛ «الکلم الروحانیهٔ من الحکم الیونانیه»؛ «کتاب النفس»؛ «المقالهٔ المشوقهٔ فی المدخل الی العلم الفلسفه»؛ «الرسالهٔ المشرقیه»؛ «انموذج الحکمهٔ»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۸۹ –۸۸ /۵)، ایضاح المکنون (۷۰۴ –۳۷۹ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۰۲ /۱)، تاریخ طب (۶۷۸ /۲)، تاریخ طبرستان (۱۲۵ –۱۳۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۲۰ /۷)، دائرهٔالمعارف البستانی (۷۳۲ /۱)، الذریعه (۳۶ /۹)، ریحانه (۲۸۰ – ۲۷۹ /۸)، روضات الجنات (۲۱۶ –۲۱۵ /۵)، کشف الظنون (۱۷۶۲)، لغت‌نامه (ذیل / ابن‌هندو)، معجم الادباء (۱۴۶ –۱۳۶ /۱۳)، معجم المؤلفین (۸۳ –۸۲ /۷)، نامه‌ی دانشوران (۱۳۴ –۱۲۷ /۳).

ابن‌هندویه فارسی، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۰۷ -۴۴۰ ق)، فقیه، محدث و مصنف. در بغداد به شهرت رسید و همان جا می‌زیست تا درگذشت و در کنار آرامگاه ابن‌سریج به خاک سپرده شد. وی دارای تألیفات و مجموعاتی بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۴۸ /۷)، معجم المؤلفین (۲۰۶ /۱۱).

ابن‌هیصم هروی، صدرالاسلام، مجدالدین، علی

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(زنده قبل از ۲۸۰ ق)، ادیب، شاعر و محدث. در هرات متولد شد، از آنجا به بغداد رفت و از عثمان بن سعید دارمی (م ح ۲۸۰ ق)، حدیث شنید. ابواحمد غطریفی گرگانی از او حدیث شنید. ابن‌هیصم در سرودن شعر به زبان عربی توانا بد. از آثار وی: «مفتاح البلاغهٔ»؛ «کتاب البَسملهٔ»؛ «نهج الرشاد»؛ «عقود الجواهر»؛ «لطائف النُکَت»؛ «تصفیهٔ القلوب»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۸۶ /۸)، تاریخ بغداد (۵ /۱۲)، ریحانه (۳۶۳ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم الادباء (۲۸۰ -۲۷۷ /۱۳)، معجم المؤلفین (۱۴۱ /۷)، هدیهٔ العارفین (۶۹۸ -۶۹۷ /۱).

ابن‌یزداد قمی نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۰۵ ق)، فقیه، محدث و مفسر حنفی. از مردم ری بود. اما مدتی در نیشابور نیز زندگی کرد. از محمد بن شجاع ثَلْجی فقه آموخت و از محمد بن حمید رازی حدیث شنید. ابوبکر احمد بن سعد بن نصر و احمد کاغَدی از او روایت می‌کردند. چندی در نیشابور به املای حدیث می‌پرداخت. ابن‌یزداد در فقه دستی توانا داشت و از مشاهیر فقهای حنفی روزگار خویش بود. با اندیشه‌های شافعی مخالفت می‌ورزید و بر کتابهای او خرده می‌گرفت و بر اصحاب شافعی ردّیه می‌نوشت. از آثار وی: «احکام القرآن»؛ «اثبات القیاس والاجتهاد و خبر الواحد»؛ شرح «الجامع الکبیر» شیبانی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۷۸ /۵)، سیر النبلاء (۲۳۷ -۲۳۶ /۱۴)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۳۸۴)، کشف الظنون (۲۰)، معجم المؤلفین (۲۵۱ -۲۵۰ /۷)، هدیهٔ العارفین (۶۷۵ /۱).

ابن‌یمین فریومدی، امیر فخرالدین، محمود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۷۲ /۷۶۹ ق)، شاعر و ادیب. پدرش از ترکانی بود که از ماوراءالنهر به خراسان آمده بودند. با دربار ابوسعید و طغاتیمور مراوده داشت. ابن‌یمین نخست در دیوان استیفا مشغول به کار شد. سپس به تبریز رفت و در دستگاه غیاث‌الدین محمد فرزند رشیدالدین فضل‌اللّه به خدمت مشغول شد. از آنجا عازم عراق عجم شد و سپس به زادگاهش بازگشت. وی علاءالدین محمد فریومدی را می‌ستود و با سربداران دوست بود. در ۷۴۳ ق در نبرد میان وجیه‌الدین مسعود سربداری با ابوالحسین محمد بن غیاث‌الدین کرت «دیوان» اشعارش گم شد و گویا به سارت آل‌کرت درآمد. در دربار آل‌کرت به گردآوری مجدد «دیوان» اشعارش همت گماشت. سپس به سبزوار رفت و انزوا گزید. شعر وی برخلاف گویندگان معاصر وی ساده و دوراز تکلّف است. در سرودن قطعه بیش از دیگر قالبها تبحر داشت. به جز «دیوان» شعر، مثنوی «مجلس افروز» از جمله آثار باقی مانده از اوست. وی از نخستین شاعرانی است که در مناقب امامان و درباره‌ی فاجعه کربلا شعر سروده است. از شاگردان برجسته‌ی وی می‌توان به ابوعلی فارسی اشاره کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۳۹ -۳۷ /۱)، از سعدی تا جامی (۳۰۱ -۲۹۱)، ایضاح المکنون (۴۸۸ /۱)، با کاروان حله (۲۷۴ -۲۷۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۶۲ -۹۵۱ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۰۱ -۲۰۰)، تذکرهٔ الشعراء (۳۱۴ -۳۰۶)، حبیب السیر (۳۸۶ /۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۲۶ -۹۲۴ /۷)، دایرهٔالمعارف فارسی (۲۳ /۱)، الذریعه (۳۴ /۹)، ریحانه (۲۸۴ -۲۸۲ /۸)، سرآمدان فرهنگ (۵۳ /۱)، سیری در شعر فارسی (۸۹)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۸ -۱۷)، الکنی والالقاب (۴۵۴ /۱)، فهرست کتب چاپی (۴ -۲ /۶)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌یمین)، مجالس المؤمنین (۶۷۲ -۶۷۱ /۲)، مجمع الفصحا (۸ -۱ /۴)، مجمل فصیحی (ذیل/ سالهای ۷۶۹ ،

۷۴۳)، هدیهٔ العارفین (۴۰۸ /۲)، هفت اقلیم (۲۸۶ –۲۸۵ /۲).

ابواسحاق، ابراهیم

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ ابواسحق ابراهیم صاحب مقامات عالیه بوده گویند هنوز به حد بلوغ نرسیده جامع علوم شرعی و دینی گشته چهل و چهار کتاب تصنیف کرده از جمله کتابی در فقه مسمی به مهذب در چهار مجلد. در سال ۴۷۹ ق در عصر خلافت المقتدی بامر اللّه به بغداد آمده و در آنجا وفات و مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ابوالآداب یزدی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۷۷ ق)، شاعر. مردی فاضل بود. در نگارش و شعر مهارت داشت. در جوانی در اصفهان درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۲۲ –۲۱)، فرهنگ سخنوران (۲۰).

ابوالبرکات بیهقی، مجدالدین فضل

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. ظاهراً اهل بیهق خراسان بود و نسبش با پانزده واسطه به امیرالمؤمنین (ع) می‌رسد. وی عالمی دانشمند و حکیمی شاعر بود که در دو عرصه‌ی نظم و نثر فارسی و عربی استاد بود. در «لباب الالباب» قصیده‌ی بلندی از سروده‌های وی در مدح تاج‌الدین، رییس، خراسان نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بیهق (۲۶۳، ۲۴۶)، الذریعه (۹۶۰، ۳۷ /۹)، فرهنگ سخنوران (۲۱)، لباب الالباب (۳۲۲ –۳۱۸ /۲)، مجمع الفصحا (۲۱۹ –۲۱۷ /۱).

ابوالبرکه سمرقندی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر، متخلص به فراقی. در سمرقند و خراسان قاضی بود و چندین بار به سبب بی‌عدالتیها از منصب قضا برکنار شد. وی دو فرزند شاعر داشت، او به سبب پاره‌ای از اشعار درشت، مورد غضب شاه قرار گرفته که با فرستادن قطعه‌ای در این باب احتجاج کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۶۱۳ –۶۱۲، ۱۹)، حبیب السیر (۲۸۷ /۴)، الذریعه (۸۱۷ – ۸۱۶، ۳۶ /۹)، صبح گلشن (۱۰ – ۹)، مجالس النفائس (۱۱۶ –۱۱۵)، هفت اقلیم (۳۸۷ –۳۸۶ /۳).

ابوالبقاء موسوی حسینی ابرقویی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۰۰ ق)، خطاط و شاعر. ملقب به رستم الخطاطین. از سادات ابرقو بود که در اصفهان می‌زیست و خود نسبت سیادتش را یک جا موسوی و دیگر جای حسینی یاد می‌کند. ابوالبقا مدارش بر تحصیل علوم و کسب کمالات بود و از شاگردان محمد امین مشهدی و از خوشنویسان دربار شاه جهان، پادشاه هندوستان، به شمار می‌رفت؛ بعد از برگشت از هند به دربار شاه‌عباس اول راه پیدا کرد و از او لقب رستم‌الخطاطین یافت. در خدمت تقرب‌خان قربت یافت و پس از مرگ او، محمدعلی خان به او مهربانی بسیار کرد. از خطوط او: «منهاج العباد» است تألیف سعید فرغانی، به قلم کتابت جلی خوش؛ یک قطعه به قلم دودانگ خوش، با رقم: «ابوالبقاء الموسوی ۱۰۰۶»؛ یک قطعه به قلم دودانگ و کتاب خوش، با رقم «المذنب ابوالبقا الحسینی»؛ یک قطعه به قلم دودانگ

خوش، با رقم: «کمترین ابوالبقاء الموسوی»؛ چهار قطعه به قلمهای سه دانگ و دودانگ و کتابت خوش، با ارقام مختلف.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۴ -۲۲ /۱)، تاریخ هنرای ملی (۹۴۳ /۲)، تذکرهٔ الخطاطین (۱۹۲ -۱۸۲ /۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۱۶)، خوشنویسان و هنرمندان (۵۵)، الذریعه (۱۳۹ ،۳۷ /۹)، صبح گلشن (۶۷)، فرهنگ سخنوران (۲۱)، کاروان هند (۱۲ -۱۱ /۱).

ابوالحمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۹۹ ق)، خطاط. از شکسته‌نویسان گمنام است. از آثار او: یک نسخه «خلاصهٔ الخمسه»، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «به تاریخ... سنهٔ تسعهٔ و تسعین بعدالالف... در دارالسلطنه‌ی اصفهان... حرره ابی‌الحمد بن محمد شفیع...».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۴۱/۴).

ابوالحمد، عبدالحمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: علوم سیاسی و حقوق عمومی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دریافت مدارک کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای حقوق و علوم سیاسی از دانشگاههای تهران و پاریس.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

نظام سیاسی در کشورهای جهان سوم، تدریس دروس حقوق اداری ایران و مبانی سیاست و حقوق عمومی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر حدود ۴۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی تألیفات:

حقوق اداری ایران، مبانی سیاست، فرهنگ اصطلاحات حقوق فارسی به فرانسه، کتاب‌شناسی تمدن ایرانی در زبان فرانسه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

حقوق، علوم سیاسی، معرفی و نقد کتابهای حقوقی و علوم سیاسی.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ابوالسعادات

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسعد بن عبدالقاهر بن اسعد اصفهانی

از اجلّه ی علما و فقهای قرن هفتم هجری، و از مشایخ روایت سید رضی الدین علی بن طاوس است.

کتب زیر از اوست:

۱- اکسیر السعادتین ۲- توجیه السؤالات ۳- جامع الدلائل و مجمع الفضائل، در امامت که آن را منبع الدلائل نیز نوشته‌اند ۴- رشح الولاء (رشح الوفاء) در شرح دعای صنمی قریش، و آن را جهت شاه سلطان حسین صفوی ترجمه کردند. (نام مترجم ذکر نشده است) ۵- مجمع البحرین، مجموعه ی مواعظ و حکم منقول از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیر المؤمنین علیه السلام؛ و غیره.

وفاتش را در ۶۳۵ نوشته‌اند.

در اعیان الشیعه خواجه نصیر الدین طوسی و میثم بن علی بحرانی را از اساتید او معرفی می‌کند. و در روضات (: ۲۸) صاحب عنوان از مشایخ این دو نفر است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابوالعز، عمر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از او یک جزو از قرآن با ترجمه و تفسیر فارسی (شبیه تفسیر تربت جام) ریحان خفی متوسط با رقم «ابوالعز عمر بن علی بن محمد ۶۰۳» در بقعه‌ی مولوی در قونیه موجود است.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

ابوالفتح

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از او یک قرآن رحلی جلد ساغری قهوه‌ای ضربی لولادار عالی با رقم «... ابوالفتح... محمود... کردی» (بیمانه‌ی کلمات محو شده و از رقم فقط این سه کلمه را می‌توان خواند) سال ۷۲۸. در موزه‌ی ایران باستان وجود دارد.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

ابوالفتح بستی، نظام الدین عمید

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بستی، علی بن محمد بن حسین بن یوسف بن محمد بن عبدالعزیز (ف. بخارا ۴۰۰ یا ۴۰۱ ه.ق.). از مشاهیر مترسلان و شاعران پارسی و تازی در آغاز عهد غزنویان و اواخر قرن چهارم است. وی نخست در خدمت «بایتوز» امیر بست به سر می‌برد و دبیر او بود و پس از غلبه سبکیگین بر بایتوز به دبیری سبکتیگین منصوب شد و تا پایان حیات آن امیر و اوایل پادشاهی محمود صاحب دیوان رسائل بود، تا عاقبت به عللی سلطان بر او متغییر شد و بستی به دیار ترک افتاد و در آن غربت فروشده. عوفی گفته که خود و دیوان پارسی و تازی او را دیده.

(وف ۴۰۱ / ۴۰۰ ق)، شاعر و کاتب. ابتدا در دربار سامانیان به شغل دبیری اشتغال داشت و بعد از آن به خدمت امیر بست پیوست و تا هنگامی که ناصرالدین سبکتکین بر امیر بست غلبه یافت، سمت دبیری داشت ابوالفتح از بیم او متواری شد، لیکن سبکتکین که بر مرتبه‌ی او در دانش وقوف داشت وی را به خدمت خواند و به دبیری برگزید. ابوالفتح تا پایان عمر سبکتکین صاحب دیوان رسائل او بود و در اوایل سلطنت محمود نیز همچنان در شغل خود باقی ماند تا عاقبت به جهاتی سلطان بر او متغیر شد. وی در شعر و نثر عربی مهارت بسیار و در هر دو شهرت داشت و دارای دو «دیوان» بود، یکی تازی و دیگری فارسی. در بخارا درگذشت. ابوالفتح چند رساله‌ی در انشاء نیز نوشته است.[۱]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۴۴ / ۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۵۸ -۴۵۷ / ۱)، تاریخ گزیده (۶۹۰)، تاریخ نظم و نثر (۴۵)، تذکره‌ی روز روشن (۲۳)، دایرهٔ المعارف فارسی (۲۶ / ۱)، لباب الالباب (۶۴ / ۱)، مجمع الفصحا (۱۵۰ / ۱)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۴۰۰)، نامه‌ی دانشوران (۱۹۷ -۱۷۳ / ۴)، وفیات الاعیان (۳۷۸ -۳۷۶ / ۳).

ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین بن هیثم

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۵۶ -۲۸۴ ق)، مورخ، محدث، ادیب شاعر و موسیقیدان. در اصفهان متولد شد و در بغداد نشو و نما یافت و نزد ابن درید و ابن‌انباری و محمد بن جریر طبری تحصیل کرد. وی از علی بن عباس بجلی و محمد بن جعفر قتّات و ابوبکر بن درید و نفطویه حدیث شنید. دارقطنی و ابراهیم بن احمد طبری و ابوالفتح بن ابی‌الفوارس از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابوالفرج در ادبیات، نحو، لغت، تاریخ، سیر، انساب، طب، نجوم و حدیث متبحر بود و شعر را نیکو می‌گفت. با اینکه نسب اموی داشت، شیعی زیدی بود و این را از عجایب شمرده‌اند. وی در بغداد درگذشت و همان جا دفن شد. مهمترین اثرش که او را جاودانه ساخته، کتاب «الاغانی» است که رجال قرن چهارم، مانند صاحب بن عباد و عضدالدوله‌ی دیلمی به آن توجه بسیار داشتند و گفته‌اند که عضدالدوله این کتاب را از خود در سفر و حضر دور نمی‌داشت. از دیگر آثار وی: «الاماء الشواعر»؛ «الدیارات»؛ «مقاتل الطالبین»؛ «اعیان الفرس»؛

«آداب الفرباء من اهل الفضل و الادب»؛ «اخبار جحظهٔ البرمکی»، «اخبار الطفیلیین»؛ «اشعار الاماء و الممالیک»؛ «جمهرهٔ النسب»؛ «دعوهٔ التجار»؛ «کتاب التنزیل فی امیرالمؤمنین (ع)»؛ «کتاب الخمارین و الخمارات»؛ «کتاب الغلمان المغنین»؛ «مجرد الاغانی » و « دیوان» شعر.[۱]

اصفهانی علی بن حسین (و. ۲۸۴ ه.ق./ ۸۹۷ م.– ف. ۳۵۶ ه.ق./ ۹۶۷ م.) نویسنده و ادیب قرن چهارم. وی در ادب عرب شاگرد ابن درید و ابن‌الانباری و محمد– ابن جریر طبری بود و کتاب مشهورش الاغانی (اغانی) است، دیگر از آثار او «مقاتل الطالبین»، «الاماء الشواعر» و «الدیارات» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] استادان موسیقی (۳۱)، الاعلام (۸۸ /۵)، اعیان الشیعه (۲۰۱ –۱۹۸ /۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۲ /۱)، تاریخ الاسلام (حوادث ۱۴۵ –۱۴۳ /۳۸۰ –۳۵۱)، تاریخ برگزیدگان (۲۷۴ –۲۷۲)، تاریخ بغداد (۴۰۰ –۳۹۸ /۱۱)، تاریخ در ایران (۲۴ – ۲۳)، تاریخ هنرهای ملی (۷۳۶ –۷۳۵ /۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۷۸ –۹۷۷ /۷)، دائرهٔالمعارف البستانی (۳۰۴ –۳۰۳ /۲)، دایرهٔالمعارف فارسی (۲۶ /۱)، الذریعه (۳۷۷ –۳۷۶ /۲۱ ،۷۴۲ /۹ ،۲۸۷ /۸ ،۲۵۰ –۲۴۹ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۸۲ –۸۱ /۱)، سیر النبلاء (۲۰۳ –۲۰۱ –۱۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸۴ –۱۸۳ /۴)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۱۸۹)، الفهرست للطوسی (۳۷۹)، فوائد الرضویه (۲۸۰ –۲۷۸)، الکامل (۲۵ /۷)، کشف الظنون (۱۹۵۱ ،۱۹۴۷ ،۱۴۴۴ ،۱۲۵۶ ،۷۵۶ ،۶۰۵ ،۴۱۹ ،۳۶۰ ،۱۶۱ ،۱۲۹ ، ۱۲۸)، الکنی و الالقاب (۱۳۹ –۱۳۸ /۱)، لسان المیزان (۱۵ –۱۳ /۵)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالفرج)، معجم الادباء (۱۳۶ –۹۴ /۱۳)، معجم المؤلفین (۷۹ –۷۸ /۷)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۳ –۲۱۲ /۴)، نامه‌ی دانشوران (۵۸ –۴۴ /۴)، الوافی بالوفیات (۲۶ –۲۰ /۲۱)، وفیات الاعیان (۳۰۹ –۳۰۷ /۳)، هدیهٔ العارفین (۶۸۱ /۱).

ابوالفقرا، محمّد باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند ملّا محمّدتقی گزی، عالم، شاعر، ادیب و در اصفهان انجمن ادبی داشته و جمع کثیری از شعرا در آن شرکت می‌نموده‌اند. در مقدمه دیوان غمگین ضمن دو قصیده انجمنیه نام ۲۲ نفر از آنها ذکر شده است.

آه و افسوس از ابوالفقراء
که بدانش ورا نبود قرین
هم بدش جا به صُفّه عرفان
هم در ایوان شرع صدرنشین
بیتی آراست بر بدو مصرع
چون دو ابروی شاهد شیرین
باقر بن تقی ابوالفقراء
رفت اندر مقام علیین
(۱۲۸۶ هجری قمری)

ملّا محمّدباقر ابوالفقراء، عالم، ادیب، فقیه، عارف، شاعر، معروف در منطقه گز و اصفهان و در عصر سلطنت محمّدشاه و ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۶۳ تا ۱۳۱۳) زندگی می‌کرده است و از معاصرین مرحوم حاج سیّد محمّدباقر حجت‌الاسلام و حاجی کلباسی و مقبول‌القول آن دو و دیگران و بنیانگذار انجمن ادبی معروف به انجمن ادبی ابوالفقراء بوده است که از جمع کثیری از رجال و ادیبان نیمه دوم سده سیزدهم هجری تشکیل می‌شده است. در آماری از آنها در مقدمه دیوان غمگین اصفهانی که ضمن اشاره به قصاید انجمنیه، نام مشاهیری از آنها را ذکر کرده است. میرزا نوراللّه عمان سامانی متخلص به «ذرّه» و مؤلف مجمع الانساب، فرزند میر عبداللّه از نوادگان میرزا عبدالوهاب سامانی متخلص به «قطره» و عمویش میرزا لطف‌اللّه متخلص به «دریا» از شعرای بنام عهد ناصرالدین شاه قاجار و نیمه دوم سده سیزدهم هجری و از اعضای این انجمن به شمار می‌رفته‌اند. این انجمن در روزهای جمعه هر هفته برپابوده است.

انجمن ادبی ابوالفقراء گزی تا سنه ۱۲۸۶ هجری قمری که سال وفات آن مرحوم است، به حیات ادبی خویش ادامه داد و در اوصاف و تخلصات اعضای انجمن و شعرای آن، عمان سامانی در قصیده انجمنیه که به روایت استاد فقید و فرزانه یگانه، مرحوم استاد جلال‌الدین همایی، به همراه قصیده انجمنیه مسکین اصفهانی و یک غزل که مطروحه انجمن ابوالفقراء بود، در مجموعه خطی در سال ۱۲۸۶ یعنی پس از وفات آن مرحوم کتابت شد و توأم با مدح میرزا حبیب‌اللّه خان فرزند میرزا عبداللّه خان امین دولت می‌باشد از رجال و اعیان معروف اصفهان بوده و ۲۷ سال پس از ابوالفقراء یعنی در سال ۱۳۱۳ در گذشته است، نسبت به معرفی تعداد ۲۵ نفر از اعضای انجمن که شامل ابوالفقراء، مسکین، پرتو، افسر، بقاء، عنقا، سرگشته، اشتها (میرزا عبداللّه)، آشفته، فرخ، ساغر، پروین، دهقان، شعری، جوزا، شهاب (تاج‌الشعراء)، مفتون، نامی، جیحون اصفهانی، کافر، بهاء (بهاءالدین)، نجم، سها، الفت و سایرین بوده که متفاوت و متقارب‌الاحوال بوده و در مواردی سمت پیشوایی و ارشاد داشته‌اند. عده‌ای از آنها را از اقران هما و قاآنی دانسته و انجمنهای دیگر نیز نظیر انجمن ملک‌الشعرا و عنقا که مربوط به مرحوم ملک‌الشعرا و میرزا محمّدحسین عنقا بوده و در منزل او یا منزل پدرش مرحوم همای شیرازی هفته‌ای یکبار همان بعدازظهرهای جمعه تا اوایل شب تشکیل می‌شده است و در مقدمه‌ای به قلم مرحوم استاد جلال همایی در دیوان اشعار حاج محمّدکاظم غمگین اصفهانی متوفی ۱۳۵۵ ذکری از آنها رفته است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

ابوالقاسم حکیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، طبیب و شاعر. وی برادرزاده‌ی درویش علی، پزشک امیر علیشیر نوایی، و مردی دانشمند و پزشکی حاذق بود و در فنون دیگر نیز دست داشت. ظاهرا، خاندان وی از مردم هرات بودند ولی، او در بخارا می‌زیست. هفتاد سال عمر کرد؛ در حوالی نمازگاه بخارا دفن شد. ابوالقاسم غزل نیز خوب می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۲۲).

ابوالقاسم، علی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از او قرآن خشتی، نسخ ریحان مانند کتابت خفی متوسط. نسبت به ابن‌بواب داده‌اند و صحیح نیست و رقم: «کتبه ابوالقاسم علی... اربع مائة» از آن خوانده می‌شود و بقیه را محو کرده‌اند. در موزه‌ی اسلامی ترک موجود است.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

ابوالمعالی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل و اهل کمال بوده، در ۶ ربیع الاول سال ۱۳۷۴ وفات یافته، در بیرون بقعه تکیه کازرونی مدفون گردید.

هر دو برادر در خدمت پدر و عمّ خود تلمّذ نموده‌اند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابوالینبغی

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس بن طرخان، یکی از شاعران ایرانی است که به زبان عربی شعر می‌گفته و در خدمت برمیکان می‌زیسته است. از او دو بیت ذیل در تأسف بر خرابی سمرقند در کتاب المسالک و الممال ابن خردادبه نقل شده است:

سمرقند کند مند بذینت کی افکند؟

از چاچ ته بیهی همیشه ته خهی.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ابوترابی علوی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد ابوترابی علوی فرزند آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر بن العالم الجلیل آسید ابوتراب قزوینی از علماء و ائمه جماعت معاصر قزوین بودند

تولد ایشان در سال ۱۳۱۶ قمری در دارالسلطنه قزوین واقع شده و پس از دو سال در خدمت والد خود به عتبات عالیات مشرف و مدت ۱۵ سال در تحت مراقبت چنان پدری که مظهر قدس و ورع و تقوا بودند تربیت و در سال ۱۳۳۱ ق مراجعت به ایران و قزوین نموده و در آنجا شروع به مقدمات و سطوح را خدمت والد خود و سایر علماء خوانده و در سال ۱۳۴۲ ق مهاجرت به قم و خدمت مرحوم آیت‌اللّه آقا شیخ ابوالقاسم کبیر و آیت‌اللّه آمیرزا سید علی یثربی کاشانی و مرحوم آیت‌اللّه خونساری و مراتب دانش و اجتهادشان مورد تصدیق آن مرحوم و مشحون به دست خط مبارکشان گردیده و از مرحوم محدث قمی و والدشان هم اجازه روایتی داشته و بعد به امر مرحوم آیت‌اللّه حایری به قزوین آمده و تا آخر عمر به خدمات دینی از اقامه جماعت و تدریس و ترویج دین اشتغال داشته تا بعد از ۱۳۸۰ وفات و به صالحین نیاکانش ملحق گردیده است چنانچه در ذیل ترجمه والدشان اشاره نمودم

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ابوترابی، ابوتراب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

و اما والد ماجدشان مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید ابوتراب ابوترابی فرزند مرلَّه آقا سید حسین فرزند آقا سید ابوتراب که از جمله مبرزین شاگردان مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ مرتضی انصاری رضوان‌اللَّه‌علیهم بوده و ترجمه وی در تراجم مربوطه مضبوط است نامبرده در قزوین در سال یک هزار و سیصد و نه هجری متولد شده در دوران رضاع پدر خود را از دست داده و در سن شباب شروع به تحصیل به امر مادر خود در شهر مزبور کرد که آن روز یکی از مراکز علمی و فقه اصول بوده به تحصیل علوم دینی همت گماشت دوره سطح را در محضر اساتید از جمله مرحوم حاج علی‌اکبر یزدی که از شاگردان مرحوم شیخ انصاری بوده است به پایان رسانید تا مرتبه قریب‌الاجتهاد به نجف اشرف منتقل در مدتی بیش از ده سال از محضر مراجع عالیمقام مرحوم آیت‌اللَّه اصفهانی و آیت‌اللَّه نائینی و آیت‌اللَّه عراقی استفاده کرده به مرتبه عالیه‌ای از اجتهاد نائل آمد و از هر یک از علماء نامبرده گواهی صریح بر نیل مشارالیه به مرتبه اجتهاد صادر چنانچه تألیفات وی این حقیقت را گواه است سپس چهل و شش سال قبل از فوت به درخواست جمعی از محترمین قزوین به وطن مألوف مراجعت با فضائل اخلاقی به امر تدریس و پرورش طلاب علوم دینی و سایر امور شرعی که در عهده وظیفه یک عالم روحانی است همت گماشت و به آیه مبارکه نفر عمل کرد تا آنگاه که در سال ۱۳۹۳ هجری در سن ۸۴ سالگی دعوت حق را لبیک گفت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ابوترابی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد ابوترابی

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۳/۲

زندگینامه علمی

اینجانب یکسال پیش از پیروزی انقلاب، یعنی زمانی که ۱۴ سال داشتم با علاقه وافر شخصی سال ۵۶ – ۱۳۵۵ به حوزه وارد شدم، علوم حوزوی را از مدرسه حقانی منتظریه آغاز کردم. این مدرسه با اشراف آیهٔ‌الله شهید بهشتی (ره) و شهید قدوسی (ره) و با همکاری شخصیت هایی از قبیل آیت الله مصباح یزدی و آیهٔ‌الله جنتی اداره می شد تا سه سال پس از پیروزی انقلاب از درسهای این مدرسه استفاده می کردم.

دروس سطح ۲ و ۳ را از درسهای آزاد حوزه علمیه استفاده کردم و در این دوره از اساتیدی چون مرحوم آیهٔ‌الله ذهنی تهرانی، مرحوم آیهٔ‌الله اعتمادی و آیهٔ‌الله اشتهاردی و آیهٔ‌الله محقق داماد بهره بردم.

درس خارج فقه و اصول را از اساتیدی چون آیهٔ الله تبریزی، آیهٔ الله وحید خراسانی، آیهٔ الله بهجت، آیهٔ الله هاشمی شاهرودی و آیهٔ‌الله مکارم شیرازی فرا گرفتم. حدود ۱۲ سال در خارج فقه و اصول شرکت کردم. از سال ۱۳۶۴ به دوره عمومی درسهای موسسه در راه حق که زیر نظر آیت الله مصباح یزدی اداره می شد وارد شدم، در این دوره های درسی با فلسفه اسلامی، فلسفه غرب، فلسفه علوم تربیتی، اقتصاد اسلامی و علم اقتصاد (خرد، کلان، پول، بین الملل) فلسفه سیاست، روانشناسی عمومی و تفسیر قرآن آشنا شدم. علاقه وافر اینجانب به دفاع عقلانی از مبانی اعتقادی اسلامی با انگیزه اصلی اینجانب برای ورود به این دوره درسی و بعد درسهای موسسه در راه حق به صورت تخصصی در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم علیه السلام ادامه یافت، در این بنیاد دوره فوق لیسانس فلسفه اسلامی را گذراندم و با پایان نامه ای در موضوع شیوه تحقیق در علوم فطری فارغ التحصیل شدم. این دوره درسی در موسسه امام خمینی (ره) ادامه یافت. با ورود به دوره دکترای فلسفه تطبیقی (اسلام و غرب) مدرک دکترای فلسفه تطبیقی را دریافت کردم.

از سال ۱۳۷۷ به عنوان قائم مقام مدیریت تحقیقاتی تدوین دائرهٔ المعارف علوم عقلی اسلامی وارد شدم، این بخش در ابتدای تشکیل خود بود. در این سمت توانستم زمینه های رشد و پیشرفت این تحقیقات را فراهم آورم. سپس به عنوان مسئول این مرکز که وابسته به موسسه امام خمینی (ره) است، از سوی حضرت آیت الله مصباح یزدی انتخاب شدم و هم اکنون نیز ریاست این مرکز را به عهده دارم. در آشنایی با فلسفه اسلامی و غرب بیش از همه از استاد علامه حضرت آیت الله مصباح یزدی بهره بردم و سه جلد از مجلدات اسفار صدر المتالهین و کتاب برهان شفا و معارف قرآن از ایشان فرا گرفتم، در فلسفه کانت از استاد دکتر احمد احمدی و استاد دکتر حداد عادل استفاده کردم. منطق ریاضی، فلسفه ریاضی و نفس و بدن را از استاد دکتر پورعبدالله آموختم. منطق، اشارات و تاریخ فلسفه را از استاد فیاضی بهره بردم و فلسفه تحلیلی را از جناب حجهٔ‌الاسلام والمسلمین آقای صادق لاریجانی آموختم. بخشی از اسفار صدر المتالهین را از درسهای آیهٔ‌الله جوادی آملی استفاده کردم.

از سال ۱۳۶۳ تاکنون تدریسهای متعددی در منطق، ادبیات عرب، فقه، فلسفه اخلاق، فلسفه سیاست، هستی شناسی، معرفت شناسی داشته و دارم و علاوه بر پایان نامه های فوق لیسانس و دکترا مقالات متعددی در موضوعات تخصصی محض و کاربردی در بحث اعتقادی و سیاسی و ... نگاشته ام، که برخی از آنها چاپ شده است و برخی دیگر به تدریج در حال آماده شدن برای چاپ است.

ابوترابی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عباس بن آیت‌اللّه حاج سید ابوتراب بن العالم الجلیل السید بن آیت‌اللّه حاج سید ابوتراب ابوترابی از علماء معاصر شهرستان قزوین است. تولدش در قزوین واقع شده و بعد از دریافت گواهینامه ششم ابتدائی به امر پدرش در شهرستان قزوین شروع به تحصیل علوم دینی نموده بعد از تکمیل ادبیات و اشتغال به فقه و اصول با کسب اجازه از پدرش به قم رهسپار شده و در پرتو و مراحم مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر قزوینی عم والامقام پدرش که بعداً نسبت مصاهرت به ایشان را یافت به تحصیل ادامه داد بعد از تکمیل سطح دوره خارج فقه و اصول را از محضر درس آیات عظام مراجع عالیمقام به ترتیب مرحوم آقای حجت و کوه‌کمره‌ای و مرحوم طباطبائی بروجردی اعلی اللّه مقامهما تا پایان حیات این دو مرجع عالیقدر و آقای موسوی ادام اللّه ظله و مرحوم حاج آسید محمد محقق معروف به داماد استفاده کرده و بحمداللّه با کوشش و سعی بلیغ بیشتر نتایج حاصله را به قید کتابت اندوخته است و از آن همه تقریرات خمس مرحوم آیت‌اللّه بروجردی قبل از فوت مشارالیه مقارن با فوت به طبع رسید و در طی این سیر از محضر استاد عالیمقام علامه طباطبائی آقای حاج سید محمدحسین ادام الله ظله بکسب فلسفه و عرفان اشتغال داشته این استاد بزرگوار بر اثر لطف و عنایات بیشتری که با بعضی از شاگردان خود داشتند خلطه و آمیزش با فضایل اخلاقی و صفات نفسانی که از مزایای مشارالیه معظم است عملاً آنان را به تهذیب و تربیت اخلاقی هدایت می‌فرمودند و به درخواست پدرش و جمعی از محترمین به قصد مراجعت به شهرستان قزوین حرکت کرده و تاکنون هستند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ابوترابی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی ابوترابی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱۰/۳

ابوجعفر (خادم الشریعهٔ)

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند علّامه سید صدرالدین محمّد عاملی موسوی اصفهانی.

عالم فاضل بزرگوار، مادرش دختر شیخ جعفر کاشف الغطاء بوده، و نزد علمای اصفهان تلمذ فرموده، از مخصوصین آقا سید اللّه بیدآبادی بوده، و به مصاهرت او نایل گردیده.

رسائلی در فقه و اصول نوشته و به نظر استاد رسانیده، و مرحوم سیّد، پشت آن تقریظی نگاشته، و از فضل و علم و بزرگواری مؤلّف آن مدح و ثنا گفته است.

صاحب عنوان در سال ۱۳۲۴ قمری در اصفهان وفات یافته و در تخت فولاد در تکیه‌ای به نام خود که گاهی آن را به نام فرزندش حاج آقا مجلس نیز می‌خوانند مدوفن گردید.

مادّه تاریخ ساختمان بقعه این است: «قل إنّ الجنّةُ للمتّقین»

تاریخ وفاتش این است:

یکی آمد بر وزن ز الهام غیب آورد تاریخش

شده طیّار سوی کوی حق روح ابوجعفر

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابوحنیفه صغیر، ابوجعفر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۶۲ ق)، فقیه حنفی. وی در هندوان بلخ به دنیا آمد. از محمد بن عقیل بلخی حدیث شنید و از ابوبکر محمد بن ابی‌سعید فقه آموخت. ابوجعفر از اکابر فقهای حنفیه است. وی را به دلیل تبحری که در فقاهت داشت ابوحنیفه صغیر می‌گفتند. در بلخ به نقل حدیث می‌پرداخت و مشکلات فقهی را به مرحله‌ی بیان می‌آورد. وی در بخارا درگذشت. از آثار وی: شرح «ادب القاضی علی مذهب ابی‌حنیفه» ابویوسف قاضی؛ «الفوائد الفقهیه»؛ «کشف الغوامض»، در فروع.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۷۵/۷)، سیر النبلاء (۱۳۱/۲۱۶)، کشف الظنون (۱۴۹۳، ۱۳۰۰، ۴۶)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوحنیفه صغیر)، معجم المؤلفین (۲۴۴/۱۰)، الوافی بالوفیات (۳۴۷/۳)، هدیهٔ العارفین (۴۷/۲).

ابوحنیفه نعمان

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۵۰ -۸۰ ق)، فقیه، محدث، مؤسس مذهب حنفیه و متکلم. مشهور به امام اصحاب رای و امام اعظم. نژاد ایرانی داشت. جدّ وی از موالی تیم بود که از کابل به کوفه آورده شده بود. ابوحنیفه در کوفه متولد شد، و مدتی به تجارت خز مشغول بود. وی از شاگردان امام باقر (ع) و امام صادق (ع) و حمّاد بن ابی‌سلیمان و عطاء بن ابی‌رباح بود. ابوحنیفه پس از مرگ حمّاد مرجع عمده‌ی مکتب فقهی کوفه گردید. ابوحنیفه خود کتابی در فقه ننوشته است ولی آراء و بحثهایش از سوی شاگردان وی جمع‌آوری شده و به همین جهت بعضی از تألیفات شاگردان او باید به عنوان منابع اصلی مذهب حنفی تلّقی شود. فقه ابوحنیفه دارای چنان مطالب تازه و صریحی است که قسمت مهمّی از آن را شاگردانش محکوم و مردود شناخته‌اند. آرای فقهی او، در مقایسه با موارد اصولی آرای معاصرانش، مشروح‌تر و دوراندیشانه‌تر است. فقه او به طور کلی از جهت استدلال عالی و غالباً قاطع است و کمتر جنبه‌ی عملی را در نظر می‌آورد. او علاوه بر به کارگیری رأی و قیاس کمتر حاضر است که مانند ارباب مذاهب دیگر از سنّت در برابر احادیث آحاد دست بکشد. ابوحنیفه در کلام نیز دست داشته است. وی مدتی زندانی شد و سرانجام در زندان وفات کرد. مقبره‌ی وی در اعظمیه‌ی بغداد است. او شاگردان زیادی داشت از جمله: زفر بن هذیل، داوود طائی، ابویوسف قاضی، ابومطیع بلخی، محمد بن حسین شیبانی، اسد بن عمرو بجلی، حسن بن زیاد لؤلؤی و پسرش حمّاد بن ابی‌حنیفه و عبداللّه بن مبارک و جارود نیشابوری و عبدالکریم جرجانی و ابونعیم و وکیع. از آثار او: کتاب «مسند»، در حدیث که جمع‌آوری شاگردان اوست؛ «المخارج»، در فقه که روایت ابویوسف از اوست. برخی به غلط کتابهایی را به او نسبت داده‌اند از جمله: «فقه الاکبر»، که عقاید اصیل ابوحنیفه را نشان می‌دهد؛ «العالم والمتعلّم»؛ «فقه الاَبسَط».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۵ -۴ /۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۷ -۷۶ /۱)، تاریخ ادبی ایران (۴۰۲/۱)، تاریخ بغداد (۴۵۴ -۳۲۳ /۱۳)، التاریخ الکبیر (۸۱/۸)، تعلیقات اسرار التوحید (۶۵۴)، تهذیب التهذیب (۴۰۳ -۴۰۱ /۱۰)، الجرح والتعدیل (ج ۴، ق ۴۵۰ -۴۴۹ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۲۹ -۱۰۲۷ /۸)، دائرهٔالمعارف الاسلامیه (۳۲۲ -۳۳۰ /۱)، روضات الجنات (۱۶۲ -۱۵۳ /۸)، سیر النبلاء (۴۰۳ -۳۹۰ /۶)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۳۷۵ -۳۷۳)، الکامل (۳۰/۵)، کشف الظنون (۱۶۸۰، ۱۴۳۷، ۱۲۸۷)، کشف المحجوب (۱۱۲)، الکنی والالقاب (۵۶ -۵۳ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوحنیفه)، مجمل فصیحی (ذیل/ سالهای ۸۰ و ۱۵۰)، معجم المؤلفین (۱۰۵ - ۱۰۴ /۱۳)، وفیات الاعیان (۴۱۵ -۴۰۵ /۵)، هدیهٔ العارفین (۴۹۵/۲).

ابوطالب اصفهانی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۳۵ ق)، خطاط و شاعر. وی از نجبای اصفهان بود و پس از مرگ پدر منصب سرخط نویسی دیوان شاه سلطان حسین به او تفویض شد. و وزراء و درباریان او را بسیار توقیر می‌کردند. ابوطالب در فن انشاء، حسن خط، صفات حسنه و اخلاق پسندیده یکتا بود. صاحب «گلشن»، خط شکسته وی را در کمال خوبی و درستی دانسته است و همچنین او را خوش طبع و لطیف مزاج و شیرین گفتار یافته. «دیوانی» مشتمل بر دو سه هزار بیت از او به جا مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۴۱ /۴)، تذکرهٔ القبور (۸۰).

ابوطالب شیخ

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۵۳ ق)، خطاط، نقاش، مذهّب و شاعر. او از مشایخ و مجتهدان بود و هفت قلم را نیکو می‌نوشت و در نقاشی و تذهیب نیز دست داشت. ابوطالب در ادبیات و زبان فارسی و عربی مهارت داشت و به هر دو زبان شعر می گفت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۸ -۲۷ /۱)، احوال و آثار نقاشان (۴۵ -۴۴ /۱).

ابوطالبان، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد ابوطالبیان متولد۱۳۴۵ قزوین است وی فوق لیسانس خود را در رشته روابط بین الملل از آکادمی عالی علوم اقتصاد بخارست دریافت کرده. احمد ابوطالبیان قزوینی از جمله هنرمندان خوشنویس به شیوه نستعلیق است که مرحوم میرزا غلامرضا اصفهانی مبتکر آن بود.گروه : هنررشته : خوشنویسیگرایش : نستعلیقتحصیلات رسمی و حرفه ای : . احمد ابوطالبیان متولد۱۳۴۵ قزوین، لیسانس خود را در رشته اقتصاد و فوق لیسانس خود را در رشته روابط بین الملل از آکادمی عالی علوم اقتصاد بخارست دریافت کرده و مدت ۱۷ سال در خارج از ایران علاوه بر تحصیل به فعالیت های فرهنگی و هنری مشغول بوده است .فعالیتهای ضمن تحصیل : وی به مدت ۱۷ سال در خارج از ایران بوده است و علاوه بر تحصیل به فعالیت های فرهنگی و هنری مشغول بوده است .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ابوطالبیان در زمینه مجموعه داری هم فعال هستند و مجموعه های باارزشی فراهم کرده اند": حدود ۲۵ سال است که مجموعه داری می کنم و در این مدت بزرگترین مجموعه از آثار خطی روی کاغذ را در گنجینه خصوصی ام فراهم آورده ام. علاوه بر آثار خوشنویسی و غیر از خطوط کوفی که جزو آثار اسلامی مربوط به قرون اولیه اسلام هستند، آثار خطی ایرانی را از قرن حدوداً ششم تا دوران قاجار را جمع آوری کرده ام. به اضافه آثار خطی و مرقعات خطی که شامل قرآن های خطی از زمان یاقوت مستعصمی تا پایان دوره قاجار می شود. مجموعه نفیسی هم از ادعیه خطی هست که توسط خوشنویسان بزرگی مانند زین العابدین اشرف الکتاب اصفهانی، محمد شفیع تبریزی و عبدالرحیم افسر نوشته شده اند. کتب خطی دیگری هم شامل دواوین شعرای بزرگ پارسی مانند اهلی شیرازی، منوچهری دامغانی، سعدی، حافظ و... جمع آوری کرده ام که هم از نظر تصاویر، هم از نظر مینیاتور، هم از نظر خط و هم به لحاظ کتاب آرایی مجموعه بی نظیری است ".چگونگی عرضه آثار : ابوطالبیان دایرهٔ المعارفی در دست چاپ دارد که خود او در این مورد توضیح میدهد": حدود ۲۰ سال قبل دایرهٔ المعارفی در زمینه شرح احوال و آثار خوشنویسان قزوین فراهم کردم که از هزار سال قبل تا پایان دوره قاجار را در بر می گرفت. این کتاب با توجه به قراردادی که با ناشر امضاکردم، قرار بود توسط انتشارات طه منتشر شود. اما چون مدت ۱۷سال از ایران دور بودم، چاپ این کتاب هم به سرانجام نرسید. اما از دوسال پیش که به ایران برگشتم، مجدانه پیگیر چاپ این کتاب هستم".

آثار : دایرهٔ المعارف شرح احوال و آثار خوشنویسان قزوین ویژگی اثر : تالیف، در دست چاپ منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

ابوطالبی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی ابوطالبی

محل تولد : اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

۱. تحصیلات تا پایان مقطع دبیرستان رشته ریاضی فیزیک – دبیرستان شهید صدرقم.

۲. تحصیلات مقدمات وسطح یک حوزه ۱۳۷۵-۱۳۶۹ مدرسه علمیه معصومیه .

۳. تحصیلات سطح دو وسه ۱۳۸۰- ۱۳۷۵ (درمحضراساتید بزرگوار حجج اسلام آقایان عندلیب،موسوی تهرانی وحسینی خراسانی)

۴. تحصیلات خارج اصول وخارج فقه – امربه معروف ونهی ازمنکر،جهاد ،خمس ،-(درمحضراساتیدبزرگوار حجج اسلام آ قایان لاریجانی،کعبی ،واعظی)۱۳۸۴- ۱۳۸۰

۵.ورود به مؤسسه امام خمینی (ره)۱۳۷۵

۶.دوره کارشناسی ارشد الهیات ومعارف اسلامی ۱۳۸۱- ۱۳۷۵ عنوان پایان نامه تربیت دینی ازدیدگاه امام علی (ع)

۷.دوره کارشناسی ارشد علوم سیاسی ۱۳۸۴- ۱۳۸۲ عنوان پایان نامه تبیین ناکارآمدی علم سیاست غربی درتحلیل نهضت امام

خمینی (ره) با تکیه برتحلیل نیکی آر.کدی

۸.عضویت درگروه پژوهشی تاریخ واندیشه معاصر(با مدیریت دکترموسوی نجفی)از ۱۳۸۱تاکنون .

۹.عضویت درگروه پژوهشی تاریخ مشروطیت (با مدیریت حجت الاسلام والمسلمین علی ابوالحسنی) از ۱۳۸۱ تاکنون.

ابوطالبی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ یحیی ابوطالبی از علماء و فضلاء اصحاب و مبرزین رفقا و معاضدین مرحوم آیه‌الله حجت کوهکمری دارای مقام و عمل و قدس و ورع میباشند.

معظم‌له فرزند عالم بزرگوار شیخ محمد صالح بن العلامه حاج ملا ابوطالب بن عالم جلیل حاج ملا غفور است که از تلامذه مرحوم شیخ انصاری و مرحوم آقا سید حسین کوهکمری و مرحوم آیه‌الله مجدد میرزای شیرازی بوده و حواشی مختصری هم بر رسائل و مکاسب استاد نوشته و تألیفات مستقله‌ی داشته که آیه‌الله العظمی نجفی مرعشی مدظله در پشت یکی از آنها حالات او را یادآور شده است، از او یادگار مانده و آن جناب در ۱۳۲۹ ق در شهر اراک برحمت ایزدی پیوسته است.

فرزند ایشان مرحوم ملا محمد صالح ابوطالبی از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی و حاج میرزا حسین خلیلی و پس از فوت آنها نزد پدر خود و مرحوم آیه‌الله حایری تلمذ نموده و در سن ۳۵ سالگی در سال ۱۳۲۷ ق بدرود حیات گفته است.

آقای حاج آقا یحیی در ۱۲ ذی‌الحجه سنه ۱۳۲۳ ق در اراک بدنیا آمده و پس از رسیدن برشد و بلوغ که تصادف با ورود مرحوم آیه‌الله حایری باراک داشت بتحصیل علوم عربیت و ادبیت پرداخته تا در سال ۱۳۴۰ ق که مرحوم آیت‌الله حایری بقم آمدند بواسطه وجود موانع هفت سال در عراق توقف و در سال ۱۳۴۷ قمری بقم آمده و تا مدت دو سال از محضر آنجناب استفاده و در ضمن به تکمیل سطوح پرداخته تا در سال ۱۳۴۹ که بواسطه کسالت مراجعت باراک نموده و هفت سال دیگر توقف و در سال ۱۳۵۵ ق مجددا بقم آمده و از محضر آیه‌الله حایری و اساتید دیگر بهره‌مند ولی پس از چند ماهی که آفتاب عالمتاب مرحوم حایری برای همیشه غروب نمود موفق بدرک فیض حضور استادنا الاعظم و معاذنا الاکرم آیه‌الله حجت کوهکمری قدس سره و منقطع بایشان گردیده.

مترجم معظم ما پس از فوت مرحوم آیه‌الله حجت استاد بزرگوار خود مهاجرت بنجف نموده و قریب بیست سال از محضر اساتید بزرگ نجف چون آیه‌الله العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیه‌الله العظمی حکیم و آیه‌الله العظمی والعلامه الکبری خوئی استفاده نموده و در این حوادث اخیر قهرا بایران مراجعت و در اراک ساکن گردیده است.

تألیفاتی در فقه و اصول و غیره از تقریرات درس اساتید خود مخصوصا آیه‌الله حجت رحمه‌الله دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ابونراس اهوازی، حسن

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوم ق)، شاعر و ادیب. از شاعران معروف دوره‌ی بنی‌عباس است که بین ۱۳۰ و ۱۴۵ ق در اهواز از مادری ایرانی متولد شد و در بصره و کوفه پرورش یافت و سپس به بغداد رفت و به خدمت برامکه پیوست و بعد از افول دولت آنها به مصر گریخت، ولی دگر بار به بغداد بازگشت و از مقربان خلیفه، امین، شد. ابونراس به قولی در زندان و به ۲ قولی دیگر در میخانه‌ای در بغداد بین ۱۹۸ و ۲۰۰ ق وفات یافت. اشعار وی بیشتر در وصف می و معشوق و بعضی در مدح هارون الرشید وامین است. «دیوان» اشعار او بعد از مرگش توسط ادبا تدوین گردید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۴۱ –۲۴۰ /۲)، تاریخ ادبیات زبان عربی (۳۱۵ –۲۹۶)، تاریخ بغداد (۴۵۰ –۴۳۶ /۷)، خاندان نوبختی (۲۳ –۲۱)، دائرةالمعارف البستانی (۳۷۱ –۳۶۸ /۲)، دایرةالمعارف فارسی (۳۶ /۱)، روضات الجنات (۵۱ –۳۶ /۳)، ریاض العلماء (۵۲۶ – ۵۲۵ /۵)، ریحانه (۲۹۰ –۲۸۷ /۷)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه، (۲۶۷ –۲۶۶)، الکنی و الالقاب (۱۶۸ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابونواس)، مجالس المومنین (۵۸۳ –۵۸۲ /۲)، الوافی بالوفیات (۲۸۶ –۲۸۳ /۱۲)، وفیات الاعیان (۱۰۴ –۹۵ /۲).

ابونصر

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد فراهی، شاعر قرن ششم و هفتم (ف. ۶۱۸ ه.ق.) معاصر و مداح ملك غازی یمین‌الدوله بهرام شاه بن حرب از ملوك نیمروز. وی نصاب‌الصبیان (ه.م.) را به نظم در آورده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ابونصر پارسا، برهان الدین محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۶۵ ق)، عارف و شاعر. از اکابر مشایخ نقشبندیّه و جامع اصول شریعت و فنون طریقت بود، او بعد از وفات پدر در هر دو قسمت شریعت و طریقت خلیفه و جانشین وی گردید. وی شعر نیز می گفت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :رشحات عین الحیاهٔ (۱۱۱ -۱۱۰ /۱)، روضهٔ الصفا (۷۹۰ /۶ ،۱۰۸ /۵)، ریحانه (۲۸۳ /۷)، طرائق الحقائق (۳۵۲)، نفحات الانس (۴۰۱).

ابونصر طالقانی، احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم و ششم ق)، شاعر. وی از مداحان نظام الملک وزیر آلب ارسلان و ملکشاه سلجوقی بود و به هر دو زبان عربی و فارسی شعر می‌سرود. از اشعار او جز ابیاتی چند نمانده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۳۶)، لباب الالباب (۶۹ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابونصر).

ابونصر فراهی سجزی، بدرالدین محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۴۰ ق)، دانشمند. گویند کور مادرزاد بود و در دربار بهرامشاه بن تاج‌الدین حرب، پادشاه سیستان، که با پادشاهان غور پیوستگی داشت، می‌زیست. وی کتاب «نصاب الصبیان» را در معانی کلمات عربی به فرمان نظام الملک حسن وزیر، بهرامشاه، به نظم آورد و «جامع صغیر شیبانی» را در ۶۱۲ ق نظم کرد، اما از اشعارش به جز «نصاب الصبیان» چیزی باقی نیست. بر «نصاب الصبیان» شروح بسیار نوشته شده و تقلیدهای بسیاری از آن شده که از مشهورترین آنها «زهرهٔ الادب» در لغت عربی به فارسی است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۲۸۴ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۹۰)، تذکره‌ی روز روشن (۲۸)، دایرهٔالمعارف فارسی (۳۶ /۱)، الذریعه (۱۶۵ /۲۴)، ریحانه (۳۱۷ -۳۱۶ /۴)، کشف الظنون (۱۹۵۴)، لغت‌نامه (ذیل/ ابونصر)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۲ -۱۸۰ /۶)، معجم مؤلفین (۲۲۵ /۱۲)، هدیهٔ الاحباب (۴۲)، هدیهٔ العارفین (۴۲۹ /۲).

ابونصر قاینی، محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، ادیب و شاعر. معروف به مناح. وی از ادبای معروف عصر خود بود که شعر عربی را نیکو می‌سرود و در حکمت نیز دست داشت. در بعضی منابع کتاب «قراضه‌ی طبیعیات» را به وی نسبت داده‌اند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۳۵۲)، بهارستان (۱۶۹ -۱۶۷)، تاریخ نظم و نثر (۶۳)، الذریعه (۶۵ /۱۷).

ابونصر منجّم قمی، حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۳۵۷ ق)، ریاضیدان و منجم. وی کتاب «البارع المدخل فی احکام النجوم و الطوالع» را که مشتمل بر ۵ مقاله و ۶۴ فصل است به زبان عربی نوشت و بعدا خود مؤلف آن را به زبان فارسی ترجمه کرد. این کتاب در علوم احکام نجوم شهرت داشته است و مورد استفاده‌ی بسیاری از علما نجوم قدیم بوده است و آنان در نوشته‌های خود از آن یاد کرده و بدان استفاده جسته‌اند. شهاب الدین احمد بن تمرتغا آن را تحت عنوان «البرق الساطع» تلخیص کرد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ قم (۱۴۵)، تاریخ گزیده (۶۹۱)، ریحانه (۲۸۴ /۷)، الذریعه (۸ /۳)، کشف الظنون (۱۶۴۲، ۲۱۷)، معجم المؤلفین (۲۶۳ /۳)، هدیهٔ العارفین (۲۷۰ /۱).

ابونصر مهنه، ناصرالدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. وی از نوادگان شیخ ابوسعید ابوالخیر مهنوی بود و شعر را نیکو می‌سرود. از اوست :

از زود رفتنت همه روز است ماتمم

وز دیر آمدن همه شب ماتمی دگر

ترسم که گر حکایت غمهای خود کنم

غمگین شوی ازین غم و آن هم غمی دگر

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۳۵۱ /۴)، فرهنگ سخنوران (۳۶)، مجالس النفائس (۱۰۵)، هفت اقلیم (۲۹ /۲).

ابونواس

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن بن هانی شاعر ایرانی الاصل عربی گوی (و. اهواز ۱۴۶ ه.ق./ ۷۶۳ م.- ف. ۱۹۸ ه.ق./ ۸۱۴ م.) وی مبتکر تغزلات در ادب عرب به شمار می‌رود. او در اهواز متولد شد و در بصره نشو و نما یافت و به بغداد رفت و به خلفای بنی عباس پیوست و بعضی از آنان را مدح گفت و سپس به دمشق و از آنجا به مصر رفت و امیر مصر، خصیب را مدح گفت و به بغداد بازگشت و تا پایان حیات آنجا ماند. شعر او فصیح و نیکوست.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ابویعقوب همدانی، یوسف

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۳۵ -۴۶۶ / ۴۴۰ ق)، صوفی، فقیه و محدث. ملقب به شیخ الاسلام. در بوزنجرد نزدیک همدان متولد شد. وی شخصیت برجسته‌ای در تاریخ تصوف ایران و آسیای مرکزی بود. ابویعقوب نخستین کس از خواجگان، یعنی سلسله‌ای از مشایخ ماوراء النهر است، که طریقت نقشبندی و یسوی از میان آنان برخاست. در ۱۸ سالگی به بغداد رفت و در آنجا به تحصیل فقه و حدیث در محضر استادان بزرگی چون ابواسحاق شیرازی پرداخت. از ابوبکر خطیب و ابوجعفر سلمه و ابن‌هزار مرد حدیث شنید و به خدمت جمعی از مشایخ از جمله حسن سمنانی و عبداللّه جوینی رسید. در ضمن تحصیلات خود به شهرهای دور دست چون سمرقند سفر کرد. در حدود سی سالگی به تصوف متمایل شد. و مربی اصلی وی ابوعلی فارمدی بود. همدانی در مرو خانقاهی تأسیس کرد که به نام کعبه‌ی خراسان شهرت یافت، وی پیوسته در خانقاه نمی‌ماند، دوبار به هرات سفر کرد و سی و هشت بار به حج رفت و مدتی در بخارا و سمرقند به سر برد، در همین دو شهر بود که برجسته‌ترین پیروان خود که بعدها جانشینان وی شدند به دست آورد. ابویعقوب در هرات وفات یافت و در مرو دفن شد. شرح «منازل السائرین» خواجه عبداللّه انصاری از جمله آثار وی است که مفقود شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اوراد الاحباب (۷۴ -۷۲)، تذکرهٔ الشعراء (۱۰۹)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۱۳۱ /۹)، رشحات عین الحیاهٔ (مقدمه/ ۳۶ -۱۳، ۴۳ -۴۰)، سیر النبلاء (۶۹ -۶۶ /۲۰)، مجمل فصیحی (ذیل/ سالهای ۴۶۶ و ۵۳۵)، نفحات الانس (۳۸۰)، وفیات الاعیان (۸۱ -۷۸ /۷)، هدیهٔ العارفین (۵۵۲ /۲).

ابویعقوب، اسحق

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ ابویعقوب اسحق از مشاهیر کبار و فضلاء عالی مقدار و سالکی ریاضت شعار بوده در سال ۵۳۲ در زمان مقتفی باللّه خلیفه عباسی از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ابهری عماد الدین، عبدالعزیز

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۹۵ / ۸۴۳ ق)، محدث و فقیه. در علم حدیث و فقه حنفی و شافعی مهارت داشت. سالها در مدرسه‌ی شاهرخ‌میرزا و مدرسه‌ی سلطانی و خانقا اخلاصیه به تدریس اشتغال داشت. در اواخر عمر به هند رفت و در ولایات سند از دنیا رفت. ابهری محدثی برجسته بود و کتابهایی در موضوعات مختلف نگاشت. او همچنین بر بسیاری از کتب حواشی نوشت. از آثار وی: «منهاج المشکاه»، شرح و تفسیری «مشکاه المصابیح» خطیب تبریزی، در حدیث، که آن را به نام امیر علیشر نوایی تألیف کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۶۳ -۲۶۲)، حبیب السیر (۳۴۹ / ۴)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۱۴۲ / ۹)، رجال حبیب السیر (۱۹۹)، کشف الظنون (۱۷۰۰)، هدیه العارفین (۵۸۲ / ۱).

ابهری قزوینی، رفیع‌الدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم و هشتم ق)، عالم و شاعر. از مردم ابهر بوده که در کرمان می‌زیست. وی از شاعران عهد حجاج سلطان قره ختایی و از ملازمان غازان خان بود. وی با کمال‌الدین اسمعیل و اثیرالدین اومانی معاصر بوده. رفیع‌الدین فرزانه‌ای صاحب کمالات صوری و معنوی و از وارستگان و مجردان عهد خود بوده که به دو زبان شعر می‌گفت. از آثار وی: «متن اقلیدس»؛ دو «رساله» در حساب؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ گزیده (۷۳۱)، تاریخ نظم و نثر (۲۲۲)، تذکره‌ی روز روشن (۳۰۵)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۲۵۹ -۲۵۸)، الذریعه (۳۷۸/۹)، ریاض العارفین (۱۹۵)، مجمع الفصحا (۶۷۸ -۶۷۷ /۲)، هفت اقلیم (۱۹۲ -۱۹۰ /۳).

ابهری، ابوبکر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۷۵ -۲۸۹ /۲۸۷ ق)، قاضی، قاری، محدث و فقیه مالکی. در ابهر تولد یافت و ساکن بغداد شد و در آنجا از ابوعمر محمد بن یوسف قاضی و فرزندش ابوالحسین فقه آموخت. و از ابوبکر باغندی و ابوالقاسم بغوی و عبداللّه بجلی و ابن تمّام بهرانی و محمد اشنانی و دیگران در عراق و شام و جزیره حدیث شنید. دارقطنی از او حدیث نقل کرده و او را ستوده و گفته که او امام مالکیان در عصر خود بود و از اندلس و مغرب و گوشه و کنار دنیا به سویش می‌شتافتند. از وی آثاری بر جای مانده است که به گفته‌ی قاضی عیاض تصانیف از در شرح مذهب مالکی و ردّ مخالفین است. از جمله آثار وی : «الاصول»، در فقه؛ «الرد علی المزنی»؛ «شرح کتاب ابن عبدالحکم الصغیر» و «شرح کتاب ابن عبدالحکم الکبیر»؛ «فضل المدینه علی مکهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۹۸ /۷)، تاریخ الاسلام (حوادث ۵۸۲ -۵۸۰ /۳۸۰ -۳۵۱)، تاریخ بغداد (۴۶۳ -۴۶۲ /۵)، ریحانه (۷۲ /۱)، سیر النبلاء (۳۳۴ -۳۳۲ /۱۶)، الفهرست لابن الندیم (۲۸۳)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۳۷۵)، معجم البلدان (۱۰۶ /۱)، معجم المؤلفین (۲۴۱ /۱۰)، الوافی بالوفیات (۳۰۸ /۳)، هدیهٔ العارفین (۵۰ /۲).

ابهری، شمس‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید شمس‌الدین بن السید الجلیل السید اسدالله موسوی ابهری که از ذراری حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام و از علماء مبرز معاصرین بوده است در تهران وی در سال ۱۳۲۴ قمری در ابهر متولد شده پس از تحصیل سطوح در قزوین در سال ۱۳۴۹ قمری ببلده طیبه قم عزیمت نموده و در حوزه درس اساتید بزرگ بالاخص مرحوم آیه‌الله حایری و مرحومین آیتین آقای حجت و آقای حاج سید محمد تقی خونساری قدس‌الله انفسهم استفاده نموده و از آن بزرگواران مفتخر به اخذ تصدیق اجتهاد شده و پس از فوت مرحوم آیه‌الله حایری بنجف اشرف مشرف گردیده و در حوزه درس مرحوم آیه‌الله اصفهانی حاضر و از آن بزرگوار هم به اخذ تصدیق اجتهاد نائل و در اثر تأکید و تقاضای اهالی ابهر بامر مرحوم آیه‌الله اصفهانی به ابهر مراجعت نموده و در مسجد جامع ابهر باقامه جماعت و وظائف دینی پرداخته و مورد توجه عموم قرار گرفته و بواسطه حسن عمل و اخلاق حسنه محبوبیت بسزائی تحصیل کرده تا در سال ۱۳۶۲ قمری و غائله توده‌ای‌های آذربایجان که مجبور بمهاجرت به تهران گردیده و مورد اقبال و توجه

جمعی از علاقمندان گشته و آنان از مقام فضل و دانش و محامد آداب ایشان استفاده نموده و چند سالی در مسجد سلیمی خیابان ناصر خسرو اقامه جماعت و بعد در مسجد باب‌الحوائج خیابان صفا شهباز به اداء وظیفه دینی و روحی اشتغال یافته تا در ایام فاطمیه که در سال ۱۳۹۲ قمری که در منزلش مجلس سوگواری منعقد بود بسکته قلبی بدرود حیات گفته و با تشییع مجلّلی حمل بقم و در جنب وادی‌السلام قم مدفون گردیده است.

از آثار ایشانست تعمیر ماسجد خاصه تجدید بناء مسجد جامع ابهر که از آثار قدیمه میباشد که توسط آنمرحوم آباد گردیده و نیز مدرسه برای طلّاب علوم دینی احداث و بنا نموده و چندین طلبه را تکفل و تشویق بتحصیل علوم دینی نموده که از فضلاء امروز ابهر و حومیه آن در قم میباشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ابهری، علی‌اکبر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، خطاط. از خوشنویسان عصر خود بود. از آثار وی: یک نسخه «فوائد الافضلیه» علی افضل طبیب قزوینی، به خط نسخ کتابت خفی متوسط، با رقم: «قدفرغ من تسوید هذا الکتاب... علی ید اقل الکتاب... ابن محمدعلی، علی‌اکبر الابهری، فی تاریخ... اثنا و عشرین و مائه و الالف ۱۱۲۲».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۱۶ / ۴).

ابهری، کمال الدین ابوعمرو، ابوعمر

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، ادیب، شاعر. از وزیران سلجوقیان بزرگ بود. پیش از وزارت، در دستگاه سلطنت کارهای خطیر و مشاغل مهم دیوانی داشت وی زمان هرج و مرج سلطنت طغرل از بیم دشمنان در جامه‌ی اهل تصوف به حجاز رفت و از آن جا، رباعیی در وصف حال خود سرود و به ابهر فرستاد. همان رباعی در تذکره‌ها به عنوان شاهد شعری وی ثبت شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۱۷۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۱۴۳ -۱۱۴۲ /۹)، دستورالوزراء (۲۲۰ -۲۱۹)، نسائم الاسحار (۹۱ -۹۰).

ابهری، محمد محسن

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطاط. از آثار وی : «قرآن بغلی، به خط نسخ کتابت خفی نزدیک به غبار خوش، با رقم :«کتبه الفقیر الحقیر ابن محمد صالح، محمد محسن الابهری فی ۱۱۲۴».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۹۵ /۴).

ابهری، محمدمحسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قرآن بغلی نسخ کتابت خفی نزدیک به غبار خوش با رقم: «کتبه الفقیر الحقیر ابن محمد صالح، محمدمحسن الابهری فی ۱۱۲۴» در مجموعه‌ی دکتر خوئی دکتر اصغر مهدوی.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

ابهری، نورالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید نورالدین بن آیه‌الله الحاج السید شمس‌الدین موسوی ابهری مزبور از علماء معاصر و فضلاء مبرز حوزه علمیه قم است. وی در ابهر متولد شده و با معیت والدش بتهران آمده و پس از خواندن مقدمات بقم مهاجرت نموده و سطوح را از مدرسین بزرگ به پایان رسانیده آنگاه در درس خارج آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله العظمی شریعتمداری و آیه‌الله العظمی امام خمینی و آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی و نیز آیه‌الله العظمی گلپایگانی شرکت و از خرمن علوم آنان فقها و اصولا معقولا و منقولا استفاده‌ی کامل نموده و هم از فلسفه و تفسیر علامه طباطبائی بهره‌مند و بنابر دعوت مردم شهر آراء تهران و امریه حضرت آیه‌الله العظمی شریعتمداری بتهران منتقل و در مسجد شهر آراء باقامه‌ی جماعت و ترویج دین پرداخته تا فوت مرحوم والدش در جمادی الاولی ۱۳۹۲ قمری که در مسجد آن مرحوم نیز بانجام وظیفه مشغول میباشد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ابیوردی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالمظفّر محمّد بن احمد بن محمّد ادیب شاعر لغوی، در علوم لغت و ادب و حدیث و انساب و اخبار عرب و بسیاری از علوم دیگر، وحید عصر، و فرید دهر خود بوده.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- الانساب ۲- تاریخ ابیورد ۳- تاریخ نساء ۴- تعلهٔ المشتاق ۵- الدرهٔ الثمینهٔ ۶- طبقات العلوم ۷- قبسهٔ العجلان فی نسب آل ابی سفیان ۸- المجتبی من المجتبی ۹- المختلف و المؤتلف ۱۰- دیوان اشعار مطبوع.

وفات صاحب عنوان در روز ۵ شنبه ۲۰ ربیع الاول سال ۵۰۷، ما بین دو نماز، به مرگ فجأه و یا مسموماً در اصفهان روی داده است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابیوردی کوفنی، ابوالمظفر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۰۷ ق)، ادیب، شاعر، نسب شناس و محدث شیعی. در بعضی کتب شهرت او را کوفنی نوشته‌اند. در کوفن، دهی میان ابیورد و نسا، متولد شد. به بغداد رفت و به خدمت مؤید الملک بن نظام الملک درآمد. و به درخواست او عمیدالدوله را هجو کرد و عمیدالدوله شکایت به نزد خلیفه برد که ابیوردی شعر در هجای خلیفه عباسی و مدح خلیفه فاطمی مصر سروده است. خلیفه خون او را مباح کرد. ابیوردی به همدان گریخت و نسبت مجعول منسوب به معاویهٔ بن محمد بن عثمان را برای خود ساخت. وی پس از فرار از بغداد، مدتها در اصفهان به پریشانی زیست، و از رهگذر تعلیم فرزندان زین الملک برسق گذران زندگی می‌کرد، ولی بعد به دربار سلطان محمد سلجوقی راه یافت و سلطان او را مشرف مملکت خود کرد. گویند بعد از قاضی ابویوسف اسفراین متصدی دارالکتب نظامیه‌ی بغداد شد. و در اصفهان مسموم شد و از دنیا رفت. ابیوردی از اسماعیل بن مسعده‌ی جرجانی، عبدالوهاب بن محمد بن الشهید و ابوبکر بن خلف شیرازی حدیث شنید و از ابومحمد حسن بن احمد سمرقندی و عبدالقاهر جرجانی، روایت کرد. محمد بن طاهر مقدسی در کتاب «انساب» خویش از ابیوردی بسیار روایت کرده است. از آثار وی: «قبسهٔ العجلان فی نسب آل ابی‌سفیان»؛ «المجتبی من المجتنی»؛ «المختلف و المؤتلف»؛ «طبقات العلم»؛ «تعلهٔ المشتاق»؛ «کوکب المتأمل»؛ «کتاب فی انساب»؛ «الدرهٔ الثمینهٔ»؛ «تاریخ ابیورد و نسا». وی صاحب «دیوان» شعری است در سه بخش: «عراقیات»، «نجدیات» و «جدیات». او را در مرثیه امام حسین (ع) قصیده‌ای است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۹ /۶)، اعیان الشیعه (۱۰۲ /۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۳۹ /۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۱۴۶ /۹)، الذریعه (۳۵ /۱۷، ۹۶ /۸، ۲۱۹ /۴)، روضات الجنات (۱۹ /۸)، ریاض العلماء (۲۹ -۳۰ /۵)، ریحانه (۷۲ /۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۴۷ /۶)، الکامل (۲۶۸ -۲۶۷ /۸)، کشف الظنون (۱۹۴۲، ۱۹۳۰، ۱۶۳۷، ۱۱۰۵، ۹۴۵، ۷۷۴، ۳۹۸، ۲۸۱)، الکنی و الالقاب (۱۱ -۱۰ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابیوردی)، معجم الادباء (۲۶۶ -۲۳۴ /۱۷)، معجم المؤلفین (۳۱۴ /۸)، الوافی بالوفیات (۹۳ -۹۱ /۲)، وفیات الاعیان (۴۴۹ -۴۴۴ /۴)، هدیهٔ العارفین (۸۲ -۸۱ /۲).

ابیوردی، حسام الدین، ابومحمد حسن

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۱۶ -۷۶۱ ق)، دانشمند، فقیه و خطیب شافعی. اصل وی از سرخس بود ولی در ابیورد تولد یافت و همان جا نشو و نما کرد. وی شاگرد ملا سعدالدین تفتازانی بود. به بغداد رفت و بعد از ان به اصفهان، و در این شهر به تحصیل علوم ریاضی پرداخت. ابیوردی در مکه سکومت گزید و در آخر عمر راهی یمن شد و در آنجا مجلس درس دایر کرد. وی از زاهدان زمان، و بر مذهب غلاهٔ و

اهل تفویض بود. از آثار وی: «ربیع الجنان فی المعانی و البیان»؛ حاشیه بر شرح قطب الدین رازی بر «مطالع الانوار» سراج الدین ارموی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۱۴۷ -۱۱۴۶ /۹)، روضات الجنات (۳۸ -۳۷ /۴)، ریحانه (۴۲ /۲)، کشف الظنون (۱۷۱۶ ،۸۳۳)، معجم المؤلفین (۲۵۱ -۲۵۰ /۳)، هدیهٔ العارفین (۲۸۷ /۱).

اتابک شیرازی، سعد زنگی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، شاعر. از اتابکان سلغری فارس است که مدتها حاکم شیراز بودند. وی ممدوح سعدی است، که خود نیز شعر می‌سرود. این ابیاتی از اوست :

مائیم که دل از بر ما یکسو شد

چون تیر بر یار کمان ابرو شد

گو فاش بدانند همه دشمن و دوست

زنگی‌ست که ترک خویش را هندو شد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۴۰ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۸۹، ۱۸ /۳)، تذکره‌ی روز روشن (۲۹)، مجمع الفصحا (۳ /۱).

اتابکی، عبداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۲ -۱۲۸۴ ق)، خوشنویس و شاعر، متخلص به امیر. مشهور به اتابکی. در تهران متولد شد، علوم ادبی و عربی را نیکو می‌دانست. وی مردی فاضل و از منشیان خوش خط و شاعری توانا بود. مدتی منشی عین‌الدوله و بعد منشی میرزا علی اصغرخان اتابک اعظم شد. پس از عزل اتابک و به صدارت رسیدن عین‌الدوله، اتابکی به جرم این که منشی اتابک اعظم بوده، تبعید شد. امیر در تبعیدگاه قصیده‌ای در هجو عین‌الدوله ساخت و برای او فرستاد. وی در سن ۴۸ سالگی درگذشت و در ابن بابویه به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۳۶۷ -۳۶۲ /۱)، شرح حال رجال (۱۴۵ /۶).

اتابکی، منصوره

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

شاعر، خواننده.

تولد: ۱۲۹۸، تهران.

درگذشت: مرداد ۱۳۶۳.

منصوره اتابکی در کودکی پدر خود را از دست داد و زیر نظر مادر خود به تحصیل پرداخت. از دوران نوجوانی گاه و بیگاه اشعاری می‌سرود سید فخرالدین هاشمی، معروف به «طلوعی عراقی» یا «فخر طلوعی» شاعر معاصر، به تشویق او پرداخت و او را ترغیب به شعر و هنر می‌نمود. منصوره اتابکی برای فراگیری موسیقی از محضر چندین استادان حاضر شد اما تنها در خدمت استاد احمد عبادی بود که مراحل مختلف نواختن تار را طی کرد. منصوره اتابکی در رشته‌ی بانکداری به تحصیل پرداخت و در بانک ملی ایران به کار مشغول شد. گفته می‌شود که وی در اوایل سال‌های ۱۳۳۰ در گوشه‌ای معتکف شد و به عبادت پرداخت. نام وی در کتاب زنان شاعر ایران ذکر شده است.

منصوره اتابکی در مرداد ۱۳۶۳ چشم از جهان فرو بست.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اتحادیه، منصوره

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

منصوره اتحادیه در سال ۱۳۱۲، در تهران به دنیا آمد. وی تحصیلات خود را در سال ۱۳۵۸، در دانشگاه ادینبورگ انگلستان به پایان برد و با اخذ درجه دکتری در گروه تاریخ دانشگاه تهران مشغول تدریس شد. دکتر اتحادیه ضمن تالیف و تحقیق و مدیریت نشر تاریخ، با انجام سفرهای مطالعاتی و شرکت در سمینارهای خارجی، بر پشتوانه های علمی خود افزود. او صاحب تالیفات بسیاری در زمینه تاریخ می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای : منصوره اتحادیه پس از اخذ مدرک دیپلم و لیسانس، رهسپار انگلستان شد و در سال ۱۳۵۸ به دریافت مدرک دکترای تاریخ از دانشگاه ادینبورگ نائل آمد.

همسر و فرزندان : منصوره اتحادیه همسر دکتر نظام مآفی و مادر چهار فرزند می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : منصوره اتحادیه پس از مدتی اقامت و تحصیل در انگلستان، به ایران بازگشت و مدیریت نشر تاریخ را در تهران عهده دار شد.

فعالیتهای آموزشی : منصوره اتحادیه پس از کسب درجه دکتری، در گروه تاریخ دانشگاه تهران مشغول تدریس شد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : منصوره اتحادیه ضمن تالیف و تحقیق، دست به سفرهای مطالعاتی و شرکت در سمینارهای خارجی نیز زده است و بدین ترتیب بر پشتوانه های علمی خود افزوده است. ------------------------------------ --

آثار :

۱ احزاب سیاسی در مجلس سوم (۱۳۳۴ – ۱۳۳۳ هـ ق)

۲ پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت دوره اول و دوم مجلس شورای اصلی

۳ حرفی از هزاران، کاندر عبارت آمد، وقایع تبریز و رشت۱۳۳۵-۱۳۲۶ هجری قمر

۴ خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام السلطنه ما فی

۵ خاطرات و اسناد محمد علی غفاری، نایب اول پیشخدمت باشی (تاریخ غفاری)

۶ رضا قلی خان نظام السلطنه

۷ زمانه، زندگی و کارنامه‌ی بیهقی

۸ زندگی نامه حاج محمد حسین کمپانی، امین دار الضرب

۹ سفرنامه کرمان و بلوچستان

۱۰ سیاق معیشت در عصر قاجار حکمرانی و ملکداری مجموعه اسناد عبدالحسین میرزا فرمانفرما

۱۱ گزیده‌ای از مجموعه اسناد عبدالحسین میرزا فرمانفرما، از ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۰ هجری قمری

۱۲ گوشه‌هایی از روابط خارجی ایران

۱۳ مجلس و انتخابات: از مشروطه تا پایان قاجاریه

۱۴ مرامنامه‌ها و نظام‌نامه‌های احزاب سیاسی ایران در دوره دوم مجلس شورای ملی

۱۵ نخبه سیفیه، در تاریخ و جغرافیای استرآباد به انضمام ترانه‌های عامیانه ترکمن

۱۶ نصرت الدوله: مجموعه مکاتبات، اسناد، خاطرات ...

۱۷ واقعات اتفاقیه در روزگار (تاریخ مشروطه)

اثر شیرازی، شفیع

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۵ ق)، شاعر، متخلص به اثر. مشهور به شفیعای اعمی. اهل قریه‌ی پراشکت فارس بود و در شیراز نشو و نما یافت. وی معاصر سلطان حسین صفوی و حزین لاهیجی بود. در نه سالگی بر اثر بیماری آبله بینائیش را از دست داد اما، از کسب علوم زمان خویش فارغ نگشت و از معروفترین شعرای زمان خود شد. در لار وفات یافت. از آثار وی : «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرة المعاصرین (۳۲۹ -۳۲۶، ۱۷۴ -۱۷۱)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۱۸۸ -۱۸۵ /۱)، الذریعه (۵۳۱، ۵۳ /۹)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۵۶ -۱۱۵۴ /۲)، فرهنگ سخنوران (۳۸)، لغت‌نامه (ذیل/ اثر).

اثر مازندرانی، محمد زمان

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی اهل مازندران بود و به اصفهان رفت و در آنجا به تحصیل علوم و فنون پرداخت و پس از چندی به وطن خویش بازگشت. در سرودن شعر توانا بود. از اوست:

از دست کریمان جهان فیض ندیدم
کز آب گهر از کف دریا نگرفته است
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۵۷)، الذریعه (۵۳ /۹)، فرهنگ سخنوران (۳۸).

اثناعشری، حسن

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن فرزند حاج ولی‌اللَّه اثناعشری از دانشمندان خدوم و مروجین دین و مبلغین احکام و ناشرین معارف اهل بیت و دلسوخته‌گان خاندان رسالت علیهم‌السلام و سالار شهیدان علیه الصلوه والسلام است، که در منزل خود به خدمات دینی و روحی و تبلیغ اسلام و تهذیب نفس و اخلاق داوطلبان و شیفته‌گان اهل‌بیت عصمت و طهارت و بالاخص منتظرین ظهور حضرت مهدی فاطمه سلام‌اللَّه علیها و علیه اشتغال دارند.
وی در تاریخ ۱۳۱۲ شمسی در تهران متولد شده و در دامن پدری باایمان و تقوا و ولایت آل اللَّه پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید و ابتدائی به تحصیل علوم دینی پرداخته و از محضر و درس عالم ربانی و سالک سبحانی ثقۀالاسلام حاج شیخ حسین زاهد امام جماعت مسجد امین‌الدوله طهران استفاده نموده و نیز قسمتی از سطوح را از مرحوم حاج شیخ علی‌اصغر قزوینی فراگرفته و در ماه ذیقعده سال ۱۳۷۰ قمری به قم آمده و از محضر و دروس مرحوم حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و مقداری آیت‌اللَّه حجت رحمه‌اللَّه و حاج شیخ عبدالنبی عراقی و بالاخص آیت‌اللَّه بروجردی استفاده کرده و در سال ۱۳۴۴ شمسی به نجف اشرف مشرف شده و حدود سه سال اقامت و از محضر و ابحاث حاج شیخ محمدحسین تهرانی معروف به قاجار که از اعاظم علماء و فقهاء نجف بوده استفاده کرده و در سال ۱۳۴۷ شمسی مراجعت به تهران نموده و تا حال تحریر ۱۴۱۱ قمری به خدمات یاد شده اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

اثنی عشری، حسن

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج آقا حسن اثنی عشری برادر مرحوم حسین اثنی عشری که پس از وی در مساجد او در شهر ری به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته تا در هفتم ماه صفر ۱۳۹۱ وفات نموده و در کشیکخانه آستانه مقدسه مدفون گردیده است وی نیز مقدمات را در ری خوانده و به قم مهاجرت کرده و سطوح و نهائی را از اساتید حوزه آموخته آنگاه به ری برگشته و بخدمات دینی پرداخته تا در سال مذکور دعوت حق را اجابت نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

اثنی عشری، حسین

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج آقا حسین بن السید الجلیل المرحوم الحاج السید حاج آقا اثنی عشری اعتمادی از علماء ابرار و اتقیاء اخیار شهرستان ری (زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام) است که به تقوا و پارسائی و تعصب در دین معروف و موصوف بوده‌اند.
وی در سال ۱۳۱۸ قمری در شهر ری متولد و در مهد تربیت مرحوم والدش که از روساء آستانه مقدسه و محترمین زاویه مقدسه بوده نشو و نما یافته و دروس جدید را به پایان رسانیده آنگاه بتحصیل مقدمات و ادبیات در مدرسه محمدیه تهران پرداخته و بعد از تکمیل آن در سال ۱۳۴۹ قمری به قم مهاجرت و سطوح را از اساتید حوزه چون مرحوم ادیب تهرانی و میرزا محمد همدانی و آیت‌اللَّه العظمی نجفی مرعشی مد ظله فراگرفته و در دروس خارج مرحوم آیت‌اللَّه حایری مقداری و پس از ایشان از محضر مرحومین علمین آیتین حجت و خونساری استفاده نموده و در سال ۱۳۶۲ قمری بوطن مذکور خود برگشته و بوظائف دینی پرداخته و در آستانه مقدسه اقامه جماعت و همه شب تبلیغ دین و تفسیر کتاب مبین نموده و در امر بمعروف و نهی از منکر بسیار ساعی و جدی و در این موضوع (لا یخافه لومه لائم) بوده تا در شب پنجشنبه پنجم ماه شعبان ۱۳۸۴ قمری که در هنگام انجام وظیفه در بالای منبر بسکته قلبی بدرود حیات گفته و در رواق مطهر نزدیک درب حرم شریف مدفون گردیده است.
از آثار اوست تفسیر اثنی عشری در ۱۴ جلد که در حیات آن مرحوم طبع و نشر گردیده و دیگری رساله‌ای در اخبار و احادیث و رساله‌ای در اصول عقاید که بطبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

اثیر اخسیکثی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. منسوب به اخسیکث از شهرهای ماوراءالنهر. در شعر خود را اثیر و اثیر اخسیکثی خوانده است، ولی تذکره نویسان متأخر نام او را اثیرالدین ضبط کرده‌اند. اثیر معاصر رکن الدین ارسلان بن طغرل سلجوقی بود، که علاوه بر مدح وی، اتابک ایلدگز و فرزندان او را نیز مدح گفته است. وی با مجیرالدین بیلقانی رقابت داشته و یکدیگر را هجو گفته‌اند، با خاقنی نیز معارضه داشت، ولی از سبک او و سنایی غزنوی و انوری ابیوردی تقلید می‌کرد. ناقدان سخن اثیر را در ردیف شاعران درجه‌ی اول قصیده گوی قرار داده‌اند، اگر چه، نتوانست خود را به پایه‌ی خاقانی برساند، لیکن در بسیاری از موارد توانسته است در خلق معانی به وی نزدیک شود. تاریخ و محل وفات او را ۵۷۰، ۵۶۳ و ۵۷۷ ق در خلخال ضبط کرده‌اند و ظاهرا یکی از دو قول اخیر صحیح‌تر است «دیوان» او در تهران به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۷۱۵ -۷۰۷ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۰۷)، تذکرهٔ الشعراء (۱۴۰ -۱۳۵)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۱۷۸ -۱۱۷۷ /۹)، دایرةالمعارف فارسی (۵۷ /۱)، الذریعه (۵۴ /۹)، ریاض العارفین (۱۶۸)، ریحانه (۷۵ /۱)، سخن و سخنوران (۵۳۹ -۵۳۲)، لباب الالباب (۲۲۸ -۲۲۴ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/اثیر)، مجمع الفصحا (۲۸۰ -۲۶۹ /۱)، المعجم فی معاییر اشعار العجم (۳۱۵ -۳۰۴)، هفت اقلی (۴۶۶ -۴۵۶ /۳).

اثیرالدین ابهری سمرقندی، مفضل

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۶۳ /۶۶۱ /۶۶۰ ق)، فیلسوف، ریاضیدان و منجم. از اهالی ابهر و از دانشمندان علوم ریاضی و منطق و نجوم و حکمت در قرن هفتم هجری بود و شاگرد امام فخر رازی و معاصر و همکار خواجه نصیرالدین طوسی در رصدخانه‌ی مراغه. ابهری علوم ریاضی را علم نظری خوانده و آن را به چهارشاخه‌ی اصلی هندسه، حساب موسیقی و هیئت تقسیم کرده است. ابن خلکان نوشته که وی در اربل، در سال ۶۲۵ ق با ابوالفتح موسی بن یونس از فقهای دانشمند شافعی که در ریاضیات و طب نیز مهارت داشته، به مباحثه پرداخته است. از آثار وی: «هدایهٔ الحکمهٔ»، در منطق که کتاب درسی بوده؛ «ایساغوجی» و «تنزیل الافکار فی تعدیل الاسرار»، در منطق؛ « المغنی» و «تهذیب النکت»، در علم جدل؛ «اصلاح هندسه‌ی اقلیدس»، در ریاضی؛ «زبدهٔ الکشف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۲۴۷ /۳)، تذکره‌ی روز روشن (۳۰)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۴۳ /۹)، دایرةالمعارف فارسی (۵۷ /۱)، ریحانه (۳۷ /۱)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۱۲۲ -۱۲۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۸۶)، کشف الظنون (۲۰۳۰ -۲۰۲۸، ۱۷۵۰، ۱۶۱۶، ۱۴۹۳، ۹۵۳، ۴۹۴، ۹۷)، لغت‌نامه (ذیل/ابهری)، معجم المؤلفین (۳۱۵ /۱۲)، وفیات الاعیان (۳۱۳ /۵)، هفت اقلیم (۱۹۰ -۱۸۹ /۳).

اثیرالدین اومانی، عبداللّه

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۶۵ -۶۵۶ ق)، شاعر، متخلص به اثیر. اهل قریه‌ی اومان از توابع همدان و از شاگردان خواجه نصیرالدین طوسی و معاصر کمال الدین اسماعیل و رفیع‌الدین لنبانی بود. اتابک مظفرالدین ازبک و سلمان شاه، از ملازمان المستعصم بالله، حاکم کردستان را مدح می‌گفت. بیشتر عمر خود را در بغداد گذراند. وی در قصیده سرایی از سبک شعرای عراق و انوری ابیوردی پیروی می‌کرد، ولی قصاید وی از اشعار انوری ساده‌تر است و در آنها بیشتر به مسائل اخلاقی و تربیتی توجه داشته است، «دیوان» اشعارش حدود پنج هزار بیت است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن سرایان همدان (۴۵ -۳۵ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۰۸ - ۳۹۴ /۳)، تذکرهٔ الشعراء (۱۹۰)، حبیب السیر (۱۰۶ /۳)، دایرةالمعارف فارسی (۵۷ /۱)، الذریعه (۵۴ /۹)، ریحانه (۷۶ -۷۵ /۱)، صبح گلشن (۱۴، ۱۳)، لغت‌نامه (ذیل/اثیر اومانی) مجمع الفصحا (۲۸۲ -۲۸۰ /۱)، هفت اقلیم (۵۶۰ -۵۵۶ /۲).

اثیم سنندجی، فضل‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۵۴ ق)، دانشمند و شاعر، متخلص به اثیم. وی از فضلای سخنور و شعرای خوش ذوق سنندج بود که کتاب «کشکول» شیخ

بهاءالدین عاملی را بنا به درخواست امان‌اللّه خان ثانی والی کردستان از عربی به فارسی ترجمه کرد. اثیم با رونق، صاحب «حدیقه»، تذکره شعرای کردستان معاصر بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۳۵۳ -۳۵۲ /۱)، حدیقه‌ی امان اللهی (۱۳۸ -۱۳۱)، حدیقهٔ الشعراء (۸۰ -۷۹ /۱).

اجری یزدی، محمد حسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۴۷ ق)، شاعر. مشهور به میراجری. از سادات حسینی یزد بود و مردی ثروتمند که عاقبت جان بر سر مال نهاد و در قریه‌ی اشکذر، به وسیله‌ی حرامیان کشته شد. از اوست:

مشتاق دم تیغ ترا حال خراب است

خلقی همه لب تشنه و یک قطره آب است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۱۰ -۹)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۹۳)، جامع مفیدی (۳۷۰ -۳۶۹ /۳)، الذریعه (۵۴ /۹)، صبح گلشن (۱۴)، فرهنگ سخنوران (۳۹).

اجلی، قربانعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قربانعلی اجلی به سال ۱۳۱۸ درشهرستان میانه تولد یافت . پدر قربان علی فرهنگی و مادرش معلم قرآن بود .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : قربانعلی اجلی تا پایان دوره اول متوسطه درمیانه بود و پس از آن برای اتمام تحصیلاتش به تهران آمد. پس از پایان دوره متوسطه دردانشکده هنر های تزیینی پذیرفته شد و پس از اخذ لیسانس دررشته معماری داخلی به دوره فوق لیسانس درهمین رشته راه پیدا کرد و دوره فوق لیسانس را نیز به پایان رساند .

استادان و مربیان : قربانعلی اجلی از محضر استادانی بزرگی چون استاد سید حسن میرخانی ، استاد علی اکبر کاوه ، مرحوم استاد سید حسین میرخانی .استاد احمد نجفی زنجانی و استاد ابراهیم بوذری به آموختن خطوط نستعلیق و نسخ و ثلث پرداخت . ضمن تلمذ در محضر این اساتید ، در آثار بزرگان خط ،چون میر عماد، میرزا رضا کلر ،میرزا غلامرضا ، استاد عبد المجید درویش ، استاد مسلم شکسته نستعلیق به تفحص وتحقیق پرداخت .همچنین زیر نظر استاد شیخ ، استاد کاتوزیان ، بهزاد و مصیری و اولیاء به آموزش طراحی و نقاشی رنگ روغن پرداخت .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : قربانعلی اجلی ازهمان سالهای اولیه تدریس عضو انجمن های ادبی تهران شد .

فعالیتهای آموزشی : قربانعلی اجلی به علت علاقه زیاد به آموزش به استخدام دولت درآمده و دردبیرستانهاو مدارس عالی به تدریس مشغول شد . سپس از طرف دانشکده هنر های تزیینی بعنوان مدرس دعوت شسد وبتدریس شیوه های گوناگون خط پرداخت و مدت ۲۲ سال درامرتدریس روزگار سپری کرد .

آرا و گرایشهای خاص : قربان علی اجلی معتقد است که :« هنر مند با رسالت کسی است که بمانند معلم ، انواع آن چه را آموخته و خودش هم گاهی خالق آن است به جامعه ای که نیاز مند است بیاموزد ،متاسفانه در جوامع امروزی آنطور که باید ،به هنرمندان توجه نمی شود و این عامل باعث می شود که هنر مند به جهات اقتصادی ناچار با یک عده سود اگر آثار هنری سروکار پیدا کرده و ارزش کارهایش تا سرحد امکان تنزل پیدا کند چرا که هنر را با هیچ معیاری از مادیات سنجش هنر با پول باشد آن هنر رکود پیدا کرده و می میرد و از سوی دیگر هنر نمی بایستی فرمایشی باشد بلکه هنرمند می بایست درزمینه کار خود آزاد باشد و با توجه به نیاز های جامعه ای که در آن زندگی می کند به خلق اثر بپردازد .

چگونگی عرضه آثار : بسیاری از تابلوهای قربانعلی اجلی نه بصورت معمولی است ، که از ویژگی خاصی برخوردار است . مجموعه حروف شکلی از اشکال طبیعتند و یا شاید طبیعت به شکل حروف ، . دراین سبک تازه که خود او آنرا گلگشت نامیده است خط و طبیعت به همراه یکدیگر ارائه می شود بطوریکه انتخاب کلمات و حروف و نحوه قرار گرفتن آنها در یکدیگر از اهمیت فوق العاده ای برخورداراست . به بیان دیگر باید گفت دراین سبک ، خط و نقش مکمل یکدیگرند و رابطه خط با طبیعت و طبیعت با خط زمینه و هم آهنگی کلی کار از نظر رنگ و فرم ، ملموس بودن عناصری که به خدمت گرفته می شوند مورد توجه خاص سازنده اثر است . اهمیت دیگراین سبک داشتن بعد معنوی آن است که مطالب آموزه ومفید ، درتهیه آن انتخاب می شود و تعهد و مسئو لیت سازنده آنرا نسبت به جامعه نشان می دهد . سبک گلگشت ، فرم و فضاهای تازه ای را برابر بیننده قرار می دهد که تجسس و حس کنجکاوی اورا برانگیزد .

منابع زندگینامه :فصلنامه هنر ، شماره ۵ ،زمستان و بهار ۶۳-۶۲

احترامی، منوچهر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

منوچهر احترامی متولـد سال ۱۳۲۰ است. در مـدارس مروی و دارالفنـون دوران تحصـیل را طی کرد و از دانشـکدهٔ حقوق دانشـگاه تهران فارغ‌التّحصیل شد.

وی سال‌هـا به عنوان طنزنویس بـا نشـریات مختلف همکـاری داشت و طی چنـدسال گذشـته اغلب آثـارش را در مجله گل‌آقا چاپ می‌کرد.

طنزنویسـی را به طور جدّی از سال ۱۳۳۷ بـا مجله توفیق آغـاز کرد و بـا مطبوعات دیگر و نیز رادیو و تلویزیون هم همکاری داشت. امضاهای مستعار، «م.پسرخاله»، «الف ـ اینکاره» و ... از امضاهای اوست .

احترامی مجموعه‌ای از این آثـار را درکتاب «جامع الحکایات» منتشـر کرد و چاپ بخشـی از داستان‌های طنزش را در مجموعه «بچه ها، من هم بازی» تدارک دید.

منوچهر احترامی تاکنون بیش از پنجاه عنوان کتاب برای کودکان نوشته و منتشر کرده که «حسنی نگو یه دسته گل» و «خروس نگو یه ساعت» و «خرس وکوزه عسل» و «دزده و مرغ فلفلی» و... از آن جمله‌اند.

خودش دربارهٔ تحصـیلش می‌گوید:«چند ماهی رشـتهٔ ریاضـی خواندم. چون شـیطان بودم، بیرونم کردند. جایی اسـمم را ننوشـتند و مجبور شـدم بروم مدرسهٔ مروی در محلّهٔ ناصرخسـرو. چهارم و پنجم را آن‌جا خواندم و شـشم را دارالفنون. انصافاً هم سـطح این دو مدرسه بالا بود. ما بیست و پنج نفر بودیم که بیست و چهار نفرمان برای دورهٔ لیسانس پذیرفته شدیم. سال سی و نه دانشکدهٔ حقوق قبول شـدم. بچه‌ی درس‌نخوان شـاگرد اوّلی بودم!» و ایضاً بخوانیـد خاطره‌ای از دوران تحصـیل ایشان:«یادم هست یک‌بار چون بچّهٔ زرنگ کلاس بودم، همه امتحان ریاضـی را از روی دست من نوشـتند. معلّممان دیـد که برگه‌ام را آویزان کرده‌ام که بقیه ببیننـد، با خودکار قرمز بالای برگه نمرهٔ یک گـذاشت و رفت. همه آن امتحان را هجده شدند و من، یک! جالب این‌جاست که رفقا هنوز هم این خاطرهٔ بد من را به عنوان خاطرهٔ شیرین دورهٔ تحصیلشان همه‌جا تعریف می‌کنند»

احترامی در عرصهٔ طنز به خاطر تسلّط بر ادبیات فارسی از سبک‌ها و قالب‌های گوناگون استفاده می‌کند.

وی در روز چهارشنبه، ۲۳ بهمن ۱۳۸۷ بر اثر نارسایی قلبی، در یکی از بیمارستان‌های تهران درگذشت.

احتشام اولیایی شیرازی، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نویسـنده و شاعر. وی علوم معقول و منقول را در مدارس قدیمی شیراز نزد آیت‌اللّه میرزا ابراهیم مجتهد محلاتی شیرازی و علـوم جدیـد را نزد یکی از اسـتادان صـوفی هنـد آمـوخت از آثـار وی: «اخـوت و اتحـاد»؛ «اصول اقتصـاد»؛ «تکامـل علم حقوق»؛ «روح الاجتماع»؛ «سیاست شرق»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فاری (۱۸۸ –۱۸۵ /۱)، الذریعه (۷۶۲ /۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۹ –۵۷۸ /۴).

احتشام‌زاده افشارقاسملو، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زمین‌شناسی معدن، دانشکده: فنی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسـی زمین‌شناسـی از دانشـگاه تهران و دانشسـرای عـالی در سـال ۱۳۳۶، دیپلم مهندسـی مـدرسه عـالی دولـتی نفت فرانسـه (ENSPM) در اکتشافات زمین‌شناسی نفت در سال ۱۳۴۲، دکترا از دانشگاه گرنوبل فرانسه.

مرتبه علمی:

استادیار گروه آموزشی مهندسی معدن دانشکده فنی دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۲، دانشیار تمام وقت گروه آموزش مهندسی معدن دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۳ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زمین‌شناسی و عملیات صـحرائی و نقشه‌برداری، زمین‌شناسـی در کوههای آلپ فرانسه، زمین‌شناسـی نفت، اکتشافات معدنی، استاد راهنمای تعداد زیادی پایان‌نامه کارشناسی و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ساختارهای زمین‌شناسی ناشی از تغییر شکل‌های تکتونیکی که مبنای اکتشافات منابع معدنی را تشکیل می‌دهند.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

زمین‌شناسی ساختمانی، تکتونیک‌های مکرر و دیاپیریسم نمکی، اکتشافات نفتی و تکتونیک جهانی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

احدی نسب، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی احدی نسب

محل تولد : شمیران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۲ همزمان با اتمام سطح حوزه وارد دانشگاه شدم و رشته فلسفه را از دانشگاه شهید بهشتی و در مقطع کارشناسی به اتمام رساندم و همزمان به تدریس در حوزه پرداختم. بعد از اتمام تحصیل در دانشگاه در مقطع کارشناسی ارشد فلسفه در دانشگاه مفید به تحصیل پرداخته و همزمان در درس خارج شرکت کردم و در طی تحصیل در مراکز مختلف به تدریس مشغول بودم.

احدی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روانشناسی، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی و روانشناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴، کارشناسی ارشد روانشناسی از دانشگاه فرانسه در سال ۱۳۴۷، دکترای روانشناسی از دانشگاه فرانسه در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

روانشناسی نوجوانی، جوانی، آزادگان، جانبازان و بیشتر روی نوجوانی، نظارت بر ۳ پایان‌نامه دکترا و راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

روانشناسی کودک، روانشناسی نوجوان، علم‌النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی، پویائی گروهی، بهداشت روانی و عقب‌ماندگی ذهنی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

روانشناسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

احدی، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید کاظم بن العالم الجلیل آقا سید محمد احدی رشتی از علماء ابرار و ائمه جماعت اخیار معاصر رشت می‌باشند.

وی در سال ۱۳۲۷ قمری در رشت متولد شده و در حجر تربیت والد ماجدش که از علماء بزرگ رشت بودند پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح در زمان مرحوم آیت‌اللّه حایری به قم آمده و از محضر آیات و مدرسین حوزه کسب فیض علم و کمال نموده ولی به واسطه‌ی جهاتی زیاد توقف ننموده و بنابر امر والد مبرورش به رشت برگشته و پس از فوت معظم له بجای ایشان نشسته و در مسجدشان اقامه جماعت نموده و تاکنون به این سمت و خدمات دیگر دینی اشتغال دارد.

از باقیات الصالحات ایشانست فرزند ارجمندش حجةالاسلام آقای آسید علی‌اصغر احدی که از فضلاء مهذب و بارع گیلانی حوزه علمیه قم می‌باشند. وی در رشت متولد شده و در بیت تقوا و ورع تربیت یافته و پس از فراگرفتن دروس جدید و مقدمات به قم مهاجرت نموده و سطوح را از مدرسین حوزه به پایان رسانیده سپس به درس خارج آیات عظام شرکت نموده و اکنون به تدریس متون فقه و اصول و مباحثات خصوصی اشتغال دارند.

از تألیفات ایشانست کتابی بنام (همه به سوی خدا) که در سال ۱۳۸۲ قمری بطبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

احدی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی احدی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم. ادبیات را در حد تدریس فرا گرفتم، بطوری که پس از گذشت چهار سال، شرح بر هدایه بنام کتاب" الزبده "را نوشته و استاد مدرس افغانی تقریظ بسیار ارزشمندی را بر این کتاب نوشتند. دو نکته را در آنجا اشاره فرمودند:

۱- بنده را بعنوان مجتهد در نحو و صرف تلقی دادند.

۲- دیگران را در اخذ مسائل متقن نحوی، بر کتاب حقیر ارجاع داده اند. این دو نکته مایه تشویق بنده شد، بطوری که تدریس را در کنار تحصیل شروع نمودم. همواره از اساتید بسیار مجرب در اصول پایه نظیر استاد مصطفی اعتمادی استفاده نمودم، که تعلیقه فرائد الاصول را پس از اتمام رسائل شروع نمودم. پس از آن مکاسب را محضر استاد ستوده و حاج شیخ علی پناه اشتهاردی، و کفایة الاصول را نزد فاضل لنکرانی تلمذ نمودم.

خارج اصول را نزد استاد وحید خراسانی به اتمام رساندم. خارج فقه را نزد آیة الله مرحوم حاج میرزا هاشم آملی و وحید خراسانی استفاده نمودم. اشتیاق وافر به فلسفه و عرفان و تفسیر باعث شد که شرح منظومه را از محضر انصاری شیرازی و اسفار را از محضر جوادی آملی و حسن زاده آملی و نیز عرفان را از این دو بزرگوار فیض ببرم و هنوز ادامه دارد و اکنون مشغول تدریس اسفار و تمهید و کفایه و خارج اصول می باشم.

مباحث روانشناسی را مدت هفت سال با تحقیق و پژوهش ادامه دادم و به مقطع صاحب نظری رسیدم و اکنون در حد کارشناسی، استفاده می گردد. و این دانش باعث شد که در زمینه های مختلف اجتماعی، فرهنگی وارد شوم و از اطلاعات به روز استفاده کامل نمایم.

منابع زندگینامه :مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

احسان مشهدی، مقیما

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اهل مشهد بود و در اصفهان اقامت داشت. وی از شاعران دربار شاه سلیمان صفوی بود. از جمله آثارش: «دیوان» شعر. از اوست:

بسیار دلتنگی خود غنچه غمین است

غافل که شکفتن نفس بازپسین است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۵۶)، الذریعه (۵۴ /۹)، صبح گلشن (۱۴)، فرهنگ سخنوران (۴۰).

احسان، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۳ مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی برق، دانشکده: مهندسی برق، دانشگاه: صنعتی شریف

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد مهندسی الکترومکانیک از دانشکده فنی تهران در سال ۱۳۴۶ و دکترای مهندسی برق از دانشگاه لندن امپریال کالج در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق و پژوهش در زمینه‌های فیزیک، الکترونیک و مهندسی برق.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:–

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی تألیفات:

علم شبکه‌های قدرت.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:–، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

مهندسی برق، تئوریهای کنترل، ماشین‌های الکتریکی، انرژیهای الکترومکانیکی و غیره.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

احسانی فر، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد احسانی فر

محل تولد : لنگرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۷/۱

زندگینامه علمی

با اخـذ سوم نظری در دبیرسـتان، در اوّل پاییز سال ۱۳۶۰ وارد حـوزه علمیه لنگرود شـدم. به رغم نشـاط و رونق علمی کم نظیر این حوزه کوچک شهرستانی در زمان ریاست مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین حاجّ شیخ علیرضا ممجّد لنگرودی (قدس) برای تحصیل فراغت بال و فرار از آمـد و شـدها، در سال تحصـیلی بعد به حوزه مشـهد و در سال سوّم به حوزه کاشان عزیمت نمودم. پاییز ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه مبارکه قم شدم و پیوسته در اینجا مشغول به تحصیل و وظایف طلبگی هستم.

جامع المقدمات، منطق، حاشیه و بخشی از سیوطی را نزد مرحوم آقای ممجّد (قدس) در حوزه لنگرود خواندم. بقیه سیوطی، مغنی و بخشـی از معالم را در مشهد و بقیه معالم را در تابستان در لنگرود و مختصر و جلد اوّل اصول مظفّر و کتب عبادات شرح لمعه را در حوزه کاشان و بقیه دروس را در قم گذرانده، از پاییز سال ۱۳۶۷ حضور در خارج فقه و اصول را آغاز نمودم.

احسائی، علینقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۶ ق)، عالم دینی، ادیب و شاعر. دومین فرزند شیـخ احمد احسائی. که در حساهجر مرکز شیعی نشین ساحل شبه جزیره‌ی عرب متولـد شد. شاگرد و پیرو مکتب تند پدرش در تشیع بود و در سـفرهای ایران و عراق او را همراهی می‌کرد. بیش از ده تألیف در کلام و تفسیر، نزدیک به شیوه‌ی فلسفی پدرش، دارد که برخی از آنها چاپ شده است. علینقی در کرمانشاه درگذشت و چون

انتقال جنازه را حرام می‌دانست، در همان جا به خاکش سپردند. وی شعر نیز می‌سرود و «دیوان» اشعارش به چاپ رسیده است. از آثارش: «نهج المحجهٔ»، در امامت؛ «منهج السالکین» یا «منهاج السالکین»، در اخلاق؛ «المعاد»؛ «واضح المنار فی علم الاسرار»؛ «رسالهٔ فی القصهٔ الموسی و الخضر»؛ «رسالهٔ العلم»؛ «الرد علی رسالهٔ بعض العرفا»؛ «مشرق الانوار» در حکمت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۲۰۴ /۹)، الذریعه (۱۲ -۱۱ /۲۵، ۲۴/ ۴۲۴، ۱۸۹، ۱۶۱ /۲۳، ۱۷۳ /۲۱، ۱۹۵ /۲۰، ۹۸ /۱۷، ۳۱۶ /۱۵، ۱۹۷ /۱۰، ۷۶۳ /۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۲ /۴)، معجم المؤلفین (۲۵۵ -۲۵۴ /۷).

احسن تربتی، ظفر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۷۳ ق)، شاعر، متخلص به احسن. وی در هندوستان در روزگار اکبرشاه متولد شد. اوست انداری کابل و کشمیر را عهده‌دار بود. در زمانی که حاکم کابل بود صائب در خدمت او بود و به همراه وی به هندوستان رفت. وی ظاهرا تذکره‌ای نیز تهیه کرده که در آن شعرای همزمانش منتخبات آثار خود را می‌نوشتند. وی در لاهور درگذشت و در آرامگاه پدر دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی پیمانه (۲۵۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۸ -۵۷)، الذریعه (۶۵۵، ۵۵ /۹)، فرهنگ سخنوران (۴۱)، یغما (س ۹، ص ۸۲ -۸۰).

احسن شیرازی، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. اصل وی از فارس و ساکن گلپایگان و از معاصران محمود میرزای قاجار، مؤلف «سفینهٔ المحمود» بود. این دو بیت از اوست:

من از هجر رخ چون ماهت اندر بستر افتادم

ندانم از وفا، داری به بالینم گذر یا نه ؟

خورشید گرد بام تو گردد به هر صباح

داندکه شیوه‌ی تو بود ذره پروری

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه‌الشعراء (۸۲ /۱)، سفینه المحمود (۱۴۴ -۱۴۳ /۱)، فرهنگ سخنوران (۴۱).

احسن‌اللَّه، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن، جلد روغنی عالی کشمیری. پشت صفحه‌ی اول ترنج مذهب. دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مذهب مرصع نسخ هندی خفی متوسط با رقم: «راقم حضرت کلام‌اللَّه محمد احسن‌اللَّه» (قرن ۱۳ -۱۲) در کتابخانه‌ی سلطنتی.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

احسنی خوانساری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از شاعران خوانسار است که به حرفه‌ی خیاطی مشغول بوده و در سرودن مثنوی دست داشته است. از اوست:

به دشت خاطرم جز غم نروید

ز خاکم جز گل ماتم نروید

به صحرای دل بی‌حاصل من

گیاه نا امیدی هم نروید

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۳ -۳۲)، تذکره‌ی شعرای خوانسار (۱۴ -۱۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۱۸)، الذریعه (۵۵ /۹)،

صبح گلشن (۱۷)، فرهنگ سخنوران (۴۱).

احصایی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد احصائی ، در تیرماه ۱۳۱۸ شمسی در قزوین دیده به دنیا گشود. احصائی ، سال های نخست زندگی را در قزوین گذراند و سپس تهران را برای سکونت برگزید. در ابتدای راه زندگی هنری خویش ، آثار استاد عمادالکتاب قزوینی را سرمشق قرارداد تا سرانجام به حضور استاد سیدحسین میرخانی رسید و از تعلیمات ایشان بهره جست. آنگاه به دانشسرای تهران راه یافت و پس از آن بیش از ده سال را به تجربه و تحصیل در دانشکده هنرهای زیبا و حضور در نمایشگاه های هنری سپری کرد تا سرانجام موفق به ارائه ی هنر « نقاشیخط » شد. وی پس از سال های ۱۳۳۸ به بعد ، توجه خود را بر روی آثار میرعماد قزوینی متمرکز نمود و بعدها هنر خط را در دوره ی قاجار کاوید. احصائی ، گرافیست ، خوشنویس ، مؤلف و کارشناس هنر ، عضو شورایعالی هنرهای تجسمی کشور ، عضو شورایعالی انجمن خوشنویسان ، ادیتور کتاب های هنر در سازمان کتاب های درسی ایران و احیاگر کاربرد خططاطی در معماری اسلامی می باشد.

گروه : هنر

رشته : هنرهای تجسمی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد احصائی ، سال های نخست زندگی را در قزوین گذراند و سپس تهران را برای سکونت برگزید. در ابتدای راه زندگی هنری خویش ، آثار استاد عمادالکتاب قزوینی را سرمشق قرارداد تا سرانجام بـه حضور استاد سیدحسین میرخانی رسید و از تعلیمات ایشان بهره جست. آنگاه به دانشسرای تهران راه یافت و پس از آن بیش از ده سال را به تجربه و تحصیل در دانشکده هنرهای زیبا و حضور در نمایشگاه های هنری سپری کرد تا سرانجام موفق به ارائه ی هنر « نقاشیخط » شد. وی پس از سال های ۱۳۳۸ به بعد ، توجه خود را بر روی آثار میرعماد قزوینی متمرکز نمود و بعدها هنر خط را در دوره ی قاجار کاوید.

خاطرات و وقایع تحصیل : محمد احصائی ، با ذکر خاطره ای از دوران تجربه اندوزی های خود می گوید : « در بهار ۱۳۵۴ ، در روزه داری های ادواریم ، در یک حالتی از مواجهه ی شدید عاطفی با کلام « الله » ، که یکسره ذهن و دل مرا به تصرف گرفته بود ، حدود دویست قطعه کار انجام شد که تکنیک اجرای آن ، حضور دائم و آمادگی شدید روحی را می طلبید ؛ ضرباهنگی که هدایت قلم را « قلب » به عهده داشت ».

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد احصائی ، مشاور رئیس مؤسسه ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی در قسمت چاپ و انتشارات می باشد.

فعالیتهای آموزشی : محمد احصائی ، سال ها به عنوان آموزگار ادبیات فارسی و خط در دبستان های جهان تربیت و شهر ری ، مدرس گروه هنرهای تجسمی دانشکده هنرهای زیبا ی دانشگاه تهران و دانشگاه هنرهای تزئینی و عضو رسمی هیئت علمی دانشگاه تهران به فعالیت های آموزشی اشتغال داشته است.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : محمد احصائی ، عضو هیئت مؤسس « انجمن هنرمندان نقاش ایران » می باشد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد احصائی ، گرافیست ، خوشنویس ، مؤلف و کارشناس هنر ، عضو شورایعالی هنرهای تجسمی کشور ، عضو شورایعالی انجمن خوشنویسان ، ادیتور کتاب های هنر در سازمان کتاب های درسی ایران و احیاگر کاربرد خطاطی در معماری اسلامی می باشد. وی در بیست سال اخیر ، به جمع آوری و مطالعه ی عمیق روی کارهای اساتید متقدم خویش پرداخته و قلم « محقق » و « ریحان » – که در جهان اسلام به قلم های ایرانی مشهورند – دستاورد کار مداوم او در این سال ها است.

آرا و گرایشهای خاص : نستعلیق محمد احصائی ، آمیزه ای از شیوه ی « میر » و « میرزا غلامرضا اصفهنی » و « میرحسین » با بعضی ملاحظات امروزی است و کاربرد گرافیکی در خوشنویسی وی ، از وجوه مشخصه ای است که موجب تفاوت فاحش از دیگر خوشنویسان معاصر شده است. کارهای « کلام الله » احصائی به چهار گروه تقسیم بندی می شوند که عبارتند از : نقاشی خط ها ، الله ها ، کارهای در ارتباط با معماری ، و احیای قلم محقق و ریحان. وی در حوزه ی « نقاشی خط » با قلم « ثلث » و « محقق » با یاری گرفتن از « کلام الله » ، به خلق آثار بدیعی دست زده است.

جوائز و نشانها : محمد احصائی ، در هفتمین نمایشگاه بزرگ قرآن کریم تهران در سال ۱۳۷۸ ، به جهت « خوشنویس ممتاز آیات قرآنی » در قطعات و کتیبه ها ، به ویژه احیای خطوط ریحان و محقق ، و بهره گیری مناسب از خط و گرافیک و نقاشیخط در آثار خود ، همچنین استفاده از کلمه ی مبارکه ی الله به صورت های متنوع در آثار و کتیبه نگاری ، به عنوان « خادم برگزیده » شناخته شد.

چگونگی عرضه آثار : محمد احصائی در زمینه ی تشکیل نمایشگاه های مختلف در ایران و خارج از کشور نیز فعالیت دارد که دستاورد آن ، ارائه ی آثاری متفاوت در زمینه ی خط است که در گرافیک و معماری کاربرد فراوانی دارد. نمونه هایی از این نمایشگاه ها عبارتند از : نمایشگاه گالری سیحون ، فستیوال بین المللی نقاشی در کانی سومر فرانسه ، نمایشگاه جمعی جهان در بال سوئیس ، نمایشگاه هنرمندان ایرانی در پکن و شانگهای جمهوری خلق چین ، نمایشگاه جمعی در دانشکده هنرهای زیبای ایران و ... .

آثار :

۱ تحریر قرآن مجید به قلم « محقق »

۲ خوشنویسی سوره علق به ابعاد ۱۲۰ × ۱۱۰ سانتی متر با رنگ و روغن روی بوم

ویژگی اثر : این اثر ، اکنون جزء گنجینه ی آثار مجموعه ی موزه ی هنرهای معاصر تهران قرار دارد.

۳ کتیبه ای به قطع ۴۰۰ مترمربع واقع در دانشکده الهیات

۴ کتیبه ی سردر ورودی موزه ملی ایران (ایران باستان)

ویژگی اثر : این اثر ، آیه ای از قرآن مجید به شیوه ی « محقق » و « برجسته » با لعاب زر است.

۵ مجموعه ی « الله »

احمدپناهی، جلال

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جلال احمد پناهی

محل تولد : سمنان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

احمدخان بیگی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا احمد خان بیگی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال تحصیلی ۵۸ – ۵۷ با دیپلم ریاضی از دبیرستان دکتر هشترودی تهران فارغ التحصیل شدم. از سال ۵۹ دروس حوزه را از مدرسه آقای مجتهدی در تهران آغاز و پس از یکسال به قم آمدم و در مدرسه رضویه دروس حوزوی را ادامه دادم.

در سال ۷۸ با پایان دوره مقدمات سطح و خارج در دوره تخصصی کلام حوزه پذیرفته شدم و در سال ۸۱ فارغ التحصیل شدم و در حال حاضر در حال نوشتن پایان نامه در موضوع فطرت هستم. همچنین در سال ۷۸ برای تدریس دروس معارف دانشگاههای تهران کار خود را آغاز کردم. در طول این چند سال در دانشگاههای تهران، شهید بهشتی، ایران و الزهراء تدریس داشته ام و از سال ۸۱ به عنوان هیئت علمی (رتبه مربی) در دانشگاه ایران پذیرفته شدم.

در حال حاضر مسئولیت نهاد رهبری در دانشگاه الزهراء را نیز دارا هستم.

احمدزاده بزاز، عبدالمطلب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالمطلب احمدزاده بزاز

محل تولد : خرمشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه امام خمینی (ره) اهواز شدم. در زمان ورود به حوزه مدرک سال دوم تجربی را داشتم، تا سال ۱۳۶۵ در این حوزه درس خواندم. ادبیات را به طور کامل، معالم الاصول، شرح لمعه، اصول مظفر و قسمت قطع و ظن رسائل را در اهواز به پایان بردم. از سال ۱۳۶۵ به حوزه قم آمدم و تا سال ۶۹– ۶۸ باقیمانده سطح یعنی برائت و استصحاب، رسائل، مکاسب و کفایه را گذراندم. پس از آن همزمان با شروع درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی، باقیمانده دوره متوسطه را

به صورت متفرقه خواندم.

درس خارج اصول از ابتدا بر اساس کفایهٔ الاصول از سال ۱۳۶۹ شروع و در سال ۱۳۸۶ به پایان رسیده است. درس خارج فقه در سالهای ۶۹ و ۷۰ مباحث صلاهٔ بوده است و پس از آن مباحث فقه المعاملات (از ابتدای بیع) بر اساس مکاسب شروع شده که تاکنون ادامه دارد.حدوداً ده سال همزمان با درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی از محضر درس خارج مباحث طهارت تا خمس (بر اساس عروه) حضرت حجهٔالاسلام حاج شیخ محسن وحید خراسانی نیز استفاده برده ام.

از سال ۱۳۷۱ جهت تحصیل در رشته حقوق وارد دانشگاه مفید شده ام که اکنون در حال تدوین رساله در مقطع دکتری می باشم. امتحان جامع نیز سپری شده است.

در زمان تحصیل دروس حوزوی، به صورت پراکنده از مباحث ادبیات گرفته تا فقه و اصول تدریس داشته ام که بیشتر آنها را در خاطر ندارم. پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد نیز دروس تخصصی رشته حقوق را از جمله در دانشگاه آزاد اسلامی اهواز تدریس کرده ام.

احمدسلطانی، منیره

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

خلاصه : منیره احمد سلطانی در سال ۱۳۳۱در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان «کسایی» گذراند بعد به دبیرستان « عطار» رفت و در ادامه در دبیرستان « اسدی» دوره متوسطه را به اتمام رسانید. خانم باونـدی (همسر محمد زهری) نیز یکی از معلمان منیره احمد سلطانی بود که دراین راه او را بسیار تشویق کرد و در واقع جرقه شوقی را که معلمان ابتدایی او زده بودند به آتش اشتیاقی برای مطالعه بدل کرد. در سال ۱۳۴۷ دررشته حقوق دانشگاه پذیرفته شد که به احترام پدر وارد دانش سرای عالی شد و در سال ۱۳۵۱ مدرک کارشناسی خود را از دانشگاه علامه طباطبایی گرفت و بعد از یک وقفه طولانی به دلیل حوادث انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۴ مدرک کارشناسی ارشد خود را نیز اخذ کرد و در سال ۱۳۷۰ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج تحصیلات خود را ادامه داد و از پایان نامه دکتری خود دفاع کرد. منیره احمد سلطانی نیز یکی از همان استادان برجسته و با پشتکاری است که نکات پیچیده در ادبیات را بیان می کند و با این اندیشه آثار برجسته ای از خود به جا گذاشته است.

گروه : علوم انسانی

رشته : ادیان خارجی

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : منیره احمد سلطانی در سال ۱۳۳۱ در تهران متولد شد. پدرش مردی آگاه و روشن بین بود و در آن ایام به همان اندازه که تحصیلات پسرانش اهمیت داشت، تحصیل دخترش نیز حائز اهمیت بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : ـ گذراندن دوره ابتدایی و راهنمایی در تهران ـ دریافت مدرک کارشناسی از دانشسرای عالی، سال ۱۳۵۱ ـ دریافت مدرک کارشناسی ارشد سال ۱۳۶۴ از دانشگاه علامه طباطبایی ـ دریافت مدرک دکتری ۱۳۷۰ دانشگاه آزاد واحد کرج – گذرادن دوره بهداشت و پزشکیاری در دانشگاه تهران

خاطرات و وقایع تحصیل : منیره احمد سلطانی بین سال های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ در دانشسرای عالی سرگرم تحصیل بود و کارشناسی خود را گرفت. در همین ایام به خاطر کار مجبور شد به لنگرود برود و همسرش عبدالحسین فرزاد (مترجم و استاد دانشگاه) هم با او به آنجا رفت. یک سال بعد مأموران ساواک عبدالحسین فرزاد را دستگیر کردند و در این روزها منیره احمدسلطانی ایام سختی را سپری کرد چون مجبور بود ـ با این که شاغل بود ـ بدون همسرش زندگی و فرزندان را اداره کند. یک سال و اندی بعد وقتی فرزاد از زندان آزاد شد، از آموزش و پرورش اخراج شده بود و همین امر موجب شد که فرزاد هم بتواند به تحصیلاتش ادامه دهد. در این ایام منیره احمدسلطانی در لنگرود زندگی می کرد. در سال ۱۳۵۶ به تهران آمد و در دبیرستان فرزانه ـ در منطقه سیزده ـ سرگرم تدریس شد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : منیره احمد سلطانی در سال ۱۳۵۶ از لنگرود به تهران آمد و در دبیرستان فرزانه سرگرم تدریس شدو بعد از دوره کارشناسی ارشد مدتی به عنوان مدرس تربیت معلم درس" ادبیات کودکان و نوجوانان "تدریس میکرد

استادان و مربیان : در زمان سپری کردن دوره آموزش عالی و کارشناسی ارشد و دکتری توانست از محضر استادان بسیار برجسته استفاده کند، استادانی چون دکتر تفضلی، دکتر سادات ناصری، دکتر زرین کوب، دکتر مشکور، دکتر ضیاءالدین سجادی، دکتر شفیعی کدکنی، دکتر جعفر شعار، دکتر استعلامی، دکتر شمیسا، دکتر شهیدی، دکتر پورنامداریان، دکتر ابوالقاسمی و دیگر استادان...

همسر و فرزندان : همسر وی عبدالحسین فرزاد ـ مترجم و استاد دانشگاه است.

فعالیتهای آموزشی : از فعالیتهای آموزشی منیره احمد سلطانی میتوان به : تدریس در دانشگاه هایشهید بهشتی، آزاد اسلامی، مراکز تربیت معلم، پیام نور منیره احمدسلطانی در دوره کارشناسی تاکنون استاد راهنمای بیش از ۵۰ پایان نامه بوده که موضوع بیشتر آن ها ادبیات بوده و همچنین بخشی از آنها ادبیات کهن و تعدادی دیگر به ادبیات معاصر و حتی ادبیات کودکان و نوجوانان ازجمله «نقد انوری و تأثیر او بر سعدی و حافظ» ، «نقد و بررسی اشعار منوچهری»، «صور خیال و صنایع لفظی در مخزن الاسرار نظامی»، «بازتاب تضاد دراندیشه انوری»، «بررسی اصطلاح عشق در آثار عین القضات» و... اختصاص داشته است. او در دوره کارشناسی ارشد نیز استاد راهنمای رساله های بسیاری بوده است. استاد راهنمای پایان نامه های کارشناسی ارشد

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ـ همکاری با مطبوعات از سال ۱۳۷۰ از قبیل: فصلنامه پژوهش ادبی، اطلاعات شوکران، کیهان فرهنگی، رشد زبان و ادب فارسی، رودکی و سروش، انتخاب، فرهنگ منیره احمد سلطانی از دهه ۷۰ نیز با نوشتن نقد و مقالات ادبی وارد عرصه مطبوعات شد. این فعالیت نخست در کیهان فرهنگی و سپس در مجله رشد زبان و ادب فارسی و ادبیات معاصر شکل گرفت. هرچند در سال ۱۳۷۸ با ۲۵ سال سابقه تدریس از آموزش و پرورش کناره گیری کرد، اما تاکنون هیچ گاه تدریس را رها نکرده و تنها محل خدمتش را از آموزش و پرورش به دانشگاه منتقل کرده است.

آرا و گرایشهای خاص : منیره احمد سلطانی معتقد است، اگرچه به تازگی درباره نقد علمی و کاربردی در ایران حرکت هایی صورت گرفته، اما «پیری» نوع خاصی از نقد علمی را در کتاب خود مطرح می کند و معتقد است که سخن گفتن و بررسی یک اثر باید با مدارک و استنادهایی علمی و نه به شکل احساسی صورت بگیرد. در نقدی که «پیری» مطرح می کند باید همه جوانب اثر مورد بررسی قرار گیرد. منیره احمد سلطانی به دانشجویان توصیه می کند که بیشتر مطالعه کنند زیرا شرایط تحقیق و پژوهش مهیا است و دانشجویان می توانند از این شرایط استفاده بهینه کنند و در مسیر افزایش سطح علمی خود، کوشا باشند. محققان و پژوهشگران نیز با توجه به تجربیاتشان می توانند به نسل جوان کمک کنند تا بتوانند آینده کشورمان را بسازند. این یعنی همیاری و سازندگی آینده و کشور.

جوائز و نشانها : پژوهشگر نمونه سال ۱۳۷۵

آثار :

۱ «قصیده فنی و تصویرآفرینی خاقانی»

ویژگی اثر : چاپ ۱۳۷۱

۲ اساطیر شاخه طلایی اثر سرجیمز فریزر

ویژگی اثر : در دست چاپ

۳ ترجمه چگونه نقد بنویسیم اثر ب. پیری

۴ ترجمه زنان در سلامت وبیماری

۵ ترجمه فرهنگ فولکلور جهان ?? (جلد)

۶ کتاب «واژگان فارسی در زبان فارسی»

۷ کتاب خاقانی شروانی؛ نقد و پژوهش با نمونه اشعار

ویژگی اثر : چاپ ۱۳۷۶

۸ کتاب دستور گشتاری بر مبنای زبان شناسی و معناشناسی

۹ کتاب گزینه اشعار انوری ابیوردی

۱۰ کتاب معانی و بیان در شعر معاصر

۱۱ هزار واژه اشتقاقی در زبان انگلیسی، اسطوره بریتانیا اثر (چارلز اسکوا)، ستاره شناسی و مسائل الهی

ویژگی اثر : در دست چاپ منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

احمدوند، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن احمدوند

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۸ رسماً وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه کرمانیها شروع به خواندن مقدمات نمودم، بعد از یک سال به مدرسه شهیدین رفتم و به دلیل عدم تطابق با برنامه های مدرسه از آنجا اخراج گردیدم، پس از آن به صورت آزاد به ادامه تحصیل علوم دینی پرداختم و به صورت متفرقه امتحان پایه های چهارم و پنجم حوزه را با موفقیت گذراندم و دو مرتبه به صورت رسمی طلبه حوزه علمیه شدم و در سال ۷۸ وارد درس خارج و به مدت هشت سال در درس خارج اساتیدی همچون مرحوم آیت الله تبریزی، آیت الله فاضل، آیت الله مددی، آیت الله شبیری زنجانی و آیت الله صانعی شرکت نمودم و همزمان با شرکت در دروس خارج به تحقیق و ترجمه و تالیف روی آوردم که ثمره آن تالیف چندین کتاب و ترجمه چندین اثر و تحریر مقالات متعددی است که برخی به زیور چاپ آراسته و برخی نیز در شرف چاپ و نشر است.

احمدوند، معروف علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف علی احمدوند

محل تولد : ملایر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب معروف علی احمدونـد در سال ۱۳۴۲ در روسـتای دهلق از توابع شهرسـتان ملایر به دنیا آمدم. دوران تحصیل ابتدائی را در زادگـاه خود آموختم و برای تحصـیل در دوره راهنمـائی به دهسـتان آورزمان با فاصـله ۸ کیلومتر از روسـتای خودمـان رفتم. دوران دبیرستان را در شهرستان نهاوند به پایان رساندم.

در سـال ۱۳۶۱ پس از اخـذ دیپلم وارد حوزه علمیه قم شـدم. و همزمـان بـا تحصـیل در حوزه در جبهه هـای جنـگ نیز شـرکت می نمودم. از سال ۱۳۶۵ در کنار دروس حوزوی وارد مؤسسه در راه حق شدم و مدت ۵ سال دوره عمومی آن مرکز را آموزش دیدم. در سـال ۱۳۷۳ در آزمـون کارشناسـی ارشـد مرکز تربیـت مـدرس حـوزه علمیه قم شـرکت نمـوده و پـذیرفته شـدم. تـا سـال ۱۳۷۶ تحصـیلات آن مقطع را با نگارش پایان نامه به اتمام رساندم و از مهر همان سال در دانشـگاه تربیت معلم آذربایجان به عنوان عضـو هیات علمی گروه فلسـفه و کلام اسلامی پذیرفته شدم و از آبان ماه همان سال به مدت ۴ سال ریاست دانشکده الهیات آن دانشگاه را به عهده داشـتم و در کنار آن به تدریس نیز اشتغال داشتم. در سال ۱۳۸۲ به عنوان دانشجوی دکترا در رشته کلام در دانشگاه قم پذیرفته شدم که در حال حاضـر پس از گذراندن دوره آموزشـی به نگارش پایان نامه اشـتغال دارم و در بعضی از مراکز دانشگاهی اشتغال به تدریس نیز دارم.

احمدی ابهری، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد علی احمدی ابهری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

وی در سال ۱۳۳۵در خانواده ای روحانی به دنیا آمد. پدرش مرحوم حجهًْالاسـلام والمسلمین حاج سیّد نورالدین ابهری از شاگردان امام خمینی (ره) و جد او مرحوم آیهًْالله سیّد شـمس الدین ابهری از شاگردان مرحوم آیهًْالله العظمی حائری، مؤسس حوزه علمیّه قم بود. تحصـیلات ابتدائی و متوسـطه را در قم و تهران به پایان رسانید و در سال ۱۳۵۸ موفق به اخـذ لیسانس حقوق قضائی در مجتمع آموزش عالی قم (وابسته به دانشگاه تهران) گردید.

در ابتدای تأسـیس سـپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان عضو شورای قضائی خدمت کرد. در سال ۱۳۵۹ به حوزه علمیّه قم وارد شـده و از محضـر اساتیـد بزرگواری چون آیـات عظـام محقق داماد، محفوظی، مکارم شـیرازی، صالحی مازنـدرانی و دیگر بزرگان کسب فیض نمود.

همراه با تحصیلات حوزوی از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۳ در دانشـکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران موفق به اخذ کارشناسی ارشد در حقوق جزا و جرم شناسی گردید. وی اینک در مرحله دکترای حقوق جزا و جرم شناسی مشغول به تحصیل است.

احمدی بختیاری، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد حاج ابوالفتـح خان سیف‌السـلطنه‌ی بختیاری در ۱۲۸۰ ش در چهارمحـال چشم به جهـان گشـود. تحصـیلات مقـدماتی را در موطن خود انجام داد. چندی در اصـفهان و تهران به تحصـیل معارف اسـلامی و ادبیات فارسی پرداخت و زبان فرانسه و انگلیسی را فراگرفت. ابتدا در وزارت دارائی با سـمت مترجم وارد کار شد. در تشـکیلات جدید دادگستری به خدمت قضائی مشغول گردید و تمام مراحل قضائی را از دادیاری دادسـرای تهران تا ریاست شعبه‌ی دیوان کشور طی کرد. در خلال مشاغل قضائی چندی در بانک صنعتی و معـدنی ایران و چنـدی در بیمه‌هـای اجتمـاعی کـارگران ریـاست داشت. آخرین سـمت قضائی او ریاست شعبه‌ی یازدهم

دیوان کشور بود. وی شاعری توانا، دارای طبع ظریف و ذوقی سرشار بود. علاوه بر سرودن اشعار لطیف به ترجمه‌ی آثار نویسندگان خارجی نیز می‌پرداخت و ترجمه‌های زیادی از آثار ادبای فرانسه از وی باقی ماند. در ۱۳۶۳ در تهران درگذشت.

شاعر، مترجم.

تولد ۱۲۰۸، چهارمحال بختیاری.

درگذشت: ۲۲ اسفند ۱۳۶۱.

عبدالحسین احمدی بختیاری فرزند ابوالفتح ملقب به سیف‌السلطنه‌ی بختیاری و نواده‌ی حسنیقلی‌خان ایلخانی بختیاری است. تحصیلات مقدماتی را در آموزشگاه‌های اصفهان به پایان رسانید و علوم ادبی و عربی را آموخت. آنگاه برای تکمیل تحصیلات به تهران و با زبان‌های فرانسوی و انگلیسی آشنایی یافت. وی همچنین از آغاز جوانی به سرودن شعر پرداخت. اشعار وی در مجله‌های «مهر»، «ارمغان» و «آرمان» به طبع رسیده است.

احمدی در سال ۱۳۰۵ به عنوان مترجم به خدمت وزارت دارای درآمد و در سمت معاونت دایره‌ی عملیات فعالیت می‌کرد. سپس به وزارت دادگستری منتقل شد و پس از طی مدارج اداری به مستشاری دیوان عالی تمیز منصوب شد و پس از چند سالی به وزارت انتقال یافت و از اعضای هیئت رییسه‌ی بانک ملی ایران گردید.

احمدی در سال ۱۳۲۸ در کنفرانس بین‌المللی کار به ژنو رفت و چندی نیز ریاست صندوق تعاون بیمه کارگران را عهده‌دار شد. وی در طول فعالیتش در دستگاه‌های دولتی موفق شد که برخی از آثار نویسندگان خارجی را ترجمه نماید، از آن جمله است ترجمه کتاب شاتودوشیون اثر لرد بایرون و بخش‌هایی از نوشته‌های آلفونس دو لامارتین، ژان راسین و پیر کرنی (از فرانسوی به فارسی).

(۱۳۶۱ -۱۲۸۲ ش)، شاعر. در خاک بختیاری متولد شد. پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در آموزشگاههای اصفهان، علوم ادبی و عربی را نزد اساتید فن آموخت. آنگاه برای ادامه‌ی تحصیل به تهران آمد و با زبانهای فرانسه و انگلیسی آشنایی یافت. سپس با سمت مترجم در وزارت دارایی و پس از آن در وزارت دادگستری به خدمت مشغول شد و با گذراندن مدارج اداری به مقام مستشاری دیوان عالی رسید. وی از شاعران تجدد طلب و نوآور بود. در جوانی به ترجمه‌ی آثار نویسندگان بزرگ نیز پرداخت. از آثارش در این زمینه: ترجمه‌ی «شاتو دوشیون»، تألیف لرد بایرون؛ ترجمه‌ی قسمتی از اشعار لامارتین و ترجمه‌ی قسمتی از آثار راسین و کرنی تراژدی نویسان فرانسه.[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۶ -۲۵)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۹۷ -۹۶ / ۱)، سخنوران نامی معاصر (۱۷۰ / ۱)، سخنوران نامی (۳۹ -۳۲ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۴۶).

احمدی جلفایی، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید احمدی جلفایی

محل تولد : هادی شهر جلفا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۷/۱/۱۵

زندگینامه علمی

اینجانب حمیداحمدی فرزند یدالله، متولد ۱۵/ ۰۱/ ۱۳۵۷ در هادی شهر در شهرستان جلفا. پس از اخذ دیپلم ریاضی فیزیک در سال ۱۳۵۷ همزمان در امتحان ورودی حوزه و دانشگاه شرکت کرده و در همان سال به همراه تحصیل علوم حوزوی در مدرسه رضوی قم به گذراندن دوره کارشناسی اقتصاد نظری در دانشگاه مفید نیز مشغول شدم. همزمان با اخذ مدرک کارشناسی دانشگاه در علوم حوزوی نیز مدارج آن را تا دوره سطح نخست طی نمودم و پس از آن نیز به همراه ادامه تحصیلات حوزوی در مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث قم بعنوان محقق مشغول تحقیق شدم و علاوه بر آن در کنار تحقیقات گروهی در دارالحدیث در موضوعات مختلف دست به تألیف و تحقیق کتاب یا مقاله پرداختم. در سال ۱۳۷۹ ملبس به لباس روحانیت شده و پس از آن در همه مناسبتهای تبلیغی در همه سنین به مکانهای مختلف اعم از مساجد و دانشگاهها چه در قم و چه در تهران و چه در تبریز جهت تبلیغ ارزشهای اسلامی فعالیت نموده ام.

در حال حاضر در سطح خارج در دروس برخی از آقایان شرکت دارم و علاوه بر آن با برخی از اساتید مشهور حوزه بصورت اختصاصی در زمینه موضوعات فقهی و اصولی و همچنین در مؤسسه دارالحدیث در مباحث رجال و درایه ای و غیره در حال تحقیق و پژوهش می باشم.

بطور کلی در موضوعات مختلف کتب فقهی و اصولی در دروس خارج برخی از آقایان و اساتید عظام (البته در برخی کم و در برخی بصورت طولانی) همچون: حضرت آیهٔ الله مکارم شیرازی، حضرت آیهٔ الله شیخ جعفر سبحانی، حضرت آیهٔ الله وحید خراسانی، حضرت آیهٔ الله سید احمد مودی، حضرت آیهٔ الله کریمی، حضرت آیهٔ الله سید موسی بشیری زنجانی، حجهٔ‌الاسلام والمسلمین محسن فقیهی، و غیره شرکت نموده و از خرمن معارف این اساتید بهره جسته ام.

احمدی راد، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجتبی احمدی راد

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از آن که دروس مقدماتی در حوزه شهرستان نیشابور را فرا گرفتم، به حوزه مشهد رفتم. در آن حوزه ضمن فراگیری درسهای حوزوی در جلسات سخنرانی بزرگان حوزه شرکت می کردم از جمله برنامه های بسیار آموزنده، رهگشا و عالمانه مقام معظم رهبری در مسجد کرامت، مسجد امام حسن مجتبی، درسهای اعتقادی شهید هاشمی نژاد و گاه درسهای تفسیری عارف بزرگوار آقا میرزا جواد آقا تهرانی.

در حوزه قم افزون به شرکت در درسهای بزرگان که از آنها در بخش اساتید نام بردم و کارهای تبلیغی معمولی از آغاز آبان ۱۳۶۲ تاکنون با مجله حوزه بوده ام در پی ریزی بنای آن ادامه حیات و... ؛ و نیز در مجله فقه از آغاز تاکنون به اندازه توانایی نقش داشته ام پی ریزی و ادامه حیات؛ در ضمن در مجله حوزه علاوه بر ویراستاری محتوا و بازنویسی عضو هیات تحریریه و سیاست گذاری مجله نیز هستم.

در مجله فقه نیز افزون بر عضویت در هیات تحریریه و سیاست گذاری از آغاز بهمن ۷۲ تا سال ۱۳۸۳ تمامی شماره ها را بنده ویراستاری و بازنویسی کرده ام.

احمدی شاهرودی، احمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۰۵(۱۳۴۶ ق.)، میامی (در نزدیکی شاهرود).

درگذشت: ۲۵ شعبان ۱۴۱۷ ق.

آیت‌الله احمدعلی احمدی شاهرودی، فرزند آیت‌الله محمدحسن احمدی، یکی از علمای بنام و مشهور منطقه و جدش آیت‌الله آقا شیخ احمد نیز از علما و زهاد بود. ایشان به تحصیل علوم دینی روی آورد و مقدمات را نزد پدر بزرگوارش فراگرفت. پس از چند سالی، به حوزه علمیه مشهد شتافت و ادبیات را نزد ادیب نیشابوری و سطوح عالیه را نزد حضرات آیات حاج هاشم قزوینی، حاج شیخ مجتبی قزوینی، میرزا کاظم محقق دامغانی و حاج میرزا احمد مدرس یزدی آموخت. سپس برای تکمیل معلومات و فراگیری دوره عالی دورس فقه واصول به حوزه‌ی علمیه‌ی قم آمد و در محضر آیات عظام بروجردی، سید محمدتقی خوانساری، حجت کوه کمره‌ای، صدرالدین صدر و امام خمینی زانوی ادب به زمین زد و از خرمن فیض آنان توشه‌ها برگرفت. آنگاه برای مدت کوتاهی به نجف اشرف کوچید و در درسهای آیات عظام سید عبدالهادی شیرازی، حکیم و خویی حاضر شد. سپس به قم بازگشت و برای تبلیغ دین و راهنمایی مردم مسلمان به نمایندگی آیت‌الله العظمی بروجردی به شهرهای آباده، فیروزکوه، چهارمحال بختیاری و کاشان رفت و مبارزه‌ای پیگیر با منحرفان و اهل بدعت را آغاز کرد و در این راستا بسیاری از آنان را توبه داد و به اسلام بازگردانید.

ایشان پس از مدتی به قم بازگشت و به تدریس سطوح عالیه، ترویج شعائر دینی، اقامه جماعت، ارشاد و راهنمایی مؤمنان و تألیف کتابهای علمی دست یازید. او همزمان به تدریس معارف اسلامی در دانشگاه آزاد اسلامی اشتغال ورزید و در سالهای نبرد علیه متجاوزین بعثی، ماهها در کنار رزمندگان اسلام به سر برد و در تقویت روحیه آنان، سخنرانی‌های فراوان ایراد کرد.

برخی از تألیفات چاپ شده آن فقید عبارت است از:

تقلید الاعلم؛ سیری درعقاید (بررسی آراء و نظریات صوفیه)؛ به سوی خدا بروید؛ مجموعه مقالات در پیرامون باب و بهاء؛ انگیزه حق (درباره مناقب امیرالمومنین-ع)، جنگ خیبر؛ تفسیر موضوعی. تألیفات چاپ نشده ایشان عبارتند از: تقریرات درس فقه آیت‌الله بروجردی (درباره لباس مشکوک)، رساله در مسئله‌ی بداء؛ ترجمه جامع السعادات ملا مهدی نراقی؛ روحانیت در عصر انقلاب.

آیت‌الله احمدی شاهرودی در تاریخ بیست و پنجم شعبان ۱۴۱۷ ق.، در هفتاد سالگی در جوار بیت‌الله بدرود حیات گفت.

احمدعلی احمدی فرزند آقا شیخ محمدحسن احمدی میامئی شاهرودی در ساله ۱۳۰۵ شمسی در میامی که در ده فرسنگی شاهرود در طریق خراسان واقع شده به دنیا آمده و در مهد پرورش والدش که از علماء برجسته آن منطقه بوده نشو و نما نموده است.

مرحوم شیخ محمدحسن پدر مترجم ما در علوم مختلفه بالاخص علم طب اطلاعاتی داشتند و مردم آن بخش از وجودش استفاده

می‌کردند. و پدر ایشان آقا شیخ احمد نیز از اوتاد و زهاد زمان خود و دارای تألیفات بوده‌اند و همینطور پدران او تا چند پشت روحانی بوده‌اند.

وی پس از پایان تحصیلات ابتدائی برای تحصیلات مذهبی خود به مشهد مشرف شده و تحت سرپرستی رئیس حوزه علمیه مرحوم آیت‌اللّه احمد کفائی قرار و دوره مقدمات و ادبیات را خدمت ادیب نیشابوری به پایان رسانیده سپس دوره سطح را از محضر اساتید بزرگ مانند مرحوم حاج میرزا احمد یزدی و حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج شیخ کاظم دامغانی تکمیل و اصول و معارف الهی را در خدمت حاج شیخ مجتبی قزوینی که از شاگردان بزرگ میرزا مهدی غروی اصفهانی بوده و نیز مقداری از فلسفه و کلام را از آن مرحوم استفاده کرده و بعد از پایان دوره سطح در حوزه مشهد به اتفاق بعضی از فضلاء مشهد هجرت به قم نموده و از درس خارج مکاسب و اسفار آقای خمینی و آقای حجت کوهکمری و حاج سیدمحمدتقی خونساری و حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و بالاخص حاج آقا حسین بروجردی استفاده نموده و مدت کوتاهی هم در نجف اشرف از اساتید بزرگ حوزه نجف چون آقای حکیم و آقای شاهرودی و حاج سید ابوالقاسم خوئی و مرحوم میرزا عبدالهادی شیرازی استفاده کرده سپس به قم مراجعت و از طرف آقای بروجردی اعزام به حومه فارس شهر آباده گردیده و حدود دو سال در آن سامان به خدمات دینی اشتغال داشته و کتاب اسلام و عقاید را بر رد مذاهب باطله مخصوصا صوفیه در آنجا تألیف نموده و پس از برگشت از استان فارس اعزام به فیروز کوه شده و مدتی هم در آنجا مشغول ارشاد بوده و پس از چندی که مبارزه با فرقه ضاله بهائیه آغاز گردید به اتفاق چند نفر دیگر به امر معظم له به منطقه فریدون و چهار محال رفته و با آنان مبارزه نموده که به نابودی برخی از رهبران گمراه آنها منتهی شده و پس از آن از طرف آن مرحوم به قراء اطراف کاشان که مرکز بهائیه بوده رفته تا عده‌ای از آنها توبه نموده و به دامن اسلام برگشتند و برخی هم مانند دکتر برجیس که مبلغ آنها بود در کاشان کشته شده و آن گروهک تضعیف و نابود شدند.

و پس از فوت مرحوم آقای بروجردی از طرف حوزه علمیه قم در تهران انجام وظیفه نمود سپس به قم مراجعت و تا حال تحریر این کتاب اشتغال به تدریس سطوح عالی و اقامه جماعت در مسجد امام رضا علیه‌السلام در سالاریه اشتغال دارند.

دارای تألیفات چندی می‌باشند.

۱- اسلام و عقاید که مکرر به طبع رسیده.

۲- رساله تقلید اعلم عربی.

۳- کتاب سوی خدا بروید.

۴- انگیزه حق در مناقب امیرالمؤمنین.

۵- رساله در بداء و روحانیت در عصر انقلاب و قبل از انقلاب.

۶- کتابی در احکام.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

احمدی شاهرودی، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

متولد: ۱۳۴۲ ه.ق

متوفی: ۱۴۱۱ ه.ق

علی‌اصغر شهید احمدی شاهرودی فرزند آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی احمدی مغزی شاهرودی از افاضل دانشمندان معاصر نجف اشرف بوده‌اند.

ایشان در سال ۱۳۴۲ قمری برابر ۱۳۰۲ شمسی در یکی از مضافات شاهرود به نام مغز به دنیا آمده و در بیت علم و دانش و دامن پدری چون حاج شیخ محمدتقی شاهرودی (مغزی) که از شاگردان علامه خراسانی آخوند ملا محمدکاظم صاحب کفایه بودند پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات در سال ۱۳۵۸ قمری به قم آمده و به اتفاق مرحوم استاد مرتضی مطهری و آقای حاج شیخ حسینعلی منتظری کفایه را از محضر آیت‌اللّه محقق داماد استفاده کرده و حتی تابستان و ایام تعطیل ماه رمضان و عاشوراء که آقایان برای تبلیغ مسافرت می‌کردند ایشان دروس را تعطیل نکرده و ادامه می‌دادند و پس از پایان سطوح به درس خارج آیت‌اللّه حجت قدس‌اللّه سره شرکت و استفاده نموده و با نامبردگان فوق مباحثه و مذاکره علمی داشتند و آن مرحوم از آن عده و چند نفری بودند که امام راحل آیت‌اللّه خمینی را وادار به گفتن درس اصول کردند و خود شرکت می‌نمودند.

مرحوم احمدی به اتفاق دو نفر رفیق و شریک بحث خود تابستانی مسافرت به بروجرد کرده و در آنجا از محضر و مبانی مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده نموده و از معظم‌له تقاضای عزیمت به قم را نمودند. و پس از ورود ایشان به قم مهاجرت به نجف اشرف نموده و رحل اقامت افکنده و از درس فقه آیت‌اللّه حاج سید محسن حکیم استفاده نموده ولی عمده تحصیلات ایشان در فقه و اصول و تفسیر و رجال از محضر انور آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله الوارف بوده و کم‌کم اختصاص و انقطاع با ایشان داشته و مورد توجه خاص و عنایت مخصوص آن مرجع اعلای دینی قرار گرفته تا جائی که در برخی از مسائل ارجاع به ایشان می‌نمودند و از او تعبیر به آقای میرزا می‌فرمودند و به نظریات ایشان توجه داشتند زیرا آن مرحوم در علوم مختلفه اسلامی فقه و اصول و تفسیر و تاریخ و حدیث احاطه کامل داشتند.

روحیات و ملکات فاضله اخلاقی آن مرحوم:

نگارنده در اوائل طلبگی در مدرسه فیضیه با ایشان مدتی هم حجره و هم غذا بودم هرگز مکروهی از او ندیده و نشنیدم. همواره

سبقت سلام داشتند و به هر کس از پیر و جوان و میان سال ابتدا به سلام می‌کردند. بسیار متواضع و خوش برخورد و اخلاقی و دارای ملکات فاضله اخلاقی بودند و اهتمام خاص به شرکت در مجالس عزاداری و سوگواری خاندان رسالت بالاخص حضرت ابی‌عبدالله داشتند و به مجالس دور هم برای فوز به اجر بیشتر پیاده می‌رفتند و برای درک فیض عظیم بارها و بارها از نجف پای پیاده به کربلا مشرف می‌شدند و به مجاورت حضرت امیرالمؤمنین علیه الصلوه والسلام علاقه شدید تامی داشتند و با اینکه مواجه با شدت فشار و سختگیریهای بعثیهای عراق بودند که ناچار به فرستادن خانواده خود به قم شدند خود اقامت با ناراحتی‌ها و خطرات را بر مهاجرت به ایران ترجیح داده و به تنهائی باقی ماندند زیرا معتقد بود حفظ حوزه علمیه هزار ساله نجف اشرف بر هر فرد بخصوص روحانیون و دانشمندان فرض و لازم است مضافا در جواب نامه فرزندش که اصرار داشتند ایشان به ایران بیایند تا از شر حکومت ظالمانه صدام و بعثیها مصون باشند. مرقوم داشتند که نبی اکرم صلی اللَّه علیه و آله فرمودند اکثر اعمار امتی بین سنین و سبعین و من در این حدود هستم و می‌خواهم در جوار مولایم از دنیا بروم و من آرزوئی جز این ندارم. سرانجام در موقع تشرف به حرم مطهر در روز هفتم رمضان ۱۴۱۱ ه.ق در نزدیکی صحن مطهر مورد حمله ناجوانمردانه بعثی‌ها قرار گرفته و با وضع فجیع و دلخراشی شهید گردیده و سه روز جنازه‌اش روی زمین افتاده و کسی نبود و یا جرات نمی‌کردند که به آن نزدیک شوند تا شبانه برخی از فضلاء با لباس مبدل جنازه‌اش را حمل نموده و به خاک سپردند رحمه‌اللَّه علیه عاش سعیدا و مات سعیدا شهیدا حشره اللَّه مع الشهداء و الصالحین آمین یا رب‌العالمین.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

احمدی طالشیان، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا احمدی طالشیان

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۹/۲

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا احمدی طالشیان متولد ۱۳۴۵پس از گذراندن سال اول دبیرستان در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه بابل مدرسه صدر سابق و خاتم الانبیاء فعلی شدم. پس ازآن درتهران درمدرسه های شهید بهشتی و مدرسه حاج آقا مجتهدی درس خوانده و در سال ۱۳۶۵ وارد مدرسه رسول اکرم (ص) قم شدم.

از سال ۱۳۷۵ در درس خارج شرکت کردم که بیشتر آن در کلاس حاج شیخ صادق لاریجانی بوده است در این مدت به صورت متفرقه درسهای دبیرستان را گذراندم.

در سال ۱۳۷۵ از موسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع) در مقطع کارشناسی رشته علوم سیاسی فارغ التحصیل شده و هم اکنون مشغول نوشتن پایان نامه ارشد با عنوان تحول مفهوم حاکم جائر در فقه سیاسی شیعه می باشم.

در طول سالهای گذشته همکاری های متعدد علمی و اجرائی با نهادهای مختلف بخصوص کنگره های علمی مانند: شیخ انصاری، کنفرانس وحدت، شهید صدر، نقش اجتهاد در زمان و مکان داشتم. همکاری های تحقیقاتی و علمی با مرکز اسناد انقلاب اسلامی داشته و چند عنوان کتاب نیز تدوین نموده ام.

در نمایشگاه های سراسری نرم افزاری علوم اسلامی مرکز تحقیقات کامپیوتری مسئولیت تهیه و انتشار خبرنامه را نیز داشتم .

احمدی علون‌آبادی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مشاوره و راهنمایی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی و کارشناسی ارشد روانشناسی از دانشگاه تهران، دکترای مشاوره و راهنمائی از دانشگاه سیداکیوس آمرکیا.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس و مشاوره در شورای عالی برنامه‌ریزی، تجدید نظر در برنامه‌های کارشناسی مشاوره و تدوین کارشناسی ارشد مشاوره، تدریس دروس دکترای مشاوره.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اصول و روشهای تربیت در اسلام، مقدمه‌ای بر مشاوره روان درمانی، روانشناسی جوانان و نوجوانان، رفتار درمانی بالینی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

بررسی افسردگی در دانشجویان دانشگاه اصفهان، پیشنهاد یک تئوری ترکیبی برای مشاوره ایران، بررسی ارزشها در دانشجویان دانشگاه اصفهان، بررسی افت تحصیلی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

احمدی فراز، محمدمهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی احمدی فراز

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد مهدی احمدی فراز در سال ۱۳۵۰متولد و در سال ۱۳۶۵مشغول تحصیل شدم و سال ۱۳۶۸موفق به اخذ دیپلم شدم. بعد از آن به خدمت سربازی اعزام و یک سال از سربازی را گذراندم. دانشگاه قبول شدم و از خدمت معاف شدم و مشغول به تحصیل شدم. بعد از اخذ مدرک کارشناسی دو مرتبه به خدمت سربازی رفتم و در سال ۱۳۷۰مشغول به تحصیل در حوزه و دانشگاه شدم.

سال ۱۳۷۸مدرک کارشناسی ارشد را اخذ نمودم و در سالهای بعد آن دروس حوزوی را تا پایه ۸ خواندم و فعالیت های جنبی داشته ام که بطور خلاصه عبارتند از:

۱- حفظ قرآن کریم ۲- حفظ کلمات قصار نهج البلاغه ۳- شرکت در کلاسهای مکالمه عربی دفتر تبلیغات حوزه علمیه و اخذ مدرک از موسسه باقرالعلوم قم ۴- در حال حاضر کلاسهای ترجمه انگلیسی بصورت کارگاه شرکت دارم که متون را از عربی به انگلیسی برمی گردانیم.

احمدی کرمانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۲ ق)، شاعر. در کرمان متولد شد، علوم ابتدایی را در مدارس احمدیه آن شهر و علوم ادبی و عربی را نزد پدر خود و سید محمد هاشمی کرمانی آموخت. از آن پس به خدمات بانکی پرداخت تا در سال ۱۳۴۰ ش بازنشسته شد. وی در سرودن انواع شعر توانا بود. که نمونه‌هایی از آن در روزنامه‌های کرمان و اصفهان انتشار یافته است. «دیوان» اشعارش متجاوز از پنج هزار بیت است. از آثارش جزوه‌ای به نام «صافی‌نامه» و منظومه‌ای به نام «هدایت‌نامه» چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شاعران کرمان (۲۵ -۲۳)، ستارگان کرمان (۹ -۷)، سخنوران نامی معاصر (۱۷۷ /۱)، فرهنگ سخنوران (۴۷)، مؤلفین کتب چاپی (۱۲۱ -۱۲۰ /۴).

احمدی گیوی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : حسن احمدی گیوی متولد اول بهمن۱۳۰۶ در گیوی خلخال چشم به جهان گشود وی بعد از تحصیل در مدرسه ناصری خلخال گرچه مدارج دانشگاهی اش را تا اخذ مدرک فوق لیسانس فلسفه و علوم تربیتی پی می گیرد،اما قریحه ادبی و ذوق شعر و

شاعری کـه از عنفـوان جـوانی در او متبلـور بـوده اسـت،حسـن احمـدی گیـوی را ترغیـب بـه تحصـیل در زبـان و ادب فارسـی مـی کنـد،آنچنـان که دکترای خویش را بـا موضوع «دسـتور تـاریخی فعل» و با راهنمایی دکتر محمـد معین و بعـد دکتر محمـد مقـدم به نگارش در می آورد و در سال ۱۳۴۴ از رساله دکترای خود دفاع می کند. او اکنون استاد بلند مرتبه ادبیات و چهره شناخته شده نزد ادیبان و مؤلفان و محققان زبان فارسی امروز است. و مؤلف بیش از پنجاه جلد کتاب در زمینه ادبیات فارسی است

گروه : علوم انسانی

رشته : ادیان خارجی

تحصـیلات رسمی و حرفه ای : – تحصیل در مدرسه ناصری خلخال – فوق لیسانس فلسفه و علوم تربیتی – دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه تهران

استادان و مربیان : از استادان وی میتوان به آقایان دکتر معین ، دکتر محمد مقدم و دکتر خیام پور اشاره کرد.

هم دوره ای ها و همکاران : از همکاران حسن احمدی گیوی میتوان دکتر محمد استعلامی و دکتر نجفی اسداللهی را نام برد.

فعالیتهای آموزشـی : حسن احمـدی گیوی بیش از چهارده فعالیت پژوهشـی در موسـسه لغت نامه دهخـدا داشـته و در دانشـگاههای متعدد زبان و ادب فارسی تدریس کرده است.

آرا و گرایشـهای خاص : او درباره زبان فارسـی دیدگاه های نو و تازه ای دارد.او معتقد است: «زبان فارسـی یکی از زبان های مهم خانواده زبان های هنـد و اروپایی است، با وجود پژوهش های دامنه داری که در زمینه تاریخ زبان فارسـی و زبان های ایرانی میانه و باسـتان انجـام گرفته است، هنوز به درستی نمی دانیم زبـان فارسی دنبـاله مسـتقیم کـدام یـک از زبـان هـای ایرانی میانه است. او به محتوای سـخن ایمان دارد تا قالبی که با آن شـعری سـروده شـده باشـد. «از حضـرت محمـد(ص) پرسـیدند عقیده شـما درباره شـعر چیست. ایشان فرمودنـد: «شـعر سـخن است و سـخن، خوب و بـد دارد». اگر در شـعر سـعدی یک سـخن سـست دیدید، نمی توانید بگویید چون این سـخن را سعدی گفته پس خوب است. حتی گمنام ترین شاعر هم می تواند سخن تازه و دلنشینی را بگوید. من از معـدود معلمان ایران هسـتم که شـعرهای سپید بسیاری را در حافظه ام دارم . من همانطور که به فردوسـی و مولانا و حافظ عشق می ورزم به نیما، شاملو، فروغ، سـهراب، دکتر شـفیعی کـدکنی و... هم احترام می گذارم. برای من قالب ها و الفاظ به منزله لباس است. اینها شخصیت مستقلی ندارند.» خطر تحریف آن نگاه قابل توجهی دارد: «من خطری که برای زبان فارسی احساس می کنم، خیلی مربوط به صدا و سیما و نهادهای مشابه نیست. اصل خطر به دلیل زبان های علمی دنیا است که با اختراعات فراوانی که صورت می گیرد و وارد مملکت می شود، این زبان علمی به سرعت با فارسـی در آمیخته می شود. متأسـفانه ما به دلیل کمبود بودجه تحقیقاتی برای اهل فرهنگ و تحقیق تاب مقاومت در برابر این هجوم گسترده نداریم. در نتیجه ما اینطور بی رحمانه تهدید می شویم. احمدی گیوی معتقـد است که ادبیـات معاصـر مـا نیز نخبگان بسـیاری پروردانـده، اما در کوران آثار بی محتوا گم شـده است. «مردم آنقـدر کتاب بد خوانده اند که طعم کتاب خوب را حس نمی کنند. در گذشـته پدید آورندگان آثار جدی قوی تر بودند و با نویسـندگان عامه پسند مبارزه می کردند. اما حالا کفه ترازو به نفع باری به هر جهت نویس ها سنگین شده است...

جوائز و نشانها : – سه شـنبه اول بهمن ماه دو سه سال پیش بود، مراسم بزرگـداشتی به مناسـبت هفتاد و پنجمین سالگرد تولـد «دکتر حسن احمدی گیوی » اسـتاد برجسـته ادبیات فارسـی در تالار بعثت باشـگاه دانشگاه تهران برگزار شد. دوتن از برجسته ترین ادیبان ایرانی «دکتر محمـدرضا شـفیعی کـدکنی» و «دکتر حسن انوری» بـانی این بزرگـداشت در روز تولـد دوسـت و همکـار خود بودنـد، حرکتی زیبـا و بـدیع که نشـان از صـافی و صـفای باطن آن دو اسـتاد و ارزش و اعتبار « حسن احمـدی گیوی » داشت. – انتخاب به عنوان نویسنده کتاب برتر سال ازسوی وزارت فرهنگ و ارشاد برای «دستور تاریخی فعل»

چگونگی عرضه آثار : حسن احمدی گیوی در خلال سالهایی که در موسـسه دهخدا مشـغول بوده است زیر نظر اسـتاد محمد معین مشـغول به کار بوده و تحقیق و تفحص در زبان و ادب فارسـی را به جـد دنبال می کرد: «از سال چهل تا امروز یعنی حدود ۴۵ سال است که من در مؤسـسه لغت نامه دهخـدا کارمی کنم و ۲۴ جلد از ۲۲۲ جلد مجموعه لغت نامه دهخدا را من نوشـتم. یعنی بیش از دیگر همکـاران این مؤسـسه، مجلـدات لغت نامه را تألیف کرده ام.» با این حال احمـدی گیوی مهمترین اثر خویش را همان دسـتور تـاریخی فعـل می دانـد.این کتاب مشتمل بر ۱۹۶۴ صـفحه است.از دیگر آثـار مهـم احمـدی گیـوی کتـاب «آیین پژوهش و مرجع شناسـی» است: «آیین پژوهش و مرجع شناسـی را به عنوان یک کتاب درسی و دانشگاهی تألیف کرده ام. زمانی که من در دانشگاه رشـته ادبیـات فارسـی تـدریس می کردم. شـیوه تحقیق و مرجع شناسـی را درچنـدین فصل برای دانشـجویان تشـریح کرده ام. شـیوه مراجعه به منابع و مآخـذ چیست؟ پیـداکردن کتاب ها، آیین کتابـداری، آیین نقطه گـذاری، آیین تلخیص، یادداشت برداری ضـمن مطالعه جزو مباحثی بودنـد که دراین کتاب توضـیح داده شـده است.» حسن احمدی گیوی اثری با عنوان زبان و نگارش فارسـی نیز نگاشـته و هـدف از تـدوین این کتاب را فراهم آوردن امکانی برای علاقه مندان به زبان فارسـی می داند که با قواعد نگارش و خط فارسـی و انواع نوشته ها از قبیل مقاله، داستان، رمان، گزارش، ترجمه و ...بیشتر آشنا شوند. کتاب «از فن نگارش تا هنر نویسندگی» نیز یکی دیگر از تألیفات احمدی گیوی است.این کتاب بیشتر اثری درسـی و دانشگاهی است و برای دانشجویانی که در رشته های غیراز ادبیـات تحصـیل می کننـد، نوشـتن و شـیوه نگارش را توضـیح می دهـد. حسن احمـدی گیوی شاعر نیز هست: «شـعرهای من بیشتردر قالب کلاسیک سروده شده، البته شعر آزاد هم دارم اما شعر سپید اصلاً نگفتم و نمی توانم بگویم. اشعار من عموماً در قالب غزل نیست. درمجموعه دو – سه غزل دارم که این غزل ها هم به یاد عزیزانم سـروده شده است. شـعرهای من بیشتر یا قطعه هسـتند و یـا قصـیده. عموماً شـعرهایم ملی و میهنی، سیاسـی و اجتماعی و انتقادی و مبارزاتی و انقلابی انـد. چه قبل ازانقلاب و چه در جریان انقلاب و چه بعد ازانقلاب اشـعاری که سـروده ام، همه را در یک جلد گردآوری کرده ام.» با این حال او به همه قالب ها ی شعری معتقـد اسـت و بر خلاف بسـیاری از همنسـلانش کـه در عرصـه پژوهش ادب فارسـی، سـخن از شـعر نـو گفتـن را بر نمی تابنـد.

آثار :

۱ آیین پژوهش و مرجع شناسی

ویژگی اثر : از دیگر آثار مهم احمدی گیوی کتاب «آیین پژوهش و مرجع شناسی» است: «آیین پژوهش و مرجع شناسی را به عنوان یک کتاب درسی و دانشگاهی تألیف کرده ام. زمانی که من در دانشگاه رشته ادبیات فارسی تدریس می کردم. شیوه تحقیق و مرجع شناسی را درچندین فصل برای دانشجویان تشریح کرده ام. شیوه مراجعه به منابع و مآخذ چیست؟ پیداکردن کتاب ها، آیین کتابداری، آیین نقطه گذاری، آیین تلخیص، یادداشت برداری ضمن مطالعه جزو مباحثی بودند که دراین کتاب توضیح داده شده است.»

۲ ادب و نگارش

۳ از فن نگارش تا هنر نویسندگی

۴ دستور تاریخی فعل

ویژگی اثر : اما موضوع «فعل» بعد از آن احمدی گیوی را رها نکرد و به مهمترین دغدغه پژوهشی او بدل شد: «تمام مباحث فعل را از دوران رودکی و بلعمی و بیهقی مرور کردم و تا آثار جلال آل احمد و اسلامی ندوشن و دکتر ناتل خانلری و آثار دیگر نویسندگان معاصر را فیش کردم. حدود ????? فیش تهیه کردم. منابع تحقیق من متون نثر بودند، از متون نظم فقط سه کتاب موردنظر من قرار گرفت که فردوسی و سعدی و ملک الشعرای بهار بودند. حداقل چند نکته جدید که درهیچ یک از کتاب های دستور زبان مطرح نشده بود ، دراین تحقیق چهل ساله کشف و ضبط کردم. بنده در تبریز شاگرد دکتر خیام پور بودم و از آنجا که سخت شیفته دستور نویسی ایشان بودم، علاقه ای خاص به دستور زبان پیدا کردم. وقتی به تهران آمدم و در دوره دکتری قبول شدم، آقای دکتر معین، من و آقای دکتر محمد استعلامی ودکتر نجفی اسداللهی را به لغت نامه دعوت کرد و از من پرسید که برای رساله دکتری فکری کرده ای؟ گفتم می خواهم با شما مشورت کنم. گفت روی فعل کار نشده، شما درباره فعل رساله بگیرید. اقسام فعل به اعتبار زمان. خودایشان ? جلد کتاب درباره اسم نوشته بودند. بعد از دوسه سال که با ایشان کار کردم دکتر معین سکته کردند و من با آقای مقدم ? سال دیگر کار کردم تا این کتاب تمام شد. این اثر به دلایلی چاپ نشد و من تصمیم گرفتم در همه مسائل فعل تحقیق کنم. اینگونه بود که در مجموع ?? سال طول کشید و این کتاب دوجلدی حاصل تلاش ? دهه من است. چهل سال تلاش و هفتاد و پنج هزار فیش.»این کتاب مشتمل بر ???? صفحه است و برخی از فصول مهم آن به این شرح است: «تعریف فعل و کلیات»، «اقسام فعل به اعتبار زمان» (که یکی از فصول اصلی کتاب است)، «اقسام فعل به اعتبار مفعول»، «اقسام فعل به اعتبار فاعل»، «اقسام فعل به اعتبار ساختار»، «اقسام فعل به اعتبار نقش»، «اقسام فعل به اعتبار صرف»، «اقسام فعل به اعتبار وجه»، «اقسام فعل از جهات گوناگون» «مفردات فعل »، «فعل و گفتنی های ناگفته». احمدی گیوی در پیشگفتار کتاب نوشته است: «...فعل، کار دستور نویسی و استخراج قواعد زبان را با دشواریهایی همراه می کند.و علت عمده آن این است که مرز دقیقی میان زبان نوشتاری روز با زبان کهن، با همه وجوه افتراق آنها دیده نمی شود و کاربردهای نحوی و صرفی دیرین، چه در نثر و چه در شعر امروز فراوان به چشم می خورد...لازمه پژوهش جامع در دستور زبان فارسی این است که برای هر واحد جغرافیایی ـ تاریخی دستور زبانی جداگانه نوشته شود و علاوه بر این، هر یک از مقولات دستوری از آغاز تا امروز جداگانه بررسی شود.» و به راستی که حسن احمدی گیوی در نگارش این اثر ماندگار،چنین کرده است.

۵ دستور تطبیقی زبان ترکی به فارسی

ویژگی اثر : حسن احمدی گیوی به زبان و فرهنگ آذری نیز توجه ویژه دارد و در این زمینه نیز پژوهش های مهمی را به ثمر رسانده است.کتاب دستور تطبیقی زبان ترکی و فارسی از آن جمله است.زبان ترکی آذربایجانی، زبان بخش بزرگی از شمال غرب ایران، شامل استان های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان، و نیز بخشی از مناطق مرکزی ایران از جمله قزوین، ساوه، همدان و شهرهای استان مرکزی است.کتاب احمدی گیوی، یک دوره کامل دستور زبان ترکی است که جزء به جزء با دستور زبان فارسی سنجیده شده و در آخر نیز فصلی با عنوان «رهنمود آموزش زبان ترکی به فارسی زبانان» به آن افزوده شده است

۶ دستور زبان فارسی

ویژگی اثر : . دستور زبان فارسی نیز عنوان اثر دیگری از حسن احمدی گیوی است که به همراه دکترحسن انوری، در خرداد???? در دو جلد انتشار یافت و به سرعت به یکی از منابع مهم درسی و پژوهشی بدل گشت. این کتاب، مجموعه ای جامع و مفید از اصول و قواعد دستور زبان نوشتاری امروز است که شاهدها و مثال های بسیار از این زبان را دربر دارد.در آخر هر بخش، تمرین ها و پرسش های مناسبی آورده شده و در آخر کتاب نیز جمله ها و عبارت های گوناگونی تجزیه و ترکیب شده است.احمدی گیوی درباره نگارش دستور زبان های فارسی در صد سال گذشته اطلاعات جالبی را بازگو می کند.او می گوید: «دستور زبان فارسی برای نخستین بار یکصد و بیست سال پیش توسط حاج میرزا حبیب اصفهانی به نگارش در آمد. قبل از این تاریخ ما دستور تدوین شده ای نداشتیم. البته آنچه عالم بزرگوار حبیب اصفهانی نوشته بود، چندان کامل نبود و بعد بزرگانی با دانش و بینش خیره کننده ای در یک کارگروهی پنج استاد را نوشتند. البته نباید از حق گذشت که استاد ارجمند دکتر پرویز ناتل خانلری که خدایش رحمت کند در این وادی رنج بسیاری برد و گنج شایسته ای نیز برجا نهاد. اما کار ارزشمندی که در این باب صورت گرفته اثر فناناپذیر دکتر خیام پور تبریزی است. ایشان دستور را به نحو حیرت آوری کامل کرد و به آنچه که دیگران به آن بی توجه بودند، به درستی پرداخت. به عقیده من صحیح ترین، سازنده ترین و کارساز ترین قدمی که در دستور زبان فارسی به صورت علمی و تحقیقی نوشته شده، اثر دکتر خیام پور است که دستور زبان فارسی من و دکترحسن انوری هم ملهم از همین اثر است. با این تفاوت که ما از کمک زبان شناسان استفاده کردیم. چون دستور بدون زبان شناسی امروز می لنگد. به همین دلیل دستور زبان فارسی که ما نوشتیم، بین زبان شناسی و دستور سنتی است. به همین دلیل کتاب های ما در تیراژهای وسیع منتشر می شود. گذشته از دستور زبان فارسی که برای آموزش و پرورش در تیراژ میلیونی چاپ می شود کتاب دستور زبانی به چاپ رسانده ایم که در عرض ?? سال ?? بار تجدید چاپ شد. آن هم در تیراژ بالاـ این به خاطر اعتدال ماست. هم به ساخت گرایی توجه داشتیم و هم به معنا وفادار ماندیم.

همین است که سخت مورد استقبال ادب دوستان قرار گرفته ایم.»

۷ زبان و نگارش فارسی

ویژگی اثر : .» حسن احمدی گیوی اثری با عنوان زبان و نگارش فارسی نیز نگاشته و هدف از تدوین این کتاب را فراهم آوردن امکانی برای علاقه مندان به زبان فارسی می داند که با قواعد نگارش و خط فارسی و انواع نوشته ها از قبیل مقاله، داستان، رمان، گزارش، ترجمه و ...بیشتر آشنا شوند.احمدی گیوی در این کتاب از طرح بحث های طولانی و مطالب کاملاً تخصصی خودداری کرده و نمونه هایی از نوشته های ادبی، اجتماعی، اخلاقی و حکایات و داستان ها را نقل کرده است، به گونه ای که مخاطبان کتاب، طیف گسترده ای از علاقه مندان غیر حرفه ای باشند.

۸ شوریده و بی قرار

۹ گزیده از فن نگارش تا هنر نویسندگی

ویژگی اثر : کتاب «از فن نگارش تا هنر نویسندگی» نیز یکی دیگر از تألیفات احمدی گیوی است.این کتاب بیشتر اثری درسی و دانشگاهی است و برای دانشجویانی که در رشته های غیراز ادبیات تحصیل می کنند، نوشتن و شیوه نگارش را توضیح می دهد.

۱۰ گزیده اشعار و مقالات دهخدا

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

احمدی میانجی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حضرت آیهٔا... حاج شیخ علی احمدی میانجی در چهار محرم ۱۳۴۵ قمری (۱۳۰۴ شمسی) در روستای پورسخلو میانه به دینا آمد و در سال ۱۳۵۸ قمری برای تحصیل علوم اسلامی به میانه رفت و تا آخر شرح لمعه را نزد اساتید آن شهر آموخت سپس برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم منتقل و سطوح را نزد مرحوم آیهٔا... حاج سید حسین قاضی و مرحوم آیهٔا... علامه طباطبائی آموخت و سپس خارج فقه و اصول را از محاضر آیات عظام بروجردی و داماد گلپایگانی استفاضه نمود. ایشان هم اکنون از اساتید بزرگ حوزه علمیه قم هستند. کتاب "الاسیر فی اسلام"تالیف علی احمدی میانجی ، در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : الهیات و معارف اسلامی

والدین و انساب : علی احمدی میانجیدوران کودکی و نوجوانی را در چنین محیط خانوادگی، که سرشار از تلاش و کوشش، صفا و صمیمیت و عبودیت و معنویت بود، سپری کرد و در دامن مادری از سلاله رسول اکرم (ص) کاملاً تربیت اسلامی یافت.

خاطرات کودکی : علی احمدی میانجی، مرحوم حضرت آیت اللّه آقا میرزا ابومحمد حجتی، یکی از دوستان صمیمی و قدیمی پدر و از شاگردان حضرت آیت اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی در قم به شمار می‌رفت که به تازگی از آن شهر به میانه بازگشته و به جای مرحوم پدرش آیت اللّه آقا میرزا محمد حجتی، رهبری مذهبی مردم میانه را بر عهده گرفته بود.(۳) او با مشورت و هدایت آیت اللّه حائری، تصمیم داشت، حوزه علمیه میانه را که از مدت‌ها پیش به تعطیلی گراییده بود، دوباره فعال کند. لذا ورود این طلبه جوان و پرشور، به عملی کردن تصمیم وی سرعت و عینیت بیشتر بخشید و آیت اللّه احمدی اولین شاگرد حوزه درسی ایشان شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی احمدی میانجی آموزش کتاب‌های «نصاب الصبیان»، «گلستان سعدی»، «منشأت امیر نظام»، «ابواب الجنان»، «تاریخ نادر» و مقدمات عربی را نزد پدر گذرانیده و با پشتکار خود توانست حدود دویست بیت از «نصاب» را حفظ کند و تا حدودی به زبان فارسی مسلط شود. سال ۱۳۵۸ ه . ق (بهار ۱۳۱۸) در سن دوازده سالگی، پدر او را به شهر میانه آورد و فرزندش را به دست عالمی فداکار و دلسوز سپرد تا به صورتی که خود مصلحت می‌داند، تعلیم و تربیت کند. آیت اللّه احمدی میانجی نخست آموزش نحو را به تنهایی پیش استاد آغاز کرد. بدین جهت او روزها و گاه شب‌ها در منزل استاد به سر می‌برد. بعدها نیز چند نفر دیگر به شاگردان استاد، اضافه شدند و بدین ترتیب عملاً قسمتی از منزل آیت اللّه حجتی برای تعلیم و تربیت طلاب اختصاص یافت.استاد با مشاهده تلاش و استعداد و علاقه و خلوص اولین شاگردش، حتی بیش از فرزندان خود زمینه‌های رشد و شکوفایی او را فراهم آورد. بنا به نوشته آیت اللّه احمدی، استاد هر روز مقداری تلاوت قرآن توصیه می‌کرد. بعد چند حدیث یاد می‌داد و سپس درس روز گذشته را می‌پرسید. اگر او خوب آموخته بود، آن گاه درس جدید را شروع می‌کرد.او علاوه بر کتب علم نحو، کتاب حاشیه در منطق، معالم در اصول، مطول در معانی و بیان و بخش‌های عمده شرح لمعه و قوانین الاصول را هم در خدمت آیت اللّه آقا میرزا ابومحمد حجتی فرا گرفت. سپس قسمت باقیمانده از کتاب شرح لمعه و قوانین را نیز در محضر حضرت آیت اللّه حاج شیخ لطفعلی زنوزی که به تازگی به میانه وارد شده بود و حجهٔ الاسلام و المسلمین حاج میرزا مهدی جدیدی آموخت. در مجموع، تحصیلات و توقف وی در این شهرستان، حدود پنج یا شش سال طول کشید. وی در تعلیم و تربیت طلاب و اداره حوزه میانه، با مسؤولین آن همکاری می‌کرد. آیت اللّه احمدی، درمدت کوتاهی که در حوزه تبریز بود، از محضر اساتید بزرگ از جمله آیت اللّه میرزا رضی زنوزی کسب فیض نمود؛ اما بنا به دلایلی در همان سال به میانه برگشت و از آنجا به سوی شهر مقدس قم روانه شد. آیت اللّه احمدی چون وارد شهر مقدس قم شد، نخست به زیارت کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (س) بار یافت. بعد در یکی از حجره‌های مدرسه دارالشفاء ساکن شد. او در این شهر، سطوح عالی را نزد مرحوم آیت اللّه

سید حسین قاضی آموخت.(۶) و بخش دیگری از آن را هم در محضر حضرت علامه طباطبایی (صاحب تفسیر المیزان) که به تازگی از تبریز به قم مشرف شده بود، فرا گرفت.آیت اللّه احمدی پس از اتمام سطوح عالی فقه و اصول، درس خارج اصول را در خدمت مرحوم آیت اللّه آقا میرزا احمد کافی الملک یاد گرفت.(۷) همزمان با این درس، دروس خارج فقه را در ابواب مختلف، از محضر بزرگانی چون: بروجردی، گلپایگانی، محقق داماد(۸) و علامه طباطبایی (ره) بهره می‌جست و حتی در درس خصوصی مرحوم محقق داماد و علامه طباطبایی نیز شرکت می‌کرد. البته با مرحوم علامه طباطبایی انس بیشتری داشت و به طور خصوصی در زمینه فقه، اصول و اخلاق بهره‌ها برد.

خاطرات و وقایع تحصیل : علی احمدی میانجی در کنار تحصیل، با همکاری و همفکری تنی چند از دوستان فاضل خود، همچون آیات: سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، سید مهدی روحانی و سید ابوالفضل میرمحمدی، اقدام به برگزاری بحث تفسیر هفتگی کردند و پس از ایشان نیز آیات دیگری مثل: آقا موسی زنجانی، احمد آذری قمی، احمد پایانی، موسوی زنجانی و... به جمع آنان پیوستند. این محفل علمی، به طور مرتب در هر هفته برگزار می‌شد. اعضای جلسه هر کدام به تفاسیر مختلف مراجعه می‌کردند و پیرامون آیات مباحث مفیدی را مطرح می‌نمودند که اغلب ظریف و دقیق و پربار بود. چنان که این اواخر آیت اللّه احمدی تأسف می‌خورد که چرا مذاکرات این جلسات از اول یادداشت و ضبط نشد و می‌فرمود:به خصوص آقای سید مهدی روحانی، پیرامون هر آیه‌ای از قران، یک برداشت و حرف جدیدی داشت.گاهی بحث و گفتگو در میان اعضا به قدری طولانی می‌شد و آقایان مبانی همدیگر را مورد مناقشه و نقض قرار می‌دادند که در نهایت جمع‌بندی بحث‌ها را مشکل می‌کرد. اگر چه برخی اعضای این محفل قرآنی با گذشت زمان و به علت مسافرت به مناطق مختلف یا مسئولیت‌های اجرایی در تمام جلسات حضور نمی‌یافتند و شخصیت‌های دیگری می‌آمدند، با این حال اعضای اصلی و بنیانگذار آن، از جمله آیت اللّه احمدی، همچنان با حضور قوی و فعال خود مانع از تعطیلی آن می‌شدند. این محفل تفسیری تا همین اواخر نیز ادامه یافت و نزدیک به نیم قرن به فعالیت خود ادامه داد. از آیت اللّه احمدی، یادداشت‌هایی از این جلسات به جای مانده است.

فعالیتهای ضمن تحصیل : علی احمدی میانجی در تعلیم و تربیت طلاب و اداره حوزه میانه، با مسؤولین آن همکاری می‌کرد

استادان و مربیان : از استادان علی احمدی میانجی می توان به اساتید زیر اشاره کرد: آیت الله حاج شیخ لطفعلی زنوزی هدایت آیت الله حائری مرحوم آیةا... حاج سید حسین قاضی نایینی ایروانی کاشف الغطا آیت الله میرزا رضی زنوزی حضرت علامه طباطبایی آیت الله آقا میرزا احمد کافی الملک بروجردی گلپایگانی محقق داماد

هم دوره ای ها و همکاران : علی احمدی میانجی و با آیات عظام: میلانی، خویی و مرعشی نجفی، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، سید مهدی روحانی و سید ابوالفضل میرمحمدی، آقا موسی زنجانی، احمد آذری قمی، احمد پایانی، موسوی زنجانی نیز هم‌بحث و هم‌درس شد.

وقایع میانسالی : علی احمدی میانجی با توجه به شصت سال تجربه علمی و عملی در حوزه علمیه قم، به نقاط ضعف و قوت و جنبه‌های افراط و تفریط در بعد اخلاق و عرفان آشنایی کامل داشت. لذا توصیه‌هایی که در این رابطه به طلاب و فضلای جوان می‌کرد، نشأت گرفته از همین تجارب شصت ساله ایشان بود. از این رو، آیت اللّه احمدی هنگامی که می‌دید بعضی طلاب جوان و مقدمات خوان، خیلی زود و بدون فراهم ساختن زمینه لازم، وارد برخی مسائل عمیق اخلاقی و عرفانی می‌شوند و به قول معروف، می‌خواستند ره صد ساله را یک روزه طی کنند و در مدتی کوتاه همانند حضرت امام خمینی (ره) و آیت اللّه بهاء الدینی و یا آیت اللّه بهجت گردند، سخت نگران می‌شد و تأسف می‌خورد و با تذکرات و توصیه‌های کارشناسانه و دقیق خود، در صدد اصلاح چنین افرادی بر می‌آمد. لذا چنانچه این قبیل طلاب جوان به حضور ایشان می‌رسیدند و با یک دنیا توقع از ایشان می‌خواستند تا آنها را ارشاد و نصیحت بکند و ذکری و وردی بر ایشان بیاموزد، آیت اللّه احمدی همچون پدری مهربان و طبیبی حاذق اینان را به اشتباه و بیراهگی خود آگاه می‌ساخت و با توصیه‌هایی به ظاهر ساده، اما در واقع دقیق و ظریف به رعایت این امور سفارش می‌کرد:۱ – سعی کنید واجبات خود را خوب انجام دهید؛ ۲ – از محرّمات دوری کنید و خود را به گناه آلوده نسازید؛ ۳ – از خوراک خود کم نگذارید، به قدر لازم و کافی غذا بخورید؛ ۴ – خوابتان هم به قدر کافی باشد؛ ۵ – خوب درس بخوانید و بعد درس‌هایتان را خوب بحث کنید؛ ۶ – در مرحله آخر اگر وقت اضافی آوردید، می‌توانید به برخی از مستحبات هم بپردازید.

زمان و علت فوت : علی احمدی میانجی پس از هفتاد و سه سال زندگی توأم با تلاش، تحقیق و پژوهش، بامداد روز دوشنبه، بیست و یکم شهریور ۱۳۷۹ چشم از جهان فرو بست و روح بلندش به سوی معبود متعال پرواز کرد. پیکر این فقیه خستگی‌ناپذیر، با حضور مراجع معظّم تقلید، علمای اعلام، طلاب و فضلا و انبوهی از مردم قم، میانه، تهران و... از مسجد امام قم به حرم حضرت معصومه (س) تشیع شد و با تجلیل فراوان، در جوار کریمه‌اهل‌بیت (ع) جنب مرقد علامه طباطبایی و شهید مرتضی مطهری به خاک سپرده شد.

فعالیتهای آموزشی : علی احمدی میانجی از همان دوران طلبگی ضمن تحصیل، به تدریس نیز اهتمام داشت و درس‌های پیشین را به طلاب و فضلای پایین‌تر از خود می‌آموخت. آیت اللّه احمدی در حوزه علمیه قم جزو اساتید شناخته شده در سطوح عالی به شمار می‌رفت. به فقه و بخصوص به کتاب ارزشمند مکاسب شیخ انصاری، عنایت و علاقه خاصی داشت و هر سال آن را برای عده‌ای تدریس می‌نمود. او در امر آموزش طلاب، با شهید آیت اللّه قدّوسی در مدرسه حقّانی همکاری داشت و از اساتید سرشناس این مرکز علمی و انقلابی محسوب می‌شد.علاوه، درس اخلاق ایشان نیز در سطح حوزه علاقمندان زیادی داشت. لذا از مدارس مختلف، مانند مدرسه شهیدین، مدرسه معصومیه و مدرسه کرمانی‌ها، دعوت می‌شد و برای طلاب و فضلا در سطح‌های گوناگون درس اخلاق، که با جذابیت ویژه‌ای توأم بود، ارائه می‌داد. او که یک عمر فقه را با اخلاق به هم آمیخته بود، تبلور عینی یک «فقیه اخلاقی» بود.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : عمده خدمات فرهنگی – اجتماعی مرحوم علی احمدی میانجی در دو شهر میانه و قم بوده است:الف) میانه:در اواسط دهه سی که نهضت «مدارس ملی» با ابتکار شخصیت‌های روحانی مانند آیت اللّه شهید دکتر بهشتی

و امام موسی صدر در شهر قم آغاز شد، آن دو بزرگوار در این شهر اقدام به تأسیس مدارسی به نام‌های «مدرسه ملی صدر» و «دین و دانش» کردند. در شهر میانه نیز آیت اللّه احمدی، با پیروی از این دو شهید، اوایل دهه چهل، با همکاری چند تن از افراد نیکوکار «مدرسه رضوی» را راه اندازی کرد. این مرکز آموزشی، در تربیت دینی و مذهبی کودکان و نوجوانان میانه بسیار مؤثر بود.در سال ۱۳۴۸ آیت اللّه احمدی در یک اقدام دیگر، مرکز فرهنگی – مذهبی مهمی را تحت عنوان «انجمن دین و دانش» بنا نهاد که در آن مقطع در رشد و تعالی فکری، عقیدتی و اخلاقی جوانانِ دبیرستانی و دانشگاهی نقش اساسی و تاریخی داشت به طوری که اغلب تربیت یافتگان این مرکز، به نیروهای بالقوه انقلاب اسلامی تبدیل شدند و هنگامی که انقلاب در سال ۱۳۵۶ به مرحله بحرانی خود رسید، همه در خدمت آن قرار گرفتند و از جان خود برای پیشبرد نهضت اسلامی مایه گذاشتند.مؤسسه قالیبافی و صندوق قرض الحسنه مهدیه، دو خدمت دیگری بود که تقریباً همزمان با تأسیس انجمن دین و دانش، به همّت آیت اللّه احمدی و با همیاری تنی چند از معتمدین میانه انجام پذیرفت.مؤسسه قالیبافی اگر چه بعد از چند سالی به علت مشکلات و موانعی به تعطیلی گرایید، امّا صندوق قرض الحسنه هنوز هم فعال است و بیش از ۳۰ سال است که بخشی از نیازهای قشر محروم را آبرومندانه تأمین می‌کند.ب) قم:صندوق ذخیره علوی، مؤسسه خیریه الزهراء (س) و جامعه ناصحین قم از جمله مراکز مهم و مؤثر در قم به شمار می‌آیند که آیت اللّه احمدی جزء مؤسسین پرتلاش آن بود. اهمیت هر کدام در جهت رفع مشکل مادی و معنوی مردم و احیای امر به معروف و نهی از منکر در سطح شهرستان قم بر کسی پوشیده نیست.اشتیاق آیت اللّه احمدی برای خدمت به مردم، بدان حد بودکه محل اقامه نماز جماعت ایشان (مسجد عبداللهی واقع در سه راه بازار قم)، به عنوان محلی جهت رفع نیاز نیازمندان شناخته شده بود و در طول سال‌ها امامت ایشان در آن مسجد، گره از مشکل صدها انسان آبرومند و حاجتمند گشوده می‌شد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علی احمدی میانجی سال ۱۳۴۱، که قیام مراجع معظم تقلید به رهبری حضرت امام خمینی بر ضد لایحه «انجمن‌های ایالتی ولایتی» آغاز شد، آیت اللّه احمدی حضور متعهدانه خود را در این نهضت بزرگ اسلامی به خوبی نشان داد. او در هر رخداد مهمی، در صورت لزوم، نخست به خدمت حاج آقا روح اللّه خمینی و سایر مراجع معظم می‌رسید. بعد از کسب رهنمودهای لازم عازم میانه می‌شد و پیام آنان را به روحانیت و مردم آن سامان می‌رساند و با سازماندهی روحانیت و روشنگری مردم، در جهت آرمان‌های نهضت اسلامی گام‌های مؤثر و بلندی برداشت.آیت اللّه احمدی، روش خاص خود را داشت: سعی می‌کرد به دور از احساسات و افراط کاری‌ها، بیشتر با منطق و استدلال قوی، منشأ اختلاف میان روحانیت و رژیم شاه را برای مردم بازگو کند و آنها را از ماهیت ضد اسلامی رژیم آگاه سازد. به همین علت جلسات سخنرانی ایشان، در مراحل حساس و سرنوشت ساز آن دوران بسیار سودمند و پربار جلوه می‌نمود.عید نوروز و خرداد سال ۱۳۴۲، که به فرمان حضرت امام خمینی، در سرتاسر کشور عزای عموی اعلام شد و روحانیت مأموریت یافت، مردم را در این ایام روشنگری کرده به افشای جنایت‌های رژیم بپردازد، آیت اللّه احمدی نیز به منظور اجرای امر مقتدای خود، وارد شهرستان میانه شد و با ایجاد هماهنگی بین روحانیت آنجا، در مجالس و محافل متعدد به وجه مقتضی به ایفای نقش پرداخت. ین عالم فداکار پس از استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، با درک موقعیت حساس زمانی، تمام وقت خود را وقف انقلاب، اسلام، رهبری و مردم کرد و با حضور خستگی‌ناپذیر خود در عرصه‌های مختلف، به دفاع از حریم نهضت برخاست.

همفکران فرد : با توجه به نگرش پویای علی احمدی میانجی در فقه و سایر مسائل اسلامی، حضرت آیت اللّه خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، طی حکمی ایشان را همراه با حضرات آیات سید مهدی روحانی، شیخ محمد ابراهیم جنّاتی، سید محمود هاشمی شاهرودی و... جهت بررسی موضوعات جدید و پاسخگویی به مسائل روز جهان اسلام منصوب کردند.

آرا و گرایشهای خاص : نوع فعالیت‌های اجتماعی علی احمدی میانجی به خوبی نشان می‌دهد که وی در طول زندگی، همیشه به فکر قشر محروم و مستضعف جامعه بود. کسانی که از نزدیک با وی ارتباط و همکاری داشتند این اخلاق پیامبرگونه، برایشان ملموس و عیان بود. با توجه به فضای رایج در حوزه، که اغلب فضلا و محققان را به تحقیق پیرامون فقه و اصول سوق می‌دهد و بیشتر محققین در این موضوعات تحقیق و تدریس می‌کنند؛ اما آیت اللّه احمدی از نادر شخصیت‌هایی است که هرگز تحت تأثیر این فضا قرار نگرفت و بر خلاف آن، نیروی تحقیقی خود را با ژرف‌نگری خاصی در موضوع اهم دیگر مثل آثار مکتوب و نامه‌های پیامبر متمرکز ساخت؛ موضوع با ارزشی که در طول چهارده قرن گذشته به ورطه فراموشی سپرده شده و چندان عمیق بدان پرداخته نشده بود.کتاب ارزشمند «مکاتیب الرسول» که بار نخست در سال ۱۳۳۹ شمسی به چاپ رسید و تحقیق آن از سال ۱۳۲۸ آغاز شده بود که در آن ایام، مؤلف تلاشگر حدود ۲۳ سال سن داشت. تشخیص و انتخاب موضوع در آن سن، با توجه به فضای آن روز حوزه، به خوبی حکایت گر استعداد و ژرف اندیشی آیت اللّه احمدی است.آیت اللّه احمدی وظیفه اصلی طلاب جوان را تحصیل علوم اسلامی به نحو احسن می‌دانست و همواره اظهار می‌داشت که طلاب باید خوب درس بخوانند و مبانی اسلام و تشیّع را خوب بفهمند. تا بتوانند در برابر انواع و اقسام شبهات بااستدلال و برهان از حریم اسلام و تشیّع دفاع کنند.

جوائز و نشانها : کتاب "الاسیر فی اسلام" تالیف علی احمدی میانجی ، در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار : او با این بینش و تفکر وارد میدان تحقیق و پژوهش شد و از آیات، احادیث و روایاتی که تا دیروز تنها در ابعاد فردی استفاده می‌شد، در ابعاد حکومتی از آنها بهره برداری کرد و کتابی را تحت عنوان «اطلاعات و امنیت در حکومت اسلامی» به رشته تألیف درآورد که از این نظر در نوع خود، کم نظیر و بدیع می‌باشد. بر اساس همین بینش، ایشان به «احکام حکومتی» که زیر نظر ولایت ولی‌فقیه جامع الشرایط اداره شود، به جدّ اعتقاد داشت و از این رو، حتی مقررات و قوانین معمولی را هم لازم‌الاجراء می‌دانست؛ به طوری که اظهار می‌داشت: اگر کسی در نیمه شب مقررات راهنمایی و رانندگی را رعایت نکرد و پلیس هم حضور نداشت، واجب است خود، جریمه خلافش را به صندوق حکومت واریز کند؛ در غیر این صورت ذمه‌اش مشغول خواهد شد.ایشان در باب اخذ وجوه شرعیه (خمس، زکات و...) نیز نظر خاصی داشت که از همان نظریه حکومتی ایشان نشأت می‌گرفت. او اخذ وجوه شرعی و مصرف آن را، ابتدائاً یکی از شئون اساسی ولی فقیه می‌دانست. به همین سبب با این که ایشان

مجتهد مسلم بودند؛ اما در این باب خود را ملزم کرده بودند تا از مقام معظم رهبری اجازه بگیرند. --

آثار :

۱ احادیث اهل البیت عن طرق اهل السنهٔ

ویژگی اثر : این کتاب ارزشمند اثر مشترک آیت اللّه احمدی و مرحوم آیت اللّه حاج سید مهدی روحانی است. همان طوری که از نام آن پیداست، در این مجموعه، احادیث و روایات اهل‌بیت (ع) در موضوعات مختلف که از طریق اهل سنت نقل شده و در کتاب‌های روایی و تاریخی معتبر آنان موجود است، گردآوری شده است و در نوع خود یک تحقیق بدیع و ابتکاری به شمار می‌آید.این مجموعه نفیس در ابواب و موضوعات گوناگون مانند: تفسیر، عقاید، فضایل، تاریخ اهل بیت (ع) و تاریخ صحابه پیامبر و... به بحث پرداخته است و البته غالب مباحث آن در موضوعات فقهی و احکام عملی است. تعداد کتاب‌ها و منابعی که این احادیث و روایات از آنها جمع آوری شده، نزدیک به دویست عنوان واثر معتبر می‌باشد. جلد اول این اثر، بیست جلدی در سال ۱۳۷۹ ش، زیور طبع پوشید و به موضوع طهارت و جنائز می‌پردازد. مجلدات بعدی را نیز مؤسسه نشر اسلامی به تدریج چاپ و منتشر خواهد کرد.

۲ اصول مالکیت در سالام

ویژگی اثر : تالیف

۳ الاسیر فی الاسلام

ویژگی اثر : این کتاب در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «الاسیر فی اسلام»: یکی از مسائلی که جامعه بشری گاه بدان دچار می‌شده و خواهد شد جنگ و یکی از مسائل اجتناب ناپذیر هر جنگ اسارت است، هر یک از ادیان الهی و یا مرام و مسلک بشری در این مورد قوانین و مقرارتی دارد، لیکن دین مقدس اسلام مانند سایر موضوعات، در این مورد نیز بهترین و جامعترین قوانین را آورده است. مؤلف محترم کتاب با تتبع ژرف و تحقیق عمیق این مساله را از نظر اسلام به طور دقیق بررسی نموده و احکام اسلام را در این باره بازگو نموده و برتری آن را به اثبات رسانده است. کتاب مقدمه‌ای نسبتاً طولانی و بسیار پربار درباره چگونگی جنگ و اسارتهایی که در طول جنگ‌های صلیبی، مغول، و تاتار، جنگ جهانی دوم و ... رخ داده و جنایتهایی که به اسیران روا داشته‌اند، دارد؛ متن کتاب سه بخش است ۱۰ـ علل بروز جنگ‌ها و نتایج و آثار آن، ۲ـ توضیح و تشریح اسیر گرفتن از کفار و شورشیان (بغات)، ۳ـ تبیین و ترسیم حقوق در اسلام. مولف محقق کتاب، موضوع اسارات را، هم از دیدگاه فقهی شیعه و سنی بررسی نموده و هم از نظر گاه تاریخی، و با تتبع گسترده، سیره رسول خدا(ص) و امیر المومنین (ع) با سایران را ترسیم نموده است. مقایسه قوانین اسارت و اسیر در اسلام با دیگر قوانین بشری دنیا، و اثبات جامعیت و برتری آن عصر فضا از دیگر ویژگیهای کتاب است

۴ التبرک

ویژگی اثر : در سال‌های پیش از انقلاب با توجه به شبهاتی که ایادی وهابیت در جامعه اسلامی و اذهان مسلمانان ایجاد می‌کردند و هر روز دامنه آن در سطح عمیقی گسترش می‌یافت، آیت اللّه احمدی با درک ضرورت موضوع به نگارش این اثر مفید پرداخت و بدین ترتیب به مقابله با این تهاجم فرهنگی برخاست. او دراین اثر گرانسنگ، اولاً در مقدمه کتاب، بیشتر اختلاف موجود در میان فرق اسلامی را غیر واقعی و نتیجه سوء تفاهم‌ها و دسیسه‌های دشمنان قلمداد می‌کند. سپس در فصل اول، موضوع تبرک را در موارد متعدد، از دیدگاه احادیث پیامبر و تاریخ و سیره صحابه مورد بررسی و موشکافی قرار می‌دهد. در فصل دوم نیز به همان شیوه، موضوع بوسیدن را بررسی می‌کند. استناد او به روایات و شواهد تاریخی به صورتی است که هیچ یک از فرق اسلامی قادر بر انکار و ایجاد شبهه در آن نیستند.این کتاب در سال ۱۳۵۶ ش به زیور چاپ مزین گردید و هم اکنون نیز از طریق حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت تنظیم و تدوین یافته به صورت مطلوبی چاپ شده و در دست علاقمندان قرار گرفته است.

۵ السجود علی الارض

ویژگی اثر : در این اثر نفیس که شامل بحث‌های قرآنی، حدیثی، فقهی، اصولی و تاریخی پیرامون موضوع «سجده» می‌باشد، مؤلف، قدرت اجتهادی و فقاهتی خویش را به روشنی به اثبات می‌رساند. وی در این کتاب ابتدا، سیر تاریخی سجده را به چهار دوره متفاوت تقسیم می‌کند. سپس هر کدام آنها را همراه با اقوال، آرا و اجتهادات صحابه، تابعین و تابعین آنان، مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و در بخش آخر، بحث مبسوطی را درباره فضیلت سجده بر تربت امام حسین (ع) با استناد به احادیث مطرح می‌نماید.اولین چاپ این کتاب، پیش از انقلاب از سوی مؤسسه در راه حق در چند نوبت و در هر بار با تیراژ پنج هزار به چاپ رسید. بعد از آن نیز یک بار در بیروت چاپ شد. همچنین به طور متفرقه از طریق ناشران مختلف به چاپ رسید که نام و مشخصات ناشر در آن منعکس نشده است.

۶ حاشیه و تعلیقه بر کتاب «معادن الحکمه»

ویژگی اثر : حاشیه و تعلیقه بر کتاب‌های «معادن الحکمه» مرحوم فیض کاشانی و «شیعه در اسلام» مرحوم علامه طباطبایی، از دیگر آثار به چاپ رسیده آیت اللّه احمدی به شمار می‌آید که اثر اول را مؤسسه نشر اسلامی در سال ۱۳۶۵ به چاپ رساند و یک سال بعد نیز تجدید چاپ شد و اثر دوم هم تا کنون از طریق مراکز انتشارات مختلف در چند نوبت به چاپ رسیده است.اضافه بر آثار یاد شده، از این عالم فرزانه مقالات و دست نوشته‌های متنوعی هم در موضوعات مختلف به یادگار مانده است.

۷ حاشیه و تعلیقه بر کتاب شیعه در اسلام

ویژگی اثر : حاشیه و تعلیقه بر کتاب‌های «معادن الحکمه» مرحوم فیض کاشانی و «شیعه در اسلام» مرحوم علامه طباطبایی، از دیگر آثار به چاپ رسیده آیت اللّه احمدی به شمار می‌آید که اثر اول را مؤسسه نشر اسلامی در سال ۱۳۶۵ به چاپ رساند و یک سال بعد نیز تجدید چاپ شد و اثر دوم هم تا کنون از طریق مراکز انتشارات مختلف در چند نوبت به چاپ رسیده است.اضافه بر آثار یاد

شده، از این عالم فرزانه مقالات و دست نوشته‌های متنوعی هم در موضوعات مختلف به یادگار مانده است.

۸ لزوم وزارت اطلاعات در حکومت اسلامی

ویژگی اثر : در این کتاب، مؤلف فرزانه نخست بـا استناد به ادله عقلی و نقلی به ضرورت وجود تشکیلات اطلاعاتی در حکومت اسلامی می‌پردازد و بحث مبسوطی در این زمینه ارائه می‌دهـد. سپس مباحث متنوعی را نیز در موضوعات مختلف؛ از جمله: معنای نصیحت، بحث عریف و نقیب، معنـای تجسـس و سوء ظن و موارد جواز این دو و وجوب حسن ظن را از دیـدگاه قرآن و احـادیث مطرح می‌سازد.چاپ اول این کتاب را دفتر نشر برگزیده در قم، در سال ۱۳۷۴ به چاپ رسانده است.

۹ مالکیت خصوصی

ویژگی اثر : در اوایل انقلاب، از سوی برخی گروهک‌ها شبهاتی در جامعه ترویـج و القا می‌شد مبنی بر این که: در اسـلام مالکیت خصوصـی وجود ندارد و اگر هم باشد، بسیار محدود است؛ یا در اسلام سرمایه و ثروت جایگاهی ندارد و اجاره یک نوع استثمار و بهره کشـی از ضـعیفان است و... . آیت اللّه احمـدی جهت پاسـخ به این شـبهات، سلسله مبـاحثی را پیرامون مالکیت خصوصـی در رمضان سال ۱۳۵۹، در انجمن دین و دانش میانه آغاز می‌کنـد و با استفاده از آیات و روایات در صـدد رفع شـبهه برمی‌آیـد و نظر اسـلام را در این خصوص روشن می‌سـازد. یادداشت‌های این مباحث، با تصـحیح و اضافاتی به صورت کتاب مـذکور، در پاییز سال ۱۳۶۱ از سوی مؤسسه نشر اسلامی به چاپ رسید و تا کنون چندین نوبت تجدید چاپ شده است.

۱۰ مکاتیب الامام الرضا(ع)

ویژگی اثر : تالیف

۱۱ مکاتیب الرسول

ویژگی اثر : کتاب ارزشـمند «مکاتیب الرسول» که بار نخست در سال ۱۳۳۹ شمسـی به چاپ رسید و تحقیق آن از سال ۱۳۲۸ آغاز شده بود که در آن ایام، مؤلف تلاشگر حدود ۲۳ سال سن داشت. تشخیص و انتخاب موضوع در آن سن، با توجه به فضای آن روز حوزه، به خوبی حکایت گر اسـتعداد و ژرف اندیشی آیت اللّه احمدی است.: این کتاب نفیس در پانزده فصل مهم، تنظیم و تدوین یـافته است که در آن موضوعـاتی از قبیـل نامه‌هـای پیـامبر به پادشاهـان، کارگزاران و رهبران سایر ادیان، قراردادهای آن حضـرت، نوشـته‌های پیامبر در نزد امامان معصوم (ع) ، مکتوبات آن حضـرت در موضوعات متفرق، مکتوبات منسوب به آن حضـرت، کاتبان وحی، ویژگی‌هـای آنهـا از حیث فصاحت و بلاغت، غرائب موجود در آنها، چگونگی آغاز و انجام آنها و سایر موضوعات تحقیقی و علمی مفید که به مناسبت‌هایی در لابه‌لای فصول مطرح شده است.استفاده از منابع و مآخذ مهم اهل سنت از حیث کمی و کیفی از امتیازات بارز این اثر کم‌نظیر می‌باشـد.این کتاب به جهت اهمیت ویژه‌ای که دارد، بی‌درنگ مورد اسـتقبال کم نظیر اندیشـمندان اسلامی و غیراسلامی قرار گرفت و تا کنون چندین بار با مجلدات و اندازه‌های مختلف در بیروت، تهران و قم به چاپ رسیده است. اولین چـاپ آن در سـال ۱۳۳۹، بـا همکاری حجـج الاسـلام و المسـلمین: محمـد مهـدی حجتی و میرزا قـدرت اسـکندری از طریق چاپخـانه علمیه قم انجـام پـذیرفت و آخرین آن را که همراه بـا تصـحیح، تنقیـح و اضافـات مؤلف بود، در سال ۱۳۷۷ ش، انتشارات دارالحدیث در چهار جلد با کیفیت مطلوب چاپ کرد و در اختیار علاقمندان قرار داد.

۱۲ مواقف الشیعه

ویژگی اثر : این کتـاب، شامل نزدیک به یک هزار مناظره و احتجاج از صـحابه پیامبر (ص) ، اصـحاب امامان معصوم (ع) ، راویان، محدثان، عالمان و شخصـیت‌های بزرگ شـیعه در طول تاریخ می‌باشد و از منابع معتبر شـیعه و اهل سـنت جمع‌آوری شده و در سه مجلد، تدوین یافته است. مؤلف فرزانه در مقدمه این کتاب، ضـمن توضیـح درباره جدال و اقسام آن، انگیزه نگارش خود را به طور اجمال این چنین بیان می‌دارد:«هر کس در محتوای مناظرات این کتاب دقت و تأمل کند، به وضوح قدرت تفکر، رشد عقلی و دقت نظر علمای شـیعه را مشاهده می‌کند و اهتمام آنان را به امور دینی به خوبی درمی‌یابد و برایش روشن می‌شود که دانشـمندان شـیعی در طول تاریـخ، اهـل منطق و برهـان بوده و هرگز به نیرنـگ پنـاه نبرده‌انـد. علاـوه بر مبـانی خود، به کتب و عقایـد مخالفان خویش آگـاهی کامل داشـتند و در بحث و مناظره جانب انصاف و متانت را کاملاً مراعات می‌کردنـد و همه این امتیازات را هم از اهل‌بیت (ع) گرفته‌اند. نیز می‌فهمد، به خلاف شیعه، آنهایی که با شـیعه به مقابله و مخالفت برخاسـتند، هیچ یک این مزایا را نداشـتند، بلکه حتی فاقـد آن بودنـد و...»این کتاب اگر چه از ترتیب منطقی خاصـی برخوردار نیست – به همین سـبب بعضاً پراکندگی و تکرار در آن به چشم می‌خورد و امیـد است در چاپ‌هـای بعـدی توسط ناشر برطرف گردد، امـا از حیث محتوا در نوع خود کم‌نظیر و بـدیع می‌باشد. برای اولین بار سال ۱۳۷۵ ش توسط مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به زیور چاپ مزین شده ویک سال بعد نیز به عنوان کتاب سال اعلام گردید.

احمدی نژاد، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم احمدی نژاد

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۸/۱۵

زندگینامه علمی

اینجانب ابوالقاسم احمدی نژاد در سال ۱۳۳۹ در آبادان متولد شدم. دوران دبستان، راهنمایی و دبیرستان را در آبادان گذراندم. در زمان اوج گیری انقلاب شکوهمند اسلامی به همراه بچه های مسجد مهدی موعود (عج) در پخش اعلامیه و تظاهرات فعالیت می کردم. سال آخر دبیرستان مصادف با پیروزی انقلاب اسلامی شد و در اولین انجمن اسلامی دبیرستان به عضویت شورا بر گزیده شدم.

در سال ۱۳۵۸ در انستیتو تکنولوژی بروجرد در رشته برق پذیرفته شدم ودر آنجا نیز به عنوان نماینده انجمن اسلامی انتخاب شدم. در سال ۱۳۵۹ بعد ازانصراف از انستیتو تکنولوژی وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه رسول اکرم (ص) وامام باقر (ع) دروس مقدماتی و سطح را خواندم و از سال ۱۳۷۳ تا کنون مشغول به تحصیل درس خارج می باشم.

در این مدت از محضر اساتید گرانقدر حضرات آیات خسرو شاهی، فتوحی، مرحوم آیت وجدانی، مرحوم آیت الله پایانی و همچنین آیت الله اعتمادی، آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله مکارم شیرازی بهره وافر برده ام.

از قبل از دوران انقلاب به ادبیات کودک و نوجوان علاقمند بودم و در این زمینه مطالعه می کردم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و با ورود به حوزهٔ علمیه قم در مرکز تحقیقات جهاد سازندگی که شعبه ای در قم داشت به نقد و برسی کتابهای کودک و نوجوان مشغول شدم. پس از کسب تجربه و تخصص در واحد کودکان و نوجوانان دفتر تبلیغات اسلامی قم به عنوان مسئول نقد و بررسی کتاب سالهای متمادی مشغول به فعالیت بودم.

در کنار تحقیق تاکنون بارها به تدریس، نقد و بررسی کتاب کودک و نوجوان در حوزه علمیه قم و نهادهای دیگر اشتغال داشته ام که بخش خواهران دفتر تبلیغات، طرح هجرت، حوزه علمیه گچساران و... از این قبیل است. در پی این همکاریها، چندین سال عضو هیئت طرح و برنامه مرکز تربیت مربی کودک و نوجوان دفتر تبلیغات بوده ام. مدت کوتاهی نیز با مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای قم در زمینه نقد سریالهای تلویزیونی کودک و نوجوان همکاری داشته ام. به غیر از سفرهای ایام دفاع مقدس همه سفرهای تبلیغی بنده تخصصی بوده و فقط شامل کار با کودک و نوجوان بوده است و به شهرهای: سنندج، شیراز، اهواز، گچساران، بندرعباس، آبادان، تهران، گرمسار، شوشتر، زاهدان، اصفهان، کرمان، همدان و... جهت تبلیغ صاحب نظر و رای می باشم.

در سال ۱۳۷۵ به مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی وارد شدم و سالها به عنوان معاونت شبکه جهانی نور انجام وظیفه نموده و در به ثمر رساندن بانک اطلاعات شبکه جهانی نور، نرم افزار پایگاه های قرآنی، پایگاه امام علی (ع) همکاری عملی و اجرایی داشته ام.

هم اکنون نیز به عنوان مدیر سازمان آموزش کامپیوتر نور، مدیر گروه آموزش از راه دور دانشکده باقرالعلوم (ع) و عضو طرح و برنامه مدرسه اسلامی هنر مشغول به فعالیت می باشم.

احمدی نژاد، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمود احمدی‌نژاد سال ۱۳۳۵ در شهرستان گرمسار به دنیا آمد. پدر ایشان آهنگر بوده و هفت فرزند داشت، محمود احمدی‌نژاد فرزند چهارم خانواده است و از یک سالگی به همراه خانواده خود از آن شهرستان کوچ کرده و در تهران اقامت گزیدند، وی دوران تحصیلات خود را تا مقطع پایان متوسطه در مدارس تهران از جمله مدرسه سعدی و دانشمند پشت سرگذاشته و با کسب رتبه ۱۳۰ از کنکور سراسری قبول شده و در سال ۱۳۵۴ در رشته مهندسی عمران دانشگاه علم و صنعت دوره تحصیلات عالی را شروع کرد، در سال ۱۳۶۵ در مقطع کارشناسی ارشد همان دانشگاه پذیرفته شد و در سال ۶۸ نیز به عضویت در هیأت علمی دانشکده عمران دانشگاه علم و صنعت درآمده و در سال ۱۳۷۶ نیز موفق به دریافت مدرک تحصیلی دکترای مهندسی و برنامه‌ریزی حمل و نقل ترافیک شد، ایشان ضمن تدریس در دانشگاه مذکور استاد راهنمایی دهها پایان نامه معتبر و علمی کارشناسی ارشد در زمینه‌های مختلف مهندسی بوده است.

محمود احمدی‌نژاد پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در کسوت دانشجو با شرکت در مجالس مذهبی و سیاسی وارد فضای سیاسی جامعه شد و با مشارکت در تهیه و توزیع اعلامیه‌های روشنگر قدم در راه خیل مبارزان انقلاب گذاشت، وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی از پایه‌گذاران انجمن اسلامی دانشجویان بود.

دکتر احمدی‌نژاد از مرداد سال ۱۳۵۸ به عنوان نماینده دانشگاه علم و صنعت برای شرکت در جلسات به حضور حضرت امام (ره) مشرف می‌شد، که استمرار این جلسات در حضور مقام‌معظم‌رهبری زمینه شکل‌گیری شورای اولیه دفتر تحکیم وحدت را مهیا کرد. ایشان با شروع جنگ تحمیلی به منطقه غرب شتافت و تا سال ۱۳۶۴ در فعالیت‌های پشتیبانی منطقه تلاش کرد و در سال ۱۳۶۵ داوطلبانه به تیپ ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پیوسته و با طی دوره‌ای در قرارگاه رمضان در عملیات برون مرزی کرکوک شرکت نمود و بعد از آن نیز به عنوان مسئول مهندسی رزمی لشگر ۶ ویژه سپاه و مسئول ستاد جنگ استانهای غربی کشوربه خدمت پرداخت.

دکتر احمدی‌نژاد در دهه شصت، چهارسال به عنوان معاون و فرماندار ماکو و خوی و همچنین ۲سال به عنوان مشاور استاندار کردستان خدمت به مردم استانهای آذربایجان و کردستان را نیز پشت سرگذاشته و از سال ۱۳۷۲ در شرایطی که به عنوان مشاور

فرهنگی وزیر فرهنگ و آموزش عالی فعالیت می‌کرد به عنوان اولین استاندار استان جدید التأسیس اردبیل منصوب شد. ایشان در کنار راه‌اندازی تشکیلات اداری استان سه سال پی در پی بعنوان استاندار نمونه کشور انتخاب شد، استانداری اردبیل در زمان مدیریت ایشان علیرغم محدود بودن فصل کار عمرانی به دلیل سردسیری منطقه، در سالهای ۷۴ و ۷۵ طبق رده‌بندی سازمان برنامه و بودجه در زمینه فعالیت عمرانی به عنوان استانداری برتر شناخته شد.

دکتر احمدی‌نژاد پس از بازسازی ۷۵۰۰ واحد مسکونی تخریب شده در جریان زلزله که در طول مدت کوتاه ۷ماه صورت گرفته بود، مورد تقدیر قرار گرفت.

محمود احمدی‌نژاد در مهرماه سال۱۳۷۶ به دوره خدمت در استانداری اردبیل پایان داده و از آن پس تا کنون به عنوان عضو هیأت‌علمی دانشکده عمران دانشگاه علم و صنعت مشغول تدریس و انجام فعالیت‌های مختلف علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بوده است. وی در ۱۳ اردیبهشت ماه سال۱۳۸۲ طبق مصوبه دویست و چهل‌و هفتمین جلسه متناوب و دومین جلسه اعضاء دوره دوم شورای اسلامی شهر تهران به عنوان شهردار تهران انتخاب شد و دوره دیگری از تجربه خدمتگزاری خود را در کلان شهر تهران آغاز نمود.

●سوابق و تجربیات ذیل را نیز می‌توان به متن زندگینامه وی اضافه کرد:

▪روزنامه‌نگاری.

▪مؤسس و عضو انجمن تونل .

▪عضو انجمن مهندسین ایران.

▪عضو انجمن مهندسین راه و ترافیک آسیا و اقیانوسیه .

▪عضو اولین شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت .

▪عضو اولین شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان دفتر تحکیم وحدت .

▪عضو شورای مرکزی جامعه اسلامی مهندسین .

▪عضو شورای مرکزی جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی.

دکتر محمود احمدی نژاد در مرحله دوم نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری که در روز سوم تیرماه برگزار شد، با کسب بیش از ۱۷ میلیون رای به عنوان ششمین رییس جمهور ایران اسلامی برگزیده شد.

رئوس برنامه‌های دولت نهم :

۱. راهبردهای کلان :

ارزشها:

ـ مهرورزی

ـ عدالت‌گستری

ـ خدمت به بندگان خدا

ـ پیشرفت و تعالی مادی و معنوی کشور

آرمان:

زمینه‌سازی‌حکومت‌عدل‌ازطریق‌احیای‌مجددتمدن‌اسلامی

هدف بنیادی:

ـ توسعه عدالت محور

ـ اقامهٔ قسط توأم با مهرورزی

ـ خدمت

ـ تعالی

ـ پیشرفت

رسالت:

ـ برقراری امنیت

ـ تعالی جامعه

ـ تعالی فرد

راهبرد کلان

ـ بسط عدالت

ـ توسعه همه‌جانبه ودرونزا مبتنی‌بر اسلام ناب محمدی (ص)

ـ بکارگیری علوم و فنون پیشرفته برای تحقق عدالت

ـ ارتقاء سلامت

ـ ارتقاء رفاه

راهبرد فرهنگی:

ـ اعتلای فرهنگ عمومی

ـ اعتلای کرامت انسانی

ـ اعتلای آزادی‌های مشروع

ـ صداقت در گفتار

ـ سلامت در عمل
ـ امانت‌داری
ـ وفای به عهد
ـ ایثار
ـ پاسخگویی به مردم
ـ توسعهٔ سایر ارزش‌های اسلامی
راهبرد اجتماعی
ـ اعتلاء و ارتقاء عمومی سطح سلامت و توانمندی
ـ دسترسی برابر به فرصت‌ها
ـ ایجاد اشتغال
ـ تأمین اجتماعی برای آحاد مردم
راهبرد سیاسی:
ـ حفظ استقلال همه جانبه کشور
ـ تعالی بین‌المللی بر مبنای عدالت
ـ صلح و عزت برای همه
ـ مبارزه با:
ـ بی‌عدالتی
ـ تبعیض
ـ ناامنی
ـ تحقیر ملت‌ها
ـ جنگ‌افروزی
راهبرد علمی و فن‌آوری:
ـ تولید علم
ـ بومی کردن علوم بر مبنای فرهنگی ملّی
ـ استفاده از علوم و فنون و تحقیقات سایر کشورها
راهبرد اقتصاد:
ـ خوداتکایی در تولید
ـ فعال نمودن ظرفیت‌های اقتصادی
ـ تولید برای صادرات
ـ توزیع عادلانه ثروت
ـ ایجاد اشتغال
ـ محرومیت‌زدایی
ـ رفع تبعیض
ـ ارتقاء قدرت خرید مردم
ـ رفاه اجتماعی
راهبرد اداری:
ـ سپردن کارها به مردم
ـ ایفاء نقش نظارت عالی
ـ رجحان بخش‌های تعاون و خصوصی برای فعالیت‌های تصدی گری
ـ روان‌سازی چرخش امور
ـ مبارزه با فساد و تبعیض و رشوه‌خواری
ـ توسعهٔ اختیارات استانی
راهبرد آموزشی:
ـ شکوفایی استعدادهای فطری در سایهٔ تربیت دینی
ـ تقویت روحیهٔ نشاط
ـ تلاش در جهت طراحی نظام یکپارچه
راهبرد حقوقی:
ـ تقدم حقوق عمومی به حقوق خواص
ـ حاکمیت حقوق عادلانهٔ اسلامی
راهبرد دفاعی:
ـ حفظ آمادگی‌های رزمی، همبستگی، علمی و فنی برای مقابله با تهدیدات
ـ توسعهٔ راهبرد دفاعی

ـ توسعهٔ فن‌آوری‌های لازم با نگاه به تولید داخلی

ـ استفاده از تجهیزات پیشرفته

ـ مشارکت نیروهای مسلح در سازندگی کشور در زمان صلح

راهبرد امنیتی:

ـ جلب رضایت مردم با بسط عدالت و خدمت‌رسانی

ـ ایجاد اشتغال

ـ تقویت پایه‌های علمی ـ اقتصادی

ـ ارتقاء توان دفاعی کشور

راهبرد بودجه‌ای:

ـ کاهش مخارج جاری دولت

ـ تخصیص درآمد نفت به سرمایه‌گذاری

ـ رفع محرومیت‌ها و تبعیض‌ها

ـ اتمام طرح‌های نیمه‌تمام

ـ جلوگیری از اسراف

ـ ایجاد دولت کم‌هزینه و پرفایده امتیازات و بایسته‌های دولت نهم از دیدگاه مقام معظم رهبری : الف) رمز حمایت خاص مقام معظم رهبری از دولت نهم

براساس آنچه رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند، ایشان نسبت به همه دولت‌ها رویکرد حمایت‌گونه داشته‌اند؛ اما همانگونه که معظم‌له در فروردین ۱۳۸۶ در حرم شریف رضوی فرمودند ایشان از دولت احمدی‌نژاد به طور خاص حمایت می‌کنند. رهبر معظم انقلاب در دیدار خود با اعضای هیات دولت بار دیگر حمایت خاص خود را از دولت نهم ابراز داشته و تصریح فرمودند: «قدردانی از دولت به علت برخورداری از خصوصیات ممتازی است که در منطق اسلامی، معیار واقعی تشخّص و شرافت محسوب می شود».تبیین بیانات مقام معظم رهبری علت این نوع حمایت را روشن می‌کند:

۱- مهم‌ترین علت اینکه دولت احمدی‌نژاد» هم در قول و شعار و هم در عمل، نشان می دهد که به اصول انقلاب و ارزش‌های انقلاب پایبند است» (۴/۶/۸۶) رهبر معظم انقلاب این نوع پایبندی دولت را پدیده‌ای معجزه‌آسا و بی‌نظیر برای انقلاب تعریف می‌کنند؛ چرا که دولت احمدی‌نژاد همان اصول و مبانی را برنامه عمل خود قرار داده که در اول انقلاب اعلام شده بود.(۴/۶/۸۶) اهمیت این مسأله از آنجاست که وقتی سران قوای سه‌گانه در قول و فعل پایبندی به اصول انقلاب را نشان دهند سبب زنده ماندن این اصول در سطح جامع می‌شود. معظم له در دیدار اخیر خود ، بار دیگر بر همین معیار تاکید نموده، فرمودند: « زنده کردن و بازسازی برخی خصوصیات جوهری انقلاب و منطق امام ـ و مقابله با کسانی که می خواستند این ارزشها و مفاهیم اساسی را منسوخ کنند از خصوصیات بسیار برجسته این دولت است.» (۲/۶/۸۷)

۲- دولت احمدی‌نژاد سعی دارد برنامه‌های خود را براساس مهم‌ترین اصل اسلامی یعنی عدالت تنظیم کند. فارغ از میزان موفقیت دولت در این راه، «نفس رویکرد دولت به عدالت بسیار با ارزش است.» مقام معظم رهبری ضمن بیان این مطلب خطاب به هیأت دولت می‌فرمایند.« وقتی عدالت رو آمد و به عنوان یک معیار و شاخص اصلی مورد توجه قرار گرفت، به طور قهری در برنامه‌ها هم خواهد آمد.»(۴/۶/۸۶) معظم له در دیدار اخیر نیز از رویکرد عدالت خواهی دولت تجلیل نموده فرمودند:« عدالتخواهی حقیقی و استکبار ستیزی از جمله شعارهای انقلابی دولت است و هر کس که پیشرفت کشور را با هدایت انقلاب متصور می داند، قدردان این ویژگی است.» (۲/۶/۸۷)

۳- تلاش و جدیت فراوان اعضای هیأت دولت و پرکاری آنها موضوع دیگری است که رهبر معظم انقلاب از آن حمایت زیادی دارند و در بیانات مختلف از آن به عنوان یک ویژگی با ارزش دولت نهم یاد نموده‌اند. معظم له در سخنرانی اخیر نیز کابینه نهم را دولت کار و اقدام خوانده، فرمودند:« انرژی، تحرک، نشاط کار و جدیت در خدمت به مردم، ویژگی بسیار با ارزش و مستمر دولت است که پس از سه سال همچنان برجسته است و سفرهای استانی یکی از نمودهای آن بشمار می رود.» (۲/۶/۸۷)

۴- مردمی بودن دولت نهم، ویژگی دیگر آن از منظر رهبر معظم انقلاب بوده، در این باره فرمودند:« شرافت شما در همسطح بودن با ملت ـ ساده زیستی و تماس و انس مستمر با مردم است و تجلی عملی این خصوصیات در رفتار رئیس جمهور و هیأت دولت باعث جلب اعتماد بیشتر مردم و ریشه کن شدن بلای اسراف و اشرافی گری می شود.» (۲/۶/۸۷)

ب) نقاط قوت دولت نهم

همانگونه که گذشت رهبر معظم انقلاب بیانات، رهنمودها و توصیه‌های زیادی را خطاب به دولتمردان کنونی داشته‌اند. ایشان طی سخنرانی‌های مختلفی به ذکر ویژگی‌های مثبتی از دولت نهم می‌پردازند که وجه عملی به خود گرفته و به عنوان شاخصه ی واقعی دولت قابل ذکر است. این موارد عبارتند از:

۱- رهبر معظم انقلاب بعد از گذشت یک سال از دوران خدمت دولت نهم در دیدار با اعضای هیأت دولت(۶/۶/۸۵) به ذکر شاخصه‌های اصول‌گرایی می‌پردازند که در ضمن آن برخی از این شاخصه‌ها را به عنوان شاخصه‌ی تحقق یافته در عملکرد دولتمردان کابینه نهم ذکر می‌کنند و می‌توان از آنها به عنوان نقاط مثبت دولت نهم یاد کرد:

۱/۱- ساده زیستی و مردم‌گرایی؛

۲/۱- اجتناب از اسراف و ریخت و پاش؛

۳/۱- تلاش بی‌وقفه برای خدمت رسانی؛

۲- مقام معظم رهبری یک سال بعد در دیدار با اعضای هیأت دولت(۴/۶/۸۶) نیز نوعی رفتارشناسی از دولت نهم ارائه می‌دهند و

موارد ذیل را به عنوان تلقی خود از رفتار دولت نهم طی دو سال اولیه آغاز کار دولت بیان می کنند:

۱/۲- «اولاً مسأله پایبندی به ارزش‌هاست که خیلی شاخص مهمی است. دولت، هم در قول و شعار و هم در عمل، نشان می‌دهد که به اصول انقلاب و ارزش‌های انقلاب پایبند است.»

۲/۲- « دوم همین پایبندی به عدالت است. ممکن است شماها نتوانسته باشید - یا تا آخر هم نتوانید- همه‌ی آنچه را که در مورد عدالت می‌باید انجام داد، انجام بدهید؛ لکن نفس رویکرد شما به عدالت، چیز بسیار باارزشی است و هرمقداری که می‌توانید بایستی حرکت کنید.»

۳/۲- «پایبندی به خدمت هم یکی از شاخصه‌های این دولت است که قابل ارج‌گذاری و ذکر است.»

۴/۲- «پرکاری این دولت هم انصافاً چیز برجسته‌ای است؛ حتی بعضی‌هایی که مخالف هم هستند، این را نمی‌توانند انکار کنند.»

۵/۲- « خصوصیت دیگر، شجاعت این دولت وقاطعیت اوست.» رهبر معظم انقلاب در ادامه این مطلب سهمیه‌بندی بنزین را نشانه‌ی شجاعت دولت می‌دانند.

۶/۲- روحیه تحول‌گرایی و نوآوری دیگر ویژگی مورد اشاره رهبرمعظم انقلاب است.

۷/۲- « یک خصوصیت دیگر این است که این دولت در برابر زیاده‌خواهی‌های استکبار، دچار انفعال نشد. این ایستادگی در مقابل زیاده‌خواهی استکبار و احساس عزتی که در این میدان می‌شود، به نظر من یکی از خصوصیات این دولت است.»

۸/۲- « رساندن خدمت به افراد محروم جامعه و عدالت این مسئله‌ی سفرهای استانی خیلی مهم است.»

۳- رهبر معظم انقلاب در بیانات دیگر تصمیم قاطع دولت نهم بر خدمت خستگی‌ناپذیر به مردم، به میدان آوردن همه توان خود و پررنگ کردن هدف‌های بلند انقلاب را از شاخصه‌های قابل مشاهده دولت احمدی‌نژاد ذکر می کنند.(۵/۱/۸۵)

۴- یکی دیگر از شاخصه‌های دولت احمدی‌نژاد امید دادن به مردم است که رهبر معظم انقلاب بیان می کنند.(۴/۶/۸۶)

۵- مقام معظم رهبری در دیدار اخیر با اعضای هیأت دولت بار دیگر بر خصوصیات ممتاز دولت نهم تأکید کردند. ایشان در این دیدار(۲/۶/۸۷) مسائلی همچون کار و تلاش و جدیت در خدمت‌رسانی، انطباق شعارها و گفتمان دولت با شعارها و گفتمان امام(ره) و انقلاب اسلامی، عدالت خواهی، اعاده عزت ملی و استقلال حقیقی و مردمی بودن را از ویژگی‌های مثبت دولت نهم دانستند.

ج) وظایف و بایسته‌های دولت نهم : روشن است که حمایت خاص مقام معظم رهبری از دولت احمدی‌نژاد به دنبال خود تکالیف و وظایف مهمی را برعهده احمدی‌نژاد و کابینه‌ی وی می گذارد. از همین رو رهبر معظم انقلاب هم در بیانات مختلفی این وظایف و بایسته‌ها را گوشزد نموده‌اند. به طور کلی می‌توان مهم‌ترین انتظارات معظم‌له از دولت نهم را به صورت ذیل ارائه نمود.

۱- استمداد دائمی از خدا: کمک خواستن از خداوند، انس با او و با قرآن، امید به خدا و توکل نمودن بر او از جمله توصیه‌های دائمی مقام معظم رهبری به دولتمردان نهم است که در قالب بایسته‌های این دولت مطرح می‌شود. دلیل این امر هم اینکه از نظر معظم‌له اولاً ـ غفلت از خداوند سبب می‌شود تا خدمت‌های دولت با هوی و هوس آمیخته شود(۶/۶/۸۵) و ثانیاً خستگی روحی حاصل شود. و این خستگی روحی انسان را از رسیدن به اهداف باز می‌دارد. بنابر این برای رفع این خستگی باید از خداوند کمک خواست(۱۷/۷/۸۴) ثالثاً این تاکید بر خدامحوری از آن جهت است که دولت اصول‌گرای نهم گرفتار دام‌هایی که برخی از دولتمردان قبلی شده بودند نشود چرا که اصول‌گرایی آمیخته با ارزش‌های اسلامی است و لذا باید خدامحوری رکن اولیه آن باشد.

۲- پرهیز از غرور وخودشیفتگی: زمانیکه یک دولت، عزم، تحرک و شوق زیادی جهت خدمت‌رسانی به‌مردم داشته باشد ممکن است تمامی خدمات صورت گرفته را در نتیجه عملکردخود بداند؛ بنابر این مقام معظم رهبری یکی از وظایف دولت را پرهیز از غرور خود شیفتگی می‌دانند. ایشان در سخنرانی(۴/۶/۸۶) خطاب به هیأت دولت می‌فرمایید: «هرکاری که شما کردید به توفیق الهی بود، با قوتی بود که خدا به شما داده بود. با شوقی بود که خدا در دلتان گذاشته بود، با فرصتی بود که خدا برای خدمتگزاری به شما داده بود. بنابراین در چاله‌ی غرور نیفتید که بیرون آمدن از این چاله خیلی دشوار است» همین توصیه مؤکد را که در شکل یک وظیفه برای دولت نهم مطرح است در بیانات (۱۷/۷/۱۳۸۴) و (۶/۶/۸۵) به شکل بارزی مطرح شده است.

۳- همراه‌سازی عدالت با معنویت و عقلانیت: رویکرد دولت نهم به گسترش عدالت سبب برانگیخته شدن حمایت خاص مقام معظم رهبری از این دولت شده است؛ لکن معظم‌له در مورد چگونگی برقراری عدالت تکالیف مهمی را به دولتیان می‌فرمایند: «اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقی خودش در جامعه تحقق پیدا کند، با دو مفهوم دیگر بشدت در هم تنیده است؛ یکی مفهوم عقلانیت است؛ دیگر معنویت. اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا شد، دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید نخواهد بود؛ اصلا عدالت نخواهد بود.»(۸/۶/۸۴) رهبر معظم انقلاب در ادامه می‌فرمایید: «عقلانیت به خاطر این است که اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت به کار گرفته نشود، انسان به گمراهی و اشتباه دچار می‌شود. خیال می کند چیزهایی عدالت است، در حالی که نیست» همچنین از نظر ایشان «عدالتی که همراه با معنویت و توجه به آفاق معنوی عالم وجود و کائنات نباشد به ریا کاری و دروغ و انحراف و ظاهر سازی و تصنع تبدیل خواهد شد.» (۸/۶/۸۴) رهبر معظم انقلاب در سخنان اخیر خود با هیأت دولت نیز معنویت و عقلانیت را لازمه برقراری عدالت می‌دانند.(۲/۶/۸۷)

۴- همراه سازی پیشرفت و عدالت: دیگر وظیفه دولت در برقراری عدالت نظر به پیشرفت و توسعه است به این معنا که در برنامه‌های توسعه باید عدالت را در نظر گرفته و همسان با یکدیگر آنها را برقرار سازد. مقام معظم رهبری اولین بار این موضوع را در دیدار با نمایندگان مجلس هشتم مطرح فرموده و تصریح نمودند: «عنصرپیشرفت باید نگاه ما را به‌استعدادهای بیشمار پراکنده در میان‌ملت، معطوف سازد و ظرفیت‌های تولید و خلاقیت و درخشش توانائیهای گوناگون در همه‌ی زمینه‌ها را در نگاه ما برجسته کند و عنصر عدالت باید نابرخورداران از فرصت‌ها و توانائیهای‌کشور را، از این مواهب‌الهی‌و عمومی برخوردار سازد.»(۷و۲۱/۳/۸۷) معظم‌له بار دیگر در دیدار اخیر خود با اعضای هیأت دولت نیز بر لزوم این مساله تاکید نمودند: «اگر بخواهیم ایران عزیز ما الگوی دیگران شود بایدپیشرفت و عدالت را بموازات هم مورد توجه کامل قرار دهیم» (۲/۶/۱۳۸۷)

۵- استفاده از کارشناسان و نخبگان: دیگر وظیفه دولت از دیدگاه رهبری تعامل مثبت‌وسازنده باکارشناسان‌ونخبگان است.دولت‌باید درتمامی تصمیم گیریهای خود دیدگاه کارشناسان را لحاظ نماید چراکه مشورت بدون در نظرگرفتن دیدگاه آنان معنای سازنده و مثبت نخواهد داشت. رهبر معظم انقلاب خطاب به رئیس جمهور می‌فرمایند: «نکته‌ی بعدی تعامل با نخبگان همفکر و با اخلاص است. باید با اینها تعامل داشته‌باشید.ما الان در طول این سالهای متمادی، بالاخره افراد زیادی داشته‌ایم که در این چرخه‌ی مدیریتی کشور ورزخورده‌اند این ورزخوردن نیروها و ورزیده شدن آنها خیلی چیز با ارزشی است. این ظرفیتی است و از این ظرفیت مدیریتی حتما استفاده کنید. اینها به تدریج جمع شده‌اند و نباید آسان از دست داد.» (۶/۶/۸۵) رهبر معظم انقلاب همچنین در مورد لزوم کارشناسی بودن طرحها می‌فرمایند:«کارکارشناسی را حقیقتاً جدی بگیرید به‌خصوص در کارهای مبنایی و بنیانی، مثل مساله‌ی برنامه‌ریزی و بودجه‌نویسی، یا مسأله‌ی شوراها و امثال اینها. اگر کارکارشناسی‌عمیق،دقیق، همه جانبه‌ی متبحرانه‌ای انجام گرفت، این‌کار ماندگار خواهد شد؛ والّا اگر چنانچه گوشه‌ی کارشناسی‌اش سائیده بود، زحمات شما به‌هدر خواهد رفت.» (۴/۶/۸۶) معظم‌له در سخنان اخیر خود هم می‌فرمایند: «باید از دیدگاههای اصلاحی نخبگان و ظرفیت همه نیروها استفاده کرد.» (۲/۶/۸۷)

۶- نظارت بر عملکرد زیرمجموعه و ارزیابی افراد: مقام معظم رهبری در بیانات خود خطاب به هیات دولت(۶/۶/۸۵) مساله نظارت بر عملکرد زیر مجموعه را جزء شاخصه‌های اصولگرایی می‌دانندکه دولت نهم باید مد نظر داشته باشد. ایشان در (۱۷/۷/۱۳۸۴) نیز با تاکید بیشتر می‌فرمایند: «الان هم به آقای دکتر احمدی‌نژاد و به شماها می‌گویم؛ دائم مأموران و منتخبان خودتان را زیر نظر داشته‌باشید؛ دائم نگاه‌کنید و از اینها غافل‌نشوید.»ایشان بایادآوری نامه امام‌علی(ع) به مالک اشتر معتقدند که اگر ثابت شود و گزارش‌های متواتر و مسلمی برسد که فردی خیانت کرده باید مجازات شود.(۱۷/۷/۸۴). در کنار این مساله رهبر معظم انقلاب دولت را مکلف می‌دانند که از افراد شایسته و توانمند تجلیل به عمل آورد و شایسته سالاری را مد نظر قرار دهد: « همین شایسته سالاری به معنای واقعی کلمه باید مورد توجه باشد» معظم‌له با یادآوری فراز دیگری از نامه امام علی(ع) به مالک اشتر در معنای سخن امام علی(ع) می‌فرمایند: «نه از روی دوستی و رفاقت کسی را انتخاب کن، که ملاک‌ها را در او رعایت نکنی، نه از روی استبداد و خودکامگی؛ انسان بگوید می‌خواهم این فرد باشد؛ بدون این که ملاک و معیاری را رعایت کند یا با اهل فکر و نظر مشورت کند.»(۱۷/۷/۸۴)

۷- مقابله با فساد: در این موضوع هم رهبر معظم انقلاب تاکیدات فراوانی دارند به گونه‌ای که معظم‌له خود می‌فرمایند: «مبارزه با فساد، یکی دیگر از وظایف بسیار مهم است. من درباره مبارزه‌ی با فساد این قدر در صحبت‌های عمومی و خصوصی حرف زده‌ام که فکرمی‌کنم تکراری است.»(۸/۶/۸۴) ایشان در بیان شاخصه‌های اصول‌گرایی که دولت باید آنها را مورد توجه قرار دهد، فساد ستیزی و سلامت‌اعتقادی و اخلاقی مسئولان‌کشور بخصوص مسئولان عالی‌رتبه در سطوح دولت و معاونین را مورد تاکید قرار می‌دهند.(۶/۶/۸۵)

۸- اعتزار به اسلام: رهبر معظم انقلاب در توضیح این مسأله می‌فرمایند: اعتزار به اسلام یعنی اینکه دولت باید با شجاعت و صراحت مواضع اسلام را بیان کند و در مجامع بین‌المللی باکی از این مساله نداشته باشد. (۶/۶/۸۵)

۹- تامین عزت ملی: این مقوله هم یکی دیگر از وظایف اساسی هر دولتی و از جمله دولت نهم است. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرمایند: «یک ملت اگر احساس عزت کرد پیشرفت خواهد کرد و خواهد بالید؛ اما اگر توسری خورد، استعدادها در او خفه خواهد شد. آنچه مایه‌ی عزت یک ملت است. مثل تراث عظیم فکری و فرهنگی وعلمی در مقابل چشم آنها قرار می‌گیرد.»(۸/۶/۸۴) البته از دیدگاه رهبر معظم انقلاب دولت نهم در این زمینه تلاش تحسین برانگیزی داشته است و به‌نوعی به اعاده عزت ملی و استقلال حقیقی کشور پرداخته است(۲/۶/۸۷).

۱۰- مشخص‌نمودن اولویت‌های کاری: مقام‌معظم‌رهبری همواره در بیانات خود خطاب به هیأت دولت مساله کمبود وقت و گذشت سریع زمان را متذکر شده‌اند و از این‌رو بر اولویت بندی کارها تاکید زیادی دارند: «اولویت‌های کاری را مشخص کنید؛ معنایش این نیست که به‌کارهای غیر اولی نپردازید؛ نه، چند نقطه‌ی برجسته را که می‌تواند در بخش‌های دیگر اثر بگذارد و حالت سرفصل و چهار راه به خود می‌گیرد، اینها را مشخص کنید چه در زمینه‌های اقتصادی، چه در زمینه‌های فرهنگی و چه در بقیه‌ی زمینه‌هایی که موجود است - و به طور مداوم روی آنها تکیه کنید؛ اگر امر دائر شد بین آنها و غیر آنها، آنها را مقدم بدارید.» (۶/۶/۸۵)

۱۱- سرعت همراه با دقت: پرهیز از شتابزدگی و پرهیز از افراط و تفریط دو مقوله اساسی دیگر است که دولت نهم باید مورد توجه قرار دهد. همانگونه که رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: سرعت بدون دقت مساوی است با شتابزدگی و این شتابزدگی خود سبب عقب افتادن کارها می‌شود.(۶/۶/۸۵) این توصیه آمرانه را رهبری در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری احمدی‌نژاد (۱۲/۵/۸۴) هم مورد تاکید قرار دادند و فرمودند: «آرمانها باجدیت تعقیب شود، اما هیچ‌گونه شتابزدگی به‌وجود نیاید» همچنین معظم‌له در دیدار با هیات دولت (۱۷/۷/۸۴) با بیان فرازی از نامه امام علی(ع) به مالک اشتر بر پرهیز دولت از افراط و تفریط تاکید دارند.

۱۲- اهتمام به علم و پیشرفت علمی: از دیدگاه مقام‌معظم رهبری علم سبب بوجود آمدن قدرت و اقتدار ملی می‌شود. از نظر ایشان «عقب ماندگی علمی، حتما عقب‌ماندگی سیاسی،اقتصادی و فرهنگی را به‌دنبال خود دارد.»(۴/۶/۸۶) بنابراین معظم‌له در توصیه‌های مؤکدی یکی از وظایف اساسی دولت نهم را جدی گرفتن نهضت علمی می‌دانند. از نظر ایشان اهتمام به علم و پیشرفت علمی یکی دیگر از شاخصه‌های مهم اصولگرایی است و دولت نهم به عنوان یک دولت اصول‌گرا باید از طریق آن به کسب آرمانها بپردازد.(۶/۶/۸۵)

۱۳- اطلاع رسانی هنرمندانه: رهبر معظم انقلاب آگاهی دادن به مردم در مورد میزان عملکرد دولت و تفهیم اقدامات دولت به آنان جهت امیدوار ساختن، جلب حمایت و روشنگری در مقابل انتقادات را به عنوان یک وظیفه مهم مکرراً به اعضای هیأت دولت فرموده‌اند. ایشان حتی در مورد نحوه صحیح اطلاع رسانی می‌فرمایند: «البته کار اطلاع رسانی، کار ظریفی است؛ این طور نیست که

یک نفر مقابل دوربین بنشیند و خطاب به مردم بگوید که ما این کار را کردیم، آن کار را کردیم؛ مردم هم وقتی شنیدند، کاملاً قبول کنند. اطلاع‌رسانی یک‌کار هنرمندانه است.خوراک و مایه‌ی اصلی‌اش را به رسانه‌ی‌ملی بدهید. رسانه‌ملی هم کارکند؛ به‌طور هنرمندانه اطلاع‌رسانی کنید تا مردم تاعمق جانشان قبول کنند.»(۴/۶/۸۶) معظم‌له در دیدار اخیر خود با اعضای هیات دولت بار دیگر بر مساله اطلاع رسانی هنرمندانه تاکید نمودند(۲/۶/۸۷)

۱۴- خدمت رسانی محسوس: منظور رهبر معظم انقلاب از این مساله یعنی این که خدمات دولت باید تأثیر و نمود واقعی در زندگی مردم داشته باشد. «واقعاً گاهی اوقات دولت‌ها سرمایه گذاری‌هایی کردند که خیلی هم کلان نبوده؛ اما اثرش را مردم در مقابل چشمشان دیدند. گاهی هم چند برابر آن سرمایه‌گذاری می‌کنیم یا از صندوق ذخیره‌ی ارز فلان مبلغ برداشت شد؛ اما هیچ اثری در زندگی مردم مشاهده نمی‌شود. سعی کنید خدمت رسانی شما مابازا داشته باشد.» (۸/۶/۸۴)

۱۵-پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری: این موضوع را مقام معظم رهبری از شاخصه‌های اصول‌گرایی می‌دانند که دولت‌نهم باید مورد توجه قراردهد.(۶/۶/۸۵) در جایی دیگر معظم‌له خطاب به دولتیان می‌فرمایند: « نظام پاسخگویی را برای خودتان متحتم بدانید. واقعا وزیر در حوزه‌ی کار خودش، مدیران وزارتی در حوزه کار خودشان، معاونان هر کدام در حوزه‌ی کار خودشان پاسخگو باشند. یعنی هم در برابر خطایی که انجام می‌گیرد، هم در برابر کار لازمی که باید انجام می‌گرفته و انجام نمی‌گیرد.»(۸/۶/۸۴)

۱۶- کار جمعی و متوازن: انتظار رهبرمعظم‌انقلاب در این‌زمینه این‌که تمامی بخش های دولت در جهت تکمیل یکدیگر حرکت نموده و با هم هماهنگ باشند. مثلاً-اگر وزارت‌خارجه با یک‌کشور روابط مطلوبی ندارد نباید بخش های اقتصادی قرار دادهای کلان با کشور مذکور منعقد کنند.(۸/۶/۸۴)

۱۷- محق دانستن مردم: در این باره مقام معظم رهبری با استفاده از نامه امام علی(ع) به مالک اشتر معتقدند که نگاه عمومی دولت باید این باشد که همیشه در قضاوت‌های خود مردم را حاکم، طلبکار و محق بداند و خود را بدهکار. از نظر معظم‌له نه تنها رئیس دولت باید خود را در برابر مردم پاسخگو بداند؛ بلکه اگر در بین مردم قشرخاصی را مورد حمایت قرار می‌دهد،آنها را هم در قبال‌مردم پاسخگو دانسته و مردم را نسبت به آنها طلبکار.(۱۲/۵/۸۴)

۱۸- توجه به عامه‌مردم و عدم حمایت از گروهی خاص: در این زمینه نیز رهبر معظم انقلاب با توجه به نامه امیرالمومنین(ع) به مالک اشتر معتقدند که نگاه دولت باید به توده مردم و عامه مردم باشد. نه اینکه گروه خاصی را مورد توجه قرار دهد؛ چرا که از نظر معظم‌له گروه‌های خاص هیچ کاره‌اند و در مواقع خطر هیچ‌کاری از آنها برنمی‌آید. ایشان در ذیل فرازی از نامه امام علی(ع) می‌فرمایند: «ملاک و مناط و معیار و میزان کار، رضایت و عدم رضایت عامه‌ی مردم است. چرا؟ چون اگر عامه‌ی مردم نارضایی داشته باشند رضایت و خشنودی گروههای خاص از تو بکلی پامال می‌شود.»(۱۷/۷/۸۴) بر همین اساس رهبر معظم انقلاب دیدگاه افرادی که دولت نهم را با عنوان پوپولیسم معرفی می‌کنند به شدت زیر سوال برده و می‌فرمایند: «پایه‌ی دین توده‌ی مردمند این جلمه را امیرالمؤمنین دارد می‌گوید. این اگر پوپولیسم هم هست، پوپولیسم علوی است.»(۱۷/۷/۸۴)

۱۹- استقبال از انتقاد هر چند غیر خیرخواهانه: از دیگر وظایف دولت از نظر رهبر معظم انقلاب توجه به انتقادات، عصبانی‌نشدن و پذیرش آنهاست. معظم‌له دارا بودن سعه صدر در مقابل مخالفین و تحمل نمودن آنها را جزء شاخصه‌های اصولگرایی می‌دانندکه دولت نهم باید مد نظر داشته باشد.(۶/۶/۸۵) ایشان در جایی دیگر خطاب به اعضای هیأت دولت می فرمایند: «از انتقاد هم اصلاً عصبانی نشوید. بعضی از انتقادکن‌های از دولت، هدفشان این است که شما را عصبانی کنند. بعد هم شما از انتقاد – ولو غیرخیرخواهانه باشد– استقبال کنید؛ چون گاهی در انتقادهای خصمانه هم حقایقی وجود دارد که انتقاد کننده از روی خیرخواهی نمی‌گوید اما انتقادش واقعی است.»(۴/۶/۸۶) معظم‌له در دیدار اخیر خود هم فرمودند که دولت باید انتقادات منصفانه و کارشناسانه را با گوش جان بشنود و با بررسی و توجه کافی و کامل، به این انتقادهای صحیح عمل کند.(۲/۶/۸۷)

۲۰- رعایت قانون: قانون‌گرایی یکی از شاخصه‌های اصول‌گرایی است که رهبر معظم انقلاب آن را در مورد دولت ضروری می‌دانند. درباره لزوم رعایت قانون مقام معظم رهبری تذکرات جدی را به دولت نهم داشته‌اند و در دیدار اخیر خود با آنان نیز می‌فرمایند: « وقتی قانونی با سازوکار قانون اساسی در مجلس و شورای نگهبان تصویب شد، باید تا مادامی که تغییر نکرده حتما به آن عمل شود.» (۲/۶/۸۷)

۲۱- حرکت در جهت سند چشم‌انداز: یکی از تاکیدات راهبردی و مکرر رهبر معظم انقلاب خطاب به اعضای دولت نهم تنظیم برنامه‌های خود بر اساس سند چشم‌انداز ۲۰ ساله است. چرا که سند مذکور حاصل کارشناسی‌ها و مطالعات عمیقی است که حتما باید مورد توجه قرار گیرد. معظم‌له در دیدار با هیأت دولت می‌فرمایند:«نکته‌ی بعدی توجه دائم به‌سند چشم‌انداز است. این سند چشم‌انداز، مسئله‌ی مهمی است نباید هم تصور شودکه این سند یا سیاستهای کلی را کسانی نشسته‌اند و دارند تنظیم می‌کنند؛ نه. درست است که اینها یک فرایندی دارد و از یک جاهایی شروع می‌شود؛ لیکن آن کسی که در این زمینه کار و فکر می‌کند و تصمیم می گیرد، خود رهبری است؛ این سیاست‌ها، سیاستهای رهبری است. اینها باید در برنامه‌ها رعایت شود و نباید تخلف شود.»(۶/۶/۸۵) بر اساس اهمیت سند چشم‌انداز رهبر معظم انقلاب در اغلب دیدارهای خود با هیات دولت تنظیم جهت‌گیری برنامه‌های دولت در راستای سند چشم‌انداز را گوشزد نموده‌اند. ایشان در دیدار(۴/۶/۸۶) از اینکه در گزارش رئیس جمهور مقدار کمی به سند چشم‌انداز پرداخته شده انتقاد می‌کنند و تذکر می‌دهند که باید در همه برنامه‌ریزیها و اجرای برنامه‌ها سند چشم‌انداز مورد ملاحظه قرار گیرد. این در حالی است که معظم‌له در دیدار(۹/۷/۸۵) نیز تاکید نموده بودند که برنامه‌های دولت باید در راستای سند چشم‌انداز ۲۰ ساله باشد.

همچنین مقام معظم رهبری در دیدار اخیر خود با هیأت‌دولت سند چشم‌انداز را «نقشه راه حقیقی پیشرفت» کشور دانستند و نظارت بر برنامه‌ها و جهت‌گیری‌های سازمانها و دستگاهها را برای تشخیص انطباق آنها با سند چشم‌انداز و رصد میزان تحقق اهداف این سند، کاملا ضروری دانستند.(۲/۶/۸۷)

۲۲- توجه به سیاست‌های کلی اصل۴۴ : از زمانی که رهبر معظم انقلاب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ را به دولتمردان نهم اعلام نموده‌اند تاکیدات فراوانی بر لزوم توجه به این سیاست‌ها و اجرای صحیح آنها داشته‌اند. بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری، دولت موظف است سیاست‌های اصل ۴۴ را بر اساس شکوفایی اقتصادی همراه با عدالت به پیش ببرد. یعنی همان سخن مقام معظم رهبری در مورد لزوم همراه سازی پیشرفت وعدالت. هدف معظم‌له این است که نیروهای مردمی در اقتصادکشور دخیل شوند که هم مساله سرمایه‌گذاری بخش خصوصی صورت گیرد و هم برقراری عدالت و یکسان سازی فرصت‌ها و امکانات برای عامه مردم. بنابراین آنچه دولت نهم باید مورد توجه قرار دهد این مساله است. مقام معظم رهبری در دیدار اخیر خود نیز اجرای صحیح و کامل سیاستهای اصل ۴۴ را زمینه‌ساز تحولی همه جانبه برشمردند و پیگیری جدی این سیاست‌ها را خواستار شدند.(۲۶/۸۷)

۲۳- حل معضل گرانی: از دیگر تاکیدات راهبردی رهبر معظم انقلاب به دولت‌نهم، حل معضل گرانی و جلوگیری از تورم است. معظم‌له در دیدار(۴/۶/۸۶) ضمن اعلام اینکه مساله‌ی گرانی‌ها باید به صورت ریشه‌ای حل شود معتقدند: «منتها کارهای ضربتی هم باید انجام داد. بالاخره نمی‌توان نشست تا این کارهای بنیانی، یک روزی به نتیجه برسد؛ نه. واقعا یک فکری بکنید؛ کاری بکنید.» ایشان در همین دیدار نسبت به گفتن برخی از حرف‌های نسنجیده که سبب تورم می‌شود به صورت جدی اخطار می‌دهند که باید از این حرف ها جلوگیری نمود. در دیدار (۹/۷/۸۵) نیز رهبر معظم انقلاب از گرانی‌های لجام گسیخته انتقاد نمودند و تلاش دولت را جهت حل این مساله خواستار شدند.

۲۴- رفع‌مظلومیت از فرهنگ: انتظار مقام‌معظم‌رهبری از دولت اصول‌گرای نهم در باب توجه به فرهنگ بسیار جدی است. ایشان در دیدار با اعضای هیأت دولت در (۴/۶/۸۶) فرمودند: «واقعاً مسأله‌ی فرهنگ را دست کم نگیرید. خیلی از مشکلات جامعه‌ی ما با فرهنگ سازی حل می‌شود.» ایشان در همین دیدار به مساله فرهنگ‌عمومی اشاره نموده و می‌فرمایند:«از جمله کارهایی‌که مسئوولین فرهنگی دولت خیلی باید به آن بپردازند و واقعاً یک دقیقه را در آن فروگذار نکنند، این است که به فرهنگ عمومی جامعه وابزارها و وسائل فرهنگی، جهت ارزش بدهند. چون تلاش زیادی شده تا جریانهای فرهنگی و عاملهای فرهنگی- هنر و ادبیات و شعر و سینما و بقیه- در جهت غیرارزشی حرکت کنند و راه بیفتند.» رهبر معظم انقلاب طی بیانات دیگری هم بر مساله رفع مظلومیت از فرهنگ، مهندسی فرهنگی و سنجیدن تمامی طرح‌ها، برنامه‌ها، قوانین و ...بر مبنای فرهنگ اسلامی تاکید نموده‌اند.

احمدی نیشابوری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن احمدی نیشابوری فرزند مرحوم آیت‌اللّه حاج سید نوراللّه نیشابوری داماد بزرگ مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی فاضل نیشابوری رحمه‌اللّه علیهم اجمعین می‌باشد. آن مرحوم در نیشابور شهر تاریخی استان خراسان به دنیا آمده و پس از گذرانیدن دوران کودکی و خواندن اولیات به تحصیل علوم عربی پرداخته و مقدمات و سطوح اولیه را در نیشابور و مشهد خوانده سپس هجرت به اعتاب عالیات نموده و سالها در اعتاب مقدسه نجف اشرف و کربلاء معلی اقامت و از محضر آیات عظام بهره‌مند شده و پس از آن به ایران برگشته و در مشهد مقدس متوطن و به وظائف دینی و روحی تا حد خود اشتغال داشته و آنچه را که داشته به آن عمل نموده و در دوران اقامتش در مشهد مقدس مانند اقامتش در نجف اشرف در ظهر و شام موفق به نماز در حرم مطهر و به گفتن اذان بلند اعلام وقت فریضه می‌نمود.

نگارنده گوید: گرچه در اوساط علمی به علم مشهور نبود ولی نزد همگان به داشتن تقوی و ورع و اعمال صالحه معروف و موصوف بود و هر کس او را می‌شناخت به پاکی و بزرگواری می‌شناخت و پس از رحلتش هم او را به خوبی یاد و برای او طلب مغفرت می‌نماید.

در قضاء حوائج مؤمنین سعی بلیغ داشت و از بعضی ثقات و وابستگانش شنیدم دارای تألیفات متشتت و مخطوط بود و با بیت مرحوم آی اللّه العظمی حاج سیدمحمود حسینی شاهرودی نسبت سببی داشت و از محضر آن بزرگوار هم در نجف استفاده نموده بود. وی در حدود هفتاد سالگی در روز میلاد مادرش حضرت فاطمه زهرا علیهاسلام روز بیستم جمادی‌الثانی ۱۴۱۱ قمری در مشهد مقدس درگذشت و در مشهد و قم و نیشابور مجالس بسیاری برای بزرگداشت او برگزار شد و عموما برای ارتحال او ابراز تاثر می‌نمودند.

فرزندان صالح و دانشمندی دارد که در مشهد و حوزه علمیه قم اشتغال به تحصیل دارند و خاطره آن پدر را زنده می‌دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

احمدی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد احمدی

محل تولد : ملایر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۲/۶/۱۵

دکتر احمداحمدی متولد ۱۵/ ۱۲/ ۱۳۱۲ اهل ملایر در خانواده ای کشاورز به دنیا آمد. جامع المقدمات را در روستای زادگاه خویش خواند. سپس در سال ۱۳۳۱به مدت پنح سال تا نیمه سطح را در شهرستان بروجرد فرا گرفت و در سال ۱۳۳۶ به حوزه علمیه قم رفت و دروس تفسیر و فلسفه اسلامی را از محضر استاد علامه طباطبایی و نیمه دوم سطح را در خدمت آیات عظام سیدمحمدباقر طباطبایی سلطانی، فکور (رحمهم االله)، نوری همدانی و مشکینی مدظلهما. دروس خارج را از محضر آیات عظام بروجردی، امام خمینی (ره)، نجفی مرعشی، محقق داماد، (رضوان الله علیهم) تلمذ کرد.

همزمان با تحصیل در قم دکترای فلسفه غرب را از دانشگاه تهران گرفت و از سال ۱۳۵۳ تاکنون عضو گروه فلسفه دانشگاه تهران است. دکتر احمدی در اوائل دی ماه ۱۳۶۰ به امر حضرت امام (ره) عضو ستاد انقلاب فرهنگی و سپس عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی شد و هم اکنون نیز عضو آن شورا است.

وی از بنیانگذاران اصلی دانشگاه تربیت مدرس است و خود به مدت ۱۴ سال ریاست دانشکده علوم انسانی آنجا را به عهده داشته است. همچنین بخش تربیت مدرس دانشگاه قم در مدرسه دارالشفاء را راه اندازی و تا چند سال اداره کرده است. دکتر احمدی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی برای دانشگاهها (سمت) را در نیمه دوم سال ۱۳۶۴ تاسیس کرد. مسئولیت آن را تاکنون به عهده دارد.

از سال ۱۳۶۳ تاکنون در دانشگاههای مختلف فلسفه تطبیقی در سطح کارشناسی ارشد و دکتری تدریس می کند. از آثار چاپ شده او ترجمه تأملات دکارت و ترجمه کتاب" The Unity of Philosophical Experience "تالیف ژیلسون است که با نام فارسی (نقد تفکر فلسفه غرب) تاکنون شش بار چاپ شده است. از آثار چاپ نشده او ترجمه (تاسیس ما بعدالطبیعه اخلاق) کانت است. دهها مقاله چاپ شده در زمینه های تفسیر و ادبیات و فلسفه و... که بیشتر آنها فلسفی است. کتابی هم در دست تالیف دارد که حاوی نظرات خود او در باب بنیادی ترین مسائل فلسفی و طبعاً بسیاری از مکتبهای فلسفی بویژه فلسفه های غرب را نقادی کرده است .

منابع زندگینامه :مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

احمدی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر سید احمد احمدی تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته کارشناسی روانشناسی در دانشگاه اصفهان آغاز و پس از اتمام آن دوره در مقطع کارشناسی ارشد رشته روانشناسی تربیتی دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۵۲ آن را ب پایان برد. وی برای تکمیل معلومات دانشگاهی به آمریکا عزیمت کرد و در مقطع دکترا رشته راهنمایی و مشاوره در دانشگاه سیراکیوس آمریکا به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۵۹ موفق به اخذ مدرك فوق شد. دکتر احمدی دارای تحصیلات حوزوی نیز است.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه اصفهان می باشد. گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی گرایش : راهنمایی و مشاورهتحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی و دانشگاهی سید احمد احمدی به قرار زیر است: کارشناسی : روانشناسی —۱۳۴۸– دانشگاه اصفهان(رتبه اول) کارشناسی ارشد : روانشناسی تربیتی – ۱۳۵۲ – دانشگاه تهران(رتبه اول) دکترا : راهنمایی و مشاوره — ۱۳۵۹ — دانشگاه سیراکیوس آمریکا تحصیلات حوزوی : تاسطح حوزه علمیه اصفهان فعالیتهای آموزشی : دکتر سید احمد احمدی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه اصفهان می باشد.وی در مقاطع کارشناسی ،کارشناسی ارشد و دکتری به تئریس و امر آموزش می پردازد. ایشان در چندین دوره به ریاست «انجمن مشاورهٔ ایران» و همچنین جزو اعضاء هیئت مدیریه آن آن انتخاب شده است. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سید احمد احمدی از موسسین انچمن مشاورهٔ ایران در سال ۱۳۷۵ است.چگونگی عرضه آثار : دکتر سید احمد احمدی مقالات زیادی را در مجلات معتبر علمی به چاپ رسانیده است. که بالغ بر ۳۱ مورد است.از او نیز ۱۲ مقاله در کنفراسهای علمی ارائه و منتشر شده است.آثار : اصول و روشهای تربیت در اسلام ویژگی اثر : تالیف–اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان. چاپ چهارم۱۳۸۱۲ رفتار درمانی بالینی ویژگی اثر : گلدفریدو دیویسن. (۱۳۷۱). ترجمه: سیداحمداحمدی.تهران نشر دانشگاهی۳ روانشناسی نوجوانان و جوانان ویژگی اثر : تالیف–اصفهان: انتشارات مشعل. چاپ یازدهم ۱۳۸۳۴ صرف ونحو عربی ویژگی اثر : تالیف–اصفهان: انتشارات مشعل. چاپ چهارم۱۳۸۳۵ مبانی مشاوره و راهنمایی ویژگی اثر : گیبسون و میشل. (۱۳۷۴).ترجمه(فصل چهارم): سیداحمداحمدی. تهران انتشارات بعثت ۶ مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره ویژگی اثر : تالیف–تهران: انتشارات سمت. چاپ سوم ۱۳۸۳۷ مقدمه‌ای بر مشاوره و روان‌درمانی ویژگی اثر : تالیف– اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان. ویرایش سوم، چاپ سوم. ۱۳۸۳

احمدی، احمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمدرضا احمدی در سال ۱۳۱۹ در کرمان بدنیا آمد.در کارنامه ادبی چهل و چندساله‌اش، آثار مختلفی در حوزه‌های داستان، شعر

کودک، شعر بزرگسال، دکلمه شعر و... ثبت شده‌اند.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر و نویسندگی

والدین و انساب : جد پدری احمدرضا احمدی ،ثقه‌الاسلام کرمانی، و جد مادری‌اش آقا شیخ محمود کرمانی است. حاج محمدرضا کرمانی از فعالان نهضت مشروطیت در کرمان، دایی مادری احمدی است. پدر وی مصطفی از کارمندان وزارت دارایی و نیز از درویشان حلقه ذوالریاتین بود. خاندان او در این شهر از اعقاب حاج احمد فقیه کرمانی بودند که احوال‌شان در کتاب «تاریخ بیداری ایرانیان» اثر ناظم‌الاسلام کرمانی آمده است.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : احمدرضا احمدی در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۱۹ در کرمان در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود

تحصیلات رسمی و حرفه ای : احمدرضا احمدی تحصیلات ابتدایی را در دبستان کاویانی کرمان و بعد از کوچیدن خانواده‌اش به تهران در سال ۱۳۲۶ در مدرسه‌های ادبی و صفوی تهران و دورهٔ متوسطه را در دبیرستان دارالفنون ناصرخسرو و هدف شماره ۳ طی کرد و در سال ۱۳۴۵ با اخذ دیپلم ادبی از دارالفنون فارغ‌التحصیل شد و دورهٔ سربازی را با عنوان سپاهی دانش در روستای ماهونک کرمان گذراند

هم دوره ای ها و همکاران : نادر ابراهیمی، اسماعیل نوری علاء، مهرداد صمدی، محمدعلی سپانلو، بهرام بیضایی، اکبر رادی، جعفر کوش‌آبادی، مریم جزایری و جمیله دبیری از همکاران احمدی می باشند.

همسر و فرزندان : احمدرضا احمدی تنها یک دختر ۲۱ ساله به نام ماهور دارد که در رشته موسیقی از هنرستان ملی موسیقی در تهران فارغ التحصیل شده است

وقایع میانسالی : احمدرضا احمدی در سال ۴۶ راهی آمریکا شد و مدت یک سال در این کشور مقیم شد. تجربه سفر، شناخت جهان و افقهای تازهتر سبب شد که شاعر در بازگشت یعنی در سال ۴۷ مجموعه «وقت خوب مصائب» را به بازار بفرستد. ناشر این اثر، کتاب زمان بود ؛ناشری که آثار روشنفکرانی چون حقوقی، رحمانی، ابوالحسن نجفی، مصطفی رحیمی و... را منتشر میکرد. احمدی با انتشار این شعرهای سهل و ممتنع جایگاه خود را در شعر ایران تثبیت کرد. احمدی پس از یک سال اقامت در آمریکا به ایران بازگشت و از سال ۴۹ کار در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را انتخاب کرد و تا سال ۷۳ که بازنشسته شد، در همین مؤسسه فعالیت داشت. قابل ذکر است او در سال ۱۳۵۵ همکاری با برنامه رادیویی ظهر روز هفتم را با تهیه‌کنندگی مسعود بهنود در نگارش و قرائت متن پذیرفت. «طرح» نام نخستین دفتر شعر احمدی است. این دفتر زمینه پدید آمدن جریانی را در شعر نو فارسی فراهم کرد که بعدها موج نو نام گرفت

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمدضا احمدی اولین مجموعه شعرش را با عنوان « طرح» در سال ۱۳۴۱ چاپ و منتشر کرد. وی پس از پایان خدمت در گروه صنعتی بهشهر، گروه تبلیغات استخدام شد. مدتی بعد با انتشارات روزن به همکاری پرداخت و سردبیری مجله روزن را بر عهده گرفت. در سال ۱۳۴۹ برای گذراندن دوره‌ای یک ماهه در رشته انیمیشن کودکان راهی آمریکا شد. از مهر همان سال تا ۱۳۵۸ مدیریت تولید صفحه و نوار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را داشت و از سال ۱۳۵۸ با سمت ویراستاری در مرکز انتشارات کانون به کار پرداخت و در سال ۱۳۷۳ بازنشسته شد. هم‌کاری با مجله‌های رودکی، فیلم، گزارش فیلم، جنگ روزن، کلک و نگاه نو از دیگر فعالیت‌های او به‌شمار می‌روند. احمدی هم‌چنین در فیلم‌های «نار و نی» اثر سعید ابراهیمی‌فر و « بانوی اردیبهشت» رخشان بنی‌اعتماد گویندگی و در فیلم «پستچی» داریوش مهرجویی در سال ۱۳۵۱ بازی کرده است. در سال ۱۳۷۸ داور نخستین جشنواره موسیقی پاپ در ایران می‌شود و در سال ۱۳۷۹ داور جشنواره ۲۰ سال شعر و قصه کودک در ایران. در مدتی که مدیر تولید مرکز تهیه صفحه و نوار در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بوده است.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : احمدی در سال ۱۳۴۳ به همراه نادر ابراهیمی، اسماعیل نوری علاء، مهرداد صمدی، محمدعلی سپانلو، بهرام بیضایی، اکبر رادی، جعفر کوش‌آبادی، مریم جزایری و جمیله دبیری گروه ادبی طرفه را با هدف دفاع از هنر موج نو تأسیس کرد. انتشار دو شماره مجله طرفه و تعدادی کتاب در زمینه شعر و داستان از فعالیتهای این گروه است.

آرا و گرایشهای خاص : به عقیده ی احمدرضا احمدی ،شعر چندصد سال پیش، به اعتلای روحی آدم‌ها کمک می‌کرد، ولی الان نمی‌تواند چنین کاری را انجام دهد. به طور کلی فعالیتهای احمدی را می‌توان به ۵ بخش زیر تقسیم کرد: ۱ـ شعر ۲ـ نثر ۳ـ ادبیات کودک ۴ـ نوار کاست و اشعار صدای او ۵ـ سینما: بازیگری.

جوائز و نشانها : در سال ۱۳۸۶ در دومین جشنواره شعر فجر از احمدرضا احمدی به عنوان شاعر برگزیده بخش آزاد تقدیر شد. در سال ۱۳۸۱ ناصر صفاریان در فیلمی با عنوان «وقت خوب مصائب»، به زندگی و آثار این شاعر پرداخت. در بهار خرگوش سفیدم را یافتم، با نقاشی نفیسه ریاحی۷۰(این کتاب ازسوی شورای کتاب کودک کتاب به عنوان کتاب سال برگزیده شد.) «اسب و سیب و بهار» با نقاشی کریم نصر ۸۰ (این کتاب هم برنده انتخاب شورای کتاب کودک شد) از طرف دیگر احمدی شیوه تازهای در شعر نو پیشنهاد میکرد و با چاپ «روزنامه شیشهای» در سال ۴۲ توسط نشر طرفه بهعنوان شاعری آوانگارد شناخته شد

چگونگی عرضه آثار : آثاری ازجمله مجموعه «صدای شاعر» که معرفی شعر معاصر و شعر کلاسیک فارسی بود، مجموعه زندگی و آثار موسیقی‌دانان ایران و جهان، مجموعه آوازهای فولکلور ایران، مجموعه کل ردیف موسیقی ایران، مجموعه بازسازی تصنیف‌های کلاسیک موسیقی ایران و مجموعه قصه برای کودکان را تولید کرده است. احمدرضا احمدی کتاب‌های «پسرک تنها روی برف»، «برف هفت گل بنفشه را پوشانده بود»، «همه‌ی این قایق‌های کاغذی»، «شب دوازدهم»، «خواب دوازدهم»، «چهار مهمان»، «باز هم نوشتم صبح، صبح شد»، «قاصدک و قاصدک‌ها»، «در یک صبح مه‌آلود» و «دیگر شب کامل بود» را نیز برای انتشار نزد ناشران مختلف دارد. --

----

آثار :

۱ ساعت ۱۰ صبح بود(۱۳۸۵)

۲ از نگاه تو زیر آسمان لاجوردی(۱۳۷۶)

۳ اسب و سیب و بهار

ویژگی اثر : با نقاشی کریم نصر ۸۰، (این کتاب هم برنده انتخاب شورای کتاب کودک شد)

۴ تو دیگر از این بوته هزار گل سرخ داری

ویژگی اثر : با نقاشی فردوس ابراهیمی‌فر و مینا ضرابی ۶۸

۵ چای در غروب جمعه روی میز سرد می‌شود(۱۳۸۶)

۶ در بهار پرنده را صدا کردیم، جواب داد

ویژگی اثر : با نقاشی فرح اصولی ۶۹

۷ در بهار خرگوش سفیدم را یافتم

ویژگی اثر : با نقاشی نفیسه ریاحی ۷۰، (این کتاب ازسوی شورای کتاب کودک کتاب به عنوان کتاب سال برگزیده شد.)

۸ در قلمرو ادبیات کودکان: من حرفی دارم که فقط شما بچه‌ها باور می‌کنید

ویژگی اثر : با نقاشی عباس کیارستمی ۱۳۴۸

۹ در قلمرو نثر: حکایت آشنایی من(۱۳۷۷)

۱۰ روزنامه شیشه‌ای

ویژگی اثر : ۱۳۴۳

۱۱ روزهای آخر پاییز بود

ویژگی اثر : با نقاشی فرح اصولی ۶۹

۱۲ عاشقی بود که صبحگاه دیر به مسافرخانه آمده بود(۱۳۷۸)

۱۳ عزیزمن(۱۳۸۴)

۱۴ عکاس در حیاط خانه ما منتظر بود

ویژگی اثر : با نقاشی نسرین خسروی ۶۹

۱۵ قافیه در باد گم می‌شود(۱۳۶۹)

۱۶ کتاب منتخبات(۱۳۸۱)

۱۷ گزیده ادبیات معاصر(۱۳۷۸)

۱۸ لکه‌ای از عمر بر دیوار بود(۱۳۷۲)

۱۹ ما روی زمین هستیم(۱۳۵۲)،

۲۰ من فقط سپیدی اسب را گریستم (۱۳۵۰)،

۲۱ نثرهای یومیه(تجدید چاپ ۸۲)

۲۲ نوشتم باران، باران بارید

ویژگی اثر : با نقاشی فردوس ابراهیمی‌فر ۶۸

۲۳ هزار اقاقیا در چشمان تو هیچ بود (۱۳۷۹)

۲۴ هزار پله به دریا مانده (۱۳۴۶)

۲۵ هفت روز هفته دارم

ویژگی اثر : با نقاشی محمدرضا دادگر ۱۳۶۴

۲۶ هفت کمان هفت‌رنگ

ویژگی اثر : با نقاشی هوشنگ محمدیان ۱۳۶۴

۲۷ همه آن سال‌ها (۱۳۷۱)

۲۸ وقت خوب مصائب(۱۳۴۷)،

۲۹ ویرانه‌های دل را به باد می‌سپارم(۱۳۷۳)

۳۰ یادگاری(۱۳۷۷)

۳۱ یک منظومه دیریاب در برف و باران یافت شد(۱۳۸۰)

احمدی، بابک

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بابک احمدی در سال ۱۳۲۷ در تهران به دنیا آمد و مقیم همین شهر است. تا سال ۱۳۵۲ در دو رشته علوم سیاسی و فلسفه، در ایران

و ایالات متحده آمریکا درس خواند. وی از سال‌های ابتدایی دهه ۶۰ به همکاری با نشریه فیلم پرداخت و در همان سال‌ها گرایش به ترجمه و تالیف متون مربوط به فلسفه و فلسفه هنر را آغاز کرد و آثار فراوانی را در این زمینه به رشته تحریر درآورده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

گرایش : فلسفه هنر

تحصیلات رسمی و حرفه ای : بابک احمدی تا سال ۱۳۵۲ در دو رشته علوم سیاسی و فلسفه، در ایران و ایالات متحده آمریکا درس خواند. او سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ را در لندن و سال‌های بعد تا بهمن ۱۳۵۷ را در پاریس گذرانده است.

فعالیتهای ضمن تحصیل : وی از سال‌های ابتدایی دهه ۶۰ به همکاری با نشریه فیلم پرداخت و در همان سال‌ها گرایش به ترجمه و تالیف متون مربوط به فلسفه و فلسفه هنر در آثار و نوشته‌هایش آشکار شد.

چگونگی عرضه آثار : ترجمه و تالیف متون مربوط به فلسفه و فلسفه هنر از آثار بابک احمدی است. فعالیت‌های اولیه وی بر معرفی فیلمسازان متفاوتی چون روبر برسون و آندری تارکوفسکی گذشت که با انتشار کتاب های«باد هر جا بخواهد می‌وزد، اندیشه‌ها و فیلم‌هایروبربرسون» و «امید بازیافته، سینمای آندری تارکوفسکی» عرضه عمومی‌شد. بعد ها وی به سمت مباحث زیبایی شناسانه و فلسفه هنر روی آورد که نتیجه آن کتاب«از نشانه‌های تصویری تا متن» بود. مدتی بعد وی حاصل درس گفتاری های خود در فلسفه هنر را در کتابی با عنوان «حقیقت و زیبایی، درس‌های فلسفه هنر» از سوی نشر مرکز به بازار کتاب عرضه کرد. احمدی در زمینه مارکس هم علاوه بر واژه نامه فلسفی مارکس کتاب نسبتا حجیم مارکس و سیاست مدرن را تدوین وانتشار داد. همزمان با اوج گیری مباحث مربوط به هایدگر در ایران وی دو کتاب درباره هایدگر نوشت ------------------------

---

آثار :

۱ آفرینش و آزادی،

ویژگی اثر : جستارهای هرمنوتیک و زیبایی شناسی–نشر مرکز

۲ از نشانه‌های تصویری تا متن

ویژگی اثر : مباحث زیبایی شناسانه و فلسفه هنر– نشر مرکز

۳ امید بازیافته،

ویژگی اثر : سینمای آندری تارکوفسکی–نشر مرکز

۴ باد هر جا بخواهد می‌وزد،

ویژگی اثر : اندیشه‌ها و فیلم‌هایروبربرسوننشر مرکز

۵ تصاویر دنیای خیالی،

ویژگی اثر : مقاله هایی درباره سینما–نشر مرکز

۶ چهار گزارش از تذکرةالاولیای شیخ فریدالدین عطار نیشابوری

ویژگی اثر : رویکرد به متنی از ادبیات کهن ایرانی–نشر مرکز

۷ حقیقت و زیبایی، درس‌های فلسفه هنر

ویژگی اثر : حاصل درس گفتاری های بابک احمدی در فلسفه هنر –نشر مرکز

۸ خاطرات ظلمت

ویژگی اثر : درباره سه اندیش گر مکتب فرانکفورت–نشر مرکز

۹ رساله‌ای در تاریخ

ویژگی اثر : در دست چاپ–نشر مرکز

۱۰ ساختار و تأویل‌متن

ویژگی اثر : –نشر مرکز

۱۱ ساختار و هرمنوتیک

ویژگی اثر : –نشر مرکز

۱۲ سارتر که می‌نوشت

ویژگی اثر : –نشر مرکز

۱۳ کار روشنفکری

ویژگی اثر : نقد وارزیابی وی از فضای روشنفکری در ایران است–نشر مرکز

۱۴ کتاب تردید

ویژگی اثر : –نشر مرکز

۱۵ مارکس و سیاست مدرن

ویژگی اثر : احمدی در زمینه مارکس هم علاوه بر واژه نامه فلسفی مارکس–نشر مرکز کتاب نسبتا حجیم مارکس و سیاست مدرن را تدوین وانتشار داد.

۱۶ مدرنیته و اندیشه انتقادی

ویژگی اثر : –نشر مرکز

۱۷ معمای مدرنیته

ویژگی اثر : –نشر مرکز

۱۸ هایدگر و پرسش بنیادین

ویژگی اثر : –نشر مرکز

۱۹ هایدگر و تاریخ هستی

ویژگی اثر : –نشر مرکز

۲۰ واژه‌نامه فلسفی مارکس

ویژگی اثر : –نشر مرکز

منابع زندگینامه :

بانک رسانه ها – روزنامه همشهری ۳۱–۱–۱۳۸۷" زندگینامه : بابک احمدی"

احمدی، حبیب الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حبیب الله احمدی

محل تولد : فریدن اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

بعد از طی مراحل دبستان تا پنجم ابتدایی، در سال ۵۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و بعد از طی مقدمات در حوزه به مدت چهار سال، دروس سطح عالی (رسائل، مکاسب و کفایه) را تا سال ۵۹ و ۶۰ به اتمام رساندم. از سال ۶۱ به مدت ۷ سال در درس خارج اصول و ۱۴ سال در درس خارج فقه شرکت نمودم. همزمان با فقه و اصول حدود دوازده سال در دروس تفسیر و به مدت ده سال نیز در فلسفه از منظومه و اشارات و اسفار شرکت نمودم.

همزمان با شرکت در دروس سطح عالی و خارج، در مدارس حوزه و نیز

مرکز جهانی علوم اسلامی حدود هفت سال تدریس نمودم. موضوعات تدریس شده عبارتند از: فقه، اصول، تاریخ، علوم قرآنی و تفسیر بوده است. از سال ۷۷ شروع به تدریس سطح عالی حوزه یعنی رسائل و مکاسب نمودم و اکنون هم مکاسب و کفایه تدریس می نمایم.

در همین سال شروع به نوشتن نمودم که برخی آثار به صورت مقاله در روزنامه ها و مجله های عمومی و تخصصی منتشر شده اند و برخی دیگر نیز به صورت کتاب منتشر شده اند و برخی هم به صورت دست نوشته باقی مانده اند.

احمدی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حفاظت خاک، دانشکده: منابع طبیعی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

احمدی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن احمدی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ در مشهد مقدس رضوی به عشق علوم اهل بیت عصمت و طهارت (ع) وارد مدرسه حاج آقای موسوی نژاد (حفظه الله) تعالی شدم و طبق برنامه بسیار جالبی که در این مدرسه حاکم بود، درس صرف را مستقیماً از خود ایشان آموختم، ایشان با طرحی بسیار جالب مطالب صرف را دسته بندی و روی تخته آموزش می داد و ما هم می نوشتیم. بدون هیچ کتابی در مدت

کوتاهی در صرف مهارت خوبی پیدا کردیم. بعد از تمام شدن فقط صرف ساده و بعضی کتب جامع المقدمات را مرور نمودیم، و بعد وارد درس هدایه شدیم و بعد صمدیه و سایر کتب ادبیات. بعد از مدت چهار سال دروس ابتدایی و متوسط را اعم از ادبیات، منطق، معانی بیان، اصول الاستنباط، اصول فقه و لمعه را تمام کردم.

در سال پنجم وارد دروس سطح عالی شدم. قطع و ظن رسائل و مکاسب محرمه را در مشهد درس گرفتم. بعد از آن رهسپار قم مقدسه شدم و بیع به بعد را از خدمت حضرت آیت الله استاد احمد پایانی (رحمهٔ الله علیه) و حضرت استاد شیخ مصطفی اعتمادی استفاده نمودم و کفایتین را خدمت استاد گنجعلی خراسانی که خود از شاگردان اسبق همان مدرسه حاج آقای موسوی نژاد در مشهد بوده اند، فرا گرفتم و با مشورت و تشویق خود ایشان و به توفیق الهی با شوق فراوان وارد درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی (از اول اصول) و اصول حضرت آیت الله تبریزی (از استصحاب تا آخر دوره بعد) شدم. همزمان در درس فقه حضرت آیت الله تبریزی (از بحث اوانی در طهارهٔ) شرکت نمودم و هر روز بعد از درس در جلسات خصوصی سوال و جواب در منزل حضرت آیت الله تبریزی شرکت نموده و از آن مباحثات و سوال و جوابها استفاده ها نمودم.

بعد از اینکه چند سال درس خارج رفتم به اتفاق چند نفر از دوستان که از فضلا می باشند از یکی از شاگردان اسبق حضرت آیت الله تبریزی جناب حجت الاسلام والمسلمین محمد تقی شهیدی (حفظه الله) خواهش نموده و یک درس با محوریت کتاب بحوث فی علم الاصول شهید آیت الله صدر، درس خارج خصوصی که بیشتر صبغه مباحثه و جواب و اشکال داشته باشد را شروع نمودیم که تا سال ۸۳ ادامه داشت و پایان یافت. در خلال بحث های اصول و فقه از تحصیل فلسفه هم بی بهره نبودم و کتاب منظومه سبزواری را خدمت استاد نکونام آموختم. کتابهای نهایه، بدایه و اسفار، اشارات، شوارق و حتی بعضی بحثهای شفا را مطالعه نموده ام.

حدود ۱۰ سال است که تدریس در بعضی از مدارس و به صورت منظم در مدرسه حضرت آیت الله گلپایگانی را شروع کرده ام. در این خلال اصول فقه، روضه، حلقات شهید صدر و خصوصا حلقه ثالثه رسائل اعم از قطع و ظن، برائت و استصحاب و مکاسب را تدریس نموده ام و هم اکنون نیز مشغول تدریس قطع و ظن در مدرسه مبارکه آیت الله گلپایگانی و حلقه ثالثه در مدرسه مبارکه حجتیه برای طلاب خارج از کشور می باشم.

از سال ۷۵ وارد موسسه دائرهٔ المعارف فقه شیعه شده و تاکنون به همکاری با آنان ادامه داده ام و در این راستا زیر نظر حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی مقالات فقهی زیادی را به رشته تحریر در آورده ام. در آن موسسه به عنوان های سر گروه، مدیر مجله، عضو شورای سرپرستی تحقیقات، دبیر شورای سرپرستی تحقیقات و اخیراً عضو هیئت علمی آن موسسه مشغول انجام وظیفه علمی و حوزوی می باشم.

با بخش مرکز مدیریت خواهران حوزه علمیه به عنوان مصاحبه سطح ۲ و ۳ نیز همکاری دارم. با مراکز مختلف تحقیقاتی از جمله مرکز تحقیقات قوه قضاییه، مرکز جهانی تقریب المذاهب و... همکاری داشته و گاهگاهی مقالات فقهی و اصولی می نویسم .

احمدی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، شاعر، متخلص به احمدی. در شهر خوانسار متولد شد، پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در زادگاه خود نزد شیخ محمد حسن رفیعی و شیخ محمد مهدی فاضل، جهت ادامه‌ی تحصیل به اراک رفت و پس از اتمام دوره‌ی متوسطه و تکمیل دروس علمی و ادبی به تهران آمد و در سال ۱۳۲۴ ش از دانشکده‌ی پزشکی فارغ‌التحصیل گردید، سپس برای گذراندن دوره‌ی تخصصی به خارج از کشور رفت و تخصص گرفت. از آن پس به ایران بازگشت و به استخدام وزارت بهداری درآمد. وی از نوجوانی به شعر و ادب علاقه داشت و نخستین شعر خود را در سیزده سالگی سرود. بیش از پنج هزار بیت از انواع شعر سروده و بیشتر به غزلسرایی علاقه‌مند است. از از سبک شعرای عراقی، به خصوص حافظ پیروی می‌کند و اشعارش در مجلات ادبی به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای خوانسار (۵۶ -۵۳)، سخنوران نامی معاصر (۱۸۵ -۱۸۱ /۱)، فرهنگ سخنوران (۴۶).

احمدی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین احمدی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در تاریخ ۱۳۶۹ بعد از اتمام دفاع مقدس و بازگشت از منطقه کردستان در مدرسه علمیه مبارکه جانبازان مشغول به تحصیل علوم دینی شدم و دوره سطح را تمام و یا بعضاً در درس خارج شرکت میکنم. در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی هم بعضا شرکت می کنم. یک دوره کامل عروهٔ الوثقی را با مطابقت فتواهای مراجع حاضر درس گرفته ام و مدت اندکی به تدریس المنطق مشغول بوده ام و مدتی در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) (حدود ۲سال) دوره عمومی را خوانده ام.

پژوهش و ترجمه عربی به فارسی را تجربه کرده ام و آثاری اندک دارم که بعضاً به چاپ رسیده اند. در خصوص برگزاری کنگره های بین المللی و همایش ها تجربه های زیادی داشته ام و حدودا ۱۰ کنگره و همایش را به عنوان دبیر اجرایی برگزار نموده ام. در مجمع جهانی اهل بیت (ع) مدتی مدیر امور بین الملل و مدتی مدیر امور اجرایی بوده ام و... .

احمدی، حمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید احمدی در سال ۱۳۳۶ در مشهد بدنیا آمد.ایشان دارای مدرک دکتری علوم سیاسی از دانشگاه کارلتون (کانادا)۱۹۹۵-۱۳۷۴ است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران می باشد. گروه : علوم انسانیرشته : علوم سیاسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی حمید احمدی به قرار زیر است: متوسطه: دیپلم رشته ادبی در مشهد(دبیرستان حاج تقی اقا بزرگ) در ۱۳۵۶ کارشناسی (۱۳۶۳) و کارشناسی ارشد علوم‌سیاسی(۱۳۶۷) از دانشگاه تهران دکتری علوم سیاسی از دانشگاه کارلتون (کانادا)۱۹۹۵-۱۳۷۴ پایان‌نامه دکتری: The Politics of Ethnic Nationalism in Iran, Ottawa,Carleton University, Canada, ۱۹۹۵. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : - دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران - مدیر گروه علوم سیاسی (از بهمن ۱۳۷۷ تا فروردین ۱۳۸۲) فعالیتهای آموزشی : دروس ارائه شده توسط حمید احمدی به قرار زیر است: کارشناسی: تاریخ روابط خارجی ایران از قاجار تا ۱۳۲۰ تاریخ روابط خارجی ایران از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ مسائل استراتژی و نظامی معاصر جنبشهای اسلامی معاصر سیاست و حکومت در خاورمیانه خاورمیانه و سیاست بین الملل کارشناسی ارشد: سمینار جنبشهای اسلامی معاصر روابط ایران و جهان سوم سیر تحول حکومت در خاورمیانه جامعه شناسی سیاسی ایران تئوریهای مختلف در روابط بین الملل روابط متقابل کشورهای خاورمیانه فر هنگ، ملیت و قومیت در خاور میانه انقلاب اسلامی ایران و بازتاب آن نقد و ارزیابی نظریه های روابط بین الملل دکترا: سیاست خارجی ایران جامعه شناسی سیاسی ایران(جنبشهای اجتماعی) جامعه شناسی سیاسی ایران(جامعه مدنی و دموکراسی) جامعه شناسی سیاسی ایران(ناسیونالیسم، هویت ملی و قومیت) ایران و خاورمیانه عربی ایران و همسایگان نقد و ارزیابی نظریه های روابط بین الملل چگونگی عرضه آثار : - تعداد مقالات تالیفی بزبان فارسی : بیش از ۴۱ مقاله - تعداد مقالات ترجمه بزبان فارسی :بیش از ۷ مورد - تعداد مقالات به سایر زبانها: عربی : ۳ مورد انگلیسی :۱۲ مورد - تعداد مقالات ارائه شده در کنفرانسهای داخلی: ۲۲ مورد - تعداد مقالات ارائه شده در کنفرانسهای خارجی : ۱۷ مورد - راهنمایی و مشاوره پایان نامه های کارشناسی ارشد و دکتری : بیش از ۴۸ مورد آثار : ۱ اسرار سقوط شاه و گروگانگیری ویژگی اثر : نام اصلی: بخش هایی از کتاب The Power and Principle مترجم: دکتر حمید احمدی ۲ اسرار کودتا: اسناد محرمانه CIA در باره عملیات سرنگونی دکتر مصدق ویژگی اثر : نام اصلی:Clandestine Service History: Overthrow of Premier Mossadeq of Iran نویسنده: Donald N. Wilber مترجم:دکتر حمید احمدی ناشر: نشرنی، تهران سال نشر:۱۳۷۹، قیمت ۱۱۰۰ تومان این کتاب ترجمه اسناد تازه انتشار یافته سازمان اطلاعاتی امریکا است که در ژوئن ۲۰۰۰ از سوی وزارت خارجه امریکا منتشر شد. در این گزارش که مهمترین سند مر بوط به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است، چگونگی طراحی کودتا توسط سرویس اطلاعاتی انگلستان و سازمان سیا با جزئیات کامل به بحث گذاشته شده است. این کتاب برای نخستین بار ابعاد ناشناخته عملیاتی کودتا و نیز نیروها و افراد داخلی و خارجی درگیر در ان راافشا می کند. کتاب شامل تحلیل اصلی دونالد ویلبر مسئول بخش عملیات روانی کودتا و استاد مسائل ایران معاصر ، و نیز اسناد چهار گانه پیوست است. در این اسناد طرح اولیه کودتا و ابعاد نظامی کودتا و توافق نهایی برای حل مساله نفت ایران ارائه شده است. مارک گازیورسکی پژوهشگر امریکایی مسائل ایران و متخصص کودتای ۲۸ مرداد مقدمه ای بر کتاب نوشته است. حد اقل ۲ ترجمه دیگر از این اسناد صورت گرفته است اما این کامل ترین و صحیح ترین نسخه محسوب می شود چرا که مترجم از طریق مشورت با گازیورسکی و سایر منابع نام کامل و صحیح افراد ایرانی درگیر در کودتا را، که در نسخه سیا به دلایل به خطر افتادن احتمالی جان و مال انها حذف شده است، پیدا کرده و در زیر نویس های خود در باره انها توضیح داده است. سایر ترجمه با افزودن مقدمه های گونا گون و درج مطالب اضافی خارج از اسناد سال ۲۰۰۰، تلاش کرده اند ترجمه های خود را پر حجم ترو کامل تر نشان دهند و بدین شیوه قیمت کتاب را نیز بسیار افزایش دهند. در ترجمه دکتر حمید احمدی، جز مقدمه گازیورسکی و مترجم و متن کامل اسناد سیا، مطلب دیگری افزوده نشده است. ۳ اسلام در انقلاب: جنبشهای اسلامی معاصر در جهان عرب ویژگی اثر : نام اصلی: Islam in Revolution: Hundamentalism in the Arab Wold نویسنده: هرایر دکمجیان (R. Hrair Dekmejia) مترجم:دکتر حمید احمدی ناشر: انتشارات کیهان، تهران سال انتشار: چاپ نخست ۱۳۶۶، چاپ سوم ۱۳۷۷ این کتاب یکی از مهمترین اثار مربوط به بنیادگرایی اسلامی است. هرایر دکمجیان، استاد ارمنی دانشگاه کالیفرنیا با تسلط به زبانهای عربی، فارسی و ترکی استانبولی و زبانهای اروپایی توانسته است متون دست اول مربوط به اسلام سیاسی را بررسی کند. این کتاب

یکی از متون درسـی مربوط به جنبشـهای اسـلامی است. جنبشـهای اسلامی اکثر کشورهای عربی در این کتاب تجزیه و تحلیل شده است. فهرست ۱۸۰ گروه اسـلام گرا نیز در پایان کتاب امده است. دکمجیان با تکیه بر اندیشه های بر جسته ترین متفکران اجتماعی غرب و اثـار مربـوط به تحول تلریخی جوامع اسـلامی یـک چهـارچوب نظری ویژه به نـام نظریه ادواری برای تـبیین ظهور و سـقوط جنبشـهای اسـلام گرا بدست داده است. ۴ ایران- هـویت ،ملیت ،قومیت ویژگی اثر : به کوشـش حمیـد احمـدی۵ ایران: روایـتی که ناگفته ماند ویژگی اثر : نام اصـلی: Iran: the Untold Story نویسنده: محمد حسنین هیکل مترجم:دکتر حمید احمدی ناشر: انتشـارات الهام، تهران سال نشـر: چاپ اول ۱۳۶۲، جاپ ششم ۱۳۶۴ هیکل روزنامه نگار و نویسنده برجسـته مصری پس از سفر به ایران و گفتگو با مقامات انقلاب این کتاب را به رشـته تحریر دراورد. نسخه عربی کتاب به عنوانّ مدافع ایت اللهّ (توپهای ایت الله) در بیروت انتشار یافت و نسـخه انگلیسـی ان با عنوان بالا در نیویورک. هیکل بران است تا با بررسـی تحولات تاریخی ایران پیش از انقلاب در ملی شـدن صـنعت نفت زمینه های ظهور انقلاب اسـلامی را تبیین کنـد. او به مسایل اولیه انقلاب نیز می پردازد و نکات جـالبی پیرامون زنـدگی خصوصـی ایت الله العظمی خمینی و مسایل پشت پرده گرو گانگیری در سـفارت امریکا بیان می کنـد. این کتاب در سالهای ۱۳۶۲-۱۳۶۳ در زمره پر فروش ترین کتابهای ایران بشـمار می رفت. ۶ بلشویـک ها و نهضت جنگل ویژگی اثر : نام اصلی: ۱۹۲۱-۱۹۲۰ The Shameful Intervention: the Soviet Intervention in Iran نویسنده: مویسی پر سیتس (Moisie Persits) مترجم:دکتر حمید احمدی ناشـر: شـیرازه، تهران سال انتشار: ۱۳۷۹ مویسـی پرسیتس پژوهشگر مرکز پژوهشـهای استراتژیـک و مطالعـات بین المللی روسـیه در مسـکو با اسـتفاده از اسـناد محرمانه شوروی جنبه های نا شـناخته مـداخله شوروی در گیلان در ۱۹۲۰ را بررسـی کرده است. این نخستین اثری است که با استفاده از اسناد محرمانه شوروی در باره تحولات ا یران معا صر انتشار یافته است. نوسـنده اصـلی این اثر را از روسی به انگلیسی ترجمه کرد و حمید احمدی انرا از انگلیسی به فارسی بر گرداند ۷ پان ترکیسم: یک قرن در تکاپوی الحاق گری ویژگی اثر : نام اصلی: Pan Turkism: From Irredentism to Cooperation نویسنده: جیکوب لاندو Jacob Landau مترجم:دکتر حمید احمدی ناشـر: نشر نی، تهران سال انتشار: ۱۳۸۲ ، قیمت ۲۸۰۰ تومان با وجود اهمیت ایدوئولوژی پان ترکیسم و اثار ان در تحولات خاورمیانه معاصـر، و بویژه نقش ان در فروپاشـی امـپراطوری عثمـانی، پژوهشـهای چنـدانی در بـاره ان انجـام نشـده است. کتـاب کنونی تنهـا منبع معتبر علمی در جهـا ن پیرامون این ایدئولوژی و جریان سیاسی است. اکثر کسانی که در باره پان ترکیسم مطلب و مقاله نوشـته اند از این کتاب بهره برده اند. جیکوب لاندو اسـتاد و رئیس پیشـین بخش خاور میانه ای دانشگاه عبری بیت المقدس با برخورداری از دانش زبان ترکی، روسی و المانی و با دسترسی به ارشیو های عثمانی، روسیع و المان توانسته است این اثر بی همتا را بنویسد. نویسنده زمینه های ظهور پان ترکیسم، سیر تحول ان و نیز ابعاد گوناگون فعالیت ها، سازمانها و محافل پان ترکیست در عثمانی و سـپس ترکیه نوین را در چندین فصل بررسـی می کنـد. بخش مهم کتـاب نیزبه ظهور دوبـاره پـان ترکیسم در سالهـای پس از فرو پاشـی شوروی و استراتژی و تاکیک های ترکیه برای رسـیدن به ارمانهـا و اهـداف پان ترکی در منطقه مربوط است. مترجم متن تازه ترین بر نامه پان ترکی را که در مقاله مهمترین نظریه پرداز کنونی ان بازتـاب یافته است در پیوست ترجمه خود از کتاب ارائه داده است. ۸ پیامبر و فرعون: جنبشهای نوین اسلامی در مصر ویژگی اثر : نام اصلی: The Prophet and Pharaoh: Muslim Extremism in Egypt نویسنده: ژیل کپل (Jilles Kepel) مترجم:دکتر حمیـد احمدی ناشـر: انتشارات کیهان، تهران سال انتشار: چاپ نخست ۱۳۶۵، چاپ سوم ۱۳۸۲ ژیل کپل نویسـنده و پژوهشـگر برجسـته فرانسوی مسائل اسـلام سیاسی، برای نوشتن این اثر سه سال مطالعه میدانی در مصر داشته است. کتاب یکی از مهمترین اثار مربوط به اسـلام گرایی در مصر معاصر است.کتاب بویژه در رابطه با زندگی و اندیشه های سید قطب و تاثیر این اندیشه ها بر سازمانهای اسـلام گرای رادیکال جهان اسلام از اهمیت خاصی بر خوردار است. کتاب نخست به زبان فرانسه انتشار یافت و سپس به انگلیسی ترجمه شد. ژیل کپل با تسلط به زبان عربی توانسته است تحلیل واقع گرایانه ای از ماهیت جنبشهای بنیـاد گرا ی مصـری نظیر سازمـان ازادیبخش اسـلامی ، جمـاعه المسـلمین و الجهاد و اقـدامات انها بـدست بدهـد. ۹ تاریـخ انقلاب فلسطین ویژگی اثر : نام اصلی: The Politics of Palestinian Nationalism نویسندگان: William Quandt, Fuad Jaber and Ann Mosely Lesch مترجم:دکتر حمیـد احمـدی ناشـر: انتشارات الهام، تهران سال نشـر: ۱۳۶۱ این کتـاب در اواسط دهه ۱۹۷۰ انتشار یافت و یکی از مهمترین اثار مربوط به جنبش ملی فلسـطین بشـمار می رود. نویسندگان کتاب که از جمله برجسته ترین پژوهشـگران مسـاله اعراب و اسـرائیل هسـتند، ابعـاد گوناگون مساله فلسـطین را از جنبه های تاریخی، بین المللی، بین العربی و اقتصادی بر رسـی کرده انـد. کتاب اطلاعات دقیقی پیرامون جنبش مقاومت فلسـطین، سازمانهای ان و اهـداف و گرایشات انها بـدست می دهد. رابطه پیچیده سازمان ازادی بخش فلسـطین و سایر گروههای فلسـطینی با کشورهای عربی از جالب ترین بحث های کتاب می باشـد. ویلیام کوانت نویسـنده اصـلی کتاب دارای اثار مهم دیگری پیرامون مسائل خاورمیانه است و یکی از طراحان عمده طرح صلح کمپ دیوید بشمار می رود. ۱۰ تجدید حیات سیاسی اسلام: از سید جمال تا اخوان المسلمین نام اصلی: قصل سوم کتاب Politica ویژگی اثر : نام اصلی: قصل سوم کتاب Political Trends in the Arab World نویسنده: مجید خدوری مترجم:دکتر حمید احمدی ناشـر: انتشارات الهام، تهران سال نشـر: ۱۳۵۹ ، قیمت ۴۵ ریال. کتاب بخشـی از اثر مهم مجیـد خدوری نویسـنده برجسـته مسـیحی عراقی الاـصل و اسـتاد دانشـگاه جان هاپکینز است. خـدوری در این اثر، جریان احیا طلبی اسـلامی و نو گرایی دینی را از اواخر قرن نوزدهم تا اواسط قرن بیستم بر رسی می کند. این دومین ترجمه حمید احمدی است که در سومین سال دانشجویی اش در ۱۳۵۹ به پایان رسـید. بعد ها دکتر عبد الرحمن عالم در اواسط دهه ۱۳۶۰ شمسی متن کامل کتاب را ترجمه کرد و به نـام گرایشـات سیاسـی در جهـان عرب توسط دفتر مطالعات سیاسـی و بین المللی به چاپ رسانـد. ۱۱ تروریسم صـهیونیستی در فلسـطین اشـغال شده ویژگی اثر : نام اصلی: Human Rights in the Occupied Territories نویسنده: غازی خورشید مترجم:دکتر حمید احمدی ناشـر: امیر کبیر، تهران سال انتشار: ۱۳۶۳ این کتاب که شـرح مستند نقض حقوق بشر فلسطینی ها توسط اسرائیل است، از سوی مرکز پژوهشهای فلسطینی انتشار یافت. نویسنده شیوه های پایمال سازی حقوق فلسطینی های کرانه باختری و نوار غزه را با تکیه بر اسـناد و گزارشات مسـتند بر رسـی می کنـد. حمیـد احمـدی بخشـهایی از این ترحمهرا نیز از منابع عربی بویژه

کتاب" من هم ارهابیون ؟" (تروریست ها چه کسانی هستند؟) به فارسی برگردانده است. علاوه بر این، مترجم گزارش مستندی از قتل عام شاتیلا و صبرا در بیروت در ۱۹۸۲ را نیز همراه با عکسهای این فاجعه علیه بشریترا ترجمه و به کتاب افزوده است. ۱۲ جنگ مخفی در لائوس ویژگی اثر : نام اصلی: Voices From the Plain of Jars نویسنده: Fred Branfman مترجم:دکتر حمید احمدی ناشر: چاپ نخست انتشارات قلم ۱۳۵۹، چاپ دوم نشر نکته ۱۳۶۶ قیمت: چاپ نخست ۱۱۵ ریال، چاپ دوم ۴۲۰ ریال لائوس در جریان جنگ ویتنام موضع بی طرفی در پیش گرفت. اما در اواخر دهه ۱۹۶۰ امریکا برای مقابله با چریک های ویت کنگ ویتنام که به داخل لائوس رخنه می کردند، و به منظور شتاب دادن به پایان جنگ بی طرفی لائوس را نقض کرد و بدون درز این موضوع به مطبوعات به بمبارانهای گسترده بخشهایی از لائوس، به ویژه دشت جار دست زد. بعد ها فرد برانفمن جبر یگار سابق سازمان اطلاعاتی امریکا(سیا) با سفر به لائوس و دشت جار گزارشات نقض بی طرفی و بمبارانهای هوایی امریکا را فاش کرد و این کتاب را انتشار داد. کتاب شامل دو قسمت است: بخش اول تحلیل اوضاع لائوس و نقض بی طرفی ان و چگونگی بمبارانهای امریکا است، و بخش دوم در بر گیرنده خاطرات، نامه ها و نقاشی های اهالی دشت جار و از جمله کودکانی است که در جریان بمبارانها اموال و خویشاوندان نزدیک خود را از دست دادند. ۱۳ ریشه های بحران در خاور میانه ویژگی اثر : دکتر حمید احمدی ناشر: انتشارات کیهان، تهران سال نشر: چاپ نخست ۱۳۶۹، چاپ دوم ۱۳۷۷ کتاب به واقع پایان نامه کارشناسی ارشد حمید احمدی در دانشگاه تهران است که در دانشکده حقوق و علوم سیاسی در ۱۳۶۷ دفاع شد. نویسنده ریشه های ظهور گرایشات سیاسی متضادی را که به کشمکش فلسطین منجر شد بر رسی کرده و سیر تحول این کشمکش را تا جنگ نجست اعراب و اسرائیل تبیین کرده است. این کتاب برای نخستین بار در ایران گفتمان ناسیونالیستی یهودیان را در باره تعلق فلسطین به انها معرفی و نقد و بررسی کرد. ساز و کارهای فروپاشی امپراطوری عثمانی و اغاز کشمکش عربی- یهودی بر سر فلسطین، ناسیونالیسم فلسطین و مراحل گوناگون ان از دیگر بحث های کتاب است. امتیاز مهم کتاب ترجمه و ارئه مهمترین اسناد مربوط به این کشمکش تا سال ۱۹۴۸ به فارسی است که کمبود بزرگی برای پژوهشگران فارسی زبان نا اشنا به زبان انگلیسی اما نیازمند به ترجمه فارسی این اسناد بود. در مجموع ۴۱ سند مهم در این رابطه در کتاب بدست داده شده است. ۱۴ سیا و جعل اسناد: گوشه هایی از مداخلات سیا در ایران و امریکای لاتین ویژگی اثر : نام اصلی: White Paper, White Wash نویسنده: فیلیپ اگی (Philip Agee) مترجم:دکتر حمید احمدی ناشر: انتشارات کیهان، تهران سال نشر: چاپ اول ۱۳۶۵، چاپ دوم ۱۳۷۱ کتاب یکی از عمده ترین افشا گریها در باره فعالیت های سیا در جهان بویژه امریکای لاتین است. این کتاب در برگیرنده افشاگریهای فیلیپ اگی مامور برجسته سیا بعد از خروج وی ازاین سازمان است. کتاب در برگیرنده شیوه های جعل اسناد به منظور رسیدن به اهداف ویژه در امریکای لاتین است. بخشی از کتاب نیز شیوه های سند سازی سیا در ایران را نشان می دهد. فیلیپ اگی نشان داده است که رد پای این سند سازی جعلی در برخی اسناد افشا شده توسط دانشجویان ایرانی اشغال کننده سفارت امریکا در تهران دیده می شود. ۱۵ سیاست خارجی امریکا در خاور میانه ویژگی اثر : نام اصلی: بخشی از کتاب The Power and Principle نویسنده: زبیگنیو برژینسکی Zbegnieve Brezezinski مترجم:دکتر حمید احمدی ناشر: نشر سفیر، تهران سال نشر: ۱۳۶۹ این کتای به واقع تبیین سیاست خاور میانه ای امریکا در دوران جیمی کارتر در سالهای نیمه دوم دهه ۱۹۷۰ است. برژینسکی در این اثر ضمن تشریح دقیق سیاست های دولت کارتر در باره خاور میانه بویژه کشمکش تاریخی اعراب و اسرائیل بر سر فلسطین، چگونگی تدوین استراتژی صلح از سوی امریکا برای اشتی مصر و اسرائیل را مورد بحث قرار می دهد. یکی دیگر از نکات مهم کتاب شرح جزئیات چگونگی دعوت از سادات و بگین رهبران مصر و اسرائیل به کمپ دیدید امریکا و راه دشوار گفتگوی میان انها و چگونگی تصویب توافق نامه کمپ دیوید در ۱۹۷۹ است. ۱۶ سیری در اندیشه حزب بعث در جهان عرب ویژگی اثر : ناشر: جهاد خارج از کشور دکتر حمید احمدی سال انتشار: ۱۳۵۹، تهران حمید احمدی در این اثر کم حجم سیر اندیشه های حرب بعث را از اغاز تا دهه ۱۹۸۰ مورد بررسی قرار می دهد. زمینه های اجتماعی-سیاسی و اقتصادی جهان عرب در استانه ظهور حزب، اصول ایدئولوژیک و بر نامه های حزب، اختلافات و انشعابات داخلی و بین العربی و ساختار تشکیلاتی حزب از جمله موضوعات بررسی شده این کتاب است. حمید احمدی این اثر را در سال سو م تحصیلی خود در دانشگاه تهران نوشت. ۱۷ شریعتی در جهان: نقش دکتر علی شریعتی در بیدارگری اسلامی از دید اندیشمندان خارجی ویژگی اثر : نویسندگان: مجموعه نویسندگان (براد هانسن، یان ریشار، مارسیا هرمانسن، یروانـد ابراهامیان، حامد الگار، عبدالعزیز ساشه دینا، شاهرخ اخوی، دکتر عبیدی، و..) ...تدوین و ترجمه:دکتر حمید احمدی ناشر: شرکت سهامی انتشار، تهران سال انتشار: چاپ نخست ۱۳۶۶، چاپ پنجم ۱۳۸۰ کتاب ترجمه مهمترین مقالات نویسندگان خارجی در باره اندیشه های دکتر علی شریعتی به زبانهای انگلیسی، فرانسه و عربی است. این مقالات در فاصله سالهای ۱۹۸۶-۱۹۷۸ نوشته شده است. در این مقالات جنبه های گوناگون اندیشه شریعتی پیرامون تحولات اجتماعی، تشیع، زن و تاثیر و بازتاب اندیشه های وی در مناطق گوناگون جهان بررسی شده است. یکی از نویسندگان نیز نفوذ اجتماعی و فکری شریعتی را با جلال ال احمد و صمد بهرنگی مقایسه کرده است. مترجم در پیوست نیز فهرستی از ترجمه اثار شریعتی به زبانهای گوناگون جهان را گنجانده است. ۱۸ عقاب و شیر: تراژدی روابط ایران و امریکا ویژگی اثر : نام اصلی: The Eagle and the Lion: the Tragedey of Us-Iranian Rerlations مترجم: دکتر حمید احمدی نویسنده: جیمز بیل (James A. Bill) ناشر: قرداد با نشر سفیر ۱۳۶۹، اما چاپ نشد قرارداد ترجمه این کتاب با نشر سفیر بسته شد و مترجم (حمید احمدی) متن ترجمه را در سال ۱۳۶۹ به ناشر تحویل داد. متن ترجمه حروف چینی و صفحه بندی و اماده چاپ شد که مترجم برای ادامه تحصیل دوره دکتری خود عازم کانادا شد.متاسفانه نشر سفیر کتاب را به چاپ نرساند و به علت اختلاف درونی حتی متن حروف چینی اثر و فیلم و زینک ان نیز پس از ۵ سال به مترجم تحویل نشد. مترجم هیچ مبلغی نیز بابت ترجمه ان دریافت نکرد. بس از اصرار و پی گیری های مکرر مترجم، ناشر ازطریق یکی از شرکای پیشین نیمی از زینک را در اختیار مترجم قرار داد ولی از وجود یقیه اظهار بی اصلاعی کرد. در هنگام تحصیل مترجم در خارج دو مترجم دیگر این اثر را ترجمه و چاپ کردند. طرح موضوع با یکی از مقامات بلند پایه وزارت ارشاد نیز به نتیجه نرسید. ترجمه فارسی اثر حدود ۹ ماه به طول انجامید و حدود ۸۰۰

صفحه می شـد. ۱۹ فرهنگ علوم سیاسـی اکسـفورد ویژگی اثر : نام اصـلی: Oxford Dictionary of Politics نویسنده: سر ویراستار Ian Maclin و مجموعه نویسـندگان مترجم:دکتر حمید احمدی ناشـر: نشر میزان، تهران ۹۵۰ صفحه سال انتشار: ۱۳۸۲، قیمت ۷۰۰۰ تومـان فرهنـگ علوم سیاسـی اکسـفورد درمیـان سایر فرهنگ های علوم سیاسـی جهان نظیر فرهنگ وبستر، از بیشترین اعتبار بر خوردار است. این فرهنگ نه تنها اصـطلاحات علوم سیاسـی به مفهوم خاص ان، بلکه اصطلاحات گسترده تر عمده حقوق، جامعه شاسـی و اقتصاد را نیز در بر می گیرد. فرهنگ علوم سیاسی اکسـفورد تنها به ارائه معنی اصطلاحات بسنده نمی کند، بلکه با توضیحات گسترده انها به یک دانشنامه (دایره المعارف) علوم سیاسی تبدیل شده است. بر جسته ترین اساتید علوم سیاسی انگلستان و بر خی دانشـگاههای دیگر جهـان در نوشـتن واژه هـای تخصصـی این فرهنـگ مشـارکت کرده انـد. از انجا که متن انگلیسـی این فرهنگ نیز در ایران انتشار یافته است، ترجمه فارسـی ان می تواند راهنمای خوبی برای فرا گیری زبان تخصصی و ترجمه متون برای دانشجویان علوم اجتماعی محسوب شود. ۲۰ قومیت و قوم گرایی در ایران: افسانه و واقعیت ویژگی اثر : نام اصلی: The Politics of Ethnic Nationalism in Iran دکتر حمیـد احمـدی ناشـر: نشـر نی، تهران سـال انتشار: چاپ نخست ۱۳۷۸، چاپ سوم ۱۳۸۲ کتـاب در واقع پایـان نـامه دکتری علوم سیاسـی حمیـد احمـدی است که در ۱۹۹۵ در دانشـگاه کـارلتون در کانادا دفاع شـد. نویسـنده با افزودن مطالب تازه و روز امد کردن ان بر گردان فارسی انرا به خوانندگان ایرانی ارائه داد. این نخستین اثر جامع در باره سیاسـی شـدن مسایل زبانی و مذهبی در ایران معاصـر است. نویسـنده ضـمن بحث نظری پیرامون مفاهیمی جون ملت، ناسـیونالیسم، گروه قومی، ناسـیونالیسم قومی و بسـیج قومی، ره یافت های غیر بومی بر امـده از بستر های تاریخی غربی را نقد کرده و چهارچوب نظری ویژه خـود را برای تـبیین سیاسـی کردن مسایـل قـومی در ایران ارائه داده اسـت. این چهـارچوب نظری در رابطه بـا تحولاـت کردسـتان، اذربایجان و بلوچسـتان ایران به کار گرفته شـده است. کتاب از ابعاد گوناگون از سوی خوانندگان و پژوهشـگران ایرانی مورد بررسی قرار گرفته است. ۲۱ مها جمان سرحد: رویارویی نظامی انگلستان با سرداران بلوچ ایرانی ویژگی اثر : نام اصلی: The Raiders of Sarhad نویسـنده: ژنرال رجینالـد دایر Regionald Edward Harry Dyer مترجم: دکتر حمیـد احمدی ناشـر: نشـر نی، تهران سال انتشار: چاپ اول ۱۳۷۸، چاپ دوم ۱۳۸۳ این کتـاب یکی از کم نظیر ترین اثـار اوایل قرن بیسـتم در باره بلوچستا ن ایران است. ژنرال دایر در سال ۱۹۱۶ از سوی دولت هند بریتانیا ما موریت یافت به بلوچستان ایران رفته و با نیروهای خود و نبروهای محلی ، سردارن بلوچ طرفدار ا لمان را به طرفداری از خط مشی انگلستان تشو یق کند و بدین شیوه جلوی رخنه نیروهای ا لمانی به افغانستان و هند را بگیرد. دایر در سال ۱۹۲۱ خاطرات خود از این ماموریت را در لندن به چاپ رساند. اکثر نویسندگان و خوانندگان ایرانی و خارجی از وجود چنین کتابی اگاهی نداشته اند. دایر در این کتای چگونگی ورود به ایران، برخوردهای اولیه و سپس رویارویی نظامی با سردارن بلوچ ایرانی را بیان می کند. یکی از بحث های جالب و نا شناخته کتاب چگونگی نبرد بر سر شهر خـاش و نـابودی قلعه کهن ان توسـط نیروهای انگلیسـی است. خاطرات دایر داده های جالب و سودمنـدی در باره اوضاع بلوچسـتان ایران در دسـترس خواننـدگان ایرانی می گـذارد. ۲۲ ناسـیونالیسم، سوسـیالیسم و کمونیسم در جهـان عرب ویژگی اثر : نـام اصـلی: بخشـی از کتـاب Political Trends in the Arab world نویسـنده: مجیـد خـدوری مترجم: دکتر حمیـد احمـدی ناشـر: انتشـارات الهام، تهران سال انتشار: ۱۳۶۰ این کتـاب ترجمه بخش مر بوط به انـدیشه های ناسـیونالیستی، سو سـیالیستی و کمونیستی جهان عرب در کتاب جریانهای سیاسـی در جهان عرب نوشـته مجید خدوری اسـتاد دانشگاه جان هاپکینز است. خدوری ریشه های جریانهای گوناگون ناسـیونالیستی عرب را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. گذشـته از این، کتاب یکی از مهمترین منابع مربوط به تبیین ریشه های انـدیشه ها و گرایشات سازمانی سوسـیاایستی و کمونیستی در کشورهای عربی است. انـد یشه های برجسـته ترین اندیشـمندان ناسونالیسم عرب از جمله ناصریسم، بعثیسم و ناسیونالیسم منطقه ای (مصری و سوری) در این کتاب تشریح شده است. همین بحث در رابطه با اندیشمندان سو سیالیست و مارکسیست–لنینیست عرب نیز دنبال شده است. این سومین ترجمه حمید احمدی است که در سومین سال دانشجویی اش در ۱۳۵۹ به پایان رسید.

احمدی، ذکرالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ذکر الله احمدی

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ذکرالله احمـدی در سال ۱۳۵۳وارد حوزه علمیه آیـهٔ الله بروجردی کرمانشاه شده و پس از آشـنائی با ادبیات، صـرف و نحو در حد جامع المقدمات، سیوطی، مغنی و حاشیه ملاعبدالله در منطق به حوزه علمیه قم هجرت کرده و به تحصیل ادامه داده و سطوح عالیه را از محضر اساتید گرانقدر به پایان رسانده، سپس در دروس خارج فقه و اصول مراجع و اساتید بزرگ شرکت جسته و فلسفه را در حد شرح منظومه از محضر آیهٔ الله محمدی گیلانی و آیهٔ الله انصاری شیرازی تلمذ نمودم.

در دور سوم مجلس خبرگان رهبری از سوی مردم استان کرمان به عنوان نماینده انتخاب و به مدت هشت سال ادامه داشته است.

احمدی، رمضانعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر رمضانعلی احمدی متولد سال ۱۳۱۸ ه.ش دارای دکتری رشته گیاه پزشکی و عضو هئیت علمی دانشگاه شیراز با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات و آثاری پیرامون تاثیر افت سن برجو و سرو مزارع گندم بهاره می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر رمضانعلی احمدی دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه فردوسی مشهدو کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه فردوسی مشهد و کتری رشته گیاهپزشکی از دانشگاه کالیفرنیا می باشد.خاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته گیاه پزشکی و اخذ مدرک دکترای آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر رمضانعلی احمدی بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر رمضانعلی احمدی در کنار تحصیل به مطالعه ، پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : دکتر رمضانعلی احمدی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاه پزشکی به عضویت هئیت علمی گروه گیاه پزشکی در دانشکده کشاورزی درد انشگاه شیراز درآمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به انجام خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر رمضانعلی احمدی عضو هئیت علمی و دانشیار گروه دامپزشکی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه شیراز است.فعالیتهای آموزشی : دکتر رمضانعلی احمدی سالهاست که به عنوان عضو هئیت علمی گروه گیاه پزشکی در دانشگاه شیراز به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشکی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر رمضانعلی احمدی در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : دکتررمضانعلی احمدی از جمله گیاه پزشکانی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره تاثیر آفت سن برجود و سر و مزارع گندم بهاره انجام داده است.آثار : تاثیر آفت سن بر جود و سر و مزارع گندم بهاره

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com

احمدی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی احمدی

محل تولد : قصر شیرین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی احمدی فرزند محمد به شناسنامه ۵۱۷ به سال ۱۳۵۵در قصر شیرین استان کرمانشاه متولد شدم. پس از گذراندن دوران ابتدایی و راهنمایی و دو سال از دبیرستان نظام قدیم در سال ۱۳۷۲وارد حوزه علمیه قم شدم.

پس از اتمام تحصیلات سطح ۱ حوزه در سال ۱۳۷۸به کارهای پژوهشی روی آوردم. نگارش ۴ کتاب مستقل و بیش از ۴ کتاب به صورت گروهی حاصل این سالها می باشد. البته در زمینه های دیگر هم که با نویسندگی مرتبط است فعالیت داشته ام از جمله تصحیح و مقابله، ویرایش و آموزش، هم اکنون هم چندین طرح پژوهشی در دست کار دارم که برخی در مرحله تدوین و برخی در مرحله تایپ است.

احمدی، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: گیاه پزشکی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شیراز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

احمدی، قاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قاسم احمدی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب قاسم احمدی دوران تحصیلات ابتدایی را در قم سپری نمودم در رشته اقتصاد و علوم اجتماعی در دبیرستان صدوق قم ادامه تحصیل دادم.

در سال ۱۳۶۴ در حوزه علمیه قم گزینش شدم و در سال ۱۳۶۹ کنار درس حوزوی دوره کارشناسی علوم سیاسی را در دانشکده باقرالعلوم (ع) قم شروع و در سال ۱۳۷۴ به پایان رساندم.

در سال ۱۳۷۵ در گزینش اساتید معارف خبرگان بدون مدرک شرکت کردم و از سال ۱۳۷۶ در دانشگاه علامه طباطبائی تهران شروع به تدریس نمودم. در سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۷۹ در دانشگاه شهید بهشتی تهران تدریس داشتم، در حالیکه در دو دانشگاه فوق به صورت حق التدریس همکاری داشته به درخواست گروه معارف اسلامی وقت دانشگاه آشتیان و معاونت محترم امور اساتید به عنوان مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه آشتیان انتخاب شدم و هم اکنون در این واحد مشغول تدریس و اداره گروه معارف اسلامی می‌باشم و از معاونت محترم امور اساتید و دروس معارف اسلامی دارای مجوز تدریس در دروس انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن اخلاق و تربیت اسلامی هستم.

هم اکنون به عنوان مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه آشتیان مشغول خدمت می‌باشم که در سال جاری از طرف معاونت امور اساتید معارف به عنوان مدیر گروه نمونه معرفی شدم.

احمدی، محمد رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۶۲ در مقطع لیسانس وارد دانشگاه شدم و در رشته الهیات مشغول به تحصیل شدم. همزمان به صورت آزاد در دروس حوزه مبارکه علمیه قم نیز شرکت نمودم. در سال ۱۳۶۶ در مقطع فوق لیسانس رشته علوم قرآن و حدیث ادامه تحصیل دادم. سپس در سال ۱۳۶۸ وارد دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز تهران شدم و در سال ۱۳۷۱ موفق به اخذ فوق لیسانس در رشته الهیات و معارف اسلامی شدم.

در سال ۱۳۷۲ به عنوان پژوهشگر در مرکز تحقیقات اسلامی به کار مشغول شدم و به عنوان مدیر مسئول فصلنامه مربیان و ماهنامه های مکتب جبهه و سرگرمی های آموزشی، به فعالیت علمی و تحقیقی ادامه دادم. در سال ۱۳۷۶ به عنوان معاون پژوهشی مرکز یاد شده گمارده شدم و تا سال ۱۳۷۹ به کار ادامه دادم.

در سال ۱۳۷۹ در مقطع دکتری مدیریت استراتژیک در دانشگاه عالی دفاع ملی پذیرفته شدم و پس از اتمام دروس نظری در سال ۱۳۸۲ به عنوان مدیر گروه پژوهشهای فرهنگی، رفتاری و اجتماعی در پژوهشکده تحقیقات اسلامی مشغول گردیدم. در طی مدت یاد شده علاوه بر سردبیری و مدیر مسئولی نشریات یاد شده، تدوین فیلمنامه های آموزشی در موضوع نماز، ویژه نامه های مختلف و کتابهای متعدد در موضوعات مختلف با اشراف، هدایت علمی و زیر نظر حقیر تهیه شده است.

همچنین پروژه های تحقیقی متعددی زیر نظر حقیر اجرا و نتیجه آن برای استفاده کاربران مربوط گزارش شده. چندین جلد کتاب نیز به طور مستقل تالیف نموده ام و مقالات و جزوات متعددی در موضوعات متنوع با قلم حقیر منتشر شده و اخیراً نیز مجموعه شعری با نام «سلاله هابیل» منتشر نموده ام.

در کنار فعالیت های پژوهشی و تالیفی فوق، در مراکز متعدد آموزش عالی نیز به صورت مدعو تدریس نموده و یا به ایراد سخنرانی علمی و تحلیلی مسائل راهبردی داخلی، منطقه ای و بین المللی پرداخته ام، مانند تدریس در دانشگاه امام حسین(ع)، جهاد دانشگاهی واحد استان قم، تحلیل مسائل راهبردی در شبکه استانی سیمای قم، سخنرانی در دانشگاه شهرکرد، دانشکده آب و برق مشهد مقدس، دوره های طرح ولایت دانشجویان بسیجی، دوره های طرح بصیرت مسئولان و فرماندهان سپاه طرح معرفت هادیان سیاسی بسیج و... . در ضمن بنده در حال حاضر عضو هیات علمی پژوهشی پژوهشکده تحقیقات اسلامی هستم .

احمدی، محمد مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد مهدی احمدی

محل تولد : خمینی شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیدمحمدمهدی احمدی، فرزند سیدابوالفضل، متولد ۱۳۳۲ شمسی، محل تولد: خمینی شهر اصفهان. پدرم از روحانیون موجه و معنون آن خطه بودند و اجداد ما همگی روحانی عالم و مورد اعتماد مردم بودند. حقیر در این خانواده رشد نموده و طبق معمول وارد دبستان شدم.

در آن زمان در بعضی از مدارس صبحها سر صف قرآن قرائت می شد و بعد مراسم دعا انجام می گرفت. معمولا بنده را مامور این کار می کردند و با تلاوت چند آیه از قرآن و خواندن سرود مراسم پایان می یافت. بعد از ظهرها مجدداً کلاس درس برگزار می گردید. یکی از نقاط قوت آن مدرسه این بود که مدیر مدرسه به جهت مذهبی بودن، مراسم نماز جماعت ظهر و عصر را بر پا نموده و همه را مکلف به انجام آن می نمود. حقیر چون از خانواده روحانی بودم به عنوان امام جماعت انتخاب شدم و نماز جماعت را در مسجد نزدیک مدرسه اقامه می نمودم.

بعد از تمام نمودن دوران ابتدایی به جهت علاقه شخصی و نیز محیط خانواده به مدارس علوم دینی و به اصطلاح طلبگی روی آوردم. آغاز تحصیل حدوداً سال ۴۵ ـ ۴۴ بود. ابتدا در همان شهر به مدت یک سال ماندم و بعد به اصفهان آمده و در مدرسه صدر بازار حجره گرفته و مشغول تحصیل شدم. در ضمن دروس جدید مقطع دبیرستان را به صورت شبانه خواندم و دیپلم گرفتم.

هجرت به قم: در حوزه علمیه اصفهان دروس مقدمات سیوطی و شرایع و حاشیه را خواندم. ولی احساس نمودم دروس اصفهان شتاب خاص خود را ندارد و بسیار کند حرکت می کند. اساتید معمولا جدیت خاصی ندارند و بسیار کم درس می دهند. از طرفی تشنگی و نیاز درونی من متناسب با داده ها نمی باشد. لذا بعد از مشورت با چند نفر از اساتید دلسوز تصمیم گرفتم به حوزه علمیه قم هجرت نمایم. لکن موانع زیادی در سر راهم وجود داشت و تقریبا مشوقی در این کار نیافتم بلکه به عکس مخالفت های زیادی می شد.

سال تحصیلی ۴۹ ـ ۴۸ بود که به قم مشرف شدم. در آن زمان مدرسه حقانی از مدارس بسیار منظم و معروفی بود و از طریق امتحان ورودی طلاب را جذب می نمود. من در امتحان شرکت کردم و بعد از قبولی وارد آن مدرسه شدم. اساتید آن مدرسه نوعا از اساتید بزرگ حوزه علمیه قم بودند که اکنون بعضی از آنان از مراجع تقلید می باشند. مدتی در آن مدرسه بودم و بعد از آن مدرسه بیرون آمدم و در مدرسه دارالشفاء حجره ای گرفتم و تا سال ۵۴ در آن مدرسه بودم. اساتید مقطع تحصیل سطح: هر چند حقیر اساتید متعددی در این مقطع داشتم لکن نام بعضی از آنان را اشاره می کنم:

۱. مرحوم آیت الله ستوده که مکاسب را نوعا خدمت ایشان خواندم.

۲. حضرت آیت الله مظاهری اصفهانی که اکنون ریاست حوزه علمیه اصفهان را دارند.

۳. مرحوم آیت الله سلطانی که استاد کفایه بودند و نزد ایشان بخشی از کفایه را تلمذ نمودم.

در سال ۱۳۵۴ به درس خارج راه یافتم و دروس فقه و اصول را نزد اساتید بزرگوار فرا گرفتم. همزمان با آن به جهت علاقه شدید به علوم عقلی دروس فلسفه را نزد اساتید بزرگوار تلمذ نمودم. لازم به ذکر است تا حدود سال ۱۳۷۴ به درس خارج اشتغال داشتم.

اساتید خارج فقه و اصول حضرات آیات: فانی اصفهانی، حائری یزدی، سیدمحمدرضا گلپایگانی، (رحمت الله علیهم) حاج شیخ جواد تبریزی، وحید خراسانی و شبیری زنجانی (دامت برکاتهم). قبلًا اشاره کردم که همزمان با دروس فقه و اصول، فلسفه را نیز فرا گرفتم و دروس بدایهٔ الحکمه، نهایهٔ الحکمه، منظومه، شفا و اسفار را نزد اساتید آموختم. اساتید فلسفه آیات عظام: حسن زاده آملی، جوادی، امینی، انصاری. ضمناً حقیر کتاب فصوص الحکم ابن عربی و بخشی از مصباح الانس را نزد حضرت آیت الله حسن زاده تلمذ نمودم.

احمدی، محمدابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ابراهیم احمدی

محل تولد : روستای یام

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۹/۵

زندگینامه علمی

در نیمه دوم سال ۱۳۶۲ در تهران، دروس طلبگی را شروع کردم. بحمدالله تعالی ۷ – ۹ نفر از بستگانم (ازجمله پدر بزرگ ها، دایی و پسردایی ام) روحانی بوده و هستند. در اسفند ۱۳۶۷ معمم شدم و در نیمه دوم ۱۳۶۸ متأهل گردیدم.

از همان دوران نوجوانی به مطالعه کتاب به ویژه داستان و شعر علاقه داشتم که بحمدالله تعالی با ورود به حوزه علمیه، به مطالعه کتاب و گوش دادن به نوارهای سخنرانی، بیشتر اهمیت می دادم، چنان که در برخی از کتابخانه های تهران عضو شده و در اوقات فراغت، به کتابخانه های چهل ستون، ملک، پارک شهر، مجلس شورای اسلامی بهارستان و غیره می رفتم. از سال ۱۳۶۵ به این

نتیجه رسیدم که علاوه بر مطالعه و نگارش مطالب مهم کتابها، مجلات، روزنامه ها و سخنرانی ها (نوار و زنده) می باید به خریدن کتاب هم بپردازم، لذا از آن سال تاکنون بخشی از شهریه و درآمدم را به خرید کتاب اختصاص داده ام و کتابخانه شخصی ام، حدود سه هزار کتاب در موضوعات گوناگون دارد.

از آذرماه ۱۳۶۹ به نگارش مقاله روی آوردم که نخستین مقاله ام با عنوان" کعبه می گرید ".در روزنامه جمهوری اسلامی چاپ شد و از سوی مدیر مدرسه شهید بهشتی و برخی از استادان و دوستان طلبه، مورد تشویق قرار گرفتم. از این روی، هر ماه مقاله یا مقالاتی به روزنامه های جمهوری اسلامی، کار و کارگر، کیهان، اطلاعات، سلام، جهان اسلام، رسالت و ابرار می فرستادم که بحمد الله برخی از آنها چاپ شده است.

در تاریخ ۳ / ۷ / ۱۳۷۲ همراه خانواده ام (همسر و پسر هشت ماهه ام) به شهر مقدس قم مهاجرت کردیم که تا سال جاری، سکونت ما (حقیر، همسر، دو پسر و یک دختر) استمرار داشته است. مهاجرت به قم، غربت، عدم اشتغال، مستأجری و نداشتن شهریه تا سیزده ماه، همگی باعث شد که به پیشنهاد یکی از دوستان طلبه ام، به جمع پژوهشگران پژوهشکده باقر العلوم (ع) وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی ملحق شوم، که این همکاری آزاد و پروژه ای، از آذرماه ۱۳۷۳ تاکنون کم و بیش در قالب های نگارش کتاب و مقاله، تصحیح، ویرایش، ارزیابی و جلسات نقد و بررسی اهل قلم، ادامه دارد.

از خرداد ۱۳۷۸ تاکنون نیز در نشریه فرهنگ کوثر وابسته به آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) به عنوان مصحح همکاری داشته ام و معمولا- مقالاتی از حقیر هم در نشریه چاپ می شود و گاهی هم به ویرایش و ارزیابی برخی از مقالات کوثر هم می پردازم. البته تصحیح کتاب ستارگان حرم از جلد ۶- ۸ و ۱۰- ۱۶ به عهده حقیر بود و حدود دو سال (۱۳۸۲ و ۱۳۸۳) هم در آستانه مقدسه به کتابداری نیز اشتغال داشتم.

شایان توجه است علاوه بر همکاری با پژوهشکده باقر العلوم (ع) و نشریه فرهنگ کوثر، برای برخی از نهادها، مثل: سازمان تبلیغات اسلامی قم و نیز عده ای از نویسندگان، کارهای علمی (نگارش بروشور، داوری مسابقات، ویرایش، تصحیح و ارزیابی کتاب و مقاله) انجام داده ام.

در ضمن، حقیر:

الف) از نه سالگی تاکنون در زمینهٔ برق و الکترونیک، فعالیت و تجارب گوناگونی دارم.

ب) از سال ۱۳۶۲ نیز تا الآن در خصوص مداحی و تعزیه خوانی، فعالیت و ...

ج) از سال ۱۳۶۰ تا کنون، در قالب های مختلف به «سرودن اشعار» پرداخته ام.

د) از سال ۱۳۶۸ تا الان نیز به «طراحی» می پردازم که کاربر آن در امور: تذهیب، قالی، گچبری و غیره است. می توان تعداد این طرح ها، اشکال و نقوش را تا هزار مورد تخمین زد.

ه) در اربیهشت ۱۳۷۲ به مناسبت برپایی نمایشگاه بین المللی کتاب و اختصاص یافتن غرفه ای به نام «سلمان رشدی» از عموم مردم دعوت شده بود که در صورت تمایل و توانایی هنری، در مسابقه حضوری طراحی کاریکاتور شرکت کنند که بحمد الله شرکت کرده و دو طرح کشیدم که در مردادماه ۱۳۷۲دعوتنامه ای برای حقیر نیز ارسال شد تا هیئت داوران از بین کاریکاتوریست های داخلی و خارجی، که امتیاز مناسب را به دست آورده اند نفرات برتر و ممتاز (ظاهراً ۵۳ نفر) را انتخاب کنند و لکن نام حقیر در لیست برگزیدگان نبود.

و) در سال های ۱۳۶۷- ۱۳۷۳ پنج «نمایشنامه و فیلمنامه» نوشته ام که البته نیاز به اصلاحات علمی، هنری و فنی دارد.

احمدی، محمدجعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جعفر احمدی

محل تولد :

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۱/۱

احمدی، محمدمهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدمهدی احمدی (برادر مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ علی‌اصغر شهید حکومت بعث) فرزند مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی شاهرودی است. در سال هزار و سیصد و هفت (۱۳۰۷) هجری شمسی در روستای مغز شاهرود به دنیا آمده و پس از خواندن مقدمات در شاهرود در سال ۱۳۲۲ شمسی در سن پانزده سالگی هجرت به قم نموده و در مدرسه فیضه در حجره مرحوم برادر شهیدش مدت چهار سال اقامت و بعد از رفتن ایشان در سال ۱۳۲۴ شمسی به نجف اشرف تا سال ۱۳۲۷ در قم مانده، و بقیه

مقدمات و ادبیات را در محضر اساتید متعدد مانند آیت‌اللَّه حاج آقا رضا صدر و حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی و آیت‌اللَّه مجاهدی و حاج شیخ یوسف شاهرودی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ مرتضی حایری و نیز آیت‌اللَّه سلطانی فراگرفته و در سال ۱۳۲۶ شمسی به اتفاق برادر شهیدش که به ایران آمده بودند به نجف اشرف عزیمت نموده و جلد اول کفایه الاصول را در خدمت مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا حسن یزدی و جلد دوم را در خدمت آیت‌اللَّه حاج سید عبدالاعلی سبزواری خوانده و مکاسب را از محضر مرحوم حاج میرزا احمد اهری و حاج سید محمود مرعشی استفاده نموده و بعدا یک دوره کامل اصول را از محضر آیت‌اللَّه العظمی خوئی بهره‌مند گردیده و مقداری از بحث الفاظ را از مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا محمدباقر زنجانی و نیز مبحث ظن را از آیت‌اللَّه حاج میرزا هاشم آملی آموخته و نیز از ابحاث فقه مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمود شاهرودی (ره) و مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محسن حکیم و مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید یحیی مدرسی یزدی استفاده کرده و بعد از ده سال اقامت به واسطه بروز کسالت به ایران مراجعت و بعد از عمل جراحی در تهران اقامت و حدود بیست سالست که در مدرسه مروی به بحث و تدریس اشتغال دارند و ضمنا چند سالی هم در تهران از محضر مرحومین آیت‌اللَّه خونساری و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدتقی آملی مستفیض شدند و در حال حاضر در یکی از مساجد مرکز شهر اقامه جماعت دارند و گروهی از نماز و تبلیغات ایشان استفاده می‌کنند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

احمدی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی احمدی

محل تولد : عشق آباد طبس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۶/۳۰

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۲ پس از اخذ مدرک سیکل وارد حوزه علمیه قم شدم. سه سال در مدرسه علمیه رسالت تحصیل کرده و سپس به مدرسه امام باقر (ع) رفتم و تا پایه ۶ را در آن مدرسه تحصیل نمودم.تاثیر گذارترین اساتید من در این دوره حجهٔ‌الاسلام والمسلمین قائمی، طاهری، ربانی و قوامی بودند. رسائل و مکاسب را از محضر حجهٔ‌الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود مدنی فراگرفتم. همزمان با تحصیل به تحقیق روی آوردم. تحقیقات خود را از سال ۱۳۷۹ آغاز کردم. محورهای تحقیقاتی اینجانب تا کنون موارد زیر است:

۱- بیوگرافی، بررسی افکار و اندیشه های بزرگان دینی. ۲- سیره اهل بیت (ع). ۳- حقوق زنان در اسلام. ۴- شهید شناسی در حوزه دین.

احمدی، نعمت‌اللَّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته:-، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: علامه طباطبائی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

احمدیان تهرانی، پریچهره

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زراعت و اصلاح نباتات، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زراعت از دانشکده کشاورزی کرج دانشگاه کرج دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۰، کارشناسی ارشد اصلاح نباتات از دانشگاه یوتا آمریکا در سال ۱۳۴۴، دکترای مهندسی در سیتولوژی از دانشگاه اکس- مارسی فرانسه در سال ۱۳۴۷، گذراندن دوره تحقیقاتی در زمینه کشاورزی در استرالیا در سال ۱۳۵۲.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

سیتولوژیک، فرصت مطالعاتی در زمینه سیتوژنتیک در آلمان، فرصت مطالعاتی بیولوژی مولکولی در آمریکا، مقاومت به سرما و مقاومت به خشکی در سطح سلولی حبوبات، مقاومت حبوبات به سموم، تهیه اطلس کروموزومی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۱ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

سیتوژنتیک

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

کشاورزی، سیتولوژی، سیتوژنتیک و بیولوژی مولکولی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

احمدیان، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم احمدیان

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابراهیم احمدیان در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شدم. نخست در مدرسه مرحوم آقای خلخالی (امام صادق علیه السلام) و سپس مدرسه امام خمینی (ره) و آن گاه در مدرسه مرحوم آقای گلپایگانی مشغول شدم.

دوره ادبیات را زیر نظر آقایان طالقانی و مرحوم مدرس افغانی و نیز آقای آدینه وند و علیدوست گذراندم. همزمان در جبهه های جنگ نیز حضور داشتم و این موجب شد تا دوره ادبیات برایم اندکی طولانی شود. استادانم در فقه و اصول عبارت بودند از: آقایان اشتهاردی، پایانی و نامدار .

در سال ۱۳۷۰ به دانشگاه مشهد رفتم و در رشته ادیان و عرفان دوره کارشناسی را طی کردم. سپس در دانشگاه تهران با رتبه یک پذیرفته شدم و دوره را طی کردم. همزمان در درس خارج آقایان مرحوم خاتم یزدی و نیز آیت الله وحیدی شرکت جستم.

احمدیان، عبدالرسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرسول احمدیان

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۷/۱

احمدیان، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۰۰(۱۳۴۰ ق.)، نجف‌آباد.

درگذشت: ۱۸ فروردین ۱۳۶۷(۲۸ ذیقعدهٔ ۱۴۱۷ ق.).

آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی احمدیان نجف‌آبادی پس از گذران دوران کودکی به فراگیری قرآن مجید، ادبیات فارسی و حساب و هندسه پرداخت. در پانزده سالگی به اصفهان رفت و در محضر اساتید وقت به آموختن ادبیات (سیوطی، مغنی، مطول) و حاشیه و معالم همت برگماشت.

سپس به حوزه‌ی علمیه‌ی قم مشرف شد و سطوح را در محضر حضرات آیات شیخ عبدالرزاق قاینی (قوانین)، آیت‌الله نجفی مرعشی، میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و حاج سید مرتضی علوی (شرح لمعه)، آیت‌الله گلپایگانی و حاج سید محمدباقر قزوینی (مکاسب و تفسیر) را فراگرفت و این همه چهار سال به طول انجامید. آنگاه در سال ۱۳۲۰ پس از سقوط رضاخان، عازم بیت‌الله الحرام و زیارت عتبات گردید و در بازگشت، حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف رحل اقامت افکند و باقی مانده سطوح مکاسب و رسائل و کفایهٔ الاصول را نزد آیت‌الله شیخ عبدالحسین رشتی به پایان رساند. پس از آن به درس خارج حضرات آیات عظام سید عبدالهادی شیرازی (فقه و اصول)، سید جمال الدین گلپایگانی (در فقه)، میرزا باقر زنجانی و سید ابوالقاسم خویی (اصول) و سرانجام به درس آقای حکیم حاضر شد و از محضر آنان توشه برگرفت و در کنار آن به تدریس سطوح و تألیفات و تحقیق دست یازید.

ایشان در سال ۱۳۹۳ ق. به ایران آمد و اقامت در قم و تدریس و تألیف را برگزید و آن کار تا پایان زندگی‌اش ادامه یافت.

از آثار وی می‌توان این عنوان‌ها را نام برد:

رسالهٔ فی المکاسب المحرمهٔ؛ رسالهٔ فی الاستصحاب (هر دو رساله از تقریرات درس آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی است)؛ قاعدهٔ الضرر؛ الصحابهٔ الکرام (سه جلد)؛ رسالهٔ فی الخمس؛ رسالهٔ فی القضاء؛ رسالهٔ فی الدیات؛ المعمرون (حدود ۵۵۰ نفر)؛ الاربعون حدیثا؛ شرح کتاب نقد الرجال میر مصطفی تفرشی؛ طبقات مفسرین شیعه (از صدر اسلام تاکنون)؛ کشکول (این کتاب بسیار مفصل بوده و شامل مطالب: تفسیر، منتخب اشعار فارسی و عربی، حل مشکلات بعضی از احادیث، تاریخ، جغرافیا، شرح حال بزرگان و علما و شعرای عرب و عجم و در ۱۵۰۰ صفحه می‌باشد)، حاشیه بر کتاب مسالک الافهام؛ تحقیق و حاشیه بر زبدهٔ التفاسیر ملاـ فتح‌الله کاشانی؛ تعلیقه بر کتاب‌های شیخ صدوق؛ فهرست امالی شیخ؛ فهرست حاشیه مکاسب کمپانی و فهرست اصول سنهٔ عشر.

آیت‌الله احمدیان نجف‌آبادی سرانجام در تاریخ دوشنبه هیجدهم فروردین ۱۳۶۷(۲۸ ذیقعده ۱۴۱۷ ق.) در هفتاد و هفت سالگی بدرود حیات گفت و پس از تشیع، در قبرستان شیخان در خاک آرمید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

احمدیان، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی احمدیان

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مرتضی احمدیان متولد ۱۳۲۳ شمسی در شهرستان نجف آباد اصفهان متولد شدم و در سال ۱۳۳۹ گواهینامه پایان تحصیلاتی خود را از دبستان شیخ بهائی گرفتم.

در سال ۱۳۴۱ ش طلبه شدم و در مدرسه الحجهٔ نجف‌آباد مشغول تحصیلات دروس حوزوی شدم. جامع المقدمات را که در نجف آباد خواندم راهی حوزه علمیه قم شدم و به مدرسه حقانی وارد شدم. در آنجا مشغول خواندن کتاب سیوطی شدم. کتاب سیوطی، مغنی، مختصر، معالم، اصول الفقه رسائل، مکاسب و کفایه را در مدرسه حقانی خواندم. به اضافه دروس جنبی مانند: تاریخ اسلام، معارف، دروس عقائد، طبیعی (یک دوره فشرده طب) زبان، مکالمه عربی، المحاورات العربیه، زبان انگلیسی، شامل کتاب‌های دایرکت متد ۱ و ۲ و ۳، اکسفورد و... تفسیر قرآن، تعلیم خط نستعلیق، ریاضیات، ادبیات فارسی و... و حدود سال ۵۱ یا ۱۳۵۲ بود که پس از کفایه از مدرسه حقانی بیرون آمدم و به درس خارج مراجع آن وقت مانند آیت الله حاج آقا مرتضی حائری و آیت الله العظمی فانی اصفهانی و آیت الله العظمی وحیدخراسانی و آیت الله العظمی گلپایگانی تلمذ کردم.

البته به درس آیت الله العظمی تبریزی و غیره نیز رفتم و در نجف اشرف که رفتم در سال ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ به قسمتی از درس ولایت فقیه امام خمینی (ره) هم رفتم البته در آن موقع اینجانب مشغول دروس سطح بودم اما پس از اینکه از نجف اشرف آمدم و ازدواج نمودم در مضیقه مالی بسیار شدیدی قرار گرفتم به طوری که نه کرایه منزل را می‌توانستم بپردازم و نه هزینه روزمره زندگی را، لذا مدتی مشغول روزه و نماز استیجاری شدم اما چون بسیار مشکل بود، رفتم به چاپخانه علمیه نبش کوچه آبشار قم و در آنجا خط خود را ارائه دادم و مشغول خطاطی کتب علمی مانند آیات الاحکام آیت الله سلطانی و فقه الحج، و الشواهد المنتخبه مدرس افغانی و غیره شدم و در برابر هر صفحه سی خطی که به صورت رحلی بود فقط ۳ تومان دریافت می‌کردم و تقریباً در آن موقع ماهی هزار تومان خطاطی می‌نمودم و با همین پول ناچیز توانستم منزلی هم در نیروگاه قم بسازیم و یادم هست یکماه کار کردم تا توانستم پرده کرکره اطاق را بخرم و بابت یک کتاب که نیاز داشتم سه روز روزه استیجاری گرفتم تا کتاب معراج السعادهٔ نراقی را بخرم حالا

چون اصل بر این بود که زندگینامه علمی به نگارش درآید لذا از زندگینامه سیاسی و غیره و کارهای سیاسی قبل از انقلاب و دستگیر شدن و زندانی شدن و... خودداری می‌شود. اینجانب در سال ۱۳۴۷ در نجف اشرف اولین کتاب خود را به زبان عربی نگاشتم و آن را به نام" دلیل الزائر "نام‌گذاری کردم .

دومین کتاب خود را به نام" زندگی زناشوئی "نوشتم که متأسفانه اولین کتاب در نقل و انتقال به ایران مفقود شد و کتاب دوم را طلبه‌ای که عازم کویت بود از من گرفت که بخواند و برگرداند ولی برد و دیگر آن را برنگرداند، و چون طبع شعر مختصری داشتم از این رو شهید محمد منتظری مجله فردوسی آن زمان را آورد که بخوانم و در شعر و ادبیات فارسی از آن بهره گیرم و علت توفیق یافتن به نوشتن این بود که روزی به اتفاق حجهٔالاسلام سید محمود دعائی از نجف اشرف راهی کربلا شدیم و در آنجا خدمت آیت الله العظمی سیدمحمد شیرازی رسیدیم ایشان هم ما را تشویق به نوشتن کتاب کرد، که اینجانب خدمت ایشان عرض کردم که ما طلبه‌ای مبتدی هستیم چه بنویسیم؟ ایشان فرمودند: «شما لازم نیست کتاب‌های علمی بنویسید بلکه می‌توانید از کتاب‌های مختصری که معارف اسلامی را به زبان ساده برای عوام بیان نماید شروع کنید و بنده کتاب‌های کوچک چند صفحه‌ای مانند: "اعرف الشیعه، من هم الشیعه "و... نوشته‌ام تا کتاب‌های بزرگ اینجانب هم با تشویق ایشان شروع به نوشتن کتاب کردم.

در نجف اشرف مقالات عربی می‌نوشتم و به مناسبت‌های مختلف در احتفالات می‌خواندم. یادم هست در آن زمان مقاله‌ای نوشتم به نام «مَن هُوَ الامام جعفر بن محمد الصادق (ع)» و داستان حمله نظامیان شاه به مدرسه فیضیه و قتل و غارت و دستگیری طلاب را هم در آن مقاله نوشتم و در جشن تولد آن حضرت خواندم، و چون علاقه به اشعار هم داشتم سه دفترچه ۲۰۰ برگی از اشعار عربی و فارسی و مطالب متفرقه یادداشت کردم که دو جلد کتاب کشکول قسمتی از آنهاست، و از شدت علاقه به نوشتن صبح که شروع به کار می‌نمودم ناگاه می‌دیدم ظهر شده و هیچ احساس خستگی نمی‌کردم.

اکثر کتاب‌هایی که نوشته‌ام به سفارش ناشرین و غیره بوده است، مخصوصاً ترجمه‌ها و خطاطی‌ها تا چه قبول افتد و چه در نظر آید. و شاید این به خاطر توجه و گوشه چشمی است که حضرت به اینجانب نموده باشد

اوائل طلبگی نمی‌دانم حالا خواب دیدم یا حالت شهود بود که در پشت بام منزل دیدم حضرت ولی عصر(عج) نشسته و شمشیر دو دم «ذوالفقار» را بر زانوی خود نهاده و کاغذی پیچیده شده به صورت لوله‌ای در دست دارد و ما چند طلبه بودیم دو زانو حلقه‌وار در جلو ایشان نشسته بودیم و هرگاه با هم صحبتی می‌کردیم ایشان چیزی بر روی آن طومار و کاغذ می‌نوشت و ما طلاب از وحشت دیگر قادر بر سخن گفتن نبودیم، و خانم بنده نقل می‌نماید که قبل از اینکه من شوهر کنم در نجف‌آباد بودم و چون در آن زمان منازل، آب لوله‌کشی نداشت ما می‌رفتیم از قنات آب می‌آوردیم، قناتی در نجف‌آباد است به نام شیر بچه که با سطح زمین تقریباً چهار متر و خورده‌ای فاصله داشت که هم‌اکنون هم هست و از آبش مردم استفاده می‌کنند، خلاصه می‌گوید رفتم آب بیاورم دیدم سیدی نورانی بر روی آب نشسته و جا نماز خود را پهن نموده و بر روی قبله نشسته است تا من نگاه کردم او به من نظر فرمود، من هم چون به حد بلوغ نرسیده بودم از دیدن منظره دلهره و اضطراب مرا گرفت و رفتم به مادر خود و دیگران گفتم، آنها نگاه کردند و چیزی ندیدند، باز من نگاه کردم و حضرت را دیدم و به آنها گفتم، آنها باز نگاه کردند و چیزی ندیدند، من به همسرم گفتم، حضرت به تو توجه نموده است.

اخباری نیشابوری اکبرآبادی، جمال‌الدین، ابواحمد محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۷۸– مقتول ۱۲۳۲ ق)، متکلم، فقیه، محدث و شاعر. مشهور به محدث اخباری و به خاطر پدر نیشابوری‌اش مشهور به محدث نیشابوری است. در اکبرآباد هند به دنیا آمد. در ۱۱۹۸ ق از هند به زیارت خانه خدا رفت و در بازگشت در نجف و کربلا و کاظمین برای تحصیل علوم دینی اقامت گزید و در کلام و الهیات و فقه و دیگر علوم تبحر یافت. در عهد فتحعلی‌شاه برای مدتی به ایران آمد. وی به فارسی و عربی شعر می‌سرود. ملا عبدالحسین و ملافتحعلی‌خان شیرازی، از نوادگان کریم خان زند، مولف «الفوائد الشیرازیه»، و ملا محمد باقر لاری دشتی، شارح رساله‌ی «البرهانیه»، و ملا عبدالصاحب دوانی، مولف «الفوائد الذهبیه»، و سید محمد جواد سیاه پوش از شاگردان وی هستند در علوم عقلی و نقلی دارای هشتاد تألیف است. از جمله آثار وی: «تسلیهٔ القلوب الحزینهٔ»، به سبک و سیاق کشکول در ۱۰ مجلد، «الکتاب المبین»، در اثبات امامت طاهرین؛ «آیینه‌ی عباسی» یا «امالی عباسی»؛ «دوائر العلوم» یا «تحفه الخاقان»؛ «التحفه»، در فقه، از طهارت تا دیات؛ «الدرّ الفرید و معراج التوحید»؛ «البرهان فی التکلیف و البیان» یا «البرهانیه»، در تقویت مسلک اخباری؛ «قلع الاساس»، در نقض «اساس الاصول» سید دلدار علی هندی؛ «الدمدمهٔ الکبری»، در ردّ زنارقه صغری، که به گفته‌ی شاگردش ملافتحعلی در ردّ اصولیین است؛ «قبسه العجول فی الاخبار و الاصول» که میرزای قمی کتاب «عین العین» را در ردّ آن نوشت و میرزامحمد اخباری در ردّ کتاب میرزای قمی کتاب «انسان العین فی ردّ کتاب عین العین» را نگاشت؛ «مصادر الانوار فی الاجتهاد و الاخبار»؛ «کوثر الاسرار فی شرح معضلات الاخبار»؛ «فصل الخطاب فی نقض مقاله ابن عبدالوهاب»؛ «کلیات الرجال»؛ «ذخیرهٔ الالباب»؛ رساله «الاعتذار»؛ «دیوان» بزرگ شعر فارسی و «دیوان» شعر به عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۹۲ /۹)، ایضاح المکنون (۶۶۳، ۵۹۷، ۴۹۰، ۴۳۰، ۳۹۲، ۳۸۰، ۳۲۷، ۲۳۹، ۲۲۰، ۱۹۱، ۱۵۹، ۸۹، ۷۲، ۶۲، ۶۰، ۵۵، ۴۹ /۲، ۵۵۹ ۵۴۱، ۴۸۱، ۴۴۷، ۴۱۲، ۴۱۱، ۴۰۳، ۴۰۰، ۳۱۵ ۲۸۷، ۲۵۵، ۲۴۲، ۱۳۷، ۱۳۲، ۱۲۴ /۱)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۴۴ –۲۴۳ /۴)، الذریعه (۳۷۳/۱۹، ۱۸۲، ۱۲۹ /۱۸، ۱۸۰ /۱۷، ۳۴۴، ۲۲۹ /۱۶، ۱۰۴ /۱۵، ۲۵۲ /۱۴، ۱۴ /۱۰، ۹۶۸، ۶۱ –۶۰ /۹

۲۶۷، ۲۶۳، ۶۹، ۶۷، ۸/ ۵۳، ۱/) روضات الجنات (۱۳۸ -۱۲۱ /۷)، ریحانه (۸۶ -۸۵ /۱)، فرهنگ سخنوران (۴۷)، لغت‌نامه (ذیل/ محمد اخباری)، مکارم الآثار (۹۴۴ -۹۲۵ /۳).

اخباری، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(حاج میرزا...) (و. ۱۱۹۸ ف. ۱۲۳۲ ه.ق در کاظمین.) یکی از علمای بزرگ و به فرقه‌ی اخباریه منتسب است، از اهالی نیشابور و عالمی بزرگ بود، وی فرزند عبدالنبی نیشابوری است. میرزا محمد چون در مذهب به طریقه‌ی اخباریه رفتار می‌کرده معاصرینش که عموماً پیرو طریقه‌ی اصولیه بوده‌اند با وی مخالف بودند. داستان چله نشستن او به منظور کشته شدن سردار روسی معروف است: اشپختر.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

اختر خراسانی، عباسعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، شاعر. از اهالی مشهد مقدس و مردی با ذوق و صاحب کمال بود. مدتی را به سفر پرداخت، ولی دوباره به مشهد بازگشت و در آنجا ساکن شد. وی با سید احمد دیوان بیگی مؤلف «حدیقهٔ الشعراء» معاصر بود. و طبع شاعری داشت. نمونه‌ای از اشار او را صاحب «حدیقهٔ الشعراء» در کتاب خود آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۹۵ -۹۴ /۱).

اختر خوانساری، صدرالمشایخ

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۷ ق)، شاعر. نسب وی به اباعدنان عارف قرن دهم می‌پیوندد. اختر در ساختن ماده تاریخ مهارت داشت چنانچه در مرگ نظام الشریعه بدیع، ماده تاریخی ساخته مشتمل بر دوازده بیت که هر بیست و چهار مصراعش برابر با ۱۳۲۹ ق، سال فوت بدیع، است. بدینگونه:

فغان و آه بدیع ادیب زود و جوان

برفت با دل پر درد از این بساط جهان

جهان فضل و کمال، آسمان مجد و جلال

بهین دهر و جهان خرد، بدیع زمان الخ...

وی در خوانسار بدرود حیات گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر خوانسار (۱۶)، فرهنگ سخنوران (۴۷).

اختر شیرازی، کرامت

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر، متخلص به باختر. در شیراز متولد شده، مقالات و اشعارش در روزنامه‌های آن شهر به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فارس (۲۳۹ -۲۳۸ /۱)، فرهنگ سخنوران (۴۷).

اختر شیرازی، محمدعلی بیگ

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۲ ق)، شاعر، متخلص به اختر. از طایفه‌ی فیلی و از اهالی شیراز و بسیار تهیدست بود. وی شعر را نیکو می‌سرود و خوانین

قشقایی را خدمت می‌کرد. مطلع غزلی از وی:

این همه جور که کردی ثمری داشت، نداشت

یک دم ار لطف نمودی ضرری داشت، نداشت

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زنـدگینامه :آثار عجم (۵۵۴)، دانشـمندان و سـخن سرایان فارس (۲۳۸ –۲۳۷ /۱)، الذریعه (۶۱ /۹)، ریحانه (۸۶ /۱)، فرهنگ سخنوران (۴۷)، مرآت الفصاحه (۴۸).

اختر طوسی، عباسعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۴ /۱۳۳۳ –۱۲۶۸ ق)، عارف و شاعر، متخلص به اختر. در خراسان به دنیا آمـد و از هنگام کودکی به تحصـیل علوم پرداخت و در فارسـی و عربی اسـتادی و در خوشنویسـی مهارت یافت. در عروض و قافیه مطالبی آموخت و فن بـدیع را نیز نیک می‌دانست. از عنفوان جوانی به سـرودن اشـعار می‌پرداخت، اما به گفته‌ی معصوم‌علیشاه شاعری پاکدامن و پاک دهن بود و هیچگاه اعیان و ارکان مملکت را نسـتود. به شـیراز و اصفهان و تهران سفر کرد و به سفر حج رفت و در عتبات مشاهد ائمه‌ی اطهار (ع) را زیارت کرد. در اواخر عمر به مشـهد رفت و به خـدمت در آسـتان قـدس پرداخت. اختر در انواع شـعر بالاخص غزل و قصـیده دشت داشت اما بیشتر اشـعار او مدایح و مراثی است. خصوصا حضـرت علی (ع) و شـهدای کربلا. اختر عمرش را در قناعت بسـر برد. همه‌ی عمر را مجرد زیست و جز با ارباب و جـد و حال و اصـحاب فضل و کمال مصاحبت نکرد. وی مجموعه‌ای از اشـعارش را در دفتری به نام «گلزار حسینی» گرد آورده بود. صاحب «تاریخ تذکره‌های فارسی» نام وی را غلامحسین آورده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسـی (۳۵۲ –۳۴۷ /۲)، الذریعه (۲۱۶ /۱۸ ،۶۱ /۹)، صد سال شـعر خراسان (۶۰ –۵۶)، طرائق الحقائق (۵۵۰ –۵۴۸ /۳)، فرهنگ سخنوران (۴۸)، مؤلفین کتب چاپی (۵۱۵ –۵۱۴ /۱).

اختر مازندرانی، محمد حسین بیک

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سـیزدهم و چهاردهم ق)، شاعر. اصل وی از شهر بارفروش (بابل کنونی) بود و در آنجا، در خدمت شاهزاده محمد قلی میرزا به ندیمی مشغول بود. در مراثی آل‌رسول اشعار بسیار دارد. وی از معاصرین هداین مؤلف «مجمل الفصحا» بود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۹۵ /۱)، مجمع الفصحا (۱۴۷ /۴)، مصطبه‌ی خراب (۲۱).

اخترشاه، طهماسب

قرن:۱۰

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن دهم هجری، از زنان عالم و فاضل، به نوشته اعیان‌الشیعه گروهی از علما، رساله‌هایی در اصول فقه و غیره به نام او نوشتند.

بر گرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: اعیان‌الشیعه، ۲۷۵ / ۲؛ النساءالمؤمنات، ۲۶۶.

اخترشهر، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اخترشهر

محل تولد : لاهیجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۷/۱

زندگینامه علمی

علی اخترشـهر متولد ۱۳۴۸ از شهرسـتان لاهیجان دیـده به جهان گشود. دوران تحصـیلات ابتـدایی، راهنمایی و متوسـطه خود را در

همان شهرستان گذراند و پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۶۷ برای کسب تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه قم شد.

وی در کنار تحصیلات حوزوی به تحصیل علوم دانشگاهی پرداخت. بعد از اتمام سطح مدت ۷ سال در درس خارج فقه و اصول اساتید: چون آیت الله جوادی آملی و آیت الله شبیری زنجانی به کسب علم پرداخت و تحصیلات دانشگاهی را تا مقطع کارشناسی ارشد با رتبه اول پشت سرگذاشت. در سال ۱۳۸۴ در رشته انقلاب اسلامی مقطع دکتری در مؤسسه پژوهشی و آموزشی امام خمینی (ره) مشغول به تحصیل می‌باشد.

در کنار تحصیل به تدریس در دانشگاههای قم، اراک، آشتیان، تفرش، لاهیجان و سمنان پرداخت و از طرف معاونت امور اساتید نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری موفق به اخذ درجه استادیاری شد و استاد نمونه سال ۸۲ در اراک و سال ۸۵ در دانشگاه سمنان گردید.

در کنار تحصیل و تدریس به امر پژوهش پرداخت و تا به امروز بالغ بر ۳۰ مقاله و چندین کتاب به رشته تحریر درآورد. در سال ۸۵ دو پژوهش وی با عنوان" اسلام و توسعه "و" جامعه پذیری سیاسی در حکومت دینی "در کنگره دین پژوهان، پژوهش برگزیده گردید و کتاب" جامعه پذیری سیاسی "در سال ۸۶ رتبه اول کتابهای فصل جمهوری اسلامی ایران که از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار می‌گردد، را اخذ نمود.

از مسئولیت اجرائی معاون پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تا سال ۸۳ و کارشناس مسئول امور حلقات در کانون اندیشه جوان تا سال ۸۴ و کارشناس امور ارزیابی اساتید تاکنون در معاونت امور اساتید قم، مدیر گروه معارف اسلامی در دانشگاه آزاد اسلامی لاهیجان و مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه دولتی سمنان تاکنون می‌باشد.

اخترگرجی، احمد بیک

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۳۲ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به اختر. از غلام زادگان گرجی صفویه و اصل وی از ترکهای گرجستان بود که در تبریز یا به قولی در اصفهان متولد شد و در اصفهان و شیراز نشو و نما یافت و چنانکه خود گوید: «از خدمت دانشمندان به قدر مقدور فی الجمله خطی و ربطی تحصیل نموده و در مراتب شهری آنچه سخن شناسان دقیقه را به نظر آید مشخص کرده است». در جوانی در خدمت امرای زندیه بود و پس از انقراض آن، مدتی هم ندیم سلیمان‌خان قاجار بود. وی به جهت ابراز عشق به یکی از خواص امیر، زبانش را بریدند و پس از آن به اصفهان رفت و به تألیف «تذکره‌ی شعرای معاصر» خود پرداخت، قبل از اتمام آن عمرش به پایان رسید، و بعد از او برادرش، محمدباقر بیک نشاطی، به این کار پرداخت ولی او نیزوفات یافت و فاضل‌خان گروسی تذکره را به اتمام رساند و «انجمن خاقان» نام نهاد. احمد بیک شعر را خوب می‌شناخت و شکسته را خوش می‌نوشت. هنگام اقامت هدایت در شیراز، وی نیز در آنجا بود. او را شاعری نظرباز و زبان دراز و غزل‌ساز و هجو پرداز دانسته‌اند که طبع شاعری متوسطی داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۵۱ -۱۲۵۰ /۴)، تذکره‌ی پیمانه (۷۵ /۶۱)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۳۳۱ -۳۸۰ /۲)، حدیقهٔ الشعراء (۹۴ -۹۰ /۱)، سفینهٔ المحمود (۱۶۱ -۱۵۹ /۱)، شرح حال رجال (۲۵ -۲۴ /۶)، مجمع الفصحا (۱۵۵ -۱۵۴ /۴)، مصطبه‌ی خراب (۱۳ -۱۲)، مکارم الآثار (۹۵۱ -۹۵۰ /۳)، نگارستان دارا (۱۷۰ -۱۶۸).

اختری یزدی، مولانا

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، طبیب، منجم و شاعر. بعد از تحصیل طب و نجوم و دیگر علوم و فنون به سرزمین هندوستان سفر کرد و بعد از سی و هفت سال اقامت در آن سرزمین به یزد بازگشت و تشکیل خانواده داد.

مجددا به هندوستان رفت و در آن دیار درگذشت. از اوست:

شکفته غنچه‌ی عیشم ز شاخ یاسمنی

که آرزوی نسیمی ازو به از چمنی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۹ -۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۸۵)، جامع مفیدی (۴۵۱ -۴۵۰ /۳)، الذریعه (۶۲ -۶۱ /۹)، فرهنگ سخنوران (۴۸)، کاروان هند (۳۰ -۲۷ /۱).

اختیار شیبانی، اختیارالدین علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. از دولتمردان دربار سلطان سنجر سلجوقی است که از فضل و هنر بهره‌مند بود و با شعرا و اهل ادب مجالست داشت. وی ممدوح شاعران روزگار خود بود و خود نیز در سرودن قصیده استاد بوده است. اشعاری به نام او در تذکره‌ها نقل شده است، از اوست:

چو از عکس رخ آئینه‌ی خور

ملمع شد فضاء چرخ اخضر

چنان بد زیر عکس مهر گردون

چو نیلی فوطه در آب معصفر

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :لباب الالباب (۶۳ -۶۰ /۱)،لغت‌نامه (ذیل/اختیارالدین)، مجمع الفصحا (۲۲۲ /۱).

اختیار منشی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۰ ق)، خطاط. از معروفترین خوشنویسان خط تعلیق بود و از شاگردان تاج سلیمانی و عبدالحی منشی. مدت سی سال کاتب سلطان محمد میرزا صفوی در خراسان بود. کسانی که نام خواجه اختیار را ذکر کرده‌اند، همگی وی را از مردم هرات دانسته‌اند، ولی مرقعی از آثار خطوط وی دیده شده که نام و نسب خود را چنین ذکر کرده است: «اختیار المنشی بن علی الجنابدی فی سنه ۹۶۴» که نسب گنابادی وی در آنجا مشخص شده است. از آثار او قطعات و رساله‌های متعددی موجود است، از جمله، مجموعه منشآتی در کتابخانه‌ی سلطنتی تهران است که به طرز زیبایی تذهیب شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ هنرهای ملی (۹۱۷ /۲)، خوشنویسان و هنرمندان (۸۰)، دایرۀالمعارف فارسی (۶۸ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۳۳۶/۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۱۳ -۱۱۲)، گلستان هنر (۴۹).

اختیارالدین حسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۲۸ ق)، شاعر، ادیب و خطاط. وی اهل تربت حیدریه بود. در جوانی از ولایت زاوه به هرات رفت و به تحصیل علوم دینی پرداخت و پس از آن به فن انشاء و شعر و معما نیز آگاهی یافت. در ابتدا کاتب محکمه‌ی قضاوت نظام‌الدین امیر علیشیر بود و در زمان سلطان حسین بایقرا به منصب قضاوت رسید و به دلیل دانش و کمالاتش سرآمد قضات زمان خود شد. در عهد ابوالفتح محمد خان شیبانی نیز در کار قضاوت بود، ولی پس از کشته شدن آن پادشاه به تربت رفت و به امر کشاورزی پرداخت. در همان قصبه بدرود زندگانی گفت. از آثار وی: «اساس الاقتباس»؛ «مجالس الملوک»؛ «مختار اختیار الاخبار در میان فضلای روزگار»؛ «مقالات حسینی»؛ «قیاسات»؛ مثنوی «عدل و جود».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۷۸)، تاریخ هنرهای ملی (۹۱۷ /۲)، تحفه‌ی سامی (۴۹)، تذکره‌ی روز روشن (۴۴ -۴۳)، حبیب السیر (۳۵۶ -۳۵۵ /۴)، خوشنویسان و هنرمندان (۸۰)، الذریعه (۲۴۶ -۲۴۵ /۱۹، ۶۲ /۹)، روضۀ الصفا (۲۹۳ -۲۹۲ /۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸ /۱۰)، فرهنگ سخنوران (۴۸)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۱۳)،لغت‌نامه (ذیل/اختیارالدین) مجالس النفائس (۲۷۱ ،۹۵)، هدیۀ العارفین (۳۱۷ /۱).

اخسیکتی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ص. نسبت اخسیکت) اثیر اخسیکتی، شاعر معروف ایرانی قرن ششم (ف. ۵۷۷ یا ۵۷۹ ه.ق.) نشأت وی در بلاد مشرق ایران بوده، ولی پس از زوال دولت سنجری و هجوم غزان از آن سامان روی به عراق آورد، و در همدان به خدمت ارسلان ابن طغرل رسید. از آن پس در عراق مشهور شده و علاوه بر سلطان سلجوقی، اتابکان آذربایجان: ایلدگز و فرزندان او محمد جهان پهلوان و قزل ارسلان را نیز مدح گفت. وی در اواخر حیات به حال انقطاع و گوشه گیری از امور دیوانی به سر می‌برد. اخسیکتی از قصیده پردازان درجه اول است. درآوردن دیف‌های دشوار و التزامات مشکل و نقل معانی صعب مهارت دارد. اشعار او مصنوع و مطبوع است. دیوان او به طبع رسیده.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

اخسیکثی، ابورشاد احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۲۸ /۵۲۶ –۴۶۶ ق)، ادیب، شاعر، نویسنده و مورّخ. ملقب به ذوالفضائل، و منسوب به اخسکیث ماوراءالنهر در نظم و نثر و نحو و لغت دستی توانا داشت و مرجع استفاده‌ی اکثر فضلا و کاتبان دیوان سلاطین بود. در مرو وفات یافت. از تألیفات او: «تاریخ ابی‌رشاد»؛ «الزوائد»، شرح «سقط الزند» ابوالعلاء معرّی؛ « کتاب فی قولهم کذب علیک کذا»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۸ /۱)، ایضاح المکنون (۲۱۲ /۱)، روضات الجنات (۲۶۹ –۲۶۸ /۱)، ریحانه (۱۱۰ /۷)، کشف الظنون (۹۳۳ –۲۸۰)،لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (۵۵ –۵۲ /۵)، معجم المؤلفین (۱۴۴ /۲).

اخسیکشی، ابوالوفاء محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۴۴ ق)، فقیه و اصولی حنفی. معروف به ابن ابی المناقب ملقب به حسام‌الدین. از اهالی اخسیکث از شهرهای فرغانه ماوراءالنهر بود. از آثارش: «منتخب فی اصول المذهب»، که به «منتخب حسامی» معروف است و عده‌ای از جمله عبدالعزیز بن احمد نجاری بر آن شرح نوشته‌اند؛ «مفتاح الاصول»؛ «غایة التحقیق» و «دقائق الاصول و التبیین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۶ –۲۵۵ /۷)، ریحانه (۳۶۷ /۷)، کشف الظنون (۱۸۴۸)،لغت‌نامه (ذیل/ اخسیکتی)، معجم المؤلفین (۲۵۳ /۱۱)، هدیة العارفین (۱۲۳ /۲).

اخضر اصفهانی، عبدالرزاق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۰ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به اخضر. وی در زفره از قرای کوهپایه‌ی اصفهان متولد شد. از محضر پدرش جمعی از فضلای آنجا معلومات آموخت و به سرودن شعر پرداخت. اخضر دارای تألیفاتی است از جمله: «فصول اربعه»، در تاریخ زفره؛ «میزان الحساب»، در نظم کتاب حسبا علیخان؛ «حسن المنظر»، که مجموعه‌ی اشعار اوست. در دو جلد به قطع کوچک.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۸ –۲۷)، فرهنگ سخنوران (۴۹).

اخضری، حجت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجت الله اخضری

محل تولد : نجف آباد اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۴۱ در شهرستان نجف آباد اصفهان متولد و در سال ۱۳۶۰ در رشته حسابداری از دبیرستان فارغ التحصیل شدم. سپس حدود یک سال در کمیته فرهنگی جهاد سازندگی نجف آباد در روستاهای توابع مشغول بودم.

بعد از آن وارد حوزه علمیه نجف آباد شدم و از مقدمات و سیوطی و حاشیه ملاعبدالله را به اتمام رساندم و در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و ابتدا در مدرسه امام محمد باقر (ع) تا پایان لمعتین و اصول مظفر تحت برنامه مدرسه به اتمام رساندم و با تشکیل خانواده از مدرسه خارج و به طور آزاد دروس حوزه را ادامه دادم.

حدود سال ۱۳۷۰ دوره سطح حوزه را به اتمام رساندم و از سال ۱۳۷۱ با حضور در درس خارج فقه آیة الله منتظری و اصول آیة الله مکارم شیرازی خارج فقه و اصول را شروع کردم. در همین ایام بود که ضمن تحصیل در مرکز تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی روزانه حدود سه ساعت شروع به کار کردم که این ورود در کارهای تحقیقاتی شد.

اخفش اوسط خوارزمی بلخی، ابوالحسن سعید

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۲۱ /۲۱۵ ق)، نحوی، لغوی و عروضی. ملقب به اخفش. در خوارزم متولد شد و در بصره رشد و نمود کرد. وی از موالی بنی‌مجاشع بن دارم از نحویین بصره و از شاگردان سیبویه در نحو بود. صاحب کتاب «البغیهٔ» او را معتزلی می‌داند اخفش از کلبی و نخعی و هشام بن عروهٔ حدیث شنید و ابوحاتم سجستانی از وی روایت می‌کرد. اخفش دچار ضعف بینایی بود، چشمان ریزی نیز داشت و اجلع هم بود یعنی دو لب او بر هم بسته نمی‌شد. در ابتدا به اخفش اصغر معروف بود، اما پس از آنکه علی بن سلیمان نحوی به اخفش معروف شد او را اخفش اوسط و علی بن سلیمان را اخفش اصغر خواندند. چون از لحاظ سنی از سیبویه بزرگتر بود نه تنها از سیبویه بلکه از محضر استادان سیبویه نیز استفاده کرد. وی راوی و شارح «الکتاب» سیبویه نیز آن را برای کسی نخوانده بود، به همین جهت ابوعمر جرمی و ابوعثمان مازنی دو تن از شاگردان سیبویه پس از مرگ وی بیم آن داشتند که اخفش آن را به نام خود کند، از این رو با بذل مال «الکتاب» را نزد اخفش خواندند و آن را به نام سیبویه منتشر کردند. اخفش معتقد بود که سیبویه هر چه را می‌خواست وارد «الکتاب» کند بر وی عرضه می‌کرد و نیز ادعا می‌کرده است که او به مضامین «الکتاب» داناتر از سیبویه بود، گرچه در آغاز سیبویه داناتر از او بوده است. اخفش پس از شکست سیبویه از کسائی، در مناظره مشهور، به بغداد رفت و در مسجد کسائی دو رکعت نماز صبح را به او اقتدا کرد و سپس در حضور شاگردانش سؤالاتی از وی نمود و جوابهای او را رد کرد تا جایی که شاگردان کسائی قصد حمله به او را کردند ولی کسائی مانع شد، و هنگامی که شناختش به او احترام گذاشت و او را معلم فرزندانش کرد. کسائی «الکتاب» سیبویه را نزد او خواند و هفتاد هزار دینار در ازای آن به وی بخشید. وی شعر می‌گفت و استخراج بحر خبب را در علم عروض که به عبارت دیگر همان بحر المتدارک است به او نسبت می‌دهند. وی صاحب آثار بسیاری است که عبارتند از: «کتاب الاوسط»، در نحو؛ «تفسیر معانی القرآن»؛ «کتاب المقاییس»، در نحو؛ «کتاب الاشتقاق»؛ «کتاب الاربعه»؛ «کتاب العروض»؛ «کتاب المسائل الکبیر»؛ «کتاب المسائل الصغیر»؛ «کتاب القوافی»؛ «کتاب الملوک»؛ «کتاب معانی الشعر»؛ «کتاب وقف التمام»؛ «کتاب الاصوات»؛ «کتاب اللامات»، در قرآن؛ «کتاب الوقف التام»؛ «المعایاهٔ»، که در خزانه الادب تألیف عبدالقادر بغدادی از آن نام برده شده است؛ «کتاب صفات الغنم و الوانها و علاجها و اسبابها»؛ «غریب القرآن».[۱]

(بخش ۱) سعید بن مسعده مجاشعی بالولاء خوارزمی بلخی، مکنی به ابوالحسن و ملقب به اخفش اوسط (ف. ۲۲۱ ه.ق./ ۸۳۶ م. و به قولی ۲۱۵ ه.ق./ ۸۳۰ م.). عالم نحو و ایرانی و از موالی بنی مجاشع بن دارم و از بصریان است. او شاگرد سیبویه و یکی از اصحاب اوست. اخفش از حماد بن زبرقان روایت دارد. از مؤلفات اوست: کتاب الاوسط فی النحو، کتاب تفسیر معانی القرآن، کتاب المقاییس فی النحو، کتاب الاشتاق، کتاب العروض. او را در اول اخفش اصغر می‌نامیدند و پس از ظهور علی بن سلیمان اخفش، ابوالحسن سعید را اخفش اوسط گفتند و علی را اخفش صغیر. چون اخفش مطلق گویند مراد همین اخفش است بز اخفش.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۵۵ -۱۵۴ /۳)، اعیان الشیعه (۲۴۹ -۲۴۸ /۷)، ایضاح المکنون (۲۶۵ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۹ -۱۲۶، ۷۱ /۱)، تاریخ برگزیدگان (۲۶۵ /۲۶۴)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۳۳۳ -۱۳۳۲ /۱۰)، روضات الجنات (۵۳ -۵۰ /۴)، ریحانه (۹۱ -۹۰ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۵۵ -۱۵۴ /۱)، سیر النبلاء (۲۰۸ -۲۰۶ /۱۰)، کشف الظنون (۱۷۹۲، ۱۷۳۰، ۱۶۷۰، ۱۴۶۳، ۱۴۵۱، ۱۴۳۸، ۱۳۹۲، ۱۳۹۱، ۱۲۰۷، ۲۰۱)، الکنی و الالقاب (۱۷ -۱۶ /۲)،لغت‌نامه (ذیل/ اخفش)، معجم الادباء (۲۳۰ -۲۲۴ /۱۱)، المعجم فی معاییر اشعار العجم (۳۵ -۳۴)، معجم المؤلفین (۲۳۲ -۲۳۱ /۴)، نام‌آوران فرهنگ (۱۰ -۱۰۹)، الوافی بالوفیات (۲۶۰ - ۲۵۸ /۱۵)، وفیات الاعیان (۳۸۱ -۳۸۰ /۲)، هدیهٔ العارفین (۳۸۸ /۱).

اخگر اصفهانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۹ ق)، شاعر، متخلص به اخگر. وی در اصفهان متولد شد. تحصیلات متداول را از استادان زمان خود فراگرفت. از اعضای ثابت و قدیمی انجمن ادبی شیدا است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۸)، فرهنگ سخنوران (۴۹).

اخگر اصفهانی، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر و خطاط. اصل وی از اصفهان بود. در خط شکسته، تحریری دلکش داشته و به میل خود در سلک نویسندگان و کتاب محمود میرزای قاجار درآمده، به جمع‌آوری و تحریر اشعار او مشغول بوده است. از او است:

به قتلم وعده داد آن شوخ بی‌پروا و میدانم

کزین طالع که دارم خواهد آخر رفت از یادش

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سفیه المحمود (۱۶۲ -۱۶۱).

اخگر بیگدلی، عبدالرشید

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۹۲ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به اخگر. در قم متولد شد. وی نواده‌ی مؤلف «آتشکده‌ی آذر» بود و به جهت مشاغل دیوانی ساکن تهران شد و با صاحب «حدیقهٔ الشعراء» معاشرت داشت. اخگر انواع کمالات ظاهری و معنوی را دارا و در شکسته‌نویسی استادی بزرگ بود. از علوم متداول زمان خود بهره داشت و در سرودن انواع شعر توانا بود. وی سرانجام در مشهد مقدس زندگی را بدورد گفت. از آثار او: قرآن وزیری، مذهب عالی، حواشی و خواص سور شکسته‌ی کتابت خفی خوش. متن به خط نسخ کتابت و پایان آن رقاع عالی، با رقم: «فقد تشرفت بکتابه هذه قرآن ... عبدالرشید بیگدلی مستوفی. فی شهر محرم الاحرام سنهٔ ۱۲۹۲»، در کتابخانه‌ی مجلس.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۰۱ /۴)، حدیقهٔ الشعراء (۹۹ -۹۷ /۱)، الذریعه (۶۲ /۹)، المآثر و الآثار (۲۰۴).

اخگر کرمانی، محمد یوسف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۳۸ ق)، شاعر و صوفی. وی از سلسله‌ی میرزا حسین‌خان و کلانتران کرمان بود. در طریقت به مولانا محمد کهبنانی دست ارادت داده بود. در سرودن شعر، بخصوص قصیده، ماهر بود. وقتی که مولانا محمد و جمعی از صوفیان را از کرمان اخراج کردند، وی نیز همراه آنان رفت. وقتی با راهزنان بلوچ برخوردند، دزدان همه را کشتند. به جز سه نفر که یکی از آنها میرزا محمد یوسف بود. پس از آن با مشقت زیاد به کرمان بازگشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شاعران کرمان (۳۳)، حدیقهٔ الشعراء (۱۰۰ -۹۹ /۱)، الذریعه (۶۲ /۹)، ریاض العارفین (۲۴۲)، طرائق الحقائق (۲۳۶ /۳).

اخگر همدانی، عبدالمحمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر و دبیر. از اهالی همدان بود. وی در خدمت شاهزاده محمود میرزا، پسر دانشمند فتحعلی شاه، به دبیری مشغول بود و مشربش به تصوف نزدیک. از اوست:

نه دل در بر، نه دلبر، خاطر از حسرت غمین دارد

سیه بختی تماشا کن نه آن دارم نه این دارم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن سرایان همدان (۱۰۵ -۱۰۴ /۲)، حدیقهٔ الشعراء (۱۰۱ -۱۰۰ /۱)، سفینهٔ المحمود (۱۴۷ -۱۴۵ /۱)، فرهنگ سخنوران (۴۹)، مجمع الفصحا (۱۵۶ -۱۵۵ /۴).

اخگر، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در ۱۲۶۷ ش در تهران متولد شد. پدرش حاج میرزا ابراهیم معروف به ملاباشی از روحانیون مطلع و متنفذ بود. احمد تحصیلات خود را از مکتب‌خانه آغاز کرد و در مدارس ادب و دارالفنون تهران ادامه تحصیل داد، چندی هم علوم حوزه‌ای آموخت.

بعد از استبداد صغیر با رتبه‌ی ملازم سومی در ژاندارمری استخدام شد. پس از شش ماه از خدمت استعفا نمود و در اداره باغات دولتی استخدام شد. پس از چندی با درجه‌ی وکیلی در وزارت جنگ وارد شد و چندی در آنجا بود تا در ژاندارمری خزانه با درجه‌ی نایب دومی استخدام گردید. سپس وارد مدرسه‌ی صاحب منصبی ژاندارمری شد. پس از فراغت از تحصیل با درجه‌ی

سروانی مأمور خدمت در شیراز شد. چندی فرماندار نظامی کازرون بود و بعد به فرماندهی گروهان ژاندارمری بوشهر منصوب گردید. در جریان جنگ بین‌المللی اول با سربازان تحت فرماندهی خود به اقدامات نظامی علیه انگلیس‌ها پرداخت. پس از شکست به کرمانشاه رفته و خود را به دولت موقت معرفی نمود. چندی در موصل و چندی در بصره و استانبول بسر برد و پس از پایان جنگ به ایران بازگشت. در دوره‌ی پنجم مجلس شورای ملی از دشتستان وکیل شد و در آن مجلس از یاران و همکاران مدرس گردید و اقلیت چند نفری را تشکیل دادند. در استیضاحی که مدرس از سردار سپه به عمل آورد، احمد اخگر هم یکی از امضاکنندگان بود ولی این استیضاح صورت عمل نیافت. اخگر وقتی درخشیدن ستاره بخت سردار سپه را احساس کرد، از مدرس جدا شد و به دار و دسته‌ی داور پیوست و در مجلس پنجم به انقراض قاجاریه رأی داد. پس از اتمام دوره‌ی پنجم، اخگر به ارتش بازگشت و با درجه‌ی سرهنگی در بازرسی ارتش مشغول خدمت شد. در ۱۳۲۲ از طرف قوای نظامی انگلیس بازداشت و قریب یک سال در اراک زندانی بود. در انتخابات دوره‌ی هفدهم از بوشهر به وکالت مجلس انتخاب شد و تا پایان دوره‌ی مزبور از نزدیکان مصدق بود. بعد از ۲۸ مرداد چندی زندانی شد و سرانجام در ۱۳۴۸ درگذشت.

اخگر هم شاعر بود، هم نویسنده و مترجم. در عمر نسبتاً طولانی خود با غالب مطبوعات همکاری داشت. بعد از شهریور ۱۳۲۰ شخصاً روزنامه‌ی اخگر را انتشار داد که جنبه‌ی ادبی آن بیشتر به چشم می‌خورد. دو سال هم سالنامه‌ی اخگر را انتشار داد. وی تا آخر عمر در انجمن‌های ادبی فعالیت چشمگیری داشت.

(۱۳۴۸ -۱۲۶۷ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به اخگر. معروف به ملاباشی. در تهران متولد شد. تحصیلات خود را در مدارس ادب، دارالفنون و نظامی به پایان رسید و چندی در رشته‌ی علوم دینی در مدرسه‌ی سپهسالار به تحصیل پرداخت. آن گاه وارد خدمت نظام شد و تا درجه‌ی سرهنگی ارتقا یافت. اخگر همزمان با نهضت مشروطه خواهی در صف ملیّون قرار گرفت و به مبارزه با استبداد پرداخت. در سال ۱۳۰۳ ش از طرف مردم دشتستان و اصطهبانات به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و از آن پس، بار دیگر به خدمت نظام اشتغال ورزید تا بازنشسته گردید. وی در راه ترویج فرهنگ و شعر و ادب کوشید و به نشر مجله‌ی ادبی «اخگر» و طبع سالنامه همت گماشت. از آثار منظوم او: مثنوی «بیچون‌نامه»؛ کتاب «اسرار خلقت»؛ چند اثر دیگر به نام «علم عروض» و «علم قافیه» که در مجله‌ی «اخگر به چاپ رسیده است؛ «امثال منظوم»، «چراغ برق».[۱]

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

منابع زندگینامه :[۱] از نیما تا روزگار ما (۴۵۸)، الذریعه (۱۸۶ / ۳)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۲ -۹۹ / ۱)، سخنوران نامی معاصر (۱۹۸ -۱۹۴ / ۱)، شعرای مازندران و گرگان (۲۶ -۲۵)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵۱ -۳۴۹ / ۱).

اخلاقی شیرازی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۳۹ ق)، شاعر. وی در شیراز به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در همان شهر به انجام رساند و در جوانی به سرودن شعر پرداخت. از فنون شعر و شاعری به خوبی آگاه بود. آوازی خوش داشت. در اداره‌ی ثبت و به خدمت پرداخت. اشعار او اغلب در جراید فارس چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فارس (۲۴۲ -۲۳۹ /۱).

اخلاقی، بهروز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بهروز اخلاقی در سال ۱۳۱۶ در شهر بندر ترکمن بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکترای رشته حقوق خصوصی از دانشکده حقوق و علوم اقتصادی اکس مارسی (Aix- Marseills) فرانسه است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی/گروه حقوق عمومی دانشگاه تهران می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

والدین و انساب : پدر بهروز اخلاقی با توجه به اینکه در سازمان تازه تأسیس راه آهن استخدام شده بود او مأموریت یافته بود به شهر بندر ترکمن نقل مکان کند و در آنجا مشغول به کار شود. بهروز اولین پسر و فرزند خانواده از هفت فرزند خانواده است. چهار برادر دیگر او در کشورهای دیگر رحل اقامت افکنده اند. اما اولین برادر ارشد نتوانسته خود را راضی به مهاجرت از کشور کند.نادر اخلاقی ششمین فرزند خانواده و برادر بهروز فارغ التحصیل دانشگاه سوئد و مهندس ارشد شرکت نوکیا است و در پروژه نسل سوم تلفن همراه آن شرکت در کپنهاگ کار می کند و حسن اخلاقی فرزند آخر خانواده، باز فارغ التحصیل سوئد است و مشغول به کار در شرکت اریکسون و نماینده و مدیر اجرایی پروژه های اریکسون در هند، چین، تایوان، هنگ کنگ و ایران می باشد.

خاطرات کودکی : بهروز اخلاقی به یاد می آورد که در دوره دبستان در رشته ورزشی پینگ پنگ فعال بوده و در زمینه زیبایی

اندام هم کار می کرده و البته به یاد دارد که هر یک از پایه های ? گانه دوره ابتدایی را در یکی از شهرهای شمال کشور طی نموده است. به علت ابتلای او به بیماری تب مالت، پدرش مجبور می شود به تهران بیاید و درواقع خانواده آنها تن به مهاجرت دیگر می دهند و بهروز دوره متوسطه را در دبیرستان بوعلی سینای تهران سپری می کند. دبیرستانی که دانش آموزان آن را دانشگاه بوعلی سینا نامیده اند؛ به خاطر آزادی رفت و آمد به کلاسهای درس.دکتر اخلاقی یاد مدیر مدرسه – آقای چمنی – را بعد از چند دهه گرامی می دارد. می گوید: «به من می گفت با این علاقه ای که تو به ادبیات و علوم انسانی داری روزی شاید رجلی خواهی شد»

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی بهروز اخلاقی به ترتیب زیر است: – اخذ مدرک دیپلم از دبیرستان بوعلی سینای تهران. – اخذ مدرک کارشناسی قضایی از دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، – اتمام دوره دکترای حقوق خصوصی از دانشگاه تهران،– اخذ مدرک دکترای حقوق خصوصی از دانشکده حقوق و علوم اقتصادی اکس مارسی (Aix– Marseills) فرانسه – طی دوره حقوق تجارت و تجارت بین الملل در دانشکده حقوق دانشگاه آکسفورد oxford University

خاطرات و وقایع تحصیل : از خاطرات بهروز اخلاقی می توان به چند مورد زیر اشاره می شود: «خوشبختانه وقتی وارد پاریس شدم یکی از همکلاسی های سابقم که دو سه سال قبل از من رفته بود پیدایش کردم. من غریب را دریافت. دید من هاج و واجم. مرا برد و بعضی خیابان های معروف پاریس را نشانم داد و گفت نترس آنجور درسها هم سنگین نیست. مدتی در پاریس بودم و بعد با قطار به جنوب فرانسه رفتم.»

فعالیتهای ضمن تحصیل : بهروز اخلاقی تحصیل در رشته های حقوق و همچنین زبان و ادبیات فرانسه را به موازات هم در دو دانشکده حقوق و ادبیات دانشگاه تهران شروع می کند ولی در سال سوم به ناچار مجبور می شود به دلیل ممنوع بودن تحصیل در دو رشته، رشته زبان فرانسه را ناتمام بگذارد و تحصیل در رشته حقوق را ادامه دهد. تحصیل در مقطع دکترای حقوق خصوصی را آغاز می کند. در آزمون بورسیه اعزام به خارج موفقیت حاصل می کند. بورسیه ای که توسط انجمن فرهنگی ایران و فرانسه ترتیب داده شده بود و یکی از شروط آن آشنایی به زبان فرانسه بود.

استادان و مربیان : آیت الله سنگلجی از اساتید بهروز اخلاقی بود که ایشان در باره او چنین می گوید: «مرحوم سنگلجی روحانی تمام عیاری بود و بی نیاز از مناصب دولتی. عشق می ورزید به دانش فقه، دانشکده و دانشجویان و بسیار شوخ بود و همه ما را تحت تأثیر قرار داد. علاوه بر محیط دانشکده، منزلی داشت که اسمش رواق بود و بچه ها می رفتند روزهای تعطیل در رواق و گفت وگو و مباحثه داشتند. او بزرگترین تأثیر را بر من و بر همه ما گذاشت.» از دکتر سید حسن امامی هم به نیکی یاد می کند. «دکتر امامی استاد مسلم حقوق مدنی بود و امام جمعه تهران. واقعاً نمونه تقوا و فضیلت و دانش بود. زمانی نماینده مجلس بود و بعداً خودش را از سیاست کنار کشید و آمد صرفاً در دانشکده حقوق با بچه ها سرو کله می زد.» نام استاد راهنمای فرانسوی اش را به یاد می آورد: دو.لاپرادل (Dela Pradelle)؛ استاد حقوق هوایی و حقوق و حقوق بین الملل عمومی که متخصص مسائل هواپیمایی بوده و اخلاقی هم به همین دلیل او را به عنوان استاد راهنمای خود برمی گزیند. «یکی از خصوصیاتش این بود که همیشه می گفت من عاشق ایرانم و وقتی دوره دکترا در دانشکده حقوق تأسیس شد از ایشان دعوت کردند برای افتتاح دوره دکترای حقوق بین الملل عمومی را در اولین دوره درس بدهد.» استاد شاخص دیگر او در فرانسه پروفسور ادینه (Audinet) بوده؛ استاد حقوق بین الملل خصوصی. «دو سه سال پیش که به اتفاق همسر و بچه هایم رفتیم، توفیق ملاقاتش را پیدا کردم. پدرش هم در دانشگاه اکس مارسی سابقه تدریس داشت.»

هم دوره ای ها و همکاران : دکتر عراقی، دکتر آشوری، دکتر درودیان، دکتر محمدی، دکتر کاتوزیان، دکتر صفایی و دکتر الماسی برخی از استادان شاخص کنونی دانشکده حقوق دانشگاه تهران هستند که با بهروز اخلاقی همدوره بوده اند.

همسر و فرزندان : بهروز اخلاقی متاهل است.یکی از پسران بهروز اخلاقی در رشته حقوق از دانشگاهی در آمریکا فارغ التحصیل شده و قرار است در یک مؤسسه حقوقی در واشنگتن در زمینه وکالت اختراعات کارآموزی کند و بعد از یک سال به ایران بیاید. ایشان می فرمایند:«قرار بر این بوده که در آنجا کارآموزی کند و با سیستم دعاوی عملی آشنا شود و بعد از بازگشت به ایران، من و همسرم این دفتر حقوقی را به ایشان بدهیم و از ایشان تقاضای بازنشستگی کنیم.»

وقایع میانسالی : بهروز اخلاقی بدون دفاع از تز دکترایش در دانشگاه تهران، با هواپیما به فرانسه می رود تا در دانشگاه اکس – مارسی در جنوب آن کشور دکترای حقوق خصوصی بخواند و موفق هم می شود معتبرترین نوع دکترا درفرانسه یعنی دکترای دولتی که عمدتاً به اتباع آن کشور اعطا می شود دریافت کند و به ایران مراجعت کند، در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران عضو هیأت علمی شود و تا اکنون یعنی به مدت سال صرفاً در این دانشکده به تدریس حقوق هوایی و تجارت و تجارت بین الملل بپردازد و آنچنان مهارتی در این حوزه ها پیدا کند که دانشکده حقوق تهران به اسم کمبود نیروی انسانی مجرب به تقاضای بازنشستگی او جواب رد بدهد. ایشان دراین باره چنین می گوید: «سی و چهار سال است که من در خدمت دانشکده حقوق دانشگاه تهران هستم. افتخار دارم که دین خودم را به این دانشکده ادا می کنم. چند سالی است که پی در پی تقاضای بازنشستگی کرده ام ولی چون می گویند استاد دوره دکترا و فوق لیسانس به اندازه کافی نیست با تقاضای من مخالفت می شود. امیدوارم که امسال موافقت کنند.» او در فرانسه از تزش با عنوان «سازمان هواپیمایی کشور و آمایش سرزمین» دفاع می کند. درزمانی که اخلاقی از تزش دفاع می کند چند فرودگاه تهران، آبادان، مشهد و اصفهان در ایران دایر بوده اند و این دانشجوی ایرانی به این نتیجه می رسد که برای توسعه اقتصادی و ارتباطات کشور باید دست کم چندین فرودگاه در کشورمان تأسیس شود. می گوید احداث راه آهن سراسری ایران باعث شد شهرهای متروک و یا حتی کوچکی مثل ساری رونق و شکوفایی پیدا کند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای اداری مورد تصدی بهروز اخلاقی به قرار زیر است: معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده حقوق دانشگاه تهران، رئیس کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران، . مدیر گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه تهران، استادیار دانشکده حقوق دانشگاه تهران . دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه تهران . عضو انجمن بین المللی وکلای دادگستری

(IBA) عضو کانون وکلای دادگستری آمریکا (ABA) عضو انجمن حقوقی آسیا و اقیانوسیه (Law Asia). عضو مرکز مطالعات حقوق بین المللی (CILS) عضو کنسرسیوم حقوق تجارت بین الملل (IBLC) مؤسس و مدیر انجمن حقوق خصوصی ایران فعالیتهای آموزشی : عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط بهروز اخلاقی به قرار زیر است: کارشناسی ارشد • حقوق تجارت• حقوق تجارت بین الملل ومالکیت • حقوقتجارت دکتری • حقوق تجارت بین المللی • حقوق تجارت تطبیقی ---

آثار :

۱ European Union Law

ویژگی اثر : Nutshells – By Mike Cuthbert, London- Sweet and Maxwell

۲ اصول قراردادهای تجاری بینالمللی

ویژگی اثر : ترجمه- از انتشارات موسسه بینالمللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی پونیدروآ (رم) با همکاری آقای فرهاد امام

۳ حقوق اتحادیه اروپا

ویژگی اثر : ترجمه- با همکاری دکتر وحید اشتیاق و دکتر پرویز پرویزیان

۴ حقوق تجارت – تحلیل پاره‌ای از مباحث: نظریه عمومی حاکم بر اسناد تجاری و قراردادهای تجاری، دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی

ویژگی اثر : از انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی

۵ حقوق تجارت

ویژگی اثر : اسناد تجاری، دوره کارشناسی – جزوه درسی از انتشارات دانشکده حقوق ۶ حقوق تجارت بین الملل

ویژگی اثر : دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی تا کنون

۷ حقوق تجارت بین الملل

ویژگی اثر : دوره دکتری رشته حقوق خصوصی ۸ حقوق تجارت بینالملل

ویژگی اثر : ترجمه- تألیف پروفسور اشمیتوف با همکاری تعدادی از دانشجویان دوره کارشناسی ارشد

۹ حقوق تجارت پیشرفته

۱۰ حقوق تجارت تطبیقی

۱۱ حقوق هوایی

ویژگی اثر : دوره کارشناسی – جزوه درسی از انتشارات دانشکده حقوق

اخلاقی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: مهندسی مکانیک، دانشگاه: صنعتی امیرکبیر

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد در رشته مهندسی ماشین در سال ۱۹۷۳ از دانشگاه مونیخ آلمان، دکترا از دانشگاه فنی وین اطریش در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی امیرکبیر.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مهندسی تحقیق در مرکز تحقیقات کارخانه اتومبیل‌سازی Audi Nsu آلمان در زمینه سیستمهای انژکتوری در موتورهای بنزینی تا سال ۱۹۷۵، آسیستانت انستیتوی موتور دانشگاه وین اطریش، تحقیق در موتور چهار سیلندر بنزینی در ارتباط با چگونگی احتراق امیسیون‌های مضر دود و آرامش حرکتی، طرح احتراق داخلی پیستونی و تدوین سیکل کنترل به لحاظ آلودگی، تحقیقات بر روی موتور تک سیلندر بنزینی به لحاظ چگونگی جریان مخلوط در اطاق احتراق (توربولنت مخلوط) و اثر آن بر احتراق در همین ارتباط قرار گرفتن محل شمع، تدریس دروس طراحی موتور، استاتیک، طراحی اجزاء ماشین I و II، اجزاء ماشین پیشرفته.

ابداع:

در زمینه‌های موتورهای احتراق داخلی پیستونی در آلمان و طراحی اجزاء ماشین در اتریش.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

طراحی موتورهای احتراق داخلی پیستونی، طراحی اجزاء و ماشین (کلاچ، شافت، چرخ دنده و گیربکس)، استاتیک.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

موتورهای احتراق داخلی پیستونی، آلودگی هوا ناشی از دود اتومبیل، طراحی اجزاء ماشین.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

اخوان ثالث، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۰۷، توس مشهد.

درگذشت: ۴ شهریور ۱۳۶۹، تهران.

مهدی اخوان ثالث که «م. امید» تخلص می‌نمود، فرزند علی، تحصیلات ابتدایی و هنرستان صنعتی را در مشهد به پایان برد.

مهدی اخوان ثالث از سال ۱۳۲۳ کار شاعری خود را آغار کرد و به سرودن شعر پرداخت و بر اثر تشویق و راهنمایی‌های استاد مدرسه‌اش، پرویز کاویان، شوق بیشتری به شعر پیدا کرد و نخستین شعری که سرود در زمینه توحید و یکتایی خداوند بود و اولین جایزه‌ای که بر اثر سرودن همان شعر دریافت کرد، کتاب مسالک المحسنین تألیف طالبوف بود که افتخارالحکمای شاهرودی (مسنن) به او داد و همین امر سبب گردید که در طریق شعر و شاعری پیش رود و توجه اساتید شعر و ادب خراسان را به خود معطوف دارد و به عضویت انجمن ادبی مشهد (انجمن ادبی محمود فرخ خراسانی) درآید و تخلص «امید» را نیز استاد نصرت (منشی‌باشی) شاعر خراسانی برایش برگزید.

در سال ۱۳۲۷ ساکن تهران شد و به خدمت آموزش و پروش درآمد و به دبیری پرداخت و پس از چندی به سمت مأمور در وزارت اطلاعات مشغول همکاری شد و وظیفه‌اش نظارت بر برنامه‌های ادبی بود. وی همچنین به کار صدابرگردانی (دوبله) فیلم‌های مستند و نویسندگی در مطبوعات در موضوعات ادبی و هنری و شاعری و همکاری با رادیو مشغول بود. چندی نیز به موسیقی روی آورد و تار می‌نواخت و در دستگاههای ایرانی تمرین می‌کرد، اما به سبب مخالفت پدرش از کار موسیقی دست کشید. ضمنا چند ماهی نیز به زندان افتاد و به قول خودش «برای همیشه از سیاست کناره گرفت» و تنها به کارهای ادبی پرداخت.

وی در سرودن شعر به سبک کلاسیک در قصیده‌سرایی (به شیوه اساتید کهن خراسان و خاصه منوچهری) و غزل‌سرایی (ارغنون از جمله فعالیت‌های این دوره اوست) و نیز به سبک نو (به شیوه نیما، مانند مجموعه‌ی زمستان) طبع آزمایی کرد.

مهدی اخوان ثالث در اواخر عمر به عنوان استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌های تهران و تربیت معلم و شهید بهشتی تدریس می‌کرد.

از جمله آثار ایشان می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره کرد: ارغنون (مجموعه شعر، ۱۳۳۰)؛ زمستان (مجموعه شعر، ۱۳۳۵)؛ آخر شاهنامه (مجموعه شعر، چاپ اول، ۱۳۳۸، چاپ دهم، ۱۳۷۰)؛ از این اوستا (مجموعه شعر، ۱۳۴۵)، پاییز در زندان (پس از سال ۱۳۴۵)؛ منظومه‌ی شکار (۱۳۴۵)؛ بهترین امید (گزیده‌ی اشعار و مقالات، ۱۳۴۸)؛ عاشقانه‌ها و کبود (۱۴۳۸)؛ برگزیده شعرها (۱۳۴۹)؛ دوزخ اما سرد، مجموعه مقالات (جلد اول ۱۳۵۰)؛ نقیضه و نقیضه‌سازان، بدعت‌ها و بدایع نیما یوشیج (۱۳۵۷)، مرد جن زده (مجموعه داستانی، چاپ دوم ۱۳۵۷)؛ در حیاط کوچک پاییز،... (مجموعه شعر)؛ حریم سایه‌های سبز (مقاله، زیر نظر مرتضی کافی، ۱۳۷۳)؛ عطا و لقای نیما یوشیج (۱۳۶۱)، درخت پیر و جنگل (کتاب قصه برای کودکان)، تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم (۱۳۶۸)؛ گزینه‌ی اشعار؛ زندگی می گوید اما باید زیست؛ ادب الرفیع؛ منظومه سواحلی؛ نوعی وزن در شعر فارسی.

مهدی اخوان ثالث سرانجام در سال ۱۳۶۹ در تهران بدرود حیات گفت و پیکرش را به مشهد انتقال دادند و در جوار آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی در باغ توس به خاک سپردند.

مهدی اخوان‌ثالث (م.امید) فرزند علی به سال ۱۳۰۷ در طوس مشهد مقدس متولد شد. دوره تحصیلات ابتدایی و هنرستان را در مشهد به پایان برد و به خدمت آموزش و پرورش درآمد و به سمت معلمی به تعلیم و تعلم کودکان ایرانی پرداخت و پس از چندی به سمت مأمور در وزارت اطلاعات مشغول همکاری شد و کارش نظارت بر برنامه‌های ادبی آن موسسه بود.

از وی کتابهای: «ارغنون»، در سال ۱۳۳۰، «زمستان» در سال ۱۳۳۵، «آخر شاهنامه» در سال ۱۳۳۸ «از این اوستا» در سال ۱۳۴۴، «شکار» در سال ۱۳۴۵ و تعداد دیگری به چاپ رسیده است.

«نماز»

باغ بود و دره- چشم‌انداز پرمهتاب،
ذاتها با سایه‌های خود هم‌اندازه.
خیره در آفاق و اسرار عزیز شب،
چشم من- بیدار و چشم عالمی در خواب.
نه صدایی جز صدای رازهای شب،
و آب و سرمای نسیم و جیرجیرکها،
پاسدار حریم خفتگان باغ،
و صدای حیرت بیدار من (من مست بودم، مست)

خاستم از جا
سوی جو رفتم، چه می‌آمد
آب.
یا نه، چه می‌رفت، هم زانسانکه حافظ گفت، عمر تو
با گروهی شرم و بیخویشی وضو کردم.
مست بودم، مست سرشناس، پاشناس، اما لحظه پاک و عزیزی بود.
برگکی کندم
از نهال گردوی نزدیک،
و نگاهم رفته تا بس دور.
شبنم آجین سبز فرش باغ هم گسترده سجاد.
قبله، گو هر سو که خواهی باش.
تا تو دارد گفت و گو شوریده مستی.
– مستم و دانم که هستم من–
ای همه هستی ز تو، آیا تو هم هستی؟
زاگون– مردادماه ۱۳۳۹
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اخوان خراسانی، علی

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین آقا شیخ علی بن العلامه الورع الشیخ محمدحسین مدرس در سال ۱۳۱۹ قمری در مشهد مقدس رضوی ولادت یافته و بعد از تحصیل مقدمات و سطوح در سته ۱۳۴۴ قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و در محضر مقدس جمعی از محققین آن عصر بالاخص مرحوم آیت‌الله نائینی و مرحوم آیت‌الله اصفهانی رضوان‌الله تعالی علیهما حضور یافته تا ذی‌القعده الحرام ۱۳۹۱ قمری که در حادثه عراق و فشار و ظلم دولت شوم بعثی عراق به شیعیان ایرانی با ده‌هاهزار نفر از اهل علم و غیره اخراج به ایران و در شهر مذهبی قم رحل اقامت افکنده و به مباحثات فقه و اصول اشتغال دارند. از آثار ایشانست تقریرات و دراسات اساتید مذکور که به رشته تحریر آورده‌اند ولی هیچ‌کدام به طبع نرسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اخوان خراسانی، مرتضی

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین آقا شیخ مرتضی بن العلامه الشیخ محمدحسین مدرس خراسانی مذکور از علماء و فقها حوزه علمیه نجف می‌باشند که با برادر ارجمند فوق‌الذکرش در سال ۱۳۹۱ قمری اخراج به ایران و سرانجام اقامه در قم را انتخاب نموده و به وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.
تولد ایشان در سال ۱۳۲۱ قمری واقع شده و بعد از فراغ از مقدمات و سطوح فقه و اصول مهاجرت به نجف اشرف نموده در سال ۱۳۴۴ قمری.
و در درس اساطین آن عصر مخصوصا مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله اصفهانی اعلی‌الله مقامهما حاضر و پس از آنها به تدریس و بحث اشتغال داشته و تا هم اکنون که در قم سکونت نموده‌اند و به این سمت مشغول می‌باشند از نوشته‌های ایشانست تقریرات اساتید که مخلوط است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اخوان زنجانی، داریوش

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
داریوش اخوان زنجانی در سال ۱۳۲۷ ، در تهران متولد گردید. وی در سن ۱۰ سالگی به انگلستان عزیمت کرد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در این کشور گذراند. سپس دوره کارشناسی را در رشته اقتصاد در دانشگاه لندن و دوره کارشناسی ارشد را در رشته حقوق بین الملل عمومی در دانشگاه دیژون فرانسه پشت سر گذاشت و در سال ۱۳۶۶ موفق به اخذ درجه دکتری در رشته علوم سیاسی از دانشگاه سوربن فرانسه شد. دکتر اخوان زنجانی پس از اتمام تحصیلات و زندگی طولانی در خارج ، در

سال ۱۳۶۷ به ایران بازگشت و از سال ۱۳۶۸ ، در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران شروع به فعالیت نمود. او همچنین به عنوان مشاور و کارشناس روابط بین الملل با سازمان ها و وزارتخانه ها از جمله: دفتر مطالعات وزارت امور خارجه ،گروه علوم سیاسی مرکز گفتگوی تمدنها و مجمع تشخیص مصلحت نظام ، همکاری نزدیکی داشت. دکتر اخوان زنجانی ، در چهارم تیرماه سال ۱۳۸۰ دارفانی را وداع گفت.گروه : علوم انسانی رشته : علوم سیاسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : داریوش اخوان زنجانی در سن ۱۰ سالگی به انگلستان عزیمت کرد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در این کشور گذراند. وی دوره کارشناسی را در رشته اقتصاد در دانشگاه لندن و دوره کارشناسی ارشد را در رشته حقوق بین الملل عمومی در دانشگاه دیژون فرانسه پشت سر گذاشت و در سال ۱۳۶۶ موفق به اخذ درجه دکتری در رشته علوم سیاسی از دانشگاه سوربن فرانسه شد.زمان و علت فوت : داریوش اخوان زنجانی ، در چهارم تیرماه سال ۱۳۸۰ دارفانی را وداع گفت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : داریوش اخوان زنجانی به عنوان مشاور و کارشناس روابط بین الملل با سازمان ها و وزارتخانه ها از جمله: دفتر مطالعات وزارت امور خارجه ، گروه علوم سیاسی مرکز گفتگوی تمدنها و مجمع تشخیص مصلحت نظام ، همکاری نزدیکی داشت.فعالیتهای آموزشی : داریوش اخوان زنجانی پس از اتمام تحصیلات و زندگی طولانی در خارج ، در سال ۱۳۶۷ به ایران بازگشت و از سال ۱۳۶۸ به عنوان یکی از اعضای هیات علمی ،در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران مشغول فعالیت بود.آثار : nbsp۱ Dialog among Civilizations and Cultures آینده و عراق ، بحران در سیستم ها ، تاملی در مورد روابط ایران و آمریکا ، جامعه مدنی و جامعه مدنی جهانی ، جهان گرایی ، ساختار بین المللی خلیج فارس ، ساختار جامعه بین الملل، ساختار جامعه بین الملل و امنیت ملی ، ساختار جامعه بین المللی ویژگی اثر : مقاله۱۱ گفتگوی تمدنها ، منطقه گرایی ، نظام بین الملل و نظام سرمایه داری و لیبرالیسم

اخوان طبسی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد اخوان طبسی

محل تولد : طبس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمداخوان طبسی در سال ۱۳۵۴ یا ۱۳۵۵ بود که برای تحصیل علوم حوزوی به شهر قم آمدم و در مدرسه علمیه ای که در خیابان صفائیه کوچه ممتاز به نام مدرسه رسالت معروف بود مشغول به تحصیل شدم. بعد از انقلاب هم در مدارس دیگری به تحصیل اشتغال داشتم از جمله سه سال در مدرسه علمیه اسلامیه و سه سال هم در اصفهان و بعد هم دوباره به قم برگشتم و تا به حال ساکن قم بوده ام.

برای تدریس به مدارس علمیه چند شهر به نامهای آباده، گرگان، شیراز، گلپایگان، لردگان که از جمله آنهاست رفته ام.

اخوان طبسی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد اخوان طبسی

محل تولد : طبس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمداخوان طبسی در سال ۱۳۵۴ یا ۱۳۵۵ بود که برای تحصیل علوم حوزوی به شهر قم آمدم و در مدرسه علمیه ای که در خیابان صفائیه کوچه ممتاز به نام مدرسه رسالت معروف بود مشغول به تحصیل شدم. بعد از انقلاب هم در مدارس دیگری به تحصیل اشتغال داشتم از جمله سه سال در مدرسه علمیه اسلامیه و سه سال هم در اصفهان و بعد هم دوباره به قم برگشتم و تا به حال ساکن قم بوده ام.

برای تدریس به مدارس علمیه چند شهر به نامهای آباده، گرگان، شیراز، گلپایگان، لردگان که از جمله آنهاست رفته ام.

اخوان فرشچی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : دکتر محمد اخوان در سال ۱۳۲۵ در تهران بدنیا آمد. وی تحصیلات دانشگاهی خود را در آمریکا در دانشگاه آریزونا در مقطع کارشناسی فیزیک آغاز و در سال ۱۳۴۷ فارغ التحصیل شد. او تحصیلات تکمیلی را در دانشگاه نتردام آمریکا ادامه داد و موفق به اخذ مدرک دکترای رشته فیزیک حالت جامد تجربی را از همان دانشگاه در سال ۱۳۵۲ شد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه صنعتی شریف می باشد.

گروه : علوم پایه

رشته : فیزیک

گرایش : حالت جامد

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی محمد اخوان به قرار زیر است: کارشناسی فیزیک از دانشگاه آریزونا ،آمریکا در سال ۱۳۷۴ کارشناسی ارشد رشته فیزیک حالت جامد ،دانشگاه نتردام در سال ۱۳۴۹ دکتری رشته فیزیک حالت جامد تجربی ،دانشگاه نتردام در سال ۱۳۵۲

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای اداری و مدیریتی محمد اخوان به قرار زیر استک داور و ویرایشگر تعداد زیادی از مقالات و کتابها در زمینه فیزیک استاد ،دانشکده فیزیک دانشگاه صنعتی شریف رئیس آزمایشگاه پژوهش مغناطیس ،دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۵۳ تا سال ۱۳۵۹ و از سال ۱۳۷۲ تا کنون رئیس دانشکده فیزیک دانشگاهی صنعتی شریف از سال ۱۳۵۶ تا سال ۱۳۵۷ عضو پیوسته بالای ICTP از سال ۱۳۷۷ تا کنون عضو فرهنگستان علوم ایران از سال ۱۳۷۹ تا کنون عضو گروه بنیان گذاران مرکز ملی برگزیدگان سیستمهای مختلط و مسائل فشرده از سال ۱۳۸۶ تا کنون ویرایشگر مدعو در فیزیک سالهای ۱۳۸۱ و ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵ ویرایشگر ژورنال ایرانی پژوهشگران فیزیک از سال ۱۳۷۸ تا کنون ویرایشگر ژورنال پژوهشی دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۸۴ تا کنون ویرایشگر ژورنال مرکز فیزیک ریاضیات در سال ۱۳۷۸ دبیر اولین کنفرانس ملی پیشرفت های ابررسانی (انجمن فیزیک ایران)خرداد ۱۳۸۷

فعالیتهای آموزشی : محمد اخوان عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه صنعتی شریف می باشد. عنوان دروس ارائه شده توسط ایشان: مواد فشرده فیزیک پیشرفته،عناوین مخصوص در قابلیت رسانایی بالا،مغناطیس،آزمایشگاه فیزیک پیشرفته

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : محمد اخوان بنیان گذار ازمایشگاه پژوهشی مغناطیس ،دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۵۳ می باشد.

آرا و گرایشهای خاص : زمینه های مطالعاتی و پژوهشی محمد اخوان به قرار زیر است: مواد کمیاب زمین،دوره مغناطیس،مغناطیس دائمی،آهن مذاب،مغناطیس ذرات نانو،وسایل اندازه گیری،فیلمهای باریک،مقاومت مغناطیس بزرگ،ثبت دمای بالا،ساختار ویژگی،مغناطیس ،محاسبات ساختار اتصال،اثر متقابل الکترون و فونون ،رسانای مغناطیسی

جوائز و نشانها : جایزه بهترین کتاب کاربردی علمی سال ۱۳۸۴

چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی محمد اخوان به قرار زیر است: -۲۵۰ مقاله چاپ شده در ژورنالهای علمی و ارائه شده در کنفرانسهای داخلی و خارجی – ۱۱ مورد استاد راهنمای پایان نامه دانشجویی

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

اخوان کاظمی، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسعود اخوان کاظمی

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای مسعود اخوان کاظمی در سال ۱۳۴۱هجری شمسی در خانواده ای متدین و کاملا مذهبی در شهرستان کرمانشاه دیده به جهان گشود.

نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی تشویق خانواده و اطرافیان و علاقه فراوان خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۲ وارد دانشگاه امام صادق (ع) گردید تا در کنار دروس دانشگاهی به تحصیل در دروس حوزوی هم بپردازد. از نخستین روزهای ورود به دانشگاه امام صادق علیه السلام با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از محضر دروس اساتیدی همچون آیت الله باقری کنی، آیت الله مهدوی کنی و دیگر اساتید برجسته دانشگاه بهره ها برد.

استاد پس از فارغ التحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه امام صادق علیه السلام برای ادامه تحصیل به کشور فرانسه

عزیمت نمود و در سال ۱۳۷۴ در مقطع دکترای علوم سیاسی از دانشگاه رن فرانسه فارغ التحصیل گردید.
ایشان سالهای متمادی است که به تدریس در دانشگاه رازی کرمانشاه و پژوهش در وزارت کشور مشغول می باشد و هم اکنون ریاست دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه کرمانشاه را بر عهده دارد. وی هیچوقت از امر تحقیق و نگارش و تألیف غافل نمانده و برخی از آثار آن را با عنوان" توسعه سیاسی و جامعه مدنی "و" سازمان همکاری شانگهای "می توان نام برد.

اخوان مرعشی، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جنابان حجتی‌الاسلام و المسلمین و سیدی الاعلام و المعاصرین حاج سید کاظم و حاج سید مهدی آقا مشهوران باخوان المرعشی فرزندان عالم جلیل آیت‌الله مرحوم حاج سید محمدرضا رفسنجانی مرعشی از علماء اعلام و اکابر فضلاء و مدرسین حوزه قم و نجف اشرف می‌باشند.
این دو برادر در پانزدهم شعبان المعظم ۱۳۳۷ قمری که مصادف با یکهزار و هشتاد و دومین سال ولادت حضرت ولی‌الله اعظم حجه بن الحسن العسکری ارواحنا له الفداء می‌باشد در باب طوسی نجف اشرف با هم از یک مادر عفیفه فاضله علویه از بیت مرحوم آیت‌الله العظمی مجدد شیرازی متولد و از جهت شباهت چنان با یکدیگر شباهت دارند که گاهی تشخیص و تمیز آنان از یکدیگر مشکل است و آنها تا سال ۱۳۴۷ قمری در نجف بود، آنگاه به رفسنجان آمده و تا سال ۱۳۵۳ قمری در بلوک کشکوئیه رفسنجان که علاقه ملکی داشتند تکمیل دروس فارسی نموده و پس از آن در اثر اهتمام والده ماجده به قم آمده در ایامی که به واسطه پاره‌ای از جهات نوعا از روحانیت و طلبگی فرار می‌کردند شوق مفرطی به تحصیل علم و کمال نموده و در مقابل سختیها استقامت ورزیده و ادبیات و سطوح را تکمیل و حاضر به درس خارج اساتید بزرگ که حوزه چون مرحوم آیت‌الله حجت کوهکمری و آیت‌الله مرحوم حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌الله صدر و بالاخص مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی شده تا جائی که موفق به اکتساب جمیع مبانی اصولیه و فقهیه از نظر اجتهاد و حصول رای شده و گاهی در مباحثات و مناقشات علمی موجب تغییر رای اساتید می‌شدند.
و پس از تکمیل مراتب عالیه در سال ۱۳۷۰ قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و در محضر بحث استفتائی مرحوم آیت‌الله العظمی آقای آمیرزا عبدالهادی شیرازی (والد معظم همسران خود) شده و چهارسال هم به بحث خارج آن مرحوم شرکت نموده و مدت بیست و دو سال در حوزه نجف اشتغال به بحثهای خصوصی و تدریس سطوح سپس خارج فقه و اصول داشته تا در سال ۱۳۹۲ قمری که جناب آقای حاج سید کاظم آقا به ایران آمدند و در قم ساکن گشتند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اخوان مرعشی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جنابان حجتی‌الاسلام و المسلمین و سیدی الاعلام و المعاصرین حاج سید کاظم و حاج سید مهدی آقا مشهوران باخوان المرعشی فرزندان عالم جلیل آیت‌الله مرحوم حاج سید محمدرضا رفسنجانی مرعشی از علماء اعلام و اکابر فضلاء و مدرسین حوزه قم و نجف اشرف می‌باشند.
این دو برادر در پانزدهم شعبان المعظم ۱۳۳۷ قمری که مصادف با یکهزار و هشتاد و دومین سال ولادت حضرت ولی‌الله اعظم حجه بن الحسن العسکری ارواحنا له الفداء می‌باشد در باب طوسی نجف اشرف با هم از یک مادر عفیفه فاضله علویه از بیت مرحوم آیت‌الله العظمی مجدد شیرازی متولد و از جهت شباهت چنان با یکدیگر شباهت دارند که گاهی تشخیص و تمیز آنان از یکدیگر مشکل است و آنها تا سال ۱۳۴۷ قمری در نجف بود، آنگاه به رفسنجان آمده و تا سال ۱۳۵۳ قمری در بلوک کشکوئیه رفسنجان که علاقه ملکی داشتند تکمیل دروس فارسی نموده و پس از آن در اثر اهتمام والده ماجده به قم آمده در ایامی که به واسطه پاره‌ای از جهات نوعا از روحانیت و طلبگی فرار می‌کردند شوق مفرطی به تحصیل علم و کمال نموده و در مقابل سختیها استقامت ورزیده و ادبیات و سطوح را تکمیل و حاضر به درس خارج اساتید بزرگ که حوزه چون مرحوم آیت‌الله حجت کوهکمری و آیت‌الله مرحوم حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌الله صدر و بالاخص مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی شده تا جائی که موفق به اکتساب جمیع مبانی اصولیه و فقهیه از نظر اجتهاد و حصول رای شده و گاهی در مباحثات و مناقشات علمی موجب تغییر رای اساتید می‌شدند.
و پس از تکمیل مراتب عالیه در سال ۱۳۷۰ قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و در محضر بحث استفتائی مرحوم آیت‌الله العظمی آقای آمیرزا عبدالهادی شیرازی (والد معظم همسران خود) شده و چهارسال هم به بحث خارج آن مرحوم شرکت نموده و مدت بیست و دو سال در حوزه نجف اشتغال به بحثهای خصوصی و تدریس سطوح سپس خارج فقه و اصول داشته تا در سال ۱۳۹۲ قمری که جناب آقای حاج سید کاظم آقا به ایران آمدند و در قم ساکن گشتند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اخوی، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم اخوی

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱/۱

اخوی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا اخوی

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱/۱

اخویان، محمد علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی اخویان

محل تولد : کوهدشت لرستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد علی اخویان در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه شدم و در سال ۱۳۷۴ در رشته تخصصی کلام از موسسه امام صادق (ع) فارغ التحصیل شدم و حدود یک دوره اصول حضرت آیت الله سبحانی شرکت نمودم و بیش از ۸ سال در درس خارج آیت الله فاضل و آیت الله نوری همدانی و آیت الله وحید خراسانی شرکت نمودم.

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه پیام نور تهران اخذ کردم و کارشناسی ارشد تاریخ عمومی جهان را از دانشگاه واحد مرکز تهران گرفتم. همچنین در دانشگاههای مختلف از جمله هنر، آزاد اسلامی تهران، دانشگاه قم، باقرالعلوم (ع)، دانشگاه اراک، حوزه علمیه شهید صدوقی فاز ۴ و ۵ تدریس داشته و دارم.

اخوین، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس اخوین در سال ۱۳۱۶ ، در مشهد چشم به جهان گشود. دوره دبستان و دبیرستان را در زادگاه خود طی نمود. سرانجام در دانشسرایعالی تهران به ادامه تحصیل پرداخت و در رشته شیمی فارغ التحصیل گردید. چون ضمن تحصیل استعداد فن خط را از خود بروز داده بود در این وقت هرجا قطعه های زیبایی از خطوط خوشنویسان را می دید با اشتیاقی فراوان به مشق از روی آن می پرداخت و از ظرافتکاری های خطاطان به حد کافی استفاده می کرد وتلاش او دردرک قواعد و رموز زیبایی و نکات عمده خط، وجود هنری اش را جلاـ بخشید و با درک محضر خوشنویسان بزرگ مشهد و بر قواعد فنون خطاطی اشراف یافت و با حضور درکلاس آزاد خوشنویسی هنرهای زیبا به دیگر تکنیکهای این هنردست یافت.

گروه : هنر

رشته : هنرهای تجسمی

والدین و انساب : عباس اخوین فرزند علی اصغر می باشد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عباس اخوین دوره دبستان و دبیرستان را در زادگاه خود طی نمود. سرانجام در دانشسرایعالی تهران به ادامه تحصیل پرداخت و در رشته شیمی فارغ التحصیل گردید. چون ضمن تحصیل استعداد فن خط را از خود بروز داده بود درین وقت هرجا قطعه های زیبایی از خطوط خوشنویسان را می دید با اشتیاقی فراوان به مشق از روی آن می پرداخت و از ظرافتکاری های خطاطان به حد کافی استفاده می کرد و سعی می نمود قواعد و رموز زیبایی و نکات عمده خط را دریابد. در سال ۱۳۳۴ از مشهد به تهران رفته و چون احساس کرد که باید از محضر استادی کسب فیض کند و اصول قواعد فنون خطاطی را بیاموزد از سال ۱۳۳۷ خورشیدی در کلاس آزاد خوشنوبسی هنرهای زیبا کشور شرکت نمود و هنر خود را دنبال کرد.

استادان و مربیان : عباس اخوین پس از آنکه تصمیم گرفت هنر خوسنویسی را به طور جدی و علمی دنبال نماید ، درکلاس آزاد خوشنویسی هنرهای زیبا شرکت کرد و در آنجا از خوشنویس محضر علی آقا حسینی ظرف مدت دو سال تعلیم خط قرار گرفت. –

آثار :

۱ التفاصیل

۲ پویه و رها

ویژگی اثر : مجموعه ای از منظومات فریدون توللی می باشد.

ادای جاجرمی، محمد کاظم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. وی در بیاضی که خود ترتیب داده، اشعارش را نقل کرده است از جمله قصیده‌ی یکصد و پنجاه بیتی رائیه را که در صنایع شعری فارسی است در این بیاض، از مجموعه‌ی منشات محمد امین وقاری موسوم به «گلدسته‌ی اندیشه» و نیز از منشات یوسفی گزینشی آورده، همچنین در این بیاض از «رساله‌ی صنایع شعری» اشرف رامی ذکری شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۶۳ –۶۲ /۹)، فرهنگ سخنوران (۴۹).

ادایی بخارایی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۴ ق)، شاعر. از اهالی سمرقند بود. وی به هندوستان رفت و در همان جا درگذشت. گویند سخن سنجی و نکته آفرینی را به خوشی ادا می‌کرد. از اوست:

مرا چو مست بینی مگو که بی‌خبر است این

که مست عالم عشقیم و عالم دگر است این

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۴۹)، تحفه‌ی سامی (۲۷۱)، الذریعه (۶۴ /۹)، ریحانه (۹۷ /۱)، صبح گلشن (۲۲).

ادایی بفروئی یزدی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۳۰ ق)، شاعر. وی از مردم یزد بود و به سبب اتهام به الحاد به هندوستان رفت و در شهر سورت مسکن گزید و همان جا بدرود حیات گفت. وی در سرودن رباعی توانا بود. از اوست:

یکی دل آزاد در این دامگه فانی نیست

یوسفی نیست درین مصر که زندانی نیست

چاشنی گیرز هر کاسه‌ی این خوان گشتم

خوش نمک‌تر ز سر انگشت پشیمانی نیست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۱۲ –۱۰)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۹۲ –۲۹۱)، الذریعه (۶۳ /۹)، ریاض العارفین (۱۷۱ – ۱۷۰)، فرهنگ سخنوران (۵۰)، کاروان هند (۳۱ –۳۰ /۱)،لغت‌نامه (ذیل/ ادائی).

ادایی سمرقندی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۴ ق)، شاعر. از شاعران سمرقند بود که به هندوستان رفت و در همان جا درگذشت. از اوست:

یاد وصال او دل ما را شاد می‌کند

عمر گذشته را همه کس یاد می‌کند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۶۴ / ۹)، ریحانه (۹۷ / ۱)، صبح گلشن (۲۲)، فرهنگ سخنوران (۵۰)،لغت‌نامه (ذیل/ ادایی).

ادایی شیرازی، بهاءالدین علی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۲۸ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به ادایی. وی همچون همشهریش سعدی پیوسته سفر می‌کرد و با اهل فضل و کمال در اطراف و اکناف عالم مصاحب می‌شد و از هر طایفه‌ای فضیلتی کسب می‌کرد. وی نه تنها در سرودن شعر از مثنوی و قصیده و غزل توانا بود که کاتب توانایی نیز بود و خط را خوش می‌نوشت. در استانبول درگذشت. از آثار وی: «نظم تاریخ سلطان سلیم»، به بحر شاهنامه، تحت عنوان: «سلیم‌نامه»؛ یک نسخه «نه سپهر» امیر خسرو دهلوی، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «... علی یـد اقل... علی المشهور به ادایی... ثلاث و عشرین تسعمائه» از اوست:

ماه من آئینه هرگه پیش رخسار آورد

صورت آئینه را با خود به گفتار آورد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۳۴ /۲)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۲۴۴ -۲۴۳ /۱)، الذریعه (۶۳ /۹)، فرهنگ سخنوران (۵۰)، لغت‌نامه (ذیل/ ادائی)، مجالس النفائس (۳۶۶ -۳۶۴).

ادب کرمانشاهی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۸۰ ق)، خطاط، شاعر و ادیب. وی از سلسله‌ی سادات کرمانشاه بود. از بیشتر علوم متداول زمان خود بهره‌ی کافی داشت. مردی ادیب و دانشمند بود. کتابی به سبک «گلستان» سعدی پرداخته و در آن حکایات خوبی همراه با شعر آورده است. وی در خط شکسته مهارت داشت. ادب در کرمانشاه بدرود حیات گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۰۸ -۱۰۲ /۱)، الذریعه (۱۷۳ -۱۷۲ /۹)، فرهنگ سخنوران (۱۵۰).

ادریسی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی شیمی، دانشکده: مهندسی شیمی، دانشگاه: صنعتی امیرکبیر

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۵ و کارشناسی ارشد شیمی از دانشگاه لندن در سال ۱۳۴۵ با استفاده از بورس B.C، دکترای شیمی از دانشگاه لندن با استفاده از بورس کالج چلسی.

مرتبه علمی:

استاد داشنگاه صنعتی امیرکبیر.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

دارای ۲۸ سال سابقه تحقیق و تدریس در دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا در دانشگاههای شیراز، لندن، امیرکبیر و آزاد اسلامی، ساخت بسیاری از مواد اولیه و محصولات صنایع شیمیایی و نظامی در ایران، طرحهای تحقیقی در زمینه سوخت جامد، پوشش سوخت راکتها، عصاره نوشابه‌های گازدار، ملاط ضدالیه روان‌کننده انواع لحیم، جاذبه‌های رادار، انواع روغنهای هیدرولیکی، مواد اولیه باطریها، تعیین فلورید در آبهای آشامیدنی، تولید صنعتی محصولات مربوط به صنایع شیمیایی.

ابداع:

حدود ۲۵ ابداع در زمینه صنایع شیمیائی، نظامی و آنالیزکمی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شیمی تجزیه، اسپکتروسکپی، محاسبه در شیمی آنالیتیک.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳۰

زمینه علمی مقالات:

تجزیه کلی مقادیر جزئی فلزات به روشهای کلاسیک و طیف‌سنجی، سنتز مواد آلی، فتوشیمی، استخراج با حلال.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ادهم ابهری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. اهل ابهر و اصل و نسب وی عرب بود. نسبش از طریق مادر به مالک اشتر و از سوی پدر به احمد غزالی می‌رسد. وی چندی کاتب شاه طهماسب بود و در سال دوم سلطنت شاه طهماسب به دست دمری سلطان شاملو کشته شد. جسد او بعد از مدتی به کربلا منتقل شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ اصفهان (۲۲۵)، گلستان هنر (۴۷).

ادهم باتی

قرن:۱۲

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن دوازدهم هجری، قدسیه بیگم، ملقب به ممتاز محل و متخلص به رعنایی از زنان شاعر فارسی‌گوی هند. وی همسر محمدشاه (۱۱۶۱ -۱۱۳۱ ق)، پادشاه تیموری هند و زنی خوشگذران بود. پس از درگذشت همسرش، باغ باصفایی در بیرون شهر دهلی بنا کرد و آن را قدسیه نامید و در آن مسجدی ساخت. قدسیه بیگم طبع شعر داشت و به زبان فارسی شعر سرود و تخلص رعنایی داشت.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: تذکرةالخواتین، ۱۶؛ خیرات حسان، ۱۶ / ۱.

ادهم تویسرکانی همدانی آرتیمانی، ابراهیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۶۰ ق)، شاعر و صوفی. وی مانند پدرش عارفی دل آگاه بود و ذوقی خوش و طبعی روان داشت. در زمان شاه جهان از موطنش تویسرکان به هندوستان رفت و در آن سامان بر اثر رفتار ناشایست به زندان افتاد و در همان جا رخت از جهان بربست. از اوست:

هر فیض که در حسن گل و لاله و شمع است

از روی تو و رنگ تو و خوی تو پیداست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن سرایان همدان (۲۲۰ -۲۱۷ /۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۶۰ -۳۵۹)، الذریعه (۶۴ /۹)، فرهنگ سخنوران (۵۱)، کاروان هند (۳۷ -۳۱ /۱).

ادهم خلخالی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، واعظ و شاعر، متخلص به عزلتی. وی از واعظان معروف زمان خود بود که «باب حادی عشر» علامه حلّی را به نام «لوازم الدین» به شعر فارسی در وزن «لیلی و مجنون» نظامی ترجمه و تفسیر کرده است. دیگر آثار وی: «دیوان عزلتی»؛ «مشرق

التوحید».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۰۱)، دانشمندان آذربایجان (۲۷۴ -۲۷۳)، الذریعه (۳۵۷ /۱۸ ،۷۱۷ /۹)،لغت‌نامه (ذیل/ ادهم).

ادهم کاشانی، ابراهیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۶۹ ق)، شاعر. از اهالی کاشان بود و بیشتر عمر خود را در تبریز، و بغداد گذراند. در سرودن همه نوع شعر مهارت داشت ولی، غزل او از دیگر شعرهایش بهتر است. بیشتر اشعار باقی مانده از او رباعی است. وی در پایان زندگی پس از مدتی سیاحت به تبریز رفت و در آنجا ساکن شد. گویند در آن شهر به خوبرویی مایل شد و به ضربتی که از او خورد جان سپرد.

دوشینه سحرنگار تبریزی من

آمد به سر راه به خونریزی من

عریان ز لباس عاریت ساخت مرا

این بود نتیجه‌ی سحرخیزی من

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۴۷)، تحفه‌ی سامی (۲۴۵)، دایرةالمعارف فارسی (۷۷ /۱)، الذریعه (۶۴ /۹)، فرهنگ سخنوران (۵۱)،لغت‌نامه (ذیل/ ادهم)، هفت اقلیم (۴۷۷ -۴۷۶ /۲).

ادهم نژاد، بهمن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بهمن ادهم نژاد اطاق وری

محل تولد : لنگرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۴/۳۰

زندگینامه علمی

اینجانب بهمن ادهم نژاد لنگرودی مشهور به محمد تقی در تاریخ ۳۰/ ۴۴/ ۱۳۴۴شمسی در روستای کردسراکوه از توابع بخش "اتاق ور "شهرستان لنگرود در خانواده متدین و کشاورز متولد شدم. تحصیلات را تا سیکل در همان منطقه ادامه داده و آن گاه بخاطر مشکلات مالی به کمک خانواده شتافتم.

در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه لاهیجان شدم و تا سال ۱۳۶۶ شمسی موفق به تکمیل مقدمات و مقداری از سطح شدم و آن گاه در سال ۱۳۶۶ شمسی به تهران آمدم و در مدرسه علمیه قائم چیذر به مدت ۳ سال به ادامه تحصیل پرداخته و در سال ۱۳۶۹ شمسی تاکنون در حوزه علمیه مبارکه قم مشغول بوده و از محضر اساتید بزرگواری همانند حضرات آیات عظام آقایان: سید محمد علی مرتضوی لنگرودی، فاضل هرندی، محامی خراسانی، مجتهدی خراسانی، مرحوم پایانی، محفوظی، استادی، ذوالقدری، زنجانی، سید احمد خاتمی، علوی گرگانی، مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی، مرحوم وجدانی فخر و... بهره مند بوده و هستم که خداوند سایه همه اساتید بزرگوارمان را بر سر ما مستدام بدارد و عزیزان از دست رفته مان را غریق دریای رحمت خویش فرماید.

از بدو ورود به حوزه علمیه از آنجایی که علاقه و ذوق نویسندگی را در خود احساس کردم مدتی را در مجله «نور علم» نشریه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و مجله «پیام حوزه» اشتغال داشتم و کار نویسندگی را از روزنامه جمهوری اسلامی و مجله حوزه نشریه دفتر تبلیغات اسلامی آغاز کردم که تاکنون دهها جلد تألیف مستقل دارم که ۴ جلد آن به زیور طبع آراسته شده است و بیش از ۲۰۰ مقاله داشته ام که بیش از نیمی از آنان چاپ شده است و برخی از آنان به مرور به چاپ خواهد رسید. اغلب و بلکه تمام مقالات و تألیفاتم در رشته رجال و تراجم شیعه بوده است و بیشترین مطالعات روزانه حقیر را همین موضوع تشکیل می دهد و البته از مطالعات فقه و تاریخ و اخلاق بی بهره نیستم.

ادهم یزدی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۰۱ ق)، خطاط. مشهور به ادهم کور. از اهالی یزد بود و در خراسان می‌زیست. خط نستعلیق را با ظرافت می‌نوشت و معاصر

با مولانا حیرتی اصفهانی از شعرای مشهور بود. گویند که بزرگان ترکمان او را از خراسان به اصفهان فرستادند تا کتیبه‌های منازل ایشان را بنویسد. سپهر نام او را ابراهیم و تاریخ مرگش را سال ۹۰۱ ق ضبط کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۸ -۵۷ /۱)، تاریخ اصفهان (۲۳۰ -۲۲۹)، گلستان هنر (۸۶).

ادهمی، عبدالحمید

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطاط. از استادان خوشنویس بود. در امامزاده اسماعیل اصفهان، در ضلع شرقی مسجد کوچک شعیا، شبستانی وجود دارد که بانی ساختمان آن محمد هادی کاشانی بوده است: کتیبه روی گچ محراب مسجد هادی کاشانی، در امامزاده اسماعیل اصفهان، به خط ثلث چهار دانگ با کتیبه‌ی خوش، با رقم: «... محراب مسجد هادی کاشانی، کتبه عبدالحمید الادهمی ۱۱۱۵» از آثار اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار ملی اصفهانی (۷۵۷)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۹۹ / ۴)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۵۳۳).

ادیب اشراق، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۷ -۱۲۳۷ ش)، دانشمند و شاعر، متخلص به ادیب. وی در گلپایگان متولد شد و تحصیلات مقدماتی را همان جا فراگرفت از آن پس به اصفهان رفت و مدت ده سال به تحصیل علوم ادبی و عربی، فلسفه و کلام پرداخت. آنگاه به تهران آمد و به شغل قضا مشغول شد. ادیب شاعری توانا و دانشمندی ممتاز بود و در فلسفه و حکمت، مشربی عرفانی داشت و به حسن خلق معروف بود. در تهران وفات یافت در گلپایگان به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۲۱۵ /۱).

ادیب اصفهانی، عباسعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج ملاـعباسعلی ادیب حبیب‌آبادی اصفهانی یکی از علماء به نام و مدرسین کرام و ائمه جماعات عالی مقام معاصر اصفهانی است.

ایشان در حدود ۱۳۲۰ قمری هجری در حبیب‌آباد به دنیا آمده و پس از پرورش صحیح و گذرانیدن دوران کودکی و خواندن دروس ابتدائی و مقدماتی در زادگاه خود به اصفهان آمده و سطوح فقه و اصول را در خدمت مدرسین بزرگ آموخته و از محضر و دراسات علماء بزرگ اصفهان استفاده کامل نموده و چندی به محل اولیه خود مراجعت و اقامت فرموده سپس هجرت به اصفهان و در مدرسه صدر و بعضی از مدارس دیگر به تدریس سطوح و در بعضی از مساجد هم به اقامه جماعت و ترویجات دینی تاکنون اشتغال دارند دارای آثار علمی مطبوع و غیره می‌باشند.

تالیفات جناب آقای ادیب اصفهانی.

۱- ارث الشیعه.

۲- مناسک.

۳- زیارت مدینه.

۴- وظیفه الشیعه (شرح دعاء ندبه).

۵- هدیه‌العباد در احوال صاحب ابن عباد.

۶- قطبیه در اوقات شهرهای قطب.

۷- تطبیق در تطبیق سالهای شمسی به قمری و برعکس.

۸- احسن‌التقویم در اوقات شبانه‌روزی اصفهان و شهرهای در عرض آن.

۹- احسن‌التقویم برای کاشان و شهرهای در عرض آن.

۱۰- احسن‌التقویم برای تهران و شهرهای در عرض آن.

۱۱- ملحقات قضایای امیرالمومنین (ع).

۱۲- معرفه القبله در تعین قبله‌های ایران از روی آفتاب در تمام سال.

نویسنده کرارا برای معظم‌له نامه نوشته و به وسیله دوستان اصفهانی پیام داده که شمه‌ای از ترجمه و زندگینامه فهرست آثار خود را ارسال تا زینت گنجینه گردانم ولی متاسفانه ما را از این فیض محروم داشت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

ادیب الخطاطین اصفهانی، یحیی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطـاط و شـاعر، متخلص به واله. وی خواهرزاده‌ی میرزا طاهر وحیـد قزوینی بود. در چهارده سالگی به مشق خط پرداخت و در جوانی شـهرت یـافت و مـدت چهـارده سـال به وزارت و مشاغـل دیوانی اشـتغال داشت. وی به شـعر و شـاعری علاقه داشت و گاهی اوقات نیز شـعر می‌سرود. او شاگرد ابوتراب بود. در اواخر عمر گوشه‌نشینی اختیار کرد. و کتابی در لغت نوشت. وی در اصفهان درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثا خوشنویسان (۹۶۸ -۹۶۷ /۳)، تذکرة الخطاطین (۶۳ -۵۱ /۲).

ادیب السلطنه سمیعی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۳ -۱۲۹۳ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به عطا. در رشت متولد شد و تحصیلات خود را در تهران و کرمانشاه به پایان رسانید. از محضـر ابوالفقراء اصـفهانی و میرزا سالـک کرمانشـاهی کسب فیض کرد. به اسـتانبول رفت و پس از پنـج سـال به تهران بـازگشت، آنگاه به مشاغل دولتی پرداخت و به مقاماتی رسـید. وی چند سال ریاست انجمن ادبی فرهنگستان را عهده‌دار بود و مطالعه‌ی کتاب و معاشـرت با ادبا و سـرودن شـعر از سـرگرمی‌های او بود. از آثارش: «رساله‌ی جان کلام»؛ «رساله‌ی دسـتور زبان فارسی»؛ «آرزوی بشـر»؛ «آیین نگـارش»؛ «جامعـهٔ الحیوانات»؛ «خواهران»؛ ترجمه‌ی «تاریـخ افغانسـتان» به قلم سـید جمال‌الـدین اسـدآبادی از عربی به فارسی؛ «دیوان» اشعار؛ «منظومه‌ی سیاست»، به عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات معاصـر (۷۵ -۷۳)، تاریخ برگزیدگان (۳۶۱)، چهار صد شاعر برگزیده پارسـی گوی (۸۶ -۸۳)، سخنوران نامی معاصر (۲۵۰۳ /۴)، سرآمدان فرهنگ (۴۸۴ -۴۸۳ /۱)، معجم المؤلفین (۱۱ /۴)، مؤلفین کتب چاپی (۷۵۶ -۷۵۵ /۲).

ادیب آل علی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد ادیب آل علی

محل تولد : شوشتر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

سید محمد ادیب آل علی در سال ۱۳۴۵ در خانواده ای مذهبی در شهرستان شوشتر متولد شد. پس از گذراندن تحصیلات دیپلم در سال ۱۳۶۴ راهی قم شد.

در مـدرسه علمیه منتظریه (حقانی) طی ۵ سال دروس مقـدمات و سـطح را گذراند و در سال ۱۳۶۹ درس خـارج را با بهره گیری از محاضرات عملی آیات عظام وحید خراسانی و فاضل لنکرانی دامت برکاتهما آغاز نمود که همچنان ادامه دارد.

نیاز به پاسـخگویی معقول و متداول به پرسـش های نسل جوان و به ویژه دانشـجویان او را به تحصـیل در رشـته های تخصصی کلام کشانـد و طی ۵ سـال از مباحثـات علمی آیت الله سـبحانی، حجت الاسـلام والمسـلمین ربانی گلپایگانی و فیاضـی و هادوی و دیگر اساتید اسـتفاده نمود. رساله علمی سـطح چهار وی تحت عنوان (زبان قرآن) با راهنمایی اسـتاد حجهٔالاسـلام والمسلمین دکتر محمد تقی فعالی و مشاوره حجهٔالاسلام و المسلمین محسن غرویان، در آستانه دفاع می باشد.

علاقه وی به مطالعه در ادیان و کتب آسمانی باعث شد که در این زمینه مطالعات و پژوهش هایی داشته باشد که حاصل آن، کتابی است با عنوان (پرسـش ها و پاسخ هایی درباره مسیحیت)، انتشار یافته توسط شورای مدیریت حوزه علمیه قم در سال ۱۳۸۵، و مقاله ای بـا عنوان (مقـایسه دکترین منجی گرایی اسـلام و مسـیحیت)، منتشـر شـده در کتـاب مقالات برگزیـده دومین همایش بین المللی دکترین مهدویت می باشد. نامبرده مقالات دیگری در زمینه زبان شناسی قرآن و مسحیت صهیونیستی دارد که هنوز منتشر نشده اند.

وی دوره آموزش زبان انگلیسی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم را که گذرانده در حال تکمیل آن است.
در حال حاضر به تدریس (آشنایی با متون مقدس) و (رهبران الهی در ادیان توحیدی) در مرکز تخصصی مهدویت و ارائه دروس معارف اسلامی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد جنوب تهران و چند پروژه پژوهشی اشتغال دارد.

ادیب برومند، عبدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، شاعر، متخلص به ادیب. وی در شهرک گز بر خوار از توابع اصفهان متولد شد. خواندن و نوشتن را در زادگاه خود فراگرفت و پس از آن به اصفهان رفت و دوره‌ی دبستان و دبیرستان را در آنجا گذراند سپس برای ادامه‌ی تحصیل به تهران آمد و پس از اخذ لیسانس حقوق به وکالت پرداخت. از این زمان سرودن شعر را آغاز کرد. و از اشعار ملک الشعرای بهار و ایرج میرزا مایه گرفت. ادیب از سبک شعرای خراسان پیروی می‌کرد. از سال ۱۳۲۴ ش اشعارش در روزنامه‌های اصفهان و تهران چاپ شد. پیرامون غزلهای حافظ تحقیق کرده که طبع شده است. از آثارش: «مجموعه اشعار»؛ «ناله‌های وطن»؛ «سرود رهایی»؛ «درد آشنا»؛ «افکار امروز»؛ و کتاب «هنر قلمدان»، در نقاشی و نقاشان.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۳۳ -۳۱)، سخنوران نامی معاصر (۲۴۰ -۲۳۵ /۱)، فرهنگ سخنوران (۵۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۷۹ -۸۷۸ /۳).

ادیب بهروز، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن ادیب بهروز

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۹

ادیب بیضایی، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۲ -۱۲۹۹ ق)، شاعر، متخلص به بیضایی. وی در آران کاشان متولد شد و علوم قدیمی را در همان شهر نزد پدر فراگرفت. سپس به کاشان رفت و در آنجا ساکن و به خدمت مشغول گردید. در کاشان بدرود حیات گفت و در قبرستان قدمگاه دفن گردید. کلیات اشعارش متجاوز از بیست هزار بیت است. قسمتی از آن به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۵۱ -۱۴۸ /۲)، سخنوران نامی معاصر (۶۵۵ -۶۵۱ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۵۸)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۹ /۴).

ادیب پیشاوری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۹ -۱۲۶۰ ق)، عالم و شاعر. معروف به ادیب. در سرحد بین پیشاور و افغانستان متولد شد. علوم ادبی و عربی را در زادگاه خود فراگرفت، سپس به افغانستان رفت و طی اقامت دو ساله‌ی خود در کابل، نزد آخوند ملاـ محمد مشهور به آل‌ناصر دانش آموخت. بعد به غزنین رفت و در باغ فیروزه، آرامگاه حکیم سنایی غزنوی، اقامت گزید و آنجا نزد سعدالدین غزنوی تلمّذ نمود. وی در بیست و دو سالگی به مشهد آمد و در آن شهر ریاضی را نزد میرزا عبدالرحمان و علوم عقلی را در محضر آخوند ملا غلامحسین شیخ‌الاسلام آموخت. سپس به سبزوار رفت و دو سال از محضر حاج ملا هادی سبزواری و آخوند ملا محمد، فرزند وی، و آخوند ملا اسماعیل استفاده کرد. بعد به مشهد بازگشت و در مدرسه‌ی میرزا جعفر ساکن و به ادیب پیشاوری یا ادیب هندی مشهور شد. در مشهد مورد توجه میرزا سعیدخان گرمرودی، نایب‌التولیه آستان قدس رضوی، قرار گرفت و بنا به تقاضای وی به

تهران آمد و میهمان محمد خان قوام‌الدوله شد. و به تعلیم و نشر ادب پرداخت. وی علاوه بر فنون ادبی و عربی و حفظ اشعار و نحو و لغت و حکمت و ریاضیات در حسن خط نیز استاد بود. ادیب تا پایان عمر مجرد زیست و سرانجام، در منزل یحیی‌خان قراگوزلو، وزیر معارف، درگذشت و در امامزاده عبدالله تهران دفن شد. آثار وی: «دیوان» اشعار مشتمل بر چهار هزار و دویست بیت قصیده و غزل فارسی و سیصد و هفتاد بیت قصاید و قطعات عربی به انضمام دو رساله در بدیهیات اولیه و تصحیح «دیوان ناصر خسرو»؛ «قیصر نامه»؛ حواشی و تعلیقات بر «تاریخ بیهقی»؛ ترجمه‌ی فارسی «اشارات» شیخ الرییس که ناتمام ماند؛ حاشه بر «شرح ابن ابی‌الحدید» بر نهج‌البلاغه.[۱]

(سید) احمد بن (سید) شهاب‌الدین پیشاوری، ادیب و شاعر (و. ۱۲۶۰ ه.ق./ ۱۸۴۴ م. ف. ۱۳۴۹ ه.ق./ ۱۹۳۰ م.). وی از سلسله سادات معروف به «اجاق» بود که در پیشاور به سر میبردند، و نسبت آنان در سیر و سلوک به سلسله سهرو دیده می‌رسد. پدر ادیب در حوادث سیاسی هندوستان تباه شد، و ادیب مدتی در شهرهای افغانستان و خراسان به تحصیل علوم معقول و منقول اشتغال داشت و در غالب علوم سرآمد عصر خود گردید. در سال ۱۳۰۰ ه.ق./ ۱۸۸۲ م. به تهران هجرت کرد و تا پایان عمر در این شهر اقامت داشت. ادیب در شعر سبک استادان قدیم را با موفقیت اقتفا میکرد. کثرت اطلاع او از فرهنگ اسلامی و علوم مختلف قدیم و تبحرش در لغات فارسی و عربی باعث شد که شعرش بیش از حد عادت مشحون از اطلاعات و معلومات مختلف گردیده، و به همان نسبت از لطافت و حال و اشتمال بر عواطف رقیق شاعران دور افتاده است. دیوان وی به طبع رسیده.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۳۲۲ -۳۱۷ /۲)، اعیان الشیعه (۶۰۳ /۲)، حماسه سرایی در ایران (۳۷۵)، دایرهٔالمعارف فارسی (۷۷ /۱)، الذریعه (۱۶۲ /۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۵ -۱۰۳ /۱)، سخنوران نامی (۹ -۳ /۱)، سخنوران نامی معاصر (۲۱۴ - ۲۰۸ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۵۶ /۱)، شرح حال رجال (۷۸ -۷۷ /۱)،لغت‌نامه (ذیل/ادیب پیشاوری)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵۲ - ۳۵۱ /۱)، معجم المؤلفین (۲۴۶ /۱)، مکارم الآثار (۱۶۲۴ -۱۶۲۳ /۵)، یادداشتهای قزوینی (۱۴۹ /۸)، یادگار (س ۳، ش ۳، ص ۳۴ - ۳۳).

ادیب حبیب‌آبادی، عباسعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۵ ق)، مؤلف و شاعر، متخلص به ادیب. وی در حبیب‌آباد برخوار متولد شد. مقدمات را نزد معلم حبیب‌آبادی به پایان رساند، سپس به اصفهان رفت و از محضر آقا سید مهدی درچه‌ای و آقا شیخ محمدرضا نجفی و دیگر استادان استفاده کرد. پس از آن به تدریس علوم فقه و اصول و عربی مشغول شد. گاهی شعر می‌سرائید. در ابتدا ندیم تخلص می‌کرد. از تألیفات اوست: «رساله‌ای در رث»؛ «رساله‌ای در توبه»؛ «رساله‌ای در فضیلت علم».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۳۰ -۲۹)، فرهنگ سخنوران (۵۲).

ادیب زاده اشراقی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۹ -۱۲۶۶ ش)، معروف به ادیب اشراق. وی در گلپایگان متولد شد و در هفت سالگی به تهران آمد و در آنجا ساکن شد. تحصیلات خود را در مدرسه‌ی آلیانس گذراند و با زبان فرانسه آشنایی یافت. آنگاه به تحصیل علوم قدیمی پرداخت و با فلسفه و حکمت آشنایی پیدا کرد. پس از آن در وزارت مالیه مشغول خدمت شد. ادیب زاده دارای ذوق و قریحه‌ی شاعری بود اما به ضبط اشعار خود چندان توجهی نداشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۲۵۰ -۲۴۸ /۱).

ادیب شیبانی کاشانی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، ادیب و شاعر. وی پدربزرگ حاج میرزا ابراهیم‌خان صدیق‌الممالک شیبانی کاشانی بود. درباره‌ی ادیب در «تاریخ شیبانی» آمده است که وی از علمای بزرگ و فضلای بی‌نظیر بود و گذشته از علوم عقلی و نقلی و فنون ادبی و عربی، در تاریخ و امثال و حکم و ریاضیات و نجوم و فن نگارش و نظم شعر و برخی علوم غربی حتی زبان عبری نیز مهارت تام داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۸۹ /۱)، یغما (س ۱۳، ش ۷، ص ۳۶۲ -۳۶۱).

ادیب شیرازی، رضاقلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۰ ق)، خطاط و شاعر. وی از اهالی شیراز بود، خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و گاهی شعر مطایبه‌آمیز می‌گفت. در شیراز درگذشت و در تکیه‌ی حافظیه دفن شد. از آثار او: یک نسخه «مناجات» خواجه عبداللّه انصاری، به قلم نیم دودانگ متوسط، با رقم: «حرره الفقیر رضا قلی ادیب شیرازی ۱۳۰۷ غفرله»؛ یک نسخه «پند لقمان»، به قلم نیم دودانگ متوسط، با رقم «حرره العبد المذنب الفقیر رضا قلی ادیب»؛ یک قطعه، به قلم دودانگ و نیم دودانگ و کتابت خفی خوش، با رقم:«در دارالسلطنه‌ی اصفهان العبد الفقیر المذنب رضا قلی ادیب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۴۵)، احوال و آثار خوشنویسان (۲۱۱ /۱)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۲۴۶ -۲۴۵ /۱)، ریحانه (۹۹ /۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۵۶ /۲)، مرآت الفصاحه (۵۳ -۵۲).

ادیب شیرازی، محمدجعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۶۰ ق)، شاعر. از بزرگ زادگان شیراز بود. وی پس از گذراندن مقدمات علوم، به هندوستان و فرنگ سفرها کرد. چندی نیز با وزرا و سفرای انگلیس همسفر و همراه بود. در زمان محمدشاه که وسایل چاپ را به ایران آوردند، به امر شاه به تهران آمده و به سرپرستی دارالطباعه منصوب شد و مدتها به آن کار مشغول بود. او قصایدی می‌سرود و گاه به مدیحه‌سرایی می‌پرداخت. وی ایام پیری را در موطن خود گذراند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۱۱ -۱۱۰ /۱)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۲۴۶ /۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۵۶ /۲)، مجمع الفصحا (۱۴۱ /۴)، مرآت الفصاحه (۵۲).

ادیب شیرازی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم و سیزدهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به ادیب. وی از سادات شیراز و از سلسله‌ی ذهبیه بود. گویند تخلصش با کمالاتش چندان بی‌مناسبت نبود. او مردی معقول و آرام و خوش محاوره بود و در شعر بیشتر به غزل رغبت داشت. خط نستعلیق را نیز خوب می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۱۲ -۱۱۱ /۱)، مرآت الفصاحه (۴۹).

ادیب شیرازی، محمود مصطفوی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۱۰ ش)، خطاط و ادیب. در خط نستعلیق شیوه شیرینی داشت و بسیار خوش می‌نوشت. در شیراز وفات یافت. از آثار وی: کتابهای «دبستان الفرصه»، «بحور الالحان» که از مؤلفات میرزا نصیرالدین فرصت شیرازی است و در بمبئی چاپ شده؛ همچنین «کلیات سعدی» تصحیح شوریده به قلم او کتابت شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فارس (۲۴۵، ۲۴۴ /۱).

ادیب شیرازی، مصطفی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۱۹ ق)، شاعر، ابتدا درویش و سپس ادیب تخلص می‌کرد. وی در شیراز به دنیا آمد. پس از تحصیل علوم مقدماتی، به سفر هندوستان و فرنگستان و مصر رفت. مدت بیست و پنج سال در آن بلاد توقف نمود. سپس به شیراز آمده، مجددا به مصر رفت و

پس از مدتی، به شیراز بازگشت. وی شعر بسیار سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۵۲)، مرآت الفصاحه (۵۴ -۵۳).

ادیب شیرازی، هاشم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به ادیب. مقلب به ناظم التولیه. وی پس از تحصیل علوم به سیر و سلوک مشغول شد و به عتبات عالیه رفت و چندی در آن اماکن شریفه شد و به عتبات عالیه رفت و چندی در آن اماکن شریفه به عبادت و طاعت به سر برد و پس از مدتی به شیراز بازگشت. وی از سالکان طریق معرفت و از فقرا سلسله‌ی ذهبیه بود. و در خط دستی داشت. او را است:

بگرفته بر اطراف رخت مشک سیاه

یعنی در توبه را ببسته است گناه

مات است به رخساره‌ی نیکوی تو شاه

ماشاء اللّه ثم ماشاء اللّه

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۴۴۸)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۲۴۵ /۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۴۸ /۲)، فرهنگ سخنوران (۵۲)، مرآت الفصاحه (۵۱ -۵۰).

ادیب صابر ترمذی، شهاب‌الدین صابر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بین ۵۴۲ -۵۳۸ ق)، شاعر. از شعرای نامی عهد سلاجقه بزرگ بود که اصل وی از بخارا و شیعی مذهب بود. وی بیشتر عمر خود را در خراسان گذراند و حزو خاصان دستگاه مجدالدین ابوجعفر علی بن حسین موسوی، رییس خراسان بود و به واسطه‌ی او مداحی سلطان سنجر را برگزید. در شعر به سبک فرخی مایل بود. همه‌ی شعرا و فصحا مانند عبدالواسع جبلی و رشیدالدین و طواط و حکیم انوری و حکیم سوزنی به جهت متکلف و سهل و ممتنع بودن بیانش او را بسان استاد دانسته‌اند. صابر در پایان زدگی به خوارزم رفت و قصایدی در مدح اتسز خوارزمشاه سرود و در همان دیار هنگامی که اتسز دو تن از فدائیان اسماعیلیه را مأمور کرد تا به زخم کارد جان سلطان سنجر را بگیرند، ادیب ماجرا را به سلطان خبر داد و اتسز هم به کیفر این عمل او بفرمود تا دست و پای وی را بسته در رود جیحون غرق کردند. از شاعران خراسان کسی نزدیکتر از او به روش فرخی یعنی سهل و ممتنع شعر نگفته است. «دیوان» وی شامل شش هزار واندی بیت است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سنایی تا سعدی (۳۶ -۳۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۳ /۲)، تاریخ گزیده (۷۱۵)، تاریخ نظم و نثر (۸۴)، تذکرهٔ الشعراء (۱۰۷ -۱۰۳)، حبیب السیر (۵۱۹ -۵۱۸ /۲)، دایرهٔالمعارف فارسی (۷۷ /۱)، الذریعه (۵۷۲ /۹)، ریحانه (۹۹ /۱)، سخن و سخنوران (۲۴۳ -۲۴۰)، طرائق الحقائق (۵۹۴ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ادیب صابر) مجمع الفصحا (۸۲۲ -۸۵۱ /۲)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۵۴۲).

ادیب صفوی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به ادیب. از سلسله‌ی سادات صفویه موسوی بود که در کرمانشاه سکونت یافت. وی در علوم ادبی و خط و انشاء و شعر دست داشت. در اوایل «رهی» تخلص می‌کرد ولی پس از چندی تغییر تخلص داد. «دیوانی» قریب به چهار هزار بیت از او به جا مانده که مقدار کمی از آن مراثی و قطعه و رباعی و باقی قصاید است و در حواشی آن نیز، نوشته‌های منثور را خودش نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۱۳ -۱۱۲ /۱).

ادیب طوسی، محمدامین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۱ –۱۲۸۳ ش)، دانشمند، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به ادیب طوسی. وی در مشهد متولد شد و تحصیلات مقدماتی را در مکتب گذرانید. سپس، به تحصیل علوم دینی در مدارس قدیم پرداخت. علوم ادبی را نزد ادیب نیشابوری و حکمت را نزد حاج میرزا عباسعلی معروف به فاضل و آقا بزرگ حکیم و فقه را نزد پدر خود آموخت. ادیب طوسی با سفرهایی که به هند، ترکستان، عربستان، مصر، شام و آسیای صغیر کرد، به زبانهای رایج عربی، ترکی، اردو، انگلیسی، سانسکریت، اوستایی، پهلوی و کلدانی آشنایی کامل پیدا کرد. وی در تبریز اقامت نمود و مجله‌ی «ماهتاب» را در سال ۱۳۱۶ ش آنجا به مدت یک سال انتشار داد. در دانشکده‌ی ادبیات تبریز تدریس کرد و مدیریت مجله‌ی آن دانشکده را نیز عهده‌دار شد. او کتب زیادی به رشته‌ی تحریر درآورد. از جمله آثار وی: «تاریخ دینی ایران» در دو دوره؛ «دستور زبان فارسی» در سه دوره؛ «بودا در هند»؛ «تخت سلیمان»؛ «پیام فردوسی»؛ به نظم؛ «لغات آذری»؛ «لهجه‌های محلی»؛ «تعلیم و تربیت از نظر غزالی».[۱]

مدرس، ادیب، محقق.

تولد: ۱۲۸۳، مشهد (محله نوغان).

درگذشت: ۵ خرداد ۱۳۶۱، تهران.

محمد امین طوسی، معروف به ادیب طوسی، فرزند شیخ محمدحسین گیلانی در شهر مشهد به تحصیل پرداخت و در مکتب‌های قدیم و مدارس علوم دینی به کسب علم و دانش مشغول شد و علوم ادبی را از ادیب نیشابوری و حمکت و فسلفه را از آقا بزرگ حکیم آموخت و مدتی نیز در سبزوار نزد حاج ملا هادی سبزواری به فراگیری اصول فسلفه اشراق پرداخت. وی در سال ۱۳۴۲ ق. به بغداد رفت و در آنجا به تحصیل زبان انگلیسی و تدریس ادبیات مشغول شد و بعد از سه سال اقامت به مشهد بازگشت و در مدارس آنجا به تحصیل پرداخت. پس از آن نیز در مدرسه‌های تهران و یزد و تبریز به تدریس مشغول شد.

ادیب طوسی سفرهایی به ندوتسان و عربستان سعودی و ترکستان و مصر و سوره و ترکیه نمود. از آن پس که به ایران مراجعت کرد به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و چندی در اداره‌ی کل نگارش وزارت فرهنگ به خدمت پرداخت و سال‌ها نیز در دانشگاه تبریز به تدریس در دانشکده‌ی ادبیات مشغول بود و در ضمن مدیریت نشریه‌ی «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تبریز» را به عهده داشت. پس از آن که بازنشسته گردید در اواخر عمر به تهران آمد و در این شهر اقامت گزید.

از جمله آثار وی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: آموزش و پروش از نظر غزالی (تبریز، ۱۳۲۰)؛ ایام کودکی (نظم، تهران، ۱۳۱۲)؛ بودا در هند؛ پیام فردوسی (نظم، تهران، ۱۳۱۳)؛ تاریخ دینی ایران قدیم (در دو دوره)؛ تخت سلیمان؛ دستور زبان و معانی و بیان و بدیع فارسی؛ رابطه اوزان شعر یا ترانه‌های محلی ایران (تبریز، ۱۳۳۲)؛ فرهنگ لغات ادبی تبریز (دو جلد، ۱۳۴۹)؛ فرهنگ لغات بازیافته (ذیل برهان قاطع) (تبریز، دو جلد، ۱۳۴۳)؛ فرهنگ لغات لهجه‌های محلی ایران؛ فقه الغهٔ فارسی؛ لغات آذری؛ تلخیص مثنوی؛ مهرشاه و میهن (نظم، تبریز ۱۳۲۰)؛ نقد الادب (بغداد). وی همچنین مجله‌ی «ماهتاب» (نشریه‌ی انجمن ادبی آذربایجان) و نیز داستان‌هایی چند را منتشر ساخت. از جمله این داستان‌ها می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: انتقام عشق (سه جلد، تبریز، ۱۳۱۹ – ۱۳۱۷)، مرد عجیب، جوکی در جنگل، دخمه‌های سیاه یا کلبه بدبختان (تبریز ۱۳۲۰)، شبح مخوف، درویش گمنام.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۱۸۱ /۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۷ –۱۰۶ /۱)، سخنوران نامی (۵۴ –۴۶ /۲)، سخنوران نامی معاصر (۲۳۰ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۷ –۶۸۵ /۱).

ادیب فراهانی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیرالشعراء ادیب‌الممالک محمدصادق بن (حاجی میرزا) حسین فراهانی، شاعر (و. ۱۲۷۷ ه.ق./ ۱۸۶۰ م.– ف. ۱۳۳۶ ه.ق./ ۱۹۱۷ م.) نسب وی به میرزا عیسی قائم‌مقام می‌رسد. ادیب از کودکی به آموختن علوم و ادبیات فارسی و تازی و زبانهای اروپایی اشتغال یافت و هم از خردی به سرودن شعر پرداخت. از سال ۱۳۱۶ ه.ق./ ۱۸۹۸ م. نویسندگی و اداره روزنامه‌های ادب، مجلس، عراق عجم و آفتاب را بر عهده داشت. چندی نیز در سفرهای خارج و داخل ایران گذراند. وی در انواع شعر مخصوصا در قصیده و قطعه استاد بود و سبک استادان قدیم را نیک پیروی می‌کرد. غالب شعر او نماینده زندگانی اجتماعی و مبارزات سیاسی وی است. او در وطنیات، سیاسیات، اجتماعیات و آوردن تمثیلات و حکایاتی که مبتنی بر نظرهای انتقادی و اصلاحی باشد از نخستین گویندگان استاد عهد اخیر است. آشنایی ادیب با ادب اروپایی موجب ورود بعضی افکار و مضامین و قصص و کلمات فرنگی دراشعارش شده است، و نیز اطلاع او از ادب و لغت و تاریخ عرب و اسلام باعث گردیده که بسیار بیشتر از معاصران خود کلمات و ترکیبات غیر ضرور عربی ر در سخنان خود به کار برد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ادیب فرهمند، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۳ -۱۳۱۷ ق)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به دبیر. مشهور به ادیب‌الممالک. وی در بروجن متولد شد. در سال ۱۳۴۱ ق از طرف احمدشاه ملقب به ادیب الممالک گردید. ادیب دارای ذوق سرشار بود و به ادبیات علاقه‌ی تام داشت. انجمن ادبی اصفهان در منزل او برگزار می‌شد. اشعارش دارای حلاوت مخصوص بود و به سبک قدیم و جدید شعر و تصنیف می‌سرود. وی پس از یک کسالت ممتد در اصفهان وفات یافت و در تخت فولاد مدفون گردید. آثار به جای مانده از او: مجله‌ی «تحفهٔ الادبا»؛ روزنامه‌ی «گیتی نما»؛ رساله‌ی «جشن جغدها».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۱۱۲ /۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۷۴ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۷۲۲ -۷۲۱ /۳).

ادیب کرمانی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۹ق)، شاعر و خطاط. وی در کرمان متولد شد. همچون پدر به زبان فارسی و عربی، مسلط و در نظم و نثر متبحر بود. خطی خوش داشت و به سرودن انواع شعر توانا بود. در کرمان وفات یافت. از آثار اوست: «سالار نامه»، در تاریخ ایران که به تشویق عبدالحسین میرزای فرمانفرما به نظم آورد «دیوان» اشعار فارسی مشتمل بر سه هزار بیت؛ «دیوان عربی» مشتمل بر قصیده و دیگر انواع شعر و مقداری هجو هزل.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شاعران کرمان (۳۹ -۳۴)، الذریعه (۶۵ /۹)، ستارگان کرمان (۲۱ -۱۵)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵۲ /۱).

ادیب کرمانی، غلامحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ح ۱۳۳۰ ق)، مؤرخ، مترجم نویسنده و شاعر، متخلص به ادیب. معروف به ادیب کرمانی. از کرمان به خراسان رفت، سپس به تهران آمد. شغل دیوانی داشته و در اوقات فراغت به مطالعه و تألیف کتب در تاریخ، جغرافیا و سفرنامه می‌پرداخت. او مترجم ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه و وقایع نگار ایشان در سفرهایشان بود. وی صاحب دو «دیوان» بوده یکی به فارسی و دیگری به عربی. از آثار اوست: «سفرنامه‌ی خراسان»؛ «سفرنامه‌ی عراق عرب»؛ «تاریخ و جغرافیای مازندران».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شاعران کرمان (۳۴)، الذریعه (۶۶ /۹)، ستارگان کرمان (۱۵)، فرهنگ سخنوران (۵۳)،لغت‌نامه (ذیل/ غلامحسین‌خان).

ادیب کرمانی، قاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۸ -۱۲۳۸ ق)، نویسنده و شاعر. وی در کرمان متولد شد. ادبیات فارسی و عربی را از شیخ احمد ملا حافظ عقیلی کرمانی آموخت. در فقه و نجوم و زبانهای عربی و انگلیسی به کمال رسید. در سیرجان بم مدارسی به نام دانش تأسیس کرد و در آن مدارسه به تدریس پرداخت، سپس در عدلیه‌ی کرمان قاضی شد. پس از آن به عتبات عالیه رفت، سپس به تهران آمد و در دارالفنون به تدریس مشغول گردید و بعد از مدتی به کرمان برگشت و سرانجام در همان شهر وفات یافت و در دامنه‌ی کوه مسجد صاحب‌الزمان به خاک سپرده شد، از آثار اوست: «خارستان»، تقلیدی از گلستان سعدی؛ «آتش زنه»؛ «تاریخ تلگرافی»؛ «کتاب حسنیه»؛ «تاریخ مصور کرمان»؛ « نیستان»، در قالب مثنوی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شاعران کرمان (۵۲ -۳۹)، الذریعه (۶۵ /۹)، ستارگان کرمان (۳۶ -۲۱)، فرهنگ سخنوران (۵۳).

ادیب مراغه‌ای، عبدالعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۲ -۱۲۴۵ ق)، شاعر، متخلص به ادیب. ملقب به ادیب‌الملک. وی در مراغه متولد شد. از دوران جوانی جزو ملازمان ناصرالدین شاه بود، ولی از تحصیل باز نماند، تا در مقدمات ادب و شعر به کمال رسید و در سخن سنجی و شعر سرایی مهارت یافت. وی در مدح ناصرالدین شاه قصاید خوبی می‌سرود به همین سبب در سال ۱۲۷۰ ق از جانب شاه ملقب به ادیب‌الملک شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۱۶ -۱۱۴ /۱)، گنج شایگان (۱۳۲ -۱۱۸)، المآثر و الآثار (۱۹۱)، مجمع الفصحا (۱۲۴ /۴)، مکارم الآثار (۱۲۰۳ -۱۲۰۲ /۴).

ادیب مسعودی گودرزی، غلام عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ق)، شاعر. وی در روستای فخرآباد سفلای بروجرد متولد شد در سن هفت سالگی به تحصیل در مکتب مشغول گشت و سپس به بروجرد رفت و در مدرسه‌ی نوربخشیه به تحصیل علوم قدیم و ادبی، فقهی و اصولی پرداخت و منطق و فلسفه و عروض و بدیع را نیز خوب مطالعه کرد. پس از ده سال تحصیل معمم شد و به تهران آمد و با مذاهب مختلف آشنا گردید. او خود شرح حالش را در قصیده‌ای به نام «فولاد آبدیده» آورده است. از بیست سالگی به سرودن شعر پرداخت ولی، از اشعارش فقط پنج هزار بیت باقی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۳۲۹۶ -۳۲۹۵ /۵).

ادیب نیشابوری، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۵ -۱۲۷۷ ق)، دانشمند، عالم و ادیب. در روستای خیرآباد بلوک عشق‌آباد نیشابور به دنیا آمد. او تا هیجده سالگی در نزد پدرش درس خواند. سپس پدرش وی را به مشهد فرستاد. پس از اندک زمانی نزد دائی خود حاج شیخ محمد کدکنی به تحصیل پرداخت. در ۱۲۹۴ ش به محضر شیخ عبدالجواد ادیب نیشابوری اول راه یافت. ادیب نزد بسیاری از مدرسان و عالمان آن عصر درس خواند. او در رشته‌های ادبیات عرب، منطق، فلسفه، ریاضیات، اصول، فقه، رجال حدیث و تفسیر متبحر بود و طب قدیم را نیز می‌دانست. او نزدیک به شصت سال صاحب حوزه‌ی تدریس بود و شاگردان بسیاری تربت کرد. از آثار وی: «گوهر دانش»؛ «تاریخ ادبیات عرب»؛ «البدایهٔ و النهایهٔ»؛ «تابش جان و بینش روان»؛ «حدیث جان و جانان»؛ «تاریخ ادبیات ایران».[۱]

محمدتقی معروف به (ادیب نیشابوری) از ادباء و اساتید ادبیات و دانشمندان عالیمقام معاصر و در فنون ادبیه تالی و ثانی استادش مرحوم عبدالجواد ادیب نیشابوری بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۸۵ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۶ -۱۹۵ /۲)، مجله‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد (زمستان ۱۳۵۷).

ادیب همدانی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر و دانشمند. وی در جوانی برای کسب دانش به کاشان و مازندران رفت و از آنجا برای یادگیری هندسه و ریاضیات و هیئت و نجوم به مشهد عزیمت کرد. پس از آن برای فراگیری حکمت به اصفهان رفت. محمدعلی میرزا دولتشاه او را برای علم پسرش محمد حسین میرزا، حشمت‌الدوله، برگزید و سمت ملاباشیگری به او داد. پس از مرگ دولتشاه و دستگیری حشمت‌الدوله، قائم مقام میرزا ابوالقاسم را نیز به عنوان مأموریت از تهران دور کرد و او را همراه قشونی که مأمور سرکوبی حسینعلی میرزا فرمانفرما ساخته بود، به شیراز فرستاد. وی لقب ذوالریاستین داشت و در شعر بیشتر از شعرای پیشین، خاصه خاقانی پیروی می کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۱۷ -۱۱۶ /۱)، سفینهٔ المحمود (۱۴۰ -۱۳۸ /۱)، مصطبه‌ی خراب (۱۸ -۱۷)، نگارستان دارا (۵۸ -۵۵).

ادیب‌الدوله، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۳ -۱۲۸۸ ق)، نویسنده و مدرس. وی تحصیلات خود را در دارالفنون به اتمام رسانید و در زمان ریاست جعفر قلیخان

نیرالملک به نظامت و بعدها به ریاست آن مدرسه منصوب گردید و تا پایان عمر مدت چهل سال به تعلیم و تربیت شاگردان دارالفنون اشتغال داشت. آثار وی: «کتاب آبی»؛ «مسافرت استانلی به آفریقا».[۱]

محمدحسن خان بن محمدحسین خان (و. ۱۲۸۸ ه.ق.- ف. ۱۳۵۳ ه.ق./ ۱۳۱۳ ه.ش.) وی پس از تکمیل تحصیل در دارالفنون و آجودانی دارالفنون، در زمان ریاست جفعرقلی خان نیرالملک در آن مدرسه به نظامت رسید و بعدها رئیس داراالنفون گردید و تا پایان حیات این سمت را داشت.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۹۷، ۱۰۳ -۱۰۲ /۱)، شرح حال رجال (۲۳۱ /۵)، مؤلفین کتب چاپی (۵۴۲ -۵۴۱ /۲).

ادیب‌الممالک فراهانی، محمدصادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۶ /۱۳۳۵ -۱۲۷۷ ق)، ادیب، روزنامه‌نگار و شاعر. در اوایل پروانه تخلص می‌کرد، چون به امیرالشعرا ملقب گردید، تخلص خود را امیری قرار داد. وی در قریه‌ی گازران، از توابع فراهان اراک، متولد شد. در نوجوانی پدرش را از دست داد و به همین علت به تهران آمد. در تهران، پس از طی مدارج معمول آن زمان، فنون ادبیات ایران و عرب را از استادان فن آموخت و سرآمد سخنوران عصر گشت و مورد اکرام و توجه شاهزاده طهماسب میرزای مویدالدوله قرار گرفت. دوره‌ی فعال زندگانی وی مقارن با جنبش مشروطه‌خوواهی در ایران بود. در سال ۱۳۰۹ ق که امیر نظام گروسی به حکومت کرمانشاه منصوب شد، با او بدان جا رفت و تا سال ۱۳۱۳ ق در کرمانشاه بود. در سال ۱۳۱۴ ق از طرف مظفرالدین شاه به ادیب‌الممالک ملقب گردید. در همین سال بود که امیر نظام به پیشکاری کل آذربایجان منصوب شد و با او به تبریز رفت. «روزنامه ادب» را در سال ۱۳۱۶ ق در تبریز منتشر کرد. در سال ۱۳۱۸ ق از تبریز به قفقاز رفت و در آنجا با کمک احمد بیک آقایف قراباغی «روزنامه‌ی ارشاد» را به زبان ترکی و فارسی منتشر کرد. از آنجا به خوارزم و پس از چندی به مشهد رفت و «روزنامه‌ی ادب» را در آن شهر انتشار داد. سپس به تهران آمد و در سال ۱۳۲۴ ق «روزنامه‌ی عراق عجم» را در تهران تأسیس کرد اما دیری نپایید. سپس سردبیر «روزنامه‌ی ایران» دولتی شد و در سال ۱۳۲۲ ق از طرف وزارت کشور مدیر روزنامه‌ی نیمه رسمی «آفتاب» شد و در این ایام در وزارت دادگستری خدمت کرد. در سال ۱۳۳۵ ق مأمور عدلیه‌ی یزد شد. در تهران بدرود حیات گفت و در امامزاده عبدالعظیم شهر ری. به خاک سپرده شد. «دیوان» اشعار وی مشتمل بر بیست و دو هزار بیت، به همت وحید دستگردی، در سال ۱۳۱۲ ش در تهران چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (۲۲ -۲۰)، از صبا تا نیما (۱۴۶ -۱۳۷)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۲۶ -۲۲۳، ۱۹۶ /۴)، تاریخ جراید (۹۸ -۸۰)، چشمه‌ی روشن (۳۵۶ -۳۴۸)، الذریعه (۶۶ /۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۸۴ -۳۷۶ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۵۵ /۱)، شخصیت‌های نامی (۴۱ -۴۰)، شرح حال رجال (۱۶۱ -۱۵۹ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ادیب فراهانی)، مکارم الآثار (۲۱۳۲ -۲۱۳۱ /۶)، مؤلفین کتب چاپی (۴۷۹ -۴۷۷ /۳)، یادداشتهای قزوینی (۱۵۰ -۱۴۹ /۸)، یادگار (س ۳، ش ۳ ص ۳۴).

ادیبی خوارزمی، ابوسعید احمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، شاعر و خطاط. وی اهل خوارزم بود و در فصاحت و بلاغت و املاء و انشاء مهارت داشت حسن خط و کتابت وی در درجه‌ی عالی و بیشتر از یاقوت حموی می‌زیست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۱۰۰ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (۱۳۵ -۱۳۱ /۲).

ادیبی کازرونی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۳ ق)، شاعر. وی در نجف متولد شد. دوره‌ی ابتدایی را در بوشهر و متوسطه را در کازرون تحصیل کرد و در همان شهر به شغل معلمی مشغول گردید و در سال ۱۳۳۴ ش بازنشسته شد. او در انواع شعر طبع آزمایی کرده، بیشتر به قصیده و مسمط پرداخته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فارس (۹۱۰ -۹۰۷ /۴)، فرهنگ سخنوران (۵۴).

ادیبی، اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی برق، دانشکده: مهندسی برق، دانشگاه: صنعتی امیرکبیر

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای مهندسی برق.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی امیرکبیر.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فتو آشکار سازها، وسایل مایکروویو، طراحی VLSI، طراحی و کاربرد میکروپرسسورها، تدریس دروس کارشناسی (مدارهای الکتریکی، الکترونیک I و II و III، اجزاء کامپیوتر) و دروس کارشناسی ارشد و دکترا (تئوری و تکنولوژی نیمه‌هادی‌های I و II، الکترونیک نوری، طراحی مدارهای مجتمع خطی طراحی مدارهای الکترونیک در فرکانس بالا، ادوات نیمه‌هادی‌ها، کوانتوم الکترونیک) طرح تحقیقاتی فتونیک در زمینه الکترونیک نوری، نظارت بر ۱۹ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

ابداع:

طراحی و ساخت رله‌های دیجیتالی دسیتانس مربوط به خطوط فشار قوی با بالاترین سرعت و دقت.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تکنیک پالس، الکترونیک دیجیتال.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۳

زمینه علمی مقالات:

طراحی VLSI، فتوآشکارسازها، طراحی ترانسفورماتور، رله‌های مختلف

Schottky Barrier Solar Cells High Voltage Power System Protection

Neural Network Learning

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

اراکی نجفی، عبدالنبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۸ -۱۳۰۸ ق)، فقیه و مجتهد. وی در اراک متولد شد. برای تحصیل به همدان رفت و پس از آن به اراک بازگشت و حدود چهار سال به تحصیل سطوح پرداخت و دو سال از حوزه‌ی درس آیت‌اللّٰه آقانورالدین عراقی بهره جست. در ۱۳۲۷ ق به نجف رفت و از درس اصول آخوند ملامحمد کاظم خراسانی و چند سالی از درس فقه علامه‌ی یزدی استفاده کرد. وی همچنین شاگرد شریعت اصفهانی، آقا ضیاءالدین عراقی، آقا شیخ علی قوچانی و آقا شیخ مهدی مازندرانی بود و در فقه و اصول از محضر آیت‌اللّٰه نایینی نیز استفاده کرد. و مدتی در نجف، در مسجد هندی و مسجد شیخ مرتضی، تدریس کرد. بعد از آن برای مدت کمی به ایران آمد و پس از بازگشت به نجف، به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت. آیت‌اللّٰه اراکی در سال ۱۳۶۸ ق به ایران بازگشت و در اراک ساکن شد و به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت تا سرانجام در شهر ری وفات یافت و در مسجد بالا سر قم به خاک سپرده شد. وی دارای ۶۵ جلد تألیفات ارزنده است از جمله: «کنز مخفی»؛ «الغوالی اللآلی فی فروع العلم الاجمالی»؛ «روح الایمان»، در لزوم شناختن حقیقت انسان؛ «ارشاد الامة»؛ «اعلام الامامیة»؛ «ایقاظ البشر»؛ «ذخیرة العباد لیوم المعاد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶۵ /۱۸)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۱۳ -۱۱۲ /۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۹۷ -۱۹۶ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۰ -۱۸ /۴).

اراکی، فتحعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۷ ق)، فقیه، عارف و استاد اخلاق. از شاگردان آقا سید محمد سلطان آبادی بود. در جوانی به نجف رفت و اواخر ایام

شیخ محمد حسن نجفی صاحب «جواهر» را درک کرد و نزد شیخ انصاری میرزای شیرازی تلمذ نمود. با میرزای شیرازی به سامرا رفت و تا مرگ میرزای شیرازی در سال ۱۳۱۲ ق در سامرا بود. سپس به کربلا مهاجرت نمود و در همان جا درگذشت. شاگردان بسیاری داشت که از آن جمله‌اند: علامه نوری صاحب «مستدرک الوسائل»، سید ابوالقاسم دهکردی، سید اسداللّه قزوینی و آقا بزرگ ساوجی. علامه نوری درباره‌ی وی چنین نوشته است«...از هر مکرمتی اعلای آن و از هر فضیلتی ارفعش و از هر خصلتی اشرفش و از هر خیری پایه بلندش و از هر علم شریفی جوهر و حقیقتش در وی جمع است، سالها با وی در سفر و حضر و شب و روز و شدت و رخاء مصاحبت و معاشرت نمودم زلتی در مکروهی و لغزشی در مرجوحی ندیدم و در یک خصلتی از آن خصال کریمه‌ی که حضرت امیر صلوات‌اللّه‌علیه از برای همام بن عباده در صفات شیعه خود برشمرده شریکی و نظیری بر وی نیافتم...» آقا سید محمد سلطان آبادی و حاج ملاعلی تهرانی مشایخ سلوک او بوده‌اند و میان او و آخوند ملا حسینقلی همدانی همدلی و دوستی نزدیک برقرار بود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۹۲ /۸)، فوائد الرضویه (۳۴۴ -۳۴۳)، علماء معاصرین (۳۳۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۱ /۳)، المآثر والآثار (۱۴۹).

اراکی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

وی از دانشمندان طراز اول و منسوبین نزدیک مرحوم آیه‌الله حاج آقا محسن و از مدرسین حوزه علمیه اراک بوده بسیاری از فضلاء قم و اراک از محضرش استفاده نموده‌اند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اراکی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجتهد، محقق.

تولد: ۱۲۷۳(۲۴ جمادی‌الثانی ۱۳۱۲ ق.)، اراک.

درگذشت: ۸ آذر ۱۳۷۳، تهران.

آیت‌الله العظمی محمدعلی اراکی از سن یازده سالگی به فراگیری علوم ادبی و دروس مقدماتی سطح نزد اساتید مختلف (شوهر خواهرش، عماد، سید جعفر شیئی، آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری یزدی)، پرداخت. همزمان با شرکت در درس آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، نزد آیت‌الله شیخ محمد سلطان‌العلماء اراکی شرح منظومه ملا هادی سبزواری را در حکمت متعالیه تحصیل کرد. از اساتید دیگر ایشان آیت‌الله آقا سید نورالدین اراکی بود.

در پی وفات آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری در سال ۱۳۷۱ ق.، ایشان به قم مهاجرت نمود و به تدریس خارج فقه پرداخت و طی بیش از سی سال مباحث نکاح، مکاسب محرمه، بیع، خیارات (دو دوره)، طهارت و حج در علم فقه و سه دوره کامل علم اصول را تدریس کرد. محل تدریس او مدرسه زیر کتابخانه مدرسه فیضیه قم بود و صبح‌ها به تدریس خارج اصول اشتغال داشت. وی در مسجد امام حسن عسگری قم نماز جمعه اقامت می‌کرد. ضمنا حدود چهل سال در مدرسه فیضیه و حرم حضرت معصومه (س) اقامه جماعت می‌نمود.

فهرست تألیفات آیت‌الله العظمی اراکی به شرح زیر است: تقریرات بحث آیت‌الله شیخ محمد سلطان العلماء اراکی؛ تقریرات درس فقه آیت‌الله حائری شامل: الف: کتاب الطهارهٔ، ب: رسالهٔ فی الاجتهاد و التقلید (که در ضمن کتاب درر الفوائد آیت‌الله حائری چاپ شده است)، ج: رسالهٔ فی الولایهٔ، (که به ضمیمه جلد اول کتاب القرآن و العقل به چاپ رسیده است)، د: الارث، ه. نفقه زوجه (که همراه کتاب ارث به نام رسالتان فی الارث و فی نفقه الزوجه به چاپ رسیده است) و: مکاسب المحرمه، ز: کتاب البیع،، ح: کتاب الخیارات (این سه عنوان آخر هر سه به چاپ رسیده است)؛ تقریرات درس اصول فقه آیت‌الله العظمی حائری (سه دوره)؛ حاشیه بر درر الاصول آیت‌الله العظمی حائری (که در پاورقی آن کتاب چاپ شده است)، تقریر درس فقه آیت‌الله خوانساری (کتاب الطهارهٔ): حاشیه‌ی عروهٔ الوثقی؛ شرح مفصل عروهٔ الوثقی- باب طهارت؛ توضیح المسائل (که مکرر به چاپ رسیده)؛ مناسک حج؛ رساله استفتائات؛ مقدمه بر تفسیر القرآن و العقل آیت‌الله سید نورالدین اراکی (این تفسیر به اهتمام ایشان به چاپ رسیده است)؛ کتاب النکاح و الطلاق.

آیت‌الله محمدعلی اراکی به سبب یک ضایعه عروقی در بیمارستان شهید رجائی تهران درگذشت. پیکر ایشان در صحن حرم معصومه (س) در کنار مدفن آیات عظام عبدالکریم حائری و سید محمدتقی خوانساری به خاک سپرده شد.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ارباب اصفهانی، محمدمهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۴ -۱۲۳۴ ق)، دانشمند و ادیب. وی پدر میرزا محمد حسین فروغی ذکاءالملک و از اهالی اصفهان بود. آقا محمدمهدی در علوم تاریخ و جغرافیا و هیئت قدیم و جدید و نجوم بطلمیوسی و اروپایی به مقامی والا دست یافت. پس از مرگ، او را در قبرستان محله‌ی آب بخشان اصفهان دفن کردند. از آثار وی: تصحیح و طبع «شاهنامه‌ی فردوسی» و «تاریخ وصاف» که هر دو در بمبئی به چاپ رسیده؛ «نصف جهان»، در تاریخ اصفهان؛ «جغرافیای اصفهان»؛ کتابی در محاکمه بین علم هیئت و نجوم قدیم و جدید؛ «نقشه‌ی ابنیه‌ی تاریخی اصفهان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۷۰)، الذریعه (۱۷۸ /۲۴، ۱۱۴ /۵)، شرح حال رجال (۶،۵ /۴)، المآثر و الآثار (۲۲۰).

ارباب شیرانی، سعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر سعید ارباب شیرانی در سال ۱۳۱۶ در اصفهان به دنیا آمد.وی پس از دریافت کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران ،در سال ۱۳۴۰ برای ادامهٔ تحصیل به آمریکا رفت و موفق شد از دانشگاه پرینستن درجهٔ فوق لیسانس و دکترای ادبیات تطبیقی را دریافت کند.ایشان در حال حاضر در دانشگاه علامهٔ طباطبایی به تدریس اشتغال دارد. کتاب"تاریخ نقد جدید" ترجمه،سعید ارباب شیرانی، در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات انگلیسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : سعید ارباب شیرانی پس از طی دوران دبستان و دبیرستان در اصفهان، در رشتهٔ زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۴۰ برای ادامهٔ تحصیل به آمریکا رفت و ضمن تدریس فارسی در بخش شرق شناسی دانشگاه پرینستن، از دانشگاه راتگرز (دانشگاه ایالتی نیوجرزی) درجهٔ فوق لیسانس ادبیات انگلیسی و از دانشگاه پرینستن درجهٔ فوق لیسانس و دکترای ادبیات تطبیقی دریافت داشتمشاغل و سمتهای مورد تصدی : سعید ارباب شیرانی در سال ۱۳۴۰ برای ادامهٔ تحصیل به آمریکا رفت و در کنار تحصیل به تدریس زبان و ادبیات فارسی در بخش شرق شناسی دانشگاه پرینستن پرداخت.ایشان در حال حاضر در دانشگاه علامهٔ طباطبایی به تدریس اشتغال دارد.جوائز و نشانها : کتاب"تاریخ نقد جدید "ترجمه،سعید ارباب شیرانی، در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.آثار : ۱- "Creative use of convention in Herrick's Corinna's going a-Maying" -"Theoretical Backgrounds of French Prose Poetry: Fenelon to Baudelaire accepted for publication in the forthcoming issue of Humanities ویژگی اثر : تالیف۲ تاریخ نقد جدید ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب «تاریخ نقد جدید»: تاریخ نقد جدید (جلد ۱، ۲، ۳و...)؛ رنه ولک؛ ترجمه سعید ارباب شیرانی؛ تهران: انتشارات نیلوفر، جلد سوم، ۱۳۷۵. نقد ادبی و اطلاع از آراء و مکاتب آن، اهمیت بنیادی در شناخت و ارزیابی آثار ادبی- هنری دارد. رنه ولک- مورخ و منتقد برجسته که او را «منتقد والای منتقدان» خوانده اند- دارای آثاری باارزش در این زمینه است. یکی از این آثار، کتاب هشت جلدی تاریخ و نقد است که تألیف آن قریب چهل سال زمان برده است. کتاب حاضر از امّهات کتب نقد ادبی در همه زبانهای مغرب زمین به شمار می رود و تفصیل و دامنه شمول آن چشمگیر است. ترجمه این اثر، همتی والا-را می طلبید که مترجم محترم از عهده این کار دشوار به شایستگی برآمده است و تاکنون سه جلد آن- با رعایت امانت در ترجمه- به خوانندگان عرضه شده است. این کتاب راهنمای مناسبی برای همه محققان، دانشجویان دوره های کارشناسی ارشد و دکترا وعلاقه مندان به نقد ادبی است. تعلیقات پایانی هریک از مجلدات، نه تنها یاری رسان خواننده است؛ بلکه می توان آن را در حکم تحقیق ارزنده ای به شمار آورد ۳ تاریخچه نقد در ادبیات قدیم عرب ویژگی اثر : ترجمه،فان گلدر، ؛ تحقیقات اسلامی، سال سوم، شماره۱ و ۲(۱۳۶۷)۴ تخیل فرهیخته ویژگی اثر : ترجمه،نورتروپ فرای؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول ۱۳۶۳، چاپ دوم ۱۳۷۲.۵ مضمون سازی در شعر سبک هندی و شعر متافیزیکی انگلیس ویژگی اثر : تالیف،صائب و سبک هندی، به کوشش محمدرسول دریاگشت

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ارباب قمی، میرزامحمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمد ارباب قمی در سال ۱۲۷۳ ق، در بیت علم و فضل - در عین حال کشاورز - در شهر قم چشم به جهان گشود.حاج میرزا محمد ارباب، به سامراء و سپس نجف مهاجرت کردو سالیان بسیار در درسهای آیات عظام، میرزا حبیب رشیتی وآخوند ملا محمدکاظم خراسانی حضور یافت، تا آنکه پس از تحصیل و تکمیل علوم دینی، به درجه رفیع اجتهاد نائل آمد.

گروه : علوم انسانی

رشته : الهیات و معارف اسلامی

والدین و انساب : پدر بزرگوارش، مرحوم محمد تقی بیک ارباب – معروف به جان بابا – از فاضلان و ادیبان و شاعران قم به شمار می رفت.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : مرحوم میرزا محمد ارباب قمی ، پس از پشت سر نهادن دوران نوجوانی به تحصیل ادبیات همت گمارد و پس از آن به تهران رفت و نزد اساتید هر فن از هنر علمی توشه‌ای و از هر خرمن خوشه‌ای برچید تا مشار بالبنان گردید. مرحوم حاج میرزا محمد ارباب، به همراه دوستان گرانقدرش مرحوم آیت‌اللّه حاج ملا آقا حسین قمی (م ۱۳۲۷ ق) و آیت‌اللّه مولی عبداللّه قمی به سامراء مهاجرت کردند و چندی در درسهای آیت‌اللّه العظمی میرزای شیرازی شرکت نمود. پس از آن به همراه ملا عبداللّه قمی به نجف کوچید.و سالیان بسیار در درسهای آیات عظام، میرزاحبیب‌اللّه رشتی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی حضور یافت، تا آنکه پس از تحصیل و تکمیل علوم دینی، به درجه رفیع اجتهاد نائل آمد و با اخذ اجازات متعدد روایی (از آیات عظام: محدث نوری و شریعت اصفهانی و حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی) و اجتهادی (از آخوند خراسانی و میرزا حبیب‌اللّه رشتی) به زادگاهش بازگشت.

استادان و مربیان : از استادان میرزا محمد ارباب قمی می توان به آیات عظام زیر اشاره کرد: میرزاحبیب‌اللّه رشتی آخوند ملا محمد کاظم خراسانی آیت‌اللّه العظمی میرزای شیخ عبدالرحیم نهاوندی میرزا ابوالحسن جلوه آقا محمد رضا قمشه‌ای

هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره ایهای میرزا محمد ارباب قمی می توان به موارد زیر اشاره کرد: مرحوم آیت‌اللّه حاج ملا آقا حسین قمی (م ۱۳۲۷ ق) آیت‌اللّه مولی عبداللّه قمی

همسر و فرزندان : از آن فقیه بزرگ میرزا محمد ارباب قمی ، فرزندانی والامقام بر جای مانده که عبارتند از:مرحوم حجهٔ الاسلام میرزا محمد باقر ربانی و میرزا محسن اشراقی و در حال حاضر آقای حاج آقا سعید اشراقی از جمله فرزندان معظم‌له به شمارند. اما از همه معروفتر استاد سخن و خطیب شیرین شکّرشکن مرحوم حجهٔ‌الاسلام و المسلمین حاج میرزا محمد تقی اشراقی است.

زمان و علت فوت : سرانجام آن فقیه بزرگ میرزا محمد ارباب قمی، پس از عمری تلاش و کوشش در ترویج دین و بزرگداشت شعایر الهی، در سال ۱۳۴۱ ق در ۶۸ سالگی چشم از جهان فرو بست و به موالیان طاهرینش پیوست. در وفات ایشان، مردم و حوزه علمیه قم یکپارچه عزادار شدند و به خصوص مرحوم آیت‌اللّه حایری، بسیار متأثر و نگران شده و در تسلیت مرحوم اشراقی و برادران او فرمود:«نه تنها شما یتیم شدید، بلکه برادری هم از دست من رفته است.»مردم حق شناس قم، پیکر پاکش را پس از یک تشییع باشکوه، در قبرستان شیخان – در جوار مرقد میرزای قمی – به خاک سپردند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مرحوم میرزا محمد ارباب قمی ، پس از مراجعت به تدریس و تالیف و اقامه جماعت و موعظه و حلّ و فصل دعاوی و رفع مخاصمات اشتغال داشت. وی در این زمان ریاستی عام و شهرتی تام پیدا کرد و آوازه فقاهت و فضیلت او به همه جا رسید و مجلس درس و بحث او، یکی از پررونق‌ترین مجالس درسی حوزه بود. منبری داشت شیرین و متین و محضری بس نمکین، در نهی از منکر و منع اهل فجور قلبی قوی و قدمی راسخ داشت و در حفظ حدود شرعیه دقیقه‌ای فرو نگذاشت... جماعت علما در محضر وی، خود را کوچک می‌شمردند و بزرگان دین و دنیا نام مبارکش را به حرمت تمام می‌بردند.

فعالیتهای آموزشی : میرزا محمد ارباب قمی، همه روز به تدریس فقه و حدیث اشتغال داشت و از مجلس درس وی گروهی بسیار به مدارج عالیه نائل آمدند.

شاگردان : آن فقیه بزرگ، همه روز به تدریس فقه و حدیث اشتغال داشت و از مجلس درس وی گروهی بسیار به مدارج عالیه نائل آمدند. برخی از آنان عبارتند از:۱ – آیت‌اللّه حاج شیخ عباس محدث قمی (۱۲۹۴ – ۱۳۵۹ ق) نویسنده «سفینهٔ‌البحار» و «الکنی و الالقاب»۲ – آیت‌اللّه حاج میرزا محمد فیض قمی (۱۲۹۳ – ۱۳۷۰ ق) نویسنده «کتاب الفیض» و «ذخیرهٔ‌العباد»۳ – آیت‌اللّه حاج میرزا محمد کبیر قمی (۱۲۹۰ – ۱۳۶۹ ق) نویسنده «مطالع الشموس» در علم اصول۴ – آیت‌اللّه حاج شیخ حسن نویسی قمی (۱۲۹۱ – ۱۳۷۱ ق)۵ – مرحوم حاج شیخ علی محمد باغ پنبه‌ای قمی۶ – مرحوم حاج سید علی اکبر برقعی قمی (۱۳۱۷ – ۱۴۰۷ ق) نویسنده «راهنمای دانشوران» و «کانون احساسات»۷ – مرحوم حاج شیخ ابوالحسن فقیهی قمی۸ – مرحوم میرزا محمد تقی اشراقی (۱۳۱۳ – ۱۳۶۸ ق) نویسنده «تفسیر سوره یوسف» و «تفسیر سوره قلم»۹ – حاج سید محمد صادق طاهری۱۰ – حاج شیخ محمد صادق فقیهی قمی۱۱ – حاج شیخ احمد فقیهی قمی۱۲ – آقا میرزا محمد باقر ربانی – فرزند معظم له –۱۳ – مرحوم آقا سید ناصرالدین قمی

آرا و گرایشهای خاص : میرزا محمد ارباب قمی آن فقیه بزرگ دارای سجایا و صفاتی بود که از دیگران، متمایزش ساخته بود. از جمله ویژگیهایش دستگیری از مستمندان و کمک به مردم بود. جود و احسان شیوه او بود.

چگونگی عرضه آثار : در سبب تألیف الاربعین الحسینیه کتاب، آورده‌اند:از مرحوم محدث نوری می‌خواهند که بحارالانوار را برای چاپ، مقابله و تصحیح نماید و ایشان، این کار را به مرحوم میرزا محمد ارباب قمی حواله می‌دهد. معظم‌له نیز می‌پذیرد، اما در اثر انجام این کار سنگین و طاقت‌فرسا، نور چشم خود را از دست می‌دهد و کم دید می‌شود لذا نذر می‌کند که اگر خداوند او را شفا دهد کتاب اربعین را بنویسد. و خداوند متعال او را شفا داد و او هم این کتاب را در سال ۱۳۲۸ ق نگاشت و در سال ۱۳۳۰ به چاپ رسید.(۱۳)مؤلف محترم، در آغاز سلسله سند خویش را به ائمه اطهار (ع) از طریق محدث نوری، و در حدیث ۴۰، از طریق آیات عظام: حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی، سید محمد هندی نجفی، شیخ الشریعه اصفهانی و محدث نوری بازگو کرده است. ------

---

آثار :

۱ الاربعین الحسینیه

ویژگی اثر : .این کتاب، معروفترین نوشتار وی است. مؤلف، در این کتاب شریف چهل حدیث درباره امام حسین (ع) را شرح نموده و در آن از مطالب بسیار در فنون حدیث، تفسیر، تاریخ، کلام، شعر عربی و فارسی، لغت و فقه سخن گفته است.(۱۱)این

کتاب، آکنـده از فوائـد گوناگون و مطالب خوانـدنی بوده و نوشته‌ای توسط نگارنده پیرامون آن به چاپ رسـیده است.(۱۲) مؤلف بزرگوار، بسـیاری از اشـعار عربی و فارسـی خـود را در ایـن کتـاب – بـه تنـاسب مقـام – ذکر نمـوده و چیره‌دسـتی خـود را در فنّ قصیده‌سرایی نشان داده است.

۲ تصحیح و مقابله و چاپ کتاب اثبات الوصیهٔ مسعودی

۳ تصحیح و مقابله و چاپ کتاب غیبت نعمانی

۴ تصحیح و مقابله و چاپ کتاب کنزالعرفان فاضل مقداد و منهاج النجاهٔ فیض کاشانی

۵ تصحیح و مقابله و طبع کتاب شریف «بحارالانوار»

۶ حاشیه بر کتاب «جواهر الکلام»

۷ حاشیه بر کتابهای بسیار، مانند: اسفار

۸ دیوان اشعار

ویژگی اثر : (مجمـوعه‌ای از اشـعار عربی و فارسـی، کـه برخی از آنهـا بسـیار معروف اسـت و اگر گردآوری شـود، دیـوانی بزرگ خواهد شد.)

۹ رجوم الشیاطین، در ردّ بر فرقه ضاله بابی و بهایی

۱۰ شرح قصیده عینیه سید حمیری (لامّ عمرو باللوی مربع)

۱۱ شرح کتاب «بیان» شهید اول – دوره فقه

منابع زندگینامه :

سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱k – /www.hawzah.net

ارباب کیخسرو

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۹ –۱۲۵۳ ش)، نویسـنده و شاعر. وی در کرمان متولـد شـد. در طفولیت از داشتـن پدر محروم گردید. تحصـیلات مقدماتی را تحت توجه مـادر خود در دبسـتان کرمـان به پایـان برد و در نه سالگی به تهران آمـد و به ادامه‌ی تحصـیل پرداخت. سـپس به بمبئی رفت و تحت حمایت و سـرپرستی دینشاه به تحصـیل مشـغول شد. پس از پایان تحصیلات، از طرف انجمن اکابر صاحبان پارسی، به آموزگاری در کرمان منصوب شد. در این مدت به اصلاحات فرهنگی اقدام کرد. پس از مدتی از طریق مشهد و عشق‌آباد به روسیه رفت و بیش از یکسـال در ادسا مانـد، سـپس به تهران آمـد و جزو مـدیران اداره‌ی ارباب جمشـید بهمن درآمـد. در دوره‌ی دوّم، از طرف همکیشان خود به نماینـدگی مجلس شورای ملی انتخاب شـد و جمعا یازده دوره نماینده‌ی زردتشتیان در مجلس بود. در سال ۱۳۱۰ ش، تنی چند از رجال دانشمند، به منظور تجلیل از بزرگان علم و ادب ایران و حفظ آثار باستانی و ابنیه‌ی تاریخی، انجمنی به نام «انجمن آثار ملی» تأسـیس کردند که وی نیز با آنان همکاری داشت. نخستین اقدام انجمن مذکور، ساختن آرامگاه فردوسـی در طوس بود. وی مردی امین و صـدیق و میهن دوست بود. به زبـان انگلیسـی تسلط داشت. در تهران به طرز مشـکوک و اسـرارآمیزی کشته شد. او طبع شـعر داشت و دارای تألیفاتی است از جمله: «آئین پارسـیان»، ترجمه از انگلیسـی؛ «آئینه‌ی آئین مزدیسـنی»؛ «فروغ مزدیسنی».

ارباب کیخسرو شاهرخ ۷ تیرماه ۱۲۵۴ در کرمان زاده شـد.وی معلم ، نویسـنده و مدرسه ساز نمونه و ساخت بیش از ۲۰ مدرسه در شهرهای مختلف از جمله مدرسه ملی ایرانشهر کرمان به سال ۱۲۸۵ خورشیدی و مدارس جمشیدی و جمشید جم و فیروز بهرام و ... بود.ارباب کیخسـرو شاهرخ، نماینده زرتشتیان در دوره دوم مجلس شورای ملی، مبتکر طرح کتابخانه مجلس بود. وی دو سال پس از پیروزی مشـروطیت، این طرح را به مجلس ارائه کرد و دایره کتابخـانه در نظام‌نـامه داخلی مجلس شـورای ملی، مـورد توجه قرار گرفت.نـانبرده سـرانجام پس از شـصت و شـش سال زنـدگی نیک ، آفتاب عمرش در نیمه شب یازدهم تیرماه ۱۳۱۹ غروب کرد و نامش را در تاریخ ایران جاودان ساخت .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : نویسنده

تحصیلات رسمی و حرفه ای : . تحصیلات ابتدایی را در کرمان گذراند و سپس به هند رفت. سال ۱۲۸۴ به تهران آمد

هم دوره ای ها و همکاران : اسـناد موجود و اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد که ارباب کیخسـرو شاهرخ با همکاری جمعی از نماینـدگان پیشـگام مجلس ماننـد دکتر رضـا افشـار، شـیخ ابراهیم‌زنجـانی و سـید نصـرالله تقوی در فراهم آوردن مقـدمات تأسـیس کتابخانه مجلس از این طرح پیشنهاد و تا استقرار و پا گرفتن آن، کوشش‌های فراوانی کردند.

وقایع میانسالی : این مرد نیک انـدیش از همان بـدو کودکی با تمامی مشکلاتی که برایش پیش می آمـد از کمک به همنوع دریغ نمی نمود و در دوران زندگی اش منشاء خدمات ارزنده ای به جامعه زرتشتی و کشورش ایران شد

زمان و علت فوت : ارباب کیخسرو شاهرخ در یازدهم تیر سال ۱۳۱۹ دار فانی را وداع گفت.

مشاغـل و سـمتهای مورد تصـدی : ارباب کیخسـرو شاهرخ سال ۱۲۸۸ از طرف همکیشان خود به نماینـدگی مجلس برگزیـده شـد. همـان سال نیز به ریاست انجمن زرتشتیان تهران منصوب شـد. وی در سال ۱۲۸۹ کتاب «فروغ مزدیسـنی» را به رشته تحریر درآورد.

او ۳۱ سال نماینده زرتشتیان در مجلس شورای ملی بود. ارباب کیخسرو شاهرخ، نماینده زرتشتیان در دوره دوم مجلس شورای ملی، مبتکر طرح کتابخانه مجلس بود. وی دو سال پس از پیروزی مشروطیت، این طرح را به مجلس ارائه کرد و دایره کتابخانه در نظام‌نامه داخلی مجلس شورای ملی، مورد توجه قرار گرفت. خلاصه ای از فعالیت های ایشان به قرار زیر است: معلم ، نویسنده و مدرسه ساز نمونه و ساخت بیش از ۲۰ مدرسه در شهرهای مختلف از جمله مدرسه ملی ایرانشهر کرمان به سال ۱۲۸۵ خورشیدی و مدارس جمشیدی و جمشید جم و فیروز بهرام و ... نگارش و چاپ کتابهای آینه آیین مزدیسنی و فروغ مزدیسنی ۳۱ سال نماینده ایرانیان زرتشتی در مجلس شورای ملی از سال ۱۲۸۸ تا ۱۳۱۹ خورشیدی تغییر مراسم تدفین از دخمه به خاکسپاری و خرید و احیای آرامگاه قصر فیروزه تهران و پیگیری این مراسم در سایر شهرها پافشاری در تصویب به رسمیت شمردن احوال شخصیه اقلیتهای مذهبی و پیگیری و تدوین مفاد آن دریافت حکم تولیت موقوفات زرتشتی به نام انجمن های زرتشتیان هر شهرستان . مسئول ساخت راه آهن ایران مدیرعامل شرکت سهامی تلفن به سال ۱۲۹۵ خورشیدی مسئول خرید گندم و غلات در زمان قحطی سال ۱۲۹۷ خورشیدی مسئول شناسایی و بازسازی آرامگاه فردوسی و سرپرستی جشن هزاره آن شاعر نامور به سال ۱۳۱۳ خورشیدی تاسیس کتابخانه مجلس و رئیس اداره مباشرت و سرپرست چاپخانه مجلس مسئولیت و سرپرستی جشن تاج گذاری احمد شاه قاجار نظارت بر جشن تاج گذاری رضا شاه پهلوی

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : ارباب کیخسرو در انجام مراحل مقدماتی تاسیس، گردآوری کتاب و تعیین مکانی برای نگهداری کتاب‌ها و ایجاد کتابخانه موقت، سهم به‌سزایی داشته است.که از وی به عوان بنیانگذار کتابخانه مجلس یاد می شود. وی علاوه بر این، بنیانگذار انجمن آثار ملی است. این انجمن بعد از انقلاب به انجمن آثار و مفاخر فرهنگی تغییر نام داد. همچنین مسؤلیت ساخت بنای فعلی آرامگاه فردوسی در طوس نیز بر عهده ارباب کیخسرو بوده است. ساخت بنای آرامگاه فردوسی در کمیسیونی پیگیری می‌شده که محمدعلی فروغی نخست وزیر، ارباب کیخسرو، هرتسفلد آلمانی و گدار فرانسوی اعضای آن بوده‌اند. ---

آثار :

۱ فروغ مزدیسنی

ویژگی اثر : تالیف

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۲۴ -۱۲۰ /۱)، شرح حال رجال (۱۸۰ -۱۷۹ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۲ -۱۰۱ /۵).

ارباب، رحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی از مشاهیر علماء اسلامی و اکابر دانشمندان و اکبر و اعظم علماء معاصر اصفهانست و از جهت سن و شیخوخیت از تمام علماء و مجتهدین امامیه مسن‌تر و بیش از یکصد سال از عمر مبارکش میگذرد و از برکات روحانیت است.

ولادتش در اصفهان و نشو و نمایش نیز در آن سامان بوده در خانواده ثروتمندی اصیل و نجیب و شریف تربیت شده و مقدمات و سطوح را از مدرسین اصفهان فرا گرفته و دروس فقه و اصول را از اکابر دانشمندان چون حجه‌الاسلام والمسلمین آقای ابوالمعالی کلباسی و حجه‌الاسلام آخوند ملا محمد کاشی و آیه‌الله میر سید محمد تقی مدرس و آیه‌الله حاج سید محمد باقر درچه‌ای و بالاخص مرحوم میرزا جهانگیرخان قشقائی علم حکمت و فلسفه را فرا گرفته و با مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی در هنگامیکه در اصفهان تحصیل میکردند شریک درس و مباحثه بوده‌اند و چون بحکیم قشقائی اتصال و ارتباط زیادی داشتند بآن بزرگوار تأسی نموده و جز در هنگام اقامه جمعه و جماعت عمامه نمیگذارند بلکه با کلاه که در تمثالشان دیده میشود بسر برده‌اند.

تألیفات و تصنیفاتی در فقه و اصول و حکمت دارند رحمه‌الله علیه رحمه واسعه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ارباب، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، خطاط. از خوشنویسان شهر اصفهان بود. از آثار وی: «التحفه القوامیه» به قطع جانمازی، نسخ کتابت خفی و رقاع خوش، با رقم: «کتبه العبد... عبدالله ارباب... سنه ۱۳۴۷ من الهجره...»؛ «نامه‌ی حضرت علی (ع) به مالک اشتر»، مذهب مزین، نسخ کتابت خوش، با رقم: «کمترین... عبدالله ارباب مقیم اصفهان ۱۳۴۴»؛ دعای «تعقیب صلوه صبح» جانمازی، نسخ کتابت خوش، با رقم: «کتبه العبد... عبدالله ارباب سنه ۱۳۵۴...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۸۹ -۱۰۸۸ / ۴)، تاریخ اصفهان (۱۰۸).

ارباب، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۱ ق)، عالم، مجتهد و شاعر. در جوانی به تهران آمد و از اساتید هرفن بهره جست. سپس به نجف رفت و در حوزه‌ی درس آخوند ملامحمد کاظم خراسانی شرکت نمود. پس از رسیدن به اجتهاد، به قم بازگشت و به تدریس و ترویج مذهب پرداخت و تا قبل از ورود آیت‌اللّه حائری به قم ریاست و مرجعیت با او بود. وی به عربی و فارسی شعر می‌سرود. پس از مرگ او را در گورستان شیخان بزرگ به خاک سپردند. از آثارش: «اربعین الحسینیه».[۱]

فرزند مرحوم محمدتقی بیک مشهور به ارباب از اجله علماء و محدثین و حکماء و متکلمین بود در ابتداء جوانی به تهران مهاجرت نموده و در آن سامان نزد اساتید هر فن از هر علمی توشه‌ای و از هر خرمن خوشه‌ای چید تا مشار بالبنان و مغبوط اماثل و اقران گردد، آنگاه مسافرت به نجف اشرف نموده و در آن مهد علم و معرفت خدمت اساتید بزرگ چون مرحوم آیت‌اللّه کفائی ملا محمدکاظم و دیگران تلمذ نمود تا به مقام منیع اجتهاد نائل گردید و مجازا به وطن مألوف خود دارالعلم والایمان قم مراجعت و به تدریس و افاضه و موعظه و اقامت جماعت مشغول گردید و تا قبل از تأسیس حوزه و ورود مرحوم آیت‌اللّه حایری ریاستی بزرگ و مرجعیتی تمام پیدا نمود تا در سنه ۱۳۴۱ در قم مرحوم و در شیخان بزرگ مدفون گردید از آثار و تألیفات اوست کتاب اربعین الحسینیه که به طبع رسیده است.

و نیز از باقیات الصالحات اوست فرزندان برومند روحانی که هر کدام در موقع خود از خدمتگذاران دین و مروجین شرع مبین بوده و هستند و ترجمه هر کدام در جای خود مذکور می‌گردد و فرزندان آن مرحوم بدین قرار است ۱- مرحوم حاج میرزا محمدتقی اشراقی بزرگ خاندان اشراقی قم.

۲- مرحوم آقا میرزا محمدباقر اشراقی مقیم تهران و متوفی در آن.

۳- مرحوم میرزا محسن اشراقی.

۴- آقای آقا میرزا سعید اشراقی.

۵- آقای آقا محمد اشرقی.

نگارنده: گوید یکی از باقیات الصالحات آن مرحوم همین دانشگاه جعفری و حوزه علمیه قم است زیرا چنانچه در کتاب آثارالحجه ج ۱ ص ۲۲۰ نگاشته‌ام آن بزرگوار هم در تشکیل این حوزه سهم بسزائی دارد برای اینکه با مرحوم آیت‌اللّه حایری همکاری شایانی نموده و حقاً می‌توان گفت از کسانی است که در این مؤسسه علمی و دینی تا قیامت سهیم و شریک است و معروف است که در فوت ایشان آیت‌اللّه حایری بسیار متأثر شده و در تسلیت فرزندان آن مرحوم فرمودند نه تنها شما یتیم شدید بلکه برادری هم از دست من رفته است.

شاگردان بسیاری مانند مرحوم آیت‌اللّه فیض که خود از مجتهدین بزرگ قم بود و بسیاری از علماء قم از وجودش استفاده‌های علمی نمودند دارای طبعی سرشار و ذوقی سلیم بود و به عربی و فارسی اشعاری دارد که بعضی از آن را به نظر خوانندگان می‌رسانم.

در توسل به حضرت ولی عصر عجل‌اللّه‌فرجه گوید

چه خوش باشد که بعد از انتظاری
به امیدی رسند امیدواران
جمال اللّه شود از غیب طالع
پدیدار آید اندر بزم یاران
دمد از قرن قدرت نفخه صور
ببارد ابر رحمت آب باران
اگر اسکندر دوران بیاید
چشند آب حیاتی تشنه‌کامان
به آواز (اناالحق) مرغ توحید
کند پرواز اندر شاخساران
همی گوید منم آدم منم نوح
خلیل و داودم قربان جانان
منم موسی منم عیسی بن مریم
منم پیغمبر آخر زمانان
جهان شد تیره چون شبهای تاریک
خدایا در رسان خورشید تابان
تو ای جام جهان رخساره بنما
که خستند از تعب آئینه‌داران
جهان ویران ز جور جوفروشان
ز سالوسی این گندم نمایان

تو ای مرات نیکوی خدائی
خدا را سوی ما رو کن شتابان
ببین ما را اسیر بند کفار
گرفتار شکنج روزگاران
تو موسی‌وار شمشیر خدائی
بکش وانگه بکش فرعون و هامان
تو ای عدل خدا کن دادخواهی
ز جا خیز ای پناه بی‌پناهان
برون کن ز آستین دست خدا را
به خونخواهی و از خون نیاکان
قدم در کربلا بگذار و بستان
سر پر خون ز دست نیزه‌داران
تو ای دست خدا از شصت قدرت
بکش تیر از گلوی شیرخواران
خبر داری که از سم ستوران
دگر جسمی نماند از شه‌سواران
شنیدستی چسان دست خدا را
جدا کردند از تن ساربانان

در ج ۱ کتاب تحفهٔالفاطمیین درباره وی گوید: مرحوم میرزا محمد ارباب صاحب کتاب (اربعین الحسینیه) از آیات الهیه و از براهین قاطعه طریقه حقه جعفریه در فقاهت و اجتهاد مقامی بسیار بلند و رتبه‌ای بس ارجمند داشت به مقام بزرگواری و بسط ید و انفاذ حکم و قبول عامه که داشت کمتر کسی رسیده است در حفظ و حمایت شریعت مصطفوی دقیقه‌ای فرونگذاشت و در این باب اقدام و اهتمام او را دیگری نداشت، در اوائل جوانی از این بلد شریف رخت به عتبات عالیات کشیده و در محضر حجهٔالاسلام حاج میرزا محمدحسن شیرازی استفاده و استفاضه نموده و عمده تلمذ وی در فقه و اصول در خدمت حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی و ملا کاظم خراسانی بوده تا آنکه بعد از تحصیل و تکمیل علوم دینیه به قوه قدسیه اجتهاد فائز آمده و مجاز شده و به وطن مراجعت نموده ریاستی عامه و شهرتی تامه پیدا کرد صیت فقاهت و فضیلت او به همه جا رسیده و مقروع خاص و عام گردید.

مجلس درس و افادت و افاضتش دائر و برقرار بود منبری داشت شیرین و متین و محضری بس نمکین در نهی از منکر و منع اهل فجور قلبی قوی داشت و در حفظ حدود شرعیه دقیقه‌ای فرونگذاشت مادام‌الحیات به تدریس و ترویج و افاضت و امامت و حکومات شرعیه اشتغال داشت و ساحت مقدس آن بزرگوار به هیچ توهم مشوب نشد و دامن اصحاب و اتباعش هرگز به تهمتی نیالود جماعت علماء در حضرت وی خویشتن را خورد می‌شمردند و بزرگان دین و دنیا نام مبارکش را به حرمت تمام می‌بردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۲۵ -۱۲۴ /۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۵۱ -۱۵۰ /۱).

ارباب، محمدمهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مردی دانشمند و ادیب بود و از راه تجارت و زراعت کسب معاش می‌کرد. با دانشهای اروپا که به تازگی در آن زمان معمول شده بود، آشنایی داشت و مخصوصاً در هیئت و جغرافیا به هر دو طریقه‌ی قدیم و جدید عالم بود و او از جمله‌ی پیشقدمان معارف جدید اروپایی- مخصوصاً هیئت جدید- بشمار می‌رود. از او یک دختر به نام فاطمه سلطان بیگم و یک پسر بنام محمدحسین خان ذکاءالملک باقی ماند

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

اربابی، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی اربابی

محل تولد : بجنورد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت الله محمدتقی اربابی در خانواده ای مذهبی در روستای درغ جاجر از توابع بجنورد متولد شد. ایشان مقدمات علوم دینی را در حوزه علمیه مشهد در سال ۱۳۴۷ شروع کرد و مقدمات و مقداری از سطح را در حوزه مشهد فرا گرفت و برای تکمیل دروس حوزه به قم عزیمت کرد. سطح عالی فقه و اصول را در قم از محضر آیات عظام وحید خراسانی، شیخ مرتضی حائری، شیخ کاظم تبریزی و مرحوم شیخ جواد تبریزی فرا گرفت.

ایشان علاوه بر فقه و اصول به فعالیت های علمی در زمینه تفسیر و علوم قرآن، فلسفه، تاریخ و سیره نهج‌البلاغه، ادیان و مذاهب، اقتصاد و حقوق پرداخت تا هر چه بیشتر بر غنای علمی خویش بیفزاید. ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی به جهت رسیدگی به مشکلات قضایی مردم به امر قضاوت در دادگاههای استان خراسان پرداخت و هنوز هم جهت خدمت به مردم این مسئولیت سنگین را بر دوش می‌کشد.

اربابی، نصرت‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۹ ش)، شاعر، متخلص به موّفق. وی در بیدگل کاشان متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در آران و دوره‌ی دبیرستان را در کاشان به پایان رساند. و سپس در سال ۱۳۲۴ ش از دانشکده‌ی کشاورزی کرج فارغ‌التحصیل شد و به استخدام آموزش و پرورش درآمد و چند سال مدیریت و بازرسی مدارس روستایی را به عهده داشت. اربابی از سال ۱۳۱۶ ش کار شعر و شاعری را آغاز کرد و از محضر استادانی چون راوندی و حسینعلی منشی و نظام وفا در شعر بهره‌مند گردید و زمانی که در تبریز بود از مصاحبت شهریار و بی‌ریای گیلانی و جلال اعتمادی کسب فیض کرد. وی در انواع شعر طبع آزمایی کرده است، در آغاز اربابی سپس مهندس و آن گاه موفق تخلص می‌کرد. از وی دو اثر به جای مانده:

«پند صالح» یا «صالحنامه»؛ «نیاز موفق».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۳۴۵۳ -۳۴۵۲ /۵).

ارجمند منشی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم و سیزدهم ق)، خطاط. میرزا ارجمند از منشیان و خوشنویسان و مصوّران زمانه بود و خط شفیعایی را به چندین عنوان می‌نوشت. چندی خدمت میر منشی گری نواب عمادالملک را داشت و در آخر عمر به ملازمت فتحعلی‌خان درآمد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۵۲ -۱۲۵۱ /۴).

ارجی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر ارجی

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱۲

زندگینامه علمی

علی اکبر ارجی فرزند غلامرضا در ۱۲ فروردین سال ۱۳۳۴ در یک روستای دور افتاده خراسان رضوی از توابع نیشابور و در یک خانواده روحانی دیده به جهان گشوده‌ام. در پنج سالگی با نماز و قرائت قرآن آشنا شده، بخشی از دوره دبستان را در روستا و بخش دیگر آن و دوره راهنمایی و دبیرستان را در مشهد مقدس گذرانده‌ام.

از سال ۱۳۵۳ ـ ۱۳۵۴ نخست به مدت یک سال وارد حوزه علمیه قوچان و سپس وارد حوزه علمیه مشهد شده و ادبیات عرب، منطق و مقداری از اصول و فقه را در نزد اساتید آن حوزه مانند آقای حجت هاشمی خراسانی، آقای صالحی نیشابوری، آقای عباسی واعظ طبسی فراگرفته‌ام. سپس در سال ۱۳۵۸ به حوزه علمیه قم هجرت کرده و در مدرسه فیضیه به تحصیلات حوزوی خود ادامه دادم.

دروس سطوح عالی را در نزد اساتیدی همچون آقای اشتهاردی، اعتمادی، مرحوم ستوده، محقق داماد و مرحوم فاضل لنکرانی به اتمام رسانیدم. همراه با درس‌های فقه و اصول به سراغ علوم عقلی و تفسیر قرآن رفته علم کلام، فلسفه و بخشی از عرفان نظری و بخشی از علم هیئت را در نزد اساتید بزرگ همچون آیات عظام انصاری شیرازی، حسن‌زاده آملی، جوادی آملی و مصباح یزدی مشغول شدم و تفسیر قرآن را در نزد مرحوم آیت الله مشکینی شروع و در خدمت آیت الله جوادی ادامه دادم.

از سال ۱۳۶۲ در دروس خارج فقه و اصول شرکت کردم و یک دوره کامل خارج فقه و اصول را نزد مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی فراگرفتم و نزد اساتیدی بزرگ همچون مرحوم آیت الله جواد تبریزی خارج فقه، آیت الله وحید خراسانی خارج فقه و بخشی از اصول فقه، آیت الله یوسف صانعی بخشی از خارج اصول، آیت الله نوری همدانی بخشی از خارج فقه، آیت الله مکارم شیرازی بخشی از خارج فقه و از آیت الله جوادی بخشی از خارج فقه را فراگرفتم. البته به طور مقطعی از محضر آیت الله گلپایگانی و نجفی مرعشی و بعضی مراجع عظام دیگر نیز استفاده کرده‌ام.

از همان سال‌های ۵۴ ـ ۵۵ تبلیغ را در مشهد مقدس از تعلیم قرآن شروع کرده و سپس در ماههای محرم، صفر و رمضان برای تبلیغ دین و بیان احکام و ابلاغ پیام انقلاب اسلامی به شهرهای مختلف و در دوران جنگ تحمیلی به جبهه‌های دفاع مقدس، مسافرت کردم. و چیزی که در این دوره برای من جالب توجه و شیرین است، این است که معمولاً سوژه‌ها و نکته‌ها و پیام‌های تبلیغی را، از نوشته‌های مرحوم آیت الله مطهری و پیام‌های حضرت امام خمینی (ره) و از بیانات مرحوم شهید هاشمی‌نژاد، و مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای دریافت کرده و در ابلاغ آن به مردم جدی و کوشا بوده‌ام.

تدریس را به طور رسمی از سال ۱۳۵۹ شروع و دروس حوزوی را در حوزه علمیه قم در رشته‌های مختلف مانند: ادبیات عرب، منطق، اصول، فقه، کلام، فلسفه و تفسیر قرآن تدریس کرده‌ام و کماکان پاره‌ای از دروس حوزوی را در فقه و اصول و فلسفه و تفسیر قرآن تدریس می‌کنم.

این بنده همواره امر تحصیل، تبلیغ، تدریس، تألیف، تدوین و تحقیق را دنبال کرده‌ام. و پیوسته اشتغال داشته و دارد و بنابر علاقه درونی تألیفاتی در زمینه‌های مختلف، منطق، کلام، اصول و علوم قرآنی را شروع کرده و هنوز هم ادامه دارد. از سال ۷۰ ـ ۷۱ در مرکز فرهنگ و معارف قرآن، در زمینه‌های مختلف، تفسیر قرآن و علوم قرآنی در کنار محققین گرانمایه دیگر، به امر تحقیق اشتغال داشته و این امر تا سال ۱۳۸۵ ادامه داشته است و تاکنون تا بخش‌های مختلفی، همچون تفسیر قرآن (تفسیر راهنما) نمایه‌سازی کتاب‌های علوم قرآنی، تدوین اصطلاح نامه معارف قرآن، فرهنگ موضوعی قرآن (کلید قرآن) و دایرهٔ المعارف موضوعات و مفاهیم قرآن، همکاری داشته‌ام.

در سال ۱۳۷۶ به رادیو معارف اسلامی پخش سراسری، دعوت شدم و در برنامه‌ای با عنوان «عارفانه» درباره نماز و اهمیت و آثار، آداب و اسرار آن به مدت (۱۰ ـ ۱۵ دقیقه) نزدیک به صد جلسه برنامه سخنرانی داشتم. در سال ۱۳۷۷ از سوی صدای جمهوری اسلامی ایران مرکز چهارمحال بختیاری شهرکرد دعوت به همکاری شده و در آنجا چهل و پنج جلسه سخنرانی‌های کوتاه با عنوان کلی «آداب» داشته‌ام که هر هفته تنها یک جلسه از آن از رادیو پخش می‌شد. برخی از زیر مجموعه عنوان مذکور عبارتند از: آداب عبادت، آداب نماز، آداب روزه، آداب تلاوت قرآن، آداب استماع قرآن، آداب سخن گفتن، آداب سلام و پاسخ آن، آداب دعا، آداب مساجد، آداب پرسش، آداب ازدواج، آداب اطعام، آداب قرض دادن، آداب برخورد با سختی‌ها، آداب تجارت و ده‌ها عنوان دیگر .

برای بار سوم از طرف رادیو معارف مرکز قم، در سال ۱۳۸۲ دعوت به همکاری شدم این بار سخنرانی‌های این بنده در برنامه‌های «مشکات هدایت» و «بر آستانه ارادت» ضبط و پخش می‌شد. مباحث مطرح شده، مناسبت‌های ایام و مباحث دعا و ذکر و نماز بوده، این برنامه‌ها بیش از یک سال ادامه داشت.

اردبیلی ابوزرعه، عبدالوهاب

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۱۵ ق)، دانشمند و صوفی. وی اهل اردبیل بود و از پارسایان آن شهر. به زیارت خانه خدا رفت و در راه حجاز تا مدینه با ابوعبداللّه محمد بن خفیف شیرازی معروف به شیخ کبیر همسفر بود. و پس از مراجعت از مکه در شیراز اقامت کرد و تمام اوقات خود را به موعظه و اندرز مردم اختصاص داد و در همان جا درگذشت. در آخر عمر بر کردار و گفتار بعضی از صوفیه منکر شد و افعال و اعمال آنان را تقبیح کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان شیراز (۱۶۴ ،۱۶۳)، تذکره‌ی هزار مزار (۲۷۲)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (۴۹۹)، دانشمندان آذربایجان (۲۳)، شیرازنامه (۱۳۷)، طرائق الحقائق (۹۶/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوزرعه)، نامه‌ی دانشوران (۴۷ -۴۶ /۵)، نفحات الانس (۳۲۵ – ۳۲۴)، هفت اقلیم (۲۵۵/۲).

اردبیلی اصفهانی، حیدر علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، در مقدمات و سطوح از شاگردان حاج سید مهدی نحوی، و در فقه و اصول از تلامیذ حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی بوده.

در سلخ صفر سال ۱۳۲۷ وفات یافته، در تخت فولاد مقابل تکیه‌ی میرزا ابوالمعالی مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش این است:

از جنان آمد یکی و از پی تاریخ او

گفت حیدر روز میزان شافع حیدر علی

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اردبیلی، جمال‌الدین محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۴۷ ق)، مفسر، فقیه و نحوی. از اهالی اردبیل بود. وی مؤلف کتاب «شرح انموذج» زمخشری است که از قرن هفتم تاکنون از کتب درسی حوزوی بوده و در مجموعه‌ی «جامع المقدمات» برای تعلیم مبتدیان علوم عربی آمده است. از دیگر آثار وی: حاشیه بر «انوار التنزیل» بیضاوی، در تفسیر؛ «الانوار»، در فقه شافعی. صاحب «هدیهٔ العارفین» اردبیلی را با نادری رومی، معروف به غنی‌زاده، شاعر ترک زبان قرن دهم و یازدهم، اشتباه کرده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۸۰ /۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۹۰ /۳)، ریحانه (۴۲۵ /۱)، کشف الظنون (۱۸۵)، معجم المؤلفین (۱۷۸ /۱۰)، هدیهٔ العارفین (۲۷۵ /۲).

اردبیلی، حمدالله

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، دانشمند و شاعر. از عالمان وارسته زمان خود بود. مدتی در شیراز می‌زیست. عالم به علوم ظاهر و باطن بود. در تذکره «صبح گلشن» نام وی به صورت حمید مولوی و حمیداللّه ذکر شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۹۷)، دانشمندان آذربایجان (۱۲۳)، الذریعه (۲۶۶/۹)، صبح گلشن (۱۴۴ -۱۴۳)، فرهنگ سخنوران (۲۷۷).

اردبیلی، عبداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۸ -۱۳۰۶ ق)، شاعر. معروف به غمگین. شغل وی در عالی قاپو بقّالی بود. وی از سال ۱۳۲۷ ق به سرودن اشعار ترکی پرداخت. گویند که بیشتر اشعارش را در خواب می‌سرود و پس از بیداری فورا می‌نوشت. در حدود ۹۰۰۰ بیت شعر سروده که بیشتر در زمینه‌ی مصائب و مناقب و تفسیر اخبار آل‌محمد (ص) به زبان ترکی و مقدار کمی به زبان فارسی است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۳۰ /۱).

اردبیلی، عبدمناف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۵ -۱۲۸۵ ق)، دانشمند و شاعر. معروف به ملامناف. وی علوم مقدماتی را در اردبیل آموخت، سپس برای ادامه‌ی تحصیل به قم، استانبول و نجف رفت و پس از مدتی که به زبان فارسی و عربی تسلط کامل یافت، شروع به تألیف در این دو زبان کرد. ملامناف پس از اتمام تحصیل به تجارت پرداخت و در سفرهایی که به روسیه و اروپا داشت، زبان روسی و انگلیسی و فرانسه را آموخت. در جنگ جهانی اول تجارت را رها کرده، به دارو فروشی پرداخت. وی به جفرو رمل وارد بود و شعر نیز می‌سرود. از آثار وی: «نصیحهٔ الرضائیه»؛ «اخلاق الاولین»؛ «المعیشه»؛ «مقامات» یا «دیوان» شعر؛ «اقتصاد»؛ «تفسیر سوره‌ی توحید»؛ «حکمت»؛ «علم رمل و جفر»؛ «علم قیافه شناسی»؛ «علم کیمیا»؛ «صنعت صابون سازی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۳۱ -۱۳۰ /۱).

اردبیلی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدحسین اردبیلی از اجله و مبرزین شاگردان مرحوم آیت‌اللّه العظمی حجت و علماء معاصر است در شهر گنبد.

ایشان در سال ۱۳۲۶ قمری تقریباً در اردبیل دیده به جهان گشوده و در سن صبا یک سالی در بازار به کسب و کار اشتغال داشته و در سال ۱۳۴۱ ق برای تحصیل به زنجان آمده و در حدود ۵ سال از اساتید زنجان علوم ادبیت و سطوح اولیه را خوانده و مخصوص در آن موقع علوم ریاضیات را از مرحوم میرزا ابراهیم ریاضی شاگرد مرحوم میرزاء جلوه فراگرفته و در سن بیست و یک سالگی سال ۱۳۴۶ ق ه به قم مهاجرت نموده و بقیه سطوح وسطی را از آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی مدظله و آیت‌اللّه آقا کاظم گلپایگانی خوانده و سطوح عالی را خدمت مرحوم آیت‌اللّه حجت و میرزاء همدانی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی حایری قمی متقن نموده و هم حکمت را از مرحوم آیت‌اللّه شاه آبادی تحصیل کرده و به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی حاضر و پس از ایشان از مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سید محمد حجت کوه‌کمری تا پایان عمر آن جناب استفاده نموده و مقداری هم از ابحاث مرحوم آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه صدر بهره‌مند شده و نیز به درس مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی شرکت نموده تا سال ۱۳۷۳ قمری که بنا به امریه آن مرحوم برای ارشاد و هدایت و پیشوائی مردم گنبد قابوس به آنجا عزیمت و تا حال تحریر که بیش از بیست و دو سالست به انجام وظائف دینی و روحی خود اشتغال دارند.

آثار آنجناب جناب آقای اردبیلی در مدت اقامتشان در این شهر منشاء آثار و خدمات بزرگی از بناء مسجدی بنام ائمه معصومین علیهم‌السلام و تعمیر حرم و صحن امامزاده یحیی و مدرسه علوم دینیه و غیره گردیده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اردبیلی، محمدرحیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۷۷)، خطاط. وی علاوه بر نستعلیق، به همه‌ی اقلام متداول مسلط بود و نستعلیق را استادانه می‌نوشت. از آثار وی: یک نسخه منظومه‌ی «دستور مجالس» نزاری قهستانی، به قلم کتابت خفی عالی، با رقم: «... سنه‌ی ۱۰۷۵، کتبه العبد... محمدرحیم بن محتسب اردبیلی...»؛ یک نسخه «حدیقهٔ الحقیقه» سنایی، به قلم کتابت عالی، با رقم: «کتبه الحقیر المذنب محمدرحیم بن محتسب الاردبیلی... سنه‌ی ۱۰۷۶»؛ یک قطعه ثلث دو دانگ جلی و رقاع کتابت خفی متوسط، با رقم: «مشقه... محمدرحیم بن محتسب اردبیلی فی الف و سبعین و سبع».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۶۶/ ۴، ۷۱۸ -۷۱۷/ ۳).

اردبیلی، محمدطاهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین حاج میرزا محمدطاهر اردبیلی نجفی از شیوخ علماء و اکابر اساتید و مدرسین حوزه علمیه قم بوده‌اند وی فرزند مرحوم حاج ملا عبدالظاهر مدرس اردبیلی که از علماء آذربایجان و ادباء بی‌بدیل آن سامان بوده است در ذی‌حجه ۱۳۰۸ قمری در اردبیل متولد شده و ادبیات را از والد مبرورش استفاده و بعد دو سالی در مشهد از محضر مرحوم ادیب نیشابوری استفاده کرده و بعد منتقل به اصفهان شده و ده سال در این شهر باستانی اقامت نموده و از محضر مدرسین بزرگ چون مرحوم آخوند گزی و آیت‌الله درچه‌ای و دیگران استفاده نموده و هم از محضر مرحوم آخوند ملامحمد کاشی استاد مرحوم آیت‌الله بروجردی و آقای حاج میرزا رحیم ارباب بهره‌های وافی برده و بعد مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محاضر دروس آیات بزرگ اسفهانی و نائینی و عراقی استفاضه نموده و بعد به قم آمده و به امر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی اقامت را اختیار و به تدریس فقه و اصول و هیئت و نجوم پرداخته تا اینکه داعی حق را در اواخر ریاست مرحوم آیت‌الله بروجردی اجابت و در ارض پاک قم مدفون گردیده است.

از آثار ایشانست ۱- ایما آت در نجوم ۲- شرح صمدیه ۳- این الهیئه والاسلام ۴- حویشه الکفایه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اردبیلی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جرم‌شناسی و علوم جزا، دانشکده: حقوق، دانشگاه: شهید بهشتی.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته علوم جزا و جرم‌شناسی از دانشگاه بروکسل بلژیک در سال ۱۹۷۳، کارشناسی ارشد در رشته علوم جزا و جرم‌شناسی از دانشگاه لیل فرانسه، دکترای علوم جزا و جرم‌شناسی از دانشگاه لیل فرانسه در سال ۱۹۷۹، ارائه پایان‌نامه با عنوان بزهکاری نوجوانان در ایران در سال ۱۹۷۹.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

گردآوری قوانین آیین دادرسی کیفری، اطلاع رسانی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

حقوق کیفری، سیاست جنایی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

کیفرشناسی، حقوق جزای عمومی، حقوق جزای اختصاصی، روش تحقیق جرم‌شناسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

اردبیلی، محی‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محی‌الدین یونسی مجتهد اردبیلی بن آیت‌اللّه آقای سید یونس اردبیلی از احفاد مرحوم خاتم‌المجتهدین عالم ربانی مولانا سید حسین مجتهد کرکی متوفی ۱۰۰۱ ق.ه که شیخ‌الاسلام اردبیل بوده می‌باشد. آن مرحوم از اکابر علماء زمان خود حاوی فروع و اصول و عالمی محقق و مدقق از مراجع عصر خود در منطقه اردبیل بوده و مضافا بر مقامات علمی در زهد و ورع و کمالات نفسانی کم نظیر و موصوف به کمالات معنوی و صفاء باطن و مقام اجتهاد و فقاهت وی مورد قبول معاصرین او بوده در سال ۱۲۸۱ ق در اردبیل متولد و در وطن خویش مقدمات و ادبیات و سطوح مقداری از علوم جدیده را فرا گرفته و در نزد اساتیدی مانند مرحوم علامه میرزا محسن اردبیلی و مرحوم حجت‌الاسلام آقا شیخ عبدالستار سطوح عالیه را به اتمام رسانیده و در سال ۱۳۰۳ قمری مهاجرت به نجف اشرف و در درس علامه بزرگوار میرزا حبیب‌اللّه رشتی و مرحوم علامه شربیانی و علامه کبیر آخوند خراسانی و علامه آقا سید محمد کاظم یزدی رضوان‌اللّه علیهم حاضر و از آیات عظام مذکوره به دریافت اجازه اجتهاد نائل و در سال ۱۳۲۴ قمری به اردبیل بازگشته و تا آخر عمر به تالیف و تدریس و تبلیغ احکام و ترویج دین اشتغال داشته تا در سال ۱۳۵۵ ق که به رحمت حق پیوسته است.

از آثار او حاشیه بر رسائل و حاشیه بر مکاسب و حاشیه‌ای بر عروه‌الوثقی است. وی دارای دو فرزند عالم و صالح برومند است.

۱- مرحوم آیت‌اللّه حاج سید یونس یونسی اردبیلی که ترجمه‌اش در جلد سوم در باب اردبیل گذشت.

۲- سلاله الاطیاب آقای حاج سید هاشم یونسی که از اصناف محترم شهرستان مذهبی قم می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

اردبیلی، نظام‌الدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۰ ق)، خطاط. از خوشنویسان آذربایجان بود. وی علاوه بر نستعلیق، خطوط سته را خوش می‌نوشت و بیشتر به کتابت اشتغال داشت. به آوردهٔ صاحب «گلستان هنر... »: تا سنهٔ عشرین و تسعمائه در قید حیات بوده است".

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۴۳ -۹۴۲/ ۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۸۰)، گلستان هنر (۳۳ -۳۲).

اردبیلی، یعقوب

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی مردی دانشمند بوده و در ضمن آداب سپاهی گری را خوب می‌دانسته و به چند زبان از جمله فارسی، ترکی و کردی شعر می‌سرود. از آثار وی: «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۰۷)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان ۱۴۹ –۱۴۸ / ۱۰)، دانشمندان آذربایجان (۴۰۱)، الذریعه (۱۳۱۱/ ۹)، سخنوران آذربایجان (۱۰۵)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۴)، هفت اقلیم (۲۵۸ –۲۵۷/ ۳).

اردبیلی، یونس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیه‌الله العظمی فی العالمین حاج سید یونس موسوی بن العالم الجلیل السید تقی الموسوی بن العلامه الکبری السید فتحعلی الموسوی الفریق اردبیلی انارالله برهانه از مراجع بزرگ معاصر بودند در مشهد مقدس وی در سال ۱۲۹۳ قمری در اردبیل متولد شده و پس از پرورش و تحصیل مقدمات و خواندن سطوح در اردبیل مهاجرت بزنجان نموده و مدت دو سال از محضر مرحوم آیه‌الله آخوند ملا قربانعلی زنجانی استفاده و دروس عقلیه را از حکیم معروف آخوند ملا سبز علی فرا گرفته و بعد از آن در سن ۱۷ سالگی مهاجرت بنجف اشرف نموده و مدت ۳۶ سال اقامت و از محضر علمین آیتین آخوند ملامحمد کاظم خراسانی و علامه طباطبائی حاج سید محمد کاظم یزدی (صاحب عروه) حدود ۱۴ سال بهره‌مند شده و بتدریس فقه و اصول و غیره پرداخته تا سال ۱۳۴۶ قمری مراجعت بایران و اردبیل نموده و از آنجا بقصد اقامت منتقل بمشهد مقدس شده و بتدریس و اقامه جماعت و خدمات دینی گردیده تا سال ۱۳۵۳ قمری در غائله مسجد گوهر شاد باردبیل تبعید و مدت هشت سال در آنجا توقف قهری نموده تا سال ۱۳۶۲ قمری که ثانیا بازگشت بمشهد نموده و تا سال ۱۳۷۷ قمری بتدریس فقه و اصول و اقامه جماعت در مسجد بالاـ سر حضرت ثامن‌الحجج علیه‌الصلوه والسلام نموده تا سال مزبور که مبتلا بکسالت قلبی گردیده و برای معالجه بتهران عزیمت و در آنجا بدرود حیات گفته و جنازه‌اش با تجلیل و تعظیم عجیب بوسیله هواپیما حمل بمشهد گردیده و پس از تشییع کم نظیری بآستانه مقدسه نقل و در جوار امام هشتم علیه‌السلام مدفون گردیده است.

مؤلف گوید: مرحوم آیه‌الله اردبیلی از مراجع بسیار متعصب و غیور زمان ما بودند و در امر بمعروف و نهی از منکر مسامحه و کوتاهی نداشتند. بسیاری از مردم آذربایجان و اردبیل و خراسان و تهران و غیره از آنجناب تقلید مینمودند.

دارای آثار علمی ارزنده‌ای میباشند که اشاره بآنها مینمائیم.

۱– دوره کامله فقه مخطوط.

۲– صلوه المسافره.

۳– قاعده لاضرر.

۴– فروعات اجمالی مطبوع.

۵– معتقدات القاصر در اصول عقاید مطبوع.

۶– رساله‌ای در ترتب.

۷– حاشیه بر عروه‌الوثقی.

۸– رساله عملیه بنام وجیزه المسائل.

(۱۳۷۷ –۱۲۹۶ / ۱۲۹۳ ق)، فقیه، مجتهد و مرجع تقلید. وی پس از تحصیل مقدمات و سطوح در اردبیل، به زنجان رفت و فقه و اصول را از آخوند ملاقربانعلی زنجانی و علوم معقول را از آخوند ملاسبزعلی حکیم آموخت و برای تکمیل تحصیلات مذهبی به نجف رفت. در آنجا از حوزه‌ی درس شریعت اصفهانی، فاضل شربیانی، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و علامه یزدی استفاده کرد و سپس به کربلا رفت و از محضر آیت‌اللّه میرزا محمدتقی شیرازی بهره جست. در ۱۳۴۶ ق به ایران بازگشت و در اردبیل عهده‌دار امور مذهبی شد. و سپس به مشهد رفت و به تدریس و ترویج و خدمات دینی پرداخت. پس از کشتار مسجد گوهرشاد به همراه عده‌ی دیگری از روحانیون دستگیر و زندانی و به تهران و سپس به اردبیل تبعید شد. در سال ۱۳۶۱ ق به مشهد بازگشت و حوزه‌ی درسی تشکیل داد. در پایان عمر راهی کربلا و نجف شد و قصد داشت در نجف بماند ولی بیمار شد و به تهران آمد و در این شهر درگذشت. پیکر وی در مشهد به خاک سپرده شد. برخی از تألیفاتش در فقه و اصول: رساله‌ی عملیه، به نام «وجیزهٔ المسائل»؛ «القاصر فی صلوهٔ المسافر»؛ «دوره‌ی کامل فقه»؛ «رساله در قاعده‌ی لاضرر»؛ «رساله در فروع علم اجمالی»؛ «رساله در ترتب»؛ «معتقدات القاصر»، در اصول عقاید؛ «حاشیه‌ی عروهٔ الوثقی».[۱]

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۲۸ –۱۲۷ / ۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۵۳ / ۷، ۶۲ –۶۱ / ۳).

اردستانی طباطبایی، احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، خطاط و نویسنده. از آثار خطی وی: دو قطعه، به خط نسخ کتابت جلی و تعلیق خوش، با رقم: «کتبه العبد... احمد بن مرحوم میرزا سید محمدرضا طباطبایی الاردستانی، سنهٔ ۱۳۰۴ و سنهٔ ۱۳۰۳»؛ یک قطعه، نسخ و رقاع خفی متوسط، با رقم: «بجهـهٔ سلامتی مقرب الخاقان آقامیرزا علی‌محمدخان سرهنگ... تحریر شد. کتبه الاقل احمد طباطبایی الاردستانی سنهٔ ۱۳۰۱». از آثار تألیفی وی: «التجوید فی قراءهٔ کلام‌اللّٰه المجید» که در تهران به چاپ سنگی رسیده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۲۲ -۱۰۲۱ /۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵۳ -۳۵۲ /۱).

اردستانی، حسام

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۲۹۸ ق)، نویسنده و شاعر. در اصفهان متولد شد. در این شهر تحصیل کرد. در بعضی از روزنامه‌های تهران مقالات تند و زننده‌ای می‌نوشت. در سال ۱۳۱۹ ش منتخبی از اشعارش به طبع رسید. از دیگر آثارش: نظم «رومئو و ژولیت» شکسپیر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۵۹ -۱۵۸)، فرهنگ سخنوران (۲۵۳).

اردشیر دیلمسپار نجمی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، شاعر. وی همان کسی است که اسدی «فرهنگ» خود را برای او نوشته است. و یگانه نسخه‌ی موجود «ترجمان البلاغه» تألیف محمد بن عمر رادویانی را در اواخر رمضان ۵۰۷ ق به پایان رسانیده و در آنجا نام خود را ابوالهیجا اردشیر بن دیلمسپار نجمی قطبی شاعر نوشته است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۹۰۳ -۹۰۲ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۷۱۷، ۷۰، ۴۸).

اردشیر کلانی، حسن

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. وی از شاعران امیر دربار تیموریان بود. حسن اردشیر از چنان منزلت و مرتبتی برخوردار بوده که امیرعلیشیر نوایی به نام او رساله‌ای نوشته و ملاـ واعظ کاشفی کتاب «بدایع الافکار و صنایع الاشعار» خود را به نام او ترتیب داده است. در تذکره‌ها اشعاری به نام وی ذکر شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۴۰/۹)، روضه السلاطین (۸۷)، مجالس النفائس (۵۵ -۵۴).

اردکانی، باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عالم دینی و قاضی. از علما و قضات روزگار قاجار بود که در شهر یزد عهده‌دار منصب مرجعیت دینی و حل و فصل امور شرعی بود. فرزندش آخوند ملا حسین اردکانی است. فرزند زادگانش آیت اللّٰه شیخ احمد علومی و آقا شیخ محمد باقر علومی از علما و بزرگان یزد بودند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (۷۳۰ -۷۲۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴۱ -۴۴۰ /۷).

اردکانی، حسنعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر بن حسنعلی اردکانی یزدی منظومه‌ای به عربی در اصول دارد که سال ۱۲۲۳ خود در هفتاد صفحه نوشته و این نسخه به نام منظومه‌الاصول به شماره ۲۹۴۶ در کتابخانه ملک موجود است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

اردکانی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۲ ق)، مجتهد شیعه. مشهور به فاضل اردکانی و اردکانی حائری. وی از اهالی اردکان بود. پس از آنکه خواندن و نوشتن و قسمتی از مقدمات علوم را در زادگاهش فراگرفت، به یزد رفت و عمویش، ملامحمد تقی اردکانی، تربیت وی را به عهده گرفت و مقدمات را تا سطوح عالی شخصا به او آموخت. سپس به قزوین رفت و مدارج عالی اجتهاد را نزد شهید ثالث و ملامحمد صالح برغانی طی کرد و حکمت و فلسفه را از مجلس درس ملاآقا حکمی آموخت. سپس کربلا را مسکن دائمی خویش قرار دارد و به حوزه‌ی درس شریف‌العلما ملحق گشت و «تقریرات» درس وی را در مبحث بیع فضولی و تجارت نگاشت. پس از فوت شریف العلما به حلقه‌ی درس سید ابراهیم قزوینی، صاحب، «ضوابط» پیوست. اردکانی از مراجع تقلید زمان خود بود و جمع کثیری از علمای امامیه در حوزه‌ی درس وی تربیت یافتند، از آن جمله: میرزا محمدتقی شیرازی و سید محمد اصفهانی و سید حسن کشمیری و میرزا مهدی شیرازی و دیگران. او در کربلاـ درگذشت و در مقبره‌ی استادش صاحب «ضوابط الاصول» دفن شد. از آثار وی: «تقریرات اصول» از درس عموی خود؛ کتاب «متاجر» و تقریرات استادش شریف العلماء؛ شرح «نتایج الافکار» استادش، سید ابراهیم قزوینی، صاحب «ضوابط»؛ تعلیقات حواشی بر کتاب «الریاض»؛ «الطهاره»؛ «کتاب «الصلاهٔ».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۴۳ -۱۴۲ /۶)، الذریعه (۵۹ /۱۹، ۱۸۵، ۵۶ /۱۵، ۹۹ -۹۸ /۱۴، ۱۷۹ /۱)، ریحانه (۱۰۵ /۱)، الکنی و الالقاب (۲۲ -۲۱ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ فاضل اردکانی)، المآثر و الآثار (۱۴۵ -۱۴۴)، معجم المؤلفین (۴۶ /۴).

اردکانی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا اردکانی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۳/۱۰

زندگینامه علمی

این جانب در یک خانواده مذهبی و متدیّن در سال ۱۳۲۴ شمسی، در یکی از روستاهای شهرستان میانه چشم به جهان گشودم. در همان سال های نخست پدرم را از دست دادم و تحت تفل دایی زحمتکشم بزرگ شدم، و در هفت سالگی بر اثر حادثه ای از ناحیه دست چپ معلول شدم. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی در همان روستا، جهت فراگیری علوم آل محمد (علیهم السلام) و دروس حوزوی عازم شهرستان میانه شدم، و پس از دو سال تحصیل در آن شهر و علاقه زیاد به دروس حوزه، روانه شهر خون و قیام قم شدم، و این سفر مصادف با رحلت جانگداز مرحوم آیت الله العظمی بروجری (رحمه الله) بود. پس از وقوع پیوستن جریاانات سال های ۴۱ ، حوادث خونین خرداد ۴۲، خروش مردم انقلابی و بازداشت امام خمینی (قدس سرّه) در تهران، بر اثر فعالیت های سیاسی و انقلابی مجبور شدم برای ادامه تحصیل به نجف اشرف هجرت کنم، مدتی که در آن دیار بودم ـ یعنی : تا سال ۱۳۵۳ شمسی ـ همواره در درسهای خارج حضرات آیات عظام و مراجع عالی قدر و ویژه امام امّت، خمینی کبیر (قدس سره) و مرحوم آیت الله العظمی السیّد الخوئی شرکت می کردم. در سال ۱۳۵۳ که رژیم ضد خدائی بعث، تصمیم به بیرون راندن ایرانیان از عراق گرفت، این جانب به همراه عده ای از فضلا و علمای ایرانی مقیم نجف اشرف، از آن دیار رانده شدیم، و از همان سال تا کنون در شهر مقدس قم ساکن هستم. تا کنون بیش از سی و پنج سال است که به تحقیق علوم و احادیث و اخبار ائمه اطهار (علیهم السلام) مشغول ام، مدت چهارده سال آن در مؤسسه الامام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ، یک سال در بخش تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی قم، نوزده سال در مؤسسه بنیاد معارف اسلامی، مرکز تحقیقات حج و بخش تحقیقات بنیاد جانبازان و تحقیقات متفرق دیگر به فعالیت مشغول بودم، هم اکنون نیز در مرکز فقه الائمه الاطهار (علیهم السلام) و مدرسه امام باقر العلوم (علیه السلام) به تحقیقات ادامه می دهم.

اردکانی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۶ ش)، شاعر، متخلص به حقیقت. پدرش امام جمعه‌ی مقدماتی و مقدمات عربی را در مکتب خانه آموخت. پس از آن به شیراز رفت و از محضر درس حاج مدرس انوار و حاج سید علی حکیم کازرونی استفاده کرد. او به زبان عربی مسلط بود و خط زیبایی داشت. مدتی در اداره‌ی فرهنگ و اوقاف و دادگستری فارس خدمت کرد و منصب فرمانداری شهرهای مختلف فارس را نیز بر عهده داشت. وی پس از بازنشستگی به مطالعه و تألیف پرداخت. اردکانی در سرودن شعر، بخصوص مثنوی تبحر داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فارس (۶۷۱ -۶۶۵ /۳)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۳۳ -۱۳۲ /۱)، فرهنگ سخنوران (۲۷۴).

اردکانی، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمد باقر رشتی از مجتهدین بزرگوار اردکان بوده که در تهران میزیسته و بسیار مورد توجه دولت و ملت بوده و در مدرسه فخریه تدریس می‌نموده و در سال ۱۲۵۷ ق بدرود حیات گفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اردکانی، محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد رضا مجتهد بزرگ اردکانی از علماء بزرگ و مراجع بنام این سامان دارای تألیفات و تصنیفات بسیاریست در فقه و اصول و از اسباط اوست حجه‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ مرتضی اردکانی اصفهانی که از علماء بزرگ معاصر اصفهان و دارای تألیفات ارزنده‌ایست که در ضمن تراجم علماء اصفهان ذکر خواهد گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اردکانی، محمدباقر شریف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۷۵ ق)، عالم و فقیه شیعی. وی فقه و اصول را از سید علی طباطبائی حائری و سید مهدی بحرالعلوم فراگرفت و از علمای معاصر شیخ محمد حسن نجفی صاحب «جواهر» بود. از آثار وی: «جامع الشواهد»، به زبان فارسی که کرارا چاپ شده و در آن کتابهای «امثله»؛ «تصریف»؛ «عوامل»؛ «الانموذج»؛ «الهدایة»؛ «الکافیه»؛ «سیوطی»؛ «مغنی» و «مطول» و غیره شرح شده و از کتب درسی رایج حوزه‌های علمی شیعه است؛ کتاب «شواهد کبری»، که آن نیز مکررا به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۹۰ /۹)، الذریعه (۲۴۴ /۱۴، ۶۱ /۵)، ریحانه (۱۰۵ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۴ /۲)، معجم المؤلفین (۸۸ /۹).

اردکانی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ مرتضی بن العلامه میرزا محمد مجتهدبن العالم العابد الحاج علی‌رضا و سبط العلامه الکبری الحاج الشیخ محمدرضا المجتهد الاردکانی از علماء اعلام و آیات عظام معاصر اصفهان میباشند. در روز دوشنبه ۱۷ ربیع الاول ۱۳۲۶ قمری در اردکان متولد شده و در سن ۱۵ سالگی مهاجرت باصفهان نموده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و سطوح نزد مدرسین بزرگ دروس تحلیلی خارج فقه و اصول را از آیات عظام مرحوم آیه‌الله آقا سید محمد نجف‌آبادی و مرحوم آیه‌الله سید علی نجف‌آبادی و آیه‌الله حاج میرزا محمد صادق یزدآبادی اصفهانی استفاده نموده و دروس عقلی و فلسفه را از مرحوم شیخ المتألّهین آشیخ محمد خراسانی فرا گرفته و از همان اوان بوظائف دینی و روحی و اقامه جماعت و تدریس فقه و اصول اشتغال داشته است.

دارای تألیفات ارزنده علمی میباشد که ذیلا مینگارم:

۱- غنیه‌الطالب تعلیقه بر مکاسب شیخنا الانصاری ره در پنج مجلد که دو جلد آن در قم بطبع رسیده و سه مجلد آماده طبع میباشد. ۲- رساله فی‌الکر ۳- تقریرات فقه و اصول مرحوم آیه‌الله آقا سید محمد نجف‌آبادی ۴- شرح خلاصه الاصول مرحوم آیه‌الله صدرالدین صدر ره ۵- رساله فی الجماعه ۶- رساله قول فصل در ردسی فصل میرزا محمد کریم خان کرمانی فارسی. ۷- داور داوری یا کسر کسروی در رد کسروی ۸- حاشیه بر عروه‌الوثقی علامه یزدی.

معظم‌له دارای اجازات عدیده از مراجع بزرگ چون: ۱- آیت‌الله العظمی اصفهانی ۲- آیه‌الله الکبری آقا ضیاءالدین عراقی ۳- مرحوم آیه‌الله السید محمد نجف‌آبادی ۴- آیه‌الله حاج شیخ محمد حسین فشارکی میباشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اردلان، امان‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۶۶ ق)، نقاش و نویسنده. ملقب به حاج عزالممالک. از اهالی کرمانشاه بود. او در دوره‌ی دوم مجلس نماینده و از یاران مدرس بود، در دوره‌ی سوم مجلس نیز نماینده‌ی مردم کرمانشاه بود. در جنگ جهانی اول که آزادیخواهان به قم و کرمانشاه رفتند و دولت ایران آزاد را تشکیل دادند، او وزیر مالیه‌ی کابینه‌ی آزاد بود. در سال ۱۳۰۱ ش به هنگام ریاست وزرایی مشیرالدوله مدیر کل وزارت دارایی بود و بعد به پیشکاری مالیه‌ی فارس منصوب شد. در دوره‌ی پنجم مجلس به نمایندگی انتخاب شد. او برای اولین بار در کابینه‌ی سردار سپه به عنوان وزیر فواید عامه و تجارب معرفی شد. پس از شهریور ۱۳۲۰، به سمتهای مهمی در وزارتخانه‌های مختلف دست یافت. در سال ۱۳۳۷ ش به همراه دکتر اقبال، حزب ملّیون را پی‌ریزی کرد و پس از آن از سیاست کناره‌گیری نمود. اردلان نقاشی چیره‌دست بود و در خارج از ایران فوت کرد. خاطرات وی پس از مرگش تحت عنوان «اولین قیام مقدس ملی» به چاپ رسید.[۱]

ملقب به حاج عزالممالک فرزند فخرالملک اردلان، در ۱۲۶۰ تولد یافت. تحصیلات معمول زمان و زبان فرانسه را فراگرفت و در تیراندازی و سواری و ورزش که از لوازم زندگی خانزادگان بود مهارت یافت. در چند مأموریت پدر کارهای او را نیابت می‌کرد، ولی چون سری پرشور داشت و جوانی بااحساس بود، در وقایع مشروطیت ایران از خود فعالیت و جنبشی بروز داد. سرانجام به عضویت حزب دموکرات درآمد که از احزاب تندرو و انقلابی بعد از مشروطه بود.

در انتخابات دوره‌ی دوم مجلس شورای ملی که پس از استبداد صغیر و به دست سپهدار تنکابنی و سردار اسعد انجام گرفت، وکیل دزفول شد. دوره‌ی دوم مجلس دوام زیادی نکرد و بالاخره ناصرالملک نایب‌السلطنه و صمصام‌السلطنه رئیس‌الوزراء در مقابل اتمام حجت دولت روسیه تاب مقاومت نیاوردند و مجلس را منحل ساختند.

در دوره‌ی سوم از کرمانشاه وکیل شد. مجلس سوم نیز با جنگ بین‌المللی عملاً تعطیل گردید و عده‌ای از نمایندگان که عضو حزب دموکرات بودند، مهاجرت نمودند. ابتدا به کرمانشاه و سپس به استانبول و حلب رفتند. وی نیز در زمره‌ی مهاجرین بود و در این راه نقش اساسی داشت.

در کرمانشاه حکومت موقتی به وجود آمد که ریاست آن با رضاقلی نظام‌السلطنه مافی بود. ادیب‌السلطنه سمیعی، سید حسن مدرس، قاسم صوراسرافیل، محمدعلی نظام‌السلطنه مافی و امان‌اللّه اردلان عضو حکومت بودند و هریک مسئولیت وزارتخانه‌ای را بر عهده گرفتند. سالار لشکر فرزند فرمانفرما و داماد نظام‌السلطنه وزارت جنگ و فرماندهی قوا را عهده‌دار شد.

در ۱۳۳۸ مهاجرین به وطن بازگشتند و اردلان نیز پس از ورود به ایران، به خدمت وزارت مالیه درآمد و مشاغلی از قبیل ریاست مالیه‌ی کرمان را عهده‌دار شد. در ۱۳۰۲ که از طرف دکتر میلیسپو رئیس کل مالیه مأمور بازرسی در گرگان بود، به تهران احضار و در کابینه‌ی سردار سپه به وزارت فوائد عامه و تجارت منصوب گردید. مدتی هم معاونت دکتر میلیسپو را عهده‌دار بود.

در انتخابات دوره‌ی پنجم بار دیگر نماینده‌ی مجلس شد. پس از خاتمه‌ی دوره‌ی پنجم مجدداً به وزارت مالیه بازگشت و جزء همکاران دکتر میلیسپو گردید. پس از برکناری میلیسپو، اردلان نیز از کار معزول شد و مدتها شغلی نداشت. در ۱۳۰۸ با حمایت تیمورتاش وزیر دربار و با مساعدت ادیب‌السلطنه وزیر کشور به وزارت داخله مأمور شد و به سمت حاکم استرآباد تعیین گردید. در ۱۳۱۱ حکمران لرستان و خرم‌آباد شد و سه سال بعد حاکم بنادر جنوب گردید و در ۱۳۱۵ به جای میرزا ابوالحسن خان پیرنیا (معاضدالسلطنه) استاندار کرمان شد. بالاخره در ۱۳۱۹ به استانداری آذربایجان شرقی انتخاب شد و به تبریز رفت.

بعد از شهریور ۱۳۲۰ مجدداً در مشاغلی از قبیل ریاست اداره کل شهرداری‌ها و ریاست اداره‌ی خوار و بار و مدیرکل وزارت دارائی انجام وظیفه می‌کرد تا سرانجام به معاونت وزارت دارائی رسید و سپس رئیس بانک رهنی ایران شد.

در نخست‌وزیری دوم سهیلی در ۱۳۲۱ به وزارت بهداری تعیین شد و تا پایان ۱۳۲۲ در این سمت باقی بود. در کابینه‌ی ساعد وزیر بازرگانی و پیشه و هنر گردید. در ترمیم کابینه همان سمت را بر عهده داشت. سهام‌السلطان بیات در کابینه‌ی خود پست وزارت دارائی را به او سپرد. در کابینه‌ی حکیمی وزارت دادگستری با او بود. در نخست‌وزیری سوم حکیم‌الملک وزارت راه به عهده‌ی او قرار گرفت. در کابینه‌ی هژیر متصدی وزارت دارائی گردید و سپس به استانداری فارس رفت. در اردیبهشت ۱۳۲۹ در کابینه‌ی منصورالملک وزیر کشور شد و در کابینه‌ی رزم‌آرا نیز در آذر همان سال وزارت کشور را متصدی گردید. در انتخابات دوره‌ی هیجدهم وکیل کردستان شد و در دوره‌ی نوزدهم نیز همان سمت را داشت. در انتخابات هیئت رئیسه نایب رئیس مجلس شد. یک نوبت هم سناتور و نایب رئیس سنا بود. در ۱۳۳۸ به سفارت کبرای ایران در عراق رفت. روی هم رفته، سه مرتبه وزیر بازرگانی و پیشه و هنر، دو بار وزیر کشور، دو نوبت وزیر دارائی، یک بار وزیر راه و دادگستری و بهداری، پنج دوره نماینده‌ی مجلس، دو بار

سناتور، سه مرتبه استاندار، یک بار سفیر و چندین دفعه حاکم بوده است. در سال ۱۳۶۶ در سن ۱۰۶ سالگی در تهران درگذشت. اردلان در طول حیات خود دو بار ازدواج کرد. بار اول دختر حاج مجدالدوله با زوجیت او درآمد. بار دوم با دختر قهرمان میرزا سالور پیوند زناشوئی بست. مردی متدین، خوش محضر، باسواد، شوخ طبع و شکارچی ماهری بود. چهار بار هم امیرالحاج شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۳۶ -۱۳۵ /۱).

اردلان، سیف‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۰ -۱۲۴۵ ش)، شاعر، متخلص به صارم. ملقب به صرم‌السلطان. وی از اهالی سنندج بود و نواده‌ی امان‌اللّه‌خان والی اردلان. تحصیلاتش را در سنندج و مناطق دیگر به انجام رسانید، سپس وارد ارتش شد و تا درجه‌ی سرهنگی ارتقاء یافت. صارم‌السلطان به شعر و ادبیات علاقه‌ی وافر داشت و اوقات آزاد خود را بیشتر به مطالعه‌ی دیوانها و کتب ادبی می‌گذراند. گاهی نیز در انجمن‌های ادبی شرکت می‌کرد. در تهران وفات یافت. از اوست:

دلم از حلقه گیسوی تو وا نتوان کرد

پای دیوانه ز زنجیر رها نتوان کرد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۱۸۶ -۱۸۵ /۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۳۸ -۱۳۶ /۱).

اردلان، فرهاد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : فرهاد اردلان دکترای رشته فیزیک از دانشگاه کولمبیا یی آمریکا و عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف با درجه استادی می باشد.

گروه : علوم پایه

رشته : فیزیک

تحصیلات رسمی و حرفه ای : فرهاد اردلان دکترای رشته فیزیک از دانشگاه کولمبیا یی آمریکا است. Research Interests: String Theory, Particle Physics and Quantum Field Theory

وقایع میانسالی : فرهاد اردلان پس از اخذ مدرک دکتری در رشته فیزیک به عضویت هیئت علمی گروه فیزیک دانشکده علوم پایه دانشگاه صنعتی شریف درآمد. وی هم اکنون با سمت استادی در آنجا مشغول به خدمت است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فرهاد اردلان عضوهیئت علمی و استاد گروه فیزیک دانشکده علوم پایه دانشگاه صنعتی شریف است.

چگونگی عرضه آثار : فرهاد اردلان مجری طرح : طرح : کیهان شناسی غشائی و هندسه ناجابجایی عنوان مقاله : On the Anomalies and Schwinger Terms in Noncommutative Gauge Theories در مجله Internatioanl Journal of Modern Physics A استاد راهنمای چندین پایان نامه دکتر و کارشناسی ارشد است که به یک نمونه اشاره می شود: هندسه غیرجابجایی و مدل ذرات, / محسن علیشاهیها؛

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

اردوبادی، ابراهیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از نام‌آوران اردوباد و داماد مولانا محمدباقر یزدی بود. وی در روزگار سلطنت شاه جهان به هند رفت و در آنجا به معلمی پرداخت. در اواخر عمر به اصفهان بازگشت و در آن شهر درگذشت. در سرودن اقسام شعر توانا بود. از اوست:

هر زنده دلی که او ز اهل درد است

دانسته ز اسباب تعلق فرد است

هر پیرزنی مرگ طبیعی دارد

مردی که به اختیار میرد، مرد است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۹۷)، دانشمندان آذربایجان (۱۴)، الذریعه (۱۴ /۹)، ریاض العارفین (۴۱)، صبح گلشن (۸)،

فرهنگ سخنوران (۱۶)، کاروان هند (۹ -۸ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابراهیم میرزا).

اردوبادی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۳ -۱۲۷۴ ق)، فقیه، اصولی و متکلم. در تبریز متولد شد. در چهار سالگی همراه پدر به نجف رفت، و در آنجا شروع به تحصیل علم و کمال کرد. وی نزد ملامحمد ایروانی و ملاعلی نهاوندی و شیخ محمد حسین کاظمی درس خواند و از محضر فاضل اردکانی و میرزای شیرازی بهره‌مند شد. او از شیخ محمد طه نجف اجازه روایت و از فاضل شربیانی و شیخ زین‌العابدین و شیخ لطف‌اللّه مازندرانی و میرزای شیرازی اجازه‌ی اجتهاد گرفت. پس از رسیدن به مقامات عالیه به تبریز بازگشت و به تدریس و نشر احکام در آن دیار مشغول شد و از مراجع تقلید آن سامان گشت. مجددا به نجف رفت و در آن شهر زیست و به تدریس مشغول شد. تا اینکه در راه سفر به خراسان در همدان درگذشت. و پس از چند سال جنازه‌اش به نجف منتقل شد. در «اعیان الشیعه» پنجاه و دو اثر به وی نسبت داده شده است. از آثار وی: « القبسات فی اصول‌الدین»؛ «مناهج الیقین فی الرد علی النصاری»؛ «الشهاب المبین فی اعجاز القرآن»؛ «اصول‌الدین»؛ «الدّرة البیضاء»؛ «النجم الثاقب فی نفائس المناقب»؛ رساله‌ای در «احتکار»؛ رساله‌ای در «اوزان و مقادیر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۱۱ -۴۱۰ /۲)، الذریعه (۱۸۷ /۱۵، ۹۳ /۸ -۱۸۲ /۲)، ریحانه (۲۰۵ -۲۰۴ /۱)، الکنی و الالقاب (۲۱ /۲)، معجم المؤلفین (۱۱۶ /۸).

اردوبادی، حاتم‌بیک

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۹ ق)، شاعر، متخلص به صافی. وی از اعیان دربار صفویه و پسر عموی میرزاکافی اردوبادی و از فرزندزادگان خواجه نصیرالدین طوسی بود. مدتی وزارت بکتاش خان، حکمران کرمان و چندی منصب وزارت شاه‌عباس را به عهده داشت. وی شاگرد شیخ بهایی است و شیخ کتاب «هفتاد باب اسطرلاب» را تحت عنوان «التحفة الحاتمیة»، به نام وی تألیف کرده است. از شاگردان او می‌توان میرزا ملک مشرقی را نام برد. وی پای قلعه «دمدم» ارومیه هنگام محاصره‌ی قلعه به طور ناگهانی درگذشت و جنازه‌ی وی به تبریز و سپس به مشهد حمل و در آستان مقدس رضوی دفن شد. از آثار او: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۰۱/۳)، تاریخ ادبیات ایران (۱۰۱۸/۵)، تاریخ نظم و نثر (۶۹۹)، تذکره‌ی روز روشن (۱۸۹)، تذکره‌ی میخانه (۵۸۸)، دانشمندان آذربایجان (۲۱۴ -۲۱۳)، الذریعه (۲۲۶/۲۵، ۵۸۴/۹، ۴۲۵/۳)، فرهنگ سخنوران (۲۳۵)، هفت اقلیم (۲۶۲ -۲۶۱ /۳).

اردوبادی، حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از شعرای معروف آذربایجان بود در اوایل عمر به خراسان رفت و در آنجا به دقت ذهن و حدت فهم شهرت یافت. در هرات به مجلس امیرعلیشیر نوایی راه یافت و به خواندن اشعار نغز خود مبادرت کرد و گاه به صله و تشریف سرفراز می‌گشت. اکثر قصایدش نغزمانند بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۹۹)، دانشمندان آذربایجان (۱۸۷)، الذریعه (۴۹۷/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۸۹).

اردوبادی، ضیاء

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به شفیقی/ شفیعی. وی شرحی بر «معمیات» میر حسین معمایی نیشابوری (تألیف شده در ۹۰۴ ق) نوشته است و قابل ذکر است که میر حسین معمایی در شعر شفیعی تخلص می‌کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۴۰۰ / ۵، ۱۱۹ / ۴)، کشف الظنون (۱۷۴۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ضیاءالدین).

اردوبادی، عسکربیک

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. ساکن تبریز بود. از آثار وی: یک نسخه «دره‌ی نادره»، که در ۱۲۷۴ ق در تبریز به چاپ رسیده و به قلم کتابت خفی دو دانگ خوش نوشته است؛بعضی از مجلدات «ارشاد العوام»، که در ۱۲۷۱ ق به قلم کتابت خفی دو دانگ خوش در بمبئی چاپ شده است؛ یک نسخ «کلیات» سعدی و «دیوان» ناصرخسرو و «شمس الحقایق» و غیره که در تبریز به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۳۰ / ۲).

اردوبادی، محمدباقر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط و شاعر. وی امر قضاوت اردوباد را بر عهده داشت. مردی با کمال بود و هفت خط را خوش می‌نوشت. محمدباقر شعر نیز می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۵۴ /۳)، گلستان هنر (۳۹).

اردوبادی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۰ -۱۳۱۲ ق)، محدث، ادیب و شاعر. در تبریز متولد شد. در حدود ۱۴ سالگی به همراه پدر به نجف رفت و ادبیات را از افاضل آن شهر فراگرفت و پس از آن در حوزه‌ی درس استدلالی پدر خود حاضر شد. پس از فوت پدر، در حوزه‌ی درس میرزا علی‌آقا شیرازی، شریعت اصفهانی، حاج شیخ محمدحسین اصفهانی حاضر شد و بیش از همه از محضر نابغه‌ی عصر، آقا شیخ جواد بلاغی بهره برد. وی از مشایخ بسیاری که شمار آنها به بیش از سی تن می‌رسد روایت کرده است. اردوباری به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌سرود و مضمون بیشتر اشعار عربی وی در منقبت اهل بیت و مقاصد و امور دینی بود. از آثار وی: «الانوار الساطعهٔ فی نسمیهٔ حجهٔ‌اللّه القاطعهٔ»؛ «سبک النضار فی شرح حال المختار»؛ «منظومه‌ای در وقایع روز عاشورا»؛ منظومه‌ای در استقبال «الفیه‌ی» میرزا محمدتقی نیر تبریزی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۳۸ /۹)، الذریعه (۴۲۸ /۲)، ریحانه (۲۰۵ /۱)، الکنی و الالقاب (۲۱ -۲۰ /۲).

ارزانی، حبیب الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حبیب الله ارزانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۹/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حبیب الله ارزانی به سال ۱۳۵۰ در تهران دیده به جهان گشودم. خانواده ما، خانواده‌ای خداترس و پرهیزگار بودند و از آرزوهای دیرین آنها وجود یک روحانی در میان آنان بود، چرا که جدّ بزرگ ما مرحوم شیخ رضا (ره) از روحانیون پارسا در زمان حضرت آیت الله بروجردی در شهر بروجرد بودند.

با رسیدن به سن تحصیل، تحصیل در مدرسه ابتدایی معرفت در میدان شهدای تهران را آغاز کردم. پس از اتمام دوران ابتدایی، دوره راهنمایی را در مدرسه مرحوم علامه طباطبایی (ره) در خیابان ۱۷ شهریور تهران ادامه داده و سپس برای شروع دوره متوسطه به دبیرستان سپاه مستقر در لانه جاسوسی آمریکا در خیابان طالقانی رفته و سپس به دبیرستان موسوی خیابان ۱۷ شهریور تهران منتقل شده و دوره متوسطه را در آنجا به پایان رساندم.

از سال اول دبیرستان سال ۶۴ همزمان با دروس دبیرستان کتاب‌های عربی آسان و صرف و نحو حوزوی را نیز آغاز کردم. پس از پایان سال ۱۳۶۷ ـ ۱۳۶۸ با اخذ مدرک دیپلم تجربی و با وجود قبولی در دانشگاه، وارد حوزه علمیه مکتب القائم در خیابان زیبای تهران شده و دروس حوزوی را با عشق و علاقه سرشار به صورت تمام وقت آغاز کردم. کلاس‌های ما از آغازین ساعات روز آغاز

می‌شد و تا آخرین ساعات شب، مباحثه و مطالعاتم ادامه داشت.

در سال ۷۱ به علت رحلت خانواده به شهر اصفهان و به جهت علاقه شخصی، به اصفهان سفر کردم و در درس آقایان آیات عظام: حاج احمد فقیه امامی، حاج حسن فقیه امامی، و سپس در درس خارج آیت الله مظاهری به طور مستمر شرکت داشتم. پس از اتمام دوران سطح و قبولی در امتحانات تا پایه دهم و پس از چند سال حضور در درس خارج برای اخذ مدرک سطح ۳ حوزوی اقدام کرده و پس از نوشتن پایان‌نامه به عنوان" بررسی شیوه‌های تبلیغی، مسلمانان و مسیحیان در جنوب آفریقا "در سال ۱۳۸۴ موفق به اخذ مدرک سطح ۳ از مرکز مدیریت حوزه علمیه قم شدم. پس از ارایه ۸ مصاحبه فقه و اصول در درس خارج و ثبت نام برای سطح ۴، در پایان سال ۸۵ گزینش شده و طرح تفصیلی و اساتید راهنما و مشاور نیز مورد تایید قرار گرفتند.

در حال حاضر نوشتن پایان‌نامه در موضوع " نقد و بررسی نظریه کفاره در مسیحیت "پایان یافته و منتظر دفاع می باشم. در سال ۲۰۰۳ میلادی با ترجمه مدرک سطح ۳ حوزوی در ارایه آن به دانشگاه نامیبیا، در جنوب آفریقا و همجوار کشور آفریقای جنوبی، پس از گذراندن برخی واحدهای پیش نیاز به عنوان دانشجوی دکترا در رشته الهیات تطبیقی پذیرفته شدم. سال گذشته پایان‌نامه را با موضوع «زن در ادیان، مطالعه تطبیقی میان جایگاه زن در نامه‌های پولس رسول و قرآن» به پایان رساندم و پس از بررسی اساتید داخلی آقای پروفسور اسحاق و آقای پروفسور هانتر اصلاحاتی را انجام داده و مورد تایید اساتید داخلی قرار گرفت. در حال حاضر طبق آیین نامه دانشگاه یک استاد خارجی نیز باید پایان‌نامه را مورد بررسی قرار دهد و پس از تصویب و تایید او، دکترای الهیات تطبیقی را از نامیبیا خواهم گرفت انشاء الله.

در میان سفرهای خارجی خویش که از سال ۹۸ میلادی حدود ۱۱ سال قبل آغاز کردم به مطالعات بین ادیانی علاقه پیدا کردم و به دنبال مکانی برای تحقیق و پژوهش در این حوزه بودم که پژوهشگاه علوم و معارف اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی قم جهت تأسیس گروه ادیان در دفتر اصفهان مبادرت به گزینش هیات علمی نمود و من نیز به عنوان مدیر گروه ادیان و عضو هیات علمی از ابتدای سال ۸۶ مشغول به فعالیت شدم. در حال حاضر نیز در همین حوزه و به طور ویژه در حوزه مسیحیت اشتغال به فعالیت‌های پژوهشی دارم. مقالات و کتبی را نیز در این حوزه و در دیگر حوزه‌های مورد علاقه به رشته تحریر درآورده‌ام که فهرست آنها در قسمت مربوطه ضمیمه گردید.

در کنار فعالیت‌های پژوهشی به جهت علاقه به تدریس و تبلیغ از دیرباز تاکنون همواره در محافل حوزوی و دانشجویی اشتغال به تبلیغ و تدریس داشته و دارم. اگر چه غالباً به زبان فارسی سخنرانی می‌کنم ولی در ایران بر اساس نیاز مراکز علمی و در خارج از کشور غالباً به زبان انگلیسی سخنرانی می‌نمایم.

ارسطا، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد ارسطا

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد جواد ارسطا سال ۱۳۴۴در کرمانشاه به دنیا آمدم تا پایان دیپلم در کرمانشاه بودم. سال ۱۳۶۲دیپلم ریاضی فیزیک گرفتم. معمولاـ هم در سالهای راهنمایی و دبیرستان نفر اول و یا بعضاً نفر دوم کلاس بودم و الحمدلله معدل دیپلم من هم معدل خوبی بود.

سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه مشهد شدم و ادبیات را در آنجا خواندم، قسمتی از مطول را هم در آنجا خواندم، دنباله مطول را در قم خواندم تا سال ۱۳۶۸ فقه و اصول و کفایه را تمام کردم و همزمان با اتمام کفایه در درس خارج آیهٔ الله مکارم شیرازی شرکت کردم. در دروس خارج سعی کردم از محضر اساتیدی همچون آیهٔ الله فاضل، آیهٔ الله وحید، آیهٔ الله تبریزی، آیهٔ الله هاشمی شاهرودی و آیهٔ الله حائری (حفظهم الله) استفاده کنم ولی بیشترین استفاده را از درس آیهٔ الله مکارم شیرازی داشتم.

در سال ۱۳۶۵ همزمان با دروس حوزه وارد دانشگاه شدم در رشته حقوق مجتمع آموزش عالی قم در سال ۱۳۶۹ لیسانس گرفتم، بعد بلافاصله در رشته حقوق عمومی دانشگاه تهران برای فوق لیسانس قبول شدم و سال ۱۳۷۳ موفق به اخذ فوق لیسانس شدم. چند سالی بین فوق لیسانس و دکترای ما فاصله افتاد. سال ۱۳۷۷ مقطع دکتری رشته حقوق خصوصی قبول شدم و سال ۱۳۸۳ از پایان نامه خود در همین مقطع دفاع کردم و الحمدلله در طی دروس دانشگاهی هم نفر اول یا دوم بودم.

در کنار فعالیتهای حوزوی و دانشگاهی سعی داشته ام که تدریس هم داشته باشم چه در حوزه و چه در دانشگاه، در مرکز جهانی علوم اسلامی برای طلاب غیر ایرانی درسهای فقه و اصول و بعضاً فلسفه را دارم و در دانشگاه هم از سال ۱۳۷۱ درسهای حقوقی و علوم سیاسی را مشغول هستم.

ارسطو

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، خطاط. وی از شکسته‌نویسان است. به خط وی قطعه‌ای است به قلم کتابت خفی خوش که چنین رقم دارد: «... ارسطو در طهران تحریر کرد در حالت افسردگی و دل تنگی در منزل... نور چشم مکرم میرزا علی‌اکبر در قورخانه‌ی مبارکه محض یادگاری قلمی شد، الراجی ارسطو، ۱۳۱۳».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۵۲ /۴).

ارسطوی قمی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عارف شاعر. اصل وی از قم بود، در اوایل حال به شغل دبیری و نویسندگی صاحب منصبان اشتغال داشت، سپس به خدمت مؤیدالدوله طهماسب میرزا (پسر دوم محمدعلی میرزای دولتشاه) رسید و مویدالدوله به اعزاز و تربیتش کوشید تا بدان پایه که در حکومت کرمانشاهان و کردستان، وزارت با او بود، وی خود را فقیر می‌دانست و خدمت عرفا و فقرا می‌کرد. پیر طریقت وی استاد غلامرضا شیشه‌گر بود. میرز ارسطو گاهی شعر می‌سرود اما، به شاعری معروف نبود، تخلص هم نداشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۲۲ -۱۲۱ /۱)، فرهنگ سخنوران (۵۴).

ارسلان، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۲۵ بهمن ۱۳۴۲، یزد.

شهادت: ۲۰ آذر ۱۳۶۴، هورالعظیم.

حسین ارسلان در سال ۱۳۶۴ بعد از اتمام تحصیلات مقدماتی به عنوان سپاهی دانش در قریه «گلپایگان طالقان» مأمور به خدمت کشور شد و یک سال از دوران خدمت را در جوار آیت‌الله محمود طالقانی سپری کرد. پس از پایان مأموریت در شهرستان رفسنجان به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمد و به لحاظ سوابق پیشین و آشنایی با روحانیت، مأمور «بخش اطلاعیه‌ها و نوارهای مذهبی» شد. اندیشه‌های درونی او را به سرودن شعر واداشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به پی‌ریزی و تشکیل کانون اسلامی شعرا و ادبای اداره‌ی ارشاد اسلامی رفسنجان همت گماشت و از اعضای فعال و عضو هیئت مدیره این کانون گردید. وی در شعر «رخشا» تخلص می‌کرد.

حسین ارسلان در یازدهم آذر ۱۳۶۴ عازم جبهه‌های دفاع مقدس شد و در تاریخ بیستم همین ماه در هورالعظیم به شهادت رسید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ارسنجانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالقاسم بن العلامهٔ آقا سید محمدرضا فقیه ارسنجانی از مشاهیر دانشمند معاصر شیراز است.

آنجناب در سال ۱۳۱۸ ق در ارسنجان فارس متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات در محل خود در سال ۱۳۳۳ ق به شیراز آمده و مدت سه سال در مدرسه حکیم شیراز تحصیل نمود.

و در سال ۱۳۳۶ ق مهاجرت به نجف اشرف و از درس و بحث مرحوم آیت‌اللّٰه آقا میرزا ابوالحسن مشکینی و آیت‌اللّٰه اصطهباناتی و آیت‌اللّٰه میرزا محمود شیرازی استفاده و تکمیل سطوح نموده و پس از آن مدت شش سال از درس خارج مرحوم آیت‌اللّٰه آقا ضیاءالدین عراقی با معیت آیت‌اللّٰه العظمی مرعشی نجفی مدظله استفاده نمود.

در سال ۱۳۴۲ ق پس از تبعید حضرات آیات عظام نجف به قم با مصاحبت آیت‌اللّٰه مرعشی نجفی مذکور عزیمت به قم نموده و در این شهر ایمانی و علمی از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حایری و مرحوم آیت‌اللّٰه آقا میرزا سید علی یثربی کاشانی استفاده و ضمناً تدریس سطوح عالی فقه و اصول نموده و در اواخر عمر مرحوم آیت‌اللّٰه حایری به شیراز مراجعت و در مسجد شیخ علی خان و مسجد جامع وکیل اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تدریس فقه و اصول نموده و در حال حاضر که هفتاد و شش سال از سن مبارکش می‌گذرد در شیراز به خدمات مذکوره اشتغال دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ارسنجانی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۷۴ ق)، شاعر و عارف. اصلش از مازندران و ساکن قصبه‌ی ارسنجان شیراز بود. وی پس از تحصیل علوم رسمی و عقلی و نقلی، ترک علائق دنیوی گفت و خلوت گزید و به ذکر حق پرداخت و به تألیف مشغول شد و کتابهایی به نظم و نثر نوشت. ارسنجانی در شیراز بدرود زندگی گفت و در دارالسلام دفن شد. از آثارش: «جواب سؤالات متفرقه» و مثنوی « شوریه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۲۴۸)، دانشمندان و سخن سریان فارس (۱۹۷ -۱۹۶ /۱)، ریحانه (۱۰۶ /۱)، مکارم الآثار (۲۰۶۴ /۶).

ارسنجانی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن رحلی کوچک، شش صفحه‌ی اول آن مذّهب مرصّع ممتاز، به خط نسخ کتابت خوش، با رقم: «... حسین بن علی عسکر ارسنجانی... سال ۱۲۸۵».[۱]

از اوست: قرآن رحلی کوچک جلد روغنی ممتاز- شش صفحه‌ی اول مذهب مرصع ممتاز، نسخ کتابت خوش با رقم: «... حسین بن علی عسکر ارسنجانی...» سال ۱۲۸۵ در کتابخانه‌ی ملک.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۶۰ /۴).

ارسنجانی، علی عسکر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۲ ق)، ادیب، عارف، خطاط، نقاش و شاعر. از اهالی قصبه‌ی ارسنجان شیراز و مردی درویش مسلک بود که به ملااحمد ارسنجانی دست ارادت داده بود. از علوم رسمی و کمالات بهره داشت و خط نسخ را خوب می‌نوشت و در نقاشی و چهره‌سازی نیز دست داشت. وی در زادگاه خود بدرود حیات گفت. از آثار او: دعای صباح، جانمازی، دو صفحه‌ی اول مذهّب عالی نسخ و آخر رقاع کتابت خوش. ترجمه‌ی نستعلیق کتابت خفی عالی، حواشی شکسته خفی خوش، با رقم: «علی عسکر الارسنجانی الشیرازی ۱۲۹۲»؛ قرآن جلد روغنی، به خط نسخ و آخر رقاع کتابت خفی عالی، با رقم: «علی عسکر بن محمد شفیع الارسنجانی سنه ۱۲۵۳»؛ یک قطعه نسخ و رقاع کتابت عالی، با رقم: «وانا العبد الاقل علی عسکر الارسنجانی ۱۲۸۱».[۱]

علی عسکر ارسنجانی مشهور به میرزا آقا در هنر خطاطی و شعر از نوابغ بود. علی عسکر در شعر «الحان» تخلص می‌کرده است. قطعات بسیاری از مرحوم میرزا آقا به جای مانده است که از ذوق و ابتکار وی حکایت می‌کند.

علی عسکر در اوان جوانی چنان در هنر خط و نقاشی درخشید که شهرت جهانی یافت و از طرف دولت هندوستان به آن کشور دعوت شد. سپس از آن کشور بازگشت و در شیراز بدرود حیات گفت و در حرم مطهر امامزاده سید حاج غریب شیراز مدفون گردید.

دعای صباح، جانمازی، دو صفحه‌ی اول مذهب عالی نسخ و آخر رقاع کتابت خوش. ترجمه‌ی نستعلیق کتابت خفی عالی، حواشی شکسته خفی خوش با رقم:

«کتبه فی شهر ربیع‌الاول سنهٔ اثنی و تسعین و مأتین بعد الالف من الهجرهٔ علی عسکر الارسنجانی الشیرازی» «۱۲۹۲» در مجموعه‌ی آقای سلطان القرائی.

- قرآن جلد روغنی رقم «یا امیرالمؤمنین» نسخ و آخر رقاع کتابت خی عالی با رفم: «حسب‌الخواهش... میرزا عابد مستوفی شیرازی له الاعز... میرزا محمدرضا من شهور سنهٔ ثلث و خمسین و مأتین بعد الاف من الهجرهٔ... سمت اختتام پذیرفت. و انا العبد الاثم الخاطی الجانی العاصی الفانی علی عسکر ابن محمد شفیع الارسنجانی سنهٔ ۱۲۵۳».

- یک قطعه نسخ و رقاع کتابت عالی با رقم: «کتبه فی شهر ذی‌القعدهٔ‌الحرام سنهٔ احدی و ثمان و مأتین بعد الف من الهجرهٔ النبویهٔ المصطفویهٔ و انا العبد الاقل علی عسکر الارسنجانی ۱۲۸۱» در مجموعه‌ی بیانی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۲۴۹ -۲۴۸)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۲۱ -۱۱۲۰ /۴)، حدیقهٔ الشعراء (۲۰ /۱)، ریحانه (۱۰۶ /۱)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۷۰۷ /۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۲۵۱ /۲).

ارشاد، فرهنگ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده: اقتصاد، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه لندن در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام ۲ طرح تحقیقاتی در زمینه مسائل عشایری خوزستان، تدریس دروس روش تحقیق در علوم اجتماعی، نظریه‌های جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، جامعه‌شناسی عشایر ایران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مهاجرت روستائیان به شهرها بخصوص در ایران و کشورهای موسوم به جهان سوم.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

مهاجرت روستایی به شهر در ایران و خاورمیانه.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ارشاد، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجتبی ارشاد

محل تولد : گرگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مجتبی ارشاد فرزند امین در سال ۱۳۴۴ در گرگان متولد شدم و در سال ۱۳۶۲ تحصیلات حوزوی خود را در مدرسه امام خمینی (ره) گرگان شروع نمودم.

تا سال ۱۳۷۰ در گرگان به تحصیل پرداختم. این دروس تا اواسط رسائل و مکاسب ادامه داشت و همزمان برای امتحان به قم و در امتحانات مرکز مدیریت شرکت می‌نمودم. در سال ۱۳۶۸ تمام امتحانات شرح لمعه را به پایان بردم و در مراحل بعدی امتحان می‌دادم.

در هنگامی که در گرگان بودم دروس ادبیات و منطق را مکرراً تدریس می‌نمودم و در اداره آن مدرسه همکاری می کردم. در مهرماه سال ۷۰ به قم منتقل شدم و ادامه رسائل و مکاسب و همچنین شروع کفایه را تا سال ۱۳۷۲ ادامه دادم. در مهر سال ۱۳۷۲ دروس خارج فقه و اصول را نزد مراجع عظام شروع کردم که عمدتاً از محضر حضرت آیت الله تبریزی، فاضل لنکرانی و وحید خراسانی بود و هم‌اکنون از محضر فقه آیت الله وحید استفاده می‌کنم.

در مهر سال ۱۳۷۲ دروس تخصصی کلام را آغاز نمودم و در خرداد سال ۱۳۷۶ به پایان برده‌ام که اکنون با اتمام نوشتن رساله آن در نوبت دفاع از آن هستم.

پس از اتمام دروس تخصصی در موسسه دایرة المعارف فقه اسلامی به مدت چهار سال در بخش موسوعه و بخش فرهنگ فقه همکاری داشتم و همزمان در چند واحد دانشگاه آزاد اسلامی به تدریس دروس معارف اسلامی و همچنین دروس تخصصی فقهی مشغول می‌باشم که تاکنون ادامه دارد. از دیگر فعالیت فرهنگی اینجانب همکاری با موسسه میرداماد در شهرستان گرگان بوده که در قسمت پاسخ به سوالات از سال ۱۳۸۲ آغاز شد و به صورت مکتوب چاپ شده است.

ارشادی نیا، محمدصادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صادق ارشادی نیا

محل تولد : سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد صادق ارشادی نیا در سال ۱۳۴۲هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان سبزوار دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۶ که سالهای خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود ایشان بدون هیچگونه ترس و واهمه ای وارد حوزه علمیه مشهد گردید.

پس از ورود به مشهد مقدس ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا (ع) از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار همچون مرحوم آیت الله فلسفی، آیت الله مرتضوی و... بهره ها برد. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۷ به حلقه دروس خارج راه یافت.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه اسلامی در مقطع دکترا در سال۱۳۸۱ از دانشگاه امام صادق علیه السلام تهران فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان" نقد و بررسی نظریه تفکیک "دفاع کرد. ایشان ضمن تبلیغ به تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه فردوسی، و... مشغول است.

لازم به ذکر است که نامبرده به مدت سه سال ریاست دانشگاه آزاد واحد سبزوار را به عهده داشته است. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که کتاب های" کتاب نقد و بررسی نظریه تفکیک "و" از مدرسه معارف تا انجمن حجتیه و مکتب تفکیک "و... از جمله آثار ایشان است.

ارشد کازرونی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، شاعر. اهل کازرون بود و در کمالات صوری و معنوی آراسته بود. از زندگی او اطلاع چندانی در دست نیست. در اغلب تذکره‌ها بیش از این مطلبی در باب وی نیامده است و تنها به ذکر ابیاتی از او بسنده شده است. از آثار وی: «دیوان» اشعار است که دو نسخه از آن در فهرست ریو معرفی شده است. از اوست:

ز هجر تلخ‌تر آبی نداشت جام سپهر

وگرنه دست قضا در گلوی ما می‌ریخت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۴۷)، تذکره‌ی روز روشن (۴۶)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۲۴۷ /۱)، الذریعه (۶۸ -۶۷ /۹)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۴۴۵ /۲)، فرهنگ سخنوران (۵۵ -۵۴)، مجالس النفائس (۴۰۰)، مرآت الفصاحه (۵۵ -۵۴)، هفت اقلیم (۲۵۲- ۲۵۳ /۱).

ارشدی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: شیمی، دانشکده: شیمی، دانشگاه: صنعتی شریف

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای شیمی.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقا به درجه استادی دانشکده شیمی دانشگاه صنعتی شریف.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

خوردگی آتمسفری، تعیین خواص ترمودینامیکی ترکیبات معدنی و ترکیبات آلی، بررسی خواص اروماتیکی هتروسیکلیک‌ها، طیف سنج جرمی یونهای مثبت و منفی ترکیبات اروماتیک، استاد راهنمای ۴ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۹

زمینه علمی مقالات:

طیف‌سنج جرمی، خواص ترمودینامیکی ترکیبات هتروسیکلیک، خواص ترمودینامیک هالیدهای فلزات سبک، خوردگی اتمسفری.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ارغوان خاتون

قرن:۷

جنسیت:زن

ملیت:ایران

نیمه دوم قرن هفتم هجری، از زنان شاعر فارسی‌گوی عثمانی. وی همسر جمال‌الدین بود. قطعه شعری خطاب به همسرش سروده و آن را ضمن نامه‌ای برای همسرش ارسال داشته و آن قطعه چنین است:

گر در غمت بمیرم دل از تو برنگیرم

تو فارغی ولیکن من خسته و اسیرم

دارم دلی به داغت از من تو را فراغت

رفتی و هم نرفتی یک لحظه از ضمیرم

نه شرط دوستداری باشد که یاد ناری

افتاده فراقم از لطف دست گیرم

رفتی که تا جوانی با کودکان برانی

صد بیش نیست عمرم پنداشتی که پیرم

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، ۱۱۳ -۱۱۲.

ارغون کاملی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۷۵۰ ق)، خطاط. دارای اصل و نسب ایرانی بود و در بغداد می‌زیست. وی از شاگردان یاقوت مستعصمی بود. از آثار او: یک صفحه از مرقع، به خط ثلث سه دانگ جلی عالی و نسخ یاقوتی، با رقم: «کتبه ارغون الکاملی حامدا و مصلیا»؛ قرآن سلطانی کوچک مذهب عالی، متن به خط ریحان و سر سوره‌ها ثلث دودانگ عالی، با رقم: «کتبه العبد الفقیر الی اللّه تعالی ارغون الکاملی حامدا و مصلیا و مسلما فی سنهٔ احدی و اربعین و سبع مائهٔ...»؛ هشت صفحه از مرقع بایقرا- طهماسب، به خط ثلث و رقاع چهار دانگ جلی ممتاز و نسخ کتابت جلی خوش و توقیع و نیم دو دانگ عالی، با رقم: «کتب فی یوم الاثنین ثامن عشر محرم الحرام من سنه احدی و ثلثین و سبعمائهٔ کتبه ارغون بن عبداللّه حامدا و مصلیا و مسلما»؛ یک قطعه از مرقع سید احمد مشهدی، به خط ثلث سه دانگ جلی و رقاع کتابت خوش، با رقم: «نمقه ارغون بن عبداللّه فی شهور سنهٔ سبعمائهٔ الهجریه؛ قرآن وریری ساغری منگنه، دو صفحه‌ی اول متن و حاشیه مذهب و صفحه آخر مذهّب مرصع عالی، به خط ثلث کتابت خفی عالی، با رقم: «... ارغون الکاملی...» سال ۷۴۵؛ کتیبه‌های دو مدرسه یکی در مرغابیه و دیگری در کنار جسر که هر دو به خط اوست . در کتاب «احوال و آثار خوشنویسان» از سه اثر دیگر وی نام برده شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۴۴ -۱۰۴۳ /۴)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۴)، گلستان هنر (۲۱).

ارغیانی، ابوالفتح سهل

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۹۹ -۴۲۶ ق)، فقیه شافعی. اصل وی از ارغیان نیشابور بود. برای تحصیل به مرو رفت و در نزد شیخ ابوعلی حسین بن شعیب سنجی و قاضی حسین بن محمد مرورودی به فراگیری فقه و دانش پرداخت. سپس به نیشابور بازگشت و اصول فقه را نزد امام الحرمین ابوالمعالی جوینی فراگرفت و آنگاه به ارغیان آمد و چندین سال عهده‌دار قضای آن ناحیه بود. پس از مدتی به زیارت خانه‌ی خدا رفت و در ضمن سفر، در حجاز و عراق و جبال بسیاری از مشایخ را زیارت کرد و از آنان حدیث شنید. وی از ابوبکر

بیهقی و ناصر مروزی و عبدالغافر فارسی صاحب «مجمع الغرائب» حدیث شنیده است. در راه بازگشت به نیشابور به خدمت شیخ حسن سمنانی رسید و تحت‌تأثیر سخنان وی ترک مناظره کرد و در اواخر عمر از کارهای جاری دست شست و به زد و تصوف گرایش پیدا کرد و از مال خود سرائی محقر برای صوفیان بنا کرد و پایان عمر را به عبادت و تألیف گذرانید. از آثار وی: «الفتاوی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۹ /۳)، روضات الجنات (۹۴ -۹۳ /۴)، ریحانه (۱۰۷ /۱)، لغت نامه (ذیل/ سهل)، معجم البلدان (۱۸۳ /۱)، معجم المؤلفین (۲۸۳ /۴)، نامهی دانشوران (۴۱۹ -۴۱۸ /۴)، وفیات الاعیان (۴۳۴ -۴۳۳ /۲)، هدیهٔ العارفین (۴۱۳ /۱).

ارفع الدوله، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۷ -۱۲۷۰ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به دانش. ملقب به ارفع‌الدوله. در تبریز متولد شد و در همان شهر علوم زمان خود را فراگرفت. تحصیلات خود را در دارالفنون تهران به پایان رساند. سپس به استانبول رفت و در آنجا زبان ترکی استانبولی و یونانی و فرانسه را آموخت و در سال ۱۳۰۰ ق به نیابت اول سرکنسولی رسید و سپس به سفارت ایران در روسیه و عثمانی منصوب گردید. پس از جنگ بین‌الملل اول به عنوان نمایندهی دولت ایران در دیوان صلح لاهه شرکت کرد و بعد از آن بازنشسته شد و مدتی در فرانسه اقامت گزید. سپس به ایران آمد و وزیر عدلیه کابینهی علاء شد و مدتی هم سفیر کبیر ایران در اروپا بود. در تهران درگذشت. از آثار او: «در حکومت پنج پادشاه»؛ که خاطرات وی است؛ مثنوی «طول عمر»؛ «آوازهی بزم صلح لاهه»؛ «منتخبات دانش»؛ «رسالهی رشدیه»، در خط فارسی؛ «گوهر خاوری».[۱]

معروف به پرنس ارفع‌الدوله و متخلص به دانش در ۱۲۳۳ در تبریز تولد یافت. پدرش حاج شیخ محسن مهاجر ایروانی بود. وی تحصیلات مقدماتی را اعم از فارسی و عربی در تبریز به اتمام رسانید و مدتی نیز به تحصیل فقه و اصول مشغول بود. او برای ادامهی تحصیل به استانبول و سپس قفقازیه رفت و تحصیلات خود را ادامه داد و به چند زبان خارجی آشنا شد.

پس از بازگشت به ایران به منصب آجودانی ولیعهد در تبریز منصوب گردید و در ۱۲۶۲ عضویت کمیسیون تحدید حدود خراسان به وی محول گردید. پس از این مأموریت به مقام مستشاری سفارت ایران در روسیه تعیین شد. در سفر سوم ناصرالدین شاه به اروپا در زمره ملتزمین رکاب بود. نشان و حمایل سرتیپی گرفت. در ۱۲۶۹ ناصرالدین شاه با اعطاء لقب معین‌الوزاره او را ژنرال قنسول تفلیس نمود.

در ۱۲۷۴ با دریافت لقب ارفع‌الدوله به سمت وزیر مختار ایران در دربار روسیه تعیین گردید. در نخستین سال سلطنت مظفرالدین شاه علاوه بر وزیرمختاری در روسیه نمایندگی ایران در دربارهای سوئد و نروژ به او واگذار شد. منصب امیرتومانی و نشان درجه اول شیر و خورشید گرفت. در ۱۲۷۹ نمایندگی انجمن صلح لاهه به او محول شد و پس از آن با سمت سفیرکبیر فوق‌العاده در جشن بیست و پنج سالگی سلطان عثمانی شرکت نمود.

در ۱۲۸۰ میرزا علی اصغرخان اتابک برای مسافرت مظفرالدین شاه به اروپا متوسل به ارفع‌الدوله وزیرمختار ایران در روسیه شد. ارفع‌الدوله در این مذاکرات موفقیت حاصل نمود و دولت روسیه حاضر شد مبلغ بیست و دو میلیون و نیم منات طلا با سود ۵ درصد برای مدت ۷۵ سال به دولت ایران وام بدهد. بانک استقراضی روس که وام‌دهنده به ایران بود گمرکات شمال ایران را به وثیقه گرفت.

مظفرالدین شاه که در اثر فعالیت ارفع‌الدوله موفق به اخذ وام و مسافرت به اروپا شده بود، به هنگام ورود به خاک روسیه او را مورد توجه و عنایت قرار داد، به او لقب پرنسی و جناب اشرفی داد.

در ۱۲۸۱ ش (۱۹۰۲ م) ارفع‌الدوله به سمت سفیرکبیری ایران در عثمانی تعیین شد و به اعطای رتبه و مقام سرداری و نشان مرصع و حمایل مخصوص با یک حلقه انگشتری الماس برلیان ممتاز مفتخر شد و یک سال بعد شاه به او درجهی امیرنویانی (ارتشبدی) و یک قطعه نشان مرصع به الماس و جواهر ممتاز داد.

مدت مأموریت ارفع‌الدوله در استانبول تا ۱۲۸۹ ش به طول انجامید. پس از آن به تهران احضار شد و در ۱۲۹۲ ش در دولت محمدعلی خان علاءالسلطنه به سمت وزیر دادگستری تعیین گردید و در مراسم تاجگذاری سلطان احمد شاه این سمت را داشت. بعد مأمور اعلام پادشاهی احمد شاه به دربارهای اروپائی شده و چندی سفیر ایران در جامعهی ملل بود. القاب ارفع‌الدوله در طول زندگانی او عبارت بودند از: معین‌الوزاره، ارفع‌الدوله، پرنس، جناب اشرف، سرتیپ، امیرتومان، سردار (امیرنویان) و متجاوز از صد قطعه نشان از دولت ایران و دول خارجی داشت. در مأموریت‌های سیاسی خود در خارج از کشور ثروت سرشاری به دست آورد. هنگامی که سفیر ایران در استانبول بود در موناکو قصری بزرگ بنیاد نهاد و نام آن را دانشگاه گذاشت و بعد آن را تبدیل به موزه نمود.

ارفع‌الدوله به زبان‌های عربی، ترکی، روسی و فرانسه تسلط داشت و شعر فارسی نیکو می‌سرود. مجموعه اشعار خود را انتشار داد. کتابی به نام مثنوی صلح منتشر کرد. در اشعار خود «دانش» تخلص می‌نمود. او پس از پنجاه سال مأموریت در خارج از ایران بازنشسته شد. در تهران باغی بزرگ و زیبا بنیاد نهاد. این باغ در خیابان شاپور روبروی پارک اتابک بود که فعلاً در آن استادیوم ورزشی، تالار رودکی و دبیرستان نوربخش به چشم می‌خورد. در سردر این باغ رباعی زیر بر روی کاشی نوشته و نصب شده بود:

ارفع‌الدوله آن بزرگ نهاد

کرد باغی به ملک ری آباد

یکی از بندگان مخلص او

نام این باغ ارفعیه نهاد

رضا ارفع در سال‌های آخر عمر که در تهران می‌زیست، خاطرات خود را نوشت. بعدها این خاطرات توسط وزارت فرهنگ و هنر بنام ایران دیروز (خاطرات پرنس ارفع‌الدوله) چاپ شد. محتوای کتاب روی هم رفته قابل استفاده و مفید بود.

احتشام‌السلطنه در صفحات ۴۰۶ و ۴۰۷ کتاب خاطرات خود درباره‌ی ارفع‌الدوله چنین نوشته است: «ارفع‌الدوله با پشت هم‌اندازی یک کتاب القاب و عناوین و امتیازات خنده‌آور برای خود دست و پا کرده بود و عادتاً در مکاتبات و مراسلات اکثر آن عناوین را به دنبال نام خویش ذکر می‌نمود.

میرزا رضاخان، دانش، امیرتومان، جنرال آجودان حضور همایون، امیرنویان، پرنس سردار، پرنس صلح، معین‌الوزاره و ارفع‌الدوله یک قسمت از آن القاب است که عنوان وزیر مختار یا سفیرکبیر دارای نشان‌های فلان و فلان با حمایل و مدال بهمان را هم به پیش و پس آن می‌افزود. چون این پرنس طویل العنوان!! تعلق خاطر به ایران و تعصب باطنی نداشت، در پطرزبورغ از روس‌ها روس‌تر و در اسلامبول از ترک‌ها ترک‌تر بود. به قصد جلب توجه و تملق‌گوئی در هر مأموریتی که بود بجای آنکه سفیر و نماینده‌ی ایران باشد، شجره‌نامه‌ای برای اثبات اینکه اجداد و اعقابش از مردم آن مملکت بوده‌اند تهیه می‌کرد و از کارهای جالبش هم یکی این بود که در مجالس میهمانی و محافل با هر خانمی روبرو می‌شد، تصور می‌کرد آن خانم عاشق و بیقرار اوست و به زبان بازی و مداحی می‌پرداخت. و از افتضاحات شرم‌آوری که از برخورد ارفع‌الدوله با زنان در مجالس و میهمانی‌های رسمی نقل می‌کنند می‌توان یک جلد کتاب مفصل نوشت و همینطور اگر بخواهیم شرح شارلاتانی‌های او را در این جا بنویسیم خیلی مفصل خواهد شد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] دانشمندان آذربایجان (۱۴۴)، الذریعه (۳۱۵/ ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۴۲ -۱۳۸ / ۱)، سخنوران نامی (۱۸۱ -۱۷۴ /۲)، سخنوران نامی معاصر (۱۳۳۲ -۱۲۳۹ /۲)، شرح حال رجال (۵۱۳ -۵۰۷ /۱)، فرهنگ سخنوران (۳۳۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۳۳ -۱۳۱ /۳)، مکارم الآثار (۱۹۵۷ -۱۹۵۶ /۶)، مواد التواریخ (۷۵۱ -۷۴۹)، یادداشتهای قزوینی (۱۵۰ /۸)، یادگار (س ۳، ش ۳ ، ص ۳۴)، یغما (س ۵، ش ۴، ص ۱۶۸).

ارفع تبریزی، عماد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به رافع یا ارفع. اصل وی از تبریز بود. وی مردی درویش مسلک بود که در مسجد جامع عباس‌آباد اصفهان حجره‌ای داشت و در نهایت استغنا می‌زیست و خط می‌نوشت و شعر می‌سرود. از اوست:

خاموشم آنقدر که ترا یاد می‌کنم

تا غافلم زیاد تو فریاد می‌کنم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۰۴)، دانشمندان آذربایجان (۳۷)، الذریعه (۶۸ /۹)، صبح گلشن (۲۲).

ارفعی بندرعباسی، عبداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۶ ش)، شاعر، متخلص به ارفعی. وی چند سالی ساکن یزد بود، بعد به تهران آمد و به کار آزاد مشغول گشت. در اقسام شعر از قصیده و غزل و مثنوی و رباعی طبع‌آزمایی کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فارس (۲۵۷ -۲۴۹ /۱)، فرهنگ سخنوران (۵۵).

ارفعی، حسام‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : حسام الدین ارفعی متولد سال۱۳۲۷ه.ش دارای مدرک دکترای فیزیک از دانشگاه کالیفرنیای آمریکا درسال۱۳۵۵ه.ش و عضو هیئت علمی دانشکده ی فیزیک دانشگاه صنعتی شریف با مرتبه ی علمی دانشیاری می باشد.

گروه : علوم پایه

رشته : فیزیک

تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسام الدین ارفعی دارای مدرک کارشناسی فیزیک ازدانشگاه صنعتی شریف درسال۱۳۵۰ و

دکترای فیزیک از دانشگاه کالیفرنیای آمریکا درسال۱۳۵۵ه.ش می باشد.

خاطرات و وقایع تحصیل : اخذ مدرک دکترای فیزیک از دانشگاه کالیفرنیای آمریکا درسال۱۳۵۵از مهمترین مقاطع علمی زندگی حسام الدین ارفعی می باشد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : حسام الدین ارفعی در حین تحصیل به مطالعه و تحقیق پیرامون موضوعاتی چون مسائل مختلف فیزیک، و الکترومغناطیسی پرداخته است.

وقایع میانسالی : حسام الدین ارفعی پس از اخذ مدرک دکترای فیزیک از دانشگاه کالیفرنیای آمریکا درسال۱۳۵۵به ایران بازگشت و به عنوان عضو هیئت علمی دانشکده ی فیزیک دانشگاه صنعتی شریف استخدام شدو مرتبه ی علمی دانشیاری را کسب نمود.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسام الدین ارفعی عضو هیئت علمی دانشکده ی علوم دانشگاه صنعتی شریف از سال۱۳۵۷ تا ۱۳۶۲ و استادیار فیزیک در دانشگاه مازندران و از سال۱۳۶۳ تا ۱۳۶۶ استادیار فیزیک در دانشگاه صنعتی شریف و از سال۱۳۶۶ تا کنون دانشیار دانشگاه صنعتی شرثف می باشد.

فعالیتهای آموزشی : حسام الدین ارفعی در دانشکده ی علوم دانشگاه صنعتی شریف به تدریس الکترودینامیک دردانشگاه مازندران، مکانیک و الکترومغاطیس در دانشگاه صنعتی شریف، ریاضی و فیزیک در دانشگاه شهید بهشتی می باشد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حسام الدین ارفعی در کنار تدریس به مطالعه و تالیف اثاری پیرامون مسائل مختلف فیزیک، کشف تک قطبی، مغناطیس ، تیروی پنجم و غیره پرداخته است.

آرا و گرایشهای خاص : حسام الدین ارفعی از جمله متخصصان رشته ی فیزیک می باشد که در اموری چون الکترودینامیک، کشف تک قطبی مغناطیسی علاقمند و متخصص می باشد.

جوائز و نشانها : حسام الدین ارفعی برنده جایزه پرفسور عبدالسلام ولوح محقق برجسته در زمینه تحقیقات فیزیک نظری می باشد.

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

ارقامی، ناصررضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : دکتر ناصررضا ارقامی در سال ۱۳۲۸ خورشیدی در نیشاپور بدنیا آمد.وی دارای دکترای رشته آمار از دانشگاه ایالتی فلوریدا (FSU) است.نامبردههم اکنون عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد با درجه استادی می باشد.

گروه : علوم پایه

رشته : آمار

گرایش : استنباط

والدین و انساب : پدر ناصر رضا ارقامی کارمند اداره دارایی نیشابور و مادرشان خانه دار بود.ایشان فرزند چهارم خانواده (دو پسر و سه دختر)است.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : ناصر رضا ارقامی در یکم خرداد ماه ۱۳۲۸ در خانواده ای متوسط و نسبتا مرفه بدنیا آمد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات ابتدایی در دبستان کمال الملک نیشابور در سال ۱۳۴۰ تحصیلات متوسطه در دبیرستان خیام نیشابور (رشته ریاضی) در سال ۱۳۴۶ کارشناسی اقتصاد از دانشگاه لندن ،کالج کوئین مری (QMC) درسال ۱۳۵۰(با استفاده از بورس بانک مرکزی ایران) کارشناسی ارشد آمار دانشگاه لندن ،مدرسه عالی اقتصاد و علوم سیاسی(L SE)در سال ۱۳۵۱ (با استفاده از بورس بانک مرکزی ایران) دکتری آمار از دانشگاه ایالتی فلوریدا (FSU) در سال ۱۳۶۰(با استفاده از بورس دانشگاه فردوسی مشهد)

همسر و فرزندان : ناصر رضا ارقامی متاهل است .اونیز دو فرزند پسر و سه فرزند دختر دارد.

وقایع میانسالی : ناصر رضا ارقامی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته آمار به عضویت هیئت علمی گروه آماردر دانشکده علوم پایه دردانشگاه فردوسی مشهد درآمد. وی هم اکنون با سمت استادی در آنجا مشغول به خدمت است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل ناصر رضا ارقامی : -عضوهیئت علمی و استاد گروه آمار در دانشکده علوم پایه در دانشگاه فردوسی مشهد – رئیس دانشکده علوم ریاضی دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۴ – معاون اداری و مالی دانشکده علوم پایه دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷ – عضو شورای اجرایی انجمن آمار ایران از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۷ –معاون آموزشی دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۵ – عضو شورای اجرایی انجمن سیستمهای فازی ایران از سال ۱۳۸۱ تا کنون – رئیس انجمن آمار ایران از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۷ – عضو هیئت تحریریه مجله انجمن آمار ایران به زبان انگلیسی از ۱۳۸۰ تا کنون – عضو هیئت تحریریه مجله انجمن سیستمهای فازی ایران به زبان انگلیسی از ۱۳۸۱ تا کنون – عضو هیئت تحریریه مجله انجمن علوم ریاضی مشهد به زبان انگلیسی از ۱۳۷۸ تا کنون

فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریس ناصر رضا ارقامی: در دانشگاه جورجیای آمریکا در سال تحصیلی ۶۹–۱۳۶۸ و تدریس در دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۵۱ تا کنون. عنوان دروس تدریس شده توسط دکتر ارقامی : آمار –۲ استنباط آماری پیشرفته – ۲ شبیه سازی مباحثی پیشرفته درآمار بیز نظریه تصمیم جبرخطی – ۱ جبرخطی – ۱ برای آمار

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : انجمن آمار ایران در سال ۱۳۷۱ انجمن سیستمهای فازی در سال ۱۳۸۱ مرکز مفاخر اسناد دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۸۲

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ناصر رضا ارقامی در کنار تدریس به مطالعه تحقیق در پیرامون on the fisher information in record values ، جبر خطی و استنباط آماری مشغول است.

شاگردان : ناصر رضا ارقامی تاکنون ۵ دانشجوی دکتری آمار را تحت راهنمایی و مشاوره خود داشته است.

جوائز و نشانها : برنده جایزه بهترین مقاله ارائه شده در بیست و دومین کنفرانس بین المللی ریاضی کشور در سال ۱۳۶۹ برنده جایزه بهترین استاد نمونه کشور در سال ۱۳۸۲ و دریافت لوح و جایزه از رئیس جمهور وقت استاد نمونه دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۸۲

چگونگی عرضه آثار : ناصر رضا ارقامی دارای ۳۰ مقاله پژوهشی در آمار نظری دارد. که از این تعداد ۱۰ مورد از مقالاتش در مجلات معتبر خارجی (به عنوان مثال ISI) به چاپ رسیده است.

آثار :

۱ comparing the fisher informatiln in record values and iid observations

ویژگی اثر : مقالات علمی چاپ شده در نشریه خارجی - ۱۹۷۰-۰۱-۰۱

۲ nonparametric confidence and tolerance intervals from record values data

ویژگی اثر : مقالات علمی چاپ شده در نشریه خارجی - ۲۰۰۲-۱۲-۳۱

۳ on the fisher information in record values

ویژگی اثر : مقالات علمی چاپ شده در نشریه خارجی -۲۰۰۰-۱۲-۳۱

۴ some univariate stochastic orders on record values

ویژگی اثر : مقالات علمی چاپ شده در نشریه خارجی -۱۹۷۰-۰۱-۰۱

۵ جبر خطی برای آمار

ویژگی اثر : تالیف

۶ روشهای آماری چند متغیری پیوسته

ویژگی اثر : ترجمه

۷ روشهای نمونه گیری

ویژگی اثر : ترجمه

۸ نظریه اطلاع و کد گذاری

ویژگی اثر : ترجمه

ارموی، سراج‌الدین، ابوالثنا محمود

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۸۲ -۵۹۴ ق)، فقیه، اصولی و متکلم شافعی. اصل وی از ارومیه بود. در موصل تحصیل کرد و در دمشق ساکن شد و عهده‌دار قضا آنجا گردید. سپس به آسیای صغیر رفت و در قونیه مقیم شد و در همان جا درگذشت. معروفترین اثرش کتاب «مطالع الانوار» در منطق و کلام است، شرحهای متعدد بر آن نوشته شده که مشهورترین آنها کتاب «لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار» قطب‌الدین رازی است که به «شرح مطالع» معروف و از کتابهای رایج تعلیمی است. برخی دیگر از آثارش: «بیان الحق»؛ «المناهج»؛ «شرح الوجیز» غزالی، در فروع فقه شافعی؛ «تلخیص اربعین» یا «مختصر الاربعین»، «التحصیل» مختصر «المحصول» فخررازی در اصول فقه؛ «لطائف الحکمهٔ»، در حکمت به زبان فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۴۲ -۴۱ /۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۴۴ -۲۴۳ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۵۱ -۱۵۰)، روضات الجنات (۱۰۸ /۸)، ریحانه (۱۰۸ /۱)، کشف الظنون (۲۰۰۲، ۱۸۴۶، ۱۷۱۵، ۱۶۱۵، ۱۵۶۷، ۹۰۲، ۸۴۸، ۲۶۱، ۹۵، ۹۲، ۶۱)، الکنی و الالقاب (۲۲ /۲)، معجم المؤلفین (۱۵۵ /۱۲)، نام‌آوران فرهنگ (۵ -۴)، هدیهٔ العارفین (۴۰۶ /۲).

ارموی، محمدرحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۸۵ ق)، شاعر و صوفی. از بزرگان و اشراف افشار ارومیه و نایب‌الصدر آنجا بود. دست ارادت به صدرالممالک داده بود و خلافت و نیابت وی را عهده‌دار بود و در ارشاد طالبین و خدمت فقرا می‌کوشید. از آثارش «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طرائق الحقائق (۲۴۹/۳).

ازرقی هروی، ابوبکر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۲۷ /۵۲۶ ق)، شاعر. پدر وی همان است که فردوسی هنگام گریختن از غزنین به هرات ش ماه در خانه‌ی او مخفی بود. ازرقی ظاهرا در جوانی با خواجه عبداللّه انصاری دوست و از مریدان وی بود. از او نزدیکان طغان شاه پسر آلب ارسلان سلجوقی بود و نزد او مقام و منزلتی ویژه داشت. هم چنین به خدمت امیرانشاه بن قاوردشاه سلجوقی کرمان نیز پیوست و او را مدح گفت. ازرقی در سرودن شعر از سبک عنصری پیروی می‌کرد و به جواب گفتن قصائدش نظر داشت امّا با این همه در تشبیهات بدیع و اوصاف طبیعت نوآوری‌ها داشت و او را از پیشگامان تحول سبک خراسانی به سبک عراقی می‌دانند. آثار وی: «دیوان» اشعارش مشتمل بر دو هزار و ششصد بیت؛ نظم دو داستان «سندباد نامه» «الفیه و شلفیه» که این دو کتاب در حال حاضر موجود نیستند. در تاریخ وفات وی نیز اختلاف است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۵۰ -۷۴۱ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۳۶ -۴۳۲ /۲)، تاریخ گزیده (۷۱۴)، تاریخ نظم و نثر (۵۳)، تذکرهٔ الشعراء (۷۴ -۷۳)، دایرهٔالمعارف فارسی (۱۵ /۱)، الذریعه (۶۸ /۹)، ریحانه (۱۰۹ /۱)، سخن و سخنوران (۲۰۷ -۲۰۲)، لباب الالباب (۱۰۴ -۸۶ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ارزقی)، مجمع الفصحا (۳۵۲ -۳۵۳ /۱)، هفت اقلیم (۱۴۳ -۱۳۸ /۲).

ازغندی، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم سیاسی، دانشکده: اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی اقتصاد صنعتی از مدرسه عالی اقتصاد آلمان غربی در سال ۱۳۴۹، کارشناسی ارشد علوم سیاسی از دانشگاه بن (آلمان غربی) در سال ۱۳۵۳ و دکترای علوم سیاسی از دانشگاه بن (آلمان غربی) در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاههای علامه طباطبائی و شهید بهشتی در سال ۱۳۵۸، دانشیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۶۶ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تجزیه و تحلیل سیاست خارجی آمریکا، مقایسه جهات سیاسی و اجتماعی دو انقلاب مشروطیت و اسلامی، بررسی عوامل انقلاب اسلامی، قرارداد ۱۹۲۱ ایران و شوروی، نقش آمریکا در منطقه خلیج‌فارس و سیاست خارجی ایران، تدریس دروس تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، روابط خارجی ایران، تاریخ روابط بین‌الملل و ارتش و سیاست، استاد راهنمای ۷ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

علل و زمینه‌های داخلی و بین‌الملل اشغال نظامی ایران در شهریور سال ۱۳۲۰، رابطه عقب‌ماندگی اقتصادی جهان سوم یا نظامیگری، رابطه محافل سیاسی- علمی و اداری با صنایع تسلیحاتی، بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی در الجزایر، رابطه عقب ماندگی‌های اقتصادی و سیاسی جهان سوم با مسابقه تسلیحاتی و جامعه‌شناسی جنگ و ارتش.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

ارتش و سیاست در کشورهای جهان سوم، جامعه‌شناسی نظامی، نظام بین‌المللی و سیر تکوینی آن، روابط نظامی ایران و آلمان (۱۲۹۹، ۱۳۲۰)، پروسترویکا

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ازکیا، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده: علوم اجتماعی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ازهری هروی، ابومنصور محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۷۱ / ۳۷۰ -۲۸۲ ق)، ادیب، نحوی، لغوی، فقیه و محدث شافعی. در هرات به دنیا آمد. از شاگردان نفطویه و ابن‌السراج و ربیع بن سلیمان بود و با زجاج و ابن‌الانباری نیز ملاقات کرد و از محمد بن ابی‌جعفر منذری و به یک واسطه از ابوالعباس ثعلب روایت می‌کرد و از شاگردان وی بود. ابن‌درید را درک کرده اما از وی روایت ننموده است. وی در فنون علم حدیث نیز مهارت داشت. مدتی در عراق و جزیرهٔالعرب به جمع لغت مشغول بود. چندی هم به دست قرامطه بادیه‌نشین اسیر شد، و در آنجا بر اثر معاشرت با اعراب هوازن بسیاری از لغات و اصطلاحات حقیقی زبان عرب را فراگرفت. ابوعبید هروی مولف «غریبین» و ابویعقوب قراب و حسین بن محمد باشانی و دیگران از شاگردان ازهری هستند. ابومنصور در هرات درگذشت. از آثار وی: «تهذیب اللغهٔ» در ده مجلد که ابن‌منظور صاحب کتاب « لسان العرب» در مقدمه‌ی کتاب خود آن را از مهمترین کتاب لغت شمرده است؛ «الادوات»؛ «تفسیر اصلاح المنطق»؛ «تفسیر الفاظ مختصر» مزنی؛ «تفسیر السبع الطوال»؛ «التقریب فی التفسیر»؛ «تفسیر شعر ابی‌تّمام»؛ «شرح غرائب الفاظ مستعمل فقها» یا «الزاهر فی غرائب الالفاظ»؛ «معرفهٔ الصبح»؛ «کتاب علل القراءات»؛ «تفسیر القرآن»؛ «معانی شواهد غریب الحدیث»؛ «ردّ علی اللیث».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۲ /۶)، ایضاح المکنون (۶۰۸ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۵۴ /۱)، روضات الجنات (۳۲۲ -۳۲۰ /۷)، ریحانه (۱۱۳ -۱۱۲ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۳۸ /۱)، سیر النبلاء (۳۱۷ -۳۱۵ /۱۶)، کشف الظنون (۱۶۳۶، ۱۴۱۴، ۱۲۰۷، ۱۱۷، ۵۱۵، ۴۶۵، ۴۴۸، ۲۸۹، ۱۰۸، ۳۱)، الکنی و الالقاب (۲۵ -۲۴ /۲)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۳۷۰، ۲۸۲)، معجم الادباء (۱۶۷ -۱۶۴ /۱۷)، معجم المؤلفین (۲۳۱ -۲۳۰ /۸)، الوافی بالوفیات (۴۶ -۴۵ /۲)، وفیات الاعیان (۳۳۶ -۳۳۴ /۴)، هدیهٔ العارفین (۴۹ /۱).

ازهری هروی، جمال‌الدین

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟). شاعر. وی از شاعران نام‌آور عهد خود است که به توصیف عوفی به انواع کمالات آراسته و صاحب قصیده‌ای در مدح سراج‌الملک، تاج‌الدین محمد بوده که در «لباب الالباب» نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :لباب الالباب (۲۱۸ -۲۱۵ /۱)، تذکره‌ی روز روشن (۴۷ -۴۶)، فرهنگ سخنوران (۵۶)، مجمع الفصحا (۲۳۳ -۲۳۲ /۱).

اژدری زاده، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین اژدری زاده

محل تولد : شوشتر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حدود سال ۶۱ و در حالیکه تازه به سوم راهنمایی رفته بودم وارد حوزه شوشتر شدم. مقدمات را در همان مدرسه آغاز کردم. پس از یکی دو سال به حوزه مسجد سلیمان که تازه تاسیس شده بود و اساتید خود را از قم می آوردند، منتقل شدم. حدود دو سال در آنجا بودم و تا مغنی را در همان جا خواندم.

تابستان سال ۶۳ به توصیه یکی از اساتید قمشه ای به همراه یکی از دوستان به قمشه (شهرضا) رفتم. حدود چهار ماهی در آنجا بودیم و معالم و معانی بیان و ... را در آنجا گذراندیم. همان سال به همراه تعدادی دیگر از طلبه های مسجد سلیمان به قم رفتیم. لمعه و اصول را در قم و با شرکت در درسهای آیت الله استادی (لمعه) و حاج آقای خاتمی (اصول) و نیز اساتیدی مانند وجدانی فخر (ره)، محمدی، محامی، اشتهاردی، کوثری و... خواندیم.

پس از خواندن لمعه و اصول، درس های موسسه در راه حق را نیز در سال ۶۶- ۶۷ آغاز کردیم. در همان سالها بود که رسائل و مکاسب را آغاز کردم. این دو کتاب را نزد اساتید معظمی چون: استادی، پایانی، محمدی، اعتمادی، شهیدی و ... گذراندم.

گذراندن رسائل و مکاسب همزمان بود با گذراندن درس های موسسه در راه حق. این درس ها را حدود سال ۱۳۷۱تمام کردم. در اتمام دوره موسسه امام خمینی (ره) به عنوان شاگرد دوم دوره معرفی شده و جایزه ای به همین مناسبت از دست آیت الله جوادی در

مراسمی که در موسسه برگزار شده بود دریافت کردم. در حالیکه در پذیرش دوره تخصصی (روانشناسی) موسسه قبول شده بودم در دوره تخصصی جامعه شناسی دفتر همکاری شرکت جسته و پذیرفته شدم.

(حدود سال ۷۱) دوره تخصصی جامعه شناسی دفتر همکاری را نیز با موفقیت و با معدل بالای ۱۷ (همچون دوره قبل) در حدود سال ۷۶ به اتمام رساندم. در این دوره نیز شاگرد دوم دوره شناخته شدم. از حدود سال ۷۴ کم کم کارهای پژوهشی را نیز در دفتر همکاری که تبدیل به موسسه و سپس پژوهشکده و همچنین پژوهشگاه شد، آغاز کردم و تا هم اکنون یعنی حدود ۱۰ سال است که همکار پژوهشی این مرکز هستم.

حاصل کارهای پژوهشی ام آثاری است که در صفحات آینده متذکر خواهم شد. از جمله دوره های خاص دیگر که در دفتر همکاری گذرانديم می توان به موارد زیر اشاره کرد: یک دوره فشرده تاریخ فلسفه غرب، کلاس ترجمه و زبان تخصصی توسط استاد ملکیان، کارگاه آموزشی روش تحقیق توسط استاد قراملکی.

از حدود سال ۷۰ نیز در درس های خارج فقه و اصول زیر شرکت جسته ام: آیت الله سبحانی (اصول) یک سال، آیت الله فاضل (فقه) یک سال، آیت الله تبریزی (فقه) چهار سال، آیت الله وحید (اصول) سه سال، آیت الله جوادی (فقه) یک سال، آیت الله سید جعفر کریمی (فقه) یک سال.

اژه ای، علی اکبر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در نیمه دوم قرن دوازدهم هجری ستاره ای در آسمان علمِ و فقاهت تشیع درخشید که تلألو درخشش آن تا ابد روشنگر راه مشتاقان علم و حقیقت خواهد بود و او کسی نیست جزملا علی اکبر اژه ای از چهره های درخشان علمی و فرهنگی اصفهان در قرن سیزدهم هجری، وی در روستای اژه از توابع رویدشت در دامان خانواده ای اهل فضل و تقوی پای به عرصه گیتی نهاد و پرورش یافت.

نیاکانش همه از علما و بزرگان عرصه علم و فقاهت بوده اند. ملا علی اکبر مرحوم محمد شریف بن شمس الدین محمد مشهور به مولانا شریفا (آقای شریفای اژه ای اصفهانی) از علمای صاحب نام عصر صفوی بود که شاگردی شیخ بهایی را نموده و از استادان عالم و محقق بزرگ شیعه مرحوم ملا محمد باقر مجلسی به شمار می رفت و به سال ۱۰۸۷ق درگذشت و در رویدشت به خاک سپرده شد اینک مزارش زیارتگاه اهل دل است. همچنین آخوند ملا اکبر از نوادگان دختری علامه فاضل اصفهانی (فاضل هندی) به شمار می رود. آخوند ملا علی اکبر قدم در راه نیکان گذاشت و برای کسب معرفت به اصفهان آمد و از محضر بزرگانی همچون میرزا ابوالقاسم مدرس خاتون آبادی از چهره های درخشان و مدرسین برجسته مدرس چهارباغ و آقا محمد بیدآبادی عالم و فاضل متأله و عارف برجسته قرن دوازدهم بهره مند شد و خود چشمهٔ خودشان علم و حکمت گردید و به مقام اجتهاد نائل آمد در زمینه های فقه، اصول و حکمت جامع علوم گردید. وی از جمله علمای اصولی است که با عقاید شیخ احمد احسائی زعیم فرقهٔ شیخیه و میرزا محمد اخباری سخت مخالف بود و در رد عقاید آنها رسالاتی نوشت. از جمله این ردیه ها: رساله ای در رد پادری نصرانی که شبهاتی به دین اسلام وارد آورده است و ردیّه بر برخی رسائل شیخ احمد احسایی وردیّه ای بر حاج میرزا محمد اخباری که منکر اساس اجتهاد در احکام شرعی بوده است.

وی دارای شخصیتی با ویژگیهای بارز اخلاقی بود و صاحب روضات او را فقیهی متکلم و واعظی متبحر عنوان می کند و از فصاحت و بلاغت، زهد و تقوی و مقام بلند عرفانی اش بسیار یاد می کند. مرحوم عبدالکریم گزی هم در بیان شخصیت او می نویسد: « این بزرگوار از اهل زهد و تقوی و ریاضات شاقّه و قناعت و تهجّد و نماز شب و حالت خوش بوده....»

ملا علی اکبر اژه ای کلامی دلنشین داشت و مواعظ و نصایحش که با حلاوت خاص بیان شده دل را جلا می دهد:« اگرکسی دیده بگشاید و ساعتی سر برگریبان تفکر فرو برد ودر احوال خود تفکر نماید خواهد یافت که این عمر مانند کشتی بر روی دریا در گذراست ومردم مسافرند. اول منزل گهواره و وقت تولد و آخر منزل لحد و قبر و وطن یا بهشت است یا جهنم»

این عارف اندیشمند اندوخته های علمی خود را در قالب کتب و رسالات متعددی برای آیندگان به یادگار گذارده و آثار ارزشمندی در علوم مختلف از وی به جا مانده است. از جمله :

– رساله نماز شب که دربارهٔ چگونگی نماز شب و آداب و ثواب آن بوده و به نوعی بیانگر شخصیت مؤلف است.

– رساله سیر آسمانی در معراج،– ارشاد الواعظین وانحاج الطالبین در اجتهاد و...

این استاد فرزانه شاگردان بسیاری تربیت نمود از جمله از آنها حاج میرزا زین العابدین خوانساری پدر صاحب روضات ملا علی اکبر در محله جوباره سکونت داشت و در مسجد علی در محله هارونیه امامت جماعت را داشت و در همین مدرسه هم تدریس می نمود . وی در کسوت فقر و درویشی روزگار می گذرانید در تهجد و شب زنده داری بسیار استوار بود.

سرانجام مرغ جان این عالم ربانی در یازدهم شوال ۱۲۳۲ ق از قفس خاکی تن رها شد و به افلاک پرگشود و پیکرش را در تخت فولاد در جوار قبر مرحوم ملا اسماعیل خواجویی به خاک سپردند.

اژه‌ای، عبدالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند ملا علی اکبر اژه‌ای، عالم فاضل محقق، فوت فجر شنبه ۴ ربیع‌الاول سال ۱۲۶۵.

ماده تاریخ وفاتش این است:

از پی تاریخ سال رحلتش کفاش گفت

رفته عبدالله از دنیا به گلزار جنان

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اژه‌ای، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل شاعر، از اعقاب ملاعلی اکبر اژه‌ای، ادیب متخلص به «شریفی» متوفی در شب شنبه ۱۲ صفر ۱۳۳۲.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اژه‌ای، محمد علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن ملا عبدالله، عالم فاضل، و محقق فقیه، از شاگردان و مجازین از شیخ محمدبن علی بن شیخ جعفر کاشف الغطاء، متوفی به سال ۱۲۸۹.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

استاجلو، قلی بیگ

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از خویشاوندان یوسف بیگ استاجلو، از اعیان دربار صفویه، بود و در زمان شاه طهماسب، لله و مربی سلطان حسین میرزا، پسر بهرام میرزا، حاکم قندهار شد. او مرد متمولی بود و اشعار فارسی و ترکی را خوب می‌سرود. اثر وی: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۰۷)، الذریعه (۱۶۲/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۷۲).

استاد زاده، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید حسن بن السید الاعلام... از علماء بزرگوار معاصر بابل است در آن شهرستان متولد شده و پس از تربیت در حجر سیادت و علم و فرا گرفتن مقدمات و سطوح بقم مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آیه‌الله حایری و آیه‌الله خونساری و آیات دیگر استفاده نموده و پس از آن مراجعت ببابل و تاکنون باقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

استاد ولی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین استاد ولی در سال ۱۳۳۱ ، در تهران متولد گردید. با به پایان بردن تحصیلات مقدماتی ، وارد دوره ی متوسطه دبیرستان شد ، و در سال ۱۳۴۸ هم زمان با تحصیل در دوره ی متوسطه ، شب ها پس از نماز مغرب و عشاء به مسجد مرحوم حاج ملا محمد جعفر معروف به حوزه ی علمیه ی حضرت آقای شیخ احمد مجتهدی تهرانی می رفت و به فراگیری علوم ادبی و دینی می پرداخت ، او تا سطح لمعه را در آنجا فراگرفت. استاد ولی فراگیری علوم دینی را هم چنان پس از این دوره ادامه داد و توانست در این مدت محضر درس اساتید بزرگی را درک نماید. استادولی کار ترجمه و تصحیح را از سال ۱۳۵۴ نزد استاد غفاری آغاز نمود و در این مدت آثار زیادی به چاپ رساند. تصحیح کتاب «الامالی» حسین استاد ولی ، در دوره دوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از

طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : الهیات و معارف اسلامی

والدین و انساب : پدر حسین استاد ولی ، مرحوم عباسعلی ، معروف به آقای شیخ عباس از کسبه ی متدین و اهل تهران بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین استاد ولی با به پایان بردن تحصیلات مقدماتی ، وارد دوره ی متوسطه دبیرستان شد ، و در سال ۱۳۴۸ هم زمان با تحصیل در دوره ی متوسطه ، شب ها پس از نماز مغرب و عشاء به مسجد مرحوم حاج ملا محمد جعفر معروف به حوزه ی علمیه ی حضرت آقای شیخ احمد مجتهدی تهرانی می رفت و به فراگیری علوم ادبی و دینی می پرداخت ، او تا سطح لمعه را در آنجا فراگرفت. استاد ولی فراگیری علوم دینی را هم چنان پس از این دوره ادامه داد و توانست در این مدت محضر درس اساتید بزرگی را درک نماید.

استادان و مربیان : حسین استاد ولی از سال ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۵۴ در محضر درس شیخ احمد مجتهدی تهرانی حاضر گردید. در سال ۱۳۵۴ در اثر علاقه ی وافر به علم حدیث (با توسل به ذیل عنایت شیخ صدوق) محضر درس میرزا علی اکبر غفاری را درک نمود. و در فاصله ی سال های ۴۸ تا ۵۷ همزمان با تحصیل در مدرسه ی آقا ، در محضر درس حاج سیدهاشم حسینی حاضر گردید. استاد ولی همچنین در سال ۱۳۶۲ به حوزه ی درس آیت الله حاج سیخ محمدتقی شریعتمداری راه یافت و شرح لمعه و بخشی از مکاسب شیخ و چندی نیز خارج المدارک آیت الله حاج سید احمد خوانساری را نزد این استاد فراگرفت.

هم دوره ای ها و همکاران : حسین استاد ولی در سال ۱۳۴۵ با دانشمند گرانمایه آقای میرزا علی اکبر غفاری آشنا شد که ثمرهٔ این آشنایی فراگیری روش تصحیح فنی متون اسلامی از آقای غفاری بود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حسین استادولی کار ترجمه و تصحیح را از سال ۱۳۵۴ نزد استاد غفاری آغاز نمود و در این مدت آثار زیادی به چاپ رساند.

جوائز و نشانها : تصحیح کتاب «الامالی» حسین استاد ولی ، در دوره دوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. --

آثار :

۱ اعراب گذاری کتابهای توحید صدوق، ثواب الاعمال، غیبت نعمانی

۲ الامالی

ویژگی اثر : تصحیح کتاب - برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره دوم کتاب سال-یکی از پایه های معارف اسلامی سخنان و سیره ائم ?اطهار علیهم السلام است، ثقل اصغری که پیامبر اکرم بارها و بارها در حیات خویش به تمسک و پیروی از آن فرمان داده بود. بدین سبب در طول دوران حیات ائم ?اطهار محدثین شیعه با دقت و وسواس بی نظیر خود به گردآوری و ضبط احادیث آن بزرگواران پرداختند و حاصل تلاش آنان مجموعه های روایی بود که به آیندگان به ارث رسید. علمای اسلامی که پس از عصر ائمه و دوران غیبت کبری به سر می بردند در استمرار این سنت حسنه به نقل روایات ائمه علیهم السلام پرداختند. علاوه بر تألیف کتابهای روایی، این بزرگواران با تشکیل مجالس هفتگی و یا ماهانه به نقل حدیث می نشستند و شاگردان ایشان با کتابت این احادیث مجموعه هایی را می پرداختند که در اصطلاح «امالی» نامیده می شود. یکی از علمان بزرگ شیعی که چنین مجالسی را برپا می داشت فخرالشیعه ابوعبدالله محمدبن النعمان العکبری الغدادی، معروف به شیخ مفید (متوفی به سال ۴۱۳ هـق) می باشد. شیخ مفید از دانشمندان بزرگی است که در فنون مختلف اسلامی تبحر فراوانی داشته و در دفاع از حریم اهل بیت علیهم السلام با قدرت بی نظیری به بحث و مناظره می پرداخته است. کتاب «الامالی» دربرگیرند ?۴۲ جلس ?نقل روایت است که اولین آن در ماه مبارک رمضان سال ۴۰۴ هجری و آخرین آن در روز شنبه ۲۷ ماه مبارک رمضان سال ۴۱۱ هجری برگزار شده است و در مجموع حاوی ۳۸۷ حدیث در مسائل مختلف می باشد. در تصحیح کتاب، مصحح محترم با مراجعه به نسخ مختلف و نیز افزودن تعالیق مفید، در مجموع کار ارزنده ای را به انجام رسانده که سبب احیای مجدد این کتاب شده است. فهارس تفصیلی اعلام، بیوتات قبایل و اماکن نیز به این کتاب ارزش افزونتری بخشیده است

۳ الامام علی بن ابی طالب (ع)

۴ الامام مهدی

ویژگی اثر : ترجمه

۵ امالی مفید

۶ بحرالمعارف

۷ ترجمه مستقلی از قرآن کریم

۸ دعاهای مفتاح الفلاح

۹ علم الیقین

۱۰ قصه های طاقدیس

۱۱ قصه های عارفان

منابع زندگینامه : ۱www.ketabesal.ir۲دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی ، به کوشش: بهاءالدین خرمشاهی ، تهران: انتشارات دوستان و ناهید، ص ۱۹۶

استادی مقدم، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا استادی مقدم

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۶/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔالله رضا استادی مقدم (تهرانی) در سال ۱۳۱۶ در تهران در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج خداداد که در سال ۱۳۷۲ دار فانی را وداع گفت، مردی متدین و اهل خیر بود که هماره فرزند خود را در مسائل معنوی و مادی کمک می‌کرد. او در قبرستان وادی‌السلام قم در مقبره‌ای که خود تهیه کرده بود، مدفون است.

آیهٔالله استادی در سن هفت سالگی به دبستان رفت و در دوازده سالگی تحصیلات دوره ابتدایی را به پایان رساند. پس از آن تا شانزده سالگی به کار و کسب مشغول بود. در شانزده سالگی به وساطت دو نفر از مؤمنان، به مسجد امین الدوله بازار تهران و مدرسه علمیه مروی رفت و تحصیل علوم دینی را آغاز کرد. حدود چهار سال از عمر طلبگی خود را در تهران سپری کرد و سپس به حوزه علمیه قم شرفیاب شد و در دروس دوره سطح شرکت می‌کرد. سپس حدود ده سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت کرد و از محضر استادان برجسته روزگار خود بهره برد. او دو بار به عتبات عالیات مشرف شده بود که نخستین بار آن در دوران کودکی و بار دوم در دوران تحصیل بود و چند ماه به طول انجامید که در طی این چند ماه در درس خارج برخی از استادان آن دیار نیز حاضر شد.

آیهٔالله استادی در طی این سالها، شوق فراوانی به گردآوری کتب و مطالعه آنها داشت که این مسأله، بعدها در شکل‌گیری روحیه پژوهشگری او تأثیر بسزایی داشت. همچنین در این سالها در درس اخلاق استادان حوزه علمیه تهران و قم حاضر می‌شد.

آیهٔالله رضا استادی در سالهای تحصیل خود، محضر استادان بسیاری را درک کرد. او در حدود چهار سال در تهران، از محضر آقایان حاج شیخ عبدالکریم حق شناس امام جماعت مسجد امین الدوله، حاج شیخ احمد مجتهدی امام جماعت مسجد حاج ملاجعفر، مرحوم حاج شیخ هادی مقدس واعظ، مرحوم حاج میرزا عبدالعلی تهرانی امام جماعت مسجد بزازهای تهران و... استفاده کرد. در قم نیز در چند سالی که دروس دوره سطح را می‌خواند به درس آیهٔالله ستوده، آیهٔالله میرزا حسین نوری، آیهٔالله خزعلی، آیهٔالله محمدی شاه‌آبادی، آیهٔالله جعفر سبحانی، آیهٔالله منتظری، آیهٔالله مکارم شیرازی، آیهٔالله سلطانی بروجردی، آیهٔالله آذری قمی رفت و از درس ایشان بهره برد.

در ضمن در درس اخلاق و توسل مرحوم آیهٔالله حاج شیخ عباس طهرانی و مرحوم حاج آقا حسین فاطمی شرکت کرد. با پایان یافتن دوره سطح نیز به دروس خارج آیات عظام مرحوم سید حسن فرید اراکی، مرحوم سید محمد محقق داماد یزدی، مرحوم سید محمدرضا گلپایگانی، مرحوم سید کاظم شریعتمداری، مرحوم حاج شیخ محمد علی اراکی و آیهٔالله حاج سید موسی شبیری زنجانی رفت و در چند ماهی که در نجف حضور داشت، در درس خارج امام خمینی (ره)، آیهٔاللهالعظمی خویی (ره) و شهید سید محمد باقر صدر (ره) شرکت جست. او در سالهای تحصیل خود که نزدیک به بیست سال بود، با برخی از فضلا و بیش از همه با آیهٔالله سید محسن خرازی درسها را مباحثه می‌نموده است و در طی این سالها، خود از تدریس دروسی که خوانده بود، غافل نماند. ایشان از باب تیمّن و تبرک از مرحوم آیهٔالله سید مصطفی صفایی خوانساری و مرحوم آیهٔالله شیخ محمد تقی تستری (مؤلف قاموس الرجال) و آیهٔالله نجومی اجازه روایت دریافت کرد.

آقای استادی تا به امروز فعالیتهای فرهنگی بسیاری را به عالم اسلام تقدیم داشته است. او در طول سالهای متمادی به تدریس کتابهای شرح لمعه، اصول فقه، مکاسب، رسائل، کفایه، و نیز اصول عقاید و تفسیر پرداخته و از این رهگذر، شاگردان بسیاری را پرورانده است.

از آغازین سالهای تحصیل، به امر تبلیغ اهتمام داشته و به نقاط گوناگونی رفته و مردم آنجا را ارشاد نموده است. همچنین در برخی سمینارها و همایشهای علمی، مانند کنگره شیخ انصاری، شیخ فضل الله نوری، رشیدالدین میبدی، سید حسن مدرس، میرزاکوچک خان، سید شرف الدین و کنگره امام رضا (ع) و نیز همایش اقتصاد اسلامی به ایراد سخن پرداخته است. از کارهای مهم ایشان در این عرصه تهیه، تنظیم و چاپ آثار سه کنگره عظیم شیخ مفید، مقدس اردبیلی و آقاحسین خوانساری است که حدود ۵ سال، بیشتر اوقات ایشان را به خود مصروف داشته است. پس از آن نیز تنظیم آثار کنگره فاضلین نراقی و نخبگان گلپایگان و چاپ آن به عهده ایشان بوده است.

آیهٔالله استادی سه سال مدیر حوزه علمیه قم و پنج سال سرپرست کتابخانه مسجداعظم بود و چند سال است که عضو شورای عالی حوزه علمیه قم می‌باشد. او حدود شش سال از اعضای هیأت امنای دائرهٔالمعارف اسلامی، سه سال از اعضای مشاوران کتابخانه آستان قدس رضوی بود و حدود سی سال است که به همراه آیهٔالله خرازی، در هیأت مدیرهٔ مؤسسهٔ در راه حق می‌باشد. وی از سال ۱۳۵۰ تاکنون در کنار درس، به تألیف، تصحیح و ترجمه نیز اشتغال داشته است.

آیهٔالله استادی تاکنون حدود ۱۵۰ مقاله نگاشته که پس از چاپ در مجلّات به صورت کتابهایی با نام‌های مختلف تجدید چاپ شده که در بخش تألیفات ایشان یاد شد. وی کتب بسیاری را تصحیح نموده است که از جمله می‌توان الکافی فی الفقه، تقریب المعارف، نفس المهموم، دو جلد از جواهر الکلام، المسلک محقق حلّی، ۹ رساله از محقق حلّی، منهج الرشاد، هفده رساله فارسی، چهارده رساله عربی، سی رساله مرحوم آقامیرزا احمد آشتیانی را نام برد.

همچنین وی بر چاپ کتب بسیاری نظارت داشته است که از جمله آنها به میزان الطالب، چهارده جلد از تفسیر نور، التوازن الاسلامی، الحکومت الاسلامیه فی روایات الشیعه و چند جلد از تألیفات آیهٔالله العظمی اراکی را می‌توان اشاره کرد.
آیت‌الله استادی در پیش از انقلاب، دوشادوش مردم به مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه پرداخت و پس از انقلاب به عضویت جامعه مدرسین حوزه علمیه قم درآمد. وی همواره به تبعیت از راه امام خمینی(ره) و حمایت از رهبری مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید داشته و هماره دستاوردهای انقلاب را که همانا حاصل خون هزاران شهید بوده، پاس می‌داشته است.

استادی مقدم، کاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کاظم استادی مقدم

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۵/۵

استادی مقدم، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن استادی مقدم

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۵۵ بعد از گذراندن دوره دبستان و راهنمایی وارد دروس حوزوی (مدرسه رسالت) شدم. از سال ۵۵ تا ۷۵ جسته و گریخته درس خوانده و خارج را به پایان رسانده و در نظام حوزه تمامی پایه‌ها را امتحان داده و قبول شدم.
در ضمن سالیانی که در مناسب مختلف اجتماعی و نظامی اشتغال داشته موفق به ادامه دروس جدید شدم. پس از گرفتن دیپلم، در دانشگاه آزاد قبول و تا لیسانس الهیات (گرایش فقه و مبانی حقوق) تحصیل نمودم. در سال ۶۹ تا ۷۳ در مؤسسه در راه حق مشغول بوده که با تألیف و تحقیق آشنا شدم و کار نشر را شروع نمودم.
در سال ۷۴ تا ۷۸ در دانشگاه امام حسین (ع) مشغول تدریس و تحقیق بودم. در این دوره سردبیر مجله دانش نظامی و موفق به چاپ ۴ فصل شدم. در سال ۷۸ از مناسب اجتماعی و نظامی و دانشگاهی فارغ التحصیل شده و شروع به تحقیق نمودم که در این سالها موفق به تدوین و تنظیم و ویراستاری و چاپ و نشر حدود ۴۰ کتاب و جزوه برای وزارت کار شدم.
در این مدت پروژه‌ای از سازمان تبلیغات گرفته که عنوان پروژه آسیب‌شناسی فرهنگ امام حسین (ع) بود. دارای ۶ فصل: ۱- تاریخ عزاداری ۲- عزاداری (مبانی فقهی) ۳- فتاوی علماء ۴- واژه شناسی ۵- روایات ۶- عزاداری نمونه، که حدوداً هزار صفحه در ۴ عنوان اولیه و حدوداً صد صفحه در عنوان پنجم آماده نمودند که برای کارشناسان سازمان تبلیغات کاربری داشته و چاپ شده است.
در سالهای جدید هم تحقیقاتی داشته ام که هنوز فیش برداری آنها در دست اقدام است و در آینده آماده چاپ خواهد شد.
در ضمن کار نشر هم شاید بالغ بر صد کتاب که آماده چاپ نموده‌ام ویراستاری و در بسیاری اضافات و تدوین کتابها را انجام داده‌ام ولی به اسم خود مؤلفین چاپ شده است.

استادی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا استادی یکی از ستارگان درخشان حوزه علمیه قم است. که در سال ۱۳۱۶ شمسی در تهران به دنیا آمده و در دامان والدشان حاج خداداد استادی که از مردان نیک و خیر تهران است پرورش یافته و پس از خواندن دروس ابتدائی به تحصیل علوم دینی پرداخته و در خدمت حاج شیخ عبدالکریم حقشناسی و حاج شیخ احمد مجتهدی و حاج شیخ هادی مقدس واعظ و مرحوم حاج

میرزا عبدالعلی تهرانی و دیگران مقدمات و سطوح را خوانده و سپس عزیمت به قم نموده و سطوح وسطحی و نهائی را از اساتید بزرگ آیات حوزه چون حاج شیخ محمدتقی ستوده و حاج میرزا حسین نوری و حاج شیخ ابوالقاسم خزعلی و حاج میرزا محمدشاه آبادی و حاج شیخ جعفر سبحانی و آقای منتظری و حاج آقای مکارم و آقای آذری و حاج سید محمدباقر سلطانی و جوادی آملی استفاده نموده سپس حدود ۱۲ سال از دروس خارج فقه و اصول آقایان مراجع و اساتید بزرگ چون حاج آقا حسن فرید محسنی اراکی و آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و حاج شیخ محمدعلی اراکی و آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم تبریزی و حاج آقا موسی شبیری زنجانی استفاده کرده و در خلال این سالها عزیمت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات آنجا چون آیت‌اللّه خوئی و آیت‌اللّه خمینی و آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر صدر شهید استفاده نموده و در طول بیست سال غالبا شریک بحث آیت‌اللّه سید محسن خرازی بوده.

آقای استادی در خلال تحصیل اشتغال به تدریس سطوح فقه و اصول شرح لمعه و اصول مظفر و رسائل و مکاسب و کفایه و اصول عقاید داشته و دارند.

آثار و تألیفات استادی

آقای استادی در طول پانزده سال است که در کنار تدریس اشتغال به تألیف و تصنیف و ترجمه و تصحیح دارند و از خود آثار به جای گذارده که اغلب به طبع رسیده است و آنها از این قرار است:

۱- فهرست کتابهای خطی کتابخانه مدرسه فیضیه قم در دو مجلد که به چاپ رسیده است- چاپ قم.

۲- فهرست کتابهای خطی کتابخانه عمومی آیت‌اللّه گلپایگانی جلد دوم و سوم.

۳- فهرست کتب خطی مدرسه حجتیه.

۴- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد جامع چهل ستون تهران.

۵- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حسینیه شوشتریهای نجف اشرف ج ۱۲ -۱۱.

۶- فهرست صد و شصت نسخه خطی چاپ قم.

۷- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌اللّه حجت (ره).

۸- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه طبسی حایری.

۹- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حاج شیخ علی خونساری.

۱۰- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم.

۱۱- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌اللّه زنجانی.

۱۲- کتابنامه نهج‌البلاغه چاپ بنیاد نهج‌البلاغه.

۱۳- کتابنامه امام صادق علیه‌السلام چاپ موسسه راه حق قم.

۱۴- کتابنامه امام حسین علیه‌السلام.

۱۵- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه سید مهدی روحانی.

۱۶- اصول دین برای همه چاپ دارالفکر.

۱۷- شوری در قرآن و حدیث.

۱۸- مدارک نهج‌البلاغه.

۱۹- تحقیق در یک مسئله فقهی.

۲۰- بررسی قسمتی از کتاب شهید جاوید.

۲۱- خاتمیت از دیدگاه عقل و قرآن و حدیث.

۲۲- شفاعت در قرآن و حدیث.

۲۳- چهل داستان چاپ کتابفروشی علامه.

۲۴- تحقیق درباره دعاء ندبه.

۲۵- توضیحی در پیرامون آیه خمس.

۲۶- امامت در چند درس.

۲۷- تحقیق در پیرامون فقه الرضا و چندین مقاله و جزوه‌های دیگر که به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

استخر، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مشروطه‌خواه، روزنامه‌نگار، قاضی، نماینده‌ی مجلس. در ۱۲۶۶ در یکی از دهات آباده متولد شد. پدرش شیخ اسداللّه واعظ از روحانیون منطقه و منبری بود. تا شانزده سالگی در زادگاه خود به تحصیل اشتغال داشت. سپس به شیراز رفت و تحصیلات خود را در ادبیات فارسی و ادبیات عرب و معارف اسلامی ادامه داد و صاحب فضل و دانش نسبی گردید. در مشروطیت فعالیت داشت و وارد حزب دموکرات فارس شد. در این حزب فعالیتی شایسته از خود بروز داد و مورد توجه آزادیخواهان فارس قرار گرفت. برای استفاده از اطلاعات و معلوماتش به شغل معلمی دعوت شد و به مدیریت مدارس جدید ارتقاء یافت. در ۱۲۹۷ امتیاز روزنامه‌ی

استخر را گرفت و به انتشار آن در فارس همت گمارد و طرفدارانی پیدا کرد. در ۱۳۰۶ از وزارت معارف به عدلیه انتقال پیدا نمود و شغل قضائی به او ارجاع شد. سال‌ها در سمت بازپرس و دادستان و رئیس دادگاه در شهرهای مختلف خدمت می‌کرد. در سال ۱۳۲۰ از خدمت قضا کناره‌گیری کرد و مجدداً به وزارت معارف رفت. به امور مطبوعاتی و علمی پرداخت و نشریه‌ی استخر را با وضع مناسب‌تری انتشار داد. در سیاست کلی فارس صاحب نظر گردید. در دوره‌ی هیجدهم از شیراز وکیل شد. در دوره‌ی نوزدهم نیز وکیل بود، ولی به علت کبر سن به ادوار بعدی مجلس راه نیافت. مردی ادیب و دانشمند و در مسائل مختلف صاحب نظر بود. روزنامه‌اش قریب چهل سال در شیراز انتشار یافت. غالب مردم فارس به نیکی از او یاد می‌کنند. در ۱۳۴۸ درگذشت. آثار و تحقیقات تاریخی و ادبی از وی به یادگار مانده است. به زبان و ادبیات عرب تسلط داشت و به آن زبان شعر می‌سرود.

(۱۳۸۷ -۱۳۰۶ ق)، نویسنده، دانشمند و روزنامه‌نگار. در بوانات فارس متولد شد. تحصیلات اولیه را نزد پدر و در زادگاه خود فراگرفت. به شیراز رفت و در آغاز علوم متداول زمان مانند ادبیات عرب و فارسی را آموخت و به آموزگاری پرداخت. با مطالعه و پشتکار بسیار در امور اجتماعی و تاریخ و فلسفه تبحر یافت و در آغاز مشروطیت وارد امور سیاسی شد و روزنامه‌ی سیاسی و اجتماعی و ادبی «استخر» را از سال ۱۳۳۶ ش به مدت چهل سال منتشر ساخت و در ضمن آن به کارهای دولتی نیز مشغول بود. وی در دوره‌ی هجدهم و نوزدهم از طرف اهالی فارس به نمایندگی مجلس شورا انتخاب شد. آثار وی: ترجمه‌ی «پیشوایان فکر»، طه حسین؛ «فرهنگ اسلام»؛ «چهل مقاله تاریخ تصوف»؛ ترجمه‌ی «مظاهر محمدی»، توفیق الحکیم؛ «مهمانیها و پذیرائیهای شاهانه»؛ ترجمه‌ی «مجموعه‌ی یادداشتهای رضاشاه»، علی بصری؛ «چند صفحه از تاریخ بزرگترین تحولات علمی»؛ «روابط ایران و عرب قبل از اسلام و بعد از اسلام»، ترجمه‌ی «الصلاهٔ بین العرب و الفرس».[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۱۵۷ -۱۵۵ / ۱)، دانشمندان فارس (۲۶۱ -۲۵۷ / ۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۴۶ -۱۴۵ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹۸ -۶۹۷ / ۲).

استرآبادی

قرن:۱۰

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن دهم هجری، از زنان شاعر. پدرش مردی شیعه مذهب و از طرف شاه اسماعیل صفوی قاضی هرات بود. پس از مرگ امیر نظام گروهی از مردم به جرم شیعه بودنش، مانع می‌شدند تا بر روی قبر او سنگ بیاندازند. دخترش با ارسال قطعه شعر زیر از حاکم هرات کمک خواست و او جواب مثبت داد.

سر فرازا نظام سحر کلام

از چه رو مانده قبر او بی‌سنگ

داشت در جان و دل محبت تو

عجبم آید از مروت تو

در زمان حیات چون نکشید

منت دیگران به دولت تو

در ته خاک نیز آن بهتر

که بود زیر بار منت تو

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: حدیقهٔالشعراء، ۲۱۵۴ -۲۱۵۲ / ۳.

استرآبادی ، ملا جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج ملاجعفر بن ملاسیف الدین استرآبادی

حاج ملاجعفر بن ملاسیف الدین استرآبادی معروف به شریعتمدار تهرانی از فقها و مجتهدین امامیه‌ی قرن سیزدهم هجری، صاحب تحقیقات و تالیفات متعدد، بسیار متقی و محتاط و پرهیزکار بود. بیشتر ایام جوانی را به تحصیل علم و دانش سپری کرد و از محضر اساتید برجسته‌ی زمان بهره برد. ملاجعفر شریعتمدار تهرانی علاوه بر منصب قضاوت، در ادبیات عرب و سرودن شعر نیز مهارتی بسیار داشت اما شهرت او بیشتر به خاطر تالیفات متعدد وی در زمینه‌های فقه، اصول فقه، حکمت، کلام و اخلاق است. مهم‌ترین آثار به جا مانده از وی، کتب مصابیح در اصول فقه، الشَّارِعُ الکبیر، سفینهُ النجاهٔ و البراهینُ القاطِعَه در حکمت و کلام می‌باشد. ملاجعفر شریعتمدار در ۶۶ سالگی وفات یافت و بدن وی را در نجف اشرف، در کنار مزار علامه‌ی حلی به خاک سپردند.

برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

منابع زندگینامه :تقویم تاریخ

استرآبادی، ابواحمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابواحمد محمد امین بن عبدالنبی بن عبدالصانع محدث اخباری استرآبادی متولد ۲۱ ذی‌قعده ۱۱۷۸ ق در هند صاحب تألیفات عدیده و رسائله کثیره در فنون عقلیه و نقلیه که بواسطه جسارتش به علماء بزرگوار به امر علامه سید محمد مجاهد کربلائی فرزند صاحب ریاض در سن ۵۵ سالگی مقتول گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

استرآبادی، اسحاق

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۷۷۱ ق)، نویسنده و شاعر. ملقب به مرشد. از اصحاب فضل‌اللّه حروفی بود و رسایلی به نظم و نثر در بیان عقاید حروفیه نوشته است. از آثار وی: کتاب «محرم نامه» نوشته شده به سال ۸۳۱ ق و کتاب «ترابنامه» که برخی تذکره‌نویسان به خطا «شراب‌نامه» ضبط کرده‌اند و مثنوی‌های سه‌گانه «بشارت‌نامه»، «اشارت‌نامه» و «نامه‌ی نامی» سروده شده به سال ۸۰۷ ق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۸۹۱).

استرآبادی، جمال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جمال‌الدین استرآبادی بن آیت‌اللّه حاج آقا ضیاءالدین از فضلاء دانشمندان معاصر شمیران تهران است.

وی در حدود ۱۳۵۰ قمری در تهران متولد شده و دروس جدید و مقدمات را در تهران خوانده آنگاه به قم آمده و چند سالی توقف و سطوح را از مدرسین بزرگ فراگرفته و پس از آن مهاجرت به نجف و در مدرسه آیت‌اللّه بروجردی نجف اقامت و به تحصیل فقه و اصول پرداخته و از دروس و ابحاث آیات عظام نجف چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللّه العظمی خوئی و دیگران استفاده نموده و بعد بواسطه کسالت مزاج به تهران مراجعت و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و نشر معارف مشغول و اکنون در تجریش شمیران به انجام وظائف دینی اشتغال دارد.

از آثار ایشانست حسینیه استرآبادی که در اوائل خیابان پهلوی تجریش قرار دارد و در آن برنامه‌های دینی اجراء می‌گردد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

استرآبادی، حسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، دانشمند شیعی. پدرش شیخ محمود در پادشاهی شاه‌طهماسب اول (وف ۹۸۴ ق) به دربار صفوی پیوستگی داشت و در مجلس پادشاه زیاده از دیگران سخن موعظت آیین حقیقت بنیان گستاخانه بر زبان می‌راند و نهی و مسامحه جایز ندانسته مبالغه بر سر حد افراط می‌رسانید و چون خالی از اغراض دنیوی بود شاه نیز به نصایح او با خرسندی گوش فرا می‌داد. شیخ حسن نیز مانند پدرش مردی فاضل و پاکدامن و پارسا بود و در سالهایی که ازبکان به سرکردگی عبداللّه‌خان ثانی (وف ۱۰۰۶ ق)، بر خراسان استیلا یافته بودند، وی از مشهد به قزوین نزد شاه‌عباس اول (وف ۱۰۳۷ ق) آمد و نزد او از حرمت فراوان برخوردار بود و شاه در سفرهایش وی را با خود می‌برد. شاه عباس پس از بیرون راندن ازبکان از خراسان شیخ حسن را به تولیت آستان قدس گماشت و او تا پایان زندگی به نیابت از شاه‌عباس سرکشیک‌باشی و کلیددار روضه‌ی رضوی بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۰۴/ ۵)، عالم آرای عباسی (۱۵۸ -۱۵۷/ ۱).

استرآبادی، حسین، حسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۳۹ ق)، قاضی و شاعر شیعی، متخلص به حزنی/ حزینی. وی در هرات می‌زیسته و قاضی این شهر بوده است. در سال ۹۳۹ ق که عبیداللّه‌خان ازبک به خراسان لشکر کشید او را به بهانه‌ی تشیع و هواخواهی از صفویه به قتل آورد. امیر علیشیر نوایی، وی را به

داشتن طبع خوب می‌ستاید. از او «دیوان» شعری باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۷۹ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۶۷۴)، تحفه‌ی سامی (۵۳ -۵۲)، تذکره‌ی روز روشن (۱۹۹)، الذریعه (۲۳۵ /۹)، فرهنگ سخنوران (۲۵۲)، لغت‌نامه (ذیل/ حزینی استرآبادی)، مجالس النفائس (۷۸).

استرآبادی، ضیاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۳ ق)، فقیه و اصولی. پس از طی مقدمات و سطوح نزد پدرش و آقا سید محمد وحید در تهران، به قم رفت و در حوزه‌ی درس حاج شیخ حسن فاضل و آیت‌اللّه سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللّه حائری‌یزدی حاضر شد تا مقام اجتهاد یافت و به دریافت اجازه از آیات عظام حائری و اصفهانی و خوانساری و حکیم نایل شد. پس از درگذشت آیت‌اللّه حائری مشغول تدریس متون فقه و اصول گردید و پس از فوت پدرش به تهران آمد و به جای او به ترویج دین پرداخت و مدیریت مدرسه علمیه محمدیه را متعهد و به سرپرستی طلاب اشتغال یافت. از آثار وی: «تقریرات مباحثات فقه و اصول استدلالی» استادانش؛ «رسالهٔ العقائد الامامیهٔ»؛ «رساله‌ای در خمس»؛ «رساله‌ای در زکوهٔ»؛ «رساله‌ای در تجرّد بقاء روح»؛ «حواشی بر عروه الوثقی».[۱]

سید ضیاءالدین فرزند مرحوم مغفور حاج سید محمد استرآبادی عالمی جامع و دانشمندی کامل و فقیهی ورع محلی بلباس تقوا و قدس میباشد. معظم له از احفاد امام زاده عظیم‌الشان سید عمادالدین حسینی علوی که به چند واسطه بحضرت سیدالساجدین و زین العابدین علی ابن الحسین علیهماالسلام از فرزندش جناب عبداللّه الاصغر منتهی میشود. جناب سید عمادالدین در یکی از مضافات هزار جریب مدفون و زیارتگاه مردم آن سامان میباشد.

مترجم عزیز ما در حدود سال ۱۳۲۳ ق متولد و پس از طی مقدمات و سطوح نزد مرحوم والد و آقا سید محمد وحید در تهران به قم مشرف و بحوزه تدریس مرحوم حاج شیخ حسن فاضل و بعد آیه‌اللّه حاج سید محمد تقی خونساری و مرحوم آیت‌اللّه موسس حاج شیخ عبدالکریم حایری- ره- حاضر تا بمقام منیع اجتهاد و اصل و مجاز از آیات عظام حایری و اصفهانی و خونساری و حکیم و دیگران گردیده و در آن اجازات که بنظر حقیر رسیده تصریح باجتهاد آن جناب نموده‌اند. پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه حایری مشغول تدریس متون فقه و اصول گردیده تا سال ۱۳۶۵ ق بعد از فوت مرحوم والدش به تهران آمده و بجای مرحوم پدر در مسجد جمعه باقامت جماعت و ترویج دین و تفسیر آیات مبین و نیز مدیریت مدرسه علمیه محمدیه را متعهد و در آنجا بتدریس و سرپرستی چهل نفر از طلاب و محصلین اشتغال دارد.

آثار علمی آن جناب از این قرار است:

۱- تقریرات مباحثات فقه و اصول استدلالی اساتید قم. ۲- رساله العقائد الامامیه. ۳- رساله‌ای در خمس. ۴- رساله‌ای در زکوه. ۵- رساله‌ای در صلوه اللیل. ۶- رساله‌ای در تجرد بقاء روح. ۷- سؤال و جواب عروه الحج در مناسک حج مطبوع. ۸- حواشی توضیح المسائل مرحوم بروجردی. ۹- حواشی بر عروه الوثقی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۴ -۳۷۳ /۴).

استرآبادی، عبدالحی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم و نهم ق)، خطاط و نقاش. از اهالی استرآباد بود. در زمان علاءالدوله،پسر بایسنقر میرزا (۸۶۵ -۸۲۰ ق)، می‌زیست. ولی در بغداد نشوونما یافت. وی به امر امیر تیمور گورکانی در حدود ۷۹۵ ق بعد از فتح بغداد به سمرقند رفت و به خواجه عبدالحی هروی معروف شد. او پایه‌گذار سبک تیموری در سمرقند است که به همراه استادان تصویرساز نامی دیگر، مکتب ثانی بغداد را به سمرقند و سپس به هرات برد و به وسیله‌ی سلطان ابراهیم میرزا شاهرخی به شیراز برگشت و در آن دیار توسعه یافت. از استادان وی، خواجه تاج‌الدین سلمانی و استاد شمس‌الدین از همه معروفتر هستند و صاحب «مناقب هنروران» وی را در خط و نقاشی شاگرد محمد سیمی نیشابوری ذکر کرده است. سلطان احمد بن اویس جلایر، پیر احمد باغ شمالی و محمد بن محمود خیامی از شاگردان مهم وی به شمار می‌آیند. از آثار منسوب به او: نسخه‌ی «دیوان» مصور خواجوی کرمانی، که در ۷۹۹ ق انجام یافته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۴۶۹ / ۳، ۳۲۴ -۳۲۲ / ۱)، تاریخ هنرهای ملی (۳۳۵ -۳۳۴ / ۱)، گلستان هنر (سی و پنج، سی و شش، ۱۵۰)، مناقب هنروران (۹۸، ۵۷).

استرآبادی، عصمت

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن سیزدهم هجری، از زنان عابد و شاعر. وی همسر میرزا احمد حسین متخلص به «وفا» بود که پس از دو شوهر به ازدواج او درآمد. به نوشته محمدصالح استرآبادی عصمت زنی باتقوا و عابد بود و نافله‌ی شب را ترک نمی‌کرد. او طبع شعر داشت. ابیات زیر از اوست:

عصمت منم که چهره بود مهر خاورم
این سر برهنه مه نشود بند چادرم
گویی ستاره بر لب کوثر برهنه حور
چون در کنار برکه کنم عور پیکرم
چون مریم عفیفه ولیکن خدیجه‌ام
پای حرام کس نرسیده به بسترم
کفتار جفت اولم و دومین شغال
وینهم سگی است کاش نمی‌زاد مادرم

وی مورد علاقه فراوان همسرش بود. که رباعی زیر را در مدح او سروده است:

عصمت تو و مادر تو آن دخت بتول
مشهور به حسنید و به تقوا مقبول
سلطان مسلمید در خطه‌ی حسن
این خطه خدایتان مگر داده تیول

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: تاریخ تذکره‌های فارسی، ۱۸۱ / ۱؛ تذکره علما و شعرای استرآباد، ۱۷۲.

استرآبادی، محمد امین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۶۳ ق)، خطاط. از آثار وی: یک قطعه ثلث دو دانگ جلی خوش و نسخ کتابت خفی متوسط و رقاع کتابت خفی خوش، با رقم: «مشقه العبد المذنب محمد امین الاسترآبادی»، ۱۰۶۳ ق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۴۲/ ۴).

استرآبادی، محمد علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علامه‌ی فقیه آخوند ملا محمد علی بن احمد استرآبادی یکی از دامادهای چهار گانه‌ی مجلسی اول بوده، و خود عالمی محقق، و فقیهی جامع بوده، در ۵ شنبه اول رجب ۱۰۱۰ متولد شده، و در () وفات یافته، قبرش در بقعه‌ی مجلسی در ایوانچه‌ی پایین پا قبر مرمر بلند بسته‌ای دارد، و در همین قبر مرحوم آقا میرزا جعفر امام جمعه مدفون می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

استرآبادی، محمد، مقیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۰۲ ق)، شاعر. وی از مردم صاحب کمال دیار خود بود. در ۱۰۰۲ ق در هند به سر می‌برد و از طریق ملازمت امراء معیشت خود را تأمین می‌کرد. وی شعر می‌گفت و اشعاری از او در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

خواهی که ز خویش بهره یابی
بی بهرگی از جهان طلب کن

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۹۱/ ۹)، صبح گلشن (۴۴۳)، فرهنگ سخنوران (۸۷۰)، کاروان هند (۱۳۳۳/ ۲)، لغت نامه (ذیل/ مقیم استرآبادی)، هفت اقلیم (۱۲۲/ ۳).

استرآبادی، محمدامین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۳۶ -۱۰۳۰ ق)، فقیه و محدث اخباری. در استرآباد متولد شد. به مکه معظمه مهاجرت کرد و در آنجا مقیم شد. ابتدا در سلک اصولیان بود و از صاحب «مدارک» و صاحب «معالم» و میرزا محمد استرآبادی، صاحب «رجال»، اجازه‌ی روایت داشت. وی پس از آن، از طریقه‌ی اصولی به اخباری روی آورد و کتابی هم به نام «فوائد المدینهٔ»، در رد اصولی‌ها نوشت. سرانجام در مکه درگذشت. دیگر آثار وی: «حاشیهٔ علی شرح المدارک»؛ «شرح التهذیب»؛ «شرح الاستبصار»؛ حاشیه بر «انموذج العلوم» جلال‌الدین دوانی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۳۷ /۹)، خاتمه مستدرک الوسائل (۱۹۳ -۱۸۹ /۲)، الذریعه (۳۵۸ /۱۶، ۱۸۱، ۲۶ /۶، ۲۱۷ /۵)، روضات الجنات (۱۴۸ -۱۲۹ /۱)، ریحانه (۱۱۵ -۱۱۴ /۱)، فوائد الرضویه (۳۹۹ -۳۹۸)، معجم المؤلفین (۷۹ /۹)، هدیهٔ العارفین (۲/ ۲۷۴).

استرآبادی، محمدتقی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی بن ملا محمد اسماعیل استرآبادی از علماء اعلام عصر خود و از شاگردان شیخ محمدحسن صاحب (الجواهر) و علامه سید ابراهیم قزوینی صاحب (الضوابط) بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

استرآبادی، محمدمؤمن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۳۴ ق)، دانشمند و شاعر. از سادات استرآباد و خواهرزاده‌ی میر فخرالدین سماکی. وی از عالمان دوران شاه و بیست و پنج سال وزیر و معلم فرزند او، حیدر میرزا، بود. پس از کشته شدن آن شاهزاده به هندوستان رفت و در دکن مورد ملاطفت سلطان ابراهیم قطب‌شاه قرار گرفت. بنا به قول اسکندر بیک ترکمان در سال ۱۰۲۵ ق در قید حیات بوده است. «رساله‌ی» او در عروض یک مقدمه و دو فصل و یک خاتمه دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۹۹ -۷۹۸ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۲)، عالم آرای عباسی (۱۴۶ /۱)، کاروان هند (۱۳۷۷ -۱۳۷۳ /۲)، مجمع الخواص (۷۸)، هفت اقلیم (۱۱۵ -۱۱۳ /۳).

استرآبادی، مسیح

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در سال ۱۱۹۳ ق . قاضی سعید استر آبادی فرزند ملا آقا بابا صاحب فرزندی شد که وی را ((مسیح)) نام نهاد. مسیح نوباوه در خانه ای دیده به جهان گشود که نهر جوشان دانش و تقوا در آن جاری و سایه همت و تلاشی خستگی ناپذیر در پی گسترش اندیشه های اسلامی بر آن حاکم بود. وی تحت عنایت ویژه پدری فاضل و تربیت مادری مومن و پاک سرشت ، نشو و نما یافت و از اوان کودکی با نغمه توحید آشنا شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : الهیات و معارف اسلامی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : از هفت سالگی تمرینهای دینی و آموزش حکمت برای این فرزند صالح در نظر گرفته و در همین دوران به خواندن نماز فرا خوانده شد تا این فریضه دینی بنیانهای عقیدتی را در روان وی سامان دهد. برنامه های تربیتی که به هنگام پرورش وی دنبال می شد موجب گردید که مسیح نوجوان اندیشمند خویش را در چشمه ارزشها شستشو دهد و از نور معنویت بهره مند شود. وی که از همان دوران کودکی بر اثر این شیوه تربیتی به مکارم و فضایل علاقه مند شده بود پس از آنکه از محضر پدر فاضل و وارسته خویش خوشه هایی از خرمن دانش برچید با ارشاد پدر به مدرسه علوم دینی زادگاهش استر آباد پا نهاد و مقدمات دروس حوزوی را با شوق زیاد و استعداد شگفت آموخت . پس از آن بار سفر بست و برای تکمیل آموخته هایش خانواده را به قصد قم ترک نمود و در جوار بارگاه مقدس حضرت فاطمه معصومه (س) رحل اقامت افکند.حوزه درسی فقیه نامدار و دانشور پرآوازه جهان تشیع ، میرزای قمی بسان چشمه ای جوشان این تشنه معرفت را به سوی خویش جذب کرد و میرزا مسیح در

طول سالهـای اقـامت خویش در قم از این اسـتوانه فقاهت در رشـته های فقه ، اصول ، حـدیث ، درایه و رجال بهره برد و در انـدک مدتی جزو شاگردان برجسته میرزای قمی قلمداد گردید.

وقایع میانسالی : مردم مسلمان تهران با هدایت علمای شیعه و فتوای میرزا مسیح استرآبادی مجتهد در روز ششم شعبان ۱۲۴۴ ق . در مسـجد جامع شـهر اجتماع کردنـد و از این کانون توحیـد و تقوا به سوی لانه فساد گریبایـدوف روانه شدنـد تا حکم اسـلام و فتوای میرزا مسـیح را مبنی بر آزاد نمودن زنان مومن از دست سـفیر شـقی و بدرفتار، به اجرا درآوردند. هدف میرزا مسیح در این ماجرای شکوهمنـد تنها موضوع چند زن گرجی و مشابه آن نبود بلکه مساله اصـلی بقای اسـلام بود و نفی هر گونه سـلطه و تجاوز. هنگامی که گروهی از شـیعیان در منزل خویش آسایش ندارنـد و کارگزاران قاجار هم ذلیلانه به چنین آشـفتگی تن داده انـد برای روحانی برجسـته ای چون میرزا مسیح تکلیفی بالاتر از این قیام وجود ندارد.جمعیتی که به فرمان میرزا مسیح از مسجد جامع به سوی سفارت روس حرکت کرد در آغـاز بیش از هزار نفر نبود ولی وقتی به در سـفارت رسـیدند رقم آنـان به صـد هزار نفر بالغ گردیـد. آنان با خشم و هیجـان ، خواسـته بر حق و منطقی خود را مبنی بر آزاد سازی زنان مطرح کردنـد اما گریبایـدوف به جای بردباری در مقابل مسـلمانان خروشان دسـتور داد تا به وسـیله تیراندازی جواب آنها را بدهند. بر اثر این تیراندازی نوجوان ۱۴ ساله ای که بین جمعیت بود به شهادت رسید! مردم خشمگین جسد او را به مسجدی در آن حوالی برده ، بر سر نعشش به سوگواری پرداختند و برای گرفتن انتقام به سوی سـفارت یورش بردند و با هجوم دسـته جمعی در سـفارت را باز کردند و با افراد سفارت درگیر شدند. بر اثر این نبرد خونین که در یک طرف گروهی مهاجم و مسلح و در سوی دیگر عده ای مسلمان معتقد بودند ۸۰ نفر از مردم در راه دفاع از حق و ایسـتادگی در مقابـل تجاوز و اجرای حکم اسـلامی و عملی ساختن فتوای مجتهـدی مبارز به شـهادت رسـیدند و ۳۸ نفر از ساکنـان سفارت کشـته شدنـد که در بین آنان جنازه گریبایـدوف دیـده می شـد. . البته از سوی تزار روس درخواست شده بود که رهبر قیام (میرزا مسـیح) دستگیر و تبعید شود که متاسفانه دربار تصمیم تبعید میرزا مسیح گرفت . وقتی خبر تبعید میرزا مسیح در تهران پیچید بـار دیگر توفـانی از خشم مردم برانگیخته شـد.تظـاهرات وسیعی صورت گرفت و موج انسانهـا از معـابر و خیابانهـا به راه افتادنـد و مخالفت خود را با این برنامه اعلام کردند. مزدوران قاجاریه به جای عملی ساختن خواسته مردم ، به حملات وحشیانه ای علیه آنان پرداخته ، به ضرب و جرح مسلمانان اقدام کردند. سرانجام در هشتم صفر ۱۲۴۵ ق . میرزا مسیح را به مسجد شاه (مسجد امام خمینی کنونی) در تهران آوردنـد و وی را مجبور ساختنـد تـا در انظـار عمومی بـا مریـدان و خـانواده خود وداع کنـد، امـا به دلیـل خشم و اعتراض اهالی تهران در آن روز موفق نشدند میرزا مسـیح را به تبعید بفرسـتند و این ماجرا چند روزی به تعویق افتاد و در روز بیستم صفر ۱۲۴۵ ق این مجتهد خیراندیش شهر تهران را به مقصد عتبات عالیات ترک کرد. وی در یکی از آثار خود به ماجراهای سخت و سراسر رنج دوران تبعید اشاره دارد.

زمان و علت فوت : بارقه معنوی بارگاه مقدس حضـرت امام حسین علیه السلام و انوار ملکوتی مرقد مطهر حضرت علی علیه السلام در نجف چنان آرامش و اطمینان خاطری را برای میرزا مسیح استرآبادی فراهم ساخت که در پرتو آن توانست تحقیقات علمی خود را گسترش داده ، آثاری نیک را به انجام رساند. ولی ضـعف بینایی و روی آوردن امراض و تشـنجات و ناامنی حاکم بر عراق سبب شـد که وی مـدتی پس از این در بستر بیماری افتـد و سـرانجام در سال ۱۲۶۳ هجری دار فانی را وداع گویـد و به سوی سـرای باقی بشـتابد.آری ! میرزا مسیح مظلومانه دور از یاران سالهای گذشته اش ، اما در کنار دیگر یاورانی آسمانی جان سپرد و فقیه بلند آوازه شیـخ محمـد حسن نجفی مولف کتاب جواهرالکلام و تنی چنـد از علمای مشـهور نجف بر پیکرش نماز گزاردنـد و آن مرحوم را با شکوه خاصی در یکی از حجره های طرف بالا سر صحن حضرت امیرالمومنین علیه السلام دفن کردند.

مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : از افتخارات بزرگی که نصیب میرزا مسیح استرآبادی مجتهد شد، این بود که به رغم اختلافات و فشار ناشـی از سلطنت سلسله قاجار و دخالت بیگانگان در امور کشور و نیز اوضاع پریشان و آشفته آن روز، با شخصیتها و دانشوران نامـداری معاصر بود که هر یک پرتوافشان محافل علمی بوده اند. میرزا مسـیح که انسانی وارسـته ، زهد پیشه و ساده زیست بود در نخستین روزهـای ورود به تهران تنهـا به اقـامه نمـاز جمـاعت در مسـجد جـامع شـهر اکتفا کرد و در ضـمن آن به نشـر احکام دین و پاسخگویی به مشکلات فقهی مردم پرداخت . وی اوضاع محرومان را مورد بررسی قرار می داد، در حل گرفتاریهای شیعیان از هیچ کوششـی دریغ نداشت و در حد توان جامعه مسـلمین را مراقبت و نظارت می کرد و اگر در جایی خلاف یا رفتار ناروایی می دید و یا متوجه می شـد که احکام اسـلامی نادیـده انگاشـته می شود چون تنـدر می غریـد و با حرکتی مـدیرانه به مقابله و اصـلاح آن می پرداخت و از این طریق فرهنگ جامعه را تصحیح می نمود.

سـایر فعالیتهـا و برنـامه های روزمره : میرزا مسـیح استرآبادی علاوه بر تسـلط کامل بر اصول و قواعـد کلی فقه و منابع دینی ، وضـع موجـود و حـدود موضوعـات و زمینـه هـا را می شـناخت و مقتضـیات زمـان و مکـان از نظرش دور نبـود. چنیـن ویژگی افزون بر خوشـخویی ، صیانت نفس و تواضع وی موجب گردید تا مومنان چون پروانه بر گردش جمع شده ، از محضـرش استفاده کنند رفته رفته در پی اصـرار گروهی از طالبان و شـیفتگان علوم دینی حوزه درسی تشکیل داد و در اثر تقاضای فراوان مردم رساله علمیه خود را انتشار داد و بسیاری از مردم تهران و حتی ساکنان نقاط شمالی و غرب کشور ایشان را به عنوان مرجع تقلید خویش شناختند. پس از مـدتی اعتبـار علمی و اجتمـاعی ، نفوذ اخلاـق و رفتـارش در قلوب مردم چنـان بود که به عنوان بـارزترین و ارجمنـدترین مجتهد تهران شناخته شد .

شاگردان : میرزا مسـیح استرآبادی در تهران علاوه بر آنکه در مقام مرجع تقلیـد و مجتهدی پرآوازه به امور شـرعی و اجتماعی مردم مشغول بود از پرورش شاگردان غافل نبود و حوزه درسش پررونق بوده است . ۱- حاج میرزا نصرالله مشهدی (تربتی) (متوفی ۱۲۹۸ ق) ۲- حاج میرزا احمد ساوجی (متوفی ۱۳۰۵ ق) ۳- مولانا عبدالرحمن شیخ الاسلام (متوفی ۱۲۹۰ ق) --

آثار :

۱ المصباح

ویژگی اثر : کتابی است به زبان عربی در خصوص مسائل فقهی که در سال ۱۲۶۲ ق در تهران چاپ سنگی شده است

۲ رساله علمیه

ویژگی اثر : ایشان رساله ای برای استفاده عموم مقلدان به رشت تحریر درآورد که از لحاظ استحکام مضامین ، کاوشهای علمی و استناد به منابع روایی و کتب فقها و محدثان گذشته در خور توجه صاحبان فضل است . البته گویا میرزا مسیح نخست رساله ای درباره احکام فقهی نوشته و سپس آن را تغییر داده و با مسائل جدیدتر تنظیم کرده است . المصباح لطریق الفلاح)): نسخه ای از این رساله با چاپ سنگی در کتابخانه چهل ستون مسجد جامع تهران نگهداری می شود.

۳ شرح قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام

ویژگی اثر : این شرح در بردارنده بخش طهارت و برخی از مباحث و موضوعات فقهی است . نسخه ای از این کتاب در نزد نواده او میرزا عبدالله مجتهد تهرانی بوده است.

۴ شرح کتاب المعاطاه

ویژگی اثر : که متضمن کتاب الصلح و الاجاره و الوکاله است .

۵ شرح مختصر النافع

ویژگی اثر : نسخه خطی این کتاب در ۱۱۰ صفحه به صورت عکسی در کتابخانه چهل ستون مسجد جامع تهران نگهداری می شود. مطالب آن از کتاب تجارت آغاز می گردد.۶. رساله فی احکام النیابه و جواب الاسئله الفقهیه : این کتاب رساله استدلالی گران سنگی است که در خصوص احکام فقهی بحث کرده و در جواب سئوالهایی نوشته شده که سئوال کنندگان آن مشخص نیستند.در بخشی از این کتاب میرزا مسیح به ایام سخت تبعید خود در عتبات عالیات اشاره کرده است و تاریخ بیستم شوال ۱۲۴۸ ق در پاسخ یکی از مسائل فقهی دیده می شود.

۶ قواعد الاصولیه

۷ کشف النقاب فی شرح لمعه الدمشقیه

ویژگی اثر : (تصویری از نسخه خطی آن در کتابخانه چهل ستون مسجد جامع تهران مضبوط است .)

منابع زندگینامه :

۱سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱kz – /www.hawzah.net/

استرآبادی، معین‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۷۶ ق)، دانشمند و شاعر، متخلص به معین. مشهور به معین لذت. اصل وی از استرآباد بود و در مشهد اقامت گزید. او از شعرای عهد شاه طهماسب صفوی و مورد احترام وی بود. در ۹۷۶ ق با معصوم بیگ، وکیل دربار شاه طهماسب، برای عقد مصالحه با سلطان سلیم عثمانی به استانبول رفت. پس از مصالحه از آنجا نیز با هیأت سفارت به جانب حجاز اعزام شد. در میان راه منازعه و جنگی بین معصوم بیگ و امیرالحاج عثمانی درگرفت. معین‌الدین و چند نفر دیگر، که زنده ماندند، خود را به جده رساندند و سپس از آنجا، از راه دریا، رهسپار هند گشتند. ولی در راه کشتی غرق شد و آنها به هلاکت رسیدند. از آثار وی: رساله «لذات» یا رساله‌ی «لذت»، در زمینه‌ی هزل است که به موجب همین رساله به معین لذت مشهور شد. همچنین اشعاری ازا و در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۳۱ –۶۳۰/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۵۱۸)، الذریعه (۱۰۷۶ –۱۰۷۵/ ۹)، ریحانه (۳۴۹ –۳۴۸/ ۵)، صبح گلشن (۳۴۳ –۴۳۳)، فرهنگ سخنوران (۸۶۲)، لغت نامه (ذیل/ معین استرآبادی)، مجمع الخواص (۲۲۸ –۲۲۷)، مطلع الشمس (۴۴۴/ ۲)، هفت اقلیم (۱۱۹ –۱۱۶/ ۳).

استرآبادی، مهدی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۲۴ ق)، شاعر، متخلص به مهدی. وی برادر نظام‌الدین استرآبادی، شاعر معروف قرن نهم بود. وی در سرودن غزل مهارت داشت. این مطلع غزل از اوست:

ساقی نبود بی‌ادبی‌ها عجب از ما

ما مردم مستیم نیاید ادب از ما

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۱۸)، تحفه‌ی سامی (۲۲۲).

استرآبادی، نظام‌الدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۲۱ ق)، شاعر، متخلص به نظام. در جوانی کسب دانش کرد و به سرودن در فن معما پرداخت، به همین جهت به نظام‌الدین معمایی معروف بود. در پایان عمر به واسطه‌ی تعصبی که داشت دست از آن کار کشید و جز اشعاری که در مدح ائمه می‌گفت، چیزی نمی‌سرود. «دیوان» قصاید و ترجیعات او شامل چهار هزار بیت در مدایح ائمه معروف است. کتاب «بلقیس و سلیمان» از جمله‌ی مثنوی‌های اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۰۳ -۸۰۰ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۶۳ /۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۱۳)، تحفه‌ی سامی (۱۷۲ - ۱۷۱)، تذکره‌ی روز روشن (۸۳۴ -۸۳۳)، الذریعه (۱۲۰۱ /۹)، ریحانه (۱۹۷ -۱۹۶ /۶)، مجالس المومنین (۶۸۹ -۶۸۴ /۲)، مجمع الفصحا (۱۰۵ /۴)، هفت اقلیم (۱۰۹ -۱۰۷ /۳).

استغنای نیشابوری، ابوالمظفر نصر

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، شاعر. از شاعران قرن چهارم که به قول هدایت از معاصران آل‌بویه و آل‌سامان بوده است. از اوست:

به ماه ماندی اگر نیستیش زلف سیاه

به زهره ماندی اگر نیستیش مشکین خال

رخانش را به یقین گفتمی که خورشید است

اگر نبودی خورشید را کسوف و زوال

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :لباب الالباب (۲۳ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۳۸ /۱)، تاریخ ادبی ایران (۶۷۹ /۱)، سخن و سخنوران (۴۳)، فرهنگ سخنوران (۵۶)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالمظفر)، مجمع الفصحا (۲۳۴ /۱).

استقرایی، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر علی رضا استقرایی متولد ۱۳۰۹ ش در تهران دارای دکترای رشته مکانیک و عضویت هیئت علمی دانشگاه ایرلند لسینگ ایرلند با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات وآثار پیرامون مکانیک جامدات و انتقال حرارت میباشد.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی مکانیکتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر علی رضا استقرایی دارای کارشناسی رشته مکانیک از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته مکانیک ازدانشگاه لیسنگ و دکترای رشته مکانیک جامدات را از همان دانشگاه میباشد.خاطرات و وقایع تحصیل : تحصیل در رشته مکانیک جامدات و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر علی رضا استقرایی بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر علی رضا استقرایی د ر کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : دکتر علی رضا استقرایی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته مکانیک به عضویت هیئت علمی گروه مکانیک در دانشکده فنی مهندسی دردانشگاه لسینگ ایرلند درآمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر علی رضا استقرایی عضوهیئت علمی و دانشیار گروه مکانیک در دانشکده فنی مهندسی در دانشگاه لسینگ ایرلند است.فعالیتهای آموزشی : دکتر علی رضا استقرایی سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه مکانیک در دانشگاه لسینگ ایرلند به تدریس دروس تخصصی رشته مکانیک جامدات می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر علی رضا استقرایی در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری تخصصی ، پژوهشی و عمیق می پردازد.آرا و گرایشهای خاص : دکتر علی رضا استقرایی از جمله حرارت و فلز شناسانی است که تحقیقات مفصل و عمیقی درباره انتقال حرارت در فلزات گوناگون دارد.

آثار : تاثیر نمک موجود در آب دریا بر انتقال حرارت دریاچه های فلزی اسکله ها خوردگی فلزات مبانی انتقال حرارت منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

استوان، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر هادی استوان در سال ۱۳۴۶ در شهرستان کازرون بدنیا آمد. وی دارای مدرک دکترای رشته حشره شناسی کشاورزی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (در سال ۱۳۷۶) می باشد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات فارس می باشد.گروه : کشاورزیرشته : حشره شناسیگرایش : کنه شناسی،حشرات آبزی،IPMوالدین و انساب : نام پدر هادی استوان، علی و به حرفه کشاورزی مشغول است و مادر محترمشان بانو سکینه دهقانی نام دارد. ایشان پنج برادر و سه خواهر دارد.خاطرات کودکی : هادی استوان علاقه زیادی به طبیعت و موجودات پیرامون خود داشته و به شگفتیهای آفرینش و زندگی جانداران و گیاهان از همان دوران کودکی علاقه‌مند بوده است. این علاقه باعث شد وی به تحصیل در رشته حشره شناسی روی بیاورد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : به گفته خودشان ، دارای همسری بی نظیر و وفادار است و به همراه دو فرزند خویش زندگی بسیار خوب و آرامی دارد.او بیشتر موفقیتش را مدیون حماتیهای معنوی پدر و مادر خود و حمایتهای معنوی و فداکاریها و از خودگذشتگیهای همسر مهربانش در تمام طول زندگی می داند.دعاهای خیر پدر و مادر همیشه راهگشای زندگیش بوده است. پدر و مادر مهربان همسرشان همواره در خوشیها و ناخوشیهای زندگی همراه و همگامش بوده اندتحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی دکتر هادی استوان به قرار زیر است: – دیپلم رشته تحصیلی تجربی از دبیرستان بستانپور کازرون در سال ۱۳۶۴ – کارشناسی رشته مهندسی کشاورزی گیاه پزشکی از دانشگاه شهید چمران اهواز در سال ۱۳۶۹ – کارشناسی ارشد رشته حشره شناسی کشاورزی از دانشگاه تربیت مدرس تهران و بورسیه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سال ۱۳۷۳ و نیز دارای مدرک مدرسی – دکترای (Ph.D) رشته حشره شناسی کشاورزی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران و بورسیه همان دانشگاه در سال ۱۳۷۶ (و کسب رتبه اول میان فارغ التحصیلان دکترای حشره شناسی) خاطرات و وقایع تحصیل : هادی استوان از دوران تحصیل در مقطع کارشناسی که مصادف با جنگ تحمیلی عراق برعلیه ایران بودخاطرات زیادی به یاد دارد.وی از آن دوران چنین یاد می کند ":با تمام وجود مشکلات خاص خودش با توجه به سابقه طولانی دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران و اساتید بسیار خوب و مجربی که در این دانشکده وجود داشت ،باعث گردید که از میان ۱۵ نفر اعلام شده برای ورود به دوره کارشناسی ارشد رشته حشره شناسی دانشگاههای دولتی از سراسر ایران، نه نفر از جمله اینجانب از این دانشگاه باشند".فعالیتهای ضمن تحصیل : هادی استوان در ضمن تحصیل تمامی وقت خود را در آزمایشگاه و کتابخانه دانشگاه می گذراند و به تحقیق و تدریس علاقه خاصی داشت.او دوره های مختلف آموزشی را در زمینه های کامپیوتر ،مقاله نویسی ،مدیریت، روانشناسی و غیره را گذرانده است.استادان و مربیان : دکتر محمود شجاعی،دکتر کریم کمالی،مرحوم دکتر مرتضی اسماعیلی،دکتر سیاوش تیرگری،دکتر ابراهیم باقری زنوز،دکتر قدیر نوری قنبلانی،دکتر عزیز اله علیزاده،دکتر واهه میناسیان،دکتر ابراهیم سلیمانژادیان،دکتر جمشید حیاتی،دکتر قربان نورمحمدی،دکتر محمد سعید مصدق،دکتر حسین حجت و سایر اساتید دانشگاههای تهران،تربیت مدرس ،شهید چمران اهواز و علوم و تحقیقات تهران از اساتید هادی استوان بوده اند.هم دوره ای ها و همکاران : همدوره ایها: دکتر یعقوب فتحی پور،دکتر علی درخشان شادمهری،مهندس شهرام میر فخرایی،دکتر مهرداد عباسی،دکتر مهران غزوی،دکتر محمد حاجیان شهری،دکتر علیرضا صبوری،دکتر حسین صائب، مرحوم دکتر سید مهدی حسینی،دکتر حمید بلقیس زاده، دکتر آوید رضوی نعمت الهی و غیره– همکاران: دکتر محمود شجاعی،دکتر کریم کمالی،دکتر سیاوش تیرگری،دکتر قدیر نوری قنبلانی،دکتر یعقوب فتحی پور،دکتر سهراب ایمانی،دکتر قربان نورمحمدی،دکتر علیرضا صبوری،دکتر علی اصغر طالبی،دکتر سعید محرمی پور،دکتر حمیدرضا زمانی زاده،دکتر حمید رضا مژدهی و اکثر اساتید دیگر دانشگاههای ایرانهمسر و فرزندان : همسر هادی استوان، سرکار خانم شیدا نیاکان (متولد ۱۳۵۲) نام دارد. وی دارای دو فرزند دختر بنامهای شادی استوان (متولد ۱۳۷۱) و هستی استوان (متولد ۱۳۸۰) می‌باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای اجرایی و مدیریتی هادی استوان به قرار زیر است: – عضو هیئت علمی، بخش حشره شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران واحد علوم و تحقیقات از سال ۱۳۷۶–۱۳۸۶ – عضو هیئت علمی و استاد حشره شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات فارس از سال ۱۳۸۶ تا کنون –رئیس پژوهش، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد علوم و تحقیقات از سال ۱۳۷۷–۱۳۸۱ – نایب رئیس دانشکده کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد علوم و تحقیقات از سال۱۳۸۲–۱۳۸۵ – رئیس بخش گیاه پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد علوم و تحقیقات از سال ۱۳۸۰–۱۳۸۵ – رئیس بخش حشره شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد علوم و تحقیقات از سال ۱۳۸۴–۱۳۸۶ – رئیس بخش حشره شناسی دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت، واحد علوم و تحقیقات فارس از سال ۱۳۸۶ تا کنون – عضو انجمن حشره شناسان ایران از سال ۱۳۶۸ تا کنون – عضو انجمن محیط زیست ایران از سال ۱۳۷۵ تا کنون – مدیر گروه گیاه پزشکی – مدیر کل امور پژوهشی – معاونت دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی – مدیر گروه حشره شناسیفعالیتهای آموزشی : تدریس دروس مختلف در سطوح کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری کارشناسی: کنه شناسی، مدیریت کنترل آفات،حشره شناسی عمومی کارشناسی ارشد: کنه شناسی تکمیلی، مرفولوژی حشرات، سیستماتیک حشرات، ناقلین عوامل بیماریزای گیاهی، مدیریت کنترل آفات، اکولوژی حشرات، کنترل بیولوژیک آفات دکتری: رفتارشناسی حشرات، حشرات آبزی، رده بندی گروههای خاص حشرات و سایر بندپایانمراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : مراکزی که دکتر هادی استوان یکی از بانیان آن بوده است به قرار زیر می باشد: – تمامی مجموعه پژوهشی واحد علوم و تحقیقات تهران – دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی واحد علوم تحقیقات تهران – گروه گیاهپزشکی واحد علوم و تحقیقات تهران – مرکز تحقیقات حشره شناسی واحد علوم و تحقیقات فارس– آزمایشگاه و گروه حشره شناسی واحد علوم و تحقیقات فارس – مجله علمی پژوهشی علوم کشاورزی– مجله گیاهپزشکی– انجمن کنه شناسی ایرانسایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر هادی استوان در کنار تدریس و تحقیق، در چند طرح تحقیقاتی به عنوان همکار و یا مجری طرح همکاری می کندشاگردان : دکتر احمد عطامهر، دکتر هادی کیادلیری، دکتر مسیح رزمجو، دکتر رضا وفایی شوشتری، دکتر حمید ساکنین چلاو، دکتر مجید فلاح زاده، دکتر سید ابراهیم کمالی کیوی، دکتر مهدی غیبی، دکتر حسن قهاری آهنگری کلایی، دکتر علیرضا جلالی زند، دکتر داوود شیردل ترکمبور، دکتر رضا جعفری، دکتر شیلا گلدسته، مهندس شهرام حسامی، مهندس جواد سروش، مهندس نازیلا اسقایی، مهندس رضا دامغانی،

مهندس هادی دبیدی، مهندس محمود مهرانیان، مهندس مجید میری و غیره از شاگردان و دانش آموختگان دکتر هادی استوان می‌باشند.آرا و گرایشهای خاص : زمینه های مطالعاتی و پژوهشی هادی استوان به قرار زیر است: حشرات آبزی، کنه شناسی کشاورزی، مبارزه بیولوژیک و کشاورزی پایدارجوائز و نشانها : – هیئت علمی برتر سال ۱۳۸۵، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران – پژوهشگر برتر سال ۱۳۸۶، واحد علوم و تحقیقات فارس، دانشگاه آزاد اسلامی – رتبه اول مقالات در همایش منطقه ای کاربرد فناوری های نوین در کشاورزی – رتبه سوم یازدهمین جشنواره بین المللی خوارزمی (همکار طرح تحقیقاتی کنترل بیولوژیک)چگونگی عرضه آثار : – استاد راهنمای بیش از ۳۴ رساله در مقطع کارشناسی ارشد – استاد راهنمای ۹ رساله در مقطع دکترای تخصصی – استاد مشاور بیش از ۵۰ رساله کارشناسی ارشد و دکترا – ۹۸ مقاله ارائه شده و چاپ شده در کنفرانسهای علمی و بین المللی داخلی و خارجی (در کشورهای سوئیس، چین، مغرب، هلند، مالزی، بلژیک، کانادا، فنلاند و غیره) – ۱۰۰مقاله کامل چاپ شده در مجلات علمی و پژوهشی داخلی و خارجی (دارای رتبه ISI) همراه با کشف و توصیف گونه های جدید کنه ها برای دنیا آثار : فهرست کنه های ایران ویژگی اثر : مولفان: دکتر کریم کمالی، دکتر هادی استوان، مهندس احمد عطا مهر. این کتاب ۱۹۲ صفحه به زبان انگلیسی در سال ۲۰۰۱ چاپ شده است و دارای خلاصه فارسی می باشد. در این کتاب ۱۰۴۰ گونه که همراه با گونه های جدید برای ایران معرفی شده اند و یکی از رفرنسهای اصلی برای محققان داخلی و خارجی برای اطلاع از فون کنه های ایران است.

اسحاق

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطاط. از خوشنویسان گمنام بود. به خط وی، قطعه‌ای به قلم نستعلیق چهار دانگ و سه دانگ خوش، با رقم: «حرره اسحق»، در کتابخانه‌ی ملی پاریس موجود است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۸ /۱).

اسحاق محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از کاتبان گمنام بود. از آثار وی: یک نسخه خمسه‌ی نوائی است به قلم کتابت خفی متوسط و رقم: «اسحق محمد بن اسحق» با تاریخ کتابت ۹۶۱ ق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۹ /۱).

اسحاقی، جمشید

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۱ ق)، شاعر. وی بعد از خلع کارکیاخان احمد پادشاه در سال ۹۷۵ ق از طرف شاه طهماسب اول به حکومت گیلان رسید و در سال ۹۹۱ ق و به روایتی ۹۸۸ ق کشته شد. خلیل زرگر از شاعران رشت، منظومه «جمشیدنامه» را برای وی به نظم آورد. جمشیدخان خود شعر می‌سرود و اشعاری از وی در تذکره‌ها مسطور است. هدایت به اشتباه او را ترکستانی دانسته و اشعار مذکور در «مجمع الخواص» را به وی نسبت داده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ گیلان (۱۲۵، ۵۳، ۳۹)، تاریخ نظم و نثر (۴۹۰ –۴۸۹)، فرهنگ سخنوران (۲۲۴ –۲۲۳) مجمع الخواص (۱۹ – ۱۸)، مجمع الفصحا (۳۴/۱).

اسد اصفهانی، اسداللّه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۶۹ ق)، شاعر. وی از سادات بزرگ اصفهان بود که بیشتر اوقات خود را به درس و افاده می گذرانید. این رباعی از اوست:

شمعی که بسوخت جان غم پروردم

تا گفت که پروانه خویشت کردم

می‌میرم اگر نمی‌روم نزدیکش
می‌سوزم اگر بگرد او می‌گردم
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تحفه‌ی سامی (۴۶)، الذریعه (۳۰۱ /۹)، فرهنگ سخنوران (۵۷ -۵۶)، هفت اقلیم (۴۰۵ /۲).

اسد تبریزی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. معروف به میراسداللّه. از تبریزهای ساکن عباس‌آباد اصفهان و بنا بر قول «تذکره‌ی نصرآبادی» داماد زاهد بیگ پدر میرزا حسین بود. با نصیرای همدانی (م ۱۰۳۰ ق)، مصاحبت داشت. سفری به هند کرد و در همان جا درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۰۸ /۱)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۴۷ -۴۶ /۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۱۰)، دانشمندان آذربایجان (۴۰)، الذریعه (۷۱ /۹)، سخنوران آذربایجان (۱۹۹ -۱۹۸)، کاروان هند (۴۴ /۱).

اسد قزوینی، اسد بیگ

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۸ ق)، شاعر. شاعری توانا و خوش صحبت و مجلس‌آرا بود و به گفته‌ی مؤلف «تذکره‌ی میخانه» در آغاز جوانی از مسکن خود به هرات رفت و خواجه افضل، وزیر علیقلی‌خان شاملو وی را به دوات داری منصوب کرد. بعد از اندکی رهسپار هند شد و در خدمت شیخ علامی منزلت یافت. پس از کشته شدن شیخ مذکور به دربار اکبرشاه راه یافت. وی از شاعران توانمند عصر خود بود و «دیوان» شعری در حدود ۲۰۰۰ بیت داشته.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۵۳ -۱۱۵۱ /۳)، تذکره‌ی میخانه (۷۵۷ -۷۴۸)، الذریعه (۷۱ /۹)، کاروان هند (۵۱ -۴۵ /۱)، هفت اقلیم (۱۸۳ -۱۸۱ /۳).

اسد همدانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به جانی. وی معاصر صادقی بیک افشار، صاحب «مجمع الخواص» بود و در غزل و معما دست داشت و اقسام خطوط را خوش می‌نوشت. در هنگام تألیف «مجمع الخواص» (۱۰۱۶ ق)، درگذشته بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۹ /۱)، بزرگان و سخن سرایان همدان (۲۳۹ /۱)، الذریعه (۱۹۰ /۹)، فرهنگ سخنوران (۲۰۶)، لغت‌نامه (ذیل/ جانی)، مجمع الخواص (۲۷۳).

اسداللّه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اوست: قرآن نیم ربعی دو صفحه‌ی اول متن و حاشیه مذهب مرصع خوش به سبک یاقوت سه سطر اول و وسط و آخر به قلم زر و خط ثلث رقاع کتابت جلی خوش بقیه سطور نسخ کتابت خفی متوسط با رقم «فرغ من تحریر هذه المصحف المجید... العبد المذنب المحتاج الی رحمهٔاللّه الملک الصمد اسداللّه ابن محمد.» «فی شهر محرم‌الحرام سنهٔ ستین و تسعمائهٔ هجریهٔ (۹۶۰) در کتابخانه‌ی سلطنتی.

-قرآنی دیگر متعلق به محمد حسین عابدی پاکستانی نسخ کتابت یاقوتی خفی متوسط با رقم «تشرف من تحریر المصحف... العبد المذنب المحتاج الی رحمهٔاللّه الملک السبحانی اسداللّه بن محمد کاشانی فی شهر جمادالاولی لسنهٔ خمس و ستین و تسعمائهٔ هجریهٔ».

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

اسداللهی، الله شکر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

الله شکر اسدالهی در سال ۱۳۳۹ در شهر اردبیل بدنیا آمد. ایشان در سال ۱۳۷۵مدرک دکتری در رشته زبان و ادبیات فرانسه را از دانشگاه گرونوبل فرانسه با موفقیت اخذ کرده اند .وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تبریز می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات فرانسه تحصیلات رسمی و حرفه ای : الله شکر اسدالهی ،تحصیلات ابتدایی را در دبستان بزمی به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۵۸از دبیرستان صفوی اخذ کرده‌اند . ایشان مدرک کارشناسی در رشته زبان فرانسه را از دانشگاه علامه طباطبائی و کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فرانسه را در سال ۱۳۶۹ از دانشگاه تهران دریافت نموده انـد و در سال ۱۳۷۵مدرک دکتری در رشته زبان و ادبیات فرانسه را از دانشگاه گرونوبل فرانسه با موفقیت اخذ کرده اند . عنوان پایاننامه: الف – کارشناسی ارشد: Cellule familiale dans les ceuvres principales de Balzac ب- دکتری: Absence et ses mecanismes langagiers chez N. Sarraute وقایع میانسالی : الله شکر اسدالهی از سال ۱۳۷۶ بعنوان عضو هیات علمی در گروه زبان فرانسه دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی مشغول خدمت شده انـد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای اجرایی و مدیریتی الله شکر اسدالهی به قرار زیر است: – معاون دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی – رئیس دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی – عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تبریز – عضو کمیته برنامه ریزی رشته های علوم انسانی دانشگاه تبریز – نماینده دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی در کمیته تخصصی علوم انسانی دانشگاه تبریز چگونگی عرضه آثار : فعالیتهای پژوهشی الله شکر اسدالهی به قرار زیر است: تعداد مقاله های منتشر شده : ۱۵ مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها: ۱۳ مورد تعداد کتابهای ترجمه شده: ۲ مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد: ۸ مورد

اسدپور، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۴ ش)، شاعر، متخلص به اکبر. در خانواده‌ای مذهبی در سنقر کلیایی متولد شد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش فراگرفت و سپس به کرمانشاه رفت و در آنجا تحصیلات خود را ادامه داد و به استخدام بانک ملی درآمد از سال ۱۳۱۲ ش به طور جدی به سرودن شعر روی آورد و ده سال بعد به عضویت انجمن ادبی کرمانشاه درآمد و در عین حال با چند انجمن ادبی در تهران مانند مانند ایران، کمال و صائب در ارتباط بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۳۲۵ -۳۲۳/ ۱).

اسدکاشی، اسداللَّه

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. گویند مولدش در قریه‌ی دیدر ساوه بود و چون در کاشان سالها زیست به کاشی شهرت یافت. اسداللَّه از متصوفه و صاحب سلسله و مریدان بود. در کاشان به رحمت ایزدی پیوست و مرقدش در همان سامان است. از اوست:

ای آن که تویی محرم راز همه کس

شرمنده‌ی ناز تو نیاز همه کس

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۲۰۹)، الذریعه (۸۷۱ ،۷۱ /۹)، ریاض العارفین (۱۷۰ -۱۶۹)، صبح گلشن (۲۳)، فرهنگ سخنوران (۵۷)، لغت‌نامه (ذیل/ اسد کاشی و قاضی اسد کاشی).

اسدی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابونصر علی بن احمد طوسی، شاعر و حماسه سرای ایرانی. قرن پنجم ه. ولادت او در اواخر قرن چهارم یا اوایل قرن پنجم صورت گرفته و دوره بلوغ او در شاعری مصادف با انقلابات خراسان و غلبه سلجوقیان بر آن دیار و برافتادن حکومت غزنویان از آن ناحیه بود. ناگزیر وی خراسان را ترک کرد و به مغرب ایران روی نهاد و در آذربایجان اقامت گزید. در آنجا با امیر ابودلف پادشاه نخجوان و شجاع‌الدوله ابوشجاع منوچهر بن شاوور از پادشاهان شدادی ارتباط یافت.

تاریخ وفات او را سال ۴۶۵ ه.ق. نوشته‌اند. از آثار وی لغت فرس (ه.م.)، گرشاسپ‌نامه (ه.م.)، مناظرات (قصایدی در مناظره بین دو چیز یا دو کس مانند شب و روز، مغ و مسلمان...) و قطعاتی از شعر او باقی مانده است.

(وف ۴۶۵ ق)، شاعر. در طوس متولـد شد. به آذربایجان رفت و مداح ابودلف شیبانی شد. او معاصر قطران تبریزی بود. وی بعد از فردوسی بزرگترین حماسه‌سرای ملی ادب فارسی است. در شاعری قوی طبع و باریک اندیش و ژرف بین بود. و در انتخاب کلمات خوش آهنگ ترکیبات مأنوس در بحر متقارب استاد بود. از آثار وی: «گرشاسب‌نامه» که شامل چهار هزار بیت و به تقلیـد شاهنامه بین سالهای ۴۵۶ تا ۴۵۸ ق به فرمان امیر ابودلف، پادشاه نخجوان و وزیر او سروده شـده است؛ «قصایـد مناظره» چهار مناظره است تحت عنوان «منـاظره‌ی آسـمان و زمین»، «مغ و مسـلمان»، «نیزه و کمان» «شب و روز». این نوع ادبی از ابتکارات وی محسوب شـده؛ «لغت فرس» را که قدیمترین فرهنگ موجود زبان فارسی است و برای اردشیر بن دیلمسپار نجمی شاعر تألیف کرد. از کتاب «الابنیه عن حقایق الادویه» منصور هروی نسخه‌ای در دست است که به خط اسدی است.[۱]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۴۶۲ –۴۵۸ / ۲)، تاریـخ ادبیات در ایران (۴۲۱ –۴۰۳ / ۲)، تاریخ سیستان (۵)، تاریخ گزیده (۷۱۹)، تاریـخ نظم و نثر (۴۸ –۴۷)، تذکرهٔ الشعراء (۴۱)، حماسه سـرایی در ایران (۲۹۱ –۲۸۶)، الذریعه (۷۲ –۷۱ / ۹ –۲۰۵ / ۱۸)، ریحانه (۱۱۷ –۱۱۶ / ۱)، سخن و سخنوران (۴۵۵ –۴۳۸)، شخصیتهای نامی (۵۶ –۵۵)، فرهنگ سخنوران (۵۸)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۰۶ –۱۰۵)، لغت‌نـامه (ذیل/ اسـدی)، مجالس المؤمنین (۶۱۲ –۶۰۹ / ۲)، مجمع الفصـحا (۳۵۲ –۲۸۳ / ۱)، مقـدمه بر تاریخ علم (۸۹۸ / ۱)، نام‌آوران فرهنگ (۱۱۴ –۱۱۳)، هفت اقلیم (۲۰۶ –۲۰۲ / ۲).

اسدی نسب، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی اسدی نسب

محل تولد : بروجرد

شهرت : اسدی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تا کلاس اول علوم تجربی (دبیرسـتان) را به صورت شبانه خواندم. در سال ۵۶ وارد حوزه علمیه بروجرد شدم و در سال ۵۹ وارد حوزه علمیه قم گردیدم، تا سال ۶۷ دروس سطح را به اتمام رساندم و وارد دروس خارج شدم.

از سـال ۷۰ تـا ۷۳ (به مـدت چهـار سال) در اولین دوره رشـته تخصصـی تفسیر شـرکت نمودم و از اساتیـدی چون آیهٔ الله معرفت، مکارم، خزعلی، شب زنـده دار و دیگران بهره منـد شـدم و رساله سـطح چهار را با موضوع قرآن و سـکولاریسم با راهنمایی آیهٔ الله غروی و مشاوره حجهٔ الاسلام غرویان انجام دادم و دفاع کردم.

از آن زمان تاکنون مشغول تدریس و تحقیق می باشم که به آنها اشاره می کنم:

الف: فلسـفه، تـدریس بـدایه و نهایه ب: ادبیات عرب، تدریس سـیوطی و جامع المقدمات ج: تفسـیر، تدریس المیزان مجمع البیان و علوم قرآن در حوزه و دانشگاه علامه طباطبائی د: اصول، رسائل و کفایه ه: فقه، مکاسب و لمعه.

در زمینه تحقیقاتی:

الف: نوشـتن کتبی در زمینه علوم قرآن مثل جامع البیان فی الاحادیث المشترکه حول القرآن حدود ۶۵۰ صفحه ب: مناهج التفسیر از دیدگاه شـیعه و سنی به میزان ۵۵۰ صـفحه ج: قرآن و سـکولاریسم برای دانشـجویان د: اشتغال به تفسیری روان برای جوان در یک جلد که هم اکنون مشـغول آن هسـتم. ه: نوشـتن مقالات مختلف در زمینه علوم قرآن که به برخی از آنها اشاره شد. و: ترجمه برخی از آثار و مقالات از جمله ترجمه جلد اول تفسیر " المختصر المفید فی تفسیر القرآن المجید " به میزان ۶۰۰صفحه و هم اکنون نیز با سمت عضو هیات علمی گروه قرآن پژوهی در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی 'مشغول نوشتن تفسیر کامل فارسی روان و تک جلدی می باشم که امید است در سال ۱۳۹۰ به اتمام برسد. این تفسیر طوری طراحی شده است که بتواند حدود هفتصد هزار کلمه در خود جای دهد.

اسدی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اسدی

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی اسـدی در سال ۱۳۴۸در یکی از روسـتاهای اطراف زنجان متولد شدم. تحصـیلات ابتدائی راهنمایی و دبیرسـتان را در زنجان گذراندم. سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه شـده و سـطح یـک حوزه را در زنجان و تهران به پایان رسانـدم. در سال ۱۳۷۱ وارد حوزه علمیه قم شدم.

همراه با درسهای حوزه تا مقطع خارج فقه و اصول در مقطع کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی از موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۸۰ از پایان نامه مقطع کارشناسـی ارشـد با عنوان" مواجهه آیات و روایات با جنبه های منفی فرهنگ پذیری "دفاع کردم. پایان نامه یاد شده در سال ۱۳۸۲ از سوی دبیرخانه دین پژوهان کشور به عنوان پژوهش برتر دینی سال انتخاب و در پنجمین همایش تجلیل از پژوهشگران برتر حوزه دین موفق به دریافت لوح تقـدیر و جایزه شـد و هم اکنون در دست پاره ای اصلاحات است تا از سوی موسسه امام خمینی (ره) منتشر شود.

از سال ۱۳۷۹ در زمینه تالیف و ارزیابی با دایرهٔ المعارف قرآن کریم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) همکاری دارم، بیش از ۲۰ مقاله برای دایرهٔ المعارف مزبور نوشته ام. از سال ۱۳۸۲ تاکنون مدیر گروه ادیان دایرهٔ المعارف هستم، همچنین عضو هیات علمی و عضو شورای علمی گروه دایرهٔ المعارف ها در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی می باشم .

اسدی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اسدی

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱۰/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی اسـدی نام پـدر عزیز متولد سال ۱۳۲۳ از سال ۳۹ و ۴۰ وارد حوزه علمیه قزوین شـده و مقـدمات را در قزوین خدمت اساتیدی همچون حجهٔالاسـلام والمسلمین مرحوم رفیعی قزوینی و آقای صامت تلمذ نموده و در سال ۴۵ و ۴۶ به حوزه علمیه نجف مشرف شدم و در محضر اساتیدی همچون حجهٔالاسلام والمسلمین شیخ هادی معرفت حفظه الله و آقا میرزا جواد تبریزی و همچنین شیـخ صـدرا باد کوبه رحمـهٔ الله علیه و به مدت یکی دو سال در درس آیت الله خوئی رحمهٔ الله علیه شـرکت نموده و در سال ۵۳ به ایران آمده و درحوزه علمیه قم، درس خارج آقای تبریزی و وحید حفظهما الله شرکت نمودم.

در اوائـل جنگ تحمیلی از طرف نماینـدگی ولی فقیه در جنوب و غرب در سپاه در جبهات جنگ انجام وظیفه نمودم و از سال ۶۷ تاکنون در دفتر تبلیغات اسـلامی در واحد احیاء تراث اسـلامی با آقایانی همچون فاضل محترم شـیخ محمد باقری اصـفهانی نجفی و فاضل محترم رضا مختاری همکاری می نمایم.

اسدی، غلامحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسن اسدی ملامحله

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۲ درس مقدمات حوزوی را از تهران مدرسه امام القائم (علم الهدی) شـروع و بعد از اتمام شـرح لمعه و اصول مظفر در سال ۱۳۶۸ به قم آمده و از محضـر آقایان شب زنده دار، شـیخ علی پناه، سـتوده، محفوظی، اسـتادی، امین شیرازی استفاده کرده ام و دروس خارج فقه و اصول را از آیت الله مکارم و آیت الله سبحانی بهره مند هستم.

از سـال ۱۳۷۰در موســسه (در راه حق) اشـتغالات فرهنگی را کنـار درس داشـته ام و روش تحقیـق و تفحص را از آقایـان آیـت الله نورانی، امین زاده، ادیـانی، توفیقی، مسـعودی، عبـداللهی کمـک گرفته و مشـغول به کارهای تحقیقاتی در کتابخانه (موسـسه در راه حق) که مسئولیتش بر عهده حقیر است، پیش برده ام و الحمد الله چند جلد چاپ و بقیه را در توان حقیر نبوده و آماده چاپ هسـتند که بعدا نام می برم.

دروس کلاسیک را تا پنجم ابتدایی در روستای محل تولد (ملا محله) از توابع دیلمان لاهیجان و دروس راهنمایی را در شهرستان رودسر و دروس دبیرستان را در قزوین فرا گرفتم و بعد از ترک تحصیل دروس کلاسیک به دروس حوزوی روی آوردم آن هم همانگونه که قبلا گفتم از تهران شروع کردم و الان هم قریب ۲۰ سال را سپری نموده ام.

اسدی، کاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کاظم اسدی

محل تولد : بصره

شهرت

تابعیت : عراق

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

نشات احب الشعر و الرسم و الخط و قراءت القرآن الکریم و الکتب الدینیه خاصه التی فیها ذکر مولانا الحجه بن الحسن المهدی (علیه الصلاه و السلام) و حفظت المزید من القصائد الشعریه و الفت العرید من القصائد الشعریه و کذلک فی مجال الرسم، و کان لی شغف بتعلم علوم اهل البیت (ع) منذ الصغر و حاولت منذ البدایه و تمنیت ذلک کثیرا ان اکون طالبا طیله حیاتی و قد رزقنی الله ذلک بعد عناء کبیر. و کنت اعشق المنبر و قراءت العزاء الحسینی و قد رزقنی الله عز وجل ذلک بعد جهد جهید.– درست الابتدائیه و المتوسطه والثانویه فی محافظه البصره بتفوق وکنت اعظی من الامتحانات النهائیه بسبب التفوق. – درست معهد الکترونیک و تخرجت من الاوائل. – تم ایفاوی الی ایطالیا – روما و فلورنسا و اکملت فیها دراسه الالکترونیک و تخرجت بتفوق و بدرجه ممتاز. – درست اللغه الایطالیه لمده اربعه سنوات دراسه تخصص فی البصره. – درست اللغه الانگلیزیه لمده اربعه سنوات دراسه تخصص فی البصره. – درست اللغه الایطالیه لمده سنتین فی البصره. – درست اللغه الانگلیزیه لمده سنتین فی البصره. – بدات بدراسه الحوزه المبارکه فی سنه ۱۹۸۵ م فی عهد السید الخوئی (رض) و لکن بصوره سریه. – ارتبطت بالسید ابوالقاسم الخوئی و کنت احمل الخمس الیه من البصره و الاحکام الشرعیه و غیرها. – درست فی معهد الامامین الحسنین (ع) للخطابه لمده (۴ سنوات). – درست فی حوزه دائره العلوم الاسلامیه المقدمات و السطوح. – درست فی جامعه آل البیت العالمیه لاکمال الماجستیر(کارشناسی ارشد) لمده ثلاث سنوات. – درست البحث الخارج فقها و اصولا فی مدرسه الحجتیه. – درست البحث الخارج فقها و اصولا فی منتدی جبل عامل(حوزه لبنانیها). – درست الفلسفه و الاصول و العرفان النظری علی ید آیت الله السیدکمال الحیدری(حفظه الله). – درست الاصول (بحث خارج) علی ید السید علی رضا الحائری. – درست الفقه و الاصول (بحث خارج) علی ید آیت الله الشیخ فاضل المالکی من ۱۳۸۴–۱۳۸۲ . – توجهت للکتابه و التالیف و خاصه فی مجال الادیان و القصائد و لی بحوث و کتب و مقالات فی القرآن الکریم و العهدین (الکتاب المقدس) و السیره و التاریخ و القصائد و عقائد الادیان السماویه. – تم طبع ثلاث کتب لحد الان و لکن طبع محدود علی حسابی الخاص. – لی عشره کتب جاهزه للطبع مبتکره. – تم تکلیفی شخصیا بکتابه کتب خاصه فی مواضیع خاصه و مهمه و تلائم روح العصر و ذلک من قبل بعض العلماء و الاساتیذه الکبار فی قم المقدسه و لازالت هذه الکتب تحت الید اسال الله عز و جل التوفیق بانجازها. و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطیبین الطاهرین.

اسدی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: دامپروری، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد مهندسی کشاورزی از دانشگاه یوستوس لیبگ آلمان در سال ۱۳۴۳، دکترای کشاورزی در رشته دامپروری از دانشگاه یوستوس لیبگ آلمان در سال ۱۳۴۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق در زمینه‌های اثرات مواد غذایی مراتع در افزایش شیر دامها، سنجش عرض ماهیچه M.Ion.Dors در حیوانات زنده از طریق به کار بردن دستگاه ماوراء صوت، گذراندن فرصت مطالعاتی در آمریکا در سال ۱۳۵۵ در زمینه تولیدمثل و تغذیه گوسفند و بز.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

پرورش و نگهداری خوک.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

فیزیولوژی تولیدمثل و تغذیه گوسفند و بز.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

اسدیان، خدیجه

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زمین‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زمین‌شناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد میکروپالئونتولوژی از دانشگاه سوربن پاریس در سال ۱۳۴۵ و دکترای زمین‌شناسی از دانشگاه سوربن پاریس در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

استادیار گروه جغرافیای دانشکده علوم دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۸، ارتقاء به درجه دانشیاری در سال ۱۳۶۳.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زمین‌شناسی، جغرافیای دیرینه، چینه‌شناسی و ژئومورفولوژی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مبانی زمین شناختی ماقبل تاریخ، زمین‌شناسی، جغرافیای زیستی، جغرافیای دیرینه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

زمین‌شناسی، جغرافیای دیرینه، چینه‌شناسی، ژئومورفولوژی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

اسدی‌مقدم، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: دامپروری، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی کشاورزی از دانشگاه گوتینگن آلمان در سال ۱۳۴۱، کارشناسی ارشد در علوم دامی از دانشگاه گوتینگن آلمان در سال ۱۳۴۳ و دکترای علوم دامی از دانشگاه گوتینگن آلمان در سال ۱۳۵۲.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷، دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۲ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پرورش و اصلاح نژاد نشخوارکنندگان کوچک (گوسفند و بز)، مشاوره و راهنمائی ۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

پرورش و اصلاح نژاد نشخوار کنندگان کوچک (گوسفند و بز).

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

اسرار تبریزی، محمدکاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۵- ح ۱۳۱۵ ق)، شاعر، متخلص به اسرار. ملقب به اسرار علیشاه. از دراویش فرق نعمت‌اللهی تبریز بود. آثار وی: «دیوان» اشعار مشتمل بر بیست و پنج هزار بیت؛ تذکره‌ی «حدیقهٔ الشعراء» در بر گیرنده‌ی شرح حال سخنوران ترک زبان آذربایجان و «بهجهٔ الشعراء» یا «لهجهٔ الشعراء» شامل تراجم ۸۶ تن. از شعرای آن خطه که هم غالب اشعارشان به زبان ترکی است و اتفاقا اشعار فارسی هم دارند و ظاهرا آنها را بطور انتقاد و مطایبه در برابر «یخچالیه‌ی» آقا محمدعلی مذهب آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۱۳۶ -۱۳۵ /۱)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۴۸ -۴۷ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۴۰)، الذریعه (۷۲ /۹ -۱۶۲ /۳)، ریحانه (۱۱۸ /۱)، سخنوران آذربایجان (۲۰۶ -۱۹۹)، مکارم الآثار (۷۹۸ /۵)، مواد التواریخ (۵۰۶ -۵۰۵).

اسراری، علی‌نقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۳۲۵، تهران.

درگذشت: ۲۶ آبان ۱۳۷۱.

علی‌نقی اسراری پس از اتمام تحصیلات متوسطه، به منظور ادامه‌ی تحصیل عازم کشور آمریکا شد و بعد از طی مدارج علمی در سال ۱۳۵۲ موفق به اخذ دکتری در رشته‌ی تعلیم و تربیت گردید و سپس به ایران بازگشت و با رتبه‌ی استادیاری در دانشگاه تربیت معلم مشغول به خدمت شد و در سال ۱۳۵۷ به مرتبه دانشیاری ارتقا یافت.

دکتر علی‌نقی اسراری در سال ۱۳۷۰ مسئولیت معاونت دانشکده‌ی علوم تربیتی را پذیرفت. از وی دو کتاب به نام‌های مبانی اقتصاد آموزش و پرورش و مبانی برنامه‌ریزی درسی چاپ شده است. وی همچنین مقاله‌هایی را برای طبع در مجله‌های علمی داخل کشور به رشته‌ی تحریر درآورد.

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آموزش و پرورش، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت معلم تهران

سال تولد: ۱۳۲۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آموزش و پرورش، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت معلم تهران

زندگینامه

دکتر شادروان علی‌نقی سراسری در سال ۱۳۲۵ در میان خانواده مذهبی و اهل علم در شهر تهران دیده به جهان گشود. بعد از اتمام تحصیلات متوسطه، به منظور ادامه‌ی تحصیل عازم کشور آمریکا شد. پس از گذراندن مدارج علمی در سال ۱۳۵۲ موفق به اخذ مدرک دکتری در رشته تعلیم و تربیت گردید و بلافاصله به میهن بازگشت و با رتبه استادیاری در دانشگاه تربیت معلم مشغول به خدمت شد و در سال ۱۳۵۷ به مرتبه دانشیاری ارتقاء یافت.

مرحوم دکتر اسراری در تمام دوران خدمت خود در دانشگاه، با جدیت و تلاش تمام به تدریس و تحقیق پرداخت و شاگردان زیادی را تربیت کرد. در سال ۱۳۷۰ مسئولیت معاونت دانشکده علوم تربیتی را پذیرفت و در اداره امور اجرائی دانشکده نقشی مؤثر ایفا نمود.

ایشان در سال ۱۳۵۴ ازدواج نمود که حاصل این ازدواج دو فرزند می‌باشد.

از مرحوم دکتر اسراری دو کتاب بنامهای «مبانی اقتصاد آموزش و پرورش» و «مبانی برنامه‌ریزی درسی» انتشار یافته و نیز چندین مقاله در مجلات معتبر علمی داخل کشور به چاپ رسیده است.

دکتر اسراری در شامگاه ۲۶ آبان ماه ۱۳۷۱ جان به جان آفرین تسلیم کرد و روحش به ملکوت اعلی پیوست.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اسراری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد، ملقب به ولی‌اللّٰه اسراری فرزند مرحوم حاج شیخ محمدابراهیم مشهور به مدرس اسراری از علماء معاصر سبزوار است.

ترجمه خود را چنین مرقوم و ارسال نموده‌اند.

اینجانب محمد ملقب به ولی‌اللَّه اسراری فرزند مرحوم حاج شیخ محمدابراهیم مشهور به مدرس اسراری که از علماء سبزوار و مدرس در تمام علوم از فقه و اصول و فلسفه و کلام و هیئت و نجوم و ترجمه حالش را مرحوم آیت‌اللَّه جناب آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب ذریعه در کتاب نقباءالبشر مفصلا ذکر فرموده‌اند و اجداد این بنده محتاج به رحمت باری تعالی از طرف پدر و مادر عموماً ملاک و اشراف و ثروتمند و بعضی از آنها اهل علم بوده‌اند و آثار خیریه آنها در سبزوار باقی و موجود است.

در شب جمعه نهم ذیقعدهٔالحرام ۱۳۲۱ هجری قمری در دارالمؤمنین سبزوار متولد شدم و در سن بین پنج و شش سالگی مرا به مکتب گذاشتند.

پس از یکسال قرآن مجید و دو سه کتاب کوچک را آموختم سپس مرا خدمت جناب آقا میرزا روح‌اللَّه لاهوتی که خطاط و دارای علوم عربیه بوده فرستادند دو سه سالی بیش نگذشت که دبستان خیریه ملی افتتاح شد مرا به کلاس چهارم وارد نمودند و تا کلاس ششم بودم و حساب و هندسه و قدری فرانسه و صرف و نحو در آنجا دیدم و پس از پایان دوره ششم در خدمت مرحوم پدرم شروع به نحو و صرف نموده و مرحله سیزدهم عمر را می‌پیمودم که مادرم دار دنیا را وداع نمود خدایش رحمت کند

اگر چه رنج و غم من به مرگ آن مرحومه شروع شد ولکن به تحصیلات خود ادامه دادم و مقداری فقه و اصول و فلسفه و منطق و نجوم و هیئت و حساب قدیم خدمت مرحوم والدم تعلیم گرفتم و در همان زمان به درس مرحوم علامه فقید سعید آقای شیخ نظام‌الدین کنابادی رحمهٔ اللَّه تعالی علیه می‌رفتم.

و چند سالی طول کشید و مرحوم آیت‌اللَّه آقای حاج میرزا عبدالحکیم عمه‌زاده که از شاگردان مرحوم جلوه و مرحوم آیت‌اللَّه العظمی الاصفهانی و آیت‌اللَّه العظمی النائینی و آیت‌اللَّه العظمی العراقی اعلی اللَّه تعالی مقامهم بود و از هر سه مرجع به اجازه اجتهاد مفتخر بوده و شرح حال معظم له را در ترجمه و کتاب زندگانی مرحوم جد امجدم حکیم عظیم حاج ملا ـ هادی اسرار سبزواری اعلی اللَّه تعالی مقامه الشریف نگاشته‌ام از نجف اشرف مراجعت فرمودند و در خدمت ایشان نیز چند سالی فقه و اصول و فلسفه تلمذ نمودم.

تا اینکه مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقای حاج میرزا حسن سیادتی رحمهٔاللَّه تعالی علیه که ایشان نیز از فضلاء و بزرگان حوزه‌ی علمیه نجف اشرف بودند از آن سامان به وطن اصلی خود مراجعت فرمودند و استفاده‌ی کامله از محضر درس ایشان نمودم البته اساتید دیگری را از قبیل حضرت مستطاب آیت‌اللَّه آقای حاج میرزا مهدی فقاهتی و برادر بزرگوار معظم له حضرت مستطاب آیت‌اللَّه العظمی آقای حاج میرزا حسین فقیه سبزواری و حضرت مستطاب علامه سعید آقای فاضل هاشمی اعلی اللَّه تعالی مقامهم درک فیض نموده‌ام.

و در تمام ادوار از سن شانزده سالگی دروسی از نحو فقه و اصول فلسفه و منطق و کلام و حساب و هیئت جهت آقایان محصلین در مدرسه فخریه و فصیحیه سبزوار تدریس می‌نمودم و از سن چهل سالگی که تاکنون سی و سه سال می‌گذرد و در مسجد جامع سبزوار پس از نماز مغرب و عشاء تفسیر و بعد از نماز صبح به تبلیغ احکام و نشر اخبار آل عصمت صلوات اللَّه و سلامه علیهم اجمعین مشغول بوده‌ام خدای تعالی را مسئلت می‌نمایم که توفیق بیشتری عنایت فرماید تاکنون کتبی تألیف نموده‌ام که بعضی به طبع رسیده و بعضی وقت آن نرسیده و کتبی که بطبع رسیده از اینقرار است.

۱- ترجمه و شرح حال فیلسوف بزرگ شرق مرحوم جدا مجدم حاج ملا ـ هادی اسرار سبزواری است که به خواهش بعضی از دوستان نوشته‌ام.

۲- گنجینه اسرار که اصول دین مختصری است قسمت اول آن و قسمت آخر آن اخبار و احادیثی است اخلاقی که به خواهش مرحوم شاهیده رئیس آموزش و پرورش شهرستان سبزوار نگاشته شده است.

۳- گنجینه صفات یا راهنمای جوان که در توحید و صفات ثبوتیه و سلبیه است که به خواهش سروان اکرمی بازرس محترم نظام وظیفه تألیف گردیده است

۴- شرح حال و ترجمه مختصری از زندگانی عالم بی‌نظیر و زاهد خبیر مرحوم شیخ علی ابن ابی‌الطیب معروف به پیر حاجات که در خیابان رضوی سبزوار مدفونست و از علماء بزرگ قرن چهارم هجری است و در تاریخ بیهق متفرقه ترجمه و شرح زندگانیش نوشته شده است و کتبی که بطبع نرسیده است.

۱- کتاب شرح بر کلمه طیبه لا اله الا اللَّه الملک الحق المبین و تفسیر آیه‌ی شریفه ان اللَّه لا یغفر ان یشرک به و یغفر مادون ذلک لمن یشاء است که در پاسخ پرسش مرحوم حاج شیخ محمدباقر جوینی شمس‌آبادی نگاشته شده است.

۲- شرح حال مرحوم حاج میرزا محمد ابراهیم وثوق‌الحکماء مؤلف شرح دعای عدیله و شرح بر گلشن راز شبستری است.

۳- ترجمه و شرح حال مرحوم آقا شیخ علی‌اصغر گاچی که از شاگردان مرحوم حاج اسرار و مردم عالم و زاهد و حکیم و ادیبی بوده است.

۴- کتابی در تطبیق بین هیئت فلا ـ ماریون با آیات و اخبار آل محمد صلوات اللَّه و سلامه علیهم اجمعین است که ناتمام است الحمدللَّه علی ما انعم و له الشکر علی ما الهم و لا حول و لا قوهٔ الا باللَّه العلی العظیم و صلی اللَّه علی سیدنا محمد و آله الطاهرین ابدالابدین.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

اسراری، هادی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملا هادی بن حاج مهدی عالمی عامل و حکیمی کامل از اعاظم فلاسفه و حکمای اسلامی اواخر قرن سیزدهم هجری بوده است.

وی صدر متألهین اسلام و قدوه متبحرین در حکمت و کلام و در احاطه حقایق حکمت بی‌نظیر و در استکشاف اسرار و دقایق فلسفه بی‌عدیل بوده.

اگر افلاطون عصرش بخوانیم روا و اگر ارسطوی دهرش بگوئیم بجاست.

و در عصر ناصرالدین شاه قاجار چنان بود که ملا صدرا در زمان شاه عباس کبیر و در فنون شعریه نیز بسیار ماهر بوده و خود را متخلص به اسرار می‌نموده و گاهی در اصطلاح اهل فضل به حاجی یا حاجی سبزواری تعبیرش نمایند و خلاصه ادوار زندگانی آن فیلسوف ربانی موافق آنچه از خط خودش نقل شده.

آنگه در حدود هفت و هشت سالگی شروع به نحو و صرف کرده و در حدود ده سالگی وی، پدرش به مکه رفته و در مراجعت در شیراز وفات یافته پس عمه‌زاده‌اش حاج ملا حسین سبزواری که سالها مقیم مشهد مقدس بوده و در انزوا و تقلیل غذا و اجتناب از محرمات و مکروهات و مواظبت بر فرائض و نوافل مراقبت تمام داشت

وی او را به ارض اقدس برده و در تمام اخلاق فاضله مساهم و مشارکش نموده و او نیز اصول و فقه و عربیات و علوم عقلیه را از حاج ملاحسین مذکور فراگرفته و تا ده سال دیگر بدین منوال گذرانیده و بحظوط و افره علمی و اخلاقی نایل پس به قصد تحصیل معقول و حکمت به اصفهان رفته و هشت سال دیگر در حوزه درس ملا۔اسماعیل اصفهانی و ملا۔علی نوری به تحصیل فلسفه پرداخته و اساس حکمت اشراق را استوار داشته پس پنج سال دیگر در خراسان به تدریس فقه و اصول و حکمت پرداخته سپس به زیارت بیت‌اللّٰه‌الحرام مشرف و بعد از مراجعت در سبزوار مشغول تدریس حکمت گردیده است.

تولد ایشان در ۱۲۱۲ ق برابر حساب (غریب) واقع شده و در سال ۱۲۸۹ ق وفات نموده است.

آثار علمی وی بسیار و از آنهاست کتب زیر

۱- اسرارالحکم فارسی و مکرر چاپ شده

۲- اسرارالعباده در فقه

۳- اصول‌الدین

۴- الجبر والاختیار

۵- دیوان شعر فارسی

۶- شرح الاسماء الحسنی که دعاء جوشن کبیر است

۷- شرح دعاء صباح حضرت امیر (ع)

۸- شرح غررالفوائد

۹- شرح لالی المنتظمه

۱۰- غررالفرائد

۱۱- محاکمات در رد شیخیه

۱۲- مقیاس در فقه

۱۳- نبراس نیز در فقه

۱۴- هدایهٔ المسترشدین و حواشی بسیاری در اسفار ملا صدرا و کتب دیگر. ملا کاظم سبزواری که از تلامذه وی بوده در ماده تاریخش گفته است.

اسرار چو از جهان بدر شد

از فرش بعرش ناله بر شد

تاریخ وفاتش ار به پرسند

گویم که نمرد زنده‌تر شد

از اشعار حکیم سبزواری اشعار زیر است

شورش عشق تو در هیچ سری نیست که نیست

منظر روی تو زیب نظری نیست که نیست

ز فغانم ز فراق رخ و زلفت به فغان

سگ کویت همه شب تا سحری نیست که نیست

نه همین از غم او سینه ما صد چاک است

داغ او لاله صفت بر جگری نیست که نیست

موسی نیست که دعوی اناالحق شنود

ورنه این زمزمه اندر شجری نیست که نیست

چشم ما دیده خفاش بود ورنه ترا

پرتو حسن به دیوار و دری نیست که نیست

گوش اسرار شنو نیست وگرنه اسرار

برش از عالم معنی خبری نیست که نیست

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

اسعد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، خطاط. اثر وی: کتاب نصف دوم کتاب «قانون» ابن‌سینا، به خط نسخ تحریر کتابت خفی متوسط و عناوین رقاع کتابت خوش، با رقم «آخر کتاب القانون تصنیف شیخ الرییس ابن‌علی حسین بن عبداللّه... (ساقط) و افق الفراغ من نسخهٔ یوم الاحد الخامس عشر من ذیب الحجهٔ من سنهٔ ست و ثمانین و خمسمائه (۵۸۶)، و کتب اسعد بن ابی‌المعالی بن ابراهیم بن عبداللّه الکاتب بالقاهرهٔ... حامدا...»، در مجموعه‌ی کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۴۵ /۴).

اسعد بختیاری، خان بابا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۹ ق)، شاعر. وی وزیر جنگ رضاخان بود که در آبان ۱۳۱۲ ش همراه برادرش وعده زیادی از خوانین بختیاری در تهران دستگیر و روانه زندان شد. در زندان با تهیه انواع کتابهای فرنگی، وقت خود را به مطالعه می‌گذراند. زبان آلمانی را در زندان یاد گرفت و به عده‌ای از زندانیان زبان انگلیسی یاد داد. سپس به زندان انفرادی انتقال یافت و هرگز از زندان رهایی نیافت. در آنجا به بیماری تیفوس درگذشت. اشعار بازمانده از او هر چند کم، ولی لطیف و جانسوز است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۳۳)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۶۱ -۱۵۸ /۱).

اسعدالدوله، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، ادیب و خطاط. رییس ذخیره‌ی توپخانه بود و مدتی در شیراز می‌زیست. وی در علوم ادبی فارسی و عربی ماهر بود و نستعلیق را استرار می‌نوشت. هنگام تألیف «آثار عجم»، سال ۱۳۱۳ ق، در قید حیات بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۳۴ -۵۳۳)، احوال و آثار خوشنویسان (۶۳۴ /۳).

اسعدی، محمد حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن اسعدی

محل تولد : کاشمر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۲

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسن اسعدی در سال ۱۳۵۱ در شهرستان کاشمر دروس مقدماتی خود را شروع کردم. دوره ادبیات و مقدمات را که شامل (نصاب الصبیان، جامع المقدمات، شرح قطر، مغنی، مختصر، حاشیه ملاعبدالله، سیوطی و معالم الاصول) می باشد، در محضر اساتید آن دیار کامل نمودم و در کنار اینها گلستان سعدی، کلیله و دمنه و همچنین عروهٔ الوثقی را نیز خواندم و نوشتم. در ضمن تحصیل تدریس نصاب الصبیان و مقدمات و شرح قطر و گلستان سعدی را نیز داشتم.

در سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه قم شدم. دوران انقلاب و مبارزه بود درسها به کندی پیش می رفت. لمعتین را در محضر آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی و دیگران خواندم، اصول فقه را خدمت مرحوم آقای عرفانیان بودم.

بعد از انقلاب نیز تا مدتی درسها به کندی پیش می رفت، زیرا در خدمات انقلاب خود را سهیم می دانستم. مدتی که از وجود طلاب برای حراست بیت امام خمینی (ره) استفاده می شد شرکت داشتم. مکاسب را خدمت آقای ستوده و رسائل را خدمت آقای اعتمادی به پایان بردم. در ضمن در کلاسهای معارف دفتر تبلیغات و موسسه در راه حق شرکت می کردم. مسافرت های خدماتی نیز داشته ام و نیز مسافرت های تبلیغاتی نیز به شهرهای مختلف داشته ام.

کفایتین را خدمت آیت الله ستوده خواندم. در سال ۱۳۶۳ برای تدریس به شهرستان ایذه رفتم. در سال ۱۳۶۵ خارج فقه را در محضر آیت الله مکارم شیرازی شروع کردم و تا سال ۱۳۷۳ در محضر ایشان بودم. در سال ۱۳۶۸ برای بار دوم به شهرستان ایذه برای تدریس رفتم، هر بار یکسال آنجا بودم.

در سال ۱۳۷۱ خارج اصول را در خدمت آیت الله وحید خراسانی شروع کردم و تا سال ۱۳۷۷ از محضر ایشان استفاده می کردم. در مدتی که در قم بودم قبل از مسافرت به ایذه تدریس ادبیات، منطق، معالم و غیره داشتم. البته به صورت خصوصی و در ایذه از ادبیات تا لمعه و اصول تدریس می کردم و بعد از بازگشت نیز مدتی تدریس کفایه برای یکی از دوستان داشتم. از سال ۱۳۷۴ تا کنون از محضر آیت الله تبریزی استفاده می کنم.

اسفراینی طوسی، ابوالمظفر شاهفور، طاهر

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۷۱ ق)، فقیه، اصولی، مفسر و متکلم شافعی. از بزرگان عصر خویش بود و در فنون مختلف دست داشت. وی داماد استاد ابومنصور بغدادی بود. او از ابن مَحمِش و اصحاب اصم نقل حدیث کرده و زاهر شحّامی از شاگردان او بوده است. در «طبقات الشافعیهٔ» و به تبع آن «الاعلام» و «تاریخ نظم و نثر» و همچنین در جلد چهارم «معجم المؤلفین» از وی به عنوان فرزند طاهر یاد شده است. ابوالمظفر در طوس درگذشت. از آثار وی: «التبصیر فی الدین و تمییز الفرقهٔ الناجیهٔ عن الفرق الهالکین»؛ «تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم»، تفسیری از قرآن به زبان فارسی؛ «الاوسط» در ملل و نحل؛ کتابی در «اصول».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۶۰ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۱۷)، سیر النبلاء (۴۰۲ -۴۰۱ /۱۸)، کشف الظنون (۱۸۲۰، ۴۴۲، ۳۴۰، ۲۶۸)، لغت‌نامه (ذیل/ اسفراینی)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۴۷۱)، معجم المؤلفین (۳۸ /۵، ۳۱۰ /۴)، هدیهٔ العارفین (۴۳۰ /۱).

اسفراینی، ابواسحاق ابراهیم

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۱۸ ق)، متکلم، اصولی و فقیه شافعی. ملقب به رکن‌الدین و مشهور به استاد. او در اسفراین نشو و نما یافت و نزد ابوبکر اسماعیلی در خراسان و ابومحمد دعلج اسفراینی سجزی در عراق تحصیل کرد. وی از معاصران صاحب بن عباد، شیخ مفید و سید مرتضی بود. اکثر علمای عصر و شیوخ نیشابور کلام و اصول را نزد وی آموختند و جمله‌ی علمای عراق و خراسان به فضل و علم او اقرار کرده و او را مجتهد و پیرایه ملک خاور خوانده‌اند. صاحب بن عباد در حقش گوید که او آتشی است سوزنده. قاضی ابوالطیب طبری هنگامی که در اسفراین بود اصول فقه را از وی آموخت. و ابوبکر بیهقی و ابوالقاسم قشیری از وی حدیث روایت کردند. زمانی که اسفراین در نیشابور اقامت داشت مدرسه‌ی بنامی برای تدریس او بنا کردند. او در اصول اشعری بود و با معتزلیان از جمله قاضی عبدالجبار معتزلی مناظراتی داشت. به گفته ابوالقاسم قشیری او کرامات اولیاء را منکر بود. وی در روز عاشورا در نیشابور درگذشت و همان طور که آرزو داشت مردم آن شهر بر جنازه‌ی او نماز گزاردند؛ سپس جنازه او را به اسفراین انتقال دادند. از آثار وی: «الجامع»، در «اصول الدین و الرد علی الملحدین»؛ «العقیدهٔ»؛ شرح «الفروغ» ابن‌حداد؛ «معالم الاسلام»؛ «نورالعین فی مشهد الحسین»؛ «ادب الجدل»؛ «تعلیقه»، در اصول فقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۵۹ /۱)، تاریخ نیشابور (۱۵۶)، تعلیقات اسرار التوحید (۶۴۲ /۲)، روضات الجنات (۱۷۶ -۱۷۵ /۱)، ریحانه (۱۱۹ -۱۱۸ /۱)، سیر النبلاء (۳۵۶ -۳۵۳ /۱۷)، کشف الظنون (۱۷۲۵، ۱۴۱۸، ۱۲۵۷، ۱۱۵۷، ۵۷۲، ۵۳۹، ۴۵)، الکنی و الالقاب (۲۶ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابواسحاق اسفراینی و اسفراینی)، معجم البلدان (۲۱۱ /۱)، معجم المؤلفین (۸۳ /۱)، نامه‌ی دانشوران (۲۳۴ -۲۳۲ /۲)، الوافی بالوفیات (۱۰۵ -۱۰۴ /۶)، وفیات الاعیان (۲۸ /۱)، هدیهٔ الاحباب (۹۸)، هدیهٔ العارفین (۸ /۱).

اسفراینی، ابوالحسن علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، ادیب و شاعر. از رجال بزرگ عهد غزنویان، و از ممدوحان فرخی سیستانی بود که پدرش از وزیران مشهور محمود بود. وی به زبان عربی شعر می‌گفت و در تذکره‌ها اشعاری از او باقی مانده. مترجم «تاریخ عتبی» او را به فضل و کمال ستوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۵۳۸ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۶۴ /۱)، فرخی سیستانی (۱۱۸ -۱۱۷).

اسفراینی، ابوحامد احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۰۶ -۳۴۴ ق)، فقیه شافعی. معروف به ابن ابی‌طاهر. وی پیرو محمـد بن ادریس شافعی بود. در ۳۶۴ /۳۶۳ ق وارد بغداد شد و علم فقه را از ابوالحسن بن مرزبان و ابوالقاسم دارکی فراگرفت و از عبـداللّه بن عـدی و ابی‌بکر اسـماعیلی و ابراهیم بن محمد اسـفراینی حـدیث شـنید و «السـنن» را از دارقطنی اسـتماع کرد. ریاست دارالسـلام بغـداد در بحبوبه‌ی رواج علم به او واگـذار شـد. در مسـجد عبـداللّه بن مبـارک در حوزه فقهـا بیش از سـی سـال درس می‌گفت. در مجلس درس او بیش از سیصد و به قولی تـا هفتصـد فقیه حضور داشـتند. قاضی ابوالحسن ماوردی و سلیم رازی و ابوعلی سنجی و ابوالحسن محاملی از شاگردان وی بودند. ابوحامد در بغدا وفات یافت، پیکر او را به خارج از بغداد حمل کردند. در تشییع جنازه وی انبوه عظیمی از مردم دارالسـلام شـرکت داشـتند. پس از تغسـیل، به امامت ابوعبـداللّه بن مهتـدی، خطیب جامع منصور، بر وی نماز گزاردنـد و جنازه او را به شـهر آوردنـد و در سـرایش به خاک سپردند. در سال ۴۱۶ ق قبر او را شکافتند و جثه‌ی او را بیرون آوردند و در باب حرب دفن کردند. از جمله آثار وی: «بستان فی النوادر و الغرائب»؛ «التعلیقهٔ الکبری فی الفروع»، تعلیقات بر «شرح المزنی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الاعلام (۲۰۳ /۱)، تاریـخ ادبیـات در ایران (۲۷۸ /۱)، تاریـخ بغداد (۳۷۰ -۳۶۸ /۴)، ریحانه (۱۲۰ -۱۱۹ /۱)، سیر النبلاء (۱۹۷ -۱۹۳ /۱۷)، الکامل (۲۸۱ -۲۸۰ /۷)، کشف الظنون (۴۲۴ -۴۴۳، ۲۴۴)، الکنی و الالقاب (۲۶ -۲۵ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوحامد اسـفراینی)، مجمل فصیحی (ذیل/ سالهای ۳۴۴ و ۴۰۶)، معجم البلدان (۲۱۲ /۱)، معجم المؤلفین (۶۵ /۲)، نامه‌ی دانشوران (۷۳ -۶۵ /۲)، الوافی بالوفیات (۳۵۸ -۳۵۷ /۷)، وفیات الاعیان (۷۴ -۷۲ /۱)، هدیهٔ العارفین (۷۱ /۱).

اسفراینی، عبدالوهاب

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شـاعر. از شاعران عهـد تیموری است که منصب قضای سبزوار و اسـفراین و زمانی احتساب استرآباد را داشته است. به قول امیر علیشیر «به شعر خود مشهور بود». عبدالوهاب به استقبال اشعار امیرخسرو دهلوی رفته است. وی در استرآباد درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۷۰۲ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۲۱)، مجالس النفائس (۲۱۵ -۲۱۴، ۴۲).

اسفرجانی، کیوان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : دکتر کیوان اسفرجانی دارای دکترای رشته فیزیک و عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف با رتبه علمی دانشیار ی می باشد.

گروه : علوم پایه

رشته : فیزیک

تحصیلات رسمی و حرفه ای : کیوان اسفرجانی دارای مدرک دکترای فیزیک می باشد.

وقایع میانسالی : دکتر اسفرجانی دانشمند جوان چند سالی را در ژاپن به تحقیق درباره نانو تکنولوژی گذرانده است.

فعالیتهـای آموزشـی : فعـالیت هـای آموزشـی و عنـاوین دروس ارائـه شـده توسـط کیـوان اسـفرجانی به قرار زیر است: مـواد فشـرده ۱و۲،اساس فیزیک،الکترودینامیک،مکانیک کوانتوم کاربردی،فیزیک محاسباتی ،عناوین خاص در CMP

آرا و گرایشهای خاص : زمینه های مطالعاتی و تحقیقاتی کیوان اسفرجانی : تاثیرات ترموالکترونیک، در اندازه نانو،فرومغناطیس در شیارهـا،مغنـاطیس و دینامیک چرخشـی در نقاط کوانتوم،مطالعه ویژگی ترمودینامیک و گروه و فراوانی انها،محاسـبات حمل و نقل خواص و پیش بینی لوله هـای نـانو،مراحـل ساختار کربن در لوله ، حمل و نقل کوانتوم در سیسـتمهای نامرتب و طراحی وسایل نانو الکترونیک ،تاثیر متقابل و نامرتب در حالت زمین ..

جوائز و نشانها : کیوان اسـفرجانی از برتریهای متخصـصان فناوری‌نانو بر اساس دسـتاوردهای مستند در سالهای ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ بوده است.

چگونگی عرضه آثار : از کیوان اسـفرجان تا کنون بیش از ۲۰ مقاله در زمینه های تخصصـی اش منتشر شده است. او همچنین استاد راهنمای بیش از ۲۳ پایان نامه دانشـجویی بوده اس. دکتر اسفرجانی طرح " :بررسی اثرات ترموالکتریک در لوله های کربنی" را به ثبت و مرحله اجرا رسانده است. منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

اسفرنجانی، محمدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدمهدی اسفرنجانی (والد ماجد حاج میرزا ابوالقاسم محمدی در سال) در سال ۱۳۰۰ قمری در قمری در قریه اسفرنجان گلپایگان به دنیا آمده و بعد از رسیدن به مراحل امکان کسب فضیلت مقدمات را در گلپایگان فراگرفت

و سپس به منظور تحصیل علم و دانش به اصفهان عزیمت نمود و چند سالی را در خدمت اساتید با فضیلت آن شهر تلمذ نمود و بعد از طی مراحلی به گلپایگان مراجعت و سپس به عزم زیارت بیت‌اللّه به مکه معظمه مشرف شد و در مراجعت از مکه در نجف اشرف رحل اقامت افکند و در خدمت استاد کل مرحوم آیت‌اللّه العظمی آخوند خراسانی و سایر اساتید آن مهد علم و فضیلت اشتغال به تحصیل داشت تا اینکه به مقام شامخ اجتهاد مطلق نائل گردید و با اخذ اجازه اجتهاد از محضر آن آیت‌اللّه بزرگوار به ایران مراجعت فرموده و یکی دو سال با عموی بزرگوارش مرحوم حاج میرزا عبدالکریم که در آن موقع مرجعیت عامه داشت در قسمت انجام خدمات اجتماعی و مجاهدات دینی همکاری فرمود و بعد از رحلت ایشان زمام امور را به دست گرفت و با قصد قربت و خلوص نیت در انجام وظائف مرجعیت دینی کوشا و ساعی بود و چون از نظر معیشت در رفاه بود و احتیاج به کسی نداشت و عموم مردم هم می‌دانستند که او در کار خود هدفی جز تحصیل رضای خدا ندارد. در بین طبقات مردم محبوبیت خاصی داشت و عمری را با حسن نیت و محبوبیت و نفوذ معنوی گذراند و در اثر همین نیت پاک و خلوصی که در کارها داشت صرفا به نیت تقرب به خدا انجام وظیفه می‌نمود بعد از رحلتش یکی از صلحاء با فضیلت او را در خواب دید و بدون توجه به اینکه او مرحوم شده است از او احوال‌پرسی نمود. و ایشان در جواب پرسش او فرموده بود (یا لیت قومی یعلمون بما غفرلی ربی و جعلنی من المکرمین)- ای کاش نزدیکان من می‌دانستند که چگونه خدا مرا آمرزید و مورد مرحمت خود قرارم داد (آیهٔ ۲۵ سور یس)

رشته تحصیلات او علوم قدیمه بود ولی در دوران مرجعیتش با همه گرفتاریهائی که داشت و با کسالتی که همیشه دامن‌گیرش بود مطالعات دامنه‌داری در رشته‌های گوناگون از علوم جدیده داشت و توانسته بود که در این قسمت هم در ردیف یکی از دانشمندان فرهنگ روز به شمار بیاید

شاهد این مدعی مقالات ارزنده‌ایست که در مجلات دعوت اسلامی و غیره از او منتشر شده و جلب نظر دانشمندان آن عصر را نموده و در اثر همین نبوغ علمی آثاری از خود باقی گذاشت که در رأس آنها کتابی بنام توحید محمدی است و کتب در رد منحرفین نوشته و مقالات گوناگونی در رشته‌های مختلف از خود به یادگار گذاشته که متاسفانه هیچ یک به طبع نرسیده است بالاخره عمری را با تقوی و حسن نیت و اخلاص عمل گذرانیده و در سن شصت و یک سالگی در ماه رمضان ۱۳۶۱ هجری در تهران مرحوم شده و در ارض اقدس قم مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اسفزاری هروی، معین‌الدین محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۱۵ ق)، نویسنده، شاعر و خطاط. از نویسندگان و منشیان معروف خراسان بود که در جوانی به هرات رفت و در آنجا به کسب فضایل و کمالات معنوی همت گماشت. در ادب و انشاء شهرت یافت و مورد توجه خواجه قوام‌الدین نظام‌الملک خوافی، وزیر سلطان حسین بایقرا، قرار گرفت و به دربار وی راه یافت و به مرتبه‌ای رسید که نشان شاهی یعنی مهر رسمی دربار سلطنت را به او تفویض کردند. وی علاوه بر استادی در فن ترسل، از ذوق شعری و حسن خط نیز بهره‌مند بود. در خط تعلیق شیوه‌ی تاج سلمانی و خواجه عبدالحی منشی را مراعات می‌کرد و از شاگردان عبدالحی بود، امّا، عمده‌ی شهرت وی به سبب کتاب «روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات» است که در سال ۸۷۳ ق تألیف کرد. این کتاب مشتمل بر اطلاعات مبسوط جغرافیایی و تاریخی هرات و دیگر بلاد خراسان تا روزگار مؤلف است و از جمله منابع دست اول تاریخ آل‌کرت و تیموریان است. وی از آثاری که پیش از او درباره‌ی هرات نگاشته شده بود، استفاده کرد. آخرین آنها «تاریخ نامه هرات» رسمی هروی است. دیگر اثر وی «ترسّل» مشتمل بر منشآت، مناشیر و مکتوبات.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۷۹ /۴)، از سعدی تا جامی (۶۲۰ -۶۱۹)، تاریخ دبیات در ایران (۵۳۸ -۵۳۷ /۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۵۲)، حبیب السیر (۳۴۸ /۴)، خوشنویسان و هنرمندان (۷۰،۸۰)، روضات الجنات فی اوصاف مدینهٔ هرات (مقدمه)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۳)، کشف الظنون (۹۲۲ -۹۲۱)، لغت‌نامه (ذیل/ معین‌الدین) معجم المؤلفین (۲۰۰ /۱۰)، هدیهٔ العارفین (۲/ ۲۲۵).

اسفزاری، ابوحاتم مظفر

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۵۱۵ ق)، ریاضیدان و منجم. از بزرگان علمای ریاضی و نجوم زمان خود و معاصر عمرخیام بود، که با جماعتی دیگر از اعیان منجمان از جمله عبدالرحمان خازنی، میمون بن نجیب واسطی و حکیم لوکری در سنه‌ی ۴۶۷ ق به فرمان سلطان ملکشاه

سلجوقی رصد معروف ملکشاهی را که رصد جلالی نیز گویند، بستند. وی همچنین میزان ارشمیدس را که معروف به میزان غش است، ساخت و به خزانه سنجر داد، لیکن سعادت خازن، خزانه‌دار سلطان از بیم آن که خیانت او آشکار شود، آن ترازو را خرد کرد. و چون ابوحاتم از این موضوع آگاه شد از تأثر درگذشت. وی تألیفات بسیاری در ریاضی و جبر اثقال و علم حیل و حرکات ستارگان داشت اما، آثار اندکی از او باقی مانده است از جمله: «اختصار اصول اقلیدس»، به عربی؛ «رساله‌ی آثار علوی» یا «کائنات جو» به فارسی که برای فخرالملک پسر نظام‌الملک، وزیر بر کیارق نگاشته است؛ «رساله‌ی الشبکه»، به فارسی؛ «ارشاد ذوی‌العرفان الی صناعهٔ القبان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۶۳ /۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۶۹ -۹۶۷، ۳۱۳ /۲)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۳۱۲ -۳۱۱)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۸ -۱۲۷)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (۸۰ -۷۹)، دایرهٔالمعارف فارسی (۲۷۹۸ /۲)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۴۶۹ - ۴۶۷)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۳ -۵۲)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۳۰ -۲۲۹)، لغت‌نامه (ذیل/ اسفزاری)، مؤلفین کتب چاپی (۱۳۱ /۱)، معجم المؤلفین (۲۹۸ /۱۲).

اسفندیار

قرن:۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(است. مقدس آفریده یا آفریده (خرد) پاک؛ په.) جهان پهلوان ایرانی، در روایات ملی پسرکی گشتاسپ پادشاه کیانی. وی به دست زردشت رویین تن گردید و پیروزیها یافت و عاقبت در جنگ با رستم بر اثر تیر دو شاخه گزین که به چشم او اصابت کرد، درگذشت.

(په.) اسفندیار، پسر گشتاسپ پادشاه داستانی ایران باستان. این نام در فارسی تحریف شده و به صورت اسفندیار درآمده است اسفندیار.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

اسفندیاری شیبانی، بیژن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: زمین‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی زمین‌شناسی از دانشگاه اکلاهمای آمریکا در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد مهندسی زمین‌شناسی از دانشگاه اکلاهمای آمریکا در سال ۱۳۴۴، دکترای مهندسی زمین‌شناسی از دانشگاه اکلاهمای آمریکا در سال ۱۳۴۸ و پژوهشگر فوق دکترای ژئو شیمی از دانشگاه اکلاهمای آمریکا در سال ۱۳۴۹.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده علوم دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹، دانشیار دانشکده علوم دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳ و ارتقاء به درجه استادی دانشکده علوم دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۳، دارای سابقه تدریس و عضویت در هیات علمی دانشگاه اکلاهمای آمریکا.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه ژئوشیمیایی منطقه منیزالیزه سماق، زمین‌شناسی روی زمین منطقه میدانک - نساء، زمین‌شناسی تحلیلی منطقه تونل کندوان و البرز مرکزی، ژئو شیمی عناصر کمیاب در سنگهای البرز مرکزی، بررسی‌های سنگ شناسی و ژئوشیمیایی منطقه رباط کریم (ساوه)، تدریس دروس ژئوشیمی، ژئوفیزیک، ژئوشیمی ایزوتوپی پیشرفته، تکتونیک I و II، موتکتونیک در دانشگاه تهران، استاد راهنمای ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

زمین‌شناسی عمومی، زمین‌شناسی روی زمین، فتوژئولوژی، زمین عکس‌های هوایی در تفسیر زمین‌شناسی و تهیه نقشه: Manuallof Field Geology Photogeology the way the Earth Works.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

Comparison of Major teetonics Events in Iran . possibity

of Underground Gas sforagein Oli Fields . Mineralization associated in vol Canic Belt NE – SW Iran.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

اسفندیاری، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل اسفندیاری

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

فعالیتهای علمی اینجانب عمدتا در سه محور قرار دارد:

•محور اول: تحصیل و مطالعه در علوم حوزوی فقه و اصول (شرکت در درس خارج) می‌باشد، که بیش از یک دهه به این مهم اشتغال دارم.

•محور دوم: تدریس دروس حوزوی و دانشگاهی می‌باشد، که در مراکز حوزوی مثل جامعهٔ الزهراء و مدارس وابسته به مرکز جهانی حوزه مشغول به تدریس می‌باشم، و در مؤسسات آکادمیک و علمی مثل دانشگاه تهران و دانشگاه علوم پزشکی تهران به تدریس در رشته‌های تاریخ اسلام و بررسی انقلاب اسلامی ایران و تحلیل علل وقوع آن اشتغال دارم.

•محور سوم: پژوهش و تحقیق است که با توجه به رشته جامعه شناسی که رشته تحصیل دانشگاهی بنده بوده، در زمینه‌های تفکر اجتماعی متفکران مسلمان، مناسبات دین و جامعه شناسی، جامعه شناسی انقلاب اسلامی ایران، و آسیب شناسی اجتماعی و سیاسی به پژوهش و تحقیق اهتمام دارم.

اسفندیاری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۴ –۱۲۸۳ ق)، نویسنده و شاعر. ملقب به محتشم‌الساطنه. وی علاوه بر تحصیل در دارالفنون، مقدمات عربی و ادبیات فارسی و دوره‌ای از فقه و اصول و حدیث را نیز در مدارس دینی آموخت. در سال ۱۳۰۲ ق به خدمت وزارت خارجه درآمد. و سمت‌های مختلفی را دارا بود. در سفر سوم مظفرالدین شاه به فرنگ، به عنوان نماینده‌ی وزارت خارجه در صف همراهان شاه بود. پس از فرمان مشروطیت، از جمله کسانی بود که مأمور تنظیم نظامنامه‌ی انتخابات شدند. با قرارداد ۱۹۱۹ م وثوق‌الدوله مخالفت کرد و به همراه عده‌ای از مخالفین به کاشان تبعد شد و در کابینه‌ی نود روزه‌ی سید ضیاءالدین در بازداشت بود. اما از دوره‌ی هشتم وارد مجلس شورا شد و تا پایان دوره‌ی سیزدهم نماینده‌ی مجلس بود. وی زبانهای عربی، انگلیسی، فرانسوی و ترکی را به خوبی می‌دانشت و بارها به مقام وزارت رسید. محتشم‌السلطنه در تهران درگذشت و در جوار حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد. از تألیفات او: «قواعد الاحکام»، ترجمه؛ «اخلاق محتشمی»؛ «علل بدبختیها و علاج آن»[۱]

معروف به حاج محتشم‌السلطنه در ۱۲۴۶ در تهران تولد یافت. پدرش میرزا محمد خان صدیق‌الملک سالیان طولانی در وزارت امور خارجه سمت معاونت و کفالت آنجا را عهده‌دار بود. اسفندیاری پس از انجام تحصیلات مقدماتی وارد مدرسه‌ی دارالفنون شد. چندی تحصیل پزشکی نمود بعد ادبیات و فلسفه خواند و از آنجا فارغ‌التحصیل گردید. مدتی نیز نزد اساتید به تحصیل ادبیات عرب و فارسی و نحو و لغت و حکمت و ریاضیات پرداخت.

در ۱۲۶۴ در وزارت امور خارجه استخدام شد و در اداره‌ی دول غیر همجوار و ملل متنوعه مشغول گردید. یک سال بعد با سمت نایب سفارت به آلمان اعزام شد و مدت پنج سال مأموریت وی طول کشید. در این مأموریت زبان آلمانی را به خوبی فراگرفت و وقتی به ایران آمد به ریاست اداره کشورهای غیرهمجوار منصوب گردید. چندی بعد نایب اول وزارت امور خارجه شد.

در ۱۲۷۳ از طرف ناصرالدین شاه به او لقب جناب و نشان درجه اول شیر و خورشید داده شد و یک سال بعد ملقب به محتشم‌السلطنه گردید و به سمت ژنرال قنسول ایران در هندوستان تعیین و عازم بمبئی شد. مأموریت هندوستان سه سال طول کشید. پس از مراجعت به ایران مدیرکل وزارت امور خارجه و مترجم مظفرالدین شاه شد و در سفر سوم شاه به اروپا از ملتزمین رکاب بود.

پس از صدور فرمان مشروطیت برای تنظیم نظامنامه انتخابات دعوت شد و در این راه فعالیت زیادی کرد. میرزا نصرالله خان مشیرالدوله اولین نخست‌وزیر مشروطیت او را به معاونت خویش برگزید و در حقیقت رابط بین نخست‌وزیر و مجلس شورای ملی بود و به همین جهت وزیران کابینه را او به مجلس معرفی کرد. در کابینه‌ی میرزا علی اصغرخان اتابک اعظم، محتشم‌السلطنه به کفالت وزارت کشور معرفی شد. در حقیقت سخنگوی دولت در مجلس بود. در اواخر کابینه اتابک برای رفع اختلافات مرزی بین

ایران و عثمانی به ریاست هیئتی عازم ارومیه (رضائیه) شد و پس از چندی محمدعلی شاه حکومت آنجا را نیز به او سپرد. در این مأموریت مشروطه‌خواهان با وی سازش نکردند. مدتی نیز او را بازداشت کرده اموالش را به یغما بردند. دول روس و انگلیس و عثمانی هر سه از محتشم‌السلطنه شکایت کردند و خلع او را خواستار شدند و دولت او را احضار نمود.

در ۱۲۸۷ در کابینه‌ی میرزا احمد خان مشیرالسلطنه به وزارت دادگستری تعیین شد و در ترمیم کابینه همچنان در دولت باقی ماند. بعد از استبداد صغیر در دولت اول مستوفی‌الممالک ابتدا وزیر دادگستری بود بعد به جای حسینقلی نواب وزیر امور خارجه شد و در دور دوم نخست‌وزیری سپهدار تنکابنی که سه بار ترمیم شد، همچنان وزیر امور خارجه بود.

در ۱۲۹۱ در دولت صمصام‌السلطنه بختیاری ابتدا وزیر عدلیه و بعد وزیر کشور شد. در دولت دوم مستوفی‌الممالک که دو بار ترمیم شد، وزارت دارائی را بر عهده گرفت.

در ۱۲۹۳ به سمت والی آذربایجان و پیشکار محمدحسن میرزا ولیعهد تعیین و رهسپار تبریز شد. آذربایجان تحت اشغال قوای نظامی روسیه بود بعد عثمانی‌ها وارد آن سرزمین شدند. جنگ بین دو قوای بیگانه در خاک ایران آغاز شد. روس‌ها تبریز را تخلیه کردند و عثمانی‌ها به علت طرفداری محتشم‌السلطنه از روس‌ها او را تحت فشار قرار دادند. ناگزیر به قفقاز رفت و از راه اروپا به تهران بازگشت.

محتشم‌السلطنه پس از ورود به تهران در دولت عین‌الدوله وزیر امور خارجه و در دولت بعدی وزیر کشور و در کابینه‌ی علاءالسلطنه وزیر مالیه شد.

در سال ۱۲۹۸ ش وقتی وثوق‌الدوله نخست‌وزیر با دولت انگلستان قراردادی منعقد نمود که امور مالی و نظامی ایران تحت نظارت دولت انگلستان قرار بگیرد، به محض انتشار قرارداد دسته‌ای مخالف و عده‌ای موافق شدند. محتشم‌السلطنه در زمره مخالفین قرار داد بود و سرانجام به اتفاق مستشارالدوله صادق، ممتازالدوله ممتاز، ممتازالملک مرتضائی و حاج معین‌التجار بوشهری به کاشان تبعید شدند. تا مدتی که دولت وثوق‌الدوله در رأس کار بود در کاشان تحت نظر بود. پس از کناره‌گیری وثوق‌الدوله و نخست‌وزیری مشیرالدوله، تبعیدشدگان به تهران بازگشتند و مورد استقبال مردم قرار گرفتند.

اسفندیاری در ترمیم کابینه‌ی فتح‌اللّه خان سپهدار رشتی به وزارت امور خارجه تعیین شد. مدت وزارت او فقط پنج روز به طول انجامید. با کودتای ۱۲۹۹ دولت ساقط شد و تمام رجال ایران از جمله محتشم‌السلطنه به زندان افتادند. در تمام مدتی که سید ضیاءالدین در رأس دولت بود، در زندان بسر برد و بعد از رفتن سید از ایران، آزاد شد.

اسفندیاری در کابینه‌ی احمد قوام که بلافاصله بعد از کابینه‌ی کودتا زمام امور را در دست گرفت، به وزارت امور خارجه تعیین شد. در سال ۱۳۰۱ در دور دوم نخست‌وزیری احمد قوام وزیر معارف شد. در کابینه‌ی بعدی که ریاست آن را میرزا حسن خان مستوفی برعهده داشت، در سمت وزارت معارف باقی ماند.

در ۱۳۰۵ در دفعه‌ی ششم نخست‌وزیری حسن مستوفی به وزارت مالیه تعیین شد ولی پس از چند ماه در ترمیم کابینه جای خود را به نصرت‌الدوله فیروز داد و از دولت خارج شد. اسفندیاری در دوره‌ی سوم مجلس شورای ملی از تهران به وکالت انتخاب شد و در مجلس جزء فرقه اعتدالی گردید.

در ادوار هشتم، نهم، دهم، یازدهم، دوازدهم و سیزدهم از تهران به وکالت انتخاب شد و از دوره‌ی دهم به بعد یعنی چهار دوره ریاست مجلس شورای ملی را بر عهده داشت. حاج محتشم‌السلطنه اسفندیاری غیر از مشاغل مهم سیاسی، در مشاغل فرهنگی و اجتماعی و بین‌المللی نیز همکاری و مباشرت داشت. در ۱۳۱۳ کنگره‌ی فردوسی که با شرکت مستشرقین و دانشمندان بزرگ عالم در تهران و مشهد تشکیل یافت، او به اتفاق آراء به ریاست کنگره تعیین گردید. در ۱۳۱۴ که فرهنگستان برای احیاء زبان فارسی تشکیل شد، از اعضاء پیوسته فرهنگستان بود. مدتی نیز ریاست جمعیت ایرانی جامعه ملل را عهده‌دار بود. در ۱۳۱۶ در مراسم تاجگذاری ژرژ ششم پادشاه انگلستان شرکت کرد و بعد به دعوت آدولف هیتلر به آلمان رفته با وی ملاقات و مذاکره کرد.

در ۱۳۱۸ برای انجام مواصلت دختر ملک فواد پادشاه مصر با محمدرضا پهلوی ولیعهد ایران به قاهره رفت. اسفندیاری در دوره‌ی سیزدهم مجلس که افتتاح و شروع به کار آن پس از اشغال ایران توسط نیروهای بیگانه انجام گرفت، با مشکلات بزرگی مواجه بود. او که سه دوره مجلس بی‌سر و صدا و آرام ادوار گذشته را پشت سر گذاشته بود، اداره‌ی چنان مجلس تندرو، کاری بس دشوار بود. اسفندیاری در تصویب پیمان سه‌جانبه‌ی ایران و شوروی و انگلستان نقش بزرگی داشت و نمایندگان را به ضرورت تصویب آن معتقد ساخت. برای نخست‌وزیرانی چون فروغی و سهیلی وجود چنین شخصی در رأس مجلس مغتنم بود.

در آخرین جلسه‌ی مجلس سیزدهم از طرف سهیلی رئیس دولت ماده‌ی واحده‌ای به مجلس پیشنهاد شد مبنی بر اینکه اسفندیاری ماهانه ده هزار ریال از خزانه‌ی دولت حقوق دریافت نماید. وفات او در پنجم اسفندماه ۱۳۲۳ در سن ۷۷ سالگی اتفاق افتاد.

حسن اسفندیاری در عداد دانشمندان کشور ایران بود. در لغت عرب ورزیده و ماهر بود، به علوم اسلامی از قبیل تفسیر، فقه، حدیث، و نیز به حکمت، ریاضی و نجوم آشنائی و در زبان فارسی اطلاعات فراوان داشت. منشی و خوش خط بود.

اسفندیاری فرزندان متعددی داشت. همسر وی یکی از نواده‌های میرزا آقاخان نوری صدراعظم ناصرالدین شاه بود. فرزندان او همه مدارج علمی و سیاسی را طی کردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۷۱ -۱۶۱ /۱)، سخنوران نامی (۴۲۰ -۴۱۵ /۲)، شرح حال رجال (۳۲۲ -۳۲۱ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۳۰ -۶۲۹ /۲)، یادداشتهای قزوینی (۲۳۲ /۸)، یادگار (س ۱، ش ۸ ص ۸۰ -۷۲)، یغما (س ۵، ش ۹، ص ۴۱۲ -۴۱۱).

اسفندیاری، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا اسفندیاری

محل تولد : تهران

شهرت : اسلامی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اخذ دیپلم ریاضی (سال ۶۱-۶۰)

* شروع دروس حوزوی (سال ۶۲-۶۱) در مدرسه مجتهدی تهران و همزمان مربی تربیتی در برخی مدارس تهران

* انتقال به مدرسه چیذر تهران (سال ۶۳-۶۲) وتدریس مکرر کتب درسی حوزه در رشته ادبیات عرب و منطق در خلال سالهای ۶۵-۶۲

* افتخار پوشیدن لباس روحانیت (سال ۶۴)

* انتقال به حوزه علمیه قم همزمان با اتمام دروس سطح ۱ (سال ۶۶) یعنی پایان لمعتین و اصول مظفر

* اتمام دروس سطح ۲ حوزه در قم (سال ۶۹) ورود به درس خارج آیت الله مکارم شیرازی

* پذیرش مسئولیت امور اساتید مدرسه علمیه معصومیه در قم (سال ۷۳-۶۹) و همزمان تدریس برخی کتب درسی چون معالم الاصول , لمعه , تحریر الوسیله , منطق و ادبیات عرب

* سفرهای مکرر تبلیغی به جبهه های دفاع مقدس و مراکز ارتش و سپاه و برخی روستاها (سال ۶۹-۶۴) و ایراد سخنرانی و برپایی منابر حسینی در برخی مساجد قم پس از این سالها تا کنون

* تدریس مکرر کتاب حلقات الاصول و نگارش شرح بر این کتاب از سال ۷۳ تا کنون , در مراکز مختلف علمی

* ارائه اولین اثر مکتوب به نام منطق اجتهاد در شرح" معالم الدین "درسال ۷۲ و شروع به کار تحقیق و تالیف

* دفاع از پایان نامه سطح ۳ حوزه , تحت عنوان " الجمع بین الحکم الظاهری و الواقعی " با نمره ۱۹ در سال ۱۳۸۰

* ارتباط علمی با مرکز ادیان و مذاهب (سال ۷۶ تا ۷۸)

* ارتباط علمی با پژوهشکده فقه و حقوق , وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی و پذیرش مدیریت گروه علوم وابسته به فقه (سال ۷۹ تا ۸۲)

* دفاع از پایان نامه سطح ۴ حوزه با عنوان" نظریه حق الطاعه "با نمره ۱۷ درسال ۸۳ و پس از ۶ مصاحبه علمی مربوط به شرکت در درس خارج فقه آیت الله تبریزی و خارج اصول آیت الله سید کاظم حائری

* شرکت در همایش های علمی و ایراد سخنرانیهای علمی و نیز دریافت جایزه و لوح تشویق از کنگره دین پژوهان در سالهای ۸۰ و ۸۲ به مناسبت ارائه دو اثر پژوهشی

* همکاری با معاونت پژوهشی حوزه در تدوین درسنامه مقدماتی علم فقه

اسفندیاری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اسفندیاری معروف به نیما یوشیج ، در سال ۱۲۷۴ شمسی در یوش مازندران به دنیا آمد. وی آموزش های ابتدایی را در یوش آغاز کرد و در سن دوازده سالگی (۱۲۸۸) با خانواده اش به تهران رفت و در آنجا مسکن گزید. او ابتدا به دبستان (حیات جاوید) و سپس به مدرسه متوسطه کاتولیک (سن لوئی) رفت. در این مدرسه بود که زبان فرانسه را آموخت. نیما یوشیج به سال ۱۲۹۶ در سن بیست سالگی موفق به دریافت تصدیقنامه از مدرسه ی عالی سن لوئی شد. نخستین کار اداری نیما شغلی در درجه پایین کارمندی در وزارت مالیه بود، او تا سال ۱۲۹۸ در این کار دوام آورد. از سال ۱۳۰۶ در کنار همسرش عالیه ،در آموزشگاه های کوچک شهرهای شمال ایران : بارفروش (بابل کنونی) ، لاهیجان ، رشت ، آستارا به کار تدریس اشتغال داشت. از فروردین ماه سال ۱۳۱۲ نیما و همسرش به تهران آمدند. نیما نخست در بلا تکلیفی بسر برد و سپس در جست و جوی کاری مناسب بر آمد. در سال ۱۳۱۶ به تدریس ادبیات در دوره دوم دبیرستان صنعتی پرداخت. پس از آن به وزارت پیشه و هنر منتقل گردید. یک سال بعد به اداره موسیقی کشور منتقل شد و به عضویت هیات تحریریه ی مجله موسیقی انتخاب گردید؛ نیما یوشیج تا سال ۱۳۲۶ شغل ثابتی نداشت و پس از آن به خدمت در اداره ی نگارش وزارت فرهنگ پرداخت . او تا پایان زندگیش در این شغل اداری باقی ماند. نیما در روز پنج شنبه ۱۶ دی ماه ۱۳۳۸ هجری شمسی به علت ابتلا به بیماری ذات الریه در گذشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

والدین و انساب : نیما یوشیج فرزند ابراهیم نوری و طوبی مفتاح بود. در یادداشت کوچک بی تاریخی نسب خود را چنین نوشته

است: « علی بن ابراهیم علی (معروف به ناظم الایاله) بن محمدرضا (معروف به باباخان بیک) بن محمد هاشم بن محمدرضا » .

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : نیما آنگونه که خود می گوید، کودکی اش در میان شبانان و ایلخی بانان سپری شده است، اینان به هوای چراگاه به نقاط دور ییلاق قشلاق می کردند و شب بالای کوهها ساعات طولانی باهم به دور آتش جمع می شدند ،او می گوید: «از تمام دوره بچگی خود،به زدو خوردهای و حشیانه و چیزهای مربوط به زندگی کوچ نشینی و تفریحات ساده آنها در آرامش یکنواخت و کور و بی خبر ازهمه جا چیزی به خاطر ندارم».

تحصیلات رسمی و حرفه ای : نیما خواندن و نوشتن را در یوش که بود آموخت. در زندگینامه ی خود چنین می نویسد: «در همان دهکده که متولد شدم خواندن و نوشتن را نزد آخوند ده یاد گرفتم. او مرا در کوچه باغهای دنبال می کرد و به باد شکنجه می گرفت. پاهای نازک مرا به درختهای ریشه و گزنه دار می بست. با ترکه های بلند مرا مجبور می کرد به از بر کردن نامه هایی که معمولاً" اهل خانواده ای دهاتی به هم می نویسند و خودش آنها را بهم چسبانیده و برای من طومار درست کرده بود». در سن دوازده سالگی (۱۲۸۸) نیما با خانواده اش در تهران مسکن گزید و در این شهر ،ابتدا به دبستان (حیات جاوید) و سپس به مدرسه متوسطه کاتولیک (سن لوئی) رفت. در این مدرسه بود که زبان فرانسه را آموخت. نیما یوشیج به سال ۱۲۹۶ در سن بیست سالگی موفق به دریافت تصدیقنامه از مدرسه ی عالی سن لوئی شد و این پایان تحصیلات رسمی اوست. پس از آن مدتی به اتفاق لاربن در مدرسه ی خان مروی نزد مرحوم آقا شیخ هادی یوشی، زبان عربی آموخت . در سال ۱۳۰۷ نیز در بار فروش (بابل) در محضر علامه ی حائری به درسهای فلسفه و منطق و فقه این عالم بزرگ دل سپرد.

خاطرات و وقایع تحصیل : نیما یوشیج از دوران تحصیل خود چنین تعریف می کند : «سالهای اول زندگی مدرسه من به زد وخورد بچه ها گذشت ،وضع رفتار و سکنات من کناره گیری و حجبی که مخصوص بچه ها ی تربیت شده در بیرون شهر است . موضوعی بود که در مدرسه مسخره برانداز بود. هنر من خوب پریدن و با رفیقم پژمان (حین) فرار از محوطه مدرسه بود. من در مدرسه خوب کار نمی کردم فقط نمرات نقاشی به داد من می رسید. اما بعدها مراقبت و تشویق یک معلم خوش رفتار که نطام وفا شاعر امروز باشد مرا به خط شعر گفتن انداخت. این تاریخ مقارن بود با سالها یا که جنگها ی بین المللی ادامه داشت. من در آن وقت اخبار جنگ را به زبان فرانسه می توانستم بخوانم». او در ادامه می گوید : «به منزل خاله ام ، مادر تقی کیانی کاردار، می گریختم. با پای برهنه از بازارها و کوچه های یخ بسته و مرطوب که آثار قدیم در آنجا هنوز بجا بود (می گذشتم). در سر راه من دالان دولتسرای عضدالملک نائب السلطنه بود. با چراغ کم روشن توی دالان و قراول دم در با لباس مخصوص قدیم قراول های زمان پیش از مشروطه . همه چیز قدیم. من درست به یادم می آید حیدر علی کمالی و تقی کاردار کیانی در بالاخانه شعر می خواندند تا صبح. و احتشام الملک ، پدر همین خانلری ، در زاویه به حساب خود زندگی می کرد. آنها تا صبح نظامی می خواندند. تاثیر نظامی از آن وقت در من پیدا شد که من اصلاً در خصوص شعر فکر نمی کردم. تقی کیاین کاردار (معتصم الملک) در من تاثیر مهمی دارد ، بدون اینکه خودش بداند» .

استادان و مربیان : نیما به تشویق نظام وفا که استاد او بود ،به نظم شعر پرداخت. از استادان وی می توان به مرحوم آقا شیخ هادی یوشیجی و علامه حائری اشاره کرد.

هم دوره ای ها و همکاران : یکی از همدو ره ایها ی دوران تحصیل نیما یوشیج ،حسین پژمان بود.

همسر و فرزندان : در تاریخ ۶ اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۵ نیما یوشیج ، در سن ۲۹ سالگی ،با خانم عا لیه ی جهانگیر ،فرزند میرزا اسماعیل شیرازی ،خواهر زاده ی انقلابی و نویسنده ی مشهور میرزا جهانگیر صور اسرافیل ازدواج کرد.حاصل این ازدواج فرزندی به نام شراگیم بود.

وقایع میانسالی : نیما در یکی از طوفانی ترین و پر آشوب ترین ایام تاریخ کشور را درک نموده است.وی در این زمان رضا خان با توطئه چینی و حمایت بیگانگان در پی تغییر حکومت قاجار و انتقال سلطنت به خود و خاندان خود بود. در سال ۱۳۰۳ مجلس شورای ملی لایحه ای عزل احمد شاه قاجار و جانشینی سردار سپه را به مقام سلطنت تصویب می کند و در ۱۵ آذر ماه ۱۳۰۴ مجلس موسسان برای تغییر مواردی از قانون اساسی تشکیل می شود. نیما یوشیج با روشن بینی و آینده نگری کامل ، که نشانه ی حس قوی و شناخت کامل او از موقعیت سیاسی و اجتماعی ایران است ،در یاد داشتی با عنوان (مجلس مؤسسان)برای تغییر موادی از قانون اساسی تشکیل می شود. نیما یوشیج با روشن بینی و آینده نگری کامل ، که نشانه ی حس قوی و شناخت کامل او از موقعیت سیاسی و اجتماعی ایران است، در یاد داشتی با عنوان (مجلس موسسان) به تاریخ ۲۱ آبان ماه ۱۳۰۴ چنین می نویسد:(مجلس موسسان به اصطلاح شیطان می خواهد آتیه ی مملکت ،یعنی سرنوشت یک مست بچه های یتیم و مادرهای فقیر را معین کند. جوانها اغلب آنهایی که چند جلد از کتب ادبیات غربی را ترجمه کرده اند و به این جهت مشهور به نویسندگان هستند، در این مجلس شرکت دارند. می خواهند آنها را برای این مجلس انتخاب کنند. به من هم تکلیف کرده اند،ولی من تاکنون نه پا به مجلس آنها گذاشته ام نه بازی قرعه و انتخاب و کلا را شناخته ام . من از این بازی چیزی نمی فهمم . یک نفر را روی کار کشیده اند یک استبداد خطرناک ،مملکت را تغییر خواهد داد. جوان باهنر گمنام ،بمیر یا ساکت باش تا تو را معدوم نکنند و تو بتوانی روزی که نطفه های پاک پیدا شدند ،به آنها اتحاد را تبلیغ کنی .این نقشه ها برای این است که متفکرین و مخالفین شناخته شوند و آنها را در موقع جلسه ،نیست کنند؛ ولی بالاخره شیطان مغلوب می شود.) نیما یوشیج که به هنگام نوشتن یادداشت ۲۸ ساله است، در این عبارت (جوان باهنر گمنام ،بمیر یا ساکت باش تا تورا معدوم نکنند)بی گمان به شهادت دوست ناکام خود میرزاده عشقی نظر دارد و جملات (من از این بازیها چیزی نمی فهمم .یک نفر را روی کار کشیده اند . یک استبداد خطرناک ،مملکت را تغییر خواهد داد .سخت هوشیارانه ،قابل توجه، تاریخی و عبرت آور است. در بهمن ماه ۱۳۰۶ حادثه سیاسی مهمی روی داد : کشف کتیبه ی سری و اعلام سرهنگ احمد پولادین. سرهنگ احمد خان پولادین که افسری حساس و چو ن رئیس گارد رضا شاه و از نزدیک شاهد اعمال او بود با عده ای از افسران و اشخاص می دانست آنها هم با رژیم پهلوی موافق نیستند وارد مذاکره و متحد شده کمیته ای سری تشکیل دادند که او را از میان بردارند و رژیم پهلوی را سرنگون سازند. نزدیک بود که موفق هم بشوند . اما یکی از افراد این

کمیته از بیم نافرجام ماندن این اقدام محرمانه مراتب را به اطلاع پهلوی رسانید . همگی اعضاء کمیته دستگیر و تسلیم دادگاه نظامی شدند محاکمات آنها چند روز به طول انجامید در نتیجه سرهنگ احمدخان پولادین محکوم به اعدام شد. این واقعه نیما یوشیج را که اندیشه انتقام همیشه با او بود سر شوق می آورد و در اسفند ماه ۱۳۰۶ شعر بلند و حماسی (سرباز فولادین) را سرود تا این تاریخ بعد از (افسانه) مهم ترین شعر اوست.

زمان و علت فوت : نیما در روز پنج شنبه ۱۶ دی ماه ۱۳۳۸ هجری شمسی به علت ابتلا به بیماری ذات الریه در گذشت و در قبرستان امامزاده عبدالله به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : نخستین کار اداری نیما شغلی در درجه پایین کارمندی در وزارت مالیه بود و ی تا سال ۱۲۹۸ در این کار دوام آورد. از فروردین ماه سال ۱۳۱۲ نیما و همسرش در تهران بودند. نیما نخست در بلا تکلیفی بسر برد و سپس در جست و جوی کاری مناسب بر آمد. در سال ۱۳۱۶ به وزارت پیشه و هنر منتقل گردید. یک سال بعد به تمایل خودش با همان حقوق به اداره موسیقی کشور منتقل شد و به عضویت هیات تحریریه ی مجله موسیقی انتخاب گردید؛ این کار جدی ترین و مناسب ترین شغل اداری نیما یوشیج درتما م طول زندگیش است که تا پایان عمر این مجله ،تا بهمن ۱۳۲۰ ادامه یافت. نیما یوشیج تا سال ۱۳۲۶ شغل ثابتی نداشت و پس از آن به خدمت در اداره ی نگارش وزارت فرهنگ پرداخت . کار او بررسی و اظهار نظر در باره ی نمایشنامه ها و فیلمنامه هایی بود که به این اداره می رسید. تا پایان زندگیش این شغل اداری او بود و حقوقش سیصد و سی تومان در ماه بود.

فعالیتهای آموزشی : از سال ۱۳۰۶ ، نیما در کنار همسرش عالیه ،در آموزشگاه های کوچک شهرهای شمال ایران : بارفروش (بابل کنونی) ، لاهیجان ، رشت ، آستارا به کار تدریس اشتغال داشت. او در سال ۱۳۱۶ در تهران به تدریس ادبیات در دوره دوم دبیرستان صنعتی پرداخت.

آرا و گرایشهای خاص : نیما یوشیج در سال ۱۳۱۶ موفق به کشف شکل تازه ای در شعر فارسی شد که این شیوه به کلی با شعر قدیم فرق دارد و با نگرشی که در شیوه شکل آن پدید آورد به پدر شعر نو لقب گرفت. نظرنیما در خصوص شعر، یک نگاه جدید است که بعضاً شیوه های قدیم را به چالش کشیده و از منظری جدید غالب شعر را تعریف می نماید. او می گوید: « ادبیات ما باید از هر حیث عوض شود. موضوع تازه کافی نیست و نه این کافی است که مضمونی را بسط داده و به طرز تازه بیان کنیم. نه این کافی است که با پس و پیش کردن قافیه و افزایش و کاهش مصراع ها یا وسایل دیگر ، دست به فرم تازه زده باشیم . عمده کار این است که طرز کار عوض شود و مدل وصفی و روائی ، که در دنیای با شعور آدم هاست ، به شعر بدهیم. »او در ادامه می گوید:« شعر وزن و قافیه نیست ، بلکه وزن و قافیه هم از ابزار کار یک نفر شاعر هستند. همچنین شعر ردیف ساختن مصطلحات و فهرست کلی دادن از مطالب معلوم که در سر زبان ها افتاده است نیست. این جور کار به درد دفتر حساب بندی یک تجارتخانه می خورد. شعر واسطه تشریح و تاثیر دادن و کوچک کردن معنویات و شکافتن و نمودن درونیهای دقیق و نهفته آنهاست. و تمام کوشش و کاوش شاعر برای آن است که « مخصوصاً شعر را از حیث بیان آن به طبیعت نزدیک کرده و به آن اثر دلپذیر نثر را دهد » . زیاد رغبت دارد و دلباخته رغبت خود است که « شعر را از مصراعبازیهای ابتدایی ـ که در طبیعت این طور یکدست و یکنواخت و ساده لوح پسندانه وجود ندارد و لباس متحد الشکل نپوشیده است آزاد کرده باشد» .نیما فقط در ابداع شعر نو جسارت به خرج نداد بلکه همین آوردن واژه های روستایی و بومی در شعر فارسی و ملی در نوع خود بدعت و نوآوری محسوب می شود ، تا جاییکه که بعد از او بسیاری خواستند از این شیوه بهره بگیرند که راه به جایی نبردند. --

----

آثار :

۱ پادشاه فتح

۲ خواب زمستانی

۳ قصه رنگ پریده ،خون سرد

ویژگی اثر : این قصه مثنوی حزن انگیزی است که برای دلهای خونین سروده شده است و به بیان مصائب شاعر اختصاص یافته که میخواهد قصه ا ی از یاران و ببخت و دوران خویش بازگو کند.

۴ کار شب پا

۵ منظومه افسانه

ویژگی اثر : افسانه منظومه مفصلی است. در یکی از مفترعات بحر رمل(فاعلاتن فعولن فعولن) که محتوی آشفتگی و خیالهای پریشان شاعر است. نیما نخستین انحراف خود را از اسلوب تفکر وبیان دیرینه شعر فارسی در این منظومه نشان می دهد.

۶ وای بر من

منابع زندگینامه :۱آریان پورم یحیی- از نیما تا روزگار ما- ج۳, تهران: انتشارات زوار, ص ۵۹۷۲پیام نوین- سال ۳- شماره ۶, اسفند ۱۳۳۹۳صوفیم لیلا- زندگی نامه شاعران ایران- انتشارات جاجرمی, ص ۲۱۶۴طاهباز, سیروس- زندگی و هنر نیما یوشیج پردرد کوهستان- تهران: انتشارات زریاب, ص ۱۱

اسکافی مروزی، ابوحنیفه

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۴۵۱ ق)، فقیه، حکیم و شاعر. او را بعضی اهل مرو و برخی اهل غزنین می‌دانند. لقب اسکافی وی به این دلیل بود که پدر یا اجداد وی کفشگر بودند، البته در بعضی از منابع شغل خودش را نیز کفشگر نوشته‌اند. در زمان سلطنت سلطان مسعود غزنوی می‌زیست، و علاوه بر شاعری مسند تدریس نیز داشت، و مردمان را رایگان علم و ادب می‌آموخت. او دارای «دیوان» شعر نیز بود و ابوالفضل بیهقی اشعار وی را در تاریخ خود آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۵۵/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۰۳ -۳۹۸ /۲)، تاریخ بیهقی (۲۷۴ و ۳۸۱، ۳۸۰، ۲۷۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۴)، چهارمقاله (۹)، دایرةالمعارف فارسی (۲۹/۱)، الذریعه (۴۰/۹)، ریحانه (۷۶ -۷۵ /۷)، سخن و سخنوران (۱۹۸)، شاعران بی‌دیوان (۵۹۶ -۵۸۷)، لباب‌الالباب (۱۷۵/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوحنیفه‌ی اسکافی)، مجمع الفصحا (۲۱۶ -۲۰۸ /۱)، هفت اقلیم (۳۳۲/۱).

اسکافی، ابوجعفر محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۴۰ ق)، متکلم معتزلی، ادیب و شاعر. اصلی وی از سمرقند بود. در بغداد متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت. ابتدا پیشه خیاطی داشت اما به تحصیل دانش روی آورد و علم کلام را از جعفر بن حرب فراگرفت و از پیشوایان بنام معتزلیان بغداد شد. طایفه اسکافیه بدو منسوبند. وی مناظراتی با حسین بن علی کرابیسی داشته است. معتصم عباسی او را بر همه مقدم می‌داشت. در مآخذ مختلف او را صاحب تصانیف بسیار دانسته‌اند. از آثارش: کتاب «المقامات فی تفضیل علی-علیه‌السلام»؛ کتاب «فضائل علی-علیه‌السلام»؛ کتاب «ابطال قول من قال بتعذیب الاطفال»؛ کتاب. «البدل»؛ کتاب «الرد علی المشبهة»؛ کتاب «اللطیف»؛ کتاب «النقض».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۹۲ /۷)، تاریخ بغداد (۴۱۶ /۵)، خاندان نوبختی (۸۵، ۸۱)، ریحانه (۱۲۲ /۱)، الکنی والالقاب (۲۷ /۲)، لسان المیزان (۲۲۷ /۶)، لغت‌نامه (ذیل/ اسکافی)، مروج الذهب ترجمه (۵۱۲ /۲)، معجم المؤلفین (۲۰۰ /۱۰)، الوافی بالوفیات (۳۳۷ -۳۳۶ /۳)، هدیة الاحباب (۹۸).

اسکروچی، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی عمران، دانشکده: مهندسی عمران، دانشگاه: صنعتی شریف

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

اسکندرلو، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد اسکندر لو

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۲

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۴۰ در شهرستان همدان در یک خانواده مذهبی متولد شدم. در سال ۱۳۵۶ به منظور فراگیری معارف و علوم اسلامی به حوزه علمیه قم آمدم. ادبیات عرب، منطق و علوم بلاغی را (۶۰ ـ ۱۳۵۶) در مدرسه مبارکه رضویه خواندم. لمعتین (۶۳ ـ ۶۱) را نزد آیت الله اشتهاردی و استاد شماعی همدانی، رسائل و مکاسب (۶۷ ـ ۶۴) را نزد آیت الله اعتمادی و آیت الله علوی گرگانی، کفایتین (۶۹ ـ ۶۷) را نزد آیت الله اعتمادی، خارج فقه (۸۰ ـ ۷۰) را نزد آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله نوری همدانی خارج اصول (۷۸ ـ ۷۰) را نزد آیت الله فاضل و آیت الله مکارم شیرازی.

تحصیلات دانشگاهی:

مقطع کارشناسی الهیات و معارف اسلامی (۷۴ ـ ۷۱) موسسه در راه حق.

مقطع کارشناسی ارشد علوم قرآنی (۷۸ ـ ۷۴) موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

مقطع دکتری علوم قرآن و حدیث (۸۳ ـ ۷۹) تربیت مدرس دانشگاه قم.

ملاحظات: در مهر ماه ۱۳۷۸ از پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان" نقد و ترجمه مدخل قرآن از دایرهٔ المعارف دین" دفاع نموده و امتیاز ۲۰ را احراز کردم و در سال ۱۳۷۹ در کنکور دکترای علوم قرآن و حدیث تربیت مدرس دانشگاه قم شرکت کرده و با کسب رتبه اول پذیرفته شدم. در تاریخ ۲۲/ ۳/ ۸۲ موضوع پایان نامه دکتری بنده تحت عنوان" نقد و بررسی تحقیقات خاور شناسان در زمینه تاریخ گذاری آیات و سور قرآن "به تصویب رسید و در تاریخ ۱۵/ ۱۰/ ۸۳ مورد دفاع قرار گرفت و با درجه عالی و امتیاز ۵/ ۱۸ پذیرفته شد.

فراگیری زبان انگلیسی:

الف) دوره عالی زبان انگلیسی مرکز زبان های خارجی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در سال ۱۳۶۵ (طی ۷۰۰ ساعت آموزش) که در تاریخ ۳۱/ ۴ / ۶۶ گواهینامه آن را (ممهور به مهر مرکز زبان های خارجی دانشگاه تهران، مرکز زبان های خارجی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی و مرکز زبان های خارجی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) است، دریافت نمودم.

ب) در سال ۱۳۶۹ جهت تقویت مکالمه زبان انلگیسی، کلاس های آن را در زبانکده انگلیسی (ای. اچ. پ) پشت سر نهاده و موفق به اخذ دیپلم زبان (با امتیاز ۲۰) گردیدم.

ت) اخذ گواهینامه مترجمی زبان از نیروی دریایی پاکستان (۱۳۷۰)

ملاحظه: در سال ۱۳۷۰ از سوی نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عازم بندر کراچی پاکستان شدم و در طی مدت شش ماه در جمع برادران سپاهی که جهت گذراندن دوره تخصصی زیر دریایی به نیروی دریایی پاکستان اعزام شده بودند، به عنوان مبلغ و مترجم زبان انگلیسی حضور داشته و در پایان دوره موفق به اخذ گواهینامه مزبور شدم.

اسکندری، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین اسکندری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر محمد حسین اسکندری حسب الامر، جریان تحصیل، تدریس و تحقیق خود را در چند بند بطور خلاصه در این صفحات می نویسم: در آغاز باید از سال ۴۲- ۴۱ سال آغاز انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)، که برای تحصیل وارد حوزه علمیه قم شدم به عنوان نقطه عطفی در جریان زندگی خودم نام ببرم. البته حقیر قبل از این تاریخ نیز ــ چون پدرم روحانی و از شاگردان مراجع بزرگواری چون آیت الله بروجردی و آیت الله حاج شیخ محمد علی اراکی و آیت الله حاج شیخ عبدالنبی عراقی و ...بودند ـ در قم بودم و دوران ابتدائی را در مدرسه خدیوی و دوره دبیرستان را در دبیرستان صدوق مشغول تحصیل بودم که به توصیه پدرم آن را نیمه تمام گذاشته و برای ورود به حوزه و اشتغال به تحصیلات دینی و حوزوی، دبیرستان را ترک کردم.

در سال تحصیلی ۴۲- ۴۱ سال شروع انقلاب وارد حوزه علمیه قم و در مدارس حضرت آیت الله گلپایگانی که برنامه تحصیلی خاص خود را داشت، مشغول تحصیل شدم با این تفاوت که هر سه سال از این برنامه ها را حقیر در دو سال گذراندم و کتابهای سیوطی، مغنی، شرح نظام، مختصر، حاشیه ملا عبدالله، شمسیّه، معالم و قوانین و جلدین شرح لمعه را همراه با برنامه های جنبی در این مدارس خواندم. در این مدارس نوشتن جزوه درسها و ارزیابی آنها توسط اساتید در فواصل مختلف و نیز شرکت در امتحانات فصلی اجباری بود.

رسائل را در درس خصوصی آیت الله شاه آبادی، کفایتین را در درس عمومی آیت الله سلطانی، مکاسب را در درس عمومی آیت الله ستوده، منظومه را در درس خصوصی آیت الله محمد مؤمن و درس عمومی آیت الله انصاری شیرازی و بخشهائی از اسفار را در درس آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن زاده (و بعد که وارد موسسه در راه حق شدم) منطق، شفا، نهایه، فلسفتنا و روش رئالیسم را در درس آیت الله مصباح یزدی و کتاب" ژیلسون "را که آن هم یک کتاب فلسفه غربی بود در درس استاد ارجمند آقای دکتر احمدی و یک دوره فلسفه علم و نیز یک دوره کوتاه تاریخ فلسفه غرب را در درس دو نفر از اساتید محترم دانشگاه که در فن خود قوی بودند شرکت کردم. ضمناً در همین سالها روزهای تعطیلی همراه تعدادی از دوستان که سعی می کردند از همه فرصتها استفاده شود، بخشهائی از عقائد و معارف قرآن و روایات را نزد آیت الله جوادی آملی، آیت الله ابطحی اصفهانی و آیت الله مرحوم ابوترابی قزوینی شرکت کردم.

از اواخر دهه پنجاه به بعد در درسهای خارج فقه و اصول آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری یزدی، آیت الله وحید خراسانی و در مقاطعی آیت الله اراکی و آیت الله سید کاظم حائری و ...شرکت کردم. در همین حال، یک دوره امر به معروف و نهی از منکر را همراه یکی از دوستان ارجمند در درس آیت الله صدیقیان اصفهانی خصوصی در روزهای تعطیلی و یک دوره فقه اقتصادی را در درس آیت الله مظاهری اصفهانی به پایان رساندم.

در سال ۱۳۵۱ در ضمن درسهای خارج حوزه وارد برنامه آموزشی تحقیقی موسسه در راه حق شدم و در گروه" الف "این موسسه

ثبت نام کرده و پذیرفته شدم که در مجموع ترکیبی بود از :

۱. فلسفه اسلامی و غیر اسلامی

۲. معارف قرآن

۳. دو زبان خارجی (عربی جدید و انگلیسی)

۴. علم و فلسفه اخلاق

۵. اقتصاد اسلامی

۶. دوره های عمومی و کوتاهی در زمینه جامعه شناسی عمومی، روانشناسی عمومی، حقوق و علوم سیاسی، روش تحقیق و نویسندگی و علوم ریاضی و...

زمان این برنامه ها ۸ سال بود که در آن، حقیر درسها را بصورت جزوه می نوشتم و شرکت در امتحانات فصلی الزامی بود.

آموزش و تدریس:

از همان سالهای نخست طلبگی از نیمه دهه پنجاه در مدارس آیت الله گلپایگانی و سپس مدارس کرمانیها و رسالت به موازات تحصیل، درسهائی را که خوانده بودم تدریس می کردم. سپس در سالهای بعد چندین سال در موسسه در راه حق به تدریس فلسفه، فلسفه حقوق، عقائد و اخلاق در قرآن و در مدرسه شهیدین فلسفه، در جامعهٔ الزهراء فلسفه و اصول، در مدرسه حقانی عقائد و معارف قرآن و در دانشکده شهید محلاتی فلسفه اخلاق و قبل از جامعهٔ الزهرا در مکاتب خواهران نیز تدریس داشته ام و خلاصه آنکه از ادبیات گرفته تا مکاسب شیخ را بطور عمومی یا خصوصی در حوزه قم تدریس کردم و علاوه بر درسهای رائج حوزه مواد درسی فوق را در مراکز آموزشی مختلف چه آنها که نام بردم و غیر آنها تدریس نمودم.

پس از پیروزی انقلاب، در سالهای آغازین پیروزی انقلاب، به توصیه علماء و بزرگان حوزه بمنظور انجام کارهای فرهنگی تبلیغی و پاسخ به سؤالات و شبهات و یا برای تدریس در اردوهائی که بمنظور آموزش ضمن خدمت برای اساتید و دبیران و معلمان از سوی تربیت معلم و اداره آموزش ضمن خدمت تشکیل می شد به استانها و شهرهای مختلف آبادان و خرمشهر و رشت و بندر انزلی و حومه (از جمله دانشگاه گیلان و دانشگاه لاکان) و کرمانشاه و یزد و چندین نوبت در تهران (دانشگاه امام صادق (ع)، تربیت معلم، دانشگاه تهران و) ...سفر کرده، به تدریس عقائد و معارف و ایدئولوژی و اقتصاد اسلامی پرداختم که در هر یک از آنها از ۸- ۷ ماه گرفته تا دو ماه و یا حتی بیست روز سفر و برنامه ما طول می کشید و کار ما بصورت تشکیل کلاس یا پاسخ به سؤالات در دانشگاهها و دبیرستانها و یا بصورت مصاحبه و پاسخ و پرسش در مراکز تلویزیونی رشت و کرمانشاه و آبادان و گاهی سخنرانی انجام می گرفت که تا آنجا که بیاد دارم در رشت در کل یک ماه رمضان یک شب در میان و همچنین در کرمانشاه در مدت مشابه این مصاحبه منتشر می شد و موضوع و محور مصاحبه مسائل اقتصادی اسلام بود.

از سال اول بازگشائی دانشگاهها پس از انقلاب ظاهراً سال ۶۲- ۶۱ بنا به دعوت بعضی از مسئولان و معاونین دانشگاه شهید بهشتی و با توجه به وضع بحرانی دانشگاه ها در آن زمان که جولانگاه گروهکها بود، در این دانشگاه به تدریس دروس مختلف پرداختم که بطور عمده عبارت بود از: عقائد و معارف و اخلاق و نیز در مقاطعی نظام سیاسی و دولت در اسلام را در دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی و حقوق بین الملل اسلام را نیز در همین دانشکده و بخشهائی از فقه را در دانشکده حقوق و تاکنون نیز که بیش از بیست سال از آن تاریخ می گذرد تدریس و همکاری حقیر با این دانشگاه ادامه دارد. همچنین، بنا به دعوت آیت الله میر محمدی که در آن تاریخ رئیس دانشکده الهیات دانشگاه تهران بودند و به توصیه آیت الله مصباح یزدی از سال ۶۴ در دانشکده الهیات بطور متناوب به تدریس فلسفه و کلام و فقه و اصول و فقه الحدیث و تفسیر و درایه پرداختم که تا بعد از دهه هفتاد ادامه یافت و سپس هم با یکی دو سال فاصله در مجتمع آموزش عالی قم وابسته به دانشگاه تهران به تدریس دروس فقه و ادوار فقه و فقه تطبیقی مشغول شدم که تقریباً تا حدود سال ۱۳۸۰ ادامه داشت. علاوه بر این چند سالی هم در دانشگاه تربیت مدرس تهران به تدریس فلسفه (روش رئالیسم) و فقه (مکاسب) و اصول (مظفر) اشتغال داشته، در دانشگاه آزاد قم نیز فقه و اصول و ...را در چند سال و در دانشگاه آزاد شهر ری از چند سال پیش تاکنون به تدریس فقه، اصول، آیات الاحکام، قواعد فقهیه، حقوق جزای خصوصی و حقوق بین الملل اسلامی اشتغال دارم.

البته اشتغال حقیر به تدریس در دانشگاهها بنا به نیاز جامعه پس از انقلاب بوده که حتی در سالهای اوّلیه و جو بحرانی جامعه بویژه دانشگاهها که محل تاخت و تاز گروهکها بود خطر جانی هم برای ما داشت؛ ولی حقیر با اشتیاق تمام این کار را ادامه دادم و علیرغم آنکه درحدود ده سال قبل وزارت علوم با گرفتن دو امتحان مفصل و نوشتن پایان نامه ای در موضوع قاعده" مقابله به مثل در حقوق بین الملل از دید اسلام مدرک دکتری (استاد یاری) در فقه و مبانی حقوق به اینجانب داده است. حقیر تاکنون به همان شکل ساده و بدون رسمیت به کار تدریس خود در دانشگاه ادامه داده ام و بین راه قم و تهران در رفت و آمد بوده ام.

پژوهش و تحقیق:

اوّلین کار تحقیق، بلافاصله پس از پیروزی انقلاب و در دورانی که تبلیغات دو ابر قدرت بویژه، تبلیغات گروهکهای کمونیستی بالا گرفته بود، مطالعاتی بود که همراه یکی دیگر از برادران عزیز (حجهٔالاسلام والمسلمین شیخ حسین ایرانی) در مورد وضعیت نظامهای سوسیالیستی و کمونیستی بویژه شوروی شروع کردیم و یادداشتهائی برداشتیم که بصورت دو کتابچه با نامهای: ۱- "برادری برابری حکومت کارگری "

۲"- بهشت سوسیالیسم "در آن تاریخ به چاپ رسید و در مراکز حساس فرهنگی و دانشگاهی در دسترس مردم بویژه قشر فرهنگی و دانشجویان قرار داده شد و در آن روزها نیاز زیادی به آن احساس می شد.

ولی، کار عمده تحقیقی اینجانب با تأسیس دفتر همکاری حوزه و دانشگاه که امروز بنام پژوهشگاه حوزه و دانشگاه نامیده می شود و پس از پیروزی انقلاب در حول و حوش سال ۱۳۶۰ تأسیس گردید شروع شد. حقیر به عنوان محقق و مسئول گروه حقوق و علوم سیاسی در این موسسه پژوهشی که بمنظور تحقیق در رشته های مهم علوم انسانی اقتصاد، حقوق و علوم سیاسی، جامعه شناسی،

روانشناسی، علوم تربیتی و ...به وجود آمده بود تا کتابهای مادر و مبنائی مربوط به رشته های نامبرده در دانشگاهها را با توجه به اصول و مبانی اسلامی در این گونه رشته ها تهیه و تدوین کند، مشغول به کار شدم که هر چند از آن تاریخ تاکنون نوسانات و شدت و ضعفهائی داشته است، ولی بیش و کم تاکنون این کار ادامه پیدا کرده است و ثمرات این کار کتابها و مقالاتی است که در سطور بعد بعضی از آنها را نام خواهم برد .

علاوه بر این، اینجانب در کار تحقیق و پژوهش با موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) نیز همکاری داشته ام و کار عمده تحقیقی که در رابطه با این موسسه انجام داده ام پژوهش، تحقیق و تدوین کتاب اخلاق در قرآن بوده است که اصل آن سخنرانیها و درسهای آیت الله مصباح یزدی بود و مسئولیت پژوهش و تحقیق و تدوین آن به عهده اینجانب قرار داده شد و الحمدلله امروز در سه جلد و در بیش از هزار صفحه به چاپ رسیده و بعضی از مجلدات آن قریب ده بار به چاپ رسیده است. علاوه بر این از ۸-۷ سال قبل تاکنون با پژوهشگاه علوم انسانی در خیابان کردستان تهران در ارتباط با گروه علوم سیاسی و نقد کتابهای سیاسی و آموزشی دانشگاهها همکاری داشته ام که بصورت مقالات انتقادی نوشته می شود و چند سالی است که مجله (فصلنامه) به نام" نامه علوم انسانی "بمنظور نشر اینگونه آثار و مقالات بطور عمده انتقادی گروه های مختلف، تأسیس شده که حقیر نیز جزء هیئت تحریریه آن هستم .

اسکندری، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: شیراز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

اسکویی، امیرصدرالدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط و شاعر. از مردم اسکوی آذربایجان و از امرای دربار شاه طهماسب بود. در صرف و نحو و تعلیق نیز مهارت داشت. وی در سرودن غزل توانا بود. این بیت از اوست:

تیری که ز شست تو مرا بر جگر آید

من منتظر استاده که تیری دگر آید

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۷۰)، تذکره‌ی روز روشن (۸۱).

اسلامبولچی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یحیی (اسلامبولچی) از علماء و دانشمندان مبرز معاصر تهرانست وی در حدود سال ۱۳۳۲ قمری در تهران متولد شده و در بیت تقوا و سیادت پرورش یافته و پس از خواندن فارسی و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح به قم مهاجرت نموده و مکاسب و کفایه را از مرحوم آقا میرزا محمد همدانی و آیت‌اللَّه مرعشی نجفی و مدرسین دیگر حوزه به پایان رسانیده و درس خارج را از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی خونساری و مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری یزدی استفاده نموده و پس از فوت آن مرحوم به تهران برگشته و در خیابان عین‌الدوله به خدمات دینی از قبیل امامت در مسجد (سادات اخوی) واقع در اول (کوی سقاباشی) و گفتن تفسیر قرآن و ترویج دین و غیره تا حال تحریر اشتغال دارند نگارنده. گوید: آقای اسلامبولچی دانشمندی متین و بزرگوار و دارای محاسن اخلاق و مبادی آداب و با سلسله سادات اصیله و ریشه‌دار تهران که منتهی به حضرت جوادالائمه امام محمدتقی (ع) می‌شوند پیوند مصاهرت دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اسلامپور کریمی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن اسلام پور کریمی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۴/۵

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۹ شمسی در بابل متولد شدم و بعد از اتمام دوره های ابتدائی و راهنمائی با معدل ۲۰ یا بالای ۱۹ بر اساس علاقه ام به قرآن و معارف اسلامی در مسابقات قرآن و تجوید و مفاهیم شرکت می کردم.

در سال ۶۴ در حوزه علمیه فیضیه مازندران در بابل نزد استاد گرانقدر حاج آقای فاضل به تحصیل صرف و نحو و فقه مشغول شدم.

در سال ۶۵ بر اساس وظیفه و لبیک به ندای ولایت فقیه در جبهه حق علیه باطل حضور یافتم. در تاریخ ۱۴/ ۱۲/ ۶۵ در منطقه شلمچه به اسارت نیروهای بعثی در آمدم و تا سال ۶۶ که در تکریت، بعقوبه و رمادیه عراق در اسارت به یادگیری و یاددهی نحو و صرف و تجوید و عربی جدید صرف کردم.

بعد از آزادی (۳۰/ ۸/ ۶۹) و بعد از ۹ روز از آزادی در مدرسه رضویه قم به تحصییل حوزوی ام ادامه دادم. با توجه به نیاز و آمادگی برای خدمت به قشر جوان دانشگاهی، دوران دبیرستان را در رشته فرهنگ و ادب در سال ۷۳ به اتمام رسانده و سال ۷۴ وارد دانشگاه تهران (مجتمع آموزشی عالی قم) شدم. مقطع کارشناسی در سال ۷۷ به اتمام رسد . همزمان در مقطع کارشناسی فعالیتهای چشم گیری در مسجد امام رضا (ع) منطقه علی آباد سعدگان و پایگاه بسیج مربوط به آن (پایگاه ۴ شهید امینی بیات) انجام دادم که به طور عمده روی قرآن، عقیدتی و امر به معروف و نهی از منکر، مفاهیم قرآن و روخوانی و تجوید متمرکز بود و در سال ۷۷ در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تهران پذیرفته شدم.

در سال ۸۱ از پایان نامه ام با موضوع" ادراکات فطری "در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تهران دفاع نمودم.

از سال ۸۱ تاکنون که در مقطع دکتری همان رشته (فلسفه) و همان دانشگاه مشغولم به تدریس در موضوعات فلسفه، کلام، منطق و عرفان و متون انگلیسی می‌پردازم و همزمان مشاورات نویسندگی و پژوهشی ارائه می‌دهم. از سال ۸۱ تاکنون در واحد کتابشناسی دائرهٔ المعارف علوم عقلی اسلامی وابسته به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) اشتغال دارم.

در زمینه ویراستاری و نگارش قطعات کوتاه ادبی کارهایی انجام دادم و چاپ شده است. از سال ۸۲ تاکنون در تاسیس و اداره نشریه های عمومی برای جوانان منطقه‌های بابل تحت عنوان‌های نشریه لاله آباد و نشریه شهدای کریمکلا فعالیت دارم.

اسلامپور، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۳۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی و کارشناسی ارشد در سالهای ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ در رشته شیمی از دانشگاه تهران، دکترا و فوق دکترای شیمی فیزیک و شیمی تئوری در سالهای ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ از دانشگاه ایالتی فلوریدا آمریکا، فوق دکترا شیمی فیزیک و شیمی تئوری از دانشگاه راچستر آمریکا در سال ۱۳۶۳.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شیمی کوانتومی، طیف سنجی مولکولی، مشاوره و راهنمائی در ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

شیمی کوانتومی، طیف‌سنجی مولکولی، شیمی فیزیک، شیمی عمومی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۸

زمینه علمی مقالات:

شیمی کوانتومی و طیف‌سنجی مولکولی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

اسلامی اردکانی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین اسلامی اردکانی

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در خانواده ای روحانی مقیم در کربلا زاده شدم. در سال ۱۳۵۰ به ایران بازگشتم. هر چند از کودکی به گونه پراکنده ای صرف و نحو می خواندم، اما در سال ۵۶ رسما وارد حوزه علمیه شیراز شدم و به تحصیل پرداختم. پس از تسلط بر ادبیات عرب و دروس میانی حوزوی، سطوح عالی و خارج را در قم گذراندم. در کنار دروس حوزوی و ادامه تحصیل دانشگاهی، به فعالیت های فرهنگی و برخی مشاغل علمی اجریی اشتغال داشتم. در زیرفعالیت های علمی بنده به تفکیک آمده است:

۱. سوابق آموزشی:

الف) حوزوی: پس از به پایان بردن مرحله سطح حوزه، هشت سال نیز در درس های خارج فقه و اصول اساتید مبارز حوزه شرکت کرده ام. در ین مدت درس های اصلی (فقه و اصول) و درس های جانبی حوزه مانند فلسفه، کلام، تفسیر را نیز گذرانده ام.

ب) دانشگاهی: در کنار درس های حوزوی به ادامه تحصیل در دانشگاه مشغول بوده، کارشناسی ارشد خود را در رشته مدرسی معارف اسلامی (گرایش فلسفه و کلام) دانشگاه قم در سال ۱۳۷۹ دریافت داشته ام. در همان سال نیز در مقطع دکتری کلام (گرایش فلسفه دین و مسائل جدید کلامی) همان دانشگاه پذیرفته و در سال ۱۳۸۴ با دفاع از پایان نامه دکتری خود با عنوان" شبیه سازی انسان از دیدگاه دین کاتولیک و اسلام "با رتبه عالی فارغ التحصیل شدم.

ج) دوره های آموزشی مختلف: در کنار فعالیت های اصلی آموزشی، همواره در پی کسب صلاحیت های لازم برای تخصص در تعلیم و تحقیق بوده ام. از این رو در دروه های آموزشی مختلف مانند کارگاه ترجمه، اصول کتابداری، آشنایی با منابع مرجع، نمایه سازی، اصطلاح نامه نویسی، ویرایش، مبانی کامپیوتری، اینترنت، تکنولوژی اطلاعات، زبان انگلیسی و فرانسه شرکت کرده و دوره های گوناگونی از این دست را گذرانده ام.

۲. توانایی های علمی:

الف) اینجانب به زبان های انگلیسی و عربی، در حد مکالمه و ترجمه متون تخصصی مسلط هستم و نوشته های متعددی از این زبان ها ترجمه کرده ام. یک دوره شش ماهه زبان فرانسه را گذرانده ام. همچنین اندکی با زبان آلمانی در حد خواندن پاره ا ی از متون ابتدایی آشنایی دارم.

ب) ترجمه: بیش از یک دهه است که مستمرا به کار ترجمه مشغول بوده ام. محصول این مدت فعالیت ترجمه ای، ترجمه ده مقاله علمی از زبان انگلیسی و بیست مقاله و هشت عنوان کتاب از عربی بوده است که منتشر شده اند.

ج) تحقیق: عمده فعالیت علمی بنده، مصروف تحقیق و تالیف بوده است که نتیجه آن تاکنون تالیف بیش از هشتاد مقاله و یازده عنوان کتاب بوده است.

د) عضویت در شوراهای علمی: اینجانب به عنوان عضو هیئت تحریریه فصلنامه نقد و نظر، میقات حج و حدیث زندگی، فعالیت مطبوعاتی داشته ام. همچنین به عنوان عضو شوراهای مختلف مراکز تحقیقی قم همچون موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) و عضو شورای دائرهٔ المعارف امام خمینی (ره) مشغول فعالیت بوده ام. و نیز در سمینارهای علمی کشوری مانند" همایش بین المللی حقوق بشر و گفتگوی تمدن ها"، "سمینار بررسی سقط جنین در ایران"، "همایش ترجمانی متون مقدس"، "همایش بین المللی مردم سالاری دینی"، "همایش سراسری استادان، محققان و مترجمان حوزه های فلسفه، کلام، ادیان، عرفان"، "سومین کنفرانس بین المللی حقوق بشر"، "همایش گفتگوی علم و دین، "شرکت کرده و مقالات خود را ارائه کرده ام.

ضمنا فعالیت های مدیریت پژوهشی مانند معاونت پژوهشی مراکز علمی و مسئولیت ترجمه نیز داشته ام. هم اینک نیز عضو انجمن علمی ادیان و مذاهب حوزه علمیه هستم.

ه) تدریس: اینجانب در موسسات آموزش عالی مانند دانشگاه قم، دانشگاه مفید، دانشگاه شهید بهشتی، موسسه آموزش ضمن خدمت وزارت ارشاد، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) و دانشکده علوم قرآنی تدریس داشته ام. موضوعات تدریس بنده عمدتاً عبارت بوده اند از: منطق، متون فلسفی معاصر، اخلاق، روش تحقیق، قواعد فقه، اصول فقه، متون فقه و شناخت منابع مرجع اسلامی.

۳. حوزه های مورد علاقه:

اینجانب بیشتر به حوزه های فلسفه و کلام جدید، فلسفه اخلاق (اخلاق کاربردی با تاکید بر اخلاق زیستی)، دین شناسی، نقد اندیشه ها و مسائل اجتماعی، اسلامی توجه خاص دارم و به کاوش در مسائل موردی و کم سابقه می پردازم و مورد پژوهشی را بر بحث کلیات ترجیح می دهم.

۴. کارنامه علمی:

کارنامه علمی بنده در دو عرصه تالیف و ترجمه حدود ۲۰ عنوان کتاب و ۹۰ مقاله است.

۵. جوایز علمی:

درسال ۱۳۸۰ تحقیق بنده با عنوان «امام، اخلاق، سیاست» از سوی دبیرخانه دین پژوهان کشور برگزیده شد و به آن جایزه ویژه ریاست جمهوری تعلق گرفت. در همان سال مقاله بنده با عنوان «امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام علی ع» که برای

دانشنامه امام علی علیه السلام نوشته شده بود به عنوان مقاله برتر شناخته شد و به آن لوح تقدیری تعلق یافت. در سال ۸۲ نیز تحقیق اینجانب بـا عنوان «اخلاق نقد» از سوی دبیرخانه دین پژوهان برگزیده شد. همچنین تحقیق (دروغ مصلحت آمیز) از سوی همین دبیرخانه رتبه آورد، اما به دلیل تعلق آن به سال های قبل، از جریان داوری خارج و در بیانیه نهایی از آن تقدیر شد.

در همین سال نیز کتاب «امام، اخلاق، سیاست» از سوی دهمین سال کتاب دانشجویی برگزیده شد. در سال ۱۳۸۳ نیز جایزه یازدهمین کتاب سال دانشجویی به علت کثرت تالیف به بنده تعلق گرفت. همچنین در آن سال، مقاله بنده با عنوان «گرایش های تفسیری در میان مسلمانان؛ بررسی یک ترجمه» به عنوان نقد برتر در حوزه علوم قرآنی برگزیده شد و جایزه و لوح تقدیری از سوی ریاست محترم مجلس به آن تعلق گرفت.

در اردیبهشت سال ۱۳۸۴ نیز مقاله بنده با عنوان «چالش علم و دین در مسئله شبیه سازی انسانی» که در نخستین همایش کشوری گفتگوی علم و دین ارائه شده بود، از سوی مسئولین همایش به عنوان مقاله برگزیده انتخاب و به آن لوح تقدیری تعلق گرفت.

اسلامی پناه، هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی اسلامی پناه

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : عراق

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب هادی اسلامی پناه در سال ۱۳۳۷ در شهر کربلا و در یک خانواده روحانی بدنیا آمدم . تحصیلات ابتدائی را در مدارس عراقی گذرانده ، از همان زمان با حوزه کربلا و نجف آشنا شدم . در سال ۱۳۵۱ از کربلا اخراج شده و در قم سکونت کردم . در سال ۱۳۵۲ وارد حوزه علمیه قم شده ، در مدرسه آیت الله گلپایگانی دروس مقدمات را طی نمودم . از دروس سطح ، رسائل را نزد استاد اعتمادی و مکاسب و کفایه را نزد استاد ستوده به پایان رساندم. در همان زمان در سال ۱۳۵۹ وارد موسسه در راه حق شدم و دوره چهار ساله را طی نمودم . بیشتر درسها را نزد استاد مصباح یزدی و آیت الله معرفت و استاد فیاضی گذراندم . در سال ۱۳۷۳ پایان نامه خود را به راهنمائی استاد اعرافی دفاع کردم . از همان زمان در بخش تاریخ و سیره اهل بیت (ع) ، با دفتر تبلیغات اسلامی همکاری خوبی داشتم و عضو گروه زن در اندیشه اسلامی موسسه امام خمینی (ره) شدم و این دو کار تا سال ۱۳۸۰ ادامه داشت . از سال ۱۳۸۰ در مدارس وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی به تدریس علوم قرآن ، تفسیر و فقه پرداخته و هم اکنون نیز ادامه دارد .

اسلامی ندوشن، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن ، در سال ۱۳۰۴ شمسی در ندوشن یزد دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و قسمتی از متوسطه را در ندوشن یزد فراگرفت ، آنگاه به تهران عزیمت کرد و دوره ی متوسطه را به پایان رسانید و برای ادامه ی تحصیل وارد دانشکده حقوق شد و به دریافت لیسانس توفیق یافت. سپس به منظور تکمیل تحصیلات رهسپار اروپا شد و مدت پنج سال در فرانسه و انگلستان به اندوخته های علمی خود افزود و به اخذ دکترا در همان رشته نائل آمد. دکتر اسلامی ندوشن ، در شمار شاعران اندیشمند و نویسندگان توانا و برجسته ای است که از سال ۱۳۲۷ اشعارش در مجله ی سخن و برخی مجلات دیگر انتشار یافته است. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : اسلامی ندوشن در خانواده ای با بضاعت متوسط به دنیا آمد ، پدرش خیلی زود وفات یافت و او ناگزیر شد که روی پای خود بایستد. تحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر اسلامی ندوشن ، تحصیلات ابتدایی را نخست در مدرسه ی ناصرخسرو ندوشن ، سپس مدرسه ی خان یزد ، پس از آن به دبستان دینیاری رفت و دبیرستان را تا سوم متوسطه در دبیرستان ایرانشهر یزد گذراند ، آنگاه برای ادامه ی تحصیل در سال ۱۳۲۳ به تهران عزیمت کرد و بقیه ی دوره ی متوسطه را در دبیرستان البرز به پایان رساند. سپس برای ادامه ی تحصیل وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و به دریافت لیسانس توفیق یافت. پس از آن به منظور تکمیل تحصیلات به اروپا عزیمت نمود .مدت پنج سال در فرانسه و انگلستان به اندوخته های علمی خود افزود و با گذراندن پایان نامه ی دکترای خود به نام « کشور هند و کامنولث » به دریافت دکترای حقوق بین الملل از دانشکده حقوق دانشگاه پاریس نائل آمد فعالیتهای ضمن تحصیل : اسلامی از ده دوازده سالگی شاعری را آغاز کرد و پس از آمدن به تهران در دوران دبیرستان ، حرفه ای تر شعر می گفت. وی در این زمان بعضی از قطعه شعرها را در مجله ی سخن منتشر می نمود. فعالیت های اسلامی ندوشن در دوران تحصیلات در اروپا ، بیشتر آشنایی با زبان فرانسه و شرکت در سخنرانی های

دانشگاه سوربن بود و به جز چند داستان کوتاه و چند قطعه شعر و پایان نامه ی دکترایش چیز دیگری ننوشت همسر و فرزندان : دکتر شیرین بیانی استاد تاریخ دانشگاه تهران و نویسنده ی چندین کتاب تاریخی ، همسر دکتر اسلامی ندوشن می باشد مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر اسلامی ندوشن در سال ۱۳۳۴ پس از بازگشت به ایران ، چند سال در شغل قاضی دادگستری خدمت کرد فعالیتهای آموزشی : دکتر اسلامی ندوشن پس از ترک خدمت در دادگستری ، به تدریس حقوق و ادبیات در برخی دانشگاه ها و آموزشگاه های عالی ، از جمله : دانشگاه ملی ، مدرسه ی عالی ادبیات ، مدرسه ی عالی بازرگانی و مؤسسه ی علوم بانکی پرداخت. در سال ۱۳۴۸ به دعوت پروفسور فضل الله رضا (رئیس وقت دانشگاه تهران) به همکاری با دانشگاه تهران دعوت گردید و براساس تألیفاتی که در زمینه ی ادبیات انتشار داده بود ، جزء هیئت علمی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران قرار گرفت و تدریس نقد ادبی و سخن سنجی ، ادبیات تطبیقی ، فردوسی و شاهنامه ، شاهکارهای ادبیات جهان در دانشکده ادبیات و تدریس تاریخ تمدن و فرهنگ ایران را در دانشکده حقوق برعهده گرفت و تا سال ۱۳۵۹ که به انتخاب خود از دانشگاه تهران بازنشسته شد ، ادامه داشت. وی اکنون در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و در مقطع دکترای ادبیات به تدریس مکتب های ادبی جهان می پردازد. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن ، در سال ۱۳۰۴ شمسی در ندوشن یزد دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و قسمتی از متوسطه را در ندوشن یزد فراگرفت ، آنگاه به تهران عزیمت کرد و دوره ی متوسطه را به پایان رسانید و برای ادامه ی تحصیل وارد دانشکده حقوق شد و به دریافت لیسانس توفیق یافت. سپس به منظور تکمیل تحصیلات رهسپار اروپا شد و مدت پنج سال در فرانسه و انگلستان به اندوخته های علمی خود افزود و به اخذ دکترا در همان رشته نائل آمد. دکتر اسلامی ندوشن ، در شمار شاعران اندیشمند و نویسندگان توانا و برجسته ای است که از سال ۱۳۲۷ اشعارش در مجله ی سخن و برخی مجلات دیگر انتشار یافته است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر اسلامی ندوشن ، در شمار شاعران اندیشمند و نویسندگان توانا و برجسته ای است که از سال ۱۳۲۷ اشعارش در مجله ی سخن و برخی از مجلات دیگر انتشار یافت و مورد توجه قرارگرفت. وی در کنار فعالیت های علمی و تحقیقی خود ، از زبان شعر کمتر استفاده کرده است ، اما آنچه از او چاپ و در دسترس قرار گرفته است ، بسیار خوب و نمودار استعداد و ذوق سرشار و قریحت تابناک او در شعر می باشد. استاد بیشتر اوقات خود را صرف در تحقیق آثار علمی و ادبی ایران و ترجمه ی آثار نویسندگان جهان کرده و آثارش در مجلات پیام نو ، سخن ، یغما ، راهنمای کتاب و نگین چاپ شده است. آرا و گرایشهای خاص : دکتر اسلامی ندوشن ، برخی از آثار خود را با امضای مستعار « م. دیده ور » چاپ و منتشر ساخته است. جوائز و نشانها : کتاب « ابر زمانه و ابر زلف » در سال ۱۳۴۲ به عنوان کتاب برگزیده ی سال از سوی انجمن کتاب انتخاب گردید آثار : مجموعه شعر « چشمه »- مجموعه شعر « گناه »- ترجمه و مؤخره ی پیروزی آینده ی دموکراسی- ترجمه ی جهاد در اروپا- ترجمه ی قطعاتی از رومئو و ژولیت- در کشور شوراها- آزادی مجسمه- ذکر مناقب حقوق بشر در جهان سوم- گفت و گوها- افسانه و افسون- زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه- ایران را از یاد نبریم- به دنبال سایه ی همای- فرهنگ و شبه فرهنگ- درباره ی آموزش- گفته ها و ناگفته ها- صفیر سیمرغ- داستان داستان ها- نوشت های بی سرنوشت- کارنامه ی سفر چین- جام جهان بین- آواها و ایماها- دیدن دگر آموز ، شنیدن دگر آموز- داستان کوتاه پنجره های بسته- ترجمه ی آنتونیوس و کلئوپاترا- ابرزمانه و ابر زلف- شور زندگی- ترجمه ی ملال پاریس و برگزیده ای از گل های بدی- ترجمه ی بهترین اشعار هِنری لانگ فلو- روزها ، سرگذشت- تحقیق در منظومه ی ویس و رامین گرگانی- آویزه ی سخن ها- ایران لوک پیر- ایران و تنهایی اش- باران نه رگبار- باغ سبز عشق- سخن ها را بشنویم- سرو سایه فکن- ترجمه ی عمر خیام- کشور هند و کامنولث- گفتیم و نگفتیم- ماجرای پایان ناپذیر حافظ- مسئله ی عقب ماندگی- نامه ی نامور- منابع زندگینامه :پایگاه یاد یار

اسلامی، اسفندیار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید باهنر کرمان

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

اسلامی، عباسعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباسعلی اسلامی در سال ۱۲۷۵هجری شمسی در شهرستان مذهبی سبزوار از خاندان اصیل و رفیع اسلامی، فرزندی بس بابرکت و مسعود دیده به جهان گشود. خاندان ولایی اسلامی نام این کودک را به یاد فرزند رشید امام علی(ع) عباسعلی» نامیدند. وی پس از اینکه تحصیلات ابتدایی خود را در زادگاه خویش(سبزوار) فرا گرفت، پس از طی مقدمات علمی عازم شهر مقدس مشهد رضوی گردید و پس از مدتی برای ادامه تحصیل و کسب مدارج علمی از مشهد به نجف مشرف گردید و در جوار با کرامت امیرالمومنین (ع) از محضر علمای بزرگ آن روز به حد اعلا کسب فیض نمود سپس به کربلای معلی مشرف شده و در جوار حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) مجاورت اختیار کند. از کربلا روانه سامرا می گردد ودرکنار حرم با شکوه و روحانی عسکریین ماوی می گیرد و از برکات معنوی آن دو بزرگوار هر چه بیشتر به فیض عنایات ربانی نایل می‌گردد و در موقعیت و زمان مناسب - که حدوداً هفت

سال تمام در سامراء بوده‌اند. – از محضر علمای بزرگ همچون آقا میرزا محمد تهرانی(ره)، علم کلام و از محضر آیت اللّه حاج آقا بزرگ تهرانی، علم اصول و از محضر حاج شیخ محمد تقی شوشتری، علم فقه تحصیل نموده و به مقام والای معنوی و درجات علمی نایل می‌گردد.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : «پدر عباسعلی شیرازی الاصل و از قبیله قشقایی و جد مادریم از بزرگان بختیاری بودند. در حال حاضر (زمان تهیه کتاب «طلایه دار فرهنگ اسلامی در عصر اختناق») آن گروه از اقوام که در سبزوار به سر می‌برند، شناسنامه بختیاری دارند، سلسله اجداد شان به حسینقلی خان ابوقدّاره که مزار وی در اصفهان است، می‌رسد.حسینقلی خان و دو برادر وی، علی و حسین از رؤسای بختیار بودند ظاهراً در زمان فتحعلی شاه قاجار طی اختلافی که میان بختیاری‌ها و دستگاه حاکم پیش می‌آید، دولت وقت این سه تن را دستگیر و به سبزوار تبعید می‌نماید. در سبزوار با آنکه از وطن و قبیله و عشیره خود مطرود شده بودند، از موقعیت اجتماعی و منزلت و سیاست محروم نگشتند و مردم سبزوار حرمت ایشان را نگاه می‌داشتند و از ایشان اطاعت می‌کردند جد مادریش هر گاه عملی را بر خلاف عدالت و انسانیت از فرماندار مشاهده می‌کرد، با تنی چند از زنان محله به مقرّ فرمانداری می‌رفت و نسبت به آنچه واقع شده بود، اعتراض می‌نمود. اعتبار این خاندان هنوز در میان مردم آن دیار پابرجاست و خاطره نیکشان هنوز در اذهان برقرار است...»تحصیلات رسمی و حرفه ای : گرچه مرحوم حاج شیخ عباسعلی اسلامی تنها فرزند خانواده و عزیزدردانه آن دودمان به حساب می‌آمد، مع الاسف در اوان کودکی او، اختلاف تلخ خانوادگی منجر به جدایی پدر ایشان از مادر می‌گردد، به گونه‌ای که ناچار از اول طفولیت تحت سرپرستی مادر و جد پدری و دایی خویش قرار می‌گیرد. آقای اسلامی، حقاً از استعداد فوق العاده و از حافظه بسیار قوی و بالایی برخوردار بوده است؛ تا آنجایی که در سن چهار سالگی کتب و نشریات را با علاقه خاصی به تقلید از بزرگان می‌خواند. و از سن پنج سالگی به مکتب رفته و شروع به یادگیری قرآن کریم می‌نماید و در شش سالگی به یادگیری کتاب گلستان سعدی می‌پردازد و در مدرسه بزرگ سبزوار زیر نظر عالمی به نام حاج شیخ محمد سبزواری به تحصیل خود ادامه می‌دهد و کتاب جامع المقدمات را نزد حاج آقا شیخ گل حسن، امام جماعت سبزوار فرا می‌گیرد.آقای اسلامی پس از اینکه تحصیلات ابتدایی خود را که شامل آشنایی با ادبیات، قرآن و سطح ابتدایی و فقه و احکام بود، در زادگاه خویش (سبزوار) فرا گرفت، – پس از طی مقدمات علمی – عازم شهر مقدس مشهد رضوی گردید. و از محضر علمای بزرگ مشهد به ویژه مرحوم آیت اللّه حاج میرزا احمدی اصفهانی و آیت اللّه حاج آقا حسین قمی و آیت اللّه کفایی (پسر مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، صاحب کفایهٔ الاصول) بهره‌های علمی فراوانی کسب نمود. و پس از مدتی برای ادامه تحصیل و کسب مدارج علمی از مشهد به نجف اشرف – که در آن روز مهد علم و از بزرگترین حوزه‌های علمی، اسلامی به شمار می‌آمد. – مشرف گردید و در جوار باکرامت امیر المؤمنین علی(ع)از محضر علمای بزرگ آن روز به حد اعلاـ کسب فیض نمود و تا حد توان بر مدارج علمی خود افزود؛ که متأسفانه در اثر کثرت مطالعات و اشتغال، دچار عارضه ضعف چشم گردید، به طوری که اطبا اکیداً او را از مطالعه و نگاه به کتاب منع نموده و برحذر داشتند که به هیچ وجه به کتاب نگاه نکند!! لذا بنا به پیشنهاد دوستان تصمیم گرفت که تا به دست آمدن بهبودی نسبی چشم خود، به کربلای معلّی مشرف شده و در جوار حضرت ابا عبداللّه الحسین(ع)مجاورت اختیار کند. و ظاهراً مدت یکسال در کنار تربت پاک سید الشهدا(ع)از محضر علمای بزرگ همچون حضرت آیت الّه خویی(ره) و آیت اللّه حاج شیخ جعفر رشتی(ره) به کسب علم و دانش می‌پردازد و به قدر توان بهره‌مند می‌گردد. در این روزها است که بار دیگر در اثر هوای گرم کربلای معلی ضعف چشم و عارضه آن شدت می‌گیرد که ناچار باز هم باید تغییر مکان دهد و از هوای مطلوبتری استفاده کند ؛ لذا با توفیقات الهی از کربلا روانه سامرا می‌گردد و در کنار حرم باشکوه و روحانی عسکریین(ع)مأوی می‌گیرد و از برکات معنوی آن دو بزرگوار هر چه بیشتر به فیض عنایات ربانی نایل می‌گردد و در موقعیت و زمان مناسب – که حدوداً هفت سال تمام در سامراء بوده‌اند. – از محضر علمای بزرگ همچون آقا میرزا محمد تهرانی(ره)، علم کلام و از محضر آیت اللّه حاج آقا بزرگ تهرانی، علم اصول و از محضر حاج شیخ محمد تقی شوشتری، علم فقه تحصیل نموده و به مقام والای معنوی و درجات علمی نایل می‌گردد.خاطرات و وقایع تحصیل : «... هفت سال در سامرا مجاورت کردم، در این هنگام در مقام تحقیق برآمدم که قبور خلفای عباسی را – که ده سال استقرار حکومتشان در سامرا بود. – بیابم، اما هر چه بیشتر تفحص کردم، کمتر به نتیجه رسیدم. سرانجام خانه متروکه و مخروبه‌ای را یافتم که شهرت داشت: گور خلفا در آن مکان است!با آنکه اکثریت ساکنان سامرا را اهل سنت تشکیل می‌دهد و بر اساس بینش اینان، هر کس با هر پیشه و کرداری و منزلت و رفتاری – هر چند منحط و پست – بر اریکه حکومت تکیه زند، به حکم قرآن کریم «اولوالامر» است و باید از او فرمان برد!! ولی به رغم این باور عمومی، نام و یاد این حاکمان جائر تاریخ در مقر حکومتشان نیز فراموش شده است! در برابر، شکوه و عظمت امامان پاک سیرت روز به روز افزوده می‌شود و بارگاه ملکوتی حضرت عسکریین(ع) در قلب سامرا چشم آشنا و بیگانه را می‌نوازد!گنبد رفیع این بارگاه ملکوتی در طول اعصار متمادی نشانه شرافت و آزادگی بوده است و ضریح مزار آن امامان همام – که به همت والای ایرانیان و در عهد مرجعیت مرحوم آیت اللّه العظمی سید محسن حکیم ساخته شده – بوسه گاه عاشقان مشتاق است. آیینه این تجربه تاریخی، ترجمان همان آیه کریمه است که: «ای دارنده ملک هستی! تو هر کس را که می‌خواهی، عزت و حشمت بخشی و هر که را خواهی، پست و فرومایه گردانی.»هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره ایهای عباسعلی اسلامی مرحوم نواب صفوی و آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی و امام خمینی را می توان نام برد.وقایع میانسالی : مرحوم عباسعلی اسلامی در اواخر عمر خود با کهولت سن می‌کوشید به هر کیفیت خود را به جبهه‌های حق علیه باطل برساند و وظیفه دینی خود را نسبت به اسلام ایفا نماید.او در سنگرهای بسیجیان، دوشادوش جوانان رزمنده و دلاوران ایران اسلامی به پیش می‌رفت. او در جبهه حق با جان و دل از حریم اسلام دفاع می‌نمود. ایشان در بازگشت از جبهه، قطعات کوچک خمپاره‌های دشمن را به عنوان سوغات با خود می‌آورد و بارها می‌گفت: «مدتها در انتظار بودم که قطعه‌ای از اینها نیز نصیب من می‌گشت تا فوز عظیم شهادت در راه خدا را در آغوش گیرم ولی نصیبم نگشت!!»او با روحیه دشمن ستیزی که داشت تا حد امکان از حریم اسلام و قرآن دفاع نمودزمان و علت فوت : عباسعلی اسلامی در اواخر عمر در میدانهای حق علیه باطل در کنار بسیجیان جان برکف و در صف حزب اللّه و جنداللّه به عنوان مجاهد فی سبیل اللّه حضور یافت و از قرآن و اسلام حمایت نمود.مرحوم اسلامی، در آخرین لحظات روزهای زندگی با

قلبی مالامال از نعمت پرفیض ولایت و با دلی از استقرار جمهوری اسلامی، در فروردین ماه ۱۳۶۴شمسی (مطابق با بیست و پنجم رجب شهادت حضرت موسی بن جعفر(ع)) جان به جان آفرین تسلیم و در جوار کریمه اهل بیت، فاطمه معصومه(س)در شهر مقدس قم، (عشق آل محمد(ص)) در آرامگاه ابدی خویش بیارمید. محل دفن: گوشه صحن بزرگ دست چپ اولین حجره. از خداوند منّان علوّ درجات مرحوم اسلامی و همه علمای راستین اسلامی را خواستاریم.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عباسعلی اسلامی از راه نوشتار و قلم نیز آثار پربرکتی از خود به یادگار گذاشت. ایشان علاوه بر تأسیسات مهم عام المنفعه از قبیل مساجد، کتابخانه، حسینیه، دارالایتام و... با دور اندیشی خاصی موفق شد بیش از ۱۸۰باب مدرسه دخترانه، پسرانه، دبستان و راهنمائی و دبیرستان در تهران و در اکثر شهرهای بزرگ و کوچک تأسیس نماید و بیش از ۵۰هزار دانش‌آموز، در هر دوره تحصیلی از مدارس ایشان به کسب علم و دانش با تربیت اسلامی مشغول باشند و جامعه تعلیمات اسلامی عنوان همه مدارس ایشان است.او در مواقع حساس و خطرناک با شهامت در مقابل دشمنان اسلام و قرآن ایستاد. ایشان در راه دین با فدائیان اسلام و با مرحوم آیت اللّه کاشانی(ره) همکاری نزدیک داشت و در دوران انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری بزرگ مرد تاریخ اسلام و جهان، نایب الامام حضرت آیت اللّه العظمی امام خمینی؛؛ با اطاعت کامل در کنار امام امت ایستاد و از اسلام و قرآن دفاع نمود.فعالیتهای آموزشی : پس از سالها اقامت در کشور عراق و بعد از تحمل زحمات طاقت فرسا همچون همه طلاب و علمای دین، جهت به دست آوردن مدارج علمی و معارف مذهبی، به حکم آیه مبارکه:(فلو لا نفر من کلّ فرقة منهم طائفة لیتفقهوا فی الدّین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلّهم یحذرون)و حسب الامر حضرت آیت اللّه العظمی آقای حاج سید ابوالحسن اصفهانی(ره) – که زعامت علمی و مرجعیت دینی آن زمان را بر عهده داشتند. – اسلامی عزیز با کوله باری از اندوخته‌های علمی و معارف مذهبی به ایران مراجعت می‌کند.و بعد از چندی که در کنار تربت پاک امام هشتم(ع)در مشهد مقدس رضوی رحل اقامت می‌افکند، پس از مدتها تدبر و تفکر جهت انجام وظیفه خود، سرانجام تصمیم می‌گیرد که به تهران رفته و پایگاه تبلیغی و خدمات معنوی خویش را در آنجا قرار دهد، که این تصمیم به جا و مناسب به مرحله عمل می‌رسد و رسماً تهران را محل فعالیت برنامه‌های تربیتی و مذهبی خود قرار می‌دهد و برای نجات نسل جوان از طوفان ویرانگر فرهنگ منحط غرب – که سر تا سر ممالک اسلامی جهان و مخصوصاً کشور ایران را فرا گرفته بود. – جداً وارد میدان عمل می‌گردد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : عباسعلی اسلامی برای نجات نسل جوان، خانه دو اتاقی خود را به مدرسه شبانه تبدیل می‌کند که روزها خود در آن زندگی می‌کند و شبها مدرسه است و آرام، آرام برنامه‌های تربیتی و مذهبی خویش را آغاز می‌کند و عده‌ای انگشت شمار از آشنایان و همسایگان به عنوان شاگردان اولیه این مؤسسه کوچک درآمده و مشغول فراگیری احکام الهی و مسائل اخلاقی می‌گردند.و از آنجایی که هدف، لله و قصد، یاری دین خدا بوده، طولی نکشید که این مؤسسه به ظاهر کوچک و ناچیز در سراسر ایران گسترش پیدا کرده تا جایی که به صورت جامعه تعلیمات اسلامی با تعداد بیش از ۱۸۰مدرسه و دبیرستان دخترانه و پسرانه با بیش از پنجاه هزار دانش‌آموز باایمان جلوه‌گر می‌گردد.از دیگر آثار فرهنگی آقای اسلامی، علاوه بر تأسیس چندین باب دارالایتام و حسینیه، قریب ۸۰مسجد و پایگاه مهم دینی است که با جدیت و کوشش فراوان تأسیس نموده و مورد بهره برداری همنوعان مسلمان او قرار گرفته است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : در عصر اختناق و روزهای استبداد و در زمانی که دشمن سر سپرده اسلام، رضا شاه خائن صریحاً فرمان کشف حجاب را صادر کرد! و در روزهایی که دختران و زنان مسلمان به حکم پهلوی مزدور حق نداشتند با حجاب اسلامی از خانه‌های خود بیرون بیایند! و به گفته پسر پست‌تر از پدر (محمد رضا پهلوی):«پدرم دستور منع حجاب را صادر کرد ؛ به موجب این دستور هیچ زن و یا دوشیزه‌ای حق پوشیدن چادر و نقاب نداشت، و اگر زنی با روبند و چادر در کوچه پیدا می‌شد، پاسبان از وی تقاضا می‌کرد که روبند خود را بردارد و اگر امتناع می‌کرد، جبراً چادر او را بر می‌داشتند! تا زمانی که پدرم سلطنت می‌کرد، در سراسر کشور این منع برقرار بود.»اسلامی شجاع و عالم به زمان، اوضاع و شرایط سیاسی، پس از ایستادن و استقامت در مقابل این فرمان ننگین و خلاف قرآن و بعد از رنجها و شکنجه‌ها و زندانها، از همان راهی که دشمن پیش گرفته و ریشه‌های دینی را یکی پس از دیگری قطع می‌کرد و پیش می‌رفت! از همان راه وارد میدان عمل می‌شود و برای دفاع از حریم دینی و قرآن به پیش می‌رود.جالب آنکه اسلامی بزرگ در مقابل قدرت دژخیمی و قلدری جاهلانه پهلوی و اربابانش، با دلی قوی و روحیه‌ای قویتر و استوار ایستاد.آرا و گرایشهای خاص : پیرو راستین امیرالمؤمنین علی (ع) مرحوم اسلامی در دوران زندگی خویش شعاری داشت که نه تنها در زبان بلکه از اعماق قلب او سرچشمه می‌گرفت و به مرحله عمل می‌رسید. او بارها در برخورد با علمای بزرگ و مراجع دینی می‌گفت:«روحانیت پاسدار اسلام و نوکران امام زمان(ع)هستند و باید با تمام وجود به دفاع از حریم اسلام و ارزشهای دینی به پا خیزند.»او با صراحت می‌گفت:«وظیفه روحانی بسیار سنگین است و روحانی وظیفه دارد، مساجد و محافل مذهبی را به پایگاه نشر معارف اسلامی مبدل سازد و رسالت روحانی در این خصوص دشوارتر از دیگران است. روحانی به لباس سرباز دینی درآمده است و باید راهدار طریق شرع باشد.»او می‌گفت: «امر به معروف و نهی از منکر بر همگان فرض و واجب است، ولی مسئولیت سنگین آن بر عهده روحانیت است. وظیفه روحانی است در سامان بخشیدن به نابسامانی‌های مسلمانان بکوشد و در اخلاقیات و اقتصادیات، اجتماعات و حتی مسائل شخصی و خانوادگی اعم از کلی و جزئی یار و مددکار آنان باشد. و از روحانی راستین جز این انتظار نمی‌رود. اعاظم روحانیون عالم تشیع می‌کوشیدند که گام در جای پای ائمه خویش(ع) بنهند و جز این سان عمل ننمودند.»آثار : ۱ جهاد ۲ راه حسین و دوازیا رفته ۳ طلایه دار فرهنگ اسلامی در عصر اختناق ویژگی اثر : خاطرات آن مرحوم می باشد که پس از مرگ نشر یافت.

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱k – /www.hawzah.net

اسلامی، عبدالستار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجهٔالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عبدالستاراسلامی از مشاهیر علماء و دانشمندان آبادان است که بفضل و تقوا موصوف و بتعصب و غیرت در امور دینی معروف میباشند، بنابر اصرار و مراسلات عدیده اینجانب شمه‌ای از بیوگرافی و ترجمه خویش را مکتوبا ارسال داشته‌اند که عینا می‌نگارم:

بسمه تعالی الذی خلق الانسان و علمه مالم یعلم و رفع مقامه بما شرفه من الکتابه بالقلم و جعل منهم انبیاء لهدایه الامم فکانوا کمصابیح لاناره الطرق من الظلم و مفاتیح لکشف المعضلات وایضاح البهم و صلی‌الله علی سیدهم و خاتمهم محمد اشرف من وطیء الثری بالقدم باعث ایجاد الخلق من العدم و علی آله الطاهرین المیامین ساده العرب والعجم.

و بعد بر خاطر عاطر پوشیده نماناد که بر حسب خواهش و امر سر کار که شرح حال این فقیر درگاه الهی و گوشه‌نشین خانه تنهائی را خواستار شدید برای اجابت و امتثال بیان حال را بمقدار خالی نبودن عریضه تقدیم داشتم و امید است که مورد قبول خالی نبودن عریضه تقدیم داشتم و امید است که مورد قبول آن جناب باشد اگر چه خود مرا قابل این معنی نمی‌دانم که شرح حالم با شرح علماء درج و ثبت گردد. چون من نوکری برای علم و اهلش بیش نیستم (وافتخر بان اکون خادما للعلم و اهله و ما- نحن واهلم العلم اتهم جزاهم‌الله خیرا اتعبوا انفسهم و افادوا واسهروا اعینهم و کتبوا و اجادوا فقامت عمادالدین بافاداتهم و تعلم الناس بکتبهم و رسالاتهم و نحن لانلحق شأوحهم علی مضمار و لانصل الیهم فی حبار و لامعیار ولکن ما لایدرک کله لایترک کله اوجلّه فکتبت المیسور اذهو لایسقط بالمعسور و علی‌الله المعول فیما کتبت و شرح الصدور.

حقیر در سن ۱۲ سالگی وارد نجف اشرف شدم و مرحوم والد ماجد ممجد سمی خاتم‌الانبیاء محمد قدس‌اللهسره که از شاگردان بنام مرحوم رئیس‌الملة والدین السید محمد کاظم یزدی انارالله برهانه بودند مرا برای کسب معارف الهیه بنجف برد و بمقدار وسع در آن محل امن و امان مستمدا من برکات صاحب البقعه المبارکه العلویه کسب فیض نموده و از اساتید محترم که شمارشان از بیست متجاوز است اخذ و استفاده نمودم بحمدالله و منه که حضرت مستطاب حجه‌الاسلام والمسلمین اعجوبه لنکران آقای شیخ مجتبی طرید عراقیها که الآن در سن پیری در اصفهان است یکی از اساتید است و اجازات علمیه و امور حسبیه و اجازات حدیث از بسیاری از مراجع اموات و احیاء در دست دارم که صلاح در نشر و پخش آنها نیست یکی از آن اجازات حدیثیه از مرحوم حاج شیخ علی‌اکبر نهاوندی است و یکی از جرثومه فضل و تقوا آیه‌الله المرعشی النجفی اطال‌الله عمره و نفع المسلمین بوجوده می‌باشد که بسیار مفصل و محتوی مطالب ارزنده که میرسد بمعصوم علیه‌السلام و یکی از مرحوم استاد علم الحدیث نابغه زمان خود آیه‌الله آقا بزرگ تهرانی قدس سره میباشد.

و پس از فوت مرحوم والد طیب‌الله و مسه مرحوم خلد آشیان پدر یتیمان علامه ثانی آیه‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی بهبهانی مرا فرستادند برای رتق و فتق امور شرعیه در عشایر آبادن هشت فرسنگی که قریب پنجاه هزار یا بیشتر که بیش از چهار فرسنگ طول منازل آن عشایر است عرب و عجم شیعه و سنی اصولی و اخباری هستند و بفضل حق تعالی (قمت فیهم ثلاثین سنه احسن قیام) و ترویج شرع نمودم با حسن الترویج و دفع و رفع خرافات کردم که بحمدالله مشهور شدم بین عشایر علی اطلاقها (بانه لاتأخذه فی‌الله لومه لائم و صرفت ما حصلته من الحقوق باقامها بین الفقراء والارامل والایتام والله المنه علی فی ذلک حتی خرجت من العشایر بعله ضعف المزاج) و مرضهای پی در پی برای بدی آب و هوای آنمحل و ساکن آبادان شدم در حالیکه مالک چیزی از مال نیستم نه دیناری و نه درهی نه ملکی و نه منزلی سپاس خدائی را که مرا چنین قرار داد و مرا از دینش اینطور تعلیم نمود و اکنون دوازده سال است که در آبادان بامور دینی و اقامه جماعت اشتغال دارم و میان اقران مشهور بزهد و تقوایم زیرا با هیچ اداری و ثروتمندی و شیخ عشیره‌ای معاشرت و آمیزش ننمودم و دندان طمع را از اموال مردم کندم و روی این جهت عزیزتر از دیگران شدم بجهت اینکه هرکس قناعت کند عزیز است و هر کس طمع در اموال مردم نماید موهونست و کسیکه از مردم عزلت گزیند از ایشان بسلامت خواهد بود.

و در هر شب بعد از نماز احکام خدا را بیان کرده و در منبر برای مردم اخلاق می‌گویم.

و جماعت و منابرم از فضل خدا مشهور و درب کتابخانه‌ام برای واردین و میهمانان و نیازمندان و ارباب سئوال باز است.

آثار قلمی از اینقرار است.

۱- نظریاتم را بر کتب مطالعه شده از سنی و شیعه نوشته‌ام.

۲- دفتری متوسط محتوی مطالب ارزنده و اشعاری مطلوب کامل است.

۳- کشکول اسلامی که در آن همه چیز موجود است.

۴- کتابی بنام المهدی و صفاته در دو جزء اولی تمام دومی ناتمام بعربی و فارسی.

۵- کتابی در تلخیص (بیان و تبیین) بنام الدرالثمین فی المنتخب من البیان و التبین جاحظ عثمانی.

۶- کتابی باز در کشکول بطرزی بدیع ناتمام.

۷- اربعین حدیث از کافی شریف و کتابها و رساله‌های دیگر در امور مختلفه.

۸- ایقاظ الانام عن خرافات العوام.

واما باقیات الصالحات ایشان.

۱- مسجد محمدی در نهر اردشیر- قصبه. (بضم قاف نام حومه آبادان)

۲- مسجدی محمدی در نهر حد- قصبه.

۳- حسینیه در نهر اردشیر- قصبه.

۴- حسینیه حاج یونس در سنافی.

۵- حسینیه ملا ابراهیم در نهر فجری- قصبه.

۶- ترمیم و اصلاح ساختمان مساجد منطقه مذکوره و فرش آنها.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اسلامی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: استاد، رشته: انگل‌شناسی، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دامپزشکی از دانشکده دامپزشکی تهران در سال ۱۳۴۱، تحصیلات تخصصی در دانشگاه ویسکانسن آمریکا به مدت ۲ سال.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

همکاری با کارشناسان فائو در زمینه انجام پروژه تحقیقاتی بررسی اپیدمیولوژی کرمهای نشخوارکننده به مدت ۵ سال، تحقیق در زمینه‌های انگل‌شناسی و کرم‌شناسی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

انگل‌شناسی، کرم‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۷

زمینه علمی مقالات:

انگل‌شناسی، کرم‌شناسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

اسلامی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا علی‌اکبر بن مرحوم آقا صدر اسلامی تربتی از معاریف دانشمندان این منطقه است. وی در قریه بابک که در سه فرسخی تربت واقع است متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات مسافرت بقم نموده و از مرحوم میرزا محمد همدانی و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله میرزا سید علی یثربی کاشانی و آیت‌الله حایری استفاده نموده و در سال ۱۳۵۵ قمری بوطن برگشته و پس از چند سال توقف بقم مراجعت و از محضر مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله... استفاده تا چند سالی بعد از فوت مرحوم بروجردی بوطن بازگشت نموده است.

وی که با مرحوم ثقه‌المحدثین آقا شیخ علی‌اکبر واعظ تربتی که ترجمه‌اش در جلد دوم گذشت قرابت نزدیک دارند و بفضل و دانش معروف و به پرهیزکاری و متانت موصوف و دارای مقام نطق و سخن وری میباشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اسلامی، محمد تقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی اسلامی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از پایان تحصیلات در مقطع راهنمایی تحصیل در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس مقدماتی را در مدرسه علمیه امام صادق (ع) گذراندم. دروس سطح حوزه را نیز از سال ۱۳۶۶ آغاز کردم و در درس حضرات اساتید علی محمدی خراسانی، آقارسول موسوی تهرانی، نکونام گلپایگانی و شیخ حسین توتونچی تهرانی (ره) شرکت جسته، این دروس را در حدود سال تحصیلی ۷۲ ـ ۷۱ به پایان بردم.

از سال ۱۳۷۰ به صورت موقت و آزمایشی در برخی کلاس‌های درس خارج شرکت می‌کردم. تا این که رسماً از سال ۱۳۷۲ در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات سبحانی، وحید خراسانی و جوادی آملی شرکت جستم. در ضمن دروس و مباحثات حوزوی به پیشنهاد برخی از دوستان هم بحث، در دوره عمومی دروس موسسه در راه حق شرکت نمودم.

سال ورود من به موسسه در راه حق (که بعداً با نام موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در ساختمان جدید فعالیت خود را ادامه داد) سال ۱۳۷۱ (سال تحصیلی ۷۲ ـ ۷۱) بود. پس از گذراندن دروس عمومی طی چهار سال، در سال تحصیلی ۷۶ ـ۷۵ در آزمون ورودی دوره کارشناسی ارشد در رشته تخصصی دین‌شناسی پذیرفته شدم. و پس از طی دوره تحصیلی در سال ۱۳۸۰ با دفاع از پایان‌نامه‌ای تحت عنوان" نقد و بررسی نظریه جان مارتین فیشر در باب مسئولیت اخلاقی "فارغ التحصیل شدم. البته ضمن تحصیل در دوره کارشناسی ارشد، فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی خود را با پذیرفتن پروژه‌هایی از مراکز تحقیقاتی مختلف و تدریس در مراکز حوزوی و دانشگاهی، از سال ۱۳۷۸ آغاز نمودم و تاکنون فعالیت‌ها ادامه دارد.

پس از فارغ التحصیلی ابتدا حدود ۸ ماه با معاونت تدوین متون درسی معارف اسلامی در نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، به عنوان کارشناس گروه اخلاق همکاری علمی پژوهشی داشتم. پس از آن از سوی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی برای تأسیس و تشکیل یک گروه علمی پژوهشی کارآمد در حوزه اخلاق اسلامی دعوت شدم و کار اصلی پژوهش خود را در این رشته ابتدا در قالب هسته‌ای علمی، پژوهشی آغاز نمودم و با رسمیت یافتن گروهی با نام گروه اخلاق و تربیت در این پژوهشگاه به عنوان عضو هیئت علمی به فعالیت خود ادامه می‌دهم.

اسلامی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۳ مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: مهندسی مکانیک، دانشگاه: صنعتی امیرکبیر

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

فارغ‌التحصیل ممتاز از دانشگاه امیرکبیر در رشته مکانیک در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

در سال ۱۳۵۲ استادیار در سال ۱۳۵۶ دانشیار دانشگاه ایالتی لویزیانا، در سال ۱۳۶۸ ارتقاء به درجه استادی دانشگاه امیرکبیر.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

استاد ممتاز دانشگاه امیرکبیر در سال ۱۳۷۰، مدرس ۲۵ درس مختلف در دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری و دوره‌های تخصصی در زمینه طراحی مکانیک، طرحهای تحقیقی دینامیک پرواز، پایداری پرواز، خزش و پلاستیسیته، نقش انجمن‌های مدارس در توسعه کشور.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعدا مقالات بزبان فارسی: ۹، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴۱

زمینه علمی مقالات:

المانهای محدود، ترموالاسیسیته، خزش و پلاستیسیته، پوسته‌ها (استاتیک و دینامیک)، کمانش.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

اسلامی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا اسلامی

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد رضا اسلامی در سال ۱۳۳۴هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان بهشهر دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد.

در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و شوق ادامه تحصیل در قم، زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام الله علیها از سوی دیگر وی را رهسپار قم و در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت (ع) با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۵۹ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله مکارم، آیت الله سبحانی، آیت الله جوادی آملی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته معارف اسلامی در مقطع کارشناسی در سال ۱۳۶۱ از دانشگاه قم فارغ التحصیل گردید .

وی پس از سالها تلاش و علم اندوزی در قم، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون علاوه بر مدیریت نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه علوم کشاورزی گرگان، در این دانشگاه و دانشگاه آزاد گرگان به تدریس دروس معارف اسلامی مشغول می باشد. وی در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و آثاری از قبیل" حج "و "نبوت برآمدی بر فلسفه "و غیره را به رشته تحریر در آورده است و به زیور طبع آراسته است.

اسلامی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی اسلامی نجفی فرزند ارشد حجهْالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عبدالستار اسلامی بهبهانی که در این منطقه سکونت دارد و مورد احترام تمام‌بخش و رهبر دینی ساکنین بخش مزبور می‌باشد. معظم له در نجف اشرف به سال ۱۳۱۳ شمسی متولد شده و پس از فوت جدش مرحوم حجهْالاسلام والمسلمین آقا شیخ محمد بهبهانی که وکیل مطلق مرحوم آیت‌اللّه آقا سید کاظم یزدی در بخش قصبه بوده والد ماجدش که از طرف مرحوم آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی به عشایر بخش قصبه اعزام گردیده وی را به قصبه آورده و در سن هفت سالگی قرآن کریم و خواندن و نوشتن را در مکتب آموخته و در سن ۱۰ سالگی به شهر آبادان رفته و علوم جدیده را فراگرفته و در سن شانزده سالگی جهت تحصیل علوم دینیه و معارف الهیه به نجف اشرف عزیمت نموده و در مدرسه مرحوم شر بیانی و بعد در مدرسه بزرگ مرحوم آخوند به تحصیل پرداخته و دروس مقدماتی و متوسطه و عالی اعم از علوم صرف و نحو و معانی بیان و فقه و اصول و اخلاق و تفسیر و حدیث و منطق و کلام را از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا سید شکراللّه بهبهانی و آیت‌اللّه حاج شیخ مجتبی لنکرانی و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسن یزدی و مرحوم حجهْالاسلام آقا شیخ محمد رشتی و حجهْالاسلام حاج شیخ محی‌الدین مامقانی و حجهْالاسلام آقا میرزا علی آقا فلسفی و حجهْالاسلام آقا شیخ محمدعلی سرابی و حجهْالاسلام میرزا کاظم تبریزی و حجهْالاسلام آقای آقا شیخ صدرا و حجهْالاسلام آقا شیخ محمدعلی افغانی فراگرفتند و در همان اوان تدریس علوم ادبی را برای جمع کثیری از طلاب نموده سپس درس خارج اصول را از محضر آیت‌اللّه خوئی و خارج فقه را از محضر مرحوم آیت‌اللّه حکیم و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید عبدالهادی شیرازی و مرحوم آیت‌اللّه شاهرودی استفاده نموده و در اثر حافظه قوی و جدیت شدید در تحصیل (به حدی که بیمار و مبتلا به عارضه چشم گردیده) و در سن ۲۶ سالگی پس از ده سال علوم مختلفه به سال ۱۳۸۰ قمری فارغ‌التحصیل گردیده و به مقامات عالیه علمی رسیده است چنانچه آیات عظام نجف مراتب فضل او را تصدیق و تأیید نموده‌اند.

جناب آقای اسلامی در سال ۱۳۸۰ قمری بنابر توصیه پزشکان و دستور مرحوم آیت‌اللّه حکیم جهت معالجه به کشورهای لبنان، سوریه، مصر، اردن، ایران مسافرت نموده و پس از مراجعت به نجف اشرف و مسافرت به کویت و ایران از طریق بحرین به مکه مشرف و پس از سفر حج و تشرف به عتبات عالیات عراق در سال ۱۳۸۱ ق حسب‌الامر مرحوم آیت‌اللّه حکیم و سائر مراجع تقلید نجف اشرف با وکالت مطلقه و توثیق آنان بوطن خود قصبه آبادان برگشته و ساکن شدند و از بدو عودت ایشان به قصبه و انتقال والد ماجدشان به شهر آبادان معظم له به ترویج مبانی مذهبی و تعظیم شعائر دینی و بیان احکام شرعی و رسیدگی به حال مستمندان و اصلاح بین مسلمین و حل و فصل اختلافات محلی و سایر وظائف شرعیه اشتغال دارند و در مسجد جامع محمدی در نهر علیشیر (معروف به مسجد الشیخ که از تأسیسات جدشان مرحوم شیخ محمد می‌باشد و والدشان تجدید بناء نمودند) اقامه نماز جماعت می‌نمایند معظم له مضافاً بر انجام وظائف شرعیه از اول اقامتشان در قصبه منشأ خدمات ارزنده مذهبی از قبیل تأسیس مساجد و حسینیه‌ها و تجدید بناء آنها و همچنین منشأ خدمات ملی و عام‌المنفعه بوده و هستند

آثار وی از مساجدی که تاکنون به تشویق ایشان تأسیس گردیده بدین قرار است

۱- مسجد صاحب‌الزمان (ع) در نهر علیشیر به تصدی آقای حاج عباس و شیخ ابراهیم بهبهانی

۲- مسجد صاحب‌الزمان (ع) در نهر حاج علی (به چاچره) به تصدی آقای حاج صالح بهبهانی

۳- مسجد نهر قائمیه به تصدی حاج علی جاسی ۴- مسجد نهر مچری معمره به تصدی حاج ملا ابراهیم فاضلی

۵- مسجد نهر بوچمپه به تصدی آقای سید قاسم ۶- مسجد نهر علیشیر که در شرف ساختمان است بوسیله آقای حاج جواد بهبهانی

اما حسینیه‌ها که تاکنون به تشویق ایشان تأسیس یا تجدید بنا گردیده و از ساختمان گلی به ساختمان آجری و امروزی تبدیل شده

زیاد است و از آنجمله است

۱- تأسیس حسینیه در نهر ابوالفلوس به تصدی سبهان حاج جابر

۲- تأسیس حسینیه زنانه در نهر عوفی به تصدی زایر جمد شلوان

۳- تجدید بناء حسینیه محمدی در نهر علیشیر (که از تأسیسات جدشان مرحوم شیخ محمد بوده) که هر ساله طبق طریقه‌ی والد واجدشان دهه اول محرم مجلس سوگواری در آن برگذار می‌شود.

۴- تجدید بناء حسینیه حاج زباری در نهر علیشیر

۵- تجدید بناء حسینیه حویجی در نهر بلامه

۶- تجدید بناء حسینیه شعبان در نهر بلامه

۷- تجدید بناء حسینیه علویه در نهر مجری

۸- تجدید بناء حسینیه سلطانی در نهر قصر و غیر ذلک از آثار خیر و خدماتی که ذکر آنها موجب اطنابست و معظم له از غالب مراجع تقلید نجف اشرف و قم دارای اجازات و وکالت مطلقه در امور حسبیه و روایتی و شهادات آنان بر توثیق و مقام علمی می‌باشد

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اسلامی، مرجان

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۹۷ ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن نیم ربعی، دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مذهب عالی، نسخ کتابت خفی متوسط، با رقم: «قد تم هذا المصحف الشریف علی یدی الفقیر الحقیر مرجان عفی عنه... ۱۰۶۵»؛ یک قطعه رقاع سه دانگ جلی و نسخ کتابت خفی متوسط، با رقم: «فقیر مرجان الاسلامی فی ۱۰۹۷».[۱]

اثر اوست: قرآن نیم‌ربعی، جلد تیماج ماشی منگنه‌ی مذهب، دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مذهب عالی. نیمه‌ی اول حواشی مذهب، نسخ کتابت خفی متوسط با رقم: «قد تم هذا للمصحف الشریف علی یدی الفقیر الحقیر مرجان عفی عنه» «فی تاریخ سلخ ذی‌القعدةالحرام سنة خمس و ستین و الف من الهجرة...» ۱۰۶۵ در کتابخانه‌ی سلطنتی.

- یک قطعه رقاع سه دانگ جلی و نسخ کتابت خفی متوسط با رقم: «فقیر مرجان الاسلامی» «فی ۱۰۹۷» در مجموعه‌ی بیانی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۱۵/ ۴).

اسلامی، هوشنگ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته شیمی از دانشگاه تربیت معلم تهران، دکترای سیکل سوم در رشته شیمی فیزیک کاربردی از دانشگاه پروانس فرانسه در سال ۱۳۵۶، دکترای دولتی در رشته شیمی فیزیک از فرانسه در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شیمی فیزیک، تهیه سولفیت و بی سولفیت سدیم، استاد راهنمای ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شیمی فیزیک، ترمودینامیک محلولهای چند جزئی (دیاگرام‌های فاز).

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

ترمودینامیک محلولهای چند جزئی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

اسلامیان، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا اسلامیان

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حجةالاسلام والمسلمین اسلامیان در سال ۱۳۷۲ هجری قمری در قم و در میان خانواده‌ای متدین و دلباخته خاندان پاک پیامبر اسلام (ص) چشم به جهان گشود. پدرش از کسبه شهر قم و از ارادتمندان به علما و مجتهدان این شهر عالم‌پرور بود که از راه چینی و بلورفروشی روزگار می‌گذرانید. حجةالاسلام والمسلمین اسلامیان تحصیلات دبستانی خود را در مدرسه محمدیه قم به پایان رسانید. سپس به سفارش پدر، به نزد دایی خود که از فضلای حوزه علمیه قم بود، رفت و دروس حوزوی را نزد او آغاز کرد. پس از او خدمت چند استاد دیگر در زمینه ادبیات عرب مشرف شد، ضمن اینکه روابط علمی خود را با دایی خود قطع نکرد. پس از اتمام بخشی از دروس دوره مقدمات به مدرسه علمیه حقانی رفت. مدرسه علمیه حقانی در آن روزگار از مدارس مهم حوزه علمیه قم به شمار می‌آمد که با روشی جدید به آموزش دروس حوزوی همت گماشته بود. در این مدرسه که مسؤول آن شهید آیت‌الله قدوسی (ره) بود، علاوه بر دروس حوزوی، دروسی که هر طلبه در امور تبلیغی خود بدان نیاز داشت، آموزش داده می‌شد، از جمله زبان انگلیسی، ادبیات فارسی و... .

حجةالاسلام والمسلمین اسلامیان در آن مدرسه، دروس مقدمات را پی گرفت و سپس دروس دوره سطح را در آنجا به اتمام رسانید و به درس خارج عالمان و استادان مشهور دوره خود راه یافت و سالها از محضر آنان بهره‌مند شد، ضمن اینکه در طی این سالها در دروس اخلاق نیز شرکت جدی داشت تا همواره علم خود را با عمل توام سازد.

حجةالاسلام والمسلمین اسلامیان در سالیان تحصیل خود به محضر استادان بسیاری راه یافت. او که دروس جامع‌المقدمات و سیوطی را نزد دایی خود و حجج اسلام علی طیبی و صدیقیان فرا گرفته بود، در درس مغنی حجةالاسلام والمسلمین فیاضی یزدی قمی و درس معانی و بیان آیت‌الله خزعلی و آیت‌الله گرامی شرکت کرد. او اصول فقه را نزد حضرات آیات خزعلی، جنتی و استادی، معالم الاصول را نزد استادان تقوی اشتهاردی، و شرح لمعه را نزد حضرات آیات حرم پناهی، گرامی، محمدی گیلانی، مظاهری، مصلحی اراکی، طاهری خرم‌آبادی، فاضلی اشتهاردی، شهید قدوسی و شهید سلطانی اشتهاردی آموخت و در درس رسائل حضرات آیات محمدی گیلانی، صانعی، آذری و درس مکاسب حضرات آیات خزعلی و احمدی میانجی حاضر شد. بخشی از کفایهٔ الاصول را نیز نزد آیت‌الله صانعی و تفسیر را نزد آیت‌الله مصباح یزدی فرا گرفت، ضمن اینکه در طی این سالها، دروسی همچون ادبیات فارسی، املاء و انشاء و زبان انگلیسی را نیز آموخته بود.

با پایان یافتن دوره سطح به درس خارج آیت‌الله العظمی شیخ کاظم تبریزی (ره)، آیت‌الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی (ره)، آیت‌الله العظمی شیخ مرتضی حائری (ره)، آیت‌الله العظمی وحید خراسانی، آیهٔ‌الله العظمی شیخ جواد تبریزی و آیهٔ‌الله شاه‌آبادی رفت و سالها از خرمن دانش و معرفت آنان خوشه چید. در بخش فلسفه نیز از محضر آیات عظام جوادی آملی، مؤمن قمی، امینی و صدر بهره برد. او در سالهای تحصیل خود با فضلا و عالمان بسیاری رابطه دوستی داشت که از جمله آنان می‌توان از حجج اسلام آقایان شب‌زنده‌دار، عندلیب، علی مؤمن و محمود رجبی نام برد.

حجةالاسلام والمسلمین اسلامیان در سالهای مختلف زندگی خود فعالیتهای علمی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است. که از جمله آنها شرکت در مجمع الفقه است که در آن به تألیف رساله‌ها و نوشته‌های گوناگون فقهی پرداخته می‌شود.

وی در طول سالهای تحصیل و پس از آن به مناطق گوناگونی سفر نموده و به تبلیغ عقاید شیعه پرداخته است که از جمله آنها می‌توان به سفر او به شهر مهران و دره‌شهر در سالهای نخستین پیروزی انقلاب اسلامی اشاره کرد. همچنین وی مدتی در دفتر امام (ره) به بررسی نامه‌های رسیده و اقدام مقتضی آن می‌پرداخته است.

حجةالاسلام و المسلمین اسلامیان در طول سالهای رژیم طاغوت و پس از آن، همواره چون مردم ایران اسلامی، زندگی توام با مبارزه را طی نموده است. از فعالیتهای سیاسی وی در زمان رژیم شاه می‌توان به افشاگریهای او اشاره کرد که در سال ۱۳۵۱ به مدت دو ماه به زندان افتادند.

اسلامیان، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: فنی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد طراحی ماشین از هنرسرای عالی تهران در سال ۱۳۴۳، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای مهندسی مکانیک از دانشگاه شهر دیترویت آمریکا در سال ۱۳۵۲ ،۱۳۴۷ ،۱۳۴۶.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تبریز در سال ۱۳۵۲، دانشیار دانشکده فنی دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی دفع ذرات معلق از هوا، تدریس رسم فنی در دانشگاه علم و صنعت، اجزای ماشین در انستیتو تکنولوژی دیترویت آمریکا و دروس دینامیک، روانکاری، دینامیک ماشینی، مکانیک محیطهای پیوسته در دانشگاه تبریز، استاد راهنمای ۱ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

مدل ریاضی قفسه سینه آدم.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

اسماء

قرن:۱۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

پـدرش اعنق از بزرگـان و رؤسای اهواز بود. آنچه از اسـماء می‌دانیم قطعه شـعری است که ابن مفرغ. شاعر عصـر اموی، درباره‌ی او سروده و از هجران او و از شهر و دیار او (اهواز، شوشتر) یاد کرده است.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: اعلام‌النساء ۴۶ -۴۵ / ۱.

اسماعیل پور نیازی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن اسماعیل پور نیازی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در تابسـتان سال ۱۳۶۶ پس از طی مقطع راهنمـایی وارد حـوزه علمیـه شـدم. در گـام اول قـدم در مـدرسه مبـارکه فیضه مازنـدران (شهرستان بابل) تحت نظارت مدیریت و اشراف حضرت آیت الله فاضل استر آبادی نهادم.

پس از طی مراحل اولیه تحصیل در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و در قم در دروس سطح از دروس استاد آیت الله سید علی محقق دامـان و دیگر اساتیـد اسـتفاده کردم. در درس خارج نیز در فقه و اصول در محضـر اساتیـد بزرگوار آیت الله سیـدعلی محقق داماد، آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله سبحانی و آیت الله لاریجانی حاضر شدم.

همزمـان بـا تحصـیل در مقطع خـارج در رشـته تخصصـی تفسـیر و علوم قرآن نیز طی یک دوره چهار ساله در مقطع سـطح چهار از محضر اساتید بزرگوار آیت الله معرفت، آیت الله خزعلی، آیت الله دکتر احمد بهشتی، حجت الاسلام دکتر نقی پورفر و اساتید دیگر بهره مند شدم. پس از اتمام دوره تحصیل رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن به دلیل احساس نیاز به مباحث عقلی و فلسفی در رشته فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) مشغول به تحصیل شدم و اکنون در مقطع کارشناسی ارشد می باشم.

در بهار سال ۱۳۸۴ پایان نامه سـطح چهار مرکز تخصصـی تفسـیر و علوم قرآن را تحت عنوان «آزادی و ارتـداد از دیـدگاه قرآن» با راهنمـایی و مشـاورت اسـتاد آیت الله معرفت و اسـتاد دکتر نقی پورفر دفـاع کردم و با درجه عالی داوران همراه بود. پیش از آن در سال ۱۳۸۳ پایـان نـامه فـوق به عنوان پژوهش برگزیـده سـال در حوزه دین پژوهی از سوی دبیرخـانه دین پژوهـان کشور انتخـاب و معرفی شد.

در بخش تحقیقـات علمی نیز بـا مرکز جهانی علوم اسـلامی در تـدوین درسـنامه، مرکز پژوهشـهای صـدا و سـیما در تألیف کتاب و

پژوهشکده فرهنگ و اندیشه (کانون اندیشه جوان) برای تدوین کتاب همکاری داشته و دارم.

اسماعیل پور، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی اسماعیل پور

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

شروع به علوم قدیمه از سال ۱۳۳۵ شمسی در شهرضا و بعد از طی مقدمات و قسمتی از سطوح عالی و فراگیری فلسفه و کلام و مقداری طب قدیم و مقداری هیئت در سال ۱۳۳۹ وارد حوزه علمیه قم شدم.

بعد از تکمیل سطح عالی حوزه در دروس خارج فقه و اصول شرکت نموده و مباحث فلسفی را نیز تکمیل و در طول خواندن درس خارج به مباحثات علمی و تدریس سطح عالی و علوم اعتقادی مشغول بوده ام و بعد از دوره هائی از تدریس کفایهٔ الاصول از سال ۱۳۵۷ شمسی به تدریس خارج فقه و اصول مشغول بوده که هم اکنون هم ادامه دارد و فعلاً دوره سوم تدریس خارج اصول برقرار می باشد.

در سخنرانی بعد از نماز جماعت چه در قم و چه در شهرضا (قمشه) در ایام مناسب و تعطیلات حوزه مثل ماه مبارک رمضان و تابستان با توفیق الهی یکدوره تفسیر کامل قرآن برای مردم گفته شده است و دوره دوم نیز تاکنون به سوره یونس رسیده است.

اسماعیل پوران، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۲۵.

درگذشت: ۱۳۵۸.

غلامرضا اسماعیل پوران متخلص به «هادی» بود. از او این مجموعه به یادگار مانده است: حماسه آفرینان کربلا (شعر مذهبی ترکی، تبریز، ۱۳۶۴).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اسماعیل زاده، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم اسماعیل زاده متولد ۱۳۲۳ دارای کارشناسی مهندسی مکانیک از دانشگاه لندن در سال ۱۳۴۶ ،کارشناسی ارشد از دانشگاه لندن در سال ۱۳۵۰ و دکتری تخصصی PHD در سال ۱۳۵۰ از دانشگاه لندن انگلستان است.وی دانشیار دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۵۴ ،استاد از سال ۱۳۶۳ تا کنون است.ایشان همچنین دانشیار مدعو در دانشگاه M.I.T آمریکا در سال ۱۳۵۵ به مدت یکسال و استاد مدعو در دانشگاه ویکتوریای کانادا در سال ۱۳۶۸ بوده است. دکتر اسماعیل زاده بیش از ۵۰ مقاله به زبانهای فارسی و خارجی در زمینه پیرامون ارتعاشات ، دینامیک و سینماتیک ،طراحی شاسی ،کنترل اتوماتیک ، دینامیک سیستم های غیر خطی و سیستم های دینامیکی دارد.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی مکانیکتحصیلات رسمی و حرفه ای : ابراهیم اسماعیل زاده دارای کارشناسی مهندسی مکانیک از دانشگاه لندن در سال ۱۳۴۶ ،کارشناسی ارشد از دانشگاه لندن در سال ۱۳۵۰ و دکتری تخصصی PHD در سال ۱۳۵۰ از دانشگاه لندن انگلستان است.خاطرات و وقایع تحصیل : ابراهیم اسماعیل زاده سفر به کشور های آمریکا ، انگلستان و کانادا و اکثر کشورهای اروپایی و اخذ درجه دکتری در رشته مکانیک از وقایع مهم و خاطرات آن دوران به شمار می رود.وقایع میانسالی : ابراهیم اسماعیل زاده پس از اخذ درجه دکتری در رشته مکانیک عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف شد . وی پس از طی مرحله استادیاری به رتبه عملی دانشیاری در سال ۱۳۵۴ و استادی در سال ۱۳۶۳ که هم اکنون هم ادامه دارد،در آمد. وی همچنین دانشیار ندعو در دانشگاه M.I.T آمریکا در سال ۱۳۵۵ بمدت یکسال و استاد مدعو در دانشگاه ویکتوریای کانادا در سال ۱۳۶۸ بود.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ابراهیم اسماعیل زاده عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه صنعتی شریف است . ایشان همچنین دانشیار مدعو در دانشگاه M.I.T آمریکا در سال ۱۳۵۵ به مدت یکسال و استاد مدعو در دانشگاه ویکتوریای کانادا در سال ۱۳۶۸ بوده است.فعالیتهای آموزشی : ابراهیم اسماعیل زاده در دانشگاه های صنعتی شریف ،M.I.T آمریکا و ویکتوریای کانادا به تدریس و تحقیق مشغول بوده است.ایشان هم اکنون به تدریس دروس زیر در دانشگاه صنعتی شریف مبادرت می ورزد: ارتعاشات غیر خطی (محض دکترا) ،کنترل خودکار پیشرفته (کارشناسی ارشد) ،ارتعاشات

سیستمهای ممتد ،ارتعاشات و دینامیک،طراحی شاسی و کنترل اتوماتیک(کارشناسی)سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ابراهیم اسماعیل زاده به موازات تدریس به تحقیق در پیرامون موضوعات زیر می پردازد: بررسی سینماتیک حرکت مفاصل زانوی انسان ،واژگونی خودروهای ویل و لولایی،بررسی ارتعاشات غیر خطی سازه ها ، ارتعاشات سیستمهای دینامیکی و جذب کاهش آن و طراحی سیستمهای تعلیق بهینه برای خودرو و غیره ..

آثار : ارتعاشات غیر خطی ویژگی اثر : زیر ویراستاری ،دانشگاه شریف فارسی۲ طراحی شاسی و رفتار دینامیکی خودروها ویژگی اثر : دانشگاه شریف فارسی ۱۳۶۷۳ کنترل خودکار و سروسیستم ها ۲ ویژگی اثر : زیر ویراستاری ،دانشگاه شریف فارسی۴ مسائل ارتعاشات و کاربرد های صنعتی ویژگی اثر : دانشگاه شریف فارسی منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

اسماعیل زاده، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل اسماعیل زاده داری کارشناسی مکانیک وماشین الات ازدانشکاهتبریز درسال ۱۳۴۹، کارشناسی ارشد دررشته انتقال حرارت ازدانشگاه پیروماری کوری فرانسه درسال ۱۳۵۳، دکتری حرارت وسیالات ازهمان دانشگاه در۱۳۵۵ودانشیاردانشگاه تبریز ازسال ۱۳۷۰ به بعد است.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی مکانیکاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : اسماعیل اسماعیل زاده درحدود سال ۱۳۲۷چشم بهجهان گشود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : اسماعیل اسماعیل زاده دارای کارشناسی مهندسی مکانیک ، کارشناسی ارشددررشته انتقال حرارت ازدانشگاه پیروماری کوری فرانسه درسال ۱۳۵۳ودکتری حرارت وسیالات ازهمان دانشگاه ونیز دانشیاردانشگاه تبریز ازسال ۱۳۷۰می باشد.خاطرات و وقایع تحصیل : تحصیل دررشته انتقال حرارت وحرارت سیالات درفرانسه ازمقاطع مهم زندگی علمی اسماعیل اسماعیل زاده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : اسماعیل اسماعیل زاده درحینتحصیل دررشته مهندسی مکانیک به مطالعه ، تحقیق وتالیف آثاری درزمینه جریان فلزات مذاب درمجراها، بررسی برج خنک کن ها و. . . می پرداخت.وقایع میانسالی : اسماعیل اسماعیل زاده پس ازبازگشت ازفرانسه درسال۱۳۵۵، عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز درگروه مهندسی مکانیک شد. وی ازسال ۱۳۷۰درهمان دانشگاه به درجه دانشیاری نایل شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : اسماعیل اسماعیل زاده ازسال۱۳۵۵، عضو هیئت علمی روه مهندسیمکانیک دردانشکده فنی دانشگاه تبریز وازسال ۱۳۷۰به عنوان دانشیاردرآ" گروه به تدریس مشغول است.فعالیتهای آموزشی : اسماعیل اسماعیل زاده ازسال ۱۳۵۵بهعنوان عضو هیئت علمی وازسال ۱۳۷۰به عنوان دانشیاربه تدریس درگروه مهندسیمکانیک ، دروس مربوط بهانتقال حرارت، دردانشگاه تبریز مشغول است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : اسماعیل اسماعیل زاده علاوه برتدریس به مطالعه ، تحقیق واجرای طرحهای پزوهشی درزمینه انتقال حرارت وسیالات می پردازد.آرا و گرایشهای خاص : اسماعیل اسماعیل زاه ازجمله مهندسین مکانیک استکه دارای تخصصی دربحث های مربوط به انتقال حرارت وسیالات می بشد.

آثار : بررسی برج خنک کن ها ویژگی اثر : روشهای تجربی در بررسی پدیده های film heaving filmدرروی سطوح پره ها از دیگر آثار دکتر اسماعیل زاده است.۲ تبدیل انرژی جریان فلزات مذاب در مجراها جریانهای دو فازی در لوله ها روشهای عودی در انتقال حرارت و جریان سیال منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

اسماعیل‌زاده، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۳ مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: مهندسی مکانیک، دانشگاه: صنعتی شریف

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی مکانیک از دانشگاه لندن در سال ۱۳۴۶، کارشناسی ارشد از دانشگاه لندن در سال ۱۳۵۰ و دکترای مهندسی در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۵۴، استاد از سال ۱۳۶۳، دانشیار مدعو در دانشگاه T.I.M آمریکا در سال ۱۳۵۵ به مدت یکسال، استاد مدعو در دانشگاه ویکتوریای کانادا در سال ۱۳۶۸.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

دینامیک جاده‌ای خودروها، سروسیستم‌های کنترلی، دینامیک خودروهای سنگین و طویل لولایی، بررسی سیستم‌های تعلیق و قوای محرکه خودروها، ایزولاسیون ارتعاشات، تصادم و ضربه و ایمنی در خودروها، طراحی آمبولانس و خودروهای مخصوص، نوسانات سازه‌ها و پلها، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

ارتعاشات، دینامیک و سینماتیک، طراحی شاسی، کنترل اتوماتیک، دینامیک سیستم‌های غیر خطی، سیستم‌های دینامیکی، کنترل مدرن و غیر خطی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۹، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳۸

زمینه علمی مقالات:

ارتعاشات، دینامیک خودروها، سیستم‌های کنترلی اپتیمال، سروسیستم‌های هیدرولیکی و هوائی، سیستم‌های غیر خطی، ایزولاسیون، کنترل مدرن، خودروهای سنگین و طویل و لولایی، طراحی سیستم‌های تعلیق و اجزا ماشین، جاذب‌های دینامیکی ارتعاشات و نوسانات سازه‌ها و پلها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

اسماعیل‌زاده، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: فنی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی مکانیک و ماشین‌آلات از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۹، کارشناسی ارشد در رشته انتقال حرارت از دانشگاه پیر و ماری کوری فرانسه در سال ۱۳۵۳، دکترای حرارت و سیالات از دانشگاه پیر و ماری کوری فرانسه در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تبریز در سال ۱۳۵۶، دانشیار دانشگاه تبریز در سال ۱۳۷۰.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تبدیل انرژی، روش‌های عددی در انتقال حرارت و جریان سیال، جریان‌های دوفازی در لوله‌ها، جریان فلزات مذاب در مجراها، بررسی برج خنک کن‌ها، روش‌های تجربی در بررسی پدیده‌های Film Heating , filmcooling در روی سطوح پره‌ها، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

روشهای عددی در انتقال حرارت و جریان سیال.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۹

زمینه علمی مقالات:

بررسی عددی جریان‌های دو فازی گاز مایع، جریان‌های دو فازی گاز جامد، بررسی عددی جریان و انتقال حرارت فلزات مذاب در مجاری حلقوی، مطالعه تحولی هیدرودینامیک و انتقال حرارت پدیده خنک‌کاری لایه‌ای، تقطیر و تبخیر مخلوطهای دوتائی سیالات در شرایط جریان دو فازی در لوله‌ها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

اسماعیلی ایولی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اسماعیلی ایولی

محل تولد : ساری

شهرت : اسماعیلی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۸ در روستای ایول از توابع بخش چهاردانگه (کیاس) شهرستان ساری مرکز استان مازندران متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در همان روستا و تحصیلات راهنمایی را در ساری و پس از دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه شدم.

دو سال در حوزه علمیه سعادتیه ساری و سپس در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه قم شد. حدود هشت سال در مدرسه علمیه امام باقر (ع) که از مدارس تحت برنامه مرکز مدیریت بود مشغول تحصیل بودم. همراه با تحصیلات این دوره به صورت متفرقه دیپلم علوم انسانی را گرفتم و در دروس مکاسب، رسائل و کفایه از اساتید محترم سروش محلاتی، حسینی بوشهری، حسینی خراسانی، نکونام، وحید خراسانی فیض بردم. سه سال در درس خارج اصول استاد صادق لاریجانی و سه سال در خارج فقه استاد مکارم شیرازی و سه سال از خارج اصول استاد جعفر سبحانی بهره بردم.

همراه با تحصیلات سطوح عالیه حوزوی در رشته فلسفه (غرب) دانشگاه مفید دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد را از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۰ به اتمام رساندم. همراه با تحصیلات دانشگاهی در حوزه علمیه در بخش علوم اسلامی عقلی (کلام ـ فلسفه اسلامی ـ عرفان) در درس اسفار استاد دهقانی و درس اسفار و اشارات استاد فیاضی و نهایهٔ الحکمه استاد معلمی شرکت نمودم.

هم اکنون با جامعهٔ الزهرا و گروه معارف دانشگاه سمنان همکاری تحقیقی و تدریس دارم. همچنین به مدت پنج سال با دایرهٔ المعارف علوم عقلی موسسه امام خمینی (ره) از سال ۷۹ تا ۸۴ همکاری داشته‌ام. در ایام تبلیغ و فصل تابستان به تبلیغ و سخنرانی می‌پردازم.

اسماعیلی دهاقانی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن اسماعیلی دهاقانی

محل تولد : دهاقان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

اسماعیلی مبارکه، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد اسماعیلی مبارکه

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد اسماعیلی مبارکه در سال ۱۳۴۱ در روستای مبارکه از توابع جرقویه اصفهان متولد شدم. تحصیلات ابتدائی و راهنمائی را در روستای پیله وران جنوبی، و ادامه تحصیل را در شهر اصفهان گذراندم.

در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و پایه اول تا سوم را در مدرسه علمیه ذوالفقار اصفهان، و سپس در سال ۱۳۶۶پایه های چهارم و پنجم را در مدرسه علمیه امام صادق (ع) اصفهان گذراندم. در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال ۱۳۷۵ سطح را در قم یعنی پایه‌های ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم را به پایان رساندم و در سال ۱۳۷۶ وارد دروس خارج آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله آقا موسی شبیری زنجانی شدم.

بعد از دو سال همراه با ادامه درس خارج فقه و اصول، تخصصی تبلیغ را در مدرسه عالی دارالشفاء شروع کردم و بعد از چهار سال موفق به گذراندن دوره تخصصی تبلیغ با گرایش ارشاد نوجوانان و جوانان تألیف کودک و نوجوان شدم و جزء ممتازین دوره سوم تخصصی تبلیغ، در سال ۱۳۸۰ از مرکز تخصصی تبلیغ مدرسه عالی دارالشفاء فارغ التحصیل شدم و همزمان با طی کردن ۶سال درس خارج فقه و اصول موفق به دریافت سطح چهار حوزه (دکتری) شدم.

در سال ۱۳۸۰ رسماً تدریس خود را در مراکز تخصصی حوزه:

۱- تخصصی تبلیغ تحت عنوان روش تدریس و کلاسداری و روانشناسی تبلیغ و تدریس مفاهیم دینی و تدریس دینی و قرآن، شروع کردم. ۲- تخصصی علوم حدیث، روش تبلیغ حدیث ۳- در تخصصی مهدویت، روش تفسیر برای جوانان را مشغول هستم. ۴- در دانشگاه باقر العلوم (ع) عناوینی مانند: الف) روش تبلیغ ب) روش ارائه مفاهیم دینی، عقاید، تفسیر، احکام، روانشناسی تبلیغ، روش تدریس و کلاس داری را تدریس می‌کنم. ۵- در مجموعه سفیران هدایت قم هم به تدریس مبانی اصول، روشهای تربیتی، روش تدریس، کلاس داری کودک و نوجوانان و روش تدریس و کلاسداری عمومی مشغول هستم. ۶ - در کارشناسی ارشد

تخصصی تبلیغ، تدریس کلاسداری کودکان و نوجوانان مشغول می‌باشم. ۷ – در معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی نیز مشغول آموزش ۲۰۰۰ نفر از طلاب طرح هجرت بلند مدت می باشم.

اسماعیلی، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل اسماعیلی

محل تولد : کریز کاشمر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از فراگیری قرآن در مکتب خانه روستای زادگاهم کریز و پایان تحصیلات ابتدایی کلاس ششم نظام قدیم در سال ۱۳۴۸ وارد مدرسه مرحوم حاج سلطان العلما حوزه علمیه شهرستان کاشمر گردیدم و طلبه شدم.

حوزه کاشمر در آن سالها بسیار پر رونق بود و از شهرهای گناباد، قاین، فردوس، بجستان و تربت حیدریه طلبه ها برای درس خواندن به کاشمر می آمدند. هر سه مدرسه کاشمر، مدرسه مرحوم حاج شیخ، مدرسه عتیق و مدرسه حاج سلطان پر از طلبه بود و با مدیریت مرحوم آیت الله سعیدی برنامه های آموزشی منظم و خوبی در جریان بود، امتحانات به طور مرتب برگزار می شد. در آن زمان تقریبا همه سطوح از ابتدایی و مقدماتی گرفته تا خارج فقه و اصول تدریس می شد. مرحوم آیت الله امامی که از شاگردان میرزای نائینی و هم مباحثه آیت الله خویی بوده است در مدرسه حاج شیخ خارج فقه می گفت. خود آیت الله سعیدی هم علاوه بر مدیریت حوزه و فعالیت های متعدد اجتماعی، مذهبی در چند مقطع تدریس می کرد.

بعد از انقلاب متاسفانه برخلاف بسیاری از شهرستانها حوزه کاشمر دچار رکود شد و اخیراً پس از تقریبا دو دهه بی نظمی و بی رونقی دوباره با همت حجت الاسلام عربی سامان گرفته است و کم کم رونق گذشته خود را باز می یابد. در سال ۱۳۵۲ به اتفاق پسر عمویم حجت الاسلام حاج شیخ علی اسماعیلی برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم رفتم.

در حوزه کاشمر دروس مقدماتی و ادبیات عرب مثل نصاب الصبیان، جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، شرح قطر، حاشیه ملاعبدالله در منطق و برخی دروس دیگر را از محضر استادان مرحوم آیت الله سعیدی، مرحوم حاج شیخ جواد آقا مدرسی، مرحوم حاج آقای فرقانی، مرحوم آقای شریعتی محولاتی، مرحوم آقا ضیاء اولیائی فرا گرفتم و در قم پس از چند ماه سرگردانی و نهایتاً استقرار در مدرسه حجتیه (پارک چهارم حجره ۷۵) و با استفاده از راهنمایی حاج آقای جراسیمی و حاج آقای عرب در برنامه های درسی حوزه شرکت کردم.

معانی بیان را از محضر استاد عرفانی استفاده کردم، شرح لمعه را از محضر آیت الله فاضل هرندی و بخشی از مکاسب را از محضر آیت الله صانعی و بیشتر آن را از آیت الله حاج سید علی محقق داماد و کفایه را از محضر آیت الله فاضل لنکرانی استفاده کردم. در همان زمان در درس اخلاق و تفسیر آیت الله مشکینی و درس نهج البلاغه آیت الله حسین نوری همدانی نیز شرکت می کردم. قوانین الاصول میرزای قمی را نزد استاد آیت الله دوزدوزانی خواندم. معالم را از استاد فیاضی فرا گرفتم و رسائل شیخ را از محضر آیت الله فاضل هرندی استفاده کردم، مدت کمی نیز در درس آیت الله فانی و مرحوم آیت الله نجفی مرعشی و مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی شرکت می کردم.

در همین سالها فعالیتهای تبلیغی و سیاسی نیز داشتم و در برخی جلسات و فعالیتهای انقلابی شرکت می کردم. جلسه طلاب کاشمر که در آن سالها در منزل مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم جلالی کاشمری در جوی شور به صورت هفتگی برگزار می شد و هنوز هم کم و بیش به صورت غیر منظم ادامه دارد، محور فعالیتهای سیاسی بود. در سال ۱۳۵۴ جلسه لو رفت مرحوم جلالی و حاج آقای عربی و آقای موسوی زیرک آبادی توسط ساواک دستگیر شدند و به زندان افتادند. جلسه را فردی که مدت کمی در جلسه شرکت می کرد و در ارتباط با جریان دیگری دستگیر شده بود لو داده بود، به لطف خدا من و پسر عمو و حاج آقای رضایی، احمدی، موسوی نژاد، یوسفی گنابادی، یعقوبی و ... با اینکه تحت تعقیب بودیم ولی دستگیر نشدیم.

دو بار برای دستگیری من و پسر عمویم نیمه شب ساواکیها به مدرسه حجتیه آمدند ولی من قبل از وارد شدن به حجره از آمدن آنها مطلع شدم و به حیاط مدرسه آمدم و تا آنها نرفتند با جمع زیادی از طلاب عبا به سر و مهر به دست در حیاط مدرسه و کنار حوض ماندیم و ماموران ساواک را دسته جمعی هو می کردیم. آنها بخشی از کتابها، نوار مرا از حجره بردند و از هم حجره مان آقای کاظمی پرسیده بودند که فلانی کجاست و او اظهار بی اطلاعی می کرده است. در هر صورت در جریان تظاهرات مفصل ۱۷ خرداد سال ۵۴ در فیضیه که ماموران ساواک ریختند و عده ای را ضرب و شتم کردند و بردند و مدرسه را بستند، شرکت داشتم ولی قبل از بسته شدن درهای مدرسه از آنجا خارج شدم. روزنامه های آن زمان با عنوان مارکسیست های اسلامی تیتر کرده بودند. باز در فعالیتهای سالهای ۵۶ و ۵۷ جریان مجالس مرحوم حاج آقا مصطفی، جریان ۱۹ دی حضور داشتم.

بعد از انقلاب از دانشگاه قم مدرک کارشناسی گرفتم. در برنامه مرکز آموزشی زبانهای خارجی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در رشته زبان انگلیسی فارغ التحصیل شدم و مدرک سطح عالی گرفتم.

همچنین یک دوره درس خارجی فقه و اصول از محضر استادان حضرات آیات منتظری، وحید خراسانی، صانعی، تبریزی و فاضل لنکرانی استفاده کردم. بدایه و نهایه علامه را از استاد فیاضی درس گرفتم. مقداری از منظومه را نزد آیت الله انصاری شیرازی خواندم و از سالهای ۶۵ در ضمن درس کارهای پژوهشی و نوشتاری نیز می کردم. در تصحیح و تحقیق مفصل و ده جلدی مختلف علامه که بطور بسیار خوب چاپ شده و کتاب سال هم شد و جایزه دریافت کرد شرکت داشتم و بخش اعلام و تراجم و رجال آن را به اتفاق دوستم حاج شیخ علی اکبر ذاکری انجام دادم. از آن زمان تا به حال حدود یکصد مقاله مفصل علمی که بخش از آنها در مجله های فقه حوزه و برخی روزنامه ها و مجلات دیگر چاپ شده است نوشته ام و الان نیز جانشین مدیر مسئول مجله حوزه و عضو هیات تحریریه آن و دبیر شورای مطبوعات دفتر هستم.

اسماعیلی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضـی اسـمعیلی دارای دکتری گیاه پزشکی و عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران با رتبه علمی استادی است.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیمشاغل و سمتهای مورد تصدی : مرتضی اسمعیلی عضو هیئت علمی و استاد دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران است.فعالیتهای آموزشی : عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط مرتضی اسمعیلی به قرار زیر است: کارشناسی ارشد • رفتارشناسی حشرات آثار : حشره شناسی کشاورزی ویژگی اثر : ترجمه–دانشگاه تهران ,۱۳۷۸ ۲ مقالات چاپ شده در مجلات داخلی • اسمعیلی مرتضی" ,یک فرومون جلب کننده برای پروانه کرم خراط و مبارزه مستقیم با ان در باغهای میوه, ,"۲۰–۲۱, ,۱۳۷۸ • اسمعیلی مرتضی" ,زمستان گذرانی سنگ در شرایط اب و هوایی همدان, ,"۱۱, ,۱۳۷۸

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com

اسیر تبریزی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به اسیر. وی اهل تبریز بوده و خط شکسته را خوب می‌نوشته است. او کاتب بهمن میرزای قاجار بوده و گاهی نیز شعر با مضامین بکر می‌سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۵۳ –۵۲ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۴۱)، الذریعه (۷۵ /۹)، سخنوران آذربایجان (۲۰۸)، فرهنگ سخنوران (۶۱)، نگارستان دارا (۱۶۳ –۱۶۲).

اسیر ترک

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۰ ق)، شاعر. از طوایف ذوالقدر بود که در سرودن غزل دست داشت. و از اشعار اوست:

به حلق تشنه‌ام از جوی تیغ آبی ریخت

گمان نبود مرا این قدر مروّت از او

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۶۷)، تذکره‌ی روز روشن (۴۹).

اسیر خوانساری، جواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۷/۱۲۸۶ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به اسیر. وی از خاندان امیرکبیر و در ساختن ماده تاریخ بسیار زبردست و از خوشنویسان بنام خوانسار بوده است. آثار شعر و خط او در سقف و کتیبه‌های سادات رییسان خوانسار موجود است. او دارای «دیوان» اشعار بوده است. از جمله ماده تاریخهایی که سروده قطعه‌ای است که در تاریخ بنای مسکونی سید ابوالقاسم، پدر آیت‌اللّٰه سید ابوتراب خوانساری گفته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای خوانسار (۱۸ -۱۷).

اسیر سنندجی، اسداللّه بیگ

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۲ ق)، شاعر، متخلص به اسیر. ادیبی نکته‌سنج و سخندان شیرین گفتار بود و در سرودن انواع شعر بویژه غزل بیشر توانایی داشت. وی با رونق صاحب «حدیقه‌ی صغیر و حدیقه‌ی کبیر» معاصر و معاشر بود. در جوانی وفات یافت. از آثار وی «دیوان» اشعار مشتمل بر حدود سه هزار بیت. از اوست:

گر بینمش به عمر شبی در کنار خود

نازم به روز خویشتن و روزگار خود

در پای یار کرده‌ام ایثار نقد جان

شرمنده‌ام ز یار و خجل از نثار خود

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۳۶۴ -۳۶۳ /۱)، حدیقهٔ الشعراء (۱۳۲ -۱۳۰ /۱)، فرهنگ سخنوران (۶۱).

اسیر شهرستانی اصفهانی، جلال

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۴۹ ق)، شاعر، متخلص به اسیر. اهل شهرستان یکی از قصبات اصفهان و معاصر شاه‌عباس دوم بود. وی شاگرد فصیحی هروی و داماد شاه‌عباس بود. با اهل ذوق و حال و صاحبان کمال و شعرا مصاحبت داشت و سفری به هند کرد. کلیم و صائب وی را در سخنان خود ستوده‌اند. اسیر در سیر تکاملی سبک شعر سده‌ی یازدهم اثر آشکار دارد، او بنیاد معانی خود را بر چنان تخیل و توهمی نهاده است که هیچ مضمون و نکته‌ای از سخنش خالی از آن نیست. به جهت افراط در شراب خواری در جوانی درگذشت. در سال مرگ او اختلاف است. تنها اثر بازمانده از وی «دیوان» اشعار قصاید و غزلیات و مثنویهای است که قریب به بیست هزار بیت است.[۱]

(بخش ۱) سید جلال اصفهانی (و. ۱۰۹۲ ه.ق./ ۱۶۱۹ م.- ف. ۱۰۶۹ ه.ق./ ۱۶۵۸ م.) از خاندان سادات شهرستان اصفهان و معاصر شاه عباس ثانی و همطراز صایب بود.اشعار او به دقت خیال و ایراد ترکیبات دقیق و مضامین نازك و نو معروف بود. به همین سبب طرفداران سبك هندی در هندوستان از اوایل قرن دوازدهم به بعد طرز او را پیروی کرده‌اند. قصاید او در ذکر مناقب خاندان رسالت است، و علاوه بر آن غزلهای مطبوع دقیق و قطعات و رباعیات بسیار دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۹۲۳/۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۲۳ -۱۲۱۲ /۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۹۶ -۹۵)، الذریعه (۷۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۶۲ -۶۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵۲ -۳۵۱ /۲).

اسیری اردکانی

قرن:۱۲

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن دوازدهم هجری، از زنان دانشمند. وی دختر صدرالدین اردکانی (ز ۱۱۲۸ ق) مولف کتاب مرصع‌الحواشی و جده اعلای سید محمد علی مدرس یزدی معروف به وامق (ز ۱۲۶۲ ق) مولف تذکره میکده است. وامق در همین تذکره درباره او می‌نویسد: «جده‌ام صاحب خط و ربط و در فن طبابت مهارت تمام داشته و در شعر طبعش روان، شعر بسیاری دارد.»

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: تاریخ تذکره‌های فارسی، ۲۳۳۷ / ۲ الذریعه، ۶۰۲ / ۹.

اسیری اصفهانی، حسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. اصل وی از اصفهان بود. پس از پدر ترک خدمت ملوك کرد. لباس درویشی پوشید. وی از شاعران توانمند عهد خود بود که در برابر «بوستان» سعد مثنوی ناتمامی سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۵۱ -۵۰)، الذریعه (۷۵/۹)، ریاض العارفین (۴۲)، سفینهٔ المحمود (۱۴۰/۱)، فرهنگ سخنوران (۶۲)، مجمع الفصحا (۱۶۵ -۱۶۴ /۴)، نگارستان دارا (۱۶۶ -۱۶۳).

اسیری تربتی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از معاصران شاه طهماسب صفوی. وی مردی تنگ‌دست و درویش مشرب بود. یگانه اثر وی: مثنوی «وامق و عذرا».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینده‌ی (س ۲، ص ۵۳۲)، تاریخ نظم و نثر (۵۲۴)، تذکره‌ی روز روشن (۵۰)، الذریعه (۷۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۶۲)، مجمع الخواص (۲۵۴ -۲۵۳).

اسیری رازی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۲ ق)، شاعر. وی پس از تحصیل علم و دانش و مهارت در شعر و انشاء، به هندوستان رفت و مدتی در آنجا، نزد شمس‌الدین محمد گیلانی از پزشکان معتبر دربار اکبری مدتی تلمّذ کرد و ملازمان دربار اکبرشاه شد. پس از چندی به دکن، نزد برادر خود رفت. در پایان عمر به ری بازگشت و مدت سی سال قاضی آنجا بود و در همان جا درگذشت. از آثار وی: «دستورالانشاء».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۵۳/۳)، تذکره‌ی روز روشن (۵۰)، الذریعه (۷۵/۹)، کاروان هند (۵۹ -۵۵ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ قاضی اسیری)، مجمع الخواص (۸۳ -۸۲).

اسیری شیرازی، غازی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اصل وی از شیراز بود ولی در هندوستان می‌زیست. از سر تفنن اشعاری نیز می‌سرود. در کتاب «دانشمندان و سخن سرایان فارس» احوال وی را با اسیری رازی درهم آمیخته‌اند. از اوست:

دلم پرست ز خون بر لبم مزن انگشت

که همچو شیشه‌ی می گریه در گلو دارم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۰۵)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۲۷۷/۱)، صبح گلشن (۲۴)، فرهنگ سخنوران (۶۳)، کاروان هند (۶۰ -۵۹ /۱)، هفت اقلیم (۲۵۲/۱).

اسیری لاهیجی گیلانی، شمس‌الدین محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۹۱۲ -۸۴۰ ق)، عارف و شاعر، متخلص به اسیری. از بزرگان طریقت نوربخشیه بود. در سال ۸۴۹ ق به خدمت سید محمد نوربخش درآمد و مدت شانزده یا بیست سال در ملازمت او بود. پس از مرگ وی به شیراز رفت و به ارشاد نوربخشیان فارس اشتغال جست و در آنجا خانقاه نوریه را تأسیس کرد. به حج رفت و پس از بازگشت در شیراز ساکن شد و در همان جا درگذشت و در خانقاهش دفن شد. آثار وی: «مفاتیح الاعجاز»، در شرح «گلشن راز» شیخ شبستری که به سبب آن که بر همه‌ی شروح «منظومه‌ی» شیخ شبستری رجحان یافته رایج‌ترین کتاب در این زمینه است؛ «اسرار الشهود» منظومه‌ای در بحر رمل مشتمل بر تحقیقات و تمثیلات؛ «معاش السالکین»؛ «دیوان» اشعار مشتمل بر قصائد و غزلیات که هدایت شماره‌ی ابیات آن را حدود پنج هزار بیت نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۴۶۳ -۴۶۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۳۱ -۵۲۹، ۴۵۵ /۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۴۱ -۳۱۹)، دانشمندان آذربایجان (۳۳۷ -۳۳۶)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳۰۸ -۳۰۰ /۳)، الذریعه (۱۰۰۶، ۷۶ /۹)، ریاض العارفین (۴۰)، ریحانه

(۱۲۶ -۱۲۵ /۱)، مجالس المؤمنین (۱۵۶ -۱۵۰ /۲)، مرآت الفصاحه (۴۵۹ -۴۵۷).

اشبدری، سیروس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: دامپروری، دانشکده: مجتمع ابوریحان، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

اشتری اصفهانی، اسداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۷ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر. در اصفهان و در یک خانواده‌ی روحانی متولد شد. پس از طی دوران تحصیلات ابتدایی در اصفهان، به تهران آمد و در وزارت دارایی به خدمت مشغول شد. او ضمن نوشتن مقالات ادبی و اجتماعی برای جراید و سرودن شعر، به تألیف و ترجمه هم می‌پرداخت و از آن جمله است: «تاریخ عشق»؛ «طوفان روح»؛ «نامه‌هائی اسیران جنگ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۱ -۳۷)، فرهنگ سخنوران (۶۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۸/۱).

اشتری فرهاد، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

۱۳۰۱- ۱۳۴۰

در مجمع محدود غزل‌سرایان معاصر که از شهرت و محبوبیت ویژه‌ای برخوردار بودند، چهره علی اشتری متخلص به «فرهاد» و سبک شیوا و پرسوز و گداز او آغاز متمایز و مشخص می‌نمود.

او با آنکه در نوجوانی قهرمانی دلاور بود و در امر پهلوانی صاحب نام و نشان، با اندک مدت در اثر دل بستن به معشوقه‌ای شیرین‌لب و شورآفرین، عاشق پیشه‌ای شد شوریده حال و دست از نام نشان شسته، با آنکه هنوز ایام جوانی و صباوت را می‌گذراند، ولی شعر او از انسجام و پختکی شاعران کار آزموده و در پیشه سخنوری استاد را می‌مانست.

گرچه افکندی ز چشم خویش آسانم چو اشک

یکدم ای آرام جان بنشین بدامان چو اشک

سوز پنهان درون است اینکه پیدا می‌شود

گه بلبهایم چو شعر و گه به چشمانم چو اشک

پدر او (میرزا احمدخان اشتری) که در شعر تخلص «یکتا» داشت و در هنر نقاشی از شاگردان بنام «کمال‌الملک غفاری»، پسر را در کار شاعری و آداب سخنوری همواره رهنمون بود و مشق رفته رفته و با گذشت زمان اثر مرگ نابهنگام پدر و شور و دلدادگی «کار جنون او به تماشا کشیده بود» در حالی که عصای پدر در دست می‌فشرد و نشان او از زمین و آسمان می‌جست، در کوی و برزن زیرلب زمزمه می‌کرد:

همه می تا دل ما دهد آرام کجاست؟ محرمی تا ز من آرد به تو پیغام کجاست؟

طمع صبح ندارم ز شب تیره هجر ماهتابی که برآید ز لب بام کجاست؟

یکی از دوستان نزدیک اشتری مرحوم «رضا محجوبی نوازنده مشهور ویولن بود، که او نیز عقال عقل به پشت سر افکنده و دانسته و ندانسته مشق جنون می‌کرد، رضا محجوبی چنانکه معروف است شبها با ماه راز و نیاز می‌کرد و اشتری از این عشقبازی آسمانی در کنار او لذتی وافر می‌برد بعد از اینکه رضا روی به عالم علوی نهاد و در مقبره ظهیرالدوله مدفون گردید، اشتری که بیتشر شبها بر سر مزار او می‌رفت. یکشب ماه را نگریستی که همچنان به زندانیان عالم خاک می‌نگرد، یاد دوست دیرین در خاطرش زنده شده، این دو بیت را از سر درد سروده می‌گریست.

ای مه، ز چه بر گور رضا می‌خندی

هر چند نگویمت، چرا می‌خندی

تو خنده به‌صد هزار مجنون زده‌ای

اکنون که رضا مرده به ما می‌خندی

غزل‌های اشتری از سوز و رقت ویژه‌ای برخوردار است و گویی شعله‌ای از آتش درون در حرف حرف کلامش در افتاده که دل و جان شنونده را با خود به عالم شوق و نشاط و ذوق و سرور می‌برد.

«طفل زمان»

عمریست تا بپای خم از پا نشسته‌ایم
در کوی می‌فروش چو مینا نشسته‌ایم
ما را ز کوی باده‌فروشان گریز نیست
تا باده در خم است، همین‌جا نشسته‌ایم
تا موج حادثات چه بازی کند، که ما
با کشتی شکسته به دریا نشسته‌ایم
ما آن شقایقیم که با داغ سینه سوز
جامی گرفته‌ایم و به صحرا نشسته‌ایم
طفل زمان فشرد چو پروانه‌ام به مشت
جرم دمی که بر سر گلها نشسته‌ایم
فرهاد با ترانه‌ی مستانه‌ی غزل
در هر سوی چو نشئه‌ی مینا نشسته‌ایم

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

اشتری یزدی، عبدالمحمّد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. نسب وی به مالک اشتر از یاران حضرت امیرالمؤمنین (ع) می‌رسد. این خاندان مدتهای مدید وزارت و منصب استیفا داشتند. میرزا عبدالمحمد طبع موزونی داشت و شعر خوب می‌گفت. ظاهراً تا اواسط سلطنت فتحعلی شاه زنده بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقة الشعراء (۱۳۵ -۱۳۴ /۱)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۱۲)، فرهنگ سخنوران (۶۴).

اشتهاردی محمدی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای شیخ محمد محمدی اشتهاردی از جوانان فاضل و نویسندگان حوزه علمیه است دارای آثار ارزنده مجموعه می‌باشد که آنها را می‌نگارم ۱- پندهای جاودان ۲- سیمای بلال حبشی ۳- سیمای میثم تمار ۴- سیمای مالک اشتر ۵- مادر پاک ۶- زندگینامه حضرت معصومه علیهاالسلام ۷- سیمای جعفر طیار و حمزه سیدالشهداء ۸- گفتگوی شیرین و جالب ۹- سه مقاله علمی و مذهبی ۱۰- سیمای دو مرد از سرزمین مردان ۱۱- کودک کعبه ۱۲- سیمای مقداد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اشتهاردی، حبیب‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حبیب‌اللّه اشتهاردی از علماء و مدرسین حوزه سامره بودند و بعد از ۱۳۹۱ به ایران مراجعت و در حدود ۱۳۹۳ قمری بدرود حیات گفتند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

اشتهاردی، علی‌پناه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ علی پناه اشتهاردی عالمی عامل و فاضلی کامل و باتقوای حوزه علمیه قم و دارای قدس و زهد و متانت و معنویت می‌باشد در سال ۱۳۳۹ قمری در قصبه اشتهارد متولد شده و در سنین کودکی به تحصیل علوم پرداخته و در سال ۱۳۶۰ قمری مهاجرت به قم نموده و سطوح را از حاج شیخ یحیی اشتهاردی و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم ادیب تهرانی خوانده و قوانین‌الاصول را از آیت‌الله حاج شیخ مرتضی حایری و آقای حاج شیخ عبدالرزاق قائینی استفاده نموده و سطوح را از مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی کرمانی و حاج سید صادق شریعتمداری و آیت‌الله العظمی گلپایگانی و آیت‌الله زنجانی و علامه طباطبائی فراگرفته و ۱۸ سال تمام در درس خارج فقه و اصول علامه کبری آیت‌الله العظمی بروجردی و نیز چندی از مرحوم آیت‌الله

صدر استفاده نموده و پس از فوت مرحوم بروجردی از محضر زعماء و مراجع حاضر استفاده کرده و می‌نماید.

آثار علمی ایشان از مخطوط و مطبوع به قرار زیر است:

۱- تقریر بحث صلوه جمعه مرحوم آیت‌الله بروجردی به ضمیمه بعضی از مطالب مستفاده از بحث آیت‌الله گلپایگانی به انضمام نظر شخصی خود مخطوط.

۲- تقریر بحث آیت‌الله بروجردی کتاب ضمان و غصب وارث الزوجه و منجزات المریض و بیشتر از صلوه و کفایه تا آخر بحث حجیه الاجماع.

۳- تقریر بحث آن مرحوم از مباحث الفاظ

۴- مدارک العروهٔ در ۲۵ جلد مشتمل بر شرح جمیع مسائل عروه سه جلد مطبوع و بقیه مخطوط.

۵- کتاب هفت ساله چرا صدا درآورد.

۶- تعلیمات اخلاقی برحسب درخواست بعضی از علماء بزرگ ناحیه اصفهان.

۷- مقاله‌ای به نام یک جزوه از تعلیمات اخلاقی در حکومت انبیاء و ائمه علیهم‌السلام.

۸- شرکت در کتاب جامع‌الاحادیث مرحوم آیت‌الله بروجردی.

۹- شرکت در بعضی تعلیقات و پاورقی ایضاح الفوائد فخر المحققین در ۴ جلد مطبوع.

۱۰- تعلیقه بر عروه الوثقی از مبحث اجتهاد و تقلید.

۱۱- تعلیقه بر وسیله النجاه مرحوم آیت‌الله اصفهانی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اشتهای اصفهانی، عبداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۹ -۱۲۴۵ ق)، شاعر، متخلص به اشتها و سرگشته و معروف به میرزا اشتها. از نجیب زادگان گرجستان و از جمله گرجیانی بود که در زمان آقا محمدخان قاجار از گرجستان به ایران آمدند. در اصفهان متولد شد. پس از کسب تحصیل به تعلیم اطفال سلسله‌ی صدریین پرداخت. از اعضاء انجمن ادبی ابوالفقراء بود، اشعار او به سبک اشعار بسحق اطعمه (ابواسحاق نداف شیرازی) بیشتر در وصف اطعمه و اشربه بود. عمان سامانی از شعر او تمجید کرده. تنها اثر بازمانده از وی «دیوان» اشعار اوست. وی از خط هم حظی داشته و از این راه امرار معاش می‌کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ القبور (۱۴۸)، حدیقهٔ الشعراء (۱۳۶ -۱۳۵ /۱)، الذریعه (۴۴۰/۹)، فرهنگ سخنوران (۶۴)، مؤلفین کتب چاپی (۹۸۱/۳)، مکارم الآثار (۱۲۵۳/۴).

اشراق اصفهانی، عبدالرزّاق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۴ ق)، شاعر، متخلص به اشراق. از شعرای عهد ناصرالدین شاه بود. علوم عربی و هنرهای دیگر را آموخت. دعوی همه‌ی علوم حتی تیرافکنی و شمشیرزنی داشت که گزاف بود. در تهران و اصفهان زندگی کرد. مدتی در شیراز بود، سپس به هندوستان مهاجرت کرد و همان جا درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۳۷ -۱۳۶ /۱)، الذریعه (۷۷/۹)، ریحانه (۱۲۸/۱)، مجمع الفصحا (۱۳۴/۴)، مکارم الآثار (۱۷۵۶/۵).

اشراق بروجردی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به اشراق. وی مردی باسواد و کمال و با شاهزاده محمدتقی میرزا حسام‌السلطنه معاشر و محرم و مصاحب بود. در مراتب علمی بر اقران مزیت داشت، در انواع شعر طبع آزمایی می‌کرد. و بیشتر قصیده و غزل می‌ساخت. از اوست:

مده پندم ز سودای نکویان

که بی‌حاصل بود دیوانه را پند به جز

آن قامت و طلعت ندیدم

که باشد سرو را با ماه پیوند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۳۷/۱۱)، سفینهٔ المحمود (۱۴۹ -۱۴۸ /۱)، فرهنگ سخنوران (۶۴)، نگارستان دارا (۶۰).

اشراق شیرازی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به اشراق. وی در شیراز متولد شد. تحصیلات مقدماتی را نزد دایی خود، آیت‌اللّه حاج میرزا عبدالباقی آموخت. سپس به سرودن شعر و خوشنویسی پرداخت. ظاهراً در استانداری فارس خدمت می‌کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فارس (۲۷۹ -۲۷۸ /۱).

اشراق مراغه‌ای، فتاح

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۷۵ ق)، شاعر و عارف. در ابتدای امر به عرفان و تصوف گرایش پیداکرد و به همین جهت به جستجوی مرشدی برآمد و در طوس به خدمت میر محمدتقی مشهدی مشهور به شاهی رسید و مرید آن بزرگوار شد. پس از طی مراحل کمال به زادگاهش مراغه مراجعت کرد و در اواخر عمر به امر شیخ‌الاسلامی آن دیار اشتغال یافت. وی اشعار عارفانه‌ی رنگین به زبان فارسی و ترکی می‌سرود. در شعر فارسی اشراق و در ترکی فتاح تخلص می‌کرد. از آثار وی: «ساقی نامه»؛ مثنوی «ریاض الفتوح»؛ «قیامت نامه»، به ترکی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۴۲ -۴۱)، الذریعه (۳۳۳ /۱۱، ۸۰۷، ۷۷ /۹)، فرهنگ سخنوران (۶۵)، مؤلفین کتب چاپی (۸۹۹/۳).

اشراقی بروجنی، امیرقلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۷ ش)، شاعر. وی در بروجن متولد شد. از اولین شاگردان مدرسه‌ی بختیاری است که به همّت شهاب‌السلطنه‌ی بختیاری تأسیس شده بود. ادبیات عربی و فارسی را نزد میر سید حسن مجدالادباء اصفهانی و شیخ محمد رفیع نطنزی خواند و به کار تدریس پرداخت. سپس خود مدرسه‌ای بنیان گذارد و پنج سال آن را بطور مستقل اداره کرد. پس از آن مدرسه را به فرهنگ واگذار کرد و خود رییس فرهنگ بروجن شد. وی شاعری توانا است و نستعلیق را خوب می‌نویسد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۳۷ -۳۴).

اشراقی، احسان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احسان اشراقی در سال ۱۳۰۷در قزوین بدنیا آمد.ایشان دارای دکترای تخصّصی تاریخ از دانشگاه تهران است. وی هم اکنون عضو پیوسته فرهنگستان علوم و استاد تاریخ دانشگاه تهران می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی احسان اشراقی به قرار زیر است: کارشناسی رشته تاریخ و جغرافیا از دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۸ کارشناسی ارشد رشته تاریخ و علوم اجتماعی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۱ دکترای رشته تاریخ از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۸

همسر و فرزندان : دکتر احسان اشراقی متاهل و دارای یک فرزند می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سوابق مدیریتی و اجرایی دکتر احسان اشراقی به قرار زیر است: مدیریت گروه آموزش تاریخ دانشگاه تهران بمدت بیست سال معاونت آموزشی داانشکده ادبیات و علوم انسانی در دانشگاه تهران بمدت دو سال عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران

فعالیتهای آموزشی : احسان اشراقی عضو هیئت علمی دانشگاه تهران می باشد .ایشان بمدت ۵۰ سال است که در مراکز دانشگاهی و موسسات آموزش عالی به امر تدریس فعالیت دارد.

جوائز و نشانها : جوایز و نشانهای دریافتی احسان اشراقی به قرار زیر است: استاد ممتاز دانشکده ادبیات دانشگاه تهران جشن بزرگداشت و تکریم دکتر اشراقی در قزوین در سال ۱۳۸۰ به علت پژوهشهای علمی و فرهنگی درباره شهر مذکور

چگونگی عرضه آثار : – ارائه ۵۰ مقاله در زمینه تاریخی – تالیف شش کتاب تاریخی – دارای سه ترجمه (ترجمه یک کتاب از زبان فرانسوی) – ایراد سخنرانی در خارج از کشور در کشورهایی همچون فرانسه،انگلیس،آلمان ،گرجستان و غیره --

آثار :

۱ بیهقی تصویرگر زمان

ویژگی اثر : مولف: محمدبن حسن بیهقی، احسان اشراقی (مترجم) ناشر: سخن – ۱۳۸۱

۲ تاریخ جهان آرای عباسی

ویژگی اثر : مولف: محمدطاهرحسین وحیدقزوینی، احسان اشراقی (مترجم)، سیدسعید میرمحمدصادق (مترجم) ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی – ۱۳۸۳

۳ خلاصه التواریخ

ویژگی اثر : مولف: احمدبن حسین منشی قمی، احسان اشراقی (مترجم) ناشر: دانشگاه تهران – ۱۳۸۳

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

اشراقی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۸ –۱۳۱۳ ق)، عالم، مفسر، خطیب و شاعر. حجت‌الاسلام اشراقی در قم متولد شد. مقدمات و سطوح را نزد پدرش و سایر مدرسین مانند حاج شیخ ابوالقاسم کبیر فراگرفت و عمده‌ی تحصیلات خود را نزد آیت‌اللّٰه حائری به پایان برد و از برجسته‌ترین شاگردان وی بود. او سرانجام به مقام اجتهاد نایل آمد و در فقه و اصول و حکمت و فلسفه و منطق و عرفان صاحب‌نظر گردید. در حیات آیت‌اللّٰه حائری به تدریس فقه و اصول و حکمت و کلام پرداخت. اشراقی طبع شاعری نیز داشت. در تهران درگذشت و در قم در مسجد بالا سر دفن شد. از آثار وی: «تفسیر سوره‌ی یوسف» و «تفسیر سوره‌ی اعلی و ن والقلم». آثار دیگری از او بجا مانده که به چاپ نرسیده از جمله: «اربعین»؛ تقریرات فقه «مکاسب» آیت‌اللّٰه حائری؛ و تعلیقاتی برکتب فقهی و اصولی.[۱]

میرزا شهاب‌الدین بن العالم الجلیل و الخطیب الجمیل میرزا محمدتقی اشراقی یکی از افاضل حوزه و حفید مرحوم آیت‌الله ارباب می‌باشد.

در سال ۱۳۰۲ شمسی در شهر مذهبی قم به دنیا آمده و اوان کودکی را در مهد تربیت والد ماجد خود گذرانیده و تحصیلات جدید را تا دریافت دیپلم موفق شده و به زبان فرانسه مسلط گردیده و ضمنا علوم قدیمه ادبیات و منطق را نزد والد خود خوانده و پس از آن در سال ۱۳۲۱ شمسی رسما در سلک روحانیت درآمده و در مدت سه سال سطوح فقه و اصول را نزد اساتید حوزه تمام نموده و درس خارج را نزد مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد محقق یزدی شروع کرده و در سن بیست و پنج سالگی پدر را از دست داده و یکسال پس از آن با وصلت کردن با مرجع عالیقدر آیت‌الله العظمی... پدر روحانی بزرگی خداوند تعالی نصیبش فرموده که از محضر درس و جلسات خصوصی وی بهره‌های وافری برده و هم به درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده و مدت دوازده سال تمام از محضر آیت‌الله... (ابوالزوجه) خود خوشه‌چینی کرده و در ضمن در رشته معقول از اساتید فن استفاده نموده و در فن تفسیر از محضر درس پدر و زحمات فراوانی که خود متحمل گشته مهارت تامی پیدا نموده و هم به تدریس فقه و اصول اشتغال دارد از تالیفات ارزنده مطبوع ایشان کتب زیر می‌باشد:

۱– پاسداران وحی که در بحث امامت کتاب کم نظیریست که با معیت آقای محمد فاضل نوشته است.

۲– چهره‌های درخشان بحث در آیه تطهیر ۳– سخن حق در تفسیر در ۲۰ مجلد که دو مجلد آن به چاپ رسیده است اما کتب چاپ نشده ایشان ۱– دانستنیهائی از اسلام ۲– شرح بر عروةالوثقی که کتاب طهارت آن تکمیل است و در نظر دارد دماء ثلاثه را که کتاب مستدل نفیسی است علیحده چاپ نماید ۳– فی الاحوط والاقوی که فتاوی مراجع را بر حاشیه عروه مورد بحث قرار داده است.

میرزا محمدتقی اشراقی فرزند مرحوم آیت‌الله آقا میرزا محمد ارباب یکی از علماء و دانشمندان بنام حوزه علمیه قم بوده‌اند که در سال ۱۳۱۳ ق در قم متولد شده و در مهد تربیت پدری چون مرحوم علامه ارباب نشو و نما نموده و مقدمات و سطوح را از والد خود و سایر اساتید و آیات عظام قم مثل مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم کبیر و دیگران آموخته تا در سلک شاگردان مبرز مرحوم آیت‌الله حایری درآمده و عمده تحصیلات را از آن بزرگوار تحصیل نموده و از برجسته‌ترین شاگردان آن مرحوم به شمار می‌رفته است

مرحوم علامه اشراقی دارای مقام اجتهاد و حقا در هر علم و فنی از فقه و اصول و حکمت و فلسفه و منطق و عرفان حایز آن مقام منیع بود و از زمان مرحوم آیت‌الله حایری تدریس فقه و اصول و کلام و حکمت و تفسیر را با بیانی شیرین می‌نمود و مخصوص در فن خطابه و ابتکارات منبری و تحقیق در مطالب در عصر خود کم‌نظیر بود علم خود را به زیور حلم و وقار و تواضع و حسن اخلاق

آراسته و در این فضائل گوی سبقت از بسیاری از اقران خود ربوده بود به قدری مهارت و استادی در تطبیق مطالب داشت و حق مطلب را اداء کرده و داد سخن می‌داد که عقول مات و خردها حیران می‌ماند، در ۲۵ ماه رمضان ۱۳۶۸ در تهران سکته قلبی نموده و جنازه‌اش با احترام فوق‌العاده‌ای حمل به قم و در مسجد بالاسر نزدیکی قبر مرحوم آیت‌الله حایری مدفون گردید.

تالیفات ایشان که مطبوع شده تفسیر سوره یوسف و سوره ن والقلم و غیر مطبوع اربعین در حدوث و تقریرات فقه مکاسب مرحوم آیت‌الله حایری و تعلیقاتی بر کتب فقیه و اصولیه و حکمت و فلسفه می‌باشد مانند مرحوم والدش دارای طبع روان و ذوق فراوان بود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۱۹/۲۶)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۸۴ -۱۸۳ /۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۳۸ -۳۳۷ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۴۶ -۲۴۵ /۲).

اشرف ارسنجانی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۰ ش)، از خوشنویسان معاصر است. خط نسخ را بسیار نیکو می‌نوشت و اغلب کتیبه‌های مساجد و مدارس شیراز به خط وی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فارس (۲۷۹/۱).

اشرف اصفهانی، محمداشرف

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۱۳۳ ق)، ادیب، محدث و شاعر. از علمای عهد صفویه و از شاگردان علامه‌ی مجلسی و نوه‌ی دختری میرداماد بود. به همین خاطر به وی میرزااشرف میردامادی هم گفته‌اند. در بیشتر علوم عقلی و نقلی مهارت داشت. در قریه‌ی ورنوسفادران از قراء سده‌ی ماربین اصفهان مدفون است. ازآثار وی: «اشرف المناقب»، که آن را در ۱۱۰۲ ق به نام شاه سلیمان صفوی تألیف کرد و بعدها مطالبی بر آن افزود و نام آن را «فضائل السادات» گذاشت و به نام شاه سلطان حسین صفوی کرد. این کتاب حاکی از وسعت اطلاعات سید محمداشرف در انساب و حدیث است؛ حاشیه بر «قبسات»؛ حاشیه بر «شرح مختصر» عضدی؛ شرح «مشیخه تهذیب الحدیث»؛ معروف به «رجال سید محمداشرف»؛ ترجمه‌ی «الفیه» ابن مالک، به نظم؛ «علاقهٔ التجرید»، شرح فارسی بر «تجرید العقاید» خواجه طوسی؛ «المنهاج الصفوی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۲۵/۹)، تذکرهٔ القبور (۱۴۷)، تذکرهٔ المعاصرین (۲۸۲ -۲۸۱)، الذریعه (۲۵۹/۱۶، ۳۱۰/۱۵، ۳۵۵/۳، ۱۰۷/۲)، ریحانه (۳۸۱ -۳۸۰ /۳)، فرهنگ سخنوران (۶۵)، فوائد الرضویه (۳۹۷)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۱/۱)، معجم المؤلفین (۶۴/۹).

اشرف الکتاب (زین العابدین)

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا زین العابدین خطّاط اصفهانی، [به نوشته ی مآثر: وی] از مفاخر عظیمه ی این دولت است که او در قلم نسخ، کرامت اظهار می‌فرمود. تعلیم آن استاد لازم التعظیم از آقا محمود خوشنویس اصفهانی علیه الرحمه بود... قریب یکصد سال زندگی کرد، و در نهم شعبان سال ۱۲۹۶ به اصفهان رحلت گزید.

در کارنامه بزرگان ایران (: ۳۴۷) گوید: فرزند محمّد تقی، معروف به اشرف الکتّاب، و ملقّب به سلطانی است.

در تذکره خوشنویسان معاصر (: ۶۴) پس از آن که مطالب کارنامه ی بزرگان را با تغییر عبارت نقل می‌کند، وفاتش را به سال ۱۳۰۰ می‌نویسد و گوید: سرگشته ی شاعر درباره ی او گوید:

به پیش خطّ خوش نغز اشرف الکتّاب

ز خطّ سبز نکویان همه دهان بستند

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اشرف الکتاب یزدی، عبدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، خطاط. از آثار او: یک صفحه از یک قطعه شعر فارسی که چنین شروع می‌شود.

«عهد سلطان عصر احمدشاه

کز رخش تخت و تاج رخشنده»

به خط نسخ کتابت خوش، با رقم: «کاتبها ناظمها لتقدیم... فرمان فرما... و انا العبد الاقل الراجی الی غفور الولی عبدالعلی اشرف الکتاب الیزدی فی سنه ۱۳۳۵...».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۰۵ /۴).

اشرف الکتاب، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، خطاط. معروف به اشرف الکتاب. از آثار وی: یک قطعه، به خط نسخ دو دانگ جلی و رقاع نیم دو دانگ عالی، با رقم: «... انا العبد سید محمد الملقب به اشرف الکتاب سنه ۱۳۰۱».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۴۵ /۴).

اشرف الملک اصفهانی، زین‌العابدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۰ /۱۲۹۶ ق)، خطاط. ملقب به اشرف‌الملک. از استادان مسلم خط نسخ در دوره‌ی فتحعلی‌شاه و محمدشاه و ناصرالدین‌شاه و از کتاب وی بود، به همین مناسبت سلطانی رقم می‌کرد و به فرمان ناصرالدین شاه ملقب به اشرف‌الملک شد. از آقا محمود اصفهانی تعلیم خط گرفت. اما از روی خطوط میرزا احمد نیریزی مشق بسیار می‌کرد و نام او را به عظمت یاد می‌کرد. وی بیش از صد سال زیست و در مدت عمر طولانی خویش شاگردان بسیاری تربیت کرد که از آن جمله سید محمد بقاء بود. اشرف الملک در اصفهان درگذشت. آثار متعدد رقم‌داری از وی برجا مانده است، از جمله: یک رقعه رقاع نیم دو دانگ شکسته نستعلیق خفی خوش، با رقم: «و انا العبد زین العابدین الاصفهانی السلطانی در سنه ۱۲۵۴»؛ یک قطعه از مرقع نسخ و رقاع کتابت جلی خوش، با رقم: «حرره العبد الاقل زین‌العابدین فی جمادی الاخر ۱۲۲۷»؛ «صحیفه‌ی سجادیه»، به قطع وزیری با جلد روغنی و سرلوح مذهب که چندین صفحه اول متن و حاشیه تشعیرسازی مذهب است و به خط نسخ کتابت جلی، با رقم: «کتبه العبد الجانی زین‌العابدین السلطانی الاصفهانی ۱۲۵۷»؛ قرآن بسیار مزین مرصع و مذهب به خط نسخ کتابت و سر سوره‌ها و آخر رقاع کتابت خوش، با رقم: «کتبه العبد الجانی زین العابدین السلطانی الاصفهانی فی شهر شعابن سنه ۱۲۷۸» و چندین اثر ارزشمند دیگر که در موزه‌ها و کتابخانه‌ها موجود است.[۱]

(ع. شریفترین کاتبان) زین‌العابدین ابن محمد تقی اصفهانی، استاد خط نسخ (ف. اصفهان ۱۳۰۰ ه.ق.) وی از کاتبان دربار ناصرالدین شاه قاجار بود و به همین مناسبت «سلطانی» رقم می‌کرد و شاه او را «اشرف الکتاب» لقب داده است. او در خط نسخ شاگرد آقا محمود اصفهانی بود، ولی از روی خط میرزا احمد نیریزی مشق بسیار کرد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۷۵ -۱۰۷۱ /۴)، تذکره القبور (۱۴۹)، المآثر و الآثار (۲۱۲).

اشرف تبریزی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۸۸ ق)، شاعر، متخلص به اشرف. وی از اشراف سلسله‌ی جابرانصاری و اصلش از قریه‌ی باسلق گرمرود تبریز است و به همین مناسبت به اشرف گرمرودی هم مشهور است. او در آن ولایت تحصیل علوم کرد و به پیشکاری شقاقی و گرمرود و سراب منصوب شد، سپس به عنوان منشی به سفارت تفلیس مأمور گشت و مدت پنج سال در این سمت ماند. وی ادیبی فاضل بود، گاهی به نظم غزلی می‌پرداخت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۳۸ -۱۳۷ /۱)، دانشمندان آذربایجان (۴۲)، الذریعه (۷۷ /۹)، فرهنگ سخنوران (۶۶)، مجمع الفصحا (۱۳۳ -۱۳۲ /۴).

اشرف زاده، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر رضا اشرف زاده در سال ۱۳۲۱ در شهر بم بدنیا آمد ایشان دارای مدرک دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۶۳ می باشد. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد زبان و ادبیات فارسی و قائم مقام و معاون آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : پدر رضا اشرف زاده ماشا الله است که به شغل مسگری اشتغال داشت و دارای سواد اندك خواندن و نوشتن بود و خود را از نسل دختر عمرروليث صفاری بنام اشرف می خواند و مدعی بود که فامیل" اشرف زاده " به همین سبب است. نام مادر محترمشان سیده صغری از نسل پیغمبر خدا(ص) و زنی خانه دار بود.دکتر اشرف زاده کلا ۲ برادر و ۴ خواهر بودند.

خاطرات کودکی : رضا اشرف زاده از خاطرات دوران کودکی خود چنین می گوید": یکی از خاطرات تلخ آن دوران این بود که در سال سوم دبستان مدیر دبستان ،عالم اما سختگیری داشتیم–در دبستان فردوسی بم –بنام آقای رشاد– برای تعمیرات مدرسه مبلغ ۵۰ ریال از هر دانش آموز طلب کرده بود و پدرم این مقدار پول را نداشت ،مدیر دبستان نیز مرا تهدید به اخراج می کرد و پدرم نیز از انان نبود که داشته باشد ! بالاخره بر این شد که بنده از رفتن به مدرسه بازدارند. گریه و ضجه من ناراحتی پدرو مادرم و سختگیری جناب رشاد ... بالاخره پدرم را وادار به قرض کردن کرد و غائله خوابید و من – خوشحال– به تحصیل ادامه دادم. شاید یکی از اسرار موفقیت من در طول تحصیل همن موضع باشد".

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : رضا اشرف زاده در خانواده ای با وضع مالی مناسبی بدنیا آمد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : رضا اشرف زاده ،دوران ابتدایی، سیکل اوّل و چهارم ریاضی را در بم گذراند و در سال ۱۳۳۸ به دانشسرای مقدّماتی کرمان رفته و با درجهٔ ممتاز و شاگرد اوّلی، فارغ‌التحصیل شدند، به علّلی ادامهٔ تحصیل نداد وبه استخدام آموزش و پرورش (فعلی) در آمد. در سال ۱۳۴۹ برای ادامهٔ تحصیل وارد دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد شد و دورهٔ کارشناسی را در سال ۱۳۵۳، کارشناسی ارشدرا در سال ۱۳۵۶، و دکترای زبان و ادبیات فارسی را در سال ۱۳۶۳ گذرانید، ایشان در تمام دوران تحصیل شاگرد ممتاز و دانشجوی اوّل بودند. رسالهٔ کارشناسی ارشد ، با راهنمایی استاد فرزانه و فقید زنده‌یاد آقای دکتر یوسفی، با درجهٔ ممتاز و رسالهٔ دورهٔ دکتری را در ۷ جلد و با ۴۲۰۰ صفحه و با درجهٔ ممتاز در سال ۱۳۶۳ دفاع کرد.

خاطرات و وقایع تحصیل : رضا اشرف زاده از خاطرات دوران تحصیل خود چنین به یاد دارد" : از خاطرات خوب دوران تحصیل دانشگاهیم آشنایی با دو استاد خوب و برجسته بود: مرحوم دکتر حمید زرین کوب و مرحوم زنده یاد غلامحسین یوسفی و از خاطرات دوران دبستان وجود معلمی بسیار دلسوز –آقای اصفهانی – معلم سال ششم ابتدایی که با شوری و صف ناپذیر و با تمام وجود درس می گفت و دانش آموزان را شوق یادگرفتن می آموخت".

فعالیتهای ضمن تحصیل : رضا اشرف زاده در حین تحصیل در هفته ای ۲۴ ساعت به تدریس می پرداخت.

استادان و مربیان : از مربیان و استادان رضا اشرف زاده می توان به چند تن از آنها اشاره کرد: دوران دبستان : سرکار خانم تهمتنی – معلم کلاس اول ابتدایی– ،آقای اصفهانی_ معلم کلاس ششم ابتدایی دوران متوسطه : آقای پرورشی– دبیر ریاضی دوران دانشگاهی : دکتر حمید زرین کوب ،دکتر متینی ،دکتر شهابی ،دکتر عبدالشکور احسن و زنده یاد دکتر غلامحسین یوسفی

هم دوره ای ها و همکاران : دکتر دهقان ،دکتر فاطمی و دکتر حمیدی از همدوره ایها و دکتر علوی مقدم ،دکتر محمد فاضلی ،دکتر تقی وحیدیان کامیار و دکتر محمود مهدوی دامغانی و غیره از همکارن رضا اشرف زاده می باشند.

همسر و فرزندان : رضا اشرف زاده متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم طاهره سیف الدینی (دارای مدرک دیپلم ادبیات فارسی – خانه دار)می باشد ایشان همچنین دارای چهار فرزند بنامهای زیر می باشد: – انیس اشرف زاده ،دارای مدرک کارشناسی کتابداری– شاغل – انوش اشرف زاده ،دوره کارشناسی مدیریت دولتی را به اتمام نرساندو خانه دار شدند – آرزو اشرف زاده ،دارای مدرک کارشناسی زیست شناسی –خانه دار – نونا اشرف زاده دانشجوی سال آخر رشته کامپیوتر نرم افزار

وقایع میانسالی : از وقایع تلخ رخ داده برای رضا اشرف زاده فوت پسر ۲۴ ساله اش بنام امید اشرف زاده و فوت دامادش بنام سرهنگ دکتر مجید کردعلی در سال ۱۳۸۵ می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد (استاد زبان و ادبیات فارسی) بمدت ۲۰ سال و هم اکنون ادامه دارد قائم مقام ریاست دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد بمدت ۸ سال که اکنون هم ادامه دارد مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی و عضو هیئت علمی دانشگاه نیشابور بمدت ۸ سال معاون آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد بمدت ۱۷ سال هم اکنون ادامه دارد عضو انجمن آثار و مفاخر خراسان مشاور فرهنگی و ادبی ادارهٔ کلّ فرهنگ و ارشاد اسلامی عضو شورای نشر کتاب عضو هیأت رئیسهٔ مرکز خراسان‌شناسی، از تأسیس تا انحلال

فعالیتهای آموزشی : رضا اشرف زاده ۴۶ سال سابقه تدریس در مقاطع مختلف تحصیل از سال اول ابتدایی گرفته تا دکتری را دارد.

جوائز و نشانها : رضا اشرف زاده در باره جوایز و نشان های خود چنین می گوید": با صدا و سیمای مرکز خراسان نیز گاهگاهی برنامه داشته‌ام (حدود ۵۰ برنامه) در برنامهٔ تلویزیونی چهره‌های ماندگار ۵۰ دقیقه، زندگی و آثارم نمایش داده شد و مصاحبه‌های گوناگون علمی و ادبی داشته‌ام چه در مجلاّت و روزنامه‌ها و چه در صدا و سیما. ۲بار به عنوان استاد نمونه مشهد، یکبار استاد

نمونهٔ کشور در دانشگاه آزاد اسلامی برگزیده شدم. محقق نمونهٔ جشنوارهٔ فردوسی و محقّق نمونهٔ دانشگاه آزاد اسلامی و شهروند نمونهٔ منطقه ۹در سال ۱۳۸۲ بودم در روز بزرگداشت عطّار نیشابوری، به عنوان عطّار شناس، از من تجلیل به عمل آمد ".
چگونگی عرضه آثار : رضا اشرف زاده تاکنون حدود ۴۵ کتاب و ۵۰ مقالهٔ علمی و ادبی منتشر کرده‌است. ----------------
----

آثار :

۱ آب آتش‌فروز (گزید ?حدیقه الحقیقه) (چاپ هفتم)

ویژگی اثر : انتشارات جامی ۱۳۸۵

۲ المستخلص فی ترجمان القرآن از محمدبن محمد بخاری

ویژگی اثر : انتشارات رجا ۱۳۶۵

۳ برگزید ?اخلاق ناصری

ویژگی اثر : انتشارات پیام نور ۱۳۷۱

۴ بهار زنده‌دلان (گزید ?اشعار صائب)

ویژگی اثر : انتشارات جامی ۱۳۸۴

۵ پیغام اهل راز (دو جلد)

ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۸۱

۶ تجلی رمز و روایت در شعر عطّار نیشابوری

ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۷۳

۷ جلوه‌گریهای سحرگاهی (شرح گزید ?مخزن‌الاسرار)

ویژگی اثر : انتشارات جامی ۱۳۸۵

۸ چهل حکایت (چاپ دوم)

ویژگی اثر : انتشارات جهان اندیشه ۱۳۷۴

۹ حق‌الیقین فی معرف ?ربّ العالمین شیخ محمود شبستری

ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۸۰

۱۰ حکایت شیخ صنعان (چاپ دوم) عطّار نیشابوری

ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۸۰

۱۱ خزان و بهار قاضی محمد شریف شیرازی

ویژگی اثر : انتشارات به نشر ۱۳۸۲

۱۲ داستان شیخ صنعان

ویژگی اثر : انتشارات کلهر ۱۳۷۴

۱۳ داستان‌های دیوانگان در آثار عطار

ویژگی اثر : انتشارات جهان اندیشه ۱۳۷۵

۱۴ رابعه (زندگی و آثار رابعه بنت کعب)

ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۸۳

۱۵ راز خلوتیان (شرح ۱۱۰ غزل حافظ)

ویژگی اثر : انتشارات کلهر ۱۳۷۹

۱۶ رنجنام ?زندانی نای و مرنج (گزید ?مسعود سعد)

ویژگی اثر : انتشارات صالح ۱۳۷۸

۱۷ سرود خورشید (شرح ۱۱۴ غزل دیوان شمس)

ویژگی اثر : انتشارات روزگار ۱۳۷۹

۱۸ شرح گزید ?منطق‌الطیر (چاپ سوم)

ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۷۹

۱۹ صد کلم ?امیرالمؤمنین عادل بن علی بن عادل

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی مشهد ۱۳۸۰

۲۰ فارسی عمومی (چاپ یازدهم)

ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۸۵ چاپ سیزدهم ۱۳۸۶

۲۱ فارسی عمومی (چاپ یازدهم) سیزدهم

ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۸۵

۲۲ فرهنگ بازیافته‌های ادبی از متون پیشین

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی ـ سخن گستر ۱۳۸۶

۲۳ فرهنگ کاربرد آیات و روایات در شعر عطّار

ویژگی اثر : انتشارات انجمن مفاخر خراسان ۱۳۷۳

۲۴ فرهنگ نوادر لغات و ترکیبات آثار عطّار نیشابوری

ویژگی اثر : انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ سوم ۱۳۷۴

۲۵ کلاه بی‌سران (شرح گزید ?مصیبت‌نامه)

ویژگی اثر : انتشارات صالح ۱۳۷۶

۲۶ گزید ?اخلاق ناصری (چاپ ششم)

ویژگی اثر : انتشارات توس ۱۳۷۸

۲۷ گزید ?اشعار (ناصرخسرو ـ مسعود سعد)

ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۸۲

۲۸ گزید ?اشعار خاقانی

ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۸۵

۲۹ گزید ?شعر دو شاعر برجسته (فرخی ـ کسایی)

ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۷۹

۳۰ گزید ?متون تفسیری فارسی

ویژگی اثر : انتشارات جامی- زیر چاپ

۳۱ گزید ?مختارنامه (رباعیات عطار)

ویژگی اثر : انتشارات اساطیر ۱۳۷۷

۳۲ گلشن توحید (شرح منظوم مفردات مثنوی) مغلوی دده

ویژگی اثر : جهان اندیشه ۱۳۷۲

۳۳ مرج‌البحرین (شرح غزلیات حافظ) از ختمی لاهوری (تصحیح و تعلیق)

ویژگی اثر : اساطیر - زیر چاپ

۳۴ مضمار دانش (فرسنامه) میرازا احمد نظام‌الدین گیلانی

ویژگی اثر : انتشارات اندیشه ۱۳۷۳

۳۵ معانی و بیان (چاپ پنجم)

ویژگی اثر : انتشارات سمت ۱۳۸۳

۳۶ نشان تیش ?فرهاد (شیرین و فرهاد وحشی بافقی) (نقد و تحلیل)

ویژگی اثر : انتشارات صالح ۱۳۷۶

۳۷ نوبت زن کوی ساقی (ساقی‌نامه‌های راجی کرمانی)

ویژگی اثر : انتشارات آیین ?اندیشه ۱۳۷۸

۳۸ هفت حکایت (چاپ سوم)

ویژگی اثر : انتشارات جهان اندیشه ۱۳۷۳

اشرف سدهی، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حیدر علی بن ملاّ کلب علی بن محمّد بن نورا بن محمّد بن نور الدین علی بن عبدالعالی میسی عاملی.

از مشاهیر علما و فضلا؛ به قصد زیارت حضرت رضا علیه السلام به ایران آمده، و در اصفهان بر حسب خواهش علما و بزرگان ساکن شده، در سال ۱۱۳۵ در قریه ورنوسفادران که آن را (بن اصفهان) نیز گویند وفات یافته، و هم در آنجا مدفون گردید.

از تألیفاتش کتاب عروة المتقّین، در شرح و تفسیر آیهٔ الکرسی به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اشرف سمرقندی، معین‌الدین حسن

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۹۵ ق)، ادیب و شاعر. معروف به اشرف ثانی. از مردم ماوراءالنهر بوده و در سمرقند می‌زیسته است. متصدی کارهای شرعی بود. وی از علما و فضلای عهد خود و مجمع کمالات و مداح پادشاهان سلسله‌ی ترکستان از جمله الغ قدرخان و علاءالدین پیغوملک بود و با او از خراسان به عراق رفت و مدت زیادی در اصفهان ماند. از آثارش: «دیوان» اشعار مشتمل بر دو هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۱۹، ۸۷)، تذکره‌ی روز روشن (۵۴ -۵۳)، ریاض العارفین (۱۶۸)،الذریعه (۱۰۷۶، ۲۶۱، ۷۹ -۷۸ /۹)، ریحانه (۱۲۹ /۱)، صبح گلشن (۲۵)، فرنگ سخنوران (۶۶)، لباب الالباب (۳۹۲ -۳۹۰ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ اشرفی)، مجمع الفصحا (۲۶۵ /۱)، هفت اقلیم (۳۶۸ -۳۶۲ /۳).

اشرف شیرازی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۰ ش)، نویسنده و شاعر. وی در شیراز متولد شد. مادرش دختر شاهزاده جمال‌الدین میرزای قاجار بود. او تحصیلات ابتدایی و متوسط را در شیراز به پایان رساند، علوم ادبی و عربی را در محضر حاج شیخ یوسف حدائق کازرونی آموخت. سپس به تهران آمد و در دانشگاه به تحصیل پرداخت. پس از خاتمه‌ی تحصیلات، به خدمات دولتی مشغول شد. وی از سال ۱۳۱۵ ش در انجمن ادب شیراز عضو بود و، جلسات هفتگی انجمن را در خانه‌ی خود تشکیل می‌داد. مقالات متعددی از وی در جراید تهران و شیراز چاپ شده است. از تالیفات اوست: «نغمات موزون»؛«تفرج بوستان»؛ تصحیح و تحشیه‌ی «کلیات سعدی»؛ تصحیح «دیوان» ظهیر فاریابی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۸۲ -۲۸۰ /۱)، فرهنگ سخنوران (۶۵).

اشرف شیرازی، معین‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به اشرف. ملقب به میرزامخدوم. در روزگار شاه‌طهماسب صفوی به تدریس مشغول بودو چون دور حکومت به شاه اسماعیل دوم رسید، به مصاحبت آن شاه نایل گشت. پس از چندی به بغداد رفت و قاضی معسکر شد. سرانجام قاضی مکه گردید و در همان مکان مقدس بدرود حیات گفت. وی در سرودن شعر نیز توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۸۰ /۱)، فرهنگ سخنوران (۶۵)، هفت اقلیم (۲۳۲ -۲۳۱ /۱).

اشرف طباطبایی، عبدالله

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۲۳ ق)، خطاط. از آثار او: کتابت «بلدالامین کفعمی» است به قطع نیم ربعی مذهب و نسخ غبار خوش، با رقم: «و قد استمت کتابت هذا الکتاب متنا و حاشیه علی ید الفقیر الحقیر تراب اقدام الکتاب اشرف بن عبدالله طباطبایی فی عصر یوم الاحد و هو الحادی عشر من شهر محرم الحرام من شهور سنه ثلث و عشرین و مائه بعد اللف الهجریه علی هاجرها...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۴۸ -۱۰۴۷ /۴).

اشرف طسوجی، علی اشرف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۸ ق)، ادیب و عالم و شاعر. وی نبیره‌ی آخوند ملا-عبدالنبی طسوجی و از شعرا و علمای دوران خود و در الهیات و حدیث و کلام سرآمد بود. تصحیلات خود را در اصفهان و عتبات عالیه به انجام رساند در طسوج وفات یافت. جسدش به کربلا منتقل و همان جا دفن شد. «دیوان» مولانا اشرف حاوی غزل، قصیده و مخمس و اثر دیگری به نام «شعله» نیز از او باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۴۷۳ -۴۶۸ /۱)، دانشمندان آذربایجان (۴۲)، الذریعه (۷۷ /۹)، سخنوران آذربایجان (۱۳۸ -۱۳۲)، نگارستان دارا (۶۰ -۵۹).

اشرف عاملی، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن میر عبدالحسیب بن میر سید احمد عاملی اصفهانی.

شرح حال پدر و جدّ او در صفحات قبل این کتاب مذکور گردید.

صاحب عنوان از دانشمندان و علمای متبحّر زمان خود بوده، در بیشتر علوم از عقلی و نقلی مهارت داشته.

وفات او را حزین در سال ۱۱۳۳، و در الذریعه (۳: ۳۵۵) بسال ۱۱۴۵ می‌نویسد.

مدفنش در مقبره ی مخصوص در قبرستان قریه ی ورنوسفادران از قرا ثلاثه ی سده ماربین معروف است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- اشرف المناقب، در ۱۱۰۲ به نام شاه سلیمان صفری تألیف کرده است ۲- حاشیه بر قبسات ۳- حاشیه بر شرح مختصر عضدی ۴- شرح مشیخه ی تهذیب الحدیث، معروف به رجال سید محمّد اشرف ۵- ترجمه ی الفیّه ی ابن مالک به نظم ۶- فضائل السادات که معروف‌ترین تألیف اوست.

در ریحانهٔ الادب گوید: کتابی بزرگ و کثیر الفوائد، و از کثرت احاطه و تتبع مؤلّف خود حاکی است. کتاب به نام شاه سلطان حسین صفوی تألیف شده، و همان اشرف المناقب است که مطالبی بر آن افزوده است.

۷- علاقهٔ التجرید، شرح فارسی بر تجرید العقاید خواجه ی طوسی ۸- المنهاج الصفوی.

وی را دو نفر فرنز است به نام میر محمّد حفیظ و میر مرتضی، هر دو از علما و فضلای زمان خود بوده، و اولاد اوّلی در سده ی ماربین، و فرزندان دوّمی در نجف آباد ساکن، و هر دو به نام میر دامادی مشهور می‌باشند

وفات صاحب عنوان در ۱۱۶۰ روی داده، قبرش در سده ی ماربین.

سید محمّد باقر فرزند سید مرتضی، اول کسی است که از این سلسله که به نجف آباد مهاجرت نموده است. وی نیز عالم فاضل، و ادب کامل بوده است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اشرف مازندرانی، محمدسعید

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۱۶ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به اشرف. وی نوه‌ی دختری علامه‌ی مجلسی است. در اصفهان به دنیا آمد. از محضر پدر و استادانی چون میرزاقاضی و آقا حسین خوانساری بهره برد. وی در ۱۰۷۰ ق بر اثر مرگ فرزندش محمد رفیع و وفات جد مادریش، محمدتقی مجلسی، به هندوستان رفت و معلم زیب‌النساء بیگم، دختر بزرگ اورنگ‌زیب، شد. پس از مدتی به یاد دیار افتاد و به اصفهان بازگشت. بار دیگر به هندوستان رفت و در عظیم‌آباد ساکن شد اشرف در پایان عمر قصد زیارت خانه‌ی خدا را داشت که در ضمن سفر در شهر مونگیر درگذشت و در همان جا دفن شد.وی علاوه بر شاعری در خوشنویسی و نقاشی نیز دست داشت و در شعر و سخنوری به شیوه‌ی صائب معتقد بود. از آثار وی: «دیوان» اشعار؛ مثنویهای: «سوزوگداز»؛ «قضاوقدر»؛ «ساقی‌نامه»؛ «شهرآشوب».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۶۸ -۸۶۵ /۲)، تذکره المعاصرین (۳۱۷ -۳۰۹)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۴۱ -۵۴۰، ۱۸۲ -۱۸۱)، الذریعه (۲۲۸، ۸۲/ ۱۹، ۱۴۵/ ۱۷، ۱۰۳/ ۱۲، ۷۸/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۶)، فوائد الرضویه (۵۴۵)، کاروان هند (۷۴ -۶۲ /۱).

اشرف مراغه‌ای

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۶۴ ق)، دانشمند و شاعر، متخلص به اشرف. معروف به درویش‌اشرف. در «ریحانه الادب» آمده که نام وی حسین و نام پدرش حسن و کنیه‌اش ابوعلی است. معاصر بایسنقر و پسرش سلطان‌محمد و شاه نعمت‌الله ولی و جهانشاه قراقویونلو بود. وی ملازم شاهزاده پیر بوداق‌خان، فرزند جهانشاه‌خان بود و بعد از کشته شدن پیر بوداق، به تبریز آمد و در آنجا ساکن شد و به مجلس کسی نرفت. آثار متعدد وی در نظم فارسی: «دیوان قصاید و غزلیات» مشتمل بر چهار جلد با عناوین؛ «عنوان الشباب»؛ «خیر الامور»؛ «باقیات الصالحات»؛ «مجددات التجلیات»، ترجمه منظوم «صد کلمه» امیرالمومنین (ع)، که در سال ۸۳۸ ق با قطعات پارسی ترجمه کرده است؛ «مثنویات پنجگانه» که در مقابل «پنج گنج نظامی»ساخته است با نامهای «منهج الابرار»، که در برابر «مخزن الاسرار» سروده به سال ۸۳۲ ق؛ «مثنوی خسرو و شیرین»، سروه به سال ۸۳۶ ق؛ «لیلی و مجنون»، که به سال ۸۴۲ ق منظوم شده؛ «هفت اورنگ» به نام «عشق‌نامه» و مثنوی پنجم «ظفرنامه»، در مقابل «اسکندرنامه»، که در سال ۸۴۸ ق به پایان رسیده است. در برخی منابع نام و کینه او را ابوعلی حسین فرزند حسن نوشته‌اند و در منابع کهن نامی برای او ذکر نکرده و او را فرزند ابوعلی حسین دانسته‌اند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۱۰ -۳۰۹)، دانشمندان آذربایجان (۱۴۸ -۱۴۷)، دویست سخنور (۲۲ -۲۱)، الذریعه (۷۸ /۹)، ریحانه (۱۲۸ /۱)، فرهنگ سخنوران (۶۶)، لغت‌نامه (ذیل اشرف).

اشرف مشکوتی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۰ ش)، شاعر، متخلص به اشرف. نوه‌ی شاه جهان، دختر فتحعلی‌شاه بود. در تهران متولد شد. دوره‌ی اول متوسطه را در دبیرستان ناموس تهران به پایان رساند و برای ادامه‌ی تحصیلات به فرانسه رفت و زبان‌های فرانسوی و عربی را آموخت. از کشورهای رسویه و آلمان نیز دیدن کرد. پس از بازگشت به ایران، مدتی به خدمات فرهنگی و سخنرانی در کانون بانوان اشتغال داشت. پس از آن، در قاسم‌آباد رامسر در ملک مورثی به کارهای کشاورزی و مطالعه و سرودن اشعار پرداخت. وی شعر را در نهایت سادگی و روانی می‌سرود و از سعدی پیروی می‌کرد. حدود دو هزار بیت شعر دارد. او برنده‌ی جایزه‌ی انجمن ادبی پاکستان در سال ۱۳۲۹ ش شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند (۱۹۵)، زنان سخنور (۱۲ –۹ /۱)، سخنوران نامی معاصر (۲۷۱ –۲۶۷ /۱).

اشرف مشهدی، محمداصغر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۳ ق)، شاعر و خطاط. معروف به اشرف‌خان میرمنشی. از سادات حسینی عربشاهی مشهد و از امرای دربار اکبر، پادشاه هندوستان بود و خطاب اشرف‌خان را از او گرفت. غزل و رباعی را خوب می‌سرود. و انشاء نگارش می‌کرد و هنر هفت‌قلم را بسیار زیبا می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۸ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۴۲)، فرهنگ سخنوران (۶۶)، کاروان هند (۶۱ –۶۰ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ اشرف‌خان)، هفت اقلیم (۲۰۹ –۲۰۸ /۲).

اشرف‌الکتاب ارسنجانی، محمد شفیع

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج ملا محمد شفیع اشرف‌الکتاب ارسنجانی از خوشنویسان بزرگ و از قرآن‌نویسان برجسته ایرانی است. او فرزند عالم و عارف خوشنویس نامی حاج ملاعلی عسکر ارسنجانی است و مانند پدر بزرگوارش در علم و عرفان و هنر خوشنویسی به مرتبه‌های والایی دست یافته است.

ملا محمد شفیع در نوشتن خطوط نسخ، ثلث، نستعلیق. شکسته تعلیق، و رقاع سرآمد اقران خود بوده است.

وی عمر پربرکت خود را صرف کتابت قرآن مجید نموده و بیش از چهل قرآن به خط نسخ بسیار زیبا نوشته است که در موزه‌های معروف دنیا از جمله موزه آستان قدس حسینی (ع)، موزه آستان قدس رضوی (ع) و مجلس شورای اسلامی و موزه کاخ گلستان نگهداری می‌شود.

فرصت‌الدوله در آثار عجم، درباره وی می‌نویسد:

«آثار و هو الحاج ملا محمد شفیع مدتها در علوم عربیه و ادبیه رنجی کشیده تا از فضلای عصر گردید، و در خط نسخ از مرحوم والد گذرانیده شهداللّه که پس از مرحوم میرزا احمد نیریزی خط مذکور را احدی پایه مشارالیه ننوشته است قولی است که جملگی برآنند. الحال اکثر به کتابت قرآن مجید و فرقان حمید اشتغال دارد و در سرودن اشعار، خاصه غزل صاحب طبع سلیم و ذوق مستقیم است.»

ملا محمد شفیع نقاشی چیره‌دست و شاعری است توانا و آگاه از رموز ادب فارسی و در اشعار خود «آثار» و گاهی «اشرف» تخلص می‌کند اما با کمال تأسف از آن همه اشعار نغز تنها اندکی بجا مانده است. آثار اشعار فراوانی در رثاء اهل‌بیت عصمت و طهارت (ع) سروده است.

وی در سال (۱۳۳۳ ه.ق) در ارسنجان وفات یافت و در جوار پدر بزرگوارش به خاک سپرده شد. از اشعار اوست:

خوش کنج فراغت و حواس جمعی
آتش به بخاری و چراغ و شمعی
در خلوت شب نیاز و عجزی با دوست
با آه جگرسوز و سرشک و دمعی
بر چشم من چو با صف مژگان گذر کنی
خوشتر که گرزنی به خدنگش خبر کنی
بستم ره خیال تو بر دل ولی چه سود
صد رخنه در دل از مژه چون نیشتر کنی
مشکین کنی ز خطه چین ساحت جهان
چون زلف خود حمایل باد سحر کنی

ای دل تو رفتی از بر ما سوی کوی دوست
خرم ولایتی که تو آنجا سفر کنی
گفتم به دل که سر به کمندی نیاورم
با غمزه‌ای تو غارت دل سر به سر کنی
چشمی که بود راه خیال تو سوی دل
سیلی گرفته زاشک که نتوان گذر کنی
اشرف تو کمیت نکته دانی، دانی
اسرار و رموز جاودانی دانی
هر چند که مانند نداری در خط
در شیوه تصویر به مانی، مانی

از آثار اوست:

یک نسخه قرآن به قلم نسخ و رقاع و خواص آیات به قلم نستعلیق کتابت عالی با رقم و تاریخ: «... علی یدالاقل الاحضر الفانی محمد شفیع بن عسکر الارسنجانی صورت اتمام پذیرفت، فی شهر ذی‌القعدهٔ سنهٔ ۱۲۹۱ احدی و تسعین و مائتین بعد الالف» در کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی (اسلامی) تهران.

قرآن رحلی جلد روغنی عالی دو صفحه‌ی اول مذهب دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع عالی ممتاز نسخ و رقاع کتابت عالی با رقم: «به دستورالعمل... میرزا محمد مستوفی شیرازی... جهت... مظفرالدین شاه... حرره المذنب محمدشفیع الارسنجانی «فی سنهٔ ۱۳۲۲» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

اشرفی استرآبادی، نظام‌الدین، عبدالحی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۵۹ ق)، فقیه، متکلم و ادیب. در استرآباد متولد شد ولی، اصل وی از جرجان بود. او از شاگردان محقق کرکی بود و همواره پی‌گیر تحصیل معقول و منقول. از استرآباد به هرات رفت و به خاطر مهارتش در علوم مختلف مورد توجه سلطان حسین بایقرا قرار گرفت و از سوی وی به تدریس در مدرسه‌ی گوهرشادبیگم اشتغال یافت. پس از تسلط شاه اسماعیل صفوی بر خراسان، امیر غیاث‌الدین محمد بن یوسف به قضاوت خراسان منصوب گشت و پس از استعفای او عبدالحی استرآبادی به جای او نشست و تا سال ۹۳۰ ق در کمال احترام در هرات قضاوت کرد و به نشر علوم دینی و معارف اسلامی مشغول بود. سرانجام وی از ترس دشمنان به قصبه‌ی کوهبنان کرمان پناه برد و در آنجا به تألیف پاره‌ای از کتب خویش به درخواست عده‌ای از شاگردانش پرداخت. از جمله شاگردان وی ابن‌قمر شجاع‌الدین محمود کرکی است. وی در کرمان درگذشت. از جمله آثار وی: شرح کبیر «الفیه» شهید اول و شرح متوسط «الفیه» که در کرمان تألیف کرده است؛ ترجمه‌ی «الفیه‌ی شهید»؛ حاشیه بر «شرح شمسیه»؛ حاشیه بر حاشیه‌ی سید شریف بر «شرح شمسیه»؛ «الخطب»؛ حاشیه بر «شرح الهدایه الاثیریه» میبدی؛ حاشیه بر «فرائض النصیریه»؛ رساله‌ای در علوم مختلف مانند منطق و کلام و فقه که در ۹۵۹ ق تألیف نموده است؛ «لسان الالهام»؛ «معراج الخیال»، منظومه‌ی فارسی؛ «المعضلات»، در مشکلات علوم فقهی و حکمی که در عهد شاه‌طهماسب صفوی به سال ۹۵۹ ق تألیف شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۶۱۵ -۶۱۴ /۴)، الذریعه (۱۳۹، ۸۹ /۶، ۸۱ /۴، ۱۸۹ /۲)، روضات الجنات (۱۸۹ -۱۸۷ /۴)، ریاض العلماء (۹۰ -۸۷ /۳)، ریحانه (۲۰۲ -۲۰۱ /۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۰ -۱۱۹ /۱۰)، معجم المؤلفین (۱۰۸ /۵)، هدیه العارفین (۵۰۸ /۱).

اشرفی اصفهانی، عطاالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه، مجتهد.

تولد: ۱۲۷۹، سده اصفهان (خمینی شهر).

شهادت: ۲۳ مهر ۱۳۶۱، کرمانشاه.

آیت‌الله میرزا عطاءالله اشرفی اصفهانی پس از آموختن مقدمات در خمینی شهر در سن دوازده سالگی رهسپار حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان گردید و پس از ورود به اصفهان در مدرسه‌ی نوریه واقع در بازار عتیق سکونت کرد. ادبیات و سطح را نزد اساتید حوزه‌ی علمیه اصفهان، حضرات آیات عظام محمد حسین فشارکی و سید مهدی درچه‌ای تلمذ نمود. پس از پایان تحصیلات سطح فقطه و اصول، برای ادامه تحصیل و کسب علوم اسلامی در سن بیست سالگی رهسپار حوزه علمیه قم گردید و در سال ۱۳۵۰ ق. در آن شهر اقامت گزید و مدت یک سال از آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری یزدی ، مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، کسب علم نمود. پس

از فوت آیت‌الله العظمی حائری، نزد آیت‌الله سید محمد بهجت کوه کمره‌ای آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله سید حسن صدر مدت ده سال به کسب علم مشغول بود. همچنین مدتی از آیت‌الله فیض کسب دانش نمود. ایشان تمامی دروس آیت‌الله حجت کوه کمره‌ای و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری را نوشته‌اند. آیت‌الله اشرفی منظومه حکمت و اسفار را نزد حضرت امام خمینی (ره) فراگرفتند. پس از ورود آیت‌الله سید حسین بروجردی به حوزه‌ی علمیه‌ی قم و اقامت در قم، آیت‌الله اشرفی مدت دوازده سال از محضر درس ایشان بهره گرفت و تمامی دروس فقه آن فقیه را نوشت.

آیت‌الله اشرفی اصفهانی سپس به تدریس دروس سطح رسائل و مکاسب در حوزه اشتغال ورزید و شاگردانی تربیت کرد. ایشان از مراجع تقلید آیات عظام اصفهانی، خوانساری، کوه کمره‌ای، صدر بروجردی، شیرازی و شاهرودی اجازه در امور حسبیه گرفتند و در سن چهل سالگی توسط آیت‌الله العظمی خوانساری برای ایشان اجازه اجتهاد صادر شد. در سال ۱۳۴۲ نیز از حضرت امام خمینی (ره) وکالت مطلق و نمایندگی در سال ۱۳۴۲ برای وی صادر شد. ایشان وکالت مطلق از آیت‌الله گلپایگانی نیز داشتند.

از جمله خدمات آیت‌الله اشرفی می‌توان به این موارد اشاره نمود: تجدید بنای مسجد ولی عصر (ع) در خمینی شهر، ساختمان مسجد امام حسین (ع) در خمینی شهر، ساختمان مکتب‌الزهرا، تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی امام خمینی در کرمانشاه، مسئولیت امور تبلیغی روحانیون تسنن استان کرمانشاه (که از سوی امام به عهده ایشان واگذار شده بود).

پس از تأسیس مدرسه‌ی علمیه در شهر کرمانشاه در سال ۱۳۳۴ توسط آیت‌الله سید حسین بروجردی ایشان به همراه مدرس‌های دیگر از قم به کرمانشاه رفتند. پس از فوت آیت‌الله بروجردی ایشان در همان جا باقی ماندند. وی از جمله کسانی بود که پس از شهادت فرزند امام، آیت‌الله سید مصطفی خمینی، مجلس بزرگداشت همراه با اعلامیه‌ی چاپ شده برگزار کرد. آیت‌الله اشرفی چندین بار مورد تهدید رژیم پهلوی قرار گرفت اما به واسطه نفوذ مردمی‌اش، نتوانستند تبعیدش کنند. زمانی که رژیم عراق امام خمینی (ره) را از عراق اخراج کرد، آیت‌الله اشرفی ساعت سه نیمه شب در منزل دستگیر و پس از یک ساعت توقف در ساواک به اتفاق حجت‌الاسلام بهاءالدین عراقی به تهران برده و در کمیته‌ی شهربانی در سلولی بازداشت کردند.ولی وی بر اثر فشار مراجع تقلید پس از چند روز آزاد شد. در هنگام اوج گیری انقلاب، در تمام راهپیمایی‌ها شرکت می‌کرد و مردم را به شرکت در کلیه‌ی راهپیمایی‌ها و اعتصابات دعوت می‌نمود. اولین راهپیمایی که همزمان با راهپیمایی تهران بود و درعید فطر سال ۱۳۵۷ رخ داد، به دعوت ایشان پس از انجام نماز عید از مسجد آیت‌الله بروجردی تا مجسد آیت‌الله جامع انجام شد. آیت‌الله اشرفی امام جماعت مسجد آیت‌الله بروجردی بود. همچنین پس از انقلاب، در ذی‌العقده ۱۳۹۱ ق. (۱۳۸۵) از سوی بینانگذار انقلاب، به امامت جمعه شهر کرمانشاه منصوب شدند که تا پایان عمر امام جمعه همین شهر بودند.

آیت‌الله اشرفی اصفهانی در بیست و سوم مهر ۱۳۶۱ در کرمانشاه به شهادت رسید.

عطاء اصفهانی از علماء مبرز و ممتاز معاصر کرمانشاه است.

معظم له در حدود ۱۳۳۸ قمری در سده (خمینی‌شهر) اصفهان متولد شده و پس از رشد و خواندن ادبیات و قسمتی از سطوح در اصفهان به قم مهاجرت نموده و پس از پایان و تکمیل سطوح عالی از مدرسین بزرگ حوزه چند سالی از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حایری یزدی و بعد مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حجت و آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّٰه صدر و پس از ورود مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی از محضر و ابحاث آنجناب استفاده وافی و کافی و ضمناً تدریس سطح فقه و اصول نموده تا هنگام تأسیس حوزه علمیه کرمانشاه و بناء مدرسه آن مرحوم به امر معظم له به اتفاق چند نفر از علماء و مدرسین بزرگ چون آیت‌اللّٰه حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی و بعضی از اعلام دیگر به کرمانشاه عزیمت و تا حال بیش از بیست سالست که در مسجد مدرسه مزبور به اقامه جماعت و تدریس و ارشاد مردم اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب آقای حاج آقا عطاء اصفهانی از دانشمندان موصوف به فضل و کمال و تقوا و متانت و بیش از سی سالست که افتخار شناسائی معظم له را دارم عالمی متقی و متصف به اوصاف جمیله و محامد اخلاق و ملکات فاضله می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اشرفی بارفروشی مازندرانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۵ -۱۲۱۵ ق)، مجتهد و عالم شیعی. معروف به حجت یا حاجی اشرفی. وی در بهشهر و بارفروش به تصحیل پرداخت و در خدمت استادان عهد خویش از جمله سعیدالعلمای مازندرانی بارفروشی تلمذ کرد. سپس به عتبات رفت و در محضر شیخ مرتضی انصاری درس خواند. پس از بازگشت، در بارفروش اقامت گزید و در میان مردم نفوذ فراوان یافت، چنان که نسبت کرامت به او دادند. وی معاصر تنکابنی صاحب «قصص العلماء» است. از آثارش: «اسرار الشهاده»، به زبان فارسی ؛ «شعائر الاسلام»، در مسائل حلال و حرام؛ و رساله‌ای در عبادات و برخی معاملات.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۹۱ /۱۴ ،۴۶ /۲)، ریحانه (۱۲۹ -۱۲۸ /۱)، طرائق الحقائق (۶۵۲ /۳)، قصص العلماء (۱۲۴ -۱۲۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۶۱ -۱۶۰ /۳)، لغت‌نامه (ذیل/ اشرفی)، المآثر الآثار (۱۴۴ -۱۴۳)، مکارم الآثار (۶۷۹ -۶۷۸ /۳).

اشرفی زاده، فخرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر فخرالدین اشرفی زاده در سال ۱۳۳۴ در دزفول به دنیا آمد.ایشان دارای مدرک دکتری متالوژی از دانشگاه بیرمینگام انگلستان (در سال ۱۳۶۷) می باشد.وی در حال حاضر علاوه بر تدریس، عضو هیئت علمی و رئیس دانشکدهٔ مهندسی مواد در دانشگاه صنعتی اصفهان است. کتاب" اصول مهندسی و علم مواد "ترجمه ایشان ، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی متالوژیتحصیلات رسمی و حرفه ای : فخرالدین اشرافی زاده در سال ۱۳۵۶ فوق لیسانس پیوسته دررشته مهندسی مواد از دانشگاه شیراز، سال ۱۳۶۳ فوق لیسانس تولید و ساخت از دپارتمان متالوژی و مواد از دانشگاه بیرمینگام انگلستان، و سال ۱۳۶۷ دکتری متالوژی از همان دانشگاه را دریافت داشت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فخرالدین اشرفی زاده در حال حاضر علاوه بر تدریس، عضو هیئت علمی و رئیس دانشکدهٔ مهندسی مواد در دانشگاه صنعتی اصفهان، و عضو هیئت مدیرهٔ انجمن علوم و تکنولوژی د رسطح ایران است.جوائز و نشانها : کتاب" اصول مهندسی و علم مواد "ترجمه فخرالدین اشرفی زاده ، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : زمینه های تحقیقاتی فخرالدین اشرفی زاده عبارت است از: ۱. پوشش دادن: آلیاژهای آلومینیم با روش های PVD برای افزایش مقاومت سایشی، پوشش های نفوذی،... ۲. ریختگری: آلیاژهای ریختگی جدید روی ــ آلومینیم، جوانه زا برای آلیاژهای آلومینیوم، ریختگری آلیاژ پیستون، ... ۳. متالوژی مکانیکی: بررسی شکست رودرس قالبهای فولادی سردکار و گرم کار، افزایش خواص مکانیکی تورشن بار، ... ۴. عملیات حرارتی: سخت کردن سطحی فولادها، خواص و عملیات حرارتی آلیاژهای آلومینیم، ... ۱۶ مقالات علمی و کاربردی، گزارشهای علمی، مونوگراف و جزوات در زمینه های متالوژی و مواد و ... از فعالیت های علمی فخرالدین اشرفی زاده محسوب می شود.

آثار : اصول مهندسی و علم مواد ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

اشرفی، امیررضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیررضا اشرفی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ به حول و قوه الهی و با عنایات حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء وارد حوزه مقدسه علمیه قم شدم. دروس مقدمات را در مدرسه علمیه امام خمینی (ره) به مدیریت حجت الاسلام والمسلمین علی عطایی اصفهانی گذراندم. در آن زمان تدریس دروس ادبیات عرب و منطق را در آن مدرسه استاد تهرانی، طالقانی و مظهر علی (پاکستانی) به عهده داشتند، لذا دروس مذکور را در محضر این سه استاد گذراندم. در درس معالم الاصول از محضر آیت الله شیخ یحیی انواری استفاده بردم. دروس اصول فقه و لمعه را نزد حجج اسلام علی حسینی بوشهری و سید احمد خاتمی و علی محمدی خراسانی گذراندم.

بین سالهای ۱۳۶۷تا ۱۳۷۰ در درس رسائل استاد علی محمدی خراسانی و مکاسب محرمه آیت الله عراقچی حاضر شدم. جلد اول و دوم کفایهٔ الاصول را نزد استاد سید محمد رضا یزدی (عضو فعلی فقهای شورای نگهبان) گذراندم. و پس از آن حدود ۵ سال در درس خارج اصول ایشان در مدرسه علمیه آیت الله العظمی گلپایگانی (روبروی شیخان قم) تلمذ نمودم. ضمناً حدود ۴ سال از محضر درس خارج فقه آیت الله العظمی میرزا جواد آقا تبریزی (ره) و خارج فقه آیت الله عبدالله جوادی آملی استفاده بردم.

همزمان با اشتغال به دروس فقه و اصول بین سالهای ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۴ دوره پنج ساله الهیات و معارف اسلامی موسسه در راه حق را گذراندم و در سال ۱۳۷۴ از آن موسسه با مدرک کارشناسی الهیات و معارف اسلامی فارغ التحصیل شدم. در همان سالها گروه های آموزشی و پژوهشی موسسه مزبور به ریاست آیت الله مصباح یزدی فعالیت خود را در قالب موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) ادامه دادند، بنده نیز دوره آموزشی کارشناسی ارشد پیوسته علوم قرآنی آن موسسه را بین سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ گذراندم و در سال ۱۳۷۸ از رساله ام با عنوان نقد و بررسی دیدگاههای علوم قرآنی علامه بلاغی (ره) دفاع نموده و با مدرک کارشناسی ارشد علوم قرآنی از آن موسسه فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۸۰ در دوره دکتری علوم قرآن و حدیث مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شدم و در خرداد ۱۳۸۵ از رساله ام با عنوان مبانی و قواعد تفسیری علامه طباطبائی (ره) دفاع نمودم و با مدرک دکتری علوم قرآن و حدیث از آن مرکز فارغ التحصیل شدم.

ضمناً از سال ۱۳۷۹ به عنوان عضو هیئت علمی و عضو شورای علمی گروه علوم قرآنی و از بهمن ۱۳۸۵ به عنوان قائم مقام مدیر گروه علوم قرآنی با موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) همکاری می کنم. والحمد لله رب العالمین.

اشرفی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین اشرفی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۱ در خانواده ای متوسط و کارگر دیده به جهان گشودم و در سن هفت سالگی به مدرسه ابتدایی رفته و دوره راهنمایی و متوسطه را تا سال ۱۳۶۰ به پایان رساندم. در سال ۱۳۶۲ پس از اتمام دوران سربازی وارد حوزه علمیه دامغان شده و پس از شش ماه با پایان رساندن سال اول حوزه به شهر مقدس قم عزیمت کردم و در مدرسه رضویه که تحت پوشش مرکز مدیریت بود، قبول شدم و دوره مقدمات و سطح را ۸ ساله به پایان رساندم.

در سال ۱۳۷۲ در درس خارج آیهٔ الله العظمی فاضل لنکرانی شرکت کردم و درس خارج فقه را به پایان رسانده و پس از آن در درس خارج اصول آیهٔ الله سبحانی شرکت نموده و همزمان درس خارج فقه آیهٔ الله نوری همدانی نیز شرکت کردم. در سال ۱۳۷۲ با آزمون، وارد درس تخصصی تفسیر شدم و پس از چهار سال موفق شدم که دوره را به پایان رسانم. ضمناً در کنار درس فقه و اصول حوزه حدوداً ۲۰ سال است در درس تفسیر آیهٔ الله جوادی آملی شرکت می نمایم و مدت ۷ سال از درس خارج فقه ایشان نیز بهره جسته ام.

در سال ۱۳۷۶ وارد دوره تخصصی فقه شده و پس از ۴ سال آن را به پایان رساندم. ضمناً در زمینه های حدیث، رجال، فلسفه و عرفان بصورت ناپیوسته آموزش دیده ام. در سالهای ۸۰ الی ۸۳ توفیق تدریس فقه را در مدرسه صدوقی فاز ۴ داشتم و قبل از آن کتاب منطق مظفر را دو دوره تدریس نمودم.

نام اسا تید اصلی در حوزه:

۱. جوادی آملی/ تفسیر/ قرآن/ ۲۰ سال

۲. جوادی آملی/ خارج فقه/ مکاسب/ ۷ سال

۳. فاضل/ خارج فقه/ حج/ ۶ سال

۴. نوری همدانی/ خارج فقه/ مسائل مستحدثه/ ۴ سال

۵. سبحانی/ خارج اصول/ خارج کفایه/ ۶ سال

۶. مکارم/ فقه و اصول/ طهارت/ ۲ سال

۷. محقق داماد/ مکاسب بیع/ ۴ سال

۸. اعتمادی/ اصول/ کفایتین/ ۲ سال

اشرفی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی معروف به حاج شیخ آقا بزرگ اشرفی بن العالم الجلیل الشیخ علینقی بن الفاضل البارع شیخ محمدعلی بن العالم الکامل حاج ملا عباس شاهرودی از مجتهدین عالیمقام و شخصیت‌های برجسته علمی معاصر مقیم شاهرود بودند.

معظم له در سال ۱۳۰۷ ق در دهکده (پرو) به دنیا آمده و در کودکی پدر را از دست داده و پس از تحصیل مقدمات و ادبیات در سال ۱۳۲۸ ق برای کسب فیض و کمال رهسپار مشهد مقدس گردیده و از محضر اساتید و شخصیتهای برجسته‌ای ماند آیت‌اللَّه حاج آقا حسین قمی و حاج میرزا محمد آقازاده کفائی و اساتید بزرگ بهره‌مند شده و به مراتب علمیه‌ای نائل گشته.

به طوری که مشار بالبنان و به تدریس فقه و اصول پرداخته و حوزه درسش مجمع فضلاء و طلاب گردیده تا در سال ۱۳۴۰ قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر اساتین علم چون مرحوم آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه محقق حاج میرزا حسین نائینی و آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی استفاده کامل نموده و مبانی علمی و استقامت رأی و خوش‌فکری او مورد اعجاب حضرات آیات واقع شده و در مقام شهادت درباره مقام علمی ایشان مرحوم آیت‌اللَّه نائینی در تاریخ ذی‌حجه ۱۳۴۹ ق چنین مرقوم دارند.

(جناب العالم العامل والفاضل الکامل صاحب الفکرهٔ القویه والسلیقهٔ المستقیمه عمدهٔ المجتهدین العظام المؤید المسدد التقی الزکی الشیخ آقا بزرگ الاشرفی الشاهرودی ادام اللَّه تعالی تأییده و افضاله... ادرک مناه و نال مبتغاه فهو بحمداللَّه تعالی من المجتهدین المبرزین العظام و له العمل بما استنبطه و یستنبطه من الاحکام...)

و مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی چنین مرقوم فرمودند (جناب العالم الفاضل التقی قدوهٔ الانام رکن الاسلام آقا بزرگ الشاهرودی قد هاجر الی النجف الاشرف لتحصیل العلوم الشرعیه فنال بحمداللّه و منه ما هو فوق المراد و فاز الملکهٔ القدسیهٔ و صار بحمداللّه مجتهدا ذکیا صفیا یحرم علیه التقلید و وجب علیه العمل بما استقر به رأیه).

پس آن بزرگوار با دریافت اجازات اجتهاد در سال ۱۳۵۳ قمری بواسطه کسالت و معالجه به ایران برگشته.

و پس از چند ماهی توقف در شاهرود به مشهد مقدس مسافرت و علماء و فضلاء حوزه مشهد تقاضای اقامت و تشکیل حوزه درس نموده.

و ایشان هم برای مدتی اجابت و شروع به تدریس و افاضل خراسان مانند علامه وحیدی خراسانی و علامه شاهرودی و دیگران از محضر و درسش کسب فیض نموده و در اثر پیش‌آمد حادثه مسجد گوهرشاد ناچار به مراجعت به شاهرود و به اقامه جماعت و تدریس و رتق و فتق امور شرعی و اداره حوزه علمیه شاهرود گردیده تا در روز جمعه دوم شوال‌المکرم ۱۳۹۴ قمری که در اثر سکته قلبی بدرود حیات گفته و مردم شاهرود و حوزه‌های علمی قم و نجف و مشهد را قرین سوک و ماتم خود نمودند.

آثار علمی مغفور له از اینقرار است.

۱- دوره کامل تقریرات مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی ۲- دوره کامل تقریرات نائینی قدس سره ۳- الروائع الفقهیه که سه جلد آن بطبع رسیده است ۴- رسالهٔ فی التقیهٔ والعدالهٔ وارث الزوجه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

اشرفی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی بن المرحوم العلامهٔ الحاج الشیخ آقا بزرگ اشرفی مذکور از فضلاء معاصر شاهرودی مقیم نجف اشرف است.

وی در حدود ۱۳۴۸ قمری در نجف اشرف متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و در سن پنجاه سالگی در معیت والد ماجدش به ایران آمده و در شاهرود به خواندن فارسی و مقدمات پرداخته و پس از فراگرفتن ادبیات و قسمتی از سطوح از والد ماجدش و دیگران به مشهد مقدس عزیمت و از محضر مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا هاشم قزوینی و آیت‌اللّه دامغانی و دیگران بهره‌مند شده و برای تکمیل مبانی علم با اجازه والد بزرگوارش به نجف اشرف مهاجرت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا باقر زنجانی و آیت‌اللّه حاج شیخ حسین حلی و آیت‌اللّه العظمی شاهرودی استفاده کامل نموده و تا حال حاضر در آنجا مقیم و به تدریس و استفاده از محضر آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله موفق می‌باشند.

از آثار ایشانست تصحیح و تعلیقات کتاب (الروائع الفقهیه) والدش که در سه مجلد بطبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

اشعری قمی، ابوجعفر احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سوم ق)، عالم و فقیه امامی. از فرزندان جماهر بن اشعر بود که در قم می‌زیست. از اصحاب امام رضا (ع) و امام جواد (ع) و امام هادی (ع) است، و درک فیض محضر آنان را نموده است. شیخ طوسی او را محدثی ثقه خوانده است. وی شیخ قمیون و فقیه برجسته آنان به حساب می‌آمد. حاکم قم در امور شهری همواره جویای نظر و رای او بود. از آثارش: کتاب «التوحید»؛ کتاب «فضل النبی (ص)»؛ کتاب «المتعه»؛ کتاب «النوادر»؛ «الاظله»؛ «الناسخ و المنسوخ»؛ «فضائل العرب». کتاب «الطب الکبیر»؛ کتاب «الطب الصغیر»؛ کتاب «المکاسب»، که این سه کتاب اخیر در «هدیه العارفین» به ابوجعفر احمد بن محمد بن حسین بن حسن بن عیسی قمی (م ۳۵۰ ق) نسبت داده شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۴۶ -۱۴۴ /۳)، الذریعه (۲۷۵، ۲۶۱ /۱۶، ۴۷۷ /۴)، رجال ابن‌داود (قسم ۴۳ /۱)، رجال الطوسی (۳۹۷ ،۳۶۶)، رجال النجاشی (۲۱۸ -۲۱۶ /۱)، ریحانه (۱۳۰ /۱)، الفهرست لابن الندیم (۳۱۲)، الفهرست للطوسی (۴۷ -۴۶)، لسان المیزان (۳۹۳ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ اشعری)، معجم رجال الحدیث (۳۱۸ -۳۱۷، ۳۱۷ -۲۹۵ /۲)، معجم المؤلفین (۱۴۲ /۲)، هدیه العارفین (۶۳ /۱).

اشعری، عبدالحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسین اشعری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در شرائطی که سالهای ۱۳۳۶ تحصیلات ابتدائی و ششم را به اتمام رساندم ۲ سال هم تا کلاس ۸ دبیرستان را شبانه خواندم ولی مشکلات مادی خانواده مرا به بازار و شاگردی و شغل آزاد کشانید و در کنارش با تشویق پدر دروس حوزوی را از نصاب الصبیان و جامع المقدمات آغاز کردم و در حالی که هنوز وارد حوزه نشده بودم، بالاخره با ادامه دروس مقدماتی حوزه در مسجد امام حسن عسگری (ع) و مسجد بالاسر در حالی که تازه ازدواج کرده بودم.

در اوایل سال ۱۳۵۰ قدم به حوزه علمیه گذاشتم و ادامه تحصیل با شرکت در دروس حوزوی سیوطی آقای فشارکی در مسجد امام و شرکت در تفسیر آقای مشکینی و حاشیه ملاعبدالله و بالاخره در درس مغنی و مختصر اساتید بزرگ حوزه و لمعتین و رسائل و مکاسب و کفایه و فراموش نمی کنم که در اولین سالهای شرکت در درس خارج گلپایگانی مباحث فقهی امام خمینی (رضوان الله) در مسجد اعظم و آیات عظام گلپایگانی و گاهی درس خارج آقای منتظری هم می رفتم و حتی در امتحانات سراسری که از طرف آیت الله گلپایگانی و آیت الله شریعتمداری انجام می شد با رتبه بالا و قبولی در رتبه سوم کتبی و شفاهی حضور پیدا کردم.

در حاشیه مباحث حوزوی از شرکت در همه صحنه های انقلاب کوتاهی نکردم بخصوص در سرودن اشعار حماسی چه در تقویت بنیه شعری مداحان و چه در پرشور کردن نوحه سرائی برای محرم و صفر و دسته جات و هیات که از استثنایی ترین سروده های شعر که جنبه حماسی و انقلابی داشت بصورت جزوه هایی چاپ شد، بنام نهضت کربلا و از عاشورا تا عاشوراها و سرودهای اسلامی و فلسطین کلاس انقلاب در اولین سالهای پیروزی چاپ شد و با تشویق بعضی از ناشران مانند آقای مصطفی زمانی و آقای حق جو به ترجمه دیوان حضرت علی (ع) در ۴۰۰۰ شعر و تألیف بعضی از کتب تاریخی و مراثی مانند: ۷۲ مجلس در عزای مظلوم و فاطمه زهرا (س) از دیدگاه قرآن و عترت و آموزش جوان و چاپ اشعار دوران بحرانی انقلاب و دفاع مقدس بنام شعر مسئول و شهید در آغوش مهدی، بسوی کربلا، شهید و شهادت و در ادامه ترجمه بعضی از دعاهای معروف که بیشتر در جلسات عمومی خوانده می شود اقدام کردم از قبیل ترجمه منظوم دعای کمیل و دعای ندبه و زیارت عاشورا و دعای توسل و زیارت ناحیه در حالی که به ترجمه منظوم نهج البلاغه حضرت علی (ع) در حاشیه درسهای حوزوی که درس فقه آقای مکارم و درس تفسیر آقای جوادی آملی کوشا بودم و هستم.

سرانجام آخرین سروده های منظوم که به پایان رساندم ترجمه منظوم قرآن مجید ولی متأسفانه موفق به چاپ سروده های نظمی نهج البلاغه و قرآن نشدم ضمناً با شرکت در هیات مذهبی مثل مجله مجمع عاشقان محسن علیه السلام با این مجمع در تألیف جزوه های فصلی و ماهانه این هیئت همراهی کردم و بیش از ده مورد مقالات و جزوه ها به چاپ رسانده شد و خلاصه در نیمه مناسبتهای دوره های سال حداقل چند شعری می سرودم و درباره اهل بیت علیهم السلام و مناسبتهای ارگانها و نهادها و شخصیتهای مذهبی و علما و مراجع و شخصیتهای رزمی و حماسی سروده های چاپ نشده دارم.

ممکن است سوال کنید که چرا در ارگانها و نهادهای مذهبی و انقلابی حضور فرهنگی و اجتماعی نداشم که شاید عمده چیزی که مانع بود و این توفیق را از من سلب کرد، فرزند مریضی بود که بیماری مادر زادی داشت و تا سن ۲۵ سالگی که فوت کرد خودم در کنار مادرش به سرپرستی او و جابجائی کردن و حتی حدود ۱۶ سال بود که هرگز از جا حرکت نمی کرد و خودم او را می خواباندم و برای قضاء حاجت بغل می کردم و... و ۲۵ سال بحرانی ترین دوره زندگی اینجانب به مساعدت و کمک و سرپرستی از این فرزند گذاشت ولی سر انجام حدود ۱۰ سال قبل این امانت الهی را خداوند از من گرفت و در خاتمه با کمال عذر خواهی از آنجایی که «تزکیهٔ المرء لنفسه قبیح» ولی از طرفی هم خداوند می فرماید: «و اما بنعمه ربک فحدث» به این مختصر بسنده می کنم خداوند شما و این حقیر را در انجام تکالیف موفق گرداند.

اشعری، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام و المسلمین آقای میرزا علی‌اصغر بن میرزا محمدعلی بن آخوند ملامحمد طاهر بن حاج ملا عبدالله بن حاج ملامحمد باقر اشعری قمی از علماء معروف به دانش و تقوای حوزه علمیه و شهرستان دینی قم و خانواده اشعرین قم که ترجمه آنان در جلد اول گذشت می‌باشد. آن جناب از طرف مادر به سادات برقعی منسوبند.

در سال ۱۳۱۸ ق در قم متولد شده و تا سنه ۱۳۴۰ ق اشتغال به تحصیل داشته و سطوح را نزد مرحوم آیت‌الله حاج شیخ ابوالقاسم کبیر و مرحوم حاج شیخ حسن فاضل خوانده و در سال مزبور به اراک مسافرت و پس از چند ماهی به تبعیت آیت‌الله حایری به قم مراجعت و تا آخر عمر معظم‌له استفاده برده و هم سالها به درس زعیم اعظم آیت‌الله بروجردی حاضر شده و ضمنا تدریس فقه و اصول را هم می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اشعری، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین فرزند عالم ربانی حاج شیخ علی‌اصغر فرزند محمدعلی فرزند آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدطاهر اشعری قمی از چهره‌های درخشان و ستارگان فروزان حوزه علمیه قم می‌باشند. ایشان پانزده ربیع‌الثانی در سال ۱۳۶۰ هجری قمری برابر سی‌ام اردیبهشت ۱۳۲۰ شمسی در شهرستان علمی (یا شهر خون و قیام) قم به دنیا آمده و در بیت علم و دانش پرورش یافته و اولیات و ادبیات را در خدمت پدر بزرگوارش که ترجمه‌اش در معجم‌القبور در مدفونین مسجد طباطبائی مذکور است آموخته و سطوح متوسطه و نهائی مکاسب و رسائل و کفایه را از مدرسین حوزه چون آقای ستوده و خزعلی و سلطانی و منتظری به پایان رسانیده و در سال ۱۳۴۱ شمسی در درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه محقق داماد و امام راحل آیت‌اللَّه خمینی و آیت‌اللَّه گلپایگانی و آیت‌اللَّه حاج آقا حسن فرید اراکی و آیت‌اللَّه آملی و آیت‌اللَّه حاج شیخ مرتضی حایری و آیت‌اللَّه اراکی حاضر و شرکت نموده و از نامبردگان استفاده کامل کرده و خود به تدریس سطوح فقه و اصول و مباحثه با اقران خود اشتغال داشته تا در انقلاب جمهوری اسلامی بنا بر دعوت امام راحل به مدت یازده سال مسئولیت بهداری قم را به عهده گرفته و خدمات شایانی به مستمندان و مستضعفین قم نموده و برای خود هزاران دعاگو گذارده است و این نگارنده خود شاهد خدمات خالصانه ایشان بوده و جدا معظم‌له از افراد کم‌نظیر حوزه علمیه است و جدا به محامد و آداب و محاسن اخلاق موصوف است.

آثار باقیه آقای اشعری

۱- توسعه و گسترش مرکز بهداشتی و درمانی قم به مساحت یکصد و پنجاه هزار متر مربع فضاء بهداشتی درمانی و مسکونی به صورت خانه‌های بهداشت در روستاها.

۲- درمانگاه در شهر قم و روستاهای قم و ساوه و اراک.

۳- بیمارستان در شهر قم و روستاهای ساوه.

۴- هشت عدد دبستان و دبیرستان بیست کلاسه.

۵- خانه مسکونی و سازمانی برای کارمندان بهداری قم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

اشک قزوینی، میرزا اسدبیک، فرزند خواجه محمدمراد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. ملقب به پیشروخان. از بزرگ‌زادگان قزوین بود. در ابتدای جوانی به هرات رفت و در آنجا منشی خواجه افضل که خود وزیر علیقلی‌خان شاملو بود، شد. بعد از مدتی به هندوستان رفت و در آنجا از ملازمان خاص شیخ ابوالفضل شد. در هند به اسد شیخ ابوالفضلی مشهور شد. مدتی در خدمت شاه نورالدین محمد جهانگیر بود. «دیوانی» از وی به جا مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۶۷)، تذکره‌ی روز روشن (۵۴)، تذکره‌ی میخانه (۷۵۷ -۷۴۸)، الذریعه (۷۱ /۹)، کاروان هند (۵۱ -۴۵ /۱)، مینو در (۳۹۵ /۲)، هفت اقلیم (۱۸۳ -۱۸۱ /۳).

اشکان، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر سیدمحمد اشکان در سال ۱۳۲۱در یزد بدنیا آمد. تحصیلات دانشگاهی را در رشته گیاه پزشکی به صورت کارشناسی ارشد پیوسته در دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران آغاز کرد و در سال ۱۳۴۱ موفق به اخذ مدرك فوق شد. او در سال ۱۳۵۸ دکترای کشاورزی رشته بیماری‌شناسی گیاهی را از دانشگاه مذکور دریافت نمود. ایشان عضو هیئت علمی و رئیس دانشکده کشاورزی و سرپرست بخش گیاه پزشکی دانشگاه ولی عصر رفسنجان بود که در اواخر سال ۱۳۷۵ بازنشسته شد. ولی استاد از فعالیت‌های خود دست برنداشت و همکاری خود را با دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین از سر گرفت که تا کنون نیز ادامه دارد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیگرایش : بیماری‌شناسی گیاهیوالدین و انساب : پدر سیدمحمد اشکان، سیدابراهیم زاده روستای غرآباد (واقع در شش فرسخی یزد) است. او نزد استاد علی‌اکبر (دایی او) به شاگردی بنایی و معماری پرداخت بطوری‌که خود استادکار و معمار ماهری در یزد بود و تا آخر عمر خود چندین آب انبار، حسینیه و مسجد را تجدید بنا و یا بازسازی کرده بود. مادر سیدمحمد، همروستایی پدرش و خانه‌دار است.خاطرات کودکی : «تحصیلات شش ساله ابتدایی در دبستان مدیر طاهری یزد در شرف اتمام بود، برای فراغت از مدرسه ابتدایی و صدور گواهینامه پایان تحصیلات ابتدایی نیاز به چند قطعه عکس بود، عکاس را با آن دوربین صندوقچه ای که پرده سیاه و سه پایه بلندی به همراه داشت به صحن مدرسه می‌آوردند و از دانش‌آموزان عکس می‌گرفتند. دستور این بود که عکس با کت گرفته شود، بیشتر بچه‌های کلاس کت نداشتند. من کت یکی از دانش‌آموزان

همکلاسی را گرفتم و عکس انداختم. عکس بسیار شیکی شده بود. یک نسخه از آن عکس هنوز به تصدیق کلاس ششم ابتدایی من الصاق و به مهر اداره فرهنگ یزد و به ریاست مرحوم معصوم‌خانی ممهور است.»اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : سیدمحمد اشکان در خانواده‌ای با شرایط مالی متوسط بدنیا آمد. پدر خانواده به شغل بنایی اشتغال داشت.تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی سیدمحمد اشکان به ترتیب زیر است: – شش سال تحصیل مقطع ابتدایی در دبستان مدیر طاهری و پنج سال از شش سال تحصیلات دوره متوسطه در یزد – سال ششم دبیرستان در دبیرستان دارالفنون تهران – کارشناسی ارشد پیوسته در رشته گیاه پزشکی از دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۱ – دیپلم زبان انگلیسی از کانون زبان ایران (انجمن ایران و آمریکای سابق) در سال ۱۳۴۵ – دیپلم زبان آلمانی از انستیتوی گوته، گرافینگ آلمان غربی در سال ۱۳۴۷ – دکترای کشاورزی در رشته بیماری شناسی گیاهی از دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۸ دوره‌های تحصیلی و کارآموزی: – دوره بازآموزی در زمینه بیماریهای گیاهی و قارچ‌شناسی در BBA آلمان، بمدت یکسال در سال ۱۳۴۸ – دوره تخصصی در زمینه بیماریهای درختان میوه در انستیتوی تحقیقات بیماریهای درختان میوه هایدلبرگ آلمان غربی بمدت سه ماه در سال ۱۳۵۴فعالیتهای ضمن تحصیل : سیدمحمد اشکان پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد رشته گیاه پزشکی در سال ۱۳۴۱، در موسسه تحقیقات آفات و بیماریهای گیاهی که اکنون به موسسه تحقیقات گیاه پزشکی کشور تغییر نام داده است، تا اواخر سال ۱۳۷۲ به فعالیت پرداخت. او عضو انجمن اسلامی بود و به ورزش‌هایی همچون بدنسازی علاقمند بود.استادان و مربیان : سیدمحمد اشکان از دوران تحصیل در دارالفنون تهران سه دبیر خود را بیاد دارد، صدیق اسفندیاری (فارسی)، موسی آذر نوش (ریاضیات) و فریدون کوشا(شیمی). در دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران، دکتر مهدوی اردبیلی، انتظام، عطایی، دواچی و منوچهری از جمله اساتید وی بودند که در زندگی علمی سیدمحمد اشکان تاثیر بسزایی داشته‌اند.همسر و فرزندان : سیدمحمد اشکان متاهل و دارای همسر و سه فرزند می‌باشد. فرزند اول، پریسا (کارشناسی ارشد مشاوره خانواده– خانه‌دار)، فرزند دوم، علی (کارشناسی رشته الکترونیک) و فرزند آخر، میترا، در حال تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد رشته مدیریت سیستم و بهره‌وری می‌باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق خدمت در زمینه تحقیق و تدریس سیدمحمد اشکان به قرار زیر است: – از بهمن ماه سال ۱۳۴۱ در معاونت وزارت کشاورزی، موسسه بررسی آفات و بیماریهای گیاهی مشغول به کار شد. از آن تاریخ تا خرداد ماه سال ۱۳۷۴ در آن موسسه مشغول پژوهش بود، یکسال مسئولیت معاونت و یک و نیم سال هم ریاست آن موسسه را برعهده داشت. – از خرداد سال ۱۳۷۴ به دانشگاه ولی عصر رفسنجان وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی منتقل و به عنوان عضو هیئت علمی، رئیس دانشکده کشاورزی و سرپرست بخش گیاه پزشکی مشغول کار و اواخر سال ۱۳۷۵ بازنشسته شد. – از مهر ماه سال ۱۳۷۷ تا کنون عضو هیئت علمی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین است و از بهمن ماه سال ۱۳۷۹ مدیریت گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی آن دانشگاه به وی تفویض شده است. – از سال ۱۳۷۲ تا کنون در اجرای طرحهای تحقیقاتی گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران همکاری دارد. عضویت در انجمن‌های علمی و برنامه‌های انتشاراتی: – عضو و یکی از بنیانگذاران انجمن کارشناسان بیماریهای گیاهی ایران – عضو و دبیر هیئت تحریریه نشریه بیماریهای گیاهی از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۷ – سردبیر مجله علمی– پژوهشی «بیماریهای گیاهی» بمدت ۱۸ سال – عضو هیئت تحریریه نشریه سازمان حفظ نباتات از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۰ – عضو کمیته کشاورزی جهاد سازندگی شمیران از سال ۱۳۵۸ بمدت سه سال – عضو کمیته برنامه‌ریزی تحقیقات و آموزش کشاورزی در سال ۱۳۵۸ – عضو کمیته فنی و طرحهای تحقیقاتی موسسه بررسی آفات از سال ۱۳۶۰ بمدت ۶ سال – عضو شورای انتشارات موسسه بررسی آفات از سال ۱۳۶۰ بمدت ۴ سال – عضو کمیته مشورتی ارتقاء گروه محققان موسسه بررسی آفات در سال ۱۳۵۸ – عضو کمیته برنامه ریزی ۵ ساله تحقیقات کشاورزی در سال ۱۳۶۷ – عضو کمیته بررسی کنندگان مقالات هشتمین تا آخر سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران – عضو کمیته ارتقاء پایه و مرتبه علمی اعضای هیئت علمی سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی به مدت دو سال – عضو هیئت مدیریه انجمن بیماری‌شناسی گیاهی ایران از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۷۹فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریس و فعالیت‌های آموزشی سیدمحمد اشکان در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی به قرار زیر است: – تدریس بیماری شناسی گیاهی و بیماریهای درختان میوه در دانشگاه تبریز در سال تحصیلی ۴- ۱۳۵۳ – تدریس بیماری شناسی گیاهی در دانشکده کشاورزی زنجان در سال تحصیلی ۱۳۵۸–۱۳۵۹ – تدریس بیماریهای گیاهی، بیماریهای درختان میوه، قارچ شناسی و قارچ کشها در دانشگاه ولی عصر رفسنجان در سال ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ – تدریس بیماریهای درختان میوه برای کارشناسان باغبانی بنیاد مستضعفان در سال ۱۳۵۸ – تدریس بیماریهای گیاهی و قارچ شناسی در دانشکده کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین از سال ۱۳۷۷ تا کنون – تدریس بیماریهای مهم درختان میوه در دانشکده کشاورزی دانشگاه ازاد اسلامی واحد ورامین از سال ۱۳۷۸ تا کنونمراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سیدمحمد اشکان یکی از بنیانگذاران انجمن کارشناسان بیماریهای گیاهی ایران است. از دیگر مراکزی که وی از بانیان آن می‌باشد می‌توان به انجمن بیماری‌شناسی گیاهی ایران، آزمایشگاه بیماری‌های درختان میوه در موسسه تحقیقات گیاه پزشکی کشور، آزمایشگاه قارچ‌شناسی در دانشکده کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین– پیشوا اشاره کرد.جوائز و نشانها : تشویقات و تقدیرات سیدمحمد اشکان به سبب انجام وظایف تحقیقی و تخصصی: – تشویق بخاطر ابراز لیاقت در اجرای طرحهای تحقیقاتی به وسیله رئیس وقت موسسه در سال ۱۳۴۶ – تقدیر بخاطر ابراز علاقه و همکاری ارزنده در تهیه و تدوین طرح جامع تحقیقات کشاورزی به وسیله معاون وقت وزیر در امور تحقیقاتی و آموزشی، آقای دکتر یزدی صمدی در سال ۱۳۶۰ – تقدیر بخاطر تصدی سرپرستی موسسه بررسی آفات توسط وزیر کشاورزی در سال ۱۳۶۳ – تقدیر به دلیل فعالیتهای ثمربخش در کمیسیون هماهنگی توسط معاون وزیر در امور تحقیقاتی و آموزشی، آقای دکتر توفیقی سه مرتبه در سالهای ۱۳۶۵،۱۳۶۶ و ۱۳۶۸ – تقدیر به سبب کوشش یک دوره سه ساله در کمیته فنی موسسه به وسیله رئیس وقت موسسه در سال ۱۳۶۷ – تقدیر بخاطر همکاری در تهیه و تدوین برنامه پنج ساله تحقیقات کشاورزی به وسیله معاون وزیر در امور تحقیقات، آقای دکتر توفیقی و نیز وزیر کشاورزی در سال ۱۳۶۸چگونگی عرضه آثار : – تعداد ۲۰ طرح پژوهشی به عنوان همکار و مجری – گزارش‌های علمی هفت فقره – خلاصه مقالات ارائه شده در کنگره ها، ۱۴ فقره – مقالات علمی، پژوهشی، ۲۶ فقره –

جزوه‌های درسی، ۷ فقره – کتب علمی منتشر شده،۷ عنوان تصحیح و ویراستاری کتاب، ۱۱ موردآثار : بیماریهای تا ویژگی اثر : ترجمه، ۳۴۴ ص، مرکز نشر دانشگاهی– ۱۳۷۴۲ بیماریهای توت فرنگی ویژگی اثر : ترجمه با همکاری زهرا زکیئی، ۳۹۶ ص، مرکز نشر دانشگاهی در سال ۱۳۸۴۳ بیماریهای درختان سیب و گلابی ویژگی اثر : ترجمه،۳۹۲ص، مرکز دانشگاهی ۱۳۷۸۴ بیماریهای درختان میوه هسته دار ویژگی اثر : ترجمه، ۳۵۶ ص، مرکز نشر دانشگاهی در سال ۱۳۸۱۵ بیماریهای مرکبات ویژگی اثر : ترجمه با همکاری زهرا زکیئی، ۳۷۶ ص، مرکز نشر دانشگاهی در سال ۱۳۸۶۶ بیماریهای مهم درختان میوه در ایران ویژگی اثر : تالیف،۴۷۲ص، آییژ در سال ۱۳۸۵۷ فرهنگ اصطلاحات آبیاری ویژگی اثر : تصحیح و ویراستاری – انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم ۱۳۷۸۸ فرهنگ اصطلاحات بیماری شناسی گیاهی ویژگی اثر : تصحیح و ویراستاری – انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم ۱۳۷۸۹ فرهنگ اصطلاحات ترویج و آموزش کشاورزی ویژگی اثر : تصحیح و ویراستاری – انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم ۱۳۷۹۱۰ فرهنگ اصطلاحات جنگل و محیط زیست ویژگی اثر : تصحیح و ویراستاری – انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم ۱۳۸۱۱۱ فرهنگ اصطلاحات حشره شناسی کشاورزی ویژگی اثر : تصحیح و ویراستاری – انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم ۱۳۸۰۱۲ فرهنگ اصطلاحات زراعت و اصلاح نباتات ویژگی اثر : تصحیح و ویراستاری – انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم ۱۳۷۸۱۳ فرهنگ اصطلاحات علوم باغبانی ویژگی اثر : تصحیح و ویراستاری – انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم ۱۳۷۸۱۴ فرهنگ اصطلاحات علوم دامی ویژگی اثر : تصحیح و ویراستاری – انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم ۱۳۷۹۱۵ فرهنگ اصطلاحات علوم و صنایع غذایی ویژگی اثر : تصحیح و ویراستاری – انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم ۱۳۷۹۱۶ فرهنگ اصطلاحات ماشینهای کشاورزی ویژگی اثر : تصحیح و ویراستاری – انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم ۱۳۷۹۱۷ فرهنگ اصطلاحات مرتع و آبخیزداری ویژگی اثر : تصحیح و ویراستاری – انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم ۱۳۸۰۱۸ قارچ شناسی مقدماتی ویژگی اثر : تالیف، ۲۳۱ ص، آییژ (کتابیران) در سالهای ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com

اشکوری گیلانی، عبدالسلام

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، خطاط. از مشاهیر خوشنویسان زمان سلطان حسین بایقرا و در طرز و روش خود ممتاز بود. از آثار او: قرآن مذهب نیم‌ربعی، نسخ کتابت خفی خوش، با رقم: «... عبدالسلام بن محمد امین گیلانی الاشکوری السلکوئی فی عام الف...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۰۲ / ۴).

اشکوری، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۵ –۱۳۲۲ ق)، فقیه اصولی امامی. در جوانی به اتفاق برادرانش سید جعفر و سید مرتضی به نجف رفت و در محضر استادانی چون میرزای و میرزا حبیب‌الله رشتی حاضر شد. سپس خود مقام مرجعیت یافت و به تربیت شاگردان پرداخت. در اواخر عمر به بیماری دماغی مبتلا شد و دچار نسیان گشت و از مقلدان خود خواست که فتاوی وی را به کار نبندند و از مجتهد دیگری تقلید کنند. در نجف درگذشت و همان جا دفن شد. آثار وی: «بغیه الطالب فی حاشیه المکاسب» که شرح «مکاسب» شیخ مرتضی انصاری است؛ «جواهر العقول فی شرح فرائد الاصول» که شرح «رسائل» شیخ مرتضی انصاری است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۱۶ /۲)، الذریعه (۲۷۲ /۵، ۱۳۳ /۳)، ریحانه (۱۳۵ –۱۳۴ /۱)، علماء معاصرین (۸۶)، لغت‌نامه (ذیل/ اشکوری)، معجم المؤلفین (۱۲۵ /۸).

اشکوری، اسدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسدالله اشکوری لنگرودی از علماء و ائمه جماعت معاصر لنگرود بودند. تولد ایشان در منطقه اشکور واقع شده و پس از پرورش و خواندن ادبیات و قسمتی از سطوح به قم مهاجرت و سطوح عالی را به پایان رسانیده آنگاه به درس خارج مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله العظمی بروجردی رضوان‌الله تعالی علیهم شرکت و استفاده نموده و پس از فوت مرحوم عمو و ابوالزوجه‌اش آیت‌الله حاج سید موسی اشکوری به لنگرود برگشته و به اقامه جماعت و خدمات دینی پرداخته تا در سال ۱۳۹۲ ق که به رحمت حق پیوسته و جنازه‌اش حمل به قم و در این زمین پاک مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

اشکوری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۹ ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. در اشکور گیلان به دنیا آمد. پس از فراگیری خواندن و نوشتن و یادگیری قرآن، در چهارده سالگی به قزوین رفت و مقدمات علوم متداوله را نزد فضلای مدرسین مدرسه‌ی صالحیه آموخت. فقه و اصول را نزد سید علی قزوینی- صاحب حاشیه بر «قوانین» و «معالم»- و حکمت و فلسفه را از میرزا عبدالوهاب برغانی فراگرفت. سپس به نجف رفت و مدارج عالی اجتهاد را در حوزه‌ی درس میرزا حبیب‌الله رشتی و شیخ عبدالله مازندرانی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و سید کاظم یزدی و شیخ محمد حسن ممقانی پیمود. و آن‌گاه به تدریس پرداخت. جمعی از طلاب در حوزه‌ی درس وی تربیت شدند. پس از فوت برادرش سید اسدالله اشکوری در سال ۱۳۳۳ ق به جای وی، در حرم حضرت امیرالمومنین (ع) به امامت پرداخت. در کاظمین درگذشت و در صحن علوی دفن شد. از آثارش: «الادله العقلیه»؛ حاشیه بر «رسائل و مکاسب» شیخ مرتضی انصاری؛ حاشیه بر «کفایه‌ی» آخوند خراسانی؛ «القضاء و الصوم و البیع»؛ «مباحث الالفاظ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۵۸ /۵)، ریحانه (۱۳۵ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ اشکوری).

اشکوری، عبدالصمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از خوشنویسان نستعلیق و شکسته است. از آثار وی: قطعه‌ای به قلم نیم دو دانگ خوش، با رقم: «کتبه عبدالصمد ۱۲۸۷»؛ دو قطعه به قلم دو دانگ و کتابت نستعلیق و شکسته‌ی خوش، با رقم: «عبدالصمد» و «کمترین بندگان عبدالصمد اشکوری، مسوده نمود، ۱۲۷۴»؛ یک نسخه «هدایه الطالبین» حاج ملا هادی سبزواری، به قلم کتابت عالی و نسخ خوش، با رقم: «... عبدالصمد ابن مرحوم جعفر قلی اشکوری جیلانی... در ماه رجب هزار و دویست و هفتاد و هفت هجری بپایان رسید...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۰۱ / ۲).

اشکوری، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید موسی اشکوری موسوی از علماء بزرگ گیلان و مقیم شهرستان لنگرود و از شاگردان مبرز مرحومین علمین آیتین آقای آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و آقای آقا سید محمدکاظم یزدی و دیگران بوده و در لنگرود و حومه آن مرجعیت تامه و عامه داشتند و در حدود سال ۱۳۷۰ قمری وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

اشگوری، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی حسینی اشگوری از علماء اعلام معاصر تهران است.

وی در حدود سال ۱۳۳۴ ق متولد شده و در مهد علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات و ادبیات را از مدرسین نجف آموخته و پس از تکمیل متون فقه و اصول از محضر آیات عظام و مراجع اعلام چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه آقای حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌اللّه العظمی خوئی و مرحوم آیت‌اللّه میرزا ابوالحسن مشگینی و آیهٔ‌اللّه کمپانی اصفهانی و دیگران استفاده نموده و بعد به ایران مهاجرات و در تهران رحل اقامت افکنده و تاکنون در مسجد حاج محمد اسمعیل حوری واقع در کوچه مشاور تهران به اقامه جماعت و گفتن تفسیر قرآن و ترویج دین و تبلیغ احکام و خدمات دیگر اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب آقای اشگوری عالمی متین و دانشمندی جلیل و بزرگوار و موصوف بفضل و تقوا و مورد توجه مردم تهران و بالاخص خیابان خراسان و غیره میباشد.

فرزند ارجمندش جناب حجه‌الاسلام آقای آقا سید ضیاءالدین اشگوری از افاضل حوزه علمیه قم میباشد. وی تولدش در نجف واقع شده و در خدمت والد به تهران و پس از خواندن اولیات به قم مهاجرت و ادبیات و سطوح را از مدرسین حوزه خوانده و سالها از

محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و دیگران استفاده نموده و دراسات برخی از آنان را برشته تحریر درآورده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

اشنی قودجانی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد حسین اشنی

وی فرزند حاج ملاّ محمّد قودجانی است که در حدود سال ۱۲۸۵ ق. در قودجان گلپایگان دیده به جهان گشود. شیخ محمّدحسین که آوازه ی حوزه ی علمی اصفهان و پیشینه ی کهن آن را بارها شنیده بود راهی اصفهان شد و از محضر رجال علمی و دانشمندان نـامی این شـهر بهره هـای فراوان برد. از جمله اساتیـد وی در دارالعلم اصـفهان می تـوان به حضـرات آیـات عظام: میرزا ابوالمعـالی کلباسـی، میر سیّد محمـدتقی مـدرّس ، آقـا شـیخ محمـدتقی نجفی و سیّد محمـدباقر درچه ای اشـاره کرد. مرحوم قودجانی که از دوسـتان صـمیمی و هم‌مبـاحثه ای های نزدیک آیت اللّه بروجردی و آیت اللّه ارباب بوده است، ازمحضـر آخونـد کاشـی و احتمالاً جهانگیرخـان قشـقایی نیز اسـتفاده کرده است.مرحـوم حـاج شـیخ محمدحسـین پس از اسـتفاده از محضـر فقیهـان و حکیمـان نـامی اصـفهان، راهی عتبات عالیات شد و با نظرات و دیدگاه های فقها و دانشـمندان آن دیار نیز آشـنا گشت. مرحوم آیت اللّه حاج شیخ محمدحسین قودجانی پس از بازگشت از نجف، به خواهش یار و دوست صمیمی اش زعیم اعظم مرحوم آیت اللّه بروجردی، راهی روسـتای أشن در شـمال غربی نجف آبـاد شـد تـا به تبلیغ و ترویـج احکـام آیین اسـلام بپردازد. ایشـان سالیان سال در قریه ی أشـن سکونت اختیـار نمود و از همین رو به «أشـنی» نیز شـهرت یـافت. حـاج شـیخ محمدحسـین قودجـانی پس از سال‌هـا اقامت در أشن، سرانجام در ده سال آخر عمر خود، به اصـرار برخی از علما به اصفهان بازگشت و در مدرسه درب کوشک، به تدریس خارج فقه و اصول همّت گمارد و عدّه ای از فضـلا، از محضـرش بهره مند می‌شدند. از جمله بزرگانی که به درس ایشان حاضر می شده مرحوم آیت اللّه علاّمه میر سیّد حسن مـدرّس هاشـمی اصـفهانی و فرزنـد خودشان مرحوم آیت اللّه حاج شیخ نورالـدین قودجانی أشـنی بوده‌انـد. به گفته مرحوم مـدرس درس ایشـان عمیق و تحقیقی بود و افاضل وقت در درس معظم له شـرکت می کرده انـد. آیت اللّه قودجانی، مهارت بسـزایی در فقه و اصول داشت و بعضـی از علما، وی را اعلم فقهای اصـفهان ومجتهد طراز اول شـهر می دانسـتند. مرحوم حـاج آقـا صـدر کوهپـایی به فقـاهت ایشـان معترف بود و مرحوم مـدرس، بارها، از مراتب علمی و فضایل اخلاقی آیت اللّه قودجانی سـخن می گفت و سـلامت نفس و پاکی روح او را می سـتود. حاج شیخ محمد حسین قودجانی فقیهی پرهیزکار و عالمی عابـد و زاهـد و مجتهـدی بزرگ بود و زهـد و وارسـتگی او زبـانزد همگان بود و خواص علما و بزرگان اصـفهان به وی ارادت می ورزیدنـد. به ویژه مرحوم آیت اللّه اربـاب که تقوی و خداترسـی مرحوم قودجانی و اعراض او از هوای نفسانی را بسـیار می سـتوده است. آیت اللّه قودجـانی بـا اینکه از علمـای طراز اول اصـفهان بـود و محـل عنـایت و تـوجه خـاص زعیم اعظم آیت اللّه بروجردی داشت، امّا به خاطر سال‌ها گوشه گیری و انزوا و نیز بواسطه ی اینکه امام جماعت نبود، اغلب مردم او را نمی شناختند و جز خواص، کسی با او مراوده نداشت.

حـاج شـیخ محمدحسـین قودجانی در چهارم ماه مبارک رمضان سال ۱۳۷۵ قمری جهـان فـانی را بـدرود گفت و در داخـل بقعه ی استادش میرزا ابوالمعالی کلباسی مدفون گردید.

روز وفـات ایشـان در اصـفهان غوغـایی برپـا بود و مراسم تشـییع باشـکوهی در تجلیـل از مقام شامـخ علمی و معنوی این عالم ربّانی برگزار شـد. مرحوم حاج آقا رحیم ارباب در روز وفات این دوست و یار صـمیمی‌اش، مسـجد خود را تعطیل نمود و به جمع مؤمنین تشییع کننده پیوست و نماز را بر پیکرِ ایشان خواند

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اشهری نیشابوری، جمال‌الدین شاهپور

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۰۶ / ۶۰۰ /۵۹۸ ق)، شـاعر. وی از فرزنـدان عمر خیـام و شـاگرد ظهیرالـدین فاریابی بود و در روزگار سـلطان محمـد تکش خوارزمشاه منصب انشاء داشت. در تبریز درگذشت. و در مقبرهالشعرای سرخاب جنب حکیم خاقانی دفن شد. از آثار وی:«رساله‌ی شاهفوری»، در علم استیفاء؛ «دیوان» اشعار و چند رساله‌ی دیگر در القاب و انشاء.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشـکده‌ی آذر (۶۷۳ /۲)، تاریـخ ادبیـات در ایران (۷۲۲ /۲)، تاریـخ گزیده (۷۲۵)، تذکره الشـعراء (۱۵۶ -۱۵۲)، تذکره‌ی میخانه (۴۹۸)، الذریعه (۷۹ /۹)، ریحانه (۱۳۷ /۱)، صبح گلشن (۲۶)، کوی سرخاب (۳۵۹ -۳۵۱)، لباب الالباب (۲۲۳ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/اشهری و شاهفور)، مجمع الفصحا (۲۳۵ -۲۳۴ /۱).

اصالت، اسداللّه

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسدالله اصالت

محل تولد : ساوه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۵/۱۲/۱۰

اصطخری، ابوسعید حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۲۸ -۲۲۴ ق)، فقیه عراق و قاضی. دوست و همردیف ابن‌سریج بود. مدتی قاضی قم و زمانی سرپرست امور حسبیه بغداد بود. مقتدر عباسی او را عهده‌دار منصب قضاوت سیستان کرد. سعدان بن صنر و حفص ربالی و احمد رمادی و عباس دوری از مشایخ او؛ و دارقطنی و ابن‌شاهین و محمد بن مظفر و ابن‌جندی از شاگردان وی بودند. ابواسحاق مروزی گوید که چون به بغداد رسیدم جز ابن‌سریج و ابوسعید اصطخری کسی را شایسته استادی خود ندیدم. او در بغداد درگذشت و در مقابرالدیر (مقبره معروف کرخی) دفن شد. اصطخری کتابی در قضا تألیف کرده که حاکی از سعه‌ی اندیشه و شناخت اوست و به گفته‌ی خطیب بغدادی هیچ کس تا آن زمان همانند این کتاب تألیف نکرده است. برخی از آثار وی عبارت‌اند از: «ادب القضاء» یا «ادب القاضی»، بر اساس مذهب شافعی؛ کتاب «الاقضیه»؛ «الفرائض الکبیر»؛ کتاب «الشروط و الوثاق و المحاضر و السجلات»؛ شرح «المستعمل»، در فروع فقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹۲ /۲)، تاریخ بغداد (۲۷۰ -۲۶۸ /۷)، ریحانه (۱۴۲ /۱)، سیر النبلاء (۲۵۲ -۲۵۰ /۱۵)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۳۹۲)، الفهرست لابن‌الندیم (۳۰۰)، کشف الظنون (۱۶۷۴، ۱۳۹۵، ۴۷)، الکنی و الالقاب (۳۷ -۳۶ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ اصطخری و حسن استخری)، معجم المؤلفین (۲۰۴ /۳)، نامه‌ی دانشوران (۲۵۹ -۲۵۸ /۸)، وفیات الاعیان (۷۵ -۷۴ /۲)، هدیه العارفین (۲۶۹ /۱).

اصطهباناتی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۳۹ -۱۲۵۸ ش)، فقیه و مجتهد. مشهور به میرزا آقا مجتهد. وی در اصطهبانات فارس متولد شد و تحصیلات خود را در نجف در محضر میرزا محمد تقی مجتهد شیرزای و سایر علمای نجف به پایان رساند و به اخذ اجازه‌ی اجتهاد نائل شد و مرجع تقلید گشت و در نجف اقامت گزید. برخی آثار وی عبارت است از: «حاشیه علی العروه الوثقی»؛ «ذخیره العباد»؛ «صراط النجاه»، ترجمه فارسی «وسیله النجاه»؛ «طریق النجاه»؛ «وسیله النجاه» و «مناسک».[۱]

حاج سید ابراهیم معروف بحاج سید میرزا آقا اصطهباناتی شیرازی از مراجع تقلید نجف پس از فوت مرحوم آیه‌الله العظمی اصفهانی بودند که بسیاری از مردم فارس از ایشان تقلید میکردند.

محدث محلاتی در کتاب اختران تابناک گوید وی مردی محقق مدقق متکلم (در علم کلام) فقیه و دانشمند جامع علم معقول و منقول بود او در نجف اشرف یکی از معلمین فقه و اصول حقیر بود.

بنده در نجف اشرف رسائل شیخ مرتضی انصاری رضوان‌الله علیه را در مسجد هندی نزد او خواندم بجان خودم قسم در این مدتی که من باوی معاشرت داشتی لغزشی از او ندیدم و نشنیدم. وی مردی خوش اخلاق، بخشنده خوش بیان، کثیرالعلم، باذکاوت، کشنده‌نفس، زاهد و از زخارف دنیوی بیزار بود.

بسیاری از دانشمندان و مراجع من جمله حضرت آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله نزد وی تلمذ نموده و سطوح را از وی فرا گرفته نسبت بحقیر مؤلف این گنجینه عنایتی داشت و اجازه جامعی برایم مرقوم فرمودند در نجف از دنیا رفته و در یکی از حجرات صحن مطهر مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۷ -۴۶ /۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۲ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۳۴ -۳۳ /۱).

اصطهباناتی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقا شیخ حسین بن محمد یوسف اصطهباناتی عالمی فاضل بوده و بعد از ۱۲۹۲ ق وفات نموده است. وی دارای خط زیبائی بوده و کتاب (الشواهد) عینی را بخط خود نوشته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اصطهباناتی، عبدالمولی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ عبدالمولی بن محمد باقر بن محمد علی اصطهباناتی اخباری فاضلی جلیل دارای تألیفاتی بنام: (زاد المسافرین) در طب بوده و بعد ۱۲۴۰ ق بدرود حیات گفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اصطهباناتی، علی نقی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دیگر از مدفونین در این بقعه است: شیخ علی بن محمد، معروف به شیخ علی نقی اصطهباناتی اصفهانی، عالم حکیم عارف شاعر صوفی، مؤلف «برهان المرتاضین» در بیان طریقه‌ی ذهبیه، در یک مقدمه و پنج فصل و خاتمه. نسخه به خط مؤلف در کتابخانه‌ی آستانه‌ی رضویه موجود است.

مشارالیه جانشین شیخ نجیب الدین رضا تبریزی اصفهانی بوده، و پس از فوت او، قطب سلسله‌ی ذهبیه، سید قطب الدین محمد تبریزی شده است. صاحب عنوان در سال ۱۱۲۹ وفات یافته، و در بقعه‌ی آقا رضی مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصطهباناتی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیه‌الله الشیخ محمد باقر بن عبدالمحسن بن سراج‌الدین اصطهباناتی شیرازی عالمی بزرگ و حکیمی جلیل بوده است.

در اصفهان از محضر علامه شیخ محمد باقر بن محشی (معالم) استفاده نموده و از آنجناب نائل بدریافت اجازه گردیده و مراجعت بشیراز نموده و مرجع تدریس و امور شرعی گشته و تنافری بین او و حاکم شیراز شده و از آنجا بسامرا مشرف و و در درس آیه‌الله مجدد شیرازی شرکت و پس از فوت آن بزرگوار بنجف اشرف مهاجرت و بتدریس و اقامه جماعت پرداخته تا سال ۱۳۱۹ ق که بشیراز مراجعت و مقبول عام و خاص گردیده و زعامت عامه و ریاست تامه یافته تا در انقلاب مشروطه در سال ۱۳۲۶ ق با سید احمد معین و غیره بشهادت رسیده و عالم جلیل‌القدر سید محمد شفیع کازرونی بوشهری در رثاء و ماده تاریخ فوتش سرود (تاریخ فوت الشیخ مغفوراتی).

دارای تألیفات ارزنده‌ای مانند رساله حدوث العالم و رساله مبسوطی در احکام الدین و غیره بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اصطهباناتی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین اصطهباناتی شیرازی امام جماعت حرم مطهر عسکریین (ع) بودند.

وی در سال ۱۳۱۲ قمری در اصطهبانات به دنیا آمده و برای تحصیل مهاجرت به عتبات عالیات نموده و مدتی در سامرا سطوح وسطی را خوانده و بعد به نجف مشرف و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالحسن مشکینی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی استفاده نموده و در سال ۱۳۶۸ قمری مراجعت به سامرا و تا سال ۱۳۹۱ قمری به امامت در حرم مطهر و مباحثات در مدرسه میرزاء پرداخته و در سال مزبور از طرف دولت شوم بعث مانند ده‌ها هزار نفر ایرانی دیگر اخراج به ایران و رحل اقامت در قم‌المحیه افکنده و منحصراً به جماعت و تدریس آیت‌اللّه العظمی آقای مرعشی نجفی مدظله شرکت نموده و می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

اصطهباناتی، میرزا بابا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ میرزا بابا از علماء اعلام عصر خود معاصر آیه‌الله حجه‌الاسلام مطلق آقا سید محمد باقر صاحب (مسجد سید) در اصفهان و مورد وثوق آن مرحوم بوده و تولیت ثلث یکی از ثروتمندان با او بوده که از آن منازلی خریده و وقف طلاب در محله براق نجف نموده که در این اواخر بدست مرجع عالیقدر آیه‌الله العظمی اصطهباناتی بوده و از همین ثلث مدرسه و حمامی در اصطهبانات بنا نموده که تاکنون باقی میباشد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اصغر شیرازی، علی‌اصغر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اصل وی از قهپایه بود، اما در شیراز اقامت داشت، مدتی با اصرار بسیار تصدی محال حومه‌ی شیراز را پذیرفت. ملا علی‌اصغر بر این که در علم ریاضی ماهر بود در سرودن شعر نیز توانا و با شاعران و نویسندگان روزگار خود مشاعره و مکاتبه داشت. از اوست:

بی وفا دلبر ما حرف وفا نشنیده است.

جز جفا نام دگر، نام خدا نشنیده است

عشرت و محنت ایام در آغوش هم‌اند

نغمه را هیچ کس از ناله جدا نشنیده است

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۵۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۴۴، ۳۸۶)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۸۴ -۲۸۳ /۱)، الذریعه (۷۴۹ /۹)، فرهنگ سخنوران (۶۸)، مرآت الفصاحه (۵۸ -۵۷).

اصغر شیرازی، میرعلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر و ریاضیدان. در «هفت اقلیم» درباره‌ی وی آمده است که: از حسن خلق و لطف طبع بخشی تمام داشت و در حکمت و ریاضی رایت مهارت می‌افراشت. از اوست:

زنار ز نسبت منش عار آید

تسبیح ز ننگ من به زنهار آید

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۷۴۹ /۹)، فرهنگ سخنوران (۶۸)، هفت اقلیم (۲۴۶ /۱).

اصغر مشهدی، اصغر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر. از شاعران معاصر امیر علیشیر نوایی است که در مشهد می‌زیست و گویند بسیار سفیه و بدزبان بود. در «تذکره‌ی روز روشن» او را اهل سبزوار دانسته‌اند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۵۶)، الذریعه (۷۹ /۹)، لغت‌نامه (ذیل/ اصغر)، مجالس النفائس (۱۳۸ -۱۳۷).

اصغری تبریزی، اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای زبان و ادبیات فرانسه در سال ۱۳۴۷ از دانشگاه سوربن پاریس.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه اصفهان و ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۶۳ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ادبیات فرانسه با تخصص در ادبیات قرن نوزدهم، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

مذهبی، تاریخی، اجتماعی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

فلسفه و عرفان در مقیاس جهانی، ادبیات، دانستنیهایی از علوم پزشکی، ادبیات فرانسه در قرن ۱۹.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

اصغری نژاد، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد اصغری نژاد

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد اصغری نژاد فرزند یوسف متولد ۱۳۴۲ از پیش از سال ۱۳۶۰ به طلبگی رو آورده، حدود یک سال در قم به علوم حوزوی مشغول شدم. سپس وقفه ای در آن ایجاد گردید و مجدداً در سال ۱۳۶۱ در تهران و سپس در قم به ادامه تحصیل در این دروس مشغول شدم.

خدمت اساتیدی چون آیت الله ستوده و آیات عظام: محامی، بهجت، انصاری، ممدوحی و... به تحصیل پرداختم. البته آنچنان که باید به کسب علم مشغول نشدم و این به علت گرفتاریهای مالی و غیر آن بود. حدوداً از سال ۱۳۶۹و یا ۱۳۷۰ به کارهای نوشتنی رو آوردم و از آن زمان تاکنون مطالبی را گرد آوری و تالیف نموده ام.

اصغری، شکرالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۱۴.

درگذشت: ۱۳۶۳.

صاحب کتابی در دو مبحث فقهی حقوق جزا و قصاص، سیستم کیفری اسلام و پاسخ به شبهات (با پیشگفتاری از محمد اصغری؛ تهران، ۱۳۶۶).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اصغری، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالله اصغری

محل تولد : تربت جام

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سالهای ۱۳۴۵ – ۱۳۴۶در حالی که فقر در منطقه مسکونی و روستای ما بیداد می کرد بنده به خاطر عشق و علاقه ای که به فراگیری معارف اسلامی و دینی داشتم با هزینه ناچیز در یک مدرسه علمیه ای مشغول تحصیل شدم.

در مدت سه سال تا قسمتی از جلد اول لمعه را خواندم و به مشهد مقدس در مدرسه عباسقلی خان و در مدرسه جعفریه که زیر نظر مرحوم غلامحسین تبریزی بود تا بخش اول کتاب مکاسب را خواندم.

با مشکلات فراوان به نجف اشرف منتقل شدم و بخشی از رسائل و مکاسب و کفایتین را در نجف نزد مرحوم صدر و استاد فیاض و خارج اصول را نزد شیخ جواد تبریزی گذراندم و درسال ۱۳۵۴به قم عزیمت کردم. خارج اصول و فقه را خدمت وحید خراسانی و آقای مکارم شیرازی و شیخ جواد تبریزی تلمذ کردم.

در ضمن تدریس کتاب رسائل شیخ انصاری را در کاشان، دو جلد شرح رسائل را (اوضح الشروح فی فرائد الاصول) نوشتم و دو جلد شرح فارسی به اصول فقه مظفر (ره) به چاپ رساندم و درحوزه مورد استفاده است. بهرحال امید چنان است که خداوند راضی و امام زمان (علیه السلام)خشنود باشد جهت هر گونه همکاری علمی حاضر و آماده هستم.

اصفهانی ، سید ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم آیت الله حاج سید ابو الحسن اصفهانی رحمهٔ الله علیه یکی از بزرگترین علما و مراجع شیعه در قرن اخیر است که متجاوز از سی سال در رأس حوزه نجف از اساتید بزرگ فقه و اصول بود و بعد از فوت مرحوم حائری و مرحوم نائینی زعامت و مرجعیت جهان تشیع به معظم له منتهی شد. در سال ۱۲۸۴ در یکی از قصبات اصفهان متولد شد و ابتدا چند سال در اصفهان مقدمات علوم و سطوح فقه و اصول را به پایان برد و سپس وارد حوزه عراق شد و سالها از کرسی درس آیات عظام: مرحوم سید استاد، آخوند خراسانی، علامه یزدی، مجاهد شیرازی، و آقا شریعت اصفهانی به خوبی بهره مند بود و خود به درجه اجتهاد و استادی ارتقاء یافت. آیت الله اصفهانی یکی از مدرسین بزرگ حوزه نجف بود که پس ازفوت علامه یزدی حوزه درس او محل استفاده اعلام بزرگ و فضلای متعدد قرار گرفت. آیت الله اصفهانی مجتهدی اصولی، محققی مدبر، استادی کامل و دانشمندی جامع علوم فقهی بود. او عمری در حوزه نجف در کوران بحثهای مختلف علمی و فقهی قرار داشت و خود سرآمد اقران گردید. مرحوم اصفهانی دانشمندی متقی و مجسمه ای از فضائل انسانی و معالم دینی و اخلاقی بود. این پیکر تقوی و صبر و استقامت، از مسیر علم و عبادت چنان پیشرفتی نمود که مورد توجه خاص اولیای خدا قرار گرفت و از امدادهای غیبی و توجهات خاصه بقیهٔ الله الاعظم ارواحنا فداه برخوردار گشت، و از او در دوران زعامت و سرپرستی کرامات و عجایبی مشاهده شد که مسلما مورد توجهات باری تعالی و ولی امر او بوده است. نوشته اند معظم له در موارد لزوم ضمن تماس با سرور انس و جان نارسائیهای حوزه و حوایج ضروری جهان تشیع را مرتفع می ساخت. مرحوم آیت الله اصفهانی را دولت انگلیس با مبالغی زیاد قصد داشت استعمار کند. سفیر آنها به اتفاق نوری سعید تقاضای ملاقاتی درخلوت به او پیشنهاد نمود نپذیرفت.آخر الامر سفیر به اتفاق نوری سعید وارد جلسه عمومی که آیات و شیعیان در حضور آقا بودند به خدمت رسید و ضمن سخنانی مزورانه چکی سنگین از طرف دولت متبوع خود تقدیم آقا نمود. مرحوم اصفهانی آن چک را با مبالغی زیادتر (جهت هزینه مسلمانان و شیعیان مستضعف و مستمندانی که همه توان خویش را به اضافه عزیزان خود در جنگهای بین الملل از دست داده بودند) به سفیر و نوری سعید مسترد داشت و فرمود اگر داشتیم (مبسوط الید بودیم) خیلی بیش از اینها در راه اسلام و مسلمین مصرف می نمودیم. سفیر در مراجعت از خانه آقا، گفته بود ما خواستیم او و پیروان او را بخریم! اما او ما و دولت انگلیس را خرید!! جهانیان زعما و سران مختلف ممالک و مذاهب را با زعمای شیعه مقایسه نمایند و خود قضاوت کنند!! آنگاه پی به حقانیت اسلام و تشیع سرخ علوی که در رأس آن پیامبر بزرگ اسلام و علی و اولادش علیهم السلام بازو به بازو با اقیانوس علوم تشریعی (و تکوینی) ایستاده و خونها داده اند خوب بنگرند! و قضاوت نمایند!! و سپس به حقیقت و روح اسلام پی ببرند. مرحوم آیت الله اصفهانی عمری طولانی در راه خدمت به اسلام و مسلمین به خوبی پیش رفت و خود وسیله نجات بود و وسیلهٔ النجاتی نیز جهت عمل مقلدین به رشته تحریر برد و فضلا و دانشمندانی به جهان تشیع تحویل داد. فرزند عالم و مجتهد او سید حسن موسوی اصفهانی را بعد از نماز مغرب در حضور آقا به دستور استعمارگران و نوکران ابله سربریدند و او که در مقابل خدا بود خم به ابرو نیاورد. معظم له که خواستار رضای خدای متعال و بقای اسلام عزیز بود بعد از مدتی قاتل ابله را نیز پیامبر گونه بخشید. مرحوم آیت الله اصفهانی سالها از دست استعمارگران و نوکران داخلی آنها در رنج بود و مدتی تبعیدی کشید و از دست ددمنشان منافق ناراحتیها و آزارهای روحی دید ولی تحمل می فرمود. و در عین حال که از رنج مسلمین و شیعیان غافل نبود، خود عمری ایستاد و در راه انجام وظائف و ابلاغ رسالت خویش کوتاهی ننمود، و سرانجام در ششم ذیحجه سال ۱۳۶۵ روانش از زندان تن آزاد شد و به لقای حق نائل گردید و در کنار صحن مرتضوی مدفون شد. با مرگ او همانگونه که به یاد داریم جهان اسلام و تشیع به ماتم عظیمی فرو رفت که فقدان این گونه افراد ثلمه ایست بر پیکر اسلام که لایسدها شیء. یادآوری: بعد از مرحوم آیت الله العظمی اصفهانی رحمهٔ الله علیه، با آنکه به مراجع و آیاتی بزرگ بر می خوریم، اما سرانجام زعامت و مرجعیت جهان تشیع به مرحوم آیت الله بروجردی منتهی شد. روان همگان شادتر باد.

منابع زندگینامه :http://www.shaaer.com

اصفهانی ابوالفتح، محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۵۱۳ ق)، مترجم و ریاضیدان. وی معاصر ابوکالیجار گرشاسف بن فرامرز، پنجمین پادشاه کاکویه اصفهان و همدان بود. و کتاب «المخروطات» ابولونیوس را که هلال بن ابی‌هلال الحمصی و ثابت بن قرّه آن را ترجمه کرده بودند، تکمیل کرد و سه کتاب اخیر آن را به عربی درآورد و تفسیر گرانبهایی بر آن کتاب نوشت که از آن چند ترجمه به زبانهای لاتینی و انگلیسی صورت گرفته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۳۳۴/ ۱)، دایرهٔ المعارف فارسی (۲۶/ ۱)، زندگینامه ریاضیدان (۹۲).

اصفهانی آل محمد، علی‌نقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم، شارح، مجتهد.

تولد: ۱۲۸۴.

درگذشت: ۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۴.

سید علی‌نقی اصفهانی آل محمد دیباج معروف به «فیض الاسلام» ناظم و شارح قرآن مجید، نهج‌البلاغه، صحیفه سجادیه. ایشان از آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، ضیاءالدین عراقی، محمد کاظم شیرازی اجازه اجتهاد داشتند و نیز صاحب اجازه روایتی از آیت‌الله علی اکبر نهاوندی و محدث قمی بودند. فیض‌الاسلام برای نخستین بار نهج‌البلاغه را به فارسی زبان‌ها معرفی کردند و به ترجمه و شرح و چاپ این کتاب در شش جلد (جلد اول آن در سال ۱۳۲۵ منتشر شد) همت ورزیدند. اثر دوم ایشان، ترجمه و شرح صحیفه سجادیه است که در جمادی‌الاولی ۱۳۷۵ ق. منتشر شد. وی در ترجمه صحیفه مطالب و نکاتی از علمایی مانند شیخ بهاءالدین میرداماد، سید علی‌خان هندی، سید جزایری و دیگران که در نشرهای خود بیان نموداند و مطالبی از کتاب‌های تاریخ، اخبار، فقه لغت، حکمت و کلام به اختصار و ساده آورده است. ترجمه و خلاصه تفسیرش به نام قرآن عظیم در سه مجلد و به خط میرزا طاهر خوشنویس تبریزی است و پس از چهارده سال تحقیق به چاپ رسید، از آثار دیگر اوست: ترجمه خاتون دو سرا: شرح حال زینب کبری (س) (تهران، ۱۳۶۶) الثقلان فی تفسیر القرآن: سوره مبارکه فاتحهٔ الکتاب (تهران، ۱۳۶۶).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اصفهانی حائری، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن مولی محمد کاظم اصفهانی حائری، عالم فاضل، از اساتید سید محمّد باقر حجّت کربلایی بوده، بعد از سال ۱۳۰۰ در کربلا وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی غروی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۵ -۱۳۰۳ ق)، عالم، عارف و مدرس. وی در خاندان مشایخ بیدآباد متولد شد. پس از تحصیل در مضحر پدر خویش و آقا سید محمد باقر درچه‌ای و آخوند کاشانی و جهانگیرخان قشقایی در دوازده سالگی به عتبات رفت و به توصیه‌ی حاج آقا رحیم ارباب خدمت آقا سید اسماعیل صدر رسید. مدتی در حوزه‌ی درس آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی حضور داشت. فقه و اصول و مبانی شیخ انصاری را از میرزای نائینی فراگرفت و به درجه‌ی اجتهاد رسید. در مراتب سلوک تحت تربیت آقای صدر که از خواص اصحاب آخوند ملا فتحعلی اراکی بود قرار گرفت. سپس با آقا سید احمد کربلایی و اقا شیخ محمد بهاری که هر دو از بزرگان ملا حسینقلی همدانی بودند مجالست پیدا کرد و نیز با جمعی دیگر از اهل سلوک همچون آقا سید علی قاضی و آقا سید جمال‌الدین گلپایگانی انس گرفت. پس از مدتی اعتکاف در مسجد سهله و مکاشفه‌ای که به وی دست داد، از جزوه‌هایی که در حین اشتغال به فلسفه و عرفان نوشته بود دست شست و مکتبی جدید در معارف ربوبی مبتنی بر قرآن و احادیث پدید آورد که بعدا

تنی چند از شاگردانش آن را به کمال رساندند. در ۱۳۴۵ ق به مشهد رضوی رفت و در آنجا به تدریس پرداخت و سه دوره اصول به سه شیوه تدریس کرد: ۱- مفصل و مطابق معمول ۲- در بیان مبانی مختاره‌ی خویش و اثبات آن ۳- در تبیین قواعد مهم مورد استدلال در فقه. در ایام تعطیل حوزه، درس اخلاق و معارف داشت و همچنین جمعی را تحت تربیت خویش درآورد و به مراحلی رساند. از شاگردانش: شیخ غلامحسین مهامی، شیخ کاظم دامغانی، شیخ هاشم قزوینی، شیخ مجتبی قزوینی، شیخ زین‌العابدین مازندرانی، شیخ حسنعلی مروارید و شیخ حسینعلی راشد را می‌توان نام برد. از آثار وی: «ابواب الهدی»؛ «اعجاز قرآن»؛ «الجنات الرضویه»؛ «غایه المنی»؛ «الصوارم العقلیه»؛ «معارف قرآن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کیهان فرهنگی (س ۹، ش ۱۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۹ -۱۱۳ /۷).

اصفهانی قهدریجانی، محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اجله‌ی فضلا و فقهاء، و از شاگردان آخوند خراسانی بوده که پس از وفات استاد، به سامرا رفته، و دو سال به درس میرزا محمد تقی شیرازی حاضر شده، سپس به ایران جهت زیارت حضرت رضا علیه‌السلام مشرف شده، و پس از برگشتن، در کربلا در ۷ شعبان ۱۳۳۴ وفات یافته، در ایوان بزرگ معروف به مقبره‌ی میرزا موسی دفن شده. عالمی خلیق و مهربان بوده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی کمال الدین، ابوالفضل اسماعیل

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۶۳۵ ق)، ادیب و شاعر. معروف به خلاق المعانی، به دلیل آوردن معانی دقیق شعری. در اصفهان به دنیا آمد و از جوانی به سرودن شعر پرداخت. وی علاوه بر باریک‌اندیشی و دقت در خلق معانی در التزامات دشوار و تقید به آوردن ردیف‌های مشکل نیز مشهور بود. او آخرین قصیده‌سرای بزرگ ایران در دوره‌ی مغول است. او خاندان آل صاعد، اتابکان فارس و امرای طبرستان و همچنین جلال‌الدین منکبرنی را مدح گفته است. کمال‌الدین در فقه، اصول و ادبیات عرب تبحر داشت و از اغلب علوم عصر خود آگاه و در حکمت، طب، ریاضیات به ویژه هندسه ماهر بود، و در اشعار خود اصطلاحات علمی به کار می‌برد. وی همچون پدرش شاهان معاصر و بزرگان بسیاری را مدح گفت. کمال‌الدین در قصاید عرفانی پیشرو سعدی بود و قصاید عرفانی سعدی مکمل قصاید وی می‌باشد. در پایان عمر به عرفان روی آورد و مرید شیخ شهاب‌الدین سهروردی گردید و خانقاهی برای خویش اختیار کرد. وی شاهد حمله‌ی مغولان به اصفهان و کشته شدن انسانهای بسیار بود و خود نیز سرانجام به دست مغولی کشته شد یا به قول «مجمل فصیحی» به دست رندان و اوباش در ۶۲۶ ق به قتل رسید. از آثارش: «رسله‌ی القوسیهٔ»؛ «دیوان» شعر، شامل قصائد، مقطعات، غزلیات، رباعیات و چند مثنوی، که نسخه‌ای از آن در هند به چاپ رسید.[۱]

اسماعیل بن جمال‌الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی، ملقب به خلاق‌المعانی، شاعر قصیده‌سرای ایرانی (ف. ۶۳۵ ه.ق). پدر وی جمال‌الدین محمد بن عبدالرزاق (ه.م) شاعر معروف است. سبب شهرت او را به خلاق‌المعانی آن دانسته‌اند که: «در شعر او معانی دقیقه مضمر است که بعد از چند نوبت که مطالعه کنند، ظاهر می‌شود.» از جمله‌ی ممدوحان او رکن‌الدین مسعود از آل صاعد اصفهان، جلال‌الدین منکبرنی خوارزمشاه، حسام‌الدین اردشیر از آل باوند و اتابک سعد بن زنگی هستند. وی دوره‌ی وحشتناک حمله‌ی مغول را درک کرد و به چشم خویش قتل‌عام مردم اصفهان را به دست مغولان به سال ۶۳۳ دید و خود نیز دو سال بعد، در ۶۳۵ به دست مغولی به قتل رسید. کمال‌الدین در آوردن معانی دقیق و باریک‌اندیشی مهارت دارد و در التزامات صعب و تقیید به آوردن مفاهیم مشکل چیره‌دست است و دیوان او بطبع رسیده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۱۰۰۷ -۹۸۰/ ۳)، ارمغان (س ۷، ش ۱، ص ۲۳ -۱۹ ش ۳ -۲ ص ۱۱۷ -۱۰۴ ش ۵، ص ۳۱۲ - ۳۰۱)، از سعدی تا جامی (۴۶۸، ۳۴۶)، بهارستان جامی (۱۱۵ -۱۱۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۷۷ -۸۷۱/ ۲)، تاریخ گزیده (۷۴۶)، تاریخ مغول (۵۳۳ -۵۳۲)، تاریخ نظم و نثر (۷۴۰ -۷۳۹، ۱۵۸ -۱۵۷)، تذکرهٔ الشعراء (۱۷۰ -۱۶۴)، تذکرهٔ القبور (۱۴۱ -۱۴۰)، حبیب السیر (۶۶۵/ ۲)، دایرهٔ المعارف فارسی (۲۲۶۰/ ۲)، الذریعه (۲۰۷/ ۱۷، ۲۵۹/ ۱۲، ۹۱۷ -۹۱۶/ ۹)، راحهٔ الصدور و آیهٔ السرور (۴۶۹)، ریاض العارفین (۲۳۰ -۲۲۹)، ریحانه (۸۴ -۸۳/ ۵)، سبک شناسی (۸۸/ ۳)، شعر العجم (۱۸ -۱۱ / ۲)، طرائق الحقائق (۶۴۹ -۶۴۸/ ۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۱۶ -۴۱۵)، فرهنگ سخنوران (۷۶۷ -۷۶۶)، گنج سخن (۱۴۱ -۱۲۶/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ کمال‌الدین اسماعیل)، مجالس النفائس (۳۴۸)، مجمع الفصحا (۱۱۵۳ -۱۱۴۴/ ۳)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۶۲۶)، مرآهٔ الخیال (۳۸ -۳۶)، المعجم فی معاییر اشعار العجم (۴۷۲، ۳۶۷، ۳۴۹ -۳۴۸)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۰ -۶۰۹/ ۱)، نتایج الافکار (۵۹۳ - ۵۹۰)، هفت اقلیم (۳۸۳ -۳۷۳/ ۲)، یغما (س ۴، ش ۵، ص ۲۰۵).

اصفهانی مازندرانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌رضا بن علی بن محمد حسینی اصفهانی مازندرانی.

عالم فاضل جلیل، در ۱۱ ذی حجه سال ۱۲۸۷ در نجف متولد شده، و در ۵ شنبه دوم جمادی الاولی سال ۱۳۴۴ در سامرا وفات یافته، در صحن شریف مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی مسجد شاهی، نورالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ مهدی معروف به حاج آقا نور اللّه فرزند حاج شیخ محمّد باقر، عالم سیاسی، و مجتهد عالیقدر. در اصفهان متولّد شده، و در اصفهان و نجف نزد علما تحصیل نموده، پس از مراجعت به ایران در عداد علمای سیاسی و متنفّذ قرار گرفته، در جنگ بین الملل اوّل در اثر سوء سیاست و اغوای جمعی، به نفع آلمانها اقداماتی نمود و خود و دیگران را رسوا نموده و در مجلس موسسان اول، و خلع سلطنت از خاندان قاجار، از اعضای مؤثر بوده، و در ۱۵ ربیع الاول سال ۱۳۴۶ به پاره‌ای جهات با جمعی از علمای اصفهان به قم مهاجرت نموده، و سرانجام پس از مدّتی توقّف در آنجا و نتیجه نگرفتن از مهاجرت و تفرقه علما، در شب غرّه رجب سال مزبور در قم وفات یافته، جنازه به نجف اشرف منتقل گردید.

انصاری درباره او گوید: حاج شیخ نور اللّه دارای خلالی خوب و خصالی نامطلوب بود. در حیا، و تواضع، و حلم، و علم، و شجاعت، و شهامت، و عدم خدیعت، و لطف مجاورت، و حسن بیان در معاشرت عین القلاده آقایان مسجد شاه می‌نمود، که از پاره‌ای حرکات دیگران و تکفیر و تفسیق مردم برائت داشت، ولی در سخاوت و صرف اوقات را به تدریس یا به رسیدگی حال ارباب حاجات، کوتاهی می‌آمد. سیاستش همه حبّ ریاست بود! و پیشرفت اندیشه خود، و مقیّد به نیک و بد در سرانجام امر نبود. بختی بلند، و ثروتی گرامند داشت.

مادّه تاریخ وفاتش را انصاری گوید:

بدا فی وجهه نور و غابا

لذا ارّخت (غاب مهبط النور)

کتب زیر از آثار اوست:

۱- خصال الشیعه ۲- دیوان اشعار عربی و فارسی ۳- شرح حال شیخ محمد حسین برادر خود؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی، ابراهیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۹ ق)، شاعر، ادیب و خطاط. از هنرمندان عصر صفوی بود. پس از قتل پدرش (۹۲۸ ق)، روزگار او و برادرش، میرزا اسماعیل، دگرگون شد. میرزا ابراهیم به قزوین رفت و چون خوش قریحه و با ذوق بود، منزلش محفل دانشمندان و شعرا گردید. وی خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و شعر نیز می‌سرود. خط او را در ردیف حسنعلی مشهدی و سید احمد مشهدی و میرمعز کاشانی دانسته‌اند. به گفته‌ی صاحب «عالم آرای عباسی»، وی فرهنگی تدوین کرده بود که در آن لغات متداول در اشعار قدما و معانی آنها، گاه به تتبع و گاه به تصرف قریحه، جمع‌آوری شده بود. در قزوین درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۶ -۱۵ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۱)، الذریعه (۱۵ /۹)، عالم آرای عباسی (۱۷۲ /۱)، مجمع الخواص (۷۰)، هفت اقلیم (۴۰۱ /۲).

اصفهانی، ابوالسعادات اسعد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۳۵ ق)، فقیه امامی. مشهور به ابن‌سفر و یا ابوالسعادات اصفهانی. وی از شاگردان علی بن قطب‌الدین راوندی و از اساتید و مشایخ خواجه نصیرالدین طوسی، میثم بن علی بحرانی و سید رضی‌الدین علی بن موسی بن طاووس بود. از آثار وی: کتاب «اکسیر السعادتین»، که حاوی کلمات قصار حضرت امیرالمؤمنین (ع) است و احتمالا همان کتاب «مجمع البحرین و مطلع السعادتین» است که جمع بین کلمات قصار پیامبر (ص) به نقل از «الشهاب» و کلمات قصار امیرالمؤمنین (ع) به نقل از «نهج‌البلاغه» می‌باشد؛ «توجیه

السؤالات فی حلّ الاشکالات»؛ «جامع الدلائل و مجمع الفضائل»، در امامت؛ «رشح الولاء فی شرح الدعاء»، درباره‌ی دعاء صنمی قریش؛ «الفائق علی الاربعین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع)»، در اثبات امامت حضرت امیرالمؤمنین (ع).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۹۸ -۲۹۷ /۳)، ایضاح المکنون (۵۷۳، ۳۵۳، ۳۳۶ /۱)، الذریعه (۲۲ /۲۰، ۹۱ -۹۰ /۱۶، ۲۳۶ /۱۱، ۵۲ /۵، ۴۷۶ /۴، ۲۷۸ /۲)، روضات الجنات (۱۱۰ /۱)، ریاض العلماء (۸۲ -۸۱ /۱)، ریحانه (۱۲۴ /۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۷ /۷)، لغت‌نامه (ذیل/ اسعد)، معجم المؤلفین (۲۴۷ /۲).

اصفهانی، ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین عالم متقی آقای حاج شیخ ابوالفضل اصفهانی نجفی از علماء محترم و دانشمندان معظم حوزه علمیه قم می‌باشد. در تاریخ ۹ ذی‌الحجه ۱۳۳۴ ق در محله بیدآباد اصفهان متولد شده و تا ۱۳۵۴ در اصفهان مشغول به تحصیل مقدمات بوده و پس از آن حرکت به نجف اشرف نموده و سطوح عالیه را نزد اساتید عظام چون آیت‌الله خوئی و آقامیرزا محمدباقر زنجانی خوانده و بعد از آن سه سال از محضر علامه مرحوم حاج شیخ محمدحسین اصفهانی استفاده اصول نمود، و بعد از فوت آن مرحوم از محضر آیات عظام آن سامان چون آیت‌الله خوئی و کاظمینی و آیت‌الله آقا سید عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حکیم و آقا سید جمال گلپایگانی استفاده نموده و در سال ۱۳۷۰ به واسطه ابتلاء به کسالت سل ریوی ناچار به مراجعت از نجف به ایران شده و تا حدود دو سال در تهران به معالجه پرداخته و پس از آن برای عدم تمکن به معاودت به نجف برای کسالت مزبور به قم المحمیه مشرف و از محضر علامه المتاخرین آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده و ضمنا به تدریس متون فقه و اصول مشغول و تاکنون که یکی از مدرسین محترم حوزه می‌باشند و در مسجد امام برای عده‌ای تدریس می‌کنند.

از تالیفات و آثار ایشانست ۱- حاشیه‌ای بر مکاسب ۲- دوره اصول مستقل ۳- رساله‌ای در جمع بین حکم ظاهری و واقعی ۴- رساله‌ای در قاعده فراغ و تجاوز ۵- مختصری در طهارت و صلوه ۶- کتابی در جمع احادیث مربوط به مواعظ و فضل و مصائب اهل‌بیت علیهم‌السلام ۷- جوهر النضید فی شرح فروع التقلید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اصفهانی، ابوالمجد شیخ محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۲ -۱۲۸۷ ق)، فقیه اصولی، حکیم، متکلم، ریاضیدان و شاعر. مشهور به آقا رضا اصفهانی. وی پیش از سن بلوغ، مقدمات علوم را از سید ابراهیم قزوینی فراگرفت و سپس به تحصیل فقه و اصول و تفسیر در محضر پدر و شریعت اصفهانی پرداخت. علوم معقول و ریاضی را نزد میرزا حبیب‌اللّه ذوالفنون آموخت و برای تکمیل فقه و اصول وارد حوزه‌ی درس آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی شد. پس از بازگشت سید محمد فشارکی از سامرا به نجف، نزد وی شاگردی کرد. در هفتاد و پنج سالگی به علت جنگ جهانی اول از نجف اشرف به اصفهان کوچید و در همان جا درگذشت. از آثار وی: «تنبیهات دلیل الانسداد» یا «اثبات حجیت ظن طریقی»؛ «ذخائر المجتهدین»، در شرح کتاب «معالم الدین فی فقه آل‌طه و یس»؛ «سمط اللآل فی معرفهٔ الوضع و الاستعمال» یا «حلیهٔ الحال»؛ «السیف الصنیع لرقاب منکری علم البدیع»؛ «نقد فلسفه‌ی داروین»؛ «وقایهٔ الاذهان»؛ «الایراد و الاصدار»؛ تعریب «السیرو السلوک» منسوب به آیهٔ‌اللّه بحرالعلوم؛ «دیوان» شعر، به فارسی و عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۳۳ /۲۵، ۲۷۷ /۲۴، ۲۸۷ /۱۲، ۳۶۳ /۹، ۷۹ /۷، ۱۲۷ /۵، ۴۵۲، ۲۱۳ /۴، ۴۸۸ /۲)، ریحانه (۲۵۳ -۲۵۲ /۷).

اصفهانی، ابوالمجد محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۲ -۱۲۸۷ ق)، فقیه اصولی، حکیم، متکلم، ریاضیدان و شاعر. وی پیش از سن بلوغ، مقدمات علوم را فراگرفت و در پانزده سالگی به نجف رفت و به تحصیل فقه و اصول و تفسیر در محضر پدر و سید ابراهیم قزوینی پرداخت. علوم معقول و ریاضی را نزد میرزا حبیب‌الله ذوالفنون آموخت و برای تکمیل فقه و اصول وارد حوزه درس آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی شد. پس از بازگشت سید محمد فشارکی از سامرا به نجف، نزد وی شاگردی کرد و در هفتاد و پنج سالگی به علت جنگ جهانی اول به اصفهان کوچید و در همان جا درگذشت. از آثار وی: «تنبیهات دلیل الانسداد»؛ «ذخائر المجتهدین»، در شرح کتاب معالم‌الدین فی فقه آل‌طه و یس؛ «سمط اللآل فی الوضع و الاستعمال»؛ «السیف الصنیع لرقاب منکری علم البدیع»؛ «نقد فلسفه‌ی داروین و دحض شبهات المبطلین»؛«وقایه الاذهان»؛ «اداء المفروض فی شرح ارجوزه العروض»؛ «استیضاح المراد من قول

الفاضل الجواد» و «الامجدیه» در اعمال ماه رمضان.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۲۷ /۵، ۴۵۲ /۴)، ریحانه (۲۵۳ -۲۵۲ /۷).

اصفهانی، ابوالمعالی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی مشرف اصطبل شاه عباس اول بود که در سخن سنجی و شاعری توانا بود. این بیت از اوست:

بیمار هجران تا به کی بر بستر مردن فتد

خوش دیر کردی ای اجل در خانه‌ات شیون مکن

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۹ /۹)، صبح گلشن (۱۳)، فرهنگ سخنوران (۳۴)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالمعالی).

اصفهانی، ابوشجاع احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۴۳۴- وف ح ۵۰۰ ق)، فقیه شافعی. اصل خاندان او از اصفهان بود، و پدر وی در آبادان و خود او در بصره متولد شد. او در بصره بیش از چهل سال به تدریس فقه اشتغال داشت. زمانی هم منصب قضا یافت. وی کتابی مختصر در فروع فقه شافعی به نام «الغایة فی الاختصار» یا «المختصر» یا «التقریب» دارد، که منشأ یک رشته آثار در فقه شافعی گردید و از سده هفتم تا سیزدهم شروح فراوان بر آن نوشته شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشنامه‌ی ایران اسلام (۱۰۵۷ /۸)، کشف الظنون (۱۶۲۵)، معجم المؤلفین (۱۹۹ /۱)، هدیة العارفین (۸۲ -۸۱ /۱).

اصفهانی، ابومحمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. پدر وی منجّم باشی فتحعلی شاه قاجار بود. نسب این سلسله به زیدبن علی بن حسین (ع) می‌رسد. وی شکسته را خوش می‌نوشت و شعر نیز می‌سرود و از علوم ادبی بهره داشت. ابومحمد در آغاز جوانی و در سن ۲۲ سالگی، به نوبه‌ی غش در اصفهان درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۴۸ /۴).

اصفهانی، اسداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اوست: قرآن کوچک بغلی مزین زیبا که برای سلطان‌العلماء اصفهانی نوشته است. نسخ کتابت غبار عالی با رقم: بید العبد الاقل الاثم الجانی اسداللّه الاصفهانی محرر و مکتوب گردید فی یوم الخمیس الرابع شهر شوال المکرم سنهٔ ۱۲۸۴» در مجموعه‌ی حاج سید نصراللّه تقوی.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

اصفهانی، اسماعیل

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۳۲ ق)، خطاط و شاعر. میرزااسماعیل از همطرحان شفیعا بود که شعر نیز می‌سرود. از اوست:

بی وعده آمد امشب آن مرهم دل ریش

همچون گلی که آید در غیر موسم خویش

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۵۲/۴)، صبح گلشن (۲۴).

اصفهانی، اشرف‌الملک، زین‌العابدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زین‌العابدین بن محمدتقی اصفهانی ملقب به «اشرف‌الملک» از استادان مسلم خط نسخ در دوره‌ی فتحعلی شاه و محمدشاه و ناصرالدین شاه و از کتاب دربار این پادشاه اخیر بوده و به همین مناسبت سلطانی رقم می‌کرده و به فرمان ناصرالدین شاه به «اشرف‌الکتاب» ملقب شده است. در «الماثر الاثار» است که «آقا زین‌العابدین خطاطا از مفاخر عظیمه‌ی این دولت است که او در قلم نسخ کرامت اظهار می‌فرمود...».

آقا زین‌العابدین از «آقا محمود» اصفهانی تعلیم خط گرفته ولی از روی خطوط میرزا احمد نیریزی مشق بسیار نموده و نام وی را به عظمت یاد کرده است. اشرف‌الکتاب در دوره‌ی زندگانی طولانی خود شاگردان بسیار تربیت کرده که یکی از آنان سید محمد بقاء بوده است، و آثار گرانبهای فراوان از قلم خود به یادگار گذاشته است وی بیش از یک صد سال زیسته و به عقیده آقای میرزا محمد حسین ادیب اصفهانی خط شناس بی‌نظیر، در پیری به از جوانی می‌نوشته است. به سال ۱۲۹۶ یا به قول جابری انصاری صاحب تاریخ اصفهان در حدود یک صد و ده سالگی به تاریخ ۱۳۰۰ قمری در اصفهان درگذشته است.

سرگشته‌ی شاعر در ستایش اشرف‌الکتاب سروده است:

به پیش خط خوش نغز اشرف‌الکتاب

ز خط سبز نکویان همه دهان بستند

قرآن وزیری جلد روغنی تمامی صفحات متن و حاشیه مذهب مرصع عالی نسخ کتابت و اندکی رقاع کتابت عالی بلکه ممتاز در بهترین خط اشرف‌الکتاب برای فتحعلی شاه استکتاب کرده است با رقم: «... و کان ذلک فی خامس عشر شهر شعبان‌المعظم من شهور سنهٔ سبع و اربعین بعد الالف (۱۲۴۷)... و انا العبد... زین‌العابدین بن محمدتقی الاصفهانی...» در مجموعه‌ی آقای علی اتحادیه که این نام خط زده شده و به نام «شاه» نوشته شده است.

- قرآن بسیار مزین مرصع و مذهب نسخ کتابت و سر سوره‌ها و آخر رقع کتابت خوش با رقم: «کتبه العبد الجانی زین‌العابدین السلطانی الاصفهانی فی شهر شعبان سنهٔ ۱۲۷۸ در کمال ضعف و پیری و شکستگی و زمین‌گیری از حضرت حق جل شأنه استدعا نمودم به نذر کتابت این جلد قرآن خداوند سبحان شفا عطا فرماید والحمد للّٰه الذی وفقنی باتمامه.» (آقا جان پرتو در دنبال به خط رقاع خوش نوشته: «این جلد کلام اللّٰه مجید ربانی را یک قلم خط است برای آقا زین‌العابدین اشرف‌الکتاب است بی‌شرکت غیر که در این اواخر سن با ضعف قوی و باصره توفیق نگارش یافت حرره العبد آقاجان پرتو». در مجموعه‌ی مهدوی.

- سوره‌ی یس و ادعیه نسخ نیم دو دانگ و رقاع عالی با رقم: «و انا العبد الداعی لدوام الدولهٔ القاهرهٔ الباهره زین‌العابدین و حرر فی ذی‌الحجهٔ‌الحرام سنهٔ ۱۲۲۲ فی دارالسلطنهٔ اصفهان» در مجموعه‌ی حاج سید نصراللّٰه تقوی.

- قرآن نیم ربعی جلد روغنی. دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع، نسخ و رقاع کتابت خفی عالی با رقم: «به سعی و اهتمام عالیجاه سیادت پناه میرزا عبدالوهاب گلستانه سمت اتمام پذیرفت. کتبه زین‌العابدین الاصفهانی» «سنهٔ ۱۲۵۶» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

- صحیفه‌ی سجادیه وزیری جلد روغنی- سرلوح مرصع مذهب، چندین صفحه‌ی اول متن و حاشیه تشعیرسازی مذهب نسخ کتابت جلی عالی با رقم «کتبه العبد الجانی زین‌العابدین السلطانی الاصفهانی ۱۲۵۷» ترجمه‌ی فارسی نستعلیق کتابت خوش: «ترجمه‌ی این صحیفه که به قلم معجز رقم استاد کل آقا زین‌العابدین اصفهانی است حسب‌الاشاره... میرزا نصراللّٰه مستوفی خاصه‌ی حضور مبارک به تحریر این فقیر به انجام رسید. انا العبد الراجی محمد ساوجی سنهٔ ۱۲۷۸». در کتابخانه‌ی سلطنتی.

- یک قطعه رقاع سه دانگ و نیم دو دانگ خوش با رقم: «هو الفرد الاحد».

پیچیدن افعی به کمندت ماند

آتش به سنان دیو بندت ماند

اندیشه به جستن سمندت ماند

خورشید به همت بلندت ماند

در سن صد و دو سالگی بدون عینک قلمی شد. سلطان الخطاطین اشرف‌الکتاب زین‌العابدین سنه‌ی ۱۲۸۹» در مجموعه‌ی آقای محمدتقی کمال.

- قرآن وزیری بزرگ. جلد روغنی عالی. دو صفحه‌ی اول و دو صفحه‌ی آخر مذهب. دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مذهب مرصع کاغذ اصفهانی مجدول مذهب تماماً بین السطور طلااندازی و تشعیرسازی مذهب. سر صفحه‌ها و علائم و سر سوره‌ها مذهب مرصع عالی. خطمتن نسخ کتابت و آخر رقاع عالی. ترجمه‌ی فارسی در ذیل سطور و خواص سور در حواشی. نسخ کتابت خفی خوش. پایان متن قرآن: «کتبه العبد تراب اقدام المؤمنین، این مرحوم المغفور المبرور آقا محمدتقی طاب ثراه و جعل ثراه و جعل الجنهٔ مأواه زین‌العابدین السلطانی الاصفهانی» «سنهٔ ۱۲۷۵ من الهجرهٔ المقدسهٔ المصطفویه» پایان خواص سور: «کتبه العبد الاثم محمد علی بن ملا محمد الاصفهانی سنهٔ ۱۲۷۶» برای فروش به موزه.

بنابر آنچه از نمونه‌های خطوط مرحوم آقا زین‌العابدین استنباط شد وی در سال ۱۱۸۷ به دنیا آمد و حداقل صد و دو سال زیسته و

در دوره‌ی خود استاد مسلم و مورد احترام بوده است به طوری که «سلطانی» رقم می‌کرده است.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

اصفهانی، باقر، محمد باقر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۰ ق)، شاعر و منشی. وی از سادات نطنز بود و در اصفهان نشو و نما یافت. جد اعلای او از مریدان صفی اردبیلی بود و پدرش نیز در دربار شاه عباس وزیر سرکار قوچیان بود که این منصب بعد از مرگش به وی ارجاع داده شد. میرزا محمد باقر در سرودن قصیده، غزل و سایر اقسام شعر قدرت تمام داشت. از وی «دیوان» اشعاری به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۲۶/۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۷۰-۶۹)، الذریعه (۱۲۲/۹)، صبح گلشن (۵۳-۵۲).

اصفهانی، باقر، مولانا محمد باقر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اهل ورنوسفادران بود. در کمال صلاح و پرهیزکاری می‌زیست. در فن لغز و معما قدرت تمام داشت و در زادگاهش به مکتب‌داری مشغول بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۵۴۳، ۴۱۸-۴۱۷)، الذریعه (۱۲۳/۹).

اصفهانی، جلال‌الدین حسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۴ ق)، شاعر. از اشراف اصفهان و اعیان دربار صفویه بود. در پایان زندگی مدتی صدارت اصفهان و مازندران را داشت و در حوالی شروان درگذشت. وی در سرودن شعر در قالبهای مختلف توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۱۰)، عالم‌آرای عباسی (۱۰۸۹ /۲).

اصفهانی، جمال

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج شیخ جمال‌الدین بن حاج شیخ محمدباقر اصفهانی برادر مرحوم حاج آقا نوراللّه که پس از فوت برادرش به قم آمده و منبرهای داغ و با حرارت و پرسوز و گدازی رفت و سر و صدائی بلند کرد آن عالم جلیل از رؤساء علمای اصفهان بود در سال ۱۲۸۴ متولد شده در خدمت پدر خود در اصفهان تحصیل کرده آنگاه مهاجرت به نجف و در درس مرحوم میرزا حبیب‌اللّه رشتی و آخوند خراسانی تلمذ نموده و سپس به اصفهان مراجعت کرده در جنگ بین‌الملل اول در سال ۱۳۳۲ روسها به تهرانش بردند و تا آخر عمر در آنجا ساکن و از مراجع عالیقدر به شمار می‌رفت یکی دو سال قبل از فوتش تبعید به اصفهان شده و در شب یکشنبه ۲۵ جمادی‌الاولی ۱۳۵۴ وفات یافته و در بقعه تکیه مادر شاهزاده مدفون گردید معظم له از علماء متنفذ و محبوب‌القلوب عندالخواص والعوام بود شبهای جمعه در جوار حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام و هم در موقعی که در اصفهان بود در تخت‌فولاد در تکیه میرزا رفیعا احیاء می‌گرفت و جمع کثیری در آن شرکت می‌نمودند در اصفهان در مسجد شیخ لطف‌اللّه و در تهران در مسجد حاج سید عزیزاللّه بازار امامت می‌فرمود.

ماده تاریخ وفاتش را دانشمند بزرگوار آقای معلم حبیب‌آبادی ضمن قطعه‌ای گفته است:

بماه و سال و تاریخ وفاتش

بگفت این شعر با حالی مرفه

جمادای یکم در بیست و پنجم

(جمال‌الدین بجنت رفت ناگه)

والده ماجده‌اش از سادات اخوی تهران دختر عموی داماد گرامی نگارنده آقای سید حسین تقوی تهرانی (سادات اخوی) و زوجه اولیه‌اش دختر مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا حسن عراقی متولد ۱۳۲۵ و متوفی ۱۳۴۷ می‌باشد.

(۱۳۵۴ -۱۲۸۴ ق)، فقیه و امام جمعه. در خدمت پدر خود در اصفهان تحصیل کرد. آن‌گاه به نجف رفت و در محضر میرزا حبیب‌الله رشتی و آخوند خراسانی تلمذ کرد، سپس به اصفهان بازگشت. در اوایل جنگ جهانی اول به علت مخالفت با روسیه‌ی تزاری از اصفهان به تهران تبعید شد. وی از علمای طراز اول تهران و یاران مدرس و مدتی نیز امام جمعه‌ی تهران بود. حاج آقا جمال از هنگامی که رضاخان می‌خواست جمهوریت را پی‌ریزی کند با او به مخالفت برخاست و سرانجام به اصفهان تبعید شد. وی در همان جا درگذشت و شایع شد که توسط عوامل رضاخان مسموم شد.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تذکره القبور (۲۳۷ -۲۳۶)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۹۱ -۱۸۹ / ۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۳۶ -۲۳۵ / ۱).

اصفهانی، حاجی ابو تراب

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از صلحای دهر، و از مصاحبین مولی محمّد باقر مجلسی بوده، و به افاده فقه و حدیث مشغول، و اقوالش در شرعیّات معتمد علیه، و روزگاری به آسایش داشته، در سال ۱۱۱۰ وفات یافته است.

پسرش حاجی ابوطالب نیز از محدّثین بوده و پس از پدر، به چند سال فاصله وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی، حسنعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۱ -۱۲۷۹ ق)، عالم، مدرس، عارف ربانی و حکیم الهی. مشهور به نخودکی. مقدمات را تا یازده سالگی نزد پدر خویش و دیگران آموخت. سپس زیر نظر حاج میرزا محمدصادق به سیر و سلوک عارفانه پرداخت. در سنین جوانی ادبیات و قسمتی از ریاضیات مانند حساب و هیئت را نزد آخوند کاشی و فلسفه را نزد میرزا جهانگیرخان قشقایی تحصیل کرد و سپس راهی عتبات عالیه شد و در نجف به ادامه‌ی تحصیل پرداخت. و در آنجا با حاج سید مرتضی کشمیری معاشرت و مجالست کرد. سپس به اصفهان بازگشت و پس از مدتی در مشهد اقامت گزید. حاج شیخ حسنعلی بیشتر ایام عمر را در ریاضت‌های طاقت‌فرسا سپری کرد. وی دارای مقامات و کرامات بسیار بوده که شرح جزئی از کرامات و کارهای خارق‌العادی وی در کتابی تحت عنوان «نشان از بی‌نشانها» توسط فرزند آن مرحوم گردآوری شده و نشر یافته است. او به تدریس فقه مانند شرح لمعه و درس تفسیر و گاهی هم هیئت و حساب می‌پرداخت و بقیه‌ی اوقات را به برآوردن حاجات مؤمنان از دعا و دوا می‌گذراند. در مدت اقامت او در مشهد هزاران هزار مریض با دعای وی معالجه شدند. آیت‌الله اصفهانی پس از یک بیماری چهل روزه در محله سعدآباد مشهد رحلت کرد و در صحن رضوی دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۹۲ -۱۹۱ /۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۳ -۱۱۱ /۷)،نشان از بی‌نشانها (مقدمه).

اصفهانی، حسینعلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۳۰ ق)، خطاط. وی از شاگردان میر سید احمد مشهدی بود که در راه حجاز درگذشت. به خط وی قطعه‌ای است به قلم سه دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم: «العبد الاقل حسین علی. فی شهور سنه اثنان و تسعین و تسعمائه الهجریه»، در کتابخانه‌ی خزینه‌ی اوقاف استانبول.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۵۹ -۱۵۸/۱).

اصفهانی، حیدر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معقول و منقول را خدمت ملا ولی الله و ملا عبدالجواد خراسانی و میر سید حسن مدرس آموخته بود، و در کافه‌ی سطوح تدریس می‌کرده، وفاتش در سال ۱۲۸۸ روی داده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی، داوود

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۳۱ ق)، شاعر. از نوادگان دختری شاه عباس بود که در اصفهان متولد شد. میرزا داوود تولیت آستان قدس رضوی و وزارت سلطان حسین را داشت. وی داماد شاه سلیمان بود. او در سرودن شعر توانایی داشت. از آثار وی: «دیوان» اشعار؛ منظومه «سلطان الانساب»؛ «زیور العاشقین»؛ «نمکدان دین». در کتاب «فهرستواره‌ی کتابهای فارسی» تخلص وی داور ذکر شده که در هیچ کدام از منابع بدان تصریح نشده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۴۲ -۹۴۱ /۳)، تذکره المعاصرین (۲۷۹ -۲۷۴، ۱۴۷ -۱۴۶)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵ -۱۴)، الذریعه (۳۱۸/۹)، ریاض العارفین (۱۹۴)، صبح گلشن (۱۶۰)، فرهنگ سخنوران (۳۳۳)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۹۸۵/۲)، نتایج الافکار (۲۴۵ -۲۴۴).

اصفهانی، رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۰ ق)، خطاط. به قول سپهر وی نستعلیق را خوش می‌نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۱۰/۱).

اصفهانی، شجاع‌الدین محمود

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از سادات بزرگ اصفهان و برادرزاده‌ی خلیفه اسداللّٰه، متولی مشهد مقدس رضا (ع) بود. اجداد وی از ولایت مازندرانند و از احفاد بزرگ والی آن دیار که از حوادث روزگار به اصفهان رفتند و در آنجا توطن اختیار کردند. میر شجاع‌الدین سید فاضل و دانشمند، صاحب فطرات عالی بود و در علوم متداوله به ویژه معقولات سرآمد روزگار و مجلس شریفش از طلبه‌ی علوم و درس و بحث خالی نبود و همواره فقرا و درویشان و طالب عالمان گرد او بودند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۴۷/۳)، تذکره‌ی روز روشن (۴۱۴ -۴۱۳)، الذریعه (۵۰۷/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۹۵)، مخزن الغرائب (۹۵۴ -۹۵۲ /۲)، نشتر عشق (۸۰۱ -۸۰۰ /۳)، هفت اقلیم (۴۰۶ -۴۰۵ /۲).

اصفهانی، شمس‌الدین، ابوالثناء محمود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۴۹ -۶۷۴ ق)، مفسر، صوفی، متکلم، منطقی، عروضی و نحوی. در اصفهان متولد شد و فنون متداول را در زادگاه خود نزد پدر و جمال‌الدین ابی‌رجا و دیگران فراگرفت. مدتی در اصفهان و تبریز به تدریس پرداخت و از معاصران شیخ حسن چوپانی و قاضی مظفرالدین‌شاه قزوینی بود. پس از زیارت خانه خدا به دمشق رفت و در جامع اموی به تدریس پرداخت، سپس به قاهره رفت و در خانقاهی که قوصون برای او بنا کرده بود به ارشاد و تربیت مریدان مشغول شد و در همان شهر بود تا درگذشت. و در قرافه دفن شد. از آثار: وی «تشیید القواعد فی شرح تجرید العقاید»؛ شرح «کافیه» ابن‌حاجب در نحو؛ شرح «ساویه»، در عروض؛ «انوار الحقایق الربانیه فی تفسیر الآیات القرآنیه»؛ شرح «منهاج» بیضاوی؛ «ناظر العین»؛ «شرح مختصر السؤل و الأمل فی علمی الاصول و الجدل»؛ «شرح الطوالع»، در منطق و کتاب مختصری در اصول دین.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۵۲ /۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۳۰، ۲۲۹ /۳)، حبیب السیر (۲۳۲ /۳)، الذریعه (۱۴۰ /۱۳)، روضات الجنات (۱۱۷ /۸)، ریحانه (۲۴۹ -۲۴۸ /۳)، کشف الظنون (۱۹۹۱، ۱۹۲۱، ۱۸۷۹، ۱۸۵۵، ۱۷۱۷، ۱۳۷۱، ۱۱۴۸، ۱۱۳۷، ۱۱۱۶، ۴۴۳، ۴۴۲، ۳۴۶، ۲۳۵)، لغت‌نامه (ذیل/ محمود)، معجم المؤلفین (۱۷۳ /۱۲)، هدیه العارفین (۴۰۹ /۲).

اصفهانی، صفی قلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر و موسیقیدان. پدرش جارچی‌باشی درگاه شاه عباس بود. صفی قلی بیگ جوانی با ذوق و قریحه بود و شعر می‌گفت و از موسیقی‌دانان و نوازندگان چهارتار در عهد شاه عباس دوم (۱۰۷۷ -۱۰۵۲ ق) بود. اثر وی «دیوان» شعر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ اصفهان (۲۴۲ -۲۴۱)، تاریخ موسیقی (۳۳۵ -۳۳۴ / ۱)، تذکره‌ی روز روشن (۴۷۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۲ -۴۱)، الذریعه (۶۱۴ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۶۱)، لغت‌نامه (ذیل/ صفی قلی بیگ).

اصفهانی، صمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از شاعران معصار نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) است که به قول او از طبعی موزون و کلامی پرمضمون بهره‌مند بود. وی از اصفهان به شیراز رفت و در آنجا به امر کشاورزی اشتغال یافت. نصرآبادی نوشته که او از احفاد سعدی شیرازی بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۲۱۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۶۴ -۴۶۳ / ۳)، الذریعه (۶۱۸ / ۹)، صبح گلشن (۲۵۵ -۲۵۴)، فرهنگ سخنوران (۵۶۴).

اصفهانی، طاهر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به دیباچه نگار. فاضل ادیب و شاعر مترسل از سلسله‌ی مشایخ بیدآباد که نسب آنان به شیخ زاهد گیلانی می‌پیوندد می‌باشد.

در ۱۰ ذی حجه ۱۲۲۴ در اصفهان متولد شده، و مقدمات علوم را در این شهر آموخته، به طهران رفته، و مورد نظر بزرگان واقع شده.

کتاب «گنج شایگان» را در تراجم شعرای مادح میرزا آقا خان نوری جمع‌آوری نموده، و در آن از ۴۸ شاعر نام می‌برد.

تاریخ اتمام آن (آکنده شده به درج گهر گنج شایگان ۱۲۷۳) می‌باشد. وی را دیوان اشعار است به عربی و فارسی، و در آن «شعری» تخلص می‌کند.

وفاتش را در ۱۲۷۰ نوشته‌اند و یقینا اشتباه است، لیکن دانشمند محقق آقای آقامیرزا محمد علی معلم در کتاب «نمونه‌ی مختصر المکارم» آن را در ۱۲۷۵ نوشته‌اند، و این تاریخ به یقین نزدیکتر است.

جد اعلای ایشان شیخ محمد حسن [بن شیخ عبدالله گیلانی] عالم و عارف بوده و او را محمد حسن خان قاجار به اصفهان آورده، و منصب قضاوت بدو داده، که تا این اواخر قضاوت اصفهان در سلسله‌ی ایشان باقی بود.

برادرش: شیخ محمد صالح، عالم و فاضل بوده، در مدرسه‌ی دارالفنون تدریس، و در مسجد آنجا امامت می‌نموده، و در طهران فوت شده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، عبدالباقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، متوفی در ۱۲۲۵، و مدفون در بقعه‌ی مجلسی است، و او غیر از میر عبدالباقی امام جمعه است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، عبدالجبار

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۶۵ ق)، خطاط. از شاگردان طراز اول میرعماد و از استادن برجسته‌ی نستعلیق است که طریقه‌ی استاد را پیش گرفت و

بخوبی از عهده‌ی تقلید کارهای استاد برآمده است. وی در اصفهان درگذشت. از آثار او: چهار قطعه، به قلمهای دو دانگ و نیم دو دانگ و کتابت عالی و خوش، با ربم: «العبد عبدالجبار سنه‌ی ۱۰۲۰» و «الفقیر الحقیر عبدالجبار»؛ یک نسخه «کلمات» حضرت علی (ع)، به قلم دو دانگ و کتابت عالی، با رقم: «کتبه العبد المذنب الراجی، عبدالجبار... سنه‌ی ۱۰۲۹»؛ یک نسخه «مناجات» خواجه عبدالله انصاری، به قلم دو دانگ خوش، با رقم: «کتبه العبد... فی سنه ۱۰۴۱ من الهجره...». پنج اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۶۷ -۳۶۶ / ۲)، اطلس خط (۵۳۷ -۵۳۲۶)، پیدایش خط و خطاطان (۱۴۲ -۱۴۱)، تاریخ اصفهان (۱۷۱)، تاریخ هنرهای ملی (۹۳۹ / ۲)، تذکره القبور (۳۱۹).

اصفهانی، عبدالجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی از علماء مبرز و محترم حوزه و شاگردان برجسته مرحوم آیت‌الله خونساری و آیت‌الله آقای حاج شیخ محمدعلی عراقی و آیت‌الله العظمی بروجردیست که به فضل و دانش موصوف و مشهور است تولدش در حدود ۱۳۲۳ قمری در خمینی‌شهر اصفهان واقع شده و پس از رشد و طی مقدمات به قم هجرت نموده و از محاضر معظم‌لهم و بعض اساتید دیگر استفاده نموده و چند سالی هم از طرف مرحوم آیت‌الله بروجردی برای تدریس و اداره مدرسه علمیه کرمانشاه به آن سامان مهاجرت ولی دوام نیاورده و به قم مراجعت و تاکنون به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارد و مورد توجه مخصوص آیت‌الله العظمی گلپایگانی می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اصفهانی، عبدالحق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۶۳ ق)، شاعر. وی از مردم قریه‌ی ورنو سفادران اصفهان است که به قول تذکره‌ی «نصرآبادی»: «در کمال فضیلت و حالت معنوی بود». در فن موسیقی و لغز و معما مهارت داشت. در «الذریعه» صاحب عنوان، تحت نام عبدالحق ورنو سفادرانی آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۵۲۸، ۲۰۶ -۲۰۵)، الذریعه (۶۸۴ / ۹).

اصفهانی، عبدالرزاق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، نقاش، مذهب و خطاط. اهل اصفهان بود. وی آبرنگ‌کار بود و در ارائه‌ی چهره و شبیه‌پردازی مهارت داشت. او به غیر از آبرنگ، در کارهای روغنی و فن تذهیب نیز دست داشت و خط نستعلیق را هم نیکو می‌نوشت. وی در یکی از آثارش خود را عبدالرزاق مخترع نامیده است. از آثار وی: تصویر در آتش انداختن حضرت ابراهیم (ع) است که چنین برمی‌آید در زمان محمدشاه قاجار ترتیب یافته، با رقم: «حاجی عبدالرزاق مخترع نوظهور»؛ تصویر حمامی که به زیبایی، وضع داخلی حمامهای قدیم و شیوه‌ی استحمام و وسایل تنظیف و لوازم را در نهایت دقت، ظاهر ساخته و حواشی تصویر که به دست نقاش تذهیب شده و همچنین خطوطی که نقاش نوشته، در کمال مهارت است، با رقم: «فی سنه ۱۲۶۶... عبدالرزاق»؛ جلد بزرگی در شیوه‌ی لایه‌چینی که رویه‌ی آن از گل و مرغهای شیوا و نقش طاووس و تزیینات دیگر ترکیب یافته است؛ با رقم: «کارخانه‌ی حاجی عبدالرزاق مخترع نوظهور مبارکه تاریخ ۱۲۷۴»؛ جلد روغنی ارزنده‌ای که در رویه دو طرف جلد، مناظر رقص و شادمانی، در حضور شاه‌عباس و خلیفه سلطان، سفیر هند است، با رقم:«عمل حاجی عبدالرزاق اصفهانی ۱۲۷۶». مؤلف «احوال و آثار نقاشان» نام وی را در دو مدخل جداگانه آورده است که اشتباه به نظر می‌رسد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۴۷۰ / ۳، ۳۲۷ -۳۲۵ / ۱).

اصفهانی، عبدالعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عـالم فاضـل جليـل، اوائـل عمر، زمـان ميرزاى قمى را درك نموده، در نجف خـدمت صـاحب جواهر رسـيده، و ظاهرا تا اواخر قرن سيزدهم، و شايد اوايل قرن ۱۴ حيات داشته و در نجف مى‌زيسته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالله اصفهانی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای سید عبدالله اصفهانی در سال ۱۳۳۹هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در ساری دیده به جهان گشود. نامبرده پس از فراغت از تحصیل در دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در زادگاه خویش، در پی تشويـق خـانواده و علاـقه خـويش به فراگیری علوم دینی در سـال ۱۳۵۵ که سـال هـای خفقـان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود و حوزه های علمیه از طرف رژیم منحوس پهلوی به شدت تحت فشار بودند وارد حوزه علمیه مازندران گردید. از نخستین روزهـای ورود به حوزه علمیه بـا تلاـش و کوشـش فراوان به تحصـیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی، اخلاقی فراوان برد.

وی پس از گذرانـدن سـطوح عالی در سال ۱۳۷۵ به حلقه دروس خـارج راه یـافت. و از درس سـتارگان درخشان حوزه های علمیه عالم شیعه همچون مرحوم آیت الله مازندرانی، شیخ مهدی زمانی و... بهره های فراوان علمی و اخلاقی برد.

استاد سال های متمادی است که به تدریس و شاگرد پروری در دانشگاه مازندران و دانشگاه آزاد قائم شهر مشغول است و علاوه بر تدریس هم اکنون مدیر گروه معارف شـبکه تلویزیونی طبرستان می باشد. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به تبلیغ، تحقیق و تألیف به چیز دیگری نیندیشـیده است که آثار متعددی از جمله "تفسـیر موضوعی قرآن کریم "، "اخلاق اسلامی کلیات و مفاهیم" و... را به رشته تحریر و زیور طبع آراسته است.

اصفهانی، عبدالله بن حسن

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم عامل، و فقيه كامل، متوفى در سال ۱۱۸۴ بوده، قبرش نزديك قبر خواجوئى در تخت فولاد.

ماده تاريخ وفاتش را صهبا گويد:

از جهان رفت آه عبدالله

زان در اخلاق و فضل كامل حيف

كلك صهبا نوشت تاريخش

حيف زان زبده‌ى افاضل حيف

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، عبدالله بن حسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عـالم فاضـل جليـل، از زمره‌ى علمـاى حاضـر در مجلس نادرشـاه و جلسه‌ى اتحـاد عـامه و خاصه بوده، و در سال ۱۱۸۴ وفات يافته، قبرش نزديك قبر خواجوئى.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، عبدالمطلب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد حسن کاظمینی، معروف به عباس‌آبادی. عالم فاضل، از شاگردان شیخ احمد احسائی و پیروان او بوده، و در کتب خویش طعن زیاد به مخالفین شیخیه دارد.

کتب زیر از آثار اوست:

۱ – الحجهٔ البالغهٔ ۲ – رساله در حجیت مظنه (عنوان هفتم کتاب الحجهٔ البالغه است) ۳ – رساله رد بداء، در ۱۲۷۷ تألیف شده ۴ – نجاهٔ الدارین (عنوان پنجم الحجهٔ البالغه است).

وفاتش پس از ۱۲۷۷ می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، عبدالمولی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قدوه‌ی مستعدان روزگار، خط نسخ و شکسته را خوب می‌نوشته، شعر را به حلاوت می‌گفته. چندین سال قبل از تألیف تذکره‌ی حزین به کهولت وفات یافته. از اشعار اوست:

عجز من و غرور تو شد آشنا به هم

رسم نوی است الفت شاه و گدا به هم

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، علی نقی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، از علمای قرن دوازدهم، در ۱۲۰۵ روی داده، قبرش در تکیه‌ی مجلسی جنب مسجد جامع.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، علیرضا

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۱ ق)، خطاط. معروف به عتیق. وی شاگرد میرعلی هروی بود و از آثار وی قطعه‌ای موجو است که به قلم دو دانگ و نیم دو دانگ خوش نوشته شده و رقم «عبده علی‌رضا الاصفهانی» دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۵۶ / ۲).

اصفهانی، غلامرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۷ / ۱۳۰۴ -۱۲۵۰ ق)، خطاط. در اصفهان به دنیا آمد. پدرش از قنادان اصفهان بود که در اواخر عمر به تهران آمد. وی یکی از معروفترین خوشنویسان بزرگ و معاصر میرزا محمدرضا کلهر بود. او هنوز کودک بود که به علت حسن خطش شهره گردید. روزی سطری از خط او را به نظر محمدشاه قاجار رسانیدند و وی او را احضار و پس از امتحان، او را به تعلیم مشق خط شاهزادگان مأمور کرد و او چند سال مشغول این امر بود. بعد از فوت محمدشاه، در خانه خود به تحریر و تعلیم پرداخت. میرزا غلامرضا جمله‌ی خطوط نستعلیق، از شش دانگ کتیبه تا کتابت خفی و غبار، را استادانه می‌نوشت و در شکسته‌نویسی هم مهارت داشت و غالبا خط خود را با رقمهای: «غلامرضا»، «غلامرضا، یا علی مدد»، «یا علی مدد»مشخص کرده است. از شاگردان وی: میرزا ابراهیم تهرانی مشهور به میرزاعمو، میرزا حسین‌خان کاتب الخاقان، شاهزاده عباسقلی میرزا ذبیح‌السلطنه، میرزا حسین خوشنویسان و عبدالکریم طهرانی می‌باشند. مقبره‌اش در صفاییه‌ی شهر ری است.از آثار وی: یک صفحه به خط شکسته نستعلیق کتابت خفی عالی؛ صفحه‌ی دیگر به قلم نستعلیق نیم دو دانگ عالی، که ظاهرا عریضه‌ای است که خطاب به ناصرالدین‌شاه قاجار نوشته؛ یک مکتوب به خط شکسته‌ی نستعلیق کتابت عالی، به ناصرالدین‌شاه؛ کتیبه‌های مدرسه‌ی سپهسالار، به قلم چهار دانگ کتیبه‌ی عالی و قطعات مختلفی که تاریخ رقمهای آن بین سالهای ۱۲۶۰ و ۱۳۰۳ ق است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۵۶ –۵۵۰ / ۲)، اطلس خط (۵۷۵ –۵۷۳)، تاریخ اصفهان (۱۵۶ –۱۵۴)، تاریخ هنرهای ملی (۶۵۶ / ۱)، تذکره خوشنویسان معاصر (۲۶ –۲۵)، گلستان هنر (بیست و یک).

اصفهانی، فخرالدین سعید

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پدر شمس فخری (مؤلف «معیار جمالی») ادیب و شاعر، در قرن هشتم هجری در اصفهان می‌زیسته.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، محمد اشرف

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۳۳ ق)، دانشمند. از علمای عهد صفویه و از شاگردان علامه مجلسی و نوه‌ی دختری میرداماد بود. در بیشتر علوم عقلی و نقلی مهارت داشت. در قریه‌ی ورنو سفادران از قراء سده‌ی مارببن اصفهان مدفون است. از آثار وی: «اشرف المناقب»؛«حاشیه بر قبسات»؛ «حاشیه بر شرح مختصر عضدی»؛ شرح مشیخه «تهذیب الحدیث» معروف به «رجال سید محمد اشرف»؛ «ترجمه‌ی الفیه ابن مالک به نظم»؛ «فضائل السادات»؛ «علاقه التجرید»، شرح فارسی بر تجرید العقاید خواجه طوسی؛ «المنهاج الصفوی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۱۴۷)، تذکره المعاصرین (۲۸۲ –۲۸۱)، الذریعه (۳۵۵ /۳)، ریحانه (۳۸۱ –۳۸۰ /۳)، فرهنگ سخنوران (۶۵).

اصفهانی، محمد باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۹۷ ق)، خطاط. از آثار وی: تصدیق خط نیریزی پشت کتاب «عدة الداعی»، به نسخ کتابت خوش، با رقم: «حرره محمد باقر الاصفهانی سند ۱۲۹۷».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۴۹/ ۴).

اصفهانی، محمد رضی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل فقیه مجتهد و عادل، از دانشمندان گمنامی است که در اصفهان در قرن ۱۳ می زیسته، و مانند هزاران عالم دیگر بدون اسم و رسم زندگی نموده و بدرود حیات گفته است. از آثارش اجازه اجتهادی است که به نام آقا سید محمد حسن مجتهد موسوی بعد از سال ۱۲۴۴ نوشته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، محمد صالح

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی از شاعران و عالمان شهر اصفهان بود. سلسله نسب او به شیخ زاهد گیلانی می‌رسد و میرزا طاهر شعری اصفهانی مولف «گنج شایگان» برادر اوست. صالح در شکسته‌نویسی مهارت داشت و در مدرسه‌ی دارالشفاء به یادیگری ادب، فقه، اصول، هندسه و نجوم و حساب پرداخت. وی مدتی هم در مدرسه‌ی دارالفنون سمت معلمی داشت. او نزد ملا محمد ترکمان ترکی یاد گرفت و کتاب «سنگلاخ» میرزا مهدی‌خان استرآبادی را تخلیص کرد و دستوری مبنی بر یافتن و ضبط لغات در مقدمه کتاب آورد و جدولی نیز برای سهولت عمل در علم نجوم و استخراج ترتیب داد که گویا تا کنون چاپ نشده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۹۶۸ / ۲)، گنج شایگان (۴۸۷ –۴۸۵).

اصفهانی، محمد کاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند آخوند ملا محمد علی، عالم فاضل متوفی به سال ۱۲۷۰ و مدفون در خارج بقعه‌ی مجلسی در جنب مسجد جامع اصفهان.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، محمدجعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۸۰ ق)، خطاط. از آثار وی: اسفار (مجلد سوم) وزیری، مجدول مذهب، نسخ کتابت خفی متوسط، با رقم: «محمدجعفر ابن رجبعلی الاصفهانی... سنهٔ اثنین و خمسین و مأتین بعد الالف...»؛ اسفار (امور عامه) وزیری، نسخ کتابت خفی متوسط، با رقم: «... و انا العبد... ابن رجب علی محمدجعفر سنهٔ ۱۲۸۰».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۵۵ -۱۱۵۴/ ۴).

اصفهانی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن بغلی، جلد سوخت تحریر عالی. دو صفحه‌ی اول متن و حاشیه مرصع عالی. نسخ غبار خوش با رقم: «انا العبد الجانی ابن مرحوم محمدجعفر، محمدحسن الاصفهانی» «فی سادس و عشرین شهر شوال المکرم فی سنهٔ ۱۲۶۰» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

اصفهانی، محمدرحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن بغلی، جلد روغنی عالی، دو صفحه‌ی اول متن و حاشیه مرصع عالی، نسخ غبار خوش با رقم: «برحسب فرمایش... دبیرالملک... و انا العبد ابن غلامعلی المشتهر به خوشنویس اصفهانی، محمدرحیم» «فی ثلاث شهر رجب‌المرجب فی سنهٔ تسع و سبعون و مأتین بعد الالف...» ۱۲۷۹ در کتابخانه‌ی سلطنتی.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

اصفهانی، محمدصادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا محمدصادق مدرس خاتون‌آبادی فرزند حاج میرزا حسین نایب‌الصدر عالمی جلیل و محققی کامل و بی‌نظیر از رؤساء علماء اصفهان و مدرسین بزرگ آن سامان بود در اصفهان مقدمات علوم را تحصیل نموده و جهت تکمیل به نجف اشرف مهاجرت کرده در خدمت جمعی از اساتید بزرگ آنجا مانند آقای آخوند خراسانی و علامه‌ی یزدی تلمذ فرموده و از خواص شاگردان مرحوم آخوند گردید و در تصنیف کتاب کفایهٔ‌الاصول یار و معین استاد بوده و حتی برخی از اهل اطلاع قسمتی از تحقیقات کفایه را از ایشان می‌دانند. پس از مراجعت به اصفهان مرجعیت کلی در تدریس و فتوی یافت جمعی کثیر از فضلاء این شهر از شاگردان ایشان محسوب می‌شوند در سال ۱۳۴۵ باتفاق مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا نوراللّه و علماء دیگر به قم آمده و تا چند ماه تشکیل جلسه درس و مباحثه داده و فضلاء برجسته از محضرش برخوردار می‌شدند تا بعد از فوت مرحوم حاج آقا نوراللّه به اصفهان مراجعت و به وظائف مقرره روحانی خود پرداخت تا در جمعه هفتم جمادی‌الاولی سال ۱۳۴۸ وفات نموده و در بقعه‌ی سیدالعراقین مدفون گردید.

جزواتی در فقه و اصول نوشته و تقریرات فقهی و اصولی اساتید خود را به رشته‌ی تحریر درآورده لکن متأسفانه به طبع نرسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

اصفهانی، محمود جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از مدّرسین و علمای اصفهان بوده و عدّه‌ای در اصفهان در خدمتش تلمّذ می‌نموده‌اند که از آن جمله است: شیخ محمّد حسین بن میرزا محمّد علی مقدّس اصفهانی، و این شاگرد از استاد خود ثنای بلیغ می‌نموده و استاد در حدود سال ۱۳۴۵ وفات یافته است.

و شیخ محمّد حسین نامبرده نیز از فضلای نجف به شمار می‌رفت، و در شوّال سال ۱۳۸۶ در نجف وفات یافته، در آن ارض اقدس مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی، مرتضی قلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از خدمتگزاران دربار شاه عباس دوم (۱۰۷۷ -۱۰۵۲ ق) بود. او مدتی تحویلدار انبار دربار بود و پس از آن تحویلدار ایاغخانه (میخانه) شد. وی به کمالات صوری و معنوی آراسته بود و شعر می‌سرود. از آثارش: «دیوان» شعر، شامل غزل و رباعی و قطعه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۶/ ۱)، تذکره‌ی روز روشن (۷۳۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۷)، الذریعه (۱۰۲۸/ ۹)، صبح گلشن (۴۰۱)، فرهنگ سخنوران (۸۳۳).

اصفهانی، معزالدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید امیر معزالدین محمد بن تقی‌الدین محمد اصفهانی، عالم فاضل محقق کامل. قاضی اصفهان، و از صدور عهد شاه عباس اول می‌باشد. مدت هشت سال منصب صدارت داشته است.

وی از شاگردان محقق کرکی و شیخ ابراهیم قطیفی، و مجاز از ایشان بوده، تاریخ اجازه ۹۲۸ می‌باشد، و مجلسی اول از او اجازه داشته.

کتب و رسائلی نوشته که از آن جمله است: ۱ - رساله فی عدم انفعال القلیل ۲ - تحفهٔ الرضویهٔ ۳ - تحفهٔ الفاطمیهٔ ۴ - تحفه النبویهٔ؛ و غیره.

در فوائد الرضویهٔ فرماید: در ظهر کتاب «تحفهٔ الرضویهٔ» اسامی تألیفات او که بالغ بر پنجاه مجلد می‌شود ثبت گردیده. و در آنجا وی را: معزالدین محمدبن ابی‌الحسن موسوی معرفی نموده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، معزالدین حسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به قاضی معز. فاضل کامل عامل محقق مدقق، از علمای عصر شاه عباس اول بوده، و در قضاوت، حد اعلای تدین و دقت را به کار می‌برده و قضایای معروفی دارد. در سال ۱۰۲۰ به اتفاق سلطان حسین ندوشنی یزدی و قاضی خان سیفی به سفارت روم رفته. در برخی از اجازات، نامش معزالدین محمد نوشته شده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی، مقیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی از بزرگان کفران روی دشت، از توابع اصفهان، بود. پدرش در زمان شاه عباس اول مستوفی الممالک بود و میرزا مقیم، کتابدار کتابخانه شاه گردید. در ۱۰۶۹ ق از جانب شاه عباس دوم (۱۰۷۷ -۱۰۵۲ ق) به حجابت دکن رفت. وی

معاصر نصرآبادی بود. در حاشیه‌ی «کاروان هند» آمده که ظاهرا میرزا محمد مقیم کتابدار متخلص به همت مذکور در «دقایق الخیال» و «جواهر الخیال»، که هر دو مجموعه‌ی رباعیات است تألیف میر محمدصالح نواب رضوی در اواخر قرن یازدهم قمری، همین شاعر است، که نصرآبادی تخلص او را ذکر نکرده و یا بعدا تخلص خود را همت قرار داده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۷۶ -۷۵)، الذریعه (۱۰۹۱ ،۹۰۸/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۷۰)، کاروان هند (۱۳۳۴ -۱۳۳۳/ ۲)، لغت نامه (ذیل/ مقیم اصفهانی).

اصفهانی، منیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج آقا منیر اصفهانی عالمی فاضل و زاهدی جلیل از بزرگان فقهاء و مجتهدین و از روساء علماء و محققین. در ۲۱ رجب ۱۲۶۹ در بروجرد متولد گردیده و مقدمات علوم را آموخته و جهت تکمیل علوم به اصفهان مهاجرت و به درس حاج شیخ محمدباقر مسجد شاهی حاضر شده و مدتی در سامرا درس آیت‌اللَّه العظمی میرزا محمدحسن مجدد شیرازی را درک نموده و سپس به اصفهان مراجعت و با کمال عزت و احترام و قدرت و نفوذ بین الخواص و العوام می‌زیسته و در مسجد ایلچی اقامه جماعت و در منزل تدریس می‌نموده و خصوصاً در علم رجال و درایه احاطه کامل داشته و کتب چندی تالیف نموده از آن جمله است.

۱- الفیه در شرح حال علماء و اساتید خود ۲- تتمیم منظومه بحرالعلوم در فقه ۳- ترجمه حال عده‌ای از رواهٔ ۴- رساله در فرق بین نافله و فریضه ۵- منظومه‌ای در اصحاب اجماع ۶- منظومه در اصول ۷- رساله مستقله‌ای در شرح حال رواهٔ ۸- جوابات مسائل استدلالی به طریق جامع‌الشتات و غیره ایشان از حاج شیخ محمدباقر و شیخ زین‌العابدین مازندرانی روایت احادیث نموده و عده‌ای نیز از او اجازه روایت دارند آن بزرگوار در ظهر روز دوشنبه ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۴۲ وفات و در تکیه ملک مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

اصفهانی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم مبرور علم الفقهاء و الاعلام آیت‌اللَّه العظمی فی الانام آقا میرزا محمدمهدی اصفهانی غروی ابن المرحوم حجهٔ‌الاسلام میرزا اسمعیل اصفهانی از مشاهیر علماء عظام و مدرسین گرام مشهد مقدس بوده‌اند تولد آن بزرگوار در سال ۱۳۰۳ قمری هجری در شهر اسفهان واقع شده و در مهد پرورش والد ماجدش که از صلحاء و اخیار ملاکین اصفهان بوده‌اند تربیت یافته و تحصیلات ادبی و مقدمات و اندکی از اصول و فقه را در اصفهان خدمت اساتید آن زمان خوانده و پس از فوت مرحوم والدشان زیر نظر حجهٔ‌الاسلام آیت‌اللَّه آقای حاج آقا رحیم ارباب تحت سرپرستی ایشان بوده‌اند و با نظر ایشان برای ادامه تحصیل به عتبات عالیات مشرف شده و بر حسب توصیه و سفارش آقای ارباب خدمت مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقا سید اسمعیل صدر رضوان اللَّه علیه مشرف شده و تحت سرپرستی علمی و سلوک روحانی آن بزرگوار واقع گردیده و علاوه بر تحصیلات فقه و اصول با مبانی معنوی و عوالمی روحانی مرحوم صدر که از خواص اصحاب اسرار مرحوم آخوند حاج ملا فتحعلی اراکی بوده‌اند آشنا شده و از عوالم معنویات و اخلاقیات و سیر و سلوکهای شرعی و حتی آن بزرگواران بهره‌مند گردیده سپس به امر مرحوم آیت‌اللَّه صدر مذکور به نجف اشرف مشرف و در مرحوم آخوند ملا کاظم خراسانی شرکت و در عین اشتغال به تحصیل فقه و اصول با مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید احمد کربلائی و مرحوم حجهٔ‌الاسلام آقا شیخ محمد بهاری که دو شاگرد ممتاز مرحوم آخوند ملا حسینقلی همدانی رضوان‌اللَّه علیهم بوده‌اند مخالطه و موانست کامل پیدا نموده و در وادی سیر شرعی روحانی و سلوک ایمانی این جمع وارد شده و مقداری خود را از آب و گل بیرون کشیده و با معاشرین دیگری از اصحاب سلوک از قبیل مرحوم حاج سید علی قاضی و مرحوم آیت‌اللَّه عالم ربانی حاج سید جمال‌الدین گلپایگانی و غیرهم آمیزش داشته تا در اوان جار و جنجال و انقلاب امر مشروطه به اتفاق آیت‌اللَّه آقای سید جمال مزبور و چند نفر معدود دیگر خدمت مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقامیرزا حسین نائینی قدس‌اللَّه سره مشغول به تحصیل فقه و اصول سامره و شیخ می‌شوند و کلیه مطالب شیخ انصاری را که مرحوم آیت‌اللَّه العظمی میرزا حسن شیرازی تنظیم و تهذیب نموده بودند و به توسط مرحوم سید استاد محمد فشارکی به میرزای نائینی و اصل شده بود تماما را در مدت چهار و پنج سال تشرف خدمت مرحوم میرزای نائینی ثبت و ضبط نموده و در نتیجه به همه مبانی سامره‌ایها و مبانی نجفیها احاطه کامل حاصل فرمود و در عین حال مراحل سیر نفسی را هم بهایه تجرید و خلع بدن رسانیده و کاملا خود را از آب و گل بیرون می‌کشد و از اقیانوس معارف صاحب علم جمعی قدس اللَّه اسراره شطوط و انهاری جاری می‌سازد.

شطی در اصول آل الرسول و نهری در فقه اکبر اهل‌البیت که شامل معارف مبدئی و معادی و انفسی و آفائی کتاب و سنت است و خلاصه پیش از تشرف حضور مقدس حضرت بقیهٔ‌اللَّه ارواحناه فداه در وادی السلام سر قبر حضرت هود و صالح موفق به تحصیل کمالات مذکوره می‌گردد و در حدود سنه ۱۳۴۵ قمری هجری مشرف به ارض اقدس رضوی شده و مجاورت مشهد مقدس را اختیار و به تدریس و تعلیم و تربیت طلاب و مدرسین حوزه مشهد پرداخته و علاوه بر تعلیم علوم نقلیه و القاء معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام پیوند ولایت بسیاری از اهل علم را با شجره ملکوتیه ولی عصر حضرت بقیهٔ‌اللَّه ارواحنا فداه محکم و مستحکم فرموده و

آنان را به ثمرات ولایتی بارور نموده و این خدمت ادامه داشت تا در آخرین انخلاع و تجریدی که برای آن بزرگوار دست داد درخواست نقل از این نشانه از دربار احدیت کرده و مستجاب شده به فاصله چند روز از این درخواست روز پنجشنبه ۱۹ ذی‌الحجه سال ۱۳۶۵ هجری قمری ندای غیبی را لبیک اجابت گفته و بر اثر سکته از دنیا رحلت فرمود و در تاریخ فوت ایشان علامه محقق جناب حاج شیخ محمود حلبی که از تلامذه و ارادتمندان ایشان بود سرود.

یوم الخمیس تلوعید الغدیر

نال الی لقاء حی قدیر

قلت لعام فقد هادینا

غاب من الاعین مهدینا

مرقد شریفش در وسط دار الضیافه آستانه مبارکه رضویه است. دانشمند معظم جناب آقای غروی فرزند آن مرحوم در مقدمه کتاب دین و فطرت می‌نویسد: حضرت آیت‌اللَّه عالم عامل فقیه اهل‌البیت آقای آقا میرزا مهدی اصفهانی اعلی اللَّه مقامه الشریف متولد سال ۱۳۰۳ هجری قمری فرزند مرحوم مبرور حجهٔالاسلام آقای حاج شیخ اسماعیل طاب ثراه می‌باشد.

مرحوم میرزا پس از دوران کودکی مقدمات و سطوح عالیه را نزد اساتید اصفهان منجمله نزد پدر بزرگوارش به اتمام رسانیده سپس به نجف اشرف رهسپار می‌شوند. مدت کمی از محضر مقدس حضرت آیت‌اللَّه العظمی آقای آقا سید محمدکاظم یزدی و آیت‌اللَّه العظمی ملا محمدکاظم خراسانی استفاده می‌کند و بعد از فوت مرحوم آخوند خراسانی و حسب‌الامر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی صدر اصفهانی به محضر مقدس محقق کامل علامه محترم آقای میرزا محمدحسین نائینی قدس‌اللَّه سره حاضر می‌شوند.

بنابر فرموده خود آن مرحوم در شبانه‌روز سه درس در مبانی فقه و اصول در خدمت ایشان اشتغال داشتند اول کسی که در درس خصوصی ایشان شرکت می‌کند مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقا سید جمال گلپایگانی بودند و تا هنگام ختم درس تلامذه مرحوم میرزای نائینی به هفت نفر رسیدند و تا چهارده سال از محضر درس مرحوم نائینی استفاده نموده و در سن سی و پنج سالگی موفق به دریافت اجازه اجتهاد از مراجع بزرگ نجف می‌شوند بالاخص اجازه مرحوم میرزای نائینی که در موقع حرکت به ایران به ایشان داده شده کم نظیر می‌باشد.

بعد از دوران فقه و اصول نزد اساتید فن به اشتغال پرداختند و به فرموده خودشان چون قواعد فلسفی را کافی برای نیل به حقایق ندیدند ناچار متوجه مطالب عرفان شدند و در خدمت مرحوم آقا سید احمد استاد اخلاق معروف به کربلائی که از افاضل درس عارف کامل آقای ملا حسینعلی همدانی بودند به تحصیل معارف و اخلاق و تهذیب نفس اشتغال ورزیدند، بعد از چندی استاد محترمشان تصدیق‌نامه نیل به معارف و وصول به مقام معرفهالنفس را به ایشان عنایت کردند

مرحوم میرزای والد در یکی از جلسات به بعضی از افاضل این موضوع را متذکر شدند و فرمودند به اینکه به مطالب فلسفه و عرفان کاملا آشنا و وارد بودم.

نفس خود را قانع به این معارف نمی‌دیدم به علاوه آنچه بر من گران می‌آمد عدم مطابقت بین قرآن و روایات مبارکات با مطالب فلسفه و عرفان بود که آموخته بودم و این امر مشکلی بود و برای من ناچار متوسل به حضرت بقیه‌اللَّه حجهٔ بن الحسن العسکری علیه‌السلام شدم و در مواقع متعدد به مسجد سهله می‌رفتم و استغاثه والتجاء و تضرع به حضرتش داشتم و از آن حضرت استمداد می‌طلبیدم آخرالامر عنایات و الطاف خاصه آن حضرت شامل حالم شد طریق و اصول به معارف قرآن برای من آشکار گردید چون به برکت ولی عصر عجل‌اللَّه فرجه الشریف حقیقت مطلب بر من ظاهر گشت تمام جزواتی که در مدت اشتغال به فلسفه و عرفان نوشته بودم از همه آنها اعراض کرده در شط کوفه انداختم و با خود عهد کردم در معارف قرآن غیر از کلمات عترت طاهره که مفسرین قرآن هستند نظریه احدی را قبول نکنم و دست از آیات و روایات برندارم و متشابهات آنها را بر محکمات حل نمایم و مانند کسانی نباشم که مطالبی را به رای و قیاس می‌پردازند و چون خود را منتسب به شرح می‌دانند برای بافته‌های فکر خود به متشابهات آیات و روایات متمسک می‌شوند و با نظر خود آن را تاویل و توجیه می‌کنند

مرحوم والد چون به مشهد مقدس مشرف شدند متوسل به حضرت ثامن‌الائمه (ع) شدند به تعلیم و تدریس مشغول می‌شوند پس از اندک زمانی فضلاء حوزه علمیه خراسان پروانه‌وار اطراف شمع وجودشان جمع گشته از سرمایه علم و معرفتش بهره‌مند می‌شوند.

مرحوم میرزای والد حدود ۲۸ سال به افاضه و افاده اشتغال داشتند و حوزه درسشان در بین حوزه‌ها ممتاز و تلامذه ایشان مشار بالبنان بوده و به فوائد و فیوضات بسیار نائل شدند.

مرحوم فقید سعید به قدری در نشر معارف قرآن و علوم اهل بیت رسالت (ع) کوشا بودند که در ایام تعطیلی حوزه هم به تدریس معارف و اصول اخلاق اشتغال داشتند کسانی که از درس اخلاق و معارف آن مرحوم مستفیض شده‌اند الحق در اخلاق و تقوا امتیاز بخصوصی دارا هستند.

مرحوم میرزا مباحث اصول را در سه دوره بیان فرمودند دوره اول مفصل و مبسوط مطابق معمول و مرحوم بین فقهاء و اصولیین قدس‌اللَّه اسرار هم دوره دوم مطالب خود را با بیان و تحقیق کامل اثبات می‌فرمودند.

دوره سوم قواعد مهمه اصولی را که برای استدلال احکام فقهی لازم است بطور اختصار بیان فرموده و تقدیرات آن نزد افاضل شاگردان آن مرحوم موجود است.

عده‌ای از افاضل تلامذه مرحوم میرزا معارف ایشان را به اندازه‌ای که مقتضی میدانستند در جلسات درس خود و در نوشتجاتشان افاده فرموده‌اند.

نگارنده گوید در سال ۱۳۶۴ قمری که در مشهد اقامت داشتم به مباحثه حج ایشان شرکت نموده و استفاده میکردم و با بیان مخصوص بخود که از هیچ مدرسی در مشهد و قم و نجف ندیدم درس گفته و با بیان مطلب می‌فرمودند و خاطرم هست که در معنای حج فرمودند الحج فی اللغهٔ القصد و فی اصطلاحنا قصد العاشق نحو بیت معشوقه شاگردان و تلامذه آن بزرگوار از مفاخر دانشمندان حوزه مشهد مقدسند.

معظم آنهایی که به خاطر دارم افراد زیرند.

۱- مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ غلامحسین مهامی.

۲- آیت‌اللّه حاج شیخ هاشم قزوینی.

۳- مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مجتبی قزوینی.

۴- آیت‌اللّه حاج کاظم دامغانی.

۵- مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ زین العابدین مازندرانی.

۶- آیت‌اللّه حاج میرزا جواد تهرانی.

۷- مرحوم آیت‌اللّه حاج سید جلال مدرس.

۸- آیت‌اللّه حاج شیخ حسنعلی مروارید.

۹- مرحوم آیت‌اللّه حاح شیخ محمود کلباسی.

۱۰- آیت‌اللّه حاج شیخ علی‌اکبر صدرزاده.

۱۱- مرحوم آیت‌اللّه آقا سید حسین قاضی طباطبایی.

۱۲- حجهْالاسلام والمسلمین حاج شیخ محمود حلبی واعظ.

۱۳- حجهْالاسلام والمسلمین حاج شیخ علی نمازی.

۱۴- حجهْالاسلام حاج شیخ عباسعلی اسلامی.

و ده‌ها نفر دیگر که هر کدام از دانشمندان طراز اول ایران می باشند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

اصفهانی، ناصر الدین خسرو

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب شاعر، مؤلف سعادتنامه‌ی منظوم، متوفی به سال ۷۳۱. به طوری که در کشف الظنون گفته، و ظاهر عبارت آن است که او غیر از ناصر خسرو علوی قبادیانی متوفی به سال ۴۸۱ باشد، و این غلط است، و کتاب نامبرده از ناصر خسرو علوی است، و وی اصفهانی نمی‌باشد، و برخی از تذکره‌نویسان مانند آذر و دیگران که وی را اصفهانی نوشته‌اند اشتباه نموده‌اند.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، نظام‌الدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب شاعر فاضل نویسنده، قاضی القضاهْ عراق بوده، و با خواجه نصیرالدین طوسی ملاقات نموده، و در مدح جوینیان قصائدی پرداخته، و کتاب «شرف ایوان البیان» در شرافت خاندان صاحب دیوان را جهت خواجه عطاملک جوینی تألیف نموده، و به فارسی و عربی شعر گفته، و از دوستان و مادحین خاندان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم بوده است.

صاحب مجالس المؤمنین فرماید: قاضی نظام‌الدین محمد بن قاضی القضاهْ اسحاق بن مطهر اصفهانی، متوفی به سال ۶۷۸ هجری.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، نورالدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قاضی نورالدین اصفهانی، از دانشمندان و ادبا و شعرای عصر شاه اسماعیل ثانی صفوی بوده، و در سال ۱۰۰۰ وفات یافته است.

آذر درباره‌ی او گوید: شاعری نادره گوی، و مردی خوش خوی بوده؛ از اشعار اوست:

جای ترحم است به من کز جنون عشق

می‌خواهم از تو آنچه در آب و گل تو نیست

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، نورالدین محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۹۴ ق)، خطاط. وی برادر بزرگ محمدصالح اصفهانی بود و در کتابخانه‌ی شاه عباس اول به امر کتابت اشتغال داشت. میرزا سنگلاخ به وی لقب جواهرنگار داده است. از آثار وی: یک قطعه، به قلم نیم دو دانگ عالی، با رقم: «تراب اقدام الفقراء نورالدین محمد الاصفهانی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۴۸/ ۳)، اطلس خط (۵۴۶)، تاریخ اصفهان (۱۵۱).

اصفهانی، هادی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک قطعه ثلث رقاع دو دانگ جلی عالی و نسخ کتابت خوش، با رقم: «مشقه العبد المذنب المحتاج ابن محمد علی، هادی الاصفهانی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۲۵/ ۴).

اصفهانی، هدایت‌اللّه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، خطاط. وی شاگرد میر معز کاشانی (م ۹۹۵ ق) بود. از آثار منسوب به او: قطعه‌ای از یک مرقع، به قلم کتابت جلی عالی، با رقم: «کتبه هدایت‌اللّه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۵۹/ ۳)، مناقب هنروران (۸۶).

اصفهانی‌زاده، جمال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تبریز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

اصلاح عربانی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم اصلاح عربانی یکی از محققان معاصر استان گیلان است . او مدیر عامل گروه پژوهشگر ان ایران می باشد . مهمترین اقدام علمی و فرهنگی ایشان ، انتشار نشریات وکتب متعددی است که در حیطه ایران شناسی مورد نظر می باشد .گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی تحصیلات رسمی و حرفه ای : ابراهیم اصلاح عربانی تحصیلات حویش را درناحیه عربان صومته سرا آغازکرد . سپس برای ادامه تحصیل به رشت و تهران عزیمت کرد .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ابراهیم اصلاح عربانی اصلاح عربانی ،مدیر عامل گروه پژوهشگران ایران می باشد .فعالیتهای آموزشی : ابراهیم اصلاح عربانی ضمن فعالیتهای اقتصادی و بازرگانی و علاقه به کارهای فرهنگی فعالیت مطبوعاتی درروزنامه ها را آغاز نمود . سپس سازمان کوچکی را با نام «فار» به وجود آورد و دراین سازمان نشریه ای را با همین نام منتشر کرده است .مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : ابراهیم اصلاح عربانی علاوه برسازمان فار، سازمان نیز تحت عنوان گروه پژوهشگران ایران تاسیس کرد که به کارهای تحقیقاتی درزمینه ایران شناسی می پردازد .همفکران فرد : استادان و دانشمندان همچون دکتر محمد حسن گنجی ،دکتر حسن حاج سید جوادی ، دکتر فرج الله محمودی ، دکتر ایرانپور جزنی ، دکتر حبیب الله زنجانی ، دکتر عباس سعیدی ، دکتر محمد طاهر نظامی از جمله همفکران ابراهیم اصلاح عربانی هستند که در امور پژوهشی و تحقیقاتی از افکار یکدیگر بهره می برند .آثار : راهنمای شهرستانهای ایران ویژگی اثر : این کتاب درسال ۱۳۴۶ شمسی در۶۴۵ صفحه منتشر گردیده است . انتشار این کتاب که حاوی اطلاعات ارزنده ای در مورد تمام شهرستانهای ایران می باشد مورد استقبال قرار گرفته است .۲ فرهنگ استان بنادر ویژگی اثر : انتشار این فرهنگ مورد توجه کارشناسان طرح وبرنامه ریزی وزارت کشور قرار گرفته و تصویب گردید که برای هراستانی کتابی بی نظیر فرهنگ استان بنادر تهیه می شود .۳ کتاب گیلان ویژگی اثر : این کتاب ازمجموعه کتابهای همه جای ایران می باشد که دران هزاران عکس نقشه ،نمودار و مقاله درمورد استانهای مختلف کشور گرد آوری شده است .

اصلانی، مختار

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مختار اصلانی

محل تولد : مراغه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مختار اصلانی در سال ۱۳۵۲ در یکی از روستاهای شهرستان مراغه در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدائی را در همان روستا و تحصیلات راهنمائی را در بخش خراجو به پایان رسانده و جهت ادامه تحصیل در دوره دبیرستان مجبور به ترک خانواده شده و در شهر مراغه و دبیرستان خواجه نصیر به ادامه تحصیل پرداختم.

روحیات مذهبی و فطرت پاک روستائی با محیط شهر و دبیرستان خیلی سازگار نبود، از این رو همیشه دنبال گمشده ای می گشتم که در محیطی سالم و مطابق با روحیات مذهبی و انقلابی بتوانم ادامه تحصیل بدهم که با راهنمائی یکی از دوستان، حوزه علمیه را مناسبترین جا تشخیص داده و در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه شهرستان بناب شدم و بعد از اتمام سطح یک برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۷۵ به شهر قم مهاجرت کرده و بعد از اتمام سطح در درس خارج اصول و فقه حضرات آیات: مکارم شیرازی و سبحانی شرکت نمودم.

در کنار دروس حوزه در مرکز تربیت محقق و نویسنده دفتر تبلیغات در رشته تاریخ اسلام به مدت دو سال دوره دیده و در گروه تاریخ مرکز مطالعات حوزه مشغول به تحقیق شدم که حاصل کارهای تحقیقی بنده چاپ ده ها مقاله در مجلات و روزنامه ها و چاپ کتابی به نام" تاریخ پیدایش شیعه "بوده است.

اصلی دماوندی، بابا اصلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اصل وی از دماوند بود، بعد از سیر آفاق ساکن شیراز شد. از اوست:

جهان جام و فلک ساقی اجل می

خلایق باده‌نوش مجلس وی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۲۱۱)، تذکره‌ی روز روشن (۵۷)، الذریعه (۱۱۶ /۹)، فرهنگ سخنوران (۶۹).

اصم استرآبادی، یوسف

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۷ ق)، شاعر. وی به هند رفت و شهرانگیزی که عبارت است از مجموعه‌ی رباعیاتی مرسوم به «صفات الاصناف»، به تقلید «مجمع الاصناف» لسانی شیرازی، که درباره‌ی پیشه‌وران و صنعتگران بود به نام اکبر شاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق)، سرود. اشعاری نیز از وی در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۳۱۷ / ۹)، صبح گلشن (۶۱۶)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۷)، کاروان هند (۱۵۵۷ -۱۵۵۶ ۲)، لغت‌نامه (ذیل / یوسف).

اصولی، احسان

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احسان اصولی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در مهرماه ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه کاشان، مدرسه علمیه حضرت ولی عصر علیه السلام قمصر وابسته به مدرسه علمیه حضرت آیهٔ الله یثربی قدس سره شدم. همزمان با تحصیلات حوزوی در قمصر و کاشان دروس دوره متوسطه را نیز به صورت متفرقه امتحان داده و در سال ۱۳۷۱ دیپلم رشته فرهنگ و ادب را اخذ نمودم.

همزمان با پایان سطح ۱ حوزه، در دانشگاه کاشان به صورت شبانه در رشته علوم تربیتی گرایش مدیریت و برنامه ریزی آموزشی قبول شده و البته به دلیل آن که دروس حوزوی را نیز مشغول بودم از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۱ دوره کارشناسی را به پایان رساندم. از سال دوم حوزه ارتباط با برخی مراکز فرهنگی شهرستان برقرار نموده و در برنامه ریزی و تدریس در آن مراکز فعال بودم. از سال ۱۳۷۴ همکاری با جناب آقای بنی هاشمی در تدوین رساله توضیح المسائل مراجع را آغاز نمودم و پس از آن نیز فعالیتهای علمی و تألیفی مشترک ادامه داشته است.

در سال ۱۳۷۹ برای رشته معارف اسلامی و علوم سیاسی در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) پذیرفته شده و همزمان با حضور در درس خارج فقه واصول، در دوره کارشناسی موسسه نیز شرکت کردم. در سال ۱۳۸۵ نیز دوره کارشناسی ارشد علوم سیاسی موسسه مزبور را شروع کرده و هم اکنون در آستانه نگارش پایان نامه کارشناسی ارشد می باشم.

از سال ۱۳۷۵ تاکنون تدریس دروس مختلف مدیریت فرهنگی، روش تدریس، نظام سیاسی اسلام، نظام حقوق زن در اسلام و ... را در حوزه علمیه خواهران کاشان بر عهده داشته و بیش از بیست پایان نامه را راهنمایی نموده و یا در موارد بیشتر از این، مشاوره ارائه کرده ام. از سال ۱۳۸۲ تاکنون داوری و ارزیابی پایان نامه های حوزه های خواهران در استان اصفهان را با حکم مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران عهده دار بوده ام.

همچنین از سال ۱۳۷۷ تاکنون توفیق مدیریت برنامه ریزی و اجرایی مرکز فرهنگی تبلیغی قرآن و عترت علیهم السلام وابسته به حوزه علمیه حضرت آیت الله یثربی کاشان را داشته ام. از سال ۱۳۸۴ تاکنون نیز تدریس دروس انقلاب اسلامی ایران، اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، آشنایی با قانون اساسی ج.ا.ا را در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان و دانشگاه علوم پزشکی کاشان انجام داده ام.

در قم نیز از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱ در مدرسه علمیه فاطمی به تدریس صرف و نحو و عقائد پایه ۱ تا ۳ و در مدرسه اهل البیت (ع) عقائد پایه ۷ (الهیات آیهٔ الله سبحانی) مشغول بوده ام. خداوند مهربان توفیق روزافزون عطا فرماید.

اصولی، عبدالمجید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

تولد: ۱۲۶۶.

درگذشت: ۱۶ اسفند ۱۳۵۹ سنندج.

ملا عبدالمجید اصولی تحصیلات خود را تا قسمتی بالاتر از دوره مقدماتی در سنندج آغاز کرد و بعد از آن برای تکمیل معلومات بـه سلمانیه‌ی عراق رفت و نزد شیخ عمر بن القره داغی فلسفه و منطق را فراگرفت. علوم ادبی و کلام را در محضر علی حکمت اردبیلی به پایان رسانید. سرانجام به اخذ اجازه‌ی رسمی افتاء و تدریس دست یافت و به سنندج بازگشت. ابتدا در مسجد شریعتمدار به امامت و تدریس منصوب شد. چندی بعد به امامزاده پیر عمر نقل مکان نمود و به تدریس پرداخت و در اواخر عمر نیز در مدرسه علوم دینی سنندج در سطوح بالا و دورس نهایی مدرس بود، در مجموع مدت قریب به شصت سال مشغول به تدریس بود.

عبدالمجید اصولی در سن نود سالگی درگذشت و پیکرش را در مسجد امامزاده پیر عمر به خاک سپردند.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اصیلی مشهدی، محمدعلی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق ۹، خطاط و شاعر، متخلص به اصیلی. از شعرای معاصر امیر علی‌شیر نوایی بود. مولف «مجالس النفائس» او را از شمار شعرای مشهد ذکر می کند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۴۶۲/۲)، احوال و آثار خوشنویسان (۶۸/۱)، تذکره‌ی روز روشن (۵۷)، الذریعه (۸۰/۹)، صبح گلشن (۲۶)، فرهنگ سخنوران (۶۹)، مجالس النفائس (۲۴۲، ۶۸).

اطروش، ناصرالحق، ابومحمدحسن

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۰۴/۳۰۲ -۲۳۰/۲۲۵ ق)، مفسر، متکلم، فقیه، محدث، ادیب و شاعر شیعی. مشهور به ناصر کبیر. جد مادری شریف رضی و شریف مرتضی است. شیخ طوسی او را در شمار اصحاب امام هادی (ع) آورده است. حاکم طبرستان بود و از این رو که بر اثر اصابت شمشیری در نبردگاه کر شده بود به اطروش خوانده می‌شد. وی در فقه و دین علامه بود و در شعر توانا. ابن ابی‌الحدید گوید که او صاحب سیف و قلم و از بزرگان فقهای امامیه و شیخ طالبیین و عالم و زاهد و ادیب و شاعر ایشان بود. او اسلام را در میان ساکنان ساحل دریای خزر نشر داد و در حدود دویست هزار دیلمی و گیلانی به دست وی ایمان آوردند، و او را در شهرهای آنان مساجدی بنا کرد. به گفته‌ی طبری و ابن‌اثیر او حاکمی عادل و نیک سیرت بود و مردم همانند او را در عدل و برپایی حق و حسن روش ندیدند. وی سرانجام در آمل طبرستان درگذشت و مزارش در همان شهر زیارتگاه عموم است. تالیفات و آثار وی بیش از سیصد کتاب بوده است. از جمله آثارش: «اصول الدین»؛ «الامالی»؛ «الامامه الصغیر»؛ «الامامه الکبیر»؛ «امهات الاولاد»؛ «البساط»، در علم کلام؛ «تفسیر الاطروش»، در دو مجلد که در آن به ۱۰۰۰ بیت از ۱۰۰۰ قصیده احتجاج کرده؛ «الفقه الناصریه» که شریف مرتضی علم‌الهدی آن را شرح و تصحیح کرد و «المسائل الناصریات» نامید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۶/۲)، اعیان الشیعه (۱۸۴ -۱۷۹ /۵)، الذریعه (۲۹۹/۱۶، ۲۶۱/۴، ۳۱۵، ۳۰۸ /۲)، رجال الطوسی (۴۱۲)، رجال النجاشی (۱۷۱ -۱۷۰ /۱)، روضات الجنات (۲۵۳ -۲۵۱ /۲)، ریحانه (۹۸/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۲/۴)، الکامل (۱۴۸/۶)، الکنی و الالقاب (۲۳۲/۳)، لغت‌نامه (ذیل/اطروش)، مروج الذهب، ترجمه (۶۹۰/۲)، معجم المولفین (۲۵۲/۳).

اظهر تبریزی، ظهیرالدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۸۰ ق)، خطاط. شاگرد میرزا جعفر بایسنقری بود که در بدایت حال از تبریز به هرات سفر کرد و ملازم سلطان ابوسعید بن محمد بن میرانشاه گردید. بعد از تسخیر خراسان توسط الغ‌بیگ، شاه گورکانی اظهر را به همراه خود از خراسان به سمرقند برد و مصاحب خود کرد. تذکره‌نویسان متقدم به اظهر لقب ظهیرالدین و متاخرین به او لقب استادالاساتید داده اند. قدمای خطشناس اظهر را سومین استاد خط نستعلیق بعد از میرعلی و میرزا جعفر می‌دانند. خطوط اصول و مخصوصا ثلث را بسان بزرگترین خوشنویسان، نیکو می‌نوشته است. از شاگردان معروف اظهر می‌توان، سلطانعلی قاینی، سلطانعلی مشهدی و شیخ بایزید پورانی را نام برد. اظهر در بیت‌المقدس درگذشت. از آثار او: یک نسخه‌ی کامل شش دفتر «مثنوی»، به قلم نستعلیق کتابت خفی و عناوین به قلم رقاع نیم و دودانگ، با رقم: «تم الکتاب المثنوی المولوی... العبد الظهر،... سنه اثنی و سبعین و ثمانمائه (۸۷۲)، یک نسخه «مقطعات» ابن یمین، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «تمت... سنه ربع و ستین و ثمانمائه... اظهر»؛ ۲۹ قطعه از مرقعات بهرام میرزا،... به خطوط ثلث ممتاز و رقاع عالی و نستعلیق خوش، به قلمهای چهار دانگ تا غبار و تاریخهای ۸۴۰ و ۸۷۳؛ یک نسخه «خمسه‌ی» نظامی و امیر خسرو دهلوی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «تمت الکتاب... بید الاحقر اظهر تبریزی... سنه سبع و سبعین و ثمانمائه» (۸۷۷)، در کتابخانه‌ی دانشگاه پنجاب لاهور. یازده اثر دیگر وی در کتاب «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۴ -۶۸ /۱)، اطلس خط (۴۶۰ -۴۵۸)، پیدایش خط و خطاطان (۹۶ -۹۵)، تاریخ هنرهای ملی (۸۱۵ -۸۱۳ /۲)، حبیب السیر (۱۹/۴)، دانشمندان آذربایجان (۴۳)، گلستان هنر (۵۷)، لغت‌نامه (ذیل/اظهر)، مناقب هنروران (۶۱، ۵۹).

اظهر، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۰۱، یزد.

درگذشت: ۱۳۶۵.

سید رضا اظهر فرزند سید مرتضی «روشن» تخلص می‌نمود که به تجارت مشغول بود. از وی کتابی به نام اندیشه‌ی روشن به چاپ رسیده است.

سید رضا اظهار در سال ۱۳۶۵ درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اظهری شیرازی، بوداق

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۹۹۱ ق)، شاعر، متخلص به اظهری. از شعرای توانمند عصر صفوی است که در تذکره‌های آن دوره اشاره‌ای به احوال او نشده است اما در نسخه‌ای که از «دیوان» اشعار وی در کتابخانه‌ی مجلس شورا است، در آخر آن به نام و زمان تولد خود اشاره کرده است. «دیوان» اشعار وی مشتمل بر قصاید، غزلیات و رباعیات و مثنویها است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۸۹ -۲۸۶ /۱)، الذریعه (۸۱ -۸۰ /۹)، کاروان هند (۳۱ -۳۰ /۱).

اعتصامی، پروین

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

پروین اعتصامی ، دختر یوسف اعتصامی آشتیانی (اعتصام الملک) ، در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی در تبریز از مادر زاده شد. او تحصیلات خود را در کالج آمریکایی به پایان رساند و به اخذ گواهینامه ی دوره ی متوسطه نائل آمد و در جشن فارغ التحصیلی خود خطابه ی « زن و تاریخ » را ایراد کرد. پروین ، ادبیات فارسی و عربی را در نزد پدرش آموخت . پروین در شعر ، سبک اساتید خراسان و عراقی را پسندید و در قصیده ، را ه آنان را دنبال نمود . او سرانجام در شب ۱۶ فروردین ماه سال ۱۳۲۰ در حالی که پروین داشت شوط جوانی را می پیمود ، جهان را ترک گفت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

والدین و انساب : پروین دخت اعتصامی دختر مرحوم یوسف اعتصامی (اعتصام الملک آشتیانی) یکی از گویندگان توانای معاصر در شعر فارسی است.اعتصام الملک از نویسندگان ایران معاصر مدیر مجله معروف« بهار» بود و به شعر و ادب عشق می ورزید.دهخدا درمورد او می نویسد:« یوسف اعتصامی در زبان ترکی اسلامبولی دبیری شیرین سخن و در فرانسه مترجمی توانا و در لسان و ادب عرب بالخصوص یکی از ائمه و ارکان به شمار میرود چنانکه در احاطه به این لغت در ایران بی همال و در مصر و عراق و شام کم نظیر بود.در خطوط اربعه نستعلیق و نسخ و شکسته وسیاق از بسیاری از استادان سلف گوی سبقت ربود. همچنین وی کتابهای بینوایان و خدعه و عشق (شیلر) را ترجمه کرده است.» [پیام نوین- سال دوم, شماره ۶, اسفند ۱۳۳۸ .]

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پروین اعتصامی از زمان کودکی با شعر و ادب آشنا شد ، چرا که خانه ی آنها محفل شاعران و فرزانگان آن روزگار بود و پروین با ادبیات و شعر بزرگ شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : پروین اعتصامی در کودکی به همراه خانواده به تهران آمدو مقدمات عربی و برخی متون فارسی را در خانه نزد پدر فرا گرفت. بعد از آموختن ادب فارسی و عربی به مدرسه دخترانه (ایران نبل) که از سوی آمرییکاییان اداره می شد رفت و در سال ۱۳۰۳ شمسی دوره تحصیلی آن مدرسه را به پایان رساند.

فعالیتهای ضمن تحصیل : پروین اعتصامی سرودن شعر را از کودکی آغاز کرد. وبا تکامل فکری اشعارش آب و رنگی یافت و آنها را در حضور ادبا و شعرایی که در مجلس پدرش حاضر می شدند می خواندچنانکه مورد تعجب و درعین حال تحسین حاضرین واقع می شد.

همسر و فرزندان : پروین اعتصامی در ۱۹ تیر ماه ۱۳۱۳ با پسرعموی خود به نام فضل الله که رئیس شهربانی بود در کرمانشاه ازدواج کرد.

وقایع میانسالی : پروین اعتصامی چهار ماه پس از عقد با همسر خود به کرمانشاه رفت ، اما از همان آغاز پیدا بود که دیگر با دل و جان به شعر و شاعری نمی پردازد چرا که روح خشن و نظامی شوهرش با روح لطیف پروین هم خوانی نداشت ، پروین نمی توانست برخوردهای او را تحمل کند پس با برادرش راهی تهران شد و سرانجام در ۱۱ مرداد ۱۳۱۴ با چشم پوشی از مهریه از وی جدا شد. این تجربه ی تلخ از زندگانی مشترک ، پروین را در دنیایی از غم و اندوه و انزوا فرو برد و باز هم متوسل به روحیه ی آرام خود شد و از کم وکیف آن با هیچ کس صحبت نکرد فقط چند بیت سرود : ای گل تو زجمعیت گلزار چه دیدی جز سرزنش و بد سری خار چه دیدی ای لعل دل افروز تا با این همه پرتو جز مشتری سفله به بازار چه دیدی رفتی به چمن ، لیکن قفس شد نصیبت غیر از قفس ای مرغ گرفتار چه دیدی زندگی نامه شاعران ایران ، تالیف : لیلا صوفی ، ص ۲۲۴]

زمان و علت فوت : پروین اعتصامی در سوم فروردین ۱۳۲۰ بی هیچ سابقه ای بیمار شد و حصبه گرفت. در لحظات آخر عمر از دایی خود که هر روز بر سر بالین او می آمد خواست تا برای مادر تسکینی باشد و بعد بیهوش شد و در نیمه شب جمعه ۱۵ فروردین ۱۳۲۰ در آغوش مادر جان داد. جنازه پرورین در صحن حضرت معصومه در قم در کنار آرامگاه پدرش به خاک سپرده شد.

فعالیتهای آموزشی : پروین اعتصامی در همان مدرسه ای که دوره ی تحصیلی خود را در آن سپری کرد (ایران نوبل) ، بعد از اتمام تحصیل به تعلیم پرداخت.

آرا و گرایشهای خاص : استاد بهار در مورد اشعار پروین اعتصامی چنین می گوید : «پروین در قصاید خود پس از بیانات حکیمانه

و عارفانه روح انسان را به سوی سعی و عمل امید ، حیات , اغتنام وقت ، کسب کمال ، همت ، اقدام نیکبختی و فضیلت سوق می دهد .»او همچنین می گوید :« ... خانم پروین در سروده هایش مهر مادری و لطافت روح خویش را از زبان پرندگان ، از زبان مادران فقیر ، و از زبان بیچارگان بیان می کند.» [چیستا – سال شانزدهم ، شماره ی ۱۵۱ ، مهر ۱۳۷۷] پروین درزیستن و سرودنش به تک تک عناصر هستی ، دگرگونه می نگرد . در ورای پرده های پوشاننده ظاهری ، درون و باطن مخلوقات را می نگر د،خود را در هم جوهری روحی با عناصر جهان می بیند وبرای هر یک از اعضاء وجوارح به ظاهر بی جان آن ، جانی تازه و حالتی ذی شعور متصور می شود . ازنظر گاه او ، جهان و عناصر آن از روح فعال زندگی و خصایص شعور مند برخوردار هستند . دراین نگرش که از نوعی بینش اساطیری و برداشت ازلی انسان باستان از جهان نشات می گیرد ، هر جزیی ازعالم دارای حیاتی پویا ، مستقل ، زنده و زایا است . در شعر او بد نشانه ها و ویژگی ها ی بینش اساطیری می توان اشاره کرد . در جهان شعر پروین همه مخلوقات جهان دارای جان هستند و تک تک عناصر طبیعت را روانی جادویی است . وی در این جهان با عناصر و حوادث طبیعی همانندموجود است از نعمت تفکر و تکلم برخوردار می شوند . در این نوع نگرش و گویش ، شاعر قصه پرداز ، آرمان هاو آوازه های خویش را از زبان عناصر جهان و حتی اشیاء بی جان و جامدی چون سنگ و چوب می گوید . [احمدی ملکی رحمان . بینش اساطیری درشعر پروین اعتصامی،فصلنامه هنر . دوره جدید ،زمستان ۱۳۷۷ ،پیاپی ۳۸، ص۲۳۴] ––––––––––––––––––––––––––––––

––––––––––––––––––––––––––––––––––––––

آثار :

۱ دیوان اشعار

ویژگی اثر : دیوان وی مجموعا ۶۵۰۰ بیت را شامل می شود . حاوی سه قسمت می باشد ؤ قصاید , مثنویات , تمثیلات.درباره سبک اشعار, نظر بهار این است ؛؛ این دیوان ترکیبی است از دو سبک و شیوه لفظی و معنوی – آمیخته با سبکی مستقل و آن دو یکی شیوه شعراء خراسان است خاصه استاد ناصر خسرو و دیگر شیوه شعراء عراق و فارس بویژه مصلح الدین سعدی ؛؛ میتوان گفت در قصائد ,طرز گفتارش طوری است و در قطعات طور دیگر. بیشتر قطعات بطرز سئوال و جواب یا ؛؛ مناظره؛؛ بسته شده . در سرودن قطعات , شاعر استقلال طبع نشان داده و ضمن سرودن قطعات که ؛؛ قدیمی ترین اسلوب حسن اداء مقصود ؛؛ است این شیوه پسندیده را احیا کرده است. در قطعات پروین و در کلیه اشعارش چیزی که آنها را مشخص می کند هما هنگی فکر و احساس است.در ببعضی از قطعات و بخصوص در قصاید او اندیشه هایی از تصوف و عرفان دیده میشود. او در اشعارش در قالب یک منتقد اجتما عی می رود وتباهی ها را نابود می کند. [پیام نوین– سال دوم , شماره ۶, اسفند ۱۳۳۸] ––––––––––––––––––––––––

––

منابع :

۱پیام نوین–سال دوم,شماره ۶, اسفند ۱۳۳۸ .۲چیستا – سال شانزدهم ، شماره ی ۱۵۱ ، مهر ۱۳۷۷۳صوفی, لیلا– زند گینامه شاعران ایران–انتشارات جاجرمی,۱۳۷۸ .

اعتضادالسلطنه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌قلی میرزا (و. ۱۲۳۴– ف. ۱۲۹۸ ه.ق.). پسر فتحعلی شاه. وی پس از فوت محمد شاه قاجار (۱۲۵۰) در تهران تا ورود ناصرالدین شاه پیشکار مهدعلیا مادر او بود. در ۱۲۷۲ لقب اعتضادالسلطنه گرفت. در ۱۲۷۴ ریاست دارالفنون را داشت. در ۱۲۷۵ اولین خط تلگراف بین تهران و سلطانیه را به اتمام رسانید و وزیر علوم شد و بعدها ریاست مدرسه دارالفنون و اداره تلگرافخانه‌ها و معادن و روزنامه دولتی و علمی و مدیریت چاپخانه را به عهده گرفت، و حکومت ملایر و تویسرکان هم ضمیمه مشاغل او گردید. قبرش در جنب مزار حضرت عبدالعظیم است. از تألیفات اوست: تاریخ وقایع و سوانح افغانستان (تهران ۱۲۷۳)، فلک السعاده، در رد اقوال اختر شناسان و کهنه (تهران ۱۲۷۸)، ترجمه کتاب الآثار الباقیه و اکسیر التواریخ، کتابی در تاریخ متنبئین (همه خطی).

(۱۲۹۸ –۱۲۳۴ ق)، ادیب، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به فخری. وی سمت پیشکار مهدعلیا را داشت و در دوره‌ی صدارت امیرکبیر سمت خود را حفظ کرد و با مهدعلیا و میرزا آقاخان نوری علیه امیرکبیر همکاری می‌کرد. در این مدت فنون شعر و ادب و حکمت و ریاضی را فراگرفت و به مطالعه‌ی کتاب و معاشرت با اهل فضل و ادب مشغول بود. کتابخانه‌ی مهم و معتبری فراهم آورد که بعدها تمام آن را برای مدرسه‌ی سپهسالار جدید خریداری و وقف آن مدرسه کردند. در سال ۱۲۷۲ ق به اعتضادالسلطنه ملقب شد. سمتهایی چون ریاست مدرسه‌ی دارالفنون و وزارت علوم و صنایع و تجارت و اداره‌ی تلگرافخانه و معادن و روزنامه‌های دولتی و علمی و چاپخانه‌های تهران، ولایات و حکومت ملایر و تویسرکان همه بر عهده‌ی او بود. در سال ۱۲۸۳ ق روزنامه «ملت سنیه ایران» را انتشار داد و پس از انتشار دو شماره، نام آن به روزنامه‌ی «ملتی» تبدیل شد. در زمان وزارت علوم چندین نشریه تحت‌نظر وی دایر گردید: روزنامه‌ی «ملت علیه ایران» در دو شماره، روزنامه‌ی «ملت سنیه ایران» سابق‌الذکر در دو شماره، «روزنامه‌ی ملتی» ۳۴ شماره، روزنامه‌ی «علمیه‌ی دولت علیه ایران» ۵۳ شماره به سه زبان فارسی، عربی و فرانسه. در شب عاشورا در شصت و چهار سالگی درگذشت و در یکی از حجرات جنب مزار حضرت عبدالعظیم دفن شد. آثار وی علاوه بر انتشار روزنامه‌ها: «تاریخ وقایع و سوانح افغانستان»؛ «فلک السعاده» در ابطال ستاره‌شناسی؛ «اکسیر التواریخ»؛ «تاریخ متنبئین»، که قسمتی از آن به نام «فتنه‌ی باب» در

تهران چاپ شده است.[۱]

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۱۹۶/ ۱)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۶۳۵ –۶۳۳/ ۲)، تاریخ جراید (۲۴۰ –۲۳۷ ،۴۸ –۴۵/ ۴ ،۳۰۷ –۳۰۵/ ۲)، تاریخ در ایران (۸۱)، حدیقه الشعراء (۱۲۹۶ –۱۲۹۱/ ۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۷)، سرآمدان فرهنگ (۱۶۷ –۱۶۶/ ۱)، شرح حال رجال (۴۴۷ –۴۴۲/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۹۲)، المآثر و الآثار (۱۹۴ –۱۹۳)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۱ –۵۶۹/ ۴).

اعتماد کربلائی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مصطفی اعتماد کربلائی فرزند آیت‌اللَّه آقا سید محسن فرزند آقا سید محمد فرزند علامه شهیر آقا سید حسین بهبهانی حایری فرزند عالم بزرگ آقا سید سعید از علماء و ائمه جماعت معاصر تهرانست وی در ماه شعبان ۱۳۴۶ ق در کربلای معلی متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات خدمت اساتید بزرگ مقداری از علم بلاغت و فقه و اصول را از محضر آیت‌اللَّه حاج شیخ یوسف بیاری شاهرودی استفاده نموده آنگاه به درس خارج اساطین علم چون مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج آقا حسین قمی و آیت‌اللَّه آقا میرزا مهدی شیرازی و آیت‌اللَّه میرزا هادی خراسانی و بیشتر حضرت آیت‌اللَّه العظمی حج سید محمدهادی میلانی فقهاً و اصولاً ـ بهره‌مند شده و علم کلام و معقول را از مرحوم آیت‌اللَّه آقا شیخ محمدرضا اصفهانی فراگرفته و جدیت و کوشش در تحصیل نموده تا به درجه رفیعه اجتهاد نائل و موفق به اخذ اجازات اجتهاد از علماء اعلام گردیده و در موقع اقامتشان در کربلا در حرم مطهر حسینی اقامه جماعت و در صحن مقدس اشتغال به تدریس داشته و جمعی از طلاب از درس و محضر و فقه و اصولش استفاده می‌نمودند.

معظم له دارای آثار و تألیفات عدیده به اسامی زیر می‌باشند

۱– کتاب بلاغهًْالحسین (ع) که تاکنون هفت مرتبه به طبع رسیده است.

۲– کتاب وحی الفطره در اصول دین ۳– وحی الاخلاق.

۴– سیدالشهداء ۵– کتاب روائع در کلمات امام حسن (ع)

۶– شرح بر قصائد مثیرالاخوان ۷– شرح مزجی بر کفایه.

۸– شرح استدلالی بر بعضی از کتابهای تبصره ۹– شرح استدلالی بر مناسک آیت‌اللَّه خوئی.

۱۰– شرح استدلالی بر عروهًْالوثقی.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اعتماد کریمی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد کریمی اعتماد فرزند حاج میرزا عباس کریمی ذاکر الحسین علیه‌السلام در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی در حومه اراک به دنیا آمد و در مهد دانش و ورع پرورش و پس از خواندن دروس ابتدائی اشتغال به تحصیل علوم دینی نمود.

و مقدمات و ادبیات و سطوح را از علماء اعلام اراک آموخته و بعد مهاجرت به قم نموده و سطوح نهائی را از محضر مدرسین بزرگ قم فراگرفته سپس به درس خارج آیات عظام مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی و بالاخص آیت‌اللَّه مرعشی نجفی و دیگران شرکت و استفاده نموده و برای تبلیغ و ارشاد مردم مسافرت به بنادر دوردست چون بندرعباس و بندرلنگه و به ویژه شهرستان میناب نموده و در آن منطقه خدمات چشمگیر و ارزنده‌ای انجام داده و تا حال تحریر که سال ۱۴۱۱ قمریست اکثر سال را در آن منطقه گرمسیری و حرارت بیش از پنجاه درجه به سر برده و ایفاء وظیفه می‌نماید و چند مرتبه هم مشرف به حج بیت‌اللَّه الحرام شده و در سال ۱۳۵۴ شمسی در حج بودند که مرحوم والدشان حاج میرزا عباس پس از سخنرانی و گفتن مسائل حج و احکام اسلامی و بیان احادیث اهل بیت علیهم‌السلام دنیا را وداع گفته و در شب عید غدیر سال ۱۳۹۴ قمری به رحمت حق پیوسته و به لقاءاللَّه رسیدند.

آقای کریمی یاد شده دارای اجازات روائی و امور حسبیه و غیره از آیات عظام زیر می‌باشند:

۱– آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محسن حکیم

۲– آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالنبی عراقی

۳– آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی

۴– آیت‌اللَّه میرزا عبدالهادی شیرازی

۵– آیت‌اللَّه حاج میرزا حسین فقیه سبزواری

۶– آیت‌اللَّه مرعشی نجفی قدس سره

۷– آیت‌اللَّه میلانی طاب‌اللَّه ثراه

۸– آیت اللَّه مدرس تبریزی

دارای تألیفات مطبوع و مخطوط می‌باشند.

۱- الشیعه و ولید الکعبه تحقیقی در پیرامون سنت

۲- نخبه المواعظ در خصوص صله رحم و حقوق والدین

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

اعتمادزاده، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی‌اصغر بن مرحوم ثقهٔالمحدثین حاج شیخ علی‌اکبر اعتمادالواعظین تهرانی از افاضل دانشمندان و وعاظ معاصر تهرانست، وی در حدود سال ۱۳۳۰ قمری در تهران چشم به دنیا گشوده و پس از رشد و خواندن دروس فارسی و مقدمات و ادبیات در عصر مرحوم آیت‌اللَّه حایری یزدی به قم مهاجرت نموده و از محضر مرحوم حجهٔالاسلام حاج میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و مدرسین دیگر متون فقه و اصول را به پایان رسانیده و پس از آن مراجعت به تهران و از محضر بعضی اعلام آنجا چون مرحوم آیت‌اللَّه شاه‌آبادی و غیره استفاده و تا حال حاضر از راه منبر به تبلیغ دین و ترویج احکام و مبانی اخلاق و نشر معارف اسلام اشتغال دارد.

نگارنده گوید: جناب آقای حاج اعتمادزاده از وعاظ نامی و محدثین گرامی حاضر است و در میان مردم تهران و بالاخص متدینین محبوبیت و موقعیت خاصی دارد، و جدا دانشمندی متین و واعظی با کمال و موصوف به تقوا و متانت است.

مرحوم والدش حاج شیخ علی‌اکبر اعتمادالواعظین از بزرگان اهل منبر تهران بودند که به عللی تهران را ترک و به عتبات عالیات مهاجرت و تا آخر عمر مجاورت کاظمین علیهاالسلام را اختیار و در همانجا بدرود حیات گفته و در جوار آن بزرگواران مدفون شده است.

وی دانشمندی ظریف و خوش‌مجلس و مزاح و دارای محاسن اخلاق و محامد آداب بودند از باقیات الصالحات مترجم گرامی فرزند ارجمند و فاضل او ثقهٔالاسلام والمحدثین آقای حاج میرزا نجم اعتمادزاده است که از وعاظ جوان و خطباء خوش‌بیان معاصر است.

ایشان در حدود ۱۳۵۴ ق در تهران به دنیا آمده و در بیت علم و عمل پرورش و پس از خواندن دروس جدید تا حدود متوسطه برای تحصیل علوم عربی و دینی به قم مهاجرت و چندین سال اشتغال به تحصیل داشته و متون فقه و اصول را از مدرسین معروف حوزه آموخته و چند سالی به درس خارج آیت‌اللَّه العظمی امام خمینی و آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و بعضی دیگر شرکت نموده و پس از فوت مرحوم بروجردی به تهران برگشته و تا هم‌اکنون به تبلیغ دین و وعظ و خطابه اشتغال دارد. و مانند والد گرام وجد عالیمقامش واعظ شیرین و متین و اخلاقی و واجد مقام فضل و دانش می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اعتمادی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عباس اعتمادی بن حجهٔالاسلام عالم فاضل آقا سید محمود بن حجهٔالاسلام آقا سید رضی بن العالم الجلیل آقا سید مهدی کاشانی از علماء و فضلاء معاصر کاشانست پدرانش همگی از سلسله سادات و علماء کاشان بوده‌اند- وی در ۲۹ ماه ذی‌الحجه ۱۳۴۸ قمری در کاشان متولد شده و در مهد علم و فضیلت پرورش یافته و بعد از خواندن دروس جدید به ارشاد والدش به تحصیل علوم عربی پرداخته و مدت دو سال ابتداءاً در حوزه مرحوم آیت‌اللَّه یثربی و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمود نجفی اشتغال داشته.

و در سال ۱۳۲۶ شمسی به قم مهاجرت نموده و تا سال ۱۳۳۴ شمسی اقامت و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه مجاهدی و آیت‌اللَّه العظمی نجفی مرعشی مدظله و آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه محقق داماد استفاده نموده و نیز از ابحاث مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالنبی اراکی و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدعلی عراقی بهره‌مند شده و مدت چهار سال از دروس خارج آیات عظام مذکور کامیاب گردیده آنگاه به مشهد مقدس رضوی مشرف و دروس حکمت و فلسفه را در آنجا از مرحوم کلباسی و استاد فیض استفاده کرده سپس مشرف به نجف و در مدرسه آیت‌اللَّه بروجردی اقامت و از اول ورود به حوزه درس آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظلله حاضر و نزدیک دو دوره از اصول آن بزرگوار و نیز در بحث فقه آن استاد بزرگ تا پایان توقف در نجف شرکت نموده و هم از محضر مرحوم آیت‌اللَّه سبحانی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللَّه حاج سید محمود شاهرودی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید یحیی مدرس یزدی و آیت‌اللَّه حاج شیخ حسین حلی و بالاخص بحث خصوصی مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید جواد طباطبائی تبریزی (قالب مثالی آیت‌اللَّه بروجردی در شباهت) استفاده نموده تا در ماه شعبان ۱۳۸۱ قمری از نجف مراجعت و به امر والده‌اش به کاشان رحل اقامت افکنده و تاکنون به وظائف دینی و روحی از اقامه جماعت در مسجد اعظم (کرسی) و ارشاد انام و تبلیغ احکام و خدمات دیگر اشتغال دارند

از آثار ایشانست در این شهرستان ساختمان (دارالعلم اسلامی) که مرکز مطالعه عمومی و دارای کتابخانه معظم و مدرسه علمیه است و نگارنده از نزدیک آن را دیده و شاهد خدمات معظم له گشته‌ام

دیگر از آثار خالده معظم له- از این قرار است ۱- مسجد اعظم کرسی با سقف آئینه که در ایران کم‌نظیر است ۲- مسجد النبی (ص) که از مساجد آبرومند کاشانست ۳- مسجد خاتم‌الانبیاء که بهترین مسجد مدرن شهر است ۴- مسجد جامع حضرت

امیرالمؤمنین (ع) که بسیار مجلل است ۵- مسجد مهدیه که در خارج شهر بنا نموده‌اند ۶- مسجد الحسین (ع) در همان محل ۷- مدرسه علمیه و کتابخانه عمومی که در مرکز شهر بنام (دارالعلم) اسلامی کاشان که اشاره نمودم- و اما آثار قلمی ۱- دیوان اشعار در دو جلد ۲- کتاب کشکول اعتمادی به نام (ویترین) ۳- حقیقت مرام در اجتماع یا یک ایده‌لوژی صحیح- معظم له دارای اجازه عدیده از مراجع نجف و قم می‌باشند

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اعتمادی، محمد هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد هادی اعتمادی بلیانی

محل تولد : کازرون

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۰ هجری شمسی وارد حوزه علمیه قم شدم. تا کتاب شریف معالم را نزد اساتید در مدرسه مبارکه امام مهدی (عج) زیر نظر حضرت آیت الله گلپایگانی (ره) تلمذ نمودم. آنگاه در حوزه، اکثر ابواب لمعتین را نزد مرحوم آیت الله وجدانی فخر و حضرات آیات محقق داماد، شیخ علی پناه اشتهاردی، و... فرا گرفتم.

رسائل را در محضر آیهٔ الله حاج شیخ مصطفی اعتمادی و مکاسب محرمه را در محضر آیت الله دوزدوزانی، بیع را در نزد آیت الله بنی فضل، خیارات و جلدین کفایه را در محضر استاد عالی قدر آیت الله ستوده فرا گرفتم. پس از اتمام سطح، اصول (درس خارج) را به مدت ۶سال در درس آیت الله العظمی مکارم شیرازی شرکت داشتم. چند سالی هم در درس خارج یکی از اساتید و همچنین در محضر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی استفاده بردم. بدایه را از محضر آیت الله مدرسی یزدی که بعداً عضو شورای نگهبان شدند استفاده و از نوارهای استاد فیاضی هم بهره مند شدم. این بود اجمالی از مراحل تحصیلی در حوزه مقدسه علمیه قم.

اعتمادی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ مصطفی اعتمادی تبریزی از فضلا مدرسین حوزه علمیه قم می‌باشند. ایشان در سال ۱۳۰۴ شمسی در قریه خواجه چهار فرسخی تبریز متولد شده و پس از پرورش و خواندن دروس فارسی و ادبیات عربی صرف و نحو و منطق و مقداری از شرایع و تبصره را در زادگاه خود نزد (والد ماجدش آیت‌اللّه عالم مجاهد آقای حاج میرزا علی خواجه‌ای که در حال حاضر در قید حیات و در سن هشتاد و دو سالگی به سر می‌برند خوانده است. در زمانی که به امر رضاخان پلید و جبار حجاب را از سر زنان ایرانی و عمامه را از سر روحانیون برمی‌داشتند و هیچکس یارای حرف زدن و چرا گفتن را نداشت.

پس از محل خود به تبریز آمده و در آنجا سطوح عالی را تا مکاسب از محضر اساتید و مدرسین تبریز استفاده نموده و در سال ۱۳۲۵ شمسی مهاجرت به قم و کفایه را از محضر آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی فرا گرفته و بعد از آن در درس فقه خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی حجت کوهکمری و اصول مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی شرکت و نیز از دراسات و مباحث آیات عظام حاضر اعلی اللّه کلتهم استفاده کامل نموده و ضمنا به تدریس سطوح عالی پرداخته و بسیاری از محصلین حوزه از محضرش بهره‌مند شده و می‌شوند.

دارای تألیفات ارزنده علمی که از آنها کتب زیر است می‌باشند.

۱- شرح معالم‌الاصول که به طبع رسیده است.

۲- شتات‌الفوائد که در حواشی معالم چاپ شده.

۳- موضع‌القوانین تا آخر باب نواهی مخلوط.

۴- شرح رسائل در سه جلد مخلوط.

۵- شرح مکاسب شیخ انصاری مخلوط.

۶- شرح کفایه آخوند خراسانی مخلوط.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

اعجاز هروی، عطاء

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اصل وی از هرات بود. سفری به اصفهان داشت و در آنجا با اهل ادب معاشرت و مؤانست داشت. در نظم و نثر توانا بود و خود را یگانه‌ی روزگار می‌دانست. از اوست:

با دو عالم گشته‌ام بیگانه الفت را ببین

رفته‌ام از خاطر ایام شهرت را ببین

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۰۸)، الذریعه (۸۱/۹)، صبح گلشن (۲۸ -۲۷)، فرهنگ سخنوران (۷۱).

اعرافی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا اعرافی

محل تولد : میبد- محله شهیدیه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهْالاسلام والمسلمین علیرضا اعرافی در سال ۱۳۳۸ در شهر میبد (محله شهیدیه) واقع در استان یزد در میان خانواده‌ای اهل علم و با تقوا به دنیا آمد. پدرش آیت الله محمد ابراهیم اعرافی از علمای مشهور آن دیار و از دوستان نزدیک امام خمینی (ره) بود که نقش بسزایی در بیداری مردم میبد و یزد ایفا کرد. آن عالم وارسته سالها قبل از انقلاب اسلامی نماز جمعه بر پا می‌کرد و خود، با سلاح در آن خطبه می‌خواند. مادر استاد اعرافی نیز از زنان پاکدامن و مؤمن روزگار بود و از فرزندان آیت الله شیخ کاظم افضلی اردکانی (ره) به شمار می‌آمد.

استاد اعرافی تحصیلات کلاسیک خود را در دیار خود آغاز کرد. او پس از خواندن مقداری از دروس ادبیات، در سال ۱۳۴۹ به قم آمد و همان جا تحصیلات دوره ابتدایی خود را تکمیل کرد و همزمان دروس حوزه خود را آغاز نمود، و به سرعت دروس دوره مقدمات و سطح را به پایان رسانید؛ به گونه‌ای که در سال ۱۳۵۶ به درس خارج بزرگان قم راه یافت. او در طی این سالها از شرکت در دروس فلسفی نیز باز نماند و آن دروس را نیز به حد کمال فرا گرفت و نیز در درس اخلاق استادان خود حضور جدّی داشت.

او در ضمن تحصیل دروس حوزوی زبانهای عربی و انگلیسی را فرا گرفت و از مطالعات در رشته‌های ریاضی و فلسفه غرب نیز باز نماند و بسیاری از کتب را که در آن روزگار در حوزه متداول نبود، فرا گرفت و در دوره تعلیم و تربیت دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه) شرکت کرد و در تعطیلات به مباحثه تفسیر المیزان و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید پرداخت.

استاد اعرافی در سالهای تحصیل خود به محضر عالمان بسیار شرفیاب شد. او که در تفسیر شاگرد آیت الله مشکینی (ره) و در هیئت شاگرد استاد حسن زاده آملی بود، کتابهای فلسفتنا و اقتصادنا نوشته شهید صدر (ره) را نزد آیت الله سید کاظم حائری فرا گرفت. در درس خارج فقه و اصول شاگرد استادانی چون آیت الله العظمی حاج شیخ مرتضی حائری (ره)، آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (ره)، آیت الله العظمی وحید خراسانی، آیت الله العظمی جواد تبریزی (ره)، آیت الله العظمی مکارم شیرازی و آیت الله العظمی شبیری زنجانی بود. او دروس اسفار اربعه، برهان شفا، فصوص الحکم و تمهید القواعد را نزد آیت الله جوادی آملی و بخشی از اسفار را نزد آیت الله شهید مطهری (ره) آموخته و در زمینه فلسفه از آیت الله مصباح یزدی بهره‌های بسیار برد.

استاد اعرافی در سالهای تحصیل خود با استادان و فضلای بسیار رابطه دوستی داشت و دروس پیش آموخته را مباحثه می‌کرد که از جمله آنان حجهْالاسلام والمسلمین محمدعلی مدرسی یزدی، حجهْالاسلام والمسلمین محمدکاظم بهرامی، حجهْالاسلام والمسلمین علی نقی فقیهی، حجهْالاسلام والمسلمین محمد بهشتی را می‌توان نام برد.

حجهْالاسلام والمسلمین اعرافی، در سالهای عمر خود فعالیتهای بسیاری را در زمینه علم و فرهنگ به انجام رسانده است. او بسیاری از کتب دوره سطح را بارها تدریس کرده و سالها به تدریس اسفار اربعه و خارج فقه قضا و تربیت (فقه التربیهْ) اشتغال داشته است. ویژگی تدریس او نوآوری و تطبیق مباحث موجود در کتب قدما با مبانی امروزین علوم است.

او کتابهای بسیاری در زمینه علوم تربیتی به چاپ رسانده است که از جمله آنان می‌توان به کتاب «فلسفه تعلیم و تربیت» اشاره کرد.

استاد اعرافی از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون در مسؤولیتهای مهمی ایفای نقش کرده است. استاد اعرافی سالها در دانشگاههای سراسر کشور و مؤسسات وابسته به آموزش عالی تدریس داشته و از این رهگذر شاگردان خوبی را تربیت کرده است. در سالهای عمر خود تا به امروز در عرصه سیاست فعالیتهای بسیاری را به منصه ظهور نهاده است. او که فرزند پدری عالم و مجاهد بود همواره با نهضت امام(ره) همراه بود فعالیتهای سیاسی نیز داشته و به تحقق آرمانهای انقلاب کمک شایانی نموده است.

او در سال ۱۳۷۱ با حکم مقام معظم رهبری به امامت جمعه شهر میبد برگزیده شد. استاد اعرافی در سالهای دفاع مقدس، بارها در

جبهه‌ها حضور یافت و مشوق رزمندگان اسلام بود او هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و به تدریس اشتغال دارد.

اعرجی کاظمینی، محسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن بن حسن الحسینی الاـعرجی الکاظمی مکنی بابی الفضائل عالمی محقق و مـدقق و فقیهی نبیه صاحب کتاب وسائل در فقه و محصول در اصول و وافی در شرح وافیه ملا عبداللّه تونی و سلالهٔ الاجتهاد و شرح مقدمات حدائق و منظومه در جمیع اشعار و نظایر و اشعار جیده و مراثی فاخره برای اهل‌بیت علیهم‌السلام و غیره می‌باشد.

آن بزرگوار در زهد و ورع نادره عصر و وحید زمان خود بوده و از زهد آنجناب نقل شده که چیزی نداشت که چراغش را بر روی آن بگـذارد لاـجرم آجری یا کلوخی در نزد خود می‌گـذاشت و چراغ خود را روی آن می‌نهاد و در سنه ۱۲۴۰ رحلت فرمود و قبر شریفش در کاظمین در کوچه قریب به صحن مطهر در طرف شمال آن مزار و مشهور است.

مرحوم محدث نوری در خاتمه مستدرک از مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ زین‌العابدین سلماسی حکایت کرده که در عالم خواب دیدم منزل بسـیار رفیع و عـالی و جلیلی که درب بسیار بزرگ و وسـیعی داشت و بر دیوارهـای آن میخهـای طلا که هر بیننـده را مسـرور می‌نمـود نصب بود پرسـیدم این خـانه از کیست گفتنـد از سید محسن کـاظمی. تعجب کردم و گفتم آقـا سـید محسن خـانه‌اش در کـاظمین بسیار کوچـک و نـاچیز و درب کوچـک و فضـاء کوچکی داشت. پس این منزل شاهانه را از کجا آورده گفتنـد از همین منزل کوچک چون در دنیا قناعت کرد به آن منزل حقیر خداوند منان این خانه وسیع و عالی را به او مرحمت کرد.

احفاد و اولاد آن بزرگوار از علماء و دانشـمندان و اخیار بوده و می‌باشـند و در عصر ما جناب آیت‌اللّه حاج سید طاهر کاظمینی در بروجرد و فرزند برومندش جناب حجهٔ‌الاسلام والمسلمین حج سید محمدعلی کاظمینی در تهران از احفاد ایشانند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اعرجی مراغی، قاضی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شـاعر، متخلص به اعرجی. از دانشـمندان مراغه و مردی لنگ بود. او ظاهرا منصب قضاوت داشـته و به همین جهت به قاضی لنگ معروف بوده است. قاضی بیشتر به زبان ترکی شعر می‌گفت. در قالب غزل طبع‌آزمایی می‌کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۳۳)، دانشمندان آذربایجان (۴۵)، الذریعه (۸۲-۸۱/ ۹)، مجمع الخواص (۲۹۲ -۲۹۱).

اعزالدین خالدخانی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشـتم ق)، شـاعر. اثر وی «دلایـل فیروزشـاهی» است که در آن حکمت طبیعی و شـگون و مقالاـت را به نظم درآورده و شامل اقسام حکمت علمی و عملی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۶۸).

اعضادی خوانساری، فضل‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند ملا محمد قاسم بن ملا محمد صالح.

عالم فاضل حکیم فقیه و محقق مدرس از اجله‌ی مجتهدین اصفهان، که عمری را با عزلت و انزوا و اعراض از مردم دنیا به سر برد.

در خوانسار متولد، و در اصـفهان تحصیلات خویش را به سر برده، در منزل تدریس می‌نمود، و جمعی از افاضل طلاب از محضرش مستفید می‌شدند.

در شعبان ۱۳۶۰ وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اعظام قدسی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۸ ق)، روحانی و نویسنده. ملقب به اعظام الوزاره. در تهران متولد شد. بعد از فراگیری مقدمات عربی نزد سید علی‌اکبر امام جمعه، مدتی روضه‌خوان شد. سپس با افکار مشروطه‌خواهی آشنا گردید. پس از به توپ بستن مجلس، به طالقان و رشت سفر کرد و به امور سیاسی پرداخت و سمت‌های مختلفی را احراز کرد. در سال ۱۳۲۲ ش نماینده‌ی مردم قزوین در مجلس شورای ملی شد. «خاطرات من» تنها اثر بازمانده از وی است که حاوی اطلاعت ذی قیمتی درباره‌ی اوضاع اجتماعی و اقتصادی و سیاسی دوره‌ی قاجار است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۱۳ -۲۰۹ /۱).

اعظم شاملو، علیقلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۷ ق)، شاعر، متخلص به اعظم. خانواده‌ی وی از سرداران بزرگ دوران صفویه و از سران قزلباش بودند که در دربار شاهان صفویه احترام و اقتدار بسیار داشتند. نخست در دربار شاه طهماسب منصب سپهسالاری و مدتها بیگلربیگی هرات را داشت. سپس مربی شاه عباس در خراسان شد و به همین جهت به «لله» معروف شد. بعد از شاه عباس دیوان عدالت را تشکیل داده، منصب دیوان بیگی یافت. وی به سبب نزاعی که بین او و عبدالله خان ازبک بر سر تصرف خراسان روی داد، در باغ زاغان هرات کشته شد. اعظم صاحب «دیوان» اشعاری با دو هزار بیت است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۶۷)، تذکره‌ی روز روشن (۶۱)، الذریعه (۸۲/۹)، صبح گلشن (۲۸)، عالم آرای عباسی (۳۸۶/۱)، فرهنگ سخنوران (۷۱)، کاروان هند (۴۵/۱).

اعلایی بنابی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اعلایی بنابی

محل تولد : بناب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱۰/۱

زندگینامه علمی

از همان دوران تحصیل ابتدایی نزد مرحوم والد که خود اهل علم بودند کتابهای ابتدایی طلبگی را از جمله نصاب الصبیان، جامع المقدمات و ... را خواندم. البته معمولاً فقط تابستان ها مشغول این درسها بودم.

در سال ۱۳۷۵ پدرم از دنیا رفتند و بنده در همان سال رسماً طلبه حوزه حضرت ولی عصر (عج) بناب شدم و طی سه سال دوره مقدمات تا پایه هفتم را گذراندم و در ضمن تحصیل برخی دروس پایه های پایین را نیز تدریس می کردم، همچون صرف ساده، عوامل، صمدیه، منطق مظفر، مغنی، اصول فقه مظفر و... . از اساتیدی که در آن مدرسه از وجود آنها بسیار بهره بردم می توان جناب حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای شیخ عبدالمجید باقری بنابی، جناب حاج علی آتش زر، جناب آقای سیدی جناب آقای اسدپور و ... را نام برد.

در سال ۱۳۷۸ به قم مقدسه آمدم و در جوار کریمه اهل بیت (س)، در فیضیه مبارکه حجره گرفتم. با چهار پنج نفر از طلبه های با استعداد گروهی تشکیل دادیم و از محضر حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای رحیقی و حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای زمانی قمشه ای مدت شش هفت سال برخی کتاب های فلسفی همچون نهایهٔ الحکمه، شرح منظومه، قسمتی از اسفار، تمهید القواعد ابن ترکه، شرح فصوص قیصری و بخشی از مصباح الانس ابن فناری را در همان حجره گذراندیم. در ضمن تحصیل علوم عقلی، از محضر حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای مقیمی نیز در مبانی رجال و سند شناسی و از محضر آیات عظام مرحوم آقا شیخ جواد تبریزی (ره) و حاج آقای وحید خراسانی (دام ظله) در خارج فقه و اصول بهره ها بردیم.

بنده در ضمن تحصیل به تدریس کتابهای بدایهٔ الحکمه، نهایهٔ الحکمه و قسمت هایی از کتاب رسائل، مکاسب، کفایه و اسفار نیز مشغول بودم.

هم اکنون نیز از درس حضرت آیت الله حاج آقای بهبهانی در خارج اصول بهره می برم و به تدریس نهایهٔ الحکمه، مکاسب محرمه

و رجال و سند شناسی مشغولم.

اعلمی، سلیمان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حضـرت مسـتطاب شیخنا الجلیل الکبیر المتتبع حجه‌الاسلام والمسلمین الحاج شیخ محمدحسین بن الشیخ سلیمان الاعلمی المهرجانی اصلا والنجفی تحصیلا و الحایری مسکنا والقمی خاتمه در سال ۱۳۲۰ در مهرجان از مضافات جندق و بیابانک متولد شده و پس از برهه‌ای از زمـان مشـرف به خراسـان شـده و مـدتی در آنجـا اقامت نموده و به تحصـیل پرداخته آنگاه در سال ۱۳۴۰ ق مهـاجرت به نجف اشـرف و اعتاب عالیات نموده و با جـدی تمام سـطوح را در مـدت ده سال نزد اساتیـد نجف خوانده و مسافرتی هم به زیارت مشـهد نموده و بعد به اتفاق مادر و دو برادر مراجعت به نجف کرد و از محضـر مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله اصـفهانی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله کمپانی اصـفهانی و حاج شیخ علی زاهد قمی استفاده نموده و مسافرتی به مکه کرده و با عده‌ای از علمـاء اهـل سـنت ملاقـات و مباحثاتی در امور دینیه نموده و بعـد از مراجعت در سال ۱۳۶۸ ق مهـاجرت به کربلاـ نموده و به درس مرحوم آیت‌الله میرزا مهـدی شیرازی و آیت‌الله میلانی حاضـر شـده و مشـغول به تالیف کتاب مقتبس الاثر و مجـدد مادثر فی تاریخ البشر در علوم مختلفه در علم رجال از صحابه و تابعین و رواهٔ و علماء و غیرهم نموده و در سال ۱۳۷۴ مشرف به ارض اقدس شده و بعـد مراجعت به تهران و پس از چنـدی توقـف در آنجـا منتقـل به قم در عصـر زعـامت آیت‌الله العظمی بروجردی منتقـل به قم و در مدرسه فیضـیه اقامت و از محضر معظم‌له استفاده و در خلال مشغول به طبع کتاب نفیس خود گردیده و تاکنون که ربیع‌الثانی ۱۳۹۳ قمریست بیست و هشت مجلد آن از طبع خارج شده است.

مرحوم علامـه آیت‌الله حـاج شـیخ محمدحسـین آل کـاشف الغطـاء دربـاره کتـاب معظم‌له گویـد بسم‌الله الرحمن الرحیم و له الحمد نظرت فی اجزاء هـذه الموسوعه القیمه نظره عابره و هی وانکان عجلی لکن قد ظهرلی ان جناب المولف العالم العلامه الجلیل الموید من الاله الاجل الشیخ محمدحسـین بن الشـیخ سـلیمان الاعلمی ادام الله تاییـده قد بذل جهده و اسـتفرغ وسـعه و احسن فی ما جمع و اصـاب فیما وضع و رفع فشـکر الله مساعیه و زاد معارفه و معالیه و رفقه لاتمامه فانه اذاتم یکون من جلائل المولفات النافعه والله ینفعه و ینفع به صدر من کربلاء المشرفه ۱۶ شعبان ۱۳۶۹ قمری

و مرحوم آیت‌الله الحـاج السـید یونس اردبیلی رحمه‌الله درباره کتاب ارزنـده وی گویـد بعـد البسـمله هـذا هو الکلام الفحل و القول الجزل وفقه الله راقمه الاحقر یونس الموسوی الاردبیلی کتبه فی جمادی‌الاولی ۱۳۷۴ قال الشاعر:

هذا کتاب نافع للبشر

سطوره منظومه کالدرر

مبرهن احوال ما قد غبر

جاء اسمه مقتبس للاثر

اکثر اعلام عصـر تقاریظی بر این اثر ارزنـده و نفیس نوشـته‌اند که در جلـد اول و دوم و سوم آن منـدرج می‌باشـد فرزنـدان فاضل و عالمی به نام شـیخ محمدحسن و شـیخ محمدحسـین و شیخ محمدمحسن دارد که در سلک روحانیت به خدمات دینی اشتغال دارند داماد معظم ایشان خطیب توانا آقا سید حسین شهرستانی است ادام‌الله توفیقاتهم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اعلی اصفهانی، علی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۳۶ ق)، خطاط، موسیقی‌دان و شاعر. از مردم کوسار اصفهان بود و از کودکی با محمدعلی حزین معاشرت داشت. وی در موسیقی ماهر بود و خوش می‌خوانـد و همه‌ی خطوط را نیک می‌نوشت. از علوم متـداول نیز بهره‌منـد بود و شـعر می گفت و اشـعار فراوان از حفظ داشت و به علم قرائت مسلط بود. ملاعلی هنگام غلبه‌ی رومیه بر همدان به قتل رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۳۵ / ۲)، تذکره المعاصرین (۲۱۸ -۲۱۶).

اعلی گیلانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یـازدهم ق)، عـالم و شـاعر. معاصـر بهاءالـدین محمـد عـاملی و مورد اعزازخـان احمـدخان حاکم بیه‌پیش بود. آثار وی: «شـرحی بر کلیات قانون»، به فارسـی که به خواهش خان احمدخان نوشت؛ حاشیه بر «فصوص» فارابی؛ «رساله‌ای در اثبات واجب». اشعاری هم از او به جا مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :نامها و نامدارهای گیلان (۴۹ -۴۸).

اعمی، مختار

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قاری اصفهانی، فاضل ادیب شاعر، از دانایان به علوم قرآن و تجوید، و از دانشمندان قرن دهم در اصفهان است.

کتب چندی در تجوید تألیف نموده، از آن جمله است:

۱- درج المضامین، منظومه‌ای در ۷۲ بیت در تجوید، در سال ۹۴۹ تألیف نموده، و آن را مولی علی بن جعفر استرآبادی شرح نموده، و آن را: «در نثار» در شرح تجوید ملا مختار نامیده، و در ۱۲۸۰ از شرح فارغ شده، و این شرح به طبع رسیده. در الذریعه سه شرح دیگر از این تجوید نام می‌برد

۲- رساله‌ای فارسی در تجوید ۳- مختار القراء، نسخه‌ای از آن نزد نگارنده موجوداست؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اعوانی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا اعوانی متولد ۱۳۲۱ه.ش در سمنان پس از پایان تحصیلات در مکتب خانه و مدرسه شیخ علاء الدوله سمنانی در سمنان به اخذ دیپلم درسال ۱۳۴۰ه.ش نایل شد و سپس به بیروت رفت و از دانشگاه آمریکایی آنجا لیسانس گرفت(۱۳۴۵)، سپس به ایران آمد و در سالهای ۱۳۴۷ و ۱۳۵۵ فوق لیسانس و دکترای خود را در رشته فلسفه از دانشگاه تهران دریافت کرد. وی از سال ۱۳۴۸ه.ش عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی شد. وی در سال ۱۳۸۰درنخستین چهره های ماندگار برگزیده و معرفی گردید. وی برگزیده همایش طرح سپاس در سال ۸۶ در فرهنگسرای سینا می باشد. از وی ترجمه ها و تصحیحاتی در زمینه فلسفه اسلامی و فلسفه غرب باقی است.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

گرایش : فلسفه اسلامی

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : غلامرضا اعوانی درسال ۱۳۲۱ه.ش درسمنان به دنیاآمد. در آن روزگار دانشگاه تهران به تازگی آغاز به کار کرده بود. و نیز آموزش جدید در کشور چندان رواج قابل توجهی نداشت.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامرضا اعوانی در سال ۱۳۲۵در مکتب خانه ملا-غلامرضا شیوایی از شاگردان حاج ملا هادی سبزواری آغاز به تحصیل کرد در سال ۱۳۲۷وارد مدرسه شیخ علاء الدوله سمنانی(سمنان) شدو در سال ۱۳۴۰ دیپلم خودرا دریافت کرد. سپس با بهره گیری از بورس دانشگاه آمریکایی بیروت به آنجا رفت و پس از اخذ لیسانس فلسفه در ۱۳۴۵به ایران بازگشت. و وارد دانشگاه تهران شد. در سالهای ۱۳۴۷و ۱۳۵۵ مدرک فوق لیسانس و دکتری فلسفه را احراز کرد. عنوان تز دکتری وی « عقل ونفس در فلسفه افلوطین و تاثیر آن در حکمت اسلامی» بوده است.

خاطرات و وقایع تحصیل : از وقایع مهم روزگار تحصیل غلامرضا اعوانی سفر به لبنان و آشنا شدن با استادان مهمی در فلسفه از جمله چارلز اسکات و ماجد فخری و پوچتی بوده است.

فعالیتهای ضمن تحصیل : غلامرضا اعوانی درحین تحصیل در مقطع دکترای در دانشگاه تهران، (از سالهای ۱۳۴۷)، به تدریس در دانشگاه ملی ایران(شهید بهشتی) (از سال ۱۳۴۸) می پرداخت.

استادان و مربیان : برخی از استادان غلامرضا اعوانی در دانشگاه آمریکایی بیروت عبارت بودند از چارلز اسکات، ماجد فخری، پوچتی، صادق العظم. در دانشگاه تهران نیز وی از استادانی چون دکتر سید حسین نصر، دکتر سید احمد فردیدو دکتر مهدوی دامغانی بهره برد.

آرا و گرایشهای خاص : غلامرضا اعوانی درزمینه فلسفه اسلامی بیشتر به تصحیح آثار فلسفی و کلامی کسانی چون حاتم رازی و خواجه نصیر الدین طوسی علاقمند است. وی در زمینه فلسفه غرب به فلسفه افلوطین و نیز کانت علاقمند است و به مطابقت و مقایسه آنها با فلاسفه مسلمان می پردازد.

جوائز و نشانها : غلامرضا اعوانی برگزیده همایش طرح سپاس درسال ۸۶ در فرهنگسرای سینا می باشد. ------------------ ---

آثار :

۱ ترجکه تاریخ فلسفه

ویژگی اثر : کتاب تاریخ فلسفه اثر فردریک کاپلستون درباره شرح احوال فیلسوفان غرب و سیر تکامل اندیشه فلسفی آنها می باشد که توسط دکتر اعوانی به فارسی ترجمه شده است.

۲ ترجمه گزیده ای از اشعار عرفانی

ویژگی اثر : به زبان انگلیسی

۳ تصحیح النبوئه

ویژگی اثر : کتاب النبوئه اثر حاتم رازی اثری است درباره فلسفه و کلام اسلامی که دکتر غلامرضا اعوانی آن را تصحیح و منتشر کرده است.

۴ تصحیح وجه دین ناصری

۵ فرهنگ فلسفی

۶ مجموعه مقالات حکمت ونصر معنوی

ویژگی اثر : دکتر غلامرضا اعوانی مجموعه مقالاتی تحت عنوان حکمت و هنر معنوی را پیرامون معنی هنر در جهان اسلامی و دیدگاههای زیبا شناسانه هنر اسلامی و فلسفه هنر مربوط به آن را منتشر کرده است.

منابع زندگینامه :

محمود اسعدی، چهره های ماندگار ،تهران : زمان و جهان فرهنگ ، ۱۳۸۲،صص۲۹ـ۲۶

اعوری اصفهانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۳ –۱۲۹۳ ق)، شاعر. وی در زمان جوانی و اوایل مشروطیت، از آزادی خواهان و مشروطه‌طلبان بود. او از اعضاء ثابت انجمن ادبی شیدا بود. در ساختن انواع شعر، خصوصا ماده تاریخ، یدماهرت داشت. به هنگام رسیدن روسها به اصفهان، به رشت گریخت و در همان شهر وفات یافت. «دیوان» اشعار وی شامل چندین هزاربیت می‌باشد که اغلب در مدیحه و مصیبت معصومین (ع) است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۶ –۴۳)، فرهنگ سخنوران (۷۲).

افتخار الحکما، عیسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا موسی خان ناظم الاطباء، ادیب کامل، و شاعر فاضل، و طبیب حاذق، از خاندان علم و حکمت، در ۲۰ ماه صفر سال ۱۳۲۰ در طهران وفات یافته، در ایوان مقبره‌ی ناصرالدین شاه مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش این است:

پوشید سیه چه شارق اندر تاریخ

سوسن ز عزای میرزا عیسی خان

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

افتخار جهرمی، گودرز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حقوق، دانشکده: حقوق، دانشگاه: شهید بهشتی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

افتخار شاهرودی، فریدون

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فریدون افتخارشاهرودی دارای دکتری دامپروری و عضو هیئت علمی و دانشیار دانشکده کشاورزی /گروه علوم دامی دانشگاه فردوسی مشهد است.گروه : کشاورزیرشته : دامپروریوقایع میانسالی : فریدون افتخار شاهرودی پس از کسب دکتری دامپروری به عضویت هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد درآمد . وی هم اکنون با رتبه علمی دانشیاری مشغول به تدریس است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فریدون افتخار شاهرودی عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد است.وی همچنین از تاریخ ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۸ مدیر گروه دامپروری دانشگاه فردوسی مشهد بوده است.فعالیتهای آموزشی : عنوان دروس تدریس شده توسط فریدون افتخار شاهرودی : طرح آزمایشهای دامپروری اصلاح دام تکمیلی ۱ روشهای پیشرفته آماری اصلاح دام تکمیلی ۲ سایر

فعالیتها و برنامه های روزمره : فریدون افتخار شاهرودی در کنار تدریس به تحقیق و تدوین مقاله در زمینه های بررسی اثرات محیطی و برآورد پرامترهای فنوتیپی و ژنوتیپی رکوردهای ماهانه و تجمعی در گاوهای شیری هلشتای و ارزیابی اثرات مادری بر صفات وزن و رشد بره گوسفند کردی شمال خراسان (با استفاده از الگوریتم dfreml می پردازد. چگونگی عرضه آثار : فریدون افتخار شاهرودی آثار خود را در قالب تالیف مقالات و کتب در زمینه تخصصی خود در مجامع علمی ، کنفرانسها و همایشها ارائه می کند. ایشان دارای تحقیقاتی در زمینه های اثر نوع منبع و سطح کلسیم جیره غذایی و اندازه ذرات... ،اثر انرژی دوره پرورش و سطوح انرژی و چربی جیره تخم گذاری بر عملکرد مرغان های لاین و بررسی اثرات برخی از عوامل ژنتیکی و محیطی موثر بر درجه پوست گوسفند قره گل است. آثار : اثر انرژی دوره پرورش و سطوح انرژی و چربی جیره تخم گذاری بر عملکرد مرغان های لاین ویژگی اثر : (۲۰۰۰-۰۳-۲۰)مجله علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه صنعتی اصفهان۲ اثر نوع منبع و سطح کلسیم جیره غذایی و اندازه ذرات... ویژگی اثر : (۲۰۰۱-۰۹-۲۳) مجله علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه صنعتی اصفهان۳ ارتباط طول دوره آبستنی با بعضی از صفات اقتصادی گاوهای شیری هلشتاین کانادایی ویژگی اثر : (۲۰۰۱-۰۳-۲۱) مجله علوم و صنایع کشاورزی۴ ارزیابی اثرات مادری بر صفات وزن و رشد بره گوسفند کردی شمال خراسان (با استفاده از الگوریتم dfreml ویژگی اثر : (۲۰۰۱-۰۳-۲۱) مجله پژوهش و سازندگی۵ بررسی اثر عوامل محیطی بر تغییرات صفات و برآورد همبستگی های فنوتیپی و ژنتیکی بین صفات تیپ در گاو های ویژگی اثر : (۲۰۰۱-۰۳-۲۱) مجله پژوهش و سازندگی۶ بررسی اثرات محیطی و برآورد پرامترهای فنوتیپی و ژنوتیپی رکوردهای ماهانه و تجمعی در گاوهای شیری هلشتای ویژگی اثر : (۲۰۰۱-۰۳-۲۱) مجله پژوهش و سازندگی۷ بررسی برخی عوامل موثر بر میزان تولید شیر در نژاد هلشتاین گاوداری صنعتی پالاهنگ ویژگی اثر : (۲۰۰۱-۰۳-۲۱) مجله پژوهش و سازندگی۸ مقالات علمی در همایش ها :۰۶۲۴ -۰۱-۱۰ اولین سمینار پژوهشی پوست، چرم و الیاف دامی کشور بررسی اثرات برخی از عوامل ژنتیکی و محیطی موثر بر درجه پوست گوسفند قره گل ۲۰۰۲-۰۲-۲۰ the second international iran and russia conference abstracts Genetlc and phenotypic factors affecting daily gain of karakul sheep ۲۰۰۱-۰۱-۲۰ اولین کنگره بیولوژی کاربردی ایران استفاده از روش های بیولوژیکی مولکولی در اصلاح دامهای اهلی

افتخاری، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حقوق قضایی، دانشکده:-، دانشگاه: آزاد اسلامی زنجان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی و دکترا در رشته حقوق قضایی و سیاسی از دانشگاه تهران.

مرتبه علمی:

دانشیار حقوق قضائی و سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی زنجان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ولگردی از نظر حقوق جزای تطبیقی، علل تکوینی کیفر تبهکاران، حقوق مدنی، حقوق تجارت، تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران و زنجان به مدت ۵ سال.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

حقوق جزای اختصاصی، ولگردی از نظر حقوق جزای تطبیقی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

حقوق جزای اختصاصی توأم با حقوق سیاسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

افتخاری، قاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روابط بین‌الملل، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۱، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه دیترویت آمریکا، کارشناسی ارشد کتابداری از دانشگاه کاتولیک آمریکا در سال ۱۳۴۴، کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل از دانشگاه کاتولیک آمریکا، دکترای روابط بین‌الملل از دانشگاه کاتولیک آمریکا در سال ۱۳۴۹.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس روش تحقیق در علوم سیاسی، استراتژی، اندیشه سیاسی نظریه‌های جدید علوم سیاست و سیاست خارجی، مطالعه پژوهش در زمینه علوم سیاسی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر بیش از ۳۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

تکنولوژی نظامی و اثر آن در سیاست قدرتهای متوسط، جامعه اقتصادی اروپا، ایران و بازار مشترک اروپا، وابستگی و بهم‌بستگی، الگوی فرادستی و فرودستی، آزادی مطبوعات از دیدگاه لنین.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

افجه ای، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر ابراهیم افجه‌ای ،جوانترین استاد با درجه استادی در دانشگاه شهید بهشتی می باشد. وی دارای مدرک دکترای رشته مهندسی برق است. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه مهندسی برق, دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر دانشگاه شهید بهشتی می باشد. دکتر افجه ای برگزیده سوم جشنواره بین المللی خوارزمی است.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی برقتحصیلات رسمی و حرفه ای : ابراهیم افجه ای دارای مدرک دکترای مهندسی برق می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ابراهیم افجه ای عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه شهید بهشتی می باشد. ایشان همچنین ریاست دانشکده برق و کامپیوتر دانشگاه شهید بهشتی را نیز بر عهده دارد.جوائز و نشانها : از ابراهیم افجه ای به عنوان پژوهشگر نمونه و مقام سوم خوارزمی تقدیر و تکریم به عمل آمده و جوایزی نیز به وی اهدا شده است.چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی دکتر ابراهیم افجه ای به قرار زیر است: دارای بیش از ۴۵ مقاله دارای ۴ کتاب (آخرین کتاب : محاسبات عددی) دارای ۱۰ ثبت اختراع، طراحی، ساخت و راه‌اندازی اولین خط تولید موتورهای رلوکتانس سوئیچی در ایران.

آثار : کتاب الکترونیک قدرت (مدارها، عناصرو کاربردها) ویژگی اثر : ویرایش دوم چاپ سوم پروفسور محمد رشید ترجمه: دکتر سید ابراهیم افجه ای – مهندس مجید مهاجر ۲ محاسبات عددی ویژگی اثر : مؤلف : دکتر سید ابراهیم افجه ای دانشکده: مهندسی برق و کامپیوتر سال انتشار : ۱۳۸۵ منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

افجه، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: رهبری و رفتار انسانی، دانشکده: حسابداری و مدیریت، دانشگاه: علامه طباطبائی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

افجه‌ای، جمال‌الدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، فقیه. از دوره‌ی اولیه‌ی زندگانی وی اطلاعی در دست نیست. در زمان شیخ مرتضی انصاری به نجف رفت و در محضر وی شاگردی کرد. او همچنین در مجلس شیخ راضی نجفی و میرزا حسین خلیلی حاضر شد. در حدود ۱۲۹۰ ق به تهران بازگشت و به تدریس و ترویج مذهب پرداخت. وی از سران مشروطیت و از علمای طراز اول ایران آن زمان بود و شایسته

مرجعیت امور شرعی، و گرچه در ابتدا از فرط پرهیزکاری حاضر به قبول این مقام نبود اما، سرانجام بر اثر اصرار عامه قبول مرجعیت کرد. تا پایان عمر حوزه درسش برقرار بود. در تهران درگذشت، جنازه‌اش به نجف منتقل، و در آنجا دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ انقلاب مشروطیت (۷۴۹، ۲۷۷، ۲۷۱).

افراشته رشتی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ –۱۲۸۷ ش)، شاعر و روزنامه‌نگار. متولد بازقلعه از توابع کهدم رشت بود. در همان جا به تحصیل پرداخت. برای تامین زندگی ناچار شد خیلی زود دنبال کسب و کار برود. شاگردی عطاری، تحصیلدار تجارتخانه، معلم، هنرپیشه، راننده، کارمند شهرداری، مقاطعه‌کار، روزنامه‌نویس، معمار و مجسمه‌ساز شد. با همه طبقات دوست بود و می‌دانست مردم در سر چه می‌پرورانند. آشنایی با احوال مردم به اشعار افراشته لحن خاصی می‌داد، ساده شعر می‌سرود و حرف می‌زد. روزنامه‌ی فکاهی «چلنگر» را در سالهای ۱۳۳۲ –۱۳۲۹ ش منتشر کرد. این روزنامه مشحون از گفتارهای سیاسی و انتقادی منظوم و فولکورهای اقوام مختلف کشور بود. در بین دهقانان و کارگران نفوذ فراوان یافت و به علت انتقادهای تند مکررا توقیف شد. وی در بلغارستان درگذشت و در صوفیه به خاک سپرده شد. آثار وی: «مجموعه‌ی شعر»؛ «چهل داستان طنزنویس»؛ «آی گفتی»؛ «طبابت من درآوردی»؛ «مکتب نو»؛ «تعزیه‌ها، نمایشنامه‌ها و سفرنامه‌ی طنزگونه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۸۳/۱)، سخنوران نامی معاصر (۳۰۴ –۲۹۹ /۱)، فرهنگ سخنوران (۷۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۳۰ –۱۲۹ /۴)، نامها و نامدارهای گیلان (۵۳۱ –۵۱۷).

افروز، غلامعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۹، مرتبه علمی: استاد، رشته: کودکان استثنائی، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی روانشناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۱، کارشناسی ارشد کودکان استثنائی از دانشگاه میشیگان آمریکا در سال ۱۳۵۵ و دکترای کودکان استثنائی از دانشگاه میشیگان آمریکا در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

هوش آزمایی انفرادی، تدریس دروس کودکان استثنائی، اختلالات روانی– حرکتی، کودکان عقب مانده و بهداشت روانی کودکان استثنایی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

روانشناسی کودکان استثنائی، روانشناسی کوداکن عقب مانده ذهنی، روانشناسی و تربیت کودکان و نوجوانان، روشهای پرورش احساس مذهبی، کودک و لکنت زبان.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۶، تعداد مقالات بزبان خارجی:–

زمینه علمی مقالات:

روانشناسی و تعلیم و تربیت هدفها و روشها در تعلیم و تربیت اسلامی، تعلیم و تربیت استثنائی، عقب ماندگی ذهنی و نیازهای زیستی– روانی کودکان.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

افسر اصفهانی، عبدالرحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۳۰۵ ق)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به افسر. وی پزشکی نیز می‌دانسته اما به این حرفه اشتغال نداشته است. بنا به گفته‌ی جلال‌الدین همایی در مقدمه‌ی «دیوان» طرب: طرب در خط، ارشد شاگردان میرزا عبدالرحیم افسر شاعر خوشنویس معروف است که وفاتش علی‌التحقیق بعد از سنه‌ی ۱۳۰۸ و به بعض احتمالات در سال ۱۳۱۵ قمری است». کتابت خفی نزدیک به غبار را بسیار شیرین و استوار می‌نوشت. از استواری خط میرعماد و ملاحت کتابت میرعلی هروی در خطوط او اثری است. از آثار وی: قسمت اول روزنامه‌ی «فرهنگ» است که در زمان حکومت ظل‌السلطان در اصفهان چاپ سنگی شده و قسمتهای بعدی آن به خط پسر او میرزا فتح‌الله جلالی است که از شاگردان وی نیز بود؛ خط و شعر کتیبه‌ی کاشیکاری سر در تکیه‌ی حاج محمد جعفرآباده‌ای، جنب مسجد رکن‌الملک تخت فولاد اصفهان؛ یک نسخه «جهانگشای» جوینی، به قلم کتابت جلی عالی، با رقم: «کتبه العبد المذنب المستکین ابن مسکین الحقیر الفقیر الاثیم، عبدالرحیم المتخلص به افسر ۱۲۸۳»؛ یک نسخه «گلشن راز» شبستری، به قلم کتابت خفی عالی، در سنه‌ی ۱۲۷۹. شش اثر دیگر وی در کتاب «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر گردیده است.

احوال و آثار خوشنویسان (۳۸۴-۳۸۱ /۲)، اطلس خط (۵۷۶)، تذکره القبور (۱۸۰)، حدیقه الشعراء (۱۴۱ -۱۴۰ /۱)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۷۳۶).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

افسر اصفهانی، عبدالرزاق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، طبیب و شاعر. مدتی در کلکته ساکن بود، با همت و قناعت و از حق‌العلاج طبابت گذران زندگی می‌کرد. از اغلب علوم با بهره بود، گاهی شعر هم می‌سرود و در این فن توانا بود. اما از جمع‌آوری و سپردن اشعار خود به دیگران مضایقه داشت از اوست:

لب و چشمم ز اشک گرم و آه سرد پنداری

فروزان آذرستی، آن فسرده آبدانستی

نه هیچ از دست رفتم، به مویی گشته پابستم

ز مو کمتر میان او را، ز هیچش کم دهانستی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۴۲ -۱۴۱ /۱)، فرهنگ سخنوران (۷۲)، مصطبه‌ی خراب (۱۷ -۱۶).

افسر بختیاری، داراب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۳۲۰ ق)، شاعر. از طایفه‌ی احمد خسروی و بیشتر ایام ساکن اصفهان بود. در شعر از استادان چهارمحال و بختیاری بود. که بیشتر به گویش لری اشعاری می‌ساخت. از اوست:

ز در درآمد و بر من نظر نمود و گذشت

چه کرد جز به غم من غمی فزود و گذشت

خیال بود و فن و عم به فکر او مشغول

چه دید بی‌خبران را دلی ربود و گذشت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۸۵ ،۴۸ -۴۶)، فرهنگ سخنوران (۷۳).

افسر سنندجی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۷ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به افسر. مشهور به صادق‌الملک وقایع‌نگار. وی مردی مهربان و خلیق و با معلومات و دارای خطی خوش بود. به اقتفا و تقلید از گذشتگان شعر می‌سرود و بیشتر به قصیده‌سرایی تمایل داشت. از اشعار او مقدار بسیار کمی به جای مانده است. اثر وی: «حدیقه‌ی ناصری».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۶۴ -۶۲ /۲ ،۴۲۱/۱)، حدیقه الشعراء (۱۴۳ -۱۴۲ /۱)، فرهنگ سخنوران (۷۳).

افسر قاجار، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۷۷ -۱۲۱۱ ق)، عارف و شاعر، متخلص به افسر. وی پس از عزل خسروخان گرجی، حاکم گیلان شد. افسر به فرقه دراویش گروید و مرید حاج محمدجعفر کبودرآهنگی، مجذوب علیشاه شد. چون اطراف او را عده‌ای از فرقه‌ی نعمت‌اللهی گرفته بودند، سوءظن فتحعلی شاه را برانگیخت تا شاهزاده محمدرضا و اطرافیانش را احضار و بعضی از ایشان را تنبیه کرد و فاضل‌خان گروسی را جهت مصادره‌ی اموال مجذوب علیشاه به همدان فرستاد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۴۵ -۱۴۳ /۱)، شرح حال رجال (۴۰۱/۳)، طرائق الحقائق (۲۳۵ -۳۲۳)، فرهنگ سخنوران (۷۳)، مجمع الفصحا (۱۵ -۱۱ /۱)، مصطبه‌ی خراب (۱۳)، مکارم الآثار (۴۰۱ -۴۰۰ /۲).

افسر قاجار، محمدهاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۹ -۱۲۵۷ ش)، عالم و شاعر، متخلص به افسر. ملقب به شیخ‌الرئیس. وی از نوادگان فتحعلی شاه قاجار بود. در سبزوار به دنیا آمد و علوم مقدماتی را در زادگاه خود فراگرفت. فقه و اصول را نزد حاج میرزا حسین مجتهد سبزواری و علم ریاضی و کلام و فلسفه را از محضر حاج میرزا حسن حکیم و افتخار الحکماء آموخت. وی با این که معمم بود وارد خدمات دولتی شد و سمتهای مختلفی را چون نمایندگی مجلس شورای ملی در چندین دوره عهده‌دار بود. افسر از موسسان انجمن ادبی ایران بود و سالها جلسات انجمن به ریاست او اداره می‌شد. چون به لهجه‌ی غلیظ سبزواری صحبت می‌کرد، روزنامه‌ی ناهید به او لقب چلچله الوکلاء داده بود. او در تهران درگذشت. آرامگاهش در امامزاده عبدالله است. «کلیات اشعار» او در حدود چهار هزار بیت است که با مقدمه و تصحیح عبدالرحمان پارسا انتشار یافته و قسمتی از آن به نام «پندنامه‌ی افسر» در شیراز به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (۱۷ -۱۶)، دویست سخنور (۲۶ -۲۵)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۳۹ -۲۳۸ /۱)، سخنوران نامی (۷۲ -۵۷ /۲)، سخنوران نامی معاصر (۳۱۱ -۳۰۵ /۱)، شرح حال رجال (۲۵۵ -۲۵۴ /۶)، فرهنگ سخنوران (۷۳)، گلزار معانی (۸۳ -۷۷)، مؤلفین کتب چاپی (۷۴۷ -۷۴۶ /۶)، یادداشتهای قزوینی (۱۵۲/۸)، یادگار (س ۳، ش ۳، ص ۳۷ -۳۶).

افسر کاشی، محمدعلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به افسر. ملقب به سیدالعارفین. وی نواده‌ی میرحیدر رفیعی است و گویا از کاشان به هندوستان مهاجرت کرده و در آن دیار زیسته است. او معاصر جلال‌الدین اکبرشاه بود. از اوست:

تا بریزیم خون دشمن خویش

همچو شمشیر بر جلا زده‌ایم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۶۳)، تذکره‌ی نص آبادی (۲۸۱)، الذریعه (۸۳/۹)، صبح گلشن (۲۹)، فرهنگ سخنوران (۷۳)، کاروان هند (۸۱ -۸۰ /۱).

افسر کردستانی، مرتضی قلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۲ ق)، شاعر، متخلص به افسر. وی در عهد امان‌الله خان ثانی والی کردستان به لقب معتمدی مفتخر گشت و والی او را میرزای رفیق خطاب می کرد و اغلب با او به مشاعره می‌پرداخت. وی در جوانی درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر. و این دو بیت از اوست:

افسوس که عمر من به بازی شد صرف

وز دفتر معرفت نخواندم یک حرف

نه یافتم از بخت تمتع روزی

نه یک شبی از مراد بربستم طرف

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریـخ مشاهیر کرد (۳۶۳ -۳۶۰ /۱)، حدیقه الشـعراء (۱۴۶ -۱۴۵ /۱)، الذریعه (۸۳/۹، ۱۵۷/۱)، فرهنگ سخنوران (۷۳)، مجمع الفصحا (۱۵۷/۴)، مکارم الاثار (۱۶۹۶/۵).

افسر کرمانی، مهدی‌قلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۰ -۱۲۵۹ ق)، ادیب، خطاط و شاعر، متخلص به افسر. ملقب به افسر الشعراء. وی در کرمان به دنیا آمد و در این شهر تحصیل کرد. در حکمت و منطق سرآمد سـخنوران عصر خـود گشـت بطوری کـه ناصرالدین شـاه وی را بـه حضـور پـذیرفت و او را به افسرالشـعرا ملقب ساخت. افسر در حسن خط ممتاز بود و نثر را به شیوه‌ی قایم‌مقام نیکو می‌نوشت. ظاهرا نخستین انجمن ادبی را در کرمـان وی بنیـاد نهاد. او دارای دو «دیوان» شـعر از انواع قصایـد، غزلیات، مثنویات و رباعیات بوده که به وسیله‌ی یکی از احفادش گردآوری و چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شاعران کرمان (۷۳ -۷۰)، الذریعه (۸۴/۹)، ستارگان کرمان (۵۳ -۴۹)، فرهنگ سخنوران (۷۳).

افسر یزدی، عبدالوهاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، پزشک و شاعر، متخلص به افسر. اصل وی از اصـفهان و در یزد ساکن بود. میرزا عبـدالوهاب هماننـد پدر طبابت می‌کرد و گاه شعر می‌گفت. از اوست:

هر کس زبرم رفت که آرد خبر از وی

باز آمد و از خویش چو من بی‌خبر افتاد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۴۸/۱)، فرهنگ سخنوران (۷۳).

افسر، خدیجه

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

دکتر خدیجه افسر سیار دارای دکتری رشته مهندسی متالوژی و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران با درجه دانشیار می باشد.گروه : فنی و مهندسیرشـته : مهندسـی متالوژیتحصـیلات رسـمی و حرفه ای : کارشناسـی,شـیمی,از دانشـگاه تهران,ایران کارشناسـی ارشد,شیمیاز دانشگاه پاریس ,فرانسه دکترا,متالوژی ومواد,از دانشگاه پاریس,فرانسهوقایع میانسالی : خدیجه افسر سیار پس از اخذ مدرک دکتری در رشته مهندسی متالوژی به عضویت هیئت علمی گروه متالوژی دانشکده فنی مهندسی دانشگاه تهران درآمد. وی هم اکنون با سـمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : خدیجه افسر سیار عضو هیئت علمی و دانشیار گروه متالوژی دانشگاه تهران است.فعالیتهای آموزشی : تدریس در دوره های کارشناسی کارشناسی ارشد در دانشکده فنی دانشگاه تهران. عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط خدیجه افسر سیار: کارشناسی • تولیدفلزات غیرآهنی ۱ • سوخت وانرژی •متالوژی سایرفلزات • متالوژیصنعتی کارشناسی ارشد • متالوژی سوخت های هسته ای

آثـار : ترجمه کتـاب شـیمی عمـومی ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه تهران ,۱۳۵۰ ۲ ترجمه کتـاب متـالورژی عمـومی ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه تهران ,۱۳۵۶ ۳ ترجمه کتـاب متالورژی عمومی ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه تهران ,۱۳۵۴ ۴ کتاب سوختهای صنعتی ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه تهران ,۱۳۶۵۵ مقالات چاپ شـده در مجلات خارجی" ,• The influence of aging stress on the yield point phenomenon in the zirconium alloy ozhenite ۰/۵",Journal of Nuclear Materials ,۶۴,۵۶-۴۹ ,۲۵۹۸ • ,"L. Infiuence de iorientation cristalline sur la durete du Zircinium ",Metaux Corrosion industrie ,۵۶۰,۱۴۲-۱۲۱ ,۲۵۹۳ مقالات چاپ شـده در مجلات داخلی • سـیار خـدیجه *افسـر"*,بررسـی زیست محیطی جنـگ خلیـج فـارس," اخبـار متـاورژی و مـواد ,۱و۲,۰ ,۱۳۷۷ • سـیار خـدیجه *افسـر"*,گزارش در بـاره سـاخت کـوره کـک سـوز," نشریه دانشـکده فنی دانشگاه تهران,۴۷,۱۹-۱۵ ,۱۳۶۴ • سیار خـدیجه *افسـر"*,بررسـی قـابلیت سوختن کـک بعنوان سوخت خـانگی,"نشـریه دانشـکده فنی دانشگاه تهران,۶۳,۴۵-۵۵ ,۱۳۶۲ • سـیار خدیجه *افسـر"*,حفاظت کاتدی فلزات," نشـریه دانشـکده فنی دانشگاه تهران,۲۴,۱۴-۱ ,۱۳۵۰ • سیار خدیجه *افسـر"*,روش ذوب منطقـــه ای برای خـــالص کردن فلزات," نشـــریه دانشـــکده فنی دانشـــگاه تهران,۱۷۶,۲۴-۱۶۵ ,۱۳۵۰ منـابع زنـدگینامه :http://iranologyfo.com/

افسر، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۱۵، بیرجند.

درگذشت: ۲ آبان ۱۳۵۹، پل کرخه دزفول.

سرهنگ محمد افسر، سرهنگ ارتش بود. وی به نقاشی و خطاطی علاقه‌مند شد و شعر نیز می‌گفت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

افسرده‌ی اصفهانی، ویکتوریا

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر، متخلص به افسرده. گویند در جوانی اشعاری می‌سرود، بعدها طبعش افسرده گشت و شعری نساخت. از اوست:

تا که زنجیر محبت گره در پای من است

راحت دل‌طلبی خواهش بیجای من است

حاجتی نیست که شرح غم دل عرضه کنم

شاهد سوزش دل، زردی سیمای من است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۹)، زنان سخنور (۵۸/۳)، فرهنگ سخنوران (۷۴).

افسرده‌ی شیرازی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۰ ق)، شاعر، متخلص به افسرده. از بزرگان فتح‌آباد مرودشت بود، در آنجا نشو و نما یافت، و در همان جا فوت کرد. از اوست:

تا شد به عشقبازی تو شهره نام ما

سلطان چرخ شد ز دل و جان غلام ما

گر باده نوشم، همه تسنیم و کوثر است

بی‌لعل جانفزای تو باشد حرام ما

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۵۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۹۸ -۲۹۷ /۱)، فرهنگ سخنوران (۷۴)، مرآت الفصاحه (۵۹ - ۵۸).

افسری کرمانی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۸۵، کرمان.

درگذشت: ۲ شهریور ۱۳۶۰، کرمان.

عباس افسری کرمانی، فرزندزاده‌ی میرزا مهدیقلی‌خان افسر کرمانی، شاعر قرن سیزدهم هجری است که دیوان اشعارش به چاپ رسیده است. پدر او ابوالقاسم تنها فرزند افسر کرمانی بوده است. افسری کرمانی تحصیلات و معارف را در همان شهر فراگرفت. در کرمان به تجارت اشتغال ورزید. سال‌ها با اغلب روزنامه‌ها و نشریه‌های آن روزگار همکاری داشت.عباس افسری کرمانی از اعضای انجمن ادبی کرمان بود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

افسری گلپایگانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی از شاعران انوشان خوانسار است که در اواخر عمر به مرض آتشک مبتلا شد و به همان مرض درگذشت. شاعر خود در شعری به این امر اشاره کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای خوانسار (۲۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۸۲ -۳۸۱)، الذریعه (۸۴/۹)، صبح گلشن (۲۹).

افسوس شیرازی، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به افسوس. پیشه‌اش مسگری بود، طبعی هم داشت بیشتر به گفتن مراثی می‌پرداخت، گاهی هم غزل می‌گفت. وقتی به خیال افتاده بود که هر چه را شعرا گفته‌اند، برخلاف آنها مضمون بسازد و دفتری بدین نهج ترتیب داد. در اواخر حال مؤذنی بقعه‌ی شاه چراغ را داشت. از اوست:

رحم در عالم اگر هست اجل دارد و بس

کاین همه طایر روح از قفس آزاد کند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۴۹ -۱۴۸ /۱)، فرهنگ سخنوران (۷۴)، مرآت الفصاحه (۶۰).

افشار ارموی، تقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۲۸۴ -۱۲۳۴ ق)، حکیم و ریاضیدان. اهل ارومیه بود. در عتبات به تحصیل علوم منقول پرداخت. سپس به همراه پدر به وطن بازگشت ولی برخلاف اصرار پدر از قبول منصب امتناع کرد و عمر را در انزوا و عزلت به ریاضت و عبادت سپری کرد. او در علم اعداد و جفر مهارت کامل داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۹)، الماثر و الاثار (۲۰۹).

افشار بکشلو، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

افشار طارمی، فرامرز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی شیمی، دانشکده: مهندسی شیمی، دانشگاه: صنعتی امیرکبیر

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۵۸، کارشناسی ارشد شیمی پلیمر از دانشگاه لوئی پاستور فرانسه در سال ۱۳۵۳ و دکترای شیمی-فیزیک پلیمر از دانشگاه لویی پاستور فرانسه در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده مهندسی شیمی دانشگاه صنعتی امیرکبیر.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس شیمی و سینتیک پلیمریزاسیون، شیمی فیزیک پلیمرها، تکنولوژی لاتکس، کاربردهای جدید مواد پلیمری و استاد راهنمای بیش از ۱۵ پروژه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

سنتز پلیمر.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۹

زمینه علمی مقالات:

شیمی پلیمر.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

افشار نادری، نادر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس، محقق.

درگذشت: ۹ تیر ۱۳۵۸.

نادر افشار نادری مدیر بخش عشایرشناسی مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی و مدتی رییس آن مؤسسه بود. وی همچنین چندی عهده‌دار ریاست دانشکده‌ی علوم اجتماعی و بالاخره مؤسس و مدیر مؤسسه‌ی روستاشناسی بود و در دانشکده‌ی علوم اجتماعی نیز تدریس می‌کرد.

نادر افشار نادری مدت‌ها به تحقیقات در زمینه‌ی عشایر جنوب ایران مشغول بود. از جمله آثار وی تهیه گزارش «مسائل و نیازهای کودکان و نوجوانان» برای سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۰) بوده است.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

افشار یزدی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، محقق، ادیب.

تولد: ۱۳۱۳ (۱۲۷۲ ق.)، یزد.

درگذشت: ۲۸ آذر ۱۳۶۲، تهران.

دکتر محمود افشار یزدی، فرزند محمدصادق، در سن سیزده سالگی مادر خود را از دست داد و به این سبب برای تصحیل به نزد عمویش در هند اعزام شد و این شخص که سالیان دراز ریاست انجمن ایرانیان مقیم بمبئی با او بود در آن شهر به ترویج و گسترش زبان و ادبیات فارسی در هندوستان مشغول بود. محمود افشار یزدی در هند مقدمات علوم جدید و زبان انگلیسی را فراگرفت. و پس از سه سال به تهران آمد و در مدرسه علوم سیاسی به تصحیل پرداخت. اما به قصد ادامه‌ی تحصیل در نوزده سالگی راهی اروپا شد و در سوییس از دانشکده‌ی علوم سیاسی دانشگاه لوزان درجه دکترای دریافت کرد. چون ایام اقامت وی در اروپا مقارن با ختم جنگ بین‌الملل اول بود و موضوع قرارداد ۱۹۱۹ مطرح بود در جراید سوییس مقالاتی در دفاع از حقوق ایران نوشت، همچنین مقالاتی درباره‌ی زبان فارسی و ایران در جراید سوییس از وی به یادگار مانده است. وی پس از به پایان رساندن دوره دکترای در سال ۱۳۴۰ ق. به ایران بازگشت. چندی در مدرسه‌ی علوم سیاسی به تدریس تاریخ اشتغال داشت. سپ به ریاست مدرسه‌ی عالی تجارت که تازه تأسیس شده بود انتخاب شد و اساس مدرسه‌ی مزبور را پی‌ریزی کرد. مدتی نیز در وزارت مالیه و عدلیه به خدمت اشتغال داشت با به سمت مستشاری دیوان کشور رسید. آخرین موقعیت اداری او معاونت وزارت فرهنگ بود. از آن پس از خدمت دولتی کناره گرفت.

دکتر محمود افشار یزدی از سال ۱۳۰۰ وارد عرصه‌ی مطبوعات شد. در سال ۱۳۰۴ مجله «آینده» را تأسیس کرد که ابتدا دو سال (۲۴ شماره) و سپس از سال ۱۳۲۲، شانزده شماره‌ی آن طبع گردید و سپس پسرش ایرج افشار به نشر آن ادامه داد. از کارهای دیگر وی ایجاد موقوفه دکتر محمود افشار در شمیران تهران است که مؤسسه لغت‌نامه دهخدا در همان جا مستقر شد. دفتر اشعار دکتر محمود افشار در سال ۱۳۶۲ از طرف موقوفه فوق چاپ شده است. فهرست آثار او به شرح زیر است: مجله «آینده»، چهار دوره؛ روزنامه‌ی خاطرات اعتمادالسلطنه (۱۳۴۵)؛ گفتار ادبی (در دو جلد)؛ گنجینه مقالات (مقالات سیاسی یا سیاستنامه‌ی جدید، جلد یک ۱۳۶۸)؛ سیاست اروپا در ایران (۱۹۲۱، آلمان، گفته شده که این کتاب را به زبان فرانسوی نوشته است)؛ افغان‌نامه (درسه جلد)؛ تاریخچه‌ی سیاست روسیه در ایران. مقاله‌های وی در جراید «آفتاب»، «رعد»، «ایران»، «ستاره‌ی جهان»، «شفق سرخ»، «شیرکوه» و «کوشش» و روزنامه‌های دیگر سال‌های ۱۳۰۶ -۱۳۰۳ منتشر شده است. مقاله‌هایی نیز برای روزنامه‌های «حبل المتین» (کلکته) و «شمس» (استانبول) نوشته است. به مناسبت یادبود دومین سال درگذشتش، چهار مجلد کتاب به نام ناموار‌ه‌ی دکتر محمود افشار شامل مقاله‌های تحقیق منتشر شد.

حقوقدان، قاضی، مدیر، مدبر، میهن‌خواه، مروج علم و فرهنگ، نیکوکار. در ۱۲۶۷ در یزد متولد شد. پدرش حاج محمدصادق افشار یزدی بازرگانی روشنفکر و طالب علم و ادب بود. به همین دلیل در تربیت فرزندان خود که مستعد بودند سعی بلیغ مبذول داشت. محمود افشار تحصیلات مقدماتی و متوسطه و مقدمات زبان و ادبیات عربی و فرانسه را در تهران و هندوستان فراگرفت و در ۱۲۹۰ برای ادامه‌ی تحصیلات و کسب علوم جدید اروپائی عازم سویس شد و دوره‌ی لیسانس و دکترای حقوق را پایان برد. از محصلینی که در آن تاریخ در سویس ادامه تحصیل می‌دادند یکی دکتر محمد مصدق‌السلطنه و دیگری علی‌اکبر داور بودند که بین افشار و آن دو دوستی و نزدیکی زیادی ایجاد شد و در تمام مدت عمر ادامه داشت.

پس از مراجعت به ایران به کارهای علمی و تحقیقاتی پرداخت و با کمک دکتر محمد مصدق و چند نفر دیگر مجله‌ی علمی را انتشار دادند. در ۱۳۰۴ مجله‌ی آینده را بنیاد نهاد و چند سالی مرتباً آن را انتشار داد. داور وقتی وزیر فوائد عامه شد او را به همکاری دعوت نمود و ریاست مدرسه‌ی تجارت را به عهده‌ی وی سپرد. افشار بر اساس مدارس اروپائی سر و صورتی شایسته به آنجا داد. در ۱۳۰۶ بنا به دعوت داور وارد تشکیلات نوین قضائی شد و به مستشاری استیناف تهران منصوب گردید. چند سالی این همکاری ادامه داشت. بین وی و داور اختلاف سلیقه بوجود آمد ناگزیر افشار عدلیه را ترک کرد و در زمان وزارت دارائی تقی‌زاده به آن وزارتخانه منتقل گردید. ریاست اداره‌ی اقتصادی و حقوقی را که از اهم ادارات بود بدو سپردند. تا سال ۱۳۱۲ در آنجا خدمت می‌کرد. وقتی داور به وزارت مالیه رفت او به دادگستری بازگشت. ابتدا به مقام دادیاری دیوان عالی کشور رسید، چندی بعد مقام مستشاری یافت. بعد از ۱۳۲۰ به معاونت وزارت فرهنگ منصوب گردید و مجله‌ی آینده را مجدداً انتشار داد.

افشار مردی دانشمند، محقق، ادیب، شاعر و ثروتمند بود. عشق میهن‌خواهی داشت. برای ترویج علم و فرهنگ چه از لحاظ مادی و چه معنوی دریغی نداشت، کما اینکه قسمتی از مستغلات خود را در باغ فردوس شمیران وقف سازمان لغت‌نامه دهخدا نمود. در ۱۳۶۳ درگذشت.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

افشار، ایرج

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه: در سال ۱۳۰۴ در تهران متولد شد فرزند برومند «دکتر محمود افشار» تربیت‌یافته خاندان ادب و سیاست است. تحصیلات خود را در رشته حقوق به پایان رسانید و دورهٔ دکتری را نیز دیده است.

افشار از ذخایر ادبی و علمی کشور شمرده می‌شود و در فن کتاب‌شناسی و کتابداری بی‌مانند است.

زبان انگلیسی را خوب می‌داند و زبان فرانسه را از آن بهتر. ده سال کتابدار دانشکده حقوق بود و سپس رئیس کتابخانه دانش‌سرای عالی شد. یک سال نیز ریاست کتابخانه ملی را بر عهده داشت و چهار سال هم رئیس اداره کل انتشارات دانشگاه بود.

افشار به سال ۱۳۳۱ با همکاری چهار تن از دوستان خود، انتشار نشریه گرانقدر «فرهنگ ایران زمین» را آغاز کرد و از سال ۱۳۲۷ مدیریت مجله راهنمای کتاب را به عهده داشت.

وی به دعوت دانشگاه هاروارد آمریکا یک سال در آن کشور مقیم بوده و به کار مرتب کردن کتابهای السنه شرقی آن دانشگاه معتبر اشتغال داشته است و نیز برای امور مربوط به کتاب و کتابداری سفرهایی به کشورهای مختلف داشته است. آثار: ۱ـ فردوس المرشدید ۲ـ تاریخ کاشان ۳ـ تاریخ یزد ۴ـ جامع مفیدی ۵ـ مالک و ممالک ۶ـ قندیه ۷ـ حالت و سخنان ابوسعید ۸ـ آغاز و انجام از نصرالدین طوسی ۹ـ رساله عشق از صفی‌الدین نجاری ۱۰ـ عرض سپاه ۱۱ـ بیان الصناعت ۱۲ـ تاریخ کبیر از جعفری ۱۳ـ یادداشت قزوینی در ۶ ج، ۱۴ـ نثر فارسی معاصر ۱۵ـ میرزا تقی خان امیرکبیر ۱۶ـ فرهنگ ایران زمین در ۹ جلد ۱۷ـ راهنمای کتاب در ۵ جلد ۱۸ـ مهر جلد هشتم ۱۹ ـ کتابهای ماه در ۳ ج.

افشار، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی عمران، دانشکده: مهندسی عمران، دانشگاه: علم و صنعت ایران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی آبیاری و آبادانی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰، کارشناسی مهندسی عمران از دانشگاه کالیفرنیای آمریکا در سال ۱۳۵۵، دکترای مهندسی عمران از دانشگاه کالیفرنیای آمریکا در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علم و صنعت تهران از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۸ و دانشیار دانشگاه علم و صنعت تهران از سال ۱۳۶۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تهیه منحنی فرمان برای سرریزهای فیوزپلاک، بهینه‌سازی سیستمهای انحراف با عدم قطعیت‌های هیدرولیکی و هیدرولوژیکی، تدریس هیدرولیک پیشرفته، سازه‌های هیدرولیکی، هیدرولیک شبکه آب و فاضلاب و هیدرولوژی سیالات.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

هیدرولوژی آبهای سطحی، طراحی سازه‌های هیدرولیکی سدهای کوتاه ترجمه از انگلیسی به فارسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:–، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

هیدرولوژی، سدسازی و بهینه‌سازی سدها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

افشار، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا افشار

محل تولد : کرج

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب متولد ۱۳۴۱ هستم. در شهرستان کرج مدت ۲۰ سال زندگی کردم و تا دیپلم تحصیل می‌کردم که مصادف با جنگ تحمیلی شد و عازم جبهه شدم و مجروح گردیدم و از ساق پا قطع گردیده که به علت علاقه شدید به دروس حوزوی نسبت به تحصیل کلاسیک بی‌میل شده و در چهارم نظری تجدید آورده و دیگر ادامه ندادم و وارد حوزه علمیه شهرستان کرج شدم.

در سال ۱۳۶۲ که تا سال ۱۳۷۴ در حوزه علمیه کرج مشغول تحصیل و تدریس بودم. البته نه به طور رسمی. از سال ۷۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و مشغول تحصیل در درس خارج شدم که مدت ۱۲ سال است که مشغول تحصیل در دروس خارج فقه و اصول هستم. اساتید درس خارج عبارتند از آیت الله فاضل لنکرانی (فقه) آیت الله مکارم شیرازی (فقه) آیت الله صالحی مازندرانی (اصول) آیت الله شیخ جواد تبریزی (فقه) آیت الله جوادی آملی (تفسیر) آیت الله فاضل لنکرانی (اصول) و هم اکنون مشغول تحصیل در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی و فقه آیت الله مکارم شیرازی هستم.

مدت ۲ سال نیز هر پنج‌شنبه به اتفاق دوستان طلبه عازم کرج می‌شدم و در هر پنج‌شنبه مدت چهار ساعت در دو مدرسه جلسه پرسش و پاسخ برای مقاطع مختلف دانش‌آموزان تشکیل می‌دادیم که حدود ۹۰ مدرسه رفته‌ام و جلسه پرسش و پاسخ تشکیل داده‌ام که امام جمعه محترم سابق کرج آقای رمضانی مقدمات حضور ما را در مدارس فراهم می‌کردند که دفتری به نام دفتر فرج طلوع تشکیل داده بودند. و چندین دوره کلاس کامپیوتر رفته‌ام از جمله مبانی، ویندوز، سخت‌افزار. چهار سال دوره تخصصی تبلیغ را گذرانده‌ام ک این چهار سال را در مدت ۳ سال گذراندم. مدت دو سال نیز مشغول حفظ قرآن با دوستان بودیم که یک بار از اول تا آخر قرآن حفظ کردم اما به علت عدم تکرار فراموش کرده‌ام.

از سال ۸۴ نیز مشغول تدریس در دانشگاه تهران، ورامین، پیشوا و ساوه می‌باشم. هم اکنون نیز مشغول نوشتن پایان‌نامه سطح چهار می‌باشم. در بدو ورود به حوزه در طرح هجرت تابستان نیز شرکت کردم و امتیاز نیز آورده‌ام که جایزه نیز به بنده تعلق گرفته چندین بار از طرف دفتر تبلیغات قم، و چندین بار نیز از جانب سازمان تبلیغات تهران جایزه گرفتم به علت مربی نمونه در تبلیغات تابستانی.

منابع زندگینامه :پایگاه اندیشوران حوزه

افشین، یدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یدالله افشین در سال ۱۳۲۳ در شهر مرزی ماکو به دنیا آمد.ایشان پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۴۴ وارد دانشکده افسری شد و در سال ۱۳۴۷ با اخذ لیسانس و درجه ستوان دومی فارغ التحصیل گردید.در سال ۱۳۶۵ به عضویت هیئت علمی دانشکده فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران درآمد که تا پایان خدمت نظامی اش، در این سمت مشغول تدریس و تحقیق بود.نوع خدمت نامبرده به او این امکان را داد تا نقاط مختلف کشور را از نزدیک مشاهده کرده و یادداشتهای لازم از مسائل جغرافیایی کشور بویژه رودخانه های ایران را که کاربرد زیادی در مسائل نظامی دارند ثبت نماید. کتاب رودخانه های ایران حاصل ۱۴ سال تلاش آقای یدالله افشین می باشد.کتاب مذکور ، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاتحصیلات رسمی و حرفه ای : یدالله افشین تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان رساند و در سال ۱۳۴۴ وارد دانشکده افسری شد و در سال ۱۳۴۷ با اخذ لیسانس و درجه ستواندومی فارغ التحصیل گردید.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : یدالله افشین در سال ۱۳۶۵ به عضویت هیئت علمی دانشکده فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران درآمد که تا پایان خدمت نظامی اش، در این سمت مشغول تدریس و تحقیق بود. نوع خدمت نامبرده به او این امکان را داد تا نقاط مختلف کشور را از نزدیک مشاهده کرده و یادداشتهای لازم از مسائل جغرافیایی کشور بویژه رودخانه های ایران را که کاربرد زیادی در مسائل نظامی دارند ثبت نماید. کتاب رودخانه های ایران حاصل ۱۴ سال تلاش آقای یدالله افشین می باشد. جوائز و نشانها : کتاب"رودخانه های ایران"تالیف،یدالله افشین ، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.آثار : ۱ رودخانه های ایران ویژگی اثر : تالیف،این کتاب در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «رودخانه های ایران»: رودخانه های ایران؛ یدالله افشین؛ تهران: وزارت نیرو، ۱۳۷۳. افزایش سریع جمعیت کشور، وضع نابسامان عرضه موارد غذایی در بازارهای جهانی و بهره گیری قدرتهای بزرگ از غذا به عنوان حربه سیاسی، خودکفایی مملکت را در این زمینه به منظور حفظ استقلال اقتصادی و سیاسی گریزناپذیر ساخته است و در این راستا، استحصال و تأمین آب کافی برای توسعه کشاورزی و صنعت و مصارف روستایی و شهری را در رأس برنامه ها قرار داده است. نگاهی به کتاب «رودخانه های ایران»، نشان می دهد چه حجم عظیمی از آبهای با ارزش رودخانه ها از کشور خارج می شود و به ممالک همجوار یا دریاها می ریزد و یا در دل کویرها و دشتها و باتلاقها فرو می رود و استفاده از این آبهای به هدر رفته، چه امکانات گسترده ای برای گسترش کشاورزی و صنعت فراهم می کند. کتاب حاضر حاوی شرح مشخصات، ویژگیها و امکانات بالقو ?نزدیک به ۳۵۰۰ رودخان ?بزرگ و کوچک ایران از سرچشمه تامصب است. مطالب کتاب با نگاهی به ۴ حوزه آبگیر اصلی ایران، براساس ۱۲ حوزه کوچک و بزرگ تقسیم و عرضه شده و حوزه ها و رودهای هر حوزه و شاخه های هر رودخانه به صورت الفبایی تنظیم گردیده است. این کتاب در ۲ مجلد با مقدمه کامل و فهرست راهنمای الفبایی نام رودخانه ها و منابع و مآخذ، همراه با تعدادی عکس و نقشه جغرافیایی چاپ و منتشر شده است

افصح مشهدی، میرمحمد علی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۵۰ ق)، شاعر. وی از نوادگان سید اخیار، داماد تیمور لنگ بود. جد وی از خراسان به سمرقند رفت و پدرش شاه میرزا ملقب به شاه‌نواز از آن جا به هندوستان مهاجرت کرد و میرعلی در هندوستان متولد شد. افصح در شعر توانا بود و سرانجام در طی نزاع محلی کشته شد. از اوست:

دل خرابی می‌کند از زلف تدبیرش کنید

دست و پایی می‌زند دیوانه، زنجیرش کنید

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۸۴/۹)، ریحانه (۱۵۸/۱)، فرهنگ سخنوران (۷۴)، لغت‌نامه (ذیل/ افصح).

افصح‌زاده‌ی یزدی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۴ ق)، شاعر. وی در یزد متولد شد. تحصیلات ابتدایی در آن شهر و بعداً در تهران، در کالج امریکایی به پایان برد. سپس به کار آزاد پرداخت. گاهی شعر می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۷۹۳ -۷۹۲، ۴۲۷ -۴۲۶ /۲)، فرهنگ سخنوران (۷۵).

افضل طباطبایی اردستانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی معاصر نصرآبادی بود و در اصفهان می‌زیست و در آن ولایت تصحیل علم و کمال می‌کرد. از اوست:

فضای سینه‌ام از بس که بر نفس تنگ است

میانه دل و جان از برای جا جنگ است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۶۴)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۹۶ -۱۹۵)، الذریعه (۸۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۷۵).

افضل کرمانی، افضل‌الدین، ابوحامد، احمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۶۱۳ ق)، مورخ، طبیب و شاعر. از تاریخ‌نویسان بزرگ زبان فارسی که به ظاهر از بردسیر کرمان بود. وی در اواخر عهد قاوردیان و انقلابات کرمان و عهد تسلط غزان بر آن سرزمین به سر می‌برد و در آن جا به تدریس و طبابت مشغول بود. و با ملک دینار از ملوک غزکه در اول رجب سال ۵۸۳ ق بر کرمان استیلا یافته بود معاصر بوده است. بعد از آن نیز شاهد کشاکشهای عمال اتابک فارس، سعد بن زنگی و قطب‌الدین مبارز، امیر شبانکاره و سلطان محمد خوارزمشاه برای تسلط بر کرمان بوده و آثار خود را در این کشاکشها تالیف نموده است. ظاهرا در شروع بحران کرمان و اختلاف میان پسران طغرل شاه یعنی بهرام شاه و ارسلان شاه و ترکان شاه، نظر به آشنایی که با امرا و وزراء و اشراف داشت چند سالی عمل انشاء آن امیران و وزیران به او تفویض شد، لیکن بر اثر دوام بحران ناگزیر جلای وطن و قصد خراسان و دربار ملک طغان شاه بن موید آی ابه را کرد و راه خراسان پیش گرفت و در کوه بنان متوقف شد و پنج سال آنجا بود، بعد به یزد رفت و چندی متعهد امور بیمارستان آن شهر شد و بعد از سر و سامان یافتن اوضاع در کرمان طبابت و انشاء دیوان اتابک یزد به او پیشنهاد شد، اما نپذیرفت. در سال ۵۸۴ ق عزم کرمان نمود و در همان اوان به خدمت ملک دینار رسید و کتاب معروف خود را به نام او نوشت. آثار وی: «عقدالعلی للموقف الاعلی» در تاریخ ملک دینار که در سال ۵۸۴ ق به پایان رسیده است؛ «بدایع الازمان فی وقایع کرمان» معروف به «تاریخ افضل» که حوادث کرمان را تا سال ۶۰۱ ق در آن ضبط کرده است و شخصی به نام محمد بن ابراهیم در قرن یازدهم قمری تحریر نوی از آن کتاب با زبان ساده‌تر به نام «تاریخ سلاجقه کرمان» انجام داده است؛ «المضاف الی بدایع‌الازمان فی وقایع کرمان» که شامل حوادث از سال ۶۰۲ تا ۶۱۲ ق است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سنایی تا سعدی (۲۶۲ -۲۶۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۲۶ -۱۰۲۳ /۲)، تاریخ در ایران (۲۶ -۲۵)، تاریخ نظم و نثر (۱۱۸)، ستارگان کرمان (۵۷)، سرآمدان فرهنگ (۱۶۹ -۱۶۸ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ افضل‌الدین).

افضل کرمانی، خواجه محمود

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۱۰ ق)، شاعر. ملقب به اشرف دیوان. پدر و نیاکان وی از بزرگان کرمان بودند. وی به دربار سلطان حسین بایقرا راه یافت. ابتدا مستوفی دیوان و سرانجام در ۸۷۸ ق به وزارت رسید و امیر علی‌شیر نوایی از او پشتیبانی کرد. اما به دلایلی ترک خدمت میرزا حسین گفت و به دربار سلطان یعقوب آق قویونلو در آذربایجان رفت و بعد از مدتی به هرات بازگشت و مجددا به وزارت رسید و لقب اشرف دیوان گرفت. وی قصیده و غزل می‌سرود. در شهر هرات مسجد جامع و مدرسه و خانقاه ساخت. پس از ساخته شدن مدرسه در بیرون دروازه عراق نه تن از بزرگان شهر را به تدریس در آن مدرسه گماشت. وی در گازرگاه هرات درگذشت و نزدیک تربت خواجه عبدالله انصاری در همان مدرسه‌ای که خود ساخته بود به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۰۸ -۳۰۷)، تذکره‌ی روز روشن (۶۷)، تذکره الشعراء (۵۸۱ -۵۷۹)، الذریعه (۷۳۷، ۸۵ /۹)، فرهنگ سخنوران (۷۶)، مجالس النفائس (۲۹۶)، هفت اقلیم (۲۷۲ -۲۷۰ /۱).

افضل‌الملک کرمانی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۲ -۱۲۶۷ ق)، نویسنده و خطاط. وی برادر شیخ احمد روحی و از دوستان سید جمال‌الدین اسدآبادی بود. افضل‌الملک پس از دستگیری برادرش شیخ احمد و میرزا آقاخان کرمانی و میرزا حسن‌خان خبیرالملک، به استانبول گریخت و پس از مدتی توقف، به طور ناشناس به کرمان بازگشت و اندکی بعد به تهران آمد اما چون از دوستان سید جمال‌الدین اسدآبادی شمرده می‌شد، دولت به او مظنون بود و به محض ورود به تهران دستگیر و مدتی زندانی شد. شکوائیه‌ای به شاه نوشت و شاه پس از دیدن نامه و پی بردن به فضائل و حسن خطش و با وساطت امین‌الدوله، او را از زندان آزاد کرد. سرانجام در سن پنجاه و پنج سالگی در اصفهان درگذشت. آثاری ادبی و تاریخی از وی برجای مانده که ارزنده‌ترین آنها «جغرافیای بلوچستان» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سرآمدان فرهنگ (۱۷۱ -۱۷۰ /۱)، شرح حال رجال (۳۵ -۳۴ /۴).

افضلی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی افضلی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد علی افضلی در سال ۱۳۳۶هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان ساری دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد.

در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۱ و در اوج خفقان حاکم بر کشور از سوی حکومت ستمگر و ظالم شاهنشاهی بر کشور و حوزه های علمیه، وارد حوزه علمیه مشهد گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد.

پس از مدتها تحصیل و کوشش در مشهد، این بار به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (سلام علیها) و ادامه تحصیل در قم رهسپار قم و وارد حوزه علمیه گردید. پس از ورود ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت (ع) با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. با اتمام سطوح عالی در سال ۱۳۵۹ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله وحید، آیت الله صالحی مازندرانی، مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فقه در مقطع کارشناسی ارشد از خبرگان رهبری فارغ التحصیل گردید.

وی پس از سالها تلاش و علم اندوزی در قم، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت و هم اکنون علاوه بر مدیریت نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه علوم پزشکی مازندران، در این دانشگاه و دیگر دانشگاههای استان به تدریس دروس معارف اسلامی مشغول می باشد.

وی در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و آثاری از قبیل" ترجمه تاریخ شیعه در هند "و مجموعه مقالات" تبیین اندیشه های سیاسی امام خمینی "را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

افضلی، محمدمهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد مهدی افضلی

محل تولد : غزنی

شهرت

تابعیت : افغانستان

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۹ در سن یازده سالگی وارد حوزه علمیه و تحصیل علوم دینی شدم و سه سال در مدارس علمیه استان غزنی افغانستان سپری شد. در سال ۱۳۷۲ وارد جمهوری اسلامی ایران شدم و در جامعه علمیه امیرالمومنین شهرری تهران به ادامه تحصیل پرداختم.

در سال ۱۳۷۳ از طریق آزمون وارد مرکز جهانی علوم اسلامی شدم و با توافق مسئولان مربوطه تا سال تحصیلی ۷۶ – ۷۵ در تهران ماندم و از محضر اساتید بزرگوار مرحوم حاج شیخ حسنعلی کرمانی، استاد لطفی کاشانی، استاد مرتضی شجاری و ... بهره بردم. در سال ۱۳۷۶ با سکونت در قم از محضر حضرات آیات و حجج اسلام حسینی خراسانی، موسوی تهرانی رسائل، مکاسب و کفایه را استفاده کردم.

همزمان در درس شرح اشارات استاد حاج شیخ غلامرضا فیاضی و استاد جناب آقای دکتر محمد حسین حشمت پور نیز شرکت می کردم. دروس خارج فقه و اصول را خدمت آیات عظام و حجج اسلام مکارم شیرازی، حاج شیخ صادق لاریجانی و حاج شیخ جواد مروی ادامه دادم. از سال ۱۳۷۷ از طریق آزمون وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شدم و در سال ۱۳۸۱ مقطع کارشناسی ارشد را به پایان رساندم و در سال ۱۳۸۲ وارد مقطع ارشد شدم و در سال تحصیلی ۸۶ – ۸۵ از تحصیل فراغت یافتم.

افضلی‌پور علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

تولد: ۱۲۹۴، تفرش.

درگذشت: ۱۸ فروردین ۱۳۷۲.

علیرضا افضلی‌پور پس از اخذ گواهی‌نامه متوسطه و دیپلم از مدرسه‌ی آلیانس و دارالعلمین مرکزی در سال ۱۳۰۷ جزو محصلین دولتی به اروپا عازم گشت و پس از چهار سال اقامت در نانسی و بردو، به اخذ تصدیق‌نامه‌ی لیسانس در علوم و دیپلم تحصیلات عالیه ریاضی موفق گردید و در ظرف دو سال در پاریس از دانشگاه سربن رساله‌ی دکترای خود را نوشته و در سال ۱۳۱۴ به اخذ درجه‌ی دکتری نایل گردید و بلافاصله به ایران بازگشت و به سمت دانشیار علوم ریاضی در دانشسرای عالی انتخاب شد. وی سپس در دانشکده‌ی علوم آنالیز ریاضی به تدریس مشغول شد.

علیرضا افضلی‌پور بنیانگذار دانشگاه کرمان است و به همین مناسبت دانشکده‌ی پزشکی و پیراپزشکی به نام وی نامگذاری شد.

از آثار اوست: آنالیز ریاضی اصول نظریه توابع متغیر مختلط (دو جلد، تهران ۱۳۲۸، نشریه‌ی شماره‌ی ۵۰ دانشگاه)؛ اصول روش‌های ریاضی و آمار (تهران، ۱۳۳۵، نشریه‌ی شماره‌ی ۴۰۰ دانشگاه(۴ اصول نظریه‌ی ریاضی احتمالی (تهران، ۱۳۳۵، نشریه‌ی شماره‌ی ۳۲۱ دانشگاه)؛ حساب سال اول و دوم دبیرستان‌ها (با مشارکت ابوالقاسم نراقی، تهران، ۱۳۱۹)؛ روش‌های آماری در آموزش و پرورش (تهران، ۱۳۱۹).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

افقهی، فخرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید فخرالدین افقهی از علماء و ائمه جماعت معاصر سبزوار است.

ایشان در سبزوار متولد شده و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح به مشهد مقدس هجرت نموده و متون علمی را تکمیل و از محضر و درس خارج آیت‌اللّه العظمی میلانی مدظله العالی و آیت‌اللّه فقیه سبزواری و دیگران استفاده نموده آنگاه به وطن برگشته و به وظائف دینی از قبیل اقامه جماعت و تبلیغ احکام و غیره پرداخته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

افقهی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ریاضی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵، کارشناسی ارشد ریاضی از دانشگاههای تهران ودیوک آمریکا در سال ۱۳۴۷ و ۱۳۴۹ و دکترای ریاضی از دانشگاه دیوک آمریکا در سال ۱۳۵۲.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۵۴، دانشیار دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۵۴ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس آمار و احتمال ۱ و ۲، آمار ریاضی، ریاضی عمومی، جبر خطی، توابع مختلط، آنالیز ۱ و ۲، احتمال پیشرفته، تجزیه و تحلیل داده‌ها و نظریه اندازه‌ها.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

جبر نو، فرآیندهای تصادفی، نابرابریها و اندازه انتگرال.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

ریاضی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

افقی، رسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رسول افقی

محل تولد : ---

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ هجری شمسی در یکی از روستاهای شهرستان هشترود شروع به تحصیل ابتدایی نمودم و در سال ۱۳۶۴ تحصیلات دبیرستان را به اتمام رساندم. در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم و در مدرسه رسول اکرم (ص) شروع به تحصیل نمودم.

مهمترین استادان اینجانب در سه سال اول حوزه عبارتند از: استاد صفائی بوشهری برای درس مغنی، استاد علیزاده برای سیوطی و...

بعد از سال سوم حوزه ازدواج کرده و درسها را بیرون از مدرسه ادامه دادم که از محضر اساتید بزرگوار استفاده کرده ام. شرح لمعه استاد محامی، استاد طالقانی، شب زنده دار، اصول فقه استاد صالحی، سید احمد خاتمی، رسائل استاد استادی و مکاسب استاد علی کریمی جهرمی، کفایهٔ الاصول متفرقه استفاده کرده ام. درس خارج استاد علی کریمی جهرمی، استاد ابوطالب تجلیل تبریزی، درس خارج اصول استاد سبحانی.

در کنار تحصیل تدریس متون ادبیات حوزه را شروع کردم و کتابهای سیوطی، ابن عقیل، صرف ساده و آموزش صرف را تدریس کرده ام. ضمناً پنج سال در مرکز جهانی علوم اسلامی تدریس داشته ام. اینک در پژوهشکده دارالحدیث فعالیت می کنم و در تألیف نزدیک به ده عنوان کتاب با حضرت آیت الله ری شهری همکاری کرده ام.

افکار بیگدلی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۱ ش)، شاعر، متخلص به افکار. در همدان متولد شد. مدتی در مکتب ملامحمد همدانی و در مدرسه‌های الفت و آلیسانس بـه تحصیل پرداخت. پس از آن بـه شغل آزاد روی آورد. در سال ۱۳۱۰ ش به تهران آمد و به شغل عطاری پرداخت. شاعری شوخ‌طبع و بذله‌گو و آثارش را در روزنامه‌های «نسیم شمال» و «کانون شعرا» منتشر می‌کرد. در سال ۱۳۳۷ ش مغازه‌اش طعمه‌ی حریق شد و مقداری از اشعارش از میان رفت. وی بیشتر به غزلسرایی تمایل داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۳۷۰ -۳۶۹ /۲)، سخنوران نامی معاصر (۳۲۲ -۳۱۹ /۱).

افوشته‌ای نطنزی، محمود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۹۳۸ ق)، مورخ و شاعر. از ادبای پرکار زمان خود، که در نظم و نثر دست داشت. در شیراز می‌زیست. آثار وی: «نقاوه الاثار فی ذکر الاخیار» در تاریخ صفویه که در ۹۹۸ ق تالیف آن را آغاز کرد و وقایع آن سلسله را تا سال ۱۰۰۶ ق در آن آورده است؛ «دیوان مجازیه»؛ «دیوان غایه المجاز»؛ «دیوان حاصل الجنات»، در مدح ائمه، «دیوان اضطراریه»؛ «برائه القلم»، که دو «دیوان» اخیر در مدح پادشاهان است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۹۷/۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۵۸)، الذریعه (۲۷۱/۲۴)، نقاوه‌الاثار (پیش گفتار).

افهمی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر رضا افهمی در سال ۱۳۵۳ در کرمان بدنیا آمد. وی در سال ۱۳۸۲ وارد مقطع دکتری رشته پژوهش هنر دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس شده و در سال ۱۳۸۵ به دریافت این درجه با نمره عالی نایل شده است.ایشان در سال ۱۳۸۶بعنوان برگزیده جوان جشنواره فارابی در زمینه تاریخ، جغرافیا و باستانشناسی انتخاب شده است. نامبرده در حال حاضر نیز ضمن ادامه کار علمی خود، به عنوان هیأت علمی گروه پژوهش هنر دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس به تدریس مشغول می

باشـد.گروه : هنررشـته : پژوهش هنرگرایش : تئوری هنروالـدین و انساب : پـدر : مهدی افهمی ، فرزند امیر، معلم بازنشسته ، میزان تحصیلات : فوق دیپلم مـادر: نرجس‌خـاتوان بنی اسـدی نژاد، فرزنـدابوطالب، مـدیر بازنشسته، میزان تحصیلات لیسـانس خاطرات کودکی" : دوران کودکی اینجانب اشـغال شـده از گفتمان خانوادگی است. عقیده دارم که در هر خانواده‌ای گفتمانی غالب وجود دارد که می‌تواند اقصاد، پزشکی و یا همچون محیط رشد من هنر باشد. خوشبختانه در میان خانواده‌ای زیستم که از کودکی باوجوه گوناگون هنر آشـنا شـدم. پدر بزرگ و دایی بزرگوارم از کارمندان سازمان میراث فرهنگی بودند و این به معنای نزدیک بودن من بـه فضـای هنرهـای سـنتی ایران و بـویژه معمـاری بـود. در فضـای خـانه از سال‌هـای دور همـواره بـوی رنـگ و روغـن و تابلوهـای امپرسیونیست پدر به مشام می‌رسید و شاید جالب باشد، که عشق من به نقاشی شاید از لذت استشمام بوی رنگ باشد . باری یاد آن سال‌ها پشت بوم‌های پدر نقش بسته‌است. من با مداد رنگی نقاشی کودکانه نمی‌کشیدم و اولین نقاشی که به یاد دارم نیز خانه نبود، درخت انـار بود. در کنـار پـدری سـخت دلبسـته سـاخت آثـار حجمی و یـا قطعات کاربردی ابتکاری و یا ابزار بازی دست‌ساز بود؛ آموختم که کار با مواد یعنی چه و چگونه می‌توان ایده‌ها را شکل داد، آنها را سُفت و به عمل در آورد. در کنار دایی بزرگوارم با سینما و عکاسـی آشـنا شدم و تجارب من در این زمینه عرصه دیدن دنیا از پس چشـمی هدایت شده و هدفمند بود. تمامی این بستر ارزشـمند و در کنـار آن گفتمـان غالب آن سال ها از من آدمی ساخت که بیش ازر تجارب هنری سـخت دلبسـته اندیشیـدن به هنر شود. تجربیـات اشباع آن سال‌ها مرا آزموده نگاه به هنرهای مختلف و آماده باریک‌بینی و دقت در آنها ساخت و از دل تمامی آنها نه یک هنرمند، که یک تحلیلگر برخاست ، زیرا در سویه دیگر خانواده، مادرم آدمی اهل ساحت اندیشه و تدقیق در امور بود و این امر پیونـدی بود میان سویه‌های احساسـی دریافت هنر و تعالیم اندیشـمندانه پدر و واشکافی و تعمق مادرم که مرا سـفت و به شـکل امروزین در آورد ".اوضاع اجتماعی و شـرایط زندگی : رضا افهمی از شرایط و اوضاع احتماعی و خانوادگی خود چنین می گوید : "شاید این گفته بسیار آشنا باشد که بسیاری خود را محصول خانواده خود و تربیت آنها می‌دانند، اما من خود را بیشتر مرهون چیزی می‌دانم که خود آن را دگردیسـی می‌نـامم. در دگردیسـی، این شـرایط نیست که شـخص را می‌سـازد و آموزه‌هـا نیز دخیل نیسـتند، دگردیسـی جـاییست که در آن خـود فرد دگرگـون و متکامـل می‌شود و هر تغییری ریشه در سـرشت شخصـی او و نه محرک‌هـای بیرونی دارد. من در خـانواده‌ای زیسـتم که دو مؤلفه مشـخص داشت، اینکه هیچگاه از روح نقادی فروگـذار نکرد ، این روحیه را از مـادر به ارث برده‌ام که در هر مورد شک و دگراندیشـی و دوری از تراز عمومی حتی اگر در تراز درون پنهان باشـد، بی‌بـدیل‌ترین سرشت سـاخت ایـده‌هاست و در سـایه این روح نقادانه که رگه‌های ظریفی از روشـنفکری را نیز در درون خود داشت، آموختم که تعلق به مکان امری بی معناست و از اینرو همواره در سویه‌های فکری خود فروگذار فیزیک تعلق بوده‌ام و همواره این غریبگی ناشی از تمـامی تعلقـات مکـان به من فرصت داده تـا بهـتر بـا موضـوع روبرو شـوم و از سـوی دیگر همواره آموخته‌ام که بـا زمـان زیسـتن ارزشـمند ترین عنصر است و تلاش برای فراروی از زمان چیزیست که در درون خود انگاره درست اندیشیدن را پنهان ساخته است. "دکتر رضـا افهمی در تاریـخ ۱۳۵۳ /۲۰/۶ بعنوان فرزنـد اول خـانواده‌ای که اهتمـام خود را بر ترویـج فرهنـگ و آموزش دانایی به دیگران قرار داده‌بودند؛ بدنیا آمد.تحصیلات رسـمی و حرفه ای : رضا افهمی سالیان دبسـتان را از ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۴ و در دبستان‌های هفده شهریور و صادقیه شهر کرمان و در حدفاصل سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۷ در مدارس راهنمایی آیت‌الله سعیدی و شهید نواب صفوی و دوران دبیرستان را تا سال ۱۳۷۱ در دبیرسـتان‌های آیت‌الله مطهری، ارشاد و وحدت شـهر کرمان گذراند، در همان سال با قبولی در کنکور وارد رشـته کارشناسـی ارشد پیوسـته معماری در دانشگاه یزد شده و در سال ۱۳۷۸ با ارایه پایان‌نامه " مـدارس پیش‌ساخته" فارغ‌التحصیل گردید.در سال ۱۳۸۲ وارد مقطع دکتری پژوهش هنر دانشگاه تربیت مـدرس شـده و در در سال ۱۳۸۵ با ارایه رساله نهایی با عنوان " فرهنگ بصری حاکم بر بازنمایی در هنر هخامنشـی "فارغ‌التحصـیل شـد.خاطرات و وقایع تحصـیل : شاید برای هر کسـی خاطرات دوران تحصیل در کلاس روی داده باشد و یا در رویدادی که از آن بهره‌ای علمی برده باشد، اما برای من این اتفاق در خـارج از آن و در مناسبت میـان تحصـیل و زنـدگی روی داد. در دوران دانشـجویی در شـهر یزد و در مجتمع هنر آن ، بواسـطه آموزه‌هـای آن سال‌هـا برای من زیست تؤام با تحصـیل و امتزاج میان آن دو به تجربه‌ای بـدیع بـدل گشت که در آن تحصـیل امری مانـنـد معماری به نوعی در تجربه زیستی آن سال‌ها نیز دخیل بود و ساخت بخشـیدن به زندگی ، طراحی دوباره تمامی امور و کنش واقعی بسیاری تجـارب، به پیونـد خوردن تحلیل هنر و تجربه دنیای واقعی منجر گشت و آن را نهایی‌ترین بخش ساخت فکری خود قلمداد می‌کنم.فعالیتهای ضـمن تحصـیل : دکتر افهمی در ضـمن تحصـیل در دانشگاه سال‌ها بعنوان استادیار تحقیقات و ارایه دهنده سمینار به تدریس اشـتغال داشـته و در سال‌های نهایی تحصـیل در مقطع کارشناسـی ارشد به تدریس در دانشگاه‌های آزاد اسـلامی کرمـان و دانشـگاه شـهید باهنر کرمان و ... و همزمان با آن نیز به ترجمه کتاب و در دوره دکتری نیز در کنار تجارب پیشـین به کار حرفه‌ای درزمینه معماری اشـتغال داشته‌است.اسـتادان و مربیان : دکتر رضا افهمی از اساتید و مربیان خود چنین یاد می کند": ضمن قـدردانی از تمامی اساتید بزرگوار خود ، از مهمترین اساتید دوره تحصـیل در رشـته معماری می‌توانم از اسـتاد گرانقدر، دکتر سـید حسـین معینی نـام ببـرم که بسـیاری از آموزه‌هـای اخلاـقی و دانش خود پیرامون تئوری هنر را مرهون او هسـتم. در دوره دکتری نیز فرصت همراهی بـا دو تن از بزرگواران ومفـاخر عرصه ادب و هنر این سـرزمین را داشـته‌ام. دکتر محمود طاووسـی و دکتر حبیب‌الله آیت‌اللهی که همواره شـاگردی ایشـان و توجه و عنایتشـان به فعالیت‌های بنـده مایه افتخار من بوده‌است". همسـر و فرزنـدان : دکتر رضـا افهمی متاهـل و دارای همسـر بنـام سـرکار خانم ، دکتر فریناز فربود است. او با همسـر خود در سال ۱۳۸۶ ازدواج کرده است. "ایشـان علاوه بر دارا بودن برترین خصوصـیات والای انسانی پژوهشـگری اندیشـمند و صاحبنظر در زمینه طراحی منسوجات در هنر ایران هسـتند". وقـایع میانسـالی : وقـایع در هر عرصه بیشـمارند، امـا پیشامـد هر واقعه‌ای در عالم فیزیکی می‌آموزد که بایـد تجارب زنـدگی واقعی را ارزشـمندتر از چیزهایی دانست که در ساحت انـدیشه روی می‌دهـد. شایـد مهمترین واقعه‌ای که در زنـدگی برای انسان رخ می‌دهـد پی بودن به پیچیـدگی‌هایی است که زیست انسان بر زمین دارد و این امر با پیچیـده‌تر شدن کنش‌های انسانی در زنـدگی و بسـط آنهـا اهمیت بیشـتری می‌یابـد.فعالیتهـای آموزشـی : دانشـگاه یزد، مجتمع هنر و معمـاری، ۷۶–۱۳۷۵ دانشـگاه آزاد اسـلامی کرمان، دانشکده معماری، ۱۳۸۷–۱۳۷۶ دانشـگاه شـهید باهنر کرمان، دانشکده هنر و معماری، ۱۳۸۲–۱۳۸۰ دانشگاه آزاد

اسلامی بندر عباس، گروه معماری، ۱۳۸۷–۱۳۸۶ دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر و معماری، گروه پژوهش هنر، ۱۳۸۷ تا کنون مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : – مهندسین مشاور معمار و شهرساز فرا دیزَین معاصر – انتشارات نسل باران سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : همکار با مراکز پژوهشی گوناگون فعالیت در زمینه تخصصی معماری و شهرسازی شاگردان : رضا افهمی درباره شاگردان و دانش آموخته گان خود چنین اظهار نظر می کند: شاگردان اینجانب در عرصه معماری بی‌شمارندو مایه مباهات من مجموعه‌ای از دانشجویان قدیمی من است که امروزه همکار اینجانب هستند و این مایه مباهات برای من به شمار می آید. در مورد آرا و عقاید ، در عرصه معماری همواره سعی نموده‌ام تا نوعی زیبایی‌شناسی عینیت‌گرا در عرصه کاربرد مصالح و ابتنای آن به تحلیل بصری و معناشناختی مصالح را پی‌ریزی نمایم. در عرصه پژوهش هنر نیز صاحب تئوری تراز آگاهی و ساحت بصری در تحلیل موارد فرهنگی هستم که به پژوهش‌های میان رشته‌ای در عرصه هنر و تحلیل آن اختصاص دارد. در این زمینه‌ها نیز بسیاری از دانشجویان پیشین من درحال تجارب پژوهشی یا طراحی هستندآرا و گرایشهای خاص : دکتر رضا افهمی صاحب اولین پژوهش در زمینه فرهنگ بصری در ایران و وارد کننده این شیوه پژوهش میان‌رشته‌ای به ساخت پژوهش کشور و صاحب تئوری تراز آگاهی و بنیان‌های معرفتی و ارتباط آن با مقوله قدرت و بازنمایی بودند که در قالب پژوهش پیچیده و جامع پیرامون بنیان‌های قدرت و مشروعیت در ایران و سازمان بازنمایی آن از طریق تصاویر در ایران باستان و نحوه دگرگون سازی تراز آگاهی در این دوره به رشته تحریر در آمده است.جوائز و نشانها : برگزیده جوان اولین دوره جشنواره بین‌المللی فارابی در گروه جغرافیا، تاریخ و باستان‌شناسی (لوح تقدیر رییس جمهور، لوح یونسکو و آیسسکو) برگزیده جشنواره پایان‌نامه برتر، فرهنگستان هنر چگونگی عرضه آثار : رضا افهمی مقالات علمی در کنفرانس‌های گوناگون در عرصه معماری و پژوهش هنر ، ارایه مقالات پژوهش در مجلات داخلی و خارجی ، ارایه کرده است. از دیگر فعالیت های پژوهشی و تحقیق دکتر افهمی می توان به نشر مقالات تخصصی در مجلات و ایراد سخنرانی در مجامع تخصصی، سردبیر ویژه برخی مجلات تخصصی، ترجمه کتب تخصصی در عرصه معماری و طراحی صنعتی و انجام قراردادهای پژوهشی با سازمان‌های مرتبط با مسایل فرهنگی یا پروژه‌های زیربنایی در زمینه معماری اشاره کرد.

آثار : فرهنگ بصری حاکم بر بازنمایی در هنر هخامنشی ویژگی اثر : این اثر به بررسی بنیان‌های قدرت و مشروعیت در ایران باستان و تأثیرات آن بر تراز آگاهی و معرفت در این دوره و تغییر دادن بینش حاکم بر محیط در تراز گفتاری و انعکاس آن در ارتباطات بصری به مثابه بخشی از فرآیند ارتباطی و کنش دانش موجود برای همراهی با بینش می‌پردازد.۲ مقاله تناسبات انسانی در هنر هخامنشی ویژگی اثر : این مقاله به بررسی طراحی نسبت‌های انسانی در هنر هخامنشی در تخت جمشید و سیستم طراحی پیکره انسان دراین هنر و سرچشمه‌های این شیوه طراحی می پردازد.۳ مقاله تناسبات در خط فارسی باستان ویژگی اثر : این مقاله که در مجله Iranica Antiqua منتشر شده، به بررسی سیستم طراحی خط فارسی باستان و واکاوی هنر طراحی فونت‌ها در این دوره و سازمان هندسی حاکم بر آن می‌پردازد.

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

اقبال

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از شکسته‌نویسان گمنام است. به خط وی یک نسخه «دیوان» ظهیر فارابی در کتابخانه‌ی حاج سید نصرالله تقوی موجود است، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «کتبه اقبال بنده‌ی دولتشاه، فی شهر رمضان المبارک ۱۲۳۸».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۵۳/۴).

اقبال مازندرانی، علیقلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، ادیب و شاعر. از اهالی چلاو مازندران بود. در نظم و نثر عربی و فارسی دست داشت. مدتی در خدمت محمدقلی میرزا ملک‌آرا، والی مازندارن بود. سپس به خدمت شاهزاده محمدعلی میرزا درآمد و در زمان وی نزد طهماسب میراز منصب دبیری یافت. در زادگاه خود کشته و به چاهی انداخته شد. قاتل و علت قتل نیز معلوم نشد. اثر وی: «ملک آرا» در ذکر سلسله‌ی قاجاریه و وقایع دوران محمدحسنخان قاجار و جهانسوز شاه است که به دستور محمدقلی میرزا ملک‌آرا والی مازندران نوشته شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء(۱۵۱ -۱۵۰ /۱)، سفینهٔ المحمود(۶۱۹ /۲)، فرهنگ سخنوران(۷۸)، مجمع الفصحا(۱۴۶ -۱۴۵ /۴).

اقبال یغمایی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم اقبال یغمایی نویسنده و مترجم دانشمند معاصر بود . او دانش آموخته دانشسرای سابق بوده وبه امر معلمی اشتغال داشت . وی همچنین دربنیاد فرهنگ ایران نیز فعالیت داشت . یغمایی آثار بسیاری به یادگار گذاشته است .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : اقبال یغمایی فرزند شادروان اسد الله منتخب السادات جندقی (آل داود) و برادر کوچکتر مرحوم حبیب یغمایی (مدیر مجله یغما) بود .

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : اقبال یغمایی کوچکترین پسر خانواده بود . او درروزگاری زاده شد که پدرو سایر افراد خاندان به تازه گی از رنج دربه دری های ناشی از تهاجم نایب حسین کاشی و دیگر باغبان رسته بودند . ردرروستای خور به طور دائم ماواگزیدند .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : اقبال یغمایی تحصیلات نخستین را نزد پدر دانشمندش فرا گرفت و درحالی که بیش از هفت سال نداشت ازراه کویر به شاهرود آد و از آنجا روانه تهران شد . درتهران درجوار برادرش ، حبیب یغمایی ،دریکی از حجره های مدرسه دارالشفاء که برروی مسجد شاه بود سکنی گزیده و به کار تحصیل پرداخت . پس از آن دردوره اول دانشسرای مقدماتی پسران به تحصیل پرداخت و درسال ۱۳۱۵ شمسی دوره آن را به انجام رسانید .

همسر و فرزندان : مرحوم اقبال یغمایی چهارفرزند پسر و دختر دارد که دو تن از آنان پزشکان برجسته و نامورند .

وقایع میانسالی : اقبال یغمایی دردوران میانسالی ابتدابا نشریات و مجلات گوناگون همکاری داشت . نشریاتی همچون مهر ، ارمغان ، یغما ، آموزش و پرورش و دانش آموز می باشند .

زمان و علت فوت : اقبال یغمایی در۱۵شهریور ۱۳۷۶ شمسی دربیمارستانی درغرب تهران و در حالی که بیش از هشتاد سال سن داشت درگذشت و روز بعد درقطعه ویژه دانشمندان و اهل قلم دربهشت زهرا به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : اقبال یغمایی درنیمه دوم سال ۱۳۱۵ شمسی به خدمت وزارت معارف درآمد و با سمت دبیری به شاهرود رفت . وی درسال ۱۳۲۵ به تهران منتقل شدو پس از دو سال تدریس درمدارس تهران به اداره کل نگارش وزارت فرهنگ منتقل شد . وی درتاریخ ۱۲/۱۰/۱۳۷۴ازوزارت آموزش و پرورش بازنشسته شد .

فعالیتهای آموزشی : مهمترین فعالیت های آموزشی اقبال یغمایی ،نویسندگی بود . در آن راستا وی مدتی مجله آموزش و پرورش را منتشر کرد . سپس در دوره ۲۵ مجله (سال تحصیلی ۳۱-۱۳۳۰) رسما مدیریت مجله را برعهده گرفت . سالهایی که تصدی این مجله را یغمایی برعهده داشت از جمله ادوار خوب این مجله بود . از آن پس مجله مستقلی به راه انداخت . این مجله که دانش آموز نام داشت مخصوص کودکان و نوجوانان بوده و یکی از بهترین و نخستین نشریاتی بود که درایران برای نوجوانان منتشرگردید .او همچنین مجله رایزن را نیز برای کودکان چاپ می کرد .

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : اقبال یغمایی درزمان بازنشستگی به طور غیر رسمی و بنا به دعوت دکتر پرویز خانلری دربنیاد فرهنگ ایران به کار پرداخت و مدتی از ساعات ظهر به بعد دراداره نگارش وزارت فرهنگ وهنر به انجام خدمت متفرقه فرهنگی اشتغال داشت . تا آنکه دراواخر سال ۱۳۵۷ شمسی به کلی خدمات فرهنگی و اداری را رها کرده و درمنزل کارهای تحقیقی خودرا ادامه داد . وی تاروزها پایانی عمر دست ازمطالعه و تحقیق و ترجمه برنداشت .

آرا و گرایشهای خاص : اقبال یغمایی به مطالعه و تحقیق و پژوهش علاقه خاصی داشت .طوری که تاروزهای واپسین عمر دست ازنوشتن برنداشت . با آنکه دیگانش کم نورشده و دستانش می لرزید باز هرهنگام که رمقی می یافت کتابی بردست می گرفت و یا خطوطی برصفحه کاغذ نقش می کرد . ---

آثار :

۱ افرند

ویژگی اثر : این اثر مجموعه داستانهای آموزش است

۲ بزرگمهر

۳ تاریخچه اداره کل نگارش وزارت معارف

۴ تاریخچه اعزام محصل به اروپا اززمان ناصرالدین شاه تا ۱۳۱۲شمسی

۵ ترجمه پتی شنر

ویژگی اثر : این کتاب تالیف آلیفونس دوده بوده و توسط یغمایی به فارسی ترجمه شده است .

۶ ترجمه پل وویرژینی

ویژگی اثر : این کتاب تالیف برناردن دوسن پیر است که توسط یغمایی به فارسی ترجمه شده است

۷ ترجمه تلماک

ویژگی اثر : این کتاب نوشته فنلون است و توسط یغمایی به فارسی ترجمه شده است

۸ ترجمه حکایت های آسیایی

ویژگی اثر : این کتاب تالیف کنت گوبینو است

۹ ترجمه ربنسن کروزئه

ویژگی اثر : این کتاب تالیف دانیل دفو بوده و توسط یغمایی به فارسی ترجمه شده است

۱۰ ترجمه سفر نامه شاردن

ویژگی اثر : این کتاب تالیف شاردن است که در۵جلد به فارسی ترجمه گشت

۱۱ تشبیهات شاعرانه

۱۲ تصحیح ابومسلم نامه

ویژگی اثر : این کتاب تالیف ابو طاهر بن علی بن حسین طرطوسی و توسط یغمایی تصحیح شده است

۱۳ جغرافیای تاریخی دامغان

۱۴ خلیج فارس

۱۵ خمسه نظامی به نثر

۱۶ داستان های عاشقانه ادبیات فارسی

۱۷ داستانهای پهلوانی ادبیات فارسی

۱۸ دانستنی های علمی

۱۹ زگفتار دهقان

ویژگی اثر : این اثر شاهنامه فردوسی به نثر است

۲۰ سیستان و بلوچستان

۲۱ شرح احوال و آثار خواجه نصیر الدین طوسی

۲۲ شهید راه آزادی سید جمال اصفهانی

۲۳ طرفه ها

۲۴ عارف نامی بایزید بسطامی

۲۵ عشق و پادشاهی یاداستان تاریخی نورجهان و جهانگیر

۲۶ مختصر راماین (کهن ترین اثر حماسی هندوان)

۲۷ مدرسه دارالفنون

۲۸ هوس نامه خسرو و شیرین

۲۹ وزیران علوم و معارف وفرهنگ ایران

منابع زندگینامه :

۱آل داود ، سید علی، ۶۰سال با کتاب /نگاهی به زندگی وآثار اقبال یغمایی ،کتاب ماه زبان وادبیات ، بهمن و اسفند ماه ۱۳۷۶، شماره چهاردم و پنجم ، ص ۳۰

اقبال، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۱۷ ش)، شاعر، متخلص به اقبال. مشهور به کازرونی. وی از احفاد میرزا شهرت یزدی و مادرش دختر ناظم‌التجار بود. اقبال در یزد می‌زیست. از اوست:

بر در مدرسه یک عمر دویدم، افسوس

که همه عمر به بیهوده تلف کردم وطی

ترسم آخر شود اقبال ترا حسرت دل

باده و دلبر و طرف چمن و ناله‌ی نی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۱۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۰۱ -۳۰۰)، الذریعه (۸۶/۹)، فرهنگ سخنوران (۷۸).

اقبالی جهرمی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی کامپیوتر، دانشکده: مهندسی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی در زمینه مهندسی کامپیوتر.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پروسس تصاویر دیجیتال و الگوشناسی بخصوص در زمینه تصاویر پزشکی، چندین الگوریتم جدید، ردیابی و پیدا کردن تغییرات درد و تصویر مشابه گرفته شده در زمانهای مختلف همانند اشعه X، استاد راهنمای ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:–

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:–، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی تألیفات:

پردازش تصاویر دیجیتال، پردازش سیگنالهای دیجیتال و الگوشناسی آماری.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

اقتداری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد اقتداری به سال۱۳۰۴ هجری شمسی در شهر لار فارس به دنیا آمد. در پنج شش سالگی او را به مکتب خانه ای در شهر لار رفت. چیزی بعد از تاسیسی مدرسه دولتی در لار او را از مکتب خانه بازگرفتند وبه مدرسه دولتی فرستادند دروس شش ساله ابتدایی را آنجا خواند. جایزه شاگرد اولی در تمام استان (ایالت آن روز) فارس را در این شش سال را دریافت کرد. دوران سه ساله دبیرستان را در شهر لار گذراند پدرش پس از تردید بسیار او را به شیراز فرستاد تا در دانشسرای مقدماتی شیراز که دارالمعلمین ابتدایی بود نام نویسی کرد. دو سال در آن دانشسرا درس خواند و با شور و شوق بسیار با سمت آموزگاری به شهر لار برگشت و در سال های اول تا چهارم ابتدایی به خدمت آموزگاری پرداخت. اوایل سال۱۳۲۵؛ حدود یک سال پس از ازدواج استاد با این که می توانست از معافیت استفاده کند، اما عشق به وطن سبب شد که برای خدمت وظیفه عازم تهران شود. خود را به دانشکده افسری معرفی کرد پس از پایان این دوره و در سال۱۳۲۸ که نخستین کنکور دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی تهران برگزار می شد، در این دانشگاه پذیرفته شد و با کسب مدرک لیسانس به دبیری در دبیرستان های تهران پرداخت و در دانشسرای مقدماتی پسران به خدمت آموزشی مأمور شد. در سال۱۳۳۲ پروانه کارآموزی وکالت درجه یک بعد از درخواست یکساله، برایش صادر شد. سال۱۳۳۴ سوگند یاد کرد وبه اخذ اجازه وکالت پایه یکم دادگستری مفتخر شد تا علاوه بر ۳۰ سال معلمی و خدمت به نونهالان این مرز و بوم چهل سال هم در شغل وکالت دادگستری به جامعه خود خدمت کند. احمد اقتداری در طول زندگی سرشار از علم و ادب خود حدود چهل کتاب با ارزش و بیش از صد مقاله علمی به چاپ رسانده است. در میان آثار او از تصحیح و همت گماردن به انتشار دیوان اشعار شاعران، ترجمه آثار تحقیقی نویسندگان و پژوهشگران غیرایرانی تا چاپ قصه های مثنوی، منطق الطیر و هزار و یک شب و همچنین تحقیقات علمی در زمینه لهجه شناسی، زبان و فرهنگ مناطق مختلف کشور را می توان یافت.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

گرایش : تاریخ محلی جنوب ایران

والدین و انساب : پدراحمد اقتداری مرحوم مرتضی قلی خان اقتداری و مادرش انیس خانم اقتداری، هر دو لارستانی و از روستای گراش بودند. از آن جهت که به علم آموزی احمد اهمیت می دادند از پنج شش سالگی او را به مکتب خانه ای در شهر لار فرستادند .

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : احمد اقتداری از خاندانی کهنسال از خوانین گردش است. پرورش در آن خاندان منشاء ظهور خلقیات و مرام خاص در او شده است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : – گذراندن دوره ابتدایی و دبیرستان در شهر لار – گذراندن دوره دانشسرای مقدماتی در شیراز – شرکت در کنکور دانشکده حقوق سال۱۳۲۸ – اخذ پروانه کارآموزی وکالت درجه یک سال۱۳۳۲ – اخذ مجوز وکالت پایه یکم سال۱۳۳۴ – اخذ دکترای افتخاری از دانشگاه تهران

همسر و فرزندان : احمد اقتداری در سال ۱۳۲۳ با قمر خانم اقتداری ازدواج کرد. حاصل این ازدواج یک دختر و سه پسر بود. او و همسرش در تربیت فرزندان خود موجدانه کوشیدند و همه را با فضیلت به بار آورده اند. دختر ایشان با نام آرزو، متخصص زبان ایتالیایی و مدرس دانشگاه در آن رشته است، و تحقیق او درباره غزل های حافظ به زبان ایتالیایی به چاپ رسیده است.

وقایع میانسالی : احمد اقتداری در سال۱۳۳۱ تقاضای اخذ پروانه وکالت درجه یک دادگستری کرد و در سال۱۳۳۲ پروانه کارآموزی وکالت درجه یک برایش صادر شد. در همین ایام یادداشت های کتاب های «فرهنگ لارستانی» و «لارستان کهن» را آماده و مرتب می کرد ضمن این که سال۱۳۳۴ سوگند یاد کرد وبه اخذ اجازه وکالت پایه یکم دادگستری مفتخر شد تا علاوه بر

۳۰ سال معلمی و خدمت به نونهالان این مرز و بوم چهل سال هم در شغل وکالت دادگستری به جامعه خود خدمت کند
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : زندگی احمد اقتداری سرشار از تلاش، کوشش و آفرینش است. خلق ۲۴ کتاب و بیش از ۲۰۰ مقاله علمی، نشان دهنده توانایی ها و کوشش های عاشقانه وی به ایران زمین، و به ویژه سرزمین فارس است. اقتداری مشاغل گوناگونی را پیشه خود ساخته است که می توان به معلی، مدیریت های فرهنگی، تدریس در دانشگاه تهران، فعالیت های اجتماعی و سیاسی، وکالت دادگستری،و مقاله نویسی در نشریات متعددی همچون یغما، فرهنگ ایران زمین اشاره نمود. در کنار این امور در برگزاری گردهمایی های علمی نیز مشارکت فعال می نمود از جمله برگزاری سمینار « خلیج فارس در سال ۱۳۴۲»و برگزاری نمایشگاه آثار سدید السطنه کبابی بندر عباس در سال ۱۳۵۴ در دانشگاه تهران
فعالیتهای آموزشی : لارستان در آثار احمد اقتداری جایگاه ویژه ای دارد، علاوه بر آن استان های هرمزگان، خوزستان، بوشهر، کهکیلویه و بویر احمد نیز مورد توجه او بوده اند. یکی دیگر از اساسی ترین دل مشغولی های وی در عرصه علمی و فرهنگی، خلیج فارس می باشد. با توجه به حساسیت های پنجاه ساله اخیر در مودر این بخش از جغرافیای ایران، اقتداری به طور مستمر در جهت تبیین و تحلیل تاریخی آن کوشیده است. تنوع آثار نگارشی استاد در زمینه های تاریخ، معماری، ترجمه، تصحیح، تحشیه، ادبیات، مردم شناسی و سیاست نشان دهنده توانایی ها و علاقهٔ اقتداری به زوایای نهان و پنهان فرهنگ ایرانی است. عرصه های پژوهشی اقتداری شامل تحقیقات کتابخانه ای و تحقیقات اصیل می شود و میان به فراخور در این تحقیقات میدانی نیز در تقویت روش علمی خود بکار می گیرد.آثار اقتداری در واقع حاصل مشاهده، معاینه، مصاحبه و مراجعه به اصل بوده است.شیوه تحقیق و تاریخ نگاری اقتداری، تلاش جهت حداکثر به کار گیری شواهد بیرونی جغرافیایی و وجه شیئی فعلیت یافته تاریخی است. او تمام خلیج فارس و سراسر جنوب را با قدم طی کرده و سپس در آن باره قلم زده است.م روش تاریخ نگاری وی مبتنی بر اتکاء به آن بخش از اطلاعات تاریخی است که متقن و مثبت به شمار می آیند.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ی
جوائز و نشانها : بنیاد فارس شناسی در نوزدهم آبان ماه ۱۳۷۹ با همراهی استادان برجسته تاریخ و ادب کشور، و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان فارس به دلیل سپاس از زحمات بی دریغ احمد اقتداری در حیطه علم و فرهنگ،از او تجلیل به عمل آورد.
چگونگی عرضه آثار : آثار احمد اقتداری را میتوان به تالیفات ، مقالات و سخنرانیها تقسیم کرد ضمن این که مجموعه مقاله های او در این زمینه با نام «کشته خویش» به چاپ رسیده است که مجموعاً پنجاه مقاله را دربرمی گیرد و مجموعه سخنرانی هایش بانام «از دریای پارس تا دریای چین» منتشر شده است.کی از مهمترین جنبه های تحقیقات اقتداری پژوهشی درباره خلیج فارس است. اهمیت استراتژیک این منطقه و این که خلیج فارس به اندازه قدمت و پیشینه اش شناخته شده نیست ضرورت تحقیق درباره شناسایی جنبه های مختلف آن را بیش از پیش بر ما مشخص می کند. آنچه امروز درباره این منطقه می دانیم و آنچه در دست داریم برپایه حدس و گمان یا بنابر افسانه های قدیم و اسناد تاریخی مانند تورات، کتیبه های میخی و آثار برجا مانده از دوران باستان است و در این میان اقتداری با توجه به جنبه های مختلف خلیج فارس از جمله زبان های محلی، آثار باستانی، تاریخ و جغرافیای منطقه، نام خلیج فارس و... مقاله های متنوع و آموزنده ای در شناسایی آن نوشته که می توان به این موارد اشاره کرد: «زبان های محلی و فولکلور خلیج فارس»، «اسناد فارسی، عربی و ترکی در آرشیو ملی پرتغال درباره هرمز و خلیج فارس»، «سرگذشت تاریخی چهار جزیره در خلیج فارس»، «تاریخ و جغرافیای خلیج فارس»، «خلیج فارس و آشنایی با امارات آن»، «محاکمه خلیج فارس نویسان»، «خلیج فارس و نام آن» و... ضمن این که کتابی با عنوان یکصد و پنجاه مقاله در زمینه های ایران شناسی و خلیج فارس از او به چاپ رسیده است که می تواند به عنوان مرجعی در شناخت این منطقه پراهمیت مورد استفاده قرار گیرد. و نیز تلاش های اقتداری در هویت بخشیدن به لارستان و نگرش تازه به تاریخ، فرهنگ و جغرافیای این ناحیه بسیار مهم و قابل تقدیر است احمد اقتداری، علاوه بر تحقیق و پژوهش، طبعی شاعرانه و روحی لطیف دارد گرچه او خود را شاعر نمی داند اما: او شاعری است که تجربیات اجتماعی و زندگی خود را در شعرهایش می گنجاند. احمد اقتداری، علاوه بر تحقیق و پژوهش، طبعی شاعرانه و روحی لطیف دارد گرچه او خود را شاعر نمی داند اما: او شاعری است که تجربیات اجتماعی و زندگی خود را در شعرهایش می گنجاند. یکی از نمونه شعرهای او: از گردش روزگار آزرده منم وز دور زمان دمی نیا سوده منم از کارگران و مزد کم باد به دست با رنج مدام، گنج نابرده منم بس بود و نبود عمر را کرده گذار هم نیک و بدش به هیچ نشمرده منم با هر کس زروی مهر خدمت کردم ماری به درون جیب پرورده منم بس نیش به جای نوشم دادند تریاق نخورده زهرآمخته منم محزونم و مهجورم و مطرودم از آنک دیری است که با عشق تو خو کرده منم --

----

آثار :

۱ آتشکده کاریان و آتشکده های فارس– ناتمام

۲ آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان

۳ آیین دریا نوردی کهن در اقیانوس هند و خلیج فارس

۴ از دریای پارس تا دریای چین

۵ بشنو از نی: ندای نی

۶ بشنو از نی: نیاز نی

۷ بشنوی از نی: نوای نی

۸ تحشیهٔ ارجان و کهکیلویه

۹ تحشیهٔسرگذشت کشتی رانی ایرانیان

۱۰ تحشیه دیوان سدید الدوله– ناتمام

۱۱ تحشیه عهد مسم(سفرنامه خسرو میرزا)- ناتمام

۱۲ تحشیه مشوش نامه- ناتمام

۱۳ ترجمه لار در قرون وسطی- ناتمام

۱۴ تصحیح باغستان لارستانی

۱۵ تصحیح بندر عباس و خلیج فارس

۱۶ تصحیح تاریخ مسقط وعمان و بحرین و قطر و روابط آنها با ایران

۱۷ تصحیح دیوان شیدای گراشی

۱۸ تصحیح سرزمین های پیرامون خلیج فارس و دریای عمان در صد سال پیش

۱۹ تصحیح سفرنامه سدید السطنه

۲۰ خلیج فارس

ویژگی اثر : این اثر جایزه ویژه یونسکو در ایران را به خود اختصاص داده است.[کمال سروستانی، سخن اول، ص۶]

۲۱ خوزستان و ممسنی و کهکیلویه

ویژگی اثر : در زمینه شناساندن کهگیلویه هم کتاب معروف احمد اقتداری بانام «خوزستان، کهگیلویه و ممسنی» با استناد به مدارک و منابع معتبر این ناحیه را به خوانندگان خود معرفی کرده است. برای نمونه در این کتاب به نقل از مسالک و ممالک اصطخری می خوانیم: «یکی از پادشاهان رم که همیشه از یک تا سه هزار نفر بر در خانه ایشان لشکر حاضر است، مهرگان پسر برزویه پادشاه زمیگان است و آن رمی است که به رم گیلویه مشهور است و مهرگان پیش از گیلویه بوده و شأن و شوکتی از گیلویه بالاتر داشته. پس ازمهرگان پسرش سلمه به جای او نشست. گیلویه از ولایت اصطخر نزد او آمد و به خدمتگزاری پرداخت. چون سلمه بمرد گیلویه آنجا را تصرف کرد و کارش به جایی رسید که این سرزمین را به اسم او می خوانند...»

۲۲ دیار شهر یاران(ج۱)

۲۳ دیار شهر یاران(ج۲)

۲۴ سایه سیمرغ- ناتمام

۲۵ صدو پنجاه مقاله در زمینه ایران شناسی و خلیج فارس- ناتمام

۲۶ فرهنگ لارستانی

ویژگی اثر : نخستین و یکی از مهمترین کتاب های اقتداری «فرهنگ لارستانی» بود که به عنوان نخستین نشریه جداگانه مجله «فرهنگ ایران زمین» با نشان فرهنگ ایران زمین، نقش شیر در کتیبه های تخت جمشید زینت یافت و در سال ???? منتشر شد.

۲۷ کاروان عمر

ویژگی اثر : این اثر شامل خاطرات سیاسی و فرهنگی هفتاد سال عمر اقتداری می باشد.اقتداری در کتابی با نام «کاروان عمر» خاطرات سیاسی فرهنگی هفتاد سال عمر خود را با قلمی شیوا و با ذکر جزئیات نوشته است. در این کتاب ضمن آشنایی با جنبه های مختلف زندگی او با توجه به سمت های مختلفی که وی در طول عمر خود داشته است و با توجه به فعالیت های مختلف فرهنگی و هنری اش می توان با اوضاع فرهنگی ایران در دوره معاصر آشنا شد. وی در آغاز این کتاب می نویسد: «نوشتن «خاطرات» زندگی، از دیرباز در ایران زمین معمول بوده است. بسیاری از نکته ها و گوشه های تاریخ اجتماعی ایران از روی همین «خاطرات نامه ها» به دست ارباب تحقیق رسیده و مسائل مبهم و فرهنگی و وضع زندگی مردمان و کیفیات زندگی مدنی و اجتماعی، از روی اینگونه کتاب ها استخراج شده و مورد بحث و تدقیق جامعه شناسان و مورخین و محققین قرار گرفته است... من در هفتاد سال عمر خود در ایران و خارج از ایران بسیاری از مشکلات را در سر راه زندگی خود یافته ام. بسیاری راحل کرده ام و بسیاری راحل نکرده ام و...»

۲۸ کشته خویش

۲۹ لارستان کهن

۳۰ لارستان کهن و فرهنگ لارستانی

منابع زندگینامه :

۱http://www.iran-newspaper.com/۱۳۸۵/۸۵۱۰۲۴/html/horizon.htm۲خیراندیش، عبدالرسول.«سبک تاریخ نگاری استاد احمد اقتداری» فارس شناخت. پاییز ۱۳۷۹، صص۵-۱۴۳ریاحی، محمد امین، اقتداری محقی آشنا. فارسشناخت، پاییز ۱۳۷۹، ص ۱۲۴قاسمی، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا،ص۴۵۵کمالی سروستانی، کوروش، سخن اول، فارس شناخت. پاییز ۱۳۷۹، ص۶۶یاسینی، قاسم. نقش احمد اقتداری در احیای آثار سدید سلطنه کبابی، فارس شناخت، پاییز۱۳۷۹، ص۲۷

اقدسی شیرازی، رضاقلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۱ ش)، شاعر، متخلص به اقدسی. در شیراز متولد شد. علوم قدیمی را نزد شیخ لطفعلی شریعتی تحصیل کرد و سپس در مدارس جدید به ادامه‌ی تحصیلات پرداخت و سرانجام در نظام مشغول خدمت شد تا درجه‌ی سرهنگی ارتقاء یافت، وی در نویسندگی و شعر دست داشت. در حدود شش هزار بیت قطعه و قصیده و غزل ساخته است. از اوست:

آنکه دیده بمن از ناز گشوده است تویی

به نگاهی دل دیوانه ربوده است تویی

آنکه عمری به امید تو نشسته است منم

وان جفاپیشه که رحمی ننموده است تویی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فارس(۳۰۵ -۳۰۱ /۱)، فرهنگ سخنوران(۷۹).

اقدسی مشهدی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۰۲ -۹۷۶ ق)، شاعر شیعی. در سبزوار متولد شد، اما چون در مشهد نشو و نما کرد به مشهدی معروف شد. خیلی زود شروع به شاعری کرد و برای آن که خود را در جرگه‌ی شاعران معروف عهد درآورد، در جوانی از خراسان به قزوین رفت و هنگام جلوس شاه‌عباس اول در قزوین بود. بعد از مدتی اقامت در قزوین به اصفهان، شیراز و از آنجا به بغداد و کربلا و نجف رفت. سپس از راه فارس، اصفهان و کاشان به قزوین بازگشت و همان جا درگذشت. اقدسی در سرودن غزل مهارت داشت و با شاعران زمان خود از جمله جنونی قندهاری و شفایی اصفهانی مشاعره می‌کرد. اثر وی: «ساقی‌نامه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر(۴۶۳ -۴۶۲ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران(۸۳۸ -۸۳۲ /۵)، تاریخ نظم و نثر(۵۱۷)، تذکره‌ی میخانه(۲۴۶ -۲۳۵)، الذریعه(۸۷/ ۹)، مجمع الخواص(۲۲۳ -۲۲۲)، هفت اقلیم(۲۲۰ -۲۱۹ /۲).

اقلیدس فسایی، کریم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۸ ق)، عالم و شاعر. وی در علوم عربی تبحری بسزا داشت. و شاعری شوخ طبع و بذله‌گو بود و در ساختن قطعه و غزل و ماده تاریخ استاد. حدود پنجاه و پنج سال زیست، در فسا در گذشت و در شاهزاده قاسم دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران(۷۹)، مرآت الفصاحه(۶۳ -۶۱).

اکبر اصفهانی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۳۷ ق)، شاعر. از سادات حسینی و اصل روی از جزیزه‌ی خارک بود. خاندان وی در روزگار شاهان صفویه به اصفهان آمدند و بعد به نطنز رفتند و در آنجا مقیم شدند. او سیدی عزیز و محترم و قانع و زراعت پیشه بود. وقتی محمود میرزای قاجار به کاشان رفت، اکبر به دیدار وی نایل شد و قصاید و غزلهایی در مدح او سرود. ظاهراً صاحب «دیوان» شعر بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سفینهٔ المحمود(۱۵۷ -۱۵۴)، فرهنگ سخنوران(۷۹)، مجمع الفصحا(۱۳۹ /۴)، مصطبه‌ی خراب(۲۰)، نگارستان دارا(۱۶۸).

اکبر شیرازی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۴ ق)، شاعر. وی در نوجوانی پدرش را از دست داد و تربیت او به عهده‌ی دایی‌هایش واگذار شد. به واسطه استعداد فطری، در اندک زمانی صاحب علم و فضل گردید و به تحصیل در امامن متبرکه مایل گشت. به عنوان تجارت به نجف اشرف رفت و در آنجا مقیم و به کسب علوم مشغول شد. او به زیارت حرمین الشریفین مشرف شد و مجدداً به نجف بازگشت. از وی اشعار زیادی به جای نیست. از اوست:

ای ارض کربلا تو بهشت برین شدی

تا گوشواره عرش خدا را مکین شدی

هر صبحدم کند ز تو خورشید کسب نور

تا مظهر جلال جهان آفرین شدی

بر تربت چو ریخته شد خون طاهرش

زین رو بود که سجده گه عالمین شدی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء(۱۲۲۲ –۱۲۲۰ /۲)، فرهنگ سخنوران(۸۰).

اکبرپور، سیاوش

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شناسنامه :

نام کامل : سیاوش اکبرپور – متولد : ۱ بهمن ۱۳۶۳ – سن : ۲۴ سال – زادگاه : شیراز ، ایران – قد : ۱□۸۱ متر اطلاعات باشگاهی :

باشگاه کنونی استقلال تهران – شماره پیراهن : ۱۰ – پُست مهاجم باشگاه های حرفه ای :

۱۳۷۹ – ۱۳۸۳ فجر سپاسی شیراز

۱۳۸۳ – ۱۳۸۶ استقلال تهران

۱۳۸۶ – ۱۳۸۷ الفجیره امارات

۱۳۸۷ – تا کنون استقلال تهران تیم ملی :

۱۳۸۱ – ۱۳۸۳ زیر ۲۱ سال

۱۳۸۴ تا کنون بزرگسالان ۵ بازی سیاوش اکبرپور (زاده ۱ بهمن ۱۳۶۳ در شیراز) یک بازیکن فوتبال ایرانی است. او فوتبال را به صورت حرفه‌ای از تیم فجر سپاسی شیراز آغاز نمود. وی در سال ۱۳۸۳ از تیم فجر سپاسی به تیم استقلال تهران نقل مکان کرد و بعد از سه سال به تیم الفجیره امارت پیوست. بعد از یک فصل بازی در این تیم اماراتی دوباره به تیم استقلال تهران پیوست.

تیم ملی زیر ۲۳ سال

اکبرپور در سال ۱۳۸۱ و در جریان مسابقات آسیایی به عنوان تکنیکی‌ترین بازیکن تیم ملی فوتبال زیر ۲۳ سال ایران انتخاب گردید.وی همچنین عضو تیم ملی المپیک ایران در بازی‌های مقدماتی المپیک آتن بود.

تیم ملی بزرگسالان ایران

بعد از آنکه سیاوش اکبرپور با تیم استقلال تهران در مسابقات لیگ برتر ایران در فصل ۸۶–۸۵ به مقام قهرمانی رسید، توسط مربی ایران امیر قلعه‌نویی برای بازی‌های جام ملتهای آسیا در تایوان دعوت شد.

افتخارات

قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ایران ۸۵–۸۴ به همراه تیم استقلال تهران

قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ایران ۸۸–۸۷ به همراه تیم استقلال تهران

اکبرزاده، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: فیزیک، دانشگاه: صنعتی اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای فیزیک از ایران.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده فیزیک دانشگاه صنعتی اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مواد مغناطیسی رقیق شده، شبیه‌سازی کامپیوتری، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:–

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

فیزیک کشاورزی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۹

زمینه علمی مقالات:

مواد مغناطیسی رقیق شده Semimagnotic semicond و Spin-ghss شبیه‌سازیهای کلاسیکی و کوانتومی با کامپیوتر.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

اکبرمیرزا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. نستعلیق جلی را خوش می‌نوشت و در جوانی درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان(۷۶ -۷۵ /۱)، فارسنامه‌ی ناصری(۱۰۹۴ /۲).

اکبرنژاد، محمد تقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی اکبر نژاد

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد تقی اکبر نژاد متولد تبریز هستم. دوره های تحصیلی را با موفقیت به پایان بردم و نهایتاً در دبیرستان سپاه مشغول به تحصیل شدم. بعد از شروع سال تحصیلی سوم نظری رشته ریاضی فیزیک، علاقه وافر به حوزه مانع از ادامه تحصیل شد و به حوزه علمیه حضرت ولیعصر (عج) بناب رفته و در خدمت حضرت حجهْالاسلام والمسلمین حاج آقای باقری بنابی مشغول به تحصیل شدم. دوره شش ساله را در دو سال به اتمام رساندم و به قم رفتم.

در قم از خدمت اساتیدی مانند حضرات آقایان عابدی، حسن تهرانی، ایزدی، الهی زاده بهره مند شدم. تا این که در سال ۸۱ به توصیه یکی از اساتید برای تدریس به شهرستان برگشتم. یک سال در شهرستان هادی شهر و سه سال در مراغه مشغول به تدریس ادبیات، منطق و فقه و اصول بودم. در کنار تدریس به کار پژوهش پرداختم و آثار متنوعی را ارائه دادم که اکثراً یا به چاپ رسیده اند و یا در شرف چاپ هستند که البته در ادامه ذکر خواهند شد.

علاقه شخصی بنده بیشتر به فقه و اصول میباشد و شاید حدود یک سال است که به نظرات فقهی خودم عمل می کنم. در سال ۸۵ قصد عزیمت به قم را داشتم که بنا به اصرار یکی از دوستان و وجود برخی از مشکلات مالی منصرف شدم و مدیریت حوزه علمیه کنگاور را به عهده گرفتم و هم اکنون مشغول به خدمت در این حوزه می باشم. آن چه که مهم است این که، اشتغال به هیچ یک از این کارها مرا از تحقیق و پژوهش جدا نکرده است و تحقیق به عنوان مهم ترین شاخصه فعالیت های من حضور دارد.

اکبرنژاد، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی اکبر نژاد

محل تولد : شیروان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مهدی اکبر نژاد در سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه ایلام شدم و برخی دروس مقدماتی را در آنجا گذراندم. با شروع تظاهرات و راهپیمایی های دوران انقلاب عملاً دروس حوزوی تعطیل شد و با پیروزی انقلاب، در اسفند ۱۳۵۷ وارد حوزه علمیه قم شدم.

در سال ۱۳۶۸ دروس سطح را به پایان رساندم و وارد درس خارج شدم همزمان با دوره سطح برخی دروس مانند بعضی از کتابهای فلسفی از جمله بدایه و نهایه را خواندم و در زمان تحصیل در دوره خارج، مدتی در درس اسفار آیت الله حسن زاده و آیت الله جوادی آملی نیز شرکت کردم. درس خارج را نزد آیات عظام فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، نوری همدانی، وحید خراسانی و

مومن قمی گذراندم.

در سال ۱۳۷۰ بعنوان عضو تحقیقاتی تفسیر راهنما، به اعضای نویسنده آن تفسیر ملحق و بعد از چند ماه کار در گروه برداشتهای اولیه روائی، وارد گروه کنترل نهایی فیش های حدیثی تفسیر شدم و این همکاری تا سال ۱۳۷۴ ادامه داشت و بدلیل رفتن به شهرستان در سال ۱۳۷۴ پایان یافت.

در سال ۱۳۷۱ در آزمون تربیت مدرس دانشگاه قم شرکت کردم و در دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی پذیرفته شدم. در پاییز سال ۱۳۷۴ از رساله این دوره با عنوان" جدال در قرآن "دفاع کردم.

در زمستان ۱۳۷۴ بعنوان مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه های ایلام و علوم پزشکی ایلام منصوب شدم و همزمان دروس دانشگاهی را تدریس می کردم. در سال ۱۳۷۷ بعنوان عضو هیئت علمی دانشگاه در آمدم تا سال ۱۳۸۰ که با قبولی در دوره دکترای علوم قرآن و حدیث تربیت مدرس دانشگاه قم، به قم منتقل شدم و عملاً مشغول تحصیل حوزوی و دانشگاهی و نیز انجام کارهای تحقیقی شدم که اکنون رساله دکترا آماده دفاع می باشد.

در سال ۱۳۸۱ با دعوت مرکز فرهنگی انتظار نور وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی قم به گروه حدیث این موسسه پیوسته و با همکاری چند تن از دوستان، اکنون مجموعه احادیث مهدویت دسته بندی و آماده چاپ و ارائه نرم افزاری می باشد.

اکبری کارمزدی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد اکبری کارمزدی

محل تولد : سواد کوه (عباس آباد)

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب محمد اکبری کارمزدی فرزند هادی در تاریخ ۱۰/۱/۱۳۴۳ در خانواده ای مذهبی و قرآنی متولد شدم. دوران ابتدائی را در محل و راهنمائی را در آلاشت به پایان رساندم به پیشنهاد ابوی مرحوم و به خاطر علاقه ای که در درون خود نسبت به دروس حوزوی می دیدم راهی حوزه علمیه رستم کلاه در یکی از شهرهای استان مازندران به سرپرستی مرحوم آیهٔ الله ایازی شدم و جامع المقدمات را همگام با قیام عمومی مردم در سال ۱۳۵۷ شروع نمودم که با تهدیدات طاغوت حوزه علمیه تعطیل شد به نا چار در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و در سال ۱۳۶۰ مشغول تحصیل در مدرسه مرحوم آیهٔ الله گلپایگانی شدم. با اتمام لمعتین در درس های آزاد حوزه شرکت نمودم که اصول فقه را در خدمت استاد حسینی بوشهری و صالحی افغانی بودم. مکاسب را در محضر اساتیدی چون استاد بنی فضل، مرحوم پایانی و استاد قدبری تلمذ بودم و رسائل را محضر آیهٔ الله فاضل استفاده بردم و پنج سال متوالی خارج اصول را در محضر آیهٔ الله سبحانی به پایان رساندم . همگام با خارج اصول به مدت ۸سال خارج فقه را در محضر آیهٔ الله مکارم تلمذ نمودم. ضمنا سالیان سال در درس تفسیر قرآن محضر آیهٔ الله جوادی آملی بودم .حدود سال ۱۳۷۲ به خاطر علاقه ای که به قرآن و تفسیر قرآن پیدا کردم وارد رشته علوم قرآ نی و تفسیر شدم. بعد از اتمام ۴سال مشغول تدوین رساله سطح چهار شدم که بخاطر مشکلاتی، کار ناتمام و مهلت آن به سر آمد که برای بار دوم مشغول تدوین رساله سطح چهار شدم که تا به حال ادامه دارد. بعد از پایان دوره تخصصی برای انجام کار تحقیقات قرآنی در مرکز فرهنگ معارف قرآن مشغول و با تشکیل پرونده ها و سپس ارزیابی مقاله ها و نهائی کردن مقاله ها در بخش مقابله، نزدیک به ۹ سال است که دنبال می کنم نتیجه کارهائی که انجام گرفت انتشار پنج جلد از دایرهٔ المعارف قرآنی و دو جلد اعلام قرآن گروهی می باشد و چند مقاله که به نام اینجانب در دایرهٔ المعارف چاپ شده است. د رحال حاضر در درس فقه آیهٔ الله جوادی آملی مشغول می باشم.

اکبری معلم، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبری معلم

محل تولد : معلم کلد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی اکبری معلم دوره تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در بابل (از شهرستان های مازندران) گذراندم. سیر مطالعات مذهبی و سیاسی را از دوره راهنمایی آغاز و در دوره دبیرستان و بعد از آن ادامه دادم. با تشکیل گروه مطالعاتی در دوره راهنمایی و دبیرستان سعی در تقویت مبانی فکری و اعتقادی کردیم. با استفاده از زمینه مذکور به مناسبت های مختلف، مقالاتی را تهیه و در مدرسه (سر صبحگاهها) و مراسم های مذهبی ارائه می دادم.

در سال ۱۳۶۳ وارد قم شدم و پس از اخذ دیپلم به تحصیلات حوزوی پرداختم. دروس حوزه را به طور منظم و مستمر ادامه دادم و پس از گذراندن سطح حوزه، دروس سطح خارج را تا شش سال به طور مستمر فرا گرفتم. از سال ۱۳۶۸ در کنار دروس حوزه وارد تحصیلات دانشگاهی شدم. مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد را در رشته علوم سیاسی به پایان رساندم.

از سال ۱۳۷۶ تدریس دروس معارف اسلامی را در دانشگاه ها شروع کردم و البته از سال ۱۳۶۶ تدریس دروس حوزوی را آغاز کرده بودم. کتاب و مقالاتی را در دوره تحصیل نوشته ام که تعدادی منتشر و تعدادی دیگر منتشر نشده است.

از سال ۱۳۷۴ تاکنون با نشریات علمی متعددی در زمینه علوم اسلامی و سیاسی و با سمینارهای متعدد همکاری علمی داشتم. در سال ۱۳۸۳ به عنوان استاد ممتاز دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهری و در سال ۱۳۸۵ به عنوان استاد ممتاز منطقه استان مرکزی برگزیده شدم.

همکاری با سمینار انقلاب اسلامی و ریشه های آن و سر ویراستار سه کتاب مأخذ شناسی توصیفی (۱)، مجموعه مقالات جلد (۱) و (۲) که توسط معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی در سال ۱۳۷۴ منتشر شد.

همکاری علمی در ارزیابی مقالات مجله رواق اندیشه وابسته به مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما قم، فصلنامه علوم سیاسی و تاریخ اسلام (وابسته به دانشگاه باقر االعلوم علیه السلام قم)، همکاری با مرکز آموزش خواهران و دانشگاه باقر العلوم علیه السلام در تهیه و تدوین الگوهای ارزیابی آموزشی، طرح نگرش سنجی مراکز آموزشها و ارزیابی و تجزیه و تحلیل برنامه درسی و عملکرد استادان از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵.

با گذراندن هفتصد ساعت دوره زبان انگلیسی دارای گواهی نامه پایان دوره مربوط هستم و از نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری مدرک استاد یاری دارم.

هم چنین شرکت در کارگاه های آموزشی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، روش تحقیق، ارزیابی آموزشی و.... از فعالیت ها علمی ام به حساب می آید.

اکبری، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد اکبری

محل تولد : بوانات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۶/۱۰

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۱ در بوانات از شهرهای استان فارس متولد شدم. تحصیلات خود را تا پایان دوره راهنمایی در همان جا به اتمام رساندم و در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه شدم و در مدرسه ولی عصر شهرستان بوانات تحصیلات خود را شروع نمودم. بعد از مدت ۲ سال در سال ۱۳۶۷ راهی قم شدم و باقیمانده مقدمات و دروس سطح خود را تا پایان کفایه در مدرسه شهیدین بهشتی و قدوسی (ره) قم گذراندم. در سال ۱۳۷۵ در دروس خارج فقه و اصول اساتید برجسته قم شرکت جستم. در اصول از محضر آیت الله جعفر سبحانی و در فقه از خرمن دانش اساتبد بزرگی چون آیت الله مکارم شیرازی و استاد سید احمد خاتمی بهره بردم. همزمان با تحصیلات خارج، در رشته تخصصی تبلیغ در حوزه علیمیه قم مشغول تحصیل شدم. از آن پس در کنار دروس حوزوی خود، به فعالیت های رایانه ای و اینترنتی در زمینه علوم اسلامی و پایگاههای اسلامی نیز پرداختم و در این رابطه فعالیت‌ها و طرح‌های تحقیقاتی و اجرایی در زمینه طراحی و راه اندازی پایگاههای اسلامی و استفاده از قابلیت های اینترنت در پایگاه های اسلامی و نحوه عرضه اطلاعات در اینترنت نیز برنامه هایی داشته ام. علاوه بر فعالیت‌های مذکور، به تحصیل در دانشکده علوم حدیث قم پرداختم و هم اکنون در حال تدوین پایان نامه در مقطع کارشناسی ارشد می باشم.

اکبری، فضل الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر فضل الله اکبری در دوم اردیبهشت سال ۱۳۰۰ هجری شمسی برابر با سوم ماه رمضان المبارک سال ۱۳۳۹ هجری شمسی در

شهر گلپایگان چشم به جهان گشود. تحصیلا ت ابتدایی را در شهر گلپایگان و دوره دبیرستان را در دبیرستانهای ادب، صارمیه و سعدی اصفهان طی کرد. همزمان با طی دوره دبیرستان و حتی قبل از آن به تحصیل علوم قدیمه نزد پدربزرگ مادریش مرحوم حاج فخرالعلما پرداخت و پس از آن در اصفهان از محضر استادانی چون شادروان فضل الله همایی و برادر دانشمند ایشان استاد جلا ل همایی و آقای مبارکه ای کسب فیض کرد. وی حساب و ریاضی و حساب سیاق نقدی و جنسی را نزد پدربزرگ و پدر فرا گرفت. دکتر فضل الله اکبری بعد از دریافت دیپلم متوسطه، در دانشکده حقوق دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت و از این دانشکده لیسانس گرفت. سپس در شرکت ملی نفت استخدام شد و همزمان با مرحوم حییم در تهیه فرهنگ لغات انگلیسی به فارسی همکاری داشت. وی در اوایل دهه ۱۳۳۰ در موسسه علوم اداری و بازرگانی دانشکده حقوق دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت و فوق لیسانس علوم اداری و بازرگانی دریافت داشت. به دنبال آن با استفاده از بورس تحصیلی به امریکا رفت و در دانشگاه کالیفرنیای جنوبی و دانشگاه استانفورد به تحصیل پرداخت و در رشته مدیریت بازرگانی با گرایش حسابداری دکترا دریافت کرد. بعد از اخذ مدرک دکترا به ایران مراجعت کرد و در موسسه علوم اداری به تدریس پرداخت و در سال ۱۳۳۷ به عنوان اولین مدرس حسابداری با درجه دانشیاری به عضویت هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه تهران پذیرفته شد. دکتر اکبری در مورد این دوره از زندگی خود در مصاحبه ای با مجله حسابدار (دکتر فضل الله اکبری، ۱۳۷۸، سرگذشت یک استاد و سرگذشت یک علم)، و بعد در مقاله ای در سال ۱۳۷۸ درباره چگونگی شروع تدریس حسابداری در دانشگاه تهران برای چاپ در مجله حسابرس (دکتر فضل الله اکبری، ۱۳۷۸، چگونگی تدریس حسابداری...) چنین می نویسد": همیشه فکر می کنم آدمی تا اندازه ای به جایی راه می برد که مقدر است . سرانجام هم وضعیتی پیش آمد که بتوانم از بورسی در این رشته بهره مند شوم. بدین ترتیب عملا ـ به قلمروحسابداری وارد شدم... پس از مراجعت از خارج، دانشگاه تهران اعلا ـم کرد که برای تدریس رشته های حسابداری و حسابرسی دانشیار می پذیرد و من برای این کار داوطلب شدم " ".من تنها داوطلب بودم. ... باید اذعان کنم در آن زمان دو– سه نفری بودند که بیش از من حسابداری می دانستند و تجربه بیشتری هم داشتند، ولی چون داشتن درجه دکتری یکی از شرایط استخدام بود با وجود علا قه ای که داشتند، واجد شرایط و داوطلب نشدند. سالها حسابداری به عنوان رشته ای قابل قبول برای تدریس در دانشگاه شناخته نمی شد. تا سال ۱۳۳۳ در هیچ دانشگاه و موسسه آموزش عالی حسابداری رسماً تدریس نمی شد. ... متاسفانه در ایران آن زمان، اغلب افراد به جهت عدم اطلا ـع کافی از محتوای دروس مزبور، علوم مالی و حسابداری را در سطح سایر رشته های دانشگاه به حساب نمی آوردند... . محتوای رشته حسابداری، اهمیت و لزوم آن در انتظام امور سازمانها و تاثیر آن در پیشرفت کشور، سالها همچنان ناشناخته باقی ماند. در سال ۱۳۳۴ که داوطلب تدریس حسابداری در دانشگاه شدم، یکی از اولیای دانشگاه گفت شک دارد جایگاه تدریس حسابداری در دانشگاه باشد، و اضافه کرد در گذشته هم حسابداری در سال ششم رشته تجارت دبیرستانها تدریس می شده است و اگر حسابداری را رشته ای دانشگاهی بشناسیم بزودی داوطلبانی هم برای تدریس خانه داری، گله داری و باغداری پیدا می شوند؛ دانشگاه را تدریس حساب کافی است. دو – سه سالی طول کشید تا با مراجعات مکرر و مستمر، ارائه شرح دروس حسابداری و رشته های مختلف آن، اهمیت و فرق آن را با حساب و ریاضی توجیه کنم و توضیح دهم. بالا خره قرار شد در دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران برای انتخاب و استخدام یک نفر دانشیار اقدام کنند " ".در طول سال ۱۳۴۲ توضیحاتم رئیس وقت دانشگاه تهران را متقاعد و مصمم کرد که دانشگاه تهران، مانند بسیاری از مهمترین دانشگاههای جهان، و به لحاظ نیاز کشور، می باید دانشکده ای برای آموزش و تحقیقات مدیریت داشته باشد. در ابتدای شهریور ۱۳۴۳ شادروان دکتر صالح رئیس دانشگاه، در جلسه ای پرشور و با مخالفتهای بسیار، بالا خره تاسیس دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی را به تصویب شورایعالی فرهنگ رسانید.... مخالفتها با تاسیس این دانشکده، اولین در نوع خود در کشور، بیشتر از ناشناخته بودن مدیریت به عنوان رشته ای از دانش ناشی می شد (".دکتر اکبری، ۱۳۷۸، نوبت من نیست، ص ۱۵)

دکتر فضل الله اکبری پس از تاسیس دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران، به مدت ۸ سال رئیس این دانشکده بود. پس از سال ۱۳۵۰، به سمت معاون آموزشی و پژوهشی وزارت علوم و آموزش عالی برگزیده شد و همزمان به تدریس رشته حسابداری در دانشگاهها و موسسات مختلف آموزش عالی به ویژه بانک ملی ایران، اشتغال داشت. در این دوره با شرکت اطلا عات اعتباری که به وسیله بانک مرکزی تاسیس شده بود، نیز همکاری داشت. در فاصله سالهای ۱۳۵۰–۵۳ که در وزارت علوم به کار اشتغال داشت، خدمات گسترده ای در زمینه ارزشیابی مدارک تحصیلی و ارزیابی علمی دانشگاهها و مراکز علمی کشور به انجام رسانید. وی در اواخر سال ۱۳۵۳ به دانشگاه تهران بازگشت و به عنوان استاد دانشکده علوم اداری و بازرگانی دانشگاه تهران در سمت معاون و قائم مقام رئیس دانشگاه تهران به کار ادامه داد. پس از انقلاب در اوایل سال ۱۳۵۸ در سمت استادی دانشگاه بازنشسته شد اما تا پایان سال تحصیلی ۵۸–۱۳۵۷ همچنان به تدریس ادامه داد. از اوایل دهه ۱۳۶۰ سازمان حسابرسی این افتخار را یافت تا از همکاری ایشان با مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی این سازمان برخوردار شود. کتاب و مقالا ت مختلفی که در این دوران توسط ایشان تالیف و تدوین و توسط سازمان حسابرسی منتشر شده است حاصل این دوران پربار است. دکتر فضل الله اکبری در اواخر دهه ۱۳۶۰ به امریکا مسافرت کرد و به مدت دو سال با سمت استادی در دوره های فوق لیسانس دانشکده مدیریت بازرگانی دانشگاه استانفورد که یکی از معتبرترین دانشکده های این رشته در سراسر دنیا به شمار می آید، به تدریس پرداخت. پس از آن به انگلستان رفت و یک سال نیز در دانشکده مدیریت دولتی تدریس داشت. ایشان از اواسط دهه ۱۳۷۰ به ایران مراجعت کرد و همچنان همکاری خود را در زمینه تحقیق و تالیف با مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی ادامه داد و در این مدت است که مقالا ت متعددی هم برای مجله حسابرس تهیه کرد. کتاب بررسی تحلیلی دکتر فضل الله اکبری در سال ۱۳۸۱ به عنوان کتاب درخور تقدیر برگزیده و به وسیله وزیر فرهنگ و ارشاد اسلا می در مراسم هفته کتاب مورد تقدیر قرار گرفت. آقای دکتر اکبری دانشمندی بی‌طرف و واقع‌گرا بود. در عین‌حال که حرمت همگان را نگه می‌داشتند با اطرافیان رفتاری محکم، منطقی و مهربان داشتند.استوار و قاطع اما اهل اعتدال بودند. بی‌ادعا بودند و فروتن.از نقد و نفی دیگران پرهیز می‌کردند و مراعات حقوق دیگران را از هر حیث می کردند. نقش فردی دکتر فضل الله اکبری در توسعه دانش حسابداری

در ایران به نحو قاطع تعیین کننده بوده است. این نقش به گفته خود ایشان محصول «علاقه به کار» و به قضاوت آنانی که او را از نزدیک می‌شناختند محصول احساس «مسئولیت» نسبت به توسعه و پیشرفت جامعه و «ایمان» به چاره جوئیها و راهگشاییهای «علم» نیز بوده است.

زنده یاد دکتر فضل الله اکبری در ۱۳فروردین۱۳۸۴ جان به جان آفرین تسلیم کرد و در قطعه ۲۲۹ بهشت زهرا به خاک سپرده شد.از ایشان ۴ فرزند ، ۲پسر و ۲ دختر ، باقی مانده است. کتابها

حسابداری صنعتی، دانشگاه تهران، با تجدید چاپ به دفعات و توسط ناشران دیگر، ۱۳۳۸

اصول حسابداری، دانشگاه تهران، با تجدید چاپ به دفعات، ۱۳۴۰

تجزیه و تحلیل صورتهای مالی، سازمان حسابرسی، با پنج بار تجدید چاپ و تجدیدنظر، ۱۳۶۶

حسابداری بازرگانی، دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی، ۱۳۵۴

تهیه بودجه بازرگانی و صنعتی، انتشارات فروردین، ۱۳۶۵

حسابداری استهلا ک، سازمان حسابرسی، اولین چاپ ۱۳۷۱، چاپ هفتم، ۱۳۸۰

فرهنگ اصطلا حات حسابداری (انگلیسی– فارسی)، سازمان حسابرسی، جلد اول، ۱۳۷۶

بررسی تحلیلی یا استفاده از تجزیه و تحلیل صورتهای مالی در حسابرسی، سازمان حسابرسی، ۱۳۷۹

مقالات

سرگذشت یک استاد و سرگذشت یک علم (مصاحبه با مجله حسابدار– مرداد ۱۳۷۲)

تجزیه و تحلیل صورتهای مالی (حسابرس ۳، مجموعه مقالا ت– تابستان ۱۳۷۴)

واژه سرنوشت ساز (فصلنامه حسابرس شماره ۱، زمستان ۱۳۷۷)

نوبت من نیست (فصلنامه حسابرس شماره ۳، بهار ۱۳۷۸)

به یاد دوست (مجله حسابدار، شماره ۱۳۲، شهریور۱۳۷۸)

چگونه تدریس حسابداری در دانشگاه برای اولین بار شروع شد (فصلنامه حسابرس شماره ۴ و۵، پاییز و زمستان ۱۳۷۸)

آموخته های آموخته را نیاموختیم (فصلنامه حسابرس شماره ۹، زمستان ۱۳۷۹)

مصطفی علی مدد: اندیشمندی پرمایه، پرکار و پربار (فصلنامه حسابرس شماره ۱۶، مهر و آبان ۱۳۸۱)

نرفته ام (فصلنامه حسابرس شماره ۲۳، بهار ۱۳۸۳)

منتخبات حسابرس (فصلنامه حسابرس شماره ۲۳، بهار ۱۳۸۳)

اکبری، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود اکبری

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمود اکبری در سال ۱۳۵۱ در مدرسه آیت الله گلپایگانی به تحصیل علوم دینی پرداختم و پس از هفت سال تحصیل نزد اساتید بزرگی چون آیت الله حسین تهرانی، مدرس افغانی، آیت الله صلواتی، آیت الله مقتدایی و یک دوره خارج اصول آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله وحید خراسانی شرکت کردم و پانزده سال در دروس فقه آیت الله تبریزی و آیت الله مکارم شیرازی شرکت کردم و مدت سه سال دروس موسسه ادیان و مذاهب حوزه را طی کردم.

بدایه و نهایه علامه طباطبایی را نزد استاد فیاضی و منظومه سبزواری را نزد آیت الله یحیی انصاری به اتمام رساندم و از سال ۵۹ برنامه های تبلیغی در قالب کلاسداری و منبر و پاسخ به سوالات از مدارس و دبیرستان ها پرداختم و از سال ۷۴ شروع به تالیف و نشر کتاب های متناسب با نسل جوان پرداختم و هم اکنون ۴۰ اثر چاپ شده و ۱۰ اثر آماده چاپ دارم. بدان امید که مورد توجه خداوند متعال واقع شود.

اکبریان، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد اکبریان

محل تولد : جویبار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۲وارد حوزه علمیه مشهد شده و در سال ۱۳۶۴به شهر قم آمدم سال ۱۳۶۸در دانشگاه تهران الهیات و معارف اسلامی فلسفه و کلام اسلامی پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۲در دانشگاه تربیت مدرس تهران فلسفه و حکمت اسلامی قبول شدم و در سال ۱۳۷۶از پایان نامه با عنوان تحلیل آراءفلسفی عرفانی سید حیدر آملی را دفاع نمودم این پایان نامه در سال ۱۳۸۰در کنگره سید حیدر آملی منتشر گردید با عنوان عرفان شیعی در اندیشه حیدر آملی.

در سال ۱۳۷۴در آزمون کتبی و شفاهی پایه پذیرفته شدم قبل از آن در سال ۱۳۷۳ سطح را به پایان رساندم و چند سال در درس خارج حضرات آیات صالحی مازندرانی فاضل لنکرانی جوادی آملی شرکت داشت در سال ۱۳۷۳با پژوهشگاه دفتر تبلیغات اسلامی همکاری را آغاز نمودم؛ طی این مدت در تألیف معجم بحارالانوار گروه تصحیح حضور داشتم هم چنین مدتی با پژوهشکده کلام همکاری داشتم سپس در اصطلاح نامه علوم اسلامی که در طی این مدت در تألیف فرهنگ اصطلاحات فلسفی با عنوان مستندات اصطلاحات فلسفی شرکت داشتم.سپس از سال ۱۳۸۲ تاکنون به عنوان مدیر واحد پاسخ به سوالات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی اشتغال دارم که تاکنون در تألیف گروهی دو کتاب مجموعه پاسخ های برگزیده ویژه رمضان و ویژه محرم جهت استفاده مبلغان دینی اعزامی از دفتر تبلیغات حضور داشتم. از سا ل۱۳۷۶ تاکنون در دانشگاههای مختلف تهران از جمله دانشگاه شهید بهشتی و به مدت ۸سال در دانشگاه تهران در گروه معارف اسلامی به تدریس اشتغال دارم.

اکرمی ابرقویی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد اکرمی ابرقویی

محل تولد : ابرکوه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۷/۱

زندگینامه علمی

ورود به حوزه علمیه قم در سال ۱۳۶۴؛ اتمام دوره‌ی سطح در سال ۱۳۷۲؛ آغاز درس خارج از سال ۱۳۷۳ تاکنون. ورود به دانشگاه تهران (مجتمع آموزش عالی قم) در دوره‌ی کارشناسی (رشته حقوق) سال ۱۳۷۱، اخذ مدرک لیسانس در سال ۱۳۷۵. قبولی در دوره‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران (مجتمع آموزش عالی قم) در رشته حقوق جزا و جرم شناسی در سال ۱۳۷۵ و اخذ مدرک کارشناسی ارشد با دفاع از پایان نامه (با موضوع: مطالعه تطبیقی مسئولین پرداخت دیه در فقه شیعه و اهل سنت و حقوق موضوعی با نمره‌ی عالی (۱۹) در سال ۱۳۷۸. همکاری با واحد اصطلاح نامه دفتر تبلیغات (نام کنونی: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی) از سال ۷۸ تاکنون با تدوین اصطلاح نامه بزرگ فقه (اتمام) و اصطلاح نامه حقوق (در حال انجام) همکاری علمی با مرکز تحقیقات قوه قضائیه – همکاری علمی با مرکز تحقیقات زنان – همکاری علمی با مرکز تحقیقات شورای نگهبان – همکاری علمی با مرکز تحقیقات اداره تعزیرات حکومتی و...

هم چنین همکاری با مراکزی همچون مجمع تقریب مذاهب اسلامی، صدا و سیمای قم، مؤسسه باقرالعلوم(ع)، مجتمع آموزش عالی قم، مرکز احیاء و نشر آثار حضرت امام، دفتر تبلیغات اسلامی قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و... در ویرایش مجلات علمی آنها.

اکرمی قزوینی، ضیاءالدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از آثار او: «نفحات الانس» جامی، به قطع نیم ربعی، به خط نسخ و نستعلیق خفی متوسط، با رقم: «قد تشرفت بکتابة هذه الرسالة الشریفه اقل عباداللّٰه الغنی ضیاءالدین محمد الاکرمی القزوینی... فی شهور سنهٔ تسعین و تسعمائه»(۹۹۰).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان(۱۰۸۶ /۴).

اکرمی، کاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید کاظم اکرمی

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب به لطف و عنایت الهی از دوره دبیرستان به مطالعه در زمینه علوم اسلامی و تربیتی و اجتماعی علاقمند بودم . استاد مشوقم در دوره دبیرستان جناب میر خلیل سید نقوی بودند که خداوند عمرشان را دراز کند و موفق تر شان بگرداند . در دوره کارشناسی که رشته روانشناسی را برگزیده و در دانشسرای عالی تحصیل می کردم (سال های ۳۹ ـ ۴۲) از دانشمندانی چون مجاهد نستوه آیت الله طالقانی ، استاد علامه محمد تقی جعفری ، استاد شهید مرتضی مطهری در حد استعداد خویش بهره برده ام . پس از شروع به کار معلمی در مدرسه آیت الله العظمی آخوند ملا علی همدانی به تحصل ادبیات عرب روی آورده و از استادانی مانند مرحوم حاج شیخ صمد سلیمیان و آقای سید عزت الله مرتضوی استفاده بردم . منطق و فلسفه را با خواندن منظومه مرحوم سبزواری خدمت آقای محقق واعظ معروف همدانی آموختم . در دوره کارشناسی ارشد که تحصیل خود را دررشته مشاوره و راهنمایی به پایان رساندم مدتی از درس منظومه آیت الله سید رضا صدر بهره بردم .

در سال های ۴۷ تا ۴۸ با مرحوم شهید حجت الاسلام سید محمد رضا سعیدی آشنا شدم و آن بزرگ مرد مرا به خواندن علم اصول تشویق کرد و دو سه درس از اصول الفقه مرحوم مظفر را خدمت وی خواندم . بعد از برگشت از همدان ، تمام اصول الفقه را از درس حجت السلام و المسلمین حاج آقا رضا فاضلیان امام جمعه محترم ملایر بهره مند شدم . مقداری هم از کتاب رسائل الجدیده آیت الله مشکینی را خدمت آقای فاضلیان خوانده ام . در فقه ، تبصره علامه حلی را در زندان از آقای محمد علی گرامی فرا گرفتم . بعد از اتمام دوره وزارت آموزش و پرورش به دانشگاه تربیت معلم منتقل شدم و بحمد الله موفق به اخذ درجه دکترا در رشته برنامه درسی که یکی از رشته های علوم تربیتی است گردیدم و اکنون حدود هفده سال است که در این دانشگاه تدریس می کنم . درسهایی که دراین دانشگاه ارائه کرده و می کنم غیر از برنامه درسی، تعلیم و تربیت در قرآن کریم ، تعلیم و تربیت در نهج البلاغه ، تعلیم و تربیت اسلامی و تعلیم و تربیت در روایات است .

اکرمی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه علمی

وی در آبان ماه سال ۱۳۳۸ش در شهر گوگد گلپایگان در یک خانواده مذهبی دیده به جهان گشود. دوران کودکی را در همانجا سپری کرد و در سن چهار سالگی جهت فراگیری قرآن مجید و احکام اسلامی به مکتب خانه رفت و در سن شش سالگی قرآن و احکام اسلامی را فرا گرفت سپس برای فراگیری تحصیلات کلاسیک به دبستان رفت و مقطع ابتدائی را در یکی از مدارس شهر به پایان رسانید.

سال آخر دوره ابتدائی یعنی پنجم دبستان را طی می کرد که ابوی ایشان به حج مشرف شد. هنگام بازگشت پدر، وی جهت استقبال همراه عده ای از آشنایان به قم آمده و به حسن اتفاق همراه یکی از طلاب ساکن مدرسه حاج ملا محمد صادق به آن مدرسه رفت و شب را در آنجا سپری کرد. روحیه لطیف و سادگی طلاب وی را جذب خود کرد و از همانجا تصمیم گرفت جهت آموزش و فراگیری علوم دینی به این شهر عزیمت کند. با اصرار او و موافقت والدین در سال ۱۳۵۰ ش به قم آمد و در همان مدرسه ساکن شد. ادبیات و دوره مقدمات را نزد اساتید بزرگوار مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی فرا گرفت. همزمان با تحصیل علوم دینی دروس جدید و کلاسیک را نیز ادامه داد و موفق به اخذ دیپلم اقتصاد گردید.

پس از پایان مقدمات سطح را نیز ادامه داده و در این هنگام از محضر اساتید بزرگواری چون حضرات آیات محسن دوزدوزانی، محمد تقی ستوده، محی الدین فاضل هرندی، و ... تلمذ نموده و در نهایت در سال ۱۳۶۳ش امتحانات پایان سطح را با موفقیت پشت سر گذاشته و در درس های خارج فقه و اصول همچنین فلسفه و تفسیر شرکت کرد. در این مقطع نیز که ۱۶ سال ادامه داشت و هم اکنون نیز ادامه دارد، از محضر اساتید معظم و مراجع تقلید حضرات آیات عظام محمد فاضل لنکرانی، حسینعلی منتظری، جوادی آملی، مکارم شیرازی و محمد علی گرامی بهره مند شده و تقریراتی که وی از این دروس نوشته به حدود سی دفتر می رسد که به صورت دست نویس نزد ایشان موجود است.

همزمان و در کنار آموزش و فراگیری علوم دینی در مبارزات حق طلبانه ای که در حوزه علمیه قم وجود داشت شرکت می کرد. در سال ۱۳۵۴ همراه طلاب و فضلا در جلسه ای که در مدرسه فیضیه به مناسبت بزرگداشت شهدای پانزده خرداد سال ۱۳۴۲ برپا شده بود حضوری فعال داشت و یکی از رهبران آن جنبش به شمار می آمد. در سال ۱۳۵۶ به اتفاق جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای محمد علی نکونام سفری تبلیغی سیاسی به گلپایگان داشته و به دنبال سخنرانیهای افشاگرانه و پخش اعلامیه های حضرات آیات عظام امام خمینی(ره) و گلپایگانی و ... دستگیر، بازداشت و ممنوع الملاقات گردید. در شهربانی شهر پس از بازجویی گسترده و تحمل حدود یک ماه زندان بدون ملاقات به اصفهان اعزام شد و در دادگاه نظامی و فرمایشی شاهنشاهی محاکمه و به

دو سال حبس محکوم گردید.

دوران محکومیت را در زندان شهربانی اصفهان سپری می کرد که همزمان با اوج گیری مبارزات حق طلبانه مردم ایران رژیم استبدادی تسلیم خواسته مردم شد و زندانیان سیاسی را آزاد کرد، وی نیز در پاییز سال ۱۳۵۷ پس از تحمل حدود یک سال اسارت و زندان آزاد شد و به آغوش خانواده بازگشت.

پس از پیروزی انقلاب و شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نامبرده پس از طی مراحل مختلف آموزش نظامی به جبهه های جنگ عزیمت کرده و در کنار رزمندگان اسلام به انجام وظیفه پرداخت.

یکی از وظایف و مسئولیتهای مهم طلاب و فضلای حوزه علمیه تبلیغ، ارشاد و هدایت مردم است، برای ادای این وظیفه الهی، مردمی اولین سفر تبلیغی خود را در سال ۱۳۵۴ به اطراف شیراز اعزام شد و از همان سال به طور مرتب در ایام تبلیغ به مناطق و شهرهای مختلف کشور سفر می کرد.

اکسیر اصفهانی، محمدعظیم، عظیما

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۶۹ ق)، شاعر، متخلص به اکسیر. از شاگردان فایض ابهری بود که به هند مهاجرت کرد و در بنگاله درگذشت. اثر وی: «دیوان» اشعار مشتمل بر ۹۳۲۶ بیت از اشعار گوناگون بخصوص مثنوی به خط شاعر که آن را در سال ۱۱۵۰ ق در قریه‌ی کالبی بنگاله تدوین کرده است. شهرت اکسیر در سرودن اشعار فراوان درباره‌ی واقعه کربلاست. وی مثنوی به نام «شاهد و مشهود» نیز سروده که نسخه‌ای از آن نزد فرهاد میرزا معتمدالدوله، پسر عباس میرزا نایب‌السلطنه بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه(۸۸ /۹)، ریحانه(۱۶۶ -۱۶۵ /۱)، صبح گلشن(۳۲)، فرهنگ سخنوران(۸۱)، کاروان هند(۸۳ -۸۲ /۱)، لغت‌نامه(ذیل/ اکسیر اصفهانی).

اکفانی سنجاری، شمس‌الدین، ابوعبداللّه محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۹ ق)، ریاضیدان، طبیب و منجم. معروف به اکفانی. در سنجار بخارا متولد شد. در قاهره مقیم بود و همان جا درگذشت. او علم هیئت را برشمرده و آنها را پنج دانسته است: علم زیجات و تقاویم، علم مواقیت، علم کیفیت رصدها، علم تسطیح کره و آلات شعاعی که از آن حادث می‌شود و علم آلات ظلّی. تألیفات بسیاری در ریاضی و فنون و حکمت دارد. تحریر اقلیدس را بدون اندیشه حل می‌کرد. در شناخت طب و جواهر و نباتات بر تمامی اهل عصر خود برتری داشت و پزشکان نامی از حسن معالجات و تشخیص وی در حیرت بودند. در تاریخ و اخبار نیز مهارتی به سزا داشت. آثار وی: «ارشاد القاصد الی اسنی المقاصد» در انواع علوم که در سال ۱۹۰۴ م در بیروت چاپ شده است؛ «اللباب فی الحساب»؛ «غنیهٔ اللبیب عند غیبهٔ الطبیب؛ «نخب الذخائر فی احوال الجواهر» که در مجله‌ی المشرق سال یازدهم منتشر شده است؛ «کشف الرین فی احوال العین»، «الدرالنظیم فی احوال العلوم والتعلیم»؛ «نهایهٔ القصد فی صناعهٔ الفصد»؛ «النظرو التحقیق فی تقلیب الرقیق».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام(۱۸۹ /۶)، ایضاح المکنون(۶۹۲ /۲)، تاریخ نجوم اسلام(۳۳ -۳۲)، ریحانه(۱۶۶ /۱)، کشف الظنون(۱۹۹۰ ، ۱۹۳۵ ،۱۵۴۲ ،۱۴۹۰ ،۶۶)، الکنی والالقاب (۵۰ /۲)، لغت‌نامه(ذیل/ محمد بن ابراهیم)، معجم المؤلفین(۱۰۰ /۸)، الوافی بالوفیات(۲۷ -۲۵ /۲)، هدیهٔ العارفین(۱۵۵ /۲).

الاصفهانی، ظهیر الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک قطعه از مرقع سید احمد مشهدی، به خط ثلث سه دانگ جلی عالی و نسخ و رقاع کتابت خوش، با رقم: «مشقه العبد الاقل ظهیرالدین محمد الاصفهانی»، (قرن ۱۰).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۴۵ / ۴).

البرز، منوچهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

الحسینی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)،خطاط. شکسته نویس گمنام بود. ازآثار وی: یک قطعه، به قلم نیم دو دانگ خوش، با رقم: «ابوالقاسم الحسینی در هفدهم شهر ربیع الاول سنه‌ی ۱۳۳۶».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۴۲ /۴).

الحلو، مشتاق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مشتاق الحلو

محل تولد : -

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

همزمان با تحصیل در مدرسه به طور غیررسمی مشغول تحصیلات حوزوی بوده ام و پس از اخذ دیپلم در رشته علوم تجربی به تحصیلات حوزوی توجه بیشتری نمودم. در سال ۱۳۷۴ وارد دانشگاه مفید در رشته علوم سیاسی شدم و همزمان تحصیلات رسمی خود را در حوزه آغاز کردم. در خرداد ۷۷ موفق به اخذ مدرک لیسانس در رشته علوم و معارف اسلامی حوزه شدم و در سال ۷۸ لیسانس علوم سیاسی را از دانشگاه اخذ نمودم.

از دی ماه سال ۸۰ حضور در درس بحث خارج را آغاز کردم و در سال ۸۱ فوق لیسانس علوم سیاسی از دانشگاه اخذ کردم. در سال ۸۳ مدرک کارشناسی ارشد حوزه را در رشته فقه و اصول اخذ کردم. از سال ۷۳ کار در برخی موسسات تحقیقاتی را در قم آغاز نمودم. و در ابتدا ترجمه از عربی به فارسی را آغاز کردم و از سال ۷۵ به نوشتن تحقیقات در همایش های مختلف مبادرت نمودم.

همزمان با تحصیلات، کار تدریس را در مراکز مختلف انجام می دادم که از مهمترین آنها دو سال و نیم تدریس در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) از مهر ۸۰ بوده است. و همچنان به عنوان محقق با موسسات مختلف به همکاری ادامه می دهم. کار ترجمه به زبان عربی را در زمینه تخصصی (فلسفه دین و کلام جدید) برای برخی مجلات عربی ادامه می دهم و کار راهنمایی و مشاوره پایان نامه های حوزه را نیز انجام می دهم.

العلی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی العلی

محل تولد : کویت

شهرت

تابعیت : کویت

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

الفت اصفهانی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۳ -۱۲۶۲ ش)، عالم، ادیب، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به الفت. در اصفهان متولد شد. پس از فراگیری فلسفه و حدیث و عرفان، به آموختن ریاضیات قدیم و جدید و سپس زبان فرانسه روی آورد. در فرقه‌شناسی و فلسفه و تاریخ نیز استاد بود. به نجف رفت و در حوزه‌ی درس آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و شیخ الشریعه‌ی اصفهانی و آقا شیخ باقر اصطهباناتی و آقاضیاء عراقی به فراگیری علوم مذهبی پرداخت و اجازه‌ی روایت را از حاج میرزا خلیل و آقا سید حسن صدر اخذ کرد. در انقلاب مشروطه در صف آزادیخواهان قرار گرفت و مجله‌ی «آفتاب» را دایر کرد و به نشر آن پرداخت و در بیداری مردم نقش مؤثری ایفا نمود. وی در سفر به شهرهای مختلف ایران با آزادیخواهان همکاری کرد. عضو مجلس مؤسسان و نماینده‌ی مجلس شواری ملی بود. الفت در انواع شعر مهارت داشت اما بیشتر غزل می‌سرود. کتابخانه بزرگ او به دانشکده‌ی ادبیات اصفهان اهدا گردید. وی در اصفهان وفات یافت و در مقبره‌ی پدرش جنب امامزاده احمد دفن شد.از آثارش: «ابواب الروضات»، فهرست کتاب «رضوات الجنات»؛ «داستان هفت برادر»؛ «دانش‌نامه»؛ «دیوان» اشعار؛ «کشف الحجب»، در اسامی کتب، که تألیف آن به مناسبت آن که مرحوم ثقهٔ الاسلام تبریزی نیز در همین موضوع تألیفی را شروع کرده بود ناتمام ماند؛ «مجله‌ی آفتاب»؛ «مجمع الاجازات و منبع الافادات»، در دو مجلد؛ «سفرنامه»، در شرح حالات خودش در دو مجلد؛ «نسب‌نامه‌ی الفت»، در شرح وابستگان سببی و نسبی خودش؛ «تاریخ مداخله علمای شیعه در امور سیاسی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان(۵۸ -۵۵)، تذکرهٔ القبور(۱۶۲ -۱۶۰)، الذریعه(۱۵ /۲۰ ،۲۷ /۱۸ ،۳۸۳ /۱۶ ،۹۰ /۹ ، ۱۲۴ /۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر(۲۵۱ -۲۴۹ /۱)، سخنوران نامی معاصر(۳۳۰ -۳۲۶ /۱)، فرهنگ سخنوران(۸۲ -۸۱)، لغت‌نامه(ذیل/ الفت اصفهانی)، مکارم الآثار(۱۶۶۴ /۵).

الفت خراسانی، میر عبدالله

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از ولایت خراسان بود در اوایل سن به هندوستان رفته و در خدمت جعفرخان بود و در همان ولایت درگذشت. از اوست:

شبی که داغ تو سوزم چون شمع می‌خواهم
که با فیتله شود زندگی تمام مرا

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی(۳۹۸ -۳۹۷)، صبح گلشن(۳۳)، الذریعه(۹۰ /۹)، لغت‌نامه(ذیل/ الفت خراسانی)، کاروان هند(۸۳ /۱).

الفت شوشتری، داوود

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی مدتی در شمار جویندگان علم بود. بر اثر غلبه سودا قولاً و فعلا حرکات نامناسب می‌کرد. وی با مولانا حسنعلی معاصر بود و بر وی درشتی می‌نمود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی(۴۱۴ -۴۱۳)، الذریعه(۹۰ /۹)، فرهنگ سخنوران(۸۲)، لغت‌نامه (ذیل/ الفت شوشتری).

الفت شیرازی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به ساغر. وی صاحب جمال و از ملازمان میرزا محمدحسین آصفی بود. چون آوازه‌ی او به دربار رسید، فتحعلی شاه وی را از شیراز به تهران خواند و به خود نزدیک گرداند و او را «محمود من از ایاز خوشتر» خطاب می‌کرد. حسودان بر او رشک می‌بردند. فتحعلی شاه به دلایل نامعلوم حکم به خلع و قطع زبانش داد و چشمانش را نیز از حدقه درآوردند. پس از آنکه کور و لال شد، به شیراز بازگشت و در همان جا فوت کرد. اثر وی: «دیوان» اشعار شامل ۴۵۰۰ بیت. غزلی معروف در هنگام کوری دارد:

نه پایی که گامی گذارم به صحرا
نه دستی که بیرون کشم خاری از پا
تماشای گل خوش به مرغان گلشن

که بستند ما را نظر از تماشا

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فارس(۳۱۰ -۳۰۸ /۱)، الذریعه(۹۰ /۱)، شرح حال رجال (۲۶۰ -۲۵۹ /۶)، فارسنامه‌ی ناصری(۹۷۱ /۲)، فرهنگ سخنوران(۸۲)، لغت‌نامه(ذیل/ الفت شیرازی)، مجمع الفصحا(۹۵۰ /۵)، مرآت الفصاحه(۵۷۵ -۵۷۴)، مصطبه‌ی خراب(۱۰).

الفت کاشانی، محمدقلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۰ ق)، شاعر، متخلص به الفت. از ایل افشار بود که به فرمان شاه‌عباس اول از آذربایجان به اصفهان آمدند و سپس در کاشان ساکن شدند. وی در همان شهر پرورش یافت. در جوانی در خدمت حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه، مستوفی و نامه‌نگار بود. وی به داشتن فطرت نیکو و طینت پاکیزه شهرت داشت. اثر او: «دیوان» اشعار مشتمل بر پنج هزار بیت که بیشتر غزل است. الفت مراثی و مدایح فراوانی در منقبت سیدالشهداء(ع) و سایر ائمه‌ی اطهار(ع) سروده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران، براون(۲۰۰ -۱۵۰ /۴)، حدیقهٔ الشعراء(۱۵۷ -۱۵۶ /۱)، دانشمندان آذربایجان(۵۰)، دویست سخنور(۳۱ -۳۰)، الذریعه(۹۱ -۹۰ /۹)، ریحانه(۱۶۷ /۱)، سفینهٔ المحمود(۱۵۸ -۱۵۷ /۱)، فرهنگ سخنوران(۸۲)، لغت‌نامه(ذیل/ الفت کاشانی)، مجمع الفصحا(۱۵۹ -۱۵۷ /۴)، مکارم الآثار(۲۳۸ /۴)، مصطبه‌ی خراب(۱۱).

الفت کردستانی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۹ -۱۲۲۴ ق)، شاعر، متخلص به الفت. معاصر رضاقلی خان هدایت بود و پدر وی شیخ‌الاسلام سنندج ملا احمد، بعد از مرگ پدر، به منصب شیخ‌الاسلامی منصوب شد. وی در علم و فضل و ذوق و خوش طبعی معروف و در سرودن شعر، به نظم غزل بیشتر مایل بود. این رباعی از اوست:

باز آکه ز عشق سرفرازی بکنیم

با گردش چرخ سفله بازی بکنیم

سازیم زمانه‌ای به کام دل خویش

یک چند بیا زمانه بازی بکنیم

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد(۴۳۶ -۴۳۳ /۱)، فرهنگ سخنوران(۸۳)، لغت‌نامه(ذیل/ الفت کردستانی)، مجمع الفصحا(۱۳۳ - ۱۲۹ /۴).

الفت، عبداللَّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبداللَّه الفت، فرزند سید جلال الفت است که مردی فاضل و دانشمند بود و سالیان دراز در حجره‌های حوزه علمیه به تلمذ پرداخته بود و از طلبه‌گی به مقام مدرس رسیده بود، با زبان و ادبیات عربی آشنایی کامل داشت و در تعلیم و تربیت فرزندش عبداللَّه سعی و کوشش بلیغ داشت.

وی زیر نظر چنین پدر و مادر و در واقع معلمی فاضل و دلسوز دوران کودکی را سپری ساخت و پس از طی دوران تحصیلات ابتدایی و توسطه روی به شعر و ادبیات آورد. اولین ثمره همکاری وی با رادیو ترانه‌ای بود به نام «بی‌خبر» که آهنگ آن را شادروان ابراهیم‌خان منصوری ساخته و با صدای؟ در رادیو اجرا گردید پس از آن اشعار و ترانه‌های زیادی سرود که تعداد آن بیش از یکصد و پنجاه می‌باشد که با صدای خوانندگان مختلف رادیو پخش گردیده و بسیاری از آن تصانیف را بارها مجلات و روزنامه‌ها چاپ کرده‌اند.

یکی از غزل‌های مشهور عبداللَّه الفت را در زیر از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرانم:

در سرای دل، شبی شمع رخی افروختم

تا شدم آگاه، چون پروانه ناگه سوختم

تا مگر از در، درآیی و بپایت جان دهم

چشم خود را روز و شب چون حلقه بر در دوختم

خون دل خوردم بسی در مکتب استاد عشق
تا که حرفی از کتاب مکتب عاشقی آموختم
من همان اشکم که از چشم تو افتادم به خاک
من همان شمعم که دور از آستانت سوختم
عاقبت یک شب بپایت ریزم از مژگان خویش
آنچه من از دولت عشقت گهر اندوختم
مرگ را الفت به چشم خویش بینم هر زمان
آن چراغم من که در راه نسیم افروختم
«زرافشان»
گل سحر شکفته شد روشنی عیان شد
ز پرتو سپیده‌دم روشن آسمان شد
بیا بیا که شد بپا بزم آسمانی
بیا بخوان ترانه عشق و شادمانی
ای کبوتر نازنین بگذر از هر فسانه
مرغک هم‌آواز من پر گشا ز آشیانه
من و تو با یگدیگر آشیانی بجوییم
جان و دل سرچشمه‌ی نور سیمین بشوییم
کاش بمراد عاشقان بکام ما عالم گذرد
کاش به امید و آرزو جهان ما بی‌غم گذرد
رخ مهر زرفشان- زده رنگ زرنشان- همه جان هستی
تو مشو فسانه- سخن از طرب بگو- بزمان عشق و مستی
برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

الفت، کاظم

قرن:۱۶
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

میرزا کاظم بن زین‌العابدین بیک نوری اصفهانی، از شعرای بزرگ، متخلص به «الفت» بوده، و شعر به خوبی و استادی می‌سروده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

الفت، محمد باقر

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

فرزند حاج شیخ محمّد تقی آقا نجفی سابق الذکر. عالم فاضل عارف کامل ادیب جامع، در جمعه دوّم جمادی الاولی سال ۱۳۰۱ متولّد شده، در اصفهان و نجف اشرف در نزد علمای اعلام تحصیلات خویش را به پایان رسانیده، و در اوایل مشروطیّت ایران در عداد آزادی خواهان وارد شده، در سال ۱۳۰۷ خورشیدی از طرف مردم اصفهان به نمایندگی مجلس شورای ملّی انتخاب گردیده، در طّی مسافرت‌های خود در ایران و خارج در همدان خدمت آقا سید محمّد غمام عارف مشهور رسیده و دست ارادت بدو داده.

کتب عدیده‌ای تألیف نموده که از آن جمله است: ۱- مجلّه ی آفتاب، که در آن کتاب‌های: ۱- وسائل رستگاری ۲- پرورش استقلال از کتب خارجی را مرحوم الفت ترجمه کرده و ضمیمه آن مرتّب به طبع رسانیده است.

۲- ابواب الروضات، فهرست کتاب روضات الجّنات که به طبع رسیده ۳- کشف الحجب؛ در اسامی کتب ۴- مجمع الاجازات، دو مجلّد ۵- نسب نامه ی الفت، کتاب مفید و قابل توجّهی است. ۶- دیوان اشعار با تخلّص الفت؛ و چندین مجلّد دیگر.

الفت در صبح چهارشنبه ۲۶ ربیع الاوّل ۱۳۸۴ وفات یافته، در مقبره ی پدر جنب امامزاده احمد مدفون گردید، و به مناسبت چهلمین روز وفاتش جزوه‌ای به نام (یاد نامه الفت) به طبع رسید که در آن مادّه تاریخ‌های شعرا که جهت او مرثیه گفته و چندین غزل از اشعار او به طبع رسیده

آقای میر سیّد علی خان نوربخش «آزاد» در مرثیه مادّه تاریخ وفاتش گوید:
گفت آزاد بهر تاریخش
حیف الفت ز ما برید الفت

مرحوم الفت دارای کتابخانه ی معظّم و آبرومندی بود که پس از وفاتش به دانشکده ی ادبیّات اصفهان اهدا گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

الفت، نعمت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نعمت الله الفت

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۲/۱۸

زندگینامه علمی

اینجانب نعمت الله الفت در تاریخ ۱۸/۲/۱۳۴۲ در شهر کاشان به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه آیت الله یثربی، تحصیلات راهنمایی را در مدرسه عارف و تحصیلات متوسطه خود را در رشته ریاضی فیزیک دبیرستان امام خمینی کاشان گذرانده‌ام.

بعد از فراغت از تحصیل در سال ۵۹ توسط برخی از دوستانم با علوم اسلامی آشنا شدم و به طور غیررسمی برخی از دروس ابتدایی ادبیات عرب را نزد برخی از دوستان طلبه‌ام فراگرفتم. تقریباً از سال ۱۳۶۰ به طور رسمی دروس طلبگی را آغاز کردم. نخست مدت کوتاهی در قم مشغول شدم و بعد به کاشان رفته چند ماهی هم در آنجا مشغول بودم که توسط یکی از دوستان، به اصفهان مدرسه شهید صدر هدایت شدم، چون آن دوست در شهرکرد مدرسه امامیه را سرپرستی می‌کرد.

به آنجا رفته و دروس مقدماتی را نزد اساتیدی چون حجج اسلام سیدرضا تقوی دامغانی (امام جمعه)، شجاعی (حاکم شرع)، و فجری سرپرست مدرسه ایام خواندم. بعد از دو سال و اندی به کاشان مراجعت نموده و رسماً در مدرسه علمیه حضرت آیت الله یثربی (ره) مشغول به تحصیل شدم و در دروس مغنی، معالم و حاشیه ملاعبدالله و لمعتین شهیدین، دو جلد اصول فقه مظفر و باب قطع و ظن رسائل و مکاسب محرمه را در محضر اساتید کاشان همچون حضرت آیت الله یثربی (امام جمعه)، آیت الله خرازی، آیت الله شیخ احمد اسلامی و شجاعی گذراندم. در سال ۱۳۶۵ رسماً به حوزه علمیه قم وارد شدم و در دروس مختلفی شرکت کردم حتی دروسی که قبلاً خوانده بودم دوباره شرکت کردم و از اساتیدی چون آقای طالقانی و معالم آقای خسروشاهی استفاده کردم.

مکاسب را نزد آقای ستوده، هاشمی شاهروی و شیخ حسن قدیری تلمذ کردم. رسائل را نزد آقای اعتمادی خواندم کفایه را نزد آیت الله ستوده و آیت الله طاهری خرم‌آبادی و آیت الله اعتمادی فراگرفتم. در دروس خارج بسیاری از اساتید بزرگ قم شرکت کردم. برخی از درس‌ها را چند ماه و برخی را یکی دو سال، سرانجام دروس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی را مطلوب خویش یافتم که مرتب به درس ایشان حاضر شده‌ام.

از سال ۱۳۶۸ وارد دانشگاه شدم. در رشته حقوق که با سابقه حوزوی من سنخیت داشت مشغول تحقیق و تحصیل شدم. در همان سال‌های اولیه تحصیل در دانشگاه خداوند توفیق داد تا قلم به دست گیرم و برخی مطالب را بنویسم. کتاب «حقوقی جزای اسلامی» که با همکاری چند تن از دوستان دانشگاهی حوزوی‌ام به رشته تحریر درآمد. ترجمه کتاب «التشریع الجزایی الاسلامی» است که از جمله کتب مرجع و معتبر در این زمینه است اولین اثر مکتوب این جانب است.

در سال ۷۴ در مقطع کارشناسی رشته حقوق از دانشگاه مفید فارغ التحصیل شدم و در همان سال در کنکور کارشناسی ارشد حقوق خصوصی شرکت نموده و به عنوان اولین دوره این مقطع در دانشگاه قم پذیرفته شدم. با دفاع از پایان‌نامه‌ام با موضوع «بررسی تئوری تابعیت در اسلام و نظامهای حقوقی معاصر» به راهنمایی استاد دکتر نجاد علی اسلامی و مشاوره دکتر امرالله امامی با نمره ۱۹ و رتبه عالی در سال ۱۳۷۷ فارغ التحصیل شدم. از سال ۷۵ در دانشگاه مفید مشغول به کار شدم و عضو هیأت علمی گروه حقوق درآمدم و دروس مختلفی را تاکنون تدریس کرده‌ام که شرح آن در جدول مربوط آمده است.

در سال ۸۲ در کنکور دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران شرکت کردم و پذیرفته شده‌ام که در حال حاضر مراحل آموزشی را سپری کردم و در حال گذراندن رساله می‌باشم. موضوع رساله دکتری «پیش‌بینی نقض قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و فقه و حقوق ایران» است.

الفتی بدخشی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۷ ق)، عارف و شاعر. از صوفیان عصر خویش و مردی دانشمند بود. «فصوص الحکم» و «فتوحات مکیه‌ی» ابن‌العربی را درس می داد و با دانشمندان عصر خود در اثبات ایمان فرعون مناظره و مباحثه می‌کرد، به همین جهت او را «وکیل فرعون» لقب داده بودند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر(۶۷۰)، تذکره‌ی روز روشن(۷۷ -۷۶)، الذریعه(۹۱ /۹)، فرهنگ سخنوران(۸۳).

الفتی ساوجی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. در جوانی به هندوستان سفر کرد و از مقربان عبدالله قطب شاه شد و «رساله‌ای در عروض و قافیه» به نام او تألیف کرد. در اواخر عمر به اصفهان آمد و با صاحب «تذکره‌ی نصرآبادی» ملاقات کرد. اشعارش نمکین، زیبا و روان است و خود را بهتر از انوری می‌داند. وی در اصفهان درگذشت. از آثار وی: «روایح گلشن قطب شاهی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن(۷۷)، تذکره‌ی نصرآبادی(۳۲۶)، الذریعه(۹۱ /۹)، کاروان هند (۸۴ -۸۳ /۱)، لغت‌نامه(ذیل/ الفتی ساوجی).

الفتی یزدی، حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر و ریاضیدان. وی در علوم ریاضی صاحب‌نظر و با وحشی بافقی معصر بود. در عهد همایون شاه به هندوستان رفت و از ملازمان علیقلی خان زمان، از امرای اکبری گردید. در زمان جلال‌الدین اکبرشاه در جونپور از ملازمان خان زمان شیبانی بود و در همان سامان رخت از جهان بربست. در سرودن شعر مهارت داشت و اشعاری چند از وی در تذکره‌ها نقل شده است. از اوست:

مشت خاشاکیم و داریم آتشی همراه خویش

دور نبود گر بسوزیم از شرار آه خویش

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد(۱۵ -۱۴)، جامع مفیدی(۴۶۴ /۳)، الذریعه(۹۱ /۹)، کاروان هند(۸۶ /۱)، لغت‌نامه(ذیل/ الفتی یزدی)، منتخب التواریخ(۱۸۹ /۳).

القاص میرزا صفوی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۸۴ -۹۲۲ ق)، شاعر. از سوی برادرش، شاه طهماسب، حکومت شیروان را داشت. اما در سال ۹۵۴ ق علیه برادر شورش کرد و از ایران گریخت و نزد سلطان سلیمان عثمانی رفت، و او را به جنگ علیه ایران برانگیخت. با لشکریان عثمانی به ایران آمدند، آذربایجان را متصرف شدند و اصفهان را محاصره کردند لکین، مردم اصفهان او را راه ندادند. از راه فارس به بغداد رفت، چون بین سلطان سلیمان و او کدورتی به وجود آمد، به ایران بازگشت. در سال ۹۸۳ ق در کردستان به دست سران سپاه شاه طهماسب دستگیر شد و یک سال بعد در ضمن حبس در مشهد وفات یافت. از وی اشعاری بر جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر(۴۴ -۴۳ /۱)، اعیان الشیعه(۴۷۱ /۳)، تاریخ ادبیات در ایران(۴۹۸ /۵)، تاریخ مفصل ایران(۶۷۰)، تاریخ نظم و نثر(۴۵۳ -۴۵۲)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان(۱۸ -۱۶ /۱)، دایرةالمعارف فارسی(۲۱۵ /۱)، الذریعه(۹۱ /۹)، سخنوران آذربایجان(۳ -۲)، صبح گلشن(۳۴)، عالم آرای عباسی(۷۵ -۷۴، ۶۱ -۶۰ /۱)، فرهنگ سخنوران(۸۴)، لغت‌نامه(ذیل/ القاص)، مجمع الخواص(۲۳)، مجمع الفصحا(۸ /۱).

الله اکبری، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد الله اکبری

محل تولد : بند قراء

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه کاشمر شدم. در مهر سال ۱۳۵۹به حوزه علمیه یزد رفتم و پس از سه سال تحصیل در آنجا و

خواندن دروس مقدمات و معالم و مختصر المعانی، سال ۱۳۶۲ در مهرماه وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه الهادی مرحوم آیهٔ الله گلپایگانی مشغول به تحصیل شدم و به ترتیب دروس فقه و اصول را در حوزه قم خواندم.

در سال ۱۳۶۷درس خارج را شروع کردم. درس های فقه و اصول را نزد آقایان نکونام، مدنی، کریمی، نظری، میانجی، عندلیب شیرازی، اعتمادی و بنی فضل و ستوده خواندم. درس خارج اصول را نخست در درس خارج اصول آیهٔ الله صانعی حاضر شدم و سپس درس خارج اصول آیهٔ الله سبحانی و درس خارج فقه را نزد آیهٔ الله مکارم شیرازی حاضر می شدم.

در سال ۱۳۶۸ از طریق کنکور سراسری در دانشکده الهیات دانشگاه تهران قبول شدم و هر هفته دو روز به تهران می رفتم تا در سال ۱۳۷۲لیسانس تاریخ تمدن ملل اسلامی را گرفتم و همان سال فوق لیسانس همان رشته را قبول شدم و در شهریور ۱۳۷۵از این سطح فارغ التحصیل شدم و همان سال در همان رشته و همان دانشکده دکتری قبول شدم که مع الاسف هنوز رساله دکتری را دفاع نکرده ام. از سال ۱۳۷۴ همزمان با تحصیل در معاونت فرهنگی دفتر تبلیغات واحد پژوهش به پژوهش مشغول شدم و مدت دو سال هم مدیر این واحد بودم از سال ۱۳۷۸ با قسمت دائرهٔ المعارف قرآن کریم دفتر تبلیغات همکاری می کردم تا سال۱۳۸۲.

از سال ۱۳۸۰در واحد سیره و تاریخ اهل بیت سیره دفتر تبلیغات همکاری را شروع کردم و دو سال مدیر گروه سیره اهل بیت (ع) بودم تا سال ۱۳۸۲.و تاکنون هم عضو شورای پژوهش این واحد هستم.

از سال ۱۳۷۹ تدریس در مرکز جهانی علوم را آغاز کردم و سال ۱۳۸۱ جزء هیأت علمی آن مرکز شدم و از اسفند سال ۱۳۸۲ تا کنون معاون پژوهش مدرسه عالی امام خمینی (ره) از مدارس تحت پوشش این مرکز هستم و فعالیتم ادامه دارد. در مراکزی مانند مرکز جهانی، مرکز مهدویت، مؤسسه امام خمینی(ره)، باقر العلوم(ع)، مرکز تخصصی تاریخ اسلام حوزه علمیه قم، دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد تدریس داشته‌ام.

الله بداشتی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی الله بداشتی

محل تولد : نوشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۷/۱

زندگینامه علمی

اخذ دیپلم ریاضی: ۱۳۵۶

اخذ فوق دیپلم ریاضی: خرداد ۱۳۵۸

شروع به تدریس ریاضی: مهرماه ۱۳۵۸

شروع به تحصیلات در رشته دبیری الهیات دانشگاه تهران: نیمه دوم ۱۳۶۳

فراغت از تحصیل در رشته دبیری الهیات دانشگاه تهران: خرداد ۱۳۶۸

شروع به تحصیل در رشته کارشناسی ارشد فلسفه: مهر ماه ۱۳۶۸

فراغت از تحصیل کارشناسی ارشد: ۱۳۷۱

شروع به فعالیت علمی در دانشگاه قم: ۱۳۷۱ تاکنون

شروع به تحصیل دوره دکتری ۱۳۷۸.

فراغت از دوره دکتری ۱۳۸۲.

مدیر گروه فلسفه: ۱۳۸۱ تاکنون

شروع به تحصیلات حوزوی آزاد: ۱۳۵۸

شروع به تحصیلات در حوزه همزمان با تحصیلات دانشگاهی: ۱۳۶۴ (که تاکنون گاه پیوسته و گاه گسسته ادامه دارد.)

الماسی شمس‌آبادی، محمدتقی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۵۹ -۱۰۸۹ ق)، عالم امامیه. مشهور به میرزا تقی الماسی. از مشاهیر علمای خاندان مجلسی بود. علت اشتهار او به الماسی از آن جهت است که پدر وی قطعه‌ی الماسی به ارزش هفت هزار تومان بر ضریح مطهر امیرالمؤمنین(ع) نصب کرده بود. الماسی از جد مادری خویش علامه مجلسی دوم حدیث روایت می‌کرده است. از شاگردان وی آقامحمد بیدآبادی عارف و فیلسوف شهیر است. در اصفهان درگذشت و در مسجد جامع عتیق اصفهان، در مقبره‌ی مجلسی دفن شد. از آثار باقی مانده از وی: «بهجهٔ الاولیاء»، به فارسی، در ذکر کسانی که در زمان غیبت به شرف تشرف به خدمت صاحب‌الزمان(عج) مشرف شده‌اند؛ «الرسائل الکثیرهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه(۱۹۷ /۹)، الذریعه(۲۵۴ /۱۰ ،۱۶۰ /۳)، ریحانه(۱۶۹ /۱)، طبقات اعلام الشیعه(قرن ۱۱۶ /۱۲)، لغت‌نامه(ذیل/ الماسی).

الماسی، علی‌محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: علامه طباطبائی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

الماسی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ماشینهای کشاورزی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته کشاورزی گرمسیری از دانشکده کشاورزی دانشگاه اهواز، کارشناسی ارشد و دستیار بخش مکانیزاسیون کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه آمریکائی بیروت در رشته مکانیزاسیون کشاورزی، دکترا در رشته مهندسی کشاورزی از دانشگاه ردینگ انگلستان.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

کاربرد و مدیریت ماشین در کشاورزی، کنترل آلودگی در کاربرد موتور، ماشین‌های برداشت نیشکر، بررسی مواد ساختمانی و طراحی ماشین‌های کشاورزی، تدریس در دانشگاههای ایران به مدت ۲۰ سال، عضویت در فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران شاخه کشاورزی، ارائه مقاله در سمینارهای داخلی و خارجی، استاد راهنمای ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

کشاورزی، ماشین‌های تسطیح اراضی کشاورزی و مدیریت ماشین‌های مزرعه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

ماشین و مکانیزاسیون کشاورزی، منابع انرژی غیر فسیلی و بهره‌برداری از آنها، مهندسی کشاورزی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

الماسی، نجادعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حقوق خصوصی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

النور، حلیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حلیم النور

محل تولد : عراق

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید حلیم النور طلبه عراقی در سال ۱۳۷۱ به ایران آمده و در حوزه مشغول به تحصیل علوم حوزوی و دینی شدم. فعالیت تبلیغی خود را از سال ۱۳۷۳ شروع و ابتدا به مناطق فقیر و مستضعف خوزستان عازم شدم.

در سال ۱۳۷۷ اولین سفر تبلیغی خود را به خارج از کشور شروع نموده و به سوریه عازم شدم و به مدت ۳ سال هم به لبنان برای تبلیغ دین در ایام محرم و صفر و رمضان عزیمت نمودم. در سال ۱۳۸۱ به مدت ۴ سال به لطف خداوند و نظر بقیه الله الاعظم و ائمه اطهار علیهم السلام به آفریقا (کنگو) رفتم. و در این سالها تجارب خوبی کسب نمودم و مثمر ثمر برای آن کشورها بودم.

ناگفته نماند که به همت و یاری دوستان و محبان اهلبیت علیهم السلام توانستم مدرسه ای برای ترویج و تبلیغ اسلام و اصول اعتقادی و اخلاقی و دینی پایه ریزی نمایم که فعلا در دست اجرا می باشد و هم اکنون مشغول تحقیق در کتب تاریخ اسلام می باشم.

الوانی قمی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، نقاش و شاعر، متخلص به الوانی. هنرمند دوره‌ی صفوی و اهل تبریز بود که اجداد وی از شهر قم به تبریز آمده و در آن ولایت ساکن گشته‌اند. او در رمالی و طالع‌بینی و معرفت اسطرلاب نیز دست داشت و در شعر و شاعری شیرین کلام بود. شاه قولی شاگرد آقا میرک بود و در عمده‌ی آثار خود شیوه‌ی استاد را برگزیده و در کمال بصیرت و آراستگی از عهده‌ی انجام آن برآمده است. تاریخ تولد و درگذشت وی مکتوم است و آنچه از قراین برمی‌آید، شاه قولی در قرن دهم، در دیار عثمانی شهره بوده است. از آثار وی: تصویر اژدهایی با هیبت و استحکام کم‌نظیر در شیوه‌ی میرک که استادانه است و به خط نستعلیق رقم «عمل شاه قولی علی طریق المشق» دارد؛ تصویر پرندگان گوناگون که با چرخش استادانه‌ی مخصوص در کمال قدرت رسم شده و در حواشی نیز تصاویر و آرایش اسلیمی به طریق آثار میرک نقش شده و رقم «شاه قولی» دارد؛ تصویر فرشته‌ی خوش حالت بالداری که در حقیقت حامل آب حیات است و برای تقدیم آن به یک مرد روحانی در حال پرواز است و رقم «عمل شاه قولی» دارد.[۱]

شاه قلی تبریزی. نقاش معروف ایرانی عهد صفویه (قر. ۱۰ ه.) وی شاگرد آقامیرک نقاش مشهور بود و در دربار سلیمان خان قانونی سلطان عثمانی به نقاشی اشتغال داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار نقاشان (۲۳۹ -۲۳۷ /۱)، تحفه سامی (۳۷۲)، فرهنگ سخنوران (۸۵)، مناقب هنروران (۱۰۵)، هنر عهد تیموریان (۵۷۹).

الوانی، سید مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اداره امور دولتی، دانشکده: حسابداری و مدیریت، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته مدیریت آموزش و پرورش از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد از دانشگاه تهران در رشته علوم اداری، کارشناسی ارشد مدیریت دولتی و دکترای مدیریت دولتی از دانشگاه کالیفرنیای جنوبی آمریکا.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه علامه طباطبائی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی نیازهای کارکنان، طرح بررسی میزان استرس مدیران بخش صنعت، طرح خصوصی‌سازی جزئی در دانشگاهها، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر تعداد زیادی پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مدیریت

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: متعدد، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

مدیریت.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

الوبیگ اردوبادی، عمادالاسلام

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۳ ق)، خطاط. نسب وی به خواجه نصیرالدین محمد می‌رسد. منشی بی‌نظیر و استاد خطوط سته و خط تعلیق بود و طالب کسب علونم و فقه. قاضی اردوباد و آن سرحد و ولایات بود و اوقاف سر کار چهار معصوم(ع) را که نزد مادر شاه سلطان‌محمد بود، به خط رقاع نوشته است. در اواخر عمر به شهر قزوین رفت در خدمت شاه بود تا در همان شهر درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گلستان هنر(۵۱ -۵۰).

الوند شهمیرزادی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، نویسنده، روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۳۱۴.

درگذشت: ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۸، تهران.

احمد الوند عضو اتاق بازرگانی و رییس اداره انتشارات اتاق بزرگانی و صنایع و معادن بود. و در عین حال با مجلات و نشریات از جمله مجله‌های «بامشاد» و «فردوسی» همکاری داشت و در سال‌های ۱۳۴۸ یا ۱۳۴۹ سردبیر مجله «خوشه» بود و تا زمان تعطیلی آن، این نشریه را اداره می‌کرد. الوند شعر می‌گفت و به نویسندگی و به خصوص به طنزنویسی می‌پرداخت. در اکثر اشعار وی رگه‌هایی از طنز دیده می‌شود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

الهام اصفهانی، شریف

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی از نزدیکان میرصبری بود، خاندان او تولیت مزار امامزاده قیس علی واقع در سرحد کنگرمان اصفهان را عهده‌دار بودند. وی از شاعران توانای روزگار خود بود. به هندوستان رفت و سپس به موطن خود بازگشت و بیشتر ایام عمر را در اصفهان گذرانید و در همان شهر بدرود حیات گفت. از اوست:

از خیال عشق دل میل رمیدن می‌کند

حمله بر نقاش این نقش از کشیدن می‌کند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی(۳۴۲)، الذریعه(۹۲ /۹)، صبح گلشن(۳۴)، فرهنگ سخنوران(۸۴)، کاروان هند(۸۷ -۸۶ /۱).

الهام، مرتضی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۲۶ ق)، عالم، خطاط و شاعر، متخلص به الهام. در سی سالگی علوم معقول و منقول را به اتمام رساند وی در فن سپاهیگری یکتا بود. هفت قلم را به خوبی می‌نوشت. پس از مرگ اورنگ زیب، فنون و کمالات خود را به بهادرشاه عرضه کرد که مورد توجه شاه واقع شد. وی در جوانی درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان(۸۹۸ -۸۹۷ /۳).

الهامی کرمانشاهی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۵ -۱۲۵۰ ق)، شاعر، متخلص به الهامی. وی در کرمانشاه متولد گردید. از طفولیت به مدرسه رفت اما به سبب تنگی معیشت، تحصیل را ترک گفت، به گیوه‌دوزی پرداخت. گویند در سی سالگی حضرت سیدالشهداء(ع) را در خواب دید و در پی آن خواب کتاب «باغ فردوس» را به نظم درآورد. از این روی بود که تخلص خود را که ملول بود به الهامی بدل کرد. دیگر اثر روی: «حسن منظر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء(۱۶۴ -۱۶۰)، الذریعه(۱۱۰۱ /۹)، فرهنگ سخنوران(۸۵ -۸۴)، مؤلفین کتب چاپی(۳۵۸ /۱).

الهامی، داوود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

داوود فرزند مرحوم آقا فتح‌اللَّه الهامی از افاضل و دانشمندان و نویسندگان حوزه علمیه قم و مدیران مجله وزین (مکتب اسلام) می‌باشند. وی در تاریخ ۱۳۱۶ شمسی در شهرستان آذرشهر آذربایجان متولد شده و در سنین چهار سالگی پدر را از دست داده و در تحت سرپرستی مادر مومنه‌اش پرورش یافته و با درد یتیمی و تحمل مشکلات فراوان دوران کودکی را گذرانیده و کلاسهای ابتدائی و متوسطه و مقداری از نحو و صرف و ادبیات عربی را در محل خوانده و در سال ۱۳۳۵ شمسی وارد حوزه تبریز شده و مقداری از دروس حوزه را در مدرسه طالبیه به پایان رسانیده و در سال ۱۳۳۸ شمسی در عصر آیت‌اللَّه العظمی بروجردی وارد حوزه علمیه قم گردیده و سطوح عالیه را نزد اساتید معروف حوزه خوانده و از درس خارج مراجع بزرگ وقت فقها و اصولا استفاده کرده و دوره پنجساله دارالتبلیغ اسلامی را نیز به پایان رسانده و مدت پنج سال مدیریت آموزش آن مؤسسه را به عهده داشته و به وسیله همان نوشته‌ها با قلم و نوشتن آشنا شده و از میان محصلین آنجا به هیئت تحریریه مجله مکتب اسلام انتخاب گردیده و از سال ۱۲ مجله مزبور با آن موسسه همکاری نموده و اخیرا نیز مدیر داخلی آن مجله می‌باشند و تا هشت جلد هم با تفسیر نمونه همکاری داشته‌اند.

آقای الهامی در عصر طاغوت به واسطه فعالیتهای آموزشی اسلامی چندی گرفتار رژیم طاغوتی شده و با تحمل شدایدی روبرو بوده است ولی در عین حال همواره به تألیف کتب سودمندی اشتغال داشته و آثاری گرانقدر از خود به یادگار گذارده است.

اسامی آثار معظم‌له

۱- ایران و اسلام

۲- اسلام دین جهانی و جاودانی

۳- اسلام و حقوق طبیعی انسان

۴- اسلام و تحول زمان

۵- چهره جهاد در اسلام

۶- چهره زردتشت در تاریخ

۷- لقمان مدرس نمونه

۸- روشنفکر و روشنفکرنما

۹- بیداری در میان خفته‌ها (سید جمال‌الدین)

۱۰- سلمان نخستین مسلمان ایرانی

۱۱- مبانی حکومت اسلامی در دو جلد (ترجمه و نگارش)

۱۲- او خواهد آمد با همکاری آقای مهدی‌پور

۱۳- مقدمه و تحقیق و تصحیح تحفه‌الاخیار ملامحمد طاهر قمی

آثار و تألیفات مخطوط ایشان

۱- صوفیان (تحقیق وسیع درباره‌ی تصوف).

۲- تاریخ انقلاب اخیر ایران.

۳- وهابیت آل سعود در دو جلد.

۴- اسلام و شفاعت.

۵- تاریخ تشیع در دو جلد.

نگارنده گوید: آقای الهامی از فضلاء و نویسندگان و روشنفکران حوزه علمیه قم و دارای محامد آداب و مکارم اخلاق و ملکات فاضله اخلاقی می‌باشد از خداوند توفیقات ایشان و امثال ایشان را خواهانم که با قلم و افکار روشن خود و اقرانی چون دانشمند گرانقدر آقای علی‌اکبر مهدی‌پور و دیگران به فرهنگ اسلام و مکتب اسلام خدمت کرده و می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

الهی ابهری اردبیلی، کمال‌الدین حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۰ ق)، عالم و شاعر، متخلص به الهی. در جوانی از اصحاب سلطان حیدر صفوی نبیره‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی و سپس شاه اسماعیل بود و همچنین از شاگردان جلال‌الدین دوانی، امیر غیاث‌الدین دشتکی شیرازی و امیر جمال‌الدین عطاءاللّه بن فضل‌اللّه حسینی بود. در ۸۹۲ ق از دوانی اجازه‌ی روایت گرفت. مدتی در هرات ندیم امیر علیشیر نوایی و غریب میرزا، پسر سلطان‌حسین بایقرا بود. پس از مرگ سلطان حسین به عراق رفت و از آنجا به آذربایجان بازگشت و در اردبیل در بقعه‌ی شیخ صفی‌الدین به تدریس پرداخت تا در همان جا درگذشت. وی اولین کسی است که در شرعیات بنا بر مذهب شیعه به فارسی کتاب نوشت. الهی صاحب بیش از سی کتاب و رساله به فارسی، عربی و ترکی است. او به اقسام مختلف شعر می گفت. از آثارش: شرح «اثبات الواجب» دوانی؛ «شرح تهذیب الاصول علامه»؛ «شرح اشکال التأسیس سمرقندی»؛ «حاشیه بر تحریر اقلیدس»؛ «حاشیه بر بیست باب خواجه نصیرالدین طوسی»؛ «حاشیه بر شرح چغمینی»؛ «منهج الفصاحه»، شرحی بر «نهج‌البلاغه» به فارسی به نام شاه اسماعیل؛ «شرح گلشن راز» شیخ محمود شبستری؛ «تاج المناقب فی فضائل الائمه»، به فارسی؛ «تفسیر القرآن» در چند جلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه(۴۵۱ /۵)، تاریخ ادبیات در ایران(۱۴۷۲ /۵)، تاریخ نظم و نثر(۶۹۱ -۶۹۰)، تحفه‌ی سامی(۷۸ -۷۷)، تذکره‌ی روز روشن(۷۴)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان(۵۱۱ -۵۰۹، ۲۱ -۱۸ /۱)، روضات الجنات(۳۱۱ -۳۱۰ /۲)، ریاض العلماء(۹۸ /۲)، ریحانه(۱۶۹ -۱۶۸ /۱)، دانشمندان آذربایجان(۴۹ -۴۷)، الذریعه(۱۹۵ /۲۳، ۵۸ /۱۳، ۹۲ /۹، ۱۳۷ /۶، ۷ /۲، ۱۰۴ /۱)، سخنوران آذربایجان(۷ -۴)، لغت‌نامه(ذیل/ الهی و حسین)، معجم المؤلفین(۱۴ /۴)، هدیهٔ العارفین(۳۱۸ /۱).

الهی اسدآبادی، عمادالدین محمود

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۶۴ ق)، شاعر. معروف به میراللهی. اغلب تذکره‌نویسان مولدش را اسدآباد همدان می‌دانند، ولی واله داغستانی و مؤلف «عرفات» او را سعدآبادی می‌خوانند. در شیراز دانش را فراگرفت و پس از آن به اصفهان سفر کرد و مدت چند سال با شاعران اصفهانی در قهوه‌خانه‌اش معاشر بود در حدود سال ۱۰۲۱ ق به هند رفت و مدتی ملازم حاکم قندهار و کابل شد. پس از آن به اگره رفت و در سلک ملازمان ظفرخان قرار گرفت و با شاعران دربار شاه جهان چون قدسی مشهدی دوستی داشت. به همراه ظفرخان به کشمیر رفت و در همان جا درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر که حدود پنج هزار بیت دارد، قصاید آن در منقبت ائمه اطهار (ع) و مدح شاه جهان و ارکان دولت است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن سرایان همدان (۲۲۶ -۲۲۲ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۹۲ -۱۱۸۳ /۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۵۲۴ -۵۱۸۹ /۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۵۶ -۲۵۵)، الذریعه (۹۳ /۹)، ریحانه (۱۶۹ /۱)، فرهنگ سخنوران (۸۶)، کاروان هند (۱۰۴ -۹۴ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ الهی).

الهی بهاروند، سکندرامان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی جامعه‌شناسی از دانشگاه مورکان آمریکا در سال ۱۳۴۷، کارشناسی ارشد انسان‌شناسی از دانشگاه مریلند آمریکا در سال ۱۳۵۰، دکترا در رشته انسان‌شناسی از دانشگاه رایس آمریکا در سال ۱۳۵۳.

مرتبه علمی:

تدریس و پژوهش در دانشگاه شیراز از سال ۱۳۵۳ تاکنون، استاد مدعو در دانشگاههای هاروارد، برگن نروژ در طی سالهای متمادی، پژوهشگر مدعو دانشگاه آرهوس دانمارک و دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مهاجرت از روستا به شهر، توسعه، فولکلور و زبان، روستاشناسی، تغییرات فرهنگی، عشایر، قوم‌شناسی، تاریخ جامعه‌شناسی روستائی، جامعه‌شناسی عشایری، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی تألیفات:

انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی تاریخی، جغرافیائی، فولکلور و زبان، فرهنگ‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

قوم‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخی، بوم‌شناسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

الهی خراسانی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر الهی خراسانی

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۱/۱/۱

حجت الاسلام علی اکبر الهی خراسانی درسال ۱۳۲۱ در نیشابور به دنیا آمد.وی تحصیلات خود را در حوزه علمیه نیشابور آغاز کرد و پس از عزیمت به مشهد و کسب معلومات حوزوی ،د رسال ۱۳۴۴ موفق به اخذ گواهینامهٔ مدرّسی علوم منقول از تهران شد و در سال ۱۳۵۲ به دریافت دانشنامهٔ کارشناسی در رشتهٔ فقه و مبانی حقوق اسلامی از دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی مشهد موفق گردید؛ و این در حالی بود که دو سال پیشتر، اجازهٔ اجتهاد را از بعضی اساتید و از وزارت علوم و آموزش عالی دریافت داشته بود.نامبرده در حال حاضر علاوه بر مدیریت بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مدیر گروه فقه و اصول بنیاد، عضو هیأت امنا و شورای آموزشی دانشگاه علوم اسلامی رضویی می باشد. کتاب" منتهی المطلب فی تحقیق المذهب"علی اکبر الهی خراسانی ، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیتحصیلات رسمی و حرفه ای : علی اکبر الهی خراسانی در سال ۱۳۳۵ برای تحصیل علوم دینی وارد مدرسهٔ علمیه گلشن نیشابور شد. و سال بعد برای ادامهٔ تحصیل به مشهد عزیمت کرد و پس از چند سال موفق به اخذ اجازهٔ کتبی نقل حدیث از بزرگان علما نظیر مرحوم آیت ا... مرعشی نجفی شد و اجازهٔ تصدی امور حسبیه از ناحیهٔ برخی از مراجع به وی اعطا گردید. د رسال ۱۳۴۴ موفق به اخذ گواهینامهٔ مدرّسی علوم منقول از تهران شد و در سال ۱۳۵۲ به دریافت دانشنامهٔ کارشناسی در رشتهٔ فقه و مبانی حقوق اسلامی از دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی مشهد موفق گردید؛ و این در حالی بود که دو سال پیشتر، اجازهٔ اجتهاد را از بعضی اساتید و از وزارت علوم و آموزش عالی دریافت داشته بود. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی اکبر الهی خراسانی در حال حاضر علاوه بر مدیریت بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مدیر گروه فقه و اصول بنیاد، عضو هیأت امنا و شورای آموزشی دانشگاه علوم اسلامی رضویی، عضو هیأت تحریریه و هیأت مدیره مجله مشکوهٔ، عضو شورای فرهنگ عمومی استان و در عین حال مدرّس حوزه و دانشگاه می باشد.فعالیتهای آموزشی : حجت الاسلام الهی خراسانی از سال ۱۳۶۴ به مدت هفت سال دروس علوم قرآنی، فقه و اصول، آیات الاحکام و تفسیر تخصصی را در دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد تدریس کرده است. اکنون چهار سال است که به تدریس علوم قرآنی و تفسیر برای طلّاب خارجی دانشگاه علوم اسلامی رضوی اشتغال دارد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : علی اکبر الهی خراسانی در سال ۱۳۴۲ نخستین صندوق قرض الحسنهٔ ایران را در حوزهٔ علمیه مشهد و پس از آن کتابخانهٔ مجهز رضوی و فروشگاه تعاونی طلّاب را تأسیس کرد. در سال ۱۳۶۳ در پی ریزی و راه اندازی بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی با مسؤولان آستان قدس و اساتید حوزه و دانشگاه مشهد، همفکری و همکاری داشت و از بدو تأسیس این بنیاد، به عنوان عضو هیأت مدیره و مدیر عامل آن منصوب شد.جوائز و نشانها : کتاب" منتهی المطلب فی تحقیق المذهب"علی اکبر الهی خراسانی ، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.همچنین وی مصحح کتاب «سفینهٔالبحار و مدینهٔالحکم والآثار» بود که این کتاب هم در دوره پانزدهم به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی انتخاب شد.چگونگی عرضه آثار : الهی خراسانی علاوه بر نگارش مقالات و کتابهای متعدد در تعدادی از کنگره ها و سمینارهای علمی بین المللی، از جمله کنگرهٔ بزرگداشت سعدی در هندوستان، کنگرهٔ هزارهٔ شریف رضی، کنگرهٔ شیخ مفید، کنفرانس اندیشه اسلامی، کنگرهٔ جهانی امام جعفر صادق علیه السلام در دمشق، کنگرهٔ نهج البلاغه، مجمع جهانی اهل البیت(ع)، مجمع تقریب بین المذاهب اسلامی، مجمع بررسیهای اقتصاد اسلامی و کنگرهٔ جهانی امام رضا علیه السلام و ... شرکت جسته وبعضاً سخنانی ایراد کرده است. به چند عنوان از مقالات و سخنرانی های وی اشاره می شود: ۱. کتابنامهٔ امام رضا علیه السلام، کنگرهٔ جهانی امام رضا (ع)، ۱۳۶۳. ۲. المسائل العکبریهٔ، للشیخ المفید (تصحیح و تحقیق)، کنگرهٔ هزارهٔ شیخ مفید، ۱۳۷۱؛ دارالمفید، بیروت۱۳۷۳. ۳. مکانهٔ السنهٔ المطهرهٔ فی التشریع الاسلامی، مجلهٔ الارشاد، شماره های ۱ تا ۶، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ ق. ۴. حجهٔالحق شیخ محمدتقی ادیب نیشابوری، ویژگیها و خاطرات، مجله کیهان فرهنگی، شماره ۹، آذر ماه ۱۳۶۳؛ یادنامهٔ ادیب نیشابوری، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا، ۱۳۶۵. ۵. شناخت و پرورش تحقیق در نهج البلاغه ، کنگرهٔ نهج البلاغه، ۱۳۷۱. آثار : ۱ الدروس

الشرعیه، تألیف شهید ثانی (اشراف بر تصحیح و تحقیق) ویژگی اثر : بنیاد پژوهشهای اسلامی، در دست انتشار.۲ الرسالهٔ العزیزهٔ فی الوجیزهٔ، تـألیف مرحوم محـدّث قمی، (تصـحیح و تحقیق) ویژگی اثر : در دست انتشار.۳ المسائل العکربهٔ، شـیخ المفید ویژگی اثر : (تصـحیح و تحقیـق)، کنگره هزار ?شـیخ مفیـد، ۱۳۷۱؛ دارالمفیـد، بیروت ۱۳۷۳۴ تـاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعـاجم، تـألیف شهفورالفراینی، (تصـحیح و تحقیق، با همکاری) ویژگی اثر : در دست انتشار۵ سفینهٔالبحار، تألیف مرحوم شیخ عباس قمی (اشراف بر تصـحیح و تحقیق) ویژگی اثر : بنیاد پژوهشـهای اسلامی، تصحیح،این کتاب در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنـگ و ارشـاد اسـلامی معرفی و برگزیـده شـده است. آشـنایی بـا کتاب: «سـفینهٔالبحار و مدینـهٔالحکم والآثار»: بحارالانوار مهمترین دایرهٔالمعارف علوم شیعی است، و از زمان تألیف تاکنون همیشه مورد توجه و استقبال دانش پژوهان بوده است. نیاز این کتاب ۱۱۰ جلدی به فهرست بر کسـی پوشیده نیست. مهمترین فهرست موضوعی این کتاب، اثر حاضـر است. مرحوم حاج شیـخ عبـاس قمی، کتـاب را برحسب حروف تهجّی مرتـب سـاخته اسـت. وی در مقـدم ?کتـاب، روش خـود را توضـیح داده، ذیل هرعنوان به آیـات و روایات و گاهی توضـیح و تفسیر پرداخته است و هم ?آنها را با حروف ابجـد به مجلـدات مختلف بحار ارجاع داده است و در موارد بسیاری نیز خود، افزون بر مطالب علام ?مجلسی نکات بدیعی ذکر کرده است. تصحیح جدید کتاب براساس نسـخ ?خطی مؤلّف انجام شـده است و چون مرحوم محـدث قمی همیشه با حروف ابجد و به مجلدات چاپ کمپانی ارجاع می دهد که اسـتفاده از آن مشـکل است و این امر با هدف اصـلی فهرست نویسی منافات دارد، محققان محترم کتاب با حفظ رمزهایی که از طرف مؤلّف نوشته شده، تمام آنها را با عدد به مجلدات چاپ جدید بحارالانوار ارجاع داده اند. ضمناً با پانوشتهای سودمند آنچه را مؤلّف از کتابهای مختلف نقل کرده است به همان منابع ارجاع داده انـد. مقدم ?مفصل کتاب نیز بر امتیاز این تصـحیح افزوده است. ۶ منتهی المطلب، تألیف علامه حلّی (اشـراف بر تصـحیح و تحقیق) ویژگی اثر : سه جلد این کتاب از سوی بنیاد پژوهشهای اسلامی انتشـار یـافته، سـایر مجلـات در دست چـاپ است.این کتـاب در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسـلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنـگ و ارشـاد اسـلامی معرفی و برگزیـده شـده است.آشـنایی بـا کتاب: «منتهی المطلب فی تحقیق المـذهب»: منتهی المطلب فی تحقیق المذهب؛ علام ?حلّی؛ تحقیق گروه فقه بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۱۲ هـ . ق. ۲ج. کتـاب « منتهی المطلب فی تحقیـق المـذهب» یکی از منـابع مهـم فقه شـیعه در زمین ?فقه مقـارن (فقه تطبیقی) است. امروزه، پرداختن به این زمین ?فقهی در بین مذاهب اسـلامی یک ضرورت است که تدریس آن در حوزه ها و دانشگاهها نیز هرچه بیشتر، حس می شود. از امتیازات این کتاب: مقدم ?تحلیلی خوب؛ آیات، احادیث، اقوال و آراء استخراج شده؛ توضیح لغات و واژه های دشوار؛ شرح حال موجز اعلام و روات کتاب در پا نوشتها، و توضیح هرچند مختصر در مورد برخی فِرق است.

الهی خراسانی، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجتبی الهی خراسانی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای مجتبی الهی خراسانی در سال ۱۳۵۰هجری شمسی در خانواده ای متدین و مذهبی در شهر مشهد مقدس دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه مشهد مقدس گردید.

از نخسـتین روزهـای ورود به حوزه علمیه بـا تلاش و کوشـش فراوان به تحصـیل پرداخت و ضـمن انس بـا آسـتان ملکوتی علی بن موسـی الرضـا (ع) نزد بزرگان آن دیار همچون شـیخ مهـدی مروارپـد تلمـذ کرد. ایشان در زندگی سراسـر علمی خود جز به تبلیغ و کلاس و درس و قلم و کتـاب و تحقیـق و نگـارش و تـألیف به چیز دیگری نیاندیشـیده است که مقالات" بـداء "و تصـحیح" اسوه تقوی "و... از جمله آثار ایشان است.

الهی دوست، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید الهی دوست

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حمید الهی دوست دروس ابتدائی و راهنمائی و دبیرستان را تا سال ۱۳۶۰ هجری شمسی گذراندم و در همین سال موفق به اخذ دیپلم ریاضی از دبیرستان ادب اصفهان شدم. روز نیمه شعبان همین سال که برای شرکت در مجالس جشن میلاد حضرت بقیةالله اعظم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از خانه خارج شدم به مدرسه میرزا حسین اصفهانی واقع در خیابان مسجد سید برای شرکت در جشن وارد شدم و با برخی از طلاب حوزه علمیه آشنا شدم و همان جا جرقه طلبه شدن و ورود به سلک روحانیت به ذهنم زد و برخی دروس مقدماتی حوزه را به صورت آزاد با یکی از اساتید همان مدرسه شروع نمودم و سپس بعد از ایام ماه مبارک رمضان در سال ۱۳۶۱ هجری شمسی به صورت رسمی در مدرسه علمیه ذوالفقار ثبت نام نموده تا سال ۱۳۶۹ هجری شمسی تا سطح رسائل و مکاسب را از اساتید آن مدرسه استفاده نمودم.

سپس در شهریور ماه ۱۳۶۹ به اتفاق هم مباحث ارجمندم صدیق گرامی و متقی جناب حجةالاسلام و المسلمین حاج شیخ حیدر بهرمن (حفظه الله تعالی) به شهر مقدس قم و به جوار کریمه اهل بیت (ع) هجرت نمودم و باقیمانده رسائل و مکاسب و سپس کفایه از سطوح عالی حوزوی را تا حدود سال ۱۳۷۱ هجری شمسی در حضور اساتید برجسته قم به پایان بردم.

شرح منظومه مرحوم حاجی سبزواری را در محضر استاد برجسته فلسفه آیت الله حاج شیخ حسین عشانیان (دامت برکاته) تلمذ نمودم و سپس از درس خارج اصول آیت الله العظمی وحید خراسانی (دامت برکاته) و درس خارج فقه و اصول آیت الله العظمی تبریزی قدس سره و خارج فقه آیت الله العظمی سید موسی شبیری زنجانی (دامت برکاته) تا سال ۱۳۸۳ هجری شمسی بهره بردم.

از حدود سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۸۵ نیز دوره تخصصی فقه و اصول را در مدرسه آموزشی و تحقیقاتی حضرت بقیةالله عجل الله تعالی فرجه الشریف که به ریاست استاد معظم و بزرگوار آیت الله شیخ محمد مهدی شب زنده دار (دامت برکاته العالیه) اداره می شود گذراندم و از اساتید برجسته آن مرکز علمی نیز بهره فراوان بردم.

از همان اوائل طلبگی علاقه به مباحث کلامی و تفسیری داشتم علاقه من به این دو رشته همزمان با تلمذ در محضر آیت الله سید حسن امامی (دام ظله) شروع و سپس در قم مقدسه با شرکت در درس تفسیر حضرت آیت الله شیخ عبدالله جوادی آملی (دامت برکاته العالیه) و سپس مباحثه و مطالعه و تحقیق درباره این دو موضوع ادامه یافت. سپس در سال ۱۳۸۵ به وطن خود اصفهان برگشتم و اکنون در حوزه علمیه اصفهان به تدریس تفسیر، فقه، اصول و رجال اشتغال دارم و خداوند متعال را بر همه نعمتهای ظاهر و باطنه و معنوی و مادی اش شاکر و سپاسگزارم.

الهی شیرازی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از آثار او: دعای مشلول جانمازی است با جلد روغنی، سرلوح مرصّع، نسخ کتابت خفی متوسط، با رقم: «حسب الامر... میرزا محمدخان سپهسالار اعظم... محمدحسن الکاتب الالهی الشیرازی فی ۱۲۸۲».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۵۸ /۴).

الهی طباطبایی، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد حسن الهی طباطبایی

ولادت:۱۳۲۵ق.

محل ولادت: تبریز

وفات:۱۳۸۸ق

محل دفن :قم

محل تحصیل: تبریز ، نجف

اساتید: حضرات سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا محمد حسین نائینی ، سید حسین بادکوبه ای و ....

شاگردان: حسن حسن زاده آملی ، میرزا محمد علی ارتقایی، میرزا موسی تبریزی و ....

تالیفات: رساله ای در علم موسیقی و روابط معنوی روح با صداها (که خود آن را از بین برد).

او از شاگردان مبرز مرحوم سید علی قاضی بود. در سعه صدر و پاکی و حسن خلق زبانزد بود. سیر و سلوک را یک دوران خاص و با اعمال خاصی نیم دانست بلکه آن را در متن همین زندگی عادی تعریف می کرد و زندگی رسول الله (ص) را شاهد این مطلب می آورد. می فرمود: مراقبه یعنی آدم در همین زندگی روزمره غفلت را از خودش دور کند.

ایشان پس از یازده سال اقامت در شهر ساقی کوثر، به دلیل وضع نامناسب معیشتی مجبور شد همراه برادر خویش، علامه طباطبایی ،

به تبریز باز گردد. در تبریز به تدریس فلسفه و تربیت جویندگان کمال پرداخت. ارتباط ایشان با مرحوم قاضی از طریق نامه برقرار بود، عباراتی چون " جعلت فداك " و " عزیز دلم " که آیت الله قاضی در این نامه ها خطاب به آقای الهی به کار می برد گویای عظمت شان ایشان نزد استاد است . استاد سید محمد حسین قاضی می فرماید : با اینکه خود آقا به علامه و برادرش گفته بود که به ایران برگردند اما دوری آن ها برایشان بسیار ناگوار بود و هر وقت یاد آن ها می افتاد گریه می کرد.

زمانی که آیت الله الهی در قم بود ، در مجلس روضه ای که در منزل میرزا تقی زرگری تشکیل می شد ، شرکت می کرد. یک بار بعد از اتمام روضه در سینی مسی برایش چای آورند. او انگشت خود را بر لب گذارد و بعد به سینی مسی زد . سینی تبدیل به طلا شد . بعد فرمود ": ما طلا را می خواهیم چه کنیم؟ "دوباره انگشت بر لب گذاشت و به سینی زد و سینی به حالت اول برگشت ! با وجود چنین قدرت روحی ، زمانی برای پرداخت قرضش به دو هزار تومان احتیاج پیدا کردو چون این مبلغ را نداشت مدتی زندانی شد!

این گفتار علامه طباطبایی مشهور است که می فرمود: من خودم از اخوی استفاده می کنم توصیه همیشگی ایشان هنوز در خاطر اطرافیان است : از حسنات اعمالتان که خیال می کنید حسنه است توبه کنید ، تا چه رسد به معاصی!

سید محمد حسن الهی در سال ۱۳۸۸ هجری قمری درگذشت. شرح احوال ایشان درکتاب الهیه از انتشارات موسسه فرهنگی مطالعاتی شمس الشموس آمده است .

الهی قمشه ای، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین محی الدین الهی قمشه ای فرزند چهارم استاد فقید مهدی الهی قمشه ای و خانم طیبه تربتی در دی ماه ۱۳۱۸ (ژانویه ۱۹۴۰) در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدائی، متوسطه و دانشگاهی را به ترتیب در دبستان دانش، دبیرستان مروی و دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران تا درجه دکتری (Ph.D. In Islamic Philosophy & Theology) به پایان برد و نیز تحصیلات حوزوی و سنتی را نزد پدر، و استادان دیگر دنبال کرد. پدر ایشان فیلسوف، مجتهد، شاعر و مترجم برجسته ای بودند و اولین و معتبر ترین ترجمه فارسی قرآن از کارهای ایشان میباشد. دکتر قمشه ای پس از پایان تحصیلات دانشگاهی به کار تدریس در دانشگاه تهران و سایر مراکز آموزش عالی در داخل و بعد ها خارج از کشور پرداخت و در کنار آن به تالیف و ترجمه در زمینه عرفان و ادبیات و زیبائی شناسی مشغول شد. ایشان دارای همسر و دو فرزند، یک پسر و یک دختر بنامهای شاهد و شادی می باشند. وی همه آموزش های او در ایران صورت گرفته و زبان انگلیسی، عربی، فرانسه و غیره را نیز در ایران آموخته است. استاد قمشه ای، با خستگی ناپذیری تحسین بر انگیزش همواره پیک آشنایی ایرانی و غیر ایرانی با فلسفه و ادبیات غنی عرفانی ایران بوده و در این راستا در دانشگاههاو مراکز علمی فرهنگی بیشماری در ایران و خارج از ایران تدریس و سخنرانی داشته که از آن میان میتوان تدریس فلسفه، عرفان، ادبیات، و هنر در دانشگاه تهران و دیگر دانشگاههای ایران و همچنین دانشگاههای لندن، آکسفورد، هاروارد، پرینستن، و برکلی کالیفرنیا را نام برد. دکتر قمشه ای همچنین با هنر هایی چون نقاشی و موسیقی و خوشنویسی از نزدیک آشنایی دارد و گاهگاهی در زمینه خوش نویسی آثاری از او به نمایش گذاشته شده است. ایشان به موسیقی ارادت خاص دارد و آنرا بیش از سایر هنر ها در سخنرانیهای خود ستوده و همگان را به آموختن آن تشویق نموده است. به قول یکی از موسیقیدانان هیچیک از سخنرانیهای دکتر قمشه ای نیست که در آن نکته ای در باره موسیقی نباشد. دکتر قمشه ای از حافظه درخشانی برخوردار است و به نظر می رسد که قرآن را تقریبا از حفظ دارد و با مثنوی و حافظ و نظامی و فردوسی چنان است که گویی دیوان آنها در پیش روی او گشاده است و بخصوص گلشن راز شیخ محمود شبستری تماما در خاطر اوست. وی همچنین در ادبیات انگلیس و عرب نیز می تواند ساعتها از حفظ ، اشعار و قطعاتی را بازگو کند.

الهی قمشه ای، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم ربانی و حکیم متاله استاد میرزا مهدی الهی قمشه‌ای فرزند حکیم و عارف بزرگ میرزا ابوالحسن از دانشمندان به نام و حکماء والامقام و اساتید عظام معاصر تهران بوده‌اند تولد ایشان در حدود ۱۳۲۲ در قمشه اصفهان (شهرضا) واقع شده و در بیت علم و تقوا پرورش و دروس ابتدائی و سطوح نهائی را در فقه و اصول از علماء بزرگ و حکماء قمشه و اصفهان فراگرفته و از آنجا مسافرت به مشهد مقدس نموده و از اساتید خراسان چون مرحوم آقا بزرگ حکیم و آیت‌اللّه حاج آقا حسین قمی و میرزا مهدی اصفهانی و مرحوم آیت‌اللّه برسی و دیگران استفاده نموده آنگاه به تهران عزیمت نموده و در دانشکده الهیات و دانشگاه به تدریس فلسفه و حکمت و سایر علوم پرداخته تا در ربیع‌الثانی ۱۳۹۳ قمری بدرود حیات گفته و جنازه‌اش حمل به قم و در جوار حضرت معصومه (ع) مدفون شده است.

استاد الهی دارای تألیفات ارزنده مرحوم استاد الهی قمشه‌ای در فلسفه و حکمت و دیوان بزرگ هزار صفحه‌ای می‌باشد که شرح حال خود را در صفحه ۳۹۵ دیوانش به نظم آورده که نویسنده عین آن را با بعضی از غزلیاتش تقدیم اهل ذوق و معرفت و پژوهش می‌نمایم باشد که روح پرفتوح آن حکیم ربانی و عارف صمدانی این گنهکار را یاد و دوستانش دعا فرمایند.

آثار گرانقدر مرحوم استاد الهی قمشه‌ای.

۱- ترجمه آزاد و خلاصه‌التفسیر قرآن کریم.

۲- ترجمه آزاد مفاتیح‌الجنان مرحوم حاج شیخ عباس قمی طاب ثراه.

۳- ترجمه و شرح صحیفه سجادیه.

۴- حکمت الهی جلد اول (یک دوره حکمت از امور عامه و طبیعیات و الهیات خاص و بیان نبوت و امامت عامه و خاصه و معاد).

۵- حکمت الهی جلد سوم شرح خصوص حکیم فارابی و شرح خطبه توحیده مولا امیرالمؤمنین و اخلاق علمی و عرفانی صد کلمه از کلمات مولا علی علیه‌السلام.

۶- کلیات دیوان الهی (نغمه الهی – نغمه حسینی- نغمه عشاق).

۷- توحید هوشمندان ترجمه و شرح خصوص فارابی.

(۱۳۹۲ –۱۳۲۰ ق)، حکیم، عالم و شاعر، متخلص به الهی. در شهرضا (قمشه) متولد شد. مقدمات علوم فقه و اصول و حکمت را از شیخ‌هادی قمشه‌ای و دیگران آموخت و جهت تکمیل آن به اصفهان رفت و در خدمت آقا شیخ محمدحکیم خراسانی و پس از آن در خراسان در محضر مرحوم آقابزرگ حکیم مشهدی و آقا شیخ اسداللّٰه یزدی مشغول شد تا در حکمت و فلسفه صاحب‌نظر شد. مدتی نیز در حوزه‌ی درس آیت‌اللّٰه حاج‌آقا حسین قمی و میرزامهدی اصفهانی حاضر گشت. سپس به تهران آمد و در مدرسه‌ی عالی سپهسالار به تدریس حکمت و فلسفه پرداخت. همچنین به سمت استاد زبان عربی در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران و استاد فلسفه در دانشکده‌ی الهیات (معقول و منقول)، تدریس کرد. وی در تهران وفات یافت و در قم، در جوار حضرت معصومه (ع)، به خاک سپرده شد. از آثار منثور وی: «رساله‌ای در فلسفه‌ی کلی»؛ «شرح رساله‌ی حکیم فارابی»؛ «رساله‌ای در سیر و سلوک»؛ حاشیه‌ای بر «مبدأ و معاد» ملاصدرا؛ «رساله‌ای در مراتب ادراک»؛ «رساله‌ای در مراتب عشق». و از آثار منظوم وی: «نغمه‌ی عشاق»؛ «دیوان» شعر؛ «نغمه‌ی حسینی»، که تاریخ بزرگترین شهید اسلام است؛ «نغمه‌ی الهی». و از دیگر آثار او: «ترجمه‌ی قرآن مجید»؛ «ترجمه صحیفه‌ی سجادیه»؛ «ترجمه مفاتیح الجنان»؛ و «تصحیح و تحشیه‌ی تفسیر ابوالفتوح رازی».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

منابع زندگینامه :[۱] تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۵۵ –۵۳)، الذریعه (۱۱۳۵، ۹۲ / ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۳۹ –۳۳۴ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۸۵)، گلزار معانی (۴۵۸ –۴۵۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۶ –۱۰۸ / ۸)، مؤلفین کتب چاپی (۳۷۰ –۳۶۸ / ۶).

الهی منش، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا الهی منش

محل تولد : محلات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۵۸ دیپلم ریاضی و فیزیک گرفتم و بلافاصله وارد حوزه علمیه قم شدم. تمام تحصیلات سطح و بخشی از درس خارج من در مدرسه حقانی (و شهیدین) بوده است.

اساتید اینجانب جناب آقای شب زنده‌دار در منطق، جناب علی آقای قمی و آقای طباطبایی در اصول فقه و معالم و مرحوم آیت الله مصلحی در رسائل و مکاسب و کفایه و بخشی از خارج. اعشاقی، رحمانی، فیاضی و آیت الله مصباح در فلسفه، مرحوم آیت الله تبریزی در فقه خارج و آقای حاج سیدکاظم حائری در فقه و اصول خارج و جناب آیت الله خرازی و استادی و عندلیب در تحقیقات فقهی و اصولی به مدت پنج سال.

در سال ۱۳۷۲ وارد موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) شدم و در رشته کلام جدید (دین‌شناسی) در کارشناسی ارشد مشغول شدم و در ۱۳۵۸ از پایان‌نامه حوزه با عنوان" نقد و ترجمه بخش اسماء و صفات کتاب فلسفه دین پویمن "دفاع نمودم.

در سال ۱۳۸۲ برای ادامه تحصیلات در دکتری کلام جدید (گرایش فلسفه دین) در تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شدم. هم اکنون مشغول تدوین پایان نامه خود تحت عنوان" ساحات وجودی انسان و تأثیرات آنها بر یکدیگر از نگاه قرآن و عرفان شیعی" می‌باشم. اساتید راهنمای مشاور: جناب آقای دکتر محسن جهانگیری و دکتر پازوکی. همچنین به وسیله دکتری و هیئت علمی مرکز عالی ادیان و مذاهب در رشته عرفان و تصوف (گرایش عرفان تطبیقی بین الادیان) می‌باشم.

الهی نژاد، واحد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

واحد الهی نژاد

محل تولد : خرم آباد (بخش پاپی)

شهرت

تابعیت : ایران زندگینامه علمی

واحد الهی نژاد فرزند شمس الله متولد پاپی خرم آباد .وی پس از تحصیلات ابتدایی و راهنمایی در زادگاهش برای ادامه تحصیل به درود لرستان رفت و مدرک دیپلم را گرفت .درسال ۱۳۶۹ ش وارد حوزه علمیه مهدیه علی گودرز شد.پس از دو سال به مدرسه مروی در تهران رفت و در ۱۳۷۵وارد حوزه علمیه قم شد و پس از پایان سطح به مدت ۲سال در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات .محمد فاضل لنکرانی و جعفر سبحانی شرکت کرد .همچنین مدرک کارشناسی فلسفه غرب را از دانشگاه مفید قم دریافت کرد .او همزمان تحصیل در تهران به تدریس در حوزه اشتغال یافت .همچنین در دانشگاه آزاد اسلامی شهر کرد و خرم آباد به تدریس پرداخت .وی از آیت الله سید علی خامنه ای اجازه تصدی امور حسبیه را دارد

الهی نیا، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی الهی نیا دارای مدرک دکتری رشته بیماری شناسی گیاهی (گیاهپزشکی) از دانشگاه سالفورد منچستر انگلستان در سال ۱۳۶۷و هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار پایه ۲۳ دانشگاه گیلان می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیگرایش : بیماری شناسی گیاهیتحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی سید علی الهی نیا به قرار زیر است: دیپلم : دیپلم کشاورزی در سال ۱۳۴۶ و دیپلم طبیعی ۱۳۴۷ کارشناس (لیسانس) : تولید فرآورده های گیاهی (زراعت و باغبانی) سال ۱۳۵۲ دانشگاه شهید چمران اهواز دکتری: بیماری شناسی گیاهی (گیاهپزشکی) از دانشگاه سالفورد منچستر انگلستان سال ۱۳۶۷ مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فعالیتهای اجرائی سید علی الهی نیا به قرار زیر است: سرپرست کتابخانه دانشکده علوم کشاورزی سرپرست واحد زنبورداری نماینده مرکز نشر ستاد انقلاب فرهنگی دردانشگاه گیلان معاون مالی و اداری دانشکده علوم کشاورزی دانشگاه گیلان سرپرست آموزشکده کشاورزی صومعه سرا دردانشگاه گیلان رئیس دانشکده علوم کشارزی دانشگاه گیلان رئیس برگزاری یازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران مدیر کل تحصیلات تکمیلی دانشگاه گیلان مدیر گروه گیاهپزشکی دانشگاه گیلان رئیس مؤسسه تحقیقات برنج کشور عضو شورای عالی تحقیقات ، آموزش و ترویج کشاورزی ایران عضو ستاد کل برنج کشور ریاست شورای برنامه ریزی تحقیقات برنج کشور مشاور و عضو گروه مشاوران تحقیقاتی سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی ایران مشاور معاون وزیر و رئیس سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی عضو گروه اجرائی تحول بنیادی در ساختار تحقیقات کشاورزی کشور عضو کمیتهٔ علمی بررسی کنندگان مقالات یازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران. عضو کمیته علمی بررسی کنندگان مقالات علمی پنجمین کنگره زراعت و اصلاح نباتات ایران آرا و گرایشهای خاص : زمینه های مورد علاقه سید علی الهی نیا به ترتیب زیر است: بیماری شناسی گیاهی: بماریهای قارچی : بیماریهای ویروسی چگونگی عرضه آثار : – تعداد تحقیقات: ۱۳ مورد – تعداد مقالات انگلیسی: ۸مورد – تعداد مقالات فارسی: ۹ موردآثار : بیماری شناسی گیاهی قارچشناسی و شناخت سایر عوامل بیماریزا در گیاهان ویژگی اثر : تالیف . ۱۳۸۲.دانشگاه گیلان. ۲۰۰۰ نسخه۲ بیماریهای درختان میوه و برخی از گیاهان باغی و روشهای مبارزه با آنها ویژگی اثر : زیر چاپ. .دانشگاه گیلان. ۴۰۰۰ نسخه۳ بیماریهای سبزی و صیفی و روشهای مبارزه با آنها ویژگی اثر : ژیر چاپ. .دانشگاه گیلان. ۴۰۰۰ نسخه۴ بیماریهای گیاهان زراعی و روشهای مبارزه با آنها ویژگی اثر : زیر چاپ. .دانشگاه گیلان. ۴۰۰۰ نسخه۵ قارچ شناسی و بیماریهای گیاهی با اضافهات به ضمیمه اطلس رنگی ویژگی اثر : تالیف. ۱۳۷۷. دانشگاه گیلان .چاپ دوم در ۳۰۰۰ نسخه۶ قارچ شناسی و بیماریهای گیاهی با اضافهات به ضمیمه اطلس رنگی ویژگی اثر : تالیف. ۱۳۷۷. دانشگاه گیلان .چاپ سوم در ۳۵۰۰ نسخه۷ قارچ شناسی و بیماریهای گیاهی مقد ماتی ویژگی اثر : تالیف. ۱۳۷۲. دانشگاه گیلان در ۳۰۰۰ نسخه

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com

الهی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس الهی

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از اخذ دیپلم تجربی در سال ۱۳۸۳ وارد حوزه علمیه شهرستان بابل شدم و پس از مدت کمی تحصیل در حوزه علمیه

روحیه وارد حوزه علمیه قم گردیده و در مدرسه الهادی (ع) شروع به تحصیل کردم و پس از گذراندن دوران مقدماتی و سپس در خارج از مدرسه موفق به گذراندن دوره سطوح عالی حوزه علمیه قم شدم.

حدود ۶ سال در مدارس علمیه قم مانند الهادی (ع) و رضویه و علوی به تدریس ادبیات عرب، تفسیر و علوم قرآنی پرداختم و امتحانات سطوح عالی را با موفقیت گذرانده و ۴ بار مصاحبه خارج فقه و اصول شرکت کردم و پایان نامه ای را تحت عنوان علوم قرآنی در تفسیر المیزان برای اخذ سطح سه یا کارشناسی ارشد نوشته و دو سال و خرده ای پیش دفاع کرده و اصلاحات آن پس از اخذ نمره ۱۷ رو به پایان است.

و برای نوشتن دوره دکتری آماده ام البته پس از تحویل مدرك فوق لیسانس هم اکنون در مدرسه امام (ع) با سابقه سه سال تدریس و در دانشکده علوم قرآنی با سابقه دو سال تدریس و در دانشکده اصول دین و مدرسه عالی بنت الهدی در خدمت طلاب خارجی و دانشجویان ایرانی هستم. و مشغول مطالعه و تحقیق و آماده کردن مقالاتی با عناوین و موضوعات مختلف هستم.

الهی، عیسی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۲۰ ق)، خطاط. به خط وی، یک نسخه «سیر العباد» سنایی در مجموعه‌ی مهدی بیانی موجود است، به قلم کتابت خفی‌خوش، به شیوه‌ی میراز رضا کلهر. از معرفی‌نامه‌ی ابتدای کتاب چنین برمی‌آید که وی در وزارت معارف به منشی‌گری مشغول بوده است. این اثر، با رقم «الرّاجی... عیسی الالهی، فی شهر ذی‌القعده ۱۳۲۰» است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان(۵۴۵ /۲).

الهی، محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج ملاطاهر شهرکی شهرکردی، عالم فاضل زاهد، از شاگردان آقا سید محمود مغنی و آقا سید محمد باقر درچه‌ای و دیگران بوده، در شب شنبه ۱۵ ربیع الثانی سال ۱۳۶۱ وفات یافته، بیرون بقعه مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

الهی، ناصر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصر الهی

محل تولد :

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم به جای تحصیل در دانشگاه، حوزه علمیه قم را انتخاب کردم. دروس مقدماتی را در مدرسه رسالت، رسائل را نزد جناب آقای راستی، مکاسب را خدمت آقای پایانی و بنی فضل و کفایه را خدمت آقای محقق داماد خواندم. از سال ۱۳۶۹ به بعد محضر آیات عظام موسوی اردبیلی و منتظری، وحید و جواد تبریزی به خارج فقه و اصول مشغول شدم.

در سال ۱۳۶۹ همراه با تحصیل در خارج فقه و اصول، به دانشگاه مفید برای تحصیل اقتصاد نظری راه یافتم. تحصیلات در سال تحصیلی ۷۳ ـ ۱۳۷۲ با موفقیت کامل سپری شد و به مقطع کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه تهران راه یافتم. در بهمن سال ۱۳۷۵ پایان نامه کارشناسی ارشد را تحت عنوان" بررسی مبانی نظری دخالت دولت در اقتصاد از دیدگاه مکاتب مختلف با تاکید بر مکتب اسلام "دفاع نمودم. پس از آن به دوره دکتری دانشگاه امام صادق علیه السلام راه یافتم و اقتصاد پولی و بین المللی را گذراندم و از رساله خود تحت عنوان تاثیر جهانی شدن بر همگرایی و یکپارچه سازی حوزه تجاری کشورهای اسلامی (MENA) در اردیبهشت ۸۴ دفاع کردم.

از سال ۱۳۷۶ به عنوان عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانشگاه مفید به تدریس اشتغال دارم. تاکنون مواد درسی زیادی از جمله: ۱. اقتصاد کلان ۱ و ۲ مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد ۲. تجارت بین الملل مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد ۳. مالیه بین الملل مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد ۴. اقتصاد منابع طبیعی کارشناسی ۵. اقتصاد سنجی کارشناسی ۶. تفسیر آیات اقتصادی ۷.

زبان تخصصی را تدریس کرده ام.

سال ۱۳۷۵ مدیریت دفتر برنامه ریزی و خدمات پژوهشـی دانشگاه مفید را بر عهده داشتم و از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۱ معاون پژوهشی و از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ قائم مقام رئیس دانشگاه بودم و اکنون مدیر مرکز مطالعات اقتصادی دانشگاه هستم.

الهی، همایون

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم سیاسی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته علوم سیاسی از ایران، دکترای علوم سیاسی از کشور آلمان غربی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مدرس دروس سیاسـی و اقتصادی، مسائل سیاسی و اقتصادی کشورهای در حال توسعه و علل عقب‌ماندگی و ابزارهای اعمال سلطه بر این کشورها، مطالعه امپریالیسم فرهنگی، طرح تحقیقی آثار سیاسی کمکهای دوجانبه خارجی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۱ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۲ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

علوم سیاسی و مسائل مربوط به آن.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۶، تعداد مقالات بزبان خارجی:–

زمینه علمی مقالات:

علوم سیاسی، مسائل اقتصادی و سیاسی کشورهای در حال توسعه.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

الهیان، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیـخ علی اکبر الهیان در سال ۱۳۰۵ هـ. ق ، در قزوین پا به عرصه ی هستی نهاد. وی مقـدمات را نزد اساتیـد موطن خود فراگرفت. آنگاه جهت کسب تحصیلات عالیه رهسپار حوزه علمیه تهران شدو بعد از مدتی به زادگاهش بازگشت و به فراگیری « عرفان نظری و علوم غریبه » پرداخت. شیـخ علی اکبر به تـدریس و تربیت شاگردانی نیز همت گماشت ، و به تبعیت از استاد و مراد خویش سیـد موسـی ، نهال نجابت علم و عرفان را در تدریس نو عالمان برافراشت. او سرانجام در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی دیده بر جان و جهان فروبست.گروه : علوم انسـانی رشـته : الهیـات و معارف اسـلامی والـدین و انساب : شـیخ علی اکبر الهیان فرزنـد آیت الله حاج شـیخ محمد تنکابنی ، در سال ۱۳۰۵ هـ. ق در خانواده ای اهل علم و فضیلت در قزوین پا به عرصه ی هستی نهاد.خاندان الهیان از علما و بزرگان می‌باشـند و هم‌اکنون در منطقه رامسر به ارشاد و راهنمایی مردم اشتغال دارند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ علی‌اکبر الهیان تنکابنی قزوینی دروس مقدمات ادبیات عرب و فارسی را قزوین در نزد پدر بزرگوار و دانشمندش آموخت و در محضر درس دیگر اساتید آن حوزه حضور یافت. وی در سال ۱۳۲۳ قمری درست یک سال پس از رحلت پدر عازم تهران شد. او که مقدمات را در قزوین به خوبی به پایـان برده بود در تهران نزد اساتیـد آن شـهر سـطوح عالی را فرا گرفت و سـپس برای ادامه تحصـیل به نجف اشـرف عزیمت نمود.در ابتـدای ورودش به معـدن علم و فضیلت مدّت کوتاهی را در محضـر پربار مرحوم آخوند خراسانی صاحب «کفایـهٔالاصول» زانوی شـاگردی بر زمین زد و از فضـل و دانش ایشـان بهره جست. در همـان زمـان و پس از آن با حضور در حلقه درس آیهٔاللّهالعظمی سیـدمحمد کاظم طباطبایی یزدی و دیگر بزرگان آن عصـر، شایسـتگی علمی‌اش را به ثبوت رسانید و به درجه اجتهاد نایل گردید.پس از مدتی به زادگاهش بازگشت و به فراگیری « عرفان نظری و علوم غریبه » پرداخت.استادان و مربیان : شیخ علی اکبر الهیـان تنکـابنی قزوینی در قزوین از کلاس درس سیدموسـی زرآبـادی کسب فیض نمود و دریچه هـای عرفان را به روی خویش گشود. وی « عرفان نظری و علوم غریبه » را از این استاد آموخت و دلباخته حالات عرفانی او شد.هم دوره ای ها و همکاران : از همـدوره ایهـای علی اکبر الهیـان تنکـابنی قزوینی می توان به شـیخ مجتبی قزوینی اشاره کرد.همسر و فرزنـدان : شـیخ علی‌اکبر

الهیان تنکابنی قزوینی دارای دو فرزند یکی بنام محمد و دیگری بنام حسن، که هر دو دبیر آموزش و پرورش تهران می‌باشند البته حسن در سال ۱۴۰۲ هجری قمری در هنگام بازگشت از زیارت حضرت رضا (ع) در تصادفی دار فانی را وداع گفتوقایع میانسالی : علامه حاج شیخ عبدالحسین لاهیجی ساکن لاهیجان نقل می‌کند: از مرحوم الهیان شنیدم که فرمود: تمام هوی و هوسها را از خود دور کردم و هیچ آمالی در من وجود ندارد. و نیز نقل نمود: حدود سال ۱۳۷۰ قمری نامبرده یک شب تابستان با عده‌ای از ارادتمندان آن جناب در منزل ما بودند. آن شب در اتاق کک زیاد بود به حدّی که همه را ناراحت می‌کرد. یکی از دوستان ککی را با دست کشت. مرحوم الهیان متغیّر شد و فرمود: چرا این حیوان را می‌کشید؟ بگویید. برود – لحظاتی نگذشت که تمام ککها از اتاق خارج شدند، و مدتها در آن اتاق کک مشاهده نگردید.زمان و علت فوت : مرحوم علی اکبر الهیان تنکابنی قزوینی همان طور که گذشت همیشه در سفر بود و در سال اخیر بیشتر اوقات را در طالقان می‌گذرانید تا در اوایل زمستان ۱۳۳۹ خورشیدی بیمار شد و بیماری ایشان شدت یافت(۳) و در بیمارستان دکتر هشترودی تهران بستری گردید و در روز سه‌شنبه سیزدهم بهمن ماه ۱۳۳۹ خورشیدی سال ۱۳۸۰ قمری بدرود حیات گفت جنازه‌اش به قم حمل شد و مرحوم آیهٔاللّهالعظمی بروجردی(ره) بر ایشان نماز گذارد (و گویا این آخرین نماز میّت ایشان بود که بجا آورد) و در قبرستان «وادی‌السلام خاکفرج» به خاک سپرده شد.شیخ محمدتقی نحوی که اکثر اوقات خدمت آن مرحوم می‌رسید از قول یکی از اخیار تهران که در لحظات آخر حیات آن مرحوم نزدش حاضر بوده است نقل می‌کند که چند لحظه قبل از وفات، ایشان به من فرمودند: زیر بغلم را بگیرید تا بنشینم. او را نشاندیم، متوجه شدیم آن مرحوم پاها را جمع کرده و مؤدب نشسته و به یک نقطه معینی نگاه می‌کنند و لبان را تکان می‌دهد، گویا با کسی صحبت می‌کند، سپس پا را دراز نموده و خوابید و به رحمت ایزدی پیوست، در همین حال بوی عطری بسیار عالی به مشام ما رسید.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی اکبر الهیان تنکابنی قزوینی چون استادش سیدموسی زرآبادی هیچگاه شانه از تکالیف سیاسی و اجتماعی خالی نمی‌کردند و همیشه در مبارزه با ظلم و ستم در دو میدان جهاد نفسانی و جهاد بیرونی پیشقدم بودند.فعالیتهای آموزشی : شیخ علی‌اکبر الهیان تنکابنی قزوینی پس از بهره‌گیری از حوزه نجف اشرف و علمای آن سامان و درک مقام اجتهاد در حدود سال ۱۳۳۵ قمری به قزوین مراجعت نمود و در آنجا به تدریس و تربیت طلاب علوم دینی پرداخت. ، و به تبعیت از استاد و مراد خویش سید موسی ، نهال نجابت علم و عرفان را در تدریس نو عالمان برافراشت. همیشه در حالت سفر بود، گاه به مشهد مقدس مشرف می‌گشت و بر خواهرزاده خود مرحوم شیخ مجتبی قزوینی وارد می‌شد و گاه در حجره‌ای در مدرسه نواب اقامت می‌گزید و به زیارت و عبادت مشغول می‌شد و همواره در شهرهای قزوین، رامسر، رشت، طالقان، تهران، آستانه و مشهد در تردد بود. وی هر جا می‌رفت به تدریس و تربیت و تهذیب طلاب علوم دینی می‌پرداخت. در طول دوران زندگی هرگز دلبستگی به دنیا پیدا نکرد و هیچگاه خانه‌ای تهیه ننمود. با زندگی بسیار ساده و بی‌آلایش عمر را سپری می‌ساخت. با وجودی که هزاران تومان وجوهات به او داده می‌شد با این حال هرگز در آن وجوه تصرف نمی‌نمود و در دوران زعامت آیهٔللّهالعظمی بروجردی(ره) هم وجوهات را به ایشان می‌داد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شیخ علی اکبر الهیان در همین زمان با حضور در خدمت اعجوبه دوران، عالم ربانی و متأله قرآنی حضرت سیدموسی زرآبادی (متوفی سال ۱۳۵۳ قمری) به تهذیب و تزکیه نفس مشغول گردید. استاد که یکی از بنیانگذاران و استوانه‌های «مکتب تفکیک» بود، در پرورش ایشان و شیخ مجتبی قزوینی تلاش فراوان نمود. مکتب تربیتی سیّد که مکتب توأمان علم و عمل بود بر معرفت و شناخت بر اساس علوم قرآنی خالص و عمل بر طبق موازین دقیق شرعی تأکید داشت. درباره تأثیر اخلاق و کتب علمی و عملی او در پرورش و ساختن روحهای بزرگ، همین بس که شیخ علی‌اکبر الهیان و شیخ مجتبی قزوینی تنکابنی از تربیت‌یافتگان ایشان هستند. شیخ علی‌اکبر الهیان در سال ۱۳۴۵ قمری به رامسر مهاجرت و چندی در آنجا رحل اقامت انداخت. وی پس از مدتی درنگ در آن شهر به قزوین بازگشت و از آن پس همیشه در سفر بسر می‌برد.آثار : ۱ تقریرات درس فقه و اصول میرزای بزرگ شیرازی(ره) ۲ حاشیه بر «عین‌الاصول» ۳ حاشیه بر نجاهٔالعباد ۴ فوائدالعسکریه ۵ مصابیح

الهیان، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجتبی الهیان

محل تولد : رامسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔالاسلام الهیان در سال ۱۳۲۸ در شهرستان رامسر متولد شد. پدر ایشان محمد تقی به کشاورزی اشتغال داشته و همچنین مرجع حل و فصل مشکلات مردم آن سامان به حساب می آمده است. ایشان دوره ابتدایی و دروس مرسوم آن زمان را در رامسر به پایان رساند.

در ۱۵ سالگی وارد حوزه علمیه قم شد و قبل از آن یعنی در سال ۱۳۴۲ همزمان با شروع نهضت امام خمینی (ره) مدت ۳ ماه را در باغ شاه سابق تحت نظر بود .

پس از ورود به حوزه دوره سطح را زیر نظر آیات عظام: فاضل و سبحانی گذراند. دروس خارج را نیز در محضر آیات: میرزا هاشم

آملی، داماد، نجفی مرعشی و گلپایگانی شاگردی نمود.

همزمان با تحصیل حوزوی دیپلم را اخذ نمود و سپس وارد دانشگاه فردوسی مشهد در رشته فقه و مبانی حقوق شد که به دلیل شناخته شدن نتوانست به تحصیل ادامه دهد. بلافاصله به رامسر آمد و سپس به قم جهت ادامه تحصیل نقل مکان نمود. سال ۱۳۵۹ در دانشکده الهیات تهران قبول شد اما پس از یک ترم تحصیل، تحصیلات خود را در مدرسه عالی قضائی و اداری قم (دانشگاه قم) ادامه داد و موفق به اخذ مدرک تحصیلی لیسانس علوم تربیتی گردید. ایشان دارای درجه اجتهاد (نقل حدیث) از آیت الله مرعشی نجفی است .

الیاس آذر، خسرو

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: خاک‌شناسی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: ارومیه

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

مهندسی کشاورزی در رشته آبیاری از دانشگاه مونیخ آلمان در سال ۱۳۴۱، دکترای خاک‌شناسی از دانشگاه مونیخ آلمان در سال ۱۳۴۴.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه ارومیه.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق و بررسی فسفر در خاکهای کالیفرنیای جنوبی آمریکا در سال ۱۳۵۷، فسفر در خاک‌های مناطق خشک و نیمه خشک، ازت در اراضی حاشیه دریاچه ارومیه، فعالیت بیولوژیکی در خاکهای ایران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

خاک‌شناسی (شیمی و حاصلخیزی خاک) و خاک‌شناسی عمومی و خصوصی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

خاک و آب (آبخیزداری و حفاظت آب و خاک)، خاکهای شور و آبهای شور، کاهش تبخیر و تلفات آب کرمان، استفاده بهینه از اراضی، فضای سبز و جلوگیری از آلودگی محیط آب و خاک.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

الیاسی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زمین‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زمین‌شناسی از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۴۴، کارشناسی ارشد زمین‌شناسی از دانشگاه دولتی لیژبلژیک در سال ۱۳۴۸ و دکترای زمین‌شناسی از دانشگاه دولتی لیژبلژیک در سال ۱۳۵۱.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تربیت معلم تهران در سال ۱۳۵۱، دانشیار دانشگاه تربیت معلم تهران در سال ۱۳۶۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس کانی‌شناسی و سنگ‌شناسی در دانشگاه تربیت معلم و دانشگاه تبریز، تکتونیک و زمین‌شناسی در دانشگاه تهران، زمین‌شناسی ایران در دانشگاه کومپلوتنسه مادرید اسپانیا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

بلورشناسی و کانی‌شناسی، تغییر شکل‌های پوسته جامد زمین، میزان‌الحکمه، زمین‌شناسی موضع و هدف.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ام‌ابیها

قرن:۱۱

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن یازدهم هجری، زینب از زنان عالم، فاضل، ادیب و شاعر. وی دختر شاه مرتضی کاشانی و خواهر ملا محسن فیض کاشانی (۱۰۹۱ -۱۰۰۷ ق) بود و در زمان خود از زنان شاعر و سخنور کاشان به شمار می‌رفت. زینب با یکی از عموزادگانش ازدواج کرد.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات)، ۸۴ / ۳؛ دایرهٔ‌المعارف تشیع، ۳۲۸ / ۲؛ معادن‌الحکمه (مقدمه)، یا.

ام‌السلمه

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

از اوست: قرآن نیم‌ورقی جلد روغنی عالی دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع نسخ کتابت خفی متوسط با رقم «نمقت من هی للشاه امه بید الاثم ام‌سلمه» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

تعقیبات نماز نیم‌ربعی جلد روغنی (که با خطوط نسخ نقشها برانگیخته‌اند!) سرلوح مرصع نسخ کتابت خفی متوسط با رقم: نمقت بنت شه ام‌سلمه». «فی شهر رمضان المبارک سنهٔ ۱۲۴۵» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

سور و ادعیه نیم‌ربعی جلد روغنی سرلوح مرصع نسخ کتابت خفی متوسط با رقم «نمقت من هی للشاه امهٔ بیدالدائره ام‌سلمه» «فی سنهٔ ۱۲۳۸» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

امام الحرمین، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۵ -۱۳۰۲ ق)، عالم شیعی، فقیه، ادیب، لغوی، نحوی و شاعر. دارای حافظه‌ای قوی و خط نیکو بود. در کاظمین ادبیات را آموخت و در علوم مختلف کامل شد. از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بود. و از بزرگان علمای اعلام همچون شیخ انصاری و میر سید علی شوشتری دارای اجازه بود. میرزامحمد در کاظمین به قضاوت منصوب و از جانب ناصرالدین شاه ملقب به امام‌الحرمین شد ولی به روایت آقاشیخ آقابزرگ تهرانی این لقب از طرف سلطان روم (ترک) به وی داده شد. وی در کاظمین درگذشت. از آثار وی: «فصوص الیواقیت فی علم المواقیت»، شعر عربی؛ «عصمهٔ الاذهان فی علم المیزان»، منظومه‌ای در منطق؛ «غنیمهٔ السفر»، در شرح حال شیخ جعفر شوشتری؛ «المحاسن»، در انشاآت و مراسلات؛ «المشکاهٔ فی مسائل الخمس والزکاهٔ»؛ «کتاب الاجازات»؛ «المجلهٔ الزاهرهٔ فی امر الخلافهٔ والمشاورهٔ فی جواب دعوت العلماء القاهرهٔ من منشآت العاجله والمؤلفات الباجلهٔ»؛ «الأسنهٔ»؛ «المواعظ البالغه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۹۵ -۳۹۴ /۹)، بزرگان و سخن سرایان همدان (۵۰ -۴۹ /۲)، الذریعه (۲۲۶ -۲۲۵ /۲۳، ۵۲ /۲۱، ۱۲۴ /۲۰، ۲۳۶، ۷۰ /۱۶، ۲۷۴، ۲۷۳- ۱۵/ ۱۸۶، ۱۳/ ۷۰، ۲/ ۱۳۰، ۱۲۹- ۱/)، ریحانه (۱۷۱ /۱)، فوائد الرضویه (۵۵۳)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۰ -۵۸۹ /۵)، معجم المؤلفین (۲۶۸ /۱۰).

امام جمعه تهرانی، محمد مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۳ -۱۱۸۵ ق)، فقیه. اولین امام جمعه تهران و از نوادگان علامه‌ی مجلسی است. فتحعلی شاه پس از بنای مسجد سلطانی، میرمحمد مهدی را که از بزرگان خاندان امام جمعه اصفهان بود، به تهران دعوت کرد و با احترام کامل او را امام جمعه تهران و متولی مسجد سلطانی قرار داد. در برخی منابع وی را رییس العلمای تهران نیز نامیده‌اند. در تهران درگذشت و در مزاری در جنوب تهران که بعدها به نام خود وی معروف شد (سر قبر آقا) دفن گردید. از آثارش: «تکملهٔ الحیات»، در امامت؛ «شرح فارسی نهج‌البلاغه»، در پنج مجلد که برخی از عبارات آن ترجمه‌ی عینی عبارات «شرح ابن عتائقی» است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ القبور (۵۱۲)، شرح حال رجال (۵۵ /۱)، المآثر والآثار (۱۴۱).

امام جمعه خویی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۴ -۱۲۷۶ ق)، فقیه و مجتهد. تحت نظارت و مراقبت دائی‌اش حاج میرزا ابراهیم آقا دنبلی تحصیلات خود را در خوی و تبریز و نجف به پایان رسانید. در دوره‌ی اول مجلس از طرف علمای آذربایجان به نمایندگی انتخاب گردید. در مجلس از تندرویها جلوگیری کرد و از طرفی از مجلس در مقابل محمدعلی شاه مخلوع دفاع می‌کرد. پس از به توپ بستن مجلس و جریان پارک امین‌الدوله در پارک دستگیر شد. پس از فتح تهران در دوره‌ی دوم، سال ۱۳۲۶ ق، جزو پنج نفر روحانی طراز اول از طرف مراجع تقلید مقیم نجف به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. در دوره‌ی سوم نیز نماینده‌ی تهران شد. با قرارداد ۱۹۱۹ م وثوق‌الدوله مخالفت کرد و خانه‌اش را در اختیار مخالفین وثوق‌الدوله قرار داد. پس از کودتای ۱۲۹۹ ش نیروهای کودتاچی به خانه‌اش ریختند اما موفق به فرار شد و در حرم حضرت عبدالعظیم بست نشست. پس از آنکه در سال ۱۳۰۶ ش حاج آقا نوراللّه اصفهانی به ضدیت با قانون نظام اجباری به قم مهاجرت کرد و روحانیون دیگر نیز به تأسی از او به قم رفتند، رضاخان از امام جمعه خویی خواست تا به او در آرام کردن این شورش کمک نماید ولی او نپذیرفت. به مدرس علاقه داشت و مواضع سیاسی مدرس مطلوب او بود. در سال ۱۳۲۲ ش قانونی از تصویب مجلس گذشت که بر اساس آن مقرراتی برای تربیت واعظان روشنفکر و روحانیان متجدد و واقف به اوضاع عصر، وضع شده بود و در هیجدهم بهمن همین سال، شورایی به نام شورای علوم دینی طی جلسه‌ای با حضور سهیلی نخست وزیر وقت به همین منظور تشکیل شد که امام جمعه خویی نیز عضو این شورا بود. وی در تهران درگذشت و در نجف دفن شد.[1]

حاج میرزا یحیی امام جمعه خوئی، فرزند حاج میرزا اسداللّه امام جمعه، متولد ۱۲۴۰ در خوی. به سیره‌ی خانوادگی تحصیلات خود را در رشته‌ی ادبیات فارسی و عرب و معارف اسلامی در خوی و تبریز تا حدی به اتمام رسانید و برای ادامه‌ی تحصیل به نجف رفت و به درجه‌ی اجتهاد نائل آمد. پس از مراجعت به زادگاه خود از روحانیون متنفذ آذربایجان شد. بعد از نهضت مشروطیت از طرف علماء آذربایجان به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید و در مجلس اول با آزادی‌خواهان همکاری نزدیک داشت. پس از توپ بستن مجلس از طرف عمال محمدعلی شاه بازداشت شد و مدتی در باغشاه توقیف بود تا سرانجام آزاد گردید. در ادوار دوم و سوم نیز نمایندگی مجلس شورای ملی را عهده‌دار بود و یکی از عوامل مؤثر روحانیت و سیاست به شمار می‌رفت. از دوره‌ی سوم به بعد وکالت را نپذیرفت، ولی همچنان در مسائل سیاسی روز صاحبنظر بود و مورد مشورت قرار می‌گرفت. با قرارداد ۱۹۱۹ که وثوق‌الدوله با انگلیس‌ها منعقد نمود شدیداً مخالفت کرد. نیم قرن در آذربایجان و تهران مرد اول روحانیت و سیاست محسوب می‌شد. در ۱۳۲۴ درگذشت.

چند تن از فرزندان وی در صحنه‌ی سیاست پیشرفت کردند. او مجتهدی روشنفکر و بذال بود. همه روزه عده‌ی زیادی در منزلش گرد آمده و حاجت خود را در میان می‌نهادند. پس از فوت در آذربایجان و تهران تجلیل فراوانی از وی به عمل آمد. وی از دو همسر خود فرزندان متعددی داشت. جواد، جمال و نورالدین به مقامات سیاسی رسیدند.

ابراهیم شغل وکالت دادگستری داشت. کوچکترین فرزند وی به نام حسن که آجودان شاه بود به ریاست بانک کشاورزی و مدیرعاملی کانون بانک‌ها رسید. وی در دوره دوم مجلس جزو پنج نفر علمای طراز اول بود. وی در ۱۳۷۸ درگذشت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[1] تاریخ انقلاب مشروطیت (۷۸۴، ۷۷۱، ۶۸۱، ۵۶۷، ۳۹۶)، دایرهٔ‌المعارف فارسی (۲۳۴ /۱)، زندگی‌نامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۶۱ -۲۵۴ /۱)، شرح حال رجال (۴۳۳ /۴).

امام جمعه خوئی، محمدامین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم آیت‌اللّه حاج ملا محمد امین امام جمعه خوئی ساکن تهران که از شخصیتهای برجسته روحانیت تهران بوده است در عصر مرحوم آیت‌اللّه حایری و نیز بعد از فوت آن مرحوم به قم مشرف شده و علماء و زعمای حوزه از وی دیدن و تجلیل کرده‌اند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

امام جمعه خوئی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا یحیی امام جمعه خوئی تهرانی از علماء بزرگ و بسیار محترم تهران و مورد توجه دولت و ملت و منزلش مجمع رجال علم و سیاست بوده وی در خوی متولد و پس از خواندن ادبیات و مقدمات به نجف مهاجرت و از محاضر آیات و مراجع بزرگ

نجف چون مرحوم علامه مامقـانی و فاضـل شـربیانی و میرزا حبیب‌اللّه رشتی و آخونـد خراسانی و غیره اسـتفاده نموده و به مـدارج عالیه علم و اجتهاد رسـیده و به تهران آمده و به تدریس و رتق و فتق امور پرداخته و همواره منزلش مرکز دانشمندان و رجال بزرگ دولتی بوده تا در تهران از دنیا رفته است.

فرزنـد بزرگـوارش مرحـوم حجهٔالاسـلام والمسـلمین آیت‌اللّه حـاج ملا‌ـامین خـوئی نیز از علمـاء اعلاـم تهران بـوده که بعـد از والد مذکورش بجای او نشسته و مورد توجه عموم طبقات قرار گرفته است.

وی در معیت مرحوم والـدش حاج امام جمعه در زمان آیت‌اللّه العظمی حایری به قم آمـده و مورد اسـتقبال و تعظیم مرحوم آیت‌اللّه حایری و عموم دانشمندان و علماء قم گردیده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

امام جمعه زنجانی، عزالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا عزالدین بن آیت‌اللّه حاج سید محمود امام جمعه زنجانی از علماء بزرگوار و دانشـمندان عالیمقدار معاصر و مقیم مشهد مقدس می‌باشند.

وی در سـال ۱۳۳۸ قمری هجری در شـهر زنجان متولـد و بعـد از فراگرفتن دروس و تعلیمات ابتـدائی مقـدمات علوم دینی و ادبیات عرب یعنی سـیوطی و جامی و مغنی و مطول را در نزد اساتید ادبیات آن دوره بالاخص مرحوم مبرور آقای میرزا علی اصغر فصاحتی طاب ثراه معروف (به مطول گو) فراگرفته.

و با مرحوم والـدش شـرح شمسـیه منطق را که از حاشـیه ملا عبـداللّه نافع‌تر می‌دانسـتند نزد یکی از افاضل زنجان خوانـده و با معیت مرحوم دانشـمند متقی آقای روزبه منطق حکمت‌الاشـراق و معیارالعلم غزالی را نزد مرحوم والدش تحصیل نموده و بعد از اتمام آنها کتاب مبدء و معاد و مقدار کمی از اسفار را هم شبها بعد از فراغت از نماز جماعت تدریس می‌فرمودند.

بعـد از فراغت از مقـدمات کتابهـای سـطح عـالی ماننـد رسائـل و مکاسب و قسـمت عمـده از طهارت شـیخ اعظم انصاری را در نزد آیت‌اللّه مرحوم مبرور آقا شـیخ حسین که از مجتهدین و تلامذه مرحوم آخوند خراسانی بودند خوانده و کفایهٔالاصول را در خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج شـیخ عبـدالکریم خوئینی زنجانی فراگرفته و بعد از دو سال تحصـیل در آن کتب به درس خارج اصول مرحوم والدش آیت‌اللّه امام جمعه که عنوانش تقریرات مرحوم کاظمینی بود حاضـر شده تا اینکه مقارن شهریور بیست شمسی برای تکمیل تحصیلات به قم مشرف شده و به درس خارج فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّه حجت حاضر گردیده.

و یک دوره کامل اصول با قسـمت اعظم خارج مکاسب شیخ و صلوهٔ را در نزد آن مرحوم تلمذ نموده و شبها به درس خارج اصول مرحوم آیت‌اللّه صـدر و آیت‌اللّه حاج سـید احمـد خوانساری مدظله شـرکت نموده و خارج مقالات مرحوم آیت‌اللّه آقا ضـیاءالدین عراقی و جلـد دوم تقریرات کـاظمینی را در نزد ایشـان خوانـده و در معقول اسـفار و غیره آن را از محضـر آیت‌اللّه العظمی موسوی مصـطفوی دام ظله به اتفاق عده‌ای از فضـلاء دانشـمندان عصـر چون آقای مطهری و آیت‌اللّه حاج سـید محمدعلی طباطبائی تبریزی استفاده نموده.

و چون آیت‌اللّه حاج سـید محمدحسـین علامه طباطبائی صاحب تفسـیر (المیزان) به قم مشرف شدند مجدداً اسفار را با معیت بعضی از آن آقایان از آنجناب بهره‌منـد شده تا اینکه آیت‌اللّه بروجردی به قم آمدند فقهاً و اصولا در درس ایشان حاضـر و تقریرات معظم له را به رشته تحریر آورده.

آنگاه مسافرت به نجف اشرف نموده و در حوزه درس مرحوم آیت‌اللّه حکیم و آیت‌اللّه آقا سید عبدالهادی طاب ثراه حاضر شده. ولی به مناسبت کسالت شدیـد مزاج به امر والـدش به ایران مراجعت و به زنجان وارد شـده و از آن تاریـخ به خـدمات دینی از قبیل بحث و تدریس و اقامه نماز جماعت و نماز جمعه و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام پرداخته است. آقای امام جمعه سلمه‌اللّه دارای آثار و باقیات‌الصالحاتی می‌باشند که ذیلا می‌نگارم.

۱- تأسیس کتابخانه مهم به سبک معماری جدید موسوم به کتابخانه حسینی در مدخل و جلوخان مسجد جامع و مدرسه (جدشان) که سالهاست مورد استفاده محصلین علوم دینی و غیره می‌باشد و بالغ بر شش هزار کتاب از فنون مختلفه دارد. و قسمتی از آن کتب مربوط به مرحوم دانشمند محترم استاد دانشگاه تهران آقای محمد نجمی است که حسب‌الوصیه تمام کتب خود را به کتابخانه مزبور وقف نمودند.

۲- ساختمـان مساجـد متعـدده در شــهر و قراء اطراف ماننـد مســجد در جنب انبـار غلـه زنجـان موسـوم بـه مســجد قمر بنی‌هاشــم صلوات‌اللّه‌علیه و مسجد دیگر.

۳- تشـکیل انجمن‌هـای تبلیغی بـالخصوص بر علیه فرقه ضاله و مضـله بهائی‌ها خـذلهم اللّه با همکاری عـده‌ای از دانشـمندان فعال و جـوان که مشـتمل بر دبیران و دانش‌آمـوزان است که بـدین وسـیله موفـق شدنـد عـده‌ای از آن فرقه مستبصـر گردیـده و برگشـتند و بالاخص در قریه ید بلاغ که مرکز تبلیغات آن فرقه بود بحمداللّه ریشه‌کن شدند و در همان قریه مسجد بسیار خوبی به سبک جدید بنا نمودند.

۴- بناء مسجد دیگر با سبک جدید در قریه دیگر که هم‌مرز آن قریه است.

۵- تشکیل جشن باشکوهی همه ساله در پانزدهم ماه شعبان و دعوت مبلغ برجسته برای افاضه و بیان اسلام خصوص فلسفه غیبت و معرفی حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف.

اما تألیفات و آثار قلمی ایشان.

۱- تقریرات اصول آیت‌اللّه بروجردی

۲- شرح قسمت مهمی از وسیله که در ضمن تدریس خارج فقه تألیف نموده‌اند

۳- حواشی متفرقه در منظومه حکمت

۴- تحریر کفایةالاصول

۵- کتابی در تصوف

۶- تحریرات زیادی در زمینه تبلیغ

۷- رساله عملیه متوسط

۸- تحریر الوسیط فی الفقه که با سبک استدلالی متوسط نوشته‌اند که مباحث عمده طهارت تمام شده

۹- تحریر کتاب خمس.

نگارنده گوید: آیت‌اللّه امام جمعه معاصر زنجان که روی جهاتی مدت یکسالست مهاجرت به ارض اقدس نموده و در جوار سلطان سریر ارتضا علیه آلاف التحیة والثناء با بعضی از علماء بزرگ مشهد مباحثه کمپانی دارند از دانشمندان باتقوا و مهذب و موصوف به فضل و کمال و محامد آداب و محاسن اخلاق می‌باشند که افتخار آشنائی و رفاقت با وی را دارم از خداوند توفیق و عزت امثال آنجناب را مسئلت می‌نمایم

۵۷- حجةالاسلام مرحوم سید محمدباقر سجاسی متوفی سال ۱۳۰۱ قمری.

۵۸- حجةالاسلام مرحوم شیخ باقر قروه ابهری

۵۹- حجةالاسلام مرحوم آقا سید باقر صائین قلعه ابهری متوفی سال ۱۳۰۴ ق

۶۰- حجةالاسلام مرحوم آقا سید باقر خرم دره‌ای

۶۱- حجةالاسلام مرحوم علامه آقا سید باقر حسینی هیدجی متوفی سال ۱۳۳۲ ق

۶۲- حجةالاسلام مرحوم آقا سید محمدباقر زنجانی

۶۳- آیت‌اللّه مرحوم آقای آقا شیخ حسین قاتوقی زنجانی متوفی سال ۱۳۶۰ ق

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

امام جمعه سده، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد بن حاج سید محمدمهدی (امام جمعه سده) در سال ۱۲۸۸ ق در سده اصفهان به دنیا آمده و در روز دوشنبه نهم ماه ربیع‌الثانی سال هزار و سیصد و پنجاه و پنج از دنیا رفته و در مقابر آل امام جمعه نزدیک فرزندش مرحوم آقا سید غیاث‌الدین دفن گردید.

آن مرحوم به علم و عمل و تقوی و صفات پسندیده مشهور بود و در مدت عمر هیچکس از او کوچکترین رنجشی پیدا نکرد و چون در اصفهان علوم دینی را فراگرفت دوره زندگانی خود را در سده (خمینی‌شهر) تبلیغ دین مقدس اسلام و مذهب شریف جعفری به سر رساند و برای جلوگیری از یاغیهائی که از حدود مقررات اسلام تجاوز کرده و به مال و جان و ناموس مردم دست درازی می‌نمودند لباس جنگ پوشیده و پیشرو اهالی گشته و به طرد آنان موفق گردید.

وی در وقت سخن گفتن در راه حق از نیکوترین گویندگان و زمان جلوگیری از دشمن بی‌باکترین اشخاص بود و به همین جهت مؤمنین کمال اخلاص و اعتقاد را به او داشتند و اکنون هم بر سر قبرش از خداوند طلب حاجت می‌کنند.

آن مرحوم دارای چند فرزند روحانی و دانشمند بوده که بعضی از دنیا رفته و برخی در قید حیاتند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

امام جمعه شهرضائی، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حسن. عالم فاضل محقق جلیل، در حدود ۱۲۰۵ متولد شد، و در اصفهان خدمت حاجی کلباسی و سید حجةالاسلام؛ و در نجف خدمت شیخ محمد حسن اصفهانی صاحب جواهر الکلام تلمذ نموده تا به مقام اجتهاد رسیده، سرانجام در ۱۲۸۱ وفات یافته، و قبل از وفات، کتب خویش را بر طلبه‌ی علوم وقف نموده است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- رساله در وجوب عینی نماز جمعه ۲- رساله در صحیح و اعم ۳- رساله در روزه، به فارسی ۴- رساله در غصب ۵- رساله در احیاء موات ۶- رساله در غنا ۷- رساله در این که حسن و قبح عملی است ۸- رساله در واجبات نماز ۹- رساله در نماز مسافر ۱۰- رساله در طهارت ۱۱- رساله در غسل و تیمم ۱۲- رساله در منافیات نماز ۱۳- شرح شرایع، در ۷ مجلد ۱۴- کتابی در مسائل تقلید ۱۵- کتابی در فقه به فارسی؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

امام جمعه، قاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آسید قاسم (امام جمعه) فریدن از شاگردان مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حاج شیخ محمدتقی نجفی اصفهانی و آقای آشیخ محمدعلی برادر آقا نجفی بوده که پس از طی مراحل تحصیل به امر علماء بزرگ اصفهان به محل خود فریدن مراجعت کرده و تا آخر عمر به ترویج احکام و اقامه نماز جمعه و حل و فسخ امور دینی اشتغال داشته و حکومت شرعی به امر مراجع بزرگ آن وقت در تمام بلوک فریدن به عهده ایشان بوده تا در تاریخ ۱۱ ذی‌قعده ۱۳۳۹ قمری بدورد حیات گفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

امام جمعه، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا جعفربن حاج میر سید محمد.

عالم فاضل محقق، در حسن اخلاق و آداب معاشرت و فضایل و کمالات ممتاز بوده، مدت چهار سال امام جمعه‌ی اصفهان بود.

کتب و رسائل چندی تألیفات نموده، از آن جمله است:

۱ – رساله در جواز تقلید میت ۲ – رساله در کفایت هر غسل از وضو؛ و غیره.

قبل از غروب آفتاب روز ۲ شنبه ۱۹ ربیع الاول سال ۱۳۰۰ وفات یافته، در مقبره‌ی مجلسی مدفون گردید. قبرش در اول سکوی وسط می‌باشد.

ماده تاریخ وفاتش را حاج میرزا علی انصاری گوید:

«گفت انصاری قد غاب الامام»

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

امام جمعه، محمد مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیه‌الله آقای حاج سید محمد مهدی امام جمعه شهرستان اصفهان از احفاد و اسباط علامه مجلسی اول رضوان‌الله علیه و دانشمندان بنام و متنفذ آن سامان میباشد و منصب امام جمعه‌ای از صدها سال قبل در خاندان این سلسله بوده که در مسجد جامع اصفهان و مسجد شاه تهران اقامه نماز جمعه نموده و مینمایند.

مرحوم فتحعلی شاه قاجار بعد از بناء مسجد سلطانی تهران از یکی از اعمام معظم‌له دعوت نمود که بتهران آمده در مسجد شاه مزبور اقامه نماز جمعه و جماعت نمایند و منصب مزبور در خاندان وی تاکنون باقی و امام جمعه تهران با امام جمعه اصفهان پسر عمو و از یک سلسله و بیت میباشند.

معظم‌له در بیت علم و سیادت در حدود سال ۱۳۱۰ قمری تولد یافته و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح بدرس مرحومین علمین آیتین آیه‌الله حاج سید ابوالقاسم ده کردی و آیه‌الله حاج شیخ محمد حسین فشارکی حاضر شده آقا بمدارج عالیه علم رسیده و از آن بزرگوار بدریافت اجازه‌ی اجتهاد و روایتی مفتخر گردیده است.

و ایشان حدود بیست و پنج سال است که امام جمعه و جماعت مسجد جامع شهرستان اصفهان میباشند.

از آثار ایشان است رساله‌ای در میراث زوجه که مستدلا مرقوم داشته و مورد تحسین و تجلیل استادش مرحوم آیه‌الله دهکری قرار گرفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

امام جمعه، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن بن آقا میرزا محمدصادق امام جمعه صاحب کمالات عدیده بود چون صوت حسن و صورت مستحسن و اطلاع از تاریخ گذشتگان و دارای سلیقه مستقیمه و مکارم اخلاق و از ادبیات و علوم هم بهره کافی داشت و شعر هم خوب می‌گفته و از اوست .

شب شد و ساقی از کرم می به ایاغ میکند
عارض خود زرنگ مل عبرت باغ میکند
دودمانش در گلپایگان بیت فقاهت و وجاهت و جلالت بودند. معظم‌له در اواخر مرداد ماه ۱۳۲۱ شمسی در سنی بیشتر از پنجاه سال از دار دنیا رفت و فرزندی از او نماند قبرش در جنب مسجد میرمحمد کاظم (یا امام) مزار است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

امام جمعه، محمدکاظم

قرن:۱۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
که در السنه مشهور است به آمیر محمدکاظم عالمی جلیل بوده و ایشان برادر کوچک امام جمعه بزرگ آقا میرمحمد صادق است مجلس درس داشته و در شمس التواریخ تعبیر از او به سید المجتهدین و قدوهٔ المدققین شده در دوم شهر ربیع‌الثانی ۱۳۲۹ به رحمت ایزدی پیوسته و در جنب مسجدش در حجره مدفون گردیده .
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

امام سده‌ای، حسن

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسن بن آیت‌اللّٰه میرزا سید علی امام سدهی (خمینی‌شهری) فروشانی متولد ۱۳۲۰ ق هجری پس از پرورش تحصیلات مقدمات را از مرحوم حاج آخوند زهره‌ای فراگرفته و سطوح اولیه را از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حاج‌آقا محمد فیض و آیت‌اللّٰه حاج‌آقا احمد اخوی آیت‌اللّٰه العظمی حاج آقا حسین قمی در قم آموخته و بعدا به مشهد مقدس عزیمت و در آنجا از مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید عباس شاهرودی که از شاگردان شیخ بوده و آسید حسن که از تلامذه مرحوم آخوند خراسانی بوده سطوح عالیه را فراگرفته و به اصفهان مراجعت و در حوزه درس آیت‌اللّٰه آقا میرزا محمدصادق و آخوند گزی و آیت‌اللّٰه آقا شیخ محمدرضا مسجد شاهی شرکت و چند سالی استفاده نموده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه آقا میرزا حسین نائینی و مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّٰه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدحسین کمپانی استفاده کامل نموده و به علت کسالت مزاج به اصفهان برگشته و بعد از بیست سال اقامت در اصفهان بار دیگر به نجف مشرف و تا آخر عمر مرحوم آیت‌اللّٰه اصفهانی از دروس و محضرشان بهره‌مند و نیز از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدکاظم شیرازی و آیت‌اللّٰه آقا میرزا عبدالهادی شیرازی در مدت هفت سال استفاده نموده تا به مدارج عالیه علم و اجتهاد رسیده و در سال ۱۳۶۷ قمری به قم منتقل و به امر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی با معیت آیت‌اللّٰه حاج شیخ عبدالجواد و آیت‌اللّٰه حاج آقا عطا به کرمانشاه عزیمت و تأسیس حوزه علمیه کرمانشاه نموده و بعد از چند سال مراجعت به قم و مدتی به مذاکره علمی و مطالعه اشتغال داشته و پس از آن منتقل به زادگاه خود خمینی‌شهر گردیده و تا حال حاضر به اقامه جماعت و تدریس خارج فقه اشتغال دارند.
معظم‌له دانشمندی ادیب و فقیهی اصولی و حکیمی شاعر اشعاری به عربی دارند که از آنهاست قصیده‌ای در مرثیه فوت آیت‌اللّٰه صدر که در ذیل احوال آن مرحوم مذکور نمودیم و مطلع آن این است.
بکت باسماء المجد یا فلک الفخر
علیک شموس العلم بالانجم الزهر
فیا عجبا والشمس بالفجر طالع
و نحن فقدنا الشمس فی مطلع الفجر
تحملت اعباء الهدایه طال ما
تجرعت من کاس امر من الصبر
از تألیفات ایشان است یک دوره فقه که مخطوط می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

امام سدهی، آقاامام

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز ۱۳۳۴ ش)، عالم و شاعر. وی از فضلای حوزه علمیه‌ی قم و از علمای سِدّه بشمار می‌رود. او از معاصران صاحب «تذکره‌ی شعرای اصفهان» است و در زمان طبع کتاب ۵۵ ساله بوده است. اشعار زیبائی از وی به فارسی و عربی باقی است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۵۹ -۵۸)، فرهنگ سخنوران (۸۶).

امام قاینی، امامقلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، معمار و شاعر. وی در فن معماری آگاهی و تجربه و بصیرتی بتمام داشت. مظفر حسین میرزا تیموری، در ساختن ارگ قندهار، او را به سمت میر عمارت مقرر داشته بود و او به حسن لیاقت و کاردانی، در شاهزاده نفوذی کامل یافته بود. امامقلی به دلبری زیباروی عاشق شد و سرانجام در فراق دلدار، جنونی بهم رساند و در این عوالم از دنیا رخت بربست. از اوست:

صحبت غیر عذاب است تو هم می‌دانی

دل از این غصه کباب است تو هم می‌دانی

با رقیبان به ضرورت سخنی می‌گویم

خامشی ور نه جواب است تو هم می‌دانی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قاین (۵۴)، تاریخ نظم و نثر (۶۷۰)، تذکره‌ی روز روشن (۷۸)، الذریعه (۹۳ /۹)، فرهنگ سخنوران (۸۶).

امام نجف‌آبادی، نصراللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نصراللّه قضائی نجف‌آبادی این مرحوم حاج میرزا جعفر از علماء محترم معاصر نجف آبادنـدوی در تاریخ ۱۳۱۰ هجری در نجف‌آباد به دنیا آمده و پس از رشد و بلوغ در مقدمات را در مدرسه حاج میرزا حسن و چهارباغ وم عربان اصفهان در خدمت شیخ محمود مفید و آسید آقاجان تحصیل نموده در همان اوقات از مبرزین طلاب بوده و سطوح را خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدرضا مسجد شاهی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسن نجف‌آبادی فراگرفته خارج فقه اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللّه سید محمد مدرس نجف‌آبادی و آیت‌اللّه آقا میرزا سید علی نجف‌آبادی استفاده نموده و بعد از فوت استادش مرحوم آقای سید علی مدت شش سال در اصفهان به تدریس فقه و اصول و غیره اشتغال داشته و بعد به تقاضا و اصرار مردم نجف‌آباد به وطن خود برگشته و در مدرسه (الحجه) ریاضی به تدریس فقه و اصول و تفسیر پرداخته و اقامه نماز جماعت و حل و فصل مشکلات مردم مشغول بوده و بعد از فوت مرحوم آیت‌اللّه ریاضی ریاست روحانیت و حوزه علمیه نجف‌آباد به ایشان منتهی گردیده تا بعد از چند سالی به عللی که از آنها کسالت و خستگی روحی بوده از ریاست کناره‌گیری و به وظائف دیگر روحی از تدریس و اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام تا حال تحریر موفق می‌باشند.

از آثار ایشانست رساله‌ای در متفرقات و حاشیه‌ای بر نجاه‌العباد. وی دارای هیجده فرزند می‌باشند که دوازده نفر آنها ذکور و در میان آنان جنابان ثقتی الاسلام آقاشیخ مجتبی قضائی و آقا شیخ عباس قضائی از معاودین اهل علم نجف اشرفند که اکنون در قم از دروس خارج آیات عظام قم استفاده می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

امام، جلال

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جلال امام

محل تولد : رشکوئیه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال تحصیلی ۷۳ وارد حوزه علمیه امام خمینی (ره) یزد شدم. در سال ۷۵ به مدرسه علمیه مصلی یزد رفته و فقه و اصول را گذراندم و همزمان در کلاسهای زبان جهاد دانشگاهی به مدت دو سال به مکالمه زبان پرداختم. در سال ۷۸ امتحان ورودی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) داده و مهر ۷۹ به قم آمدم و در کنار دروس حوزه در رشته تاریخ موسسه مشغول به تحصیل شدم.

پس از اتمام دوره کارشناسی در بهار سال ۸۴ در امتحان ورودی کارشناسی ارشد تاریخ تشیع موسسه پذیرفته شدم و از بهمن ماه ۸۴ در مقطع ارشد مشغول به تحصیلم.

همزمان سطح دو حوزه را از شورای مدیریت اخذ کردم. از فروردین ۸۶ به عنوان کارشناس اجرایی گروه تاریخ اسلام مدرسه عالی امام خمینی (ره) مشغول به کار شدم و از مهر ماه ۸۶ در این مدرسه مشغول به تدریس می باشم. موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد بنده هنوز تصویب نشده است.

امام‌الحرمین جوینی، ابوالمعالی عبدالملک

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۷۸ –۴۱۹ ق)، متکلم، اصولی و فقیه شافعی اشعری. ملقب به ضیاءالدین و مشهور به امام‌الحرمین. در جوین نیشابور متولد شد. پدرش رکن‌الاسلام ابومحمد جوینی و عمویش علی بن یوسف هر دو از علما و فقهای بزرگ عصر خود بودند. در کودکی در محضر پدرش یادگیری فقه را آغاز کرد تا آنجا که تمامی تألیفات او را بازبینی کرد و بر تحقیقات پدرش افزود. چون پدرش درگذشت بیست ساله بود که بر کرسی تدریس وی نشست. او از استاد ابوالقاسم اسکافی اسفراینی در مدرسه‌ی بیهقی علم اصول آموخت و از ابونعیم اصفهانی کسب فیض نمود و اجازه دریافت کرد. بر اثر تعصبات و دشمنی‌هایی که به تحریک عمیدالملک کندری بر ضد شیعه و اشاعره می‌شد، به بغداد رفت و در آنجا با علمای بزرگ ملاقات کرد. وی سپس به حجاز رفت و نزدیک چهار سال در مکه و مدینه مجاورت گزید، و تمامی مسائل فقه را موافق هر کدام از مذاهب اربعه که سؤال می‌کردند فتوی می‌داد و پاسخ می‌نوشت، به همین جهت به امام‌الحرمین مشهور شد. در اوایل سلطنت آلب ارسلان سلجوقی به نیشابور بازگشت. خواجه نظام‌الملک مدرسه‌ی نظامیه را در آن شهر برای وی بنا نهاد و ریاست عالیه و علمیه را در اختیار وی قرار داد و تا سی سال، در کمال استقلال، تمامی‌امور مذهبی را بر عهده داشت. وی تا پایان عمر در نظامیه‌ی نیشابور به تدریس پرداخت. اکابر فضلای آن دیار در درسش حاضر می‌شدند و هر روزه متجاوز از سیصد فقیه در برابرش حاضر می‌نشستند. مجموع شاگردان وی را چهارصد تن نوشته‌اند که از آن میان می‌توان از ابوحامد غزالی، شمس‌الاسلام عمادالدین کیای هراسی، ابوالمظفر ابیوردی، ابوالقاسم حکمی، ابوالقاسم انصاری، ابوالمظفر خوافی، زاهر شحامی، احمد بن سهل مسجدی و ابوعبداللّه فراوی نام برد. چون بیمار شد او را به ده زادگاهش بشتنقان که از اعتدال هوا برخوردار بود منتقل کردند. وی همان جا درگذشت. جنازه‌اش را به نیشابور آوردند و در جوار مزار تلاجرد دفن کردند. به گفته‌ی ابن‌خلکان چند سال بعد پیکرش را به کربلا انتقال دادند. شاگردانش در مرگ او قلم و دوات را شکستند و یک سال در سوگش نشستند. باخرزی گوید: امام الحرمین در فقه همچون شافعی، در ادبیات همچون اصمعی و در وعظ همچون حسن بصری بود. برخی از آثار وی: «ارشاد»، در اصول فقه؛ «تلخیص التقریب»؛ «الشامل»، در اصول دین؛ بر اساس مذهب اشاعره؛ «نهایهٔ المطلب فی درایهٔ المذهب»، در فقه شافعی، ۱۲ مجلد؛ «غیاث الامم»، در امامت؛ «غُنیهٔ المستر شدین»؛ در خلاف؛ «مغیث الخلق فی اختیار الاَحَق»، در اصول؛ «الورقات»، در اصول فقه؛ «العقیدهٔ النظامیهٔ» یا «الرسالهٔ النظامیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۶ /۴)، ایضاح المکنون (۲۸۸ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۶۸ /۲)، تاریخ گزیده (۶۸۰)، تاریخ نظم و نثر (۶۱)، روضات الجنات (۱۶۰ –۱۵۸ /۵)، ریحانه (۱۷۱ –۱۷۰ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۸۰ –۱۷۹ /۱)، سیر النبلاء (۴۷۷ –۴۶۸ /۱۸)، الکامل (۱۲۹ /۸)، کشف الظنون (۲۰۰۵ ،۱۹۹۰ ،۱۷۵۴ ،۱۶۴۱ ،۱۵۶۲ ،۱۵۶۱ ،۱۱۵۹ ،۱۰۲۴ ،۸۹۶ ،۴۶۶ ،۴۴۳ ،۲۵۳ ،۲۴۲ ،۷۵، ۷۰، ۶۸)، الکنی والالقاب (۵۵ –۵۴ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ امام‌الحرمین و ابوالمعالی)، مؤلفین کتب چاپی (۱۵ /۴)، مجمل فصیحی (ذیل/ سالهای ۴۱۹ و ۴۷۸)، مدارس نظامیه (۹۴ –۹۳)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۱۷۵ –۱۷۴)، معجم المؤلفین (۱۸۵ –۱۸۴ /۶)، نفحات الانس (۸۵۱ –۸۵۰)، وفیات الاعیان (۱۷۰ –۱۶۷ /۳)، هدیهٔ الاحباب (۱۰۱ –۱۰۰)، هدیهٔ العارفین (۶۲۶ /۱)، هفت اقلیم (۳۰۴ –۳۰۳ /۲).

امامت، عزاللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عزاللّه بن آیت‌اللّه حاج سید فخرالدین امامت حسینی کاشانی از دانشمندان و ائمه‌ی جماعت معاصر کاشانست.

وی در سال ۱۳۰۹ شمسی در کاشان متولد شده و در بیت علم و سیادت پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات سطوح و متون فقه و اصول را از مرحوم والدش آیت‌اللّه امامت و مرحوم آیت‌اللّه آقا شیخ محمود نجفی فراگرفته و آنگاه به مشهد عزیمت و چندی از دروس خارج آیت‌اللّه العظمی میلانی مدظله استفاده نموده و بعد از آن به کاشان برگشته و به وظائف دینی از قبیل امامت و تبلیغ مسائل احکام و تألیفات تاکنون اشتغال دارند.

تألیفاتی که از معظم له به طبع رسیده است از این قرار است.

۱– کشکول امامت دو جلد.

۲– زندگانی سلطان علی و هلال بن علی.

۳– فضائل السادات.

نگارنده گوید: از همین سلسله جلیله است جناب آیت‌اللّه حاج سید عباس بن مرحوم حجهٔ‌الاسلام حاج سید علی‌اکبر کاشانی

حایری که اکنون در شهرستان دینی و علمی قم اقامت دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

امامت، فخرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید فخرالدین بن العلامهٔ الزاهد السید محمدمهدی امامت حسینی کاشانی از آیات عظام و علماء بزرگ معاصر کاشان (داماد مرحوم آیت‌اللّٰه ملا حبیب‌اللّٰه کاشانی) بودند.

وی در حدود ۱۲۹۲ قمری در کاشان متولد شده و در بیت علم و عمل پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات متون فقه و اصول را از دو عموی گرامش آیت‌اللّٰه آقا سید محمدحسین امام (متوفی حدود ۱۳۱۱) و آیت‌اللّٰه آقا سید محمدحسن امام (متوفی حدود ۱۳۳۰) و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج ملاـ محمدحسین نطنزی و میرزا محمدحسین نراقی و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا فخرالدین نراقی (متوفی ۱۳۲۵ قمری) و حاج میرزا ابوالقاسم نراقی سبط فاضل نراقی و پس از آن مرحوم آیت‌اللّٰه آخوند ملاـ حبیب‌اللّٰه کاشانی (متوفی ۱۳۴۰) صاحب مقامات عالیه و تألیفات کثیره استفاده نموده و در اوائل تأسیس حوزه علمیه به قم آمده و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری بهره‌مند شته و پس از مدتی به کاشان مراجعت و اشتغال به تدریس و تألیف و ارشاد مردم و اقامه جماعت در مدرسه سلطانیه نموده تا در سال ۱۳۹۲ قمری که در سن صد سالگی بدرود حیات گفته و در جنب میدان و فلکه بزرگ کاشان (کامل‌الملک) در مقبره شخصی مدفون گردید.

نگارنده گوید: مرحوم آیت‌اللّٰه امامت از برکات شهرستان کاشان و مفاخر علمی و قدسی این شهرستان و از مشایخ اجازه عصر ما بودند و جماعتی از اعلام و آیات عظام که ذکرشان موجب اطنابست از ایشان اجازه روایتی داشتند و برای این حقیر هم در اواخر عمرشان اجازه مبسوطی صادر فرمودند تألیفات و آثار عدیده دارند که ذیلا می‌نگارم.

تألیفات مرحوم امامت

۱- هدایهٔ‌العوام فی مهمات الاحکام (رساله عملیه) مطبوع

۲- راه نجات او تنبیهات الغافلین منظومات بالفارسیه مطبوع

۳- راه خداشناسی فی اصول العقاید بالفارسی مطبوع

۴- وسیلهٔ النجاهٔ فی فضائل السادات بالفارسی مطبوع

۵- ثواب الزیارات بالفارسی مطبوع

۶- رسالهٔ فی احکام الارث فارسی

۷- رسالهٔ فی حکم الجلود واللحوم مشتبهین عربی.

۸- رسالهٔ فی منجزات المریض عربی

۹- رساله در حکم آب قلیل متنجس متمم

۱۰- رسالهٔ فی عقد الفضولی عربی

۱۱- شرح بر منظومه استادش در اصول موسوم (به منیهٔ‌الاصول).

۱۲- مرآت الحقیقه در حالات صوفیه فارسی

۱۳- کشکول در مواعظ در چند جلد فارسی.

۱۴- حاشیه بر شوایع

۱۵- حاشیه بر مکاسب

۱۶- رساله در مصرف سهم الامام (ع)

۱۷- در متفرقات از حواشی و غیره.

ادباء و بعضی از دانشمندان کاشان اشعاری بسیار در رثاء آن مرحوم سروده‌اند از جمله آیت‌اللّٰه العلام آقای حاج آقا رضا مدنی دام ظله در ماده تاریخ وفاتش سروده.

سید اهل العلم فخرالدین

نجم الامامه و بدرالدین

یا لهف قد مضی فقل مورخا

(الی الجنان رام فخرالدین)

و در روز وفاتش گفته‌اند.

یا لهف مات سید جلیل

فخرالهدی مجتهد نبیل

للدین فخر کامل لبیب

عدل زکی عالم ادیب

(۱۳۹۲ -۱۲۹۲ ق)، عالم، فقیه و مدرس. در کاشان متولد شد. پس از فراگیری مقدمات و ادبیات، متون فقه و اصول را از دو عموی خود، آیت‌اللّٰه آقاسید محمدحسین امام و آیت‌اللّٰه آقاسید محمدحسن امام، فراگرفت. وی همچنین از حوزه‌های درس آیت‌اللّٰه حاج

ملاـ محمدحسین نطنزی، میرزا محمدحسین نراقی، آیت‌اللَّه حاج میرزا فخرالدین نراقی، حاج میرزا ابوالقاسم نراقی و آخوند ملا حبیب‌اللَّه کاشانی، پدر همسرش، استفاده کرد. در اوایل تأسیس حوزه‌ی علمیه به قم رفت و از محضر آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالکریم حائری بهره‌مند شد. پس از مدتی به کاشان بازگشت و به تدریس و تألیف و وعظ و اقامه‌ی جماعت در مدرسه‌ی سلطانیه اشتغال ورزید. وی از مشایخ اجازه عصر حاضر بود و بسیاری از علما از ایشان اجازه روایتی داشتند. او در کاشان درگذشت. از آثار وی: «هدایهٔ العوام فی مهمات الاحکام»، رساله‌ی علمیه؛ «راه نجات»؛ «تنبیه الغافلین»؛ «راه خداشناسی»، شعر فارسی؛ «راه خداشناسی»، در اصول عقاید، به فارسی؛ «ثواب الزیارات»، به فارسی؛ «رسالهٔ فی حکم الجلود واللحوم مشتبهین»، به عربی؛ «رسالهٔ فی منجزات المریض»، به عربی؛ «رسالهٔ فی عقد الفضولی»، به عربی؛ «وسیلهٔ النجاهٔ»، در فضائل سادات.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] زندگی‌نامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۵۲ –۲۵۱ / ۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۶۴ –۲۶۲ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴ / ۷۸۴).

امامت، فضل‌اللَّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید فضل‌اللَّه بن العلامهٔ المرحوم حاج سید فخرالدین امامت حسینی کاشانی از علماء محترم معاصر کاشانست. وی در سال ۱۳۳۳ قمری در بیت فضل و فضیلت به دنیا آمده و در کودکی ادبیات را خوانده و به تحصیل فقه و اصول پرداخته و از محضر والدش وجدامی خود مرحوم آیت‌اللَّه ملا حبیب‌اللَّه شریف کاشانی و آیت‌اللَّه آقا سید محمد علوی بروجردی استفاده نموده آنگاه به قم مهاجرت و از درس و محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری و آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللَّه آقا سید محمد حجت و آیت‌اللَّه صدر و غیرهم بهره‌مند شده آنگاه در شهر خود به امامت و انجام وظائف دینی پرداخته و تاکنون اشتغال دارد.

دارای آثاریست که از آنها تحفهٔ‌الطالبین به طبع رسیده است و تألیفات دیگر ایشان در صرف و نحو و فقه و اصول تاکنون مخطوط مانده است.

(تو ۱۳۳۳ ق)، فقیه اصولی. در نوجوانی ادبیات را آموخت و در محضر پدر و جد مادری‌اش آخوند ملا حبیب‌اللَّه کاشانی و نیز آقاسید محمدعلوی بروجردی به تحصیل فقه و اصول پرداخت. سپس به قم مهاجرت کرد و از حوزه‌ی درس آیت‌اللَّه حائری و آیت‌اللَّه سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللَّه سید محمد حجت و آیت‌اللَّه صدر بهره‌مند شد. در بازگشت به کاشان به ترویج مذهب و تألیف کتاب پرداخت و آثاری در صرف و نحو و فقه نگاشت. از آثار وی: «تحفهٔ الطالبین».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۶۴ / ۶).

امامی اردستانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۴ ش)، شاعر. در اردستان متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر و اصفهان به پایان رساند و سپس به خدمت فرهنگ درآمد. او گاهی شعر می‌سراید. این بیت از اوست،

بنشین چو گل زمانی به میان سبزه، شاید

بنشیند این قیامت که ز قامتت به پا شد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره شعرای معاصر اصفهان (۶۱ –۶۰)، فرهنگ سخنوران (۸۷).

امامی اصفهانی، شریف

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. امانی نخست در اصفهان می‌زیست سپس، به هرات و از آنجا با بابریان به هندوستان رفت. به همین جهت به اصفهانی هروی معروف شده است. مدتها در کابل می‌زیست و از شاعران دربار جلال‌الدین اکبر بود. وی در سرودن غزول استاد بود. از اوست:

لعلت که آب زندگی از وی نشان دهد

کو خضر تا ببیند و از ذوق جان دهد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۳۱ –۴۳۰)، فرهنگ سخنوران (۸۸)، کاروان هند (۱۰۶ –۱۰۵ /۱)، هفت اقلیم (۴۳۷ –۴۳۶ /۲).

امامی اصفهانی، علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، عالم و فقیه. او را به خاطر نسبتش به امامزاده زین‌العابدین از فرزندان امام صادق (ع)، مدفون در محله درب امام اصفهان، امامی می گفتند. وی از شاگردان آقاحسین خوانساری و علامه مجلسی و معاصر افندی مؤلف «ریاض العلماء» بود. پدرش مستوفی موقوفات عامه اصفهان بود. مدتی با پدرش به هند مسافرت کرد و سپس به اصفهان بازگشت و همان‌جا درگذشت. هشت مجلد کتاب در حدیث ترجمه کرد و آن را «هشت بهشت» نامید که عبارتند از: ترجمه «اشارات» خواجه طوسی؛ ترجمه‌ی «اکمال‌الدین»؛ ترجمه‌ی «امالی» صدوق؛ ترجمه «خصال» صدوق؛ ترجمه‌ی «مصابح المتهجد» شیخ طوسی؛ ترجمه‌ی «مصباح» کفعمی؛ ترجمه‌ی «مهج الدعوات» ابن‌طاووس. از دیگران آثار وی: «التراجیح».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۱۳ /۸)، تذکرة القبور (۴۳۶)، الذریعه (۱۴۱، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۲۱، ۱۱۰، ۹۹، ۸۱، ۸۰، ۷۹ -۷۸، ۶۳ -۶۲ /۴)، روضات الجنات (۲۰۸ /۴)، ریاض العلماء (۱۸۷ -۱۸۶ /۴)، ریحانه (۱۷۳ /۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۰۲ -۵۰۰ /۱۲)، فوائد الرضویه (۳۷۰)، الکنی والالقاب (۵۶ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ امامی)، معجم المؤلفین (۱۸۳ /۷).

امامی اصفهانی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، شاعر. از غزلسرایان عهد شاه طهماسب بود. این بیت از اوست:

گفتمش گل، گل شکفته رنگ رخسارت زمُل

غنچه‌ی او در تبسم شد که از گلها چه گل ؟

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۷۰)، تذکره‌ی روز روشن (۷۸).

امامی اصفهانی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، نقاش و خطاط. از سادات اصفهان و خاندان هنرمند امامی‌بود. این هنرمند در سطح میرزا نصرالله امامی‌نقش می‌آفرید و شاید شاگرد وی بوده است. علاوه بر صنعت نقاشی، در رشته‌ی گل و بوته و پرنده‌سازی و جدول‌کشی نیز قلمی‌خوش داشت. خط رقاع را نیز خوب می‌نوشت. از آثار وی: قلمدان زیبایی است از گل و مرغ و در انتهای قلمدان به خط طلایی: «رقم محمدتقی الامامی۱۲۸۶» داشته که شباهت زیادی به کارهای میرزا نصرالله امامی‌دارد؛ قلمدانهای متعددی که جذاب و استادانه است، با رقم: «کمترین محمدتقی امامی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۶۷۵/۲)، هنر قلمدان (۱۵۱).

امامی اصفهانی، نصراللّه

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۲۶ ق)، نقاش و خطاط. ملقب به نقاش‌باشی و از خاندان امامی اصفهان بود. در گل و بوته و پرنده‌سازی و هنرهای روغنی لاکی استدی میرز به شمار می‌آمد. میرزا نصراللّه به غیر از قلمدان‌سازی در نقش جلدها و قاب آینه‌ها استعدادی وافر و شیوه‌ی مخصوص به خود داشت. سایه‌ها را در پردازهای درشت‌تر می‌زد و از ریزه‌کاریهای زیاده از حد احتراز می‌جست. رنگها را به عیار و برداشت ابتکاری خود انتخاب می کرد و جزئیات و آرایش آنها را تغییر می‌داد. سال دریافت لقب نقاش‌باشی نصراللّه دقیقاً معلوم نیست، ولی در قدیمی‌ترین آثار خود که لقب نقاش‌باشی را قید کرده سال ۱۲۹۰ ق است. بنابراین در آن سال و یا سالیانی قبل از آن لقب نقاش‌باشیگری را از ناصرالدین شاه قاجار و یا ظل‌السلطان، حاکم اصفهان دریافت کرد. این نقاش بیش از چهل سال و اندی در خدمت هنر بوده و آثار بسیاری ارائه داده است. او همچنین در خطوط مختلفه، به خصوص خط شکسته مهارت زایدالوصفی داشت و گاهی به نظم شعر نیز، طبع‌آزمایی می‌کرد. از جمله آثار وی: تک گل قرنفل که برگهای موزون داشت، با رقم: «کمترین نصراللّه نقاش‌باشی»؛ جعبه‌ی بزرگی که رویه کناره‌های آن گل سرخ داشت، با رقم: «نصراللّه الحسینی الامامی فی سنه ۱۲۸۲»؛ قاب آینه گل و مرغی که در وسط رویه آن، یک گل درشت جلب‌نظر می‌کرد و به خط نستعلیق رقم: «نصراللّه

الحسینی الامامی سنه ۱۲۵۱»؛ قـاب آینه چشم آذینی که رویه آن گلهـای سـرخ زیبا داشت، با: «رقم حقیر نصـراللّه حسـینی ۱۲۸۱»؛ انفیه‌دان زیبایی به انـدازه قوطی کبریت، با رقم: «کمترین نصـراللّه حسـینی الامامی» و شـش اثر رقم‌دار دیگر که از وی برجای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۳۸۷ -۱۳۸۴ /۳)، هنر قلمدان (۱۵۶ -۱۵۵).

امامی الیگودرزی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید محمد امامی الیگودرزی فرزند مرحوم آقا سید عبداللّه که در چهارم جمادی‌الاول سال ۱۳۸۶ و مطابق با آخر خرداد سال ۴۵ در الیگودرز وفات و در مقبره علما واقع در ابوحسین قم کنار مرقد حضرت معصومه (ع) دفن شد آن مرحوم دوران تحصیل خود را ابتـدا در بروجرد و اصـفهان زمان آیت‌اللّه بروجردی و در نجف اشـرف و قم به پایان رسانیـده و اخیرا به نماینـدگی آیات و مراجع معظم از جمله آیت‌اللّه بروجردی و بعد از ایشان از طرف گلپایگانی و آیت‌اللّه نجفی در شهرستان الیگودرز نیابت و به انجام امور دینی اشـتغال داشـته و دارای جزواتی در احادیث و اخبار آل عصـمت ضـمن سفرهای خود در عتبات عالیات در مکه معظمه به یادگار گذاشته و فرزندانش حضرت حجت الاسلام آقای حاج سید محمد حسن امامی که دوران تحصیل خود را در قم گذرانیده و فعلا در الیگودرز در مسـجد (صاحب الزمان) انجام وظیفه می‌نماید و حاج آقا حسـین امامی که مقیم قم است و آسـید علی و آسـید کاظم دو فرزنـدان دیگر آن مرحوم است و در اثر علم و دانش و زهد و تقوایش افراد بهره‌مند بودند و اخلاص و ارتباط با خدا ائمه اطهار مقامش را منیع و روحش را با اجدادش جاویدان دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

امامی پور، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد امامی پور

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمـد امامی پور فرزنـد محمـد علی متولـد ۱۳۴۲ مقطع دبسـتان و راهنمـایی را در مشـهد گذرانـدم و پس از پایـان دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه مشهد شدم و تا مقطع دیپلم به طور آزاد ادامه تحصیل دادم.

سال های ۶۴ تا ۶۹ در دانشـگاه علوم اسـلامی رضوی به فراگیری زبان انگلیسی و دروس حوزوی تا سطح عالی مشغول بودم و پس از اعزام ۳ مـاهه به زامبیـا جهت تبلیغ و مراجعت به کشور، راهی قم شـدم و تحصـیلات حوزوی و دانشـگاهی را تا مقطع لیسانس از سال ۱۳۷۰ در آنجـا ادامه دادم. در سال ۷۴ با احراز رتبه هشـتم وارد دانشگاه تهران شدم و کارشناسی ارشد حقوق خصوصی را در سال ۷۶ به پایان رسانـدم و ازنیمه ۷۷ به عضویت هیئت علمی دانشـگاه مفیـد در آمدم. سال ۸۲ وارد مقطع دکتری شـدم و اکنون با پایان یافتن واحـدهای آموزشـی و امتحان جامع در مرحله پایان نامه هسـتم. چنـدین طرح پژوهشـی مانند بررسـی قانون بیمه شـخص ثالث و درآمدی به متون اسلامی و... را نیز به سامان رسانده ام.

امامی تربتی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبـدالله بن حجه الاسـلام حـاج شـیخ ذبیـح الله بن العـالم العلام حاج ملا عبـدالله (امام جمعه تربت) ابن العلامه حاج حسـینعلی (امام جمعه) از علماء مبرز معاصر خراسان و تربت حیدریه می‌باشد.

مرحوم حـاج ملا حسـینعلی و حاج ملا اسـحق تربتی که در عصـر خود اعلم علماء خراسان معرفی شده‌انـد نسـبشان منتهی می‌شود به مرحوم حاج ملا خداداد تربتی که معاصر با اوائل صفویه بوده‌اند.

جنـاب آقای امامی در محرم ۱۳۲۰ ق در تربت حیـدریه متولـد شـده و در بیت علم پرورش یـافته و قرآن و اولیات را در مکتب خانه مرحوم آقـا سـید محمود مشلول خوانـده و قسـمتی از مقـدمات را فراگرفته و ضـمنا از نمـاز جمـاعت و مجالس وعظ مرحوم حجت

الاسلام آخوند حاج ملا عباس تربتی (والد جناب آقای راشد) که از نظر زهد و تقوا و فضیلت کم نظیر بود استفاده نموده و در ماه ربیع الاول ۱۳۴۷ ق به حوزه علمیه مشهد مقدس منتقل و ادبیات را از جناب حاج شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری و اساتید دیگر استفاده کرده و پس از آن سطوح فقه و اصول را از مرحوم آیت الله حاج میرزا احمد مدرس یزدی و آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی و آیت الله حاج شیخ آقا بزرگ شاهرودی و دروس خارج را از محضر مرحوم آیت الله حاج میرزا احمد کفائی و آیت الله عالم ربانی حاج میرزا مهدی اصفهانی استفاضه نموده و مدتی هم در قم از محضر مرحوم آیت الله مؤسس حاج شیخ عبدالکریم یزدی و آیت الله خونساری بهره‌مند گردیده و در سال ۱۳۵۷ ق مهاجرت به نجف اشرف کرده و از محاضر آیات عظام آن سامان چون آیت الله حاج شیخ موسی خونساری و آیت الله حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت الله حاج سید محمود شاهرودی استفاده نموده و در حدود سال ۱۳۶۴ ق به تربت برگشته و قیام به وظائف دینی از اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام نموده و تاکنون اشتغال دارند. از آثار ایشان است:

۱- استرداد مدرسه اسحاقیه و تعمیر آن به همت مرحوم حاج ابوالقاسم هراتی (که اکنون به مدرسه هراتی شهرت دارد)

۲- رسیدگی به وضع طلاب و محصلین مدرسه مزبور.

۳- اعزام مبلغین دینی بقراء اطراف تربت.

۴- تهیه زمین برای ساختمان کتابخانه امامیه و تهیه مقداری کتاب برای آن.

۵- اقدام به تجدید ساختمان مسجد مرحوم حاج شیخ علی اکبر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

امامی حجتی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر امامی حجتی

محل تولد : نجف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی اکبر امامی حجتی دوران کودکی و نوجوانی را در نجف اشرف گذراندم و در خانواده ای روحانی نشو و نما کردم. دروس مقدماتی را در حوزه علمیه نجف گذارندم و درسال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و نزد حضرات آیات شیخ علی پناه اشتهاردی، شیخ محمد تقی ستوده و شیخ احمد پایانی، کرباسی، محمد هادی معرفت و فاضل سطح را به پایان بردم. در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام تبریزی، وحید خراسانی و فاضل، سال های متمادی شرکت کردم و بحمدالله موفق بوده ام که سطح را از مقدمات تا نهایه تدریس کنم و به مدت پنج سال در واحد آموزشی خواهران دفتر تبلیغات نیز تدریس کرده ام و علاوه بر تقریرات دروس اساتیدم با همکاری برخی از موسسات پژوهشی آثاری از خود به یادگار گذاشته ام.

از سال ۱۳۷۰ با بخش مرکز تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی همکاری کردم. نتیجه آن با همکاری دیگر برادران چهارده جلد "المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحارالانوار "و سه جلد" المعجم المفهرس لاعلام احادیث بحار الانوار، "و نقد و پاورقی بر ترجمه کتاب" احداث التاریخ الاسلامی "و فیش برداری از مکتب های تاریخی زیر نظر دکتر آدینه وند و مقاله" تعداد یاران امام حسین علیه السلام "که در کتاب نگاهی نو به جریان عاشورا به چاپ رسیده است. ضمناً در برخی از موسسات دیگر نیز همکاری داشته ام که کتاب" مجمع الفوائد فی شرح الفرائد "با همکاری دیگران نوشته ام که به چاپ رسیده است.

از کارهای شخصی خودم نیز می توان اشاره کنم که تعلیقه توضیحی بر خیارات مکاسب نوشته ام و مقاله ای تحت عنوان مصرف سهم امام علیه السلام در زمان غیبت.

امامی حسینی اصفهانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، نقاش و خطاط. از سادات اصفهان بود و در کارهای روغنی از قبیل قاب آینه و قلمدان و انواع جلدها ذوق داشت. در زادگاه خویش کارخانه‌ی مجهزی دایر کرد و طراحی و اساس اولیه‌ی نقوش را خود انجام می‌داد و بقیه را به عهده‌ی شاگردان می‌گذاشت؛ سپس کارخانه را به تهران انتقال داد. در ترسیم مجالس بزمی و رزمی به شیوه‌ی دوران صفوی صاحب ابتکار بود و در ارائه گل و مرغ و مناظر پر طراوت و ترسیم حیوانات مهارت داشت. علاوه بر فنون یاد شده، خط نسخ و نستعلیق را خوش می‌نوشت. بین سالهای ۱۲۶۰ تا ۱۲۸۰ ق به خلق آثار زیبایی اشتغال داشته است. از آثار وی: یک جلد کتاب رحلی که حاشیه‌ی آن به خط نسخ معمولی است و در داخل جلد، تصویر مجلس بزمی است، با رقم: «در اصفهان در کارخانه جناب آقای سید محمد ۱۲۷۴ تمام

شد»؛ قلمدان بزرگی که در وسط آن، گل و مرغهای خوشرنگی نقش بسته، با: «رقم کمترین سید محمد ۱۲۸۰»؛ یک جفت در اطاق مزین و منقش که مانند شیوه‌ی جلدسازی و قلمدان‌سازی روغنی گشته و در آن مجالس گوناگونی به شیوه‌ی دوران صفوی نقاشی شده، با: «رقم سید محمداصفهانی»؛ جلد کتابی که در داخل رویه‌ی آن، انواع گلها و طاووس و حواشی آن خطوط نسخ بود که با ابیات شعر پر گشته و رقم «عمل سید محمد امامی حدود سالیان ۱۲۸۰» دارد؛ قلمدان کیانی که از برگیرنده‌ی نزدیک پانصد چهره از قهرمانان «شاهنامه» و داستانهای «مثنوی» مولوی و «پنج گنج» نظامی با پرداز لطیف و حالات گوناگون است، با رقم: «سید محمدالحسینی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۶۵۱ -۶۵۰ /۲)، هنر قلمدان (۱۳۶).

امامی خلخالی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، اشعر. در گرد آوردن اشعار و سرودن شعر سعی بسیار داشت. این رباعی از او به یادگار مانده است:

با خلق خدا سخن به شیرینی کن

اظهار نیاز و عجز مسکینی کن

تا بر سر دیده جا دهندت مردم

چون مردم دیده ترک خودبینی کن

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۹۱)، دانشمندان آذربایجان (۵۱)، الذریعه (۹۳/۱)، صبح گلشن (۳۶)، فرهنگ سخنوران (۸۷)، هفت اقلیم (۲۶۰/۳).

امامی خمینی‌شهری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام و عماد الاعلام آقای حاج سیدرضا بن العلامه الورع آیت‌الله حاج سید محمد امامی سدهی (خمینی‌شهری) اصفهانی از علماء حوزه علمیه و اصحاب و تلامذه مخصوص و مبرز آیت‌الله العظمی آقای مرعشی نجفی مدظله العالی می‌باشد.

وی در سال ۱۳۴۳ قمری در خمینی‌شهر متولد شده و در مهد علم و فضیلت پرورش یافته و پس از طی مقدمات در سال ۱۳۵۸ قمری به قم مهاجرت نموده و سطح نهائی مکاسب و کفایه را از آیت‌الله العظمی مرعشی و آیت‌الله العظمی گلپایگانی و مرحوم آیت‌الله حاج شیخ ابوالقاسم اصفهانی خوانده و در درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر شده و پس از آن مرحوم به سیدنا الاستاذ آیت‌الله العظمی مرعشی پیوسته و تمام استفاده‌اش از دراسات فقه و اصول معظم له بوده و می‌باشد و در بیشتر مباحثات شریک این نگارنده بوده است.

برادر ارجمندش جناب دانشمند معظم آقای حاج سید علینقی (فیض‌الاسلام) شارح نهج‌البلاغه و صحیفه کامله سجادیه مطبوع می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

امامی سدهی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی فروشانی (سدهی) متوفی حدود ۱۳۵۵ که آباء گرامش تا جناب سید محمد دیباج فرزند امام صادق علیه‌الصلوه والسلام همگی از علماء و دانشمندان بزرگ بوده‌اند. از مفاخر علماء معاصر سده (خمینی‌شهر) بوده‌اند.

وی جامع علوم عقلی و نقلی و مضافا دارای علوم غریبه جفر و اعداد و ریاضیات و بسیار مبارز بر علیه منکرات و مجاهد با فرقه ضاله مضله بهائیه و غیره بوده و از برکات مجاهدات آن بزرگوار تاکنون بحمدالله پای احدی از آن فرقه مردود در آن منطقه باز نشده است. وی دارای مقامات معنوی و صاحب کرامت و نفس بوده که با دعاها و تعلیم ختومات خویش بیماران را شفا و معالجه می‌نموده است.

و نیز در راه مراجعت از مشهد به فیض زیارت و ملاقات حضرت ولی‌عصر عجل‌الله فرجه‌الشریف رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

امامی شیرازی، عنایت‌الشریعه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و شاعر. نسب وی از جانب پدر به مجاهد بزرگ اسلام، حبیب بن مظهر اسدی و از جانب مادر به حاج شیخ محمد مفید می‌رسید. وی مقدمات و علوم ادبی و فارسی و عربی و فقه و اصول را در شیراز آموخت. سپس به تهران آمد و از عهده‌ی آزمون مؤسسه‌ی وعظ و خطابه برآمد، از تهران به مشهد رفت و پس از چندی به شیراز بازگشت. وی به عربی و فارسی شعر می‌گفت. از آثار او: «تحفهٔ العنایه»؛ «تذکرهٔ العنایه»؛ «عنایهٔ الرحمن فی اعمال شهر رمضان»؛ «عنایات الرَّب فی منتخبات الخطب»؛ «عنایات الخلاق فی علم الاخلاق»؛ «عنایت الصباح والمساء فی حدیث شریفِ الکساء»؛ «دیوان» اشعار.[۱]

عنایت‌الشریعه امامی بن شیخ قوام‌الدین بن شیخ مهدی بن شیخ محمدصالح ابن شیخ عزالدین محمد اسدی جزایری از دانشمندان و شعراء معاصر شیراز نسبش به مجاهد بزرگ اسلام حبیب بن مظاهر اسدی رضوان اللّٰه تعالی علیه و از طرف مادر به آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمد مفید می‌رسد.

وی در شیراز متولد شده و مقدمات و علوم ادبیه فارسی و عربی و فقه و اصول را در شیراز آموخت و سالهای متمادی است که در شیراز به امامت و وعظ و خطابه و تشکیل مجالس جشن مذهبی و سوگواری ائمه اطهار (ع) اشتغال دارد و به فارسی و عربی شعر می‌گوید.

آثار علمی و ادبی ایشان از اینقرار است:

۱- آثار العنایه ۲- اشعار مولودیه ۳- بساتین العنایه (در ۱۴ جلد) ۴- تحفهٔ العنایه ۵- تذکره العنایه ۶- عنایهٔ الرحمن فی اعمال شهر رمضان ۷- عنایات المکنونه فی صلوات المسنونه ۸- عنایهٔ الرب فی منتخبات الخطب ۹- عنایات الخلاق در علم اخلاق ۱۰- عنایهٔ السلطان فی فضیلهٔ قرائت القرآن ۱۱- دیوان اشعار عربی و فارسی و غیر اینها که بیست جلد است و چند جلد آن چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳۱۹ -۳۱۶ /۱)، فرهنگ سخنوران (۸۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۳۹ -۳۳۷ /۵)، مؤلفین کتب چاپی (۶۳۹ -۶۳۸ /۴).

امامی فردی نایینی، محمدسعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۹ -۱۲۸۵ ش)، شاعر. وی در نایین متولد شد. مقدمات را در مدرسه‌ی پدرش آموخت و بعد از ادامه‌ی تحصیلات، به خدمت فرهنگ درآمد. او شعر می‌گفت. در ماربین اصفهان وفات یافت و همان جا دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۶۵ -۶۴)، فرهنگ سخنوران (۸۷).

امامی قهفرخی، کمال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۷ -۱۲۸۰ ق)، شاعر. وی در فرخ‌شهر به کشاورزی مشغول بوده است. «دیوان» اشعار وی مشتمل بر انواع شعر از غزل و قصیده و رباعی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۶۲)، فرهنگ سخنوران (۸۷).

امامی کاشانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین امام کاشانی فرزند عالم جلیل آقا حسام‌الدین امامی در شهرستان کاشان به دنیا آمده و در بیت دانش پرورش یافته و مقدمات و سطوح را در آنجا خوانده پس از آن به قم آمده و در دوره اول امتحان طلاب که شرکت نموده با نمره ممتاز و رتبه اول پذیرفته شده و در درس و مباحثه مرحوم آیت‌اللّٰه بروجردی که صحبت و اشکال می‌کرد و مورد توجه آیت‌اللّٰه قرار گرفته و با عنایات مخصوص به ایشان نگریسته و تعبیر به عالم عصر من می‌فرمودند و پس از دیدن یک دوره خارج و اصول مهاجرت به نجف اشرف نموده و در مدرسه مرحوم علامه یزدی معروف به مدرسه سید سکنی گزیده و به مباحثات ادامه داده و حاشیه کامل بر عروه‌الوثقی زده سپس مراجعت به کاشان نموده و به انجام وظائف دینی و روحی از اقامه جماعت در مسجد بازار کاشان و تدریس فقه و اصول اشتغال دارند و جمع کثیری از محصلین و صلاب کاشان از محضرشان استفاده می‌نمایند دارای تألیفاتی در فقه و اصول می‌باشند. و

در چند سال قبل کتابی به نام اصول‌الامامیه تألیف نمودند که با آنکه مختصرترین کتب اصولی است بسیار ساده و آسان و قابل استفاده است و با این ابتکارشان زحمات طلاب را برای فهم کفایه الاصول علامه خراسانی کم نموده است.

نگارنده گوید: جناب آقای حاج شیخ حسین امامی کاشانی سلمه‌اللّه از افاضل مجتهدین معاصر است که اجتهادش از حدود سی و پنج سال قبل مورد تایید و تصدیق آیات عظام نجف اشرف چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محسن حکیم قدس‌اللّه سره و دیگران و نیز مراجع بزرگ و زعماء حوزه علمیه قم مانند آیت‌اللّه العظمی بروجردی طاب اللّه ثراه و دیگران بوده.

آثار علمی ایشان مطبوعا و مخطوطا

۱- اصل اصول الامامیه یکدوره اصول که به طبع رسیده است.

۲- دراسات الاصول آماده طبع است.

۳- فقه الامامیه- سه جلد که آماده طبع است.

۴- حاشیه کامل بر عروه که در سال ۱۳۷۵ هجری قمری شروع و در سال ۱۴۱۰ هجری قمری پایان یافته.

۵- متفردات الامامیه مانند تقیه یا خبریت بسیم اللّه از سور قرآنیه.

۶- قاعده- لاضرر چاپ شده.

۷- قاعده- تقیه چاپ شده.

۸- قاعده- اعلمیت چاپ شده.

۹- ترجمه عروه که رساله عملیه فارسی است.

و ایشان داماد گرامی حضرت آیت‌اللّه حاج آقا رضا مدنی کاشانیست که سبط مرحوم آیت‌اللّه العظمی آخوند ملا حبیب‌اللّه شریف کاشانی صاحب تألیفات و تصنیفات کثیره مطبوع و غیره می‌باشند.

از آثار خیر معظم‌له تعمیر برخی از مساجد است که از آنهاست تعمیر اساسی مسجد میرعماد کاشان و بنیاد مدرسه امامیه برای طلاب خودشان.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

امامی نیا، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا امامی نیا

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۴به حوزه علمیه زنجان وارد شدم و با علاقه فراوان دروس حوزوی را تا پایان سطح در شهر زنجان گذرانده و در سال ۱۳۷۴به حوزه علمیه قم تشرف یافته و تا سا ل ۷۶ در دروس خارج اصول و فقه اساتید محترم همچون حضرات آیات سبحانی، مکارم و وحید خراسانی شرکت کردم.

در سال ۷۶ در دوره تخصصی کلام اسلام در سطح ۴ پذیرفته شده و به مدت ۴ سال این دوره را با معدل ۶۱/۱۹گذراندم.

از سال ۸۰ به مدت ۲ سال در مدارس علمیه الهادی، حقانی، معصومیه، کلام اسلامی را تدریس کردم. از سال ۸۱ تاکنون در دو سطح ۲ و ۳ فلسفه و کلام اسلامی را در مرکز تخصصی کلام اسلامی تدریس می کنم. در موسسه مذاهب اسلامی سطح ۳ چند دوره فلسفه تدریس کرده ام. در مدرسه بقیهْ الله (ویژه طلاب محترم پاکستانی) به مدت ۳سال فلسفه اسلامی تدریس کرده ام. ازسال ۸۵ تاکنون در مرکز تخصصی تربیت مدرس کلام و فلسفه اسلامی تدریس می کنم.

از سال ۸۲ تاکنون در مرکز پژوهشی دایرهْ المعارف علوم عقلی اسلامی (موسسه امام خمینی) در کمیته علمی کلام عضویت دارم و چند مقاله برای آن مرکز تالیف کرده ام. از سال ۸۲ در شورای علمی دانشنامه کلام اسلامی (موسسه امام صادق) عضویت داشته و در ارزیابی مقالات، نظارت بر پرونده های علمی و تالیف مقاله فعالیت می کنم. به سفارش داانشنامه جهان اسلام مقاله" ذمیه "را تالیف کرده ام به طور خلاصه فعالیت این جانب در دو بخش تدریس و پژوهش در فلسفه و کلام اسلامی تمرکز دارد. از سال ۸۵ نیز راهنمائی، مشاوره و داوری چند رساله علمی را عهده دار بوده ام.

امامی هروی، رضی‌الدین، ابوعبداللّه محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۸۶ ق)، ادیب، شاعر. وی ملک‌الشعراء و مداح اتابکان فارس و معاصر سعدی و مجدالدین همگر بود. ابتدا مداح ملوک

کرت بود. سپس به کرمان رفت و به مدح پادشاهان آن دیار یعنی سلاطین قراختایی پرداخت. در یزد مصاحب شمس‌الدین محمد تازی‌گوی، کارگزار شمس‌الدین محمد صاحب دیوان شد. به سبب فضل و دانش وافر و تسلط بر زبان و ادب عربی و فارسی و اطلاع از علوم مختلف معقول و منقول شهرت بسیار داشت، تا آنجایی که برخی از معاصران در مقام مقایسه او با سعدی بر آمده و او را بر بسیاری از شاعران ترجیح داده‌اند. مجدالدین همگر او را بر سعدی ترجیح داه است. در قصیده‌سرایی به سبک عراقی شهرت داشت. وی به اصفهان رفت و باقی عمر را در آنجا گذرانید. و در قصبه‌ی لنجان درگذشت. آثار وی «دیوان» اشعار مشتمل بر دو هزار بیت؛ شرحی بر قصیده‌ی «بائیه» ذوالُرمّه شاعر معروف عرب به عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۵۹ -۷۵۲ /۲)، از سعدی تا جامی (۱۶۵ -۱۶۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۵۷ -۵۴۶ /۳)، تاریخ گزیده (۷۱۷ -۷۱۶)، تاریخ نظم و نثر (۱۶۲ -۱۶۱)، تذکرهٔ الشعراء (۱۸۸ -۱۸۳)، تذکرهٔ القبور (۱۹۸)، حبیب السیر (۳۸۷، ۱۱۸ /۳)، الذریعه (۹۴/۹)، ریحانه (۱۷۲/۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۸۸ -۱۸۷ /۱)، صبح گلشن (۳۶)، گنج سخن (۱۴۶ -۱۴۲ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ امامی)، مجمع الفصحا (۲۶۵ -۲۵۹ /۱).

امامی هروی، قاضی صدرالدین محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۳۸ ق)، شاعر. بعد از فوت پدر به منصب قضاوت شهر هرات رسید. وی به علت بیماری طاعون درگذشت و در گازرگاه در قبرستان قضات امامی مدفون شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۱۳/۴)، فرهنگ سخنوران (۸۷).

امامی هروی، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط و منشی. از زبر دست‌ترین کاتبان قرن خویش بود که ظاهراً در دربار سلطان یعقوب و رستم آق قویونلو به کار کتابت مشغول بود و به همین جهت یعقوبی و رستمی رقم می‌کرد. از خطوط نستعلیق او: یک نسخه «انیس العاشقین»، به قلم نستعلیق کتابت عالی، با رقم: «تمت... به انیس العاشقین فی تاریخ سنهٔ سبع و ثمانین و ثمانمائهٔ... شیخ محمد الامامی»؛ یک نسخه «هفت اورنگ» جامی، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «کتبه العبد الفقیر الحقیر شیخ محمد بن شیخ احمد الهروی فی تاریخ سنهٔ تسع و تسعین و ثمانمائهٔ»؛ یک نسخه مثنوی «اشترنامه»، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «تمام شد کتاب اشترنامه‌ی شیخ فریدالدین عطار... شیخ محد بن احمد... سنه‌ی احمد عشرین و ثمانمائهٔ...» و قطعات و مرقعات دیگر که در کتاب «احوال و آثار خوشنویسان» به آنها اشاره شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۴۴ -۶۴۲ /۳).

امامی، ابوسعید

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. معاصر شاه طهماسب بود. از آثار وی کتیبه‌ی سر در مسجد قطبیه که اکنون در چهل ستون اصفهان است، به خط ثلث تزیینی معرق خوش، با رقم: «... شاه طهماسب الحسینی بهادرخان... کتبه العبد ابوسعید الامامی، سنه‌ی ۹۵۰».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۱۷ /۴)، تاریخ اصفهان (۱۰۰ -۹۹)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۳۸۸، ۳۸۰).

امامی، تقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید تقی امامی

محل تولد : خمینی شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۴ وارد مدرسه حقانی شدم. با گذراندن سالهای اولیه در آن مدرسه و تکمیل دروس در حوزه از محضر اساتیدی نظیر حضرات آیات وجدانی، عندلیب، محقق داماد، اعتمادی، ستوده، نبوی، محفوظی و پایانی برای دوره های بعدی تا پایان سطح عالی بهره جستم. سپس از محضر اساتیدی چون حضرات آیات تبریزی و وحید خراسانی از سال ۱۳۷۰ به بعد استفاده نمودم.

همزمان از سال ۱۳۶۸ به تدریس سطح اول و سپس سطح عالی پرداختم که هم اکنون سالهاست به تدریس مکاسب و رسائل اشتغال دارم. (مدرسه حضرت آیهٔ الله بروجردی حجره ۱۵) در سال ۱۳۶۸ مقاله ای پیرامون کنکاشی پیرامون تورم به سمینار اقتصادی کنگره جهانی حضرت امام رضا (ع) ارائه دادم که در جلسه مطرح نمودم و توسط مرکز پژوهشهای آستان قدس رضوی منتشر گردید.

از سال ۱۳۷۹ مقالات و مطالب فراوانی به صورت سلسله ای و ادامه دار در مجلات فاطیما و میثاق با کوثر ارائه دادم که عناوین برخی از آنها عبارتند از": سخنی با نیکان ۲۴ شماره"، "سخنی با ایرانیان ۱۳ شماره"، "مشاوره روانشناسی ۱۷ شماره"، "تحلیل مسائل سیاسی روز تحت عنوان (چرا ؟) ۱۵ شماره"، "النکاح فی الاسلام ۱۵ شماره، "همچنین مدیر مسئولی مجلات فاطیما و میثاق با کوثر را عهده دار بوده ام که در مورد میثاق ادامه دارد.

امامی، جلال‌الدین محمود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۸۲ ق)، عالم. وی معاصر ملک معزالدین حسین کرت، و به زهد و تقوی مشهور، و مورد احترام او بود و بنا به گفته‌ی صاحب «حبیب السیر» چنانچه ملک معزالدین حسین کرت به جانب قاضی رقعه می‌نوشت به خط خود بر حاشیه ثبت می‌نمود که: «بنده مخلص دولتخواه حسین کرت». وی در گازرگاه هرات دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۳/۳۸۵)، مزارات هرات (۱۰۲).

امامی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۲۸۳.

درگذشت: مرداد ۱۳۵۸، اروپا.

سید حسن امامی، فرزند ابوالقاسم تحصیلات خود را در سوییس به پایان رسانید و به درجه‌ی دکتری حقوق نایل گردید. پس از مراجعت به ایران وارد وزارت دادگستری شد و به ریاست دادگاه‌ها منصوب گردید و در ضمن در دانشکده‌ی حقوق به سمت استاد تاریخ عمومی و ثبت اسناد اشتغال داشت. بعد از وفات عموی خود که امام جمعه‌ی تهران بود، به جای وی به این سمت تعیین شد و به اقامه‌ی نماز جماعت و وظایف این شغل اشتغال داشت. بعدا به ریاست مجلس شورای ملی نایل آمد و پس از چندی بالاجبار از شغل نمایندگی مستعفی و به اروپا مسافرت نمود.

از آثار اوست: حقوق مدنی ایران (در شش مجلد)؛ شرح قانون ثبت اسناد و املاک (۱۳۲۰).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

امامی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ حسین بن العالم الجلیل آقا حسام‌الدین امامی کاشانی از دانشمندان نامی و علماء سامی معاصر کاشانست وی در کاشان متولد شده و مقدمات و سطوح را در آنجا خوانده و پس از آن به قم آمده و در امتحانات حوزه شرکت و رتبه اول و نمره عالی را دریافت و مکرر مکالمات علمیه با حضرت آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی نموده و مورد توجه معظم له واقع شده به طوری که بعضی از اوقات از ایشان تعبیر به عالم هم‌عصر می‌فرمودند و هر یک از طلاب و محصلین کاشانی و غیره را که توصیه و توثیق می‌نمودند آن مرحوم پذیرفته و بر ایشان حقوق و شهریه برقرار می‌کردند

آقای امامی پس از یک دوره تحصیلات و دیدن دروس خارج قم به نجف اشرف عزیمت نموده در حالی که در آن موقع بر

عروۀالوثقی علامه یزدی حاشیه شروع نموده و در اقامتشان در (باب مدینه علم) تا باب خمس به اتمام رسانیدند

معظم له پس از چندی توقف در نجف و شرکت در دروس آیات عظام آنجا بالاخص مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم و آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله و دیگران مراجعت به کاشان نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه بروجردی باز به قم آمده و به تدریس خارج پرداخته و صدها نفر از طلاب در درسشان شرکت می‌نمودند. ولی متأسفانه روی بعضی از جهات دوباره به کاشان برگشته او تا حال تحریر و تألیف این کتاب (سال ۱۳۹۵ قمری) به اقامه جماعت و تدریس و تألیف اشتغال دارند از آثار گرانقدر آنجناب کتاب (اصول الامامیه) است که زحمات فضلاء را آسان و راهی را که باید سالها در مبانی اصول فقه طی نمایند به چند ماه رسانیده است

نگارنده گوید مترجم محترم ما از مجتهدین جوان عصر حاضر است آثار نبوغ و بزرگی در چهره و سیمایش نمایان است و امید است که بخواست خدا و عنایت صاحب ولایت در آینده از مراجع عالیقدر بوده باشند زیرا از سی سال قبل که ایشان را شناختهام همواره چه در قم و چه در کاشان و چه در نجف اشرف با کمال سادگی و دور از تظاهرات مجدانه اشتغال به تحصیل و تدریس و تصنیف داشتند و بحمد اللّه آثار علمی ارزنده‌ای مانند (اصول الامامیه) و حواشی بر عروۀالوثقی و غیره دارند و ایشان داماد ارجمند حضرت آیت‌اللّه والعالم العلام آقای حاج آقا رضای مدنی کاشانی که از مجتهدین و مراجع عصر حاضرند در کاشان می‌باشند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

امامی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عبدالله امامی اول عالم معاصر شهرستان تربت است که اکنون باقامه جماعت و خدمات دینی و تدریس و سرپرستی محصلین و طلاب مدرسه تربت اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

امامی، عطاء الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند آقا سید محمّد نیز از علما و فضلا، و از شاگردان آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و آخوند کاشی، و آقا میرزا احمد مدّرس، و از ائمّه ی جماعت اصفهان بود.

در روز پنجشنبه ۲۴ جمادی الاولی سال ۱۳۸۷ وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

امامی، علی اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی اصغر امامی

محل تولد : دهاقان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۵۰ پس از اتمام دوره ابتدایی وارد حوزه شدم و به موازات تحصیل در حوزه علمیه اصفهان دیپلم متوسطه را نیز اخذ نمودم. تحصیلات اینجانب از اوائل در حوزه به صورت مستمر با تدریس دروس حوزوی همراه بوده است. در سال ۱۳۵۸ پس از اتمام سطح در دوره‌های مختلف خارج فقه و اصول و همچنین فلسفه در حد اسفار نزد اساتید متعدد شرکت نمودم. یک دوره اصول در خدمت مرحوم آیت الله صافی اصفهانی شرکت کرده و در محضر مرحوم آیت الله صادقی و مجلسی اصفهانی مباحث فقه را شرکت کرده‌ام. تدریس اینجانب در مدارس صدر و امام صادق (ع) و دارالحکمه و جدّه بزرگ اصفهان تا سال قبل (۱۳۸۵ ـ ۱۳۸۶) ادامه داشته است.

امامی، علی نقی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد محسن خطاط است که در بیشتر از مساجد اصفهان از نوشته‌های او آثاری موجود است، و از سال ۱۱۱۲) مسجد جامع) شروع، به ۱۱۲۲ (مسجد علی قلی آقا) ختم می‌شود.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

امامی، غیب الله

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. بعضی او را گیلانی می‌دانند. وی معاصر سلطانعلی قاینی (م ۹۱۴ ق) است. در شیوه‌ی خط نستعلیق جزو چند تن خوشنویسی است که به شیوه و طرز غیر سلطانعلی مشهدی می‌نوشت. از آثار وی: یک قطعه از مرقعی، به قلم دو دانگ و کتابت خفی خوش، با رقم: «... کتبه العبد الفقیر غیب الله الامامی عفا الله عنه»؛ یک نسخه «صد کلمه‌ی» حضرت علی (ع)، به قلم نیم دو دانگ جلی و کتابت خفی خوش، با رقم: «کتبه العبد... غیب‌الله امامی... فی سنه ثلث و تسعین و ثمانمائه الهجریه النبویه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۶۱ -۵۶۰ / ۲).

امامی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد امامی اراکی از علماء محترم معاصر شهرستان اراک می‌باشند. والد ماجش مرحوم علامه آیت‌اللّه آخوند ملا محمدعلی امامی خوانساری از دانشمندان به نام و بزرگ عصر خود در نجف اشرف بوده است.

مترجم گرامی ما در بیت علم و تقوا و ورع ب دنیا آمده و در دامن پاک چنان پدر بزرگواری پرورش یافته و پس از خوان اولیات و ادبیات و سطوح که اکثرا با استعدا سرشار فوق‌العاده‌ای که داشتند خود با مطالعه اتقان نموده و چند سالی در بحث خارج فقهی و اصولی مرحوم آیت‌اللّه نائینی قدس‌سره حاضر گشتند و مفتخر به اجازه اجتهاد از ایشان گردیده است.

آیت‌اللّه امامی به واسطه نبوغ فکری وجودت ذهن استقامت فهم و سرعت انتقال که در ترقیات علمی ایشان تاثیر بسیار قوی داشته به مرتبه‌ای که در سطوح نهائی چون مکاسب و رسائل و کفایه بیش از چند ورقی استاد ندیده به نحو اکمل و وافی تدریس کتب مذکور نموده است.

آیت‌اللّه امامی در شب سه شنبه بیست و پنجم جمادی‌الثانی ۱۳۹۹ قمری برابر سی و یکم اردیبهشت ۱۳۵۸ شمسی در اراک از دنیا رفت و با تشیع و تجلیل زیادی در همان شهر در مقبره خصوصی مدفون گردید.

تالیفات و آثار علمی ایشان.

۱- منهاج‌الاحرام لزائر بیت‌اللّه‌الحرام کتاب استدلالی در احکام حج مشتمل بر هزارها مسائل حج.

۲- بغیه‌الطالب درحاشیه مکاسب شیخ انصاری.

۳- تسدید القواعد فی حاشیه الفرائد حاشیه مبسوطی بر رسائل شیخ.

۴- صحیفه‌الحج در اسرار و فلسفه حج.

۵- ترجمه صحیفه‌الحج به فارسی.

۶- کلمات قصار انشاء خود ایشان موسوم الکلم الفائقه و الحکم البالغه.

۷- رساله‌ای به نام الرحمه السابقه و الهدایه البارغه.

۸- رساله‌ای مبسوطی در انفعال ماء قلیل.

۹- رساله‌ای مبسوطی در علل اختلاف حدیث.

۱۰- رساله‌ای در جمیع مسائل مبحث تعادل و تراجیح.

۱۱- رساله‌ای در مسائل اصاله الصحه و مسائل قرعه.

۱۲- دو رساله د رجمیع حکم ظاهری و و اقعی.

۱۳- رساله‌ای در اینکه صیغه امر موضوع است برای مطلق طلب و اینکه اطلاقش افاده وجوب دارد.

۱۴- شرح دعاء صباح حضرت امیر علیه‌السلام.

۱۵- حاشیه برنجاه‌العباد.

۱۶- حاشیه بر عروه‌الوثقی.

۱۷- حاشیه بر رسائل پنجگانه و نفقات و قبله و رضاعیه و ربائیه حاج ملا هاشم خراسانی.

۱۸- حاشیه بر توضیح‌المسائل مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی.

محمد امامی نجفی از علماء و ائمه جماعت معاصر اراک می‌باشند. وی در خونسار متولد شده و در بیت علم و فضیلت پرورش یافته

و برای تحصیل به اصفهان عزیمت و پس از خواندن مقدمات و سطوح به نجف اشرف مهاجرت و از محضر آیات عظام آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه عراقی آقا ضیاءالدین و دیگران استفاده نموده و بعد از پایان مراتب علمی به اراک آمده تا حال حاضر اشتغال به خدمات دینی از قبیل امامت در مسجد آیت‌اللّه سلطان و تبلیغ احکام و ترویج دین دارند. ادام‌اللّه توفیقه و عزه

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

امامی، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن سید احمد، از سادات امامی اصفهان، عالم حکیم ادیب فاضل زاهد، از شاگردان جهانگیرخان قشقائی، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و آخوند کاشی و دیگران بوده، و کتابی در حکمت و کلام تألیف فرموده.

در ظهر چهارشنبه ماه صفر سال ۱۳۶۴ وفات یافته، در یکی از اطاقهای شرقی تکیه بروجردی مدفون گردید.

نگارنده مدّتی افتخار شاگردی ایشان را داشت.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

امامی، محمد محسن بن محمد رضا

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از مردم اصفهان، و از مفاخر هنری این سامان است. آثار او از سال ۱۰۹۰ (مسجد خان) شروع، و به ۱۱۰۰ (مسجد درباغ قلندرها) ختم می‌شود. در مسجد خان به همین تاریخ کتیبه دیگری است به خط عباس مولوی که او نیز از خطاطین آن عصر بوده است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

امامی، محمد مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی امامی

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد مهدی امامی در بهار سال ۴۷ در یک خانواده روحانی و اهل علم متولد شدم. دوران ابتدائی و راهنمائی را در محل تولد که یکی از روستاهای بخش بهار همدان می باشد گذراندم. پایان دوران راهنمائی همزمان شد با شروع جنگ تحمیلی، بخشی از دوران راهنمائی (سوم) در جبهه و بخشی از آن را در مجتمع رزمندگان به اتمام رساندم.

همزمان با جنگ و دوران تحصیل در مدرسه در سال ۶۴– ۶۵وارد حوزه علمیه قم شدم، البته قبل از آن پایه اول حوزه را در مدرسه شهید مصطفی خمینی (ره) تهران گذراندم. و به جهت این که شهر قم شهر علم و اجتهاد بود و حرم حضرت معصومه (س) در آنجا بود، در امتحانات حوزه شرکت و قبول شدم. از سال اول تا سال سوم را در مدرسه الهادی واقع در خاکفرج قم سپری کردم و همزمان با دروس حوزه دروس مقطع دبیرستان را در مجمع ایثارگران شهید زین الدین قم به اتمام رساندم.

در سال ۷۳ وارد دانشگاه شدم در رشته علوم سیاسی و همزمان با دروس حوزه و دانشگاه، در سال ۷۵ موفق به اتمام سطح دو حوزه و کارشناسی در دانشگاه شدم. در سال ۷۷ در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه باقرالعلوم (ع) قبول شدم. و همزمان تا سال ۸۲ دروس دانشگاه و مصاحبه های خارج فقه و اصول را در شش نوبت به پایان رساندم.

از سال ۸۰ همزمان با دروس دیگر و تحقیقات مشغول به تدریس در دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی و علامه طباطبائی تهران شدم. و در حال حاضر هم با اشتغال به کار آموزشی مشغول تدوین و نگارش کتاب و مقالات و تدریس در دانشگاههای یاد شده و اراک و پیام نور هستم.

امامی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر امامی اول عالم موجه معاصر کاشمر است.

وی در آن سامان متولـد شده و پس از خواندن مقدمات و اولیات و قسـمتی از سطوح به مشـهد عزیمت نموده و در آنجا به تکمیل متون فقه و اصول پرداخته و از دروس خـارج آیـات عظام آنجا و دیگران اسـتفاده نموده و پس از وصول به مقام رفیع فضل و دانش به کاشمر مراجعت و تا حال حاضر به انجام وظائف دینی اشتغال دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

امامی، محمدجعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جعفر امامی

محل تولد : داراب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۲/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔالاسـلام والمسـلمین محمد جعفر امامی در سال ۱۳۲۲ و در شب عیـد فطر در روسـتای لایزنگان (خشم علیا) از توابع شهرسـتان داراب اسـتان فارس در خانواده ای مذهبی چشم به جهان گشود. پدرش روحانی نبود ولی پدر بزرگش در کسوت روحانیت بود اما از راه باغ داری و کشاورزی زندگی خویش را اداره می کردند. وی دوران ابتدائی را در مسـقط الراس خود، ابتدا در مکتب خانه و پس از آن در مدرسه ابتدایی آن روز به تحصیل گذراند.

در ۲۷/۷/۱۳۳۷ به حوزه علمیه داراب که تحت قیمومیت مرحوم آیت الله نسابه اداره می شـد وارد شـد و تا سال ۱۳۴۱ در آنجا بود. در طی این سالها دروس دوره مقدمات و بخشـی از دروس دوره سطح را آموخت و سپس به حوزه علمیه قم آمد و در قم نخست به مدرسه رضویه رفت و دروس دوره سـطح را پی گرفت و در مدتی کوتاه آن را به پایان برد. سـپس به درس خارج اسـتادان مشـهور آن روزگار رفت و از محضر بسیاری از آنان بهره مند شد. اما استاد اصلی او در این بخش آیت الله العظمی مکارم شیرازی بود.

حجهٔالاسـلام والمسلمین امامی، در پیش و پس از (انقلاب اسلامی) در عرصه های گوناگون سیاسی حضور فعال داشته است. او در سالهـای حکومت (پهلوی) برای تبلیغ به نقاط مختلف کشور سـفر می کرده و در آنجا ماهیت رژیم پهلوی را افشا می نموده است تا آنجـا کـه رژیـم پهلـوی او را ممنـوع المنبـر کرد و تـا پیروزی انقلاب این ممنـوعیت ادامه داشت از آغـاز ورود او به قم که مبـارزه مرجعیت و روحـانیت بـا تصویب لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی بر ضـد رژیم پهلوی شـروع شـد همواره در تمام صـحنه‌های این مبارزه شرکت داشت.

وی در جریان رفرانـدوم و لوایح ششـگانه در سـخنرانی جلسه مهم مدرسـین حوزه که پس از لغو مصوبه انجمن های ایالتی و ولایتی در مسـجد اعظم قم که در آن آیهٔ الله العظمی مکارم و مرحوم حجهٔالاسـلام حاج شـیخ مرتضـی انصاری سـخنرانی کردند و موضـع مدرسین حوزه را اعلام داشتند و در کلیه سخنرانی های امام راحل چه آنها که در مسجد اعظم ایراد فرمودند و چه سخنرانی معروف مـدرسه فیضـیه در عصـر عاشورا شـرکت داشت. و نیز در صـحنه پانزده خرداد در قم که ملت ایران به خاک و خون کشـیده شدنـد، حضور داشت.

در شـب و روز آزادی امـام قـدس سـره از حبس و حصـر و حضـور مردم قـم در بیت ایشـان و ورود هیئـت هـای دیـدار کننـده از شهرسـتانهای کشور و سخنرانی آن حضرت در مسجد اعظم و در جشن باز گشت امام که در فیضیه منعقد گردید و نیز در سخنرانی ضد کاپیتولاسیون که در بیت خود حضرت امام (ره) در محله یخچال قاضی قم انجام گرفت در تمامی این مراحل حضور داشت.

او پس از انقلاب نیز در صـحنه هـای گونـا گون همواره پشتیبـان انقلاب و امـام (ره) بوده است. در آغـاز به نماینـدگی از امام در آمادگـاه منظریه قم و در سـتاد انقلاب مـدتی در سازمـان برنـامه و بودجه و مـدتی در وزارت بازرگـانی انجام وظیفه نمود. در طی سالهـای دفـاع مقـدس نیز با تنظیم کتاب (نظام دفاعی اسـلامی) و بحث های عقائـد و اطلاعات رزمنـدگان اسـلام را با مبانی دفاع و دیدگاه اسلام درباره آن آشنا می ساخته است.

حجهٔ الاسلام و المسلمین امامی هم اکنون از اعضاء جامعه مدرسین حوزه علمیه قم می باشد و در شهر قم حضور دارد .

امامی، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسعود امامی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اتمام سال دوم دبیرستان به علت علاقه شدید به دروس حوزوی، دبیرستان را رها کردم و به مدرسه علمیه ملا محمد جعفر (حاج آقا مجتهدی تهرانی) وارد شدم. از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۵ تحصیل دروس مقدمات (تا پایان لمعتین) را در این مدرسه سپری کردم. سپس مدت یکسال بطور آزاد در دروس مدرسه عالی شهید مطهری شرکت نمودم و آنگاه در سال ۱۳۶۷ به حوزه علمیه قم آمدم و تا کنون در این حوزه به تحصیل و تحقیق مشغول هستم.

شرایع و دروس جنبی مانند تفسیر قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و اخلاق را به مدت ۵ سال از محضر استاد بزرگوار آیت الله مجتهدی تهرانی بهره گرفتم. لمعتین و اصول فقه را خدمت حاج سید محمد ضیاء آبادی خواندم. مدت یکسال که در مدرسه شهید مطهری بودم، الهیات شرح منظومه را نزد استاد سید مصطفی محقق داماد و رسائل را نزد آیت الله سید حسن مرعشی درس گرفتم. ادامه درس رسائل را در قم در درس آیت الله سید رسول تهرانی شرکت کردم. در تهران بدایهٔ الحکمه را در درس آیت الله سید رضی شیرازی و نهایهٔ الحکمه را در درس استاد سید حسین حسینی حاضر شدم. در قم، درس مکاسب را در محضر آیت الله سید حسن طاهری خرم آبادی شرکت کردم. جلد نخست کفایه را نیز خدمت آیت الله شیخ حسن قدیری و جلد دوم را خدمت استاد شیخ صادق لاریجانی خواندم.

سال ۱۳۷۱ به مدت ۴ سال در درس خارج فقه (مبحث بیع) آیت الله وحید خراسانی حاضر شدم و در کنار آن به دروس خارج اصول حضرات سید احمد مددی و استاد گنجی حاضر می شدم. مدت ۲ سال خارج فقه (خمس) آیت الله شیخ جواد تبریزی را درس گرفتم و در نهایت مدت ۶ سال از خارج فقه (خمس و نکاح) استاد معظم حضرت آیت الله شبیری زنجانی را بهره مند شدم. همچنین ۴ سال در درس خارج اصول حضرت استاد وحید خراسانی حاضر شده ام. نهایتا مدت ۱۲ سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت کرده ام و از سال گذشته از حضور در دروس خارج منصرف شده ام. و بیشتر وقت خود را به کارهای پژوهشی سپری میکنم.

در مدت اقامت در قم، مدت ۷ سال در درس کلام یکی از اساتید بزرگوار شرکت کردم (به علت عدم رضایت استاد، از ذکر نام ایشان معذورم) مدت ۲ سال در درس اشارات حضرت آیت الله حسن زاده آملی و مدتی در درس اسفار حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت نمودم.

مدت ۵ سال که در مدرسه مجتهدی در تهران بودم، دروس مختلف ادبیات و منطق را کراراً تدریس کردم و مدت ۸ سال است که هفته ای یک روز به تهران می روم و به تدریس دروس معارف اسلامی و مباحث اعتقادی در دانشگاه های تهران (۳ سال نخست در دانشگاه خواجه نصیر و ۵ سال بعدی در دانشگاه تهران) مشغول هستم و همچنان ادامه دارد.

از آغاز تحصیل در حوزه، علاقه وافری به تحقیق و پژوهش داشتم و نخستین کار پژوهشی ام را در سال دوم دبیرستان (۱۶ سالگی) شروع کردم که بحثی پیرامون عصمت بود و یکسال بعد از تحصیل در حوزه آن را با مطالعه متون عربی تکمیل کردم و در نهایت با ۱۲۰ منبع به پایان رساندم. در مدتی که در تهران و قم بودم کارهای پژوهشی مختلفی انجام دادم، در دوران اقامت در تهران و مدتی پس از ورود به قم به کارهای تحقیقی پیرامون متون روایی و ترجمه آنها (ترجمه و تحقیق فضائل الخمسه و تحقیق نفس الرحمن فی فضائل سلمان، (تالیف محدث نوری، اللوامع النورانیه تالیف محدث بحرانی، الهدایه حسین بن حمدان) اشتغال داشتم.

مدت ۷ سال است که با موسسه دائرهٔ المعارف فقه اسلامی (زیر نظر آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی) در بخش فرهنگ فقه و مجله فقه اهل بیت (ع) همکاری پژوهشی دارم و مدت ۶ سال است که در کارهای پژوهشی و تحقیقی مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه همکاری می کنم و با موسسه هایی چون فرهنگ و اندیشه اسلامی، همایش دو سالانه مهدویت همکاری پراکنده داشته ام.

امامی، منیرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید منیرالدین امامی متولد ۱۳۵۲ قمری که از محصلین حوزه علمیه قم می‌باشد. وی پس از رشد و خواندن دروس فارسی و مقدمات به قم آمده و سطوح را از مدرسین حوزه علمیه فراگرفته آنگاه به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی آقای نجفی مرعشی مدظله و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّه روحانی دامت برکاتهم شرکت نموده و از خرمن علوم آنان خوشه‌ها چیده و تا حال حاضر نیز استفاده می‌نماید و در ایام تعطیل ماه رمضان و محرم و صفر برای نشر احکام به منطقه و محل خود و غیره مسافرت نموده و می‌نماید. برادر ارجمند ایشان آقای حاج سید باقر امامی از فضلاء مهذب حوزه می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

امامی، نوراللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نوراللّه بن مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا سید علی فروشانی (برادر بزرگ آیت‌اللّه حاج سید حسن امام) در ۱۳۱۷ قمری در فروشان

سده متولد شده و پس از نشو و نما و تربیت در بیت علم مقدمات را در محل خود خوانده و بعضی از علوم غریبه را از مرحوم والدش استفاده نموده و سطوح و خارج را از علماء بزرگ و مدرسین بنام و آیات عظام اصفهان بهره‌مند گردیده آنگاه در زادگاه خویش به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و غیره پرداخته و تا حال حاضر اشتغال دارند.

دارای دو فرزند دانشمند و بزرگواری بنام ۱- حجهْالاسلام والمسلمین حاج‌آقا مهدی امامی ۲- حجهْالاسلام آقا سید محمدباقر امامی می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

امامیان میبدی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۹ -۱۲۷۵ ش)، شاعر. وی در میبد متولد شد. بعد از تحصیل علوم قدیمی در سطح عالی در یزد ساکن شد و به وعظ پرداخت. وی یکی از مشاهیر و دانشمندان یزد بود. در یزد درگذشت و در امامزاده جعفر دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۷۹۴)، فرهنگ سخنوران (۸۷).

امان سنندجی، امان‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۴۰ -۱۱۸۹ ق)، شاعر، متخلص به امان. از حکّام با اعتبار کردستان که گذشته از مقام حکمرانی و سیاستمداری، طبع شعر داشته و نام او در مجمع الفصحا و چند تذکره‌ی دیگر ذکر شده است. از اوست:

گفتمش این تو دل، باز به من کاری هست ؟

گفت این اول کار است، مرو، آری هست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۲۷۷ -۲۷۰ /۳)، حدیقه‌ی امان‌اللهی (۵۳ -۴۷)، حدیقهْ الشعراء (۱۶۸ -۱۶۶ /۱).

امان قهستانی، امان‌اللّه

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. وی در قسیان، دهی در حوالی نطنز متولد شد. و بعد از نشو و نما در هرات اقامت گزید. وی مردی فهمیده بود، و جامع علوم ظاهری و باطنی و اخلاق حسنه داشت. اثر وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۴۳)، تذکره‌ی روز روشن (۷۹ -۷۸)، الذریعه (۹۴ /۹)، صبح گلشن (۳۷)، لغت‌نامه (ذیل/ امان قهستانی)، مجالس النفائس (۱۴۹).

امانی خراسانی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۴۷۶ ق)، شاعر. از شعرای دربار سلاجقه بود و در خراسان می‌زیست. از احوال او اطلاعی در دست نیست به غیر از آن که داستان «یوسف و زلیخا» را به نام شمس‌الدوله طغان شاه بن ارسلان به پاس رهایی از زندان او سرود. این منظومه را به خطا به فردوسی نسبت داده و چندین بار چاپ کرده‌اند. در این منظومه گفته است که پیش از آن اشعار دیگری نیز سروده اما چیزی از آن نمانده است. «یوسف و زلیخا» را پس از سال ۴۷۶ ق به پایان رسانیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۴ -۵۳).

امانی کابلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۴۷ ق)، شاعر. مشهور به میرمیخچه و میرامانی. وی در نظم ماده تاریخ استاد بود از سادات به نام کابل بود که در سال ۹۸۱ ق به عهد اکبرشاه به هند رفت و در جونپور هند درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۷)، الذریعه (۹۴/۹)، صبح گلشن (۳۸ -۳۷)، فرهنگ سخنوران (۸۸)، لغت‌نامه (ذیل/ امانی اصفهانی)، منتخب التواریخ (۱۸۴ /۳)، هفت اقلیم (۱۶۳ -۱۶۲، ۱۰۸ /۲).

امانی کرمانی، عبداللّه

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۵۶ ق)، شاعر. وی از شعرای ولایت کرمان بود که به هند رفت و در خدمت میر محمدسعید میرجمله بود به اصفهان بازگشت و در همان شهر بدرود حیات گفت. از آثار وی: «دیوان» شعر قریب به ده هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۸۳ -۴۸۲، ۳۰۹)، الذریعه (۹۴/۹)، ستارگان کرمان (۶۰ -۵۹)، صبح گلشن (۳۷)، کاروان هند (۱۰۷ -۱۰۶/ ۱).

امانی، محمدصالح

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد صالح امانی

محل تولد : جنت رودبار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۳/۱

زندگینامه علمی

اینجانب متولد هشتم ربیع الثانی سنه ۱۳۹۱ ه.ق مطابق خرداد ماه ۱۳۴۹ خورشیدی در یکی از روستاهای خوش آب و هوای منطقه تنکابن به نام جنت رودبار از حوالی بخش مرکزی شهرستان رامسر بدنیا آمدم. در خانواده ای که دینداری، نوعدوستی، اصالت، تقوا، پاکدامنی مشهور و زبانزد خاص و عام بودند. از همان زمان طفولیت عشق و علاقه وافری که به مکتب اهل بیت (ع) داشتم، همواره شوق و اشتیاق را در اینجانب زیاد می کرد، تا اینکه پس از طی مراحل تحصیلی مدارس ابتدایی و راهنمایی را در زادگاه خودم با موفقیت به پایان رسانیدم و دوره آموزش متوسطه و دبیرستان را در شهرستان آمل مازندران گذرانیدم و در خلال این مدت قریب یک سال نیز در جبهه های جنگ علیه باطل شرکت کردم. و سرانجام وارد حوزه علمیه شهر شدم و با قبولی در آزمون و مصاحبه به پذیرش آن حوزه مقدسه درآمدم.

پس از ورود به حوزه نیز با برنامه ریزی دقیق و نظم و سلیقه خاص که از صفات لاینفک وجودم می باشد در کنار گذراندن دروس اصلی و فرعی به مطالعات و تحقیقات نیز پرداختم و عهد اینکه در کنار مطالعات همواره مطالب مورد نیاز و علاقه را بصورت فیش برداری یادداشت می نمودم که همچنان نیز ادامه دارد.

یکی دیگر از کارهایی که در کنار تحصیل داشتم و دارم تبلیغ و ترویج مکتب دین مبین اسلام بوده و هست که در ایام تبلیغ هر ساله با شور و شوق فراوان به آن پرداختم. و از کارهای دیگر تدریسی است که از همان اوایل خود را مقید به آن کردم که تاکنون اکثر کتب مقدماتی اعم از صرف، نحو، ادبیات، منطق، تجوید قرآن، حاشیه ابن عقیل، معانی، فقه و اصول، لمعه، تحریر الوسیله، مختصر النافع، مکاسب و رسائل، نهج البلاغه و صحیفه سجادیه را تدریس نمودم.

از بدو ورود به حوزه مقدسه علمیه یعنی سال ۱۳۷۷ خورشیدی تاکنون بطور مستمر و مداوم مرتباً در دروس سطح عالی و خارج فقه و اصول و تفسیر و رجال و حدیث و غیر آن از محضر پر برکت اساتید معظم و مراجع عظام تقلید (دامت تأئیداتهم) بهره بردم که بخشی از آن بزرگواران در صفحه ۲ همین فرم ذکر گردیده اند و از اکثر آن بزرگواران نیز به اخذ اجازات علمی، حدیثی و امور حسبیه نائل شدم.

امتی خراسانی، ابراهیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۱ ق)، شاعر. وی از تربت خراسان، و از مشاهیر شعرای دولت سلطان حسین گورکانی بود. مدتی ملازم قاضی سلطان تربتی بوده که در زمان شاه‌عباس حاکم مشهد مقدس بود و برای وی شعر می‌سرود. وی به شمشیر ازبکان به قتل رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۲۶۱)، الذریعه (۹۵/۹)، ریحانه (۱۷۵/۱)، صبح گلشن (۳۸).

امجد، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت الله شیخ محمود امجد به سال ۱۳۱۸ هـش در خانواده ای روحانی در شهرستان کنگاور از توابع شهر «کرمانشاه» به دنیا آمد، پدرش از واعظان توانا و از علمای آن دیار بود که به عنوان پایگاهی در مسیر ایران به کربلا، میزبان علمای هم عصر خویش بود. ، و جدّشان از عالمان ذی فنون ملقّب به «افصح المتکلّمین» بود. پدر بزرگ ایشان از علما و شعرای با اخلاص و ارادتمند خاندان عصمت و طهارت است که تضمین های عاشورایی ایشان از اشعار حافظ مشهور است. در حدود ۱۸ سالگی تحصیلات جدید را رها و به انگیزه تحصیل علوم دینی به شهر مقدّس قم مشرّف شد و در مدّت کوتاهی دوره مقدّمات و سطح را به پایان رسانده و به دروس خارج مشغول گردید. در درس خارج فقه و اصول از محضر استادانی چون حضرات آیات عظام: امام خمینی، داماد، حاج آقا حسین فاطمی ، بهاءالدینی و بهجت ـ قدّس الله اسرار الماضین، و دامت برکات الباقین منهم ـ و در فلسفه و عرفان عملی از محضر پربار علاّمه طباطبایی قدّس سرّه استفاده فراوان برد. و در حدود ۲۰ سال پایان عمر گهربار معظّم له با ایشان انس داشت و در جلسات عمومی و خصوصی ایشان شرکت می کرد ارادت علامه نیز به ایشان مشهود بوده است بطوری که می فرموده اند به او امجد کرمانشاهی نگویید بلکه امجد کربلایی بگویید. بزرگترین استاد اخلاق و عرفان ایشان مرحوم آیت الله العظمی بهاءالدینی است که از سال ۱۳۵۱ هـش. با آیت الله العظمی بهاء الدینی مأنوس و استفاده فراوان برد. و نیز در حدود سال ۱۳۵۰ با آیت اللّه العظمی بهجت ـ دامت برکاته ـ مرتبط شد و افزون بر بهره برداری از دروس خارج فقه و اصول آن عارف ارتباط خاص و نزدیک با معظّم له داشت و اینک حدود یک دهه است که ایشان در تهران ساکن و دانشجویان و جوانان از جلساتش بهره های اخلاقی می برند و علامه طباطبایی می گفت: «ایشان قوی است.» روش تربیتی و رفتاری و اخلاق اجتماعی و زهد بی نظیر ایشان باعث شده، جوانان خصوصا دانشجویان، این عالم گرانقدر را همچون نگینی در آغوش بگیرند. مباحث اخلاقی و نماز جماعت ایشان در مسجد کوی دانشگاه تهران و مراسمی چون عزاداری ایام محرم و احیاء شبهای قدر، همه عاشقان فضیلت را به سوی خویش جذب کرده است. از خصوصیات بارز ایشان اخلاص عجیب و بی اعتنایی او به دنیاست به طوری که بسیار دیده اند که مجالس بسیار کوچک و در ظاهر کم اهمیت و افراد بی نام و نشان را بر مجالس بسیار بزرگ ترجیح داده اند. آنچه در نظر ایشان اهمیت دارد ارادت و اخلاص به اهل بیت عصمت طهارت علیهم السلام است. عشق به جوانان، دلسوزی برای آنان و محبت پدرانه ایشان باعث شده است که جوانان هم به او عشق ورزند و با ایشان رابطه ای صمیمی داشته باشند.

امری شیرازی، ابوالقاسم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۹ ق)، عالم، شاعر، متخلص به امری. در علوم غریبه دست داشت و به همین جهت به طریقه‌ی نقطوی گرویده بود. فقهای متعصب معاصرش او را به کفر و الحاد متهم ساختند و شاه طهماسب صفوی را بر آن داشتند که در سال ۹۳۲ ق فرمان به کور کردنش داد. پس از کوری منزوی شد تا آن که عوام‌الناس به او هجوم بردند و او را کشتند. شعر می‌گفت و رساله‌ای در اعداد و اسرار نقطه و رساله‌ای دیگر در ذکر و فکر و جواب «مرآة الصفا» نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۰۹)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳۲۵-۳۲۳/ ۱)، الذریعه (۹۵/۹)، ریاض العارفین (۱۷۰)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۵۶/۲)، فرهنگ سخنوران (۹۰)، مرآت الفصاحه (۶۴-۶۳)، هفت اقلیم (۴۳۲-۴۳۱/ ۲).

ام‌سلمه قاجار

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. مشهور به گلین خانم. وی خوشنویسی را از استادان این فن از جمله آقا زین‌العابدین اصفهانی و حاج‌آقا فراگرفت. وی خط نسخ را با مهارت تمام می‌نوشت. از خطوط او: یک رقعه نسخ کتابت به آب زر خفی متوسط، با رقم: «نمقت بنت شه ام‌السلمه ۱۲۴۰»؛ یک قطعه نسخ کتابت متوسط، با رقم: «نمقت بنت خاقان (فتحعلی‌شاه) سلمه سنهٔ ۱۲۵۵»؛ یک قطعه نسخ کتابت جلی خوش، با رقم: «نمقت بنت شه ام‌السلمه فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۹۵»؛ یک رقعه نسخ کتاب متوسط با رقم:

«نمقت ام‌سلمه ۱۲۴۸» و پنج اثر دیگر وی که در کتاب «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر گردیده است.[۱]

قرن سیزدهم هجری، گلین خانم از زنان خوشنویس. وی دختر چهارم فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) و برادر تنی محمدعلی میرزا دولتشاه و همسر پسر عمویش زین‌العابدین خان بود. گلین خانم خوشنویسی را از استادان این فن از جمله آقا زین‌العابدین اصفهانی و حاج علی آقا فراگرفت و خط نسخ را با مهارت تمام می‌نوشت. مجموعه نفیسی از کتابهای دعا و قرآن به خط او در آستانه‌های مقدس مشهد و کربلا و نجف و نیز در قصر گلستان و کتابخانه ملک در تهران موجود است. از جمله آنها یک جلد قرآن و یک جلد دعای کمیل در کتابخانه قصر گلستان بوده است.[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۵۰ -۱۰۴۹ /۴)، تاریخ عضدی (۳۱۶،۳۰۶،۲۰۰)، مشاهیر زنان (۱۷).

[۲] منابع: احوال و آثار خوشنویسان، ۱۰۵۰ -۱۰۴۹؛ اعیان‌الشیعه (مستدرکات)، ۱۸۵ /۳؛ تاریخ عضدی، ۳۱۶ ،۳۰۶ ،۲۰۰؛ دایرهٔالمعارف تشیع، ۵۰۳ /۲.

امنی زرگر تبریزی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به امنی. وی از غزلسرایان معروف زمان خود بود و در علم عروض اطلاع کاملی داشت. صادقی افشار درباره‌ی او می‌نویسد که وی ظاهری آراسته داشته است، و خود را قرینه‌ی ناصرخسرو و سعدی می‌پنداشته. اثر وی: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۳۰ -۵۲۹)، تحفه‌ی سامی (۲۳۹ -۲۳۸)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۶۹ -۶۸ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۵۳)، الذریعه (۹۶/۹)، سخنوران آذربایجان (۲۱۴ -۲۱۳)، فرهنگ سخنوران (۹۰)، مجمع الخواص (۲۷۸).

ام‌هانی

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن سیزدهم هجری، از زنان فاضل و شاعر. وی دختر حاج عبدالرحیم خان (۱۲۳۷ ق) بیگلربیگی یزد و از درباریان فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) بود که از بیماری وبای عمومی در شهر یزد درگذشت. ام‌هانی از اهالی یزد بود و در جوانی ازدواج نکرد ولی در اواخر عمر با سید محترمی ازدواج کرد و بدون فرزند از دنیا رفت.

از اشعار اوست:

خال به کنج لب یکی طره‌ی مشک فام دو

وای به حال مرغ دل‌دانه یکی و دام دو

محتسب است و شیخ و من صحبت عشق در میان

از چه کنم مجابشان پخته یکی و خام دو

هر که بگوید این غزل بخشمش از سبیل جان

توسن خوش خرام یک استر خوش لگام دو

کان کرم جواد خان کز دل و از کفش برد

مایه‌ی جود هر زمان بحر یکی غمام دو

معروف است که دوستعلی خان ابرقوهی، از خاندان ام‌هانی که او نیز طبعی عالی داشته همین غزل را استقبال کرده است:

غیر دو زلف آن صنم بر رخ دلفریب او

کس نشنیده در جهان صبح یکی و شام دو

عبدالحسین آیتی- که قبلاً از بزرگان بهائیت بوده- در تاریخ یزد می‌نویسد: «شگفت است غزلی با این همه گفتگو که ام‌هانی سروده و نام جوادخان را در آن ذکر نموده و دوستعلی خان هم استقبالش کرده باز مردمان بی‌اطلاع عمداً یا سهواً آن را به قرهٔالعین قزوینی که حتی یک شعر هم از او دیده نشده نسبت داده‌اند.» بیت دوم این غزل به عفت نسابه نیز منسوب است.

گویند ام‌هانی در حال جان دادن انگشتری قیمتی در دست داشته و خدمتکارش می‌خواسته آن را بیرون بیاورد که ام‌هانی چشم گشوده و این بیت را می‌گوید:

کم فرصتند مردم دنیا به هوش باش

پر می‌کنند بسمل در خون تپیده را[۱]

(س سیزدهم ق)، شاعر. از اهالی یزد بود. پدر وی از درباریان فتحعلی شاه قاجار بود. ام‌هانی در جوانی ازدواج نکرد امّا در اواخر عمر سید محترمی را به همسری برگزید. روایت شده که پیش از مرگ، انگشتری قیمتی در دست داشت و کنیزش مینو می‌خواست آن را بیرون بیاورد که ام‌هانی چشم گشود و این بیت را گفت:

کم فرصت‌اند مردم دنیا به هوش باش

پَر می‌کنند بسمل در خون طپیده را

محمـدصادق خان رحیمی، از نواده‌های حاج عبـدالرحیم خان، از قول عمه‌ی خود می‌گویـد که ام‌هانی بیست یا سـی جلـد کتاب بر خان‌های دودمان خود وقف کرده و پست هر کدام به مناسبتی شعر یا اشعاری از خود نگاشته بود. وی «دیوان» شعر داشته است.[۲]

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :[۱] منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره نهم، ۵۳ –۵۲؛ تاریخ یزد، ۳۷۷ ،۱۷۵؛ دایرةالمعارف تشیع، ۵۱۳ / ۲؛ الذریعه، ۹۶ / ۹؛ ریاحین‌الشریعه، ۴۴۸ / ۳؛ ریحانهٔالادب، ۳۵۷ –۳۵۶ / ۸؛ زنان سخنور، ۱۴ / ۱؛ سخنوران یزد، ۱۶ – ۱۵؛ شعرای یزد، ۱۰۲ –۱۰۱؛ کارنامه‌ی زنان مشهور ایران، ۷۶ –۷۵.

[۲] تذکره‌ی سخنوران یزد (۱۸ –۱۵)، الذریعه (۹۶/ ۹)، ریاحین الشریعه (۴۴۹ –۴۴۸/ ۳)، ریحانه (۳۵۷ –۳۵۶/ ۸)، زنان سخنور (۱۵ –۱۴/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۹۰)، کارنامه‌ی زنان (۷۶ –۷۵)، مشاهیر زنان (۲۲ –۲۱).

امید اصفهانی، محمدخان

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. پـدر وی بیگلربیگی اصـفهان بود که در فتنه‌ی زنـدیه کشـته شد. امید، پس از مرگ پدر، به قندهار رفت و پس از مدتی به تهران آمد. امید در انواع شعر طبع‌آزمایی کرده است. از اوست.

گفتم از دل برود، چون ز مقابل برود

غافل از اینکه چون رفت از پی او دل برود

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :سـفینهٔ المحمود (۱۵۹ –۱۵۸)، فرهنگ سـخنوران (۹۰)، مجمع الفصـحا (۱۴۱ –۱۴۰ /۴)، مصـطبه‌ی خراب (۱۴)، نگارستان دارا (۱۶۷).

امید بلخی، امتیاز

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. از بزرگان بلخ بود و به شـغل دیوانی اشـتغال داشت. در بلخ بدرود حیات گفت. وی شـعر نیز می‌سـرود. از اوست:

تا گشت شمع روی تو از انجمن جدا

پروانه در فراق جدا سوخت من جدا

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۹۶/۹)، صبح گلشن (۳۸)، فرهنگ سخنوران (۹۰).

امید کرمانشاهی، عباس

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۸ ق)، شاعر، متخلص به امید. از اهالی کرمانشاه بود. مراتب شاعری را از میرزامحمد نامی فراگرفت. به دلیل عدم بضاعت مـالی سـالی یـک بـار در سایر ولایات عراق عجم به مـداحی حکام آن مناطق، که فرزنـدان فتحعلی شاه بودنـد، می‌پرداخت. وی به هنگام تألیف «مجمع الفصـحا» در تهران و مـداح محمـدشاه قاجار بود. در شاعری طبعی لطیف، متین و پخته داشت. دارای قصایـدی بوده که هیچ‌گاه سعی در جمع کردن آنها نداشته است. او خط نسخ را خوب می‌نوشت. و چندین قرآن کتابت نموده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشـعراء (۱۷۲ –۱۷۰ /۱)، الذریعه (۹۷ –۹۶ /۹)، سفینهٔ المحمود (۱۶۳ –۱۶۲ /۱)، فرهنگ سخنوران (۹۱)، لغت‌نامه (ذیل/ امید کرمانشاهی)، مجمع الفصحا (۱۵۳ –۱۴۸ /۴)، مصطبه‌ی خراب (۲۰).

امید نهاوندی، ابوالحسن

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۲۰ ق)، شاعر، متخلص به امیـد. نـدیم و کتابدار شاهزاده محمود میرزا بود. خاندان او از اعیان و اشـراف نهاوند بودند. هنگام تـألیف کتاب «گلشن» همصـحبت محمود میرزا بود و پس از آنکه فتحعلی شاه قاجار آن تألیف را پسـندید، امیـد لقب خانی گرفت.

اما بعد از چندی از وی روی‌گردان شد و به واسطه‌ی طایفه و قبیله‌ای که داشت از دربار دور گردید و همایون میرزا او را از هر دو چشم نابینا کرد. از سلسله نعمت‌اللهی و مرید محمدجعفر کبودر آهنگی قراگوزلو معروف به مجذوب علیشاه بود و بیتشر غزلیاتش را به نام او می‌گفت. «دیوان» وی مشتمل بر حدود دو هزار و پانصد بیت می‌باشد که در ایام کوری سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۱۴۰/۱)، حدیقهٔ الشعراء (۱۷۴ -۱۷۲ /۱)، الذریعه (۹۷/۹) ، سفینهٔ المحمود (۱۳۲ -۱۲۶ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ امید نهاوندی)، مجمع الفصحا (۱۵۶/۴)، مصطبه‌ی خراب (۱۵ -۱۴)، نگارستان دارا (۶۱ -۶۰).

امیدبیگی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا امید بیگی در سال ۱۳۳۶ در شهر تهران بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته باغبانی گرایش تولید گیاهان دارویی از آکادمی علوم مجارستان است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشکده کشاورزی دانگاه تربیت مدرس می‌باشد.گروه : کشاورزیرشته : باغبانیگرایش : تولیـد گیاهان داروییوالـدین و انساب : پـدر و مادر رضا امیـدبیگی هر دو دار فانی را وداع گفتنـد. ایشان جمعاً هفت برادر و خواهر هستند.خاطرات کودکی : رضا امیـدبیگی از آن دوران خود چنین می‌گوید: «پس از مرگ پدرم ، مادرم از من خواست که درس را رها کرده و برای اینکه مغازه نانوایی پـدرم به تعطیلی کشانده نشود به مغازه بروم. من هم امر مادر را البته به اجبار اطاعت کرده و مـدت یک ماه به مغازه رفتم. اما این امر مرا عـذاب می‌داد و دوست داشـتم که درس بخوانم تا اینکه یک روز به پشت بام مغازه رفتم و شروع کردم به داد و فریاد کشیدن و خواسته‌ام را با فریاد به گوش همه رساندم که من می‌خواهم درس بخوانم. این جریان با وساطت خویشان و همسایگان و راضـی شدن مادرم به ادامه تحصیل من خاتمه یافت.»اوضاع اجتماعی و شرایط زنـدگی : رضا امیـدبیگی در خانواده ای متوسط و مـذهبی بـدنیا آمد. وی پدرش را در نوجوانی در سن ۱۵ سالگی از دست داد بطوری که از پـدر دو مغازه به ارث مانـده بود و از آن طریق به امرار و معاش می‌پرداختند.تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : رضـا امیـدبیگی تحصـیلات ابتـدایی و متوسـط را در رشـته علـوم طبیعی در تهران بـه پایـان رسانـد و تحصـیلات دانشـگاهی را در رشـته زیست‌شناسـی گرایش علوم گیاهی در دانشگاه تهران به پایان برد و در این دانشـکده در رشـته مذکور شاگرد ممتاز شناخته شد، به همین دلیل به اخذ بورس تحصـیلی نائل گردید. برای ادامه تحصـیل به کشور مجارستان عزیمت کرد و کارشناسی ارشد رشته تولید گیاهـان دارویی را از دانشگاه علوم باغبـانی بوداپست دریـافت کرد. ایشان دکتری رشـته تولیـد گیاهان دارویی را از آکادمی علوم مجارسـتان و فوق دکتری در رشـته علوم و تولید گیاهان دارویی ازدانشگاه باری ایتالیا اخذ کرده است.خاطرات و وقایع تحصیل : از خاطرات رضا امیـدبیگی می توان به گذرانـدن یک دوره آموزشـی و پژوهشـی در یکی از مراکز تحقیقاتی در بوداپست اشاره کرد که بعلت خـارجی بودن ایشان از انجام آن ممانعت می کردنـد تا اینکه دکتر امیـدبیگی پس از دو سال تلاش توانست این دوره را با موفقیت سپری کند.فعالیتهای ضـمن تحصـیل : رضا امیدبیگی در کنار تحصـیل به انجام کارآموزی‌های مختلف در مراکز تحقیقاتی تولیـدی مختلف کشور مجارسـتان می‌پرداخت.اسـتادان و مربیـان : اسـتاد دکتر سـید محمـد فخر طباطبائی (اسـتاد دانشـگاه تهران) و پروفسور برنات (رئیس دپارتمان تولید گیاهان دارویی بوداپست) از اسـتادان رضا امیدبیگی بشـمار می‌آیند.همسـر و فرزندان : رضا امیـدبیگی متاهـل و دارای همسـری بنـام سـرکار خـانم صـدیقه تنهـا (دارای مـدرک دیپلم و خـانه‌دار) است. ایشان دارای سه فرزند می‌باشـند: - محمـدعلی امیـدبیگی ، دانشـجوی کارشناسـی اشـد رشـته سـازه هـای آبی - محمود امیـدبیگی ، محصـل کلاس سوم راهنمایی - غزال امیـدبیگی ، محصل کلاس پنجم دبسـتانوقایع میانسالی : از مهمترین وقایع دوران میانسالی رضا امیـدبیگی به تولید انبوه رسیدن چند گیاه دارویی غیر بومی ایران بود که بذر آن را برای اولین بار به ایران آورده بود. فراوری مواد موثر این گیاه سبب اشـتغال‌زایی و کارآفرینی صدها خانواده محروم در نقاط مختلف بویژه در استان کهگلیویه و بویراحمد شده است.مشاغل و سمتهای مورد تصـدی : رضا امیدبیگی پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۷۲ در دانشگاه تربیت مدرس در دانشکده کشاورزی گروه علوم باغبانی به کار مشغول شدند و پس از ۹ سال به درجه اسـتادی نائل آمدنـد. از دیگر مشاغلی که مورد تصدی ایشان بوده یا است به شرح زیر است: - معاون پژوهشـی دانشکده به مدت ۴ سـال - رئیس گروه باغبانی - هم اکنون - مشاور گیاهان دارویی در وزارت کشاورزی به مدت ۵ سال - عضو کمیسیون ارزشـیابی مدارک تحصـیلی خارجی - هم اکنون - عضو گروه واژه گزینی تخصصی علوم کشـاورزی شـاخه باغبـانی فرهنگسـتان زبـان و ادبیـات فارسـی - عضویت هیئت تحریریه تعـدادی از مجلات داخلی و خارجی فعالیتهای آموزشی : عنوان دروس ارائه شده توسط رضا امیدبیگی به قرار زیر است: مباحث نوین در باغبانی ، روشهای ویژه پرورش سبزی ، تولیـد گیاهان دارویی و ادویه‌ای ، اثر تنشـهای محیطی بر گیاهان ، اکوفیزیولوژی گیاهان ، گیاهان دارویی سـمی و سـنتی ، پس از برداشـت گیاهـان دارویی ، کشت و صـنعت گیاهـان داروییمراکزی که فرد از بانیـان آن به شـمار می آیـد : رضـا امیـدبیگی شرکتی تحت عنوان کشت و صـنعت گیاهـان دارویی را تاسیس کرده است.سـایر فعالیتها و برنامه های روزمره : رضا امیـدبیگی در کنار تدریس به تالیف و ترجمه در زمینه رشـته تخصصـی خود می‌پردازد.آرا و گرایشـهای خاص : رضا امیدبیگی در این بار چینین می‌گویـد: «علاقه شدیـد من به تولید مواد مختلف طبیعی که در صـنایع مختلف کاربرد دارند باعث گردیده که داروهایی را در این زمینه فرموله کنم که هم اکنون در بـازار دارویی کشور موجود است. هم چنین مواد طبیعی مورد نیـاز در صـنایع غـذایی ، آرایشـی بهـداشتی ، لبنیـات ، نوشـابه سـازی و دام و طیور توسـط اینجـانب تهیه و مورد اسـتفاده مراکز فوق قرار می گیرد.»جوائز و نشانها : - استاد نمونه و تلاشگر دانشگاه در سال ۱۳۷۸ - عضو برجسته علمی دانشگاه در سال ۱۳۷۸ - پژوهشگر برتر دانشگاه در سال ۱۳۷۹ - برنـده جـایزه علمی در بیسـتمین کنگره بین المللی گیاهان معطر و عصاره ها در وین کشور فرانسه در سال ۲۰۰۱ - پژوهشگر برتر

دانشگاه از سال ۱۳۸۰ -۱۳۸۴چگونگی عرضه آثار : رضا امیدبیگی دارای ۱۹ تالیف در زمینه تولید و فرآوری گیاهان دارویی است. وی دارای بیش از ۹۷ مقاله منتشر شده در ژورنالهای معتبر علمی و پژوهشی و بیش از ۹۴ مقاله ارائه شده در کنفرانسهای ملی و بین المللی است.

آثار : تولید و فرآوری گیاهان دارویی ویژگی اثر : جلدهای اول ، دوم و سوم- اولین تالیف در کشور از این نوع

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

امیدی تهرانی، ارجاسب

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۲۵ ق)، پزشک، شاعر، متخلص به امیدی. پدرانش رییس و کدخدای تهران بوده‌اند که در آن زمان قصبه‌ای از توابع ری بود. در جوانی به شیراز رفت و در زمره‌ی شاگردان مولانا جلال‌الدین دوانی درآمد و علوم زمانه را فراگرفت و خصوصاً در طب مهارت یافت. استادش نام او را مسعود و تخلصش را امیدی قرار داد. بیشتر با ارکان دولت شاه اسماعیل صفوی مربوط بود و اشعاری در مدح آنان می‌گفت در اواخر زندگی در تهران ساکن شد و در آنجا باغی به نام باغ امید ساخت و بر سر همین باغ با شاه قوام‌الدین نوربخش پیشوای نوربخشیان اختلاف و نزاع پیدا کرد و در اثر نزاع زخم برداشته و جان داد و در طرشت تهران دفن شد.

از آثار وی: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۰۷۵ -۱۰۶۷ /۳)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۵۵ -۱۵۴ /۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۳۰ -۴۲۵ /۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۱۵)، تحفه‌ی سامی(۱۷۶ -۱۷۳)، تذکره‌ی میخانه (۱۵۰ -۱۴۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۲۶)، الذریعه (۹۸ -۹۷ /۹)، ریحانه (۱۷۷ -۱۷۶ /۱)، فرهنگ سخنوران (۹۱)، لغت‌نامه (ذیل/ امیدی)، مجالس النفائس (۱۴۳ -۱۴۱)، مجمع الفصحا (۱۱ -۱۰ /۴)، هفت اقلیم (۶۷ -۶۳ /۳).

امیدی فرد، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبد الله امیدی فرد

محل تولد : فارمد مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۴/۲۰

زندگینامه علمی

اینجانب عبدالله امیدی فرد در سال ۱۳۳۶ در یکی از روستاهای نزدیک به مشهد مقدس به نام فارمد که مردم محل آنرا پژمه هم می خوانند دیده به جهان گشودم. در همان روستا دوره ابتدائی را که آن زمان شش سال طول می کشید به پایان رساندم و به پیشنهاد پدرم که از شاگردان و دوستان نزدیک آیات حضرت آیهٔ الله حاج آقای مروارید و حضرت آیهٔ الله حاج میرزا جواد آقا تهرانی بود وارد حوزه علمیه مشهد شدم و تحصیلات حوزوی را در مدرسه علمیه بعثت زیر نظر آیهٔ الله مروارید شروع کردم این زمان مهر ماه ۱۳۵۰ بود پس از سه سال با موافقت پدرم با مرحوم حاج شیخ عباسعلی سبزی عازم حوزه علمیه قم شدم.

در سال هزار سیصد و پنجاه و چهار به درس مکاسب حضرت آیت الله حاج شیخ یوسف صانعی و رسایل حضرت آیت الله اعتمادی و برخی از مباحث مکاسب را هم نزد آیت الله ستوده شرکت نموده و تلمذ نمودم. در ادامه دروس سطح توفیق یافتم کفایتین را نزد آیهٔ الله العظمی فاضل و شرح تجرید را نزد استاد شهید خلیلی و منظومه را نزد آقایان دکتر بهشتی و آیهٔ الله یحیی انصاری و برخی از مباحث اشارات را نزد آیت الله حسن زاده و برخی از قسمت های اسفار را نزد آیهٔ الله جوادی آملی فرا بگیرم. در سال ۵۸ رسماً حضور در دروس خارج را با شرکت در فقه آیهٔ الله صانعی و آقایان دیگر شروع کردم بیشترین تاثیر را از آیات عظام فاضل، صانعی، منتظری و تا اندازه ای هم از محضر آیات عظام وحید خراسانی، آیهٔ الله حاج شیخ جواد تبریزی داشته ام.

باید یاد آور شوم که همزمان با دروس حوزه به تحصیلات جدید هم ادامه دادم نخست دوره راهنمایی را و سپس دوره دبیرستان را با اخذ دیپلم اقتصاد به پایان رساندم و در اولین دوره مدرسه عالی طلاب موفق به اخذ مدرک آن دوره که ارزش لیسانس معارف اسلامی را داشت گردیدم و در اولین دوره تربیت مدرس هم موفق به اخذ کارشناسی ارشد شدم و از سال ۱۳۷۱ ضمن تدریس در دانشگاه به عنوان هیات علمی، توفیق دریافت درجه دکتری در رشته فقه و مباحث حقوق اسلامی از دانشکده الهیات تهران را پیدا کردم.

از توفیقات بزرگ که خداوند به اینجانب عطا فرموده آن است که از آغاز انقلاب شکوهمند اسلامی همواره در خدمت انقلاب بوده هر چند سمت های مهم و حساس را نداشته ام اما در حد توان از سویی در خدمت نظام مقدس بوده و هستم و... و از سویی از خدمت در دانشگاه به قشر جوان در راستای اهداف نظام اسلامی خدمت نموده ام و از همه بهتر در حوزه همواره با تدریس تلاش

کرده ام انـدوخته های انـدکم را به دیگران انتقال دهم در همین راسـتا مـدتی را به عنوان مـدیر یکی از مـدارس علمیه قم سپری می کرده ام غیر از تـدریس در مـدارس تحت برنامه مدیریت حوزه تدریس خصوصـی ادبیات و دروس سـطح از سال ۱۳۷۴ با تدریس صفات اصول شهید صدر سپس کفایه و مکاسب و... را در حجرات و سپس مدرسه حضرت آیهٔ الله العظمی گلپایگانی را داشته ام.

امیر پازواری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، شـاعر. از اهـالی پازوار روسـتایی بین بابل و بابلسـر بود. مجموعه‌ای از اشـعارش به زبان طبری یا مازنـدرانی در دست است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبی ایران (۱۳۰/۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۴۰)، فرهنگ سخنوران (۹۲)، لغت‌نامه (ذیل/ امیر پازواری).

امیر خیزی، محمداسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۴ -۱۲۵۵ ش)، نویسـنده، شاعر، متخلص به هنر. اصلاً از اهالی ارونق بود اما چون خانواده‌اش در محله‌ی امیرخیز تبریز سکونت داشـتند، به امیرخیزی مشهور شدند. مقدمات فارسی و عربی را در زادگاه خویش فراگرفت. سپس به تکمیل معلومات خود پرداخت و از محضـر استادان بزرگ عصر استفاده کرد. در ایام جوانی از ادبا و نویسندگان بنام آذربایجان شد. در آغاز انقلاب مشروطیت به آزادیخواهان پیوست. مدتی منشـی سـردار ملی سـتارخان بود و هنگام عزیمت وی به تهران، با او همراه شد. به اسـتانبول سفر کرد و پس از بازگشت، به خـدمت وزارت فرهنگ درآمـد و در سـمت معلم ادبیات و ریاست مـدارس به مـدت پانزده سال خـدمت کرد. مـدتی به ریاست مـدرسه‌ی دارالفنون انتخاب گردیـد. پس از آن به ریاست فرهنگ آذربایجان منصوب شـد. وی عضو فرهنگسـتان بود و در تهران درگـذشت. از آثـار وی علاـوه بر مقالاـت و اشـعار متعـددی که در جرایـد ادبی کشور به چاپ رسـیده، تصـحیح و تحشـیه‌ی «بوسـتان سـعدی»؛ «دیوان عنصری»؛ تألیف سه جلد «قطعات منتخبه‌ی زبان فارسـی»؛ «قیام آذربایجان و سـتارخان»؛ «تاریخ فرهنگ و ادب آذربایجان»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الذریعه (۱۰۰/۹)، زنـدگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۷۹ -۲۷۵ /۱)، سـخنوران نامی معاصر (۳۹۵۵ -۳۹۵۰ /۶)، شرح حال رجال (۲۸ -۲۷ /۵)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۸ -۵۷۷ /۱)، یغما (س ۱۹، ش ۱، ص ۵۰ -۴۸).

امیر کججی تبریزی، خواجه بیک

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۳ ق)، عالم، شاعر. از مردم کجج در ناحیه مهران‌رود تبریز بود و مهردار دربار شاه طهماسب در علم حساب و سیاق دست داشت، و ادعای علم اعـداد و حروف و تسـخیر کواکب را نیز داشت. در بغداد، هرات، آذربایجان، شـیراز، کرمان عهده‌دار مناصـب مختلفی بود و سـرانجام به تولیت آسـتان قدس رضوی و سپس به وزارت خراسان منصوب شد. وی چند مرتبه به دستور شاه زندانی شـد، بعد از عزل از وزارت خراسان نخست در زندان قهقهه و آنگاه در الموت زندانی شد و در همان جا درگذشت. وی در قالبهای مختلف شعر می‌گفت و صاحب «دیوان» شعری نیز بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشـکده‌ی آذر (۲۰۹ -۲۰۸ /۱)، تاریـخ نظم و نثر (۶۹۲ -۶۹۱)، تحفه‌ی سامی (۹۲)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۶۱ -۵۸ /۲)، دانشـمندان آذربایجان (۵۲ -۵۱)، الذریعه (۹۹/۹)، سخنوران آذربایجان (۲۱۷ -۲۱۴)، عالم آرای عباسـی (۱۶۱/۱)، فرهنگ سخنوران (۹۲)، هفت اقلیم (۴۳۹/۲).

امیر معزّی نیشابوری، ابوعبداللّه محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(و ف ح ۵۲۰ -۵۱۸ ق)، شاعر، متخلص به معزّی. ملقب به امیرالشـعراء. شاعر معروف قرن خویش و مـدّت مدیـدی مداح پادشاهان بزرگ سـلجوقی، ملکشاه و سنجر بود. پدرش در آغاز پادشاهی ملکشاه در قزوین درگذشت و وی را به ملکشاه سپرد. او در منتهای

جلال زنـدگی کرد و یکی از متمول‌ترین مردم روزگار بود چنان که وی را در این زمینه قرین عنصـری دانسته‌اند. در عهـد سـلطان سنجر به مقام عالی رسید و منصب امیرالامراء و ملک‌الشعراء یافت و تخلص او به معزی به سبب اخلاص وی به معزالدین ملکشاه بن آلب ارسـلان است. معزی یکی از بزرگترین شاعران ایران است و عوفی او را «سـلطان جهان بیان و لشکرکش امراء کلام و شهسوار میدان فصاحت» خوانده و گفته است: «شـعر او عذب مطبوع و سلیس مصنوع است. در نوبت بیان او طفل بلاغت به حد بلوغ رسید و دایه‌ی قلم سیاه پستان که بر سر فطام فضل بود طفلان عهد را دگرباره سیر شیر کرد». اثر وی: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :با کاروان حله (۱۵۶ -۱۴۲)، تاریـخ ادبیات در ایران (۵۲۲ -۵۰۸ /۲)، تاریـخ نظم و نثر (۸۳)، تذکره‌ی روز روشن (۷۴۷ -۷۴۶)، تذکرهٔ الشعراء (۶۸ -۶۵)، الذریعه (۱۰۷۰ -۱۰۶۹ /۹)، ریحانه (۳۴۳ -۳۴۲ /۵)، سخن و سخنوران (۲۳۶ -۲۳۰)، طرائق الحقائق (۵۹۲ -۵۹۱ /۲)، لبـاب الالباب (۵۵۷ -۵۵۶ /۲)، لغت‌نـامه (ذیـل/ امیر معزی)، مؤلفین کتب چـاپی (۵۸۶ -۵۸۵ /۵)، مجمع الفصحا (۱۲۹۲/۳).

امیر همایون

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهـم ق)، طبیب، ادیب، منجم و شـاعر. ظـاهراً وی غیر از همـایون اسـفراینی شـاعر معروف قرن نهم و همـایون عراقی است. در ماوراءالنهر می‌زیست و در زمان خود بسیار معروف بود. علاوه بر فنون مـذکور در ادبیات عرب و عروض نیز دست داشت و غزل و معما بسیار خوب می‌گفته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۲۵).

امیر همایون اسفراینی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۰۲ ق)، شاعر، متخلص به همایون. از بزرگ‌زادگان اسفراین بود. دوران تربیت او در خراسان سپری شد و در جوانی به تبریز رفت. به دربار سـلطان یعقوب آق‌قویونلو راه یافت. طرح محبت با یکی از ملازمان سلطان یعقوب به نام شیخ ولی‌بیگ ریخت و این دوستی تـا پایـان عمر برقرار بود. سـلطان یعقوب به دیـده‌ی احترام به امیر همـایون می‌نگریست. اما پس از آن که نسبت جنون به او دادنـد به فرمان پادشاه مـدتی در بنـد شـد و پس از آن که هوشـیاری او محرز شد از حبس رها شد و از مقربان سـلطان گردید. وی همچنین قاضی عیسی را که از حامیان او بود ستایش می‌کرد. پس از مرگ سلطان یعقوب و کشته شدن قاضی عیسی، تبریز را ترک کرد. در این هنگام شـیخ ولی‌بیگ به سبب مخالفتی که با صوفی خلیل موصلو حامی بایسنقر پسر یعقوب داشت تبریز را ترک گفت و به قریه‌ی ارمـک از توابع کاشان و قلعه‌ای در مجاورت آن رفت. و در آنجا حکومت کرد. امیر همایون نیز که به او محبت داشـت به کاشان رفت و مورد حمایت شـیخ ولی‌بیگ قرار گرفت. وی در همان جا در گـذشت. اثر وی «دیوان» اشـعار که حـدوداً دو هزار بیت دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشـکده‌ی آذر (۲۵۶ -۲۵۵ /۱)، تاریـخ ادبیات در ایران (۳۷۸ -۳۷۴ /۴)، تاریـخ نظم و نثر (۳۱۱)، تحفه‌ی سامی (۴۹ -۴۷)، تـذکره‌ی روز روشـن (۹۳۵ -۹۳۳)، تـذکره‌ی میخـانه (۱۱۲)، الـذریعه (۱۲۹۷/۹)، ریحـانه (۳۷۲ -۳۷۱ /۶)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۲)، لغت‌نامه (ذیل/ همایون اسفراینی)، مجالس النفائس (۱۳۹)، مجمع الفصحا (۱۱۷/۴)، هفت اقلیم (۳۰۱/۲).

امیرالشعراء نادری، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۶۳ ش)، شاعر. ملقب به امیرالشعراء. از طرف مادر با پنج واسطه به نادرشاه می‌رسد. در مشهد متولد شد و حدود پنج سال در نجف اشـرف به تحصـیل علوم ادبی و عربی پرداخت، سپس به زادگـاه خود بـازگشت. وی پس از ملک‌الشـعراء میرزا محمـدکاظم صبوری، قصایـد اعیـاد را در دیوان حرم حضـرت رضا (ع) می‌خوانـد. اثر وی: «دیوان» اشـعار مشـتمل بر پنجاه هزار بیت. وی تاریخ نادرشـاه افشـار را به نام «شاهنامه‌ی نادری» به نظم درآورد که نزدیک به سه سال نظم آن به طول انجامیـد. از جمله قصایـد معروف اوست: چکامه‌ی «فتح دهلی» و چکامه‌ی «راه آهن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۳۵۵۸ -۳۵۵۴ /۶)، فرهنگ سخنوران (۹۰۷).

امیرالکتاب ملک‌الکلامی، ابوسعید عبدالحمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۸ -۱۳۰۲ ق)، خطاط، نقاش و شاعر، متخلص به شرقی. در سنندج متولد شد و همان جا به کسب علم و دانش پرداخت. به وساطت بیان‌السلطنه، ناصرالملک، والی کردستان امیرالکتاب را به دارالایاله فراخواند و به کار انشاء گماشت. بعد از انتصاب ناصرالملک به وزارت مالیه، در دفتر استیفا مشغول کار شد مدتی نیز منشی نخست‌وزیر بود. انواع خط را به خوبی می‌نوشت. در نقاشی آبرنگ تبحر داشت و از نقاری و حکاکی نیز بهره‌مند بود. در تاریخ و طب و گیاه‌شناسی و پرورش گلها و ریاحین مطالعات عمیق داشت. اغلب اشعارش انتقادی است و به همین جهت آنها را در دیوان خود ثبت نکرده است، اما خود همه آنها را از حفظ داشت و برای کسانی که طرف اعتمادش بودند می‌خواند. امیرالکتاب، در سن شصت و شش سالگی چشم از جهان فروبست و در امامزاده عبدالله دفن گردید. از شاگردان او می‌توان به مرتضی عبدالرسولی اشاره کرد. آثار وی در زمینه‌ی خطاطی: کتیبه‌ی ثلث دودانگ گلوگاه سر در موزه‌ی ایران باستان و پیشانی کتابخانه‌ی ملی و دارالفنون و غیره در تهران؛ کتیبه‌ی آرامگاه حافظ در شیراز، ابنیه‌ی جدید فرهنگی تبریز و دیگر شهرهای ایران که در دوره‌ی رضاخان برپا شده است؛ قطعه‌ای به قلم نیم دودانگ عالی، به خط نستعلیق، با رقم: «کتبه امیرالکتاب ۱۳۳۰»؛ قطعه شعری در مدح ناصرالملک، به همان قلم و رقم و تاریخ ۱۳۲۹؛ یک لوحه، به قلم شش دانگ و نیم دودانگ نستعلیق و دودانگ رقاع و ثلث عالی، با مضمون: «حضرت رییس الوزراء نجفقلی صمصام‌السلطنه، کتبه امیرالکتاب سنه‌ی ۱۳۳۰».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۷۶ -۳۷۱ /۲)، اطلس خط (۶۰۱ -۵۹۹)، تاریخ برگزیدگان (۴۷۴ -۴۷۳)، تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (۱۱۲ -۱۰۹)، شرح حال رجال (۱۴۲/۵)، تاریخ مشاهیر کرد (۲۹۷ -۲۹۵ /۲).

امیربختیاری، جمشید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، محقق.

تولد: ۱۲۹۵.

درگذشت: ۱۳۶۵.

جمشید امیربختیاری فرزند یوسف‌خان امیرمجاهد بختیاری از شاعران معاصر است. تحصیلات خود را در مدارس اصفهان انجام داد و به تهران کوچید. تا چند سال پیش از درگذشت در تهران زندگی می‌کرد. وی مؤلف کتابی است به نام مرواریدها و خزف‌ها که در سال ۱۳۴۳ درباره مقایسه‌ی شعر وثوق‌الدوله با اشعار دیگر شاعران معاصر تألیف و منتشر کرده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

امیرپور امرائی، اسدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۲۸۵، لرستان.

درگذشت: ۱۳۶۵، لرستان.

اسدالله امیرپور امرائی تحصیلات منظم نداشت. از جوانی توان بینایی‌اش را به مقدار زیاد از دست داد. وی با روزنامه‌ها و مجلات همکاری داشت و مجلات «توفیق» و «چلنگر» را با فرستادن اشعار فکاهی یاری می‌داد.

اسدالله امیرپور امرائی به دنبال یک بیماری در زادگاهش درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

امیرجاهد، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یکی از تصنیف‌سازان بزرگ که بعد از عارف می‌توان گفت تنها شاعری است که شعر و آهنگ را خود گفت و ساخت و تا مدت‌ها یکه‌تاز بود امیرجاهد بود که خدمات گرانبهائی به تصنیف‌سازی در کشور کرد و راهگشایی بود برای نسل بعد. در شرح حال این هنرمند دانشمند که در دیوانش چاپ شده آمده است: «امیرجاهد، محمدعلی فرزند عباسقلی، اولین فرزند خانواده به سال ۱۳۱۳ قمری در تهران به دنیا آمد. محمدعلی، پس از تحصیلات ابتدایی در مکتب خانه شمس «گذر شیخ سیفا الدین» و مدرسه

علیمه در خیابان شنی که دانشسرای عالی شد، برای تکمیل تحصیلات به دارالفنون رفت و در عین حال در روزنامه رسمی و جراید دیگر آن زمان تا آغاز جنگ بین‌المللی اول، به کار خبرنگاری و خدمات مطبوعاتی اشتغال داشت».

در جنگ اول بین‌المللی، مطبوعات ملی مملکت در مقابل اوراق مسموم مزدور که به خون هموطنان ما آغشته بود، صف‌آرایی کرده بودند و در کمال شهادت به سیاست متجاوزین و تاخت و تاز آنان در بلاد بلادفاع ایران اعتراض می‌کردند. محمدعلی که از عوامل موثر مطبوعات بد، با سری پرشور و جانی سرشار از مهر میهن اشعار و تصانیف شورانگیزی می‌ساخت و تخلص (جاهد) را برای خویش اختیار کرده بود.

این شاعر و تصنیف‌ساز پرشور، هنگام مهاجرت به غرب و الحاق به مهاجرین، در شهر قزوین گرفتار قزاقان روسی تزاری شد و قونسول مذکور که به تمامی یک فرد بی‌وطن بود، مأمور مخصوصی مقابل دروازه پنبه ریسه قزوین گماشته بود که مهاجر ژولیده و آشفته را در آن لباس به خوبی شناخت و به قونسولگری جلب کرد و پس از تحقیقات مفصل، تحت نظر قرار داد و دو قزاق مسلح روسی به ترتیب از وی مراقبت می‌کردند.

عصر یکی از روزها که رئیس ایلات قزوین با یکی از بزرگان شهر به گردش می‌رفت، امیرجاهد اغتنام فرصت نموده خواهش کرد که همراه ایشان باشد و همین که به محل گردشگاه رسیدند به عزم فرار، از ایشان جدا شد و اتفاقا به جمعی از سربازان روسی که مشغول غارت شهر بودند برخورد و به سختی مجروح گردید و در بیمارستان روس‌ها زیر نظر قرار گرفت و پس از چند روز که مختصر بهبود حاصل نمود، تصنیف جانسوزی ساخت و به یاران میهن‌پرست خویش تعلیم داد و یکباره فریاد «ز جفای دشمنان سر و تن من، شده قطعه قطعه همچو وطن من»، «به‌بین چو جاهد تن واحد شده ایران ما» در تمام شهر قزوین شور و غوغای عجیبی برانگیخت و بالنتیجه قونسول روسی امیرجاهد را به قونسولگری جلب نموده به وی گفت:

«هم اکنون چوبه دار در مقابل قونسولخانه برپا شده و تا چند لحظه دیگر در بالای آن مشغول» رقص خواهی شد و به شکرانه مرگ تو، همه دست خواهند زد»

در این موقع فرمانده کل قوای تزاری روس در قزوین، به اطاق قونسول وارد شد و پس از مذاکره مختصری هر دو مضطربانه از اتاق خارج شدند و امیرجاهد تنها قدم می‌زد و متحیر بود که چه پیش آید و به چه وسیله خود را به خارج از قونسولخانه برساند، ناگهان هیاهوی عظیمی برخاست و سربازان روسی از سر درب قونسولگری بالا رفتند و نشان عقاب تزاری را به پایین افکندند و به غارت قونسولخانه پرداختند کسی هم با امیرجاهد کاری نداشت، در این موقع نیز دوستان وی به سراغ او آمده بودند و یکی از تصانیف انقلابی او را با هیجان میهن پرستانه می‌خواندند. این فرج بعد از شدت، بر اثر انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه شوروی بود. بالاخره امیرجاهد پس از چند روز، به عزم الحاق به مهاجرین از قزوین خارج شد.

شرح وقایع مهاجرت جانکاه مهاجرین از پایتخت که هر یک با چه احوال اسف اشتمالی از چنگ قوای روس، فراری و متواری شدند و در رباط کریم چند فرسنگی تهران، چگونه دژخیمان تزاری آنها را قتل عام کردند، درین مختصر نمی‌گنجد و بالاخره امیرجاهد در کمال مشقت به مهاجرین غرب ملحق گردید.

امیرجاهد در تلفیق شعر و آهنگ به احسن وجه خلاقیت مسلم داست. تصانیف امیرجاهد وطنی، اجتماعی، فلسفی، سیاسی و عشقی است. بالاخص شور و ذوق و تحلیات بدیع طبیعی و مسحور کننده در اشعار و آهنگهایش هویدا است و کلیه گوشه‌های دستگاههای موسیقی ملی را به طور حساسی به گوش می‌رساند به‌علاوه هر یک از تصانیف امیر جاهد در مورد مخصوصی ساخته شده که مناسب وضع زمان بوده و منحصر به فرد.

امیرجاهد قریب یک‌صد سرود و تصنیف عالی و ممتاز ساخته است، که قطعات زیادی از آن توسط خوانندگان مشهور زمان، قمرالملوک وزیری در صفحات پولیفون ضبط شده و در خانواده‌های علاقه‌مند محفوظ می‌باشد که او در قبال واگذاری حق ضبط تصانیف خود هفتاد و پنج تختخواب فلزی فنری از کمپانی پولیفون دریافت داشت.

امیرجاهد، مدت‌ها عضو انجمن اشاعه و اتلاء موسیقی بود که سایر اعضای آن عبارت بودند از: رکن‌الدین مختار، موسیقی‌دان و نواساز، موسی معروفی موسیقی‌دان و هنرآموز هنرستان موسیقی ملی، امیرجاهد موسیقی‌دان و سازنده آهنگ و تصنیف، علی‌محمد خادم میثاق رهبر ارکستر، حشمت سنجری رهبر ارکستر سمفونیک تهران و هنرآموز هنرستان عالی موسیقی، ابوالحسن صبا موسیقی‌دان و رهبر ارکستر موسیقی ایران و هنرآموز هنرستان موسیقی ملی، احمد فروتن‌راد رهبر ارکستر و هنر آموز هنرستان عالی موسیقی، حسن رادمرد رهبر ارکستر و بازرس فین، روح‌اللّه خالقی رئیس هنرستان عالی موسیقی ملی و رهبر ارکستر، اشرفی موسیقی‌دان و رهبر کر هنرستان عالی موسیقی، دکتر برکشلی استاد دانشگاه و رئیس اداره موسیقی کشور.

مرحوم امیرجاهد، مردی بود متقی و باتقوا که به خداوند و ائمه‌اطهار عشق می‌ورزید و این از بسیاری از اشعارش پیداست.

ای آنکه تو طالب خدایی بخود آ

از خود بطلب کز تو جدا نیست خدا

اول بخود آ چون بخود آیی بخدا

اقرار نمایی بخدایی خدا

یا در وصف محبوب علی‌شاه، درویش روشن ضمیر سرود:

محبوب علی، گفته و محبوب علی بود

بر جمله محبان علی نیز ولی بود

یک جرعه می صافی از دست یداله

نوشیده و بیخود شده مست ازلی بود

در خاطره ظاهر، او ذکر خفی داشت

در ذاکره باطن، اذکار جلی بود

با خلقت فرزانه‌ی پیران طریقت

او آیت نعم‌البدل و بی‌بدلی بود

خوش خرقه تهی کرد و در این خانقه آسود

محبوب علیشاه که محبوب علی بود

محمدعلی امیرجاهد به تاریخ شانزدهم اردیبهشت سال ۱۳۵۶ به سرای باقی شتافت، روانش شاد.

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

امیرحسینی هروی، رکن‌الدین حسین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۷۱۹/۷۱۷ –۶۷۱ ق)، عارف و شاعر، متخلص به حسینی. معروف به امیرحسینی یا حسین سادات. در شهر غزیو یا گزیو از بلادغور متولد شد. چون بیشتر عمرش را در هرات گذراند به هروی مشهور شد. اوایل عمر خود را در تحصیل علوم و آداب و بعد از آن در سیر و سوک در تصوف و عرفان گذراند. دوران مجاهدت خود را در خدمت شیخ بهاءِالدین زکریای مولتانی از تربیت شدگان شیخ شهاب‌الدین سهروردی و پسرش شیخ صدرالدین عارف مولتانی به پایان برد. بعد از اتمام دوره‌ی مجاهدت در مولتان، به هرات بازگشت و در آنجا به ارشاد خلق مشغول شد. در همان جا درگذشت و در گورستان قهندز، بیرون گنبد سیدالسادات عبداللّه بن معاویه دفن شد. مقبره‌ی او اکنون باقی است. آثار وی: مثنوی‌های عرفانی «زاد المسافرین»؛ «کنزالرموز» بر وزن مثنوی مولوی؛ «سی نامه»، در هزار و دویست بیت به بحر هزج مسدس؛ «دیوان امیرحسینی»، مرکب از قصائد «پنج گنج» و غزلها و ترکیبات و ترجیعات و مقطعات و رباعیات، در حدود هزار و پانصد بیت؛ «نزهة الارواح».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۰۵ –۵۹۷ /۲)، از سعدی تا جامی (۱۸۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۸۲ –۱۲۸۱، ۷۶۳ –۷۵۱ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۷۴۲)، تذکرة الشعراء (۲۵۰ –۲۴۶)، حبیب السیر (۳۷۹/۳)، الذریعه (۹/۱۲، ۱۰۰/۹)، ریاض العارفین (۶۵)، ریحانه (۴۶/۲)، کشف الظنون (۹۴۷)، مزارات هرات (۴۴ –۴۳)، نفحات النس (۶۰۳ –۶۰۲)، هفت اقلیم (۱۲۵ –۱۲۴ /۲).

امیرخان بیک

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط و شاعر. از خوشنویسان اسکندرخان بکیشلو از اعیان دربار صفویه بود. مردی وارسته و صوفی مشرب و در غزلسرایی استاد بود. در یزد درگذشت و در همان جا دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۰۶).

امیرخانی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی امیرخانی

محل تولد : گونبان بخش دینور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی امیرخانی فرزند امام قلی در سال ۱۳۵۱در روستای گونبان از توابع بخش دینور استان کرمانشاه به دنیا آمده و تحصیلات مقطع ابتدائی را در همان روستا گذرانده و در سال ۱۳۶۳ تحصیلات دوره راهنمائی را در کرمانشاه آغاز کردم.

در سال ۱۳۶۷به سبب علاقه به معارف و علوم اسلامی و حوزوی وارد حوزه علمیه آیت الله بروجردی (ره) شدم و پس از یک سال به خاطر فقدان امکانات علمی و آموزشی در آزمون سراسری حوزه علمیه قم شرکت و موفق به کسب رتبه قبولی شدم.

دروس مقدمات را در مدرسه علمیه مهدی موعود (عج) خواندم و در سال ۱۳۷۱برای ادامه تحصیل و تکمیل دروس سطح وارد مدرسه علمیه امام محمد باقر (ع) شدم و از محضر اساتید بزرگوار و توانا بهره بردم. درسال ۱۳۸۰موفق شدم که دروس سطح (کفایتین و مکاسب) را به اتمام برسانم و به درس خارج راه پیدا کردم. از سال ۱۳۸۰ تاکنون در درس خارج فقه استاد بزرگوارم حضرت آیت الله جوادی آملی بهره می برم. از سال ۱۳۷۲شروع به نوشتن کردم و در سمیناری که بانی آن دانشگاه تهران بود مقاله

ارائه کردم که عنوان رتبه سوم را به خود اختصاص داد. در سال ۱۳۷۳ همکاری خود را با چاپ مقاله به مناسبت وحدت حوزه و دانشگاه در روزنامه اطلاعا ت با روزنامه و مجلات آغاز کردم سپس با مراکز پژوهشی و تحقیقاتی همکاری خود را آغاز کردم.

امیرخلیلی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: اقتصاد کشاورزی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

امیرشاهی سبزواری، ملک

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۵۷ ق)، خطاط، نقاش، موسیقیدان و شاعر، متخلص به شاهی. از غزلسرایان معروف شیعه‌ی قرن خود بود و ظاهراً در شاعری، استاد عبدالرحمان جامی بوده است. در سبزوار به دنیا آمد و نیاکانش از امرای سربداری و خود خواهرزاده‌ی خواجه علی مؤید سربداری بود. علت اشتهار شاعر به امیر به همین سبب، و انتخاب تخلص شاهی هم ظاهراً به این دلیل است. وی در طلب علم و ادب به هرات رفت و در خدمت شاهزاده بایسنقر منصب تقرب و ندیمی یافت. بعد از مدتی از او رنجیده شد و از هرات به سبزوار رفت و در آنجا به کشاورزی پرداخت. در اواخر عمر برای نقاشی کوشک گل‌افشان که بابر میرزا در استرآباد ساخته بود، به آنجا رفت و همان درگذشت. جنازه‌ی او را به سبزوار انتقال دادند و در خانقاه مربوط به نیاکانش به خاک سپردند. امیرشاهی انواع خطوط را خوش می‌نوشت و نام وی را در زمره‌ی خوشنویسان کتابخانه‌ی بایسنقری آورده‌اند، ولی تاکنون نمونه‌ی خطی از وی دیده نشده است. امیر در فن نقاشی مصور و مذهب شهرت داشت و در موسیقی ماهر بود و عود می‌نواخت. از آثار وی: «دیوان شعر»، مشتمل بر دوازده هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۴۰۴ -۴۰۰ /۱)، احوال و آثار خوشنویسان (۷۹ -۷۷ /۱)، احوال و آثار نقاشان (۹۲/۱)، از سعدی تا جامی (۷۲۶ -۷۲۳)، پیدایش خط و خطاطان (۸۴ -۸۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۴ -۳۱۰ /۴)، تاریخ موسیقی (۲۳۲/۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۰۱)، تذکرة الشعراء (۴۹۲ -۴۸۰)، حبیب السیر (۱۹ -۱۸ /۴)، الذریعه (۵۰۳ -۵۰۲ /۹)، ریحانه (۱۸۰ -۱۷۹ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۹۵/۱)، صبح گلشن (۲۲۱)، لغت نامه (ذیل/ شاهی سبزواری)، مؤلفین کتب چاپی (۲۸۲/۶)، مجالس المؤمنین (۶۶۷ -۶۶۶ /۲)، مجالس النفائس (۲۴ -۲۳)، مجمع الفصحا (۴۴/۴)، مناقب هنروران (۵۸)، هفت اقلیم (۲۸۷ -۲۸۶ /۲).

امیرکلهر، محمدمحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، نقاش و خطاط. از امرای کلهر و یا از طایفه ایل کلهر در دوره‌ی فتحعلی شاه قاجار بود که در میناسازی شهرت داشت. در تصویر و شبیه‌سازی استادی شیرین قلم، و در گل و مرغ و آرایش صحنه‌های تزیینی قوی‌دست و نازک قلم بود علاوه بر نقش تصویر و میناسازی، خط نستعلیق را نیز نیکو می‌نوشت. از آثار امضادار وی که در موزه‌ی جواهرات ایران به یادگار مانده است: قاب آینه‌ی مینایی نفیسی است که از نفایس صنعت میناسازی ایران به شمار می‌آید و در داخل قاب آینه که زمینه سبز سیر و نقوش گل و مرغی دارد، تصویر فتحعلی شاه ارائه شده و در حاشیه‌ی تصویر، گل و مرغهایی زیبایی در زمینه‌ی سفید به چشم می‌خورد و در چهار گوشه‌ی آن ابیاتی در وصف فتحعلی شاه قاجار دیده می‌شود، با رقم: «کمترین محمدمحسن امیرکلهر ۱۲۱۲»؛ جعبه گرد میناکاری که بر روی در آن، تصاویر شاهزادگان و رجال درباری و تصویر دو زن جوان و یک کودک خردسال نقش شده و دارای رقم است؛ جعبه گرد میناکاری که بر روی آن تصاویری از یک خانواده مذهبی ترسیم گشته و سال انجام کار، سنه ۱۲۲۵ ق است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۰۸۱ -۱۰۸۰ /۳).

امیرکیانی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی امیر کیانی از سال ۱۳۳۸ نویسندگی را در روزنامه کیهان آغاز کرد. وی دوره روزنامه نگاری را در دانشگاه تهران به پایان برد. او رشته روانشناسی را نیز در مدرسه عالی پاریس سپری کرده است. وی در نشریات گوناگونی همچون امید ایران ، تهران مصور ، سپید و سیاه ، صبح امروز و... فعالیت داشته است. امیرکیانی در کنار حرفه روزنامه نگاری به نوشتن داستان کوتاه و رمان روی آورد. او کارهای خود را ابتدا از سال ۱۳۴۲ و به صورت پاورقی در مجله امروز به چاپ رساند.گروه : علوم انسانیرشته : روان شناسیوالدین و انساب : مصطفی امیر کیانی نویسنده و روزنامه نگار و سردبیر مجله « مصاحبه » ، از سال ۱۳۳۸ نویسندگی را در روزنامه کیهان آغاز کرد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : مصطفی امیر کیانی دوره روزنامه نگاری را در دانشگاه تهران به پایان برد. او رشته روانشناسی را نیز در مدرسه عالی پاریس سپری کرده است.فعالیتهای آموزشی : مصطفی امیر کیانی از سال ۱۳۳۸ نویسندگی را در روزنامه کیهان شروع کرد. وی در نشریات گوناگونی همچون امید ایران ، تهران مصور ، سپید و سیاه ، صبح امروز و... فعالیت داشته است. امیرکیانی در کنار حرفه روزنامه نگاری به نوشتن داستان کوتاه و رمان روی آورد. او کارهای خود را ابتدا از سال ۱۳۴۲ و به صورت پاورقی در مجله امروز به چاپ رساند.آرا و گرایشهای خاص : مصطفی امیر کیانی در رمان نویسی توجه ویژه ای به مسائل روز دارد. وی مسائل مبتلاـ به جامعه را با گرایش روانشناختی مورد بررسی قرار داده ، و حوادث جامعه را به صورت رمان های اجتماعی تالیف می نماید. آثار وی جنبه قوی رئالیستی دارد و بخش عمده آن برگرفته از حوادث دهه های ۴۰ و ۵۰ می باشد. امیر کیانی در حوزه رمان نویسی بیشتر سبک جریان سیال ذهن را به دلیل داشتن زمینه روانشناسی می پسندد. او در چگونگی خلق آثار خود بیان می کند که « من صحنه را ایجاد می کنم و بعد شخصیت هاداستان را پیش می برند. »آثار : بازپرس شعبه دوم ، درخت ها ایستاده می میرند ، ستاره های کاغذی ویژگی اثر : در این اثر علاوه بر رویدادهای اجتماعی ، به فرهنگ لمپنیسم نیز اشاره شده است.۴ قلعه درماندگان ویژگی اثر : این اثر یک داستان تحقیقی و پژوهشی است ، درباره کسانی که در زمان گذشته در قلعه زندگی می کردند. نویسنده فقر فساد و فحشا را به خوبی در این اثر نشان داده است.۵ گذر لوطی صالح ویژگی اثر : این اثر در سال ۱۳۶۰ انتشار یافت و اولین کتاب مصطفی امیر کیانی می باشد. در این کتاب زندگی لوطی ها مورد توجه قرار گرفته وبه گفتگوها و شخصیت های آنها اشاراه شده است. نقطه قوت این کتاب آن است که نویسنده در متن حوادث که در محله شترخان در جنوب تهران به وقوع پیوست ، حضور داشته است.

امیرنظام گروسی، حسنعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۷ -۱۲۳۷/۱۲۳۶ ق)، ادیب و خطاط. ملقب به سالار عسکر و امیرنظام. یکی از رجال جلیل‌القدر دوره قاجار و از خاندان قدیمی ایل کرد کبودوند ساکن گروس بود. نیاکان وی در دوره‌های صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه مصدر خدمات مهم دولتی بوده‌اند امیرنظام همواره مشاغل سیاسی و اداری مهمی در داخل و خارج از کشور برعهده داشت. از جمله اقدامات سیاسی وی پایان دادن به ماجرای عبیداللّه خان نقشبندی، رییس صوفی مسلک کرد بوده است. امیرنظام گهگاهی از روی تفنن به نظم هم می‌پرداخته است. از آثار وی: «منشآت امیرنظام» و «پندنامه» که به خط خود برای فرزندش یحیی نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۵۶ -۱۲۵۴ /۴)، از صبا تا نیما (۱۷۲ -۱۶۵ /۱)، اطلس خط (۶۳۱ -۶۳۰)، تاریخ برگزیدگان (۱۹۰ -۱۸۸)، تذکره خوشنویسان معاصر (۵۶ -۵۳)، سرآمدان فرهنگ (۲۰۱ -۲۰۰ /۱)، شرح حال رجال (۳۶۷ -۳۵۹ /۱).

امیرهمدانی، امیربیک

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی از ملازمان نجف‌قلی خان، حاکم شیروان بود. و بعد از مرگ وی، به همدان مراجعت کرد. وی در سرودن شعر مهارت داشت. از اوست:

کسی که گوشه‌ی عزلت گزیده می‌داند

که مومیائی پای شکسته دامان است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۴۶)، الذریعه (۹۹/۹).

امیره‌ی کرمانی

قرن:۱۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

از زنان شاعر که به نیکو سرودن شعر و ظرافت تعبیر شهرت داشت.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: اعلام‌النساء، ۲۳۹ / ۴.

امیری بدخشانی، ضیاءالدین یوسف

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. از شعرای نامی زمان خود در ماوراءالنهر و معاصر شاهرخ و مداح او و فرزندانش از جمله بایسنغر بود. ترک زبان و تخصصش در سرودن شعر ترکی بود. پیش از سال ۸۹۶ ق که زمان تألیف «مجالس النفائس» است در بدخشان درگذشت و در ارهنگ، سر در خاک بدخشان به خاک سپرده شد. اثر وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۰۳)، الذریعه (۹۸/۹)، فرهنگ سخنوران (۹۴ -۹۳)، مجالس النفائس (۱۸ -۱۹).

امیری فیروزکوهی، عبدالکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۸۸، فرح‌آباد فیروزکوه.

درگذشت: ۱۸ مهر ۱۳۶۳، تهران.

سید عبدالکریم امیری فیروزکوهی متخلص به «امیر»، فرزند سید مصطفی‌قلی منتظم‌الدوله، در هفت سالگی با پدرش به تهران آمد و پرستاریش به عهده نامادری‌اش سپرد شد. ابتدا به مدرسه سیروس رفت. در همین سال پدرش درگذشت. لذا مادرش از روستا به تهران آمد و در کنار نامادی سرپرستی وی را به عهده گرفت. «امیر» سپس در مدارس ثروت و کالج آمریکایی تحصیلات خود را به پایان رساند. پس از آن نزد محمد حسین وحید دستگردی، مدیر مجله‌ی «ارمغان» و رییس «انجمن ادبی حکیم نظامی» و دیگر ادیبان تهران به تعلیم فنون ادب و علم کلام مقدمات حکمت همت گماشت و دیری نگذشت که با سرودن غزل‌های ناب به سبک هندی (اصفهانی) به جمع شعرا پیوست. سید کریم امیری فیروزکوهی به تدریج در انواع فنون شعری از غزل و قصیده مهارت یافت. ایشان در انجمن ادبی ایران نیز حضور داشت.

امیری فیروزکوهی در سال ۱۳۰۸ به عضویت در اداره‌ی کل ثبت اسناد و املاک درآمد. مدتی هم نزد سید حسین مجتهد کاشانی که تصدی دفتری از اسناد رسمی درجه اول را بر عهده داشت، کار می‌کرد. در سال ۱۳۱۱ عهده‌دار خدمت در اداره‌ی ثبت اسناد تهران شد و در سال ۱۳۱۹ خدمت را ترک گفت. ده سالی هم از سال ۱۳۲۶ تا سال ۱۳۳۶ متصدی دفتر اسناد رسمی بود. وی سال‌ها از محل درآمد املاک موروثی خود در فیروزکوه و تهران زندگی می‌کرد.

همچنین در جوانی به شوق فراگیری معارف اسلامی به نزد شیخ عبدالنبی مجتهد کجوری و سید حسین مجتهد کاشانی ملقب به «ضوءالرشد» رفت و علوم اسلامی (فقه و اصول و حکمت و فلسفه و معارف اسلامی) را نزد آنان آموخت. زبان عربی را نیز در خدمت کوتاهی آموخت.

زمینه‌ی اصلی کار او غزل و قصیده و از حامیان پیروان سبک هندی بود. غزلیات «امیر» که دو ثلث آثارش را شامل می‌شود، در عین حال که دارای استحکام آثار اساتید کهن است لطافت شعر دوره‌ی صفوی و سبک هندی و مضامین بکر و خاص اندیشه این استاد را همراه دارد. امیری فیروزکوهی اشعاری هم به زبان عربی داشت که بعضی از آنها در روزنامه‌ی «اقدام» چاپ شده است.

از جمله آثار وی می‌توان به تصحیح دیوان صائب و مقدمه‌ای که بر این کتاب نوشت و نیز مقاله‌هایی در مجلات ادبی کشور در زمینه‌ی شعر و ادب و زبان و همچنین ترجمه‌ای از نفس المهموم آقا شیخ عباس محدث قمی و ترجمه مکاتیب نهج‌البلاغه اشاره کرد. از وی رساله‌ای فلسفی نیز به نام «وجیزهٔ فی علم النبی» در مجله «جاویدان خرد» (شماره‌ی بهار سال ۱۳۵۴) منتشر شده است. دیوان وی به کوشش دخترش- دکتر امیربانوی امیری فیروزکوهی (مصفا)- در سال ۱۳۵۴ در تهران به چاپ رسید. وی علاوه بر دیوان شعر، دو کتاب با نام‌های عفاف‌نامه در لزوم حجاب (۱۳۱۳) و احقاق الحق از خود به یادگار گذاشته است.

پیکر امیری فیروزکوهی در صحن شرقی امامزاده طاهر (ع) واقع در حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد.

(۱۳۶۳ -۱۲۸۹ ش)، عالم و شاعر، متخلص به امیر. از سادات فیروزکوه. در فرح‌آباد متولد شد. پدرش از رجال اروپا رفته‌ی عهد مظفری و آشنا به تمدن جدید و جد اعلایش امیر محمدحسین خان سردار، از حمله فاتحین هرات و بانی دبستان خیّریه ایتام در تهران که به دبستان فیروزکوهی مشهور است، بود. امیر در هفت سالگی به تهران آمد. پدرش همان سال درگذشت و او تحت تربیت مادر قرار گرفت. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران در مدارس سیروس، ثروت، سلطانی و کالج آمریکایی گذراند. سپس به تحصیل منطق و کلام و حکمت همت گماشت و از محضر استادانی چون آقا شیخ عبدالنبی کجوری، و آقا سید حسین مجتهد کاشانی استفاده کرد. امیری از دقایق شعر فارسی آگاه بود. و شاعر غزل و قصیده و از شیفتگان صائب بود و به سبک هندی شعر می‌سرود. در زبان عربی تبحر داشت و به آن زبان نیز شعر می‌سرود. در تهران درگذشت و در آستانه‌ی امامزاده طاهر در صحن حضرت عبدالعظیم مدفون گردید. از آثار وی: ترجمه «مکاتیب نهج‌البلاغه»؛ ترجمه‌ای از «نفس المهموم» حاج شیخ عباس محدث

قمی؛ «و جیزهٔ فی علم النبی»، رساله‌ای فلسفی که در مجله‌ی «جاودان خرد» چاپ شده؛ «دیوان» اشعار، در دو جلد که به همت دخترش و دکتر امیربانوی ایمری (مصفا) چاپ شده است؛ تصحیح و مقدمه بر «دیوان صائب»؛ منظومه‌ی «عفاف نامه»، در لزوم حجاب؛ «احقاق الحق»، در حمایت از شعرای صفوی و دفاع از سبک هندی.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از نیما تا روزگار ما (۵۳۷ –۵۳۰)، سخنوران نامی (۳۶۶ –۳۵۸/ ۱)، سخنوران نامی معاصر (۳۷۵ –۳۶۸/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۹۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲ –۶۱/ ۵).

امیری، فیروزکوهی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید کریم امیری فیروزکوهی، متخلص به امیر، فرزند مرحوم سید مصطفی قلی (منتظم‌الدوله)، به سال ۱۲۸۹ خورشیدی در فرح‌آباد فیروزکوه متولد شد. وی یکی از مشهورترین شعرای زمان بود که پس از طی تحصیلات ابتدایی و مقدماتی به تحصیل علوم عرب پرداخت و در این راه تبحر خاصی پیدا نمود. از وی دیوان شعری در دو جلد به چاپ رسید و در سال ۱۳۶۳ در تهران چشم از این جهان فانی فروبست، روانش شاد.

«کشته احساس»

مپسند که دور از تو برای تو بمیرم

صید تو شوم من که بپای تو بمیرم

هر عضو ز اعضای تو غارتگر دلهاست

ای آفت جان بهر کجای تو بمیرم

گر عمر ابد خواه از آنست که خواهم

آنقدر نمیرم که بجای تو بمیرم

با من همه لطف تو هم از روی عتابست

تا هم ز جفا هم ز وفای تو بمیرم

آخر دل حساس تو را کشت امیرا

ای کشته احساس برای تو بمیرم

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

امیری، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ محمد علی بن آقا جعفر بن حاج سیف‌الله امیری پاشا از علماء معاصر شمال و اکنون در بند پی بابل سکونت دارد. وی در قریه پادشاه امیر بند پی متولد شده و پس از پایان دوره تحصیلات مقدماتی مقداری از سطوح را در آن قریه در محضر آیه‌الله آقا شیخ محمد فیروز جاهی که از تلامذه مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیه‌الله عراقی بوده‌اند خوانده و در سال ۱۳۲۵ شمسی بقم مهاجرت و پس از پایان دوره سطح خارجی را در محضر مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی و مراجع بزرگ معاصر قم تلمذ فرموده و چون جد نامبرده‌اش که از متمکنین متدین و خیر آن سامان بوده‌اند، مدرسه علیمه‌ایکه دارای چندین حجرات فوقانی و تحتانی در جنب بارگاه حضرت سید نظام‌الدین که مزار اهالی است که واقع در قریه نامبرده میباشد ساخته و پنج هکتار زمین شلتوت کاری از بهترین املاک شخصی خود را وقف معاش طلاب ساکنین مدرسه مزبوره بضمیمه ربع یک مرتع بنام یک برای تعمیر بنای آن مدرسه میباشد و کلیه علماء و مروجین معاصر آن سامان چه آنانی که مقیم آنجا میباشند و چه آنانیکه در حوزه‌های مختلف قم و مشهد و غیره مشغول بتحصیلند برای فرا گرفتن دوره مقدماتی و سطوح اولیه و وسطی در این مدرسه تلمذ نموده‌اند، تا پیش از سال ۱۳۴۶ شمسی پس از فوت جد نامبرده‌اش و فوت آیه‌الله فیروز جاهی مدرسه علمیه بصورت مخروبه درآمده و نزدیک بود بتصرف اجنبی درآید و آثارش بکلی محو شود که معظم‌له با تحمل زحمات فراوان و کمی بودجه از قم ببخش بند پی و قریه نامبرده رفت و آمد نموده تا آنکه مدرسه مزبوره را مجددا احیاء و مرمت و تأسیس و تشکیل حوزه علمیه در بخش بند پی با همکاری و تشریک مساعی مراجع بزرگ تقلید قم نموده بالنتیجه جمعیت زیادی از طلاب محترم آن سامان و سواد کوه باین بخش و این مدرسه اجتماع نموده و در تحت برنامه خاص مطابق برنامه مدرسه حضرت آیه‌الله العظمی گلپایگانی مدظله العالی اجراء می‌شود و با آنکه هر چند سال یکبار چندین نفر از طلاب آنحوزه پس از فرا گرفتن دوره مقدماتی و مقداری از سطوح بحوزه‌های علمیه قم و مشهد منتقل می‌شوند در حال حاضر در حدود چهل نفر از طلاب آن سامان و سواد کوه در آنجا سکونت دارند و جناب مترجم محترم ما بتدریس و تربیت آنان و اقامه جماعت و خدمات دیگر روحی و دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

امیری، منوچهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۹ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر. وی نواده‌ی حاج محمدتقی امیرالامراء بود. در کرمانشاه متولد شد. در کودکی به تهران آمد، سپس به تبریز رفت و در آنجا تحصیلات ابتدایی خود را به پایان رساند. در سال ۱۳۱۴ ش به تهران بازگشت و دوره‌ی متوسطه را تمام کرد، سپس از دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران لیسانس گرفت. در سال ۱۳۲۲ ش در دانشسرای عالی به تدریس پرداخت. در خلال این مدت موفق به اخذ دکتری ادبیات فارسی شد. از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۸ ش نماینده‌ی فرهنگ و هنر در آمریکا بود و پس از بازگشت به ایران در دانشکده‌ی ارتباطات اجتماعی و مدرسه‌ی عالی ادبیات به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۵۰ ش به دعوت دانشگاه یوتا به امریکا رفت و در سال در آنجا به تدریس پرداخت. در بازگشت، به استادی دانشگاه شیراز منصوب شد و سرانجام در سال ۱۳۶۴ ش بازنشسته گردید. برخی از آثار وی: فرهنگ کتاب «الابنیه عن حقایق الادویه»؛ ترجمه‌ی «منظومه‌ی سهراب و رستم»؛ ترجمه‌ی «منظومه‌ی فردوسی در تبعید»؛ ترجمه‌ی «سفرنامه‌ی گالیور»؛ «آشنایی با شکسپیر»؛ ترجمه‌ی «مالک و زارع در ایران»؛ ترجمه‌ی «بازگشت ده هزار یونانی»؛ ترجمه‌ی «سفرنامه‌ی فریزر»؛ ترجمه‌ی «روس و انگلیس در ایران»؛ ترجمه‌ی «سفرنامه‌ی جکسن» یا «ایران در گذشته و حال».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۳۹۰ -۳۸۵ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰۴ -۳۰۳ /۶).

امین اردستانی، محمدعلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. اثر وی: یک نسخه «خمسه‌ی» نظامی به قلم کتابت خفی متوسط، با رقم: «قد وقع الفراغ من تسوید... فی یوم الاربعا ثالث شهر جمیدی الثانی سنهٔ اربع و تسعین و تسعمائه، علی ید العبد... امین بن محمدعلی اردستانی غفراللّه له...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱/۸۰).

امین اصفهانی، امین‌الدین حسن

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۴ ق)، شاعر. از بزرگان و نیکان اصفهان بود. و مناقب حمیده و مفاخر پسندیده بسیار داشت. وی معاصر خواجه حافظ شیرازی بود. در شیراز وفات کرد. تنها اثر او: «دیوان» شعر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۴ -۱۰۳ /۹)، فرهنگ سخنوران (۹۵)، هفت اقلیم (۳۹۷ -۳۹۶ /۲).

امین الادبا، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۷ ق)، خطاط. وی خواهرزاده‌ی آقا میرعلی زنوزی بود و علاوه بر خطاطی، مکتبداری نیز می‌کرد. در خطاطی ظاهراً از شاگردان میرزا مهدی‌خان بود که او نیز از شاگردان میرزا سید حسین خوشنویس باشی است. خاندان او به فرقه‌ی شیخیه انتساب داشتند، و خود وی از پیروان حاج محمدکریم خان کرمانی بود. از شاگردان او: حاج محمدآقا نخجوانی و اسماعیل امیرخیزی بودند. چند قطعه به خط او در گنجینه‌ی امیرخیزی موجود است. وی در تبریز درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۵۰ -۱۴۹ /۱).

امین الواعظین، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج محمّد علی تاجر اصفهانی، عالم و فاضل، و واعظ کامل بوده، در سال ۱۲۷۵ در اصفهان متولّد شده، و در نزد فضلا و علمای این شهر مانند: حاج میرزا بدیع درب امامی، و حاج سید مهدی نحوی، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای تلمّذ نموده، چندین

سال نیز در اعتاب مقدّسه نزد اساتید آنجا تحصیل کرده، واعظی بلیغ بود.

در حدود ۱۳۲۵ به ایران مراجعت نموده، مدّتی در اصفهان، و گاهی در یزد ساکن شده، و سرانجام در قریه سده ماربین که اکنون به نام همایون شهر معروف است در سال ۱۳۵۸ وفات یافته، در قبرستان خوزان مدفون گردید.

وی را تألیفات عدیده است که از آن جمله است:

۱- امان الخائفین، در امامت ۲- البراهین الباهرهٔ، در مذّمت دنیا و مدح آخرت ۳- تحفهٔ المعاد للعباد ۴- روح العالمین، در توحید ۵- شهاب الثاقب در مدح امام غائب علیه‌السلام ۶- طریقهٔ الحق، در نبوّت ۷- کهف العارفین، در اخلاق و غیره از نظم و نثر ۸- قصیده‌ای در مرثیه استادش میرزای شیرازی گفته، و در آن نام عدّه‌ای از علما را مذکور داشته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

امین الوزارهٔ، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن محمود. پدر انصاری صاحب عنوان، فاضل و ادیب و شاعر، از شاگردان آخوند ملا عبدالجواد مدرس خراسانی، و از اجزای دستگاه ظلّ السلطان. فوتش ۱۳۰۵.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

امین بلیانی، محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۵/۷۴۴ ق)، عارف و شاعر. از نوادگان ابوعلی دّقاق بلیانی کازرونی بود. وی از شاعرانی است که نسخ دیوان او کمیاب است. علت اشتهار او به بلیانی انتساب او و خاندان وی به بلیان از توابع کازرون بود. وی امام طریقت مرشدیّه‌ی کازرونیّه یعنی پیشوای صوفیانی بود که حلقه‌ی ارادت شیخ ابواسحق ابراهیم بن شهریار کازرونی، صوفی مشهور، را بر گوش دل داشتند و عده‌ای از بزرگان عرفان و ادب چون خواجو و حافظ به او تأسی و اقتفا می‌جستند. تربیت امین‌الدین به دست پدر و علی‌الخصوص عمّش، شیخ اوحدالدین عبداللّه، شیخ صوفیان کازرونیه، انجام گرفت. ابوالعباس احمد بن ابی‌الخیر زرکوب، صاحب «شیرازنامه» که خود از معاصران وی بود، درباره‌ی او شرحی مستوفی دارد و چون خود از مریدان امین‌الدین بوده و درک صحبتش کرده، کتابی در لطایف کلمات و عبارات و اشعاری که از او شنیده جمع آورده است، از دیگر معاصران وی محمود بن عثمان است. از وی «دیوان» شعری قریب به سه هزار بیت به جا مانده و کتابی داشته به نام «بدایهٔ الذاکرین» حاوی دستورها و تعلیماتی برای سالکان.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۸۸۶ -۸۶۸ /۳)، الذریعه (۱۰۴/۹)، ریاض العارفین (۳۳)، ریحانه (۱۸۳/۱)، سرآمدان فرهنگ (۲۰۳/۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۴۳۸/۲)، فرهنگ سخنوران (۹۵)، مجمع الفصحا (۱۴۴/۱)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۷۴۵)، هفت اقلیم (۱۷۸ -۱۷۷ /۱).

امین پور، قیصر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قیصر امین پور شاعر، ادیب و فارسی پژوه متولد ، ۱۳۳۸ گتوند خوزستان

- ترک تحصیل از رشته دامپزشکی دانشگاه تهران ۱۳۵۷
- ترک تحصیل از رشته علوم اجتماعی دانشگاه تهران ۱۳۶۳
- اخذ دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه تهران با راهنمایی دکتر شفیعی کدکنی ۱۳۷۶
- تدریس در دانشگاه الزهرا ۷۰ - ۱۳۶۷
- تدریس در دانشگاه تهران ۱۳۷۰ تاکنون
- دبیر شعر هفته نامه سروش ۷۱-۶۰
- سردبیر ماهنامه ادبی - هنری سروش نوجوان ۸۳- ۶۷
- عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی
- برخی از آثار او عبارتند از: ظهر روز دهم (برنده جایزه جشنواره کتاب کانون پرورش فکری) به قول پرستو (برنده جایزه جشنواره کتاب کانون پرورش فکری) تنفس صبح، در کوچه آفتاب، منظومه روز دهم، توفان در پرانتز، بی بال پریدن، گلها همه آفتاب گردانند و...
- برنده تندیس مرغ آمین ۱۳۶۸

- برنده تندیس ماه طلایی (برگزیده شعر کودک و نوجوان ۲۰ سال انقلاب)

اگر بخواهیم شعری از جنگ بگوییم حتماً سرآمد شاعران آن، قیصر امین پور به یادمان خواهد آمد همانکه روزگاری برای من و هم نسلانم سروده بود:

می خواستم شعری برای جنگ بگویم

دیدم نمی شود

دیگر قلم زبان دلم نیست.

گفت:

باید زمین گذاشت قلم ها را

دیگر سلاح سرد سخن کار ساز نیست

باید برای جنگ

از لوله تفنگ بخوانم

با واژه فشنگ

قیصر امین پور در آستانه دهه پنجم عمرش اما دیگر به دنبال واژه و فشنگ نیست. چه مدتهاست که زادگاه و سرزمین مادری اش به دور از «وضعیت خطر» و «آژیر قرمز» نفس می کشد. با این همه گویی غبار آن سالهای نه چندان همچنان بر چهره شاعر «خانه های خونین» و «عروسک خون آلود» تازه مانده که گاه به گاه به یاد آن ایام داغ ولی تازه می کند. گر چه «این حرمهای داغ دلش را دیوار هم توان شنیدن نداشته است.» از همین روست شاید که امین پور لحظه های کاغذی اش را می سراید و می گوید:

خسته ام از آرزوها، آرزوهای شعاری

شوق پرواز مجازی، بال های استعاری

لحظه های کاغذی را روز و شب تکرار کردن

خاطرات بایگانی، زندگی های اداری

آفتاب زرد وغمگین، پله های رو به پایین

سقف های سرد و سنگین، آسمان های اجاری

عصر جدول های خالی، پارک های این حوالی

پرسه های بی خیالی، نیمکت های خماری

رونوشت روزها را روی هم سنجاق کردم:

شنبه های بی پناهی، جمعه های بی قراری

عاقبت پرونده ام را با غبار آرزوها

خاک خواهد بست روزی، باد خواهد برد باری

روی میز خالی من، صفحه باز حوادث

درستون تسلیت ها، نامی از مایادگاری

قیصر امین پور، چنانچه از شعرهایش می آید، جنوبی است و اهل «گتوند». منطقه ای در محدوده دزفول. به همین خاطر هست که جنگ را می توان در اشعار روزگار جوانی اش به دیده ذهن دید و پریشان شد و بارید. او که در سال ۱۳۳۸ متولد شده، تا سال ۱۳۵۷ در همان منطقه به تحصیل پرداخت و در این سال بود که برای ادامه تحصیلات و ورود به دانشگاه تهران عزیمت کرد.

امین پور جوان در بدو ورودش به تهران و آغاز تحصیلات دانشگاهی جذب حوزه هنری آن سالها می شود و آشنایی اش با شاعران جوانی که در حوزه هنری گردآمده بودند او را به حضور در جمع آنان کشاند و باعث شد تا او تحت تأثیر یاران هم سلک و مرامش و به اشتیاق شاعرانگی هایش رشته تحصیلی اش را از علوم اجتماعی به ادبیات تغییر دهد.

او در سال ۱۳۶۶ به همراه دوستان نویسنده و شاعرش، بیوک ملکی و فریدون عموزاده خلیلی، نشریه سروش نوجوان را طراحی و منتشر کرد که تا چندی پیش هم انتشار این مجله و مسؤولیت قیصر امین پور در سمت سردبیری ادامه داشت.

از سال ۱۳۶۷ امین پور تدریس در دانشگاه الزهرا را آغاز کرد و دبیری بخش ادبیات فصلنامه هنر و مسؤولیت در دفتر شعر جوان را به کارهای خود ضمیمه کرد که تاکنون ادامه دارد. امین پور در سال ۱۳۷۶ با دفاع از رساله خود با عنوان «سنت و نو آوری در شعر معاصر» که با راهنمایی دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی به سامان رسیده بود و موفق به اخذ مدرک دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه تهران شد و بعدها این پایان نامه در شمارگان بالایی به چاپ رسید.

قیصر امین پور درباره این اثر می گوید: « پیشنهاد بررسی درباره این موضوع از طرف استاد ارجمند دکتر شفیعی کدکنی بود و من از میان موضوعات مختلف، این موضوع را به ضرورت بحث سنت و نوآوری، برای پایان نامه دکتری برگزیدم.»(۱)

او می گوید: «دشواری کار آنجا بود که چون من به نسلی آرمانگرا تعلق دارم و کار ادبی و خلاق را برای خود انجام می دهم، شعری که دلم می خواهد می نویسم و هیچ کس هم در آن دخالت ندارد، فکر کردم در کار تحقیقی هم می شود، این گونه بود؛ اما چنین نبود.»(۲)

او ادامه می دهد:« به هر حال من، آدمی دوزیست بودم. هم در مطبوعات هستم و هم در دانشگاه. دانشگاه از من توقعی داشت و لابد انتظار داشت از چشم انداز سنت، نو آوری را بررسی کنم و دوستان مطبوعات بر عکس. بین این دو دیدگاه سرگردان بودن مشکل کار من بود و موقعی این مسأله حل شد که تصمیم گرفتم یک چشم سوم برگزینم و به قول گادامر یک جور فاصله گرایی.»(۳)

با این همه آنچه پس از بررسی این کتاب نصیب خواننده می شود، این موضوع است که امین پور در این کتاب قصد نداشته تا

تاریخ معاصر ادبیات را به رشته تحریر درآورد. چه ،کار این کتاب به جای اینکه تاریخ ادبیات باشد، این است که سنت و نو آوری را با توجه به تفکیک تعاریف سنت به معنای دینی و ادبی، به شکل دو عرصه لازم و ملزوم نگاه می کند. او در این کتاب از نظریه پردازی پرهیز کرده و به بررسی مکاتب مختلف پرداخته است.

اهمیت این کتاب به زعم کسانی چون ضیاء موحد در آن است که بعد از حافظ تماماً نقد شعر ما تقلید و چسبیدن به قالبهای آهنین تا دوره مشروطه است و کتابهای شعر ما از اول تا زمان حاضر تماماً تکرار و امر به تقلیدات و اینکه مبادا پایتان را از سنت بیرون بگذارید.

موحد متذکر می شود: اگر کسی عظمت نیما را با این کتاب نفهمد و متوجه نشود که جای این آدم در تاریخ شعر ما کجاست، در جای دیگری نمی فهمد. من واقعاً بی طرفانه می گویم که با این کتاب حق نیما ادا شده است.(۴)

گرچه این کتاب در سال ۱۳۷۲ آماده به چاپ بود اما به اقتضای اینگونه پژوهشهای دانشگاهی دامنه موضوع معین و محدود بود و تبدیل آن به کتاب نیازمند گسترش و پرورش یا پردازش بیشتر بود. پس قیصر امین پور به امید ادامه پژوهش و کشاندن دامنه سخن تا شعر امروز و شاخه های گونه گونش، در چاپ آن تا سال ۱۳۸۳ دریغ کرد. با این همه خودش می گوید: دریغا که در این درنگ ۵ ساله، از بسیاری کار و گرفتاری و بیماری و دیگر پیشامدهای ناگوار روزگار، حتی فرصت و فراغت بازنگری در آن را نداشته ام چه رسد به بازنگاری. آثار قیصر امین پور در محافل و جشنواره های ادبی همواره مطرح بوده و هستند. چنانکه او درسال ۱۳۶۸ توانست تندیس مرغ آمین را از جایزه ویژه نیما دریافت کند و دو کتابش با نام های «ظهر روز دهم» و «به قولی پرستو» در همان سالهای نشریعنی در سال های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ جایزه جشنواره کتاب کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان را از آن خود کرد.

قیصر امین پور همچنین جایزه تندیس ماه طلایی را که به برگزیدگان شعر کودک و نوجوان ۲۰ ساله اخیر تقدیم شده است، به دست آورده است.

درباره کتاب معروف او «سنت و نو آوری در شعر معاصر» برخی از اهالی شعر و ادب معتقدند که او درباره شاملو کمی بی عنایتی کرده و به حرفهای اخوان بیشتر پرداخته که شاید مأخذ لازم را در اختیار نداشته و درباره بعضی ها هم مثل خانلری و توللی، گزینش غیر لازم صورت گرفته است.

با این همه بسیاری از کارشناسان مثل محمود فتوحی معتقدند که این کتاب امین پور در نوع خودش اولین پژوهش جدی دانشگاهی است که به مسأله سنت و تجدد پرداخته است. او درباره این کتاب می گوید: «بررسی کتاب را می توان از سه نظر تاریخ ادبی، مدرنیزم و توهم مدرنیزم و جامعه شناسی ساختگرای تکوینی مورد بررسی قرار داد و به نظر من از فصل نهم تا پانزدهم کتاب ماهیتاً نگرش تاریخ ادبی دارد؛ اما شاهد آن سنت تاریخ نویسی که خلأیی ۸۰ ساله محسوب می شود، نیستیم و در این کتاب تا حدی جبران شده است. در حقیقت بخش های مغفول تاریخ ادبیات مورد توجه قرار گرفته است؛ مثلاً تقی رفعت، محمد مقدم و تندرکیا مورد توجه هستند؛ اما مثلاً پروین اعتصامی در این کتاب نمی تواند جایگاهی داشته باشد.»(۵)

چنانچه پیش از این آمد امین پور محصول تلاش فکری سالهای ۵۷ و نسل دوم انقلاب است. او که در سال ۱۳۵۷ زادگاهش را برای تحصیل در رشته دامپزشکی در دانشگاه تهران ترک کرده بود و پس از مدتی از این رشته انصراف داده بود و به رشته علوم اجتماعی نقل مکان کرده بود و باز هم این رشته را پس زد و در رشته موردعلاقه اش ادبیات سرانجام گرفته بود، در همان سالها در شکل گیری حلقه هنری و اندیشه اسلامی در حوزه هنری با افرادی چون سید حسن حسینی، سلمان هراتی، محسن مخملباف، حسام الدین سراج، محمدعلی محمدی، یوسفعلی میر شکاک، حسین خسروجردی و ... همکاری داشت. گروهی که بنیانگذاران جوان حوزه هنری نام گرفتند و بعد ترها چهره هایی چون سهیل محمودی، ساعد باقری، عبدالملکیان، کاکایی و فاطمه راکعی و علیرضا قزوه نیز به آنان پیوستند. البته هشت سال بعد یعنی در سال ۱۳۶۶ او به همراه بسیاری از هم دوره ای هایش، از حوزه هنری خارج شد و ۲ سال بعد به کمک دوستانش دفتر شعر جوان را راه اندازی کرد. امین پور در دهه های دوم و سوم زندگی اش شاعری انقلابی و جنگ زده می نماید و شعرهای دوران جنگش از نوادر ادبیات جنگ و پایداری آن سالهاست. اوخودش در پاسخ به این سؤال که «قضاوت شما در مورد شعر دفاع مقدس از ابتدا تا کنون چیست؟» می گوید: قضاوت به ویژه برای ادبیات و هنر دوره های خاص، بسیار دشوار است. منظور از دوره های خاص دوره هایی مانند مشروطیت، انقلاب، جنگ و دفاع مقدس است که انگار شعر و ادبیات در این دوره ها وظیفه، کار کرد و رسالت و در نتیجه گویی تعریف دیگری پیدا می کند. بنابراین اگر بخواهیم با همان معیارهای آرمانی و همیشگی دوره های دیگر به سراغ این دوره ها برویم چه بسا که دست خالی بر گردیم و گمان کنیم که خبری از هنر و ادبیات نبوده است. در حالی که در بررسی چنین دوره هایی بهتر است که به جای نقد ایده آل به نقد رئال بیشتر بپردازیم. یعنی واقعگرایانه تر نگاه کنیم نه صرفاً آرمانی و ایده آل.

امین پور که تجربه تدریس و مقطع راهنمایی را در فاصله سال های ۶۰ تا ۶۲ در کارنامه خود دارد، از سال ۶۷ نیز به تدریس در دانشگاه الزهرا پرداخت، اما شروع تدریس او در دانشگاه تهران به سال ۱۳۷۰ بر می گردد که همچنان ادامه دارد.

فعالیت های قیصر امین پور سال گذشته از فعالیت های مطبوعاتی اش فاصله گرفت و از مهرماه سال گذشته نیز به همراه کامران فانی، حسن انوری، محمد علی موحد، یدالله ثمره، سلیم نیساری و هوشنگ مرادی کرمانی، به عضویت فرهنگستان زبان و ادب فارسی در آمد.

قیصر امین پور و اشعارش هر چه که باشند، نمونه کامل زبان نسل دوم انقلاب است. نسلی که از آرمان گرایی رفته به واقع گرایی رخ پوشانده و همین واقع گرایی موجب نوشدن افکار و آرای آنها را داشته است. شاید به همین خاطر باشد که اشعار دهه آخر عمر امین پوربیش از پیش مورد استقبال و اشتیاق نسل سوم انقلاب قرار گرفته است و آنها در کتابخانه های خود لااقل یکی از دیوان های او را در کتابخانه خود به غنیمت برده اند. بهتر است مهرگان امروز را با یکی از اشعار امین پور به پایان و از خواندنش لذت ببریم:

سراپا اگر زرد وپژمرده ایم
ولی دل به پاییز نسپرده ایم
چوگلدان خالی لب پنجره
پر از خاطرات ترک خورده ایم
دلی سربلند و سری سربه زیر
از این دست عمری به سر برده ایم

پی نوشتها:

۱- یکصدو پنجاه و سومین نشست کتاب ماه و ادبیات

۲ و ۳ و ۴ و ۵ – همان

بر گرفته از کتاب :تبیان

امین داور، حمیدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر حمید رضا امین دارو در سال ۱۳۴۰ در تهران بدنیا آمد. ایشان تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه واشینگتن آمریکا در رشته مهندسی الکترونیک آغاز کرد و تا مقطع دکتری پیش رفت و در سال ۱۳۷۰ مدرک دکتری رشته مهندسی الکترونیک را از همان دانشگاه دریافت نمود. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه صنعتی امیرکبیر می باشد.

گروه : فنی و مهندسی

رشته : مهندسی الکترونیک

گرایش : پردازش سیگنال و تصویر

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی و دانشگاهی حمیدرضا امین داوری به قرار زیر است: کارشناسی رشته مهندسی الکترونیک از دانشگاه واشینگتن ،آمریکا در سال ۱۳۶۴ کارشناسی ارشد رشته مهندسی الکترونیک از دانشگاه واشینگتن ،آمریکا در سال ۱۳۶۶ کارشناسی ارشد رشته ریاضیات کاربردی از دانشگاه واشینگتن ،آمریکا در سال ۱۳۷۱ دکترای رشته مهندسی الکترونیک از دانشگاه واشینگتن ،آمریکا در سال ۱۳۷۰

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای اداری و مدیریتی حمیدرضا امین داور به قرار زیر است: عضو IEEE کمک استاد پژوهشی ،دانشگاه صنعتی شریف ،پروژه پردازش تصویر از سال ۱۳۷۲ تا سال ۱۳۷۵ استاد دانشگاه امیرکبیر از سال ۱۳۷۲ تا کنون رئیس گروه ارتباطات ،دانشگاه امیرکبیر دانشکده مهندسی الکترونیک از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۱ هماهنگ کننده برنامه های دوره کارشناسی ،دانشگاه امیرکبیر ،دانشکده مهندسی الکترونیک از سال ۱۳۸۱ تا سال ۱۳۸۳

چگونگی عرضه آثار : از دکتر حمیدرضا امین داور تا کنون بیش از ۳۸ مقاله در مجلات علمی داخلی و خارجی منتشر شده است.

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

امین رشتی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، طبیب و شاعر. اصل وی از رشت است. مدتها در عتبات مقدسه‌ی عراق معالجه‌ی بیماران می‌کرده، سپس به تهران آمده و در دستگاه میرزا علی‌اصغر خان امین‌سلطان به خدمت مشغول بوده است. وی در طبابت شیوه‌ی سنتی را برگزیده بوده، گاهی شعر هم می‌سرود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۹۵)، المآثر والآثار (۲۱۱ -۲۱۰).

امین زارع، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا امین زارع

محل تولد : سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۶ در خانواده ای مذهبی و متوسط در سبزوار متولد شدم. تحصیلات ابتدائی و راهنمائی را در همان شهر سپری کردم. در میان اساتید آن دوره استاد محمود کیانی دبیر ادبیات بیشترین تاثیر مثبت را بر من داشتند. در بحبوحه انقلاب با حضرت آیت الله سید محمد حسن علوی آشنا شدم و ارتباط خوبی با محضر ایشان پیدا کردم. ارتباط با ایشان درس تقوی، معنویت، خلوص و سادگی بود و هم اکنون نیز از این جهت بهره های وافری از ایشان می برم. همچنین ادامه فعالیت درسی ام تاکنون نتیجه سفارش، تاکید و تشویق ایشان و استادم آیت الله سبحانی می باشد.

حدود سال ۱۳۶۱ به واسطه استادم حجهٔ الاسلام سید سلیمان علوی وارد حوزه علمیه شدم و تا پایه سوم را در مدرسه رسالت و امام خمینی (ره) گذراندم. بعد از آن به صورت آزاد سطح را به پایان رساندم. پس از پایان سطح حدود پنج سال در مبحث خارج نکاح استاد آیت الله شبیری زنجانی و خارج اصول آیت الله سبحانی شرکت کردم. تقریرات نیم دوره اصول و بخشی از کتاب نکاح به زبان عربی مکتوبات این دوره است.

هم اکنون در درس فقه آیت الله مکارم شیرازی شرکت می نمایم. سایر فعالیتهای بنده به ترتیب: در سالهای ۶۶ و ۶۷ دوبار افتخار حضور در جبهه داشتم و در سال ۷۱ به عنوان نماینده سازمان تبلیغات در مقدونیه به آن کشور مسافرت کردم و در مسیر راه در کشور آلبانی توقفی داشتم. ماموریت بنده در مقدونیه با تظاهرات خیابانی و اعتراضات مسلمانان مقدونیه مصادف شد و همین امر باعث شد دولت مرکزی و مسیحی مقدونیه تقریبا همه مجموعه ها و هیئت های خارجی مسلمان را از مقدونیه اخراج کند و مجموعه بنده نیز مشمول همین قاعده شده و به ایران بازگشتیم.

گذراندن یک دوره کامل زبان انگلیسی در دانشکده باقرالعلوم علیه السلام دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم نیز از فعالیتهای سالهای ۷۳ و ۷۴ اینجانب بوده است از سال ۷۸ تاکنون در بخش های مختلف پایگاه حوزه نت (تحقیقات، پاسخ به سوالات، بخش انگلیسی و...) مشغول به همکاری هستم. همچنین در سال ۷۹ به مناسبت پاسخگویی به چند پرسش راجع به جناب ذوالقرنین و اقوام یاجوج و ماجوج، کتابچه ای در مورد ایشان با نام «ذوالقرنین در قرآن» تحریر و چاپ نمودم که بحمدالله مورد استقبال خوبی هم قرار گرفت.

امین سبحانی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: زمین‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان فرانسه از دانشکده ادبیات تبریز در سال ۱۳۳۸، کارشناسی زبان انگلیسی از دانشکده ادبیات تبریز در سال ۱۳۴۲، کارشناسی علوم طبیعی از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۴۴، کارشناسی ارشد از دانشکده علوم تهران در سال ۱۳۴۷، کارشناسی ارشد ژئومورفولوژی از دانشگاه پاریس ۷ در سال ۱۳۴۹، دکترای سیکل سوم ژئومورفولوژی از دانشگاه پاریس ۷ در سال ۱۳۵۰، دکترای دولتی زمین‌شناسی (رسوب‌شناسی و ژئوشیمی) از دانشگاه پاریس جنوبی در سال ۱۳۵۱.

مرتبه علمی:

استادیار، دانشیار و استاد دانشگاه تربیت معلم تهران از سال ۱۳۴۴ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ژئومورفولوژی و ئیدرولوژی حوضه آبریز کشف رود، بررسی رسوب‌شناسی و ژئوشیمی حوزه طالمی- انارک، ژئومورفولوژی و ئیدرولوژی دشت رفسنجان، ژئومورفولوژی و ئیدرولوژی دشت جوفقان، بررسی زمین‌شناسی پلایای احمدآباد (عقدا) رشت، تدریس دروس رسوب‌شناسی، ژئومورفولوژی، کانی‌شناسی غیر سیلیکات‌ها و استاد راهنمای ۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

سهند از نظر ونولوژی، آتشفشان تفتان، مطالعه آتشفشانهای تکاب و قروه، کانی‌شناسی غیر سیلیکات‌ها، زمین‌شناسی عمومی و زمین در فضا.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: متعدد، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

مسائل گوناگون زمین‌شناسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

امین سیچانی، سیف‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آبیاری، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شیراز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

امین شام

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. در قزوین متولد شد و از وزرای شاه طهماسب بود. پس از فوت شاه، نزد بابا شاه و میرعماد مشق می‌کرد تا در نستعلیق سرآمد شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۰/۱).

امین شیرازی، امین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۲ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به امین. وی برادر میرزا عبدالباقی منجم، متولی مسجد گوهرشاد بود. خط نستعلیق و تحریر را نیکو می‌نوشته و به فارسی و عربی شعر می‌سروده و در اغلب علوم عصر خود، خاصه نجوم و هیأت، تبحر داشته است. در سال ۱۳۰۰ ق به شیراز رفت و در آن شهر مقیم شد. در عهد وزارت حاج میرزا محمدخان، سپهسالار اعظم، به بغداد رفت و مدتی در آن حدود ماند. غزلی از وی در کتاب «اشعه‌ی شعاعیه» تألیف شعاع‌الملك آمده است. امین در شیراز درگذشت و در بیرون تکیه‌ی حافظ دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳۲۶-۳۲۵/ ۱)، المآثر والآثار (۲۲۱).

امین کاشانی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از پیشوایان و بزرگان کاشان و معاصر تقی اوحدی بود و دقیقه‌سنج و سخن‌سرا و سخن‌دان و در سرودن شعر توانا از اوست:

گفتم که دلم هست به پیش تو گرو

دل بازده آغاز مکن قصه‌ی نو

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۵/۹)، صبح گلشن (۴۱)، فرهنگ سخنوران (۹۶).

امین لاری، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیوشیمی، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترا در رشته بیوشیمی از دانشگاه دیویس کالیفرنیا.

مرتبه علمی:

عضویت در هیأت علمی دانشگاه شیراز از سال ۱۳۶۳ تاکنون، دانشیار دانشکده دامپزشکی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

خالص‌سازی و بررسی خواص آنزیمها و پروتئین‌های منابع مختلف، روشهای بیولوژی مولکولی، بررسی خواص آنزیم رود نیز، بررسی خواص بیوشیمیائی و توزیع آنزیم‌های مختلف در بافت‌های مختلف حیوانات، بررسی کاربرد روشهای جدید برای

اندازه‌گیری آنزیم‌ها، برنده جایزه اول اختراع در جشنواره خوارزمی در سال ۱۳۶۸، برنده مدال طلا و دیپلم افتخار سازمان جهانی ویپو در سال ۱۳۶۸، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

ابداع:

اندازه‌گیری آنزیم کراتین فسفر کیناز در خون بیماران قلبی با یک روش جدید، اندازه‌گیری آنزیم آرژیناز در خون بیماران کبدی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۲

زمینه علمی مقالات:

توزیع آنزیمها در بافت‌های مختلف حیوانات، بررسی خواص بیوشیمیائی آنزیم رود نیز و بررسی و کاربرد کلینیکی روشهای جدید برای آنزیمهای کراتین کیناز و آرژیناز.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

امین مشهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۲ ق)، خطاط، عالم، هیوی، ریاضیدان و شاعر. وی برادر میرزا عبدالباقی منجم، متولی مسجد گوهرشاد بود. در فتنه‌ی سالار اموالش غارت شد و به تهران آمد. در عهد حاج میرزا محمدخان سپهسالار، از بی‌مبالاتیِ و لاقیدی به بغداد تبعید شد و تا تاریخ تألیف «المآثر والآثار»، سال ۱۳۰۶ ق، هنوز در آنجا به سر می‌برد. خط نستعلیق و شکسته و ناخنی را نیکو می‌نوشت و استادانه شعر می‌گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۵۹)، احوال و آثار خوشنویسان (۸۱ -۸۰ /۱)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳۲۶ -۳۲۵ /۱)، فرهنگ سخنوران (۹۶)، المآثر والآثار (۲۲۱).

امین همدانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی کلانترزاده قصبه‌ی تویسرکان همدان بود. به قول صادقی افشار روستایی خوب و نیکو خصال و صاحب جمال بود که طبعی روان داشت. از اوست:

امشب که یار بر سر لطف و عنایت است

ای ناله گرم باش که وقت سرایت است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن سرایان همدان (۲۲۹ -۲۲۸ /۱)، الذریعه (۹۹۲، ۱۰۵ /۹)، مجمع الخواص (۳۰۰).

امین یزدی، محمدامین

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، صوفی و شاعر. وی از سلسله‌ی صوفیه‌ی داوودی بوده و گاهی شعر می‌سروده است. از وی ابیاتی بر جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۸۶)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۲۲)، فرهنگ سخنوران (۹۷).

امین، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد امین

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در خانواده ای معتقد و متدین زاده شدم. بعد از دوران تحصیلات جدید در مشهد مقدس وارد حوزه علمیه شده و در مدرسه نواب حجره گرفتم و مدت هفت سال بطور منظم به درس های حضرت حجت الحق استاد ادیب نیشابوری (محمد تقی) رحمهٔ الله علیه شدم و هر آنچه را معظم له تدریس فرمودند آموختم و نوشتم و از همان سال ها نیز به تدریس اشتغال ورزیدم.

شرح لمعتین و خلاصه الحساب مرحوم شیخ بهایی را به مناسبت کتاب ارث در خدمت استاد بزرگوار مرحوم حاج میرزا احمد قدوسی یزدی آموختم. پس از آن به شهر مقدس قم آمدم و از طرف حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی به تدریس در مدرسه علوی که آن وقت جنب کوچه حاج زینل در خیابان تهران (امام) بود پرداختم.

ضمناً رسائل را خدمت حضرت آیت الله نوری همدانی، مکاسب و کفایه را خدمت حضرت آیت الله فاضل لنکرانی، قوانین را خدمت حضرت استاد اعتمادی، هیئت تشریح الافلاک و هیئت چغمنی را خدمت حضرت استاد حسن زاده آملی و منظومه مرحوم حاج ملا هادی سبزواری را خدمت مرحوم شهید دکتر محمد مفتح و منطق منظومه را خدمت استاد بزرگوار آیت الله گرامی قمی آموختم. مدت هفت سال در مدرسه مبارکه منتظریه (حقانی) به دعوت شهید حضرت آیت الله قدوسی به تدریس در آن مدرسه اشتغال داشتم و نیز درس هایی به صورت آزاد در حوزه علمیه که بیشتر در مسجد فاطمیه و مدرسه فیضیه و مسجد امام بود داشتم.

در این مدت به دروس خارج حضرات آیت الله مرحوم داماد، حاج آقا مرتضی حائری، آیت الله اراکی و آیت الله گلپایگانی، حضرت آیت الله آقا میرزا هاشم آملی و حضرت آیت الله وحید خراسانی می رفتم که نوشته های دروس این بزرگواران موجود می باشد و کتاب های اشعار را محضر حضرت آیت الله جوادی آملی آموختم.

در زمان انقلاب سال ۱۳۵۷ مدتی قبل و مدتی بعد از آن حدود دو سال تا سه سال در شهر خوانسار که از طرف حضرت حجهٔ الاسلام والمسلمین حاج آقا مهدی ابن الرضا (زید عزه) دعوت شده بودم تدریس در مدرسه مهدیه و نیز فعالیت های فرهنگی و انقلابی در دبیرستان های آن شهر داشتم و مدت سه سال بعد از آن به دعوت حضرت آیت الله طاهری خرم آبادی (دام عزه) در حوزه علمیه خرم آباد (فاطمیه) و ارگان های مختلف آن شهر به تدریس و کارهای فرهنگی و انقلابی اشتغال داشتم.

از این مدت به تالیف کتاب هایی همچون «البیع فی المعانی و البیان و البدیع» به زبان عربی و «اسلام پزشک بی دارو» به زبان فارسی که رشته غذا شناسی اسلامی است پرداختم سال ۱۳۶۲ مجدداً از جانب حوزه علمیه قم برای تدریس دعوت شدم و در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی واقع در ابتدای خیابان شهدا (صفائیه) به تدریس «مختصر المعانی» پرداختم که نوارهای آن ضبط شده و فعلاً به صورت نوار و سی دی موجود است. از این زمان به تدریس فقه و اصول و فلسفه در مدرسه دار الشفاء و فیضیه و بعضی کلاس های خصوصی مثل مدرسه معصومیه پرداختم و ضمناً به کار تبلیغ در شهرستان های مختلف مثل گیلان (انزلی، رشت) و مازندران، اهواز، آبادان و شهرهای مختلف شیراز مثل مرودشت و غیره (البته ایام تعطیل) مثل محرم و ماه مبارک رمضان پرداختم و به کار تحقیق نیز ادامه دادم.

در کارهای تحقیقی شروع به استخراج قواعد ادبی از کتب پیچیده و مغلق علمی صرف و نحو و آمیختن آنها با آیات و روایات به جای مثال های مستهجن و اشعار نامربوط نمودم که مجموعه آنها در شش مجلد سه جلدی در علم صرف و سه جلد در علم نحو برای سه دوره مقدماتی، متوسط و عالی نمودم و شرحی بر کتاب (مختصر المعانی) در چهار مجلد نمودم و اینک نیز به کار تدریس ادامه داده و اشتغال دارم.

امین، میرهادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۷ ش)، مدرس، نویسنده و شاعر، متخلص به امین. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آموزشگاه ثروت به پایان رسانید. سپس وارد دارالمعلمین عالی شد و در رشته‌ی علوم طبیعی به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۱۱ ش به دریافت لیسانس نایل آمد. در وزارت فرهنگ به کار پرداخت و در دبیرستانهای تهران به تدریس علوم طبیعی اشتغال ورزید تا بازنشسته شد. امین شاعری غزلسرا است از آثار وی: «فیزیولوژی حیوانی»، پنج متوسطه؛ «فیزیولوژی گیاهی»، پنجم متوسطه؛ «گیاه شناسی»، ششم متوسطه؛ «تکامل موجودات زنده»؛ «زمین شناسی»، دوم متوسطه؛ «غزلیات امین»؛ «منتخبی از غزلیات میر هادی»؛ «چکیده‌ی دل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۱۴۳/۹)، سخوران نامی معاصر (۳۹۳-۳۹۱/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۹۵)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹۴-۶۹۳ /۱).

امین، نصرت

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(۱۴۰۵ –۱۳۰۸ ق)، عالم و مجتهد. آمنه‌بیگم حاجیه نصرت‌خانم، فرزند حاج سید محمدعلی امین‌التجار اصفهانی، در اصفهان متولد شد. دایی‌اش آیت‌اللّه شریعت اصفهانی بود. از کودکی به تحصیل پرداخت و پس از فراگیری مقدمات در محضر حاج آخوند زفره‌ای، فقه و اصول و علوم معقول و منقول و حکمت و کلام را نزد آیت‌اللّه آقاسید علی مجتهد نجف‌آبادی و آقاسید ابوالقاسم دهکردی تکمیل کرد و به مرتبه‌ی استنباط رسید. پس از امتحانات کتبی به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از آقامیرزا ابراهیم اصطهباناتی شیرازی و حاج شیخ محمدکاظم شیرازی و آیت‌اللّه حائری یزدی و آیت‌اللّه نجفی مرعشی؛ و اجازه‌ی روایت از آقاشیخ محمدرضا نجفی مسجدشاهی نائل آمد. تمام عمر را به تألیف و تدریس گذراند و مدرسه‌ای به نام مکتب فاطمه (س) تأسیس کرد که در آن زنان و دختران ایرانی به تحصیل و کسب علوم و معارف اسلامی می‌پرداختند. آیت‌اللّه میرزاآقای شیرازی در اجازه‌نامه‌اش به وی، او را با این اشعار توصیف کرده است.

فَلَوْ کُنَّ النّساء بِمثلِ هذی

لَفضّلت النّساءِ عَلی الرّجال

فلا التّأنیث لاسم الشمس عار

و لا التّذکیر فخر للهِلال

وی آثار خود را تحت نام «یک بانوی ایرانی» منتشر می‌کرد از جمله آثارش: «الاربعین الهاشمیه»، «شرح چهل حدیث»؛ «اخلاق و راه سعادت بشر»، که ترجمه و اقتباسی است از «طهارهٔ الاعراق فی تصحیل الاخلاق» ابن‌مسکویه؛ «روش خوشبختی و توصیه به خواهران»؛ «سیر و سلوک»، در روش اولیاءِاللّه؛ «مخزن العرفان» و «کنز العرفان»، در علوم قرآن؛ «تفسیر قرآن»، در پانزده جلد؛ «معاد یا آخرین سیر بشر»؛ «النفخات الرحمانیهٔ فی الواردات القلبیهٔ»، حاوی کشفیات و مشاهدات معارف؛ «مخزن اللئالی فی فضایل مولی الموالی».[۱]

۱۳۰۸ ق– ۱۳۶۲ ش، حاجیه نصرت خانم از زنان دانشمند معاصر. پدرش حاج سید محمدعلی بن حسن حسینی مشهور به امین‌التجار اصفهانی و مادرش دختر حاج سید مهدی جناب و دائی‌اش مرحوم شریعت اصفهانی بود. از اوان کودکی در اصفهان به تحصیل پرداخت و پس از آموزش مقدمات در محضر حاج آخوند زفره‌ای، سالیانی دراز در فقه و اصول فرائد و فصول و کفایهٔ و خارج صلاهٔ و طهارت، و در کلام دو جلد شوارق، و در فلسفه از ابتدا تا الهیات اسفار را در خدمت آقا میر سید علی نجف‌آبادی آموخت و هر چند که در این ضمن به عقد ازدواج پسر عم خویش حاج میرزا آقا معین‌التجار درآمده بود و تعهد وظائف خانه‌داری می‌کرد، کمال سعی در تحصیل مبذول می‌داشت.

بر اثر این گونه استقامت و بذل سعی به مراقب علمی والائی رسید و از پی امتحان کتبی به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از آقا میرزا آقای اصطهباناتی و حاج شیخ محمدکاظم شیرازی و آیت‌اللّه نجفی مرعشی و همچنین اجازه‌ی روایت از آقا شیخ محمدرضا مسجد شاهی نائل آمد. خانم امین عمر خود را یکسره به تالیف و تدریس گذراند. مدرسه‌ای به نام «مکتب فاطمه» تاسیس کرد که زنان و دختران در آن به کسب علوم و معارف اسلامی می‌پرداختند. آثار بسیاری تألیف کرد که از آن جمله‌اند، الاربعین الهاشمیهٔ (۱۳۲۸ ش) که ترجمه و اقتباسی است از اخلاق ابن‌مسکویه؛ روش خوشبختی و اقتباسی است از اخلاق ابن‌مسکویه؛ روش خوشبختی و توصیه به خواهران (۱۳۷۱ ق)؛ سیر و سلوک در روش اولیاء (۱۳۲۳ ش)؛ مخزن‌العرفان (۱۳۲۶ ش به بعد)؛ تفسیر کامل قرآن در ۱۵ جلد؛ معاد یا آخرین سیر بشر (۱۳۲۶ ش)، النفحات الرحمانیهٔ فی الواردات القلبیهٔ (۱۳۶۹ ق) حاوی کشفیات و مشاهدات معارف؛ مخزن‌اللئالی در فضل مولی‌الموالی. خانم امین آثار خود را تحت نام «یک بانوی ایرانی» منتشر می‌کرد.[۲]

مجتهد، فقیه، مدرس.

تولد: ۱۲۶۵، اصفهان.

درگذشت: ۲۳ خرداد ۱۳۶۲، اصفهان.

حجت‌الاسلام سیده نصرت بیگم امین (معروف به بانوی ایران) فرزند سید محمدعلی امین‌التجار اصفهانی، در چهار سالگی برای آموزش قرآن و فراگیری خواندن و نوشتن راهی مکتب شد.

بانو امین همچنان به تحصیل ادامه می‌داد تا اینکه در پانزده سالگی با پسر عموی خود حاج میرزا ملقب به معین‌التجار که از بازرگانان سرشناس و معتبر اصفهان بود ازدواج نمود و به خانه‌داری و تربیت فرزندان مشغول شد. اما این امر مانع ادامه تحصیل و مطالعه و تحقیق وی در معارف اسلامی نشد و به تحصیل صرف، نحو، بلاغت، تفسیر، علم حدیث، فقه، اصول، فلسفه و عرفان پرداخت و با وجود مشکلاتی که در فضاری حاکم بر آن ایام برای زنان در امر تحصیل وجود داشت، طلبگی و تحصیل خود را را در سطوح عالیه نیز ادامه داد تا اینکه در چهل سالگی مرتبت و تسلط علمی ایشان مورد تأیید مراجع تقلید وقت قرار گرفت و به دریافت درجه‌ی اجتهاد و روایت نایل شد. بانو امین از چهل سالگی تا پایان عمر به تألیف کتب، تدریس، پاسخگویی به پرسش‌های دینی و ارشاد دختران و زنان پرداخت.

آثار ایشان عبارتند از: اربعین الهاشمیه (به زبان عربی، ۱۳۵۶ ق.)؛ جامع الشتات (زبان عربی) معاد یا آخرین سیر بشر (تهران، ۱۳۲۶، تبریز چاپ دوم، ۱۳۳۴)؛ نفحات الرحمانیهٔ فی الواردات القلبیهٔ (به زبان عربی، اصفهان، ۱۳۶۹)؛ اخلاق (ترجمه کتاب ابن مسکویه)؛ مخزن العرفان (تفسیر قرآن در پانزده جلد)؛ روش خوشبختی و توصیه به خواهران ایمانی (تهران، ۱۳۳۱، این کتاب در تبریز و اصفهان نیز به چاپ رسیده است)؛ مخزن اللئالی در مناقب مولی الموالی امیرالمؤمنین علی (ع)؛ سیر و سلوک؛ در روش اولیاء و طریق سیر سعداء (اصفهان ۱۳۲۳).

حجت‌الاسلام امین در سال ۱۳۴۴ با سرمایه خود مکتبی به نام «فاطمه سلام‌الله علیها» و نیز دبیرستانی دخترانه تأسیس کرد تا فضایی برای ادامه تحصیل بانوان فراهم آید. ایشان همچنین در کانون تبلیغات و تعلیمات دینی بانوان اصفهان به تدریس معارف و تفسیر قرآن می‌پرداخت.

مزار بانو امین در اصفهان قرار دارد.

بر گرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :[۱] تذکرهٔ القبور (۴۴۵)، الذریعه (۲۴۸/۲۴، ۲۲۹/۲۰)، علماء معاصرین (۳۲۵ –۳۱۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۶ – ۱۱۴ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۵۵۹ –۵۵۷ /۶).

[۲] منبع: دایرهٔالمعارف تشیع، ۵۲۷ /۲.

امین‌الدوله، هاشم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۴ ق)، خطاط. ملقّب به امین خلوت و امین‌الدوله. نسب خود را به ابوذر غفاری می‌رساند. در سال ۱۲۷۲ ق که نخستین سیم تلگراف در ایران کشیده شد عمل تلگراف و کشیدن سیم به عهده‌ی شاهزاده علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه و کلیه‌ی محاسبات آن زیر نظر میرزاهاشم خان بود. در سال ۱۲۷۸ ق که ریاست اداره‌ی صرف جیب مبارک را داشت ملقب به امین خلوت شد. در صدارت سپهسالار به مناسبت مخالفت با او از خلوت شاه اخراج شد و پس از عزل سپهسالار مجدداً روی کار آمد و به شغل سابق خود که ریاست تفنگداران خاصه و ریش سفیدی خلوت شاه بود منصوب شد. در سال ۱۲۸۴ ق امور حکومتی فیروزکوه و در سال ۱۲۸۸ ق امور حکومتی شاهرود، بسطام و چندی بعد در همین سال حکومت کاشان نیز زیر نظر وی قرار گرفت و از اجزای مجلس دارالشورای کبری شد. و نیز در همین سال بود که پس از درگذشت برادرش، فرخ‌خان امین‌الدوله، به امین‌الدوله ملقب و به منصب وزارت حضور منصوب شد. وی بنا به گفته‌ی سپهر، سخندان بود و نستعلیق را استوار و شکسته را درست می‌نوشت. در قم دفن شد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۵۸/۳)، شرح حال رجال (۴۱۵ –۴۱۳ /۴).

امین‌الدین کاشانی، فتح‌اللّه

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۳۲ ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن نیم ربعی جلد روغنی عالی، دو صفحه‌ی اول و آخر مذهّب و دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع، به خط نسخ غبار خفی متوسط و سر سوره‌ها رقاع خوش، با رقم: «امین‌الدین فتح‌اللّه الکاشانی سنه ۱۰۳۲»؛ یک قطعه از مرقع بهرام میرزا، نستعلیق سه‌دانگ و کتابت خفی و نسخ کتابت خفی خوش، با رقم: «العبد فتح اللّه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۲۹، ۱۰۵۰ /۴).

امینای رودسری

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اهل رودسر بود و در نظم و نثر توانا او منشی میرزاصالح، برادرزاده اسکندر بیک در لاهیجان بود و بعد از آن به خدمت ساردتقی پیوست. از اوست:

خاکسار طور و ما موسی عصا افتادگی

وحی ما خاموشی و معراج ما افتادگی

حاصل افتادگی از سرو پرسیدیم گفت

ابتدا گردن فرازی انتها افتادگی

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۸۰)، الذریعه (۱۰۳/۹)، صبح گلشن (۴۲).

امینای فراهانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از شاعران عهد صفویه بود که به فضل و پرهیزگاری مشهور بود. از زاد و بوم خویش به عراق رفت و در نجف اشرف مسکن گزید. رباعی زیر از اوست:

بشتاب به سوی نجف ای دل بشتاب

دریاب این فوز را بزودی دریاب چون

خواب نجف عبادت یزدان است

خود را به نجف رسان و بر پشت بخواب

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای خوانسار (۳۰ -۲۸)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۸۳)، الذریعه (۱۰۳/۹)، صبح گلشن (۴۱)، فرهنگ سخنوران (۹۸ -۹۷).

امینای کاسه‌گر کرمانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اهل کرمان و به شغل کاسه‌گری مشغول بود از سر تفنّن شعر می‌سرود. وی معاصر با صاحب «تذکره‌ی نصرآبادی» بود. از اوست:

سرو را پای رعونت در گل از رفتار تست

آب و رنگ نه چمن صرف گل رخسار تست

هر پریشانی که جمع آوردم از زلف تو بود

مایه‌ی آشفتگی‌ها طره طرارتست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۸۲)، الذریعه (۱۰۳/۹)، صبح گلشن (۴۲ -۴۱)، فرهنگ سخنوران (۹۸).

امینای یزدی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۷۵ ق)، شاعر. معروف به دقاق. اهل یزد بود. در جوانی برای کسب دانش به داراالعلم شیراز رفت و در اندک زمانی به مدارج عالی رسید و در فن انشاء، شعر و معما مهارتی تمام حاصل کرد. پس از پایان تحصیلات به دربار سلاطین صفوی رفت و به منصب تصدی وقف یزد معزز شد. وی در نظم قصیده و ماده تاریخ و رباعی و اقسام شعر توانا بود. از جمله آثارش: «دیوان» اشعار. از اوست:

مجنون منشان عشق رب الارباب

در بحرو برند روز و شب بی‌خور و خواب

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۲۲ -۱۸)، الذریعه (۱۰۳/۹)، فرهنگ سخنوران (۹۸).

امین‌زاده گوهری، امان‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: شیمی، دانشگاه: صنعتی اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۵۲، دکترا از دانشگاه برادفورد کشور انگلستان در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه اصفهان، دانشیار در رشته شیمی فیزیک و شیمی معدنی دانشگاه صنعتی اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ساختمان مولکولی، مکانیزم مواد شیمیائی بر روی غشاء سلولی، استاد راهنمای یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شیمی عمومی، شیمی فیزیک، شیمی معدنی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۳

زمینه علمی مقالات:

اسپکتروسکوپی رامان، ساختمان مولکول، کاربرد اسپکتروسکوپی رامان در بیوشیمی و پلیمر.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

امینی بلخی، ابوسراقه، عبدالرحمن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، شاعر. مداح یمین‌الدوله محمود غزنوی و با عنصری و فرخی معاصر بود اشعار اندکی از وی به جای مانده است. از اوست:

زره‌پوش ترک من، آن ماه پیکر

زره دارد از مشک، بر ماه انور

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۰۰ -۵۹۹ /۱)، فرهنگ سخنوران (۹۸)، لباب الالباب (۴۲ -۴۱ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوسراقه)، مجمع الفصحا (۸۹/۱).

امینی پور، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله امینی پور

محل تولد : شوش دانیال

شهرت : عبدالله (امیر) امینی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۶/۳

زندگینامه علمی

زندگی نامه علمی

نگارش و ترجمه:

کودکان و نوجوانان (۱۳۷۱- ۱۳۸۳)

آغاز نگارش و ترجمه از ۱۳۷۳ با مجله سلام بچه ها و در ادامه (۱۳۷۲ – ۱۳۸۳) با پوپک و دوچرخه و حدیث زندگی و در ده ها شماره و در حدود ۱۰۰صفحه، برای کودکان و نوجوانان نوشته شد.

سردبیری(۱۳۷۴ — ۱۳۷۶)

کار با سردبیری مجله میراث شهاب (نشریه کتابخانه آیت اله مرعشی نجفی) ادامه یافت . چاپ و انتشار آن در دو سال و نیمی که با کتابخانه همکاری وجود داشت، ادامه یافت، سپس در ۱۳۷۴ و ۷۵ با مجله تبیان همکاری (ترجمه).

همکاری با مجلات و روزنامه ها (۱۳۷۵ تا کنون)

از ۱۳۷۵ همکاری با روزنامه ها آغاز می شود. در ابتدا روزنامه کیهان با درج مقاله « فرهنگبان بزرگ میراث اسلامی» و چاپ دوباره آن در روزنامه رسالت (خرداد ۷۶).

نخستین معرفی و نقد کتاب (کتاب شناسی) در مجله فقه (بهار ۷۶) سپس در مجلات زیر ادامه می یابد: حوزه ، آینه پژوهش، کتاب ماه دین، پژوهش و حوزه ، حکومت اسلامی، میقات حج، روزنامه جمهوری اسلامی (ضمیمه صحیفه) ، کوثر، پیام زن و ...

در کتاب «برگزیده مقالات» چاپ ۱۳۸۴شرحی درباره نهج البلاغه به چاپ رسیده است.

زن پژوهی:

از ۱۳۷۹ به بعد نگارش و ترجمه مقالات زن پژوهی در مجلات : پیام زن ، زنان و پگاه حوزه شروع می شود، که برآیند چاپ و انتشار مقالاتی در این نشریه است:

پیام زن ، شماره ۹۹ و ۱۱۵ و ۱۱۸ و۱۱۶ و ۱۲۲ و ۱۲۴ و ۱۲۵ و ۱۳۱ و ۱۳۵ و ۱۳۶

و پگاه حوزه ، شماره ۷۰ و ۷۱ و ۷۵ و ۹۳ و زنان ، شماره ۱۱۶

شرح حال: از ۱۳۷۶ به بعد کتب و مقالاتی در شرح حال نوشته شده ، از جمله در : روزنامه کیهان و رسالت،

مجلات: میراث شهاب، تبیان، کوثر، یاد ایام (شهریور ۷۶) بینات و پیام زن.

کتابها : شکوه فقاهت (۱۳۷۹) فرزانه ناشناخته (۱۳۸۱) مزربان وحی و خرد (۱۳۸۱)

قرآن پژوهی : نخستین کتاب در این باره «مصحف فاطمی» است که ۱۳۸۲ (چاپ اول) و ۱۳۸۷ (چاپ دوم) توسط «دلیل ما» به چاپ رسید . نیز در کتاب «زندگی شخصی امام علی» مصحف امام علی (ع) (۱۳۸۰) چاپ شد. کتاب دیگر «تحقیق و حاشیه بر

تفسیر سوره حمد» مرحوم محمد تقی فلسفی است که آذر ۷۸ مرکز فرهنگ و معارف قرآن با عنوان « تفسیر بیان» بدون ذکر نام محقق چاپ کرده است.

سپس مقالاتی در نشریات:

تبیان، کوثر (ش ۳۳) پیام زن (۱۱۶ و۱۳۵ و۱۳۶ و۸۷ و۸۸) کتاب ماه دین ، روزنامه جام جم (ش ۹۲۵) بینات(ش ۳۳) و میراث شهاب (ش ۱۴)

مهدی پژوهی:

افزون بر ترجمه کتاب چند جلدی «معجم احادیث الامام المهدی» و «غیبت امام مهدی » (چ موعود عصر، ۱۳۷۸) مقالاتی در مجلات: موعود و انتظار

تدریس:

از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۲ در جامعه الزهرا (بخش غیر ایرانی ها و بخش روزانه) تدریس ادبیات عرب و تاریخ اسلام به مدت ده سال .

تبلغ: در جبهه جنگ (۱۳۶۲) و نیز زادگاه محقق .

مدیریت: مدیریت روابط عمومی و اموربین الملل کتابخانه آیت اله مرعشی نجفی، مدیر آموزش کتابخانه، (۱۳۷۳ — ۱۳۷۶)

مدیر اجرایی مجله فقه اهل بیت (۱۳۷۸ — ۱۳۸۳) نیز همکاری با مرکز جهانی علوم اسلامی و سازمان مدارس خارج از کشور (۱۳۷۰ — ۱۳۷۳)

نوآوری:

تأسیس انجمن علمی مترجمان که شرح آن در مصاحبه با نشریات زیر آمده

روزنامه جام جم/ ۲۰ اردیبهشت ۸۳

روزنامه کیهان/ ۱۹ خرداد ۸۳

نشریه کتاب هفته / ۲۳ شهریور ۸۱ و ۶ تیر ۸۳

نشریه پگاه حوزه/ ۲۸ فروردین ۸۱

نشریه نصوص معاصره / کشور بحرین / محرم ۱۴۱۶ (مارس ۲۰۰۵)

نشریه پژوهش و حوزه / بهار ۸۱

کسب نشان و جوایز علمی:

تقدیر از نگارش مقالات در کنگره بین المللی شرف الدین

تقدیر از نگارش مقاله برای همایش سیره حکومتی امام علی ، مشهد (دانشگاه فردوسی)

تقدیر از نگارش مقاله مصحف فاطمی ، همایش بانوی آفتاب ، گرگان

تقدیر از نگارش مقاله مهدی موعود از دیدگاه آیات ، تهران (دانشگاه رودهن)

تقدیر از نگارش مقاله برای دومین کنگره عاشورا پژوهشی ، قم

نیز تقدیر از همکاری با دفتر تبلیغات اسلامی ، همچنین مجله پیام زن

امینی تبریزی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۰ –۱۳۲۰ ق)، عالم، فقیه و محدث. در تبریز متولد و چون جدّ او ملا نجف علی امین شرع بوده، به امینی شهرت یافته است. ابتدا تحت تربیت پدرش که از علمای بزرگ تبریز بود پرورش یافت و در مدارس تبریز مقدمات و ادبیات را فراگرفت. سپس از محضر حاج سید محمد مولانا و حاج سید مرتضی خسروشاهی صاحب کتاب «اهداء الحقیر در معنی حدیث الغدیر» و آقا شیخ حسین مؤلف کتاب «هدایهٔ الانام» سطوح عالیه را آموخت. بعد به نجف اشرف مهاجرت کرد و در محضر حاج سید ابوتراب خوانساری، آقا سید محمد فیروزآبادی، تلمذ کرد و از آقا سید ابوالحسن اصفهانی، علامه نائینی، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، محمدحسین غروی اصفهانی و میرزا علی‌آقا شیرازی و دیگران استفاده نمود و به دریافت اجازه اجتهاد از ایشان نایل گردید. او بعد از فراغت از تحصیل به تبریز بازگشت و در آنجا به وظائف شرعی پرداخت. سرانجام به قصد اقامت دائم به نجف بازگشت. علامه امینی فقیهی بزرگ و مؤلفی پرکار و خطیبی دانشمند بود و از ابتدا بزرگان نجف او را امید اسلام و تشیع پیش‌بینی می‌کردند. وی در تألیف اثر گرانقدرش «الغدیر» کتابخانه‌های ایران و عراق و دیگر کشورهای اسلامی را جستجو کرد. و بیش از چند هزار کتاب را دید. وی با سفر به شهرهای حیدرآباد دکن و علیگره و بمبئی و لکهنو و کانپور و پتنه و رامپور و جلالی هند و نیز بیروت و دمشق و معره و نبل و حلب و مکه و مدینه و شهرهای بسیار دیگر همگام با تهیه مآخذ و مطالعه و استنساخ کتب در ملاقات با استادان و دانش پژوهان و شرکت در محافل عمومی به نشر مفاهیم اصیل و صحیح ولایت می‌پرداخت. کتابخانه‌ی امیرالمؤمنین (ع) در نجف با همت وی تأسیس شده که از نفایس جهان علم و ادب به شمار می‌رود و حدود ۴۰۰۰۰ کتاب از جمله صدها کتاب خطی در آن گردآوری شده است. وی در تهران درگذشت؛ پیکر او را به نجف بردند و در کتابخانه‌اش دفن کردند. از وی آثاری بر جای مانده است که عبارت‌اند از: «الغدیر فی الکتاب والسنهٔ والادب»، دایرهٔالمعارف شیعه که در آن احادیث و اشعار مربوط به روز عید غدیر را آورده است؛ «اعلام الانام فی معرفهٔ الملک العلام»؛ «ثمرات الاسفار»، در دو جلد که شرح سفرهای اوست؛ «شهداء الفضیله»؛ «ریاض الانس»، در دو جلد؛ «سیرتنا و سنّتنا سیرهٔ نبیّنا و سنته»؛ «حاشیه بر رسائل شیخ مرتضی انصاری»؛

«حاشیه بر مکاسب شیخ مرتضی انصاری»؛ «تفسیر سوره‌ی حمد»؛ «تفسیر آیاتی از قرآن»؛ «ادب الزائر»؛ «العترة الطاهرة فی الکتاب».[۱]

حاج شیخ عبدالحسین امینی تبریزی ابن عالم الجلیل میرزا احمد بن المولی نجفعلی مشهور به امین الشرع تبریزی از اعاظم علماء و اکابر دانشمندان معاصر و دارای معنویت و مقامات عالیه بودند.

در سال ۱۳۲۰ ق در تبریز متولد شده و در تحت تربیت و رعایت مرحوم والدش که از علماء بزرگ تبریز بودند پرورش یافته و در مدارس تبریز مقدمات و ادبیات را فرا گرفته و از همان اوان صغر آثار نبوغ و کثرت حافظه و سرعت انتقال از وی ظاهر و بارز بوده است. پس از پایان اولیات، سطوح عالیه را از محضر مرحوم آیهٔاللّٰه حاج سید محمد مولانا و آیهٔاللّٰه حاج سید مرتضی خسرو شاهی و آیه اللّٰه آقا شیخ حسین مولف کتاب (هدایه الانام) استفاده نموده و به نجف اشرف مهاجرت و از محضر مرحوم آیهٔاللّٰه حاج سید ابوتراب خونساری متوفی ۱۳۴۶ ق و آیهٔاللّٰه آقا سید محمد فیروز آبادی متوفی ۱۳۴۵ ق و مرحوم آیهٔاللّٰه نائینی و آیهٔاللّٰه میرزا علی آقا شیرازی و بعضی دیگر بهره‌مند شده تا بمدارج علم و کمال رسیده و مبادرت بتألیف و تصنیف کتب مفید نموده و از این راه خدمات بسیار ارزنده‌ای بعالم اسلام مخصوصا تشیع نموده است.

نگارنده گوید: مرحوم علامه مجاهد امینی حقا از نوادر علماء معاصر ما بودند که در راه خدمت بدین و ولایت تحمل شدائدی نموده و به کشورهای هند و پاکستان و سوریا و حلب و غیره مسافرتها کرده و کتابخانه‌های مهم آنجا را با دقت مطالعه و بررسی و بیش از چند هزار کتاب را دیده و دائره المعارفی بنام (الغدیر) در موضوع ولایت حضرت امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و مثالب غاصبین حقش از کتب اهل سنت نوشته که در فن خود بی نظیر و موجب استبصار بسیاری از اهل سنت که تقلید کورکورانه ستمکاران به اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌نمودند گرویده‌اند.

علامه امینی چندین سال بود که در تهران رحل اقامت افکنده، و در آخر ماه ربیع‌الاول ۱۳۹۰ ق در تهران وفات و پس از تشییع و تجلیل با شکوهی حمل به نجف و در کتابخانه‌اش مدفون گردیده است.

آثار خالده‌ی او که بزرگترین اثر جاودانی او می‌باشد تاسیس کتابخانه وزین امیرالمومنین علیه‌السلام نجف اشرف است که بیش از چهل هزار جلد کتاب مطبوع و محفوظ دارد و از نفایس جهان علم و ادب بشمار می‌رود.

و آثار علمی او از این قرار است:

۱- دائره‌المعارف شیعه بنام الغدیر که بیست و دو مجلد است یازده جلد آن مطبوع و بقیه مخطوط است و مطبوع آن مکرر در نجف و بیروت و تهران بطبع رسیده است.

۲- شهداء الفضیله که در نجف چاپ شده. ۳- کتاب سیرتنا و سنتنا که بچاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] حماسه‌ی غدیر (احوال و آثار علامه امین)، الذریعه (۲۶/۱۶ ،۲۵۹/۱۴۸۲/۲)، الغدیر، ترجمه (۱۶۳ -۱۵۴ /۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۹ -۳۷۷ /۴)، مؤلفین کتب چاپی (۷۲۳ -۷۲۲ /۳)، مستدرکات اعیان (۸۲/۱).

امینی دروازه‌ای، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی امینی بن العالم الجلیل والفقیه النبیل آیت‌اللّٰه حاج سید ابراهیم (دروازه‌ای) تبریزی از علماء معاصر تهرانست.

وی در سال ۱۳۵۳ ق در شهر تبریز دیده به جهان گشوده و در یک خانواده روحانی و علمی که اباً عن جد همه ارباب فضل و کمال و مردان برجسته و وارسته‌ای بودند بزرگ شده و دوران طفولیت را گذرانیده و بعد از فراگرفتن مقدمات علمی در حوزه‌های درسی بزرگان علماء و مدرسین شهر تبریز از جمله مرحوم والدش و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید مهدی انگجی و مرحوم آیت‌اللّٰه مفید و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید محمد بادکوبه‌ای شرکت نموده و پس از فراغ از متون درسی در رشته‌های ادبی و فقه و اصول و فلسفه در سال هزار و سیصد و هفتاد و سه به قم مهاجرت و حدود ده سال از محضر فحول علماء و اکابر فقهاء و دانشمندان دینی حظهای وافر و استفاده‌های شایانی نموده فقه و اصول نظری را از مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی والفقیه الاعظم بروجردی قدس اللّٰه سره الشریف و آیت‌اللّٰه العظمی شریعتمداری و آیت‌اللّٰه العظمی موسوی و علوم منظری و فلسفه عالیه و از آیت‌اللّٰه العلامهٔ الطباطبائی دام اللّٰه ظلالهم علی رؤس الانام اخذ نموده و بحمداللّٰه از خرمنهای علم و دانش آنها خوشه‌های فراوانی کسب و به اخذ اجازه اجتهاد از چند نفر از فقهاء نائل آمده و طی مدت اشتغال در حوزه مقدسه قم- تقریرات اساتید بزرگ را به رشته تحریر درآورده که متجاوز از پنج مجلد می‌باشد.

در سال ۱۳۸۲ قمری یک سال پس از فوت مرحوم والدش به تبریز مراجعت و پنج سال در آنجا به شئون و وظائف روحانیت از امامت در مسجد و تدریس و ارشاد مردم قیام و اقدام نموده و در سال ۱۳۸۷ ق روی جهات و پیش‌آمدهائی اجباراً موطن عزیز خود تبریز را ترک و به تهران مهاجرت و اکنون قریب هشت سال است که در گوشه‌ای از این شهر بزرگ و پرغوغا اختیار مسکن نموده و گرچه مشغولیتهائی از امامت در مسجد و تدریس و غیره دارند.

لیکن بیشتر در منزل به مطالعه و نوشتن گذرانیده و کمتر در اجتماع کنونی که هوا و هوس و ریا و تظاهرات و آلودگیهای دیگر اخلاقی به همه شئونات زندگی سایه افکنده و از حق‌پرستی و حقیقت‌جوئی و وفا و صفا نامی بیشتر باقی نمانده شرکت می‌کند و البته هر قدر انسان از این جار و جنجالهای بی‌معنی و خفه‌کننده کنار باشد راحت‌تر و سالم‌تر خواهد بود.

آری به فرمایش امام صادق (ع) فسدالزمان و تغیر الاخوان فرأیت الانفراد اسکن للفوأد.

معظم له دارای آثار علمی چنـدی در موضوعات مختلف از قبیل تفسیر موضوعی شـرح پاره‌ای از احادث، زنـدگی یک مسـلمان از ولادت تا مرگ، زن و زناشوئی در اسلام، دیوان شعر. ترجمه چند کتاب نفسی عربی به فارسی می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

امینی گلستانی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد امینی گلستانی

محل تولد : اردبیل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجـانب در سـال ۱۳۳۱ شمسـی از زادگـاهم قریـه گلسـتان در ۳۰ کیلومـتری اردبیـل بـه مـدرسه علمیـه ملاـ ابراهیـم وارد و پس از گذراندن مقدماتی صـرف و نحو در سال ۱۳۳۳ به حوزه علمیه قم وارد شـده و نزد اساتید آنجا که بعداً ذکر خواهد شد، اسـتفاده و در نیمه دوم سال ۱۳۳۴ به نجف اشرف وارد شده و از اساتید آنجا که بعداً ذکر خواهد شد، استفاده نمودم در تاریخ ۱۳۳۴ از نجف اشرف مراجعت نموده و در شهر توریستی سرعین اردبیل به مدت یازده سال اقامت نمودم. در طول این مدت مشغول کارهای علمی و فرهنگی شده و بناهای مفید و مجلل از خود به یادگار گذاشتم.

۱– مسجد مجلل و بزرگ حضرت بقیهٔ الله الأعظم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به مساحت ۸۰۰ متر به اضافه کتابخانه و شبستان زنانه و سایر متعلقات مسجد.

۲– احداث چشمه های آب شرب چندین روستای اطراف سرعین.

۳– بنا و تأسیس مسجد امیرالمومنین (علیه السلام) در زادگاهم روستای گلستان، بعداً در زلزله ویرانگر سال ۱۳۷۵ شمسی اردبیل که تعداد یک صد و ده روسـتا را از ۲۵ درصـد تا صد در صد ویران و گروه زیادی را به کام مرگ فرسـتاد که در این باره کتاب شـعر آغلار ساوالان(یعنی سبلان می گرید) را سرودم. و یکایک کشته شدگان زادگاهم را در آن کتاب نام بردم.

۴– تأسـیس صـندوق های خیریه بنام حضـرت باب الحوائج ابوالفضل (علیه السلام) که اول از ۱۷ صـندوق شروع و فعلاً بیشتر مناطق استان اردبیل را فراگرفته است.

۵– در سال ۱۳۸۱ مسجد امام زمان (علیه السلام) که در اثر زلزله مقاومت خود را از دست داده بود بازسازی و توسعه دادم.

۶– در سال ۱۳۸۲ مسجد مجلل در روستای (جن قشلاقی) از دهستان های یورقچی احداث و در سال ۱۳۸۴ تقریباً به اتمام رسید.

در سال ۱۳۵۱ شمسـی از سـرعین به اردبیـل مهاجرت نمودم و مقیم گشـتم و در خلال مـدت ۱۴ سـال اقـامت در اردبیل به کارهای تبلیغاتی اسلامی و سرپرستی حجاج بیت الله الحرام ادامه دادم.

در سال ۱۳۶۱ شمسـی از اردبیل به تهران مهاجرت کرده و مشـغول کارهای روحانیت خود شـدم و به تـدریس و تفسـیر قرآن مجید اشـتغال داشـتم تا اینکه در سال ۱۳۷۵ شمسـی به شـهر مقـدس قم مهاجرت کرده و مقیم گشـتم، در این شـهر مقدس نیز به کارهای علمی و فرهنگی خود استمرار بخشیده و ثمره مهاجرت اخیر تألیفاتی است که بعداً شرح خواهم داد.

امینی مراغی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۲۴ ق)، شاعر، متخلص به امینی و طراحی. در مراغه متولـد شد. از دانشـمندان و علمای امامی آذربایجان و مردی متقی و نیکو سیرت. املاـک و مزارع موروثی پـدری را فروخت، بتدریـج در دسـتگیری فقرا صـرف نمود، امـا خود در اواخر عمر درویش شـد و روزگار را به سـختی می‌گذرانید. به دو زبان فارسـی و ترکی شـعر می‌گفت. زمانی امینی و گاهی طراحی تخلص می‌کرد. در مراغه وفات یافت. دارای «دیوان» شعر بود و «مجموعه‌ی امثال و حکم ترکی» از اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۶/۹)، ریحانه (۲۸۰ –۲۷۹ /۵)، فرهنگ سخنوران (۹۹)، لغت‌نامه (ذیل/ امینی مراغی).

امینی مشهدی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، خطاط. در «آتشکده‌ی آذر»، «صبح گلشن» و «الذریعه» حسن امینی مشهدی به عنوان شاعر، شعرشناس و صاحب «دیوان» شعر ذکر شده است. از آثار او: یک نسخه «سبحهٔ الابرار» جامی، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «کتبه المذنب امینی مشهدی»؛ یک قطعه از مرقع، به قلم سه‌دانگ و نیم دودانگ خوش، با رقم: «فی شهور سنهٔ خمسن و ستین و تسعمائهٔ، المذنب امینی مشهدی، غفر ذنوبه و ستر عیوبه»؛ یک قطعه، به قلم دو دانگ خوش، با رقم: «کتبه المذنب امینی ۱۰۱۷».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۴۶۳/۲)، احوال و آثار خوشنویسان (۸۱/۱)، الذریعه (۱۰۶/۹)، صبح گلشن (۴۲)، فرهنگ سخنوران (۹۹).

امینی هروی، صدرالدین ابراهیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۱/۹۳۰ ق)، مورخ و شاعر. از اعیان هرات و از وزرای سلطان حسین بایقرا بود و در هنگام استیلای ازبکان در آن شهر کشته شد. او ابتدا در هرات در خدمت سلطان حسین میرزا بایقرا بود و در سال ۹۲۷ ق به دربار شاه اسماعیل پیوست و به امر او کتابی در دو قسمت به نام «فتوحات شاهی» تألیف کرد. از دیگر آثار وی: «مناظره‌ی مهر و مکتوب»؛ ترجمه «دیوان» علی بن ابیطالب (ع).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۶۶، ۲۷۵)، تحفه‌ی سامی (۴۷ -۴۶)، الذریعه (۱۱۷، ۱۶ -۱۵ /۹)، فرهنگ سخنوران (۹۹).

امینی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ ابراهیم امینی (حاج امینی) نجف‌آبادی یکی از مدرسین و دانشمندان حوزه علمیه قم می‌باشد. در سال ۱۳۰۴ شمسی برابر ۱۳۴۵ قمری در نجف‌آباد به دنیا آمده و در سال ۱۳۳۰ شمسی برای تحصیل علوم دینیه وارد اصفهان شده مقدمات و ادبیات زبان عرب را در حوزه اصفهان مانند مرحوم حاج آقا رحیم ارباب و حاج شیخ محمد حسن عالم نجف‌آبادی و حاج شیخ محمدرضا جرقویه و حاج شیخ هبه‌اللّه اعلمیان هرندی و حاج سید علی اصغر مدرس نجف‌آبادی و بعضی اساتید دیگر خوانده و در سال ۱۳۲۶ شمسی به منظور ادامه تحصیلات وارد حوزه علمیه قم شده و مقداری از سطوح را نزد اساتید بزرگ و علماء اعلام و آقایان حاج آقا رضا صفی و حاج سید محمد باقر سلطانی خوانده و سطح کفایه را نزد آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی به اتمام رسانیده سپس در درس خارج فقه و اصول آیت‌اللّه العظمی خمینی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی شرکت ولی بیشتراز محضر و درس نایب الامام خمینی استفاده نموده و از شاگردان قدیمی معظم‌له محسوب می‌شود. از سال ۱۳۲۹ شمسی تا هنگامی که به خارج ایران تبعید شدند مرتب در درس خارج ایشان حاضر و کسب فیض می‌نمودند.

آقای امینی علاوه بر فقه و اصول در علم حکمت و فلسفه نیز وارد منظومه سبزواری و اسفار و شفاء را نزد آیت‌اللّه علامه طباطبائی خوانده و از همان اوائل در جلسه تحقیقی پربرکت علامه طباطبائی که گروهی از دانشمندان حوزه علمیه قم به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل مطالب فلسفی و تطبیق آن با فلسفه‌های جدید تأسیس گردیده بود شرکت و از محضر استاد بزرگ استفاده می‌نمودند- که بخشی از تحقیقات آن جلسه بعدا به صورت کتاب اصول فلسفه با روش رئالیسم منتشر شد.

آقای امینی در حوزه علمیه قم به تدریس و تألیف اشتغال دارد ولی اکثرا اوقاتشان صرف تحقیقات علمی و تألیف کتابهای سودمند می‌شود و تاکنون کتابهای ارزنده‌ای از ایشان به چاپ رسیده که غالباً مورد استقبال عمومی قرار گرفته است. مانند:

۱- دادگستر جهان.

۲- بررسی مسائل کلی امامت.

۳- بانوی نمونه اسلام.

۴- آئین همسرداری.

۵- همه باید بدانند.

۶- اسلام و تمدن جدید.

۷- آموزش دین درپنج جلد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

امینی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین امینی شاهرودی از دانشمندان و ائمه جماعت معاصر کرمانشاه است.

وی در یکی از مضافات شاهرود بـدنیا آمده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و قسـمتی از سـطوح در شاهرود و غیره مهاجرت به نجف اشـرف نموده و پس از تکمیل سـطوح چندین سال از محضـر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سـید محمود شاهرودی و آیت‌اللّه العظمی خوئی مـدظله و آیات دیگر فقهاً و اصولا اسـتفاده نموده و بنابر تقاضای بعضـی از مؤمنین کرمانشاه و امریه بعضـی از مراجع بزرگ نجف برای خـدمت و ارشـاد مردم به کرمانشـاه عزیمت و رحـل اقـامت افکنـده و به اقـامه جماعت و ترویـج دین و تـدریس پرداخته.

و ضـمناً مبتلا به سوانحی گردیـده و مدتی در تهران و نقاط دیگر به طور اضـطرار و اجبار و اکراه اقامت نموده و مجدداً به کرمانشاه بـازگشت و به خـدمات روحی و دینی اشـتغال دارد از آثـار ایشـانست تأسیس درمانگـاهی که بـا همکـاری جمعی از مؤمنین برای مستمندان نموده‌اند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

امینی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۳ مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: فیزیک، دانشگاه: صنعتی اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته فیزیک از دانشگاه شیراز.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده فیزیک دانشگاه صنعتی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

کـاربرد کـامپیوتر در فیزیک، شبیه‌سازی کامپیوتری مواد چگال، شبیه‌سازی کامپیوتری ذوب با روش دینامیک مولکولی، تحصـیل و تحقیق در بخش کـامپیوتر دانشـگاه ردینـگ انگلسـتان در رشـته فیزیک کامپیوتری، اسـتاد راهنمای ۲ پایان‌نامه کارشناسـی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

واژه‌نامه‌های علمی، کاربرد کامپیوتر در علوم و مهندسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۵

زمینه علمی مقالات:

شبیه‌سازی کامپیوتری ذوب ساختمان شیشه‌ای با روش دینامیک مولکولی و روشهای عددی حل معادله دیفرانسیل مرتبه دوم.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

انتظاری، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا انتظاری

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجـانب علیرضا انتظاری در سال ۱۳۴۰ در نجف آباد اصـفهان متولد شده و پس از گذراندن دوران دبسـتان، راهنمایی و دبیرسـتان در سال ۱۳۵۹ موفق به اخذ دیپلم در رشـته ریاضـی فیزیک شدم. در دوران دبیرستان در فعالیت های انقلابی در جلسات و تظاهرات شرکت می نمودم و در سال ۵۷-۵۶ در حادثه زلزله طبس به این شـهر رفته و همراه با دانشجویان به کمک مردم زلزله زده شتافتم و در همین دوران عشق به تحصیل در حوزه و علوم حوزوی در من شکل گرفت.

لـذا پس از گرفتن دیپلم به حوزه علمیه نجف آباد وارد شدم ولی به علت شـرایط آن زمان و شـروع جنگ تحمیلی قادر به تحصـیل

کامل نبودم حتی ضرورتاً در صدا و سیمای زاهدان در بخش تولید برای کشورهای همجوار مدتی مشغول بودم. به هر حال در سال ۱۳۶۵ به دانشگاه تهران رشته الهیات وارد شدم. ولی پس از آن تغییر رشته داده و رشته حقوق را دنبال کردم و در سال ۶۶ همکاری با سپاه را شروع کرده که مدت بیش از بیست سال به این نهاد خدمت نمودم ولی در ضمن خدمت تحصیل در حوزه و دانشگاه را کم و بیش دنبال می کردم. البته قبل از آن بصورت نیروی بسیجی خدمت می کردم.

در مدت تحصیل در حوزه از اساتید بزرگواری همچون آیت الله اشتهاردی، وجدانی فخر، مکارم شیرازی، و.... دیگران استفاده نمودم و در دانشگاه هم از اساتیدی همچون دکتر گرجی، دکتر شهیدی، محقق داماد و..... بهره بردم در این دوران مقالات مختلفی را نیز به رشته تحریر در آوردم که بعضی از آنها منتشر شده است.

انتظام، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد انتظام

محل تولد : چناران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۷/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۶ در روستای فریزی از توابع مشهد مقدس متولد شدم. دوران ابتدایی را در همان روستا تحصیل نمودم و در سال ۱۳۵۲ جهت تحصیل دروس حوزوی به مشهد مقدس آمدم. دروس مقدماتی را در مدرسه حاج آقای موسی نژاد، رسائل را در محضر استاد عباسپور و مکاسب را در محضر آیت الله فلسفی و کفایه را محضر استاد رضا زاده فرا گرفتم.

از سال ۱۳۵۸ در درس خارج فقه آیت الله فلسفی و پس از آن درس خارج اصول مرحوم آیت الله علم الهدی شرکت کردم که تا سال ۱۳۷۲ ادامه یافت. از سال ۱۳۶۰ از محضر آیت الله سید عزالدین زنجانی خارج فقه «جواهر الکلام» را همراه با دروس فلسفه و عرفان فرا گرفتم. حدود شش سال نیز در محضر استاد بزرگ فلسفه و عرفان مرحوم سید جلال الدین آشتیانی فلسفه و عرفان اسلامی را آموختم. به دلیل علاقه به فلسفه اسلامی، در این مدت با استفاده از نوارهای درسی آیت الله انصاری شیرازی، آیت الله جوادی آملی و آیت الله مصباح یزدی از دروس فلسفه این بزرگان «شرح منظومه، نهایهٔ الحکمه، الهیات، شفا و اسفار» بهره بردم.

در سال ۱۳۷۲ پس از شرکت در آزمون ورودی کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم مشغول به تحصیل شدم و پس از آن، دوره دکتری فلسفه تطبیقی را نیز در همین مرکز گذراندم.

در قم نیز با شرکت در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی و خارج فقه آیت الله تبریزی از محضر این بزرگان بهره مند بودم. همزمان با تحصیل دروس حوزوی در مشهد و قم به تدریس دروس مختلف در دانشگاه و حوزه نیز اشتغال داشته ام.

انتظامی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترا در رشته شیمی پلیمر در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تبریز در سال ۱۳۵۰، دانشیار در سال ۱۳۵۴، و ارتقاء به درجه استادی دانشکده علوم دانشگاه تبریز از سال ۱۳۷۰ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

سنتز و تعیین خواص پلی تیوفن‌ها، پلی پیرول‌ها و پلی استیلن‌های رسانای الکتریسیته، پلیمرهای محلول در آب، استاد راهنمای ۹ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و یک پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مکانیسم واکنشها در شیمی آلی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۲

زمینه علمی مقالات:

پلی دین‌های مزدوج، پلیمرهای محلول در آب، پلیمرهای رسانای الکتریسیته.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

انجام ارسنجانی، مصطفی‌خان

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۳۶ ق)، شاعر. ملقب به ندیم‌باشی. وی برادر کوچکتر میرزامحمود آغاز ارسنجانی بود و در شیراز اقامت داشت و در دستگاه میرزا ابراهیم‌خان قوام‌الملک مشغول بود. اشعاری از وی بر جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳۳۴/۱)، فرهنگ سخنوران (۹۹)، لغت‌نامه (ذیل/ انجام ارسنجانی).

انجدانی، طیفور

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر، متخلص به ملک. معاصر شاه طهماسب و شاه عباس اول و ظاهراً برادر انجدانی بود. بنا به گفته‌ی آذر بیگدلی «از تلامذه شیخ عبدالعال و مولانا فتح‌اللّه بود و در ابتدا کسری تخلص می‌کرد.» از دیار خود به قزوین رفت و در مدارس آن شهر اقامت گزید. سپس به کاشان رفت و تقی اوحدی نوشته که: در شهر مزبور او را دیدم». به علت استغنائی که در طبیعتش بود هرگز در سلک شعرای درباری در نیامد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۳۱۷ -۱۳۱۶ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۴۵۹ -۴۵۸)، عالم آرای عباسی (۱۸۲/۱)، فرهنگ سخنوران (۸۷۴)، هفت اقلیم (۴۷۰/۲).

انجم نفری شیرازی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۹ ق)، شاعر، متخلص به انجم. اصل خاندان وی از ترکستان بود که در زمان صفویه به ایران آمدند در فارس مسکن گزیدند. وی چند سال در اصفهان توقف کرد و فنون عروض و قافیه را آموخت. بعد از پدر، به ریاست ایل بهارلو و نفر رسید و در زمان نواب فریدون میرزا، فرمانفرمای فارس، به منصب ایشک آقاسی باشی مفتخر گردید. وی شاعری ماهر و با ذوق بود و دارای «دیوان» شعر که اکنون از آن نشانی نیست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۸۰ -۱۷۸ /۱)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳۳۸ -۳۳۷ /۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۵۸۵ - ۱۵۸۳)، لغت‌نامه (ذیل/ انجم)، مرآت الفصاحه (۶۷ -۶۶)، مکارم الآثار (۱۹۳۴ -۱۹۳۳ /۶).

انجمی بازانه‌ای، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی انجمی بازانه‌ای (معروف به حاج آخوند) وی مقدمات را در اراک خوانده و بعد به اصفهان عزیمت نموده و پس از پایان سطوح مهاجرت به نجف اشرف و از محاضر آیات عظام نجف استفاده نموده و با دریافت اجازات اجتهاد مراجعت به وطن و تا آخر عمر اشتغال به تبلیغ دین و ترویج مذهب مقدس داشته تا در سال ۱۳۳۰ شمسی که از دنیا رفته است.

آن مرحوم دانشمندی متقی و عالمی پرهیزگار و اهل تجهد و با معنویت بود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

انجو، ابوالفتح

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط. از خوشنویسان شیراز بود و نستعلیق را با قدرت و شیوایی می‌نوشت. از آثار وی: سه قطعه از خط خوش، در کتابخانه‌ی سلطنتی و کتابخانه‌ی ملی است به تاریخهای ۱۰۷۰، ۱۰۶۵ و ۱۰۸۰ ق و چنین رقم دارد: «در دارالفضل شیراز سمت تحریر و ترقیم پذیرفت، فقیر حقیر ابوالفتح الانجوئی...» و «ابوالفتح الانجو» و «... علی السلطانی. نقله ابوالفتح انجو... شهر صفر سنه ثمانین بعدالالف من الهجرهٔ».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۸ /۱).

انجوی حسینی شیرازی، ابوالولی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، فقیه امامی و متکلم. معروف به صدر کبیر. در تشیع غیرتمند و از علمای دولت شاه طهماسب صفوی بود. در اول متولی روضه مقدسه رضویه شد. پس از عزل، به مشارکت برادر خود، امیر شاه ابومحمد، متولی اوقاف غازانی شد، و سپس در اواخر سلطنت شاه طهماسب متولی بقعه صفی‌الدین اردبیلی شد. در زمان سلطان محمد خدابنده منصب سپاه به او داده شد و در اوایل سلطنت شاه عباس اول به منصب صدارت ارتقاء یافت. شیخ بهائی درنامه‌ای که به او نوشت از او تبجیل و تکریم کرد. وی از خواجه جمال‌الدین شیرازی و سید صفی‌الدین استرآبادی حدیث نقل کرد و به واسطه پدر خود از شیخ ابراهیم قطیفی روایت می‌کند. سید حسین کرکی از شاگردان شیخ بهائی، و سید نعمهٔ اللّٰه جزائری و شیخ ابراهیم حرفوشی از وی روایت کرده‌اند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۴۳ /۲)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۱۱۸ /۱)، روضات الجنات (۱۶۵ /۸)، ریاض العلماء (۵۲۸ -۵۲۷ /۵)، ریحانه (۲۹۳ /۷)، عالم آرای عباسی (۱۴۸ /۱)، الکنی و الالقاب (۱۷۴ -۱۷۳ /۱).

انجوی شیرازی، ابوالحسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی از سادات انجوی شیراز و از نوادگان میرابوالولی صدر بود. وی با مؤلف «تذکره‌ی نصرآبادی» معاصر بود. مدتی در اصفهان بود، سپس به شیراز رفت و در همان جا درگذشت. از اوست:

دیشب عرق شرم تو آتش به دلم زد

پروانه ندیدم که از آب بسوزد

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۸۹ -۱۸۸)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳۴۴ -۳۴۳ /۱)، الذریعه (۴۰/۹)، صبح گلشن (۱۰)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالحسن).

انجوی شیرازی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از شکسته‌نویسان گمنام قرن خویش بود. از آثار وی: یک نسخه «کلیات» سعدی، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «... اقل السادات احمد الانجوی، تحریراً فی پانزدهم شهر رجب المرجب من شهور سنهٔ ۱۲۵۲»؛ یک نسخه «دیوان» حافظ، به قلم کتابت خوش، با رقم: «... اقل السادات احمد انجو تحریراً فی شهر شعبان المعظم سنهٔ ۱۲۳۹».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۴۸/۴).

انجوی شیرازی، علینقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. از سلسله‌ی سادات شیراز. شغلش آبله‌کوبی بوده و در سرودن انواع شعر خصوصاً مرثیه مهارت داشته است.

اشعاری از وی بر جای مانده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فارسنامه‌ی ناصری (۹۵۱ -۹۵۰)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰)، لغت‌نامه (ذیل/ انجوی شیرازی)، مرآت الفصاحهٔ (۶۹ - ۶۸).

اندامی، آذر

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

دکتر آذَر اَندامی (به انگلیسی: Azar Andami) (زاده ۱۳۰۵ - درگذشته ۱۳۶۳) از پژوهشگران انستیتو پاستور ایران بود. بخاطر خدمات علمی و انسانی او یکی از حفره‌های برخوردی روی سیاره ناهید، به نام وی «اندامی» نامگذاری شده است. آذر اندامی در سال ۱۳۰۵ در محله ساغریسازان رشت متولد شد. او فرزند چهارم و تنها دختر خانواده بود. مقطع ابتدایی را در دبستان بانوان رشت با یک سال جهش تحصیلی به پایان برد. بعد از اخذ مدرک پایان سال نهم تحصیلات عمومی از دبیرستان فروغ رشت، پدرش با اینکه فردی روشنفکر بود از ادامه تحصیل او ممانعت کرد و وی را به دانشسرای مقدماتی رشت فرستاد. در سال ۱۳۲۴ از دانشسرا فارغ التحصیل شد. و در سال ۱۳۲۵ به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و معلم شد. درسال ۱۳۲۹ و در حین کار دیپلم طبیعی را با امتحان متفرقه دریافت کرد. در سال ۱۳۳۱ با شرکت در کنکور دانشگاه تهران در رشته پزشکی این دانشگاه پذیرفته شد. در سال ۱۳۳۷ موفق به دریافت گواهینامه دکترای پزشکی گردید و بلافاصله به گذراندن دوره تخصصی زنان و زایمان مشغول شد. پس از پایان دوره تخصصی به وزارت بهداری آن زمان منتقل شد و در نهایت به کار در انستیتو پاستور پرداخت. او پس از مدتی با استفاده از بورس تحصیلی انستیتو پاستور به پاریس رفت و در سال ۱۳۴۶ موفق به اخذ گواهینامه باکتریولوژی گردید. در سال ۱۳۵۳ موفق به دریافت دانشنامه تخصصی علوم آزمایشگاهی بالینی شد. او در سال ۱۳۵۷ بازنشسته شد. چندین بار به کشورهای فرانسه و بلژیک سفر کرد و حاصل این سفرها مقالات علمی بود که در مجلات معتبر به چاپ رسید. پس از بازنشستگی چون خانه‌نشینی را نمی پسندید به بیمارستان باهر رفت و ریاست آزمایشگاه تشخیص طبی آنجا را بر عهده گرفت. پس از مدتی در مطب همسرش، دکتر خلعتبری، در خیابان حسام‌السلطنه به کار مداوای بیماریهای زنان و زایمان مشغول شد. در همین سالها بود که به تومور مغزی مبتلا شد. یک روز در مطب در حین معاینه بیمار، تعادل خود را از دست داد و بر روی او سقوط کرد. در ۲۸ مرداد سال ۱۳۶۳ به علت آمبولی ریه که از عواقب بیماری سختش بود درگذشت. در سال ۱۹۹۲، اتحادیه بین‌المللی ستاره‌شناسی (IAU) حفره‌ای به قطر ۳۰ کیلومتر در طول جغرافیای ۲۶ درجه و ۵۵ دقیقه و عرض جغرافیایی ۱۷ درجه و ۴۵ دقیقه با قله‌ای مرکزی را در جنوب سیاره زهره به نام اندامی نامگذاری کرد. آذر اندامی تنها زن ایرانی بود که نامش به این شورا فرستاده شد و بانی این کار دخترش بود.

اندبیلی تبریزی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. در اندبیل رودقات متولد و در تبریز ساکن شد. وی به دو زبان فارسی و ترکی شعر می‌گفت. اکثر اشعارش در مصایب حضرت سیدالشهداء (ع) بود. «دیوان» اشعار وی حاوی دو هزار و پانصد بیت است. از اوست:

شانه بر زلف مزن، خون دلم را تو مریز

آشیان بسته دلم در سر آن زف پریش

ثابت از زاهد پشمینه حذر کن، بگریز

گرگ طبع است ولی آمده در صورت میش

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۱۵/۲)، دانشمندان آذربایجان (۸۸)، الذریعه (۱۸۱/۹)، ریحانه (۳۶۱/۱)، فرهنگ سخنوران (۱۹۷).

اندرزیان، امرالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امرالله اندرزیان

محل تولد : کهگیلویه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

اندرمانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجهٔالاسلام والمسلمین آخوند ملا محمد مجتهد اندرمانی از مشاهیر علماء ری مقیم تهران و مدرس مدرسه مروی دارای مقام علم و کمال و فضل و جلال و مورد توجه دولت و ملت و صاحب نفوذ و موقعیت بوده و از وی منقولست که بریاست دینی و دنیوی نرسیدم مگر بواسطه مداومت بزیارت امامزاده ابوالحسن اندرمان ری.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

اندرمانی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمود اندرمانی از علماء پرهیزکار ری بود و تحصیلاتش در تهران نزد آیات و دانشمندان بزرگ تکمیل نموده و در زاویه مقدسه ری در مسجد سر تخت به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال داشته تا بعد از سال ۱۳۰۰ قمری از دنیا رفته و مرحوم آخوند ملا رضا قلی مذکور بامامت و خدمات دینی بجای آن مرحوم اشتغال یافت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

اندروافر، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد اندر وافر

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۷در مدرسه ولیعصر (عج) تبریز شروع به طلبگی کردم. سال ۱۳۶۰به حوزه مقدسه قم مهاجرت کردم. و ادبیات را از محضر مرحوم آیت الله مدرس افغانی تلمذ نمودم. بقیه دروس سطح را از محضر آیات و حجج الاسلام آقایان: خسروشاهی، وجدانی، اشتهاردی، صالحی افغانی، اعتمادی و پایانی (ره) بهره مند شدم.

از سال ۱۳۷۰درس خارج را با شرکت در بحث فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی شروع کردم. در سالهای بعد از درس خارج آیت الله بهجت، ملکوتی، محقق و بیش از همه از محضر آیت الله معرفت در بحث فقه خصوصی استفاده بردم. (بیش ازده سال) در کنار تحصیل غالباً تدریس هم داشتم. و دو سال به عنوان استاد به مدارس دینی جمهوری آذربایجان اعزام شدم.

اندکانی، عتولک

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. مشهور به اندکانی. از کاتبان گمنام است. از آثار وی: یک نسخه «دیوان» جامی، به قلم کتابت متوسط، که به شیوه‌ی میرعلی هروی نوشته است، با رقم: «کتبه العبد المذنب تولك باقی الکتاب در بلده‌ی فاخره‌ی بخارا...»؛ یک نسخه «نصایح السلاطین»، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «قاضی تولک حافظ المشهور باندکانی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۲/۱).

انسی اصفهانی، حسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به انسی. وی معاصر حکیم شفائی بود. او «تذکره‌ی شعرایی» نوشته که موفق به اتمام آن نشده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۶۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۰۲)، الذریعه (۳۲۸، ۱۰۷ /۹).

اُنسی جُنابَدی، قطب‌الدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۲۳ ق)، عارف و شاعر، متخلص به انسی. معروف به میرحاج حسنی. در قصیده متخلص به امیرحاج از شاعران صوفی مشرب و زهد پیشه بود. شهرتش به جنابدی از آن جهت است که اهل جنابد (گناباد) و از نوادگان شاه نعمت‌اللّٰه ولی بود. علوم ادبی و شرعی را در هرات فراگرفت. بعد از اتمام تحصیلات به ارشاد و هدایت مریدان پرداخت، به همین جهت در میان رجال آن عهد مانند امیرعلیشیر نوایی و جامی صاحب عزت و احترام بود تا حدی که او را از اولیا می‌دانستند. پس از اتمام تحصیلات به گناباد بازگشت و مدتی به ادامه‌ی مجاهداتش در کسب فضائل و کمالات نفسانی پرداخت و چندی عمر را در زیارت قبور ائمه اطهار گذراند. سید در گناباد درگذشت. اثر وی: «دیوان» اشعار مشتمل بر چهار هزار بیت قصیده و غزل است که غالباً در جواب شاعران بزرگ پیش از او خصوصاً امیرخسرو و حافظ بوده؛ قصه «لیلی مجنون» را نیز به نظم درآورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۲۷۵/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۲۴ -۴۱۷ /۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۲۱)، حبیب السیر (۳۴۵/۴)، الذریعه (۱۰۷ ،۹۹ /۹)، ریاض العارفین (۴۱)، ریحانه (۱۷۹ -۱۷۸ /۱)، هفت اقلیم (۳۱۶/۲).

انسی ساوجی، نوراللّٰه

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر، متخلص به انسی. وی برادرزاده‌ی قاضی عیسی، و بسیار با فضل و کمال بود. او ابتدا قاضی عراق عجم بود، سپس به خراسان رفت و قاضی آن ولایت شد. طبعی لطیف و روان داشت و عمدتاً غزل می‌سرود. در خراسان درگذشت. از وی «دیوان» غزلیاتی برجای مانده است. از اوست:

از آن با شعله‌ی آهی که در هجران کشم شادم

که از بالای آن سرو قبا گلگون دهد یادم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه‌ی سامی (۱۲۰)، الذریعه (۱۰۷/۹)، صبح گلشن (۵۵۷)، مجالس النفائس (۱۴۲).

انسی سیاه‌دانی، عبدالرحمن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۵ ق)، شاعر. وی مردی عالم و کامل بود و در هندوستان در نهایت تجرید سیاحت می‌کرد و لباس فقرا می‌پوشید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۸۸)، الذریعه (۱۰۷/۹)، ریاض العارفین (۱۶۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱).

انشایی اصفهانی، حیدرعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۹ ش)، شاعر، متخلص به انشایی/ عندلیب. از مردم اصفهان و از شعرایی بود که در انجمن ادبی خاکیا عضو بود و در جلسات آن انجمن شرکت می‌کرد. وی بیشتر قصیده و غزل می‌سرود. در اصفهان وفات یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره شعرای معاصر اصفهان (۴۸۵)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱).

انصاری اراکی، محمد ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ابراهیم انصاری اراکی از افاضل دانشمندان و مدرسین سطوح عالی حوزه علمیه قم می‌باشند.

وی فرزند مرحوم آقای شیخ موسی فرزند مرحوم آخوند ملا علی‌اصغر فرزند مرحوم آخوند حاج ملا علی‌اکبر کرهرودی اراکی است که در تاریخ ۱۳۱۵ شمسی در اراک متولد شده و پس از سپری کردن دوران کودکی و خواندن درس فارسی و مقدمات و ادبیات به قم آمده و سطوح وسطی و عالی را در قم از مدرسین حوزه فراگرفته و در سن بیست و یک سالگی در سال ۱۳۳۶ شمسی مهاجرت به نجف اشرف نموده و مدت پانزده سال در آنجا اقامت و از محاضر و دراسات آیات عظام آنجا چون مرحوم شهید آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر صدر و آیت‌اللّه خمینی و آیت‌اللّه حاج سید محسن حکیم و بالاخص آیت‌اللّه خوئی مدظله فقها و اصولا استفاده نموده و از معظم لهم موفق به دریافت اجازات جامعی که نزد حقیر موجود است شده و در سال ۱۳۵۰ شمسی برابر ۱۳۹۲ قمری به ایران مراجعت و اقامت در قم و حوزه علمیه را اختیار و تا حال حاضر به تدریس فقه و اصول و مباحثات علمی اشتغال دارند. آنجناب به واسطه مراتب فضل و دانش مورد توجه افاضل حوزه و جامعه مدرسیین و آیات عظام می‌باشند.

نگارنده گوید: آقای انصاری اراکی از خاندان روحانی اراک و پدرانش تا چندین پشت روحانی و از مروجین دین و خدام شرع مبین بوده و خود متصف به صفات حمیده و ملکات پسندیده می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

انصاری اصفهانی، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۰ -۱۲۷۳ ق)، نویسنده و شاعر. وی در اصفهان متولد شد. از اعضاء و استادان انجمن ادبی شیدا بود، در کلیه‌ی اقسام شعر دست داشت. به خصوص غزل را ماهرانه می‌سرود. در اصفهان وفات یافت و در تخت فولاد، در تکیه‌ی میرزا ابوالمعالی دفن شد. انصاری دارای «دیوان» اشعرا بود و از تألیفات اوست: «انشاء جدید»؛ «خلاصة اللغة».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۷۰ -۶۸)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۰/۶).

انصاری اهوازی، منصور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌الله الشیخ منصور بن العلامه الشیخ محمد سبط الشیخ الانصاری از فضلاء متبحر و علماء متتبع حوزه علمیه قم است، وی در اهواز در بیت علم و کمال متولد و پرورش یافته و بعد از خواندن سطوح به قم مهاجرت نموده و از ابحاث مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و مرحوم والدشان و آیت‌الله صدر استفاده نموده تا به اعلا مقام علم نائل گردیده و اکنون به تدریس و تالیف اشتغال دارند.

آثار ایشان چنانچه در پشت مناسک حج ایشان مذکور است بدین قراراست:

۱- رساله الادله الاجتهادیه والفقاهیه) ۲- رساله در علم حدیث ۳- رساله‌ای در منجزات مریض ۴- رساله‌ی (الدلائل و المسائل).

۵- حواشی رسائل و مکاسب و کفایه ۶- خلاصه الاصول و شرح الخلاصه

۷- تهذیب الالفیه و تهذیب المنطق ۸- حاشیه استدلالی بر عروه‌الوثقی.

۹- حاشیه عروه‌الوثقی عربی ۱۰- حاشیه توضیح‌المسائل ۱۱- وصیتنامه در احکام وصیت فارسی ۱۲- النجاح فی طب الارواح عربی

۱۳- خواص الادویه عربی و فارسی.

۱۴- الروضه فارسی ۱۵- نجاه و شرح نجاه فارسی ۱۶- اقتباس از فقه آل محمد صلی الله علیه و آله.

۱۷- الحجه من فقه آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم.

۱۸- توضیح الاحکام.

۱۹- حاشیه مناسک شیخ مرتضی انصاری.

۲۰- ادله المستحدثات.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

انصاری تبریزی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۰ ق)، خطاط و شاعر. پدر وی وزیر خارجه‌ی فتحعلی شاه قاجار بود. انصاری نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت. از

علوم ادبی و عربی بهره‌مند بود و به دو زبان عربی و فارسی شعر سروده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۴۷/۲)، شرح حال رجال (۱۵۵/۶).

انصاری دارابی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی آقای انصاری دارابی فرزند حجهٔالاسلام شیخ محمد فخر بن شیخ زکریا نصیرالاسلام بن شیخ عبدالرحمن زاهد از فضلاء و فقهاء و برادر حجهٔالاسلام آقا شیخ یحیی انصاری معاصر بوده است وی در سال ۱۳۴۵ قمری در نودایجان داراب متولد شده و پس از خواندن مقدمات به نجف اشرف مهاجرت و در آنجا از محضر آیات عظام استفاده نموده آنگاه به شیراز مراجعت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید نورالدین حسینی بهره‌مند گردیده تا در ایام شباب که با زهد و تقوا می‌زیسته در سال ۱۳۷۰ قمری در داراب به مرض سکته قلبی وفات نموده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

انصاری دارابی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یحیی انصاری متخلص به (اشراق) بن حجهٔالاسلام شیخ محمد فخر بن شیخ زکریا نصیرالاسلام ابن حاج شیخ عبدالرحمن زاهد از فضلاء باتقوا و شعراء باکمال حوزه علمیه قم است، وی در سال ۱۳۰۶ شمسی در سرکوه داراب متولد شده و پس از خواندن دروس جدید مقدمات را در خدمت آقای شیخ عبدالکریم مدرس حجهٔالاسلام انصاری شیرازی و عموی گرام خود حاج شیخ ابوالحسن انصاری فراگرفته و در سال ۱۳۲۵ شمسی به شیراز آمده و از مدرسین سطوح آنجا و بالاخص مرحوم آیت‌اللّه حاج سید نورالدین مجتهد شیرازی متون فقه و اصول سطحی را آموخته و به تدریس ادبیات و منطق پرداخته تا در سال ۱۳۳۱ شمسی به قم مهاجرت نموده و مکاسب و کفایه را از محضر آیت‌اللّه سلطانی بروجردی و شرح منظومه و حکمت الهی را از حجهٔالاسلام منتظری و شرح تجرید را از آیت‌اللّه فکور یزدی آموخته و در درس خارج اصول آیت‌اللّه العظمی امام خمینی و آیت‌اللّه العظمی بروجردی حاضر شده و ضمناً دروس عقلی مانند اسفار اربعه و الهیات شفاء را از محضر علامه طباطبائی استفاده نموده تا به مقام عالی علم و کمال رسیده و به تدریس سطوح فقه و اصول و حکمت و غیره اشتغال و از مدرسین لایق حوزه گردیده است.

دارای تألیفات ارزنده عدیده می‌باشد که مخطوط مانده است و آنها از اینقرار است:

۱- اصطلاحات حکمت متعالیه (به فارسی)

۲- آهنگ آزادی از سرکوه داراب

۳- سروشی از غیب (تفسیر سوره‌ی نبأ به فارسی)

۴- اشعار و قصائد و غزلیات

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

انصاری قمی، فضل‌اللّه

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۹۵ ق)، شاعر. در زمان سلطان یعقوب می‌زیست، و از یاران سلطان یعقوب بود و در مدحش مثنوی لطیفی موزون کرد. اشعار وی روان و عام‌پسند بود. این مطلع از اوست:

گفتی به داغ هجر بسوزانمت جگر

صد داغ بر دل است مرا این یکی دگر

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۲۲۴ -۱۲۲۳ /۳)، تحفه‌ی سامی (۲۵۱)، تذکره‌ی روز روشن (۸۸)، الذریعه (۱۰۸/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۲).

انصاری قمی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۳ -۱۲۹۰ ش)، نویسنده و شاعر. خواندن و نوشتن را در مکتب آموخت. پس از فوت پدر متکفّل خانواده‌اش شد و بدین منظور در بازار به کار پرداخت. پس از فراغت از کار روزانه، در مدرسه‌ی رضویه‌ی قم به تحصیل صرف و نحو نزد شیخ عبداللَّه اشتهاردی مشغول شد و تا کتاب صمدیه پیش رفت و صرف و نحو را به خوبی فراگرفت و توانست احادیث را از عربی به فارسی درآورد. بیش از این نتوانست به تحصیل بپردازد اما از مطالعه‌ی کتب و دواوین شعر اساتید متقدم غافل نماند. آثار وی: از «دیوان» اشعار مشتمل بر بیش از پنجاه هزار بیت، که بیشتر آن مراثی و مدایح اهل‌بیت (ع) و علما و مراجع عظام است؛ «نهج‌البلاغه‌ی منظوم»، حدود سی هزار بیت؛ «غُررالحکم و دررالکلم»، ترجمه‌ی کلمات قصار حضرت علی (ع)؛ «پیغمبر شناخته شده»؛ «دفاع از حسین شهید»، در رد کتاب «شهید جاوید»؛ «دفاع از اسلام و روحانیت»، رد نظرات دکتر علی شریعتی؛ «پاسخ به بداندیشان»، در رد مردوخ کردستانی؛ «آیینه‌ی دل»؛ «آیین جهانداری».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۰۰، ۱۰۸ /۹)، سخنوران نامی معاصر (۴۰۴ -۴۰۱ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۰۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۲/۴).

انصاری گرمرودی، موتمن الملک، سعید

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۱ -۱۲۳۱ ق)، خطاط، ادیب و شاعر. وی خود را از اولاد خواجه عبداللَّه انصاری می‌دانست و در انشاء و حسن خط و احاطه بر اشعار عربی و فارسی در عهد خود کم‌نظیر بوده است. نستعلیق و شکسته را استوار و درست می‌نوشت. سعید خان به خاطر دیداری که با میرزا محمدتقی خان امیرکبیر کرد و میرزا محمدتقی خان حسن خطش را دید، او را از تبریز به تهران آورد و مسؤول نامه‌های محرمانه خود قرار داد. او پس از مدتی ملقب به موتمن‌الملک شد و در سال ۱۲۶۹ ق رسما به وزارت خارجه منصوب گردید و مدتها بر آن سمت بود. در پایان عمر نیز افتخار تولیت آستان قدس رضوی را داشت. او سرانجام در هفتاد سالگی در تهران درگذشت و در دارالسعاده‌ی مشهد دفن شد. از آثار وی: مرقعی به قلم سه دانگ و کتابت متوسط از اشعار مختلف، با رقم: «لمحرره سعید».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۳۱ -۲۳۰ /۱)، شرح حال رجال (۷۰ -۶۶ /۲).

انصاری محلاتی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه.

تولد: ۱۲۸۹.

درگذشت: ۱۳۷۵، قم.

آیت‌الله میرزا حسن انصاری محلاتی در حوزه‌ی علمیه‌ی قم و در محضر آیت‌الله العظمی حائری یزدی به تحصیل پرداخت. در ادامه تحصیلات خود، از حوزه فقه و اصول حضرات آیات عظام خوانساری، کوه‌کمره‌ای و بروجردی بهره گرفته و به مدارج عالی فقاهت دست یافت و مدت‌ها در درس فلسفه حضرات امام خمینی (ره) حاضر شد و شرح منظومه و بخشی از اسفار را در خدمت ایشان تلمذ نمود.

آیت‌الله انصاری محلاتی در شهر قم درگذشت و پیکر ایشان در حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

آقامیرزا حسن انصاری از علماء ابرار و فضلاء اخیار و قدماء با فضل و تقوای حوزه علمیه قم است.

وی در قصبه محلات (وطن مادری نگارنده) که در هجده فرسخی قم واقع است متولد شده و برای تحصیل علوم و تکمیل فضائل به قم مهاجرت نموده و اکنون بیش از چهل سال است که در این شهر اقامت دارند. ایشان پس از فراغت از سطوح چندین سال از درس خارج فقه و اصول مرحوم آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی خونساری و بالاخص آیت‌الله العظمی بروجردی قدس‌الله اسرارهم استفاده نموده تا به مدارج عالیه علم و دانش رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

انصاری هروی، عبداللَّه

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۸۱ -۳۹۶ ق)، عارف، محدث، فقیه و شاعر. معروف به پیر هرات و پیر انصار و شیخ‌الاسلام. وی از اعقاب ابوایوب انصاری صاحب رحل پیغمبر بود، که در قهندز هرات متولد شد. از کودکی زبانی گویا و توانا داشت چنانکه به عربی و فارسی شعر

می‌سرود و اشعار عربی بسیار در خاطر داشت. خواجه در تصوف و حدیث و کلام و فقه سرآمد زمان خود بود. او در تصوف از شیخ ابوالحسن خرقانی تعلیم گرفت و جانشین او شد و علاوه بر او از مشاهیر متصوفه‌ی عهد خود مانند شیخ ابوسعید ابوالخیر نیز بهره جست. وی از عبدالجبار جراحی، قاضی ابومنصور ازدی، ابوسعید سرخسی، ابوالفوارس پوشنجی، احمد بن منجویه اصفهانی و محمد بن عبداللّه شیرازی و بسیاری دیگر حدیث شنید. و مؤتمن ساجی و عبداللّه سمرقندی و عبدالصبور هروی و حنبل بخاری و ابوالوقت، خادمش، و دیگران از وی روایت کرده اند. او در فقه پیرو روش احمد بن حنبل بود. خواجه بیشتر اوقات در هرات به ارشاد و تعلیم مشغول بود. در همان جا درگذشت و در گازرگاه دفن شد. مزار او امروز زیارتگاه است. از آثار وی: «منازل السائرین»، «در عرفان و سلوک»؛ «انوارالتحقیق»؛ «رحل الرسول»؛ «رساله‌ی اربعین»؛ «طبقات الصوفیه»، به گویش هروی در شرح احوال عرفا؛ تفسیری که بر قرآن نوشت و اساس کار میبدی در تألیف «کشف‌الاسرار وعدةالابرار»، معروف به «تفسیر خواجه عبداللّه»؛ «زاد العارفین»؛ «کنز السالکین»؛ «قلندرنامه»؛ «محبت‌نامه»؛ «الهی‌نامه»؛ «رساله‌ی واردات»؛ «ذم الکلام».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۴۱ -۷۳۹ /۲)، الاعلام (۲۶۷/۴)، ایضاح المکنون (۱۱۸/۲، ۳۱۰/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۱۵ -۹۱۱ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۵۸ -۵۷)، الذریعه (۳۰۶/۹ و ۳۶۸/۲ و ۲۴۱ -۲۴۰ /۲۲)، ریاض العارفین (۳۱ -۳۰)، ریحانه (۱۷۰ -۱۶۸ /۲)، سیر النبلاء (۵۱۸ -۵۰۳ /۱۸)، صبح گلشن (۴۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۹/۵)، فرهنگ سخنوران (۱۰۲)، الکامل (۱۴۸/۸)، کشف الظنون (۱۸۳۶، ۱۸۲۸، ۸۲۸، ۴۲۰، ۵۶)، الکنی والالقاب (۲۰۱/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ انصاری هروی)، مجمع الفصحا (۱۳۵/۱)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۴۸۱)، معجم طبقات الحفّاظ (۱۲۰)، نفحات الانس (۳۳۹ -۳۳۶)، هدیهٔ العارفین (۴۵۳ -۴۵۲ /۱).

انصاری، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر انصاری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۷/۱۸

زندگینامه علمی

بنده خداوند متعال را شاکرم که بنا به توصیه حضرت امام راحل (ره) مبنی بر اهتمام جدی به صیانت از نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و تکمیل آن همواره در صدد غنا بخشی به این نظام الهی به ویژه در بخش علوم انسانی و بالاخص اقتصاد در حد توان خود بوده ام و توفیق داشته ام در ظل عنایات آن امام عظیم الشان (ره) و خلف صالح ایشان، مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) و نیز اساتید معظم و مکرم حضرت آیت الله مصباح (دام ظله العالی) و حضرت آیهٔالله خرازی (دام ظله العالی) گام های موثری در این زمینه بردارم که اختصاراً به برخی موارد اشاره می کنم.

۱. در سال ۱۳۷۹ با نوشتن مقاله «اساسی ترین اقدام برای رشد پایدار و فزاینده اقتصاد ایران» سعی کردم توجه سیاستگذاران، قانونگذران و مسئولان اجرائی کشور را به اهمیت زاید الوصف بخش کشاورزی و دامداری و اتخاذ تصمیمات مقتضی جلب نمایم و خوشبختانه پس از انتشار این مقاله اقدامات بسیار چشمگیری نسبت به گذشته صورت گرفت امروز فضای حاکم بر کشور در قبل و پس از انتشار مقاله موید ادعای بنده است و بحمدالله ما امروز شاهد خود کفایی بسی در بخش کشاورزی و صادرات قابل ملاحظه در این بخش می باشیم و این افتخار بسیار بزرگی است.

۲. ابتکار در تنظیم و تالیف معارف اقتصادی قرآن کریم از دیگر توفیقات مهم اینجانب است. بنده توفیق شرکت در درس های معارف قرآن حضرت استاد مصباح (دام ظله العالی) را داشتم و اما متاسفانه نوبت به معارف اقتصادی که رسید درس ایشان تعطیل شد. از آنجا که علاقه وافری به انجام تحقیق در این زمینه داشتم با توشه ای که از درس های معظم له داشتم و تحت اشراف حضرت آیت الله خرازی (مدظله العالی) در ایام تعطیلات حوزه قدم های اولیه برای تدوین معارف اقتصادی قرآن کریم را برداشتم هر چند بیش از دو یا سه جلسه در حضور معظم له برگزار نشد ولی شروع کار با برکتی بود. پس از مدتی با همکاری دوستانی که بنا به توجه حضرت آیت الله مصباح (دام ظله العالی) در صدد تنظیم معارف اقتصادی قرآن کریم بود. مجموعه ای تحت عنوان «معجم موضوعی آیات اقتصادی» با پی گیری و مدیریت حجهٔ الاسلام و المسلمین آقای سید کاظم رجائی (دام عزه) تدوین و چاپ شد. نکته شایان ذکر این است که به ویژه مطالب فصل اول این کتاب عمدتاً توسط بنده تدوین و نگارش یافت که از نوآوری خاصی برخوردار بوده و در جهت بخشیدن به دیگران در ورود به این حوزه از تحقیقات تاثیر بیشتری داشت. البته پس از مدتی مطالب فصل اول کتاب به صورت مقاله ای مستقل تحت عنوان «مبانی اقتصاد از دیدگاه قرآن کریم» توسط اینجانب نگارش یافت و در مجله معرفت به چاپ رسید.

۳. اینجانب سالیان متمادی در زمینه بانکداری سنتی در غرب و ایران و ارائه جایگزین مناسب مبتنی بر آموزه های اسلامی، تحقیق و تامل فراوان داشته ام که حاصل آنها کتابی است تحت عنوان «مبانی نظام مالی با نگرش اسلامی» که در پاییز ۱۳۸۶ چاپ شد. اینجانب از معدود کسانی (و چه بسا اولین کسی) هستم که به نقد جدی نظام بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران پرداختم و ضرورت تحول ساختاری در آن را مطرح نمودم که البته خوشبختانه در دولت نهم این ایده به صورت قابل ملاحظه ای

پی گیری شـد. هر چنـد بنـده در نوشـته هـای خود تصـریح کرده ام که نبایـد شـالوده نظـام تامین مالی و سـرمایه گـذاری در جامعه اسـلامی بر واسـطه گری در مشارکت در سود (بانکداری بدون ربا) مبتنی باشد بلکه باید تامین مالی مسـتقیم و عمدتاً بازار بورس و شرکت های سرمایه گذاری تولیدی به صورت گسترده رواج داشته باشند. اینگونه شرکتهای سرمایه گذاری در کشور مصر تجربه بسیار موفقی داشته اند.

۴. یکی از بزرگترین عنایات خداوند متعال به اینجانب حساسیت و اهتمام شدید بنده نسبت به حفظ ارزش های اسلامی به ویژه در عرصه علوم انسانی از جمله اقتصاد، در طول بیش از پانزده سال فعالیتهای تحقیقاتی است. متأسفانه در سالهای پس از دوران دفاع مقـدس رفته رفته فرهنگ و ارزش هـای غربی در عرصه هـای مختلف جـامعه مـا رسوخ روز افزون کردنـد و ارزش های اسـلامی و انقلابی هر روز کم رنگ تر شدند و ایستادگی در برابر این امواج بسیار شکننده و طاقت فرسا بود تا جائی که کسی حتی در جمع محققان اقتصاد اسلامی حوزه علمیه قم به راحتی نمی توانست از ارزشهای اسلامی به ویژه از عدالت سخن بگوید.

انصاری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حـاج شیخ میرزا حسن بن العلامه آیه‌الله حاج میرزا محمـد جعفر انصاری از علماء و مدرسـین مبرز حوزه علمیه اهواز میباشـند و در مسـجد نور که یکی از مساجـد مرکز شـهر اهواز است اقامه جماعت مینماینـد در ترویج دین بالاخص نقل تفسـیر و اخبار و احادیث کوشش خاصی دارند و مورد احترام عامه مردمند. دارای تألیفاتی میباشند که نامهای آنها را می‌نگارم:

۱- خلاصه مناسک حج مطبوع ۲- کتاب سراج المؤمنین ۳- شرح صرف و نحو ۴- کتاب محمدیه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

انصاری، حیدر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حیدر انصاری از علماء و ائمه جماعت معاصر و نارمک تهران می‌باشند وی در سال ۱۳۰۴ خورشیدی در شهرستان نجف‌آباد متولد گردیـده و در ده سالگی به دبسـتان رفته و دوره ابتدائی را در کمتر از سه سال به پایان رسانیده و پس از آن به دروس دینی پرداخته و در مـدت کوتـاهی قواعـد تجویـد و قرائت و رسـاله عملیه و درس اخلاـق را فراگرفته و به تحصل صـرف و نحو اشـتغال یافته و با تشویق و راهنمائی مرحوم حجهٔالاسـلام حاج شـیخ احمـد نجف‌آبادی به اصـفهان آمـده و سـپس به قم وارد و ادبیات و مقـداری از سطوح فقه و اصول را در این مرکز علمی به پایان رسانیده و بعد از شـهریور ۱۳۲۱ به نجف اشرف مهاجرت و بقیه سطوح را تکمیل و از دروس خارج مرحوم آیت‌اللَّه حکیم و آیت‌اللَّه شاهرودی و خارج فقه و اصول آیت‌اللَّه العظمی خوئی استفاده نموده و منظومه سبزوار را از آقـا شـیخ صـدرآباد کوبه‌ای و خلاصه الحساب مرحوم شـیخ بهائی و سـی فصل هیئت خواجه نصـیرالدین طوسـی را از مرحوم حـاج شـیخ اسـداللَّه زنجـانی مناظرات دینی و مـذهبی را از آیت‌اللَّه حاج شـیخ مجتبی لنکرانی و مرحوم علامه امینی صاحب الغـدیر اسـتفاده کرده و در سـال ۱۳۳۱ شمسـی بـه ایران مراجعت و بـه امر مرحـوم آیـت‌اللَّه العظمی بروجردی در شهرسـتان سـنقر کردسـتان به اقامه جماعت و تبلیغ و ترویج احکام دینی پرداخت و در آن منطقه خدمات برجسته و شایانی انجام داد از قبیل تعمیر و نوسازی مساجد و تأسـیس بنیاد مساجد و غسالخانه‌های فراوان در آبادیهای حوزه سـنقر و تأسیس دبستان روزانه و آموزشگاه شبانه (حیـدری) که اکنون چنـد نفر از شـاگردان همان دبسـتان به کسوت روحانیت درآمـده و در قم و غیره سـرگرم تحصـیل علوم دینی می‌باشند.

آقای انصاری در راه مبارزه با خرافات و عقایـد مـذاهب باطله و برانداختن عادات و رسوم زشت از هیچ چیز نهراسـیده و شـجاعانه و مـدیرانه کوشـیده و به قـول بزرگـان محلی چهره آن سامـان را عوض کرده و بالاـخره در سـال ۱۳۴۳ با دعوت و اصـرار عـده‌ای از خویشـان و دوسـتانشان بـه تهران آمـده و در مسـجد جـامع نارمـک (موسـسه اسـلامی نارمـک) در معیـت ابوالزوجه خـود جنـاب حجهٔالاسـلام حاج سـید محمدتقی واحدی به اقامه جماعت و بیان احکام اشـتغال دارند و قسـمت عمده از برنامه‌های این موسـسه به وسیله ایشان اجرا می‌گردد.

آقـای انصـاری در بحث و جـدل در موضوعـات دینی و اجتمـاعی نبوغ و تخصـص ویژه‌ای دارد و به قول معروف هر کس بـا ایشان بحث و مناظره کند در همان مجلس اول مغلوب می‌گردد و ایشان با اینکه واعظ و منبری رسـمی نیست ولی در اداره کردن مجالس سنگین و بزرگ بسیار توانا و زبردست می‌باشد.

ایشان دارای تالیفات و آثار قلمی عدیده‌ای هستند که از نظر دانشمندان می‌گذرانم.

۱- کتاب محرک احساسات- راجع به خداشناسی پیامبر شناسی و امام شناسی چاپ علمیه اسلامیه

۲- رساله راه حل- پاسخ یاوه‌های مردوخ کردستانی که تاکنون بیش از یکصد هزار نسخه از آن چاپ و منتشر شده است.

۳- رسـاله رهبران جهـانی- دربـاره پـاره‌گی از امتیـازات ویژه و کلی پیامبران و امامان (ع)که تاکنون شـش بار و هر بار هم پنجهزار نسخه به طبع و نشر رسید است.

۴- شناسنامه (خر) که تاکنون هفت مرتبه و هر مرتبه پنجهزار نسخه چاپ و بخش شده است.

۵- شناسنامه جدید (جلد دوم شناسنامه خر) که پنج مرتبه به طبع رسیده است.

۶- شناسنامه باغ وحش.

۷- مقالات متفرقه که در سالنامه پیام اسلام و اطلاعات و کیهان و ندای حق منتشر شده است.

۸- اشعار و قصاید که پاره‌ای از آنها چاپ شده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

انصاری، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ رضا انصاری از علماء معاصر شهرستان همدانست:

وی در سال ۱۳۴۰ قمری در یکی از قراء همدان متولد و پس از فراگرفتن قسمتی از علوم ادبی از پدر عالیقدرش حجةالاسلام حاج شیخ قربانعلی که یکی از علماء مشهور و محترم آن سامان و ۹۵ سال از سن مبارکش می‌گذرد به همدان منتقل و چند سالی در آنجا از علماء اعلام استفاده نموده و در سال ۱۳۵۵ قمری مهاجرت به قم و سطوح عالی را از محضر آیت‌اللّٰه العظمی آقای مرعشی نجفی مدظله و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید محمد محقق داماد استفاده نموده.

سپص به درس خارج حضرات آیات آقای حجت و آقای صدر و آقای حاج سید محمدتقی خونساری اعلی‌اللّٰه مقامهم الشریف حاضر شده و استفاده وافر نموده و ضمنا خود تدریس شرح لمعه و غیره نموده.

و عده‌ای از طلاب را تربیت و حدود ۲۱ سال در قم اشتغال داشته بعدا در سال ۱۳۶۷ قمری به امر حضرت آیت‌اللّٰه آقای آخوند ملاعلی مدظله رحل اقامت در همدان انداخته و در مدرسه معظم‌له به تدریس سطوح عالی و به درس آن جناب نیز شرکت و تا هم‌اکنون به اقامه جماعت و ارشاد مردم و سایر خدمات دینی اشتغال دارند.

از آثار ایشانست ۱- رساله در قاعده لاضرر ۲- مباحثی در اصول ۳- رساله‌ای در اخلاق ۴- کتابی در توحید که تاکنون مخطوط مانده است.

دارای اجازات از مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّٰه حجت و دیگران می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

انصاری، شرف‌الدین عبدالواحد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطاط. از کاتبان فارس است. از آثار وی: یک نسخه «رساله‌ی ضمیمه‌ی نه سپهر»، به قلم نمی دو دانگ متوسط نستعلیق و مقداری به قلم نسخ کتابت و شکسته نستعلیق کتابت خفی متوسط، با رقم: «در... سنه‌ی ۱۱۱۳ سمت اتمام ترقیم یافت... کاتبه الفقیر... شرف‌الدین عبدالواحد الانصاری».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۰۸/۲).

انصاری، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس بن ثقةالاسلام آقا شیخ محمد انصاری همدانی که مانند مرحوم شیخ بزرگوار عالمه کبیر شیخ مرتضی انصاری منتسب بجناب جابر بن عبداللّٰه انصاری صحابی از علماء معاصر تهران بوده‌اند. در یکی از قراء سر درود همدان متولد شده و مقدمات را از پدر خود فراگرفته و سطوح اولیه را خدمت مرحوم آخوند ملا تقی و مرحوم میرزا محمد دره جزینی خوانده و در سال ۱۳۳۳ ق به همدان آمده و سطوح را از مرحوم حجه‌الاسلام آقای آقا شیخ علی دامغانی و حجه‌الاسلام آقا شیخ علی گنبدی و دیگران فرا گرفته و بعد از آن به اراک آمده و از محضر مرحوم آیه‌اللّٰه حایری و آیه‌اللّٰه آقا شیخ محمد سلطان و آقای حاج میرزا محمدعلی خان دو سالی استفاده و در سنه‌ی ۱۳۴۰ ق با آیةاللّٰه حایری مهاجرت به قم نموده و علاوه از آن بزرگوار از حضور مبارک مرحوم آیت‌اللّٰه آقا شیخ ابوالقاسم کبیر و حاج شیخ حسن فاضل و آیةاللّٰه حاج میرزا محمد کبیر و آیت‌اللّٰه میرزا محمد فیض مدت هفت سال استفاده‌ها برده و بعد از آن به امر مبارک آیت‌اللّٰه حایری به تهران منتقل و در یکی از محلات آن به اقامه جماعت و بیان مسائل حلال و حرام و در ضمن بتدریس پرداخته و چندین سال در مدرسه عبداللّٰه خان واقع در بازار بزازها اشتغال بتدریس فقه و اصول (کفایه و رسائل و غیره) داشته تا باجل محتوم از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

انصاری، عبدالحسین مسعود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مؤلف.

تولد: ۱۲۵۷.

درگذشت: ۹ بهمن ۱۳۶۲.

عبدالحسین‌خان مسعود انصاری ملقب به «مدیرالدوله»، فرزند علیقلی مشاورالممالک، در مدرسه‌ی علوم سیاسی تهران (۱۳۳۹ ق.) و دانشگاه مسکو به تحصیل علوم سیاسی و حقوق پرداخت و درس عملی سیاست و رفتار دیپلماتیک را تا حدودی از پدرش که در وزارت امور خارجه سابقه‌ی خدمت داشت، فراگرفت. نزدیک پنجاه سال در وزار امور خارجه بود. در سوئد، هلند، افغانستان، اتحاد جماهیر شوروی (دو بار)، پاکستان و هندوستان وزیر مختار بود. در هندوستان، افغانستان و شوروی (برای تاجیکستان و قفقار) رایزن فرهنگی بود. وی در سال ۱۳۴۱ بازنشسته شد. مدتی نیز در گیلان، اصفهان و فارس منصب استانداری داشت.

«مدیرالدوله» انصاری صاحب دو کتاب زیر است: زندگانی من (شش جلد)؛ نگاهی به تاریخ معاصر ایران و جهان (تهران، ۱۳۵۴ – ۱۳۴۹).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

انصاری، عبدالرحمن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرحمن انصاری

محل تولد : داراب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۲۶ در روستای نوایگان از توابع داراب متولد و پس از تحصیلات ابتدایی جهت تحصیل علوم اسلامی به حوزه علمیه داراب رفتم و از اساتیدی چون آیت الله سید محمد علی نسابه و حجج اسلام حاج شیخ محمد علی عندلیبی و حاج میرزا محمد حسن عندلیبی شاگردی کردم. سپس جهت ادامه تحصیل به مدرسه آقا بابا خان شیراز رفتم و از محضر آیت الله حاج شیخ محمد علی موحد بهره بردم در آنجا ضمن تحصیل، صرف را برای عده ای تدریس می کردم.

در سال ۱۳۴۲ به حوزه علمیه قم آمدم و از درس لمعه و قوانین آیات عظام: صلواتی و شیخ مصطفی اعتمادی، سپس مکاسب و رسائل و کفایه را از محضر آیات عظام: فاضل لنکرانی و نوری همدانی و شرح منظومه سبزواری و اشارات را از محضر آیت الله انصاری شیرازی و اسفار و فصوص الحکم از محضر آیت الله حسن زاده آملی بهره ها بردم. سپس در خارج فقه و اصول از محضر آیات عظام مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری، میرزا هاشم آملی، وحیدی خراسانی و حسینعلی منتظری استفاده نمودم. مدت یک سال در حوزه علمیه کاشان (سال فتح خرمشهر) مشغول تدریس سیوطی، حاشیه، معالم و شرح لمعه و... بودم.

بعد در واحد خواهران دفتر تبلیغات مشغول فعالیت شدم و ضمن برنامه ریزی برای خواهران کتاب های شرح لمعه و مکاسب را تدریس می کردم و با مرکز تحقیقات دفتر تبلیغات نیز همکاری نموده و در نوشتن معجم بحارالانوار با سایر محققان همکاری داشتم همچنین در تهیه مطالب مربوط به سیره معصومان (چهارده معصوم) حدود پانزده سال مشغول جمع آوری مطالب مناسب بودم. این کار عظیم نیز توسط تحقیقات دفتر انجام می شد.

از سالهای گذشته و هم اکنون نیز با برخی از دوستان مشغول نوشتن کتاب و مقاله هستم. چند مقاله در مجله پیام زن نوشتم، مقاله ای درباره رهبری از دیدگاه مذاهب اسلامی برای کنفرانس وحدت اسلامی در حدود ۱۰ سال قبل فرستادم که در برخی روزنامه های کثیرالانتشار مانند اطلاعات و ... به چاپ رسید. در حال حاضر کتابی راجع به تاریخ حادثه عاشورا با یکی از دوستان در حال نوشتن هستیم که سعی شده از منابع تاریخی پیش از قرن دهم استفاده شود که کتابی به صورت مذکور تا آن اندازه که بررسی کرده ام درسده های اخیر نوشته نشده است.

علاوه بر نوشتن کتاب در دفتر آیت الله العظمی نوری همدانی، قسمت استفتاء با عده ای از دوستان مشغول پاسخگویی کتبی به سوالات فقهی می باشیم و در دفتر تبلیغات واحد تاریخ و سیره نیز کار تحقیقاتی انجام می دهم.

انصاری، عطاء

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عطاء انصاری بن المرحوم العلامه حاج شیخ عباس انصاری از علماء فضلاء معاصر تهران است.

وی در تهران متولـد شده و پس از دوران صبا و خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات به قم مهاجرت نموده و از محضـر آیات عظـام مرحوم آیـهٔاللّه محقق دامـاد و آیت‌اللّه شـریعتمداری و بالاخص آیت‌اللّه العظمی بروجردی و دیگران اسـتفاده نموده و پس از فوت مرحوم والدش به تهران برگشته و بجای آن مرحوم به اقامه جماعت و تدریس فقه و اصول و غیره اشتغال دارند.

نگارنده گوید: اقای انصاری از افاضل با تقوی و دارای مکارم اخلاق و محامد آداب و اکنون در مدرسه عبداللّه خان بازار بتدریس مشغول و در مسجد مرحوم والدش بوظائف دینی و روحی مشغول می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

انصاری، کریم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کریم انصاری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مراحل ابتدایی و راهنمایی و دبیرسـتان را تا سال اول دانشگاه رشته مهندسی برق در کشور عراق طی کردم. سپس در سال ۱۳۵۹ به جمهوری اسلامی ایران تبعید شدم.

در سال ۱۳۶۱ تحصـیلات حوزوی خود را شـروع کردم. مقدمات را پیش عمده ای از اساتید مشهد خواندم. سپس دروس لمعتین را نزد اسـتاد مهـدوی و مکـاسب و رسائـل را نزد اساتیـد: تبریزیان و اعتمادی (نوار کاست) خوانـدم. کفایتین را نزد اسـتاد رضا زاده و خارج فقه و اصول تا پنج سال نزد آیت الله مرحوم حاج آقای فلسفی (قدس سره) خواندم.

سال ۱۳۷۵ به شـهر مقـدس قم منتقل شـدم. بلافاصـله در درس خارج اصول آیت الله العظمی وحید خراسانی و فقه آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی شرکت نمودم. در سال ۱۳۸۰ ـ ۱۳۸۱ دوره کامل اصول را به اتمام رسانیدم و هم اکنون درس خارج فقه شرکت می کنم. به مـدت کوتاهی، اشـتغال به تـدریس داشـتم که حـدوداً سه الی چهار سال ادامه داشت. به علت اشـتغال به تحقیقات علوم اسلامی و نوشته های مختلف، تدریس را رها کردم.

سال ۱۳۶۵ شـروع به فعالیت تحقیقات اسـلامی نمودم و نزدیک به تحقیق شـصت جلد کتاب شرکت نمودم. از سال ۱۳۶۸ به عنوان مدیر تحقیقات موسـسه آل البیت (ع) شعبه مشهد منصوب شدم. از سال ۱۳۷۵ که به شـهر قم منتقل شدم، در شعبه مرکز موسسه آل البیت (ع) به عنوان مسئول کل تحقیقات موسسه منصوب شده و عضو هیئت مدیره آن موسسه گردیدم و این سمت تا به حال ادامه دارد.

انصاری، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید انصاری

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

مجیـد انصـاری در سال ۱۳۳۳ در روسـتای خـانوک از توابـع زرنـد کرمـان به دنیـا آمـد. او تصـحیلات ابتـدایی خود را در دبسـتان زادگاهش به پایان رساند. مقدمات دینی را در حوزه علمیه حضرت معصومه کرمان فرا گرفت و سپس برای تکمیل تحصیلات دینی عازم قم شد و تحصیلات دینی خود را در این شهر ادامه داد.

فرا گرفتن علوم دینی و حوزه مبارزات سیاسی انصاری از همین هنگام آغاز شد و با نهضت امام اوج گرفت. او که در طی تظاهرات ۱۹ دی شـهر قم مجروح شـده بود، بعـد از بهبودی مبـارزات خود را ادامه داد و ابعـاد آن را در سـال هـای نزدیـک انقلاب به تمـام شهرسـتان های استان کرمان توسعه داد. او در سالهای پس از انقلاب در کنار برخی دیگر از همرزمان خود به تشکیل و سازماندهی کمیته های انقلاب اسلامی پرداخت.

وی در سال ۱۳۵۹ و در اولین دوره مجلس شورای اسلامی به نمایندگی از مردم زرند وارد مجلس شورای اسلامی شد. تجربه نمایندگی مجلس انصاری در ادوار بعدی هم ادامه یافت و او در مجلس دوم نیز به نمایندگی از مردم زرند و در مجلس پنجم و ششم به نمایندگی از مردم تهران در مجلس شورای اسلامی حاضر بود و به جز دوره اول که عضو کمیسیون اقتصادی و معاون بود در تمام ادوار بعدی به عضویت کمیسیون های آیین نامه داخلی و برنامه و بودجه پیوست و با توجه به توانایی های خود نقش ویژه در تحرکات مجلس ایفا کرد.

او در کنار مسئوولیت های تقنینی معاون پارلمانی وزارت کشور، معاونت برنامه ریزی سازمان بازرسی کل کشور را عهده دار بود. انصاری عنوان معاون حقوقی و پارلمانی خاتمی را در دو سال آخر ریاست جمهوی همراهی کرد. او همچنین عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و عضو کمیسیون های زیر بنایی، اقتصاددانان و کمیسیون خاص تدوین چشم انداز ۲ ساله این مجمع بوده و ریاست پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی و همچنین معاونت برنامه ریزی را بر عهده دارد. انصاری، عضو مجمع روحانیون مبارز و کمیسیون سیاسی این تشکل سیاسی روحانی بود و از زمان حضرت امام تاکنون افتخار عضویت در مجلس خبرگان رهبری را داراست.

وی، با توجه به توانایی های متنوع خود یکی از برجسته ترین و شاخص ترین سیاستمداران مورد اعتماد جناح های سیاسی مختلف بوده که با توجه به تخصص خود در برنامه ریزی اقتصادی همواره نقشی ویژه در تدوین و سامان دادن به حرکت اقتصادی کشور ایفا کرد و در شرایط فعلی نیز می تواند همین نقش را در تنظیم سیاست های کلان کشور بر اساس متدهای علمی و تخصصی بر عهده گیرد. مجید انصاری سابقه مسئولیت های دولتی خود را از سن ۲۶ سالگی با نمایندگی در دوره اول مجلس شورای اسلامی آغاز کرد.

انصاری، مجید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید انصاری متولد ۱۳۱۸ ش دارای دکترای رشته گیاه پزشکی عضویت هیئت علمی دانشگاه امریکایی بیروت با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات وآثار پیرامون چرخه عوارض سموم شیمیایی برمیوه ها می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیتحصیلات رسمی و حرفه ای : مجید انصاری دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاهتهران ودکترای گیاه پزشکی از دانشگاه امریکایی بیروت میباشدخاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته گیاه پزشکی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی مجید انصاری بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : مجید انصاری د ر کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : مجید انصاری پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاه پزشکی به عضویت هیئت علمی گروه زیست شناسی در دانشکده علوم پایه دردانشگاه امریکایی بیروت درآمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مجید انصاری عضوهیئت علمی و دانشیار گروه گیاه پزشکی در دانشکده علوم پایه در دانشگاه امریکایی بیروت است.فعالیتهای آموزشی : مجید انصاری سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه گیاه پزشکی در دانشگاه امریکایی بیروت به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشکی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مجید انصاری در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : مجید انصاری از جمله گیاه پزشکانی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره عوارض سموم شیمیایی بر میوه ها دارد.آثار : عوارض سموم شیمیایی بر میوه ها

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com

انصاری، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک قطعه طلااندازی نسخ کتابت و کتابت خفی عالی شکسته، با رقم: «اول روز جمعه‌ی هشتم محرم‌الحرام سنهٔ ۱۰۹۱ نوشته شد... العبد محمد الانصاری».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۴۸/ ۴).

انصاری، محمد جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن العالم الجلیل الشیخ مرتضی معروف بشیخ آقا بزرگ بن العلامه شیخ محمد حسن انصاری سابق الذکر برادر ارجمند آیه‌الله شیخ علی انصاری مذکور. عالمی جلیل‌القدر فاضل پارسا و پرهیزکار میباشد.

وی صاحب ملکات فاضله و اخلاق حمیده و خصال و صفات جمیله و بارزی است که او را از همگنان ممتاز میسازد.

تولدش در سال ۱۳۲۲ قمری پس از فوت مرحوم والـدش اتفاق افتاد و در دامن جد والا تبارش نشو و نما نمود و بعد از وفات او نزد برادر برومندش آقا شیخ میرزا محمد جعفر تربیت یافت و تحصیلاتش را بپایان رسانید.

معظم‌له فعلاـ از مدرسین حوزه علمیه اهواز و از جبینش اثـار بزرگی و متانت و تقوی و ورع آشکار و هویـداست و بـدین جهت از موثقین ائمه جماعت شهرستان اهواز و مردم با او عقیدتی کامل دارند و کتابی در اخبار ائمه معصومین علیهم‌السلام تألیف نموده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

انصاری، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد انصاری

محل تولد : داراب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۵/۱/۳

انصاری، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا انصاری

محل تولد : محلات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمـد رضا انصاری در سال ۱۳۲۷ ش در شهرسـتان محلات متولـد شـدم. در دوران کودکی مـدت سه سال در مکتبی که قرآن و خـط و کتاب فارسـی آموزش می دادنـد درس خوانـدم و همزمان با هجرت اعضای خانواده به قم، تحصـیلات ابتـدایی را تا سال شـشم به پایان رساندم. پس از آن با تشویق پدرم مرحوم آیت الله حاج میرزا حسن انصاری، تحصـیلات حوزوی را آغاز نمودم و بخش عمده ادبیات را نزد اسـتاد بزرگوار حاج شیخ رحمت الله فشارکی آموختم و فقه و اصول را در مرحله سطح نزد آیات عظام فاضل لنکرانی و حسین نوری، و فلسفه و منطق را نزد حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ یحیی انصاری شیرازی فرا گرفتم.

پس از ورود به مرحله دروس خـارج، چنـدین سال به طور مـداوم در درس خارج اصول آیت الله وحیـد خراسانی شـرکت جسـتم و برای خـارج فقه، از آغـاز، درس مرحوم آیت الله العظمی گلپایگـانی (قـدس سره) را انتخـاب نمودم که تـا پایـان عمر ایشان، قریب بیست سال در آن شرکت کردم.

از سال ۱۳۵۰ نویسـندگی را آغاز نمودم و نخستین اثری که به عنوان ترجمه از من منتشـر شد، کتاب" اسـلام بر فراز اجتماع "نوشته اسـتاد محمد جواد مغنیه بود که در سال ۱۳۵۲ توسط انتشارات پیام اسـلام در قم به چاپ رسـید. از آن پس به تدریج کتابهایی را از عربی به فارسی ترجمه نمودم و در مجلات و سالنامه هایی که در آن دوران منتشر می شد مقالاتی گوناگون ارائه دادم.

در سـال ۱۳۶۷ بـه پیشـنهاد هیئـت علمی دارالقرآن الکریـم آیـت الله العظمی گلپایگـانی به منظـور همکـاری علمی در این موسسه، تحقیقات قرآنی را آغاز نمودم. اسـتخراج آیات اجتماعی قرآن و تنظیم و دسته بندی آنها برای تدوین" الکشاف الموضوعی لآیات القرآن الکریم "و نیز نگـارش مقالات قرآنی در مجله" پیام قرآن ("نخستین نشـریه فارسـی قرآنی) و اقـدام به ترجمه گروهی قرآن کریم به پیشنهاد هیئت نامبرده، از جمله تلاشهای قرآنی این جانب بود. قابل ذکر است که ترجمه قرآن کریم هرچند پس از گذشت چهار سال به پایان رسـید، لکن با رحلت آیت الله العظمی گلپایگانی و متوقف شدن فعالیتهای علمی دارالقرآن، چاپ این ترجمه نیز متوقف مانـد. بـا پایـان یـافتن کـار در دارالقرآن الکریم، از سـال ۱۳۷۵ بـه دعـوت سـرپرست" مرکز ترجمه قرآن مجیـد به زبانهـای خـارجی "در این مرکز به تحقیقـات قرآنی به ویژه در زمینه ترجمه هـای فارسـی قرآن کریم پرداختم که تـاکنون نیز در آنجا به این رشته اشتغال دارم.

در خلال یک دهه اخیر پنج ترجمه از قرآن مجید را به صورت گروهی یا انفرادی تصحیح و ویرایش کرده ام که نام آنها در جدول آثـار خواهـد آمـد. در مجله تخصصـی" ترجمـان وحی "که مرکز ترجمه قرآن مجیـد آن را منتشـر می سـازد، نیز مقالاـتی پیرامـون مبـاحث قرآنی از این جـانب به چـاپ رسـیده است. در مرکز فرهنگ و معارف قرآن نیز در دو پروژه قرآنی شـرکت داشـتم. این دو

پروژه که هر دو به انجام رسید، یکی" تصحیح و ویرایش ترجمه قرآن مجید "برای درج در تفسیر راهنما و دیگری" تصحیح و ویرایش ترجمه قرآن کریم بر اساس تفسیر المیزان "بود.

انصاری، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، شاعر.

درگذشت: ۱۳۶۲.

شیخ محمدعلی انصاری، فرزند شیخ محمدحسین، خواندن و نوشتن را در مکتب آموخت. پس از فوت پدر متکفل عایله پدر گردید. ناگزیر برای کسب معاش در بازار به کار پرداخت و چون دارای حافظه‌ای نیرومند بود، پس از فراغت از کار روزانه در مدرسه‌ی رضویه‌ی قم به تحصیل صرف و نحو نزد شیخ عبدالله اشتهاردی مشغول شد و تا کتاب صمدیه پیش رفت و صرف و نحو را فراگرفت. همچنین به مطالعه کتب و دیوان‌های شعر پرداخت.

انصاری شاعری است که بیش از پنجاه هزار بیت شعر سروده و بیشتر اشعارش در مراثی و مدایح اهل‌بیت (ع) و علما و مراجع عظام است. آثار و تألیفاتش بدین شرح است: نهج‌البلاغه منظوم (حدود سی هزار بیت، ۱۳۶۹ –۱۳۶۷ ق.) غررالحکم و دررالکلم (ترجمه مجموعه کلمات قصار حضرت علی (ع)) (اثر عبدالواحد آمدی، ۱۳۳۷)، پیغمبر شناخته شده، دفاع از حسین شهید در رد کتاب شهید جاوید، دفاع از اسلام و روحانیت رد بر دکتر علی شریعتی، پاسخ به بداندیشان در رد بر مردوخ کردستانی، آیینه دل، آیین جهان داری، دیوان اشعار، آذرستان، خزائن المراثی یا شورهای فروزان (شعر، تهران، ۱۳۵۶ ق.)، دریای نور، وصایای رسول (ص) به اباذر (شعر، قم، ۱۳۶۷ ق.).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

انصاری، هرمز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۳۱۱، انزلی.

درگذشت: ۶ خرداد ۱۳۶۵، اصفهان.

هرمز انصاری، فرزند سهام انصاری، پس از طی مدارس ابتدایی و متوسطه در اصفهان، از سال ۱۳۳۰ به ترتیب در دانشگاه‌های هامبورگ و کلن و برلین و فریبورگ به تحصیل حقوق و علوم سیاسی پرداخت. وی در سال ۱۳۳۶ از مدرسه عالی سیاسی برلین فارغ‌التحصیل شد. دو سال بعد در دانشگاه فریبورگ درباره‌ی «سازمان وزارت خارجه‌ی آمریکا» به تحقیق پرداخت. در سال ۱۳۳۹ به ایران بازگشت و مدتی کار مترجمی را در شرکت‌های خارجی به عهده گرفت تا اینکه در مهر ۱۳۴۰ به آمریکا رفت و علوم مدیریت بازرگانی را آموخت. در بازگشت از آمریکا در مونیخ اقامت گزید و در آن شهر به موازات فعالیت‌های بازرگانی و روزنامه‌نگاری مخصوصا با ماهنامه‌ی «کاوه» (بین سال‌های ۱۳۴۲ الی ۱۳۴۶) مطالعات تازه‌ای را در مؤسسه‌ی تحقیقات سیاسی دانشگاه مونیخ آغاز کرد. در سال ۱۳۴۳ پژوهشی پیرامون «منابع قانون اساسی آمریکا» انجام داد و در همان سال کتاب اصطلاحات آلمانی- فارسی را به چاپ رسانید. پس از تدوین رساله‌ی دکترای خود به نام «روابط ایران و آلمان بعد از جنگ بین‌الملل» به زبان آلمانی و انتشار آن از دانشگاه مونیخ به دریافت دکترای علوم سیاسی نایل آمد. این کتاب در آلمان هم به چاپ رسید. در بازگشت به ایران به شهرداری ناحیه‌ی اصفهان منصوب شد (۱۳۴۷). در شهریور ۱۳۴۹ به عنوان مشاور برنامه‌ریزی به خدمت دانشگاه اصفهان درآمد و از مهر ۱۳۵۰ با سمت استادیاری به تدریس مسائل اقتصاد سیاسی پرداخت. در اسفند ۱۳۵۰ پژوهشی درباره‌ی «مشکلات ترافیک اصفهان و راه سامان بخشیدن به آن» را به پیش برد. در تابستان ۱۳۵۱ کتاب دیپلمات و روابط دیپلماتیک را منتشر ساخت. در همان سال در دانشگاه اصفهان به سمت مدیریت گروه علوم اجتماعی برگزیده شده و دو اثر تحقیقی دیگر از طرف دانشگاه به نام قانون شهرداری ایران و مطالعاتی درباره‌ی انقلاب اداری ایران براساس و الگوی اصفهان انتشار داد.

آخرین اثر هرمز انصاری، جامعه‌شناسی شهر اصفهان است که در زمان حیات توفیق انتشارش نصیب او نشد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

انصاریان، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین فرزند حاج شیخ محمدباقر انصاریان خونساری از گویندگان و نویسندگان معاصر تهرانست. در ۱۸ آبان‌ماه ۱۳۲۳ شمسی در

خونسار متولـد شده و در تحت تربیت پدری متدین و اهل حال پرورش یافته نشو و نما یافته و هفتمین جد ایشان عارف بزرگ شیخ عرفان بوده که در حمله افاغنه از اصـفهان به خونسار آمده و قبرش در سرچشـمه خونسار مزار و دارای صحن و سرا و گنبد و بارگاه است و اصلا از طایفه انصار مدینه است.

والـده ماجـده‌اش علویه از سادات مصـطفوی است که به عفت و پرهیزگاری و پاکـدامنی موصوفه می‌باشد. و این توفیقات ایشان در راه تبلیغ اسـلام و معـارف اهـل‌بیت و تألیفات عدیـده از اثر دعاء مادرشان و بالاخص مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سـید محمـدتقی خونساری رحمه‌اللّه علیه می‌باشـد که از خـدای متعال خواسـتند او روحانی و خدمتگذار آسـتان ولایت و خاندان رسالت و بالاخص سالار شهیدان حضرت ابی‌عبداللّه الحسین علیه‌السلام باشند.

ایشان در اوائل عمر با خانـدانش مهاجرت به طهران نموده و در خیابان خراسان ساکن و در مـدرسه ابتدائی و دبیرسـتان مرحوم حاج شیـخ علی‌اکـبر برهـان انـار اللّه برهـانه دروس جدیـد را فراگرفتـه و به تشویـق حکیم الهی میرزا مهـدی الهی قمشه‌ای درسـال ۱۳۴۱ شمسـی به قم آمـده و به دروس دیگر پرداخته و از محضـر حاج شـیخ محمـد وحیـد و مرحوم حاج شـیخ محمدجواد خندق‌آبادی و آقای ناطق نوری و حاج شـیخ رحمت‌اللّه فشارکی و حاج آقا جمال مرتضوی و آقای جوادی اسـتفاده و مقدمات و سطوح وسطی را خوانـده و پس از آن سـطوح عـالیه را در طهران از حـاج میرزا ابوالقـاسم فلسـفی و حاج میرزا علی آقای فلسـفی آموخته و باز به قم آمده و از محضر و دروس آقای فاضل لنکرانی و حاج شیخ مصطفی اعتمادی و آقای خزعلی و حاج شیخ یوسف صانعی فراگرفته و به درس خـارج آیت‌اللّه حـاج میرزا هـاشم آملی و حـاج شـیخ ابوالفضـل خونسـاری و آقـای منتظری و مشـکینی و یزدی شـرکت و اسـتفاده نموده و دروس اخلاـق و عرفـان را از محضـر و بیانـات آیت‌اللّه حـاج شـیخ علی‌اکبر برهـان و میرزا مهـدی الهی قمشه‌ای و آخوند ملا علی همدانی و آیت‌اللّه العظمی میلانی در مشهد مقدس آموخته و در تهران و سایر نقاط کشور به ترویج احکام اسلامی و نشـر معارف اشـتغال داشته و دارند و برای صراحت لهجه و انتقادات از رژیم طاغوتی گذشته کرارا بازداشت و زندانی شده و پس از مدتی آزاد و به خدمات خود تداوم بخشیده است.

دارای تألیفات سودمندیست که به طبع رسیده است.

۱- اسلام و کار و کوشش

۲- اسلام و علم و دانش

۳- از اسلام چه می‌خواهید

۴- معنویت اساسی‌ترین نیاز عصر

۵- حج وادی ایمن

۶- لقمان حکیم چاپ چهارم

۷- مناجات عارفان طبع ششم

۸- عرفان اسلام حدود ۱۴ مجلد

۹- به سوی قرآن و اسلام

۱۰- مقدمه بر دیوان وحدت

۱۱- مقدمه حقوق کیفری

۱۲- مقدمه‌ای بر معاد

۱۳- مقدمه‌ای بر قضاء در اسلام

۱۴- چهره‌های محبوب و منفور در قرآن

۱۵- سیری در اخلاق اسلامی

۱۶- مرز روشنائی

۱۷- شرح دیوان و کلمات باباطاهر

۱۸- فروغی از تربیت اسلامی

۱۹- حسـینیه انصاریان (انصار الحسین) در خیابان باغ حاج محمدحسن خیابان ری- که بسیار مجلل و مکمل آماده برای تبلیغ احکام اسلامی و نشر معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام و تدریس و تعلیم و تعلم می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

انصاریپور، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی انصاری پور

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

خرداد سال ۱۳۶۰ دیپلم تجربی ـ تهران ـ خ جمهوری اسلامی، دبیرستان بامداد.

ورود به حوزه: مهرماه ۱۳۶۰، مدرسه حقانی و سپس مدرسه شهیدین.

اتمام دروس سطح: ۱۳۶۹ شرکت در درس خارج فقه و اصول آیت الله سیدکاظم حائری تا سال ۱۳۷۵ و ضمن درس خارج ورود به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، بنیاد باقرالعلوم (ع) در سال ۱۳۷۰ اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته دین‌شناسی در ۱۳۷۸ ورود به مرکز تربیت مدرس، دوره دکتری فلسفه دین در سال ۱۳۷۹ در حال حاضر در حال تدوین پایان‌نامه دکتری و در عین حال مشغول به کار در مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب هستم.

در ضمن دروس حوزوی با شرکت در دوره‌های متعدد آشنایی با مکالمه و گرامر زبان انگلیسی و نیز مکالمه عربی و متون جدید عربی را نیز گذراندم. دوره‌های زبان تخصصی مربوط به فلسفه دین و کلاس‌های ترجمه، توانایی مکالمه به زبان انگلیسی و عربی و ترجمه از این دو زبان را نیز کسب کردم.

انصاف خراسانی، محمدابراهیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۱۰۰ ق)، شاعر. در خراسان متولد شد و در هندوستان نشو و نما یافت. طبعی روان و بیانی نیکو داشت و در سرون شعر توانا بود. در اوان جوانی درگذشت. از اوست:

مظهر ظلمت نباشد جز غبار هستیم

می‌کند روی زمین آیینه‌داری سایه را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۸۹)، الذریعه (۱۰۸/۹)، ریحانه (۱۹۳/۱)، صبح گلشن (۴۵)، فرهنگ سخنوران (۱۰۲)، لغت‌نامه (ذیل/ انصاف).

انگجی تبریزی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۷ –۱۲۸۲ ق)، عالم، مجتهد و فقیه اصولی. در انگج، یکی از محلات تبریز، متولد شد. ادبیات فارسی و عربی و نجوم و حساب و فقه و اصول را در تبریز خواند و از محضر درس استادانی همچون آقامیر فتاح سرابی و میرزا محمود اصولی بهره گرفت. سپس در ۱۳۰۴ ق برای ادامه‌ی تحصیلات به نجف رفت. در آنجا از حوزه‌ی درس استدلالی فقهی و اصولی آقاشیخ محمدحسن مامقانی، فاضل ایروانی و حاج میرزا حبیب‌اللَّه رشتی بهره جست. وی از همان هنگام که آیرم، امیر لشکر رضاخان در تبریز شئونات اسلامی را زیر پا نهاد با مردم تبریز همصدا شد و نسبت به عمل آیرم اعتراض کرد. در قضیه‌ی تغییر لباس نیز علیه رضاخان موضعگیری کرد که منجر به دستگیری و تبعید او به سمنان شد. پس از بازگشت از تبعید به حوزه‌ی درس خود پرداخت و کتاب‌هایی نیز در زمینه‌ی فقه و اصول تألیف کرد. از جمله آثار وی: «ازاحهٔ الالتباس عن حکم المشکوک فیه من اللباس»؛ «رساله‌ی سؤال و جواب»؛ حاشیه‌ی «رسائل» شیخ مرتضی انصاری؛ حاشیه‌ی «ریاض»؛ حاشیه‌ی «مکاسب» شیخ انصاری؛ «کتاب الارث»؛ «کتاب حج شرایع»؛ «کتاب الصلوهٔ»؛ «کتاب الطهارهٔ».[۱]

مرحوم مغفور آیت‌اللَّه آقای حاج میرزا ابوالحسن انگجی تبریزی از مجتهدین طراز اول ایران و یکی از مراجع احکام آذربایجان بوده که در سال ۱۳۴۷ قمری به واسطه انقلاب تبریز مسافرت به قم نموده و مدتی در آنجا توقف آنگاه به مشهد مقدس مشرف و حدود یک سال توقف سپس به خواهش دولت به تبریز مراجعت نمود مرحوم انگجی بنا به نقل علماء معاصرین و دیگران مردی محقق و مدقق و فقیهی اصولی و صاحب وقار و تمکین و متانت و ابهت کثیرالعلم و قلیل الکلام بود.

تولدش در سال ۱۲۸۲ قمری در تبریز واقع شد و پس از بلوغ بتحصیل علوم عربیه و ادبیه و حساب و نجوم موفق گشته و فقه و اصول را از مرحوم حاج میرفتاح سرابی و میرزا محمود اصولی اخذ کرده و از خودش نقل است که تمام قوانین‌الاصول میرزای قمی را نزد مرحوم اصولی خوانده و در سال ۱۳۰۴ قمری به نجف مشرف و تا دو سال از محضر مرحوم فاضل ایروانی و حاج میرزا حبیب‌اللَّه رشتی و علامه مامقانی استفاده نموده آنگاه مراجعت به وطن کرده و به خدمات دینی از قبیل امر به معروف و نهی از منکر و اقامه جماعت و تدریس پرداخته و در امور دینی بسیار متصلب و خشن در ذات اللَّه بود و به هیچوجه در اداء وظائف شرعیه و حفظ حدود الهیه و ردع بدع مستحدثه مداهنه و مسامحه نداشت.

از آثار آن مرحوم است کتاب ازاحهٔ الالتباس عن حکم المشکوک من اللباس که در سال ۱۳۱۶ تألیف و طبع شده و نیز شرح کتاب حج شرایع و حاشیه بر کتاب ریاض، مرحوم علامه تهرانی در الذریعه ج ۱ ص ۵۲۶ کتاب آن مرحوم را ذکر کرده است.

دارای شش فرزند برومندند که سه نفر آنان در سلک روحانیت و از علماء و فضلاء حوزه علمیه قم بوده‌اند که ترجمه آنان خواهد آمد و سه نفر هم در رشته طب و از اطباء معروف تهران می‌باشند.

وفاتش در سال ۱۸ ذی‌القعده سال ۱۳۵۷ واقع شد و استان آذربایجان و اکثر بلاد دیگر غریق بحر ماتم و سوک آن بزرگوار شدند

والد ماجدشان مرحوم حاج میرزا محمد آقا معروف به شیخ‌الشریعه از اجلاء علماء و اشراف تبریز بودند و این لقب را مرحوم مظفرالدین شاه قاجار با اعطاء یک حلقه انگشتر الماس به ایشان اهداء نمودند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۳۱۴ –۳۱۳)، الذریعه (۲۴۹، ۹۹/۶، ۵۲۶/۱)، ریحانه (۶۰ –۵۹ /۷)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۰۳ –۳۰۱ /۱)، علماء معاصرین (۱۷۹ –۱۷۸)، مؤلفین کتب چاپی (۱۴۲ –۱۴۱ /۱).

انگجی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن بزرگترین فرزند مرحوم آیه الله حاج سید ابوالحسن انگجی ره و از علماء اعلام و دانشمندان کرام تبریز است که در مهد علم و مجد تربیت شده و مقدمات و سطوح را از علماء تبریز مخصوصا والد ماجد خود و مرحوم آیه الله حاج میرزا صادق آقا و دیگران خوانده و مسافرت به قم نموده و از محضر مرحوم آیه الله حایری و آیه الله حجت کوهکمری استفاده کرده آنگاه به تبریز مراجعت و به وظائف دینی از اقامه جماعت در مسجد مدرسه طالبیه و مباحثات پرداخته است ادام الله توفیقاته.

از تألیفات ایشان است رساله‌ای در کر که به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

انگجی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی سومین فرزند آیه الله العظمی حاج میرزا ابوالحسن انگجی است که در حجر دانش و تقوا نشو و نما نموده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات، سطوح عالی را از مرحوم والدش و آیات دیگر تبریز استفاده نموده و بعد به قم مهاجرت و چندین سال از محضر مرحوم آیه الله حایری و آیه الله حجت و آیات دیگر بهره‌مند شده آنگاه بوطن خود معاودت نموده تا در اوائل حکومت دکتر مصدق السلطنه از طرف مردم تبریز برای مجلس پارلمان انتخاب و به طهران آمده و یکدوره وکالت نموده و چندین سال در طهران اقامت و بعد به تبریز مراجعت نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

انگجی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا مهدی بن العلامه العلام و الفقیه القمقام آیت‌اللّه الملک العلام السید المیرزا ابوالحسن انگجی تبریزی از علماء بنام طهران بودند و در مسجد ملک آباد اقامه جماعت می‌نمودند.

ولادت آن مرحوم در تبریز واقع شده و در مهد تربیت آیت‌اللّه والد پرورش یافته و مقدمات و قسمتی از سطوح را در تبریز خوانده آنگاه در سال ۱۳۴۰ قمری مهاجرت به قم فرموده و سطوح عالی را از مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمد همدانی فراگرفته و بدرس خارج علامه بزرگوار آیت‌اللّه العظمی حجت و مدتی هم بدرس خارج آیۀاللّه حایری موسس حوزه حاضر شده و پس از آن به تبریز مراجعت و به تدریس فقه و اصول و اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته و پس از آن مهاجرت به تهران نموده و در مسجد مذکور به اقامه جماعت و تدریس فقه و اصول و ارشاد مردم مشغول شده تا در سال ۱۳۸۳ که وفات نموده و با تشییع عظیمی جنازه‌اش حمل به قم و در مسجد موزه مدفون گردیده است. دارای تألیفات عدیده می‌باشند: ۱– رساله‌ای در تنجیس متنجس و عدمه ۲– تقریرات اساتید در فقه و اصول. از باقیات الصالحات ایشانست ۱– جناب حجه‌الاسلام آقا سید علی انگجی که سالها در قم اقامت و از محضر آیات عظام بالاخص آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری و آیۀاللّه علامه طباطبائی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی استفاده نموده و بمدارج فضل و کمال رسیده و پس از فوت مرحوم والدش بجای ایشان به اقامه جماعت و وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

از آثار و تألیفات اوست:

۱– تفسیر سوره‌ی نور که جامع جهات مختلفه فقهیه و اخلاقیه و غیره می‌باشد.

۲– تقریرات دراسات آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی.

۳– تقریرات درس آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری.

۲– دومین فرزند معظم له است دکتر سید هادی انگجی که سیدی شریف و طبیبی معروف است در تبریز که از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شده و تخصصی در جراحی دارد و اکنون رئیس بیمارستان (شیر و خورشید) تبریز است.

۳– سومین فرزند ایشان آقای مهندس سید رضا انگجی است که متصدی امور کارخانه برق و آب است در استان آذربایجان، خداوند توفیق آنان را در خدمات دینی و اجتماعی زیاد فرماید.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

انوار اردکانی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۳ ش)، شاعر. معروف به حاج مدرس. وی از علما و شعرای فارس و از مشروطهٔ خواهان بوده است و نماینده‌ی مردم فارس در دوره‌ی دوم مجلس شورای ملی. او چند سال در نجف اشرف در محضر آخوند ملا محمدکاظم خراسانی به استفاده و تکمیل علوم دینی پرداخت و پس از اخذ درجه‌ی اجتهاد، پیاده به مکه‌ی معظمه مشرف شد و پس از چند سال اقامت به شیراز بازگشت. وی گاهی شعر می‌سرود. در شیراز وفات یافت. کتابی در علم هیئت به نظم سروده که با نام «هیئت منظوم» چاپ شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳۵۵ -۳۴۸ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۰۳)، مؤلفین کتب چاپی (۳۲ -۳۱ /۱).

انوار اردکانی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۷ ق)، شاعر. وی در قصبه‌ی اردکان فارس متولد شد. پدر و اجدادش از علماء و سادات و مورد توجه اهالی اردکان و مهسنی و ایل قشقایی و بویراحمدی بوده‌اند. انوار مقدمات علوم را در اردکان آموخت و پس از آن به شیراز رفت و تا سن بیست و یک سالگی به تحصیل مشغول بود، سپس به تهران آمد و در کلاسهای قضایی و ثبت و اوقاف و دارالمعلمین و مدرسه‌ی عالی سپهسالار حضور یافت و از محضر حاج سید نصرالله تقوی و وحدانی و منصورالسلطنه‌ی عدل و داور استفاده برد. پس از آن در محضر اسناد رسمی به کار پرداخت. وی در سرودن انواع شعر دستی داشت به ویژه در ساختن اشعار محلی و استفاده از واژه‌های لری و اصطلاحات اردکانی ماهر بود. از اوست: «آئین راستی، نخستین فرمان شاهنشاه» که چاپ شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳۶۷ -۳۵۸ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۰۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۰۵ -۷۰۴ /۲).

انوار اردکانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۳۵ ش)، شاعر. وی در شیراز متولد شد و در همان جا شهر دوره‌ی ابتدایی و متوسطه را به پایان برد. علوم ادبی و ریاضی را از پدرش و فقه و اصول را در محضر حاج سید علی فضایلی مجتهد شیرازی آموخت و از میرزا عبدالهادی حسینی و میرزا محمود مجتهد غروی، که از مراجع تقلید نجف اشرف بودند، اجازه گرفت. وی مدت پانزده سال آموزگار بود، سپس به سردفتری اسناد رسمی مشغول شد. انوار گاهی شعر می‌سرود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳۶۸ -۳۶۷ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۰۳).

انوار همدانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۳۳ ق)، شاعر. از مردم همدان بود و طبعی عالی و روان داشت و بسیار خوش صحبت و شیرین گفتار بود. از اوست:

ز من آن طفل بدخو می‌گریزد

غلام او منم او می‌گریزد

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن سرایان همدان (۲۲۹/۱)، تحفه‌ی سامی (۲۴۲)، تذکره‌ی روز روشن (۸۹)، الذریعه (۱۰۹/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۳).

انواری اصفهانی، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۹ ق)، شاعر. وی در دستگرد اصفهان متولد شد و در مدارس اصفهان به تحصیل پرداخت و از محضر استادانی چون آقا شیخ اسداللّه قمشه‌ای متخلص به دیوانه و حاج میرزا محمدباقر حکیم‌باشی و صدرالاطباء و محمود حافظالصحه استفاده کرد و در ادب و طب سرآمد و در اصفهان مشهور گردید. وی تألیفاتی به نظم و نثر دارد و از آن جمله است: «حفظ الصحه»، در دو هزار بیت؛ «هفت دام مالک».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۷۲-۷۰)، فرهنگ سخنوران (۱۰۳).

انواری، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ ابوالحسن بن آیت‌اللّه حاج شیخ حسین قاتوقی (انواری) از علماء معاصر زنجانست.

وی در سال ۱۳۵۰ قمری در زنجان متولد شده و در بیت علم پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات به قم آمده و بعد از اتمام سطح در خدمت مدرسین حوزه در سال ۱۳۷۳ قمری هجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مرجع اعلاـ و زعیم اعظم آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله فقها و اصولا استفاده نموده آنگاه به وطن مراجعت و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تدریس و تبلیغ دین پرداخته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

انواری، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر انواری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب جعفر انواری در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه شدم و در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) دروس مقدماتی را به پایان رساندم و دروس سطح (رسائل، مکاسب و کفایه) را در حوزه، بصورت آزاد خواندم.

در کنار تحصیل فقه و اصول در دیگر دروس حوزه مانند نهج البلاغه، عقائد، تفسیر و... شرکت داشتم. در سال ۱۳۵۶ پس از پایان دروس سطح به درس خارج فقه و اصول راه یافتم و در دوران شرکت در درس خارج که حدود بیست سال بطول انجامید از محضر حضرات آیات عظام وحید خراسانی، تبریزی، مکارم شیرازی و جوادی آملی بهره مند شدم.

در سال ۱۳۶۰ وارد موسسه در راه حق شدم و از دروس آن موسسه که افزون بر رشته های مختلف اقتصادی و فلسفی، در قالب اقتصاد و فلسفه شهید صدر، از دروس فلسفه (فلسفه، نهایه، برهان، شفا و اسفار) و معارف قرآن استاد مصباح یزدی کسب فیض نمودم.

در سال ۱۳۶۳ در گروههای تحقیقاتی تفسیر و علوم قرآن، به کاوش و پژوهش پرداختم و در همان سال ها تدریس مباحث معارف قرآن استاد مصباح یزدی را نیز عهده دار شدم. از سال ۱۳۶۱ تدریس دروس معارف اسلامی را در دانشگاه آغاز کردم که ۱۸ سال تدریس این دروس در دانشگاه تهران بطول انجامید.

با تاسیس موسسه علمی پژوهشی امام خمینی (ره)، در رشته علوم قرآنی به پژوهش و همکاری با بخش آموزش ادامه دادم و در سال ۱۳۸۰ بعنوان عضو هیئت علمی آن موسسه پذیرفته شدم که هم اکنون با بخش آموزش در تدریس دروس قرآنی و با پژوهش در تحقیقات قرآنی ادامه همکاری دارم.

انواری، زین‌العابدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زین‌العابدین بن العالم الجلیل میرزا علی بن العلم العلام ملا عبدالرزاق همدانی انواری از علماء معاصر همدان و برادر ارجمند مرحوم

آیت‌اللّه میرزا محمود سابق‌الذکر است.

وی در سال ۱۳۱۵ قمر در قریه انوار که در ۱۲ فرسخی همدان که جزو در جزین است متولد شده و فقط تا ۱۶ سالگی در همان قریه زندگی و مقداری از علوم صرف و نحو و منطق را نزد مرحوم والد خوانده.

و در اواخر سال ۱۳۳۲ قمری به همدان آمده و در مدرسه زنگنه معروف به مدرسه بزرگ ادامه به تحصیل داده و سطوح عالی را از اساتید بزرگ و معروف آن زمان تکمیل و در اواخر سال ۱۳۳۹ قمری به شهرستان قم مهاجرت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه آق شیخ ابوالقاسم کبیر قمی استفاده پس از آمدن مرحوم آیت‌اللّه حایری و تشکیل حوزه به درس ایشان رفته و از ابحاث آن مرحوم و آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری بهره‌مند شده و در زمان تبعید آیات عظام نجف به قم از مباحث مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای آقاسید ابوالحسن اصفهانی استفاضه نموده و از آنان نائل به دریافت اجازه اجتهاد و غیره گردیده است.

و در سال ۱۳۵۱ قمری مراجعت به همدان و به تدریس فقه و اصول و اقامه جماعت و ارشاد مردم پرداخته و تا هم‌اکنون که نزدیک هشتاد سال از عمرش می گذرد و به واسطه ابتلاء و گرفتاری فرزند ارجمندش جناب حجهٔالاسلام آقا شیخ محی‌الدین انواری که از افاضل و ائمه جماعت تهرانست بسیار شکسته و خسته شده در همدان به خدمات دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

انواری، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: فیزیک دانشگاه: صنعتی شریف

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

انواری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ محمد انواری یزدی در سال ۱۳۲۲ ق در یزد متولد و پس از گذرانیدن دوران کودکی بتحصیل علوم دینی پرداخته و ادبیات و منطق و قسمتی از شرح لمعه و قوانین و رسائل را خدمت مرحوم والدش حجه‌الاسلام آقای شیخ محمد باقر انواری در یزد خوانده و قسمتی از رسائل و مکاسب و کفایه را خدمت سایر علماء و دانشمندان یزد آموخته و مقداری هم در مشهد مقدس از محضر مرحوم آیه‌الله حاج شیخ هاشم قزوینی استفاده کرده و آنگاه بقم آمده و از محضر مرحوم آیه‌الله حجت کوه کمری و آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله حاج سید محمد تقی خونساری استفاده نموده آنگاه به یزد برگشته و بخدمات دینی پرداخته و در خلال آن بنابر دعوت همشهریهای مقیم بمبئی بهندوستان برای تبلیغ مسافرت و در پونه و نقاط دیگر خدمات ترویجی نموده و پس از آن مراجعت بوطن و بنابر دعوت جمعی از مؤمنین بندرعباس عزیمت بآنسامان نموده و تا حال تحریر شش سال است که در بندر مزبور و حومه آن بانجام وظائف دینی اشتغال دارد ادام‌الله توفیقاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

انواری، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر ادیب فاضل، متخلص به «لمعه» از خدمت گزاران صدیق فرهنگ. در ۱۳۲۱ قمری در دستگرد متولد، و تحصیلات خویش را در مدارس قدیم و جدید این شهر به پایان رسانیده، مدتی به محراب و منبر سرگرم بوده، سپس ترک نموده به خدمت فرهنگ اشتغال جسته، سال‌ها مدیریت دبستان حسین‌آباد را داشت. در انجمن شعرا شرکت می‌کرد، و از آثارش: «نامه‌های دهقان» به چاپ رسیده. صاحب دیوان اشعار است.

در یکشنبه ۱۴ محرم ۱۳۸۵ وفات یافته، در تکیه‌ی شیخ مرتضی ریزی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

انواری، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود انواری از مشاهیر علماء معاصر همدان بوده‌اند.

محمود بن میرزا علی ملقب به جناب ابن آخوند ملاـ عبدالرزاق بن ملامیرزا بن ملا آقا در سال ۱۳۰۶ قمری به دنیا آمده و پس از

پرورش مقداری از ادبیات را در خدمت والدش خوانده و در سال ۱۳۲۴ قمری در مدرسه زنگنه به تحصیل پرداخته و در سال ۱۳۳۷ ق به تهران آمده و ابتدا در مدرسه نصرالدین و بعد از چند ماهی به مدرسه سپهسالار جدید منتقل و علوم عقلیه و نقلیه را آموخته و در سال ۱۴۴۱ قمری مهاجرت به قم نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری یزدی و آیت‌اللّه حاج شیخ ابوالقاسم کبیر و آیت‌اللّه فیض استفاده نموده و در سال ۱۳۴۹ قمری باری پاره‌ای از گرفتاریهای شخصی به همدان برگشته و در مسجد امامزاده یحیی و مسجد پیغمبر به اقامه جماعت و خدمات دینی و روحی پرداخته تا اینکه به اصرار جماعتی از وجوه اهالی امزاجرد همدان و تاکید بعضی از آقایان برای ارشاد مردم جلوگیری از تبلیغات مسمومانه فرقه ضاله بهایبهٔ به آن محل منتقل گردیده و تبلیغ و اقامه جماعت و رفع شبهات مشغول گردیده.

و عده بسیاری از آنان را هدایت به اسلام نموده و از انحراف نجات داده‌اند تا در پنجم ذیقعده‌الحرام ۱۳۸۴ قمری که در همان محل از دنیا رفته و با تشییع جنازه عجیبی در جنب مسجد بزرگ امزاجرد که از آثار ایشانست بنا بر وصیتش مدفون و مزار مردم قریه و قراء دیگر گردیده!

آثار قلمی و علمی آن مرحوم به قرار زیر است

۱- هدایت المسترشدین در نجاست اهل کتاب ۲- اختیارات الایام در بیان سعد و نحس ایام از کتب معتبره اخذ و ترجمه شده ۳- تیر شهاب در رد بهاء و باب ۴- کتاب شیطان و سرکشی که کتابی است علمی و تاریخی و دیانتی مشتمل بر مواعظ و نصایح ۵- شمع هدایت در شناسائی ۶- حجت که نسبتا مبسوط و انفع است. ۷- تحفه‌الواعظین که دارای هفتاد مجلس منبریست ۸- تذکره‌الصائب فی مقتل الاطائب چهل مجلس منبری و در آخر آن چهل حدیث منبریست از باقیات الصالحات ایشانست جناب ثقهٔ‌الاسلام والمسلمین آقا میرزا یوسف انواری که اکنون در امزاجرد به جای آن مرحوم اقامه جماعت می‌کند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

انواری، محی‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محی‌الدین بن العالم الکامل آیت‌اللّه الحاج الشیخ زین‌العابدین انواری همدانی از افاضل علماء مجاهدین معاصر تهران است وی در حدود سال ۱۳۵۰ قمری در همدان در بیت علم و تقوی به دنیا آمده و پس از پرورش و خواندن اولیات و دروس ابتدائی قسمتی از مقدمات و ادبیات را در همدان فراگرفته سپس عزیمت به تهران و پس از تکمیل سطوح مکاسب و فرائد و کفایه از محضر علمین آتین مرحوم حاج میرزا احمد آشتیانی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمد تقی آملی و بعضی دیگر از آیات و مدرسین بزرگ مدرسه مروی معقولا و منقولا استفاده و ضمناً خود به تدریس سطوح و در یکی از مساجد بازار به اقامه جماعت و گفتن تفسیر و نشر معارف حقه اثناعشریه پرداخته تا در سال ۱۳۸۴ قمری که به اتهام توطئه در قتل حسینعلی منصور نخست‌وزیر دولت طاغوتی محمدرضا پهلوی با عده‌ای از جوانان متدین و مبارز از طرف سازمان ساواک بازداشت و مدت سیزده سال در زندان قصر و اوین به سر برده تا در سال ۱۳۹۷ قمری آزاد و مجددا مشغول خدمات گردیده و چند ماهی هم از طرف قائد عظیم‌الشان آیت‌اللّه العظمی نایب الامام آقای خمینی مدظله العالی برای ارشاد و خدمات دینی به پاکستان و کراچی مسافرت و بعدا به تهران مراجعت و اکنون از طرف رهبر انقلاب در مسجد جامع نارمک تهران به اقامه نماز جمعه و جماعات و تبلیغات دینی اشتغال دارند.

نویسنده گوید:

جناب آقای انواری هم یکی از فضلاء مبارز است که در پیروزی انقلاب و حکومت جمهوری اسلامی خدماتی نموده است و در این مسیر تحمل مصائب و شدائدی از زندان و شکنجه و غیره نموده است. در میان علماء و اقران طهران خود محبوبیت خاصی دارند و مورد توجه مخصوص رهبر عزیزمان امام خمینی بودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

انواری، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یحیی بن آیت‌اللّه حاج میرزا محمود انواری مذکور از فضلاء حوزه علمیه قم و علماء معاصر همدان است.

وی در همدان تولد یافته و در مهد تربیت والد ماجدش تربیت و پس از رشد و خواندن دروس ابتدائی و ادبیات به قم آمده سطوح را از مدرسین حوزه آموخته و پس از پایان آن به درس مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی موسوی و آیت‌اللّه شریعتمداری و آیت‌اللّه مرعشی نجفی و آیت‌اللّه گلپایگانی حاضر شده و از خرمن علوم و فیوض آنها بهره‌مند گردیده و می‌گردد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

انور زند شیرازی، محمدابراهیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۱۶ -۱۱۸۱ ق)، شاعر، متخلص به انور. معروف به وکیل. مادرش، شمس، دختر محمدخان کلهر بود. پس از مرگ پدرش طی اختلافات خانوادگی، به دست پسر عموهایش و یا به قولی به فرمان آقا محمدخان قاجار از هر دو چشم کور شد. وی به همراه دیگر زندیّه به استرآباد کوچ داده شد و در آنجا سکنی گزید. در پایان عمر به زیارت عتبات عالیه رفت و در آنجا معتکف شد. بنا به قول نویسندگان «نگارستان دارا» و «مکارم الآثار» در اواخر عمر به ایران بازگشت و در نهاوند درگذشت. «منظوماتش» چهار هزار بیت است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۹۵ -۱۹۴ /۱)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳۶۹/۱)، سفینهٔ المحمود (۱۵۲ -۱۴۹ /۱)، شرح حال رجال (۳ -۲ /۶)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۵۷ -۱۱۵۶ /۲)، مجمع الفصحا (۹/۱)، مرآت الفصاحه (۷۱ -۶۹)، مصطبه‌ی خراب (۱۴)، مکارم الآثار (۵۷۹ -۵۷۸ /۲)، نگارستان دارا (۱۷۲ -۱۷۱).

انوری ابیوردی، اوحدالدین، محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۵۸۵ ق)، دانشمند، منجّم و شاعر، متخلص به انوری. در مهنه از توابع ابیورد متولد شد. ابتدا در مدرسه‌ی منصوریه‌ی طوس به تحصیل علوم مختلف پرداخت. در فلسفه، ریاضیات، نجوم، هیئت، علوم معقول و منقول و شاعری دست داشت. از جوانی شعر می‌گفت و ابتدا خاوری تخلص می‌کرد امّا، بعد تخلص خود را به انوری تغییر داد. وی جوانی خود را در بلخ گذراند و سفرهایی به سرخس، مرو، خوارزم، اطراف دشت خاوران و عراق کرد. انوری از. مداحان سلطان سنجر سلجوقی بود و پس از آنکه استخراج نجومی او در خصوص اجتماع سیارات هفت گانه در برج میزان و بروز طوفان به خطا رفت از ترس سلطان سنجر به بلخ فرار کرد، اوباش بلخ وی را مورد اهانت و تعرض قرار دادند. او عاقبت به مجدالدین ابوالحسن عمرانی از بزرگان خراسان و قاضی حمیدالدین صاحب «مقامات حمیدی» پناه برد. انوری از کسانی است که در تغییر سبک فارسی نقش عمده‌ای ایفا نموده است. اشعار وی پُر از اصطلاحات و اشارات به مسائل علمی دقیق و حکمت است و به همین جهت سه شرح بر بعضی اشعار نوشته‌اند. یکی شرح داوود بن محمدعلوی شادیابادی، شرح ابوالحسن فراهانی حسینی و دیگر شرح عبدالرزاق دنبلی. انوری را در شعر پرورش دهنده سبک ابوالفتوح رونی دانسته‌اند. وی در مدح و هجو مهارت داشته است. او در بلخ درگذشت و در جنب مزار سلطان احمد خضرویه مدفون گردید. از آثار وی: «دیوان» اشعار، مشتمل بر چهارده هزار و هفتصد و چند بیت؛ «البشارات فی شرح الاشارات» و «رساله‌ای در عروض و قوافی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۲۵۴ -۲۱۳ /۱)، با کاروان حله (۱۸۵ -۱۷۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۸۱ -۶۵۶ /۲)، تاریخ گزیده (۷۱۴ -۷۱۲)، تاریخ نظم و نثر (۸۲ -۸۰)، تذکرهٔ الشعراء (۹۸ -۹۴)، دایرهٔالمعارف فارسی (۲۸۷/۱)، الذریعه (۱۱۰ -۱۰۹ /۹ ۱۱۱/۳،)، ریاض العارفین (۱۷۳ -۱۷۱)، ریحانه (۱۹۸ -۱۹۷ /۱)، سخن و سخنوران (۳۵۷ -۳۳۲)، طرائق الحقائق (۵۹۴ -۵۹۲ /۲)، لباب الالباب (۱۳۸ -۱۲۵ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ انوری)، مجمع الفصحا (۴۳۰ -۳۸۵ /۱)، معجم المؤلفین (۳۳/۷)، هفت اقلیم (۲۸ -۲۵ /۲).

انوری بلخی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر، متخلص به سودایی. اصل وی از بلخ و معاصر حکیم اوحدالدین انوری ابیوردی بود. در سرودن شعر توانا بود. از اوست:

ای ز تاب می ترا هرگونه بر رخسار گل

سبزه‌ی باغ خجالت اندك و بسیار گل

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۹۰)، الذریعه (۱۰۹/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۵)، مجالس النفائس (۶۶).

انوری هروی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. تا پایان عمر خود در هرات می‌زیست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۲۳).

انیس اصفهانی، محمدصادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. از مردم اصفهان بود و به سلامت نفس و خوشی خُلق معروف. به تجارت روزگار می‌گذرانید. از اوست:

جان به سختی می‌دهد از دوری جانان انیس

مژده باد ای خلق، یک چندی اجل بی‌کار نیست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سفینهٔ المحمود (۱۵۴)، فرهنگ سخنوران (۱۰۵)، مجمع الفصحا (۱۳۹/۴)، مصطبه‌ی خراب (۱۰)، نگارستان دارا (۱۷۱).

انیس تبریزی، حیدر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۶۵ ق)، شاعر، متخلص به انیس. چون در توپچی‌گری مهارت فوق‌العاده داشت نزد شاه طهماسب تقرب یافت. وی از جمله خواص القاص میرزا و از دوستان قاضی محمد بن قاضی مسافر کُرد بود. قاضی محمد چندین سال از طرف شاه طهماسب به حفظ و حراست آذربایجان و تبریز مأمور بود. در سال ۹۶۴ ق هنگامی که شاه طهماسب به تبریز رفت، در اثر شکایت مردم قاضی محمد و حیدربیگ در قلعه‌ی الموت زندانی شدند و حیدربیگ در همن جا وفات یافت. وی غزلسرا بوده و «دیوان» شعر داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۷۱)، تذکره‌ی روز روشن (۹۰)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۷۰ -۶۹ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۵۵ -۵۴)، الذریعه (۱۱۰/۹)، سخنوران آذربایجان (۲۲۱ ،۲۲۰)، فرهنگ سخنوران (۱۰۵)، هفت اقلیم (۲۳۵/۳).

انیس طباطبایی، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر و عالم. وی از سادات بلند مقام بود و اجدادش نیز از جمله‌ی دانشمندان و به زهد و علم و فضل مشهور بودند. پدر وی از عتبات عالیه به تهران آمد و انیس همراه وی بود. پنج یا شش سال در تهران مشغول تحصیل شد و تمام قواعد نحو و اشتقاقات صرف و قوانین منطق و محاسن بدیع و نکات معانی و دقایق بیان را آموخت. پس از آن به منظور تکمیل علوم به عتبات رفت و مجدداً به تهران بازگشت و در مجالس تدریس پدرش شرکت می‌کرد. او در سرودن به ویژه قصیده توانا بود. وی در جوانی درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۹۹ -۱۹۸ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۰۵)، گنج شایگان (۱۴۳ -۱۴۱)، مجمع الفصحا (۱۳۴/۴).

انیس نهاوندی، یوسف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۳۸/۱۲۳۷ ق)، شاعر، متخلص به انیس. مداح و ملازم شاهزاده محمود میرزا بود. وی یکی از بهترین قصیده سرایان دارالخلافه به شمار می‌رفت. اثر وی «دیوان» اشعار مشتمل بر دو هزار بیت که پس از مرگش به وسیله‌ی ملا حسین معلم جمع‌آوری و تدوین شده است. این دو بیتی از اوست:

لعل لب تو عمر ابد می‌دهد بلی

عمری که آب خضر دهد جاودان دهد

گر قوت غالبم ز غم آمد عجب مدار

تقدیر آسمان به هما استخوان دهد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۲۰۰ -۱۹۹ /۱)، الذریعه (۱۱۰/۹)، سفینهٔ المحمود (۱۷۶ -۱۶۳ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ انیس نهاوندی)، مجمع الفصحا (۱۵۴ -۱۵۳ /۴)، مصطبه‌ی خراب (۱۰)، مکارم الآثار (۱۰۵۴/۴).

انیسی خوارزمی، عبدالرحیم

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به انیسی. وی برادر عبدالکریم خوارزمی خوشنویس و مصاحب سلطان یعقوب آق‌قویونلو بود. چون، به سلطان محبت می‌ورزید، سلطان نیز او را دوست می‌داشت و او را انیس خطاب می‌کرد، عبدالرحیم به این مناسبت در عشر به انیسی تخلص می‌کرد. گاهی به مناسبت کاتبی مخصوص سلطان یعقوب، «سلطانی» و «یعقوبی» هم رقم می‌کرد. در خطاطی سبکی پدید آورد که به روش انیسی معروف شد. او در تندی و ظرافت خط نستعلیق کوشیده است. بعضی او را قرینه سلطان علی مشهدی دانسته‌اند. روش عبدالرحیم همانند شیوه‌ی غرب و جنوب ایران است که کلمات و حروف تند و تیز و کشیده‌ها در عین استواری، زیاده از حد قیاس بلند و دایره‌ها در عین صافی، بزرگتر از اندازه‌ی معمول است. از میان شاگردان وی باید از میر عضد بخارائی، ملا علی سلطان، اسدالّله کرمانی و محمد کرمانی و نویسی شامی نام برد. اثر وی: «دیوان» شعر. از خطوط وی: یک نسخه «دیوان» حافظ، به قلم کتابت خفی متوسط، با رقم: «تمت الکتّاب علی ید العبد الفقیر عبدالرحیم، فی جمادی الآخر سنهٔ اربع و ستین و ثمانمائهٔ»؛ یک مجموعه‌ی منتخب غزلیات: حافظ، امیرخسرو، کمال خجندی، حسن کاتبی، امیرشاهی، جامی، اشرف و بساطی، به قلم کتابت جلی خوش، با رقم: «تمت الکتاب... کتبه العبد... عبدالرحیم بن عبدالرحمن الخوارزمی السلطانی، فی سادس عشرین ذی قعدهٔ سنهٔ تسع و سبعین و ثمانمائهٔ الهجریهٔ»؛ یک قطعه به قلم نیم دودانگ و کتابت خوش، با رقم: «کتبه عبدالرحیم الیعقوبی». پنج اثر دیگر وی در کتاب «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۸۸ -۳۸۴ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۳۴۳)، تحفه‌ی سامی (۱۳۴)، الذریعه (۱۱۰/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۵)، گلستان هنر (۵۸ -۵۷)، مجالس النفائس (۳۰۱)، مناقب هنروران (۱۱۴، ۹۰ -۸۸).

انیسی شاملو هروی، یولقی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۵/۱۰۱۴ ق)، شاعر، متخلص به انیسی. در آغاز جوانی ملازم سلطان میرزا ابراهیم صفوی بود و تخلص انیسی را به اشاره‌ی او برای خود انتخاب کرد. سپس در هرات مدتی در خدمت علیقلی خان شاملو، بیگلربیگی هرات، سمت کتابدار اختصاصی او را داشت. پس از آن که در سال ۹۹۷ ق هرات مورد تهاجم عبداللّه خان ثانی پادشاه ازبک قرار گرفت، یولقی بیگ اسیر شد و به ماوراءالنهر برده شد. بعد از آن انیسی به هندوستان رفت و یا به قول صاحب «آتشکده‌ی آذر» از هرات به هند گریخت و به خدمت میرزا عبدالرحیم خانخانان سپهسالار مقتدر و فاتح جلال‌الدین اکبر پیوست. در هند با بعضی از شاعران، خاصه نظیری نیشابوری و شکیبی اصفهانی دوستی داشت. در برهانپور هند درگذشت. اثر وی: «دیوان» اشعار که در آن منثوی معروف «محمود و ایاز» را در برابر «خسرو و شیرین» نظامی و به همان وزن به نظم کشیده و اگر چه، ناتمام مانده است بسیار مشهور است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۴۵ -۴۴ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۷۶ -۸۷۳ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۲۳)، تذکره‌ی میخانه (۳۰۱ -۳۰۰)، دایرهٔ المعارف فارسی (۲۸۷/۱)، الذریعه (۱۱۰/۹)، ریحانه (۲۰۰ -۱۹۸ /۱)، کاروان هند (۱۳۸ -۱۲۵ /۱)، مجمع الخواص (۱۰۸ -۱۰۷).

انیسی قندهاری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۳ ق)، شاعر و مورخ. واقعه‌نویس دربار ظهیرالدین بابر بود و استادانه غزل می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۴۲).

اوبهی، سلطانعلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۵۰ ق)، خطاط و شاعر.از مردم اوبه، از توابع هرات بود. ظاهرا در فتنه‌ی هرات و غلبه‌ی صفویه، به ماوراءالنهر رفته و در بخارا زیسته است. وی از مریدان خواجه عبیداللّه احرار به شمار می‌رفت و با سلطانعلی مشهدی معاصر و معارض بود. اوبهی شاعری خوش طبع بوده و رساله‌ای در مصافحه نوشته و قطعه و رباعی را خوب می‌سروده است. او همچنین خطوط را نیز نیکو می‌نوشت.

اوبهی در خانقاه مرشدش، در سن صد و نه سالگی چشم از جهان فروبست.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۳۴/۱)، تاریخ نظم و نثر (۶۲۱)، خوشنویسان و هنرمندان (۳۷، ۹)، الذریعه (۴۵۷، ۲۲۰ /۹)، مجالس النفائس (۱۴۴).

اوجاقی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین اوجاقی قهرمان ارزنده‌ای است که بارها پرچم کشورش را در جای جای جهان به اهتزاز درآورده وی فرزند ارشد خانواده‌ای ۶ نفره می‌باشد، پدرش کارمند صنایع دفاع بوده و در خانواده او علاوه بر وی امیر اوجاقی برادرش نیز توانسته چند عنوان جهانی در سن‌شو و مهدی اوجاقی دیگر برادر او نیز در بوکس‌های داخلی مقام‌آور باشد. وی دارای مدرک فوق‌لیسانس رشته مدیریت تربیت بدنی و مجرد می‌باشد. حسین اوجاقی نیمه شب هشتم شهریور یک هزار و سیصد و پنجاه و چهار در بیمارستان فیروزگر تهران دیده به جهان گشوده، زندگیش را در جنوب شهر تهران منطقه شهر ری ادامه داده، ورزش را در سن هشت سالگی با ژیمناستیک آن هم بطور هفته‌ای سه جلسه آغاز نموده سپس در دوازده سالگی (۱۳۶۶) به کان‌ذن‌ریو روی آورد و نزد اولین استاد رزمی خود، نیک‌روش ورزشهای رزمی را با هفته‌ای سه جلسه آغاز نمود. دوران نوجوانی او با کلنجارها و سرشاخ‌شدن با هم سن و سالهایش سپری شد. وی به تمرینات مستمر و کلاسیک خود زیر نظر مربیش با نظم، خاصی ادامه داد. پس از چند سال با افتتاح کلاس کیک بوکس در منطقه شهری توسط همان مربی وی به سوی رشته‌های کیک بوکس روی آورد این روش تا سال ۱۳۷۲ ادامه یافت، پس از آن با مرحوم فریدون مالکی (یکی از نام‌آوران رشته‌های رزمی ایران) آشنا شد و در لباس شاگردی به تمرین پرداخت به زعم وی شخصیت رزمی‌اش نزد ایشان شکل گرفت و احساس تکامل در هنر رزمی به او دست داد وی معتقد است از لحاظ تکنیک و مسائل مربوط به هنر رزمی هر آنچه دارد را مدعون مرحوم مالکی می‌باشد در کنار اینها بوکس را نزد حاج آقا محمدی باز هم در همان محله تهران ادامه داد، پس از چند سال نگاه وی به ورزش حرفه‌ای جلب شد چرا که او بصورت حرفه‌ای تمرین می‌کرد، اما او احساس کرد در مسابقات حرفه‌ای جای خالی پرچم ایران احساس می‌شود هر چند در برخی از رشته‌ها و در قسمت آماتور پرچم کشورش به اهتزاز در می آمد، اما حسی درونی او را به حضور در میادینی بزرگتر فراخواند این حس باعث شد تا برای ارضای نیاز درونی خود به مسابقات حرفه‌ای روی آورد * تکنیک برتر مبارزاتی اوجاقی بیشتر سعی می‌کند از تمام ضربات دست و پا استفاده کند و فنون درگیری را هم داشته باشد اما ضربه پا بالا (های کیک) وی چیزی دیگر است و او را راضی می‌کند. * به آنچه که خواسته رسیده یا نه پاسخ وی در این خصوص منفی بود چرا که اعتقاد دارد هر گاه به آنچه که می‌خواهی برسی این درست زمانی است که انگیزه اصلی که همان ادامه روند پیشرفت است را از دست خواهید داد. * آخرین برنامه حرفه‌ای که حسین در پیش رو دارد بنا به دعوتی از طرف یکی از باشگای ژاپنی به توکیو (ژاپن) رفتم و نزد کوبوسان رفتم وی با هماهنگی با مسئولین سازمان K-۱ ژاپن آقای کانی گاوا و ایشی کای‌چو و توافق انجام شده به عضویت تیم K-۱ جهت حضور در رقابتهای ۱۱ ژوئن ۲۰۰۶ (مسابقات آزاد بین سازمان K-۱ و ساندا‌چین) تیم ساندا‌چین با قهرمانان نامی ساندا و در تیم K-۱ نیز قهرمانان نامی این سازمان از جمله آلن کرایف (روسیه) و ...تیم را همراهی می‌کند در وزن ۸۰ کیلو افتخار همراهی این تیم را دارم یکی از حسن‌های K-۱ این است که از هر فرد از تیم K-۱ با پرچم کشورش وارد مسابقات می‌شود و این یکی از شرطهای من بوده. * بهترین برد بازیهای آسیایی بوسان و کسب مدال طلای این دوره برای من شیرین بود چرا که توانستیم با این طلا چند پله کشورم در بین کشورهای آسیایی صعود کند. عناوین مدال محل مسابقات سال رشته عنوان مسابقات نقره چین ۲۰۰۷ سن شو جهانی طلا ایتالیا ۱۹۹۷ سن‌شو جهانی طلا هنگ‌کنگ ۱۹۹۹ سن‌شو جهانی نقره ارمنستان ۲۰۰۱ سن‌شو جهانی برنز ماکائو ۲۰۰۳ سن‌شو جهانی طلا ایتالیا ۲۰۰۱ ساندا جام‌جهانی طلا شانگهای (چین) ۲۰۰۲ سن‌شو جام‌جهانی طلا-ایتالیا ۲۰۰۵ ساندا جام‌جهانی نقره تایلند ۱۹۹۸ سن‌شو بازیهای آسیایی طلا بوسان (کره‌جنوبی) ۲۰۰۲ سن‌شو بازیهای آسیایی طلا ویتنام ۲۰۰۰ سن‌شو قهرمانی آسیا طلا میانمار ۲۰۰۴ سن‌شو قهرمانی آسیا طلا ترکیه ۱۹۹۸ سن‌شو بین‌المللی طلا ارمنستان ۱۹۹۹ سن‌شو بین‌المللی

اوجاقی، ناصرالدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصرالدین اوجاقی

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه قم شدم در مدرسه علمیه معصومیه تحصیلات حوزوی خود را شروع کردم و در

سال ۱۳۷۴ وارد موسسه امام خمینی (ره) شدم.

در کنار دروس حوزوی دوره عمومی این موسسه را نیز گذراندم و نیز در سال ۱۳۸۰ مدرک کارشناسی ارشد پیوسته الهیات و معارف اسلامی را از این موسسه اخذ کردم در همین سال نیز موفق به اتمام پایه ۱۰ حوزه شدم. در ادامه به خاطر علاقه ای که به رشته دین شناسی داشتم با شرکت در آزمون به تحصیل در این رشته در مقطع کارشناسی ارشد در موسسه امام خمینی (ره) اشتغال یافتم. در همین دوره حین تحصیل دوره کارورزی تحقیق را نیز گذراندم و موفق به اخذ مدرک این دوره شدم و در بهار سال ۱۳۸۶ مدرک کارشناسی ارشد دین شناسی را نیز اخذ کردم.

اکنون نیز در قسمت پژوهشی موسسه مذکور اشتغال به امر پژوهش دارم و علاوه بر آن با بخش دایرهٔ المعارف علوم عقلی نیز همکاری دارم.

اوجی شیرازی غیاثا

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. تذکره‌نویسان او را اوج‌گرای سپهر سخنوری دانسته‌اند از اوست:

دهد هر ذره‌اش را میل با خورشید

صبا خاکستر پروانه را بیکار نگذارد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۹۱ -۹۰)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳۶۹/۱)، فرهنگ سخنوران (۱۰۷)، مرآت الفصاحه (۷۲ -۷۱).

اوجی نطنزی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اصل وی از نطنز اصفهان بود. مدتی در عهد شاه‌عباس صفوی در هرات در خدمت حسین‌خان شاملو به سر می‌برد و مداحی او می‌کرد. گویا در آغاز مشرب، صافی داشت ولی در آخرت تایب شده قصیده‌ای نیز در باب توبه سروده است.

از آثار وی: «دیوان» اشعار مشتمل بر حدود ده هزار بیت. از اوست:

قابل مات نیم، اما برغم آسمان

گر همه از گریه‌ی شادیست، چشمی تر کنید

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۲۶/۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۵۰ -۲۴۹)، الذریعه (۱۱۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۷).

اوحد سبزواری، خواجه فخرالدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۶۸ ق)، منجم، حکیم، ادیب و شاعر، متخلص به اوحد. از اعیان سبزوار و از خاندان مستوفی آن سامان و از معاصران امیرعلیشیر نوایی، شیخ آذری، مولانا یحیی سیبک و مولانا حسن سلیمی تونی و امیرشاهی سبزواری بود. با وجود فضل و حکمت مشرب فقر و درویشی داشت و همیشه جمعی از وی استفاده می‌بردند. بنا به گفته‌ی دولتشاه یک هزار جلد کتاب فارسی و عربی جمع کرد و آن را به خط خود تصحیح و مقابله نمود، وی در سبزوار درگذشت. اثر وی: «دیوان» اشعار مشتمل بر قصاید و غزلیات و مقطعات است و قصاید غرّا در مدایح ائمه (ع) گفته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۳۹۸ -۳۹۷ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۰۴ -۳۰۳)، تذکره‌ی روز روشن (۹۱)، الذریعه (۱۱۱/۹)، ریحانه (۲۰۰/۱)، الکنی والالقاب (۲۰۰/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ اوحد)، مجالس المؤمنین (۶۶۸ -۶۶۷ /۲)، مجالس النفائس (۲۰۰، ۲۶).

اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۳۰ -۹۷۳ ق)، تذکره‌نویس و شاعر، متخلص به اوحدی. از خاندان مشایخ معروف بلیانی کازورن بود. نسب او با هفت واسطه به

یکی از مشایخ این طایفه یعنی اوحدالدین عبداللّه بن ضیاءالدین مسعود می‌کشد و نسب ضیاءِالدین مسعود بلیانی با پنج واسطه به ابوعلی نیشابوری معروف به دقّاق، از عارفان بزرگ سده‌ی چهارم و آغاز سده‌ی پنجم قمری، می‌رسد. پدرش پیش از ولادت او به هندوستان رفت و در همان جا درگذشت. تقی‌الدین تا دوازده سالگی که مادرش درگذشت در اصفهان ماند و مقدمات ادب و بعضی از معارف را فراگرفت. پس از فوت مادرش به شیراز رفت و نزد ملامیر قاری گیلانی ریاضیات و علوم غریبه را آموخت و داماد او شد. در دکان میرمحمود طرحی شیرازی که مجمع شاعران بود با چند تن از آنان که سرشناس‌تر از همه عرفی شیرازی بود آشنا شد. از مختصان و تربیت شدگان شاه طهماسب اول بود و در دربار شاه اسماعیل دوم و محمد خدابنده و سپس شاه‌عباس اول مقام داشت و ملازم رکاب شاه‌عباس بود. در شهرهایی مانند قزوین و قم و کاشان و اصفهان و یزد و شیراز به سر برد و بین سالهای ۱۰۰۹ –۱۰۰۵ ق به زیارت عتبات رفت. در اواخر عمر در ۱۰۱۵ ق در عهد جهانگیر شاه به هندوستان رفت. پس از یک سال و نیم همراه اردوی جهانگیر متوجه‌ی آگره شد و پس از مدتی کمتر از یک سال به گجرات رفت و سه سال آنجا اقامت نمود.در سال ۱۰۲۰ ق قصد حجاز کرد که ممکن نشد. به آگره بازگشت و در آنجا به تألیف «عرفات» پرداخت. وی در هندوستان درگذشت. از آثار وی: «سرمه‌ی سلیمانی» در بیان واژه‌های دشوار فارسی و برخی از نامهای تاریخی و جغرافیایی و داروها و پاره‌ای اصطلاحات و کنایه‌ها؛ «تذکره‌ی عرفات العاشقین و عرصات العارفین» که تذکره‌ی عمومی است و شامل سرگذشت و منتخب اشعار بیش از سه هزار و سیصد شاعر متقدم و متأخر تا زمان مؤلف و به ترتیب الفبایی است؛ اوحدی در سال ۱۰۲۲ ق تألیف آن را آغاز کرد و در سال ۱۰۲۴ ق به پایان رسانید؛ «مفتاح مفاتیح»؛ «کافیهٔ القافیه»؛ «جفر اوحد»؛ «عینیه»؛ «دیوان وحشی» را هم او گرد آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۳۲ –۱۷۳۰ /۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۲۳ –۲۱ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۳۸۰ –۳۷۹)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۰۴ –۳۰۳)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳۷۱ –۳۷۰ /۱)، الذریعه (۱۷۳/۹، ۱۷۳، ۱۰۴ /۱۲)، ریحانه (۲۰۱/۱)، صبح گلشن (۸۹ –۸۸)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۴۴۵/۲)، فرهنگ سخنوران (۱۰۹)، لغت‌نامه (ذیل/ اوحدی)، مرآت الفصاحه (۷۴ –۷۳).

اوحدی کرمانی، ابوحامد، احمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۳۵/۶۳۶ ق)، عارف و شاعر. از بزرگان صوفیه بود که در بردسیر کرمان متولد شد. در شانزده سالگی به بغداد رفت و در مدرسه‌ی حکاکیه‌ی بغداد به فراگیری حدیث و فقه پرداخت و پس از درگذشت استادش همان جا به تدریس پرداخت. بعد از مدتی، تدریس را رها کرد و به ریاضت پرداخت و در آخر، قصد سفر مکه و زیارت خانه‌ی خدا کرد. مدتی در بغداد حیران و سرگردان به هر جایی می‌رفت و از همین رو به جنون متهم شد. سپس به خدمت رکن‌الدین سجاسی رفت و مرید وی شد. از شیخ رکن‌الدین خرقه و اجازه‌ی ارشاد گرفت و ظاهراً با دختر وی ازدواج کرد. در خوارزم با شیخ نجم‌الدین کبری ملاقات کرد و با محیی‌الدین عربی، شمس تبریزی و سعدالدین حموی مصاحب بود. گویا با سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه و پادشاه شروان نیز ملاقات داشته. مستنصر خلیفه‌ی عباسی مرید او بود و در سال ۶۳۲ ق از سوی خلیفه‌ی بغداد به پیشوایی صوفیان بغداد در رباط مرزبانیه منصوب شد. فخرالدین عراقی و اوحدی مراغه‌ای از شاگردان او بودند. وی مدام به چله‌نشینی و ریاضت مشغول بود در مجالس او غالباً مطربان به خواندن اشعار عرفانی می‌پرداختند و هنگامی که شیخ گرم می‌شد پیراهن خود را چاک می‌زد و سینه به سینه عارفی می‌گذاشت تا آرام شود. گویند پسر خلیفه‌ی بغداد می‌خواست در مجلس او حاضر شود، به او گفتند که طریقه‌ی شیخ این است، پسر خلیفه گفت که اگر با من چنین کند او را می‌کشم. اما وقتی در مجلس او حاضر شد گریبان درید و با عذرخواهی سر در قدم او نهاد. در سرودن شعر فارسی به سبک عرفا بسیار توانا بود و رباعیاتش در تصوف بسیار معروف است و بسیاری از آنها به اسم عمر خیّام معروف شده است. در صالحیه‌ی دمشق در جوار قبر شیخ محیی‌الدین عربی مدفون است. از آثار وی: «دیوان» اشعار.[۱]

ابوحامد (یا حامد) کرمانی، عارف مشهور قرن هفتم (ف. ۶۳۵ ه.ق./ ۱۲۳۷ م.) وی به صحبت محیی‌الدین عربی رسید. در سال ۶۳۲ مستنصر خلیفه وی را خلعت داد و به سمت شیخی رباط مرزبانیه منصوب کرد. اهل بغداد نزد او می‌رفتند و از مجالس او فواید برمی‌گرفتند. روش وی در تصوف مبتنی بر عشق به مظاهر بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۶۱۶ –۶۱۲ /۲)، از سعدی تا جامی (۱۸۲ –۱۸۱)، تاریخ گزیده (۶۶۷)، تاریخ نظم و نثر (۱۷۳)، جستجو در تصوف (۱۸۱ –۱۷۸)، حبیب السیر (۱۱۶/۳)، دایرهٔ‌المعارف فارسی (۲۹۲/۱)، ریاض العارفین (۳۸ –۳۷)، ریحانه (۲۰۲ –۲۰۱ /۱)، ستارگان کرمان (۶۶ –۶۴)، طرائق الحقائق (۶۳۰ –۶۲۷ /۲)، مجمع الفصحا (۲۳۷ –۲۳۶ /۱)، نفحات الانس (۵۹۰ – ۵۸۶)، هفت اقلیم (۲۶۷ –۲۶۵ /۱).

اوحدی مراغی اصفهانی، رکن‌الدین، اوحدالدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۳۸ -۶۷۳ /۶۷۰ ق)، عارف و شاعر. در مراغه متولد شد. تخلص او در ابتدا صافی بود، اما بعد از انتساب به طریقت اوحدالدین کرمانی اوحدی تخلص می‌کرد، و ظاهراً با یک واسطه مرید او بود. اوحدالدین در زمان ارغون خان مغول متولد و معاصر غازان خان بود. سالهای اول حیات را در مراغه گذراند و تربیت عرفانی خود را از آذربایجان آغاز کرد. مدتی نیز به سیر در آفاق و انفس و درک حضور مشایخ در بلاد مختلف پرداخت. چند سال در زادگاه پدر خویش اصفهان اقامت گزید و مجدداً به آذربایجان بازگشت و در مراغه به ارشاد خلق و نظم اشعار عارفانه پرداخت و در همان جا درگذشت. آثار وی: «دیوان» اشعار مشتمل بر قصاید و ترجیعات و غزلها و رباعیات در هشت هزار بیت؛ «ده‌نامه» یا «منطق العشاق» که حدود ششصد بیت شعر دارد؛ «جام جم» منظومه‌ای در پنج هزار بیت.[۱]

مراغه‌ای اصفهانی، رکن‌الدین شاعر متصوف قرن هشتم (ف. ۷۳۸ ه.ق./ ۱۳۳۷ م.) وی به سبب ولادت در مراغه به مراغه‌ای و به سبب مدتی سکونت در اصفهان به اصفهانی مشهور است. تخلص او از لقب اوحدالدین ابوحامد کرمانی- که به یک واسطه مریدش بوده- مأخوذ است. اوحدی قسمت اخیر عمر خود را در آذربایجان به سر برده و در آنجا مثنوی «جام جم» (ه. م.) را پرداخته. وی دیوانی شامل قصاید و غزلیات و رباعیات دارد که در هند به طبع رسیده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۲۱۲ -۲۰۶ /۱)، از سعدی تا جامی (۱۸۶ -۱۸۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۴۴ -۸۳۱ /۳)، تاریخ گزیده (۷۱۹ -۷۱۸)، تاریخ نظم و نثر (۱۹۹)، تذکرة الشعراء (۲۳۸ -۲۳۲)، جستجو در تصوف (۳۲۸)، حبیب السیر (۲۲۰/۳)، دانشمندان آذربایجان (۵۶ -۵۵)، دایرۀالمعارف فارسی (۲۹۲/۱)، الذریعه (۱۱۱/۹ -۲۳/۵)، ریاض العارفین (۳۵ -۳۴)، ریحانه (۲۰۴ -۲۰۲ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۰۸)، لغت‌نامه (ذیل/ اوحدی مراغی)، مؤلفین کتب چاپی (۷۰۴ -۷۰۳ /۱)، مجالس المؤمنین (۱۲۵ -۱۲۱ /۲)، مجمع الفصحا (۲۵۵ -۲۴۸ /۱)، نفحات الانس (۶۰۴ -۶۰۳)، هفت اقلیم (۳۹۵ -۳۸۸ /۲).

اوحدی مشهدی، عمادالدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۱۴ ق)، شاعر. وی شاگرد حاجی محمد خبوشانی بود. که به سبب اختلاف مذهب که با محمدخان شیبانی داشت به وسیله او به قتل رسید. از اوست:

بر مشهد دوست تحفه جز جان نبری

دردش چو دهند نام درمان نبری

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۹۱)، الذریعه (۱۱۲/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۹).

اوحدی، تقی‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌معین‌الدین بن سعدالدین محمد دقاقی بلیانی کازرونی.

فاضل ادیب شاعر، از احفاد اوحدالدین بن عبدالله بلیانی صوفی متوفی به سال ۶۸۰ و مذکور در نفحات الانس می‌باشد.

در ۴ شنبه ۳ محرم ۹۷۳ در اصفهان متولد شده، خدمت بزرگان علم و ادب تحصیل نموده، نزد شاه عباس معزز و محترم می‌زیسته.

در ۱۰۱۵ به هندوستان رفته، و در آنجا به سال ۱۰۳۰ وفات یافته. کتب زیادی نوشته، از آن جمله است:

۱ - دیوان اشعار با تخلص «تقی» ۲ - ساقی نامه، به نام نشأۀ بی‌خمار ۳ - سرمه‌ی سلیمانی، در لغت ۴ - عرفان، مختصر کتاب عرفات ۵ - عرفات العاشقین، تذکره‌ی شعرا، و معروف‌ترین تألیفات او ۶ - کعبه‌ی مراد ۷ - مثنوی دکان ۸ - مثنوی یعقوب و یوسف؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اوراق، سلطان بیگم

قرن:۹

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن نهم هجری، از زنان فاضل و ادیب و شاعر. پدرش امیر اسکندر (۸۴۱ -۸۲۳ ق) از امرای سلسله قره‌قوینلو بود. این سلسله شیعی مذهب بودند و بر آذربایجان حکومت می‌کردند. وی مانند خواهرش آرایش بیگم طبع شعر داشت و بیت زیر نقش مهر او بود:

بود از جان محب آل حیدر

اوراق سلطان بنت شه سکندر

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات)، ۴۴ / ۳؛ ریاحین‌الشریعه، ۳۶۳ / ۳؛ النساءالمؤمنات، ۲۵۰ -۲۴۹.

اورعی، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی اورعی

محل تولد : خوانسار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان دوره ابتدائی در سال ۵۱ وارد حوزه علمیه خوانسار و در سال ۵۳ وارد حوزه علمیه قم شدم. سطح را در مدرسه مرحوم آیـهٔالله گلپایگانی خوانـدم و درس خارج را در محضـر مرحوم آیـهٔالله فاضل و حضـرت آیـهٔالله مکارم شـیرازی شـرکت کردم. زبان انگلیسـی را در دفتر تبلیغات فرا گرفتم. سفرهای تبلیغی به زبان انگلیسی در کشورهای یاد شده داشتم. ۱۴ سال است که در نگارش دائرهٔ المعارف قرآن کریم و فرهنگ قرآن در مرکز فرهنگ و معارف قرآن مشارکت دارم.

اورنگ شیرازی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۴ -۱۲۸۶ ق)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به اورنگ. مشـهور به وقارالسلطنه. وی نواده‌ی وصال شیرازی بود و علوم ادبی و فارسی و عربی را در محضر پدر آموخت. سفری به عراق رفت و چندی در اصفهان و تهران اقامت کرد. در یکی از دوره‌ها از سوی مردم فـارس به نماینـدگی مجلس شورای ملی انتخـاب شـد و از آن پس در تهران سـاکن شـد و ریاست دفتر رییس الوزراء ایران را قبول کرد. پس از مرگ پدر به عتبات سـفر کرد و بعد از شـش ماه در سال ۱۳۱۳ ق به تهران بـازگشت و با مؤلف «طرائق الحقائق» معاشـر شـد و مورد نوازش صـدراعظم قرار گرفت. وفات وی در تهران اتفاق افتاد و در ابن‌بابویه به خاک سپرده شد. اثر وی: دیوان «اشـعار»، و از خطوط او: یـک نسـخه «لوایـح» جـامی، به قلم کتـابت خفی خوش در کتابخـانه‌ی مجلس شورای ملی، که چنین تمـام می‌شود، «به انجام رسـید... در چهارم شـهر ربیع‌الاول من شـهور سـنه ۱۳۱۳ صـلاث عشـر و ثلاثمائهٔ بعدالالف، علی ید تراب اقدام العارفین محمودالمتخلص به اورنگ ابن الفرهنگ ابن الوصال». اثر دیگر وی، «نصاب الرجال» است که منظومه‌ای فکاهی است و در آن از اوضاع ایران و فساد اخلاق مردمش به اسلوب زیبایی انتقاد کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۳۶۴ -۳۶۳)، احوال و آثار خوشنویسان (۸۶۷ -۸۶۶ /۳)، حدیقهٔ الشعراء (۲۰۲ -۲۰۰ /۱)، دانشمندان و سخن سـرایان فـارس (۳۷۶ -۳۷۱ /۱)، الـذریعه (۱۱۲/۹)، ریحـانه (۳۲۸/۶، ۲۰۶/۱)، شـرح حـال رجـال (۲۵۹/۶)، طرائق الحقـائق (۳۸۱/۳)، لغت‌نامه (ذیل/ اورنگ شیرازی)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰ -۹ /۶)، مرآت الفصاحه (۷۶ -۷۵).

اوژن بختیاری، ابوالفتح

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۴ ق)، نویسـنده و شاعر، متخلص به اوژن. در چهارمحال بختیاری به دنیا آمـد و تحصـیلات مقـدماتی را در مکاتیب قدیمی گذراند. سپس به اصفهان رفت و در آنجا به ادامه تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۰۸ ش به تهران آمد و تصدیق‌نامه نهایی تحصیلات متوسـطه را از دارالفنون دریـافت نمود. در سال ۱۳۱۲ ش پس از طی دوره‌ی دانشـکده‌ی افسـری به درجه‌ی سـتوان دومی نائل آمد. خدمت در ارتش را تا درجه سـرهنگی ادامه داد. در سال ۱۳۱۸ ش نـام خانوادگی خود را از ایل‌بک به اوژن تغییر داد. از آثار وی: «دو جوان در شهر ورنا»؛ «قصه‌ی زمستانی»؛ «تاریخچه‌ی دو قرن اخیر شعرا و عرفای چهارمحال بختیاری»؛ «همانکه دلت می‌خواهد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۷۳ -۷۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۰۹ -۳۰۸ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۶ -۱۹۵ /۱).

اوستا، مهرداد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۲۰ بهمن ۱۳۰۸، بروجرد.

درگذشت: ۱۷ اردیبهشت، ۱۳۷۰، تهران.

محمدرضا رحمانی یاراحمدی مشهور به مهرداد اوستا که در شعر «اوستا» تخلص می‌کرد، از ده سالگی به سرودن شعر پرداخت و تخستین شعری را که سرود در سوگ امام حسین (ع) بود. بعد از پایان دوره‌ی دبستان در سال ۱۳۲۱، برای تحصیلات متوسطه به تهران آمد و پس از تحصیل در یکی از دبیرستان‌های شبانه در سال ۱۳۲۷ دیپلم ادبی گرفت. در همان سال همکاری با آموزش و پرورش (به عنوان مسئول سامان داده به کتابخانه‌های موجود در این وزارتخانه و تأسیس کتابخانه‌های شهرستان‌ها، اصلاح متون و مقالات و کتب ادبی این وزارتخانه، تدریس در چند دبیرستان) آغاز و همزمان وارد دانشگاه شد و در سال ۱۳۳۰ از دانشکده معقول و منقول (دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی تهران) موفق به دریافت مدرک کارشناسی شد و سپس به ادامه‌ی تحصیل پرداخت و کارشناسی ارشد خود را در همین رشته گرفت. در شهریور ۱۳۳۲ به سبب طرفداری از دکتر محمد مصدق، مخالفت با شاه و سخنرانی‌های انقلابی در جریان کودتای ۲۸ مرداد دستگیر و به مدت هفت ماه زندانی شد. ضمنا همان سال اوستا به تصحیح و چاپ دیوان سلمان ساوجی اقدام نمود. در سال ۱۳۳۳ رساله‌ای در فلسفه، منطق و روان شناسی و اخلاق را منتشر ساخت و شروع به تدریس در دانشگاه تهران نمود. سپس کتاب فلسفی عقل و اشراق و پس از آن رسائل خیام (نوروزنامه- رساله‌ی موجود) را با مقدمه و تحقیق در زندگی خیام تحقیق و منتشر کرد.

در سال ۱۳۳۵ با سباستین مونه، فیلسوف و شرق‌شناس فرانسوی، آشنا شد و نزد ایشان شروع به تحصیل فلسفه تکمیلی نمود و در مقابل، عرفان مشرق زمین و آثار عرفای اسلامی از جمله مولوی و عطار نیشابوری را به مونه درس می‌داد. این ارتباط تا سال ۱۳۳۹ ادامه داشت. در این سال اولین مجموعه شعر خود را به نام کاروان از دست رفته را منتشر ساخت. سال‌ها بعد پالیزبان، حماسه آرش و از امروز تا هرگز را منتشر ساخت. در تابستان ۱۳۴۶ برای نخستین بار برای مدت یک ماه به کشورهای فرانسه، انگلستان و ایتالیا سفر کرد. دو سال بعد کتاب اشک و سرنوشت که گزیده‌ای از شاهکارهای ادبی جهان است و سپس روش تحقیق در دستور زبان فارسی و شیوه نگارش را منتشر کرد. در سال ۱۳۴۹ برای بار دوم به اروپا سفر کرد و در مدت اقامت یک ماه‌اش در فرانسه و سوییس با ژان‌پل سارتر ارتباط برقرار کرد. این ارتباط چندین سال ادامه داشته است. در تیر ۱۳۵۱ مجموعه‌ی شعر شراب خانگی ترس محتسب خوره را به رشته‌ی تحریر درآورد که در همان سال توقیف شد. در خرداد ۱۳۵۲ کتاب انتقادی تیرانا را منتشر کرد که این کتاب هم توقیف شد. ضمنا به سبب طرح پاره‌ای از مسائل و از جمله ذکر نام حضرت امام خمینی (ره) در این کتاب مدت یک سال ممنوع‌القلم گردید. در تابستان ۱۳۵۶ به فرانسه و سوییس رفت و با سید محمدعلی جمالزاده در ژنو دیداری داشت. در شهریور ۱۳۵۹ نیز یک ماهی در فرانسه اقامت گزید و در دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی این کشور سخنرانی‌هایی نمود. با شروع جنگ تحمیلی بارها در جبهه‌ها و مناطق جنگی حضور داشت. در سال ۱۳۶۰ مجموعه شعر امام حماسه‌ای دیگر را ساخت. در زمستان سال ۱۳۶۲ جهت معالجه بیماری قلبی و بازگردانیدن چند کتاب ارزشمند خطی به کشور که در سال‌های انقلاب به فرانسه منتقل شده بود، برای مدت یک ماه به فرانسه رفت. در زمستان ۱۳۶۷ به پاکستان رفت و چندین سخنرانی درباره‌ی شخصیت حافظ و آثار او ایراد نمود. ضمنا مجتمع هنر و ادبیات مقدس طی مراسمی در تالار وحدت در سال ۱۳۶۷ لوح دست خط زرین حضرت امام (ره) و دیپلم افتخار و سکه‌ی یادبود مجتمع را به مهرداد اوستا به عنوان برگزیده‌ی بخش شعر اهدا نمود. در سال ۱۳۶۹ نیز خلیل‌الله خلیلی، قصیده‌سرای افغانی، سخنرای نمود. استاد اوستا، طی سال‌های تدریس در مراکزی چون دانشگاه‌های تهران، ملی، مدارس عالی ترجمه و پارس، مجتمع عالی هنر، فلسفه تاریخ هنر، تاریخ هنر، تاریخ اجتماعی هنر، روش تحقیق هنر در اروپا، روش تحقیق هنر در شوق، ادبیات جهان، ادبیات نمایشی، زیبایی شناسی، روش تحقیق در زیبایی شناسی، به تدریس تاریخ موسیقی اشتغال داشت. آخرین سال‌های تدریس استاد ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ بود که در دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران تاریخ موسیقی تدریس می‌کرد. وی همچنین مشاور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود.

استاد اوستا با اینکه بیشتر به قصیده‌سرایی متمایل بود در زمینه‌های دیگر شعر همانند غزل، مثنوی، دو بیتی‌های پیوسته، رباعی و غیره نیز تسلط داشت. از نظر قالب به شیوه شعرای خراسانی و بیشتر پیرو ناصر خسرو، خاقانی و مسعود سعد بود و در اندیشه‌های شاعرانه‌اش غالبا دقایق فلسفی و تفکرات حکیمانه را می‌پروراند. وی معتقد بود که «یک هنرمند باید فرزند زمان خود باشد و اگر احیانا خود نیازمندی‌های زیادی از نظر مادی ندارد باید آنقدر روحیه‌ی حساس و تأثیر پذیری داشته باشد که درها و نیازمندی‌های اکثریت مردم را درک کند و آینه‌ی گویای رنج و شادی مردم زمان باشد.»

فهرست آثارش (هرچند برخی از کتاب‌هایی که در زیر آمده در هیچ کتابخانه‌ای یافت نشد، معهذا عنوان آن در اینجا ذکر شد). به این شرح است: از امروز تا هرگز (نثر داستانی، ۱۳۴۵)؛ از کاروان رفته (شعر، ۱۳۳۹)؛ اشک و سرنوشت (قطعه‌های ادبی، ترجمه، شعر)؛ امام، حماسه‌ای دیگر (۱۳۶۸)؛ پالیزبان (شعر، ۱۳۴۲)، پرنیان (شعر)؛ تحلیل فلسفی علمی پیرامون اصول ادیان؛ رسائل خیام؛ نوروزنامه- رساله وجود (تصحیح، مقدمه و تحقیق در زندگی خیام)؛ تصحیح دیوان سلمان ساوجی؛ تصحیح و تحقیق کلیات شیخ سعدی؛ تعریف و توجیه انسان؛ تیرانا (نثر انتقادی، ۱۳۵۲)؛ حماسه آرش (شعر، ۱۳۴۴)؛ راما (شعر ۱۳۷۰)؛ رساله‌ای در منطق؛ فلسفه؛ روان شناسی و اخلاق، روش تحقیقی در تاریخ هنر؛ روش تحقیق در تحولات فکری و فلسفی در اروپا و آسیا؛ روش تحقیق در دستور زبان و شیوه نگاش (۱۳۴۸)، روش تحقیق در زیبا شناسی؛ روش تحقیق در بیان فلسفی اسطوره‌ها؛ روش تحقیق در بیان دین و اخلاق؛ سرود ناتمام (مجموعه شعر از عبدالله صاحلی سمنانی، با دیباچه‌ای از استاد اوستا، ۱۳۵۳)؛ سیر مکاتب هنری در ایران؛ شراب خانگی ترس محتسب خورده (شعر، ۱۳۵۱)؛ عدالت، حکومت، جامعه، عقل و اشراق؛ کارنامه‌ی شعر معاصر پارسی؛ لحن شناسی (پیرامون آثار و افکار بزرگان سخن ایران)؛ مجموعه مقالات، مقدمه‌ای بر دیوان حافظ، مکاتب فلسفی در آسیا؛ مکاتب

فلسفی در اروپا؛ مکاتب هنری در اروپا؛ مکاتب هنری در شرق؛ منطق حماسی مهابهارات؛ منطق کلام حافظ؛ منطق کلام فردوسی؛ نامه‌ها؛ نقد و بررسی آثار سنائی.

استاد مهرداد اوستا سرانجام در روز هفدهم اردیبهشت ۱۳۷۰ به هنگام اشتغال به تصحیح شعر و تعلیم، در تالار وحدت- شورای شعر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی- در ساعت ۱ / ۳۰ بعدازظهر به سبب سکته‌ی قلبی درگذشت و فردای آن روز پیکر وی در بهشت زهرا در مقبره‌ی مشاهیر فرهنگ، ادب و هنر ایران در کنار مجتبی مینوی و مشایخ فریدنی (حجره ۹۵۳) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اوکتای قاجار

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۹۵ ق)، نقاش، خطاط و شاعر. ظاهراً به دلیل تغییر اوضاع، همراه نزدیکان و عموهای خود در مهاجرت بود، سپس در همدان ساکن شد و پس از ازدواج دخترش، ملقب به افسرالسلطنه، با ناصرالدین شاه در دربار تقرب بیشتری یافت. خط شکسته را به خوبی می‌نوشت و در آبرنگ و شبیه‌سازی دست داشت. وی صاحب دو «دیوان» مرتب بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۹۳/۱)، حدیقهٔ الشعراء (۲۰۳ -۲۰۲ /۱)، الذریعه (۱۱۲/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۱۰)، مصطبه‌ی خراب (۱۷).

اولیاء

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، خطاط. از خوشنویسان گمنام بود. به خط، قطعه‌ای است به قلم چهاردانگ خوش، با رقم: «الفقیر اولیاء غفرله»، در کتابخانه‌ی سلطنتی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۲/۱).

اولیاء سمیع، محمدابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۰ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به صفا. معروف به حاجی‌آقا اولیاء سمیع. وی از نوادگان میرغیاث‌الدین منصور و از سادات دشتکی اهل‌اللّه بود. همه‌ی خاندان او به همین نام معروف بوند. در خدمت حسام‌السلطنه، سلطان مراد میرزا، تربیت یافت. پس از تحصل علم و معرفت در شیراز، به بمبئی رفت و کتابهای «تاریخ وصاف»، «دیوان» حافظ، «انوار سهیلی»، «شاهنامه فردوسی»، «دیوان قاآنی» را به خط خود نوشت و چاپ کرد و تاکنون نسخه‌های آن در کتابخانه‌های ایران موجود است. سالها در بمبئی و حیدرآباد به سر برد و در آنجا به تجارت پرداخت. در آخر کلیه مال‌التجاره او در دریا غرق شد و تهی‌دست به حیدرآباد رفت و در آنجا به تعلیم زبان فارسی مشغول شد. پس از چندی به مشهد و از آنجا به شیراز رفت و همان جا درگذشت. جسدش را به نجف منتقل کردند. اولیاء سمیع نستعلیق را خوش می‌نوشت و شعر نیز می‌سرود. از آثار وی: «دیوان» شعر؛ «تاریخ وصاف»، که به سال ۱۲۶۹ ق در بمبئی چاپ شده است، به قلم کتابت خفی خوش؛ «اخلاق ناصری» و غیره، که اجزاء خمسه‌ی آن در یک مجلد به سال ۱۲۸۶ ق در بمبئی چاپ شده، به قلم کتابت خفی خوش، شش دفتر «مثنوی» مولانا، که به سال ۱۲۷۰ ق چاپ شده، به قلم کتابت خفی خوش. و دو اثر دیگر که در کتاب «احوال و آثار خوشنویسان» به آنها اشاره شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۶۱)، احوال و آثار خوشنویسان (۶۲۴ -۶۲۳ /۳)، حدیقهٔ الشعراء (۱۰۲۲ -۱۰۲۱ /۲)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۴۶۲ -۴۵۹ /۳)، الذریعه (۶۰۹/۹)، ریحانه (۴۴۷/۳)، سفینهٔ المحمود (۵۵۶ -۵۵۵ /۲)، طرائق الحقائق (۵۱۶/۳)، لغت‌نامه (ذیل/ صفا)، مرآت الفصاحه (۳۵۵ -۳۵۴)، مصطبه‌ی خراب (۱۱۸)، نگارستان دارا (۲۱۸ -۲۱۶).

اولیایی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی اولیایی در سال ۱۳۱۶ ، در یکی از روستاهای ملایر به دنیا آمد. پس از آنکه تحصیلات خود را در مقطع ابتدایی و متوسطه

به پایان برد ، در سال ۱۳۴۴ وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۴۹ موفق به اخذ لیسانس شد. پس از آن هم چنان به تحصیلات خود ادامه داد تا آنکه در سال ۱۳۵۵ ، موفق به اخذ درجه ی دکتری فرهنگ عربی و علوم قرآنی شد. او که در سال۱۳۲۶وارد شده بود، پس از اخذ درجه دکترا به دانشگاه تربیت معلم منتقل گردید و تا سال ۱۳۵۶ در دانشسرای عالی زاهدان که وابسته دانشگاه زاهدان بود به تدریس پرداخت. دکتر اولیایی سپس به دانشگاه اراک رفته و فعالیت های آموزشی خود را در این دانشگاه دنبال نمود. وی در طول خدمات آموزشی و تدریس در دانشگاه ، به کار پژوهش و تالیف نیز پرداخته است و آثاری چند به چاپ رسانده است.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی گرایش : علوم قرآنی تحصیلات رسمی و حرفه ای : مصطفی اولیایی پس از آنکه تحصیلات خود را در مقطع ابتدایی و متوسطه را به پایان برد ، در سال ۱۳۴۴ وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۴۹ موفق به اخذ لیسانس شد. پس از آن همچنان به تحصیلات خود ادامه داد تا آنکه در سال ۱۳۵۵ ، موفق به اخذ درجه ی دکتری فرهنگ عربی و علوم قرآنی شد.فعالیتهای آموزشی : مصطفی اولیایی پس از آنکه تحصیلات متوسطه را به پایان برد ، در سال ۱۳۲۶ وارد آموزش و پرورش شد. او پس از اخذ مدرک دکترا در سال ۱۳۵۳ از آموزش و پرورش به دانشگاه تربیت معلم منتقل گردید و تا سال ۱۳۵۶ در دانشسرای عالی زاهدان که وابسته دانشگاه زاهدان بود به تدریس پرداخت. دکتر اولیایی سپس به دانشگاه اراک رفته و فعالیت های آموزشی خود را در این دانشگاه دنبال نمود.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مصطفی اولیای در طول خدمات آموزشی و تدریس در دانشگاه ، از کار پژوهش و تالیف نیز غافل نبوده و آثاری چند به چاپ رسانده است.آثار : آشنایی با علوم قرآنی ویژگی اثر : این کتاب به بحث پیرامون علوم قرآنی از آغاز پیدایی آن در زمینه های علوم فی القرآن و للقرآن و آن دسته از علومی که قرآن موجب گسترش آنها شده در شانزده فصل مورد بررسی قرار گرفته است.

منابع زندگینامه :دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی ، به کوشش: بهاءالدین خرمشاهی ، تهران: انتشارات دوستان و ناهید، ص ۳۲۳

اوهب، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۱۸، ق.، یزد.

درگذشت: ۷ شوال ۱۴۰۷.

محمدتقی اوهب ابتدا مقدمات و صرف و نحو ادبیات عرب و فارسی را آموخت. علاوه بر امامت جماعت، با نطق و خطابت راه‌گشای مردم بود. گاهی هم به زبان فارسی و هم به زبان عربی شعر می‌سرود و در اشعار خود نخست «سالک» تخلص می‌نمود و بعدا متخلص به (اوهب) گشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اویس اردبیلی، اویس

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، طبیب، شاعر و قاضی. وی طبیب و قاضی اردبیلی بود، پنجاه سال در آن شهر به قضاوت روزگار گذراند. تدریس در آن دیار هم به عهده‌ی وی بود. اویس شاعری ماهر با طبعی روان بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۲۳ -۲۲ /۱)، دانشمندان آذربایجان (۵۷ -۵۶)، الذریعه (۱۱۲/۹)، سخنوران آذربایجان (۸ -۷)، فرهنگ سخنوران (۱۱۰)، مجالس النفائس (۳۹۶).

اویسی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدحسین اویسی فرزند غلامعلی اویسی قزوینی (۱۳۳۶ ـ ۱۴۱۱ ق) از علمای اعلام و مدرسان نامدار حکمت و فلسفه در قزوین بود. وی پس از آنکه تحصیلات خود را در حوزه علمیه ی قم به پایان رساند ، به زادگاه خود قزوین مراجعت کرد و به تدریس فقه و اصول و فلسفه پرداخت. او آثاری چند در حوزه علوم قرآنی به تالیف رسانده است.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : شیخ محمدحسین فرزند غلامعلی اویسی قزوینی (۱۳۳۶ ـ ۱۴۱۱ ق) از علمای اعلام و مدرسان نامدار حکمت و فلسفه در قزوین بوده است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ محمدحسین اویسی مقدمات علوم و فنون ادب را در زادگاه خود فراگرفت. در حدود سال ۱۳۷۲ ق بـه قـم هجرت هجرت نمـوده و در مجلس درس بزرگـان حـوزه حاضـر گردید.استادان و مربیان : محمدحسین اویسی دروس طلبگی همچون صرف و نحو و... را در قزوین نزد سید احمد عمادحاج سیدجوادی و شیخ مهدی قاضی فراگرفت و سپس مشغول تحصیل در فقه و اصول گردید و فلسفه را از محضر فیلسوف شهیر ، شیخ

ابوالحسن رفیعی قزوینی استفاده کرد. وی پس از آنکه به قم مهاجرت نمود ، خارج فقه را از محضر آیت الله بروجردی استفاده کرد و برای یادگیری اصول درس شیخ عباس شاهرودی و سیدمحمد داماد حاضر شد. اویسی سالیان متمادی از محضر درس علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان استفاده کرد.فعالیتهای آموزشی : محمدحسین اویسی پس از آنکه تحصیلات خود را در حوزه علمیه ی قم به پایان رساند ، به زادگاه خود قزوین مراجعت کرد و به تدریس فقه و اصول و فلسفه پرداخت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمدحسین اویسی همراه با تدریس ، به تالیف و تفسیر قرآن نیز پرداخت. او تفسیر خود را مدت سی سال در چندین مجلد جمع و تالیف نموده است.آرا و گرایشهای خاص : شیوه و روش محمدحسین اویسی در تفسیر قرآن بدین گونه است که پس از ذکر آیه با بهره گیری از روایات ، به تفسیر آن می پردازد و در ضمنِ آن اقوال دیگر مفسران ، مانند فخر رازی را بیان کرده و مورد نقد عالمانه قرار می دهد و سپس برای روشن تر شدن بحث به اشعاری از شاعران قدیم تمسک می کند.آثار : تفسیر اویسی ویژگی اثر : این تفسیر به زبان فارسی و ثمره جلسات تفسیر قرآنی است که شبهای ماه رمضان برای مردم و طلاب در طول سی سال بیان داشته است و سپس آن را جمع آوری و به صورت کتاب مستقلی درآورده است.

منابع زندگینامه :قرآن پژوهان قزوین ، تالیف: سیدمحمدعلی ایازی ، تهران: موسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران ، ص ۱۴۸

اهتمام اصفهانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۸ ق)، شاعر. وی در قریه‌ی رهنان از بلوک ماربین اصفهان متولد شد. تحصیلات ابتدایی خود را در مکتب‌خانه‌های قدیم به انجام رسانید، سپس به اصفهان رفت و مدتی در مدرسه‌ی چهارباغ ساکن شد و به تحصیل صرف و نحو پرداخت. در اوایل مشروطه، به عراق رفت و زمانی کوتاه نزد آخوند ملا۔ محمدکاظم خراسانی به تلمذ مشغول شد و پس از فوت او، به اصفهان برگشت و به صنعت پرداخت. وی به هندوستان نیز سفر کرد. گاهی شعر می‌سرود. از آثار او: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۷۴ -۷۳)، فرهنگ سخنوران (۱۰۶)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۷ -۶۱۶ /۲).

اهتمام رنانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل محقّق معاصر، در ذی حجّهٔالحرام سال ۱۳۸۷ به سنّ قریب به شصت به مرض سکته وفات یافت.

از آثارش کتاب فلسفه احکام به طبع رسیده، و از آن کثرت مطالعه و تحقیق نویسنده آشکار است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اهرابی، محمدرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

اهری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ احمد اهری در سال ۱۲۶۸ ه . ش (۱۳۰۵ ه . ق) در شهرستان سرسبز اهر دیده به جهان گشود. او در زادگاهش دوس مقدماتی را فرا گرفت. وی درسال ۱۳۲۷ه.ق سطح مقدماتی و دروس فقه و اصول را در حوزه علمیه تبریز شروع کرد. وی درسال ۱۳۳۸ه.ق بار سفر به سوی عتبات عالیات بست و مدت سی و دو سال از محضر بزرگان کسب علم و فضل کرد. او به طور رسمی به عنوان استاد حوزه پذیرفته شد. آیت الله اهری در مدت اقامتش در حوزه علمیه نجف به تالیف کتابهایی نیز پرداخت که به جهت تنگدستی موفق به چاپ اثارش نشد. آیت الله اهری در سال ۱۳۷۰ه.ق به جهت زیارت مرقد امام رضا(ع) و دیدار اقوام به ایران مسافرت کرد و درزمانی که در آذربایجان بود، به خلا۔ حضور علماء بزرگ پی برد. به همین جهت وقتی بزرگانی از اهالی تبریز از محضرش درخواست اقامت در شهر را کردند، با نهایت رغبت پذیرفت و تا آخر عمر به خدمت اسلام و مومنان آن دیار مشغول شد و مرجعیت دینی یافت.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : پدر شیخ احمد اهری آقا حسین از مؤمنین آن شهر بود و در محله قدیمی شهر زندگی ساده و بی آلایشی داشت.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : در آن زمان شهر اهر با

وجود اینکه وسعت و آبادی امروزی را نداشت ؛ لکن شهری عالم خیز بود و مکتب‌های بزرگ درسی در آنجا دایر می‌شد. مکتب‌های «ملا جلیل» و «ملا فرج» که آوازه آنها در منطقه آذربایجان پیچیده بود، متعلّق به این دوره است. هر چند این مکتب‌ها در زمان تحصیل شیخ احمد اهری به مدارس دینی و علمی منظم تبدیل شده بود ؛ لکن تا اوائل قرن چهاردهم هجری، قمری همچنان با نام «مکتب خانه» پر رونق بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ احمد اهری در زادگاهش دروس مقدماتی را فرا گرفت و پس از تکمیل ادبیات، مدرسه دینی تازه تأسیس شده اهر را به مقصد تبریز ترک گفت. وی در سال ۱۳۲۷ ه . ق سطح مقدماتی و دروس فقه و اصول را در حوزه علمیه تبریز شروع کرد و در آن زمان بیش از ۲۲ سال نداشت.آقا شیخ احمد اهری یازده سال نیز در حوزه تبریز به تحصیل پرداخت. آقا میرزا علی اکبر اهری، عموی آقا احمد اهری بود و عنایت ویژه‌ای به وی داشت. کتاب «قوانین الاصول» را که در آن زمان بسیار مورد توجه حوزه‌ها بود، خود به برادر زاده‌اش آموخت و پایه علمی وی از همانجا بود که استحکام یافت. آقا شیخ احمد اهری در حوزه علمیه تبریز در درس‌های سطح حوزه تبحّر یافت و گاه به تدریس نیز پرداخت. در سال ۱۳۳۸ ه . ق آقا شیخ احمد اهری هجرتی دیگر پیش روی داشت. او از دیر زمان آوازه حوزه علمیه نجف را شنیده بود و آرزوی درک آن مرکز بزرگ علمی را داشت. در این سال وی بار سفر به سوی عتبات عالیات بست و فصل نوینی در زندگی‌اش آغاز شد و به این ترتیب آقا شیخ احمد اهری برای مدتی زیاد در آنجا سکونت گزید و از محضر بزرگان کسب علم و فضل کرد. آن مقطع، دوره‌ای بسیار پربار و پررونق برای حوزه علمیه نجف اشرف بود ؛ چرا که تنها در این زمان در شهر نجف استادان بسیار متبحّر در علوم مختلف، حضور داشتند و جلسات درس و بحث علمی خود را در سطح بسیار عالی دایر کرده بودند، وی حدود ۱۰ سال از عمرشان را صرف تحصیل و کسب دانش از محضر بزرگان انجام داده اند.استادان و مربیان : از اساتید معروف آن زمان چون: آقا شیخ عبد الرحیم کِلبری، آقا سید ابو الحسن انگجی و آقا میرزا علی اکبر اهری بهره برد. از اساتید نجف حضرات آیات چون: شیخ الشریعه اصفهانی، میرزا محمد حسن نائینی، میرزا علی شیرازی (فرزند شیرازی بزرگ) آقا ضیاء الدین عراقی، آقا شیخ محمد حسن غروی اصفهانی و آقا سیّد ابو الحسن اصفهانیهمسر و فرزندان : فرزندان شیخ احمد اهری عبارتند از آقایان:۱ – مرحوم حجهٔ الاسلام شیخ جواد اهری، استاد شیخ محمد کاشفی درباره ایشان می‌گوید:«آقا میرزا جواد اهری، آن موقع که با ایشان آشنا شدم، نابینا شده بود. بسیار خوش بیان بود. دارای لهجه جالب و شوخ طبع هم بود. از او درباره نجف اشرف و سایر مطالب متفرقه که می‌پرسیدیم، با زبانی شیوا و رسا مطالب را بیان می‌کرد. اهل قلم بود و یکی دو اثر هم از او هم چاپ شد. وی در حدود سال ۱۳۹۵ ه . ق در تبریز درگذشت و در قبرستان امامیه به خاک سپرده شد.»۲ – مرحوم آقا محمود. ۳ – مرحوم آقا حسین.زمان و علت فوت : شیخ احمد اهری در اثر کهولت سن در روز پنجشنبه (۱۸/صفر/۱۳۸۸)ه . ق مطابق با اردیبهشت ۱۳۴۸ ه . ش در سن هشتاد و یک سالگی در تبریز به رحمت ایزدی پیوست. مراسم تشییع با شکوهی از سوی مردم و روحانیّت معظم آذربایجان به عمل آمد و پیکر پاک ایشان جهت مراسم خاکسپاری به شهر مذهبی قم حمل و در مقبره العلمای قبرستان ابوحسین به خاک سپرده شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : شیخ احمد اهری در سال ۱۳۷۰ ه . ق به جهت زیارت مرقد امام رضا (ع) و دیدار اقوام به ایران مسافرت کرد و مدّتی فارغ از درس و بحث علمی روزهایش را سپری کرد. وی ابتدا به مشهد مقدس سفر کرد و به زیارت مرقد مطهر امام رضا (ع) شتافت. آنگاه به دیدار بزرگان حوزه علمیه مشهد از جمله زعیم بزرگ، آیت الله میلانی رفت و از آنجا به شهر مقدس قم آمد. در آن زمان حوزه علمیه قم نیز پویا بود و بزرگانی چون: آیت الله حجّت کوه کمره‌ای و آیت الله سید حسین بروجردی عهده دار اداره حوزه بزرگ آیت الله حائری بودند. آیت الله اهری مدّتی در قم ساکن شد. هنگام ورود نیز از جانب این بزرگان مورد استقبال قرار گرفت ؛ امّا به درخواست آنها که اقامت در حوزه علمیه قم بود، پاسخ مثبت نداد. آیت الله اهری از قم به تبریز رفت و مدّتی در زادگاهش با اقوام خود سپری کرد. در زمانی که در آذربایجان بود، به خلأ حضور علماء بزرگ پی برد. به همین جهت وقتی بزرگانی از اهالی تبریز از محضرش درخواست اقامت در شهر را کردند، با نهایت رغبت پذیرفت و تا آخر عمر به خدمت اسلام و مؤمنان آن دیار مشغول شد و مرجعیت دینی یافت. موقعیت و مقام علمی و اجتماعی آیت الله اهری که سرپرستی حوزه علمیه تبریز را نیز عهده دار بود، ارادت و عشق مردم به شخصیت والای ایشان و توجه علمای نجف اشرف و بزرگان حوزه علمیه قم، همه موجب شد که وی در اکثر حوادث اجتماعی و سیاسی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم شرکت کند و راهنمایی مردم در جریانات را بر عهده گیرد. موارد زیر نمونه هایی است از زندگی این بزرگوار، از نگاه مدارک: ۱ – در تلگراف‌ها، آیت الله حکیم و آیت الله خوئی (از نجف اشرف به تبریز) درباره فاجعه مدرسه فیضیه و اهانت رژیم شاه به مقدسات اسلامی در تاریخ ۴۲ / ۱ / ۱۴ شمسی، آیت الله اهری را یکی از مخاطبین قرار دادند و خواهان حمایت ایشان از قوانین الهی شدند. ۲ – آیت الله خوئی در تلگرافی دیگر، به تاریخ آذر / ۱۳۴۲ ش، درباره بازداشت جمعی از علماء و وعاظ آذربایجان، خواستار فعّالیت موثر مرحوم آیت الله اهری برای آزادی آنان شد. ۳– آیت الله اهری به همراه دیگر علمای برجسته تبریز در پی تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، از پیشگامان در مخالفت با این قانون بود. به همین خاطر همراه با سایر علمای تبریز خواستار لغو لوایح سه گانه شد.فعالیتهای آموزشی : شیخ احمد اهری بیش از بیست سال در کنار کسب علوم مختلف به تدریس پرداخت به گونه‌ای که در حوزه علمیه نجف که آن زمان افراد برجسته‌ای می‌توانستند در صحنه‌های علمی حاضر شوند، وی به طور رسمی به عنوان استاد حوزه پذیرفته شد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : با تأسیس صندوق قرض الحسنه و تشکیل هیئت رسیدگی به وضع مستمندان، وسیله خیر و سعادت برای برخی از مردم شهرهای آذربایجان شد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : زندگی شیخ احمد اهری پربار و همراه با خیر و برکت بود. خصوصاً وقتی مقیم تبریز شد و به طور رسمی مرجعیت و امامت جمعه و اداره امور مؤمنان را عهده دار شد،این خیر و برکت چندین برابر شد. وی که از لحاظ خانوادگی «اهری» محسوب می‌شد، در بین آقایان تجار و بازاری‌ها نفوذ فراوان داشت و از این موقعیت به نفع فقرا بهره می‌برد.شاگردان : تلاش‌های شیخ احمد اهری در حوزه علمیه نجف، نتیجه پرباری داد. در محضر این عالم وارسته، هزار دانشجوی علوم اسلامی تربیت شدند و در خدمت تبلیغ دین اسلام قرار گرفتند. دهها نفر نیز به مدارج عالی علمی، استادی و اجتهاد راه یافتند که بسیاری از آنها سهم ارزنده و تعیین کننده‌ای درحوادث و جریان‌های نیم قرن اخیر داشتند و بی گمان مهمترین آن، شکل گیری نظام اسلامی و جایگزین شدن ارزشهای دینی به جای ارزشهای غیر دینی در ایران

است ؛ زیرا برخی از شاگردان آیت الله اهری حتی در رأس حرکت‌ها و رهبری جریان‌های مردمی به سوی واقعیتهای دینی بودند.اسامی برخی از شاگردان وی به این ترتیب است:(۱۶)۱ – مرحوم سید مصطفی مولانا (از مراجع و اساتید تبریز).۲ – مرحوم میرزا احمد سرابی.۳ – شیخ محمّد غروی قزوینی (ساکن قم).۴ – مرحوم میرزا کاظم تبریزی.۵ – سید علی میر غفّاری (آذر شهر).۶ – آقا شیخ عیسی اهری (ساکن تهران).۷ – آقا شیخ محمّد کاشفی (ساکن قم).۸ – شیخ عمران علیزاده تبریزی.۹ – مرحوم میرزا احمد زنجانی.۱۰ – مرحوم میرزا علی اکبر قاری تبریزی.۱۱ – آقا شیخ رضا توحیدی تبریزی.۱۲ – آقا میرزا محمود انصاری تبریزی.آثار : ۱ حاشیه بر رسائل ۲ حاشیه بر مکاسب ۳ رساله در اجتهاد و تقلید تقریرات فقه استاد نائینی ۴ رساله علمیّه ۵ رساله‌ای در قاعده لاضرر ولاضرار

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/بخش زندگینامه علماhttp://www.hawzah.net

اهلی ترشیزی، یوسف

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۳۴ ق)، شاعر. معروف به اهلی خراسانی، اهلی هروی و اهلی تورانی. اصلاً از اهالی تبریز بود، اما چون در ترشیز متولد شد به این نام مشهور است. به سبک هندی غزل می‌گفت. نخست از مداحان شاهرخ و سپس سلطان حسین بایقرا بود. درباره‌ی او گفته‌اند که رندی عاشق‌پیشه بود. سرانجام کارش به جنون کشید. پس از انقراض سلسله‌ی تیموریان به تبریز به دربار سلطان یعقوب رفت. چون در کمانداری بسیار زبردست بود جوانان تبریز از او مشق می‌گرفتند. در همان جا درگذشت. صاحب «ریحانهٔ الادب» زندگی‌نامه‌ی او را در دو مدخل جداگانه تحت عنوان اهلی ترشیزی و اهلی خراسانی ذکر کرده، در حالی که این دو یک شخصیت هستند. آثار وی: «دیوان شعر» مشتمل بر ۳۵۰۰ بیت غزلیات عاشقانه؛ «تحفهٔ السلطان فی مناقب النعمان»، منظومه‌ای به نام شاهرخ تیموری که ترجمه‌ی کتاب «المواهب الشریفه فی مناقب ابن حنیفه» تألیف امام ابوالحسن بیهقی دانشمند معروف قرن ششم است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۲۶۵/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۵۶/۴)، تاریخ نظم و نثر (۴۴۰، ۳۱۷ –۳۱۶)، تحفه‌ی سامی (۱۹۱ –۱۸۸)، تذکره‌ی روز روشن (۹۳)، دایرهٔالمعارف فارسی (۳۱۶/۱)، دویست سخنور (۴۷ –۴۶)، الذریعه (۱۱۲/۹)، ریحانه (۲۱۰ – ۲۰۸ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۰۶)، لغت‌نامه (ذیل/ اهلی)، مجالس النفائس (۸۱ –۸۰)، هفت اقلیم (۳۰۹/۲).

اهلی شیرازی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۴۲ –۸۵۸ ق)، شاعر و صوفی. ظاهراً از شاگردان علامه دوانی بود و در اغلب علوم عهد خود خاصه در علوم ادبی اطلاعات وافر داشت. توجه وی به آثار مصنوع، خود نشانه‌ای از همین اطلاعت مختلف ادبی وی در صنایع ملفوظ و معمیات و عروض و امثال آنها است. در جوانی در هرات به خدمت سلطان حسین بایقرا رسید و قصیده‌ی معروف مصنوع خود را در مدح او سرود. سپس به نزد سلطان یعقوب آق‌قویونلو رفت و قصیده‌ی مصنوع دومی در مدح وی و مثنوع «شمع و پروانه» را به نام او سرود. پس از جلوس شاه‌اسماعیل صفوی به خدمت او پیوست و قصیده‌ی مصنوع سوم را در مدح او و مثنوی «سحر حلال» را به نام او سرود. پس از مرگ شاه‌اسماعیل به شیراز بازگشت و در همان جا درگذشت و در کنار مزار حافظ دفن گردید. بر روی سنگ قبر او چنین آمده است: «شیخ محمد اهلی شیرازی طاب‌ثراه، به عمر هشتاد و چهار وفات نمود در سنه‌ی ۹۴۲» آثار وی: «دیوان» اشعار مشتمل بر دوازده هزار بیت که تاکنون چاپ نشده است؛ «ساقی‌نامه»؛ «رساله‌ی نغز»؛ «فوائد الفوائد»؛ «سرّ الحقیقه»؛ «رسالهٔ فی العروض»؛ «رسالهٔ فی المعمّی»؛ «زبدهٔ الاخلاق».[۱]

شاعر معروف (ف. ۹۴۲ ه.ق./ ۱۵۳۵ م.). وی در فنون شاعری توانا و در ایراد سخنان دشوار و ابلاغ معانی بلند شهرت دارد و شعرش توأم با صنایع شعری است و مع هذا از دقت اندیشه و رقت خیال برخوردار است. وی دیوان قصاید و غزلیات و رباعیات دارد و نیز مثنوی «سحر حلال» از اوست که آن را در جواب تجنیسات و مجمع‌البحرین کاتبی بد و بحرود و قافیه سروده و دیگر مثنوی «شمع و پروانه» که در آن تصویری تخیلی و لطیف از عشق پروانه و جلوه‌های دلبرانه شمع کرده است. اهلی قصاید متعدد در مناقب رسول (ص) و رثاء شهیدان کربلا دارد. رباعیات او بسیار و از حیث شعر متوسط است. اهلی از آن میان یک مجموعه رباعی را ساقی‌نامه نام داده است. وی معاصر شاه اسماعیل و اوایل شاه طهماسب صفوی بود. پس از مرگ او را در جوار قبر حافظ به خاک سپردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از سعدی تا جامی (۷۱۲ –۷۱۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۵۳ –۴۴۷ /۴)، تاریخ نظم و نثر (۴۴۰/۱)، تحفه‌ی سامی (۱۷۹ –۱۷۷)، تذکره‌ی روز روشن (۹۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۱۲ –۵۱۱)، حبیب السیر (۶۰۶/۴)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳۷۹ –۳۷۶ /۱)، دویست سخنور (۴۹ –۴۸)، الذریعه (۱۱۳/۹)، ریحانه (۲۱۰/۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۲۹۳/۱)، الکنی والالقاب (۶۰/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ اهلی)، مجالس المؤمنین (۶۹۶ –۶۹۳ /۲)، مجالس النفائس (۳۸۷)، مرآت الفصاحه (۷۷ –۷۶)، معجم

المؤلفین (۱۲۷/۱۲)، هدیهٔ العارفین (۲۳۷/۲۳۶/۲)، هفت اقلیم (۲۲۷ –۲۲۳ /۱).

اهوازی، حسن، ابومحمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سوم ق)، فقیه و محدث امامی. حسن در مکتب امام رضا (ع) و امام جواد (ع) پرورش یافت و در صف اصحاب آن بزرگان قرار گرفت. وی علی بن مهزیار، اسحاق بن ابراهیم و عبداللّه بن محمد را به محضر امام رضا (ع) برد و ایشان را با مقام ولایت و انجام خدمت آشنا ساخت. او با مشارکت برادرش، حسین بن سعید، سی کتاب در بیان احکام اسلام و شرح مسایل حلال و حرام تالیف کرد که البته آن کتابها بیشتر به نام برادرش است، تا وی. از آثار او: «الصلاه»؛ «الطلاق»؛ «النکاح»؛ «الوصایا»؛ «المثالب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اختیار معرفه الرجال (۵۵۱)، رجال ابن داود (قسم ۵۵۲ –۵۵۱ /۱)، رجال النجاشی (۱۷۶ –۱۷۱ /۱)، الفهرست للطوسی (۵۳)، معجم رجال الحدیث (۳۴۹ –۳۴۲ /۴).

اهوازی، حسین

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۰۰ ق)، فقیه و محدث امامی. نیای وی از موالی امام سجاد (ع) بود. به قول شیخ طوسی وی و برادرش، حسن، از اصحاب امام رضا (ع) و امام جواد (ع) و امام هادی (ع) بودند. حسین با برادرش کتابهای سی‌گانه‌ی مشترکی تالیف کردند. به قم رفت و در آنجا در منزل حسن بن ابان سکنی گزید. حسین از امام رضا (ع) و جواد (ع) و هادی (ع) و نیز محدثان بسیاری که شمار آنها را تا صد و یازده تن یاد کرده‌اند، روایت کرده است. ابراهیم بن مهزیار، احمد بن محمد بن خالد برقی، محمد بن جعفر بن بطه‌ی قمی و حسین بن حسن بن ابان قمی و بسیاری دیگر از اهوازی حدیث شنیدند و از او روایت کردند. وی در قم درگذشت. از جمله کتابهای سی‌گانه‌ی حسین و حسن عبارت‌اند از: «الوضوء»؛ «الصلاه»؛ «النکاح»؛ «الطلاق»؛ «الوصایا»؛ «الفرائض»؛ «التجارات»؛ «الاجارات»؛ «الشهادت»؛ «الزهد»؛ «التقیه»؛ «المثال»؛ «الملاحم»؛ «المومن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اختیار معرفه الرجال (۵۵۲ –۵۵۱، ۵۰۸)، اعیان الشیعه (۲۷/۶)، الذریعه (۲۷۹ –۲۷۸ /۲۳، ۷۳/۱۹)، رجال الطوسی (۴۱۲، ۳۹۹، ۳۷۲)، رجال النجاشی (۱۷۶ –۱۷۱ /۱)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۴۰۶)، الفهرست للطوسی (۱۰۵ –۱۰۴)، لسان المیزان (۵۲۵ –۵۴۲ /۲)، مجالس المومنین (۴۲۳/۱)، معجم رجال الحدیث (۲۴۴ –۲۴۳ /۵)، معجم المولفین (۱۰/۴).

ایاز طالش، ایازبیگ

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر و صوفی. وی از بزرگان طایفه‌ی طالش و خوانین آن حدود بود و به مجذوب علیشاه ارادت می‌ورزید. گاهی شعری می‌سرود. از اوست:

چو نکو دیدم به غیر از آن نگار

در دو عالم هیچ موجودی نبود

خود دل آمد آن نگار ده دله

خود ز بی‌دلها دل آن دلبر ربود

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۲۰۳/۱)، الذریعه (۱۱۳/۹)، ریاض العارفین (۲۴۳)، طرائق الحقائق (۲۷۰/۳)، فرهنگ سخنوران (۱۱۱).

ایازی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ ابوالحسن قوام‌الدین ایازی بن حجه الاسلام والمسلمین المرحوم الشیخ حیدر ایازی از علماء معاصر مازندران و مقیم در رستمکلاء که در یازده کیلومتری بهشهر است میباشد.

وی در سال ۱۳۰۸ شمسی در قریه مزبور متولد شده و در مهد علم پرورش یافته و تحصیلات مقدماتی را در محضر مرحوم والد و

حوزه‌های مازندران خوانده و بقم مهاجرت نموده مدت دوازده سال در این شهرستان مذهبی از اساتید بزرگ سطح و خارج مخصوصا درس حضرت آیه‌الله العظمی بروجردی بهره‌مند شده سپس بنجف اشرف مشرف گردیده و مدت ۸ سال از محضر آیات عظام استفاده نموده آنگاه بدرخواست اهالی خود بمازندران مراجعت و در قریه رستمکلاء وطن اصلی اقامت و تشکیل حوزه علمیه داده و تاکنون مدت ده سالست که حوزه با توجه امام عصر عجل‌الله فرجه دائر و طلاب علوم دینی از اوائل صرف و نحو تا پایان سطح عالی اشتغال دارند و در حال حاضر بالغ بر دویست نفر طلاب در حوزه رستمکلاء مشغول هستند و در خلال این مدت عده کثیری از فضلاء آنجا بنجف و قم و مشهد مسافرت و از محضر اعلام و آیات استفاده میکنند.

از آثار ایشانست: ۱- تقریرات فقه و اصول اساتید نجف که مخطوط است ۲- منظومه هدیه الانوار که قسمتی از اشعارش باشعر ابن مالک تضمین شده است اجازات جامعی از علماء نجف دارند. ادام‌الله توفیقاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ایازی، علی نقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی نقی ایازی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اینجانب سید علی نقی ایازی در خانواده ای روحانی متولد شدم . پس از گذراندن مقطع ابتدایی و راهنمایی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیّه مشهد مقدس شدم و بطور همزمان در سال ۱۳۶۶ دروس جدید را بصورت متفرقه ادامه دادم وتا پایان ادبیّات در حوزه علمیّه مشهد بودم . از ابتدای سطح به قم هجرت کرده و در مدرسه شهابیه قم ادامه تحصیل دادم ، تا اینکه پس از اتمام مقطع متوسطه در سال ۱۳۶۹ در کنکور سراسری دانشگاه پذیرفته شدم و به ناچار برای ادامه تحصیل دروس حوزوی و دانشگاهی به وطن خود مشهد مقدّس عزیمت نموده و همزمان با دروس سطح عالی حوزه ، در دانشگاه فردوسی رشته پژوهشگری علوم اجتماعی ادامه تحصیل دادم . از سال ۱۳۷۳ دروس خارج فقه و اصول را در محضر اساتیدی همچون آیت الله مرتضوی ، حجج الاسلام آقایان رضا زاده و اشرفی شاهرودی آغاز کرده و قریب به ده سال دروس خارج فقه و اصول را تلمذ کردم و همچنین تحصیلات دانشگاهی را تا مقطع کارشناسی ارشد به اتمام رساندم .

ایازی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد علی ایازی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد سیّد محمّد علی ایازی متولد ۱۳۳۳ شمسی یکی از قرآن پژوهان معاصر است که تحصیلات حوزوی خود را از سال ۱۳۴۷ از حوزه علمیه مشهد آغاز کرد. پس از گذراندن دوره ادبیات و مقداری از سطح به حوزه علمیه قم وارد شد و از استادان سطح آقایان: محقق داماد، فاضل ، ستوده، صلواتی و سلطانی از درس خارج اصول آیات عظام: وحید خراسانی ، آقا موسی زنجانی و فاضل لنکرانی یک دوره را تمام کرد. همچنین از درس فقه آیات عظام: منتظری و شیخ جواد تبریزی (به مدّت ۱۵ سال) و نیز اندکی از درس حاج شیخ مرتضی حائری و اراکی استفاده برد. درس فلسفه را گرچه در آغاز با درس آیت الله حسن زاده آملی شروع کرد، اما مدت ۱۰ سال در خدمت آیت الله جوادی آملی اسفار و تمهید القواعد و شرح فصوص الحکم را تلمذ کرد و نیز از محضر سید جلال الدین آشتیانی در فلسفه و عرفان بهره برد. در کنار تحصیلات و از همان سال های نخست ورود به حوزه، به درس تحقیق و پژوهشهای تحقیقی در زمینه قرآن توجه بسیار داشت و مدت ۳ سال در درس تفسیر آیهٔ الله خزعلی و درس فلسفه جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن شهید مطهری و در کارهای تحقیقاتی با این شهید در سال ۵۵ تا ۵۷ شرکت داشت. او در کنار تحصیل و تحقیق از کارهای فرهنگی و تالیف نیز غافل نبود و به ویژه پس از دوره های متمادی تحصیل فقه و اصول و فلسفه ، بیشتر وقت خود را به تحقیقات قرآنی اختصاص داده است و در این زمینه افزون بر مقالات گوناگون در مجلات و همایش ها، کتاب های بسیاری را تالیف کرده است.

ایپکچی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : دکتر مهدی ایپکچی سال ۱۳۰۶ه.ش دارای مدرک دکترای در رشته ی بیوشیمی ازدانشگاه پاریس درسال۱۳۴۵ و عضو هیئت علمی دانشکده ی علوم دانشگاه فردوسی مشهد با مرتبه ی علمی استادی می باشد.

گروه : علوم پایه

رشته : بیوشیمی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : مهدی ایپکچی دارای مدرک کارشناسی شیمی و کارشناسی ارشد شیمی از دانشگاه تهران و دکترای در رشته ی بیوشیمی از دانشگاه پاریس درسال۱۳۴۵ می باشد.

خاطرات و وقایع تحصیل : اخذ مدرک دکترای شیمی ازدانشگاه پاریس در سال۱۳۴۵ ه.ش از مهمترین مقاطع علمی زندگی مهدی ایپکچی می باشد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : مهدی ایپکچی ضمن تحصیل به مطالعه و تحقیق پیرامون موضوعاتی چون اثرهورمونهای استروئیدی درسلوهای سترولی موش و انسان، مکانیسم کاهش دهندگی گلوکز، تری کلیسیریدهای عصاره میوه نوعی درخت سرو پرداخته است.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی: بررسی اثر هورمونهای استروئیدی در سلولهای سرتولی موش و انسان، مکانیسم کاهش دهندگی گلوکز، کلسترول، تری کلیسیریدهای عصاره میوه نوعی درخت سرو، تهیه اسیدسیتریک و تخلیص آن از ملاس به روش میکروبیولوژی، مکانیسم داروهای لاغرکننده بر روی موش، اثر بیولوژیکی ویتامین در بدن، نقش پروستاگلاندین‌ها و مشخصات آنها، روشهای اندازه‌گیری کلسترول در سرم خون، استاد راهنمای ۴ پایان‌نامه دکترا. تألیفات تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲ تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۵ زمینه علمی تألیفات: بیوشیمی، شیمی صنعتی، شیمی مواد غذائی و اصول صنایع شیمی. مقالات تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵ زمینه علمی مقالات: بیوشیمی و تغذیه.

وقایع میانسالی : مهدی ایپکچی پس از اخذ مدرک دکترای بیوشیمی ازدانشگاه پاریس در سال۱۳۴۵ ه.ش به ایران بازگشت و به عنوان عضو هیئت علعی دانشکده ی علوم دانشگاه فردوسی مشهد استخدام شدو و مرتبه ی علمی استادی را کسب نمود.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مهدی ایپکچی عضو هیئت علمی دانشکده ی علوم دانشگاه فردوسی مشهد پس از طی مرحله استادیاری و سپس دانشیاری به مرحله ی علمی استادی تمام وقت پایه ی ۱۶گروه شیمی و زیست شناسی این دانشکده رسید.

فعالیتهای آموزشی : مهدی ایپکچی در گروه علوم دانشگاههای فردوسی مشهدی به تدریس دروس رشته ی بیوشیمی پرداخته و استاد راهنمای ۴پایان نامه دکترا و چندین پایان نامه کارشناسی ارشد بوده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مهدی ایپکچی در کنار تدریس به مطالعه و تحقیق پیرامون موضوعاتی چون تهیه اسیدسیتریک در تلخیص آن از ملاس به روشهای میکروبیولوژی، مکانیسم داروهای لاغر کننده برروی موش پرداخته است.

آرا و گرایشهای خاص : مهدی ایپکچی ازجمله متخصصان رشته ی بیوشیمی می باشد که درامورى چون بیوشیمی، شیمی صنعتی، شیمی مواد مواد غذایی و اصول صنایع شیمی و بیوشیمی تغذیه دارای تخصص می باشد.

آثار :

۱ بیوشیمی صنعتی

۲ بیوشیمی و تغذیه

۳ شیمی مواد غذایی و اصول صنایع شیمی

ایجی، عبدالرحمن

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قاضی عضد الدین ایجی از علمای فقه و اصول و علوم ادبی بشمارمی آید. او که در سال ۷۱۰ در ایج (استهبانات امروز) در فارس متولد شد و تحصیلات خود را در شیراز به پایان برد . وی به چنان شهرتی دست یافت که دردربارهای سلطان ابوسعید ایلخان شیخ ابو اسحاق اینجو ،امیر مبارز محمود شاه شجاع آل مظفر اقرام بسیار داشت و در زمان سلطان ابوسعید قاضی القضاه کل ایران بود و واسطه صلح میان نبردهای آل اینجو و آل مظفر بوده است . با این وجود در سال ۷۵۶ در ماجرای محاصره شیراز بدست امیر مبارز الدین محمد به شبانکاره گریخت و درهمان سال در زندان امرای شب انکاره در گذشت ،مشهورترین آثار باقی مانده از وی عبارتند از : کتاب مواقف در علم کلام ، فوائد غیاثیه در معانی و بیان و شرح مختصر ابن حاجب در اصول .

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

گرایش : قضاوت

والدین و انساب : قاضی عضد الدین ایجی که در سال ۷۱۰ در ایج (استهبانات امروز) در فارس متولد شد نام پدرش احمد بن عبد الغفار فارسی بوده است .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : قاضی عضد الدین ایجی از کودکی به تحصیل علوم گوناگون در شیراز پرداخت و استاد وی ازشاگردان قاضی بیضاوی بوده است . وی درعلم بویژه علوم دینی به چنان پایه ای دست یافت که درزمان سلطان ابوسعید ایلخان به قاضی القضاتی کل ایران منصوب شد .

استادان و مربیان : قاضی عضد الدین ایجی نزدیکی از شاگردان قاضی بیضاوی به تحصیل مشغول شد.

هم دوره ای ها و همکاران : خواجه شمس الدین حافظ شیرازی از معاصران قاضی عضد الدین ایجی بوده و وی را به دانش ستوده است .

وقایع میانسالی : قاضی عضد الدین ایجی درزمان سلطان ابو سعید ، آخرین ایلخان ،و وزیر وی خواجه غیاث الدین به مقام قاضی القضاتی دست یافت و مقیم سلطانیه شد. او در نظر همه سلاطین آن دوره احترام بسیاری یافت چنانکه شیخ ابواسحاق اینجو در کارهای مملکت از وی مشورت می خواست و درسال ۷۵۴ که میان او و مبارز الدین محمد آل مظفر جنگ واقع شد، قاضی عضد الدین از طریق شیخ ابواسحاق واسطه صلح شد و چون امیر مبارز الدین را ملاقات کرد ، امیر مبارز الدین محمد پنجاه هزار دینار به خود او و ده هزار دینار به اتباع و همراهان وی بخشید و مقدم وی را گرامی شمرد و پسرش شاه شجاع را به خواندن کتاب مختصر«از تالیفات وی بود ، مامور ساخت . قاضی عضد در موقع محاصره شیراز به دست امیر مبارز الدین به شبانکار گریخت و به دست یکی از امرای شبانکار محبوس شد و در سال ۷۵۶ وفات یافت .

زمان و علت فوت : قاضی عضد الدین ایجی درسال ۷۵۶ درزمان محاصره شیراز توسط امیر مبارز الدین محمد آل مظفر به شبانکار گریخت و درزندان ملوک شبانکار وفات یافت .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : قاضی عضد الدین ایجی درزمان سلطان ابوسعید ایلخان، قاضی القضاه کل ایران و نیز ندیم شاه شیخ ابواسحاق اینجو بود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مطالعه و تالیف و شرح بر کتب دیگر دانشمندان از عادات و علایق قاضی عضد الدین بود. علاوه برچنین تعلقات علمی، وی اشعاری به عربی نیز سروده است .

شاگردان : یکی از شاگردان قاضی عضد الدین ایجی ، شاه شجاع آل مظفر پسر امیر مبارز الدین محمد مظفری بود که از سوی پدر ماموریت خواندن کتاب شرح مختصر ابن حاجب به اثر قاضی عضد الدین را یافت .

چگونگی عرضه آثار : قاضی عضد الدین ایجی کتاب شرح مختصر ابن حاجب را به خواجه عیاث الدین محمد وزیر سلطان ابوسعید ایلخان تقدیم کرده است . --

آثار :

۱ شرح مختصرابن حاجب

ویژگی اثر : در علم اصول است که به شرح عضدی نیز معروف است .

۲ فواید غیاثیه

ویژگی اثر : کتابی است درباره علم معانی و بیان

۳ کتاب مواقف

ویژگی اثر : این کتاب در علم کلام است که میر سید شریف جرجانی بر آن نوشته و در میان کتب کلام بسیار مشهور است .

ایجی، علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. ملقب به غیاث‌الدین ایجی. از آثار او: «ذخیره‌ی خوارزمشاهی»، ساغری مذهب و سوخته، مذهب مرصع، به خط نسخ کتابت خفی متوسط، با رقم: «کتبه العبد الفقیر الی رحمهٔ اللّٰه الاحد علی بن احمد الملقب به غیاث‌الدین الایجی غفراللّٰه ذنوبهما. فی... سنهٔ خمس و تسعمائهٔ الهجریهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۲۵/۴).

ایجی، قاضی عضدالدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۰۸/۷۰۱- ح ۷۵۶ ق)، متکلم، اصولی، فقیه شافعی و نحوی. از معاصران حافظ است که در ایج از توابع اصطهبانات متولد شد.

صوفی مشرب بود و شاگردان بسیاری داشت، شمس‌الدین کرمانی و سیف‌الدین ابهری و سعدالدین تفتازانی از شاگردان وی بودند. در زمان سلطنت آل‌مظفر در شیراز به قضاوت اشتغال داشت. حافظ او را در زمره‌ی یکی از مفاخر علمی پنجگانه‌ی فارس ستایش کرده است. کتب بسیاری در فلسفه و کلام و اصول دین و اخلاق به زبان عربی دارد. آنگاه که از سوی شیخ ابواسحاق نزد امیر مبارزالدین برای انصراف وی از حمله به شیراز رفت مورد احترام فوق‌العاده وی قرار گرفت و امیر از او درخواست کرد که کتاب «المفصل» زمخشری را که در نحو است به فرزندش شاه شجاع تعلیم دهد. در مذهب خود بسیار متعصب و با امامیه شدیداً مخالفت می‌ورزید. کار او به سختی رسید و توسط والی کرمان زندانی شد و در زندان قلعه دریمیان کرمان درگذشت. از تألیفات او: «المواقف»، در علم کلام، که به نام خواجه غیاث‌الدین محمد بن رشیدالدین وزیر تألیف کرده و میرشریف جرجانی نیز شرحی بر آن نوشته است؛ شرح «مختصر الاصول» ابن حاجب؛ «الفوائد الغیاثیه»، که اختصاری است از قسمت سوم «مفتاح العلوم»؛ «تحقیق التفسیر فی تکثیر التنویر»؛ «الرسالهٔ العضدیهٔ»، در وضع؛ «المدخل فی علم المعانی والبیان والبدیع»؛ «العقائد العضدیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (۴۸۲ –۴۸۰)، الاعلام (۶۶/۴)، ایضاح المکنون (۵۶۵ ،۳۷۸ /۱)، بزرگان شیراز (۲۹۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۹۵/۳)، تاریخ گزیده (۶۹۹)، حبیب السیر (۲۲۱/۳)، دایرهٔالمعارف فارسی (۳۲۳/۱)، روضات الجنات (۵۱ –۴۷ /۵)، ریحانه (۱۴۴ –۱۴۲ /۴)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۴۶/۲)، کشف الظنون (۱۸۹۱ ،۱۷۶۴ ،۱۲۹۹ ،۱۱۴۴ ،۸۹۸ ،۱۰۴ ،۴۱ ،۳۷)، الکنی والالقاب (۴۷۲/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالرحمن)، معجم المؤلفین (۱۱۹/۵)، هدیهٔ العارفین (۵۲۷/۱)، هفت اقلیم (۱۶۹ –۱۶۸ /۱).

ایدرم، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن ایدرم

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اخذ مدرک سال دوم ریاضی فیزیک راهی حوزه علمیه قم، مدرسه امام صادق علیه السلام مشهور به خلخالی شدم. در مدت چهار سال مقدمات را در آن جا فرا گرفتم. بنام ترین استادمان دراین مرحله جناب حجه الاسلام جراثیمی بود. البته، بیشتر دروس این مرحله را پیش خودم خواندم؛ همچنین فراگیری را محدود به درسهای ارایه شده نکردم .در مرحله سطح ۱ و ۲ هم بیشتر دروس را بجز بخشهایی از آن ، پیش خود خواندم از اساتید این مرحله می توانم آیات و حجج اسلام: وجدانی، اعتمادی، محفوظی و محقق داماد را نام ببرم که مدتی بخشهایی از سطح را پیش ایشان فراگرفتم. در مرحله خارج که از سال ۶۷ شروع شد، بخشهایی از فقه و اصول را نزد آیات عظام: منتظری، صانعی، موسوی اردبیلی، صالحی مازندرانی، احمدی فقیه یزدی فرا گرفتم. از سال ۶۹ هم تحقیق و پژوهش را در جلسه حزب الله در مباحث تاریخی شروع نمودم. کمی بعد به پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام رفتم و مدت چهارسال با آنجا به همکاری پژوهشی پرداختم. سپس در سال ۷۵ به همکاری با پژوهشکده فرهنگ و اندیشه پرداخته و تا چهار سال این همکاری ادامه داشت. از سال ۷۸ تا کنون نیز با موسسه فرهنگی و هنری عصر سبز همکاری دارم. در ضمن، سال ۷۶ تا ۷۹ هم با حوزه هنری همکاری داشته ام.

ایران الدوله، جنت

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(۱۳۱۸ –۱۲۵۶ ش)، شاعر، متخلص به جنت. ملقب به ایران‌الدوله. از طرف مادر نوه‌ی فرهاد میرزا معتمدالدوله فرزند عباس میرزای قاجار بود. خواندن و نوشتن و دانش‌های متداول را در کودکی فراگرفت. چون به ادبیات و شعر علاقه داشت به مطالعه‌ی دیوان بزرگان شعر و ادب فارسی پرداخت. علاوه بر سرودن شعر در نقاشی و موسیقی نیز دست داشت. نقاشی را نزد کمال‌الملک فراگرفت و برای تکمیل آن به اروپا رفت. در تهران درگذشت و در جوار حضرت معصومه (ع) در قم دفن گردید. اثر وی: «بهار جنت»، مشتمل بر غزلیات، رباعیات و مخمسات در سال ۱۳۵۶ ش به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :زنان سخنور (۱۶۱ –۱۵۴ /۱)، سخنوران نامی معاصر (۱۰۱۲ –۱۰۰۹ /۲)، فرهنگ سخنوران (۲۲۵)، مشاهیر زنان (۶۴ –۶۳).

ایرانپور، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم ایران پور مبارکه

محل تولد : مبارکه اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

درسال ۱۳۳۶در روستائی بنام مبارکه در میان یک خانواده مذهبی که به تدین معروف اند متولد شدم و تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در همان روستا به پایان رساندم و به خاطر علاقه ای که به علوم اسلامی داشتم و در زادگاه ام این مکان فراهم نبود و از طرفی وضع اقتصادی پدر بزرگوارم که یک کشاورز و کارگری بیش نبود اقتضای رفتن به شهر نبود آن هم با سخت گیری ساواک آن زمان برای رفتن به حوزه علمیه و مشکلات دیگر ، تا اینکه با توسلات و دست تقدیر و عنایات پروردگار و تمایلات باطنی خدادادی به شناسایی عمیق معارف و حقایق اسلام این توفیق حاصل گردید و به حوزه علمیه اصفهان رهسپار شدیم و مقدار اندکی از نیاز علوم صرف و نحو- منطق معانی و بیان و بدیع تامین نمودم و برای تکمیل آن در رشته فقه و اصول و تفسیر توفیق تشرف به حوزه مبارکه علمیه قم و همجواری حضرت معصومه (س) حاصل گردید.امید است که در آن مهد علم بتوانیم کمال استفاده علمی و عملی را ببریم و پایان کار ختم به خیر و ترویج و نشر علوم آل محمد علیهم السلام باشد واخرالامر حشر با این خاندان را داشته باشیم و به شفاعتشان نائل گردیم

ایران‌پور، ناصر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۳۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای شیمی در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه شیراز در سال ۱۳۶۱، دانشیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۶۸ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شیمی آلی و آلی فلزی و برنده جایزه سوم تحقیق در چهارمین جشنواره خوارزمی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳۰

زمینه علمی مقالات:

دستیابی بر متدهای جدید در سنتز پاره‌ای از مواد آلی، تهیه و شناسائی ترکیبات آلی فلزی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ایرانشاه بن ابی‌الخیر

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۵۱۱ ق)، شاعر. معاصر سلطان محمد سلجوقی بود و مثنوی «بهمن‌نامه» را به بحر متقارب حدود سال ۵۰۰ ق به نام محمد و محمود سلجوقی به نظم درآورد. موضوع این مثنوی سلطنت بهمن و سرگذشت او با کتایون دختر پادشاه کشمیر و همای دختر خدیو مصر و داستان مرگ رستم و کینه‌کشی بهمن از خاندان او و جنگهای بین بهمن و بازماندگان رستم است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۳۶۴ -۳۶۳ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۴۵)، سرآمدان فرهنگ (۲۰۸/۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ایرانشاه).

ایرانی مجرد، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۹ –۱۲۴۰ ش)، موسیقیدان و شاعر. در خانواده‌ای متعین متولد شد. از کودکی با اساتید بزرگ موسیقی آشنا شد و با حافظه‌ی قوی، ذوق سلیم و درک قوی خود در موسیقی سنتی به مراحل پختگی و کمال رسید. او از شاگردان منتظم‌الحکما بود که توانسته به مکتب میرزا عبداللّه راه یابد. حاج‌آقا محمد گرچه سه تار نیز می‌نواخت اما نوازنده نبود، در حقیقت موسیقی‌شناس بود. طبع شعر داشت و اشعاری نغز و شیوا می‌سرود. وی سالها از مهمترین مراجع و یکی از مطلعین بزرگ موسیقی ایران بود و خانه‌اش سالها مأمن و مرکز تجمع موسیقی دوستانی بود که علاقه‌مند به تحقیق در این زمینه بودند و از آن جمله می‌توان از حسین طاهرزاده، نورعلی برومند، محجوبی، تجویدی و صبا نام برد. از مهمترین خدمات حاج‌آقا محمد نظارت بر امر ضبط و ثبت ردیف‌های موسیقی ایران بود که در زمان او انجام می‌شد. او تا آنجا که می‌توانست در پالایش این ردیف‌ها از تحریفاتی که در چند دهه‌ی معاصر باب شده بود، کوشید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (۷۰۷، ۶۶۰، ۶۰۰، ۵۶۱، ۵۱۲، ۵۰۸)، سرگذشت موسیقی (۴۳۴، ۱۲۷ –۱۲۶، ۱۲۱ /۱)، مردان موسیقی (۵۰۷ –۵۰۴ /۱).

ایرانی، عبدالمحمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۴ –۱۲۵۰ ق)، شاعر، نویسنده، مورخ و روزنامه‌نگار. ملقب به مؤدب السلطان. در اصفهان متولد شد. در هفت سالگی پدرش را از دست داد و در حجره‌ی تجارتی برادران خود به کار مشغول شد و همزمان در مدارس قدیم اصفهان نیز به تحصیل پرداخت. در هفده سالگی به شیراز و بوشهر سفر کرد و پس از یک سال اقامت به عتبات رفت. پس از بازگشت به اصفهان، به نمایندگی شرکت اسلامیه، که برای ترویج صنایع وطنی در اصفهان تأسیس شده بود، به بادکوبه رفت و چند سال در آنجا ماند. در سال ۱۳۳۲ ق که به مصر رفته بود، ابتدا در اسکندریه و سپس در قاهره به انتشار روزنامه‌ی «چهره‌نما» پرداخت. به همین سبب به چهره‌نما مشهور شد. در سال ۱۳۲۷ ق به اروپا رفت و در سال ۱۳۰۹ ش به ایران مراجعت نمود. پس از مرگش روزنامه‌ی «چهره‌نما» به مدیریت فرزندش منوچهر مؤدب‌زاده ایرانی چاپ می‌شد. ایرانی سرانجام در مصر درگذشت. از آثار وی: «رساله‌ی احقاق الحق»؛ «زرتشت باستانی و فلسفه‌ی او»؛ «تاریخ مفصل افغان»؛ «پیدایش خط و خطاطان»؛ «امان التواریخ»؛ «فوائد التواریخ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۹۳ –۴۹۲ /۲)، تاریخ جراید (۱۹۹ –۱۹۰ /۲)، تذکرهٔ القبور (۲۴۷)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۱۸ –۳۱۷ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۹ –۷ /۴).

ایرانی، مصیب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصیب ایرانی

محل تولد : سنقر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۳/۹

زندگینامه علمی

اینجانب مصیب ایرانی تحصیلات ابتدائی وراهنمائی را در شهرستان سنقر به اتمام رسانده ودر سال۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه امام خمینی (ره)شهر کرمانشاه شده،همزمان با دروس حوزه مدر ک دیپلم متوسطه اخذ نموده و بعد از پایان مقدمات در سال ۱۳۷۵وارد حوزه علمیه قم شدم ودر دروس آقایان حجت الاسلام احدی واستاددریاباری شروع به ادامه دروس حوزه نمودم.همزمان در قم وحضور در دروس اساتید مذکور دوره تربیت مربی (دفتر تبلیغات)وآموزش مبلغین این مرکزوحضور در موسسه تنظیم ونشرآثار امام خمینی (ره)دوره امام شناسی با گرایش اندیشه سیاسی(کارشناسی ارشد) به پایان رساندم .در حال حاضر نیز دروس خارج فقه استاد قاضی زاده وشرح منظومه استاد دریاباری را تلمذ می نمایم.

وسلام توفیقات روز افزون را از ایزدمنان خواهانم خداوند مارا از الطاف خود و اولیائش محروم نکند..

ایرج تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به ایرج. از مشاهیر و فضلا و شعرای عهد شاه طهماسب صفوی و در فصاحت بیان منوچهری زمان خود بود. امین احمد رازی وی را مردی تیزفهم و صاحب کمال معرفی کرده است. اثر وی: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۹۲)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۷۳ -۷۱ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۵۷)، الذریعه (۱۱۴/۹)، سخنوران آذربایجان (۲۲۳ -۲۲۱)، فرهنگ سخنوران (۱۱۱)، هفت اقلیم (۲۲۵ -۲۲۴ /۳).

ایرج میرزا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۴ -۱۲۵۱ ش)، شاعر، متخلص به ایرج. ملقب به فخرالشعرا. نواده‌ی فتحعلی شاه قاجار بود. در تبریز متولد شد. علوم ادبی و زبان عربی و فرانسه را از اساتید آن عصر چون محمدتقی عارف اصفهانی و میرزا نصرالّله بهار شیروانی آموخت. منطق و معانی و بیان را در حوزه‌ی درس آشتیانیهای مقیم تبریز و فرانسه را نزد مسیو لامبد فراگرفت. امیرنظام حسنعلی خان گروسی، حاکم تبریز، به او توجّه خاصی داشت. ایرج از او لقب فخرالشعرا گرفت و از جانب او به مدیریت مدرسه‌ی مظفری تبریز منصوب گریدد. وی از سوی مظفرالدین شاه به صدرالشعرایی ملقب شد اما طی قصیده‌ای از قبول آن لقب امتناع نمود و از شاعری دربار کناره گرفت. چندی نیز در تبریز منشی مخصوص امین‌الدوله شد و با وی به تهران آمد.در سال ۱۳۱۴ ق به همراه قوام‌السلطنه به اروپا رفت. در بازگشت، شغل مناسبی در دارالانشاء یافت و در سال ۱۳۲۴ ق به وزارت معارف منتقل شد و دبیرخانه‌ی آن وزارتخانه را تأسیس کرد و تا سال ۱۳۲۹ ق در آن سمت باقی بود. همچنین با ابتکار او، وزارت معارف اداره‌ی عتیقه‌جات را تأسیس کرد. دوران اقامت در خراسان، سالهای ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۲ ق، مهمترین دوران فعالیّت ادبی او بود. دو سال پایانی عمر خود را در تهران صرف فعالیتهای ادبی کرد. ایرج میرزا به زبان فرانسوی تسلّط کامل و با زبانهای روسی، عربی و ترکی نیز آشنایی داشت، همچنین خط را خوش می‌نوشت. شعر ایرج ساده و روان و مشتمل بر کلمات و تعبیرات عامیانه است. اطّلاع او از ادبیات ملل ختلف و تأثیری که از محیط متغیر و انقلابی عهد خود پذیرفته بود موجب شد که سبک قدیم را رها کند و خود سبکی خاص پدید آورد. در تهران درگذشت و در مقبره‌ی ظهیرالدوله دفن شد. آثار وی: «دیوان» شعر؛ مثنویهای «زهره و منوچهر»؛ «عارفنامه»؛ «ادبیات ایرج».[۱]

جلال‌الممالک ایرج میرزا ابن صدرالشعراء غلامحسین میرزا شاعر (و. ۱۲۹۱ ه.ق./ ۱۸۷۴ م.- ف. ۱۳۴۳ ه.ق./ ۱۹۲۴ م.) وی نواده فتحعلی شاه قاجار بود، و در فارسی و عربی و فرانسوی مهارت داشت، و روسی و ترکی نیز می‌دانستی، و خط را خوب می‌نوشت. تحصیلاتش در مدرسه دارالفنون تبریز صورت گرفت و در نوزده سالگی هنگام ولیعهدی مظفرالدین میرزای قاجار- لقب صدرالشعراء یافت، لیکن به زودی از شاعری دربار کناره گرفت و به خدمات دولتی مختلفی پرداخت که از میان آنها خدمات در وزارت معارف از همه پر ارزشتر بود. شعر ایرج ساده و روان و مشتمل بر کلمات و تعبیرات عامیانه است. اطلاع او از ادبیات ملل مختلف و تأثری که از محیط متغیر و انقلابی عهد خود پذیرفته بود، موجب شد که وی سبک قدیم را- که در آن توانا بود- رها کند و خود سبکی خاص پدید آورد. در این سبک افکار نو و مضامینی که گاه از ادبیات خارجی اقتباس شده و گاه مخلوق اندیشه شاعرست، و نیز مسایل مختلف اجتماعی و هزلیات و شوخیهای نیشدار و ریشخندها، و تمثیلاتی که شاعر از غالب آنها نتایج اجتماعی را در نظر دارد، به زبانی بسیار ساده و گاه نزدیک به زبان تخاطب بیان شده است.

(۱۲۲۲- ح ۱۲۹۰ ق)، پزشک، خطاط و شاعر، متخلص به انصاف. وی شاهزاده قاجار بود و تحت تربیت محمدحسن خان، ملقب به خانلرخان، پسر علیمرادخان زند، قرار گرفت. در علم پزشکی بخصوص چشم‌پزشکی مهارت داشت و در طب ملقب به رییس الاطباء بود. اشعار بسیاری سروده که بیشتر در مدح ائمه معصومین (ع) است. خط نستعلیق را نیز نیکو می‌نوشت. مدت بیست سال ساکن مشهد بود و در آنجا معتکف شد و آن حضرت را مداحی می‌نموده است. در اواسط عمر به تهران آمد.[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۴۱۹ -۳۸۳ /۲)، دایرةالمعارف فارسی (۳۳۸ -۳۳۷ /۱)، دویست سخنور (۵۱ -۵۰)، الذریعه (۱۱۴/۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۱۷ -۳۱۵ /۱)، سخنوران نامی (۲۰۳ -۱۸۹ /۱)، سخنوران نامی معاصر (۴۲۷ -۴۲۲ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۲۰۸/۱)، شرح حال رجال (۱۷۵ -۱۷۴ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۱۲ -۱۱۱)، گنج و گنجینه (۷۰۳ -۷۰۰)، مؤلفین کتب چاپی (۷۱۲ -۷۱۱ /۱).

[۲] احوال و آثار خوشنویسان (۹۱۹/۳)، حدیقة الشعراء (۱۹۳ -۱۹۱ /۱)، الذریعه (۱۰۸/۹)، لغت‌نامه (ذیل/ انصاف قاجار)، مجمع الفصحا (۲۲ -۱۵ /۱)، مصطبه‌ی خراب (۲۱)، مکارم الآثار (۷۴۰ -۷۳۹ /۳).

ایرجی زاد، اعظم

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

خانم دکتر اعظم ایرجی زاد در سال ۱۳۳۴ در تهران متولد شد.وی مدرک دکترای فیزیک سطح را از دانشگاه ساکیس انگلستان در سال ۱۳۶۹ دریافت نموده است. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه صنعتی شریف می باشد.گروه : علوم پایهرشته : فیزیکتحصیلات رسمی و حرفه ای : اعظم ایرجی زاددکترای رشته فیزیک را از دانشگاه ساکیسس انگلستان در سال ۱۳۶۹ دریافت داشته است.وقایع میانسالی : دکتر ایرجی زاد که هم اکنون ریاست پژوهشکده فناوری نانو دانشگاه صنعتی شریف را بر عهده دارد، ریاست اسبق مرکز وابسته به آموزش و پرورش آموزش علوم و ریاضی را نیز بر عهده داشت . وی حدود ۳ سال رئیس دانشکده فیزیک دانشگاه صنعتی شریف بوده است و همچنین حدود ۴ سال معاونت پژوهشی دانشکده فیزیک دانشگاه صنعتی شریف بر عهده ایشان بوده است . مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمت اجرایی و اداری دکتر اعظم ایرجی زاد به قرار زیر است: استاد دانشگاه صنعتی شریف،دانشکده فیزیک رئیس موسسه علوم نانو و نانوتکنولوژی از سال ۱۳۸۴ تا کنون مشارکت درریاست در پژوهشی،دانشکده فیزیک دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۸ رئیسدانشکده فیزیک دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۷۸ تا سال ۱۳۸۰ رئیس مرکز مطالعاتی ریاضیات و علوم تکنولوژی از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۸۳ عضو موسسه فیزیک انگلستان از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ عضو جامعه فیزیک آمریکا از سال ۱۳۶۹ تا سال ۱۳۷۴ عضو زنان جهان سوم در علوم وتکنولوژی از سال ۱۳۷۵ تا کنون عضو سنا،کلوپ دانشجویان برگزیده(ممتاز) از سال ۱۳۷۳ تا کنون عضو جامعه ایرانیان علوم سطح و تکنولوژی از سال ۱۳۷۳ تا کنون و مشارکت در ریاست از سال ۱۳۸۲ تا کنون عضو جامعه ایرانیان نانو از سال ۱۳۸۱ تا کنون و مشارکت در ریاست از سال ۱۳۸۱ تا سال ۱۳۸۵ عضو جامعه نانو تکنولوژی،کمیته وزارت علو و تحقیقات و فناوری از سال ۱۳۸۱ تا کنون عضو جامعه فضای علوم ایران در سال ۱۳۸۲ عضو جامعه نانو تکنولوژی،کمیته وزارت صنایع و معادن از سال ۱۳۸۱ تا کنون عضو SESAME ،تقویت منابع تابش اشعه از سال ۱۳۷۹ تا کنون مسئول کمیته فناوری نانو مرکز صنایع نوین وزارت صنایع همکاری با ستاد فناوری نانو در تدوین سند فناوری نانو فعالیتهای آموزشی : فعالیت ها آموزشی و عناوین دروس ارائه شده توسط اعظم ایرجی زاد به قرار زیر است: صفات ساختار مواد نانو،دروس پایه فیزیک و آزمایشگاها،فیزیک مدرن،فیزیک حالت جامد،ازمایشگاه فیزیک جامد در طیف نما ،فیزیک نمیه رسانا،فیزیک سطح،روشهای آزمایشی در فیزیک،آزمایشگاه پیشرفته فیزیک در فیلمهای باریکآرا و گرایشهای خاص : زمینه مطالعاتی ،پژوهشی و تحققاتی دکتر اعظم ایرجی زاد : فیلم های نازک،ویژگی های الکتریکی،مغناطیس و مشاهده ای فیلمهای باریک،تحقیقات سطحی بوسیله روشهای تکنیکی متفاوت مثل ذیلم،طیف نمای الکترون XPS ،انکسار انرژی الکترون سطح پایین،مطالعه سطوح زبر بوسیله استفاده از نیروهای میکروسکوپی اتم و روشهای مشاهده،مطالعه و ساخت سنسورهای گاز بر اساس فلز اکسید،سیلیکون متخلخل و لوله های نانو کربن،ساخت خرده های نانو بوسیله لیزر جهنده،کمان سل ،جل و تکنیکهای شیمیایی ،صفاتی و کاربردی،مطالعه در علوم نانو و نانوتکنولوژیجوائز و نشانها : دکتر اعظم ایرجی زاد در دومین " جشنواره فناوری های نانو " در سال ۱۳۸۶ به عنوان متخصص برتر برگزیده شده است.ایشان همچنین در سال ۱۳۸۵ نیز به عنوان محقق برتر نانو مورد تجلیل قرار گرفت. خلاصه ای از جوایز ایشان به قرار زیر است: پژوهشگر نمونه دانشگاه صنعتی شریف در سال های ۸۵ و ۸۶ رتبه چهارم برترین های حوزه فناوری نانو در سال ۸۵ رتبه ششم برترین های حوزه فناوری نانو در سال ۸۶چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی و علمی اعظم ایرجی زاد به قرار زیر است: -۶۰مورد مقاله چاپ شده در مجلات معتبر علمی(موجود در ۱۹ - (CV مورد شرکت در کنفرانسها داخلی و بین المللی - ۱۴۶ مورد استاد راهنمای پایان نامه های کارشناسی ارشد و دکترا

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

ایروانی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۳۷ -۱۱۵۱ ش)، پزشک، عالم و شاعر. در ایروان متولّد شد و نزد حسین علیشاه تربیت یافت. از اطبای عهد عباس میرزای نایب‌السلطنه بود و از علوم عقلیه و نقلیه و حکمت الهی و عرفان اطلاع کامل داشت. از آقا سید علی صاحب «شرح کبیر» اجازه‌ی روایت داشت. در تبریز درگذشت و در مقبره‌ی سید حمزه دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقة الشعراء (۱۰۵۱/۲)، دانشمندان آذربایجان (۲۹)، مکارم الآثار (۱۰۴۱/۴).

ایروانی، عبدالعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از خطوط او: «جنات الخلود»، به خط نسخ کتابت تند و تیز و کتابت خفی و غبار عالی و رقاع دودانگ خوش، با رقم: «... ابن محمدالعبد المذنب الجانی عبدالعلی الایروانی... من شهور سنهٔ احدی و ستین و مأتین بعد الالف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۰۵، ۱۱۰۲/ ۴).

ایروانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا علی آقا صاحب حاشیه (مکاسب) ابن العالم الجلیل الشیخ عبدالحسین ابن علی اصغر بن محمد باقر ایروانی نجفی از افاضل علماء معاصر تهران بود.

آن مرحوم از مراجع و مدرسین بزرگ حوزه علمیه نجف بوده‌اند که در سال ۱۳۰۱ ق تولد یافته و مقدمات علوم را از بعضی افاضل فراگرفته، آنگاه حاضر حوزه درس علامه خراسانی صاحب (کفایه) و علامه یزدی صاحب (عروه الوثقی) و در کربلا بدرس مرحوم آیهٔ‌اللّٰه التقی میرزا محمد تقی شیرازی شده و بمقام بلندی از فقه و اصول رسیده و بعد از فوت مرحوم میرزا به نجف مراجعت و متصدی تدریس خارج گردیده و بسیاری از فضلاء که از مراجع علمی و تقلیدی معاصرند از محضرش استفاده نموده تا در عصر روز دوازدهم ربیع‌المولود ۱۳۵۴ ق از دنیا رفته و در حجره کازرونی واقع در صحن شریف به خاک رفته است.

از تألیفات ارزنده‌ی علمی اوست کتاب (بشری المجتهدین) در اصول و حاشیه بر مکاسب مطبوع و کتاب الطهاره و کتاب صلوه و کتاب حج و کتاب خمس و رساله‌ای در فروع علم اجمالی و الذهب المسکوک فی لباس المشکوک و خیر الزاد الی یوم المعاد.

(۱۳۵۴ -۱۳۰۱ ق)، عالم، فقیه و مدرس. از چهارده سالگی، بعد از وفات پدرش، به تصحیل علوم دینی روی آورد. پس از تحصیل مقدمات در اندک مدتی سطوح را به پایان رساند. آنگاه معقول را نزد شیخ علی‌محمد نجف‌آبادی خواند و در حوزه‌ی درس اصول آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و حوزه درس فقه آیت‌اللّٰه یزدی در نجف شرکت جست. سپس به کربلا رفت و در درس آیت‌اللّٰه میرزا محمدتقی شیرازی حاضر شد و به مقام بلندی از فقه و اصول رسید. پس از فوت آیت‌اللّٰه شیرازی به نجف بازگشت و عهده‌دار تدریس خارج فقه و اصول گردید و بسیاری از علمای وقت از محضرش استفاده کردند. وی در نجف درگذشت و در حجره‌ی کازرونی واقع در صحن شریف علوی دفن شد. از آثار وی: «کتاب بشری المجتهدین»، در اصول؛ «تحریر الاصول»، در دو مجلد؛ «کتاب طهارهٔ»؛ «کتاب صلاهٔ»؛ «کتاب الحج»؛ «کتاب خمس»؛ «الذهب المسکوک فی اللباس المشکوک»؛ «خیرالزاد الی یوم المعاد»؛ «عقد اللئالی فی فروع العلم الاجمالی»؛ «نهایهٔ النهایهٔ فی شرح الکفایهٔ»؛ حاشیه‌ی «مکاسب» و «هدیهٔ الصبیان».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۲۶۱/ ۸)، الذریعه (۴۰۸/ ۲۴، ۴۵/ ۱۰، ۲۲۰، ۱۸۸/ ۶)، ریحانه (۶۵ -۶۴/ ۶)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۱۹/ ۱)، شهیدان راه فضیلت (مقدمه/ ۹ -۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۸۳/ ۴)، لغت‌نامه (ذیل/ علی حائری)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰۹ -۳۰۸/ ۴)، معجم المؤلفین (۱۱۸ -۱۱۷/ ۸).

ایروانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از کاتبان و ظاهراً از شاگردان میرزاعلی محمد صفای لواسانی بوده است. از خطوط او: یک «رساله‌ی» فارسی در شکیات نماز، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «قد تمت الرسالهٔ الشریفهٔ فی شهر صفرالمظفر من ثلث تسعین و مائین بعدالالف... سید محمدالایروانی غفر له سنه‌ی ۱۲۹۳...»؛ یک قطعه به قلم نیم دودانگ خوش، با رقم: «العبد محمدالایروانی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۵۲/۳).

ایروانی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مرتضی ایروانی از علماء برجسته معاصر تهران است.

وی در سال ۱۳۲۴ ق در تبریز متولد گردیده و مقدمات را در تبریز خوانده و سطوح را خدمت مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا ابوالحسن انگجی و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شید محمد مولانا و آیت‌اللّٰه حاج میرزا علی اصغر ملکی تلمذ نموده و در سال ۱۳۴۸ ق به قم مهاجرت کرده و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حایری یزدی و آیت‌اللّٰه حجت کوهکمری استفاده فقه و اصول نموده و علوم عقلی و حکمت را از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه میرزا محمد علی شاه آبادی بهره‌مند و در سال ۱۳۵۵ قمری منتقل به تهران و در خیابان مولوی ابتداء و بعد مختاری (خیابان امیریه) سکونت و تاکنون بالغ بر چهل سال است که در مسجد چهار راه مختاری به اقامه جماعت و ترویج دین و خدمات مذهبی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب آقای ایروانی عالمی با متانت و دانشمندی با کیاست و فضیلت و موصوف بفضل و تقوی و اهل ولاء و محبت و مواظب زیارت حضرت امام زاده عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام و همه روزهای پنجشنبه مرتب با توجه مخصوصی موفق می‌باشند ادام اللّٰه توفیقه و انار اللّٰه برهانه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

ایروانی، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ یوسف ایروانی از افاضل علماء معاصر تهران، در سال ۱۳۲۹ ق در نجف متولد شده و در بیت علم پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و سطوح از محضر بزرگان نجف مرحوم آیهٔاللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیهٔاللّه حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیهٔاللّه العظمی خوئی و مقداری از آیت‌اللّه میرزا عبدالهادی شیرازی و آیات دیگر استفاده نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی در سال ۱۳۶۶ ق به تهران مهاجرت و در مسجد (قندی) خیابان خانی آباد به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

آثار معظم له از این قرار است: ۱- مستند الفتوی فی شرح عروهٔالوثقی ۲- تقریرات و دراسات اساتید نجف اشرف مرحوم والدش علامه ایروانی و اساتید دیگر.

دارای اجازات اجتهاد و روایاتی از آیات عظام نجف آیهٔاللّه میرزا عبدالهادی شیرازی و مرحوم علامه کاشف‌الغطاء و علامه تهرانی صاحب الذریعه می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

ایزد پناه، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس ایزد پناه

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

آدرس اینترنتی

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۴ سوم راهنمایی را به پایان رساندم و در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه قم شدم. تا سال ۱۳۶۴ دروس سطح را همراه با فلسفه و کلام و تفسیر به پایان رسانده و وارد دوره اشارات بوعلی و درس خارج فقه اصول شدم. در سال ۱۳۶۴ کتاب اصول سیاستها و احزاب را انتشار دادم و در سال ۱۳۶۷ وارد فوق لیسانس فلسفه و الهیات دانشگاه شدم. مدت ۲ سال در دانشگاه تربیت معلم تبریز تدریس فلسفه و کلام و در سال ۱۳۷۲ وارد دانشگاه قم شدم. ابتدا عضو هیأت علمی- پژوهشی شدم و پس از آن به تدریس پرداختم.از سال ۱۳۷۲ مقالات علمی من از کنگرهٔ علامهٔ طباطبایی تبریز آغاز شد و مقاله درکیهان در دو شماره به چاپ رسید. در سال ۱۳۷۳ مقاله ام در دانشگاه امام حسین(ع) پذیرفته شد که بررسی تحریف شناسی عاشورا در پرتو انسان شناسی بود. پس از آن مدت حدود ۸ سال مقالات علمی ام در روزنامه های اطلاعات، کیهان و مجلات علمی به چاپ رسید که به حدود ۹۰ مقاله می رسد. در سال ۱۳۸۰ وارد دوره دکتری فلسفه تطبیقی شدم همزمان با آن در دانشگاه قم فلسفه علم، فلسفه اخلاق و کلام و عرفان تدریس می کنیم و در ضمن در سال ۱۳۸۳ طی ۶۰ برنامهٔ علمی رادیو معارف به بررسی مبانی جنبش نرم افزاری پرداختم و پس از آن در معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات حدود ۱۰ کارگاه علمی برگزار کرده ام.این فعالیت هم اکنون به یاری حضرت حق ادامه دارد.هم اکنون دهها طرح و برنامه در دست تحقیق و تالیف دارم که در شرایط مقتضی ان شاء الله ارائه خواهند شد. گرایش عمومی اینجانب فلسفهٔ علم، هنر و ادبیات و علوم دین است. آنچه که دغدغهٔ اصل من در تحقیقات تألیفات است اصل جامع نگری به مسائل و تحقیق همه جانبه است. منابع زندگینامه :پایگاه اندیشوران حوزه

ایزد دوستدار، نوروز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ریاضی دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۳۷، کارشناسی ارشد آمار از دانشکده علوم دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۱، دکترا در رشته آنالیزاستوکاستیک از دانشگاه پل ساباتیه تولوز فرانسه در سال ۱۳۵۳، دریافت درجه متریز ریاضی از فرانسه در سال

.۱۳۵۴

مرتبه علمی:

استادیار گروه ریاضی دانشکده علوم دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۴ و ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده علوم دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۸ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آمار ریاضی، نظریه احتمال، آنالیزکانوئیک، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

آمار ریاضی، نظریه احتمال، آنالیز حقیقی، ریاضیات عمومی، آمار کاربردی، جبر خطی، فرایند تصادفی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

آنالیزاستوکاستیک.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ایزد شیرازی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از سخن سرایان خطه‌ی شیراز و از زمره‌ی شاگردان ایزدی بود که به هندوستان سفر کرد و در بارگاه اکبرشاه بار یافت. او در سرودن شعر، به خصوص رباعی مهارت داشت. از اوست:

در کنج خود از نیک و بد هر که و مه

در جیب سری کشیده‌ام همچو گره

تا وارهم از زخم زبانها چون تیغ

مسمار زدم ز حرف خود بر لب زه

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳۸۲ -۳۸۱ /۱)، صبح گلشن (۴۸)، فرهنگ سخنوران (۱۱۲)، هفت اقلیم (۲۵۳/۱).

ایزد گشسب گلپایگانی، اسداللَّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۵ -۱۲۶۲ ش)، عالم، صوفی، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به شمس. در گلپایگان متولد شد. تا سن هجده سالگی در زادگاه خویش به تحصیل علوم ادبی، صرف و نحو، منطق و معانی و بیان پرداخت. پس از آن به اصفهان رفت و حکمت و کلام را نزد استادان آن شهر فراگرفت. سپس در ۱۲۸۰ ش به نجف رفت و چند سالی به تحصیل فقه و اصول و حکمت پرداخت. پس از بازگشت به ایران، به تهران و مشهد سفرهایی کرد و به خدمت بعضی از مشایخ صوفیه رسید و دست ارادت به حاج ملا سلطانعلی گنابادی داد و پس از او به فرزندش پیوست و از طرف صالح علیشاه، شیخ طایفه در اصفهان گردید و اجازه‌ی ارشاد و دستگیری به او داده شد و به ناصر علیشاه شهرت یافت. مدتی در فرهنگ اصفهان مدیر دبستان حکمت و چندی دبیر دبیرستانها بود. در سال ۱۳۰۵ ش روزنامه‌ی «عنقا» را منتشر ساخت و مدت یک سال به نشر آن همت گماشت. سرانجام در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد، جنب تکیه‌ی کازرونی دفن شد. آثار وی: «نور الابصار»؛ «اسرار عشق»؛ «تفسیر سوره‌ی یوسف»، به شعر؛ «شمس التواریخ»؛ «جذوات الهیه»، به شعر؛ «نامه‌ی سخنوران»؛ «هدایة الامم»؛ «معرفة الروح».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۵۴ -۵۲ /۴)، تذکرة القبور (۱۳۱ -۱۳۰)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۲۱ -۳۲۰ /۱)، سخنوران نامی معاصر (۲۰۰۹ -۲۰۰۵ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۵۴۰ -۵۳۹ /۱).

ایزدپناه، کرامت‌اللَّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کرامت‌الله ایزدپناه دارای دکترای رشته گیاهپزشکی و عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز با درجه استادی می باشد. گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیوقایع میانسالی : کرامت‌الله ایزدپناه پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاهپزشکی به عضویت هیئت علمی گروه گیاهپزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز در آمد. وی هم اکنون با سمت استادی در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : کرامت‌الله ایزدپناه عضو هیئت علمی و استاد گروه گیاهپزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز است. از دیگر مشاغل ایشان: رئیس مرکز تحقیقات ویروسی غلات شیراز رئیس بخش گیاهپزشکی در دانشگاه شیراز عضو جدید ایرانی فرهنگستان علوم برای جهان سوم(TWAS)سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شاگردان : چگونگی عرضه آثار : عنوان پایان نامه راهنمایی شده : شناسایی و فروانی نسبی ویروسهای مولد موزائیک لوبیا در استان فارسآثار : اتیولوژی ، انتقال و دامنه میزبانی عامل جاروئی یونجه در جنوب ایران ویژگی اثر : مقاله۲ موزائیک مرغ در نقاط مختلف ایران ویژگی اثر : مقاله

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com

ایزدپور، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا ایزد پور

محل تولد : قم

شهرت : ایزدی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ با رها نمودن تحصیلات متوسطه در سطح دوم دبیرستان و در رشته علوم تجربی، به حوزه علمیه قم وارد شده و تا سال ۱۳۷۰ شمسی علوم مقدماتی و سطوح حوزوی را به پایان رسانده و از همان سال به تحصیلات خارج فقه و اصول مبادرت ورزیدم، تحصیلات عالی فقه و اصول را برای مدت ۱۶– ۱۵ سال ادامه داده و اکنون نیز در حلقه اصول استاد معظم حضرت آیت الله وحید مشارکت دارم. همزمان با تحصیلات فوق، سالها در حوزه علمیه به تدریس کتابهایی همانند، الموجز، اصول الفقه، لمعه، رسائل و مکاسب و عقاید و در دانشگاه صنعتی امیرکبیر و تهران به تدریس مبانی نظری اسلامی و اخلاق کاربردی اشتغال داشته ام.

ایزدجو، تقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تقی ایزدجو

محل تولد : آشتیان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۴۶ در آشتیان هستم سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه آشتیان شدم پس از دروس مقدماتی (جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، منطق مظفر، مختصر، مختصر المعانی، شرح لمعه و اصول فقه) و شرکت در دروس جنبی عقاید و تاریخ اسلام و نهج البلاغه که توسط حضرات حجج الاسلام محمدرضا آشتیانی و محمدجعفر امامی عصر روزهای چهارشنبه برگزار می‌شد در سال ۱۳۶۵ راهی حوزه علمیه قم شدم. و در امتحانات کتبی شورای مدیریت (که گویا اولین سال برگزاری آن بود) شرکت کردم و با نمره عالی قبول شدم و در امتحانات شفاهی که از سیوطی، مختصر و مغنی تا لمعتین و وصولین برگزار شد قبول شدم. و در مدرسه رسول اکرم(ص) واقع در خیابان شاه ابراهیم ساکن شدم. اولیه دورس لمعه و اصول را در قم در محضر استاد وجدانی فخر و صالحی طافالی به پایان بردم.کفایه را پای درس استاد اعتمادی ششم و مکاسب را در حضور مرحوم پایانی تلمذ کردم و رسایل را از حضور استاد تهرانی بهره بردم.در طی سال‌های ۶۵ تا ۶۹ پای درس تفسیر آیت الله جوادی که آغاز دوره تفسیر ایشان بود حاضر می‌شدم. سال ۶۵ سطح ۴ و ۵ و ۶ را امتحان دادم سال ۶۶ تا سال ۱۳۶۹ پایه‌های ۷ و ۸ و ۹ قدیم را گذراندم و فقط امتحان شفاهی پایه آخر مانده بود که به علت سفر به شهرستان ایذه از طرف مرکز مدیریت حوزه علمیه برای تدریس دروس حوزوی در سال ۷۳ انجام شد.در سال ۱۳۷۰ به دعوت مسئول حوزه علمیه شهرستان ایذه از شهرستانهای استان خوزستان به این شهرستان هجرت کردم که با

هماهنگی حوزه علمیه قم (شورای مدیریت) بود و در شهرستان ایذه به تدریس مقدمات از سیوطی، مغنی اللبیب، حاشیه، مختصر المعانی و قسمت متاجر عصر پرداختم و پس از گذشت سه سال از تدریس در این شهرستان در سال ۱۳۷۳ به علت قبولی در دانشگاه (مجتمع آموزش عالی قم) در رشته فلسفه در مقطع کارشناسی به قم بازگشتم. و طی چند سال در این مقطع مدرک تحصیلی آن را به دست آوردم. در سال ۷۳ پس از بازگشت از ایذه و در کنار تحصیل در دانشگاه پای درس اصول آیت الله سبحانی و اصول آیت الله مکارم حاضر می‌شدم (البته نه به طور کامل).و به علاوه در قسمت تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی قم در بخش معجم بحارالانوار مشغول به کار شدم که حاصل آن همکاری‌ها در چند جلد چاپ شده و در سال ۷۵ به عنوان کتاب سال برگزیده شد با پایان یافتن کار تدوین معجم بحارالانوار با ستاد منطقه ۲ سازمان تبلیغات شروع به همکاری کردم و به عنوان مسئول بخش نقد و بررسی کتاب برای مناطق اهل سنت به مدت دو سال به انجام وظیفه پرداختم و هنگامی که به بی‌فایده بودن این کار پی بردم از این نهاد جدا شم.و در سال ۱۳۷۶ با هدف تعلیم و تربیت نسل جوان و جویای حقیقت به استخدام آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران درآمدم که هنوز هم همکاری با این نهاد ادامه دارد. در سال ۱۳۸۰ در مقطع کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام دانشگاه قم پذیرفته شدم و پس از پایان دروس تئوری و در حالیکه پایان‌نامه را رو به پایان داشتم به علت برخی مشکلات از ادامه تحصیل دست کشیدم و در سال ۱۳۸۲ تدریس در دانشگاه را آغاز کردم. و هم اینک نیز تدریس دروس معارف ۱ و ۲ اخلاق اسلامی و متون را هر ترم تدریس می‌نمایم.تحصیلات حوزوی سال ۷۶ برای ارائه به آموزش و پرورش مدرک سطح ۲ را اخذ کردم و برای سطح ۳ نیز در سال ۱۳۸۰ موضوع گرفته بودم ولی پیگیری نکردم.در سال ۱۳۶۹ در بخش گزینش قضات فیضیه مدرکم را کامل کردم و در سال ۷۰ دعوت به دوره شدم ولی نرفتم اما اکنون طی سال‌های اخیر این مدرک را دوباره ارائه داده و به احتمال زیاد امسال (۱۳۸۶) جذب قوضه قضائیه شوم برای اشتغال به امیر خطیر قضا.

ایزدهی، سجاد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید سجاد ایزدهی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

ساکن شهر بابل متولد سال ۱۳۴۹

ایزدی المشیری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی ایزدی المشیری

محل تولد : قائم شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱۰/۱

زندگینامه علمی

این حقیر متولد ۱۳۵۳ هستم که در استان مازندران شهرستان قائم شهر روستای المشیر بدنیا آمدم و زمان هفت سالگی به مدرسه ابتدائی الهام المشیر رفتم و دوره راهنمایی را در مدرسه نهضت المشیر به پایان رساندم و در سال تحصیلی ۷۱-۷۰ در حوزه علمیّه امام صادق(ع)،کوننا که یکی از روستاهای قائم شهر است و مسئول آن حاج آقا سلیمانی می باشد مشغول تحصیل علوم دینی شدم. و در سال تحصیلی ۷۲ به قم آمدم و بطور آزاد در مدرسه آیت الله گلپایگانی { مدرسه المهدی(عج)}مشغول تحصیل علوم دینی شدم و بعد از دو سال چون به عنوان طلبه آزاد بودم از آنجا بیرون آمدم و در مسجد بازار عربها در محضر استاد بزگوار حاج آقا ایزدی که از همشهریان این حقیر بود مشغول تحصیل شدم تا سال ۷۸ و در این مدّت از محضر استاد بزرگوار حاج آقا سیّد مجتبی نور مفیدی و حاج آقا باقر شاهرودی و از اساتید دیگر درس گرفتم تا سال ۸۰ که در محضر استاد بزرگوار حاج آقا دریا باری مشغول خواندن کفایه الاصول شدم و در محضر استاد بزرگوار رحمانی سبزواری مشغول تحصیل فقه شدم تا اینکه الان در محضر این دو استاد بزرگواربه درس خارج مشغول هستم.البته لازم بذکر است که من تحت برنامه های شورای مدیریت نیستم و به شکل طلبه آزاد درس می خوانم و شهریه ای از آیات عظام دریافت نمی کنم و تحت امکانات حوزه هم نیستم و از مزایای حوزه هم استفاده نمی کنم.

انشاالله که خداوند متعال بر توفیقات شما بیفزاید.

ایزدی کازرونی، محمدخان

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۲ ق)، شاعر. ملقب به فصیح‌الملک جد اعلایش شیخ ناصرخان حکمران بوشهر بود. در کازرون متولد شد و پس از تحصیل مقدمات علوم عصر خود و معاشرت با اهل حال و تصوف، رهسپار هند شد و «دیوان» اشعارش را در بمبئی به طبع رساند. او به شیراز بازگشت و پس از دو سال، به تهران آمد و پس از پنج سال اقامت در تهران، در شیراز رحل اقامت افکند و در آنجا درگذشت و در گورستان بی‌بی دختران مدفون شد. آثار وی: «دیوان» شعر؛ منظومه‌های «حسن نامه» و «عشق نامه»، که هر دو با «دیوانش» چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۳۳۲ -۳۳۰)، حدیقهٔ الشعراء (۲۱۳ -۲۰۴ /۱)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳۸۷ -۳۸۲ /۱)، الذریعه (۲۷۰/۱۵ ،۹۹۲/۹ ،۱۶/۷)، ریحانه (۲۱۱/۱)، فرهنگ سخنوران (۱۱۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۴/۵)، مرآت الفصاحه (۸۱ - ۷۹).

ایزدی، احمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از او قرآن نیم ربعی، نسخ کتابت خفی یاقوتی و سر سوره‌ها رقاع نیم دو دانگ (خوش بلکه عالی) با رقم «خدم به کتابهٔ هذا المصحف المجید اقل عبادالله الغنی احمد ایزدی الملقب به سراج عفاالله عنه فی شهور سنهٔ اثنتین و تسعمائهٔ (۹۰۲) در کتابخانه‌ی آقای شهیدزاده تقی‌زاده در همدان موجود است.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

ایزدی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین ایزدی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۷/۱

ایزدی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۵۶ ش)، نویسنده و شاعر، متخلّص به نیّر. وی در تهران متولد شد. علوم ادبی و عربی را فراگرفت. در آغاز جوانی به سبب حسن خط و مایه‌ی دانش، در زمره‌ی منشیان فتحعلی خان صاحب دیوان و حسینقلی خان نظام‌السلطنه درآمد و به اغلب ایالات ایران سفر کرد. در سال ۱۲۸۶ ش وارد وزارت جنگ شد. در اوایل سلطنت رضاخان، در دفتر مخصوص، به سمت منشیگری به خدمت مشغول شد. نیّر از شعرای توانا و از ادیبان نامور بود. در سرودن انواع شعر مهارت داشت، اما به غزل بیشتر مایل بود. آثار وی: «اخلاق»، به شعر؛ «انشاء جدید مقدماتی»؛ «انشاء مقدماتی دوم»؛ «انشاء جدید».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (۹۱ -۸۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۲۲/۱)، سخنوران نامی معاصر (۳۷۷۱ -۳۷۶۸ /۶)، فرهنگ سخنوران (۹۶۳)، مؤلفین کتب چاپی (۳۷۱ - ۳۷۰ /۶).

ایزدی، میرزا اسحاق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت الله حاج میرزا اسحاق ایزدی در سال ۱۲۵۱ (سوم صفر ۱۲۹۰هجری قمری) ، در قزوین متولد گردید. پس از دوران کودکی ،

جهت کسب علوم دینی نزد اساتید و پدر خود مشغول به تحصیل شد. پس از آنکه سطوح را در قزوین آموخت ، در سال ۱۳۱۳ با برادرش آیت الله حاج میرزا باقر به اصفهان عزیمت کرد. او مدت سه سال به کسب فقه ، اصول ، حکمت ، رجال و هیات پرداخت و از اساتید آن سامان بسیار بهره برد. سپس در سال ۱۳۱۶ رهسپار نجف گردید و با کسب علوم عالیه اسلامی به درجه اجتهاد رسید. وی در سال ۱۳۲۶ هـق به قزوین بازگشت و در زادگاه خویش به تدریس علوم پرداخت. همچنین در ۲۴ خرداد ۱۳۱۰ از طرف دولت وقت محضرخانه ی شماره یک اسناد رسمی را به میرزا اسحاق واگذار گردید و تا پایان حیات آن مسئولیت به عهده داشت و چون مرد دقیقی بود و در انجام معاملات منتهای دقت را می کرد ، از آن جهت هیچ گاه دیده یا شنیده نشد که یک معامله فاسد در محضر وی انجام شده باشد. آیت الله حاج میرزا اسحاق ایزدی سرانجام در نوزدهم آبان ۱۳۲۲ شمسی دارفانی را وداع گفت.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : حاج میرزا اسحاق فرزند خلف حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ مولا عبدالله بن ملا محمدباقر بن ملا سلیمان ایزدی ، که همگی از سلسله خاندان روحانیت با نفوذ بودند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : میرزا اسحاق ایزدی پس از دوران کودکی ، جهت کسب علوم دینی نزد اساتید و پدر خود مشغول به تحصیل شد. پس از آنکه سطوح را در قزوین آموخت ، در سال ۱۳۱۳ با برادرش آیت الله حاج میرزا باقر به اصفهان عزیمت کرد. او مدت سه سال به کسب فقه ، اصول ، حکمت ، رجال و هیات پرداخت و از اساتید آن سامان بسیار بهره برد. سپس در سال ۱۳۱۶ رهسپار نجف گردید و با کسب علوم عالیه اسلامی به درجه اجتهاد رسید.استادان و مربیان : میرزا اسحاق ایزدی ابتدا نزد پدر خود تحصیلات مقدماتی و سطوح را فراگرفت. سپس به اصفهان رفته و نزد آیت الله حاج شیخ محمدتقی معروف به آقا نجفی و آیت الله سیدمحمد درچه ای که هردو از اساتید به نام و طراز اول آن روز بودند ، به کسب کمال فقه ، اصول ، حکمت ، رجال و هیات پرداخت. وی همچنین در نجف اشرف محضر درس آیت الله العظمی آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آیت الله حاج سیدکاظم طباطبایی را درک نمود. او از سوی آیت الله حاج سیدکاظم طباطبایی اجازه اجتهاد دریافت نمود.زمان و علت فوت : میرزا اسحاق ایزدی در نوزدهم آبان ۱۳۲۲ شمسی دارفانی را وداع گفت و در شهر قم به خاک سپرده شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در ۲۴ خرداد ۱۳۱۰ از طرف دولت وقت محضرخانه ی شماره یک اسناد رسمی را به میرزا اسحاق واگذار گردید و تا پایان حیات آن مسئولیت به عهده داشت و چون مرد دقیقی بود و در انجام معاملات منتهای دقت را می کرد ، از آن جهت هیچ گاه دیده یا شنیده نشد که یک معامله فاسد در محضر وی انجام شده باشد.فعالیتهای آموزشی : میرزا اسحاق ایزدی پس از آنکه تحصیلات خود را نجف اشرف به پایان رساند ، در سال ۱۳۲۶ هـق به قزوین بازگشت و در زادگاه خویش به تدریس علوم پرداخت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : میرزا اسحاق ایزدی در سال ۱۳۳۱ جهت زیارت خانه خدا به مکه مشرف شد و پس از مرگ عمویش ، حاج ملا علی اکبر معروف به سیادهنی که از اکابر معروف قزوین بود ، در اندک مدتی مرجعیت تامه یافت و به حل و فصل امور اجتماعی مسلمین پرداخت. او در این زمان دفتری مرتب نموده و کلیه معاملاتی که در محضر وی انجام می شد را ثبت می کرد و این موضوع باعث اعتماد مردم قزوین شده بود. علاوه بر فعالیت های ذکر شده ، وی به عنوان یک روحانی روشنفکر ، زمینه مطالعاتی و تحقیقاتی نیز داشته و آثاری از خود به یادگار نهاده است.آثار : رساله در استصحاب رساله در توبه رساله درمبحث قطع

ایزدیان، حبیب الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حبیب الله ایزدیان در سال ۱۲۹۵ ، در شهر قزوین دیده به جهان گشود. تحصیلات مقدماتی و متوسطه خود را در قزوین سپری نمود ، آن گاه رهسپار تهران شد و تحصیلات خود را در رشته فیزیک پی گرفت . وی پس از آنکه مدرک دکترای خود را از دانشکده علوم و بعد از آن در دانشکده پزشکی اخذ نمود ، رهسپار فرانسه شد و تحصیلات تکمیلی خود را در شاخه بیوفیزیک دانشگاه پاریس دنبال کرده و با اخذ درجه دکترای دولتی فرانسه فارغ التحصیل شد. فعالیت آموزشی دکتر ایزدیان با شغل دبیری در مدارس شهرستان بابل آغاز گردید، سپس به امر تدریس در دانشگاه روی آورد و توانست در سال ۱۳۳۹ با مقام دانشیاری ، کرسی بیوفیزیک دانشکده علوم را بدست گیرد. او همچنین در دانشکده افسری نیز تدریس می نمود. وی بیشتر اوقات خود را به مطالعه و تحقیق در امور فیزیک ، خصوصاً « تاثیرات تشعشات اتمی روی بدن و طرق محافظت در مقابل تشعشات » گذراند.گروه : علوم پای هرشته : فیزیک گرایش : بیوفیزیک والدین و انساب : شیخ ابرهیم ایزدی ، پدر حبیب الله ایزدیان ، از روحانیون موجه و مورد احترام قزوین و از شاگردان آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت الله آقاضیاء عراقی بود.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : شیخ ابراهیم ایزدی ـ پدر حبیب الله ایزدیان ـ پس از اخذ گواهی اجتهاد از مراجع بزرگ زمان خود ، انجام امور شرعی و اجتماعی مردم قزوین را بدست گرفت ، طولی نکشید تصدی دفاتر رسمی و ازدواج این شهر را نیز عهده دار گردید.تحصیلات رسمی و حرفه ای : حبیب الله ایزدیان تحصیلات مقدماتی و متوسطه خود را در قزوین سپری نمود ، آن گاه رهسپار تهران شد و تحصیلات خود را در رشته فیزیک پی گرفت . وی پس از آنکه مدرک دکترای خود را از دانشکده علوم و بعد از آن در دانشکده پزشکی اخذ نمود ، رهسپار فرانسه شد و تحصیلات تکمیلی خود را در شاخه بیوفیزیک دانشگاه پاریس دنبال کرده و با اخذ درجه دکترای دولتی فرانسه فارغ التحصیل شد.هم دوره ای ها و همکاران : دکترحسابی ، دکتر آل بویه و دکتر بهفروز از جمله دوستان نزدیک حبیب الله ایزدیان بودند.همسر و فرزندان : حبیب الله ایزدیان در سال ۱۳۳۹ با خانم اورا ایزدیان ازدواج نمود ، که ثمرهٔ آن یک پسر و یک دختر می باشد.فعالیتهای آموزشی : فعالیت آموزشی حبیب الله ایزدیان با شغل دبیری در مدارس شهرستان بابل آغاز گردید، سپس به امر تدریس در دانشگاه روی آورد و توانست در سال ۱۳۳۹ با مقام دانشیاری ، کرسی بیوفیزیک دانشکده علوم را بدست گیرد. او همچنین در دانشکده افسری نیز تدریس می نمود.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حبیب الله ایزدیان برای تکمیل اطلاعات خود

در زمینه علم فیزیک به خصوص انرژی اتمی ، مسافرت های متعددی به کشورهای اروپایی نمودو توانست در این زمینه تحقیقات گسترده ای نماید.آرا و گرایشهای خاص : حبیب الله ایزدیان بیشتر اوقات خود را به مطالعه و تحقیق در امور فیزیک ، خصوصاً « تاثیرات تشعشات اتمی روی بدن و طرق محافظت در مقابل تشعشات » گذراند.

آثار : حفاظت در مقابل تشعشات اتمی فیزیک زیست شناسی و رادیوبیولوژی مکانیک عملی و فیزیک عمومی منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

ایسکی باغی، سعید

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۲ ق)، شاعر، متخلص به سعید. از مردم ایسکی باغ در ناحیه‌ی خزار در ماوراءالنهر و قاضی آن ناحیه و مرید شیخ خرد کاشانی از مشایخ صوفیه آن ناحیه بود. وی «دیوان غزلیات» داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۸۴).

ایقان شیرازی، محمدجعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۱۳ ق)، شاعر، متخلص به ایقان. وی علاوه بر این که شاعری متبحر بود از منطق و بیان سررشته داشت. میرزا محمدجعفر کارمند دولت و عهده‌دار منصب محاسبات کسبه بازار شیراز بود. از او است:

تا بر رخ ای صنم سر زلف تو دیده‌ایم

ز نار بسته، کفر به ایمان گزیده‌ایم

مهری چو عارض تو به گردون نیافتیم

سروی چو قامت تو به گلشن ندیده‌ایم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳۸۷/۱)، مرآت الفصاحه (۸۲).

ایلچی، ابراهیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، نقاش و خطاط. وی از جمله فضلا و ادبای عهد شاه‌محمد خدابنده صفوی (۹۹۶ -۹۸۵ ق)، و شاگرد میر معزالدین محمد کاشانی بود که در شهر قم حکمرانی داشت. این هنرمند در فن خط نسخ و تعلیق و رسامی و نقاشی و مذهَّب کاری یگانه‌ی زمان خود بود. شاه محمد خدابنده صفوی او را برای عرض تهنیت به دربار سلطان مرادخان سوم عثمانی به استانبول فرستاد. ابراهیم‌خان چون به دربار عثمانی رسید، سلطان عثمانی او را گنجینه‌ای یافت و از دولت ایران خواست تا او را در استانبول بماند و برخی کتابها را برای سلطان عثمانی خطاطی کند. اثر وی: «صحیفه‌ی سجادیه»ای است که به خط نسخ زیبا برای سلطان عثمانی نوشت و به انواع تذهیبات و نقوش زیبا آرایش داد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۲ /۱)، احوال و آثار نقاشان (۱۴ /۱)، مناقب هنروران (۸۶).

ایمانی مقدم، رحمت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه علمی

اینجانب رحمت الله ایمانی فرزند حیدر علی سال ۱۳۴۱ در خمینی شهر(هما یون شهر- سده-) به دنیا آمده، تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در مدارس پرتو، کورش کبیر و صائب به پایان برده و سال ۱۳۵۷ سال سوم دبیرستان در برنامه های ضد رژیم و تظاهرات و... شرکت نموده، سال چهارم دبیرستان(رشتهٔ فرهنگ و ادب) با پیروزی و تثبیت انقلاب اسلامی به پایان رسانده و سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمّیه قم شده و با اسکان در مدرسه مهدیّه- خ باجک- در مدرسه وثوق«المهدی(عج)» -صفائیه- شروع

به درس نموده و پس از چهار سال وارد دروس آزاد حوزه علمّیه قم شـده و در دروس آزاد حوزه- مـدرسه فیضیّه و مدرسه آیهٔ الله گلپایگـانی- شـرکت کرده و در سال ۱۳۷۰ سـطح عـالی را به پایان رسانـده و در دروس خارج فقه و اصول شـرکت نموده و مـدّت چهـار سـال به درس خـارج اصـول استاد بزرگـوار فاضـل لنکرانی دام عزه شـرکت نموده و پس از آن در درس فقه اسـتاد بزرگوار حضـرت آیت الله تبریزی قدس سره شرکت نموده(این درس ۱۵ سال به طول انجامیـد و چه اسـتفاده های مهمّ فقهی، علمی، رجالی و... که از این اسـتاد بهره مند شدیم خداوند درجات او را متعالی گرداند و با اولیاء و اوصـیایش مخصوصا امیرالمومنین علی ابن ابی طـالب(ع) محشور گردانـد که او در دفـاع از حریم ذات احـدیت و ولایت سـخت کوشا بود.) و در اصول وحیـد خراسانی «دام عزه» شرکت نموده (این درس از سال ۶۹ شـروع و هم اکنون ادامه دارد) در دروس اساتید اخلاق مانند استاد مظاهری، استاد اشتهاردی و اسـتاد مصـباح شرکت نموده و از سال ۱۳۷۶ به اصـرار یکی از دوسـتان در مـدرسه علمیه معصومیّه مشـغول تدریس شدم(این درس چهـار سال ادامه داشت) در سال ۱۳۷۷ بـا راهنمایی یکی از دوسـتان وارد مرکز فرهنگ و معارف قرآن شـده(که این مرحله شـروع تحقیقات علمی ماست) و با آموزش کوتاه مدّت – دو هفته ای – با بخش تشکیل پرونده علمی دائرهٔ المعارف قرآن کریم شروع به همکاری کرده این بخش(بعـد از تعیین مدخلها و موضوعات دائرهٔ المعارف) مهمترین کار علمی دائرهٔ المعارف است که با تحقیق و بررسـی کامل موضوع و مـدخل خاص از کتب لغات، تفسیر،روایات، تاریخ و دیگر کتب مربوط به موضوع و گرفتن کپی، عکس، مطالب و جمع آوری آن در یک پرونده علمی و تهیّهٔ گزارش از کار علمی،فهرست منابع و مدارک پرونده آماده ارزیابی و بررسـی می شود و بعـد از آن،ارزیـابی و اشکالات و ایرادات وارده را رفع یـا جواب داده پرونـده برای نوشـتن مقـاله تحویـل بخش تـدوین مقالات می شود. بنـده در بخش تشـکیل پرونـده نزدیک به بیست پرونـده علمی تشکیل داده و در بخش ارزیابی نزدیک به بیست پرونـده را ارزیـابی و پس از سه سـال فعـالیّت در آن بخش وارد بخش مقـابله و بـاز بینی علمی شـده و الآن در آن بخش به فعّالیت مشغول هستم که علاوه بر مقابله و باز بینی علمی و غنی سازی مقالات به کتاب شناسی جلد دوّم تا ششم دائرهٔ المعارف قرآن کریم هم مشـغول بوده(هر جلـد بیش از هشـتصد منبع دارد) و همزمـان کـار یکسـان سـازی منابع و پانوشـتها را انجام داده که نام بنـده در ردیف همکاران علمی دائرهٔ المعارف قرآن کریم که اکنون پنـج جلـد آن چاپ و جلـد شـشم آماده چاپ می باشـد آمـده است در کنـار کار تحقیقاتی قرآن از سال ۶۴ تـا حـال هر سال ماه مبارک رمضان و محرّم و صـفر به تبلیغ احکام و معارف اشـتغال دارم و از سال ۷۰ تا به حال بعنوان روحانی کاروانهای سوریّه،عمره و حـج با سازمان حـج و زیارت همکاری می کنم به حول وقوه الهی تا به حال ۱۴ سفر حج و عمره سه سفر سوریّه مشرف شده ام.

در طول سالهای جنگ تحمیلی(۵۹-۶۷) هر سال یکی دو بار بصورت رزمی و تبلیغی به جمع رزمندگان اسلام پیوسته و در عملیّات محرم مورد اصابت ترکش خمپاره قرار گرفته و مجروح شده و الآن افتخار جانبازی جنگ تحمیلی را دارم.

ایمانی مقدم، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر عباس ایمانی مقـدم در سال ۱۳۴۸ در شـهر بروجرد متولد شد. ایشان دارای مدرک کارشناسـی متالوژی از دانشـگاه کاربردی ماشـین سازی اراک است. وی برگزیده رتبه سوم تحقیقات توسعه ای شانزدهمین جشنواره بین المللی خوارزمی می‌باشد.گروه : فنی و مهندسیرشـته : مهندسـی متـالوژیگرایش : شـکل دادن فلزاتخـاطرات کـودکی : عبـاس ایمـانی مقـدم در دوران کـودکی نسبت به پیرامون محیط خود کنجکاو بود و همیشه سـئوالاتی در خصوص محیط اطرافش در ذهن داشت.اوضاع اجتماعی و شـرایط زندگی : عباس ایمانی مقدم در خانواده‌ای با شـرایط مادی متوسط بدنیا آمد و بزرگ شد.تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : عباس ایمانی مقدم دارای کارشناسـی متـالوژی شـاخه شـکل دادن فلزات است.فعالیتهای ضـمن تحصـیل : عباس ایمانی مقـدم در حین تحصـیل خود به طراحی و سـاخت دسـتگاه کشـش اولیه و تـدوین اطلس آهنگری می‌پرداخت.اسـتادان و مربیـان : دکـتر محسن متین، دکتر اکرامی، دکتر گلعـذار، دکتر شیرانی، مهنـدس بیژن دیبائی‌نیـا و دکتر صـدرنژاد از اساتیـد عبـاس ایمـانی مقـدم می‌باشـند.هم دوره ای هـا و همکـاران : دکتر شاه حسینی از همکاران عباس ایمانی مقـدم است.همسـر و فرزنـدان : عباس ایمانی مقـدم متاهل و همسـر وی بنام سرکـار خـانم الهـام رجب‌زاده است. ایشان دارای دو فرزنـد بنامهای هلیا و آیلا می‌باشـد.مشاغل و سـمتهای مورد تصـدی : - طراح مهندسـی آهنگری به مدت دو سال - رئیس کارگاه آهنگری به مدت سه سال - رئیس مهندسـی آهنگری به مدت ۵ سال - رئیس واحد تحقیق و توسـعه خانه - صـنعت و معدن جوانان استان مرکزیفعالیتهای آموزشی : سوابق آموزشی عباس ایمانی مقدم به ترتیب زیر است: - دوره مدیریت رفتار سازمانی - دوره اقتصاد مهندسـی - دوره ممیزی سیستم مدیریت ایمنی و بهداشت حرفه ای - دوره آشـنایی بـا اصـول تسـتهای غیر مخرب - دوره ترمودینامیـک ذوب - دوره ممیزی (DNV) ۲۰۰۰ : ۹۰۰۱ ISO - دوره کارگـاه آموزشـی گمبا کایزن با اسـتاد یوشیدا از بنیانگذاران این علم از کشور ژاپن - دوره SOLID WORK ۲۰۰۰ PLUS - دوره نرم افزار طراحی آهنگری ۲۰۰۳ super forgeسایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عباس ایمانی مقـدم روزانه حـداقل یک ساعت به مطالعه و همچنین جسـتجو و بررسـی سایتهای مختلف (علمی ،آموزشی و صنعتی و غیره) و جمع آوری اطلاعات می‌پردازد.جوائز و نشانها : - برگزیده رتبه سوم تحقیقات توسـعه‌ای شانزدهمین جشـنواره بین المللی خوارزمی در سال ۱۳۸۱ در زمینه: طراحی و تولید شیر های حفاری و فلنـج - پژوهشـگر نمونه اسـتان مرکزی در سال ۱۳۸۲ - کـارگر نمونه سال ۱۳۸۱ در سـطح شرکت ماشین‌سازی اراک چگونگی عرضه آثـار : - طراحی سـاخت و تولیـد صـدها قطعه آهنگری به روش قـالب باز و بسته از جمله قطعات گیربکس پیکان، پراید و غیره - طراحی و ساخت قالب expamtiom joint دیگ‌های بخار و تولید بصورت یکپارچه - طراحی و ساخت قالب صمیت تولید انکر فلنچ های شرکت گاز تا سایز ۵۶ اینچ به روش پروفیل و کاهش وزن آن تا ۷۰۰۰ کیلو گرم و تولید با پرس

۱۶۰۰ تن هیدرولیکی قالب باز

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

ایمانی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین ایمانی

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

ایمای اصفهانی، اسماعیل

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۳۲ ق)، شاعر. وی از شعرای معاصر سلطان حسین صفوی است که با میرنجات و شفیعای شیرازی دوست و معاشر بود. شغل وی علاقه‌بندی بود. از اوست:

بس که حرف حق کسی درد هر نتواند شنید

گیرد اول در اذان گفتن موذن گوش را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۹۵)، تذکرهٔ المعاصرین (۳۶۲-۳۶۰)، الذریعه (۱۱۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۱۲).

ایمن کرمانی، عبدالغنی، عبدالنبی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۹۹ ق)، شاعر، متخلص به ایمن. در کرمان متولد شد، سپس به یزد رفت و حکام آنجا را مدح گفت. وی مدایحی نیز درباره‌ی محمـد اسـماعیل خـان وکیل‌الملک اول پرداخته است. مـاده تـاریخی که ایمن برای اتمام ساختمان آب انبار چهل پله، برابر مسـجد چهـل سـتون، سـاخته، هنوز بر جـای مانـده است. او چنـدی هم در کرمانشاهـان می‌زیست. «دیوان» اشـعار هزار بیتی ایمنی به چـاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تـذکره‌ی شاعران کرمان (۱۰۰ -۹۹)، حدیقه الشـعراء (۲۱۵ -۲۱۴ /۱)، الذریعه (۱۱۵/۹)، سـتارگان کرمان (۷۳ - ۷۱)، فرهنگ سخنوران (۱۱۳).

اینانج بیک، سلیمان

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، شاعر. از کارگزاران دربار غزنویان بود و با مسعود سعد سلمان مشاعره داشت. قصیده‌ای که برای مسعود سعد سروده باقی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۲۶).

ایواوغلی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، مـذهب، خطاط و شاعر. از اهالی قصـبه‌ی ایواوغلی، از توابع شـهر خوی و از قورچیان سـلطان حمزه میرزا (م ۱۰۶۹ ق)، نواده‌ی شاه طهماسب، بود. در خوشنویسی و تذهیب و طلاکاری مهارت داشت و بیشترین کارهای این هنرمند، تذهیب و تزیین

و حاشیه‌بندی قطعات و نسخه‌های خطی بود و چون در صنعت شعر نیز دست داشت، اغلب سروده‌های خود و سایر شاعران را تذهیب می‌کرد. وی اشعار فارسی و ترکی را خوب می‌سرود. از آثار او: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۶۵۴/ ۲)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۷)، دانشمندان آذربایجان (۳۲۹)، الذریعه (۹۹۲، ۱۱۵/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۱۲)، مجمع الخواص (۱۲۶ -۱۲۵).

ایوب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، خطاط. از شکسته‌نویسان عصر خویش بود. از خطوط او: یک قطعه، به قلم کتابت خفی، با رقم: «از روی خط استادی درویش مجید به رسم نقل نوشته شده ایوب بن حکیم نورمحمد» و پشت قطعه مرآةالممالک نوشته است: «از خطوط و مشقهای آقای دکتر ایوب خان خطیب معاصر است که اگر از مرحوم مبرور درویش عبدالمجید طالقانی کمتر نوشته باشد از مرحوم استادی میرزاکوچک بهتر نوشته است ربیع الاول ۱۳۱۵».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۵۷/۴).

ایوب خراسانی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. پدرش قاضی سمرقند بود. وی در هرات تحصیل کرد و به عراق سفر کرد و از آنجا به شروان رفت و ندیم مجلس شیخ شاه، پادشاه آنجا شد. خواجه ایوب در سوردن شعر مهارت داشت. از اوست:

آنکه رفتیم چو اندیشه رحم از یادش

شرمی از سابقه بندگی ما بادش

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه‌ی سامی (۱۲۴ -۱۲۳)، الذریعه (۱۱۵/۹)، لغت‌نامه (ذیل/ایوب)، مجمع الخواص (۳۱۳ -۳۱۲).

ایوبی، ربیعه

قرن:۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

۶۴۳ -۵۶۱ ق؛ از زنان دانشمند و خیر. وی دختر نجم‌الدین ایوب و خواهر سلطان صلاح‌الدین ایوبی (۵۸۹ -۵۶۷ ق) و همسر مظفرالدین کوکبری، فرمانروای اربل، بود. وی مدرسه صاحبه- و به نوشته برخی منابع مدرسه حنبلیه- را در دمشق بنا نهاد و وقف کرد.

پادشاهان ایوبی، برادرها و فرزندانشان، احترام خاصی برایش قائل بودند و برای دیدار او به منزلش می‌رفتند. ربیعه خاتون در شهر دمشق درگذشت.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: اعلام‌النساء، ۴۴۴ -۴۴۳ / ۱؛ الاعلام، ۴۰ / ۳؛ تاریخ مشاهیر کرد، ۱۸۶ / ۳؛ لغت‌نامه دهخدا، ش، ۲۷۶ / ۱۰۸.

ایوبی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهندس محمدعلی ایوبی در سال ۱۳۴۷ شمسی در تهران به دنیا آمد.ایشان دارای مدرک کارشناسی ارشد رشته هوا- فضا از دانشگاه صنعتی شریف می باشد.وی یکی از مترجمان کتاب"مکانیک و ترمودینامیک پیشرانش "می باشد کتاب فوق ، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی هوا- فضاتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد علی ایوبی بعد از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه به دانشگاه صنعتی امیرکبیر راه یافت و لیسانس مهندسی مکانیک (طراحی جامدات) را از این دانشگاه اخذ کرد. وی تحصیلات خود را تا مقطع فوق لیسانس در رشته هوا- فضا از دانشگاه صنعتی شریف ادامه داد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مهندس ایوبی در مرکز پژوهشهای هوانوردی صنایع هواپیمایی ایران، مرکز تحقیقات و نوآوری خودرو سابقه فعالیت داشته و

دستیار آموزشی در دروس کنترل و دینامیک دانشکده مهندسی هوا فضای دانشگاه صنعتی شریف است.جوائز و نشانها : کتاب"مکانیک و ترمودینامیک پیشرانش "ترجمه محمد علی ایوبی(یکی از مترجمان) ، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

آثار : ترجمه کتاب مبانی آیرودینامیک ویژگی اثر : تألیف پی. هیل با همکاری دکتر کریم مظاهری و مهندس مهران دری۲ ترجمه و تلخیص جلد اول کتاب دینامیک پرواز ویژگی اثر : تألیف ج. روسکام به همراه دکتر سیدمحمدباقر ملائک۳ مکانیک و ترمودینامیک پیشرانش ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب ، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب:«مکانیک و ترمودینامیک پیشرانش» مکانیک و ترمودینامیک پیشرانش/ تألیف فیلیپ هیل، کارل پیترسون؛ ترجم ?کریم مظاهری، محمدعلی ایوبی؛ ویراست? مسعودرضا شاکری.- تهران: دانشگاه صنعتی شریف، مؤسس ?انتشارات علمی، ۱۳۷۷.- چهارده، ۸۴۵ص.: مصور. واژه نامه. کتابنامه. پیشرانش یکی از جذابترین گرایشهای مهندسی هوا- فضا است که علاقه مندان بسیاری دارد. این شاخه از مهندسی هوا- فضا به طرح مبانی، تحلیل و طراحی سیستمهای پیشران وسایل پرنده می پردازد. به اعتقاد بسیاری از صاحبنظران، این اثر یکی از کاملترین و جامعترین کتابها در زمین ?علوم و کاربردهای پیشرانش است که نه تنها اصول علمی اولیه را به خوبی بیان کرده، بلکه کاربردهای مختلف و تمامی سؤالهای موردنظر طراحان را مطمح نظر قرار داده است. این کتاب با بیانی شیوا، ضمن طرح تقریباً تمامی مجموعه های پیشرانش معروف امروزی و بیان جایگاه و ارتباطات آنها، تا حد امکان جزئیات طراحی هرکدام را مطرح می سازد. تنظیم فصلهای کتاب به گونه ای است که می توان از آنها برای تدریس سه درس در سطح کارشناسی با عناوین «اصول پیشرانش»، «توربو جتها» و «اصول راکتها و طراحی موشک» استفاده کرد.

ایوبی، مصطفی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن ربعی نسخ کتابت نیمه خفی عالی با رقم: «کتبه الحقیر المحتاج الی ربه القدیر مصطفی بن عمر الایوبی...».

در موزه‌ی هنر و پیشه هامبورک.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

ایوبی، ملکه

قرن:۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

دانشمند و کاردان ایوبی. وی دختر ملک عادل ابوبکر، و همسر ملک منصور ایوبی (۶۲۰ -۵۹۵ ق) بود. همسرش علاقه فراوانی به او داشت و پس از مرگ وی چنان متأثر و اندوهگین بود که لباس سیاه پوشیده و عمامه نیلی بر سر گذاشت و مدت زیادی سوگوار بود. شعرای عصر در مرگ وی قصاید و مراثی سوزناکی گفته‌اند؛ از جمله حسام‌الدین خشتری قصیده‌ای به این مطلع سرود:

الطرف فی لجهٔ والقلب فی سعر

له دخان زفیر طار بالشرر

(در غمش، چشم، غرق دریای اشک و قلب در آتشی است که لهیب آن شراره می‌افکند.) و در یکی از ابیات آن به پوشش سیاه ملک منصور اشاره کرده است:

ما کنت اعلم ان الشمس قد غربت

حتی رایت الدجی ملقی علی القمر

نمی‌دانستم که خورشید غروب کرده است

تا آنکه سیاهی را بر ماه افکنده دیدم)

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: تاریخ مشاهیر کرد، ۱۸۵ / ۳؛ خیرات حسان، ۹۳ / ۳.

آباده‌ای

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۵ -۱۲۷۵ ق)، خطاط و شاعر نوحه‌سرا، متخلص به مینو. در قریه‌ی صغاد از توابع آباده متولد شد. مقدمات علوم ادبی و عربی را نزد پدرش آموخت و به خوشنویسی و به خصوص خط نستعلیق نیز علاقه داشت و در آن مهارت کامل یافت. حاج آقا بزرگ در سرودن انواع شعر به ویژه نوحه‌سرایی استاد بود. اشعارش در تعزیه‌ها و سوگواریها هنوز خوانده می‌شود. آنچه به اشعار او امتیاز

بخشیده است انتخاب بحور عروضی مناسب و ترکیبات مفرداتی است دل‌انگیز و دلنشین.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۳۵۰۵ -۳۵۰۰ /۵).

آبانی تهرانی، نصراللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۷۴ ق)، شاعر. در تهران متولد شد. ابتدا عطاری می‌کرد، اما به تشویق پدر که از علما و فقها بود به تحصیل روی آورد. در فضل و ادب سرآمد بود و اشعار فارسی و عربی فراوانی از بر داشت. آبانی شاعری نکته‌سنج بود و در قصایدش میرزا آقاخان نوری را مدح گفته است. «دیوان» شعری از وی برجای مانده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۹ -۱۷ /۱)، الذریعه (۱ /۹)، فرهنگ سخنوران (۱)، گنج شایگان (۱۴۰ -۱۳۶)، مجمع الفصحا (۴/ ۱۳۳).

آبرو گیلانی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(پیش از س سیزدهم ق)، شاعر. چنانکه میرعلی شیر قانع تتوی در «مقالات الشعراء» می‌نویسد این دو بیت در حاشیه‌ی کتابی که به یکی از دوستان وی تعلق داشته به نام آبرو ضبط شده است. ظاهراً این شاعر از موطن خویش به سند رفته است:

منشیان قلمرو ایجاد

بهر تدریس عشق تاخته‌اند

خال را بر بیاض کردن یار

نقطه‌ی انتخاب ساخته‌اند

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گلزار جاویدان (۵ /۱)، مقالات الشعراء (۲۱).

آبشادی، موسی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۹۱ ق)، عالم. از آثارش: «اغاثهٔ اللهوف فی عمل الخسوف والکسوف»، که در تاریخ ۱۰۹۱ ق از تألیف آن فراغت یافت؛ «تنقیح الافکار فی اعمال اللیل والنهار»؛ «المنن الارشادیهٔ فی العمل بالتیجهٔ الآبشادیهٔ».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۱۰۵ /۱)، معجم المؤلفین (۴۰ /۱۳)، هدیهٔ العارفین (۴۸۱ /۲).

آبشوری، زین‌العابدین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط و شاعر. در «جامع مفیدی» آمده است: در نوشتن خط نستعلیق مرتبه‌ی عالی یافت و با وجود حسن خط، به انواع کمالات و فضایل و تقوا آراسته بود. آبشوری شعر نیز می‌گفت و دیوانش متداول بود. در تعلیم خط مهارت داشت و آداب تعلیم را به شاگردان در لباس نظم ادا می‌کرد. در اواخر دولت شاه صفی صفوی (۱۰۵۲ -۱۰۳۸ ق) بدرود زندگی گفت. اثر وی «دیوان» اشعار.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۲۴ /۱)، جامع مفیدی (۴۰۱ -۴۰۰ /۳).

آبنوسی، نریمان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یکی از صنعتگران هنرمند کشور، نریمان آبنوسی است که در سال ۱۳۰۲ در شهرستان ساوه متولد شد. وی از سن ۸ سالگی به موسیقی روی آورد و به آن علاقه‌ای وافر پیدا نمود. پس از چندی اقدام به ساختن سازی محلی به نام «چگور» کرد، این ساز ۹ سیمه می‌باشد و دارای صدایی خوش است.

نریمان آبنوسی از آنجا که به ایران و ایرانی عشق می‌ورزید برای زنده کردن هنر و صنعت ایران، در سال ۱۳۲۸ اولین ساز «عود» را که همان «بربط» ساز ایران باستان است ساخت و به قدری آن را خوب و خوش صدا از کار درآورد که شهرت آن از مرزهای کشور گذشت و به سراسر شیخ‌نشین‌های خلیج‌فارس و از آنجا به عراق، لبنان، سوریه و مصر کشیده شد از جمله یکی از استادان «عود» نواز مصر از طرف محمد عبدالوهاب نزد وی می‌آید عود را می‌بیند و بسیار مورد توجه او واقع می‌گردد. از این زمان به بعد نریمان ایرانی این ساز ایرانی را برای کشورهای عربی می‌سازد تا جلوه‌گر موسیقی آنها شود ولی متأسفانه در ارکسترهای ایرانی از آن یا استفاده نمی‌شد یا اگر هم می‌شد کمتر میدانی به نوازنده‌ی آن می‌دادند.

نریمان آبنوسی، علاوه بر ساختن «عود»، «سه‌تار» و «سنتور» نیز می‌ساخته والحق هم خوب از عهده‌ی کار برمی‌آمده ولی عود کار دست وی چیز دیگری بوده. وی مدتی بنابه دعوت وزارت فرهنگ و هنر وقت به آن اداره رفت و در کارگاه آنجا مشغول کار شد ولی بنابر اختلافی که با رؤسای آنجا پیدا نمود از این وزارتخانه قهر کرد و دیگر به آنجا نرفت و تا پایان عمر در کارگاه خصوصی خود مشغول فعالیت بود، نریمان سازهای خود را بیشتر از چوب‌های افرا و گردو می‌ساخت و خشک کردن چوب طرز مخصوص خود او بود.

نریمان در ساختن «عود»، استاد یحیای دوران خود بود و بهترین و زیباترین «عود»ها را ساخت. «سه‌تار»ها «چگور»ها و «تنبور»های وی نیز بسیار مشهور و کمیاب می‌باشد. مرحوم نریمان سازهای دیگری چون «تار»، «قانون» و «سنتور» نیز می‌ساخت و در درزگیری و وصل قطعات ساز بخصوص «عود» از استادان بی‌نظیر بود، روانش شاد، از وی، دو پسر و سه دختر به جای مانده که همگی ایشان هنرمند می‌باشند، آمو آبنوسی در رشته پیانو از انگلستان فارغ‌التحصیل گردیده، دختران هم با پیانو و نواختن آن آشنایی کامل دارند و پسر بزرگ وی، ساهاک آبنوسی است که با نواختن تمام سازها آشنایی دارد و بخصوص یکی از «عود»نوازان خوب به شمار می‌آید ولی بیشتر فعالیت وی در ساختن ساز در کارگاه پدر صرف می‌شود.

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد دوم)

آبی ترشیزی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. از ترشیز به دهلی مهاجرت کرد و در آنجا سکنی گزید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۵)، فرهنگ سخنوران (۱)، مخزن الغرائب (۲۵۹ /۱).

آبی رازی، موفق الدین، حسن

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، فقیه و محدث. مشهور به خواجه آبی. وی در قریه راشدهٔ شنست ری ساکن بود. وی بر فقیه عالیمقام امیرکیا فرزند ابوالجیم مصدری قرائت کرد. خواجه آبی فقیهی صالح و مورد اعتماد بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۸۲ /۲)، ری باستان (۲۹۸ /۲)، ریاض العلماء (۳۳۸ /۱)، شهیدان راه فضیلت (۱۳۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۶ /۶)، فهرست منتجب‌الدین (۵۵ -۵۴).

آبی، ابوسعد، ابوسعید منصور

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۳۲ /۴۲۲ /۴۲۱ ق)، فقیه، ادیب، شاعر و مورخ امامی. در آبه یا آوه از توابع ساوه متولد شد. و پس از کسب معلومات متداول زمان در ری به وزارت ابوطالب مجدالدوله‌ی دیلمی رسید، و با صاحب بن عباد دوستی داشت. به گفته‌ی منتجب الدین از شاگردان شیخ طوسی بود. عبدالرحمان نیشابوری از او روایت می‌کرد. برادر او، ابومنصور محمد بن حسن آبی، نیز از ادیبان و دانشمندان قرن پنجم است که در خدمت ملوک طبرستان دارای منصب وزارت بود. آثار ابوسعد عبارت‌اند از: «نزهة الادب»؛ «نثر الدرر»؛ «تاریخ ری».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۳۷/ ۸)، اعیان الشیعه (۲۵۲/ ۹، ۸۵/ ۲)، دائرةالمعارف البستانی (۲۶ -۲۵/ ۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۲/ ۱)، الذریعه (۱۰۸، ۵۲ -۵۱/ ۲۴، ۲۵۴/ ۳)، ری باستان (۳۹۴/ ۲)، ریاض العلماء (۲۱۹/ ۵)، ریحانه (۱۳۶ -۱۳۵/ ۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۹۶ -۱۹۵/ ۵)، فهرست منتجب الدین (۱۶۱)، فوائد الرضویه (۶۶۸ -۶۶۷)، کشف الظنون (۱۹۳۹، ۱۹۲۷، ۲۹۵)، الکنی والالقاب (۴/ ۲)، معجم الادباء (۲۳۸/ ۶)، معجم البلدان (۶۹/ ۱)، معجم المؤلفین (۱۲/ ۱۳)، نشر دانش (س ۱۳، ش ۶، ص ۲۸)، هدیة الاحباب (۹۶)، هدیة العارفین (۴۷۳/ ۲).

آبی، تاج‌الدین علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، فقیه. قاضی تاج‌الدین، به آورده منتجب‌الدین در «فهرست»، از فقیهان عصر خویش بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸۸/ ۶)، فهرست منتجب‌الدین (۱۳۴)، معجم رجال الحدیث (۳۲/ ۱۲).

آبی، عزّالدین، زین‌الدین، ابومحمد حسن

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، فقیه امامی. وی معروف به فاضل آبی و ابن‌زینب یا ابن‌زبیب یا ابن‌ربیب و از شاگردان محقق حلّی بود که با استاد خود مباحثاتی داشته و در بسیاری موارد با وی مخالفت کرده است. از آثار او «کشف الرموز» است، در شرح «مختصر نافع» که در رمضان سال ۶۷۲ ق از کتابت آن فارغ شده است. آبه روستایی در بخش جعفر آباد ساوه است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۸۲، ۸۵/ ۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۲/ ۱)، الذریعه (۳۵/ ۱۸)، ریاض العلماء (۱۵، ۱۱/ ۷، ۱۴۷ - ۱۴۶/ ۱)، ریحانه (۳۹ -۳۸/ ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۸/ ۷)، فوائد الرضویه (۶۴، ۹۵)، الکنی والالقاب (۱۵۵/ ۳، ۴/ ۲)، هدیة الاحباب (۹۶).

آبی، مجدالدین، صاعد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، فقیه و واعظ. وی از فقیهان و واعظان شیعی قرن ششم ق است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۷/ ۶)، فهرست منتجب‌الدین (۱۰۰).

آبیار، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نام و نام خانوادگی : رضا آبیار

محل تولد : جهرم

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۹/۱۱/۱ اینجانب رضا آبیار فعالیتهای علمی، پژوهشی خود را با گرایش به موضوعات شهید و شهادت از سال ۱۳۸۲ آغاز کرده و عملا وارد فعالیتهای علمی و عملی در این زمینه شدم.

با ورود به مرکز پژوهشهای اسلامی سازمان صدا و سیما، به تحقیق و پژوهش درموضوعات اخلاقی و تربیتی در باب شهدا پرداخته و اولین مقالهٔ بنده حقیر در سال ۸۵ با عنوان «همسرداری شهدا» در ماهنامه طوبی (این مرکز) به چاپ رسید.

در ضمن مقاله نویسی در فروردین ماه همان سال به سفارش مرکز پژوهش ها، پروژهٔ ظرافتهای اخلاقی شهدا در خانواده با تطبیق جلوه های رفتاری و گفتاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم، آغازکرده و در فروردین ماه ۸۶ به اتمام رساندم که تا چند ماه دیگر به چاپ می رسد.

پس از اتمام آن با پیشنهاد مسئول تحقیقات آن مرکز پروژهٔ دیگری را با عنوان ظرافتهای اخلاقی شهدا در سیرهٔ فردی با تطبیق جلوه های رفتاری اهل بیت علیهم السلام آغاز کرده ام، که این مجموعه نیز تا پایان آذرماه به اتمام خواهد رسید و تا آخر امسال به چاپ می رسد.

لازم به ذکر است تاکنون ۵ عنوان مقاله با موضوعات «نماز شب شهدا»، «نماز اول وقت شهدا»، «امر به معروف و نهی از منکر شهدا»، «همسرداری شهدا»، و «حکایت همسران شهدا» در ماهنامه طوبی به چاپ رسیده است. در همین راستا مجموعهٔ «سیرهٔ عملی شهدا » نیز پس از اتمام تحویل معاونت پژوهشی بنیاد شهید و امور ایثارگران استان قم گردیده و پس از تأیید کارشناسی هم اکنون جهت تصمیم گیری چاپ، مراحل پایانی را در معاونت پژوهشی شاهد کشور (تهران) طی می کند که امیدوارم خدمتی دیگر به شهدای عزیز باشد. منابع زندگینامه :مرکز تحقیقات علوم کامپیوتری علوم اسلامی

آتایی بلخی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. از اولاد اسماعیل آتا و مردی خوش طبع و درویش‌وش و منبسط بود. او به ترکی شعر می‌گفت. اشعار آتایی در زمان حیاتش در میان ترکان شهرت داشت. وی در بلخ مدفون گردید. «دیوان» شعری از او برجای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۳ /۹)، فرهنگ سخنوران (۱)، مجالس النفائس (۲۲۴، ۵۰).

آتسز خوارزمشاه، علاء الدین، علاء الدوله، ابوالمظفر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۵۱ ق)، شاعر. خانواده‌ی اتسز در اصل از غلامان ترک بودند و جدش از طرف سلطان ملکشاه سلجوقی به امارت رسید. اتسز گرچه دست نشانده دولت سلجوقی بود امّا چون در امر حکومت استقلال داشت، شاید بتوان او را بنیانگذار سلسله‌ی خوارزمشاهیان به شمار آورد که از آن پس مستقل بودند و در آغاز سده‌ی هفتم قمری توانستند در مدت کوتاهی خود را به صورت بزرگترین قدرت در جهان خاوری اسلام پیش از فتنه‌ی مغول درآوردند. اتسز پادشاهی فاضل و خوش طبع و به وفور علم و دانش سرآمد پادشاه زمان خود بود. جوینی و عوفی فضل و مهارت اتسز را در سرودن شعر فارسی می‌ستایند و ظاهرا دربار وی محفلی برای ادیبان برجسته بود. شعرای سلجوقی مانند ادیب صابر قصیده‌هایی در مدح او سروده‌اند؛ ولی از جمله کسانی که با اتسز ارتباط خاصی داشت رشیدالدین و طواط شاعر و منشی معروف بود که وظیفه‌ی شاعر و مبلغ دربار را انجام می‌داد. زمخشری نیز فرهنگ خود «مقدمهٔ الادب» را به همین شاه اهدا کرد.[۱]

(تر.: آت: آد، نام + سز، ادات سلب، بی‌نام) ابن محمد بن انوشتگین، از سلسله خوارزمشاهیان. وی پس از پدر فرمانروائی یافت (۵۵۱ -۵۲۱ ه.ق)، و او تا سال ۵۳۰ تابع سنجر بود، و از آن پس استقلال یافت، و چند بار میان او و سنجر جنگ درگرفت، و در ۵۵۳ مغوب سنجر گردید، ولی سه سال بعد زمانی که سنجر از ترکان شکست یافت، آتسز فرصت را غنیمت شمرد، و در حدود مرو و خراسان بتاخت و تاز پرداخت. عاقبت در ۵۳۸ با سنجر از در آشتی درآمد، و فرمانروایی خوارزم یافت.آتسز پادشاهی ادب‌دوست و دانش‌پرور بود. رشید وطواط، زمخشری و زین‌الدین گرگانی طبیب به دربار او اختصاص داشتند. برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۱۴۰ /۱)، حبیب السیر (۶۳۰ -۶۲۹ /۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۱۶۹ -۱۱۶۸ /۹)، دایرهٔالمعارف فارسی (۴۹ -۴۸ /۱)، سیر النبلاء (۳۲۳ -۳۲۲ /۲۰)، لباب الالباب (۳۸ -۳۵ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ اتسز)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۵۵۱)، الوافی بالوفیات (۱۹۵ /۶).

آتش

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا حسن فرزند حاج میرزا آقا ابن محمّد طاهر بروجنی. شاعر فاضل و ادیب کامل، مردی خلیق و مهربان و نیک سرشت و خوش طینت بوده، در اوایل عمر به شغل زنجیره بافی اشتغال داشته، و در صنعت گل دوزی و یراق از اساتید فن بشمار می‌رفته، سپس تغییر شغل داده و به تجارب مشغول گردیده و تا آخر عمر بدین شغل اشتغال داشته.

در اوایل شاعری، «بینوا» تخلص می‌نمود، و بعداً آن را به «آتش» مبدّل ساخت، چنان که خود گوید:

چنان تخلّص آتش بسوخت جان مرا

که هیچ نام و نشانی ز بینوا نگذاشت

در عموم انجمن‌های ادبی که در عصر او در اصفهان تشکیل می‌شد شرکت داشت، و بخصوص در انجمن شیدا و ادیب فرهمند از اساتید و صاحب نظران بشمار می‌رفت.

بیشتر اشعارش غزل است و به انواع دیگر شعر توجّهی نداشته، و در سبک شاعری پیرو صائب اصفهانی (که به غلط او را صائب تبریزی گویند) و کلیم کاشانی است، یعنی به سبک هندی (سبک اصفهانی) شعر می گوید.

آتش در حدود سال ۱۲۸۴ متولد، در ۲۱ رجب سال ۱۳۴۹ در اصفهان وفات یافته، در یکی از اطاق‌های تکیه فاضل سراب در اوّل تخت فولاد مدفون گردید.

عموم شعرای اصفهان برای او مرثیه و مادّه تاریخ گفته‌اند از آن جمله است:

حاج آقا حسام الدین دولت آبادی گوید:

طبع حسامت پی تاریخ گفت

آتش ما سرد شدی زود بود

آقا میرزا عبدالکریم بصیر گوید:

آه کز باد اجل خاموش شد

آتش آن شاهنشه ملک سخن

زان میان گفتا به تاریخش بصیر

آتشی دیگر ندارد انجمن

دیوان اشعارش دو مرتبه بطبع رسیده؛ از اشعار اوست:

آن پری را مگر از جوهر جان ساخته‌اند

که چو جان از نظر خلق نهان ساخته‌اند

بوسه‌ای ده که شود قوت دل و قوّت روح

ای که از لعل تو یاقوت روان ساخته‌اند

دیگر از سیب سخن با من سر گشته مگوی

که زنخدان تو را بهتر از آن ساخته‌اند

طعنه بر تخت جم و افسر دارا زده‌اند

این گدایان که به کوی تو مکان ساخته‌اند

بنده مغ بچگانم که به یک جرعه می

فارغم از غم و اندوه جهان ساخته‌اند

ساکنان در میخانه سبک روحانند

کز دو عالم به یکی رطل گران ساخته‌اند

از زنخدان تو، رنج دل ما به نشود

زان که این سیب نصیب دگران ساخته‌اند

آتشا بخت جوان داری و اقبال بلند

که تو را خاک ره پیر مغان ساخته‌اند

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

آتش اصفهانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۹ -۱۲۸۶ /۱۲۸۴ ق)، شاعر. در اصفهان متولد شد و در هنرهای مختلفی علاوه بر شاعری دست داشت، از جمله: زنجیر بافی، یراق دوزی و گلدوزی. وی در بیشتر انجمنهای ادبی اصفهان شرکت می‌کرد و از محضر استادانی چون ملک الشعرای عنقا و عمان سامانی و میرزا حسینعلی آشفته‌ی اصفهانی کسب فیض نمود. از جمله معاصران آتش، میرزا محمدسها و میرزا ابوالقاسم طرب بودند و همچنین میرزا ابوالقاسم ذوقی، حاج محمد کاظم غمگین، میرزا شکراللّه منعم، مصطفی قلی‌خان سینا و میرزا حیدرعلی کمالی که نسبت به وی سمت استادی داشتند. میرزا حسن در ابتدا بینوا و سپس آتش تخلص می‌کرد و در شاعری متمایل به سبک هندی و از پیروان کلیم اصفهانی و صائب تبریزی بود. «دیوان» اشعارش که بالغ بر ۵۸۰۰ بیت و اغلب اشعار آن غزل است در ۱۳۲۱ ش با مقدمه‌ی جلال‌الدین همایی به چاپ رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ القبور (۴ -۲)، حدیقهٔ الشعراء (۲۰ /۱)، الذریعه (۱ /۹)، سخنوران نامی معاصر (۲۷ -۲۳ /۱)، شخصیتهای نامی (۱۱ -۱۰)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۹ -۵۷۸ /۲) .

آتش اصفهانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۰ ق)، شاعر. اصلش از حله است و موطنش فریدن اصفهان، به این سبب به آتش فریدنی نیز شهرت داشت. منصب نیابت صدرات اصفهان را داشت. در علوم مختلف صاحب نظر بود. از شعرای عهد قاجاریه است. این دو بیت از او است:

در گردن دیگری میفکن

دستی که به خون من خضابست

درین بهار به خود داده‌ام قرار دگر

که مست افتم از باده تا بهار دگر

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۲۰ -۱۹ /۱)، الذریعه (۱ /۹)، سفینهٔ المحمود (۱۵۷ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱)، لغت‌نامه (ذیل/ آتش)، مجمع الفصحا (۱۴۰ /۴)، مصطبهٔ خراب (۱۴ /۱۳).

آتش افروز، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر حسین آتش افروز متولد ۱۳۲۲ه.ش دارای دکترای دامپروری و عضو هئیت علمی دانشگاه اورسی پاریس با درجه دانشیاری می باشد. وی دارای تحقیقات و آثاری پیرامون بیماریهای انگلی روده دامهای بزرگ (گاو و گاومیش) می‌باشد.گروه : کشاورزیرشته : دامپروریتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکترحسین آتش افروز دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه کالیفرنیا و دکتری رشته دامپروری از دانشگاه یوتا می باشد. خاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته دامپروری و اخذ مدرک دکترای آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکترحسین آتش افروز میباشد.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر حسین آتش افروز در کنار تحصیل به مطالعه، پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : دکتر حسین آتش افروز پس از اخذ مدرک دکتری در رشته دامپروری به عضویت هئیت علمی گروه دامپروی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه اورسی درآمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به انجام خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر حسین آتش افروز عضو هئیت علمی و دانشیار گروه دامپروری در دانشکده کشاورزی در دانشگاه اورسی است.فعالیتهای آموزشی : دکتر حسین آتش افروز سالهاست که به عنوان عضو هئیت علمی گروه دامپروری در دانشگاه اورسی به تدریس دروس تخصصی رشته دامپروی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر حسین آتش افروز در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : دکتر حسین آتش افروز از جمله علمای دامپروی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره بیماریهای انگلی روده دامهای بزرگ (گاو و گاو میش) انجام داده است.

آتش زر موسوی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد آتش زر موسوی

محل تولد : بناب

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۳/۵

آتشی شروانی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. قبل از آتشی مراغه‌ای دارای این تخلص بود. صاحب «دیوان» اشعار است. این دو بیت مشهور از او است:

صبحدم کاین زورق زرین به امر دادگر

شد روان بر روی این دریای سبز پر درر

از پس پرده زلیخایی سحرگه رخ نمود

همچو یوسف کو برآورد از درون چاه سر

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۲)، الذریعه (۲ /۹)، فرهنگ سخنوران (۱).

آتشی شیرازی، طاهر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر. از نام و نشان او اطلاعات کافی در دست نیست. شغلش نانوایی بوده است، به همین جهت او را آتشی خباز نیز نامیده‌اند. گویا میان او و صبوحی شیرازی باب هجو مفتوح بوده است. «دیوان» آتشی مورخ ۹۱۰ ق و مشتمل بر قصایدی است در باب غزوات امیرالمؤمنین حضرت علی بن ابی‌طالب (ع). از دیگر آثار او «معدن افکار»، در ۲۳۰۰ بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه‌ی سامی (۳۲۵)، تذکرهٔ القبور (۴)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۲ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۵ /۱)، الذریعه (۲۲۰ /۲۱ ،۲ -۱ /۹)، فرهنگ سخنوران (۲ -۱)، مجالس النفائس (۳۸۹ -۳۸۸).

آتشی شیرازی، عبداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۴۸- ح ۱۳۰۰ ق)، عالم دینی، مدرس و زاهد. در شیراز متولد شد. سالها در خدمت علما درس خواند چندانکه در هر فنی ماهر شد. ملا عبداللّه ساکن محله آتش بود و در مسجد آنجا اقامه جماعت می‌کرد و درس می‌گفت. او مرجع مردم آتش بود و عهده‌دار وظائف دینی و بخاطر سلامت نفس از محبوبیت خاصی برخوردار، و احکامش مورد تایید مرجع عالیقدر شیعه میرزای شیرازی بود. وی در عتبات عالیات به رحمت الهی واصل شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ القبور (۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۸۵ /۱۴)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۵۸ /۲)، مکارم الآثار (۱۳۳۷ -۱۳۳۶ /۴).

آتشی شیرازی، محمد کاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۹ -۱۲۰۸ ق)، فقیه و مجتهد. دائی نگارنده‌ی «فارسنامه‌ی ناصری» است. سالها تحصیل مراتب علمیه کرد تا به دریافت درجه اجتهاد نایل گشت. در ۱۲۴۵ ق از شیراز به کرمان رفت و در آنجا ساکن شد و سالها به نشر معارف اسلامی پرداخت و عهده‌دار امامت مسجد گنجعلی‌خان بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فارسنامه‌ی ناصری (۹۵۸ /۲).

آتشی مراغه‌ای

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، فقیه، ادیب و شاعر. در عهد فتحعلی شاه شیخ‌الاسلام مراغه و از شعرای معروف آن شهر و متخلص به آتشی بوده است. وی کتب زیادی تألیف کرده است، دیوانی هم دارد که اکثر اشعار آن به زبان ترکی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۲)، الذریعه (۲ /۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۹ /۱۳)، فرهنگ سخنوران (۲)، مستدرکات اعیان (۳ /۳).

آتشی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر حماسه‌سرا. از احوالش اطلاعی در دست نیست. اثر وی «جنگنامه»ای است حاوی منظومه‌هایی با عناوین: «جنگ نامه‌ی محمد بن علی»، «جنگ نامه‌ی حضرت علی (ع)»، «جنگ ادهم بامکید»، «داستان غزای تبوک و گریختن لشکر از ضرب ذوالفقار». این داستانها که همه دارای جنبه‌ی حماسی کامل است، فاقد ارزش و اعتبار ادبی است، برخی از آنها به بحر متقارب و مابقی به صورت قصائد سست و مفصل است که در سال ۱۲۷۱ ق چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حماسه‌سرایی در ایران (۳۸۵).

آتشی، منوچهر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

منوچهر آتشی در سال ۱۳۱۰ ، در بوشهر به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خویش به پایان رسانید و به خدمت دولت در آمد. او در سال ۱۳۳۹ تحصیلات خودرا وارد دانشسرای عالی تهران پی گرفت و در رشته زبان و ادبیات انگلیسی موفق به اخذ درجه لیسانس شد. پس از آن در دبیرستانهای قزوین به تدریس پرداخت.آتشی از سال ۱۳۳۳ شروع به چاپ شعر کرد و در فاصلهٔ چند سال توانست در زمرهٔ شاعران معاصر قرار گیرد. تحصیلات رسمی و حرفه ای : منوچهر آتشی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خویش به پایان رسانید و به خدمت دولت در آمد. او در سال ۱۳۳۹ مجدداً تحصیلات خودرا در دانشسرای عالی تهران دنبال نمود و در رشته زبان و ادبیات انگلیسی موفق به اخذ درجه لیسانس شد. [از بهار تا شهریار ، تالیف: حسنعلی محمدی ، ج ۲ ، تهران: انتشارات ارغنون ، ص ۶۲۴] مشاغل و سمتهای مورد تصدی : منوچهر آتشی پس از طی مقطع متوسطه ، مدتی کار دولتی را تجربه کرد . فعالیتهای آموزشی : آتشی پس از طی مقطع متوسطه در زادگاه خود ، به استخدام دولت در آمد و به آموزگاری مشغول شد. او همچنین با اخذ درجه لیسانس فعالیت خود را در دبیرستانهای قزوین ادامه داد. [از بهار تا شهریار ، تالیف: حسنعلی محمدی ، ج ۲ ، تهران: انتشارات ارغنون ، ص ۶۲۴] مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : منوچهر آتشی در سال ۱۳۱۰ ، در بوشهر به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خویش به پایان رسانید و به خدمت دولت در آمد. او در سال ۱۳۳۹ تحصیلات خودرا وارد دانشسرای عالی تهران پی گرفت و در رشته زبان و ادبیات انگلیسی موفق به اخذ درجه لیسانس شد. پس از آن در دبیرستانهای قزوین به تدریس پرداخت.آتشی از سال ۱۳۳۳ شروع به چاپ شعر کرد و در فاصلهٔ چند سال توانست در زمرهٔ شاعران معاصر قرار گیرد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : آتشی از سال ۱۳۳۳ شروع به چاپ اشعارش کرد و در فاصلهٔ چند سال توانست در زمرهٔ شاعران معاصر قرار گیرد. او علاوه بر سرودن شعر ، مترجم آثاری نظیر « فونتامارا» اثر ایلناتسیوسیلونه است که در سال ۱۳۴۸ به وسیله سازمان کتابهای جیبی انتشار یافته است. [از بهار تا شهریار ، تالیف: حسنعلی محمدی ، ج ۲ ، تهران: انتشارات ارغنون ، ص ۶۲۴] آرا و گرایشهای خاص : شعر آتشی از رنگ و بوی سرزمین های جنوب بهره ای سرشار دارد و تصویری از طبیعت درشعرش جلوه گر است. وی علاوه بر شعر آزاد ، به نمونه هایی شعری قدیم نیز کم و بیش تمایل نشان داده و نمونه های از غزل و رباعی از وی انتشار یافته است. آتشی در باره خودش می گوید: « من شاعر جنوبم اما شما در جنوب واقعی کنونی کمترین جلوه هایی از جنوب ذهن نمی بینید. من جنوبی می اندیشم و جنوبی می سازم. من تماشگر نیستم چراکه دنیای ممکن عینی همیشه کم دامنه و فقیر بوده است. کمتر دیده ام و هرچه بیشتر اندیشیده ام.» آتشی معتقد است که : « شاعر امروز روحش برای رسیدن به کمال شعر سگدو می زند و جسمش سیر کردن شکم کودکش و این سگدوزدنها گاه به نحو اسف انگیزی جای خود را عوض می کنند!» او می گوید: « نقد نویسانی که بیش از همه به قضاوت کار من نشسته اند کمتر از همه به دنیای ذهن من راه یافته اند. متر و قیچی آنها همیشه قلابی ، عاریتی و کوتاه و کند بوده است... » و دکتر رضا براهنی عقیده دارد که: « آتشی شاعر اشیاء بدوی و ابتدایی است و به همین دلیل وحشی است و در کنار همین وحشی بودن ، حماسی نیز هست. شعر آتشی شعری است که در آن محتوی اصالت دارد ، این درهمان برخورد نخستین با کتاب اول آتشی آشکارا معلوم می شود و بعد این اصالت محتوی در کتاب دوم نیز با شدت بیشتری به چشم می خورد. » چگونگی عرضه آثار : آثار : آهنگ دیگر- آواز خاک- دیدار در فلق- فونتامارا- حادثه در بامداد- منابع زندگینامه :پایگاه یاد یار

آتونی، حیات

قرن:۹

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، شاعر. آتونی همسر ملابقایی، مراد امیرعلیشیر نوایی، بود که با شوهر خویش به مشاعره می‌پرداخت. زنی خوش صحبت و مایل به مجالست ادبا و فصحا بود. در موسیقی هم دست داشت. در عصر شاه طهماسب اول صفوی با همسر خویش به دربار همایون شاه تیموری در هند رفت و پس از انقراض سلسله‌ی تیموریان هرات، آتونی به دربار عبیداللّه‌خان، از امرای شیبانی رفت. در تذکره‌ها از او با نام‌های تونی، آتون، آتون هروی، و بی‌بی آتون یاد کرده‌اند.[۱]

قرن نهم و دهم هجری، از زنان شاعر. همسر آتونی، ملابقایی، مورد احترام و طرف مشورت امیرعلی شیرنوایی (۹۰۶ -۸۴۴ ق) قرار داشت. لطیفه و مطایبه‌ای از آتونی و همسرش در تذکره‌ها آمده است.

پس از انقراض سلسله تیموریان هرات، آتونی به دربار عبداللّه خان، از امرای شیبانی، رفت و محرم و ندیم وی شد. تذکره‌ها از او به نامهای تونی آتون و بی‌بی آتون نیز یاد کرده‌اند.[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ موسیقی (۳۱۴ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۶۴۲)، الذریعه (۲/۹)، زنان سخنور (۲ -۱ /۱)، فرهنگ سخنوران (۲)، مرآت الخیال (۳۳۶)، مستدرکات اعیان (۳ /۳)، مشاهیر زنان (۱).

[۲] منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره سوم، ۴۹؛ از رابعه تا پروین، ۹۰؛ تذکرهٔالخواتین، ۷۷ -۷۶؛ تراجم اعلام‌النساء، ۳۷۵ /۱؛ جواهرالعجایب، ۱۳۰ -۱۲۸؛ حدیقه عشرت، ۸؛ دایرهٔالمعارف تشیع، ۸/۱؛ الذریعه، ۲/۹؛ ریاض‌العارفین، ۳/۱؛ زنان سخنور، ۱ -۲ /۱؛ صحف ابراهیم، حرف ب، ش ۱۰۵۰. مرآت الخیال، ۳۳۶؛ نتایج‌الافکار، ۹۷.

آثار ارسنجانی فارسی محمد شفیع

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۳۳ –۱۲۵۳ ق)، شاعر و خطاط. از اهالی ارسنجان از توابع زرقان شیراز بود. خط نسخ را خوش می‌نوشت و در هفت قلم استاد بود. در کتاب «آثار عجم» آمده که پس از نیریزی خط مذکور را احدی به پایه‌ی او ننوشته، و اغلب به خوشنویسی «قرآن مجید» اشتغال داشته و در سرودن اشعار بویژه در غزل صاحب طبع سلیم بوده است. از آثاراو: یک نسخه قرآن، به قلم نسخ و رقاع و خواص آیات به قلم نستعلیق کتابت عالی، با رقم: «... محمد شفیع بن علی عسکر الارسنجانی... سنه ۱۲۹۱»؛ یک قطعه به خط ثلث و نسخ و رقاع و تعلیق و شکسته و نستعلیق نیم دودانگ خوش، با رقم: «... سنهٔ احدی و ثلثمائهٔ بعد الالف... العبد محمد شفیع بن علی عسکر»؛ قرآن رحلی با جلد روغنی به قلم نسخ و رقاع با رقم: «... محمد شفیع ارسنجانی فی سنه ۱۳۲۲».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۲۴۹)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۷۳ –۱۱۷۲ /۴، ۷۵۴ /۳)، اطلس خط (۳۶۲)، حدیقهٔ الشعراء (۲۲ – ۲۰ /۱)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۳ –۲ /۱)، الذریعه (۲ /۹)، ریحانه (۳۹ /۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۲۵۱ /۲)، فرهنگ سخنوران (۲)، مرآت الفصاحهٔ (۲۴ –۲۳)، نام‌آوران فرهنگ (۴۶۹).

آثار بخارایی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. وی معروف به ملاـ آثار، از کدخدازادگان بخارا بود که پس از رنجیدگی سلطان بخارا از او به اصفهان گریخته و در مسجد لنبان به درس حاضر می‌شده و سپس از راه شیراز به هند رفته است. از اشعار وی:

صاف چون آئینه کن اول دل آگاه را

تا نهی بر طاق نسیان حب مال و جاه را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۳۴)، الذریعه (۲ /۹)، شام غریبان (۳۸)، صبح گلشن (۴)، فرهنگ سخنوران (۲).

آثاری یزدی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۸ –۱۲۶۰ ش)، شاعر. از اهالی یزد بود. مقدمات عربی را در همان جا فراگرفت. از ملاکین یزد بود. نام خانوادگی او مدیر آثاری بود، ولی به علت تخلصش به آثاری همان آثاری یزدی بر وی ماند. اولین شعرش را در ۱۳۰۱ ش سرود که در «سخنوران یزد» آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۸۵۰ –۸۴۹)، فرهنگ سخنوران (۲).

آجر تراش، علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اهل اصفهان و حرفه‌اش آجر تراشی بود. با میرزا محمد طاهر نصرآبادی صاحب تذکره همعصر بود، و بنا به گفته او از شعرایی بود که در قهوه‌خانه‌ها شعر می‌گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۳۱)، الذریعه (۷۳۸ /۹).

آجِنْگانی، ابوالفضل محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، فقیه و متکلم. در آجنگان، از روستاهای سرخس، متولد شد. از بزرگان اهل مناظره و از استادان فقه و کلام بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۶۰ /۱)، دائرهٔالمعارف البستانی (۴۰ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۲۲ /۱)، معجم البلدان (۱۳۰

۱/)، نام‌آوران فرهنگ (۹۱).

آخری، ابوالفضل خُزیمهٔ

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۴۸ ق)، فقیه و متکلم معتزلی، ادیب و لغوی. نامش محمد و به خزیمه معروف بود. اهل آخُر، قصبه‌ای در دهستان، میان گرگان و خوارزم، بود. در ناحیه‌ی دهستان از کسانی چون ابوالفتیان عمر بن عبدالکریم روّاسی و بندار بن عبدالواحد دهستانی و دیگران حدیث شنید. در مرو به روایت حدیث اشتغال داشت و در همان جا نیز درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۶۱ /۱)، دانشنامه‌ی ایران اسلام (۳۸ /۱)، معجم البلدان (۵۵۹ /۲ ، ۷۰ /۱).

آخری، ابوالقاسم اسماعیل

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، فقیه و محدث. در آخُر، قصبه‌ای در ناحیه دهستان میان گرگان و خوارزم، متولد شد و به مصر سفر کرد. وی از احمد بن بهزاد سیرافی و ابوالفوارس صابونی و دیگران حدیث روایت می‌کرد. ابوالقاسم حمزه بن یوسف سهمی نیز از او روایت کرده و «اصول» او را ستوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۶۱ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۳۸ /۱)، لسان المیزان (۶۷ /۸ ،۶۰۵- ۶۰۴ /۱)، معجم البلدان (۵۵۹ /۲ ، ۷۰ /۱).

آخوند خراسانی، ملا محمد کاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۹ -۱۲۵۵ ق)، فقیه، اصولی، مجتهد بزرگ تشیع و از بنیانگذاران انقلاب مشروطیت. پدرش ملا حسین اهل هرات و ساکن مشهد بود. وی مقدمات علوم را در مشهد آموخت و از آنجا به سبزوار رفت و مدتی در محضر درس حاج ملاهادی سبزواری حاضر گشت. در بیست و دو سالگی به تهران آمد و علوم عقلی را نزد میرزا ابوالحسن جلوه و دیگران فراگرفت و در سال ۱۲۷۸ ق به نجف رفت و به حوزه درس شیخ مرتضی انصاری پیوست. مدتی نیز در درس شیخ راضی، سید مهدی قزوینی و سید علی شوشتری شرکت جست و پس از وفات شیخ انصاری به خدمت میرزای شیرازی درآمد. آخوند اسلام است که شاگردان بسیاری را تربیت کرده است. وی یکی از سه تن روحانی نجف بود که از مشروطیت حمایت کرد و این عمل او منجر به موفقیت آزادیخواهان در انقلاب مشروطیت شد. در سال ۱۳۲۹ ق زمانی که روسها بر آزادیخواهان ایران با ارسال اولتیماتوم‌های پشت سر هم سخت گرفته بودند، به قصد آمدن به ایران حرکت کرد، ولی در راه ناگهان درگذشت، شایع شد که او را مسموم کرده‌اند. وی در مقبره‌ی حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی مدفون گردید. آثار او عبارت‌اند از «کفایهٔ الاصول»، دو جلد، از مراجع معتبر علم اصول، «حاشیه بر رسائل» و «حاشیه بر مکاسب» که نقدی است بر آثار شیخ مرتضی انصاری؛ «حاشیه بر اسفار»؛ «حاشیه بر شرح منظومه»؛ «رسالاتی در مشتق، رضاع،...»؛ «الاجارهٔ»؛ «الاجتهاد والتقلید»؛ «الفوائد الاصولیهٔ» و «تکملهٔ التبصرهٔ». از آثار خیر آخوند احداث سه مدرسه‌ی بزرگ و متوسط و کوچک در نجف است. وی ضمناً به انتشار چهار مجله‌ی «اخوت»، در «درهٔالنجف»، «العلم» و «نجف اشرف» کمک بسیار کرد. وی در نزد فقها و دانشمندان علوم دینی به «صاحب الکفایه» شهرت دارد. و فرزندان او کلمه «کفائی» را برای نام خانوادگی خویش انتخاب کردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۳۴ /۷)، اعیان الشیعه (۶ -۵ /۹)، تاریخ برگزیدگان (۴۳ /۴۲)، خدمات متقابل اسلام و ایران (۵۰۰ - ۴۹۹)، الذریعه (۸۸ /۱۸ ،۳۲۴ /۱۶ ، ۲۲۰ /۶ ،۴۱۲ /۴ ،۱۲۲ /۱)، ریحانه (۴۲ -۴۱ /۱)، شرح حال رجال (۱ /۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۹۳ -۹۲ /۷)، معجم المؤلفین (۱۵۵ /۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۶ -۱۴ /۵).

آخوندزاده، فتحعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۵ -۱۲۲۸ /۱۲۲۷ ق)، شاعر و نویسنده‌ی ترک زبان و فارسی گوی ایرانی تبار. وی در شِکی متولد شد. در قشون روس، عنوان

مترجمی نایب‌السلطنه‌ی قفقاز و درجه‌ی سرهنگی گرفت، وی مروج مبادی فرهنگ اروپایی بین مسلمین بود و آثار متعددی به زبانهای ترکی، فارسی و عربی نوشت که حاوی نکات انتقادی بود. گویا آخوندزاده نخستین کسی بود که در باب معایب خط رایج در میان ترک زبانان و فارسی زبانان و لزوم تغییر آن رساله‌ها نوشت و حتی الفبای اختراعی خاصی را جای آن پیشنهاد کرد. وی با تخلص صبوحی اشعار فارسی نیز می‌سرود، و «دیوان» شعر دارد. از حیث نمایشنامه‌هایش به او لقب «مولیر شرق» دادند. آثار او عبارت اند از: «قصص سبعه» یا «نمایشنامه‌های هفتگانه» که میرزا جعفر قراجه داغی به عنوان «تمثیلات» آنها را از ترکی به فارسی ترجمه کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات نمایشی (۱۸۶ -۱۲۳ /۱)، از صبا تا نیما (۳۵۸ -۳۴۲ /۱)، از نیما تا روزگار ما (۴۰ -۳۸)، تاریخ ادبیات در دوره بازگشت (۱۷۱، ۱۵۷، ۱۵۵، ۱۵۴ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۷ -۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۳۹ /۱)، دایرهٔالمعارف فارسی (۷۰ /۱)، الذریعه (۲ /۹)، ریحانه (۴۳ -۴۲ /۱)، شرح حال رجال (۵۸ -۵۵ /۳)، فرهنگ سخنوران (۵۴۹)، لغت‌نامه (ذیل/ فتحعلی)، مؤلفین کتب چاپی (۷۶۲ -۷۵۹ /۴).

آخوندزاده، میر عبدالرحمان

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۸ ق)، خطاط و شاعر. از سادات حسینی هرات و از معاصران شاه محمود سدوزایی و پسرش کامران بود. او شعر می‌گفت و نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت و از شیوه‌ی میرعماد پیروی می‌کرد. از شاگردان او، ملا محمد حسین سلجوقی و نجف سلمانی در هرات مشهورند. از آثار وی: یک قطعه به قلم نستعلیق دو دانگ و شکسته نستعلیق کتابت خوش، با رقم: «... حرّره میر عبدالرحمن»؛ پنج قطعه به قلم نستعلیق پنج دانگ و سه دانگ و دو دانگ و شکسته نستعلیق کتابت خوش، با رقمهای: «مشقه عبدالرحمن سنه‌ی ۱۲۳۶» و «... عبدالرحمن الحسینی» و «فقیر عبدالرحمن الحسینی سنه‌ی ۱۲۴۷» و «مشقه العبد الاقل عبدالرحمن الحسینی ۱۲۳۳».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۷۸ -۳۷۷ /۲).

آخوندزاده‌ی هروی، محمد صدیق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۶ ق)، قاضی، شاعر و تذکره‌نویس. قاضی ملامحمد صدیق بیشتر عمر خود را در کابل گذراند. سپس به زادگاه خویش هرات بازگشت و به امور قضایی پرداخت. وی همچنین ریاست انجمن ادبی هرات را بر عهده داشت. از او به عنوان قاضی صاحب نیز یاد شده است، چه، علاوه بر ریاست انجمن ادبی، قضاوت شرعیه‌ی هرات نیز بر عهده‌ی وی بود. آخوندزاده‌ی هروی در گفتن ماده تاریخ نیز مهارت داشت. اثر وی «تذکره النساء»، تألیف ۱۳۲۷ ق، که در شرح حال ۱۴۰ نفر از زنان شاعره مسلمان عرب و عجم است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۳۹۵ -۳۹۴ /۱).

آخوندی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن احمد آخوندی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محسن آخوندی در سال ۱۳۴۱ در نجف اشرف در خانواده‌ای روحانی به دنیا آمدم. پدرم مرحوم شیخ علی آخوندی بنیانگذار یکی از کهن‌ترین مؤسسه‌های نشر آثار اسلامی یعنی دارالکتب الاسلامیه در نجف اشرف بود و عمر خویش را در کنار تحصیل علوم دینی، به نشر آثار اهلبیت (ع) و میراث غنی فقه اسلام پرداخت. او کتب اربعه و کتاب‌های ارزشمند جواهر الکلام و حدائق الفاخره را همراه با کتاب‌های مرجع دیگر به چاپ رسانید. وی که داماد مرحوم علامه امینی (ره) صاحب کتاب گران‌سنگ

«الغدیر» بود، همچون آن بزرگوار تمام تلاش خود را در احیاء شیعه و آثار آنان به کار برد.

به هر حال پس از گذراندن دوران تحصیل کلاسیک و اخذ دیپلم ریاضی و فیزیک در سال ۱۳۵۹ در مدرسه حکیم نظامی آن روز (دبیرستان امام صادق (ع) فعلی) وارد حوزه علمیه شدم و از آن زمان تاکنون به طور مستمر در حوزه به تحصیل اشتغال دارم. دروس مقدماتی حوزه را به سرعت گذراندم و در سال ۱۳۶۵ در پایه ششم حائز رتبه دوم شدم و از سوی مراجع تقلید وقت، جوایزی دریافت کردم. درس شرح لمعه را خدمت آقای وجدانی فخر، اصول فقه مظفر را نزد استاد محقق افغانی خواندم، رسائل را نزد مرحوم شیخ مصطفی اعتمادی، بخش استحصاب آن را نزد استاد راستی کاشانی و مکاسب را از محضر آقایان صلواتی و محقق‌داماد فرا گرفتم. در سال ۱۳۶۷ در پایه هفتم در امتحانات سراسری حوزه علمیه قم مقام اول را کسب کردم. درس کفایه را نزد مرحوم ستوده فراگرفتم.

در سال ۱۳۷۰ در امتحانات ورودی جهت اخذ کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی در مرکز تربیت مدرس حوزه علمیه قم شرکت کردم و موفق شدم که در سال ۱۳۷۴ کارشناسی ارشد را دریافت کنم. در کنار دروس فقه و اصول، دروس نهایهٔ الحکمه و اسفار را از محضر آقایان ممدوحی و فیاضی آموختم. از سال ۱۳۷۴ تدریس در دانشگاه را آغاز کردم و از آن سال تاکنون به تدریس معارف اسلامی و متون اسلامی در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران اشتغال دارم. چندین سال نیز در دانشگاه آزاد واحد جنوب دروس قواعد فقه و آیات الاحکام و فقه و اصول را نیز تدریس کرده‌ام.

در خلال این اشتغالات، کتاب تاریخ مکه را که به دنبال حادثه جمعه خونین مکه نگارش یافته بود و به قلم دایی اینجانب دکتر محمد هادی امینی به زبان عربی بود به فارسی ترجمه کردم و این کتاب دو بار در سالهای ۱۳۷۲ و ۱۳۷۶ توسط دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ گردید و چندین مقاله از این کتاب اقتباس و در فصل‌نامه میقات حج، نشر گردیده است.

از سال ۸۰ تدریس در جامعهٔ الزهراء را آغاز کردم و تاکنون دروس رسائل و مکاسب شیخ انصاری و حلقات شهید صدر و کتاب فقه استدلالی مرحوم ایروانی و فلسفه را در این مرکز تدریس نمودم. دروس اصول فقه مظفر و رسائل را در مدرسه شهیدین تدریس کرده‌ام.

در زمینه فعالیتهای پژوهشی، اینجانب استاد راهنما و مشاور چندین پایان‌نامه در سطح ۳ حوزه علمیه بخش خواهران بوده‌ام. و به عنون استاد راهنما در مدرسه حجتیه در خدمت برخی از طلاب خارجی که درس خارج را می‌گذرانند، جهت استفاده هر چه بهتر و بیشتر از دروس خارج بوده‌ام. در سال ۱۳۸۵ در مقطع دکتری در دانشکده علوم حدیث پذیرفته شدم و هم اکنون این مقطع را در کنار تدریس خود دنبال می‌کنم.

آخوندی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود آخوندی درسال۱۳۱۲ دربیست وسوم اسفند ماه درشهرستان اهردیده به جهان گشود .

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

گرایش : حقوق قضایی

والدین و انساب : محمود آخوندی دربیست و سوم اسفند ماه سال ۱۳۱۲ درشهرستان اهر دیده به جهان گشود . وی هنوز پنج ساله نشده بود که پدرش دار فانی را وداع گفت و مادرش که یک زن تحصیل کرده درزمینه علوم دینی بود عهده دار تربیت وی شد . مادرش هم در سال ۱۳۴۹ زمانی که محمود ۳۷ سال داشت فوت کرد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : بعد از مرگ پدر محمود مادر او که زنی فداکار ومهربان بود ووضع مالی خوبی داشت عهده دار تربیت وی گردید . درآن روزگار ، اکثرمردم بویژه زنان از نعمت سواد ودانش بی بهره بود اما مادرش تحصیل کرده بود ،یعنی آن زمان ، علوم دینی رااز پدر محمود که از عالمان بنام آن عصر بود آموخته بود مادرش قرآن را با صدایی دلنشین می خواند همین تاثیر بسزایی روی محمود آخوندی داشت به طوری که قرائت قرآن را بر هرموسیقی دیگری ترجیح می داد .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمود آخوندی تحصیلات ابتدایی خودرا درشهرستان اهر آغاز کرد وبرای آموزش دوره متوسطه ۶ساله به تبریز رفت . بعد دررشته حقوق قضایی وارد دانشگاه تهران شد . پس از اخذ درجه لیسانس قضایی راهی کشور سوئیس شهر نوشاتل شد . آخوندی دررشته حقوق جزا پایان نامه دکتری خودرابا مرحوم فرانسواکلر گذراندکه پایان نامه اش درباره حقوق جزای اسلامی و تاثیر آن در حقوق جزای ایران درسال ۱۳۴۰ بود .

خاطرات و وقایع تحصیل : محمود آخوندی به دلیل علاقه واستعدادی که دردرس ریاضی داشت همیشه دوست داشت دراین رشته ادامه تحصیل دهد ولی به علت عظمتی که آن موقع قاضی بودن داشت و اصرار خانواده ام دراین رشته ادامه تحصیل دادم . آن زمان که او فارغ التحصیل شد ظاهرا ۲۳یا ۲۴ ساله بود برای قضاوت ، داشتن ۲۵ سال ضروری بود و او نمی توانست قاضی شود لذا باید ادامه تحصیل می داد و چون کشور سوئیس از لحاظ قضاوت دررتبه بالایی بود مثلا سالی چند بار بیشتر تشکیل جلسه نمی داد و هر وقت جرمی اتفاق می افتاد قاضی را دعوت می کردند که پرونده ای تشکیل شده برای رسیدگی تشریف بیاورید برای او جالب بود و به همین دلیل این کشور را برای ادامه تحصیل انتخاب کرد .

استادان و مربیان : ازاستادان محمود آخوندی مرحوم دکتر سید حسن امامی که حقوق مدنی ، مرحوم دکتر عبد الحسین علی آبادی

حقوق جزا ، مرحوم دکتر ستوده حقوق تجارت ،مرحوم دکتر صفدری حقوق بین الملل ،مرحوم دکتر قاسم زاده حقوق اساسی و مرحوم دکتر متین دفتری آئین دادرسی می توان یاد کرد .

هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره ایهای محمود آخوندی مرحوم دکتر مصدق درنوشاتل ، مرحوم دکتر احمدمتین دفتری در لوزان ، مرحوم سید حسن امامی در سوئیس بودند .

همسر و فرزندان : همسر محمود آخوندی ازدانشجویان خودش در کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی بود و فوق لیسانس حقوق است همچنین فوق لیسانس آماررا ازدانشگاه آمریکا دارد . اودوپسر دارد که پسر بزرگش پزشک است درایران درس خوانده و در آمریکا تخصص می بیند و پسر کوچکش مهندس الکترونیک است و در صداو سیما مشغول فعالیت می باشد .

وقایع میانسالی : بعد از پیروزی انقلاب اولین اداره ای که منحل شد، اداره حقوقی دادگستری بود . محمود آخوندی به رئیس جمهور وقت گفت : آقای بنی صدر شماکه می دانید ما اینجا چه کار می کنیم . حال که اداره حقوقی را منحل می کنید چه مرجعی باید لوایح را کنترل کند ؟ این لوایح کنترل نشده به شورای انقلاب و مجلس می رود ؟ می دانید .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمت محمود آخوندی باتوجه به مدارک علمی و کارتحقیقی بسیار بعنوان اولین پرفسور حقوقی ایران و به عضویت هیئت علمی دانشگاه هاوایی در ایران ومنطقه شناخته شده است .

فعالیتهای آموزشی : محمود آخوندی پس از شرکت در کنکور دادگستری و گذراندن دوره کار آموزی در اهر بعنوان اولین دادرس دادگاه شهرستان و بعد رئیس دادگاه بخش مشغول فعالیت شدند . شش ماه دادرس علی البدل بود بعد بازپرس دادسرای تبریز شد وماموریت پیداکرد در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) حقوق جزا تدریس کند . ابتدا او را به کرج منتقل کردند ودادیار کرج شد . سپس به عنوان دادیار دادسرای تهران منصوب شد وپس از آن به اداره حقوقی دادگستری انتقال پیدا کرد و مامورخدمت در دانشگاه ملی و معاون آموزشی دانشکده حقوق آن دانشگاه گردید. درسال ۱۳۵۲ به آمریکا رفت و پس از برگشت از آمریکا دردفتر تحقیقات و مطالعات دادگستری مشغول کار شد و بعد مسئولیت پارلمانی دادگستری را عهده دار شد در واقع طرح های دادگستری را وی تهیه می کرد . زمانی هم آخوندی نماینده دادگستری در کمیسیون عرائض مجلس شورا بود . مدتی هم نماینده دادگستری در مجلس سنا بود بعد بعد به تناوب ، عضو دادگاه تجدید نظر اداری ، رئیس دادگاه جنحه ، رئیس دادگاه استان تهران و بعد هم رئیس دادگاه جنائی بود.

آرا و گرایشهای خاص : محمود آخوندی معتقد است که در فقه اسلامی بحث مستقلی با عنوان آئین دادرسی کیفری نیامده است . اما با جستجو در ابواب قضاء ، حدود ، قصاص ، تعزیرات و دیات می توانیم مجموعه مقرراتی برای دادرسی تدوین کنیم . اما در شرایط فعل تمام عملکردهای قضاوت با مبنی بر «قرار » هاست و قرارها نیز از حقوق غربی گرفته شده است . ایشان می فرمایند که قوانین باید همیشه را ه تکامل را باز کنند . اما متاسفانه برخی قوانین ما طوری نشاء الله شده اندکه مانع تکامل می شوند . می توان بین سیستم دادرسی کیفری مبتنی بر موازین فقهی و مفاهیم حقوق بشر تلفیقی ایجاد کرد . ---------------------------
----

آثار :

۱ دوره آیین دادرسی کیفری

ویژگی اثر : که این کتاب در ده جلد است و سه جلد آن منتشر شده است و جلد چهارم آن راههای اثبات دعوای جزایی بحث وبررسی نشده است و چهار بخش دارد

۲ رساله حقوق جرای اسلامی و تاثیر آن در حقوق جزای ایران

ویژگی اثر : اصل این رساله به زبان فرانسه درسال ۱۳۴۰ نوشته بود که در چاپخانه دانشگاه تهران چاپ ومنتشر گردید .

آخوندی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی آخوندی

محل تولد : اراک

تابعیت : ایران

در سال ۱۳۵۱ شمسی وارد حوزه علمیه اراک، مدرسه حاج محمد ابراهیم شدم و نزد اساتیدم آقایان: عظیمی، واعظی، میرناصری، میر یحیایی و... گلستان سعدی، جامع المقدمات، سیوطی، حاشیه ملاعبدالله و قسمتی از منطق مظفر را خواندم.

در سال ۱۳۵۳ به حوزه علمیه قم هجرت کردم. و در مدرسه رسالت به ادامه تحصیل پرداختم. مدرسه با مدیریت حاج میرزا ابراهیم دشتی، تحت برنامه ای منظم و کلاسیک اداره می شد، پیشرفت خوبی داشتیم. تا پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ دوره های مقدماتی و متوسطه و سطح را به پایان رساندم.

علاوه بر دروس جنبی مانند: آموزش زبان عربی، انگلیسی، تفسیر قرآن، نهج البلاغه، علم درایه و رجال، ریاضیات، ادبیات فارسی، ادبیات عرب (صرف و نحو و فصاحت و بلاغت) اصول فقه، حلقات اصول شهید صدر، لمعه، مکاسب، بدایهٔ، نهایهٔ، فلسفتنای شهید صدر را با موفقیت به پایان رساندم.

از اساتید مختلفی بهره می بردم، چون: آیت الله معرفت (استاد تفسیر)، آیت الله یزدی (استاد فلسفه)، آیت الله استادی (استاد اصول و حلقات)، حجهٔ الاسلام حسینی بوشهری (استاد فقه) شهید عباس شیرازی، معادیخواه و... .

پس از پیروزی انقلاب تا سال ۶۲ بنابر ضرورت و وظیفه به کار اجرایی در بیرون از قم پرداختم. و در سال ۶۲ مجدد به قم بازگشتم و در دروس اساتید خارج حوزه شرکت کردم. حدود ۱۲ سال از اساتید محترم استفاده کردم. و بهره ها بردم.
۱- در رشته فقه و اصول از محضر آیات عظام، آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله وحید خراسانی، آیت الله صانعی و ... و یک دوره اصول را نزد آیت الله مکارم به پایان رساندم. ۲- در رشته تفسیر قرآن از محضر آیت الله مشکینی (حدود یکسال) و آیت الله جوادی آملی (حدود ۶ سال) استفاده کردم. ۳- در رشته تاریخ اسلام از محضر علامه عسکری و آیت الله سید جعفر مرتضی عاملی لبنانی بهره بردم. ۴- در فلسفه نیز چند صباحی در محضر آیت الله حسن زاده وآیت الله مصباح تلمذ کردم.
در کنار دروس به صورت پاره وقت و اکنون تمام وقت به پژوهش مشغولم که حاصل آن آثاری است که تقدیم می شود.

آدم بن یونس نسفی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، فقیه امامی. شیخ فقیه و ثقه‌ی عادل که تصنیفات شیخ ابوجعفر طوسی را بر وی قرائت کرد. ابن‌حجر در «لسان المیزان» تحت عنوان رجال شیعه‌ی امامیه از او نام می‌برد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۸۶ /۲)، فوائد الرضویه (۴۱)، فهرست منتجب‌الدین (۱۱)، لسان المیزان (۵۱۲ /۱)، معجم رجال الحدیث (۱۲۴ /۱).

آدمی استرآبادی، ابوالقاسم علی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، فقیه و محدث. او را آدمی اسدآبادی و همچنین آدمی همدانی نیز نامیده‌اند. او در طلب حخدیث مسافرت کرد و از فاروق خَطّابی و ابوبکر قطیعی و برخی دیگر حدیث شنید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۱/ ح ۶۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴۵ /۱).

آدمی چاچی، ابوبکر احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، فقیه و محدث. آدمی در چاچ (ناحیه‌ای در شمال شرقی سیر دریا، ظاهراً مطابق ناحیه‌ی تاشکند) و نواحی اطراف آن زندگی می‌کرد و به روایت حدیث اشتغال داشت. وی به عراق و حجاز سفر کرد و از حبیب بن مغیره چاچی، حامد بن داوود چاچی، عبیداللّه بن واصل بخاری، ابوحاتم محمد بن ادریس رازی و محمد بن عبداللّه بن یزدی مُقْری و دیگران حدیث شنید. ابوالفضل محمد بن محمد چاچی، و ابوجعفر محمد بن علی غزال و همطبقه ایشان از وی روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۶۱ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴۵ /۱).

آدمی سمرقندی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۷ ق)، شاعر. از جامه بافی روزگار می‌گذرانید. از شاگردان مشفقی بود. نخست گدایی تخلص می‌کرد و مشفقی تخلص آدمی به او داد. در پایان عمر به عزم سفر حجاز به هند رفت و در سورت از بنادر گجرات درگذشت. غزل را بسیار خوب می‌گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۹۳).

آدمی یزدی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۳۰ ق)، شاعر. از اهالی یزد بود. در سال ۱۰۰۵ ق به هند رفت و تا آخر عمر در آنجا زیست. در «عرفات العاشقین» از وی نام برده شده است. با غیاث‌الدین نقشینه معاصر بوده و با او مناظره می‌کرده است. از آثار وی «دیوان» اشعار است. نسخه‌ی خطی دیوان او در کتابخانه مجلس و ملک تهران موجود است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳-۲ /۹)

آدینه اصفهانی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۹ ق)، حکیم، فقیه و زاهد. از مبرزین شاگردان جهانگیرخان قشقائی بود. وی از مدرسین حکمت در مدرسه صدر و مسجد ذوالفقار اصفهان بود و متون معقول و منقول را تدریس می‌کرد. خط او نیز پخته و شیرین بود. همچنین از نجوم و هیئت سر رشته داشت. استاد جلال همایی و آقامیرزا محمود مفید اصفهانی از شاگردان نامور وی بودند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ القبور (۲۴۲ -۲۴۱)، همایی نامه (۲۲).

آدینه وند نحوی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا آدینه وند نحوی

محل تولد : لرستان

شهرت

تابعیت : ایران

آذر تبریزی مرتضوی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۱ -۱۲۵۰ ش)، ادیب و شاعر، متخلص بـه آذر. مردی میهن‌دوست بود. مدتی به استانبول مسافرت کرد. در آنجا با سید جمال‌الدین اسدآبادی ملاقت کرد و از او چیزها در زمینه سیاست آموخت. چنان که در انقلاب مشروطه‌ی ایران از مؤسسین جدّی انجمن آذربایجان در تهران شد و در ۱۳۱۱ ش به عضویت انجمن ادبی آذربایجان درآمد. آذر مردی وارسته و آزادیخواه بود. وی در مقبرهٔالشعراء مدفون است. «دیوان» اشعارش شامل بیش از یکهزار بیت می‌باشد. «اوراق پریشان» از آثار او است که در ۱۳۳۴ ش در تبریز چاپ شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۷۰ /۲۶)، سخنوران آذربایجان (۱۸۸ -۱۸۷)، فرهنگ سخنوران (۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۳ /۱).

آذر چالشتری، عباسعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۰ ق)، شاعر. معروف به حکیم آذری. از اهالی چالشتر از محال اصفهان بود. وی در چالشتر و اصفهان تحصیل نمود و علاوه بر علوم عربی و ادبیات در فنون حکاکی، قلم‌زنی، نقاشی، مجلد سازی و صحافی نیز دست داشت. از اشعار است:

تا شدم پابست عشقت روزگارم شد سیاه

جز که دارم مهرت اندر دل کدامستم گناه

قامتت را سرو خواندم ماه را گفتم رخت

اللّه اللّه زین غلط گویی و از این اشتباه

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۹)، فرهنگ سخنوران (۳)، گلزار جاویدان (۹ /۱).

آذر حقیقی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۸ –۱۲۸۰ ش)، شاعر، متخلص به آذر. وی در قریه‌ی کاهو از دهات کوهپایه مشهد متولد شد. وی پس از آموختن درس به سرودن شعر و نوحه‌های سینه‌زنی می‌پرداخت. مجموعه‌ی اشعار و نوحه‌های او در پنج جلد منتشر شده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :صد سال شعر خراسان (۴۳ –۴۱).

آذر فَرنبغ فَرخزادان

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سوم ق)، دانشمند زرتشتی و نخستین مؤلف کتاب پهلوی «دینکرد». نام وی در کتاب دینکرد به عنوان موبد بهدینان آمده است. وی با زرتشتی مسلمان شده‌ای به نام اَبالیش در حضور مأمون خلیفه‌ی عباسی مناظره کرده که شرح آن در رساله‌ی پهلوی «گُجَستَک اَبالیش» آمده است. آذر فرنبغ دانشمند بزرگی بوده است. چنان که غالباً به افوال وی استناد می‌کرده‌اند. آذر فرنبغ مؤلف کتابی که در اصول دین زرتشتی بوده است به نام «آیین نامه» که کتاب چهارم «دینکرد» خلاصه‌ای از آن است. آذر فرنبغ در این کتاب با دید فلسفی اصول دین زرتشتی را بیان می‌کند. در «متون پهلوی» اندرزهایی به آذر فرنبغ نسبت داده شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام (۲۸۵ –۲۸۴، ۲۴۸، ۱۹۵، ۱۳۴ –۱۲۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۹ –۱۳۵ /۱)، تاریخ مردم ایران قبل از اسلام (۴۹۰ –۴۸۹ /۱)، تمدن ساسانی (۱۴۲ –۱۴۰ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶۱ –۶۰ /۱)، در قلمرو وجدان (۲۸۸)، سبک‌شناسی (۵۴ /۱).

آذر قزوینی، ابراهیم

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. نامش میرزا ابراهیم بود. بیش از این اطلاعی از وی در دست نیست. این شعر از او است:

بیهوده نیست گریه‌ی بی‌اختیار من

شاید به کویش آب روان آورد مرا

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۶)، فرهنگ سخنوران (۳)، مینو در (۳۵۵ /۲).

آذر، لطفعلی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

لطفعلی بیگ. ابن آقاخان بیگدلی شاملو متخلص به آذرشاعر و ادیب قرن دوازدهم هجری (و. اصفهان ۱۱۳۴ ه.ق.– ف. ۱۱۹۵ ه.ق./ ۱۷۸۰ م.) وی پس از ۱۴ سال اقامت در قم، تحصیلات خود را در آنجا به پایان رسانید و به سفرهای متعدد رفت و در سال چهلم زندگی خود یعنی به سال ۱۱۷۴ تذکره آتشکده (ه.م.) را تألیف کرد. وی با هاتف و مشتاق و استادان دیگری که دوره بازگشت ادبی را آغاز کرده‌اند معاصر و معاشر بود. چندی در خراسان و اصفهان و شیراز گذراند و مدتی مداح جانشینان نادرشاه بود و سپس به مدح کریم‌خان زند پرداخت. منظومه‌ای به نام «یوسف و زلیخا» به تقلید یوسف و زلیخای جامی ساخته. علاوه بر این در قصیده و غزل و رباعی سبک شاعران قدیم پارسی گوی را اقتفا کرده است. تذکره‌ای به نام «آتشکده» در ترجمه احوال شاعران پارسی‌گوی تا زمان خود دارد که مکرر طبع شده.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

آذرباد ایمیدان

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سوم ق)، عالم دینی. وی آخرین مدوّن کتاب «دینکرد» است. او از معاصران زاداسپرم مؤلف کتاب «گزیده‌ها» بود، و از پیشوایان بهدینان. مسعودی در «التنبیه والاشراف» از موبدی به نام اسفندیار پسر آذرباد پسر انمید (به جای ایمید امید) نام می‌برد که

در سال ۳۲۵ ق به قتل رسیده، به نظر می‌رسد که این اسفندیار پسر همان آذرباد ایمیدان باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام (۱۳۷، ۱۳۱ -۱۲۸)، التنبیه والاشراف (۱۰۴).

آذربایجانی، گوهر بیگم

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(از پیش از ۱۳۰۷ ق)، ادیب و شاعر. وی در فضل و عفت مشهور بود. از آثارش: «دیوان» شعر است. از اشعار او است:

اگر به باد دهم زلف عنبر آسا را

به دام خویش کشم آهوان صحرا را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریاحین الشریعه (۴۲/ ۵)، ریحانه (۴۴/ ۱)، دانشمندان آذربایجان (۳۲۰)، الذریعه (۳/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۸۲)، مشاهیر زنان (۱۹۹).

آذربایجانی، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسعود آذربایجانی

محل تولد : اصفهان

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

اینجانب مسعود آذربایجانی در سال ۱۳۴۲ در خانواده ای مذهبی در اصفهان به دنیا آمدم. در کنار تحصیلات ابتدایی و متوسطه همواره از مطالعات علمی و دینی بهره مند بوده ام. سال ۱۳۶۰ دیپلم ریاضی گرفتم و حدود ۳ سال در سپاه پاسداران امور آموزشی و مدتی هم در جبهه مشغول خدمت بودم.

سال ۱۳۶۳ دانشگاه صنعتی اصفهان رشته الکترونیک قبول شدم و به طور همزمان در حوزه علمیه اصفهان مشغول دروس طلبگی شدم، البته از ترم دوم از دانشگاه انصراف دادم و صرفا متمرکز دروس حوزوی شدم.

تا سال ۶۵ ادبیات، منطق، لمعه و اصول فقه را در اصفهان خواندم و سال ۶۶ به قم عزیمت کردم و دروس سطح عالی (رسائل، مکاسب و کفایه) را خواندم و از دروس خارج اساتید حوزه قم نیز بهره مند شدم. (یک دوره کامل اصول آیهٔ الله محقق را شرکت کردم و از سایر اساتید هر کدام در حد یک سال یا کمی بیشتر در فقه و اصول شرکت می کردم تا با روشهای مختلف آشنا شوم.) در ضمن آن از تفسیر آیهٔ الله جوادی آملی و اسفار آیهٔ الله حسن زاده نیز استفاده کردم. از سال ۱۳۶۸ دروس عمومی موسسه را گذراندم (کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی).

سال ۱۳۷۱ همکاری خود را با دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (فعلا تحت عنوان پژوهشگاه حوزه و دانشگاه است.) را آغاز کردم و در گروه روان شناسی کارشناسی ارشد بالینی گرفتم.

در ضمن کارهای پژوهشی در حوزه، روان شناسی را نیز به طور تدریجی شروع کردم و در همین حال یک روز در هفته نیز در دانشگاههای علم و صنعت و بعداً تهران به تدریس معارف اسلامی و اخلاق اسلامی می پرداختم. در سال ۱۳۷۹ در مقطع دکتری رشته کلام جدید (فلسفه دین) تربیت مدرس قم قبول شدم و فعلا در حال اتمام پایان نامه هستم. (موضوع پایان نامه روان شناسی دین است.)

در حال حاضر مهمترین حوزه تخصصی و مورد علاقه ام روان شناسی دین است و در رتبه بعد اخلاق اسلامی و مباحث فلسفه دین می باشد.

آذربد، افضل الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۷ ش)، خطاط و نقاش. در تهران متولد شد. ابتدا در مدرسه‌ی فیضیه‌ی قم به تحصیل پرداخت، ولی پس از چندی به علت علاقه به تذهیب و نقاشی نزد استادانی چون میرزا ابوالقاسم اصفههانی تذهیب، و حسین بهزاد نقاشی را فراگرفت. پس از آن تعلیم خط گرفت و نوشتن خطوط کوفی، نسخ، ثلث، رقاع، طغرا، ریحان و تعلیق را خوب فراگرفت. مدتی در ارتش خدمت کرد. سپس در وزارت پیشه و هنر و سازمان برنامه مشغول به کار شد و چندی نیز در شرکت ملی نفت به امور دولتی اشتغال داشت. از آثار وی کتابی است تحت عنوان «مفتاح الخطوط» که انواع خطوط را در آن درج کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره خوشنویسان معاصر (۱۵۹ –۱۵۳).

آذربرزین

قرن:۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نام پسر فرامرز پسر رستم است که دلاوریهای او در بهمن‌نامه (ه.م) و آذر برزین‌نامه (ه.م) آمده.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

آذرخش، حسنعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۸ ش)، پزشک، نویسنده و شاعر، متخلص به شکیبا. در دارالفنون و دبیرستان ادب به تحصیل پرداخت و سپس به رشته‌ی پزشکی روی آورد و برای تکمیل این رشته به فرانسه رفت. وی علاوه بر پزشکی با شعر و شاعری نیز انس و الفت داشت. دوبار به سفر حج رفت. وی در وزارت بهداری سرپرست امور مبارزه با تریاک شد. از آثار او است: «آفت زندگی، مبارزه‌ی با تریاک و الکل و سیفلیس و فحشا».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۵۱۰)، مؤلفین کتب چاپی (۶۷۹ –۶۷۸ /۲).

آذرمهر، فاطمه

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

فاطمه آذرمهر در سال ۱۳۳۳ در تهران به دنیا آمد. در سال ۱۳۵۸ در رشتهٔ زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. از سال ۱۳۶۴ فعالیت علمی و فرهنگی خود را در مؤسسهٔ انتشارات «فرهنگ معاصر»، برای تهیه و تدوین فرهنگ های دو زبانهٔ انگلیسی ــ فارسی و فارسی ــ انگلیسی آغاز کرده و در حال حاضر نیز در آن مؤسسه مشغول به کار هستند. کتاب" فرهنگ معاصر انگلیسی ــ فارسی "تالیف فاطمه آذر مهر (یکی از مؤلفین)، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات انگلیسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : فاطمه آذر مهر در سال ۱۳۵۸ در رشتهٔ زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فاطمه آذر مهر از سال ۱۳۶۴ فعالیت علمی و فرهنگی خود را در مؤسسهٔ انتشارات «فرهنگ معاصر»، برای تهیه و تدوین فرهنگ های دو زبانهٔ انگلیسی ــ فارسی و فارسی ــ انگلیسی آغاز کرده و در حال حاضر نیز در آن مؤسسه مشغول به کار هستند.جوائز و نشانها : کتاب" فرهنگ معاصر انگلیسی ــ فارسی "تالیف فاطمه آذر مهر (یکی از مؤلفین)، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. آثار : فرهنگ معاصر انگلیسی ــ فارسی ویژگی اثر : تالیف،با همکاری محمد رضا باطنی،این کتاب در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنائی با کتاب:«فرهنگ معاصر انگلیسی ــ فارسی» : فرهنگ معاصر انگلیسی ــ فارسی؛ محمدرضا باطنی، با دستیاری فاطمه آذرمهر؛ تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۱. از جمله اهمیت های «فرهنگ معاصر انگلیسی ــ فارسی» این است که مدخلهای انگلیسی و معادلهای فارسی آن با تکیه بر پنج فرهنگ معتبر از زبان زنده روز گرفته شده است. توجه این فرهنگ بیشتر بر برشها ظریف معنایی است و برای دستیابی این هدف، سعی شده است که معانی واژه های انگلیسی از متن مثالهای واقعی که در فرهنگهای مذکور ضبط شده، استخراج و طبقه بندی شود. نکته قابل توجه دیگر در ارتباط با «فرهنگ معاصر انگلیسی ــ فارسی» این است که این فرهنگ بر اصل برابریابی پایه گذاری شده است و چون در فرهنگهای دوزبانه، بر خلاف فرهنگهای یک زبانه، تعریف واژه به تنهایی مشکل چندانی را برای مراجعه کننده حل نمی کند، لذا نهایت تلاش به عمل آمده تا با بهره گیری از فرهنگهای دیگر، برابرهای دقیق فارسی برای معانی گوناگون واژه های انگلیسی انتخاب و ثبت شود. این موارد، در کنار هماهنگی در ارائه مطالب و شیوایی نگارش موجب شده تا کارایی فرهنگ مورد نظر در ترجمه از انگلیسی به فارسی، افزایش یابد.

آذرنوش، مسعود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسعود آذرنوش در سال ۱۳۲۴در کرمانشاه به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا مقطع کارشناسی ارشد رشته باستان شناسی در دانشگاه تهران گذرانـد و برای ادامه تحصیـل به آمریکا عزیمت نمود و در آنجا موفق به اخـذ مـدرک دکترا از دانشگاه کالیفرنیا شد. رساله دکترای آذرنوش در خصوص هنر ساسانی در شرق فارس و منطقه حاجی آباد بوده است. ایشان علاوه بر سوابق پژوهشـی میدانی و تدریس در دانشـگاههای تهران از تالیفات متعددی به زبان فارسـی و انگلیسـی و فرانسه برخوردار است از جمله سوابق اداری ایشان می توان به مسئولیت معـاونت پژوهشـی پژوهشـکده باسـتان شناسـی سازمان میراث فرهنگی اشاره نمود.گروه : علوم انسانی رشـته : باسـتان شناسی والدین و انساب : مسعود آذرنوش در ۵ فروردین ۱۳۲۴در کرمانشاه متولد شد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : مسعود آذرنوش پس از تحصـیلات ابتدایی و متوسـطه، مشـغول به تحصـیل در رشـته باستان شناسی پرداخت، و در سال ۱۳۴۷موفق به اخذ درجه لیسانس از دانشگاه تهران شد. وی پس از خدمت وظیفه مشغول به تحصیل در دوره کارشناسی ارشد باستان شناسی شد و در سال ۱۳۵۳پایان نامه خود را با عنوان (تمـدن و هنر هیئت) موفق به دریافت درجه کارشناسـی ارشـد شـد. در سالهای پس از انقلاب برای تحصیل به اروپـا و سپس آمریکـا عزیمت کرد و در سال ۱۳۶۶رسـاله دکترای خود را بـا عنوان: هنر ساسانی در شـرق فارس» کاوشـهای حـاجی آبـاد در نزدیکی داراب، ایران» در گروه باسـتان شناسـی دانشگاه ایـالتی کالیفرنیـا ارائه داد. زمـان و علت فوت : مسـعود آذرنوش زمـانی که از مأموریت اداری از هگمتانه همـدان به تهران بازگشـته بود، در اثر سـکته قلبی در هفتم آذر ماه ۱۳۸۷ دار فـانی را وداع گفت و در قطعه نـام آوران به خـاک سپرده شـد.مشاغل و سـمتهای مورد تصـدی : سوابق اجرایی و اداری مسـعود آذرنوش از سال ۱۳۴۹ـ۱۳۷۵به شـرح زیر می باشد: ـ سـرپرست هیئت های کاوش و بررسی، مرکز باستا ن شناسی ایران ۵۹ـ۱۳۴۹ ـ اسـتادیار موسـسه باستان شناسی دانشگاه تهران، از ۱۳۷۵. ـ عضو انجمن ایران شناسـی اروپا. ـ مشاور مجله باسـتان شناسـی و تاریخ، مرکز نشـر دانشـگاهی. ـهمکار مجله کتابشناسـی انتقادی چکیده های ایران شناسـی(Abstracta iranica) ـمدیر گروه باسـتان شناسـی دانشگاه آزاد اسلامی تهران . ـبورس تحقیقاتی از موسسه باستان شناسی آلمان،برلن ،۱۳۶۵. ـبورس تحقیقاتی از موزه پلیتن ،نیویورک ۶۷ـ۱۳۶۶. ـانجمن حفـظ آثار باسـتانی و بناهای تاریخی ایالت بروکسل ،بلژیک ،۷۴ـ۱۳۷۳. فعالیتهای آموزشی : مسعود آذرنوش در دانشگاههای تهران، تربیت مـدرس و دانشگاه آزاد اسـلامی تهران دروس زیر را تـدریس کرده است: باسـتان شناسـی اشـکانی، باسـتان شناسـی ساسانی، باسـتان شناسـی یونان و روم، روش کاوش و بررسـی (نظری و عملی) و تاریخچه باستان شناسی. سـایر فعالیتهـا و برنامه های روزمره : مسـعود آذنوش در سالهای ۵۷ـ۱۳۴۵ ۱۳۴۵ حضور فعالی در کاوشـها و بررسـی میدانی ایران داشت چنـانکه می توان به موارد زیر اشاره کرد: – شـرکت در کاوشـهای هفت تپه خوزسـتان، دانشـجو ـ کار آموز، به سـرپرستی عزت الله نگهبان،۱۳۴۶. – اسـتان خراسـان،دانشـجو ـ کـار آمـوز، بـه سرپرستی عزت الله نگهبـان،۱۳۴۷. – شـرکت در کاوشـهای هفـت تپه خوزسـتان، دانشـجو ـ کارآموز، به سر پرستی سیف اله کامبخش فرد، ۱۳۴۷. – شـرکت در کاوشـهای هفت تپه خوزستان، دانشجو ـ کارآموز، به سرپرستی عزت الله نگهبان، ۱۳۴۸. – شرکت در کاوشهای کنگاور کرمانشاه دانشجو ـ کارآموز، به سرپرستی سیف الله کامبخش فرد،۱۳۵۱. – کاوشـهای مسـجد سلیمان، نماینده مر کز باستان شناسی ایران، به سرپرستی ر.گیرشمن،۱۳۵۲. – شرکت در کاوشـهای کنگاور، مسوول کار گاه، به سرپرستی سیف الله کامبخش فرد،۱۳۵۲. – شـرکت در کاوشهای هفت تپه خوزستان،معاون هیئت، به سرپرستی عزت الله نگهبان،۱۳۵۳. – کاوش کردار تپه، نماینده مرکز باسـتان شناسی ایران، به سرپرستی ک.کرمر،۱۳۵۳. – شرکت در کاوشـهای کنگاور کرمانشاه، مسـئول کارگاه، به سرپرستی سیف اله کامبخش فرد،۱۳۵۳. – شرکت در کاوشهای شوش مسوول کارگـاه شائور، به سـرپرستی ژ.پر، ۱۳۵۵. –کاوشـهای گورسـتان محوطه سـنگ شیر و تپه هگمتانه همدان، سرپرست هیئت، ۱۳۵۵ – کاوشـهای کنگـاور و در چال، سرپرست هیئت، ۱۳۵۶. – بررسـی های حاجی آباد (تل سـفیدک) فارس، سـرپرست هیئت، ۱۳۵۴. – کاوشـهای حـاجی آبـاد (تل سـفیدک) فارس، سـرپرست هیئت، ۱۳۵۷. – کاوشـهای کنگـاور کرمانشاه، سـرپرست هیئت، ۱۳۵۷. – کاوشـهای حـاجی آباد (میل نقاره و چهار سـتون) فارس، سـرپرست هیئت، ۱۳۷۶. – کاوشـهای حاجی آباد (تل سفیدک) فارس، سـرپرست هیئت، ۱۳۷۷. – کاوشـهای ابراهیم آباد قزوین (کاوش آموزشـی گروه باستان شناسـی دانشگاه تهران)، سرپرست هیئت، ۱۳۷۹.چگونگی عرضه آثار : مسـعود آذر نوش نتایج مطالعات و پژوهشـی های باسـتان شناسی خود را در همایشها و کنگره های ملی و بین المللی متعددی عرضه نموده است، از جمله این همایش ها عبارتند از: – هفتمین کنگره بین المللی باسـتان شناسـی و هنر ایران (مونیخ، آلمان) –سـمپوزیوم های چند گانه باسـتان شناسی و هنر ایران پیش و پس از پیروزی انقلاب (تهران)؛ –موزه مترو پلیتن (نیویورک، آلمان) –کلوپ باسـتان شناسـی دانشگاه کلمبیا (نیویورک، آمریکا) –موزهای سکلر و فریر (واشنگتن، آمریکا). – همـایش بین المللی جـاده ابریشم، یونسـکو (پـاریس، فرانسه) –همـایش بین المللی جاده ابریشم، یونسکو و پژوهشـگاه علوم انسانی (تهران) –نخستین (تورین، ایتالیـا)؛ دومین (بـامبرگ، آلمـان) و چهـارمین (پـاریس، فرانسه) کنفرانس اروپایی پیرامون پژوهش های ایران شناسـی. آثار : A New sasania temple in easten nbsp۱ ویژگی اثر : deux Iranica antiqua۱۹۸۴۲ hamedan) sasions de fouilles a la necropole de sang – e shir) ویژگی اثر : . In the akten des vll Internationlen kongresses fur iranische kunst and archaeologie , munchen publish۱۹۷۹۳ Excavations at hagiabad ویژگی اثر : first preliminary report, iranica Antiqua۱۹۸۳۴ Excavations at kangavar ویژگی اثر : From Archaologische mitteihungen aus iran ۱۹۸۱۵ persepollise to al – fustet :continuation of acha menid architectural concepts ویژگی اثر : in proceedings of the second european conference of iranian studies , bamberg , ۳۰th september to ۴ th october , ۱۹۹۱ ,Publish in ۱۹۹۵۶ hagi abad residense sassanide dans le fars ویژگی اثر : les dossirers de larcheologie empires perses , d alexandre aux sassanides Hamedan,survey of Excavationsin iran۱۹۷۳-۷۴ ۱۹۹۹۷ ویژگی اثر : Kangavar iran,۱۹۷۵۸ ویژگی اثر : in the dictionary of art ۱۹۹۶۹ kngavar un temple seleucide d anahita devient un munoment sassanide , ویژگی اثر : dossiers de l archeologie empires perses d alexandre aur sassanide

byzantion , revue : ویژگی اثر ۱۹۹۹۱۰ la more de gulien I apostat selon ies sources iraniennes arabie : ویژگی اثر internationale des etudes byzantions ۱۹۹۲۱۱ les fouische de hagi abad orientale , mesopotamie et iran meridional de l age du fer au debut de la period islamique : ویژگی اثر ۱۹۸۴۱۲ Mil-e naqarah hanah , complex of two cahar taps in eastrn fars Archeologia iranica et oreintalis miscellanea in honorem louis vanden berghe۱۹۸۹۱۳ In the splendor of iran۱۴ sapur II ardasir II, ans : ویژگی اثر Parthian and sassanian stucoo Archaeologische mitteilungen aus iran۱۹۸۶۱۵ : ویژگی اثر sapur III :Another Perspective In the splendor of iran۱۶ sassanian Art in Eastern fars :the : ویژگی اثر sassanian architecture in dissertation Abstracts : ویژگی اثر Excavation of a manorhouse at hagi abad darab , iran In the splendor of : ویژگی اثر internation, section ۱۹۸۸۱۷ Seleucid and parthian architecture I n the dictionary of art (london : ویژگی اثر iran۱۸ Stucco , III, history and uses , I ancient :macmillan) forthcoming۱۹۹۶۱۹ The manor house of hagi abad and the chranology of the Histore et culter de parsi centrale : ویژگی اثر . sasssanin Gavernose of kusansar preslamique ecarites et documents archejologiques۲۰ ایـدز ،اخلاق ،و آینده ویژگی اثر : زنان ۱۳۷۵۲۱ Fire temple and anahita temple Adiscussion on some iranian palaces of someب iranianpalaces of worship ویژگی اثر : ۱۹۸۷۲۲ mesopotamia بخش دوران تاریخی در چکیده های باستان شناسی ویژگی اثر : مرکز نشر دانشگاهی و انجمن ایران شناسی فرانسه درتهران .۲۳ به مناسبت سفر گرجستان ویژگی اثر : باستان شناسی و تاریخ ۱۳۷۸.۲۴ چشم انداز کرد لر در هزاره ی یکم پیش ازمیلاد. ویژگی اثر : نشریه ی انجمن فرهنگ ایران باستان ۱۳۵۳.۲۵ خلیج فارس ، خلیج یتیم ویژگی اثر : نگاه نو ۱۳۷۲۲۶ فصل دوم کاوشهای محوطه ی باستانی سنگ شیر در همدان . ویژگی اثر : گزارش های چهارمین مجمع سالانه ی کاوشهای و پژوهشهای باستان شناسی در ایران ،تهران ، ۱۳۵۵.۲۷ کاوشهای گورستان محوطه ی سنگ شیر . ویژگی اثر : گزارش سومین مجمع سالانه ی کاوش ها وپژوهش های باستان شناسی در ایران ، تهران ،۱۳۵۴.۲۸ کهن ترین پاپیروس عربی ویژگی اثر : ترجمه از یوسف راغب که وقف میراث جاویدان می باشد۱۳۷۹.۲۹ نگاهی دیگر به شاهپور دوم ، اردشیر دوم و شاهپور سوم:پیشنهادی برای باز نویسی بخشی از تاریخ دوره ی ساسانیان ویژگی اثر : باستان شناسی و تاریخ ۱۳۷۵.۳۰ هنر ایران در دوره ی اشکانیان ویژگی اثر : دائر النعارف بزرگ اسلامی۳۱ هنر ایران در دوره ی ساسانیان ویژگی اثر : دائر المعارف بزرگ اسلامی۳۲ ور تاجیکان ویژگی اثر : معارف دوره دوازدهم ۱۳۷۴.

آذری طوسی، نورالدین حمزه

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۶۶ /۸۶۴ -۷۸۴ ق)، عارف و شاعر، متخلص به آذری. وی از پیشوایان تصوف که نسبش به خاندان سربداران می‌رسید. آذری در اسفراین در ماه آذر متولد شد و به همین جهت آذری تخلص می‌کرد. او تیمور و پسرش شاهرخ را مدح می‌گفت. تا آنکه به درک محضر شیخ محیی‌الدین غزالی نایل گردید و سپس به صحبت شه نعمت‌اللّه ولی رسید و دوبار پیاده به حج رفت و یکسال مجاور بیت‌اللّه الحرام شد، و چند بار به هند سفر کرد. در ۸۳۲ ق ملازم احمدشاه بهمنی در دکن شد و منصب ملک‌الشعرایی یافت، و به خواست او سرودن «بهمن نامه» را آغاز کرد و چون به اسفراین بازگشت پیوسته سروده‌های خود را برای اتمام «بهمن نامه» به دکن می‌فرستاد. سپس انزوا را برگزید و بر در خانه هیچ کس نرفت و تنها به مدح پیامبر (ص) و بیان مناقب اهل‌بیت (ع) پرداخت. آذری در اسفراین بقع و رباطها ساخت. مزار وی در اسفرین است. از آثار او: «جواهر الاسرار»، مشتمل بر چند علم؛ «طغرای همایونی»؛ «عجایب الدنیا»؛ مثنوی «سعی الصفا»، در مناسک حج؛ «دیوان» اشعار که اکثراً قصایدی است در منقبت عترت پیامبر (ص).[۱]

نورالدین حمزهٔ به علی ملک طوسی بیهقی اسفراینی. نسب وی به احمد بن محمد زمجی هاشمی مروزی میرسد. او از پیشوایان متصوفه و از دانشمندان و ادیبان و شاعران به نام قرن نهم هجری است. وجه تسمیه وی بنا به قول خود او به جهت تولد اوست در ماه آذر. آذری تغییر حالی یافت و در سلک درویشی درآمد و صحبت محیی‌الدین غزالی طوسی یافت و از او اخذ طریقت و حدیث کرد و همراه او سفری به حج رفت سپس به هندوستان شد و از دهلی به دکن رفت و به درگاه احمدشاه بهمنی درآمد و به دستور او سرودن منظومه «بهمن‌نامه» را آغاز کرد و از او اوصله یافت. وی پس از سفر هند سی سال در اسفراین به فراغ خاطر زندگی کرد و به تدریج هرچه از بهمن‌نامه به نظم می‌آورد به دارلملک دکن می‌فرستاد. آذری در ۸۶۶ ق. در همین شهر درگذشت. از آثار اوست: «سعی الصفاء» در مناسک حج، «طغرای همایون»، «جواهر الاسرار» (ه.م.)، «بهمن‌نامه» (ه.م.)، «غرائب الدنیا و عجایب الاعلا»، «مرآت» در مطالب فلسفی، «دیوان اشعار» مشتمل بر قصاید و غزلیات و ترکیب‌بند و ترجیع‌بند و قطعات و رباعیات، و بسیاری از قصاید وی در مدح اهل‌بیت است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۴۵۱ -۴۴۳ /۲)، ایضاح المکنون (۹۳ ،۱۶ /۲ ،۴۸۳ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۳۳ -۳۲۳ /۴)، تاریخ نظم و نثر (۷۸۶ ،۲۹۴ -۲۹۳)، تذکرهٔ الشعراء (۴۵۶ -۴۴۸)، حبیب‌السیر (۶۱ /۴)، حماسه‌سرایی در ایران (۳۵۷ -۳۵۶)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۷۰ -۶۹ /۱)، دایرهٔ‌المعارف فارسی (۸۰ /۱)، الذریعه (۱۸۴ /۱۲ ،۴ -۳ /۹)، ریاض العارفین (۳۹)، ریحانه

(۴۷ -۴۶ /۱)، شام غریبان (۲۳ -۱۹)، فهرستواره کتابهای فارسی (۸۸ /۱ و ۲۳۸) کشف الظنون (۱۱۲۶، ۶۱۲)، مؤلفین کتب چاپی (۹۶۲ -۹۶۱ /۲)، مجالس المؤمنین (۱۳۳ -۱۲۵ /۲)، مجالس النفائس (۱۸۶ -۱۸۵)، مجمع الفصحا (۸ /۴)، مرآت الخیال (۶۸)، معجم المؤلفین (۸۰ /۴)، نشتر عشق (۶۰ -۵۶ /۱)، هدیهٔ العارفین (۳۳۷ /۱)، هفت اقلیم (۳۰۰ -۲۹۶ /۲).

آذری قمی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ احمد آذری قمی یکی از ستارگان... آسمان فضیلت حوزه علمیه و شهرستان مذهبی قم است که در حدود ۱۳۴۲ قمری در قم چشم به جهان گشوده و پس از پرورش و خواندن اولیات و ادبیات سطوح را از مدرسین حوزه علمیه فراگرفته و آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و در آن سامان از محضر آیات عظام آقا میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه العظمی خوئی و دیگران استفاده نموده و پس از چند سال اقامت به وطن مراجعت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه نایب الامام آقای خمینی و آیت‌اللّه محقق داماد بهره‌مند شده و در ضمن در مواقع مقتضی ماه رمضان و محرم و صفر برای ارشاد و تبلیغ اسلام و تنویر افکار به تهران مسافرت نموده ولی چند سالیست که به واسطه مشاغل زیاد آن برنامه را تعطیل و از طرف حجهٔ‌الاسلام والمسلمین آقای آذری دیگر به خدمات دینی و مبارزات بر علیه امپریالیسم و رژیم منفور شاه مخلوع ادامه و برای همین هم چند سالی از طرف عمال کثیف و جنایتکار طاغوتی تبعید به اردستان و بعضی از نواحی دیگر شده که سر این جان چند تن از عزیزانش در اثر تصادم از دست رفته است بالجمله جناب آقای آذری از افراد بسیار شایسته و لایق و پرهیزکار و مراتب فضل و تقوایش مورد تایید مراجع بزرگ بالاخص حضرت آیه‌اللّه العظمی امام خمینی است و از طرف معظم‌له به اتفاق بعضی دیگر منصوب به سرپرستی آستانه مقدسه حضرت معصومه (ع) و هم نظارت در دادگاه انقلابی میباشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

آذری نژاد، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل آذری نژاد

محل تولد : بهبهان

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب اسماعیل آذری نژاد با توجه به علاقه تحصیل در حوزه دین در سال ۱۳۷۳ به تحصیل در حوزه مشغول شدم و همیشه دغدغه سیراب شدن از معارف الهی و علوم انسانی را داشته و در پی آن بودم که بعد از فراگیری بتوانم دیگران را هم با این معارف آشنا سازم.

ابتدا دو سال در شهر خودمان دهدشت (استان کهگیلویه و بویراحمد) به تحصیلات حوزه مشغول شدم و در سال ۱۳۷۵به حوزه امیرالمومنین (ع) تهران رفتم و چهار سال در آنجا مقدمات را به پایان بردم.

از سال ۱۳۷۹ به قم آمدم و در واقع پربارترین دوران علمی‌ام در قم بوده با اساتیدی همچون استاد علی ربانی گلپایگانی آشنا شدم و ۵ سال در زمینه کلام جدید در مدرسه فیضیه افتخار شاگردی ایشان را داشتم. و همین زمینه‌ای شد که به (دانشنامه کلام اسلام) تحت اشراف آیت الله سبحانی و به ریاست استاد ربانی راه پیدا کردم و افتخار همکاری با این دایرهٔ المعارف کلام را پیدا کنم.

به خاطر احساس نیاز به تحصیل در رشته‌های علوم انسانی و دانشگاهی در سال ۱۳۸۲ وارد دانشگاه شدم و در رشته جامعه شناسی به تحصیل مشغول شدم.

آذریغمایی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۹۳، دهستان گرمه از توابع خور بیابانک.

درگذشت: ۳ اردیبهشت ۱۳۷۱، گرگان.

محمود آذریغمایی در کودکی به سمنان رفت و در آنجا به تحصیل پرداخت. پس از پایان تحصیلات ابتدایی در سمنان، به تهران رفت و پس از دریافت دیپلم در اداره‌ی کل آموزش و پرورش استخدام شد. وی بعدها موفق شد که از دانشگاه تهران در رشته‌ی

ادبیات فارسی فارغ‌التحصیل شود. در همان سال امتیار روزنامه‌ای به نام «مسلک» کسب نمود. در سال ۱۳۱۸ کتاب داستانی تحت عنوانی پریوش انتشار داد. مقالاتی هم می‌نوشت که در روزنامه‌ها و مجله‌های «اقدام»، «پیک ایران»، «توفیق ادبی»، «یغما»، و روزنامه‌ها و مجلات دیگر چاپ می‌کرد. وی بعد از اخذ لیسانس در سال ۱۳۲۹ به ریاست آموزش و پرورش بم منصوب گردید و سپس در بهبهان ، سمنان، شاهرود، بابل، زنجان و تنکابن به ریاست آموزش و پرورش رسید. در سال ۱۳۴۴ در مقام اولین مدیر کل آموزش و پروش استان ایلام به آن منطقه عزیمت کرد و پس از دو سال دوباره به تهران منتقل شد و بعد از چند سال خدمت فرهنگی و تدریس در دانشکده‌ی ادبیات و زبان‌های خارجه با سابقه سی و دو سال بازنشست گردید.

در سال ۱۳۵۲ کویرنامه را سرود که خلاصه‌ای از آن را ایرج افشار در یادنامه حبیب یغمایی به چاپ رساند. این کتاب در واقع سفرنامه‌ای منظم از جندق به شاهرود و گرگان و ساری است.

محمود آذریغمایی در سال ۱۳۷۱ درگذشت و پیکرش طبق وصیت خود او در گرمه در جوار معصوم‌زاده و در کنار آرامگاه پدرش به خاک سپردند.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

آذری‌کنگاوری، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، نویسنده، ادیب.

تولد: ۱۲۹۷، کنگاور.

درگذشت: ۱۰ دی ۱۳۶۵.

ابوالحسن آذری‌کنگاوری تحصیلات قدیمه داشت. کارمند وزارت کشور شد و سلسله مراتب بخشداری و استانداری را تا ریاست دفتر استانداری همدان طی کرد. در دهه‌ی سوم، روزنامه‌ای در کنگاور دایر ساخت. بیشتر مقالات او که طنزآمیز و انتقادی بود، در جراید همدان چاپ می‌شد. وی سال‌ها عضو انجمن ادبی همدان بود.ابوالحسن آذری‌کنگاوری دیوان گزیده خود را خوشنویسی کرده است.

در طنزنویسی پیرو فریدون توللی بود. به تقلید او کتاب به عنوان التوازین فی تفسیر حالات آن و این نوشت. دو کتاب دیگر او یکی به نام فرهنگ مردم کنگاور که برای چاپ به مرکز مردم‌شناسی ایران سپرده شده است و دیگری تاریخ کنگاور یا معبد ناهید (قصر اللصوص قدیم) است. نوشته‌های دیگری از جمله یکی در باب «عدد هفت» از او برجاست.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

آرام اصفهانی، عباسعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۳ ش)، شاعر، متخلص به آرام. شغلش قلمزنی بود و کتابفروشی نیز می‌کرد. از سل ۱۳۱۲ ش در انجمن ادبی اصفهان شرکت داشت و شعر می‌گفت و در شعر سبک قدما را ترجیح می‌داد. رباعی زیر از او است:

خواهی که سمر شوی به نیکوکاری

باید که به دل تخم محبت کاری

با اهل زمانه هیچ دانی چه کنی

آن کن که به خویشتن روا می‌داری

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۰ -۹)، فرهنگ سخنوران (۴)، گلزار جاویدان (۱۱ /۱).

آرام گلپایگانی، جمال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۶۰ ق)، شاعر. سید جمال‌الدین گلپایگانی، متخلص به آرام، از اعضای انجمن ادبی اصفهان و از افاضل طلاب مدرسه‌ی صدر بود. اغلب اشعار وی در «مجله‌ی دانشکده» دوره‌ی اول به طبع می‌رسید. در گلپایگان وفات یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۹)، فرهنگ سخنوران (۴)، گلزار جاویدان (۱۱ /۱).

آرام یزدی، صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(نیمه‌ی دوم س سیزدهم ق) شاعر، متخلص به آرام. وی گاهی غزل می‌سرود و تا اواخر عهد فتحعلی‌شاه در قید حیات بود. د «مجمع الفصحا» آمده است که میرزا صادق آرام چندی در یزد وزیر اسماعیل میرزا بود و پدرش محمد ولی‌میرزا، پسر سوم فتحعلی‌شاه و حاکم یزد، را مدح می‌کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (۵۲۸)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۳۳۱ /۲)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۷ -۴)، حدیقةالشعراء (۲۴ - ۲۳ /۱)، الذریعه (۴ /۹)، فرهنگ سخنوران (۴)، لغت‌نامه (ذیل/ آرام)، مجمع الفصحا (۱۳۶ -۱۳۵ /۴).

آرام، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد آرام (۱۲۸۱-۱۳۷۸ش)، مترجم و نویسنده .در محله چاله میدان تهران متولد شد. پس از پایان تحصیلات متوسطه از دارالفنون، در سال ۱۳۰۴ احمد آرام به تدریس فیزیک و شیمی پرداخت. او متوجه شد که درس‌های تجربی بصورت نظری و بدون فعالیت آزمایشگاهی تدریس می‌شود. ایشان به ابتکار جدیدی دست زد و کتابی با عنوان هدیه سال نو «مجموعه تجربیات فیزیکی و شیمیایی» منتشر کرد. «هدیه سال نو» نخستین کتاب آموزشی در کارهای آزمایشگاهی شامل آزمایش های فیزیک و شیمی است که استاد احمد آرام آن را در بهمن سال ۱۳۰۴ تألیف کرده است. احمد آرام سپس به رشته حقوق روی آورد ولی پس از چندی آن را رها کرد وبه پزشکی تمایل یافت، ولی این یک نیز چندان پای بندش نکرد ودر آخرین سال آن را نیز رها کرد و به فعالیتهای فرهنگی و ترجمه روی آورد. وی به همراه دکتر نصیری از بنیانگذاران تالیف کتاب‌های درسی در ایران است و مدتی به عنوان معاون وزیر آموزش و پرورش در دهه ۲۰ هجری شمسی فعالیت داشته‌است.

استاد آرام یکی از نخستین مؤلفان کتاب‌های درسی و آموزشی بود که هم به تنهایی و هم با کمک دیگران کتاب‌های فیزیک و شیمی دبیرستان را تألیف کرد. علاقه‌ای که به امیرکبیر داشت نام مجموعه‌ای از کتاب‌های خود را به نام «مجموعه امیر» نامگذاری کرد. احمد آرام تا حدود سال ۱۳۳۰ نزدیک به چهل جلد کتاب درسی و آموزشی نوشت.

احمد آرام یکی از پرکارترین مترجمین معاصر است که بیش از یکصد و چهل اثر از زبانهای انگلیسی فرانسه و عربی ترجمه کرده‌است. وی در ترجمه کتاب ها، دقت می کرد تا معادل های فارسی مناسب برای واژه های خارجی بیابد و از اصطلاحات و واژه های فرنگی استفاده نکند. خود وی در این باره می گوید: من در زمینه طب کتابی ترجمه کرده ام که حدود ۱۲۰۰ صفحه دارد. در این کتاب سعی کرده ام حتی یک کلمه فرنگی نیاورم. البته کار بسیار مشکلی است، ولی من این کار را انجام دادم.

مرحوم احمد آرام روز ۱۴ فروردین سال ۱۳۷۸ در آمریکا درگذشت و طی مراسمی در روز ۲۲ فروردین و پس از انتقال به تهران تدفین شد. وی در سال ۱۳۸۲ به عنوان یکی از چهره های ماندگار برگزیده شد. آثار :

وی بیش از یکصد و چهل اثر از زبانهای انگلیسی فرانسه و عربی ترجمه کرده‌است . برخی از آثار ترجمه ایشان شامل: اثبات وجود خدا ؛ سه حکیم مسلمان (نوشته حسین نصر) ؛ علم و تمدن در اسلام (نوشته حسین نصر) ؛پیدایش و مرگ خورشید ؛ تکامل فیزیک (تألیف آلبرت اینشتین)؛ تاریخ تمدن (نوشته ویل دورانت)، انتقال علوم یونانی بعالم اسلامی (تالیف دلیسی اولیوی)؛ مشرق زمین گاهواره تمدن هگل و مبانی اندیشه معاصر تاریخ علم (تالیف جرج سارتن)؛ شش بال علم؛ متفکران اسلام (نوشته بارون کاراد)؛ حدس ها و ابطل ها(نوشته کارل پوپر) ؛ هگل و مبانی اندیشه معاصر (نوشته امیرمهدی بدیع)؛ یونانیان و بربرها (نوشته امیرمهدی بدیع)؛ هیئت ؛ لغتهای قرآن؛ معلم نمونه؛ اندیشه‌های کلامی شیعه (نوشته مارتین مکدرموت) می باشد.

آرانی کاشانی، غلامرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۵ -۱۱۹۲ ق)، عالم دینی. تحصیلات خود را نزد میرزای قمی، سید محمد مجاهد و ملا احمد نراقی به پایان برد. اثر وی «قلائد اللئالی» نام دارد که در احوال زهاد و مشایخ است. کتاب شامل بیست باب است و هر باب ده حکایت در احوال زهاد و در ذیل هر باب بیاناتی دارد. این کتاب در واقع شرح «جامع الحکایات» نصراللّه ترمذی است. وی در وادی السلام نجف مدفون است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶۱ /۱۷)، مکارم الآثار (۱۷۹۹ /۵).

آرانی کاشانی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۴ ق)، فقیه. معروف به ملاـعلی آرانی. از اهالی ده آران از توابع کاشان بود. پس از کسب فیض از محضر علما و کسب اجازه از ملا احمد نراقی در ۱۲۱۷ ق به گلپایگان رفت و سپس در ۱۲۴۲ ق به تهران آمد، پس از آن در قم اقامت گزید. آثار او عبارت‌اند از: «الدّرة البهیة»، منظومه در اصول فقه که در ۱۲۴۲ ق، منطبق بر تعداد ابیات کتاب، سرودن آن را به پایان برده؛ «الغرة الجلّیة فی شرح الدرة البهیة»؛ «المقاصد المهمة»؛ «مطلع الانوار»، در سه جلد، که جلد یکم آن در دسترس نیست، جلد دوم آن درباره‌ی پادشاهان ایران از کیومرث تا روزگار نویسنده (۱۲۳۹ ق) است، و جلد سوم در سرگذشت دانشمندان و سرایندگان معاصر نویسنده تا سال ۱۲۲۶ ق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۸۵، ۱۵۱ /۲۱، ۳۴ /۱۶، ۹۱ /۸، ۴۲۴ /۴)، فوائد الرضویه (۵۷۷)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۶۵۷ -۶۵۶ /۱).

آرانی کاشانی، ملا محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۵ -۱۲۵۰ ق)، فقیه. در آران کاشان متولد شد. مقدمات را نزد پدرش فراگرفت و در تهران نزد سید حسین کاشانی تحصیل کرد. پس از آن به عراق رفت و از محضر فاضل ایروانی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی بهره جست و اجازه یافت. سپس به ایران بازگشت و در زادگاهش متوطن شد و به ترویج معارف اسلامی پرداخت. از آثارش: «عرائس الاحکام»، در شرح «الفیه»؛ «حاشیة القوانین»؛ «حاشیة الرسائل»؛ شرح «الدرة» سید بحرالعلوم؛ رساله‌ای در «اجتهاد و تقلید».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۴۲ /۱۵، ۲۷۲ /۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۴۱ -۱۵۴۰ /۱۴).

آرایش بیگم

قرن:۹

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن نهم هجری، از زنان شاعر. وی دختر اسکندر میرزا (۸۴۱ -۸۲۳ ق)، از امرای سلسله قراقوینلو و خواهر اوراق سلطان بیگم بود. قاضی نوراللّه شوشتری در مجالس المؤمنین او و قبیله‌اش را شیعه می‌خواند. بیت زیر از سروده‌های اوست:

در مشغله دنیا در معرکه محشر

از آل علی گوید آرایش اسکندر[۱]

(س نهم ق)، شاعر و فاضل. دختر میرزا اسکندر فرزند قرایوسف ترکمان است. قاضی نوراللّه شوشتری او و طایفه‌اش را از شیعیان می‌داند. اسکندر قراقوینلو (وف ۸۴۱ ق) پدر آرایش بیگم از فرمانروایان مشهور خاندان قراقوینلو است که به قتل رسید. بیت زیر از سروده‌های آرایش بیگم است:

در مشغله‌ی دنیا در معرکه‌ی محشر

از آل علی گوید آرایش اسکندر

بیت بالا نقش خاتم وی نیز بوده است.[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] منابع: اعیان‌الشیعه، ۸۶ / ۲؛ تراجم اعلام‌النساء، ۱۹۰ / ۱؛ دایرة‌المعارف تشیع، ۵۱ -۵۰ / ۱؛ النساءالمؤمنات، ۷۴.

[۲] اعیان الشیعه (۳۰۰ / ۳، ۸۶ / ۲)، ریاحین الشریعه (۳۲۰ / ۳)، مجالس المؤمنین (۳۶۷ / ۲).

آرتیمانی، کاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به کاظم. وی از نوادگان رضی آرتیمانی است و نسبش به خان احمد خان گیلانی می‌رسد. وی از اهالی آرتیمان، از قرای تویسرکان، است. کاظم مدتی در ملازمت نواب محمود میرزا قاجار (۱۲۷۱ -۱۲۱۴ ق) بوده و اشعاری در مدح او سروده است. از آثارش «دیوان» شعر است. از اوست:

به راهش این قدر جانها شده خاک

که از خاک رهش جان می‌توان یافت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سفینة المحمود (۲۷۲ -۲۶۹/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۷۵۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۵۸)، نگارستان دارا (۲۴۵).

آرتیمانی، مرتضی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. از مردم آرتیمان، از توابع همدان، و معاصر صادقی افشار (۱۰۱۸ ق) بود. ظاهرا او در زمان تألیف تذکره‌ی «مجمع الخواص» (۱۰۱۰ ق) جوان بوده، چون صادقی از او با عنوان جوانی بی‌قید و لاابالی نام می‌برد. در حالی که به آورده‌ی تذکره‌ها او دانشمند و صاحب فضل بوده و منصب شیخ‌الاسلامی داشته و شعر هم می‌گفته است. از وی رباعیاتی به جای مانده است. صاحب «الذریعه» او را با رضی آرتیمانی، از میرزایان دربار شاه عباس اول، یکی می‌داند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۳۱۸ -۳۱۷/ ۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۴)، الذریعه (۱۰۲۷/ ۹)، صبح گلشن (۴۰۰)، فرهنگ سخنوران (۸۳۲)، مجمع الخواص (۹۵ -۹۴).

آرتیمانی، میرزا رضی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۳۷ ق)، شاعر و عارف. از مردم آرتیمان، از توابع تویسرکان، بود. تا اوایل سلطنت شاه صفی در قید حیات بود. در قصیده‌ای او را ستود. در ولایت خویش مقام شیخ الاسلامی داشت. غزلیات و رباعیات میرزا رضی بسیار شورانگیز است، مثنوی «ساقی نامه‌ی» وی مشهور است. فرزندش ابراهیم آرتیمانی متخلص به ادهم بود. در کتابخانه‌ی ملی ملک نسخه‌ای از «دیوان» او مشتمل بر بیش از یک هزار بیت در غزل و رباعی موجود است که در قرن دوازدهم کتابت شده است. ظاهراً در برخی تذکره‌ها میان او و میر محمد رضی اصفهانی اشتباه شده است، زیرا میرزا رضی از سادات نبود، در صورتی که میر محمد رضی از سادات اصفهان بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن سرایان همدان (۲۵۹ -۲۵۶/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۷۴ -۱۰۶۹/ ۵)، تذکره‌ی میخانه (۹۴۶ -۹۳۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۷۴ -۲۷۳)، الذریعه (۳۷۱/ ۹)، ریاض العارفین (۸۰)، صبح گلشن (۷۹)، طرائق الحقائق (۵۷۳/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۳۸۵)، نام‌آوران فرهنگ (۵۵۹).

آرزم، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمد آرزم متولد ۱۳۲۴ش دارای دکترای رشته اصلاح نباتات عضویت هیئت علمی دانشگاه شفیلد انگلستان با درجه دانشیار باشد. وی دارای تحقیقات و آثار پیرامون روشهای نوین شیمیایی و دفع آفات میوه ها می باشد.گروه : کشاورزیرشته : باغبانیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر محمد آرزم دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه ارگان آمریکا کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه ارگان آمریکا دکترای رشته باغبانی از دانشگاه شفیلد انگلستان میباشد.خاطرات و وقایع تحصیل : انجام و تحصیل در رشته اصلاح نباتات و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر محمد آرزم بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر محمد آرزم د ر کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : دکتر محمد آرزم پس از اخذ مدرک دکتری در رشته باغبانی به عضویت هیئت علمی گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه شفیلد انگلستان در آمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر محمد آرزم عضو هیئت علمی و دانشیار گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه شفیلد انگلستان است.فعالیتهای آموزشی : دکتر محمد آرزم سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه باغبانی به تدریس دروس تخصصی رشته باغبانی دانشگاه شفیلد انگلستان می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر محمد آرزم در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است. آثار : روشهای نوین سمپاشی و دفع آفات میوه ها

آرزومندی، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم آرزومندی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابوالقاسم آرزومندی تحصیلات خود را تا سوم دبیرستان خوانده ام. از سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه شدم و دروس سطح خود را به جز سه درس به پایان رسانده ام.

از سال ۱۳۷۷ قدم به عرصه مطبوعات گذاشتم و مقالات متعددی را در هفته نامه پرتو به چاپ رساندم، که متاسفانه تاریخ چاپ آنها را در دست ندارم. تعدادی مقاله نیز در شرح حال عالمان بزرگوار تشیع نگاشته ام که در کتاب گلشن ابرار، جلدهای سوم، چهارم، و پنجم به چاپ رسیده است.

علاوه بر اینها، فعالیت عمده حقیر در ویراستاری بوده است و در حال حاضر ویراستار مجلات (آیینه پژوهش) و (فقه) هستم. مدتی هم مجله وابسته به جامعهٔ القرآن را ویرایش کرده ام. افزون بر اینها، کتابهای بسیاری را هم ویراسته ام. مانند: جمع پریشان، اخلاق ایزدی، اعتکاف، شورا در فتوا، ماهیت حکم ظاهری و.....ضمنا بنده تاکنون مدیریت چندین کتابخانه را بر عهده داشته ام و دروس خوشنویسی و قرآن را هم تدریس کرده ام.

آرزوی سمرقندی

قرن:۱۱

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(ز ۱۰۵۲ ق)، بانوی شاعر. از اهالی سمرقند بود. زیبا و شیرین کلام بود. تذکره‌ها از او به نامهای آرزویی، بی‌بی آرزوی سمرقندی نیز یاد کرده‌اند. اثر وی «دیوان» اشعار است. ابیات زیز از او است:

شدیم خاک رهت گر به درد ما نرسی

چنان رویم که دیگر به گرد ما نرسی

ماند داغ عشق او بر جانم از هر آرزو

آرزومند است عشق و من سراسر آرزو

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اندیشه نگاران زن (۲۸)، الذریعه (۵ /۹)، ریاحین الشریعه (۳۲۱ -۳۲۰ /۳)، ریحانه (۴۷ /۱)، زنان سخنور (۳ /۱)، صبح گلشن (۵)، مرآت الخیال (۳۳۷)، مستدرکات اعیان (۳ /۳)، مشاهیر زنان (۲).

آرندی نایینی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۷۰ -۱۱۹۰ ق)، عارف، حکیم و ریاضیدان. در آرند، از تابع نائین، متولد شد. در دهات نائین به شبانی روزگار می‌گذرانید تا آنکه حاج محمد حسن نائینی، از مشایخ سلسله‌ی اویسیه، او را تشویق به تحصیل علم و تکمیل نفس کرد. پس از آن به اصفهان رفت و شصت سال در فقرو قناعت در یکی از حجره‌های مدرسه‌ی نیماورد اصفهان در تنهایی و تجرد زیست. ظاهراً شاگرد ملا محراب گیلانی و آخوند نوری بو. در عرفان و حکمت الهی و انواع علوم ریاضی تبحر داشت. او را از مشایخ سلسله‌ی نعمت اللهیه می‌دانند. میرزا محمد حسن صفی علیشاه از شاگردان او است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ القبور (۲۶۳ -۲۶۲)، طرائق الحقائق (۲۴۰ -۲۳۹ /۳)، المآثر والآثار (۱۶۹).

آریا، غلامعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر غلامعلی آریا در سال ۱۳۱۶ در شهر فسا به دنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته ادیان و عرفان از دانشکده الهیات دانشگاه (؟) است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : الهیات و معارف اسلامی

گرایش : ادیان و عرفان

والدین و انساب : خانواده پدری غلامعلی آریا از تیره فائدیهای چهرلنگ بختیاری بودند که در اثر اختلافی که بعد از فتح اصفهان

با کریم خان زند پیدا کرده بودند به روستای خیرآباد در سه کیلومتری شهر فسا تبعید شد. بنابراین نیای دکتر آریا در حدود دو قرن پیش در آنجا سکنی گزیده اند.خانواده مادری دکتر آریا نیز از روستای مجاور بنام کوشک قاضی بود.

خاطرات کودکی : دوران کودکی غلامعلی آریا با جنگ جهانی دوم و نابسامانی های موجود مصادف بود ایشان از آن دوران چنین می گوید ":دوران کودکی من مصادف با جنگ جهانی دوم بود از این رو دولت مرکزی قدرتی چندانی برای تامین امنیت و بهداشت نداشت. ناامنی، دزدی و بیماری لااقل در ناحیه فسا و مناطق فارس وجود داشت. افزون بر این قحطی و ملخ خوراکی نیز مزید بر علت بود. بیشتر خانواده های روستای ما مهاجرت کردند و تنها چند خانواده نسبتا متمکن باقی ماندند. این تعداد خانواده ها را اندک هم از دزدان گوناگون در امام نبودند. من خودم شاهد بودم که گروهی از دزدان از ده مجاور به خانه ما هجوم آوردند و شبانه از گاو و گوسفند و هرچه که بود به غارت بردند".

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : خانواده غلامعلی آریا علاوه بر کشاورزی به دامداری سنتی و عصاری نیز مشغول بودند پدرش هم زمینهای مالکان غیر بومی را اجاره می‌کرد و به کشاورزی می‌پرداخت.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامعلی آریا کلاس سوم ابتدایی را تا سوم متوسطه را در شهر فسا گذراند. سپس در شیراز وارد دانشسرای مقدماتی گردید. کارشناسی رشته حقوق را از دانشگاه تهران و کارشناسی ارشد و دکتری رشته ادیان وعرفان را از دانشکده الهیات دانشگاه تهران اخذ کرد. او همچنین دبیری ادبیات را از دانشسرای عالی تهران دریافت کرده است.

خاطرات و وقایع تحصیل : غلامعلی آریا از خاطرات دوران تحصیل خود چنین به یاد دارد": مهمترین خاطرات من مربوط به دوران تحصیل در فسا می باشد که می بایست روزانه در هوای سرد و بارانی و بدون امکانات از روستا تا شهر حدود نیم فرسنگ صبح زود برویم و غروب برگردیم.معمولاـ روزانه نان محلی را برای نهار می بردیم و گاهی هم شاگردان غیر بومی آن را از ما می دزدیدند".

فعالیتهای ضمن تحصیل : فعالیت‌های حین تحصیل غلامعلی آریا به دو بخش تقسیم می‌شود. اولی در دوره دبیرستان بود که با تدریس خصوصی و یا کار در تابستانها سپری شد و دیگری تحصیل در دانشگاه بود که در حین تحصیل در مدارس تهران و مراکز تربیت معلم تدریس می‌کردند.

استادان و مربیان : نخستین معلم غلامعلی آریا پیرزنی بود که در روستای خیر آباد به او خواندن قرآن و الفبای فارسی را آموخت. اساتید غلامعلی آریا در دانشکده حقوق، مرحوم دکتر حمید عنایت و در دانشکده الهیات در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری، دکتر فتح الله مجتبایی بود که در زندگی علمی وی نقش بسزایی داشته‌اند.

همسر و فرزندان : غلامعلی آریا در سال ۱۳۴۰ با همسرش (بازنشسته آموزش و پرورش) ازدواج کرد که ماحصل این ازدواج ۶ فرزند می باشد که دو فرزند آخرش در دانشگاه مشغول تحصیل هستند و دو فرزند بزرگتر دارای تحصیلات عالیه می باشند و دو فرزند دیگرش در شرکتهای نیمه دولتی به کار مشغول هستند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای اداری غلامعلی آریا به قرار زیر است: مدیر دبستانهای روستای بیضای فارس، نماینده فرهنگ (آموزش و پرورش) دبستانها کام فیروز و ابرج و رامجرد فارس از سال ۱۳۳۷-۱۳۴۲،مدیر گروه ادیان و عرفان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری، رئیس دانشکده تربیت معلم همان واحد، معاون آموزش واحد شهر ری از سال ۱۳۸۱ تاکنون، رئیس دانشکده معارف اسلامی (خواهران) دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، مدیر گروه کارشناسی ارشد ادیان و عرفان دانشکده معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.

فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریس غلامعلی آریا به ترتیب زیر است: مدیر و آموزگار نواحی اطراف شیراز از سال ۱۳۳۷، از سال ۱۳۴۳-۱۳۴۵ آموزگار دبستانهای شیراز، از سال ۱۳۴۶ آموزگار دبستانهای شهر تهران، از سال ۱۳۵۰ دبیر دبیرستانهای شهر تهران (تدریس ریاضی)، از سال ۱۳۵۳ مربی مراکز تربیت معلم (تدریس ادبیات و معارف اسلامی)، پس از انقلاب فرهنگی تدریس در دانشگاههای شهید بهشتی، تربیت معلم، دانشگاه تهران و سرانجام از سال ۱۳۶۴ به بعد ضمن تدریس در دانشگاههای مذکور در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری (با درجه استادی). او همچنین مسئولیت دانشکده الهیات دانشگاه تهران شمال را هم بر عهده دارد و دروس ادیان و تاریخ تصوف و متون عرفان را تدریس می کند.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : غلامعلی آریا در تاسیس دبستانهای نوبنیاد جعفر آباد بیضا و درودزن ابرج سهم بسزایی داشتند. ایشان در دوران اشتغال در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد ادیان و عرفان را به راه انداخت. دکتر آریا همچنین بانی همین رشته (ادیان و عرفان) در دانشگاه آزاد واحد اسلامی واحد تهران شمال می باشد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : غلامعلی آریا در کنار تدریس با دایره المعارف بزرگ اسلامی در تالیف مقاله های عرفانی همکاری داشته است. او همچنین در فرهنگستان زبان و ادب فارسی در بخش شبه قاره بطوره پاره وقت به فعالیت می پردازد.

جوائز و نشانها : غلامعلی آریا چندین مورد لوح تقدیر به خاطر انتخاب او بعنوان استاد نمونه دریافت کرده است.

چگونگی عرضه آثار : - تعداد مقالات ارائه شده در همایشها به همراه سخنرانی : بیش از ۵ مورد - تعداد مقالات منتشر شده در مجلات علمی : بیش از ۷ مورد --

آثار :

۱ آشنایی با تاریخ ادیان

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامعلی آریا ناشر: پایا - ۱۳۸۲

۲ برگزیده متون عرفان فارسی

ویژگی اثر : تهران- ۱۳۸۰

۳ تاریخ فرق اسلامی و مذاهب کلامی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامعلی آریا ناشر: پایا – ۱۳۸۲

۴ جغرافیای تاریخی ،حافظ ابرو(تصحیح و تعلیق بخش سرزمین فارسی)

ویژگی اثر : زیر چاپ

۵ سلک السلوک

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامعلی آریا، ضیاء الدین نخشبی ناشر: زوار – ۱۳۸۲

۶ شیخ روزبهان فسایی

ویژگی اثر : انتشارات روزبهان۱۳۶۳

۷ طریقه چشتیه هند و پاکستان

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامعلی آریا ناشر: زوار – ۱۳۸۳

۸ طوطی نامه

ویژگی اثر : پدید آورنده گان : ضیاء بخشی ،منوچهری و دکتر مجتبایی ،غلامعلی آریا–۱۳۷۲

۹ فارسی (۲) دوره تکمیلی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامعلی آریا، بشیر خزامی پور، علی النقی بافنده، رضا خوشنویسان، مصطفی سالاری (خطاط) ناشر: سازمان نهضت سوادآموزی – ۱۶ مهر

۱۰ کلیاتی در مبانی عرفان و تصوف، مطابق سرفصلهای کارشناسی ادبیات و گرایش دبیری رشته الهیات

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامعلی آریا ناشر: پایا – ۱۳۸۲

۱۱ متون روضه العقول (مرزبان نامه کهن)

ویژگی اثر : تصحیح–با همکاری دکتر مجتبایی_ خوارزمی زیر چاپ

آریان، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید آریان

محل تولد : کلور – خلخال

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۲/۱

زندگینامه علمی

زندگی نامه: این حقیر حمید آریان مطابق شناسنامه، اردیبهشت ۱۳۴۵ در شهر کُلور، مرکز بخش امامرود شهرستان خلخال، متولد شدم. حدود چهار یا پنج ساله بودم که به مکتب قرآن محل رفتم و روخوانی قرآن را فرا گرفتم و سپس تحصیلات دوره ابتدایی، راهنمایی و بخشی از دبیرستان را در زادگاهم سپری کردم. تابستان سال ۱۳۶۱ بر حسب وظیفه به جبهه اعزام شدم و پس از بازگشت در زمستان ۱۳۶۱ سال سوم نظری را در دبیرستان دکتر شریعتی منطقه ۱۲ تهران خواندم. قسمت عمده سال چهارم نظری (سال تحصیلی ۱۳۶۳–۱۳۶۲) را به جز چند هفته در جبهه حضور داشتم و تنها در امتحانات نهایی پایان سال شرکت کردم. تقریبا در تمام دوره تحصیل ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان جز دو سال اخیر که جبهه بودم، شاگرد ممتاز شناخته شدم. در تابستان ۱۳۶۳در کنکور سراسری گروه علوم انسانی شرکت کرده و علی رغم این که رشته تحصیلی‌ام علوم تجربی بود با رتبه ۳۲۱ پذیرفته شدم، اما ادامه کار را جدی نگرفتم و به جهت علاقمندی به تحصیل در حوزه علمیه پس از اخذ دیپلم تجربی در سال ۶۳ از پاییز ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم. مقدمات را در سه سال (۶۴–۶۷)خواندم سطح را طی سال‌های ۶۷ تا ۷۲ نزد اساتید بزرگوار حوزه خواندم. حداقل دو بار در امتحانات پایان دوره که به صورت سراسری از سوی مرکز مدیریت حوزه علمیه قم برگزار می شد، نفر ممتاز شدم و به دریافت جایزه از حضرت امام خمینی قدس الله نفسه الزکیه رهبر کبیر انقلاب و سایر مراجع وقت نایل شدم. از سال ۷۲ در درس خارج اصول استاد گرانقدر حضرت آیت الله وحید خراسانی دامت برکاته و خارج فقه مرحوم استاد حضرت آیت الله فاضل لنکرانی قدس سره حاضر شدم . بین سال‌های ۶۴ تا ۶۸ بارها به جبهه اعزام شدم. سال ۶۹ به دلیل علاقمندی به مباحث فلسفی و علوم انسانی و شیوه‌های جدید آموزشی وارد موسسه در راه حق شدم. (بعدها این بخش و بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) شاکله پی‌ریزی موسسه علمی نو بنیادی را فراهم کرد که امروز به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) موسوم است). تحصیلات خود را در این موسسه همزمان با تحصیلات رسمی حوزوی (با تمرکز بر سه محور اساسی فلسفه و معارف قرآن و کلیات علوم انسانی) ادامه دادم .در سال ۷۴ در مقطع کارشناسی الهیات و معارف اسلامی فارغ التحصیل شدم و به دنبال آن از پائیز ۷۴ به دوره کارشناسی ارشد پیوسته رشته تفسیر و علوم قرآن موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) راه یافتم و تا سال ۷۹ دروس این دوره را با موفقیت سپری کردم و بارها به عنوان نفر ممتاز دوره تحصیلی شناخته شدم. در سال ۱۳۷۳ علاوه بر تحصیل خارج فقه و اصول و کارشناسی الهیات در آزمون ورودی کارشناسی ارشد مدرسی الهیات مرکز تربیت مدرسی دانشگاه قم گرایش فلسفه و کلام پذیرفته شدم و از محضر اساتید گرامی آقایان: دکتر غلامرضا اعوانی، حجةالاسلام دکتر احمد احمدی، حجةالاسلام

والمسلمین دکتر احمد بهشتی، حجهٔالاسلام والمسلمین صادق لاریجانی، دکتر علی شریعتمداری، دکتر غلامعلی سرمد، جناب آقای حشمت پور و آقای مصطفی ملکیان و برخی دیگر استفاده کردم و در سال تحصیلی ۷۶ – ۷۷ از پایان نامه خود با عنوان «درآمدی بر زبان قرآن» در موضوع زبان دین با درجه عالی دفاع کردم. سال ۱۳۷۹ در امتحان ورودی دکترای رشته تفسیر و علوم قرآن موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی پذیرفته شدم و پس از طی واحدهای درسی اکنون در مرحله تدوین رساله دکتری خود با عنوان «نقش عقل در تفسیر قرآن» هستم. همکاری علمی با موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) را از سال ۱۳۷۸ در بخش پژوهش آغاز کردم و از پائیز سال ۱۳۷۹ به عضویت هیأت علمی این موسسه درآمدم و از آن زمان تاکنون به تدریس و تحقیق و احیاناً برنامه ریزی در گروه تفسیر و علوم قرآن مشغول هستم و دروس مختلفی چون معارف قرآن بخش‌های خداشناسی، جهان‌شناسی، انسان شناسی، قرآن‌شناسی و نیز تفسیر قرآن و روش تحقیق را برای دانش‌پژوهان این موسسه تدریس کرده‌ام و از تابستان ۱۳۸۰ با سازمان بسیج دانشجویی همکاری علمی داشته‌ام و دروس مختلفی را چون فلسفه اسلامی، منطق ، خداشناسی، انسان شناسی و مبانی اندیشه اسلامی ۳ (نیاز به دین، نبوت، امامت و ولایت) را برای دانشجویان دانشگاههای مختلف شرکت کننده و نیز فرهنگیان شرکت کننده در این دوره‌ها (طرح ولایت) تدریس نموده‌ام . به علاوه استاد راهنما، مشاور و داور برخی پایان نامه‌های تحصیلی در موسسه یا دیگر مراکز علمی بوده‌ام. علاوه بر ارائه چند طرح پژوهشی فعالیت های علمی مختلفی در زمینه تالیف و ترجمه یا ارزیابی طرح‌ها و مقالات و کتاب‌ها و یا ساماندهی وضعیت آموزشی گروه تفسیر و علوم قرآن داشته ام. در سه کارگاه مهارتی «روش تدوین کتاب‌های درسی» (مشهد بهمن ۱۳۸۰) ، «روش تدریس خلاق» (مشهد اسفند ۱۳۸۴) و « روش تدوین متون خودآموز درسی » (مشهد دی ماه ۱۳۸۶) نیز شرکت داشته‌ام. منابع زندگینامه :مرکز تحقیقات علوم کامپیوتری علوم اسلامی

آریان، قمر

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قمر آریان ، در سال ۱۳۰۱ شمسی در شهر مشهد قدم به عرصه ی هستی نهاد. لات ابتدایی و متوسطه را در شهر مشهد به پایان رسانید. سپس به تهران رهسپار گردید و به دانشکده ادبیات راه یافت و در رشته ی زبان و ادبیات فارسی به تحصیل پرداخت و پس از طی مراحل مربوطه به دریافت لیسانس توفیق حاصل کرد. پس از آن در خلال خدمات آموزشی ، دوره ی دکترای ادبیات را گذراند و در سال ۱۳۳۷ فارغ التحصیل گردید. خانم دکتر آریان ، پس از اخذ مدرک لیسانس ، با عنوان دبیر در دبیرستان ها به تدریس اشتغال ورزید. وی سال ها از عمر خویش را صرف تدریس در دانشگاه ها کرد. علاوه بر تألیف چندین کتاب ، مقالات ادبی و تحقیقی نیز در مجله های سخن ، راهنمای کتاب ، یغما ، مروارید و مهرگان به چاپ رسانیده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : قمر آریان ، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر مشهد به پایان رسانید. سپس به تهران رهسپار گردید و به دانشکده ادبیات راه یافت و در رشته ی زبان و ادبیات فارسی به تحصیل پرداخت و پس از طی مراحل مربوطه به دریافت لیسانس توفیق حاصل کرد. پس از آن در خلال خدمات آموزشی ، دوره ی دکترای ادبیات را گذراند و در سال ۱۳۳۷ فارغ التحصیل گردید.

همسر و فرزندان : قمر آریان ، همسر نویسنده ی توانا دکتر عبدالحسین زرین کوب می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : قمر آریان ، مدت ها ریاست هنرستان هنرهای زیبای دختران را بر عهده داشته و هم زمان به فعالیت های فرهنگی خود ادامه می دهد.

فعالیتهای آموزشی : قمر آریان ، پس از اخذ مدرک لیسانس ، با عنوان دبیر در دبیرستان ها به تدریس اشتغال ورزید. وی سال ها از عمر خویش را صرف تدریس در دانشگاه ها کرد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : قمر آریان ، علاوه بر تألیف چندین کتاب ، مقالات ادبی و تحقیقی نیز در مجله های سخن ، راهنمای کتاب ، یغما ، مروارید و مهرگان به چاپ رسانده است. وی دانشمندی محقق و مترجمی توانا و شاعری خوش قریحه و در شعر و شاعری از استعداد و توانایی کافی برخوردار است و اشعارش بیشتر در قالب دوبیتی به نظم درآمده و در قالب قصیده و غزل کمتر از او شعری مشاهده گردیده است. او به زبان های فرانسه ، انگلیسی و عربی آشنایی دارد.

آرا و گرایشهای خاص : رساله ی دکترای قمرآریان ، درباره ی مسیحیت و آیین مسیح و تأثیر آن در ادبیات و شعر فارسی است. وی درباره ی نقش زن در قصه ها و افسانه های تورات و قرآن نیز به پژوهش پرداخته و آثاری را در این زمینه خلق کرده است. ---

آثار :

۱ ترجمه ی جهان اسلام

ویژگی اثر : تألیف : برتولد اشپولر.

۲ ترجمه ی شرق نزدیک در تاریخ

ویژگی اثر : تألیف : فیلیپ حتی.

۳ چهره ی مسیح در ادبیات فارسی

ویژگی اثر : تحقیق درباره ی تأثیر مسیحیت در ادبیات ایران.

۴ کمال الدین بهزاد

ویژگی اثر : تحقیق در احوال و آثار بهزاد و محیط هرات عهد شاهرخ. --

منابع :

۱دانشنامه ی زنان فرهنگساز ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ) ، تألیف : پوران فرخزاد ، ج ۱ ، تهران انتشارات زریاب ، ص ۶۷۲سخنوران نامی معاصر ایران ، تألیف : سیدمحمدباقر برقعی ، ج ۱ ، قم : نشر خرم ، ص ۸۹

آریانپور، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۳ -۱۲۸۵ ش)، نویسنده و شاعر. وی پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی و متوسطه، به مدیریت داخلی مجله‌ی «عالم نسوان» منصوب شد و تا سه سال در این سمت باقی بود. سپس به شرکت نفت وارد شد. و پس از دریافت دیپلم دوره‌ی متوسطه شعبه‌ی بازرگانی، مدتی به تدریس علوم بازرگانی در دبیرستان ادب اصفهان پرداخت. آریانپور در سال ۱۳۳۵ ش، برای مطالعه‌ی امور مالیاتی، ۶ ماه به امریکا رفت. در سال ۱۳۳۶ ش به دریافت لیسانس قضائی از دانشگاه تهران نائل آمد. آریانپور در سرودن شعر به زبان فارسی انگلیسی نیز توانا بود. وی بنیانگذار مدرسه‌ی عالی ترجمه در ایران و دانشگاه مکاتبه‌ای زبان انگلیسی در امریکاست. آریانپور در امریکا درگذشت. از آثارش: «اشتباهات خنده‌دار»؛ «زمینه‌ی دانش در علوم طبیعی»؛ «ماشین زندگی»؛ «نخستین بانوی پزشک»؛ «فرهنگ آریان‌پور» جیبی (یک جلدی، دو جلدی و پنج جلدی) انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی؛ «تاریخ کلیسای شرق».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۹ -۲۸ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۷ -۶۲۵ /۳).

آریاوند، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: استاد، رشته: علوم گیاهی، دانشکده: علوم، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

مهندسی کشاورزی از دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۱، دکترای علوم گیاهی از دانشگاه مونپلیه فرانسه در سال ۱۳۴۵.

استادیار گروه زیست‌شناسی دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۴۵، دانشیار گروه زیست‌شناسی دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۵۰، استاد گروه زیست‌شناسی دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۵۶.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعات سیتوتاکسونومیکی گیاهان ایران، نامگذاری و طبقه‌بندی گیاهان، مطالعه علف‌های هرز مزارع، بررسی گیاهان داروئی، بررسی اکولوژیکی در استپ‌های درمنه، آنالیز گروه‌بندی برخی از اجتماعات گیاهی با کامپیوتر، مطالعات پوشش گیاهی در طرح تغییر محور مجتمع فولاد مبارکه، مطالعه گونه‌های گیاهی در چند طرح، ایجاد فضای سبز، استاد راهنمای ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

درختان و درختچه‌های اصفهان.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۵

زمینه علمی مقالات:

بررسی‌های سیتو تاکسونومیکی درباره گیاهان ایران، بررسیهای سیتولوژیکی گیاهان ایران، آناتومی گیاهی، شیمی گیاهی، علفهای هرز ایران، اکولوژی پوشش گیاهی ایران.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

آرین‌پور، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۶۴ –۱۲۸۶ ش)، نویسنده و شاعر، متخلص به دانش. در تبریز متولد شد. نیای پدریش عباس‌میرزا بود و از طرف مادر سلسله نسبش به خواجه نصیرالدین طوسی می‌رسد. آرین‌پور در شرح حال خود در «کتاب امروز» می‌گوید: روز و ماه و حتی سال تولدم را به درستی نمی‌دانم، آنچه از این بابت در شناسنامه‌ام آمده راه به جایی نمی‌برد زیرا مستند به بیاض و یادداشت پشت جلد کتابی نیست. وی در مدرسه‌ای در تبریز که اسماعیل امیر حیزی مدیریت و تعلیمات آن را بر عهده داشت، تحصیل کرد. از همدرسان وی، دکتر رعدی آذرخشی، دکتر علی‌اصغر حریری، محمد حسین شهریار و دیگران بودند. از معلمان وی ابوالقاسم فیوضات، تقی رفعت و سید احمد کسروی. تقی رفعت نخستین شخصی بود که وی را با ادبیات نو آشنا ساخت. وی هنگامی که در کلاس ششم دبیرستان تحصیل می‌کرد شش شماره از «مجله ادب» را انتشار داد. او سی سال در دارائی خدمت کرد. از آثار وی: ترجمه‌ی «ناصرخسرو و اسماعیلیان» برتلس؛ «از صبا تا نیما»؛ «از نیما تا روزگار ما».[۱]

محقق، مترجم، مورخ.

تولد: ۱۲۹۷، تبریز.

درگذشت: ۲۴ آبان ۱۳۶۴، تهران.

یحیی آرین‌پور تحصیلات خود را از مکتبخانه و سپس در دبستان تمدن تبریز آغاز نمود. علوم متوسطه را در دبیرستان محمدیه همان شهر ادامه داد. آموزگاران وی در دبیرستان محمدیه ابوالقاسم فیوضات، تقی رفعت، سید احمد کسروی بودند. از همان زمان قصیده‌گویی و غزل‌گویی را با تخلص «دانش» آغاز کرد. بعدها برخی از قطعه‌ها و ترجمه‌های شعری او در مجله‌های «سخن» و «یغما» به شکل پراکنده به چاپ رسید.

در اواسط سال ۱۲۹۸ که در کلاس ششم دبیرستان تحصیل می‌کرد، شش شماره از مجله‌ی «ادب» را انتشار داد، شش شماره‌ی دیگر آن مجله تحت نظر اسماعیل امیر خیزی منتشر شد. در اواسط سال ۱۲۹۹ وارد خدمت وزارت دارایی در تبریز شد و تا مرداد ۱۳۳۲، یعنی مدت سی و سه سال پیاپی را در آن وزارتخانه مشاغلی داشت. زبان روسی را در آموزشگاهی در تبریز فراگرفت و با زبان‌های انگلیسی و فرانسوی نیز آشنا بود. پس از بازنشستگی به عنوان مترجم در راه‌آهن دولتی ایران مشغول به کار شد و همزمان به تحقیقات علمی خود ادامه داد. در سال ۱۳۴۶، کتاب ناصر خسرو و اسماعیلیان تألیف ایرانشناس روس (برتلس) را ترجمه کرد. کتاب دیگر او خاطرات سیمونیچ، وزیر مختار روس بود. اما اثر دیگر او از صبا تا نیما نام دارد (۱۳۵۰) که تاریخ یک قرن و نیم (سده‌ی سیزدهم و نیمه‌ی اول سده‌ی چهاردهم هجری) ادب ایران است. وی سرانجام پس از یک سال بیماری جانکاه جان سپرد و در بهشت زهرا مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] آدینه (ش ۱، ص ۱۱)، آینده (س ۱۲، ص ۱۱۶ –۱۱۵)، چیستا (س ۳، ص ۳۲۲).

آزاد ارمکی، تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر تقی آزاد ارمکی در سال ۱۳۳۶ در شهر ارمک، بدنیا آمد. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. ایشان مدرک کارشناسی خود را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران (۱۳۵۹)، مدرک کارشناسی ارشد را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۶۲) و مدرک دکتری را در رشته جامعه شناسی (گرایش اصلی: جامعه‌شناسی نظری- گرایش فرعی: جامعه‌شناسی توسعه) از دانشگاه مری‌لند آمریکا (۱۳۷۱) اخذ نموده است.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیگرایش : جامعه‌شناسی نظریتحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات دبیرستانی را در تهران به پایان رسانید و در ۱۳۵۴ خورشیدی به عنوان دانشجوی رشتهٔ تعاون و سپس جامعه شناسی در مقطع لیسانس در دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران پذیرفته شد. در سال ۱۳۶۰ در اولین دورهٔ پذیرش دانشکدهٔ علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به عنوان دانشجو در رشتهٔ جامعه شناسی مشغول تحصیل شده و در سال ۱۳۶۴ این دوره را با عنوان اولین فارغ التحصیل رشتهٔ فوق با راهنمایی استاد دکتر غلامعباس توسلی به پایان رسانید. در سال ۱۳۶۷ برای ادامهٔ تحصیل با بورسیهٔ دانشگاه تهران به دانشگاه مریلند آمریکا رفته و در سال ۱۳۷۱ به دریافت مدرک دکتری با گرایش اصلی جامعه شناسی نظری و گرایش فرعی جامعه شناسی توسعه با درجه افتخاری نائل شد. عنوان رساله وی در دوره دکتری «بررسی ریشه‌های نظریه ابن‌خلدون: تحلیل متاتئوریکی» است.وقایع میانسالی : دکتر آزاد از سال ۱۳۶۴ به عنوان مربی در گروه جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران پذیرفته شده و مشغول تدریس و تحقیق گردید و تا سال ۱۳۶۷ به تدریس دروس مبانی جامعه شناسی، تاریخ اندیشه اجتماعی متفکران در اسلام پرداخت. در این دوران با جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران و جهاد سازندگی در انجام طرحهای پژوهشی و آموزشی همکاری داشتمشاغل و سمتهای مورد تصدی : در خصوص خدمات علمی اجرایی آقای دکتر آزاد می توان مواردی همچون «ریاست دانشکده علوم اجتماعی»، «عضو هیئت تحریریه فصلنامه علمی پژوهشی اعتیاد پژوهی»، «عضو هیئت مشاوران ماهنامه گزارش گفتگو»، «مدیر پژوهشی»، «مدیریت گروه جامعه شناسی»، «مدیر مسئول مجله نامه علوم اجتماعی»، «نماینده دانشکده در هیئت ممیزه دانشگاه»، «عضو کمیته ویژه علوم اجتماعی شورای انتشارات دانشگاه تهران»، «عضو کمیسیون تخصصی برنامه ریزی راهبردی

شورای برنامه ریزی دانشگاه تهران»، «همکاری در تشکیل انجمن انسان شناسی»، «مدیر مسئول مجله پژوهش زنان»، «عضو هیات تحریریه فصلنامه مطالعات ملی»، «عضو کمیته فرهنگ شورای عالی انقلاب فرهنگی»، «مدیر گروه علوم اجتماعی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها(سمت)»، «عضو هیئت تحریریه فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات آمریکای شمالی و اروپا»، «مسئول کمیته جامعه شناسی توسعه»، «رئیس کارگروه آینده پژوهی آسیبهای اجتماعی شورای اجتماعی کشور»، «عضو هیئت تحریریه دوفصلنامه نسل نامه»، «عضو کمیته علمی گروه علوم اجتماعی و ارتباطات جشنواره بین المللی خوارزمی» و ... را نام برد.

فعالیتهای آموزشی : دکتر آزاد ارمکی پس از دریافت مدرک دکتری با راهنمایی جورج ریتزر، از جامعه شناسان برجستهٔ آمریکایی، جهت همکاری به دانشکده برگشته و مشغول تدریس دروسی چون تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام و نظریه های جامعه شناسی و جامعه شناسی توسعه پرداخت. موارد تدریس دکتر آزاد: «نظریه های جامعه شناسی۲» (در مقطع کارشناسی)، «اندیشه متفکرین مسلمان»، «بینشهای جامعه شناسی»، «سمینارجامعه‌شناسی شهری»،«چارچوب نظری در تحلیل مسائل»، «جامعه شناسی تلفیق نظریه های جامعه شناسی»، «نظریه‌های توسعه»، «بینشهای جامعه شناسی۱»، «تحـــول فرهنگی ایران»، «تغییرات فرهنگی»، «طرح تحقیق»، «نظریه های جدید جامعه شناسی» (در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا) است. وی مولف کتب «نظریه در جامعه شناسی»، «مجموعه مقالات گزارش دبیر سمینار»، «اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان از فارابی تا ابن خلدون»، «بنیانهای جامعه شناختی: خاستگاه های ایده های اساسی در جامعه شناسی»، «زن در رسانه ها»، «بنیان های جامعه شناسی: ایده های اساسی جامعه شناسی»، «نظریه در جامعه شناسی»، «نظریه های جامعه شناسی»، «جامعه شناسی ابن خلدون»، «نظریه های جامعه شناسی»، «اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان از خواجه نظام الملک تا ...»، «بررسی مسائل اجتماعی»، «کتاب و جامعه کتاب در عصر تحول فرهنگ شفاهی به فرهنگ مکتوب»، «جامعه شناسی در ایران»، «جامعه مدنی (اصول رویکردها و زمینه شکل گیری آن در جمهوری اسلامی ایران)»، «جامعه مدنی اصول رویکردها و زمینه شکل گیری آن در جمهوری اسلامی»، «جامعه شناسی جامعه شناسی در ایران»، «بررسی کتب مبانی جامعه شناسی»، «نظریه های جامعه شناسی»، «نگرش مردم تهران در مورد میزان سلامت جامعه»، «ابن خلدون و جامعه شناسی»، «بررسی مسائل اجتماعی»، «جامعه شناسی توسعه»، «جامعه شناسی جامعه شناسان ایران»، «جلد دوم اندیشه اجتماعی متفکران»، «زن در رسانه ها»، «کتاب در عصر تحول فرهنگ شفاهی به فرهنگ مکتوب»، «اندیشه نوسازی در ایران»، «درآمدی بر نظریه سازی در جامعه شناسی»، «پست مدرنیسم و توسعه جامعه شناسی معاصر»، «مدرنیته ایرانی روشنفکران و پارادایم فکری عقب ماندگی در ایران»، «نظریه های جامعه شناسی»، «ترجمه کتاب جامعه شناسی»، «اذیت و آزار بدنی فرزندان در خانواده تهرانی»، «بررسی عوامل موثر بر رضایت شغلی زنان شاغل در مشهد»، «جامعه شناسی آینده»، «جامعه شناسی در کانادا»، «جامعه شناسی معماری شهر تهران»، «جنبش اجتماعی»، «خلاصه مقاله فرهنگ عمومی و ضرورتهای توسعه»، «رابطه نسلها از طریق خانواده»، «روشنفکری ایرانی و هویت»، «مصادیق اثر تغییر نگرش در توسعه»، «جامعه شناسی تغییرات فرهنگی در ایران»، «نظریه های جامعه شناسی»، «جامعه شناسی تغییرات فرهنگی در ایران»، «نظریه‌های جامعه‌شناسی»، «جامعه شناسی نسلی در ایران»، «تغییرات اجتماعی در ایران»، «پاتوق و مدرنیته ایرانی»، «روشنفکری در گذر اندیشه‌ها»، «علم و مدرنتیه ایرانی»، «فرهنگ و هویت ایرانی و جهانی شدن»، «جامعه شناسی توسعه اصول و نظریه‌ها»، «جامعه‌شناسی خانواده ایرانی»، «تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام از آغاز تا دوره معاصر»،«Making Civil»،«Hand book of world families» ، «logue Among vilizations Societies Work Zivilgesellschaft und gesellschaftliche Praxis»،« uluslararasi oryantalizm sempozyumu»،« making civil societies work- zivilgesellschaft und gesellschaftliche praxis»، «the cultures of economic migration» و مقالات متعددی از جمله « انقلاب و هزیمت جامعه شناسی مارکسی»، « «تئوری جامعه شناختی دفاع از حقوق زنان»، «مقدمه ای بر نظریه وابستگی در جامعه شناسی توسعه»، «پارادایم و جامعه شناسی»، «جامعه شناسی در ایران»، «ظهور جامعه شناسی در ایران»، «دولت و تحول»، «اندیشه اجتماعی ابوریحان بیرونی و ابن خلدون»، «مشارکت و توسعه اقتصادی اجتماعی»، «جامعه شناسی آمریکایی»، «شریعتی و مارکسیسم »، «تاملی جامعه شناختی در بررسی ویژگیهای فرهنگ بسیجی»، «نگرش مردم تهران در مورد سلامت جامعه»، «نگرش مردم تهران در مورد میزان سلامت جامعه»، «آسیب شناسی اجتماعی و بسیج»، «اختلال فرهنگی و زمینه ایجاد آن»، «سنت نوگرایی توسعه»، «استاد مطهری و جامعه شناسی»، «عقلانیت در جامعه شناسی/ جامعه شناسی عقلانیت»، «نقش تبلیغات سیاسی در رفتار انتخاباتی ساکنان تهران»، «بررسی وضعیت خشونت در جامعه تهران»، «تبادل و تقابل فرهنگی در عصر ماهواره»، «دیدگاه حضرت امام ره درباره توسعه اقتصادی»، «کتاب وجامعه»، «گزیده مقالات سمینار توسعه فرهنگی و اولویت های پژوهشی تلقی تحصیلکردگان در مورد پژوهشهای ،فرهنگی»، «جامعه شناسی آمریکایی»، «جامعه شناسی آینده راهی برای بررسی علمی آینده»، «سهم جلال آل احمددرشکل گیری پژوهشهای فرهنگی واجتماعی ایران(پژوهشی درجامعه شناسی ومردم .شناسی ادبیات)»، «پیشینه نظری دیدگاه جامعه شناسی دکتر علی شریعتی: نسبت شریعتی با مارکسیسم»، «استاد مطهری و جامعه شناسی»، «الگوی تحلیل وبر از رابطه دین و توسعه»، «الگوی تحلیل وبرازرابطه دین وتوسعه»، «اندیشه اجتماعی ابوریحان بیرونی و ابن خلدون»، «انقلاب وهزیمت جامعه شناسی مارکسی:معرفی ونقدتئوری دولت وانقلاب اجتماعی خانم تدا اسکاچپل، براساس واقعیت انقلاب اسلامی ایران»، «بررسی امکان وجود بحران در جامعه شناسی ایران»، «بررسی بحرانهای اجتماعی و تحلیلی از دیدگاههای صاحبنظران ایرانی»، «بررسی جامعه شناسی انتخابات مجلس»، «بررسی فرهنگ اپارتمان نشینی باتوجه به مشکلات آن»، «بررسی نظریه نوسازی :مطالعه موردی درباره تقدیر گرایی فرهنگی در ایران»، «بسیج شناسی در جامعه شناسی اجتماعی»، «تئوری جامعه شناختی دفاع ازحقوق زنان »، «تبادل و تقابل فرهنگی در عصر ماهواره»، «تحلیل جامعه شناسی رابطه باغرب»، «تحلیلی جامعه شناختی از : راههای نفوذ فرهنگی غرب در ایران معاصر»، «تحول پذیری فرهنگی»، «تلقی از جهان و تغییرات فرهنگی ناشی از آن»، «تلویزیون در ایران–ابزار توسعه یا نمادسازی»، «جایگاه بسیج شناسی اجتماعی درجامعه شناسی»، «جایگاه مخاطب در فرآیند ارتباط»، «جایگاه مخاطب در فرآیند ارتباط»، «خشونت درشهرتهران»، «نگرش ایرانیان نسبت به غرب,بررسی تجربی درایران»، «نظریه وابستگی»، «نقش آموزش درارتقاء صنعت فرش درایران»، «نقش تبلیغات سیاسی

دررفتارانتخاباتی ساکنان ایران»، «نقش روزنامه های داخلی در و حدت ملی»، «نقش صدا و سیما در کتابخوانی»، «نیروی مقاومت ,رفتار و الگو»، «یاداشت سردبیر»، «تلوزیون در ایران: ابزار توسعه یا نمادسازی»، «برابری جنسیتی در حوزه سیاسی»، «تغییررات فرهنگی در استان مازندران(آزمون تجربی نظریه اینگلهارت)»، «روند جهانی جامعه شناسی: تحلیلی از اجتماع علمی»، «وضعیت پیوستاری تغییرات فرهنگی در ایران»، «جامعه شناسی در کانادا: مساله شناسی بومی و شکل گیری بومی گرایی علمی در علوم انسانی کانادایی»، «فوتبال: پارادکس نوسازی»، «مدرنیته یا تغییر فرهنگی از مدرنیته مورد تجربی ایران»، «تحلیل جامعه شناختی وضعیت دینداری جوانان با رویکرد بی شکلی دین ورزی»، « جامعه شناسی کانادا: آغاز معرفت شناسی مساله شناسی بومی بر شکل گیری بومی گرایی علمی در علوم ،انسانی کانادایی، شکل گیری حوزه های خاص در جامعه شناسی کانادا»، « بدن به مثابه رسانه هویت»، «روند تغییرات فرهنگی اجتماعی خانواده تهرانی طی سه نسل»، «هرمنوتیک: بازسازی یا گفتگو»، «ترجیحات ارزشی دانش آموزان تهرانی»، «روند تغییرات فرهنگی اجتماعی خانواده تهرانی طی سه نسل»، «جوانان ومناسبات نسلی»، «تکوین حوزه عمومی و گفت و گوی عقلانی (بررسی موردی چند تشکل دانشجویی)»، «رادیو پیام رسانه ای در نوسازی شهری»، «بررسی وضعیت نظام ارزشی در مناطق فرهنگی - اجتماعی ایران»، «اعتماد، اجتماع و جنسیت »، «بحران اجتماعی و روشنفکران ایرانی»، «طبیعت نظام ارزشی جامعه ایرانی: مادی، فرامادی یا تلفیقی»، «فرهنگ واندیشه»، « «ادبیات داستانی و سرنوشت جامعه شناسی در ایران»، «اعتماد اجتماع و جنسیت،بررسی تطبیقی اعتماد متقابل در بین دو جنس»، «رابطه بین نسلی در خانواده ایرانی»، «شکاف طبقاتی و انقطاع اجتماعی»، « ابعاد وعوامل گسست وپیوند نسلها»، «هویت سازی و بحران هویت در ایران»، «مناطق فرهنگی: تنوع الگوی تغییرات فرهنگی یا یکسانی»، «ارزش های فرهنگی (ارزشی) و تغییرات اجتماعی»، «جوانان و دگرگونی فرهنگی ارزشی»، «سازمان سنتی: ارزش های خانوادگی و آموزش توسعه ای»، «دو جهان ایرانی: مسجد و کافی شاپ»، «جامعه ایران و مکانیسم های تغییرات در آن»، «جایگاه بسیج شناسی اجتماعی در جامعه شناسی»، «سوژه و قدرت: تحلیل چگونگی شکلگیری ذهنیت در مطالعات فرهنگی»، «آموزش جامعه شناسی در ایران،مشکلات و فرصتها»، «نظرسنجی و تحقیقات اجتماعی در ایران»، «دو جهان ایرانی: مسجد و کافی شاپ»، «زنان و سریالهای تلویزیونی »، «زنان و سریالهای تلویزیونی (مطالعه ای درباره سریال کلانتر و مخاطبان آن»، «نراقی و جامعه شناسی در ایران»، «طبیعت نظام ارزشی جامعه ایرانی: مادی، فرامادی یا تلفیقی»، «فرآیند تغییر نسلی: بررسی فراتحلیلی در ایران»، «رابطه ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خردو کلان» و ... است.جوائز و نشانها : از جمله جوایز و تقدیرنامه های وی «کسب رتبه دوم طرح پژوهشی برگزیده در نخستین جشنواره آثار مطالعات فرهنگی اجتماعی شهر تهران»، «نویسنده کتاب قابل تقدیر در رشته علوم انسانی»، «پژوهشگر نمونه»، «نویسنده کتاب سال برای کتاب جامعه شناسی در ایران» است. آثار : جامعه‌شناسی ابن‌خلدون ویژگی اثر : نویسندگان:تالیف تقی آزاد ارمکی سال نشر:۱۳۷۶ موضوعات: ابن‌خلدون، عبدالرحمان‌بن محمد، ۷۳۲ - ۸۰۸ق. -- نقد و تفسیر ابن‌خلدون، عبدالرحمن‌بن محمد، ۷۳۲ - ۸۰۸ق. -- معلومات -- جامعه‌شناسی تاریخ نویسان اسلامی جامعه‌شناسان اسلامی محل نشر:تهران ناشر:موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان سرشناسه‌های فارسی:آزاد ارمکی، تقی، ۱۳۳۶ -

آزاد اصفهانی نوربخش، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۶۸ /۱۲۶۷ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به آزاد. وی در اصفهان متولد شد و در همان شهر به کسب دانش پرداخت. پس از گذراندن تحصیلات متداول زمان خود و آموختن زبان فرانسه، در دبیرستانهای اصفهان و تهران به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۲۵ ش مجله‌ی هفتگی «نوربخش» را به مدت یک سال انتشار داد. وی ابتدا عضو انجمن ادبی اصفهان بود و سپس از اعضای انجمن حکیم نظامی در تهران گردید که وحید دستگردی مدیر «مجله‌ی ارمغان» مؤسس آن بود. از آثارش: «جوان سلحشور»؛ «منتخبات آزاد»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۷ -۱۵)، سخنوران نامی معاصر (۱۰۳ -۱۰۰ /۱)، فرهنگ سخنوران (۴)، فرهنگ شاعران زبان پارسی (۱۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۸ -۴۳۷ /۴).

آزاد حبشی، الماس

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی از غلامان میرزا سید محمد سحاب بود. چون طبعی موزون یافت و تعریف شعرش به سمع فتحعلی‌شاه رسید، وی را از صاحبش، میرزامحمد سحاب، خریداری و آزاد کرد و مخارج روزانه وی را تأمین کرد تا به شعر بپردازد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۲۶ -۲۵ /۱)، الذریعه (۶ /۹)، سفینهٔ المحمود (۱۵۳ /۱)، فرهنگ سخنوران (۵)، لغت‌نامه (ذیل/ آزاد حبشی)، مجمع الفصحا (۱۳۶ /۴)، مصطبه خراب (۱۹).

آزاد خاتون آبادی محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۶ ق)، نویسنده و شاعر. میرزامحمود از علما و ائمه جماعت و مدرسین اصفهان ساکن محله‌ی پاقلعه بود. تحصیلات خویش را در اصفهان، ابتدا در مدرسه حقایق که دومین مدرسه جدید اصفهان بود، شروع نمود؛ بعداً در مدارس قدیمه به تکمیل آن همت گماشت و از سال ۱۲۹۸ ش به خدمت وزارت فرهنگ درآمد. وی از اعضای انجمن ادبی شیدا بود. آثار او عبارت‌اند از: «جنگل مولی»؛ در تاریخ؛ «العالم والتمدن»، در شرح خطبه نهج‌البلاغه از پیدایش عالم؛ «اغصان طیّبه»، در شرح حالات سادات و نقل اکثر نسب‌نامه‌های آنان؛ «مسائل حساب و هندسه»، جهت محصلین مدارس؛ «دیوان» اشعار؛ «شش جزوه از جفر جامع»؛ «جزوات متفرقه در جفر و هیئت و اعداد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۵ -۱۲)، فرهنگ سخنوران (۵)، گلزار جاویدان (۱۲ /۱).

آزاد فلاح، پرویز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پرویز آزاد فلاح در سال ۱۳۴۲، در تهران دیده به جهان گشود. پس از اتمام دوره دبیرستان، مدرک لیسانس روان شناسی بالینی را در سال ۱۳۶۵ از دانشگاه تهران، فوق لیسانس روانشناسی عمومی را در سال ۱۳۷۳ و دکتری روانشناسی سلامت را در سال ۱۳۷۸ از دانشگاه تربیت مدرس اخذ کرد. پس از آن به عنوان عضو هیئت علمی گروه روان شناسی دانشگاه تربیت مدرس مشغول تدریس شد.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : پرویز آزاد فلاح پس از اتمام دوره دبیرستان، مدرک لیسانس روان شناسی بالینی را در سال ۱۳۶۵ از دانشگاه تهران، فوق لیسانس روانشناسی عمومی را در سال ۱۳۷۳ و دکتری روانشناسی سلامت را در سال ۱۳۷۸ از دانشگاه تربیت مدرس اخذ کرد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : پرویز آزاد فلاح ضمن تدریس، مشاغل ذیل را به عهده گرفت: رئیس مرکز مشاوره و خدمات تخصصی روانشناسی دانشگاه تربیت مدرس از سال ۱۳۷۸ مدیر گروه روانشناسی از سال ۱۳۸۰ عضو هیئت مدیرهٔ انجمن متخصصین روانشناسی عضو انجمن روانشناسی ایران فعالیتهای آموزشی : پرویز آزاد فلاح از سال ۱۳۷۸ به عنوان عضو هیات علمی گروه روان شناسی دانشگاه تربیت مدرس مشغول تدریس شد. او در طول سالهای فعالیت خود دروسی چون: نوروپسیکولوژی و نور و فیزیولوژی، انگیزش و هیجان، روانشناسی عمومی پیشرفته، متدولوژی ، روانشناسی شخصیت، روانشناسی کودکان استثنایی، روانشناسی مشاوره و راهنمایی را تدریس نمود.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پرویز آزاد فلاح ضمن داوری مجلات علمی - پژوهشی (روانشناسی، دانشور، مجله بین المللی علوم انسانی)، به ارائه مقالات و پژوهشهای زیر نیز مبادرت ورزیده است: ارائه راهکارهای علمی و اجرایی برای حل فاصله بین بلوغ و ازدواج، (از سال ۱۳۷۹- در دست اجرا)، طرح ویژه توسعه کشور بررسی ارتباط هیجان خواهی و رفتارهای بزهکارانه (۱۳۷۷)، دانشگاه آزاد اسلامی، همکار اصلی بررسی پیمایشی نگرشهای مردم نسبت به موسیقی (۱۳۷۱)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فرآیند توسل به شناخت_ ۱۳۷۵)، ارائه مقاله در همایش تحول شناخت، دانشگاه تربیت مدرس استرس و تغییرات ایمنی شناختی در سطح sIgA، ۱۳۷۸)) ارائه مقاله در چهارمین کنگره سراسری استرس، دانشگاه علوم پزشکی ایران آثار : اثر موفقیت و شکست روی تغییرات فشار خون بر حسب میران هیجان در افراد تیپ ۱۳۷۳) A)، مجله پژوهش در پزشکی، شماره دی و اسفند ، بررسی تغییرات فشار خون بر اساس سرسختی در موقعیت شکست (۱۳۸۰)، مجله روانشناسی، شمارهٔ ۱۹ ، بنیاد های زیستی - روانی زمینه ساز اعتیاد (۱۳۷۹)، مجله روانشناسی، شمارهٔ ۱۵ ، سیر تحول روانشناسی (۱۳۷۸)، تهران: انتشارات جامعه پژوهشگران ، سیستم های مغزی / رفتاری: ساختارهای زیستی شخصیت (۱۳۷۹) مجله مدرس علوم انسانی، شمارهٔ ۱۴ ، فعالیت سیستم های مغزی/ رفتاری، رویدادهای زندگی و تغییرات ایمونوگلوبولین ۱۳۷۸) A) مجله روانشناسی، شمارهٔ ۹

آزاد قزوینی، میرآزاد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، مجتهد اصولی، فیلسوف، حکیم و شاعر. برادر کوچک میر سید علی قزوینی و از سادات قزوین بود. او نزد شیخ محمدتقی شهید ثالث و برادرش ملا محمدصالح برغانی فقه و اصول خواند و در حوزه‌ی درس آخوند ملا آقا حکمی قزوینی حکمت آموخت، سپس عازم هندوستان شد و ساکن آن سامان گشت. طبعی موزن داشت و اشعار لطیفی سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۷)، فرهنگ سخنوران (۵)، مستدرکات اعیان (۳/ ۳)، مینو در (۳۵۶/ ۲).

آزاد معدلی شیرازی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۱ ش)، نویسنده و شاعر آزادیخواه، متخلص به آزاد. وی به شغل وکالت اشتغال داشت و از نویسندگان فاضل و زبردست بود و مقالات مفید و اجتماعی او در روزنامه‌های فارس درج شده است. همچنین اشعار او نیز در «نامه‌ی ملی پارس» و جراید قدیم شیراز از قبیل «عصر آزادی» و «استخر» چاپ شده است. آزاد از اعضای انجمن ادب و انجمن روزنامه‌نگاران فارس بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فارس (۱۷ -۴ /۱)، فرهنگ سخنوران (۵)، فرهنگ شاعران زبان پارسی (۱۵).

آزاد یزدی، محمدصدیق

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح س نهم ق)، شاعر. از شاگردان شرف‌الدین علی یزدی، صاحب «ظفرنامه» بود. اثر وی «دیوان محمدصدیق یزدی»؛ و از اشعار او است:

این عمر به باد نوبهاران ماند

وین عیش به سیل کوهساران ماند

زنهار چنان بزی که بعد از مردن

انگشت گزیدنی به یاران ماند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۳)، الذریعه (۹۹۹، ۶ /۹)، فرهنگ سخنوران (۶).

آزاد یزدی، مولانا

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. معاصر سام‌میرزا بود. در «تحفه‌ی سامی» از او یاد شده، گویا شاعری آزاده بوده است. «دیوان» شعری از وی برجای مانده است. بیت زیر از او است:

به طرف گلستان بودم که ناگه شد دل از دستم

عجب شاخ گلی دیدم چون غنچه دل در او بستم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه‌ی سامی (۲۸۰)، جامع مفیدی (۴۵۶ /۳)، الذریعه (۶ /۹)، فرهنگ سخنوران (۶).

آزاد، احمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۱۷ ق)، خطاط. از مدرم ایران بود که در کشمیر هندوستان به سر می‌برده و در آنجا یک نسخه «قرآن مجید با تفسیر کاشفی» به قلمهای خوش ثلث و نسخ و رقاع و نستعلیق نوشته است و چنین رقم نهاده: «تمت الکلام ملک العلام مع التفسیر... احمد بن میرزا کاظم... آزاد تخلص... در خطه‌ی کشمیر... سه ۱۲۱۷». این تفسیر در کتابخانه‌ی دانشگاه استانبول است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۶ /۱).

آزاد، افراسیاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۳۳ ق)، وکیل دعاوی، نمایشنامه نویس و روزنامه‌نگار. وی از نویسندگان پرکار اواخر دوره‌ی مشروطیت و یکی از آغازگران مکتب نمایشی اخلاقی در ایران بود. او که به کار وکالت عدلیه مشغول بود تعداد بسیاری نمایشنامه نوشته است که بیشتر آنها به معرض نمایش هم گذاشته شده‌اند. آزاد در دوره‌ی ۱۲۹۵ تا ۱۳۲۰ ش نیز نمایشنامه‌های زیادی نوشته است. او همچنین روزنامه‌ای به نام «نامه‌ی آزاد» منتشر کرد که در این زمینه با موفقیتی روبرو نشد. یکی از نمایشنامه‌های وی «احساسات جوانان ایرانی» است که در تیاتر ملی در سل ۱۳۳۳ ق به معرض تماشا گذارده شد. آزاد در حدود سی الی چهل نمایشنامه نوشته است که بیشتر آنها

درباره‌ی ماسئل اخلاقی، از قبیل: مضرات الکل، تریاک، قماربازی و غیره است. از جمله آثار نمایشی وی: «تا به کی خود را نشناسیم»؛ «مالیخولیای قماربازی»؛ «گدای معقول»؛ قضا و قدر»؛ «دسته گل»؛ «گل و بلبل». تنها اثر به چاپ رسیده‌ی او «نامه‌ی آذریان یا سربازی وطن افتخار است» که در سال ۱۲۹۲ ش منتشر شده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات نمایشی (۲۳۱ -۲۲۵ /۲)، تاریخ جراید (۲۵۹ /۴).

آزاد، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین آزاد، متولد۱۳۱۶ نیریز استان فارس، درخانواده‌ای سرشناس زاده شده و رشد یافته است. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش با موفقیت طی می کند و بعدها در دانشسرای کشاورزی شیراز تحصیلاتش را تداوم می بخشد و به استخدام آموزش و پرورش درآمده و در منطقه «لار» به تدریس و مدیریت مدرسه مشغول می‌شود. تا اخذ مدرک لیسانس در دانشگاه تهران مشغول به تحصیل در رشته روانشناسی بودند. مدرک کارشناسی ارشد و مدرک دکترای روانشناسی بالینی کودک را از دانشگاه USIU آمریکا کسب نمودند. بعد از بازگشت به ایران، او که بورسیه دانشکده مستقل تربیت بدنی بوده و نهایت با تشکیل دانشگاه علامه طباطبایی موفق می‌شود در دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی مشغول به کار شد. وی، هم اکنون استاد پایه ۲۷ دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی است و دروس روانشناسی رشد، روان شناسی مرضی کودک، آسیب شناسی و متون انگلیسی درسی را ارائه می‌دهد. از وی آثار متعددی در زمینه روان‌شناسی به زبان انگلیسی و فارسی در دسترس می‌باشد.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی گرایش : روانشناسی بالینی کودک اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : حسین آزاد متولد ۱۳۱۶ نیریز استان فارس در خانواده ای سرشناس زاده شده و رشد یافته است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : - اخذ مدرک دیپلم کشاورزی در مهرماه ۱۳۳۵ از دانشسرای کشاورزی شیراز. - اخذ مدرک دیپلم (آزاد) علمی در سال ۱۳۳۵. - اخذ مدرک لیسانس روانشناسی از دانشگاه تهران، ۱۳۴۸. - اخذ مدرک فوق لیسانس روانشناسی از دانشگاه USIU آمریکا. - اخذ مدرک دکترای روانشناسی بالینی کودک از دانشگاه USIU آمریکا. خاطرات و وقایع تحصیل : در ایام تحصیل در شیراز به گردشهای علمی و تفریحی متعددی رفته و از جمله سفر و بازدید از تخت جمشید (پرسپولیس) و نقش رستم را به یاد دارد. یکی از کتابهایی که در آن مقطع تحصیلی مطالعه کرده، کتابی در زمینه روانشناسی از دکتر علی‌اکبر سیاسی بوده است و از اینکه از این طریق انسان می تواند شناختی از خودش و دیگران کسب کند و رفتارش را بر این اساس تغییر دهد، چنان شوق و رغبتی در او به وجود می آید که به تحصیل روانشناسی روی می آورد رفتن به آمریکا و اخذ مدرک دکتری روانشناسی از دانشگاه USIU از وقایع دوران تحصیل دکتر آزاد نیز می توان شمرد.فعالیتهای ضمن تحصیل : بعد از فراغت از تحصیل، دروس روانشناسی، روانشناسی یادگیری و روانشناسی عمومی را (با عنوان استادپروازی) دو روز در هفته در دانشگاه جندی شاپور اهواز (چمران فعلی) ارائه می دهد و در مؤسسه تحقیقات روانشناسی دانشگاه تربیت معلم به عنوان محقق به کار مشغول می شود. یکی از تحقیقاتی که در آن مؤسسه انجام داده، درباره دلایل و تفاوتهای دانشجویان مشروطی و غیرمشروطی بوده است و نتیجه می گیرد که متأهلین که در دوره های شبانه مشغول به تحصیل بوده و در ساعات روزانه مشغول کار بوده اند کارآمدی تحصیلی نداشته اند. تحصیل در مقطع دکترای روانشناسی بالینی کودک را در دانشگاه «USIU» آمریکا سپری می‌کند. تز او در مورد ویژگی ها و خصوصیات چپ دست ها بوده است. به این نتیجه می رسد که چپ دستها بیشتر از راست دست ها به کارهای هنری و ابداعی از جمله موسیقی رغبت نشان می دهند.استادان و مربیان : حسین آزاد از استادانش، دکتر سیاسی، دکتر سعید شاملو، دکتر غلامحسین صدیقی، دکتر یحیی مهدوی، دکتر مهدی جلالی، محمود منصور و دکتر آراسته را به یاد می آورد و درباره دکتر صدیقی معتقد است که به تمام معنا به لحاظ علمی، رفتاری و فکری استاد بوده است». در تهران، درس روانشناسی شخصیت را با دکتر سیاسی می گذراند؛ «دکتر سیاسی، در رفتار، حرف و صحبت، تمام و کمال انسان بود.» درباره دکتر صناعی هم می گوید: «وقتی به کلاس می آمد، به تمام معنا جذب او می شدیم.»مشاغل و سمتهای مورد تصدی : بعد از بازگشت به ایران، او که بورسیه دانشکده مستقل تربیت بدنی بوده، با تغییر و تحول و ادغام متعدد دانشکده مواجه می‌شود و در نهایت با تشکیل دانشگاه علامه طباطبایی موفق می شود در دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی مشغول به کار شود و مدتی هم مدیر گروه روانشناسی باشد، مدتی معاون دانشکده هم شده و عضو کمیته برنامه ریزی روانشناسی شورای انقلاب فرهنگی نیز بوده است، در سازمان سنجش نیز مسئولیت روان سنجی سؤالات آزمون را به عهده داشته است.فعالیتهای آموزشی : حسین آزاد، هم اکنون استاد پایه ۲۷ دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی است و دروس روانشناسی رشد، روانشناسی مرضی کودک، آسیب شناسی و متون انگلیسی درسی را ارائه می دهد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حسین آزاد علاوه بر مطالعه در شاخه های مختلف روانشناسی و انجام تحقیق های خاص در همین زمینه به مشاوره مشکلات روانی افراد نیز می‌پردازد. با اینکه اقتضائات زندگی، او را روانه پایتخت ساخته ولی دست کم یک بار در سال عازم شیراز می‌شود و بعد از ملاقات خویشاوندان، نخستین کاری که می‌کند این است که از حافظیه، مزار سعدی و اماکنی همچون تخت جمشید بازدید می‌کند. آرا و گرایشهای خاص : او معتقد است که روانشناسی و استفاده از مشاوره می تواند بسیاری از مشکلات را رفع کند. مشکلاتی که افراد در ذهن خودشان از «کاه»، «کوه» می‌سازند و در مشاوره و صحبت با روانشناس می توان بر این مشکلات فائق آمد. به نظر حسین آزاد، بسیاری ازمشکلات روانی قابل رفع هستند، مگر اینکه فرد دچار اسکیزوفرنی باشد. از دید او بسیاری از مشاجرات و نارضایتی ها به دلیل این است که گفتگو انجام نمی شود. در حالی که یک راه کاستن از اضطراب و فشار این است که افراد با یکدیگر

گفتگو کنند. «باورم این است؛ هیچ مشکلی نیست که قابل حل نباشد. ما چون با همدیگر گفتگو نمی کنیم، تصور می کنیم که هر چه ما می گوییم صحیح است و دیگران اشتباه می کنند. به همین سبب است که در روانشناسی گفتگو یک اصل اساسی و بسیار ضروری است.» او که مدتی در یک کلینیک، به امر مشاوره اشتغال داشته می گوید: عمده مراجعات در مورد مشکلات زناشویی، مشکلات جوانان و اضطراب و استرس بوده است. با این حال او معالجه بیماری های روانی را با یک بار مراجعه دشوار می داند و اینکه تصور شود، فرد می تواند با یک بار مراجعه بهبود پیدا کند تصور صحیحی نیست. حسین آزاد همچون بسیاری از نخبگان ایرانی، آرمان های بزرگی نیز در ذهن می پروراند و می گوید: «من به عنوان یک عضو کوچک از جامعه، دلم می‌خواهد از آنچه دارم برای کشورم، مردم و دوستانم استفاده کنم و از هیچ خدمتی دریغ نکنم.» حسین آزاد در زمان انجام تحقیق با چه مشکلاتی روبرو بوده است؟ خودش می گوید که در ایران، به سختی به پرسشنامه پاسخ می‌دهند ولی در ممالک دیگر می‌توان به سهولت ارتباط برقرار کرد و سؤالات تحقیق را پرسید. به یاد دارد که در دوران تحصیل و در کلاس درس دوتن از روانشناسان معروف و مشهور وقت به نامهای «راجر» و «فرانکل» که به ترتیب به رویکرد انسان گرایی و اصالت وجود معتقد بوده اند، با هم بحث کرده اند و هر یک از آنها از تئوری خود دفاع کرده است و در عین حال، بحث و تبادل نظر آنها هیچ خدشه ای به دوستی و همکاری شان وارد نمی آورده و حسین آزاد با ابراز تأسف از آنچه که در بین بسیاری استادان ایرانی می‌گذرد معتقد است که بین استادان، آن نوع دوستی و همکاری شکل نمی‌گیرد تا دانشجویان با نقاط ضعف و قوت دیدگاه ها و رویکردهای مختلف آشنا شوند. از میان تئوری های روانشناسی به تئوری های انسان گرایی علاقه و اعتقاد وافر دارد. در این نوع تئوری ها بر احترام گذاشتن و توجه کردن به دیگران و همنوعان و پذیرش و احترام بی چون و چرای مراجعه‌کنندگان تأکید خاصی می‌شود. در ضمن تأکید می کند که این علاقه موجب این نیست که سایر تئوری ها را مردود بشمارد. برای مثال به یافته های روانکاوی زیگموند فروید پدر روانکاوی اشاره کرده، می گوید: کسی نمی تواند منکر خدمات فروید شود و بگوید تئوری های فروید کاربردی ندارند. چرا که تئوری های فروید، جایگاه والایی در روانشناسی و تشخیص مشکلات و معضلات روانی داشته و دارد. به باور او، زیبایی های زندگی بیش از زشتی های آن است و از این نظر خودش نیمه پر لیوان را می بیند. معتقد است که پیشرفت و موفقیت ، بدون زحمت و دردسر فراهم نمی شود و به همین دلیل باید تلاش کرد و کارها را نیمه کاره رها نکرد. چگونگی عرضه آثار : او در آثار و تألیفات خود نشان می دهد که بیماریهای روانی چه تأثیری در بیماریهای دیگر از جمله سرطان و سکته مغزی دارد. او در یکی از مقالاتش نیز می‌کوشد که این موضوع را توضیح دهد اگر افراد بخواهند می توانند از طریق آرامش عضلانی (Relaxation)، اضطراب خود را برطرف کنند. آثار : آسیب شناسی (۲جلد) ، روانشناسی بالینی (انگلیسی) ، روانشناسی عمومی (انگلیسی) ، روانشناسی مرضی کودک ، واژه نامه روانشناسی و علوم تربیتی

منابع زندگینامه :بنیاد ایرانشناسی

آزاد، حسین‌خان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۵۵ ق). پزشک، نویسنده و شاعر. وی فرزند میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله بود. تحصیلات خود را در رشته‌ی پزشکی در دانشگاه لندن به پایان رساند. پس از بازگشت به ایران جزو پزشکان دربار ناصری درآمد و از ظلّ‌السلطان پسر ناصرالدین شاه لقب حکیم‌باشی گرفت. اما چون استبداد قاجار و وضع نامطلوب سیاسی و اجتماعی ایران را تاب تحمل نداشت، به فرانسه رفت و تا پایان عمر در پاریس به سر برد. وی مجموعه‌ی نفیسی از نسخ خطی فارسی گردآوری کرده بود که پس از مرگ او توسط انتشاراتی «کواریچ» در لندن حراج شد. اثر وی: ترجمه‌ی «مثنوی» مولوی است از فارسی به فرانسه. دو مجموعه منتخب از اشعار آزاد به نامهای «گلزار معرفت» و «صبح امید» جداگانه به فرانسه ترجمه و در ۱۹۰۶ و ۱۹۰۷ م در لیدن منتشر شده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۹ /۱)، شرح حال رجال (۳۷۸ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۶ -۶۸۵ /۲)، یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۲۱ -۱۹).

آزادانی اصفهانی، صالح

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۴۳ ق)، شاعر. اصل وی از قریه آزادان اصفهان بود. از فرزند زادگان طبیب‌الدین طبیب اصفهانی است. میرزا صالح پدربزرگ میراز طاهر نصرآبادی، نویسنده‌ی تذکره‌ی «نصرآبادی»، است. او از زادگاه خویش به هندوستان رفت و در آن سامان در خدمت جهانگیر و شاه‌جهان، پادشاهان هند، به مراتب عالی نایل آمد.وی در اوایل پادشاهی شاه جهان از دنیا رفت.[۱]

شاعر ایرانی (ف. ۱۰۴۳ ه.ق). وی از مردم اصفهان و از احفاد طبیب‌الدین پزشک معروف بود. او نزد سلاطین عصر محترم بود و به هندوستان رفت و در آن کشور صاحب مراتب شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تذکره‌ی روز روشن (۴۶۳)، تدکره‌ی نصرآبادی (۴۵۲)، الذریعه (۵۸۶ / ۹)، صبح گلشن (۲۴۳)، فرهنگ

سخنوران (۵۴۱)، کاروان هند (۶۸۱ –۶۷۸ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ صالح)، مآثر رحیمی (۱۶۴۷ –۱۶۴۳ / ۴).

آزادپور ماهانی کرمانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۸ –۱۲۸۳ ش)، شاعر، متخلص به نزهت. وی از شاعران و عارفان خوش قریحه‌ی کرمان بود. مدت هیجده سال شهردار ماهان کرمان بود. غزلهای عارفانه‌اش لطفی خاص داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :ستارگان کرمان (۴۱ –۳۶).

آزادگان، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، شاعر، متخلص به واصل. وی در قم متولد شد و تحصیلات خود را تا ششم ابتدایی بیشتر ادامه نداد. پس از آن به درودگری اشتغال ورزید. در سی و هشت سالگی قریحه‌ی شعر در او بیدار گشت. وی در انواع شعر مهارت دارد. بیشتر اشعارش در مدایح و مراثی ائمه‌ی اطهار (ع) است، و غزلیاتش جنبه‌ی اخلاقی و پندآمیز دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی (۳۸۱۹ –۳۸۱۷ /۶).

آزادواری جوینی، ابوموسی هارون

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سوم ق)، ادیب و فقیه. در نیشابور از ابوعبداللّه محمد بن ابراهیم پوشَنجی و ابراهیم بن عبدالرحمان بن سهل آزادواری حدیث شنید. حاکم ابوعبداللّه حافظ از او روایت کرده و او را فقیه و ادیب شمرده و گفت است که وی پیش از سال ۳۱۰ ق در ری و بغداد به جمع‌آوری احادیث اشتغال داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۶۳ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۵ /۱).

آزاده چالشتری، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۱ ق)، شاعر. از خوانین و محترمین چالشتر، فرزند عزیزاللّه‌خان سرهنگ بود. تحصیلات فارسی و عربی خود را نزد اساتید به پایان رسانید. وی مردی خلیق و مهربان و دوستار علم و دانش بود. اشعار و مکاتبات علمی و تألیفات متعددی داشت مثل: «دیوان» اشعار؛ «مسافرت نامه‌ی کوهرنگ»؛ «منظومه‌ی لاله و ژاله»؛ «سرگذشت دو دختر رشتی»؛ منظوم؛ «داستان لیلی و مجنون» که در مجله‌ی «نمکدان» به طبع رسیده است؛ «مطالب و سؤالاتی که بر رد اقوال سید احمد کسروی نوشته با امضای حقیقت‌گو و کسروی آن را جواب گفته و به نام «پاسخ حقیقت‌گو» چاپ و منتشر کرده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۰ –۱۸)، فرهنگ سخنوران (۶)، گلزار جاویدان (۱۴ /۱).

آزادی استرآبادی، خواجه‌علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۰۱ ق) شاعر. وی از ملازمان و شعرای فریدون حسین میرزا، فرزند سلطان حسین بایقرا، بود. اشعاری که از او مانده بیشتر در قالب رباعی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۶۵)، تذکره‌ی روز روشن (۹ –۸).

آزادی، جواد، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۳ -۱۲۷۹ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به آزادی. فرزند شیخ محمد حسین حیات مدیر روزنامه‌ی «حیات» و از اهالی شیراز بود. پس از به پایان رسانیدن تحصیلات قدیم و جدید خود، مدیریت دبیرستان حیات را که پدرش تأسیس کرده بود برعهده گرفت و به تدریس نیز پرداخت. در سال ۱۲۹۹ ش، اقدام به تأسیس روزنامه‌ی «عصر آزادی» در شیراز نمود و با انتشار آن وارد عرصه‌ی سیاست شد. جواد آزادی چند دوره‌ی متوالی (از دوره‌ی نهم تا چهاردهم) نماینده‌ی مردم لار در مجلس شورای ملی و غالباً عضو هیئت رئیسه‌ی مجلس بود. وی در تهران وفات یافت.[۱]

متولد ۱۲۷۵ در شیراز، فرزند شیخ محمدحسین حیات شیرازی روحانی و ناشر روزنامه‌ی حیات شیراز. تحصیلات مقدماتی و عالی خود را در شیراز مطابق معمول زمان انجام داد و به شغل فرهنگی پرداخت. چندی مدیریت مدارس شریعت، حیات و هنرستان فارس را داشت. در ۱۲۹۹ ش امتیاز روزنامه‌ی عصر آزادی را گرفت و به انتشار آن مبادرت نمود. از دوره‌ی دهم از لار به وکالت رسید. مجموعاً ۵ دوره وکیل مجلس بود. در ۱۳۲۳ در ۴۸ سالگی بر اثر سکته درگذشت. نویسنده‌ای توانا و خطیبی پرمایه بود. زبانهای عربی و انگلیسی را می‌دانست. در زبان و ادبیات فارسی بصیرت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۲۵ -۲۱ /۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۵ -۲۴ /۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۳ - ۳۲ /۱).

آزادیان، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی آزادیان

محل تولد : کلار دشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۴۷ در روستای پیش نبور از توابع کلاردشت (شهرستان چالوس) متولد شدم و تا اخذ مدرک سوم راهنمایی در همان محل بودم. سپس با توفیق الهی وارد مدرسه علمیه چالوس شدم و به مدت دو سال در آنجا به دروس دینی اشتغال داشتم. آنگاه قریب چهار سال در تهران " جامعهٔ امیرالمومنین علیه السلام " مشغول به تحصیل بودم.

در سال تحصیلی ۶۷-۶۸ توفیق حضور در حوزه علمیه قم نصیبم شد. در قم با موسسه در راه حق آشنا شدم و در کنار دروس حوزوی به مباحث جدید نیز پرداختم که در دو دوره عمومی و تخصصی در موسسه امام خمینی (رحمهٔ الله علیه) کسب علم و دانش کردم.

بحمدالله توفیق داشتم، در زمان جنگ در کنار رزمندگان اسلام حضور داشته باشم و در ایام تبلیغی نیز به سفرهای تبلیغی بروم. اکنون نیز از اعضای هیات علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی به پژوهش اشتغال دارم .

آزرم، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۱ ش)، نویسنده و ریاضیدان. در نجف اشرف به دنیا آمد. سپس به مازندران رفت و دوره‌ی تحصیلات ابتدایی خود را در بابل سپری کرد. پس از آن برای تکمیل تحصیلات به تهران آمد و از مدرسه‌ی دارالفنون فارغ‌التحصیل شد و سپس از دانشکده‌ی علوم کارشناسی ریاضی خود را گرفت. پس از آن به مشاغل دولتی روی آورد و در کتابخانه‌ی ملی مشغول شد ضمناً در دبیرستانها نیز ریاضی تدریس می‌کرد. از جمله‌ی تألیفات وی: «جبر» برای سال چهارم و سال پنجم دبیرستان؛ «مثلثات» برای دوره‌ی دوم؛ «هیئت».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :رجال مازندران (۱۶۸ -۱۶۷)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۰۱۰ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۷ -۶۸۶ /۲).

آزرم، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۲ ش)، شاعر. وی در محلات متولد شد و تحصیلات خود را در تهران به پایان رسانید. پس از آن وارد خدمت وزارت پست و تلگراف شد و در اصفهان سکونت یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۰)، گلزار جاویدان (۱۶ /۱).

آزمایش، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حقوق خصوصی اسلامی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی حقوق و کارشناسی ارشد علوم جزائی و جرم‌شناسی از دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دکترای جامعه‌شناسی و دکترای دولتی حقوق خصوصی با تخصص علوم جزائی و جرم‌شناسی از دانشگاه مونپلیه فرانسه.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹، دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۴ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

حقوق ایران در رابطه با حقوق کودک، حقوق ایران در رابطه با منع استعمال سلاحهای شیمیایی و باکترویولوژیک، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

به صورت ۷ جزوه درسی در زمینه‌های حقوق جزائی بین‌الملل، حقوق بین‌الملل جزائی، حقوق جزائی اداری، حقوق جزائی نظامی، حقوق جزائی عمومی، رویه قضائی جزائی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

حقوق کودک، تحولات حقوق کیفری، حقوق کیفری بازرگانی، حقوق اساسی، جرائم جنگ و حقوق جزائی بین‌المللی، حقوق بشر.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

آسایش، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر حسین آسایش در سال ۱۳۱۱ در شهر تبریز بدنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در سال ۱۳۳۶ در رشته تاریخ و جغرافیا و علوم تربیتی از دانشگاه تبریز را گذراند. وی به علت شاگرد اولی از بورسیه دولتی استفاده کرده و عازم فرانسه شد و تا مقطع دکتری رشته جغرافیا، گرایش روستاشناسی در دانشگاه سوربن تحصیل کرد. ایشان پس از مراجعت به ایران در دانشگاه تبریز با مرتبه استادیاری مشغول به فعالیت شد و تا سال ۱۳۶۴ در این دانشگاه بودند که به افتخار بازنشستگی نائل آمد. دکتر آسایش فعالیت علمی خود را در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران ادامه داد و تاکنون با رتبه علمی دانشیاری انجام وظیفه می‌کند.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاگرایش : جغرافیای روستاییوالدین و انساب : پدر حسین آسایش، خیاط بود و امور خیاطی استاد محمدحسین شهریار را بر عهده داشت. پدر بزرگش به حرفه علافی مشغول بود که در زمان خود شغلی مهم بوده است. مادر ایشان نیز خانه‌دار بوده است.خاطرات کودکی : حسین آسایش از دوران کودکی خود خاطرات زیادی بیاد دارد که از آن جمله‌اند: تشکیل حکومت ملی دموکرات در آذربایجان به دست جعفر پیشه‌وری، قطع رابطه با حکومت مرکزی به مدت دو سال، چاپ اسکناسهایی به زبان ترکی، مکاتبات اداری به زبان آذری، تدریس در دانشگاهها و مدارس به زبان آذری (کتابهای موجود هم به زبان ترکی چاپ شده بودند)، تاسیس اولین دانشگاه در تبریز، انتصاب آقای بی‌ریا به سمت ریاست فرهنگ و ...اوضاع اجتماعی و

شرایط زندگی : حسین آسایش در خانواده ای از نظر شرایط مادی متوسطی بدنیا آمد. او به همراه خانواده (هفت خواهر و برادر) در خانه ۲۵۰ متری در تبریز در کنار پدری خیاط زندگی می کرد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین آسایش پس از طی دوره ابتدایی و متوسطه در تبریز، در رشته تاریخ و جغرافیا و علوم تربیتی در دانشگاه تبریز پذیرفته شد و در سال ۱۳۳۶ از همان دانشگاه فارغ التحصیل گردید. وی به علت شاگرد اولی از طرف دولت در سال ۱۳۳۹ به فرانسه عزیمت کرد و در دانشگاه سوربون پاریس به تحصیل پرداخت و دکترای جغرافیای انسانی با گرایش روستاشناسی را با درجه عالی از انستیتو جغرافیای دانشگاه سوربن پاریس دریافت کرد.خاطرات و وقایع تحصیل : حسین آسایش از تحصیل در مدارس به زبان آذری خاطراتی به یاد دارد. وی از مدیر مدرسه خود چنین نقل می کند: مدیر مدرسه ما فرد خوبی بود که به گفته خودش چندین بار مدرسه اش را به خاطر اینکه سواد آموزی گناه است به آتش کشیده بودند و بعدها معلوم گردید که فرزندان آنها در انگلستان مشغول به تحصیل بودند.فعالیتهای ضمن تحصیل : حسین آسایش در کنار تحصیل به آموزش حرفه خیاطی نزد پدر می پرداخت و همچنین در مقاطع ابتدایی و متوسطه به تدریس مشغول بود.استادان و مربیان : حسین آسایش از دوران تحصیل خود اساتید و مربیانی داشته است که در زندگی علمی وی تاثیر بسزایی داشتند که از آنجمله می توان به چند تن اشاره کرد: آقای میرزا عبدالله ساویز (مدیر مدرسه ابتدایی و متوسطه)، آقای دربندی (معلم کلاس سوم ابتدایی)، آقایان دکتر تاجبخش، دکتر صوفی املشی، دکتر ودیعی (اساتید دوره کارشناسی)، پروفسور ژرژ (استاد معروف دانشگاه سوربن دوره دکتری).هم دوره ای ها و همکاران : مرحوم دکتر فرید، دکتر محمود پور، دکتر سید رحیم مشیری، دکتر عزت الله عزتی، دکتر پرویز کردوانی و ... از همکاران و هم‌دوره‌ای‌های حسین آسایش می‌باشند.همسر و فرزندان : حسین آسایش متاهل است. وی دارای سه فرزند پسر است. فرزند ارشد در آمریکا بسر می برد و یک کمپانی در رابطه با هوا و فضا و ناسا دارد. دیگر فرزندانش شغل پدر را ادامه نداده و وارد بازار کار شدند و هم اکنون از تاجران بنام بازار می‌باشند.وقایع میانسالی : دکتر حسین آسایش پس از بازنشستگی به تهران منتقل شد و دوره دکتری رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی را در دانشگاه آزاد اسلامی تاسیس کرد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسین آسایش پس از اخذ مدرک دکترای جغرافیای انسانی با گرایش روستاشناسی از پاریس، به ایران مراجعت کرد و در دانشگاه تبریز با مرتبه علمی استادیاری استخدام شد. وی تا سال ۱۳۶۴ (تا زمان بازنشستگی) در همان دانشگاه بود. ایشان پس از بازنشستگی به تهران منتقل و در دانشگاه آزاد اسلامی فعالیت علمی خود را مجدد شروع کرد و در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری از سال ۱۳۷۰ به بعد (تاکنون) به تدریس پرداخت. ایشان در کنار تدریس و تحقیق، دارای سمت‌هایی بوده‌اند که می توان به موارد زیر اشاره کرد: – عضو هیئت علمی و دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی تهران (واحد علوم و تحقیقات) – موسس و رئیس مرکز تحقیقات روستایی دانشگاه تبریز (این موسسه دومین موسسه بعد از موسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران بود) – موسس و رئیس دفتر طرح و برنامه ریزی دانشگاه تبریز – مدیر کل اداره کل بودجه و تشکیلات دانشگاه تبریز – مدیر کل اداره کل خدمات دانشگاه تبریز – مشاور وزارت جهاد کشاورزی در سازمان امور اراضی در تهیه برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران – عضو کمیته شورای برنامه ریزی آموزش عالی در برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران – عضو انجمن جغرافیایی فرانسه‌همراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : حسین آسایش دوره دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی را در دانشگاه آزاد اسلامی تهران راه اندازی کرده است. وی همچنین موسس مرکز تحقیقات روستایی دانشگاه تبریز (این موسسه دومین موسسه بعد از موسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران بود) و دفتر طرح و برنامه ریزی دانشگاه تبریز می‌باشد.شاگردان : حسین آسایش درباره شاگردان خود چنین می گوید: شاگردانم که در موقعیت بسیار مهم و کلیدی مشغول به فعالیت هستند، خیلی زیاد است، از جمله چند نفر وکیل مجلس شورای اسلامی، دو نفر در سازمان ملل در کمیته بحران جمعیت و دهها استاد و روسای دانشگاهها. دکتر قالیباف و سرلشکر مصطفوی هم از دانش آموختگان دکتر آسایش می‌باشند.آرا و گرایشهای خاص : حسین آسایش در زمینه های پیرامون مسائل روستا در ایران و جهان به تحقیق و مطالعه می پردازد.جوائز و نشانها : – اخذ مدال درجه اول فرهنگ به مناسبت شاگرد اولی در مقطع کارشناسی در سال ۱۳۳۷ – دریافت لوح تقدیر سپاس از دست آیت الله هاشمی رفسنجانی به عنوان استاد برگزیده جغرافیا و برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران – اخذ لوح تقدیر از دومین همایش ملی توسعه روستایی ایران در سال ۱۳۸۶ – و چندین لوح تقدیر دیگر و از دیگر سران عالی رتبه کشورچگونگی عرضه آثار : – انتشار ۱۷ جلد کتاب دانشگاه مربوط به مسائل و مشکلات و برنامه ریزی روستایی توسط دانشگاههای کشور – مدیریت و اجرای ۱۱ طرح تحقیقاتی روستایی منطقه ای و ناحیه ای در ایران – مدیریت و اجرای ۳ طرح بین المللی مربوط به مسائل روستایی ایران – انتشار ۲۰ مقاله در نشریات مختلف داخلی و خارجی مربوط به مسائل روستاییآثار : ۱ اصول و روشهای برنامه ریزی روستایی (رشته جغرافیا) ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین آسایش ناشر: دانشگاه پیام نور – ۱۱ آذر، ۱۳۷۴ ۲ اصول و روشهای برنامه ریزی ناحیه ای (رشته جغرافیا) ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین آسایش ناشر: دانشگاه پیام نور – ۲۸ شهریور، ۱۳۷۵ ۳ اقتصاد روستایی (رشته جغرافیا) ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین آسایش ناشر: دانشگاه پیام نور – ۱۸ بهمن، ۱۳۷۴ ۴ برنامه ریزی روستایی در ایران ویژگی اثر : تالیف، انتشارات دانشگاه پیام نور ۱۳۷۵۵ برنامه ریزی روستایی در ایران، رشته جغرافیا ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین آسایش ناشر: دانشگاه پیام نور – ۱۳۸۳ ۶ جغرافیای اقتصادی ایران ۲، صنعت، حمل و نقل، انرژی، رشته جغرافیا ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین آسایش ناشر: دانشگاه پیام نور – ۱۳۸۳ ۷ جغرافیایی صنعتی ایران(بخش صنایع سنگین و نیمه سنگین) ویژگی اثر : تالیف،انتشارات دانشگاه تبریز، شماره ۱۷۳–۱۳۵۴۸ جمعیت و مسائل روستایی آذربایجان شرقی ویژگی اثر : تالیف، موسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی دانشگاه تبریز ۱۳۴۷۹ راهنمای تحقیق روستاهای ایران ویژگی اثر : تالیف، موسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی دانشگاه تبریز ۱۳۴۵۱۰ روش شناسی و تکنیک های تحقیق علمی در علوم انسانی با تاکید بر جغرافیا ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین آسایش، سیدرحیم مشیری ناشر: قومس – ۱۶ فروردین، ۱۳۸۱ ۱۱ روشهای برنامه ریزی ناحیه ای (مدلها و روشها و فنون) ویژگی اثر : تالیف، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر ری ۱۳۸۳۱۲ کارگاه برنامه ریزی روستایی، رشته جغرافیا ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین آسایش ناشر: دانشگاه پیام نور – ۱۳۷۳ ۱۳ مقدمه ای بر اقتصاد روستایی ایران ویژگی اثر : دانشگاه آزاد

اسلامی واحد کرمانشاه سال ۱۳۸۵

آستارایی، اسحاق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۹۱ ق)، فقیه و مدرس. در قصبه ارچوان آستارا متولد شد. پس از تحصیل ادبیت در زادگاهش، به لنکران رفت و از آنجا به اردبیل مهاجرت کرد. وی نزد افتخارالعلما و شیخ عبداللّه تحصیل علوم کرد و در سال ۱۳۴۰ ق به خراسان مسافرت کرد و از محضر درس آقا شیخ حسن برسی و میرزا ابوالقاسم حکمی و آقا بزرگ حکیم و ادیب نیشابوری و میرزا هاشم بهره برد و در ۱۳۴۵ ق به قم رفت و در حوزه درس آیت‌اللّه حائری و آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه خوانساری و آیت‌اللّه بروجردی حاضر شد. از ابتدای تأسیس مدرسه حجتیه قم عهده‌دار امور مدرسه بود. در قم درگذشت و در مقبره ابوالحسن در بقعهٔالعلماء دفن شد. از آثار وی: «تقریرات» درس آیت‌اللّه حائری و «تقریرات» درس آیت‌اللّه حجت در کفایه و فقه و مکاسب.[۱]

مرحوم مبرور حجه‌الاسلام آقای آمیرزا اسحق آستارائی از افاضل حوزه و مبرزین اصحاب و خواص رفقاء مرحوم آیت‌الله حجت به فضل و دانش معروف و به متانت و حسن افعال موصوف بوده است والدش مرحوم آقاعباس تاجر قفقازیست در قصبه ارچوان نزدیک شهر آستارا متولد شده و پس از گذرانیدن. ایام کودکی در همانجا به تحصیل ادبیات پرداخته و در سال ۱۳۳۶ ق به لنکران آمده و از آنجا به اردبیل مهاجرت کرده و نزد مرحومین افتخار العلماء و شیخ عبدالله تحصیل مقدمات نموده و در سال ۱۳۴۰ ق به خراسان مسافرت و از محضر درس مرحوم آقاشیخ حسن برسی و میرزا ابوالقاسم حکمی و آقابزرگ حکیم و ادیب نیشابوری و میرزا هاشم استفاده نموده و در سال ۱۳۴۵ ق مهاجره به قم و از محضر مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت و خونساری استفاده کامل نموده و هم به درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر شده و از اول تاسیس مدرسه حجتیه تصدی امور مربوط به مدرسه از تمام جهات از طرف مرحوم آیت‌الله حجت به ایشان محول بوده است.

از آثار اوست مقداری از تقریرات درس مرحوم آیت‌الله حایری و تقریرات درس مرحوم آیت‌الله حجت در کفایه وفقه و مکاسب اجازاتی هم از آیات عظام گذشته داشته است در ماه ذی‌الحجه ۱۳۹۱ قمری از دنیا رفته و در مقبره ابوحسین در بقعه العلماء مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجهٔ (۴۲ /۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۵ -۵۴ /۲).

آسوده شیرازی، محمد مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۰ -۱۲۶۵ ق)، حکیم، ادیب و شاعر، متخلص به آسوده. از اهالی شیراز و پدرش بازرگان بود، اما خود او به حکم ذوق و گرایش فکری، به شاعری روی آورد و به تحصیل علوم ادبی و حکمت و ریاضیات پرداخت و در فنون شاعری چون عروض و بدیع و قافیه و نقدالشعر مهارت یافت. در اواسط عمر به عزلت گرایید و به مصاحبت اهل ذوق و عرفان روی آورد. وی در تمام قلبهای شعری اعم از قصیده، غزل، قطعه، رباعی، مثنوی و مسمط طبع آزمایی کرده است و مثنویی به نام «عرفان الحکم» و مثنویی در تقریظ «سالارنامه» دارد. «دیوان آسوده» اثر دیگر او است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۳۵۴ -۳۵۳)، حدیقهٔ الشعراء (۳۷ -۳۲ /۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۰ -۲۵ /۱)، الذریعه (۲۴۶ /۱۴۳، ۱۹ /۲۴۷، ۱۵ /۶، ۹/)، ریحانه (۴۸ /۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۵۴، ۱۱۳۵، ۹۸۰ /۲)، فرنگ سخنوران (۶)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵۸ -۳۵۷ /۶)، مرآت الفصاحهٔ (۲۶ -۲۵).

آسه، جواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد آسه

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۶/۲۰

آسی مشهدی، علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. از قبیله «آس» و اهل مشهد است. می‌گفت که «شاعری را به من در خواب داده‌اند». اثر وی «دیوان آسی» است. در مقابله‌ی خمسه‌ی نظامی چند مثنوی سروده و کتاب «خیال و وصال» از او است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تحفه‌ی سامی (۲۹۸)، الذریعه (۶ /۹)، گلزار جاویدان (۱۷ /۱)، مجالس النفائس (۱۷).

آشتیانی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا محمدحسن آشتیانی (ف. تهران ۱۳۱۹ ه.ق.) از اعیان علما و مجتهدان با فضل و دیانت و از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بود. وی به تهران آمد و حوزه درس او مرجع استفاده بسیاری بوده است. کتاب «بحرالفوائد فی شرح الفرائد و التقریرات» وی در سال ۱۳۱۵ ه.ق. در تهران چاپ سنگی شده و کتاب «ازاحهٔ الشکوک» نیز به چاپ سنگی رسیده است. آشتیانی در تهران وفات یافت و جنازه او را به نجف بردند و در مقبره شیخ جعفر شوشتری دفن کردند.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

آشتیانی، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۷۰ ق)، خطاط. وی از اشراف و بزرگان زمان خود بود. خط نستعلیق را نزد پدرش آموخته بود و خوش می‌نوشت. از علوم ادبی نیز بهره‌ی کافی داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۴ /۱).

آشتیانی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۹ –۱۲۷۱ ش)، نقاش و شاعر، متخلص به شعله. در تهران متولد شد. پس از تحصیل ابتدایی و متوسطه در خدمت استادانی همچون مصورالممالک میرمصور، میرزا حاج‌آقا نقاشباشی و شیخ‌المشایخ نقاشی را فراگرفت. وی در دارالفنون درس خواند و نزد کمال‌الملک، استاد نقاشی شد. او بزرگ‌ترین شاگرد کمال‌الملک بود چنان که در سال ۱۳۱۱ ش که کمال‌الملک از ریاست مدرسه‌ی عالی صنایع مستظرفه کناره‌گیری کرد او را به جانشینی خود انتخاب کرد. آشتیانی در چهره‌پردازی قویدست بود و علاوه بر رنگ و روغن، در آبرنگ و سیاه قلم نیز مهارت داشت. وی در سال ۱۳۲۴ ش با کمک عده‌ای از هنرمندان، انجمن هنرمندان ایران را بنیان نهاد و پس از مدتی به ریاست آن انتخاب شد، و نیز هنرستانی به نام هنرستان کمال‌الملک تأسیس نمود. دکتر میرزا اسماعیل آشتیانی در هنر شاعری نیز ورزیده بود. در تهران درگذشت و در صحن حضرت عبدالعظیم مدفون گشت. از آثار او: دو تابلوی «ترقی معارف ایران» و «حافظ». از تألیفات مهم وی: «مناظر و مرایای عملی یا چشم‌اندازها»؛ «مکتب کمال‌الملک»؛ «سفرنامه‌ی اروپا»؛ «نماز در اسلام»؛ «ادعیه‌ی قرآن»؛ «دیوان» اشعار؛ «تصحیح و تحشیه‌ی دیوان منوچهری دامغانی»؛ «منتخبات کاملی از دیوان خیام و باباطاهر و صائب و حافظ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۷۶ /۱)، تاریخ برگزیدگان (۵۰۳ –۵۰۱)، سخنوران نامی معاصر (۱۹۵۲ –۱۹۴۸ /۳)، سرآمدان فرهنگ (۱۶ /۱)، فرهنگ سخنوران (۵۰۵)، گلزار معانی (۳۸۳ –۳۷۱)، نام‌آوران فرهنگ (۳۳۷).

آشتیانی، باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا باقر بن العلامه المتبحر حاج میرزا احمد آشتیانی دام ظله از علماء معاصر تهران و افاضل خاندان آشتیانی میباشند. تولد ایشان در آخر ۱۳۲۳ ق در تهران واقع شده و پس از فراغت از سطوح اولیه در سال ۱۳۴۰ ق مهاجرت به نجف اشرف نموده و از

محضر مرحوم آیت‌اللّه مشکینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه نائینی فقها و اصولا استفاده نموده آنگاه به تهران مراجعت و در مدرسه مروی بتدریس معقول و منقول اشتغال یافت.

از تألیفات ایشان است کتب زیر:

۱- کتاب النکاح ۲- کتاب الطلاق ۳- کتاب الصوم ۴- کتاب القضاء ۵- تعلیقاتی بر فرائد ۶- شرح مبسوطی بر کفایه ۷- تعلیقاتی بر متاجر شیخ ۸- تعلیقاتی بر خمس و زکوه مرحوم حاج آقا رضا همدانی ۹- تعلیقاتی بر صلوه آن مرحوم ۱۰- تعلیقاتی بر حج جواهر ۱۱- رساله‌ای در لباس مشکوک ۱۲- رساله‌ای در زکوه الفطر ۱۳- رساله‌ای در میراث الزوجه ۱۴- رساله‌ای در حبوه ۱۵- رساله‌ای در قضاء احکام ۱۶- رساله‌ای در مسالک وحدت وجود ۱۷- رساله‌ای در جبر و تفویض و امر بین الامرین ۱۸- رساله‌ی مختصری در صلوه جمعه ۱۹- رساله‌ای در اجتهاد و تقلید ۲۰- رساله‌ای در احکام و اقسام آبها ۲۱- رساله‌ای در نجاسات و احکام آنها ۲۲- رساله‌ای در احکام مساجد ۲۳- رساله‌ی مفصلی در احیاء موات ۲۵- رساله‌ای در خلع و مبارات ۲۶- رساله‌ای در تصویر مالکیت یا عدم مالکیت بعضی عناوین کلیه ۲۷- رساله‌ای در قاعده ید ۲۸- رساله‌ای در قاعده من ملک ۲۹- رساله‌ای در شروط ۳۰- رساله‌ای در کفو ۳۱- رساله‌ای در جواب تحیت ۳۲- حواشی بر شرح اللمعه ۳۳- حواشی بر قوانین.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

آشتیانی، حسن، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۹ -۱۲۴۸ /۱۲۴۳ ق)، عالم اصولی و مجتهد. در آشتیان متولد شد و در نجف تحصیل کرد و از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بود. پس از اتمام تحصیلات و رسیدن به مقام اجتهاد، به تهران آمد و به تشکیل حوزه و تدریس مشغول شد. شهرت میرزای آشتیانی به سبب مخالفتش با اعطای امتیاز توتون و تنباکو به بیگانگان، معروف به قرارداد رژی، و کوشش او در لغو این امتیاز بود که سرانجام با ارشاد و حمایت قاطع میرزای شیرازی منجر به لغو قرارداد گردید. وی سفری نیز به دیدار میرزای شیرازی در سامرا رفت و مورد استقبال قرار گرفت. وی در تهران درگذشت و پس از تشییع جنازه با شکوه پیکرش به نجف حمل و در مقبره شیخ جعفر شوشتری مدفون گشت. حاج شیخ مرتضی آشتیانی، شیخ مصطفی آشتیانی، میرزا هاشم آشتیانی و میرزا احمد آشتیانی از فرزندان او هستند. از آثار میرزای آشتیانی: «بحرالفوائد فی شرح الفرائد»، که حاشیه‌ی مفصلی است بر رسائل شیخ انصاری؛ «مباحث الالفاظ»، در اصول؛ «ازاحهٔالشکوک فی حکم اللباس المشکوک»؛ «کتاب القضاء»؛ «کتاب الاوانی الذهب والفضه»؛ «کتاب الوقف» و «احیاء الموات»؛ «رسالهٔ فی نکاح المریض»؛ «الاجزاء»؛ «کتاب الاجاره»؛ «الخلل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۸ -۳۷ /۵)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۸ -۹۷ /۱)، دایرهٔالمعارف فارسی (۱۵۵ /۱)، الذریعه (۱۳۹ /۲۵ ،۳۰۱ /۲۴ ،۲۴۸ /۷ ،۱۳۷ /۵ ،۴۴ /۳ ،۵۲۷ ،۳۹ ،۲۷۴ ،۱۲۲ /۱). ریحانه (۴۹ /۱)، شرح حال رجال (۳۱۷ -۳۱۶ /۱)، علماء معاصری (۷۱ -۷۰)، فوائد الرضویه (۴۵۱ ،۶۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۶۴ -۳۶۳ /۴)، لغت‌نامه (ذیل/ محمدحسن)، المآثر والآثار (۱۵۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۹ -۵۳۷ /۲)، معجم المولفین (۱۸۶ /۹)، یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۱۶).

آشتیانی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۲ -۱۲۵۴ ق)، شاعر، متخلص به میکده. در آشتیان متولد شد. در کسوت مستوفیان بود. آشتیانی در اشعارش آداب و عقاید غیرمعقول و خرافات را مورد حمله قرار می‌داد و از انتقاد از دیگران ابا نداشت. آثار وی عبارت‌اند از: «چهارفصل میکده»، حاوی قصص؛ و مقداری رباعی و غزل؛ «چرند نامه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۱۴ /۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲۶ -۴۲۵ /۴)؛ یادگار (س ۳، ش ۱، ص ۶۵ -۶۴).

آشتیانی، فضل‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۲ -۱۲۹۸ ق)، حکیم و قاضی. مشهور به آشتیانی. پس از تحصیل مقدمات علوم اسلامی به محضر درس میرزا محمدحسن آشتیانی راه یافت و در زمینه معقول حوزه درس میرزای جلوه و میرزاحسن کرمانشاهی را دریافت. پس از فراغ از تحصیل به خدمت قضایی درآمد و مستشار دیوان عالی کشور شد. اما هیچ‌گاه رابطه‌ی او با علم و حکمت قطع نشد. هرگاه که میرزا مهدی آشتیانی به سفر می‌رفت یا بر اثر بیماری توان درس گفتن نداشت به اصرار به جای وی در مدرسه‌ی سپهسالار قدیم درس می‌گفت. در تهران درگذشت و در جوار حضرت عبدالعظیم دفن شد. از آثارش: رساله‌ای مختصر در «حدوث عالم جسمانی».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گلزار معانی (۱۵ -۷).

آشتیانی، محسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۷۰ ق)، خطاط و منشی. در علم انشاء مهارت داشت و نستعلیق را نیکو و استوار می‌نوشت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۲۰ /۳).

آشتیانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا محمدحسن بن میرزا جعفر بن میرزا محمد آشتیانی از اعیان علماء و مجتهدین عصر گذشته ما که با فضل و دیانت و وثاقت معروف و از شاگردان مبرز و ممتاز شیخ‌الطائفه علامه انصاری بوده و بعد از وفات استادش در سال ۱۲۸۲ ق به تهران مهاجرت نموده و حوزه درس او مورد توجه و مرجع استفاده بسیاری از اطباء عصر بوده تا در سال ۱۳۱۹ ق که بدرود حیات گفته و جنازه‌اش پس از یکسال حمل به نجف اشرف و در مقبره شیخ جعفر شوشتری بخاك رفته است. آثار علمی او از اینقرار است:

۱- بحر الفوائد فی شرح الفرائد ۲- کتاب اجاره ۳- کتاب اجزاء احکام الاوانی ۴- کتاب احیاء الموات- ازاحه الشکوك عن حکم لباس المشکوك ۵- کتاب الوقف ۶-قضا و شهادات و کتب دیگری که طبع نشده است.

آن مرحوم دارای چهار فرزند عالم و دانشمند بوده است: ۱- مرحوم آیه‌اللّه العظمی حاج شیخ مرتضی آشتیانی که ترجمه و شرح احوالش در ضمن علماء مشهد خواهد آمد.

۲- مرحوم آیه‌اللّه حاج آقا میرزا آشتیانی معروف بافتخار از علماء و دانشمندان بنام این خاندان بوده و در قضایای مشروطیت ایران در یکی از منازل شهر ری مقتول و در مقبره صحن مطهر در جنب کفش کن زنانه که بنام مقبره افتخار آشتیانی معروف است مدفون گردید دارای تالیفاتی بوده که یکی از آنها بنام: افتخار نامه در غزوات حضرت ولایت ماب مولی الکونین امیرالمؤمنین بنهج فردوسی بطبع رسیده است.

۳- مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا هاشم آشتیانی غالبا وارد در امور سیاست بودند و تالیفاتی در ادعیه و زیارت از ایشان بیادگار مانده و در سن ۹۲ سالگی برحمت ایزدی پیوسته و در ارض اقدس رضوی مدفون گردیده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

آشتیانی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا آشتیانی

محل تولد : آشتیان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

حجهٔالاسلام والمسلمین آشتیانی در سال ۱۳۱۹ هجری شمسی در آشتیان به دنیا آمد. خانواده او خانواده ای مذهبی و دوستدار اهل بیت پاك پیامبر(ص) بود و پدرش با پیشه کشاورزی روزگار می‌گذراند. دوران تحصیل حجهٔالاسلام والمسلمین آشتیانی، نخست به مکتبخانه رفت و پس از حدود ۲ سال که آن را به آموختن قرآن و ادبیات فارسی گذرانده بود، به دبستان رفت و پس از چند سال آن را به پایان رسانید.

موقعیت خانواده او به گونه‌ای بود که باید به کمك پدر می‌رفت و به او خدمت می‌کرد. از این رو همچون پدر پیشه کشاورزی را پیش گرفت و چند سال هم بدین عنوان گذرانید، تا اینکه بر حسب اتفاق یکی از وعاظ مشهور به نام آقای منتظری گلپایگانی به آشتیان آمد و با مشاهده استعداد او، از پدرش درخواست کرد که فرزند خود را به تحصیل علوم دینی بگمارد.

این امر مورد موافقت پدر او واقع شد. از این رو حجهٔالاسلام والمسلمین آشتیانی در حدود ۲۰ سالگی دروس مقدمات را در حوزه علمیه آشتیان آغاز کرد. او با به پایان رساندن مقدمات، عازم حوزه علمیه قم شد تا از مواهب معنوی و علمی استادان آن دیار عالم‌خیز بهره ببرد. او در مدتی کوتاه دروس دوره سطح را در نزد بهترین استادان آن روزگار به پایان برد و به درس خارج فقه و اصول عالمان آن دوره راه یافت. البته مهم‌ترین استاد او در این بخش، آیت الله العظمی مکارم شیرازی بود.

او در طی این سالها ضمن تحصیل دروس رسمی، به تحقیق و پژوهش درباره مسائل گوناگون اسلامی نیز می‌پرداخت. حجهٔالاسلام والمسلمین آشتیانی در طول دوران تحصیل خود از محضر عالمان بسیاری بهره‌مند شد.

او که مقدمات را در حوزه علمیه آشتیان به پایان برده بود، شرح لعمه را نزد آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی و آقای شب زنده دار و نیز قوانین را نزد آیت الله ستوده فرا گرفت و برای آموختن رسائل به درس آیت الله العظمی نوری همدانی و آیت الله العظمی مکارم شیرازی رفت. کفایه را نیز نزد آیت الله سلطانی طباطبائی(ره) و آیت الله العظمی فاضل لنکرانی آموخت. با پایان یافتن دوره سطح به درس خارج فقه و اصول آیت الله مکارم شیرازی رفت و یک دوره اصول که حدود ۶ سال به طول انجامید و حدود ۱۵ سال درس فقه را نزد ایشان فرا گرفت. او در طی این سالها به درس امام خمینی(ره) و نیز درس آیت الله العظمی شیخ مرتضی حائری(ره) می‌رفت. و در ایام تعطیل و روزهای پنج شنبه و جمعه در جلسات تفسیر آیت الله العظمی مکارم شیرازی حاضر می‌شد.

حجهٔالاسلام والمسلمین آشتیانی در طول سالیان تحصیل با فضلای بسیاری رابطه دوستی داشت که از میان آنها از حجهٔالاسلام والمسلمین امامی ـ از اعضای جامعه مدرسین ـ می‌توان نام برد.

حجهٔ الاسلام والمسلمین آشتیانی تا به امروز فعالیتهای علمی و فرهنگی بسیاری از خود بر جای نهاده است. از فعالیتهای مهم ایشان در این عرصه، شرکت در تدوین تفسیر نمونه است. کار تدوین و نگارش تفسیر نمونه از سال ۱۳۵۱ آغاز شد. این کار به پیشنهاد آیت الله العظمی مکارم شیرازی بود. ایشان بر این باور بودند که خلا وجود یک تفسیر فارسی که همگان بتوانند آن را بخوانند و از آن استفاده کنند، محسوس است. از این رو حجهٔالاسلام و المسلمین آشتیانی به همراه گروهی از فضلای آن روزگار تحت اشراف آیت الله العظمی مکارم، کار نگارش این اثر عظیم را آغاز کردند که با عنایت پروردگار در سال ۱۳۶۷ به پایان رسید و در ۲۷ جلد در اختیار همگان قرار گرفت. از فعالتیهای مهم دیگر ایشان، شرکت در تدوین تفسیر موضوعی قرآن به نام «پیام قرآن» و نیز شرکت در نگارش تفسیر نهج البلاغه است که هر دو اثر هم اکنون منتشر شده و در اختیار عموم مردم قرار گرفته است. حجهٔالاسلام والمسلمین آشتیانی هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و در اسفند ۱۳۸۲ به نمایندگی مردم قم در مجلس شورای اسلامی انتخاب شده است.

آشتیانی، محمدهاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

متولد ۱۲۹۰ قمری، فرزند حاج میرزا حسن آشتیانی مجتهد معروف دوره‌ی ناصرالدین شاه. حاج میرزا حسن همان کسی است که در واقعه‌ی رژی و تحریم تنباکو فتوای میرزای شیرازی یا فتوای منتسب به او را در تهران انتشار داد و در مقابل ناصرالدین شاه و کامران میرزا نایب‌السلطنه و امین‌السلطان ایستادگی کرد تا سرانجام فتوا به تحقق پیوست و قرارداد تنباکو باطل گردید.

میرزا محمدهاشم تحصیلات خود را در رشته‌ی عرفان و ادبیات عرب و فقه و اصول تا درجه اجتهاد پایان برد. مدتی در نجف به تحصیل اشتغال داشت و از همان جا اجازت اجتهاد گرفت. در تهران هم مورد توجه مردم بود. در دوره‌ی سوم از تهران به وکالت مجلس انتخاب شد. در دوره‌ی پنجم نیز وکیل شد و به انقراض قاجاریه و سلطنت رضا شاه رأی داد. در ادوار ششم و هفتم و هشتم وکیل مجلس شورای ملی بود. امر صادر شد تمام وکلای مجلس باید لباس متحدالشکل بپوشند و روحانیون نماینده نمی‌توانند در کسوت روحانیت باقی بمانند. عده‌ی زیادی از این دستور تبعیت کردند و عبا و عمامه را فوراً به کت و شلوار و کراوات تبدیل نمودند، ولی میرزا محمدهاشم که در آن تاریخ حدود شصت سال داشت، زیر بار نرفت. در ادوار بعدی دیگر او را انتخاب نکردند. حدود ۸۰ سالگی در تهران رحلت کرد. او مردی ثروتمند و متعین بود. پس از مرگ املاک و مستغلات زیادی از او باقی ماند.

(۱۳۲۸ – ۱۲۵۰ ش)، عالم و خطاط. وی پسر سوم میرزاحسن آشتیانی مجتهد معروف بود. میرزاهاشم در دوره‌های سوم تا هشتم مجلس شورای ملی به عنوان نمایندگی انتخاب شد. در ۱۳۰۲ ش، در مجلس شورای ملی، میرزاهاشم در کنار مدرس و مشیرالدوله سرسختانه با جمهوریت رضاخانی مخالفت کرد. وی متمول بود و املاک و مستغلات زیادی داشت. در ضمن یکی از بزرگترین پرورش دهندگان قناری در ایران بود که نسل قناریهای خوش‌آواز تربیت شده توسط او شهرت تمام دارد. خط و تحریرش هم خوب بود. تألیفاتی در ادعیه و زیارات از ایشان به یادگار مانده است. «ابواب الجنات» بنا به امر ایشان توسط حاج شیخ رضا قاضی تهرانی تألیف شد.[۱]

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۴ / ۲۶)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۴۰ –۳۸ / ۱)، شرح حال رجال (۴۱۳ / ۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۶۴ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۷۴۴ / ۶).

آشتیانی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی ابن العلامه الجلیل آیت‌اللّه العظمی حاج میرزا محمدحسن بن العالم العامل میرزا جعفر آشتیانی از مشاهیر علماء و مجتهدین و روسا حوزه علمیه مشهد مقدس بوده‌لند.

تولدش در سال ۱۲۸۱ قمری روز وفات علامه انصاری شیخنا المرتضی ره صاحب فرائد و مکاسب بوده و مرحوم والدش به واسطه

کثرت علاقه به استادش مرحوم شیخ وی را به نام او موسوم نموده و همت بر تربیت او گماشت تا اولیات و سطوح را فراگرفت و از محضر مرحوم والدش استفاده کافی نمود و در خدمت آن مرحوم به مکه مشرف و پس از مراجعت در نجف اشرف اقامت و از مجالس ابحاث مرحوم حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی و آیت‌اللّه حاج میرزا حسین حاج میرزا خلیل و مرحوم آخوند خراسانی بهره‌مند شده تا به مدارج عالیه اجتهاد و فقاهت رسیده و به ایران مراجعت و در تهران به تدریس و اقامه جماعت مشغول تا در سال ۱۳۴۰ قمری به ارض اقدس رضوی مشرف و در آنجا به تدریس و اقامه جماعت و اصلاح امور مردم موفق و در سال ۱۳۵۳ قمری به حکم اجبار به تهران و چند سالی در زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) مجاور تا سال ۱۳۶۰ ق که مشرف به اعتاب عالیات و دو سال در کربلا به تدریس مشغول و به واسطه کسالت مزاج مراجعت به ایران و ثانیا به مشهد مقدس مشرف و به وظائف شرعی قیام تا در ۲۴ ذی‌حجه ۱۳۶۵ قمری که به رحمت ایزدی پیوستند و در پائین مبارک حضرت رضا (ع) درب حرم مطهر مدفون گردیدند.

نگارنده گوید مرحوم علامه آشتیانی عالمی بود ربانی و فقیهی بود سبحانی و اخلاص بسیاری به اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام داشت و در تمام موالید ائمه و اعیاد مذهبی در منزلش مجلس جشن منعقد و در وفیات آنان مجلس سوگواری می‌گذاشت و خود با آن کبر سن از مردم پذیرائی کرده و گاهی مدیحه‌خوانی می‌نمود توسلش بسیار و به زیارت جامعه کبیره مداومت داشت برای او منامات و مکاشفات و نوادر آموزنده بود یکی از مناماتش مربوط به مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محسن صدرالعلماء بود که در ترجمه او نگاشتم و یکی دیگر هم مربوط به خود ایشانست که بسیار جالب است.

مکاشفه آیت‌اللّه آشتیانی

در شهر ری در ایام اقامتش برای این بنده فرمود در مشهد مقدس که بودم روزی حمام رفتم و خضاب کرده و خوابیدم که خضابم رنگ بگیرد پس دیدم ملک‌الموت آمد و مرا قبض روح کرد و مردم از مردنم خبردار شدند اجتماع کرده و پس از تغسیل و تشییع آورده و دفن کردند شخصی به من گفت بیا نزد این غریب برویم من گفتم من می‌ترسم در زیر خاک و میان قبر نمی‌روم گفت نه باید برویم پس مرا به قبر وارد نمود و لحد گذارده شد چنان وحشت مرا گرفت ناگاه دیدم قبرم وسیع شد و دری از بالای سرم باز و به من گفته شد حضرت رسول و ائمه علیهم‌السلام تشریف می‌آورند و دیدم آن جناب و حضرت زهرا و دوازده امام علیهم‌السلام آمدند و در عقب سر آنان چهارده نفر از علماء بزرگ که آخرین آنها مرحوم پدرم بود آمدند ناگاه دیدم دری از پائین گشوده و دو نفر با قیافه هولناکی وارد و به حضرت رسول (ص) عرض کردند اجازه می‌فرمائید از او سؤال کنیم فرمود نه از من بپرسید عرض کردند سمعا و طاعه.

یا رسول اللّه من ربک فرمود اللّه جل جلاله ربی من نبیک فرمود انا نبی نفسی تا آخر عقاید.

پس گفتند حال اجازه می‌فرمائید از او بپرسیم فرمود نه از پسر عمویم علی سوال کنید پرسیدند پس از پایان باز کسب اجازه کردند فرمود نه از دخترم بپرسید، پرسیدند و هر کدام جواب می‌دادند می‌گفتند نه از حسن و از حسین تا آخر حضرت مهدی بپرسید و آنها می‌پرسیدند و حضرات جواب می‌دادند تا بعد از جوابهای چهارده معصوم علیهم‌السلام معروض داشتند حالا بپرسیم فرمودند آری و ارفقابه با وی مدارا کنید. مرحوم آشتیانی فرمود از تلقین حضرت رسول (ص) و ائمه علیهم‌السلام من روان شده و عقایدی که از هول و ترس از یادم رفته بود به یادم آمد پس تا پرسیدند من ربک فورا گفتم اللّه جل جلاله ربی گفتند من نبیک گفتم هذا محمد بن عبداللّه (ص) نبیی.

من امامک گفتم هذا علی بن ابی‌طالب امامی و هر جوابی که می‌دادم پیغمبر (ص) من علماء مخصوص پدرم خوشحال و خندان می‌شوند تا پس از پایان سؤال و جواب پیغمبر (ص) حرکت نموده و از همان در که آمده رفتند و در اثر آن حضرت حضرات ائمه علیهم‌السلام یکی بعد از دیگری رفته و قبر تاریک می‌شد گفتم لابد علماء و پدرم آمده‌اند که من تنها نباشم دیدم آنها هم بعد از ائمه علیهم‌السلام رفتند و چنان قبر تاریک و وحشتناک شده و از خواب بیدار شدم.

برادر ارجمندشان جناب مستطاب حجه‌الاسلام والمسلمین آیت‌اللّه آقای حاج میرزا احمد آشتیانی که ترجمه‌شان در ص ۳۶۴ جلد چهارم گذشت در روز چهارشنبه پانزدهم جمادی‌الثانی ۱۳۹۵ وفات نموده و با تجلیل و تشییع فراوان از تهران حمل به شهر ری و در جوار حضرت عبدالعظیم در مقبره برادرش مرحوم آقا میرزا مصطفی افتخار آشتیانی مدفون گردیدند.

از یادگارهای ایشان گذشته از کتب و تالیفات دو فرزند دانشمند به نام آیت‌اللّه حاج میرزا محمدباقر آشتیانی و حجهٔ‌الاسلام آقامیرزا محمدصادق آشتیانی می‌باشد.

(ح ۱۳۶۵ -۱۲۸۱ ق)، فقیه و اصولی. او از محضر پدر بهره کافی برد و همراه وی به مکه رفت. در بازگشت در نجف ماند و از مجالس درس میرزا حبیب‌اللّه رشتی و آخوند خراسانی و دیگران سود جست. وی از بزرگ‌ترین فقهای زمان خود به شمار می‌آمد و از علمای بانفوذ ایران بود. در جنبش مشروطیت شرکت داشت و در قضیه‌ی بانک روس و حوادثی که منتهی به لغو امتیاز آن گردید، نیز دخالت بسزایی داشت. مدتی که در مشهد اقامت داشت (۱۳۵۳ -۱۳۴۰ ق)، ریاست و سرپرستی حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد را برعهده داشت. در سال ۱۳۶۰ ق به عراق رفت و دو سال مقیم کربلا بود. و سپس به ایران آمد و تا پایان عمر در مشهد زیست. کتابی در باب «اجاره»، بر مبنای تقریرات او، باقی است. میرزا محمود آشتیانی و اسماعیل آشتیانی فرزندان او هستند.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه :[۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۷ -۳۵ / ۱)، شرح حال رجال (۲۶۰ / ۶)، گلزار معانی (۲۰ -۱۶)، گنجینه‌ی دانشمندان (۹۶ -۹۵ / ۷).

آشتیانی، مصطفی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۷ -۱۲۸۴ ق)، شاعر، متخلص به صهبا. مشهور به افتخار یا افتخارالعلماء. در تهران متولد شد. پسر دوم میرزا حسن آشتیانی است. در جنبش مخالفت با نوز بلژیکی نقش مهمی ایفا کرد. در نهضت مشروطیت نیز فعالانه شرکت کرد و نهایتاً در منزلش در جوار مرقد حضرت عبدالعظیم ترور شد. و در مقبره افتخار آشتیانی مدفون است. از آثار منظور او «افتخارنامه‌ی حیدری» است که به سبک «شاهنامه» فردوسی در مدیح پیامبر سروده شده است. طبق نوشته‌ی آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی «مثنوی افتخارنامه حیدری» در ۲ مجلد، اولی در جنگهای پیامبر (ص) و دومی در جنگهای بعد از پیامبر در ۱۸ هزار بیت که بعدها تحت عنوان جعلی «حمله حیدری» چاپ شد. «دیوان صهبای آشتیانی» نیز از او است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۱۸ /۱۹، ۶۲۲ /۹، ۲۵۷ -۲۵۶ /۲)، ریحانه (۴۸۰ /۳)، فرهنگ سخنوران (۵۶۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۶۴ -۳۶۳ /۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲۰۶ -۲۰۴ /۶).

آشتیانی، هدایت اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۰ ق)، شاعر و دانشمند. وی فرزند میرزا حسین آشتیانی و پدر دکتر محمد مصدق و برادرزاده‌ی میرزا حسن مستوفی الممالک اول از رجال بزرگ عصر ناصری، و آشنا به معارف اسلامی بود. بین میرزا هدایت‌اللّه و پسر عمویش، میرزا یوسف مستوفی الممالک دوم، یا بر اثر فتنه‌انگیزی دیگران یا رقابت، همواره اختلاف بود. امّا هنگامی رنجیدگی میرزا هدایت‌اللّه به اوج رسید که با همه‌ی کدورت با مستوفی الممالک مجبور شد، بعد از مرگ میرزایوسف، به امر ناصرالدین شاه معاون یا نایب میرزاحسن مستوفی الممالک سوم باشد و دنباله‌رو پسربچه‌ای یازده ساله شود و کارها را او بگرداند و عنوان شغل از آن دیگری باشد، آن هم طفلی نابالغ. وی چندی وزیر لشکر و مدتی هم وزیر دفتر بود و گاهگاهی هم شعر می‌سرود. در تأویل آیات و تحقیق بطون روایات از دانشوران شمرده می‌شد. میرزا هدایت‌اللّه بر اثر مرض و با فوت کرد. اثر او است: «تحفهٔ الخواص»، در فضائل امیرالمومنین (ع) و اسامی آن حضرت استخراج شده از قرآن.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۲۰۶۰ -۲۰۵۷ /۳)، الذریعهٔ (۱۶۶ /۲۶)، شرح حال رجال (۴۲۷ -۴۲۲ /۴)، المآثر والآثار (۱۹۸)، مؤلفین کتب چاپی (۷۷۲ -۷۷۱ /۶)، مجمع الفصحا (۱۱۷۱ /۶).

آشفته اصفهانی، حسینعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۲ ق)، شاعر. به سراجی اشتغال داشت. وی از شعرای انجمن ادبی ابوالفقراء بود. چنانکه در قصیده‌ی انجمنیه عمان سامانی نامش ذکر شده است: «وان دگر آشفته کز اشعار نغز دلنشین/ می‌برد آشفتگی بیرون ز طبع انجمن». آشفته را پس از مرگ در لسان الارض اصفهان به خاک سپردند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ القبور (۱۱ -۱۰). حدیقهٔ الشعراء (۳۸ /۱).

آشفته ایروانی، کلب حسین بیگ

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ۱۳ ق)، شاعر. وی اصلًا از ایروان و عمویش، حاج ملا محمد، شیخ‌الاسلام آن شهر بود. در جوانی به تهران آمد و از ملازمان خدمت ظل‌السلطان علی‌شاه پسر فتحعلی شاه گردید. آشفته از اهل دانش و از آشنایان به تاریخ سلاطین بود. دیوان یا مجموعه‌ی اشعار او به دست نیامده است. نمونه‌ی اندکی از شعر او را در تذکره‌ها می‌توان دید و از همین اندک چنین برمی‌آید که اشعار او بیشتر غزل بوده است. شیوه‌ی او در غزلسرایی به سبک معروف به هندی نزدیک است و مضامین نو در اشعارش دیده می‌شود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی دلگشا (۲۱۳)، دانشمندان آذربایجان (۱۳ -۱۲)، الذریعه (۷ /۹)، سفینهٔ المحمود (۶۵۷ -۶۵۶ /۲)، فرهنگ سخنوران (۷)، لغت‌نامه (ذیل/ آشفته)، مجمع الفصحا (۱۴۰ -۱۳۹ /۴)، مصطبه خراب (۱۵).

آشفته تهرانی، امیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و قشرشناسی از ایران و فرانسه.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح تعاونیهای روستائی، تدریس دروس جامعه‌شناسی عمومی، جمعیت‌شناسی، مردم‌شناسی و قشرشناسی به مدت ۲۵ سال، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

برنامه‌ریزی فرهنگی و توسعه اقتصادی، جامعه‌شناسی، مدیریت.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

جامعه‌شناسی جمعیت، اقتصاد جمعیت، جمعیت‌شناسی، جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی کشورهای جهان سوم.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

آشفته دزفولی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۱ ق)، شاعر، متخلص به آشفته. معروف به فصیح‌السلطنهٔ. وی اصلاً از سادات رضوی کاشان بود که در دزفول به دنیا آمد. در جوانی به تحصیل علوم ادبی و دینی پرداخت. چندی در جامه درویشی ایرانگردی کرد. در مازندران گرفتار ترکمنان شد و چون از بند آنان گریخت به مشهد رفت و دو سال در بقعه خواجه ربیع معتکف شد. پس از سفری به کرمانشاه در تهران اقامت گزید. وی از ناصرالدین شاه لقب فصیح‌السلطنهٔ گرفت و با مقرری دولتی روزگار گذراند. او نقابت درویشان دزفول را داشت. وی در سفر عتبات در راه نجف اشرف درگذشت. آشفته در انواع شعر دست داشت و مجموعه اشعاری که در مدح ائمه اطهار (ع) سروده بود در دفتری به نام «ضیاءالمنیر» به چاپ رساند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۳۱ /۱۵)، مؤلفین کتب چاپی (۸۱ -۸۰ /۲)، مکارم الآثار (۶۳۹ -۶۳۸ /۳).

آشفته شیرازی، کاظم، محمد کاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۸ ق)، شاعر و مستوفی. اجدادش در زمره‌ی بزرگان شیراز و از دیرباز علاوه بر منصب کدخدائی منصب کلانتری حومه شیراز را نیز داشتند. وی در زادگاهش به تحصیل علوم ادبی و عربی و عروض و خوشنویسی پرداخت. از جوانی وارد کار دیوانی شد. در ۱۲۷۷ ق که سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه والی خراسان شد به منصب کلانتری مشهد رسید. آشفته پس از چهار سال به شیراز برگشت و پس از مدت کوتاهی که در بهبهان به سر برد، سفرهایی برای زیارت به عتبات کرد و فریضه‌ی حج را نیز به جای آورد. سپس به شیراز بازگشت و تا پایان عمر در همان جا ماند. وی مراثی بسیاری برای تعزیه سروده است. غزلیاتش اغلب در مدح معصومین و قصائدش در مدح امیرالمومنین (ع) است. اشعار او ساده و روان و خالی از تعقیدات است. وی در نجف اشرف مدفون است. از وی «دیوان» اشعار به جا مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۴۳۴ -۴۳۳)، ایضاح المکنون (۴۸۳ /۱)، حدیقهٔ الشعراء (۴۹ -۳۹ /۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۴ -۳۰ /۱)، الذریعه (۷ /۹)، ریحانه (۴۹ /۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۷۳ -۹۷۲ /۲، ۸۲۳ /۱)، فرهنگ سخنوران (۷)، مرآت الفصاحهٔ (۲۷ -۲۶)، هدیهٔ العارفین (۸۳۷ /۱).

آشفته قاجار، رضاقلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۷۴ ق)، شاعر و نقاش. جد وی، فضلعلی‌خان، در جنگهای ایران و روس در زمان فتحعلی‌شاه شرکت داشت و پدرش هم حکومت شهرها و ایالات کوچک را دست داشت. آشفته در تحصیل مقدمات ادب کوشید و در فن نقاشی هم مهارت به دست آورد. وی شعر نیز می‌سرود. به آورده‌ی «گنج شایگان» آشفته در علم قافیه و عروض رساله‌ای داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۵۲ -۵۰ /۱)، فرهنگ سخنوران (۷)، گنج شایگان (۱۵۱ -۱۴۷).

آشفته، سید علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۹ -۱۲۸۰ ق)، عالم، خطاط و شاعر، متخلص به آشفته. نسبش به آقا سید علی حسینی صاحب مقامات منتهی می‌شود. جد اعلای او از هرات به مشهد مهاجرت کرد و از آنجا اولادش به تهران آمدند. آشفته در کربلا به دنیا آمد. در نوجوانی به تحصیل علوم مشغول شد. پس از تکمیل مقدمات به ایران آمد و در بیست و دو سالگی به عراق بازگشت و در سامراء سکنی گزید و مدت چهار سال در محضر میرزای شیرازی استفاضه کرد. در ۱۳۰۶ ق به کربلاـ مراجعت کرد. طبع شعر نیکویی داشت، و تخلص‌های متفاوت، اما آخرین تخلص او آشفته بود. خط نسخ را بخوبی می‌نوشت و کتابهای بسیار به خط خود به یادگار گذاشت. وی به تألیف و تصنیف نیز پرداخت اما هیچ یک به اتمام نرسید. صاحب کتاب «نزههٔ العیون» خواهرزاده و شاگرد او است. پاره‌ای از اشعار وی در «نزههٔ العیون» آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :نزهه العیون (۷۷ -۷۳).

آشنا، محمدطاهر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۸۱ ق)، مورخ و شاعر شیعی، متخلص به آشنا. ملقب به عنایت‌خان و خان زمان. اصل وی از تربت خراسان بود. او و پدر و جدش در دستگاه گورکانی هند دارای اعتبار و نفوذ بودند و در پرورش شاعران و ادیبان پارسی‌گوی شهرت فراوان داشتند. آشنا در درگاه شاهجهان صاحب منصب بود و در اواخر پادشاهی او عهده‌دار سرپرستی کتابخانه‌ی شاهی شد. وی در اوایل سلطنت اورنگ زیب در کشمیر گوشه‌گیری کرد و سرانجام در همان جا درگذشت. از آثار وی: «دیوان» اشعار؛ سه مثنوی منظوم، که از آن جمله مثنوی در صعوبت راه کشمیر است؛ خلاصه‌ی «پادشاه نامه» ملا عبدالحمید لاهوری تحت عنوان «ملخص»، به نثر در احوال سی سال پادشاهی شاهجهان.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۴۵ ،۴۸۳ -۴۸۲ /۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۸)، الذریعه (۱۰۰۰ ،۷ /۹)، شام غریبان (۳۹)، فرهنگ سخنوران (۷)، لغت‌نامه (ذیل/ آشنا)، نشتر عشق (۱۱۹ -۱۱۸ /۱)، یغما (س ۹، ش ۲، ص ۸۲).

آشناگر، علمدار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی آلی، دانشکده: داروسازی، دانشگاه: علوم پزشکی اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی با رتبه اول از دانشگاه جندی شاپور سابق در سال ۱۳۵۶، کارشناسی ارشد شیمی هیدروکربورها و نفت از دانشگاه Umist منچستر در سال ۱۳۵۷، دکترای شیمی و فوق دکترای سنتز ترکیبات کینونی از دانشگاه منچستر.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

سنتز داروها، ترکیبات شیمیائی مورد نیاز صنایع پتروشیمی و آنالیز ترکیبات، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

سنتز مواد آلی، جداسازی و شناسائی مواد آلی با استفاده از روش‌های کلاسیک جدید کروماتوگرافی و اسپکتروسکوپی، تعیین ساختمان ترکیبات آلی با استفاده از طیف‌ها.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

سنتز داروهایی که خصلت آنتی ترمو دارند مانند انواع نفتوکینون‌ها و آنتراکینون‌ها و بررسی مکانیزم درمانی آنها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

آشنای نهاوندی، نجف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر و خطاط. اصلش از نهاوند است. وی در کتابت ممتاز و در زمره‌ی منشیان شاهزاده محمود میرزا قاجار، پسر چهاردهم فتحعلی‌شاه، بود و شاهزاده‌ی مذکور در «تذکره‌ی» خود از کمال خط نستعلیق او تعریف نموده و چند شعر از او نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۵۴ -۵۳ /۱)، سفینهٔ المحمود (۱۴۳ -۱۴۲ /۱)، فرهنگ سخنوران (۷).

آشنای یزدی، عبدالکریم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به آشنا. از آن رو این تخلص را اختیار کرده بود که امورش به تجارت می‌گذشت. وی با وامق یزدی نویسنده‌ی کتاب «تذکره‌ی میکده» معاصر بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۳۳۴ -۳۲۶ /۲)، حدیقهٔالشعراء (۵۴ /۱)، فرهنگ سخنوران (۸).

آشوب ایروانی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. میرزااسماعیل از مدیحه‌سرایان فتحعلی شاه بود. او صوفی مسلک بود. اثر وی «دیوان» اشعار است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۱۳)، الذریعه (۷ /۹)، فرهنگ سخنوران (۸)، مصطبه خراب (۱۴).

آشوب آشتیانی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۷ -۱۲۸۵ ق)، شاعر، متخلص به آشوب. فرزند میرزا اسماعیل‌خان عماد لشکر بود. وی به همراه پدر خود که او نیز از دانشمندان بود از آشتیان به تبریز رفت و تحصیلات خود را در آن شهر گذراند و در آنجا مورد تشویق حسنعلی‌خان امیر نظام گروسی پیشکار ولیعهد در آذربایجان قرار گرفت و از مظفرالدین شاه لقب خانی گرفت و در دارالانشاء به دبیری اشتغال یافت. در سال ۱۳۳۰ ق در ایام انقلاب تبریز از ترس به بلژیک گریخت و چندی در آنجا به دبیری زبانهای شرقی مشغول بود سپس به تبریز بازگشت. آشوب دارای تألیفاتی است که از آن جمله‌اند: «چهارده بند از ادب»، شعر؛ «تبریک نامه»، شعر؛ «چهارده بند در مصیبت خامس آل‌عبا»، شعر؛ «وطنیات»، شعر؛ تصحیح ترجمه «نهج‌البلاغه» که اصل ترجمه‌ی آن از حاج ملا صالح برغانی بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۱۶۱ -۱۶۰ /۶)، فرهنگ سخنوران (۸)، گلزار جاویدان (۱۸ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۶۶ /۴).

آشوب تهرانی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۶۹ ق)، شاعر و خطاط. وی برادر میرزا ابوالحسن منشی بود و در نگارش نظم و نثر و خوشنویسی مهارت داشت. آشوب به کارهای دیوانی مشغول و از منشیان مقتدر بود. وی با رضاقلی خان هدایت، صاحب «مجمع الفصحا» معاصر است. قصیده و غزلی از او در «گنج شایگان» آورده شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۴۲ /۴)، حدیقهٔ الشعراء (۵۶ -۵۴ /۱)، فرهنگ سخنوران (۸)، گنج شایگان (۱۴۶ - ۱۴۴)، لغت‌نامه (ذیل/ آشوب)، مجمع الفصحا (۱۳۴ -۱۳۳ /۴).

آشوب دیلمقانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. میرزامحمد دیلمقانی از سخنوران عصر خویش بود و غزلیات وی مشهور است. این مطلع و مقطع یکی از غزلهای او است:

ز اشتیاق تو کردم ز بس که ناله و شیون

ز خون دیده به هر سو دمید سنبل و سوسن

پریوشی که به سر نیست میل صحبت «آشوب»

ز عقل نیست به کویش کنم مقام و نشیمن

«دیوان» شعری از او به جا مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۱۳)، الذریعه (۷ /۹)، فرهنگ سخنوران (۸).

آشوب مازندرانی، حسین، محمدحسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۹۹ ق)، شاعر، متخلص به آشوب. ملا محمدحسین از قریه «سورکست» مازندران بود. به هند رفت و به خدمت ظفرخان اَحْسَنْ درآمد. سپس به ایران آمد و مجدداً به هند مهاجرت کرد و در آنجا درگذشت. اثر وی «دیوان» اشعار است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۰۹)، الذریعه (۸ -۷ /۹)، شام غریبان (۳۷)، صبح گلشن (۶)، فرهنگ سخنوران (۸)، کاروان هند (۳ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ آشوب)، نشتر عشق (۱۱۳ /۱).

آشوب همدانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی نکته‌سنج و لطیفه‌پرداز و قصه‌دان، و سیدی نیک نهاد بود. ذوقی عارفانه داشت و غالباً اشعاری نیز در توحید می‌سرود. نصرآبادی در «تذکره» خود از او به عنوان میرآشوب همدانی یاد کرده است. آشوب معاصر شاه‌عباس دوم (۱۰۷۵ -۱۰۵۱ ق) بود و در خدمت مرتضی قلی‌خان قورچی باشی به سر می‌برد. حاتم بیگ همدانی درباره‌ی پرحرفی وی گفته است: عجب دارم از میرآشوب، با آنکه تاکنون گوش به سخن کسی نداده نمی‌دانم این قصّه‌ها را از کجا فراگرفته است؟.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۱۴ /۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۲۵ -۳۲۴)، الذریعه (۸ /۹)، صبح گلشن (۶)، فرهنگ سخنوران (۸)، نشتر عشق (۱۱۴ /۱).

آشوبی نطنزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط و شاعر. در اوایل دوران شاه‌عباس اول صفوی می‌زیست. «دیوان» شعری از او به جای مانده است. آشوبی خط نستعلیق را به غایت نیکو می‌نوشت. وی پیش از تألیف «تذکره‌ی هفت اقلیم» توسط امین احمد رازی (۱۰۰۲ ق) درگذشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱ /۱)، الذریعه (۷ /۹)، صبح گلشن (۶)، لغت‌نامه (ذیل/ آشوبی)، مستدرکات اعیان (۴ /۳)، هفت اقلیم (۴۴۱ /۲).

آشوری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم جزائی و جرم‌شناسی دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی حقوق قضائی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد علوم جزائی و جرم‌شناسی از دانشگاه اکس مارسی فرانسه در سال ۱۳۴۷، دکترای دولتی علوم جزائی و جرم‌شناسی از دانشگاه پاریس ۲ فرانسه در سال ۱۳۵۰، مدال درجه اول در زمینه حقوق از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مهاجرت‌های روستایی و رابطه آن با جرم، خودکشی در تهران، ارزش قضائی روشها و ابزار نوین، شناخت جرم و شهادت، بررسی عوامل جرم در منطقه خوزستان، موقعیت دادسرا در لایحه آئین دادرسی کیفری، تدریس دروس آئین دادرسی تطبیقی، قرارهای بازداشت موقت، آئین دادرسی کیفری ۱ و ۲، جرم‌شناسی، تاریخ تحولات حقوق کیفری جامعه‌شناسی کیفری و نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر در دانشکده حقوق تهران و مجتمع آموزش عالی قم.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

آئین دادرسی کیفری، نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر و دفاع اجتماعی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

لزوم جبران خسارت زندانیان بی‌گناه، توقیف احتیاطی، عدالت کیفری از دیدگاه حمورابی، حقوق جزایی نوین آلمان در بوته آزمایش.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

آصف ابراهیمی کرمانی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۷ ش)، شاعر. پدر وی صاحب کتاب «گلشن» بوده و وکیل کرمان. آصف مردی سلیم النفس و خوش‌صحبت بود. وی امثال را منظوم می‌ساخت که بعضی از آنها را علامه دهخدا در «امثال و حکم» خود نقل کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ستارگان کرمان (۴۲).

آصف اصفهانی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح س سیزدهم ق)، شاعر. اصلاً از اهالی چهارمحال بختیاری و از قریه‌ای به نام قفای رخ بود. از معاشران و معاصران قطره‌ی چارمحالی اصفهانی است. یک بیت شعر از او در «حدیقهٔ الشعراء» آمده است:

در ترازوی محبت با نگار سنگدل

هم ترازو تا شدم خود را ز سنگ انداختم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱/ ۵۶).

آصف بهبهانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۱۵ ق)، شاعر. وزیر امامقلی خان بیگلربیگی فارس بود. پس از عزل میر ابوالولی انجویی در عهد شاه‌عباس و انتصاب میرمعزالدین مشهور به قاضی‌خان، از سادات سیفی قزوین، این تاریخ را آصف بهبهانی گفته است:

روزی که ابوالولی انجویی را

افکند ز منصب صدارت دوران

جایش به معزدین محمد دادند

از روی حساب گشت تاریخ همان

(۱۰۱۵)

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۸۲)، الذریعه (۸ /۹)، فرهنگ سخنوران (۸)، گلزار جاویدان (۱۹ /۱).

آصف تویسرکانی، امین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. برادر میرزاطاهر، وقایع‌نویس عصر شاه‌عباس صفوی، بود. بعد از برادر خود منصب برادر را به وی سپردند. در ۱۰۸۳ ق ولایت قندهار به او سپرده شد. دو بیت زیر از او است:

تا کی طلب روزی هر روزه کنی

اسباب طرب ز لعل و فیروزه کنی

در چشمه‌ی حیوان اگر آید اجلت

مهلت ندهد که آب در کوزه کنی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۸۳ -۸۲)، الذریعه (۸ /۹)، فرهنگ سخنوران (۸).

آصف قزوینی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۳۶ ق)، فقیه. در قزوین متولد شد. مراتب علمی را تا تحصیل اجتهاد در اصفهان طی کرد. سپس به قزوین و از آنجا به تفلیس رفت و به تدریس فقه و اصول پرداخت. چند سال بعد دوباره به اصفهان رفت و دچار فتنه‌ی افغان و محاصره‌ی اصفهان و قحط و غلا گردید و کمر همت به یاری برادران دینی بست و مواسات بسیاری با آنان کرد. از آثار او است: شرح «خطبه همّام» از خطب امیرالمؤمنین (ع)، که برخی آن را ستوده‌اند و بهترین شرح دانسته‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۸۷ /۲)، تذکرهٔ القبور (۱۱)، الذریعه (۲۲۶ /۱۳، ۱۱۳ /۷)، ریحانه (۴۴۸ -۴۴۷ /۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱ /۱۲)، فوائد الرضویه (۵۳)، مینو در (۲/ ۷۶۳).

آصف‌الدوله شیرازی، عبدالوهاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۴ -۱۲۴۲ ق)، شاعر، متخلص به یزدانی. ملقب به نایب الوزاره و نصیرالدوله. در شیراز متولد شد. مقدمات علوم ادبی و عربی را به خوبی فراگرفت؛ و چون استعداد و حافظه‌ای قوی داشت به سرعت در ادبیات عربی و فارسی و سرودن اشعار ترقی کرد. برای ادامه و تکمیل تحصیلاتش به تهران آمد. ابتدا به خدمت اعتضاد السلطنه رسید و علوم ریاضی و نجوم و هیئت را نیز فراگرفت. سپس در زمره‌ی منشیان وزارت امور خارجه درآمد و بعد به سمت کارگزار آذربایجان به تبریز رفت و در سال ۱۲۸۷ ق به نیابت از

میرزا سعیدخان مؤتمن الملک حکومت گیلان را عهده‌دار شد. در سال ۱۳۰۱ ق نیز مأمور حکومت خراسان شد. تا اینکه در ۱۳۰۳ ق به تهران بازگشت. اندکی بعد دچار جنون شد و به سکته قلبی درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۲۱۲۰ -۲۱۱۶ /۳)، شرح حال رجال (۳۱۷ -۳۰۱ /۲)، گنج شایگان (۵۳۳ -۵۲۹)، مکارم الآثار (۱۱۷۹ -۱۱۷۸ /۴)، یادگار (س ۵، ش ۶ و ۷، ص ۳۷ -۲۷).

آصفای قمی، محمدقلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از ایل بهارلو بود. اما چون مدت زیادی در قم اقامت داشت به قمی مشهور شد. در اصفهان مدتی نویسنده‌ی میرزا حبیب‌اللّه صدر بود. سپس به هندوستان و مکه مسافرت کرد و در هند اقامت گزید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۲۵)، الذریعه (۸ /۹)، شام غریبان (۳۷ -۳۶)، کاروان هند (۵ -۴ /۱)، نشتر عشق (۹۱ -۹۰ /۱).

آصف‌خان قزوینی، قوام‌الدین، جعفر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۱ ق)، شاعر. پدرش از جانب شاه‌طهماسب صفوی وزارت کاشان داشت. خود وی در قزوین متولد شد و در همانجا به تحصیل علم سیاق و ادب پرداخت و به تتبع دیوانهای استادان آن روزگار پرداخت. وی با شاعرانی چون میرزا سلمان حسامی و ضمیری اصفهانی معاشرت داشت. زمانی که به علت فتنه‌های مختلف پس از مرگ شاه طهماسب، اوضاع ایران به بی‌سامانی کشیده شد، تصمیم گرفت که به هند مهاجرت کند. در آن دیار نیز از خاصگان دربار اکبرشاه و پسرش جهانگیر گورکانی شد. در عهد اکبرخان به آصف‌خان ملقب گردید و در عهد سلطنت جهانگیر به وزارت رسید. از جمله آثار او کتابی است به نام «نورنامه» که گویا بعد از «خسرو و شیرین» نظامی آن را سرآمد همه‌ی منظومه‌های همسان آن دوران می‌دانستند. آصف‌خان «دیوان» اشعاری نیز دارد که در آن انواع شعر غزل و قصیده و رباعی و ترجیع‌بند نیز آمده و خود نیز مقدمه‌ای به نثر بر آن نوشته و سرگذشت خود را در آن شرح داده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۵۸ -۱۱۵۶ /۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۲۴ -۹۱۹ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۳۱)، تذکره‌ی میخانه (۱۶۴ -۱۶۰، ۱۶۰ -۱۵۵ پانوشت)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۵ -۵۳)، الذریعه (۱۹۸ /۹)، عالم آرای عباسی (۳۵۷ /۱)، فرهنگ سخنوران (۲۱۲)، لغت‌نامه (ذیل/ آصف‌خان)، مینو در (۳۵۶ /۲)، هفت اقلیم (۱۷۵ -۱۷۱ /۳).

آصفی شیرازی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۶۰ ق)، شاعر. از معاصران و شاگردان عبدالرحمان جامی بود؛ او و شعرای عصرش هر جمعه اشعار خودشان را جهت اصلاح و استعلام نیک و بد به نظر جامی می‌رساندند. و به آورده‌ی «مرآت الخیال»: «و جامی شعر آصفی را در آخر استماع می‌کرد و می‌گفت می‌خواهم در مذاقم بماند». از آثار او: «دیوان» شعر است. سعید نفیسی او را با آصفی هروی (وف ۹۲۱ ق) یکی دانسته است، ولی از تاریخ وفاتشان چنین برمی‌آید که دو نفر باشند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۱۶۴ /۲)، فرهنگ سخنوران (۹)، مرآت الخیال (۷۵)، نشتر عشق (۹۰ -۸۶ /۱).

آصفی هروی، آصف

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۲۳ -۸۵۳ ق)، شاعر. پدرش وزیر سلطان ابوسعید تیموری بوده است و ظاهراً بنا بر سابقه‌ای که به وزیران لقب آصف (وزیر حضرت سلیمان) می‌دادند، کلمه‌ی «آصفی» را تخلص خویش قرار داده است. جد آصفی، علاءالدین علی نیز در عهد امیر تیمور خدمت دیوانی می‌کرده است. آصفی با امیرعلیشیر نوایی محشور بود و نزد شاهزاده میرزا بدیع‌الزمان تقرب داشت و خدمت سلطان

حسین بایقرا را نیز دریافت. خواجه آصف غزل و قصیده را نیکو می‌سرود و در رباعی و مثنوی نیز استادی داشت، و مثنویی نیز بر وزن «مخزن الاسرار» سروده است. «دیوان» اشعار او به اهتمام هادی ارفع به طبع رسیده است. هر چند در تاریخ وفات او بین ۹۲۰ تا ۹۲۸ ق اختلاف آراء وجود دارد، ولی بنا بر ماده‌ی تاریخی که در مرگ وی در «تذکره‌ی نصرآبادی» آمده است چنین برمی‌آید که ۹۲۳ ق صحیح‌تر باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۵۲ –۷۵۰ /۲)، ایضاح المکنون (۴۸۳ /۱)، تاریخ ادبیت در ایران (۳۷۴ –۳۶۹ /۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۰۹ –۳۰۸)، تحفه‌ی سامی (۱۶۵)، تذکره‌ی روز روشن (۱۰)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۷۱)، تذکرهٔ الشعراء (۵۸۶ –۵۸۴)، حبیب السیر (۳۵۴ /۴)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۲ /۱)، الذریعه (۹ –۸ /۹)، روضهٔ الصفا (۲۹۰ /۷)، ریحانه (۵۰ –۴۹ /۱)، فرهنگ سخنوران (۹)، لغت‌نامه (ذیل/ آصفی)، مجالس النفائس (۲۳۲ –۲۳۱ ،۵۹ –۵۸)، مواد التواریخ (۳۵۹ –۳۵۸)، نام‌آوران فرهنگ (۹۴ –۹۳)، هفت اقلیم (۳۲۷ –۳۲۶ /۲)، یغما (س ۱۷، ش ۶، ص ۲۸۴ –۲۸۲).

آصفی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا حسین بن آصفی عالمی کامل و بزرگوار از تلامذه میرزای شیرازی بود. و قبل از ۱۳۱۰ وفات نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

آصفی، محمدمهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی آصفی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۶/۱/۱

محمد مهدی آصفی در سال ۱۳۱۶ ه.ش در یک خانواده روحانی در نجف اشرف متولد شد، پدر او، مرحوم آیت الله شیخ علی محمد آصفی بروجردی (ره) از علماء و فقهای نجف بود. مادر او دختر فقیه بزرگوار مرحوم آیت الله شیخ محمد تقی بروجردی است.

ایشان از دوران نوجوانی با حوزه علمیه ارتباط پیدا کرد و پس از گذراندن مقدمات دروس علوم دینی، وارد مقطع سطح حوزه علمیه شد و از استادان بنامی استفاده برد، همچون آیات عظام شیخ مجتبی لنکرانی (درس فقه) شیخ صدرا بادکوبی (درس اصول)، سرابی (تفسیر)، شیخ محمد رضا مظفر(منطق)، شیخ عبدالمنعم فرتوسی (بلاغت و معانی و بیان).

او همگام با دروس حوزوی، درس‌های دانشگاهی را تا مقطع فوق لیسانس دانشگاه بغداد در رشته معارف اسلامی ادامه داد.

استادان گرانقدری که او در مرحله عالی حوزه یعنی درس خارج از آنها بهره جست عبارتند از: آیات عظام میرزا باقر زنجانی، شیخ حسین حلّی، حکیم، امام خمینی و ابوالقاسم خویی (رحمهٔ الله علیهم.)

وی دارای تألیفات زیادی از جمله «ملکیهٔ الارض فی الاسلام» است که در نجف نوشت و سی سال پیش آیت الله شیخ مرتضی آل یاسین و آیت الله میرزا هاشم آملی با استناد به این کتاب، به وی اجازه اجتهاد دادند.

وی که در فقه و قرآن صاحب نظر می باشند، فعلاـ به تدریس خارج فقه (تخریج فقهی مسائل بانکداری) و تکمیل کتابهای فی رحاب القرآن (که در حکم یک تفسیر موضوعی است در ۱۲ جلد) اشتغال دارند.

از خدمات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی او عبارتند از: تا چندی پیش حدود سی سال در کادر رهبری حزب الدعوه عراق بود و مدتی است که از این حزب به دلائلی بیرون آمده. مؤسسه خیریه امام باقر (ع) را تأسیس کرد که تقریباً ۶۷۰۰ خانواده پناهنده عراقی و افغانی را در بیش از ۳۳ نقطه از جمهوری اسلامی ایران، سرویس دهی می کند. ایجاد مجتمع های مسکونی (حدود ۱۱۰ واحد مسکونی) برای ایتام در قم و ۲۲۰ واحد مسکونی برای کمک های مادی و معنوی به مؤمنین در داخل عراق و داخل کشور افغانستان.

آغا سلطان

قرن:۱۰

جنسیت:زن

ملیت:ایران

پس از ۹۳۸ ق، از زنان فاضل، عابد و نیکوکار. او دختر طهماسب قلی بیگ از بزرگان دولت صفوی بود. آغاسلطان در دربار

پادشاهان صفوی بزرگ شد و علوم و فنون اسلامی و ادبیات را از فاضلترین علمای اصفهان فراگرفت. وی در اصفهان آثار و اقدامات ارزشمندی انجام داد که از جمله آنها تعمیر و بنای یک قسمت از مسجد جامع اصفهان و تعمیر و تزیین قسمت دیگری است که صاحب بن عباد بنا نهاده بود. به نوشته تذکرةالقبور، آغا سلطان در اصفهان درگذشت و در بقعه علی بن سهل دفن شد.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات)، ۸ / ۴؛ تذکرةالقبور، ۲۸؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ۱۰۱، ۹۲.

آغا کوچک

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن سیزدهم هجری، از زنان شاعر. پدرش شاهزاده سیف‌اللّٰه سردار مفخم و مادرش آغا، نوه‌ی عبدالوهاب معتمدالدوله، متخلص به نشاط بود. از اینرو نسب او از یک طرف به فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) و از طرف دیگر به سلسله صفوی می‌رسید. رباعی زیر از اوست:

گویند بهشت و حور و کوثر باقیست

در روز جزا دوزخ و محشر باقیست

دوزخ چه بود بغض علی و آلش

جنت به محبت پیمبر باقیست

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره نهم، ۴۹؛ از رابعه تا پروین، ۵۵؛ اعیان‌الشیعه (مستدرکات)، ۴ / ۳؛ تذکرةالخواتین، ۱۱؛ تراجم اعلام‌النساء، ۱۹۵ / ۱؛ خیرات حسان، ۱۱ / ۱؛ دایرةالمعارف تشیع، ۱۲۰ / ۱؛ الذریعه، ۹ / ۹؛ ریاحین‌الشریعه، ۳۲۳ / ۳؛ زنان سخنور، ۸ -۷ / ۱؛ لغت‌نامه دهخدا، ش ۳۰۲۸ / ۱۳۶؛ مرآت‌الخیال، ۳۳۷.

آغاباجی، آغابیگم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۸ ق)، شاعر. ملقب به آغاباجی. آغابیگم از اهالی قره باغ و همسر فتحعلی شاه قاجار بود. زنی عابد و زاهد و از شاعران خوش‌سخن بود. گویند همواره از مخالفان دربار و شاهزادگان بود و با به قولی هرگز به مضاجعت شوی خویش درنیامد و تا پایان عمر باکره ماند، ولی فتحعلی شاه احترام خاصی برای وی قائل بود. آغابیگم خانه‌ای در امامزاده قاسم بنا نمود و اوقات خود را در آن می‌گذراند، سپس به قم رفت و اعتکاف ورزید و در همان جا درگذشت. اثر وی «دیوان باجی» است. ابیات زیر از او است:

سوختم از آتش غم ناصحا تاکی ز منع

می‌زنی بر آتشم دامن برو خاموش باش

تا حشر نویسند اگر می نشود طی

نه دفتر حسن تو نه طومار فراقم[۱]

۱۲۴۸ ق، ملقب به آغابیگم از زنان شاعر. وی دختر ابراهیم خان جوانشیر شوشی، از اهالی قره‌باغ بود. در سال ۱۲۱۴ /۱۲۱۳ ق به ازدواج فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) درآمد ولی تا پایان عمر باکره ماند و سالها در منزل بزرگی در نزدیکی امامزاده قاسم زندگی می‌کرد. سپس به قم رفت و در آن شهر اقامت نمود و مستمری او از درآمد آن شهر و توابع تامین می‌گردید. وی در شهر قم درگذشت.

آغاباجی با سواد و کمال بود و در نظم و نثر مهارت داشت. از اشعار اوست:

خرم آن کو به سر کوی تو جایی دارد

که سر کوی تو خوش آب و هوایی دارد

به سفر رفت و دلم شد جرس ناقه او

رسم اینست که هر ناقه درایی دارد

سوختم از آتش غم ناصحا تا کی زمنع

می‌زنی برآتشم دامن برو خاموش باش

تا حشر نویسند اگر می‌نشود طی

نه دفتر حسن تو نه طومار فراقم[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] دانشمندان آذربایجان (۹ -۸)، الذریعه (۱۱۸ /۹)، ریاحین الشریعه (۳۲۱ /۳)، زنان سخنور (۷ -۶ /۱)، شرح حال رجال (۱۲ /۱)، کارنامه‌ی زنان مشهور (۸۱ -۸۰)، مستدرکات اعیان (۳ /۳)، مشاهیر زنان ایرانی (۴).

[۲] منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، شماره ششم، سال دهم، ص ۵۰ -۴۹؛ از رابعه تا پروین: ۵۵ -۵۴؛ اعیان‌الشیعه

(مستدرکات)، ۳ /۳؛ تاریخ عضدی، ۱۵ -۱۴، تذکرهٔالخواتین، ۱۲ -۱۱؛ خیرات حسان، ۱۲ -۱۱ /۱؛ دانشمندان آذربایجان، ۹ -۸؛ الذریعه، ۱۱۸ /۹؛ ریاحین‌الشریعه، ۳۲۱ /۳؛ ریاض‌العاشقین، ۸ -۷ /۱؛ زنان سخنور، ۷ -۶ /۱؛ سرایندگان شعر فارسی در قفقاز، ۱۶۲؛ شرح حال رجال ایران، ۱۲ /۱؛ نقل مجلس، گ ۳۰ -۲۸.

آغابرشته، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر و نویسنده. اهل تبریز بود. پدرش ملاشیخ محمدحسن تبریزی منسوب به سلاطین صفویه است. وی طبع شعر نیز داشت، بیت زیر از او است:

در خدمت آن طره‌ی مشکین تو هر روز

تا چند کنم شرح پریشانی خود را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۲۳ -۲۲ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۸).

آغابیگم

قرن:۱۰

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز اوایل قرن دهم هجری، متخلص به آقایی از زنان شاعر. وی دختر مهتر قرای (قرایی) خراسانی بود. پدرش در دربار محمدخان شیبانی (۹۱۶ -۹۰۵ ق)، از امرای خاندان شیبانی، خدمت می‌کرد و خود نیز معاصر محمد خان بود. آغابیگم به طبع خویش مغرور بود. و خود را همسنگ شعرا و گویندگان بزرگ می‌دانسته است. از مطلعی که به نام او نقل شده برمی‌آید که در شاعری طبعی روان و ذوقی سلیم داشته است. برخی تذکره‌ها نام او را آقایی و آقابیگه نیز ثبت کرده‌اند. بیت زیر از اوست.

ز هشیاران عالم هر که را دیدم غمی دارد

دلا دیوانه شو دیوانگی هم عالمی دارد

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره دوم، ۵۶ -۵۵؛ از رابعه تا پروین، ۵۴ -۵۳؛ تذکرهٔالخواتین، ۵۹ -۵۸؛ حدیقهٔالشعراء، ۲۱۳۵ -۲۱۳۴ / ۳؛ خیرات حسان، ۱۵۳/ ۱؛ دایرهٔالمعارف آریانا، ۶۰۳ / ۲؛ الذریعه، ۱۱ / ۹؛ روز روشن، ۱۱؛ ریاحین الشریعه، ۳۲۳ / ۳؛ ریاض‌العارفین، ۱۴ / ۱؛ ریحانهٔالادب، ۲۶ / ۲ -۱؛ زنان سخنور، ۵ / ۱؛ شمع انجمن، ۶۰؛ صبح گلشن، ۷؛ مرآت‌الخیال، ۳۳۷ -۳۳۶؛ نتایج‌الافکار، ۹۷ -۹۶.

آغاجی بخارایی، ابوالحسن، علی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، شاعر. از امرای دربار سامانیان و با نوح بن منصور (۳۸۷ -۳۶۶ ق) معاصر بود. آغاجی چون از امرای بزرگ بوده، به قول عوفی، ممدوح شعرا نیز بوده است. وی از معاصران ابومنصور دقیقی است. نام او را جزو شعرای عربی‌گوی آورده‌اند و گفته‌اند که «دیوان» شعری به فارسی داشته که در خراسان معروف بوده است. در دو بیتی که از او نقل شده است آغاجی به هنرهای خود: اسب سواری، تیراندازی، کمندافکنی، شمشیرزنی و شطرنج‌بازی اشاره کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :پیشاهنگان شعر پارسی (۱۶۶ -۱۶۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۳۱ -۴۲۹ /۱)، تذکره‌ی روز روشن (۱۰)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۷ /۱)، الذریعه (۹ /۹)، فرهنگ ادبیات فارسی (۷)، فرهنگ سخنوران (۹)، گنج سخن (۴۸ -۴۷ /۱)، لباب‌الالباب (۳۲ -۳۱ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ آغاجی)، مجمع الفصحا (۱۱ -۱۰ /۱)، المعجم فی معاییر اشعار العجم (۲۴۲ -۲۴۱)، هفت اقلیم (۴۰۴ -۴۰۳ /۳).

آغادوست

قرن:۱۰

جنسیت:زن

ملیت:ایران

پیش از ۹۶۲ ق، فاطمه خاتون متخلص به دوستی از زنان شاعر و ادیب. وی دختر درویش قیام سبزواری بود. آغادوست در ادبیات و علم عروض وقوف و بصیرت کافی داشت و دارای طبعی سرشار بود. تذکره‌ها از او به نامهای آقادوست و آغنه دوست نیز یاد

کرده‌اند.

اشعار زیر از اوست:

هر کجا آن مه به آن زلف پریشان بگذرد

هر که کفر زلف او بیند ز ایمان بگذرد

ای محبان بوالعجب دردیست درد عاشقی

هر که دامن گیرد این دردش ز درمان بگذرد

هر که عاشق شد از او دیگر سر و سامان مجوی

زانکه عاشق ترک سر گوید ز سامان بگذرد

در فراقش «دوستی» گوید چو ابر نوبهار

گریه‌ی زارش چو بیند ابر گریان بگذرد

ز آشنایی تو عاقبت جدایی بود

فغان که با تو مرا این چه آشنایی بود

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره نهم، ۵۴ -۵۳؛ از رابعه تا پروین، ۱۲۲ -۱۲۱؛ اعیان‌الشیعه (مستدرکات)، ۴ / ۳؛ تذکرةالخواتین، ۵۹ -۵۸؛ تراجم اعلام‌النساء، ۹۵؛ جواهرالعجایب، ۳۰۲، ۱۴۰ -۱۳۹، خیرات حسان، ۱۵۳، ۱۲ / ۱؛ الذریعه، ۹ / ۹؛ روز روشن، ۱۱؛ ریاحین‌الشریعه، ۳۲۲ / ۳؛ ریاض‌العارفین، ۱۴ / ۱؛ زنان سخنور، ۱۹۷ / ۱؛ صحف ابراهیم، گ ۱۱۰.

آغاز ارسنجانی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۷ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به آغاز اهل ارسنجان فارس بود. پس از به پایان رسیدن تحصیلات به مشاغل دولتی روی آورد. در شعر بیشتر به غزلسرایی تمایل داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۵۴ -۵۵۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۷ -۳۶ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۰ -۹)، مرآت الفصاحه (۲۸).

آغاز کوچک

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر و دانشمند. پدرش شاهزاده سیف‌اللّه سردار مفخم، و از طرف مادر نیز به سلاطین صفویه می‌رسید و فرزندزاده‌ی معتمدالدوله میرزا عبدالوهاب نشاط بود. این رباعی از او است:

گویند بهشت و حور و کوثر باقیست

در روز جزا دوزخ و محشر باقیست

دوزخ چه بود بغض علی و آلش

جنت به محبت پیمبر باقیست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریاحین الشریعه (۳۲۲ /۳)، زنان سخنور (۸ -۷ /۱)، مشاهیر زنان (۶).

آغازی شیرازی، سکینه عفت

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۳ ش)، از زنان دانشمند و معارف‌پرور شیراز. وی مادر شاعر معاصر دکتر مهدی حمیدی بود. در مورد وی گفته‌اند: «اول کسی که در تأسیس مدرسه‌ی نسوان کوشش کرد و مدرسه‌ی نسبتاً آبرومندی را دایر نمود خانم سکینه‌عفت آغازی بود که در سال ۱۳۳۹ ق به تشویق میرزای رحمت، رییس فرهنگ وقت، دبستانی به نام عفتیه در منزل شخصی تأسیس کرد که در آذرماه ۱۳۰۳ ش دولتی شد و هنوز هم دایر است، و این اولین مدرسه‌ی دخترانه است که دولتی شده».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۸ /۱).

آغنه دوست، فاطمه خاتون

قرن:۱۰

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(قبل از ۹۶۲ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به دوستی. وی دختر درویش قیام سبزواری بود. آغادوست در ادبیات و علم عروض وقوف و بصیرت کافی داشت و دارای طبعی سرشار بود. در تذکره‌ها با نامهای آقا یا آغادوست نیز آمده است بیت زیر از او است:

ز آشنایی تو عاقبت جدایی بود

فغان که با تو مرا این چه آشنایی بود

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۱)، الذریعه (۹ /۹)، ریاحین الشریعه (۳۲۲ /۳)، زنان سخنور (۱۹۷ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۰)، مرآت الخیال (۳۳۷)، مستدرکات اعیان (۴ /۳)، مشاهیر زنان (۵).

آفاقی

قرن:۱۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

از زنان شاعر و سخنور. به نوشته تذکرةالخواتین و پرده‌نشینان سخنگوی، وی از شعرای قدیم ایران و زنی با کمال بود ولی هیچگونه شرح حال و نمونه شعری از او موجود نیست.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره نهم، ۵۴؛ تذکرةالخواتین، ۱۲.

آفاقی کرمانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۴ ق) شاعر. وی در کرمان به دنیا آمد، به تحصیل علوم ادبی و عربی پرداخت. مدتی به کار دبیری و مدتی نیز به کارمندی وزارت دارایی مشغول بود. وی عضو انجمن ادبی کرمان بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ستارگان کرمان (۴۹).

آفتابی ساوجی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. از نام و نشانش خبری در دست نیست. گاه به مقتضای طبع موزون شعر می‌سرود.

بیماری من چون سبب پرسش او شد

می‌میرم از این غم که چرا بهترم امروز

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۲۲ /۳)، فرهنگ سخنوران (۱۰)، گلزار جاویدان (۲۲ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ آفتابی).

آفتابی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد آفتابی

محل تولد : سرپل ذهاب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۳/۴

زندگینامه علمی

اینجانب محمد آفتابی فرزند علیجان متولد روستای نقاره کوب از توابع شهرستان سر پل ذهاب استان کرمانشاه در تاریخ۴ /۳

۱۳۵۶متولد. کلاس اول تا پنجم ابتدائی در روستای فوق الذکر مشغول تحصیل بودم. دوران راهنمائی را در شهرستان سر پل ذهاب (مدرسه ابوذر) به اتمام رساندم. مقطع متوسطه را در دبیرستان معلم سرپل ذهاب طی کردم.

در سال ۱۳۷۲ وارد حوزه علمیه باقرالعلوم (ع) شهرستان سرپل ذهاب که در همان سال هم تاسیس شده بود، مشغول تحصیل علوم حوزوی شدم. در ادامه لمعتین و اصول فقه را در حوزه علمیه امام خمینی (ره) کرمانشاه در مسجد حاج شهبازخان که زیر نظر مرحوم حضرت آیت الله حاج آخوند کرمانشاهی بود سپری نمودم و در سال ۱۳۷۸ وارد حوزه علمیه مبارکه قم شدم که فصل جدیدی در زندگی و تحصیلم آغاز گردید.

بعد از دو سال که در قم بودم، شروع به فعالیتهای علمی و تحقیقی نمودم که چند مقاله به نگارش درآورده ام و در حال حاضر هم مشغول تحقیقات علمی و پژوهشی در ابواب دیگر نیز می باشم و از محضر حضرات آیات مراجع معظم تقلید نیز بهره مند هستم و از وجود این عزیزان استفاده های علمی لازم را می برم که در بخش اساتید به آن اشاره کرده ام. انشاء الله خداوند سبحان به همه ما توفیق عنایت بفرماید که از سربازان واقعی امام عصر (عج) باشیم.

آفُرانی، ابواحمد، محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۲ ق)، فقیه و محدث. از لیث بن نصر کاجَری نَسفَی حدیث شنید و کتاب «موَّطا» را از او روایت کرد. آفُران قریه‌ای است نزدیک نَسَف و ابواحمد در آنجا درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۶۵ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۹ /۱)، معجم البلدان (۷۴ /۱).

آفُرانی، ابوالطیب، عبدالملک

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۳۸ ق)، فقیه، ادیب و شاعر. ابوالطیب از مردم آفُران، قریه‌ای در نزدیکی نسف، بود. از احمد بن حامد مقری نسفی و ابوالفوارس احمد بن محمد بن جمعه و لیث بن نصر کاجَری نَسفَی حدیث شنید و به مرو رفت و در آنجا فقه آموخت و از ابوالعباس معدانی و ابوالحسن محمودی و ابوزید فقیه مروزی حدیث شنید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۶۵ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۹ /۱).

آفُرانی، ابوبکر، محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۱۳ ق)، فقیه و محدث. در بخارا اقامت داشت و از ابوصالح خلف بن محمد خیام و برخی دیگر حدیث شنید. او در سن هشتاد سالگی در بخارا درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۶۵ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۹ /۱)، نام‌آوران فرهنگ (۹۵).

آفرانی، ابوتَمام، عبدالسلام

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۰۰ ق)، ادیب، شاعر و فقیه. برادر ابوالطیب آفُرانی و از مردم آفُران، دهی در نزدیکی نَسَف بود. در فقه پیرو مذهب شافعی بود و از اصحاب شافعی نیز آموخته بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۶۵ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۹ /۱).

آفریده، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : دکتر حسین آفریده در سال ۱۳۳۳ در شیروان بدنیا آمد. تحصیلات دانشگاهی خود را در مقطع کارشناسی رشته فیزیک در دانشگاه تهران آغاز نمود و در سال ۱۳۵۹ به پایان رسانید. او تحصیلات تکمیلی خود را در دانشگاه برمینگام انگلستان پی گرفت و موفق به اخذ مدرک دکترای رشته فیزیک در سال ۱۳۶۷ از دانشگاه مذکور شد. نامبرده هم اکنون عضو عیئت علمی و استاد تمام دانشگاه صنعتی امیرکبیر می باشد.

گروه : علوم پایه

رشته : فیزیک

تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین آفریده پس از طی دوره های ابتدایی و متوسطه ، تحصیلات دانشگاهی خود را در مقطع کارشناسی رشته فیزیک در دانشگاه تهران آغاز نمود و در سال ۱۳۵۹ به پایان رسانید. او تحصیلات تکمیلی خود را در دانشگاه برمینگام انگلستان پی گرفت و موفق به اخذ مدارک کارشناسی ارشد فیزیک کاربردی در تشعشع و دکترای رشته فیزیک به ترتیب در سالهای ۱۳۶۴ و ۱۳۶۷ از دانشگاه مذکور شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای اداری و مدیریتی حسین آفریده به قرار زیر است: رئیس تحصیلات تکمیلی دانشگاه امیرکبیر از سال ۱۳۸۶ تا کنون نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو کمیته انرژی مجلس از سال ۱۳۷۹ تا کنون رئیس کمیته الکتریسته و انرژی مجلس شورای اسلامی از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۳ عضو کمیته دکتری در علوم هسته ای دانشگاه امیرکبیر از سال ۱۳۸۱ تا سال ۱۳۸۴ عضو هیئت داوران ژورنالیهای علمی AEOI از سال ۱۳۷۸ تا سال ۱۳۸۴ (سازمان انرژی اتمی ایران) استاد تمام و استاد راهنمای در رشته فیزیک و علوم هسته ای در دانشگاه امیرکبیر از سال ۱۳۸۱ تا کنون معاون پژوهشی در سازمان انرژی اتمی ایران از سال ۱۳۷۷ تا سال ۱۳۷۹ رئیس مرکز تحقیقاتی هسته ای در کشاورزی و پزشکی از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۷ دانشیار دانشگاه صنعتی امیرکبیر در فیزیک هسته ای و سازمان انرژی اتمی ایران از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۷ استاد دانشگاه صنعت از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۷ مشاور مرکز تحقیقات اتم از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۷ مطالعه و توسعه بخش مبادله عکس العامل اتم از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۷ ایجاد و توسعه روشهای مختلف تحلیلی مانند NRA,RBS,FNAA,PIXE از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۷ مسئول پروژه شتاب دهنده بر اساس روش تحلیلی از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۷ رئیس بخش فیزیک هسته ای ،مرکز تحقیقاتی اتم از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۷۳ رئیس بخش فیزیک شتاب دهنده سیکلوترون–مرکز تحقیقاتی هسته ای در کشاورزی و پزشکی از سال ۱۳۷۷ تا سال ۱۳۸۰ استادیار در آزمایشگاه علوم کاربردی هسته ای در بخش فیزیک دانشگاه برمینگام انگلستان از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۶۷ پژوهشیار در آزمایشگاه ولذی گراف –مرکز تحقیقاتی اتم تهران از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۲

فعالیتهای آموزشی : فعالیت های آموزشی حسین آفریده به قرار زیر است: – پژوهشیار در آزمایشگاه ولذی گراف –مرکز تحقیقاتی اتم تهران از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۲ – استادیار در آزمایشگاه علوم کاربردی هسته ای در بخش فیزیک دانشگاه برمینگام انگلستان از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۶۷ – دانشیار دانشگاه صنعتی امیرکبیر در فیزیک هسته ای و سازمان انرژی اتمی ایران از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۷ – استاد تمام و استاد راهنمای در رشته فیزیک و علوم هسته ای در دانشگاه امیرکبیر از سال ۱۳۸۱ تا کنون عنوان دروس ارائه شده توسط ایشان به قرار زیر است: فیزیک هسته ای ،کشف و اندازه گیری تششع ففیزیک اشعه ایکس ،شتابدهنده ها و کاربرد های آن ، سیستمهای راکتور

چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی حسین آفریده : ۲۳ مورد مقاله ارئه شده در کنفراسهای علمی در داخل و خارج از کشور ۶۴ مقاله منتشر شده در مجلات و ژورنالهای علمی در داخل و خارج از کشور منابع زندگینامه http://www.iranologyfo.com/

آفرین اصفهانی، زین‌العابدین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۳۵ /۱۱۲۵ ق)، شاعر. در فتنه‌ی افغان دفتر اشعارش از بین رفته است. گویا دیوانش شامل پنج هزار بیت می‌شده است. صبا در «تذکره‌ی روز روشن» نوشته است که از دوستان ولی محمّدخان عموی لطفعلی آذربیگدلی بوده است. اثرش: «دیوان آفرین اصفهانی»، و بیت زیر از او است:

ز کشتیم خبری نیست این قدر دانم

که تخته پاره‌ی چندی به ساحل افتادست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۱)، الذریعه (۱۰ /۹)، ریحانه (۵۰ /۱)، سفینهٔ المحمود (۱۴۵ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۰)، مجمع الفصحا (۱۶۵ /۴).

آفرین مشهدی، شمس‌الدین

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. به گفته‌ی صاحب «تذکره‌ی روز روشن»: «طبعش رنگین و کلامش سزاوار آفرین است». این بیت از او است:

به پای ناقه خروشان دل شکسته‌ی کیست

که این صدا به صدای جرس نمی‌ماند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۰)، فرهنگ سخنوران (۱۱).

آق اولی، تقی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۵ -۱۲۶۴ ش)، نویسنده و شاعر، متخلص به بینش. پدر وی اسداللّٰه خان آق اولی جزء سومین گروه شاگردانی بود که برای تحصیل به اروپا اعزام شدند. در تهران متولد شد. پس از فراغت از تحصیل در مدرسه‌ی ادب تهران، عربی را نزد شیخ عبدالعلی مؤید بیدگلی و فرانسه را در مدرسه آلیانس فراگرفت. وی برای فعالیتهای فرهنگی و ایجاد مدرسه همراه علینقی‌خان آصف اعظم راهی کردستان شد و مدتی در آنجا به تعلیم و مدیریت مدارس مشغول شد. سپس به تهران بازگشت وی با ادیب الممالک فراهانی دوستی و معاشرت داشت. تقی آق‌اولی در ایام وزارت مالیه مرتضی قلی صنیع‌الدوله به خدمت آن وزارتخانه درآمد و تا پایان عمر در همان جا مشغول بود. در آغاز مشروطیت روزنامه‌ی «بهلول» را تأسیس کرد. تقی‌خان از مخالفین قرارداد ۱۹۱۹ م وثوق‌الدوله بود. به همین دلیل نیز هدف گلوله قرار گرفت و دستش مجروح شد و به قزوین تبعید گردید. او در تهران بر اثر سکته قلبی درگذشت. از آثار او است: «دغلنامه»، شعر؛ «دیوان» شعر؛ «مُهر آبرو» نمایشنامه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (۳۴ -۳۲)، الذریعه (۱۵۵ /۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۴۹ -۴۸ /۱)، سخنوران نامی معاصر (۶۶۵ -۶۶۱ /۱)، شرح حال رجال (۶۳ -۶۲ /۶)، مؤلفین کتب چاپی (۲۰۹ -۲۰۷ /۲).

آق قوینلو، سلطانعلی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط و شاعر. از نوادگان اوزون حسن پادشاه بود. وی در نه سالگی از خوشنویسان نامی فارس بوده و علاوه بر خوشنویسی، شعر نیز می‌سروده است. از آثار او ابیاتی است که در عمارت تخت جمشید بر سنگ نقش شده است، با رقم: «و کان ذالک فی تاریخ احدی و ثمانین و ثمانمائه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گلستان هنر (۳۲-۳۱).

آق قویونلو، یعقوب

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۸۹۶ ق)، شاعر. او از حکمرانان سلسله‌ی ترکمان آق قویونلو (۹۰۸ -۷۸۰ ق) بود، که در نواحی غربی و جنوبی ایران حکومت می‌کرد. وی بعد از غلبه بر برادرش، سلطان خلیل ترکمان، و قتل او به تبریز رفت و به امارت نشست. وی پادشاهی دانش‌دوست و هنرپرور بود و عده‌ی کثیری از دانشمندان و سخن‌سرایان از پاداشهای او برخوردار می‌شدند و دربارش مجمع بزرگان عصر بود. یعقوب بیگ شعر فارسی را استادانه می‌سرود و با سلطان حسین بایقرا (۹۱۱ -۸۷۳ ق) مشاعرات و مراسلات بسیاری داشت. او پس از حدود سیزده سال حکومت درگذشت. به آورده‌ی برخی منابع وی توسط همسرش با زهر مسموم شد. از آثار وی: «دیوان» شعر. مؤلف «لغت‌نامه» به نقل از محمد بن موسی ثالثی، شرح «حکمهٔ‌العین» را به وی نسبت داده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۰۰/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۷ -۱۶/ ۴)، تاریخ نظم و نثر (۷۹۳)، تحفه سامی (۲۵ -۲۳)، تذکره‌ی روز روشن (۹۴۵)، دانشمندان آذربایجان (۴۰۲)، دایرهٔ‌المعارف فارسی (۳۳۶۰/ ۲)، الذریعه (۱۳۱۲ ،۱۳۱۱/ ۹)، طبقات سلاطین اسلام (۲۲۷)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۴ -۱۰۱۳)، لغت‌نامه (ذیل/ یعقوب بیگ)، مجالس‌النفائس (صفحات متعدد).

آقا بزرگ، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد شیمی از دانشگاه تهران، دکترای شیمی از دانشگاه فلوریدا در گنزویل آمریکا، فوق دکترای Post dectiral reseach از دانشگاه فلوریدا.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه مرسرجورجیا آمریکا به مدت یکسال، دانشیار دانشکده علوم دانشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تهیه کمپلکسهای منگنز III به منظور بررسی اثریان- تلر به وسیله پراش پرتوایکس، طیف‌بینی مرئی و EPR، مطالعه و بررسی کمپلکسهایی با عدد کوئوردیناسیون بالا، تهیه و مطالعه هالیدهای تیتان، تهیه کمپلکسهای آمید و تعیین ساختار مولکولی آنها، تهیه کمپلکسهای(Sm(III, V(II), Ti(III), Ni(II) , Cu(I) و مطالعه ساختار مولکولی آنها، سینتیک کمپلکسهای معدنی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شیمی پیش‌دانشگاهی، شیمی عمومی، شیمی معدنی I و II، شیمی معدنی پیشرفته، تئوری گروه و تقارن در شیمی، نظریه اوربیتال مولکولی هوکل، مطالعه و بررسی طیفهای ارتعاشی از دیدن تقارن.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۷

زمینه علمی مقالات:

مطالعه و بررسی ساختار مولکولی کمپلکسهای منگنز (III) به وسیله پراش پرتو ایکس- EPR- زیر قرمز طیفهای الکترونی، مطالعه و بررسی کمپلکسهایی با عدد کوئور دیناسیون بالا، تهیه کمپلکسهای آمید، منومر، دیمروهگزامر(Cu(I.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

آقا پیروز، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی آقا پیروز

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۶ در شهرستان سمنان متولد شدم . تحصلات ابتدایی راهنمایی و متوسطه را در شهر تهران به اتمام رساندم و در سال ۱۳۶۲ به دلیل علاقه زیاد به علوم اسلامی جذب حوزه علمیه ولی عصر علیه السلام تحت سرپرستی استاد گرانقدر و فرزانه حاج آقا بنابی (دام عزه) شده ، دروس مقدماتی (ادبیات عرب، منطق، اصول فقه، و معالم) را در آن حوزه به پایان رساندم . سپس برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم عزیمت کردم و درسال ۱۳۷۰ با اتمام دوره سطح، وارد دروس خارج فقه و اصول شده و از محضر اساتید بزرگوار : حضرات آقایان مکارم شیرازی (۴ سال)، میرزا جواد آقا تبریزی (۷ سال)، وحید خراسانی (۱ سال)، محقق داماد (۱ سال)، و جوادی آملی (۲ سال تفسیر قرآن و ۲ سال خارج فقه و مکاسب) بهره مند گشتم ؛ شرح منظومه ملا هادی سبزواری را در محضر استاد گرانقدر جناب آقای احمد بهشتی تلمذ کرده ، از محضر حضرت استاد انصاری شیرازی نیز استفاده کردم.در عرفان اسلامی نیز به مدت ۵ سال از محضر استاد فرزانه حضرت آیت الله احمد حجتی بهره بردم.تحصلات دانشگاهی خود را در مقطع کارشناسی ارشد رشته مدیریت دولتی در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه سپری کردم و در سال ۱۳۷۹ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم. پیش از اتمام این دوره تحقیقات نسبتا گسترده ای را در موضوع مدیریت اسلامی آغاز کرده و در طرح های متعددی به صورت مجری و یا همکار حضور داشته ام . در زمینه تدریس نیز در حدود ۷ سال مدرس جامعه الزهراء سلام الله علیها بوده و درس های معارف اسلامی، عقاید، و فقه را ارائه کرده ام در موضوع مدیریت اسلامی نیز در مراکز : دانشگاه آزادنراق، سفیران هدایت ، تربیت راهنما تدریس داشته ام . و چندین کارگاه آموزشی را با موضوع سازمان و مدیریت برای مدیران روحانی دفاتر نمایندگی ولی فقیه در جهاد کشاورزی برگزار کرده ام (به طور مشترک با جناب آقای منطقی) در زمینه تفسیر قرآن کریم مدت ۳ سال در سازمان بهسازی و زیبا سازی اطراف حرم مطهر، به تفسیر ترتیبی آیات نورانی هر هفته یک جلسه اشتغال داشته ام.

آقا خان کرمانی، عبدالحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۷۰- مقتول ۱۳۱۴ ق)، نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار و شاعر. وی نوه‌ی دختری مظفر علیشاه کرمانی بود و در کرمان به دنیا آمد. پس از فراگیری صرف و نحو و معانی و بیان به تکمیل ادبیات، ریاضیات و حکمت الهی کوشید. میرزا عبدالحسین در حدود ۱۳۰۲ ق همراه شیخ احمد روحی به اصفهان مهاجرت کرد و از آنجا به تهران آمد و به تدریس و تفسیر قرآن اشتغال ورزید. وی مدتی با حاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی و شیخ مهدی شریف کاشانی مصاحبت داشت. سپس به همراه روحی به رشت رفت و از آنجا رهسپار استانبول شد. او در استانبول با روزنامه‌ی «اختر» با مدیریت آقا محمدطاهر تبریزی، همکاری کرد و مقالاتی در آن روزنامه نوشت. میرزا آقاخان و شیخ احمد روحی و میرزا حسن خان خبیرالملک نامه‌های بسیاری از قول سید جمال‌الدین اسدآبادی به علمای نجف و سامرا و ایران نوشتند و خواستار همبستگی و مبارزه با استبداد ناصرالدین شاه شدند و همچنین از اعمال میرزا علی‌اصغر خان صدر اعظم انتقاد کردند. به همین دلیل صدر اعظم در صدد دستگیری آنان برآمد و با متهم کردن آنان به دست داشتن در شورش ارمنیان، دولت عثمانی آنان را تحت‌الحفظ به طرابوزن تبعد و زندانی کرد. با پیش آمدن واقعه‌ی قتل ناصرالدین شاه در ۱۳۱۳ ق، سوءظن دولت ایران نسبت به این افراد بیشتر شد و عاقبت بر اثر اصرار میرزا محمود خان علاءالملک دیبا، سفیر کبیر ایران در عثمان، به ایران فرستاده شدند و سرانجام به دستور محمدعلی میرزای ولیعهد در تبریز به قتل رسیدند. از آثار وی: «آیینه سکندری»، در تاریخ ایران، از ماقبل تاریخ تا رحلت پیغمبر (ص)؛ «جنگ هفتاد و دو ملت»؛ «عهدنامه‌ی مالک اشتر و دستور حکومت»، شرح و ترجمه؛ «نامه‌ی باستان»، منظوم، بر وزن «شاهنامه»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اختر (ج ۱، س ۳ -۱، مقدمه ص ۱۱)، ادبیات نوین (۳۰)، از صبا تا نیما (۳۹۴ -۳۹۰/ ۱)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۴۹۷ -۴۹۳)، ستارگان کرمان (۳۷۲ -۳۶۸)، شرح حال رجال (۲۵۷ -۲۵۳/ ۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۳۲/ ۲ ،۱۵۸۶ ، ۱۰۶۷ ،۸۷۰ ،۹۲/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۵۶ -۷۵۴/ ۳)، یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۵۴)، یغما (س ۲، ش ۶، ص ۲۵۹ -۲۵۵).

آقا مجتهد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمّد علی فرزند علاّمه جلیل آقا سید صدرالدین عاملی موسوی اصفهانی، از بزرگان و مفاخر علمای شیعه، و از جمله کسانی است که قبل از رسیدن به سنّ بلوغ به درجه اجتهاد نائل شده، و اجتهادش مورد قبول و گواهی مجتهدین بزرگ قرار گرفته است، به طوری که کتاب ۱- البلاغ المبین در احکام صبیان و مجانین او را که در سنّ دوازده سالگی تألیف نموده چون به نظر سیّد حجة الاسلام شفتی رسانید، فوق العاده مورد اعجاب و تحسین قرار گرفته، و سیّد اجتهاد مؤلّف آن را گواهی فرموده، و دختر خود را به حباله نکاح او درآورد.

دیگر از تألیفات صاحب عنوان:

۲- احیاء التقوی، در شرح دروس است که ناتمام مانده ۳- دیوان اشعار فارسی و عربی ۴- العلائم فی شرح المراسم ۵- منظومه‌ای در وقف که در کتاب «معجم رجال الفکر و الادب» به او اشاره شده است.

مادر صاحب عنوان: جان جان خاتون دختر شیخ جعفر کاشف الغطاء می‌باشد که در بقعه تکیه مادر شاهزاده در تخت فولاد مدفون می‌باشد.

صاحب عنوان در ۱۸ ذی حجة الحرام سال ۱۲۷۴ به سن ۳۵ سالگی در اصفهان وفات یافته، جنازه‌اش را به نجف برده، در آن ارض مقدّس مدفون ساختند. (تولدش: حدود ۱۲۳۹)

از اشعار فارسی اوست:

نقاش خواست نقش دهان ترا کشد

از بس که تنگ بود، بر او عرصه تنگ شد

به استشاره رندان گسسته‌ام تسبیح

بیار خوشه تا کی که استخاره کنم

خرمن حسن ترا روزی که می‌کردند جمع

آفتاب از دامن یک خوشه چین افتاده بود

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

آقا میرسلیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

به نام یگانه دکتر مجتبی میرسلیم در بهمن ۱۳۳۴ در تهران متولد شد و پس از دریافت دیپلم متوسطه از دبیرستان البرز در سال ۱۳۵۳ به آمریکا عزیمت کرد و مدارج عالی زیر را گذراند •: کارشناسی دو رشته‌ای مهندسی برق/ مهندسی هسته‌ای، دانشگاه برکلی کالیفرنیا (UCB) در سال ۱۳۵۷ (دانشجوی ممتاز •) کارشناسی ارشد مهندسی هسته‌ای، دانشگاه برکلی کالیفرنیا (UCB) در سال ۱۳۵۹ (دانشجوی ممتاز •) دکترای مهندسی برق (قدرت)، دانشگاه ایالتی ارگان، کرولیس (OSU) در سال ۱۳۶۵ (دانشجوی ممتاز) ایشان پس از بازگشت به میهن در سال ۱۳۶۶ با رتبه استادیاری به استخدام دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی امیرکبیر درآمد. وی در سال ۱۳۷۷ به رتبه دانشیاری و در سال ۱۳۸۳ به مرتبه استادی ارتقاء یافت و هم‌اکنون استاد تمام گروه قدرت و عضو هسته اصلی قطب علمی قدرت دانشگاه صنعتی امیرکبیر می‌باشد. دکتر میرسلیم تاکنون (سال ۱۳۸۸) ۲۵ رساله کارشناسی ارشد و ۷ رساله دکترا را هدایت کرده و علاوه بر وظایف آموزشی، مشاغل اجرایی زیر را به عهده داشته است: ، رئیس گروه قدرت دانشگاه صنعتی امیرکبیر ، معاون آموزشی دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی امیرکبیر (سه دوره) ، پایه‌گذار و مدیرکل نظارت و ارزیابی دانشگاه صنعتی امیرکبیر (هفت سال) ، عضو کمیته برنامه‌ریزی مهندسی هسته‌ای در شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ، عضو شورای علمی مرکز تحقیقات مهندسی پزشکی و توانبخشی جانبازان ، عضو هیئت مدیره شرکت تولید و ساخت وسایل و لوازم دریایی ،سردبیر تخصصی هیئت تحریریه مجله علمی پژوهشی امیرکبیر ، داوری مقالات IEEE Transactions on Magnetics ، IEEE Transactions on Power Delivery، IET, Journal of Science, Measurement & Technology نامبرده علاوه بر ارائه بیش از ۱۲۰ مقاله علمی در مجلات علمی معتبر داخل و خارج، و کنفرانسهای بین المللی، کتب زیر را به رشته تحریر درآورده است: ۱. تئوری و مسایل ماشینهای الکتریکی، الکترومکانیک ، نشر گستره ۱۳۷۰ و انتشارات نقش جهان ۱۳۷۶ ۲. ترانسفرمر و ماشینهای آسنکرون ، انتشارات محتشم ، ۱۳۷۴ ۳. ماشینهای الکتریکی و ترانسفرمر، مرکز نشر دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹ ۴. تحلیل ماشینهای الکتریکی به روش عناصر محدود، مرکز نشر دانشگاه صنعتی

جوائز و نشانها : تقدیر نامه بهترین دانشجوی دانشگاه ایالتی اورگان و دانشگاه کالیفرنیا در برکلی ،آمریکا انتخاب شده برای گروه WHO IS WHO در علوم و مهندسی از سال ۱۳۷۶

چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی دکتر آقا میرسلیم به ترتیب زیر است: –۱۳ موردمقاله ارئه شده در مجلات معتبر علمی – ۳ طرح پژوهشی و تحقیقاتی –۶ مورد پروژه –۵ فعالیت کنفرانسی

آثار :

۱ تئوری و مسائل ماشینهای الکترونیکی و الکترومکانیک

ویژگی اثر : تالیف،انتشارات گسترش ،تهران ۱۳۷۰

۲ تحلیل اجزاءمحدود در ماشینهای الکترونیکی

ویژگی اثر : تالیف،انتشارات دانشگاه امیرکبیر در سال ۱۳۸۱

۳ ترانسفورماتور و ماشینهای قیاس

ویژگی اثر : تالیف،انتشارات محتشم ،تهران ۱۳۷۴

۴ روشهای عددی در الکترومغناطیس NDT

ویژگی اثر : تالیف،انتشارات دانشگاه گیلان در سال ۱۳۸۳

۵ ماشین های الکتورنیکی و ترانسفورماتورها

ویژگی اثر : تالیف،انتشارات پروفسور حسابی ،تهران ۱۳۸۰

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

آقا میرگلستان تبریزی، سید محسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۳۰ ق)، نقاش و شاعر، متخلص به سید. از مشاهیر نقاشان عصر خویش بود. آقا میر مصور و ارژنگ و رسام، هر سه برادرزاده‌های او می‌باشند. از آثار وی، منظومه‌ای است به نام «مرآت البکاء» در مراثی حضرت سیدالشهداء (ع) که در تبریز به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۸ /۱)، دانشمندان آذربایجان (۱۲)، الذریعه (۴۸۲ /۹)، مؤلفین کتب چاپی (۲۴۱ /۵).

آقا میری دزفولی، محمدطاهر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۸ ق) فقیه. وی از نوادگان سید عبدالباقی معروف به سید آقا میر است. در دزفول متولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی در دزفول در ۱۲۶۰ ق به نجف رفت و نزد شیخ مرتضی انصاری تلمذ کرد و سرانجام داماد وی گشت. و در همان‌جا درگذشت. از

آثار وی: تحریر «تقاریر» شیخ انصاری در اصول؛ «خلل و مواریث»؛ حاشیه‌ای مفصل بر «شرح لمعه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۱۴۴ –۱۴۳ /۵).

آقا نجفی اصفهانی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۲ /۱۳۳۱ –۱۲۶۲ ق)، عالم شیعی و مجتهد. معروف به آقانجفی. وی نوه‌ی شیخ محمدتقی رازی اصفهانی صاحب «هدایهٔ المسترشدین» بود. در اصفهان متولد شد و مقدمات را از پدرش شیخ محمدباقر اصفهانی فراگرفت. در نجف در محضر میرزا محمدحسن شیرازی، حاج شیخ مهدی نجفی و حاج سید علی شوشتری به تکمیل تحصیل پرداخت و به مقام اجتهاد رسید و به اصفهان بازگشت در زمان پدر مرجعیت تام یافت. وی در کمک به مدرم و تأمین وسایل آسایش ایشان کوشا بود، حدود شرعی را اجرا می‌کرد و نسبت به حسن جریان زندگی و تحصیل طلاب علوم دینی اهتمام می‌ورزید. وی در جنبش تنباکو از آغازگران مبارزه بود. مخالفتش با مظالم ظل‌السلطان و مأمورن انگلیسی سبب تبعید وی به تهران شد. اما در تهران نیز همچنان به فعالیت سیاسی خود ادامه داد و دوباره او را به اصفهان باز گرداندند. سرانجام در اصفهان درگذشت و در جوار مرقد امامزاده احمد نواده‌ی امام محمدباقر (ع) به خاک سپرده شد. آثار او را بیش از صد دانسته‌اند، از آن جمله: «آداب العارفین»؛ «الاجتهاد والتقلید»؛ «اسرار الآیات»؛ «اسرار الاحکام»؛ «اصول الدین»؛ «انوار العارفین»؛ «تأویل الآیات الباهرهٔ فی العترهٔ الطاهرهٔ»؛ «بحر الحقائق»؛ «جامع الانوار»؛ «المتاجر»؛ «مفتاح السعادهٔ».[۱]

ا آقا نجفی (و. ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۲۶۲ ه.ق– ف. ۱۱ شعبان ۱۳۳۲ ه.ق) شیخ محمدتقی بن حاج شیخ محمدتقی بن عبدالرحیم، از علمای بزرگ و متنفذ اصفهان و دارای تألیفات متعددی است در فقه و اصول فقه و کلام. برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۸۸ /۶)، اعیان الشیعه (۱۹۶ /۹)، تذکرهٔ القبور (۱۸ –۱۶)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۱۹ /۱)، الذریعه (۳۳۲، ۷۴ /۲۱ ،۵۹ /۱۹ ،۴۳ /۵ ،۴۳۱، ۲۵۵، ۴۶، ۴۵، ۴۰ ،۳۸ /۲ ،۲۷۰ ،۳۸۰، ۲۴، ۲۱ /۱)، ریحانه (۵۸ –۵۷ /۱)، شرح حال رجال (۳۲۷ –۳۲۶ /۳)، علماء معاصرین (۱۰۲ –۱۰۱)، فوائد الرضویه (۴۳۸)، الکنی والالقاب (۶ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۰۳ –۱۹۸ /۲)، مصفی المقال (۹۵)، معجم المؤلفین (۱۳۴ –۱۳۳ /۹)، مکارم الآثار (۱۶۶۶ –۱۶۶۲ /۵).

آقابابا

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۳۴ ق)، خطاط. از آثار او: یک رقعه از مرقع نسخ دودانگ جلی خوش، با رقم: «العبد الاقل عبداللّٰه المدعوبه آقا بابا فی شهر ذیحجهٔالحرام سنهٔ ۱۲۳۴».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۱۳ /۴).

آقابابای شیرازی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. در شیراز به همین اسم معروف و شغلش بزازی بود. طبعی خوش داشت و گاهی هم شعر می‌گفت. رباعی زیر از او است:

ساقی ز کرم دست عنایاتت کو

مطرب ز طرب خواندن ابیاتت کو

یکباره بساط خرمی برچیدند

ای پیر خرابات مکافاتت کو

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۵۸ /۱).

آقابابایی، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل آقابابایی بنی

محل تولد : شهرکرد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب متولد سال ۱۳۴۷ در شهر بن از توابع شهرکرد هستم. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و سالهای اول و دوم دبیرستان را در بن به انجام رسانده و سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه شهرکرد شدم. تدریس را در کنار تحصیل از سال دوم حوزه آغاز کردم و تا درس لمعه ادامه یافت.

سال ۱۳۶۷ به قم منتقل شدم و دوره سطح را به پایان رسانده و در دوره درس خارج همزمان تحصیلات دانشگاهی و حوزوی را ادامه دادم. در درس خارج اصول آیهٔ الله تبریزی به مدت ۶ سال شرکت و سعی کردم پس از مباحثه درسهای ایشان را به طور کامل تقریر کنم. در دروس فقه اساتید دیگر همچون آیات عظام مکارم شیرازی، جوادی آملی و فقیهی نیز شرکت کرده و مجموعاً به مدت ۸ سال کامل به تحصیلات خارج اشتغال داشتم. پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی در سطح کارشناسی ارشد پژوهش را به عنوان شغل مورد علاقه خود در کنار تدریس در دانشگاه برگزیدم.

همچنین بخشی از فعالیت های من به ویرایش علمی و نگارش نوشته های حقوقی اختصاص یافته که تاکنون بیش از چهل کتاب و صد مقاله و گفتگو را ویرایش کرده ام و این آثار در مراکز متفاوت به چاپ رسیده اند. از نظر تالیف اولین نوشته من پایان نامه دانشگاهی بود که از طرف جهاد دانشگاهی از میان پایان نامه های سال دانشجویی شایسته تقدیر شناخته شد. پس از آن کتابی به عنوان بازداشت موقت به چاپ رسانده و کار بعدی به کتابی در زمینه پیوند اعضا اختصاص داشت که حائز رتبه دوم کشوری در جشنواره دین پژوهان گردید و از طرف وزیر محترم فرهنگ از این اثر تقدیر شد. و همچنین ارائه مقاله و سخنرانی علمی در دانشگاههای مازندران، اصفهان و مفید قم از دیگر فعالیتهای علمی اینجانب است. نگارش یک مقاله علمی، پژوهشی و دو مقاله در همایش های کشوری و مقالات از آثار دیگر است که تا کنون به چاپ رسیده اند. نقش جنسیت در میزان دیه و قانون گرائی و نقش اجتهاد در قضا، از طرح های در دست تدوین در دانشگاه مفید است و آخرین نوشته ای که در قالب کتاب امیدوارم به زودی به بازار نشر راه یابد، نوشته ای است تحت عنوان بررسی مسائل فقهی و حقوقی شرکت های هرمی که پژوهشگاه اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات طرف قرارداد طرح است. بطور کلی مسائل جدید در حوزه حقوق کیفری محور تحقیقات علمی اینجانب است و امیدوارم به یاری حق همچنان ادامه یابد.

آقابابایی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین آقابابایی

محل تولد : دلیجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۹ -۱۲۹۳ ق)، کتاب شناس، محقق، فقیه و محدث شیعی. آقا بزرگ تحصیلات مقدماتی خود را در تهران در مدارس دانگی و پامنار و فخریه آغاز کرد و ادبیات و فقه و اصول و منطق آموخت و در ۱۳۱۵ ق عازم نجف شد و نزد حاج میرزا حسین محدث نوری تحصیل علم حدیث کرد. و در حوزه درس آخوند ملا کاظم خراسانی، شریعت اصفهانی، سید محمدکاظم یزدی و میرزا محمدتقی شیرازی به تکمیل فقه و اصول پرداخت. در سال ۱۳۲۹ ق به کاظمین رفت تا مقدمات تدوین بزرگ‌ترین دایرهٔالمعارف کتاب شناسی شیعه، یعنی«الذریعهٔ الی تصانیف الشیعهٔ» را آماده سازد. این دایرهٔالمعارف در واقع جوابی به جرجی زیدان، ادیب مسیحی عرب بود که مدعی شده وبد که نقش شیعه در فرهنگ اسلامی بسیار اندک است. آقابزرگ برای تهیه‌ی «فهرست الذریعه» در نجف چاپخانه‌ای به نام مطبعهٔالسعادهٔ دایر کرد. ولی دولت عراق مانع کار وی شد. وی برای تکمیل «الذریعه» سفرهای بسیار کرد و از بیشتر کتابخانه‌های عمومی عراق و ایران و سوریه و فلسطین و مصر و حجاز و بسیاری از کتابخانه‌های خصوصی بازدید کرد. حاج‌آقا بزرگ از بسیاری از محدثین فرق و مذاهب گوناگون اجازه‌ی نقل حدیث داشت، از جمله: میرزا حسین نوری، سید

محمدعلی شاه عبدالعظیمی، شیخ علی خاقانی، شیخ علی کاشف الغطاء، سید حسن صدر، شیخ محمدعلی ازهری مالکی، شیخ عبدالوهاب شافعی، شیخ ابراهیم الاحمدی، شیخ عبدالقادر طرابلسی، شیخ عبدالرحمن حنفی. بسیاری از بزرگان نیز از او اجازه‌ی نقل حدیث گرفته‌اند، مانند: حاج‌آقا حسین بروجردی، سید عبدالحسین شرف‌الدین عاملی، شیخ عبدالحسین امینی، سید عبدالهادی شیرازی، شیخ محمدرضا آل‌یاسین، سید محمدصادق بحرالعلوم، سید شهاب‌الدین مرعشی. وی پس از یک بیماری طولانی در نجف درگذشت و طبق وصیتش، در کتابخانه خود که آن را وقف علما کرده بود به خاک سپرده شد. مهمترین آثار وی عبارت‌اند از: «الذریعهٔ الی تصانیف الشیعهٔ» در ۲۶ جلد؛ «طبقات اعلام الشیعه»، از سده‌ی چهارم تا چهاردهم ق. در یازده جزء که ادامه کتاب «وفیات الاعلام» سید حسن صدر در سه قرن اول بود؛ «مصفی المقال فی مصنفی علم الرجال»؛ «هدیهٔ الرازی الی المجدد شیرازی»؛ «النقد اللطیف فی نفی التحریف عن القرآن الشریف»؛ «توضیح الرشاد فی تاریخ حصر الاجتهاد»؛ «المشیخهٔ»؛ «ضیاء المفازات فی طریق مشایخ الاجازات»؛ «مستدرک کشف الظنون».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینده (س ۶، ش ۴ -۳، ص ۲۵۳ -۲۴۷ و ش ۸ -۷، ص ۵۹۶ -۵۸۸)، الذریعه (۱/ مقدمه و ۲۰/ مقدمه)، ریحانه (۵۴ -۵۲ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۹ -۱۸ /۱)، سواد و بیاض (۵۸۹ -۵۸۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۸۰ -۲۷۹ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۵ -۲۳۲ /۵)، نام‌آوران فرهنگ (۳۵۳).

آقابزرگ ساوجی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۵۷ ق)، عالم، مدرس و مجتهد. معروف به آقابزرگ یا شیخ آقابزرگ ساوجی. در حوزه‌ی درس حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی و حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی به درجه‌ی اجتهاد رسید و در مدارس مروی و سپهسالار جدید به تدریس پرداخت و گروه بسیاری در حوزه‌ی درس او که غالباً حوزه‌ی ادب و فقه و اصول بود حاضر می‌شدند. وی در علوم معقول از استادان بزرگ بود. در سلوک نیز پیرو آخوند ملا فتحعلی اراکی بود. سرانجام در تهران درگذشت و جنازه‌ی وی را به قم بردند و در یکی از حجرات صحن جدید که اینک به مقبره‌ی پروین اعتصامی شهرت دارد دفن کردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۲۹۴ /۵).

آقاتهرانی، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی آقا تهرانی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مرتضی آقا تهرانی در سال ۱۳۳۶ در اصفهان متولد شد. تحصیلات مقدماتی علوم حوزوی را در مدرسه حقانی قم و زیر نظر شهیدان گرانقدر، قدوسی و بهشتی به اتمام رسانید.

ایشان از رزمندگان پر تلاش دوران دفاع مقدس بوده و همزمان دروس متوسطه و عالی فقه و اصول، فلسفه و تفسیر را در مکتب بزرگانی چون حضرات آیات بهجت، مظاهری و مصباح یزدی(دامت برکاتهم) فرا گرفته است. تحصیل در مؤسسات باقرالعلوم، در راه حق، امام خمینی(ره) و اخذ فوق‌لیسانس روانشناسی در قم، فوق‌لیسانس فلسفه غرب و دکترای فلسفه عرفان از دانشگاه بینگ همتون آمریکا، کارشناسی ارشد مطالعات اسلامی از دانشگاه لگ گیل کانادا بخش دیگری از کارنامه درخشان علمی ایشان است.

حجت‌الاسلام والمسلمین تهرانی، ۵ سال به عنوان امام جمعه شهر نیویورک و مسئول مؤسسه اسلامی این شهر فعالیت نمودند و پس از بازگشت از آمریکا تا به امروز به تدریس و تبلیغ در حوزه و دانشگاه و تحقیق و پژوهش در گستره فقه، اصول، اخلاق، عرفان و علوم تربیتی پرداخته است.

منابع زندگینامه :مرکز تحقیقات علوم کامپیوتری علوم اسلامی

آقاجان

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطـاط. قطعه‌ای به خـط وی در مرقـع سـیداحمد مشـهدی در کتابخـانه‌ی خزینه‌ی اوقـاف اسـتانبول به قلم دودانـگ و کتابت خوش موجود است، با رقم: «تشرف بکتابتها العبد آقاجان غفرذنوبه بدارالارشاد اردبیل، فی شهور سنه ۹۶۸ هجریهٔ».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲ /۱).

آقاجان طبرستانی، محمدصادق

قرن:۱۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از ۱۳۱۰ ق)، شاعر. میرزا محمدصادق در تهران متولد شد و در نجف درگذشت. اثر وی «دیوان» اشعار است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰ /۹)، فرهنگ سخنوران (۱۱).

آقاجانی قناد، علی

قرن:۱۵
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی آقاجانی قناد
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : ۱۳۵۷/۱/۱

آقاجانی قناد، محمدرضا

قرن:۱۵
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدرضا آقاجانی قناد
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۳/۳
زندگینامه علمی
اینجـانب در سوم خرداد ماه ۱۳۴۵ در شهرسـتان قم در خانواده ای مـذهبی دیـده به جهان گشودم. پدرم فروشـنده لوازم خانگی در بازار قم بود و پدر بزرگم از بازاریان متدیّن قم، که به شـغل قنادی و قندریزی اشـتغال داشت و از این رو او را «حاج شیخ علی قناد» می نامیدند. پدربزرگ مادری ام، مرحوم شیخ محمد علی انصاری قمی مترجم غررالحکم و دررالکلم می باشد که نهج البلاغه مولا علی علیه السـلام را نیز ترجمه کرده و به علاوه آن را در پنج جلد و شـصت هزار بیت، در قالب نهج البلاغه منظوم به نظم در آورده است. وی همچنین کتابهایی در پاسـخ به ایراد شـبهات دربارهٔ تشیع و روحانیت با عنوانهایی چون «دفاع از اسـلام و روحانیت» و در پاسـخ به بدانـدیشان نگاشـته و نیز وصایـای پیـامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم به ابوذر غفاری را با عنوان «دُرج گهر» به سـلک نظم کشـیده و اشـعار فراوانی نیز در مـدح اهـل بیت عصـمت و طهـارت(ع) و جایگاه فقیهان در حوزه علمیه قم و نجف و اقـدامات آنان سروده که بـا عنوان «دیوان انصـاری» انتشـار یـافته است. خـانواده مـادری این حقیر، به دلیـل وجود عالمان دین و مردان روحانی، از ویژگی خاصی برخوردار است .
عموی مـادرم، مرحوم شـیخ مرتضـی انصـاری قمی واعظ شـهیر ایران در دهه چهل بود که در اکثر نقاط ایران به وعظ و ارشاد مردم می پرداخت. و به همراه مرحـوم «محمـد تقی فلسـفی» قـدومش در همه جـا گرامی داشته می شـد و گروهی از مردم قم و مؤمنین تهران، هنوز خاطره منبرهای شیرین ایشان را به یاد دارند. وی به «حاج انصاری واعظ» شهره بود و در سال ۱۳۴۹ در قم وفات یافت.
از دیگر عموهای مادرم، مرحوم حجت الاسـلام شـیخ احمـد انصاری و حجت الاسـلام شـیخ محمود انصاری، از فعالان حوزه علمیه نجف بودنـد که یـار و یـاور مراجع بزرگوار تقلیـد در کـار اداره حوزه علمیه و رسیدگی به امور طلاب علوم دینی و اقـدامات عام المنفعه به حسـاب می آمدنـد که حـاج شـیخ احمـد انصـاری که بـازوی اجرایی آیت الله العظمی خویی در حوزه نجف بود، پس از شهـادت آیت الله صـدر به دلیـل همراهی بـا ایشان، توسط رژیم بعثی صـدام دسـتگیر و مظلومانه در زنـدانهای این رژیم به شـهادت رسید.
دایی اینجـانب جنـاب حجت الاسـلام والمسـلمین ناصـر الـدین انصاری قمی از محققان کوشای حوزه علمیه قم می باشـد که ضـمن

تدریس فقه و اصول، تألیفات فراوانی به صورت مقاله و کتاب درباره زندگی علمای دین نگاشته و کتاب «علمای قم»، «کتابشناسی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها» و «خورشید فقاهت» (زندگی نامه آیت الله العظمی گلپایگانی) از آثار ایشان است.

شوهر خاله این ناچیز، حضرت آیت الله العظمی سید محمد علی علوی گرگانی، مدرس دوره خارج فقه و اصول و صاحب رساله عملیه در حوزه علمیه قم می باشد. حجت الاسلام مهدی انصاری قمی پسر عموی مادرم و دیگر شوهر خاله این حقیر است که کتاب «شیخ فضل الله نوری رویارویی دو اندیشه» از آثار اوست و کارهای زیادی به صورت تحقیق و تصحیح کتب دینی به خصوص در آثار فیض کاشانی به انجام رسانده است.

تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه ملی و غیر دولتی «روحانی» در سال ۱۳۵۰ در قم شروع کردم. در این مدرسه آموزشهای دینی به نحو جدی تری دنبال می شد. دوره راهنمایی را در مدرسه امیر کبیر قم (۱۳۵۶) و دین و دانش (۱۳۵۷) گذراندم. مدرسه دین و دانش به مدیریت شهید بهشتی در دهه چهل بنیان نهاده شده بود. معلمان دانشمندی همچون سید عباس اسماعیلی طبا مرا از دانش و دیانت خویش سیراب می کردند.

دیپلم تجربی را در سال ۱۳۶۳ در همین دبیرستان گرفتم. در حالی که آموزگاران به قبولی من در رشته پزشکی امیدوار بودند با توجه به ارتباط خانوادگی من با سلسله جلیله روحانیت، یکسره به حوزه آمدم و در مدرسه مبارکه رضویه به تحصیل در پایه دوم حوزه (سیوطی و حاشیه) مشغول شدم، چرا که جامع المقدمات را در فرصت های دبیرستان خوانده بودم.

در مدرسه رضویه از استادانی چون حجهٔالاسلام مهدی هادوی تهرانی و حجهٔالسلام محسن کدیور و استاد حجهٔالاسلام طالقانی و استاد آقا جواد فاضل لنکرانی به ترتیب در درسهای حاشیه، سیوطی، مغنی و معالم بهره بردم. استاد مختصر المعانی حجهٔ الاسلام حسن عرفان بود. پس از دو سال تحصیل در مدرسه رضویه به سال ۱۳۶۵ وارد درس آزاد حوزه برای پایه چهارم شدم. لمعه را نزد استاد آیت الله رضا استادی و مرحوم استاد وجدانی فخر فرا گرفتم و اصول فقه را در محضر استادانی همچون حجهٔالاسلام حسن ممدوحی و دیگران آموختم.

در آزمون سالانه مرکز مدیریت حوزه علمیه قم در پایه چهارم رتبه اول و در پایه هفتم رتبه سوم و در پایه هشتم رتبه دوم را به ترتیب در سال های ۱۳۶۵، ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ احراز نموده و از سوی امام راحل و آیت الله گلپایگانی مورد تشویق قرار گرفته و هدایایی دریافت نمودم. هدایای مربوط به پایه هشتم را از دست مقام معظم رهبری در اولین سفر ایشان به قم پس از مسئولیت رهبری در مدرسه فیضیه دریافت کردم.

به لطف الهی درس رسائل را نزد استاد اعتمادی و مکاسب را نزد مرحوم استاد پایانی، استاد سید علی محقق داماد و مرحوم حجهٔالاسلام ابوالحسن مصلحی اراکی فرزند مرجع عالیقدر خواندم. کفایهٔ الاصول را نیز نزد مرحوم استاد پایانی و حجهٔالاسلام موسوی تهرانی و حجهٔالاسلام و المسلمین گنجی تلمذ نمودم. بنابراین پایه نهم حوزه را در نظام قدیم که معادل پایه دهم کنونی است در خرداد ۱۳۷۱ امتحان دادم و از مهرماه همان سال به درس خارج فقه و اصول استاد گرانمایه حضرت آیت الله العظمی سید محمد علی علوی گرگانی شرکت نمودم.

نا گفته نماند که حقیر به دلیل علاقه به حضور در مراکز دانشگاهی در سال ۱۳۶۴ در کنکور سراسری دانشگاهها شرکت نموده و با رتبه ۱۹ در رشته الهیات دانشگاه تهران (در گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی) پذیرفته شدم. بنابراین ضمن تحصیل در حوزه علمیه قم، یک تا دو روز از هفته به تهران سفر می کردم و درس های رشته الهیات را به سبک دانشگاهی که البته واجد نقاط قوت و ضعف بود فرا می گرفتم.

به همین ترتیب، دوره لیسانس را در تیرماه ۱۳۶۹ به پایان بردم و همان سال یعنی در شهریور ۶۹ در کنکور ارشد رشته الهیات با گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی شرکت جسته و با کسب رتبه اول پذیرفته شدم. بنابراین از بهمن سال ۱۳۶۹ تا بهمن ۱۳۷۲ که از پایان نامه خود دفاع کردم، دانشجوی دانشکده الهیات دانشگاه تهران بودم. از آنجا که در آذر ماه ۱۳۷۰ ازدواج کرده بودم، با شروع زندگی جدید، در مرداد ماه ۷۲ بنا به درخواست دانشگاه ایلام که طی یک فراخوان از فارغ التحصیلان دانشکده الهیات دعوت به همکاری کرده بود، به ایلام هجرت نمودم، درشهریور ۷۲ در آزمون دکترای رشته الهیات در دانشگاه آزاد شرکت جستم. این در حالی بود که هنوز مشغول نگارش پایان نامه بودم. وقتی نامه قبولی در مقطع دکترا به دستم رسید، شرط ثبت نام را که دفاع از رساله بود نداشتم.

به هر ترتیب بلافاصله تحصیل در مقطع دکترا را در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات آغاز نمودم که از بهمن ۱۳۷۲ تا اسفند ۱۳۷۷ ادامه داشت و این کار با تردد مکرر بنده از ایلام به تهران صورت می گرفت. بنابراین تحصیل در مقطع دکترا را در کنار تدریس موظف و فوق العاده در دانشگاه ایلام ادامه دادم.

در حوزه صاحب الزمان (عج) در شهر ایلام تا حدودی درسهای عوامل فی النحو، هدایه، آموزش عقاید استاد مصباح و سیوطی را (مقداری از هر کدام) تدریس نمودم. در حوزه فاطمه الزهراء (س) ایلام که ویژه خواهران طلبه بود نیز تدریس منطق مظفر داشتم.

از آنجا که از مرداد ۷۳ رسماً عضو هیات علمی دانشگاه ایلام هستم، به دلیل دوری راه و محرومیت منطقه ایلام، و قمی الاصل بودن و قصد ادامه تحصیل در حوزه، خواهان انتقال به دانشگاههای قم هستم. بنابراین از مهر ماه ۱۳۸۱ در دانشگان پیام نور قم به صورت ماموریت به خدمت به تدریس پرداختم و همزمان در درس خارج فقه آیت الله مکارم شیرازی و اصول آیت الله جعفر سبحانی شرکت کردم. از بهمن ۸۲ به دانشگاه قم جابجا شدم و این ماموریت تا بهمن ۱۳۸۳ ادامه داشت . از مهرماه ۱۳۸۴ با اتمام مأموریت در دانشگاه قم، به ایلام بازگشتم و تا بهمن آن سال به تدریس پرداختم. اما بار دیگر از بهمن ماه ۱۳۸۴ به مدت یک ترم از دانشگاه شاهد (تهران ـ روبروی مرقد مطهر امام خمینی ره) برای مدت یک ترم مأمور به خدمت شدم که به تدریس فقه و اصول در رشته فقه و حقوق اسلامی اشتغال داشتم. هم اکنون مأمور به خدمت در دانشگاه پیام نور اراک از اول مهرماه ۱۳۸۵ به مدت یک سال می باشم و به صورت حق التدریس با دانشگاه قم نیز همکاری دارم. به هر حال حقیر استادیار پایه ۱۱ دانشگاه ایلام و در وضعیت رسمی قطعی و عضو گروه الهیات هستم.

پایان نامه ها و آثار علمی :

عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد اینجانب" ترجمه و تحقیق بخش رهن از قواعد علامه حلی "به راهنمایی حجة الاسلام و المسلمین گرگانی عضو هیات علمی دانشکده الهیات دانشگاه تهران بوده است و در بهمن ۱۳۷۲ از آن دفاع کرده ام. پایان نامه دکترا را با راهنمایی دکتر علیرضا فیض و مشاوره دکتر هادی عالم زاده و با عنوان «بررسی تطبیقی نظرات محقق اول و ثانی در احکام بیع» نگاشته ام. در این نوشته نظرات محقق حلی در شرایع الاسلام، مختصر النافع و نکت النهایه، با نظرات محقق ثانی در جامع المقاصد، رسائل المحقق الکرکی و حاشیه شرایع و حاشیه قواعد علامه حلی مقایسه و نکات اختلافی را استخراج و به بررسی استدلال طرفین پرداخته ام.

با بازگشت موقت بنده به قم و آشنایی با مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما به سال ۱۳۷۹ که از سوی رهبر معظم انقلاب به سال امام علی (ع) لقب یافت، توانستم کتابی با عنوان «تساهل و تسامح از دیدگاه امام علی علیه السلام» بنگارم که توسط آن مرکز چاپ داخلی شده است. مقالات دیگری نیز نگاشته ام که در مجلات معتبر دانشگاهی و یا همایشها پذیرفته یا چاپ شده که لیست آنها در زیر ارائه خواهد شد.

با عنایات و فضل خداوند، درسال ۱۳۶۹ در مسابقات حفظ و قرائت قرآن مجید حوزه علمیه قم، رتبه دوم در حفظ ۳ جزء قرآن را کسب نمودم. همچنین در سال ۱۳۷۶ در اولین مسابقات حفظ و قرائت قرآن مجید ویژه اعضای هیات علمی دانشگاهها رتبه اول در حفظ یک جزء را به دست آورم که البته ناچیز است.

حقیر، از ابتدای تدریس در دانشگاه با گروه معارف اسلامی نیز همکاری داشته و دروس عمومی معارف اسلامی همچون تاریخ اسلام، اخلاق اسلامی، معارف اسلامی ۱و۲ را تدریس نموده و هم اکنون مجوز تدریس درس تفسیر موضوعی قرآن و نهج البلاغه (یک ساله)، تاریخ و تمدن اسلامی و اخلاق اسلامی (آیین زندگی) را به صورت سه ساله، از معاونت اساتید معارف اسلامی دریافت داشته ام.

شایان ذکر است حقیر از مهر ماه ۱۳۸۳ به عنوان دانش پژوه در موسسه آموزشی و پژوهشی مذاهب اسلامی زیر نظر مرکز مدیریت حوزه علمیه قم به تحصیل اشتغال داشته و تاکنون دو ترم از دوره سه ساله این مرکز را پشت سر گذاشته ام .

آقاجانی، علی اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اصغر آقاجانی

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از دروس ابتدائی، در سال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه شهر آستانه اشرفیه استان گیلان شدم. قریب به ۲ سال مقدمات علوم حوزوی را نزد حجهٔالاسلام مرحوم عسگری و مرحوم آیت الله دکتر ضیائی گذراندم.

حدود سال ۵۵ – ۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم. دروس سطح، رسائل را نزد استاد اعتمادی و مکاسب را محضر استاد بنی فضل و استاد پایانی فرا گرفتم و کفایه را نزد استاد ستوده به پایان بردم. دروس خارج فقه و اصول را نزد اساتید بزرگ حوزه : حضرت آیت الله مکارم شیرازی، حضرت آیت الله وحید خراسانی و حضرت آیت الله میرزا جواد تبریزی (حفظهم الله) خواندم .

از نظر مدارک حوزوی پایه دهم، کتبی و شفاهی را تمام کردم و گواهینامه ۸ سال خارج فقه و ۳ سال خارج اصول را از آیت الله مکارم شیرازی دارم و نیز مدارج علمی و معادل خارج یک را از دفتر تبلیغات اسلامی قم اخذ نمودم. از نظر مدارک کلاسیک دیپلم اقتصاد را در سال ۱۳۶۱ در قم از دبیرستان صدوق (ره) فرا گرفتم.

در سال ۱۳۶۸ بصورت قراردادی فعالیتهای تحقیقی معجم نگاری بحار الانوار مجلسی را در واحد تحقیقات دفتر تبلیغات شروع نمودم و به کارهای پژوهشی از قبیل فیش برداری، تصحیح و مقابله مربوط به کتب بحار الانوار اشتغال داشتم. مسئولیت تحقیقات کل را مرحوم عبائی خراسانی و مدتی آقای درایتی و بعد دیگران به نوبت بر عهده داشتند. مسئولیت بخش معجم بحار الانوار را هم حجهٔالاسلام حاج آقای مهدوی امام جمعه فعلی سرخه سمنان بر عهده داشتند. نتیجه این فعالیت تحقیقی، علمی و گروهی ۱۴ جلد بزرگ معجم بحار الانوار و ۳ جلد اعلام بحار می باشد، که در کتاب شناسی سال از جناب آقای هاشمی رفسنجانی (رئیس جمهور وقت)، کتاب سال معرفی گردید. حدود فعالیت ما در واحد تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳ سال بطول انجامید. ۱۰سال را در معجم بحار گذراندم و قریب به ۳ سال را هم در واحد سیره اهل بیت (ع) به فعالیت مشغول بودم. بخشی از فعالیت تحقیقی را در مکاتب تاریخی بصورت فیش برداری اشتغال داشتم که نظارت آنرا دکتر آئینه وند بعهده داشت و ریاست واحد را آقایان مدرسی و زمانی و آقای سلطانی و دوره پایانی آنرا آقای واسعی بعهده داشتند .

آقاجانی، علیرضا

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۱۶ ق)، فقیه و محدث شیعی. وی از شاگردان میرزا محمد استرآبادی بود که در مکه پس از قرائت کتاب «تهذیب الاحکام» بر او، به دریافت اجازه روایت نایل شد. وی پدر محمد بن علیرضا آقاجانی، حکیم و فیلسوف بزرگ عصر خویش است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۹۸/ ۱۱).

آقاجانی، نصرالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نصرالله آقاجانی

محل تولد : بابلسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم در سال ۱۳۶۴ در شهرستان بابلسر، برای تحصیل در علوم دینی در همان سال وارد حوزه علمیه قم شدم. دروس مقدماتی را در مدرسه امام صادق(ع) به اتمام رساندم.

بعد از اتمام لمعتین، همزمان با ادامه درس سطح، در موسسه در راه حق تحت اشراف حضرت استاد آیت الله مصباح یزدی شرکت نموده به مدت پنج سال دروس معارف اسلامی آن را گذراندم. و بعد جهت ادامه تحصیل در مقطع فوق لیسانس در رشته جامعه‌شناسی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) شرکت کردم و موفق به اخذ مدرك فوق لیسانس رشته فوق شدم (در سال ۱۳۸۱) همزمان با تحصیل قریب ده سال به تدریس و تحقیق مشغول هستم. تدریس دروس معارف اسلامی، تدریس درس جامعه‌شناسی در دانشگاه و مراکز آموزشی از جمله آنها است. مقالات مختلف در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی به رشته تحریر درآمده است که برخی هم چاپ شده است. با تاسیس رشته اندیشه معاصر مسلمین در معاونت آموزش دفتر تبلیغات اسلامی، اکنون سطح ۴ حوزه علمیه را در این رشته در حال گذراندن هستم.

مدتی در مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای مرکز قم، مدیریت علمی گروه مطالعات اجتماعی و فرهنگی آن را به عهده داشتم. اکنون هم مدیر گروه تربیت مبلغ معاونت آموزش دفتر تبلیغات اسلامی قم هستم.

آقاحسینی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۱ -۱۲۹۰ ش)، خطاط. در طالقان به دنیا آمد. پس از پایان دبیرستان برای تحصیل علوم قدیم به مدرسه سپهسالار رفت. از محضر محمدحسین خوشنویس باشی و میرزا حسن‌خان عاصمی تعلیم خط گرفت و سرانجام به مکتب عمادالکتاب راه یافت و از دست او گواهی‌نامه گرفت. وی سپس به استادی کلاس عمومی تعلیم خط هنرهای زیبا مشغول شد. آقاحسینی در خط نستعلیق به ویژه جلی شیوه دلپسندی دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره خوشنویسان معاصر (۱۷۳ -۱۷۲).

آقادادی، احمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد رضا آقادادی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۹/۴/۱۲

زندگینامه علمی

اینجانب احمدرضا آقادادی متولد روز دوازدهم تیر سال ۱۳۵۹ در اصفهان می‌باشم. دوران دبستان را در مدرسه ابتدائی شهید قضاوی واقع در خیابان سروش و راهنمائی را در مدرسه شهید چمران چهار راه عسکریه طی کردم و پس از آن وارد حوزه شدم.

اولین مدرسه‌ای که در آن به تحصیل پرداختم دارالحکمه و سپس ملاعبدالله و هم اکنون در مدرسه صدر بازار مشغول می‌باشم. اساتید بزرگی چون آیت الله مهدوی، آیت الله امامی، آیت الله مظاهری، حجت الاسلام معمار منتظرین را درک کرده‌ام. همواره درس‌هایی را که می‌خواندم تدریس نیز می‌نمودم، لکن بعد از مشغول شدن به فعالیت در امور تحقیقی هیچ فعالیتی را گواراتر و جذاب‌تر از تحقیق نیافتم بنابراین تمام مشغولیت‌ها را منجمله تدریس را به حالت تعلیق در آوردم.

هم اکنون مشغول تالیف کتاب‌هایی به زبان عربی می‌باشم و در جلسه درس آیت الله العظمی مظاهری نیز حاضر می‌شوم.

آقاسی بیک افشار

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطاط. از مردم آذربایجان و سرکرده‌ی عده‌ای سوار در اردوی نادرشاه بود. همچنین در زمان سلطنت کریم‌خان مورد توجه و عنایت او بود، طوری که خانه‌ی بزرگ مجلّلی در میدان شاه برای وی ساخت و او را از آذربایجان خواست، و او پس از بازگشت از مکه و عتبات به شیراز وارد شد. آقاسی خط نستعلیق را نیکو می‌نوشت و کتیبه‌ی سنگ مرمر قبر حافظ ب خط او است. از دیگر آثار وی: «تکیه‌ی حاج آقاسی» است که به «تکیه‌ی نواب هندی» نیز شهرت دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶ /۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۰۴ -۱۱۰۳ /۲).

آقاسی خویی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۶ /۱۲۹۵ ش)، سخنران و شاعر، متخلص به دانش. در شهر خوی متولد شد. وی از نواده‌های حاج میرزا آقاسی نوری وزیر دوره‌ی قاجار است. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان رسانید. از آن پس به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به تدریس مشغول شد وی در شعر توانا و به سرودن غزل و قطعه و رباعی بیشتر راغب است. اثر او: «منتخب اشعار دانش».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۱۳۴۷ -۱۳۴۴ /۲)، فرهنگ سخنوران (۳۳۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۶۷ -۴۶۶ /۵).

آقاسی، عباس

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۵ -۱۱۹۸ق)، عالم و شاعر، متخلص به فخری. در چهارده سالگی به عتبات رفت و به خدمت آخوند ملا عبدالصمد عارف همدانی درآمد و در محضر او علوم دینی و طبیعی و ریاضی آموخت. پس از شهادت آخوند همدانی به دست وهابیان در ۱۲۱۶ ق میرزا آقاسی به ایران بازگشت و تربیت فرزندان عباس میرزا بویژه محمد میرزا را بر عهده گرفت. وی سرانجام به وزارت محمدشاه رسید و شاه که او را مرشد و پیشوای طریقت خود می دانست سالها اداره مملکت را به کف بی‌کفایت او سپرد. در عتبات از دنیا رفت و همان جا دفن شد. از آثارش: «سهام عباسیه»، در فقه؛ «شیم فخری»، در زمینه شریعت و طریقت؛ «نگارنامه»، در جغرافیا؛ «دیوان» شعر.[۱]

حاج میرزا آقاسی بن میرزا سلیم ایروانی از طایفه بیات. وی چون به نام جدش موسوم بود، او را به جهت احترام میرزا آقاسی نامیدند. در سال ۱۱۹۰، ه.ق.برای تحصیل علوم دینی به عتبات رفت و در خدمت ملا عبدالصمد همدانی به تحصیل پرداخت و بعد از شهادت آن استاد به سال ۱۲۱۴ به ایروان برگشت و پس از چندی به تبریز مهاجرت کرد و مورد تفقد نایب‌السلطنه عباس میرزا قرار گرفت و به سمت ملا باشی اولاد وی منصوب گردید. در زمان پادشاهی محمدشاه وی به صدارت عظمی رسید. پس از فوت پادشاه اخیر به سبب مخالفان بسیاری که داشت ناگزیر به حضرت عبدالعظیم پناه برد و سپس به عتبات رفت و در ۱۲۶۵ ه.ق. در کربلا درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] حدیقة الشعراء (۱۲۹۱ -۱۲۸۷ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۲۹۵ -۲۹۴)، دایرةالمعارف فارسی (۸۲۶ /۱)، الذریعه (۲۶۰ /۱۲، ۸۱۲ /۹)، روضة الصفا (۱۷۱ -۱۶۷ /۱۰)، ریاض العارفین (۲۷۲)، شرح حال رجال (۲۰۹ -۲۰۳ /۲)، طرائق الحقائق (۳۱۷ -۲۹۹ /۳)، لغت‌نامه (ذیل/ فخری)، المآثر والآثار (۱۵۷)، مجمع الفصحا (۸۲۰ -۸۱۷ /۵)، مکارم الآثار (۱۷۹۱ /۵، ۷۸

-۷۶ /۱)، ناسخ التواریخ، قاجاریه (۲۴۸ -۲۴۱ /۲).

آقاسی، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۳۴ ق)، محدث و شاعر. مشهور به آقاسی. او خواهرزاده‌ی ابوطالب خان نهاوندی بود. وی از پدرش علامه مجلسی روایت می‌کرد. او در فتنه افغان درگذشت. وی شعر نیز می‌سرود. گزیده‌ای از اشعار او در «تذکره‌ی غنی» آمده است. از آثارش: «ارشاد الحنفاء فی وصف الخلفاء»؛ «معراج النفس».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تلامذه العلامهٔ المجلسی (۱۲۰)، الذریعه (۴۲ /۲۶ ،۲۳۷ /۲۱ ،۳۶۳ /۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۶۲ /۱۲)، مرآت الاحوال جهان‌نما (۱۲۵ /۱).

آقاسی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمّدرضا آقاسی هستم. فرزند ششم یک خانواده ی مذهبی.۲۴ فروردین سال ۱۳۳۸ در منزل پدری مان، واقع در تهران، خیابان خیّام، پشت امامزاده سیّد نصرالدین، به دنیا آمدم. مرحوم پدرم، با آنکه سوادی به آن صورت نداشت، امّا قاری قرآن بود و از مریدان مرحوم آیت الله« حاج سید احمد طالقانی آل احمد» که روحانی سرشناس محل ما بود و پدر جوانمرد فاضل؛ زنده یاد« جلال آل احمد». از طرفی، مادرم حدود چهل سال است افتخار مدّاحی حضرت قمر بنی هاشم (علیه السلام) را دارد.

دو.

از زمان بچگی کلمات را به هم می بافتم. مشخصاً از سنین سیزده چهارده سالگی. تقریباً بیست ساله بودم که انقلاب شروع شد. قبل از انقلاب، دو سالی هنرجوی «هنرستان هنرهای زیبا»ی شهر تهران بودم. منتها، از آنجا که به نحوه ی آموزش متون درسی و مدیریت خشک و بی بهره از ظرافت های تعلیم و تعلّم هنری اولیاء امور هنرستان اعتراض داشتم، با مدیر، ناظم و بعضی از اساتید آنجا برخورد پیدا کردم. روی همین حساب هم، دو سال پیاپی مرا مردود کردند و دست آخر سال سوم؛ اخراج ام کردند. بعد از آن ماجرا، مدتی در تسلیحات ارتش کار می کردم. این وضع ادامه داشت تا حوالی تابستان ۱۳۵۷ که با اوج گیری مسائل انقلاب، از تسلیحات هم زدم بیرون.

سه.

از همان شب اول پیروزی انقلاب در بیست و دو بهمن ۵۷، در کمیته ی انقلاب؛ مستقر در مسجد امامزاده سیّد نصرالدین تفنگ به دوش کشیدم و شدم یکی از صدها هزار جوان پاسدار انقلاب.

چهار.

شعار محوری آن روزهای انقلابیون این بود؛ «امروز ایران- فردا، فلسطین». بر مبنای همین باور، دوره های مقدّماتی جنگ چریکی را در تهران آموزش دیدم. در آذرماه ۵۸ بود که به جمهوری عربی سوریه رفتیم. آنجا در یکی از پادگان های متعلّق به جناح نظامی «سازمان آزادی بخش فلسطین»- معروف به قوای العاصفه- مستقر شدیم و مربیان زبده ی فلسطینی، یک دوره ی تخصصی از رزم پارتیزانی را به ما آموزش دادند. در پایان آن دوره ی آموزشی، روزی که می خواستیم به سمت مرز حرکت کنیم، نیروهای مسیحی لبنانی طرفدار ارتش اسرائیل؛ معروف به فالانژها، مستقر در مرز مشترک سوریه- لبنان، راه عبور را به روی ما بستند و از ورود اکیپ ما به خاک لبنان جلوگیری شد. به ناچار، من به اتفّاق تعدادی از دوستان به تهران برگشتیم تا دستکم خودمان را به جبهه های نبرد افغانستان برسانیم؛ که تازه چند ماهی بود توسّط یکصد و چهل هزار چکمه پوش سپاه چهلم ارتش سرخ اتّحاد شوروی اشغال شده بود.

پنج.

پاییز سال ۱۳۶۵ بود که یکی از رفقای ما، در ستاد پشتیبانی مهندسی جنگ جهاد سازندگی، سر وقت ام آمد با این پیشنهاد که؛« اگر آمادگی داری، بیا با هم برویم برای دوره ی آموزشی کار با بلدوزر و ماشین آلات سنگین. جبهه بلدوزرچی لازم دارد». خب، ما هم رفتیم در واحد مهندسی- رزمی ستاد پشتیبانی جنگ جهاد تهران اسم نوشتیم. مدتی در کهریزک، دوره ی کار با ماشین آلات سنگین را دیدیم. بعد هم اعزام شدیم به جبهه ی جنوب. مدتی در شوش دانیال مستقر بودیم. بعد هم رفتیم سمت جزایر مجنون و دست آخر هم دشت شلمچه.

شش.

انتخاب قالب شعری برای بیان ادراکات و احساسات شاعرانه ام، یحتمل مثنوی به این خاطر بود که در این قالب، برای فَورانِ شور درونی شاعر، به نسبت دیگر قالب های شعری، میدان به مراتب وسیع تری وجود دارد. مثنوی دریاست، مثنوی اقیانوس است. وقتی بخواهی بیایی توی چنین وادی هایی،« شرط اول قدم آن است که مجنون باشی». باید ایمان داشته باشی که ذاتاً فقیری و غنی مطلق خداست و باب جود و عطای خدا، آل محمّد (علیهم السلام) هستند. باید کاسه ی گدایی برداری، بروی درِ خانه ی اهل بیت

(علیهم السلام) را بزنی. احساس استغنا و بی نیازی هم نباید داشته باشی. در چنین صورتی؛ مطمئن باش اهل بیت (علیهم السلام) تو را دست خالی از در خانه شان بر نمی گردانند. هر چه شکسته تر و زارتر درِ خانه شان بروی، کاسه ی گدایی تو را پُرتَر می کنند. حالا- در رابطه با معروف ترین شعری که خلایق در این ملک مرا به آن می شناسند؛ یعنی شیعه نامه، فقط می توانم بگویم که من شیعه نامه را از کرم اهل بیت (علیهم السلام) دارم، نه از خودم؛ که هیچ ام و هیچ.

هفت.

بیشتر سرمایه ها و ردیف بودجه های مصوّب برای شعر اصیل انقلاب، به سمینارها و سمپوزیوم ها و کنگره ها و کنفرانس ها و- به قولی امروزی ها همایش ها- ی پر از اسراف و تبذیر و بی حاصلِ مثلاً فرهنگی- هنری و چاپ کاتالوگ ها و بولتن های لوکس و چهار رنگ بی خاصیت و یک بار مصرف اختصاص داده شد. بعضی دستگاه ها هم که بعد از انقلاب به وجود آمدند و خود، به عنوان نهاد های هنری- تبلیغاتی این انقلاب مطرح شدند، زدند به بی راهه ی فرو رفتن در مسائلی، که بیشتر در حوزه ی مسؤولیت وزارت بازرگانی و وزارت مسکن و شهرسازی است، تا یک نهاد مدّعی ترویج اندیشه و هنر اسلامی! من از بیان حرف حق پروایی ندارم و خوفی هم ندارم که اگر به خوشایند این حضرات حرف نزنم، نان نداشته ام آجر شود! همین قدر گفته باشم، یکی از همین قماش دستگاه های متولّی اندیشه و هنر اسلامی، یک بار عکس العمل تندی را نسبت به من نشان داد... حقوق ام را قطع کردند و ضمن ارسال یک دستورالعمل اکید، مرا به صحن و سرای دستگاه شان ممنوع الورود فرمودند! یک بیت نثارشان کردم و سپردم شان به قهر مولا علی (علیه السلام). که:

از آن روزی که در خون پر گشودم به دار الکفر ممنوع الورودم آثار استاد محمّدرضا آقاسی در حوزه ی شعر به حدود ۶-۷ هزار بیت می رسد، که یکی از مشهور ترین آنها مثنوی بلند شیعه نامه است.

محمدرضا آقاسی، شاعر و مثنوی‌سرای اهل بیت عصمت و طهارت،در سن ۴۶ سالگی،بامداد سه شنبه سوم خرداد ماه ۸۴ به علت عارضه قلبی در مرکز تخصصی قلب تهران دار فانی را وداع گفت. پیکر وی ۵ خردادماه از مقابل معراج الشهدای تهران تشییع و در قطعه ۴۴ شهیدان بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

آقاشریفیان، مهرداد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهرداد آقاشریفیان اصفهانی

محل تولد : اصفهان

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱۲/۲۵

آقاصادق دوم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(شکوفایی ۱۲۱۰ -۱۱۶۰ ق)، نقاش، شاعر و خطاط. مشهور به صادق، آقاصادق و محمدصادق. وی سجعش را «یا صادق‌الوعد» می‌نوشت و یا تنها به ذکر نام ساده‌ی خود اکتفا می‌نمود. در رشته‌های گوناگون نقاشی، از قبیل آبرنگ و کارهای روغنی و ارائه تصاویر رنگ و روغنی و تذهیب و ترصیع و حل‌کاری صاحب ابتکار بود. آقاصادق در گل و مرغ و شبیه‌پردازی و تک چهره‌سازی و مجالس پر جماعت رزمی و بزمی و شکار جانورسازی و حتی فرنگی‌سازی استاد بود و به رموز و دقایق نقش تصویر وقوف تمام داشت. وی به غیر از نقاشی در شعر و ادب نیز دست داشت و اغلب ارقام هنری خود را به نظمی مناسب به شعر درآورده و به خط زیبای خود کتابت می‌کرد. از آثار او: «اثر بزرگ رنگ و روغنی جنگ کرنال در کاخ چهلستون اصفهان، این اثر به امر آغا محمدخان قاجار ترسیم گشته و رقمش چنین است: «یا صادق‌الوعد»؛ اثر بزرگ رنگ و روغنی از جنگ نادرشاه با ترکان عثمانی در یکی از سالنهای کاخ گلستان تهران؛ دیگر اثر وی که در کتابخانه مجلس قرار دارد، تصویر رنگ و روغنی بهشت است به ابعاد تقریبی ۱۸۰ در ۲۸۰ سانتیمتر؛ و قلمدان گل و مرغی استادانه‌ای که در مدالیونهای مختلف حواشی قلمدان نیز مناظر شکار و تصاویر پر حالت دیگر نقش بسته و چنین رقم دارد: «یا صادق‌الوعد». در «احوال و آثار نقاشان» نوزده اثر دیگر از آقاصادق ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۲۶۴ -۲۵۹ /۱)، گلستان هنر (چهل و نه)، هنر قلمدان (۱۰۴ -۱۰۳).

آقاقاری، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۶ -۱۲۹۳ ق)، نقاش و شاعر. وی نماینده‌ی پنج دوره‌ی اول مجلس شورای ملی بود و در نقاشی و تذهیب و همچنین در جفر و

رمل نیز مهارت داشت. آقاقاری در پارک اتابک کشته شد. از وی اثری دیده نشده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۴ /۱).

آقاکوچک بروجردی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۲۷۹ ق)، عالم، فقیه و محدث. از اهالی قمیشه و در اصفهان ساکن بود. پس از کسب مقدمات سالها در تحصیل نحو و صرف و معانی و بیان و حدیث و رجال و علوم دینی و معارف صرف اوقات کرد تا به درجه‌ی اجتهاد رسید. از آثار وی «رساله در استصحاب» که تحریر تقریرات پدرش بود و به انضمام «قواعد الشریفیه‌ی» پدرش به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (۴۲۳ –۴۲۲ /۲)، تذکرة القبور (۱۴)، ریحانه (۵۷ –۵۶ /۱)، المآثر والآثار (۱۶۲).

آقاگلزاده، فردوس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فردوس آقاگلزاده در سال ۱۳۳۵ به دنیا آمد. وی پس از اتمام دوره دبیرستان، وارد دانشگاه علامه طباطبایی شد و در رشته زبان و ادبیات انگلیسی به تحصیل پرداخت. او تحصیلات مقطع کارشناسی ارشد و دکتری را در رشته زبان شناسی همگانی از دانشگاه تربیت مدرس و تکمیل تحقیقات دکتری را در دانشگاه لیورپول انگلستان سپری کرد. وی پس از اتمام تحصیلات خود، به عنوان عضو هیات علمی گروه زبان شناسی دانشگاه تربیت مدرس فعالیت خود را آغاز کرد. او همچنین با نشریات و مجلات تخصصی همکاری نزدیک داشته و ضمن آن در همایشها و سمینارهای عملی، مقالات بسیار ارزشمندی را ارائه داده است.گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات انگلیسیگرایش : زبانشناسی همگانیتحصیلات رسمی و حرفه ای : فردوس آقاگلزاده پس از اتمام دوره دبیرستان، وارد دانشگاه علامه طباطبایی شد و در رشته زبان و ادبیات انگلیسی به تحصیل پرداخت. او تحصیلات مقطع کارشناسی ارشد و دکتری را در رشته زبان شناسی همگانی از دانشگاه تربیت مدرس و تکمیل تحقیقات دکتری را در دانشگاه لیورپول انگلستان سپری کرد. موضوع رساله وی " مقایسه و نقد رویکردهای تحلیل کلام و تحلیل انتقادی در تولید و درک متن "می باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فردوس آقاگلزاده از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱سرپرست کتابخانه دانشکده، از سال ۱۳۷۶ جانشین معاونت پژوهشی دانشکده و از سال ۱۳۷۵ تا کنون سرپرستی آزمایشگاههای زبان را به عهده داشته است.فعالیتهای آموزشی : فردوس آقاگلزاده عضو هیات علمی گروه زبان شناسی و استادیار دانشگاه تربیت مدرس می باشد. از جمله دروسی که وی در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری تدریس می نماید عبارتند از: تجزیه و تحلیل کلام و کاربرد شناسی، تطور زبان فارسی، مقدمات زبانشناسی، زبان انگلیسی (مقطع کارشناسی ارشد و دکتری).سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : فردوس آقاگلزاده با نشریات و مجلات تخصصی همکاری نزدیک داشته و ضمن آن در همایشها و سمینارهای عملی نیز شرکت کرده است.آرا و گرایشهای خاص : تخصص اصلی فردوس آقاگلزاده تجزیه و تحلیل کلام و کاربردشناسی بوده اما به صورت جنبی بر روی جامعه شناسی زبان، ادبیات و زبانشناسی، گویش شناسی مطالعات و پژوهشهای خود را نیز متمرکز نموده است.آثار " : نقش جامعه شناسی زبان و راهبردهای آن در تدریس زبان "مجله رشد زبان، شماره ۱۴، تهران ۱۳۷۹ ، تقویت مهارت شنیداری به روش نوین تحلیل متن، نخستین همایش بررسی روش های نوین آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان، چاپ شده در مجموعه مقالات، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۰. دوزبانگی و چند زبانگی از دیدگاه روانشناسی زبان (به زبان انگلیسی، ") دومین کنفرانس بین المللی علوم شناختی، تهران ۱۳۸۱ ، سازگاری صورت و محتوا در آیات قرآن مجید از نگاه زبانشناسی، "همایش قرآن و علوم روز دانشگاه بیرجند، ۱۳۷۹ ، مفاهیم فرهنگ و زبان "کنفرانس تعاملات علمی و فرهنگی ایران و غرب، دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی، تهران، ۱۳۷۹ ، نقش عوامل زبانشناختی و فرازبانی در گفتگو و تفاهم فرهنگی ایران و آفریقا، "کنفرانس ایران و آفریقا، دانشگاه تربیت مدرس ، ویژگیهای متون ادبی از دیدگاه زبانشناسی "مجله آموزش زبان، شماره ۲، مشهد، ۱۳۷۹ ، ویژگیهای متون ادبی از دیدگاه زبانشناسی، "همایش ترجمه ادبی در ایران دانشگاه فردوسی مشهد، بهمن ماه ۱۳۷۸

آقالر آذربایجانی، ولی‌اللَّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۷۵ ق)، طبیب و شاعر، متخلص به ولی. میرزا ولی‌اللَّه آذربایجانی اصلش از هشترود تبریز است. از جانب اولیای دولت لقب حکیم‌باشی نظام داشت و اطبای زمان به دانش و تبحر او در طب معترف بودند. بیمارستان دولت با لوازم آن به او سپرده شد بود و از طرف ناصرالدین شاه به جمع شیوه درمان فرنگی و ایرانی و تألیف کتابی در یک جلد در این زمینه مأمور شد. در میان مردم به

میرزا آقالر مشهور بود. در مجموعه‌ی «قلندر شاه» بعضی از اشعار عربی و فارسی او موجود است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۲۰۴۲ -۲۰۴۱ /۳)، فرهنگ سخنوران (۹۸۸)، گنج شایگان (۴۸۱ -۴۷۸).

آقامیرک اصفهانی، جلال‌الدین

قرن:۱۰
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهـم ق)، نقـاش و خطـاط. وی غیر از روح اللّٰه میرک هراتی اسـت. آقـا میرک از سـادات اصـفهان بـود و در تبریز، در دربـار شاه‌طهماسب اول مقام والایی داشت. وی از شاگردان مسـتعد اسـتاد بهزاد به شمار می‌آمد و در تذهیب و ترصیع و نقوش ساختمانها و مهـارت در تنوع آرایش طبیعت و ارائه چهره‌هـا انگشت‌نمـا و پرمایه بود. همچنین در کتابت انواع خطوط نیز دست داشت و اغلب خطوط زیبای نسـتعلیق و ثلث تصاویر را خود می‌نوشت. خواجه عبدالصـمد شـیرازی ملقب به شـیرین قلم از شاگردان او بود. از آثار وی، تصـاویری است در نسـخه‌ای از «خمسه‌ی» نظـامی به خط شاه محمـد نیشابوری که همراه با اسـتادان نامی آن زمان نقش‌آفرینی کرده است و رقم «عمل آقا میرک» و «آقا میرک» دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زنـدگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۳۵ -۱۳۲ /۱)، تاریخ اصفهان (۲۸۸)، تاریـخ هنرهای ملی (۸۳۶ -۸۳۵ /۲)، تحفه‌ی سامی (۷۴)، خوشنویسان و هنرمندان (۲۰ ،۱۸)، گلستان هنر (۱۳۹).

آقامیر کریمی، اسداللّٰه

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حشره‌شناسی، دانشکده: مجتمع ابوریحان، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
تحصیلات عالی و دکترای گیاه پزشکی.
مرتبه علمی:
تدریس در دانشگاههای کرمانشاه، مازندران، سیستان و بلوچستان و تهران، دانشیار دانشکده مجتمع ابوریحان دانشگاه تهران.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
جمع‌آوری نقاشـی علمی و ترسـیم حشـرات به تعـداد یـک هزار بطور Original، فتـوگرافی از حشـرات به تعـداد ۵۰۰ عـدد بطور Original، پنـج راهنمای مبارزه با آفات به طریق ابتکاری، بررسـی فونستیک انار در ورامین، بررسـی امکان مبارزه تلفیقی با آفات انار، شرکت در کنگره‌های بین‌المللی گیاه پزشکی و ارائه مقاله و ایراد سخنرانی‌های متعدد، نظارت بر ۱ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
حشره‌شناسی کشاورزی، آفات مهم نباتی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱
زمینه علمی مقالات:
بررسی مقاومت ارقام ذرت به کرم ذرت، بررسی زنبور پارازیت، بررسی رفتار تخمگذاری زنبور پارازیت.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

آقامیری دزفولی، اسدالله

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج سـید اسدالله معروف بامام بن سـید نورالله بن سـید اسدالله بن سید محمد حسین بن العلامه سید عبدالباقی مشهور بسید آقا میر دزفولی یکی از فضلاء نامدار خوزستان و فقهاء عظام اهواز بوده است.
وی در دزفول متولد شده و پس از فراغت از مبادی علوم مهاجرت بنجف اشـرف نموده و از محضر علمین آخوند خراسانی و علامه یزدی اسـتفاده کامل نموده و چند سالی هم در تهران بتحصیل پرداخته و از درس علماء آن سامان بهره‌مند شده آنگاه باهواز منتقل و

رحل اقامت افکنده و بوظائف دینی قیام و مورد احترام و تجلیل قرار گرفت و در مسجد جامع آن شهر باقامه جماعت و تدریس پرداخت تا در سال ۱۳۵۷ ق وفات نموده و جنازه‌اش حمل بنجف و در وادی‌السلام مدفون گردید.

فرزند ارشدش حجه‌الاسلام آقای حاج سید هبه‌الله امام از علماء محترم و متصف بفضائل الاخلاق و تا هم‌اکنون در مسجد جامع اهواز بجای والدش بامامت اشتغال دارد.

(وف ۱۳۵۷ ق)، فقیه. معروف به امام. وی از نوادگان سید عبدالباقی معروف به سید آقا میر است. در دزفول به دنیا آمد. پس از فراغت از خواندن علوم مقدماتی عازم نجف اشرف شد و در حوزه درس آخوند خراسانی و علامه یزدی شرکت کرد و از آنان استفاده کامل برد. چند سالی هم در تهران به تحصیل پرداخت. سپس به اهواز منتقل شد و در آنجا عهده‌دار وظایف دینی گشت. در همان‌جا درگذشت. پیکرش به نجف حمل و در وادی‌السلام دفن شد.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۴۱ / ۳).

آقامیری، سید رسول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید رسول آقامیری از نقاشان معاصر است . او اهل اصفهان بوده و درخانواده ای مذهبی و هنردوست رشد و نمو یافت . وی درنمایشگاه های انفرادی و گروهی شرکت داشته و درزمینه خوشنویسی به ویژه خط نستعلیق خوش درخشیده است .

گروه : هنر

رشته : هنرهای تجسمی

گرایش : خوشنویسی

والدین و انساب : پدر بزرگ سید رسول آقامیری ،سید عباس آقا میری از نقاشان معروف زمان خود بود. نقاشی های مدرسه چهار باغ اصفهان و پل خواجو از جمله کارهی سید عباس به شمار می آید.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید رسول آقا میری از سال ۱۳۷۴ فعالیت هنری را با گرایش به خوشنویسی براساس علاقه زیاد و همچنین تشویق های پدرو مادر و دایی اش آغاز کرد و تاسال ۱۳۷۶ هجری شمسی به طور ذوقی ازروی کتابهای خوشنویسی بدون استاد کار می کرد . درسال ۱۳۷۶ با ملاحظه چند پوستر کانون فرهنگی ـ هنری نور، به شیوه ای جدید درزمینه خط دست یافت .

استادان و مربیان : مهمتر ین سید رسول آقامیری، استاد علی فرزانه است که درسال ۱۳۷۷ هجری شمسی با هم آشنا شدند . وی تا سال ۱۳۷۸ هجری شمسی از محضر این استاد استفاده کرد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : درسال ۱۳۷۸ هجری شمسی ، سید رسول آقا میری موفق به اخذ مدرک ممتاز ازانجمن خوشنویسان شد و به عضویت انجمن خوشنویسان اصفهان درآمد . از سال ۱۳۷۹ فعالیت هنری خود را به طوررسمی شروع کرد و در همایشی که انجمن خوشنویسان ایران به مناسبت تکریم سال حضرت علی (ع) برگزار نمود شرکت کرد و دراولین حضور خود در عرصه رسمی هنر افتخار داشتن یک اثر درکنار آثارهنرمندان سراسر کشور را به دست آورد .

آرا و گرایشهای خاص : سید رسول آقامیری معتقد است که باید خط نستعلیق را که خط ملی و سنتی ما است و کمال خطوط می باشد . در قالبهای نو و بدیع به «دوستداران هنرو به خصوص خط نستعلیق ارائه کرد» . منابع زندگینامه : فصلنامه فرهنگ اصفهان ،شماره ۲۰ ، تابستان ۱۳۸۰ ، ص ۱۱۳

آقانجفی قوچانی، سید حسن، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۳ –۱۲۹۵ ق)، فقیه، حکیم و ادیب. در خسرویه‌ی قوچان به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در قوچان، سبزوار و مشهد به پایان رسانید و در بیست سالگی به اصفهان رفت و نزد آخوند کاشانی و میرزا جهانگیرخان قشقایی حکمت و فلسفه و نزد آخوند شیخ عبدالکریم گزی، و سید محمدباقر درچه‌ای فقه و اصول خواند. سپس از اصفهان به نجف رفت و نزد آخوند محمدکاظم خراسانی، شریعت اصفهانی، محمدباقر اصطهباناتی تلمذ کرد و در سی سالگی به اجتهاد رسید و پس از بیست سال توقف در نجف به قوچان بازگشت و متجاور از بیست و پنج سال در قوچان مقام فقاهت و رتق و فتق امو مذهبی مردم و اداره‌ی حوزه‌ی علوم دینی را برعهده داشت. وی در قوچان درگذشت و آرامگاهش از زیارتگاه‌های قوچان است. از آثار وی: «شرح دعای صباح»؛ «عذر بدتر از گناه»، درباره‌ی مشروطیت؛ «سفری کوتاه به آبادیهای قوچان»؛ «سیاحت غرب»؛ در کیفیت عالم برزخ و سیر ارواح؛ «سیاحت شرق» که مهمترین اثر آقا نجفی و شرح حال خود او از کودکی تا مقام اجتهاد است؛ «حیوهٔ الاسلام فی احوال آیهٔ‌اللّه الملک‌العلام»، در شرح زندگی آخوند خراسانی؛ «شرح کفایهٔ‌الاصول».[۱]

حسن بن سید محمد نجفی صاحب (کتاب سیاحت شرق و سیاحت غرب) از علماء بنام شهرستان قوچان بوده است. وی در سال ۱۲۹۵ قمری در قریه (خروه) از توابع قوچان متولد شده و پس از رشد به مکتب رفته و شروع به دروس فارسی نموده و آن را تکمیل و بعد با عدم رغبت و میلی که به ادامه درس داشت ولی روی اصرار پدرش به تحصیل ادامه داده و مدتی در مدرسه قوچان

مقدمات را کاملا خوانده و بعد در سن ۲۰ سالگی از راه کویر لوت به یزد و از آنجا به اصفهان آمده و در یکی از حجرات مسجد شاه و مسجد عربون اقامت و منظومه سبزواری را در خدمت مرحوم آخوند کاشی و رسائل را از شیخ عبدالکریم کزی و حکمت و فلسفه را از میرزا جهانگیر خان قشقائی و فقه را از مرحوم آقا نجفی مسجد شاهی فراگرفته و در درس خارج حاج سید محمدباقر درچه‌ای شرکت و با مشقات بسیاری مواجه شده و به مراقبت و تزکیه نفس خویش پرداخته و بعد از چهار سال توقف در اصفهان در سال ۱۳۱۸ قمری در سن ۲۳ سالگی پیاده به نجف اشرف مشرف شده و به درس مرحوم آخوند خراسانی و حاج سید محمدکاظم یزدی و شریعت اصفهانی حاضر شده و هم از محضر مرحوم آقا شیخ محمدباقر اصطهباناتی در فلسفه استفاده نموده تا در سن سی سالگی به مقام فقاهت و اجتهاد رسیده و بعد از بیست سال اقامت در عتبات عالیات در سال ۱۳۳۸ قمری به قوچان مراجعت و به ارشاد مردم و رتق و فتق امور دینی مردم و حوزه علوم دینی قوچان اشتغال داشته تا بعد از بیست و پنج سال خدمات شایسته در قوچان در شب جمعه ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۶۳ قمری در سن ۶۸ سالگی وفات نموده و در منزل خودش مدفون و تاکنون قبرش مزار و مورد احترام مردم قوچان است. مرحوم آقا نجفی قوچانی که افتخار این شهرستان بلکه استان خراسان است دارای آثار نفیس و ارزنده‌ای می‌باشد که بعضی طبع و برخی غیره مطبوع مانده است و آنها از اینقرار است.

۱- سفر غرب (سیاحت غرب) ۲- سیاحت شرق ۳- شرح ترجمه رساله تفاحیه ارسطو ۴- کتاب عذر بدتر از گناه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۲۱ -۲۲۰ /۶)، نشر دانش (س ۴، ش ۲، ص ۲۷ -۱۸).

آقانجفی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۴ ق)، عالم دینی، فقیه و مفسر. در نجف اشرف به دنیا آمد. پس از پرورش در محضر پدر که از علمای همدان بود و خواندن مقدمات و سطرح به حوزه درس علمای بزرگ نجف چون آیت‌اللّٰه نایینی و آیت‌اللّٰه اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّٰه غروی اصفهانی راه یافت و از آنان بهره‌ی کامل گرفت. پس از نیل به مقامات عالیه به همدان مهاجرت کرد و به ترویج مذهب و تألیف و تصنیف پرداخت. از آثار وی: تفسیر شریف «انوار درخشان» است که در پانزده جلد عرضه شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۴۴ /۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۱۶ -۴۱۵ /۷).

آقانظری، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن آقانظری

محل تولد : شاهرود

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۱/۱

آقانوری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی آقانوری

محل تولد : محلات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱۰/۲۲

پست الکترونیکی : myname@site.com

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۹ دیپلم گرفتم و در سال ۱۳۶۲ به طور رسمی مشغول تحصیلات علوم حوزوی شدم. بعد از هشت سال فراگیری علوم حوزوی به درس خارج رفتم و ضمن تحصیل علوم حوزوی به صورت پراکنده و نه با علاقه زیاد در مؤسسه در راه حق و پس از آن در مؤسسه باقرالعلوم (مؤسسه پژوهشی و آموزشی امام خمینی فعلی) به تحصیل و اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته تاریخ پرداختم. در ضمن مدرک کارشناسی ارشد تربیت مدرس دانشگاه قم را نیز دریافت کردم.

البته در طول این سالیان در موارد متعددی به جبهه ها نیز سرکشی می کردم. و پس از آن حدود ده سال پیش به کار تحقیق و

پژوهش و سیاهه نگاری اوراق دل خویش کرده ایم. تا چه قبول افتد و در نظر آید.

آق‌اولی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

تولد: ۱۳۰۰، تهران.

درگذشت: اسفند ۱۳۷۱.

محمود آق‌اولی تحصیلات ابتدایی را در دبستان ترغیب و متوسطه را در دبیرستان ایران و آلمان به پایان برد و بعد برای ادامه‌ی تحیلات به دانشسرای عالی- شعبه ریاضی- رفت و در سال ۱۳۲۳ به اخذ درجه‌ی لیسانس در ریاضیات عالی نایل آمد. پس از پایان تحصیلات مدتی به دبیری ریاضیات در مدرسه ایران و آلمان پرداخت تا آن که در سال ۱۳۲۷ با شغل معاونت کتابخانه‌ی دانشکده‌ی علوم اجتماعی تهران به خدمت مشغول شد. در سال ۱۳۳۰ در کنکور اعزامی محقق به آلمان برای مدت یک سال شرکت کرد و چون زبان آلمانی می‌دانست در این کنکور شاگرد اول شد و به آلمان رفت. در این سفر با اساتید آلمانی و روش‌های جدید ریاضی آشنا گشت و پس از پایان دوره‌ی یک ساله به ایران آمد و در کتابخانه‌ی دانشکده‌ی علوم به همان شغل قبلی خود به انجام اعزام محقق به اروپا مجددا شرکت نمود و مثل مانند دفعه پیش شاگرد اول شد و به اروپا رفت.

در سفر دوم او یک سال در آلمان به پژوهش و تحقیق پرداخت و بعد چون همسر و فرزندش در فرانسه بودند به پاریس رفت و از آنجا که در زبان فرانسوی نیز متبحر بود وارد دانشگاه پاریس شد و پس از چهار سال تحقیق در دانشگاه پاریس موفق به اخذ درجه‌ی دکتری از آن دانشگاه در ریاضیات عالی گردید و به تهران آمد و به گروه ریاضی دانشکده‌ی علوم دانشگاه تهران پیوست و با شغل دانشیاری در آن دانشگاه به تدریس پرداخت و ضمنا برای مدت چهار سال دیگر معاونت کتابخانه‌ی آن دانشکده را مانند سابق بر عهده گرفت. دکتر آق‌اولی سال‌ها در دانشکده‌ی علوم تهران و دانشکده‌های ریاضی دیگر با تدریس ریاضیات انجام وظیفه می کرد تا آن که در سال ۱۳۵۹ با رتبه ده استادی بازنشسته شد. از آثار اوست: حساب عددی؛ حساب دیفرانسیل و انتگرال؛ انتگرال‌های چندگانه و آنالیز برداری. وی مقاله‌هایی را درباره‌ی مسائل ریاضی به رشته‌ی تحریر درآورده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

آقایی نائینی، محمد

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر، متخلص به آقایی. از مردم نائین بود. دو بیت زیر از او است:

خیزید حریفان که ایاغی گیریم

با دوست دمی گوشه‌ی باغی گیریم

شب تیره و ره دور چراغی گیریم

وز گمشده‌ی خویش سراغی گیریم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۱)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۴).

آقایی همدانی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. از مردم همدان بود. اثر وی «دیوان» اشعار است به گفتن رباعی بیشتر تمایل داشت. از رباعیهای او است:

بی پا و سران دشت خون آشامی

مردند به حسرت و غم و ناکامی

محنت زدگان وادی عشق تو را

هجران کشد و اجل کشد بدنامی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۱ /۹)، صبح گلشن (۷ -۸)، فرهنگ سخنوران (۱۲)، گلزار جاویدان (۲۶ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ آقایی).

آقایی، آقابیگم

قرن:۱۰

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(اوایل س دهم ق)، شاعر. پدرش در دربار محمدخان ترکمان، خدمت می‌کرد و خود نیز معاصر محمدخان بود. او خود را همسنگ شعرای بزرگ می‌دانسته. در شعر طبعی روان و ذوقی سلیم داشته است. در برخی تذکره‌ها نام او را آقابیگم نیز ثبت کرده‌اند. اثر وی «دیوان آقایی» است، این بیت از او است:

ز هشیاران عالم هر که را دیدم غمی دارد

دلا دیوانه شو، دیوانگی هم عالمی دارد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از رابعه تا پروین (۵۴ -۵۳)، تذکرهٔ الخواتین (۵۹ -۵۸)، حدیقهٔ الشعراء (۲۱۳۵ -۲۱۳۴ /۳)، الذریعه (۱۱ /۹)، ریاحین الشریعه (۳۲۲/۳)، ریحانه (۵۸ /۱)، زنان سخنور (۵ /۱)، صبح گلشن (۷)، فرهنگ سخنوران (۱۱)، مرآت الخیال (۳۳۷)، مشاهیر زنان (۵ -۴).

آقایی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا آقایی

محل تولد : آبچویه، اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب رضا آقایی در سال ۵۹ وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و پس از یک سال برای ادامه تحصیلات به قم عزیمت نمودم. در مدرسه حقانی قبلی (شهیدین فعلی) تحصیلات مقدمات ادبیات عرب، فقه و اصول را تا سال ۱۳۶۶ تا پایه ۶ مکاسب ادامه دادم و پس از آن به صورت آزاد زیر نظر شورای مدیریت در درسهای رسمی حوزه دروس فقه و اصول از پایه ۶ تا ۱۰ را ادامه دادم. پایان تحصیلات سطح تا پایه ۱۰ پس از وقفه ۴ ساله که جهت تبلیغ در مناطق محروم به مأموریت رفته بودم در سال ۷۵ بود.

از سال ۷۵ تا ۷۹ هم در دروس خارج شرکت کردم و پس از آن جهت تدریس در حوزه علمیه شهرستان اسدآباد همدان برای تدریس ادبیات (سیوطی ، مغنی و لمعه) به آنجا عزیمت نمودم و در سال ۸۲ جهت تدریس ادبیات عرب و فقه (لمعه) به حوزه علمیه قمصر کاشان عزیمت نمودم و مدت یک سال به تدریس مشغول بودم. در فاصله سالهای ۷۵ تا ۷۶ و ۷۷ به تحقیق مسائل فقهی جهت تکمیل پایان نامه فقهی مشغول شدم. در ضمن ایامی که در مأموریت اجرایی و تبلیغی و تدریس بسر بردم در مراکز تربیت معلم، آموزش و پرورش و دانشگاه پیام نور هم جهت تدریس و فعالیت در امور فرهنگی و تبلیغی اهتمام داشتم. (موارد یاد شده در سالهای ۷۰ تا ۷۵ بوده است.)

در طول مدت طلبگی بیشترین هم و غم اینجانب در امر تدریس و تبلیغ بوده و تمام مناسبتهای تبلیغی در تبلیغ بوده ام و بیش از ۷ مورد در تابستانها در طرح هجرت جهت کار فکری با کودکان و نوجوانان مشغول فعالیت بوده ام.

اینجانب در امر تحقیق فعالیت چشمگیری نداشته ام. (به جز رساله علمی و بعضی از جزوات و تحقیقات موردی که برای بعضی از نهادها جهت تدریس بوده است) لکن علاقه دارم و در صدد هستم در ۲ مورد تحقیقات داشته باشم که الان کار را شروع کرده ام.

۱. مباحث تاریخی، تحلیلی و علمی. ۲. اسلام شناسی و پاسخگویی به شبهات مطرح شده.

آقایی، محمدحسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۹۸ ق)، خطاط. در کتابخانه‌ی سلطنتی، سیزده رقعه از او با خط نسخ کتابت خفی متوسط موجود است، با رقم: «العبد الفقیر آقایی فی ۱۱۹۸»، و «العبد الداعی محمدحسین شهیر به آقایی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۵۹ /۴).

آقایی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا آقایی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

آقائی خضری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای دکترای دولتی و دکترای تخصصی شیمی از فرانسه.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ترمودینامیک محیطهای یونی مذاب، ترمودینامیک پیلها از جمله پیلهای سوختی، سینتیک واکنشها، ترمودینامیک تعادلها، طرحهائی در زمینه استخراج زاج از آلونیت، ساخت آزمایشگاه پیلهای دکمه‌ای و تجمع یونی در محلولها، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شیمی، شیمی فیزیک.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

ترمودینامیک نمکهای مذاب، ترمودینامیک محلولها، کاتالیزورها، الکتروشیمی، سینتیک شیمیائی، آموزش شیمی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

آگاه جهرمی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۲ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به آگاه. وی فرزند محمدرضا کاویان متخلص به عطارد بود. آگاه پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در جهرم و شیراز و اصفهان، به فراگرفتن فن دندانسازی پرداخت و تا سال ۱۳۱۲ ش در جهرم به این شغل و کارهای کشاورزی اشتغال ورزید. پس از آن به عنوان مأمور صلح در اداره‌ی حکومتی به خدمت مشغول شد. مدتی هم در دادسرای شیراز اشتغال به کار داشت و پس از گذراندن امتحانات قضایی چندین سال هم در دادگستریهای کرمان و لار و فسا و بوشهر انجام وظیفه نمود. سپس چندی به کار وکالت دادگستری پرداخت، تا این که برای بار سوم به خدمت قضایی دعوت و به کرمانشاه منتقل گردید. آگاه در ۲۲ شهریور ۱۳۳۱ اولین شماره روزنامه‌ی (چاره‌ی مردم) را در جهرم، برای مدتی، منتشر ساخت. وی پشتیبان حق و با عناصر مفسد در جدال و مبارزه بود. اشعارش بیشتر جنبه‌ی اجتماعی دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان جهرم (۲۳۴ پانوشت. ۳۷۷ -۳۷۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۰ -۳۸ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۲).

آگاه سمرقندی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۱۳۰ ق)، شاعر. دو دیوان، یکی به فارسی و دیگری به ترکی از وی موجود است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۴۸۳/ ۱)، الذریعه (۱۱ /۹)، فرهنگ سخنوران (۱۲).

آگاه قاجار، اردشیر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۹ ق)، شاعر، متخلص به آگاه. ملقب به رکن‌الدوله. اردشیر میرزا پسر نهم عباس میرزا نوه‌ی فتحعلی شاه، برادر محمدشاه، و عموی ناصرالدین شاه بود. در جوانی به تحصیل پرداخت و از جانب پدر مأمور ایالت گروس شد در هنگام حکومت محمدشاه با توپخانه‌ی خود به دارالخلافه رفت و مأمور سرکوبی اسماعیل میرزا، پسر فتحعلی شاه، حاکم سرکش شاهرود و بسطام در حوالی خراسان نیز شد. سالها حکمران استرآباد و گرگان بود و در عهد ناصرالدین شاه حکومت خوزستان و بختیاری را بر عهده داشت. چندی نیز حکومت دارالخلافه‌ی تهران به او سپرده شد. لقب رکن‌الدوله را از ناصرالدین شاه گرفت و به حکومت آذربایجان فرستاده شد و مدتی نیز حاکم گیلان گشت. وی مورد توجه میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی و امیرکبیر میرزا تقی‌خان فراهانی بود. نسبت به شاعران و ادیبان توجه داشت. شاعری مدیحه‌سرا بود و در اشعارش محمدشاه، ناصرالدین شاه، و برخی از دولتمردان از جمله میرزا آقاخان نوری را مدح کرده است. غزلیاتش بیشتر عاشقانه و غنائی و در شعر پیرو سبک قدما است، ولی مضمون تازه در اشعارش کم یافت می‌شود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۶۱ -۵۸ /۱)، الذریعه (۱۱ /۹)، شرح حال رجال (۱۰۷ -۱۰۶ /۱)، گنج شایگان (۳۲ /۷)، فرهنگ سخنوران (۱۲)، لغت‌نامه (ذیل/ آگاه)، مجمع الفصحا (۲۹ -۲۲ /۱).

آگاه نسفی، ملاندر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به آگاه نسفی. وی علوم را در بخارا آموخت. شعر را نیکو می‌سرود. این بیت از او است:

ما محبت پیشگان را چون نگه در کوی توست

آمد و رفتی که بود اکثر ز راه دیده بود

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۴۲)، الذریعه (۱۱ /۹)، فرهنگ سخنوران (۱۲).

آگاه نیشابوری، محمدکاظم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. نامش محمد کاظم و پسر شیخ صدرالدین محمد نیشابوری بود و از بزرگان نیشابور به شمار می‌رفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۱۲)، نشتر عشق (۱۵۴ /۱).

آگاهی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۲۶ -۱۲۶۹ ش)، موسیقیدان و شاعر، متخلص به آگاهی. مشهور به ملاباشی. وی در مشهد متولد شد، فارسی و عربی را از محضر پدر فاضلش فراگرفت. چون جوانی خوش‌ذوق و خوش‌آواز و مستعد بود، موسیقی را نزد پدر که استاد این فن بود، و از سایر استادان فن، آموخت. در اوایل مشروطیت روزنامه‌ی «آگاهی» را تأسیس کرد. وی چندین سال دادستان قوچان و دادیار استیناف خراسان بود. در اواخر عمر به تهران آمد ولی پس از سالی درگذشت. از وی اشعاری به جای مانده که ابیاتی از آن به لهجه‌ی مشهدی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :صد سال شعر خراسان (۴۹ -۴۶)، تاریخ موسیقی (۶۸۶ -۶۸۵ /۲).

آگاهی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۰ -۱۲۹۲ ش)، شاعر، متخلص به آگاهی. وی در مشهد تحصیل کرد و سالها در کار دفتری دادگستری مشهد مشغول بود. از آثارش: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :صد سال شعر خراسان (۵۳-۵۰).

آگه شیرازی، علی اشرف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۴ ق)، شاعر، عارف و خطاط. اصلًا از قزوین بودند ولی در زمان صفویه با خانواده به اصفهان آمده بودند و در فتنه‌ی افغان به قزوین و سپس به شیراز رفتند. پدر وی آقا علی مدرس و عمویش آقا خلیل مشهور به آقا بزرگ مدرس از سلسله مدرسین شیراز بودند. دو برادر وی حاج علی‌اکبر نواب شیرازی و لطفعلی مدرس نیز شاعر بودند و به ترتیب «بسمل» و «فکار» تخلص می‌کردند. آقاعلی مدرس دست ارادت به مولانا عبدالحسین کازرونی نوربخشی داده بود. علی اشرف پس از تحصیل علوم متداوله‌ی عصر به خدمت حاج میرزا ابوالقاسم سکوت، درویش شیرازی، قطب سلسله‌ی ذهبیه رسید؛ و مجذوب وی گشت. در اندک زمان از فیض صحبت پیر عارف به معارف الهیه پی برد و به مقامات رسید. آگه خط شکسته را نیز نیکو می‌نوشت. اثر وی: «دیوان» اشعار است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقة الشعراء (۶۲-۶۱ /۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۲-۴۰ /۱)، الذریعه (۱۲ /۹)، ریاض العارفین (۲۴۱ -۲۳۹)، طرائق الحقائق (۳۴۷ /۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۴۲-۹۴۱ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ آگه)، مجمع الفصحا (۱۳۹-۱۳۷ /۴)، مرآت الفصاحهٔ (۲۹-۲۸)، مصطبه‌ی خراب (۹)، مکارم الآثار (۱۲۱۶-۱۲۱۵ /۴).

آگه، هادی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۰۴ ق)، عالم و شاعر، متخلص به آگه. مشهور به هادی. از احوال او اطلاع چندانی در دست نیست، جز اینکه برخی از تألیفات خود را در هندوستان به پایان برده است. از آثار وی «کفایهٔ المهمات»، به فارسی، در عقاید و اعمال و آداب در یک مقدمه و سی فصل و خاتمه؛ «منهج الصالحین»، که شناخت حقیقت نیت در این کتاب بخوبی آمده است. از اشعار او است:

آگه این نکته کرده‌ام تحقیق

حبّ آل محمد است ایمان

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۹۴ /۲۳، ۱۰۲ /۱۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۹۹ /۱۲).

آگهی اصفهانی، صدرالدین، مسیح‌الزمان

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. در قم زاده شد و در یزد پرورش یافت. در جوانی به هند رفت و در دربار جهانگیر پادشاه هند صاحب جاه و مال شد. «دیوان» شعری از او بر جای مانده است که بیشتر در هند سروده شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۲)، فرهنگ سخنوران (۱۳).

آگهی تبریزی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. بنا به نوشته «تحفه‌ی سامی» به سوزنگری اوقات می‌گذراند و گاهی شعر می‌گفت. آگهی تبریزی از سخنوران عصر سلطان یعقوب آق قویونلو (۸۹۶-۸۸۳ ق) بود. از او است:

به گریه موسم گل در فراق یار گذشت

به گلرخی ننشستیم و نوبهار گذشت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۹۰)، تحفه‌ی سامی (۳۱۷)، دانشمندان آذربایجان (۱۳)، الذریعه (۱۲ /۹)، سخنوران آذربایجان (۱۸۹)، فرهنگ سخنوران (۱۳)، مجالس النفائس (۳۰۲).

آگهی شیرازی، مسیح الزمان

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر، متخلص به آگهی. ابیات ذیل به نام او در «جنگ فیروزآبادی» نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی مجلس دیده شده است:

گل را به چمن همنفس خار چو دیدم

بر خاطر آزرده‌ی بلبل جگرم سوخت

آشفته خاطر است گل و غنچه تنگدل

در حیرتم که عیش گلستان نصیب کیست؟

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فارس (۴۳۰ –۴۲۹ /۴)، فرهنگ سخنوران (۱۳).

آگهی قائنی خراسانی، جلال‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۳۲ ق)، شاعر. از نوادگان جلال‌الدین محمد قائنی است در هرات متولد شد. نزد سلطان حسین بایقرا که مردی فرهنگ دوست بود تقرب یافت و سلطان تعلیم فرزندش شاه غریب میرزا را به او محول کرد و او مدتی در این سمت باقی ماند. آگهی به قصد گرفتن مقام صدارت بر آن شد که با جعل مهر ۸ شهاب‌الدین اسحاق را از میان بردارد، اما توطئه برملا شد و او از دربار طرد گردید و مدتی در خراسان سرگردان بود. تا این که سرانجام به هرات بازگشت و چون مورد بی‌مهری بزرگان قرار گرفت به عنوان جواب به قصیده‌ی «دریای ابرار» امیرخسرو دهلوی قصیده‌ی «شهرآشوب» را در بدگویی بزرگان هرات سرود. این قصیده خشم والی خراسان، امیرخان روملو را برانگیخت و دستور داد تا زبان و دست راست آگهی را بریدند. به گفته‌ی امیر علیشیر به سبب زیارت امام هشتم (ع) در خواب زبانی گویاتر از قبل یافت و با دست چپ می‌نوشت. آگهی شاعری توانا و قصیده‌سرایی استاد بود. امیر علیشیر نوایی او را همپایه‌ی شاعران قدیم می‌داند «دیوان» شعری داشته که ظاهراً از دست رفته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۴۱۵ –۴۰۱ /۱)، بهارستان (۱۹۴)، تاریخ نظم و نثر (۵۶۲ ،۳۲۱)، تحفه‌ی سامی (۲۰۹ –۲۰۸)، تذکره‌ی روز روشن (۱۲)، حبیب السیر (۳۶۰ /۴)، الذریعه (۱۲ /۹)، فرهنگ سخنوران (۱۳)، مجالس النفائس (۱۴۳ –۱۴۲).

آگهی یزدی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف س دهم ق)، شاعر بذله‌گو. به خیاطی اشتغال و به خاندان شاه ولی از سادات یزد بستگی داشت. وی مداح میر میران مرد قدرتمند یزد بود. سفری به هرات نیز کرد. در زمان شاه طهماسب درگذشت. «دیوان» اشعار چهار هزار بیتی وی در اقسام مختلف شعر و اشعار هزل‌آمیز و قصایدی در مدح میرمیران است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (۵۹۳)، تاریخ نظم و نثر (۶۴۳)، تحفه‌ی سامی (۲۴۰)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۱)، جامع مفیدی (۴۵۹ /۳)، فرهنگ سخنوران (۱۳)، لغت‌نامه (ذیل/ آگهی)، مجالس النفائس (۱۵۵)، هفت اقلیم (۱۶۰ /۱).

آگهی یزدی، ابوالحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۵ ق)، شاعر، زرگر و میناساز. میرزا محمدعلی شهلای یزدی مؤلف «تذکره‌ی شبستان» جد وی بوده است. برخی از اشعار وی در «آتشکده‌ی یزدان» تألیف آیتی یزدی آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (۵۹۳)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۳-۲)، الذریعه (۱۲/ ۹، ۳۵/ ۴)، ریحانه (۵۹/ ۱) فرهنگ سخنوران (۱۳).

آل احمد، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل آل احمد

محل تولد : نظر آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۷/۲۹

آل احمد، شمس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شمس آل احمد از دانشمندان معاصر ایران است . او دررشته فلسفه و علوم تربیتی تحصیل کرده و مدت ها به عنوان دبیر آموزش وپرورش خدمت کرده است . وی در دانشکده نیز رشته کتابداری را تدریس کرد . سپس با تاسیس موسسه انتشاراتی رواق به کار نشر پرداخت.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

والدین و انساب : شجره خانوادگی شمس آل احمد ، پس از ۳۵ نسب به حضرت امام سجاد (ع) می رسد .

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : شمس آل احمد درمحله پاچنار و در یک خانواده مذهبی تهران رشد و نمو کرد .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : شمس آل احمد ،فوق لیسانس فلسفه و علوم تربیتی را از دانشسرای عالی تهران اخذ کرد .

فعالیتهای ضمن تحصیل : شمس آل احمد ضمن مقدمات آکادمیک به عکاسی نیز علاقمندشد و با این زمینه دوره عکاسی سینما را درآلمان گذراند.

فعالیتهای آموزشی : شمس آل احمد فلسفه شمس را مدتی دردانشکده رشته کتابداری تدریس کرد و پس از آن درمدرسه بهیاری ادبیات را به دانشجویان آموزش داد. او در مورد فعالیتهای آموزشی براین عقیده است که هرکس که درهرزمانی خوب بنویسد و حاشیه نگر نباشد ،حتما مطالبی را از او درحافظه تاریخی مردم خواهد ماند واین یکی از خصوصیات همیشگی ادبیات و فرهنگ درجهان است .

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : شمس آل احمد پس از آنکه دوره عکاسی وسینما را در آلمان سپری کرد، موسسه انتشاراتی رواق را تاسیس و به کار نشر پرداخت.

همفکران فرد : یکی ازهمفکران اصلی شمس آل احمد ، برادرش جلال بود که همانند دو دوست باهم رفتار می کردند. این مناسبات دوستانه چنان بود که گاه باهم به سفرو سیر و سیاحت و نیز کوه پیمایی می رفتند. همفکران دیگر او ، عبدالکریم روشن ، جلال الدین فارسی و ربانی املشی هستند .

آرا و گرایشهای خاص : شمس آل احمد براین عقیده است که «یک اتفاق مبارک و بزرگ درادبیات داستانی مادر حال رخ دادن است . این نوع از ادبیات کم کم دارد از صورت مکالمه ای به محاوره ای نزدیک می شود . یعنی از کاغذ فاصله می گیرد وبه زبان و لحن می رسد، که خیلی دلنشین است . زیرا مخاطب این نوع آثاراحساس نمی کند کسی برایش برروی کاغذ تعیین تکلیف کرده است . او حس می کند که نویسنده به طور رو دررو با او درحال گفتمان است» . ---------------------------------

----

آثار :

۱ از چشم برادر

ویژگی اثر : شمس آل احمد این اثررا تنظیم و ویرایش کرده است .

۲ حدیث انقلاب

ویژگی اثر : شمس این اثر را تنظیم و ویرایش کرده است .

۳ خاطرات سفر کوبا

ویژگی اثر : شمس این اثر را تنظیم و ویرایش کرده است

۴ طوطی نامه

ویژگی اثر : شمس آل احمد این اثر را تنظیم و ویرایش کرده است

آل اسحاق، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی آل اسحاق در ۲۵ تیر سال ۱۳۱۸ش. در خوئین، از توابع زنجان، خانواده مذهبی‌اش را با میلاد خود پر از شور و شادی کرد. پدرش نام علی را برای وی برگزید. علی از همان هشت سالگی که با پدر به قم آمد، شروع به تحصیل نمود و مقدمات را در محضر آیه الله سید حسن بدلا(رئیس ائمه جماعت) و استادان دیگر به پایان برد. وی در شانزده سالگی در سال ۱۳۳۴ش به نجف اشرف می رود و در مدرسه آیه الله بروجردی اقامت می گزیند و دروس حوزه را تا رسیدن به مرحله اجتهاد ادامه داد و به گفته خانواده ایشان ، از دو عالم بزرگ: آیه الله سید محسن حکیم و آقا بزرگ تهرانی، اجازه اجتهاد گرفت. او در شب جمعه ۲۴ خرداد سال ۱۳۸۰ش بر اثر سکته قلبی دار فانی را وداع می گوید.

گروه : علوم انسانی

رشته : الهیات و معارف اسلامی

والدین و انساب : پدر شیخ علی آل اسحاق، حاج شیخ عبدالکریم خوئینی، از عالمان بزرگ عصر خود به شمار می‌رود. وی از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی بود. روحیه مبارزاتی شدیدی داشت و با عمّال و وابستگان حکومت طاغوتی رضاخان، که با منافع مردم در تضاد بود، به شدت مقابله می‌کرد؛ به عنوان نمونه در مقابل دو خان، که می‌خواستند زمین‌های کشاورزی مردم را به تصرف خود درآورند، ایستادگی کرد و توانست آنان را از تصرف در اموال مردم باز دارد.مادر علی که از سلاله پاک پیامبر بود، زنی صبور در مقابل مشکلات و دوستدار علم و فضیلت بود.

خاطرات کودکی : برادر شیخ علی آل اسحاق می‌گوید: در نزدیکی‌های خانه ما تعدادی بوقلمون آورده بودند. من و بچه‌های دیگر، از جمله علی، به تماشای آن‌ها رفتیم و نزدیک غروب برای انجام فریضه مغرب به خانه برگشتیم. رسم خانه ما این بود که نمازها را در خانه به جماعت و با امامت پدر برگزار می‌کردیم و تمامی افراد خانواده، چه مردان و چه زنان، در نماز جماعت شرکت می‌کردند. هنگامی که پدر می‌خواست اقامه نماز کند، علی شروع به گریه کرد. وقتی پدر علت گریه‌اش را پرسید، گفت: «من هم بوقلمون می‌خواهم.» و به گریه خود ادامه می‌دهد. پدر بدون عصبانیت و با آرامش کامل رو به فرزند می‌کند و می‌گوید: نماز مغرب را با خلوص نیت بخوان و هر حاجتی که داری از خدا بخواه؛ خداوند است که حاجات را برآورده می‌کند. علی همین کار را انجام می‌دهد. پس از تمام شدن نماز، در خانه به صدا در می‌آید. هنگامی که من در را باز کردم، یکی از همشهریان را که یک بوقلمون در دست داشت، دیدم. او به خانه وارد شد و علی به خواسته خود رسید.از این خاطره به خوبی می‌توان فهمید که محیط رشد علی چگونه بوده است؛ او در خانواده‌ای پرورش می‌یابد که اهل خانه مقید به نماز اول وقت بودند و تحت تربیت پدری بودند که نام و یاد خدا را گره‌گشای مشکلات و برآوردن حاجات می‌دانست و روشن است که تنها از چنین خانواده‌هایی، مردانی شایسته و الگو چون آقاشیخ علی آل اسحاق، برخواهند خاست.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : تربیت فرزندان یکی از وظایف مهم هر پدر و مادری است. مرحوم شیخ علی آل اسحاق نیز با جدیت فراوان می‌کوشید تابه این وظیفه خود عمل کند. از این رو، او هیچ گاه از سفارش به فرزندان خود دریغ نمی‌ورزید و واضح است که این سفارش‌ها، راه‌گشای افکار تمامی جوانان خواهد بود؛ چنان که گفته است...!:«اسلام رابه دقت بشناسید و آن طوری که دسته‌بندی کرده‌ام، به دقت مطالعه کنید. تاریخ زندگی پیامبر اسلام و ائمه (ع) را هر چند سال یک بار بررسی نمایید. تا می‌توانید با هم دوست و با محبت باشید و بر سر مسائل جزئی با هم اختلاف نکنید. در این انقلاب، تا وقت درس است، درس بخوانید و سپس خدمت کنید. به مادرتان که خیلی رنج کشیده است، کمک کار باشید، پس از ازدواج رابطه صمیمی خود را با مادرتان قطع نکنید. والسلام. با چشم گریان و دستی لرزان. خداحافظ».

تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ علی آل اسحاق در سال ۱۳۲۶ ش. از زنجان به قم مهاجرت کرد تا در آن شهر به تدریس علوم اسلامی و سایر فعالیت‌ها بپردازد؛ وی در آن سال، هشت بهار از عمرش گذشته بود. وی از همان هشت سالگی که با پدر به قم آمد، شروع به تحصیل نمود و مقدمات را در محضر آیهٔاللّه سید حسین بُدَلا(رئیس ائمه جماعات) و استادان دیگر به پایان برد.وی در شانزده سالگی در سال ۱۳۳۴ ش. در حالی که دو سال از فوت پدر مهربانش می‌گذشت، تصمیم گرفت به عراق برود و در آن‌جا به تحصیل ادامه دهد؛ اما تیرگی روابط دو کشور ایران و عراق، باعث شد که این سفر انجام نشود. به همین سبب به حضرت معصومه (س) پناه برد و با توسل به آن حضرت، توانست مجوز اقامت در عراق را دریافت کند و به عتبات عالیات سفر نماید. او به نجف‌اشرف می‌رود و در مدرسه آیهٔاللّه بروجردی اقامت می‌گزیند.آقا شیخ علی آل اسحاق در نجف‌اشرف در محضر شیخ صدرای بادکوبه‌ای «مکاسب» را فرا گرفت و کتاب «رسائل» را، به همراه ۳ نفر دیگر به طور خصوصی در محضر آیهٔاللّه آقا جواد تبریزی، آموخت. وی جلد اول «کفایه» را نزد آیهٔاللّه حسین راستی کاشانی، آیهٔاللّه حسین وحید خراسانی، آیهٔاللّه حاج شیخ علی فلسفی(که اکنون در مشهد ساکن است) و جلد دوم آن را با پیشنهاد آیهٔاللّه محمدباقر حکیم نزد آیهٔاللّه شهید محمدباقر صدر به اتمام رساند. وی که به مقام علمی شهید صدر پی برده بود، در جلسات درس دیگر او، که کتاب‌های «فلسفتنا»، «اقتصادنا» و برخی مباحث دیگر را تعلیم می‌داد، شرکت می‌کند و همان دروس را در مسجد هندیِ نجف برای عموم محصّلین تدریس می‌نماید. شیخ علی، «شرح تجرید» رادر محضر آیهٔاللّه شهید سیّداسداللّه مدنی و «فلسفه» را در محضر آیهٔاللّه شیخ عباس قوچانی و همچنین علم طب را از مرحوم سیدحسین حکیم فرا گرفت. به علاوه، دو سال در درس خارج فقه آیهٔاللّه سیدابوالقاسم خوئی و سیدمحمود شاهرودی شرکت جست و سپس به مدت ۱۲ سال، دو دوره درس خارج فقه آیهٔاللّه میرزا محمدباقر زنجانی را گذراند.پس از تشریف فرمایی امام خمینی به نجف، در درس خارج فقه ایشان و نیز در درس «ولایت فقیه» امام شرکت کرد و تا سال ۱۳۵۳ ش.

که حکومت بعث عراق امام را دستگیر کرد، در محضر ایشان بود. شیخ علی دروس حوزه را تا رسیدن به مرحله اجتهاد ادامه داد و به گفته خانواده ایشان، از دو عالم بزرگ: آیهٔاللّه سیدمحسن حکیم و آقابزرگ تهرانی، اجازه اجتهاد گرفت.

خاطرات و وقایع تحصیل : پس از رحلت آیهٔاللّه حکیم وی نمایندگی امام راحل در همان منطقه را بر عهده گرفت. او در بخشی از خاطراتش ارتباط نزدیک با امام را این چنین بیان می‌دارد:«آن روزها در حوزه علمیه نجف‌اشرف من موقعیت خوبی داشتم؛ داماد مرحوم آیهٔاللّه العظمی آقامیرزاباقر زنجانی(ره) بودم و نمایندگی از طرف مرحوم آیهٔاللّه العظمی حکیم(ره) در شهر سنجار استان موصل عراق را داشتم. و امام راحل با مرحوم پدرم حضرت آیهٔاللّه آقای شیخ عبدالکریم خویینی آشنایی کامل و علاقه داشتند و آن روز دل و جرأت می‌خواست که کسی به امام اظهار محبت کرده، در کنارش قرار گیرد. من با تمام ناملایماتی که برایم فراهم شده بود، شب و روز در کنار آن رادمرد الهی قرار گرفته، با تمام نیرو آنچه در توان داشتم، در خدمت ایشان بودم. در تمام جلسات عمومی و از اولین روز شروع درس فقه و نماز جماعت‌ها و گاه در جلسات خصوصی شرکت می‌کردم. مدتی مسئولیت پرداخت شهریه را بر عهده گرفته و مدتی در جلسه استفتائات به دستور ایشان شرکت می‌کردم و شبانه‌روز حداقل پنج بار به خدمتشان می‌رسیدم. خلاصه اخبار رادیوهای عربی و خارجی را در مسیر راه بیان می‌کردم. لذت‌بخش‌ترین خاطره یک شب زمستانی بود که امام مرا جهت تجدید کتابت صورت نمایندگی نمایندگان خود در سطح جهان خواسته بودند. آن شب تا اذان صبح مشغول نوشتن شده و از این که امام چنین اعتمادی را به من نموده و از میان دوستان مرا انتخاب فرموده، بیش از حد خوشحال و خرسند بودم».وی درباره حساسیت امام به بیت‌المال چنین می‌گوید:«در نجف، روزی به منزل امام رفتم. برخلاف همیشه درب خانه امام بسته بود و صدای فریاد امام به گوش می‌رسید. درب خانه را زدم، خادم درب را باز کرد و گفت: امام بسیار ناراحتند. وقتی وارد شدم، فهمیدم ناراحتی امام به خاطر آن است که آقاسیدمصطفی ۲۵۰ درهم(یک چهارم دینار) به گوجه‌فرنگی نوبر داده است و امام می‌فرمود: چرا هنوز که گوجه ارزان نشده، آن مقدار پول را از سهم امام به گوجه داده است؟ سپس به او فرمود: همین الآن برو گوجه‌ها را پس بده».

استادان و مربیان : ازاستادان شیخ علی آل اسحاق که دروس مختلف را در محضرشان آموخته بود می توان به افراد زیر اشاره کرد: شیخ صدرای بادکوبه ای آیه الله حسین راستی کاشانی آیه الله حسین وحید خراسانی آیه الله حاج شیخ علی فلسفی آیه الله محمدباقر حکیم آیه الله شهید محمدباقر صدر آیه الله شهید سید اسدالله مدنی آیه الله شیخ عباس قوچانی آیه الله سید ابوالقاسم خوئی مرحوم سید حسین حکیم سید محمود شاهرودی آیه الله میرزا محمدباقر زنجانی امام خمینی

همسر و فرزندان : شیخ علی آل اسحاق دارای ۵ فرزند بود: سه دختر و دو پسر. یکی از پسران او در جبهه‌های جنگ به شهادت رسید که نامش «محمدجواد» بود. محمدجواد جوانی فعال، پرشور، و خداجوی بود و در مسجد اباذر(واقع در محلّه زاویه قم) در عرصه‌های مختلف به فعالیت مشغول بود؛ همانند جمع‌آوری کمک‌ها به رزمندگان، جذب جوانان برای امور فرهنگی و مذهبی و... . اکنون نیز کتابخانه آن مسجد به نام همین جوان فعال مزیّن است. پسر دیگر ایشان «رضا» نام دارد که هم اکنون در حال تحصیل است. دامادهای این عالم پرتلاش عبارتند از:۱ – مهندس ابوالحسن آل اسحاق، که در جبهه جنگ به فیض شهادت نایل شد. و برادر وی به نام حسین پس از او به افتخار دامادی عموی خود یافت.۲ – دکتر ساحلی است، که در محله نیروگاه قم، مطب دارد. و به درمان بیماران توفیق یافته است.۳ – آقای دهقان که کاردار وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران در ژاپن می‌باشد.

وقایع میانسالی : این مرد مجاهد و نستوه که تا آخرین نفس بر آرمان‌های خود پافشاری کرد و یک لحظه از خدمت به دین و نظام اسلامی غفلت نورزید، در اواخر عمرش به خاطر مرض قند و ناراحتی قلبی، کمتر موفق به فعالیت‌های اجتماعی می‌شد؛ اما دغدغه تهاجم آشکار فرهنگی و گسترش فساد در میان جوانان و... آرآکش را از او ربوده بود؛ به طوری که شب جمعه ۲۴ خرداد سال ۱۳۸۰ ش. در تماس تلفنی با برادرش درباره اوضاع فرهنگی گفت و گو می‌کند.

زمان و علت فوت : شیخ علی آل اسحاق ساعت ۲ نیمه شب ۲۴ خرداد ۱۳۸۰ش نیز بر اثر سکته قلبی دار فانی را وداع می‌گوید.پیکر مرحوم شیخ علی (ره) روز شنبه ۲۶ خرداد با شرکت گسترده مردم از مسجد امام حسن عسکری (ع) تا حرم مطهر حضرت معصومه (س) تشییع شد و شرکت کنندگان در غم از دست دادن این یار دلسوز امام، اشک ماتم ریختند. پس از تشییع، بدن مطهرش در گلزار علی بن جعفر (ع) ، در قطعه مخصوص پدر شهیدان به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : شیخ علی آل اسحاق نیز مانند بسیاری از روحانیون دیگر که مردم را به انقلاب فرا می‌خواندند، همیشه در سفرهای تبلیغی خود، ضمن تبیین اهداف نظام اسلامی، مردم را با انقلاب و امام آشنا می‌کرد. در همین راستا وقتی در شهر خرّم‌آباد در مسجد علوی سخنرانی نمود و مواضع انقلاب را بیان کرد، دستگیر شد.(۳) در اوایل سال ۱۳۵۶ ش. به مدت ۳ ماه در، یافت‌آباد تهران به تبلیغ و فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی پرداخت. همچنین، صندوق قرض‌الحسنه‌ای تأسیس کرد تا سهمی در رفع مشکلات مادی مردم آن‌جا داشته باشد.همزمان با پیروزی انقلاب در شهر سنجان، واقع در استان مرکزی مشغول تبلیغ شد. پس از پیروزی انقلاب بر اساسِ احساسِ وظیفه و با تجربه‌ای که در مناطق سنّی‌نشین داشت، به استان سیستان و بلوچستان سفر کرد و با تشکیل بسیج مردمی و ایجاد وحدت میان شیعه و سنّی، توانست توطئه‌های ضدانقلاب را در آن سامان خنثی کند. نتیجه فعالیت‌های وی، تصرّف صدا و سیمای آن ناحیه به دست نیروهای انقلاب بود و از آن طریق خبر پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی با شور و شعف خاصی به گوش هموطنان رسید.پس از آرام شدن اوضاع، به استان مرکزی بازگشت و در سمت مسئول کمیته انقلاب اسلامی همان منطقه به فعالیت خود ادامه داد.آشوب‌های کردستان موجب شد که شیخ علی چندین بار برای ایجاد آرامش در آن منطقه، با نیروهای تحت فرمان خود به آن‌جا برود. پس از آن به تهران دعوت شد و مسئولیت بخش فرهنگی کلّ کمیته‌های انقلاب اسلامی را بر عهده گرفت.با پیروزی انقلاب اسلامی، عده زیادی به دنبال فرصت بودند تا این انقلاب نوپا را تضعیف کنند و آن گونه که می‌خواهند، انقلاب را تغییر دهند. آنان برای رسیدن به همین هدف، جوانان پاکدل و ساده را فریفته، با شعارها و افکار انحرافی، آنان را گمراه می‌ساختند.شیخ علی آل اسحاق که این خطر را به خوبی حس کرده بود، به مقابله با این جریان برخاست و با پاسخ به شبهات و جذب جوانان نقشه‌های آنان را خنثی می‌ساخت.وی بعدها نیز در ارگان‌های مختلف، از جمله: سپاه پاسداران،

جهاد سازندگی، اداره بهداری و بهزیستی در شهرهای مختلف کلاس‌هایی را تشکیل داد. گذشته از این‌ها، شیخ علی دو سفر تبلیغی نیز به خارج از کشور داشت؛ یک بار به آذربایجان سفر کرد و بار دیگر به لبنان رفت. همچنین مدت ۱۰ تا ۱۱ سال از طرف آیهٔاللّه گلپایگانی امام جماعت مسجد اباذر واقع در منطقه زاویه قم بود. او رابطه بسیار صمیمی با جوانان مخصوصاً طلاب جوان داشت؛ به طوری که حتی در اردوهای زیارتی نیز همراه آنان بود.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : وی در زمان مرجعیت آیهٔاللّه حکیم، نماینده ایشان در استان موصل عراق در شهرهای سنجار و طلّعفر بود و به مدت ۱۱ سال در فصل تابستان، دهه محرم، دهه صفر و ماه رمضان به آن‌جا می‌رفت. از آن‌جا که مردم آن مناطق کرد بودند، او قبل از اعزام در طی سه ماه زبان کردی را فرامی‌گیرد. شیخ علی، در ایّام تبلیغ، در جلسات مناظره و مباحثه با اهل سنّت آن ناحیه شرکت می‌جست. این تلاش‌ها، باعث گرایش و جذب عدّه زیادی به مذهب تشیع گردید؛ به طوری که توانست مسجد و مدرسه علمیه بسازد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از فعالیت‌های شیخ علی آل اسحاق به خوبی آشکار است که وی به امور فکری، فرهنگی و دینی مردم بسیار حساس بوده است. اگر چه وی در طول عمر خود فعالیت‌های فرهنگی، مبارزاتی داشت، اما بنا بر احساس وظیفه در برابر اقشار کم درآمد و طلاب، اقدام به فعالیت‌های اقتصادی کرد. یکی از آن فعالیت‌ها، گرفتن امتیاز صادرات و واردات از طریق مرز آذربایجان بود. وی درآمد حاصله را در امور فرهنگی و حمایت از طلاب و دیگر موارد لازم صرف نمود. همچنین به منظور خدمت به طلاب، یکی از مؤسّسین تعاونی طلاب نیز بود.او که برای پیشبرد اهداف اسلام از هیچ کاری دریغ نورزیده بود، وقتی جنگ نابرابر عراق بر ایران تحمیل شد، باز هم وظیفه خود را به خوبی انجام داد و بارها و بارها در جبهه‌های حق علیه باطل شرکت جست و دوشادوش رزمندگان اسلام اسلحه به دست گرفت و به ستیز با دشمنان دین خدا برخاست.وی در تشکیل بسیج عشایر و سازماندهی نیروهای مقاوم بومی در منطقه جنوب نیز نقش خود را به خوبی ایفا نمود

شاگردان : وی شیخ علی آل اسحاق مبارز ترکیه‌ای) یکی از آنان است. وی پس از انقلاب در دانشگاه‌های مختلف از جمله: دانشگاه شهید بهشتی تهران، دانشگاه تبریز و دانشکده امام حسین (ع) به فعالیت پرداخت و به عنوان استاد دانشگاه، معارف دین اسلام را برای دانشجویان مطرح می‌کرد. همچنین در مدارس علمیه از جمله: مدرسه امام خمینی (ره) ، مدرسه حجّتیه (برای طلاب خارجی)، مدرسه الهادی و مدرسه صدوقی(برای طلاب ایرانی) درس اخلاق و دروس دیگر می‌گفت.فقه و اصول را نیز در خانه‌اش تدریس می‌نمود. همچنین برای پاسخ به شبهه‌های مطرح شده، کلاسی در مدرسه فیضیه تحت عنوان «احکام اجتماعی قرآن و تبیین مسائل روز» تشکیل داده بود.

آرا و گرایشهای خاص : زندگی شیخ علی آل اسحاق رنگ خدایی داشت و این، در اعمال و رفتارش هویدا بود. رابطه روحی و معنوی با ائمه اظهار داشت. زهد و پارسایی او زبانزد و کاملاً به زخارف دنیا بی‌توجه بود. با وجود این که موقعیت رسیدن به پست‌ها و مقامات متعددی داشت، ترجیح می‌داد ساده زندگی کند. هرکس وارد منزلش می‌شد؛ساده‌زیستی را به خوبی در او و زندگی‌اش مشاهده می‌کرد. با اهل خانه بسیار مهربان بود. خانواده‌اش چنان با اخلاق خوش و رفتار اسلامی او انس داشتند که تحمل فقدان او، بر ایشان، بسیار دشوار بود.

چگونگی عرضه آثار : شیخ علی آل اسحاق آثار دیگری نیز دارد که به چاپ نرسیده است؛ از جمله :.۱ قرائت امام خمینی (ره) از ولایت مطلقه فقیه یا حکومت جهانی فرامین الهی؛.۲ تقریرات اصول فقه مرحوم آیهٔ اللّه العظمی محمد باقر زنجانی؛.۳ النکاح علی المذاهب الخمسه(عربی)؛.۴ الفقه الاسلامی(الحلقه الاولی، عربی)؛.۵ آخرین نظریات علمای اصول در محور کفایهٔالاصول از مرحوم آخوند تا امام؛.۶ مبانی فکری امام امت یا اصول سیاسی، اجتماعی اسلام؛.۷ بهترین راهنمای حج(مطابق با فتاوای امام خمینی)؛.۸ معالم دین یا تنظیم مضامین عالی دعای ندبه. --

آثار :

۱ آشنایی با مکتب وحی

۲ اخلاق و رفتار یا اصول تزکیه و حکمت

۳ اسلام از دیدگاه دانشمندان جهان

۴ اصول خود سازی یا اخلاق در مکتب وحی الهی

۵ جبهه یا دانشگاه خود سازی

۶ زمینه اسلام‌شناسی

۷ کنترل زبان

۸ مسئولیت امت از دیدگاه امام

۹ یاد خدا عامل انقلاب

آل آقا، ابوتراب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوتراب بن العالم الجلیل آقای آقا شمس‌الدین بن العلامه آقا محمدهادی بن آقا محمدصالح آل آقا (حفید آیت‌اللّه العظمی وحید بهبهانی) از علماء بزرگ معاصر کرمانشاه است

معظم له در حدود سال ۱۳۱۹ قمری در کرمانشاه متولد شده و در بیت اصیل آل آقا پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و متون فقه و اصول مهاجرت به نجف اشرف نموده و سالیان دراز در باب مدینه علم اقامت و از محاضر آیات عظام نجف چون مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی و اعلام دیگر استفاده نموده تا به مدارج عالیه علم و کمال رسیده و در این اواخر به حکم ضرورت به کرمانشاه وطن خود مراجعت و به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

آل آقا، عبداللّٰه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبداللّٰه بن العلامه الجلیل حاج آقا احمد آل آقا از علماء مبرز معاصر تهران است. وی در سال ۱۳۱۷ ق در تهران متولد شده و در تحت تربیت والد ماجدش پرورش یافته و اولیات و سطوح را در تهران خوانده و در سال ۱۳۴۴ ق به قم مهاجرت نموده و سطوح عالی را از مرحوم ادیب تهرانی و مرحوم آیهٔ‌اللّٰه میرزا همدانی فراگرفته و دروس خارج فقه و اصول تحلیلی را از محضر مرحوم آیهٔ‌اللّٰه العظمی حایری و پس از رحلت ایشان از آیهٔ‌اللّٰه حجت و نیز از موقع ورود آیهٔ‌اللّٰه العظمی بروجردی تا اواخر سال ۱۳۷۳ ق از محضر آن زعیم اعظم استفاده نموده تا سال مزبور که مرحوم والدش برحمت حق پیوست بالضروره به تهران عزیمت و به اقامه جماعت در مسجد آقا محمود و خدمات دیگر دینی پرداخته است.

نگارنده گوید: مترجم معظم ما از دانشمندان اصیل و ریشه‌دار ایران و تهرانست زیرا آن جناب از احفاد نابغه بزرگ و علامه سترک وحید علی الاطارق آقای آقا محمد باقر بهبهانی قدس سره مجدد مذهب و دین در صده دوازدهم هجری بوده چنانچه حقیر در فوائد البهبهانیه گفتم:

قد قام منها علماء الاهل

کآیه اللّٰه وحید الفحل

مجدد دین بعون الاکبری

فی مائه الثانیه و العشری

و شرح احوال این بیت عالیه و سلسله جلیله (آل آقا) در کتب تراجم بخصوص در کتاب زندگانی وحید بهبهانی تألیف دانشمند معظم استاد مکرم حجه‌الاسلام حاج شیخ علی دوانی مفصلا و مبسوطا مسطور است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

آل بحرالعلوم، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۰ /۱۳۱۹ –۱۲۴۸ ق)، فقیه، ادیب و شاعر. در نجف به دنیا آمد. تفسیر و فقه و اصول و کلام و ادبیات را از پدر آموخت. از او به عنوان شاعر کبیر آل بحرالعلوم یاد شده است. مناعت طبع او مورد ستایش همگان بود. شیخ محمد سماوی نجفی صاحب کتاب «الطلیعهٔ» و شیخ عبدالمحسن کاظمی و شیخ عبدالحسین خیاط نجفی از شاگردان وی در ادبیات و شعر می‌باشند. از آثارش «دیوان» شعری است که با اجازه در فرزندش سید حسن و سید محمد در صیداء به چاپ رسید.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۹ /۱)، اعیان الشیعه (۱۳۳ –۱۲۹ /۲)، الذریعه (۶۴۴ /۹)، معجم المؤلفین (۲۴ –۲۳ /۱)، مکارم الآثار (۴/ ۱۳۳۳).

آل بحرالعلوم، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۷۷ –۱۲۸۱ ق)، فقیه، اصولی، رجالی و محدث. در نجف به دنیا آمد. در کودکی پدر را از دست داد و تحت سرپرستی جدش، سید علی، قرار گرفت. پس از فراگیری مقدمات علوم سطوح عالی فقه و اصول را نزد سید محمدکاظم یزدی و سید محمد بحرالعلوم و آخوند خراسانی خواند و به دریافت اجازه نایل شد. او در تاریخ و رجال و درایه چیره‌دست بود. از آثار وی: «تقریرات یزدی و خراسانی»، در مباحث فقهی و اصولی؛ «تحفهٔ العالم فی شرح خطبهٔ المعالم»، در دو مجلد، جلد اول در شرح خود خطبه که تواریخ معصومین علیهم‌السلام و مشاهد آنان است و جلد دوم در شرح سی و نه حدیث که در صدر کتاب معالم بعد از خطبه در فضل علم و علما نگاشته شده؛ «تحفهٔ الطالب»؛ «اسرار العارفین»، در شرح دعای کمیل؛ «بغیه الطالب»؛ «حدائق العارفین».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۵۱، ۴۴۸ /۳، ۵۱ /۲)، علماء معاصرین (۲۷۶ –۲۷۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۹۹ –۲۹۸ /۲)، معجم المؤلفین

(۳/ ۱۴۵).

آل بحرالعلوم، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۵ -۱۲۸۲ ق)، عالم، مورخ، ادیب و شاعر. در نجف به دنیا آمد. ادبیات و مقدمات علوم را نزد پدر آموخت. فقه و اصول را نزد سید محمدکاظم یزدی و شیخ الشریعهٔ اصفهانی و شیخ عبداللّه مازندرانی فراگرفت. بیشترین شهرت او در شعر و ادب و تاریخ است. او همچون پدرش شاعری توانمند بود. از آثارش: «التاریخ المنظوم»، حدود ۱۰۰۰ بیت، در تاریخ وفیات مشاهیر علما و پاره‌ای از حوادث مهم و تاریخی و مدائح ائمه- علیهم‌السلام؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۶۲۶ /۴)، الذریعه (۲۸۹ /۳)، معجم المؤلفین (۱۹۵ -۱۹۴ /۳).

آل بحرالعلوم، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۶ -۱۲۲۱ ق)، فقیه، اصولی، متکلم، ادیب و شاعر. در نجف‌زاده شد و همان جا نشو و نما یافت و مراحل علمی را پیمود. فقه و اصول و کلام را نزد شیخ حسن فرزند شیخ جعفر کاشف الغطاء و شریف العلماء مازندرانی و شیخ مرتضی انصاری و شیخ محمدحسن نجفی صاحب «جواهر» آموخت. وی از صاحب «جواهر» به دریافت اجازه نایل شد. کتاب ارزشمند «جواهر الکلام» محصول همکاری وی با استادش می‌باشد. عالمانی چون سید میرزا جعفر حایری و سید محمد موسوی ساروی و شیخ فضل‌اللّه مازندرانی و میرزا صادق تبریزی و میرزا محمد همدانی از شاگردان وی هستند. در سفری که برای مداوای چشم به ایران آمد پس از زیارت مشهد حدود دو سال در بروجرد نزد اقوامش ماند. پس از وفات برادرش، سید علی، از سوی خاص و عام به ریاست حوزه‌ی نجف و مرجعیت شیعه برگزیده شد. سید حسین در شعر و ادب نیز شهرت بسزایی دارد، و «دیوان» اشعاری از او باقی مانده که به ترتیب حروف تهجی است و در آن اشعار جدش سید بحرالعلوم را نیز تخمیس کرده است. در فقه و اصول نیز کتابهائی از وی به جا مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۰ -۱۸ /۶)، الذریعه (۱۲۶ /۹)، شهیدان راه فضیلت (۴۹۶)، فوائد الرضویه (۱۵۶ -۱۵۵)، معجم المؤلفین (۵۰ /۴)، مکارم الآثار (۷۲۵ -۷۲۳ /۳).

آل بحرالعلوم، محسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۱۸ -۱۲۴۷ ق)، فقیه، اصولی و ادیب. نزد پدرش و عمویش، سید علی صاحب «البرهان القاطع»، و شیخ مرتضی انصاری و میرزا حسن شیرازی فقه و اصول خواند. او دارای دقت نظر بود. او را آثاری در فقه و اصول است و چندین رساله تصنیف کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۷ /۹)، شهیدان راه فضیلت (۴۹۶)، علماء معاصرین (۷۰ -۶۹)، فوائد الرضویه (۳۷۴)، معجم المؤلفین (۸/ ۱۸۳).

آل بحرالعلوم، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۲۶ -۱۲۶۱ ق)، فقیه، اصولی و حکیم. در نجف به دنیا آمد. فقه را نزد عمویش، سید علی، و شیخ راضی نجفی و سید حسین ترک کوه کمری و اصول را نزد میرزا عبدالرحیم نهاوندی و فلسفه را نزد میرزا محمدباقر نجفی آموخت. وی از عمویش، سید علی، به دریافت اجازه نایل گشت و پس از درگذشت او در سطح عالی به تدریس پرداخت و سرانجام عهده‌دار ریاست حوزه‌ی نجف گردید. او به امور اجتماعی و سیاسی حوزه و رفع مشکلات مردم اهتمام می‌ورزید. شوق او به تحقیق و تألیف تا بدانجا بود که بینائی خود را نیز در این راه از دست داد. وی کتابخانه بزرگی در زمینه فقهی و اصولی و روایی بنیاد نهاد. او پس از نشستن به سوگ دو فرزند عالم و فاضل خود، سید مهدی و سید میرعلی، در نجف از دنیا رفت. از آثارش: «بلغهٔ الفقیه»، شامل ۱۶ رساله

فقهی؛ «مصباح العباد»، رساله عملیه مبسوط؛ «الوجیزه»، مختصر «مصباح العباد»؛ «مواقف حاسمهٔ فی تاریخ التضحیهٔ والفداء».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۰۹ -۴۰۸ /۹)، الذریعه (۵۱ /۲۵، ۱۱۴ /۲۱، ۱۴۸ /۳)، شهیدان راه فضیلت (۴۹۷)، علماء معاصرین (۹۴ -۹۳)، المآثر والآثار (۱۸۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۷۹ /۵)، مکارم الآثار (۱۶۳۷ -۱۶۳۶ /۵).

آل بحرالعلوم، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۹ -۱۲۱۹ ق)، فقیه اصولی. از فقیهان نامی آل بحرالعلوم بود. در نجف به دنیا آمد. نزد پدر مقدمات علوم را فراگرفت. و فقه و اصول را نزد شیخ محمدحسن نجفی صاحب «جواهر» طی کرد. موقعیت علمی وی به گونه‌ای بود که پس از مرگ پدر به رهبری دینی و اجتماعی عراق دست یافت. وی داماد سید علی طباطبائی صاحب «ریاض»، و پدر سید علی‌نقی معروف به آقاکوچک است که در شعر و ادب دست داشت و در کربلا کشته شد. سید محمدتقی در کربلا درگذشت و در نجف به خاک سپرده است. از آثارش کتاب «قواعد الاصول» است در «اصول الفقه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۸۸ /۶)، اعیان الشیعه (۱۹۷ -۱۹۶ /۹)، الذریعه (۱۷۸ /۱۷، ۲۰۴/۲)، شهیدان راه فضیلت (۴۹۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۸ -۲۱۷ /۱۳)، فوائد الرضویه (۴۳۲ -۴۳۱)، معجم المؤلفین (۱۳۰ -۱۲۹ /۹)، مکارم الآثار (۶۶۲ -۶۶۱ /۳).

آل بحرالعلوم، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۵۳ -۱۱۸۹ ق)، فقیه، اصولی، محدث و رجالی. در نجف به دنیا آمد. مقدمات علوم و ادبیات را نزد پدر خواند. فقه و اصول ر نزد عالمانی چون شیخ جعفر کاشف الغطاء و شیخ محمد سعید دینوری و شیخ محمدتقی ملاکتاب تکمیل کرد و از ایشان به دریافت اجازه نایل شد. او پس از پدر عهده‌دار سرپرستی حوزه‌ی نجف و مرجعیت دینی شد. از آثارش: «اصول الفقه»؛ «شرح الشرایع»؛ «شرح اللمعه»؛ «کشف القناع فی اصحاب الاجماع»؛ «الفقه الاستدلالی»؛ «الفوائد الرجالیهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۸۲ /۹، ۱۹ /۷)، الذریعه (۳۳۸، ۲۸۶ /۱۶، ۲۰۵ -۲۰۴، ۱۲۰ /۲)، شهیدان راه فضیلت (۴۹۶ -۴۹۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۷۳ -۵۷۱ /۱۳)، فوائد الرضویه (۱۸۲)، مکارم الآثار (۱۴۴۶ -۱۴۴۵ /۴).

آل بحرالعلوم، محمدصادق

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، فقیه، اصولی، ادیب و شاعر. در نجف متولد شد. تحت نظارت پدر مقدمات علوم را فراگرفت. و سطوح عالی فقه و اصول را نزد میرزای نایینی و سید ابوالحسن اصفهانی و سید محسن قزوینی، و تفسیر را نزد بلاغی و علم حدیث و درایه را نزد شیخ ابوتراب خوانساری آموخت. و از نایینی و شیخ آقا بزرگ تهرانی و سید محسن امین و سید حسن صدر اجازه روایت گرفت. وی کتابخانه‌ای بنیاد نهاد که در آن کتابهای خطی نفیسی گردآوری شد. او آثار بسیاری در فقه و اصول و شعر و ادب پدید آورد. از جمله: «دلیل القضاء الشرعی، اصول و فروعه»؛ «السلاسل الذهبیهٔ»، کشکولی ادبی و تاریخی و رجالی؛ «المجموع الرائق من ازهار الحداق».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۵ /۲۰، ۲۱۱ /۱۲، ۲۵۹ /۸).

آل بحرالعلوم، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۵ -۱۳۰۲ ق)، فقیه اصولی. از عالمان بنام آل بحرالعلوم بود. در نجف به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات، سطوح عالی فقه و اصول را در حوزه‌ی درس سید محمد بحرالعلوم، صاحب «بلغهٔ»، و شیخ عبدالهادی همدانی و آخوند ملا محمدکاظم خراسانی آموخت. شاگردان بسیاری در حوزه‌ی درس او تربیت شدند. او عالمی پرکار و اهل نقد و نظر و تألیف بود. وی در نجف درگذشت. از آثار او: حاشیه‌ای بر «معالم الاصول» و «منظومه»‌ای در اصول است که شرحی بر آن نگاشته است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۵۶ /۱۰)، علماء معاصرین (۷۰ -۶۹)، معجم المؤلفین (۳۰ /۱۳).

آل بحرالعلوم، میرعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۵ ق)، فقیه و نحوی. در علم و تقوا به درجه کمال رسید. در زمان حیات پدرش از دنیا رفت. پدرش در آخر رساله ولایت در کتاب «بلغهٔ الفقیه» از او تمجید نموده و او را غواص دریای فقه خوانده است. از آثارش: کتاب «کشف الاسرار فی شرح الاظهار»، درنحو.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۱۳ -۳۱۲ /۸)، الذریعه (۱۷ /۱۸)، شهیدان راه فضیلت (۴۹۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۳۰ - ۱۵۲۹ /۱۴).

آل بحرالعلوم، هاشم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۴ -۱۲۵۵ ق)، فقیه اصولی. در نجف زاده شد. نزد پدر خود، سید علی صاحب «برهان»، و میرزای شیرازی مقدمات و سطوح عالی فقه و اصول را آموخت. از آثار وی: «التقریرات» استادش میرزای شیرازی در اصول است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شهیدان راه فضیلت (۴۹۷)، الذریعه (۳۸۷ -۳۸۶ /۴)، مکارم الآثار (۱۵۱۵ /۵).

آل بویه، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا آل بویه

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۳/۱

زندگینامه علمی

علیرضا آل بویه در اول خرداد ۱۳۳۹ در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن دروس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در این شهر همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی فیزیک شد و در سال ۱۳۵۸ در حوزه علمیه شروع به تحصیل علوم دینی کرد.

پس از گذراندن دروس مقدماتی و سطح و استفاده از محضر اساتیدی چون آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی، راستی کاشانی، پایانی و ستوده از سال ۱۳۶۷ با حضور در دروس خارج فقه (کتاب الحج) و اصول (جلد اول کفایه) آیت الله فاضل لنکرانی، از دروس تفسیر قرآن و خارج فقه (کتاب الاجارهٔ) آیت الله جوادی آملی و خارج فقه و اصول آیت الله شیخ جواد تبریزی بهره های علمی فراوان برد. در کنار دروس مرسوم حوزه به دلیل علاقه به مباحث فلسفی، کتاب نهایهٔ الحکمه و منظومه سبزواری را فرا گرفت و این در حالی بود که برخی از دروس از جمله ادبیات عرب، منطق، کلام، فلسفه و اصول فقه را تدریس می کرد.

در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته الهیات و معارف اسلامی از مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم شد. همزمان با این دوره، در گروه عقاید (دین شناسی) بنیاد باقرالعلوم علیه السلام (مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی«ره») مشغول به تحصیل شده و سالهای متمادی خوشه چین اساتید بزرگواری چون آیت الله مصباح یزدی، حجت الاسلام والمسلمین فیاضی، استاد مصطفی ملکیان، حجت الاسلام والمسلمین صادق لاریجانی، دکتر محمد لگنهاوسن و... بود و در سال ۱۳۷۸ در رشته دین شناسی فارغ التحصیل شد.

از سال ۱۳۷۴در کنار تحصیل در مراکز تحقیقاتی مشغول به کار شد و در پژوهشکده فقه و حقوق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی، مدیریت گروه تاریخ و فلسفه فقه و حقوق را به عهده گرفت.

از سال ۱۳۷۷ تا سال ۱۳۷۹ در سمت معاونت پژوهشی مرکز مطالعات ادیان و مذاهب در آن مرکز فعالیت داشت. در سال ۱۳۷۶ مدیریت پژوهشکده فلسفه و کلام پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به عهده ایشان گذاشته شد که هم اکنون نیز در آنجا مشغول به فعالیت می باشد. در سال ۱۳۷۸تا ۱۳۸۲ همکاری به عنوان عضو هیات علمی با مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) را

آغاز کرد. ایشان از اوائل سال ۱۳۸۲ سردبیری مجله نقد و نظر را برعهده دارد.

آل سید غفور، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محسن آل سید غفور

محل تولد : شوشتر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱۲/۲۶

زندگینامه علمی

در تاریخ ۲۶/ ۱۲/ ۱۳۴۸در شهرستان شوشتر متولد شدم و در سال ۱۳۶۷ دیپلم حسابداری از همان شهرستان اخذ کردم.

سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه قم شدم. در مدارس حضرت رسول اکرم (ص) و رضویه (ع) به تحصیل پرداختم. دروس مکاسب، رسائل تا کفایه را به صورت خودخوان ادامه دادم. در درس خارج آیات عظام: سبحانی و جزایری شرکت داشته ام.

سال ۱۳۷۰ کارشناسی علوم سیاسی را در دانشگاه باقرالعلوم (ع) خوانده و در سال ۱۳۷۵ مدرک کارشناسی گرفته و در سال ۱۳۷۶ در کارشناسی ارشد تهران (دانشگاه تهران) پذیرفته شده و در سال ۱۳۷۹ مدرک آن را اخذ کردم و نهایت در سال ۱۳۸۲ در سطح دکتری در رشته علوم سیاسی دانشگاه تهران پذیرفته شدم و در حال حاضر در حال نگارش رساله دکتری هستم.

آل طالقانی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۹ -۱۲۴۸ ق)، ادیب، فقیه و عارف. در نجف به دنیا آمد. مقدمات را در خدمت برادر خویش، سید هاشم، فراگرفت و ادبیات را در محضر شیخ احمد قفطان خواند. سپس به مجالس درس شیخ انصاری و شیخ مهدی آل کاشف الغطاء و میرزای شیرازی حاضر شد، تا در فقه و اصول به اجتهاد رسید. در اخلاق نیز مدتی نزد ملا حسینقلی همدانی رفت و از محضرش بهره‌ها گرفت. بیشترین شهرت وی در زمینه ادبیات است بدان پایه که او را سیبویه ملقب کردند. جماعتی از ادباء از شاگردان وی به حساب می‌آیند، از جمله: شیخ جعفر بدیری. در نجف وفات کرد و در صحن علوی دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مکارم الآثار (۱۳۴۰ -۱۳۳۹ /۴).

آل طاهر، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدحسین آل طاهر خمینی از فضلاء معاصر و علماء خمین است که در سال چند ماهی در قم و چند ماهی در شهرستان خمین به وظائف دینی و روحی اشتغال دارد وی پس از تولد و خواندن مقدمات و مبادی اولیه در سال ۱۳۶۵ قمری به قم آمده و بعد از خواندن سطوح وسطی و عالی و تکمیل آن در خدمت اساتید و مدرسین حوزه علمیه مدت پنج سال از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده کرده و بعد از ایشان از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالنبی عراقی و آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی مدظله و آیت‌اللّه العظمی امام خمینی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری بهره‌مند شده است.

تالیفات و آثار مطبوع ایشان از اینقرار است ۱- رساله الهدایه ۲- رساله در تواریث الزوجین ۳- تقریرات بحث مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالنبی عراقی النجفی.

و آثار مخطوط ایشان ۱- فضائل الشیعه یک جلد ۲- شرح فارسی سیوطی ۲ جلد ۳- شرح فارسی کتاب صلوهٔ الجمعه اجلد ۴- شرح فارسی صمدیه اجلد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

آل طبیب، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در سال ۱۳۳۹ قمری در شوشتر به دنیا آمده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات مسافرت به قم نموده و از محضر آیات قم مرحوم ادیب تهرانی و آیت العظمی مرعشی نجفی و آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه حجت استفاده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف و چند سالی از محضر آیتین اصفهانی و حاج شیخ کاظم شیرازی استفاده کرده سپس به واسطه ضعف و کسالت والدش به اهواز آمده و در مسجد آن مرحوم که در خیابان وکیلی واقع است (خیابان کاشانی) تاکنون به امامت و خدمات دینی و اجتماعی اشتغال دارد و از دانشمندان متقی و پارسا و موصوف به فضل و دانش می‌باشند و عده‌ای از محصلین اهواز دراسات ایشان استفاده می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

آل طه، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن آل طه

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۰/۱/۱

زندگینامه علمی

دو ساله بودم، پدرم که از وعاظ معروف شهر بودند، بواسطه برخورد پلیس رضاخان قبول وکالت می شود و دارفانی را وداع می گوید و سرپرستی اینجانب را مرحومه مادرم و برادر بزرگوار حجهٔالاسلام سیدمحمد آل طه که خود از وعاظ مشهور است به عهده گرفته و بعد از گماردن در مدرسه فرهنگی و گذراندن دوره تحصیلی تا کلاس ششم، به دروس حوزوی راهنمایی نمودند و ابتدا در مدرسه رضویه و منزل، قسمتی از جامع المقدمات از محضر برادرم بهره مند شدم تا اینکه تحصیل را همانطور که ذکر شد، پیش اساتید دیگر ادامه داده تا در ماه رجب یا شعبان سال ۱۳۸۰ قمری موفق به شرکت در امتحانات شفاهی حوزه که از طرف مرحوم آیهٔ الله بروجردی برگزار می شد، شدم و در شوال همان سال که معظم له فوت نمودند و امتحان کتبی که از طرف مرحوم آیهٔ الله گلپایگانی برگزار شد.

جهت امتحان کفایه و مکاسب شرکت نموده و بحمدالله نمره قبولی را بدست آوردم و تاکنون از محضر علماء و بزرگان حوزه بهره مند بودم و هم اکنون اشتغال به تحقیق و تدریس داشته و امید است خدای بزرگ سرمایه بخشد و یا دانش بزرگ به همه زعماء و اساتید مرحمت فرماید.

از خدای منان می خواهم بنده را شکر گذار آن همه الطاف و نعمتهای خود قرار دهد.

آل طیب شوشتری، عبدالسلام

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۰ ق)، عالم دینی، فقیه و واعظ. در شوشتر به دنیا آمد. در خدمت برادرش آقا سید محمد مهدی آل‌طیب و آقا شیخ محمد کاظم ابن‌الشیخ تلمذ نمود تا به درجه اجتهاد رسید و از این دو عالم بزرگ اجازه اجتهاد گرفت. او از دیگر آیات نیز بهره گرفت. چون حاوی کمالات نفسانی بود و در پارسایی و تقوا پیشتاز، مواعظ و نصایح وی بسیار مؤثر بود.او را تألیفات و تصنیفات چندی در فقه است، از جمله: حاشیه استدلالی بر «عروهٔ الوثقی» طباطبائی یزدی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۴۱۵/ ۵).

آل طیب شوشتری، محمدمهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۲ -۱۳۱۱ ق)، فقیه، محقق، واعظ و زاهد. از خاندان سید نعمت‌اللّه جزایری است. در شوشتر به دنیا آمد. تحصیلات سطوح نهایی را نزد عم خویش آقا سید بزرگ آل طیب و حاج شیخ محمدکاظم شوشتری به پایان رساند و از محضر حاج شیخ محمد رضای دزفولی نیز بهره برد و از او اجازه اجتهاد دریافت کرد. وی در زهد و پارسایی و موعظه و خطابه یگانه دوران خود بود. او عهده‌دار مرجعیت اهالی شوشتر بود. در شوشتر از دنیا رفت و همان جا دفن شد. آثار بسیاری از او به یادگار ماند که از جمله آنها:

شرحی بر «کفایهٔ الاصول»؛ شرحی بر «معالم الاصول»؛ «معالی الاخلاق»؛ «الوسیلهٔ الکبری فیما یعم به البلوی»، فارسی، در اصول دین و فروع از طهارت تا آخر عبادات و نیز معاملات؛ شرحی بر وصیت‌نامه حضرت امیرالمؤمنین (ع) به فرزندش امام حسن (ع).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۸۲ /۲۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۱۵ -۴۱۴ /۵).

آل طیب، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدتقی فرزند سید جلیل و عالم زاهد آقا سید علی محمد آل طیب جزایری شوشتری از افاضل سادات و احفاد علامه بزرگوار و محدث عالی‌مقدار سید نعمت‌اللّه جزایری است.

وی در سال ۱۳۲۹ قمری در شوشتر متولد شده و در بیت فضل و دانش پرورش یافته و مقدمات را در خدمت مرحوم والدش خوانده و قسمتی از سطوح را نزد علامه آقا سید بزرگ آل طیب خوانده و از اساتید دیگر آن زمان استفاده کرده و پس از آن به دزفول عزیمت نموده و از محضر علامه بزرگوار حاج شیخ محمدرضا معزی بهره‌مند شده و از شاگردان خاص آن مرحوم گردیدند و ایشان علاقه مخصوص به ایشان داشتند و اجازه اجتهاد بر ایشان نوشتند که عین آن نزد برادر عزیزش حاج سید کاظم آل طیب موجود است و در ایام تابستان که شیخ به بروجرد می‌رفتند برای گرمی هوای دزفول ایشان را همراه خود می‌بردند و ایشان هم از این فرصت استفاده کرده از محضر و درس آیت‌اللّه العظمی بروجردی (ره) که در آن موقع در بروجرد بودند استفاده کرده و کسب فیض می‌نمودند و مدتی هم در قم از محضر مرحوم آیت‌اللّه حجت بهره‌مند شده و بعد از وفات شیخ به شوشتر آمده و بعد از چندی به اهواز رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت و تدریس و خدمات دینی پرداخته تا در روز پنجشنبه دهم ماه رمضان هزار و سیصد و شصت و پنج قمری سال فوت آیت‌اللّه العظمی اصفهانی از دنیا رفته و جنازه‌اش حمل به نجف اشرف و در وادی‌السلام در جوار جدش حضرت امیرالمؤمنین علیه‌الصلوه والسلام مدفون شده است.

خدایش رحمت کند که در استقامت رای و بودن فهم از ابناء ممتاز و در بیت شریف آل طیب مشار بالبنان بوده ولی متاسفانه که عمرش کوتاه و در سن ۳۶ سالگی از دنیا رفته ولی خوشبختانه به مضمون آیه شریفه «ما ننسخ من آیه او ننسها ناتی بخیر منها او مثلها» ما هیچ آیه را منسوخ نکرده یا واپس نکردیم مگر اینکه بهتر از آن یا مانند آن را آوردیم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

آل طیب، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدحسین شوشتری مشهور به آقا سید بزرگ آل طیب طاب ثراه از اعاظم علماء خوزستان جامع علوم مختلفه و صاحب ملکات فاضله و مکارم اخلاق و متعبد و زاهد بوده‌اند

در سال ۱۲۷۵ قمری در شوشتر متولد شده و سلسله نسبش به این کیفیت به علامه جزایری منتهی می‌شود.

السید محمدحسین بن السید محمدجعفر بن السید محمدحسین بن السید جعفر بن السید طیب بن السید محمد بن السید نورالدین بن العلامه المحدث السید نعمت اللّه جزایری قدس اللّه اسرارهم.

وی علوم ادبیات را در شوشتر از مرحوم حجهٔالاسلام آقا سید محمدعلی شیخ‌الاسلام و آسید محمد معلم آموخته و در فقه و اصول از محضر آیات عظام حاج سید عبدالصمد جزایری و حاج شیخ عبدالکریم شوشتری که از اجله تلامذه شیخ انصاری بوده و بعضی علماء دیگر در (ریاضیات و هیئت و نجوم) از عالمان جلیلان حاج سید محمد بنی‌هاشمی و حاج سید حسن منجم و در علم طب از دو عالم بزرگوار حاج سید حسین حکیم بن العالم الزاهد آیت‌اللّه حاج سید علی شوشتری وصی علامه انصاری و سید جعفر سید الاطباء همدانی استفاده کامل نموده و در علوم دیگر نیز حظی وافر داشتند و خط ثلث و نسخ و کتبه را بسیار خوب و زیبا می‌نوشت و در این فن استادش میر اسداللّه قاضی مرعشی که از شاگردان مرحوم میرزای وصال شیرازی است بوده.

و آنجناب جمع نموده بود بین حدت ذهن و قوت حافظه را لذا با قلت مراجعه به کتاب به واسطه ضعف چشم مستحضر از مطالب فنون کثیره متنوعه بوده و غوامض آنها را به آسانی حل می‌نمود و می‌فرمود تحریر اقلیدس را درس نخواندم.

ولی بـه فکر و ذهن خودم عباراتش را حل و مطالبش را فراگرفته‌ام و اوقات خود را به تدریس و عبادت صرف می‌نمود و قلیل‌المعاشره با مردم بود و غالب علماء شوشتر رشته تحصیلاتشان بلاواسطه یا با واسطه به آن بزرگوار منتهی می‌شود یک سال استخراج نجومی نموده و تقویم نوشته است.

در کثرت عبادت قلیل‌النظیر بلکه یگانه عصر خود بشمار می‌رود نوافل مرتبه از او فوت نمی‌شد مداومت به زیارت عاشوراء به طریق احتیاط و نماز حضرت جعفر طیار و زیارت جامعه و بعضی صلوات مستحبه داشت در هفته یک ختم قرآن می‌نمود و روزی هزار صلوات می‌فرستاد و ایام‌البیض هر ماه را تا آخر عمرش روزه می‌گرفت عمل استفتاح را بجا می‌آورد و چند سال ماه رجب و شعبان را روزه گرفته و وصل به ماه صیام می‌نمود.

اول شب را کمی می‌خوابید و زود برمی‌خواست و به عبادت می‌پرداخت.

و دارای مقامات معنوی و الهامات غیبی بود و با قرآن استخاره نموده و غالباً مراد شخص را بیان می‌کرد و صلاح و فساد آن کار را توضیح می‌داد.

در معالی اخلاق ممتاز در عصر خویش بود و هیچگاه سائلی را محروم نمی‌کرد و با او با ملاطفت حرف می‌زد و در صورت عجز از قضاء حاجت او از وی عذرخواهی می‌کرد.

با مناعت طبع و عزت نفس زندگی می‌کرد و در امر معاش قانع و شاکر بود و از حقوق شرعی کمتر تصرف می‌کرد و در امر به معروف و نهی از منکر در مواقع مقتضیه قلبی قوی داشت و از ریاست عامه کناره می‌گرفت و متصدی مرافعات و فصل خصومات نمی‌شد و از فتوا دادن نیز خودداری می‌کرد و در اواخر عمر منزوی گردید.

و تمام اوقات را مصروف به عبادت می‌کرد و بالجمله فضائل و کمالات نفسانیه و مکارم اخلاق و محاسن اطوار آن بزرگوار و جدیت او در عبادات و التزام او به مستحبات مهمه و اعراض او از زخارف دنیویه به اندازه‌ای است که سزاوار است کتاب مستقلی در این خصوص نوشته شود و آنچه در اینجا نوشته شده گذشته از اینکه مبالغه نیست به نحو ایجاز تحریر گردیده است.

در شب پانزدهم شوال ۱۱۵۰ قمری در حالی که مشغول ذکر پروردگار بود از این سرای فانی به دار باقی ارتحال نمود.

دارای فرزندانی بنام سید عبداللّه و سید ابوالحسن و سید نعمت‌اللّه بوده که هر سه وفات نموده و یک فرزند بنام آقا سید محمدحسن از او مانده که ترجمه‌اش خواهد آمد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

آل عصفور، احمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۳۱ -۱۰۸۴ ق)، فقیه، متکلم، محقق و نویسنده. در شاخوره به دنیا آمد و علوم مقدماتی را در آنجا فراگرفت. آنگاه نزد استادان بزرگ آن عصر مراتب عالی فقه و اصول را به پایان رساند و به درجه‌ی اجتهاد نایل آمد. وی از برجسته‌ترین شاگردان شیخ سلیمان ماحوزی بود که فقه و اصول و حکمت را نزد وی آموخت. ریاضیات را نزد شیخ محمد بن یوسف بحرانی فراگرفت. در بسیاری از داشنهای روزگار خود مهارت داشت. علی‌رغم دیگر عالمان آل‌عصفور که اخباری بودند وی به عقل‌گرایی تمایل داشت و کتابهایی در زمینه‌ی علوم عقلی تألیف کرد. همچنین در فصاحت زبان و بلاغت سخن و حاضرجوابی مشهور بود. در آشوب بحرین، و تاخت و تاز اعراب هوله، به قطیف مهاجرت کرد. اما بر اثر شنیدن خبر به تاراج رفتن کتابخانه‌اش بیمار شد و در ۴۷ سالگی در قطیف درگذشت. گفته‌اند که ۲۳ تألیف معتبر داشته است که همگی با کتابخانه‌ی وی، علی‌رغم تلاشهای پسرش شیخ یوسف صاحب «حدائق» که برای حفظ کتابخانه کرد، در فتنه‌ی بحرین از بین رفت. کتاب «اثبات الجزءالذی لایتجزاء» و «الجزءالذی لایتجزی» از جمله کتابهای او است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۶۴ -۴۶۳ /۲)، الذریعه (۱۰۴، ۷ /۵، ۹۰، ۸۸ -۸۷ /۱)، ریحانه (۲۳۰ /۱)، شهیدان راه فضیلت (۴۶۳ - ۴۶۲)، فوائد الرضویه (۱۳).

آل عصفور، خلف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۲۸۰ ق)، عالم، نویسنده، فقیه و محدث. در بوشهر متولد شد و پس از آموزشهای مقدماتی در ۱۳۰۶ ق به نجف مهاجرت کرد و در حوزه‌ی علمیه‌ی آنجا به آموختن سطوح عالی دانشهای متداول روزگار پرداخت. او در درس عالمان و فقیهان بلندپایه چون آخوند ملا محمدکاظم خراسانی شرکت کرد و در ۱۳۱۴ ق به بوشهر بازگشت. پس از درگذشت پدرش، در ۱۳۱۵ ق، به امامت جماعت و دیگر امور شرعی پرداخت. صاحب آثاری در فقه و کلام است، از آن جمله: «الانوار الجعفریه»؛ «قصد السبیل»؛ «منتخب الفوائد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۲۹ -۳۲۸ /۶)، الذریعه (۴۱۹ /۲۲، ۹۹ /۱۷، ۴۲۳ /۲)، معجم المؤلفین (۱۰۴ /۴).

آل علی شاهرودی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جواد حسینی آل علی شاهرودی دومین فرزند مرحوم آیت‌اللّه حاج سید حسین حسینی آل علی شاهرودی طاب ثراه.

داماد بزرگ آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمود حسینی شاهرودی در بیست و هفتم جمادی‌الاولی ۱۳۴۸ قمری در نجف اشرف متولد شده و در بیت علم و تقوی پرورش یافته و به تحصیلات اولیات و ادبیات و سطوح عالیه پرداخته و پس از آن دروس خارج

فقه و اصول و غیره را از آیات عظام نجف اشرف و بالاخص فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّه العظمی شاهرودی قدس‌اللّه سره استفاده تا نائل به درجات و مدارک علمی از آیات عظام نجف اشرف و بالاخص فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّه العظمی شاهرودی قدس‌اللّه سره استفاده تا نائل به درجات و مدارک علمی از آیات عظام گردیده و خود در نجف و چند سالی در مسجد یکی از محلات نجف به نام خوان مخضر (میدان میوه فروشان) اقامه جماعت و ارشاد مؤمنین می‌نمود و سفرهای متعددی هم به عنوان بعثه دینیه آیت‌اللّه العظمی شاهرودی به حج مشرف و رسیدگی به امور حجاج مقلدین آن مرحوم را می‌نمود.

در سال ۱۳۹۵ شمسی به واسطه فشار و مزاحمت حکومت بعث عراق به ایرانیهای مقیم عراق ناچار به مهاجرت به کویت شده و تا سال ۱۳۷۰ قمری اقامت و به خدمات دینی و روحی و علمی از اقامه جماعت و تبلیغ دین و بخصوص نشر معارف اهل‌البیت علیهم‌السلام داشته و خدمات چشمگیری نموده است.

خدمات معظم‌له در کویت

۱- تأسیس مدرسه علمی از طرف حضرت آیت‌اللّه العظمی خوئی مد ظله الوارف.

۲- تدریس در آن و سرپرستی و رسیدگی به امور طلاب آن.

تألیفات و آثار علمی ایشان در کویت

در مدت اقامتشان در کویت در مواقع فراغت تألیفات سودمندی نموده که فهرست آنها را از نظر کاوشگران می‌گذرانم.

۱- الامام المهدی و ظهوره.

۲- الانسان فی مراحل الست که چندین بار به عربی به چاپ رسیده و به فارسی نیز ترجمه شده و بار دوم به وسیله حجهْالاسلام آقای نفسی در کراچی ترجمه باردو چاپ شده.

۳- کتاب آداب الحرمین که تا این تاریخ هفت نوبت طبع و منتشر شده است و ترجمه آن به فارسی دو مرتبه و هر بار در تیراژ بیست هزار چاپ و نشر گردیده.

۴- شخصیه المسلم.

۵- الارث فی الجداول- مخطوط و بعضی مخطوطات دیگر.

و نیز از این بزرگوار خدمات دیگری در عراق و نجف اشرف و برخی از شهرستانی ایران (از قبیل کمک به بناء مسجد و حسینیه و خیریه‌های دیگر) شده که شایان تقدیر می‌باشد.

بیمارستان چشم پزشکی پیامبران

اخیرا آنجناب موفق شدند که در تهران فلکه دوم صادقیه خیابان باغ فیض- خیابان پیامبران- خیابان ابوذر، بیمارستانی به خیریه اختصاصی چشم پزشکی پیامبران به مساحت ۲۷ هزار متر مربع که زیربنای آن ۲۰۴۰۰ متر مربع و دارای پنج بلوک که بعضی در شش طبقه است و در آن عملیات و جراحی‌های چشم در سطح بالا انجام می‌گیرد که در واقع بیمارستان بی‌نظیریست در ایران بلکه در خاورمیانه.

ایشان پس از مدت پانزده سال اقامت در کویت در سال ۱۳۷۰ شمسی برابر ۱۴۱۰ قمری هجرت به قم نموده و به تتمیم طبع مولفات خودشان و رسیدگی بیمارستان مذکور مشغول می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

آل علی شاهرودی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین آل علی شاهرودی والد ماجد آیت‌اللّه حاج سید جواد آل علی شاهرودی از علماء بزرگوار و دانشمندان خدمتگزار شاهرود بوده است که از خدمات معروف ایشان تأسیس حوزه علمیه سامری بوده که بعد از رحلت آیت‌اللّه العظمی مجدد شیرازی و انقراض حوزه علمیه سامره در سال ۱۳۵۳ ه.ق تا سال ۱۳۶۵ ه.ق دائر نموده و حدود دویست طلبه در آن اشتغال داشتند تا سال ۱۳۷۳ قمری که از دنیا رفته و در صحن مبارک علوی در حجره شمال غربی دفن شده‌اند.

آن بزرگوار دارای چهار فرزند پسر و سه دختر بوده است، فرزند بزرگ ایشان حاج آقا ضیاءالدین آل علی حسینی شاهرودی بود که در زمان آن مرحوم و بعد از او در مسجد جامع شاهرود و مسجد نخل اقامه جماعت داشته و مؤمنین از مواعظ حسنه ایشان بهره‌مند می‌شدند و یک سال بعد از فوت والدش در نجف اشرف ایامی که برای زیارت عتبات عالیات آمده بودند واقع شده و در مقبره والدش مدفون شده است.

فرزند دوم ایشان حضرت آیت‌اللّه حاج سید جواد آل علی است که ترجمه و آثارش را در صفحات بعد خواهید خواند.

فرزند سوم ایشان مرحوم حجهْالاسلام حاج آقا علی آل علی است که در طهران اقامت داشتند و چندین سال راهنمای صدها نفر حجاج طهرانی بوده و در سال ۱۳۵۸ شمسی برابر سال ۱۳۹۸ قمری در مدینه طیبه بدرود حیات گفته و در بقیع شریف نزدیک قبور ائمه بقیع علیهم‌السلام به خاک رفته. در سال ۱۳۸۹ قمری که نگارنده در هند بودم ایشان از مکه به هند آمده و حدود یک ماه در بمبئی و حیدرآباد و دیگر شهرها با ایشان بوده و خاطراتی شیرین از آن سفر دارم.

فرزند چهارم ایشان آقای دکتر نورالدین آل علی است، که نیز در نجف متولد شده و خلاصه‌ای از بیوگرافی ایشان را که به دستم رسیده است در ذیل می‌خوانید: دکتر سید نورالدین آل علی

متولد: ۱۳۲۰

سال ۱۳۴۳ فارغ‌التحصیل رتبه اول رشته زبان و ادبیات عرب از دانشگاه تهران.

سال ۱۹۶۵ فوق لیسانس از دانشگاه قدیس یوسف لبنان و سال ۱۹۶۹ دکترای خود را با درجه بسیار عالی از دانشگاه الجزائر دریافت داشته است.

از سال ۱۹۷۰ -۱۹۶۶ به سمت استادیاری در دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه الجزایر به تدریس مشغول شده و از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۲ با سمت وابسته فرهنگی ایران در الجزایر انجام وظیفه نموده است. در سال ۱۹۷۶ -۱۹۷۳ رایزن فرهنگی ایران در کشورهای اسلامی شمال افریقا (الجزائر، مراکش و تونس) بوده و از سال ۱۹۷۹ -۱۹۷۶ رایزن فرهنگی ایران در مصر، او مؤسس مرکز فرهنگی ایران در قاهره، و ناشر بیش از ۲۰ اثر و تـألیف از مخطوطات و تالیفهای دانشمندان مصری در ارتباط با فرهنگ و تاریخ ایران در مدت سه سال در مصر است.

در دانشگاههای الازهر، قاهره و عین شمس زبان و ادبیات فارسی و ادبیات تطبیقی تدریس نموده است از سال ۱۹۸۳ تا به حال در دانشکده علوم و مطالعات بین‌الملل در شهر مونتره در ولایت کالیفرنیا به تـدریس عربی و تاریخ اسلام مشغول است. او دارای دو فرزند پسر با نامهای امین و هادی است. تألیفات زیر از آثار چاپ شده او است:

۱- فارابی موطنه وثقافته، مجله البحث العلمی جامعه محمد الخامس الرباط عدد ۲۶ نوامبر ۱۹۷۶.

۲- از زردشت تا زریاب (به فرانسه) مجله المجاهد نوامبر ۱۹۷۱- الجزائر.

۳- الصحافه الفارسیه مصر (عربی)- مجله المنتدی شماره‌های یکم و دوم سال ۱۹۷۸ قاهره.

۴- ایران و مصر در گذرگاه تاریخ- مجله المنتدی شماره یکم سال ۱۹۷۸ و شماره ۲ سال ۱۹۷۹ قاره.

۵- هنرهای ایرانی در شمال افریقا- مجله هنر و مردم شماره ۱۵۷ سال ۱۳۵۵ تهران- ایران.

۶- الامام الصادق کما عرفه علماء الغرب (عربی)، چاپ موسسه الوفاء بیروت- لبنان ۱۹۸۸.

۷- فضائل الانام من رسائل حجه الاسلام الغزالی (عربی و فرانسه)- چاپ الدار التونسیه للنشر- تونس ۱۹۷۲.

۸- التعریب و اثره فی الثقافتین الفارسیه والعربیه با مقدمه‌ای از رئیس مجمع لغت عرب قاهره. چاپ: دارالثقافه للطباعه والنشر قاهره ۱۹۷۸.

۹- معربات الرشیدیه (قاموس کلمات فارسی تعریب شده) ترجمه و تحقیق با اشتراک دکتر امین عبدالمجید بدوی. چاپ: درالثقافه للطباعه والنشر قاهره ۱۹۷۸.

۱۰- دروس اللغه والادب الفارسی (۲ ج) چاپ: الشرکه التونسیه للتوزیع تونس ۱۹۷۲.

۱۱- الصلات الثقافیه بین ایران و العرب- چاپ: مطبعه الآنجلو المصریه قاهره ۱۹۷۵.

۱۲- جوانب من الصلات الثقافیه بین ایران و مصر جمع و تقدیم- چاپ: درالثقافه للطباعه والنشر قاهره چاپ اول ۱۹۷۵ چاپ دوم ۱۹۷۸.

۱۳- اسلام در غرب (تاریخ اسلام در اروپای غربی)- چاپ دانشگاه تهران ۱۳۷۰.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

آل غفور، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد تقی آل غفور

محل تولد : شوشتر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۳/۱

زندگینامه علمی

سید محمد تقی آل غفور در خرداد ماه ۱۳۳۴هجری شمسی در خانواده ای روحانی در شهرستان شوشتر متولد شد. در سال ۱۳۵۷ در رشته تاریخ در مقطع کارشناسی از دانشگاه تهران دانشکده ادبیات و علوم انسانی و در سال ۱۳۷۳ در رشته علوم سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس فارغ التحصیل شد و اکنون ضمن اشتغال به تحصیل علوم اسلامی در حوزه علمیه قم، در مقطع دکترای جامعه شناسی سیاسی در دانشگاه امام صادق (ع) اشتغال به تحصیل دارد، وی هم اکنون به تحقیق، تدریس و تالیف مشغول است.

در دوره اول نمایندگی مجلس شورای اسلامی از شهرستان شوشتر به عنوان نماینده به مجلس شورای اسلامی راه یافت. مدتی در مؤسسه آموزشی عالی باقر العلوم علیه السلام عضو هیئت امنای آن مرکز بود. مدتی نیز ریاست آن مرکز را نیز بر عهده داشت. مدیر مسئولی فصلنامه های علوم سیاسی و تاریخ اسلام و مدیریت گروه رشته علوم سیاسی دانشگاه مفید نیز از دیگر فعالیتهای نامبرده است.

آل گداعلی بیگ، محمدصالح

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۸ -۱۱۸۷ ق)، فقیه، اصولی، مرجع دینی و خطاط. جدش امیرفضل علی‌خان مشهور به گداعلی بیگ نوری از خوانین بزرگ بروجرد و سلطان‌آباد بود که در روزگار دولت صفوی به عراق مهاجرت کرد و در کربلا ساکن شد و با خواهر سید میرزا صالح شهرستانی ازدواج کرد. شیخ محمدصالح از شاگردان برجسته‌ی سید ابراهیم قزوینی، صاحب «ضوابط» بود که در فقه و اصول شهره‌ی عام و خاص شد و از مراجع بنام کربلا گشت. از آثار وی: کتیبه‌ی داخل گنبد حضرت سیدالشهداء (ع) به خط ثلث بوده که در آیینه‌کاری از بین رفته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۶۴ -۶۶۳ /۱۳).

آل‌احمد طالقانی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدتقی (آل‌احمد) طالقانی فرزند مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید احمد طالقانی که به امر زعیم اعظم آیت‌اللَّه بروجردی رهبری شیعیان مدینه را به عهده داشتند تولد ایشان در ۱۳۲۵ ق واقع شده و چند سالی در قم تحصیل نموده و بعد به نجف اشرف مهاجرت و از محضر آیت‌اللَّه اصفهانی و دیگران بهره‌مند شده و بر حسب امریه، مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی به مدینه طیبه عزیمت نموده و به خدمات دینی و روحی و ارشاد شیعیان مدینه و راهنمائی حجاج بیت‌اللَّه الحرام اشتغال داشته تا در ۱۴ شعبان ۱۳۷۲ ق وفات و در قبرستان بقیع به خاک رفته است.

(۱۳۷۲ -۱۳۲۵ ق)، عالم دینی و مرجع شیعیان مدینه. در تهران به دنیا آمد. پس از طی مقدمات و سطوح اولیه در اوایل تشکیل حوزه علمیه به قم رفت و پس از پایان سطوح به نجف اشرف مهاجرت کرد و از حوزه‌ی درس و بحث آیت‌اللَّه اصفهانی و آیت‌اللَّه عراقی استفاده کرد. وی داماد آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدتقی آملی بود. در سال ۱۳۷۰ ق به امر آیت‌اللَّه بروجردی رهبری شیعیان مدینه را عهده‌دار شد و در آنجا به نشر احکام جعفری پرداخت و راهنمای حجاج بیت‌اللَّه الحرام گشت. آل‌احمد بطور ناگهانی در مدینه درگذشت و در قبرستان بقیع دفن شد.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجة (۳۴۹ -۳۷۸ / ۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶۶ / ۷).

آلاشتی سوادکوهی، عباسعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، فقیه اصولی. از علمای عصر آقا محمدخان قاجار بود. در جوانی از آلاشت به تهران آمد. بعد از سه سال اقامت در تهران به قزوین رفت و هفت سال در آنجا به درس و بحث پرداخت. آنگاه به عراق رفت و در محضر درس آقا سید علی طباطبائی صاحب «ریاض» پانزده سال به تحصیل و تکمیل علم فقه و اصول پرداخت. سرانجام به دریافت اجازه اجتهاد از وی نایل گشت. آقا سید علی طباطبائی او را به بازگشت به ایران مکلف کرد و وی در امتثال امر استاد به تهران آمد ولی پانزده روز بعد از ورود، وقت صبح در سن چهل و پنج سالگی بطور ناگهانی درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :التدوین فی احوال جبال شروین (۲۷۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۹۵ -۶۹۴، ۶۹۴ -۶۹۳ /۱۳).

آلاشتی سوادکوهی، عبدالباقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۳۱۱ ق)، فقیه، قاضی و عالم دینی. از بزرگان سوادکوه بود و از جمله عالمان پرهیزکار آن سامان به حساب می‌آمد. در محضر ملا محمد اشرفی شاگردی کرد. وی عهده‌دار منصب قضا در دیار خود و مرجع دینی مردم سوادکوه بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :التدوین فی احوال جبال شروین (۲۸۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۲۱ /۱۴).

آلاشتی سوادکوهی، محمدزمان

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، دانشمند و عالم دینی. در بابل علوم مقدماتی را فراگرفت. پس از آن به تهران آمد و در مدرسه‌ی مهد علیا و عبداللَّه‌خان تحصیل کرد، فقه و اصول را نزد حاج ملا هادی طهرانی مدرس و علوم عقلی را در خدمت آقا علی و میرزا ابوالحسن جلوه و هندسه و حساب را از میرزا حسین سبزواری فراگرفت. سه مرتبه به زیارت مکه معظمه مشرف گشت و مدت یکسال در مدینه اقامت کرد. بعد از آن پنج سال در نجف مجاورت اختیار کرد و ملازم مدرس محقق گیلانی بود. مدتی را نیز در سامراء گذراند. وی در مدت عمر خویش ریاضتهای سختی را متحمل گشت و در تهذیب نفس کوشید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :التدوین فی احوال جبال شروین (۲۸۳ -۲۸۲).

آل‌آقا تهرانی، عبداللَّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۷ ق)، فقیه و عالم دینی. از احفاد وحید بهبهانی است. در تهران به دنیا آمد. در سال ۱۳۴۴ ق به قم رفت و در خدمت ادیب تهرانی و میرزای همدانی درس خواند. وی دروس خارج فقه و اصول تحلیلی را از محضر آیت‌اللَّه حایری و آیت‌اللَّه حجت استفاده برد. او از طرف آیت‌اللَّه حایری سرپرستی بیمارستان سهامی را که بیمارستان طلاب بود به عهده داشت. وی سرانجام برای انجام خدمات دینی به تهران عزیمت کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار الحجهٔ (۲۵۹ -۲۵۸ /۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۰ /۴).

آل‌آقا کرمانشاهی، ابوتراب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۹ ق)، فقیه. در کرمانشاه متولد شد. در خاندان اصیل آل‌آقا پرورش یافت. پس از خواندن مقدمات و ادبیات و متون فقه و اصول به نجف مهاجرت کرد و در محضر آیت‌اللَّه اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی تلمذ کرد تا به مدارج عالی رسید. سپس به کرمانشاه بازگشت و به ترویج امور دینی پرداخت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۳۵۹ -۳۵۸ /۶).

آل‌بویه، اسداللَّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۷ ش)، ریاضیدان و شاعر، متخلص به بویه. در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در رشت گذراند و سپس به تهران آمد و دیپلم خود را از دارالفنون گرفت. در ۱۳۰۷ ش به فرانسه رفت و پس از تکمیل زبان در رشته‌ی ریاضیات عمومی، حساب جامعه و فاضله، و مکانیک تحصیل کرد و دکترای خود را در هندسه‌ی عالی از دانشگاه سوربون گرفت. پس از بازگشت به ایران، به تدریس در دانشکده‌های علوم، فنی، نیروی هوایی، هنرسرای عالی و دبیرستان نظام پرداخت. روزنامه‌ی «سازمان» را دایر کرد و پس از آن حزب آهنگ ما را بنیاد نهاد که این سازمان در ۱۳۳۲ ش تعطیل شد. علاوه بر آثار منظوم و منثور او که در مجله‌ی «سخن» و روزنامه‌ی «سازمان» منتشر می‌شد، آثار وی عبارت‌اند از: «دیوان بویه»؛ «ترانه‌های بویه»؛ «حسابهای هندسی»؛ «هندسه»، برای سالهای اول تا چهارم دبیرستان و مقاطع مختلف دانشگاهی؛ «رساله‌ی هماهنگی برای یگانگی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۵۷۹ -۵۷۴ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۷ -۵۳۵ /۱).

آل‌شریف اصفهانی، آمنه

قرن:۱۲

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س دوازدهم و سیزدهم ق)، فاضل، عابد و زاهد. شریف ابوالحسن عاملی اصفهانی، از علمای بزرگ و از شاگردان علامه مجلسی، جد مادری او است. وی مادر شیخ باقر اصفهانی نجفی پدر شیخ محمد حسن نجفی صاحب «جواهر» است. جدّه عالی مادری آمنه‌خانم، مادر شریف ابوالحسن عاملی، نیز آمنه است که از سادات بزرگ و خواهر امیرمحمد صالح خاتون‌آبادی، داماد مجلسی، است. لقب «شریف» این خاندان از رهگذر سیادت این آمنه است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۲۱۲ -۲۱۱ /۳).

آل‌طاهر، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم آل طاهر، پس از تکمیل مقدمات و حفظ تمامی قرآن در خونسار نزد اساتید محل به امر مرحوم والد خود به نجف اشرف مهاجرت نموده و چند سالی از محضر علماء و رجال علمی کسب علم و دانش نموده تا به مرتبه اجتهاد رسیده و پس از آن به خونسار مراجعت و به خدمات دینی از ارشاد مردم پرداخته و برای اصلاح دو طائفه بزرگ بختیار به منطقه بختیار مسافرت و میان آنها التیام داده و صفا و دوستی کامل ایجاد و با اصرار مردم آن سامان و احساس وظیفه دینی در دولت‌آباد توقف و خدمات ارزنده‌ای نموده و در آن محل دورافتاده و نبودن امکانات کمال مراقبت را در تربیت فرزندان خود مبذول داشته و آنها را به تحصیل وامی‌دارد.

و چون آن مرحوم علاقه و استعداد در فرزند ارشد خود حاج شیخ احمد مشاهده می‌کند ایشان را برای ادامه تحصیل به اراک فرستاده و مدت چهار سال از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید مصطفی محسنی اراکی کسب دانش نموده سپس با کسب اجازه از پدر به اصفهان رفته و مدت ۱۴ سال از محضر اساتید و آیات اصفهان مانند مرحوم آیت‌اللَّه آقانجفی اصفهانی و مرحوم آخوند ملا محمد کاشی بهره‌مند شده و پس از فوت مرحوم والدش که حوادث ناگواری برای جامعه روحانیت انفاق افتاد روحانیون با مشکلات سختی مواجه شدنی برای اینکه بتواند در گوشه و کنار به خدمات روحانی خود انجام وظیفه نماید.

مدت چند سال در یکی از قراء خمین در ملک شخصی خود رحل اقامت افکند. و با اخلاق ملکوتی خود موفق می‌شود قتل و غارت و دزدی را در قسمتی از طوایف بختیاری برانداخته و خدمات ارزنده‌اش در تمام آن نواحی زبانزد خاص و عام قرار گیرد تا عده‌ای از تجار محترم خمین با معیت حضرت آیت‌اللَّه حاج شیخ محمد امامی اراکی به ایشان مراجعه و تقاضای آمدن به شهر خمین را از آن مرحوم می‌نمایند.

و ایشان پس از موافقت استخاره قبول و با تجلیل و احترام زیاد وارد خمین و در مسجد جامع به انجام وظائف دینی و روحانی مشغول و به حسن اخلاق و رفتار نیک موفق می‌شود چهل نفر از مسیحیان و یهود آنجا را به دین اسلام هدایت و وارد نمایند تا در سال ۱۳۷۴ قمری از دنیا رفته و در مقبره شخصی دفن شدند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

آل‌طاهر، جلال

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلال آل‌طاهر فرزند آقا شیخ حسین (نواده مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ احمد) از ائمه جماعت معاصر کرمانشاه می‌باشند.

تولد ایشان در سال ۱۳۰۷ شمسی در خمین واقع شده و تحصیلات مقدماتی خود را در نزد جدش تکمیل و چندین سال از محضر اساتید قم استفاده نموده و سپس در کرمانشاه متوطن گردیده و از محضر درس آقای اسلامی و آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی که مدتی به امر مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی در کرمانشاه اقامت داشتند استفاده نموده فعلا در مسجد اشجاری به امامت و ارشاد خلق مشغول می‌باشد

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

آل‌طیب شوشتری، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۹ ق)، عالم دینی و مدرس. در شوشتر متولد شد. پس از تحصیل مقدمات و ادبیات به قم مهاجرت کرد و از محضر استادانی چون ادیب تهرانی و آیت‌اللَّه نجفی مرعشی و آیت‌اللَّه خوانساری و آیت‌اللَّه حجت بهره برد و سپس به نجف رفت و چند سالی در حوزه درس آیت‌اللَّه اصفهانی و آیت‌اللَّه شیخ محمد کاظم شیرازی شرکت کرد. آنگاه به اهواز بازگشت و به تدریس و ترویج امور دینی پرداخت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار الحجهٔ (۲۱۷ /۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۴۲ -۱۴۱ /۳).

آل‌طیب شوشتری، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۹ ق)، فقیه، مجتهد و ادیب. در شوشتر متولد شد. در محضر عموی خود سید محمدباقر آل‌طیب علوم مقدماتی را خواند، و نزد پدرش و شیخ محمدکاظم ابن الشیخ سطوح عالی فراگرفت. سپس به دزفول مهاجرت کرد و از محضر شیخ محمدرضا دزفولی در زمینه فقه و اصول و حدیث بهره برد. آنگاه به قم رفت و چند سال در محضر آیت‌اللّٰه حائری و آیت‌اللّٰه حجت و آیت‌اللّٰه خوانساری تلمذ کرد و پس از دریافت درجه اجتهاد به زادگاهش بازگشت و به ترویج مذهب و نشر معارف اسلامی پرداخت. وی از آیت‌اللّٰه اصفهانی و آیت‌اللّٰه آقا ضیاءالدین عراقی و حاج شیخ محمدکاظم شیرازی نیز دارای اجازه بود. او در علم هیئت و علوم عقلی مهارت داشت و در فلسفه از شاگردان مبرز میرزا مهدی آشتیانی بود. از او آثار زیادی در فقه و اصول و حکمت و ادبیات باقی مانده، از جمله آثار وی: منظومه «ریاض المرضیه» که متضمن «الفیه» ابن مالک نحوی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۰۷ -۳۰۶ /۲۶)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۱۴ -۴۱۲ /۵).

آل‌طیب شوشتری، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۰ -۱۲۷۵ ق)، فقیه اصولی، منجم، ریاضیدان و طبیب. مشهور به آقا سید بزرگ. از فرزندزادگان سید نعمت‌اللّٰه جزایری است. در شوشتر متولد شد و در محضر آقا سید محمدعلی شیخ‌الاسلام و آقا سید محمدعلی معلم ادبیات و در نزد آقا سید عبدالصمد جزایری و شیخ عبدالرحیم شوشتری، از شاگردان شیخ مرتضی انصاری، فقه و اصول را آموخت و در نزد سید جعفر سید الاطباء همدانی طب را فراگرفت. وی در نجوم و ریاضی و خوشنویسی مهارت کامل داشت. او عمر خویش را در ریاضت و عبادت و تدریس بسر برد. از آثار وی تقویمی است که خودش استخراج کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۴۱۲ -۴۱۰ /۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۶۵ -۴۶۳ /۱۴).

آل‌طیب، عبدالسلام

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالسلام آل‌طیب از علماء اعلام معاصر شوشتر است که در سال ۱۳۳۰ قمری در شوشتر متولد شده و پس از پرورش در خدمت والد ماجدش به تحصیل پرداخته و مدتها در خدمت برادر معظم له آیت‌اللّٰه آقا سید محمدمهدی آل‌طیب طابت تربته و مرحوم آیت‌اللّٰه فی العالمین آقای حاج شیخ محمدکاظم طاب ثراه تلمذ نموده تا به درجه اجتهاد رسیده و آن دو بزرگوار اجازه اجتهاد او را به خط مبارک خود مرقوم فرمودند و در خلال این مدت از محاضر دیگران از آیات عظام و مراجع تقلید انام استفاده نموده.

و پس از فراغ از تحصیل به تألیف و تصنیف و حاشیه استدلالی بر عروةالوثقی علامه طباطبائی نوشتهو به نظر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی آقای حجت کوه‌کمری رسانیده و آن مرحوم تقریظی که اثبات و تصدیق اجتهاد ایشان را می‌کند مرقوم فرموده و تمجید وافری از تحقیقات ایشان می‌نماید.

بالجمله معظم له حاوی کمالات نفسانیه از علم و عمل و تقوی و ورع و جامع بین فن فقاهت و وعظ و صاحب تألیفات در فقه و غیره می‌باشند.

بیانات و نصایح و مواعظ منبری ایشان همه دلنشین و جالب قلوب مستمعین است و در ماه رمضان و شبهای ایام عاشوراء مسجد ایشان به آن وسعت بسیار که دارد پر می‌شود و هزارها نفر در خارج و اطراف مسجد از اهالی شهر و اطراف آن برای استفاده حاضر می‌شوند و صدای ضجه و ناله از مردم بلند می‌شود از این جهت بسیار کم‌نظیر است حقا منابرش منابر مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتری را مجسم می‌کند.

مکاشفات و منامات عجیب و غریبی برای ایشان و منابرشان دیده شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

آل‌طیب، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه.

تولد: ۲۹ ذیقعده ۱۳۲۹ ق.، شوشتر.

درگذشت: ۲۵ تیر ۱۳۷۳(۶ صفر ۱۴۱۵ ق.)، شوشتر.

آیت‌الله محمدحسن آل‌طیب، فرزند آیت‌الله آقا سید محمد حسین آل‌طیب معروف به آقا سید بزرگ، پیش از هفت سالگی خواندن و نوشتن را آموخت. سپس تحصیل علوم دینی را آغاز کرد. وی ادبیات و مقدمات را نزد عمویش، آیت‌الله سید محمدباقر آل‌طیب فراگرفت. ریاضیات، هیئت، علوم نجوم و بخشی از طب را نزد پدر خود کسب کرد و برای تحصیل علوم فقه، اصول و حدیث به دزفول رفت و از محضر آیت‌الله محمدرضا معزی دزفولی استفاده کرد. سپس به شوشتر برگشت و از محضر آیت‌الله محمدکاظم شیخ شوشتری بهره‌ها گرفت. آنگاه به حوزه‌های علمیه‌ی قم و تهران هجرت کرد و از مراجع آن عصر همچون آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری، آیت‌الله سید محمد حجت کوه کمره‌ای و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، به تکمیل علوم دینی پرداخت و از محضر میرزا مهدی آشتیانی حکمت و فلسفه را آموخت. همچنین در ریاضیات، خوشنویسی و ادبیات عرب تبحر داشت. وی سپس به تدریس علوم دینی روی آورد.

آیت‌الله آل‌طیب از مراجعی چون آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیت‌الله محمد کاظم شیرازی، آیت‌الله ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سید محمدهادی میلانی و آیت‌الله سید محمود شاهرودی اجازه اجتهاد داشت.

از جمله تألیفات ایشان می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: تضمین اشعار الفیه ابن مالک که بیش از ۶۰۰ شعر است که در آنها به بررسی علوم گوناگون اسلامی می‌پردازد، قاعده لاتعاد، تحریر عروة الوثقی، نوشتارهایی در علم اصول، فقه، ریاضیات و نجوم، منظومه‌ای در حکمت.

آیت‌الله محمدحسن آل‌طیب در هشتاد و شش سالگی جان سپرد و در بقعه‌ی مقام صاحب‌الزمان (ع) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

آل‌طیب، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدحسن آل‌طیب بن العالم الجلیل السید محمدمهدی آل‌طیب از علماء بزرگوار معاصر در شوشتر است.

وی در ماه ذی‌العقدة الحرام ۱۳۲۹ قمری در شوشتر متولد شده و در مهد علم و فضیلت پرورش یافته و دروس مقدماتی را از عموی معظم خود مرحوم آیت‌اللّٰه آقا سید محمدباقر آل‌طیب خوانده.

و سطوح عالیه را از والد بزرگوارش و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدکاظم ابن الشیخ فراگرفته سپس به دزفول مهاجرت و از محضر آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدرضای دزفولی که از مراجع تقلید بوده‌اند در فقه و اصول و علم‌الحدیث استفاده نمود.

آنگاه به قم آمده و چند سالی از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ عبدالکریم حایری و آیت‌اللّٰه حجت و آیت‌اللّٰه حاج سید احمد خونساری بهره‌مند شده و با دریافت اجازات اجتهاد و روایتی و غیره به وطن مراجعت و تا هم‌اکنون به وظائف دینی و روحی از اقامت جماعت و ارشاد مردم و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام و تربیت محصلین علوم دینیه و سرپرستی حوزه علمیه شوشتر اشتغال دارد.

نگارنده گوید: مترجم معظم عالمی جامع و فقیهی کامل و در فروع مختلفه فقهیه استحضاری وافر دارد و در مکارم اخلاق و محامد آداب و سرعت انتقال و سلامت نفس و خفض جناح قلیل‌النظیر است در شوشتر و نواحی آن مرجع و ملجأ مردم و طلاب و فضلاء و در نهی از منکر و امر به معروف و مبارزه با فساد سعی بلیغ و اهتمامی عجیب دارند.

از آثر ایشانست منظومه ریاض‌المرضیه که تضمین الفیه ابن مالک نحوی نموده‌اند در علم کلام و اخلاق و بعضی از مباحث فقهیه که آن را نگارنده شرح مزجی نموده و بنام (بستان الرازی) منتشر ساختم و از ابیات آن که در قدح غاصبین حق آل محمد (ع) گفته ابیات زیر است:

یا سیدی ارواحنا فدا کا

لقد بغی و اعتد یا عبد اکا

عن رتبة الخلافة احذف جاز ما

ثلاثهن تقض حکم لازما

و الاول النفاق فیه قدرا

جمیعه و هو الذی قد قصرا

والثانی منقوص و نصبه ظهر

و هو الی الناکذا ایضاً یجر

و ما لاول علمت مطلقا

للثانی والثالث ایضا حققا

الی آخر

دارای اجازاتی جامع و کاملی از نامبردگان ذیل می‌باشند.

۱- آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی

۲- آیت‌اللّٰه آقا ضیاءالدین عراقی

۳- آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدکاظم شیرازی

۴- آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدهادی میلانی

۵- آیت‌اللّه حاج شیخ آغا بزرگ تهرانی.

معظم له در علم هیئت و مباحث عقلیه هم مهارت تامی دارنـد و هیئت را از والـد خود فراگرفته و علم فلسـفه و حکمت را از مرحوم حکیم ربانی علامه میرزا مهـدی آشتیانی آموختهانـد و تألیفاتی هم در فقه و اصول و مباحث متفرقه دارنـد و هم منظومه‌ای در بعض حکمت الهیه و رساله‌ای در حدیث لاتعاد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

آل‌عصفور، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۱ ق)، فقیه. شـیخ حسن امامی اخباری بوشهری، پس از فوت پدر از بحرین به بوشهر و شیراز رفت و چندی در آنجا بود و سپس به بوشـهر بـازگشت و در آنجـا متوطن شـد. وی مرجع اخباری‌هـا و امام جماعت و قاضـی و مفتی بود و در همان جا نیز فوت کرد. و در خانه‌اش مدفون گشت. از آثارش: «الفوائد»؛ «رساله‌ی عملیه»، در عبادات؛ شرح منظومه‌ی پدرش که «شارحهٔ الصدور» نام داشت؛ «مناسک الحج».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۵۷ /۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۴۸ -۲۴۷ /۲)، الذریعه (۲۱۴ /۱۱).

آل‌عصفور، حسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(شهادت ۱۲۱۶ ق)، فقیه، محـدث، متکلم و شـاعر. از سوی مـادر نوه‌ی شـیخ حسـین مـاحوزی بود. نزد عمویش یوسف آل‌عصـفور درس خواند. و از او و عموی دیگرش عبدعلی آل‌عصفور روایت می‌کرد. او در شاخوره اقامت داشت و به تدریس و مرجعیت دینی و تحقیق و تألیف اشتغال یافت. از بزرگ‌ترین فقهای اخباری زمان خود بود، این که برخی او را مجدد دین در آغاز سده‌ی سیزدهم قمری دانسـته‌اند گویای موقعیت علمی و فقهی و نقش وی در ترویـج دیانت است. بر بیشتر دانشـهای متـداول روزگار خود احاطه‌ی کـافی داشت طالبـان علوم دینی از همه جـا به ویژه از قطیف و احساء به حوزه‌ی درس او می‌آمدنـد. از این رو شاگردان بسـیاری در این حوزه پرورش یافتنـد و خود از عالمان بنام دین شدند. شیخ‌احمد احسائی از او روایت می‌کند. او در پارسایی شـهره بود و بویژه در عرض اخلاص به امام حسـین (ع) و شـهیدان کربلا کوشش بسیار داشت و اشعار بسیاری در رثای آن حضرت می‌سرود و دارای «دیوان» است. وی را شـهید نیز نامیده‌انـد چون توسـط یکی از خوارج کشـته شـد. کتابهـای بسـیاری در موضوعـات مختلف روایی، کلامـی و فقهی نوشـته اسـت. تألیفـات او را بیش از پنجـاه کتـاب دانسـته‌اند کـه جز معـدودی در دست نیست. از جمله: «اجـازهٔ»؛ «الاشـراف»؛ «انوار اللوامع»؛ «باهرهٔ العقول»؛ «مصابیـح اللوامع»؛ «الحدق الناظرهٔ» یا «عیون الحقائق الناظرهٔ»، در تتمیم «الحدائق الناظرهٔ»؛ «منظومهٔ فی ظن و اخواتها»؛ «منظومهٔ فی الفقه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (۳۵۸)، الذریعه (۱۲۷ ،۱۲۲ /۲۳ ،۹۱ /۲۱ ،۳۷۹ ،۳۶۰ /۱۵ ،۲۹۲ /۶ ،۴۰۴ /۴ ،۱۵ /۳ ،۴۳۹ /۲ ،۱۰۲، ۱۸۸ /۲ ،۱)، ریحانه (۴۱۷ -۴۷۰ /۸ ،۵۹ /۱)، شهیدان راه فضیلت (۴۶۱ -۴۵۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۲۹ -۴۲۷ /۱۳)، فوائد الرضویه (۱۴۹ -۱۴۸)، مؤلفین کتب چاپی (۸۶۴ /۲)، مکارم الآثار (۵۷۳ -۵۶۹ /۲).

آل‌عصفور، خلف

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۰۸ ق)، فقیه، محـدث، متکلم، نویسـنده و از عالمان اخباری. در بحرین متولد شد. پس از فراگیری علوم به قطیف مهاجرت کرد و در آنجا ساکن شـد. پس از چندی به بوشـهر رفت. وی نزد عمویش یوسف آل‌عصـفور درس خواند. به پیروی از اندیشه‌های اخباریـان، تنهـا سـنت (حـدیث) را قابل اسـتناد می‌دانست و معتقـد بود که قرآن به دلیل این که فقط معصومان (ع) می‌تواننـد آن را دریابند، نمی‌تواند مورد اسـتناد باشد. وی در بوشـهر درگذشت. اثر وی شـرحی مفصل بر «بحارالانوار» است. او حاشـیه‌هایی بر جلد چهارم «بحارالانوار» دارد. از او «مجموعه‌ی رسائل» نیز باقی است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۳۰ /۶)، شهیدان راه فضیلت (۴۶۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۰۱ -۵۰۰ /۱۳).

آل‌عصفور، سلمان

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد ۱۲۶۱ ق)، عالم و فقیه. ساکن شیراز بود و در آنجا از مراجع مردم فارس به حساب می‌آمد. وی پس از درگذشت عمویش شیخ حسن بن حسین در ۱۲۶۱ ق از دنیا رفت. تصانیف بسیاری از وی باقی مانده که از جمله آنها: «مصارع الشهداء» و مقاتل السعداء، در وفیات ائمه (ع)، در ده هزار بیت؛ «کتاب الزیارات»؛ «وفاة امیرالمؤمنین (ع)»، که در ۱۴۳۶ ق به طبع رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۱۸ -۱۱۷ /۲۵، ۹۸ /۲۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۰۳ /۱۳).

آل‌عصفور، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۸۶ -۱۱۱۲ ق)، عالم، فقیه و محدث. پدر شیخ حسین آل‌عصفور و برادر شیخ یوسف آل‌عصفور در ماحوز متولد شد و در بحرین می‌زیست. در علم و تقوا مشهور، و در آن سامان عهده‌دار امور شرعی و فقهی بود. از شیخ حسین ماحوزی اجازه‌ی روایت داشت. وی قبل از برادرش یوسف آل‌عصفور در همان سال وفات وی درگذشت. از جمله آثار وی: «مرآت الاخبار فی احکام الاسفار»؛ «اصول الدین»؛ رساله‌ای در نماز.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۶۲ -۲۶۱ /۲۰، ۱۹۲ /۲)، ریحانه (۴۷۱ /۸، ۲۳۲ /۱)، شهیدان راه فضیلت (۴۶۲ -۴۶۱)، فوائد الرضویه (۳۸۵).

آل‌عصفور، یوسف

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۸۶ -۱۱۰۷ ق)، فقیه، متکلم، محدث، محقق، نویسنده و رجال شناس. از فرزندان احمد بن ابراهیم از شخصیتهای معروف روحانی و علمی این خاندان بود. وی در شاخوره‌ی بحرین زاده شد و در مکتب خانه و نزد پدر خواندن و نوشتن و مقدمات علوم را آموخت. هنگام فتنه خوارج در بحرین، و مهاجرت پدرش احمد به قطیف، در شاخوره ماند و پس از چندی به آنان پیوست. در آنجا نزد شیخ حسین ماحوزی و شیخ احمد بن عبداللّه بلادی و شیخ‌احمد بن علی به آموختن علوم دینی مشغول شد. فوت پدر و سنگینی معیشت خانواده مانع ادامه‌ی تحصیل وی شد. پس به بحرین و سپس به مکه رفت و یکبار دیگر نزد شیخ حسین ماحوزی بازگشت. از آنجا به بحرین، کرمان و شیراز رفت. و چون شیراز دچار خشم و غضب نادرشاه گشت به فسا رفت. در فسا برای تأمین نیازهای زندگی به کشاورزی پرداخت و با فراغت نسبی به کار تدریس و تحقیق مشغول گشت و تألیف مشهورترین اثر فقهی خود «حدائق» را آغاز کرد. اما پس از آشوب خونینی که در فسا رخ داد و میرزا محمدعلی، حاکم وقت فسا، که به وی التفات داشت کشته شد و دارایی و کتابهای خود وی نیز به غارت رفت به اصطهبانات و سپس به عراق رفت و در کربلا اقامت گزید و در این شهر به آرامش و امنیت و رفاه دست یافت و کتاب «حدائق» و چندین کتاب دیگر را تمام کرد. وی تا پایان عمر در آنجا زندگی کرد و حیات خود را صرف تدریس و تعلیم و تحقیق و تألیف کتابای فقهی، روایی و کلامی و عبادی کرد. او استاد سید علی طباطبائی صاحب «ریاض» و از مشایخ روائی علامه بحرالعلوم است. در کربلا بر اثر طاعون درگذشت. بنابر وصیتش استاد وحید بهبهانی بر وی نماز گزارد و در کنار تربت امام حسین (ع) به خاک سپرده شد. از جمله آثار وی: «اعلام القاصدین»؛ «الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة»، در فقه استدلالی؛ «سلاسل الحدید فی تقیید ابن ابی‌الحدید»؛ «الدررالنجفیة من الملتقطات الیوسفیة»؛ «انیس المسافر و جلیس الخواطر»؛ «لؤلؤة البحرین فی الاجازة لقرتی العین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۸۶ /۹) ایضاح المکنون (۲۰ /۲، ۱۰۳ /۱)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۲۹ /۴)، الذریعه (۳۸۰ -۳۷۹ /۱۸، ۲۱۱، -۲۱۰ /۱۲، ۱۴۰ /۸، ۲۹۰ -۲۸۹ /۶، ۴۶۶ -۴۶۵، ۲۳۹ /۲)، روضات الجنات (۱۹۰ -۱۸۶ /۸)، ریحانه، (۴۷۲ /۸) ،(۳۶۱ -۳۶۰ /۳) ،(۲۳۴ /۱)، شهیدان راه فضیلت (۴۶۶)، طرائق الحقائق (۱۸۶ -۱۸۰ /۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۴۰۷ -۱۴۰۶ /۲)، فوائد الرضویه (۷۱۶ -۷۱۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۲۴ /۶)، مؤلفین کتب چاپی (۸۷۹ -۸۷۶ /۶)، مصفی المقال (۵۰۵)، معجم المؤلفین (۲۶۹ - ۲۶۸ /۱۳)، هدیة الاحباب (۱۷۲)، هدیة العارفین (۵۶۹ /۲).

آل‌مظفر، ابویزید

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۷۵۵ ق)، شاعر. از شاهزادگان آل‌مظفر که به فضایل و خصایل همت و شجاعت موصوف بود، و در مخالفت سلطان عمادالدین احمد برادر خود کوشید، در کرمان مغلوب و مقهور شد و سلطان احمد جرم او را بخشید و سالها با او بسر برد وی از برادران فاضل شاعر، شاه شجاع شیرازی بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۴۰ -۳۹ /۱)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۵۶۹)، مجمع الفصحا (۴ /۱).

آمدی، حسین

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوعلی حسین بن سعد بن حسین بن محمد آمدی، لغوی ادیب شاعر، در بغداد تحصیل نموده، در اصفهان متوطن شده، و در شب پنج شنبه ۵ ربیع الاخر سال ۴۴۴ وفات یافته.

وی را تألیفاتی است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

آملی اصفهانی، ابراهیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۹۸ ق)، محدث، فقیه، اصولی، متکلم و شاعر. نزد پدرش، خلیفه سلطان، که از علما و دانشمندان بنام عهد خویش بود تلمذ کرد. وی تعلیقات و حواشی بسیاری بر کتابهای فقهی و کلامی و اصولی نوشت که بهترین آنها حاشیه‌ای بر «شرح لمعه»، تا کتاب طهارت، است. او همچنین حواشی متفرقه‌ای بر کتاب «المدارک» نوشته که از آنها گستره‌ی فکر و اندیشه و دقت‌نظر و حسن سلیقه او پدیدار است. وی با اینکه در سه سالگی بینایی خود را از دست داده بود با پشتکار و جدیت به دنبال دانش رفت و بر بسیاری از صاحبان دیده تفوق یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۳۶ -۱۳۵ /۲)، ریاض العلماء (۵۳ /۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲ -۱ /۱۱)، معجم المؤلفین (۲۴ /۱).

آملی طبرستانی، اولیاءالله، محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۶۴ ق)، مورخ و شاعر. معروف به ملا اولیاء. مدتها در بغداد تحصیل کرد. سپس به عراق عجم و طبرستان بازگشت و به جهت مرگ اردشیر بن حسن حکمران مازندرانی که ممدوح ظهیرالدین فاریابی بود دلتنگ شد و از استرآباد به خوارزم رفت و چندی در آن سامان زیست. «تاریخ سلاطین مازندران» که نثری ساده و روان دارد از تصنیفات او است. بعدها سید ظهیرالدین مرعشی، از آن زمان تا حیات خود، ذیلی بر آن نوشت. ملا اولیاء گاهی شعر می‌سرود و بیشتر در قالب رباعی طبع آزمایی می‌کرد. از آثارش: «تاریخ رویان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۵۱۱ -۵۱۰ /۳)، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران (نودونه- صد)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۷۰۹ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۸۹ /۵)، مجمع الفصحا (۱۱۷۳ /۳).

آملی مازندرانی، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۶۲ ق)، عالم. ملقب به ملاباشی. اهل علم و عرفان و مردی صوفی و درویش بود. در سال ۱۲۸۰ ق برای تحصیل به تهران رفت و علوم معقول و منقول را فراگرفت. سپس به عرفان و تصوف روی آورد و توسط حاج میرزا عبدالکریم ملاباشی تبریزی نزد حاجی استاد غلامرضا شیشه‌گر رفت. بعد از آن به صفی علیشاه ارادت ورزید و در سال ۱۲۹۴ ق که منوّر علیشاه به تهران آمد از وی امضاء دستورالعمل گرفت. از فیض صحبت و برکت و تربیت آنان به درجات عالیه علم و عرفان رسید و با رجال و اعیان تهران آشنایی و معاشرت به هم رسانید، و در خدمت به مردم کوتاهی نکرد و به همین سبب لقب ملاباشی گرفت و به تولیت کتابخانه‌ی مدرسه‌ی سپهسالار منصوب شد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :طرائق الحقائق (۵۸۹ –۵۸۸ /۳)، مکارم الآثار (۱۶۷۳ /۵).

آملی محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. وی از شاگردان شرف‌الدین علی یزدی بود. در شعر به معما میل داشت و در آن ماهر بود. چون امیرعلیشیر نوایی (م ۹۰۶ ق) در تذکره‌ی خود محل دفن او را ذکر کرده است، پس وی باید قبل از تألیف تذکره‌ی «مجالس النفائس» (۸۹۶ ق) درگذشته باشد. مدفن محمد آملی در نیشابور است. در تذکره‌ها نام او را محمد آبلی و نازکی نیز ذکر کرده‌اند. تذکره‌ی «روز روشن» ذیل عنوان محمد آملی شرح حال محمد صوفی آملی مازندرانی را آورده که در سده یازدهم قمری می‌زیسته و در عهد اکبر شاه به هندوستان رفته است. از محمد آملی یک معما در «مجالس النفائس» آمده است. از اوست:

نخواهم داد از خوبان گل چهر

که خواهانم به مهرویان بی‌مهر

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۷۲۳ –۷۲۲)، الذریعه (۹۷۹/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۱۲)، مجالس النفائس (۴۵، ۲۱۸).

آملی، ابوالحسین احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۲۱ –۳۳۳ ق)، فقیه، ادیب، شاعر و محدث. در آمل به دنیا آمد. وی برادر یحیی ملقب به ناطق بالحق و از پیشوایان زیدیه‌ی طبرستان و معاصر صاحب بن عباد بود. و با برادر کوچک‌تر خود به برادران هارونی معروف بودند. پدر وی شیعه‌ی اثنی‌عشری بود و خود او و برادرش نیز نخست دارای این مذهب بودند و بعد از فرقه‌ی زیدیه‌ی پیوستند. آملی در پی کسب دانش به بغداد رفت و نزد دایی خود ابوالعباس احمد بن ابراهیم درس خواند. بعد به همدان رفت و نزد قاضی‌القضاة عبدالجبار همدانی درس خود را به پایان رساند و در فقه و اصول و نحو و لغت عربی و حدیث و درایت تبحر یافت و آراء فقهی او از سوی زیدیان ایران و کوفه و حجاز و یمن پذیرفته شد. وی در فصاحت شهره بود، چنانکه نثر وی را در کتابی که در پاسخ قابوس وشمگیر درباره‌ی فضایل امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) نوشت معجزه مانند دانسته‌اند. در دیلمستان با او به خلافت بیعت کردند و مدت حکومتش بیست سال طول کشید. آثار او عبارتند از: «التجرید»، و شرح آن؛ «دیوان» اشعار؛ «سیاسة المریدین»؛ «کتاب الافادة»؛ «کتاب البلغه»؛ «کتاب النصرة».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۱۲ /۱)، اعیان الشیعه (۵۷۰ /۲)، تاریخ طبرستان (۹۸، ۱۰۱)، تاریخ گیلان و دیلمستان (۲۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶ –۱۵ /۵)، معجم المؤلفین (۲۰۹ /۱).

آملی، حیدر

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۲۰– وف بعد از ۷۸۲ ق) فقیه و عارف شیعی امامی. وی از نوادگان علویان مازندران بود و به صوفی شهرت داشت. در طلب علم از آمل که زادگاه وی بود به استرآباد و خراسان و اصفهان رفت. پس از ۲۰ سال به آمل بازگشت و وزیر فخرالدوله پادشاه مازندران شد و به جاه و جلال فراوان رسید. در سی سالگی شور حقیقت‌جویی در وی پدید آمد و برای تزکیه‌ی نفس، عیال و فرزند و مال و مکنت را گذارده و به قصد حج و زیارت بارگاه پیامبر (ص) از آمل خارج شد، به اصفهان رفت و مدتی به تصفیه‌ی باطن پرداخت و به نورالدین اصفهانی دست ارادت داد و از انفاس او بهره‌مند گردید. سپس آهنگ حج کرد و قصد مجاورت داشت امّا به علت نابسامانی حال جسمی‌اش به عراق سفر کرد و پس از زیارت نجف و کربلا در بغداد رحل اقامت افکند و از محضر مولانا نصیرالدین کاشانی مشهور به حلّی و دیگر علما و عرفای شیعه‌ی امامیّه استفاده برد و در ۷۶۱ ق فخرالمحققین، پسر علامه حلّی، به وی اجازه داد. سید تا پایان عمر به تزکیه‌ی نفس و تصنیف کتب پرداخت. از آثار وی: «التأویلات»، در تفسیر قرآن؛ «جامع‌الاسرار و منبع الانوار»؛ «نص النصوص»، که شرحی بر «فصوص الحکم» ابن عربی است؛ «الارکان فی فروع شرایع اهل الایمان»؛ «اسرار الشریعة و اطوار الطریقة و انوار الحقیقة»؛ «امثلة التوحید و ابنیة التجرید»؛ «رافعة الخلاف عن وجه سکوت امیرالمؤمنین عن الاختلاف»؛ «محیط الاعظم»؛ «الکشکول فیما جری لآل الرسلول»؛ «رسالة فی العلوم العالیه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۷۳ –۲۷۱ /۶)، ایضاح المکنون (۱۹۲ /۲)، جامع الاسرار و منبع الانوار (مقدمه)، دنباله‌ی جستجو در

تصوف (۴۱ -۱۳۸)، الذریعه (۲۸۱ -۲۸۰ /۲۴، ۱۶۲ -۱۶۱ /۲۰، ۸۲ /۱۸، ۳۲۷ -۳۲۶ /۱۵، ۳۹ -۳۸ /۵، ۷۳ -۷۲ /۲)، روضات الجنات (۳۶۸ -۳۶۵ /۲)، ریاض العلماء (۲۲۵ -۲۱۸ /۲)، ریحانه (۱۰۴ /۴، ۴۷۵ /۳، ۶۴ /۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۰ -۶۶ /۸)، الکنی والالقاب (۹ /۲)، مجالس المؤمنین (۵۴ -۵۱ /۲)، معجم المؤلفین (۹۱ /۴).

آملی، رکن‌الدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۶۰ -۸۰۰ ق)، ریاضیدان، منجم، فقیه و محدث. سید رکن‌الدین در آمل متولد شد. چندی در فارس و کرمان و هند به سر برد. وی گذشته از ریاضی و نجوم در فقه و حدیث نیز دست داشت و چون به خاندان مرعشی مازندران پیوسته بود کتابی در شرح احوال دانشمندان این خاندان نوشت. تألیفات دیگر او عبارت‌اند از: «زیج جامع سعیدی»، در تنقیح «زیج ایلخانی» خواجه نصیرالدین طوسی، به نام سلطان ابوسعید تیموری؛ و «پنجاه باب سلطانی» به اسم بابرخان بهادر در هرات.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۵ /۷)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۰۸ -۱۰۷ /۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۷۱)، الذریعه (۱۹۸ /۳)، ریحانه (۶۴ /۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۰ -۶۶ /۸)، فوائدالرضویه (۱۶۶ -۱۶۵)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۲۴)، نام‌آوران فرهنگ (۵۶۶ -۵۶۷).

آملی، شمس‌الدین، محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۷۵۳ ق)، عالم شیعی. شمس‌الدین از معاصران سلطان محمد خدابنده و از مدرسان مدرسه‌ای بود که سلطان محمد خدابنده در سلطانیه بنا کرده بود. از علمای معقول و منقول بود که با علامه حلی و قاضی عضد ایجی معاصر و مصاحب بود که همواره با قاضی عضد مناظره و مناقشه داشت. تا بعد از سال ۷۵۳ ق زنده بود. آثارش به دو زبان فارسی و عربی بود از جمله: «نفائس الفنون فی عرائس العیون»، که کتاب جامعی است در علوم مختلف ادبی، دینی، عرفان، ریاضی، موسیقی و حکمی و از امهات کتبی است که در شرح موضوعات مختلف نوشته شده است؛ بار اول در ۱۸۹۲ م در بمبئی و پس از آن بارها در تهران چاپ شد؛ شرح «کلیات قانون» ابن‌سینا که در سال ۷۵۳ ق به پایان برد؛ شرح «مختصر الاصول» ابن‌حاجب؛ شرح «کلیات طب» سید شرف‌الدین ایلاقی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۶۶۳ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۷۷، ۲۷۳، ۱۷۸ -۱۷۷ /۳)، تاریخ در ایران (۱۱۱ -۱۱۰)، تاریخ مختصر موسیقی (۱۲۷ -۱۲۴)، تاریخ نظم و نثر (۱۸۳)، دایرةالمعارف فارسی (۲۷۷، ۲۴۷ /۱)، الذریعه (۲۴۱ /۲۴، ۶۰ /۱۸، ۳۰۲ /۱۶، ۵۶ /۱۴)، ریاض العلماء (۱۳ /۷)، ریحانه (۶۵ -۶۴ /۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۰۴ -۲۰۳ /۸)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۱۶، /۷)، فرهنگ نفایس الفنون (پیش گفتار)، کشف الظنون (۱۹۶۶)، مؤلفین کتب چاپی (۷۹۰ -۷۸۹ /۵)، مجالس المؤمنین (۲۱۶ -۲۱۳ /۲)، معجم المؤلفین (۷ /۱۲، ۳۱۴ /۱۱، ۶۸ -۶۷ /۹)، نام‌آوران فرهنگ (۵۶۷)، هدیة الاحباب (۱۰۱)، هدیة العارفین (۱۵۹ /۲).

آملی، عزالدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، عالم شیعی. شیخ عزالدین معاصر شاه طهماسب صفوی و ملازم تاج‌الدین حسن وزیر مازندرانی و همدرس محقق کرکی و شیخ ابراهیم قطیفی بود که هر سه از شاگردان علی بن هلال جزائری به شمار می‌رفتند. وی در شهر ساری وفات یافت و در همان جا دفن شد. آثارش: رساله‌ی «حسینیه» با دیباچه و دو باب؛ «بیان اعتقادات قلبیّه و ذکر عبادات شرعیه» به نام تاج‌الدین حسن وزیر؛ ترجمه شرح «نهج‌البلاغه» ابن میثم بحرانی به فارسی به نام آن وزیر؛ «لمعه»؛ در نکاح دائم و متعه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۴۷۴، ۲۷۴ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۹۶)، الذریعه (۳۵۳ /۱۸، ۱۳۵، ۱۴ /۲۰، ۷/)، ریاض العلماء (۱۹۹ -۱۹۸، ۱۳ /۷، ۳۱۲ /۳)، ریحانه (۶۴ /۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۹ -۱۳۸ /۱۰)، الکنی والالقاب (۸ /۲)، معجم المؤلفین (۲۸۰ -۲۷۹ /۶)، هدیة الاحباب (۱۰۱).

آملی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۱ -۱۳۰۴ ق)، عارف، حکیم، فقیه و اصولی. در تهران متولد شد. پس از آموختن صرف و نحو و منطق، سطوح فقه و اصول را نزد پدرش و شیخ‌رضا نوری آموخت. درس «شوارق» شیخ‌علی نوری را نیز دریافت. حکمت و فلسفه را نزد میرزا حسن کرمانشاهی تحصیل کرد و چهار سال از حوزه درس معقول و منقول شیخ عبدالنبی نوری استفاده برد. در ۱۳۴۰ به عراق رفت و محضر آقاضیاء عراقی، علامه نائینی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی را دریافت. وی پس از نیل به اجتهاد در ۱۳۵۳ ق به تهران بازگشت و حوزه‌ی درس حکمت و فقه و اصول دایر کرد. او از اصحاب بزرگ آقا سید علی قاضی طباطبائی بود. آقا شیخ محمدتقی آملی در تهران درگذشت. آثار او عبارت‌اند از: «اثبات صانع از ماتریالیسم تا ایدئالیسم»؛ «تقریرات اصول نائینی»؛ «حیات جاوید»، در اخلاق؛ «خداشناسی»؛ «دررالفوائد»؛ تعلیقه‌ای بر «شرح منظومه‌ی» سبزواری؛ «رسالهٔ فی الرضاع»؛ «رسالهٔ فی قاعدهٔ لاضرر»؛ «کتاب الصلوهٔ»؛ «مصباح الهدی فی شرح عروهٔ الوثقی»؛ «تعلیقهٔ علی المکاسب والبیع»؛ حاشیه بر «شرح اشارات» بوعلی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :خدمات متقابل اسلام و ایران (۶۱۸)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۵۲ /۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۲ -۳۷۱ /۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲۴۵ -۲۴۳ /۲).

آملی، ملا محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۶ -۱۲۶۳ ق)، فقیه و اصولی. از خاندان بنی‌جوان (جوان ظاهراً نام یکی از شعرای دوره‌ی صفویه است). در آمل به دنیا آمد. پس از تحصیل مقدمات در زادگاهش در هفده سالگی به تهران آمد و نزد میرزا حسن آشتیانی، میرزا ابوالقاسم کلانتری و سید صادق طباطبایی به تحصیل فقه و اصول پرداخت. حکمت و فلسفه را نیز نزد میرزا ابوالحسن جلوه و آقا علی مدرس آموخت. آنگاه خود حوزه‌ی درس دایر کرد. در ۱۳۲۰ ق امامت مسجد مجد در تهران به وی محول شد. ملا محمد آملی از مخالفان مشروطه بود و پس از پیروزی مشروطه‌خواهان زندانی و سپس به آمل تبعید شد و چند سال بعد به تهران آمد و به تدریس پرداخت. آثار او عبارت‌اند از: «تلخیص الفرائض»؛ حاشیه بر «شمسیه»؛ «اخبارالاسرار فی مراحل الابرار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۲۴ /۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶۳۱ /۵).

آملی، نظام‌الدین حسن

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، شاعر، متخلص به حسن. نظام‌الدین تا سال ۷۸۲ ق در شیراز می‌زیست. وی غزل را نیکو می‌سرود. احتمال می‌رود که صاحب عنوان با کاشی آملی یکی باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۱۵).

آملی، هاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۱ -۱۲۹۲ ش)، عالم و مدرس. مراحل ابتدایی تحصیلات را در شهر خویش و سطوح را در مدرسه سپهسالار (مدرسه عالی شهید مطهری کنونی) تهران فراگرفت. برای تکمیل تحصیلات عالیه به قم رفت و نزد آیت‌اللّٰه حائری، آیت‌اللّٰه حاج میر سید علی یثربی، حاج میرزا محمدعلی شاه‌آبادی و حاج سید محمد حجت کوه کمری تلمذ کرد. سپس به نجف رفت و نزد استادانی چون آقا سید ابوالحسن اصفهانی، میرزای نائینی و آقا ضیاءالدین عراقی فقه و اصول را فراگرفت. سپس به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۸۱ ق به قصد معالجه و دیدار بستگان و دوستان و دعوت جمعی از استادان به قم عزیمت نمود و به تدریس فقه و اصول پرداخت آثار وی: «کشف الحقایق»؛ «المعالم المأثوره»؛ «مجمع الافکار»؛ «منتهی الافکار»؛ «بدایع الافکار فی الاصول».[۱]

فقیه.

تولد: ۱۳۲۲(۱۲۸۲ ق.)، توابع لاریجان آمل.

درگذشت: ۷ اسفند ۱۳۷۱.

آیت‌الله العظمی هاشم آملی پس از طی تحصیلات ابتدایی برای کسب علوم دینی به تهران رفت و مورد توجه آیت‌الله سید حسن مدرس واقع شد. ایشان در فرصت کوتاهی ادبیات، منطق و سطوح عالیه را به پایان رسانید. اساتید وی در این برهه، آیت‌الله سید محمد تنکابنی و آیت‌الله یدالله نظرپاک بوده‌اند.

در همین ایام که حوزه‌ی علمیه‌ی قم بـا اسـتقرار آیت‌الله العظمی عبـدالکریم حائری یزدی شـکل گرفته بود، ایشان برای تحصیلات عـالیه به قم عزیمت کرد و به فراگیری علوم اسـلامی پرداخت. در این دوران علاـوه بر حضور در محفـل درس آیت‌الله مؤسـس، در جلسات درس اساتید دیگر از جمله آیت‌الله سید علی یثربی کاشانی و آیت‌الله شاه‌آبادی و آیت‌الله کوه کمره‌ای نیز شرکت کرد.

پس از پنـج سـال تحصـیل و تـدریس در حوزه‌ی علمیه‌ی قم بـا اخـذ درجه اجتهـاد از آیت‌الله العظمی حـائری و آیت‌الله حجت کوه کمره‌ای برای ادامه تحصیل عازم نجف شد و در درس آیات عظام محمد حسین نایینی، ضیاءالدین عراقی و سید ابوالحسن اصفهانی شرکت کرد.

ایشـان تـوانست در این دوره کلیه‌ی مطـالب دروس اساتیـد خود را تقریر نمایـد و در مـدت کوتـاهی بـا توصـیه اساتیـد خود پس از چنـدین سال تـدریس سـطوح عالیه به تدریس خارج پرداخت. همچنین در سال ۱۳۸۱ ق. عازم قم شـد و در آنجا به تـدریس فقه و اصول پرداخت.

از جمله آثار ایشان که به رشـته تقریر درآمده و به طبع رسـیده به شـرح زیر هستند: کشف الحقایق عن الفقه الجعفری فی المکاسب که تقریر درس بیع و خیارات ایشان است که بعضـی از مجلدهای آن به چاپ رسـیده است (جلد چهارم به تحریر سید جعفر حسینی طبرسی در نجف در سال ۱۳۸۰ ق. به چاپ رسیده است)، العالم المأثوره در طهارت؛ منتهی الافکار حاوی مباحث الفاظ اصول فقه (به عربی، جلـد دوم، نجف، ۱۳۸۰ ق.) همچنین برخی از آثـار قلمی ایشـان به شـرح زیر است، بـدایع الافکار فی الاصول یک دوره مباحث اصول فقه تقریر درس آیت‌الله العظمی ضیاءالدین عراقی (به زبان عربی) است. از این دوره مبحث الفاظ به طبع رسیده است. کتـاب الرهن؛ کتـاب الاجـاره؛ کتاب الصوم؛ رسالـهٔ النیـهٔ؛ رساله الخلل فی الصـلاهٔ؛ حاشـیه‌ای بر التحصـیل بهمنیار که در زمان تلمذ ایشان نزد استاد نظرپاک تألیف شده است، تعلیقهٔ عروهٔ الوثقی.

آیت‌الله العظمی میرزا هاشم آملی به دنبال یک بیماری طولانی در هفتم اسفند ماه ۱۳۷۱ درگذشت.

یکی از مدرسـین عالی قدر و علماء بزرگ حوزه علمیه جناب حجه‌الاسلام والمسلین آیت‌الله آقای آقامیرزا هاشم آملی است وی در حدود ۱۳۲۳ قمری در یکی از قراء لاریجان آمل به دنیا آمده و تحصیلات مقدماتی را در آمل از جناب ثقه‌الاسـلام آقا شیخ احمد آملی و ثقه‌الاسـلام آقا سید تاج فراگرفته سپس به تهران آمده و کتب فلسفه شوارق و منظومه. و اشارات و امور عامه و الهیات اسفار را از استاد این فنون مرحوم میرزا طاهر تنکابنی و میرزا یدالله نظرپاک آموخته و سطوح وسطی شرح لمعه و قوانین را از حجه‌الاسلام آقا شـیخ حسـین آملی و حاج شـیخ محمدعلی لواسانی و میرزا عبدالله غروی آملی و سـطوح عالی را از مرحوم حجت‌الاسـلام آقای میرزا محمدرضا فقیه لاریجانی و حجت‌الاسلام آقای آقا سید محمد تنکابنی فراگرفته آنگاه عزیمت قم نموده و چند سالی از محضر و ابحاث فقه و اصول مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت استفاده نموده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف و مدت سی سال از محضـر وحید عصـر مرحوم آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله میرزا حسین نائینی و آیت‌الله العظمی اصفهانی استفاده کافی و وافی نموده تـا به درجه اعلاء اجتهاد ارتقاء یافته و ضـمنا در همان حوزه مقـدسه برای جماعتی از محصـلین و فضـلاء تـدریس فقه و اصول را می‌نمود در مـدت بیست سال چهارده دوره اصول و چهارده دوره مکاسب شـیخ انصاری را تـدریس نموده تا بعـد از فوت مرحوم آیت‌الله اصـفهانی در عهـد ریاست آیت‌الله العظمی بروجردی به قم مراجعت نموده و تشـکیل حوزه تدریس داده و در مدت دوازده سال دو دوره اصول و خیارات مکاسب را تا آخر و طهاره را از عروه در قم تدریس نموده و اکنون نیز در مسجد اعظم حوزه درس را دارند و عده‌ای از فضلاء شمال و غیره به درسشان حاضر شده و از بیاناتشان استفاده می‌کنند از آثار ایشانست ۱- کتابی در اصول ۲- کتابی در فقه از صلوه، زکاه، قضا، اجاره، غصب، رهن، بیع در پنج مجلد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] کیهـان فرهنگی (س ۱۰، ش ۱، ص ۵۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۴ -۵۳ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۷۴۵ -۷۴۴ /۶).

آموخته، علی اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اصـغر آموخته (نام کامل: علی اصغر آموخته) در سال ۱۲۸۴ در خانواده ای فرهنگی، در فضایی سـرشار از عشق و زنده دلی در طبیعت زیبای بندرانزلی دیده بر جهان گشود. پدرش در وزارت معارف وقت به کار اشتغال داشت. او تحصیلات ابتدایی خود را در مـدرسه هـدایت و دوره متوسـطه را در مـدرسه علمیه تهران گذراند و از سال ۱۳۰۰ یعنی سن ۱۶ سالگی وارد خـدمات دولتی شد. مدت ۶ سال در اداره فرهنـگ گیلاـن مشـغول به کـار بود و از سـال ۱۳۰۶ تـا ۱۳۱۵ در بانـک شاهنشـاهی ایران در تهران بـه کـار پرداخت. علی اصـغر آموخته در این مـدت کـار حرفه ای را کـافی نـدانست و همچنان به مطالعه و گسترش آموخته هایش ادامه می داد. او ضـمن آموزش زبان انگلیسـی، فرانسه و روسـی، به صورت مکاتبه ای، دانشـجوی انجمن بانکداری لندن شد و در زمینه های حسابداری تجاری، صنعتی، بانکی و اقتصاد ارز خارجی تحصیلات عالی خود را دنبال کرد. سه سال بعد برایش فرصتی فراهم آمد تا با کار کردن در بانک فلاحتی و صنعتی ایران، وزارت بازرگانی و شهرداری تهران، خود را برای ورود به اصلی ترین محل کار خویش آماده تر سازد. علی اصـغر آموخته در خرداد ماه سال ۱۳۱۸ به عنوان کارمنـد با امضای نماینده مختار، کار خود را در اداره حسابداری کل بانک ملی ایران شروع کرد و این آغاز دوره ای طولانی، پرکار و موثر بود که سیر آن چنین ادامه یافت: مهر ۱۳۱۸: رییس اداره دوم اداره حسابداری کل بانک ملی ایران

آذر ۱۳۱۸: انتقال به وزارت دارایی به عنوان رییس اداره کل حسابداری قسمت اقتصادی

دی ۱۳۲۱: رییس اداره کل حسابداری بانک ملی ایران

مهر ۱۳۲۷: رییس نمایندگی بانک ملی ایران در لندن

تیر ۱۳۳۲: نماینده بانک ملی ایران در کمیسیون ارز (انتقال موقت به وزارت دارایی(

فروردین ۱۳۳۴: عضویت در هیئت مدیره بانک رهنی

بهمن ۱۳۳۸: پس از ۳۸ سال خدمت دولتی به افتخار بازنشستگی نایل آمد.

علی اصغر آموخته، آموخته بود و آموزش داد که بقا و اعتبار افراد حرفه ای مرهون تلاش بی امان و نظم فکری در انسجام بخشیدن به مطالب علمی و تخصصی است. برخورد او با مسایل حرفه ای این کلام ارزشمند را محقق ساخت که به واقع "سختکوشی هدیه خداوند است." وی طی دوره مسئولیت خویش در سمت ریاست اداره کل حسابداری بانک، دو یادگار بسیار ارزشمند از خود به جای گذاشت که اکنون نیز در دیده صاحبنظران همچنان ممتاز و برجسته است. کتابهای علم حسابداری دوره اول و دوره دوم، مشتمل بر معاملات ارزی و عملیات حسابداری آنها، همراه با فصلی مشروح در تنظیم ترازنامه ها، دوکتابی است که همچنان ما را با دلسوزی، دقت نظر و عمق بینش مرحوم آموخته آشنا می کند. این دو کتاب که در سالهای ۱۳۲۴ و ۱۳۲۶ چاپ و منتشر شده، اگر چه به ظاهر برای استفاده کارکنان بانک نگاشته شده است، اما شاید با نگاهی دیگر مجموعه ای از دانش حسابداری آن دوران به شمار آید. فاصله بین چاپ و انتشار دوره اول و دوم کتابهای یادشده نتیجه ماموریتی آموزشی بود که از طرف بانک و در انگلستان و آمریکا به او محول شد. در این ماموریت او عملیات بانکهای نوین را در ایروینگ تراست کمپانی، چیس نشنال بانک و فدرال رزرو از نزدیک مشاهده کرد (۱۳۲۵) و در انجام وظیفه چنان دقت و توجه از خود بروز داد که ماحصل آن ماموریت وی به عنوان اولین نماینده بانک ملی ایران در کشور انگلستان در سال ۱۳۲۷، شد. این ماموریت همچنین از اهمیت ویژه ای برخوردار بود. در حکم ماموریت ایشان چنین آمده است": اطمینان دارم در این ماموریت که برای اولین بار بانک ملی ایران، خود را به وسیله نماینده ای مستقیماً به دنیای خارج معرفی می نماید، با شایستگی و حس میهن پرستی از عهده انجام وظایف خواهید برآمد ".عضویت در هیئت مدیره بانک رهنی، در زمانی صورت گرفت که آموخته نایب رییس کمیسیون ارز وزارت دارایی بود و انتخاب وی براساس پیشنهاد رییس بانک رهنی و موافقت وزارت دارایی و بانک ملی ایران، به عنوان صاحبان سهام آن بانک انجام گرفت. این مسئولیت نیز تنها ارتقای سمت نبود بلکه دلیلی داشت و آن انجام اصلاحات در اساسنامه و سایر مقررات بانک و آیین نامه استخدامی آن بود.

بازنشستگی علی اصغر آموخته تنها منحصر به کلماتی بود که در روی کاغذ و به عنوان حکم اداری در سال ۱۳۳۸، ثبت شد. پس از آن هم وی فعالیتهای آموزشی خود را همچنان با دقت، جدیت و سختکوشی ادامه داد. چنانکه در سال ۱۳۴۵، به منظور مشورت در امورمالی و تربیت کادر حسابداری در سازمان تسلیحات ارتش دعوت به کار و ارائه نظر شد. علی اصغر آموخته در اول فروردین ماه ۱۳۵۸ همزمان با آغاز بهار و رویش شکوفه ها برشاخه های خفته در سرمای زمستان، عزم دیار باقی کرد، اما طراوت اشتیاق او به شکوفایی علم و رشته تخصصی و حرفه ایش که سالها با عشق به آن زیست و خدمت کرد، همچنان باقی است. یاد این سرو آزاد که با نام علی اصغر آموخته در حیطه کار، علم و دانش حرفه ای چه در داخل کشور و چه در خارج از کشور رویید و بالید و بر و باری سرشار نثار دوستان، همکاران و شاگردانش کرد، همچنان زنده، مانا و پایدار است. روانش شاد. ویژگیهای فردی علی اصغر آموخته منحصر به فرد است؛ سختکوشی، دقت در امور، نظم، جدیت، میهن پرستی و وقت شناسی از آن جمله اند. افزون بر این در محیط کار خود برای افراد صادق و کوشا احترام بسیار قائل بود و بر حرفه ای بودن، به روز بودن علمی و آگاهی از جدیدترین تغییرات در مسائل حرفه ای تاکید داشت. مناسبات جدی و سنجیده و در عین حال مهرآمیز او با کارمندان هنوز هم از خاطرات شیرین و پندآموز کارکنان قدیمی بانک رهنی قدیم (بانک مسکن کنونی) است.

آموزگار کرمانی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

درگذشت: خرداد ۱۳۶۱، تهران.

محمدجواد آموزگار کرمانی ملقب به «ظفر علی» از سال ۱۳۰۶ به خدمت دولت درآمد و با سمت دبیری دبیرستان پهلوی کرمان مشغول خدمت گردید. در سال ۱۳۱۸ دبیری دبیرستان بانوان نیز به ایشان سپرده شد و در سال ۱۳۲۱، به سمت بازرس آموزشگاه‌های کرمان را یافت. از سال ۱۳۲۵ عهده‌دار تدریس عربی در دبیرستان‌های کرمان شد و تا چند سال پیش از فوت که به مقام بازنشستگی رسید، در همین سمت خدمت می‌کرد. وی از عارفان سلسله سلطان علی شاهی بود و در سال ۱۳۴۶ از طرف رضاعلی‌شاه گنابادی قطب سلسله صفی علیشاهی به مقام «شیخی» این سلسله نایل آمد و به عنوان «ظفر علی» نامیده می‌شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

آنسی ترشیزی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۲۳ ق)، شاعر. از سادات و بزرگان ترشیز بود. از فنون ادبی بی‌نصیب نبود. «دیوان» وی مرکب از غزل و قصیده است، از اشعارش:

باز این دل شکسته خیال وصال کرد

چیزی خیال کرد که نتوان خیال کرد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گلزار جاویدان (۲۹ /۱).

آنی هروی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از زادگاهش هرات به هند رفت و در کشمیر توطن گزید و قریب شصت سال در آن دیار زندگی کرد و همان جا نیز درگذشت. از او است:

عرق نشسته ز پندم رخ نکوی تو را

ز من مرنج که می‌خواهم آبروی تو را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کاروان هند (۶ /۱)، هفت اقلیم (۱۶۲ /۲)، شام غریبان (۲۹)، نشتر عشق (۱۴۷ - ۱۴۶ /۱).

آوی، ابوالفتوح، احمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۰۵ ق)، فقیه، محدث و کاتب. وی از شاگردان علامه حلی و فرزندش فخرالمحققین بود و از هر دوی آنان اجازه داشت. علامه حلی در اجازه‌نامه‌اش از او تمجید بسیار کرده است. از آثارش استنساخ از نسخه «نهج‌البلاغه» سید ابوالرضا فضل‌اللّه راوندی و نگارش حواشی بر آن است. از دیگر آثارش شرح «قصیدهٔ العینیهٔ السینائیهٔ» است. او مجموعه‌ای از «نهج المسترشدین» و «مبادیء الاصول» حلی را نوشت و نوشته‌ها را بر فخرالمحققین خواند و از او اجازه گرفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۶ /۷، قرن ۵ /۸).

آوی، ابوعبداللّه

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، مدرس. عبدالجلیل رازی در کتاب «نقض الفضائح» از وی به عنوان مدرس آوه یاد کرده و او را معاصر ابوالفتح مدرس آوی دانسته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵ /۶)، نقض (۱۹۹).

آوی، شمس‌الدین، ابویوسف محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۰۵ ق)، عالم دینی. وی از شاگردان فخرالمحققین فرزند علامه حلی است و از معاصران ابوالفتوح آوی است که همزمان با هم از فخرالمحققین به دریافت اجازه مفتخر شده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۰۸ /۸).

آهنگ اصفهانی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. در «تذکره‌ی روز روشن» از او به عنوان شاعری شیوا بیان یاد شده است. از اشعار او است:

ای غم به دلم تخم وفا کاشته‌ای

یک لحظه مرا ز دست نگذاشته‌ای

ای آه به سر فکنده‌ای سایه مرا

وی گریه مرا ز خاک برداشته‌ای

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۲)، فرهنگ سخنوران (۱۳).

آهنگ شیرازی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۸ –۱۲۵۴ ش)، شاعر، متخلص به آهنگ. وی فرزند میرزا ابوالقاسم فرهنگ و نوه‌ی وصال شیرازی بود. در ۱۴ سالگی پدرش را از دست داد و عمش عبدالوهاب یزدانی تربیت و آموزش او را برعهده گرفت. خط نسخ و فنون سخن سرایی را از وی آموخت و علم طب و علوم ادبیه را نیز فراگرفت. در جوانی ازدواج کرد و دو پسرش را برای تحصیل به هند فرستاد و خود نیز به آنجا رفت و به تجارت مشغول شد، اما در بمبئی بیمار شد و درگذشت. و در همان جا در قبرستان مسلمین دفن شد. اثر وی: «دیوان» اشعار است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۳۶۴)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۴۶ –۴۵ /۱)، الذریعه (۱۲ /۹)، ریحانه (۶۵ /۱)، طرائق الحقائق (۳۸۲ –۳۸۱ /۳)، فرهنگ سخنوران (۱۴ –۱۳)، مرآت الفصاحهٔ (۳۰ –۲۹).

آهنگ یزدی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۵ ق)، شاعر. در یزد متولد شد و در همان شهر تحصیل کمال کرد و به هندوستان رفت و در آن دیار روزگار گذرانید. وی از معاصران تقی اوحدی و شاعری توانا بود. از او است:

گر دست دهد دولت دیدار ای دل

دیدار پری رخی وفادار ای دل

تا حشر دگر دامنش از دست من

زنهار ای دل هزار زنهار ای دل

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :شام غریبان (۳۱)، کاروان هند (۷ /۱).

آهون منش، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر علی آهون منش در سال ۱۳۲۲ در تهران متولد شد.وی پس از اخذ کارشناسی رشته گیاه پزشکی از دانشگاه تبریز برای تکمیل معلومات دانشگاهی به آمریکا عزیمت کرد و تا مقطع دکتری به تحصیل پرداخت و موفق شد دکتری و فوق دکتری همان رشته را به ترتیب در سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ از دانشگاه کالیفرنیا دریافت کند.نامبرده هم اکنون عضوهیئت علمی و رئیس دانشگاه صنعتی اصفهان می باشد. کتاب" کنترل بیولوژیکی عوامل بیماری زای گیاهی خاکزاد"ترجمه،علی آهون منش(یکی از مترجمین) ، در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیتحصیلات رسمی و حرفه ای : علی آهون منش تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران و اصفهان گذراند. در سال ۱۳۵۱ موفق به اخذ لیسانس گیاه پزشکی از دانشگاه تبریز شد. آنگاه برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و فوق لیسانس، دکترا و فوق دکترای خود را به ترتیب در سالهای ۱۳۵۴ و ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ از دانشگاه کالیفرنیا دریافت نمود.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی آهون منش پس از بازگشت به ایران در کنار فعالیتهای آموزشی، معاونت امور تحقیقات و آموزش و ترویج وزارت کشاورزی و ریاست دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان را برعهده داشت و درحال حاضر در مقام ریاست دانشگاه صنعتی اصفهان به خدمت اشتغال دارد.جوائز و نشانها : کتاب" کنترل بیولوژیکی عوامل بیماری زای گیاهی خاکزاد"ترجمه،علی آهون منش(یکی از مترجمین) ، در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : علی آهون منش علاوه بر تألیف و انتشار ۲۷ مقاله به زبانهای فارسی در مجلات علمی داخل کشور و ۷ مقاله به زبان انگلیسی در نشریات علمی خارج از کشور، کتابهای را نیز تألیف و

ترجمه نموده است.آثار : عوامل آلوده کننده هوا و اثرات آن بر گیاهان زراعی کتاب روشهای مدیریت بیماریهای گیاهی تألیف فرای ویژگی اثر : ترجمه۳ کنترل بیولوژیکی عوامل بیماری زای گیاهی خاکزاد ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «کنترل بیولوژیکی عوامل بیماری زای گیاهی خاکزاد»: کنترل بیولوژیکی عوامل بیماری زای گیاهی خاکزاد/ دی هورن بای؛ترجم ?احمد علوی و علی آهون منش .– تهران: نشر آموزش کشاورزی: ۱۳۷۶.– ۲ج. زمانی بود که بشر به کمک آفت کشهای شیمیایی می توانست به مقابله با عوامل بیماری زای گیاهی بپردازد و همزمان با استفاده از کودهای مصنوعی شاهد رشد و باردهی چشمگیر زراعی باشد. اما سالهاست که با پیشرفت علوم پزشکی ثابت شده است که بسیاری از سموم دفع آفات نباتی برای انسان سرطان زا هستند و غالب آفت کشها پدید ?تخریب لایه ?اوزون را شدت می بخشند. بنابراین تدبیری باید اندیشید که در عین مقابله و پیشگیری از خسارات ناشی از عوامل بیماری زای گیاهی و حفظ روند تولید کشاورزی جهت تغذیه جمعیت روزافزون دنیا، محیط شکننده و حساس زمین بیش از این دستخوش آسیب نشود. بدین ترتیب گرایش به مبارز ?بیولوژیکی مورد توجه و علاق? پژوهشگران قرار گرفت و تحقیق و تعمق در این حیطه ادامه یافت. کتاب کنترل بیولوژیکی عوامل بیماری زای خاکزاد از جمله آخرین رساله هایی است که در این زمینه به چاپ رسیده و به علت غنای علمی و توجه به جنبه های مختلف مبارزه بیولوژیکی در ابعاد اجرایی وسیع، سخت مورد توجه قرار گرفته است. مترجمان کتاب امید دارند که ترجم ?این کتاب، خلاء محسوسی را که در این زمینه در منابع فارسی موجود است تا حدی جبران کند. کتاب فوق که از ترجمه ای دقیق و روان برخوردار است. در دو جلد و سی فصل توسط معاونت آموزش و تجهیز نیروی انسانی سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی وزارت کشاورزی منتشر شده است.

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com

آهی تبریزی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، نوحه‌سرا. از معاصرین میرزا مهدی شکوهی و میرزا علی لعلی بوده است. تمام مراثی او به زبان ترکی بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۱۳)، الذریعه (۱۲ /۹).

آهی جغتایی، سلطان قلی‌بیک

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۲۷ ق)، شاعر. از امرای الوس جغتای بود. در آغاز نرگسی تخلص می‌کرد. ندیم شاهزاده غریب میرزا، پسر سلطان حسین بایقرا، بود. به ترکی و فارسی شعر می‌گفت. از آثار او «دیوان» شعر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۴۸ –۴۷ /۱)، تحفه‌ی سامی (۳۴۲ –۳۴۰)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۲۵۸ /۱)، الذریعه (۱۳ /۹)، ریحانه (۶۶ –۶۵ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۴)، لغت‌نامه (ذیل/ آهی)، مجالس النفائس (۲۳۸ ،۶۶)، مجمع الفصحا (۱ /۴). نشتر عشق (۷۹ –۷۷ /۱).

آهی مشهدی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. از غزلسرایان مشهور که در اواخر دوره‌ی سلطان حسین بایقرا در هرات می‌زیست. اثر وی «دیوان» اشعار و «خمسه» است که در مقابله با «خمسه‌ی» نظامی گنجوی گفته، اما بنا به قول امیرعلیشیر نوایی شهرت نیافته.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۳۹)، الذریعه (۲۵۷ /۷ ،۱۳ /۹)، مجالس النفائس (۱۹۱).

آهی وکیلی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۵ –۱۲۸۵ ق)، عالم و شاعر، متخلص به آهی. عبدالحسین وکیلی از مردم شهر قم بود. در کودکی از مکتب و درس گریزان

بود. ولی با تشویق خانواده و عنایت خداوند به تحصیل در علوم دینی مشغول شد. استادان وی آیت‌اللّه حجت، آیت‌اللّه بروجردی و آیت‌اللّه شریعتمداری بودند. وی «دیوان» شعری در مدح خاندان اهل‌بیت دارد و یک دوره‌ی مختصر فقه به نام «لئالی الفقهاء»؛ «لوح القلم»؛ «تخمیس الکواکب الدریهٔ فی مدح خیرالبریهٔ».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۱۲۹ -۱۲۶ /۱).

آهی هروی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۳۸ ق) شاعر. اصلاً اهل ابهر بوده که در هرات می‌زیسته است. ابتدا تخلص نرگسی داشته و سپس آهی را برگزیده. به گفته‌ی امیرعلیشیر نوایی در «مجالس النفائس»: «چون معنی خوب در بیت مردم می‌دید چیست و چالاک آن را نظم پاک می‌فرمود». به زبان ترکی نیز شعر می‌گفت. در پایان زندگی به قندهار رفت و در همان جا درگذشت. در مزار ایوب انصاری وی را به خاک سپرده‌اند. «دیوان غزلیات» و یک «مثنوی» به تقلید از «مخزن‌الاسرار» نظامی گنجوی از او باقی مانده است. گویا «مثنوی» وی ناتمام مانده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۳۵)، الذریعه (۱۳ /۹)، ریحانه (۶۶ /۱)، مجالس النفائس (۲۳۸).

آیهٔاللهی شیرازی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدجواد بن میرزا محمدرضا آیهٔاللهی شیرازی از افاضل علماء معاصر شیراز بوده‌اند.

وی در ۴ ربیع‌الاول ۱۳۰۹ ق در شیراز متولد و از مدرسین بزرگ شیراز و غیره علوم معموله را فراگرفته و به تالیف و تصنیف پرداخته و بعضی از آنها را بطبع رسانیده که از آنهاست.

۱- حرمهٔ حلق اللحیه ۲- زینب بیگم ۳- المنظومهٔ الکسائیه ۴- مروارید غلطان ۵- النجبهٔ فی صلوهٔ الجمعه و از تالیف چاپ نشده ایشان کتب زیر است.

۱- حذف الشعور ۲- کلمهٔ الحق ۳- عصم العفائف ۴- درر الفواید ۵- ایقاظ الهجعهٔ ۶- کشف المقنعه ۷- زندگانی حضرت احمد (شاهچراغ).

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

آیهٔاللهی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدباقر بن آیت‌اللّه العظمی میر عبدالباقی معروف به (حاج عالم) از دانشمندان معاصر شیراز است.

وی در بیستم ماه شعبان ۱۳۲۲ ق در شهرستان لار متولد شده و پس از خواندن مقدمات در سال ۱۳۳۳ ق منتقل به شیراز و تحصیلات اولیه را تمام و به سطوح پرداخته و پس از تکمیل آن مقداری از درس خارج مرحوم والدش و نیز آیت‌اللّه حاج شیخ علی ابیوردی و آیت‌اللّه آشیخ محمد محلاتی و آیت‌اللّه میرزا محمدصادق شیرازی رحمهم‌اللّه استفاده نمود.

در سال ۱۳۴۶ ق مهاجرت به نجف و مدتی از محضر آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌اللّه مشکینی بهره‌مند شد. و به واسطه عروض کسالت مراجعت به شیراز نمود.

پس از بهبودی به اصفهان مسافرت و مدت یک سال از مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدصادق احمدآبادی و آیت‌اللّه آقا شیخ محمد خراسانی و آیت‌اللّه حاج میرزا رحیم ارباب استفاده نمود.

در سال ۱۳۴۹ ق به قم آمده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی مستفیض و در تابستان همانسال به مشهد مقدس مشرف و از درس و محضر آیت‌اللّه العظمی حاج آقا حسین قمی و آیت‌اللّه حاج میرزا محمد کفائی درک فیض کرده و در سال ۱۳۵۱ ق به شیراز بازگشت و تاکنون که هفتاد و دو سال از عمر شریفش می‌گذرد در شیراز به خدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج دین و تدریس و غیره اشتغال دارد.

دارای اجازات عدیده اجتهادی و روایتی از آیات عظام و مراجع بزرگ گذشته می‌باشند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

آیهٔاللهی، محمدکاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدکاظم بن آیت‌اللّٰه العظمی میرزا عبدالباقی آیهٔ‌اللهی شیرازی برادر مترجم مذکور از علماء متقی معاصر شیراز است.

وی در سال ۱۳۳۲ ق در شیراز متولـد و ایام کودکی را در تحت تربیت و پرورش مرحوم والدش گذرانیده و بعد از آن به تحصیل پرداخته و متون فقه و اصول را از مرحوم آیت‌اللّٰه حـاج شیخعلی ابیوردی صـاحب کتـاب (یزبگیـا) و آیت‌اللّٰه حاج شیخ بهاءالـدین محلاتی فراگرفت.

در سال ۱۳۶۴ ق به قم مهـاجرت و از محضـر مرحوم آیت‌اللّٰه حجت و آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیت‌اللّٰه حـاج سید محمـدتقی خوانسـاری و آیت‌اللّٰه صـدر اسـتفاده نموده و آنگـاه به شیراز مراجعت و تا حال به وظائف دینی از اقامه جماعت و تـدریس و تبلیغ احکام اشتغال دارند.

دارای آثار عدیده علمی و غیره می‌باشد که فهرست آن را می‌نگارم: ۱- تقریرات درس آیت‌اللّٰه حجت ۲- تقریرات مرحوم آیت‌اللّٰه خوانساری ۳- تقریرات درس مرحـوم آیت‌اللّٰه بروجردی ۴- رسـاله‌ای در اجازه ۵- رسـاله‌ای در غصب ۶- رساله‌ای در شـرکت ۷- رسـاله‌ای در ارث زوجه ۸- رساله در وصـیت ۹- رسـاله‌ای در منجزات مریض ۱۰- رسـاله‌ای در اقرار مریض ۱۱- رساله در صلوهٔ الجمعه ۱۲- کتاب الصلوهٔ بیاناتی.

دارای اجازه عدید از مراجع گذشته و معاصر می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

آیت اللهی، حمیدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمیدرضا آیت اللهی

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

دکتر حمیـدرضا آیت اللهی در سـال ۱۳۳۸ در خانواده ای متـدین و متعهـد متولـد شد. پس از سپری کردن تحصـیلات مقدماتی در سالهـای خفقان و سـرکوب رژیم پهلوی به خاطر علاقه شدیـد به علوم اهل بیت (ع) و حمایت و تشویق خانواده از سوی دیگر به قم هجرت و وارد حوزه علمیه قم گردید.

پس از پیروزی شـکوهمند انقلاب اسـلامی به تحصـیل در دانشـگاه روی آورد. و تا مقطع دکترا ادامه تحصـیل داد. دکتر حمیدرضـا آیت اللهی در طی سالهـای عمر خود تا به امروز خـدمات علمی فراوانی انجام داده است. کتابها و مقالات فراوانی تألیف و شاگردان بسیاری تربیت و تقدیم عالم اسلام کرده است.

آیت قزوینی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به آیت. سلسله نسب وی منسوب به علمای مسجد جامع قزوین بود. از علوم ادبی و عربی و حکمت بهره داشت. مدتی در عراق و خراسان و فارس مسافرت کرد و با محمدخان دشتی مصاحبت داشت و در ۱۲۸۶ ق دیباچه‌ای بر «دیوان» دشتی نوشت. مـدتی نیز در خـدمت اسـداللّٰه میرزا، از نوادگـان ظل‌السـلطان، بود و بعـد از وفـات وی جزو شـعرا و ادبـای دارالخلافه تهران شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۶۴ -۶۳ /۱)، الذریعه (۱۳ /۹)، فرهنگ سخنوران (۱۴)، مینو در (۳۵۸ -۳۵۷ /۲).

آیت میردامادی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن سید جعفر، عـالم فاضـل زاهـد ادیب شاعر متخلص به «آیت» در شب جمعه ۲۳ ربیع الثانی ۱۳۰۳ متولد، و نزد علمای اصـفهان

تحصیل نموده، و در سده‌ی ماربین مولد و موطن خویش مرجع امور شرعیه بوده، و در شب جمعه اول ربیع‌الثانی ۱۳۸۰ وفات یافته، در امامزاده سید محمد مدفون گردید.

وی را تألیفاتی است:

۱ – دیوان اشعار ۲ – رساله صومیه، در مواعظ ماه مبارك رمضان ۳ – رساله در قاعده‌ی علی الید، تقریرات استادش اقا میرزا محمد حسین نائینی ۴ – عشریه؛ و غیره. [شرح حال وی قبلا نیز ذکر شد]

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

آیت نجف آبادی، میر سید علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم مجاهد آیت‌اللَّه میرسید علی آیت نجف‌آبادی در سال ۱۲۴۷ش (۱۲۸۷ق) در نجف آباد اصفهان به دنیا آمد. ایشان بعد از سن بیست سالگی در اثر حادثه‌ای، به علم و دانش علاقه‌مند شد و وارد حوزه علمیه اصفهان گردید. وی در اصفهان از محضر استادانی همچون: سید محمد فشارکی، سید ابوالحسن جلوه و سید مهدی نحوی استفاده برد و پس از آن رهسپار نجف اشرف گردید. آیت اللَّه نجف آبادی در نجف از محضر استادان بزرگی همچون: سید اسماعیل صدر، میرزا محمد تقی شیرازی، حاج آقا رضا همدانی، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم یزدی کسب فیض کرد و در مدت کوتاهی با طی مراحل رشد، در فقه، اصول، فلسفه و عرفان و اخلاق به مقام تبحّر و استادی رسید. وی از آن پس عازم اصفهان گردید و حلقه درس خود را تشکیل داد. آیت‌اللَّه نجف‌آبادی یکی از مشهورترین استادان حوزه اصفهان در دوره سرکوب این پایگاه دینی توسط رضاخان بوده است. ایشان به فریضه امر به معروف و نهی از منکر اهمیت خاصی می‌داد و با حاکمان مستبد محلی و خوانین زورگو مبارزه می‌کرد. همچنین در مقطعی که ایران توسط بیگانگان اشغال شد، آیت اللَّه نجف آبادی با خودکامگی روس‌ها مجاهده و مبارزه زیادی کرد؛ در نتیجه خانه‌اش توسط اوباشِ تحریک شده و مزدوران و مأمورانشان غارت شد و خودش نیز در کنسولگری شوروی در اصفهان زندانی گردید. در آن ایام که در اثر حضور متفقین در ایران، قحطی و گرانی بیداد می‌کرد، ایشان و عالم دیگر اصفهان، میرسید حسن چهارسوقی، ابتکاری به خرج داده و مشترکاً طی اعلامیه‌ای از مردم مسلمان و بازاریان متمکن خواستند در نقاط مختلف شهر، انجمن‌های خیریه تشکیل داده و از بینوایان، بیکاران و گرسنگان، حمایتِ برنامه‌ریزی شده کنند. این برنامه در بین مردم بسیار مؤثر واقع شد؛ به گونه‌ای که اغلب انجمن‌های خیریه فعلی اصفهان نیز از بقایای همان انجمن‌ها هستند. در کنار فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، حلقه درس آیت اللَّه نجف‌آبادی، محفل فضلا و فرهیختگان بود و شاگردان نامداری در آن پرورش یافتند که حضرات آیات ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی، شیخ احمد فیاض، حیدرعلی صلواتی، سید روح‌اللَّه خاتمی، سید علی علامه فانی و سید مرتضی پسندیده از آن جمله‌اند. ایشان مسائل فقه و اصول را به خوبی تجزیه و تحلیل می‌کرد و در کلام نیز تبحّر وافی داشت. آیت اللَّه میرسید علی آیت نجف آبادی سرانجام در ۳۰ بهمن ۱۳۲۱ ش برابر سیزدهم صفر ۱۳۶۲ ق در ۷۴ سالگی در اصفهان وفات یافت و پس از تشییعی باشکوه، در قبرستان تخت فولاد مدفون گشت. این عالم مجاهد و فقیه سترگ، جدّ مادری شهید دکتر حسن آیت، نماینده مجلس شورای اسلامی در دوره اول و عضو حزب جمهوری اسلامی است که در چهاردهم مرداد ۱۳۶۰ ش توسط منافقین کوردل به شهادت رسید.

برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

آیت‌اللَّه زاده اصفهانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضا بن السید العلام آیت‌اللَّه آقای حاج سید محمد حسین بن آیت‌اللَّه السید علی بروجنی اصفهانی از علماء و ائمه جماعت معاصر تهران است وی در سال ۱۳۴۵ ق در نجف اشرف متولد شده و در بیت علم و شرف و دامن والده ماجده‌اش صبیه‌ی آیت‌اللَّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی قدس اللَّه سره تربیت یافته و از محضر مرحوم والدش و مرحوم آیه‌اللَّه العظمی آقا میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللَّه حاج سید یحیی یزدی استفاده نموده و در سال ۱۳۳۱ شمسی مهاجرت بـه ایران و در تهران رحل اقامت افکنده و از محضر و ابحاث آیه‌اللَّه العظمی آقای حاج سید احمد خونساری استفاده نموده و ضمنا بتدریس متون فقه و اصول و تفسیر و اقامه نماز جماعت در مسجد بازار و اول کوچه‌ی غریبان و چند سالی است که در مسجد ارباب محمدتقی واقع در خیابان دلگشا به اقامه جماعت و وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.

و معظم له سبط مرحوم زعیم‌الشیعه فی عصره آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و داماد مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ موسی خونساری طاب ثراهما میباشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

آیت‌اللَّه زاده شیرازی، جلال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۰ ق)، دانشمند. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی شریعت شیراز به پایان رساند و علوم دینی را نزد حاج حکیم و شیخ‌احمد دارابی و شیخ محمدعلی موحد حکیم آموخت. سپس به اصفهان رفت و اصول فقه و مقداری حکمت الهی را نزد شیخ میرزا حسن قاضی عسکر و سید صدرالدین کوپائی فراگرفت. «کفایهٔ الاصول» و سطوح فقه را نزد آقا میرزا محمدعلی شاه‌آبادی تکمیل کرد و سپس به زراعت پرداخت. از اقدامات او بنیاد پلهای فهلیان و شاپور، تصویب ساخت راه کازرون به اهواز به منظور اتصال شیراز به خرمشهر، تأسیس دانشکده‌ی پزشکی و دانشسرای کشاورزی در شیراز.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فارس (۴۵ -۱/ ۴۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۶۲ -۱/ ۶۱).

آیت‌اللّه‌زاده مازندرانی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۰ -۱۲۶۳ ش) حاکم شرع و شاعر. وی فرزند شیخ‌محمد مازندرانی و نواده‌ی شیخ زین‌العابدین مازندرانی بود که هر دو از مراجع تقلید بوده‌اند. در کربلا متولد شد. پس از گذراندن مقدمات، تحصیلات عالیه را در خدمت آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و شیخ‌الشریعه‌ی اصفهانی تکمیل کرد و موفق به دریافت درجه‌ی اجتهاد گردید. در تشکیلات نوین دادگستری ایران در زمان داور، حاکم شرع خراسان و تهران بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :چهارصد شاعر برگزیده پارسی گوی (۱۰۹).

آیت‌اللهی دارابی شیرازی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۹ ق)، عالم دینی، مؤلف و مدرس. در شیراز متولد شد و از استادان بزرگ آن شهر علوم رایج را فراگرفت و سپس برای تکمیل تحصیلات فقهی به عراق رفت. در بازگشت به تألیف و تصنیف پرداخت. از آثار او است: «ایقاظ النجعهٔ فی صلاهٔ الجمعهٔ» یا «مروارید غلطان»؛ «المنظومهٔ الکیسائیه»؛ «حرمهٔ الحق اللحیهٔ»؛ «زینب بیگم»؛ «کلمهٔ الحق»؛ «دررالفوائد»؛ «زندگانی حضرت احمد شاهچراغ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای فارسی چاپی (۴۲۳ /۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۲۶ /۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴۱۵ /۲).

آیت‌اللهی شیرازی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۸ -۱۲۸۲ ش)، مدرس، نویسنده و عالم. وی نوه‌ی دختری سید عبدالحسین لاری بود. در شیراز و اصفهان و مشهد و نجف و قم در محضر برخی از بزرگان درس خواند که از آن جمله‌اند: آقا شیخ علی ابیوردی، شیخ محمدرضا مسجدشاهی، آقازاده خراسانی، میرزای نائینی، آقاضیاء عراقی و حاج شیخ عبدالکریم حائری. پس از ۱۳۵۱ ق مقیم شیراز شد. دو تن از شاگردان وی عبارت‌اند از: عبدالرحیم ربانی شیرازی و ناصر مکارم شیرازی. آیهٔ‌اللّه ربانی شیرازی عضو مجلس شورای اسلامی بود که اکنون درگذشته و آیهٔ‌اللّه مکارم شیرازی از اساتید و مراجع فعلی حوزه‌ی قم است. برخی از آثار او عبارت‌اند از: تحریر «تقریرات» استادانش در فقه و اصول؛ و تصحیح و تنقیح برخی از کتب نیاکان خویش مثل «لوامع الانوار العرشیه»؛ «انوار الحقائق» و «تعلیقات مکاسب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۶۳ -۱۸/ ۳۶۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۳۶ -۵/ ۴۳۵).

آیت‌اللهی شیرازی، محمدکاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۱ ش)، عالم. در شیراز متولد شد. ایام کودکی را تحت تربیت و پرورش پدرش گذراند و بعد از آن به تحصیل پرداخت و

متون فقه و اصول را از مرحوم آیـةاللّه حاج شیخ‌علی ابیوردی و آیةاللّه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی فراگرفت. در سال ۱۳۶۴ ق به قم مهاجرت کرد و از محضـر آیـةاللّه حجت و آیـةاللّه بروجردی و آیـةاللّه سـید محمدتقی خوانساری و آیةاللّه صدر اسـتفاده نمود، سپس به شـیراز رفت و به وظایف دینی، اقامه جماعت و تدریس و تبلیغ احکام پرداخت. از وی حدود ۱۲ اثر باقی مانده است که از آن جمله: «تقریرات درس آیـةاللّه حجت»؛ «تقریرات آیـةاللّه خوانسـاری»؛ «تقریرات درس آیـةاللّه بروجردی»؛ «رسـاله‌ای در اجازه»؛ «رساله‌ای در غصب»؛ «رساله‌ای در شرکت».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آثار الحجة (۱۲۰ –۱۱۹ /۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۳۷ –۴۳۶ /۵).

آیت‌اللهی لاری، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۱ –۱۳۱۴ ق)، مجتهـد و پیشوای دینی. وی از اهـالی جهرم بود و ابتـدا نزد برادر بزرگتر خویش، آقا سید محمـد، و سـپس نزد سید عبدالباقی شاگردی کرد، آنگاه از این دو مجتهد و سـپس از مراجعی همچون آقا سید ابوالحسن اصـفهانی، آقا ضـیای عراقی و حاج‌آقا حسـین قمی اجازه‌ی اجتهاد گرفت. بعـد از پدر جانشـین وی شد. سالهای دراز به ترویج دین مبین و نشـر معارف اسـلامی و کمـک به فقرا و دسـتگیری از پاافتادگان و یتیمان گذرانیـد. ریاضت پیشه و مسـتجاب‌الدعوه و زاهـد و متقی بود که با سادگی تمام زنـدگی می‌کرد. او از مردان مبـارز و شـجاع بود. چنـد روز پیش از رحلتش اصـحاب خود را از مرگ خویش آگاه ساخت. وی در شهر جهرم بدرود حیات گفت، و در بقعه «قبر آقا» کنار پدر و برادرش مدفون گشت.[۱]

مرحوم حاج سـید علی‌اکبر بن آیت‌اللّه حاج سـید عبدالحسـین بن العالم الجلیل السـید عبـداللّه ابن سـید عبـدالرحیم بن السـید محمد آیةاللهی مجتهد لاری جهرمی از علماء معروف این ناحیه است.

وی در جهرم متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سـطوح وسـطی و نهائی در جهرم و شـیراز علوم تحلیلی و اجتهادی را از آیات عظام و مدرسـین بزرگ معاصر خود فراگرفته تا به مدارج عالیه علم و اجتهاد رسیده و پس از فوت مرحوم والدش بجای او نشسته و سالهای متمادی در جهرم به خدمات دینی و ترویجات مذهبی و نشر معارف اسلامی و مساعدت به فقراء و دستگیری از پاافتادگان و سرپرستی یتیمان و معاشرت با تهی‌دستان و بینوایان گذرانیده است.

معظم له عـالمی مرتـاض و مسـتجاب‌الدعوه و زاهـد و متقی و بی‌اعتنا به مال بود و با سادگی تمام زنـدگی می‌کرد و در خانه وی بر روی عموم بـاز بود و در عین حال دائم‌الـذکر بود و جز به هنگام ضـرورت سـخن نمی‌گفت و چون بر فراز منبر می‌نشـست و لب به موعظه می‌گشود دل از عارف و عامی می‌ربود و داد سـخن می‌داد چند روز قبل از مرگش دوسـتانش را از مرگ خویش خبر داد و در تیرماه هزار و سیصد و چهل (ماه صفر ۱۳۸۱) در شهر جهرم لبیک حق را اجابت گفت و رخت به سرای باقی کشید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] بزرگان جهرم (۱۴۲ –۱۴۱ ،۱۳۳)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۹۰۳ –۹۰۲ /۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۷، ۵ –۴ /۵).

آیتی اصفهانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر و خطاط. خط نسـتعلیق را خوب می‌نوشت و از شـعرای بذله‌گوی اصفهان بود. مکتب‌دار بود و تدریس خطاطی نیز می‌کرد. پیش از تألیف «تحفه‌ی سامی» (۹۵۷ ق)، فوت کرده است. غزل می‌سرود، و «دیوان» اشعار دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۲۲ /۳)،احوال و آثار خوشنویسان (۶ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۶۴۸)، تحفه‌ی سامی (۲۶۲ –۲۶۱)، الذریعه (۱۳ /۹)، لغت‌نامه (ذیل/ آیتی)، فرهنگ سخنوران (۱۴).

آیتی بروجردی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۰ –۱۳۱۳ ق)، عالم و مدرس. فرزند شـیخ حسن آیتی بروجردی در بروجرد متولد شد. در شش سالگی تحصیل را شروع کرد. پس از کسب مقدمات برای تکمیل به نجف رفت و در محضر سید محمدکاظم یزدی، شیخ‌الشریعه اصفهانی، میرزای دوم شیرازی و سید عبدالهادی شـیرازی درس خواند و در شمار مدرسین درآمد. آنگاه به وطن بازگشت پس از توقفی یکساله در دزفول و حضور در حوزه‌ی درس آقا شیخ محمدرضا دزفولی، به بروجرد رفت و مدت دو سال در درس آیت‌اللّه بروجردی و آقا شیخ حسین غروی حاضـر شـد. بعـد از آن به اراک رفت و محضـر آیت‌اللّه حـائری را دریـافت. در بیست و هشت سالگی به مرض قولنـج درگـذشت.

برخی از آثـار او عبارت‌انـد از: «مـدامع العیـن فی مصـیبهٔ الحسـین (ع)»؛ «الـدرر واللآلی فی تلخیص الامـالی»؛ «اللؤلؤ الفریـد»، که منظومه‌ای است در منطق که در بیست سالگی سروده است؛ رساله‌ای مختصر در اسطرلاب؛ رسائلی پراکنده در فقه و اصول و ادب؛ اشعاری به فارسی و عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (۵۳۶ -۵۳۲ /۲)، مؤلفین کتب چاپی. (۱۸۵ /۴).

آیتی بیرجندی، محمدابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ابراهیم آیتی در سال ۱۳۳۳هجری قمری در قریه گازار از توابع بیرجند در خانواده‌ای روحانی و شیعه متولد شد و اهل خانه را از قـدوم خویش شاد کرد این فرزنـد محمـدابراهیم نام گرفت. وی از هفت سالگی برای فراگیری از قرآن مجیـد و خواندن کتابهای فارسـی مذهبی و اخلاقی و از قبیل اینها وارد جلسات استادان آن زمان در شهر خود گردید. در سیزده سالگی به شهر بیرجند رفت و ادامه تحصیل خود را در کنار اساتیـد بیرجنـد گذرانـد. در هیجده سالگی در مدرسه باقریه شـهر مشـهد به قمستی از فصول و منطق تحت نظر اسـتادان مجرب بودند. وی به درجه دکترا نایل گردید و در تمام طول تحصیل به تحصیلات حوزوی بسنده نشد. وی در سن ۵۱ سالگی در اثر سانحه تصادف در سال ۱۳۸۴ قمری جان خویش را از دست دادند.

گروه : علوم انسانی

رشته : الهیات و معارف اسلامی

والدین و انساب : پدر محمد ابراهیم آیتی شیخ محمد قائنی پیشنماز روستای گازار بود که به امور شرعی مردم رسیدگی می‌کرد. او در سلک روحانیت و در امور دینی خود و مردم کوشا بود. وی که توفیق تربیت در دامن مادر متـدین پیدا نموده بود رشد کرد و به سن تحصیل رسید.

خاطرات کودکی : محمـد ابراهیم آیتی مقدمات عربی از پدرش شـیخ محمد قائنی یاد گرفت تا اینکه به نه سالگی که رسیدند پدر در سوم ماه رمضان ۱۳۴۲ مرحوم شد.

تحصیلات رسـمی و حرفه ای : هفت ساله بودم که پدرم مرحوم شیخ محمد قائنی مرا برای فراگیری قرآن مجید و خواندن کتابهای فارسـی مـذهبی و اخلاقی از قبیل عین الحیات و جلاء العیون و حلیهٔ المتقین مرحوم مجلسـی نزد « آخوند ملا عبداللّه گازاری» برد و به وی سپرد. مقـدمات عربی را از مرحوم پـدرم فرا گرفتم، نه سـاله بودم که پـدرم در سوم ماه رمضان سال ۱۳۴۲قمری مرحوم شد. پس از آن شـرح « قطرالنـدی» و « الفیه» ابن مالـک « سـیوطی» و « شـرح جـامی» را نزد همان ملا عبـداللّه و « محمـد ابراهیم بویکی» خواندم. سـیزده ساله بودم که با اجازه مادرم برای ادامه تحصیل به شهر بیرجند رفتم و مدت پنج سال در مدرسه معصومیه کتابهای « حاشـیه» ملاعبداللّه یزدی و « شـرح شمسـیه» در منطق، « شـرح نظام» « مغنی البیب» در صرف و نحو و قسمتی از « مطوّل» در معانی و بیان و بدیع و « معالم» و قسمتی از « قوانین الاصول» میرزای قمی در اصول، « تبصرهٔ» علامه حلّی و « شرح لمعه» شهید ثانی در فقه و مختصـری حساب و هیأت و مقداری از شـرح « سبعهٔ معلّقه» را خواندم. در این مدت پنج سال در شهر بیرجند از محضر مرحوم حاج شیخ محمد باقر آیتی بیرجندی و آیهٔاللّه حاج شـیخ محمد حسین آیتی و مرحوم شیخ غلامرضا فاضل و آقای حاج شیخ محمد علی ربّانی و مرحوم حـاج ملا محمـد دهکی اسـتفاده بردم و شاگردی آنها را نمودم.هیجـده ساله بودم که برای ادامه تحصـیل به مشـهد مقدس مشـرّف و در مدرسه باقریه ساکن شدم و بقیه شـرح لمعه و مطول و قسـمتی از فصول و قسـمت منطق شـرح منظومه حاج ملا هادی سبزواری و آنگاه تمام سـطح مکاسب، رسائل شـیخ انصاری و کفایه آخوند خراسانی را در محضـر اسـتادان فرا گرفتم. ضـمنا هیئت قـدیم را نزد مرحوم حـاج شـیخ هـاشم قزوینی و آقا شـیخ مجتبی قزوینی و آیـهٔاللّه میرزا حسین فقیه سبزواری و آیـهٔاللّه ادیب نیشابوری و مرحوم حاج شـیخ حسن پایین خیابانی و برخی اساتیـد دیگر خواندم. در همان حال با درس خارج فقه و معارف مرحوم آقا میرزا مهـدی اصـفهانی آشـنا شـدم و با شوق فراوان در حدود دو سال به درس پر بهره ایشان می‌رفتم و در همین اوقات به درس شرح منظومه آقا میرزا مهدی فرزند مرحوم آقا بزرگ حکیم می‌رفتم و از این راه با فلسفه قدیم آشنا شدم. آشنایی من با متون عالی فلسـفه قـدیم از قبیـل شـرح اشـارات، شـفای بوعلی و اسـفار مرحوم آخونـد ملاصـدرا در خـارج از محیط طلبگی بود.» آیتی پس از فراگیری دروس حوزه‌های علوم دینی به دانشگاه راه یافت و او در همان دانشکده معقول و منقول تهران تحصیل کرده بود و موفق به اخـذ درجه دکتری شـده بود. ایشان علاوه بر علوم اسـلامی و ادبیات عرب به زبان انگلیسـی نیز احاطه کامل داشت و از این راه با اندیشه‌های غربی و متون و روش تحقیق آنان آشنا گردید.

خـاطرات و وقـایع تحصـیل : حوزه‌هـای درس هرگـاه محـدود به چنـد نفر و کم جمعیت بود غالبـا در اطاقهـای مسـکونی مـدارس و درسهای سطوح عالی و خارج که جمعیت بیشتری در آن شرکت می‌داشت بیشتر در مدرس‌های نسبتا وسیع مدارس که فرش آن در تابستان و زمستان منحصر به حصیر بود و یا در شبستان‌های مساجد که نیز در تابستان و زمستان حصیر فرش و بسیار سرد بود و هرگز بخـاری نمی‌دیـد، تشـکیل می‌گردیـد.کسـانی که اهل کار و تحصـیل بودنـد تقریبا تمام وقتشان به درس خوانـدن و مطالعه کردن و مباحثه کردن همان درسـها و (اگر خود از فضـلای حوزه بودند) به درس گفتن برگزار می‌شد و فقط در هفته‌ای دو روز پنجشـنبه و جمعه تعطیل بود، که آن هم احیانا با درسـهای تعطیلی از قبیل ریاضـیات و هیئت و تفسـیر و حـدیث و جز اینها می‌گـذشت.زنـدگی طلبگی بسـیار سـاده و در عین حـال پرنشـاط برگزار می‌شـد. در آن تاریـخ کمتر افکار اجتماعی به محیط طلبگی راه داشت و گیر و داری هم اگر پیش می‌آمـد از حـدود حجره‌های مـدارس تجاوز نمی‌کرد. تا در بیرجنـد بودم با اینکه مدرسه معصومیه اوقاف زیادی

داشت، به طلبه مدرسه چیزی نمی‌رسید و متصدّیان اوقاف تمام درآمد موقوفه را می‌خوردند و زندگانی ساده طلاب منحصرا از کمکهای پدران و مادرانشان می‌گذشت.اما در مشهد مقدس چون از طرفی موقوفات مدارس سرشارتر بود و از طرف دیگر متصدیان اوقاف آنجا مانند متصدیان اوقاف بیرجند نبودند مختصر حق السکوت و قوت لا یموتی به طلاب داده می‌شد و روزی که وارد مشهد شدم متصدی اوقاف مدرسه باقریه آقا شیخ جواد شیخ الاسلامی اصفهانی به دیدن من آمد و از همان روز مبلغ سی ریال (که شهریه کامل آن مدرسه بود) حقوق ماهیانه برای من قرار ساخت و این مبلغ در آن تاریخ برای زندگی طلبگی متوسط یک نفر به خوبی کفایت می‌کرد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : از امتیازات بسیار ارزنده حیات علمی محمد ابراهیم آیتی این است که او هرگز خود را در علوم متداول حوزه‌ها و مجامع علمی محدود نساخت. گو اینکه راز موفقیت هر اندیشه‌ورِ دلسوز و تلاشگر و کاوشگر پر توفیق این است که خودجوش و زیرکانه بیابد چه چیزی را باید بخواند و کدام راه را برود. بدینسان او در تاریخ دوره اسلامی و تاریخ پیامبر و اهل بیت نیز تلاش فراوان کرد و یکی از متخصصان این رشته در آمد و از تألیفات ایشان نیز این نکته آشکار خواهد شد.

استادان و مربیان : از استادان محمد ابراهیم آیتی در زمینه های مختلف درسی می توان به موارد زیر اشاره کرد: آخوند ملا عبدالله گازاری ابن مالک محمد ابراهیم بویکی میرزای قمی علامه حلی شهید ثانی باقر آیتی بیرجندی شیخ محمد حسین آیتی غلامرضا فاضل شیخ محمد علی ربانی حاج ملا محمد دهکی ملا هادی سبزواری شیخ انصاری آخوند خراسانی شیخ هاشم قزوینی مجتبی قزوینی حسین فقیه سبزواری ادیب نیشابوری حسن پایین خیابانی میرزا مهدی اصفهانی میرزا مهدی فرزند مرحوم آقا بزرگ حکیم آخوند ملاصدرا

هم دوره ای ها و همکاران : از دوستان محمد ابراهیم آیتی ، شهید مطهری، آیهٔاللّه بهشتی و آیهٔاللّه طالقانی بود و با هم مراوده علمی و مباحثه داشتند.

زمان و علت فوت : محمد ابراهیم آیتی در سوم جمادی الثانیه ۱۳۸۴ قمری مطابق با هفدهم ۱۳۴۳ شمسی بر اثر سانحه تصادف جان خویش را از دست دادند. پیکر ایشان در قبرستان ابوحسن قم دفن گردید.

فعالیتهای آموزشی : محمد ابراهیم آیتی پس از فراگیری دروس حوزه‌های علوم دینی به دانشگاه راه یافت و در کنار تدریس به تحصیل نیز پرداخت. در سال ۱۳۳۴شمسی در دانشکده علوم معقول و منقول مشغول به تدریس شد و درسهای تاریخ اسلام، تاریخ تمدن اسلام، فقه(دوره لیسانس) و فقه الحدیث(دوره دکتری) را درس می‌داد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از دوستان محمد ابراهیم آیتی، شهید مطهری، آیهٔاللّه بهشتی و آیهٔاللّه طالقانی بود و با هم مراوده علمی و مباحثه داشتند. در آن زمان نوای بیداری در بعضی از مجامع علمی و فرهنگی برخاسته بود و حرکت‌های خودجوش ارزشمندی برای شناخت درست اسلام ایجاد شده بود. کار مهم اندیشه وران آن روز تغذیه فکری این مجامع بود و استاد آیتی یکی از کسانی بود که در انجام این مهم کوشا بود. در انجمن اسلامی مهندسان، جلسات ماهانه دینی که شهید مطهری نیز سخنرانی داشت شرکت داشت و به سخنرانیهای ارزشمندی می‌پرداخت و این سخنرانیها بلافاصله تایپ و تکثیر می‌شد و با استقبال فراوانی نیز روبرو گشت.یکی از تلاش‌های تحسین برانگیز ایشان تلاش در راه انتشار کتابهای مذهبی بود که از آن جمله تلاش گروهی ایشان و همراهانش منشأ ایجاد « شرکت انتشار» گردید. باری او در راه اصلاح ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه خویش از هیچ خدمتی فروگذار نکرد و با قلم و زبان و دست خویش هر آنچه کرد برای احیای فکر دینی و اندیشه الهی بود.او همچنین در پرداختن به برخی موضوعات اسلامی و پیراستن نقص‌ها و خرافه‌ها متون اصیل و استواری را عرضه کرد .

آرا و گرایشهای خاص : از خصوصیات محمد ابراهیم آیتی تحقیق‌های نو و بدیع است. او در تاریخ به بررسی و کنکاشی ارزنده پرداخت و نکات ابهام و نقاط کور را شناسایی کرد و به بحث و بررسی در آن پرداخت. . معظم له دارای ملکات نفسانیه و جامع علوم عقلیّه نقلیّه، مروج طریقه جعفریه بود. ---

آثار :

۱ ۱۲افکار جاوید محمد

ویژگی اثر : این کتاب ترجمه‌ای از متن انگلیسی

۲ آندلس یا تاریخ حکومت مسلمین در اروپا

ویژگی اثر : به طوری که ایشان در مقدمه کتاب ذکر می‌کنند این اثر حاصل تحقیق و تدریس سال‌های ۱۳۳۷و ۱۳۳۸دوره لیسانس دانشکده معقول و منقول تهران است و ایشان در این کتاب تاریخ حوادث مهم هشت قرن حکومت مسلمین در اروپا را به تفصیل بیان کرده‌اند که شامل تاریخ حکومتها، دست نشاندگان حکام عباسی و غیر آن می‌باشد. این کتاب در سال ۱۳۴۰در ۳۵۷صفحه چاپ شده است.

۳ آیینه اسلام

ویژگی اثر : ترجمه‌ای است از متن عربی آن اثر نویسنده توانای مصری دکتر طه حسین که در تهران وسیله شرکت انتشار به چاپ رسیده است.

۴ بررسی تاریخ عاشورا

ویژگی اثر : این خصلت او در کتاب بررسی تاریخ عاشورا به خوبی ظهور کرده است یعنی او در این قضیه مطیع و دنباله‌رو هیچ کس نیست و آزادانه و زیبا بر اساس مبانی اصیل و اساسی قرآن و عترت و با عقل سلیم و ذهل جوال خویش به میدان آمده و به راستی به نقد احیاگری در جریان عاشورا دست زده است.خمیر مایه این کتاب را مجموعه هفده سخنرانی دکتر آیتی در رادیو ایران در سال‌های ۱۳۴۳ – ۱۳۴۲تشکیل می‌دهد. این اثر به همت استاد علی اکبر غفاری تنظیم و چاپ شده و تاکنون در حدود ۱۰نوبت تجدید چاپ شده است.

۵ تاریخ پیامبر اسلام

ویژگی اثر : این کتاب تحقیقی است مستند، گسترده و دقیق بر اساس متون کهن در پیرامون حیات اشرف مخلوقات هستی حضرت رسول اکرم (ص)که مؤلف در تنظیم آن زحمات فراوانی را متحمل شده‌اند. این کتاب بـا تعلیقات و اضافـاتی از دکتر ابوالقاسم گرجی از طرف دانشگاه تهران چاپ شده و چندین بار تجدید چاپ گردیده است.

۶ ترجمه البلدان یعقوبی

ویژگی اثر : این کتاب نیز به وسیله بنگاه ترجمه و نشر کتاب در سال ۱۳۵۶در ۲۱۱صفحه چاپ شده است.

۷ ترجمه تاریخ یعقوبی

ویژگی اثر : این کتاب در دو جلد ضخیم چاپ شده است و از ترجمه‌های ارزشمند متون تاریخی به حساب می‌آید به طوری که در سال ۱۳۴۲این ترجمه به عنوان کتاب سال شناخته شد. متخصصان ترجمه نسبت به ترجمه‌های دقیق و اصولی مرحوم آیتی اعتماد خاصی دارند. این اثر نیز چندین بار تجدید چاپ شده است.

۸ تصحیح تفسیر شریف لاهیجی

ویژگی اثر : مرحوم استاد آیتی جلد ۳و ۴این تفسیر را به صورت زیبا و اصولی تصحیح نموده‌اند و در سال ۱۳۴۰از طرف اداره اوقاف تهران به چاپ رسیده است.

۹ خطبه‌های رسول اکرم(ص

ویژگی اثر : به زبان عربی نگارش یافته و تاکنون چاپ نشده است.

۱۰ راه و رسم تبلیغ

ویژگی اثر : مقاله‌ای است که در کتاب گفتار ماه جلد دوم، ص ۱۷۴ – ۱۴۹به چاپ رسیده است.

۱۱ سرمایه سخن

ویژگی اثر : این کتاب به انگیزه تقویت و غنی سازی سخنرانیهای اسلامی تهیه شده است و مجموعه ۸۰مقاله درباره مناسبت‌های مذهبی است که سی مجلس آن درباره ماه مبارک رمضان، بیست و پنج مجلس درباره ماه محرم و صفر و بیست و پنج مجلس دیگر در مناسبت‌های دیگر سال می‌باشد. این اثر به همت مرحوم آیتی و یکی از دوستانش به نام سید محمد باقر سبزواری تهیه و تنظیم شده و در سال ۱۳۳۹به چاپ رسیده است.

۱۲ سیمای امیرالمؤمنین از مسجدالحرام تا مسجد کوفه

ویژگی اثر : این کتاب سخنرانی استاد در جلسه ماهانه دینی است که ابتدا در کتاب گفتار ماه، ج ۳ص ۱۶۴ – ۱۲۹۶چاپ شده و سپس به صورت جداگانه به زیور طبع آراسته گردیده است.

۱۳ شهدای اسلام

ویژگی اثر : به عربی است و تاکنون چاپ نشده است.

۱۴ فهرست ابواب و فصول اسفار

ویژگی اثر : این مقاله در یادنامه ملاصدرا به چاپ رسیده است.

۱۵ کتاب و سنت

ویژگی اثر : در کتاب گفتار ماه جلد اول، ص ۲۲۵تا ۲۵۲به چاپ رسیده است.

۱۶ گفتار عاشورا

ویژگی اثر : با همکاری عده‌ای از اندیشه وران.

۱۷ مجموعه سخنرانیها در مورد شخصیت‌های برجسته عالم اسلام

ویژگی اثر : و مقالات و سخنرانیهای علمی و تحقیقی ارزشمندی که براستی شایسته است در یک مجموعه ارزشمند گرد آید.فرازهایی از اندیشه استاد آیتی

۱۸ مرجعیت و روحانیت

ویژگی اثر : این کتاب را نیز با همکاری عده‌ای از نویسندگان تألیف کرده است.

۱۹ مقولات عشر

ویژگی اثر : این کتاب رساله تز دکترای آن مرحوم می‌باشد و در روزنامه ۱۳۷۱ / ۶ /۵مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است.

۲۰ همه مسؤول یکدیگریم

ویژگی اثر : مقاله‌ای است در کتاب همه مسؤول یکدیگریم که بحث زیبایی درباره امر به معروف و نهی از منکر نموده است. کتاب توسط انتشارات تشیّع در سال ۱۳۵۶به چاپ رسیده و مقاله در کتاب گفتار ماه، ج ۱ص ۷۶ – ۴۵نیز چاپ شده است.

آیتی بیرجندی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۷ ق) شاعر، او برادر شیخ محمدحسین آیتی مؤلف «بهارستان» بود. وی در جوانی در زمان حیات پدرش درگذشت. «دیوان» شعری از او باقی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۳ /۹)، فرهنگ سخنوران (۱۴).

آیتی تبریزی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط. بنا به قول صاحب «مناقب هنروران» یکی از چهل تن خوشنویس دربار شاهزاده بایسنقر گورکانی بود که در کتابخانه‌ی آن امیرزاده، با سرپرستی میرزا جعفر تبریزی، به کا کتابت اشتغال داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷ /۱)، مناقب هنروران (۵۶).

آیتی سجزه ای، نصرت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نصرت الله آیتی سجزه ای

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

آیتی قائنی، ضیاءالدین محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۷ -۱۳۱۰ ق)، فقیه، متکلم، ادیب و شاعر، متخلص به آیتی. در روستای مهموئی از توابع قاین متولد شد. مقدمات علوم را در بیرجند آموخت. سپس به مشهد رفت و به تحصیل در حوزه علمیه آنجا پرداخت علوم ادبی را نزد شیخ عبدالجواد نیشابوری و مقداری فقه و اصول را از پدر خود آموخت. در سال ۱۳۳۱ ق به مکه رفت و در این سفر از قفقاز، سوریه، ترکیه و عراق دیدن کرد. در بازگشت به اصفهان رفت و مدت دو سال در حوزه‌ی این شهر درسهای فقه و اصول را آموخت و از محضر اساتیدی چون سید علی نجف‌آبادی و شیخ محمد الهی گنابادی استفاده کرد، سپس به نجف رفت و مدت پنج سال نزد آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاء عراقی دروس خارج فقه و اصول را آموخت. در سال ۱۳۴۳ ق به بیرجند بازگشت و به اقامه جماعت و تدریس و تألیف پرداخت. علاوه بر بهره کافی در زمینه دانشهای مختلف طبع شاعرانه‌ای هم داشت و حدود بیست هزار بیت شعر سروده است. آثار وی: شرح «کفایةُ الاصول» علامه خراسانی؛ «درّالفرید فیماروی عن السبط الشهید»، در خطب و مواعظ و اشعار سیدالشهداء (ع)؛ «مقامات معنوی»؛ «مقامات الابرار»؛ «بهارستان»، شرح حال رجال قاینات و قهستان؛ «تتمیم بهارستان»؛ «دیوان درّ غلطان»؛ «فوائد العقول».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۳۷۷ -۳۶۷ /۱)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۸۸ -۴۸۶ /۲)، الذریعه (۱۳ /۲۲)، صد سال شعر خراسان (۵۵ -۵۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۶۸ -۲۶۶ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۸ -۶۸۷ /۲).

آیتی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسین بافقی یزدی (۱۲۸۸ ق ـ ۱۳۷۴۱ ق / ۱۳۳۲ ش) معروف به آیتی و متخلص به « ضیایی » ، « آواره » و « آیتی » ، از شعرا ، محققان ، نویسندگان و قرآن پژوهان معاصر که پس از ورود و درنگ ۱۸ ـ ۲۰ ساله ی او در سلک بهائیت و طی مدارج تبلیغ در آن مسلک و دریافت لقب رئیس المبلغین و القاب دیگر و الواح تشویقی از عباس افندی و شوقی افندی و به سر بردن چند سالی با آنها ، با دیدن کژیها و ناراستیها ، دوباره به اسلام و تشیع بازگشت و شرح حال این دوران سرگشتگی فکری و به تعبیر خود فریب خوردگی را در کتاب کشف الحیل (۳ جلد ، تهران ، ۱۳۷۰ ـ ۱۳۱۰ ش با تجدید چاپهای مکرر) نوشته و این زندگی پرتلاطم از او شخصیت پرآوازه و حقیقت جو ساخته است . او فرزند حاج ملا محمد بن محمد بن حاج بزرگ ، در خانواده ی علم و عرفان به دنیا آمد . پدرش حاج (ملاـ) آخوند تفتی از ائمه ی جماعت و خطبای فرهیخته ی یزد ، و در زادگاه خویش نیز امام جماعت و

مرجع حل و فصل امور شرعی مردم بود . زادگاهش قصبه ی تفت از نواحی یزد بود . تحصیلات مقدماتی را در مکتب خانه ی زادگاهش آغاز کرد و اولین معلمش پدرش بود . در سال ۱۳۰۳ ق به یزد رفت و پس از فراگیری صرف و نحو و علم بلاغت و منطق در ۱۳۰۵ ق به قصد ادامه ی تحصیلات ، سفر به عتبات عالیات کرد ، و به فراگیری فقه و اصول پرداخت . یک سال بعد پدرش درگذشت و او به درخواست مادر به زادگاهش بازگشت و نظر به ابراز علاقه ی هم ولایتی ها مسند پدر را که امامت جماعت و وعظ و خطابه بود عهده دار شد . در سی و سه سالگی که امامت جماعت مسجد تفت و تصدی امور شرعیه را عهده دار بود ، بعضی از مبلغان بهایی کتابهای این فرقه را به ترفند ، به تعبیر خودش ، به مطالعه ی او رساندند و چون مطالعه ی این کتابها آشکار شد ، یکی از رقبای روحانی ، او را به بد دینی و انحراف عقیده متهم کرد و آزار و ایذاء و بدنامی و رنجهای روحی همراه آن ، او را به دامان بهائیت سوق داد . خود در این مورد می گوید : « ... دستار از سر برافکندم و ریش خود را از بن برکندم و به جهانگردی پرداختم . چون محرم اسرار شدم و مقام عالی یافته بودم رئیس المبلغین شدم » .

ابتدا مدتی در تهران و رشت و اردستان و کاشان به کارهای فرهنگی و تاسیس مدارس و تبلیغ بهائیت پرداخت و سپس چند بار به عکّا (مقرّ سران بهائیت) مسافرت کرد و از طرف عباس افندی (عبدالبهاء) به « آواره » مشهور گردید و به دستور یا درخواست او و سایر روسای مرکز به تالیف کتاب مآثر البهائیه پرداخت (نام کامل آن الکواکب الدریه فی مآثر البهائیه) که در تاریخ ظهور و تشکیل بهائیت است . خود در مورد این کتاب می گوید : « چون خواستم طبع کنم عباس افندی نسخه ی آن را طلبید و دستوراتی داد . ناچار بسیاری از آن را تغییر دادم و بنده سه دفعه در تحت نفوذ حضرات به تحریفات و جعلیات مبتلا شد و اینک می گویم آن کتاب که بعداً به کواکب الدریه موسوم شده ، در دو جلد ، به کلی از درجه ی اعتبار ساقط است .... » اما چون تغییرات دلخواه سران بهائیت در آن وارد شده طبیعی است چنانکه در مقاله ی دانشنامه ی ایرانیکا (به انگلیسی ، جلد سوم ، ذیل « آیتی » آمده است « این کتاب هنوز اثر عمده ای در موضوع خود به شمار می آید » .

به نوشته ی دایره المعارف تشیع : « ... پس از فوت عباس افندی (۱۳۴۰ ق) ، شوقی افندی جانشین او آواره را به عکا احضار نمود و آواره از طریق بادکوبه و اسلامبول به عکا و از آنجا به دستور شوقی و برای تبلیغ ، مسافرتی به انگلستان و فرانسه نمود . آواره در اواخر عمر عباس افندی و سپس در اوایل شوقی افندی به میزان زیادی از سوء اخلاق و فساد روسا و مبلغین فرقه ی بهائیت اطلاع حاصل نمود و از کرده ی خود پشیمان شد ؛ و در مسافرت به اروپا و در مراجعت هنگام اقامت در مصر ، در احوالات آنها و مخصوصاً در علل و جهات انصراف میرزا ابوالفضل گلپایگانی و میرزا نعیم و میرزا علی اکبر رفسنجانی [با ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام ، در این عصر ، اشتباه نشود] که از بهائیان اصلی و از مبلغین به نام آنها بودند ، از فرقه ی بهائیت تحقیق و تفحص بسیار نمود و یقین حاصل کرد که آن سه تن با وجود تحمل زحمات و مشقات در طریق بهائیت و انجام تبلیغات فراوان برای این فرقه اخیراً از آن تبری جسته و از عمل خود نادم گشته بودند . آواره نیز هنگام اقامت در مصر زمزمه ی مخالفت آغاز و به جمع آوری اسناد و تصاویر و تهیه ی یادداشتهای لازم علیه بهائیت مبادرت نمود و با ورود به تهران مخالفت خود را آشکار کرد و به تالیف کتاب کشف الحیل اقدام نمود . این کتاب در سه جلد [و گاه چاپ شده در یک مجلد ، چاپ تهران ۱۳۰۷ ـ ۱۳۱۰] و حاوی شرح و تفصیل کافی راجع به حیله ها و نیرنگهای بهائیان تدوین گردیده و ... سند ارزنده و گوهر گرانبهایی است ... » (داریه المعارف تشیع ، ج ۱ ، ص ۲۴۲)

به نوشته ی دایره المعارف بزرگ اسلامی او در سال ۱۳۴۸ ق / ۱۹۲۹ م در تهران اقامت گزید و به خدمت وزارت معارف (آموزش و پرورش) درآمد ، و به عنوان دبیر به تدریس در دوره ی متوسطه پرداخت . با طبع و ذوق سخنوری که داشت ، به پژوهشهای ادبی روی آورد و نشریه ای ادبی / انتقادی به نام نمکدان [که بعضی منابع برآنند که مقالات مختلف اغلب یا تمامی ۶۱ شماره ی آن را خود او با اسامی مستعار گوناگون نوشته است] در سال ۱۳۰۸ ش منتشر کرد که در واقع گاهنامه بود و انتشارنامنظم آن چند سالی دوام آورد . مجموعه ی آثار او مشتمل بر ۱۷ کتاب است که عمده ترین آنها ترجمه ی تفسیر آمیز قرآن کریم است که به کتاب نبی (به ضم نون) یا قرآن فارسی [یا به قول خود آیتی ، به نقل از یکی از فضلا که در مقدمه ی ترجمه اش آورده فارسی قرآن، که دقیق تر و به ادب شرعی نزدیک تر از قرآن فارسی است] مشهور است . از دو کتاب الکوکب الدریه و کشف الحیل نیز نام بردیم . کتابی نیز به نام تکمیل کتاب کشف الحیل و بیان الحق و نیز جزوه ای به نام ضمیمه ی کشف الحیل دارد و آتشکده ی یزدان (تاریخ یزد) ، و تاریخ فلاسفه ، و فرهنگ آیتی و اثر قرآنی دیگری به نام قصیده ی قرآنیه و ترانه ی روحی (که چون تاریخ نشر آن در منابع شرح حال او نیامده نمیتوان راجع به صحت کلی آنکه در کدام مرحله ی حیاتش نوشته / سروده است ، قضاوت کرد) .

برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

آیتی، عبدالمحمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد عبدالمحمد آیتی درسال ۱۳۰۵ شمسی در شهر بروجرد دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و دوره متوسطه را در شهر بروجرد به پایان رسانید. پس از تحصیل در حوزه قم (بمدت دو سال) به تهران رفته و تحصیلات خود را در دانشکده معقول و منقول پی گرفت. آیتی سرانجام در سال ۱۳۲۸ با رتبه اول در رشته معقول را به پایان رساند و به دریافت مدرک لیسانس توفیق یافت. استاد پس از فارغ التحصیل شدن به استخدام وزارت فرهنگ در آمد و به تدریس ادبیات در مقطع دبیرستان پرداخت، تا آنکه در سال ۱۳۵۹ بازنشسته شد. او هم اکنون عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی می باشد.ایشان چندین تالیف و ترجمه

در کارنامه علمی خود در زمینه های زبان و ادبیات عربی و فلسفه دارد. ترجمه کتاب" تاریخ ادبیات زبان عربی " عبدالمحمد آیتی ، در دوره دوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عبدالمحمد آیتی تحصیلات ابتدایی و دوره ی متوسطه را در شهر بروجرد به پایان رسانید. پس از چندی رهسپار قم شد و به تحصیل علوم دینیه پرداخت. تحصیلات او در حوزه علمیه قم مدت دو سال به طول انجامید ، سپس به تهران رفته و تحصیلات خود را در دانشکده معقول و منقول پی گرفت. آیتی سرانجام در سال ۱۳۲۸ با رتبه اول در رشته معقول فارغ التحصیل شد و به دریافت لیسانس توفیق یافت.

فعالیتهای ضمن تحصیل : وضعیت معیشت عبدالمحمد آیتی به گونه ای بود که درکنار تحصیل مجبور بود پشتوانه ای برای تحصیلش فراهم سازد. از این روی ، چندی در قنادی و زمانی در نجاری به کار پرداخت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عبدالمحمد آیتی رئیس شورای علمی دانشنامهٔ تحقیقات ادبی فرهنگستان نیز بوده است.

فعالیتهای آموزشی : عبدالمحمد آیتی پس از فارغ التحصیل شدن به استخدام وزارت فرهنگ در آمد و به تدریس ادبیات در مقطع دبیرستان پرداخت. او چندی در بابل و مدتی نیز در خرم آباد انجام وظیفه کرد. استاد عبدالمحمد آیتی در تاریخ ۱۷/۲/۱۳۷۰ به عضویت پیوسته شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی در آمده است. سوابق تدریس: – مدرّس ادبیات داستانی در دانشگاه فارابی (۱۳۵۶)؛ – مدرّس ادبیات داستانی و عربی در دانشگاه دماوند (۱۳۵۷ـ ۱۳۵۸)؛ – بازنشستهٔ آموزش و پرورش (۱۳۵۸).

جوائز و نشانها : ترجمه کتاب" تاریخ ادبیات زبان عربی " عبدالمحمد آیتی ، در دوره دوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. --
----

آثار :

۱ آمرزش ابوالعلا معری

ویژگی اثر : (ترجمه)، ۱۳۴۷

۲ الغارات در حوادث سال‌های معدود خلافت علی(ع)،

ویژگی اثر : ۱۳۷۱

۳ بسی رنج بردم، بازنویسی‌شده از فردوسی

ویژگی اثر : ۱۳۷۶

۴ تاریخ ابن خلدون (تر جمه)

ویژگی اثر : ۱۳۶۳–۷۱

۵ تاریخ ادبیات زبان عربی (ترجمه)

ویژگی اثر : تالیف حنا الفاخوری–برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره دوم کتاب سال–آشنایی با کتاب این کتاب، ترجمه «تاریخ الادب العربی» تألیف حنّاالفاخوری است. کتاب، سیر تحوّل و دگرگونیهای ادبیات زبان عربی طی بیش از ۱۵۰۰ سال را بررسی می کند. آشنایی با این بررسی، گذشته از فاید ?آن برای فرهنگ عربی، در ارتباط با ادبیات و فرهنگ فارسی نیز مفید است، چرا که رابطه دیرینه ادبیات فارسی بـا ادبیات عربی و تاثیر ادبیات عرب بر زبان فارسی، ضرورت آشنائی با تاریخ ادبیات عربی و شیوه امروز و آمیخته با نقد و تحلیل را ایجاب می کند. مؤلف در این کتاب پس از ذکر مقدماتی، سراسر تاریخ ادب عربی را به شش دوره تقسیم کرده است: عصر جاهلی، عصر خلفای راشدین و اموی، عصر عبّاسی در شرق، عصر عباسی در غرب، عصر مغول و ترک، و عصر نهضت. آنگاه طی هر یک از این ادوار به بررسی سبکهای جدید نظم و نثر در هر دوره، که خود بازتابی از حوادث و انقلابهای آن دوره بوده، پرداخته است.

۶ تاریخ دولت اسلامی در اندلس، محمّد عبداللّه عنان

ویژگی اثر : (ترجمه)، ۱۳۶۶ـ۱۳۷۱؛

۷ تاریخ فلسفه در جهان اسلامی

۸ تحریر تاریخ وصاف به زبان ساده

۹ تقویم البلدان(ترجمه)

ویژگی اثر : نوشته ابوالفداء

۱۰ داوری حیوانات نزد پادشاه پریان

ویژگی اثر : (ترجمه)، ۱۳۸۳

۱۱ در تمام طول شب،

ویژگی اثر : شرح چهار شعر بلند نیما–۱۳۸۳

۱۲ درباره فلسفه اسلامی

ویژگی اثر : ترجمه

۱۳ درباره فلسفه اسلامی

ویژگی اثر : ترجمه

۱۴ شرح خسرو شیرین نظامی گنجوی

۱۵ شرح منظومه مانلی و پانزده قطعه دیگر

ویژگی اثر : ۱۳۷۵

۱۶ شرح و ترجمه معلّقات سبع

ویژگی اثر : ۱۳۷۱

۱۷ شکوه سعدی در غزل

ویژگی اثر : ۱۳۶۹

۱۸ شکوه قصیده

ویژگی اثر : ۱۳۶۴

۱۹ قرآن مجید

ویژگی اثر : (ترجمه)، ۱۳۶۷

۲۰ قصّه باربد و بیست قصّه دیگر از شاهنامه

ویژگی اثر : ۱۳۸۰

۲۱ کشتی شکسته(ترجمه)

ویژگی اثر : اثر تاگور

۲۲ گزیده شرح مقامات حمیدی

ویژگی اثر : ۱۳۸۳

۲۳ گزیده از نثر پارسی

۲۴ گزیده غزلیات سعدی

۲۵ گزیده و شرح خمس ?نظامی

ویژگی اثر : ۱۳۵۵ـ۱۳۷۳

۲۶ گنجور پنج گنج

ویژگی اثر : ۱۳۷۴

۲۷ معجم الأدبا، یاقوت حموی

ویژگی اثر : (ترجمه)، ۱۳۸۱

۲۸ معلقات سبعه(ترجمه)

۲۹ مقالاتی در مجلّه راهنمای کتاب و آموزش و پرورش

منابع زندگینامه :زندگینامه :عبدالمحمد آیتی"۳۱سخنوران نامی معاصر ایران ، سید محمد باقر برقعی ، جلد۱ ، ص ۱۳۸

بابا افضل کاشانی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۶۷ ق)، حکیم، نویسنده، عارف، ادیب، شاعر، متخلص به افضل. معروف به بابا افضل. ولادت او در مرق بین اصفهان و کاشان اتفاق افتاد. بابا افضل بیشتر در زادگاه خود به اعتکاف، تدریس، تألیف، تحقیق و مباحثه روزگار می‌گذرانید. نسبت تعلیم خواجه نصیر طوسی با یک واسطه به او می‌رسد. وی مدتی از عمر خود را به علت رشک حاسدان و سخن‌چینی آنها در زندان گذرانده است که با توجه به گفته‌های صفا حبس وی سخت مورد تردید است شیوه نثر بابا افضل بسیار پخته و به اصول متقدمان نزدیک است. در رسالات خود کوشیده لغات فارسی را به جای اصطلاحات عربی قرار دهد. وی چند رساله در تصوف و سلوک و حکمت به زبان فارسی دارد با متنی بسیار فصیح. مجموع رسائل وی تحت عنوان «مصنفات بابا افضل» نشر یافته است، این رسایل بیانگر اندیشه‌های حکمی و تفکراتی است که بر نویسنده دست می‌داده است و همچنین بیان‌کننده مواعظ و حکم و حقایق عرفانی است. مدفن وی در مرق کاشان است. تاریخ وفات وی را به اختلاف ۶۰۶،۷۰۷ و ۶۶۴ ق نوشته‌اند که صحیحتر آن همان است که در بالا ذکر شد. آثار بسیاری از وی به جا مانده است، از آن جمله‌اند: «المفید للمتسفید»؛ ترجمه‌ی «رساله‌ی نفس» ارسطو؛ «جاودان نامه» یا «جاویدنامه»؛ «ره‌انجام نامه»؛ یا «آغاز و انجام»؛ «انشاء نامه»؛ «مدارج الکمال»؛ «ساز و پیرایه شاهان پرمایه»؛ «منهاج المبین»؛ «عرض نامه»؛ «مبادی موجودات نفسانی»؛ «مکتوبات»؛ «رباعیات»؛ «رساله در منطق»؛ ترجمه‌ی «رساله تفاحه»، ارسطو.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۸۷ -۱۱۸۲، ۴۳۴، ۴۲۶- ۲۵۲، ۲۵۲، ۲۵۰- ۳/)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۴۵۹ -۴۵۱) تاریخ کاشان (۵۶۳ -۵۶۲، ۴۳۹)، حبسیه در ادب فارسی (۱۲۳ -۱۲۲)، دایرةالمعارف فارسی (۳۵۷/۱)، الذریعه (۱۱۶/۹)، رباعی و رباعی‌سرایان (۲۱۵، ۲۱۲، ۱۹۲)، ریاض العارفین (۱۶۴)، ریحانه (۲۱۳ -۲۱۲ /۱)، سبک‌شناسی (۱۶۵ -۱۶۲ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۰/۷)، فرهنگ ادبیات فارسی (۶۳ -۶۲)، فرهنگ سخنوران (۷۶)، کشف الظنون (۱۶۴۰، ۵۷۸)، لغت‌نامه (ذیل/ بابا افضل کاشانی) مؤلفین کتب چاپی (۳۹۵ -۳۹۳ /۵) مجمع‌الفصحا (۲۵۹ -۲۵۵ /۱)، مخزن الغرائب (۷۷/۱)، هفت اقلیم (۴۵۲ -۴۴۹ /۲)، یغما (س ۴، ش ۹، ص ۴۱۷ -۴۱۴).

بابا سودایی ابیوردی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۵۳ ق)، شاعر و صوفی. وی از مردم ابیورد خاوران بود. و به همین جهت در آغاز خاوری تخلص می‌کرد. مولانا در ابیورد دهی داشت به نام سکان و همیشه در آنجا می‌زیست. وی مردی عارف مشرب و وارسته بود. با شاهرخ و بایسنقر معاصر و اشعاری در مدح ایشان سروده و در نزد هر دو محترم بوده است. و از آنجائی که دچار عشق و جذبه گشته و سر و پای برهنه راه می‌رفته به بابا سودایی ملقب شده است. عاقبت در همان روستای سکان درگذشت. وی از شاعران صوفی مشرب بود، و قصیده و غزل را خوب می‌سرود، مخصوصا غزل او همه جا با افکار عارفانه آمیخته است، مولانا اشعاری هم در مناقب ائمه سروده است. از وی «دیوان» شعری به جای مانده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (۷۲۹، ۷۲۳، ۷۲۱) تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۸/۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۰۰)، حبیب السیر (۱۸/۴)، الذریعه (۱۱۷/۹)، رجال حبیب السیر (۱۱۴)، ریحانه (۲۱۴ -۲۱۳/۱) لغت‌نامه (ذیل/ بابای سودائی)، مجالس النفائس (۱۹۳، ۳۷، ۱۸)، هفت اقلیم (۳۰ -۲۹ /۲).

بابا شاه اصفهانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۲ /۹۹۶ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به حالی. ملقب به رییس الرؤساء. از مردم کوهپایه‌ی عراق بود که در اصفهان نشو و نما یافته و به آن سبب مشهور شده است. وی را شاگرد سید احمد مشهدی دانسته‌اند و برخی دیگر شاگرد میر علی هروی که نباید این قول روا باشد. بابا شاه از استادان طراز اول نستعلیق بود و در اصفهان درگذشت. از آثار وی: رساله‌ی منثور «آداب المشق» که بعضی آن را منسوب به میرعماد می‌دانند و صحیح نیست، زیرا رقم «کاتبه مصنفه، بابا شاه الاصفهانی غفرالله ذنوبه» دارد؛ یک نسخه «سلسلهٔ الذهب» جامی، به قلم کتابت ممتاز، با رقم: «... بسعی فقیر بابا شاه اصفهانی،... سنه‌ی سبع و سبعین و تسعمائهٔ»؛ یک نسخه «نصایح الملوک»، به قلم کتابت عالی، با رقم: «... در تاریخ سنه‌ی ثمانین و تسعمائهٔ، بسعی فقیر بابا شاه...»؛ یک نسخه «خمسه‌ی» نظامی (در متن) و «خمسه‌ی» امیر خسرو دهلوی (در حاشیه)، به قلم کتابت خفی عالی، با رقم: «نمقه العبد المذنب الحقیر بابا شاه، فی سنه‌ی ۹۹۴...». شش اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.[۱]

بابا شاه اصفهانی، خطاط (ف. اصفهان ۹۹۶ ه.ق.). وی شاگرد سید احمد شوشتری بود و در اصفهان به درویشی و انزوا روزگار میگذرانید و از راه کتابت اعاشه می‌کرد. وی مؤلف رساله‌ایست به نام «آداب المشق» (که به خطا آن را به میر عماد نسبت داده‌اند) از آثار قلمی او کتابها و رساله‌هایی است که آنها را در نهایت قدرت و ملاحت نوشته و تاریخهایی بین ۹۷۷ و ۹۹۴ ه.ق. دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۹۱ -۸۵ /۱)، اطلس خط (۴۹۴ -۴۹۲)، پیدایش خط و خطاطان (۹۷ -۹۶)، تاریخ هنرهای ملی (۸۹۳ -۸۹۲ /۲)، تذکرهٔ الخطاطین (۱۷۷ -۱۶۹ /۱)، خوشنویسان و هنرمندان (۴۶)، الذریعه (۲۲۷ -۲۲۶ /۹)، سرآمدان فرهنگ (۲۱۰/۱)، عالم آرای عباسی (۱۷۱/۱)، فرهنگ سخنوران (۲۴۴)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۶۸)، گلستان هنر (۱۱۹)، لغت‌نامه (ذیل/ بابا شاه عراقی)، مناقب هنروان (۱۲۱، ۷۹ -۷۸)، هفت اقلیم (۴۳۰/۲)، هنر عهد تیموریان (۵۵۷ -۵۵۶، ۵۱۲ -۵۱۱).

بابا شیرازی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «دیوان» میرزا تقی علی‌آبادی، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «تمت الکتاب... علی بابا ابن‌مرحمت پناه، میرزا محمد شیرازی... فی سنه‌ی ۱۲۵۸»؛ یک نسخ شش دفتر «مثنوی» مولانا، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «... علی بابا ابن‌مرحوم میرزا محمد شبیه‌ساز شیرازی تحریر یافت... فی سنه‌ی ۱۲۵۵».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۳۹ / ۲).

بابا طالب اصفهانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۳۲ ق)، شاعر. چون از ابتدا با درویشان و خرقه‌پوشان آمیزش داشت، به بابا طالب مشهور شد. بابا در عهد شاه عباس اول به هندوستان رفت و در کشمیر سکونت گزید و نزد یوسف شاه والی کشمیر تقرب یافت و مدتی مصاحب مجلس خاص او شد. پس

از تسلط جلال‌الدین محمد اکبر پادشاه گورکانی بر کشمیر در زمره‌ی منشیان شاهی درآمد و جلال‌الدین اکبر او را در سال ۹۹۷ ق از کشمیر به سفارت نزد حاکم تبت کلان، خرد علی رای فرستاد. وی رساله‌ای در غرایب و نوادر آن سرزمین نوشت که ابوالفضل علامی آن را در «اکبر نامه» گنجانید. بابا طالب مدتی میر عدل ممالک پنجاب و قندهار شد. وی با مولانا قاسم کاهی و مولانا نظیری که از دانشمندان روزگار بودند، مصاحبت داشت. در کشمیر درگذشت و نزدیک مزار بابا خیل دفن گردید. اشعار وی در «اکبر نامه» آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۴۵۸/۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۵۳۱/۱)، تاریخ نظم و نثر (۴۳۱)، تذکره‌ی روز روشن (۴۹۳)، الذریعه (۶۳۷/۹)، کاروان هند (۷۸۸ -۷۸۳ /۱)، مآثر رحیمی (۱۲۶۶ -۱۲۵۹ /۴) هفت اقلیم (۴۳۱ -۴۳۰ /۲).

بابا طاهر همدانی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، عارف و شاعر. بابا طاهر عریان همدانی از بزرگان مشایخ صوفیه و عارفی شوریده حال بوده است. روایاتی که راجع به او نوشته‌اند به قدری افسانه‌آمیز است که وی را از یک سو با آل‌بویه و ابن‌سینا همعصر جلوه می‌دهد و از سوی دیگر شاهد قتل عین القضاة همدانی و حتی معاصر خواجه نصیر طوسی. به هر حال، قدیمترین مآخذی که وجود دارد نشان می‌دهد که هنگام ورود طغرل به همدان زنده بوده است و قول بعضی مأخذ دیگر که وفات وی را به سال ۴۱۰ ق دانسته‌اند، نمی‌توان قبول کرد. البته ملاقات وی با طغرل با قول کسانی که وی را معاصر دیالمه دانسته‌اند منافاتی ندارد. چون از اشعار بابا طاهر نسخه‌ی موثق و معتبر قدیمی در دست نیست، نمی‌توان از روی تحقیق حکمی کرد. مقبره‌ی وی در سمت غربی کنار شهر همدان در کویی معروف به بن‌بازار در مقابل بقعه‌ی امامزاده حارث بن علی واقع است. از بابا طاهر مجموعه‌یی از «کلمات قصار» به عربی باقی مانده است که عقاید عرفانی او را در علم و معرفت و ذکر و عبادت بیان کرده است. همچنین مجموعه دوبیتی‌ها، که به لهجه‌ی لری است پر از لطایف و عواطف رقیق و معانی دل‌انگیز می‌باشد.[۱]

باباطاهر عریان همدانی، از شاعران و عارفان اواسط قرن پنجم معاصر طغرل سلجوقی است. ولادت او در اواخر قرن چهارم اتفاق افتاده. طغرل آنگاه که به همدان رفت (۴۴۵ ه.ق.) با او و بابا جعفر و شیخ حمشا در کوه خضر دیدار کرد. باباطاهر او را اندرز داد و سر ابریقی شکسته که سالها از آن وضو کرده بود در انگشت سلطان کرد و گفت مملکت عالم چنین در دست تو کردم، بر عدل باش! وفات او را به سال ۴۱۰ نوشته‌اند. از وی مجموعه ای از کلمات (ه. م.) به عربی در دست است، و دیگر مجموعه ترانه‌های او به لهجه خاص. این ترانه‌ها لطیف و مشحون از عواطف رقیق است و مکرر با تصرفاتی به طبع رسیده (آرامگاه باباطاهر).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] بزرگان و سخن سرایان همدان (۷۶ -۶۳ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۸۶ -۳۸۳ /۲)، تذکره‌ی روز روشن (۴۹۵)، جستجو در تصوف (۱۹۲ -۱۸۶)، دایرة‌المعارف فارسی (۳۵۷/۱)، الذریعه (۱۱۷/۹)، رباعی و رباعی‌سرایان (۱۹۳ -۱۹۱) راحة‌الصدور (۹۹ -۹۸)، ریاض العارفین (۱۰۳ -۱۰۲) ریحانه، (۲۱۵ -۲۱۴ /۱)، سرآمدن فرهنگ (۲۱۰/۱)، شرح احوال و آثار و دوبیتی‌های بابا طاهر عریان، فرهنگ ادبیات فارسی (۸۲ -۸۱)، فرهنگ سخنوران (۵۸۴)، لغت‌نامه (ذیل/ بابا طاهر)، مجمع الفصحا (۸۴۵/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶-۳ /۲)، هزار سال شعر فارسی (۱۲۳ -۱۲۰).

بابا علیشاه هروی، علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، عارف و شاعر. ملقب به ابدال. وی معاصر شاهرخ و سلطان حسین میرزا بود. اعمال و کارهای خارق‌العاده‌ی به او نسبت داده‌اند. وی در مدرسه‌ی جامی تلمذ می‌کرد و جامی به وی ارادت داشت. او شعر فارسی را نیکو می‌سرود و صاحب «دیوان» شعری است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۲۸، ۳۳۲)، الذریعه (۷۶۵/۹)، ریاض العارفین (۲۲۱)، فرهنگ سخنوران (۶۵۲، ۱۵)، گلزار جاویدان (۱۸۴/۱)، هفت اقلیم (۱۵۷ -۱۵۶ /۲).

بابا عین‌الملک

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از مشایخ معروف ماوراءالنهر و مردی مجذوب بود. مردم به وی بسیار معتقد بودند. تعدادی رباعی از او باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۱۲).

بابا فغانی شیرازی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۲۵ ق)، شاعر، متخلص به فغانی. در شیراز متولد شد. در سی سالگی به خراسان رفت و در هرات به خدمت جامی رسید. پس از آن به تبریز رفت و در سلک شعرای دربار سلطان یعقوب آق قویونلو درآمد و از سلطان لقب بابا گرفت. بعد از مرگ ممدوح خود به شیراز بازگشت و از آنجا مجددا به خراسان رفت. در پایان عمر از اعمال بیهوده و نادرست خود توبه کرد و مجاور مشهد الرضا (ع) شد و قصایدی در منقبت آن امام همام و دیگر بزرگان دین سرود. در مشهد درگذشت و در قدمگاه دفن گردید. فغانی ابتدای امر، سکاکی تخلص می‌کرد. او از بزرگترین غزلسرایان عهد خود بود و به او حافظ کوچک لقب داده‌اند. وی شیوه و طرز نوی در شعر فارسی پدید آورد و در حقیقت پایه‌گذار سبکی شد که متأخران آن را سبک هندی یا اصفهانی خواندند. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۱۵/۸)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۵۴ -۱۵۳ /۴) تاریخ ادبیات در ایران (۴۱۷ -۴۱۱ /۴)، تاریخ نظم و نثر (۴۳۸ -۴۳۷ /۱)، تحفه سامی (۱۷۷ -۱۷۶)، دایرةالمعارف فارسی (۱۹۱۲/۲)، الذریعه (۸۴۰/۹)، ریاض العارفین (۱۲۲)، ریحانه (۲۱۵/۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۷۶/۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۸۲ -۸۱)، فرهنگ سخنوران (۷۱۴)، لغت‌نامه (ذیل/ بابا فغانی)، مؤلفین کتب چاپی (۶/۲)، مجالس النفائس (۳۰۷ -۲۵۵)، مجالس المؤمنین (۶۹۲ -۶۸۹ /۲)، مرآت الخیال (۷۵ -۷۴) مرآت الفصاحه (۴۷۹ -۴۷۸)، هفت اقلیم (۲۲۰ -۲۱۹ /۱).

بابا کوهی شیرازی، ابو عبدالله محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۸/۴۲۰ ق)، صوفی و شاعر، متخلص به کوهی. در شیراز متولد شد و در خدمت اصحاب کمال به کسب علوم و فضایل پرداخت. وی از مریدان شیخ ابو عبدالله خفیف مشهور به شیخ کبیر و برادر پیرحسین شروانات بود. ابو عبدالله سفرهای بسیاری کرد و در طی آنها در نیشابور با ابوسعید ابوالخیر و ابوالعباس نهاوندی دیدار کرد. ابن‌باکویه همچنین متنبی، شاعر معروف عرب، را در شیراز دید و «دیوان» او را از گوینده‌ی آن شنید. باباکوهی اواخر عمر خویش را در خانقاه خویش در انزوا زیست و در همان جا درگذشت و دفن شد. از کوهی «دیوان» شعری بر جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۴۸۴)، تاریخ نظم و نثر (۵۷)، تعلیقات اسرار التوحید (۶۶۲ -۶۶۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۵۷ -۱۴۹ /۱) الذریعه (۱۱۷/۹)، ریاض العارفین (۱۲۸ -۱۲۷)، ریحانه (۲۱۷ -۲۱۶ /۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۷۷/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ بابا کوهی)، مرآت الفصاحه (۵۲۹ -۵۲۶)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۳ -۵۷۲ /۵)، مجمع الفصحا (۱۱۴۳/۳).

بابا مستوفی آشتیانی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۵۵ ق)، خطاط. وی برادر میرزا حسن مستوفی الممالک و در علم سیاق سرآمد بود. بابا مستوفی نستعلیق و شکسته را نیکو می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۵۷/۴، ۸۳/۱).

بابا میر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از خوشنویسان گمنام است. از آثار او: قطعه‌ای از مرقع بهرام میرزا به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «مشقه العبد الفقیر بابامیر تجاوز الله عنه»، که در کتابخانه‌ی خزینه‌ی اوقاف استانبول موجود است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۲/۱).

بابا نصیبی گیلانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۴ ق)، شاعر. در گیلان متولد شد. در جوانی به تبریز رفت و در آن شهر به حلوافروشی پرداخت. از طریق فغانی، شاعر معروف قرن دهم که اشعار او را پسندید، به دربار سلطان یعقوب بایندری راه یافت و مقرب دربار شد. دوران پادشاهی شاه اسماعیل اول صفوی و قسمتی از دوران سلطنت شاه طهماسب را درک کرد. در تبریز درگذشت. اثر وی «دیوان» شعری است حدود هزار و پانصد بیت که به شیوه‌ی غزلسرایان پایان قرن نهم هجری سروده شده است. سخن وی روان و سهل، ولی، متوسط و کم مضمون است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۶۰ -۸۵۸ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۸ -۶۴۴ /۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۵۶۹/۱)، تاریخ نظم و نثر (۶۴۷)، تحفه سامی (۱۹۴ -۱۹۳)، تذکره‌ی روز روشن (۸۲۳ -۸۲۱)، الذریعه (۱۱۹۷ -۱۱۹۶ /۹)، گلزار جاویدان (۱۸۶/۱)، لغت‌نامه (ذیل/ بابا نصیبی)، مجالس النفائس (۳۹۸)، نامها و نامدارهای گیلان (۶۳) هفت اقلیم (۱۳۹ -۱۳۸ /۳).

باباپور، محمد مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی باباپور

محل تولد : قائم شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدمهدی باباپور متولد ۱۳۴۳ در روستای گل‌افشان از توابع قائمشهر (مازندران) به دنیا آمدم تحصیلات ابتدایی را در همان روستا و دوران راهنمایی و دبیرستان را در رشته علوم تجربی در همان شهرستان به اتمام رساندم.پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه تهران شدم و پس از دو سال یعنی سال ۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از ۸ سال دروس سطوح حوزه را اتمام کردم و به مدت ده سال در خارج فقه و تفسیر علوم آیت الله جوادی آملی و دو سال در جامع اصول آیت الله صالحی مازندرانی کسب فیض نمودم. در کنار تحصیل حوزوی از سال ۶۸ تحصیلات دانشگاهی را آغاز نمودم. کارشناسی علوم سیاسی را در دانشگاه باقرالعلوم قم و کارشناسی ارشد علوم سیاسی را در دانشگاه شهید بهشتی تهران و دکتری علوم سیاسی در دانشگاه تهران گذراندم و هم‌اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی می‌باشم. در کنار تحصیل دروس حوزوی و دانشگاهی تدریس در حوزه و دانشگاه را به مدت ۱۵ سال طی نمودم. در مرکز جهانی علوم اسلامی و جامعهٔ الزهراء درس‌های مختلفی را ارائه نمودم. در زمینه فعالیت‌های تحقیقاتی و پژوهشی نیز پنج جلد کتاب چاپ گردیده و دو جلد آماده چاپ می‌باشد. و ده‌ها مقالات علمی و راهنمایی و مشاوره ۲۰ پایان نامه در سطح کارشناسی ارشد حوزه را نیز برعهده داشتم.

باباجان تربتی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۱۱ ق)، مذهب، موسیقیدان، و شاعر. از هنرمندان با کمال عصر خود بود و در موسیقی و شعر مهارت بسزایی داشته است. از وی آثار رقم‌داری مشاهده نشده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۹۳/۱)، پیدایش خط و خطاطان (۱۷۷)، فرهنگ سخنوران (۱۱۵).

باباجان خواجه شوقی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. نوه‌ی خواجه عبدالله عارف بود. وی در میان مریدان خاندان خود در اولوس صاین خان می‌زیست و تا هنگام

فتح هرات به دست پادشاهان ازبک زنده بود. در پیری درگذشت و در جوار پدرش او را به خاک سپردند. وی به ترکی و فارسی شعر می گفته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۴۱).

بابادوست کندری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۳۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: گیاه‌پزشکی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی گیاه‌پزشکی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۵۱، کارشناسی ارشد بیماری‌شناسی گیاهی از دانشگاه ایالتی واشنگتن در سال ۱۳۵۸، دکترای بیماری‌شناسی گیاهی از دانشگاه ایالتی کارولینای شمالی (آمریکا) در سال ۱۳۶۱، و طی دوره فوق دکترا در رشته میکوتوکسین‌ها در دانشگاه ایالتی کارولینای شمالی در سال ۱۳۶۲.

استادیار بیماری‌شناسی گیاهی در دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز در سال ۱۳۶۲، دانشیار بیماری‌شناسی گیاهی در دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز از سال ۱۳۷۰.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

کنترل بیماریهای گیاهی، میکوتوکسین‌ها، حشره‌شناسی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

کشاورزی، حشره‌شناسی، بیماریهای گیاهی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۲

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای گیاهی، میکوتوکسین‌ها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

بابادوست کندری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد بابا دوست کندری متولد ۱۳۳۰ه.ش، دارای فوق دکتری گیاهپزشکی از دانشگاه ایالتی کلرودینای شمالی آمریکا سال ۱۳۶۲، عضو هئیت علمی و دانشیار گروه گیاهپزشکی دانشگاه تبریز می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمدبابا دوست کندری درسال ۱۳۳۰ ه.ش چشم به جهان گشود. تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدبابا دوست کندری دارای کارشناسی گیاهپزشکی از دانشگاه تبریز در سال۱۳۵۱، کارشناسی ارشد بیماری شناسی گیاهی ازدانشگاه ایالتی واشنگتن در سال۱۳۵۸، دکتری بیماری شناسی گیاهی درسال۱۳۶۱ و فوق دکتری در رشته میکوتوکسینها از دانشگاه ایالتی کارولینای شمالی درسال۱۳۶۲ می باشد.خاطرات و وقایع تحصیل : اخذ دکتری و فوق دکتری گیاهپزشکی از آمریکا، از مقاطع مهم زندگی علمی بابا دوست کندری بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : محمدبابا دوست کندری ضمن تحصیل به مطالعه، تحقیق و تالیف‌آثاری پیرامون حشره شناسی و بیماریهای گیاهی مشغول بوده است.وقایع میانسالی : محمد بابا دوست کندری پس از فراغت از تحصیل در دانشگاه به عنوان عضو هئیت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز استخدام شد. وی هم اکنون با سمت دانشیار به فعالیت در آنجا مشغول است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدبابا دوست کندری عضو هئیت علمی و دانشیار گروه گیاهپزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز می باشد.فعالیتهای آموزشی : محمدبابا دوست کندری سالهاست که به تدریس دروس مربوط به گیاهپزشکی و حشره شناسی در دانشگاه تبریز مشغول به کار است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد بابا دوست کندری در کنار تدریس به مطالعه و تحقیق و تالیف آثاری پیرامون کنترل بیماریهای گیاهی، میکوتوکسینها ، حشره شناسی و ... مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : محمدبابا دوست کندری از جمله گیاهپزشکانی است که تحقیقاتی پیرامون بیماریهای گیاهی، میکوتوکسینها و حشره شناسی داشته است.آثار : حشره شناسی کنترل بیماریهای گیاهی میکرتوکسینها

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com

بابازاده، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر بابازاده

محل تولد : آذرشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

این حقیر تا پایان ششم ابتدایی در مدرسه علوی آذر شهر تحصیل داشتم. همه ساله شاگرد اول، در پایان کلاس ششم در منطقه در امتحان نهایی ممتاز شدم. یک سال در مدرسه طالبیه تبریز تا پایان سیوطی و جامی تحصیل کرده سپس در قم به تحصیل پرداختم. سطح را در ۷ سال به پایان رسانده ودر سال ۱۳۵۱ در امتحانات خارج حوزه قبول شدم و از مدرسین و مراجع فعلی حوزه تلمذ نموده و بیش از ۲۰ سال دوره خارج دیده ام و به طور کتبی تاییدیه دارم. از تمام مراجع تقلید و شخص مقام رهبری در امور حسبی وکالت و نمایندگی دارم. در موسسه بسیار وزین علمی(دار التبلیغ سابق) که همچون علامه طباطبایی، آیت الله مکارم، آیت الله سبحانی، شهید مطهری، آیت الله شبیری و سایر رجال علمی و سیاسی از اساتید آنجا بودند، شش سال دوره عادی سپس دو سال دوره تخصصی و عالی را به پایان رسانده و پیوسته جزو دانشجویان ممتاز بودم. دراین میان از من درخواست شد که برای ادامه تحصیل و به عنوان مبادله دانشجو به آمریکا بروم که به جهت عائله مندی نپذیرفتم.مدت یک سال و اندی مدیریت مرکز تحقیقات و تالیفات موسسه امام صادق علیه السلام را به عهده داشتم که خود استعفا دادم.چهار سال در سازمان امور اداری استخدامی کشور در شعبه تحقیقاتی قم عضو ارشد و فعال پژوهشی و نگارشی بودم و چند اثر توسط حقیر نگارش شده از جمله (ولایت فقیه) که کتاب درسی برای موسسات و وزارتخانه ها می باشد.تا به حال ۲۸ جلد کتاب چاپ شده و تعدادی مقالات چاپ شده تقدیم داشته ام. در این میان کتاب (تحلیل سیره فاطمه زهرا سلام الله علیها) و اخیرا کتاب(سیری در سیره فاطمه زهرا«س»)رسما از طرف شورای مدیریت حوزه به عنوان کتاب درسی حوزه های بانوان سراسر کشور می باشد از مجموع کتاب هایم تا به حال سه عنوان کتاب های برتر و برگزیده حوزه علمیه انتخاب شده و مورد تقدیر مراجع بزرگ و گاهی تشویق و مقدمه آنان قرار گرفته ام. به ویژه از سوی رهبر معظم انقلاب مورد تفقد واقع شده (هم نماینده ایشان تلفنی از برخی نوشته هایم تقدیر داشتند و هم رئیس بیت قم و معاونت فرهنگی معظم له جناب آقای مروی به همراه دیگران برای تفقد و تشویق و ابلاغ سلام و پیام به منزلم آمدند.) در حوزه علمیه از طرف شورای مدیریت و مدارج علمی حوزه در جایگاه استاد راهنما و استاد مشاور در خدمت فضلاء و دانشمندان حوزه در نگارش رسائل علمی و پایان نامه انجام وظیفه می کنم. در ضمن از اعضای نخستین نخبگان حوزه می باشم. مقاطع کوتاهی در دانشکده سپاه قم در رشته (حقوق) و (احکام و فقه) برای مدیران سپاه تدریس داشتم که به جهت مسافرت های زیادی که دارم ادامه ندادم. در حوزه علمیه در سال های آغازین درسم به تدریس حاشیه و معالم می پرداختم که سپس به جهت اشتغال زیاد در محورهای مختلف تحصیلی از ادامه آن خودداری نمودم. ناگفته نماند که دروس متوسطه را به طور متفرقه به پایان رساندم و حتی یک ساعت در کلاس نبوده ام. بنده در مسیر تحصیل و تعلیم روزانه ۱۶ ساعت مشغول کسب علم بودم. نظم، اخلاص، انگیزه ، پشتکاری و ... از ابراز موفقیت من بودند. از خداوند متعال می خواهم با نیت خالصانه در مسیر اهل بیت نگه داشته و عاقبت بخیری را روزی من گرداند و السلام علیکم و رحمه الله

بابالار، مصباح

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر مصباح بابالار متولد ۱۳۳۰ خورشیدی زرند ساوه میباشند.وی لیسانس خود را از مدرسهٔ عالی مهندسی کشاورزی مازندران و فوق لیسانس و دکتری بیولوژی و فیزیولوژی گیاهی را از دانشگاه ژوسیوی فرانسه (پاریس ۷) دریافت نمود. دکتر بابالار در سال ۱۳۶۴ به استخدام دانشگاه تهران و دانشکدهٔ کشاورزی (گروه باغبانی) درآمد. در بدو استخدام به مدت ۵ سال مأمور به خدمت در دانشگاه رازی کرمانشاه شد. نامبرده هم اینک با رتبه علمی دانشیاری در دانشگاه تهران مشغول فعالیت است.گروه : کشاورزیرشته : باغبانیگرایش : بیولوژی و فیزیولوژی گیاهیتحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات ابتدایی و بخشی از تحصیلات متوسطه را در زرند ساوه گذرانید. در ادامهٔ تحصیل، دیپلم متوسطه تجربی را از دبیرستان هنر بخش تهران دریافت کرد. وی لیسانس خود را از مدرسهٔ عالی مهندسی کشاورزی مازندران و فوق لیسانس و دکتری بیولوژی و فیزیولوژی گیاهی را از دانشگاه ژوسیوی فرانسه (پاریس ۷) دریافت نمود.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر بابالار در سال ۱۳۶۴ به استخدام دانشگاه تهران و دانشکدهٔ کشاورزی (گروه باغبانی) درآمد. در بدو استخدام به مدت ۵ سال مأمور به خدمت در دانشگاه رازی کرمانشاه شد. از سال ۱۳۷۱ و بعد از خاتمهٔ مأموریت به دانشکدهٔ کشاورزی دانشگاه تهران بازگشت. وی هم اینک به عنوان دانشیار در دانشگاه تهران مشغول است.ایشان همچنین مدتی عهده دار سمت مدیر کل پژوهش های کاربردی دانشگاه تهران بوده است.فعالیتهای آموزشی : سوابق آموزشی و عنوان دروس ارائه شده توسط دکتر بابالار : مدرس کارشناسی ارشد : * کشت بافت و سلول گیاهی * تغذیه و

متابولیسم در گیاهان باغبانی * فیزیولوژی پس از برداشت تکمیلی دکتری : * بیوشیمی گیاهیچگونگی عرضه آثار : از دکتر مصباح بابالار تعدادی مقالات در نشریه های بین المللی و کنگره های جهانی و مجله های علمی پژوهشی داخلی چاپ شده است . نیز از ایشان تعدادی مقاله در سمینارها ارائه شده است. آثار : تغذیه درختان میوه ویژگی اثر : پدیدآورنده: مصباح بابالار (مترجم)، محسن پیرمرادیان (مترجم) ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ – ۱۴ تیر، ۱۳۸۵۲ تغذیه معدنی گیاهان ویژگی اثر : پدیدآورنده: مه لقا قربانعلی، مصباح بابالار ناشر: دانشگاه تربیت معلم –

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

بابای انجوی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۷۹ –۱۲۵۵ ق)، خطاط. وی همه‌ی خطوط متداول را خوش می‌نوشت و در جوانی درگذشت. از آثار وی، حواشی قرآنی است که به خط نستعلیق و شکسته‌ی خوش نوشته شده، با رقم: «تمت الحواشی فی عشر ثالث محرم الحرام من شهور سنهٔ ۱۲۷۹ علی ید اقل السادات، میر محمد، الشهیر بمیرزا بابای الانجوی غفر له».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۴۵)، احوال و آثار خوشنویسان (۸۵ –۸۴ /۱).

بابای قزوینی، رضی‌الدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، شاعر، متخلص به سلمانی. وی از شعرای معروف دوره‌ی اباقاخان بود. و به فرمان او مدتی به حکومت دیاربکر اشتغال داشت و سپس از آن مقام معزول شد. برادرش، ملک امام‌الدین یحیی، حاکم قزوین بود. پسرش، عمادالدین اسماعیل، نیز اشعار خوبی دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ گزیده (۸۰۰، ۷۳۳)، حبیب السیر (۱۱۷/۳)، الذریعه (۳۷۴، ۳۷۳، –۳۷۲، ۱۱۷ /۹)، لغت‌نامه (ذیل/ رضی‌الدین)، هفت اقلیم (۱۶۰ –۱۵۹ /۳).

بابایی، اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اصغر بابایی ساخمرسی

محل تولد : ساخمرس ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب اصغر بابایی ساخمرسی ساکن استان مازندران، شهرستان نکاء، روستای مرس کوچک، تحصیلات دوران ابتدایی را در روستای مرس کوچک یا محل تولد پشت سرگذاشته ام. و تحصیلات دوران راهنمایی و دوران متوسطه را در شهرستان نکاء به پایان رسانده ام و در رشته ی فرهنگ و ادب موفق به اخذ دیپلم شده‌ام.در سال تحصیلی ۱۳۶۴–۱۳۶۳ وارد حوزه شده‌ام و در حوزه‌ی امام صادق(ع) شهرستان نکاء مشغول تحصیل علوم دینی شده‌ام.در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه امام خمینی(ره) گرگان شدم و تا سال ۱۳۷۱ در آن حوزه مشغول تحصیل بوده‌ام و از آن تاریخ به بعد وارد حوزه علمیه قم مقدس شده‌ام و تاکنون مشغول تحصیل علوم حوزوی بوده‌ام.

در ضمن در سال ۱۳۷۳ از طریق کنکور وارد دانشگاه شده‌ام و در رشته‌ی حقوق، در دانشگاه مفید قم موفق به اخذ مدرک لیسانس شده‌ام و پس از آن در رشته مهارتهای تبلیغ نیز زیر نظر دفتر تبلیغات، رشته‌ی تخصصی تبلیغ و شیوه‌های کلاس داری و علوم تربیتی را در ۵۶ واحد درس پشت سر گذاشته‌ام. در راستای علوم حوزوی نیز تا پایه‌ی دهم امتحانات کتبی و شفاهی را به پایان برده و با نوشتن پایان نامه‌ی سطح ۳ حوزه و دفاع از آن، حدود هشت سال شرکت در درس خارج و هفت نوبت مصاحبه‌ی درس خارج، اصول و فقه.

بابایی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی بابایی

محل تولد : پلدختر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۴/۸/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۱۴ در خلیل اکبر (یکی از روستاهای پل دختر) متولد شدم، تحصیلات ابتدائی را در پلدختر گذراندم.

در سال ۱۳۳۳ وارد حوزه علمیه خرم آباد شـدم و از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۴۲ در آنجا بودم و از محضـر آیت الله کمالوند بهره بردم و از سال ۱۳۴۲ به قم مهاجرت نمودم و در محضـر اساتید آنجا به کسب علوم دینیه پرداختم و ضـمن تحصـیل بنا به فرموده حضرت امام ره و سـایر علمای اعلام به مبارزه با رژیم شاه پرداختم و بیش از ۱۶ سال با رژیم مبارزه کردیم و در جنگ فیضیه شرکت داشته ام و ضربـاتی به فک و کتف اینجانب وارد شـد که هنوز هم آثار آن موجود است و بعـد از پیروزی انقلاب همان مسئولیت هایی را که ذکر کردیم عهده دار بوده ام و نسبت به انقلاب و دستورات رهبر کبیر انقلاب هیچ گونه مسامحه و کوتاهی تاکنون نداشته ام و هم اکنون مسئول حوزه علمیه امام صادق که موسس آن خودم بوده ام می باشم.

این حوزه تعداد ۵۰ نفر طلبه برادر و ۴۰ نفر خواهر دارد. و فعالیت آنها بسیار خوب می باشد.

بابایی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر بابائی

محل تولد : اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

این جـانب علی اکبر بابائی متولـد ۱۳۳۳ در اراک پس از آموختن قرآن و برخی کتـاب هـای مـذهبی در مکتب خـانه و تحصـیلات ابتـدایی در مـدارس دولتی و دروس مقدماتی حوزه مانند صـرف و نحو در حوزه علمیه اراک در سال ۱۳۵۳ ه.ش وارد حوزهٔ علمیه قم شدم و تا سال ۱۳۵۹ ه.ش سایر دروس مقـدماتی و سـطوح عالی حوزوی را فرا گرفتم و در سال ۱۳۶۰ به دروس خارج اصول و فقه راه یافتم ، مدت کوتاهی از درس خارج اصول آیت الله مکارم و خارج فقه آیت الله تبریزی استفاده کردم ولی عمده تحصیلات خـارج فقه و اصول این جـانب از درس‌هـای خارج فقه و اصول آیت الله وحیـد خراسانی بوده است حـدود ۱۲ سـال در درس خارج اصول و حـدود ۲ سـال در درس خـارج فقه معظم له شـرکت کرده‌ام همزمـان بـا تحصـیلات خارج فقه اصول در برنامه‌های درسـی مؤسسه در راه حق و پس از اتمام دوره عمومی تحقیقات خود را در رشتهٔ تخصصی تفسیر علوم قرآنی در این مؤسسه آغاز کردم و تا سال ۱۳۷۳ ادامه یافت از سال ۱۳۷۳ تا کنون در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که قبلا دفتر حوزه و دانشگاه نامیده می‌شد به پژوهش در موضوع مباحث علوم قرآنی با گرایش منطق فهم قرآن اشـتغال داشـته‌ام و نتیجه آن تألیف کتاب‌های: روش شناسـی تفسیر قرآن. مکاتب تفسیری ج ۱ و ۲ تاریخ تفسیر قرآن بوده است.

بابایی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود بابایی تحصـیلات متوسـطه خود را در شهر همدان آغاز نمود و برای تحصیلات تکمیلی با قبولی در دانشگاه علامه طباطبایی وارد تهران شـد. مدرک لیسانس را از این دانشـگاه کسب کرد. ایشان با قبولی در دانشـگاه تهران مرحله فوق لیسانس را ادامه داد و دوره دکترای خود را در رشـته ارتباطات از دانشگاه علامه طباطبایی گرفت. ایشان به عنوان عضو هیت علمی پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایرن و مدرس دانشـکده علوم اجتماعی دانشـگاه علامه طباطبایی مشغول فعالیت می باشد. گروه : علوم انسانی رشته : علوم ارتباطـات تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : – دیپلم اقتصـاد– اجتماعی از دبیرسـتان دکتر علی شـریعتی (رضا شاه سابق) همـدان (۱۳۵۸). – لیسانس علوم اجتماعی از دانشگاه علامه طباطبایی– تهران (۱۳۶۶).عنوان پایان نامه: منوگرافی روستایی – فوق لیسانس– دانشگاه تهران. عنوان پایان نامه: بررسی وضعیت ذخیره و بازیابی اطلاعات در پایگاههای اطلاعاتی مرکز اطلاعات و مدارک علمی

ایران و سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران. – دانشجوی دکتری رشته علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ۱– سردبیر مجله الکترونیکی پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران ۲– مدیر گروه پژوهشی استانداردهای اطلاع رسانی۱۳۷۸–۱۳۸۶ ۳– طراحی و مدیریت سایت مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران(به جز پایگاههای اطلاعاتی)۱۳۷۸–۱۳۸۶ ۴– رییس بخش تهیه مدارک مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.۱۳۷۱–۱۳۷۴ ۵– آموزگار دبیرستان ۱۳۷۰–۱۳۷۱ ۶– پژوهشگر ۱۳۶۶–۱۳۷۰ فعالیتهای آموزشی : محمود بابایی عضو هیئت علمی پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران و مدرس دانشکده علوم اجتماعی(دانشگاه علامه طباطبائی) می باشد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمود بابایی به عنوان مجری ۹ پروژه و ناظر ۴ پروژه، همکاری با ۴ پروژه فعالیت داشته است. در کارنامه مسئولیتهای ایشان می توان به سوابق پژوهشی وی اشاره کرد: ۱. پژوهش در زمینه وب و نشر الکترونیکی ۲. پژوهش در زمینه یادگیری الکترونیکی ۳. پژوهش در زمینه نیازسنجی چگونگی عرضه آثار : محمود بابایی ۶ مقاله به چاپ رسانیده است ، همچنین نظارت برترجمه، ویرایش و انتشار ۹ عنوان از مجموعه کتابهای اسلیب را عهده دار بوده است: ۱– انتخاب منابع اطلاعاتی ۲– ارزشیابی خدمات کتابداری و اطلاع رسانی ۳– مدیریت مجموعه های فیلم و ویدیو ۴– تهیه راهنما برای خدمات کتابداری و اطلاع رسانی ۵– برنامه ریزی حوادث در خدمات اطلاع رسانی و کتابداری ۶– برنامه ریزی استراتژیک برای خدمات کتابداری و اطلاع رسانی ۷–تبلیغ کارآمد سایت وب ۸– دورکاری برای کتابداران و اطلاع رسانان ۹– مدیریت خودکارسازی کتابخانه ها آثار :نشر الکترونیکی ویژگی اثر : (تألیف) .تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، (۱۳۸۲).۲ نیاز سنجی اطلاعات ویژگی اثر : (تألیف) .تهران: پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۸۶(ویرایش دوم چاپ سوم)

بابائی روچی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : غلامرضا بابائی روچی در سال ۱۳۳۲ در تهران به دنیا آمد. وی اولین فارغ التحصیل دکترای تخصصی در رشته آمار زیستی در ایران است است.

گروه : علوم پایه

رشته : آمار

گرایش : آمار زیستی

والدین و انساب : پدر غلامرضا بابائی روچی آقای حاج حبیب اله بابایی روچی متولد سال ۱۳۰۴ شهر قزوین است و نیز مادر محترمشان لقا رحیمی متولد ۱۳۰۸ شهر قزوین است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : دریافت مدرک دیپلم ریاضی سال ۱۳۵۲ اخذ کارشناسی ریاضی و علوم کامپیوتر سال ۱۳۵۶ اخذ کارشناسی ارشد از دانشگاه تربیت مدرس در رشته آمار زیستی سال ۱۳۶۴ اخذ درجه دکتری تخصصی رشته آمار زیستی سال ۱۳۷۲

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

بابر سلطان

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. او پادشاهی کریم و سلیم الطبع و عادل و باذل و رعیت‌پرور بود، دانشمندان و هنرمندان را قدر نیکو می‌نهاد، طبع او موزون و سخنش چون در مکنون بود. به قول واله در سال ۸۶۱ ق به مشهد مقدس رفت و در همان جا درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :مخزن الغرائب (۲۳۱ –۲۹۹ /۱)، نشتر عشق (۲۱۱ –۲۱۰ /۱).

بابکی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد بابکی

محل تولد : دماوند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۳ پس از اتمـام مقطع سـیکل وارد حوزه علمیه قم شـدم و به فراگیری علوم حوزوی روی آوردم؛ از آن تاریـخ تـاکنون در حوزه به درس و بحث و مطالعه، تحقیق و تدریس اشتغال دارم. جز ایام تبلیغی و مانند آن از اشتغالات علمی سرباز نزدم، تحصیلات مقدماتی و سـطح را تا سال ۱۳۶۵ ادامه دادم و از سـال ۱۳۶۶ به درس هـای خارج فقه و اصول راه یافتم و از محضـر بزرگانی چون حضـرات آیات نجفی مرعشـی، تبریزی، فاضل لنکرانی، وحید خراسانی، مکارم شیرازی، کوکبی ، انصاری شیرازی ، مصباح یزدی، جـوادی آملی و حسن زاده آملی اسـتفاده بردم و هم اکنـون به تـدریس سـطوح عـالی حـوزه و تحقیق در عرصه هـای مختلف فقهی اشتغال دارم

بابلیان، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی‌آمار، دانشکده: موسسه ریاضیات مصاحب، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی در رشته ریاضیات و ریاضیات آماری، متخصص در معادلات انتگرال.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

روشـهای حل عـددی معادلات انتگرال نوع اول فرد هلم، روشـهای حل عـددی دسـتگاه معادلات خطی و غیر خطی و حل معادلات انتگرال نوع دوم، الگوریتمهـای موازی برای حـل عـددی معادلات انتگرال، معادلات انتگرال و دیفرانسـیل، بررسـی و تحقیق روی روشـهای عددی انتگرال گیری، روشـهای شـتاب دهنده به روشـهای SOR برای حـل دسـتگاه معادلات خطی، طرح کاربرد آنالیز عددی در پیش‌بینی افزایش ارتفاع آب دریای خزر، راهنمائی و مشاوره ۷ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

ریاضـیات ابتـدائی (سـوم و پنجـم)، روش تـدریس ریاضـی (سـوم و پنجـم)، محاسـبات عـددی و آنـالیز عـددی، مبـانی کـامپیوتر و برنامه‌سازی (برای دبیرستان) و ریاضیات ۱ و ۲ (نظام جدید).

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات: حل عددی معادلات دیفرانسیل، معادلات انتگرال و معادلات انتگرال دیفرانسیل، مسائل بد وضع و دستگاههای مجانبا قطری، مباحثی از آنالیز عددی و نظریه اعداد و دیفرانسیل‌گیری کسری کامپیوترهای موازی و الگوریتمهای موازی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

بابونه‌ی گرجی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۹۵ ق) خطاط. میرزا سنگلاخ از این شخص نام برده و گوید: برده‌ی آزاد کرده‌ی ابوتراب خوشنویس اصفهانی و پرورده‌ی او بود. بابونه پس از مرگ ابوتراب آنقدر گریست که کور شد. سفری به هندوستان کرد و همان جا درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۲/۱)، تذکرهٔ الخطاطین (۵۱ –۳۷ /۲).

باخرزی، ابوالحسن، ابوالقاسم علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۶۷ ق)، ادیب، شـاعر و فقیه شـافعی. مشـهور به رییس علی حسن‌خـان و ملقب به تاج الرؤسا. در باخرز و نیشابور به فراگیری علم پرداخت و سـفری دور و دراز به شـهرهای ایران و عراق کرد. وی در جوانی کاتب طغرل بیگ و شاگرد شـیخ ابومحمـد جوینی بود. امـا به میـل خود از دربـار بیرون رفت و در سـلک عارفـان درآمـد. وی در مجلس شـادخواری به دست والی باخرز کشـته شـد.

باخرزی به زبان فارسی و عربی «دیوان» شعر داشته که «دیوان» فارسی او از میان رفته است و همچنین در شعر فارسی مجموعه‌ی رباعیاتی به نام «طرب خانه» داشته که ظاهرا آن هم در میان نیست. از شعر فارسی او جز یک قصیده و چند قطعه چیز دیگری در دست نیست. از دیگر آثار او کتاب «دمیهٔ القصر و عمرهٔ اهل العصر» که از کتابهای معروف ادبیات عرب و ذیلی است بر «یتیمهٔ الدهر» ثعالبی. گویند علی بن زید بیهقی بر آن ذیلی تحت عنوان «وشاح الدمیهٔ» نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۸۱/۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۳۸ –۱۰۳۷ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۵۳ –۵۲)، دایرهٔالمعارف فارسی (۳۶۲/۱)، الذریعه (۱۱۸/۹)، رباعی و رباعی‌سرایان (۱۰۷ –۱۰۶) ریحانه (۲۱۹ –۲۱۸ /۱)، سیرالنبلاء (۳۶۴ –۳۶۳ /۱۸)، فرهنگ ادبیات فارسی (۸۳ –۸۲)، فرهنگ سخنوران (۴۰۱)، کشف الظنون (۲۰۴۹، ۱۱۰۳، ۷۷۸، ۷۶۱)، الکنی و الالقاب (۶۳/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ باخرزی)، معجم الادباء (۴۸ –۳۳ /۱۳)، معجم البلدان (۳۷۶/۱)، معجم المؤلفین (۶۵/۷)، وفیات الاعیان (۳۸۹ –۳۸۷ /۳)، هدیهٔ العارفین (۶۹۲/۱).

باخرزی، تاج‌الدین اسماعیل

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. وی از اکابر و اعیان باخرز و از شاعران دوره آل سلجوق بود و از معاصران ابوالحسن طلحه و سمایی. از وی ابیاتی نغز به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۳۹۱ –۳۹۰ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۹۴ –۶۹۲ /۲)، تذکره‌ی روز روشن (۴۸)، لباب الالباب (۱۵۹ –۱۵۶ /۲)، هفت اقلیم (۱۶۹ –۱۶۸ /۲).

باخرزی، سیف‌الدین، ابوالمعالی سعید

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۵۹ –۶۲۹ ق)، فقیه، شاعر، صوفی. ملقب به شیخ الاسلام. وی را از مشایخ صوفیه و مریدان و اصحاب عارف مشهور، نجم‌الدین کبری، (۶۱۸ –۵۴۰ ق) دانسته و گفته‌اند که نجم‌الدین او را بعد از اعطاء خرقه به بخارا فرستاد. باخرزی در بخارا زیست و طریقه کبرویه را نشر داد و در همان جا وفات یافت. وی با عده‌ای از اصحاب شیخ نجم‌الدین مانند: شیخ مجدالدین بغدادی، فریدالدین عطار و شیخ سعدالدین حمویه و نجم‌الدین ابوبکر عبدالله بن محمد، معروف به دایه و رضی‌الدین علی لالای غزنوی معاصر بوده. سیف‌الدین در نظم و نثر صاحب اثر است و «دیوان» شعر دارد. پاره‌ای از رباعیات وی ضمن مجموعه رباعیات ابوسعید ابوالخیر در تهران به چاپ رسیده است. از وی رساله‌ای به فارسی در معنی عشق و اشعار متوسطی بازمانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اوراد الاحباب (۳۰۳–۳۰۰ و صفحات دیگر)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۵۸ –۸۵۶ /۲)، تاریخ گزیده، (۶۷۲ –۶۷۱)، حبیب السیر (۶۱/۳)، دنباله جستجو در تصوف (۱۱۲ –۱۰۸)، الذریعه (۴۸۶ –۴۸۵ /۹)، رباعی و رباعی‌سرایان (۱۵۵ –۱۵۴)، سفرنامه‌ی ابن‌بطوطه (۴۴۶ –۴۴۵ /۱)، فرهنگ سخنوران (۴۸۱)، لغت‌نامه (ذیل– باخرزی)، مجمل فصیحی (ذیل/ سالهای ۶۵۸ ، ۵۷۶)، نفحات الانس (۴۳۴ –۴۳۳)، هفت اقلیم (۱۶۶ –۱۶۵ /۲).

بادامیاری، علی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۹۹ ق)، صوفی و شاعر، متخلص به علی. از مردم بادامیار، از نواحی دهخوارقان آذربایجان و ساکن آنجا بود. او از مشایخ تصوف زمان خود و مرید خواجه یوسف دهخوارقانی بود. خواجه علی در زادگاهش درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۴۷)، دانشمندان آذربایجان (۲۷۷)، الذریعه (۷۵۱/۹)، روضات الجنان (۷۷ –۷۵ /۲)، فرهنگ سخنوران (۶۴۶).

بادغیسی، حنظله

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۲۰/۲۱۹ ق)، شاعر. از نخستین شاعر و گویندگان زبان پارسی است که در عهد طاهریان می‌زیست. نظامی عروضی از قول احمد بن عبداللّه خجستانی «دیوان» شعری به وی نسبت می‌دهد. از اشعار وی تها پنج بیت، شامل یک قطعه دو بیتی و یک مفرد به دست آمده است.[۱]

باد غیسی. وی از قدیمی‌ترین شاعران فارسی گوی پس از اسلام و معاصر طاهریان بوده است. (ف. حدود ۲۲۰ ه.ق.)

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] پیشاهنگان شعر فارسی (۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۸۰ –۱۷۹ /۱)، تاریخ ادبی ایران (۶۶۰ –۵۲۱ /۱)، تذکره‌ی روز روشن (۲۲۱)، چهار مقاله (۴۲)، دایرهٔالمعارف فارسی (۸۶۸/۱)، سخن و سخنوران (۱۶ –۱۵)، شاعران بی‌دیوان (۳)، فرهنگ سخنوران (۲۸۰)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۸۶)، لباب الالباب (۲/۲)، لغت نامه (ذیل/ حنظله بادغیسی)، معارف (۱۳۶۲/ ش ۲)، مجمع الفصحا (۶۰۰ –۵۹۷ /۲)، هفت اقلیم (۱۳۰/۲).

بادکوبه‌ای، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۸ –۱۲۹۳ ق)، فقیه، فیلسوف و دانشمند. وی نوه‌ی سید موسی حسینی لاهیجی بود و در قریه‌ی خوددلان بادکوبه متولد شد. سید حسین مقدمات و ادبیات را نزد پدرش آموخت و پس از فوت پدر به تهران آمد و در مدرسه‌ی صدر اقامت کرد و در مجلس درس ابوالحسن جلوه، فیلسوف مشهور شرکت جست و ریاضی و فلسفه را از وی و میرزا هاشم اشکوری آموخت. او بعد از هفت سال تحصیل به نجف رفت و در کلاس درس آخوند خراسانی شرکت کرد و فقه را از حوزه‌ی آیت الله آقا شیخ محمد حسن مامقانی فرا گرفت. وی تا آخر عمر نیز در نجف به تدریس پرداخت و در همان جا درگذشت و در جوار مرقد حضرت امیرالمؤمنین (ع) به خاک سپرده شد. فرزندش سید محمد بادکوبه‌ای از علمای بزرگ شمال و مقیم در غازیان بندر انزلی و مروج مذهب در آن ناحیه بود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۹/۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۲۷/۳).

بادکوبه‌ای، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید محمد بادکوبه‌ای فرزند علامه‌العلام والحکیم القمقام آیه‌الله آقای آقا سید حسین بادکوبه‌ای بن العالم الجلیل السید رضا بن السید موسی الحسینی الباد کوبه‌ای اللاهیجی از علماء اعلام معاصر شمال و مقیم در غازیان بندر پهلوی میباشد.

معظم‌له در خاندان فضیلت متولد و تربیت یافته و از مرحوم والد مذکورش و آیات و مراجع دیگر استفاده نموده آنگاه بایران مراجعت و در غازیان رحل اقامت افکنده و اکنون بیش از بیست سال است که در آن ناحیه باقامه جماعت و ترویجات دینی اشتغال دارد.

والد ماجدش مرحوم آیه‌الله آقا سید حسین بادکوبه‌ای در قریه (خود دلان) از قرای بادکوبه در سال ۱۲۹۳ ق متولد شده و در نزد والد عالمش تربیت یافته و مقدمات و ادبیات را فرا گرفته و پس از فوت والدش مهاجرت بطهران و در مدرسه صدر اقامت نموده و ریاضیات و فلسفه را از فیلسوف بزرگ مرحوم آقا سید ابوالحسن جلوه و میرزا هاشم اشکوری فرا گرفته و کلام را از اساتید این علم در مدت هفت سال با جدیت تمام فرا گرفته آنگاه مسافرت بنجف کرده و در درس آیه‌الله العظمی آقای آخوند خراسانی در اوائل تألیف کفایه‌اش حاضر شده و فقه را از محضر آیه‌الله آقا شیخ محمد حسن مامقانی استفاده نموده و در علم و حکمت مشار بالبنان گشته و جماعت بسیاری از فضلاء گردش جمع شده و از تحقیقات و نظریاتش استفاده مینمودند تا آنکه در شب ۲۸ شوال المکرم ۱۳۵۸ ق در حمام حضرتی نجف وفات نموده و در جوار جد گرامش حضرت علی علیه‌السلام مدفون گردیدند.

معظم‌له دارای چهار فرزند عالم و دانشمند میباشند که اسامی آنها را مینگارم: ۱– آیه‌الله آقا سید محمد مذکور ۲– آیه‌الله آقا سید حسن ساکن نجف ۳– آقا سید احمد علیل ۴– آیه‌الله آقا سید محمد باقر مقیم آبادان.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

باذل مشهدی، محمد رفیع

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۲۳ ق)، شاعر، متخلص به باذل. وی در شاهجهان آباد متولد شد. پدر و عمویش، محمد طاهر که بعدها به وزیرخان معروف شد، در عهد سلطنت شاهجهان به هند سفر کردند و به مشاغل دولتی گماشته شدند. میرزا محمد به خدمت شاهزاده معزالدین درآمد و از جانب او حکومت گوالیار را یافت و تا آخر عهد اورنگ زیب در همین مقام باقی بود. پس از مرگ اورنگ

زیب به دهلی بازگشت و همان جا درگذشت. از آثارش: «حمله‌ی حیدری» که راجع به زندگی محمد بن عبدالله (ص) و علی بن ابی‌طالب (ع)، است، این مثنوی با نعت آنها شروع شده و به تبعیت پیامبر (ص) احوال و غزوات و زندگی علی (ع) ذکر شده و با ضربت خوردن علی (ع) به پایان رسیده است. میرزا محمد رفیع خان مثنوی خود را از روی کتاب «معارج النبوهٔ فی مدارج الفتوهٔ» تألیف معین‌الدین مسکین واعظ فراهی به نظم درآورد، ولی عمرش به اتمام آن وفا نکرد. پس از وی میرزا ابوطالب فندرسکی، معروف به ابوطالب آن را به اتمام رساند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۵۹۳ –۵۹۰، ۵۸۴/۵)، تذکره پیمانه (۳۶ –۳۵)، حماسه‌سرایی در ایران (۳۷۸ –۳۷۵)، الذریعه (۱۱۹ –۱۱۸ /۹، ۹۲ –۹۱ /۷)، فرهنگ سخنوران (۱۱۶)، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۲/۳)، منظومه‌های فارسی (۱۶۷ –۱۶۳).

باذلی ساوجی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، خطاط و شاعر. وی مرد مهذب و افتاده‌ای بود و از خوشنویسان معروف زمان خود به شمار می‌رفت. باذلی نستعلیق را خوب می‌نوشته و غزل را نیکو می‌سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۳ –۹۲ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۳۶)، تذکره‌ی روز روشن (۹۶)، الذریعه (۱۱۹/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۱۶)، لغت‌نامه (ذیل/ باذلی ساوجی)، مجمع الخواص (۳۰۷).

باذنی، ابوعبدالله

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، شاعر. وی شاعری روشندل بود که شعر را نیکو می‌سرود. در «معجم البلدان» آمده که: باذن از روستاهای خابران از اعمال سرخس است و از آن ابوعبدالله باذنی شاعر نیکوگویی است که مدح بلعمی وزیر و دیگران می‌گفت و کور نیز بود و حاکم در «تاریخ نیشابور» ذکرش را آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :لغت‌نامه (ذیل/ باذنی)، معجم البلدان (۳۷۸/۱).

باران‌پور، آرش

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۲۹، حصار ایذه (خوزستان).

درگذشت: ۴ آذر ۱۳۷۱، جاده‌ی اهواز.

ولی احمد (آرش) باران‌پور از سال‌های نخست انقلاب اسلامی همکاری خود را با مطبوعات آغاز کرد. این همکاری تا آخرین لحظات زندگی ادامه داشت. اکثر اشعار او در قالب آزاد بوده است. وی هیچگاه اقدام به چاپ مجموعه‌ای از اشعار خود نکرد. در سال‌های دفاع مقدس، شاعر عشق و حماسه بود.

پیش از انقلاب اسلامی، کارمند شرکت نفت در مسجد سلیمان بود و از کسانی بود که در اعتصابات شرکت نفت شرکت جست و دستگیر و به زندان کارون اهواز برده شد و یکی دو ماه بعد با پیروزی انقلاب آزاد شد. آرش فقط مدت دو ماه و نیم در شرکت نفت مشغول به کار بود. پس از آن، مغازه‌ای برای تعمیر رادیو و تلویزون باز کرد و شروع به کار کرد. اما مدتی بعد هم این شغل را رها کرد و به دنبال کتاب فروشی (بساط خیابانی) رفت و سپس چهار ماه پیش از فوت دوباره به شرکت نفت بازگشت.

باران‌پور سرانجام در روز چهارشنبه چهارم آذر ۱۳۷۱ هنگام شرکت در کنگره‌ی شعر بسیج در بوشهر به دیار باقی شتافت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بارانی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا بارانی

محل تولد : سیرجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

زندگینامه علمی محمدرضا بارانی

وی در سال ۱۳۴۴ در شهرستان سیرجان به دنیا آمد و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در سال ۱۳۶۳ شمسی مدرک دیپلم را دریافت نمود. او همچنین در زمان جنگ تحمیلی عراق بر ضد جمهوری اسلامی ایران، به همراه هم رزمان خود حدود یک سال در جبهه های جنگ و دفاع مقدس نیز حضور داشته است.

الف ـ تحصیلات حوزوی:

ایشان در سال ۶۳ پس از اخذ دیپلم به شهر مقدس قم آمده و وارد حوزه علمیه قم شده و به تحصیلات حوزوی پرداخت که شرح آن در زیر می آید:

۱. دروس دوره آغازین حوزه مانند جامع المقدمات، المغنی، سیوطی، مختصر المعانی و برخی دورس جنبی را در مدرسه حقانی گذراند.

۲. دروس سطح را نزد اساتیدی چون حجج اسلام؛ سید محمد سعیدی، سید احمد خاتمی، سید هاشم حسینی بوشهری، مدرسی یزدی، پایانی، اعتمادی، آیت‌الله استادی، آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی، آیت الله محفوظی و آیت‌الله سبحانی به پایان رساند.

۳. دروس خارج فقه و اصول را نزد آیات عظام؛ فاضل لنکرانی، سبحانی، خاتم یزدی، جوادی آملی و وحید خراسانی گذرانده است.

ب- تحصیلات دانشگاهی:

ایشان هم زمان با تحصیلات حوزوی به تحصیلات دانشگاهی و کلاسیک روی آورد و مراحل زیر را پیموده است.

۱. کارشناسی «الهیات و معارف اسلامی» را در سال ۱۳۷۳شمسی دریافت نمود.

۲. کارشناسی ارشد «تاریخ» را در سال ۱۳۷۹ با عنوان پایان‌نامه «شیعه در ایران عصر ایلخانان» به پایان رساند.

۳. دکتری Ph.D«تاریخ اسلام»؛ سال ۱۳۸۱ در دانشگاه اصفهان به عنوان دانشجوی دکتری تاریخ اسلام پذیرفته شد و در سال ۱۳۸۶ از پایان‌نامه دکتری با موضوع «بررسی تاریخی تعامل فکری و سیاسی امامیه با فرقه‌های معتزله، اشاعره و حنابله در عصر آل بویه در بغداد» دفاع کرده است. ج ـ مسئولیت‌های علمی:

۱. عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه از ۱۳۸۲ تاکنون

۲. مسئول انجمن تاریخ پژوهان از ۱۳۸۰ تاکنون که یکی از انجمن های علمی حوزه می باشد.

۳. مسئول انجمن علمی ایرانی تاریخ اسلام از سال ۱۳۸۷ تاکنون که از انجمن های علمی وزارت علوم است.

۴. مدیر گروه تاریخ جامعهٔ الزهرا (س) از سال ۱۳۸۶ تاکنون

۵. مسئول دبیرخانه انجمن‌های علمی حوزه از ۱۳۸۱ تا پایان ۱۳۸۶

۶. عضو هیئت تحریریه فصل نامه علمی تخصصی «نامه تاریخ پژوهان» وابسته به انجمن تاریخ–پژوهان

۷. عضو هیئت تحریریه فصل نامه تخصصی « سخن تاریخ» وابسته به گروه تاریخ مدرسه عالی امام ره

۸. مدیر گروه تاریخ جشنواره کتاب سال حوزه از ۱۳۸۲ تاکنون

۹. مدیر مسئول فصلنامه تخصصی «نامه تاریخ پژوهان» از سال ۱۳۸۲ تاکنون

۱۰. سردبیر فصلنامه دانشجویی «سخن تاریخ» از سال ۱۳۸۵ تاکنون

۱۱. مسئول کمیسیون تاریخ اسلام مرکز جهانی علوم اسلامی از ۱۳۸۳ تاکنون

۱۲. عضو هیئت موسس انجمن تاریخ پژوهان از انجمن های علمی حوزه

۱۳. عضو هیئت موسس انجمن علمی ایرانی تاریخ اسلام از انجمن های علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

۱۴. عضو شورای علمی مرکز تخصصی تاریخ حوزه از ۱۳۸۲ تا مهر ۱۳۸۵

۱۵. عضو شورای گروه سیره پژوهشکده تاریخ و سیره دفتر تبلیغات از ۱۳۸۱ تا آذر ۸۴

۱۶. عضو شورای پژوهشی گروه تاریخ جامعهٔ الزهراء از تابستان ۱۳۸۵ تاکنون

۱۷. مسئول علمی نخستین «همایش بین المللی تشیع و خاورشناسان» در سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۵

۱۸. دبیر علمی همایش «نکوداشت استاد علی دوانی» در سال ۱۳۸۶.

۱۹. عضو شورای علمی «همایش بین المللی پیامبر اعظم (ص)» در دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۸۵

۲۰. عضو شورای علمی همایش سراسری «قرآن و تاریخ» دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۸۵

۲۱. دبیر گروه تاریخ مدرسه عالی امام خمینی (ره) در سال ۱۳۸۱

۲۲. مسئول علمی دومین «همایش بین المللی تشیع و خاورشناسان» در سال ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ د– تدریس

ایشان در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد تدریس داشته اند که به قرار ذیل است.

۱) تدریس دروس مختلف تاریخ مانند؛ تاریخ پیامبر(ص)، تاریخ ائمه (ع)، تاریخ عباسیان، تاریخ امپراطوری عثمانی، تاریخ اسلام در مصر و شام، تاریخ اسلام در مغرب و اندلس، تاریخ نگاری در اسلام، تاریخ اسلام و خاورشناسان و تشیع در آثار خاورشناسان در مدرسه عالی امام خمینی(ره) وابسته به جامعه المصطفی العالمیه از سال ۱۳۷۹ تاکنون.

۲) تدریس دروس تاریخی مانند؛ تاریخ عباسیان، تاریخ عثمانی، تشیع در آثار خاورشناسان و تاریخ اسلام در مغرب و اندلس در

دانشگاه اهل بیت(ع) در سال های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶.

۳) تدریس دروس تاریخی مانند؛ تاریخ امویان، تاریخ عباسیان، تاریخ عثمانی، تشیع در آثار خاورشناسان و تاریخ اسلام و خاورشناسان در مرکز آموزش های اسلامی وابسته به حوزه — گروه تخصصی تاریخ در سال های ۱۳۸۲ تاکنون

۴) تدریس درس تاریخ اسلام و خاورشناسان در مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی در سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵.

۵) تدریس دروس تاریخی تاریخ عثمانی و تشیع در آثار خاورشناسان در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در سال ۱۳۸۵.

۶) تدریس درس تشیع در آثار خاورشناسان در دانشگاه پیام نور قم در سال ۱۳۸۷. هـ پژوهش های منتشر شده:

۱. «گرایش ایرانیان به تشیع در قرن هفتم هجری»؛ منتشره در فروردین ۱۳۸۰ در نشریه تخصصی معرفت شماره ۴۰.

۲. «نقد و بررسی گرایش ایلخانان به اسلام و تشیع»؛ منتشره در نشریه تخصصی تاریخ در آیینه پژوهش شماره اول پاییز ۱۳۸۱.

۳. «معرفی و نقد سفرنامه ابن فضلان» منتشره در نشریه تخصصی تاریخ در آیینه پژوهش شماره پنجم فروردین ۱۳۸۳.

۴. «اختلاف روایات و راهکارهای حل آن» منتشره در مجموعه مقالات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در سال ۱۳۸۰.

۵. «زندگینامه علمی فرهنگی امام هادی(ع)» در مجموعه مقالات دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳۸۴.

۶. «دین حنیف، ماهیتی مستقل یا روح ادیان الاهی» منتشره در نشریه تخصصی مذاهب و فرق اسلامی «طلوع» پاییز ۱۳۸۴.

۷. «جامعه شناختی نهاد حکومت پیامبر(ص)» منتشره در مجموعه مقالات همایش بین المللی پیامبر اعظم (ص) دانشگاه اصفهان پاییز ۱۳۸۵.

۸. «احناف» در دائرهٔ المعارف قرآن در دائره المعارف قرآن وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی سال ۱۳۸۶.

۹. «التأثیر الفکری المتبادل بین الامامیهٔ و المعتزلهٔ فی عصر البویهیین» که مجوز انتشار آن از نشریه بین المللی علوم انسانی در تاریخ ۴/۷/۱۳۸۶ دریافت شده است.

۱۰. بررسی و تحلیل تعامل فکری سیاسی امامیه با اشاعره در بغداد دوره آل‌بویه (سده‌های چهارم و پنجم هجری) انتشار در نشریه شیعه شناسی وابسته به موسسه شیعه شناسی، ۱۳۸۷.

۱۱. مدخل بسر بن سفیان در دائره المعارف قرآن انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه و ـ پژوهش های آماده نشر:

الف) مقالات

۱. امام هادی (ع) و علم و دانش

۲. تأثیر حمله مغول بر جغرافیای انسانی ایران

۳. تأثیر حدیث نگاری بر تاریخ نگاری

۴. سیر تاریخی اندیشه ولایت فقیه

۵. تبیین تاریخی(تألیف و ترجمه قسمتی از کتاب استنفورد)

۶. حرکت و پویایی در تاریخ (تألیف و ترجمه قسمتی از کتاب استنفورد)

۷. سبب در تاریخ (تألیف و ترجمه قسمتی از کتاب استنفورد)

۸. تاریخ‌نگاری قرن‌های ۴ تا ۶ هجری

۹. نقش مروان بن حکم در صدر اسلام

۱۰. بررسی تاریخی حادثه انذار عشیره

۱۱. رویکرد امامیه و حنابله درباره باورهای کلامی در بغداد دوره آل بویه

۱۲. دیدگاه امامیه و اشاعره در باره دانش ها

۱۳. دیدگاه امامیه و حنابله درباره دانش ها

۱۴. دیدگاه امامیه و معتزله درباره دانش ها

۱۵. رویکرد حنابله در رقابت با دیگر فرقه های

۱۶. همگرایی و واگرایی حنابله با دیگر فرقه های

۱۷. فرایند اقتداریابی اشاعره در دوره آل بویه

۱۸. فرایند تعامل و تقابل سیاسی امامیه و معتزله

۱۹. فرایند تعامل و تقابل فکری امامیه و اشاعره

۲۰. فرایند تعامل و تقابل فکری امامیه و معتزله

۲۱. مصلحت اندیشی سیاسی و مذهبی آل بویه

۲۲. معتزله در فرایند اقتدار سیاسی و فکری ب) کتاب ها

۱. بررسی تاریخی تعامل فکری و سیاسی امامیه با فرقه‌های معتزله، اشاعره و حنابله در عصر آل بویه در بغداد (رساله دکتری که تا چند ماه آینده منتشر خواهد شد.)

۲. تشیع در ایران عصر ایلخانان؛ (پایان نامه کارشناسی ارشد است که در حال آماده سازی برای انتشار است).

۳. تاریخ امپراطوری عثمانی (کتاب درسی)؛ در حال انجام است.

۴. تشیع در آثار خاورشناسان (کتاب درسی)؛ در حال انجام است. ز- سخنرانی علمی و شرکت در همایش ها و میزگردها

۱. ارایه مقاله در همایش «بررسی کتاب الصحیح من سیرهٔ النبی الاعظم (ص)» توسط پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در سال ۱۳۷۹.

۲. ارایه مقاله در «همایش بین المللی پیامبر اعظم (ص)» در دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۸۵.

۳. شرکت در میزگرد «امام رضا (ع) و گروه های دورن شیعی» در انجمن تاریخ پژوهان در سال ۱۳۸۵.

۴. شرکت در میزگرد «بازکاوی اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر امام رضا (ع)» در انجمن تاریخ پژوهان در سال ۱۳۸۵.

۵. شرکت در میزگرد «تولید علم در تاریخ» توسط انجمن تاریخ پژوهان و نهضت نرم افزاری در سال ۱۳۸۳.

۶. شرکت در میزگرد «نقد نظریه از امامیه تا اثنی عشریه» که این نظریه از سوی خاورشناس مشهور اتان کلبرگ مطرح شده است و جلسه نقد این نظریه که توسط نهضت نرم افزاری و انجمن تاریخ پژوهان در سال ۱۳۸۵ برگزار گردید.

۷. شرکت در میزگرد نقد کتاب «موسوعهٔ التاریخ الاسلامی» نوشته استاد یوسفی غروی که توسط انجمن تاریخ پژوهان و دبیرخانه کتاب سال حوزه در ۲ اسفند ۱۳۸۶ برگزار شد.

۸. سخنرانی علمی در همایش تولید علم با عنوان «جایگاه مطالعات تاریخی در حوزه» در سال ۱۳۸۳.

۹. سخنرانی علمی در انجمن معلمان تاریخ استان قم با عنوان «آسیب شناسی تدریس تاریخ» در سال ۱۳۸۵.

۱۰. شرکت در میزگرد «چالش های فراروی شیعه پژوهی غربیان» برگزار شده در دومین همایش بین المللی تشیع از دیدگاه خاورشناسان، ۱۳۸۷. ح- راهنمایی و مشاوره رساله و پایان نامه

۱. راهنمایی بیش از ۳۶ رساله دفاع شده و در حال نگارش

۲. مشاوره ۱۵ (پانزده) رساله دفاع شده و در حال نگارش

۳. داوری ۵ (پنج) رساله ارشد

بارع زوزنی، ابوالقاسم اسعد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۹۲ ق)، شاعر و محدث. معروف به بارع. اصل وی از زوزن از نواحی خواف بود و در نیشابور سکونت داشت. ابوالقاسم به عراق رفت و در آنجا شهرتی بسزا یافت. او در نیشابور درگذشت. بارع یگانه‌ی روزگار در خراسان و عراق بود. از ابوعبدالرحمان بن محمد الداوودی و اباجعفر محمد بن اسحاق بحاثی حدیث شنید و ابوالبرکات فراوی و ابومنصور شحامی از وی روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۹۴/۱)، لغت‌نامه (ذیل/ بارع زوزنی)، معجم الادباء (۹۶ -۹۰ /۶).

بارع فضلوی هروی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۴۸۵ ق)، شاعر. وی از شاعران مدیحه‌گویی بود که اشعاری در مدح ملکشاه سلجوقی و خواجه نظام الملک سروده است. صاحب «کشف الظنون» صاحب ترجمه را با بارع دباس بغدادی یکی انگاشته است. از آثار وی: «دیوان» شعر؛ «طرائف الطرف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بیهق (۷۶، ۷۴)، شاعر بی‌دیوان (۵۸۵ -۵۸۴)، کشف الظنون (۱۱۱۰ -۱۱۰۹)، لغت‌نامه (ذیل/ بارع هروی).

بارفروشی سمنانی، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم بن ملا بابا بارفروشی سمنانی عالمی فقیه از شاگردان شریف‌العلماء مازندرانی بوده و بعد از وی به سمنان آمده و به وظائف دینی و روحی قیام نموده تا حدود ۱۲۸۰ ق از دنیا رفته و جنازه‌اش را به کربلا حمل و در رواق شریف مدفون شده است.

و ایشانست والد عالم جلیل معمر مرحوم آقا شیخ میرزا هادی سمنانی متوفی ۱۳۲۸ ق.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

بارق کرمانشاهی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۳ ق)، عالم و شاعر. اصل سلسله‌ی وی از جماعت زنگنه است که در کرکوک موصل ساکن بودند. پدر و عموی بارق تشیع اختیار کردند و برای زیارت مشهد به ایران آمدند، در مراجعت، بزرگان طایفه‌ی زنگنه کرمانشاه از ایشان خواستند که در آن شهر ساکن شوند. آقا محمد صاحب علم و فضل بوده و کتابی چند در علوم متفرقه تصنیف کرده است. وی شعر هم می‌گفته، «دیوان» غزلیاتی قریب سه هزار بیت از او باقی مانده و قدری مثنویات متفرقه در مواعظ و نصایح.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقة الشعراء (۲۱۸ -۲۱۷ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۱۶).

باروقی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: گیاه‌پزشکی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تبریز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

باریک بین، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت الله حاج شیخ هادی باریک بین در سال ۱۳۰۹ در خانواده ای مذهبی در شهرستان قزوین متولد شد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی ، به فراگیری علوم دینی در حوزه علمیه قزوین مشغول شد. سپس برای ادامه تحصیل و تکمیل تحصیلات به قم عزیمت نمود و در حوزه علمیه این شهر وارد شد. شوق دانش اندوزی سرانجام او را به حوزه علمیه نجف کشانید و پس از سه سال کسب فیض نزد علمای این خطه به ایران بازگشت و در حوزه علمیه قم تحصیلات خود را ادامه داد. پس از شروع مبارزه روحانیت به رهبری امام خمینی (ره) آیت الله باریک بین از قم به قزوین بازگشت و در صدد احیای مدارس قدیمی و متروکه از جمله مدرسه شیخ الاسلام برآمد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اقداماتی از جمله تشکیل کمیته انقلاب اسلامی ، تاسیس دانشگاه علوم پزشکی ، نمایندگی حضرت امام(ره) در جهاد سازندگی منطقه ، تشکیل بنیاد مستضعفان در شهر قزوین ، تاسیس مدارس و خوابگاه ها برای دانشجویان به انجام رساند. آیت الله باریک بین در سال ۱۳۶۰ از سوی امام (ره) به نمایندگی ایشان و امامت جمعه شهرستان قزوین منصوب شد. علاوه بر آن وی چند دوره متوالی نیز نمایندگی مردم را در مجلس خبرگان رهبری به عهده داشت.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ هادی باریک بین بین پس از پایان تحصیلات ابتدایی ، به فراگیری علوم دینی در حوزه علمیه قزوین مشغول شد. سپس برای ادامه تحصیل و تکمیل تحصیلات به قم عزیمت کرد و در حوزه علمیه این شهر وارد شد. شوق دانش اندوزی سرانجام او را به حوزه علمیه نجف کشانید و پس از سه سال کسب فیض از محضر علمای آن خطه، به ایران بازگشت و در حوزه علمیه قم تحصیلات خود را ادامه داد.فعالیتهای ضمن تحصیل : شیخ هادی باریک بین همزمان با به تشکیل جلسات مختلف اجتماعی و سیاسی مبادرت می ورزید.استادان و مربیان : شیخ هادی باریک بین درحوزه علمیه قزوین ، دروس مقدمات را نزد آیت الله مفیدی و ابوالحسن رفیعی آموخت. وی پس از آنکه به حوزه علمیه قم وارد شد ، دوره سطح عالی را در محضر حضرات آیات مشکینی ، سلطانی ، نوری گذراند. پس از آن به حوزه درس خارج فقه آیت الله بروجردی و فقه و اصول امام خمینی(ره) حاضر شد و از محضر آنان بهره های فراوان برد. آیت الله باریک بین با طی نمودن این دوره به عراق مهاجرت کرده و در حوزه علمیه نجف از علمای بزرگی چون آیت الله محمد باقر زنجانی کسب فیض کرد.وقایع میانسالی : شیخ هادی باریک بین بین از جمله روحانیون قزوینی است که با شروع مبارزات مردم بر ضد رژیم پهلوی، در کنار امام خمینی (ره) قرار گرفت و با هدایت مردم قزوین نقش خود را ایفاء نمود، چنانکه تاسیس صندوق قرض الحسنه ولی عصر مهمترین اقدام او برای تقویت اعتصابات و تظاهرات مردمی به شمار می آید.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : شیخ هادی باریک بین در سال ۱۳۶۰ از سوی امام (ره) به نمایندگی و امامت جمعه شهرستان قزوین منصوب شد. علاوه بر آن وی چند دوره متوالی نیز نمایندگی مردم را در مجلس خبرگان رهبری به عهده داشت.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : از جمله فعالیت های شیخ هادی باریک بین درطول مبارزات سیاسی تاسیس صندوق قرض الحسنه ولی عصر بو.د که این امر باعث بسیج مردم برای ادامه اجتماعات ، تظاهرات و اعتصابات بر ضد رژیم پهلوی شد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پس از شروع مبارزه روحانیت به رهبری امام خمینی (ره)، شیخ هادی باریک بین از قم به قزوین بازگشت و در صدد احیای مدارس قدیمی و متروکه از جمله مدرسه شیخ الاسلام برآمد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اقداماتی از جمله تشکیل کمیته انقلاب اسلامی ، تاسیس دانشگاه علوم پزشکی ، نمایندگی حضرت امام(ره) در جهاد سازندگی منطقه ، تشکیل بنیاد مستضعفان در شهر قزوین ، تاسیس مدارس و خوابگاه ها برای دانشجویان را به انجام رساند.

باریکلو، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا باریکلو

محل تولد : اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۶/۴

بازاری استرآبادی، خواجه علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. متخلص به بازاری. از اوست:

جانانه قلندر است و من بازاری

او در طلب زر است و من با زاری

گر زانکه دل از صید غمش بازآری

صیدی است که آن، از دهن بازآری

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۷۸/۲)، تحفه سامی (۳۷۱)، الذریعه (۱۱۹/۹)، مخزن الغرائب (۳۷۱/۱).

بازانه‌ای، قاضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قاضی که در بازانه اراک مشغول امر قضاوت شرعی و فصل خصومات و در عداد علماء بزرگ اراک محسوب بود وی نیز تحصیلات خود را در اصفهان و بعد در نجف به پایان رسانیده و بعد به وطن برگشته و بین مردم قضاوت می‌نمود و احکام صادره از ایشان بر طبق کتاب خدا و روایات ائمه علیهم‌السلام بود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

بازرگان هرندی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : عباس بازرگان هرندی در سال ۱۳۲۱ در شهر کرمان به دنیا آمد وی دارای دکترای تحقیقات آموزشی از دانشگاه شیکاگو و پیتسبورگ (پنسیلوانیا) است وی استاد گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی دانشگاه تهران و پایه گذار نظام اطلاعات آماری آموزش عالی کشور در مؤسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی آموزشی است.

گروه : علوم پایه

رشته : آمار وریاضی

گرایش : تحقیقات آموزشی

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : عباس بازرگان هرندی در خانواده ای نسبتاً فرهنگی بزرگ شد که اطرافیانش همگی علاقه مند به کتاب و علم و توسعه کشور بودند. در نتیجه او به عنوان یک ایرانی همیشه در این فکر بوده که چگونه می تواند نقش و سهم خود را برای اینکه شهروندی آگاه و مسؤولیت پذیر باشد ایفا کند. دکتر عباس بازرگان که امروز در نخستین سال های دهه ششم زندگی، همچنان مشتاق تر از همیشه و با روحیه ای خستگی ناپذیر به تلاش های بی پایان علمی اش ادامه می دهد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عباس بازرگان هرندی تحصیلات ابتدایی و بخشی از تحصیلات دوره متوسطه را در زادگاهش به پایان رساند و پس از آن تحصیلات دبیرستانی را در مدرسه «هدف» تهران تمام کرد. بلافاصله وارد دانشکده علوم دانشگاه تهران شد و لیسانس ریاضی گرفت. - اخذ مدرک لیسانس در رشته ریاضی از دانشگاه تهران - ۱۳۴۳ - فوق لیسانس آمار ریاضی(برنامه ریزی آموزشی)، دانشگاه تهران ۱۳۴۵ - دکترای تحقیقات آموزشی از دانشگاه شیکاگو و پیتسبورگ (پنسیلوانیا) در سال ۱۳۵۳ - دارای دانشنامه آمارشناسی از مؤسسه آمار هندوستان - دارای دانشنامه عالی برنامه ریزی آموزشی از مؤسسه بین المللی برنامه ریزی آموزشی در پاریس (IIEP) در سال ۱۳۵۰

همسر و فرزندان : دکتر بازرگان هرندی متاهل و دارای یک فرزند می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عباس بازرگان هرندی اولین دبیر انجمن پژوهش های آموزشی ایران و عضو هیأت مدیره آن ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ بوده است. - حضور در سازمان بین المللی کار، یونسکو و برنامه عمران سازمان ملل متحد به عنوان مشاور فنی ارشد در کشورهای آفریقایی و آسیایی - نماینده و عضو هیأت ممیزه دانشگاه تهران به انتخاب دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی - نماینده دانشکده علوم تربیتی در شورای انتشارات دانشگاه - عضو منتخب انجمن بین المللی آمار [international statistical institute] - مشاور ارشد سازمان جهانی کار از سال ۱۳۶۴-۱۳۶۹ - مشاور تحقیقاتی وزیر آموزش و پرورش از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ - مدیر کل دفتر نظارت و ارزیابی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۲ - دبیر شورای گسترش اموزش عالی در سال

۱۳۵۸ – جانشین رئیس موسسه تحقیقات برنامه ریزی معلمی –آموزشی در سال ۱۳۵۹ – سرپرست مرکز سیاست علمی (وزارت علوم و آموزش عالی) از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۳ – عضو انجمن تحقیقات آموزشی آمریکا [AERA] از ۱۳۵۳ تاکنون – عضو انجمن ارزیابی آمریکا [AEA] از ۱۳۶۵ تا امروز – عضو شورای تحقیقات مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزشی – عضو شورای ارزشیابی مدارک تحصیلی خارج از کشور

فعالیتهای آموزشی : عباس بازرگان هرندی مدرس دانشگاه های تهران از سال ۱۳۷۴ تا کنون بعنوان استاد گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی دانشگاه، شهیدبهشتی، بوعلی سینا، تربیت مدرس و علامه طباطبایی در سطوح کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری است. عنوان دروس ارائه شده توسط دکتر بازرگان به قرار زیر است: تدریس روشهای تحقیق پیشرفته،در دوره های دکترای مدیریت ،مدیریت آموزشی تدریس روشهای تحقیق در دوره های تحصیلات تکمیلی تدریس روشهای آماری در علوم رفتاری وی از اقدامات ارزشمند او، شرکت در شکل گیری و تأسیس رشته های جدید تحصیلی و مراکز مهم علمی بوده است. زمانی که او در خردادماه ۵۳ پس از دریافت دکترای خویش در رشته تحقیقات آموزشی از دانشگاه پیتسبورگ، به ایران بازگشت و بلافاصله در مقام استادیار مشغول به ارائه خدمات شد، فوق لیسانس رشته اندازه گیری و ارزشیابی آموزشی را به تصویب رساند و به عمل درآورد که دو سال پس از آن، رشته نامبرده به عنوان اولین رشته اندازه گیری و ارزشیابی کشور تأسیس شد و تعداد ۲۰ نفر دانشجو در آن رشته ثبت نام کردند که اغلب فارغ التحصیلان این رشته، هم اینک در هیأت علمی دانشگاه ها یا سمت های دیگر علمی نقش های تعیین کننده ای ایفا می کنند. همچنین رشته تحقیقات آموزشی را در سطح کارشناسی ارشد در دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی تهران بنیان گذاشت و پس از تدوین برنامه این رشته در سال ،۱۳۷۰ با طی کردن مراحل قانونی سرانجام در سال ۷۵ و در همان دانشگاه تأسیس شد. علاوه بر این، رشته دکترای سنجش آموزش را طراحی کرده و اظهار امیدواری می کند در آینده نزدیکی به پذیرش دانشجو در این رشته اقدام شود. رشته سنجش آموزش به ارزیابی کیفیت آموزش، آزمون سازی و امور آموزش سنجی در نظام آموزشی کشور بسیار کمک می کند. بازرگان از افرادی بوده که قدم های اولیه را برای ایجاد پژوهشکده تعلیم و تربیت برداشته است. اما بخش اعظم شهرت و اعتبار علمی او برمی گردد به آفرینش طرح ارزیابی درونی که تا این زمان هیچ کس به اندازه او برای بهره وری و ارتقای این طرح زحمت نکشیده و عرق نریخته. هنگامی که از سال ۷۴ سلسله فعالیت هایی در راستای افزایش کیفیت آموزش عالی کشور آغاز شد، برای دستیابی هرچه سریع تر و بهتر به این نیاز علمی کشور، در سال ۷۵ طرح ارزیابی درونی تدوین شد که برای شروع کار، این طرح به طور آزمایشی در شش گروه دانشگاهی مستقر در دانشگاه علوم پزشکی به اجرا درآمد. گویا این طرح از اهمیت ویژه ای برخوردار است که دکتر بازرگان با حساسیت و علاقه بالایی درباره آن سخن می گوید: «طرح ارزیابی درونی به شکل آزمایشی ابتدا در گروه تغذیه و بیوشیمی، روماتولوژی، گروه لثه دانشکده دندانپزشکی، گروه پزشکی داخلی در دانشگاه شهید بهشتی در بیمارستان شهدای تجریش ، گروه زنان همان دانشگاه و گروه پزشکی داخلی دانشگاه علوم پزشکی کرمان به اجرا درآمد. با گذشت یک سال از اجرای این طرح، وقتی نتایج ارزیابی را مورد بررسی قرار دادیم، آنقدر نتیجه ثمربخش بود که گروه پزشکی داخلی بیمارستان شهدای تجریش به دریافت تشویق نامه از طرف وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی نائل آمد. «ارزیابی درونی» کیفیت خودش را به سطحی رسانده بود که مورد توجه مسؤولان واقع شده بود. از این رو، وقتی طرح مذکور در وزارت بهداشت و درمان به این سطح از اثربخشی رسید، وزارتخانه تصمیم گرفت نتایج طرح را مورد نظر قرار داده و ارزیابی درونی را به عنوان یک چارچوب بررسی و ارتقای کیفیت در همه دانشگاه های علوم پزشکی به اجرا درآورد. بنابراین از سال ۷۶ به بعد، دانشگاه های علوم پزشکی، طرح ارزیابی درونی را مورد تفحص قرار دادند و سعی کردند در این امر ساختارسازی کنند. خوشبختانه سه سال بعد، دانشگاه های جامع یعنی دانشگاه های غیرعلوم پزشکی نیز به اهمیت این طرح پی بردند و آنها هم سعی کردند در خود ارزیابی درونی داشته باشند.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : عباس بازرگان هرندی پایه گذار نظام اطلاعات آماری آموزش عالی کشور در مؤسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی آموزشی و مؤسس انجمن پژوهش های آموزشی ایران ۱۳۷۸ بوده است و همینطور بازرگان از افرادی بوده که قدم های اولیه را برای ایجاد پژوهشکده تعلیم و تربیت برداشته است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : – عضو هیأت تحریریه فصلنامه بین المللی HIGHER EDUCATION POLICY – عضو انجمن بین المللی علم آمار [ISI] – عضویت در هیأت تحریریه فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، نوآوری های آموزشی، فصلنامه تعلیم و تربیت، مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران و...

جوائز و نشانها : – برنده جایزه کتاب سال دانشگاهی در سال ۱۳۸۱ – دریافت لوح تقدیر بمناسبت :فرایند طراحی و اشاعه الگوی در کیفیت دانشگاهی در ایران (از سال ۱۳۷۵ تا کنون)

چگونگی عرضه آثار : تألیف و ترجمه بیش از ۱۵ جلد کتاب از آثار عباس بازرگان هرندی است . بازرگان در حدود هفتاد مقاله علمی منتشره در نشریات بین المللی دارد که از پراهمیت ترین آنها مقاله ای است در رابطه با آموزش سنجی یا پداگومتریکس که کلمه «پداگومتری» را چند سال قبل، در یکی از کنفرانس های بین المللی آموزش آمار، نخستین بار بازرگان ارائه کرده است. فعالیت های علمی ــ تحقیقی بازرگان چنان دایره وسیعی رادربرمی گیرد که ذکر همه آنها در این مجال نمی گنجد. با این همه عدم اشاره به پاره ای از آنها و یادآوری آرا و نظرات او، شاید به نوعی اجحاف نه در حق دکتر بازرگان، که جامعه علمی ایران زمین باشد. به عنوان مثال او تاکنون طرح های پژوهشی بسیاری را مورد اجرا گذاشته است که از مهمترین آنها، «ترکیب و توزیع نیروی انسانی کارآزموده در کشورهای گامبیا، اوگاندا و تانزانیا» بوده است. اجرای این طرح مربوط به زمانی است که بازرگان در کشورهای آفریقایی و آسیایی، در سمت مشاور فنی ارشد در تدوین و اجرای طرح های آماری و برنامه ریزی توسعه منابع انسانی مشارکت داشته است. به واسطه کوشش هایی که در اندونزی شکل گرفت، بازرگان کتاب «سیمای تحقیقات آموزشی در اندونزی» را در سال ۱۳۷۰ تألیف و منتشر کرد. در ادامه طرح های پژوهشی او باید از این طرح ها یاد کرد: ارزیابی فرصت های آموزشی بین المللی در کشور سودان، برابری فرصت های آموزشی در دانشگاه تهران، رابطه آموزش و اشتغال در بخش غیرمتشکل شهر تهران،

کیفیـت در آمـوزش عـالی و عوامـل مرتبـط بـا آن و نقش ارزشـیابی درونی در افزایش کیفیت آمـوزش عـالی پزشـکی.

آثار :

۱ ارزشیابی آموزشی: مفاهیم، الگوها و فرآیند عملیاتی

ویژگی اثر : تألیف ، کتاب برگزیده دانشگاهی در)،???? ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)

۲ برنامه ریزی استراتژیک در نظام آموزشی : بازاندیشی، بازسازی ساختارها، باز آفرینی

ویژگی اثر : انتشارات مدرسه (ترجمه)

۳ به سوی یادگیری بر خط (الکترونیکی) گذار از تدریس سنتی و راهبردهای ارتباطی آن

ویژگی اثر : انتشارات آگه (ترجمه)

۴ چارچوب و راهنمای تدوین گزارش ارزیابی درونی در سطح گروه آموزشی ۱۳۸۳

ویژگی اثر : تالیف: بازرگان و همکار ، ناشر: سازمان سنجش آموزش کشور

۵ روش های تحقیق در علوم رفتاری

ویژگی اثر : تالیف : بازرگان وهمکاران ، ناشر: آگه

۶ فرآیند اجرای ارزیابی درونی در گروههای آموزشی دانشگاهی (راهنمای عملی)

ویژگی اثر : تالیف: بازرگان وهمکاران

بازرگان، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۳ -۱۲۸۶ ش)، استاد دانشگاه، محقق، اسلام‌شناس و قرآن‌پژوه. مهندس بازرگان در تهران به دنیا آمد و پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در سال ۱۳۰۷ ش با اولین گروه اعزامی دانشجویان به فرانسه عزیمت کرد. او در رشته‌ی ترمودینامیک فارغ‌التحصیل شد و در سال ۱۳۱۳ ش به ایران بازگشت. و در سال ۱۳۱۵ ش درس ترمودینامیک (ماشینهای حرارتی) را در دانشکده‌ی فنی بنیان نهاد و به عنوان دانشیار به تدریس این رشته پرداخت. چند سالی نیز ریاست دانشکده‌ی فنی را عهده‌دار بود وی همکاری خود را با نوشتن مقاله‌ی «مذهب در اروپا» با کانون اسلام در سال ۱۳۱۹ ش شروع کرد. بازرگان با سمت معاون وزارت فرهنگ در دولت دکتر مصدق انجام وظیفه کرد. سپس از سوی دکتر مصدق به ریاست هیأت مدیره موقت شرکت ملی نفت منصوب شد و برای مأموریت خلع ید از شرکت نفت انگلیس به آبادان رفت. بازرگان زمانی که مدیر کل سازمان آب تهران بود، اولین راه‌اندازی انشعاب آب تهران را بدون کمک مهندسین خارجی انجام داد. او به خاطر امضای نامه‌ی اعتراض‌آمیز به انتخابات غیر قانونی مجلس به دستور سپهبد زاهدی نخست‌وزیر کودتا، برکنار شد. بازرگان یکی از مهمترین پایه‌گذاران و نقش‌آفرینان نهضت مقاومت ملی بود و با کشف چاپخانه نهضت مقاومت ملی در سال ۱۳۳۴ ش به همراه عده‌ای دیگر از سران نهضت مقاومت دستگیر و زندانی شد. در سال ۱۳۴۱ ش بار دیگر به ده سال زندان محکوم شد. در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ ش، مهندس از چهره‌های درخشان درجه‌ی اول جنبش انقلابی مردم ایران بود. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، به طور مخفیانه به عضویت «شورای انقلاب» درآمد و آنگاه مأمور تشکیل کابینه و تأسیس دولت موقت انقلاب شد. مهندس بازرگان با حکم رهبر و پیشنهاد شورای انقلاب به نخست وزیری منصوب شد، ولی در آبان ماه ۱۳۵۸ ش استعفا داد. او در انتخابات نخستین دوره‌ی مجلس به نمایندگی از طرف مردم تهران به مجلس شورای اسلامی راه یافت. سرانجام در ضمن سفر طبابتی در ژنو درگذشت و بعد از انتقال پیکر او به تهران، در قم دفن شد. از آثار وی: «علمی بودن مارکسیسم»؛ «بررسی نظریه‌ی اریک فروم»؛ «بازیابی ارزشها»، در چهار جلد؛ «مطهرات در اسلام»؛ «راه طی شده»؛ «ذره‌ی بی‌انتها»؛ «بعثت و تکامل»؛ «جمله‌شناسی قرآن»؛ «آفات توحید»؛ «بازگشت به قرآن»، در چهار جلد؛ «بینهایت کوچکها»؛ «ترمودینامیک صنعتی»؛ «حکومت جهانی واحد»؛ «عشق و پرستش یا ترمودینامیک انسان»؛ «مرز میان دین و سیاست».[۱]

محقق، نویسنده، استاد.

تولد: ۱۲۸۶، تهران.

درگذشت: ۳۰ دی ۱۳۷۳، سوییس.

مهدی بازرگان، فرزند حاج عباسقلی آقا تبریزی بازرگان تهرانی، در سال ۱۳۰۷ با نخستین گروه دانشجویان ایرانی به اروپا رفت و در رشته‌های مهندسی ماشین و مهندسی نساجی از فرانسه فارغ‌التحصیل شد، پس از بازگشت به ایران، در همان رشته‌ی تخصصی خود در دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. در سال ۱۳۲۰ با پای گذاشتن در کانون اسلام به فعالیت‌های سیاسی و دینی رو آورد. از سال ۱۳۱۴ (تا ۱۳۳۰) در دانشکده‌ی فنی دانشگاه تهران بر کرسی استادی نشست و از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۱ همزمان ریاست این دانشگاه را نیز به عهده داشت.

وی زمان دولت دکتر محمد مصدق به عنوان رییس هیئت مدیره‌ی موقت شرکت ملی نفت و سپس به عنوان مدیر عامل سازمان آب تهران به فعالیت می‌پرداخت.

مهندس مهدی بازرگان نخستین بار در سال ۱۳۳۴ گرفتار زندان شد و پس از آزادی، در بهمن ۱۳۴۱ دوباره دستگیر و به ده سال زندان محکوم شد. پس از آزادی از بند، در آبان سال ۱۳۴۶ به کار در شرکت‌های مهندسی روی آورد تا آن که بار دیگر در

شهریور سال ۱۳۵۷ دستگیر شد. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی امام خمینی (ره) به عضویت شورای انقلاب درآمد و زمانی کوتاه پس از آن به عنوان نخست وزیر دولت موقت منصوب شد، اما با تسلیم استعفانامه‌ی خود در اعتراض به اشغال سفارت آمریکا از سوی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام از سمت نخست وزیری کنار رفت.

وی در گـذر عمر خود بـا گروه‌هایی چون «کانون اسـلام»، «کانون مهندسـی ایران»، «انجمن اسـلامی مهندسـین»، «جامعه‌ی تعلیمات اسلامی» و «مؤسسه‌ی دین و اخلاق» در زمینه‌های مذهبی همکاری بسیار داشت.

فهرستی از آثار وی به شرح زیر است: مطهرات در اسلام (چاپ دوم، ۱۳۳۳)؛ سیر تحول در قرآن، راه طی شده (۱۳۲۷، این کتاب به دفعات به چاپ رسیده است)؛ اسلام با کمونیسم، عشق و پرسش یا ترمودینامیک انسان (۱۳۳۵)؛ بررسی نظریه‌ی اریک فروم؛ بی‌نهایت کوچکها؛ مذهب در اروپا؛ یادداشت‌هایی از سفر حج؛ از خداپرستی تا خودپرستی؛ اسلام و جوانان (۱۳۴۱)؛ انسان و خدا (۱۳۳۹)؛ بازی جوانان با سیاست؛ ترمودینامیک صنعتی (۲ جلد، ۱۳۳۳ –۱۳۳۱)؛ حکومت واحد جهانی (۱۳۴۲)؛ خداپرستی و افکار روز؛ خودجوشی؛ ضریب و تبادل مادیات و معنویات؛ مرز میان دین و سیاست مسئله‌ی وحی.

پیکر مهندس بازرگان بنا بر وصیت خودش در قم به خاک سپرده شد.

فرزند حاج میرزا عباسقلی خان، در ۱۲۸۶ در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در مدارس ثروت و سلطانی پایان داد و دوره‌ی متوسطه را در دارالمعلمین مرکزی که بنیانگـذار آن ابـوالحسن فروغی بود پایـان بخشـید. در سـال ۱۳۰۷ بازرگـان در کنکور اعزام محصل به اروپا شرکت کرد و با نمرات عالی جزء ده نفر اول شد و به پاریس رفت. مدت پنج سال مدرسه لیسه و مدرسه سانترال را طی کرد و مهنـدس معـدن شـد و مـدت یک سال هم در کارخانجات نساجی انگلسـتان اسـتاژ و کارآموزی داد و در سال ۱۳۱۴ به ایران بازگشت و لدی‌الورود به خدمت وظیفه اعزام شد و دوره مزبور را پایان داد. شورای عالی وزارت فرهنگ تحصیلات بازرگان را معـادل درجه دکترا تشـخیص داد و بلافاصله برای تـدریس به دانشکده فنی دعوت به کار شـد. در آن تاریـخ اسـتادان دانشگاه می‌توانسـتند با حفظ سـمت دانشگاهی در سازمان‌های دیگر نیز اسـتخدام شوند. مهندس بازرگان ابتدا در راه‌آهن اشـتغال ورزید و سپس به اتفـاق احمـد علی ابتهاج، محسن فروغی، کاظم جفرودی و مهنـدس مشایخی به بانک ملی وارد شدنـد و اداره ساختمان را تحویل گرفتند. مهندس بازرگان عهده‌دار قسـمت تأسیسات بانک ملی شد. در سال ۱۳۲۱ بازرگان به معاونت دانشکده فنی انتخاب گردید و در ۱۳۲۴ پس از فوت غلامحسـین رهنما، برای مدت سه سال به ریاست دانشکده فنی انتخاب شد و در سال ۱۳۲۷ شورای استادان دانشکده فنی برای سه سال دیگر ریاست او را تمدید نمودند. مجموعاً مدت شش سال ریاست دانشکده فنی با او بود.

در سال ۱۳۳۰ که دکـتر مصـدق زمـام امور را در دست گرفت و صـنعت نفت را ملی نمود، سه هیئت برای خلع‌یـد از شـرکت نفت ایران و انگلیس تعیین شـد. یک هیئت از مجلس سـنا که عبارت بودند از: آقایان مرتضـی قلی بیات، دکتر احمد متین دفتری، محمد سروری، ابوالقاسم نجم و دکتر شفق. از مجلس شورای ملی اعضاء هیئت مختلط برای نظارت در امر خلع ید عبارت بودند از: آقایان دکتر عبداللّه معظمی، دکتر علی شایگان، اللهیار صالح، حسین مکی و ناصرقلی اردلان. از طرف دولت نیز اشخاص زیر برای خلع‌ید تعیین گردیدند: محمدعلی وارسته، مهندس کاظم حسیبی، مهندس مهدی بازرگان، دکتر عبدالحسین علی‌آبادی و محمد بیات.

بازرگان همزمان با انتخاب در هیئت خلع‌یـد به معاونت وزارت فرهنگ منصوب گردیـد. قرار بر این شد که هیئت خلع‌ید برای اداره امور شـرکت ملی نفت هیئت مدیره موقتی از بین خود انتخاب نمایند. نظر به آقای دکتر محمود حسابی تعلق گرفت ولی ایشان برای قبول چنین سـمتی اختیـاراتی خواسـتند که هیئت مختلـط و دکتر مصـدق با آن مخالف بودنـد. سـرانجام در اثر تلاش آقای مهنـدس حسـیبی، آقای مهنـدس بازرگان برای ریاست هیئت مدیره موقت تعیین شد و نامه‌ای از طرف دکتر مصدق به دانشگاه تهران بشـرح زیر نوشته شد:

دانشـگاه تهران– چون لازم است آقـای مهنـدس بازرگان رئیس و اسـتاد دانشـکده فنی تا مـدتی وظیفه‌ی فعلی خود را که عضویت هیئت مـدیره مـوقت شـرکت ملی نفت ایران است ادامه دهنـد و نخواهنـد تـوانست در اول سـال تحصـیلی جـاری وظـایفی را که در دانشگاه به عهـده دارنـد انجام نمایند، مقتضـی است موافقت فرمائید ایشان با حفظ عنوان و سـمت و حقوق در دانشگاه برای مدت یکسال ریاست هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران را عهده‌دار باشند و مراتب را نیز به ایشان ابلاغ نمایید.

نخست‌وزیر– دکتر محمد مصدق

آقـای مهنـدس بازرگـان در کتاب شـصت سال خـدمت و مقاومت در مورد مأموریت خطیر خود چنین نوشـته‌اند: اداره شـرکت ملی نفت ایران، بـا اوضـاع و شـرایطی که خلع‌یـد صـورت گرفت کـار عظیمی بـود و حـالت «پرش در تـاریکی» داشت. ولی به خواسـت خداوند و همت مردم ایران، مرحله اول مدیریت که حفظ سازمان و بهره‌برداری از تأسیسات عمومی بود بخوبی انجام گرفت خلع‌ید صددرصـد انجام گرفت. مدیریت سرتاسر شـرکت نفت سابق به دست ایرانیان افتاد. جای هفتصد متخصـص فنی و اداری و مالی را عـده‌ای در حدود ۷۰ نفر ایرانی پر کردنـد که تقریباً ۵۰ نفر از کارمنـدان متخصـص شـرکت و بیست نفر از داوطلبـان انتقال یافته از مرکز بودنـد. امـا مشـکل اخلاقی و فرهنگی بـود کـه بـه تدریـج و پس از پیروزی بـا آن روبرو می‌شـدیم و اسـم آن را بایـد دوران «غنـائم‌گیری» گـذاشت. حسادت‌هـا، برتری‌جوئی‌ها، رقابت‌های ناسالم و ملاحظات غیرمسـئولانه، منفعت‌طلبی‌های شخصـی، میـدان مساعد پیدا کرده بود.

حالا کارها براه افتاده و خطرات و مشـکلات اولیه مرتفع شـده بود و همه پهلوان میـدان شده بودند. این مسئله منحصـر به آنجا نبود، بلکه مربوط به کل مملکت و از نوع سیاسـی و اداری و اقتصادی بود که علیه دولت مصـدق اعمال می‌شد. اشکال عمده و گره کار هیئت مدیره این بود که همکاران حاضر نمی‌شدند یک نفر را به عنوان مدیرعامل ثابت تعیین کنند و دست او را برای پیشبرد کارها و اجرای تصـمیمات باز بگذارند در حالی که به قول دکتر متین دفتری، یک دکان سبزی‌فروشـی هم نمی‌تواند بدون مسئول و مدیر کار کند تا چه رسد به آن دستگاه عظیم و پیچیده شرکت نفت.

البته دکتر مصـدق به ضـرورت این امر توجه داشت ولی ملاحظـات سیاسـی– اجتمـاعی مرکز و علاقه او به رعایت نظرات بعضـی از نماینـدگان، دسـتش را بسـته بود. او درگیر توطئه‌هـای داخـل و خـارج بود و در چنـد جبهه مبـارزه می‌کرد. آقـای مکی که در روز

عزیمت دکتر مصدق و همراهان به آمریکا جهت حضور در شورای امنیت سازمان ملل، اسم خود را در هیئت اعزامی از رادیو نشنید، از همان لحظه ناسازگاری را شروع کرد؛ چون عقیده داشت که «مصدق را من آورده‌ام و نفت را من ملی کرده‌ام». مکی در همه امور برای خود حق آمریت قائل بود. وی به عنوان یکی از اعضای هیئت مختلط، شأن خود را بالاتر از آن می‌دانست که در جلسات هیئت مدیره بطور منظم حضور و مشارکت داشته باشد. بدون مشورت با سایر اعضای هیئت با مسئولین مربوطه دستور صادر می‌کرد. به عنوان مثال دستور تغییر مسیر اتوبوسرانی یا انتقال یک کارگر شاکی، از شهری به شهر دیگر.

آقایان اعضای هیئت مختلط که برای حل و فصل مشکلات و یاری هیئت مدیره در میان احساسات پرشور مردم و کارگران به آبادان آمده بودند نسبت به یکدیگر برتری‌طلبی می‌کردند، در یک مورد یکی از اعضای هیئت مختلط که استاد دانشگاه هم بود، از اینکه مهندس حسیبی بیش از او مورد احترام و ابراز احساسات واقع شده بود در موقع ناهار با خشم زیاد او را مورد بی‌مهری و عتاب شدید قرار داد. بعد از ظهر همان روز که جلسه در منزل من تشکیل شده بود درگیری دیگری با لحن ناهنجارتری میان آقای مکی و مهندس حسیبی بر سر انتخاب یا اعتماد به بعضی از مسئولین و مشاورین شرکت روی داد در حالی که رانندگان و کارکنان از پشت پنجره با بهت و حیرت شاهد آن صحنه‌ی تأسف‌آور بودند! به هر حال، حضور و خدمت من در خوزستان حدود ۹ ماه بیشتر نبود.

مأموریت مهدی بازرگان در سمت ریاست هیئت مدیره موقت صنعت ملی شده نفت قریب ۹ ماه طول کشید. عدم هماهنگی و دسته‌بندی‌هائی که در داخل هیئت خلع‌ید به تبعیت از اختلافات و رقابت‌های سیاسی و اداری مرکز پدیدار شده بود. همچنین انعکاس و تأثیرات غیر مستقیم که اختلاف و کارشکنی‌های مخالفان دولت و سیاست‌های مرکز در اوضاع داشت او را وادار به کناره‌گیری نمود و مجدداً به دانشگاه بازگشت و دو سه ماهی در دانشکده فنی اشتغال به کار داشت تا اینکه دکتر مصدق تصمیم گرفت به آب لوله‌کشی تهران سر و صورتی بدهد، از این رو مهندس بازرگان برای تصدی آب لوله‌کشی تهران انتخاب شد و در مدت قلیلی کار لوله‌کشی را به ثمر رسانید و آب تصفیه شده را به قسمتی از خانه‌های شهر تهران رسانید.

کودتای ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۲ و ساقط کردن دولت ملی مصدق، تغییراتی در شئون مملکت ایجاد کرد. این کودتا برای این انجام گرفت که مسئله نفت به صورتی که منافع دولت‌های خارجی در آن ملحوظ شود حل گردد. بنابراین قرار شد کنسرسیومی که اکثر سهام آن متعلق به انگلیس و آمریکا باشد تشکیل شود و نفت ملی شده ایران به آن کنسرسیوم واگذار گردد. لذا لازم بود انتخابات دوره هجدهم هرچه زودتر با نمایندگانی که از طرف دولت تعیین و انتخاب می‌شوند، قرارداد بین ایران و کنسرسیوم تصویب شود. در چنین اوضاع و احوالی عده‌ای در صدد برآمدند حداقل ابراز وجود کنند و اعتراضی بنمایند. نامه‌ای به عنوان وزیر کشور یا رئیس انجمن مرکزی انتخابات نوشتند و در آن نامه درخواست شده بود دستور فرمایند شرایط آزادی انتخابات تأمین شود. از جمله امضاءکنندگان نامه مهندس مهدی بازرگان رئیس آب تهران بود. این نامه به دولت گران آمد که یکی از مدیران که با دولت همکاری دارد این نامه را امضاء کند. نتیجه‌ی مذاکرات مهندس بازرگان با دولت بر این محور قرار گرفت که ایشان از ریاست سازمان آب تهران استعفا بدهند، و استعفا دادند. دولت زاهدی و دولت‌های بعد از آن تمام مساعی خود را به کار بردند تا استقلال دانشگاه را که سنگری علیه طرح‌های سرکوب‌گرانه آنها بود بگیرند و نگذارند در مراکز کشور جزیره امنی وجود داشته باشد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد عده‌ای از علاقمندان به دکتر مصدق «نهضت مقاومت ملی» را تشکیل دادند. در هفتم شهریور ۱۳۳۲ کمیته مخفی نهضت مقاومت اعلامیه‌ای منتشر کرد و خط مشی خود را در سه اصل بشرح زیر اعلام نمود:

۱- ادامه نهضت ملی و اعاده استقلال و حکومت ملی.

۲- مبارزه علیه هرگونه استعمار خارجی اعم از سرخ و سیاه.

۳- مبارزه علیه حکومت‌های دست‌نشانده‌ی خارجی و عمال فساد.

تدریجاً احزاب ملی نیز به نهضت ملی پیوستند. نهضت مقاومت ملی به پیروی از راه مصدق، آرمان‌های او را عامل اساسی ایجاد اتحاد و همبستگی اقشار جامعه در راستای مبارزه علیه رژیم کودتا می‌دانست.

تظاهرات روز ۱۶ مهر به نشانه اعتراض به محاکمه مصدق، شایگان و رضوی صورت گرفت. در آن روز بازار تهران، دانشگاه و مدارس تعطیل گردید. این تظاهرات به طول انجامید و مأمورین انتظامی و چاقوکشان دولتی با دانشجویان و مردمی که به صفوف آنها پیوسته بودند به زد و خورد پرداختند. تعداد زیادی مجروح و دستگیر شدند. این تظاهرات بازتاب وسیعی در رسانه‌های خبری اروپا و آمریکا داشت. تظاهرات دیگری روز ۲۱ آبان به وقوع پیوست. نقش اول را دانشجویان در دست داشتند. بازار تهران نیز به حمایت دانشجویان تعطیل گردید. دولت کودتا عده‌ی زیادی را دستگیر و سرانجام سقف قسمتی از بازار را خراب کرد. در روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲ در اعتراض به تجدید روابط ایران و انگلیس و ورود نیکسون به ایران، از روز شنبه ۱۴ آذر با ایراد سخنرانی در کلاس‌ها شروع شد. عصر آن روز در دانشکده‌ها تظاهرات پرشوری انجام پذیرفت. روز دوشنبه ۱۶ آذر عده‌ی زیادی از افراد نظامی وارد محوطه دانشگاه شدند. دانشجویان در کلاس‌های خود تظاهرات می‌کردند و سرانجام برخورد بین دانشجویان و سربازان از دانشکده فنی که مرکز عمده فعالیت دانشگاه بود شروع شد. به همین دلیل دستگاه قصد داشت که با سرکوب دانشجویان این دانشکده زهر چشم خود را نشان دهد. بنابراین تیراندازی در دانشکده فنی شروع شد و در نتیجه سه نفر از دانشجویان به درجه شهادت نائل شدند. کمیته دانشگاه عزای عمومی و تعطیل اعلام کرد. در مراسم برگزاری سومین روز شهادت دانشجویان چند هزار دانشجو و هزاران نفر از مردم تهران در حالی که جاده تهران- میدان شوش را سربازان محاصره کرده بودند و مانع حرکت مردم بودند، شرکت کردند. در خیابان مقابل امامزاده عبدالله، بین مردم و سربازان زد و خورد درگرفت و عده‌ای مجروح شدند. اعتصاب دانشگاه دو هفته ادامه یافت و حادثه ۱۶ آذر به عنوان یک روز «مقاومت تاریخی» در تاریخ دانشگاه ثبت شد و در همان ایام انتخابات دوره هجدهم مجلس شورای ملی آغاز گردید و نهضت مقاومت ملی دوازده نفر از اعضای خود را که بیشتر آنها در زندان بودند برای نامزدی انتخابات معرفی کرد. این دوازده تن عبارت بودند از: مهندس احمد رضوی، دکتر عبدالله معظمی، دکتر علی شایگان، محمدعلی انگجی، دکتر کریم سنجابی، اللهیار صالح، مهندس احمد زیرک‌زاده، سرهنگ احمد اخگر، جلالی موسوی، محمود

نریمان، اصغر پارسا و مهندس کاظم حسیبی.

سرانجام دولت تصمیم گرفت عده‌ای از استادان دانشگاه را اخراج کند که عبارت بودند از: دکتر عبداللّه معظمی، دکتر یداللّه سحابی، دکتر قریب، دکتر عابدی، دکتر جناب، مهندس عطائی، مهندس خلیلی، مهندس انتظام، دکتر نعمت‌اللهی، دکتر بیژن، دکتر میربابائی و مهندس مهدی بازرگان.

با تمام مقاومتی که از طرف دکتر سیاسی رئیس دانشگاه برای ابطال تصمیم دولت نسبت به اخراج استادان انجام گرفت، مع‌الوصف تصمیم به تغییر او گرفته شد و احکام اساتید اخراجی را رضا جعفری وزیر فرهنگ وقت امضاء کرد. اخراج اساتید هیچگونه اثری در مبارزات دانشجویان نکرد و حملات به دولت کودتا شدیدتر شد و سرانجام دولت تصمیم به بازداشت عده‌ای گرفت که عبارت بودند از: آیت‌اللّه حاج آقا رضا زنجانی، دکتر یداللّه سحابی، مهندس عزت‌اللّه سحابی و مهندس مهدی بازرگان. در شهرستان‌ها نیز عده‌ای بازداشت شدند. زندانی شدن مهندس بازرگان و هم‌سنگران وی قریب پنج ماه به طول کشید و مجدداً به دانشگاه بازگشتند و همچنان به مبارزه خود علیه رژیم ادامه دادند.

در سال ۱۳۳۹ محمدرضا پهلوی طی نطقی از آزادی انتخابات سخن گفت و در نتیجه سران و کارگردانان سابق جبهه ملی و دیگر دستجات و جمعیت‌های سیاسی در صدد برآمدند فعالیت سیاسی را بطور علنی شروع کنند. بدین منظور رهبران نهضت مقاومت ملی از جمله مهندس بازرگان، دکتر یداللّه سحابی و آیت‌اللّه سید محمود طالقانی همراه با سران فعالان جبهه ملی سابق و همکاران دکتر مصدق از قبیل سید باقرخان کاظمی، دکتر غلامحسین صدیقی، دکتر عبداللّه معظمی، اللهیار صالح، سید محمود نریمان، مهندس احمد زنگنه، دکتر کریم سنجابی و داریوش فروهر. پس از چند جلسه بحث و گفتگو درباره تأسیس یک سازمان سیاسی در بر گیرنده‌ی همه‌ی نیروهای ملی موافقت شد. سرانجام روز ۳۰ تیرماه ۱۳۳۹ طی اعلامیه‌ای خبر تشکیل جبهه ملی دوم انتشار یافت. مهندس بازرگان در این سازمان سیاسی، عضو شورای عالی بود.

اولین برنامه جبهه ملی دوم، شرکت در انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی بود که آنهم با مخالفت شدید دکتر اقبال نخست‌وزیر شروع شد و در نتیجه عده‌ای از سران جبهه ملی دوم از جمله مهندس مهدی بازرگان در مجلس سنا متحصن شدند. مدت این تحصن پنج هفته به طول انجامید و پس از انتخابات و افتتاح مجلس از طرف شاه اجازه دادند متحصنین به خانه‌های خود بروند. نتیجه انتخابات زمستانی دوره‌ی بیستم بین حزب ملیون و حزب مردم تقسیم شد و سرسپردگان رژیم و کسانی که در کودتای مرداد ماه ۱۳۳۲ مشارکت فعال داشتند، به مجلس راه یافتند. از ملی‌گراها فقط اللهیار صالح از کاشان انتخاب شد. صالح هنگام طرح اعتبارنامه‌ها، انتخابات دوره‌ی بیستم را مخدوش دانست و تقاضای ابطال انتخابات را نمود. در اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ دولت شریف‌امامی سقوط کرد و دکتر امینی با حمایت همه‌جانبه کندی، به ریاست دولت انتخاب گردید و سرانجام مجلس را منحل نمود. دکتر امینی در نخستین روزهای حکومت خود، آزادی اجتماعات و نطق و بیان را آزاد کرد. در نتیجه روز ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۲ یک میتینگ بزرگ در میدان جلالیه از طرف جبهه ملی تشکیل شد که قریب یک صد هزار نفر در آن شرکت داشتند.

نهضت آزادی در ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ چند روز پس از معرفی کابینه دکتر امینی تشکیل شد. نهضت آزادی از عناصر ترکیب‌دهنده جبهه ملی نبود، آنها با تمام احزاب و دستجات ملی همکاری داشتند.

در اواخر دی ماه ۱۳۴۰ عده‌ای از دانش‌آموزان دبیرستان‌های تهران از جمله دارالفنون و البرز در اعتراض به تعطیل مجلس تظاهراتی برپا کردند که منجر به خراج چند تن از دانش‌آموزان گردید و چون اقدام برای بازگشت اخراج شدگان به نتیجه نرسید. روز اول بهمن چند دانشکده دانشگاه تهران در اعتراض به تعطیل مجلس و پشتیبانی از دانش‌آموزان اخراجی کلاس‌های درس را تعطیل کردند و به تظاهرات پرداختند. شاه دستور سرکوب دانشجویان را صادر کرد. کماندوها پس از یورش به محوطه دانشجویان را تا کلاس درس دنبال کردند و عده زیادی از جمله چند تن از استادان را کتک زدند، وسایل آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌ها و میکروسکوپ‌ها را شکستند، کتابخانه‌ها را ویران نمودند و کتاب‌ها را پاره کردند. آمار مجروحین این حمله وحشیانه از ۶۰۰ نفر تجاوز کرد. دکتر احمد فرهاد رئیس دانشگاه این یورش سبعانه را محکوم کرد و از ریاست دانشگاه استعفا داد. روزهای بعد مدارس تهران تظاهراتی در اعتراض به حمله کماندوها به دانشگاه برپا کردند که به خیابان‌ها کشیده شد. روز سوم بهمن یکی از دانش‌آموزان دبیرستان علمیه پشت بهارستان به شهادت رسید و عده‌ی زیادی مجروح شدند. سرتیپ محسن مبصر رئیس پلیس تهران و سرهنگ اکسیر معاون پلیس در این حملات عامل اصلی بودند و قتل را که توسط پلیس انجام گرفته بود به گردن دیگری انداختند.

جبهه ملی دوم در ۱۳۳۳ بدون توفیق در برنامه‌های خود، به انحلال انجامید و در نتیجه مهندس بازرگان و دکتر سحابی پس از بحث و مذاکره زیاد به این نتیجه رسیدند که فعالیت سیاسی و تشکیل یک حزب و جمعیت در شرایط موجود مملکت، لازم و واجب است ولی مرام و ایدئولوژی این جمعیت با حزب باید مبنی و مأخوذ از اسلام باشد. بر همین اساس تصمیم به تأسیس نهضت آزادی ایران گرفته شد. ایدئولوژی نهضت آزادی ایران حفظ اصالت نهضت ملی در چهارچوب وحدت با جنبش نوین اسلامی بود و تدریجاً نهضت آزادی توانست رسالت تاریخی خود را در آن مرحله از رشد جنبش به بهترین وجهی انجام دهد به طوری که پس از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به مرحله متکامل‌تری ارتقاء یابد و نهضت آن مکتب مجاهدپروری بشود که از درون خود مجاهدین پرافتخاری را به ملت تقدیم نماید. بطور خلاصه مرامنامه نهضت آزادی در چهار اصل خلاصه می‌شد: ۱- مسلمان بودن نه به این معنی که یگانه وظیفه‌ی خود را روزه و نماز می‌دانیم بلکه ورود ما به سیاست و فعالیت اجتماعی من باب وظیفه ملی و فریضه دینی بود. دین از سیاست جدا نیست. ۲- ایرانی بودن ۳- تابعیت از قانون اساسی ۴- مصدقی بودن.

از نظر حزب نهضت آزادی، مصدق یگانه رئیس دولتی بود که در طول تاریخ ایران محبوب و منتخب واقعی اکثریت مردم بود و قدم در راه خواسته‌های مردم برداشت. ضمناً لازم به یادآوری است که مهندس بازرگان قبل از اعلام تشکیل نهضت آزادی، تصمیم خود را در نامه‌ای بوسیله‌ی دکتر غلامحسین مصدق به استحضار دکتر محمد مصدق رسانیده و پاسخی دریافت داشتند. متن نامه و پاسخ آن به شرح زیر است:

۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۰

جناب آقای دکتر مصدق پیشوای نهضت ملی ایران

با استحضاری که از وفاداری و ایمان مداوم مردم نسبت به اصول نهضت ملی ایران دارید و علاقه و انتظاری که در دل‌های فرزندان وطن به احیای آزادی و تأمین استقلال کشور عزیز وجود دارد و با توجه به تحولات اخیر جهانی، عده‌ای از افراد مؤمن و مبارز که در طول هشت سال اختناق از ادامه راه پیشوای محبوب و تعقیب خواسته‌های مردم آرام ننشسته بودند، در صدد برآمدند با توکل به عنایت خداوندی و به سرمایه شرف و غیرت و همت مردم آزاده ایران جمعیتی بنام «نهضت آزادی ایران» تشکیل دهند. یقین دارم از پشتیبانی و راهنمائی‌های پیشوای بزرگ خود پیوسته برخوردار خواهیم بود.

با تقدیم صمیمی‌ترین درود و سلام دوستان و ارادتمندان

از طرف مؤسسین نهضت آزادی ایران- مهندس مهدی بازرگان

پاسخ نامه بشرح زیر است:

احمدآباد- ۲۵ اردیبهشت ۱۳۴۰

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان

قربانت شوم. مرقومه محترمه مورخ ۲۱ جمادی، مبشر تشکیل جمعیتی بنام نهضت آزادی ایران عز وصول بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. تبریکات صمیمانه خود را تقدیم می‌کنم و تردید ندارم که این جمعیت تحت رهبری شخص شخیص جنابعالی موفق به خدمات بزرگی نسبت به مملکت خواهد شد و بنده توفیق جنابعالی و همکاران محترمتان را در این راه از خداوند مسئلت دارم.

دکتر محمد مصدق

استقبال مردم مخصوصاً جوانان از عضویت در نهضت آزادی بیش از انتظار شد و گروه کثیری از طبقات مختلف جامعه، دانشگاهیان، بازاریان و کسبه و کارمندان دولت به نهضت پیوستند. گروهی از فعالین نهضت آزادی در اروپا و آمریکا دوره‌های آموزش چریکی در الجزیره دیدند.

فکر مقاومت مسلحانه در برابر رژیم کودتا از اواخر ۱۳۴۲ پس از سرکوب آخرین مقاومت ملی مذهبی و متلاشی شدن نیروهای اپوزیسیون و شکست نهضت ملی و از بین رفتن امکانات مبارزه از طریق قانونی، شکل گرفت به طوری که در سال ۱۳۴۳ همه گروه‌ها و دستجات مخالف رژیم با افکار و ایدئولوژی‌های گوناگون به یک نتیجه‌ی واحد رسیدند که تنها راه مبارزه با رژیم شاه، مبارزه‌ی مسلحانه است. ترور حسنعلی منصور نخست‌وزیر، در مقابل در ورودی مجلس شورای ملی در اول بهمن ماه ۱۳۴۳ و به گلوله بستن شاه در کاخ مرمر از طرف یکی از افراد گارد محافظ دربار، اخطار آغاز مبارزه‌ی مسلحانه علیه رژیم کودتا بود. سازمان چریکی مجاهدین خلق ایران توسط سه تن از اعضای نهضت آزادی ایران: محمد حنیف نژاد، سید محسن و علی‌اصغر بدیع‌زادگان در شهریور ۱۳۴۴ پایه‌گذاری شد.

سازمان فدائیان خلق ایران سابقه‌ی عضویت یا همکاری با حزب توده را داشتند ولی عناصر تشکیل‌دهنده‌ی مجاهدین خلق ایران از اعضای رادیکال نهضت آزادی بودند.

ناگفته نماند بنیانگذاران نهضت آزادی سه نفر بودند که عبارت بودند از دکتر یدالله سحابی، آیت‌الله طالقانی و مهندس مهدی بازرگان. ریاست نهضت عملاً با بازرگان بود.

واکنش نهضت آزادی ایران در روز سوم بهمن ماه ۱۳۴۱ در برابر رفراندوم، بسیار شدید بود. شورای مرکزی نهضت آزادی اعلامیه‌ای زیر عنوان «ایران در آستانه‌ی یک انقلاب بزرگ!» منتشر کرد. فرازهائی از اعلامیه‌ی مزبور به این شرح بود:

... عامل این انقلاب، نه دهاتی‌ها هستند، نه شهریها، نه ملت، نه مجلس و نه دولت. یک نفر است، شخص پادشاه مملکت!

این انقلاب یک پدیده‌ی نوظهور تاریخ است! زیرا انقلاب دو طرف دارد و انقلاب‌کننده‌ی آن تو سری خورده، زجر کشیده، محروم شده، خشمگین و مظلوم اجتماع است. انقلاب را در برابر طبقه‌ی قاهر غاصب حاکم ظالم انجام می‌دهند اما امروز هیئت حاکمه و دستگاهی انقلاب می‌کنند که تا دیروز خود از طریق ارباب‌ها، مالک‌ها و مأمورین دولت، یگانه حامی نظام ارباب رعیتی و فئودالیته و وکیل‌ساز و برخوردار از اقتصاد اجحاف مالکیت و سرمایه‌داری بود و در مرحله‌ی نهائی عامل تمام فشارها و فسادها (...) انقلاب از این بزرگتر نمی‌شود که با یک گردش کوچک زمان، ضارب خودش مدافع مضروب بی‌زبان بشود.

اقبال‌ها و شریف‌امامی‌ها می‌آیند تا آنچه حزب و دموکراسی و انتخابات است به لجن‌مالی و رسوائی بکشند. با اشاعه فساد و تعمیم و توسعه اختلاس‌های کلان به کلیه دستگاه‌های لشکری و کشوری، پرده ننگ را آنقدر بالا می‌زنند و ارکان دولت و سلطنت را علی‌رغم ادعاهای ثبات سیاسی و اجتماعی ایران آنقدر متزلزل می‌نمایند که داخل و خارج متوحش می‌شوند. می‌ترسند مبادا ملت پرمدعای ایران کاسه صبرش لبریز شود و معجزه انقلاب و قیامی آزاد سر بزند.

سیاست توافق به باز کردن یک سوپاپ خطر دیگر، در این دیگ زنگ خورده پوسیده است (...) دولت امینی را روی کار می‌آورند و سیاست آمریکا علاقه‌ای به شخص و طبقه ندارد. آنها برنامه می‌خواستند، طالب اصلاحات ارضی و مبارزه با فساد بودند، برای اینکه جلوی کمونیسم را بگیرند. بنابراین مسافرتی به اروپا و آمریکا به عمل آمد و وعده و قول و قراری مبادله شد. که شخص اول مملکت شخص اول و وسط و آخر مملکت و مجری ظاهر و باطن برنامه باشد. نخست‌وزیر رفت و نوکر حلقه بگوشی به جایش نشست، فقط یک مدعی در میان است، باید او را از میدان برد، اسلحه را از دست و زبانش گرفت...

هر فرد عادی از خود می‌پرسد اگر رفراندوم یا مراجعه به آرای عمومی کار مجاز و صحیحی است، پس چرا همین دستگاه در محاکم به قول خودش قانونی ذی صلاحیت، جناب آقای دکتر مصدق را به جرم رفراندوم، محکوم و محبوس کرد و دکتر اقبال نوکر جان‌نثار، ملیون ایران را به عنوان رفراندومچی بودن از حق نماینده شدن محروم کرد. اگر این کار بد و خلاف قانون است، پس چطور شاه مملکت رفراندومچی می‌شود؟ سبحان‌الله، این چه بام دو هوائی است؟!

انقلاب باید از درون باشد نه بیرون. کشاورزانی که با گوسفند و گرگ آشنا هستید فریب نخورید و گرگ خود را بشناسید.

همزمان با انتشار این اعلامیه، مأمورین ساواک ابتدا مهندس مهدی بازرگان و آیت‌اللّه طالقانی و دکتر سحابی را دستگیر کردند. چند روز بعد عده‌ای از دوستان و همکاران آنها را در نهضت آزادی به زندان انداختند و سرانجام محاکمه‌ای برای آنان ترتیب داده شد و کیفرخواستی تنظیم گردید.

کیفرخواست دادستان ارتش پس از تشریح موارد اتهام و نتیجه‌ی تحقیقات از متهمین به این شرح بود:

... نوع بزه و انطباق با قانون: عمل سه نفر متهمین ردیف‌های ۳ -۲ -۱ (مهندس مهدی بازرگان، دکتر یداللّه سحابی و آیت‌اللّه طالقانی) جزء مؤسسین جمعیت نهضت آزادی می‌باشند و این جمعیت، مرام و رویه آنان ضدیت با سلطنت مشروطه ایران می‌باشد و همچنین متهمین ردیف ۸ -۷ -۶ -۵ -۴ و ۹ (مهندس عزت‌اللّه سحابی، دکتر عباس شیبانی، احمدعلی بابائی، ابوالفضل حکیمی، سید مهدی جعفری و پرویز عدالت‌منش که عضو نهضت آزادی نیست) از جهت عضویت مزبور، جنائی منطبق با بند ۱ ماده ۱ قانون مقدمین علیه امنیت و استقلال کشور و از جهت اهانت‌های مکرر و گستاخانه به مقام شامخ سلطنت از درجه جنحه و منطبق با ماده ۸۱ قانون مجازات عمومی می‌باشد و صدور حکم مجازات آنها با رعایت ماده ۲ الحاقیه به اصول محاکمات جزائی مورد تقاضاست. تاریخ و محل وقوع جرم: تهران اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ از تاریخ تشکیل جمعیت نهضت آزادی. ضمناً پرونده‌ای بنام افرادی که پرونده آنها تاکنون ارجاع نشده یا دستگیر نشده‌اند مفتوح است. دادستان– سرهنگ فخر مدرس.

محاکمه سرانجام انجام گرفت و متهمین و وکلای مدافع آنها که از برجسته‌ترین حقوقدانان کشور بودند، داد سخن دادند به طوری که بعضی از اعضای دادگاه تحت تأثیر قرار گرفتند. سرانجام در روز ۱۶ دی ماه ۱۳۴۲ دادگاه بدوی نظامی بدون ورود در ماهیت امر و دفاع وکلای مدافع و متهمین، پایان کار خود را اعلام و متهمین را به جرم اقدام بر ضد امنیت کشور و اهانت به مقام سلطنت به مجازات‌های زیر محکوم کرد:

۱– مهندس مهدی بازرگان و آیت‌اللّه طالقانی، هر یک ده سال زندان تأدیبی.

۲– دکتر یداللّه سحابی، دکتر عباس شیبانی و احمدعلی بابائی، هر یک شش سال زندان مجرد.

۳– مهندس عزت‌اللّه سحابی، ابوالفضل حکیمی و محمد مهدی جعفری، هر یک چهار سال زندان مجرد.

۴– پرویز عدالت‌منش که عضو نهضت آزادی ایران نیست، یک سال حبس تأدیبی.

دادگاه تجدید نظر سران نهضت آزادی بسیار طولانی شد و مجموعاً ۷۶ جلسه تشکیل گردید. آراء صادره به شرح زیر بود:

متهم ردیف یک (آقای مهندس بازرگان)، متهم ردیف ۳ (آیت‌اللّه طالقانی)، ردیف ۴ آقای عزت‌اللّه سحابی، ردیف ۵ دکتر عباس شیبانی، ردیف ۶ آقای احمدعلی بابائی، ردیف ۷ مهندس ابوالفضل حکیمی، ردیف ۸ آقای مهدی جعفری، ردیف ۹ آقای پرویز عدالت‌منش. حکم دادگاه بدوی تأیید شد. در مورد متهم ردیف ۲ آقای دکتر یداللّه سحابی با توجه به عدم پیشینه کیفری، ۳۸ سال سابقه‌ی فرهنگی، کبر سن و معیل بودن متهم و نحوه‌ی دفاعیات، با رعایت ماده‌ی ۵ مکرر از قانون مجازات عمومی از جهت اهانت به مقام شامخ سلطنت و عهده‌دار بودن ریاست شورای جمعیتی که رویه آن ضدیت با سلطنت مشروطه است، به چهار سال زندان مجرد محکوم می‌شود.

در تاریخ ۲۵ تیرماه هشت تن محکومین طی نامه‌ای از زندان قصر تقاضای فرجام‌خواهی کردند. در ۱۵ مرداد به آنها اطلاع داده شد که شاه با تقاضای آنها موافقت نکرده و حکم محکومیت آنها قطعی است. محاکمه مهندس مهدی بازرگان و سایر سران نهضت آزادی در یکی از بیدادگاه‌های محمدرضا پهلوی یکی از محاکمات مهم و پر سر و صدای پنجاه سال اخیر است و می‌توان گفت که بعد از محاکمه‌ی دکتر مصدق و یاران او دارای اهمیت و اعتبار خاصی است. پاسخ‌گوئی بازرگان و سایر متهمین به یاوه‌سرائی آقای دادستان بسیار جالب و حائز اهمیت بود. دفاعیات وکلای سران نهضت آزادی تماماً بدون ترس و واهمه، سستی این محاکمه را عریان ساخت.

بازرگان مخالف سلطنت مشروطه نبود و این مطلب را چندین بار در دادگاه عنوان کرد. او مخالف دخالت‌های شاه در تمام شئون مملکتی بود. بازرگان از دیکتاتوری شاه سخن گفت و بدون ترس و واهمه، آنچه را لازم تشخیص می‌داد در دادگاه بیان نمود.

پس از محاکمه‌ی سران نهضت آزادی و محکومیت آنان در دادگاه و عدم قبول فرجام‌خواهی، چهار تن از وکلای مدافع سران نهضت آزادی ایران به اتهام توهین به مقام سلطنت به شرح زیر بازداشت و محاکمه شدند: سرتیپ علی‌اصغر مسعودی، سرهنگ عزیزاللّه امیر رحیمی، سرهنگ دکتر اسمعیل علمیه و سرهنگ علی‌اصغر غفاری. افسران مزبور هرکدام به مجازات‌هائی که بیش از یک سال بود محکوم گردیدند و نتیجه‌ی این محاکمه علاوه بر تحمل زندان، اخراج از ارتش بود.

بازرگان مبارزات سیاسی خود را از بعد از کودتای ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۲ آغاز کرد. این مبارزه با مخالفت با انتخابات مجلس هیجدهم و سپس قرارداد با کنسرسیوم که نتیجه‌ی آن واگذاری صنعت نفت به آمریکا و انگلیس بود آغاز شد و سرانجام در مخالفت با انقلاب سفید شاه و مردم، بازرگان و یاران وی دستگیر و محاکمه شدند.

بازرگان پس از آزادی از زندان، مبارزات خود را ادامه داد و از نیمه‌های سال ۱۳۵۶ این مبارزات بصورت حادی آغاز گردید.

در سال ۱۳۵۷ بازرگان به محکومیت مجدد آیت‌اللّه طالقانی طی اعلامیه‌ای شدیداً اعتراض نمود و بازداشت شد و قریب ده روز در زندان بسر برد و روز ۲۶ شهریور از زندان آزاد شد. روز ۲۹ مهر ماه، مهندس بازرگان به اتفاق دکتر میناچی برای ملاقات با آیت‌اللّه خمینی به پاریس عزیمت نمود. در روز هشتم دی ماه، امام خمینی فرمانی برای حل و فصل مشکلات نفت برای بازرگان صادر نمودند. در این فرمان آمده بود:... جنابعالی که در اداره صنایع نفت دارای سوابق و تجارب هستید یک هیئت پنج نفری مرکب از جناب حجت‌الاسلام حاج شیخ اکبر رفسنجانی و جناب آقای مهندس کتیرائی و دو نفر را با نظر خودتان و مشورت آقایان تعیین نمائید و این هیئت تحت سرپرستی جنابعالی، مناطق نفتی را بازرسی نموده و در امر تولید نفت نظارت نمایند. پس از صدور فرمان امام، کارکنان اعتصابی صنعت نفت ایران برای تولید نفت مورد نیاز داخلی، به سر کار خود بازگشتند. روز سوم بهمن ماه بازرگان اعلام کرد بختیار باید استعفا کند، در غیر این صورت باید ارتش را بکار گیرد.

روز چهارم بهمن ماه مهندس بازرگان طی مصاحبه‌ای نحوه‌ی تشکیل شورای انقلاب و دولت موقت اسلامی را تشریح کرد و گفت

الگوئی که ما برای حکومت اسلامی در نظر داریم دوران رسالت و رهبری ده ساله‌ی حضرت محمد (ص) در مدینه و دوران پنج ساله‌ی امام حضرت علی (ع) در کوفه است.

روز ۱۶ بهمن ماه ۱۳۵۷ امام خمینی مهندس بازرگان را بعنوان رئیس دولت موقت تعیین کردند و فرمانی در این مورد شرف صدور یافت.

در همان روز مهندس بازرگان رئیس دولت موقت در پاسخ مصاحبه‌ی شاپور بختیار که گفته بود رئیس دولت موقت را بازداشت می‌کنم، گفت از این اخطار نمی‌ترسم، اگر تهدید می‌خواهند بکنند به چیز دیگری ما را تهدید کنند، این چیز خیلی کوچکی است، اگر عملی شود بنده شخصاً خیلی ممنون می‌شوم چون راحت می‌شوم.

در روز شانزدهم بازرگان نخست‌وزیر موقت، برنامه و وظایف دولت موقت را بیان کرد و گفت از وظایف عمده دولت موقت اینست که یک همه‌پرسی برپا کند تا نظر مردم را درباره‌ی تغییر رژیم و تحول آن به جمهوری دموکراتیک اسلامی بپرسد. سپس این وظیفه را خواهد داشت که انتخابات مجلس مؤسسان را برگزار کند، مجلسی که قانون اساسی آینده را تدوین خواهد کرد. وظیفه‌ی سوم نیز انتخابات مجلس خواهد بود که به موجب قانون اساسی جدید تشکیل می‌شود و پس از این مجلس دولت رسمی تعیین خواهد شد.

روز شانزدهم جامعه‌ی روحانیت اعلام کرد برای تأیید بازرگان راهپیمائی بزرگ روز پنجشنبه ۱۹ بهمن در تهران و شهرستانها انجام خواهد گرفت.

در همان روز شاپور بختیار به دنبال انتخاب بازرگان به ریاست دولت موقت گفت در ایران تنها یک حکومت وجود خواهد داشت. ساخت ایران تجزیه‌ناپذیر است. اگر بختیار تنها به حرف زدن اکتفا کند یک مسئله است. اگر بخواهد دست به عملی دیگر بزند مسئله‌ی دیگری مطرح می‌شود.

در اجرای خواسته‌ی امام روز نوزدهم بهمن ماه مبنی بر راهپیمائی مردم در تأیید دولت موقت، میلیون‌ها تن از مردم برای حمایت از آیت‌اللّه خمینی و دولت موقت اسلامی، در تهران و شهرستان‌ها به خیابان‌ها آمدند و راهپیمائی گسترده‌ای در سراسر ایران برپا نمودند. تنها در تهران متجاوز از دو میلیون نفر در این راهپیمائی مشارکت داشتند. غیر از تمام طبقات مردم روحانیون، اصناف، احزاب سیاسی و همافران در این رفراندوم شرکت داشتند. در پایان راهپیمائی تهران قطعنامه‌ای در ۷ ماده قرائت شد و مردم یکپارچه آن را تأیید کردند. در بعضی از شهرستان‌ها راهپیمائی مردم به آتش و خون کشیده شد. به دنبال راهپیمائی مردم در تأیید دولت بازرگان، بختیار اعلام کرد در کشور واحدی چون ایران دو دولت را نمی‌پذیرد و دولتی را که گویا مهندس بازرگان درصدد تشکیل آن است، به رسمیت نمی‌شناسد.

روز بیستم بهمن ماه مهندس مهدی بازرگان نخست‌وزیر دولت انقلابی، طی یک سخنرانی که در دانشگاه تهران ایراد کرد، برنامه‌ی دولت موقت را اعلام کرد. بازرگان در نخستین سخنرانی‌اش در برابر مردم گفت مأموریتی که رهبر انقلاب به من داده است، پرمخاطره‌ترین و سنگین‌ترین مأموریت در عمر ۷۱ ساله‌ی مشروطیت ایران است که به نخست‌وزیر ایران داده شده است. آنگاه بازرگان افزود: خطوط اصلی و وظایف دولت موقت به قرار ذیل است:

۱- احراز و انتقال قدرت ۲- ارائه و اثبات حقانیت (همان رفراندوم) ۳- احیاء و اداره و اصلاح مملکت ۴- انتخابات مجلس مؤسسان و ارجاع به آراء عمومی برای تدوین و تصویب قانون اساسی جدید ۵- انتخابات مجلس شورای ملی ۶- استعفا و تحویل کار به رئیس‌جمهور و دولت رسمی بعدی.

روز ۲۱ بهمن ماه، فرماندار نظامی تهران و حومه اعلامیه‌ی شماره ۴۰ را انتشار داد و اعلام نمود ساعت منع عبور و مرور در تهران را افزایش داده و رفت و آمد را از ساعت ۱۶/۳۰ تا ۵ بامداد ممنوع اعلام کرد. در همان روز متعاقب اعلامیه‌ی شماره ۴۰، فرمانداری نظامی اعلامیه‌ی شماره ۱۱ را صادر نمود. در این اعلامیه آمده بود: فرمانداری نظامی تهران و حومه به حکم وظیفه و مسئولیت سنگینی که به عهده دارد نمی‌تواند در مقابل عملیات ضد انسانی و وحشیانه عناصر اخلالگر و فریب خورده بی‌تفاوت بماند، علیهذا بدینوسیله ساعت عبور و مرور شبانه را تا ساعت ۱۱ روز یکشنبه ۲۲ بهمن تمدید می‌نماید. به دنبال این اعلامیه، امام خمینی پیام مهمی انتشار داد و اعلامیه‌های حکومت نظامی را خدعه و خلاف شرع دانست و مردم به هیچوجه به آن اعتنا نکردند و در نتیجه مردم به خیابان‌ها ریختند.

روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن، تهران و سایر شهرها تبدیل به میدان جنگ شد. لشکر گارد بطور ناگهانی به نیروز هوائی حمله کرد و مردم نیز به کلانتری‌ها یورش بردند و غالب کلانتری‌ها به تصرف مردم درآمد. مهندس بازرگان طی پیامی اعلامیه‌های فرمانداری نظامی را توطئه علیه انقلاب خواند.

سرانجام در ساعت ۱۰/۵ بامداد روز ۲۲ بهمن، شورای عالی ارتش با شرکت رئیس ستاد، وزیر جنگ و غالب فرماندهان تشکیل جلسه داد و پس از بحث و مذاکره، اعلامیه صادر و متذکر شد برای جلوگیری از هرج و مرج و خونریزی، بیطرفی خود را در مناقشات فعلی اعلام و به یگان‌های نظامی دستور داده شد که به پادگان‌های خود مراجعه نمایند. به دنبال اعلامیه شورای عالی ارتش و جمع‌آوری سربازان تمام تهران و شهرها به دست مردم انقلابی افتاد و سرانجام صدای انقلاب در روی صفحه تلویزیون نقش بست و بدین ترتیب رژیم ۲۵۰۰ ساله‌ی شاهنشاهی و آخرین سلسله‌ی سلطنتی ایران سقوط کرد.

بازرگان سیاستمداری مسلمان و مبارزی خستگی‌ناپذیر بود. وی در سی‌امین روز دی ماه ۱۳۷۳ در تهران وفات یافت.

تألیفات بازرگان بشرح زیر می‌باشد: ۱- مطهرات در اسلام ۲- سیر تحول در قرآن ۳- ره طی شده ۴- اسلام یا کمونیسم ۵- عشق و پرستش یا ترمودینامیک انسان ۶- نظریه اریک فروم ۷- بی‌نهایت کوچکها ۸- مذهب در اروپا ۹- یادداشت‌هائی از سفر حج ۱۰- از خداپرستی تا خودپرستی ۱۱- اسلام و جوانان ۱۲- انسان و خدا ۱۳- بازی جوانان با سیاست ۱۴- ترمودینامیک صنعتی ۱۵- حکومت واحد جهانی ۱۶- خداپرستی و افکار روز ۱۷- خودجوشی ۱۸- ضریب و تبادل مادیات و معنویات ۱۹- مرز میان دین و سیاست ۲۰- مسئله وحی ۲۱- انقلاب در دو حرکت ۲۲- شصت سال خدمت و مقاومت (خاطرات مهندس مهدی بازرگان، جلد

اول).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :[۱] ایران فردا (اسـفند ۱۳۷۳، ویژه‌نـامه درگـذشت مهنـدس بازرگان)، خاطرات بازرگان (شـصت سال خـدمت و مقاومت)، مؤلفین کتب چاپی (۳۷۳ -۳۷۲ /۶)، نشر دانش (س ۱۵، ش ۱ و ۲، ص ۸۲).

باستان، شاپور محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۵، مرتبه علمی: استاد، رشته: زیست‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای زیست‌شناسی، بیولوژی سلولی و نوروآند و کرینولوژی.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده علوم دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

محاسـبه مرز آدنوهیپـوفیز و نوروهیپـوفیز در پسـتانداران بررسـی نقـاط نفـوذی سـلول‌های آدنوهیپـوفیز در نوروهیپـوفیز، مورفولوژی سلولهای نفوذ یافته آدنوهیپوفیز در نوروهیپوفیز، مشـخص نمودن جریان هورمون از هیپوتالاموس به هیپوفیز، اثر سن و نژاد در مقـدار نوروسکرسیون و طرح نوروآندوکرینولوژی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

نوروآندوکرینولوژی، بیولوژی سلولی و مولکولی، ساختمان بدن مهره‌داران.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

نوروآندروکرینولوژی و بیولوژی سلولی و مولکولی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

باستانی پاریزی، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۵۹ ش)، واعـظ و شـاعر. در پـاریز متولـد شـد. با علوم قـدیم و جدیـد آشـنا بود. خوش محضـر و خوش حافظه بود. بر تاریخ عمومی احاطه داشت. ریاست دبسـتانی در کرمان به وی محول شد. دبستان پاریز به نام او موسوم است. وی پدر دکتر محمد ابراهیم باسـتانی پریزی اسـت. از آثـار او: «جغرافیـای ایران» به صـورت منظـوم؛ «ایـام نیکبختـی از پس بـدبختی ایران»؛ «سـی و دو داسـتان». ملاـعلی اکبر حتی در نوشـتن نامه‌هـا صورت منظوم به کـار می‌برد و در آنهـا معـایب اجتمـاعی را بر سبیل هزل بیان می‌کرد. از وی حدود بیست هزار شعر باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شاعران کرامان (۹ -۶)، ستارگان کرمان (۱۴ -۱۱).

باستانی پاریزی، محمدابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ابراهیم باسـتانی پاریزی فرزند شـیخ علی اکبر ، در سال ۱۳۰۴ هجری شمسـی در روسـتای پاریز کرمان دیده به جهان گشود. اسـتاد تحصـیلات ابتـدایی را در پاریز به پایان برد و دوره دبیرسـتان را تا سوم متوسـطه در سـعیدآباد سـیرجان به انجام رسانیـد و در کرمان وارد دانشسـرای مقـدماتی شـد و دیپلم گرفت. در خلال تحصـیل ، در حالی که بیش از هفـده سال نداشت ، با روزنامه روح القـدس همکـاری کرد و آثـار نظـم و نـثرش را در آن به چـاپ رسانـد. دکـتر باسـتانی برای ادامه ی تحصـیل راهی تهران شـد و در دانشسـرای عـالی در رشـته تاریـخ و جغرافیـا به تحصـیل پرداخت و به دریـافت لیسـانس توفیق یافت و تا درجه دکترا پیش رفت. در

تهران فعالیت مطبوعاتی خود را گسترش داد و با روزنامه ها و مجلات همکاری نزدیک داشت. استاد مدتی در دبیرستان های کرمان مشغول خدمت بود اما سرانجام به تهران آمد و به کار تدریس در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران مشغول گردید. از ایشان آثار زیادی تاکنون به چاپ رسیده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

گرایش : ایران دوره اسلامی

والدین و انساب : محمدابراهیم باستانی پاریزی ، فرزند حاج شیخ علی اکبر معروف به حاج آخوند بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : از آنجایی که پدر محمد ابراهیم باستانی پاریزی فردی باسواد بود ، وی را روانه ی مدرسه ای در همان قریه ی پاریز نمود. این مدرسه در منزل شخصی به نام ملامحمدحسن قرار داشت ـ این فرد همان کسی است که سال ها بعد باستانی پاریزی آثار ، نوشته ها و نامه هایش را تحت عنوان « آثار پیغمبر دزدان » جمع آوری و چاپ کرد – ، در سال ۱۳۱۳ پدر باستانی پاریزی مدرسه ای ساخته و او کلاس پنجم را در همین مدرسه به پایان رساند. پاریزی کلاس ششم ابتدایی را در سیرجان و در دبیرستان بدر سپری نمود. وی پس از به پایان بردن دوره ی تحصیل در مقطع ابتدایی ، به مدت ۲ سال ترک تحصیل کرد ، اما در این فاصله در محضر کلاس پدر حاضر می شد و به آموختن ادبیات و عربی می پرداخت. او در سال ۱۳۱۸ برای ادامه ی تحصیل عازم سیرجان شد و سه سال اول دبیرستان را در آنجا گذراند ؛ علی رغم آن که وی تصمیم داشت بجای تحصیل به اداره پست و تلگراف رود ، اما با توصیه یکی از معلمان خود برای ادامه ی تحصیل به دانشسرای مقدماتی کرمان ، که به کوشش رئیس فرهنگ وقت (رهبر کسروی) شبانه روزی شده بود ، وارد شد. با توجه به اینکه این دانشسرا تنها به محصلان رتبه ی اول و دوم اجازه ی ادامه ی تحصیل در دانشسرای عالی تهران را می داد ، پاریزی توانست شاگرد دوم این دانشسرا شده و به تهران رود. سال ششم را در دبیرستان رشدیه ی آن روز خواند و سپس در دانشسرای عالی تهران در دانشکده ادبیات به ادامه ی تحصیل در رشته ی تاریخ پرداخت. پس از آن باستانی پاریزی به کرمان رفت ، اما مجددا در سال ۱۳۳۷ برای دوره دکترای تاریخ به تهران بازگشت و توانست این دوره را نیز به پایان برد.

خاطرات و وقایع تحصیل : تحصیلات دوره ی دبیرستان محمد ابراهیم باستانی پاریزی در سیرجان مصادف با جنگ جهانی اول بود. این سال ها برای کشورمان سال های سختی بود ، چرا که جنگ جهانی باعث گردید فقر و گرسنگی بر همه جا سایه افکند. با سقوط رضا شاه در سال ۱۳۲۰ ، پاریزی تصمیم گرفت از کلاس نهم (سوم دبیرستان) ترک تحصیل نماید و در پستخانهٔ پاریز به جای مدیر قبلی که در همان زمان بازنشسته شده بود استخدام شود ، اما چیزی که باعث شد او از این کار منصرف شود ، مقاله ای بود که در روزنامهٔ « بیداری » به چاپ رساند ، او در این مقاله جوابیه ای در مقابل مقالهٔ مرتضی برازجانی که از معلمان مدارس کرمان بود تنظیم نمود. این مقاله در احوال حضرت فاطمه زهرا (ع) و کیفیت زندگی او تنظیم شده بود ، پاریزی در جواب نوشت « اینکه زنهای امروز از این بانوی بزرگ سرمشق نمی گیرند ، تقصیر مردان است که زن ها را به گونه ای دیگر می پسندند ، تقصیر زن ها نیست ... » در همان زمان یک معلم کرمانی به نام منصوری که برای توزیع کوپن به پاریز آمده بود با خواندن این مقالعه او را از خدمت در پست و تلگراف برحذر داشت .

فعالیتهای ضمن تحصیل : محمد ابراهیم باستانی پاریزی پس از به پایان بردن دوره ی ابتدایی ، به مدت دوسال ترک تحصیل نمود و در همین سال ها مجله ی خطی به نام « ندای پاریز » با سه مشتری منتشر کرد.

استادان و مربیان : از معلمین دوره ی ابتدایی محمد ابراهیم باستانی پاریزی می توان آقایان : سید احمد هدایت زاده نبوی پاریزی ، یحیی سالمی پاریزی و میرزا غلامحسین سعیدنیا معروف به ناظم را نام برد. از معلمین پاریزی در سه سال اول دبیرستان می توان آقایان : سید عبدالحسین حجازی ، ابوالقاسم ارجمند ، محمد صنعتی ، جلال پور ، صفوت و چند تن دیگر را نام برد که در شکل گیری معلومات و ذوق وی تاثیرگذار بوده اند. همچنین او در تابستان با مراجعت به زادگاه خود ، از محضر پدرش نیز که محل تردد رجال ادب ، سیاست و اهل ذوق بودند استفاده های زیادی می نمود ؛ از کسانی که در این مجلس حاضر می شدند اسماعیل مرآت ، هادی حائری ، عطیفه ، مایل تویسرکانی ، صادق انصاری ـ از رؤسای اسبق معروف کرمان ـ هادی اشتری ، ابوالفا معتمدی ، آقاسید محمدرضا مدنی ، سیدجلال هجری رفسنجانی ، شیخ عبدالمحسن محسنی ـ که از خوشنویسان به نام و از شعرای سیرجان بود ـ و مرتضی خان ستوده و بسیاری از رجال صاحب ذوق سیرجان و زیدآباد و همچنین معلمان کرمان می توان نام برد. پاریزی در فاصله ی‌دو ساله ی تحصیل در دانشسرای مقدماتی کرمان از محضر آقایان : فنایی ، الفت ، سید حسین مدنی پور ، دکتر پورحسینی ، دکتر بقایی ، بهمن اوف ، صباحی محمد طاهری ، محمد طاهری ، محمد صرافی ، رغبتی ، محمد علی بابایی ، مهندس کارآموز و چند تن دیگر نیز استفاده نمود. او در سال ششم ادبی دبیرستان رشدیه نزد معلمین معروفی همچون محمد جواد تربتی ، عضدتی ، محیط طباطبایی ، دکتر گوهرین ، محمد علی خلیلی به کسب علم پرداخت. پس از واردشدن در دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات ، در رشته ی تاریخ محضر استادان بزرگواری چون نصرالله فلسفی ، رشید یاسمی ، سعید نفیسی ، عباس اقبال آشتیانی ، دکتر سعادت ، دکتر مجیر شیبانی ، دکتر بینا ، فاضل تونی ، دکتر احمد بهمنش ، دکتر احمد مستوفی و دکتر محمدحسن گنجی را درک نمود. باستانی پاریزی دوره ی دکترای تاریخ را زیرنظر استادانی چون دکتر محسن عزیزی ، ابراهیم پورداود و سعید نفیسی به پایان برد.

همسر و فرزندان : محمد ابراهیم باستانی پاریزی پس از اتمام تحصیلات عالیه در سال ۱۳۳۷ به کرمان بازگشت و در همین سال با یکی از معلمان دبیرستان دخترانه بهمنیار کرمان ازدواج نمود که حاصل این ازدواج یک دختر و یک پسر می باشد و هر دو فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران هستند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد ابراهیم باستانی پاریزی به مدت سه سال سرپرستی دبیرستان دخترانه « بهمنیار » را به عهده داشت. در سال ۱۳۳۷ بعد از اخذ مدرک دکتری ، ابتدا در موزه ایران باستان شروع به کار نمود و چون دکتر خوانساری مدیر

داخلی مجله « دانشکده ادبیات » دانشگاه تهران برای استفاده از فرصت مطالعاتی به اروپا رفته بود ، وی را به عنوان غلط گیر مجله به دانشکده ادبیات منتقل نمودند. حدود ده سال مدیریت مجله « دانشکده ادبیات » را به عهده داشت تا اینکه در سال ۱۳۴۹ برای فرصت مطالعاتی به اروپا رفته و به همین خاطر از کار مستعفی شد.

فعالیتهای آموزشی : محمد ابراهیم باستانی پاریزی در پاییز ۱۳۳۰ پس از اتمام تحصیلات عالیه به سمت دبیری دبیرستان های کرمان منصوب شد و سه سال نیز سرپرستی دبیرستان دخترانه بهمنیار را به عهده گرفت. در سال ۱۳۳۷ بعد از اخذ مدرک دکترا ، به دانشکده ادبیات دانشگاه تهران رفت و به کار تدریس پرداخت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد ابراهیم باستانی پاریزی در کنار فعالیت های آمزشی ، با نوشتن مقاله و شعر ، با مطبوعات نیز همکاری داشتند. وی در دوره دانشسرای مقدماتی در روزنامه « بیداری ایران » مقاله ای در رثای معلم دانشسرا ، مرحوم ادیب بامداد نوشت و در همین سال ها با انتشار روزنامه « روح القدس » در کرمان مقالات خود را به چاپ رساند. در دوران تحصیل در دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات به عنوان مترجم عربی با روزنامه « کیهان » همکاری خود را برای ترجمه روزنامه های معروف مصر « المصری ، الاهرام ، آخرساعه ، اخبار الیوم » و امثال آن آغاز نمود. پس از اتمام تحصیلات عالیه با توجه به آنکه در کرمان به شغل دبیری مشغول بود ، در روزنامه « بیداری کرمان » که تحت مدیریت سید محمد رضا هاشمی ـ بعد از سید محمد هاشمی ـ مقالاتی را منتشر کرد ، پس از آن با به دست آوردن امتیاز مجله ای به نام « هفتواد » از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۷ در چاپخانه پارمند کرمان ۱۷ شماره ی آن را به چاپ رساند. بعد تحصیلات دوره ی دکترا مقالاتی را در مجلات « یغما ، دانشکده ادبیات ، بررسی های تاریخی ، وحید ، گوهر ، هفت هنر » و امثال آن منتشر نمود که بلافاصله در مجله ی « خواندنی ها » نقل می گردید. « سپید و سیاه » ، « راه نمای کتاب » و مجله « باستان شناسی » نیز مقالات او را چاپ می کردند. از جراید شهرستان ها مثل « پارس شیراز » ، « اندیشه کرمان » ، « خراسان مشهد » ، « استوار قم » در افغانستان مجله « آریانا » ، « نوای ملت » خوزستان و امثال آن نیز اشعار و نوشته هایش راچاپ می کردند. در ستون انتقاد روزنامه اطلاعات مقالاتی را چاپ نمود که این مقالات در کتاب جداگانه ای به نام « زیر این هفت آسمان » تجدید چاپ شد. بعد از انقلاب نیز با بسیاری از جراید و مجلات مثل « نهیب آزادی » ، « ماهان » ، « حدیث کرمان » ، « آینده » و « چیستا » نیز به همکاری پرداخت. استاد باستانی پاریزی در شعر و شاعری نیز دستی داشته که مجموعا سه بار اشعار او در سال های ۱۳۲۷ تحت عنوان « یادبود من » ، در سال ۱۳۴۰ تحت عنوان « یاد و یادبود » و در سال ۱۳۶۳ با نام « یاد بود » چاپ گردید . اشعار وی در سال های تحصیل معمولا در جراید تهران ، خصوصا « توفیق » با سبکی خاص در دوبیتی عرضه می گردید.

آرا و گرایشهای خاص : محمد ابراهیم باستانی پاریزی عمر خویش را بر سر معرفی و شناخت هر چه بیشتر سرزمین کرمان گذاشته اند ، به قول یکی از اساتید : « ... و ندیده ام که او [پاریزی] روزی از یاد مردم کرمان و سرزمین آن خالی باشد ، اگر کتابی یا مجله ای به دستش می افتد ، نخست می خواهد بداند که آیا در آن مطلبی در بارهٔ کرمان هست یا نه ؟ اگر در کنگره ای و مجمعی علمی پیشنهاد سخنرانی با او می کنند ، تمام هم او آن است که در موضوعی سخن بگوید که به وجهی ، ولو بسیار دور با کرمان ارتباط داشته باشد و چنین موضوعی را ، هر چند دور از ذهن باشد ، پیدا می کند و در آن باره سخن می گوید. او عاشق کرمان و مردم آن است و عشقش عرضی و مجازی نیست که از او جدا شود با شیر اندرون شده و با جان خواهد بود. او تنها عاشق کرمان و منطقه ی آن نیست ، ایران و مردم آن را نیز به همان اندازه دوست دارد ، کسی نمی داند که در ذهن باستانی ، ایران اصل است یا کرمان ، پاریز فرع است یا کرمان ؟ و اگر کسی به اوضاع جهان واقف نباشد و فقط نوشته های پاریزی را بخواند خیال خواهد کرد که کرمان دل ایران است و پاریز دل کرمان . » تاریخ در نظر باستانی پاریزی امری طولی و زمانی نیست که حوادث در آن به دنبال هم و در توالی یکدیگر قرار گرفته باشند ، در اندیشه ی او زمان تبدیل به مکان و طول مبدل به عرض شده است و حوادث زمانی مانند اشیاء مکانی در جنب هم قرار دارند نه در پشت سر هم ؛ در نظر باستانی حوادث تاریخ جز « به درد گواه و شاهد برای امور مبتلا به فعلی مردم نمی خورند و گذشته مقدمه حال است و اگر تاریخی نتواند مشکلی را از حال حل کند ، بی فایده و بی حاصل است . » باستانی پاریزی به عنوان یک مورخ ادیب معتقد است که در تمدن چند هزاره ساله ی ما که هزار و پانصد سال با زبان فارسی امروزی همراه بوده است ، غیر عادی نیست اگر تاریخ با ادب آمیخته شده باشد ، بیشتر کتب ادب فارسی ما حاوی قسمت مهمی از تاریخ اجتماعی ماست و یاد می کند از عباس اقبال که می گفت : « دیوان معزی نیشابوری ، خودش یک تارخ سلجوقی است » . از طرف دیگر شعر و ادب ، در نگارش تاریخ یک چاشنی ای به نوشته می دهد تا خواننده را به دنبال کردن بحث تشویق و ترغیب کند. او می گوید : « البته مرزی هست میان شعر و ادب با تاریخ و سرگذشت که این مرز باید رعایت شود و نکته همین جاست که کسی از مرز خود تجاوز و از خط سیر خود عدول نکند. » پاریز معتقد است از شعر و ادب در تاریخ و پیوند این دو مظهر بزرگ فرهنگ ایرانی ، چیزی نیست ، مگر ادامه ی سنت و روال فرهنگی قدیم و تاریخ نویسی هزارساله ی ما و اینک یک دانشجوی کم استعداد ، به همان راه قدم نهاده ، و چنان می نماید که مورد تشویق همه قرار گرفته است. دکتر باستانی پاریزی در مورد تاریخ و تعریف آن برخلاف دیدگاه اروپاییان که معتقدند « تاریخ علم ساختن آینده است » و یا به قول ابن خلدون « تاریخ عبرت است » ، با تاریخ نگاری منظم و کرونولوژیک فاصله دارد ، او می گوید : « جامعه از تاریخ چه می خواهد ؟ جامعه مایل است که تاریخ مثل بسیاری از منابع دیگر فرهنگی یک مملکت برای هریک از افراد آن ملت یک « شخصیت ثابت » و قابل اعتنا و در خور احترام پدید آورد ، چه ، ثابت شده است که در برابر حوادث و پیش آمدها ی روزگار ، تنها کسانی پایدار و بردبار و خوددار و حلیم و چاره جو هستند که از یک « شخصیت ثابت » برخوردار باشند. اشخاصی که از جهت روانی نتوانند شخصیت خود را توجیه کنند ، و نقص شخصیت ، و بیماری تزلزل ، و فساد شخصیت داشته و درباره ی هویت خود دچار تردید باشند ، هرگز افراد قابل اطمینانی برای یک جامعه نخواهد بود ... ». او معتقد است که دوران نوشتن تاریخ های کرنولوژیک به روال سابق سپری شده است و با توجه به آنکه دوران مطبوعاتی ها ، روزنامه نویسان ، رپورترها ، فیلم بردارهای تلویزیون ، مشغول نوشتن و تنظیم تاریخ کرونولوژیک ایران و دنیا هستند خیلی مستندتر و مفصل تر از تاریخی که فی المثل « هدایت » صاحب روضه الصفا ناصری برای

قاجاریه نوشت ، یا شرف الدین یزدی صاحب ظفرنامه برای تیمور ، یا اسکندر بیک منشی صاحب عالم آرا برای شاه عباس. همچنین او می گوید : « تاریخ واقعی را وقتی می شود نوشت که بسیاری از اسناد محرمانه سیاسی آزاد شده باشد و این معمولا بیش از سی سال وقت می طلبد ، به عبارت دیگر ، تاریخ واقعی امروز را نسل آینده خواهد نوشت. ما اگر همت و علاقه و بینش و توانایی و متد داشته باشیم ، بتوانیم تاریخ قرن پیش را بنویسیم ، خود کاری است که در حد معجزه است » ! ----------------
----

آثار :

۱ آثار پیغمبر دزدان

ویژگی اثر : نخستین کتاب باستانی پاریزی به نام « آثار پیغمبر دزدان » در سال ۱۳۲۳ یعنی زمانی که در دانشسرای مقدماتی بود چاپ شد. او درباره ی این کتاب می گوید : « در یکی از تابستان ها وقتی مرحوم احمدآقا معین زاده رفسنجانی به پاریز آمد ، نامه های زیادی از پیغمبر دزدان داشت ، که آنها را رونویس کردم و از جاهای دیگر و اشخاص دیگر نیز شنیده ها را یادداشت کرده و درسال ۱۳۲۳ مقدمه ای برآن نوشتم و مرحوم سعیدی یزدی مدیر کتابفروشی گلبهار کرمان آن را چاپ کرد و این نخستین کتاب من بود که به چاپ می رسید ».

۲ آسیای هفت سنگ

۳ از پاریز تا پاریس

ویژگی اثر : باستانی پاریزی خاطرات مسافرت به اروپای خود را (فرصت مطالعاتی) در مجلات « وحید » و « یغما » منتشر نمود ، که بعد از مدتی به صورت کتاب « از پاریز تا پاریس » درآمد.

۴ اژدهای هفت سر

ویژگی اثر : « اژدهای هفت سر » مقاله مفصلی است که باستانی پاریزی با عنوان « خودمشت مالی » به جهت تصحیح اشتباهات گذشته تنظیم نمود .

۵ اصول حکومت آتن

ویژگی اثر : درسال ۱۳۳۷ در دوره ی دکترا به عنوان تکلیف درسی ، رساله « اصول حکومت آتن » را که از رسالات ارسطو است ، به فارسی ترجمه نمود که چند سال بعد با نقدمه استاد دکتر غلامحسین صدیقی منتشر شد.

۶ ترجمه اخبار ایران (از ابن اثیر)

۷ تصحیح و تحشیه تاریخ شاهی قراختائیان

۸ تصحیح و تحشیه تاریخ وزیری

۹ تصحیح و تحشیه جغرافیای کرمان وزیری

ویژگی اثر : پس از انتشار این کتاب توسط باستانی پاریز ، بلافاصله به عنوان مسائل اجتماعی در تاریخ و جغرافیای کرمان توسط « بوسه » به زبان آلمانی ترجمه و در شماره ۵۰ مجله اسلام (Derislam) چاپ گردید.

۱۰ تلاش آزادی

ویژگی اثر : « تلاش آزادی » تاریخچه ای است از مشروطیت تا سقوط قاجار ، که ابتدا به عنوان مقدمه کتاب « ایران باستان » نوشته پیرنیا چاپ گردید سپس به صورت جداگانه چاپ شد.

۱۱ تن آدمی شریف است ...

ویژگی اثر : این کتاب تحقیقی درباره ی مظالم و گرفتاری هایی است که بر تک تک اعضای بدن آدمی وارد می شود. قسمت اول کتاب ناتمام مانده و اختصاص دارد به موی و سر و گوش و ابرو و چشم ، و قسمت های دیگر نیز هنوز به چاپ نرسیده است. نام این مجموعه از شعر « تن آدمی شریف است ... » از شعر سعدی گرفته شده است.

۱۲ جامع المقدمات

ویژگی اثر : پاریزی کلیه ی مقدمه هایی را که برای کتاب های دیگر نوشته است ، در یک مجموعه جمع کرده و تحت عنوان « جامع المقدمات » به چاپ رسانده است.

۱۳ حماسه کویر

ویژگی اثر : «حماسه کویر » متن اضافه شده ی یک سخنرانی درباره ی « قائم مقام » بود که به صورت کتابی هشتصد صفحه ای در آمد.

۱۴ خاتون هفت قلعه

۱۵ دوره مجله هفتواد

۱۶ ذوالقرنین (کورش کبیر)

ویژگی اثر : در سال ۱۳۳۰ هنگام ورود ابوالکلام آزاد ، وزیر فرهنگ هند به ایران ، به ترجمه ی رساله ی معروف او که در تفسیر آیاتی از قرآن کریم است ، مبادرت کرد و این رساله تحت عنوان « ذوالقرنین یا کورش کبیر » به چاپ رسید که تا کنون چهار بار تجدیدچاپ شده است. در باب این رساله ، پاریزی معتقد است که شاید آخرین نظر در مورد کورش از سوی ابوالکلام مطرح شده است ، این نظر را برخی پذیرفته اند و بعضی تردید کرده اند ، او می گوید : « من البته مدافع آن نظر نیستم ، کاری که من کردم علاوه بر ترجمه ی متن ، یک مقدمه ی مفصل تحت عنوان « کورش در روایات ایرانی » بر آن نوشتم که احتمالاـ مفصل ترین تحقیق است که برای اولین بار در مورد کورش بر اساس روایات اسلامی ، ایرانی و شرقی چاپ شده است ».

۱۷ راهنمای آثار تاریخی کرمان

۱۸ زیر این هفت آسمان

۱۹ سلجوقیان و غز در کرمان

ویژگی اثر : این کتاب از روی نسخه کتاب « بدیع الزمان » که مربوط به قرن هشتم هجری و از روی نسخه چاپ شده « هوتسما » (مستشرق فرنگی) تنظیم شده است .

۲۰ سنگ هفت قلم

ویژگی اثر : پاریزی در کتاب « سنگ هفت قلم » نقش زن را به شکلی خاص در تاریخ مطرح کرده است و در این کتاب جای پای زن را در همه جا جستجو نموده است ، به همین خاطر در مقاله « زن و جنگ » در « نای هفت » معترف است که از سرنوشت زن در تاریخ غافل نبوده است.

۲۱ سیاست و اقتصاد عصر صفوی

ویژگی اثر : سیاست و اقتصاد در عصر صفوی نتیجه یک سخنرانی در اصفهان بود که به تدریج به صورت کتاب درآمد.

۲۲ شاه منصور

۲۳ فرماندهان کرمان

۲۴ فرمانفرمای عالم

۲۵ کوچه هفت پیچ

۲۶ گنجعلی خان

۲۷ محیط سیاسی و زندگی مشیرالدوله

۲۸ منابع و مآخذ تاریخ کرمان

۲۹ نای هفت بند

۳۰ نشریه فرهنگ کرمان

۳۱ نون جو و دوغ گو

ویژگی اثر : این کتاب در احوال کسانی است که در تاریخ به خوردن نون جو از آنها یاد شده است ، یعنی آنهایی که با نان جوین خویش ساخته انـد و آلوده ی منت کسان نشـده انـد. این کتاب ابتـدا مقاله ای بود در یادواره استاد محیط طباطبایی ، که یک سالی معلم او بود ، به این مقاله بعـد ها مطالبی اضافه شـد و به صورت کتابی مفصل درآمـد. در همین کتاب به مناسبت آنهایی که ترک دیار گفته و مهاجرت اجباری بر آنها تحمیل شده بود ، خصوصا در عصر صفوی یادی به میان آمده و به کتابی نهصد صفحه ای در آمد.

۳۲ هشت الهفت

۳۳ وادی هفت واد

۳۴ یاد و یادبود

ویژگی اثر : مجموعه شعر

۳۵ یادبود من

ویژگی اثر : مجموع شعر

۳۶ یعقوب لیث

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

باستانی، بهرام

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: اصفهان

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

باستی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۲ ق)، عالم، عارف و خطاط. وی خط نستعلیق را در کمال استادی می‌نوشت قبرش نزدیک مقبره‌ی فیض در تخت پولاد است. شیخ محمد علی معلم حبیب‌آبادی می‌گوید: شمس التواریخ تألیف ایزد گشسب (چاپ اول ۱۳۳۰) به خط اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۱/۲).

باطنی بلخی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. از شاعران بخارا و به روایتی از بلخ بوده است، امیر علیشیر گوید: مردی فقیر و ساده است و در بلخ می‌باشد و به قدم توکل به زیارت مکه معظمه مشرف شده، این مطلع از اوست:

بس که داری تنگدل ای غنچه‌ی خندان مرا

جان ز دل آمد به تنگ و دل گرفت از جان مرا

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۱۹۰، ۱۱۹ /۹)، صبح گلشن (۵۱)، فرهنگ سخنوران (۱۱۷)، لغت‌نامه (ذیل/ باطنی)، مجالس النفائس (۲۵۶ -۸۲)، مخزن الغرائب (۳۰۷/۱).

باطنی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمدرضا باطنی در سال ۱۳۱۳ در اصفهان به دنیا آمد.ایشان مدرک کارشناسی ارشد و دکتری رشته زبان و ادبیات انگلیسی را از انگلستان دریافت کرد.او تا سال ۱۳۶۰استاد زبان شناسی در دانشگاه تهران بودو از سال ۱۳۶۴ تاکنون، ریاست واحد پژوهش مؤسسهٔ فرهنگ معاصر را به عهده دارد. کتاب" فرهنگ معاصر انگلیسی ــ فارسی "تالیف محمد رضا باطنی(با همکاری همکارانش) ، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات انگلیسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد رضا باطنی کارشناسی زبان انگلیسی را از دانشسرای عالی (دانشگاه تربیت معلم فعلی) و کارشناسی ارشد و دکتری در زبان انگلیسی را از انگلستان دریافت داشت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر محمدرضا باطنی تا سال ۱۳۶۰استاد زبان شناسی در دانشگاه تهران بود و از سال ۱۳۶۴ تاکنون، ریاست واحد پژوهش مؤسسهٔ فرهنگ معاصر را به عهده دارد.جوائز و نشانها : کتاب" فرهنگ معاصر انگلیسی‌ــ فارسی "تالیف محمد رضا باطنی(با همکاری همکارانش) ، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : تألیفات و ترجمه های فراوانی در زبان شناسی و علوم از محمد رضا باطنی به چاپ رسیده است .آثار : ۱ پیرامون زبان و زبان شناسی ویژگی اثر : تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۷۲ توصیف ساختمان زبان فارسی ویژگی اثر : تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۴۸۳ زبان و تفکر ویژگی اثر : تهران: زمان، ۱۳۵۴۴ ساخت و کار ذهن ویژگی اثر : (ترجمه)؛ انتشارات فرهنگ معاصر۵ فرهنگ معاصر انگلیسی ــ فارسی ویژگی اثر : این کتاب در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است۶ نگاهی تازه به دستور زبان ویژگی اثر : تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۱

باغ دشتی هروی، محمد حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن وزیری، جلد ضربی مذهب، دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مذهب مرصع عالی، به خط نسخ کتابت خفی عالی و رقم: «... محمد حسین ابن محیی هروی...» سال ۹۴۴ ق، در موزه‌ی ایران باستان؛ یک قطعه مذهب به سفیدآب و زر تحریردار، به خط ثلث کتابت خوش و رقم: «مشقه العبد محمد حسین بن محیی الهروی المشهور بباغ دشتی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۶۲/۴).

باغ نوی شیرازی، شمس‌الدین حبیب الله

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۵ /۹۹۴ ق)، فقیه، متکلم، شاعر و ادیب. معروف به میرزاجان. چون در محله باغ‌نو شیراز می‌زیست به باغ‌نوی معروف بود. او شاگرد جمال‌الدین محمود از دانشمندان زمان خود و از معاصران علامه جلال‌الدین دوانی بود. شمس‌الدین در علوم زمان بخصوص در حکمت و منطق دست داشته است و یکی از آخرین حکمای بزرگ ایران است که پیرو طریقه‌ی اشعریان و از شافعیان متعصب بود و در کلام و اصول نیز دست داشت. وی چند سالی قبل از وفات به هندوستان رفت و همان جا درگذشت. از تألیفات او: «انموذج الفنون»؛ «تعلیقات بر شرح «مختصر العضدی»؛ «حاشیه بر شرح جدید قدیم؛ «تجرید الکلام»؛ «حاشیه بر شرح مطالع»؛ «حاشیه‌ی بر حاشیه‌ی شرح مطالع»؛ «حاشیه بر اثبات الواجب دوانی»؛ «حاشیه بر محاکمات قطب‌الدین شیرازی بر شرح اشارات»؛ «حاشیه بر شرح اشارات خواجه نصیرالدین طوسی» و «حاشیه بر مطول».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۷۲/۲)، بزرگان شیراز (۳۳۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۰۵/۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۸۹)، الذریعه (۱۰/۶)، روضات الجنات (۱۲/۳)، ریحانه (۶۳/۶)، صبح گلشن (۴۸۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۶۰ -۹۵۹ /۲)، فرهنگ سخنوران (۹۰۰)، کشف الظنون (۱۸۵۳، ۱۷۱۶، ۸۴۲، ۶۸۵، ۴۷۶، ۴۷۵، ۱۸۵، ۹۵)، الکنی و الالقاب (۲۲۱/۳)، لغت‌نامه (ذیل/ حبیب)، معجم المؤلفین (۱۸۸/۳)، هدیهٔ الاحباب (۲۵۲)، هدیهٔ العارفین (۲۶۳ -۲۶۲ /۱).

باغبان اردبیلی

قرن:۸

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز نیمه اول قرن هشتم هجری، طالبه از زنان عارف و شاعر. وی اهل آذربایجان و زنی کشاورز و مرید شیخ صفی‌الدین اردبیلی (۷۳۵ ق) بود. گویند روزی این بانو به خاطرش افتاد که شیخ یادی از او نمی‌کند. شعری به ترکی سرود که معنای آن چنین است: «دیرگاهی است که این سر با سودای تو گیج است، دیرگاهی است که این چشم اشک خونین می‌ریزد، خود نمی‌گویی که بدبخت چه کسی هستی؟» این شعر را با مقداری سبزی و تره توسط پسرش به حضور شیخ فرستاد. شیخ پس از خواندن این شعر به او گفت: من چطور به مادرت علاقه داشته و یادی از او نمایم در صورتی که او سبزی و تره را وزن نکرده می‌فروشد؟

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: تذکره شعرای آذربایجان، ۲۴ -۲۳ / ۱؛ سخنوران آذربایجان، ۸.

باغچه‌بان

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۹۷ ش)، نویسنده، مدرس، شاعر، متخلص به عاجز. در ایروان از ایالات قفقاز به دنیا آمد. پدر وی اهل تبریز بود و پیشه‌ی معماری و مجسمه‌سازی داشت و در نقل داستانهای کهن شاهنامه تبحر. باغچه‌بان به شیوه‌ی سنتی تحصیل کرد و در جوانی مجبور به ترک تحصیل شد. مدتی به مشاغل پدر روی آورد و پس از چندی خبرنگار روزنامه‌های قفقاز شد به ویژه روزنامه‌ی ملاصدرا. وی در سال ۱۲۹۸ ش در مدرسه‌ی دولتی احمدیه‌ی شهر مرند وارد خدمت فرهنگ شد و بعدها در تبریز و شیراز و تهران کودکستان برای کودکان کر و لال تأسیس کرد. از آثار وی: «اسرار تعلیم و تربیت یا اصول تعلیم الفباء»؛ «الفبای آسان»؛ «برنامه‌ی کار آموزگار»؛ «دستور و تعلیم الفباء»؛ «رباعیات آذری خیام»؛ «پیرو ترب»؛ «رباعیات باغچه‌بان»؛ «زندگانی کودکان»؛ «علم آموزش برای دانشسراهای مقدماتی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۶ -۱۲ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۸۷ -۲۸۶ /۲).

باغداساریان، آلن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی برق، دانشکده: مهندسی برق، دانشگاه: صنعتی شریف

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

باغداساریان، آلن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهندس آلن باغداساریان در سال ۱۳۱۸ش در شهر اصفهان به دنیا آمد.ایشان دارای مدرک کارشناسی مهندسی برق از دانشگاه ایالتی آیووا و کارشناسی ارشد همان رشته از دانشگاه برکلی آمریکا می باشد.وی هم اکنون عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف با درجه دانشیار است. کتاب" خطوط، امواج و آنتنها" ترجمه آلن باغداساریان ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی برقتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر آلن باغداساریان تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رساند و سپس جهت ادامهٔ تحصیل راهی امریکا شد و درجهٔ لیسانس را از دانشگاه ایالتی آیووا و فوق‌لیسانس را از دانشگاه برکلی دریافت کرد .خاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه وتحصیل در رشته مهندسی برق و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر آلن باغداساریان بوده است.وقایع میانسالی : دکتر آلن باغداساریان پس از اخذ مدرک دکتری در رشته

مهندسی برق به عضویت هیئت علمی گروه مهندسی برق در دانشکده فنی مهندسی دانشگاه صنعتی شریف در آمد وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر آلن باغداساریان در سال ۱۳۴۵ش به کشور مراجعت نمود و از همان زمان تا کنون در دانشگاه صنعتی شریف به تدریس اشتغال دارد.ایشان هم اکنون عضوهیئت علمی و دانشیار گروه مهندسی برق در دانشکده فنی مهندسی دانشگاه صنعتی شریف می باشد.جوائز و نشانها : کتاب" خطوط، امواج و آنتنها" ترجمه آلن باغداساریان ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

آثار : الکترومغناطیس مهندسی ویژگی اثر : تالیف۲ خطوط، امواج و آنتنها ویژگی اثر : ترجمه-این کتاب در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

باغ‌میشه، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۹۷ ق)، خطاط. در تبریز می‌زیست. از منشیان و خوشنویسان دربار ولیعهدی مظفرالدین شاه قاجار در تبریز بود. نسخه‌ای از «تحفهٔ الملوک» به خط وی در کتابخانه‌ی سلطنتی است، به قلم نستعلیق نیم دودانگ متوسط، با رقم: «بهجهٔ،... ابراهیم باغ میشه... شهر ربیع‌الثانی ۱۲۹۷».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۶ /۱).

بافقی علی، شرف‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شرف‌الدین علی بافقی از سخنوران نامی و مشاهیر اهل فضل و استاد وحشی بافقی بوده از یزد بشیراز رفته و بتحصیل علم پرداخته پس بهند رفته و محل توجه اکابر گردیده و بعد از مراجعت در دربار شاه طهماسب صفوی ۹۳۰ تا ۹۸۴ قمری تقرب یافته و در واقعه‌ی قتل بایزید پسر سلطان سلیم با چهار پسرش این رباعی را در قزوین گفته و بنظر شاه رسانده و مورد اکرام شاهانه گردید.

دست ستم سپهر بیداد نما

سر پنجه فتنه داشت از میخ بلا

چون دعوی زور پنجه با بخت تو کرد

اقبال تو ساخت دستش از پنجه جدا

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بافقی یزدی، ابوالحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف قبل از ۱۲۴۴ ق)، عالم دینی، فقیه، محدث و رجالی. از شاگردان علامه وحید بهبهانی و سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض»، است. بافقی در جنگ روس و ایران شرکت داشت. از آثارش: «الوجیزهٔ فی الدرایهٔ»، مرتب بر مقدمه و شش فصل است که به گفته‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی از این کتاب مهارت علمی مؤلف در حدیث و رجال و دیگر علوم آشکار می‌شود. وی از تألیف این کتاب در ۱۲۳۷ ق فراغت یافته است. در نسخه‌ای از این کتاب که در ۱۲۴۴ ق کتابت شد به وفات مؤلف قبل از ۱۲۴۴ ق تصریح شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۸/۲۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۴/۱۳).

بافقی یزدی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملا محمدحسین بافقی یزدی صاحب کتاب التحفه الحسینیه فی الاحکام الشرعیه که به زبان عربی نوشته و نسخه‌ای از آن به خط

مصنف مورخ ۱۲۸۱ در ۱۹۳ ورق ۹۱ سطری به شماره ۵۹۶ در کتابخانه ملک موجود است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

بافقی، اسدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملاـ اسـدالله بـافقی برادر مرحوم حاج شـیخ محمـد تقی عالمی بارع و عابـدی ناسک و زاهـدی کم نظیر و دارای کرامات و مقامات معنوی بوده و بعضی وی را از جهاتی از مرحوم برادرش برتر میدانستند.

نگارنـده در سـفریکه آنمرحـوم بمشـهد مشرف و بری آمدنـد او را در منزل مرحوم برادرش زیـارت کردم آثـار صـفا و معنویت از سیمایش هویدا بود در سال ۱۳۶۹ قمری سـفری به یزد رفتم و از آنجا برای دیـدن آن عالم ربانی ببافق مسافرت نموده و دو هفته‌ای توقف و از محضـرش اسـتفاده کردم. و مـدت ده شب در حسـینیه امـامزاده سـهل بن علی منبر رفته و انجـام وظیفه نمودم. مردم بـافق بآنمرحوم علاقه مخصوص و نظر خاصـی داشـتند و برای وی کراماتی قائل بودنـد و او را نمیدیدنـد مگر اینکه دست ویرا بوسـیده و چیزی بعنوان تبرک میخواسـتند و او هم مرتب از جیب خود بمردم پول یا خرما و یا نبات و بادام و غیره میـداد و ابـدا تمام نمیشـد و نمیدانم کیسه و جیب آن بزرگوار بکدام سیلو و انبار و خزینه راه داشت. شبها یا نمی‌خوابید یا بسیار کم میخوابید مسـجدی داشت که بآنجا رفته و تا بصبح مناجات و عبادت مینمود. مزرعه‌ای داشت بنام حجتیه که نان و لباس کرباس خود را از آن مزرعه تحصیل مینمود.

از اشیاء نفیسه که نزد ایشان دیدم بادامی بود که بطور طبیعی در روی آن حک شده بود الله محمد علی فاطمه حسن حسـین تا آخر ائمه علیهم‌السـلام که نوشته بود (مهدی و لشگرش) و نیز انگشتر عقیق یمنی بسیار ظریف و نفیسی که آنرا اهدائی و اعطائی حضرت صدیقه کبری علیهاسلام میدانست و بر روی آن آیات رزق منقوش بود. (و من یتق‌الله یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لایتحسب و من یتوکـل علی‌الله فهو حسبه ان‌الله بالغ امره قـد جعل‌الله لکل شـیء قـدرا). میفرمود توسـلی بحضـرت زهرا سـلام‌الله‌علیها نموده و از حضـرتش چیزی خواستم پس روزی در منزلم نشسته بودم که گفتند کسی شما را میخواهد درب منزل رفتم زنی را دیدم در چادر و پوشـیه سـیاه که اصـلا در بـافق چنین لباسـی معمـول نبود گفت این را خـانم برای شـما داده بسته کوچکی بمن داد و رفت من از او نپرسـیدم خـانم کیست بسـته را بـاز کردم دیـدم این انگشتر است. فورا بخود آمـدم که این زن بـا این لبـاس و چـادر که بود و خانم کیست از عقب او آمد هرچه جستجو کردم اثری از او نیافتم و از هرکس استفسار کردم گفتند چنین زنی با این نشانی ندیدم دانستم این اعطائی از طرف بی‌بی دو جهان شفیعه روز جزا حضرت صدیقه طاهره سلام‌الله‌علیهاست.

دیگر از یادگارهـای آن بزرگوار بحقیر دعـائی است که میترسم اگر در اینجـا یـاد نکنم بمیرم و آن مخفی بمانـد و البته بـا من تعهد کرد که بنـا اهـل نـدهی و من معتقـدم که موفق نمیشود بـاین دعـا مگر خواص از دوسـتان اهـل‌بیت علیهم‌السـلام و آن دعـا اینست. میفرمود از پیغمبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم است این دعا.

دعاء کفن میت

قال رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله. من کتب هذا الدعاء والقی فی کفن المیت او وضع فی یده لایعذب فی قبره والله والله والله.

بسم‌الله الرحمـن الرحیـم. اللهـم ان قـدومی الیـک فـاکرمنی فـان الضـیف اذا نزل بقـوم یکرم و انت اولی بـالکرامه الهی مـادمت حیا عصـیتک و انت احسـنت علی (الی) فالان انقطع عصـیانی فلاتقطع احسانک عنی یا رب اعتقنی من النار بمحمد و آله الاطهار الابرار الاخیار و صلی‌الله علی محمد و آله الطاهرین.

نگارنده گوید از آن تاریخ تاا‌کنون بیش از چند نفری را که یاد میکنم موفق نشدم این دعاء را باو بدهم.

۱- مرحوم آیه‌الله العظمی حجت ۲- مرحوم آیه‌الله العظمی صدر ۳- مرحوم آیه‌الله مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی.

۴- مرحوم آیه‌الله حاج سـید حسـین قاضی که یک ماه مانده بفوتش این دعا را از حقیر گرفت و گویا پیش‌بینی مرگ خود را کرده بود.

۵- مرحومه مغفوره صبیه جوانم که مناسب است خوابیکه بعد از فوت آن مرحومه یکی از بستگان بی‌اطلاع دیده بود بنگارم.

۶- آیه‌الله حاج شیخ محمد رضا طبسی نجفی.

دیدن صبیه‌ام در خواب و دعاء مذکور

در دهم مـاه رجب سـال ۱۳۹۱ قمری بود که نگارنـده مبتلاـ بـداغ و مرگ ناگهـانی صبیه‌ام مرحومه فاطمه رازی که همسـر آقا سـید حسـین تقوی طهرانی از سادات اخوی تهران که جوان متـدین و پرهیزکاریست شـدم و خدا شاهد است که مرگ او چه ضـربه‌ای بر من و بیت من وارد و چه داغی بر دل من و مادرش و کلیه بستگانم گذارد زیرا در میان ۹ فرزندم مزایائی از تقوا و مواظبت بجامعه و توسل و عاشوراء و غیره داشت.

در آن نـاراحتی عجیب که خود داشـتم و انقلاب مادرش و همسـر و تمام فامیل را میدیـدم و از همه چی غافل بودم دیـدم گویا بمن گفته میشود چرا دعاء را نمینویسـی اینجا جای آنست. پس فورا در هنگامیکه مشـغول غسل وی بودند، دعاء را نوشته و بخاله صبیه‌ام دادم و گفتم این را در کفن و یا دست راست او بگـذار او هم گـذارد کسـی جز او و یکی دو نفر دیگر اطلاع نداشت و نمیدانسـتند چیست مدت دو سه ماه از این حادثه گذشت یکی از خویشان و ارحام که هیچ از این جریان خبر نداشت در تهران آنمرحومه را در خواب دیـد که در بـاغ بسـیار زیبـائی است و لباس سـفید گل دوزی شـده‌ای شبیه لباس سـفید عروسـهای ایران پوشـیده و بی‌انـدازه زیباست پرسـید از او بگوئیـد چگونه گـذشت و وضع تو چطور است. گفت بسـیار خوبم و اینجا منزل من است گفتم جریان خود را

بگو گفت وقتی من مردم میدیدم که شما چگونه ناراحتید و گریه میکنید میگفتم اگر برای من است منکه حالم خوب است تا مرا بقم آورده و در مقبره‌ام گذاردند و قبر مرا کندند بمن گفتند باید اینجا بروی گفتم من میترسم گفتند باید بروی گفتم پس چشمم را می‌بندم که نبینم ناگاه متوجه شدم در قبرم هستم وحشت مرا گرفت بمن گفته شد نترس چشمت را باز کن پیغمبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم آمده است بیادم آمد نامه‌ئی پدرم برای پیغمبر نوشته و در دستم گذارده‌اند گفتم چشمم را باز کرده و نامه را تقدیم میکنم... و آن نامه همین دعاء مذکور است... خداوند مرحوم حجه‌الاسلام بافقی و برادر بزرگوار مذکورش و ما را با نبی اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم و اهل بیتش محشور گرداند.

درخت خرما میترسد

از نوادری که در بافق دیده و شنیده‌ام این قضیه است در منزل مرحوم حاج ملا اسدالله درخت خرمای بزرگی بود و فرمود سالها بود که این درخت با این هیکل خرما نمیداد و هرچه او را تلقیح میکردیم (تلقیح خرما گرد مخصوصی از خرمای نر است که بخرمای ماده میزنند تا بار بدهد (اثر نمی‌کرد فرمود با دخترم تبانی کردم که من نردبان گذارده و ریسمانی برداشته با اره میروم که سر درخت خرما را ببرم تو بیا بگو میخواهی چکنی گفتم میخواهم سر این خرمای بی‌ثمر و فایده را ببرم و چوب او را بسوزانم زیرا فقط هیکل بزرگ کرده تو بیا شفاعت کن. پس من از نردبان بالا رفته و ریسمان بر گردن درخت بسته و اره گذاردم که سر درخت را ببرم دخترم آمد گفت بابا چه میکنی گفتم میخواهم سر این درخت بی‌فایده را ببرم گفت بابا امسال او را بمن ببخش اگر خرما نداد سال بعد منهم شما را کمک میکنم در بریدن و من گفتم بخدا قسم که خرما ندهد حتما سر او را بریده و میسوزانم آنرا پس از این تهدید درخت خرما از آن سال مرتب بار آورد و خرمای خوبی داد و مقداری از آن خرما باین نگارنده داد که بری آورم.

پس به آنمرحوم گفتم مگر درخت خرما تهدید را حس میکند و یا ترس دارد و تا اگر سرش را بریدند خشک میشود فرمود آری درخت خرما برزخ میان نباتات و حیوانات است چند خاصیت از خواص حیوانات در اوست:

۱- میترسد چنانچه حیوانات میترسند.

۲- اگر سرش را ببرند دیگر سبز نمیشود مانند حیوانات که اگر سرش را ببرند میمیرد درخت خرما هم میمیرد.

۳- اگر سرش را آب بگیرد خفه میشود مانند حیوانات خشکی که اگر زیر آب بروند غرق شده و میمیرند.

۴- تلقیح لازم دارد یعنی باید گردی از خرمای نر بخرمای ماده بزنند تا ثمر بدهد مانند حیوانات که باید نر با ماده جفت شود تا تولید مثل کند، و در روایات نبوی صلی‌الله علیه و آله هست که فرموده: اوصیکم بعمتکم النخله سفارش میکنم شما را درباره درخت خرما... انتهی.

مرحوم ثقه‌الاسلام بافقی در حدود سال ۱۳۷۵ قمری در بافق وفات نموده و در همانجا مدفون گردید اشعار بسیاری درباره حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه الشریف سروده و منبر بسیار شیرین و مؤثری داشت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بافقی، علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی بن شاه محمود بافقی از معاصرین شیخ بهائی بوده و در رساله‌ای که از تألیفات اوست نوشته که بنده حقیر جامع این رساله علی بن شاه محمود بافقی در خدمت حضرت عالم کامل فاضل خاتم المجتهدین شیخ بهاءالدین محمد رضوان‌اللّه علیه نشسته بودم که شخصی را آوردند و او از درد سر شکایت می‌کرد.

حضرت شیخ به دست خود این دعا مرا نوشت و به او داد.

بسم‌اللّه الرحمن الرحیم لا اله الا اللّه آدم صفی اللّه لا اله الا اللّه نوح نجی اللّه لا اله الا اللّه ابراهیم خلیل اللّه لا اله الا اللّه موسی کلیم اللّه لا اله الا اللّه عیسی روح اللّه لا اله الا اللّه محمد حبیب اللّه صلی اللّه علیه و آله لا اله الا اللّه علی ولی اللّه اسکن ایها الوجع بحق اللّه العظیم. سکن له ما فی السموات و الارض و هو السمیع العلیم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

بافقی، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۵ -۱۲۹۲ ق)، عالم دینی و فقیه. در بافق به دنیا آمد و در خانواده‌ای با تقوا تربیت یافت. برای تحصیل به یزد رفت و در مدرسه مصلی، ادبیات و سطوح را نزد حاج میرزا سید علی مدرس لب خندقی و دیگران فراگرفت. بافقی از ترس حکومت مستبد آن روز یزد گریخت و به نجف رفت و مورد توجه و تشویق آیت الله طباطبایی یزدی قرار گرفت و مدت ۱۹ سال در نجف اقامت کرد و از محضر آیت الله یزدی و آیت الله کفایی خراسانی و حاج سید احمد کربلایی استفاده برد. آن گاه به ایران مراجعت و در قم سکنی گزید. وی در قم اقدام به تأسیس حوزه‌ی علمیه کرد و از آیت الله حایری که آن روز در اراک بودند تقاضا کرد که حتما قم را مرکز قرار دهند و برای انجام این کار قدمهای مؤثری برداشت، و با ایشان همه گونه مساعدت، و طلاب و واردین را همه گونه تشویق و ترغیب می‌نمود. وی در ۱۳۴۶ ق به واسطه امر به معروف و نهی از منکر به تهران تبعید شد و رحل اقامت در ری افکند و

تا پایان عمر در شهر ری ماند. مؤلف «گنجینه‌ی دانشمندان» کتابی در شرح حال وی به نام «التقوی و ما ادریک ما التقوی» نگاشته که به چاپ رسیده و به زبان اردو نیز ترجمه و نشر یافته است.[۱]

مرحوم مبرور حجهٔالاسلام والمسلمین آیت‌اللّه مجاهد و عالم متقی حاج شیخ محمدتقی بن حاج محمدباقر تاجر بافقی یزدی از علماء بزرگوار و مجاهدین پرهیزکار زمان معاصر ما و مربی و پدر روحانی نگارنده و از افرادی بودند که حقیقه حق عظیمی بر حوزه علمیه قم و مردم ایران دارند زیرا اگر اصرار آن مرحوم بمرحوم آیت‌اللّه حایری موسس حوزه و همکاریهای ایشان نبود حوزه تأسیس نمیشد و آن مرحوم یگانه مشوق و غمخوار طلاب و محصلین علوم دینیه و وحید زمان در امر بمعروف و نهی از منکر و فرید دهر در قدس و ورع و ربیع الایام در حال و حقیقت و اویس الیمان در صفا و معنویت و سلمان عصر در زهد و ولایت و بوذر اوان در شجاعت قلب و رشادت و ترویج و حمایت از امام زمانش بود.

شرح احوال و مقامات معنوی او در این مختصر نگنجد رساله‌ی مستقلی بنام (التقوی و ما ادریک ما التقوی) نوشته و منتشر نموده‌ام. در اینجا هم بطور اجمال می‌نگارم.

وی در سال هزار و سیصد و نود و دو قمری در بافق یزد متولد شده و در دامن مادر علویه و پدر متدین خود پرورش یافته و از همان اوقات با کمال پاکی و پرهیزکاری زنده‌گانی نموده و از زادگاه خود برای تحصیل به یزد و پس از چند سال بواسطه ابراز حریت و شجاعت و ابلاغ اعلان مرحوم آیت‌اللّه طباطبائی یزدی بر علیه عالم مفتون بدنیا و حب جاه مورد تعقیب دولتیان واقع و بناچار با پای پیاده شبانه مهاجرت به نجف نموده و در آن سرزمین هم کسب روزی حلال و هم تحصیل تا بمقام منیع اجتهاد و معنویت رسیده و چند سالی از اصول مرحوم علامه خراسانی و چندین سال از فقه مرحوم علامه یزدی استفاده کرده و در سال ۱۳۳۷ قمری مهاجرت به قم و نقشه‌ی تأسیس حوزه علمیه را طرح تا ورود مرحوم آیت‌اللّه حایری که موجب شد آن مرحوم تصمیم بماندن در قم و انتقال حوزه اراک را باین سرزمین مقدس نماید و با ایشان همه‌گونه مساعدت و از طلاب و واردین از محصلین تشویق و ترغیب نموده تا سال ۱۳۴۶ قمری که بواسطه امر بمعروف و نهی از منکر تبعید به تهران و رحل اقامت قهری بری افکند و بخدمات دینی پرداخته تا در دوازدهم جمادی‌الاولی سال ۱۳۶۵ قمری که در اثر عمل جراحی در بیمارستان فیروزآبادی با پیش‌بینی قبلی خودش از دنیا رفته و با تشییع مفصلی حمل به قم و در مقبره آیت‌اللّه حایری مدفون گردید.

از کلمات اوست که می‌فرمود علی بن مهزیار اهوازی بیست سال از اهواز بمکه رفت تا حضرت ولی عصر امام زمان علیه‌السلام را زیارت کند چرا یک مرتبه و یا شب نیمه ماه شعبان بکربلا نیامد تا حضرتش را در کنار قبر جدش حضرت امام حسین علیه‌السلام ملاقات کند، و آن مرحوم از متشرفین زمان بود که کرارا این توفیق نصیبش گردیده بود چنانچه حقیر در آثار الحجه والتقوی و بستان الرازی نگاشته‌ام.

حاج شیخ محمدتقی بافقی یزدی اباذر زمان خود بود که حوزه علمیه قم را به امر و اشاره حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف با دعوت از مرحوم آیت‌اللّه حائری یزدی به اقامت در قم بنیان‌گذاری کرد و خود از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۶ قمری هجری معاون مرحوم حائری و پدر مهربانی برای طلاب و محصلین آن زمان و آن دوره بود و آقایان طلاب تمام نیازمندیهای خود را به ایشان مراجعه و رفع نیازشان می‌شد.

مرحوم بافقی گذشته از مقام علمی و فقاهت و زهد و پارسائی مردی مجاهد بر علیه بیدادگران و مبارز با منکرات و متظاهرین گناه بود و از ملامت هیچ ملامت کننده از شاه و روحانی و اقشار دیگر کمترین خوف و هراسی نداشت و با ستمگران و طاغوتان و رژیم پلید دولت رضاخان (زندیق) سرسختانه مبارزه می‌کرد و تنها کسی بود علنا جنایات و مظالم شاه را اعلان و برای وی پیامها و نامه‌های داغ سوزنده‌تر از هر آتشی می‌فرستاد.

امام خمینی که بسیار مورد علاقه مرحوم بافقی مجاهد بود از اصحاب و مریدان خاص آن مرحوم بود و غالبا در مدرسه فیضیه یا نقاط دیگر که آن مرحوم اقامه جماعت می‌کرد به ایشان اقتدا می‌نمود و در شبهای جمعه که آن مرحوم به مسجد جمکران می‌رفت با ایشان همراهی می‌نمود.

مرحوم مجاهد بافقی برای امام بهترین مربی و آموزنده‌ترین مدرسین اخلاقی بود که درس شهامت و شجاعت و صبر و استقامت را در حوادث و رویدادهای مبارزه از زندان و تبعید و شکنجه و آزار می‌آموخت.

این نویسنده در خاطر دارم که امام در عصرهای پنجشنبه و جمعه در مدرسه فیضیه درس اخلاق یعنی درس انسان‌سازی می‌فرمود و عنوان درسش آیه کریمه (یا ایها الذین آمنو اتقواللّه و لتنظر نفس ما قدمت لغد اتقواللّه ان اللّه خبیر بما تعلمون) بود

ای گرویدگان پرهیز کنید و باید هر انسانی بیاندیشد که برای آتیه‌اش چه پیش فرستاده و پرهیز کنید که خداوند آگاه است که چه می‌کنید.

امام غالبا وقتی می‌خواست یک انسان کا مل و مؤمن حقیقی و مجاهد واقعی را بعنوان الگو و نمونه زمان معرفی کند که شیاطین تسلیم او شده و به او ایمان می‌آورند می‌فرمود سفری به شهر ری زاویه مقدسه (حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام) نموده و او را زیارت کنید. و خودشان در هر ماه یک یا دو بار برای زیارت و دیدار مرحوم بافقی مجاهد که در آنوقت در آنجا تبعید بودند راهی ری می‌شدند در خاطر دارم که بعضی از روشندلان و اهل معنی در آن زمان که از دور یا نزدیک به شهر ری می‌رفتند به زبان حال و قال می‌سرودند.

چه خوش بود که براید بیک کرشمه دو کار

زیارت شه عبدالعظیم (ع) و دیدن یار

(یعنی اباذر زمان و مسلمان دوران حجهٔالاسلام مجاهد حاج شیخ محمدتقی بافقی)

امام در مدت شش سالی که مرحوم بافقی در قم با رژیم کثیف شاه و عمال خائن و ستمگران او در شهرستان علمی و مذهبی قم (فرمانـدار و رئیس شهربانی و..) مبارزه و امر بـه معروف و نهی از منکر می‌کرد از نزدیک به ایشان مراوده و از کردار و گفتار او تمامی درس شهامت و مجاهده با ستمگری و مبارزه با گناه بود سرمشق می‌گرفت و خود را آماده برای قیام و نهضت بزرگ

می‌نمود.

و مرحوم بـافقی هم چون مؤمن پاکـدل و یکی از مصادیق حقیقی (المؤمن ینظر بنوراللّه) در سیما و چهره درخشان امام آثار نبوغ با طاغوتیـان و مجاهـده در راه حق مشاهـده می‌کرد و در موقع اقـامتش در قم عنـایت مخصـوص به امـام داشت و در پـاره‌ای از امور سفارش وی را به مرحوم آیت‌اللّه حائری می‌کرد و بعد از گرفتاری و تبعیدش به شـهر ری به محصلین و دیگران توصیه آن بزرگوار را می‌نمود و حتی خود این نویسـنده را که به ارشاد و رهنمونی معظم له برای تحصـیل به قم آمدم به آشـنائی و مراوده با امام تاکید فرمـود. و بـه همین سـبب این حقیر از اوائـل ورودم به قم در سـال ۱۳۵۷ قمری بـا آن بزرگوار آشـنا و مورد تشویق و محبتشـان قرار گرفته و تا این زمان که حدود چهل سال است افتخار ارادت به ساحت قدسشان را دارا و یکی از جان‌نثارانشان می‌باشم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجهٔ (۲۸۱ -۲۸۰ /۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶۲۱ -۶۱۹ /۴، ۱۷۸ -۱۷۷ /۳).

بافی خوارزمی، ابومحمد عبدالله

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۹۸ ق)، ادیب، نحوی، شاعر و فقیه شافعی. نسـبتش به باف از توابع خوارزم می‌رسـد. خطیب بغـدادی گویـد که اصل وی از بخـارا است، لـذا، به وی بـافی بخـاری نیز می‌گوینـد. او شاگرد ابوعلی بن ابی‌هریره مروزی و ابواسـحاق مروزی است. بافی شاعری ماهر بود و در فنون ادب مهارت داشت و فصـیح، بدیهه‌گو و نیکو محضـر نیز بود. وی متصدی منصب تدریس در بغداد بود و کتب شـافعی را درس می‌گفـت و شـاگردان از دور و نزدیـک برای اسـتفاده به محضـرش می‌آمدنـد. به گفته‌ی خطیب او در زمـان خـود فقیه‌ترین مردم در مذهب شافعی بود. وی در بغداد درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۶۵ -۲۶۴ /۴)، تاریخ الاسلام (حوادث ۳۵۸ -۳۵۷ / ۴۰۰ -۳۸۱)، تاریخ بغداد (۱۴۰ -۱۳۹ /۱۰)، ریحانه (۲۲۲/۱)، سیر النبلاء (۶۹ -۶۸ /۱۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابومحمد)، معجم البلدان (۳۸۸/۱).

باقر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: قطعه‌ای است در کتابخانه‌ی دانشگاه استانبول، به قلم دودانگ خوش و با رقم: «باقر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۳/۱).

باقر زند

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی دارای «دیوان» شعر است. از اوست:

آمد بگوش جانم آواز آشنایی

نالیدن دل است این یا ناله‌ی درآیی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۹۸)، الذریعه (۱۲۰/۹).

باقرپور، یوسف علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یوسفعلی باقر پور

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

مشغول دبیرستان شده بودم که تصمیم به ورود به حوزه علمیه گرفتم. (۱۳۵۵) پس از ورود و گذشت چند سال در مقطع دبیرستان را به صورت متفرقه و در عرض سه سال گذراندم. (۶۱-۱۳۵۹) . در سال ۶۱ در دانشگاه تهران رشته الهیات پذیرفته شدم که چون مغشول تحصیل در سطح حوزه بودم و آن دو را منافی هم می دیدم از دانشگاه انصراف دادم تا اینکه به درس خارج وارد شدم و یکسال از آن گذشت. در دانشگاه شرکت کردم و در پردیس قم دانشگاه تهران در رشته حقوق قضائی پذیرفته شدم(۱۳۶۴). پس از آن و در سال ۱۳۶۸ در تربیت مدرس الهیات و معارف اسلامی دارالشفاء (دانشگاه قم) شرکت کردم و تا سال ۱۳۷۱ دوره ارشد را طی کردم. ضمناً در سال ۱۳۷۶ در ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه مفید پذیرفته و در سال ۱۳۷۹ فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۸۴ در رشته دکتری حقوق جزا و جرم شناسی واحد علوم و تحقیقات تهران پذیرفته و هم اکنون مشغول تحصیل در دکتری می باشم.

از سال ۱۳۷۱ مشغول تدریس در دانشگاه می باشم. از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ دروس معارف اسلامی و اخلاق و دروس الهیات و معارف اسلامی را تدریس می کردم و از سال ۱۳۷۹ به بعد عموماً به تدریس دروس حقوق جزای عمومی ، اختصاصی، جرم شناسی، کیفر شناسی و ... مشغول می باشم.در حوزه علمیه ابتدا در حوزه علمیه رستمکلد تا کتاب معالم را خواندم ضمن اینکه دروس مقدمات را تردیس می کردم از سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و کتب لمعتین، رسائل ، مکاسب، و کفایه، اصول فقه، قوانین و نیز کتب بدایه، نهیاه، اشارات و مصباح الانس را از اساتید معظم و بزرگواری چون آیت الهل اشتهاردی، آیت الله ستوده، استاد اعتمادی، آیت الله جوادی آملی، نآیت الهل حسن زاده آملی و آیت الله گرامی و ... استفاده کردم.در دروس خارج که از سال ۱۳۶۳ شروع کردم از دروس آیت الله وحید خراسانی و آیت الهل مکارم شیرازی و آیت الله جوادی آملی و آیت الله فاضل لنکرانی و ... بهره بردم و می برم. ضمناً دروس حوزه را به صورت خصوصی از ابتدا تا شرح لمعتین تدریس نموده ام و ...

باقرزاده، عبدالرحمن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرحمان باقرزاده

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

این حقیر عبدالرحمن باقرزاده در سال ۱۳۴۹ در روستای آغوزبن از توابع شهرستان بابل و در خانواده ای متوسط، کشاورز و مذهبی متولد شدم. از همان کودکی به قرآن و مسائل دینی علاقمند بودم. لذا در مدتی کوتاه و در سایه لطف الهی و استعداد خدادادی قرآن را فرا گرفتم. در مدرسه نیز همواره شاگردی ممتاز از نظر پیشرفت درسی بودم لذا همواره مورد تشویق قرار می گرفتم که وارد مدرسه علمیه شدم.علاقه وافر قلبی و تشویق های مزبور دست به دست هم داد تا پس از اتمام اول راهنمایی در سال ۱۳۶۱ راهی مدرسه صدر بابل شوم. مدت یک سال در مدسه مزبور از محضر اساتید معظم آیات و حجج اسلام شیخ هادی روحانی(ره)، سید حسن محقق بهشتی(ره)، شیخ محمد حسن قائمی و سید مرتضی برهانی استفاده کردم. سپس در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه جعفریه رستمکلا بهشهر شده و تحت انفاس قدسی عالم نامدار مازنداران مرحوم آیت الله شیخ ابوالحسن ایازی (قدس) به تلمذ و خوشه چینی پرداختم.

مدت پنج سال حضور در آن مدرسه، دوران طلایی عمر تحصیلی حقیر به حساب می آید.علاوه بر استفاده علمی از محضر آن فقیه فرهیخته و نامور، مورد عنایت و محبت زیاد آن بزرگوار بودم به طوری که سال ها بعد از مهاجرت به قم و تا پایان عمر آن عالم فرزانه، از محبت ها و توجهات خاص ایشان بهرمند بودم. ضمن آنکه در مدرسه مزبور مدت مدیدی خوشه چین محضر فرزند بزرگوار آن عالم بزرگ یعنی حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد جواد ایازی (مدیر فعلی مدرسه علمیه رستمکلا) نیز بوده ام.

در سال ۱۳۶۷ عازم حوزه علمیه قم شده و سطوح عالی را از محضر آیات عظام شیخ مصطفی اعتمادی، سید علی محقق داماد، وجدانی فخر و شیخ محسن دوزدوزانی فرا گرفتم و بعد از آن نیز به مدت ۱۰ سال در درس خارج آیت الله مکارم شیرازی و چند سالی را هم در دروس آیات عظام وحید خراسانی و علوی گرگانی حضور پیدا کردم. از سال۱۳۸۱ نیز در جایگاه امامت جمعه شهرستان رامسر مشغول انجام وظیفه می باشم. علاوه بر مسئولیت امامت جمعه در حوزه علمیه اعم از برادران و خواهران و نیز دانشگاه به تدریس مشغولم. حقیر دارای دو فرزند پسر به نام های محمد مهدی و محمد جواد می باشم که ثمره ازدواج اینجانب در سال ۱۳۶۷ می باشند.

باقرزاده، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا باقرزاده

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

درسال ۱۳۵۸ وارد حوزه شد و پس از پنج سال که در ورامین و کاشان مشغول تحصیل بود وارد قم گردید. دروس سطح را از اساتید معظم: اسلامی، محامی، بنی فضل، اعتمادی استفاده کرد. در درس خارج از محضر حضرات آیات: وحید خراسانی، تبریزی، مکارم شیرازی و ... استفاده کرد. در کنار دروس حوزه فوق لیسانس حقوق بین الملل و دکترای علوم سیاسی را در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) گذرانده است. وی عضو هیات علمی موسسه فوق، مدیر گروه حقوق و سیاست مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه و مدیر گروه حلقه نقد فقه و حقوق و سیاست در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی بوده است. از وی مقالات متعددی در حوزه های حقوق و سیاست در مجلات و روزنامه های کثیر الانتشار به چاپ رسیده است. همچنین کتاب" ضمانت اجراهای صلح و امنیت بین المللی در ارتباط با کشورهای در حال توسعه "جزوات تدریس قانون اساسی، حقوق بشر در اسلام و مبانی حقوق از آثار وی می باشد. وی مشغول تدریس در حقوق و سیاست در حوزه و دانشگاه است.

باقرمنش، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۰۳، قم.

درگذشت: ۲۹ آذر ۱۳۶۲.

سید رضا باقرمنش متخلص (ثابت)، فرزند سید باقر، تحصیلاتی ابتدایی را پشت سر گذاشت. نه ساله بود که پدرش درگذشت و مسئولت زندگی بر دوشش افتاد، ناگریز ترک تحصیل کرد و به دنبال کار رفت تا درآمدی کسب کند و معیشت خانواده‌اش را تأمین نماید. بدین جهت چندی در انبار شرکت نفت قم کار کرد و مدتی نیز در یکی از دفاتر اسناد رسمی مشغول کار شد.

باقرمنش در سال ۱۳۲۹ به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به عنوان آموزگار در مدرسه‌ها به تدریس اشتغال ورزید و ضمن خدمت آموزشی توانست به تحصیل بپردازد و دوره‌ی اول متوسطه را به اتمام رساند، اما دیگر قادر به ادامه تحصیل نگردید. وی در آموزش و پرورش مدتی به عنوان کارپرداز خدمت کرد و چند سالی نیز مدرسه‌ی ملی رودکی را در اختیار داشت که بعدا به اداره‌ی آموزش و پرورش واگذار کرد و پس از فراغت کار اداری امور حسابداری پیمانکاری نادی را اداره می کرد و در سال ۱۳۵۹ بازنشسته گردید و چند سال آخر عمر را در شرکت راه و ساختمان دیجم به شغل حسابداری اشتغال داشت.

باقرمنش از آغاز جوانی به سرودن شعر پرداخت و اشعارش در روزنامه‌های محلی «استوار» و «سرچشمه» و «پیکار مردان» به چاپ می‌رسید و اشعار انتقادی‌اش را برای روزنامه «چلنگر» می‌فرستاد.

سید رضا باقرمنش در بیست و نهم آذر ۱۳۶۲ درگذشت و در امامزاده ابراهیم به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

باقری بنابی، یوسف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس. در بناب به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات قسمت عمده‌ی سطوح را نیز در شهر بناب و حوزه‌ی علمیه تبریز خواند. وی بقیه سطوح را در نجف در محضر آیت الله مشکینی و آیت الله اهری فراگرفت. آن گاه در درس خارج علامه نایینی و آقا ضیاءالدین عراقی و حاج شیخ عبدالله مامقانی حاضر شد تا به مدارج عالیه رسید و به اجازه اجتهاد نایل شد. آن گاه وی به زادگاهش بازگشت و بر اثر اصرار اهالی در آنجا اقامت گزید و مرجع امور مردم و دعاوی ایشان گشت. آیت الله باقری بنابی برای تربیت طلاب و محصلین مدرسه‌ای بزرگ تأسیس کرد و خود عهده‌دار تدریس علوم مختلفه در حوزه شد چنانکه اکثر علمای بزرگ بناب و حومه در خدمت ایشان تلمذ کرده‌اند. از آثارش: «ثمرات الفؤاد»، شرح «تفسیر» فرات کوفی، در چند مجلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۲۲۴ -۲۲۱ /۳).

باقری بیدهندی، ناصر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصر باقری بیدهندی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔ الاسلام و المسلمین جناب آقای ناصر باقری بیدهندی به سال ۱۳۳۷ هجری شمسی درروستای بیدهند قم در خانواده ای متدین و شهید پرور چشم به جهان گشود. قرآن را در کتب آموخت و سپس به مدرسه رفت و در اولین روز در کلاس دوم به تحصیل پرداخت. نامبرده بعد از گذراندن تحصیلات جدید به سبب عشق و علاقه فراوانی که به اهل بیت عصمت و طهارت «علیهم السلام» وروحانیت اصیل شیعه داشت در سلک روحانیت درآمد و در مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی تا مرحله سطوح عالیه را با موفقیت پشت سر گذاشت. پس از آن در دروس خارج آیات عظام : سید محمد روحانی، محمد فاضل لنکرانی، ناصر مکارم شیرازی، علی مشکینی، جعفر سبحانی، میرزا جواد تبریزی و دیگران به مدت هفده سال شرکت و بهره مند شد. در ضمن با مباحث منطق و فلسفه استادان گرامی حوزه نظیر آیت الله یحیی انصاری و آیت الله گرامی و دکتر احمد بهشتی و تا حدودی آیت الله حسن زاده آملی کسب فیض کرد.

همچنین در بحث اخلاق از محضر آیت الله مظاهری و دیگران سود گرفت. مشار الیه همگام با تحصیلات حوزوی در سطوح متوسطه و عالیه به پژوهش و تحقیق روی آورد و تاکنون ده ها کتاب و رساله در موضوعات مختلف به زبان فارسی و عربی از خود به یادگار گذارده و هم اکنون نیز به این مهم با کوشش زیاد اشتغال دارد و شمار قابل توجهی از آثار ایشان به زبانهای زنده دنیا ترجمه شده است. معظم له علاوه بر تألیف و تحقیق به تدریس نیز اشتغال دارد و به عنوان استاد مشاور ، سامان دهی خطوط پژوهشی برخی از پایان نامه ها را نیز به عهده گرفته است . و در تعدادی از مراکز فرهنگی عضویت و فعالیت داشته و دارد.

باقری زنوز، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر ابراهیم باقری زنّوز در سال ۱۳۱۱ در بخش زنّوز از توابع آذربایجان شرقی به دنیا آمد.ایشان در سال ۱۳۴۷ مدرک دکترا رشتهٔ حشره‌شناسی را از دانشکدهٔ علوم دانشگاه پاریس اخذ کرده است. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی/گروه گیاهپزشکی دانشگاه تهران با رتبه علمی استادی می باشد. کتاب" سخت بالپوشان زیان‌آور "ابراهیم باقری زنوز ، در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیتحصیلات رسمی و حرفه ای : ابراهیم باقری زنّوز تحصیلات ابتدایی را در زنّوز و تحصیلات دبیرستانی را در مرند و تبریز به پایان رسانید و در سال ۱۳۳۲ وارد دانشگاه شد و در سال ۱۳۳۵ موفق به دریافت درجهٔ مهندسی از دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران گردید. در سال ۱۳۴۳ با استفاده از بورس تحصیلی دولت فرانسه، راهی آن کشور شد و در سال ۱۳۴۷ به اخذ درجهٔ دکترا در رشتهٔ حشره‌شناسی از دانشکدهٔ علوم دانشگاه پاریس نایل آمد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر باقری زنّوز پس از بازگشت به ایران در سمت استادیار تمام وقت در دانشکدهٔ کشاورزی دانشگاه تهران به کار تدریس و تحقیق پرداخت و بر اثر تلاشهای آموزشی و پژوهشی به مقام دانشیاری و پس از آن به رتبه علمی استادی ارتقا یافت. نامبرده در حال حاضر، سرپرستی گسترش موزهٔ جانورشناسی و مدیریت گروه گیاه‌شناسی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران را عهده‌دار است.فعالیتهای آموزشی : تدریس در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران. عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط ابراهیم باقری زنوز به قرار زیر است: کارشناسی • آفات انباری کارشناسی ارشد • جوندگان زیان آورمحصولات کشاورزی • سیستماتیک گروههای خاص حشرات بندپا • فیزیولوژی پیشرفته حشرات • فیزیولوژی حشرات • مرفولوژی حشرات جوائز و نشانها : کتاب" سخت بالپوشان زیان‌آور "ابراهیم باقری زنوز ، در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : ابراهیم باقری زنّوز تاکنون دهها مقاله پژوهشی و گزارش علمی به زبانهای فارسی و خارجی در مجلّات و نشریّات مختلف از قبیل: نشریّ ?دانشکده کشاورزی، مجلّهٔ جامعه حشره‌شناسان ایران، نشریه انستیتو بررسی آفات و بیماریهای گیاهی، مجلّهٔ سازمان حفظ نباتات و کتاب آفات انباری ایران به چاپ رسانید، همچنین مبادرت به تألیف ۲ جلد کتاب در زمینهٔ اصول مبارزه با آفات محصولات انباری کرده است. – مقالات ارائه شده در همایشها:۸ مورد – مقالات چاپ شده در مجلات داخلی :بیش از یک مورد آثار : اصول مرفولوژی و فیزیولوژی حشرات ویژگی اثر : ترجمه,دانشگاه تهران,۱۳۷۸ ۲ سخت بالپوشان زیان‌آور ویژگی اثر : این کتاب در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی شده است– آشنایی با کتاب: «سخت بالپوشان زیان‌آور» در این

کتاب، سخت بالپوشان زیان‌آور که به محصولات غذایی و صنعتی در انبارها زیانهای فراوانی وارد می‌کنند مورد بررسی قرار گرفته‌اند و طرز شناسایی، نحو ?زندگی، چگونگی خسارتها و زیانهای اقتصادی این آفات به بحث کشیده شده، راههای مبارزه با آنها به ویژه با استفاده از سموم گازی بیان شده است

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com

باقری نجف‌آبادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ غلامرضا بن حاج ابوالقاسم بن حاج حسین بن حاج محمدعلی بن حاج یوسف که از شیراز به نجف‌آباد منتقل شده و تا به حال اولاد و احفادش در نجف‌آباد و غیر آن موجود می‌باشند.

والد این دانشمند مرحوم حاج ابوالقاسم در اواخر عمرش از نجف‌آباد به حاجی‌آباد منتقل شده و اولاد و احفادش در آنجا پراکنده شده‌اند در سال ۱۳۴۰ قمری در حاجی‌آباد مذکور متولد شده و در سن پنج سالگی پدر را از دست داده و تا سن ۱۶ سالگی در تحت تربیت مادر و برادر دروس فارسی را خوانده آنگاه به قم آمده و مقدمات و سطوح اولی را از جناب آقای شیخ حیدرعلی و حاج شیخ ابوالقاسم نجف‌آبادی و حجه‌الاسلام حاج سید مرتضی علوی و حاج شیخ محسن الهی لاهیجی و دیگران خوانده سپس در سال ۱۳۶۴ ق به نجف مشرف و سطوح نهائی را در خدمت آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصغرخانی و مرحوم آیت‌الله حاج سید یحیی یزدی و آیت‌الله مرحوم حاج شیخ عبدالحسین رشتی و معقول را از مرحوم آیت‌الله حاج شیخ صدرا بادکوبه‌ای فراگرفته و به درس خارج مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌الله العظمی خوئی و آیت‌الله آملی مدظلهما و مرحوم آیت‌الله آقا شیخ محمدعلی کاظمینی و مرحوم آیت‌الله العظمی آقاسید عبدالهادی شیرازی و مرحوم آیت‌الله العظمی حکیم قدس‌الله اسرارهم شرکت کرده و از خرمنهای علم و دانش آنان استفاده‌ها برده تا به مدارج علم و کمال رسیده و به تدریس متون فقه و اصول از لمعه و مکاسب و کفایه پرداخته و هر کدام را از دو دوره تا ده دوره تدریس نموده و از سال ۱۳۹۱ قمری تاکنون منحصرا به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارند.

معظم‌له تا اواخر سال ۱۳۹۱ قمری در نجف به وظائف علمی مشغول بودند تا در آن اوقات مانند هزاران نفر دیگر از دانشمندان و غیره از طرف دولت شوم بعثی عراق اخراج به ایران و در قم رحل اقامت افکنده به تدریس و مباحثات علمی اشتغال یافته‌اند.

آثار و تالیفات علمی ارزنده‌ای دارند که از نظر فضلاء می‌گذرانم.

۱- یک دوره کامل اصول از تقریرات بحث آیت‌الله خوئی ۲- اکثر ابواب فقه ۳- شرح عروه‌الوثقی. ۴- رساله‌ای در ارث زوجه ۵- رساله در اعتقادات ۶- مقالاتی در عدالت اسلامی ۷- داستان کاروان کربلا.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

باقری همدانی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ علی‌اصغر بن کربلائی شعبان باقری همدانی در تاریخ ۱۳۴۳ هجری قمری در یکی از مضافات دره جزین از توابع همدان متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات در سال ۱۳۵۸ قمری والی به سلک روحانیت گشته و پس از اکمال سطوح عالی از محضر آیات عظام حوزه چون مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی عراقی و آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله نجفی مرعشی و آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله داماد و بعضی دیگر استفاده نموده و بالاخص اختصاصی و انقطاع فوق‌العاده‌ای به مرحوم آیت‌الله عراقی مذکور داشت و در تمام جلسات دروس معظم‌له شرکت می‌نمود و مورد توجه و علاقه شدید آن مرحوم بود و از وی به دریافت اجازه اجتهاد مفتخر گردیده است.

ایشان اجازات دیگری از مراجع بزرگ نجف اشرف و قم چون مرحوم آیت‌الله حکیم و آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله مرعشی نجفی و مرحوم آیت‌الله آملی طهرانی و دیگران دارد.

آثار علمی ایشان عبارت است از جزواتی در اصول عقاید و مطالب منبری و نیز قسمتی از دراسات اساتید غیر منظم دارد.

وی از راه منبر خدماتی انجام داده و جلسات تفسیر و موعظه در قم و خارج از قم داشته و دارد و همه ساله مانند صدها نفر دیگر از فضلاء در ماه رمضان و محرم برای تبلیغ احکام دین و ترویج مذهب به اطراف مسافرت نموده و وظائف دینی و روحی خود را انجام می‌دهد ادام‌الله توفیقاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

باقری، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم باقری

محل تولد : داراب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۶۱ هجری شمسی وارد حوزه علمیه شدم ابتدا در مدرسه علمیه داراب،سپس گویم و پس از آنان آشتیان و در سال ۱۳۶۷ توفیق حضور در حوزه علمیه قم را یافتم و رسائل و مکاسب را در محضر حضرات آیات پایانی و اعتمادی به پایان رساندم و پس از اتمام کفایه نیز که از محضر حضرت استاد اعتمادی کسب فیض نمودم در سال ۷۱ وارد درس خارج فقه و اصول گشتم ، در یک سال درس خارج اصول در محضر آیت الله مکارم شیرازی و یک سال خارج فقه در محضر آیت الله مشکینی و در سال ۷۲ به حوزه درسی استاد معظم ضمن اینکه چند سال نیز از درس خارج فقه حضرت آیت الله گرامی بهره مند شده ام.در کارهای تحقیقاتی به طور رسمی با کمیته تدوین متون قوه قضائیه همکاری نمودم، با مرکز پژوهشهای حوزه علمیه و مرکز نشرآثار امام خمینی(ره) نیز همکاری داشته ام و کارهای پژوهشی عمدتا در رابطه با حوزه تحقیقاتی فقه و حقوق انجام داده ام هر چند پیش از این نیز به طور پراکنده مقالاتی را برای برخی روزنامه ها نوشته ام ، برخی کارهای تحقیقاتی را خود به انجام رساندم که کار شخصی محسوب می شود.با یک توضیح سخن را به پایان می برم: در حوزه های علمیه در زمینه منطق، ادبیات عرب و اصول فقه تدریسی داشته ام در رابطه با همکاری با مراکز تحقیقاتی نیز یاد آور شوم: در همکاری با کمیته تدوین متون در رابطه با مسائل حقوقی مسائل مباحثی نظر احوال شخصیه، کلیات حقوق، معاملات واقعیات و.. در حقوق ایران و کشورهای اسلام نظیر مصر، سوریه، عراق، لبنان، اردن، امارات، را مورد تحقیق قرار داده و نوشته هایی را در این زمین ارائه نمودم.

در همکاری با مراکز تحقیقاتی فقهی بیشتر در مباحث جزایی و کیفری به پژوهش پرداخته ام، در آیین دادرسی کیفری مسائل مربوط به سوگند و شهادت و در قانون مجازات اسلامی مسائلی چون مباحث دیات اعم از دیه نفسی، عضو، دیه میت و مباحثی چون تشریح، پیوند اعضاء و ... را به تحقیق نشستم.ونیز در تهیه گنجینه آرا، فقهی قضایی و تبویب و ارزیابی آن در حدود ۲۰۰۰۰ بیست هزار استفتاء از مراجع عظام تقلید اشاره ای می شود که با تبویب ونمایه زنی آن کاری برای محققان آسان گشته است، با دوستان دیگر همکاری داشته ام البته در بخش مربوط به مباحث حقوقی آن.در مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه علمیه قم نیز در بخش مطبوعات همکاری داشتم بدین معنی برخی از مقالات مربوط به حوزه فقه و حقوق و بعضاً سیاست، ارتباط وثیقی با فقه یا حقوق دارد، را نقد می نمایم و گاهی هم مقالات اینترنتی را درهمین زمینه.

باقری، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس باقری نزدیک به چهل عنوان کتاب درحوزه علوم اجتماعی ترجمه و منتشر کرده است . او آثار دیگری نیز دردست انتشار دارد .گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی آرا و گرایشهای خاص : عباس باقری که درباره اندیشیدن نظرات جالبی ارائه کرده است بر این عقیده است که لازمه این که انسان بد را از خوب تشخیص بدهد اندیشیدن است . باقری معتقد است لزومی ندارد که مترجم هم عقیده باکسی که آثارش را ترجمه می کند باشد . اوتوصیه می کند که همیشه شهامت خواندن آثاری را داشته باش که مخالف نظرات تو است . باقری معتقد است که درکار ترجمه هدفش بر این است که منابع اطلاعاتی مختلف را در اختیار نسل امروز مملکت قرار دهد .آثار : ترجمه اندیشیدن و ملاحظات اخلاقی ویژگی اثر : این اثر تالیف ناآرنت است۲ ترجمه انسان پاره پاره ویژگی اثر : این اثر تالیف نیکولاگریمالدی است۳ ترجمه پشت ورو ویژگی اثر : این اثرتالیف آلبر کامو است۴ ترجمه جهان گرایش ها ویژگی اثر : این اثر تالیف کارل پوپر است۵ ترجمه حقیقت و آزادی ویژگی اثر : این اثر تالیف رمون پولن است۶ ترجمه سرچشمه های دانایی و نادانی ویژگی اثر : این اثر تالیف کارل پوپر است۷ ترجمه فرهنگ فرد و فرهنگ توده ویژگی اثر : این اثر تالیف لویی دولو می باشد۸ ترجمه فیلسوفان بزرگ یونان باستان ویژگی اثر : این اثر تالیف لوچائو می باشد ۹ ترجمه قدرت و حاکمیت ویژگی اثر : این اثر تالیف سلین اسپکتوراست

باقری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی باقری

محل تولد : اردبیل

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اینجانب علی باقری متولد ۱۳۴۳ در شهرستان اردبیل تحصیلات ابتدایی راهنمایی و دبیرستان را در مدارس تهران به اتمام رسانده و بمدت یکسال پس از اخذ دیپلم به حوزه علمیه تبریز رفته و در مدرسه ولی عصر(عج) مشغول تحصیل شدم و بعد از آن بمدت یکسال به حوزه علمیه تهران وارد شده و در مدارس علمیه باهنر و شهید بهشتی مشغول تحصیل بودم و از کلاس درس منطق ملا عبد الله آیت الله حق شناسی و سایر اساتید بهره بردم و در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و مکاسب در رسائل کفایه را از محضر آیت الله دوزدوزانی — آیت الله پایانی- آیت الله راستی- آیت الله صالحی مازندرانی- آیت الله قدیری — آیت الله راستی بهرمند شدم. در همزمان به دوره های آموزشی مؤسسه در راه حق وارد شده و به تحصیل نهایهٔ الحکمه، اقتصاد- فلسفتنا و.... در این مؤسسه پرداختم. بعد از اخذ دیپلم متوسطه بطور متوسط هر سال در جبهه هـای جنگ نیز حضور می یافتم و در چندین عملیات شرکت داشتم.

پس از پایان جنگ وارد دانشگاه مفید(ره) قم شدم و به تحصیل دوره کارشناسی اقتصاد پرداختم و در این ایام به تحصیل دروس خارج فقه و اصول نیز مشغول شدم و از محضر اساتید بزرگواری همچون آیات عظام وحید خراسانی(دام عزه).جواد آقا تبریزی(ره) آیت الله جوادی آملی (دام عزه) بهره وافر بردم هر چند از اساتید دیگر نیز استفاده کرده ام.دوره کارشناسی اقتصاد را در سال ۱۳۷۲ به پایان رسانده و در همان سال در آزمون، کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه تهران پذیرفته شدم اما به دلیل تحصیل دروس حوزوی، و در دانشگاه مفید(ره) دوره کارشناسی ارشد را ادامه دادم و در سال ۱۳۷۵ پایان نامه دوره فوق لیسانس را با موضوع مبانی عدالت اقتصادی در اسلام و سایر مکاسب دفاع نمودم و در آزمون ورودی دوره دکتری اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه السلام پذیرفته شده و مشغول تحصیل شدم و دوره آموزشی مقطع دکترا با برگزاری امتحان جامع و موفقیت در آن به پایان رسید و مشغول انجام پروژه تحقیقی در موضوع هدف گذاری سیاستهای پولی شدم و هم اکنون مراحل نهایی پایان نامه را انجام می دهم.از نظر تدریس دروس حوزوی عمرماً قبل از تحصیلات دانشگاهی بوده است و به تدریس ادبیات و منطق پرداختم و دروس دانشگاهی را نیز در مقطع کارشناسی تدریس نموده ام دروس مانند، اقتصاد پول بانک- اقتصاد فرد- اقتصاد کلان، مبانی فقهی اقتصاد و اسلامی- نظام های اقتصاد صدر اسلام- تاریخ عقاید اقتصادی — معارف اسلامی. مالیه عمومی را در دانشگاه مفید(ره)- دانشگاه آزاد تهران و شهرستان نراق و آموزش های مدیریت دولتی تدریس نموده ام.در زمینه های تحقیقات علمی نیز پروژه تامین اجتماعی در اسلام با تکیه بر منابع مالی اقتصاد ایران با همکاری حجهٔ الاسلام کیاءالحسینی به انجام رساندیم این پروژه توسط سازمان تأمین اجتماعی، تأمین شد و مدیریت آن را دانشگاه مفید بر عهده داشت این تحقیق علمی برنده دو جایزه گردید یکی بعنوان تحقیق برتر فرهنگی سال ۱۳۸۰ و پژوهش برگزیده سال ۱۳۸۲ حوزه اقتصاد اسلامی مورد تقدیر قرار گرفت تحقیقات علمی دیگری نیز در حوزه اقتصادانجام دادم که منتشرنشده است یک مقاله تحت عنوان بررسی تطبیقی عدالت اقتصادی در مجله مفید از اینجانب به چاپ رسیده است و در سال ۱۳۷۷ منتشر گردیده و استاد واحد پایان نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان نقش بازده سرمایه گذاری های سازمان تامین اجتماعی در تاخیر زمان سربسری منابع و مصارف» را نیز در ۱۳۸۴ بر عهده داشتم.

باقری، کریم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کریم باقری فوتبالیست و ملی‌پوش تیم ایران است. وی متولد تبریز به سال ۱۹۷۴ می‌باشد. وی در تیم‌های اروپایی از جمله آرمینیا بیله‌فلد آلمان و چارلتون انگلیس عضو بوده‌است و هم‌اکنون عضو باشگاه فوتبال پرسپولیس تهران است و از تیم ملی فوتبال ایران نیز خداحافظی کرده‌است. البته در زمان سرمربیگری علی دایی این بازیکن بار دیگر به تیم ملی دعوت شد که با تامل بسیار بالاخره در بازی دوستانه تیم‌های ایران و قطرکه در تاریخ ۱۹ آبان ۸۷ برگزار شد، کریم باقری بعد از حدود ۸ سال بار دیگر برای تیم ملی ایران بازی کرد و در تاریخ ۲۹ آبان ۸۷ چهل و هشتمین گل ملی خود را در بازی مقابل امارات به ثمر رساند.سایت فیفا در گزارشی مفصل دربارهٔ بازگشت کریم باقری به تیم ملی ایران این بازیکن را با «زین‌الدین زیدان» مقایسه کرد. در مراسم بهترین‌های فوتبال سال ایران، کریم باقری با کسب بالاترین امتیاز از بین بهترین‌های فوتبال سال ۸۷، مرد سال فوتبال ایران شد. کریم باقری در ۱۶ خرداد سال ۱۳۷۲ برابر تیم ملی پاکستان در جام اکو، اولین بازی ملی خود را انجام داد و ۸۴ بازی ملی و ۵۰ گل در کارنامه ملی خود دارد.

باقری در سال ۱۳۸۷ از تیم ملی خداحافظی کرد اما با بازی‌های شگفت‌انگیزی که همان سال در لیگ برتر در تیم پرسپولیس انجام داد، علی دایی؛ مربی وقت تیم ملی را وادار کرد تا از او بخواهد در تیم ملی در مسابقات مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۰ او را یاری کند.

افتخارات کریم باقری: طلای سیزدهمین دوره بازی‌های آسیایی (۱۹۹۸ بانکوک) قهرمان جام اکو (۱۹۹۲ تهران) حضور در جام جهانی (۹۸ ــ فرانسه) مقام سومی جام ملت‌های آسیا (۱۹۹۶ امارات) قهرمانی با پرسپولیس (لیگ ۱۳۷۵) قهرمان جام باشگاه‌های عرب مقام سومی جام باشگاه‌های آسیا با السد بازیکن ماه آسیا زننده بهترین گل ماه آسیا برترین بازیکن جام باشگاه‌های عرب (۲۰۰۱) عضو تیم ستارگان آسیا در دیدار با ستارگان فیفا۱۹۹۷ بهترین گل زن جهان در سال ۱۹۹۷ پس از روماریو"

باقری، مهری

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر مهری باقری درسال ۱۳۳۴، در تهران متولد شد. وی پس از اخذدیپلم وارد دانشگاه تهران شد و تحصیلاتش را در زمینه ادبیات فارسی ادامه داد . در سال ۱۳۵۰ه.ش کارشناسی ارشد زبانهای باستانی و زبان شناسی را از دانشگاه تهران دریافت کرد او در ۱۳۵۳عضویت هیات علمی دانشگاه تبریز در آمد.در سال ۱۳۵۵دکتری ادیان و عرفان را از دانشگاه تهران اخذ نمود .نامبرده از آن پس در دانشگاه تبریز به امر تدریس اشتغال دارد. وی در سال ۱۳۸۰در نخستین همایش چهره های ماندگار برگزیده و معرفی شد.گروه : علوم انسانی رشته : زبان شناسی عمومی گرایش : فرهنگ و زبانهای باستانی اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : مهری باقری درسال ۱۳۲۴ هجری شمسی در تهران چشم به جهان گشود. و این زمانی بود که دانشگاه تهران رو به گسترش نهاده بود و تحت تاثیر افکار ناسیونالیسی ، علومی چون تاریخ، باستان شناسی و زبان شناسی (زبانهای باستانی) مورد توجه قرار گرفت.تحصیلات رسمی و حرفه ای : مهری باقری ،تحصیلات ابتدایی را در دبستان خواجه نظام الملک به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۴۳از دبیرستان شاهدختاخذ کرد .پس از اخذ دیپلم وارد دانشگاه تهران شدو در سال ۱۳۴۷ه.ش کارشناسی زبان وادبیات فارسی گرفت. در سال ۱۳۵۰ کارشناسی ارشد دررشته زبانهای باستانی و درسال۱۳۵۵ دکترای ادیان وعرفان را از دانشگاه تهران دریافت کرد. عنوان پایاننامه: الف – کارشناسی ارشد:روایات داراب هرمز دیار ب– دکتری: آفرینش و رستاخیز در ادیان ایرانی پیش از اسلام و دریافت مشابهت های آن با ادیان مسیحی خاطرات و وقایع تحصیل : از وقایع مهم روزگار تحصیل دکتر مهری باقری در مقطع دکتری، تدریس و استخدام در دانشگاه تبریز بود.فعالیتهای ضمن تحصیل : مهری باقری علاوه بر تحصیل در مقطع دکتری در دانشگاه تهران، به تدریس در دانشگاه تبریز می پرداخت. او همچنین دراین زمان از شرکت در مجامع علمی داخلی و بین المللی غافل نمی شد.همسر و فرزندان : مهری باقری متاهل و دارای دوفرزند می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : –عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه تبریز –مدیر گروههای آموزشی ایرانشناسی بنیاد ایرانشناسی –مدیر گروه فرهنگ و زبانهای باستانی دانشگاه تبریز –عضو یت در هیئت ممیزه دانشگاه پیام نور دانشگاه پیام نور تهران –ریاست کتابخانه دانشکده های ادبیات فارسی و زبانهای خارجی –علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز –استاد اعزامی وزارت علوم تحقیقات و فناوری برای تدریس ایرانشناسی و زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه بارسلون اسپانیا –عضو یت در هیئت مدیره انجمن زبان و ادبیات فارسی –عضویت در هیئت تحریریه مجله ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز –عضویت در هیئت تحریریه مجله ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ارومیه –عضویت در هیئت تحریریه مجله گوهر گویا (انتشارات انجمن ترویج زبان و ادبیا فارسی) –عضویت در شورای عالی کتابخانه های آذربایجان شرقی –عضو پیوسته انجمن فولکور در آکادمی علوم و ادبیات فنلاند –عضویت در هیئت مشاوران انجمن جهانی فولکور ،دانشگاه هلسینکی –فنلاند –عضویت هیئت تحریریه مجله فولکور دانشگاه میسور هندوستان –عضویت در هیئت مشاوران بین المللی مجله فولکور دانشگاه منچستر انگلستان –معاون انجمن جهانی تحقیقات در زمینه فرهنگ عامه و روایات سنتی و رئیس بخش آسیا و اقیانوسیه در مجمع یاد شده.فعالیتهای آموزشی : مهری باقری از سال ۱۳۵۳ به عضویت هیات علمی در دانشگاه تبریز در آمد.او در دانشکده ادبیات و نیز در دانشکده زبانهای خارجی این دانشگاه به تدریس دروس ادبی، تاریخ ادیان و عرفان اسلامی پرداخته است.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : مهری باقری دوره کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و زبانهای باستانی را در دانشگاه تبریز ار تاسیس کرده اند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مطالعه، تحقیق و تدوین کتبی درزمینه فرهنگ و زبانهای ایران پیش از اسلام از امور مورد علاقه مهری باقری می باشد.آرا و گرایشهای خاص : مهری باقری درزمینه زبان شناسی به اصوات زبان فارسی وتحولات آن توجه خاص نشان داده و در زمینه فرهنگ علاوه بر تحقیقاتی در زمینه فرهنگ عامه، به عرفان اسلامی نیز نگاه خود را معطوف داشته است.جوائز و نشانها : –استاد نمونه کشوری در سال ۱۳۸۵– نهاد ریاست جمهوری –وزارت علوم و تحقیقات و فناوری – نخبه برگزیده سال ۱۳۸۶– نهاد ریاست جمهوری – ستاد بزرگداشت –مرکز امور زنان و خانواده – پژوهشگر نمونه دانشگاه تبریز – استاد منتخب در رشته زبان شناسی و ادبیات – نخستین همایش چهرهای ماندگار مهرماه ۱۳۸۰چگونگی عرضه آثار : مهری باقری دارای ۸ تالیف ، ۲۳ مقاله چاپ شده در نشریات معتبر داخلی ،۱۰ مقاله انگلیسی چاپ شده در نشریات خارجی ، یک مقاله اسپانیولی چاپ شده در نشریه دانشگاه کمپولتنسه مادرید می باشد. ایشان همچنین دارای ۲ طرح تحقیقاتی انجام یافته است.وی ۱۷ مقاله در سمینارهای داخلی و ۲۹ مقاله در سمینارهای خارجی ارائه کرده است.آثار : ایران: تاریخ، فرهنگ، هنر ویژگی اثر : پدیدآورنده: علی بهرامیان، حسن رضایی باغ بیدی، عبدالحسین زرین کوب، زهره زرشناس، مهری باقری، سیدحسین نصر، قمر آریان، اصغر دادبه، روزبه زرین کوب، یونس کرامتی، علی بلوکباشی، احمد پاکتچی، محمدحسن گنجی، محمدحسن سمسار، فاطمه لاجوردی، محمدکاظم موسوی بجنوردی (زیرنظر)ناشر: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات – ۰۴ مرداد، ۱۳۸۵۲ تاریخ زبان فارسی ویژگی اثر : کتاب تاریخ زبان فارسی شامل تاریخ تحولات زبان فارسی از ادوار پیش از اسلام تا فارسی امروزی است.۳ تاریخ زبان فارسی، رشته ادبیات ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسن انوری، مهری باقری ناشر: دانشگاه پیام نور – ۱۳۸۲۴ دین های ایران باستان ویژگی اثر : تهران– نشریه قطره ۱۳۸۵۵ دین های ایران پیش از اسلام ویژگی اثر : دکتر مهری باقری در کتاب دین های ایران پیش از اسلام به بررسی انواع دین های رایج، در جهان ایرانی (آریایی) پیش از اسلام می پردازد.۶ طرح شناسی تاریخی زبان فارسی ویژگی اثر : کتاب طرح شناسی تاریخی زبان فارسی یا تحولات تاریخی اصوات زبان فارسی، به سیر تحول و دگر گونی دستگاه اصوات زبان فارسی در طول تاریخ می پردازد.۷ کارنامه اردشیر بابکان ویژگی اثر : ترجمه از پهلوی –تهران نشر قطره ۱۳۷۸۸ مقدمات زبانشناسی ویژگی اثر : پدیدآورنده: مهری باقری ناشر: قطره – ۰۱ خرداد، ۱۳۸۶۹ مقدمات زبانشناسی، رشته زبان و ادبیات فارسی ویژگی اثر : پدیدآورنده: مهری باقری ناشر: دانشگاه پیام نور – ۱۳۸۳۱۰ واج شناسی تاریخی زبان فارسی ویژگی اثر : تالیف– تهران نشر قطره ۱۳۸۰

منابع زندگینامه :بنیاد ایرانشناسی

باقری، ولی الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ولی الله باقری

محل تولد : سر بند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ولی الله باقری در سال ۱۳۴۴ در خانواده ای مذهبی در بخش سر بنداران متولد شدم و ابتدا در مکتب خانه شروع به تحصیلات قرآنی و سپس در سال ۱۳۵۴ درسهای کلاسیک را در مدارس جدید آغاز نمودم سالهایی که در مقطع ابتدایی تحصیل می کردم در همان روستای آب بخشان از توابع سربند و سپس دوران راهنمایی و دبیرستان را در شهرستان بروجرد اشتغال داشتم در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه ولی عصر(عج) بروجرد شدم و در سال ۱۳۶۴ راهی شهر مقدّس قم شدم. ابتدا در مدرسه علمیه مهدی موعود(عج)تحت اشراق و ارشاد(حضرت الله العظمی نوری همدانی ادبیّات عرب را به پایان رساندم سپس وارد درسهای سطح حوزه گردیدم و از محضر اساتید بزرگواری چون آیه الله وجدانی فخر، آیت الله اعتمادی، آیهٔ الله اشتهاردی و آیهٔ الله نکونام گلپایگانی و نیز آیهٔ الله سید احمد خاتمی بهره مند شدم.

درهمان سالهای اشتغال به تحصیل در دوران سطح سه تبلیغ علوم آل محمّد و معارف اسلامی نیزپرداختم. حدود سال ۷۳-۷۲ وارد مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) زیر نظر حضرت آیهٔ الله مصباح یزدی دام ظله العالی شدم و درسهای معارف و روز را با توجه به ضرورتهای زمانه پشت سر گذاشتم و موفق به اخذ درجه فوق لیسانس در رشته الهیات و معارف اسلامی آن مؤسسه مبارک شدم. پس از اتمام تحصیلات در آن مؤسسه و هم زمان با اشتغال به درس خارج فقه و اصول که به ترتیب از محضر اساتید بزرگوار حوزه مبارک علمیه قم حضرت آیهٔ الله العظمی مکارم شیرازی و حضرت آیت الله جعفر سبحانی دام ظلّهما استفاده نمودم. پس از فارغ التحصیل شدن از مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) وارد مرکز تخصّصی قضاء حوزه علمیه شدم و با مسائل حقوق جدید و نیز مباحث عمیق تر قضاء و حقوق اسلامی آشنا شدم و پس از چهار سال تحصیل از آن مرکز مبارک فارغ التحصیل گردیدم.

نتیجه تحصیلات علاوه بر انجام وظیفه تبلیغی و مطالعات سریع ، اثر به طبع آراسته اینجانب تحت عنوان«مستضعفان از دیگاه اسلام» که توسط صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران واحد پژوهشگاه اسلامی صدا و سیمای قم به چاپ رسیده است. نیز پایان نامه فوق لیسانس بنده نیز مراحل چاپ نشر خود را در آن مرکز محترم سیر می کند. مجّوز تدریس معارف از نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری (دام ظله العالی و روحی فداه) جهت تدریس در مراکز آموزشی عالی را دریافت نموده ام و هم اکنون در دانشگاه علمی کاربردی شهر مقدّس اشتغال به تدریس معارف اسلامی دارم. همچنین پایان نامه مقطع فوق لیسانس مؤسسه هم اکنون تحت عنوان مبانی کنترل قدرت سیاسی از دیدگاه نهج البلاغه می باشد که احتمالا در آینده به چاپ برسد. در حال حاضر ضمن مطالعات معارف و اشتغال به تدریس در دادسرای عمومی انقلاب نیزاشتغال به شغل شریف قضاء دارم، و در پس مقدّمات تدوین پایان نامه سطح چهار حوزه هستم.

باقریان ساروی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد باقریان ساروی

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در آغاز پاییز سال ۴۲ وارد حوزه علمیه کوهستان بهشهر شدم و در سال ۴۴-۴۳ در قم و سپس به مدت دو سال در رستمکلای بهشهر تحصیلات مقدماتی را گذرانده و در سال (پاییز) ۴۸ مجددا وارد قم شدم و دروس سطح را در خدمت اساتیدی همانند مرحوم فاضل هرندی و علوی گرگانی و دوزدوزانی وآیت الله فاضل لنکرانی و موسوی تبریزی (سید ابوالفضل) و مرحوم آیت الله سلطانی(کفایه ج ۱) و آیت الله حائری(سید محمد کاظم) (کفایه ج ۲) گذرانده و درس خارج را که از سال ۵۰ شروع شد نزد

اساتیدی همچون وحید خراسانی و مرحوم میرزا هاشم آملی و حسین نوری همدانی و فاضل لنکرانی گذراندم. یک دوره کامل خارج اصول را نزد آیت الله فاضل لنکرانی گذرانده و درس ها را به صورت عربی نوشته ام. و در سال ۷۰-۶۹ برای تدریس به گرگان رفته و مدت نه سال در مدرسه علمیه امام باقر(ع) گنبد و مدرسه امام خمینی گرگان و مدرسه سعدیه رامیان به تدریس از سیوطی تا اصول فقه و شرح لمعه پرداخته ام و مجددا وارد قم شده و دروس رسائل و مکاسب و کفایه را تدریس داشته ام. ولی اکنون نزدیک به یک سال است که به سبب بیماری توفیق تدریس عمومی را ندارم ولی کارهای تحقیقاتی را که از شش سال پیش در مرکز پژوهش های اسلامی (فرهنگ و معارف قرآن) شروع کرده ام ادامه می دهم و در نگارش و تدوین فرهنگ قرآن شرکت دارم که هم اکنون آن اثر ۸ جلد به چاپ رسیده است.

باقی اصفهانی، عبدالباقی طبیب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۳۸ ق)، شاعر. وی از سادات بنام اصفهان و نبیره‌ی مرحوم میرزا عبدالباقی طبیب بود. به حسب وراثت کلانتری اصفهان را داشت. وی پسرعموی معتمدالدوله بود. معتمدالدوله وی را از اصفهان به تهران آورد تا در اجرای دستورها با وی همکاری کند. از اوست:

شب هجر است و بسی قصه درازست امشب

وای بر آنکه مرا محرم رازست امشب

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سفینهٔ المحمود (۱۸۴ -۱۷۹ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۲۱)، مجمع الفصحا (۱۸۲/۴)، مصطبه‌ی خراب (۳۰ -۲۹).

باقی بخاری، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۹۰ ق)، خطاط. از آثار او: یک قطعه مذهب از یک مرقع، به خط ثلث دودانگ عالی و نسخ کتابت خوش یاقوتی و رقاع کتابت خوش، با رقم: «مشقه العبد المذنب الفقیر الحقیر الراجی باقی محمد البخاری غفر الله ذنوبه فی سنهٔ تسعین و تسعمائهٔ بدارتاشکند».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۵۱/۴)، مناقب هنروان (۴۴).

باقی تبریزی، عبدالباقی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۳۹ ق)، خطاط، صوفی و شاعر، متخلص به باقی. ملقب به دانشمند. از سخنوران و خوشنویسان معروف و صوفی‌مشرب تبریز بود و در خانقاه مولویها سکونت داشت، به همین جهت به عبدالباقی صوفی شهرت یافت. او بر حسب دعوت سپهسالار عبدالرحیم خان خانان به هندوستان رفت و مدتی در آنجا مقیم شد. بعد به بغداد مسافرت کرد و نزد مصطفی دده به مشق خط پرداخت. باقی در خدمت علاء بیگ تبریزی نیز تلمذ کرده و خود در نوشتن انواع خطوط بخصوص ثلث و نسخ استادی گرانمایه به شمار می‌آمده و نستعلیق را نیز خوش می‌نگاشته است. شاه عباس اول هنگام بنای مسجد جامع جدید عباسی، از وی درخواست کرد که نوشتن کتیبه‌های مسجد را به عهده بگیرد اما، او نپذیرفت و بعد از فتح بغداد به اصفهان رفت و مشغول کتیبه‌نویسی شد. عبدالباقی در فنون فضایل حکمت و عربیت مهارت داشت و گاهی به نظم اشعار عارفانه و عاشقانه می‌پرداخت. باقی از معاصران میرزا ابراهیم همدانی بود و با وی دوستی و مراسله داشت. در تذکره‌ی «هفت اقلیم» آمده که باقی شاگرد میرزا جان بوده است و صاحب «تذکره‌ی شعرای آذربایجان» نیز او را فرزند بیرام‌خان می‌داند. مؤلف «تذکره‌ی نصرآبادی» نزد وی تعلیم خط دیده است. از آثار وی: کتاب «منهاج الولایه من کتاب نهج‌البلاغه»، در گزارش نهج‌البلاغه بر حسب موضوع و در دوازده باب، «تفسیر القرآن»، بر طریقه‌ی تصوف؛ «شرح الصحیفهٔ الکاملهٔ السجادیهٔ»، بر طریقه‌ی صوفیه؛ «دیوان» شعر. از خطوط او: مرقع قصیده‌ی «برده»، به سال ۱۰۳۶ ق؛ یک رقعه ثلث سه دانگ و نسخ دو دانگ خوش، با رقم: «کتبه باقی»؛ کتیبه‌ی فوقانی داخل گنبد بزرگ مسجد شاه اصفهان، به خط ثلث و با رقم: «قد تشرف بکتابتها عبدالباقی التبریزی فی سنهٔ ست و ثلثین و الف حامدا لله تعالی»؛ کتیبه‌ی ایوان بزرگ مسجد شاه و اطراف محوطه زیر گنبد، به خط ثلث و با رقم: «کتبه بحمدالله وحده عبدالباقی»؛ کتیبه‌ی داخل ایوان شمالی مسجد شاه، به خط ثلث و با رقم: «کتبه عبدالباقی فی الف و ثلاثین و خمس».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار ملی اصفهان (۶۸۱ ،۶۷۶ ،۶۷۴ -۶۷۳)، آتشکده‌ی آذر (۱۱۱/۱)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۵۱/۴ ، ۳۶۴/۲)، اطلس خط (۳۴۹ -۳۴۸)، اعیان الشیعه (۴۳۳/۷)، پیدایش خط و خطاطان (۱۳۳ -۱۳۱)، تاریخ اصفهان (۹۳ -۹۱)، تاریخ هنرهای ملی (۸۷۸ -۸۷۷ /۲)، تذکرهٔ الخطاطین (۶۷ -۵۹ /۱)، تذکره‌ی روز روشن (۵۲۱)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۸۱ -۷۶ /۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۰۷ -۲۰۶)، دانشمندان آذربایجان (۱۴۶ -۱۴۴)، الذریعه (۱۷۹/۲۳ ،۱۳۰/۱۴ ،۳۵۲/۱۳ ،۶۸۲ ،۱۲۳ /۹ ، ۲۸۰/۴)، ریحانه (۲۱۲ -۲۱۱ /۲)، ریاض العارفین (۱۷۴)، ریاض العلماء (۶۴ -۵۹ /۳)، سخنوران آذربایجان (۲۲۸ -۲۲۵)، فرهنگ سخوران (۱۲۱)، گنیجنه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۴۵۱ ،۴۴۶ ،۴۴۱ -۴۳۹ ،۴۳۸ ،۴۳۶)، لغت‌نامه (ذیل/ باقی)، هفت اقلیم (۲۴۳/۳).

باقی تویسرکانی، عبدالباقی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر، متخلص به باقی. شیخ الاسلام و از احفاد میر سید رضی آرتیمانی، شاعر و عارف مشهور است. نسخه‌ی خطی از «دیوان» اشعار باقی در دست است که قریب هفتصد بیت و مشتمل بر قصاید و غزلیات و رباعیات است. از آثار وی: «انیس العاشقین» که بر وزن مثنوی است و آنرا در سن ۵۰ سالگی به نظم آورده است. در زمان فتنه‌ی افاغنه و هجوم آنها به ایران، در قید حیات بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۳۴ -۲۳۳ /۱)، الذریعه (۱۲۴ -۱۲۳ /۹).

باقی دماوندی، عبدالباقی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اهل دماوند بود. چند روزی در عراق سیار بوده به دیار هندوستان رفت، اول به گلکنده رفته در آن ملک لوای شاعری برافراشت، و از آنجا به قصد بندگی خان خانان به بیجاپور رفت و ملازم ایشان شد و قصاید مدحی در ستایش گفت. باقی اکثر اوقات به گوشه‌نشینی و تنهانشینی به سر می‌برد و بیگانه‌وار با اهل عالم سلوک می‌کرد و گاهی سخنان زیاده از حال خود گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۲۴/۹)، صبح گلشن (۵۴)، کاروان هند (۱۵۲ -۱۵۱ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ باقی)، مخزن الغرائب (۳۶۴/۱)، مآثر رحیمی (۱۲۳۷/۳)، نشتر عشق (۲۲۷/۱).

باقی کاشانی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. اصل وی از کاشان بود و «دیوان» شعری داشته است. از اوست:

باقی چمنی نیست چو گلزار محبت

خاری که از آن گل بتوان چید ندارد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :لغت‌نامه (ذیل/ باقی).

باقی کولابی، حیات، عبدالباقی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۹۸۷ ق)، شاعر. در عهد بابری و اکبری به هندوستان رفت. وی در شعر و شاعری بسیار مستعد بود. عبدالباقی داستان عشق دو دلداده معروف پنجابی «هیر و رانجها» را به فارسی منظوم کرد. در ایام یاغی‌گری معصوم کابلی کشته شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شام غریبان (۳۸)، مخزن الغرائب (۳۴۶ -۳۴۵ /۱)، منظومه‌های فارسی (۱۶۹ -۱۶۸)، نشتر عشق (۲۲۸ -۲۲۷ /۱).

باقی گنابادی، عبدالباقی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. موطن وی گناباد است. به رفاقت سلطان ابراهیم میرزا جاهی به منزلت و جاه رسید. شعرش پخته و روان است از اشعار وی:

من کجا و طلب نام کجا

فکر سامان و سرانجام کجا

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۵۲۱)، صبح گلشن (۵۵ -۵۴)، مخزن الغرائب (۳۳۱ -۳۳۰ /۱)، نشتر عشق (۲۲۶/۱).

باقی ماوراءالنهری

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. وی از شاعران ماوراءالنهر بود که ذوق خوبی داشته است. از اوست:

چنان کز دل شدم باقی اسیر عشق دلجویی

نه دل دارم، بلایی بهر جان خویشتن دارم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۲۴/۹)، صبح گلشن (۵۵)، لغت‌نامه (ذیل/ باقی)، نشتر عشق (۲۲۶/۱).

باقی مشهدی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. مولانا از ایران به هند رفت و در سلک ملازمان میرزا عزیز کوکه، معروف به خان اعظم، جای گرفت. وی شاگرد ضمیری اصفهانی بوده و از او رباعیاتی به جا مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۰۱).

باقی نعمت اللهی، عبدالباقی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۲۰ ق)، شاعر، متخلص به باقی. سلسله‌ی نسبش به شاه نورالدین نعمت الله می‌رسد. وی از سادات مکرم بود که در تهذیب اخلاق در میان همگان مشهور و ممدوح امیدی تهرانی بود. باقی در زمان شاه اسماعیل صفوی صدر الصدور ایران بود و آخرالامر به وکالت مطلق پایه‌ی تخت شاهی منصوب گردید. در جنگ چالدران که در میان شاه اسماعیل صفوی و سلطان سلیم عثمانی واقع شد، به درجه شهادت رسید. وی در فن نثر، بین الامثال ممتاز بود و گاهی به نظم اشعار می‌پرداخت، و به رباعی بیشتر از قالب‌های دیگر علاقه نشان می‌داد، از وی «دیوان» شعری باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۱۷ -۶۱۶ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۲۷/۴)، تحفه سامی (۳۱)، تذکره سخنوران یزد (۴۹ - ۴۸)، الذریعه (۱۲۴/۹)، ریاض العلماء (۵۹/۳)، ریحانه (۲۲۳/۱)، صبح گلشن (۵۵ -۵۴)، طرائق الحقائق (۱۰۱ -۱۰۰ /۳)، فرهنگ سخنوران (۱۲۲)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالباقی)، مجالس النفائس (۳۸۳ -۳۸۲)، هفت اقلیم (۳۱۴/۲).

باقی نهاوندی، عبدالباقی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۴۲ ق)، نویسنده، خطاط و شاعر، متخلص به باقی. پدرش وزارت همدان داشت، بعد از مرگش عبدالباقی وزارت یافت ولی، آن شغل را ترک گفت و به کاشان نزد برادر خود رفت. بعد از کشته شدن برادرش به دستور شاه عباس، کاشان را ترک گفت و مدتی در عراق و فارس به سر برد و بعد از سفر به مکه از راه بندر دابول به هندوستان رفت، و در سال ۱۰۲۳ ق به ملازمت خان خانان رسید و منصب یافت. استاد وی میر مغیث محوی همدانی بود. از جمله تصانیف وی: «مآثر رحیمی»، «دیباچه‌ی دیوان استادش»؛ «دیباچه‌ی دیوان عرفی شیرازی»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۶۶/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۴۲ -۱۷۳۹ /۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۷۵۱ - ۷۴۶ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۶۸۵)، تذکره‌ی روز روشن (۵۲۲ -۵۲۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۲۵ -۱۲۴)، الذریعه (۱۲۴/۹)، ریحانه (۲۲۴ -۲۲۳ /۱)، شام غریبان (۴۸)، صبح گلشن (۵۵)، فرهنگ سخنوران (۱۲۱ -۱۲۲)، کاروان هند (۱۵۷ -۱۵۳ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ باقی)، مؤلفین کتب چاپی (۷۰۷ -۷۰۶ /۳)، مآثر رحیمی (۱۵۷۶ -۱۵۳۵ /۴، ۱۸ -۵ /۱)، نشتر عشق (۲۲۷ -۲۲۶ /۱).

باقی هروی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. از شاعران مضمون‌پرداز ایرانی است که اصل وی از هرات بوده است. از اوست:

او سخن از کشتن من می‌کند

من به همین خوش که سخن می‌کند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۲۵/۹)، صبح گلشن (۵۵)، لغت‌نامه (ذیل/ باقی)، مخزن الغرائب (۳۶۶/۱)، نشتر عشق (۲۲۷/۱).

باقی، محمد علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی باقی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱۱/۲۲

زندگینامه علمی

بعد از اتمام تحصیلات دبیرستان و پیش دانشگاهی در رشته ریاضی در سال تحصیلی ۱۳۷۷ شمسی وارد حوزه علمیه مقدسه قم شده و تحصیلات مقدماتی تا پایه ششم را در مدرسه مبارکه حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام به پایان رسانده ، سپس پایه هفتم تا دهم را در کلاسهای آزاد که در مدرسه مبارکه حضرت آیت الله مرحوم گلپایگانی برگزار می شد ادامه دادم و اکنون به فضل الهی در دروس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی محمد علی اسماعیل پور دام ظله مشغول انجام وظیفه هستم. در زمینه تبلیغی نیز از سال ششم به بعد تاکنون در ایام ماه مبارک رمضان و محرم الحرام به حسب وسع خود به این عمل شریف اقدام نموده ام.

باقیای کاشانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اهل کاشان بود و با مؤلف «تذکره‌ی نصرآبادی» معاصر. در سرودن شعر توانا و اشعار چندی از وی باقی مانده است. از اشعاری وی:

شام فراق بی تو ز بس خون گریستم

یک عمر چون عقیق چراغم در آب سوخت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۷۲)، صبح گلشن (۵۴).

باقیای نایینی، غیاث‌الدین محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۴۷ ق)، عارف، موسیقیدان و شاعر، متخلص به باقی و باقیا. مولدش نایین بود. در شعر طبع روانی داشت و در موسیقی ماهر بود و رساله‌ای نیز در این فن تدوین کرد. باقیا در زمان شاه عباس دوم (عهد جهانگیری) وارد هند شد و در بنارس اقامت گزید. در

عهد شاهجهان به دهلی آمد و در زمان شاه سلیمان صفوی به سفر حج رفت، سپس در اصفهان ساکن شد و همان جا درگذشت. از اوست:

رفتند به منزلگه مقصود عزیزان

باقی است که وامانده در این مرحله تنها

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ اصفهان (۲۷۰)، تاریخ موسیقی (۳۳۴/۱)، تذکره‌ی میخانه (۸۷۵ -۸۷۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۰۷ -۳۰۶)، الذریعه (۱۲۳/۹)، شام غریبان (۵۱)، فرهنگ سخنوران (۱۲۳)، کاروان هند (۱۶۰ -۱۵۸ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ باقیا)، مخزن الغرائب (۳۶۷/۱).

بالا مجتهد دینوری، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم آقا میرزا محمد آقا مجتهد معروف به بالا مجتهد بودند شاگرد مرحوم شیخ محمد حسن صاحب جواهر و جامع معقول و منقول و ریاضیات و فلکیات و بعضی علوم غریبه و دارای تصانیف نفیسه که بعضی از آنها در انقلاب مشروطیت در تبریز از بین رفته و کتابی که در ریاضیات تألیف کرده بود (مرحوم ناصرالدین شاه از ایشان می‌گیرند برای طبع و نشر دیگر بدست نمی‌آید) و آنچه از آثار ایشان وجود دارد کتاب (الفصول‌المهمه) در حکمت و کتاب معقول دیگر بنام (التیقضات) موجود است و بطبع نرسیده و بعضی حواشی بر شفاء شیخ‌الرئیس و بعضی نوشتجات دیگر و باقی آنچه نوشته در فقه و اصول از بین رفته این شخص دارای رساله عملیه و مرجع تقلید جمعی بوده و شخصی با ورع و متقی و مرتاض و کراماتی از او مشاهده می‌شده شرحش موجب اطناب است رضوان اللّٰه علیه. والد ماجدش مرحوم آقا میرزا محمدعلی آقا مجتهد یکی از علمای معروف و مشهور شهر تبریز داماد حاج میرزا علی‌اصغر شیخ‌الاسلام تبریز بود فقیه و متقی و با ورع و در مسجد بزرگی نزدیک مدرسه طالبیه مخصوص محصلین علوم دینی اقامه نماز جماعت می‌فرمود دارای تألیفات من جمله شرح تبصره علامه است:

اکنون از این خانواده جلیله روحانیت دو نفر باقی که هر دو برادرند فرزندان مرحوم آقای حاج میرزا احمد آقا مجتهدند برادر بزرگ حضرت آیت‌اللّٰه آقای حاج میرزا کاظم آقا دینوری در تبریز مقام عالی روحانی دارند و دیگری حقیر علاءالدین دینوری زادگاهم تبریز پس از طی دوره مقدماتی از مجلس درس مرحوم آیت‌اللّٰه آقای حاج سید محمد آقا مولانا و مرحوم آیت‌اللّٰه آقای حاج سید مرتضی خسرو شاهی و اساتید دیگر استفاده کرده‌ام و در سفر مشهد مقدس رضوی که مدتی آنجا ماندم یکی از اساتید مرحوم مغفور آقا شیخ آقا محلاتی رضوان اللّٰه علیه بود که از درسشان بهره‌مند بودم شرح زندگانی خودم را در اثری بنام: (الشاب و الحیاه) بطور مبسوط نوشته‌ام و (خدمات گزیده) در محاکمه و بررسیهای تاریخی اثر فارسی و (علی معلم العربیه و مصلح البشریه) مشتمل بحث‌های علمی و انتقادی موجود است

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

بالادستیان، محمد امین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد امین بالا دستیان

محل تولد : بیجار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

دروس ابتدائی خود را در سال ۱۳۵۵ آغاز و در روستای دارغیاث از توابع شهرستان بیجار به پایان رساندم. دوران راهنمائی و دبیرستان را در شهر بیجار به پایان رساندم. در سال ۱۳۶۸ پس از اخذ مدرک دیپلم وارد حوزه علمیه امام صادق(ع) شهرستان بیجار شدم. پس از یکسال و نیم تحصیل در آنجا به تهران رفته و در حوزه علمیه شهید شاه آبادی به ادامه تحصیل پرداختم و دوره مقدمات را در آنجا به پایان رسانیدم. پس از اتمام لمعتین وارد حوزه علمیه قم شدم. همزمان با گذرانیدن سطوح حوزوی وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) شدم و مقطع کارشناسی ارشد را تمام نمودم و در کنار آن دوره تربیت مربی کودکان و نوجوانان دفتر تبلیغات و دوره کوتاه مدت تبلیغی را سپری نمودم. پس از اشتغال به درس خارج و اتمام دروس کلاسیک در رشته مهدویت مرکز تخصصی مهدویت مشغول گردیدم و دوره تربیت مدرس آنجا را به پایان رسانده، و پس از آن در دوره های کوتاه مدت مهدویت که عموماً در مراکز حوزوی استان ها بر پا می شود به تدریس انجام وظیفه کرده و در مراکز دانشگاهی مانند تهران، شهرضا، سنندج، همدان، قزوین، رفسنجان به ترویج مباحث مهدویت در مجامع دانشجوئی پرداخته ام و در کنار دروس حوزوی نیز کم و بیش در حد امکان به تدریس دروس پائین تر حوزه اقدام کرده ام.

بامبری، عبدالواحد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالواحد بامبری

محل تولد : ایرانشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب درسال ۶۵ به دلیل علاقمندی به معارف اسلامی، تحصیلات خویش را در مدرسه علمیه ایرانشهر آغاز نمودم و در سال ۶۹ جهت ادامه تحصیل توفیق حضور در مدرسه علمیه آیت الله یثربی کاشان را داشتم و از سال ۷۲ وارد حوزه علمیه قم شدم. از سال ۷۹ فعالیت های علمی خویش را با انجام پروژه ای تحت عنوان پاسخ به شبهات مناطق مرزی ازمرکز تحقیقات صدا و سیمای قم آغاز نمودم و از همان سال در نهاد نمایندگی رهبری در امور اهل سنت قم به عنوان مسؤول پاسخگویی به سوالات و شبهات جذب شدم و در سال ۱۳۷۸ در رشته حقوق موسسه آیت الله مصباح به مدت چهار سال پذیرفته شدم و از سال ۸۱ جهت ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی توفیق کسب معارف قرآنی را داشته ام.

دو مقاله برای همایش های علمی مذاهب اسلامی با عناوین (لیبرالیسم و تعارض آن با آموزه های دینی و حکومت اسلامی از دیدگاه فریقین) ارائه نمودم. قریب به ۳۰۰ پرسش علمی و مذهبی را در نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت قم را پاسخ داده ام. با همکاری دو نفر از همکاران کتابی تحت عنوان (هفت آسمان جوانی) برای بخش فرهنگی دفتر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (مد ظله العالی) تدوین و فراهم نمودیم و نیز کتابی با عنوان (پاسخ به پرسش های مذهبی از دیدگاه مذاهب اسلامی) با همکاری برخی از محققان برای نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت قم در سال ۸۳ چاپ گردید. مقالاتی با عناوین (شاخصه های حکومت علوی، نگاهی به سیره درخشان کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه، دریافتی از معارف قرآنی، پروژه تحقیقی برای صدا و سیمای قم با عنوان پاسخ به سوالات برون مرزی، نگاهی به زندگانی صادق آل محمد (ص)، و ... از جمله مقالاتی است که در برخی از مجلات چاپ شده است.

بامداد خراسانی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۰ -۱۲۶۳ ش) نویسنده و روزنامه‌نگار. وی تحصیلات مقدمات و سطوح را نزد حاج میرزا حبیب خراسانی، سید علی حایری یزدی، شیخ محمد علی (فاضل ملاعباسعلی) و میرزا محمد آقازاده در خراسان به اتمام رسانید، سپس برای تکمیل تحصیلات به تهران آمد و دروس خارج را نزد آخوند ملا محمد کاظم خراسانی فراگرفت. او با زبانهای فرانسه و عربی آشنایی کامل داشت. بامداد همزمان با مشروطیت به جرگه مشروطه‌خواهان پیوست و علیه استبداد مقاله نوشت و سردبیر روزنامه‌ی «آفتاب» و «شورا» شد. در اوایل جنگ جهانی اول روزنامه‌ای به نام «بامداد روشن» تأسیس کرد که بعد از چندی تعطیل شد. وی با قرارداد وثوق الدوله مخالفت ورزید و به همین جهت به کاشان تبعید شد. بامداد پس از آن چندی به خدمت دولت درآمد و عهده‌دار سمت‌های مختلف شد. در دوره‌ی ششم مجلس شورای ملی وکیل مردم شیراز بود. در تهران درگذشت و در امامزاده عبدالله شهر ری دفن شد. از تألیفات وی: «حکمت عملی»؛ «حافظ شناسی یا الهامات خواجه» و «ادب چیست و ادیب کیست».[۱]

(تو ۱۲۸۴ ش)، نویسنده و مدرس. در تبریز متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان رسانید، سپس برای ادامه‌ی تحصیلات به تهران آمد و پس از گذراندن دوره‌ی دارالمعلمین عالی و اخذ لیسانس برای تکمیل تحصیلات جزو محصلین اعزامی، به فرانسه عزیمت کرد. بعد از مراجعت از اروپا وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و در دانشکده‌ی ادبیات تبریز به تدریس پرداخت. از آثار وی: «تاریخ بشر»؛ «زندگانی سیاسی مارشال فوش»؛ «شناخت زیبایی»؛ «علم الاخلاق یا حکمت عملی».[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۷ -۵ /۲)، سخنوران نامی معاصر (۴۶۵ -۴۶۲ /۱)، شرح حال رجال (۴۲۳ -۴۲۰ /۳)، فرهنگ سخنوران (۱۲۳)، گلزار معانی (۱۳۵ -۱۲۷)، مؤلفین کتب چاپی (۱۴۰ -۱۳۹ /۴).

[۲] مؤلفین کتب چاپی (۴۹۰ -۴۸۹ /۴).

بامداد، پروین تکین

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

پروین تکین بامداد در سال ۱۳۰۴ ، در تهران دیده به جهان گشود. در شانزده سالگی تحصیلات متوسطه را در دانشسرای دختران به پایان رسانید. با آنکه به نام شاگرد اول به دانشسرای عالی معرفی شد ولی به عذر اینکه هنوز به هجده سالگی نرسیده او را نپذیرفتند. تا اینکه دبیران دانشسرای شایستگی او را برای تحصیلات عالی گواهی کردند و توانست به تحصیلات خود ادامه دهد. او لیسانس زبان انگلیسی را از دانشسرای عالی را اخذ نمود. پروین بامداد که در هنر نقاشی نیز آوازه ای داشت از شاعران بانوان پرآوازه ی زمان خود بود و آثار بسیاری در زمینه شعر و ادب از او در مجلات تهران به چاپ رسیده است. او ابتدا اشعارش را با نام مستعار «سیمرغ» انتشار می داد ولی بعدها از نام خود استفاده می کرد. وی علاوه بر شعر و نقاشی با قلم و سوزن نیز مهارت دارد.گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات انگلیسی والدین و انساب : پروین تکین بامداد فرزند حاجی خان تکین مدیر چاپخانه ارتش و دکتر بدرالملوک بامداد می باشد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : مادر پروین تکین بامدادکتابهایی در مسائل آموزش و پرورش نوشت و سفری برای مطالعات فرهنگی و به دست آوردن اطلاعات تازه علمی به آمریکا رفت و پس از دریافت دانشنامه دکترا از دانشگاه کلمبیا و بازگشت به تهران ، دبستان و دبیرستان نمونه ای تاسیس کرد. او چندی روزنامه «زن امروز» را منتشر کرد. و پس از درگذشت حسین صبا مدیر روزنامه « ستاره ایران » و شوهر اول خود همسر حاجی تکین شد و پس از او با آقای بامداد ازدواج کرد و پروین از این پیوند دوم متولد گردید.تحصیلات رسمی و حرفه ای : پروین تکین بامداد در شانزده سالگی تحصیلات متوسطه را در دانشسرای دختران به پایان رسانید. با آنکه به نام شاگرد اول به دانشسرای عالی معرفی شد ولی به عذر اینکه هنوز به هجده سالگی نرسیده او را نپذیرفتند. تا اینکه دبیران دانشسرای شایستگی او را برای تحصیلات عالی گواهی کردند و توانست به تحصیلات خود ادامه دهد. او لیسانس زبان انگلیسی را از دانشسرای عالی را اخذ نمود.فعالیتهای ضمن تحصیل : پروین تکین بامداد از کودکی به شعر گرایش پیدا نمود ، مادرش در این باره چنین می گوید: « پروین از یازده سالگی گاه گاهی شعرهایی نزد من می آورد با آنکه سروده هایش بی بهره از اندیشه و ذوق نبود ولی وی را ازمن پنهان می کرد و برای خود شعر می سرود. »همسر و فرزندان : پروین تکین بامداد با مهندس قدسی ازدواج کرد که ثمره آن پسری به نام سهیل است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پروین تکین بامداد که در هنر نقاشی نیز آوازه ای داشت از شاعران بانوان پرآوازه ی زمان خود بود و آثار بسیاری در زمینه شعر و ادب از او در مجلات تهران به چاپ رسیده است. او ابتدا اشعارش را با نام مستعار «سیمرغ» انتشار می داد ولی بعدها از نام خود استفاده می کرد. وی علاوه بر شعر و نقاشی با قلم و سوزن نیز مهارت دارد.

منابع زندگینامه :شاعران تهران از آغاز تا امروز ، تالیف مجید شفق ، ج ۱ ، تهران: انتشارات سنایی ، ص۱۳۳ ـ دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ) ، تالیف: پوران فرخزاد ، ج ۱ ، تهران: انتشارات زریاب ، ص ۳۷۹

بایزید پورانی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۰۰ ق)، خطاط و شاعر. از هرات و از اولاد شیخ پوران بود و از شاگردان اظهر تبریزی. خط نستعلیق را خوش می‌نوشت. بایزید مدتها در هرات و بخارا می‌زیست، سپس به هند سفر کرد و چندی در دربار امرای تهتهه به سر برد و اعتباری فراوان یافت. در همان جا وفات یافت و دفن شد. وی از غزلسرایان زبردست زمان خود بود. از جمله آثارش: «کتیبه‌ی محراب مسجد جامع قدیم بخارا»؛ چهار قطعه از مرقع بهرام میرزا، به قلم سه‌دانگ و دودانگ و نیم دودانگ و کتابت خوش، با رقمهای: «مشقه العبد المذنب بایزید الپورانی» و «کتبه العبد الفقیر المحتاج الی رحمهٔ الله، بایزید الپورانی غفر ذنوبه»؛ یک قطعه از مرقع امیر غیب بیگ، به قلم نیم دودانگ خوش که قطعه شعری است، با رقم: «... مشقهٔ بایزید الپورانی»..

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۵ -۹۴ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۶۱۱)، خوشنویسان و هنرمندان (۹۳).

بایزید کرمانی، مظفر

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۹۲ /۷۵۷ ق)، شاعر. برادر شاه شجاع کرمانی بود. چندی در لشکرکشی‌ها و جنگ عمر گذرانید ولی بالاخره تحت حمایت برادر درآمد و در کرمان زیست تا در آن شهر از دنیا رفت. رباعی ذیل از اوست:

از واقعه‌ی ترا خبر خواهم کرد

و آنرا بدو حرف مختصر خواهم کرد

با عشق تو در خاک فرو خواهم رفت

با مهر تو سر ز خاک بر خواهم کرد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۹۹)، فرهنگ سخنوران (۱۲۴)، مخزن الغرائب (۲۹۷ -۲۹۶ /۱).

بایسنغر

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند شاهرخ پسر تیمور (۸۳۷ -۸۰۲) که خود از خوشنویسان و هنرمندان بود و اهل هنر را تشویق بسیار می‌کرد و در کتابخانه‌ی او پیوسته چهل تن از خوشنویسان و مذهبان و مصوران مشغول کتابت و تذهیب و تصویر بودند. بایسنقر میرزا در خطوط اصول (شش- قلم) شاگرد شمس‌الدین محمد بن حسام هروی معروف به شمس بایسنغر بوده است و خود در خط محقق و ثلث از استادان برجسته. کتیبه‌ی پیش طاق مسجد گوهرشاد مشهد به خط ثلث اوست که در بیست سالگی نوشته و از قدرت و قوت قلم سحر و معجزه‌ای به یادگار گذاشته است. کتابت بزرگترین قرآن موجود به خط محقق نیز اثر ارزنده‌ی اوست که هم‌اکنون بعض صفحات آن در موزه‌ی آستان قدس رضوی و کتابخانه‌ی سلطنتی و کتابخانه‌ی ملی و موزه‌ی ایران باستان و کتابخانه‌ی ملک و بعضی مجموعه‌های خصوصی موجود است و منسوب به او می‌دانند و بعضی از اوراق آن هم در امامزاده‌ای در قوچان بوده است چه در حدیق‌الحقایق است که:

«... از زلزله جز همان امامزاده سلطان ابراهیم بن علی بن موسی‌الرضا (در قوچان) چیزی باقی نمانده و بعضی اوراق قرآن خط میرزا بایسنغر بن میرزا شاهرخ ابن امیر تیمور گورکانی در آنجاست. گویند نادرشاه افشار از سمرقند به آنجا آورده از عجایب آثار است: طول صفحه دو ذرع و نیم، عرض یک ذرع و ده گره، طول سطر یک ذرع، عرض سطر پنج گره، بین‌السطور یک چارک اندازه‌ی قلم صد یک ذرع، و شاه شهید در سفر خراسان دو صفحه از آن را برای اطاق موزه به تهران آورد». حدایق‌الحقایق ج ۳، ص ۳۱۳.

بایسنغر میرزا در سنین جوانی (سی و پنج سالگی یا سی و هشت سالگی) در هرات بدرود حیات گفت. مولف «حبیب‌السیر» درباره‌ی او می‌نویسد: «به مجالست ارباب عالم و کمال به غایت مایل و راغب بود و در تعظیم و تبجیل اصحاب فضل و هنر در هیچ وقتی از اوقات اهمال و اغفال نمی‌نمود و خردمندان کامل از اطراف و اکناف ایران و توران به هرات آمده در آستان مکرمت آشیانش مجتمع می‌بودند، و بلغای وافر کیاست و فصحای صاحب فراست از اصار و امصار عراق و فارس و آذربایجان به درگاه عالم پناهش شتافته صبح و شام ملازمت می‌نمودند و آن شاهزاده عالی شأن در تربیت و رعایت تمامی آن طایفه گرامی کوشیده همه را به وفور انعام و احسان مسرور و شادمان می‌ساخت و هر کس از خوشنویسان و مصوران و نقاشان و مجلدان در کار خویش ترقی می‌کرد به همگی همت، به حالش می‌پرداخت».

بایسنغر میرزا دوست‌ترین و بانی زیباترین مکتب کتاب‌سازی در ایران بوده است و در هیچ دورانی به اندازه‌ی زمان او نسخه‌های نفیس و زیبا نوشته و تصویر نشده است به طوری که در کمتر کتابخانه‌ای در جهان ممکن است از کتابهای کتابخانه‌ی بایسنغر نسخه‌ای یافته نشود.

(۸۳۷ -۸۰۲ / ۸۰۱ ق)، خطاط، ادیب و شاعر. در سال ۸۲۰ ق پدرش سمت قاضی القضاة دربار خود را به او داد و در سال ۸۳۵ ق تبریز را تصرف کرد و در همان سال حاکم استرآباد شد. در اواخر عمر به علت اینکه اخترشناسان عمر او را چهل سال بیشتر تخمین نزده بودند، به میگساری پرداخت و دست به کارهای ناشایست زد. وی ذوقی ادبی و هنری داشت و اشعار و آثار فارسی را به دقت مطالعه می‌کرد و در سرودن اشعار فارسی و ترکی نیز مهارت داشت. مجلس او مجمع شاعران، مورخان، خوشنویسان و نقاشان ایرانی بود. خود در خط استاد بود و شاگرد شمس‌الدین محمد هروی خوشنویس. خطوط محقق و ثلث را به مهارت می‌نوشت و اوراق قرآنهایی که به خط خود نوشته، هنوز در دست است و رقم استادانه او بر طاق و اطراف سر در مسجد گوهرشاد که آیاتی از قرآن مجید نوشته، ظاهر است. میر علی، خوشنویس معروف، و بسیاری دیگر از خوشنویسان آن عصر در کتابخانه او کار می‌کردند، بایسنقر در نقاشی و تهذیب نیز دست داشته و بانی زیباترین مکتب کتابسازی در ایران بوده است. نسخه‌ای از شاهنامه به دستور وی فراهم شد و خود مقدمه‌ای بر آن نوشت که به «دیباچه بایسنقری» و یا «شاهنامه‌ی بایسنقری» معروف شد. در تذکره‌ی «صبح گلشن» سال ولادت او ۸۳۵ ق و سال وفاتش ۸۶۵ ق ذکر کرده است. از آثار او: کتیبه‌ی پیش طاق مسجد گوهرشاد مشهد به خط ثلث که در بیست سالگی نوشته است.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۵۲ -۱۰۵۱/ ۴)، از سعدی تا جامی (۷۲۹ -۷۲۸، ۵۵۵، ۵۳۸، ۵۳۷-)، پیدایش خط و خطاطان (۹۹ -۹۸)، تاریخ ادبی ایران (۱۸۷/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۱/ ۴)، تاریخ نظم و نثر (۷۹۸ -۷۹۷)، تاریخ هنرهای ملی (۸۰۹ -۸۰۶/ ۲)، تذکرة الخطاطین (۵۲ -۴۵/ ۱)، تذکرة الشعراء (۳۹۲ -۳۹۰)، حبیب السیر (۶۴۴، ۶۳۴، ۴۶/ ۴)، خوشنویسان و هنرمندان (۱۲۹، ۱۲۸، ۱۲۷)، دایرةالمعارف فارسی (۳۸۷/ ۱)، الذریعه (۱۲۵/ ۹)، روضة السلاطین (۳۳ -۳۲)، سرآمدان فرهنگ (۲۱۶ -۲۱۵/ ۱)، صبح گلشن (۵۶)، فرهنگ سخنوران (۱۲۴)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۶۹)، گلستان هنر (نوزده، سی و هفت، سی و هشت، ۲۹)، لغت‌نامه (ذیل/ بایسنقر)، مجالس النفائس (۱۲۵) مناقب هنروران (۱۰۶، ۵۹، ۵۸)، هنر عهد تیموریان (۴۸۲ -۴۸۱).

بایسنقر میرزا، غیاث‌الدین، فرزند سلطان محمود میرزا

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۰۰ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به عادلی. پدر وی سلطان و حکمران بخارا بود. پس از مرگ پدر به سال ۹۰۰ ق از بخارا به سمرقند آمد و مخالفان را از پیش روی برداشت و به جای پدر نشست. وی خط نستعلیق را خوب می‌نوشت تا حدی که سلطانعلی

مشهدی بارها از حسن خطش تعریف می‌کرد. از اوست:

کاش در عشق بتی، دیوانه‌ای باشد کسی

ترک عالم کرده در ویرانه‌ای باشد کسی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۶/۱)، حبیب السیر (۲۳۱ ،۲۳۰ ،۲۲۹/۴)، الذریعه (۶۶۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۶۰۳)، لغت‌نامه (ذیل/ بایسنقر)، مجالس النفائس (۱۷۴).

بایقرای گورکانی، منصور

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. او برادر بزرگ سلطان حسین بایقرا بود و همچنین مربی وی. بایقرا مردی متواضع و فروتن بود و در نظم شعر توانایی و مهارت داشت. از اوست:

زهی تجلی حسن تو در جهان پیدا

و زین تجلی او گشته جان ما شیدا

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۲۵/۹)، روضهٔ السلاطین (۴۲ –۴۱)، لغت‌نامه (ذیل/ بایقراء)، مجالس النفائس (۱۲۷).

بایندرخان صفوی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از منتسبان و خویشاوندان پادشاهان صفویه بود که با شاعران و درویشان حشر و نشر داشت. بایندرخان شعر بسیار می‌سرود. از اوست:

کاش زلف تو دگر بو به صبا نفروشد

تا صبا منت کونین به ما نفروشد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۰۰ –۹۹)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۹)، فرهنگ سخنوران (۱۲۴).

بتیستا، دیوید

قرن:۲۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

Dave Batista

کشتی گیر: Batista

اسم واقعی: David Bautista

تاریخ تولد: January ۱۸, ۱۹۶۹

محل تولد: Washington DC

محل سکونت فعلی: Reston, Virginia

وضعیت ازدواج:متاهل

فرزندان:۳ دختر

قد: ۶'۵"

وزن:۳۱۷lbs مربی: Wild Somoan Afa

تاریخ ورود به کشتی کج: ۱۹۹۷

لقب های قبلی:

Kahn در لیگ WXW

Leviathan در لیگ OVW

Demon of the Deep در لیگ OVW

Deacon Batista در لیگ WWE

David Batista در لیگ WWE

ضربه ی نهایی: Batista Bomb ضربه های مورد علاقه:

Spinebuster

Spear

Strong Clothesline

Doublehand Choke Lift

Elevated Half Crab

Elbow Face Stretch

Hammerlock and Arm Bar دشمنان:

Rikishi

Randy Orton

Rev DVon

Scott Stiener

Booker T

Goldust

Chris Jericho

Shawn Michaels

The Dudley Boyz

Booker/RVD

Chris Benoit

Randy Orton

Ric Flair

Triple H

John Bradshaw Layfield

Melina Perez

Mark Henry

The Undertaker

افتخارات:

قهرمانی سنگین وزن جهان در لیگ OVW

قهرمانی Tag team جهان در لیگ WWE همراه Ric Flair با غلبه بر The Dudley Boyz به تاریخ Armageddon ۲۰۰۳

قهرمانی Tag team جهان در لیگ WWE همراه Ric Flair با غلبه بر Booker T و Rob Van Dam به تاریخ March ۲۲, ۲۰۰۴

قهرمانی رویال رامبل ۲۰۰۴

قهرمانی سنگین وزن جهان در لیگ WWE با غلبه بر Triple H در ۲۱ Wrestlemania

قهرمانی Tag team لیگ WWE همراه Rey Mysterio با غلبه بر Joey Mercury و Johnny Nitro به تاریخ December ۱۶, ۲۰۰۵

قهرمانی سنگین وزن جهان لیگ WWE با غلبه بر King Booker همراه Queen Sharmell به تاریخ November ۲۶, ۲۰۰۶

بجستانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ حسین بن العالم الجلیل الشیخ محمد ابراهیم بجستانی خراسانی از علماء متعصب و مجاهد معاصر تهران است که بعلم و تقوا موصوف می‌باشد. وی در سال ۱۳۸۵ شمسی هجری در مشهد مقدس متولد شده و در مهد علم و کمال پرورش یافته و پس از خواندن اولیات و مقدمات، سطوح را نزد آقای آقا شیخ عظیمی خوانده و در درس خارج آیهٔ‌اللّه العظمی آقای حاج حسین قمی و آیهٔ‌اللّه آقا زاده کفائی و آقای حاج میرزا احمد کفائی فقها و اصولا شرکت کرده و از محضرشان استفاده کافی و وافی برده و معارف الهی را هم از اسناد الاساتید آیهٔ‌اللّه عالم ربانی مرحوم حاج میرزا مهدی غروی اصفهانی بهره‌مند شده تا سال هزار و سیصد و چهل و یک شمسی هجری که اجبارا از مشهد منتقل به تهران و بعد از آن ابتلائات فراوان رحل اقامت باین شهرستان انداخته و در خیابان شهباز جنوبی با منطقی پر شور و حرارت به تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام پرداخته و در مسجد رضوان اقامه جماعت و تنویر افکار می‌نماید. آثار و تألیفات ارزنده‌ای دارد که ذیلا می‌نگارم. ۱- توسعه مسجد رضوان ۲- سبائک الذهب ۳- کشکول

مخلاه ۴- انموذج اخلاق الرسول و آل.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

بجنوردی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۵ -۱۳۱۶ ق)، فقیه، ادیب و نویسنده. در شهرستان بجنورد به دنیا آمد و همان جا تحصیلات مقدماتی کرد و سپس به مشهد رفت و در آنجا علوم عقلی و نقلی را نزد حاج فاضل خراسانی و آقا بزرگ حکیم و آقازاده‌ی خراسانی و آیت الله قمی، و ادبیات را نزد ادیب نیشابوری اول فراگرفت. سپس به نجف رفت و در محضر آیت الله اصفهانی و میرزای نایینی و آقا ضیاءالدین عراقی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت، و در شمار مدرسان نجف درآمد. وی تا آخر عمر به تحقیق و تألیف و تدریس مشغول بود. میرزا حسن با شعر آشنایی کامل داشت و خود نیز شاعر بود. تألیفاتی در فقه و اصول از وی به جای مانده است، از آثارش: «منتهی الاصول»؛ «القواعد الفقهیه»؛ «حاشیهٔ العروهٔ الوثقی»؛ «ذخیرهٔ المعاد»؛ «رسالهٔ فی اجتماع الامر و النهی»؛ «کتاب فی الحکمهٔ» که شرحی است بر «الاسفار الاربعهٔ» صدر المتألهین.[۱]

آیه‌الله آقای حاج میرزا حسن بن السید آقا بزرگ ابن السید علی اصغر بن السید فتحعلی بن السید اسماعیل موسوی بجنوردی داماد معظم مرحوم آیه‌الله حاج سید حسین اصفهانی (داماد آیه‌الله العظمی آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی) از علماء طراز اول معاصر حوزه علمیه نجف و دارای مقام علم و عمل و دقت نظر میباشد.

معظم‌له عالمی محقق و فقیهی مدقق و جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول میباشد تولدش در سال ۱۳۱۶ قمری در بجنورد و از آنجا بمشهد و مدت ۱۳ سال از محضر مرحوم آقا زاده کفائی و آیه‌الله قمی و حاج فاضل و دیگران استفاده کرده آنگاه مهاجرت بنجف اشرف نموده و در حوزه درس مرحوم آیه‌الله نائینی و آیه‌الله عراقی و مخصوصا آیه‌الله العظمی اصفهانی شرکت کرده تا به اعلی درجه فقاهت و اجتهاد رسیده است.

تألیفاتی در فقه و اصول دارد که بطبع رسیده و مورد استفاده فضلاء حوزه نجف و قم میباشد و آنها از این قرار است:

۱- منتهی الاصول ۲- القواعد الفقهیه ۳- حاشیه بر عروه الوثقی ۴- حاشیه بر وسائل ۵- رساله اجتماع امر و نهی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۷۵/۷، ۱۸۴/۳).

بجنوردی، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیه‌الله حاج شیخ محمد تقی بجنوردی و فرزندش مرحوم آیه‌الله حاج شیخ مرتضی بجنوردی که هر دو از علماء بزرگوار مشهد و مخصوصا مرحوم حاج شیخ محمد تقی صاحب حسینیه که اکنون در کوچه آنمرحوم در بالا خیابان واقع و در ایام عاشورا روضه خوانی میشود در آن صاحب کرامات باهرارت و مقامات معنوی بوده است. مآثر و آثار ص ۱۵۸ گوید: شیخ محمد تقی بجنوردی مجاور مشهد مقدس رضوی در عدالت مسلم مردم آن ولایت است بل و غیرها شرح مقامات عالیه وی را از تاریخ علماء خراسان تألیف صدرالافاضل و فخرالاماثل آقا میرزا عبدالرحمن مدرس آستانه رضویه دام علاه باید خواند و در جلد اوسط مطلع الشمس شیرازی ذکر این بزرگوار بر سبیل اختصار کردیم.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بحائی زوزنی، ابوجعفر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۶۳ ق)، ادیب، قاضی و شاعر. یکی از بزرگان و شاعران صاحب تصنیف است که در هجویه‌سرایی توانا بود. بحائی در مدرسه «سیوری» غزنه ساکن بود و در آنجا به کتابت مشغول بود. در مخزنه درگذشت. از آثار وی: «بحر القلوب»؛ «نحو القلوب»؛ «دیوان» شعر؛ شرح «دیوان بحتری».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۶۹۲/۲، ۱۶۵/۱)، معجم الادباء (۲۹ -۱۸ /۱۸)، معجم المؤلفین (۴۱/۹)، الوافی بالوفیات (۱۹۹ - ۱۹۷ /۲).

بحثی قزوینی، اسماعیل

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۵ /۹۷۵ ق)، شاعر، متخلص به بحثی. از شاعران تیزفهم و خوش‌قریحه خطه قزوین بود که شعر را به نیکی می‌سرود. حاجی اسماعیل خانه خدا را زیارت کرد. در برخی منابع تخلص وی را بخشی آورده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۵۴/۳)، تذکره‌ی روز روشن (۱۰۰)، الذریعه (۱۲۶/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۲۴)، مخزن الغرائب (۳۲۹ –۳۲۸ /۱)، مکتب وقوع (۶۴۴)، مینودر (۴۰۵/۲)، هفت اقلیم (۱۸۱ –۱۸۰ /۳).

بحر العلوم، محمد مهدی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۱۲ –۱۱۵۵ ق)، فقیه، محدث، مفسر و مجتهد. وی در کربلا به دنیا آمد. هنوز به هفت سالگی نرسیده بود که خواندن و نوشتن را فراگرفت و سطوح اولیه را در مدت سه یا چهار سال تمام کرد و هنوز، به دوازده سالگی نرسیده بود که در محضر والدش به تحصیل خارج اصول پرداخت و از محضر وحید بهبهانی و شیخ یوسف بحرانی نیز استفاده کرد. بحرالعلوم به پانزده سالگی نرسیده بود که به درجه‌ی اجتهاد نائل شد و استادانش به اجتهاد او شهادت دادند. سپس به نجف رفت و در درس علماء نجف حضور یافت و مشهور شد. پس از چندی به بروجرد رفت. در اواخر سال ۱۱۹۳ ق مجددا به نجف اشرف مراجعت کرد. وی چنان بر احکام آن مذاهب تسلط علمی داشت که اهل سنت او را از خود می‌دانستند. درباره‌ی وی گفته‌اند که از کسانی که به آخرین مرحله‌ی ترقی رسیده و در فضایل ادبی و علوم عقلی و نقلی بر همگان فائق آمده است. او در شعر و ادب نیز گوی سبقت را از دیگران ربوده، منظومه‌ی فقهی او شاهد زنده است. برخی از آثار وی: «مصابیح»، در فقه؛ «تحفهٔ الکرام»، در تاریخ مکه و بیت الحرام؛ «رساله در عصیر عنبی»؛ «الفوائد الرجالیه»؛ «شرح باب حقیقهٔ و مجاز»؛ «فوائد اصولیه»؛ «رساله در مناسک حج و عمره»؛ «رساله در قواعد احکام مشکوک»؛ «رساله در انفعال آب قلیل»؛ «الدرهٔ البهیهٔ»، در نظم بعضی مسائل اصولیه؛ «دیوان» شعر، در مدح و رثاء اهل البیت. بحرالعلوم علاوه بر آثار علمیه و تألیفات نفیسه، آثار بنایی و خدمات مذهبی و اجتماعی نیز دارد که برخی از آنها عبارتند از: تعیین مشاعر حج و مواقیت احرام، بنا سور مسجد کوفه، بناء حجرات در اطراف مسجد کوفه، بناء مأذنه‌ی صحن علوی؛ تجدید ساختمان مسجد شیخ طوسی در نجف، تعیین مقام امام زمان (عج) در مسجد سهله و...

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۴/۷)، ایضاح المکنون (۲۴۲، ۲۰۶/۲، ۴۶۱/۱)، تاریخ بروجرد (۲۵۰ –۱۷۲ /۲)، دایرهٔالمعارف فارسی (۳۹۰/۱)، الذریعه (۸۳ –۸۲ /۲۱، ۱۲۷/۹، ۴۶۳ –۴۶۲ /۳)، ریحانه (۲۳۵ –۲۳۴ /۱)، شرح حال رجال (۶/۴)، الکنی و الالقاب (۷۱ – ۶۷ /۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۸۷/۳)، معجم المؤلفین (۶۱/۱۲)، هدیهٔ العارفین (۳۵۱/۲).

بحرالعلوم تهرانی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدباقر بحرالعلوم تهرانی از علماء مبرز و مروجین ممتاز معاصر تهران بودند، وی در تهران متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح اولیه از محضر آیات عظام تهران و نجف اشرف استفاده نموده و در مسجد فخریه (خیابان امیریه) به اقامه جماعت و خدمات دینی پرداخته و در هیئت بنی فاطمه مردم را بمواعظ حسنه و بیانات رشیقه و متقنه‌ی خود مستفیض نموده تا در سال ۱۳۸۲ قمری که بدرود حیات گفته و با تجلیل فراوان تشییع و حمل بشهر ری و در جوار حضرت امامزاده حمزه بن موسی و حضرت عبدالعظیم حسنی علیهماالسلام مدفون گردیده است.

نگارنده گوید: بحرالعلوم شهرت و لقب جماعتی از علماء مبرز نجف و تهران و رشت و قزوین و غیره می‌باشد. و اشهر مشاهیر آنان مرحوم آیهٔاللّه العظمی و العلامه الکبری حاج سید مهدی بحر العلوم بروجردی طاب اللّه ثراه عم گرام مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی که از متشرفین مسلم بودند و کرارا بشرف لقاء مولای ما حضرت ولی اللّه اعظم صاحب الزمان عجل اللّه فرجه الشریف مفتخر شده و قضایای آن در دار السلام عراقی و نجم الثاقب و منتهی الامال و کتب دیگر مسطور است.

از دانشمندان دیگری که باین لقب شهرت گرفته‌اند مرحوم علامه سید مهدی بحرالعلوم قزوینی بودند. وی نیز از علماء معاصر گذشته تهران بودند و با مرحوم حاج سید محمد باقر بحرالعلوم مذکور و حجهٔالاسلام حاج شیخ ابوالفضل خراسانی رحمه‌اللّه و عده دیگری از علماء اتقیاء مراوده داشتند دارای علوم ظاهری و معنوی و مکاشفات و مقامات باطنی و حافظ قرآن و طرائف و نوادری بودند و با مؤمنین از جن رابطه داشتند. بعد از ۱۳۷۰ قمری در تهران از دنیا رفته و در قم در جوار حضرت فاطمه معصومه علیهاسلام مدفون شدند.

و دیگر از معروفین باین لقب مرحوم حاج بحرالعلوم رشتی برادر ثقهٔالاسلام و حاج شریعتمدار رشتی بودند. و آنها از گیلان و سالها مقیم اعتاب عالیات و در اواخر در تهران اقامت و از دنیا رفتند.

و دیگر از معروفین باین هویت آیت‌اللّه حاج سید حسن بحرالعلوم رشتی معاصر است که ترجمه‌اش در ضمن علماء رشت خواهد

آمد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

بحرالعلوم رشتی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن بن العالم الجلیل السید حسین الملقب به بحرالعلوم معروف به حاج آقا میر مقتول در سال ۱۳۲۷ ق بن العلامهٔ الکبری والایهٔ العظمی السید عبدالباقی رشتی (متوفی حدود ۱۳۰۸ قمری) از علماء مشهور معاصر رشت می‌باشند.

وی در حدود سال ۱۳۱۴ قمری در رشت متولد شده و در اوائل بلوغ والد ماجدش آیت‌اللّه حاج سید حسین بحرالعلوم را که سبط آیت‌اللّه علامه آسید علی آل بحرالعلوم طباطبائی صاحب کتاب (البرهان القاطع) بودند و در فتنه مشروطه با فرزند جوانش آقا سید جواد در قزوین شهید شدند.

از دست داده و خود با شوق فراوان مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح را در رشت و غیره خوانده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و پس از تکمیل سطوح از محضر آیات عظام چون مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه حاج شیخ شعبان رشتی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین اصفهانی و دیگران استفاده کامل نموده تا به مقام منیع علم و اجتهاد رسیده آنگاه مراجعت به وطن و تا حال حاضر در مسجد (گلشن) واقع در بازار رشت به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آیت‌اللّه بحرالعلوم عالمی ظریف و خوش‌مجلس و محاوره و غیور و متعصب در دین می‌باشند و حقیر در حادثه‌ای چند شبانه‌روز در (قزل قلعه) تهران در خدمت ایشان و علماء دیگر مرکز و شهرستانها بوده و از مطایبات و ظرافات معظم له استفاده نموده‌ام.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

بحرالعلوم رشتی، عبدالباقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالباقی جد آیت‌اللّه بحرالعلوم معاصر از علماء بزرگ رشت و شاگردان صاحب جواهر و دیگران بوده و بعد از سال ۱۳۰۶ ق درگذشته و در کتاب (المآثر و الاثار) وی را از مراجع عصر ناصرالدین شاه قاجار شمرده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

بحرالعلوم رفیع، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌اللّه حاج میرزا علی بحرالعلوم رفیع گیلانی (یکی از دامادهای مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج آقا حسین طباطبائی قمی) ابن المرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا مهدی رفیع (برادر مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا رفیع مذکور) می‌باشد.

وی در سال ۱۳۰۰ ق در رشت متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح به نجف اشرف عزیمت نموده و از محاضر و دروس آیات عظام آخوند ملاـ محمد کاظم خراسانی و علامه طباطبائی یزدی استفاده نموده آنگاه برشت برگشته و بخدمات دینی مخصوصا قضاء حوائج مؤمنین و حل و فصل بسیاری از معضلات اجتماعی مردم پرداخته و همواره محضرش در تهران و رشت مورد استفاده عالی و دانی بوده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

بحرالعلوم کرمانی، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ محمد تقی بحرالعلوم کرمانی عالمی جلیل و دانشمندی بزرگوار است در کرمان متولد شده و پس از نشو و نما و خواندن مقدمات و ادبیات بقم مهاجرت نموده و چندین سال از محضر آیات عظام حوزه و مدرسین بزرگ حضرت آیه‌الله العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده تا بمدارج عالیه رسیده آنگاه برای تبلیغ به بندرشاه آمده و اهالی محترم بندر ویرا علما و عملا و خلقا پسندیده برای اقامت آنجناب اقداماتی نموده از جمله بحضرت آیه‌الله العظمی بروجردی ره نامه نوشته و از حسن عمل و خدمات معظم‌له تقدیر و تقاضای اقامت او را نمودند آیه‌الله مرحوم بایشان امر فرمودند که دعوت مردم را اجابت کنند پس ایشان

پـذیرفته و اکنون بـالغ بر بیست سالست که در آنجا باقامه جماعت و ترویجات دینی و تبلیغات مـذهبی اشتغال دارنـد و چون در آن حدود ترکمان که اغلب سـنی حنفی و یا شافعی هستند حسن عمل و خدمات و اخلاق حمیده او را دیدند بسیار بایشان گرویده و از مذهب پدرانه خود دست کشیده‌اند.
نگارنـده گویـد آقـای بحرالعلوم از اصـدقاء و دوسـتان نزدیک حقیر است دارای محامـد آداب و محاسن اخلاق و میهمان دوست و رفیق میباشـند. از سالیکه به بنـدرشاه مهاجرت نموده‌انـد تاکنون خدمات بزرگی انجام داده و بین برادران تسـنن آن حدود و شـیعیان التیام داده و دوستی و رفت و آمد برقرار کرده‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بحرالعلوم، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حـاج سـید محمـد تقی بحرالعلوم از علمـاء بنـام نجف و در مسـجد شـیخ طوسـی اقـامه جماعت مینمود و در نجف اشـرف و بالاخص حوزه علمیه محبوبیت خاصی داشت و مورد احترام و تجلیل تمام مقامات بود.
خبر فوتش که بقم رسـید از طرف زعیم بزرگوار و مرجع اعلی حضـرت آیت‌الله العظمی آقای نجفی مرعشی مدظله در شب اول ماه رجب در حسینیه معظم له مجلس فاتحه عظیمی برقرار و عموم مراجع و آیات و علماء معاودین و مقیمین حوزه شرکت نمودند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بحرالعلوم، مهدی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

الحاج السـید مهدی بحرالعلوم بن العلامه السـید مرتضـی بروجردی قدس‌الله سـره اشـهر مشاهیر رجال این سلسـله و عموی جد آیه‌الله بروجردی است.
آن بزرگوار علامـه دهر و وحیـد عصـر مردمک چشم علماء روزگار و اعجوبه چرخ کج‌مـدار و دارای فنون بسـیار و جامع معقول و منقول و مرجع اسـتفاده جمع کـثیری از اکـابر عصـر خود بوده و صـاحب کرامـات ظـاهره میباشـد که در کتب مبسوطه دارالسـلام و نجم‌الثاقب و مستدرک حاجی نوری و دارالسلام عراقی و سایر کتب مسطور است.
گروهی انبوهی از یهود در اثر اخلاق فاضله و کرامات باهره‌اش مذهب شیعه را قبول کردند و فیض یابی او بحضور مبارک حضرت ناموس دهر امام عصـر عجل‌الله فرجه و جعلنا من اعوانه و انصاره متواتر میباشـد و بالجمله جلالت قدر و بلندی مقام آن یگانه‌ی زمان برتر از آنستکه زبان را قدرت تقریر و یا خامه را نیروی تحریر باشد.
شیخ جعفر کاشف‌الغطاء با آن همه جلالت و نبالت و ریاست و فقاهت مطلقه که داشـته از راه تبرک خاک نعلین رسـید را با گوشـه عمامه خود پاک کردی.
از محقق قمی صـاحب قوانین که خود از آیـات باهرات است منقولست که گفت وقتی بسـید عرض کردم که این تبحر عجیب را در فقه و سـایر فنون از کجـا آوردی و حـال آنکه هردوی مـا شاگرد آقا باقر وحیـد بهبهانی هستیم در جواب فرمود این فیض از مولایم حضـرت صاحب عجل‌الله فرجه الشـریف رسـیده (و کیف لا اکون کذلک وقد ضـمنی الی صدره الشـریف) و کیفیت تشرفش را در مسجد کوفه برای میرزای قمی نقل میکند.
ولادت این بزرگوار در شب جمعه ماه شوال ۱۱۵۴ یا ۱۱۵۵ در کربلا واقع شده و مرحوم والدش سـید مرتضی گوید شب ولادتش در خواب دیدم که حضـرت رضا علیه‌السـلام بتوسط محمد بن اسـمعیل بن بزیع شمعی فرستاده و محمد هم آن شمع را در پشت بام منزلم افروخت که نور آن بهمه جا رسـید وفات آن بزرگوار در سال ۱۲۱۲ قمری در پنجاه و هفت سالگی در نجف الاشـرف واقع و قبر شـریفش در مسـجد شـیخ طوسی نزدیک قبر شیخ زیارتگاه است و عدد لفظ غریب (۱۲۱۲) ماده تاریـخ وفات اوست و در نخبه المقال گوید:

والسید المهدی الطباطبائی

بحرالعلوم صفوه الصفاء

والمرتضی والده سعید

مات غریبا عمره مجید

یعنی مدت عمر او عدد لفظ مجید (۵۷) و سال وفات او هم عدد لفظ غریب (۱۲۱۲) است تألیفات آن بزرگوار از این قرار است ۱- الاثنی عشـریات در مراثی که دوازده قصـیده و هر قصـیده دوازده بیت است ۲- الاجازات ۳- الاجتمـاع الامر والنهی ۴- ارجوزه فی الجمل والعقود ۵- اصاله البرائه ۶- تاریخ مکه و مسجد الحرام موسوم به تحفه الکرام ۷- الفوائد الرجالیه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بحرانی، ابوالحسن سلیمان

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۱۲۱ -۱۰۷۵ ق)، فقیه، محقق، محدث، خطیب و شاعر امامی. معروف به محقق بحرانی. در ماحوز بحرین به دنیا آمد. در هفت سالگی «قرآن» را حفظ کرد. او در محضر درس علمای بحرین حاضر شد. شیخ سلیمان بن علی بن سلیمان بحرانی و شیخ سلیمان بن علی شاخوری و شیخ صالح بن عبدالکریم در تکوین حیات علمی وی نقش بسزایی داشتند. وی از شاگردان علامه مجلسی بود و از او و دیگر علمای معاصرش همچون علامه سید هاشم بحرانی، صاحب «البرهان فی تفسیر القرآن» و شیخ احمد بن محمد بن یوسف بحرانی و سید محمد بن ماجد بحرانی ماحوزی حدیث نقل کرده است. او در حفظ و دقت و سرعت انتقال در جواب و مناظره مشهور، و حوزه‌ی درسش انتقال در جواب و مناظره مشهور، و حوزه‌ی درسش مرجع استفاده‌ی دانشمندان بود. ابوالحسن در روز جمعه نیز بعد از نماز، صحیفه‌ی سجادیه را تدریس می‌کرد. شیخ عبدالله بن حاج صالح سماهیجی و شیخ احمد بحرانی پدر صاحب «حدائق» از شاگردان وی بودند. در دونج، یکی از روستاهای ماحوز درگذشت و در مقبره‌ی شیخ میثم، جد ابن‌میثم، شارح نهج‌البلاغه، دفن شد. وی متجاوز از شصت تألیف دارد که از آن جمله: «بلغة» یا «بلغة المحدثین»، در رجال؛ «جواهر البحرین»، تاریخ علمای بحرین؛ حاشیه «تهذیب الاحکام» شیخ طوسی؛ حاشیه «خلاصة الاقوال» علامه حلی؛ حاشیه «مشرق الشمسین» شیخ بهائی؛ «سر المکتوم فی حکمة تعلم علم النجوم»؛ «الشفاء فی الحکمة النظریه»؛ «معراج اهل الکمال الی معرفة الرجال» یا «المعراج»، در شرح «الفهرست» شیخ طوسی؛ «هدایة القاصدین الی عقائدالدین»؛ شرح «الباب الحادی عشر»؛ «النکت البدیعة فی فرق الشیعة»؛ «اربعون حدیثا فی الامامة من طرق العامة»؛ کشکول «ازهار الریاض»، در ادب، در سه جلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹۱/۳)، اعیان الشیعه (۳۰۷ -۳۰۲ /۷)، ایضاح المکنون (۷۲۱ ،۶۷۶ ،۶۶۹ ،۶۱۶ ،۱۹۱ ،۷۱ ،۱۲ /۲ ،۱۵۹ ، ۱۱۰ ،۱۰۴ ،۶۶ /۱)، تلامذة العلامة المجلسی (۲۹ -۲۸)، الذریعه (۳۳/۲۵ ،۴۶۶/۹ ،۱۸۲ -۱۸۱ /۵ ،۱۷۴/۴ ،۱۴۸ ،۱۴۷ -۱۴۶ /۳)، روضات الجنات (۲۲ -۱۷ /۴)، ریحانه (۲۳۸ -۲۳۷ /۵ ،۲۳۱/۱)، لغت‌نامه (ذیل/ سلیمان)، معجم المؤلفین (۲۶۷/۴)، هدیة العارفین (۱/ ۴۰۴- ۴۰۵).

بحرانی، ابوالریاض، ابراهیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، عالم و شاعر امامی. در مدح امیرالمؤمنین- علیه‌السلام- و سایر معصومین (ع) قصایدی سروده است. از آثار وی: «الاقتباس والتضمین من کتاب اللّه المبین فی اثبات عقایدالدین»، منظومه‌ای در اصول پنج‌گانه‌ی دین با ردّ مخالفین؛ «جامع الریاض فی مدح النبی و آله الحفّاظ»، که منظومه‌ای مشتمل بر چهارده روضه به عدد حضرات معصومین (ع)، و برخی از این روضه‌ها دارای اسامی خاص می‌باشند از جمله روضه‌ای که در مدح صاحب‌الزمان (عج) است که «بستان الاخوان» نامیده شده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۷/۵ ،۲۶۷ -۲۶۶ /۲)، ریحانه (۱۱۴/۷).

بحرانی، ابوتراب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۱ -۱۳۰۲ ق)، عالم دینی. در برازجان به دنیا آمد. نیاکان وی تا جدش شیخ عبد علی همگی از علمای ممتاز بحرین بودند. یکی از اجدادش به سواحل جنوبی ایران مهاجرت کرد و در آنجا خود و فرزندش خدمات ذیقیمتی به مردم آن سامان کردند، و در تصحیح عقاید اهالی دشتستان مجاهدت بسیار نمودند. شیخ ابوتراب پانزده سال در نجف و نزد علمای بزرگ عصر علم آموخت. سپس در بوشهر اقامت گزید و به تعلیم و ترویج مذهب پرداخت. رأی صادره‌ی وی در مورد یک دعوای خصوصی محکوم را به خشم آورد تا حدی که با تفنگ خویش شیخ ابوتراب و دختر بچه کوچک او را به قتل رساند، البته پس از رسیدگی معلوم شد که در اصل توطئه‌ای بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شهیدان راه فضیلت (۵۴۲ -۵۴۱).

بحرانی، احمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۰۲ ق)، فقیه، محدث، ادیب و شاعر امامی. به جهت انتساب به دو تألیف گرانسنگ خویش «خمائل» و «ریاض الدلائل» او

را گاهی فاضل الخمائل و زمانی فاضل الـدلائل نیز گفته‌اند. وی در روستای مقابی بحرین به دنیا آمد. او برای پیمودن مدارج عالی اجتهاد به اصفهان رفت، و در سلک شاگردان مجلسی درآمد. مجلسی در اجازه‌ی خود او را بسیار ستوده است. ملا محمد باقر سبزواری صاحب «ذخیره» برای استفاده از مراتب علمی او هفته‌ای دو روز با وی مصاحبت داشته است. شیخ سلیمان بن عبدالله ماحوزی، صاحب «بلغة الرجال»، و ملا ابوالحسن شریف عاملی فتونی از شاگردان او بودند. وی به مرض طاعون درگذشت و در کاظمین به خاک سپرده شد. از آثارش: «الاستقلالیه»؛ رساله «البداء»؛ «الحسن و القبح العقلیان»؛ «الخمائل»، در فقه؛ «ریاض الدلائل و حیاض المسائل»، در فقه؛ «الرموز الخفیة فی المسائل المنطقیة»؛ «المشکاة المضیئة فی العلوم المنطقیة»؛ «عینیة صلاة الجمعة»، اثری فقهی که در آن ثابت کرده نماز جمعه در عصر غیبت واجب عینی است. از دیگر آثارش «دیوان» شعر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۲۹/۱)، اعیان الشیعه (۱۷۳ -۱۷۲ /۳)، ایضاح المکنون (۴۸۸/۲، ۶۰۱، ۵۸۴ /۱)، تلامذة العلامة المجلسی (۱۸ -۱۶) الذریعه (۳۲۵ -۳۲۴، ۲۵۲ /۱۱)، ریحانه (۱۴۲ -۱۴۱ /۲ ، ۲۳۰ /۱)، روضات الجنات (۱۹۰/۸، ۹۷ -۹۵، ۳۹ /۱)، ریاض العلماء (۶۹ -۶۸ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (۱۶۹/۲)، هدیة العارفین (۱۶۶/۱).

بحرانی، جعفر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۹۱ /۱۰۸۸ ق)، عالم، محدث، مفسر و شاعر امامی. ساکن شیراز و حیدرآباد هند بود. وی با شیخ حر عاملی معاصر بود، و از شیخ علی بن سلیمان بحرانی و سید نورالدین عاملی برادر صاحب «مدارک»، روایت نموده است. سید نعمت الله جزایری، در شیراز، نزد وی تلمذ کرده است. سید علی خان، صاحب «السلافة»، نیز از شاگردان او است. شیخ سلیمان بن علی بن ابی‌ظبیه بحرانی نیز از وی روایت کرده است. بحرانی از دوستان نزدیک شیخ صالح بن عبدالکریم بحرانی بود که هر دو در شیراز ساکن بودند. شیخ صالح در شیراز باقی ماند اما، شیخ جعفر به حیدرآباد هند رفت و مقیم شد و در آنجا مرجعیت عام یافت و عهده‌دار امور دینی مردم شد و همان جا درگذشت. وی تصانیفی در تفسیر و حدیث و علوم عربی دارد که از آن جمله کتاب «اللباب» است. از دیگر آثار وی «دیوان» شعر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۳۸ -۱۳۶ /۴)، الذریعه (۱۹۴/۹)، روضات الجنات (۱۸۸ -۱۸۷ /۲)، ریحانه (۲۳۱ -۲۳۰ /۱)، الکنی و الالقاب (۹۴ -۹۳ /۳)، معجم المؤلفین (۱۴۳/۳).

بحرانی، شمس الدین

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به ملاـ شمسی. عالم و فاضل بوده، و جهت تحصیل معاش علاوه بر تحصیل علم، تجارت نیز می‌نموده. از بحرین به ایران آمده، در قمیشه ساکن شده، و هم در آنجا وفات یافته، در امامزاده شاه سید علی اکبر نزدیک قمیشه مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

بحرانی، صالح

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۹۸ ق)، فقیه، محدث، زاهد و شاعر. در کرزکان از توابع بحرین به دنیا آمد. پس از درک محضر علمای بحرین به شیراز رفت و در آنجا ساکن شد، پس از چندی در اغلب علوم و فنون اسلامی تبحر یافت و عهده‌دار تدریس و فتوا شد. او از معاصرین شیخ حر عاملی و از مشایخ شیخ سلمان بن عبدالله بحرانی است. شاه سلیمان صفوی او را قاضی القضات شیراز کرد و خلعت قضا برایش فرستاد، اما، او از پوشیدن خلعت امتناع کرد و آن گاه که او را از غضب سلطان ترساندند به ناچار به پوشیدن آن، به گونه پوشش عبا، تن داد. او در شیراز درگذشت و در آستانه شاهچراغ، در بقعه‌ای که به نامش مشهور است، دفن شد. از آثار وی: «شرح الاسماء الحسنی»؛ شرح «دعای جوشن»؛ «رسالة الخمریة»؛ «رسالة الجبائر» یا «رسالت الجنائز»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۶۸/۷)، الذریعه (۸۹/۱۳، ۱۸۲ -۱۸۱ /۱۱، ۷۹/۵، ۶۷/۲)، روضات الجنات (۱۱۵/۴، ۱۸۸ -۱۸۷ /۲)، ریاض العلماء (۱۷/۳)، ریحانه (۲۳۱/۱)، فوائد الرضویه (۲۱۲ -۲۱۱)، لغت‌نامه (ذیل/ صالح)، مستدرکات اعیان (۱۵۲/۲).

بحرانی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(شهادت ۱۳۱۹ ق)، فقیه امامی. در بحرین به دنیا آمد. نخست شاگرد پدر دانشمند خویش بود. وی به مطرح منتقل شد و در آن شهر رهبر دینی مردم گشت و طائفه حیدرآبادیه را تحت ارشاد خود قرار داد. سپس به بندر لنگه رفت و مقیم این شهر شد، تا آنکه او را زهر دادند و شهید کردند. از آثار وی: «لسان الصدق»؛ در رد «میزان الحق»، یک کشیش مسیحی؛ «منار الهدی فی اثبات امامهٔ ائمهٔ الهدی (ع)» یا «الامامهٔ»، در امامت؛ «قامعهٔ اهل الباطل»؛ رساله‌ای در «التوحید»؛ رساله‌ای در «التقیهٔ»؛ «الاجوبهٔ العلمیهٔ للمسائل المسقطیهٔ» که خواهرزاده و شاگردش، شیخ احمد بن محمد بن سرحان بحرانی آن را جمع‌آوری کرده و به ترتیب کتاب فقه درآورده است، و آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی فتاوای خود را بر این کتاب تعلیق کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۲۳/۵)، الذریعه (۲۴۴/۲۲، ۳۰۵/۱۸، ۱۵/۱۷، ۳۳۰/۲، ۲۷۷/۱)، شهیدان راه فضیلت (۵۰۵-۵۰۴).

بحرانی، ماجد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۹۷ ق)، متکلم، فقیه، ادیب و شاعر امامی. پس از فراگیری مقدمات علوم و ادبیات عربی و فارسی، مدارج عالی‌تر را نزد پدر خود که جامع علوم و شیخ الاسلام شیراز بود فراگرفت و به درجه اجتهاد نایل شد. بحرانی پس از کناره‌گیری پدرش، مدتی قاضی و شیخ الاسلام شیراز بود. سپس به اصفهان رفت و در آنجا نیز به کار قضاوت پرداخت. وی از معاصران شیخ حر عاملی بود و با او مکاتبه داشت. شیخ حر در رثای وی قطعه‌ای سروده است. از آثار او: شرحی بر «نهج‌البلاغه» که ناتمام مانده؛ «التحفه السلیمانیه»، ترجمه عهدنامه مالک اشتر، به فارسی، که به اسم شاه سلیمان صفوی تألیف و در ۱۳۰۱ ق چاپ شده؛ «فصوص سلیمانیه»، شرح فارسی، «دعای بیت المعمور»، که به نام شاه سلیمان صفوی نوشته شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۳۶-۲۳۵ /۱۶، ۱۴۵-۱۴۴ /۱۴، ۴۴۲-۴۴۱ /۳)، ریحانه (۲۳۲-۲۳۱ /۱).

بحرانی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط و شاعر. بعد از مرگ پدر در کنف حمایت میرزا طاهر، صاحب «گنج دانش»، نشو و نما یافت و در خط مهارت پیدا کرد. مدتی در خدمت شاهزاده اعتضاد السلطنه علیقلی میرزا، وزیر علوم، بود و کتابت رسایل و احکام به عهده‌ی او بود. بحرانی شعر نیز می‌گفت. از آثار وی: نسخه‌ی خطی «گنج شایگان» که اکنون در کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی است، به قلم کتابت خوش و با رقم: «... به خط کمترین غلام، محمد حسین منشی بحرانی...»؛ دیگر نسخه‌ی خطی «حدائق السحر» رشید وطواط، به قلم نیم دودانگ خوش و با رقم: «... ذی قعده‌ی ۱۲۷۱... حرره العبد محمد حسین البحرینی»؛ «تاریخ افغانستان»، به قلم کتابت جلی خوش، به سال ۱۲۷۳ ق؛ «فلک السعادهٔ»، به قلم کتابت جلی خوش، به سال ۱۲۷۸ ق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۸۰-۶۷۹ /۳).

بحرانی، محمدجعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زراعت و اصلاح نباتات، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترا در رشته آگرونومی و فوق تخصص علوفه و مرتع‌داری از دانشگاه جورجیای آمریکا در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

تدریس و تحقیق در دانشگاههای شهید چمران اهواز و دانشگاه شیراز در امر علوفه و مرتع‌داری، دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق و بررسی گندم آبی و علوفه آبی، استاد مشاور ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

فیزیولوژی گیاهان و سلولهای آنها.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸ تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۱

زمینه علمی مقالات:

علوفه و مراتع طبیعی و مصنوعی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

بحرانی، هاشم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۰۹ /۱۱۰۷ ق)، فقیه، مفسر، محدث و رجالی امامی. معروف به علامهٔ البحرین. در کتکان از توابع بحرین به دنیا آمد. نسب او را به سید مرتضی علم الهدی و از او به امام موسی کاظم (ع) می‌رسانند. او محدثی متتبع بود و در کثرت تتبع او را ثانی مجلسی می‌دانند. دامنه مرجعیت او از بحرین فراتر رفت و در بیشتر شهرهای شیعه‌نشین از وی تقلید می‌کردند. صاحب «جواهر» او و مقدس اردبیلی را، به عنوان نمونه یاد می‌کند و واجد ملکه عدالت می‌داند. سید هاشم بحرانی از کسانی چون شیخ فخرالدین طریحی نجفی و سید عبدالعظیم استرآبادی نقل روایت کرده و علمایی همچون شیخ حر عاملی از وی روایت کرده‌اند. او دارای بیش از هفتاد و پنج تألیف بزرگ و کوچک دارد که صاحب «ریاض العلماء» اکثر این کتابها را در نزد فرزندش، سید محسن دیده است. از جمله آثار وی: «اثبات الوصیهٔ»؛ «ارشاد المسترشدین»؛ «البرهان فی تفسیر القرآن»، در شش مجلد، گردآوری خبرهایی در زمینه تفسیر از کتابهای ناشناخته کهن؛ «معالم الزلفی فی معارف النشأهٔ الاولی و الاخری»؛ «مدینهٔ المعجزات» یا «مدینهٔ المعاجز»؛ ترتیب کتاب «تهذیب» شیخ طوسی؛ «البهجهٔ المرضیهٔ فی اثبات الخلافهٔ و الوصیهٔ»؛ «نزههٔ الابرار و منار الافکار فی الجنهٔ و النار»؛ «روضهٔ العارفین»؛ «غایهٔ المرام و حجهٔ الخصام فی تعیین الامام من طریق الخاص و العام»؛ «الدر النضید فی فضائل الحسین الشهید»؛ «تنبیه الاریب»، در رجال «تهذیب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۴۸/۹)، اعیان الشیعه (۲۵۰ -۲۴۹ /۱۰)، ایضاح المکنون (۷۱۶، ۶۸۹، ۶۳۴، ۵۰۵، ۴۵۶، ۴۴۲، ۱۴۱، ۱۲۵ /۲، ۵۹۵، ۴۵۳، ۴۲۱، ۴۱۹، ۳۲۳، ۲۷۹، ۲۰۳، ۱۷۹ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۴۹/۵)، الذریعه (۴۸/۷، ۹۳/۳، ۳۹۸/۲)، روضات الجنات (۱۶۹ -۱۶۶ /۸)، ریاض العلماء (۳۰۴ -۲۹۸ /۵)، ریحانه (۲۳۳/۱)، فوائد الرضویه (۷۰۶ -۷۰۵)، الکنی و الالقاب (۱۰۸ -۱۰۷ /۳)، معجم المؤلفین (۱۳۲/۱۳).

بحری قزوینی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر، متخلص به بحری قزوینی. وی دارای «دیوان» شعر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۳۰۲/۲).

بحری میانجی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی از وعاظ اوایل عصر قاجاریه در تفلیس و باکو بود. بحری «دیوان» شعر، به فارسی و ترکی دارد. صاحب «دانشمندان آذربایجان» دو نسخه از «دیوان» او را که مشتمل بر چند هزار بیت از غزلیات و رباعیات است، دیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۶۴ -۶۳)، الذریعه (۱۲۷/۹).

بحری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی بحری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی بحری(طیّبی) فرزند محرم علی بحری(طیّبی)، به تشویق والد معظم بعد از پایان دبستان در قم وارد حوزه علمیه قم شدم. کتاب های صرف و نحو و منطق را نزد اساتیدی مانند مرحوم سالک و آقای تهرانی، کتاب معالم را نزد استاد مرحوم فاضل هرندی و قوانین الاصول را نزد استاد آیت الله میرزا محسن دوزدوزانی و کتاب منطق کبری و بخشی از شرح تجرید را نزد والد، باب حادی عشر را نزد استاد آیت الله صلواتی ، شرح لعمه را خدمت آیت الله فاضل هرندی، رسائل و مکاسب محرمه را خدمت آیت الله سبحانی، بیع مکاسب نیز خدمت آیت الله مشکینی، جلد اول کفایه را نزد استاد سبحانی و جلد دوّم را نزد آیت الله سلطانی ، با جدیّت به پایان رساندم در سن بیست سالگی در امتحان خارج حوزه شرکت کردم. بعد از موفقیت در امتحان کتبی امتحان شفاهی را خدمت آیت الله لطف الله صافی و آیت الله محسن دوز دوزانی با موّفقیت به پایان رساندم. سال هزار و سیصد و پنجاه همان سالی که امتحان درس خارج را دادم ازدواج کردم. بحمد الله با شهریه ماخوذه و مبالغی که در ایام تبلیغ، ایامی که حوزه تعطیل بود از طرف حضرت اباعبد الله حواله می شد براحتی از نظر معیشتی زندگی می کردم. یکی از توفیقات الهی که بنده از آن بر خوردار بوده ام این بوده که از وقتی سیوطی می خواندم شروع به تدریس کرده ام و اولین تدریس از دروس صرف و نحو آغاز شد و اولین درس خارج را که شرکت کردم درس آیت الله العظمی وحید خراسانی بود که قریب بیست و سه صبح و عصر در فقه و اصول معظم له شرکت کردم بعد از انقلاب اسلامی تدریس در دانشگاه را نیز پذیرفتم و تا کنون تدریس در حوزه (جامعهٔ الزهراء) و در دانشگاه ادامه دارد.

(یکی از شاگردان اینجانب اخیراً اعتراف می کرد چند سال نزد اینجانب درس خواند بنده فکر می کردم چند ماه بیشتر درس نخوانده و در انتخابات خبرگان رهبری رأی آورد و به جمع خبرگان رهبری پیوست.)

بحری، محمد حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین بحری بیناباج

محل تولد : قاینات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۱/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد حسن بحری بینا باج در سال ۱۳۲۱هجری شمسی در خانواده ای متدین وکاملا آگاه به مسائل مذهبی در شهر قائنات دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال های خفقان و در سال ۱۳۳۵ وارد حوزه علمیه مشهد مقدس گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) از درس بزرگان آن دیار همچون آیت الله وحید خراسانی، آیت الله میلانی و حجت الاسلام والمسلمین نیشابوری بهره ها برد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۵۲ از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید. ایشان ضمن تبلیغ به تدریس در دانشگاه آزاد مشهد و دانشگاه آزاد تربت جام، مشغول می باشد.

بخارایی، ابراهیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۴ ق)، حافظ، قاری و شاعر. وی خطیب مسجد جامع بخارا و از مریدان مولانا خواجگی کاشانی بود، پس از مرگ او مدتی از ملازمان خواجه ابواسحاق جویباری گشت. ابراهیم قرآن را از برداشت و با صدایی خوش می‌خواند و در سرودن قصیده، غزل، رباعی و قطعه نیز توانا بود. یک «مثنوی» در طریقه‌ی سلسله‌ی خواجگان و سه «دیوان» شعر سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۸۸ -۵۸۷).

بخارایی، امام‌قلی خان

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۶۰ ق)، شاعر. از خوانین جانی استراخان بود که از سال ۱۰۰۷ تا ۱۲۰۰ ق بر بعضی از نواحی ماوراءالنهر حکومت می‌کردند. امام‌قلی خان سومین حکمران این خاندان بود که از سال ۱۰۱۷ تا ۱۰۵۰ ق در این نواحی حکم راند. وی معاصر شاه‌عباس اول و شاه‌صفی و شاه‌عباس دوم بود. در سال ۱۰۵۰ ق به واسطه‌ی ضعف بینائی فرمانروایی را به پسر خود نادر بازگذاشت. و برای زیارت مکه از ایران گذشت و مورد احترام واقع شد، پس از بازگشت در بخارا وفات یافت. این رباعی از اوست:

در عالم اگر سینه فگاری است منم

و اندر ره اعتبار خاری است منم

در دیده‌ی من اگر فروغی است توئی

بر خاطر تو اگر غباری است منم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۴۴/ ۱)، الذریعه (۹۳ /۹)، صبح گلشن (۳۵)، مجمع الفصحا (۷/ ۱).

بخارایی، حافظ ابراهیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۴ ق)، شاعر. از کودکی قرآن را فراگرفت و از حافظان معروف قرآن کریم شد. وی مدتی خطیب مسجد جامع بخارا بود و از مریدان مولانا خواجگی کاشانی، که پس از مرگ او مدتی ملازم خواجه ابواسحاق جویباری شد و مدتی در دربار عبداللّٰه خان محترم بود. او اهل ریاضت و مجاهده بود. سه «دیوان» شعر داشت و یک «مثنوی» در طریقه‌ی سلسله خواجگان.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۸۸ -۵۸۷).

بخارایی، حمید، حمیدالدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۷۰ ق)، شاعر. از فراویان ماوراءالنهر بود و به اقسام فضایل آراسته. وی در میان همانندان ممتاز بود. حمیدالدین با سوزنی معاصر بود و با وی مشاعره داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۶۶/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۷۸)، لغت نامه (ذیل/ حمیدالدین بخارایی)، مجمع الفصحا (۵۷۳/۱)، مخزن الغرائب (۶۳۰/۱).

بخارایی، قاسم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط و شاعر. در جوانی شاگرد سید بهاءالدین حسن نثاری بخارایی بود، اما در دانش ترقی نکرد، به کتابت پرداخت و خوشنویس شد. غزل را بسیار خوب می‌سرود. پس از مرگ پدرش زر بسیار به او رسید و همه را با عبدالعلی خوشنویس قمار کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۳۶).

بخارایی، منظور

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به منظور. از ملازمان عبدالعزیز خان ازبک (م ۱۰۹۳ ق)، حاکم بخارا بود و با نصرآبادی (ز ۱۰۸۳

ق) معاصر. در «الذریعه» اسم صاحب عنوان منصور ذکر شده است. او طبع شعر داشت و اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

می‌ناب از هوای باده‌ی لعل تو در جوش است
زمین از سایه‌ی سرو خرامان تو گلپوش است
حدیث کاکلت سرگشته دارد اهل سودا را
قیامت نسخه‌ای از یاسمین آن بنا گوش است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۳۸)، الذریعه (۱۱۱۱/ ۹)، صبح گلشن (۴۵۹)، فرهنگ سخنوران (۸۸۱).

بخاری

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۸۳ ق)، نحوی و فقیه حنفی. وی در بخارا متولد شد. خواهرزاده قاضی محمد بخاری بود. در بخارا از دنیا رفت. از آثارش: «المبسوط» در فروع؛ «المختصر»؛ «التجنیس».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۲/۶)، ریحانه (۱۹۲/۲)، کشف الظنون (۱۵۸۰، ۱۲۲۳، ۵۶۹)، لغت نامه (ذیل/ خواهرزاده)، معجم المولفین (۲۵۳/۹)، هدیه العارفین (۷۶/۲).

بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه، یزدبه

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۵۶ –۱۹۴ ق)، حافظ، محدث، فقیه و مورخ. وی ثقه‌ترین محدث اهل سنت است. بردزبه زرتشتیی بود که اسلام آورد. ابو عبدالله در بخارا به دنیا آمد و در طلب حدیث به خراسان و عراق و مصر و شام سفر کرد، و از بسیاری مشایخ چون، ابوعاصم و انصاری و مکی بن ابراهیم و عبیدالله بن موسی و ابوالمغیرهٔ حدیث شنید. او از حدود یک هزار شیخ احادیث بسیاری جمع‌آوری کرد که از آن میان هر چه را به راویان آنها اعتقاد داشت در صحیح خویش ثبت کرد و کتاب خود یعنی اولین کتاب «صحیح» را عرضه کرد که محمد بن یوسف فربری از راویان آن است. بخاری از حافظه‌ای شگرف برخوردار بود. ابوعیسی ترمذی، ابوحاتم رازی، صالح جزره، ابراهیم نسفی، ابن خزیمه، ابو زرعه رازی، و مسلم بن حجاج نیشابوری از جمله راویان و شاگردان وی هستند. وی در آخر عمر به واسطه اختلافات فرقه‌ای مذهبی نتوانست در بخارا بماند لذا، به یکی از قراء سمرقند –خر تنگ– رفت و همان جا درگذشت. از آثار وی: «الادب المفرد»؛ «الاسماء و الکنی»؛ «تاریخ اوسط»، «تاریخ صغیر» و «تاریخ کبیر»؛ «ثلاثیات البخاری»؛ «الجامع الصحیح»؛ مشهور به «صحیح بخاری»؛ «خلق افعال العباد»؛ «السنن»، در فقه؛ «الضعفاء».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۸/۶)، تاریخ بغداد (۳۴ –۴ /۲)، تهذیب التهذیب (۵۵ –۴۷ /۹)، الجرح و التعدیل (ج ۳ ق ۱۹۱/۲)، دایرهٔالمعارف فارسی (۲۳۹ –۲۳۸ /۱)، روضات الجنات (۲۶۹ –۲۶۴ /۷)، ریحانه (۲۳۸ –۲۳۷ /۱)، سیر النبلاء (۴۷۱ –۳۹۱ /۱۲)، الفهرست لابن الندیم (۳۲۲ –۳۲۱)، کشف الظنون (۱۶۸۴، ۱۵۸۱، ۱۴۷۱، ۱۴۶۹، ۱۴۵۳، ۱۴۴۹، ۱۴۴۸، ۱۴۲۰، ۱۴۰۲، ۱۳۹۲، ۱۰۸۷، ۷۲۲، ۵۷۱، ۵۶۴، ۵۴۱، ۵۲۲، ۲۸۷، ۲۳۸، ۲۲۷، ۱۳۳، ۸۹، ۴۹، ۴۸)، الکنی و الالقاب (۷۱/۲) لغت‌نامه (ذیل/ بخاری)، معجم المؤلفین (۵۴ –۵۲ /۹)، معجم البلدان (۴۲۲/۱)، الوافی بالوفیات (۲۰۹ –۲۰۶ /۲)، وفیات الاعیان (۱۹۱ –۱۸۸ /۴)هدیهٔ العارفین (۱۶/۲).

بخاری، ابوالمثل

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سوم و چهارم ق)، شاعر. از قدمای حکما و از شاعران عهد سامانی و معاصر ابوشکور بلخی بود. وفات او پیش از وفات ابوطاهر خسروانی بوده است. صاحب «چهارمقاله» او را هم ردیف ابوالعباس ربنجنی و ابواسحاق جویباری و رودکی ذکر می‌کند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۳۴)، لباب الالباب (۲۶ /۲)، لغت نامه (ذیل/ ابوالمثل)، مجمع الفصحا (۱۳۴ /۱).

بخاری، افتخارالدین، طاهر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۴۲ -۴۸۲ ق)، فقیه حنفی. در بخارا به دنیا آمد و در سرخس از دنیا رفت. از آثار وی: «خلاصهٔ الفتاوی» که خلاصه‌ی «خزانهٔ الواقعات» و «النصاب» خودش است؛ «خزانهٔ الفتاوی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۱۸/۳)، کشف الظنون (۷۱۸، ۷۰۳، ۷۰۲)، معجم المؤلفین (۳۳ -۳۲ /۵).

بخاری، ظهیرالدین، ابوبکر محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۱۹ ق)، فقیه و قاضی حنفی. در بخارا قاضی و محتسب بود و از بزرگان مذهب حنفی. از آثارش: «الفتاوی الظهیریهٔ»؛ «فوائد علی الجامع الصغیر الحسامی»، در فقه، که به نام «الفوائد الظهیریهٔ» مشهور است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۵ -۲۱۴ /۶)، ریحانه (۷۷/۴)، کشف الظنون (۱۲۹۸، ۱۲۲۶)، معجم المؤلفین (۳۰۳/۸).

بخاری، علاءالدین، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۴۱ -۷۷۹ ق)، فقیه حنفی. در خراسان به دنیا آمد و در بخارا نشو و نما یافت. فقه را نزد پدر و عمویش آموخت و ادبیات و علوم عقلی را از سعد تفتازانی و دیگران فراگرفت. سپس به هند سفر کرد و از آنجا به مکه رفت و سرانجام در مصر اقامت گزید و پرآوازه گشت. در اواخر عمر به دمشق رفت و تا پایان عمر در آنجا ماند و در مزه از توابع دمشق از دنیا رفت. به گفته‌ی ابن‌طولون او امام عصر خویش بود. از آثارش: رساله‌ای در رد ابن‌عربی به نام» فاضحهٔ الملحدین و ناصحهٔ الموحدین»، و به دنبال آن «الملجمهٔ للمجسمه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۷۶/۷)، کشف الظنون (۱۲۱۵)، معجم المؤلفین (۲۹۴/۱۱)، هدیهٔ العارفین (۱۹۱/۲).

بختی تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۱۵ ق)، شاعر و دانشمند. وی ساکن تبریز بود و در کسب فضایل صوری کوشا جزوه‌کشی مدارس می‌کرد و گاهگاهی به حکمیات می‌پرداخت. او از پیروان مکتب وقوع بود. از وی «دیوان» شعر باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۹۳ -۶۹۲)، دانشمندان آذربایجان (۶۴)، الذریعه (۱۲۷/۹)، سخنوران آذربایجان (۲۲۹ -۲۲۸)، صبح گلشن (۵۶)، فرهنگ سخنوران (۱۲۵)، لغت‌نامه (ذیل/ بختی)، مخزن الغرائب (۳۲۸/۱)، مکتب وقوع (۶۴۵).

بختیاری اهوازی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح س چهارم ق)، شاعر، متخلص به بختیاری. وی از شاعران قدیم فارسی زبان و اهل اهواز بود. تخلص خود را شاید از نام عزالدوله بختیار دومین امیر عراق و اهواز (۳۶۷ -۳۵۶ ق) گرفته باشد. از آثار وی: مقدمه‌ی منظوم «یوسف و زلیخای طغانشاهی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۱۲۵)، لغت‌نامه (ذیل/ بختیاری).

بختیاری، ابوالحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالحسن بختیاری

محل تولد : تاکستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در اواخر سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه همدان شدم، و مقدمات تحصیلی را شروع نمودم و بعد از یک‌سال همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی، وارد حوزه علمیه قم شدم و مقدمات صرف و نحو و معالم و مغنی را در مدرسه المهدی آیت الله گلپایگانی فراگرفتم، اصول فقه مرحوم مظفر را نزد آیت الله اشتهاردی و صالحی افغانی تلمذ کردم. در سال ۱۳۶۲ ازدواج نموده و در نیروگاه قم مستأجر شدم، همزمان با فراگیری تحصیلات حوزوی مشغول تبلیغ در ایام تبلیغی و رفتن به جبهه شدم.

سطح را نزد اساتید بزرگوار حوزه فراگرفتم و در سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴ دوره دوم تخصصی کلام را در موسسه امام صادق(ع) گذراندم و در سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ در رشته‌ی کارشناسی ارشد دوره مدرسی الهیات و معارف اسلامی را در موضوع پایان‌نامه فلسفه دعا و نقش تربیتی آن گذراندم و اکنون پس از سال‌ها مشغول تدوین پایان‌نامه در سطح چهار حوزوی در موضوع ـ محو و اثبات بر محور عبودیت و انسان می‌باشم و درس خارج را از سال ۱۳۶۹ ـ ۱۳۷۰ در نزد اساتید بزرگوار آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله سبحانی گذرانده‌ام و آنچه فعالیت این‌جانب محسوب می‌شود، اشتغال به تدوین پایان‌نامه فوق و تبلیغ در ایام تبلیغی هستم.

بختیاری، پژمان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین پژمان بختیاری، فرزند علی‌مراد امیرپنجه بختیاری، از خانواده میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام و مادرش عالم تاج متخلص به ژاله که شاعره‌ای نغزگوی بود، به سال ۱۳۱۸ هجری قمری در تهران متولد شد.

عده‌ای معتقدند که او شعر و شاعری را از مادر خود به ارث برده، در سال ۱۳۱۲ منتخبی از اشعار شعرای قدیم و جدید فارسی زبان را به نام بهترین اشعار انتشار داد و خود علوم قدیم و جدید و زبان فرانسه را به خوبی فراگرفت.

حسین پژمان بختیاری، از مشاهیر شعرای معاصر است که دارای طبعی روان و فوق‌العاده قوی بود. وی در سال ۱۳۵۵ هجری در گذشت، روانش شاد.

«حسرت عشق»

در کنج دلم عشق کسی خانه ندارد

کس جای در این کلبه ویرانه ندارد

دل را بکف هر که نهم باز پس آرد

کس تاب نگهداری دیوانه ندارد

در بزم جهان جز دل حسرت‌کش ما نیست

آن شمع که می‌سوزد و پروانه ندارد

ای آه مکش زحمت بیهوده که تأثیر

راهی به حریم دل جانانه ندارد

در انجمن عقل فروشان ننهم پای

دیوانه سر صحبت فرزانه ندارد

تا چند کنی قصه ز اسکندر و دارا

ده روزه‌ی عمر این همه افسانه ندارد

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

بختیاری، جمشید

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۴ ق)، شاعر، متخلص به جمشید. در مدارس اصفهان تحصیل کرد. وی دارای طبعی روان بود و ارادتی خاص به ملک‌الشعراء بهار داشت و اغلب اوقات به محضر آن استاد می‌رسید. جمشید قریب چندین هزار بیت شعر گفته که اغلب در روزنامه‌ها و مجلات اصفهان چاپ شده است. رساله‌ی کوچکی در قضایای عاشورا به سبک نوشته‌های امروزی نگاشته که به طبع رسیده است. از اوست:

منم آن اسیر خونین جگر شکسته بالی

که شبی قرار و آرام نباشدم به سالی
تویی آن نگار سرمست، ستمگری که در سر
به سوای قتل عشاق نه پروری خیالی
بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۴۲ -۱۴۱).

بختیاری، حسین

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

ابن‌علی بن ابی‌القاسم حسینی. عالم فاضل، و مدرس معروف. در ۱۳۰۴ در اصفهان متولد شده، و پس از تحصیل مقدمات به نجف مهاجرت نموده، خدمت آخوند خراسانی و میرزا محمد تقی شیرازی تحصیل نموده، و پس از فوت استاد، حوزه‌ی درس و مباحثه تشکیل داده، و به مصاهرت و دامادی مرحوم آیهٔ الله اصفهانی مفتخر شده، و در ۲۶ محرم سال ۱۳۶۸ وفات یافته.

کتب زیر از اوست:

۱ - حاشیه بر وسیله‌ی مرحوم اصفهانی ۲ - رساله در قاعده‌ی لا ضرر و لا ضرار؛ و غیره.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بختیاری، حسین پژمان

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

حسین پژمان بختیاری حسین پژمان بختیاری در سال ۱۲۷۹ شمسی در تهران زاده شد. پدرش علیمرادخان از بختیاریها بود و مادرش عالمتاج زنی دانشمند و صاحب ذوق از نوادگان میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی که شعر نیکو می گفت و ژاله تخلص می کرد. پژمان تحصیلات خود را در تهران به پایان برد و با ادبیات فرانسوی کاملاْ آشنا شد. گذشته از تحصیلات ادبی, فن تلگراف بی سیم را هم فراگرفت و به همین علت به استخدام وزارت پست و تلگراف در آمد.

پژمان از آغاز جووانی به شعر و ادب علاقه مند بود و اوقات به مطالعه دیوانهای شاعران صرف می کرد. کتاب بهترین اشعار گردآورده پژمان که نخستین بار در سال ۱۳۱۲ شمسی چاپ شد از ذوق و حسن انتخاب او حکایت می کند. چاپ منقحی از دیوان حافظ نیز که به کوشش او منتشر شده از چاپهای مهم و طرف توجه است. حسین پژمان علاوه بر این چند کتاب از فرانسه به فارسی ترجمه کرد که از آن جمله است: وفای زن اثر بنیامین کنستان و آتالا-و رنه از شاتو بریان. وی به سال ۱۳۵۵ شمسی در گذشت. پژمان در شعر شیوه پیشینیان را می پسندید و از آنان پیروی می کرد. بیشتر در قالبهای قصیده, غزل و مثنوی شعر گفته و در سرودن قطعه و رباعی و برخی دیگر از قالبهای شعری هم دست داشته است. پژمان به مثنوی سرایی علاقه ای خاص داشت. در شعرش مضامین و مفاهیم اجتماعی و عاطفی بسیار است. دید مستقل شاعرانه و پرواز خیال او در شعر دودکشها که در قالب چهار پاره سروده شده, در نظر منتقدان وی را با ویلیام بلیک شاعر و نقاش سده نوزدهم انگلستان قابل مقایسه کرده است.

بختیاری، حسین قلی

قرن:۱۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

فرزند جعفر قلیخان ایل بیکی، از رؤسای خوانین بختیاری، در ۲۷ رجب سال ۱۲۹۹ بدست ظلّ السلطان کشته شده است، در اشار «سیّاره» تخلّص می‌کند.

در کتاب تاریخچه ی دو قرن اخیر شعرای چهار محال (: ۱۸۶) شرح حال نسبتاً مفصّلی از او مذکور است. در آنجا گوید که با عمّان سامانی معاصر و معاشر بوده و این رباعی را در وصف او گفته است:

عمّان که محیط باشد از علم و هنر
شعرش همه لؤلؤ است و ریزد ز دو لب
دریای خزر به پیش فضلش جویی است
و ز قطره پدیده گشته، این است عجب
از اشعار اوست (باید به لهجه ی لری خوانده شود).
دونی ز چه سر نزیده افتو
یارم نوریستاده از خو
ابروی کج تو در همه خلق
دادم مو نشان که هو مه نو

مو، با دل زار سی تو ایم
تو بانگ زنی که ای کره رو
یارم تو بساز کلک و کشتی
ترسم که بگریمت بره او

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بختیاری، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیـد محمّـد حسین بن سید علی بن ابوالقاسم بن محمد حسن. عالم فاضل، و مدّرس معروف، در ۱۳۰۴ در اصـفهان متولّد شده، و پس از تحصـیل مقـدّمات به نجف اشرف مهاجرت فرموده و به درس آخونـد خراسانی و میرزا محمّـد تقی شیرازی حاضـر شده، و سپس خود حوزه درس و بحث تشکیل داده، جمعی کثیر از فضـلا به درس او حاضـر شده، و دختر مرحوم آیت اللّه اصـفهانی را به زوجیّت گرفته.

در ۲۶ محرّم سال ۱۳۶۸ در طهران وفات یافته.

وی را تألیفـاتی است کـه از آن جمله است: ۱- حاشـیه وسیلهٔ النجاهٔ ۲- رساله در قاعـده ی لا ضـرر و لا ضـرار ۳- حاشـیه بر کفایهٔ الاصول؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بختیاری، یعقوب

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌ابراهیم بن جمال‌الدین بن ابراهیم بختیاری حویزی اصفهانی.

از شـاگردان سـید نعمت‌الله جزائری، و خود عـالم فقیه محـدث بوده، و در حـدود سـال ۱۱۴۸ به طوری که سـید عبـدالله جزائری در تذکره‌ی خود فرماید وفات یافته است.

کتب زیر از او است:

۱- الاعتبار فی اختصار الاسـتبصار ۲- شرح شرایع ۳- شـرح صحیفه‌ی سجادیه ۴- صوافی الصافی، در تفسـیر؛ در غره‌ی ذی‌قعـده‌ی سال ۱۱۴۰ هجری از تألیف آن فراغت یافته است؛ و چندین رساله‌ی دیگر.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

بختیاری، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۷ -۱۲۸۳ ق)، شاعر. معروف به امیر مجاهد. وی از خوانین بختیاری و مورد احترام کلیه‌ی طوایف بود و مدتی فرمانداری یزد و زمانی حکومت بختیاری را به عهـده داشت و بیشتر عمر خود را به زراعت و ملک‌داری گذراند. وی در زندان قصـر وفات یافت. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۵۴۹)، الذریعه (۱۳۱۷/ ۹).

بخشی خوانساری، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۸ ش)، شاعر. در دهکده‌ی سور (ارسور) خوانسار به دنیا آمد. دروس جدید و قدیمی را در موطن خود فراگرفت. بخشی از دوران تحصـیل شعر می‌سرود، پس از پایان تحصیلات همچون پدر به تجارت پرداخت. در سال ۱۳۲۲ ش، از خوانسار به اراک و از آنجـا به الیگودرز رفت. به سـال ۱۳۳۰ ش به تهران آمـد و در یکی از مؤسـسات ملی استخدام شـد. از آثار وی: «تـذکره‌ی شـعرای خوانسـار»؛ «ترانه‌ی خوانسـار به لهجه‌ی محلی»، به طبع رسـیده است؛ «مشـاهیر خوانسار»؛ «تاریـخ خوانسار»؛ «خوشـنویسان خوانسار»؛ «دیوان» اشعار محلی؛ «دیوان بخشی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۲۸۳ -۲۷۹ /۱)، تذکره‌ی شعرای خوانسار (۲۳۷ -۲۱۰)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۵/۲)، سخنوران نامی معاصر (۴۸۴ -۴۸۱ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۸۴/۶).

بدایع‌نگار تهرانی، محمد ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۹ ق)، شاعر و نویسنده. از مشاهیر منشیان و مورخان دوره‌ی ناصری، پدرش نیز از فضلای دوره‌ی فتحعلی شاه بود. وی در دستگاه دولتی کار می‌کرد، مدتی منشی دفتر وزارت خارجه بوده است. در شاعری نیز دست داشت و به لقب خود تخلص می‌کرد. وی در تهران درگذشت و در نجف به خاک سپرده شد. مهمترین آثار بدایع‌نگار عباتند از: «فیض الدموع»، که مقتلی است به فارسی، ترجمه‌ی «اللهوف» سید بن طاووس؛ «عقداللآلی»، به فارسی در تاریخ عصر ناصرالدین شاه؛ «عبرة للحافرین»، که در آن به رویدادهای سال قحطی ۱۲۸۸ ق و نتایج آن پرداخته؛ «ترجمه‌ی نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر» و مثنوی «خسروی‌نامه» در بحر متقارب.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از صبا تا نیما (۱۴۹ -۱۴۵ /۱)، الذریعه (۴۰۷ -۴۰۶ /۱۶، ۲۹۵/۱۵، ۱۲۷/۹، ۱۱۹ -۱۱۸ /۴)، شرح حال رجال (۲۹۱/۳)، المآثر و الآثار (۱۸۶)، مؤلفین کتب چاپی (۹۸ -۹۷ /۱)، یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۸).

بدایع‌نگار، فضل الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۳ ق)، شاعر و دانشمند. وی نگهبان آستان قدس رضوی بود. از آثار وی: «ازهار الربیع»، شرح بدیعیه‌ی پدرش ملا داوود است؛ «البدایع»، که «دیوان» اشعار است؛ «بدایع الاشعار فی شرح صنایع الاسحار»، قصیده‌ای از قوامی گنجوی؛ «بیان المعانی فی علم المعانی»؛ «التنمیقات فی التوقیعات»؛ «مطلع الشمس» یا «مطلع الشموس»؛ «لزوم حجاب»؛ «همایون‌نامه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۵۶/۲۱، ۲۹۹/۱۸، ۶۲/۳)، ریحانه (۲۳۹/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۵۵ -۸۵۴ /۴).

بدایع‌نگار، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۰ -۱۲۴۱ ش)، نویسنده و شاعر، متخلص به لاهوتی. ملقب به بدایع‌نگار. وی مردی فاضل بوده و سمت نیابت وزارت خارجه را داشته است. در «احوال و آثار خوشنویسان» ذیلی به نام مهدی بدایع‌نگار آمده که احتمال می‌رود با بدایع‌نگار مذکور یکی باشد و چنین رقم نهاده: «حرره العبد مهدی الحسینی، الملقب به بدایع‌نگار و المتخلص به لاهوتی، سنه‌ی ۱۳۲۳». از جمله آثار وی: «افتضاح الکافرین»؛ «بدایع الاحکام فی فقه الاسلام»؛ «بدایع المهدویه فی فقه الاثنی عشریه»؛ «ایران نامه»، در تاریخ؛ «بدایع الاسرار»، در اصول عقاید؛ «بدایع الانساب فی مدفن الاطیاب»؛ «ریاض المنجمین»؛ «ازهار الربیع»؛ «بدایع الموالید»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۲۶ -۹۲۵ /۳)، الذریعه (۹۴۰/۹)، ریحانه (۱۲۱ -۱۲۰ /۵)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۷ -۳۶ /۲)، شرح حال رجال (۲۷۴ -۲۷۳ /۶)، فرهنگ سخنوران (۷۸۶).

بدخشانی، محمدابراهیم، ابراهیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۶۰ ق)، شاعر و عارف. پدرش از اهالی بدخشان بود که به ند سفر کرده بود و خلیفه در دهلی متولد شد. پس از نشو و نما در آنجا به ملازمت عالمگیر شاه اشتغال یافت. سپس با میر جلال‌الدین حسین بدخشانی که از مشایخ آن عهد بود آشنا شد و به عالم سیر و سلوک کشیده شد. محمدابراهیم از صوفیان سلسله نقشبندیه بود و خانقاهی نیز داشت. در لکهنو درگذشت. وی با اینکه علوم ظاهری نیاموخته بود، تالیفات و تصنیفات چندی داشته و «مثنوی» در شش هزار بیت منظوم کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۶)، الذریعه (۱۴/۹)، ریاض العارفین (۴۲ -۴۱)، فرهنگ سخنوران (۳۱۵).

بدخشی حسینی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. به خط وی قطعه‌ای در یک مرقع کتابخانه‌ی خزینه‌ی اوقاف استانبول است، به قلم سه‌دانگ و نیم دودانگ خوش، با رقم: «العبد محمد البدخشی حسینی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار و احوال خوشنویسان (۶۶۱/۳).

بدخشی سمرقندی، محمد، حمید

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۸۹۰ ق)، عارف و شاعر. وی در قریه‌ی اشکمیش از توابع قندهار متولد شد و در سمرقند نشو و نما یافت. در هرات تحصیل دانش کرد. بدخشی از شاعران دربار سلطان حسین بایقرا و از نزدیکان بابر بود. سی سال در ملازمت امیر علیشیرنوایی زیست. کمال‌الدین شاه حسین کامی اوبهی، از کودکی شاگرد وی بود و خود شاگرد میر حسین معمائی بود. بدخشی بیشتر به معما رغبت داشت و چند رساله در معما دارد. «دیوان» شعری نیز از وی باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۳۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۰۸)، حبیب السیر (۳۴۷/۴)، الذریعه (۱۲۸ -۱۲۷ /۹)، ریحانه (۲۴۰/۱)، صبح گلشن (۵۷ -۵۶)، فرهنگ سخنوران (۱۲۵)، لغت‌نامه (ذیل/ بدخشی)، مجالس النفائس (۲۷۲ -۲۷۱، ۹۶ -۹۵)، نشتر عشق (۲۳۷/۱)، هفت اقلیم (۱۰۱/۲).

بدخشی ماوراءالنهری، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. وی در سمرقند می‌زیست و قصاید غرا در مدح الغ بیگ می‌سرود. «دیوان» وی در ماوراءالنهر معروف بوده است. احتمال اتحاد صاحب ترجمه با مدخل فوق بسیار است اما چون در اکثر منابع جدا از هم آمده است، دو مدخل جداگانه نوشته شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۰۰)، تذکرهٔ الشعراء (۴۷۴ -۲۷۳)، حبیب السیر (۳۸/۴)، الذریعه (۱۲۸/۹)، ریحانه (۲۴۰/۱)، فرهنگ سخنوران (۱۲۵)، لغت‌نامه (ذیل/ بدخشی)، مجالس النفائس (۱۹۳، ۱۹).

بدخشی، پری

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

از زنان شاعر. وی از اهالی بدخشان بود. اشعار زیر از اوست:

چشمی که باز نیست به روی تو بسته به

دستی که دامن تو نگیرد شکسته به

برخاستی قیامت کبری بلند شد

بنشین دمی که فتنه محشر نشسته به

جان را که نسبتی است به شیرازه وجود

پیوند اگر به غیر تو گیرد گسسته به

تاریخ تولد، وفات و زندگی او معلوم نیست.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: تاریخ زبان و ادبیات ایران در خارج از کشور ۲۳۷.

بدر اهوازی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح س نهم ق)، شاعر. وی از شاعران و نویسندگانی است که عطار تونی از او در «گل و هرمز» خویش یاد می‌کند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :لغت‌نامه (ذیل/ بدر اهوازی).

بدر تبریزی

قرن:۹
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ۸۵۴ ق)، شاعر. وی ملک الشعرای سلاطین شروان بود و از معاصرین مولانا کاتبی. بدر شاعری بدیهه‌گو بود و با شعرای عصر خود مناظره و مشاعره می‌کرد. جنگ بزرگی به نام وی در کتابخانه ملک وجود دارد که تقریبا ۵۰۰ بیت از قصایدش در آن مجموعه درج شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۸۲/۲)، دانشمندان آذربایجان (۶۴).

بدر جاجرمی، بدرالدین

قرن:۷
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ۶۸۶ ق)، شاعر، متخلص به بدر. در جاجرم خراسان به دنیا آمد، پس از کسب فنون شعر و ادب در زادگاه خود، به امید خدمت به بهاءالدین محمد جوینی، حاکم اصفهان، به آن شهر رفت. بدر در آنجا با مجد همگر و امامی هروی آشنا شد و معاشرت کرد و از محضر مجد استفاده‌ها برد. او قصیده‌ی نونیه‌ی عربی ابوالفتح بستی را به زبان فارسی به نظم کشید. مطلع قصیده‌ی مذکور این بیت است:
زیادهٔ المرء فی دنیاه نقصان
و ربحه غیر محض الخیر خسران
ممدوح اصلی بدرالدین همان بهاءالدین محمد است و قصاید اصلی شاعر در ستایش او است. علاوه بر او، شمس‌الدین محمد و عطاملک جوینی را نیز مدح گفت. بعد از فروپاشی خاندان جوینی و کشته شدن شمس‌الدین محمد به دست مغولان، بدرالدین عمر زیادی نیافت. از وی «دیوانی» به جا مانده که مشتمل بر چهار هزار بیت است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۲۸۰/۱)، از سعدی تا جامی (۱۵۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۶۸ -۵۵۷ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۶۲)، تذکرهٔ الشعراء (۲۴۴ -۲۴۲)، دایرهٔالمعارف فارسی (۳۹۵/۱)، الذریعه (۱۲۸/۹)، ریحانه (۳۷۶/۱)، فرهنگ سخنوران (۱۲۶)، لغت‌نامه (ذیل/ بدرالدین جاجرمی)، مجمع الفصحا (۴۳۴ -۴۳۳ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۹۴ -۹۳ /۲).

بدر جهان بیگم

قرن:۱۱
جنسیت:زن
ملیت:ایران
دختر سید محمد خان صفوی، نواده زبیده بیگم دختر شاه عباس صفوی است که در سال ۱۰۶۲ وفات یافته، و در بقعه شاهزادگان جنب ستّی فاطمه مدفون گردیده است. و مادّه تاریخ وفات این است:
فشاند از پی تاریخ، اشگ تیره که زود
نمود چهر نهان بدر همچو یکشبه ماه
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بدر چاچی، بدرالدین محمد

قرن:۸
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز ۷۴۵ ق)، شاعر، متخلص به بدر. ملقب به فخرالزمان. تولد وی در چاچ، ناحیه‌ای در آن سوی سیحون که قصبه‌ی آن بناکت بوده است، اتفاق افتاد. از کیفیت زندگانی و تحصیلاتش در زادگاه وی خبری نیست و همین قدر معلوم است که او ظاهرا در اوان جوانی به هندوستان رفته و در دستگاه سلطنت امرای تغلقه که خود بدر غالبا آنانرا «آل بهرام» می‌نامد، وارد شده و به سلطان ابوالمحامد محمد شاه بن تغلق اختصاص یافته است. سلطان محمد بن تغلق نسبت به بدر با نظر احترام می‌نگریسته است، چناکه او را فخرالزمان لقب داد و بر خوان خویش نشاند. مدت اقامت بدر چاچی در دربار محمد بن تغلق در هند به درستی معلوم نیست ولی، با

شواهـدی که از قصاید وی موجود است معلوم می‌گردد که تا سال ۷۴۵ ق در خـدمت وی بوده است و از این رو، می‌توان وفات او را در سـرزمین هنـد دانست. وی از شـاعرانی است که در هنـد شـهرت دارد. بدرالـدین «دیوان» خود را که مرکب است از قصایـد و قطعات، در سال ۷۴۵ ق تنظیم کرده جز، در چنـد مورد که متضـمن اشاره به احوال شاعر است، باقی همه در مدح محمد بن تغلق و اسـتقبال از قصاید معروف انوری و خاقانی و پیروان مکتب این دو شاعر و مقرون به صنایع و استفاده‌های بسیار از اصطلاحات علمی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سـعدی تا جامی (۱۵۸ -۱۵۷)، تاریـخ ادبیات در ایران (۸۶۸ -۸۵۲ /۳)، دایرۀالمعارف فارسی (۳۹۵/۱)، الذریعه (۱۲۸/۹)، صبح گلشن (۵۷ -۵۶)، فرهنگ سخنوران (۱۲۶)، فرهنگ ادبیات زبان فارسـی (۸۵)، لغت‌نامه (ذیل/ بدرالـدین چاچی)، مجمع الفصحا (۴۳۹ -۴۳۶ /۱)، مخزن الغرائب (۳۰۵/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۹۵ -۹۴ /۲)، هفت اقلیم (۴۶۹ -۴۶۸ /۳).

بدر شروانی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۵۴ ق)، شاعر. وی از مشاهیر شـعرای آذربایجان و ملک الشعرای سلاطین شروان و معاصر مولانا محمد کاتبی بود. زمانی که مولانا کاتبی به شـروان رفت با او مشاعره کرد. برخی، اشـعار او را از اشعار کاتبی بالاتر دانسته‌اند. اما به گفته‌ی دولتشاه اعتقاد مردم سمرقند بر خلاف این است. از وی «دیوان» شعری بر جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منـابع زنـدگینامه :از سـعدی تا جامی (۷۱۶ -۷۱۵) تاریـخ نظـم و نـثر (۲۹۷)، تذکرۀ الشـعراء (۴۲۴)، دانشـمندان آذربایجان (۶۴)، الذریعه (۱۲۹/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۲۶)، لغت‌نامه (ذیل/ بدر شروانی).

بدر فارسی، بدرالدین

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. از زنـدگی و احوال وی اطلاع چندی در دست نیست و تنها چند بیتی که صاحب «هفت اقلیم» برای او ذکر کرده موجود است. از اوست:

حافظ عمری و هستی بی وفا مانند عمر

دشمن جانی و جان آسا همی آیی به کار

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشـمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۳۵ -۴۳۴ /۱)، الذریعه (۱۲۹ -۱۲۸ /۹)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۵۷/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ بدرالدین فارسی)، مجمع الفصحا (۴۳۵/۱)، مخزن الغرائب (۳۶۰/۱)، مرآت الفصاحه (۸۴ -۸۳)، هفت اقلیم (۱۹۶/۱).

بدر کرمانی، بدرالدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، شـاعر. ملقب به محی المشـاط. وی از معاصـران سـلطان جلال‌الـدین خوارزمشـاه و مورد احـترام خواجه شـمس‌الدین صاحب دیوان بوده است. پدرش از علمای موزون طبع کرمان بود و خود وی نیز از افاضل آن شهر. از اوست:

یاد تیر او کنی پیکان بماند در ضمیر

نام تیغ او بری الماس روید از زبان

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۰۱)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۱۰۴ -۱۰۳)، الذریعه (۱۲۹/۹)، ستارگان کرمان (۷۷ -۷۶)، فرهنگ سخنوران (۱۲۶)، مجمع الفصحا (۴۳۴/۱).

بدر هروی، بدرالدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. از فرهیختگان خراسان و از مداحان ابوبکر جامجی و علاءالملک و معاصر عوفی بود. از اوست :

دستی دارم چو کیسه‌ی باد تهی

وانگه گوئی مرا مکن یاد تهی
این پرده مزن ورنه کنم از دست
چون چنگ دل خویش به فریاد تهی
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زنـدگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۰۱)، الذریعه (۱۲۹/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۲۷)، لباب الالباب (۲۵۱ -۲۵۰ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ بدرالدین هروی)، مخزن الغرائب (۳۶۱/۱).

بدر، علی

قرن:۸
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س هشتم ق)، شاعر. از شاعران دربار هرات بود. در سال ۷۹۱ ق به خدمت میرانشاه پسر امیر تیمور گورکان رسیده و قصیده‌ای در مدح وی سروده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حبیب السیر (۵۵۰ / ۳).

بدری غزنوی، حسنویه

قرن:۵
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س پنجم ق)، شـاعر. او از شاعران دربار محمود غزنوی بوده که به مـداحی می‌پرداخته است. از زنـدگی او اطلاع زیادی در دست نیست. از اوست:
زین مرتبت و جلال بردا برد
ایمن منشین ز دوست گرداگرد
امروز غمان خویش خور مردا مرد
زآن پیش که زین جا بروی دردا درد
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :شاعران بی‌دیوان (۴۲۴)، لباب الالباب (۶۷/۲).

بدری، رشید

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: ۱۳۲۳- مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید چمران اهواز
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسـی در رشـته شـیمی از دانشـگاه شـیراز در سال ۱۳۴۹، کارشناسـی ارشد در رشـته شـیمی از دانشـگاه شـیراز درسال ۱۳۵۱، دکترای شیمی از دانشگاه سیراکیوز (نیویورک) آمریکا در سال ۱۳۵۸.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده علوم دانشگاه شهید چمران اهواز.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
سنتز مواد از طریق واکنشهای پری سیکلیک و بررسی تئوریک آنها، استخراج ترکیبات از مواد طبیعی، تهیه مواد صنعتی از مواد خام اولیه، جـداسازی ویتامین E از پس آبهـای کارخانجـات روغن نبـاتی، تهیه اسـید اگزاتین و فورفورال از ملاس نیشـکر، سـنتز برخی آمیدهای هتروسیکل و بررسی خواص داروئی آنها، استاد راهنمای ۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
واکنش‌های شیمی آلی، بقای تقارن اربیتالی، واکنش‌های پری سیکلیک.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

پدیده CIDNP، سنتز سیستم‌های Excessive-II از طریق واکنش‌های پری سیکلیک و بررسی خواص آنها از نقطه نظر قوائد تئوری.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

بدری، مستوفی الممالکی، خیلتاش

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، شاعر، متخلص به بدر و بدری. وی به روش خانواده‌های بزرگ آن زمان دوره ابتدایی را در خانه و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان‌های بنات و انوشیروان به پایان رساند و زبانهای فرانسوی و عربی را فراگرفت. بدری از نوجوانی به سرودن شعر پرداخت و بیشتر غزل می‌سرود. از وی اشعاری به جای مانده است. بیت زیر از اوست:

مگر آموخت بلبل بر تو رسم عشق‌ورزی را

که هر دم بر گلی، هر لحظه بر شاخی غزل خوانی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زنان سخنور (۱۸ -۱۷ /۱)، سخنوران نامی معاصر (۴۹۱ -۴۸۵ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۲۷).

بدری، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن محمد علی سینی حسینی بدری، عالم فاضل زاهد معمر، شاگرد آقا سید محمدباقر درچه‌ای. فوتش در صبح ۳ شنبه ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۷۷.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

بدلاء قمی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دارای مقام فضل و دانش و متانت و اخلاق فاضله است والدش مرحوم آقا سید محمد قمی از خانواده‌های علم و شرافت بوده است و آنجناب از احفاد جناب امامزاده شاه بدلا می‌باشد که در بلوك و بخش جاپلق مدفون و دارای مزار و قبه و مورد توجه مردم آن ناحیه است.

تولد وی در پنج‌شنبه چهارم جمادی‌الاول ۱۳۲۶ قمری در قم واقع شده و پس از رشد و طی مقدمات سطوح از مرحوم ادیب تهرانی و میرزا علی یزدی فراگرفته و پس از آن از دروس مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و هم مرحوم آیت‌الله بروجردی و آیات دیگر استفاده کامل نموده و به تدریس فقه و اصول و هم اقامه جماعت اشتغال دارند.

از آثار ایشانست کتابی در دعا و شرایط دعا و اماکن دعا و منتخبی از ادعیه ماثوره.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

بدیع اسطرلابی، بدیع‌الزمان، ابوالقاسم هبهٔ الله

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۳۴ ق)، فیلسوف، طبیب، اخترشناس، نقاش و شاعر شیعی. نیاکانش احتمالا ایرانی و از مردم اصفهان بودند. وی در بغداد زاده و در اصفهان بزرگ شد. او با ابزارهایی که خود ساخته بود سیر نور و اندازه‌ی آن را معلوم کرد و در اثبات درستی کارهای خود از براهین هندسی استفاده می‌کرد. بدیع در کره‌ی سماوی چیزی افزود و کار آن را که سالهای دراز ناقص مانده بود، کامل کرد. خط کشها و قرقره‌هایی که ساخته بود، کاربرد عمومی یافتند و از راه تجربه، سودمندی آنها به اثبات رسید. وی در کاخهای سلجوقی به ساختن جدولهای فلکی سرگرم بود و زیجی به نام «المعرب المحمودی» نوشت و به محمود سلجوقی هدیه کرد. بدیع به شعر حسین بن حجاج علاقه می‌ورزید و آنها را گردآوری کرد و آن را «درهٔ التاج من شعر ابن‌حجاج» نامید. از او «دیوان» شعری بر جای مانده که درونمایه‌ی بیشتر آنها هجو و لطیفه است. وی در بغداد درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۴۱۹/۳)، الاعلام (۵۸/۹)، تاریخ بغداد (۳۷۴/۱۵)، دایرهٔ‌المعارف فارسی (۳۹۶/۱)، الذریعه

(۱۳۰/۹)، لغت‌نامه (ذیل/ هبهٔ الله)، معجم الادباء (۲۷۵ -۲۷۳ /۱۹)، وفیات الاعیان (۵۳ -۵۰ /۶).

بدیع اصفهانی، بدیع‌الزمان

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۲۱/۱۱۱۳ ق)، شاعر، متخلص به بدیع. ملقب به ملک‌الشعراء. وی از کودکی تحت تربیت پدر سخنور خود قرار گرفت. بدیع در سخن و سخنوری و در ساختن ماده تاریخ و معما مهارت داشت. شاه حسین صفوی او را ملقب به ملک‌الشعراء کرد و اقطاع اراضی نصرآباد را به او اعطا کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ المعاصرین (۱۸۰ -۱۷۹)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۵۶ -۴۵۵)، الذریعه (۱۳۰/۹)، ریاض العارفین (۱۰۹)، فرهنگ سخنوران (۱۲۷).

بدیع اصفهانی، مصطفی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۸ ق)، عالم، فقیه، مدرس، ادیب و شاعر. به مناسبت سکونت در محله درب امام، به درب امامی مشهور بود. پدرانش عموما از دانشمندان اصفهان به حساب می‌آمدند. او نزد حاج ملاحسینعلی تویسرکانی و میرسید محمد شهشهانی و آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی و حاج شیخ محمد باقر نجفی درس خواند و اجازه اجتهاد گرفت. حاج سید میرزا بدیع در مدرسه نیماورد درس می‌گفت و متجاوز از یکصد دانشمند در محضرش تلمذ می‌کردند و عوام و خواص در وقت نماز بدو اقتدا می‌کردند. او علاوه بر کمالات علمی در هنر خط نیز شهرت داشت و در ادب و شعر توانا بود. از آثار وی: حاشیه بر «ریاض»؛ حاشیه بر «قوانین»؛ رساله‌ای در «خراج»؛ رساله‌ای در «استصحاب»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ القبور (۲۰۱ -۲۰۰)، حدیقهٔ الشعراء (۲۲۶ -۲۲۵ /۱)، الذریعه (۱۷۵/۶)، معجم المؤلفین (۴۰/۳).

بدیع الممالک، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۱ -۱۲۶۳ ش)، شاعر. وی در همدان تولد شد و تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود به پایان رسانید. بدیع مانند نیاکانش اهل فقر و از سلسله عرفا و درویشان بود و از محضر مولانا حاج محمد آقا فیاض همدانی کسب فیض کرد. میرزا احمد از وکلای دادگستری بود. از آثار وی: «دیوان» شعر که قریب ده هزار بیت غزل، قصیده، مسمط، قطعه و مثنوی است؛ کتاب «طلسمات اسلامی»، که به صورت داستان در موضوع رسالت حضرت رسول اکرم (ص) نگاشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۵۱۱ -۵۰۷ /۱).

بدیع بلخی، ابومحمد بدیع

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۸۱ ق)، شاعر. از شاعران معاصر ابویحیی طاهر بن فضل محمد چغانی و معاصر منجیک و دقیقی بوده و در نیمه دوم قرن چهارم می‌زیسته است. هدایت نام او را بدایعی نوشته و گفته که معاصر سلطان محمود غزنوی بوده و «پندنامه‌ی» انوشیروان را به نظم درآورده است.[۱]

بلخی، ابومحمد بن محمود از شاعران معصار طاهر بن فضل ابن محمد چغانی (ف. ۳۸۱ ه.ق.) و معاصر منجیک (ه. م.) و دقیقی (ه. م.) بوده و در نیمه دوم قرن چهارم میزیسته است. ضح.- بعضی نام او را بدایعی نوشته‌اند و پندنامه انوشروان را بدو نسبت داده‌اند، ولی ظاهرا بدیع جز بدایعی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] پیشاهنگان شعر فارسی (۱۷۲ -۱۷۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۲۳ -۴۲۲ /۱)، تاریخ ادبی ایران (۶۷۹/۱)، الذریعه (۹۹۰ -۱۲۷ /۹)، سخن و سخنوران (۴۳)، سرآمدان فرهنگ (۲۲۱/۱)، شاعران بی‌دیوان (۵۰۳)، مجمع الفصحا (۴۶۲ -۴۵۶ /۱)، لباب الالباب (۲۳ -۲۲ /۲)، ریحانه (۲۴۰ -۲۳۹ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۹۱ -۷۹۰ /۵) هدیهٔ الاحباب (۱۰۴).

بدیع پاک‌بین شیرازی، عزیز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۴ ش)، نویسنده و شاعر. وی در شیراز متولد شد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را به انجام رسانید و مدتی در رشته ادبیات دوره‌ی اول دبیرستانهای مختلف شیراز تدریس کرد و در ضمن به تکمیل معلومات ادبی در محضر استادان وقت پرداخت، و در هفده سالگی شروع به نوشتن مقالات اجتماعی و تربیتی در روزنامه‌های «عصر آزادی» و «پارس» کرد. وی رساله‌ای در شرح حال شیخ اجل سعدی به مناسبت جشن هفتصد ساله تألیف «گلستان» و «بوستان» نوشت. بدیع گاهی نیز شعر می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۹۳۰ -۹۲۷ /۵).

بدیع پاک‌بین شیرازی، فضل الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۳ -۱۲۷۲ ش)، شاعر و نویسنده. پدرش از فقهای عصر خود و امام جماعت مسجد مشیر شیراز بود. فضل الله هنوز کودک بود که پدرش فوت کرد، اما به تحصیل پرداخت و پس از اتمام مقدمات فارسی و عربی، حکمت الهی، فلسفه قدیم و جدید را فراگرفت. فنون شعر و شاعری و سبک‌شناسی را نیز آموخت. وی چهل سال شغل معلمی داشت و از این راه به معارف کشور خدمت می‌کرد و تا پایان عمر به تدریس مشغول بود. سرانجام در شیراز وفات یافت. از آثار وی: «زندگانی سعدی»؛ «دیوان» اشعار، متمل بر پانزده هزار بیت که دارای نکات فلسفی و عرفانی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۴۳ -۴۴۰ /۱)، الذریعه (۵۴/۱۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۴۵ -۴۴ /۲)، فرهنگ سخنوران (۱۳۹)، مؤلفین کتب چاپی (۸۵۲ -۸۵۱ /۴).

بدیع تبریزی، منوچهر

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، شاعر. وی از شاگردان کمال خجندی بود و از معاصران معاذی، که شیوه‌ی عبدالواسع جبلی را در شعر انتخاب کرده بود با پدر برای تجارت به روم سفر کرد. وی شغل دبیری نیز داشته است. از آثار او: مثنوی «حجت نامه»، موسوم به «انیس العارفین» و «الاحیاء فی حل المعما».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۸۴ -۸۲ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۶۵)، سخنوران آذربایجان (۲۳۳ -۲۳۲)، هفت اقلیم (۲۲۹/۳).

بدیع تونی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، نویسنده. وی در خدمت داراشکوه شغل دیوانی داشته است. کتاب «لطایف الاخبار» از آثار اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سبک‌شناسی (۲۹۸ -۲۹۵ /۳)، لغت‌نامه (ذیل/ بدیع تونی).

بدیع زادگان، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر و ادیب متخلّص به «هور» فرزند حاج میرزا عبدالحسین درب امامی، نواده دختری عالم جلیل حاج میرزا بدیع درب امامی. در ماه رمضان ۱۳۳۰ متولّد، و در ۵ شوّال ۱۳۸۷ وفات یافته، در ایوان بقعه مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفاتش این است: «هور منزل نمود در مینو»

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بدیع سبزواری، بدیع‌الزمان

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. معروف به میرزا بدیع دیوانه‌وش. از سلسله‌ی سادات سبزوار و برادر عالی جاه کلانتر سابق سبزوار بود. به اصفهان رفت و با میرزا طاهر نصرآبادی معاشرت داشت. به قول صاحب «تذکره‌ی نصرآبادی» بدیع با اینکه شوریده و دیوانه‌وش بود ولی از قریحه و قدرت شعر وی بهره می‌بردند. بعد از آن به سبزوار بازگشت. در «الذریعه» آمده که در عهد شاه سلیمان صفوی فوت کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۳۹۹/۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۰۱)، الذریه (۱۳۰/۹)، صبح گلشن (۵۸)، فرهنگ سخنوران (۱۲۸).

بدیع شیرازی، علینقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی اهل دهدشت از توابع شیراز بود و در تهران مسکن داشت و به سرودن شعر مشغول بود. اشعاری از وی در تذکره‌ی «مرآت الفصاحه» نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مرآت الفصاحه (۸۵).

بدیع شیرازی، فتح الله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۸ ق)، شاعر، متخلص به بدیع. از سادات شیراز بود و به تهران مسافرت کرد و در تهران درگذشت. وی با صاحب «مرآت الفصاحه» معاصر بود و با او ملاقات داشت از اوست:

هر چند که بر منت نظر نیست

دریاب که طاقتم دگر نیست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۵۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۳۵/۱)، الذریعه (۱۳۱/۹)، ریحانه (۲۴۲/۱)، مرات الفصاحه (۸۴-۸۵).

بدیع شیرازی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۶ -۱۲۵۱ ش)، نویسنده و شاعر. در کاظمین به دنیا آمد و علوم ادبی و عربی و زبان فرانسوی را در بصره آموخت. وی در اوایل جنبش مشروطیت به آزادی‌خواهان پیوست و مقالات پرشوری برای روزنامه‌ی «حبل المتین» چاپ کلکته می‌نوشت. جمعیت ایرانیان را نیز در بصره تأسیس کرد. بدیع در سال ۱۲۹۹ ش به ایران بازگشت و به استخدام وزارت خارجه و کشور درآمد. او به سمت کنسول ایران به کربلا و بصره و بغداد و هرات و بیروت رفت. وی نویسنده‌ای نوگرا و ایران‌دوست بود، اشعار او اجتماعی و اخلاقی بوده است. بدیع در تهران درگذشت. او صاحب تألیفات متعددی است، از جمله: «تاریخ بصره»؛ «داستان باستان یا سرگذشت کوروش»؛ «دستور زبان فارسی»؛ «سرگذشت شمس‌الدین و قمر»؛ «داش مشتی پاریسی»، ترجمه از فرانسه؛ و «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از صبا تا نیما (۲۵۵ -۲۵۴ /۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۴۰ -۴۳۵ /۱)، الذریعه (۱۲۹/۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۴۷ -۴۶ /۲)، سخنوران نامی معاصر (۵۰۲ -۴۹۸ /۱) شرح حال رجال (۷۸/۶)، مؤلفین کتب چاپی (۵۶۰ -۵۵۹ /۲)، مکارم الآثار (۱۴۰۴ -۱۴۰۳ /۴).

بدیع مدیری، عبدالباقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۰ -۱۲۹۸ ق)، شاعر. در سنندج متولد شد و در همان شهر به تحصیل علوم دینی پرداخت. در سال ۱۳۲۰ ق برای ادامه‌ی تحصیل به شهرهای عراق، شام و مصر رفت، در مصر در محضر شیخ ابوالوفا کردی حاضر شد. پس از آن به ایران برگشت. بدیع به استانبول رفت و در آنجا زبان ترکی را فراگرفت، سپس به بغداد رفت و در دارالمعلمین آنجا نام‌نویسی کرد. پس از پایان دوره‌ی آن به بصره اعزام و در مدرسه‌ای به نام تحسین سیرت به تدریس مشغول شد. میرزا عبدالباقی در آغاز جنگ جهانی اول به ایران بازگشت و در شهر کرمانشاه به تدریس پرداخت. او اطلاعات وسیعی در علوم و جغرافی داشت. نقاشی می‌کرد، شعر می‌گفت و عربی و ترکی را خوب می‌دانست و متمسک بـه طریقه‌ی نقشبندیه بـود و به عـارف بزرگ حـاج شیخ شکرالله سنندجی ارادت می‌ورزیـد. در سنندج وفات یافت. آثاری از وی به جای مانـده، که عبارتنـد از: «منظومه‌ی بـدایع بدیع»؛ «سرگذشت و مولودنامه و معراج نامه‌ی رسول اکرم»؛ «تاریخ شهریاران»؛ «تاریخ مفصل رجال عالم باستانی»، به نثر فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۳۵۷ -۳۵۶ /۲)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۴۹ -۴۸ /۲).

بدیع‌الزمان تبریزی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۳۸ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به بـدیعا. در دوره‌ی شاه عباس صفوی می‌زیست. از حکمت و فلسفه بهره‌منـد و با ادبیات و زبان عربی و ترکی و فارسی آشـنا بود و شـعر نیز می‌گفت. بعضی مدفن او را گورستان تخت فولاد تعیین کرده‌اند. از جمله‌ی آثار او: دو قطعه به قلم سه‌دانگ و دودانگ و نیم دودانگ خوش، یکی با رقم: «در شهر تبریز نوشته شده، نقله العبد بـدیع‌الزمان...» و دیگری قطعه شعری است که خود او گفته، بـا رقم: «لکـاتبه... خمس و ثلثین و الف»؛ قطعه‌ی دیگر به قلم سه‌دانگ و نیم دودانگ خوش، با رقم «کتبه بدیع‌الزمان غفر ذنوبه و ستر عیوبه بدار السلطنه‌ی اصفهان مرقوم قلم شکسته رقم گردید».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۹ -۹۷ /۱)، پیدایش خط و خطاطان (۹۸ -۹۷ /۱)، تذکرهٔ الخطاطین (۲۵۰ -۲۴۵ /۱)، تـذکره‌ی شـعرای آذربایجان (۸۵ -۸۴ /۲)، دانشـمندان آذربایجـان (۶۶)، الـذریعه (۱۲۹/۹)، سـخنوران آذربایجـان (۲۳۲ -۲۳۰)، فرهنگ سخنوران (۱۲۹).

بدیع‌الزمان گورکانی جغتایی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۰/۹۲۰ ق)، شاعر. بعـد از پـدر مدتی با برادر کهتر خود، مظفر حسین میرزا معارضه و منازعه کرد، آخرالامر به خدمت شاه اسـماعیل صـفوی رسید. چندی در تبریز و ری ساکن بود، تا با سلطان خواندگار به روم رفت و در آنجا به مرض طاعون درگذشت. وی در قتل پسرش محمد مؤمن میرزا مرثیه‌ای گفته است با مطلع:

وزیدی ای صبا بر هم زدی گلهای رعنا را

شکستی زان میان شاخ گل نورسته‌ی ما را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۴۹ -۴۸ /۱)، از سعدی تا جامی (۵۵۹)، مجالس النفائس (۳۱۶، ۳۱۵ -۱۲۸ -۱۲۷)، مجمع الفصحا (۳۰/۱).

بدیع‌الزمان مهی سنندجی، عبدالحمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۶ -۱۲۸۳ ش)، شاعر، محقق، استاد دانشگاه. ملقب به مجدالـدین ابو عبدالله. پدر وی متخلص به مجدت، فرزند میرزا شکرالله فخرالکتاب بود. عبدالحمید علوم مقدماتی را در شهر سنندج فراگرفت، و به تحصیل علوم ادبی و عربی همت گماشت و از محضر استادان مختلف استفاده کرد. بـدیع‌الزمان به استخدام وزارت فرهنگ درآمـد و در دبیرستانهای تهران به تـدریس پرداخت. وی با زبانهای عربی، فرانسه و انگلیسی آشنایی و بر آنها تسلط کامل داشت. او اوقات خود را بیشتر به مطالعه صرف می‌کرد و به تألیف و تـدریس می‌پرداخت. بـدیع‌الزمان کتابخـانه‌ی بزرگی داشت و در حاشیه‌ی اغلب کتابهایی که مطالعه می‌کرد، با خط خوش نظرات خود را می‌نوشت. او را به علت هوش زیاد بـدیع‌الکتاب و بـدیع‌الزمان یا بـدیع می‌خواندند. تخلص وی در اشعار فارسی مهی و در

اشعار عربی بدیع بوده است. آثار وی عبارت‌اند از: «دیوان» اشعار؛ «موابد الفوائد»؛ «بدایع الفواید»؛ «شرحی بر قصیده‌ی بانت سعاد»؛ «معیـار القریض»، در عروض؛ «نخب الادب»؛ «مخزن الادب»؛ «رساله‌ی در مؤلفات سیوطی»؛ «تعلیقات بر کتاب الترسل الی التوسل»؛ «تعلیقات بر قاموس فیروزآبادی» در لغت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :زندگینامه رجال و مشاهیر (۴۳ -۳۹ /۲)، سخنوران نامی معاصر (۵۰۶ -۵۰۳ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۲۸)، تاریخ مشاهیر کرد (۴۲۲ -۴۱۲ /۲).

بدیع‌الزمان نطنزی، ابو عبدالله حسین

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۹۹/۴۹۷ ق)، ادیب و شاعر. وی از اهالی نطنز بود و در اصـفهان زنـدگی می‌کرد. او تمام عمر خویش را به معلمی و درس و بحث گذرانـد و در دو زبـان فارسـی و عربی ادیبی معروف شـد. به همین دلیـل او را ذوالبیـانین یـا ذواللسـانین لقب دادنـد. در شـعر فارسـی نیز دست داشت بخصوص سـرودن اشـعار مصـنوع، از شعر او جز چند قطعه چیزی باقی نمانده است. تألیفات او عبارت‌اند از «الخلاص» یا «دستور اللغهٔ» و «المرقاهٔ» که هر دو در لغت عربی به فارسی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۸/۲)، تاریـخ نظم و نثر (۵۶)، الذریعه (۳۱۱/۲۰، ۱۳۱/۹، ۱۶۶، ۱۶۵، ۸/ ۲۰۸/۷)، ریحانه (۲۷۱/۲)، فرهنگ سخنوران (۵۳)، کشف الظنون (۷۵۴)، معجم البلدان (۳۳۷/۵)، معجم المؤلفین (۱۹۱/۳).

بدیع‌الزمان هرندی قهپایی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یـازدهم ق)، فقیه و محـدث. شـیخ الاسـلام یزد در عصـر شـاه عباس صـفوی بود. از آثارش: «ریاض العابـدین فی شـرح صحیفهٔ سید الساجدین»، به فارسی است، شرحی ترجمه‌وار و ترجمه‌ای شرح گونه است که به نام شاه صفی تصنیف کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۵۵۰/۳)، الذریعه (۳۴۸/۱۳، ۳۲۹/۱۱)، ریحانه (۲۴۳/۱)، الکنی و الالقاب (۷۶/۲).

بدیع‌الزمان همدانی، ابوالفضل احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۹۸/۳۷۸ -۳۵۸/۳۵۳)، مقاله‌نویس و شاعر. ملقب به مهذب‌الـدین. در همدان تولد یافت. ساکن هرات شد. از شاگردان ابن‌فارسـی رازی و صـاحب بن عبـاد بـود و یکی از فضـلا و فصـحا عصـر خود. وی در حـدیث هم ثقه بود و مـذهب اشـعری داشت. بـا ابوبکر خوارزمی، دانشـمند مشـهور زمان خود در شهر نیشابور مناظراتی داشت و از این طریق بود که شهرت زیادی به دست آورد و بعد از درگـذشت ابوبکر در همه کارهای دیوانی جانشـین او شـد. بـدیع‌الزمان مسافرتهایی به سیسـتان، غزنه و دیگر بلاد خراسان کرد و از امرا و فضـلا و مشـاهیر زمـان تمتعی کامـل برگرفـت، و ثروتی عظیـم انـدوخت. در هرات ازدواج کرد و همـان جـا درگـذشت. وی حافظه‌ای قوی داشت و آثاری به نظم و نثر از خود به جای گـذاشت و مقامه‌نویسـی را رونق و کمالی بسـزا بخشـید. در واقع او خود نخستین کسـی است که مقامه‌نویسـی را ایجـاد کرده و در این راه پیشوای آینـدگانی چون حریری و دیگران شـد. آثار وی قریب به چهارصـد مقـامه می‌شـده که برگزیـده‌ی آنهـا پنجـاه و نه مقـامه است. از دیگر آثار وی: «مجموعه‌ی رسائل»؛ «مناظرات او با ابوبکر خوارزمی»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشـیعه (۵۸۱ -۵۷۰ /۲)، بزرگان و سخن‌سـرایان همـدان (۱۵۸ -۱۵۳ /۱)، تاریـخ ادبیات در ایران (۶۴۰/۱)، تاریخ الاسـلام (حوادث ۳۵۳ -۳۴۹/۴۰۰ -۳۸۱)، دایرهٔالمعارف فارسـی (۳۹۶/۱)، الذریعه (۱۳۱/۹)، روضـات الجنات (۲۵۰ -۲۴۸ /۱)، ریحانه (۲۴۴ -۲۴۳ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۲۲۱ -۲۲۰ /۱)، سیر النبلاء (۶۸ -۶۷ /۱۷)، فرهنگ ادبیات فارسی (۸۶)، کارنامه‌ی بزرگان (۵۹ -۸)، الکنی و الالقـاب (۷۶ -۷۵ /۲)، کشـف الظنون (۱۷۸۵)، لغت‌نـامه (ذیل/ بـدیع‌الزمان)، معجم الادباء (۲۰۲ -۱۶۱ /۲)، الوافی بالوفیات (۳۵۸ -۳۵۵ /۶)، وفیات الاعیان (۱۲۹ -۱۲۷ /۱)، هدیهٔ العارفین (۶۹/۱).

بدیعی اندجانی، یوسف

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۹۷ ق)، ادیب و شاعر، متخلص بـه بـدیعی. ملقب به بـدیعی معمـایی. در اواخر دوران تیمـوری در انـدجان متولـد شـد. در کودکی به سمرقند رفت و نزد صفایی شاگردی کرد و به همین جهت به ملایوسف صفایی نیز مشهور شد، گرچه، از شهرت صفایی راضـی نبود. بـدیعی در سـرخس درگـذشت و در خانقاه شـیخ لقمان پرنـده دفن شد. مولانا یوسف به علم عروض و صـنایع و بدایع شعری و فن معما آگاهی داشت و صاحب «رساله‌ای در معما» و «قصـیده‌ی مرآة الصفا» است. از وی «دیوان» شعری نیز بر جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (۶۷۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۰/۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۲۳)، تذکره‌ی روز روشن (۱۰۳ - ۱۰۲)، حبیب السیر (۳۳۷/۴)، الذریعه (۱۳۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۲۹)، مجالس النفائس (۱۲۲).

بدیعی تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۰ ق)، دانشمند، طبیب، ادیب و شاعر. از دوستان مظفر علی نقاش و مردی خوش‌طبع و خوش‌مشرب بود، به ترکی و فارسی شعر می‌گفت. وی در سـرودن غزل مهارت داشت و این امر از «دیوان» غزلیات بازمانـده از وی تأییـد می‌شود. برخی «مثلثات منظوم» در لغت را از او دانسته‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :آتشـکده‌ی آذر (۱۱۱/۱)، تاریـخ نظم و نـثر (۵۲۶ -۵۲۵)، تذکره‌ی شـعرای آذربایجان (۸۷ -۸۶ /۲)، دانشـمندان آذربایجان (۶۶ -۶۵)، الذریعه (۸۰/۱۹، ۱۳۱/۹)، سخنوران آذربایجان (۲۳۴ -۲۳۳)، هفت اقلیم (۲۲۹/۳)، فرهنگ سخنوران (۱۳۰ - ۱۲۹)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۰/۲)، مجمع الخواص (۲۶۰).

بدیعی سمرقندی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. مشهور به مولانازاده. از شاعران و ملازمان سبحان قلی‌خان و از بزرگان سمرقند بود. وی علوم غریبه را نیک می‌دانست و در سرودن معما و ماده تاریخ شهرت داشت. بدیعی از وطن به دکن سفر کرد و در آنجا به شهرت و مکنت رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تذکره‌ی نصـرآبادی (۴۴۳ -۴۴۲)، الـذریعه (۱۳۱/۹)، شـام غریبان (۴۷)، صـبح گلشن (۵۹ -۵۸)، مخزن الغرائب (۳۶۶ -۳۶۴ /۱)، نتایج الافکار (۱۱۸)، نشتر عشق (۲۳۰/۱)، هفت اقلیم (۳۸۴/۳).

بدیهی شهری سیستانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر، متخلص به بدیهی. وی از سادات رضوی مشهد بود و معاصر سام میرزا. از اوست:

صد بار اگر به جور مرا کشته بی‌گناه

هرگز نگفته‌ام که گناهی نکرده‌ام

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۰۳)، الذریعه (۱۳۲/۹)، هفت اقلیم (۲۲۱/۲).

بذلی اصفهانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. در عهد شاه طهماسب ماضـی از باذلان نامور بود هر چه به دسـتش می‌آمد بر محتاجان و فقیران و پیران قسمت کرد. از اوست:

گر مرا بودی به قدر همت خود دسترس

در جهان یک جو غم روزی نخوردی هیچ کس

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۰۴)، هفت اقلیم (۴۳۹/۲)، فرهنگ سخنوران (۱۳۰).

براتی، عبدالعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالعلی براتی

محل تولد : مسجد سلیمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۶۰ وارده حوزه شدم حدود ۱۲ سال در دروس خارج حوزه شرکت نمودم. نزدیک به ۱۵ سال در مراکز و مؤسسات پژوهشی و فرهنگی به فعالیتهای پژوهشی مشغول بوده ام از جمله آنها پژوهشکده باقرالعلوم(ع) . تاکنون حدود سی مقاله تالیف کرده ام و بیش از یکصد کتاب، مقاله و پایان نامه را نقد، بررسی و ارزیابی کرده ام. در حوزه اطلاع رسانی به ویژه کتابشناسی سالها تجربه علمی و عملی دارم که محصول آن در تولید نرم افزار کتابشناسی هادی با کمک دیگر دوستان و همکاران فنی امروز در دسترس بسیاری از مراکز پژوهش و پژوهشگران و حوزه و دانشگاه است. این نرم افزار اندیشه ای جدید در حوزه فهرست نویسی و مأخذ شناسی در حوزه علوم اسلامی و علوم انسانی را عرضه می کند.

مشاوره و راهنمایی غیر رسمی به طلب، داشنجویان و محققان و نویسندگان در تدوین به ویژه رساله و مقاله از فعالیتهای مهم اینجانب بوده است و هم اکنون بسیاری از پایان نامه ها حوزه های علمیه خواهران توسط اینجانب مأخذ شناسی می شود.بارها شیوه کتابداری و کتابشناسی مرسوم را به نقد کشیده ام و آن را بویژه در حوزه علوم اسلامی ناکافی می دانم.در مباحث علوم اسلامی و سیاسی به تدریس در آموزش و پرورش (معلمین)، دبیرستنها و دانشگاه نیز چندین سال هست مشغول بوده ام.

برادران خسروشاهی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه تهران.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

برادرانی، محمدمهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی آلی، دانشکده: علوم، دانشگاه: ارومیه

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته شیمی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۵۴، کارشناسی ارشد در زمینه شیمی ترکیبات هتروسیکل از دانشگاه منچستر انگلستان در سال ۱۳۵۶، دکترا از دانشگاه منچستر در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه ارومیه.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

سنتز مواد اولیه داروئی طبی (آلدومت، آموباربیتال، سکوباربیتال)، دامی (دایزوفنل، راناید).

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شیمی آلی، شیمی هتروسیکل‌ها.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:
شیمی ترکیبات هتروسیکلیک، سنتز جدید پیرازول‌ها و آزوالیپتسین‌ها، سنتز جدید ایمیدازول‌ها وسوبین کانین.
بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

برارپور، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم برارپور

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی خویش را در مدرسه نوشیروانی بابل با رتبه ممتاز در کلاسهای اول، سوم ، چهارم و پنجم گذراندم. تحصیلات راهنمایی را در مدرسه شهید هاشمی نژاد و دبیرستان را در مدرسه طالقانی. در سال ۷۵ در رشته مهندسی کشاورزی دانشگاه آزاد قائم شهر قبول شده و بعد از گذراندن یک ترم تحصیلی با توجه به علاقه وافر به دروس حوزوی و زندگی در فضای معنوی، وارد حوزه علمیه خاتم الانبیای بابل شدم. و سالهای بعد در مدرسه روحیه بابل دروس خویش را تا پایه ۶ به اتمام رساندم و در سال ۸۰ به قم مراجعت کرده و در مدرسه علمیه معصومیه پایه های ۷ و ۸ و در مدرسه علمیه قدیری پایه های ۹ و ۱۰ را به پایان رساندم و الان مشغول به درس خارج هستم. از آنجا که به مطالعه در زمینه های فرهنگی و سیاسی و در خصوص دفاع مقدس علاقه وافر داشته ام عمده تحقیقات خویش را در این زمینه ها مستقر کرده ام و در زمینه سیاسی عضو مجمع تحلیل و بررسی سیاسی سپاه منطقه قم هستم و دوره دو ساله آن را با موفقیت به پایان رساندم و در زمینه دفاع مقدس با ستاد کنگره شهدای روحانی تیپ ۸۳ امام صادق (ع) همکاری داشتم و در زمینه فرهنگی با موسسه ولاء و تشکل جمعی از طلاب و بسیجیان شهرستان بابل در راستای اشاعه فرهنگ شهادت و ایثار فعالیت نمودم و اکنون نیز فعال هستم و تاکنون چندین مقاله و کتاب نوشته ام و پروژه های سیاسی در راستای پژوهشهای علمی انجام داده ام

براری گاوزنی، عبدالحق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحق براری گاوزنی

محل تولد : رود بست

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۶ در عهد طاغوت دیپلم علوم تجربی (طبیعی آن زمان) را دریافت کردم (از شهرستان بابلسر). با اینکه در کنکور دانشگاه آن زمان شرکت کرده بودم اما شوق تحصیل حوزوی و دانستن زبان عربی مرا به مدرسه علمیه فریدونکنار که تازه به دست حجهٔ السلام محمودیان نماینده آیت الله العظمی گلپایگانی در فریدونکنار (مسجد صاحب الزمان) دائر شده بود، وارد شدم و به تدریج صدای انقلاب از قم و تهران و... به مازندران هم رسیده بود که البته با حال و هوایی که داشتیم در اولین اعتراضات مردم قم خود را به قم و تهران می کشاندیم و درس و بحث‌ها تحت الشعاع فعالیت انقلاب قرار گرفته بود و بارها تهدید و تحت تعقیب بودم بالاخره با پیروزی انقلاب اسلامی به حوزه مشهد جهت تقویت ادبیات رفته بودم و در درس حجت هاشمی ادیب معروف شرکت کرده بودم. سیوطی را گذراندم. شوق حوزه قم مرا به قم کشانده بود آغاز جنگ آغاز حال و هوایی دیگر بود و چند سال جنگ به خاطر ارتباط با گردان یا رسول فریدونکنار و حاج حسین بصیر که تا جانشینی لشکر ۲۵ کربلا پیش رفته بود و در کربلای ۱۰ در قله‌های مائوت عراق به شهادت رسیده بود به خاطر ارتباط دامادی و برادرخانمی با ایشان و همراهی با مجاهدان شمال روزگار جنگ را با اهل جنگ محشور بودیم و البته درس و بحثم را در مدرسه گلپایگانی صفائیه می‌گذراندم.
یکی از خاطراتم اینکه هرگز بحث خبر واحد را از اصول فقه و معالم تا کفایه استاد ندیده بودم و همه‌اش در این قسمت از بحث در جبهه‌ها بودم! دوارن جنگ تمام شد و با دوستان زمان جنگ حاج آقا داود صمدی آملی و حاج آقا مسرور قائم شهری که هم مباحثه‌های اینجانب بودند به درس و بحث مشغول بودیم بعد از اتمام لمعتین از مدرسه گلپایگانی(ره) برای دروس بعدی وارد حوزه (بیرون از مدرسه) شدیم. رسائل را خدمت آیت الله اعتمادی و قسمتی از لمعه را هم با وجدانی فخر گذراندم و در ضمن با

نوار دروس فلسفه (بدایهٔ و نهایه را) با مباحثه دوستان گذراندم. کفایه را با اساتیدی چند از آیت الله صالحی مازندرانی و احمدی یزدی و آیت الله راستی پیش بردیم و در درس خارج اصول آیت الله فاضل لنکرانی حفظه الله شرکت کردیم (حدود ۶ سال) و با درس فقه آیت الله جوادی بحث اجاره در مدرسه سعادت و حدود و تعزیرات از آیت الله مرحوم شیخ جواد تبریزی(ره) استفاده کردیم.روزها ساعت ۱۱ حدود ۵ سال با تفسیر آیت الله جوادی آملی در مسجد اعظم همراه بودیم و با آغاز درس مصباح الانس ابن فناری از آیت الله حسن زاده آملی خواستیم تا ما را به حضور بپذیرد نامبرده امتناع کرد، فرموده بودند چون پایینی‌ها را نخواندید نمی‌شود (تمهید القواعد ـ فصوص الحکم و...) اما اصرار کردیم تا اجازه استفاده از نوارهای فصوص را مرحمت کردند و همراه با استفاده از درس فصوص به شکل نوار از درس مصباح الانس ایشان استفاده می‌کردیم ـ حال و هوای عجیبی و شوق زیادی را در این دوران نشان می‌دادیم.

متأسفانه درس مصباح الانس به دلیلی که اینجا مطرح نمی‌کنم تعطیل شد و مایه تاسف ما شد.سه جلد اول اسفار را با آیت الله حسن زاده آملی گذراندیم با اینکه جلد اول را با آیت الله جوادی آملی سر کرده بودیم.سال ۷۲ در کنکور سراسری شرکت کردم و در رشته فلسفه غرب در دانشگاه شهید بهشتی تهران قبول شدم، دوره کارشناسی فلسفه غرب در دانشگاه موجب ضعف ارتباط لازم با حوزه تلقی می‌شد و بالاخره سال ۷۶ کارشناسی را تمام نمودم.در طول این سالها به اندازه یک نماینده پر حرارت مجلس برای مردم زادگاهم چه تلاش‌ها و عمران و آبادی‌ها که نکردم در طول سال تحصیلی علاوه بر تبلیغ در حوزه شهر بابلسر و فریدونکنار زادگاهم (که بین این دو شهر بوده است (رودبست)) چه وقت‌ها و سفرها که هزینه نکردم و ناله اهل خانه به آسمان بلند بود و با توجیه اینکه امروز وقت این کارها هم هست از درس و بحث گاه می‌زدم و چه کارها که نکرده بودم.بحمدالله از احداث مدرسه ابتدایی تا راهنمایی و ساختن مسجدی باشکوه در حدود هزار متر مربع (با بالکس) و به شکل جمکرانی و احداث آسفالت در حدود ۳ کیلومتر در زادگاه خود و تلاش برای آوردن تلفن و آب آشامیدنی و بسیار کارهای عمرانی و محلی دیگر که همین‌ها مرا مدت‌ها معطل خود کرده بود مشغول بودم.با سخنرانی‌های زمان جنگ و بعد از جنگ از مسجد تا میدان شهر فریادگر دفاع از امام و انقلاب اسلامی بودم و بحمدالله با همان روحیه همچنان در سنگرم (الحمدالله الذی هدانا...)

در سال ۱۳۸۰ در کارشناسی ارشد فلسفه غرب در دانشگاه تهران مرکز قبول شدم و مقارن این قبولی همراه با حاج آقا دهقان وارد کار در دفتر نهاد رهبری دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره) همراه با تدریس دروس معارف مشغول شدم قبل از دانشگاه بین‌المللی امام(ره) در دانشگاه علوم پزشکی ارتش در تهران به تدریس دروس معارف و اخلاق پزشکی و ریشه‌های انقلاب اسلامی می‌پرداختم.الان بیش از ده سال است که به تدریس دروس معارف مشغولم و همچنان در دفتر نهاد رهبری دانشگاه بین‌المللی در خدمت فعالیت‌های همراه با آمال رهبری می‌باشم.

برازجانی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۹ –۱۲۴۹ ش)، عالم دینی. معروف به مجاهد. در برازجان متولد شد. از روحانیون بنام برازجان و بنادر جنوب بود. در جنگ جهانی اول، بعد از تصرف بوشهر توسط انگلیسی‌ها، علیه آنها فتوای جهاد داد. و رییس علی دلواری به حکم او با انگلیسیها جنگید تا شهید شد. وی پس از پیروزی متفقین مدتی متواری بود. شیخ محمد حسین در اواخر عمر در تهران زیست و در این شهر وفات یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۵۰/۲)، شرح حال رجال (۲۳۲ –۲۳۱ /۶)، علماء معاصرین (۲۸۹ –۲۸۸).

براهنی، رضا

قرن:۲۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نویسنده، شاعر و منتقد ادبی ایرانی است. او عضو کانون نویسندگان ایران و رئیس سابق انجمن قلم کانادا است .[۱] آثار او به زبان‌های مختلف از جمله انگلیسی، سوئدی و فرانسوی ترجمه شده‌است. زندگینامه

رضا براهنی در سال ۱۳۱۴ خورشیدی، در تبریز به دنیا آمد خانواده‌اش زندگی فقیرانه‌ای داشتند و وی در ضمن آموزشهای دبستانی و دبیرستانی به ناگزیر کار می‌کرد. در ۲۲ سالگی از دانشگاه تبریز لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی گرفت سپس به ترکیه رفت و پس از دریافت درجه دکتری در رشته خود به ایران بازگشت و در دانشگاه به تدریس مشغول شد در سال ۱۳۵۱ خورشیدی به آمریکا رفت و شروع به تدریس کرد . یک سال بعد که به ایران آمد دستگیر و زندانی شد. در سال ۱۳۵۳ خورشیدی، بار دیگر به آمریکا رفت در سال ۱۳۵۶ جایزه بهترین روزنامه نگار حقوق انسانی را گرفت. [۲] آثار ادبی

اشعار

- آهوان باغ (۱۳۴۱)
- جنگل و شهر (۱۳۴۳)

•شبی از نیمروز(۱۳۴۴)

•مصیبتی زیر آفتاب(۱۳۴۹)

•گل بر گسترده ماه(۱۳۴۹)

•ظل الله(۱۳۵۸)

•نقاب‌ها و بندها (انگلیسی)(۱۳۵۶)

•غم‌های بزرگ(۱۳۶۳)

•بیا کنار پنجره(۱۳۶۷)

•خطاب به پروانه‌ها

•اسماعیل(۱۳۶۶)[۳] , [۴] رمان

•آواز کشتگان

•رازهای سرزمین من

•آزاده خانم و نویسنده‌اش، ناشر: انتشارات کاروان

•الیاس در نیویورک

•روزگار دوزخی آقای ایاز

•چاه به چاه

•بعد از عروسی چه گذشت[۵] , [۶] نقد ادبی

•طلا در مس

•قصه‌نویسی

•کیمیا و خاک

•تاریخ مذکر

•در انقلاب ایران

•خطاب به پروانه‌ها یا چرا من دیگر شاعر نیمایی نیستم

•گزارش به نسل بی سن فردا (سخنرانیهاومصاحبه‌ها)[۷] جوایز

•برنده جایزه ادبی یلدا (۱۳۸۴)، برای یک عمر فعالیت فرهنگی در زمینه نقد ادبی. [۸]

منابع زندگینامه :http://www.sourehcinema.com/

براهنی، محمدنقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمـد نقی براهنی درسال ۱۳۱۱ درتبریز چشم به جهان گشود .دوران ابتـدایی و متوسطه را در زادگاهش سپری کرد .وی در سال ۱۳۲۴ در رشـته آموزش زبان کارشناسـی خود را از دانشـگاه تبریز اخـذ نمود.با توجه به شایسـتگی در دوران تحصـیل در سال ۱۳۳۵ با دریافت بورس تحصیلی به انگلستان رفت و در سال ۱۳۳۶ دیپلم اکادمیک روانشناسی پرورشی را از دانشگاه لندن دریافت کرد.دکتر براهنی تحصـیلات خود را در رشـته روانشناسـی ادامه داد تـا اینکه در سـال ۱۳۴۷ مدرک دکتری رشـته روانشناسـی را از دانشـگاه کلمبیـا آمریکـا اخـذ کرد.وی پس از مراجعت به ایران در دانشکده علوم تربیتی به تـدریس و پژوهش پرداخت و در سال ۱۳۶۲ با درجه دانشیاری ،زود هنگام بازنشسته گردید.سرانجام دکتر براهنی پس از طی یکسال بیماری های پیاپی در سال ۱۳۸۱ دار فانی را وداع گفت.گروه : علوم انسانی رشـته : روان شناسـی تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : محمد نقی براهنی دبسـتان ودبیرسـتان خود را درزادگاهش به پایان رسانـد ، بعد وارد دانشـگاه تبریز شد و درسال ۱۳۳۴ با درجه عالی مـدرک لیسانس خودرا درآموزش زبـان دریافت کرد . درسال ۱۳۳۵ بادریافت بورسیه تحصـیلی به کشور انگلستان اعزام شد و درسال ۱۳۳۶ توانست ازدانشگاه دیپلم آکادمیک روانشناسـی پرورشی را دریافت نماید . بعد از دریافت این مدرک به ادامه تحصیل پرداخت . در سال ۱۳۳۸ موفق به اخذ درجه فوق لیسـانس روانشناسـی پرورشـی از دانشگاه لنـدن گردیـد .سپس برای ادامه تحصـیل به آمریکـا اعزام و در سال ۱۳۴۵ از دانشـگاه کلمبیا درجه فوق لیسانس روانشناسـی دریافت کرد . به دنبال این موفقیت، تحصـیل دوره دکتری را شروع کرده همزمان با آن به عنوان متخصـص آزمون سازی در موسسه هارگوت پرس واقع در نیویورگ آمریکا شروع به کار کرد و تا سال ۱۳۴۶ به این کار ادامه داد.دکتر محمد نقی براهنی در سال ۱۳۴۷ درجه دکتری روانشناسی را از دانشگاه یاد شده دریافت کرد. همسر و فرزندان : ثمره ازدواج محمـد نقی براهنی با خانمی آموزگار دو فرزند می باشد که یکی از آنان متخصـص زنان و زایمان و دیگری در حال گذرانـدن تخصـص در رشـته طب اطفال است که همواره گرمی بخش زنـدگانی سراسر کوشـش و تلاش او بوده انـد — هم او که هرگز گرد منصب و مقـام نگشت و هم او که از سر فروتنی، گمنام مانـدن را برگزیـده بود چنانکه در پاسخ درخواست های مکرر دوسـتان و همکاران برای برگزاری مجلس بزرگداشتی برای او به یکی از دوستان شریفش گفته بود " شما می خواهید برای مورچه عروسی راه بیاندازید ". وقایع میانسالی : محمد نفی براهنی در اواسط سال ۱۳۴۰ به تبریز عزیمت کرد و تا سال ۱۳۴۳ به عنوان عضو هیـات علمی گروه روانشناسـی دانشـگاه تبریز به تـدریس و پژوهش پرداختزمان و علت فوت : شادروان دکتر محمـد نقی براهنی در آخرین سه شـنبه مردادماه هزار و سیصد و هشتاد و یک در پایان یک سال طولانی پر از روزهای دشوار بیماری های پیاپی (اگرچه

در حلقه محبتهای خانواده مهربان و دوستان شفیق) در آرامش ابدی قرار گرفتند و در قطعه هنرمندان گلزار وادی رحمت شهر تبریز به خاک سپرده شدند. روانش شاد و یادش گرامی باد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : همزمان با تحصیل محمد نقی براهنی دردوره لیسانس درشهرستان مرند ،به عنوان آموزگار مشغول به کارشد و پس از دریافت مدرک لیسانس به مدت دو سال دردبیرستانهای ارومیه به تحصیل پرداخت .در اواسط ۱۳۴۰ به تبریز عزیمت کرد و تاسال ۱۳۴۳ به عنوان هیات علمی گروه روانشناسی دانشگاه تبریز به تدریس پرداخت . همزمان با تحصیل در دوره دکتری به عنوان متخصص آزمون سازی در موسسه هارگوت پرس واقع در نیویورگ آمریکا شروع به کارکرده و تاسال ۱۳۴۶ به این کار ادامه داد . دکتر براهنی برای ادامه کار به ایران بازگشت و در گروه روانشناسی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران ، به سمت استاد یاری و سپس دانشیاری به تدریس و پژوهش پرداخت . درسال ۱۳۶۲ به همان درجه دانشیاری از دانشگاه تهران بازنشسته شد .فعالیتهای آموزشی : محمد نقی براهنی در دوران حضور در دانشگاه تهران با توجه به فقدان کتابهای درسی شایسته در زمینه های اصلی روانشناسی علمی روز به ترجمه متون زیربنایی دانشگاههای پیشتاز و پراعتبار جهان همت گماشت . کتابهای مبانی نظری آزمون های روانی ، انگیزش و هیجان ، روان آزمایی ، روانشناسی یادگیری محصول این رویکرد استاد است . پاپای این تلاشها ، نخستین گامها را در راه فعالیتهای آزمایشی و تجربی یا به بیان دقیق تر عملی شدن مفهوم پژوهش و تحقیق در این شاخه از دانش بشری برداشت. نخستین اقدام برای تهیه هنجاریابی آزمون ها ، بویژه آزمونهای شناختی در این مسیر قرار داشت . ضرورت وجود این قبیل آزمونها در وزارت علوم و نیز آموزش و پرورش و همچنین برای بسیاری از برنامه ریزی های آموزشی کلان کشوری از دیر زمان احساس می شد . استاد در کنار این تلاش های چند جانبه طرح بزرگ " بررسی رابطه نمرات دانشگاهی با نمرات آزمون ورودی دانشگاهها و نمرات دبیرستانی " را به اجرا در آورد و نتایج آن را در کنفرانس های داخلی و خارجی منتش ساخت . در عین حال که دقت علمی تا سرحد وسواس، مهمترین خط مشی استاد بود با این همه رفتار بسیار دوستانه و فروتنانه او خصوصا با دانشجویان همواره به چشم می آمد و گاه مایع شگفتی بود. علاوه بر همه این فعالیت های چشمگیر، کار بزرگ دیگری نیز در کارنامه خدمات ملی دکتر براهنی قرار دارد و آن ساختن مجموعه آزمونی تحت عنوان " مجموعه آزمون تشخیص استعداد " است؛ گزارش سال ها رنج و مرارت او در زمینه این کار خارق العاده در اختیار مسئولین آموزش و پرورش قرار دارد و امید می رود هر چه زودتر انتشار یافته و زمینه کاربرد آن فراهم گردد . سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد نقی براهنی در طول تعطیلی دانشگاهها و بخصوص بعد از بازنشستگی ، تهیه چند کتاب بنیادی دیگر از جمله کتاب نظریه های یادگیری و همچنین تهیه هنجار ایرانی برای رایجترین آزمون شناختی دنیا (وکسلر) در دستور کار استاد قرار گرفت و در همین دوران بود که با دعوت انسانی بسیار شریف در انستیتو روانپزشکی تهران به تدریس روی آورد و به آموزش دانشجویان و راهنمایی پایان نامه های دوره های کارشناسی ارشد ، دکتری و دوره های تخصصی همت گماشت . گردهم آمدن صاحبنظران و مدرسین دانشگاهها برای تالیف کتاب کلیدی " واژه نامه روانشناسی و زمینه های وابسته " و ترجمه کتاب " زمینه روانشناسی " از زمره تدابیر علمی فرهنگی بزرگی است که در دوران تعطیلی دانشگاهها شروع گردید. کتاب بزرگ دائرة المعارف روانشناسی را نیز در دست تهیه داشت که متاسفانه مهلت به ثمر رساندن آن را نیافت شاگردان : دکتر عشایری از جمله چهره های برجسته و نام آشنای رشته روانشناسی کشور، خاطرات فراوانی از سالهای دوستی، مراودت و همکاری با زنده یاد دکتر براهنی دارد. وی گوشه ای از خاطرات این سالها را اینگونه عنوان می کند: «من هیچوقت از آن مرحوم نشنیدم که بگوید من خسته ام و ندیدم که به ساعت نگاه کند. یکبار پس از کلاسهای متعدد با دانشجویان در دانشگاه تبریز گفتم: دوستان، من خسته ام. ولی دکتر براهنی خیلی خونسرد گفتند: بهترین ساعتهای زندگی من همین ساعتهاست. در واقع به نظر ایشان، تعامل ، تفکر، سؤال و پرسش و پاسخ تقوای فکر بوده و هست». دکتر زمانی، آنچه از بودن در کنار استاد را به یاد می آورد، فعالیت استاد و کار و توجه به مصلحت اندیشی دیگران و باز هم کار: «دکتر براهنی فردی بود که با آن مرتبه وتوان علمی و با آن نوشته های درخشان، ساعتهای متمادی بدون اظهار ناراحتی از صرف وقت، فعالیت می کردند. هیچ وقت ندیدم که بگوید بهتر بود وقتم طور دیگری صرف شود. همیشه آخرین نفری بود که جلسات را ترک می کرد. تا هر وقت لازم بود، می ماند و این نموداری از آن ایمان با ارزش به کار علمی است. او همیشه به فکر مصلحت عام بود و نه منفعت شخصی. حتی بارها شاهد بودم، زمانی که مقام یا پستی به وی پیشنهاد می شد اکثراً آن را به دیگران پیشنهاد می کرد، باوجود آن که ایشان در بسیاری از موارد برای این سمت ها ارجح تراز بقیه بود.» دکتر بوالهری ،دکتر گلزاری ،دکتر سعید شاملو (استاد و مدیرگروه روانشناسی بالینی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی) از شاگردان زنده یاد محمد نقی براهنی می باشند.آرا و گرایشهای خاص : ایشان فارغ از سود و زیان مادی و تنها با رویکرد دانشمندی عاشق و بی خبر از خود و بی اعتنا به خور و خواب مشغول خدمت بود . تلاش های پیگیر این دانشمند فرزانه در استقرار موازین پژوهشهای علمی در این زمینه در چشم انداز بنیانگذاری انجمن روانشناسی ایران نیز قابل وصف استچگونگی عرضه آثار : محمد نقی براهنی به ترجمه متون زیربنایی دانشگاههای پیشتاز و پر اعتبار جهان همت گماشت . کتابهای مبانی نظری آزمون های روانی ، انگیزش و هیجان روان آزمایی، روانشناسی یادگیری محصول این رویکرد است . در طول تعطیلات دانشگاه برای تالیف «واژه نامه روانشناسی و زمینه های وابسته »و ترجمه کتاب «زمینه روانشناسی » از زمره تدابیر فرهنگی وی می باشد . بعد از بازنشستگی هم به تالیف کتابهای بنیادی از جمله «نظریه های یادگیری»و همچنین «تهیه هنجار ایرانی » ستون کار او قرار گرفت . وی دارای بیش از سی مقاله به زبان فارسی و در مجلات علمی کشور و چندین مقاله بین المللی، به علاوه چندین پژوهش علمی ـ ملی می باشد.آثار : ، انگیزش و هیجان ، تعبیر رؤیا ، روان آزمایی ، روانشناسی خرافات ، زمینه روانشناسی ، مبانی نظری آزمونهای روانی ، نظریه های یادگیری و مدیریت عوامل روانی ـ اجتماعی محیط کار ، واقعیت و خیال در روانشناسی

بربا، علی محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی محمد بربا

محل تولد : تویسرکان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای علی محمد بربا در سال ۱۳۳۹هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان تویسرکان دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیها از سوی دیگر او را راهی قم گردانید.

و در سال ۱۳۵۵ که سال های اوج خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود و حوزه های علمیه از طرف رژیم منحوس پهلوی به شدت تحت فشار بودند وارد حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود به قم ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت علیهم السلام با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۳ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون مرحوم آیت الله فاضل، مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی، آیت الله محقق داماد، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد از سال ۱۳۶۶ تا کنون به امر تدریس در دانشگاه پیام نور تویسرکان و دانشگاه آزاد اسلامی تویسرگان مشغول می باشد که حاصل زحمات ایشان پرورش دانشجویان فراونی می باشد. علاوه بر این وی به مدت ۱۰ سال بر کرسی ریاست دانشگاه آزاد اسلامی تویسرکان تکیه زده بود که در این مدت خدمات ارزنده ای به دانشجویان آن دانشگاه ارائه کرد. در ضمن استاد گرانقدر آقای بربا هیچ وقت از نگارش و پژوهش غافل نمانده و آثاری از قبیل" نقش استاد در سلوک روح الله"،"نقد نظری ترایون " و" عرفان و اهل بیت (ع")را به رشته تحریر در آورده است.

بربریان، مانوئل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر مانوئل بربریان در سال ۱۳۲۴ در تهران به دنیا آمد .پس از اخذ مدرک کارشناسی زمین شناسی از دانشگاه تهران ،در سال ۱۳۵۶ به دعوت دپارتمان زمین فیزیک (ژئوفیزیک) دانشگاه کمبریج انگلستان برای گذراندن دوره دکترا (Ph. D) به آن کشور رهسپار شد و پس از چهارسال تحقیق و پژوهش و طی دوره دکترا در سال ۱۳۶۰ به ایران بازگشت.وی در کنار کارهای پژوهشی ، هم اکنون به عنوان استاد مدّعو در دانشگاه تهران و مدرسهٔ تربیت مدرس در دوره های لیسانس و فوق لیسانس به تدریس اشتغال دارد . قابل ذکر است کتاب" دگریختی قاره ای در فلات ایران زمین "مانوئل بربریان ، در دوره دوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بـه عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم پایهرشته : فیزیکگرایش : ژئو فیزیکتحصیلات رسمی و حرفه ای : مانوئل بربریان پس از اخذ دیپلم و ورود به دانشگاه در سال ۱۳۴۷ درجه لیسانس رشتهٔ زمین شناسی عمومی دانشگاه تهران را با رتبهٔ اول دریافت کرد. پس از انجام خدمت نظام وظیفه در سال ۱۳۵۰ به استخدام سازمان زمین شناسی کشور درآمد .در سال ۱۳۵۶ به دعوت دپارتمان زمین فیزیک (ژئوفیزیک) دانشگاه کمبریج انگلستان برای گذراندن دوره دکترا (Ph. D) بـه آن کشور رهسپار شـد و پس از چهارسال تحقیق و پژوهش و طی دوره دکترا در سال ۱۳۶۰ بـه ایران بازگشتمشاغل و سمتهای مورد تصدی : مانوئل بربریان پس از انجام خدمت نظام وظیفه در سال ۱۳۵۰ به استخدام سازمان زمین شناسی کشور درآمد و پس از مدتی بخش جدید پژوهشی زمین ساخت ولرزه زمین ساخت این سازمان را پایه گذاری کرد ودر سال ۱۳۵۶ به ریاست این بخش برگزیده شد .ایشان در سال ۱۳۵۹ به عنوان مشاور علمی سازمان ملل متحد، مسؤول بررسیهای صحرایی و علمی لرزه شناسی و خطر زمین لرزه – گسلش در گسترهٔ طرح کارخانه ها و شهرک مسکونی معدن مس پورخیری سعیندک پاکستان بوده است. وی در سال ۱۳۶۱ به سرپرستی طرح اکتشافات زمین شناسی و معدنی ناحیهٔ ۲ جنوب خاوری ایران (بم، زاهدان، میرجاوه) در سازمان زمین شناسی کشور تعیین شد. فعالیتهای آموزشی : مانوئل بربریان در کنار کارهای پژوهشی ، هم اکنون به عنوان استاد مدّعو در دانشگاه تهران و مدرسهٔ تربیت مدرس در دوره های لیسانس و فوق لیسانس به تدریس اشتغال دارد . در عین حال به عنوان مشاور علمی در طرحهای بزرگ عمرانی کشور شرکت داشته است. از جمله این طرح ها می توان از نیروگاه هسته ای بوشهر(۱۳۵۳)، خط لولهٔ گاز پارس(۱۳۵۷)، بررسی زمین لرزه و خط زمین لرزه – گسلش در تهران و حومه ، قزوین و حومه، همدان،قم و زنجان (۱۳۶۲و۱۳۶۳)،حوضهٔ آبریز شمال بندر عباس (۱۳۶۲)، حوصهٔ آبریز باختر جازموریان (۱۳۶۳)، پالایشگاه گاز سر خون در شمال بندر عباس (۱۳۶۳) یاد کرد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : مانوئل بربریان بخش جدید پژوهشی زمین ساخت ولرزه زمین ساخت سازمان زمین شناسی کشور را پایه گذاری کردجوائز و نشانها : کتاب" دگریختی

قاره ای در فلات ایران زمین "مانوئل بربریان ، در دوره دوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : مانوئل بربریان خدمتهای ارزنده ای در زمینه ی پژوهشهای لرزه شناسی زمین لرزه ها، زمین ساخت و زمین شناسی نموده و در طول سیزده سال سابقهٔ پژوهشی خویش تاکنون ۱۷۱ نوشتار علمی به زبانهای انگلیسی و فارسی نگاشته است. از این شماره ۳۵ نوشتار برجسته در کتابها و نشریه های علمی انگلستان، کانادا، آمریکا، شوروی، هلند، فرانسه و ایتالیا به چاپ رسیده است، که خود سهم بسزایی در معرفی فعالیتهای سازمان زمین شناسی کشور به جهانیان داشته است.

آثار : ۱ دگریختی قاره ای در فلات ایران زمین ویژگی اثر : برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران–آشنایی با کتاب فوق: پژوهش و بررسی لرزه زمین ساخت ایران زمین (بخش چهارم) برای دستیابی به کانسارهای سودمند زمین، بهره برداری درست همراه با برنامه ریزی صحیح اکتشافات کانسارها با کمترین خرج ممکن، بینش و شناخت درست و دقیقی از فرآیندهای زمین شناختی، زمین ساختی و تکامل ژئوتکتونیک هرناحیه مورد نیاز می باشد. هدف از پژوهش انجام شده در این کتاب روشن ساختن چگونگی تشکیل و تاریخچ ?دگریختی پوست ?ایران از زمانهای اولیه تاکنون است که کمکی مهم در امر برنامه ریزی اکتشافات کانسارهای مفید موجود در مملکت می باشد. این کتاب شامل ۲۶ نوشتار پژوهشی علمی قوی در زمین ?زمین لرزه های ایران، گسل های زمین لرزه ای، بخشهای لرزه خیز کشور، ویژگیهای لرزه زمین ساختی ایران و چگونگی تکوین پوسته ایران و تغییرات آن از ۶۰۰ میلیون سال پیش تاکنون می باشد که در ۷۰۰ صفحه به زبانهای فارسی و انگلیسی به چاپ رسیده است. مطالب کتاب حاصل پژوهشهای صحرایی، آزمایشگاهی، دستگاهی، دفتری و رایانه (کامپیوتری) چندسال ?اخیر نویسنده در دپارتمان زمین فیزیک و علوم زمین دانشگاه کمبریج انگلستان و بخش پژوهشی زمین ساخت و لرزه زمین ساخت سازمان زمین شناسی کشور می باشد، که با استفاده از آخرین داده ها و جدیدترین پژوهشهای زمین شناسی کشورهای پیشرفته علمی صنعتی دنیا تهیه شده است. کتاب پاسخگوی بسیاری از نیازهای علمی و فنی درباره پژوهشهای لرزه شناسی زمین لرزه ها، زمین شناسی و زمین ساخت ایران بوده و علاوه بر ارزش آکادمیک و علمی آن برای دانشمندان علوم زمین ایران و جهان کاربرد فراوانی در زمین شناسی کاربردی، زمین فیزیک و اکتشافات معدنی دارد. از آنجا که تمام کارهای پیشین و جدیدترین پیشرفتها در این زمینه ملاحظه شده است، خوانند ?جستجوگر به آسانی می تواند تمامی نوشتارهای موجود در زمین ?علوم زمین شناختی ایران را که در ایران و سایر کشورهای دنیا منتشر شده است در کتابنگاری این کتاب بدست آورد. همراه این کتاب، اوّلین نقش ?زمین ساخت (تکتونیک) ایران زمین با بهره گیری از انگار ?جدید زمین ساخت پهنه ای (پلیت تکتونیک)، تهیه و در دسترس پژوهشگران علوم زمین قرار گرفته است منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

برجی، یعقوب علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یعقوب علی برجی

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۲

زندگینامه علمی

در سال تحصیلی ۵۳–۵۲ وارد حوزه علمیه" فضل ابن شاذان "نیشابور شدم. ادبیات عرب، معانی بیان، منطق، لمعتین و اصول فقه را در آن حوزه فرا گرفتم. در سال ۱۳۵۸ به حوزه علمیه مشهد هجرت نموده و کتابهای«الرسائل» شیخ اعظم انصاری و کتاب «المکاسب» و نیز«کفایتین» را از محضر اساتید معروف آن دیار فرا گرفتم. و در سال ۱۳۶۱ به منظور ادامه تحصیل در حوزه علمیه قم اقامت نموده و در جوار حرم حضرت معصومه(س)سکنی گزیدم. پایه های درسی حوزه علمیه قم را امتحان داده و با عنوان«عالی قابل تشویق است» قبول شدم. و پس از یک سال(سال ۶۲) آخرین پایه درسی حوزه علمیه یعنی پایه ۹ را امتحان داده قبول شدم و به درس های خارج حوزه علمیه راه یافتم و از میان حوزه های مختلف درسی، خارج فقه حضرت آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی و خارج اصول حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی را انتخاب نموده و تا سال ۱۳۷۵ به مدت ۱۳ سال از محضر درس خارج این دو بزرگوار بهره بردم، در کنار فقه اصول به معقول و فلسفه و کلام نیز پرداختم.«نهایهٔ الحکمه» را از محضر استاد مصباح یزدی، «منظومه» مرحوم ملا هادی سبزواری را از محضر استاد انصاری شیرازی و«الاشارات و التنبیهات» را از محضر استاد علامه حسن زاده آملی و «کشف المراد» را از محضر استاد دکتر بهشتی استفاده نمودم. و در سال تحصیلی ۷۰– ۶۹ در کنکور تربیت مدرس قم(دار الشفاء)شرکت نموده و قبول شدم و سال ۷۲ موفق به اخذ کارشناسی ارشد(فوق لیسانس) با معدل ۵۱/۱۸ شده و در تاریخ ۲۰/۷/۷۲ پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان: «بدعت و دیدگاهای مختلف درباره آن» را در محضر دکتر محمد باقر حجتی(استاد راهنما)،حضرت آیت الله معرفت(ره)(استاد مشاور)، جناب دکتر بهشتی(ناظر)و جمعی دیگر از اساتید دفاع نموده و با نمره نوزده(۱۹)از ۲۰ و درجه عالی از آن مرکز فارغ التحصیل گردیدم و در سال تحصیلی ۷۳–۷۲ در کنکور دکترای گرایش فقه و اصول دانشگاه امام صادق(ع) شرکت کرده و قبول شدم و در این دانشگاه از محضر اساتید نام آوری همچون حضرت آیت الله

مهدوی کنی، آیت الله باقری کنی، حضرت حجج اسلام سید حسن مصطفوی و سید حسین مصطفوی و ... بهره ها برده و در تاریخ ۲/۴/۸۰ رساله دکتری را با عنوان«سیر تاریخی نظریه ولایت فقیه» در محضر آیت الله باقری کنی(استاد راهنما)، آیت الله مهدوی کنی(استاد مشاور)،مصباحی، مرعشی(اساتید داور)و جمعی دیگر از اساتید و بعضی از مسؤولان دانشگاه و تعداد زیادی از دانشجویان دانشگاه دفاع کرده و با نمره ۹۶ و درجه عالی موفق به اخذ دکتری در رشته فقه و اصول گردیدم.

برخوردار، یدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

متخلص به «تائب» شاعر ادیب، در سه شنبه ۸ ذی حجه‌ی ۱۲۸۵ متولد، و در شب ۲ شنبه ۲۵ رمضان‌المبارک ۱۳۸۰ وفات یافته، دارای دیوان اشعار است، متجاوز از چندین هزار بیت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

بردعی، شمس‌الدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۱۷ ق)، شاعر، متخلص به حمدی و مشهور به ملازاده. پدر وی حاشیه‌ای بر «شرح ایساغوجی» دارد که مشهور است. خود وی نیز بر کتابهای چون: «تفسیر قاضی»؛ «شرح هدایه حکمت» و «آداب بحث مسعودی» حاشیه نوشته. او در سال ۹۱۷ ق از خراسان به خاک روم رفت و مورد احترام سلطان سلیم اول واقع شد. وی قصیده‌ای در ستایش او دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مجالس النفائس (۳۷۷-۳۷۰)، حبیب السیر (۳۵۸/۴)، لغت‌نامه (ذیل/ شمس‌الدین).

برزانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل [مجتهد] زاهد، فوت ۱۳۶۹، قبرش در بقعه‌ی وسط تکیه.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

برزش‌آبادی مشهدی، شهاب‌الدین، عبدالله

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، عارف و شاعر، متخلص به عبدالله. از مشایخ تصوف و از مریدان خواجه اسحاق ختلانی و از پیشوایان سلسله‌ی ذهبی بود، رشیدالدین محمد بیدآوازی خلیفه و جانشین وی بود. او غزل را نیکو می‌سروده است. از جمله‌ی آثار وی «رساله‌ی کمالیه» است که آن را در سال ۸۲۷ ق تألیف کرده و اشعار علاءالدوله سمنانی را در آن آورده است. «دیوان» شعری نیز از وی باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۲۰)، الذریعه (۱۳۸/۱۸، ۷۳۳/۹).

برزگر فاضلی، اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اصغر برزگر فاضلی

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

این جانب اصغر برزگر فاضلی در سال ۱۳۶۱پس از اخذ دیپلم (فرهنگ و ادب)وارد حوزه علمیه امام صادق علیه السلام شهرستان نور شدم و پس از گذراندن پایه اول ودوم در سال ۱۳۶۴وارد حوزه علمیه قم شدم که تا سال ۱۳۶۹موفق به اتمام پایه ۹و سطح سه حوزه شدم که در این دوران علاوه بر گذراندن دروس اصلی و جانبی پایه های حوزه دروس فلسفه بدایه ونهایه و برخی دروس تفسیر قرآن و دروس هیئت حضرت آیت الله حسن زاده آملی را نیز گذراندم .

از سال ۱۳۷۰دروس خارج فقه واصول حوزه را شروع نمودم که در این مدت علاوه بر ادامه دروس فلسفه اسفار، شرح اشارات ، بخشهایی از شفا ، تمهیدالقواعد ، از سال ۱۳۷۴در دوره کارشناسی ارشد دانشگاه قم تربیت مدرس دارالشفاء شرکت نمودم که در سال ۱۳۷۷موفق به اخذ پایان نامه آن شدم و در طی سالهای ۸۲تا ۸۴در دانشگاههای کرج و اراک دروس معارف اسلامی را تدریس نمودم .

برزگر، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم برزگر سال۱۳۴۳ در شهر آباده شیراز به دنیا آمد. بعدز از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه در شیراز در دانشگاه امام صادق (ع) در رشته علوم سیاسی شروع به تحصیل کرد و دکترای این رشته را از دانشگاه تربیت مدرس سال ۱۳۷۹ اخذ کرد وی هم اکنون در دانشگاه علامه طباطبائی بادرجه دانشیاری مشغول به خدمت استگروه : علوم انسانیرشته : علوم سیاسیگرایش : اندیشه در اسلام و ایران و غربوالدین و انساب : پدر ابراهیم برزگر حاجی برزگر و مادر محترمشان نرگس برزگر میباشد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : ابراهیم برزگر در خانواده‌ای با زندگی متوسط رو به پایین که از فضای دینی و افراد متدین با انگیزه رشد بالا در تحصیل بر خوردار بود پرورش یافتتحصیلات رسمی و حرفه ای : ابراهیم برزگر لیسانس و فوق لیسانس علوم سیاسی از دانشگاه امام صادق (ع) و دکترای این رشته از دانشگاه تربیت مدرس را در سال ۱۳۷۹ اخذ کردفعالیتهای ضمن تحصیل : ابراهیم برزگر به انجام کارهای فرهنگی و پژوهشی مشغول بوده است.همسر و فرزندان : همسر ابراهیم برزگر محبوبه نازک کار حقیقی است که دارای دو فرزند به نامهای سعیده و علی میباشند.وقایع میانسالی : حضور در جبه های جنگ دفاع مقدس و منجر به صدمه دیدگی از ناحیه سر و گوش راست و آسیب دیدگی پرده گوش ابراهیم برزگر شده است..مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مسئول گروه علوم سیاسی (غیر رسمی) در موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۷۰-۱۳۶۸ دیر گروه علوم سیاسی سازمان سمت ۱۳۷۱(سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی دانشگاهها) مدیر گروه علوم سیاسی سازمان سمت سردبیر مجله سخن سازمان سمت ۱۳۷۷ معاون پژوهشی سازمان سمت به مدت ۲ سال و هفت ماه معاون آموزشی و تحصیلات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه ۱۳۸۲ معاون پژوهشی دانشگاه علامه طباطبائی از سال ۱۳۸۴ تا کنون سردبیر مجله پژوهش حقوق و سیاست_ بخش سیاست و روابط بین الملل - سال ۱۳۸۵فعالیتهای آموزشی : ابراهیم برزگر تدریس در دانشگاههای امام خمینی (قدرس ره) و دانشگاه کار و دانشگاه علامه طباطبائی را در کارنامه دارد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : فعالیت کار و زندگی ۲۴ ساعته مانند یک فرد دانشگاهیآرا و گرایشهای خاص : ابراهیم برزگر گرایشی مستقل دارد و تاکنو به حزبی نپیوسته است ولی مخالف تحزب نیست و آن را کاری مفید میداند و میگوید " : به شرط رعایت تعاریف دقیق آن در عمل و جوشش آن از پایین نه تاسیس آن از بالا توسط صاحبان قدرت"جوائز و نشانها : مدیر نمونه سازمان سمت در سال ۱۳۷۸ پژوهشگر نمونه دانشکده در سال ۱۳۸۵ آثار : تاریخ تحول دولت در اسلام و ایران ویژگی اثر : سازمان سمت ۱۳۸۳، ۷۰۰ سال تحول دولت در ایران بعد از اسلام رابا نگاهی تئوریک تحلیلی و با دستمایه ای از نظریه پردازی مورد تجزیه و تحلیل جامعه شناختی قرار داده است. نشان میدهد که چگونه هویت امروز ماایرانیان توسط لایههایی در پی انباشتی شکل گرفته است.۲ روان شناسی سیاسی ویژگی اثر : سازمان سمت در دست چاپ ۱۳۸۵، کتاب درسی که میکوشد در فرمت کتاب درسی، محتوای روان شناسی سیاسی را برای دانشجویان توضیح دهد.۳ مبانی تصمیم گیری سیاسی حضرت امام خمینی (قدس ره) ویژگی اثر : سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۷۴

برزگر، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی برزگر بفروئی

محل تولد : میبد یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد علی برزگر بفروئی در سن بیست و هشت سالگی رسماً مشغول تحصیل علوم دینی در حوزه اردکان یزد گردیدم و تا سال ۵۶ در آنجا مشغول بودم در سال ۵۷ موفق به سکنی در قم گردیدم و از اساتیدی مانند آقایان اعتمادی، ستوده، وزیری ،

محقق ، آیات عظام سبحانی، تبریزی، وحید خراسانی بهره علمی بردم و در ضمن تحصیل به تحققات در بحارالانوار و کتابهای مربوط به سیره اهل بیت مدت ۹ سال سپری کردم و نیز در دانشگاه جنوب تهران مدت کوتاهی مشغول تدریس علوم اخلاق و معارف بودم که بعلت مشکلی که در تنفس داشتم از ادامه آن محروم گردیدم.

برسه نیشابوری، محمود

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۷۲ ق)، شاعر. از شاعران نامی خراسان بود که در زمان علاءالدوله میرزا در نیشابور می‌زیست، و «ده نامه» را به نام او به نظم کشید. ظاهرا وی مردی خودپسند بود و به همین جهت شعرای زمان از او رنجیده بودند و او را هجو می‌گفتند. برسه ناچار از خراسان به بدخشان رفت و مورد نوازش سلطان محمد بدخشانی که مردی دانش‌دوست بود، قرار گرفت. از اموالی که سلطان محمد به او بخشید مالدار شد و به تجارت پرداخت. وقتی که سلطان ابوسعید گورکانی در باغ زاغان هرات جشنی ترتیب داده بود و شعرا مدیحه‌هایی برای سلطان می‌خواندند، قصیده‌ی خواجه محمود در وصف شاه مورد توجه سلطان واقع شد و سبب احترام و شهرت بیشتر وی شد. از آثار او: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۰۷-۳۰۶)، تذکرهٔ الشعراء (۵۳۵-۵۳۳)، الذریعه (۱۰۰۸/۹)، فرهنگ سخنوران (۸۱۹).

برغانی علوی قزوینی، عبدالحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۹۰ ق)، فقیه و حکیم. در قزوین به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت. پس از فراگیری مقدمات، فقه و اصول را نزد پدرش ملاعلی برغانی و عمویش، شهید ثالث و عموی دیگرش ملا محمد صالح برغانی آموخت. حکمت و فلسفه را نیز در محضر ملا آقا حکمی و آخوند ملا یوسف حکمی و آخوند ملاصفر علی لاهیجی تلمذ کرد. سپس به عتبات عراق رفت و در درس سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض» حاضر شد و از حوزه‌ی درس سید محمد مجاهد و شریف العلمای مازندرانی استفاده کرد. در کربلا عهده‌دار مقام زعامت امور شرعی و فتوا و تدریس بود. سپس به قزوین بازگشت و از مدرسان مدرسه صالحیه شد و پس از وفات پدرش از مراجع تقلید گشت. او داماد عمویش، ملا صالح برغانی، و شوهر قرةالعین بود. فرزندش، شیخ رضا، شیخ الاسلام قزوین و متولی اوقاف برغانی‌ها بود. از جمله آثارش: «نفحات الالهام»، در شرح «شرایع الاسلام»؛ شرح «القواعد» علامه‌ی حلی؛ از اول «طهارت» تا «کتاب المتاجر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۴۷/۲۴، ۱۹/۱۴، ۷۷/۱۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳ ۷۱۳-۷۱۲/ ۱۳)، مستدرکات اعیان (۳۰۳/۲)، مکارم الآثار (۱۷۰۹/۵)، مینودر (۷۴۹/۲).

برغانی قزوینی، عبدالوهاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۴ ق)، فقیه، مجتهد، متکلم، حکیم، واعظ و شاعر. پس از فراگیری مقدمات و ادبیات، فقه و اصول را از پدرش و عمویش شهید ثالث فراگرفت. آن گاه به اصفهان رفت و حکمت و فلسفه را در حوزه‌ی درس آخوند ملاعلی نوری آموخت و پس از وفات ملاعلی نوری به حوزه درس ملاآقا حکمی قزوینی پیوست و از شاگردان درجه اول او به حساب می‌آمد. برغانی سپس به عراق رفت و در محضر درس سید محمد مجاهد و شریف العلمای مازندرانی و شیخ محمد حسن نجفی صاحب «جواهر» تلمذ کرد و به درجه اجتهاد نایل شد. وی با استادش سید محمد مجاهد در جنگ روسیه و ایران شرکت کرد. او چندی در کربلا به تدریس مشغول بود و چون پدرش درگذشت در قزوین و سپس در تهران اقامت گزید. او مرجع تقلید و فتوا و مدرس طلاب علوم دینی بود و تدریس فلسفه و عرفان بعد از فوت ملا آقا حکمی کاملا بر عهده‌ی او قرار گرفت. از مشهورترین شاگردانش، سید جمال‌الدین اسدآبادی است که در مدرسه صالحیه فلسفه و عرفان را از او اخذ کرد. به گفته‌ی صاحب «المآثر و الآثار»، در طلاقت زبان و ملاحت بیان و حلاوت لهجه و حسن تفهیم عموما و در منبر خصوصا در تمام ایران یگانه بود. از آثار وی: «خصائص الاعلام فی شرح شرائع الاسلام»، به عربی، در پانزده مجلد؛ «مخازن الاصول»، به عربی، در اصول فقه، در بیست مجلد؛ شرح بر «عرشیه‌ی» ملاصدرا؛ «دیوان» شعر؛ کتاب «سوز و گداز»، در قالب مثنوی در واقعه کربلا.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۰۸/۱۳)، المآثر و الآثار (۱۶۳)، مستدرکات اعیان (۳۰۴/۲).

برغانی قزوینی، محمد تقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۴/۱۲۶۳ –۱۱۸۴ ق)، فقیه و عـالم امـامی. مشـهور به شـهید ثـالث. در برغـان کرج به دنیـا آمـد. در آغاز در قزوین به تحصـیل مقـدمات و ادبیـات مشـغول شـد و پس از آن بـه قم رفت و در مجلس درس میرزای قمی، صـاحب «قـوانین»، حاضـر شـد. سـپس به اصـفهان رفت و در محضر علمایی آن شهر به ادامه تحصیل پرداخت. او از آنجا به عتبات مشرف شد و در حوزه‌ی درس شیخ جعفر کاشف الغطاء و آقا سـید علی طباطبایی، صاحب «ریاض» و پسـرش سید مجاهد حاضر شد و علوم دینی را اخذ کرد. برغانی از شیخ جعفر نجفی، صاحب «کشف الغطاء»، و از سـید محمـد مجاهد، فرزند صاحب «ریاض»، و میرزای قمی، صاحب «قوانین»، به دریافت اجـازه‌ی اجتهـاد نایـل آمـد. او در نتیجه‌ی مخالفت با پیروان شـیخ احمـد احسایی و به تحریک فرقه‌ی بابیه در محراب مسـجد جامع الصـغیر در حال سجده مجروح و به شهادت رسید و در جوار شاهزاده حسین دفن شد. از آثارش: «عیون الاصول»، در اصول فقه، در دو مجلـد؛ «منهـج الاجتهاد فی شـرح شـرایع الاسـلام»، فقه اسـتدلالی، در بیست و چهار مجلـد؛ شـرح بر «لمعتین»؛ رساله‌ای در «نماز جمعه»؛ «رسالهٔ الدیات»، به فارسی؛ «ملحض العقائد»، در علم کلام؛ «مجالس المتقین»، به فارسی، در مواعظ.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۸۸ -۲۸۷ /۶)، اعیان الشیعه (۱۹۷/۹)، الذریعه (۱۸۳ -۱۸۲ /۲۳ ،۲۰۸ /۲۲ ،۳۶۴ /۱۹ ،۱۹۰ ،۶۸ /۱۵ -۲۸۵ ۸/)، روضات الجنات (۳۸۷ -۳۸۶ /۴)، ریحانه (۲۴۷/۱)، شهیدان راه فضیلت (۴۷۹ -۴۷۶)، فوائد الرضویه (۴۳۹)، قصص العلماء (۶۶ -۱۹)، الکنی و الالقاب (۶۴/۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۶۳ -۱۶۲ /۶)، المآثر و الآثار (۱۴۴)، معجم المؤلفین (۱۳۴/۹)، مکارم الآثار (۱۷۱۶ -۱۷۰۷ /۵)، مینودر (۸۹۴/۲).

برغانی قزوینی، محمد صالح

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۳ -۱۲۷۰ ق)، فقیه اصولی و مفسر. وی برادر شـهید ثـالث بود. در برغـان کرج به دنیـا آمـد. مقـدمات علم و ادب را نزد پـدرش در برغـان خوانـد و «قرآن» و «نهـج‌البلاغه» را از حفظ کرد و سـپس به قزوین رفت. فقه و اصول را نزد علمای قزوین و علوم عقلی را نزد آخونـد ملا آقا محمد بیدآبادی فراگرفت. آنگاه به عتبات عراق رفت و در کربلا به حوزه‌ی درس علامه وحید بهبهانی پیوست. بعـد از مـدتی به زادگاهش بازگشت و از محضر پدر اسـتفاده بیشتر برد. سپس به قم رفت و از حوزه‌ی درس میرزای قمی بهره‌مند شد و پس از آن به اصفهان سفر کرد و در محضر ملاعلی نوری علوم عقلی را تکمیل کرد و بعد در مشهد از حوزه‌ی درس شهید میرزا مهدی خراسانی استفاده برد. وی مجددا به سوی عراق رهسپار شد و در نجف از شیخ جعفر کاشف الغطاء و در کربلا از سیـد علی طباطبایی، صاحب «ریاض»، بهره‌ها گرفت و به درجه اجتهاد رسـید. در حدود سال ۱۲۲۰ ق به ایران بازگشت و در تهران سکنی گزیـد و عهـده‌دار کرسـی تـدریس و فتوا شد و طلاب علوم دینی گرد او جمع شدند. خاندان برغانی با جریان شـیخیه و بابیه برخوردی جـدی داشـتند. وی در کربلاـ در حـال دعـا در بالای سر مبارک حضـرت سیدالشـهدا (ع) از دنیا رفت. از برغانی حـدود سیصد کتاب و رساله و حاشیه باقی مانده است که از آن جمله: تفسیر «معدن الانوار و مشکاهٔ الاسرار»، در یک مجلد؛ تفسیر «مفتاح الجنان»، در هشت مجلد؛ تفسیر «بحر العرفان و معدن الایمان»، در هفده مجلد؛ تفسیر «کنز العرفان»؛ «غنیمهٔ المعاد فی شرح الارشاد»، در چهـارده مجلـد، در فقه؛ «مسالـک»؛ «اعمال السـنهٔ»، به فارسـی؛ «الـدرهٔ الثمینـهٔ»، در مواعظ؛ «منبع البکاء»، به عربی، مقتل؛ «معـدن البکاء»، به فارسی، مقتل.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۴/۷)، اعیان الشیعه (۳۶۹/۹)، ایضاح المکنون (۱۴۸/۲ -۳۰۴/۱)، الذریعه (۳۲۵ ،۲۲۰ /۲۱ ،۱۵۹ /۱۸ ،۷۱ /۱۶ ،۷۷ /۱۳ ،۹۶ -۹۵ /۸ ،۴۲ -۴۱ /۳ ،۲۴۵ /۲)، روضات الجنات (۳۸۷ -۳۸۶ /۴)، ریحانه (۲۴۸/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۶۱ -۶۶۰ /۱۳)، الکنی و الالقاب (۶۴/۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۶۲/۶)، المآثر و الآثار (۱۸۳ ،۱۴۴)، معجم المؤلفین (۸۶/۱۰)، مینودر (۸۴۵/۲).

برغانی قزوینی، محمد علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۱۷۵- ح ۱۲۶۹ ق)، عالم دینی، فقیه و عارف. معروف به حاج ملا علی برغانی. در برغان کرج به دنیا آمـد و نزد پـدر مقدمات علوم را آموخت و «قرآن» و «نهـج‌البلاغه» را حفـظ کرد. سـپس به قزوین رفت و سـطوح را نزد دو برادر بزرگتر خود، شـهید ثالث و ملا محمد صالح برغانی، تلمذ کرد. آن گاه به اصفهان رفت و فلسفه را از ملا علی نوری اخذ کرد. سپس به عتبات عراق رفت و در کربلا مقیم شد و محضر علامه وحید بهبهانی را درک کرد و بعد از آن در نجف نزد سـید علی طباطبایی، صاحب «ریاض»، و شیخ جعفر کاشف الغطاء مدارج عالی را پیمود و به درجه اجتهاد نایل شد. آن گاه به ایران بازگشت و در تهران مسـکن گزید. و یکی از

عالمان نام‌آور عهـد قاجاری شـد. بر اثر مخالفت با فتحعلی شاه به عراق تبعید شد و در کاظمین اقامت کرد و از خواص میرزا محمد اخباری شد. پس از قتل استادش به کربلا رفت و با شیخ احمد احسایی برخورد کرد و تحت تأثیر افکار او قرار گرفت و سالها ملازم وی شـد، و از وی نیز اجـازه دریـافت کرد. وی سالهـا در کربلاـ و نجـف و کرمانشـاه و قزوین به تـدریس و فتوا اشـتغال داشت. وی بنیانگذار مکتب جدیدی بین شیخیه و متشرعه می‌باشد.

از مشـهورترین شاگردان وی در عرفان و اخلاق ملا حسینقلی همدانی بود. مصنفات بسیاری در تفسیر و عرفان و فقه و حدیث از او باقی است که از آن جمله: «الاعتقادات»؛ «تـذکرة العارفین»؛ «حیاة الایمان فی العرفان»؛ «رموزات العارفین»؛ «ریاض الاحزان» که جلد پنجم آن به نام «جنة النعیم» و جلد هشتم آن به نام «جنة الرضوان» است؛ «الصـراط المسـتقیم»؛ «ضوابط الاصول»؛ «غنائم العارفین فی تفسیر القرآن المبین»؛ «فردوس العارفین فی بیان اسرار آل طاها و یاسین»؛ «لسان العارفین»؛ «مشکاة العارفین فی معرفة اصول الدین»؛ «معراج العارفین»؛ «هموم العارفین و اکسیر الصادقین»؛ «مجمع الرسائل»، در شرح «المختصر النافع» محقق حلی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الـذریعه (۲۴۴ /۲۵ ،۲۳۲ -۲۳۱ ،۵۸ /۲۱ ،۳۰۷ -۳۰۶ /۱۸ ،۱۶۶ ،۶۴ /۱۶ ،۳۱۷ ،۲۵۳ /۱۱ ،۱۱۷ /۷)، ریحانه (۲۴۸/۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۶۲/۶)، المآثر و الآثار (۱۴۴)، مستدرکات اعیان (۲۹۹/۲)، مکارم الآثار (۱۷۰۹ -۱۷۰۷ /۵).

برغانی قزوینی، موسی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

موسـی برغانی قزوینی در سال ۱۲۵۹ ، در قزوین به دنیا آمـد. وی علوم اسـلامی را نزد علمای زمان خود و همچنین بزرگان خانواده اش فراگرفت. روش تفسیری برغـانی قزوینی ، کلامی و روایی است که با ذکر آیه به بیان روایات و احادیث وارد شـده در پیرامون آن می پردازد و سپس نظرات و آراء مفسران پیشین و پدرش ملا صالح را متذکر شده به نقد و بررسی آنها می پردازد.گروه : علوم انسانیرشـته : الهیات و معارف اسـلامیوالدین و انساب : موسـی برغانی قزوینی صالحی فرزند ملا صالح برغانی قزوینی (م۱۲۹۸ق) از علمای قرن سـیزدهم هجری در دوران سـلاطین قاجار بوده است.اوضاع اجتماعی و شـرایط زندگی : شـیخ موسـی برغانی قزوینی از خانواده علم و دانشـی است که هر کـدام از آن خانواده به نوبه خود با تـدریس ، تبلیغ و تالیف در زمینه های قرآنی و علوم اسـلامی خدمتی در خور تحسـین به جامعه علمی نموده و یادگارانی از خود برجای گذاشـته است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ موسی برغـانی قزوینی ، علوم اسـلامی را نزد علمـای زمـان خود و همچنین بزرگـان خـانواده اش فراگرفت.آرا و گرایشـهای خاص : روش تفسـیری موسـی برغانی قزوینی ، کلامی و روایی است که با ذکر آیه به بیان روایات و احادیث وارد شده در پیرامون آن می پردازد و سپس نظرات و آراء مفسـران پیشـین و پـدرش ملا صالـح را متـذکر شده به نقد و بررسـی آنها می پردازد.آثار : اسـرارالتنزیل فی تفسیر القرآن ویژگی اثر : این کتاب تفسـیری است به زبان عربی و در دو جلد تالیف شده است. نسـخه اصـلی این تفسیر نزد میرزا حسن صالحی در قزوین موجود است.

منابع زندگینامه :قرآن پژوهان قزوین ، مولف: سیدمحمدعلی ایازی ، تهران: موسسه نمایشگاههای فرهنگی ایران ، ۱۳۸۰ ، ص ۱۰۴

برغانی، ام‌کلثوم

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

۱۲۲۴- پس از ۱۲۶۸ ق، از زنان فاضل و فقیه. پـدرش شـیخ محمدتقی برغانی (۱۲۶۴ ق) معروف به شـهید ثالث بود که به دسـتور برادرزاده‌اش قرةالعین که از سـران فرقه بابیه بود به شـهادت رسـید. وی مقدمات علوم اسـلامی و ادبیات عرب را نزد عمه پدرش ماه شرف آموخت، سـپس فقه و اصول را از پدر و عمویش شـیخ محمدصالح برغانی فراگرفت و در حکمت و فلسـفه در درس ملا آغا حکمی قزوینی حاضـر شـد. ام‌کلثوم با پسـر بزرگ عمویش شـیخ عبدالوهاب برغانی ازدواج کرد. او در قزوین، تهران و کربلا برای زنان حوزه درس داشت. در سال ۱۲۶۸ ق کتابخانه‌اش را برای همه طلاب علوم دینی وقف کرد و تولیت آن را به دست همسرش و پس از وفات او به دست برادر همسـرش شیخ حسن قرار داد. از تالیفات او تغییر سوره‌ی فاتحةالکتاب است. بسیاری از مردان و زنان این خانواده اهل علم و فضل و تقوا بودند.

بر گرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات)، ۶۸ / ۲؛ دایرةالمعارف تشیع، ۵۰۸ / ۲.

برغانی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۸ -۱۲۸۲ ش)، خطـاط. در زمـان خود از خوشـنویسان بنـام بود که مـدتی در هندوسـتان اقامت داشت و به امر کتابت اشـتغال. برقـانی در سال ۱۳۱۶ ق بـا حـاج میرزا یحیی دولت‌آبادی مـدرسه‌ی سادات را در تهران تأسیس کرد و در مـدرسه کاتب و دفتردار

بود. بعد از اختلاف با دولت‌آبادی از مدرسه کناره‌گیری کرد، وی از شاگردان میرزا رضای کلهر خوشنویس شهیر بوده و کتابهای زیادی از جمله «شاهنامه» و کتب متداول دیگر را در ایران و بمبئی به چاپ رسانده است. برغانی پدر سید حسین و سید حسن میرخانی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۲۶۰/۶)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر ایران (۵۵/۲).

برقانی خوارزمی، ابوبکر احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۲۵ -۳۳۶ ق)، فقیه، محدث، قرآن‌پژوه، نحوی. معروف به حافظ کبیر. از اهالی خوارزم بود که در بغداد سکنی گزید. در خوارزم ابوالعباس حیری نیشابوری و در هرات از ابوالفضل بن خمیرویه و در جرجان از ابوبکر اسماعیلی و در بغداد از ابوعلی صواف و محمد بن جعفر بندار و در نیشابور از ابوعمرو بن حمدان و ابواحمد حاکم و در دمشق از ابوبکر بن ابی‌الحدید و در مصر از حافظ عبدالغنی حدیث شنید. ابو عبدالله صوری و ابوبکر بیهقی و ابوبکر خطیب بغدادی و ابواسحاق شیرازی و ابوطاهر احمد کرجی و بسیاری دیگر از شاگردان وی بودند. خطیب بغدادی او را ثقه، پرهیزکار و دانای فقه و حدیث توصیف کرده است. ابوبکر تا زمان مرگ خویش از تألیف و تصنیف باز نایستاد. او در بغداد درگذشت. از آثار وی «مسند» ی است که جامع تمامی احادیث «صحیح» بخاری و «صحیح» مسلم است. او احادیث سفیان ثوری و شعبه و ایوب و دیگران را نیز جمع‌آوری کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۵/۱)، تاریخ بغداد (۳۷۶ -۳۷۳ /۴)، ریحانه (۲۴۹ -۲۴۸ /۱)، سیر النبلاء (۴۶۸ -۴۶۴ /۱۷)، کشف الظنون (۱۶۸۲)، لکنی و الالقاب (۷۸/۲)، معجم المؤلفین (۷۴/۲)، الوافی بالوفیات (۳۳۱/۷)، هدیهٔ العارفین (۷۴/۱).

برقعی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شهرت سلسله‌ای از سادات رضویست که منسوب به جناب موسی المبرقع بن الامام ابی‌جعفر محمد التقی علیه‌السلامند که قبرش در بلده طیبه قم در محل چهل اختران زیارتگاه عالی و دانی و از امامزاده‌گان مسلم و بلافصل مدفون در قم می‌باشد شرح احوال آن جناب و آمدنش از مدینه به سامره و از آنجا به قم در کتب تواریخ و انساب مذکور است و چون آن بزرگوار در موقع ورودش به قم برقعی به روی مبارک انداخته بود از آنجا شهرت به مبرقع و اولاد او را برقعی خواندند و اکنون اکثر سادات قم منسوب به وی و به این لقب و یا رضوی و مبرقع و غیره معروف می‌باشند و عده‌ای از آنها هم به تهران و سایر نقاط منتقل و ساکن گردیده‌اند.

یکی از معاریف این سلسله در عصر ما مرحوم مبرور آیت‌الله حاج میرزا سید حسین برقعی بودند که در صحن مطهر اقامه جماعت داشتند وی سومین فرزند مرحوم آیت‌الله آقاسید عبدالله قمی است که ترجمه‌اش در جلد اول با ترجمه برادر ارجمندش آیت‌الله آقا سید محمد بن عبدالله برقعی گذشت. معظم‌له در سال ۱۳۰۶ در قم متولد شده و مقدمات و سطوح را نزد اساتید قم آیت‌الله آقا شیخ ابوالقاسم کبیر دیده و پس از آن مسافرت به نجف اشرف نموده و از محضر اساتید معروف مانند مرحوم آیت‌الله نائینی استفاده و پس از آن مراجعت به وطن خود کرده و سالها از محضر و درس آیت‌الله حایری و بعد از ورود آیت‌الله بروجردی چند سال هم از محضر آن مرحوم استفاده و در صحن مطهر اقامه جماعت داشتند و هم تدریس فقه و اصول می‌نمودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

برقعی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۳۰۳، قم.

درگذشت: ۶ اردیبهشت ۱۳۷۵.

آیت‌الله سید رضا برقعی پس از طی دوران طفولیت، به فراگیری سواد و تحصیل علم در مدرسه‌های باقریه و حکیم نظامی پرداخت. در سال ۱۳۲۰ پس از فراغت از تحصیل مدرسه حکیم نظامی وارد حوزه‌ی علمیه قم شد و با استفاده از دورس آیت‌الله سید حسین بروجردی و امام خمینی (ره)، درس خارج را در محضر استادان حوزه‌ی علمیه‌ی قم به پایان برد. سپس راهی نجف شد و چند سالی در آنجا در درس آقایان سید یحیی و سید احمد یزدی و دیگران حاضر شد. پس از بازگشت به ایران، در وزارت آموزش و پرورش به شکل دهی و تألیف و تدوین کتابهای درسی دینی دبستان و دبیرستان پرداخت. در این راه آقایان گلزاده‌ی غفوری، حجت‌الاسلام محمدجواد باهنر و آیت‌الله دکتر بهشتی در کنار وی فعالیت می‌کردند. در سال ۱۳۵۴ دفتر نشر فرهنگ اسلامی

تأسیس کرد.

از جمله فعالیت‌های اجتماعی ایشان، می‌توان به تأسیس کارگاه قالی بافی، مدرسه راهنمایی، درمانگاه و احداث راه ارتباطی آسفالته اشاره کرد.

تألیف خودآموز قرآن از جمله آثار اوست. وی همچنین با همکاری دکتر باهنر، رساله خداشناسی و کتاب تعالیم قرآن (این کتاب به زبان‌های اردو، انگلیسی و فرانسوی ترجمه شده است) و کتاب اصول دین و احکام را منتشر کردند. کتابچه‌ی دیگر معلم قرآن است که به زبان فارسی و عربی منتشر شده است. رساله احکام دین نیز از آثار ایشان است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

برقعی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا سید علی بن آیهًاللَّه حاج سید عبداللَّه برقعی رضوی قمی از علماء محترم معاصر تهران بوده و در مسجد امامزاده سید ولی تهران اقامه جماعت می‌نمودند وی سومین فرزند مرحوم آیهًاللَّه حاج سید عبداللَّه برقعی می‌باشند که ترجمه‌اش در جلد اول گذشت. در حدود ۱۲۹۸ قمری در قم متولد شده و در بیت علم پرورش یافته و ادبیات و سطوح را از علماء آن زمان قم خوانده از محضر مرحوم آیهًاللَّه حاج میرزا محمد ارباب و آیت‌اللَّه حاج شیخ ابوالقاسم کبیر و آیت‌اللَّه العظمی حایری و مقداری از آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه علامه نائینی و دیگران فقها و اصولا استفاده نموده و معقول را از مرحوم حاج میرزا علی‌اکبر حکیم و بعض دیگران فراگرفته و در اواخر مرحوم آیت‌اللَّه حایری منتقل به تهران و بخدمات دینی پرداخته و از اکثر معاشرتها و مجالس اجتناب نموده و در منزل خود به تزکیه و تکمیل نفس و تهذیب اخلاق اشتغال و دارای صفا و معنویت گردیده تا در ۲۷ ماه صفر ۱۳۹۴ قمری که بدرود حیات گفته و با تجلیل حمل به قم و در جوار عمه گرامی خود حضرت معصومه علیهاالسلام مدفون گردیده است.

(۱۳۹۴ -۱۲۹۸ ق)، فقیه، نویسنده و شاعر. مقدمات و سطح را در قم فراگرفت و به حوزه‌ی درسی آیت الله محمد ارباب، آیت الله حاج شیخ ابوالقاسم کبیر، آیت الله حائری، آیت الله اصفهانی و آیت الله نایینی راه یافت، و فلسفه را از حاج میرزا علی اکبر حکیم و دیگران آموخت و در اواخر عمر آیت الله حایری به تهران آمد و به درس و بحث پرداخت. او شعر نیز می‌سرود. برخی آثار وی عبارتند از: «الهی نامه»؛ «بطون خمسه»؛ «بطون سته»، شعر؛ «فلسفه‌ی شهادت»؛ «کمال الانسان و میزان الایمان»؛ «مثالی نامه»، شعر.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱]زندگینامه رجال و مشاهیر (۵۸ -۵۶/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۱۳۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۸۸ -۳۸۵/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱۴۱/ ۴).

برقعی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی اکبر بن السید الجلیل السید رضی برقعی از علماء فضلاء و نویسندگان ادباء معاصر تهران است. وی در شب یازدهم ماه مبارک رمضان سال یکهزار و سیصد و هفده قمری ه در شهرستان دینی و دارالعلم والایمان قم دیده بجهان گشوده و در مکتب قدیم الفباء را آموخته سپس به ترکیب کلمات فارسی که ترکیبی از زبان فارسی و عربی بود چنانکه هم هست پرداخته و از آن پس به فراگرفتن علوم ادبیه و فقه و اصول و منطق و کلام و فلسفه و هیئت همت گماشته و از علوم جدید که در ایران تازه پا می‌نهاد طرفی بسته است.

اساتید معظم له در رشته‌های مختلف غیر از اساتید علوم ادبی بدین نامها می‌باشند.

۱- عالم جلیل و فقیه نبیه آیت‌اللَّه حاج میرزا محمد معروف به ارباب که علاوه بر معلومات عقلی و نقلی محضری دوست داشتنی و بیانی دلنشین داشت.

۲- عالم اصولی خبیر آقای شیخ ابوالقاسم معروف بصغیر

۳- عالم بسیار مدقق و متفکر آقای آقا شیخ ابوالقاسم کبیر

۴- فاضل فکور که هم ادیب بود و هم فقیه آقای شیخ حسن فاضل

۵- فقیه متبحر و اصولی محقق آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی (موسس حوزه علمیه قم) که ۱۵ سال در حلقات درس ایشان شرکت نموده و استفاده کرده است.

۶- آیهًاللَّه حاج میرزا حسین نائینی که حقیقتا احاطه عجیبی به چندین علم داشت.

۷- آیت‌اللَّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی (البته از این دو بزرگوار فقط در موقع توقفشان در قم که بعنوان تبعید بسر می‌بردند استفاده نموده است)

۸- در منطق و فلسفه و هیئت استاد یگانه و حکیم فرزانه آقا میرزا علی‌اکبر حکمی یزدی.

مشایخ اجازات ایشان چهار نفرند.

۱- مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمد ارباب که در سال ۱۳۳۷ قمری مرقوم داشته‌اند.

۲- مرحوم ثقهٔالاسلام محدث جلیل حاج شیخ عباس قمی در سال ۱۳۴۲ قمری نوشته‌اند.

۳- مرحوم آیهٔاللّه آقا میرزا محمد تهرانی سامرائی در سال ۱۳۵۲ قمری نوشته‌اند.

۴- مرحوم علامه تهرانی آقا شیخ محسن معروف به آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه که در تاریخ مزبور مرقوم داشته‌اند.

آثار و تألیفات ارزنده‌ی ایشان که بطبع رسیده است باین شرح است:

۱- راهنمای دانشوران در ضبط و تقیید نامها و نسبتها در سه مجلد.

۲- کاخ دلاویز در تاریخ شریف رضی.

۳- کانون احساسات در رستاخیز شگفت‌انگیز امام حسین علیه‌السلام.

۴- مهر تابان در سیرت مولای متقیان امیر مؤمنان علیه‌السلام

۵- جلوه حق

۶- تذکره مبتکران در بنیان گذاران علوم و فنون.

۷- بامداد روشن در اسرار صلح امام حسن.

۸- راهنمای دینداران پیرامون چندین بحث جالب دینی.

۹- درج گهر در متن سخنان کوتاه پیغمبر و ترجمه فارسی آن.

۱۰- راهنمای قم در تاریخ قم و تاریخ اماکن مقدسه.

۱۱- چرا از مرگ بترسم، پیرامون واقعیت مرگ و اثبات روح

۱۲- ترجمه کتاب الشیعه و فنون الاسلام تألیف علامه سید حسن صدر. بنام شیعه یا بنیان‌گذاران فنون و علوم اسلام.

۱۳- مقالات بسیار در موضوع‌های مختلف.

و اما آنچه را که تاکنون بطبع نرسیده است بسیار و از آنها کتب زیر است:

۱- هدایا العقول فی الحکم المأثوره عن العتره و الرسول. این کتاب را بفارسی ترجمه نموده بنام گنجینه‌ی حکمت.

۲- کتاب الروض المنی در دو مجلد فی الحکمه و الادب.

۳- کتاب السراج الوهاج فی اسرار المعراج بعربی.

۴- رساله الناهیه عن الفحشاء در اسرار نماز بعربی

۵- رهبر دانشوران در شناخته شدگان بکنیه و لقب و ترجمه خطبه حضرت فاطمه علیهاالسلام و شرح آن و نام این کتاب جزو تالیفاتشان در پشت جلد کتاب کاخ دلاویز مذکور است.

(۱۳۶۶ -۱۲۷۸ ش)، فقیه، نویسنده و شاعر، متخلص به کاشف. در شهر قم متولد شد. وی نسبتش به موسی مبرقع، فرزند امام محمد تقی (ع)، می‌رسد. آموزش مقدماتی را در مکتب فراگرفت و از آن پس به تحصیل علوم عربی، دینی و ادبی پرداخت. از بزرگترین استادان وی در رشته‌های مختلف، می‌توان از حاج میرزا حسین نایینی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی نام برد. برقعی نزد آقا میرزا علی اکبر حکمی یزدی منطق، فلسفه و هیئت را فراگرفت. آیت الله ارباب و محدث قمی و شیخ آقا بزرگ تهرانی از مشایخ اجازه‌ی وی بودند. برقعی مشاور آیت الله حایری در برخی از مسائل حوزه‌ی علمیه‌ی قم بود. او در سال ۱۳۱۳ ش یک دبستان و در سال ۱۳۱۵ ش یک دبیرستان در قم بنا کرد. وی به منظور شرکت در کنگره‌ی جهانی صلح به پاریس و وین دعوت شد و در آنجا سخنرانی کرد که پس از بازگشت به ایران، به شیراز و بعد به یزد تبعید شد. از اشعار وی تنها دو هزار بیت باقی مانده است. از آثار او می‌توان از «راهنمای دانشوران» در سه مجلد؛ «جلوه‌ی حق» و «مهر تابان»، در سیرت امیرالمؤمنین (ع)؛ «کاخ دلاویز»، در تاریخ شریف رضی؛ «تذکره‌ی مبتکران»؛ «درج گهر»، در سخنان سید بشر؛ «کانون احساسات»، پیرامون جنبش امام حسین (ع)؛ «بامداد روشن»، در اسرار صلح امام حسن (ع)؛ «چرا از مرگ بترسم»، پیرامون واقعیت مرگ؛ «هدایا العقول»؛ «تبصره‌ی معلمان»، در نحو؛ «السراج الوهاج»؛ «روض المنی فی المختار من قصار الکلمات امیرالمؤمنین (ع)»؛ «سیاست‌نامه حضرت علی (ع)»؛ «راهنمای قم»؛ «دیوان» شعر نام برد.[۱]

فقیه، محقق، شاعر.

تولد: ۱۲۷۸(۱۳۱۷ ق.)، قم.

وفات: ۱۳ مرداد ۱۳۶۶.

آیت‌الله سید علی‌اکبر برقعی قمی متخلص به «کاشف»، فرزند سید رضی، پس از تحصیلات علوم عقلی و نقلی نزد استادان، شروع به تدریس نمود. حوزه‌ی درسی به وجود آورد و به دانش‌پژوهی و دانش‌پروری پرداخت.

در بیست سالگی از مراجع زمان اجازه اجتهاد کسب کرد. اساتید او در ادب شیخ جعفر غفرانی و شیخ ابوالقاسم نحوی و در منقول آقایان محمد ارباب و حسن فاضل و شیخ ابوالقاسم ملا محمد کریم و در خارج از سطح آیات عظام حائری یزدی و حسن نایینی و سید ابوالحسن اصفهانی و در مقدمات معقول محمد ارباب و در تحصیلات عالیه معقول شیخ علی‌اکبر حکمی یزدی بودند.

در سال ۱۳۱۳ یک دبستان و سال ۱۳۱۵ یک دبیرستان تأسیس کرد و هر دو را به نام سنایی موسوم ساخت. پس از ورود آیت‌الله العظمی حائری یزدی به قم و تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی، آیت‌الله برقعی یکی از مشاروان او بود و درباره مشکلات روحانیت و وضع تحصیلی طلاب با او تبادل نظر می‌کرد. آیت‌الله برقعی در زمان جنگ جهانی دوم یاور مردم بود و به تشکیل انجمن خیریه همت گماشت و از متمکنین تهران و قم کمک گرفت و در منطقه‌ای که سکونت داشت نانوایی ایجاد کرد. بدین طریق به بینوایان کمک و مساعدت می‌نمود.

در سال ۱۳۲۹ که در ایران جمعیت هواداران صلح به ریاست ملک‌الشعرای بهار تشکیل شد، از آیت‌الله برقعی خواستند که به جمعیت صلح در ایران کمک کند و او نیز اولین سخنرانی خود را در مسجد امام خمینی (ره) (شاه سابق) تهران تحت عنون «صلح و

نیروی نگهبان آن» ایراد کرد. شعار «به عدل سوگند، صلح پیروز است» به واسطه ایشان رایج شد. به همین منظور به کنگره‌ی جهانی صلح دعوت شد که یک بار در پاریس و بار دیگر در وین تشکیل شد و به عنوان یک پیشوای روحانی مسلمان سخنرانی کرد. پس از مراجعت از سفر اروپا از قم به شیراز و بعد به یزد تبید شد و این تبعید مدت چهارده سال به طول کشید.

آیت‌الله برقعی به شعر و شاعری علاقمند بود و شعر هم می‌گفت. قسمتی از اشعار وی از بین رفته است و فقط حدود دو هزار بیت آن گردآوری شده است.

فهرست آثار ایشان به شرح زیر است: راهنمای دانشوران (سه جلد؛ ۱۳۲۹ –۱۳۲۸)؛ راهنمای قم (در تاریخ قم و آثار تاریخی آن؛ با مقدمه رسید یاسمی، ۱۳۱۷)؛ راهنمای دینداران (۱۳۲۴)؛ کانون احساسات (در واقعه کربلا)؛ کاخ دلاویز (یا تاریخ شریف رضی؛ ۱۳۸)؛ مهر تابان (در سیرت علی (ع)؛ ۱۳۱۷)؛ جلوه حق (در سیرت علی بن ابی‌طالب؛ ۱۳۱۹)؛ بامداد روشن (در اسرار واگذاری خلافت حضرت امام حسن (ع) به معاویه؛ ۱۳۲۰)؛ ترجمه شیعه یا پدیدآورندگان فنون اسلام (اثر سید حسن صدر؛ ۱۳۱۹)؛ تذکره مبتکران، درج گهر (در سخنان حضرت سید البشر؛ ۱۳۶۶ ق.)؛ چرا از مرگ بترسم (اثر ابن مسکویه، ترجمه لماذا اخاف الموت، قم، چاپ دوم، ۱۳۲۷)، راه نو در جهان‌شناسی؛ دررالکلم در کلمات قصار علی (ع)؛ سیاست‌نامه حضرت علی (ع).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] سخنوران نامی معاصر (۲۹۳۱ –۲۹۲۴/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۷۵۵)، الذریعه (۲۲۹/ ۱۷ ،۶۴/ ۱۰ ،۸۹۹/ ۹). گنجینه‌ی دانشمندان (۳۹۳ –۳۸۹/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۳ –۴۹۱/ ۴).

برقعی، علیمحمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۷، مرتبه علمی: استاد، رشته: ماشینهای کشاورزی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دیپلم مهندسی کشاورزی در رشته مکانیک و ماشینهای کشاورزی با رتبه اول از دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۰، کارشناسی ارشد در رشته مکانیک انستیتوی هانری پوانکاره دانشگاه سوربن پاریس، دوره عالی تخصصی ماشینهای کشاورزی در مرکز تحقیقات و آزمایشهای ماشینهای کشاورزی آنتونی فرانسه، دکترای مهندسی در رشته مکانیک ماشینهای کشاورزی از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۴۶.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران در ۱۳۴۷، دانشیار دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۲ و ارتقاء به درجه استادی دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۳.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طراحی ماشینهای کشاورزی، انتخاب و کاربرد ماشینهای کشاورزی، فرسایش ماشینهای کشاورزی، استاد راهنمای ۱۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

ماشینها و تجهیزات ثابت زراعی، ماشینهای کشاورزی، طراحی اجزاء ماشین، جزوات استاندارد ماشینهای کشاورزی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

طراحی و کاربرد ماشینهای کشاورزی، مکانیزاسیون کشاورزی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

برقعی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی محیط زیست، دانشکده: مرکز بیوشیمی، دانشگاه: صنعتی شریف

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

مهندس شیمی در سال ۱۳۵۱، کارشناسی ارشد مهندسی شیمی در سال ۱۳۵۲، دکترای مهندسی محیط زیست در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

استادیار در سال ۱۳۵۶، ارتقاء به دانشیاری دانشکده مهندسی عمران دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۶۲.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آب و فاضلاب، ۱۵ طرح در مورد تصفیه‌خانه فاضلاب صنعتی، طرح تهیه استانداردهای پسابهای صنعتی برای وزارت صنایع در سازمان محیط زیست، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۲ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مهندسی محیط زیست.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

مهندسی محیط زیست، مهندسی آب و فاضلاب و مهندسی بیوشیمی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

برقی خویی، عبدالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۴۷ ق)، شاعر. وی از اهالی آذربایجان بود. نواب شاهزاده محمود در نهاوند وی را به خدمت گرفت. برقی بعد از مدتی از نهاوند به زنجان آمد. او با عدم سواد شعرهایی می‌سروده که بعضی قابل شنیدن است. برقی به مرض طاعون درگذشت. از اوست:

ز بلای ناگهانی چه غم است از وجودت

که بلای ناگهانی تو بلای ناگهانرا

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۶۷ -۶۶)، سفینهٔ المحمود (۶۶۱ -۶۵۹ /۲)، فرهنگ سخنوران (۱۳۱)، مصطبه‌ی خراب (۳۴ -۳۳)، نگارستان دارا (۱۷۳ -۱۷۲).

برقی قمی، ابوعبدالله محمد

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۸۳ ق)، ادیب، فقیه و محدث امامی. وی منسوب به برق‌رود از نواحی قم بود. ابن‌ندیم او را از اصحاب امام رضا (ع) و امام جواد (ع) شمرده است. شیخ طوسی وی را از اصحاب امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) و امام جواد (ع) برشمرده است. او در علوم عربی مشهور و به چیرگی در اخبار معروف بود. وی پدر شیخ اجل احمد بن محمد برقی، صاحب «المحاسن»، است. پسرش، احمد بن محمد، از راویان او است. از آثارش: «البلدان و المساحهٔ»؛ «التأویل و التعبیر»؛ «التبصرهٔ»؛ «التفسیر»؛ «التنزیل»؛ «الرجال»، شامل نام کسانی که از امیرالمؤمنین (ع) روایت کرده‌اند؛ «فضائل القرآن»؛ «العویص»؛ «النوادر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۷۳/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۰/۱)، الذریعه (۳۶۲/۱۵، ۳۱۵/۳)، رجال الطوسی (۴۰۴، ۳۸۶)، رجال النجاشی (۲۲۱ -۲۲۰ /۲)، ریحانه (۲۵۱/۱)، الفهرست لابن الندیم (۳۰۹)، الفهرست للطوسی (۲۹۲ -۲۹۱)، الکنی و الالقاب (۷۸/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ برقی)، معجم المؤلفین (۲۷۷/۹).

برقی، ابوجعفر احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۲۸۰ ق)، دانشمند و محدث شیعی. اصلا از مردم کوفه بود. او در یکی از خانواده‌های ایرانی که به برقی معروف بودند به دنیا آمد، زمانی که نیای بزرگ او توسط حجاج بن یوسف ثقفی زندانی شد و به قتل رسید، جدش، خالد، به همراه پدر خود به برقه از روستاهای قم گریخت. شیخ طوسی او را از اصحاب امام جواد (ع) و امام هادی (ع) می‌داند. وی کاملا ثقه بود اما، از راویان ضعیف بسیار روایت می‌کرد، و به مراسیل اعتماد داشت. وی به تهمت غالی بودن مدتی از قم تبعید شد. افرادی که برقی از آنها روایت کرده عبارت‌اند از: حضرت عبدالعظیم حسنی، آدم بن اسحاق قمی، حسن بن علی بن فضال، حسن و حسین بن سعید اهوازی، علی بن حکیم و غیره. شاگردان وی عبارت‌اند از: سعد بن عبدالله اشعری، سهل بن زیاد آدمی رازی، علی بن ابراهیم قمی،

علی بن حسن مودب، علی بن حسین سعدآبادی قمی، محمد بن ابی‌القاسم ماجیلویه، داماد وی و غیره. برقی در حدود یک صد کتاب دارد. از تألیفات وی: «المحاسن»، در فقه و آداب شریعت؛ بزرگترین و معروفترین کتاب او، که مجموعه‌ی نفیسی از جمیع علوم و فنون است و بسیاری از علما و دانشمندان به شیوه‌ی آن کتاب نوشته‌اند؛ «کتاب العویص»؛ «کتاب التبصره»؛ «کتاب الرجال». در کتاب «تاریخ قم» در جاهای متعددی به نقل از برقی در مورد تاریخ به وجود آمدن شهر قم توضیحات مفیدی را ذکر کرده است؛ «اختلاف الحدیث»؛ «الانساب»؛ «الادب النفس»؛ «المنافع»؛ «المعیشه»؛ «المکاسب»؛ «مذام الاخلاق»؛ «المکارم الاخلاق»؛ «علل الحدیث»؛ «النجوم»؛ «السماء»؛ «البلدان و المساحة»؛ «النحو»، «الطب»؛ «الجمل»؛ «الشعر و الشعراء».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹۵/۱)، اعیان الشیعه (۱۰۷ –۱۰۵ /۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۲۲۵ –۱۲۲۴ /۹)، الذریعه (۲۵۶/۲ ، ۲۸۲/۱)، رجال الطوسی (۴۱۰ ،۳۹۸)، رجال النجاشی (۲۰۵ –۲۰۴ /۱)، روضات الجنات (۵۴/۱)، ریحانه (۲۵۱ –۲۵۰ /۱)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۴۰۵)، الفهرست للطوسی (۴۰ –۳۷)، الکنی و الالقاب (۷۹ –۷۸ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (۱۳۵ – ۱۳۲ /۲)، معجم البلدان (۴۶۴ –۴۶۳ /۱)، معجم رجال الحدیث (۲۷۱ –۲۶۱ ،۲۳۰ –۲۲۹ /۲)، معجم المؤلفین (۹۸ –۹۷ /۲)، مفاخر اسلام (۳۸۱ –۳۴۰ /۱)، الوافی بالوفیات (۳۹۲ –۳۹۰ /۷).

برکت، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد برکت

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۷/۱۶

زندگینامه علمی

پس از اخذ دیپلم ریاضی فیزیک در خرداد سال ۱۳۶۲ در همان سال وارد حوزه علمیه شده و در مدرسه علمیه امام عصر (عج) مشغول به تحصیل شدم . این مدرسه توسط مرحوم آیت الله حاج شیخ مجد الدین محلاتی در سال ۱۳۵۲ شمسی بنا شده است. پس از گذراندن دوره سطح در نزد اساتید حوزه علمیه شیراز، مرحوم حجهٔ الاسلام محمود مدرس تبریزی، مرحوم حجهٔ الاسلام و المسلمین سید احمد آیت اللهی، مرحوم آیت الله محمد علی جعفری، حضرت آیت الله حسن پاکدل، حضرت آیت الله ملک حسینی و مرحوم آیت حاج شیخ محمد الدین محلاتی، در سال ۱۳۷۱ بمدت هفت سال در درس خارج آیت الله مجد الدین محلاتی شرکت نمودم.

در سال تحصیلی ۶۷–۱۳۶۶ به قم رفته و در درس استاد اعتمادی و استاد سید علی محقق داماد شرکت نمودم و همانجا بود که با راهنمائی های استاد علامه سید محمد رضا جلالی حسینی ، کار در دحوزه میراث مکتوب را آغاز نمودم.از سال ۱۳۷۴ تاکنون در مدارس مختلف شیراز مشغول به تدریس دروس حوزوی از مقدمات تا کفایه می باشم.از سال ۱۳۶۵ مدیریت کتابخانه مدرسه امام عصر (عج) را بعهده دارم. این کتابخانه اکنون با بیش از سی هزار جلد کتاب چاپی و چاپ سنگی که عمده آنها از کتب مرجع در حوزه علوم دینی و معارف اسلامی است و هزار جلد نسخه خطی ، یکی از کتابخانه های معتبر جنوب کشور است که مورد استفاده طلاب و دانشجویان می باشد.

از سال ۱۳۷۷ توفیق امامت جماعت مسجد حضرت ولی عصر (عج) نصیبم گشته است و از سال ۱۳۷۹ مدیریت مدرسه علمیه امام عصر (عج) بر عهده اینجانب قرار داده شده است امید به امام زمان سلام الله علیه که موفق به خدمت باشد. ان شاء الله.

برکلی حنفی، تقی‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۸۱ –۹۲۹/۹۲۶ ق)، صوفی، واعظ نحوی، فقیه، مفسر و محدث. وی ایرانی الاصل و از دانشمندان نامی عثمانی بود. ظاهرا چون حنفی مذهب بود، از ترس صفویه به آن سرزمین رفت. از جزئیات احوالش اطلاعی در دست نیست. وی مؤلف کتابهای بسیاری به زبان عربی و فارسی است که در فنون مختلف نوشته شده است و معلوم می‌شود که در همه‌ی علوم زمان دست داشته است. از آثار وی: تعلیقه بر «اصلاح الوقایهٔ فی فروع» ابن کمال پاشا؛ «اظهار الاسرار»، در نحو؛ «انقاذ الهالکین»، که در سال ۹۶۷ ق تألیف کرده است؛ «ایقاظ النائمین»، که در سال ۹۷۲ به پایان رسانیده؛ «رسالهٔ فی عدم جواز اخذ الاجرهٔ للقراءهٔ و عدم جواز وقف النقود»؛ «جلاء القلوب»، که در سال ۹۷۱ ق به پایان رسانیده است؛ «صحاح عجمیه»، به فارسی؛ «فرائض» و شرح آن؛ «کفایهٔ المبتدی»، در صرف؛ شرح «لب الالباب فی علم الاعراب» یا شرح «مختصر الکافیه» بیضاوی، معروف به «امتحان الاذکیاء»؛ حاشیه بر «شرح الوقایهٔ» صدر الشریعه ثانی. «دامغهٔ المبتدعین و کاشفهٔ بطلان الملحدین»؛ «آداب البرکوی»، «الاربعون»، در حدیث.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۸۷ -۲۸۶ /۶)، ایضاح المکنون (۴۴۲/۱) تاریخ نظم و نثر (۳۹۵)، الذریعه (۱۲۵/۵)، کشف الظنون (۲۰۲۲ -۲۰۲۰، ۱۵۰۰، ۱۲۴۶، ۱۰۷۴، ۵۹۲، ۲۱۵ -۲۱۴، ۱۸۴، ۱۸۳- ۱۱۷، ۱۰۹، ۵۴)، معجم المؤلفین (۱۲۴ -۱۲۳ /۹)، هدیهٔ العارفین (۲۵۲/۲).

برگی تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از جمله خوش طبعان تبریز بود و مردی لطیف طبع که عمر را به خوشی و فراغت می‌گذرانید. سرانجام از تبریز به محلات رفت، و در آنجا بین او و فکری محلاتی دشمنی درگرفت، فکری او را با کارد به هلاکت رساند، و خود نیز پس از اندک زمانی درگذشت. در غزلسرایی استاد بود و دارای «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۸۸ -۸۷ /۲) تاریخ نظم و نثر (۶۹۳)، دانشمندان آذربایجان (۶۸ ،۶۷)، سخنوران آذربایجان (۲۳۵)، فرهنگ سخنوران (۱۳۱)، مکتب وقوع (۶۴۵).

برنجکار، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا برنجکار

محل تولد : آستارا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

رضا برنجکار در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی در شهرستان آستارا به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در سال ۱۳۶۰ با اخذ دیپلم ریاضی به پایان رساند. در سال ۱۳۶۱ به حوزه علمیه قم وارد شد. تحصیلات حوزه را پس از اتمام سطح و گذراندن هفت سال درس خارج فقه و اصول به پایان رساند. در کنار درس های رایج حوزه به تحصیل کلام، فلسفه، تفسیر و حدیث پرداخت.

همچنین تحصیل در رشته فلسفه غرب را در دانشگاه ادامه داد و در سال ۱۳۸۰ موفق به اخذ دکتری فلسفه از دانشگاه تهران گردید. وی هم اینک عضو هیأت علمی دانشگاه تهران است و در حوزه و دانشگاه مشغول تدریس می باشد. همچنین با بسیاری از مراکز پژوهشی حوزه، همچون مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، دفتر تبلیغات اسلامی و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، مشغول همکاری است. از وی بیش از سی مقاله و چهار کتاب به چاپ رسیده است

برندق خجندی، بهاءالدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۳۷/۸۱۵ -۷۵۷ ق)، شاعر. متخلص به برندق. اهل خجند و ساکن سمرقند بود و در شعر ابن‌نصرت نیز تخلص می‌کرد. وی در سلک مداحان جلال‌الدین میرانشاه، فرزند تیمور، بود و بعد از افتادن شاهزاده از اسب و دچار اختلال حواس شدن، توسط تیمور تنبیه شد. ابن‌نصرت بعد از سرگردانیهای بسیار در شهرهای مختلف هند و آذربایجان به سمرقند بازگشت و در همین شهر درگذشت. برندق با آنکه سخنوری توانا بود، به دلیل تقلید از شاعران پیشین، بویژه خاقانی و انوری و بی خبری از نرم‌گویی قرن نهم، مرتبه‌ی سخنوری‌اش ناشناخته ماند. وی صاحب «دیوان» اشعار است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۲۸۶ -۲۶۴ /۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۹۷)، تذکرهٔ الشعراء (۴۲۱ -۴۱۷)، تذکره‌ی روز روشن (۱۰۶)، حبسیه در ادب فارسی (۹۶ -۹۲)، الذریعه (۱۳۳/۹)، مجالس النفائس (۱۹)، هفت اقلیم (۴۳۵ -۴۳۴ /۳).

بروجردی اصفهانی، منیرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۲ -۱۲۶۹ ق)، محدث و فقیه. اصلا اصفهانی بود و از نوادگان دختری میرزا ابوالقاسم قمی، صاحب «قوانین»، و از شاگردان شیخ محمد باقر مسجد شاهی، فرزند شیخ محمدتقی اصفهانی صاحب «هدایهٔ المسترشدین»، بود و از او اجازه‌ی روایت داشت. بعد از مدتی به عراق و سامرا رفت و مدتی در محضر درس میرزای شیرازی حاضر شد. سپس به اصفهان مراجعت کرد. منیرالدین از استاد خود، شیخ محمد باقر اصفهانی، و از دائی خویش، شیخ حسن کاشف الغطا، صاحب «انوار الفقاهه»، و شیخ زین‌العابدین مازندرانی و دیگران روایت کرده است. شیخ ابوالقاسم بن محمد تقی قمی و میرزا فخرالدین شیخ الاسلام قمی، سبط صاحب «قوانین»، از او روایت کرده‌اند. وی در هفتاد سالگی در اصفهان درگذشت و در تخت پولاد به خاک سپرده شد. از جمله آثار وی: «الفروق بین الفریضهٔ و النافلهٔ»، که در آن بیشتر از دویست فرق ذکر شده؛ «المحاکمات بین صاحبی القوانین و الفصول»؛ «منظومه‌ی اصحاب الاجماع»؛ «منظومه فی تتمیم الدرهٔ البحر العلومیهٔ»؛ «منظومهٔ فی الرجال»؛ و «الالفیه فی تراجم اساتذه و سیرالعماء».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۴۲/۱۰)، تاریخ بروجرد (۳۹۸ -۳۹۵ /۲)، الذریعه (۱۰۹ ،۹۱ ،۷۶ /۲۳ ،۱۳۴ -۱۳۳ /۲۰ ،۱۷۷ /۱۶)، ریحانه (۵۷/۱)، علماء معاصرین (۱۳۴)، معجم المؤلفین (۲۵/۱۳)، مکارم الآثار (۱۹۲۲ -۱۹۲۱ /۶).

بروجردی کاشانی، محمد تقی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، عالم دینی، محدث ادیب و شاعر. پس از فراگرفتن علوم متداول خود را به اصفهان رسانید و در حوزه‌های درسی آنجا تحصیل خود را تکمیل کرد. وی از محضر علامه مجلسی فائده‌ها برد و از وی اجازه‌ی روایت گرفت و خود به ملا عبدالله کاشانی در ۱۱۰۳ /۱۱۰۲ ق اجازه روایت داد. او قسمت پایانی عمر را در کاشان گذراند. او را ارادتی تمام به خاندان پیامبر علیهم‌السلام بود، لذا از خود آثاری در مناقب ایشان به جای گذاشت. یکی از این آثار کتاب «عین البکاء»، به فارسی، در تاریخ زندگی و شهادت حضرت سیدالشهداء (ع) است که در آن اشعاری از خود و دیگران آورده است و آن را در ۱۰۹۹ ق در کاشان تألیف کرده و در ۱۲۸۴ ق در لکهنو به چاپ رسیده است. اثر دیگر او «لب عین البکاء» است که خلاصه‌ای از کتاب «عین البکاء» او است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۹۱/۹)، تاریخ بروجرد (۱۱۱ -۱۱۰ /۲)، الذریعه (۲۸۷/۱۸، ۳۶۷/۱۵).

بروجردی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج میر سید علی طباطبائی بن عبدالکریم بن علی بن میر سید محمّد (جدّ مرحوم آیهٔ اللّٰه العظمی حاج آقا حسین بروجردی). عالم فاضل زاهد، از علما و مجتهدین بزرگ و مدّرسین اصفهان، و از شاگردان حاج سید مهدی نحوی، و آقا میرزا محمّد باقر چهار سوقی، و حاج میرزا بدیع درب امامی و دیگران بوده، سالها در نجف اشرف در حوزه علمیّه شرکت داشته و از محضر اساتید آنجا بهره‌مند گردیده، و پس از مراجعت به ایران مورد احترام و تجلیل واقع شده است.

در شب ۱۸ ذی قعدهٔ الحرام سال ۱۳۴۸ قمری به سنّ قریب به هفتاد سال وفات یافته، در تخت فولاد مدفون شد، و بعداً جهت او تکیه‌ای عالی بنا کردند که به نام او مشهور است، و جمعی کثیر از علما و شعرا در این تکیه مدفون می‌باشند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بروجردی، ابوالحسن عبیدالله

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، عالم و محدث. معروف به قاضی ابوالحسن بروجردی. ساکن بغداد بود و از علمای حدیث زمان بهره‌ها گرفت. از استادان وی می‌توان عبیدالله بن محمد بن محمد باغندی و حسین بن محمد انصاری و محمد بن عمران دینوری و محمد بن ابراهیم اصفهانی را نام برد. محمد بن جریر طبری نیز از مشایخ او است. در سال ۳۷۱ ق، در بغداد مجلس املای حدیث داشت. عبدالعزیز بن علی ازجی و عبدالملک بن عمر رزاز و ابومنصور محمد بن عیسی همدانی از شاگردان وی بودند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (۳۴ -۲۶ /۲)، تاریخ بغداد (۳۶۱/۱۰).

بروجردی، ابوالمجد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای آقا ابوالمجد بروجردی از علماء قم و حوزه علمیه و ائمه جماعت این شهرستانست تولدش در بروجرد واقع شده و پس از رشد و طی مقدمات هجرت به قم نموده و سطوح را تکمیل و سالهای آخر عمر مرحوم حایری را درک و از محضر پرفیض آن مرحوم استفاده و هم بعد از ایشان به درس آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله فیض حاضر و از موقع ورود آیت‌الله بروجردی هم تا آخر عمر آن جناب حاضر درس معظم‌له شده و در پائین شهر قم به اقامه جماعت و تبلیغ و ترویج دین اشتغال داشته است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

بروجردی، ابوتراب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فقیه زاهد، در محلّه شمس آباد ساکن بوده، و در مسجد آنجا امامت می‌نموده، در شب یکشنبه ۱۵ شوال سال ۱۳۲۸ وفات یافته، در تخت فولاد بیرون بقعه مادر شاهزاده مدفون شده است.

وی دارای چندین پسر بوده که از آن جمله است:

۱- حاج میرزا حسن بروجردی که بعداً شرح حال او نوشته می‌شود.

۲- میرزا علی واعظ، از وعّاظ معروف، و محدّثین محترم اصفهان بود. در ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۵۸ وفات یافته، در صحن تکیه بروجردی مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بروجردی، ابوتمام ابراهیم

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۳۲ -۴۴۰ ق)، فقیه، محدث و مدرس. در بروجرد به دنیا آمد. اصل او از صیمره‌ی خوزستان است. پس از فراگیری مقدمات در زادگاهش، برای تکمیل تحصیلات به بغداد و مکه مسافرت کرد. ابوتمام از شاگردان یوسف بن محمد خطیب همدانی و ابواسحاق ابراهیم بن احمد رازی است. وی مدتی در همدان ساکن بود و به همین جهت به همدانی نیز مشهور است. سپس به بروجرد بازگشت و به ریاست ظاهری و باطنی شهر رسید. او در بروجرد به تدریس مشغول شد و شاگردان بسیاری از جمله ابوسعد عبدالکریم سمعانی و ابراهیم بن حسن آدمی را تربیت کرد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (۶۴ -۶۳ /۲)، معجم البلدان (۴۹۹/۳).

بروجردی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۰ ق)، خطاط و شاعر. نستعلیق را استوار و شکسته را درست می‌نوشت و شعر نیز می‌سرود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۸ /۱).

بروجردی، اسد الله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۷۱ ق)، عالم، فقیه و اصولی. مشهور به حجهٔ الاسلام و معروف به مجتهد بروجردی. در زادگاهش پرورش یافت و در خدمت استادانی همچون میرزای قمی، صاحب «قوانین» و سید محمد مجاهد، صاحب «مناهل»، تلمذ کرد. او مدعی برتری خویش بر تمامی علمای عصرش بود. در عهد وی بروجرد مرکز تحصیل علوم شرعی و مجمع افاضل ایران شد، بطوری که، شیخ انصاری در حوزه‌ی درس وی حاضر شد و چون خود به مقام ریاست و اعلمیت رسید در مجالس خویش از این استاد نقل قول می‌کرد. در «تاریخ بروجرد» نام بیست و دو تن دیگر از علمای بزرگ شیعه، تحت عنوان شاگردان حجهٔ الاسلام آمده است. وی در زادگاهش درگذشت و همان جا دفن شد. سه تن از فرزندان وی به نامهای فخرالدین محمد و جمال‌الدین محمد و نورالدین محمد که جد

مادری آنان میرزای قمی بود، در زمره‌ی علمای دین و از مجتهدان بزرگ عصر خویش بودند و حجهٔ الاسلام خود برای آنان اجازه‌ی اجتهادی مبسوط نوشت. از آثار وی حاشیه یا تعلیقه بر «قواعد الاحکام» علامه حلی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۸۶/۳)، تاریخ بروجرد (۳۴۴ -۳۱۸ /۲)، الذریعه (۱۷۰/۶)، روضات الجنات (۱۱۰ -۱۰۹ /۱)، ریحانه (۲۶ -۲۵ /۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۸/۱۳)، فوائد الرضویه (۴۳ -۴۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۹۲ -۱۹۱ /۳)، لغت‌نامه (ذیل/ اسدالله)، المآثر و الآثار (۱۴۰)، معجم المؤلفین (۲۴۲/۲)، مکارم الآثار (۱۹۵۲/۶).

بروجردی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید العلماء الاعلام و سند الفضلاء الکرام آقای حاج سید جعفر طباطبائی بروجردی داماد معظم آیت‌الله العظمی بروجردی و خواهرزاده آن جناب در سال ۱۳۳۳ هجری در بروجرد متولد شده والدشان مرحوم آقا فخرالدین که از علماء مورد احترام مردم بروجرد بودند عموزاده بلاواسطه آیت‌الله بروجردی است.

آقای آقا سید جعفر در سال ۱۳۵۱ به منظور ادامه تحصیل به قم مشرف و چند سالی فقه و اصول و ادبیات و حکمت را در محضر مدرسین مرحوم میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و میرزا محمد همدانی و غیرهم تکمیل و پس از فوت مرحوم حایری در درس خارج مرحوم آیت‌الله خونساری و سایر آیات آن زمان شرکت نموده و بعد از ورود دائی عالیقدر خود آیت‌الله العظمی بروجردی به قم از محضرشان استفاده نموده و دروس آن مرحوم را نوشته‌اند و تاکنون سطوح عالیه را تدریس می‌کنند.

برادر معظم آن جناب حجه‌الاسلام آقای آقا سید شمس‌الدین طباطبائی احمدی از علماء متین و مورد احترام حوزه علمیه قم می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

بروجردی، جمال‌الدین محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۲ ق)، فقیه، محدث و مفسر. مشهور به مجتهد بروجردی. وی نوه‌ی دختری میرزای قمی، صاحب «قوانین»، و خلف حاج ملا اسدالله حجهٔ الاسلام بود که مقام فقاهت و تبحرش در حدیث و تفسیر مسلم بود. وی از پدرش حجهٔ الاسلام اجازه‌ی اجتهاد داشت. جمال‌الدین در اواخر عمر به مشهد مشرف شد و از آنجا به تهران آمد و چندین سال به ترویج شریعت و ارشاد مردم مشغول بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (۳۳۰ -۳۲۷ /۲)، علماء معاصرین (۳۳۶ -۳۳۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۹۲/۳)، المآثر و الآثار (۱۴۳ -۱۴۲).

بروجردی، حسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی از بزرگان بروجرد بود. حسن بیگ علوم نظری را نزد میرزا ابراهیم همدانی فراگرفت و به کار دیوانی مشغول شد. اشعاری از وی در تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۸۷)، الذریعه (۲۴۶ -۲۴۱ /۹)، صبح گلشن (۱۳۲)، لغت نامه (ذیل/ حسن بروجردی)، مخزن الغرائب (۷۹۲/۱).

بروجردی، حسین، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۰/۱۳۰۶ ق)، عالم دینی، فقیه و مجتهد. علوم خویش را در محضر اساتیدی همچون حاج ملا اسدالله حجهٔ الاسلام بروجردی فراگرفت، و از جمیع کثیری از علما به دریافت اجازه نایل آمد. در کلام متبحر و در تفسیر محقق و در فقه ماهر و در حدیث مورد اعتماد بود. از آثار وی: «النص الجلی»، در امامت امیرالمؤمنین (ع)؛ «تفسیر قرآن»، مبسوط و مفصل؛ «اسرار التنزیل»؛

«لب الاصول»، در علم اصول فقه؛ «منهاج الولادة» در «اسرار الصلاة».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (۴۹۰ -۴۸۹ /۲)، الذریعه (۲۷۱/۴، ۴۳/۲)، المآثر و الآثار (۱۷۳)، معجم المؤلفین (۲۵۳/۹).

بروجردی، داوود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۵- ز ۱۲۹۴ ق)، عالم، مورخ، ادیب و شاعر. علوم و معارف اسلامی را از استادان عصر فراگرفت. وی ادیب و شاعر نیز بود. از آثار وی: «مظهر المصائب»، در تاریخ زندگانی خمسه طیبه (ع)، که در ۱۲۹۰ ق به رشته تحریر درآمده؛ «سرور المصلین»، در نماز شب و کیفیت و ادعیه آن.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (۴۴۲ -۴۳۹ /۲).

بروجردی، ریحان الله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۸ ق)، عالم دینی، فقیه و مجتهد. وی علوم مقدماتی را در بروجرد فراگرفت. سپس برای تکمیل تحصیلات به اصفهان و پس از استفاده از محضر عالمان این شهر به نجف رفت. پس از مدتی به بروجرد بازگشت و چندی نیز در همدان ساکن شد. وی علاوه بر علوم فقه و اصول و حدیث در ادبیات و رجال و تراجم نیز احاطه کامل داشت. او در اواخر از رؤسای مذهبی تهران به شمار می‌رفت و «رساله عملیه» او مورد رجوع مردم بود. از شاگردان وی می‌توان شیخ محمد صادق بروجردی و سید شمس‌الدین محمود مرعشی و شیخ هادی مقدس جعفری و سید عبدالحسین بن سید علی آل کمونه را نام برد از او کتابخانه‌ای به جا ماند که چه از نظر کمیت و چه از نظر کیفیت از بزرگترین کتابخانه‌های تهران به شمار می‌رفت. از آثار وی: «ریحان القلوب»، در اخلاق؛ «فواکه الفقهاء»، در فقه؛ ترجمه‌ی «خلاصة الاذکار»؛ «شموس الطالعة»، در شرح زیارت جامعه.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (۵۰۸ -۵۰۳ /۲)، الذریعه (۳۶۵/۱۶، ۲۳۴/۱۴، ۳۴۱/۱۱)، المآثر و الآثار (۱۵۶)، یادگار (س ۳، ش ۱۰، ص ۲۴ -۲۲).

بروجردی، صاحب الداری، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین میرزا عبدالحسین بروجردی مشهور به صاحب الداری از علماء حوزه علمیه و معاضدین مرحوم آیت‌الله حایری فرزند مرحوم آخوند ملاعلی بروجردیست که در سال ۱۳۰۸ قمری در بروجرد تولید یافته در سلطان‌آباد عراق نزد مرحوم آقا نورالدین و آخوند ملاعلی عراقی درس خوانده و سال ۱۳۴۰ قمری به امر آیت‌الله حایری و استخاره آن مرحوم و آمدن این آیه (واتونی باهلکم اجمعین) پس از دو ماه از توقف آن مرحوم در قم شهریه طلاب اراک را داده و بعد به قم آمده و تا آخر عمر مرحوم حایری متصدی امور مدارس فیضیه و دارالشفا و امور طلاب و سرپرست کتاب خانه فیضیه بوده و هم از محضر آن جناب استفاده می‌نموده و پس از آمدن مرحوم بروجردی نیز به این سمت بود و هم از ابحاث آن مرحوم استفاده می‌کرد تا در اواخر عمر وی از دنیا رفته است خدایش رحمت کند زیرا حقوقی بر حوزه علمیه و طلاب و محصلین قم دارد از نوشته‌های ایشان است تعلیقه‌ای بر رجال ابی‌محمد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

بروجردی، عبدالرحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۷۷ ق)، فقیه و عالم دینی. علوم و معارف را از استادان بزرگ عصر در بروجرد فراگرفت و سپس برای تکمیل تحصیلات به نجف رفت. از جمله استادان وی حاج ملا اسدالله حجة الاسلام و شیخ محمد شریف بیغشی و شیخ حسن کاشف الغطاء و شیخ موسی کاشف الغطاء و شیخ علی کاشف الغطاء و شیخ محمد حسن نجفی صاحب «الجواهر» و شیخ محمد حسین صاحب «فصول» بودند و در محضر ایشان به درجه اجتهاد نایل شد. سپس به تهران آمد و در این شهر اقامت گزید. حاج شیخ عبدالرحیم بروجردی

در تهران به تدریس مشغول شد و حوزه‌ی درسش از حوزه‌های مهم به شمار می‌رفت. جمعی از بزرگان از محضرش استفاده کردند که از جمله ایشان محدث نوری و ملا محمد علی محلاتی و شیخ محمد حسن مامقانی بودند. محدث نوری علاوه بر شاگردی داماد وی نیز بود. شیخ محمد حسن مامقانی در ۱۲۶۳ ق تقریر بحث «الصوم» استادش شیخ عبدالرحیم بروجردی را نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (۳۸۲ -۳۷۲ /۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۲۵ -۷۲۴ /۱۳)، المآثر و الآثار (۱۵۹).

بروجردی، عبدالله

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج محمد رحیم، عالم فاضل مصنف، از اکابر فقها و دانشمندان قرن دوازدهم در اصفهان است.

در ربیع‌الاول سال ۱۱۹۱ وفات یافته، در تکیه‌ی مجلسی جنب مسجد جامع مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

بروجردی، عبداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۹ -۱۲۵۶ ق)، عالم، فقیه، اصولی و زاهد. در بروجرد به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات، در محضر پدر خویش و حاج ملا اسداللّه حجةالاسلام تحصیل کرد. سپس برای تکمیل تحصیلات به اصفهان رفت و به حوزه درس شیخ محمد باقر اصفهانی فرزند شیخ محمد تقی صاحب «هدایة المسترشدین» وارد شد و از او بهره‌ها گرفت. پس از فراغت از تحصیل به بروجرد بازگشت و تا پایان عمر در آنجا به تدریس پرداخت. آیت‌اللّه بروجردی از شاگردان او است. از آثار وی: رساله‌ای در «اجماع»؛ رساله‌ای در «مقدمه‌ی واجب»؛ رساله‌ای در «اجتماع امر و نهی»؛ رساله‌ای در «قطع».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (۵۱۲ -۵۱۰ /۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۰۲ -۱۲۰۱ /۱۴).

بروجردی، علی اصغر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۷۶ -۱۲۳۱ ق)، عالم، متکلم امامی و شاعر، متخلص به اصغر و نیر. در بروجرد به دنیا آمد. مقدمات علوم را در زادگاهش فراگرفت. سپس به نجف رفت و از بزرگانی همچون شیخ محمد حسن نجفی، صاحب «جواهر»، و شیخ محمد حسین، صاحب «فصول»، و سید ابراهیم موسوی، صاحب «ضوابط» و شیخ حسن فقیه، فرزند شیخ جعفر کاشف الغطاء، استفاده کامل برد، و فیض حضور اکثر محدثان و مفسران و حکمای عصر خود را یافت. او شعر می‌سرود و در مثنوی‌اش اصغر تخلص می‌کرد، اما در «دیوان» خود تخلص نیر داشته است. وی آثار سودمندی به جای گذاشت، از جمله: «الافاضات الرضویة»، در نشئات مختلفه، از بدو خلقت تا محشر؛ «البوارق اللامعة»، در خلافت امیرالمؤمنین (ع)؛ «التیمم»؛ «در مکنون»، مثنوی عرفانی؛ «سیف الشیعة»؛ «سیف المجاهدین»، در احکام جهاد و دفاع؛ «شرح منظومه فقهیه»؛ «ضیاء النور»، مثنوی عرفانی عرفانی و اخلاقی؛ «عقائد الشیعة»؛ «اللؤلؤ المنثور»، در بعض خطب امیرالمؤمنین (ع)؛ «لآلی الکلام»، در فروع و احکام؛ «مخزن الاسرار»؛ «معدن الحکمة»؛ «منهج الحق»، در مسائل مختلفه بین الفریقین؛ «مهمات الاصول»، در اصول فقه؛ «نور الانوار»، در احوال حضرت قائم (عج).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۶۷/۸)، تاریخ بروجرد (۳۵۲ -۳۴۸ /۲)، الذریعه (۱۷۶/۱۹، ۳۸۶/۱۸، ۶۳/۱۶، ۲۸۴/۱۵، ۱۲۴۱/۹، ۷۳/۵)، ریحانه (۲۵۳/۱)، لغت‌نامه (ذیل/ علی اصغر بروجردی)، المآثر و الآثار (۲۱۷)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۲ -۴۸۰ /۴). معجم المؤلفین (۳۸/۷)، مکارم الآثار (۹۲۲ -۹۲۱ /۳).

بروجردی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، عالم و مدرس. تحصیلات خود را در بروجرد شروع و برای تکمیل به قم رفت، سپس به تهران آمد و در مدرسه شیخ هادی ساکن و از استادان عصر بهره‌مند شد. آنگاه خود مدرس شد و مستعدان از محضرش استفاده‌ها بردند. از جمله شاگردانش، دهخدا است که مدتی در ادبیات از وی بهره گرفت. از جمله آثار علمی وی تصحیح چند کتاب است. از جمله:

«النفلیهٔ» شهید اول، در نوافل، که در ۱۳۰۸ ق در تهران به چاپ رسید؛ «تذکرهٔ الفقهاء» و «مختلف الشیعهٔ» علامه‌ی حلی که در ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ ق در تهران چاپ شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (۴۹۴ -۴۹۳ /۲).

بروجردی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا مولانا فرزند ملا ـ علی‌اکبر بروجردی از افاضل اهل منبر و محدثین معاصر مقیم قم می‌باشند. ایشان در سال ۱۳۰۶ خورشیدی در شهرستان بروجرد به دنیا آمده و خواندن و نوشتن و مقداری از مقدمات عربی را نزد والدش فراگرفته است، و سپس سطوح ادبیات و فقه و اصول و منطق و فلسفه را از اساتید فنون یاد شده چون مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین حاج سید محسن شریعتمداری و مرحوم حجهٔالاسلام میرزا لطف‌اللّٰه و مرحوم حجهٔالاسلام حاج سیدعبدالحسین خندانی و حجهٔالاسلام حاج شیخ علی محمد خرم‌آبادی و حجهٔالاسلام حاج شیخ محمد غروی و حجهٔالاسلام حاج شیخ علی جواهری و حدود هیجده سال تقریبا از محضر آیت‌اللّٰه حاج شیخ علی محمد نجفی بروجردی و چند سالی در فصل تابستان از محضر آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید علی بهبهانی و رامهرمزی بهره‌مند شده و از خرمن آنان خوشه‌ها که بلکه دسته‌ها برداشته است.

اما آثار آقای مولانا

۱- تبلیغ اسلام و ترویج دین و نشر معارف اهل‌البیت از طریق منبر که بسیار جالب و موثر در قلوب شنوندگان است.

۲- درسهائی از توحید که دروسی است که در مدرسه ولی عصر عجل‌اللّٰه فرجه الشریف در بروجرد برای طلاب القاء شده است.

۳- تعلیقات بر کتاب صراط المستقیم که مقدمه‌ای است بر تفسیر قرآن تألیف آیت‌اللّٰه سید حسین بروجردی صاحب کتاب نخبه‌المقال که در مصر چاپ شده و از طرف جامع‌الازهر ممنوع الانتشار شد ولی در تهران به وسیله آقای صدرالسادات دزفولی جلد اول آن به طبع و نشر رسید.

۴- تعلیقات بر کتاب یاد شده بر جلد اول و دوم و سوم که در بیروت به طبع رسید.

۵- الخاتم لوصی الخاتم تحقیق و تفسیر آیه الولایه که در بیروت به طبع رسیده است.

۶- تذییل و تخریج الطالب فی شرح المکاسب تألیف آیت‌اللّٰه اردکانی که در بیروت چاپ شده است.

۷- تاریخ بروجرد از نظر جغرافیا و حکام و حوادث جلد اول در قم چاپ شد.

۸- تاریخ بروجرد جلد دوم- دانشمندان از قرن چهارم تا چهاردهم که در قم چاپ شده است.

۹- تحقیق و تخریج کتاب شریف عبقات‌الانوار تألیف میرحامد حسین هندی که ده جلد آن در قم به طبع رسیده است.

آثار مخطوط که در آستانه طبع می‌باشد

۱- جلد سوم تاریخ بروجرد دانشمندان و شاعران

۲- تعلیقات بر کتاب بحرانی که جلد اول در بیروت در آستانه طبع است.

۳- تنظیم و تخریج تقریرات مرحوم آیت‌اللّٰه بروجردی در کفایه‌الاصول که در قم آماده طبع است.

۴- المنظومه الفارسیه فی تفسیر القرآن الکریم فی بحر الهرج المسدس المحذوف .

۵- المنظومه العربیه فی فقه اللمعه الدمشقیه

۶- فهرس الاسماء و الالقاب والکنی

۷- المواعظ و الخطب بالفارسیه چندین جلد

۸- کشکول

۹- دائر المعارف باللغه العربیه در مجلدات بسیاری.

۱۰- الاوائل بنهج جدید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

بروجردی، فخرالدین محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، فقیه، ادیب و شاعر. همچون دو برادرش از نوادگان دختری میرزای قمی، صاحب «قوانین» بودند که از طرف پدرشان، حجهٔ الاسلام، مجاز به اجازه‌ی اجتهاد شدند. او در بروجرد و حدود آن ریاست داشت. میرزا فخرالدین علاوه بر جنبه‌ی فقاهت از شعر و شاعری نیز بهره‌ی وافری داشت، و «مثنوی» او به نظر اعتماد السلطنه، صاحب «المآثر و الآثار» رسیده است. قصاید و غزلیات او بسیارند که چند غزل از او در «تاریخ بروجرد» در بخش شعرای بروجرد آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (۳۳۳ -۳۳۰ /۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۹۲/۳)، المآثر و الآثار (۱۶۱).

بروجردی، قاسم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. از سادات بروجرد بود. با حزین لاهیجی (م ۱۱۸۰ ق)، در خرم‌آباد لرستان ملاقات کرد و نزد حاجی عبدالغفور بروجردی کسب فیض نمود. در شعر و معما استاد بود. بعد از مدتی به وطن خود مراجعت کرد و قبل از تحریر «تذکره‌المعاصرین» لاهیجی، در ۱۱۶۵ ق، در بروجرد درگذشت. از اوست:

نم فیض تو ساقی حل نماید مشکل ما را

به یک پیمانه می دریای آتش کن دل ما را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره المعاصرین (۱۳۷ -۱۳۶)، الذریعه (۸۶۲ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۳۰).

بروجردی، محسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۳ ق)، عالم. نسبتش به رفیع الدین محمد، صاحب «ابواب الجنان» می‌رسد. ملامحسن در بروجرد متولد شد و پس از تحصیل معارف اولیه نزد پدر، برای تکمیل به حوزه‌ی درس سید جعفر کشفی، سید حسین بروجردی صاحب «نخبة المقال»، حاج ملا اسداللّٰه حجت الاسلام و سید شفیع جاپلقی رفت. از آثار او است: «مجمع المطالب و منتهی المآرب»، در تفسیر دو سوره‌ی حمد و توحید. طایفه‌ی محسنی در بروجرد اکنون از نوادگان ایشان به شمار می‌روند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (۴۶۳ /۲)، الذریعه (۴۴ /۲۰)، المآثر والآثار (۱۶۰).

بروجردی، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن حاج میر سید علی طباطبائی بروجردی، عالم فاضل محقّق، از شاگردان پدر خود و مرحوم حاج سید مهدی نحوی و دیگران بوده، و به عزّت و احترام می‌زیسته، در ۲۲ رجب سال ۱۳۴۰ وفات یافته، در داخل بقعه مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بروجردی، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد تقی بروجردی مقیم و متوفی در تهران از علماء محققین و مجتهدین مسلمین معاصر دارای مقام علم و فقاهت و از تلامذه مبرز مرحوم آیه‌الله نائینی و آیه‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیه‌الله العظمی اصفهانی و دیگران بوده تقریرات استادش مرحوم نائینی را برشته تحریر درآورده و بطبع رسانیده و مورد استفاده فضلاء قم و نجف میباشد.

وی بعد از فوت مرحوم آیه‌الله العظمی اصفهانی بایران آمده و در قم بملاقات زعیم اعظم آیه‌الله بروجردی رسیده و بنابر امر و اصرار معظم له در قم اقامت و بتدریس خارج فقه و اصول پرداخته ولی پس از چند سال بنابر دعوت مرحوم آیه‌الله مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی قدس‌الله سره که نسبت بایشان محبت و عنایت خاصی داشت بتهران مسافرت و رحل اقامت افکنده و در مسجد شیشه خیابان حاج شیخ هادی باقامه جماعت و وظائف دیگر روحانی پرداخته و برای عده‌ای از فضلاء و محصلین حوزه تهران تدریس نموده تا در ماه ذی‌الحجه ۱۳۹۱ قمری هجری در روز فوت مرحوم آیه‌الله حاج میرزا عبدالله سعید تهرانی فوت نموده و جنازه‌اش را حمل بقم و با تشییع باشکوهی در جوار دختر والاگهر موسی بن جعفر علیهماالسلام حضرت فاطمه معصومه دفن نمودند جناب حجه‌الاسلام و خطیب والامقام آقای حاج شیخ ابوالقاسم خزعلی که از مشاهیر مدرسین و خطباء بنام است برادرزاده‌ی ایشانست.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بروجردی، محمد رحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۹ -۱۲۲۴ ق)، فقیه اصولی و مجتهد. معروف به بالاخیابانی. در آغاز کودکی به تحصیل ادب و زبان عرب مشغول گشت و به خاطر استعداد و مهارتی که در ادبیات عرب داشت، کتابی در همان اوان کودکی در نحو تصنیف کرد که مورد قبول طلاب شد. سپس در محضر علما و فقها حاضر شد و از سید بزرگوار سید شفیع جاپلقی و حاج ملا اسد الله بروجردی استفاضه کرده است. در سال ۱۲۴۱ ق به نجف اشرف رفت و از محضر شیخ محمد حسن نجفی صاحب «جواهر» بهره‌ها برد و در همان اوقات شرحی محققانه بر «مختصر نافع» در فقه تألیف کرد که مورد تحسین و تقدیر صاحب «جواهر» گردید و از او اجازه‌ی اجتهاد گرفت. مدتی در نجف به تحصیل پرداخت و سپس در کربلا مقیم شد. در سال ۱۲۵۸ ق به اصرار دانشمندان مشهد و بزرگان خراسان و امر صاحب «جواهر» به مشهد رفت و به ترویج علوم و نشر احکام اشتغال ورزید و شاگردان زیادی از محضرش استفاده کردند. وی دو بار به سفر حج رفت و در سال ۱۲۶۶ ق پس از فتنه‌ی سالار در خراسان، امیرکبیر او را به تولیت آستان قدس رضوی منصوب کرد. وی بر اثر بیماری وبا در سن ۸۵ سالگی دار فانی را وداع گفت و در جوار مرقد امام رضا (ع) دفن گردید. از آثار وی: «کتابی در نحو» که در کودکی نوشت، «تقریرات دروس فقه و اصول حاج سید شفیع جاپلقی و حاج ملا اسدالله بروجردی»؛ «شرح المختصر النافع»، «الهدایهٔ الرضویه»، «رساله در اثبات سیادت»؛ «رساله در بیع فضولی»؛ «جوامع الکلام» در شرح «قواعد الاحکام» علامه حلی؛ «رساله در اعمال سال»؛ «رساله در اجازه‌ی شیخ میرزا محمد همدانی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۵۶/۹)، تاریخ بروجرد (۴۸۰ -۴۷۴ /۲) الذریعه (۱۷۶/۲۵، ۵۹/۱۴، ۲۵۲/۵)، شرح حال رجال (۲۴۷/۵)، معجم المؤلفین (۳۰۸/۹).

بروجردی، محمد رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ش)، فقیه، اصولی و مدرس. از سادات نوربخشی، و از طرف مادر منسوب به سادات طباطبایی بروجردی است. در بروجرد به دنیا آمد. پس از خواندن مقدمات و سطوح به مشهد رفت و در حدود بیست سال از محضر آیت الله حاج آقا حسین قمی و آیت الله آقازاده کفایی بهره برد. پس از آن به عراق مهاجرت کرد و مدت دوازده سال در نجف اقامت داشت و از حوزه درس آیت الله نایینی و آیت الله آقا ضیاء عراقی و آیت الله اصفهانی استفاده کرد، و همزمان برای عده‌ای فقه و اصول تدریس می‌کرد. وی از آیت الله اصفهانی و آیت الله عراقی اجازه اجتهاد دریافت کرد. سپس به مشهد بازگشت و به تدریس فقه و اصول و ترویج احکام مشغول شد. از آثار وی: رساله‌ای در «اجتهاد و تقلید و عدالت»، که به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۱۲۰ -۱۱۹ /۷).

بروجردی، محمد نصیر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی از معاصران نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) بود که به امر شاه سلیمن (۱۱۰۵ -۱۰۷۷ ق) به گنجه رفت و به شغل تدریس مشغول شد. نصیر در شعر و معما تبحر داشت و اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

دل ما جام و مهر او شراب است

که ماه نو تمام از آفتاب است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۵۳۸ -۵۳۷)، الذریعه (۱۱۹۸ -۱۱۹۷/ ۹).

بروجردی، محمدتقی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن نسخ و رقاع کتابت خوش (ترجمه‌ی نستعلیق خفی متوسط) با رقم: «قد فرغ من الکلام المجید فی الثلثا خامس عشر شهر شوال المکرم، حسب‌الاشاره... میرزا علی... حرره العبد... محمدتقی ابن مرحوم محمدعلی البروجردی سنهٔ ۱۲۲۵» برای فروش نزد جهانشاهی.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

بروجردی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آیت‌الله‌زاده معظم آقای آقا سیدمحمد حسن بن العلامه الکبری والایه العظمی الحاج آقا حسین البروجردی طباطبائی از علماء حوزه فرزند برومند زعیم اعظم است که ترجمه وی را در دو کتاب زندگانی آیت‌الله بروجردی آقای دوانی و آقای علوی ذکر کرده‌اند خلاصه آن این است که وی در سال ۱۳۴۶ ق در شهرستان بروجرد متولد شده و در تحت تربیت و مراقبت آن پدر بزرگوار تربیت یافته و به قم مهاجرت نموده و مقدمات و سطوح را به پایان رسانیده و از درس و بحث والد خود بهره‌های کافی برده و پس از فوت پدر به جای ایشان در مسجد اعظم که جای چندین جماعت است منحصرا به امامت اشتغال دارد و نیز تدریس هم می‌نمایند تکمیل مسجد اعظم هم در عهد تولیت و سرپرستی ایشان به کمک مردم و بعضی از مبادی عالیه گردیده و هنوز هم کاشیکاریهای قسمتی از آن باقیست.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

بروجردی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضا بن السید الجلیل فخرالدین الموسوی بروجردی از علماء معاصر مشهد و از سادات نوربخشی از طرف مادر منسوب و به سلسله طباطبایی بروجرد که از آنهاست آیت‌اللّه العظمی آقای حاج آقاحسین بروجردی اعلی اللّه مقامه الشریف می‌باشد.

معظم‌له پس از تولد در بروجرد و پرورش در بیت علم و فضیلت و خواندن مقدمات و سطوح به مشهد رضوی مشرف شده و قریب بیست سال از محضر آیت‌اللّه العظمی حاج آقاحسین قمی طباطبائی قدس‌اللّه سره و آیت‌اللّه میرزا محمد آقازاده کفائی رئیس حوزه علمیه مشهد در عصرش استفاده نموده و بعد مهاجرت به عراق و مدت دوازده سال در نجف اشرف اقامت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی بهره‌مند گردیده و ضمنا برای عده‌ای از طلاب تدریس فقه و اصول داشته تا مبتلا به خونریزی گلو گردیده و برای استشفاء به کربلا مشرف فقه و اصول داشته تا مبتلا به خونریزی گلو گردیده و برای استشفاء به کربلا مشرف و توسل به حضرت سیدالشهداء علیه صلوات اللّه پیدا نموده و در شب نیمه شعبان المعظم در عالم رویا می‌بینند که حضرت امام حسین (ع) در رواق مطهر تشریف دارند و فرمودند منبر برو منبر برو عرض می‌کند از کتاب جلاء العیون علامه مجلسی بخوانم فرمودند دو مرتبه بخوان بخوان.

پس به موجب مساعدت استخاره به مشهد برگشته و تاکنون حدود بیست سال است که به تدریس فقه و اصول و اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج احکام اشتغال دارند.

از آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه عراقی اجازه اجتهاد و غیره دارند از آثار ایشانست رساله‌ای در اجتهاد و تقلید و عدالت که برای استفاده اهل علم نشته و به طبع رسیده است.

ایشان چندین سال در مسجد جامع گوهرشاد در شبستان بزرگ اقامه جماعت داشتند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

بروجردی، مرتضی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علامه بزرگوار حاج سید مرتضی معروف بعلم‌الهدی بروجردی متوفی ۱۲۰۴ یکی از اجداد آیه‌الله بروجردی از مشاهیر این خاندانست که در عصر خود ریاست علمی و دینی و اجتماعی بروجرد باوی بوده و حکام و فرمانداران و زمامداران آنزمان بدیدن او آمده و دست ارادت میدادند. و آن بزرگوار والد ماجد آیه‌الله علی الاطلاق حاج سید مهدی بحرالعلوم است. معروف است روزی آنجناب با اقران خود در حیاط بیرونی مشغول بحث و گفتگو بود و هنوز بسن بلوغ نرسیده و یا در همان حدود بود که فرماندار بدیدن والدش میآید و در ورود و یا خروجش ویرا دیده و میپرسید این آقازاده کیست میگویند فرزند برومند آیه‌الله علم‌الهدی است. پس فرماندار نزدیک آمده و دست ویرا میفشرد و ابراز علاقه میکند و میرود پس از رفتن او آقا سید مهدی خدمت والد آمده و عرض میکند آقاجان بمن اجازه دهید مهاجرت بنجف اشرف و عتبات عالیات کنم پدرش میفرماید برای چه پسرم باین فکر افتادی میگوید چون فرماندار بمن ابراز علاقه کرد میترسم کم‌کم بین من و او الفت پیدا شود و نمیخواهم با اولیاء دولت و حکام ارتباط و آشنائی پیدا کنم. پس اجازه گرفت و مهاجرت نمود و رسید بآنجائیکه باید برسد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بروجردی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۹ -۱۳۰۰ ق)، مجتهد و نویسنده. در بروجرد متولد شد و دوران مقدماتی تحصیل را در زادگاهش گذراند، سپس به اراک رفت و از محضر آیت الله آقا نور عراقی و آیت الله حایری بهره گرفت. به همراه آیت الله حایری در قم ساکن شد و در تأسیس حوزه‌ی دینی همکار وی گردید. در پایان عمر انزوا اختیار کرد و به تألیف اشتغال ورزید. از آثار وی: «بیان حقیقت»؛ «درد بی‌درمان یا بدبختی‌های اجتماع»؛ «اسلام و مستمندان»؛ «برهان روشن»؛ «تیره‌بخت»؛ «اسرار مقبره‌ی سبز»؛ «اسرار نامه‌ی زرد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه رجال و مشاهیر (۶۰/۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۸۶/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۵/۶).

بروجردی، نورالدین محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عالم و فقیه. وی برادر میرزا فخرالدین و آقا جمال‌الدین و هر سه نوه‌ی دختری میرزای قمی، صاحب «قوانین» و مجاز به اجازه‌ی اجتهاد از طرف پدرشان ملا اسدالله حجهٔ الاسلام بروجردی بودند. او از شاگردان مخصوص شیخ انصاری بود و مدتها از حوزه‌ی فقه و اصول وی بهره گرفت. ولی در عنفوان شباب در عتبات عراق قبل از به پایان رساندن تحصیلات درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (۳۳۰/۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۹۳ -۱۹۲ /۳)، المآثر و الآثار (۱۶۱).

بروجردی، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم جلیل و فاضل نبیل مروج الاثار و معظم شعایر الله آقای حاج شیخ هادی بروجردی از فضلاء و مبرزین تلامذه مرحوم آیت‌الله حجت و مرحوم آیت‌الله خونساری و بعد از ایشان مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی است ولادتش در بروجرد واقع و پس از دیدن قسمتی از مقدمات و سطوح به قم مهاجرت و تکمیل سطوح نموده و هم از محضر مرحوم آیت‌الله حایری و پس از آن مرحوم از آیات مذکوره استفاده نموده و در مسجد چهارمندان به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و هم تدریس اشتغال دارد. مورد توجه مردم آن ناحیه و کلیه مراجع و زعماء حوزه علمیه است در تعظیم شعایر مذهبی و اقامه عزا در وفیات ائمه علیهم‌السلام و گرفتن جشن در موالیدشان بسیار ساعی و کوشامی‌باشد نصب پرچمهای الوان در اعیاد مذهبی و پرچمهای سیاه در ایام وفیات در خیابانهای ارم و چهارمندان و سایر نقاط شهر قم از آثار ایشانست ادام الله توفیقاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

بروجرودی، صالح

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۸۳ ق)، شاعر. از سادات بروجرد که مدتی وزیر آن شهر بود و بعد معزول شد و روانه سفر مکه معظمه گردید. بعد از مراجعت، به سبب قابلیت، حسین پاشا او را در بصره نگاه داشت و به افتاق وی به هند رفت و از مقربان درگاه او رنگ زیب شد و به گفته‌ی نصرآبادی در ۱۰۸۳ ق از صاحب منصبان بود. از سید صالح اشعاری در تذکره‌ها به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۱۲ -۱۱۱)، الذریعه (۵۸۶ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۴۲)، کاروان هند (۶۸۱ / ۱).

بروجنی، اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر. از شعرای بروجن است که در اصفهان سکونت داشت. جزوه کوچکی از اشعارش به نام «رفیق خیانتکار» به طبع رسیده است. از اوست:

به ناکس اگر اعتماد آوری

همه زندگانی به باد آوری

اگر بچه عقرب به بر پروری

و یا افعی اندر شکر پروری

و یا گرگ اندر سرای آوری

ز اطلس بر او متکای آوری

گزنده گزد، هم درنده درد

ز خوی بد خویشتن نگذرد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان(۵۰)، فرهنگ سخنوران(۷۹).

بروجنی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج ملا محمد باقر. عالم فاضل، محقق جلیل.

در حدود ۱۲۶۵ متولد، و در اصفهان و نجف تحصیل نموده، از مجتهدین بارع، و محققین کامل بوده.

کتب چندی تألیف نموده، از آن جمله است:

۱ - بحرالجواهر، در شرح جواهرالکلام ۲ - تبصرهٔ المتهجدین، در سال ۱۳۲۳ در اصفهان به چاپ رسیده، و فهرست تألیفات مأخوذ از آنجاست ۳ - تفسیر قرآن، در چندین مجلد ۴ - رساله در آداب و اعمال شب، از واجبات و مستحب، به پیوست کتاب تبصره به چاپ رسیده است ۵ - شرح ریاض ۶ - شرح بر کتاب نکاح؛ و غیره.

صاحب عنوان سال‌های در اصفهان در مدرسه‌ی الماسیه ساکن و به تدریس فقه و اصول مشغول بوده، و ظاهرا در اواخر عمر به موطن خویش مراجعت نموده، و حدود سال ۱۳۳۰ در آنجا وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

بروجنی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید ابوالقاسم حسینی. عالم فاضل، از شاگردان: حاج شیخ محمد باقر نجفی، و حاج میرزا بدیع درب امامی، و آخوند کاشی و جمعی دیگر از علمای اصفهان بوده، و در ربیع‌الثانی سال ۱۳۳۸ وفات یافته، در تکیه‌ی ملک در یکی از حجرات مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

بروجی، صبغهٔ الله

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۵ ق)، مفسر و فقیه متصوف. اصل او از اصفهان بود. در بروج هند متولد شد، و در مدینه ساکن شد و تا پایان عمر در آنجا ماند. از آثار وی: «اراءهٔ الدقائق فی شرح مرآهٔ الحقائق»؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ «باب الوحدهٔ»؛ «مالا یسع المرید ترکه کل یوم من سنن القوم»؛ و چند رساله دیگر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۸۷/۳)، ایضاح المکنون (۴۲۰/۲، ۱۶۱، ۵۳ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ بروجی)، معجم المؤلفین (۱۷ -۱۶ /۵)، هدیهٔ العارفین (۴۲۵/۱).

برومند جزی اصفهانی، رضا قلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۶ ق)، شاعر، متخلص به برومند. در اصفهان متولد شد. تحصیلات خویش را در اصفهان و تهران در رشته‌ی حقوق به پایان رسانید و از آن پس وارد خدمت دولتی شد. در دادگستری اصفهان از قضات با شهامت و پاکدامن بود. گاهی نیز شعر می‌سرود. اشعار وی پخته، متین و روان است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۸۵ -۸۲).

برهان

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۰۱ ق)، خطاط. وی از کاتبان خوشنویس و گمنام معاصر میرعماد معروف بود.از آثار او: یک نسخه‌ی نفیس «شاهنامه‌ی» مذهب مصور مزین، به قلم کتابت خوش، با رقم: «... صورت اتمام و تکمیل یافت کتاب همایون خطاب شاهنامه... حکیم فردوسی الطوسی... العبد الضعیف برهان، فی الثانی من شهر شعبان سنه‌ی ۱۰۰۱ احدی و الف من الهجرهٔ محمد سید الکونین...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۹/۱).

برهان ابرقوهی، برهان‌الدین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر و صوفی. از سادات ابرقو بود که به تصوف گرایش داشت، و از مریدان قاضی اسد کاشی بود. از ابرقو به سال ۱۰۲۸ ق به اراده‌ی مطالعه به شیراز رفت و مدت سه سال در آنجا به تحصیل مشغول شد و با شاعران آنجا مثل میرابوالحسن فراهانی و غیاثا شیرازی و ملهمی تبریزی و اهل نظم آن دیار مراوده و مشاعره داشت، بعد از آن به اصفهان رفت و مدت دو سال به تحصیل علم پرداخت و از آنجا به دارالسلطنه‌ی هرات رفت و بعد از مدتی به هندوستان عزیمت کرد اشعار بسیاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۰۱)، تذکره‌ی روز روشن (۱۰۷)، تذکره‌ی پیمانه (۵۷۲ -۵۷۱)، الذریعه (۱۳۳/۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۴۷ -۴۴۶ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۳۲)، کاروان هند (۱۶۴ -۱۶۰ /۱)، مخزن الغرائب (۳۷۵ - ۳۷۴ /۱)، مرآت الفصاحه (۸۶).

برهان اردلانی، برهان‌الدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(قبل از س هفتم ق)، شاعر. ملقب به شرف الائمه. وی از سخن‌سرایان خوش بیان بود و شعرش شهره‌ی آفاق. برهان بیشتر با اهل علم مجالست داشت. اکثر ابیات و اشعار او در شکایت فلک غدار است و مدح کسی را نمی‌گفت و از کسی صله نمی‌پذیرفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۰۶)، فرهنگ سخنوران (۱۳۲)، لباب الالباب (۲۴۶ -۲۴۵ /۱)، مخزن الغرائب (۲۹۲/۱).

برهان بلخی، ابوالحسن علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۴۸ ق)، فقیه حنفی. مشهور به برهان بلخی. در بلخ زاده شد و در همان شهر برآمد. وی در بخارا از برهان بن مازه حدیث آموخت و زیارت خانه خدا کرد و پس از بازگشت به بلخ، خانه امیر ترخان را برای او مدرسه قرار دادند و او در آنجا به تدریس و وعظ پرداخت اما، بر اثر شورش حنابله‌ی آن شهر مجبور به کناره‌گیری شد، و مدتی نیز در مدرسه خاتونیه برانیه تدریس کرد و سرانجام به دمشق رفت و در مدرسه صادریه به تدریس پرداخت و در همان شهر درگذشت. وی اصحاب بسیاری داشت. مدرسه بلخیه در باب البرید بدو منسوب است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۲۵۴/۱)، سیر النبلاء (۲۷۶/۲۰).

برهان بلخی، برهان‌الدین مظفر

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۰۳/۷۸۸ ق)، شاعر و صوفی. خانواده وی از اعقاب ابراهیم بن ادهم بلخی، صوفی نامدار ایرانی، بود و نسب برهان بلخی به هفت واسطه به ابراهیم می‌رسد. پدرش در عهد سلطنت محمد بن تغلق از غوریه هند به دهلی رفت و مولانا مظفر در بلخ پیش از مهاجرت پدرش به هند، ولادت یافت، و بعد از ورود به هندوستان مدتها در قید حیات بود. او در حلقه‌ی مریدان شرف‌الدین احمد

بن یحیی از مشایخ آن سامان درآمد و سمت جانشینی او یافت. از مولانا «دیوان» اشعار؛ «مجموعه‌ی نامه‌ها» و «رساله‌ای در بدایت و نهایت درویشی» باقی مانده و جز اینها کتب و رسالاتی داشته که از میان رفته است. اشعار برهان از حیث ارزش ادبی متوسط و بیشتر مقصور است بر بیان مطالب عرفانی در صورت غزلهای عاشقانه یا صوفیانه و برهان‌الدین مظفر در همه آنها برهان تخلص می‌کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۵۸ -۱۰۵۶ /۳)، سرآمدان فرهنگ (۲۲۲/۱).

برهان تبریزی، محمد حسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۶۲ ق)، ادیب، فرهنگ‌نویس و شاعر، متخلص به برهان. در اصل اهل تبریز بود و لکن در هند اقامت داشت. وی مؤلف کتاب «برهان قاطع» و از معاصران سلطان عبدالله قطب‌الدین شاه، پادشاه شیعی مذهب هند، است. وی کتاب «برهان قاطع» را به سلطان مذکور تقدیم کرد. این کتاب با استفاده از «فرهنگ جهانگیری»؛ «فرهنگ سروری»؛ «سرمه‌ی سلیمانی»؛ و «صحاح الادویه‌ی» حسین انصاری و با حذف شواهد و مکررات و افزایش پاره‌ای واژه‌ها از استعاره‌ها و ترکیبهای لغوی فراهم آمده است، حتی مقدمه‌ی کتاب که در بیان بعضی از قاعده‌های دستور فارسی است از کتاب «فرهنگ جهانگیری» به وجه تلخیص اقتباس شده. برهان در این کتاب واژه‌های فارسی و ترکی یا عربی را که در فارسی وارد شده، آورده است. این فرهنگ شامل نه گفتار و هر گفتار در چند بیان است و مقدمه‌ی آن در نه فایده تنظیم شده است. بعد از شهرت «برهان» کتابهایی در ذکر اشتباه‌ها و تکمیل آن نگاشته شد از جمله: «قاطع برهان»؛ «ساطع برهان»؛ «رافع هذیان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۵۱/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۸۶ -۳۸۴ /۵)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۹۰ -۸۸ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۶۹ -۶۸)، الذریعه (۱۳۳/۹، ۹۹ -۹۸ /۳)، ریحانه (۲۵۴ -۲۵۳ /۱)، سخنوران آذربایجان (۲۳۸ -۲۳۵)، فرهنگ ادبیات فارسی (۸۹ -۸۸)، فرهنگ سخنوران (۱۳۲)، فرهنگهای فارسی (۱۴۹ -۱۴۰)، کاروان هند (۱۶۴/۱)، لغت‌نامه (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (۷۳۴/۲).

برهان جامی، یوسف

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر، عارف و موسیقیدان. از نوادگان احمد جام ژنده‌پیل بود. در شعر و موسیقی و عرفان دست داشت و در شعر برهان تخلص می‌کرد و برای اشعار خود آهنگ‌های موسیقی می‌ساخت. امیر علیشیرنوایی، وزیر سلطان حسین بایقرا، در موسیقی از شاگردان وی بود. در جام می‌زیست و همان جا درگذشت و در جوار جدش، احمد جام، به خاک سپرده شد. اثر وی «ترسلی» است که در برگیرنده‌ی منشآت نویسندگان پیش از او است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (۲۲۹/۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۳۶)، تاریخ هنرهای ملی (۷۷۳/۲)، الذریعه (۱۳۳/۹)، طرائق الحقائق (۱۰۷/۳)، فرهنگ سخنوران (۱۳۲)، مجالس النفائس (۲۱۵، ۴۲).

برهان رازی هروی، برهان‌الدین عطاء الله

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۰۲ ق)، شاعر. از دانشمندان نیشابور که به هرات رفت و سالها در مدرسه‌ی اخلاصیه‌ی شاهرخ در هرات تدریس می‌کرد. آثار وی: «دیوان» شعر؛ رساله‌ای به نام «جواهر الاسماء» در علم معما به نام بابرشاه؛ رساله‌ای در قافیه و صنایع شعری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۲۴ -۳۲۳)، الذریعه (۱۳۳/۹) فرهنگ سخنوران (۱۳۲)، مجالس النفائس (۹۱).

برهان قزوینی، قربانعلی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۰۹ ق)، طبیب و شاعر. مشهور به آقالر بیگ. وی از زادگاهش قزوین به اصفهان رفت و در آنجا به تحصیل مشغول شد و از

پزشکان مسلم آن دیار گردید. چندی طبیب‌باشی شاهزاده محمد علی میرزا بود و چندی نیز در درگاه نواب علینقی میرزا خدمت کرد. وی با هدایت الله خان گیلانی، والی رشت، معاصر بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سفینهٔ المحمود (۱۸۵ -۱۸۴ /۱)، مصطبهٔ خراب (۳۲).

برهان کاشانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۴ ق)، شاعر. در کاشان متولد شد، در جوانی از وطن به شیراز رفت و مدتی در آنجا ساکن شد. سپس به لار رفت و حاکم آنجا را مدح گفت، البته پیش از استیلای شاه عباس بر آن سامان به هندوستان سفر کرد و به سیر و سیاحت در آن دیار پرداخت تا در آنجا درگذشت. از آثار وی: مثنوی «ساقی نامه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی میخانه (۷۰۳ -۶۹۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۹۱)، الذریعه (۷۸۶/۹)، لغت‌نامه (ذیل/ غروری کاشی).

برهان مازندرانی، محمد صالح

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۵۱ ق)، شاعر. وی در اوان جوانی از زادگاهش به هندوستان رفت و در آن سامان زندگی به خرسندی و مسکنت سپری کرد. در ظهور فتنه دهلی که از سپاه نادرشاهی به وقوع پیوست، برهان مجروح شد و پس از چندی درگذشت. آقا محمد صالح در سرودن شعر توانا بود و اشعاری چند از وی به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۳۴/۹)، صبح گلشن (۶۱)، فرهنگ سخنوران (۱۳۳)، کاروان هند (۱۶۵ -۱۶۴ /۱)، مخزن الغرائب (۳۷۴ -۳۷۳ /۱)، نشتر عشق (۲۱۳ -۲۱۲ /۱).

برهان نیشابوری، برهان‌الدین، عطاء الله

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۱۹ ق)، شاعر. در آغاز جوانی از نیشابور که منشاء و مولدش بود به هرات، تخت‌گاه تیموریان، رفت و در آنجا تحصیل علوم کرد و به اندک زمانی در اکثر فنون کامل شد. برهان در علم عروض و صنایع و بدایع شعری مهارت کامل داشت و سالها در مدرسه‌ی شریفه‌ی سلطانیه و مدرسه‌ی رفیعه‌ی اخلاصیه مشغول تدریس بود. از تصانیف وی «رساله‌ی قافیه» و «صنایع و بدایع شعری» در میان فضلا مشهور است. در اواخر عمر به مشهد مقدس مراجعت کرد و همان جا درگذشت. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۳۵۳/۴)، الذریعه (۱۳۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۳۳)، کاروان هند (۱۶۵/۱).

برهان، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌اکبر برهان از علماء عالیقدر و مروجین عظیم‌الشأن تهران بوده که بحسن عمل و دیانت و سعی در قضاء حوائج مومنین و دستگیری از ضعفا و فقراء و بینوایان معروف و بتهذیب اخلاق و سلوک و ترویج و تشویق طلاب و محصلین موصوف بوده است. وی در سال ۱۳۲۴ قمری در تهران متولد شده و مقدمات و قسمتی از سطوح اولیه را نزد مرحوم آقا سید محمد قصیر و آقا شیخ علی رشتی و مرحوم آیهٔالله حاج سید محمد استرآبادی خوانده و مشرف به نجف اشرف گردیده و خدمت مرحوم آقا میرزا محمد عراقی و حجهٔالاسلام عالم ربانی مرحوم حاج شیخ مرتضی طالقانی تلمذ نموده و پس از سه سال به تهران مراجعت و بعد از یکسال مشرف به قم شده و کفایه و مکاسب را خدمت مرحوم آیهٔالله آقا شیخ محمد علی حایری قمی و مرحوم آیهٔالله خونساری خوانده و مدتی هم از محضر مرحوم آیهٔالله حایری یزدی استفاده کرده و بعد از آن به نجف مشرف و از محضر مرحوم آیهٔالله العظمی اصفهانی و آیهٔالله العظمی خوئی مد ظله بهره‌مند شده و بعد از سه سال در سال ۱۳۵۸ قمری مراجعت به تهران و به تبلیغات و خدمات دینی پرداخته و با داشتن وکالت مطلقه از مرحوم آیهٔالله اصفهانی و مراجع دیگر نجف و مرحوم آیهٔالله العظمی حجت کوهکمری خدمات بسیاری نموده به طوری که مورد رقابت و غبطه بعضی از اقران خود واقع گردیدند.

آثار ایشان در تهران و شهر ری و دماوند و نقاط دیگر بسیار است که ذیلا می‌نگارم.

۱- مسجد و مدرسه علمیه لرزاده که از مساجد معموره تهران واقع در خیابان لرزاده است که در حال حاضر جناب حجهٔالاسلام و المسلمین آقای حاج میرزا عباسعلی عمید زنجانی داماد معظم آیهٔاللّه العظمی مرعشی نجفی مد ظلهما در آن امامت می‌کنند.

۲- دبستان و دبیرستان پسرانه و دخترانه برهان برای پرورش و آموزش پسران و دختران مسلمین.

۳- مدرسه علمیه‌ی برهانیه حضرت عبدالعظیم جنب صحن و مسجد جامع ری که با سبکی نوین دارای ۳۴ حجره فوقانی و تحتانی و مدرس و سایر لوازم با مساعدت نگارنده بپایان رسیده و سالها دائر و در حال حاضر هم جمعی از محصلین در آن سکونت دارند. و آن مرحوم در حالی که شب و روز مشغول ترویج و تبلیغ بود و ساعتی فراغت و لحظه‌ای بیکار نبود آثار قلمی چندی از خود بیادگار گذارد که در اینجا می‌نگارم،

۱- رساله‌ای در عدالت ۲- تعلیقه‌ای بر مکاسب ۳- تفسیر سوره یوسف موسوم با حسن المجالس ۴- بشائر النبویه ۵- رساله در حدیث ایام ۶- ربیع الابرار ۷- پریشان نامه

مرحوم برهان اخلاص فوق‌العاده‌ای باهل بیت عصمت علیهم‌السلام داشتند و در تمام ایام موالید و اعیاد و وفیات ائمه علیهم‌السلام مجلس جشن و سوگواری با شکوهی تشکیل می‌دادند و خود در مدح آنان اشعاری می‌سرودند.

آن مرحوم از مردن و مدفون شدن در ری وحشت داشت چنانچه در بیت چهارم شعرش گفته و بالاخره بمقصودش رسید در نیمه ماه ذی‌الحجهٔالحرام سال ۱۳۷۸ قمری پس از انجام مناسک حج در مکه معظمه وفات نموده و در جده نزدیک مدینه الحاج مدفون گردید و در مرگش مردم خیابان خراسان و لرزاده و دیگر نقاط تهران چنان گریستند که کمتر مثلش دیده شد، قصائد بسیاری در فقدانش سروده شد و نگارنده جزوه‌ای بنام (برهان ما) نوشته و در آن ترجمه و آثار او را نگاشتم که در هزار نسخه بطبع رسیده.

(۱۳۷۸ -۱۳۲۴ ق)، فقیه، و مجتهد و شاعر. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی نزد آقا سید محمد قصیر و آقا شیخ علی رشتی و حاج سید محمد استرآبادی، به نجف اشرف رفت و مدت سه سال در محضر آقا میرزا محمد عراقی و حاج شیخ مرتضی طالقانی به تحصیل پرداخت. وی پس از بازگشت به تهران، به قم رفت و به تحصیل «کفایه» و «مکاسب» خدمت آقا شیخ محمد علی حایری و آیت الله خوانساری مشغول شد، تا اینکه مجددا برای ادامه تحصیلات به نجف رفت و از حوزه‌ی درس آیت الله اصفهانی و آیت الله خویی بهره‌مند شد، و با اخذ وکالت مطلقه از حاج سید ابوالحسن اصفهانی به تهران بازگشت. وی دارای اجازه‌ی اجتهاد و روایت بود و در مسجد لرزاده در جنوب تهران به اقامت نماز جماعت اشتغال داشت. مسجد و مدرسه علمیه‌ی لرزاده در تهران و دبستان و دبیرستان پسرانه و دخترانه برهان و مدرسه‌ی علمیه‌ی برهانیه شهر ری، جنب مسجد جامع ری، از مآثار برهان به حساب می‌آیند. از آثار علمی وی: «حدیث الایام»، در ادعیه؛ «ربیع الآثار»؛ «تفسیر سوره یوسف» موسوم به «احسن المجالس»؛ تعلیقه‌ای بر «مکاسب»؛ «رساله‌ای در عدالت»؛ «بشائر النبویهٔ»؛ «پریشان نامه» در شعر.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۶۱/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۴ -۴۹۳/ ۴).

برهانی نیشابوری، عبدالملک

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۶۵ ق)، شاعر. ملقب به امیر الشعراء. از شاعران متقدم عهد سلجوقی است و پدر امیر معزی. امیرالشعراء عبدالملک مورد علاقه و اعتماد الب‌ارسلان بوده است. و لقب برهانی شاید مأخوذ باشد از لقب آلب‌ارسلان یعنی برهان المؤمنین. بر اثر تیری که در شکارگاه شاه به او اصابت کرد، در قزوین درگذشت. از وی اشعاری چند باقی مانده است، معزی می‌گوید: پدرم در دم واپسین در آن قطعه که سخت معروف است- مرا به سلطان ملکشاه سپرد. در این بیت:

من رفتم و فرزند من آمد خلف صدق

او را به خدا و خداوند سپردم[۱]

(ص نسب. برهان) عبدالملک برهانی ملقب به امیر الشعراء، از شاعران اوایل عهد سلجوقی و معاصر و مورد علاقه الب ارسلان، و پدر معزی (ه. م.) است. وی در آغاز دولت ملکشاه (جلوس ۴۶۵ ه.ق.) در قزوین بدرود حیات گفت تخلط برهانی ظاهرا از لقب الب ارسلان (برهان امیرالمومنین) مأخوذ است. اشعاری از او در تذکره‌ها و کتب ادبی ثبت است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۴۳۲ -۴۳۰ /۲)، ترجمان البلاغه (۱۱۱ -۱۱۰)، دیوان معزی (مقدمه)، دایرهٔالمعارف فارسی (۴۲۱/۱)، سرآمدان فرهنگ (۲۲۴/۱)، فرهنگ سخنوران (۱۳۳)، لغت‌نامه (ذیل/ برهانی).

برهانی، آرش

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آرش برهانی (زاده ۲۳ شهریور ۱۳۶۲ در کرمان) یک بازیکن فوتبال ایرانی است. او هم‌اکنون عضو باشگاه استقلال تهران است. او پیش از آمدن به استقلال در تیم پاس تهران و همچنین مدت کوتاهی برای تیم النصر امارات بازی کرده بود.آرش برهانی در

فصل نقل و انتقالات سال ۱۳۸۶ با توجه به این که زمزمه پیوستن او به پرسپولیس تهران شنیده می‌شد، با استقلال تهران قرارداد بست و به این تیم منتقل شد.او در اولین فصل از حضورش در استقلال توانست ۱۰ گل برای این تیم به ثمر برساند اما انتقاد زیادی به وی از لحاظ خراب کردن موقعیت های مناسب گلزنی در آن فصل شد. اما او در فصل بعد و دومین فصل حضور در استقلال به روزهای اوج خود بازگشت و گل‌های فراوانی را برای این تیم ثمر رساند. آرش برهانی در دوره هشتم لیگ برتر باشگاهای کشور در تاریخ ۶ آبان ۸۷ با زدن ۳ گل پیاپی (هت ریک) به پیکان از لحاظ زمان یک رکورد به خود اختصاص داد او در کمتر از ۹ دقیقه ۳ گل به تیم پیکان زد تا اگر اتوئو سریع‌ترین هت‌تریک ۱۰ سال اخیر بارسلونا را انجام داده، برهانی با نصف زمان مهاجم کامرونی، سریع‌ترین هت‌تریک تاریخ استقلال و لیگ برتر باشد.

افتخارات: * قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ایران ۸۳–۸۲ به همراه تیم پاس تهران

* قهرمانی در جام حذفی ۸۷–۱۳۸۶ به همراه تیم استقلال تهران

* قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ایران ۸۸–۸۷ به همراه تیم استقلال تهران

برهانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید محمّد برهانی یکی از دامادهای گرامی مرحوم آیه‌الله حاج سید محمّد مهری (رحمه‌الله) از علماء فاضل و محقق معاصر آبادانست.

وی در یک خانواده اصیل متولد و پس از تحصیلات مقدماتی بنجف اشرف مشرف شده و دروس مقدماتی را در مدرسه (بزرگ آخوند) بپایان رسانید و دروس عالی مذهبی را از محضر زعیم اعظم و مرجع اعلی آیه‌الله العظمی آقای خوئی مدظله کسب فیض نموده است. و پس از پایان تحصیلات و بازگشت بایران در مدارس علمیه تهران بتدریس و تعلیم پرداخته و سپس بقم رفته و از طرف آیه‌الله العظمی بروجردی رحمه‌الله به مأموریت مذهبی عازم شهرهای مختلف جنوب شده و در آبادان اقامت نموده و تاکنون بخدمت دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تنویر افکار اشتغال دارند.

دارای آثار خیر و تألیفات سودمندی میباشد که بآنها اشاره میشود.

۱– مسجد برهانی.

۲– کتابخانه عمومی امام صادق علیه‌السلام که دارای چهار هزار جلد کتابهای ارزنده میباشد.

۳– کتابخانه شخصی که بیش از دو هزار جلد کتاب نفیس دارند که مورد استفاده فضلا و دانشمندان است.

۴– دانش در اسلام ۷ مجلد که جلد اول آن منتشر شده است و جلد دوم انشاءالله منتشر خواهد شد.

۵– حقوق اجتماعی بشر و معارف سجادیه که علوم مندرج در صحیفه سجادیه‌ی را تشریح و تفسیر نموده است.

۶– تفسیر الرسول که از بهترین تألیفات معظم‌له است.

۷– التفسیر عند الشیعه که حاوی بیوگرافی مفسرین شیعه است.

۸– مسانید الرسول که احکام و اخلاق و علوم مستند از حضرت رسول صلی‌الله علیه وآله را جمع‌آوری نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

برهانیان، عبدالحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبد الحسین برهانیان

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۴۱ دوره ابتدائی رادر سعدی شیراز دوره راهنمای در مدرسه ابوذر غفاری و دوره دبیرستان در دبیرستان ابوذر(شاهپور سابق) تحصیل سال ۱۳۶۲ در مدرسه عالی شهید مطهری پذیرفته شدم و در سال ۱۳۶۵ درجه کارشناسی(معارف اسلامی) و در سال ۱۳۶۹ درجه کارشناسی ارشد(فقه و حقوق) را گذراندم.کارهای پژوهشی خود را از نوشتن رسالهٔ کارشناسی ارشد با عنوان«زمان و مکان در اجتهاد» شروع کردم که در آن موقع تنها عنوان مصوب دراین زمینه بود و حدود یکسال و نیم کار تحقیق آن به طول انجامید.مهمترین پژوهش انیجانب کار ابتکاری آموزش ترجمه قرآن است که در واقع یک شیوهٔ جدیدی برای تعلیم ترجمه قرآن به روشی اصولی و با استفاده از آمار کلمات قرآن است که در نوع خود یک گام به جلو محسوب می شود که البته بعد از شروع این کار چند نفر نیز در ضمن انجام آن از کار اینجانب نوعی تقلید نودند آموزشی ترجمه قرآن بارها تجدید چاپ گردید اما چون کار اداری محسوب می گردید متاسفانه در بیرون نمود چندانی پیدا نکرد چند سال بعد با کمک یکی از دوستان بنام کلید های

آموزشی ترجمه قرآن(همراه بـا اضافـات و تغییرات عمـده بیشتر گردیـد.و بعـد از آن دوره آموزشی غیر حضوری آن نیز تـدوین گردید عناوینی که موفق به کار تحقیق و تالیفی گردیده عبارتند از:

کتابها

۱– آموزش ترجمه قرآن، ۲ جلد، چاپ شده

۲– آموزش غیر حضوری ترجمه قرآن، ۱۲ دفتر، چاپ شده

۳– کلید های آموزش ترجمهٔ قرآن، ۱ جلد، چاپ شده

۴– دشمن شناسی در قرآن، ۱ جلد، چاپ شده

۵– بررسی سیاسی بیمه در اسلام(قسمت مبانی و فرهنگی و..)، چاپ شده

۶– احکام اقتصادی خانواده، چاپ شده

۷– تاریخ اسلام و ایران، چاپ شده

مقالات:

۱– عبرت گیری تاریخی از دیدگاه قرآن،چاپ شده

۲– تاثیر قرآن در دوحیه رزمندگان،چاپ شده

برهمن گرجی، شیرمردان

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اصلش از گرجستان بود و از غلامان شاه سلیمان والی ایران. از اوست:

خون ما را نو شکاران بی محابا ریختند

همچو برگ لاله در دامان صحرا ریختند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زنـدگینامه :تـذکره‌ی نصـرآبادی (۴۸ –۴۷)، الـذریعه (۱۳۴/۹)، صـبح گلشـن (۶۲)، فرهنـگ سـخنوران (۱۳۴ –۱۳۳)، مخزن الغرائب (۳۷۷/۱).

بزاز تبریزی، حاجی آقا

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. وی از نوحه‌سرایان دل‌ریش بود، که در بازار بزازی می‌کرد و شعر می‌سرود. اشعار او به زبان ترکی بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۹۰/۲)، دانشمندان آذربایجان (۶۹).

بزدوی، صدر الاسلام، ابوالیسر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۹۳ –۴۲۱ ق)، قاضـی و فقیه حنفی. مشـهور به قاضـی صدر. وی بعد از برادرش، فخرالاسـلام، شـیخ حنفیان ماوراءالنهر به حساب می‌آمـد و پیشوای آنان بود و از دیگر نقاط نیز برای امور شـرعی به نزد او می‌آمدنـد. صـدر الاسـلام مـدتی املاء حـدیث می‌کرد و عهـده‌دار منصب قضای سـمرقند بود. عثمان بن علی بیکنـدی و احمـد بن نصـر بخاری و محمـد بن ابی‌بکر سـنجی و دیگران از وی روایت کرده‌انـد. در بخـارا درگـذشت. او در اصول و فروع فقه دارای تصانیفی بود، از جمله آنها: «المبسوط»، در فروع فقه، در چند مجلد؛ «واقعات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۴۷/۷)، سیر النبلاء (۴۹/۱)، کشف الظنون (۱۵۸۱)، معجم المؤلفین (۲۱۰/۱۱)، هدیهٔ العارفین (۷۷/۲).

بزدوی، فخر الاسلام، ابوالحسن علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۸۲ –۴۰۰ ق)، فقیه اصولی، محـدث و مفسـر حنفی. مشـهور به ابی العسـر. نسـبتش به بزده، قلعه‌ای در نزدیـک نسف، می‌رسـد از بزرگان سـمرقند و پیشوای اصـحاب ماوراءالنهر و خود صاحب طریقه‌ای در مذهب حنفی بود. سمعانی گوید که دوستش ابوالمعالی

محمد بن نصر، خطیب سمرقند، تنها راوی اوست. وی در سمرقند به خاک سپرده شد. او را تصانیف بسیاری است، از آن جمله: «کنز الوصول الی معرفهٔ الاصول» یا «اصول بزدوی»، در اصول فقه، که به همراه شرح آن به نام «کشف الاسرار» علاءالدین بخاری چاپ شده است؛ «المبسوط»، یازده مجلد؛ شرح «الجامع الکبیر» شیبانی؛ شرح «الجامع الصغیر» شیبانی؛ شرح «الجامع الصحیح» بخاری؛ «غناء الفقها»، در فقه؛ «کشف الاستار» یا «تفسیر القرآن»، در یک‌صد و بیست جزء.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۴۸/۵)، ایضاح المکنون (۳۸۸، ۳۴ /۲)، سیر النبلاء (۶۰۳ -۶۰۲ /۱۸)، کشف الظنون (۱۵۸۱، ۱۴۸۵ ، ۱۰۱۶، ۵۶۸، ۵۶۳، ۵۵۳، ۴۶۷، ۱۱۳ -۱۱۲)، معجم البلدان (۴۸۷ -۴۸۶ /۱)، معجم المؤلفین (۱۹۲/۷)، الوافی بالوفیات (۴۳۰/۲۱)، و هدیهٔ العارفین (۶۹۳/۱).

بزرجمهر قاینی، ابومنصور قسیم

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم و پنجم ق)، شاعر. وی از شاعران و ادیبان و امیران دوره‌ی سبکتگین و محمود غزنوی بود. در شعر فارسی و تازی استاد بود. شمس قیس در شمار عروضیان عجم کسی را به نام بزرجمهر قسیمی یاد کرده است که مسلما مراد همین بزرجمهر قسیم بن ابراهیم است. ثعالبی در «تتمهٔ الیتیمه» و عوفی در «لباب الالباب» او را از شعرای ذواللسانین شمرده‌اند که در شعر عربی و فارسی استاد بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قاین (۳۱۶ -۳۰۷)، بهارستان آیتی (۱۵۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۷۰/۱)، تاریخ نظم و نثر (۴۱)، سرآمدان فرهنگ (۲۲۴/۱)، شاعران بی‌دیوان (۴۳۳) فرهنگ سخنوران (۱۳۴)، لباب الالباب (۳۳/۱)، لغت‌نامه (ذیل/ بزرجمهر قاینی)، مجمع الفصحا (۱۴۰/۱)، المعجم فی معاییر اشعار العجم (۱۸۱).

بزرگ نیا، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : دکتر ابوالقاسم بزرگ‌نیا در سال ۱۳۱۲ش در شهر قوچان به دنیا آمد. وی دارای مدرک دکترای آمار واحتمال از دانشگاه شفلید انگلستان می باشد. و هم اکنون عضو هئیت علمی دانشکده ی علوم دانشگاه فردوسی مشهد با مرتبه ی علمی دانشیاری است. کتاب" نظریه آمار " ابوالقاسم بزرگ نیا ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم پایه

رشته : آمار

تحصیلات رسمی و حرفه ای : ابوالقاسم بزرگ نیا تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش سپری کرد. وی دورهٔ دانشسرای مقدماتی را در مشهد گذراند.وی دارای مدرک کارشناسی ریاضی از دانشسرای عالی تهران درسال۱۳۳۶، کارشناسی ارشدریاضی از موسسه عالی و ریاضیات تهران، کارشناسی ارشد آمار از دانشگاه شفلید انگلستان ، دکترای آمار و احتمال از دانشگاه شفلید می باشد.

خاطرات و وقایع تحصیل : اخذ مدرک دکترای آمار و احتمال از دانشگاه شفلید از مهمترین مقاطع علمی زندگی ابوالقاسم بزرگ نیا می باشد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : ابوالقاسم بزرگ نیا در حین تحصیل به مطالعه و تحقیق پیرامون موضوعاتی چون‌آمار و احتمال و ریاضی پرداخته است.

وقایع میانسالی : ابوالقاسم بزرگ نیا پس ازاخذ مدرک دکترای امار و احتمال ازدانشگاه شفلید به ایران بازگشت و به عنوان عضو هئیت علمی دانشکده ی علوم دانشگاه فردوسی مشهد استخدام شدو مرتبه ی علمی دانشیاری را کسب نمود.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ابوالقاسم بزرگ نیا پس از طی مراحل استادیاری و دانشیار دانشکده ی علوم دانشگاه فردوسی مشهد بوده است.

فعالیتهای آموزشی : ابوالقاسم بزرگ نیا عضو هئیت علمی دانشکده ی علوم دانشگاه فردوسی مشهد دراین دانشکده ی علوم دانشگاه فردوسی مشهد دراین دانشکده به تدریس دروس رشته ی آمار پرداخته و استاد راهنمای ۲پایان نامه کارشناسی ارشد و دکترا رابر عهده داشته است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ابوالقاسم بزرگ نیا در کنار تدریس به مطالعه و تحقیق پیرامون موضوعاتی مختلف آمارو احتمال و ریاضی پرداخته است.

آرا و گرایشهای خاص : ابوالقاسم بزرگ نیا از جمله متخصصان رشته ی آمار می باشد که در امور مختلف آمار، احتمال و ریاضی دارای تخصص می باشد.

جوائز و نشانها : کتاب" نظریه آمار " ابوالقاسم بزرگ نیا ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
چگونگی عرضه آثار : دکتر ابوالقاسم بزرگ نیا در زمینه تالیف و ترجمه فعالیت داشته است بطوری که چندین مقاله را در نشریات بین المللی چاپ و برخی را در کنفرانسهای علمی ارائه کرده است. ۱- یازده مقاله علمی در نشریات بین‌المللی ۲- شش مقاله علمی در بولتن کنفرانس ریاضی ۳ - ۱۴ عنوان کتاب ریاضی و آمار

آثار :

۱ آمار

۲ آمار و احتمال

۳ ریاضی

۴ نظریه آمار

ویژگی اثر : این کتاب در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب:«نظریه آمار»: این کتاب، جلد اول از کتابی است که برای یک درس یکسالهٔ نظریهٔ آمار در نظر گرفته شده است و در شش فصل مباحث زیر را شامل می‌شود: مدلهای احتمال، متغیرهای تصادفی و توزیعهای آنها، چند خانواده از توزیعهای پارامتری، خلاصه کردن داده‌ها، برآورد و آزمون فرضها. مترجم، ترجمهٔ کتاب حاضر را براساس چاپ سوم (۱۹۷۶) متن اصلی از زبان انگلیسی به انجام رسانده است منابع زندگینامه :www.iranologyfo.com/

بزغش، ابوسعید

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۳۰ ق)، صوفی و شاعر. از اصحاب شیخ شهاب الدین سهروردی و از شیوخ سلسله‌ی بزغشیه بود، این فرقه از صوفیان شیراز بود و رییس آنها شیخ نجیب‌الدین علی بزغشی نام داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۱)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۱۳۳ /۱)، ریاض العارفین (۱۷۰)، ریحانه (۱۲۸ /۷)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۵۴ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوسعید)، مجمع الفصحا (۱۳۹ /۱).

بزمی اردبیلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۷ ق)، شاعر. پیشه‌ی بازرگانی داشته و پیوسته در سفر بوده است. بزمی در ضمن مسافرت‌های خود، به هند و مکه مکرمه سفر کرده و بعد از گشت و گذار بسیار به کاشان رفته و از آنجا به اردبیل بازگشت. وی در اندیشه رفتن به خاک عثمانی بوده که خویشاوندان او را به طمع مالش خفه کردند. دو بیت زیر از اوست:

عالم همه پوست آمد و مغزش دوست

منصور چو مغز دید بگذشت ز پوست

از هر چه نه اوست درگذشتن

نامردی اگر نگذری از هر چه نه اوست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۹۳)، تذکره‌ی روز روشن (۱۰۸)، دانشمندان آذربایجان (۶۹)، الذریعه (۱۳۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۳۴)، کاروان هند (۱۶۶ -۱۶۵ /۱).

بزمی استرآبادی، غیاث‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به بزمی. مردی مهذب و شوخ طبع بود و ظاهرا شوخ طبعی وی سبب قتل او شد، بعضی منابع دیگر قتل او را به دست افاغنه دانسته‌اند. صاحب «تذکره غنی» سال وفاتش را به سال ۹۵۰ ق ضبط کرده است. در «شمع انجمن» تخلص وی برقی نوشته شده است. بزمی دو بیتی را خوب می‌ساخت. از آثار او: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۷۸/۲)، تاریخ نظم و نثر (۵۱۸)، تذکره‌ی روز روشن (۱۰۹ -۱۰۸)، الذریعه (۱۳۴/۹)، صبح

گلشن (۶۲) فرهنگ سخنوران (۱۳۴)، لغت‌نامه (ذیل/ بزمی)، مجمع الخواص (۲۲۹ -۲۲۸).

بزمی اصفهانی، عبدالرسول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۵ -۱۲۸۵ ق)، شاعر، متخلص به بزمی. وی در اصفهان متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت و به تحصیل و فراگیری فنون ادب پرداخت. بزمی از جوانی به سرودن غزل روی آورد و از اعضای انجمن ادبی شیدا شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۸۷ -۸۶).

بزمی خراسانی، حسین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر، متخلص به بزمی. از اهالی خراسان بود. از آثار او: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۳۵ -۱۳۴ /۹)، مجالس النفائس (۱۶۲).

بزمی شیرازی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. از احوالش جز این معلوم نشد که شاعر و شیرازی بود. از اشعار وی:

ز تاب عشق تو زین گونه دوش تن می‌سوخت

که هر نفس ز تف سینه پیرهن می‌سوخت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۵۲ -۴۵۱ /۱).

بزمی شیرازی، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۲ ق)، شاعر. پدرش فراشباشی نجفقلی میرزای والی بود. وی در کودکی و در زمان حیات پدر به تحصیل پرداخت. بعد از فوت پدر از تحصیل بازماند. بزمی اشعار بسیاری سروده اما تدوین نشده است. در آتش افتاد و بدرود حیات گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۲۳۲ -۲۳۱ /۱)، مرآت الفصاحه (۸۷ -۸۶).

بزمی کاشانی، محمد صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. اصل وی از بیدگل کاشان بود. از اوست:

تازه ترکی بر دل من زد ز مژگان خنجری

تازه پیدا شد برای ناله‌ام دیگر دری

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سفینهٔ المحمود (۱۸۵/۱)، مصطبه‌ی خراب (۳۲).

بزمی همدانی، عقیل

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر و طبیب. معاصر شاه عباس بود و در ابتدا بزمی تخلص می‌کرد و سپس آن را به کوثری تغییر داد. شاعری پاک‌نیت و درویش مسلک بود و به خاندان امیرالمؤمنین اخلاص و اعتقادی کامل داشت. آثار او: «دیوان» شعر و مثنوی «فرهاد و شیرین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۳۰۱ -۲۹۸ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۷۹ -۲۷۸)، الذریعه (۱۸۸ /۱۶ ،۹۲۴، ۱۳۵ /۹)، صبح گلشن (۶۲)، فرهنگ سخنوران (۷۷۲)، لغت‌نامه (ذیل/ بزمی همدانی)، هفت اقلیم (۵۷۱ -۵۷۰ /۲)، مجمع الخواص (۸۷).

بزنجانی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا بزنجانی

محل تولد : داراب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

بساطی سمرقندی، سراج‌الدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۱۴ ق)، شاعر، متخلص به بساطی. وی معاصر سلطان خلیل بهادر بن میرانشاه گورکانی و از شاگردان خواجه عصمت بخارایی بود که در آغاز پیشه حصیربافی داشت و به همین سبب «حصیری» تخلص می‌کرد. خواجه بخاری «چون قابلیت ذهن او بدید، گفت حصیری قابل بساط بزرگان است. تو را بساطی تخلص کردن اولی است». در شعر پیرو سبک خواجه عصمت بخارایی و منکر سبک شیخ کمال خجندی بود. بساطی در خدمت سلطان خلیل تقرب بسیار داشت، چنانکه شبی برای بیت ذیل هزار دینار به او بخشید. وی در ری درگذشت. از او «دیوان» شعری باقی مانده است.

دل شیشه و چشمان تو هر گوشه برندش

مستند مبادا که به شوخی شکنندش

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۴۵۶، ۱۵۵ /۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۹۶ -۲۹۵)، تذکرهٔ الشعراء (۳۹۸ -۳۹۳)، الذریعه (۱۳۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۳۵)، مجالس النفائس (۱۸۸، ۱۳)، مخزن الغرائب (۳۲۱/۱)، هفت اقلیم (۳۷۴/۳).

بساطی شوشتری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۵ ق)، شاعر. از زادگاه خود به ماوراءالنهر، دربار عبدالله خان ازبک رفته و سمت ندیمی یکی از اعیان آن دربار را یافت. وی در سرودن اقسام شعر توانا بود. «دیوان» شعری از او به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۷۲)، تذکره‌ی روز روشن (۱۰۹)، الذریعه (۱۳۵/۹)، لغت‌نامه (ذیل/ بساطی شوشتری).

بسام کورد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سوم ق)، شاعر. از خوارج عهد یعقوب لیث بود که به صلح نزد او آمد و در مدح یعقوب شعرهای بسیار به روش محمد بن وصیف گفت. در «تاریخ سیستان» نام او در ردیف نخستین شاعران پارسی‌گوی آمده است. از شعر بسام یک قطعه‌ی پنج بیتی در مدح یعقوب و شکست عمار خارجی باقی است که مانند نمونه‌های شعر محمد وصیف است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۹ ،۱۶۶ /۱)، تاریخ سیستان (۲۱۲ –۲۱۱)، سبک‌شناسی (۲۱/۱)، شاعران بی‌دیوان (۱۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۸۹)، لغت‌نامه (ذیل/ بسام).

بستان، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین بستان

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ پس از اتمـام دوره راهنمـائی وارد حوزه علمیه قم شـدم. در سال ۱۳۶۹ پس از اتمام دوره های مقـدمات و سـطح به درس خـارج راه یـافتم. سـهم بیشتری از اشـتغالات حوزوی اینجـانب به فقه اختصـاص یـافته است و حضور بیش از چهـارده سال در درس خارج فقه آیت الله شبیری زنجانی و حضور بیش از هفت سال در جلسه بحث فقهی حجت الاسـلام و المسـلمین گنجی عمده فعالیت های فقهی رسـمی اینجانب بوده است. به میزان کمتری در درس خارج اصول به ویژه درس آیت الله وحید خراسانی و درس حجـت الاسـلام و المسـلمین هـادوی تهرانی حضـور یـافتم و در کنـار ایـن دروس طی سالهـای ۱۳۶۸ تـا ۱۳۷۰ به مطـالعه و مبـاحثه فلسـفه(بدایه و نهایه الحکمه) اشـتغال داشـتم. به موازات دروس رسمی حوزه از سال ۱۳۷۲ تا کنون در رشـته جامعه شناسـی فعالیت دارم. در بهمن سـال ۱۳۷۱ به عضویت دفتر همکاری حوزه و دانشـگاه که وابسـته به سازمان سـمت بود در آمـدم. پس از گذراندن دوره آموزشی در سال ۱۳۷۵ شـروع به فعالیتهای پژوهشی نمودم که حاصل آن تا کنون تدوین پنج کتاب و بیش از پانزده مقاله در موضوعات جامعه شناسـی خانواده، مطالعات زنان، فلسـفه علوم اجتماعی و جامعه شناسی دین است. همچنین در سال ۱۳۷۹ موفق به اخذ مدرک کارشناسـی ارشد جامعه شناسـی از پژوهشـگاه حوزه و دانشگاه شدم و ان شاء الله در آینده نزدیک در دوره تحصیلات تکمیلی(دکتری) در همین پژوهشگاه شرکت خواهم کرد

بسحق اطعمه شیرازی، جمال‌الدین، فخرالدین احمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۳۷ /۸۳۰ /۸۲۷ ق)، شاعر، متخلص به بسحق. از معاریف شـیراز بود، و از نـدیمان اسـکندر بن عمر شـیخ گورکان. او مبتکر سبکی است در شـعر فارسـی که گفتـار شـاعران پیشـین را تغییر داده و در آنها اسامی خوراکها و طعامها را آورده است. اسـتقبالهای بواسـحاق نشان می‌دهـد که او به رسم شاعران زمان دیوانهای مشـهور شاعران پارسـی‌گوی را مرور کرده و به شـعر شاعرانی از قبیل سلمان، سـعدی، خسـرو دهلوی، حافظ، کمال خجندی، عراقی، مولوی، امیر حسن دهلوی و عماد فقیه التفات داشـته و اشـعار آنها را جواب گفته است. در هزل و طعن اجتماعی به عبید زاکانی توجه داشته؛ اما این جوابها و اسـتقبالها را منحصر به توصیف اغذیه کرد و شـهرتش به اطعمه از این رهگـذر است. صـاحب «طرائق الحقـائق» نوشـته است که شـیخ ابو اسـحاق از اصـحاب وجـد و حال و از مریدان شاه نعمت الله ولی بود. از او «دیوان» اشـعاری باقی مانده است. به علت ابتکاری که در موضوع سـخن خویش به کار برد، از همان زمان حیات مشـهور شـد. در شـیراز درگذشت و در زاویه‌ی جنوب غربی تکیه‌ی چهل‌تنان شـیراز دفن شد. آثار وی: علاوه بر «دیوان» چنـد رسـاله مختلـط نظم و نثر نیز داشته است، مثـل داسـتان: «مزعفر و بغرا»، یـا «ماجرای برنـج و بغرا»، به تقلیـد منظومه‌های حماسـی؛ «خوابنامه»؛ «خاتمه دیوان»؛ «فرهنگ دیوان اطعمه»؛ «بقیه دیوان» و «قصـیده‌ای در مـدح کجری» (نوعی طعام هنـدی)؛ «کنز الاشتها».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۴۷۴)، از سعدی تا جامی (۴۶۷ –۴۵۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۵۲ –۲۴۴ /۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۹۷ –۲۹۶)، تذکرهٔ الشعراء (۴۱۷ –۴۰۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۸ –۷۱ /۱)، دایرهٔالمعارف فارسی (۴۲۸/۱)، الذریعه (۱۳۶ – ۱۳۵ /۹)، ریـاض العارفین (۴۵ –۴۴)، ریحـانه (۲۶۶ –۲۶۵ /۱)، صـبح گلشن (۶۴ –۶۳)، طرائق الحقـایق (۵۶ –۵۵ /۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۵۸/۲)، فرهنگ سـخنوران (۱۳۶ –۱۳۵)، کشـف الظنون (۱۵۱۳)، لغت‌نـامه (ذیل/ اسـحق شـیرازی)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱۱ –۱۱۰ /۱)، مجمع الفصحا (۱۷ –۱۵ /۴)، مرآت الفصاحه (۸۹ –۸۷)، هفت اقلیم (۲۱۵ –۲۱۴ /۱).

بسطامی، جلال‌الدین، ابومحمد عبدالله

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۵۲ ق)، عالم دینی. از علمای سده‌ی پنجم هجری است. از آثارش: «الاحسان فی فضیلهٔ اعلام شعب الایمان»؛ «الاعلام فی رؤیهٔ النبی (ص) فی المنام»؛ «التبصیر» یا «تبصیر البسطامی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۳۴۰، ۱۲۷، ۱۶)، معجم المؤلفین (۱۳۰/۶)، هدیهٔ العارفین (۴۵۲/۱).

بسطامی، شمس‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۰۰ ق)، خطاط. اصلش از ولایت بسطام است و در مشهد، شاگرد سید احمد مشهدی بوده و کاتب مقرر گشته است. در کتابخانه‌ی شاه عباس به امر کتابت اشتغال داشته و صاحب تیول و مواجب بوده است. وی خط را خوش می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۶۲ -۶۶۱ /۳)، گلستان هنر (۱۲۳).

بسطامی، ضیاءالدین، ابوشجاع عمر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۷۰ /۵۶۲ -۴۷۵ ق)، مفسر، حافظ، محدث، ادیب و شاعر. محدث و مسند بلخ و امام مسجد راغوم یا راعوام بود. بسطامی نزد پدرش و سپس نزد ابوالقاسم احمد خلیلی و ابراهیم بن محمد اصفهانی درس خواند، و در محضر ابوجعفر محمد بن حسین سمنجانی فقه آموخت. او حتی در کهن‌سالی نیز بر دانش‌اندوزی حریص بود و از هر کسی چیزی می‌آموخت. کلامش شیرین و در وعظ و خطابه‌ی او نکته‌ها نهفته بود. سمعانی و فرزندش، ابومظفر، و ابوالفرج ابن‌جوزی و ابوروح هروی، و بسیاری دیگر، از شاگردان وی به حساب می‌آیند. وی در بلخ درگذشت. از آثار وی: «ادب المریض و العائد»؛ «لقطات العقول»؛ «مزالیق یا مزالق العزلهٔ» یا «من الف العزلهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۲۳/۵)، سیر النبلاء (۴۵۴ -۴۵۲ /۲۰)، کشف الظنون (۱۶۵۹ -۱۴۶۴، ۴۸)، معجم المؤلفین (۳۱۳/۷)، هدیهٔ العارفین (۷۸۴/۱).

بسطامی، مطلب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۹ -۱۲۷۴ ق)، فقیه، فیلسوف و عارف. در بسطام به دنیا آمد. پس از تحصیل مقدمات در بسطام و شاهرود برای ادامه تحصیل رهسپار مشهد شد و پس از دو سال استفاده از محضر فقها و فلاسفه آنجا، به تهران آمد و یک سال به فلسفه پرداخت و نزد آقا سید عبدالحمید گروسی و آقا صادق همدانی و آقا سید محمد اصفهانی و میرزا محمد تقی گرگانی تحصیل کرد. سپس به عتبات مهاجرت کرد و مدت چهار سال در سامرا از محضر میرزای بزرگ شیرازی استفاده کرد. بعد به نجف رفت و هشت سال از حوزه‌ی درس میرزا حبیب الله رشتی و آخوند خراسانی بهره برد. سپس به ایران بازگشت و در مشهد به تدریس پرداخت. در اواخر عمر به شاهرود آمد و در آنجا مشغول ارشاد و تدریس شد. از آثار وی: یک دوره «اصول» آخوند خراسانی؛ «مشاهد سبع» یا «ریاض العقول» که مشتمل بر فلسفه علمی و عملی و شرح سفر نفس است.[۱]

میرمطلب بسطامی از علماء بزرگ و معروف گذشته شاهرود بوده‌اند. وی در سال ۱۲۷۴ ق در قصبه بسطام متولد شده و پس از تکمیل تحصیلات مقدماتی در بسطام و شاهرود جهت ادامه تحصیل رهسپار مشهد مقدس گشته و در آنجا دو سالی توقف و از علماء بزرگ آنجا کسب علوم فقه و فلسفه نموده سپس عزیمت به تهران و یکسال هم در آنجا به درس فلسفه اشتغال ورزیده و نزد مرحوم آقاسید عبدالحمید گروسی و آقا صادق همدانی و مرحوم آقا سید محمد اصفهانی و میرزا محمدتقی گرگانی تحصیل کرده و سپس به عتبات عالیات مهاجرت و مدت چهارسال در سامرا از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی میرزا بزرگ شیرازی استفاده نموده و بعد به نجف آمده و از درس مرحوم میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی و مرحوم آخوند خراسانی مدت هشت سال استفاده نموده و پس از آن مراجعت به ایران و در مشهد مقدس رضوی به افاضه و تدریس پرداخته تا اواخر عمر که مجددا به وطن خود شاهرود برگشته و مشغول افاضه و وعظ و ارشاد و تدریس گردیده تا اینکه در سال ۱۳۵۹ قمری به رحمت ایزدی پیوستند.

معظم‌له گذشته از مقامات علمی دارای نفس زکیه و صاحب کشف و کرامت بودند از جمله در یک ماه رمضانی که در مسجد خودشان مشغول وعظ و ارشاد بودند سرائر و به وطن مردم پای منبر به ایشان کشف شد و مردم را به صورتهای مختلف دیدند و پس از آن به مسجد و منبر نرفتند و در کنج خلوت و انزوا مشغول به خود شدند تا از دنیا رفتند و دیگر از قضایای منقوله از ایشان

این بود که قبل از مرگ خود خبر دادند که در چه وقت خواهند مرد و کجا دفن خواهند شد و گفتند که قبرستان شاهرود به هم خواهد خورد و تفریحگاه خواهد شود و این خبر چند سال قبل به وقوع پیوست ولی هنوز مقبره ایشان دست نخورده و زیارتگاه مردم است و مردم از نذورات برای او و زیارت قبرش نتیجه‌ها گرفتند. از آثاره او یکدوره اصول مرحوم آخوند است که ظاهرا قبل از کفایه نوشته شده و دیگر کتاب مشاهد سبع یا ریاض‌العقول که مشتمل بر فلسفه علمی و عملی و شرح سفر نفس است که تاکنون مخطوط مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۳۱ -۱۳۰ /۷).

بسمل اصفهانی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به بسمل. بیشتر به تحصیل و فراگیری علوم مشغول بود و گاهی نیز از سر تفنن شعر می‌سرود. از اشعار وی:

در تیرگی شب اثر فیض بهار است

لیلی وطنی غیر سیه‌خانه ندارد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۱۰)، الذریعه (۱۳۶/۹)، لغت‌نامه (ذیل/ بسمل اصفهانی).

بسمل بدخشانی، محمد یوسف

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۳۷ ق)، شاعر. از بزرگان بدخشان بود که به دکن رفت و به ملازمت مبارزخان، والی حیدرآباد، درآمد. به هنگام جنگ مبارزخان با نواب آصف جاه به رقابت مبارزان‌خان والاشان به میدان رفت و در عین کشش و کوشش سوم محرم الحرام سنه مذکور از سیف و سنان مخالفین بسمل گردید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۳۷ -۱۳۶/۹)، صبح گلشن (۶۵)، فرهنگ سخنوران (۱۳۶)، لغت‌نامه (ذیل/ بسمل بدخشانی)، نشتر عشق (۲۴۶/۱).

بسمل دامغانی شیرازی، محمد تقی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به بسمل. در شیراز متولد شد و مقدمات علوم را در شیراز تحصیل کرد، آنگاه به اصفهان رفت و تحصیلاتش را در آنجا تکمیل کرد. وی مدتی که در شیراز بود، با میرزا هادی معاشر بود و با خوشگو، مؤلف «سفینه خوشگو»، معاصر. در اصفهان در خدمت عالی‌جاه میرزا علی رضا شیخ الاسلام به تحریر نامه‌ها و مکاتبه مشغول بود. بسمل در سرودن قطعه توانایی داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۵۵ -۳۵۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۵۷ -۴۵۶ /۱)، الذریعه (۱۳۷/۹)، صبح گلشن (۶۴)، فرهنگ سخنوران (۱۳۶)، لغت‌نامه (ذیل/ بسمل دامغانی شیرازی)، مخزن الغرائب (۳۷۲/۱).

بسمل شیرازی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۷ ق)، شاعر. ملقب به دلیل الشرع. نسبت وی از طرف پدر به شیخ علی عبدالعالی و از طرف مادر به ملامحسن فیض می‌رسد. وی با برادرش برای تحصیل به عتبات رفت. بسمل در سرودن اقسام شعر مثنوی، غزل، رباعی، قطعه و تغزل و موضوعهایی مانند مطایبه و ماده تاریخ تسلط داشت و از سبک خواجه حافظ و شیوه بسحق اطعمه تقلید می‌کرد. از آثار وی: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۲۴۲ -۲۳۵ /۱)، سفینهٔ المحمود (۵۱۱/۲)، مرآت الفصاحه (۹۱ -۸۹)، مصطبه‌ی خراب (۳۳).

بسمل شیرازی، علی اکبر نواب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۳ -۱۱۸۷ ق)، شاعر، متخلص به بسمل. ملقب به نواب. وی برادرزاده‌ی آقا بزرگ، مدرس مدرسه‌ی حکیم، بود و اصل وی از اصفهان. اجدادش در روزگار سلطنت نادرشاه افشار به شیراز رفتند. نواب نزد فرمانروای فارس، حسینعلی میرزا، محترم بود و پس از آن در بارگاه فتحعلی شاه عمری با حرمت و حشمت زیست. از آثار وی: «اثبات الواجب»؛ «اندرز قابوس»؛ «اندرزنامه»؛ «تحفهٔ السفر»، در معانی و بیان؛ «تذکره‌ی دلگشا»؛ «تفسیر قرآن»؛ «حاشیه بر تفسیر بیضاوی»، که ظاهرا غیر از تفسیر مستقل او است؛ «نور الهدایهٔ»، در اثبات نبوت؛ «حاشیه بر تفسیر» قاضی بیضاوی؛ شرح سی فصل خواجه نصیر؛ «بحر اللئالی»، زندگی حضرت صادق (ع)؛ «بحر اللئالی»، زندگانی حضرت امام موسی کاظم (ع).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۷۱/۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۵۶ -۴۵۲ /۱)، الذریعه (۱۳۷/۹، ۴۳/۶، ۴۴۱/۳، ۳۶۶/۲)، ریاض العارفین (۲۴۴ -۲۴۳)، ریحانه (۲۶۸ -۲۶۷ /۱)، سفینهٔ المحمود (۵۱۰ -۵۰۷ /۲)، طرائق الحقائق (۳۴۷ -۳۴۶ /۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۵۹/۲)، فرهنگ سخنوران (۱۳۶)، لغت‌نامه (ذیل/ بسمل شیرازی)، مؤلفین کتب چاپی (۵۲۹ -۵۲۸ /۴)، مجمع الفصحا (۱۸۳ -۱۸۲ /۴)، مرآت الفصاحه (۹۳ -۹۱)، مصطبه‌ی خراب (۲۸ -۲۷)، معجم المؤلفین (۴۱/۷)، مکارم الآثار (۱۷۲۳/۵).

بسمل نیشابوری، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر، متخلص به بسمل. وی از شاعران سده دوازدهم نیشابور است که در کنار کارهای روزمره به شاعری نیز التفات داشت. از اوست:

گرد هستی را به آبی می‌توان بر باد داد

این قدر بسمل غبار خاطر قاتل مباش

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۱۳)، فرهنگ سخنوران (۱۳۷)، مخزن الغرائب (۳۹۴ -۳۹۳ /۱).

بسملی قزوینی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۵ ق)، شاعر. معروف به بسملی کله‌پز. در قزوین دکان کله‌پزی داشت و به همین جهت بعضی او را قزوینی نوشته و برخی از او با نسبت سبزواری یاد کرده‌اند. وی تمام ایام عمر را از راه کله‌پزی ارتزاق کرد و به سرودن شعر نیز می‌پرداخت. حدود ده هزار بیت شعر از وی به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۱۳)، تحفه سامی (۳۶۷)، الذریعه (۱۳۷/۹)، لغت‌نامه (ذیل/ بسملی قزوینی)، مخزن الغرائب (۳۷۳/۱)، مینودر (۴۰۶ -۴۰۵ /۲).

بسمه چی هروی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر. اهل هرات بود، مدتی بسمه‌کاری می‌کرد، و پس از آن به رمالی پرداخت. وی شعر بسیار می‌گفت، اما بهتر از این مطلع که به جهت خانه‌اش که آب ویران ساخت، نگفته است:

مدام خانه‌ی چشمم ز آب دیده خراب است

خراب چون نشود خانه‌ای که بر سر آب است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۳۶/۹)، لغت‌نامه (ذیل/ بسمه چی هروی)، مجالس النفائس (۱۶۶).

بشار

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۶۷ –۹۶ ق)، شاعر، خطیب و ادیب. ملقب به مرعث، چون در کودکی گوشواره در گوش می‌کرد. در بصره نابینا متولد شد. اصلا از شاهزادگان طخارستان بود. از ده سالگی به زبان عربی شعر می‌گفت و چون به سن رشد رسید، از نیش زبان او می‌ترسیدند. بشار بن برد مقدم شعرای زمان خود بوده و دولتهای اموی و عباسی را درک کرده و در این دو دولت مدحها و هجاها گفته، و به هجا بیشتر میل داشته است. مهدی، خلیفه عباسی و خالد برمکی از جمله‌ی ممدوحان او بودند. وی در انواع شعر بخصوص قصیده و رجز دست و ابتکار و ابداع داشت و مقلد نبود. اشعارش را حدود دوازده هزار بیت و بنا به قول خودش دوازده هزار قصیده گفته‌اند. این کور روشندل در شعر تشبیهاتی دارد که بینایان مانند آنرا نمی‌توانند بیاورند. در بعضی اشعارش علاقه‌ی وی به ایران کهن و تمایلات شعوبی او مشهود است. سه جلد از «دیوان» مفصل او در قاهره به چاپ رسیده است. وی در مباهات به نژاد خود و تحقیر عرب و هجو و حکم و امثال مشهور بود و در تغییر سبک شعر عربی بسیار مؤثر بود بشار به کثرت آثار معروف بود به طوری که آثاری نیز به زبان فارسی از او باقی مانده و چند خطابه در نثر دارد. سرانجام در عهد مهدی خلیفه، دشمنانش او را متهم به زندقه کردند، بشار دستگیر و محکوم به تازیانه شد، و سپس او را در باتلاقی در بطائح انداختند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵ –۲۴ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۵۲، ۱۹۱، ۲۴ –۲۳ /۱)، تاریخ ادبیات زبان عربی (۲۹۵ –۲۸۳)، تاریخ الاسلام (حوادث ۹۲ –۸۷/۱۷۰ –۱۶۱)، تاریخ بغداد (۱۱۸ –۱۱۲ /۷)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۳۴۲)، حماسه‌سرایی در ایران (۱۶۱ –۱۶۰)، الذریعه (۱۳۸ –۱۳۷ /۹)، ریحانه (۲۶۸/۱)، سرآمدان فرهنگ (۲۲۵/۱)، سیر النبلاء (۲۵ –۲۴ /۷)، فرهنگ ادبیات فارسی (۹۰)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۶۶)، الکنی و الالقاب (۱۸۰ –۱۷۹ /۳)، لسان المیزان (۲۸ –۲۷ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ بشار)، معجم المؤلفین (۴۵ –۴۴ /۳)، الوافی بالوفیات (۱۴۱ –۱۳۵ /۱۰)، وفیات الاعیان (۲۷۴ –۲۷۱ /۱).

بشار مرغزی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، شاعر. منوچهری دامغانی در قصیده‌ای که در مدح عنصری دارد به پنج شاعر بزرگ از مرو اشاره دارد که ظاهرا یکی از آنان بشار است. صورت صحیح نام این شاعر را مرحوم بهار در سبک‌شناسی «بشگر» می‌داند. آنچه از اشعار او باقی است یک قصیده ۳۱ بیتی است. این قصیده در وصف شراب و از خمریه‌های زیبا و کهن پارسی است؛ بنابراین وی از خمریه‌گویان بزرگ پس از رودکی و قبل از منوچهری دامغانی به شمار می‌رود و دور نیست که منوچهری از او متأثر شده باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :پیشاهنگان شعر پارسی (۱۶۴ –۱۶۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۵۲ –۴۵۱ /۱)، شاعران بی‌دیوان (۱۴۹ –۱۴۶)، فرهنگ ادبیات فارسی (۹۰)، گنج سخن (۷۸ –۷۶ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ بشار مرغزی).

بشارت، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملقّب به بشارت حضور، شاعر و ادیب خطّاط، از فضلای اصفهان، در ۱۳۵۶ وفات یافته، در صحن تکیه مزبور مدفون گردید.

از اشعار اوست:

شبهای فراق چون سحرگاه شود

هنگام دعا و ناله و آه شود

با دل به شکایت تو می‌پردازم

امّا نه چنان که ناله آگاه شود

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بشارت، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه

تولد: ۱۳۲۴، در دهاقان شهررضا.

شهادت: ۱۴ مرداد ۱۳۶۰، تهران.

حجت‌الاسلام محمدتقی بشارت، فرزند حاجی بابا، تا خارج فقه و اصول تحصیلات حوزوی داشت پیش از پیروزی انقلاب اسلامی

به کار تدریس مشغول بود و از طرف حضرت امام خمینی (ره) و جامعه مدرسین حوزه‌ی علیمه، در امور تبلیغ فعالیت داشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نمایندگی امام در گچساران و نیز جهاد سازندگی را به عهده داشت. همچنین مدتی سرپرست بنیاد شهید و کمیته کهکیلویه و بویراحمد بود. وی از سوی مردم شهر سمیرم به نمایندگی مجلس خبرگان و سپس اولین دوره مجلس شورای اسلامی رسید.

علاوه بر مقاله‌های ایشان در جراید، کتاب خوارج از دیدگاه نهج‌البلاغه را تنظیم نمود و همچنین در ترجمه بخشی از مجموعه ورام نیز سهم داشت.

حجت‌الاسلام بشارت در چهاردهم مرداد ۱۳۶۰ به دست منافقین در جلوی درب منزلش به شهادت رسید. پیکرش در سمیرم به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بشیری، سیاوش

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیاوس بشیری متولد ۱۳۲۳ه.ش دارای دکترای رشته گیاه پزشکی و عضو هئیت علمی دانشگاه استکهلم با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات و آثاری پیرامون شناخت و درمان بیماریها و افات میوه های سردسیری می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکی تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیاوش بشیری دارای کارشناسی رشته کشاورزی ازدانشگاه شیراز و دکتری رشته از دانشگاه استکهلم می باشد.خاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته گیاه پزشکی و اخذ مدرک دکترای آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی سیاوش بشیری بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : سیاوش بشیری در کنار تحصیل به مطالعه، پژوهش و تدوین کتبی درحوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : سیاوش بشیری پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاه پزشگی در دانشکده کشاورزی دردانشگاه استکلهم در آمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به انجام خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیاوش بشیری عضو هئیت علمی و دانشیار گروه گیاه پزشکی دردانشکده کشاورزی دردانشگاه استکهلم است.فعالیتهای آموزشی : سیاوش بشیری سالهاست که به عنوان عضو هئیت علمی گروه گیاه پزشکی در دانشگاه استکهلم به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشکی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیاوش بشیری درکنار تدریس به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : سیاوش بشیری از جمله گیاه پزشکانی است که پژوهشهای و تلاشهای علمی وسیعی درباره شناخت و درمان بیماریها و آفات میوه های سردسیری انجام داده است.

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com

بصیر اصفهانی، عبدالکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۸ ش)، شاعر، متخلص به بصیر. وی در اصفهان متولد شد. تا سن سی سالگی به تحصیل علوم قدیمی و جدید پرداخت و سپس به خدمت دولتی اشتغال ورزید. از اعضاء انجمن ادبی شیدا بود و در بیشتر انجمنهای ادبی اصفهان شرکت داشت. وی از استادان انجمن کمال شد و در سرودن انواع شعر از جمله غزل و قصیده بخصوص قطعه مهارت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی خوان نعمت (۴۹ -۴۶ /۱)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۹۰ -۸۷).

بصیر الملک، طاهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، نویسنده و محقق. در ابتدا سررشته‌دار و پس از آن کارمند اداره مالیه بود. در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه مستوفی (محاسب) سمنان و دامغان شد. سالها ریاست کتابخانه‌ی سلطنتی با او بود. وی از سال ۱۳۱۰ ق به بصیر الملک ملقب شد. از جمله آثار باقی‌مانده از وی: «قرآن با کشف الآیات»، همچنین «مثنوی» با کشف الابیات با قطع کوچکتر تنظیم کرد که معروف به «مثنوی چاپ بصیر الملک» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۱۸۵/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۲ -۵۸۱ /۳).

بصیر سمرقندی، نورالدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، شاعر. وی از ادیبان عصر تیموری بود که علاوه بر آگاهی از دانشهای دیگر، شعر نیز می‌سرود، از اوست:

هرگز نکنم یاد تو و زار نگریم

کم یاد کنم از تو که بسیار نگریم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۱۴ -۱۱۳)، الذریعه (۱۳۸/۹)، مخزن الغرائب (۳۰۶ -۳۰۵ /۱).

بصیر سیستانی، بصیر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به بصیر. وی برادر قاضی لاغر سیستانی بود. اگر چه، در سن چهار سالگی کور شد اما، از بیشتر علوم و دانشهای رایج عصر آگاهی داشت. بصیر در سرودن شعر استادی تمام بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۳۸/۹)، صبح گلشن (۶۷ -۶۶)، فرهنگ سخنوران (۱۳۸)، لغت‌نامه (ذیل/ بصیر)، هفت اقلیم (۳۰۰/۱).

بصیر، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۱ مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی معدن، دانشکده: معدن، دانشگاه: صنعتی اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی در زمینه مهندسی عمران.

مرتبه علمی:

از سال ۱۳۴۴ تا سال ۱۳۶۹ موفق به اخذ مرتبه‌های استادیاری، دانشیاری و استادی از دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح معدنکاری، فعالیت به مدت یکسال در سازمان زمین‌شناسی کشور در زمینه اکتشاف معادن، استاد راهنمای سالانه ۱ تا ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۵ تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۱

زمینه علمی تألیفات:

معدنکاری.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

بصیرت تبریزی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر حسن بصیرت تبریزی در سال ۱۳۳۵ در تهران بدنیا آمد. پس از اتمام دوره های ابتدایی و متوسطه ،تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته مهندسی مکانیک در آمریکا آغاز نمود و پس از اخذ مدارک کارشناسی ،و کارشناسی ارشد موفق به دریافت مدرک دکترای رشته مهندسی مکانیک از دانشگاه تکنیکال نوااسکاتیا(دانشگاه دال هاوز فعلی) کانادا در سال ۱۳۶۹ شد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه صنعتی امیر کبیر می باشد.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی مکانیکتحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی حسن بصیرت تبریزی به قرار زیر است: مدرک کارشناسی رشته مهندسی مکانیک از دانشگاه ویسکونزین-میلواوکی،آمریکا در سال ۱۳۵۸ مدرک کارشناسی ارشد رشته مهندسی مکانیک از دانشگاه ویسکونزین-میلواوکی،آمریکا در سال ۱۳۶۰ مدرک دکترای رشته مهندسی مکانیک از دانشگاه تکنیکال نوااسکاتیا(دانشگاه دال هاوز فعلی)

کانادا در سال ۱۳۶۹مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای اجرایی و مدیریتی حسن بصیرت تبریزی به قرار زیر است: عضو جامعه مهندسی مکانیک آمریکا از سال ۱۳۷۰ تا کنون فرصت مطالعاتی در دانشگاه کارلتون و دانشگاه دال هاوز–کانادا از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۴ رئیس مرکز برتر حرارت(TCE) از سال ۱۳۸۶ تـا کنون رئیس اداره بودجه دانشگاه امیر کبیر از سال ۱۳۸۶ تا کنون رئیس بخش مهندسی مکانیک دانشگاه امیر کبیر از سال ۱۳۸۴ تـا کنون عضو جلسه تحصیلات تکمیلی گروه مهندسی مکانیک دانشگاه امیر کبیر از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۷ عضو جلسه تحصیلات کارشناسی گروه مهندسی مکانیک دانشگاه امیر کبیر از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۷۹ و در سال ۱۳۸۴فعالیتهای آموزشی : دکتر حسن بصیرت تبریزی عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه صنعتی امیر کبیر می باشد. عنوان دروس ارائه شده توسط ایشان به قرار زیر است: انتقال حرارت ۱ و۲،مکانیک سیالات،کنترل آلودگی هوا،کنترلذرات،ترمودینامیک احتراق درونی موتور،جریان گاز–جامد،توربین ها،روشهای عددی،جریان ها با اصطکاک،کشش و بلندکردنآرا و گرایشهای خاص : محورهای تحقیقاتی و پژوهشی دکتر بصیرت تبریزی به قرار زیر است: جریانهای چند سیاله ، گاز جامد ، عملیات انتقال حرارت و جرم ، توربو لانس ، تحقیقات انرژی خورشیدی جوائز و نشانها : حسن بصیرت تبریزی در سال ۱۳۸۲ جایزه بهترین مشاور پایان نامه دانشجوی دکتری را از انجمن مهندسین مکانیک ایران دریافت کرده است.چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی حسن بصیرت تبریزی از قرار زیر است: –۳ مورد فعالیت کنفرانسی – ۱۰ مقاله منتشر شده در ژورنالهای خارجی –۵ مقاله منتشر شده در مجلات داخلی بزبان فارسی – ۴۶ مورد مقاله – ۷۸ مورد پایان نامه دانشجویی تحت راهنمایی ومشاوره

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

بصیرت، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۲۳ ق)، خطاط. بعضی آثار وی عبارتند از: «کلیات حاج سید عظیم شیروانی»؛ «کتاب شمس المضیئه»؛ «ملستان» که به قلمهای کتابت جلی و دو دانگ خوش نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۸ /۱).

بصیری شیرازی، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۰ ش)، شاعر. وی رییس کتابخانه ملی شیراز بود. گاهگاهی از سر تفنن شعر نیز می‌سرود. از آثار وی: «شطرنج وجود» شعر؛ کتابی در پیرامون اتم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۹۳۳ –۹۳۰ /۵، ۴۵۷ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۴/۴).

بطحایی، هاشم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید هاشم بطحائی

محل تولد : گلپایگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۳۵ شمسی از گلپایگان وارد حوزه علمیه قم شده و مشغول تحصیل گردیدم و ضمن تحصیل حوزوی با توجه به جو اختناق فرهنگی به ذهنم خطور کرد که باید تحصیلات کلاسیک را نیز ادامه دهم لذا در کلاس های شبانه شرکت کردم و پس از دریافت دیپلم وارد دانشگاه تهران شدم و در سال ۴۷ به درجه لیسانس در رشته فلسفه با نمره ممتاز که مورد تشویق نیز واقع شدم نایل گردیده و در ۱۶ / ۱ / ۴۸ الزاما به خدمت نظام وظیفه اعزام شدم و در کسوت افسری با حفظ سیمای طلبگی در مناطق مختلف خدمت سربازی را سپری نموده و در سال ۵۰ به قم برگشتم و دروس حوزوی را ادامه دادم .

در کنار آن در فوق لیسانس دانشگاه تهران شرکت کرده و پذیرفته شدم و در سال ۵۲ فوق لیسانس(با معدل بالا)را گرفتم ضمنا با آرمانی که از تحصیل دروس کلاسیک در نظر داشتم در سال ۱۳۵۰ وارد آموزش و پرورش قم شدم و در سمت دبیری در

دبیرستان های قم تدریس می کردم و به فضل الهی و تاییدات او از دروس حوزه کم و کاستی نداشتم تا در سال ۱۳۶۵ از آموزش و پروش به آموزش عالی دانشگاه تهران محل خدمت مجتمع آموزش عالی قم منتقل شده و عضو هیئت علمی آن دانشگاه گردیدم و در تمام این سنوات تنها دو سال از حوزه بدلیل خدمت نظام وظیفه فاصله گرفتم والا تمام سنوات گذشته را اشتغال داشتم .

در سال ۴۵ پس از سپری کردن دروس سطح که محضر حضرات علماء تلمذ نموده وارد درس خارج حضرات آیات گلپایگانی و امام و حاج شیخ هاشم آملی شدم .سطوح و لمعتین را از محضر مرحوم آقای ستوده و رسائل را از محضر آقای نوری همدانی و قوانین را از محضر آقای اعتمادی و مکاسب را از محضر آقای منتظری و کفایتین را از محضر مرحوم آقای سلطانی استفاده نمودم و در سال ۱۳۸۰ دکترای رشته فقه و مبانی حقوق را از دانشگاه تهران گرفتم و اینک ضمن اشتغال در دانشگاه تهران – مجتمع آموزش عالی – در حوزه در مقطع درس خارج تدریس می نمایم .

بطحائی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی بطحائی در یکی از مضافات گلپایگان متولد شده و پس از خواندن دروس فارسی و مقدمات مهاجرت به قم نموده و سطوح اولیه و ادبیات و متون فقه و اصول را از مدرسین حوزه فراگرفته و پس از تکمیل آن به درس خارج آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی شرکت و استفاده نموده و پس از فوت ابوالزوجه‌اش مرحوم حجهٔ‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی‌اصغر فقیهی قزوینی به تهران منتقل و در مسجد خیابان بی‌سیم نجف‌آباد به اقامه جماعت و ارشاد مردم و تبلیغ احکام اشتغال دارد.

دارای آثار عدیده مطبوع و غیره می‌باشد و از آنهائی که چاپ شده و نگارنده دیده‌ام کتب زیر است:

۱– مناظره در حرمین شریفین با دانشمندان اهل سنت

۲– آداب الحرمین

۳– تقریرات در اساتید قم

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

بغدادی اسفراینی، ابومنصور عبدالقاهر

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۹ ق)، فقیه اصولی، متکلم و ادیب شافعی. در بغداد به دنیا آمد و همان جا نشو و نما کرد. سپس همراه پدر ساکن نیشابور شد و در اثر فتنه غز مدتی نیشابور را ترک کرد. وی در هفده رشته علمی مدرس بود، بخصوص در زمینه‌ی علم حساب از صاحبنظران بود. او شعر نیز می‌گفت و اشعار زیادی به جای گذاشت. دستی گشاده داشت و آنچه از مال و ثروت داشت بر جویندگان علم و حدیث انفاق می‌کرد. ابومنصور در فقه شاگرد ابواسحاق اسفراینی بود و بعد از او بر مسند استادش نشست و در مجسد عقیل به املا پرداخت. ابوبکر بیهقی، ناصر مروزی، زین الاسلام ابوالقاسم قشیری و عبدالغفار شیرویی از جمله شاگردان وی بودند. ابومنصور در اسفراین از دنیا رفت و در جوار استادش ابواسحاق دفن شد. از آثارش: «بلوغ المدی فی اصول الهدی»، در اصول فقه؛ «التحصیل»، در اصول فقه؛ «تفسیر القرآن»؛ «تأویل متشابه الاخبار»؛ «التکمله»؛ در علم حساب؛ «الفرق بین الفرق»؛ «الملل و النحل»؛ «مشارق النور»، در کلام؛ «معیار النظر»، در عقلیات؛ «ناسخ القرآن و منسوخه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۷۳/۴)، ایضاح المکنون (۴۸۵، ۳۷۵، ۲۳۴ /۲)، ریحانه (۲۷۸ –۲۷۷ /۷)، سیرالنبلاء (۵۷۳ –۵۷۲ /۱۷)، کشف الظنون (۱۹۷۰، ۱۹۲۱، ۱۸۳۹، ۱۸۲۰، ۱۷۶۹، ۱۴۳۲، ۱۴۱۸، ۱۴۰۱، ۱۳۹۲، ۱۲۷۴، ۱۲۵۲، ۱۰۳۹، ۴۷۱، ۴۶۳– ۴۶۲، ۴۴۱، ۳۹۸، ۳۳۵، ۲۵۴)، وفیات الاعیان (۲۰۳/۳)، هدیهٔ العارفین (۶۰۶/۱).

بغدادی، حسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، نقاش، مذهب و شاعر. بغدادی الاصل و مقیم تبریز بود که در هنر خود سرآمد مستعدان و رموز و دقایق آن شهره شهر به شمار می‌رفت. در بدایت حال به تهذیب و آرایش روضه‌ی مطهره‌ی امام حسین (ع) مفتخر شد و در نزد شاه طهماسب اول قدر و منزلت والایی کسب کرد. به همین دلیل فرمان ریاست جماعت هنرمندان شهر تبریز به وی تعلق یافت. با این حال بهترین و ارزنده‌ترین آثار این هنرمند، تذهیب بی‌نظیر و استادانه‌ی قرآنی به خط نستعلیق عالی شاه محمود نیشابوری است که تاریخ ختم قرآن به سال ۹۴۵ ق است و تذهیب و آرایش آن به قلم استاد حسن چنین رقم دارد: «ذهبها فقیر المذنب حسن بغدادی المذهب

غفراله ذنوبه و ستر عیوبه فی شهور سنه سبعین و تسعمائه من الهجریه»، در کتابخانه توپ قاپو سرای استانبول.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۵۱ -۱۴۸ /۱)، تاریخ هنرهای ملی (۸۵۴/۲)، الذریعه (۲۴۵/۹)، عالم آرای عباسی (۱۷۷/۱)، گلستان هنر (۱۴۶ -۱۴۵)، مجمع الخواص (۲۵۸ -۲۵۷)، مناقب هنروران (۱۰۷).

بغوی، ظهیرالدین، ابومحمد حسین

قرن:۶
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(۵۱۶/۵۱۰ -۴۳۶ ق)، فقیه شافعی، مفسر، محدث و عارف. ملقب به محیی السنه و مشهور به ابن‌فراء، یا فراء. منسوب به بغ یا بغشور، از قریه‌های میان سرخس و هرات در فقه شاگرد قاضی حسین بن محمد مرورودی و در عرفان شاگرد شبلی، ابومحمد مرتعش و عبداللّه منازل بود. بغوی چون مجلس درس آراست هیچ‌گاه بی‌طهارت به تدریس آغاز نکرد. از جمله شاگردان وی در حدیث ابوالفتوح محمد بن محمد طایی و ابومنصور محمد عطاری و ابوالمکارم فضل‌اللّه بن محمد نوقانی بوده‌اند. او با غزالی معاصر بود. وی در مرورود، درگذشت و در کنار شیخش، قاضی حسین مرورودی در مقبره‌ی طالقان دفن شد. از جمله‌ی آثار وی: «التهذیب»، در فروع فقه شافعی؛ «شرح السنه»، در حدیث؛ «معالم التنزیل»، در تفسیر؛ «مصابیح السنه»؛ «الجمع بین الصحیحین»؛ «شمائل النبی المختار»؛ «الکفایه فی فروغ الشافعیه»، به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (۲۸۴/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۲۹ -۹۲۸، ۲۶۰ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۶)، حبیب السیر (۳۱۹/۲)، دائره المعارف الاسلامیه (۲۷/۴)، روضات الجنات (۱۸۱ -۱۷۵ /۳)، ریحانه (۲۷۲ -۲۷۱ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۷۹/۱)، سیر النبلاء (۴۴۳ -۴۳۹ /۱۹)، کشف الظنون (۱۴۹۹)، الکنی و الالقاب (۸۸/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ بغوی)، معجم البلدان (۵۵۴ -۵۵۳ /۱)، معجم المؤلفین (۶۱/۴)، نامه‌ی دانشوران (۲۵۹ -۲۵۷ /۷)، الوافی بالوفیات (۶۳/۱۳)، وفیات الاعیان (۱۳۷ -۱۳۶ /۲)، هدیهٔ العارفین (۳۱۲/۱).

بفروئی، محمد

قرن:۱۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم شیخ محمد علی بن احمد بفروئی یزدی حایری عالمی بزرگ و فقیهی فاضل و مدرسی جلیل بوده‌اند.
این بزرگوار اصلا از بفرو و از معمّرین و مجتهدین بزرگ و رجال علم بوده است در کربلا۔ از محضر علامه شیخ محمد حسین یزدی مشهور بپاشنه طلائی حایری صاحب کتاب (المقالید) و علامه مولی محمد حسین فاضل اردکانی و در نجف از محضر علامه جلیل شیخنا الانصاری و دیگران استفاده نموده تا از بزرگان عصر خود گردیده و حوزه تدریس تشکیل داده و بسیاری از فضلاء بدرسش حاضر و همگی از تبحر علمی و ورع او تمجید و تجلیل نموده‌اند. در حرم مطهر حسینی علیه‌السلام اقامه جماعت مینمود تا در حدود سال ۱۳۲۴ قمری وفات نموده و در جوار سالار شهیدان مدفون گردیده است.
وی از استادش علامه اردکانی روایت نموده و جماعتی از شاگردان او مانند شیخ علی بن غلامعلی بهبهانی که از علماء بزرگ خرمشهر بوده از او روایت نموده‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بقال آذریان، داود

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: بوعلی همدان
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

بقال، محمد

قرن:۹
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، خطاط. مشهور به بقال. از کاتبان گمنام بود. از خطوط وی: یک نسخه «دیوان» کاتبی، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «تم الکتاب العبد محمد بقال»؛ یک نسخه «دیوان» امیر خسرو، به قلم کتابت خفی متوسط، با رقم: «تم الکتاب... بتاریخ شهر ذوالقعده الحرام سنه سبعین و ثمانمائه... العبد محمد بن محمد المشهور به بقال و السلام».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۶۲/۳).

بقای اصفهانی، کاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به فنا و بقا. ملقب به رستم الشعراء. وی از سادات حسینی بود و در اصفهان به دنیا آمد و در همان جا بالید. مدتی در مشهد ملازم شاهزاده محمد ولی میرزا و مدتی هم در یزد به تربیت شاهزادگان مشغول بود. بقا در سرودن شعر توانا بود و اشعار چندی از وی باقی مانده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۲۴۸/۱).

بقای اصفهانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۱ –۱۲۵۷ ق)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به بقاء ملقب به شرف المعالی و اشرف الکتاب از بزرگان و معارف اصفهان بود و در تهران اقامت داشت. بقا خطوط مختلف را خوش می‌نوشت و در نسخ مهارت داشت. شعر نیز می‌سرود و صاحب طبع بود. وی در تهران درگذشت. از آثار او: «آیات یا مراتب و مناقب خسروی» شعر؛ «رساله‌ی هاشمیه»، شعر. از خطوط وی: جزوه‌ی «زیارت جامعه»، سرلوح مذهب، نسخ و رقاع کتابت خفی عالی، با رقم: «بجهت... ۱۲۸۳ تحریر شد... انا العبد سید محمد الاصفهانی»؛ قرآن وزیری جلد روغنی، نسخ کتابت نسخ کتابت خوش، با رقم: «... سید محمد بقاء اصفهانی... ۱۲۹۹»؛ یک رقعه به خط نسخ کتابت خوش، با رقم: «... کتبه العبد سید محمد المتخلص بالبقا، سنه ۱۳۱۴»؛ «صحیفه سجادیه»، یک سرلوح مذهب، به خط نسخ کتابت خوش و نستعلیق تحریر متوسط و در آخر رقاع خوش، با رقم: «... حرره العبد سید محمد المتخلص بالبقاء الملقب بشرف المعالی سنه ۱۳۲۲». سیزده اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۴۴ –۱۱۴۳ /۴)، تذکرهٔالقبور (۱۴۹)، حدیثه الشعراء (۲۴۹ –۲۴۸ /۱)، المآثر و الآثار (۲۰۲)، مؤلفین کتب چاپی (۷۸۳ –۷۸۲ /۵).

بقای تفرشی، ابوالبقاء

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از سادات تفرش بوده و مؤلف «تذکره‌ی خراب» در تفرش وی را ملاقات کرده است. تقی اوحدی که از تذکره‌ی در دست تألیف وی خبر داده، او را در قزوین و اصفهان ملاقات کرده و با او معاشرت داشته است و گوید: بالفعل در همدان است. بعضی تذکره‌ها وی را با بقایی دیگر که به هند رفته و همعصر و مصاحب ملک قمی بوده اشتباه گرفته‌اند. اثر وی: «تذکره‌ی ابوالبقاء». مشتمل بر شرح حال و اشعار شعرای عهد شاه عباس صفوی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۱۷۲ –۱۶۹ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۴۲۸)، الذریعه (۱۳۹/۹)، شام غریبان (۴۸)، فرهنگ سخنوران (۱۳۹)، لغت‌نامه (ذیل/ بقایی)، مآثر رحیمی (۱۵۳۶/۳)، مجمع الخواص (۱۰۰).

بقای شیرازی، علی حکاک

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۱۳ ق)، حکاک و خطاط. نگین تراش و نگارگر نقوش بر روی عقیق‌های سخت و فلزات بود که هم در مهرهای فرورفته و هم در مهرهای برجسته مهارت داشت. وی خطوط شش‌گانه بخصوص خط نستعلیق را خوش می‌نوشت، و از شیوه‌ها، شیوه‌ی میر عماد را پذیرفته بود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۵۱)، احوال و آثار نقاشان (۱۲۰۳/۳، ۱۰/۱).

بقایی بخارایی، محمد عارف

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اهل بخارا و از خدمتکاران عبدالرحیم خان خانان بود. از آثار وی: تذکره‌ی «مجمع الفضلاء»؛ تذکره‌ی «عارف الآثار».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۱۵۸ -۱۵۴، ۳ /۲)، فرهنگ سخنوران (۱۳۹).

بقایی بدخشی، بقایی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۶۰ ق)، شاعر. وی اهل بدخشان بود و چون در تبریز مسکن داشت. به بقایی تبریزی مشهور شد. وی توان شعری داشت و از اشعارش مثنویی است که در بیان زلزله معروف شهر تبریز سروده است. از اوست:

چه پیش آمد زمین را و زمان را

که بد می‌بینم اوضاع جهان را

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۱۵)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۹۱ -۹۰ /۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۹۴ -۳۹۳)، الذریعه (۹/ ۱۲۷، ۱۳۹).

بقایی خوارزمی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. وی از شاعران خوارزم بود که به خوش‌طبعی و خوش‌خلقی موصوف بود. بقایی سفری به مکه کرد. او در سرودن شعر مهارت داشت. از اوست:

نمی‌خواهم که دل در بند آن زلف دو تا افتد

چرا از پهلوی من دردمندی در بلا افتد

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۹۴۷، ۱۳۹ /۹)، فرهنگ سخنوران (۱۳۹)، مجالس النفائس (۱۱۷)، مخزن الغرائب (۳۷۷/۱).

بقایی قهستانی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. به لطف طبع موصوف بوده و از در اشعارش معانی بسیار داشته است. وی از شاعران خوش ذوق و قریحه‌ای بود که در معنی پردازی توانا بود و اشعار بسیاری سرود. از اوست:

به کشتگان ره عشق، بی‌خبر مگذر

که جسم اگر چه خموش است جانشان گویاست

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۴۰/۹)، صبح گلشن (۶۷)، فرهنگ سخنوران (۱۳۹)، لغت‌نامه (ذیل/ بقایی)، هفت اقلیم (۳۳۱/۲).

بقایی کرمانی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۳ -۱۳۰۱/۱۲۹۸ ش)، شاعر و موسیقیدان. در رفسنجان به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود آموخت، سپس به تهران آمد و به تکمیل علوم ادبی و عربی پرداخت و از شیخ ابوالقاسم مسافری کسب فیض کرد. بقایی به سال ۱۳۱۸ ش به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد و در سال ۱۳۳۳ ش به تهران منتقل شد. وی صدای گرمی داشت، و در جوانی به موسیقی روی آورد و با دستگاهها و ردیفهای آن آشنایی یافت. عبدالحسین در کرمان از استاد یداللّه خان و در تهران از استاد بنان و ناصر زرآبادی کسب هنر کرد. آواز خوشش در کران مشهور بود. «دیوان» اشعارش به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شاعران کرمانی (۱۰۸)، ستارگان کرمان (۸۰-۷۹)، سخنوران نامی معاصر (۵۴۲-۵۳۸/ ۱).

بقایی کمانگر

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. مولانا بقایی پیشه‌اش کمانگری بود و در فن معما مهارت داشت. ای مطلع از اوست:

تا به زلف تو سر درآوردم

سر به دیوانگی برآوردم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۳۹/۹)، صبح گلشن (۶۷)، لغت‌نامه (ذیل/ بقایی)، مجالس النفائس (۶۸).

بقایی نایینی، جلال

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۷ ش) شاعر. در نایین زاده شد، و تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود فراگرفت و زبانهای عربی و فرانسه را آموخت. وی مدت چهل سال در وزارت دارایی مشغول کار بود. بقایی شاعری را از دوازده سالگی آغاز کرد. در انواع شعر مهارت داشته است، بویژه در سرودن قطعات انتقادی استاد است. آثار وی عبارت‌اند از: تذکره‌ی «سخنوران نایین» و مجموعه‌ی اشعارش به نام «پرتو اندیشه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۵۳۷-۵۳۲/ ۱)، گلزار معانی (۱۶۰-۱۵۰).

بکاء، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید حسین بحرانی نجفی. اصل او از بحرین است، اسلافش به اصفهان مهاجرت نموده و در این شهر ساکن بوده‌اند. مشارالیه از علمای اجلاء، و اهل فضل و صلاح بوده، و در جسر کوفه ساکن، و وکیل حاج میرزا حسین خلیلی بوده، و در ۱۳۲۷ وفات یافته، جنازه سردست به نجف منتقل گردیده.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

بکایی اصفهانی، غلامعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۷-۱۲۸۰ ق)، شاعر و خطاط. وی ساکن محله‌ی نیم آورد اصفهان بود. روزگار را به شغل کتابت و مکتب‌داری می‌گذراند. گاهی شعر نیز می‌سرود. او خط نسخ، شکسته و نستعلیق را خوب می‌نوشت. در تخت فولاد اصفهان دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۹۱-۹۰).

بکائی جزی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

متولد ۱۲۸۰ و متوفی ۱۳۴۷ هجری قمری طلبه مدرسه صدر و به اتفاق حیدرعلی خان برومند از شاگردان مرحوم آقا میرزا علی نجف‌آبادی، آقا سیّد محمّد باقر درچه‌ای، مرحوم حاج آقا رحیم ارباب و مرحوم آیت‌اللّه آقا نجفی بوده است. در ابتدای شروع تحصیل در گز مدتی از شاگردان مرحوم آقا سیّد ابوتراب الحسینی معروف به آقا معلم جد پدری اینجانب بوده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

بکتاش، ابوالحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالحسن بکتاش

محل تولد : ساوجبلاغ

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اوائل دهه ۶۰ وارد حوزه علمیه شدم ابتدا دروس مقدماتی را در شهرستان کرج وتهران طی نمودم وبعد از آن به حوزه علمیه قم آمدم ودروس سطح را درحوزه علمیه قم گذراندم والان هم مشغول تحصیل در دروس خارج فقه واصول می باشم .البته همزمان با تحصیل در دروس سطح در حوزه علمیه قم دردانشگاه قم به تحصیل دررشته علوم سیاسی پرداختم ودر سال ۸۰کارشناسی را از آن دانشگاه دریافت کردم وبعد ازآن در همان رشته در دانشگاه علامه طباطبائی به ادامه تحصیل پرداختم واز دانشگاه علامه طباطبائی مدرک کارشناسی ارشد را دریافت کردم .بنده طی تحصیل دردانشگاه دردروس خارج فقه واصول هم شرکت کردم ودردرسهای خارج فقه آیات عظام جوادی آملی ،فاضل لنکرانی وخارج اصول آقای شیخ صادق لاریجانی چند سالی شرکت کردم .

در خصوص فعالیتهای پژوهشی وآموزشی باید یادآورشوم که حدوداً بیش از سه سال است یعنی ازسال ۸۲ که بنده در دانشگاههای مختلف مشغول به تدریس هستم، ودرامر پژوهش حدود چهار سال است در گروه حقوق وسیاست مرکز مطالعات وپژوهشهای فرهنگی حوزه علمیه قم فعّالیت دارم ومقالات متعدّدی به عنوان نقد ویا پاسخ به شبهات ودیگر مقالاتی که مربوط موضوعات روزمی باشد به نگارش درآورده ام

وهم اکنون هم دراین باره انجام وظیفه می کنم.

بلادی بوشهری، عبدالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیه‌الله فی الارضین آقای آقا سید عبدالله بوشهری بلادی صاحب تألیفات چند بوده و از آنها کشکول بلادیست وی در بوشهر اقامت داشته و اصلا بحرینی و بلادیست که مهاجرت بایران و بوشهر نموده و در آنجا باقامه جماعت و ترویجات دینی و تبلیغ احکام پرداخته تا از دنیا رفته است.

علامه رازی در کرام البرره ص ۷۸۴ گوید: اوست سید عبدالله بن سید علی ابن سید محمد بن سید عبدالله بلادی عالمی بزرگ از اجلاد علماء و مشاهیر عصر خود و استاد شیخ یوسف بحرینی صاحب (حدائق) و ساکن بوشهر بوده که حفیدش در (الغیث الزابد) نقل کرده و گفته او در سال ۱۲۳۳ بدنیا آمده و در ۱۲۸۲ وفات نموده و کتابی در ادله اصول الفقه دارد. اولاد او تمامی بنام: آقا سید محمد مهدی و آقا سید مرتضی و آقا سید ابوالقاسم و آقا سید هاشم از علماء بوده و احفادش در بهبهان و خوزستان و تهران و نقاط دیگر میباشند.

شیخ عبدالله بوشهری او فرزند حسن بن محمد علی آل عبدالجبار بوشهری عالمی فقیه بوده منظومه‌ای در اصول فقه بنام (زهره ارض الغری) دارد. آن مرحوم نزد علماء نجف تلمذ نموده تا بدریافت اجازه نائل و عزیمت بسمت وطن نموده ولی قبل از رسیدن به بوشهر در سال ۱۲۹۲ در راه فوت نموده است.

(۱۲۸۲ –۱۲۳۳ ق)، عالم. اصلا بحرینی و بلادی است. جدش از بزرگان علما و مشاهیر عصر خویش بود. سید عبداللّٰه بن بوشهر مهاجرت کرد و در آنجا تا پایان عمر ماندگار شد. وی استاد شیخ یوسف بحرینی، صاحب «حدائق» است، نوه‌ی او در کتاب «الغیث الزابد» شرح حال سید عبداللّٰه بوشهری را آورده و گوید که: فرزندان وی جملگی از علما بوده‌اند و احفادش در بهبهان و خوزستان و تهران و دیگر نقاط هستند. از آثار وی کتابی در «ادله من اصول الفقه» است.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۸۴/ ۱۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۳۷/ ۳).

بلادی بهبهانی بوشهری، عبداللّٰه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۲– ح ۱۳۷۰ ق)، فقیه، مجتهد و ادیب. در بوشهر متولد شد پس از تحصیل مقدمات به نجف اشرف رفت و سالها در نجف تحصیل علوم دینی کرد و به مقام اجتهاد رسید و سپس به بوشهر بازگشت. سید عبداللّٰه علاوه بر مقام اجتهاد، در زبان و ادبیات عرب نیز تبحر داشت. او از آزادیخواهان و وطن دوستان حافظان استقلال ایران بود. از آثار او: «السحاب اللئالی فی المطالب العوالی»، کشکول، به عربی، در دو جلد؛ «توضیح المآرب»؛ «بصر الحدید فی معرفه الهیئه علی الطرز الجدید»، در هیئت؛ «رحله

الحرمین»؛ «الردود السته»؛ «ضیاء المستضیئین»، مجموعه‌ای فارسی؛ «محفظه الانوار»، ترجمه کلمات قصار امیرالمؤمنین (ع)؛ «المسائل الاربعه»؛ «المقالات العشر»، در سیاست اسلامی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۰۰ -۵۹۸ /۳)، الذریعه (۳۹۲/۲۱ ،۱۵۲/۲۰ ،۱۳۰/۱۵، ۱۵۰/۱۲، ۲۳۸ ،۱۶۸/۱۰ ، ۴۹۵/۴ ،۱۲۶/۳)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۱۰۴/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۹۳۷/۳).

بلاذری، ابوجعفر، ابوالحسن احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۷۹ ق)، مورخ، جغرافیدان، ادیب، شاعر و مترجم. اصل و ریشه ایرانی دارد ولی نشو نمایش در بغداد بود. از مترجمان مشهور فارسی به عربی است. از گروه انبوهی از مشایخ عراق و دمشق و انطاکیه روایت کرده و از آخرین مشاهیر مورخان فتوحات اسلامی است. او نزد خلفای عباسی هم‌عصرش چون متوکل و مستعین معتز تقرب داشت. در آخر عمر به جهت خوردن میوه‌ی بلاذر (بلادر مساوی است با آناکردیوم) مبتلا به اختلال حواس شد و در بیمارستان بغداد جان داد. از آثار وی: «انساب الاشراف»؛ «البلدان الصغیر»؛ «البلدان الکبیر»، ناتمام؛ «عهد اردشیر»؛ «فتوح البلدان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۲/۱)، دایرهٔ المعارف فارسی (۴۳۸/۱)، ریحانه (۲۷۶ -۲۷۵ /۱)، سیر النبلاء (۱۶۳ -۱۶۲ /۱۳)، الفهرست لابن الندیم (۱۶۴)، کشف الظنون (۱۴۰۲ ،۱۷۹)، الکنی و الالقاب (۹۳ -۹۲ /۲)، لسان المیزان (۴۹۰ -۴۸۹ /۱)، معجم الادباء (۱۰۲ -۸۹ /۵)، معجم المؤلفین (۲۰۲ -۲۰۱ /۲)، الوافی بالوفیات (۲۴۱ -۲۳۹ /۸).

بلاغی نایینی، صدرالدین، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۰ ش)، فقیه، مترجم، نویسنده، خطیب و شاعر. معروف به سید صدرالدین و مشهور به صدر بلاغی. وی در نایین متولد شد. در سیزده سالگی به اصفهان رفت و مدت شش سال در حوزه درس استادان آن دیار مشغول به تحصیل ادب و منطق و فقه و اصول شد. سپس به شیراز رفت و یازده سال در آن جا به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. در ۱۳۱۸ ش به خراسان رفت و دو سال بعد به تهران آمد و در این شهر مقیم شد. بلاغی در سرودن انواع شعر مهارت داشت و اشعارش از مضامین نو و تازه آکنده بود. از آثار وی: «سخنرانیهای بلاغی در رادیو»؛ ترجمه‌ی «صحیفه‌ی سجادیه»؛ «قصص قرآن» و «فرهنگ قصص قرآن»؛ «برهان قرآن»، رد مهمترین شبهات پیروان کمونیسم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۴۴۱ -۴۳۲)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۹۲ -۹۱)، سخنوران نامی معاصر (۵۴۹ - ۵۴۳ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۴۰)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۴ -۵۳۳ /۳).

بلاغی، شیخ حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علامه شیخ حسن بلاغی

در روز چهارشنبه ای از ماه رجب ، در یکی از محله ها نجف (محله براق) در خانه دانشمند عامل و روحانی فاضل ، علامه شیخ حسن بلاغی ، ستاره ای چشم به جهان گشود که امید آن می رفت تا گمشدگان وادی شب گون نادانی را به کرانه های صبح امید رساند. این نورسیده را محمد جواد نام نهادند. و بدین سان در سال ۱۲۸۲ ق .(۸۰) خداوند نعمتی دیگر به جامعه شیعه عنایت کرد. آل بلاغی یکی از خاندانهای نجیب ، شریف و قدیمی شهر نجف بوده اند. این دودمان پاک بسان چشمه ای پربرکت همواره جوشیده و طراوت بخشیده اند و تشنگان را سیراب کرده و همگی به جلال و بزرگی در علم و ادب شهرت داشته اند.

جرعه نوش علم و معرفت .

محمد جواد پس از آنکه نشو و نما یافت و دوران کودکی را پشت سر گذاشت در بوستان همیشه سبز حوزه قدم نهاد و شاگردی آن مکتب گردید. علوم مقدماتی را در حضور نورانی علمای نجف فراگرفت و تا ۲۴ سالگی از اساتید بزرگ آن حوزه عظیم ، استفاده های علمی و معنوی فراوانی برد.

روان پاک بلاغی که شیفته کسب معارف و درک فضایل بود او را در سال ۱۳۰۶ ق . مجبور به ترک زادگاهش کرد و او با دلی مالامال از عشق و علاقه به فراگیری دانش و خودسازی ، وارد شهر مقدس کاظمین شد تا بتواند در سایه اندیشه های بلند آن دیار، به اهداف عالیه اش نایل آید.

ایشان شش سال از عمر مبارکش را در این شهر صرف تحصیل و تهذیب نمود و تا سال ۱۳۱۲ ق . در کاظمین ماند. او در همان شهر با خانواده شریف عالم بزرگوار سید موسی جزایری وصلت نمود.

در سی سالگی به زادگاهش نجف اشرف بازگشت و در درس سرآمدترین استوانه های علمی و عملی عصر خویش حاضر شد و سرزمین سبز فکرش را با زلال آبهای با صفای آن حوزه طراوت بخشید و مدت ۱۴ سال در این دانشگاه بزرگ اسلامی ماند و از باغ و بوستانهای نجف خوشه های فراوان علم و معنویت چید.

شیخ محمد جواد بلاغی که سالهای متمادی را در پی علم و عمل گذرانده بود در سال ۱۳۲۶ ق . وارد شهر مقدس سامرا شد و در درس مرجع مجاهد و رهبر انقلابی ، میرزا محمد تقی شیرازی شرکت جست و ده سال بر سفره علمی این مجتهد سترگ و بیدار مهمان بود و با استفاده از جنبه های روحی و معنوی آن بزرگوار، خویشتن را تقویت کرد.

این دانشمند وارسته آنچنان شیفته دانش و یاد گرفتن بود که تا ۵۴ سالگی در درس میرزای شیرازی شرکت نمود.

راهنمایان رهرو خوبیها

اندیشمندان و فرزانگانی که علامه بلاغی در حضور نورانی آنان نشست و آموخت عبارت اند از:

۱. فقیه بزرگوار شیخ محمد طه نجف (متوفی ۱۳۲۳ ق .)

۲. فقیه محقق حاج آقا رضا همدانی (متوفی ۱۳۲۲ ق .)

۳. عالم و اصولی مدقق شیخ محمد کاظم خراسانی (متوفی ۱۳۲۹ ق .)

۴. علامه فقیه سید حسن صدرالدین کاظمی (متوفی ۱۳۵۴ ق .)

۵. فقیه بزرگ شیخ محمد حسین مامقانی (متوفی ۱۳۲۳ ق .)

۶. علامه محدث میرزا حسین نوری (متوفی ۱۳۲۰ ق .)

۷. فقیه عالیمقام سید محمد حسن هاشم هندی غروی (متوفی ۱۳۲۳ ق .)

۸. مرجع مجاهد میرزا محمد تقی شیرازی (متوفی ۱۳۳۸ ق .)(۸۱)

پیوند دانش و مبارزه

این متعهد وظیفه شناس از تبار روحانیتی بیدار و آگاه بود که در پی استقلال طلبی کشور عراق از یوغ استعمار انگلیس در سال ۱۳۳۶ ق . - برای بار دوم - آهنگ شهر کاظمین کرد و در جرگه جهاد و دفاع از ثغور اسلامی حضور یافت و به صف مجاهدان پیوست .

آینده ساز دلسوز

اینک نام تنی چند از پروردگان آن فقیه آینده ساز را ذکر می نماییم .

۱. آیهٔ الله العظمی آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (متوفی ۱۴۱۱ ق .)

۲. آیهٔ الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خویی (متوفی ۱۴۱۴ ق .)

۳. آیهٔ الله العظمی آقای حاج سید هادی میلانی (متوفی ۱۳۹۵ ق .)

۴. علامه ادیب آقای میرزا محمد علی اردوبای نجفی (متوفی ۱۳۸۰ ق .)

۵. علامه سید محمد صادق بحرالعلوم (متوفی ۱۳۹۰ ق .)

۶. آیهٔ الله شیخ محمد رضا آل فرج الله نجفی (متوفی ۱۳۸۶ ق .)

۷. آیهٔ الله شیخ محمد مهدوی لاهیجی (متوفی ۱۴۰۳ ق .)

۸. آیهٔ الله شیخ نجم الدین جعفر عسکری تهرانی (متوفی ۱۳۹۵ ق .)

۹. حاج شیخ ذبیح الله محلاتی (متوفی ۱۴۰۵ ق .)

۱۰. آیهٔ الله حاج شیخ محمد رضا طبسی نجفی (متوفق ۱۴۰۵ ق .)

۱۱. میرزا محمد علی مدرس خیابانی

۱۲. استاد ادیب علی خاقانی

۱۳. آیهٔ الله شیخ علی محمد بروجردی (متوفی ۱۳۹۵ ق .)

۱۴. شیخ مهدی بن داوودالحجار (متوفی ۱۳۵۸ ق .)

۱۵. علامه محقق حاج شیخ مجتبی لنکرانی نجفی

۱۶. آیهٔ الله سید صدرالدین جزایری (متوفی ۱۳۸۸ ق .)

۱۷. شیخ ابراهیم بن شیخ مهدی قریشی

۱۸. شیخ مرتضی مظاهری نجفی

۱۹. آیهٔ الله سید مرتضی لنگرودی (متوفی ۱۳۸۳ ق .)

۲۰. علامه میرزا محمد علی ادبی تهرانی

تراوش قلم

آثار سبز او در زمینه های فقه ، تفسیر، تاریخ ، اصول فقه ، عقاید و رد یهود و نصارا و مادیون و بابیت و بهائیت تدوین یافته است .

نشانه های ماندگار ایشان عبارت است از:

۱. تفسیر آلاءالرحمن ۲. رساله ای در پاسخ به پرسشهایی که از جبل عامل برای ایشان فرستاده و در آن شبهاتی درباره قرآن نموده بودند ۳. الرحلهٔ المدرسیهٔ یا المدرسهٔ السیارهٔ ۴. الهدی الی یدن المصطفی ۵. التوحید والتثلیث ۶. اعاجیب الاکاذیب ۷. انوارالهدی ۸. البلاغ المبین ۹. نصایح الهدی ۱۰. المسیح و الانجیل ۱۱. نسمات الهدی ۱۲. المصابیح فی بعض من ابدع فی الدین فی القرن الثالث عشر ۱۳. مصباح الهدی ۱۴. مسئلهٔ فی البداء ۱۵. نورالهدی ۱۶. اجویهٔ المسائل البغدادیهٔ ۱۷. داعی الاسلام و داعی النصرانیهٔ

۱۸. تا ۴۵. مجموعه از تعلیقه ، حاشیه و رساله های فقهی ، در این میان رساله ای در احکام وضو به چشم می خورد که علامه خود آن را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است ۴۶. رساله ای درباره اوامر و نواهی در علم اصول ۴۷. رساله ای در نفی تزویج ام کلثوم با عمربن خطاب ۴۸. رساله ای درباره عدم اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام ۴۹. رد بر کتاب ((تعلیم العلماء)) نوشته غلام احمد قادیانی ۵۰ رد بر کتاب ((حیاهٔ المسیح)) نوشته غلام احمد قادیانی ۵۱ رد بر کتاب ((ینابیع الکلام)) ۵۲. رساله ای در رد جرجیس سائل و هاشم عربی (این چهار رساله در رد شبه های مخالفان اسلام بویژه مبلغان مسیحی نوشته است .)

۵۳. رساله ای در رد حسیون (رد بر فرقه قادیانیه است .) ۵۴. داروین و اصحابه .(۸۲)

مهتاب ادب

یکی از ویژگیهای شخصیت علمی علامه بلاغی ، جنبه ادبی ایشان است . او دانشمندی ادیب و ادیبی دانشمند بود. نوشته هایش را بـا قلم و سبکی ابتکـاری و جدیـد و در قالبهـای ادبی و شـعر، داسـتان ، رمـان و منـاظره به رشـته تحریر در آورده و برخی از مسائل عقیدتی و فلسفی را در قالب شعر سروده و شعرش حامل پیام بوده است .

ایشان در ثنا و رثای اهل بیت علیهم السلام چکامه هایی چند سروده است . یکی از آنها را که مرثیه ای برای امام حسین علیه السلام است مرور می کنیم :

یا تریب الخد فی رمض الطفوف

لیتنی دونک نهبا للسیوف یا نصیرالدین اذ عزالنصیر

و حمی الجار اذ عزالمجیر

و شدید الباءس والیوم العسیر

و ثمال الوفد فی العام العسوف

کیف یا خامس اصحاب الکسا

و ابن خیرالمرسلین المصطفی

و ابن ساقی الحوض فی یوم الظماء

و شفیع الخلق فی الیوم المخوف

یا صریعا ثاویا فوق الصعید

و خضب الشیب من فیض الورید

کیف تقضی بین اجناد یزید

ضامیا تسقی بکاسات الحتوف (۸۳)

- ای کسی که گونه هایت در سرزمین کربلا بر خاک گرم افتاد! ای کاش من به جای تو، جایگاه ضربه های شمشیر می شدم .
- ای یاور دین هنگامی که یاران اندک شدند! و ای امید بی پناهان هنگامی که پناه دهندگان کم شدند.
- ای کسی که در روز جنگ و سختی صبر بسیار داری و ای ملجاء وارد شدگان در سالهای خشکی و سخت .
- چه سان است ای پنجمین اصحاب کساء و ای فرزند بهترن رسولان (حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم)
- ای فرزند ساقی حوض (حضرت علی علیه السلام) در روز تشنگی ، شفاعت کننده مردم در روز ترسناک .
- ای کشته افتاده روی زمین و ای کسی که محاسنت با خون گلویت خضاب است .
- چگونه تشنه ماندی بین لشکر یزید، در حالی که سیرابت می کردند از جام مرگها.

چکاد تلاش

آموختن زبانهـای خارجی با امکانات محـدود آن روز، کاری بسـیار مشکل بوده است . علامه بلاغی علاوه بر زبان عربی ، زبانهای عبری ، انگلیسی و فارسی (۸۴) را خوب می دانست و به آنها تسلط داشت و فراگیری آنها به شخصیت علمی ایشان برجستگی ویژه ای بخشیده بود.

دربـاره چگونگی آموختن زبـان عبری چنین نگاشـته انـد: ((زبان عبری را از یهود دوره گرد آموخته است . در آن روزگار گروهی یهـودی در شـهرهای عراق بودنـد کـه مقـداری جنس ، پـارچه و امثـال آن ، بر دوش داشـتند و در کـوچه و بـازار می گشـتند و می فروختنـد. بلاغی از این فرصت اسـتفاده می کرد و درباره مفردات و جمله بندی زبان عبری از آنان چیزهایی می پرسـید. گاه مجبور

می شد همه اجناس یک یهودی دوره گرد را بخرد تا از او درباره یک واژه یا ترکیب سخنی بشنود. چون یهودیان در آموختن لغت خود به دیگران بسیار بخل می ورزیدند. بلاغی گاه شیرینی و شکلات می خرید تا اگر بچه ای یهودی ببیند به او بدهد و چیزی از او بپرسد.))(۸۵)

شکوه گمنامی

گمنام زیست و بی هیاهو، ولی نامش در گمنامی اوست و هنرش در اخلاص والایش ...

شکوه گمنامی و حماسه اخلاص او در شعار معروفش تجلی کرده که می فرمود:

((انی لا اقصد الا الدفاع من الحق لا فرق عندی بین ان یکون باسمی او اسم غیری .))(۸۶): من جز دفاع از حق انگیزه ای نداشتم . بنابراین هیچ فرقی نیست که کتاب به نام من یا نام دیگری منتشر شود.

اسوه زهد

درباره ساده زیستی اش گویند:

((اتاقی کوچک داشت و محقر. در آن جز بوریایی و روفرشی یی که بر آن می نشست هیچ چیز نبود. در زمستان وسایل گرم کردن و در تابستان وسایل سرد کردن نداشت ؛ با اینکه مزاجی ضعیف داشت و بیمار بود. با این احوال ، هیچ گاه از این اتاق بیرون نمی رفت مگر برای نیازهای ضروری .))(۸۷)

بحقیقت که ایشان با بی پیرایگی اش اسوه برجسته زهد و پارسایی بود.

خنیاگر بیداری

حیاتش ترکیبی از دو عنصر عقیده و جهاد بود و حرکتش بر مبنای این دو عنصر هیچ گاه گوشه نشینی را نگزید و آرام نگرفت و پیوسته حریت آمیخته با حیات را بر سر و روی جامعه اسلامی می پاشید و خوابهای گران را بر می آشفت گویند:

((برخی از بهائیان جاسوس استعمار در محله ای در بغداد، مکانی را به نام حظیره برای اجتماع خود بنا نهادند. بلاغی با شنیدن این خبر دیگر آرام نگرفت و استراحت را بر خود روا نداشت تا با مراجعه به دادگاه و قانون آنان را به ترک آن محل واداشت و پس از مدتی آنجا را به مسجدی تبدیل کرد و در آن نماز و شعایر حسینی اقامه می شد.))(۸۸)

این روحانی آگاه ، مرز و بوم را همواره نگهبان بود و برای بیدار ساختن جامعه دل می سوزاند و تمام هستی خود را فدای خدمت به حق و خلق کرد.

وی برای چاپ کتاب ((الهدی)) (در رسوا سازی خدعه ها و توطئه های مبلغان مسیحی) پولی نداشت . بناچار هر چه در خانه داشت به قیمت ارزان فروخت و کتاب را به چاپخانه فرستاد تا خداوند اندک اندک اثاثیه خانه و زندگانی وی را فراهم ساخت (۸۹).

آخرین هجرت

آسمان شهر غم رنگ بود و اندوهبار. اشک هجران بر گونه های شهر جاری بود. زیرا خورشید اندیشه ای رو به غروب بود که هفتاد سال در آسمان علمی شیعه نور بخشیده بود. تقویم عمری رو به پایان می شد که برگ برگ وجودش را وقف خدمت کرده بود.

باد خزان بر باغ پرشکوفه رادمردی وزیدن گرفته بود که سراسر عمرش بهار بود و بیداری فصل فراق در گوش جان علامه آهنگ وداع می نواخت و نسیم ((ارجعی))(۹۰) جانان در بوستان جانش وزیدن داشت و در حیاط ((حیاتش)) می رفت که با قفل مرگ بسته شود. او که عمری در وادی رضای حق قدم و قلم زد اکنون مجنون صفت مشتاق نوشیدن جام وصال بود.

سرانجام این چکاد تعبد و تخصص ، فقیه و ادیب فرزانه و مجاهد زاهد، شب دوشنبه بیست و دوم شعبان ۱۳۵۲ ق .(۹۱) ندای حضرت دوست را لبیک گفت و مرغ جانش با کوله باری از خدمت و خوبی و افتخار به سرای ابدی پر کشید و در آستان دوست جای گرفت . خاکیان را در سوگ و عرشیان را در سرور نشاند. حوزه های علمیه - بویژه طلاب نجف - در این فقدان ، غرق در ماتم شد. پس از تجلیل و تشییع ، پیکر پاکش را در حجره جنوبی سوم در سمت غربی صحن مبارک حضرت علی علیه السلام ، در کنار آرامگاه جواد بن محمد حسینی (مؤ لف کتاب مفتاح الکرامه) به خاک سپردند.

روحش شاد، راهش سبز و پر رهرو و تربتش از شمع رضای جانان نورانی باد.

آثار:

تفسیر آلاءالرحمن

الرحلهٔ المدرسیهٔ یا المدرسهٔ السیارهٔ

الهدی الی یدن المصطفی

التوحید والتثلیت

اعاجیب الاکاذیب

انوارالهدی

البلاغ المبین

نصایح الهدی

المسیح و الانجیل

نسمات الهدی

المصابیح فی بعض من ابدع فی الدین فی القرن الثالث عشر

مصباح الهدی

مسئلهٔ فی البداء

نورالهدی

اجوبهٔ المسائل البغدادیهٔ

داعی الاسلام و داعی النصرانیهٔ

رساله ای درباره اوامر و نواهی در علم اصول

رساله ای در نفی تزویج ام کلثوم با عمربن خطاب

رساله ای درباره عدم اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام

رد بر کتاب ((تعلیم العلماء))

رد بر کتاب ((حیاهٔ المسیح))

رد بر کتاب ((ینابیع الکلام))

رساله ای در رد جرجیس سائل و هاشم عربی

رساله ای در رد حسیون

بلاغی، محمدجواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در روز چهارشنبه ای از ماه رجب ، در یکی از محله ها نجف (محله براق) در خانه دانشمند عامل و روحانی فاضل ، علامه شیخ حسن بلاغی ، ستاره ای چشم به جهان گشود که امید آن می رفت تا گمشدگان وادی شب گون نادانی را به کرانه های صبح امید رساند. این نورسیده را محمد جواد نام نهادند. و بدین سان در سال ۱۲۸۲ ق . خداوند نعمتی دیگر به جامعه شیعه عنایت کرد.

آل بلاغی یکی از خاندانهای نجیب ، شریف و قدیمی شهر نجف بوده اند. این دودمان پاک بسان چشمه ای پربرکت همواره جوشیده و طراوت بخشیده اند و تشنگان را سیراب کرده و همگی به جلال و بزرگی در علم و ادب شهرت داشته اند.

جرعه نوش علم و معرفت .

محمد جواد پس از آنکه نشو و نما یافت و دوران کودکی را پشت سر گذاشت در بوستان همیشه سبز حوزه قدم نهاد و شاگردی آن مکتب گردید. علوم مقدماتی را در حضور نورانی علمای نجف فراگرفت و تا ۲۴ سالگی از اساتید بزرگ آن حوزه عظیم ، استفاده های علمی و معنوی فراوانی برد.

روان پاک بلاغی که شیفته کسب معارف و درک فضایل بود او را در سال ۱۳۰۶ ق . مجبور به ترک زادگاهش کرد و او با دلی مالامال از عشق و علاقه به فراگیری دانش و خودسازی ، وارد شهر مقدس کاظمین شد تا بتواند در سایه اندیشه های بلند آن دیار، به اهداف عالیه اش نایل آید.

ایشان شش سال از عمر مبارکش را در این شهر صرف تحصیل و تهذیب نمود و تا سال ۱۳۱۲ ق . در کاظمین ماند. او در همان شهر با خانواده شریف عالم بزرگوار سید موسی جزایری وصلت نمود.

در سی سالگی به زادگاهش نجف اشرف بازگشت و در درس سرآمدترین استوانه های علمی و عملی عصر خویش حاضر شد و سرزمین سبز فکرش را با زلال آبهای با صفای آن حوزه طراوت بخشید و مدت ۱۴ سال در این دانشگاه بزرگ اسلامی ماند و از باغ و بوستانهای نجف خوشه های فراوان علم و معنویت چید.

شیخ محمد جواد بلاغی که سالهای متمادی را در پی علم و عمل گذرانده بود در سال ۱۳۲۶ ق . وارد شهر مقدس سامرا شد و در درس مرجع مجاهد و رهبر انقلابی ، میرزا محمد تقی شیرازی شرکت جست و ده سال بر سفره علمی این مجتهد سترگ و بیدار مهمان بود و با استفاده از جنبه های روحی و معنوی آن بزرگوار، خویشتن را تقویت کرد.

این دانشمند وارسته آنچنان شیفته دانش و یاد گرفتن بود که تا ۵۴ سالگی در درس میرزای شیرازی شرکت نمود.

راهنمایان رهرو خوبیها

اندیشمندان و فرزانگانی که علامه بلاغی در حضور نورانی آنان نشست و آموخت عبارت اند از:

۱. فقیه بزرگوار شیخ محمد طه نجف (متوفی ۱۳۲۳ ق .)

۲. فقیه محقق حاج آقا رضا همدانی (متوفی ۱۳۲۲ ق .)

۳. عالم و اصولی مدقق شیخ محمد کاظم خراسانی (متوفی ۱۳۲۹ ق .)

۴. علامه فقیه سید حسن صدرالدین کاظمی (متوفی ۱۳۵۴ ق .)

۵. فقیه بزرگ شیخ محمد حسین مامقانی (متوفی ۱۳۲۳ ق .)

۶. علامه محدث میرزا حسین نوری (متوفی ۱۳۲۰ ق .)

۷. فقیه عالیمقام سید محمد حسن هاشم هندی غروی (متوفی ۱۳۲۳ ق .)

۸. مرجع مجاهد میرزا محمد تقی شیرازی (متوفی ۱۳۳۸ ق .)

پیوند دانش و مبارزه

این متعهد وظیفه شناس از تبار روحانیتی بیدار و آگاه بود که در پی استقلال طلبی کشور عراق از یوغ استعمار انگلیس در سال

۱۳۳۶ ق . – برای بار دوم – آهنگ شهر کاظمین کرد و در جرگه جهاد و دفاع از ثغور اسلامی حضور یافت و به صف مجاهدان پیوست .

آینده ساز دلسوز

اینک نام تنی چند از پروردگان آن فقیه آینده ساز را ذکر می نماییم .

۱. آیهْ الله العظمی آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (متوفی ۱۴۱۱ ق .)

۲. آیهْ الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خویی (متوفی ۱۴۱۴ ق .)

۳. آیهْ الله العظمی آقای حاج سید هادی میلانی (متوفی ۱۳۹۵ ق .)

۴. علامه ادیب آقای میرزا محمد علی اردوبای نجفی (متوفی ۱۳۸۰ ق .)

۵. علامه سید محمد صادق بحرالعلوم (متوفی ۱۳۹۰ ق .)

۶. آیهْ الله شیخ محمد رضا آل فرج الله نجفی (متوفی ۱۳۸۶ ق .)

۷. آیهْ الله شیخ محمد مهدوی لاهیجی (متوفی ۱۴۰۳ ق .)

۸. آیهْ الله شیخ نجم الدین جعفر عسکری تهرانی (متوفی ۱۳۹۵ ق .)

۹. حاج شیخ ذبیح الله محلاتی (متوفی ۱۴۰۵ ق .)

۱۰. آیهْ الله حاج شیخ محمد رضا طبسی نجفی (متوفق ۱۴۰۵ ق .)

۱۱. میرزا محمد علی مدرس خیابانی

۱۲. استاد ادیب علی خاقانی

۱۳. آیهْ الله شیخ علی محمد بروجردی (متوفی ۱۳۹۵ ق .)

۱۴. شیخ مهدی بن داوودالحجار (متوفی ۱۳۵۸ ق .)

۱۵. علامه محقق حاج شیخ مجتبی لنکرانی نجفی

۱۶. آیهْ الله سید صدرالدین جزایری (متوفی ۱۳۸۸ ق .)

۱۷. شیخ ابراهیم بن شیخ مهدی قریشی

۱۸. شیخ مرتضی مظاهری نجفی

۱۹. آیهْ الله سید مرتضی لنگرودی (متوفی ۱۳۸۳ ق .)

۲۰. علامه میرزا محمد علی ادبی تهرانی

تراوش قلم

آثار سبز او در زمینه های فقه ، تفسیر، تاریخ ، اصول فقه ، عقاید و رد یهود و نصارا و مادیون و بابیت و بهائیت تدوین یافته است .

نشانه های ماندگار ایشان عبارت است از:

۱. تفسیر آلاءالرحمن ۲. رساله ای در پاسخ به پرسشهایی که از جبل عامل برای ایشان فرستاده و در آن شبهاتی درباره قرآن نموده بودند ۳. الرحلهْ المدرسیهْ یا المدرسهْ السیارهْ ۴. الهدی الی یدن المصطفی ۵. التوحید والتثلیث ۶. اعاجیب الاکاذیب ۷. انوارالهدی ۸. البلاغ المبین ۹. نصایح الهدی ۱۰. المسیح و الانجیل ۱۱. نسمات الهدی ۱۲. المصابیح فی بعض من ابدع فی الدین فی القرن الثالث عشر ۱۳. مصباح الهدی ۱۴. مسئلهْ فی البداء ۱۵. نورالهدی ۱۶. اجوبهْ المسائل البغدادیهْ ۱۷. داعی الاسلام و داعی النصرانیهْ ۱۸. مجموعه از تعلیقه ، حاشیه و رساله های فقهی ، در این میان رساله ای در احکام وضو به چشم می خورد که علامه خود آن را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است . رساله ای درباره اوامر و نواهی در علم اصول . رساله ای در نفی تزویج ام کلثوم با عمربن خطاب . رساله ای درباره عدم اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام . رد بر کتاب ((تعلیم العلماء)) نوشته غلام احمد قادیانی رد بر کتاب ((حیاهْ المسیح)) نووشته غلام احمد قادیانی رد بر کتاب ((ینابیع الکلام)) . رساله ای در رد جرجیس سائل و هاشم عربی (این چهار رساله در رد شبه های مخالفان اسلام بویژه مبلغان مسیحی نوشته است .)

. رساله ای در رد حسیون (رد بر فرقه قادیانیه است .) داروین و اصحابه .

مهتاب ادب

یکی از ویژگیهای شخصیت علمی علامه بلاغی ، جنبه ادبی ایشان است . او دانشمندی ادیب و ادیبی دانشمند بود. نوشته هایش را با قلم و سبکی ابتکاری و جدید و در قالبهای ادبی و شعر، داستان ، رمان و مناظره به رشته تحریر در آورده و برخی از مسائل عقیدتی و فلسفی را در قالب شعر سروده و شعرش حامل پیام بوده است .

ایشان در ثنا و رثای اهل بیت علیهم السلام چکامه هایی چند سروده است . یکی از آنها را که مرثیه ای برای امام حسین علیه السلام است مرور می کنیم :

یا تریب الخد فی رمض الطفوف

لیتنی دونک نهبا للسیوف یا نصیرالدین اذ عزالنصیر

و حمی الجار اذ عزالمجیر

و شدید الباءس والیوم العسیر

و ثمال الوفد فی العام العسوف

کیف یا خامس اصحاب الکسا

و ابن خیرالمرسلین المصطفی

و ابن ساقی الحوض فی یوم الظماء

و شفیع الخلق فی الیوم المخوف

یا صریعا ثاویا فوق الصعید
و خضب الشیب من فیض الورید
کیف تقضی بین اجناد یزید
ضامیا تسقی بکاسات الحتوف
- ای کسی که گونه هایت در سرزمین کربلا بر خاک گرم افتاد! ای کاش من به جای تو، جایگاه ضربه های شمشیر می شدم .
- ای یاور دین هنگامی که یاران اندک شدند! و ای امید بی پناهان هنگامی که پناه دهندگان کم شدند.
- ای کسی که در روز جنگ و سختی صبر بسیار داری و ای ملجاء وارد شدگان در سالهای خشکی و سخت .
- چه سان است ای پنجمین اصحاب کساء و ای فرزند بهترن رسولان (حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم)
- ای فرزند ساقی حوض (حضرت علی علیه السلام) در روز تشنگی ، شفاعت کننده مردم در روز ترسناک .
- ای کشته افتاده روی زمین و ای کسی که محاسنت با خون گلویت خضاب است .
- چگونه تشنه ماندی بین لشکر یزید، در حالی که سیرابت می کردند از جام مرگها.

چکاد تلاش

آموختن زبانهای خارجی با امکانات محدود آن روز، کاری بسیار مشکل بوده است . علامه بلاغی علاوه بر زبان عربی ، زبانهای عبری ، انگلیسی و فارسی را خوب می دانست و به آنها تسلط داشت و فراگیری آنها به شخصیت علمی ایشان برجستگی ویژه ای بخشیده بود.

درباره چگونگی آموختن زبان عبری چنین نگاشته اند: ((زبان عبری را از یهود دوره گرد آموخته است . در آن روزگار گروهی یهودی در شهرهای عراق بودند که مقداری جنس ، پارچه و امثال آن ، بر دوش داشتند و در کوچه و بازار می گشتند و می فروختند. بلاغی از این فرصت استفاده می کرد و درباره مفردات و جمله بندی زبان عبری از آنان چیزهایی می پرسید. گاه مجبور می شد همه اجناس یک یهودی دوره گرد را بخرد تا از او درباره یک واژه یا ترکیب سخنی بشنود. چون یهودیان در آموختن لغت خود به دیگران بسیار بخل می ورزیدند. بلاغی گاه شیرینی و شکلات می خرید تا اگر بچه ای یهودی ببیند به او بدهد و چیزی از او بپرسد.))

شکوه گمنامی

گمنام زیست و بی هیاهو، ولی نامش در گمنامی اوست و هنرش در اخلاص والایش ...
شکوه گمنامی و حماسه اخلاص او در شعار معروفش تجلی کرده که می فرمود:
((انی لا اقصد الا الدفاع من الحق لا فرق عندی بین ان یکون باسمی او اسم غیری .)): من جز دفاع از حق انگیزه ای نداشتم . بنابراین هیچ فرقی نیست که کتاب به نام من یا نام دیگری منتشر شود.

اسوه زهد

درباره ساده زیستی اش گویند:
((اتاقی کوچک داشت و محقر. در آن جز بوریایی و روفرشی یی که بر آن می نشست هیچ چیز نبود. در زمستان وسایل گرم کردن و در تابستان وسایل سرد کردن نداشت ؛ با اینکه مزاجی ضعیف داشت و بیمار بود. با این احوال ، هیچ گاه از این اتاق بیرون نمی رفت مگر برای نیازهای ضروری .))
بحقیقت که ایشان با بی پیرایگی اش اسوه برجسته زهد و پارسایی بود.

خنیاگر بیداری

حیاتش ترکیبی از دو عنصر عقیده و جهاد بود و حرکتش بر مبنای این دو عنصر هیچ گاه گوشه نشینی را نگزید و آرام نگرفت و پیوسته حریت آمیخته با حیات را بر سر و روی جامعه اسلامی می پاشید و خوابهای گران را بر می آشفت گویند:
((برخی از بهائیان جاسوس استعمار در محله ای در بغداد، مکانی را به نام حظیره برای اجتماع خود بنا نهادند. بلاغی با شنیدن این خبر دیگر آرام نگرفت و استراحت را بر خود روا نداشت تا با مراجعه به دادگاه و قانون آنان را به ترک آن محل واداشت و پس از مدتی آنجا را به مسجدی تبدیل کرد و در آن نماز و شعایر حسینی اقامه می شد.))
این روحانی آگاه ، مرز و بوم را همواره نگهبان بود و برای بیدار ساختن جامعه دل می سوزاند و تمام هستی خود را فدای خدمت به حق و خلق کرد.
وی برای چاپ کتاب ((الهدی)) (در رسوا سازی خدعه ها و توطئه های مبلغان مسیحی) پولی نداشت . بناچار هر چه در خانه داشت به قیمت ارزان فروخت و کتاب را به چاپخانه فرستاد تا خداوند اندک اندک اثاثیه خانه و زندگانی وی را فراهم ساخت .

آخرین هجرت

آسمان شهر غم رنگ بود و اندوهبار. اشک هجران بر گونه های شهر جاری بود. زیرا خورشید اندیشه ای رو به غروب بود که هفتاد سال در آسمان علمی شیعه نور بخشیده بود. تقویم عمری رو به پایان می شد که برگ برگ وجودش را وقف خدمت کرده بود.
باد خزان بر باغ پرشکوفه رادمردی وزیدن گرفته بود که سراسر عمرش بهار بود و بیداری فصل فراق در گوش جان علامه آهنگ وداع می نواخت و نسیم ((ارجعی)) جانان در بوستان جانش وزیدن داشت و در حیاط ((حیاتش)) می رفت که با قفل مرگ بسته شود. او که عمری در وادی رضای حق قدم و قلم زد اکنون مجنون صفت مشتاق نوشیدن جام وصال بود.
سرانجام این چکاد تعبد و تخصص ، فقیه و ادیب فرزانه و مجاهد زاهد، شب دوشنبه بیست و دوم شعبان ۱۳۵۲ ق . ندای حضرت دوست را لبیک گفت و مرغ جانش با کوله باری از خدمت و خوبی و افتخار به سرای ابدی پر کشید و در آستان دوست جای گرفت . خاکیان را در سوگ و عرشیان را در سرور نشاند. حوزه های علمیه - بویژه طلاب نجف - در این فقدان ، غرق در ماتم

شد. پس از تجلیل و تشییع ، پیکر پاکش را در حجره جنوبی سوم در سمت غربی صحن مبارک حضرت علی علیه السلام ، در کنار آرامگاه جواد بن محمد حسینی (مؤ لف کتاب مفتاح الکرامه) به خاک سپردند.

روحش شاد، راهش سبز و پر رهرو و تربتش از شمع رضای جانان نورانی باد. آثار: ۱. تفسیر آلاءالرحمن

۲. الرحلهٔ المدرسیهٔ یا المدرسهٔ السیارهٔ

۳. الهدی الی یدن المصطفی

۴. التوحید والتثلیث

۵. اعاجیب الاکاذیب

۶. انوارالهدی

۷. البلاغ المبین

۸. نصایح الهدی

۹. المسیح و الانجیل

۱۰. نسمات الهدی

۱۱. المصابیح فی بعض من ابدع فی الدین فی القرن الثالث عشر

۱۲. مصباح الهدی

۱۳. مسئلهٔ فی البداء

۱۴. نورالهدی

۱۵. اجوبهٔ المسائل البغدادیهٔ

۱۶. داعی الاسلام و داعی النصرانیهٔ

۱۷. رساله ای درباره اوامر و نواهی در علم اصول

۱۸. رساله ای در نفی تزویج ام کلثوم با عمربن خطاب

۱۹. رساله ای درباره عدم اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام

۲۰. رد بر کتاب ((تعلیم العلماء))

۲۱. رد بر کتاب ((حیاهٔ المسیح))

۲۲. رد بر کتاب ((ینابیع الکلام))

۲۳. رساله ای در رد جرجیس سائل و هاشم عربی

۲۴. رساله ای در رد حسیون

بلایی بخارایی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر. وی از مردم بخارا بود و در سرودن شعر طبعی لطیف داشت. از اوست:

می‌روی جلوه کنان جانب ما می‌نگری

گر دلت جانب ما نیست، چرا می‌نگری؟

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۱۶ -۱۱۵)، الذریعه (۱۴۰/۹)، مجالس النفائس (۱۵۹).

بلبل کوچک خراسانی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۹۵ ق)، شاعر. وی در کربلا متولد شد. بلبل در سال ۱۲۷۱ ق به هند رفت و در کلکته اقامت گزید. وی مدعی بود که بدون داشتن استاد در شعر، زبان عربی و فارسی و ترکی و هندی و علم موسیقی ماهر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۴۰/۹)، صبح گلشن (۶۸ -۶۷).

بلبل یزدی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. وی از شاعران خوش قریحه و بااستعداد یزید بود. از اوست:

بلبل ز جفای دوست فریاد مکن
در پیش خسان ز دست گل داد مکن
خواهی که ز قید عالم آزاد شوی
خود را ز کمند عشق آزاد مکن

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۱۶)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۵۲)، الذریعه (۱۴۰/۹)، مخزن الغرائب (۳۲۲/۱).

بلبل، فغان‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۰۵ ق)، خطاط. در دارالسلطنه‌ی اصفهان نشو و نما یافت. نسخ و ثلث را با رقاع به مرتبه‌ی عالی رسانید. مدتی در قم زندگی می‌کرد زندگی می‌کرد و به قطعه‌نویسی و «شاهنامه» خوانی اشتغال داشت و بعد عزم دارالسلطنه‌ی قزوین کرد. از آثار او: یک قطعه ثلث دو دانگ جلی و رقاع کتابت خوش و نسخ کتابت خفی متوسط، با رقم: «...مشقه العبد الاقل بلبل شهنامه خوان، در سنه خمس و الف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار و احوال خوشنویسان (۱۱۳۱ -۱۱۳۰ /۴)، گلستان هنر (۴۱ -۴۰).

بلجوهر

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم و پنجم ق)، شاعر. از چگونگی احوال و صورت صحیح نام او هیچ گونه اطلاعی در کتابها نیامده است. در «لغت فرس» از وی یادی شده و شعرش نقل شده است. از اوست:

تو همی گویی شعر تا فردا
بخشدت خواجه جامه‌ی فافا

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شاعران بی‌دیوان (۲۸۰).

بلخی، ابوالمؤید

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، عالم، شاعر و مورخ. در بلخ متولد شد و در زمان سامانیان می‌زیست. از احوال او اطلاع کاملی در دست نیست. وی نخستین کسی است که «یوسف و زلیخا» را به نظم کشید. از میان شاهنامه‌های منثور فارسی از همه قدیمتر و مهمتر «شاهنامه ابوالمؤید بلخی» است که آن را «شاهنامه‌ی بزرگ» و «شاهنامه مؤیدی» هم می‌گفته‌اند. از دیگر آثار او: «عجائب البلدان»؛ «گرشاسپنامه» یا «گرشاسب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۱۸، ۶۱۶، ۶۱۱، ۴۰۳ -۴۰۱ /۱)، تاریخ سیستان (۳۶ -۳۵)، تاریخ نظم و نثر (۲۸)، سبک شناسی (۲۴، ۱۸، ۳ /۲)، شاعران بی‌دیوان (۶۰ -۵۷)، فرهنگ سخنوران (۳۶ -۳۵)، لباب الالباب (۲۶/۲)، مجمع الفصحا (۲۰۱/۱)، مجمل التواریخ و القصص (۳، ۲).

بلخی، ابوشکور

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۳۳۳ ق)، شاعر. در اواخر عصر رودکی و اوائل عهد فردوسی می‌زیست. تولد وی مقارن با روزگار سامانیان بود، ابوشکور امیر نوح بن نصر بن احمدبن سامانی را مدح می‌گفت. از تألیفات او مثنوی «آفرین نامه» است که در حدود سالهای ۳۳۳ تا ۳۳۶ ق آن را فراهم آورد؛ ظاهرا مثنویهای دیگر هم داشته است. او نخستین شاعری است که مثنوی داستانی ساخت. ابیات و قطعات پراکنده‌ای که از وی باقی است روی هم رفته به ۴۰۰ بیت نمی‌رسد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :برگزیده‌ی شعر فارسی (۱۹)، پیشاهنگان شعر فارسی (۷۷ -۷۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۰۸ -۴۰۳ /۱)، تاریخ ادبی ایران (۶۷۸ /۱)، تذکره‌ی روز روشن (۲۲)، ریحانه (۱۵۴ /۷)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۵۸ /۸)، الذریعه (۴۱ /۹)، دایرهٔ المعارف فارسی (۳۲ /۱)، لباب الالباب (۲۱ /۲)، سخن و سخنوران (۲۵)، گنج سخن (۲۴ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوشکور)، المعجم فی معاییر اشعار العجم (۴۶۹، ۳۰۷، ۳۰۰)، مجمع الفصحا (۱۳۸ /۱).

بلخی، ابوعلی محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(قبل از سده چهارم ق)، شاعر و نویسنده. از زمان حیات و چگونگی احوال او اطلاعی در دست نیست. وی مؤلف دومین «شاهنامه منثور» بود که در کتب قدیم به نام آن اشاره شده است این شاهنامه ظاهرا بیشتر مبتنی و مستند بر روایات مکتوب بوده تا روایت شفاهی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۱۳ -۶۱۲ /۱)، حماسه‌سرایی در ایران (۱۱۶)، دانشنامه ایران و اسلام (۱۰۷۳/۸).

بلخی، سراج‌الدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. مشهور به سراج‌الدین علامه وی از مداحان خوارزمشاه و در فضل و کمال و حکمت دانی سرآمد بود. سراج‌الدین در نظم و نثر مهارت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۵۲ -۳۵۱)، الذریعه (۴۳۶/۹)، ریحانه (۷/۳)، فرهنگ سخنوران (۴۴۴)، مجمع الفصحا (۷۰۰ -۶۹۹ /۲)، هفت اقلیم (۷۷ -۷۶ /۲).

بلخی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. به خط وی قطعه‌ای از یک مرقع در کتابخانه‌ی خزینه‌ی اوقاف استانبول است، به قلم نیم دودانگ خوش، به شیوه‌ی شاه محمود نیشابوری و با رقم: «مسوده محمد بلخی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۶۲/۳).

بلغاری نخجوانی، صلاح‌الدین حسن

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۹۸ /۶۷۲ -۶۰۳ ق)، عارف و شاعر. اصلا از مردم نخجوان بوده و در آن شهر ولادت یافته است. چون به سال ۶۱۰ ق به وسیله‌ی ترکان بلغاری به اسارت برده شد، شهرت بلغاری یافت. وی از بزرگان مشایخ تصوف و از اصحاب ابوالنجیب سهروردی بوده است. از تألفات وی: ترجمه‌ی «رساله‌ی قلب المنقلب» سعدالدین حمویه، به فارسی؛ و همچنین اشعاری صوفیانه نیز از وی بازمانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۴۴).

بلند اقبال شیرازی، رضی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۹ -۱۲۴۵ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به بلند اقبال. وی تحصیلات خود را در شیراز به پایان رسانید. خود و پدر و اجداد وی کارمند دولت بودند. بلند اقبال نستعلیق و شکسته و سیاق را خوش می‌نوشت و در حسابداری و علوم غریبه‌ی رمل و اسطرلاب مهارتی بسزا داشت و گاهی شعر نیز می‌گفت. از آثار وی: «دیوان» اشعار، مشتمل بر هیجده هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۴۱ -۵۴۰)، احوال و آثار خوشنویسان (۲۱۹/۱)، حدیقه الشعراء (۲۵۷ -۲۵۰/۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۶۰ -۴۵۸/۱)، الذریعه (۱۴۱/۹)، ریحانه (۲۸۱/۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۷۷ -۱۰۷۶/۲)، فرهنگ سخنوران (۱۴۰)، مرآت الفصاحه (۹۵ -۹۴)، مکارم الآثار (۱۲۵۱/۴).

بلوچ، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: زیست‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته علوم طبیعی از دانشکده علوم دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۲، فعالیت در آزمایشگاه جانورشناسی دانشکده علوم دانشگاه تهران، دکترا در رشته جانورشناسی از دانشگاه سوربن فرانسه.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده علوم دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۴ تا سال ۱۳۵۹، دانشیار دانشکده علوم دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۹، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پرورش ماهی در استان اصفهان و بررسی بیماریها و تغذیه آن، چگونگی تعیین مسیر مهاجرت پرندگان، بیوسیستماتیک بخشی از سوسماران ایران، چگونگی سازش با محیط یک نوع سوسمار بنام Agama caucasica، طرح بررسی سیستماتیکی سوسمارهای سبزوار، بیوسیستماتیک تک یاخته‌های آب‌های شیرین اطراف تهران، طرح فون دوزیستان، طرح فون سیستان (خزندگان و پرندگان)، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

خزندگان ایران، جغرافیای زیستی سوسماران، دوزیستان ایران.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

پراکنش جغرافیایی و مهاجرت زاغ بور، سازش پرندگان و پستانداران و سوسمارها، گزارش نوعی بالن در ایران، نقش پرندگان مهاجر در پراکنش آربو ویروس‌ها در مورد خرگوش‌های ایران، سوسماری از خانواده ژکوبنده بنام علمی Eublepharis ensafi، در مورد سوسماری از جنس Lacertilia و سوسماری بنام.LYtoithyncbus Maynardi

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

بلورچیان تبریزی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دولتی و دکترای داروسازی.

مرتبه علمی:

استاد پایه ۱۸ دانشگاه تبریز، استاد نمونه سال ۱۳۷۰ و شیمیدان برجسته سال ۱۳۶۹، برنده جایزه پژوهشی جشنواره خوارزمی در سال ۱۳۶۸.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ارگانوسیلیکونها، سنتز پرودراگهای داروئی و ایزوسترهای سیلیکونه داروها، سنتز مواد معطر ارگانوسیلیکونها، سی سال سابقه تدریس و تحقیق در دانشگاهها، استاد راهنمای ۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۳ پایان‌نامه دکترا. -----------------------------------

دکتر سید محمد بلورچیان درسال ۱۳۱۲ در تبریز به دنیا آمد. وی پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در زادگاه خود، به تهران آمدو

در سال ۱۳۳۸ پس از اخـذ دکتری دارو سـازی از دانشگاه تهران برای تحصیل در دانشگاه بورد وی فرانسه عزیمت کرد و پس از بازگشت در سال ۱۳۵۱، عضو هئیت علمی دانشگاه تبریز شد. وی رئیس مرکز پژوهش های شیمی و مهندسی شیمی ایران و عضو بسیاری مجـامع علمی است. دکتر بلورچیان در سال ۱۳۸۰درنخستین همایش چهرهای مانـدگار برگزیـده و معرفی شد.گروه : علوم پایهرشـته : شـیمیگرایش : شیمی آلیاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : سید محمد بلورچیان در سال ۱۳۱۲ه.ش در تبریز به دنیاآمد. و سالهای کودکی و جوانی خود را در همان شـهر به تحصـیل گذراند.تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : سـید محمد بلورچیان پس از اتمام تحصیلات مقـدماتی در زادگاه خود تبریز، به تهران آمـد و پس از ورود به دانشـگاه تهران، در سال ۱۳۳۸ دکتری داروسازی خـود را دریـافت کرد. وی سـپس به فرانسه رفت و دکـتری دولـتی خـود را بـا رتبه ممتـاز از دانشگاه بورد و در سـال ۱۳۵۱دریافت کرد.خاطرات و وقایع تحصیل : از وقایع مهم روزگار تحصیل سید محمد بلورچیان عزیمت وی به فرانسه و تحصیل در مقطع دکتری دولتی دارو سازی دانشـگاه بوردو بوده است. فعالیتهای ضمن تحصیل : سید محمد بلورچیان درحین تحصیل، به مطالعه و تحقیق در زمینه تخصصـی خود(شـیمی) می پرداخت.وقایع میانسالی : سـید محمـد بلورچیان پس از اخـذ مـدرک دکتری دولتی داروسازی از دانشـگاه بـوردوی فرانسه در سـال ۱۳۵۱ بـه ایران بـازگشت و عضـو هئیت علمی دانشگاه تـبریز شـد. مـدتی نیز عضـو هیـات ممیزه دانشـگاه، رئیس مرکز پژوهشـهای شـیمی و مهندسی شیمی ایران شد. و در بسیاری از مجامع کمیته ها و شورای های علمی ــ فنی و سیاسـتگذاری کشور شـرکت می کرد. وی درسال ۱۳۸۰ به عنوان چهره مانـدگار در عرصه شـیمی برگزیده شد.مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : سید محمد بلورچیان از سال ۱۳۵۱ه.ش بازگشت از فرانسه و فراغت از تحصیل، عضو هئیت علمی دانشگاه تبریز شد. وی همچنین عضو هئیت ممیزه دانشگاه، رئیس مرکز پژوهشهای شیمی و مهندسی شیمی ایران، عضو انجمن شیمی و مهندسـی شیمی ایران، عضو انجمن شـیمی کشورهـای آمریکـا و فرانسه، عضو بسـیاری از مجامع، کمیته ها و شوراهای علمی ـفنی و سیاسـتگذاری کشور و عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران بوده است.فعالیتهای آموزشی : سید محمد بلورچیان پس از فراغت از تحصـیل و بـازگشت از فرانسه در سال ۱۳۵۱، عضو هئیت علمی دانشگاه تبریز شـد . و به تدریس در گروههای شـیمی و مهندسـی شیمی پرداخت.مراکزی که فرد از بانیان آن به شـمار می آید : سـید محمد بلورچیان پنج روش جدید و ثبت شده را در کتب مرجع ابداع کرد و نیز نوآوریهای در زمینه روشـهای تجزیه شـیمیایی ابداع کرده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : تحقیق، مطالعه و تالیف آثاری درزمینه شـیمی به ویژه شـیمی آلی از امور مورد علاقه دکتر سـید محمد بلورچیان بوده است.آرا و گرایشهای خاص : سید محمد بلورچیان در زمینه شیمی به شیمی آلی علاقه خاص و تحقیقاتی تخصصی دارد.

آثار : ۱ ترجمه سـری کتابهای شـیمی آلی ویژگی اثر : دکتر سید محمد بلورچیان مجموعه سه جلدی کتابهای شیمی آلی را در سه مبحث شـیمی عمومی، عوامل ساده و عوامل پیچیده ترجمه کرده است برگرفته از کتاب :شـرح حال تخصصـی اسـتادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

بلیانی کازرونی، ابوالقاسم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۴ ق)، عالم، نویسـنده و شاعر، متخلص به قاسـمی. او از شاگردان شـیخ بهایی و افضل‌الـدین ترکه بود. به قزوین و تبریز و کاشان و فارس و عراق سـفر کرد. آثار وی «سـلم السـماوات»، در حکمت و احوال حکما و شـعرا و دانشـمندان که مشـتمل بر هفت مرقوم است؛ «خطاب الغائبین»، به عربی. «دیوان» اشعار که نسخه ناتمامی از آن به شماره (۵۱۶) در کتابخانه‌ی آستان قدس است که تحریر قرن یازدهم و شامل ششصد و پنجاه بیت از انواع شعرست، و جزو کتب وقفی ابن‌خاتون در سال ۱۰۶۷ ق هجری است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۲۳/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۵۹۲/۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۶۶۰ -۶۵۳ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۸۱۳)، الذریعه (۲۲۱/۱۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۴۵/۱).

بلیغه‌ی شیرازی

قرن:۱۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

از زنان شاعر شیراز. بیت زیر به او منسوب است:

شب سگ کویت به هر جایی که پهلو می‌نهد

روز خورشید آن زمین را بوسد و رو می‌نهد

برخی تذکره‌ها بیت فوق را به نهانی شیرازی نسبت داده‌اند. تاریخ تولد، وفات و یا زندگی او معلوم نیست.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره نهم، ۵۴؛ حدیقةالشعراء، ۱۲۳۶ -۱۲۳۵ / ۳؛ خیرات حسان، ۷۷ / ۱؛ دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ۴۶۰ / ۱؛ روز روشن، ۱۱۸.

بمرودی، محمود

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۸۸۳ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه شش دفتر «مثنوی» مولانا، به قلم کتابت جلی متوسط، با رقم: «تمت الکتاب... فی یوم الاربعا ثالث ذوالقعده سنه ثلاث و ثمانین و ثمانمائة، علی ید العبد الفقیر النحیف الضعیف، محمود بن سیف‌الدین بن حسین شاه بن عل البمرودی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۶۷/ ۳).

بمی کرمانی، طیان

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر و ادیب. از شاعران بم کرمان است که در نظم و نثر توانا بوده است و اشعاری چند از وی در تذکره‌ها نقل است که قدرت طبع او از آن مشهود است. صاحب «مجمع الفصحا» احوال وی را با طیان ژاژخای مرغزی درهم آمیخته و اشعار طیان مرغزی را به او نسبت داده است. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۲۴ -۶۲۳ / ۲)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۳۶۰ -۳۵۶)، الذریعه (۶۵۳ / ۹)، صبح گلشن (۲۶۳)، فرهنگ سخنوران (۵۹۳)، ستارگان کرمان (۲۶۹ -۲۶۳)، مجمع الفصحا (۸۵۰ -۸۴۷ / ۲)، هفت اقلیم (۲۷۰ -۲۶۸ / ۱).

بناء اصفهانی، محمد امین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۱۲ ق)، نقاش، طراح و خطاط. اهل اصفهان و رسمی‌ساز نقوش مختلف و طراح خطوط کوفی تزیینی و پیرآموزی و بنایی بود و کاشی‌ها را با تزیینات گوناگون و خطوط شیوا می‌آراست. از آثار او پیرایش صفه‌ی استاد در مسجد جامع اصفهان است که اصل بنای اولیه‌ی آن، در دوران سلجوقی انجام پذیرفته و با تزیینات دوره‌ی صفویه تکامل یافته است. این بنا در ۱۱۱۲ ق ارایش و کاشی کاری شده و ارقام آن چنین است: «عمل ابن محمد مؤمن، محمد امین»؛ «عمل ذره‌ی بیمقدار ابن محمد مؤمن»؛ «محمد امین بناء اصفهانی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار ملی اصفهانی (۵۵۱ ،۵۴۹)، احوال و آثار نقاشان (۶۵۴/ ۲)، تاریخ اصفهان (۳۶۰)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۱۱۰ -۱۰۹).

بناء آملی، علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم مق)، خطاط. از آثار وی: کتیبه‌ی سرور ورودی برج‌السلطان زین‌العابدین در ساری که بر روی کاشی نقش شده و رقم «عمل سید علی بن سید کمال‌الدین بناء آملی» دارد. در برج سلطان زین‌العابدین صندوق چوبینی وجود دارد که بر روی آن کتیبه‌ای است به خط ثلث که ممکن است این اثر نیز از استاد سید علی باشد و چنین تاریخ دارد: «... سنه تسع و ثمانمائه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی (۱۳۹ -۱۳۸).

بنابی، عباسعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۶۰ ق)، عالم دینی. اصل او از بناب در دو فرسنگی مراغه است. وی شاگرد علامه عارف ملا عبدالصمد همدانی، شهید به دست وهابیان، بود. در مراغه عهده‌دار مرجعیت عام مردم و سرپرست موقوفات بسیار بود. در همان جا از دنیا رفت و در مقبره‌ی قبر آقا دفن شد. به گفته‌ی آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی وی دارای تصانیف بسیاری بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۹۵/۱۳).

بنابی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیه‌الله مرحوم آقا شیخ علی بنابی از علماء متبحر و بزرگان فقهاء و مجتهدین بزرگوار و مرجع در احکام و قضاء و زعیمی در امور دین و مجاهدی فی سبیل‌الله بوده و در فتنه شیخ عبیدالله فداکاریها نموده و ید بیضائی داشته و به (سیف‌العلماء) ملقب شده و بقاضی مجتهد شهرت یافته و قیام بکارهای بزرگ نموده و در سال ۱۳۰۵ ق در مشهد رضوی از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بنابی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا محمد بنایی از تلامذه مبرز و با فضل مرحوم آیت‌الله خونساری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله العظمی بروجردیست تولدش در بناب که از مضافات مراغه است اتفاق افتاده و در تبریز مقدمات را خوانده آنگاه به قم مهاجرت از محضر اساتید حوزه و چندی هم از مرحوم آیت‌الله حایری استفاده کرده و در زمان زعامت آیت‌الله بروجردی مهاجرت به نجف اشرف نموده و از درس بحث مرحوم آیت‌الله میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حکیم و آیت‌الله شاهرودی استفاده و حدود بیست سال اقامت نموده تا در این حادثه اخیر اخراج ایرانیان مقیم عراق به ایران آمده و اقامت در قم اختیار نموده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

بنابی، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ یوسف باقری بنابی از دانشمندان مجاهد و فداکار بنام آذربایجان و مرجع و ملجاء مردم بناب و حومه آنست.
معظم‌له در یک خانواده پرصفا و معنویت بدنیا آمده و پس از نشو و نما علوم مقدمات و قسمت عمده سطوح را در شهر بناب و حوزه علمیه تبریز خوانده و بقیه سطوح را در حوزه مقدسه نجف اشرف از محضر آیه‌الله مشکینی و آیه‌الله حاج شیخ احمد اهری استفاده کرده آنگاه در درس خارج آیه‌الله العظمی نائینی و آیه‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیه‌الله حاج شیخ عبدالله مامقانی حاضر و بهره‌مند گردیده تا بمدارج عالیه علم رسیده و از آیات عظام نجف مفتخر باجازه اجتهاد و غیره شده ولی بواسطه بروز کسالت مزاج بایران و مسقط الرأس خود بناب مراجعت کرده و بنابر اصرار زیاد اهالی بناب و حومه آن مجبور باقامت در آنجا شده و در اثر افکار عالیه و روشنی که داشت در آن محل نفوذ عجیب پیدا نمود که مدتها مقامات مربوطه دولتی از رسیدگی بشکایات و خصومات مردم بیکار مانده زیرا آن بزرگوار به احسن وجه رفع خصومات و داوری عادلانه نموده و آنها را خشنود روانه میکرد.
آیه‌الله باقری بنابی عالمی فعال و خدمتگزار و واقعا مجاهد است برای تربیت طلاب و محصلین مدرسه با عظمتی تأسیس نمود و خود تدریس علوم مختلفه را در حوزه متعهد شده چنانچه اکثر علماء بزرگ بناب و حومه در خدمت ایشان تلمذ کرده‌اند.
معظم‌له دارای منطقی شیرین و بیانی جذاب و حافظه‌ای قوی میباشند و روی همین امتیازات و فضائل علمی و معنوی بود که همواره موفق و پیروز میشدند. یکی از مبارزات ایشان منکوب کردن فرقه توده بود که در اکثر اهالی بناب و حومه نفوذ کرده و معتقدات دور از منطق خود را بمردم تزریق میکردند.
۲- مبارزه با حزب پوشالی سیاسی باب و بهاء بوده و تا اندازه‌ای جلوی فعالیت ایشان را گرفت و با انحاء مختلفه آنها را در مضیقه قرار دادند تا مجبور شدند یا از آن محیط فرار یا بتوبه و انابه بگرایند.
۳- مبارزه با فساد بانوان دور از عفت و نجابت. در سال ۱۳۲۴ –۱۳۲۰ یک عده از زنان بدبخت که در اثر فقر و تنگدستی از راه اعمال منافی عفت ارتزاق مینمودند آنها را در یک منزل با ترتیب خاصی جمع نموده و تحت کنترل شدید قرار داد و تا مدتی معیشت آنها را کفالت و بعد از مدتی تدریجا تمامی آنها را باستثناء یکی که فرار کرده بود شوهر دادند و طرز ترویج آنها هم خیلی جالب بود یک عده از کسانی که فقیر و بی‌بضاعت بوده و در اثر تنگدستی بی همه چیز بودند بهر یکی سرمایه و وسائل ازدواج داده و هریک از زنها را بیکی تزویج و با این طریق صحیح خدمت بزرگی بعفت اجتماع مسلمین انجام دادند.
۴- در عصر تسلط و تهاجم حزب توده منحله (کمونیسم) به آذربایجان معظم‌له با تمام قوا و نیرو و نفوذ خود مبارزات پیگیری با آنها شروع کردند عاقبت در اثر نفوذ تبلیغات ضدکمونیستی ایشان در اهالی بناب و حومه تحت تعقیب مقامات و نیروهای آنان واقع و باتفاق آراء قضات دادگاه آنها با چند نفر از افراد وابسته محکوم باعدام شدند ولی تقدیر و تأییدات خداوندی تدابیر و تصمیمات شیطانی آنها را نقش برآب کرد و آنها شکست خورده و منحل گردیده و این روحانی مجاهد از خطر مرگ نجات یافتند.

۵- مبارزه با یک فرد روحانی نما و گرگی بلباس میش و دزد و راه زنی در ماسک و کسوه رهبر که سرلوحه تبلیغات او مبارزه با حوزه‌های علمیه بزرگ جهان شیعه و زعماء مراجع عالیقدر و تحقیر و تخریب مقام با عظمت آسمانی ولایت کلیه الهیه حضرت علی بن ابی‌طالب علیه‌الصلوه و علیه‌السلام ولی‌الله اعظم است.

این عالم فداکار و مجاهد بزرگوار حدود بیست و سه سال است با این اموی مسلک وهابی مذهب مبارزه دارد و چون سد سکندر جلو اشاعه و نشر تبلیغات ضد توحید و ولایت حقیقی او را گرفته و میگیرند.

آیه‌الله باقری بنابی مورد تأیید تمام مراجع عظام نجف و قم و مشهد و بالاخص حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه‌الشریف میباشد.

آثار و باقیات الصالحاتی در بناب و حومه آن تأسیس نموده‌اند که از نظرتان میگذرانم:

۱- قبرستان نو ۲- غسالخانه عمومی ۳- توالتهای عمومی ۴- کمک بساختمان شیر و خورشید ۵- مساعد تبلیغی باسفالت کوچه‌ها و خیابانهای بناب. و هم اکنون در مسجد خودشان اقامه جماعت مینمایند. و آثار علمی ایشان از اینقرار است: ۱- ثمرات الفؤاد شرح تفسیر فرات کوفی در چند مجلد که ناتمام است.

فرزندان ارجمندی در سلک روحانیت دارند که سه نفر آنها در تبریز بتدریس و تبلیغ اشتغال دارند و یکی هم جزو فضلاء محصلین نجف اشرف در آنجا اقامت دارند و یکی هم در لباس کسب و تجارت و از جوانان متدین با احساسات میباشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بنای اصفهانی، یوسف

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند تاج‌الدین معمار، از هنرمندان قرن دهم هجری در اصفهان است (صفه‌ی صاحب) مورخ به سال ۹۳۸ کتیبه‌های آن به خط کمال‌الدین حسین حافظ هروی و تاج‌الدین معلم اصفهانی است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

بنای یزیدی، حسین معمار

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، معمار و شاعر، متخلص به بنا. وی در کار بنایی بسیار توانا بود و در سرودن شعر نیز هم از همین رهگذر به بنایی اشتهار یافت و در تذکره‌ها اشعاری از وی ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۶۲)، الذریعه (۱۴۱/۹)، سفینه المحمود (۱۷۹/۱)، فرهنگ سخنوران (۱۴۱)، مجمع الفصحا (۱۸۲/۴).

بنایی تونی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از شاعران تون (فردوس امروزی) بود که در عهد همایون شاه به هند رفت و در آن سامان زیست. از اوست:

بی مه روی تو کار من بیمار بد است

وه که بیمار غم عشق تو را کار بد است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۴۱/۹)، صبح گلشن (۶۸)، فرهنگ سخنوران (۱۴۱)، نشتر عشق (۲۲۰/۱).

بنایی هروی، کمال‌الدین شیر علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۱۸ ق)، خطاط، موسیقیدان، شاعر و عارف. در شهر هرات متولد شد و از مشاهیر شعرای آن شهر است که به جهت معمار و بنا بودن پدرش بنائی تخلص می‌کرده است. به وی ملای شاعران هم لقب داده‌اند. بنایی در جوانی جزو شاعران دستگاه امیر علیشیر نوایی درآمده بود. و سپس به دربار سلطان یعقوب آق‌قویونلو، و بعد از آن در سمرقند نزد سطان علی میرزا رفت و قصیده‌ای به زبان مروزی به نام «مجمع الغرایب» در مدح او گفت و زمانی هم مداح محمود سلطان بود. وی در زمان استیلای محمد خان شیبانی

منصب ملک‌الشعرایی دربار او را یافت. بعد به هرات بازگشت و در زمان امیر نجم ثانی در قتل عامی که به فرمان شاه اسماعیل صورت گرفت او هم در آن میان کشته شد. وی در قصیده، غزل و مثنوی دست داشت و حالی تخلص می‌کرد. وی استاد نظیره‌سازی است. غالب اشعار سعدی حافظ را استقبال کرد. «دیوان» قصاید و غزلیات او شامل شش هزار بیت است. دیگر سروده‌های وی عبارت‌اند از: «مثنویهای باغ ارم/ بهرام و بهروز»؛ «شیبانی نامه». وی در پایان عمر به موسیقی پرداخت و آهنگ‌ساز زبردستی شد و دو رساله در ادوار موسیقی نگاشت. علامه دوانی درباره‌ی وی گفته است: «وی دانشمند شاعران و شاعر دانشمندان است».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۶۳ -۷۵۹ /۲)، پیدایش خط و خطاطان (۱۰۳ -۱۰۲)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۶۵/۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۴۱ -۳۹۳ /۴)، تاریخ موسیقی (۲۲۹/۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۱۱ -۳۱۰)، تحفه سامی (۱۶۸ -۱۶۷)، حبیب السیر (۳۴۹ -۳۴۸ /۴)، دایرةالمعارف فارسی (۴۴۸/۱) الذریعه (۱۴۲ -۱۴۱ /۹)، ریحانه (۲۸۲/۱)، شهیدان راه فضیلت (۲۲۴ -۲۲۱)، مجالس النفائس (۶۰)، مخزن الغرائب (۳۱۰/۱)، منظومه‌های فارسی (۱۷۷ -۱۷۶).

بنایی یزدی، علی اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر و معمار. کار وی عمران و آبادی بناها بود و در سرودن شعر نیز توانا. شعرهای وی بیشتر در قالبهای قصیده و غزل و در موضوعهای توحید و مدیحه و مصیبت است. از آثار وی: «گلستان راز»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۶۱ -۶۰)، مؤلفین کتب چاپی (۴۵۴ -۴۵۳ /۴).

بنایی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی بنائی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

حجت الاسلام و المسلمین علی بنائی در سال ۱۳۳۸ در یکی از محله‌های قدیمی خیابان انقلاب (چهارمردان) قم، در خانواده‌ای اصیل و متدین دیده به جهان گشود. وی با سپری کردن دوره ابتدایی در مدرسه شایگان، تحصیلات خود را در دبیرستان امام صادق(ع) (حکیم نظامی) ادامه داد. او که رایحه تعالی بخش و مسؤولیت ساز حوزه علمیه قم را از نزدیک استشمام کرده بود، در یکی از مدارس نظام‌مند و موفق آن روزگار (مدرسه مرحوم آیت اللّه العظمی گلپایگانی(ره)) دروس طلبگی را آغاز نمود.

دروس سطح را تا پایان مکاسب و کفایه نزد استادان بزرگوار همچون حضرات آیات: موسوی تهرانی، قدیری، مؤمن، طاهری خرم‌آبادی، اشتهاردی و محقق داماد(دامت تأییداتهم) و آیت‌اللّه ستوده فرا گرفت. ایشان در این مدت با چهره‌هایی چون آیت‌اللّه سید مهدی روحانی، آیت‌اللّه احمدی میانجی و آیت‌اللّه العظمی بهاءالدینی(ره) آشنا و مأنوس شد و از چشمه‌سار زلال عرفان و اخلاق آن ستارگان پرفروغ بهره گرفت. وی همچنین از درس‌های تفسیر آیت‌اللّه مشکینی و آیت‌اللّه جوادی آملی(مدّ ظلّهما) استفاده‌های فراوان و شایان برد و دروس خارج فقه و اصول را از محضر آیات عظام: فاضل لنکرانی، میرزا جواد تبریزی، وحید خراسانی و مکارم شیرازی(دامت برکاتهم) بهره‌مند شد.

بنت اقرع، فاطمه

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : فاطمه دختر حسین علی بن عطارمعروف به بنت اقرع بود . این خطاط در فرهنگ اسلامی به چند سبک جایگاهی نمایان دارد . اولاـ درتاریخ فرهنگ اسلامی وی نخستین زن خوشنویس ایرانی است که نامش ثبت شده ،ثانیا وجود این گونه زن های خوشخط و فاضله گواه برآن است که زنان آن عصر درردیف مردان ، برای گسترش معرفت و جهان بینی اسلامی و انتقال این جهان بینیو زیبا شناسی به نسل های تعدی خدمت شایانی کرده اند.

گروه : هنر

رشته : خوشنویسی

والدین و انساب : پدر فاطمه بنت اقرع از اشخاص فاضل و دانش دوست و به زمان خود بود و چنانکه آورده اند با علما و ادبا بغداد حشر و نشر داشته است.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : درباره زندگی و فعالیت فاطمه بنت اقرع حسین بن علی عطار ، معروف به بنت اقرع ،اطلاعات کمی دردست داریم ،درمیان مورخین و نویسندگانی که راجع به بنت اقرع مطلبی نوشته اند، اطلاعات یاقوت حموی و ذهبی از اهمیت بخصوصی برخوردار است . خانواده فاطمه ازطبقه متوسط جامعه بغداد بوده و گذشتگانش دکان دار بوده اند و اغلب به کسب عطاری اشتغال داشتند، همین مسئله باعث شد که او بنت اقرع خطاب نمایند و به این علت اورا بنت اقرع گفته اند.

استادان و مربیان : فاطمه بنت اقرع یکی از پیروان مشهور ابن بواب بود .

زمان و علت فوت : فاطمه بنت اقرع درروز چهار شنبه ۲۱محرم سال ۴۸۰ هجری دربغداد فوت کرد .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : طبق نوشته های مورخان ،بعد از آنکه فاطمه بنت اقرع پیمان نامه متارکه جنگ میان دولت عباسی و روم را نوشت دردیوان خلیفه و میان خوشنویسان و اهل علم و ادب ، اعتبار و ارزش بلندی یافت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : فاطمه بنت اقرع ،اما الفضل ، نویسنده و کاتب معروفی بود . مردم خط اورا نیکو می دانستند و به خاطر زیبایی خط اش بسیار اورا دوست می داشتند. فاطمه همان زنی است که برای نوشتن نامه صلح به امپراطوری روم از جانب خلیفه دعوت شده و نامه او ضرب المثل است .

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

بنت المجلسی

قرن:۱۱

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، عالم و فقیه. از ارباب کمال و از علمای روزگار خود به حساب می‌آمد. از آثار وی: «رسائلی در مسائل فقیهه»؛ «حاشیه من لا یحضره الفقیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۶۰۷/۳)، تذکرةالقبور (۲۹)، ریاحین الشریعه (۲۲۵/۴)، ریحانه (۳۶۶/۸).

بنت النجاریه

قرن:۸

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، شاعر. از زندگی و احوال او چندان اطلاعی در دست نیست. جز این که تذکره‌نویسان او را در شمار رباعی‌سرایان قرن هشتم ذکر کرده‌اند. برخی از تذکره‌ها او را بنت‌البخاریه نوشته‌اند. این رباعی از اوست:

ما را به دم پیر نگه نتوان داشت

در خانه‌ی دلگیر نگه نتوان داشت

آن را که سر زلف چو زنجیر بود

در خانه به زنجیر نگه نتوان داشت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ گزیده (۷۵۷)، تاریخ نظم و نثر (۲۲۴)، زنان سخنور (۴۸/۱)، مجالس النفائس (۳۵۰)، مشاهیر زنان (۳۱).

بنت رضیه

قرن:۱۱

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به بنت. در زمان شاه عباس می‌زیست و در نکته‌سنجی و سخن‌سرایی شهره‌ی دیار بود. از اشعار وی:

روزیکه طرب با لب و خال تو کنم

جان تازه به فرخنده جمال تو کنم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقةالشعراء (۲۱۳۶/۳)، الذریعه (۱۴۲/۹)، زنان سخنور (۴۸/۱)، صبح گلشن (۶۹ -۶۸)، مخزن‌الغرائب (۳۴۳/۱)، نشتر عشق (۲۳۰/۱).

بنت‌المنشار

قرن:۱۱

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(ز– ۱۰۳۱ ق)، عالم، فقیه، محدث و مدرس. او همسر شیخ‌بهایی بود. فقه و حدیث و علوم دیگر را به زنان تدریس می‌کرد. چون تنها دختر خانواده بود، چهار هزار جلد کتاب از پدر به وی به ارث رسید. و شیخ‌بهایی تمام کتابهای خود و همسرش را وقف کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۶۰۷/۳)، تذکرةالقبور (۳۰)، ریاحین الشریعه (۲۲۵/۴)، ریاض‌العلماء (۹۴/۵)، ریحانه (۳۶۶/۸)، فوائد الرضویه (۵۱۰).

بنجیری شیرازی، شمس‌الدین عبداللّه

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۷۲ ق)، حکیم و شاعر. از حکیمان بنام عصر خود بود و بهره‌ی وافی از علوم عقلی و نقلی داشت. خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی و قوام‌الدین ابواسحق در خدمت او اکتساب علوم کرده‌اند. سلطان محمد مظفر به او ارادت داشت. شمس‌الدین شعر نیز می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۶۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۰۰/۳)، الذریعه (۵۴۲/۹)، ریاض العارفین (۲۱۲)، ریحانه (۲۴۲/۳)، صبح گلشن (۲۲۵)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۷۲/۲)، مرآت الفصاحه (۳۱۵ –۳۱۴).

بنجیری، شرف‌الدین، زکی عبداللّه

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۷۷ ق)، شاعر و عارف. از خاندان معروف آل بنجیر بود که خانواده‌ای نامور و از سادات شیراز بودند. وی از دانشمندان نامی زمان خود به شمار می‌رفته است و قاضی ناصرالدین بیضاوی و قطب‌الدین علامه شیرازی و ظهیرالدین عبدالرحمان بن بزغش از شاگردان وی بوده‌اند. شرف‌الدین مردی عارف مشرب بوده و کرامات زیادی به وی نسبت داده‌اند. گفته‌اند پس از مرگ زنده شد و فتوای علمای مصر را جواب نوشت و به همین جهت به او ذوالموتین گفته‌اند. او شعر را استادانه می‌سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۴۵).

بندار رازی، کمال‌الدین، ابوالفتح

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۳۳ ق)، شاعر شیعی. ملقب به ملک‌الکلام. اهل قهستان ری. شاعری بود که ظهیرالدین فاریابی و دیگران تمجیدش کرده‌اند، در مدح مجدالدوله‌ی دیلمی شعرها گفته و صله‌ها دریافت کرد و صاحب بن عباد در تربیت وی می‌کوشید. بندار اشعار بسیاری به فارسی و دیلمی و عربی گفته است. حمداللّه مستوفی در «تاریخ گزیده» می‌گوید: «دیوان» بندار معتبر و معروف است و کتابی به نام «چموش‌نامه» دارد که البته اطلاعی در باب چند و چون این کتاب نمی‌دهد. مرحوم نفیسی کتابی در لغت موسوم به «منتخب‌الفرس» را به وی منسوب داشته است. ابیات لهجه‌ای او بسیار شهرت داشته، بطوری که عین‌القضاة همدانی در نامه‌های خود از آنها استفاده برده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۰۷۸ –۱۰۷۵ /۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۵۹/۱)، تاریخ گزیده (۷۲۴ –۷۲۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۳)، تذکره‌ی روز روشن (۱۱۸)، تذکرةالشعراء (۵۰ –۴۸)، جواهر العجائب (۱۹۴)، الذریعه (۱۴۲/۹)، ریاض العارفین (۱۷۴ –۱۷۳)، ریحانه (۲۸۳ –۲۸۲ /۱)، ری باستان (۲۹۲/۲)، شاعران بی‌دیوان (۳۷۶ –۳۶۶)، فرهنگ سخنوران (۱۴۲)، الکنی والالقاب (۹۶/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ بندار)، مجالس المؤمنین (۶۱۴ –۶۱۳ /۲)، مخزن‌الغرائب (۲۹۵/۱)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۴۳۳)، مجمع الفصحا (۴۴۰ –۴۳۹ /۱)، نامها و نامدارهای گیلان (۶۴)، هفت اقلیم (۲۳ –۲۱ /۳).

بنده‌ی تبریزی، محمد رضی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۲۳ -۱۱۵۸ ق)، خطاط، نویسنده و شاعر، متخلص به بنده. پدرش چندی وزیر آذربایجان و مستوفی نادرشاه افشار بود و خود سالها منشی الممالک ایران و از ندیمان خاص فتحعلی شاه قاجار بود. محمد رضی خطوط شکسته و نستعلیق را خوش می‌نوشت و نستعلیق را به شیوه‌ی میرعماد و میرزا صالح می‌نگاشت. بنده در نظم و نثر فارسی و ترکی و عربی مهارت داشت و کتاب «رینهٔالتواریخ»، مشتمل بر اخبار و آثار انبیا و سلاطین و حکما و عرفا و شاعران و فرهیختگان، را به دستور فتحعلی شاه تألیف کرد. وی در تهران وفات یافت و جنازه‌اش به نجف منتقل شد. از خطوط او یک نسخه «دیوان» فتحعلی شاه قاجار در کتابخانه‌ی سلطنتی موجود است که به قلم نستعلیق کتابت خوش نوشته شده. از دیگر آثار وی: رساله «حسن و دل، عشق و روح»، از منشآت ادبی و عرفانی؛ «حوادث‌نامه»، در وقایع جنگ فرانسه و اطریش و روسیه؛ ترجمه‌ی «خطبه‌ی بی‌نقطه و خطبه بی‌الف حضرت علی (ع)؛ و از مکاتیب معروف او «نامه‌ی» مفصلی است که از قول فتحعلی شاه به ناپلئون نوشته و تمامی این نامه در «زنبیل» فرهاد میرزا چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۱۸ -۲۱۲ /۱)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۶۵۳ -۶۵۱ /۲)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۹۵ -۹۱ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۷۱ -۷۰)، الذریعه (۹۲ -۹۱ /۱۲، ۳۷۲، ۱۴۲، ۹/ ۱۷، ۱۶- /۷)، ریحانه (۲۸۴ -۲۸۳ /۱)، سخنوران آذربایجان (۲۴۵ -۲۳۸)، سخنوران آذربایجان (۲۴۵ -۲۳۸)، لغت‌نامه (ذیل/ بنده‌ی تبریزی)، مجمع الفصحا (۱۷۹ -۱۷۷ /۴)، مصطبه‌ی خراب (۲۹)، مکارم‌الآثار (۷۷۴/۳)، نگارستان دارا (۶۷ -۶۳).

بنوموسی

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سوم ق)، منجم، ریاضیدان. بنوموسی شهرت سه برادر به نامهای، محمد، احمد و حسن است که اصلا اهل خراسان و از علمای معروف ریاضی، نجوم و مکانیک بودند که در بغداد به سر می‌بردند. بزرگترین آنها محمد بود که در سال ۲۵۹ ق درگذشت. سه برادر به دستور مأمون نزد اسحاق بن ابراهیم مصعبی درس خواندند و در جوانی با دانشمندان حوزه علمی بغداد نشست و برخاست داشتند. سه برادر به اتفاق هم برای به دست آوردن علوم یونانی از هیچ تلاشی دریغ نورزیدند و حتی به بذل مال و عطایا در این راه پرداختند. در هندسه بیش از دیگر علوم مهارت داشتند. هر سه برادر تحت نام بنی‌منجم نیز شهرت داشتند. حنین بن اسحاق و ثابت بن قرهٔ برای این بنوموسی کار می‌کردند. ابوریحان بیرونی قول بنوموسی را در رصد موثق‌تر از بطلمیوس و خالد بن عبدالملک مرورودی می‌داند. قفطی خاندان بنوموسی را در علم هندسه سرآمد همه می‌داند. آثار چند از این برادران به جای مانده است، از جمله: «معرفهٔ مساحهٔ الاشکال البسیطه والکریهٔ»؛ «کتاب الحیل (مکانیک)»؛ «تحریر مخروطات ابلوینوس»؛ «کتاب مخروطات»؛ «کتاب حرکات الافلاک»؛ «کتاب الجزء».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار الباقیه (۲۲۷ -۲۲۴)، تاریخ الحکماء قفطی (۵۹۳ -۵۹۰، ۴۳۲ -۴۳۱)، دایرهٔالمعارف فارسی (۴۵۵/۱)، ریحانه (۴۸۲ -۴۸۰ /۸)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۱۵۳ -۱۴۷)، زندگینامه‌ی علمی دانشمندان (۲۹۶ -۲۹۱)، سیرالنبلاء (۳۳۹ -۳۳۸ /۱۲)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۴۸۹ -۴۸۷)، لغت‌نامه (ذیل/ بنوموسی)، معجم‌المؤلفین (۲۹۷/۳) مقدمه بر تاریخ علم (۶۵۲/۱)، الوافی بالوفیات (۸۵ -۸۴ /۵)، وفیات الاعیان (۱۶۳ -۱۶۱ /۵)، هدیهٔالعارفین (۱۷ -۱۶ /۲).

بنی پور، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم بنی پور در سال ۱۳۴۶ در خانواده مذهبی و کشاورز در بخش کوی شرقی شهرستان گناباد به دنیا آمد مقطع ابتدایی و دوره متوسطه و دبیرستان را در زادگاهش گذراند و رشته دکتری عمومی و تخصصی دامپزشکی خود را از دانشگاه شیراز اخذ کرد و در حال حاضر به عنوان متخصص علوم آناتومی (شامل گرایش های آناتومی بافت شناسی و جنین شناسی) و با درجه علمی دانشیار به تدریس مشغول است.گروه : کشاورزیرشته : دامپروریگرایش : علوم آناتومیوالدین و انساب : پدر ابوالقاسم بنی پور محمد علی بنی پور (بنی عباس، نام سابق) و مادر محترمشان سرکاخانم معصومه حبیبی است.خاطرات کودکی : ابوالقاسم بنی پور ۱ور طبیعت شهرستان زادگاهش و کمک پدر در انجام کارهای سخت کشاورزی بازی با هم سن و سالهایش در محیط سرسبز و پرطراوت زادگاهش از خاطرات فراموش نشدنی دوره کودکی ایشان است. این سبک زندگی که مختص زندگی در شهرستان هاست، ضمن ایجاد نشاط باعث برخورداری فرد از اراده قوی، پشتکار بالا و تحمل شرایط سخت میشود. همچنین بنی پور شرکت در مراسم مذهبی بویژه در ایام تاسوعا و عاشورا نیز از خاطرات خوب دوران کودکی خود نام میبرد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : خانواده ابوالقاسم بنی پور خانواده ای مذهبی و کشاورز بودند که لازمه امرار معاش زندگی اانجام کارهای سخت کشاورزی و تلاش مستمر را می‌طلبد و در عین حال که محیطی پر نشاط ، پر صفا و صمیمیت همیشه در خانواده و اعضای آن حکم فرما بود وی در این خصوص می گوید": من از این بابت همیشه دست پدرم را می‌بوسد".تحصیلات رسمی و حرفه ای : گذراندن

دوره ابتدایی در دبستان مظفر گناباد دوره دبیرستان در مدارس خواجه نصیر و شهید بهشتی در رشته علوم تجربی در گناباد کسب دکترای حرفه ای در دانشگاه شیراز سال ۱۳۷۱ دکترای تخصصی دامپزشکی گرایش علوم آناتومی در دانشگاه شیراز سال ۱۳۷۵خاطرات و وقایع تحصیل : ابوالقاسم بنی پور شهادت برادرش غلامحسین بنی‌پور در زمان تحصیل در مقطع متوسطه سال ۱۳۶۲ را از وقایع تلخ آن دوران ذکر میکند وی در این باره میگوید": او دلاورانه و قهرمانانه در راه دفاع از اسلام و میهن خود جنگید و به درجه رفیع شهادت نائل آمد".استادان و مربیان : از استادان ابوالقاسم بنی پور در دانشگاه شیراز میتوان به دکتر سید رضا قاضی و دکتر سید هادی منصوری اشاره کرد.همسر و فرزندان : همسر ابوالقاسم بنی پور سرکار خانم زهرا رحمانی است که در رشته پزشک عمومی تحصیل کرده است و از این ازدواج وی دارای دو فرزند به نامهای رویا و علیرضا میباشد که در حال حاضر دختر وی در کلاس اول راهنمایی مشغول به تحصیل است و پسر کوچیکترش سه ساله است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : - مدیر گروه علوم پایه دانشگاه دامپزشکی دانشگاه فردوسی مشهد - عضو شورای پژوهشی دانشگاه دامپزشکی - عضو هسته کار آفرینی دانشگاه فردوسی مشهد - عضو قطب علمی سقط جنین و مرگ و میر نوزادان نشخوارکنندگان - عضو هیئت تحریریه مجله علمی تحقیقاتی Journal of Applied Animal Reseavch مجله گروه ISI - عضو انجمن دامپزشکی ایران از مسئولیت های دکتر بنی‌پور میباشد.فعالیتهای آموزشی : ابوالقاسم بنی پور در رشته های مختلف دامپزشکی در دانشگاه شیراز و فردوسی مشهد و نیز چند مرکز دانشگاهی دیگر مشغول له تدریس است.جوائز و نشانها : - استاد نمونه دانشگاه فردوسی مشهد - انتخاب طرح پژوهشی دکتر بنی‌پور تحت عنوان" مطالعه بافت شناسی هدایتی قلب در خوکچه هندی "به عنوان طرح برگزیده در جشنواره استانی فردوسی مشهد برگزیده شد.

بنی جمالی، شکوه السادات

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

دکتر شکوه السادات بنی جمالی تحصیلات دانشگاهی را در رشته روانشناسی آغاز کرد .پس از اخذ مدرک کارشناسی روانشناسی و کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی به صورت مدعو در مدرسه عالی شمیران (دانشگاه علامه طباطبایی) ، مدرسه عالی پرستاری زینب و دانشگاه الزهرا تدریس نموده و سپس به عنوان عضو هیات علمی به تدریس و تحقیق پرداخت. که تاکنون ادامه دارد. در سال ۱۳۷۳ موفق به اخذ درجه دکترا در رشته روانشناسی از ایران شد. وی هم اکنون به جز تدریس ، در شورای پژوهشی ، شورای انتشارات و به عنوان مدیر مسئول مجله مطالعات روانشناختی (علمی ـ پژوهشی) دانشگاه الزهرا فعالیت می‌نماید. گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : شکوه السادات بنی‌جمالی لیسانس روانشناسی را در سال ۱۳۵۳ و فوق لیسانس مشاوره و راهنمایی را در سال ۱۳۵۷ از ایران دریافت نمود.در سال ۱۳۷۳ موفق به اخذ درجه دکترا در رشته روانشناسی از ایران شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : شکوه السادات بنی جمالی عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا می باشد.وی هم اکنون به جز تدریس ، در شورای پژوهشی ، شورای انتشارات و به عنوان مدیر مسئول مجله مطالعات روانشناختی (علمی ـ پژوهشی) دانشگاه الزهرا فعالیت می‌نماید.فعالیتهای آموزشی : شکوه السادات بنی جمالی پس از اخذ درجه فوق لیسانس ابتدا به صورت مدعو در مدرسه عالی شمیران (دانشگاه علامه طباطبایی) ، مدرسه عالی پرستاری زینب و دانشگاه الزهرا تدریس نموده و سپس به عنوان عضو هیات علمی به تدریس و تحقیق پرداخت. که تاکنون ادامه دارد.چگونگی عرضه آثار : سوابق پژوهشی شکوه السادات بنی جمالی به قرار زیر است: ـ مجری دو طرح پژوهشی تحت عنوان « ریشه‌یابی علل از هم پاشیدگی خانواده‌ها در رابطه با ویژگی‌های روانی ـ اجتماعی دختران و پسران قبل از ازدواج و هنجاریابی آزمون جسمی ، خلقی و عاطفی P.T.A و همکاراصلی در : ۱ـ بررسی کتب دروس دوره راهنمایی از دیدگاه روانشناختی ۲ـ بررسی عوامل موثر در اختلالات رفتاری نوجوانان و دانش‌آموزان در سطح کشور ۳ـ بررسی جایگاه روانشناختی در ایران ۴ـ بررسی رشد جسمی ، شناختی و عاطفی (از ۳ تا ۷ سالگی) ۵ـ استاندارد کردن تست هوشی EDL ۶ـ بررسی علل عقب ماندگی در ایران از ایشان چندین مقاله در مجله های علمی به چاپ رسیده است.که می توان به چند مورد از عنوان مقالات دکتر بنی جمالی اشاره کرد: مقالات ۱ـ مکتب ساخت‌گرایی ـ مجله پژوهش در مسائل روانی ـ اجتماعی (علمی ـ پژوهشی) ۱۳۶۹ ـ سال سوم ۲ـ سرشت و شخصیت انسان ـ مجله دانشنامه ـ (علمی ـ پژوهشی) ۱۳۶۹ ـ سال اول شماره ۲ ۳ـ فرهنگ و رشد شناختی ـ مجله دانشنامه (علمی ـ پژوهشی) ۱۳۷۵ـ سال دوم شماره ۴ ۴ـ پرخاشگری انسان ـ مجله دانشنامه (علمی ـ پژوهشی) ۱۳۷۵ ـ شماره ۲۰ و ۲۱ ۵ ـ بررسی علل بروز اختلالات روانی نزدرزمندگان در جنگ عراق علیه ایران (علمی ـ پژوهشی) ۱۳۷۶ ـ شماره ۲۴ و ۲۶ آثار : بهداشت روانی و عقب‌ماندگی ذهنی ویژگی اثر : چاپ سوم ۱۳۷۵۲ تغییر و اصلاح رفتار کودک(راهنمایی برای معلمان ، پرستاران و والدین) ویژگی اثر : تالیف لوک- اس. واتسن- ترجمه شکوه السادات بنی جمالی- چاپ اول ۱۳۸۱ ۳ دینامیسم گروهی ویژگی اثر : ۱۳۷۳۴ علم‌النفس از دیدگاه دانشمندان و مقایسه آن با روانشناسی جدید ویژگی اثر : چاپ هشتم ۱۳۷۷ ۵ مفاهیم بنیادی در روانشناسی ویژگی اثر : رشد چاپ یازدهم ۱۳۷۸

بنی فاطمه، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر حسین بنی فاطمه در سال ۱۳۳۱ در مشکین شهر بدنیا آمد.ایشان در سال ۱۳۶۱مدرک دکتری در رشته جامعه شناسی را از

دانشگاه ایالتی میشیگان – امریکا با موفقیت اخذ کرد . وی از سال ۱۳۵۶ به عنوان عضو هیات علمی در گروه علوم اجتماعی دانشکده علوم انسانی واجتماعی مشغول خدمت شد.نامبرده هم اکنون با رتبه استادی در دانشکده مذکور در دانشگاه تبریز به فعالیت می پردازد. گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین بنی فاطمه تحصیلات ابتدایی را در دبستان قصابه به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۴۹از دبیرستان دهخدا اخذ کرده‌اند . ایشان مدرک کارشناسی در رشته علوم اجتماعی را از دانشگاه تبریز و کارشناسی ارشد جامعه شناسی را در سال ۱۳۵۸ از دانشگاه ایالتی میشیگان – امریکا دریافت نموده اند و در سال ۱۳۶۱مدرک دکتری در رشته جامعه شناسی را از دانشگاه ایالتی میشیگان – امریکا با موفقیت اخذ کرده‌اند . عنوان پایاننامه : دکتری : The Transitional Adjustment phase in Rural- urban Migration comparativestudy)) مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای اجرایی حسین بنی فاطمه به قرار زیر است: قبلی : مدیر گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز فعلی: رئیس موسسه تحقیقات اجتماعی فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی حسین بنی فاطمه به قرار زیر است: تدریس: ۱-دوره کارشناسی: روشهای تحلیل جمعیت – جامعه شناسی ۲ ، متون جامعه شناسی ۱و۲ ، جامعه شناسی شهری ۲- تحصیلات تکمیلی: روشهای تحقیق – متون جامعه شناسی ۱و۲ ، سمینار شهری جوائز و نشانها : جوایزو نشانها دریافتی حسین بنی فاطمه در سطح ملی: ۱- فرهیخته ممتاز ۲- محقق برتر در انجام تحقیق علل گرایش جوانان به فرهنگ بیگانه چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی : تعداد مقاله های منتشرشده : ۱۵ مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها : ۳ مورد تعداد کتابهای ترجمه شده : ۱ مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد : ۱۵ مورد تعداد پایاننامه های دکتری : ۱ مورد تعداد طرحهای تحقیقاتی مصوب : ۶ مورد

بنی مجیدی، منصور

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

منصور بنی مجیدی، شاعر نوپرداز در سال ۱۳۳۴ در روستای سیبلی آستارا دیده به جهان گشود. وی پس از اتمام دوره سربازی ، بلافاصله پس از اتمام خدمت در آموزش و پرورش مشکین شهر استخدام و به منطقه ی بیله سوار مغان و سپس پارس آباد اعزام گردید.او از همان ابتدا در مدارس راهنمایی و دبیرستان با همان مدرک دیپلم تدریس می کرد تا اینکه یکسال بعد در دانشگاه گیلان قبول شد و مدرک لیسانس ادبیات فارسی را اخذ کرد. در سال ۱۳۶۵ با انتقال به آموزش و پرورش آستارا با همکاری اکبر اکسیر شعر را به طور جدی دنبال کرد و یکی از اعضای ثابت حلقه فرانوشد. وی از شاعران کلاسیک بشمار می آمد.نامبرده پس از چند دهه فعالیت در عرصه هنر و شعر در ۱۱ تیرماه سال ۱۳۸۷ ، پس از جدال طولانی با بیماری سرطان، چشم از جهان فرو بست.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

والدین و انساب : نام پدر : اروج

خاطرات کودکی" : دوران کودکی و نوجوانی را علی رغم موفقیت در درس و مشق ، با مشقات و دردسرهای فراوان پشت سر نهاده ام . شاید هم پیشامدهای ناگوار زمینه ساز مقوله ی شعر و شاعری در من شده است" ؛

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : منصور بنی مجیدی، شاعر نوپرداز در سال ۱۳۳۴ در روستای سیبلی آستارا دیده به جهان گشود.او در یک خانواده ی متوسط و کم سواد پا به عرصه ی وجود نهاده .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : منصور در خرداد ماه سال ۵۳ با عنوان شاگرد ممتاز دیپلم ادبی گرفت . او در همان سال در رشته فوق دیپلم علوم انسانی مرکز استان گیلان قبول شد . از آنجائیکه آن زمان هنوز کمک هزینه ی تحصیلی به دانشسرای راهنمایی تربیت معلم نمی دادند از ادامه ی تحصیل باز ماند و به ناچار به خدمت وظیفه اعزام شد و پس از دو سال بلافاصله پس از اتمام خدمت در آموزش و پرورش مشکین شهر استخدام و به منطقه ی بیله سوار مغان و سپس پارس آباد اعزام گردید. وی از همان ابتدا در مدارس راهنمایی و دبیرستان با همان مدرک دیپلم تدریس می کرد تا اینکه یکسال بعد در دانشگاه گیلان قبول شد و مدرک لیسانس ادبیات فارسی را اخذ کرد.

خاطرات و وقایع تحصیل : منصور بنی مجیدی از نحوه شاعر شدنش چنین می گوید": آنچه به یادم مانده است وقتی با بچه های یک کلاس ، یک تنه مشاعره می کردم سالهای آخر دوره ی ابتدایی بودم اول بعضی شعرها را بخاطر حروف خاص اش عوض می کردم و این دگرگونی به شکلی صورت می گرفت که کسی از بچه ها متوجه نمی شد بعدها در دبیرستان تنها انشاء نویس کلاس بودم که از روی کاغذ سپید انشاء می خواندم چرا که همیشه ، بچه ها انشاءهای مکتوبم را کش می رفتند و آن زمانها هم جوری بود که آدم کسی را لو نمی داد یعنی این کارها به دور از جوانمردی بود"

فعالیتهای ضمن تحصیل : منصور بنی مجیدی از خاطرات و فعالیت های ضمن تحصیل خود چنین می گوید": در دوره ی دبیرستان علی الخصوص در سیکل دوم به بعد جزء دانش آموزان اهل قلم شهر ، شناخته شده بودم . انس و الفتم بجای تفریح و ورزش– اگر کارهای اجباری و بی گاری می گذاشت – تنها با کتاب و مطالعه بود . از آنجائیکه راهنمای درست و حسابی نداشتم با هیچ نشریه و مجله ای همکاری نمی کردم . آن زمان تنها کسی در کلاس بودم که از درس شفاهی « عروض و قافیه » دوره ی دبیرستان سر در می آوردم . نه معلم درست و حسابی داشتیم و نه کسی این کتاب را به کلاس می آورد ... سالها سپری شد .اولین اثرم سال ۱۳۵۶ با نام « بابا انار دارد » در روزنامه ی فروغ آزادی آذربایجان آن زمان در تبریز چاپ شد و این تلنگری شد برای کارهای

بسیارِ آینده ام ، به جرئت می توانم بگویم در طول سه دهه در تمام نشریات و مجلات موجود و معتبر ادبی آثارم چه بصورت شعر و چه بصورت مقاله و نقد همه جا چاپ شده است و دیگر اینکه آنچنان گرم شغل مقدس معلمی بودم که فرصت مجموعه کردن شعرها را در کتاب ها پیدا نمی کردم و شاید هم به موقع به صرافت این کارها نیفتادم . تا اینکه سال ۸۰ گاهنامه ای به نام « ترلان » در هشتاد و چند صفحه منتشر کردم و بلافاصله اولین کتاب شعرم را – شعرهای سال ۵۷ الی ۸۰ در ۱۲۰ صفحه با نام « بهاری از خاکستر پاییز » در سه هزار تیراژ توسط انتشاراتی « فرهنگ دهسرا » ، منتشر کردم که پس از چند ماه همان سال با همان تیراژ تجدید چاپ شد"

همسر و فرزندان : در سال ۵۳ مقدمات ازدواج منصور بنی مجید فراهم شده و در سال ۵۶ عروسی کرد .از ایشان سه فرزند ، دو دختر و یک پسر به یادگار مانده است.

زمان و علت فوت : منصور بنی مجیدی در ۱۱ تیرماه سال ۱۳۸۷ در ساعت ۱:۳۰ نیمه شب پس از جدال طولانی با بیماری سرطان، چشم از جهان فرو بست.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : بعد از پایان تحصیلات در مدارس آستارا به استخدام آموزش و پرورش درآمد و در شهرهای پارس‌آباد مغان و تالش به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۶۵ با انتقال به آموزش و پرورش آستارا با همکاری اکبر اکسیر شعر را به طور جدی دنبال کرد و یکی از اعضای ثابت حلقه فرانوشد. او در کنار تدریس ادبیات فارسی در دبیرستانهای آستارا سالها در کانون ادبی شهریار اداره ارشاد این شهر به آموزش فنون شعر و تشویق شاعران جوان پرداخت.

همفکران فرد : استاد منصور بنی مجیدی در جواب سوال : از شاعران قدیم به کدامیک بیش از همه علاقه مندید !؟ چنین جواب می دهد " : راستش را بخواهید بنده ی حقیر همه چیز را با ادبیات کلاسیک شروع کرده ام و همیشه هم توصیه ام به شا گردان همین مقوله بوده است . چرا که ریشه و فرهنگ گذشته ی ما باعث استحکام رو بنا و کیفیت کارهای امروزی ما می شود بنا براین خود شخصاً آثار شاعران و نویسندگان قدیم را هرچند خیلی با دقت هم نباشد خوانده ام ! به مولوی ، حافظ ، سعدی ، سیف فرغانی ، فخرالدین عراقی ، فردوسی ، صائب تبریزی و ... علاقه ی بیشتری دارم و حافظ را معجزه ی شعر ایران می دانم . ضمن اینکه سیف فرغانی را انقلابی ترین شاعر " ... او همچنین در جواب سوال :از شاعران معاصر و یک قرن اخیر به کدامیک علاقه مندید ؟ چنین جواب می دهد" : اگر دقیقاً صد سال اخیر را در نظر بگیرم حتماً می بایست به شاعران عصر مشروطیت توجه ای بیشتر داشته باشم ولی دوست دارم از نیما شروع کنم که پرچمدار شعر نو بود هم به لحاظ ساختار هم به لحاظ دیدگاه شاعری که با مطالعه ی کامل ادبیات فرانسه و ... به آگاهی سطح بالایی رسیده بود و ادبیات کلاسیک ما را نیز خوب درونی کرده بود و بدنبال راه چاره می گشت . خوشبختانه در آن زمان پس از کشمکش های فراوان توانست حرف حق خود را به کرسی بنشاند و در این راه رنج فراوان برد . او تنها کارش کوتاه و بلند کردن مصراعها نبود بلکه توانست فضای شعری حاکم را که هزار و چند سال مدام تکرار می شد تقریباً عوض بکند . هر چند قبل از او چند تن در تبریز از جمله تقی رفعت ، جعفر خامنه ای ، شمس کسمایی و حتا کسانی دیگر در این راه قدم گذاشته بودند ولی هیچکدام قدرت و مقاومت و استحکام او را نداشت . او بقول خود « آب / در خوابگه مورچه گان ریخته بود » و در مرتبه ی دوم به شاملوی عزیز عشق و علاقه فراوان داشتم و بازهم دارم . و شاملو توانست شعر چندین ساله ی ایران را از حالت یک نواختی بدر آورد . او با هوش سرشار اش آموزه های زیادی را از نیمای بزرگ آموخته بود ولی خود هم معلم و هم متعلم بود و هرگز از آموختن و بکار بستن آنها دست برنداشت . شعر سپید محصول سن زده ای نبود که مور و ملخ هم از آن نصیبی نبرند بلکه این صخره ی به ظاهر دست نایافتنی همه چیزش حساب شده بود . رودی بود بزرگ که حتی می شد در کنار و گوشه ی آن قایق رانی کرد و هر کس بنا به استعداد و توان ذاتی اش از آن ماهی می گرفت . شاملو شعر سیاسی اجتماعی را قرب و منزلت داد و تا پای مرگ ، کسی ناله ی نه من غریب از او نشنید . آثاراش همه ارزشمند و خود شاهد بزرگی ست برای ادعاهای بزرگ اش ، می توان از آثار باقی مانده ی شاملو و نیما چندین رساله برای تدریس در دانشگاههای معتبر جهان تهیه کرد . دیگرانی نیز از جنس خلف اینها بوده اند از جمله : یدالله رویایی ، م آزاد ، نادر نادرپور ، هوشنگ ابتهاج ، منوچهر آتشی ، علی باباچاهی و خیلی کسان دیگر که از ذکر نامشان فعلاً شرمنده ام " .

آرا و گرایشهای خاص : در شعرهای منصور بنی‌مجیدی توجه به انسان معاصر و دغدغه‌های آن موج می‌زند بنی‌مجیدی در غزل ترکی حرفی برای گفتن داشت و از استقبال عموم برخوردار بود در شعرهای فارسی که اغلب در مطبوعات ادبی به چاپ رسیده شاعری اجتماعی و دردآشنا دیده می‌شد او از روح لطیفی برخوردار بود و به کمال انسان می‌اندیشید شعر او، خطابه‌های مکرر درد بود بازبانی ساده و نگاهی انسانی، او به نوعی از قصه ـ شعر رسیده بود که در عین بلندی گیرا و دلنشین بود. واژگان شعرهایش آمیزه‌ای از کلمات عامیانه و گفتاری بود با طنزی نهان و استفاده سرشار از فولکلور و امثال و حکم شعری سرزنده و شاداب اما دردمند و تفکربرانگیز.

چگونگی عرضه آثار : آثار بنی مجیدی می‌توان به مجموعه شعرهای «بهاری از خاکستر پاییز»(گزیده شعرهای سال‌های ۵۶ تا ۸۰)، «بانوی باد شبنامه پخش می کند»، «دیگر نمی‌توانم شاعر بمانم»، «سهم من، همیشه دلتنگی ست» و «قرائت دوم من، تویی» اشاره کرد. دو کتاب بیژن کلکی با عنوان های" ترانه هایی برای الکاپون "و " نیامدی اسم آب یادم رفت " به کوشش بنی مجیدی به چاپ رسیده اند. شعر زیر با عنوان «افعال غیرمنصرف» از اشعار اوست: اینجا پوسیده باشم پوسیده باشی شاید هم پوسیده باشد اگر به هر سازی تن بدهد! نَه برای قصد قربت / نَه برای رقصیدن تنها دردی همیشگی در کشاله رانم تیر می‌کشد! این ناتمامی زندگی ... برایم هیچ لذتی ندارد! هر روز مثلِ چای لب زنده یا فنجان دَمر شده کنار گذاشته می‌شوم این بغضِ چندین ساله نه تنها من است که در تو و دیگران نو به نوبه می‌ترکد! --

----

آثار :

۱ بانوی باد شبنامه پخش می کند

ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور بنی مجیدی ناشر: فرهنگ ایلیا – ۱۳۸۳

۲ بر بام خود آشفته می وزم

ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور بنی مجیدی ناشر: فرهنگ ایلیا – ۱۵ اسفند، ۱۳۸۵

۳ بهاری از خاکسر پائیز

ویژگی اثر : مجموعه شعر،چاپ دوم

۴ ترانه هایی برای آلکاپون

ویژگی اثر : مرحوم بیژن کلکی و باز به کوشش منصور بنی مجیدی

۵ دیگر نمی توانم شاعر بمانم

ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور بنی مجیدی ناشر: فرهنگ ایلیا – ۱۳۸۳

۶ سهم من، همیشه دلتنگی ست

ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور بنی مجیدی ناشر: فرهنگ ایلیا – ۱۳۸۳

۷ شعر امروز آستارا

ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور بنی مجیدی (شاعر) ناشر: فرهنگ ایلیا – ۲۷ اسفند، ۱۳۸۴

۸ قرائت دوم من، تویی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور بنی مجیدی ناشر: فرهنگ ایلیا – ۱۳۸۳

۹ نیامدی اسم آب یادم رفت

ویژگی اثر : مرحوم بیژن کلکی و باز به کوشش منصور بنی مجیدی

بنیادی تبریزی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، خطاط و مذهب. از آثار وی قطعه‌ای است که با همکاری عبداللّه شهابی به انجام رسانده و آن قطعه، به خط نستعلیق گلزار چهار دانگ کتابت خوش است و در متن آن، سوره‌ی یس به خط نسخ غبار نوشته شده و چنین رقم نهاده‌اند: «بنده آل علی بنیادی تبریزی» و «کتبه المذنب عبداللّه شهابی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۸۹/۴).

بنیادی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد بنیادی

محل تولد : ملایر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد بنیادی در سال ۱۳۳۸ در خانواده ای مؤمن و مذهبی در شهر شهید پرور ملایر متولد شد. پس از طی مراحل ابتدائی و راهنمایی در سال های اختناق و خفقان ، سالهایی که رژیم شاهنشاهی روحانیت مبارز و مردم مؤمن و انقلابی را شدیدا در فشار قرار داده بود یعنی در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه ملایر گردید. پس از آن جهت ادامه تحصیل به شهرستان دماوند از توابع تهران عزیمت کرد و در نهایت برای طی تحصیلات عالی به حوزه علمیه تهران رهسپار گردید. پس از ورود به تهران به حلقه درس خارج حضرات آیات فاضلیان و صفاری وارد شد و از خرمن درس آنان خوشه ها چید. نامبرده تا به امروز کتابهای زیادی تألیف کرده است.

بنی‌آدم، حسنعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۹ ش)، شاعر و قاضی. ملقب به شریف‌السلطنه. در کاشان متولد شد. وی علوم جدید را در مدارس علمیه و آلیانس فرانسه

به پایان رسانید، آنگاه به تحصیل در رشته‌ی علوم سیاسی و حقوق ادامه داد و به اخذ لیسانس توفیق یافت؛ همچنین علوم قدیمی را از اساتید عصر خود فراگرفت. حسنعلی خان به شغل قضاوت پرداخت و در وزارت عدلیه مشغول خدمت شد و تا مستشاری عالی دیوان کشور پیش رفت. از وی اشعاری بر جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۵۶۷ -۵۶۴ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۴۲).

بنی‌صدر، نصراللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید نصراللّه بنی‌صدر فرزند مرحوم صدرالعلماء همدانی از علماء معروف و محترم معاصر شهرستان همدان بوده‌اند.

وی در آن سامان متولد شده و در بیت سیادت و فضیلت پرورش یافته و مقدمات و سطوح را در همدان و تهران خوانده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و دیگران استفاده نموده و پس از آن مراجعت به همدان و به خدمات روحی و اجتماعی و خدمت به مردم که از اهم مهمات است پرداخته و از بسیاری از بارافتادگان و مستمندان دستگیری نموده تا حدود سال ۱۳۹۱ قمری که در بیروت به رحمت حق پیوسته و به جوار اسلاف پاک خویش شتافته و جنازه‌اش حمل به نجف اشرف و در جوار جد گرامش مدفون شده است.

نگارنده گوید: مرحوم آیت‌اللّه بنی‌صدر از علماء متمکن و متنفذ همدان بودند و از غالب مراجع و دانشمندان عراق که به همدان وارد می‌شدند ضیافت نموده و پذیرائی گرم به عمل می‌آوردند منزل وسیع اشرافی که درش به روی همه باز بود داشتند سفری که مرحوم آیت‌اللّه مجاهد علامه امینی صاحب (الغدیر) به همدان نمودند به ایشان وارد و مورد استقبال معظم‌له و مردم عالم دوست همدان واقع و ده شب در مسجد جامع در پیرامون ولایت مطلقه مولی‌الموحدین امیرالمومنین علی بن ابی‌طالب علیه‌الصلوه والسلام با شرکت تمام علماء و ده‌ها هزار از مردم علی دوست همدان سخنرانی نموده و تاثیر و نفوذ عجیبی در مردم نمودند که پس از گذشت ده‌ها سال هرگز خاطره آن فراموش نشود.

خاطره‌ای از آیت‌اللّه بنی‌صدر

مرحوم آیت‌اللّه بنی‌صدر دارای حکایات نادره و خاطره‌های عجیبه بودند که یکی از آن را می‌نگارم.

در سفری که در محرم سال ۱۳۶۹ ق به همدان رفتم چند شبی را در ضیافت آن مرحوم به سر برده و از ملکات فاضله و سجایای کریمانه ایشان استفاده نمودم شبی برای حقیر و بعضی از دوستان که بودند حکایتی غریب نقل کردند که عین آن را می‌نویسم.

فرمودند: چند سال قبل سفری برای زیارت به عتبارت عالیات نموده و در کربلا معلی مشرف و خواستم برای زیارت به حرم مطهر حضرت ابی‌عبداللّه الحسین (ع) مشرف شوم در ایوان حرم به یکی از دوستانم مرحوم آیت‌اللّه آقاسید محمد طباطبائی که از ائمه جماعت صحن مقدس حسینی بود برخورد کرده و پس از تجدید عهد و احوال‌پرسی گفتم آقا خبر تازه چه دارید.

گفتند حکایت عجیبی دارم که اخیرا واقع شده و هرگز از خاطرم محو نمی‌شود. گفتم آن چیست. گفت چند روز پیش در اینجا نشسته و انتظار ظهر را می‌کشیدم که وقت داخل شده نماز ظهر را بخوانم که دیدم مردی غریب نورانی که لباس متوسطی در برداشت نزد من آمده و سلام کرد و گفت آقای طباطبایی یک اطاق سراغ داری که چند شبی در آن بمانم.

من تعجب کردم که این شخص که هیچ وقت او را ندیده و نمی‌شناسم چطور از من منزل می‌خواهد باز گفتم ممکن است از مردم اسم مرا شنیده و یا دیده که من امام جماعت صحن و حرم مطهر هستم.

پس فکر کردم به خاطرم آمد که در نزدیکی منزل ما پیرزنی منزل کوچکی دارد که یک اطاق آن را به مسافرین و زائرین کرایه می‌دهد گفتم یک اطاق سراغ دارم اگر خالی باشد پس به آنجا رفته دیدم اتفاقا آن اطاق خالیست.

پس آن مرد را معرفی کرده و در آنجا منزل دادم و چون خواستم بروم. به من گفت آقا اگر عصر کار نداشتید سری به من بزنید.

پس رفتم و بعد از ظهر که روز چهارشنبه بود آمدم به سراغ او که ببینم کیست و چه کاره است.

و چون ساعتی نزد او نشستم هیبتی از او دیدم که مانع شد بپرسم شما کیستید. پس گفت آیا میل دارید برویم جناب حر شهید را زیارت کنیم گفتم بی‌میل نیستم.

پس حرکت نموده و از میان نخلستانها که راه قدیم حر بود رفتیم در وسط نخلستان صدای مهیبی شنیده متوجه شدم که یک افعی بزرگ به سوی ما می‌آید ترسیدم که ممکن است آن حیوان خطرناک جهیده و ما را بکشد با نیش زهرآگین خود .

پس آن مرد نورانی گفت: آقا ترسیدی؟ گفتم: بلی زیرا مار است ممکنست حمله کند و ما را بکشد گفت می خواهی الان آن را بکشم. گفتم چطور اولا اینجا سنگ نیست که بر سر او بزنی علاوه این مار را که تاکنون مثلش را ندیده‌ام با سنگ و چوب کشته نمی‌شود. گفت با هیچکدام بلکه به اذن و اراده خدائی.

پس رو به مار کرده و گفت بمیر به اذن خدا تا این جمله را گفت دیدم آن مار مانند چوب خشک از حرکت افتاده و مرد. تعب کردم. پس گذشته و طولی نکشید به حر رسیدیم و در آن حدود نهر آبی بود که از فرات منشعب می‌شد و آب پائین بود به من گفت وضو داری گفتم آری. گفت تجدید نمی‌کنی گفتم آب پائین و اطراف این نهر گل است. پس خودش دیدم قدم بر سر آب گذارد و روی آب نشسته و وضو گرفت بدون اینکه فرو رود و یا آلوده به گل شود و آمد پس به حرم جناب حر رفته و زیارت نموده و فاتحه‌ای نثار کرده و به سوی شهر برگشتیم اول مغرب بود در صحن او خداحافظی کرده و رفت و من هم آمدم برای نماز

ولی از اول نماز مغرب به یاد آن مرد بودم و در اطراف او فکر می‌کردم که آیا شعبده‌باز و یا جادوگر و یا واقعا از اوتاد و مردان حق است.

پس در نماز عشاء فکرم به اینجا منتهی شد که بعد از نماز به سراغ افعی بروم ناگر وجود خارجی نداشت معلوم می‌شود که آن مرد چشم‌بندی و شعبده کرده است.

پس از نماز عشا به اتفاق نوکرم به آنجا رفته و در وسط نخلستان که شب مهتابی بود دیدم کلاغهای زیادی سرو صدا می‌کنند و چون نزدیک شدیم آنها پرواز کرده و بالای نخلها رفتند. پس دیدم نصفی از آن مار را خورده‌اند برگشتم و به منزل رفته و تا صبح در اطراف آن مرد فکر می‌کردم صبح شد پس مشرف به حرم شده و بعد از نماز در اول و روز به منزل آن شخص رفتم و تا وارد شدم گفت شکر خدا را که دیشب رفتی و لاشه مار را که کلاغها نصف آن را خورده بودند دیدی تا از شک درآئی.

پس تعجبم زیاد شد و ساعتی نزد او نشستم. و بعد گفت روز پنجشنبه زیارت اهل قبور مستحب است مایلید به قبرستان کربلا (وادی ایمن) برویم گفتم بفرمائید پس با او به قبرستان رفته و فاتحه خواندیم. پس از آن گفت آقای طباطبائی برادران ما که در قبرستان وادی‌السلام نجف آرمیده‌اند حق دارند.

برویم آنها را زیارت کنیم گفتم آقا تا نجف چهارده فرسخ است دو روز باید در راه باشیم. فرمود آقا ما انشاءاللّٰه زودتر می‌رویم دست خود را به من بده و چشم خود را هم بگذار و یک صلوات بفرست. من همین کار را کردم و تا چشم گشودم دیدم در وادی‌السلام هستیم. پس فاتحه خواندیم.

پس از آن گفت آقا تا اینجا آمدیم خلاف ادب است که جدت حضرت علی (ع) را زیارت نکنیم. گفتم آری ولی من فکر می‌کردم چون علماء و طلاب نجف که غالبا شب جمعه کربلا مشرف می‌شوند مرا می‌شناسند ممکن است مرا دیده و بپرسند کی آمده و کجا هستید و کار ما ناتمام بماند.

پس گفت آقا کسی از آشنایان و دوستان شما برخورد نخواهد کرد و یا شما را نخواهد دید. پس مشرف به حرم مطهر علی (ع) شده و زیارت دوره به جا آورده و بیرون آمدیم و هیچکس از دوستان را ندیدم و چون به وادی برگشتیم گفت آقا دستت را به من ده و چشمت را هم بگذار و صلوات بفرست چنان کردم و چشم باز نمودم و دیدم کربلا هستم. نزدیک ظهر بود در راه طاقت نیاورده گفتم تو را به آن خدائی که این مقام را به تو داده کیستی و از کجا به این مقام رسیده‌ای.

گفت آقا من یک بنده خدا هستم که اطاعت خدا نموده و اوامر و نواهی او را عمل کرده و به فرامین اجداد بزرگوار شما عمل کرده‌ام. این را گفت و از من جدا شد و من رفتم به نماز و دیگر آن روز و فردای آن که جمعه بود به واسطه گرفتاریها نتوانستم از آن مرد احوال‌پرسی کنم پس دو روز بعد به سراغ او رفتم و دیدم از دنیا رفته و صاحب خانه او آن پیرزن امور عجیبی از او نقل نمود و پس آمدم رفقا را خبر کرده و جریان احوال او را تعریف و او را با احترام در صحن مطهر دفن نمودیم.

نگارنده گوید نظیر این حکایات بسیار از اوتاد و اخیار و ابدال دیده و شنیده‌ام که برای اختصار از ذکر آن می‌گذرم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

بنی‌فضل، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ مرتضی فرزند آقای حاج یوسف علی بنی فضل تبریزی از چهره‌های درخشان فضلاء و مدرسین حوزه علمیه قم می‌باشد در سال ۱۳۵۲ قمری هجری در تبریز متولد شد و بعد از پرورش مقدمات را در تبریز تکمیل و در سال ۱۳۷۱ قمری مهاجرت به قم نموده و سطح عالی را در محضر اساتید معروف منجمله مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا محمد مجاهدی تلمذ نمود و مدت سه سال از درس خارج فقه صلوه مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و مدت ۸ سال از درس خارج (مکاسب محرمه و بیع) و خارج اصول (دوره کامل مباحث الفاظ و اصول علمیه) مرجع عالیقدر حضرت آیت‌اللّٰه العظمی آقای خمینی مدظله بهره‌مند شده و بعد از تبعید معظم‌له از ایران به ترکیه و عراق حدود شش سال خارج فقه طهارت حضرت آیت‌اللّٰه العظمی آقای گلپایگانی مدظله و صلوت مرحوم آیت‌اللّٰه محقق داماد حاضر شده و ضمنا به تدریس سطوح عالی پرداخته و اکنون مدت ۲۰ سال است که در حوزه اشتغال به تدریس دارند و تاکنون سه دوره تدریس سطح مکاسب و کفایه را نموده و حدود دویست نفر از طلاب و محصلین از محضر درسش استفاده می‌کنند و اکنون قسمتی از کارهای مربوط به آذربایجان در طرف رهبر انقلاب امام خمینی محول به ایشان و سرگرم رسیدگی به امور مذکور هستند.

تالیفات ایشان از این قرار است:

۱- تقریرات کامل خارج فقه و اصول آیت‌اللّٰه العظمی آقای خمینی مدظله العالی.

۲- شرح بر کفایةالاصول قسمت مباحث الفاظ.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

بنی‌هاشمی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید آقا بزرگ بنی‌هاشمی کرد کوهی عالمی ادیب و خدمتگزار و متنفذ و میهمان دوست بود و در کرد کوه و بندر گز و آن حدود نفوذی کامل داشت و در ایام محرم و ماه رمضان که مبلغین و محصلین از حوزه‌های قم و مشهد و نجف برای تبلیغ احکام بوی وارد میشدند با گرمی از آنان پذیرائی کرده و هر کدام را بمحل و قریه‌ای اعزام و توصیه مینمود.

دارای طبعی روان بود و اشعاری داشت که قسمتی از آن نزد فرزند فاضل و دانشمندش آقای بنی‌هاشمی در کرد کوه محفوظ مانده است یکی از آن تضمین اشعار نصاب‌الصبیان در مدح و ولایت علی علیه‌السلام است که وقتی برای مرحوم آیه‌الله العظمی قمی- ره- خواندند بسیار گریسته و فرمودند گویا این نصاب برای این تضمین سروده شده است و چون آن مفصل است نگارنده بعضی از آنرا می‌نگارم:

صبا زد به اهل محبت صلا

رسیدی چو در بحر قالوا بلی

پس از محکمین حصن الا ولا

به بحر تقارب تقرب نما

بدین وضع میزان طبع آزمای

چنین بلبل عشق شد نغمه خوان

که گر سدره خواهی کنی آشیان

علی را ولی الهی بدان

خرد گفت کی رهرو لامکان

چه گفتی بگو ای مه دل ربا

علی قائل لن ترانی بود

علی عین سبع المثانی بود

علی مفنی دار فانی بود

بهر جا که حق را نشانی بود

دلیلست و هادی تو گو رهنما

سرانجام فضلش نباشد پدید

بمعراج چون شد رسول مجید

هزاران قطار اندر آن ره رسید

پیمبر بهر سو نظر کرد دید

بعیر اشتر است و جرس چه درای

حرم بود بت خانه‌ی اشقیا

زیمن قدومش شدی با صفا

قدم زد چه بر شانه‌ی مصطفی

بسائید بر جای دست خدا

فخذ ران عقب پاشنه رجل پای

مرحوم آقا بزرگ بنی‌هاشمی در حدود ۱۳۸۰ قمری وفات نموده و جنازه‌اش حمل بمشهد و در جوار سلطان سریر ارتضا حضرت علی بن موسی‌الرضا علیه آلاف التحیه والثناء مدفون گردیده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بنی‌هاشمی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد و دکترا در رشته شیمی آلی پلیمر از دانشگاه یوهانس گوتنبرگ آلمان، طی دوره‌های فوق دکترا در دانشگاه آریزونا آمریکا، دانشگاه مهندسی دارمشتات آلمان و دانشگاه ماینس آلمان.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

سنتز و بررسی خواص پلیمرهای مقاوم در برابر حرارتهای زیاد، سنتز و بررسی خواص مشتقات کوپلی (تترا فلوراتیلن- کو- وینیل الکل).

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱۶
زمینه علمی تألیفات:
سنتز و بررسی پلیمرهای مقاوم در برابر حرارت.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۵
زمینه علمی مقالات:
شیمی آلی پلیمر.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

بنی‌هاشمی، ضیاءالدین

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: گیاه‌پزشکی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شیراز
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

بواناتی، محمدباقر

قرن:۱۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ۱۳۱۰ ق)، نویسنده و شاعر. معروف به ابراهیم معطر. در یکی از دهستانهای بوانات متولد شد. پس از تحصیل در مدارس قدیمی به شیراز رفت و به یادگیری زبان انگلیسی پرداخت و سپس تغییر لباس داد، این امر سبب ملامت و شماتت خلق واقع شد و از آنجا به بوشهر گریخت و در کنسولگری انگلیس استخدام شد. در برازجان دیداری با جمال‌الدین اسدآبادی داشته است، مدتی بعد از آنجا به لندن رهسپار شد و پس از چند سال به تهران بازگشت. ادوارد براون مستشرق و تاریخ‌نگار انگلیسی از شاگردان او بود و فارسی را از او آموخت. سیر تطورات بینش اعتقادی وی را براون در کتاب «یکسال در میان ایرانیان» بیان کرده است. از آثار وی: «شمسیه‌ی لندنیه»؛ «سدره‌ی ناسوتیه» یا «سدریه‌ی ناسوتیه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۲۴ -۴۱۳ /۱)، شرح حال رجال (۲۱۵ -۲۱۲ /۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۷/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۰/۲).

بوذری، ابراهیم

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابراهیم بوذری به سال ۱۲۷۴ شمسی در قریه کرود از توابع طالقان دیده به جهان گشود، پدرش ملا علی‌اصغر بود، جد وی مرحوم سلطان محمد بود که قرآن‌های بسیاری به خط زیبای وی موجود می‌باشد.
بوذری، ابتدا در مکتبخانه‌ی کرود، شروع به فراگیری دروس فارسی و قرآن کرد و حدود پنج سال داشت به تهران آمد و در منزل مرحوم شیخ محمد آقا بوذری طالقانی که از افاضل زمان و مدرس مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار) بود اقامت گزید.
مرحوم شیخ محمدآقا بوذری طالقانی در منزل حوزه‌ی علمیه داشت که فضلا و مدرسین و طلبه‌ها در این منزل آمد و شد داشتند و مرحوم ابراهیم بوذری در این منزل و در چنین محیطی پرورش یافت.
ابتدا، ادبیات فارسی، عربی، اصول و فقه را نزد مرحومان شیخ مسیح اوانکی، آیت‌اللّه کاشانی، حاج میرزا خلیل کمره‌ای و علی شوشتری فراگرفت و از مرحوم شوشتری موفق به دریافت اجازه در امور حسبیه گرفت.
در هنر خطاطی، در رشته نستعلیق ابتدا شاگرد مرحوم حاج زین‌العابدین که نواده‌ی مرحوم میرزا زکی‌خان نوری بوده رفته، سپس نزد مرحوم عماد طاهری (عمادالشریعه) که از شاگردان مرحوم امیرحسین خوشنویس بود به تلمذ پرداخت و بالاخره در محضر عمادالکتاب به کمال رسید. در خط ثلث شاگرد مرحوم امیرالکتاب استاد بی‌نظیر خط که در ادب و شعر و شاعری «شرفی» تخلص می‌کرد رفت و در اندک زمانی گوی سبقت از همگنان خود ربود و خط نسخ و رقاء را در محضر آشیخ علی عبدالرسولی (پدر مرتضی عبدالرسولی از شاگردان مرحوم حبیب سماعی) که از شاگردان سید محمدتقی شرف‌المعالی بود به کمال آموخت.
مرحوم استاد ابراهیم بوذری، خود از بنیان‌گذاران کلاس‌های انجمن خوشنویسان که سلف انجمن خوشنویسان فعلی ایران می‌باشد بود و در این رشته شاگردان فراوانی که همگی هم‌اکنون از استادان خوشنویس می‌باشند تربیت نمود. وی سالها در دبیرستان‌های مختلف تهران از جمله تمدن و اسلام به تعلیم خط پرداخت و از سال ۱۳۲۷ شمسی به استاد خط دانشگاه روحانی معقول و منقول

انتخاب و مشغول تعلیم شد. استاد بوذری بیش از سی سال کارشناس خط در وزارت دادگستری بود و خطاط رسمی کتابخانه مجلس شورای ملی سابق و اداره‌ی مباشرت و دارالانشاء بود که همکاری وی در این ادارات بیش از ۳۷ سال ادامه داشته و در سال ۱۳۴۱ بازنشسته گردید.

آثار چاپی وی تا آنجا که در دسترس نگارنده است عبارتند از: دیوان خواجه شیراز، منتخبات دیوان مسعود سعد سلمان، کتاب تاریخ دبیرستاها، صرف و نحو برای دبیرستانها، جوامع‌الحکایت مرحوم اوفی ترجیع‌بند مرحوم صفی علیشاه، منتخبات مثنوی، پاورقی نقد مرحوم حکمت اشعار مرحوم حاج ذوالریاستین (مونس علیشاه)، کتیبه‌های آرامگاه شیخ شیراز سعدی، کتیبه‌ی آرامگاه شاه خلیل‌اللّه در تفت یزد، کتیبه‌ی دروازه‌ی قرآن شیراز، وقف‌نامه‌ی بیمارستان نمازی شیراز، تاریخچه‌ی آب شیراز و...

استاد بوذری، واقعاً هنرمندی بی‌نظیر بود که خداوند استعدادی در نهاد او به ودیعه نهاده بود که در کمتر انسانی می‌شود مشاهده کرد، زیرا با توجه به این همه هنر، در رشته آواز و موسیقی از نوادر روزگار بود از صدایی رسا و خوش برخوردار بود و دستگاهها و گوشه‌های آوازهای ایرانی را نزد اقبال‌السلطان، سید حسین طاهرزاده، ابوالحسن صبا فراگرفت که باید یادآور شد که اقبال‌السلطان دو شاگرد بیشتر نداشته که یکی رضاقلی ظلی و دیگری ابراهیم بوذری بوده‌اند.

متأسفانه مشغله‌ی فراوان و گرفتاری‌های استاد به وی اجازه نداد که در رشته‌ی آواز شاگرد بپذیرد و یا آثاری آنچنان از خود به جای نهد تنها چند نواری از وی به جای مانده که در آرشیو وزارت ارشاد اسلامی (فرهنگ و هنر سابق) موجود می‌باشد که امید است روزی پخش و برای هنرجویان مورد استفاده قرار گیرد و چاپ دو کتاب در مورد تعزیه و تعزیه‌خوانی است که از طرف وزارت فرهنگ و هنر (ارشاد اسلامی فعلی) در سال ۱۳۵۴ چاپ کرد و به سرعت نایاب گردید.

مرحوم استاد ابراهیم بوذری در عرفان هم صاحب مکتب و نظر بود و اشعار زیبایی هم سروده که خود جای بحث‌ها و گفتگوهای جداگانه دارد و یکی از دو بیتی‌های استاد را که فی‌البدیه ساخته و آن چنین بوده که روزی دوستی، فندکی به رسم یاد بود توسط دوست مشترکی برای استاد می‌فرستد و مرحوم بوذری به قدری تحت تأثیر این محبت و دوستی قرار می‌گیرد که این دو بیتی را برای وی می‌سراید:

جانا غم هجران تو اندک نبود

در دوستی ما به خدا شک نبود

خود آتش دوریت طی سوختنم

بس باشد و محتاج به فندک نبود

فرزندان مرحوم ابراهیم بوذری پنج پسر و دو دختر می‌باشند به نامهای: علی‌اصغر، یوسف، پروین، منوچهر، علی، شیرین و فریدون که کلیه ایشان از خطی زیبا و خوش برخوردار می‌باشند.

از خاطرات استاد بوذری این که یکسال مرحوم اقبال‌السلطان از تبریز به تهران می‌آید و در سرچشمه منزل مرحوم شیخ محمد بوذری طالقانی که یکی از شب‌های ماه مبارک رمضان بوده مهمان می‌شود. هنگام سحر که در آن زمان از گلدسته‌های مدرسه عالی سپهسالار (شهید مطهری فعلی) برای بیدار شدن مردم، جهت ادای فرائض دینی و صرف سحری، توسط تنی چند از خوش‌صداترین مؤذنان گلدسته‌ها، مناجات سر می‌دادند آن شب مردم متوجه‌ی وضع دیگری شدند چرا که شب‌های گذشته و سال‌های قبل هر یک از مناجات کنندگان از گلدسته‌های متعدد این مدرسه می‌خواندند و هر یک جواب یکدیگر را می‌دادند ولی آن شب با خواندن مرحوم اقبال آذر در مدرسه و از پایین گلدسته‌ها آن خوانندگان همه ساکت شدند و تنها صدای رسا و خوش مرحوم اقبال‌السلطان به گوش مردم می‌رسید و فردا تمام اهالی خیابان‌های سرچشمه، سیروس، ایران، پامنار، بهارستان، مخبرالدوله و بسیاری خیابان‌های دوردست دیگر از یکدیگر می‌پرسیدند راستی این چه کسی بود که دیشب این چنین زیبا و عالی مناجاب سر داده بود؟ فقط کسانی که ساکن منزل مرحوم شیخ محمدآقا بوذری بودند می‌دانستند که صاحب صدای مناجات اقبال‌السلطان است.

استاد ابراهیم بوذری هم در سال ۱۳۶۵ درگذشت و جهان فانی را بدرود گفت و با آثاری که از خود به جای نهاد، نامش همیشه زنده و جاوید و خدماتش به فرهنگ و هنر کشور در تاریخ ثبت است. روانش شاد.

(۱۳۶۵ -۱۲۷۴ ش). موسیقیدان، خواننده، خطاط و ادیب. در روستای کرود از توابع طالقان به دنیا آمد. تحصیل خود را از مکتب خانه‌ی زادگاهش شروع کرد، در سن پنج سالگی به تهران آمد و در مدرسه‌ی سپهسالار اقامت گزید. ادبیات فارسی، عربی، اصول و فقه را نزد شیخ مسیح ایوانکی، آیت‌اللّه کاشانی، حاج میرزا خلیل کمره‌یی و علی شوشتری فراگرفت. در هنر خطاطی از محضر حاج زین‌العابدین، عماد طاهری، عمادالکتاب و امیرالکتاب بهره برد. وی از بنیانگذاران انجمن خوشنویسان بود. بوذری سالها در دبیرستانهای مختلف به تعلیم خط پرداخت و بیش از سی سال کارشناس خط در وزارت دادگستری بود؛ همچنین خطاط رسمی کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی سابق و اداره‌ی مباشرت و دارالانشاء نیز بود. ابراهیم صدایی رسا و خوش داشت و دستگاهها و گوشه‌های آوازهای ایرانی را نزد اقبال‌السلطان، سید حسین طاهرزاده و ابوالحسن صبا آموخت، مدتی نیز از حبیب‌اللّه کاشانی تعلیم گرفت و سرانجام اقبال آذر را به استادی انتخاب کرد. در عرفان هم صاحب مکتب و نظر بود، اشعار زیبایی هم سروده است. از آثار چاپی وی: «دیوان» خواجه شیراز؛ «منتخبات دیوان» مسعود سعد؛ کتاب «تاریخ» دبیرستانها؛ «صرف و نحو» برای دبیرستان‌ها؛ «جوامع الحکایات» عوفی کتیبه‌های آرامگاه شیخ شیراز و کتیبه‌ی دروازه قرآن شیراز.[۱]

خوشنویس، مدرس خوشنویسی.

تولد: ۱۲۷۴، طالقان.

درگذشت: ۱ بهمن ۱۳۶۵، تهران.

ابراهیم بوذری، فرزند علی‌اصغر طالقانی پس از فرا گرفتن علوم مرسوم زمان مانند ادبیات فارسی و عربی و فقه و اصول و غیره به مطالعه رشته‌ی قضاء پرداخت و از محضر آیت‌الله خلیل کمره‌ای و آیت‌الله کاشانی و همچنین آیت‌الله شوشتری استفاده کرد و از

آیت‌الله شوشتری اجازه در امور حسبیه گرفت و دارای مدرک اجتهاد شد.

دیری نگذشت که به عرصه‌ی خوشنویسی وارد شد و نکات و دقایق اولیه‌ی خط نستعلیق را در محضر زین‌العابدین ساعت ساز فراگرفت و سپس از استاد حاج آقا محمد مشهور به عماد طاهری که از شاگردان میر حسین خوشنویس باشی بود استفاده برد و برای تکمیل این خط و همچنین برای آموختن خط ثلث، نزد استاد عبدالحمید ملک‌الکلامی مشهور به امیرالکتاب (متوفی ۱۳۲۸) به تلمذ پرداخت. وی چندی نیز جهت تکمیل خط نستعلیق در محضر استاد محمدحسین عمادالکتاب سیفی قزوینی (متوفی ۱۳۱۵) حضور یافت. سپس خط نسخ را در مکتب استاد محمدتقی کمال و آقا شیخ عبدالرسولی آموخت.

وی پس از سال‌ها خدمت در دستگاه‌های دولتی سرانجام در سال ۱۳۳۰ بازنشسته شد. وی مدت‌ها به فرمان‌نگاری و خوشنویسی احکام در مجلس شورای ملی و طی خدمتش در وزارت دادگستری به کارشناسی رسمی خطوط و امضای فارسی نیز اشتغال داشت. استاد بوذری به موسیقی نیز علاقه‌مند بود و از جمله اساتید وی در این زمینه اقبال آذر تعزیه‌خوان معروف به اقبال‌السلطان بودند. تجربه‌هایی از او در «ردیف»، «پرده»، «نوا» و ایرانی به یاد مانده است.

بوذری جزء نخستین کسانی بود که بنیاد کلاس‌های آزاد و رایگان خوشنویسی را به وجود آورده و به همراه دیگر استادان (حسین میرخانی و علی‌اکبر کاوه) سرانجام انجمن خوشنویسان ایران را پایه‌گذاری کرد. او تا آخرین لحظات عمر خود در آن انجمن به عنوان مشاور شورای عالی با حفظ مقام استادی و نیز عضویت در شورای تعیین شایستگی مقام استادی به کار ادامه داد.

ابراهیم بوذری ابتدا به سبک میر حسین و بعدا به اسلوب ملک‌الکلامی و عمادالکتاب گرایش پیدا نمود و سرانجام دارای شیوه‌ای خاص خود گردید که به اسلوب مستقل بوذری معروف شد.

از آثار کتابت به جای مانده از وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ملخص مثنوی؛ منتخب دیوان سعد سلمان؛ جلد اول جوامع الحکایات؛ پارسی نغز؛ تاریخچه‌ی آب شیراز؛ وقف‌نامه‌ی بیمارستان نمازی؛ وقف‌نامه‌ی موقوفات مسجد فخرالدوله؛ جزوه‌های قرآن چاپ معروف به حاج ضیاءالدنی؛ ارمغان پاک؛ دیوان حافظ؛ کتب کلاسیک؛ کتیبه‌ی آرامگاه سعدی؛ کتیبه‌ی شاه خلیل‌الله در یزد؛ کتیبه رو به تهران دروازه شیراز بر خط ثلث؛ یک دوره کتاب‌های درسی سال‌های مختلف دبستان و دبیرستان.

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] استادان موسیقی (۶۳)، تاریخ موسیقی (۶۶۹/ ۲)، تذکره خوشنویسان معاصر (۱۳۵ -۱۳۳)، سرگذشت موسیقی (۳۸۰/ ۱)، مردان موسیقی (۱۵۲ -۱۴۹/ ۲).

بوران

قرن:۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

صفر ۲۷۱ -۱۹۲ ق، از زنان هوشمند و با تدبیر و منجم. وی دختر حسن بن سهل (۲۳۶ ق) وزیر معروف مأمون (۲۱۸ -۱۹۸ ق) خلیفه عباسی بود. پس از اینکه مأمون، فضل بن سهل (۲۰۲ ق) وزیر باتدبیر خود را کشت برای دلجویی از خانواده وی، برادرش حسن را به وزارت برگزید و دختر او، بوران را به همسری گرفت. راجع به جشن باشکوه مأمون و بوران داستان‌های زیادی نقل شده که برخی افسانه‌آمیز به نظر می‌رسد. به نوشته منابع تاریخی به جز جشن ازدواج هارون‌الرشید (۱۹۳ -۱۷۰ ق) و همسرش زبیده، تا آن زمان چنان جشنی در میان اعراب و ایرانیان برپا نشده بود.

ازدواج آن دو در سال ۲۰۲ ق در فم‌الصلح بود اما زفافشان در رمضان سال ۲۱۰ ق واقع شد. درباره هوش و فراست بوران نیز داستان‌های متعددی نوشته شده است از جمله آنکه بوران در مهرش مقرر کرده بود که چون بر مأمون وارد شود، وی تمام قد در برابرش بلند شود. مأمون نیز تا زمانی که حسن بن سهل زنده بود عمل می‌کرد. روزی که حسن درگذشت مأمون خبر مرگ او را از بوران پنهان داشت. چون بوران بر او وارد شد مأمون برنخاست. ناگهان بوران فریادی کشید و گفت: پدرم مرد. مأمون گفت: از کجا دانستی پدرت مرد؟ گفت: از اینکه مرا احترام نکردی و برایم برنخاستی. غذای معروف بورانی- که اعراب آنرا بورانیه می‌گویند- منسوب به بوران است. وی در نجوم و ریاضیات مهارت فراوان داشت.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: اعلام‌النساء، ۱۵۹ / ۱؛ تذکرةالخواتین، ۶۸ -۶۷؛ خیرات حسان، ۸۰ / ۱؛ دایرةالمعارف فارسی، ۴۶۰ / ۱؛ دایرةالمعارف تشیع، ۶۲۷ -۶۲۶ / ۳؛ ریاحین‌الشریعه، ۹۳ -۸۳ / ۴؛ زنان سخنور، ۵۴ -۴۹.

بورونی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی بورونی

محل تولد : اصفهان

شهرت : برونی

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۴۶ در اصفهان متولد شدم و در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه اصفهان شدم پس از ۷ سال در سال ۱۳۶۷ به حوزه علمیه قم رفتم و در دروس خارج تنی چند از ایات عظام شرکت کردم و همزمان مدرک سطح عالی زبان انگلیسی را از واحد زبان دفتر تبلیغات اسلامی قم دریافت کردم .در سال ۱۳۷۹ به اصفهان مراجعت نموده و نیز مدرک کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه تهران مرکزی در رشته ادیان و عرفان دریافت کردم و هم اکنون در تلاش برای قبولی در امتحان دکترا می باشم . عضو هیئت علمی گروه ادیان پزوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی قم و نیز مدرس دروس ادیان و عرفان و مذاهب و مترجم و مدرس دروس انگلیسی در اصفهان هستم

بوری تگین، علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، شاعر. وی از شاعران دوره‌ی سلجوقی بود که از زندگی و آثار وی اطلاعی در دست نیست، جز ابیاتی که در «ترجمان البلاغه» و «حدائق‌السحر» از وی نقل شده است. از شواهد موجود مهارت وی در صنایع شعری بخصوص معماگویی آشکار است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شاعران بی‌دیوان (۵۴۲)، حدائق‌السحر (۶۳۷ -۶۳۶).

بوزجانی، ابوالوفا محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۸۷ -۳۲۸ ق)، ریاضیدان و منجم. از مردم بوزجان نیشابور بود. وی تحصیلات ریاضی خود را در نیشابور نزد ابوعمر المغازلی و ابوعبداللّه محمد بن عنبر فراگرفت و در جوانی به عراق رفت و در بغداد سکونت گزید و تا مرگش در همین شهر ساکن بود و به تألیفات مهم خود پرداخت. بوزجانی از مترجمان مشهور مکتب ریاضی از یونانی به عربی و از مؤلفان بزرگ روزگار خود بود. تخصص عمده‌ی وی در هندسه و نجوم بود. از او، آثار متعدد و متنوعی به جای مانده است، از جمله: شرح و تفسیر آثار ریاضیدانان قدیم مانند ذیوفنطس، ابرخس، بطلیموس و خوارزمی؛ کتاب «المجسطی» مشتمل بر هفت جزء؛ کتاب «فی ما یحتاج الیه الکتاب و العمال من علم الحساب»؛ «کتاب الکامل» و «کتاب الهندسه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۴۴/۷)، بوزجانی نامه، تاریخ ادبیات در ایران (۳۳۴/۱)، تاریخ الحکماء قفطی (۳۹۳ -۳۹۲)، تاریخ موسیقی (۱۵۴/۱)، تاریخ نجوم اسلامی (۳۰۵، ۲۹۳، ۲۲۲، ۵۲)، ترجمه صوان‌الحکمه (۴۸)، دانشنامه ایران و اسلام (۹۹۷ -۹۹۶ /۷)، دایرةالمعارف فارسی (۲۸/۱)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان دوره‌ی اسلامی (۱۶۹ -۱۵۴)، زندگینامه‌ی علمی دانشمندان اسلامی (۳۰۵ - ۲۹۶ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۹۲/۱)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۵۰۶ -۵۰۵)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۰۷ -۱۰۶)، الکامل (۳۸۷/۷)، الکنی والالقاب (۹۷/۲)، کشف‌الظنون (۱۷۱۸، ۱۴۷۲ -۹۶۸)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالوفا)، معجم‌المؤلفین (۳۰۹/۱۱)، وفیات الاعیان (۱۶۸ -۱۶۷ /۵)، هدیةالعارفین (۵۶ -۵۵ /۲).

بوزجانی، ابوذر

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۸۷ ق)، صوفی و شاعر. وی از بزرگان مذهب محمد بن کرام سجستانی نیشابوری بود و نخستین تجربه‌های شعر عرفانی از اوست. وی معاصر با سبکتگین، پدر محمود غزنوی بود و ابوذر که در آن ایام پیری موقر بوده به اتکای پایگاه معنوی خویش سبکتگین را موعظه کرده است. از اقوالی که از وی روایت شده حالات روحی و عزلت‌جویی وی آشکار است. بوزجانی در شعر فارسی و عربی دست داشته و اشعاری چند از او در برخی منابع کهن نقل شده است، از جمله:

تو به علم ازل مرا دیدی

دیدی آنگه به عیب بخریدی تو

به علم آن و من به عیب همان

رد مکن آنچه خود پسندیدی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :درخت معرفت (۴۶۲ -۴۳۱)، الذریعه (۴۰/۹)، ریاض العارفین (۴۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوذر بوزجانی)، مجمع الفصحا (۱۴۴ -۱۴۳ /۱)، نفحات الانس (۳۶۳ -۳۶۲).

بوستان، مجدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۴ -۱۳۱۷ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در خراسان متولد شد و در مشهد نزد آخوند ملا احمد کدکنی و ادیب نیشابوری درس خواند و فرانسه را نزد میرزا حسین تهرانی حبیب فراگرفت. در تهران نیز از محضر آقامیرزا مهدی آشتیانی و ضیاءالدین درّی اصفهانی استفاده کرد. سپس به خدمات دولتی روی آورد و مدتی نیز تدریس کرد خدمات ادبی و اجتماعی وی با نگارش مقالات در روزنامه‌ها و مجلات مهم مانند «مهر»، «منیر»، «سعادت بشر»، «بهار»، «چمن»، «فکر آزاد» و «خورشید» در خراسان شروع شد، که به انتشار روزنامه «بوستان» در خراسان و عضویت در انجمن فرهنگستان ایران در تهران و همکاری در نشر مجله‌ی «ارمغان» انجامید. برخی از تألیفات وی عبارت‌اند از: «طریقه‌ی ترجمه»؛ «رساله‌ی خرافات»؛ «پندنامه منظوم»؛ «تذکره‌ی منتهیان».[۱]

محقق، روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۷ ذیقعده ۱۳۱۷ ق.

درگذشت: ۲ اسفند ۱۳۶۴.

مجدالعلی بوستان، فرزند شیخ حسن، فارسی و مقدمات عربی را نزد آخوند ملا احمد کدکنی فراگرفت. در سال ۱۳۳۳ ق. (مطابق با ۱۲۹۳ و ۱۲۹۴) در مشهد نزد میرزا حسین تهران طبیب (ساکن سر قبر میر در محله نوغان) به آموختن زبان فرانسوی پرداخت. از سال ۱۳۰۳ که به تهران آمد از درس آقا میرزا مهدی آشتیانی و شیخ ضیاءالدین دری اصفهانی استفاده نمود.

بوستان به کار معلمی در مدارس جدید خراسان اشتغال داشت. از سال ۱۳۰۶ در تشکیلات جدید عدلیه مشغول به کار شد و سرانجام در شهریور ۱۳۴۷ از کار بازنشسته شد. ابتدا مدعی‌العموم شهرستان ملایر بود و در پایان مستشار دیوان عالی کشور.

وی مقاله‌هایی را در موضوعات مختلف اجتماعی و ادبی برای روزنامه‌های «مهر منیر»، «سعادت بشر»، «بهار»، «چمن»، «فکر آزاد» و «خورشید» که در خراسان منتشر می‌شد می‌نوشت. وی سپس به انتشار روزنامه‌ی «بوستان» در خراسان اقدام کرد. از سال ۱۳۰۷ به بعد در انجمن ادبی ایران و انجمن فرهنگستان ایران و انجمن ادبی حکیم نظامی حضور می‌یافت. وی همچنین در تصحیح دیوان بابا طاهر عریان با اتفاق محمد حسین وحید دستگردی و عبرت مصاحبی نایینی و محمود عرفان همکاری داشت. تألیفات وی عبارت است از: رساله خرافات، دستور شرق (کتاب دستور فارسی که برای مدارس ابتدایی خراسان نوشته شد و چندین بار به چاپ رسید)، پندنامه منظوم (نصحیت مادر به دختر، چاپ سنگی در تهران ۱۳۰۶)، تذکره‌ی منتهیان (جلد دوم طریقه ترجمه). آثاری نیز از وی به چاپ نرسید: اوهام خواص «غلطهای مشهور»؛ ترجمه احوال بزرگان؛ شرح حال شیخ علاءالدوله سمنانی؛ سید حسن مشکانی طبسی (شرح حال)؛ یادداشت‌های قضایی و مقالات ادبی.

بوستان از زمانی که به تهران آمد با وحید دستگردی مدیر مجله «ارمغان» آشنا شد. این آشنایی منتهی به همکاری بوستان در نشر مجله‌ی «ارمغان» شد. وی گاه نوشته‌های خود را با امضاهای «پونه»، «بیابانی»، «عمیدجلال»، «بنده خدا» و «عبد خدا» منتشر می‌ساخت.

مجدالعلی بوستان به هنگام اقامت در خراسان از هواداران کلنل محمدتقی‌خان پسیان بود. وقتی که برای مدت سه سال رییس دادگستری سمنان بود به سبب تماس با تبعید شدگان زمان رضاشاه، تحت تعقیب قرار گرفت و برای مدتی به حالت بازداشت تحت نظر بود. در زمان نخست وزیری دکتر مصدق به سبب وضع خاص و حساس شهر محلات به هنگام انتخابات، از سوی ایشان مأمور نظارت در انتخابات محلات شد که چون طرفداران شهاب خسروانی وجود او را مخل دخالت‌های خود در صندوق‌ها تشخیص دادند، به دادگستری که محل اقامت او نیز بود، حمله بردند و قصد جان او را کردند. ناچار بنا به توصیه فرمانده ژاندارمری و شهربانی ضمن مراقبت ویژه او را از محلات بیرون آورده و راهی تهران کردند.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۲۶ -۲۴ /۲)، الذریعه (۱۷۰/۱۵)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۸۵ -۸۴ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۱۸۷- ۱۸۸).

بوشهری، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۸ ق)، فقیه، نویسنده و مدرس. وی بیشتر ایام عمر را در شیراز گذرانده و به تألیف و تدریس اشتغال داشته است. سید محمدتقی شفیع، فقیه کازرونی، از شاگردان او بوده است. وی در بوشهر وفات یافت. از تألیفات او: شرح قصیده «بآل محمد عرف الصواب»؛ شرح «دعاء الاحتجاب»، به روایت «مهج‌الدعوات» از پیامبر (ص)؛ شرح «دعاء الاحتجاب»، از امیرالمؤمنین (ع)»؛ شرح «دعاء الاحتجاب»، از امام حسن (ع)، شرح «دعاء الاحتجاب» از سیدالشهداء (ع)، شرح «دعاء الجوشن الصغیر»؛ شرح «دعاء الصباح».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۶۶/۱)، الذریعه (۲۵۲، ۲۴۷، -۲۴۶ /۱۳).

بوشهری، عبداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۲ -۱۲۵۱ ق)، عالم دینی و فقیه. در بوشهر به دنیا آمد. وی در نجف خدمت علمای بزرگواری همچون شیخ انصاری و علامه کوه‌کمری تحصیل کرد تا اینکه به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از ایشان نایل آمد. وی در راه بازگشت به بوشهر از دنیا رفت. جنازه‌اش به نجف حمل و در آنجا دفن شد. از آثارش: منظومه‌ای در اصول فقه به نام «زهرهٔ ارض الغری» است.[۱]

وی شیخ عبدالله بن حسن بن محمد علی آل عبدالجبار بوشهری عالمی فقیه و دانشمندی نبیه و دارای منظومه‌ای در اصول فقه بوده و نام او را (زهره ارض الغری) گذارده بود تحصیلاتش در نجف خدمت علماء بزرگوار آن مانند شیخنا الانصاری و علامه کوهکمری و غیره بوده و پیش از رسیدن ببوشهر در سال ۱۲۹۲ وفات نموده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۷۲/۱۲)، طبقات الاعلام الشیعه (قرن ۷۷۵ -۷۷۴/ ۱۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۳۹ ،۲۳۸ -۲۳۷/ ۳).

بوشهری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۴۱، کارشناسی ارشد از دانشگاه اندیانا آمریکا در سال ۱۳۴۷ و دکترا از دانشگاه سنت لوئیز آمریکا در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده علوم دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

خواص انتقالی و تعادلی گازها، رسوب‌گذاری شیمیائی مواد از حالت بخار، معادله حالت مخلوطهای مایع، اثر دوفر در گازها (ضریب جدا کردن گازها)، ویسکوزیته گازهای طبیعی ایران، تهیه الماس از گازهای طبیعی، آنالیز خرج پرتاب گلوله توپ و اندازه‌گیری سرعت پخش گازهای سمی، ابداع در زمینه رسوب‌گذاری شیمیائی مواد از حالت بخار بخاطر تهیه سیلیسیم جهت سلولهای خورشیدی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۱ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۲ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳۱

زمینه علمی مقالات:

پدیده انتقالی گازها (ضریب ویسکوزیته، ضریب نفوذ حرارتی)، روش وارونگی (تعیین پتانسیل بین مولکولی)، توسعه قانون حالات متناظر، سهم غیر کروی ضریب دوم ویریال، معادله حالت مخلوطهای مایعات پیچیده، رسوب‌گذاری شیمیائی مواد از حالت بخار و تهیه الماس.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

بوشهری، محمد شفیع

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۹ -۱۲۷۰ ق)، عالم دینی، فقیه و طبیب. در کازرون به دنیا آمد و در محضر پدر تربیت یافت. آنگاه با پدرش در سال ۱۲۹۱ ق به بوشهر منتقل شد و از آنجا به عراق رفت و به همراه آیت‌اللّه میرزای شیرازی به سامرا مهاجرت کرد و ده سال از محضر وی حداکثر استفاده را نمود تا در فقه و اصول به پایه‌ی بلندی رسید. وی همزمان به تحصیل طب پرداخت تا آنجا که معالجات غریبه‌ای می‌کرد. در سال ۱۳۱۰ ق به بوشهر مراجعت کرد و عهده‌دار مقام مرجعیت و تدریس شد. در سال آخر عمر سفری به عتبات کرد و در نجف پس از کسالتی از دنیا رفت و همان جا دفن شد. وی تألیفاتی در فقه و اصول دارد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۲۳۸/۳).

بوعلی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر، متخلص به بوعلی. وی از شاعران اهل طریقت بود و با امیر علیشیر نوایی معاصر. ابیاتی چند از وی در تذکره‌ها به جای مانده است. از اوست:

خلقی به راه عشق تو آسوده می‌روند

عاشق منم، دگر همه بیهوده می‌روند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۴۲/۹)، مجالس النفائس (۸۰).

به پژوه، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر احمد به پژوه در سال ۱۳۲۷ در شهر تهران دیده به جهان گشود.در سال ۱۳۵۳ دانشنامهٔ لیسانس در رشتهٔ خدمات اجتماعی را دریافت کرد. آنگاه برای ادامه تحصیل راهی شیراز شد و در سال ۱۳۵۹ به دریافت دانشنامهٔ فوق لیسانس در رشتهٔ علوم تربیتی از دانشگاه شیراز نایل گردید و از همان سال به عنوان عضو هیأت علمی در دانشگاه شیراز مشغول به کار شد.در سال ۱۳۶۵ برای ادامهٔ تحصیل به انگلستان عزیمت کرد و در سال ۱۳۶۹ موفق به دکتری روان شناسی (کودکان استثنایی) از دانشگاه کیل شد .نامبرده هم اکنون عضو و هیئت علمی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : روان شناسیگرایش : کودکان استثناییتحصیلات رسمی و حرفه ای : احمد به پژوه در سال ۱۳۵۳ دانشنامهٔ لیسانس در رشتهٔ خدمات اجتماعی را دریافت کرد. آنگاه برای ادامه تحصیل راهی شیراز شد و در سال ۱۳۵۹ به دریافت دانشنامهٔ فوق لیسانس در رشتهٔ علوم تربیتی از دانشگاه شیراز نایل گردید و از همان سال به عنوان عضو هیأت علمی در دانشگاه شیراز مشغول به کار شد. در سال ۱۳۶۵ برای ادامهٔ تحصیل به انگلستان عزیمت کرد و در سال ۱۳۶۹ موفق به دکتری روان شناسی (کودکان استثنایی) از دانشگاه کیل شد .وقایع میانسالی : احمد به پژوه پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی در سال ۱۳۵۹ از دانشگاه شیراز،در همان سال به عنوان عضو هیأت علمی در دانشگاه شیراز مشغول به کار شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد به پژوه در سال های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲ در ستاد انقلاب فرهنگی سابق (شورای عالی انقلاب فرهنگی کنونی) فعالانه در کمیتهٔ برنامه ریزی علوم تربیتی اشتغال داشت و در سال ۱۳۶۱ به دانشکدهٔ روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران پیوست. از دیگر خدمات علمی و اجرایی دکتر احمد به پژوه می توان به موراد زیر اشاره کرد • : ۱۳۸۲,معاونت تحصیلات تکمیلی,دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی • ۱۳۷۳,۱۳۷۳,مشاور معاون آموزشی دانشگاه و مدیر کل امور آموزشی ,دانشگاه تهران • ۱۳۷۲,۱۳۷۳,مشاور معاون آموزشی دانشگاه و مدیر کل امور آموزشی و سرپرستی اداره کل تحصیلات تکمیلی دانشگاه ,دانشگاه تهران • ۱۳۷۱,۱۳۷۴,مدیر گروه آموزشی مبانی روانی آموزش و پرورش ,دانشگاه تهران - دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی • ۱۳۷۰,استادیار,دانشگاه تهران دانشکده روان شناسی وعلوم تربیتی • ۱۳۶۹,۱۳۷۰,مربی • ۱۳۶۲, ۱۳۶۰,عضو کمیته برنامه ریزی علوم تربیتی,ستاد انقلاب فرهنگی• ۱۳۵۸,مربی,دانشگاه شیراز (مامور در ستاد انقلاب فرهنگی سابق •) مسئولیت اداره کل امور آموزشی وتحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران ,اداره کل امور آموزشی وتحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران • کارشناس برنامه های خانواده سازمان صدا وسیما,صدا وسیمای جمهوری اسلامی ایران • همکاری با وزارت آموزش وپرورش - وزارت فرهنگ وآموزش عالی ,وزارت آموزش وپرورش وزارت فرهنگ وآموزش عالی • عضویت در شورای طرح جامع آموزش خانوادهٔ انجمن اولیا و مربیان • همکاری با وزارت آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ و آموزش عالی • دبیر علمی نخستین همایش بین المللی کودکان با ناتوانی هوشی فعالیتهای آموزشی : دکتر احمد به پژوه در سال ۱۳۶۹ موفق به دکتری روان شناسی (کودکان استثنایی) از دانشگاه کیل شد و از همان سال به ایران بازگشت و به خدمات آموزشی و پژوهشی خود ادامه داد. دکتر به پژوه هم اینک دانشیار دانشکده روانشناسی دانشگاه تهران است. عنوان دروس ارائه شده توسط ایشان : کارشناسی • : آزمونهای تشخیص عقب ماندگیها • آموزش پرورش کودکان استثنائی • آموزش عقب ماندگان ذهنی ۱ • آموزش عقب ماندگان ذهنی ۲ • اصول مددکاری اجتماعی • راهنمائی ومشاوره شغلی ونظریه • روانشناسی تربیتی • روانشناسی شخصیت • روانشناسی عقب ماندگیهای ذهنی • روش تهیه وتنظیم موادوبرنامه • روشهای مشاوره ومصاحبه • متون تخصصی • مددکاری اجتماعی • مددکاری اجتماعی • ناتوانائیهای یادگیری کارشناسی ارشد • : بازپروری حرکتی • روان شناسی و آموزش کودکان استثنایی • روانشناسی کودکان استثنایی • روش تهیه وتنظیم موادوبرنامه • زبان تخصصی استثنائی • سمیناردرمسائل کودکان عقب مانده دکتری • : اختلال های عاطفی - رفتاری• خانواده و کودک استثنایی • روانشناسی و توان بخشی افراد نابینا • خانواده و کودک استثنایی مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : دکتر به پژوه راه اندازی و اجرای کارگاههای آموزشی مهارت تدریس در دانشگاههای کشور را بر عهده داشته است.جوائز و نشانها : ۱۳۸۶,جایزه کتاب خانوادهچگونگی عرضه آثار : از تألیفات دکتر احمد به پژوه می توان به کودکان چگونه رفتار می کنند؟ جوان و تشکیل خانواده، خانواده و فرزندان در دورهٔ ابتدایی، چه کسی، با چه نوع شخصیتی، کدام شغل را انتخاب می کند؟ چهار نوشتار دربارهٔ مددکاری اجتماعی، اصول برقراری رابطهٔ انسانی با کودک و نوجوان، کمک به رشد گفتار و زبان کودکان عقب مانده ذهنی، راهنمای زندگی نامه و نظریه های روان شناسان بزرگ و فرهنگ کودکان استثنایی اشاره کرد.آثار

: اصول برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان ویژگی اثر : پدیدآورنده: احمد به پژوه ناشر: نهضت پویا – ۲۶ اسفند، ۱۳۸۶ ۲ اصول برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان ویژگی اثر : پدیدآورنده: احمد به پژوه ناشر: نهضت پویا – ۲۱ فروردین، ۱۳۸۴ پدیدآورنده: احمد به پژوه ناشر: نهضت پویا – ۲۱ فروردین، ۱۳۸۴ ۳ انتظارهای کودکان از مادران و پدران چیست؟ ویژگی اثر : پدیدآورنده: احمد به پژوه ناشر: پرنیان – ۱۳۸۳ ۴ بهبودبخشی مهارتهای اجتماعی کودکان: ارزیابی و آموزش ویژگی اثر : پدیدآورنده: جانی ماتسن، تامس اولندیک، احمد به پژوه (مترجم) ناشر: اطلاعات – ۰۴ تیر، ۱۳۸۴ ۵ بهداشت روانی خانواده ویژگی اثر : پدیدآورنده: محمدرضا افضل نیا، احمد به پژوه (ویراستار) ناشر: نسل نو اندیش – ۲۵ فروردین، ۱۳۸۶ ۶ چالش مشق شب: راهنمای مدیران، معلمان، مادران و پدران ویژگی اثر : پدیدآورنده: هریس کوپر، احمد به پژوه (مترجم)، فریده نوری (مترجم) ناشر: انجمن اولیاء و مربیان – ۱۰ تیر، ۱۳۸۶ ۷ چه کسی، با چه نوع شخصیتی، کدام شغل را انتخاب می کند؟ ویژگی اثر : پدیدآورنده: احمد به پژوه، رجبعلی مظلومی (زیرنظر) ناشر: انجمن اولیاء و مربیان – ۲۵ خرداد، ۱۳۸۷ ۸ خانواده و فرزندان: در دوره ی ابتدایی ویژگی اثر : پدیدآورنده: استادان طرح جامع آموزش خانواده، محمد پوریان (ویراستار)، جعفر جوانبخت اول (ویراستار)، احمد به پژوه (ویراستار) ناشر: انجمن اولیاء و مربیان – ۱۷ مهر، ۱۳۸۵ ۹ دانش آموزان با مشکلات عاطفی و رفتاری ویژگی اثر : پدیدآورنده: روی هووارت، پام فیشر، احمد به پژوه (مترجم)، هادی هاشمی رزینی (مترجم) ناشر: انجمن اولیاء و مربیان – ۱۷ فروردین، ۱۳۸۷ ۱۰ دانش خانواده سالم: جمعیت و تنظیم خانواده ویژگی اثر : پدیدآورنده: احمد احمدی، محمد جهانفر، احمد به پژوه (ویراستار)، حسن سرایی (ویراستار)، شایسته جهان فر (ویراستار) ناشر: جهان فرهنگی – ۲۰ خرداد، ۱۳۸۶ ۱۱ راهنمای زندگی نامه و نظریه های روان شناسان بزرگ ویژگی اثر : پدیدآورنده: ورنون نوردبی، کالوین هال، احمد به پژوه (مترجم)، نجف علی دولتی (مترجم) ناشر: منادی تربیت – ۰۴ شهریور، ۱۳۸۶ ۱۲ روش های مقابله با افسردگی نوجوانان: راهنمای والدین ویژگی اثر : پدیدآورنده: جان شری، کارول فیتزپاتریک، احمد به پژوه (مترجم)، فریده نوری (مترجم)، حمیرا ربیعی (ویراستار) ناشر: انجمن اولیاء و مربیان – ۲۹ مهر، ۱۳۸۷ ۱۳ فرهنگ توصیفی کودکان استثنایی: آموزش و پرورش، روان شناسی، توانبخشی و علوم وابسته (انگلیسی – فارسی، فارسی – انگلیسی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: فیلیپ ویلیامز، احمد به پژوه (مترجم)، حمید علیزاده (مترجم)، فریبا یادگاری (مترجم)، مجید یوسفی لویه (مترجم) ناشر: بعثت – ۰۱ آبان، ۱۳۸۶ ۱۴ کمک به رشد گفتار و زبان کودکان کم توان ذهنی ویژگی اثر : پدیدآورنده: دیوید ریان، تامار شیلو، مایکل لوئیس گوردون، احمد به پژوه (مترجم)، غلامرضا خجسته مهر (مترجم)، بهرام روستایی (مترجم) ناشر: دانژه – ۱۶ شهریور، ۱۳۸۷ ۱۵ گام های نخستین به سوی خواندن ویژگی اثر : پدیدآورنده: جودیت شیکدانز، احمد به پژوه (مترجم)، محمدجعفر کندی (مترجم) ناشر: انجمن اولیاء و مربیان – ۲۷ آذر، ۱۳۸۴

بهاء الدین محمّد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بهاء الدین محمّد ملقّب به صدر الشریعه، عالم و فاضل، ادیب و شاعر، از رؤسای ملّت دین. در اصفهان خدمت حاج سید اسداللّه بید آبادی و حاج شیخ محمّد باقر مسجد شاهی، و در طهران خدمت سید محمّد صادق سنگلجی، سپس مدّتی در خراسان در خدمت علمای آن سامان تحصیل نموده، و از عدّه‌ای از مجتهدین اجازه یافته، در اواخر عمر در طهران ساکن شده، در حدود سال ۱۳۱۶ در طهران وفات یافته، جنازه حمل به نجف شده، در مدرسه صدر مدفون گردید.

کتب زیر از اوست:

۱– دیوان اشعار فارسی و عربی ۲– فوائد البهائیّه، مطبوع؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بهاء ولد، بهاءالدین محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۲۸ ق)، واعظ، صوفی و عارف. مشهور به سلطان العلماء. وی پدر مولانا جلال‌الدین بود و نسبش به ابوبکر خلیفه می‌رسید و مادرش از خاندان خوارزمشاهی بود و از تربیت یافتگان شیخ نجم‌الدین کبری. مدتی در خوارزم می‌زیست و به واسطه اختلافی که با سلطان محمد خوارزمشاه پیدا کرد در سال ۶۱۰ ق از بلخ به آسیای صغیر هجرت کرد. در طول سفر در نیشابور با فریدالدین عطار دیدار کرد و در بغداد نیز چند منبر رفت و بعد از زیارت خانه خدا مدتی در شهرهای لارنده و ملطیه مسکن گزید و بالاخره به دعوت سلطان سلجوقی به سال ۶۱۷ ق به قونیه رفت و در آنجا رحل اقامت افکند و همان جا درگذشت. وی از واعظان و منبریان مشهور زمان خود بود. یگانه اثر بازمانده از وی کتاب «معارف بهاء ولد» است که به همت استاد فقید بدیع الزمان فروزانفر چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۴۸۷/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۲۲ –۱۰۱۹ /۲)، تاریخ گزیده (۶۶۹)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۱)، تذکرةالشعراء (۲۱۴)، جستجو در تصوف (۲۸۳ –۲۷۷)، دایرةالمعارف فارسی (۴۷۵/۱)،، الذریعه (۱۸۷/۲۱)، فیه مافیه (۱۲)، لغت‌نامه

(ذیل/بهاءالدین ولد)، معجم‌المؤلفین (۲۳۳/۹)، مؤلفین کتب چاپی (۷۳۵/۵)، مناقب العارفین (۵۵ -۷)، نفحات‌الانس (۴۶۰ -۴۵۹)، هدیهٔ‌العارفین (۱۱۰/۲).

بهاءالدین حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. وی منشی آستانه‌ی سدره مرتبه بود و بسیار خوش می‌نوشت. خط او برابر با خط سایر استادان بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۷۲/۴)، گلستان هنر (۴۹).

بهاءالدین درجزینی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۹۷ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه مجموعه‌ی «لعمات» عراقی و «تحقیقات» شیخ صفی‌الدین و غیره، به قلم نستعلیق کتابت متوسط، با رقم: «قدتمت... علی یدالضعیف... ابن جلال‌الدین درجزینی، بهاءالدین... فی غرهٔ شهر ذی‌الحجهٔ سنهٔ سبع و تسعین و الف...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۱/۱).

بهاءالدین ساوجی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، شاعر. وی به خواجه تاج‌الدین، احمد بن محمد بن علی عراقی، وزیر امیر مبارزالدین محمد بن مظفر، اختصاص داشت و سالها در خدمت وی بوده است. از جمله آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۲۷/۳)، الذریعه (۱۴۳/۹).

بهاءالدینی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۹ فروردین ۱۲۶۷ (عید غدیر خم ۱۳۲۷ ق.)، قم.

درگذشت: ۲۸ تیر ۱۳۷۶(۱۳ ربیع‌الاول ۱۴۱۸ ق.)، قم.

آیت‌الله سید رضا بهاءالدینی، فرزند صفی‌الدین خدمتگزار آستانه حضرت معصومه و حافظ بسیاری از سوره‌های قرآن مجید و معروف به «کشف‌الایات» بود. وی پس از پشت سر نهادن دوران کودکی، در شش سالگی به مکتبخانه رفت و به فراگیری نصاب، گلستان، خواندن و نوشتن پرداخت و پس از آن به آموختن علوم دینی روی آورد، و توانست مغنی را نزد میرزا محمدعلی ادیب تهرانی، شرح لمعه و فرائد الاصول را در محضر آخوند میرزا محمد همدانی، قوانین الاصول را نزد آیت‌الله آخوند ملا علی همدانی و مکاسب را در مجلس درس آیت‌الله سید صدرالدین صدر بیاموزد.

سپس در نوزده سالگی در درس خارج فقه و اصول آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی حاضر شد. پس از وفات ایشان به درس حضرات آیات عظام: سید صدرالدین صدر، سید محمد حجت، سید محمدتقی خوانساری و حاج آقا حسین بروجردی حاضر شد و مبانی فقهی و اصولی‌اش را استوار ساخت و در بیست و پنج سالگی از آیت‌الله خوانساری اجازه اجتهاد دریافت نمود.

ایشان در کنار تحصیل به تدریس مقدمات و سطوح روی آورد و سیوطی، مغنی، حاشیه، مطول، قوانین (پنج دوره) رسایل، مکاسب و کفایه را تدریس کرد و شاگردان فراوانی را تربیت نمود. سپس خارج فقه و اصول را آغاز کرد و در مدت بیست سال، چند کتاب فقهی و چند دوره اصول را تدریس نمود و مجموع سالهای تدریس وی، شصت سال به طول انجامید.

آیت‌الله بهاءالدینی در جنب تحصیل و تدریس به اقامه جماعت و تألیف نیز پرداخت و نوشتارهایی پیرامون قرآن مجید، نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه از او به یادگار ماند و این همه خمیرمایه درسهای اخلاقی وی در حوزه‌ی علمیه قم را تشکیل داد.

در اسفند ۱۳۷۵ سمیناری در تجلیل از وی در حوزه‌ی علمیه‌ی قم برپا شد و از شخصیت وی تجلیل گردید و کتابی با نام آیت بصیرت در شرح زندگی او منتشر شد.

آیت‌الله بهاءالدینی در سن نود سالگی در روز شنبه بیست و هشتم تیر ۱۳۷۶ (سیزدهم ربیع‌الاول ۱۴۱۸ ق.) بدرود حیات گفت و پیکرش پس از تشییع و نماز آیت‌الله فاضل لنکرانی بر آن در مسجد بالا سر حضرت فاطمه معصومه (س) به خاک سپرده شد.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بهادر سیستانی، محمد سعید

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۴/۹۷۴ ق)، شاعر. وی برادر خان زمان سیستانی بود. از اوست:

آن شوخ جفا پیشه دل سنگ گرفته

گویا به من خسته ره جنگ گرفته

بنشسته مه من به سر مسند خوبی

شاهی است که جا بر سر اورنگ گرفته

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۱۸)،، فرهنگ سخنوران (۱۴۴)، هفت اقلیم (۴۶۷ -۴۶۴ /۱).

بهادر شیرازی، بهادرچم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۵ ش)، شاعر و خطاط. وی در شیراز متولد شد. پس از طی دوره‌ی دبستان در رشته‌ی درودگری هنرستان مارس، به تحصیل ادامه داد و موفق به اخذ دیپلم شد پس از آن به خدمت وزارت دارایی درآمد. پدرش مدیر روزنامه‌ی «مرد انقلاب» بود. چون کارمندان دولت از نشر روزنامه ممنوع شده بودند این روزنامه تعطیل گشت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۹۳۶ -۹۳۴ /۵).

بهادری نژاد، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: مکانیک، دانشگاه: صنعتی شریف

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی مکانیک از دانشکده فنی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۵، کارشناسی ارشد مهندسی مکانیک از دانشگاه وسیکانسین آمریکا در سال ۱۳۳۸ و دکترای تخصصی مهندسی مکانیک از دانشگاه ایلینویز آمریکا در سال ۱۳۴۳.

مرتبه علمی:

تدریس دروس تبدیل انرژی در دانشگاههای میسوری، ایالتی آریزونا، شیراز، صنعتی شریف و واترلو (کانادا)، استاد دانشگاه مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی شریف.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تولید گاز متان در یک واحد بیوگاز، گرمایش خورشیدی ساختمانها، طرح یک ماهی خشک‌کن خورشیدی و استاد راهنمای ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

ابداع:

ماشین نان‌پزی تولید نانهای مصرفی در ایران، اتوکلاو خورشیدی، کرسی خورشیدی، استفاده از بادگیری در توربینهای بادی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

عرفانی و معنوی (با عنوان دانشگاه زندگی).

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

انتقال حرارت، کاربرد انرژی خورشیدی و سرمایش طبیعی ساختمانها و چندین مقاله دیگر در زمینه‌های مهندسی مکانیک.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

بهار اصفهانی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۸ ق)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به بهار. در اصفهان متولد شد و تحصیلات خود را در این شهر انجام داد. وی به مدت بیست سال از شعر و شاعری دست کشید و به ارومیه مهاجرت کرد و روزنامه‌ی «کیوان» را منتشر کرد. وی به علت ناآرامی آذربایجان به اصفهان رفت و بعد از دو سال دوباره به آذربایجان برگشت. وی از اعضاء انجمن ادبی مرحوم شیدا بود. از آثار او: «افشای حقایق پاسخ به اعلامیه‌ی ۲۹ آذر ۳۳ سید ضیاءالدین»؛ «جنایات بشر یا آدم‌فروشان قرن بیستم»؛ «داروی تربیت»؛ «سیزده عید وضع اجتماعی زن»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۱۵۳/۴)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۹۵ -۹۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۳ -۱۰۲ /۳).

بهار دارابی، محمد علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۰/۱۲۵۰ ق)، شاعر. اهل داراب فارس بود. او در جوانی به شیراز رفت و به تحصیل مقدمات و ادبیات فارسی و عربی پرداخت. پس از مرگ پدر منصب شیخ‌الاسلامی یافت. وی مردی بافضل و اخلاق و دیندار بود و از مریدان حاج محمد حسین شیخ زین‌الدین اصفهانی، که گاهی نیز شعر می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۱۰۳)، حدیقهٔ‌الشعراء (۲۷۲ -۲۷۱ /۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۷۷ -۴۷۶ /۱)، الذریعه (۱۴۶/۹)، ریاض‌العارفین (۲۴۵)، ریحانه (۲۹۶/۱)، سفینهٔ‌المحمود (۵۱۰/۲)، طرائق‌الحقائق (۲۳۵ -۲۳۴ /۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۳۱۵/۲)، مجمع‌الفصحا (۱۸۱/۴)، مرآت الفصاحه (۹۶)، مصطبه‌ی خراب (۳۲ -۲۲)، مکارم‌الآثار (۱۶۳۴ -۱۶۳۳ /۵)،، نگارستان دارا (۱۷۴).

بهار شیروانی، نصراللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۴/۱۳۰۰ -۱۲۵۲/۱۲۴۷ ق)، شاعر. وی در شیروان متولد شد و از بزرگزادگان آن دیار بود. چندی به هندوستان رفت و از آنجا به ایران آمد و مدتی در اصفهان ساکن شد، در سال ۱۲۷۵ ق به تهران آمد و از آنجا به خراسان رفت و در خانه‌ی میرزا کاظم صبوری منزل کرد. سرانجام بهار از خراسان به تبریز رفت و منشی کنسولگری فرانسه شد. وی کتابی در «لغت فارسی به فرانسه» در دو جلد نوشت که کنسول این کتاب را از وی خرید و به اسم خود و به نام «لغت نیکلا» به چاپ رسانید. «دیوان» وی مرکب از اشعار فارسی و ترکی است، دو مثنوی هم به عنوان: «تحفهٔ‌العراقین» و «نرگس و گل» ساخته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ‌الشعراء (۲۷۴ -۲۷۲ /۱)، دانشمندان آذربایجان (۷۱)، الذریعه (۱۴۶/۹)، ریحانه (۲۹۷ -۲۹۶ /۱)، سخنوران نامی معاصر (۵۸۴ -۵۸۰ /۱)، شرح حال رجال (۳۵۱ -۳۴۹ /۴)، لغت‌نامه (ذیل/بهار شیروانی)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۵ -۵۷۴ /۶)، مجمع‌الفصحا (۱۸۱ -۱۷۹ /۴)، مکارم‌الآثار (۱۴۱۹ -۱۴۱۸ /۴).

بهار مست، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر و نویسنده. وی از شاگردان ممتاز مدرسه‌ی صاحب منصبان بود. در سال ۱۳۰۷ ش موفق به اخذ دیپلم متوسطه نظام و رتبه‌ی نایب دومی مفتخر شد. از آثار او: «استعمال توپخانه در جنگ»؛ «بیژن و منیژه»، شعر؛ «جغرافیای نظامی ایران»؛ «دوره‌ی توپخانه»؛ «فرماندهی خداوند جنگ سپهبد فردوسی»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۱۴۶)، مؤلفین کتب چاپی (۳۶۵ -۳۶۴ /۱).

بهار یزدی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی از اجله‌ی سادات عقیلی یزد و از زمره‌ی علما، و ائمه‌ی جماعت بود که بعضی معتقد اجتهاد ایشان‌اند. پدر وی نیز شعر می‌سرود و خزانی تخلص می‌کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۲۷۸ -۲۷۷ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۴۶).

بهار، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملک‌الشعراء محمدتقی بن ملک‌الشعراء محمدکاظم صبوری شاعر بزرگ عصر ما (و. ۱۲۶۶ ه.ش./ ۱۸۶۶ م.- ف. ۱۳۳۰ ه.ش./ ۱۹۵۱ م.) وی در عین حال شاعر و محقق و نویسنده و استاد دانشگاه و روزنامه‌نگار و مرد سیاست بود. بهار در شعر شیوه فصیح قدمتا را به نیکوترین صورتی بیان کرده، در ضمن از زبان متداول لغات و تعبیرات و اصطلاحاتی را در اشعار خود به عاریت گرفته است. وی شعر را وسیله بیان مقاصد گوناگون قرار داده و با اطلاعی که از زبان پهلوی داشت با ایجاد ترکیبات جدید و استعمال مجدد برخی از لغات متروک توفیق یافت. دیوان بهار در دو مجلد به طبع رسیده. از آثار تحقیقی او تصحیح و تحشیه «تاریخ سیستان» و «مجمل التواریخ والقصص» و تألیف «سبک شناسی» (سه مجلد) است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

بهار، مهرداد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملک مهرداد بهار ، فرزند محمدتقی بهار (ملک الشعرا) در سال ۱۳۰۸ شمسی در تهران چشم به جهان گشود. وی از سال ۱۳۲۶ به عرصه ی فعالیت های سیاسی واردشد ، و پس از ورود به دانشگاه فعالیت های خود را گسترش داد ، که همین امر باعث اخراجش از دانشگاه شد و چندی بعد منجر به دستگیریِ او گردید. پس از آزادی از زندان در سال ۱۳۳۸ برای ادامه ی تحصیلات به انگلستان رفت و در دانشکده شرق شناسی دانشگاه لندن تحصیلات خود را ادامه داد. بهار از سال ۱۳۴۴ به کلی از فعالیت های سیاسی کناره گرفت و به وطن بازگشت و در زمینه ی فرهنگ ایران باستان به پژوهش پرداخت. وی ده سال در بنیاد فرهنگ ایران و فرهنگستان زبان ایران به کار پژوهش پرداخت و مدیریت گروه اساطیر را به عهده داشت. وی سرانجام در ۲۲ آبان ۱۳۷۳ بر اثر سرطان خون در گذشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : ملک مهرداد بهار ، پنجمین فرزند در خانواده ی دانش پرور شاعر پرآوازه استاد محمدتقی بهار (ملک الشعرا) چشم به جهان گشود. مادر وی شاهزاده خانمی قاجاریه از خانواده ی دولتشاه کرمانشاه از نوادگان فتحعلی شاه بود.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : ملک مهرداد بهار ، دوران کودکی و نوجوانی را در کنار خانواده و تحت سرپرستیِ مادرش سپری کرد. محیط فرهنگیِ خانه که محل رفت و آمد شعرا و ادبا و محفل انس فضلا و بزرگان ادب و سیاستِ آن روز بود ، در روحیه و ساختار و شخصیت او تأثیر بسزایی گذاشت ، به طوری که از او انسانی کم نظیر با تمامیِ خصایل عظیم انسانی و فضایل والای علمی ساخت.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : ملک مهرداد بهار ، تحصیلات ابتدایی را در مدرسه ی « جمشید جم » و دوران متوسطه را در دبیرستان « فیروز بهرام » و « البرز » گذراند. وی در سال ۱۳۲۸-۱۳۲۹ در رشته ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پذیرفته شد. در سال دوم دانشکده (۱۳۲۹-۱۳۳۰) به سبب زندانی کردن استاد دانشگاه تهران برای یک سال از دانشگاه اخراج شد. سپس در بهار ۱۳۳۴ پس از چهار سال دوری به دانشگاه برگشت و در سال ۱۳۳۶ در رشته ی زبان و ادبیات فارسی فارغ التحصیل شد. در فروردین ۱۳۳۸ برای ادامه ی تحصیل به انگلستان رفت و در مدرسه ی مطالعات شرقی و آفریقایی در رشته ی زبان ایران باستان - مطالعات کهن و میانه ی ایرانی که شامل تاریخ و فرهنگ و زبان ایران باستان از اوستا و پارسی باستان تا متن های فارسی میانه و پارتی بود - تحصیلات خود را پی گرفت. وی پس از چهارسال فوق لیسانس خود را در انگلستان گرفت. و دو سال هم بر روی پایان نامه ی دکترا کار کرد ، اما به دلایل مالی مجبور شد به ایران باز گردد (۱۳۴۴). در این سال در دانشگاه تهران دکترای رشته

ی زبان های ایران باستان به تازگی راه اندازی شده بود ، بنابراین بهار رساله ی دکترایش را با عنوان « آفرینش در اساطیر ایرانی بر پایه ی گزیده های زاد سپرم » با دکتر صادق کیا گذراند.

خاطرات و وقایع تحصیل : ملک مهرداد بهار در سال ۱۳۲۶ درکلاس دهم دبیرستان فیروز بهرام وارد حزب توده شد و از رهبران سازمان جوانان آن حزب شد. وی در طول سال های تحصیل فعالیت سیاسی را دنبال نمود و گاه بدین خاطر به زندان نیز افتاد. در ادامه ی فعالیت های سیاسی دیگر به صورت مستقل از آرمان های صنفی – سیاسی دانشجویان ایرانی دفاع می کرد. در سال ۱۹۶۱ در کنفرانس حزب توده در شهر دوسلدورف آلمان ، در دفاع از عدم انشعاب در کنفدراسیون دانشجویان ایرانی و مخالفت با حزب توده ، برای همیشه از این حزب اخراج شد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : مهرداد بهار در مدت تحصیل در انگلستان ، با جنبش دانشجویی ایران و انتشار نشریه های فرهنگی – دانشجویی همکاری داشت ، همچنین یکی از اعضای هیئت دبیران کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در سال های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۰ ، عضو هیئت تحریریه ی مجله ی پژوهشی چاپ لندن و مدتی هم سردبیر آن بود و با نشریاتی چون « نامه پارسی » همکاری داشت.

استادان و مربیان : ملک مهرداد بهار پس از آنکه تحصیلا ت متوسطه ی خود را در تهران گذراند ، در رشته ی زبان و ادبیات فارسی ادامه ی تحصیل داد. در این مدت از محضر استادانی چون استاد پورداوود ، استاد بدیع الزمان فروزانفر و بیش از همه پدر ادیب و سخنورش استاد محمد تقی بهار بهره برد. و ی ۶ سال هم در دانشکده ی شرق شناسی دانشگاه لندن در رشته ی ایران شناسی به تحقیق و مطالعه ی زبان های پارسی باستان و اوستا و پارسی میانه و پارتی و تاریخ فرهنگ ایران پرداخت. استادانش ، بزرگانی چون پرفسور هنینک ، پرفسور مکنزی ، پرفسور مری بویس و پروفسور هارولد بیلی بودند.

همسر و فرزندان : همسر ملک مهرداد بهار ، خانم دکتر زهره سرمد تهرانی ، استاد دانشگاه تهران است. از او دو پسر و یک دختر به نام های کاوه ، میلاد و فرغانه به یادگار مانده است.

زمان و علت فوت : ملک مهرداد بهار بر اثر سرطان خون در روز یکشنبه ۲۲ آبان ماه ۱۳۷۳ در سن ۶۵ سالگی در گذشت و در قطعه ی هنرمندان در بهشت زهرا به خا ک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ملک مهرداد بهار پس از آنکه از لندن به ایران بازگشت به سبب فعالیت های سیاسی هرگز نتوانست در دانشگاه به طور رسمی استخدام شود ، به ناچار در بانک مرکزی با عنوان « دبیر هیئت عامل بانک » استخدام شد ، سپس به صورت کارمند انتقالی از بانک مرکزی در بنیاد فرهنگ ایران به پژوهش پرداخت. از ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۳ ، پس از پیروزی انقلاب اسلامی به بانک برگشت و به کار ترجمه ی متون اقتصادی پرداخت. پس از ۲۳ سال کار در بانک به دلیل ناهم خوانی با روحیه ی استاد در سال ۱۳۶۸ خود را بازنشسته کرد. مهرداد بهار در سال ۱۳۲۶ درکلاس دهم دبیرستان فیروز بهرام وارد حزب توده شد و از رهبران سازمان جوانان آن حزب شد و در طول سال های تحصیل فعالیت سیاسی را دنبال نمود و گاه بدین خاطر به زندان نیز افتاد. بهار در مدت تحصیل در انگلستان ، با جنبش دانشجویی ایران و انتشار نشریه های فرهنگی – دانشجویی همکاری داشت ، همچنین یکی از اعضای هیئت دبیران کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در سال های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۰ ، عضو هیئت تحریریه مجله پژوهشی چاپ لندن و مدتی هم سردبیر آن بود و با نشریاتی چون « نامه پارسی » همکاری داشت. در ادامه ی فعالیت های سیاسی دیگر به صورت مستقل از آرمان های صنفی – سیاسی دانشجویان ایرانی دفاع می کرد ،در سال ۱۹۶۱ در کنفرانس حزب توده در شهردوسلدورف آلمان ، در دفاع از عدم انشعاب در کنفدراسیون دانشجویان ایرانی و مخالفت با حزب توده ، برای همیشه از این حزب اخراج شد.

فعالیتهای آموزشی : ملک مهرداد بهار به سبب فعالیت های سیاسی هرگز نتوانست در دانشگاه به طور رسمی استخدام شود. او هنگامی که در بانک کار می کرد به صورت حق التدریس در دانشگاه تهران تدریس می نمود. از سال ۱۳۵۲ در گروه زبان شناسی و زبان های باستانی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به عنوان عضو هیئت علمی مدعو به تدریس پرداخت. در واپسین سال های عمر در گروه تاریخ ادیان دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران در رشته ی ادبیات و عرفان به تدریس پرداخت.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : ملک مهرداد بهار در سال ۱۳۵۱–۱۳۵۲ در فرهنگستان زبان ایران موفق شد پژوهشکده ی زبان های ایرانی میانه و باستان گروه زبان و پارسی میانه را تشکیل بدهد که در آنجا طی هفت سال متون پهلوی بسیاری به یاری او منتشر شد. در کنار فرهنگستان زبان ایران در فرهنگستان ادب و هنر ایران (۱۳۵۱–۱۳۵۲) نیز گروه اساطیر را با هدف تدوین دانشنامه ی اساطیر ایران تشکیل داد.

آرا و گرایشهای خاص : ملک مهرداد بهار نخستین کسی بود که در ایران به پژوهش درباره ی اساطیر ایران پرداخت و در این زمینه شاگردان بسیاری پروراند. در میان پژوهشگران پهنه ی فرهنگ ایران زمین ،گروهی یافت می شوند که تنها توجه خود را منحصر به داده ها و تحلیل های گذشته نمی بینند ، بلکه ترجیح می دهند تا با کندوکاو در دیدگاه های رایج و ارزیابی و سنجش آن ، خود نیز به دیدگاهی مستقل دست یابند. استاد مهرداد بهار از جمله فرهنگ پژوهانی است که می توان وی را در حوزه ی یادشده جای داد. استاد در عین آشنایی با دیدگاه های رایج ایران شناختی و بهره گیری درست و دقیق از هرکدام ، پژوهشگری یکتا و مستقل به شمار می آمد چرا که بر بسیاری از داده ها و نظرگاه های ایران شناسان غربی نقد روا داشته و در برخی از موارد از آنها فاصله می گرفت.کار پراهمیت دکتر بهار متمرکز است بر تاثیر ژرف فرهنگ های بومی ایران و فرهنگ آسیای غربی به ویژه میان رودان بین النهرین بر فرهنگ ایرانی که از چشم بسیاری به دور مانده بود. --

آثار :

۱ بند هش

۲ پژوهشی در اساطیر ایران

۳ درباره ی قیام ژاندارمری ایران

۴ سخنی چند درباره ی شاهنامه

۵ واژه نامه ی گزیده های زاداسپرم

منابع :

۱روزنامه همشهری ، شنبه ۵ آذر ۱۳۷۹ ، شماره ۲۲۷۶۲کتاب ماه ، سال دوم ، شماره دوازدهم ، ۲۹ مهر ۱۳۷۸۳مهرداد بهار (یادنامه ی استاد دکتر مهرداد بهار) ، به کوشش امیر کاووس بالازاده ، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، ۱۳۷۷ ، ص ۱۳۴نشریه ی نامه ی فرهنگ ، سال چهارم ، شماره ی ۱۶ ، زمستان ۱۳۷۳

بهاری اصفهانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۰ ق)، شاعر. او برادر ملا ادایی اصفهانی از شعرای شاه طهماسب صفوی است. غزل می‌سرود و به شعر خود اعتقاد بسیار داشت. این مطلع از اوست:

خیال بست که خون ریزد آن نگار مرا

فغان که می‌کشد آخر خیال مرا

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۷۲)، تحفه سامی (۳۱۳)، تذکره‌ی روز روشن (۱۱۹)، الذریعه (۱۴۶/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۴۶).

بهاری قمی، علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۶ ق)، شاعر. بهاری از اولاد ابن‌بابویه بود. در قم نشو و نما یافت. وی در سال ۹۹۶ ق با تقی اوحدی در هند همسفر بود و در آنجا تتبع دواوین قدما می‌کرد. از اوست:

کمال عشق چنان کرده بی‌نیاز مرا

که بر زبان سخن از مدعا نمی‌آید

مریض عشق، بهاری ز درد اگر میرد

بر مسیح برای دوا نمی‌آید

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :صبح گلشن (۶۹)، فرهنگ سخنوران (۱۴۶)، کاروان هند (۱۷۴ –۱۷۳ /۱)، مخزن‌الغرائب (۳۲۴/۱).

بهاری کازرونی، نوروز

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. از اهالی کازرون و دلیری چابک‌سوار بوده و چندی حکومت قلعه‌ی هرمز داشته است. از اوست:

مه من کند به هرکس که رسد شکایت از من

که کسی ز رحم ناگه نکند حکایت از من

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۲۰)، الذریعه (۱۴۶/۹)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۴۴۵/۲)، مرآت‌الفصاحه (۹۷ –۹۶).

بهاری همدانی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۳ –۱۲۷۷ ق)، عارف، فقیه، عالم، محدث و رجالی. در بهار از توابع همدان متولد شد و همان جا نزد پدر خود درس خواند. پس از آن به همدان و بروجرد رفت و به ترتیب نزد محمد اسماعیل همدانی و میرزا محمود طباطبایی بروجردی تلمذ کرد پس از پایان سطوح و قرائت درس خارج به نجف رهسپار شد، و نزد ملاـحسینقلی همدانی تحصیلات خود را ادامه داد و از خواص اصحاب او شد. پس از مرگ استادش، ملا حسینقلی همدانی، و بعد از مدت بیست سال توقف در نجف به همدان بازگشت و تا پایان عمر در آنجا زیست و در همان شهر دفن شد. در «اعیان‌الشیعه» چهل و چهار تألیف او نام برده شده است. از آثار وی: «ابهی الدرر فی تکملهٔ عقد الدرر»؛ «البیان فی حقیقه الایمان»؛ «السلاح الحازم لدفع الظالم»، رد ابن‌حجر در منع ذم معاویه»؛ «نثار اللباب»؛ «الدرهٔ الغرویهٔ والتحفهٔ الحسینیه»؛ «تسدید المکارم و تفضیح المظالم»؛ «الطلع النضید فی ابطال المنع عن لعن یزید»؛ «رسالهٔ فی احوال أخطب خوارزم»؛ حاشیه بر «قوانین الاصول»؛ «ایضاح الخطاء»، در نکوهش استبداد؛ رساله‌ای در «عدالت».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۵۳۸ –۵۳۷ /۳)، الذریعه (۵۱/۲۴، ۱۷۹، ۱۷۸– ۱۷۹/ ۱۵، ۲۰۸/۱۲، ۱۰۴/۸، ۱۷۵، ۱۷۴– ۱۷۴ /۶، ۱۷۳/۳، ۴۹۴/۲، ۷۹/۱)، فوائد الرضویه (۴۱۸)، مؤلفین کتب چاپی (۴۶ –۴۵ /۲)، معجم‌المؤلفین (۳۷ –۳۶ /۳).

بهاری، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۰ –۱۳۲۰ ق)، عالم دینی و فقیه. در روستای بهار در دو فرسنگی همدان به دنیا آمد. در سال ۱۳۳۶ ق به تهران آمد و نزد آخوند ملاعلی همدانی و شیخ باقر اصفهانی و آقا سید علی ورامینی به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۴۱ ق به قم رفت و نزد آیت‌اللَّه خوانساری و آیت‌اللَّه میرزا محمد همدانی سطوح نهایی فقه و اصول به پایان برد و معقول را در خدمت آقا میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی فراگرفت و از محضر آیت‌اللَّه یثربی کاشانی و آیت‌اللَّه حایری و آیت‌اللَّه حجت استفاده کافی برد. در سال ۱۳۶۰ ق به تهران آمد و به ترویج دین و تفسیر قرآن و تدریس فقه و اصول پرداخت. وی در تهران درگذشت و جنازه‌اش به قم حمل و در جنب مقبره آیت‌اللَّه حایری دفن شد. از آثارش: شرح بر «بیع مکاسب» شیخ انصاری؛ شرح بر جلد اول «کفایهٔ»؛ سه رساله در «لباس مشکوک».[۱]

حاج اسمعیل بن العالم الجلیل آقا شیخ محمد رضا بهاری از علماء مبرز تهران و تلامذه با فضل و تقوی مرحوم آیهٔ‌اللَّه العظمی حایری و آیهٔ‌اللَّه آقای حجت کوهکمری رحمهمااللَّه بوده‌اند.

وی در سال ۱۳۲۰ قمری در قریه بهار که در دو فرسخی همدان محل و زادگاه عالم ربانی و سالک سجادی حجهٔ‌الاسلام و المسلمین آیهٔ‌اللَّه آقا شیخ محمد بهاری صاحب کتاب (تذکره المتقین) که از اوتاد عصر خود بوده بدنیا آمد و در سال ۱۳۳۶ قمری عزیمت به تهران نموده و نزد آخوند ملا علی همدانی و شیخ محمدباقر اصفهانی و آقا سید علی ورامینی بتحصیل پرداخته و در سال ۱۳۴۱ قمری به قم آمده و خدمت علمین مرحومین آیهٔ‌اللَّه خونساری و آیهٔ‌اللَّه میرزا محمد همدانی سطوح نهائی فقه و اصول را بپایان رسانیده و هم معقول را در خدمت مرحوم آقا میرزا علی اکبر حکیم یزدی خوانده و از محضر مرحوم آیهٔ‌اللَّه آقای میرزا سید علی یثربی کاشانی و آیهٔ‌اللَّه حایری و آیهٔ‌اللَّه حجت و مخصوصا مرحوم آیهٔ‌اللَّه العظمی حایری استفاده کافی نموده و در سال ۱۳۶۰ قمری رحل اقامت به تهران افکنده و در مسجد بازار آهنگرها به اقامه جماعت و تفسیر کلام‌اللَّه و ترویج دین و نشر احکام مبین و تدریس متون فقه و اصول پرداخته تا در سال ۱۳۹۰ قمری که دعوت حق را لبیک اجابت گفته و جنازه‌اش حمل به قم و در جنب مقبره آیهٔ‌اللَّه حایری بخاک رفته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجهٔ (۲۴۴ –۲۴۳ /۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۰۱ –۴۰۰ /۴).

بهاری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد بهاری که از افاضل دانشمندان حوزه علمیه قم می‌باشد. وی در قم متولد شده و در کودکی با مرحوم والدش به تهران آمده و در آنجا نشو و نما و پرورش یافته و پس از تحصیلات جدیده بتحصیل علوم دین پرداخته و اولیات را نزد مرحوم والدش و مدرسین دیگر تهران خوانده آنگاه به قم مهاجرت نموده و سطوح نهائی نزد مدرسین عالی حوزه خوانده و از درس خارج آیهٔ‌اللَّه العظمی بروجردی و پس از ایشان آیات ثلاثه آقای شریعتمداری و آقای مرعشی نجفی و آیهٔ‌اللَّه گلپایگانی و دیگران استفاده نموده و از خرمن علوم آنان خوشه‌ها و توشه‌ها ذخیره کرده و پس از فوت مرحوم والدش به تهران منتقل و بجای ایشان به اقامه جماعت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارد و حقا برای مرحوم والدش (ولد صالح یستغفر له) می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

بهاری، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر بن جعفر بن محمد معروف به (کافی) ابن محمدیوسف بهاری همدانی عالمی جامع و فقیهی بزرگ و متفنن و متتبع بوده است.

وی در بهار همدان متولد شده و پس از پرورش و فراگرفتن مقدمات و سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر علامه میرزا حبیب‌اللَّه رشتی و حاج میرزا حسین خلیلی و ملا محمدکاظم خراسانی استفاده نموده و کتب بسیاری از تقریرات آنان نوشته و علم سلوک و اخلاق را از علامه شهیر آخوند ملاحسینقلی همدانی آموخته و از جماعتی که از آنهاست خاتم‌المحدثین ثالث مجلسین حاج میرزا حسین نوری روایت نموده و در سال ۱۳۱۶ ق به همدان مراجعت و بدون هیچ مسامحه و فتور قیام به انجام وظائف دینی و روحی نموده تا در سال ۱۳۳۳ ق به رحمت حق پیوسته.

آن مرحوم فقیه و مجتهدی متقی و پارسا و شدید در امر به معروف و نهی از منکر و عارفی سالک و مهذبی بارع و دارای تألیفات و تصنیفات ارجداری بوده که ذیلا می‌نگارم.

۱- حاشیه بر شرح الفیه در نحو ۲- حاشیه بر شرح قطر ۳- الدره الغرویه مربوط به حضرت ابی‌عبداللَّه الحسین (ع) ۴- مستدرک الدرهٔ ۵- بدرالامه (در جفر الائمه) ۶- الطلع النضید در ابطال منع از لعن یزید ۷- فضائل حمزه و جعفر ۸- فضل عمار ۹- التقیه ۱۰- ابهی الدرر ۱۱- عقدالدرر در امام منتظر ۱۲- البیان در حقیقهٔ ایمان ۱۳- سلاح الحازم در دفع مظالم جواب ابن حجر هیثمی بر منع از ذم معاویه ۱۴- الدعوه الحسینیه در استحباب گریه بر حسین (ع) ۱۵- اعلان الدعوه ۱۶- نثاب اللباب ۱۷- تنزیه المشاهد ۱۸- تلخیص الرسائل الرجالیه ۱۹- رساله در عثمان بن عیسی ۲۰- روح الجوامع در رجال ۲۱- کتاب النور در امام مستور ۲۲- القوانین ۲۳- الفوائد الاصولیه ۲۴- الصحیح و الاعم ۲۵- الحاشیه الجدیده بر فوائد الاصول شیخ انصاری ۲۶- حاشیه بر مکاسب انصاری ۲۷- حاشیه بر رضاعیه شیخ ۲۸- کتاب الصوم ۲۹- کتاب وفاه النبی صلی اللَّه علیه و آله ۳۰- کتاب العلائم در علامات ظهور حضرت حجه قائم ۳۱- دعوه الرشاد ۳۲- ایضاح المرام ۳۳- اثبات مذهب الاسلام ۳۴- اصول الدین ۳۵- بعث الاموات قبل ظهور الحجه ۳۶- رساله العصمه ۳۷- حاشیه علی المقاصد العلیه ۳۸- مفارقه الاجزاء للقبول ۳۹- تزویج الصغیره ۴۰- المولود من الزنا و دهها کتاب و رساله دیگر که اکثرا مخطوط می‌باشد.

آن بزرگوار را در سال ۱۳۳۳ قمری بدرود حیات گفته و به رحمت حق پیوستند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

بهاری، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین بن العلامه المتتبع آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدباقر بهاری همدانی از علماء و ائمه جماعت معاصر همدانست.

وی در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مبانی علمی را در همدان و غیره خوانده و اکنون در مسجد جامعه همدان به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند ادام‌اللَّه توفیقه و عزه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

بهای اصفهانی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۵۶ ق)، شاعر. مادرش سیده‌ای از نوادگان حکیم تنکابنی، صاحب «تحفه»، بود. اشتهار بها به تخلص شعریش موجب شد که کمتر کسی از معاصران اسم او را بداند. او مقدمات صرف و نحو را به خوبی می‌دانست و از نجوم، ریاضی و هندسه نیز بهره کافی داشت و در خط شکسته و نسخ و نستعلیق اندک مهارتی داشت. یگانه اثر وی کتابی است به نام «بهارالجنان»، شامل سه هزار بیت در مدایح و مراثی آل‌اللَّه به نظم و نثر؛ و در آن هیچ اثری از مدح حکام و امرا دیده نمی‌شود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ‌الشعراء (۲۸۰ -۲۷۸ /۱).

بهای قزوینی، بهاءالدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، شاعر. وی از سرایندگان دوران صفویه بود که شعر را به نیکی می‌سرود. ابیاتی از وی در تذکره‌ها ذکر شده است. از اوست:

ای زلف ترا نبوده با یاران سر

نابرده ز دست از کله‌داران سر

بر گل ز بنفشه خوش نمودی به فسون

خطی که نهادند بران یاران سر

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۱۴۳)، مینو در (۴۰۷/۲)، هفت اقلیم (۱۶۴ -۱۶۳ /۳).

بهایی شیرازی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۳۶ ق)، شاعر، متخلص به بهایی. ملقب به بنان دفتر. در انشاء و نویسندگی مانند پدرش از همگنان سرآمد بود و در اداره‌ی شهربانی شیراز به امر انشاء اشتغال داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۴۰)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۷۶ -۴۷۴ /۱)، الذریعه (۱۴۴/۹)، ریحانه (۲۹۶/۱)، فرهنگ سخنوران (۱۴۷)، مرآت‌الفصاحه (۹۸).

بهایی شیرازی، بهاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۸ ق)، شاعر. پدر او امام جمعه و جماعت بود. وی مدتها تحصیل علوم صوری و معنوی کرد. بهایی با صاحب «مرآت‌الفصاحه» معاشرت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۳۳۴)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۸۷/۲)، مرآت‌الفصاحه (۹۸ -۹۷).

بهبود شاهنشاهی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط و نقاش وی شاگرد محمدحسین تبریزی و از بردگان شاه طهماسب اول صفوی بود که در حرم خاص او به کتابت اشتغال داشت. بهبود در خوشنویسی نستعلیق و نقاشی از بی‌بدیلان روزگار بود و کتابت و تزیین و تذهیب و تصویر کتابها را به عهده داشت. از آثار وی: یک قطعه از مرقع، به قلم دودانگ متوسط، با رقم: «مشق فقیر، بهبود».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۲/۱)، احوال و آثار نقاشان (۱۰۴/۱)، مناقب هنروران (۸۷).

بهبودی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر بهبودی درسال ۱۳۰۸ه.ش دیده به جهان گشود. از سال ۱۳۲۷ تحصیلات مذهبی رابطور تمام وقت شروع کرد. ادامه تحصیل خود را تا سال ۱۳۳۷ کشاند واز محضر اساتید آن دوره کسب فیض نمود. بعد از ترک تحصیل به تهران منتقل شد و به تصحیح و تحقیق کتب خطی پرداخت. وی اخراج چهل و پنج جلد بحار و مقابله، تحقیق و پاورقی و تخریج احادیث آن و مقابله با ماخذ، کاملا به دست ایشان به اتمام رسید. در اثر همین توفیق الهی بود که بیش از سایر همکارانش به نسخهٔ مولف دست یافت و ۳۶ جلد از این چهل و پنج جلد رابا نسخهٔ مولف مقابله کرد. در جلد ۱۱۰ که آخرین جلد بحارالانوار است، سخنی کوتاه دربارهٔ این کتاب و شیوهٔ مولف در جمع احادیث تحریر کرده اند که توجه علاقمندان را به آن جلب کرد. گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدباقر بهبودی در ادبیات از محضر استاد ادیب محمدتقی نیشابوری معروف به ادیب دوم، در قسمت سطح مختصری از محضر حجت الاسلام سید احمد یزدی معروف به نهنگ و بیشتر از محضر استاد حجت الاسلام حاج شیخ هاشم قزوینی بهره برد. علاوه بر مقداری سطح در یک رشته از دروس تفسیری محضر حجت الاسلام دامغانی را هم درک کرد که روزهای تعطیل به آن پرداختند. در سال ۱۳۳۳ شمسی به قم آمد و بعد از آنکه یک درس در محضر آیت الله خمینی حاضر شد، بدون توقف به نجف رفت. در نجف یک درس در محضر آیت الله خویی و یک درس در محضر آیت الله حکیم انتخاب کرد و تا دوسال به تحصیل و بیشتر مطالعه و تحقیق شخصی ادامه داد و درسال ۱۳۳۵ ترک تحصیل نمود.استادان

و مربیان : استادان محمدباقر بهبودی استاد ادیب محمدتقی نیشابوری، حجت الاسلام سیداحمد یزدی، حجت الاسلام حاج سیدهاشم قزوینی، حجت الاسلام دامغانی، آیت الله خمینی، آیت الله خویی، آیت الله حکیم می توان نام برد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدباقر بهبودی از سال ۱۳۳۷که به تهران منتقل شد ، به تصحیح و تحقیق کتابهای خطی و چاپی پرداخت. اولین کاری که شروع کرد تصحیح تفسیر المیزان – جلد هفتم – بود که تا جلد بیستم آخرین جلد ادامه یافت. درآن هنگام، کارمن چندان مورد توجه و علاقه واعتماد مولف قرار گرفت که رخصت یافت به حک و اصلاح ادبی آن نیز بپردازد. به موازات تفسیر المیزان به تصحیح بحار الانوار پرداخت و از جلد هفدهم تا آخرین مجلد – غیر از دو جلد ۷۷ و ۷۸ همه مجلدات به تصحیح اینجانب واشراف و نظارت بر متن کتاب و احیانا حک و اصلاح تعلیقهٔ دیگران پایان گرفت.آثار : اسلوب جدید درشناسایی جدید ویژگی اثر : کتابی در تجوید به نام اسلوب جدید در شناسایی تجوید که مقدمهٔ آن در تاریخ علم قرائت و تجوید بسیار جالب تهیه شده است. به سال ۱۳۲۹.۲ تحقیق و تصحیح بحارالانوار ویژگی اثر : این کتاب اثر محمدباقر مجلسی است.۳ تحقیق و تصحیح کتاب کنزالعرفان ویژگی اثر : این کتاب اثر فاضل مقداد است که تحقیق نسخه و تخریج احادیث و تصحیح اوراق مطبعه به عهده محمدباقر بهبودی بوده است.۴ تحقیق و تصحیح کتاب مسالک الافهام فی آیات الاحکام ویژگی اثر : این اثر در دو جلد که قسمت تعلیقات فقهی آن به عهده مرحوم شریف زاده است.۵ تحقیق و تصحیح کتاب مناقب ابن المغازلی ، تحقیق و تصحیح و تعلیقات کتاب الصراط المستقیم ویژگی اثر : این اثر تالیف مرحوم بیاضی در دو جلد است که یک مقدمه از مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی و یک مقدمه از آیت الله سید شهاب امیری مرعشی در اول آن اضافه گردیده است.۷ تحقیق و تصحیح و تعلیقات کتاب مبسوط ویژگی اثر : کتاب مبسوط از جلد سوم تا جلد هشتم با تحقیق نسخه وتصحیح اوراق مطبعی و تعلیقات نسبتا ناچیز و فهرست کامل فروع در حدود ۲۰۰ صفحه.۸ تحقیق و تصحیح وقایع السنین و الاعوام ویژگی اثر : این اثر تالیف خاتون آبادی با تحقیق نسخه و تصحیح اوراق و مقابله با ماخذ می باشد.۹ تعلیقه و تحقیق و تصحیح کتاب زبده البیان ویژگی اثر : این اثر تالیف محقق اردبیلی است.۱۰ صحیح الکافی ، قاطع البرهان فی علم المیزان ویژگی اثر : این اثر اولین اثر چاپی او می باشد که درسال ۱۳۲۸ شمسی به چاپ رسیده است.۱۲ گزیدهٔ کافی، مجلدات ناسخ التواریخ ، معرفه الحدیث ، میثم تمار ویژگی اثر : این کتاب در سال ۱۳۳۳ به چاپ رسیده است.

منابع زندگینامه :کیهان فرهنگی، به کوشش سیدکمال حاج سیدجوادی، سیدمصطفی رخ صفت، روانشاد حسن منتظر قائم، سال سوم، شمارهٔ ۷، مهرماه ۱۳۶۵

بهبودیان، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: ریاضی و آمار، دانشکده: علوم، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ریاضی از دانشگاه تهران، کارشناسی آموزش ریاضی از دانشسرای عالی تهران، کارشناسی ارشد رشته آمار ریاضی از دانشگاه میشیگان آمریکا در سال ۱۳۴۰، دکترای آمار ریاضی از دانشگاه میشیگان در سال ۱۳۴۳.

مرتبه علمی:

در سال تحصیلی ۱۳۴۹ –۵۰ دانشیار مدعو دانشگاه کارولینای شمالی آمریکا، در سال تحصیلی ۱۳۵۵ –۵۶ استاد مدعو دانشگاه استانفورد آمریکا، در سال تحصیلی ۱۳۶۶ –۶۷ استاد مدعو دانشگاه لون بلژیک، استاد دانشکده علوم دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آمار و ریاضی، استاد راهنمای ۹ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

آمار، احتمال.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۲

زمینه علمی مقالات:

آمار، احتمال و ریاضی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

بهبهانی آل آقا، محمدجعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اما آقا محمدجعفر در شب چهارشنبه ۲۶ جمادی‌الاولی ۱۱۷۸ در کربلاء متولد شده و با والدش به ایران آمده و مدتی در دارالمؤمنین قم از محضر پرفیض و اثر جناب میرزا ابوالقاسم قمی صاحب (قوانین‌الاصول) استفاده نموده و در کرمانشاه بجای والد ماجدش قرار و ریاست تامه و مرجعیت عامه داشته است.

وی تألیفات عدیده به این اسامی داشته است ۱- انیس الطلاب ۲- رساله اصول‌الدین فارسی بنام نهج‌الرشاد فی ارشادالعباد ۳- تکمله در شرح تبصره ۴- الجواهر البهیه ۵- منتخب الاصول ۶- مصابیح شرح مفاتیح فیض ۷- حاشیه بر معالم‌الاصول ۸- شرح مختصر نافع ۹- شرح عمیدی بر تهذیب الاصول ۱۰- حاشیه بر وافیهٔ‌الاصول ۱۱- مفتاح‌الجامع ۱۲- کتاب مقتل عربی ۱۳- کتاب ارث ۱۴- تحفهٔ‌الابرار در سه مجلد در تاریخ.

فرزندان آقا محمدجعفر بنامهای زیر می‌باشند ۱- محمدصادق ۲- محمدکاظم ۳- آقا عبداللّه ۴- آقا محمدتقی مرحوم آقا عبداللّه آل آقا از مفاخر علماء خاندان آقا محمدعلی است.

در المآثر والاثار است که آقا عبداللّه مجتهد کرمانشاهی از اجله سلاله وحید بهبهانی بوده است. در سال ۱۲۸۹ وفات نموده و در کربلا در صحن باب‌السدره دفن شده است.

از آثار علمی او کتاب (تحفهٔ‌الجعفریه) است که بنام پدرش نوشته است. وی دارای سه فرزند عالم بنام آقا عبدالمحمد که از شاگردان شیخ زین‌العابدین مازندرانی و به سال ۱۳۰۳ وفات نموده و در مقبره جدش آقا محمدعلی مدفون گردیده است.

آقا عبدالمحمد دارای دو فرزند بنام ۱- حاج آقا عبداللّه متوفی ۱۳۴۹ ق که از شاگردان حاج میرزا حسین خلیلی و آخوند خراسانی و علامه یزدی بوده است ۲- حاج آقا علاءالدین آل آقا که از علماء محترم این فامیل در کرمانشاه است.

نگارنده گوید: احوال و مآثر و آثار خاندان آقا محمدعلی (و آل آقا) را که فرزند ارجمندش آقا احمد در (مرآت‌الاحوال) و آقای شیخ علی دوانی در (زندگانی وحید) ذکر کرده از عهده این کتاب خارج و ما عده‌ای از آنها را فهرسهٔ ذکر نموده و تفصیل آن را ارجاع به کتب مذکوره و غیره داده و می‌پردازیم بذکر معاصرین خود از این سلسله و دانشمندان دیگر کرمانشاه.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

بهبهانی پور، عبدالحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسین بهبهانی پور

محل تولد : عماره

شهرت

تابعیت : عراق

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۸/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۹ دیپلم تجربی گرفتم در سال ۷۰ وارد حوزه علمیه شدم در سال ۱۳۷۴ وارد مؤسسه اما خمینی شدم . در سال ۱۳۸۰ پایان نامه ام را در موضوع اندیشه کلامی شهید صدر دفاع کردم. در سال ۷۸ کتاب تنبیه الامه و تنزیه امله اثر محقق نائینی را به عربی ترجمه کردم . با مرکز مطالعات حوزه علمیه مدتی در نوشتن مقاله در زمینه دین پژوهی (کلام) همکاری داشتم و سه مقاله نوشتم. حدود ۴ کتاب به عربی ترجمه کردم و ندین مقاله برای مجلات عربی به ویژه مجله التوحید ترجمه کردم.

هم اکنون در رشته مدرسی معارف اسلامی (مبانی نظری اسلام) در مقطع دکتری مشغول به تحصیل هستم البته در کنار تحصیل حوزوی در مقطع خارج فقه و اصول .

اساتید بنده در حوزه علمیه :

۱. استاد مددی.

۲. استاد کعبی.

۳. استاد احمد عابدی.

بهبهانی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۵ -۱۲۲۹ ق)، عالم دینی و فقیه. نیاکانش از بحرین بودند. در بهبهان به دنیا آمد. وی پس از آموختن مقدمات در زادگاهش رهسپار نجف اشرف شد و در مجلس درس استادانی چون صاحب «جواهر» و شیخ انصاری و شیخ حسن آل کاشف‌الغطاء حاضر

شد. مدتی نیز در کربلا در محضر سیدابراهیم قزوینی، مؤلف «ضوابط»، حضور یافت. پس از دریافت اجازه روایت و اجازه‌ی اجتهاد بـه زادگـاهش بـازگشت و بـه تعلیـم و تربیـت شـاگردان پرداخـت. پس از چنـدی مجـدداً راهی نجـف شـد و در سـال ۱۲۸۷ ق به درخـواست ناصـرالدین شـاه به تهران آمـد و عهـده‌دار منصب تـدریس و امـامت و صـدور حکم و فتوا شـد. در تهران درگـذشت و جنـازه‌اش به نجف حمـل و در صـحن علوی دفن شـد. وی پـدر سـید عبـداللّه بهبهـانی، شـهید انقلاب مشـروطه، است. از آثار وی: «الرسالهٔ العملیهٔ»، به فارسی، که برای استفاده مقلدانش نگاشت و در تهران به چاپ رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زنـدگینامه :الذریعه (۲۱۳/۱۱)، شـهیدان راه فضـیلت (۵۳۱ –۵۳۰)، طبقـات اعلام‌الشـیعه (قرن ۱۴۷ –۱۴۶ /۱۳)، المآثر والآثار (۱۴۱، ۱۴۰)، مکارم‌الآثار (۸۶۵ –۸۶۳ /۳).

بهبهانی، رحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رحیم بن شیخ هادی بن شیخ صالح بن شیخ محمد اسماعیل بن العلامه آقا محمدعلی بهبهانی از بزرگان علماء و افاضل دانشمندان و مشاهیر این سلسله بوده و در سال ۱۳۴۰ وفات نموده است

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

بهبهانی، سعید

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۲۵۱ ق)، فقیه. ولادت و نشو و نمای او در کربلا بود. پس از تحصیل مقدمات علوم اسلامی، فقه و اصول را از محضر سیدمحمد مجاهد، متوفی ۱۲۴۲ ق اخذ کرد. به پیروی از حکم جهاد استادش به هنگام حمله روسیه تزاری به سر حدات ایران رفت و در جنگ شرکت جست. در بازگشت از جبهه در قزوین ساکن شـد و مدارج اجتهاد را نزد ملا محمدصالح برغانی و شـهید ثالث پیمود، و علوم عقلی و عرفان را در محضر ملا آقا حکمی قزوینی تلمـذ کرد. سپس به کربلا بازگشت و به تدریس و فتوی اشـتغال یافت. او مواعظ اسـتادش، سیدمحمد مجاهد، را در متجاوز از پنجاه مجلس از مجالسـی که او به فارسی املاء کرده بود در کتابی به نام «مصباح‌المجالس»، در تاریخ ۱۲۵۱ ق گردآوری کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۱۹/۲۱)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۶۰۰/۱۳).

بهبهانی، سیمین

قرن:۱۵

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سیمین بهبهانی شاعر و ادیب متولد ۱۳۰۶ تهران

– لیسانس حقوق قضایی دانشگاه تهران

– برنده ده ها جایزه علمی و آکادمیک به خاطر اشعار و غزلیاتش، از جمله جایزه بیژن جلالی

– از معدود شاعرانی که اشعارش به زبان های مختلف دنیا ترجمه شده است.

– گزینه شعر «جامی گناه» او به زبان انگلیسی ترجمه شده و در دانشگاه نیویورک منتشر شده است.

– برخی از آثار او عبارتند از: جای پا، چلچراغ، مرمر، رستاخیز، خطی زسرعت و از آتش،دشت ارژن و ...

– زن برگزیده سال ۱۳۷۷ از سوی بنیاد جهانی پژوهش های زنان

– برنده جایزه لیلیان هیلمن و راشیل هامت از طرف سازمان نظارت بر حقوق بشر ۱۳۷۸

– ترجمه ۱۰۳ شعر او به زبان انگلیسی در مجموعه ای تحت عنوان «فنجانی از آفتاب»

– ترجمه ۱۰۲ شعر او درکتابی با عنوان «آن سوی واژه ها» در آلمان

ز شب خستگان یاد کن شبی آرمیدی اگر

سلامی هم از ما رسان به صبحی رسیدی اگر

به حجت در این داوری ز دوزخ نشان می دهم

به دعوی، زخوش باوری بهشت آفریدی اگر

مهرانه خالقی:برای نوشتن از بهبهانی باید قبل از هر چیز نگاه دوباره ای داشت به غزلیات او چه این غزلیات گذشته از تمام ویژگی های دیگرشان نشان دهنده حساسیت شاعر به موضوعات سیاسی و اجتماعی پیرامونش است. شاید او تنها غزلسرای معاصر ماست که اگر جنگ می شـود برای جنگ و اگر زلزله رخ می دهـد برای زلزله می سـراید و در این میـان محـدودیت و دست و پـاگیری

قاعده وزن و قافیه نه تنها مجال او را تنگ نمی کند، بلکه گستره ای می شود برای او که خود را متعهد به رخدادهای پیرامون خویش نشان دهد که سیمین بهبهانی شاعر درون نیست و گرفتار انتزاعات و تراوشات ذهن نمی شود. بلکه شاعر برون است و پیرامون. او برخلاف بسیاری از زنان روشنفکر و نویسنده و شاعر معاصر، دغدغه خود را کمتر دارد و بیشتر درد اجتماع و جامعه و مردم او را به شعر گفتن وامی دارد و شعر برای او عرصه پرداختن به تعهدات و ضرورت های انسانی از جنس مردم است و نه خود. علاوه بر این شعر بهبهانی گرچه از لطافت و زنانگی به حد اعلا بهره می برد اما فیمینیسم وزنانه نیست و اگر جایی هم دغدغه اش زن بوده است، نه از زاویه تنگ نگاه های مرسوم که از نگاه یک طبیبی که درد و محل درد را می شناسد به موضوع و مشکلات زنان می پردازد و قصد رو درروکردن زنان با مردان و بهره بردن از این آب گل آلود – بر خلاف بسیاری از روشنفکران زن معاصر– را ندارد.

... سخن آنگه از آب گو، سرابی ندیدی اگر /

بدین خالی آسمان، میفروز خورشیدمان/

به پندار و وهم و گمان چراغی خریدی اگر/

و باید از آغازش بنویسیم. روزی که به دنیا آمده است. باید بنویسیم سیمین بهبهانی (خلیلی) به سال ۱۳۰۶ در تهران، در خانواده ای صاحب فرهنگ و قلم متولد شد. «و اما گفتم که زاده شدم در خانه بزرگ پدربزرگ؛ چون پیش از زادنم، مادرم همسر خود را به اشتغالاتش واگذاشته و به خانه پدری بازگشته بود. گویا مادر را تا آستانه مرگ کشیده بود نوزادی که من بودم. زیرا نزدیک به دو منی وزن داشتم! مامای فرنگی خود را باخته بود و پدربزرگ با پای ناتوان بر بام خانه رفته و اذان گفته بود تا دخترش به سلامت فراغت یابد و یافته بود.

به دایه سپرده بودندم، زیرا مادر چنان ناتوان شده بود که شیر نداشت. و این دایه دختر دایی مادرم بود. (گویا راست است که می گویند: «در روزگار پیش، مناصب موروثی بوده اند»)

امیر تومان پیر که دیگر کاری نداشت جز اندیشیدن به روزگار گذشته... سرگرمی تازه ای یافته بود: نوه نوزاد دومنی که مجبور بودند روزهای عمرش را به دروغ بیفزایند تا از چشم زخم بیگانه آسیب نبیند. و البته دایه مهربان آنگاه که زالوی فربه را به شیر بی اشتها می دید، تخم مرغی را با خطوط گرد زغالین سیاه می کرد و زیر فشار انگشت و پول خرد می شکست و گناه بی مبالاتی خود را به گردن «چشم شور» عمه و خاله بی گناه می انداخت و در باور او جز این گریزی نبود!» (۱)

بهبهانی اما در کودکی اولین ماتم را تجربه می کند. مرگ پدربزرگ. چنانچه می نویسد: «پدربزرگ را دیدم در بستر بی هیچ نگاهی در چشم و بی هیچ کلامی بر لب و بی هیچ نقل و کلوچه ای در دست. مادر شیون می کرد و زنان سیاهپوش نیز. و مرگ در باور من معنای گنگی یافته بود، بی آنکه به واژه آن اندیشیده باشم.»

و شاعر از همین جا طعم تلخ و گس مرگ را تجربه می کند. رؤیای کودکی از سر شاعر می پرد. نقل مکان و آغاز زندگی طاقت فرسای در غربت و ناتوانی. چه «پدر بزرگ میراثی بر جای نگذاشته بود و مادر ناچار بود برای اداره زندگی کار کند. در مدارس تازه پاگرفته آن روزگار به تدریس زبان فرانسه پرداخته بود. یک برادرش به دلایل سیاسی ناچار به گریز از مرگ محتوم و فرار از کشور شده بود و برادر دیگرش در زندان به سر می برد.»

وقت درس و مدرسه آغاز می شود. شاعر را به کودکستان می سپرند. «در گوشه باغی پیوسته به کلیسای انجیلی تهران، در خیابان قوام السلطنه. هنوز هم گاهی از برابر در ورودی آن می گذرم... هر روز صبح در کودکستان، دوشیزه دولیتل را –که کوچک نبود و پیر هم بود – می دیدم که در برابر خدای به چهار میخ کشیده می ایستد و نیایش می کند.»

در همین ایام است که بیماری سختی به جان شاعر می افتد: «در زیر گوش راستم تورمی پدید آمده بود. هر روز کاسه ای تلخابه سیاه برابرم می گذاشتند که: «بنوش!» اما تبم نمی برید.» بعدها این تلخی گله از همروزگارانش می شود و در این بیت می نشیند:

همچو برگ بید و بیخ کاسنی تلخند، لیک

تلخشان بیرون نکرد آسیب تب از پیکرم

«سرانجام، پزشک با نیشتر دمل را شکافت، روزهای پیاپی، تکه ای تنزیب را با محلولی می آغشت و بیرحمانه در جای نیشتر فرو می کرد تا زخم بهبود یافت... پزشک فریاد های کودکانه ام را به «کولی گری» تعبیر می کرد و به مادرم می گفت: «این دختر انتقام تو را از زمانه خواهد گرفت!» (۲)

«کولی گری» شاعر به صورت «کولی واره »ها در آمد و «انتقام» به این بیت بدل شد:

گر بسوزند استخوانم در نیستان همچو نی

گوید: «از ایشان گذشتم» ناله خاکسترم

سالی بعد مادر شاعر به ازدواج دوباره تن می دهد. ازدواج دوم مادر مصیبتی است برای او. چنانکه می نویسد: «در خانه پدر دوم اندوهگین بودم که مبادا مادر نیمی از محبتش را از من باز گرفته باشد. دایه او را بیش از پیش دوست می داشتم و آرامش را در سر نهادن بر سینه اش می جستم که همیشه بوی دود و پیاز می داد...»

با این حال تنها پناه شاعر نیز به دیار عدم می شتابد. «به سفر رفته بودیم، بی دایه، و هنگام بازگشتمان دایه دیگر در خانه نبود. مادرم می گریست و این بیت را زمزمه می کرد:

یک روز صرف بستن دل شد به این و آن

روز دگر به کندن دل زین و آن گذشت»

بهبهانی در ایام دبستان و سال اول آن صاحب برادر و پسری دوقلو از پدر جدیدش می شود. می نویسد: مادرم دختری و پسری توأمان به دنیا آورده بود و من کارت پستال دخترکی همسال خود را به مدرسه بردم و گفتم: خواهر من است؛ مادرم دیشب زاییده و آموزگار رندانه گفت: به همین بزرگی؟ و من در نماندم و گفتم: عکس را با برق بزرگ کرده اند!

تراژدی دیگری اما در سنین جوانی برای شاعر اتفاق می افتد: «برادر توأمان بیمار شد. به بیمارستان بردندش، اما مادر تنها بازگشت. با اندک فاصله پس از او خواهر دوساله هم بیمار شد، همان بیماری. شب را گذراند و صبح به حال خفقان افتاد. از خانه بیرون دویده بودم، بی کفش و با جفتی جوراب که نیمه ای از هر لنگه مچاله و لوله روی برف و گل کشیده می شد و من می دویدم... سرگشته و ناتوان بازگشتم. پزشک از در خانه بیرون می رفت. سرافکنده و کیفی در دست. کسی بدرقه اش نمی کرد. به اتاق آمدم، مادرکنار دیوار نشسته بود. حتی توان گریستن نداشت: مجسمه ای مومیایی و خشک. (۳)

سال بعد اما خداوند برادری دیگر به او می دهد. کودکی رنجور که ناچار به پانسیون می فرستندش و بیماری بچه بیش از پیش می شود و شاعر قبول می کند در ازای شبانه درس خواندن از او مراقبت کند.

اولین شعرهای بهبهانی را مادرش کشف می کند که خود ذوق سرودن داشت. «یک روز که دست نوشته هایم را زیر بالشم یافته وخوانده بود، پرسید: شعر می نویسی؟ سرخ شدم و گریستم این دومین باری بود که در برابر نگاه جست وجوگرش سرخ می شدم و می گریستم.»

مادر شاعر اما اشعار او را برای پروین اعتصامی می خواند و شاعر پرآوازه از ذوق و علاقه، بهبهانی را می بوسد. وقتی رفتند مادر گفت: «او پروین اعتصامی است، بزرگترین شاعر زن. شاید نهانی آرزو می کرد که روزی چون او باشم. در فروردین سال بعد پروین اعتصامی درگذشت، به بیماری حصبه، اما خاطره دیدارش در من نخواهد مرد و شاید گلی بر خاکم برویاند...»

بهبهانی تحصیلات خود را در رشته حقوق قضایی به پایان می برد و از ۱۴ سالگی سرودن را با چهارپاره های نیمایی آغاز می کند و سپس به غزل روی می آورد. و این آغاز تحولی نو در غزل معاصر بود.

شاعر تمام هستی اش شعر است. خودش معترف است که «از آن هنگام که در جامه سپید از خانه پدر بیرون خزیدم در شعر زیستم. اگر صفایی، نوری، طراوتی و رنگ و بویی بوده است در شعر است. درغزل هاست. دیگر جز در شعر با خود راست نگفته ام.»

بهبهانی با نزدیکی شگفت آورش به زبان روزمره مردم و یافتن پاره های موزون در جملات عادی زبان، دموکرات ترین زبان شعر نوکلاسیک فارسی را خلق کرد. شعر او نشانگر درگیری عمیق ذهن شاعر، با رنج ها، شادی ها و مسائل مردم است.

او که به خاطر همین نوآوری ها در زبان و وزن غزل به «بانوی غزل» شناخته می شد و شعر عاشقانه اش، برتر از انواع دیگر شعرش می نشست؛ به تدریج شعرش را به تجلیگاه رنج ها، محرومیت ها و فریادهای مردم بدل کرد. او از معدود شاعران مطرح ایرانی است که به جنگ ۸ ساله عراق و ایران توجه کرده است، و هم درباره قربانیان جنگ و هم دشواری های اجتماعی ناشی از آن شعر سروده است.

واقعیت آن است که سیمین بهبهانی به خاطر زن بودن مسائل مهم را نادیده نگرفته است. در جای جای شعر سیمین بهبهانی توجه به مسائل تبعیض نژادی وطن و دغدغه های انسان معاصر به چشم می خورد. بهبهانی تفکری فرامرزی دارد و استبداد را در هر جای جهان باشد به محاکمه می کشد. او ستایشگر شرافت انسان است.

اعتبار اشعار بهبهانی از مرزهای ایران گذشته است. شعر او تاکنون به زبان های انگلیسی و آلمانی ترجمه شده است. گزینه شعر «جامی گناه» شش سال پیش به زبان انگلیسی توسط فرزانه میلانی و کاوه صفا ترجمه و در دانشگاه نیویورک منتشر شده است و این نقد توسط علی بهبهانی به فارسی برگردانده شده است.

قالب مورد اقبال سیمین بهبهانی غزل است. او با لحنی مالیخولیایی که از حسی ژرف و عشقی رمانتیک و پاس داشتن ساختار بنیادی شعر نشان دارد، غزل سروده است. او درونمایه را گسترش می دهد و سبک را گفتارگونه می کند.

صفدر تقی زاده درباره شعر بهبهانی می گوید: «آنچه که از درونمایه ۱۰۳شعر این گزیده سر بیرون می آورد، مسائل ناشی از قشری گری و تلفات ناشی از جنگ ایران و عراق است.بهبهانی در غزل جزئیات عینی را محورقرار می دهد. مثلاً مردی که یک پا ندارد، بلکه دردناک تر از یک پانداشتن، سن کمتر از بیست سال اوست.

سیمین بهبهانی به تنهایی با زبانی پاک، بی حشو و حافظ گونه، در عرصه غزل می تازد. در غزل او حتی خللی و نقصی نمی بینیم. از نظر تنوع اوزان هیچ کس نتوانسته است تا به امروز به مقام مولانا برسد اما سیمین بهبهانی به تنهایی توانسته است ۴۰ وزن به وزن غزل فارسی بیفزاید، ضمن اینکه زبان قوی و قدرتمند احمد شاملو و مهدی اخوان ثالث در شهر او جریان دارد و در کنار این زبان، بهبهانی از زبان مردم چشم پوشی نکرده است.»

درباره غزل بهبهانی «محمد حقوقی» می گوید: «غزل بهبهانی غزل مکالمه است. در غزل او ترکیبات فوق العاده ای به چشم می خورد، شعر او در دوران معاصر تنها شعری است که قابل تفسیر است. حتی شعر سعدی نیز در تاریخ ادبیات ایران قابل تفسیر نیست.» او می گوید: «سیمین بهبهانی کلی گویی را در غزل، جزیی سرایی کرده است. او در شعری که برای همسر پوینده و مختاری سروده است هنرمندانه ترین تعابیر را به کار گرفته است. غزل های او در نهایت سادگی، فوق العاده و بی نظیر است.»

بهبهانی، شمس‌الدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۷ ق)، عالم دینی و فقیه. او از شاگردان علامه وحید بهبهانی و علامه سیدمهدی بحرالعلوم و سیدعلی طباطبایی، صاحب «ریاض» و میرزا مهدی شهرستانی و دیگران بود. ملا نوروز علی بسطامی در «فردوس التواریخ» تصریح کرده که بهبهانی استاد وی بوده است و شرح حال استاد را در کتاب خود آورده است. او در مشهد ساکن بود و در مشهد نیز درگذشت و در صحن رضوی در ایروان حجره‌ای که وی نزدیک به پنجاه سال در آن ساکن بود دفن شد. از آثار وی: شرح یا حاشیه بر «معالم‌الاصول»، در پنج

مجلد، در حدود یکصد و سی هزار سطر؛ حاشیه «قوانین الاصول»، در دو مجلد؛ حاشیه «المطول»؛ «جواهر الکلام فی اصول عقائد الاسلام، نظیر «گوهر مراد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۷۷/۱۴، ۲۰۷، ۱۷۶ /۶، ۲۷۷/۵)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۶۲۷/۱۳).

بهبهانی، عبدالحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۵/۱۲۲۴ ق)، فقیه اصولی، مجتهد و عالم علوم نقلی و عقلی. متولد کربلا و ساکن همدان بود. وی نزد پدر و برادرش، آقا محمدعلی، سیدمهدی شهرستانی و سیدعلی صاحب «ریاض» درس خواند. در قضیه‌ی وهابیون از عراق به ایران آمد و در کرمانشاه ساکن شد، سپس به مشهد رفت و از آنجا راهی همدان شد و بنا به اصرار علمای آن دیار مدتی در آنجا ماند. سپس به اصفهان و مجددا به مشهد و یزد رفت. او سالهای پایان عمر خود را در همدان گذراند و همان جا درگذشت. اثر وی: «حاشیه معالم الاصول» است که مفصل‌ترین حواشی تحقیقاتی بود که تا آن زمان بر «معالم» نوشته شده بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۰۸ -۲۰۷ /۶)، روضات الجنات (۹۶/۲)، ریحانه (۳۹۹/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۰۸ -۷۰۷ /۱۳)، الکنی والالقاب (۱۱۰/۲)، مرآت‌الاحوال (۱۶۹ -۱۶۸).

بهبهانی، عبداللّٰه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبداللّٰه بهبهانی روحانی و سیاستمدار و یکی از دو زعیم روحانی صدر مشروطیت است. وی فرزند سید اسماعیل مجتهد بهبهانی و متولد سال ۱۲۶۰ ه.ق. است. از کودکی تحصیلات خود را به سیره‌ی خانوادگی در مقدمات عربی و فقه و اصول آغاز نمود و در سن ۲۰ سالگی قریب‌الاجتهاد گردید. سپس برای ادامه‌ی تحصیل عازم نجف شد و در حوزه‌ی درس شیخ مرتضی انصاری و میرزای شیرازی حضور یافت و به مقام اجتهاد رسید. در سال ۱۲۹۵ به ایران بازگشت و تدریجاً مقام و موقعیت خاصی در دولت و دربار ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه پیدا کرد. از اواخر دوران سلطنت مظفرالدین شاه که وی مجتهدی متنفذ بود وارد مسائل سیاسی گردید و در کلیه مسائل سیاسی آن روز مداخله می‌نمود. در جریان مشروطیت و صدور فرمان آن سید عبداللّٰه نقش اساسی داشت. پس از فرمان مشروطیت، وی از طرف اقلیت یهود روانه‌ی مجلس شد و در مجلس به اوج قدرت و جلال رسید. بعد از آنکه محمدعلی شاه مجلس را به توپ بست، سید عبداللّٰه بهبهانی به وسیله‌ی سربازان سیلاخوری و قزاقها توقیف و به باغشاه برده شد. به دنبال توقیف نامبرده، انجمن‌های شهرستان‌ها نسبت به توقیف او اعتراض کردند و تلگرافات زیادی به تهران مخابره شد و محمدعلی شاه ناگزیر شد او را به حضور پذیرفته و عذرخواهی کند و با پرداخت دوازده هزار تومان، وی را وادار کرد که از ایران خارج شود. وی نزدیک به هشت ماه در عتبات اقامت داشت و سپس با اجازه‌ی دولت به ایران بازگشت. پس از خلع محمدعلی شاه و تشکیل مشروطیت دوم، بهبهانی به نمایندگی رسید و نفوذش در جامعه و محافل سیاسی ایران چند برابر شد. حزب اعتدالیون که اکثریت را تشکیل می‌داد، از بهبهانی تبعیت می‌کرد ولی دموکرات‌ها که تندرو و انقلابی بودند، با بهبهانی مخالفت می‌کردند. در آنجا اختلاف دو دسته بالا گرفت و در روز جمعه هشتم رجب ۱۳۲۸ ه.ق او را در منزلش به ضرب سه گلوله کشتند.

بهبهانی ملائی تیزهوش و متهور بود. در سخنوری و خطابت نظیر نداشت و به همین دلیل در بین مردم موقعیت خاصی داشت.

سید عبداللّٰه (آیهٔ‌اللّٰه) از روحانیون طراز اول تهران (مقت. ۱۲۸۸ ه.ش.) و رهبر شجاع آزادیخواهان در انقلاب مشروطیت. وی رهبری مشروطه طلبان را بر عهده داشت و با همکاری سید محمد طباطبائی با نیروهای استبداد مبارزه کرد و پس از پیروزی انقلاب و استقرار حکومت مشروطه در تیرماه ۱۲۸۸ ه.ش. به وسیله چند تن تروریست درخانه خود به قتل رسید.

محمد تقی‌بهار «ملک‌الشعرا» به سال ۱۲۶۵ خورشیدی در شهر مقدس مشهد دیده به جهان باز کرد. او فرزند حاجی میرزا محمدکاظم صبوری «ملک الشعرای آستان قدس رضوی» است.

محمدتقی بهار ابتدا در محضر پدر خود با علم و دانش آشنایی پیدا کرد و آن را نزد او آموخت و پس از فوت وی به محضر ادیب نیشابوری شاعر و ادیب زمان خود رفت و سال‌ها از محضر آن مرد فاضل بهره‌ور گردید، سپس به مدرسه نواب رفت و علوم عربی را در این مدرسه به پایان برد.

محمدتقی بهار، پس از چندی به تهران آمد و وارد کارهای سیاسی شد با انتشار مقالات سیاسی واشعار مهیج و حماسی و ترانه‌های ملی، هرچه بیشتر به بیداری مردم کمک کرد و چون علاقه و ذوق سرشار در موسیقی داشت، شروع به ساختن تصانیف و ترانه‌های ملی کرد که می‌شود گفت کلیه تصنیف‌های وی جنبه ملی و وطنی و آزادیخواهی دارد.

روی تصنیف‌های ملک‌الشعراء بهار، درویش‌خان، حسام‌السلطنه، رکن‌الدین‌خان و مرتضی‌خان نی‌داود آهنگ گذارده‌اند.

محمدتقی بهار را بنا به قولی بعد از جامی، بزرگترین سخنور و شاعر پارسی گوی زبان ایران می‌گویند. از آثار برجسته او، غیر از دیوان اشعار سبک‌شناسی تا تاریخ تطور نثر فارسی در سه جلد که گواهی وی بر احاطه و تسلط به فرهنگ و ادبیات و شعر پارسی

است می‌کند.

ملک‌الشعرا بهار، چندین دوره به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید و سالیان متمادی استاد دانشگاه تهران و یک‌بار هم در کابینه احمد قوام (قوام‌السلطنه) وزیر فرهنگ شد.

محمدتقی بهار (ملک‌الشعرا)، پس از آن همه خدمات پربار علمی و فرهنگی به میهن خود ایران، عاقبت در سال ۱۳۳۰ خورشیدی در سن شصت سالگی چشم از جهان فانی فروبست، روانش شاد.

«مرغ سحر»

مرغ سحر ناله سر کن
داغ مرا تازه‌تر کن
ز آه شرربار این قفس را
برشکن و زیر و زیر کن
بلبل پربسته ز کنج قفس درآ
نغمه‌ی آزادی نوع بشر سرا
وز نفسی عرصه‌ی این خاک توده را
پر شرر کن
ظلم ظالم، جور صیاد
آشیانم داده بر باد
ای خدا ای فلک ای طبیعت
شام تاریک ما را سحر کن
نوبهار است گل ببار است
ابر چشمم ژاله‌بار است
این فقس چون دلم تنگ و تار است
شعله فکن در قفس ای آه آتشین
دست طبیعت گل عمر مرا مچین
جانب عاشق نگه، ای تازه گل، ازین بیشتر کن
مرغ بی‌دل، شرح هجران مختصر مختصر مختصر کن

«در طواف شمع»

دل طواف شمع می‌گفت این سخن پروانه‌ای
سوختم زین آشنایان ای خوشا بیگانه‌ای
بلبل از شوق گل و پروانه از سودای شمع
هر کسی سوزد بنوعی در غم جانانه‌ای
گر اسیر خط و خالی شد دلم، عیبم مکن
مرغ جایی می‌رود کانجاست آب و دانه‌ای
تا نفرمایی که بی‌پروانه‌ای در راه عشق
شمع‌وش پیش تو سوزم گر دهی پروانه‌ای
پادشه را غرفه آبادان و دل خرم چه باک
گر گدایی جان دهد در گوشه ویرانه‌ای
کی غم بنیاد ویران دارد آن کس خانه نیست
رو خبر گیر این معانی را ز صاحب خانه‌ای
عاقلانش باز زنجیری دگر بر پا نهند
روزی از زنجیر از هم بگسلد دیوانه‌ای
این جنون تنها نه مجنون را مسلم شد بهار
باش کز ما هم فتد اندر جهان افسانه‌ای

شاعر، مورخ، محقق، روزنامه‌نگار، سیاستمدار و استاد برجسته‌ی دانشگاه، معروف به ملک‌الشعرا، فرزند میراز محمدکاظم صبوری، متولد ۱۳۰۴ ه.ق در خراسان. پدرش ملک‌الشعرای آستان قدس رضوی بود. بهار مقدمات ادبیات را نزد پدر آموخت و تحصیلات ادبی و عربی را نزد استاد ادیب نیشابوری که از ادباء و شعرای مشهور بود دنبال کرد و اصول ادبیات فارسی و عربی را در مدرسه‌ی نواب در خدمت اساتید فن زمان تکمیل نمود. هنوز سنش به بیست نرسیده بود که پدر خود را از دست داد و به جای پدر به خدمت آستان قدس رضوی درآمد. چون در شعر و شاعری با وجود کمی سن تبحر داشت، از طرف مظفرالدین شاه لقب ملک‌الشعرائی آستان قدس رضوی به او داده شد.

از ۱۳۲۳ ه.ق که آوازه‌ی مشروطیت و آزادی‌خواهی در سراسر ایران طنین‌انداز شد، به سلک آزادیخواهان پیوست و برای برچیدن رژیم دیکتاتوری و حکومت مشروطه با سایر آزادیخواهان همداستان شد و اشعاری در این زمینه سرود که در جراید معتبر آن روز انتشار یافت. در ۱۳۲۸ ه.ق پس از خلع محمدعلی شاه از سلطنت، با کمک سایر دوستان خود حزب دموکرات را در خراسان تأسیس کرد و خود عضو کمیته‌ی مرکزی آن شد و روزنامه‌ی نوبهار را با اعتبار و مسئولیت خویش و به عنوان ناشر افکار حزب

دموکرات در مشهد انتشار داد. به اقتضای جوانی و به اعتقاد آزادیخواهی در روزنامه‌ی نوبهار مقالات تندی علیه بیگانگان و دخالت آنـان در امور ایران انتشـار می‌داد؛ مخصوصـاً پس از اولتیمـاتوم روسیـه‌ی تزاری و اخراج شوستر مسـتشار آمریکائی و خزانه‌دار کل ایران، لحن این مقالات شدیـدتر شـد و سـرانجام منجر به توقیـف روزنـامه‌ی نوبهـار گردیـد، ولی پس از مـدتی کوتـاه به جـای آن تازه‌بهار انتشار یافت که جنبه‌ی انتقادی آن بیش از روزنامه‌ی قبلی بود. تازه‌بهار نیز توقیف شـد و مـدیر جوان و پرشور آن به کلات تبعید گردید. هشت ماه این تبعید به طول انجامید. پس از مدتی دوباره نوبهار منتشر گردید.

در انتخابات دوره‌ی سوم قانونگـذاری مردم در گز و کلات و سرخس، بهار را روانه‌ی مجلس نمودنـد. در مجلس اعتبارنامه‌ی او با مخالفت اعتدالیون مواجه شد، ولی سرانجام به تصویب رسید. جنگ جهانگیر اول مجلس را تعطیل نمود و قضیه‌ی مهاجرت را پیش آورد. بهـار هم جزء مهاجران بود، ولی از قم به تهران بازگشت و روزنامه‌ی نوبهار را انتشار داد و برای بار دوم تبعیـد گردیـد و این بار بجنورد تبعیدگاه او شد.

در دوره‌ی چهارم مردم بجنورد او را به نماینـدگی مجلس فرستادند. در دوره‌ی پنجم نماینـده‌ی مردم کاشـمر بود و در مجلس جزء اقلیتی بود که با سـلطنت رضاشاه مخالفت می‌کرد. دوست و یار نزدیک مدرس بود. در دوره‌ی شـشم از تهران انتخاب گردید. پس از پایان دوره‌ی شـشم از کارهای سیاسـی کنار رفت و به خـدمات فرهنگی پرداخت و در دارالمعلمین عالی به تـدریس ادبیات ایران قبل از اسـلام مشغول شد و تا شهریور ۱۳۲۰ دور از کارهای سیاسـی به تألیف و تـدریس پرداخت و مدتی نیز در زندان، و تبعید در اصفهان به سر برد.

از ۱۳۲۰ مجـدداً کارهـای سیاسـی را از سـر گرفت و روزنـامه‌ی نوبهـار را انتشـار داد. در ۱۳۲۴ در کـابینه‌ی قوام‌السـلطنه به وزارت فرهنگ رسـید، ولی عمر وزارتش چنـدان نپائیـد و خیلی زود جـای خـود را بـه دیگری داد. در تشکیل حزب دمـوکرات ایران که قوام‌السلطنه آن را بنیان نهاد، نقش اساسی داشت و در این زمینه فعالیت بسیار نمود. در انتخابات دوره‌ی پانزدهم از تهران وکیل شد و ریـاست فراکسـیون حزب دمـوکرات ایران در مجلس بـا او بـود. عـده‌ای از نماینـدگان بـه ریـاست او تمایـل داشـتند، ولی حـال مزاجی‌اش اجـازه‌ی فعـالیت بیشتر به او نمی‌داد. در اواخر دوره‌ی پـانزدهم بیمار شـد و برای معالجه به سویس رفت. معالجاتی نمود، ولی مؤثر نیفتاد و به ایران بازگشت. سرانجام در ۱۳۳۰ به مرض سل درگذشت.

شخصیت ملک‌الشعرا از جهـات مختلـف قابـل بحث و مـداقه است. از شـاعری توانـا، نویسـنده و محققی دانشـمند، روزنامه‌نگـاری سرسـخت، سیاستمداری بی‌باک و استادی مبرز بود. مجموعاً پنج دوره نماینده‌ی مجلس شورای ملی بود. جز در دوره‌ی پانزدهم که سنش مقتضـی فعالیت‌هـای شدیـد نبـود، در ادوار دیگر مجلس از متولیـان و منقـدان امـور اجتمـاعی بـه شـمار می‌رفـت. نطق‌هـا و خطابه‌هـایش در مجلس دولت‌هـا را دگرگـون می‌کرد. در دوره‌ی پنجم و شـشم رسـماً جزو فراکسـیون اقلیت بـود و بـا سـید حسـن مـدرس لیدر اقلیت، نزدیکی و همفکری داشت. در دوره‌ی چهارم اکثریت را اداره می‌کرد و روی کار آمدن قوام‌السـلطنه در ۱۳۰۱ در نتیجه تلاش او و مدرس بود.

شاعری توانا بود. گرچه بیشتر قصیده‌سـرا بود، ولی در غزل و رباعی نیز دست داشت. از این گذشـته، افکار تازه را او در شعر فارسی وارد کرد و مضـامین غیرایرانی را در شـعر فارسـی آورد. بهـار محقق و نویسـنده نیز بـود. نـثرش کمـتر از نظـم او نیسـت. شـیوه‌ی نویسنـدگی‌اش مخلـوطی از سـنت قـدیم و روش جدیـد ایران اسـت. بـا آنکـه به ساده‌اندیشـی بیشـتر گرایش داشت، ولی اسـتحکام جملات و اسـتعمال لغات فارسـی و عربی در جای مناسب خود، شـیرینی خاصـی به نوشته‌هایش داد. نمونه‌ی سبک شیرین او کتاب سبک‌شناسـی است که در سه مجلد است. او در رونق بخشـیدن به ادبیات نوین ایران سـهم بسـزائی دارد. گذشـته از تأسیس مجله‌ی دانشـکده بـه تأسـیس و تشـکیل انجمـن ادبی ایران همـت گمـاشت و عـده‌ای از محققین و مـؤلفین بزرگ ایران ماننـد عبـاس اقبـال آشتیانی، غلامرضا رشـید یاسـمی، سـعید نفیسـی و بـدیع‌ازمان فروزانفر از تربیت یافتگان مکتب او می‌باشـند. مدت‌ها در دانشسـرای عـالی و دانشـکده‌ی ادبیـات در دوره‌ی لیسانس و دکترا تـدریس می‌نمود. تألیفات بسـیاری دارد که به صورت‌های مختلف به چاپ رسـیده است. غیر از مقالات متعـدد که در روزنامه‌های نوبهار و تازه‌بهار و مجله‌ی دانشکده انتشار داده است. در جراید مختلف نیز مقالاتی دارد. از آثار برجسـته‌ی او تاریخ احزاب سیاسی در دو جلد است. سبک‌شناسـی درباره‌ی تحول نثر فارسـی از آغاز تا عصر حاضـر است. علاوه بر تألیف کتب، در تصـحیح و تحشـیه‌ی کتب زیر نیز دست داشت: تاریـخ سیسـتان، مجمل‌التواریـخ والقصـص، جوامع الحکایات و لوامع الروایات عوفی و ترجمه‌ی تاریخ طبری.

علاوه بر اینهـا در تألیف و نگارش کتب دبیرسـتانی نیز مشارکت داشت. در اواخر عمر به فعالیت‌های صـلح‌جویانه میل زیادی نشان می‌داد و به همین دلیل ریاست جمعیت هواداران صلح را پذیرفت.

(۱۳۳۰ –۱۲۶۶ ش)، اندیشـمند، نویسـنده محقق، روزنامه‌نگار، اسـتاد دانشگاه و شاعر، متخلص به بهار و ملقب به ملک‌الشـعراء. در مشـهد متولد شد، پدر وی ملک‌الشـعرای آستان قدس رضوی بود. بهار تحصیلات مقدماتی را نزد پدر خود آموخت و علوم ادبی و عربی متـداول زمـان خود را از اسـتادان مشـهور خراسـان چون ادیب نیشابوری فراگرفت. در نوجوانی پـدر خود را از دست داد و از همان اوان شـعر می‌سـرود. بعـد از مرگ پـدر، به فرمان مظفرالـدین شاه، لقب ملک‌الشـعرایی آسـتان قـدس رضوی را یافت. وی در نهضت مشـروطه‌طلبان مجاهدتها کرد. در سال ۱۳۲۸ ق «روزنـامه‌ی نوبهار» و در سال ۱۳۲۹ ق «هفته‌نامه‌ی تازه بهار» را نشـر داد. در سال ۱۳۳۳ ق از طرف مردم مشـهد به نماینـدگی مجلس شورای ملی انتخاب شـد و رهسـپار تهران گردید. در سال ۱۳۳۶ ق انجمن ادبی دانشـکده را بـا «مجله‌ی دانشـکده» که منتسب به همـان انجمن بود، تأسـیس کرد و در همـان سال به تجدیـد انتشار «روزنامه‌ی نوبهار» همت گمـاشت. در سال ۱۳۳۸ ق مدیریت روزنامه‌ی «ایران»، که نیمه‌رسـمی بود، به وی محول گردید. از طرف مردم تهران دو بار به نماینـدگی مجلس شورای ملی انتخاب گردیـد و در سال ۱۳۲۴ ش به وزارت فرهنگ برگزیده شد. در دانشـکده‌ی ادبیات دانشـگاه تهران تـدریس می‌کرد. و تا پایان عمر در این خـدمت باقی ماند. به منظور مداوا به سویس رفت و پس از چندی اقامت در آنجـا، به تهران بـازگشت و به تألیف و تحقیق و تصـنیف پرداخت. وی واپسین قصـیده سـرای بزرگ فارسـی است. در تهران وفات یافت و در گورسـتان ظهیرالـدوله به خاک سپرده شـد. از او آثار بسـیاری به جای مانـده است، از جمله: تصـحیح «تاریـخ سیسـتان»؛

«مجمل التواریخ والقصص» و «سبک‌شناسی»، در سه مجلد؛ «تاریخ احزاب سیاسی»؛ «چهار خطابه‌ی منظوم»؛ «ترجمه‌ی احوال محمد بن جریر طبری»؛ «رساله‌ی زندگی مانی»؛ «بهار و ادب فارسی»، مجموعه‌ی مقالات؛ تصحیح «جوامع الحکایات عوفی» و «تاریخ بلعمی»؛ «دیوان» اشعار، در دو مجلد.[۱]

(تو ۱۲۶۲/ ۱۲۶۰- شهادت ۱۳۲۸ ق)، مجتهد. اصلا از اهالی بحرین بود، و در نجف متولد شد. از شاگردان حوزه‌ی درس میرزای شیرازی و آیت‌اللّه کوه‌کمری بود. به درجه اجتهاد نایل شد. او در تهران از روحانیون بزرگ و در فقه از سرآمدان روزگار به شمار می‌آمد. در زمان مظفرالدین شاه به مخالفت با عین‌الدوله برخاست. وی در مقاصد خویش آقا سیدمحمد طباطبایی را که مورد اعتماد و احترام عامه بود، با خود موافق و همراه گردانید و بعد از به توپ بستن مجلس او و عده‌ای دیگر از سران نهضت به همراه چند تن از بستگان وی دستگیر و به کرمانشاه تبعید شدند و تا پایان سلطنت محمدعلی شاه در تبعید بودند. بعد از استعفای محمدعلی شاه، سید و همراهان وی به تهران بازگشتند، و به مبارزات خود ادامه دادند. سید به مخالفت با تقی‌زاده برخاست و مبارزه بین این دو شروع شد. سید به عدالت و آزادی معتقد بود، و حتی برای تربیت جوانان مدرسه‌ای هم تأسیسی کرد و با تحصیل دختران نیز مخالف نبود و برای ارشاد بزرگسالان نیز به تأسیس انجمن مقدس اسلامی مبادرت کرد. در استبداد صغیر به امر دولت به مشهد رفت و در آنجا هر کمیته‌ای سری تشکیل داد و مشروطه‌خواهی را ترویج کرد. آیت‌اللّه بهبهانی در تنظیم مواد متمم قانون اساسی، از جنبه‌ی دینی، سهیم و شریک بود. وی در تهران در منزلش به ضرب گلوله شهید شد و جنازه‌اش به سال ۱۳۳۲ ق به نجف حمل و در صحن علوی دفن شد. از آثار وی «رسائل و مسائل»، در فقه، مجموعه‌ای مشتمل بر ۲۵ رساله که در هر رساله به یکی از مسائل فقهی پرداخته است.[۲]

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] از بهار تا شهریار (۱۳۹ -۱۱۶)، از نیما تا روزگار ما (۴۸۷ -۴۷۳)، با کاروان حله (۳۸۴ -۳۷۳)، تاریخ ادبیات ایران، دوره‌ی بازگشت (۲۴۲ -۲۴۰/ ۲)، تاریخ برگزیدگان (۴۵۲ -۴۴۹)، تاریخ جراید (۳۱۶ -۳۱۱/ ۴ ،۲۷۲ -۱۷۰/ ۳ ،۹۸/ ۲)، چشمه‌ی روشن (۴۵۹ -۴۴۹)، چون سبوی تشنه (۴۰ -۳۱)، الذریعه (۱۴۶ -۱۴۵/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۵۹۴ -۵۸۵/ ۱)، شرح حال رجال (۳۵۰/ ۴)، صد سال شعر خراسان (۱۵۵ -۱۳۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۹۵ -۹۳)، گلزار معانی (۱۶۹ -۱۶۱) گنج و گنجینه (۷۲۰ - ۷۱۰).

[۲] الاعلام (۱۹۹/ ۴)، تاریخ برگزیدگان (۱۴۱)، تاریخ بروجرد (۳۸۴)، تاریخ بیداری ایرانیان (صفحات متعدد)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۲۵۹/ ۱)، دایرةالمعارف فارسی (۴۷۶/ ۱)، شرح حال رجال (۲۸۹ -۲۸۴/ ۲)، شهیدان راه فضیلت (۵۳۱ -۵۲۸)، علماء معاصرین (۳۴۶ -۳۴۵ ،۲۲۸)، فارسنامه ناصری (۱۴۷۸/ ۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۰۳/ ۴)، المآثر والآثار (۱۴۱).

بهبهانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضا بهبهانی حایری از علماء محترم معاصر تهران بودند و در سال ۱۳۹۱ قمری عزیمت به حج نموده و در مدینه طیبه به رحمت حق و جوار اسلاف طاهرین خود پیوسته و در بقیع شریف مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

بهبهانی، محمدعلی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۱۶ -۱۱۴۴ ق)، فقیه، متکلم و رجال‌شناس امامی. در کربلا رفت و چندین سال در آنجا با پدر خود به تدریس اشتغال داشت. بعد از ورود به عراق به علت شیوع طاعون و به جهت اصرار اهالی کرمانشاه به ایران آمد و بقیه ایام عمر را در آن ولایت به سر برد، چندان که به آقا محمدعلی کرمانشاهی معروف شد و اعقابش نیز به آن منسوب شدند. بهبهانی از سرآمدان علمای معقول و منقول و محققی بی‌نظیر در متون فروع و اصول و معارف و ادبیات عرب بود تا آنجا که پدرش او را بهاءالدین روزگار خود می‌دانست. آقا محمدعلی، پس از پدر، از مراجع بزرگ ایران بود و تا زنده بود فقیهی به شهرت و بزرگواری وی در ایران وجود نداشت. او در اجرای حدود و احکام، شخصاً اقدام می‌کرد. آقا محمدعلی با صوفیه سخت مخالف بود و در رد آنها «رساله‌ی خیراتیه» را نوشت. در سال ۱۱۹۲ ق به رشت رفت و با هدایت‌اللّه خان رشتی مصاحب شد و کتاب «مقامع» را به نام او تألیف کرد. آقا محمدعلی در کرمانشاه درگذشت، مقبره‌ی وی به نام سر قبر آقا معروف است. از آثار وی: «مقامع الفضل»، شامل هزار و دویست مسأله و حاوی مطالب مشکله بسیاری از فقه و تاریخ که حاکی از جامعیت و آگاهی بهبهانی در اکثر علوم و فنون متداول می‌باشد و هر یک از مطالب طرح شده در خور آن است که کتابی مستقل شود؛ «انتخاب الزاد»؛ «تاریخ الحرمین»؛ «سنهٔ الهدایهٔ لهدایهٔ السنهٔ»؛ «سهوالاقلام»؛ «الفائدهٔ فی مصرف رد المظالم»؛ «الفذالک فی شرح المدارک»؛ «رسالهٔ فی الفیض الالهی»؛ «قطع القال والقیل فی انفعال القلیل»؛ «قطع المقال فی رد اهل الضلال»، در رد صوفیه؛ «مساحهٔ البلاد»؛ «مشکاهٔالعارفین»؛ «مظهر المختار»؛ «معترک الاقوال»؛ «معرفهٔالائمهٔ»؛ «مفتاح/فتاح المجامع بمفاتیح الشرایع»؛ «خوان الاخوان».[۱]

دوانی در زندگانی وحید ص ۳۶۲ گوید: آقا محمدعلی آئینه تمام‌نمای پدر عالیقدرش وحید بهبهانی و نابغه عظیم‌الشأنی است که

تاریخ رجال اسلام مانند او را کمتر بیاد دارد

کلیه تراجم‌نویسان و تاریخ‌نگاران قرن ۱۳ و ۱۴ وی را به عظمت و جلالت و نبوغ علمی و فکری ستوده و یاد نموده‌اند.

او اول فردیست که از فرزندان وحید از کربلاء به کرمانشاه روی فرمان والد ماجدش مهاجرت و عزیمت نمود و بیت آل آقا از او شروع گردید

معظم له در کرمانشاه خدمات بسیاری نموده از جمله مبارزه با فرقه صوفیه و دراویش (نعمت‌اللهی) و کشتن معصوم علیشاه قطب آن فرقه و غیر از آن که شرحش موکول بکتاب مبسوطی خواهد بود طالبین را ارجاع به کتاب وحید بهبهانی دوانی و مرآت‌الاحوال آقا احمد و غیره می‌نمایم

خلاصه آن بزرگوار با یک جهان عظمت و ریاست و مرجعیت و آقائی بتمام معنی در آخر عمر مبتلا به کسالت (اسهال) شده و در روز جمعه که مصادف با مبعث نبی اکرم صلی اللّٰه علیه و آله سال ۱۲۱۶ قمری بود در اثنای نماز ظهرین برحمت ایزدی پیوست

تألیفات و آثار علمی آن رادمرد از اینقرار است

۱- منع‌المنع در حلیت جمع بین دوزن فاطمی رد بر شیخ یوسف بحرانی که قائل به حرمت بوده است (نگارنده گوید و حق با شیخ یوسف است زیرا قطعاً و قهراً هر دو و یا یکی از آنها ناراضی و ناراحت خواهد شد و از ناراحتی آنها مادرشان حضرت فاطمه سلام‌اللّٰه‌علیها اذیت خواهند شد و ایذاء آن مکرمه هم حرام خواهد بود) ۲- پنج رساله به فارسی در مناسک حج ۳- مظهر المختار فی حکم النکاح مع الاعسار ۴- مقامع الفضل ۵- فتاح المجامع شرح مفاتیح الشرایع ۶- رساله در امامت ۷- فذالک حاشیه بر مدارک و مسالک ۸- (خوان الاخوان اخوا لکشکول والمخلات و ریاض الجنان) ۴ مجلد ۹- قطع‌المقال ۱۰- ملتقط الدر فی تحقیق الکر ۱۱- معترک المقال فی علم الرجال ۱۲- رساله علیه علویه در پاسخ مسائل جبلیه ۱۳- الرغایب در فوائد غریبه ۱۴- رساله تفضیلیه ۱۵- رساله خیاریه ۱۶- رساله خیراتیهٔ در رد صوفیه ۱۷- تاریخ حرمین شریفین مکه و مدینه در دو جلد بنام ام‌القری ۱۸- الفوائد در اصول عقاید ۱۹- شرح تجرید و دهها رساله دیگر

فرزندان آقا محمدعلی

آن مرحوم دارای ۹ فرزند چهار دختر و پنج پسر به اسامی ۱- آقا محمدجعفر ۲- آقا احمد ۳- آقا اسماعیل ۴- آقا محمود ۵- آقا محمد بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان‌الشیعه (۲۶ -۲۵ /۱۰)، ایضاح‌المکنون (۵۰۷/۲). تاریخ بروجرد (۱۵۱ -۱۴۵ /۱)، الذریعه (۱۷۷/۲۵، ۱۴/۲۲، ۳۴۸، ۳۴۷، ۲۴۶، ۲۰۹، ۱۷۰، -۱۶۹، ۵۹، ۲۱/ ۵۹، ۳۷۵/۲۰، ۱۵۸/۱۷، ۴۰۵، ۱۳۰، ۱۰۱، ۸۹، ۱۶/ ۲۶۶، ۲۳۴، ۱۲/ ۹۵/۶، ۲۴۹/۳، ۳۵۹/۲)، روضات‌الجنات (۱۴۵ -۱۴۲ /۷)، ریحانه (۳۹۹ -۱۹۸ /۳)، شرح حال رجال (۴۲۳/۳)، طرائق‌الحقائق (۱۸۵ -۱۸۴ /۱)، فوائد الرضویه (۵۷۶ -۵۷۴)، الکنی والالقاب (۱۱۰ -۱۰۹ /۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۵۶ -۳۵۵ /۶)، مرآت‌الاحوال (مقدمه)، معجم‌المؤلفین (۴۴ - ۴۳ /۱۱)، مکارم‌الآثار (۵۶۷ -۵۶۱ /۲)، هدیهٔ‌الاحباب (۱۸۳ -۱۸۲)، هدیهٔ‌العارفین (۳۶۸/۲).

بهبهانی، وحید

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ‌الفقهاء والمجتهدین قطب العلماء والمحققین آیت‌اللّٰه العظمی فی العالمین العلامهٔ الکبری و استاد الاکبر آقا محمدباقر بن العلامهٔ محمد اکمل معروف به آقا و مشهور به (وحید) بهبهانی چنانچه در (فوائد البهبهانیه) مخطوط خود در سال ۱۳۶۹ ق گفتم.

و ان من مدائن الایران

به قرب بحر الفرس بهبهانی

قد قام منها علماء الاهل

کآیهٔ اللّٰه (وحید) الفحل

مجددالدین بعون الاکبر

فی مأهٔ الثانیهٔ والعشر

آن بزرگوار را مجدد دین در قرن دوازدهم گفته‌اند چنانچه آیت‌اللّٰه العظمی میرزا محمدحسن شیرازی مجدد قرن سیزدهم بوده است.

ترجمه و شرح زندگانی آن بزرگوار و آثار و خدماتش در خور کتاب بزرگی است و بحمداللّٰه والمنه این کار را یکی از فضلاء بنام جناب حجهٔ‌الاسلام و خطیب و نویسنده عالیمقام آقای حاج شیخ علی دوانی صاحب (تألیفات عدیده که ترجمه‌اش در ج ۲ ص ۳۶۱ گذشت انجام داده و کتاب نسبتاً بزرگی بنام (وحید بهبهانی) تألیف و طبع و نشر نموده‌اند).

و اجمالا-ولادت آن بزرگوار در سال ۱۱۱۷ و یا ۱۱۱۸ در اصفهان واقع شده و در سال ۱۲۰۵ ق در سن نود سالگی تقریباً از دنیا رفت و در رواق شریف حسینی قسمت پائین مبارک متصل به حرم مطهر مدفون و دارای صندوق بزرگیست که مورد توجه دانشمندان می‌باشد. و یکی از شعراء آن عصر بنام (شهاب) در رثاء وی که بر قبرش نوشته گفته است.

ندانم باز این شور و مصیبت چیست در عالم

که افغان خلایق از ثری تا بر ثریا رفت

همانا ماتم سر خیل اهل اجتهاد است این

که اهل علم را طاقت ز دل و ز جا شکیبا رفت
جهان فضل و علم آقا محمد با قرآن کاخر
جهان را در عزایش خون ز چشم اشک بالا رفت
هزار افسوس از آن مهر سپهر دانش و عرفان
که سوی مغرب ظلمت چو مهر عالم آرا رفت
غرض آن (باقر) علم و سمی قبله پنجم
شهاب از دار دنیا چون به سوی ملک عقبا رفت
جناب اکبر اولاد امجادش
که یا رب هم عدد اسم شریف او ز اسما رفت
ز کلک فطرت خود در وفات والد ماجد
بلوح دل رقم زد (باقر علمی ز دنیا رفت)

(تو ۱۱۱۸ –۱۱۱۶ وف ۱۲۰۸ –۱۲۰۵ ق)، عالم و فقیه امامی. وی به وحید بهبهانی، آقای بهبهانی، استاد اکبر، معلم البشر و علامه‌ی ثانی و محقق بهبهانی معروف است. در خانواده‌ای مذهبی و دانشمند در اصفهان به دنیا آمد. او از نوادگان دختری مجلسی اول است. مادرش دختر آقا نورالدین، فرزند ملا محمد صالح مازندرانی، است و جده پدری مادرش آمنه بیگم، دختر مجلسی اول است، و لذا محقق بهبهانی از مجلسی اول به جد و از مجلسی دوم به دایی تعبیر می‌کند. پدرش از عالم بزرگ زمان خود و از شاگردان محقق شروانی و علامه‌ی مجلسی و شیخ جعفر قاضی و آقا جمال خوانساری و سیدصدرالدین رضوی قمی و شیخ جعفر کمره‌ای بروجردی بود. آقا محمدباقر با جدیت تمام به تحصیل علوم پرداخت، تا آنکه سرآمد معصران خویش شد. از استادانش فقط نام پدرش ذکر شده است. وی به همراه پدر از اصفهان به بهبهان رفت و مدتی در آنجا زندگی کرد، سپس راهی عتبات شد و در کربلا سکنی گزید. و تا پایان عمر در آنجا زیست و همان جا درگذشت و در رواق مطهر حضرت سیدالشهداء دفن شد. وحید بهبهانی مجدد مکتب اجتهاد، فقه و اصول شیعه بود و به همین جهت او را استاد اکبر و استاد اساتید فقهای شیعه در دویست سال اخیر دانسته‌اند. عده‌ی زیادی از شیوخ و بزرگان فقهای شیعه از شاگردان او بودند، از جمله: سیدمهدی بحرالعلوم، سیدعلی طباطبایی، صاحب «ریاض»، میرزا مهدی شهرستانی، ملا محمد مهدی نراقی، حاجی ابراهیم کلباسی، میرزا مهدی خراسانی، شیخ ابوعلی حایری و سیداحمد طالقانی. محقق بهبهانی حدود شصت کتاب تصنیف کرد که برخی از آنها عبارتند از: «شرح المفاتیح»؛ «الاجتهاد والاخبار»، در رد اخباریان؛ «اثبات التحسین والتقبیح العقلیین»؛ «احکام‌العقود»؛ «اصالهٔ البراءهٔ»؛ «الاستصحاب»؛ « مصابیح الظلام»، «تعلیقات علی منهج المقال»؛ «ابطال القیاس»؛ «آداب التجارهٔ»؛ رساله‌ای در «الجبر والاختیار»؛ «الفوائد الحائریهٔ»، در فقه؛ «شرح الوافی»؛ حاشیه بر «شرح الارشاد» محقق اردبیلی؛ حاشیه بر «تهذیب»؛ حاشیه بر «شرح القواعد»؛ حاشیه بر «مسالک»؛ حاشیه بر «مدارک»؛ حاشیه بر «معالم الاصول». گویند که بیست مرتبه «المعالم» را درس گفت و در هر مرتبه یک حاشیه جدید بر آن نگاشت.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۷۳ / ۶)، اعیان‌الشیعه (۱۸۲ / ۹) تاریخ بروجرد (۴۱۹، ۲۱۷، ۲۱۱، ۲۰۶، ۲۰۱، ۱۷۶، ۱۱۶ / ۲)، تذکرهٔالقبور (۱۲)، الذریعه (۱۰۳/ ۱۸، ۱۶۵، ۷۵/ ۱۴، ۲۵۴/ ۷، ۲۲۹، ۲۱۳، ۲۰۵/ ۶، ۲۲۳/ ۴، ۳۰۰، ۲۷۰، ۲۶۹، ۸۶، ۷۰/ ۱)، روضات الجنات (۹۶ –۹۱/ ۲)، ریحانه (۵۲ –۵۱/ ۱)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۷۴/ ۱۲، قرن ۱۷۴ –۱۷۱/ ۱۳)، فوائد الرضویه (۴۰۸ –۴۰۴)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۶۴ –۳۶۳)، الکنی والالقاب (۱۱۰ –۱۰۹ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹ –۱۷ / ۲)، معجم‌المؤلفین (۹۰ / ۹)، مکارم‌الآثار (۲۳۵ –۲۲۰/ ۲)، موادالتواریخ (۲۱۷)، هدیهٔ‌الاحباب (۱۱۰، ۱۰۰)، هدیهٔ‌العارفین (۳۵۱ –۳۵۰/ ۲).

بهجت اصفهانی، محمدباقر

قرن:۱۱
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به بهجت. در اصفهان متولد شد و در خط نستعلیق مهارت یافت. وی از مداحان معتمدالدوله منوچهرخان گرجی و از ندیمان محمدشاه در اوایل جلوسش بود. محمدباقر، پدر محمدمهدی فروغ اصفهانی، صاحب «تذکره‌ی الشباب» بود که مؤلف «ریحانه» فرزند را متخلص به بهجت آورده، در حالیکه تخلص پدر بهجت و تخلص فرزند فروغ بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۲۶ –۴۲۵ /۲)، تذکره‌ی پیمانه (۳۷۲)، الذریعه (۱۴۷ –۱۴۶ /۹)، ریحانه (۲۹۷/1).

بهجت دزفولی، محمدعلی

قرن:۱۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

(ز ۱۳۲۹ ق)، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر. چون صاحب کتاب‌فروشی بهجت در تهران بود، به بهجت ملقب شد. او همچنین به

بهروز خاوری نیز معروف است. بهجت مـدتی در نجف اشـرف تحصـیل کرد و از ملا محمـدکاظم خراسانی اجازه‌ی اجتهاد گرفت. بعـد از بـازگشت به ایران، مجله ماهیـانه مـذهبی «دعوةالحق» را در تهران انتشـار داد که بعـد از وقفه‌ی کوتـاهی چاپ آن تا انقلاب مشـروطیت ادامه یافت. در دوره‌ی دوم به نماینـدگی مجلس شورای ملی انتخاب گردیـد و در سال ۱۳۲۱ ق موفق به تأسیس انجمن علمی در تهران شد و در همین سال نیز ریاست کمیسـیون تصحیح کتب و ترجمه عربی اداره‌ی انتشارات وزارت معارف را عهده‌دار بود. از خـدمات دیگر او: تأسـیس کتابخـانه‌ی معـارف؛ انجمن مجموعه‌ی معـارف؛ آموزشـگاه فنی هنر، انتشـار «مجله‌ی معـارف» و کتاب «روش پرورش» تألیف اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲۲۶ -۲۲۲ /۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۱۶ -۲۱۵ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۴۴ -۱۴۳ /۴).

بهجت شیرازی، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۶ -۱۲۳۱ /۱۲۲۱ ق)، شاعر، متخلص به بهجت. ملقب به شـرفاء. وی در اصـفهان متولد شد، پس از مرگ پدر به شیراز رفت و به تحصـیل علـوم ادبی فارسـی و عربی مشـغول شـد. وی دختـر میرزا رجبعلی‌خـان مـذهب را به همسـری گرفت. میرزا محمدنصـیر، متخلص به فرصت شـیرازی از فرزنـدان اوست. بهجت در خطاطی و تذهیب مهارت داشت. او در شـیراز درگذشت و در همان شـهر در قبرستان دارالسلم به خاک سپرده شد. کتاب «زبدةالتصاریف»، در علم صرف تألیف اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :آثار عجم (مقـدمه/۱۵۰ ،۱۵ -۱۴)، دانشـمندان و سخن‌سـرایان فارس (۴۸۸ -۴۸۵ /۱)، ریحانه (۳۳۰/۴ ،۲۹۷/۱)، الذریعه (۱۴۷/۹)، شرح حال رجال (۶۴/۶)، فرهنگ سخنوران (۱۴۸)، مکارم‌الآثار (۷۲۲ -۷۲۱ /۳).

بهجت شیرازی، عبدالحمید

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۵۰ ق)، خطـاط و شـاعر، متخلص به بهجت. عبدالحمیـد خـط نسـخ و نسـتعلیق را خوش می‌نوشت. او غیر از میرزا جعفر شیرازی، متخلص به بهجت است که پـدر فرصت‌الـدوله شیرازی بود. وی مـدتها با جناب حاجی زین‌العابـدین شـیروانی معاشـرت و نسبت به وی اظهـار خلوص داشت. بهجت اغلب به مجلس جناب محمدحسین قزوینی آمـد و شـد می‌کرد. وی سرانجام در شـیراز درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منـابع زنـدگینامه :احوال و آثار خوشـنویسان (۳۷۱/۲)، حدیقةالشعراء (۲۸۳ -۲۸۲ /۱)، دانشـمندان و سخن‌سـرایان فارس (۴۸۵/۱)، الـذریعه (۱۴۷/۹)، ریاض‌العـارفین (۲۴۵)، طرائق‌الحقـائق (۲۹۴/۳)، فارسـنامه‌ی ناصـری (۱۱۵۹/۲)، فرهنـگ سـخنوران (۱۴۸)، مرآت‌الفصاحه (۹۹).

بهجت شیرازی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۵۸ ش)، طبیب و شـاعر، متخلص به بهجت. وی در شیراز اقـامت داشت و در همـان جا پس از تحصـیل علوم ادبی فارسـی به تحصیل علم طب مشغول شد. بهجت شعر نیز می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۹۰ -۴۸۸ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۴۷).

بهجت قاجار، غلامحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۹ -۱۲۵۰ ق)، خطـاط و شـاعر، متخلص به بهجت. ملقب به صدرالشـعراء. وی پـدر جلال‌الممالـک ایرج میرزا، شاعر معروف، قاجـار بود. در محله‌ی شـش گلاـن تبریز سـاکن بود و ایـام عمر خود را در آن شـهر به سـر برد. خـط نسـتعلیق را خوش می‌نوشت و صاحب «دیوان» شـعر بود. از خطـوط وی: یـک نسـخه «نثر اللالی»، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «مشـقه العبـد غلام حسـین بن ملک ایرج قاجار، سـنه‌ی ۱۲۷۱»؛ چهـار رقعه از مرقعهـای مختلف، به قلمهـای سه‌دانـگ و دودانـگ و نیم دودانـگ متوسـط، بـا رقمهای:

«بنده‌ی درگاه... غلام حسین قاجار» و «العبد المذنب... ابن ملك ایرج قاجار غلام حسین»؛ یک قطعه به قلم کتابت جلی و خفی خوش، با رقم: «... غلام حسین بن ملك ایرج میرزا، در دارالسلطنه‌ی تبریز، سنه‌ی یکهزار و دویست و هشتاد و هشت»؛ یک نسخه «نصایح انوشیروان»، به قلم نیم دودانگ متوسط، با رقم: «... سنه‌ی یکهزار و دویست و نود و یک... کاتبه ابن‌ملک ایرج میرزا، غلام حسین قاجار، صدرالشعراء».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۵۰ -۵۴۹ /۲)، از صبا تا نیما (۳۸۴ -۳۸۳ /۲)، حدیقهٔالشعراء (۲۸۴ -۲۸۳ /۱)، شرح حال رجال (۱۷۲/۶)، فرهنگ سخنوران (۱۴۸).

بهجت، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ولادت: آیت الله العظمی محمد بهجت فومنی در اواخر سال ۱۳۳۴ ه.ق. در خانواده ای دیندار و تقوا پیشه، در شهر مذهبی فومن واقع دراستان گیلان، چشم به جهان گشود. هنوز ۱۶ ماه از عمرش نگذشته بود که مادرش را از دست داد و از اوان کودکی طعم تلخ یتیمی را چشید.

درباره نام آیت الله بهجت خاطره ای شیرین از یکی از نزدیکان آقا نقل شده است که ذکر آن در اینجا جالب می‌نماید، و آن اینکه: پدر آیت الله بهجت در سن ۱۶-۱۷ سالگی بر اثر بیماری وبا در بستر بیماری می افتد و حالش بد می شود به گونه ای که امید زنده ماندن او از بین می رود وی می گفت: در آن حال ناگهان صدایی شنیدم که گفت:

« با ایشان کاری نداشته باشید، زیرا ایشان پدر محمد تقی است. »

تا اینکه با آن حالت خوابش می برد و مادرش که در بالین او نشسته بود گمان می کند وی از دنیا رفته، اما بعد از مدتی پدر آقای بهجت از خواب بیدار می شود و حالش رو به بهبودی می رود و بالاخره کاملاً شفا می یابد.

چند سال پس از این ماجرا تصمیم به ازدواج می گیرد و سخنی را که در حال بیماری به او گفته شده بود کاملاً از یاد می برد.

بعد از ازدواج نام اولین فرزند خود را به نام پدرش مهدی می گذارد، فرزند دومی دختر بوده، وقتی فرزند سومین را خدا به او می دهد، اسمش را « محمد حسین» می گذارد، و هنگامی که خداوند چهارمین فرزند را به او عنایت می کند به یاد آن سخن که در دوران بیماری اش شنیده بود می افتد، و وی را « محمد تقی » نام می نهد، ولی وی در کودکی در حوض آب می افتد و از دنیا می رود، تا اینکه سرانجام پنجمین فرزند را دوباره « محمد تقی » نام می گذارد، و بدینسان نام آیت الله بهجت مشخص می گردد.

کربلایی محمود بهجت، پدر آیت الله بهجت از مردان مورد اعتماد شهر فومن بود و در ضمن اشتغال به کسب و کار، به رتق و فتق امور مردم می پرداخت و اسناد مهم و قباله ها به گواهی ایشان می رسید. وی اهل ادب و از ذوق سرشاری برخوردار بوده و مشتاقانه در مراثی اهل بیت علیهم السلام به ویژه حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام شعر می سرود، مرثیه های جانگدازی که اکنون پس از نیم قرن هنوز زبانزد مداحان آن سامان است.

باری آیت الله بهجت در کودکی تحت تربیت پدری چنین که دلسوخته اهل بیت علیهم السلام به ویژه سید الشهداء علیه السلام بود، و نیز با شرکت در مجالس حسینی و بهره مندی از انوار آن بار آمد. از همان کودکی از بازیهای کودکانه پرهیز می کرد و آثار نبوغ و انوار ایمان در چهره اش نمایان بود، و عشق فوق العاده به کسب علم و دانش در رفتارش جلوه گر. تحصیلات :

تحصیلات ابتدایی را در مکتب خانه فومن به پایان برد، و پس از آن در همان شهر به تحصیل علوم دینی پرداخت. به هر حال، روح کمال جو و جان تشنه او تاب نیآ ورد و پس از طی دوران مقدماتی تحصیلات دینی در شهر فومن، به سال ۱۳۴۸ ه.ق. هنگامی که تقریباً ۱۴ سال از عمر شریفش می گذشت به عراق مشرّف شد و در کربلای معلّی اقامت گزید.

بنا به گفته یکی از شاگردان نزدیک ایشان، معظّم له خود به مناسبتی فرمودند:

« بیش از یک سال از اقامتم در کربلا گذشته بود که مکلّف شدم. »

آری، دست تربیت حضرت ربّ سبحانه همواره بندگان شایسته را از اوان کودکی و نوجوانی تحت نظر جهان بین خود گرفته و فیوضاتش را شامل حال آنان گردانیده و پیوسته می پاید، تا در بزرگی مشعل راهبری راه پویان طریق الی الله را به دستشان بسپارد. بدین سان، آیت الله بهجت حدود چهار سال در کربلای معلّی می ماند و از فیوضات سید الشهداء علیه السلام استفاده نموده و به تهذیب نفس می پردازد و در طی این مدت بخش معظمی از کتابهای فقه و اصول را در محضر استادان بزرگ آن دیار مطهّر می‌خواند.

در سال ۱۳۵۲ه.ق. برای ادامه تحصیل به نجف اشرف مشرّف می گردد و قسمتهای پایانی سطح را در محضر آیات عظام از آن جمله مرحوم آیت الله آقا شیخ مرتضی طالقانی به پایان می رساند. با این همه، همّت او تنها مصروف علوم دینی نبوده، بلکه عشق به کمالات والای انسانی همواره جان ناآرام او را به جستجوی مردان الهی و اولیاء برجسته وا می داشته است.

یکی از شاگردان آیت الله بهجت می گوید: در سالهای متمادی که در درس ایشان شرکت می جویم هرگز نشنیده ام که جز در موارد نادر درباره خود مطلبی فرموده باشد. از جمله سخنانی که از زبان مبارکش درباره خود فرمود، این است که در ضمن سخنی به مناسبت تجلیل از مقام معنوی استاد خود حضرت آیت الله نائینی(رحمت الله علیه) فرمود:

« من در ایام نوجانی در نماز جماعت ایشان شرکت می نمودم، و از حالات ایشان چیزهایی را درک می کردم. » استادان بر جسته فقه و اصول :

آیت الله بهجت پس از اتمام دوره سطح، و درک محضر استادان بزرگی چون آیات عظام: آقا سید ابوالحسن اصفهانی(رحمت الله علیه) ، آقـا ضـیاء عراقی(رحمت الله علیه) ، و میرزای نـائینی(رحمت الله علیه) ، به حوزه گرانقـدر و پر محتوای آیتِ حقّ حـاج شـیخ محمد حسین غروی اصفهانی (رحمت الله علیه)، معروف به کمپانی وارد شد و در محضر آن علامه کبیر به تکمیل نظریات فقهی و اصولی خویش پرداخت، و به یـاری اسـتعداد درخشان و تأییـدات الهی از تفکرات عمیق و ظریف و دقیق مرحوم علامه کمپانی، که دارای فکری سریع و جوّال و متحرک و همراه با تیز بینی بوده، بهره ها برد.

آیت الله محمد تقی مصباح درباره استفاده آیت الله بهجت از استادان خود می گوید:

« در فقه بیشتر از مرحوم آقا شیخ محمد کاظم شیرازی- که شاگردان مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی و از استادان بسیار برجسته نجف اشرف بود- استفاده کرده، و در اصول از مرحوم آقای نائینی، و سپس بیشتر از مرحوم آقا شیخ محمد حسین کمپانی اصفهانی فایده برده بودند، هم مدّت استفاده شان از مرحوم اصفهانی بیشتر بود و هم استفاده های جنبی دیگر. » سیر و سلوک وعرفان :

آیت الله بهجت، در ضـمن تحصیل و پیش از دوران بلوغ، به تهذیب نفس و استکما ل معنوی همّت گمارده، و در کربلا در تفحّص اسـتاد و مربی اخلاقی بر آمده و به وجود آقای قاضـی که در نجف بوده پی می برد. و پس از مشرف شدن به نجف اشرف از استاد برجسته خویش آیت الله شیخ محمد حسین اصفهانی کمپانی استفاده های اخلاقی می نماید.

آیت الله مصباح در این باره می گوید:

« پیـدا بود که از نظر رفتـار هم خیلی تحت تأثیر مرحوم آقا شـیخ محمـد حسـین اصـفهانی بودنـد، چون گاهی مطالبی را از ایشان با اعجـابی خـاص نقـل می کردنـد، و بعـد نمونه هایش را ما در رفتار خود ایشان می دیـدیم. پیـدا بود که این اسـتاد در شـکل گرفتن شخصیت معنوی ایشان تأثیر بسزایی داشته است. »

همچنین در درسـهای اخلـاقی آقـا سـید عبـدالغفار در نجـف اشـرف شـرکت جسـته و از آن اسـتفاده می نموده، تـا اینکه در سـلک شـاگردان حضـرت آیت الله سـید علی قاضـی(ره) در آمـده و در صـدد کسب معرفت از ایشان بر می آیـد، و در سن ۱۸ سالگی به محضـر پر فیض عارف کامل حضـرت آیت الله سـید علی آقای قاضـی بار می یابد، و مورد ملاطفت و عنایات ویژه آن اسـتاد معظّم قرار می گیرد و در عنفوان جوانی چندان مراحل عرفان را سپری می کند که غبطه دیگران را بر می انگیزد.

آیت الله مصباح می گوید:

« ایشان از مرحوم حاج میرزا علی آقای قاضـی مسـتقیماً در جهت اخلاقی و معنوی بهره برده و سالها شاگردی ایشان را کرده بودند. آیت الله قاضـی از کسانی بودند که مُمَحَّضِ در تربیت افراد از جهات معنوی و عرفانی بودند، مرحوم علامه طباطبایی و مرحوم آیت الله آقا شیخ محمد تقی آملی و مرحوم آقا شیخ علی محمد بروجردی و عده زیادی از بزرگان و حتی مراجع در جنبه های اخلاقی و عرفانی از وجود آقای قاضی بهره برده بودند. آیت الله بهجت از اشخاص دیگری نیز گهگاه نکاتی نقل می کردند مثل مرحوم آیت الله آقا شیخ مرتضی طالقانی و دیگران...

خود آقای بهجت نقل می کردنـد: شخصـی در آن زمان در صدد بر آمده بود که ببیند چه کسانی سـحر ماه مبارک رمضان در حرم حضـرت امیر علیه السلام در قنوت نماز وترشان دعای ابو حمزه ثمالی می خوانند، آن طور که خاطرم هست اگر اشتباه نکنم کسانی را که مقید بودند این عمل را هر شب در حرم حضرت امیر علیه السلام انجام بدهند شمرده بود و بیش از هفتاد نفر شده بودند.

به هر حال، بزرگانی که تقید به جهات عبادی و معنوی داشـتند در آن عصـرها زیاد بودند. متأسفانه در عصر ما کمتر این نمونه ها را مشاهـده می کنیم. البته علم غیب نـداریم، شایـد آن کسانی که پیشتر در حرمها این عبادتها را انجام می دادنـد حالا در خانه هایشان انجام می دهند، ولی می شود اطمینان پیدا کرد که تقید به اعمال عبادی و معنوی سیر نزولی داشته و این بسیار جای تأسف است.»

یکی دیگر از شاگردان آقا (حجّهٔ الاسـلام و المسـلمین آقای تهرانی) جریان فوق را به صورت ذیل از حضرت آیت الله بهجت نقل می کند:

« شخصـی در آن زمان شـنیده بود که در گذشـته هفتاد نفر در حرم حضـرت امیر علیه السلام در قنوت نماز وترشان دعای ابو حمزه ثمالی را می خواندند، آن شـخص تصـمیم گرفته بود ببیند در زمان خودش چند نفر این کار را انجام می دهند، رفته بود و شـمارش کرده و دیـده بود تعـداد افراد نسبت به زمـان سابق تقلیل پیـدا کرده و مجموعاً پنجاه نفر (آن طور که بنـده «تهرانی» به یاد دارم) در حرم (اعّم از نزدیک ضریح مطهّر، و رواقهای اطراف) دعای ابوحمزه را در دعای نماز وتر خود قرائت می کنند. » فلسفه :

آیت الله بهجت، اشارات ابن سینا و اسفار ملا صدرا را نزد مرحوم آیت الله سید حسن بادکوبه ای فرا گرفته است. مرجعیت :

با اینکه ایشان فقیهی شـناخته شده اند و بیش از سی سال است که اشتغال به تدریس خارج فقه واصول دارند، ولی هماره از پذیرش مرجعیت سرباز زده اند.

آقـای مصـباح دربـاره علت پـذیرش مرجعیت از سوی ایشـان و نیز پیرامون عـدم تغییر وضـعیت آیت الله بهجت بعـد از مرجعیت می گوید:

« بعد از مرجعیت منزل آایت الله بهجت هیچ تغییری نکرده است، ملاقات و پذیرایی از بازدید کنندگان در منزل امکان ندارد لذا در اعیـاد و ایـام سوگواری، در مسـجد فـاطمیه از ملاقـات کننـدگان پـذیرایی می شود. اصولاًـ قبول مرجعیت ایشـان به نظر من یکی از کرامـات ایشـان اسـت، یعنی شـرایط زنـدگی ایشـان آن هم در سن هشـتاد سـالگی به هیـچ وجه ایجـاب نمی کرد که زیر بـار چنین مسؤلیتی برود، و کسانی که با ایشان آشـنایی داشـتند هیچ وقت حدس نمی زدند که امکان داشـته باشد آقا یک وقتی حاضـر بشوند پرچم مرجعیت را به دوش بکشـند و مسولیتش را قبول بکننـد. و بـدون شـک جز احسـاس یـک وظیفه متعین چیزی بـاعث نشـد که ایشـان این مسؤلیت را بپذیرنـد. و بایـد گفت که رفتار ایشان در این زمان با این وارسـتگی و پارسایی، حجت را بر دیگران تمام می کنـد که می شود در عین مرجعیت با سادگی زنـدگی کرد، بـدون اینکه تغییری در لباس، خوراک، مسکن، خانه و شـرایط زندگی پیش بیاید. »

تا اینکه بعـد از فوت مرحوم آقای سـید احمـد خوانساری(ره) جلـد اول و دوم کتاب «ذخیره العباد» (جامع المسائل کنونی) را به قلم

خود تصحیح و در اختیار خواص گذاشتند، و پیش از فوت مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی اراکی(ره) اجازه نشر رساله عملیه خویش را دادند، سرانجام وقتی جامعه مدرسین با انتشار اطلاعیه ای هفت نفر از آن جمله حضرت آیه الله العظمی بهجت را به عنوان مرجع تقلید معرفی کرد و عده ای از علمای دیگر از جمله آیت الله مشکینی و آیت الله جوادی آملی و ... مرجعیت ایشان را اعلام کردند، به دنبال در خواستهای مصرانه و مکرر راضی شدند تا رساله عملیه ایشان در تیراژ وسیع به چاپ برسد، با این حال از نوشتن نام خویش بر روی جلد کتاب دریغ ورزیدند.

در همین ارتباط یکی از مرتبطین ایشان می گوید: ایشان پیش از در گذشت آیت الله العظمی اراکی چون مطلع شدند جامعه مدرسین نظر به معرفی ایشان را دارند پیغام دادند که راضی نیستم اسمی از بنده برده شود.

و بعد از فوت مرحوم اراکی و پیام جامعه مدرسین و اطلاع از انتشار اسمشان فرمودند: « فتاوای بنده را در اختیار کسی قرار ندهید. از ایشان توضیح خواسته شد فرمودند: صبر کنید، همه رساله خود را نشر دهند، بعدها اگر کسی ماند و از دیگران تقلید نکرد و فقط خواست از ما تقلید کند آن وقت فتاوی را منتشر کنید » چندین ماه پس از این رخداد رساله ایشان توسط بعضی از اهل لبنان به چاپ رسید. هجرت:

ایشان بعد از تکمیل دروس، در سال ۱۳۶۳ ه.ق. موافق با ۱۳۲۴ ه.ش. به ایران مراجعت کرده و چند ماهی در موطن خود فومن اقامت گزید و بعداً در حالی که آماده بازگشت به حوزه علمیه نجف اشرف بود، قصد زیارت حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام و اطّلاع یافتن از وضعیت حوزه قم را کرد، ولی در طول چند ماهی که در قم توقف کرده بود، خبر رحلت استادان بزرگ نجف، یکی پس از دیگری شنیده می شد، لذا ایشان تصمیم گرفت که در شهر مقدس قم اقامت کند.

در قم از محضر آیت الله العضمی حجت کوه کمره ای استفاده کرده و در بین شاگردان آن فقید سعید درخشید. چند ماهی از اقامت حضرت آیه الله العظمی بروجردی در قم نگذشته بود که آیت الله بهجت وارد قم شد، و همچون حضرات آیات عظام امام خمینی، گلپایگانی و ... به درس فقید سعید مرحوم بروجردی حاضر شد.

آیت الله مصباح در این باره می گوید:

« آیت الله بهجت از همان زمانی که مرحوم آیت الله بروجردی(ره) در قم درس شروع کرده بودند از شاگردان برجسته واز مُستَشکِلین معروف و مبرّز درس ایشان بودند. معمولاً ـ استادانی که درس خارج می گویند، در میان شاگردانشان یکی دو سه نفر هستند که ضمن اینکه بیش از همه مطالب را ضبط می کنند احیاناً اشکالاتی به نظرشان می رسد که مطرح و پی گیری می کنند تا مسائل کاملاً حل شود، اینان از دیگران دقیق ترند، و اشکالاتشان علمی تر و نیاز به غور و بررسی بیشتری دارد، و ایشان در آن زمان چنین موقعیتی را در درس مرحوم آیت الله بروجردی داشتند. » تدریس :

آیت الله بهجت در همان ایام که در درس آیات عظام اصفهانی، کمپانی و شیرازی حضور می یافت، ضمن تهذیب نفس و تعلم، به تعلیم هم می پرداخت و سطوح عالیه را در نجف اشرف تدریس می کرد. پس از هجرت به قم نیز پیوسته این روال را ادامه می دادند. در رابطه با تدریس خارج فقه توسط ایشان نیز در مجموع می توا ن گفت که ایشان بیش از چهل سال است که به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارند و به واسطه شهرت گریزی غالباً در منزل تدریس کرده است، و فضلای گرانقدری سالیان دراز از محضر پر فیض ایشان بهره برده اند. شیوه تدریس :

آیت الله مصباح در مورد روش تدریس ایشان می گوید:

« ایشان در بیان مطالب سعی می کردند ابتدا مسأله را از روی کتاب شیخ انصاری قدس سره مطرح کنند، و بعد هر کجا مطلب قابل توجهی از دیگران مخصوصاً از صاحب جواهر قدس سره در طهارت، و از مرحوم حاج آقا رضا همدانی و دیگران مطالب برجسته ای داشتند آن را نقل می کردند، و بعد هر جا خود ایشان نظر خاصی داشتند آن را بیان می کردند. این شیوه از یک طرف باعث این می شد که انسان از نظر استادان بزرگ در یک موضوع آگاه بشود و در عین حال صرفه جویی در وقت می شد. استادان دیگر هم برای تدریس شیوه های جالبی داشتند که شاید برای مبتدی مفیدتر بود که هر مطلب را از هر استاد جداگانه طرح می کردند، ولی خوب این باعث می شد که وقت بیشتری گرفته بشود و احیاناً مطالبی تکرار بشود.

در ضمن تدریس، در میان نکته هایی که از خود ایشان ما استفاده می کردیم و طبعاً بعضی از این نکته ها چیزهایی بود که ایشان از استادانشان شفاهاً دریافت کرده بودند، به مطالب بسیار ارزنده و عمیق و دارای دقتهای کم نظیری بر می خوردیم. »

آیت الله مسعودی که خود سالها از درس آیت الله العظمی بهجت بهره برده اند درباره ویژگی تدریس ایشان می گوید:

« سبک درس ایشان سبک خاصی است. معمولاً آقایان مراجع و بزرگان در درس خارج یک مسأله ای را مطرح می کنند و اقوال دیگران را یکی یکی ذکر می کنند، سپس یکی را نقد می کنند و دیگری را تأیید، و سرانجام یکی از آن نظرات را می پذیرند، یا نظریه دیگری را انتخاب می کنند. ولی ایشان بر خلاف همه، نقل اقوال نمی کنند بلکه ابتدا مسأله را مطرح می کنند و بعد روند استدلالش را بیان می کنند. اگر شاگرد آراء علماء را دیده و مطالعه کرده باشد، می فهمد که دلیلی را که استاد ذکر می کند چه کسی گفته است، و اشکال یا تأییدی را که می کند می فهمد به سخن چه کسی اشکال یا قول چه کسی را تأیید می کند. لذا هر کس بخواهد در درس ایشان شرکت کند باید مبانی و نظرات آقایان دیگر را دیده باشد. »

آیت الله محمد حسین احمدی فقیه یزدی درباره شیوه درس ایشان می گوید:

« نوعاً ایشان چند مسئله اصلی یا فرعی را که عنوان می فرمودند بعد از توجه به ظرافتهای حدیث و روایت و یا آیه شریفه ای که دلالت بر موضوع بحث داشت، مقایسه ای بین موضوع بحث و سایر بحثهای مشابه می نمودند و دقت عقلی و فکری خاصی در تعادل آن دو انجام می دادند، آنگاه نتیجه می گرفتند که انصافاً نتیجه علمی و جدید بود. و حقیقتاً مطلبی را که ذکر می کردند ناشی از اوج و عظمت دید و فکرشان بود که از ائمه علیهم السلام و اسلام گرفته بود و اجتهاد صحیح نیز هم این گونه بحث و تجزیه و تحلیل کردن است. » موعظه در درس :

حجةُ السلام والمسلمین قدس، امام جمعه کلاچای که خود سالها در درس ایشان حضور داشته است می گوید:

« روال آیت الله العظمی بهجت این بود که پیش از شروعِ درس، حدود ده دقیقه موعظه می کرد، ولی نه به عنوان موعظه بلکه به عنوان حکایت حال بزرگان گذشته. و معلوم بود که منظور اصلی آیت الله مصباح یزدی که سالها در درس خارج فقه ایشان شرکت می کردند (۱۵سال)، علاوه بر استفاده علمی، استفاده از روحیه ملکوتی آقا بوده است. »

آیت الله مصباح در این باره می گوید:

« آیت الله بهجت گاهی داستانی را یا حدیثی را نقل می کردند که برای ما تعجب آور بود ایشان چه اصراری دارند که بر مطالب معلوم و روشن تکیه می کنند، از جمله مطلبی که ایشان در تذکّرات پیش از درس اصرار می کردند امامت امیر المؤمنین علیه السلام بود، ما تعجب می کردیم که ما مگر در آن حضرت شک داریم که ایشان این قدر اصرار دارند که دلائل امامت حضرت علی علیه السلام را برای ما بیان کنند. یک خورده ته دلمان گله مند بودیم که چرا به جای این مطالب یک چیز هایی که بیشتر حاجت ماست (در امور اخلاقی و معنوی) مطالبی را نمی گویند. اما بعد از این که به پنجاه- شصت سالگی رسیدیم، در بسیاری از مباحث دیدیم که آن نکته هایی که ایشان چهل سال پیشتر در درسشان درباره امامت علی علیه السلام می فرمودند به دردمان می خورد. گویا ایشان آن روز می دید که یک مسائلی بناست در آینده مورد غفلت و تشکیک قرار بگیرد.

شاید اگر توجه های ایشان نبود ما انگیزه ای نداشتیم درباره این مسائل مطالعه ای داشته باشیم، حتی از نکته هایی که ایشان چهل سال پیش بیان می کردند امروز بنده در نوشته هایم در مورد مسائل اعتقادی یا جاهای دیگر استفاده کرده‌ام. » جایگاه علمی :

گواهی استادان و هم دوره ایها و نیز شاگردان برجسته که بخشی از آن در ذیل می آید نمایانگر دقت نظر و نبوغ برجستگی علمی ایشان است:

از آن جمله گویند:

روزی ایشان در درس کفایه یکی از شاگردانِ مرحوم آخوند خراسانی به نحوه تقریر مطالب آخوند خراسانی توسط استاد اعتراض می کند، ولی با توجه به اینکه از همه طلاب شرکت کننده در درس کم سنّ و سال تر بوده در جلسه بعدی پیش از حضور استاد مورد اعتراض و انتقاد شدید شاگردان دیگر قرار می گیرد، ولی در آن هنگام ناگهان استاد وارد می شود و متوجه اعتراض شاگردان به ایشان می گردد. سپس خطاب به آنان می فرماید: « با آقای بهجت کاری نداشته باشید. » همه ساکت می شوند آنگاه استاد ادامه می دهد: « دیشب که تقریرات درس مرحوم آخوند را مطالعه می کردم متوجه شدم که حقّ با ایشان است » و پس از این سخن، از جدیت و نبوغ آیت الله بهجت تمجید می نماید.

یکی از دانشمندان نجف می گوید:

« ایشان در درس، به مرحوم آیت الله کمپانی امان نمی داد، و پیوسته بحثها را مورد نقد قرار می داد. »

مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری نیز می گوید:

« ایشان با اظهار نظرهای دقیق و اشکالات مهمّ، چنان نظر استاد را جلب کرده بود که چند روزی مجلسِ درس از حالت درس خارج شده بود، آن ایرادها برای ما هم مفید بود؛ ولی آقای بهجت برای گریز از شهرت دیگر به انتقاد نپرداختند و اگر ادامه می دادند معلوم می شد اگر بالاتر از دیگران نباشند بی شک کمتر از آنان نیستند. »

مرحوم علامه محمد تقی جعفری می گوید:

« آن هنگام که در خدمت آقا شیخ کاظم شیرازی مکاسب می خواندیم، آیت الله بهجت نیز که اینک در قم اقامت دارند، در درس ایشان شرکت می نمودند، خوب یادم هست که وقتی ایشان اشکال می کردند آقا شیخ کاظم با تمام قوا متوجه می شد، یعنی خیلی دقیق و عمیق به اشکالات آقای بهجت توجه می کرد، و همان موقع ایشان در نجف به فضل و عرفان شناخته شده بود. »

آیت الله سید محمد حسین طهرانی در کتاب انوارالملکوت می نویسد:

« آیت الله حاج شیخ عباس قوچانی، وصیّ سید علی آقای قاضی می فرمودند: آیت الله العظمی حاج شیخ محمد تقی بهجت در فقه و اصول به درس مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی حاضر می شدند و چون به حجره خود در مدرسه مرحوم سیّد باز می گشتند بعضی از طلابی که در درس برای آنها اشکالاتی باقی مانده بود به حجره ایشان می رفتند و اشکالشان را رفع می نمودند. و چه بسا ایشان در حجره خواب بودند و در حال خواب از ایشان می پرسیدند و ایشان هم مانند بیداری جواب می دادند جواب کافی وشافی، و چون از خواب بر می خاستند و از قضایا و پرسشهای در حال خواب با ایشان سخن به میان می آمد ابداً اطلاع نداشتند و می گفتند: هیچ به نظرم نمی رسد و از آنچه می گویید در خاطرم چیزی نیست. »

آیت الله مشکینی می گوید:

« ایشان از جهت علمی (هم در فقه و هم در اصول) در یک مرتبه خیلی بالایی در میان فقهای شیعه قرار دارند. »

حجهٔ السلام و المسلمین امجد می گوید:

« ایشان در علمیت در افق اعلی است. فقیهی است بسیار بزرگ، و معتقدم که باید مجتهدین پای درسشان باشند تا نکته بگیرند و بفهمند، و حق این است که درس خارج را باید امثال آیت الله بهجت بگویند نه آنهایی که به نقل اقوال بسنده می کنند. » تشویق بزرگان به شرکت در درس ایشان :

آیت الله مصباح می گوید:

« اولین چیزی که ما را جذب کرد آن جاذبه معنوی و روحانی ایشان بود. ولی تدریجاً متوجه شدیم که ایشان از لحاظ مقامات علمی و فقاهت هم در درجه بسیار عالی قرار دارد. این بود که سعی کردیم خدمت ایشان درسی داشته باشیم تا وسیله ای باشد هم از معلومات ایشان بهره ای ببریم، و هم بهانه ای باشد که هر روز خدمت ایشان برسیم و از کمالات روحی و معنوی آقا بهره مند شویم. کتاب طهارت را در خدمت ایشان شروع کردیم، ابتدا در یکی از حجرات مدرسه فیضیه چند نفر از دوستان شرکت می کردند، و بعد از گذشت یک سال، یکی دو سالی هم در حجره ای در مدرسه خان (مدرسه مرحوم آیت الله بروجردی) خدمت ایشان درس داشتیم، و بعدها که ضعف مزاج ایشان بیشتر شد از آن به بعد در منزل، خدمتشان می رفتیم که یک دوره طهارت را

خدمت ایشان خواندیم، و بعد یک دوره هم مکاسب و خیارات را که تقریباً حدود ۱۵ سال ادامه پیدا کرد. ما در درس ایشان استفاده هایی می بردیم که در بسیاری از درسها کمتر یافت می شد. »

شهید بزرگوار استاد مطهری(ره) نیز به درس ایشان عنایت خاصّی داشتند. آیت الله محمد حسین احمدی یزدی در این رابطه می گوید:

« آیت الله شهید مطهری درباره درس آیت الله بهجت به ما خیلی سفارش می کرد و می فرمود: حتماً در درس ایشان شرکت کنید مخصوصاً در اصول، چون آقای بهجت درس آقا شیخ محمد حسین اصفهانی را دیده حتماً در درس ایشان شرکت کنید.»

استاد خسرو شاهی می گوید:

« بنده در درس فقه خارج خیارات آیت الله العظمی شیخ مرتضی حائری شرکت می کردم. ایشان اواخر عمر مریض بودند و درسشان تعطیل شد. یک روز وقتی که آیت الله حایری از حرم بیرون می آمدند، به خدمتشان رفتم و پس از سلام عرض کردم: ان شاء الله درس را شروع می فرمایید؟

فرمودند: نه. بعد فرمودند:

« شما که جوان هستید من یک ضابطه ای را در اختیار شما قرار بدهم، و آن اینکه درس کسانی شرکت بکنید که فقط نقل اقوال نکنند، بلکه اقوال را بررسی کرده و نکاتی را در درس بیان کنند که در فعلیت رساندن ملکه اجتهاد خیلی سودمند باشد. چون درسی برای شما مفید است که این ملکه اجتهاد را از قوه به فعلیت برساند، و تنها به نقل اقوال کفایت نکند. »

من همان جا به ایشان عرض کردم: جناب عالی کسی را با اسم برای ما معرفی بفرمایید. فرمودند: « من از اسم بردن معذورم. » عرض کردم: من در درس آیت الله العظمی بهجت شرکت می کنم. ایشان اظهار رضایت نمود و تبسم کردند و فرمودند: « درس ایشان از نظر دقت و محتوا همین قاعده و ضابطه ای را که به شما گفتم دارد، خوب است که در درس ایشان شرکت می کنید. درس ایشان از هر جهت سازنده است هم از جهت علمی هم از جهت اخلاقی، این درس را ادامه بدهید. » تألیفات :

حضرت آیت الله بهجت دارای تألیفات متعددی در فقه و اصول هستند که خود برای چاپ اکثر آنها اقدام نکرده اند، و گاه به کسانی که می خواهند آنها را حتی با غیر وجوه شرعیه چاپ کنند، اجازه نمی دهند و می فرمایند: هنوز بسیاری از کتابهای علمای بزرگ سالهاست که به گونه خطی مانده است، آنها را چاپ کنید نوبت اینها دیر نشده است.

فهرست عمده تألیفات ایشان که برخی نیز با اصرار و پشتکاری برخی از شاگردانشان به چاپ رسیده، عبارتند از:

الف) کتابهای چاپ شده:

۱. رساله توضیح المسائل (فارسی و عربی)

۲. مناسک حجّ

دو کتاب فوق توسط برخی از فضلا بر اساس فتاوی ایشان تألیف و پس از تأیید آقا به چاپ رسیده است.

۳. وسیله النجاهٔ

این کتاب در بردارنده نظرات فقهی ایشان در اکثر ابواب فقه است که در متن وسیله النجاه آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی(ره) گنجانده شده و نهایتاً جلد نخست آن با تأیید ایشان به چاپ رسیده است.

۴. جامع المسائل

این کتاب مجموعه حواشی ایشان بر کتاب « ذخیره العباد» استادش آیت الله العظمی محمد حسین غروی اصفهانی، و نیز تکمیل آن تا آخر فقه می باشد، که قسمتهایی از آن ابتدا با نام « ذخیره العباد» با حروفچینی نه چندان زیبا و در تعداد نسخه اندک در اختیار برخی از شاگردان و خواصّ ایشان قرار گرفت، و بعداً جلد اول از این مجموعه که قرار است در پنج مجلد به چاپ برسد، به خاطر کثرت فروع فقهی که توسط حضرت آیت الله بهجت بر اصل کتاب افزوده شده و جامعیت آن « جامعُ المسائل » نام گرفته و به همت برخی از شاگردان ایشان به چاپ رسید.

ب) تألیفات آماده چاپ و نشر:

۱. جلد اول از کتاب صلوهٔ

آیت الله بهجت در این کتاب با سبکی ویژه و تلخیص مطالب به ترتیب مباحث

« جواهر الکلام» به بیان نظریات نو و ابتکاری خویش پرداخته اند.

۲. جلد اول از دوره اصول

این کتاب تقریبا "به ترتیب « کفایه الاصول» نگارش یافته است، و بارها توسط ایشان مورد مداقّه و تجدید نظر قرار گرفته، و نظریاتی نو در بسیاری از مباحث اصول را در بردارد.

۳. تعلیقه بر مناسک شیخ انصاری

این کتاب در بردارنده نظرات ایشان درباره مناسک حجّ می باشد.

ج) تألیفاتی که هنوز اقدام به چاپ آنها نشده است:

۱. بقیه مجلّدات دوره اصول

۲. حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری

که به ترتیب مکاسب شیخ انصاری(ره) از اول تا انجام، و پس از اتمام آن ادامه مباحثی که در مکاسب مطرح نشده بر اساس متن « شرائع الاسلام » نگارش یافته است، ایشان در این دوره از مباحث فقهی نظرات جدیدی را ارائه داده اند.

۳. دوره طهارت

در این کتاب نیز آیت الله بهجت بسان دوره « کتاب الصلوهٔ » به ترتیب مباحث

« جواهر الکلام» با تلخیص و نو آوری نظرات خویش را مطرح نموده اند.

۴. بقیه مجلّدات دوره کتاب الصلوة

همچنین ایشان در تألیف سفینة البحار با مرحوم حاج شیخ عباس قمی (ره) همکاری داشته اند، و قسمت زیادی از سفینة البحار خطی، به خط ایشان نوشته شده است. شاگردان :

با توجه به اینکه ایشان به خاطر شهرت گریزی عمدتاً در منزل خود تدریس می کردند، با وجود این افراد بسیاری از محضر آن جناب استفاده کرده و می کنند. که برخی از آنان خود صاحب رساله و فتوی می باشند، اینک نام بعضی دیگر از آنان را با حذف القاب ذکر می کنیم:

۱. محمد تقی مصباح یزدی.

۲. عبدالمجید رشید پور.

۳. سید مهدی روحانی.

۴. علی پهلوانی تهرانی.

۵. مختار امینیان.

۶. محمدهادی فقهی.

۷. هادی قدس.

۸. محمود امجد.

۹. محمد ایمانی.

۱۰. محمد حسن احمدی فقیه یزدی.

۱۱. محمد حسین احمدی فقیه یزدی.

۱۲- مسعودی خمینی

۱۳- سید رضا خسروشاهی.

۱۴- حسن لاهوتی

۱۵- عزیز علیاری

۱۶- سید محمد مؤمنی

۱۷- حسین مفیدی

۱۸- جواد محمد زاده تهرانی

۱۹- سید صابر مازندرانی

۲۰- شهید نمازی شیرازی

این عارف برجسته و فقیه ارزشمند در ساعت پانزده و ده دقیقه عصر ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۸ مطابق با ۲۲ جمادی الاولی ۱۴۳۰ قمری دار فانی را وداع گفتند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

بهجتی اردکانی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای آقا شیخ محمد حسین بهجتی اردکانی از افاضل برجسته و علماء شایسته حوزه‌ی قم است که سالها از محضر آیات عظام مرحوم آیه‌الله العظمی حجت و آیه‌الله العظمی بروجردی و سایر آیات استفاده کامل نموده و بمدارج عالیه علم و کمال رسیده است دارای طبع شعر میباشد.

(س چهارم ق)، فقیه، ادیب و شاعر. از علمای شایسته حوزه علمیه قم بود که سالها از محضر آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه بروجردی و سایر آیات استفاده کامل کرد و به مدارج عالیه علمی رسید. وی دارای طبع شعر بود و قصیده‌ی مخمسی از وی در «گنجینه‌ی دانشمندان» آورده شده است.[۱]

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۶۷/ ۳).

بهدار، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا بهدار

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد رضا بهدار در سال ۱۳۵۰هجری شمسی در شهرستان دزفول متولد شدم. تحصیلات ابتدائی و راهنمائی و متوسطه خود را در همان شهرستان محل سکونت به پایان رساندم. از همان دوران کودکی و نوجوانی اهتمام فراوانی به مسائل علمی و اعتقادی و دینی داشتم. از همین رو در همان دوران در مسجد محل خود برای کسب معارف دینی در جلسات قرائت قرآن شرکت دا ئم داشتم. و از اساتید و معلمین دینی کسب فیض می کردم و این خود سبب رشد علمی و اعتقادی فراوانی شد و خود دریچه ای شد برای ورود به حوزه علمیه و کسب معارف بیشتر . از این رو در سال ۱۳۶۶ به صورت غیر رسمی و متفرقه برخی کتب درسی و مقدماتی را پیش اساتید حوزه فرا گرفتم. در این بین مشغول گرفتن دیپلم بودم، که در سال ۱۳۶۹به صورت رسمی در حوزه آیت الله قاضی واقع در شهرستان دزفول درسهای مقدماتی حوزه را شروع کردم. در سال ۱۳۷۲برای ادامه تحصیل دروس سطح یک سال به قم مهاجرت کردم. اما به دلیل ازدواج و مشکلات خانوادگی برای ادامه تحصیل و تدریس به شهرستان برگشتم. بعد از سه سال یعنی سال ۱۳۷۶دوباره موفق شدم برای ادامه تحصیل به قم برگردم و دروس خارج اصول و فقه را دنبال کنم. درسال ۱۳۷۸در کنار درس خارج با قبولی در امتحان ورودی رشته تخصصی کلام اسلامی وارد موسسه امام صادق (علیه السلام)شدم و در سال ۱۳۸۱فارغ التحصیل سطح چهارم حوزه شدم و بعد از آن مشغول پایان نامه هستم. در بین سالهای ۱۳۷۹تاکنون با برخی از موسسات علمی از جمله پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه و مرکز مطالعات حوزه علمیه ارتباط داشته و مقالات و تحقیقاتی ارائه داده ام. از سال ۱۳۸۱تا حال به عنوان مدیر گروه کلام و فلسفه مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه مشغول همکاری و نظارت تحقیقات محققین هستم.

بهرام بخارایی، حاجی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۹۹ ق)، شاعر. وی در شهر بخارا به تدریس و تعلیم اشتغال داشت و گویند در آن شهر به روزگار وی کسی داناتر از او نبود. بهرام با صائب معاصر بود و با وی مکاتباتی داشت. از آثار وی: شرحی بر «شبستان نکات». از اوست:

بهرامم و تا دلم محبت بین شد
داغی خوش کرد و لاله‌ی رنگین شد
هر گل که به سر خریدم از باغ مراد
گل میخی گشت و بر سرم پر چین شد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۳۵)، الذریعه (۱۴۷/۹)، صبح گلشن (۷۰ -۶۹)، فرهنگ سخنوران (۱۴۸).

بهرام نسب، محمد سهیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد سهیل بهرام نسب

محل تولد : کرج

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد سهیل بهرام نسب پس از گذراندن دوره دبیرستان در سال ۱۳۷۶ شمسی وارد حوزه علمیه شدم و در سال ۱۳۸۴ مدرک سطح ۱ (کاردانی) را اخذ کردم . کارهای تحقیقی و پژوهشی را از سال ۱۳۸۲ به صورت شرکت در مسابقات مقاله نویسی آغاز کردم و حائز رتبه هایی شدم در سال ۸۳ یک پروژه تحقیقی را با عنوان «مسجد قبا نخستین بنیان تقوی» از مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما مرکز قم ، به دست گرفته و به پایان رساندم که در پایان به عنوان کتاب از چاپ خارج شد . علاوه بر این آثار حدود هشت مقاله در موضوعات مختلف دینی در مجلات به چاپ رساندم که از آن جمله است ، معرفی فرهنگ رجالی «الموسوعهٔ الرجالیهٔالمیسرهٔ» و «تقیه در فرهنگ شیعه» ، (ترجمه قسمتی از کتاب مع شیعهٔالامامیهٔ فی اعتقادهم) تالیف آیت الله جعفر سبحانی (دام ظله) ؛ اکنون نیز به طور پراکنده ، به نوشتن مقالات در موضوعات مورد علاقه ام مشغولم.

بهرام‌پور، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید باهنر کرمان

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

بهرامی اردبیلی، ظهیرالدین

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. وی از شیرین‌بیانان آن شهر بود. از اوست:

زلف تو می‌کند نهان، آن رخ همچو روز را

شام، بلی، نهان کند، مهر جهان‌فروز را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۲۴)، الذریعه (۱۴۸/۹)، سخنوران آذربایجان (۱۳).

بهرامی خشنودی، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی بهرامی خوشنودی

محل تولد : بروجرد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

بهرامی سرخسی، ابوالحسن علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۰۰ ق)، شاعر. وی از شاعران دوره‌ی غزنوی بوده که علاوه بر شاعری در علوم ادبی نیز مهارت و شهرت داشته و نظامی عروضی نام او را در شمار مؤلفان کتب علمیه‌ی ادبی ذکر کرده است. از جمله آثار وی: سه رساله در عروض و قافیه به اسم او نوشته‌اند که ظاهرا از میان رفته است به نامهای: «رساله‌ی خجسته» یا «خجسته ناصری» یا «خجسته‌نامه»، در عروض؛ «رساله‌ی غایةالعروضین» یا «غایةالعروفیین» و رساله‌ی «کنزالقافیه». از اشعار بازمانده‌ی شاعر چنین بر می‌آید که از سبک شعرای عهد سامانی متأثر بوده است.[۱]

ابوالسحن علی سرخسی، از شاعران عصر اول غزنوی است. او در علوم ادبی ماهر و معروف بود. از کتب او در این علوم «غایة العروضین» (یا غایة العروضین)، «کنز القافیة» و «خجسته‌نامه» را ذکر کرده‌اند. اشعار وی در تذکره‌ها و کتب ادبی پراکنده است. وفاتش ظاهرا در اوایل قرن پنجم اتفاق افتاده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۵۶۹ -۵۶۷ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۵)، الذریعه (۱۴۸/۹)، ریحانه، (۲۹۷/۱)، سخن و سخنوران (۱۵۳)، فرهنگ سخنوران (۱۴۹)، لباب‌الالباب (۶۸ ،۵۷ -۵۵ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالحسن بهرامی)، المعجم فی معاییر اشعار عجم (۲۹۸ ،۱۸۹ -۱۸۱)، هفت اقلیم (۴۰/۲).

بهرامی کمانگر، سلیمان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۶ -۱۲۸۶ ش)، شاعر. در دهکده ماراب، از روستاهای شمال غربی کرمانشاه، متولد شد. سه چهار ساله بود که از ماراب به قریه کوره دره مهاجرت کردند و در مدرسه‌ای که پدرش در آن ده بنا کرده بود به تحصیل پرداخت. سال ۱۳۱۷ ش به کرمانشاه رفت و در اداره دارایی آنجا استخدام شد. مدتی رئیس دارایی کرند و پاوه بود. بهرامی در کرمانشاه وفات یافت و در ماراب دفن شد. وی نظم و نثر فارسی را خوب می‌دانست و شعر هم می‌گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۴۱۲ –۴۰۸ /۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۱۷ –۱۱۶ /۲).

بهرامی، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا بهرامی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در شهرضا متولد شدم. اسفند ماه ۱۳۴۴ و پس از سیکل در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه شده و دو سال در حوزه علمیه اصفهان ، شهر رضا ، مدرسه علمیه صاحب الزمان مشغول تحصیل بوده و سپس در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه قم شده از مغنی تا پایان شرح لمعه را در مدرسه حضرت آیت الله گلپایگانی تحصیل نموده و سپس در ادامه تحصیل در حوزه از محضر حضرات آقایان ۱. ستوده، ۲. کریمی، ۳. اعتمادی، رسائل، مکاسب و کفایه را گذرانده و سپس دروس خارج حوزه (فقه و اصول) را از محضر حضرات آیات عظام آقایان فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، حسین مظاهری، سبحانی استفاده کردم.دوره تخصصی تبلیغ را به مدت چهار سال در حوزه خوانده ام.نظر به جایگاه ویژه مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در نشر فرهنگ و معارف قرآن و اهل بیت علهیم السلام از سال ۱۳۷۳ تا کنون به عنوان مسئول بانک های اطلاع رسانی مرکز بوده ام.از سال ۱۳۸۰ در دانشگاه تدریس می کنم. که اکنون با عنوان استادیار در دانشگاه آزاد اراک تدریس می کنم.

بهرامی، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۳۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: مهندسی مکانیک، دانشگاه: صنعتی امیرکبیر

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته مهندسی مکانیک از دانشگاه امیرکبیر در سال ۱۳۵۵، کارشناسی ارشد و دکتر از دانشگاه ایالتی اورگان آمریکا در سال ۱۳۶۱.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

رباتیک، شناسائی سیستمها، طرح بانک اطلاعات تکنولوژی صنعت سنگین و نظارت بر ۱۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

دینامیک و ارتعاشات

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۹، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

رباتیک، دینامیک پرواز و شناسایی سیستمهای دینامیکی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

بهرامی، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محسن بهرامی در سال ۱۳۳۳ در شهر خمین بدنیا آمد.تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته مهندسی مکانیک در دانشگاه پلی تکنیک(امیر کبیر فعلی) شروع کرد و موفق شد مدرک همان رشته را از دانشگاه ایالتی اورگان آمریکا در سال ۱۳۶۱ اخذ نماید.ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد تمام دانشگاه صنعتی امیر کبیر می باشد.

گروه : فنی و مهندسی

رشته : مهندسی مکانیک

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی و حرفه ای محسن بهرامی به ترتیب زیر است: – کارشناسی مکانیک از دانشگاه پلی تکنیک(امیر کبیر فعلی) در سال ۱۳۵۴ – کارشناسی ارشد رشته مکانیک از دانشگاه ایالتی اورگان آمریکا در سال ۱۳۵۶ – دکترای رشته مکانیک از دانشگاه ایالتی اورگان آمریکا در سال ۱۳۶۱

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای اداری و مورد تصدی محسن بهرامی به قرار زیر است: رئیس بودجه،موسسه تحقیقاتی هوا و فضا،وزارت علوم فناوری و تحقیقات – رئیس بودجه،مرکز تحقیقات تکنولوژی نوین،دانشگاه امیر کبیر – معاون پژوهشی وزارت علوم – عضو کمیته صنعت،کنسولگری پژوهشی – رئیس کمیته تکنولوژی نوین،کنسولگری پژوهشی – مشاور پژوهشی،رئیس سازمان هوانوردی غیر نظامی – هماهنگ کننده بودجه اتوماسیون دربافیک،دانشگاه امیر کبیر – انجمن مهندسین،سن هوزه آمریکا – مهندس پژوهشی کالیفرنیا آمریکا – بورس تحصیلی (دوره ای)موسسه هوانوردی و فضانوردی آمریکا – عضو برنامه ریز کمیته ،پژوه هزاره – عضو انجمن مهندسین مکانیک آمریکا – عضو تخصصی ،انجمن جهان آینده – عضو موسسه بین المللی قوامین فضا – عضو سرمایه گذار و منشی انجمن هواو فضای ایران – عضو سرمایه گذار انجمن مدیریت تکنولوژی ایران

چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی محسن بهرامی به قرار زیر است: ۳۱ مورد مقاله منتشر شده در ژورنالها – ۸۰ مورد مقاله ارائه شده در کنفرانسها – ۷ پروژه تحقیقاتی و پژوهشی

آثار :

۱ ارتعاشات تصادفی

۲ پزشکی و فیزیولوژی هوایی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: محسن بهرامی، وحید نوشادی، احسان علوی، مینا غرویان (ویراستار)، هاجر دسترنجی نژادفر (ویراستار) ناشر: پژوهشکده هوافضا – ۱۸ بهمن، ۱۳۸۵

۳ پسماند های فضایی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: محسن بهرامی، شهرام یزدان پناه، رضا کلانتری نژاد، مینا غرویان (ویراستار)، هاجر دسترنجی نژادفر (ویراستار) ناشر: پژوهشکده هوافضا – ۱۸ بهمن، ۱۳۸۵

۴ توفان مغز

۵ چگونه خود را سامان دهیم

۶ چگونه منظم باشیم؟ تکنولوژی موفقیت

ویژگی اثر : پدیدآورنده: اودت پولار، محسن بهرامی (مترجم)، لیلا کاوسی (مترجم) ناشر: خضرا – ۱۳۸۱

۷ دینامیک تحلیلی سیستمهای گسسته

ویژگی اثر : پدیدآورنده: مهرداد صباغی، میرعباس جلالی، سعید طاهری (مترجم)، محسن بهرامی (مترجم)، بهروز شیاری (مترجم) ناشر: دانشگاه تربیت مدرس – ۱۳۸۳

۸ دینامیک ها

۹ روش تحقیقات در آینده

ویژگی اثر : دردست چاپ

۱۰ شرح آینده ۱۳۸۱

ویژگی اثر : دردست چاپ

۱۱ شرح آینده ۱۳۸۲

ویژگی اثر : دردست چاپ

۱۲ شرح آینده در هزاره اخیر

۱۳ شرح اینده ۱۳۸۳

ویژگی اثر : دردست چاپ

۱۴ مقدمه ای بر روش های فوریه و کاربردهای آن

ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین دوستی، محسن بهرامی، فریدون چوبدار ناشر: شاپورخواست – ۱۵ اسفند، ۱۳۸۵

۱۵ مکانیک ارتعاش

۱۶ وضعیت آینده ۲۰۰۲

ویژگی اثر : پدیدآورنده: جروم کلیتن گلن، تئودور گوردن، محسن بهرامی (مترجم)، حسن شهرکی پور (مترجم)، سعدالله روحی لاریجانی (مترجم)، لیدا کاووسی (مترجم)، نسیم قیاسی (مترجم)، زهره بشارتی راد (مترجم)، آزاده طاهری مقدم (مترجم)، محسن عابدی نیستانک (مترجم) ناشر: خضرا – ۱۹ شهریور، ۱۳۸۵

۱۷ وضعیت آینده ۲۰۰۳

ویژگی اثر : پدیدآورنده: جروم کلیتن گلن، تئودور گوردن، مینا غرویان (مترجم)، محسن بهرامی (مترجم)، حسن شهرکی پور (مترجم)، لیدا کاووسی (مترجم)، نسیم قیاسی (مترجم) ناشر: خضرا – ۱۹ شهریور، ۱۳۸۵ منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

بهرامی، محمد حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین بهرامی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۵/۳

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسین بهرامی در سال ۱۳۵۴ در تهران متولد شدم. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در شهر قم گذراندم و در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه شدم. مقدمات را در مدرسه شهیدین گذراندم. سطح را در حوزه و در محضر اساتیدی از جمله حجج اسلام موسوی تهرانی، اعتمادی(ره)، احمدی میانجی و دیگر اساتید طی کردم. چند سالی نیز در درس خارج اساتیدی از جمله آیات عظام شبیری زنجانی، مکارم شیرازی و وحیدتبریزی شرکت نمودم.

در کنار تحصیل در مراکز سفیران هدایت، جامعه الزهرا و مدرسه امام خمینی(ره) به تدریس پرداخته ام. هم اکنون نیز در مدرسه امام خمینی(ره) و دانشگاه قم در رشته علوم قرآن و حدیث مشغول به تدریس می باشم. سال ۱۳۷۵ و همزمان با سطح، از طریق موسسه امام خمینی (ره) به کارشناسی ارشد پیوسته در رشته الهیات مشغول شده و در سال ۱۳۸۱ با نگارش پایان نامه" اندیشه های حدیثی علامه محمد تقی شوشتری درکتاب النجعه "فارغ التحصیل شدم.

در سال ۱۳۸۲ در دانشگاه تربیت مدرس قم در رشته علوم قرآن و حدیث برای گذراندن مقطع دکتری پذیرفته شدم. و هم اکنون پس از طی دوره آموزشی در آستانه نگارش پایان نامه می باشم. از سال ۱۳۷۷ در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در بخش شبکه اینترنت مشغول به کار شدم. از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ مدیر پایگاه اطلاع رسانی حوزه بودم و از سال ۱۳۸۲ تا کنون نیز به عنوان معاون شبکه مرکز مشغول به فعالیت می باشم.

بهرامی، ناصر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصر بهرامی

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ناصر بهرامی در سال ۱۳۶۴وارد حوزه علمیه شدم و در زادگاهم کرمانشاه در مدرسه آیت الله بروجردی مشغول به فرا گرفتن متون درسی حوزوی شدم. سطح مقدمات را در همانجا به پایان رسانیدم و مشغول به سطوح بالاتر شدم .و دروس بالاتر را مانند کفایه ،رسائل ،مکاسب را در محضر حضرات آقایان آیت الله زرندی نماینده ولی فقیه و امام جمعه کرمانشاه ،حاج آقا مجتبی میبدی ،حاج آقا عبدالخالق عبداللهی ، فرا گرفتم .و در همان مدرسه مذکور مشغول به تدریس سیوطی ،مغنی ، مقدمات شدم و در مدرسه امام صادق (ع)کرمانشاه لمعه و سیوطی تدریس نموده ام و در سال۱۳۷۶وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس خار ج فقه و اصول را در نزد حضرات آیات مکارم شیرازی ،فاضل لنکرانی ،نوری همدانی ،جعفر سبحانی ،جوادی آملی و به مدت دو سال هم در تفسیر حجت الاسلام سید احمد خاتمی شرکت نمودم و در حال حاضر در درس فقه آیت الله مکارم مشغول هستم . در این مدّت مشغول پژوهش بوده و هستم و بیشتر کارهایم را در خانه انجام می دهم و کاری را در دست اقدام دارم بنام خطابات قرآنی و امیدوارم خداوند متعال به ما توفیق دهد تا بتوانیم در راه علم و معرفت کوشا باشیم و برای جامعه اسلامی فردی مفید و صالح باشیم .

بهرامی، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روانشناسی، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فلسفه و علوم تربیتی از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۴۱، دکترا در رشته روانشناسی و علوم تربیتی از دانشگاه سوربن پاریس در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه ابوریحان در گروه روانشناسی، دانشیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

رشد و پرورش سنتی کودکان روستائی ایران، استاندارد کردن آزمون هوش کودکان برای جامعه ایران، استاندارد کردن آزمون تصاویر در هم حافظه آندره‌ری برای جامعه ایران، پایه‌گذاری روانشناسی بالینی و لابراتوار روانشناسی در دانشگاه علوم پزشکی ایران در سال ۱۳۶۲، نظارت بر ۱۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

روانشناسی کودک، روانشناسی نوجوان، هیپنوز و آزمونهای روانی (فرافکنی).

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۶، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تأثیر وراثت و محیط در رشد کودکان، مسائل دوران بلوغ و نوجوانی، تأثیر خانواده بر روی رشد کودکان، سلسله مراتب کودکان در خانواده و تأثیر آن بر روی شخصیت آنان.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

بهرامیان، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین بهرامیان هنرمند و مجسمه ساز در سال ۱۳۵۰ به دنیا آمد.وی دارای مدرک فوق تخصص زیبایی‌شناسی هنر (D.E.A) از دانشگاه سوربن پاریس است. او در سال ۱۳۸۴ برای اعتراض به موزه لوور به زندگی خود پایان داد.محمد حسین بهرامیان یا به قول دوستان‌اش بهرام، یکی از ۵ مجسمه‌ساز برتر معاصر ایران و البته به خاطر تخصصی و سبک کارهایش علمی‌ترین آنهاست که به دلیل دوری از وطن، تنها میان متخصصان و همکاران اش نام‌آشناست.

گروه : هنر

رشته : هنرهای تجسمی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : اخذ لیسانس مجسمه‌سازی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران ۱۳۴۷ کسب مدرک تخصصی مجسمه‌سازی از دانشگاه سوربن پاریس عنوان رساله تخصصی: هنر مجسمه‌سازی معاصر در ایران (امید که روزی چاپ شود) گرفتن مدرک فوق تخصص زیبایی‌شناسی هنر (D.E.A) از دانشگاه سوربن پاریس عنوان رساله فوق تخصص: مناسبات در ساختار اجتماعی و جغرافیایی شهر: نصب مجسمه‌های مختلف در شهر تهران یک سال تدریس در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران

وقایع میانسالی :

زمان و علت فوت : مسئولان موزه لوور پاریس ـ که برچسب آثار ایرانی موزه را مثل نام خلیج فارس به عربی تغییر داده بودند ـ در آتلیه مولاژ موزه لوور، اسم و امضای بهرامیان را از پای آثارش حذف کردند و تمام حقوق مادی و معنوی را زیر پا گذاشتند. او همه وقت و دارایی‌اش را برای پیگیری این پرونده در مراجع قضائی فرانسه صرف کرد. هزینه این کارها برای شهروندان فرانسوی ارزان بود اما برای او ـ که با وجود سال‌ها تحصیل، زندگی و کار در فرانسه حاضر به پذیرفتن شهروندی آنجا و گرفتن اوراق هویت فرانسوی نشده و ایرانی مانده بود ـ کلی آب می‌خورد. تا روزی که چیزی برای ادامه راه در کار نبود. یک روز با دعوت از همه رسانه‌ها و خبرنگاران و بازگو کردن داستان، با پریدن از بام موزه لوور، به قصه پایان داد و شاید با این کار، پیگیری کار را به رسانه‌ها سپرد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : وی متخصص بخش مولاژ در مجموعه موزه‌های ملی فرانسه بوده است.

فعالیتهای آموزشی : یک سال تدریس در سال ۱۳۵۸ در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران را محمد حسین بهرامیان در کارنامه دارد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ترمیم بسیاری از مجسمه‌های باستانی و ساخت مولاژ از آنها، نوآوری در ساخت مجسمه و استفاده از مواد در کار ساخت و اصلاح روش‌های قبل از فعالیتهای وی میباشد.

جوائز و نشانها : کسب عنوان مجسمه‌ساز حرفه‌ای در موزه لوور در ۱۹۹۱ برنده نشان طلا و دیپلم افتخار بیست و هفتمین نمایشگاه اختراعات هنری ژنو سوئیس برای پازل سه بعدی در ۱۹۹۹ کسب نشان نقره و دیپلم افتخار بیست و هفتمین نمایشگاه اختراعات

هنری ژنو سوئیس برای طراحی نوعی قالب برای ساخت مجسمه به تعداد زیاد بدون افت کیفیت در ۱۹۹۹ پازل توپ چهل تکه‌ای از کره زمین؛ برنده مدال طلای نمایشگاه اختراعات هنری ژنو

چگونگی عرضه آثار : ابتکار بهرامیان با ساخت پازل از اشیای باستانی ایران، هنر و تاریخ را از موزه‌ها به درون خانه‌ها می‌برد و کودکان را در حس ساخت اشیای باستانی، با هنرمندان چند هزار سال قبل، سهیم می‌کند. آشنایی با هنر باستانی بخشی از بازی کودک می‌شود و هر کس می‌تواند یک کپی مثل اصل را در خانه داشته باشد؛ مانند پازل وزنه قوی هخامنشی. ساخت پازل‌هایی از آثار باستانی ایران و اهرام مصر، ۲ جایزه برتر نمایشگاه اختراعات هنری سوئیس را برای او به ارمغان آورد. در حال حاضر، موزه لوور – که یک هرم شیشه‌ای در حیاط مقابلش ساخته اند– درآمد هنگفت این امتیاز را به جیب می‌زند. اثر دیگر بهرامیان" جنگ شاهین و مار "در بانک ملی دوبی؛ باز هم ساکنان آن سوی خلیج فارس. یک مجسمه او در یکی از پارک‌های تهران در غیابش به اسم یکی از همکاران ثبت و مجسمه دیگرش هم در پارک دانشجو ناپدید شد. --

آثار :

۱ اسب آبی جای فرعون خوابیده

ویژگی اثر : پوستر پازل سه بعدی بهرامیان از هرم مصری و اسب آبی فیروزه‌ای مصر باستان که در دل پازل قایم شده.

۲ جنگ شاهین و مار

ویژگی اثر : مجسمه، در پارک دبی

۳ دو زیبای خفته

ویژگی اثر : این دو تا قوی طلایی زیبای خفته، ۲ مدل از وزنه‌های ترازوی زمان هخامنشی است که در شوش کشف شده. ساخت مولاژ یا شبیه‌سازی آثار باستانی، یکی از تخصص‌های بی‌بدیل بهرامیان بود؛ تخصصی که علاوه بر ذوق هنری نیاز به مهارت و دانش زیادی دارد.

۴ ماهی‌های در هم

ویژگی اثر : این دو ماهی در هم پیچیده با فواره‌هایشان، در ساحل خلیج‌فارس و خاطره بازدیدکنندگان جا خوش کرده‌اند؛ تا حدی که بسیاری با دیدن عکس، محل آن در دوبی را به جا می‌آورند. بهرامیان با هنر وشناختش نسبت به فضای نصب اثر، یک مجسمه محیطی بسیار عالی خلق کرده بود.

منابع زندگینامه : روزنامه همشهری، ۱۳–۱۱–۱۳۸۶"، مجسمه سازی که شکست"

بهرمن، حیدر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حیدر بهرمن

زندگینامه علمی

با تکمیل دروس ابتدائی و متوسطه در سال ۱۳۶۰با ورود به حوزه علمیه اصفهان به تحصیل علوم حوزوی مشغول شدم. سالهای اولیه دوره مقدمات را که عمدتاً آشنائی با ادبیات عرب چون صرف و نحو و معانی بیان و لغت و منطق بود به پایان رساندم و با شروع دوره سطح به تدریس علوم مقدماتی مشغول گشتم در کنار آشنایی با کتب فقه و اصول، همچون شرح لمعه و رسائل و مکاسب؛ کتب کلامی همچون باب حادی عشر و شرح تجرید الاعتقاد و نیز کتب فلسفه همچون بدایه و نهایه و شرح منظومه و قسمتی از اسفار و قسمتی از اشارات ابن سینا را فرا گرفتم سال ۱۳۶۹با هجرت به شهر مقدس قم و تکمیل دروس سطح وارد مرحله درس خارج فقه و اصول شدم و تا امسال حدود ۱۳سال است که درس خارج را ادامه می دهم .

از سال ۱۳۷۷تا کنون مدت ۹سال است که دوره اول و دوم تخصصی فقه واصول را در موسسه بقیه الله (عج)سپری می نمودم، در کنار فقه و اصول بحث های تفسیری نیز شرکت می نمودم. در طول مدت تحصیل به تدریس ادبیات منطق و فلسفه و فقه و اصول نیز اشتغال داشتم و عمده آثار قلمی اینجانب مربوط به رساله ها یی است که در طول مدت تحصیل در موسسه تحقیقاتی آموزشی بقیه الله(عج) به نگارش درآمده است.

بهرنگی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا بهرنگی سال ۱۳۲۳ در شهر کرمانشاه در خانوادهای متوسط متولد شد. . دیپلم ریاضی اش را که گرفت . در آغاز معلمی را برگزید و به صورت خصوصی در دبیرستانی به تدریس پرداخت. در همین حین وارد بانک صادرات شد. پس از چهار ماه و نیم همکاری با آنها به بانک ملی رفت. کم کم در جریان شناخت استعداد های خود پی به این موضوع برد که بانک به درد او نمی خورد. . با آن که به دلیل کفالت، معاف از خدمت سربازی بود ناگهان تصمیم گرفت به سربازی برود. پس از بازگشت از خدمت، دوباره به بانک برگشت اما پس از چندی تصمیم گرفت به تهران بیاید و به دانشگاه برود. در امتحانات ورودی دانشگاه

های علوم ارتباطات و تربیت معلم (که آن زمان دانشسرا بود) قبول شد و موفق به قبولی در پنج رشته دانشگاه تهران در مقطع فوق لیسانس می شود و از میان آنها، علوم تربیتی را برمی گزینـد. پنـج بورسیـه هم دریافت می کنـد. از این موارد او به دانشگاه تربیت معلم روی خوش نشـان می دهـد و زمـانی که برای اخـذ دکتری به دانشگاه کالیفرنیـای جنوبی می رود، نخستین فردی است که در تاریـخ هشـتاد سـاله آن دانشـگاه، موفق می شود در کوتـاه ترین زمان دکتری کسب کنـد. در نخستین دوره سازمان جهانی آموزش علوم و تکنولوژی (۱۹۹۸ میلادی) به عنوان یکی از اعضای هیأت مـدیره پذیرفته شد و این عضویت در سال های آتی یعنی ۲۰۰۰ ، ۲۰۰۲ ، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۶ نیز ادامه داشت که ضـمن آن، مسئولیت کشورهای آسیای جنوب غربی به وی واگذار شد. اگرچه نمی توان کوشـش و تلاش های شبانه روزی و سرسـختانه بهرنگی را برای صـعود به قله های موفقیت و نام آوری برای ایران در عرصه علم و دانش در سـطح جهـان نادیـده انگاشت، اما خود، همه این پیشامـدها را مرهون توجه و لطف الهی می دانـد و هر موفقیت تازه ای را دلیـل دیگری برای شـکرگزاری پروردگـار می یابـد. گروه : علوم انسانیرشـته : علوم تربیتیتحصیلات رسـمی و حرفه ای : – دکترای علوم تربیتی بـا گرایش مـدیریت آموزشـی، دانشگاه کالیفرنیـای جنوبی (۱۳۵۸) – فوق لیسـانس علوم تربیتی بـا گرایش مـدیریت آموزشـی از دانشگاه تهران – فوق لیسانس اقتصاد (دانشگاه تهران) – فوق لیسانس آموزش عالی از دانشگاه کالیفرنیا (لس آنجلس) – لیسـانش مشاوره و راهنمایی (دانشگاه تربیت معلم ۱۳۵۰) – لیسانس مترجمی دانشکده علوم ارتباطات (دانشگاه علامه طباطبایی ۱۳۵۰) خـاطرات و وقـایع تحصـیل : محمـدرضا بهرنگی معتقـد است اگر از حـوادثی کـه در جریـان زنـدگی برایش پیش آمـده به سلامـت گـذر کرده، لطف الهی شامـل حـال او شـده است. به عنوان نمونه از ماجرای سال ۵۲ یـاد می کنـد که همراه با گروهی از دانشـجویان دانشـگاه تهران به شـمال کشور رفته بودند و بر اثر یک سهل انگاری، نزدیک بوده جان خود را در دریا از دست بدهد. وقایع میانسالی : در حدود ۹ سال پیش زمانی که محمدرضا بهرنگی همراه با خانواده و جمعی از بستگان به مشهد رفته بود، گروهی مرکب از آقای حسینی (مدیر منطقه ۳ مشهد)، آقای گنجی و دیگران به سراغ او می آیند و از او دعوت می کنند حالا که در مشهد هسـتند، کارگـاهی آموزشـی برای یادگیری و یاددهی برپا کننـد: «گفتم ما فردا عازم تهران هستیم. گفتنـد بلیت هایتان را کنسل می کنیم و دوبـاره برایتـان بلیت می گیریم. فقـط شـما یـک هفته اینجـا بمانیـد. اواخر شـهریور بود و چون تـا آغـاز مهر فرصت داشـتم، پذیرفتیم و آموزش را شـروع کردیم. ۸۰ نفر معلم را به یک سالن آورده بودنـد. روزهای اول کمی بی حوصـله و بی اشتیاق بودند، ولی به تدریـج شوق گرفتند و روز چهارم نمایشـگاه کارهای عملی معلم های ابتدایی و راهنمایی برپا شد و جالب بود که روز آخر که جمعه بود و معمولاً روزهای آخر کسـی نمی آیـد، همه حضور داشـتند و با تعهـد بالایی هم آمـده بودنـد و من فهمیدم چه معلم هـای بـاغیرتی داریم، اگر کسـی بتوانـد بـا این ها کار کنـد.» هنگامی که بهرنگی به تهران بر می گردد، آقای حیـدری (رئیس وقت آموزش و پرورش اسـتان خراسان که بعـدها به ریاست آموزش و پرورش آسـتان قدس رضوی رسـید) نامه ای به آقای نجفی (وزیر آموزش و پرورش) نوشـته و در آن توضیـح می دهد که شخصی به نام بهرنگی در ناحیه ۳ مشهد کارگاهی آموزشی برپا کرده که معلمان با استقبال پرشوری در آن شرکت کرده اند و با دیدن این وضع به وزیر آموزش وپرورش اعلام می کند به هر نحو ممکن از او برای آموزش در کل کشور اسـتفاده شود. این نامه را برای بهرنگی فرسـتادند و ضـمن تشـکر از او دعوت کردنـد و برایش برنامه گذاشتند؛ برنامه ای که تمام معلمان کشور از هر استان ۲ نفر و در هر درس و هر یک از سطوح ابتدایی و راهنمایی، شرکت داشتند و این آموزش برای حدود ۵۰ـ۴۰ نفر حدود یک ماه و نیم به طول انجامید. این رفت و آمدهای طولانی درفصل گرما و کار مستمر، تأثیری مخرب در خشـکاندن سوی چشم های دکتر بهرنگی داشت. به نحوی که بینایی اش را به سـرعت از دست داد. او می گوید: «رفتم نزد مرحوم دکتر شـرجردی که از متخصصان برجسته چشم بود. ایشان گفت اگر شده فرش منزلت را هم بفروشی برای درمان برو خارج از کشور. من با دانشگاه UCLA و بیمارسـتان آنجا که مرکز تحقیقات چشم بود آشنایی داشتم ولی امکانات برایم فراهم نبود. فکر کردم از طریق سـخنرانی در یکی از کنفرانس های خارجی مقـداری از هزینه های سـفر به خارج را تأمین کنم. به هر حال به دلایلی نشد، تا این که مطلع شدم دکتر سیدمحمدرضا هاشمی، جراح حاذق چشم دستگاه مخصوص لیزر را به ایران آورده. یکی از شاگردانم مرا به ایشان معرفی کرد و رفتیم به کلینیک فوق تخصصی اش و ایشان ترتیب جراحی چشم من را در ایران داد. پس از جراحی بهترین لحظه زندگی ام همان لحظه بود که چشـمم باز شد و دوباره دنیا را با نگاه و شـکل جدید دیدم.» مشاغل و سـمتهای مورد تصـدی : سوابق اجرایی و خـدماتی محمـدرضا بهرنگی چنـان فهرست عظیم و طویلی را شامـل می شود که در این شـرح حال مختصـر نمی گنجـد. برخی از مهم ترین آنها عبارتند از فعالیت در سـتاد انقلاب فرهنگی بعد از انقلاب. و به مدت دو سال ۱۳۶۰ تا ۶۲ وارد یونسـکو میشود و نماینـدگی بسـته شـده در ایران را دوباره فعال میکنـد و آنجا را سـر و سامان میدهـد. و نیز – عضو کمیته تخصصـی گروه بنیادهـای آموزش وپرورش از بـدو تأسـیس تاکنون – عضو هیأت مـدیره سازمان جهانی آموزش علوم و تکنولوژی IOSTE و نماینـده کشورهـای آسیای جنوبی و کشورهـای عربی (از سال ۱۹۹۹ تـاکنون) – عضو شورای عـالی آموزش وپرورش (۱۳۸۰ تـاکنون) – عضو هیـأت امنای مراکز تربیت معلم ایران – عضو هیأت تحریریه فصـلنامه تعلیم و تربیت و مجلات نوآوری های آموزشـی، کارآفرینی و... بوده است. فعالیتهای آموزشی : محمدرضا بهرنگی استاد پایه ۳۱ دانشگاه تربیت معلم است و همچنین از سال ۵۸ تـاکنون عضو هیـأت علمی گروه مـدیریت آموزشـی بوده اسـتمراکزی که فرد از بانیـان آن به شـمار می آیـد : محمدرضـا بهرنگی در راه اندازی، مدیریت و اجرای بیش از ۳۰۰ کارگاه آموزشی برای نخستین بار در ایران نقش داشته که معمولاً با شرکت بیش از یکصد نفر متقاضـی آموزش الگوهای تدریس برای اسـتادان دانشگاه، مربیان، دبیران و معلمان کشور در استان های مختلف و شـهر تهران همراه بوده است. همچنین وی مؤسـس نخسـتین دوره دکـترای مـدیریت آموزشـی در ایران بوده است.سـایر فعالیتهـا و برنامه های روزمره : محمـد رضا بهرنگی پس از انقلاب به قصـد بازگشایی دانشگاه هایی که تعطیل شـده بودند وارد سـتاد انقلاب فرهنگی می شود و یکی از مهمترین کارهـایی که آنجـا صورت می دهـد، تطبیق برنـامه های درسـی علوم انسانی است. کمیته های بسیاری توسط استادان متخصص تشکیل می دهد و جالب آن که از هر شخصی درخواست همکاری می کند، بدون مضایقه و چشم داشت مـادی به کمـک می آیـد و همگی برنامه ریزی های لازم را انجام می دهنـد. بهرنگی از آن زمان به عنوان دوران طلایی یاد می کنـد و می گویـد: دیگر مثل آن دوره را ندیـده که این قـدر آدم ها و اساتیـد بی توقع می آمدنـد و خدمت می کردند. در سال

۱۳۶۰ تا ۶۲ وارد یونسکو می شود و همه چیز را در آنجا سر و سامان می دهد. نمایندگی یونسکوی بسته شده در ایران را دوباره فعال می کند، برایش قوانین و مقررات جدید می نویسد، طبقه بندی شغلی تهیه می کند و با نوشتن شرح شغلی، هر کس را موظف به کار مشخصی می کند. در این مدت دو ساله سازمان روی چرخش مناسبی افتاد و به تندی به کارایی نهایی رسید. حتی صدها هزار دلار از طرف یونسکو به نام خود بهرنگی برای چاپ مجلات و کارهای مشابه فرستاده شد که او با وجود تمام تلاش هایی که کرده بود، همه پول ها را به حساب یونسکو گذاشت. خودش می گوید: «یک حسابداری شسته رفته که یک قران در آن خطا و خلاف پیدا نمی شد، تحویل وزیر علوم، آقای نجفی دادم که ایشان یک مجلس تودیع برقرار کردند. آقای طائب، معاون ایشان پس از بازدید از یونسکو به آقای نجفی گفت: «مرغ از قفس پرید». چون من قرارداد دو سال همکاری با آنها داشتم و پس از این مدت، به درخواست خود از مجموعه خارج شدم.» آرا و گرایشهای خاص : محمدرضا بهرنگی زیربنای تمام رشته های تربیتی و آموزشی را روانشناسی عنوان می کند و اذعان می دارد «روانشناسی یادگیری بخصوص در علوم تربیتی از اهمیت بالایی برخوردار است و در گرایش های علوم تربیتی، روانشناسی زمینه اصلی را به وجود می آورد.» در راستای یادگیری، او مجموعه ای از کتاب های «الگوهای تدریس» را ترجمه و منتشر کرده است که آخرین نمونه از این اثر «الگوهای تدریس ۲۰۰۴» است که با ویرایش جدید عرضه شده. این سری از کتاب ها از تألیفات بروس جویس، مارشال ویل و امیلی کالهون هستند که از سال ۱۹۸۶ و به ترتیب سال های ۹۲ ، ۹۶ ، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۴ توسط بهرنگی به فارسی برگردانده شده اند. بهرنگی معتقد است با آموزش می توان جامعه ای متحول، نوگرا و اصیل ساخت. الگوهایی که او معمولاً برای آموزش پیشنهاد می کند، ناشی از تحقیق و پژوهش های بسیار، ترجمه و ابداعاتی است که خود پدیدآورنده آنها بوده است. او می گوید: «ما در آموزش و پرورشمان توجهی به ویژگی ها و تنوع استعدادهای بچه ها نداریم و زیر بال و پر آنها را نمی گیریم تا به سمت شکوفایی استعدادهای ذاتی و فطری خودشان حرکت کنند و رابطه ای را که قبل از مدرسه بین فرد و خودش و استعدادها و شکوفایی استعدادهای خودش هست، قطع و او را مطیع رسمی انتظارات معلم می کنیم. امروزه بیان می کنند هر کس حق دارد طرح ذهنی خود را داشته باشد و معلم حق ندارد چارچوب فکری خودش را به شاگرد انتقال بدهد، البته حضور استاد الزامی است. او معتقد است مسیری که در آن گام برداشته، مسیر موفقی بوده و این موفقیت را مرهون خانواده اش بوده است. او می گوید:« بر این عقیده ام که همه باید در خدمت انسان برای افزایش شناخت شان کارکنند و برهمین اساس است که فرزندان من انگیزه ای قوی پیدا کردند و موفقیت شان هم تابع همین فلسفه بوده است. بنابراین چه الگویی بهتر از این که من توانستم در خانواده چنین فلسفه ای را پیاده کنم تا همه موفق شوند و به بالاترین مقام های علمی برسند؟ من این را برای همه جامعه می خواهم. برای فرزندان همه خانواده ها. من نشان دادم که این راه موفق می شود.» چگونگی عرضه آثار : محمدرضا بهرنگی مؤلف ۴ عنوان کتاب به زبان انگلیسی، ۴ عنوان کتاب به زبان عربی و ۸ عنوان به زبان فارسی از جمله : Comperehensive Thinking، الفکر الاجتماعی نموزج للا داره، ره آورد های نظری و تجربی، انتظار از دانشگاه، مدیریت آموزشی و آموزشگاهی و... – ترجمه بیش از ۱۰ عنوان کتاب مانند: الگوهای تدریس ۲۰۰۴، ذهنیت فلسفی در مدیریت آموزشی، سیستم ها و فنون اطلاعات مدیریت استراتژیک و ... بیش از ۵۰ عنوان مقالات علمی پژوهشی به زبان های انگلیسی، عربی و فارسی نگاشته است که غالب آنها در مجلات معتبر علمی به چاپ رسیده اند یا در همایش ها و کنفرانس های داخلی و خارجی ارائه شده اند. از آن جمله اند شناخت بهره وری تحقیقات و فرهنگ سازمانی حاکم بر آن (با همکاری احمدرضا سنجری)، خم نظام های اندیشه علمی در عهد عتیق، مدیریت آموزشی اولویتی پنهان، نارسایی های آموزشی ایران و...

بهروان، رسول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم رسول بهروان، شاعر و ادیب، در حدود سال ۱۳۱۵ متولد، و در کوپا و اصهفان تحصیل علوم ادب و تاریخ نموده، به خدمت فرهنگ وارد شده، از دبیران دانشمند اصفهان بود. دارای دیوان اشعار می‌باشد.

در شب شنبه ۳۰ ذی قعده ۱۳۸۴ وفات یافته، در تکیه‌ی سیدالعراقین در تخت فولاد مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بهروز طبری

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، شاعر. از شاعران دربار غزنویان و مداح سلطان محمود غزنوی بوده است. از اوست:

یک سخن گویمت ز روی یقین

بشنو اربشنوی سزد که سزاست

زان به گیتی سخن‌شناس نماند

که عطا دادن از میان برخاست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شاعران بی‌دیوان (۴۳۶)، لباب‌الالباب (۶۷/۲).

بهروز، ذبیح‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۰ –۱۲۷۰ /۱۲۶۸ ش)، شاعر، منجم و نویسنده. در تهران (نیشابور؟) متولد شد. تحصیلات مقدماتی خود را در مدارس ادیب و آمریکایی فراگرفت و با زبان انگلیسی آشنا شد. وی پس از آن برای تکمیل علوم ادبی و عربی به قاهره رفت و مدت ده سال در آنجا ماند. از آنجا به انگلستان رفت و در آنجا به معاونت پرفسور براون و نیکلسون درآمد و به تدریس پرداخت. پس از چندی به آلمان رفت و از آنجا به ایتالیا و سپس به ایران بازگشت. بهروز در مدرسه‌ی دارالفنون به تدریس پرداخت. او نویسنده‌ای محقق، زبانشناس و آشنا به فرهنگ قبل از اسلام بود. ذبیح نخستین کسی بود که در شیوه‌ی پژوهشهای ایرانشناسان غربی شک کرد و اشتباهات و غرض‌ورزیهای آنان را متذکر شد. در ستاره‌شناسی ایرانی نظر علمی رصدی را مطرح کرد و ستاره‌شناسی و گاه‌شماری دولت ایرانیان را در زمان زرتشت کشف کرد. وی در تهران درگذشت. برخی از آثار او: «زبان ایران، فارسی یا عربی»؛ «نمایشنامه‌ی شاه ایران»؛ «آیین بزرگی»؛ «فرهنگ کوچک تازی به فارسی»؛ «منتخبات دیوان حافظ»؛ «منتخبات رباعیات خیام»؛ «منتخبات کلیات سعدی»؛ «موش و گربه»؛ «خط و فرهنگ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :راهنمای کتاب (س ۱۴، ش ۱۲ –۹، ص ۷۳۱ –۷۲۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۱۸/۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۶۰ –۳۵۸ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۹ –۷۷ /۳).

بهروز، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: سیستان و بلوچستان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۴۲، کارشناسی ارشد شیمی از ایالت نیومکزیکو آمریکا در سال ۱۳۵۵ تز کارشناسی ارشد در ارتباط با عنصر تالیوم، دکترای شیمی آلی فلزی از دانشگاه ایالتی نیویورک در سال ۱۳۶۲، طی دوره فوق تخصص از ایالت نیویورک آمریکا در سال ۱۳۶۹ –۷۰.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه سیستان و بلوچستان زاهدان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

سولفون، سیلیکون، عناصر اصلی، عناصر واسطه و کاربردشان در مشتقات آلی فلزی و سنتز مواد آلی، طرح الیگومریزاسیون گاز اتیلن، سیکلیزاسیون، تهیه سوخت مایع از گاز طبیعی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شیمی آلی عملیات، جداسازی و شناسائی ترکیبات آلی و شیمی عمومی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸ تعداد مقالات بزبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

شیمی آلی و شیمی آلی فلزی بیشتر در زمینه‌های بنیادی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

بهروز، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا بهروز

محل تولد : استهبان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۸/۲

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا بهروز در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه شیراز شده و از محضر بزرگانی همچون آیت الله سید عبدالحسین دستغیب (شهید محراب) بهره وافر برده، دروس ادبیات را در محضر آقایان سید محمود و سید احمد آیت الهی از ادیبان متبحر آن دیار فرا گرفته و هم چنین دروس مقدماتی و مقداری از سطح را در محضر آقایان حج السلام سید محمد مهدی و سید علی محمد دستغیب فرا گرفته و در سال ۱۳۶۵ برای ادامه تحصیلا ت وارد حوزه علمیه قم شده و ادامه دروس سطح را در محضر آقایان حجج اسلام اعتمادی ، پایانی ، وجدانی فخر، ستوده ، قدیری . و اساتید دیگر فرا گرفتم. در سال ۱۳۶۸ دروس خارج فقه و اصول را شروع کرده و از محضر آقایان آیات عظام فاضل لنکرانی . وحید خراسانی . میرزا جواد تبریزی و مکارم شیرازی حضور پیدا کردم و دوره های فقه واصول را به پایان رسانده و هم چنین در سال ۱۳۷۰–۱۳۷۴ در رشته تخصصی کلام شرکت کرده و دوره چهار ساله آن را با موفقیت گذراندم و جزء شاگردان ممتاز آن موسسه بوده ام . در بحث فلسفه از محضر اساتید بزرگواری هم چون آیت الله جوادی آملی ، حسن زاده آملی ، مصباح زاده یزدی و هم چنین از محضر درس جناب آقای انصاری شیرازی بهره وافری برد ه و کتاب های بدایه و نهایه را از محضر آقایان فیاضی تلمذ نمودم و اشارات و تنبیهات را از محضر آیت گرامی و دکتر بهشتی تلمذ نمودم و دروس اسفار و الهیات اسفار را از بزرگانی هم چون آیت الله جوادی . حسن زاده . مصباح . و انصاری شیرازی تلمذ نموده ام . و در حال حاضر عضو هیئت علمی پژوهشگاه هستم. از نظر فعالیت های اینترنتی جزء فعالان اینترنتی هستم و فعلا بهعنوان مدیر بخش آنلاین مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی مشغول خدمتم . ودر سایت ها و مسنجرهای مطرح جهان به پاسخگویی و رفع شبهات دینی مشغولم. که می توان به مسنجر بیلوکس ،پال تاک، ال فور ای، ارتباط شیعی و یاهو اشاره کرد و هر روز کاربران زیادی با مراجعه به این سایت ها پاسخ های خود را در یافت می نمایند و از استقبال فراوانی برخوردار است در حالحاضر با همکاری دوستان زیرمجموعه در شبانه روز بیش از ژنجاه ساعت به ژاسخگویی به سوالات دینی اشتغال دارم و درگذشته نیز در مدت بیش از چهار سال در سایت های اینترنتی به فعالیت های اینترنتی می پرداختم . در مجموع درکلیه موضوهای اینترنتی حضور فعال داشته ام . در عرصه ژاسخ به سوالات کتبی نیز روزانه ایمیل های فراوانی به این مرکز ارسال می شود که تعداد زیادی از این سوالات که مسائل اعتقادی و فلسفی را تشکیل می دهد به کمک دوستان دیگر به ژاسخ آن می پردازیم.

بهروزی بوشهری، محمد جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، نویسنده و شاعر. در بوشهر چشم به جهان گشود. علوم ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود فراگرفت و به دریافت گواهینامه‌ی دیپلم توفیق یافت. از آن پس به خدمت فرهنگ درآمد و به عنوان دبیر دبیرستانهای شیراز به تدریس پرداخت، سپس برای ادامه‌ی تحصیل به تهران آمد و در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی به دریافت لیسانس نایل شد. از آثار او: «شراره‌های عشق»؛ «لغزها»؛ «شهر سبز»؛ «تقویم تاریخی»؛ «چیستان در ادبیات فارسی»؛ «راهنمای آثار تاریخی کازرون»؛ «یادبود یاران»؛ «راز باران»؛ «تبخالها»؛ «گلهای شهر سبز»؛ «رمز اعداد در ادبیات فارسی»؛ «غوغای جوانی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۹۹ -۴۹۴ /۱)، سخنوران نامی معاصر (۶۱۳ -۶۱۰ /۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۳۴/۱)، فرهنگ سخنوران (۱۴۹)، مؤلفین کتب چاپی (۴۰۸ -۴۰۷ /۲).

بهروزی لار، منصور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ماشینهای کشاورزی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

بهروزی، علی‌نقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، محقق.

تولد: ۱۲۸۱(۱۳۲۳ ق.)، کازرون.

درگذشت: ۱۴ فروردین ۱۳۶۲، شیراز.

علی‌نقی بهروزی متخلص به «بهروزی»، فرزند بهروز، پس از اخذ دیپلم در بوشهر و فراگیری ادبیات و زبان انگلیسی، به سال ۱۳۰۲ به بحرین رفت و دو سال به مدیریت و آموزگاری مدرسه اتحادیه ایرانیان اشتغال ورزید و بعد خدمت خود را در سمت‌های معملی

و نظامت و مدیریت در بوشهر و شیراز ادامه داد. وی در سال ۱۳۳۷ بازنشسته شد. با این وجود معلمی در دبیرستان ابن سینا ادامه داد. همچنین دارای گواهینامه زبان انگلیسی از دانشگاه کمریج بود. علاوه بر انگلیسی، با عربی نیز آشنا بود و به دریافت نشان‌های درجه یک و دو علمی نایل آمد.

در سال ۱۳۰۵ با روزنامه‌ی «تخت جمشید» همکاری کرد و بعد به عضویت در هیئت تحریریه روزنامه‌های «عصر آزادی»، «پیغام»، «پارس» و «بهار ایران» درآمد. در عین حال مقالاتی در مجلات «گل‌های رنگارنگ»، «ارمغان»، «یادگار»و «یغما» انتشار می‌داد. او در سال ۱۳۲۵ امتیاز روزنامه‌ی «دستاویز» را گرفت و چند شماره در شیراز منتشر کرد. وی همچنین عضو «انجمن قلم» و عضو مشورتی روزنامه‌ی «اطلاعات» در استان فارس بود و به عنوان شعار در «انجمن ادبی فارس» حضور می‌یافت و یکی از بنیانگذاران «کانون دانش پارس» بود و تا روزهای آخر عمر در جلسات آن شرکت می‌کرد.

از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۸ به سمت سرپرست کتابخانه حافظیه مشغول کار بود. از تیر سال ۱۳۵۸ به سرپرستی کتابخانه حضرت احمد در ××××× شاهچراغ شیراز اشتغال داشت.

فهرست آثار او به شرح زیر است: جشن‌های ایزدی، تاریخ اعیاد ملی (شیراز، ۱۳۲۴)؛ سده‌ی وفات قاآنی (شیراز، ۱۳۳۳)؛ شرح کامل حالات حکیم قاآنی (شیراز، ۱۳۳۴، نشریه‌ی سه کانون دانش پارس)؛ شهر شیراز یا خال رخ هفت کشور (شیراز، ۱۳۳۳)؛ تصحیح دیوان رحمت کازرونی (شیراز، ۱۳۳۴)؛ تصحیح دیوان مظفر شیرازی (با همکاری و بازنگری دیگران شیراز، ۱۳۳۷)؛ لطایف و ظرایف ادبی (شیراز، ۱۳۴۲)؛ آثار محلی فارس (شیراز ۱۳۴۰)؛ فارسنامه ابن بلخی (شیراز، ۱۳۴۳)؛ تاریخچه‌ی شهر شیراز و اماکن تاریخی (تهران، ۱۳۴۷)؛ واژه‌ها و مثل‌های شیرازی و کازرونی (تهران، ۱۳۴۸)؛ بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز (شیراز، ۱۴۳۹)؛ تاریخچه‌ی مسجد جامع سلطانی وکیل (شیراز، ۱۳۵۰)؛ فهرست کتب خطی کتابخانه ملی فارس (دو جلد با همکاری آقای محمدصادق فقیری، شیراز، ۱۳۵۱)، نوادر تاریخی (جلد اول، ۱۳۵۳)؛ حافظ را بشناسید (شیراز، ۱۳۵۵)؛ سعدی را بشناسید (شیراز، ۱۳۵۵)؛ افتخارات ایران؛ شرح حال و اشعار ناخدا عباس دریانورد (شیراز، ۱۳۵۶)؛ تاریخچه‌ی کتابخانه‌ها و مطبوعات و چاپخانه‌ی فارس (شیراز، ۱۳۵۶)؛ فهرست کتب خطی کتابخانه‌ی آستان حضرت احمد بن موسی شاهچراغ (دو جلد، شیراز، ۱۳۶۰)؛ تاریخچه‌ی ده ساله‌ی کانون فرهنگیان پارس (شیراز، ۱۳۳۳)؛ اشعار نغز؛ گلشکر.

علی‌نقی بهروزی سرانجام به سال ۱۳۶۲ در شیراز زندگی را بدرود گفت و در دارالرحمه شیراز به خاک سپرده شد.

(۱۳۶۲ -۱۲۸۳ / ۱۲۸۱ ش)، شاعر، روزنامه‌نگار و نویسنده. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کازرون و بوشهر و شیراز به پایان رسانید و موفق به اخذ دیپلم متوسطه شد و زبان انگلیسی را کاملا آموخت و نایل به دریافت گواهی‌نامه از دانشگاه کمبریج انگلستان شد. بهروزی وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و مدت دو سال مدیر مدرسه‌ی ایرانیان در بحرین بود و از آنجا به بوشهر منتقل شد. و به مدیریت و تدریس در مدارس مختلف در بوشهر و شیراز پرداخت. او مقالات ادبی و اجتماعی زیادی در جراید «تخت جمشید»، «عصر ابادی»، «پارس» و مجلات «ارمغان»، «یادگار» و «گلهای رنگارنگ» منتشر کرد. بهروزی در سال ۱۳۲۵ ش امتیاز روزنامه‌ی «دستاویز» را گرفت و چند شماره‌ی آن را در شیراز منتشر کرد. بعد از بازنشستگی از سال ۱۳۵۰ ش به سرپرستی کتابخانه حافظیه و کتابخانه شاهچراغ، گمارده شد و عضو انجمن ادبی فارس و مؤسس کانون دانش پارس بود و تا آخر عمر در جلسات آن شرکت می‌کرد. وی گاهی شعر می‌سرود و محققی پرکار بود و بیست و چهار جلد کتاب تألیف کرد و دهها مقاله نوشت. از آثار وی: «آثار محلی فارس؛ «جشنهای ایزدی»؛ «نوادر تاریخی»؛ «گلشکر»، لطائف و ظرائف ادبی؛ «سده قاآنی»؛ «شهر شیراز یا خال رخ هفت کشور»؛ «فرهنگ لغات محلی فارسی».[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۳۲/ ۵)، انجمن‌های ادبی شیراز (۴۱۵ -۴۱۲)، تارخی جراید (۳۱ -۳۰/ ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۹۴ -۴۹۰/ ۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۲۰ -۱۱۹/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۴، ۶۰۳/ ۴).

بهروزی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۹ ش)، نویسنده، شاعر و روزنامه‌نگار. در ساری متولد شد. وی پس از اتمام تحصیلات وارد خدمت دولتی و عهده‌دار مشاغلی مختلف شد و قرائت‌خانه‌ای در ساری دایر کرد و با نشریات «قانون»، «حلاج»، «نسیم شمال»، «ارمغان» همکاری داشت. او امتیاز نشریه‌ای به نام «کنار دریا» را نیز گرفت. بهروزی در نظم و نثر دست داشت. از آثار منثور او: «اگر خدا بخواهد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۶۰۹ -۶۰۵ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۴۹).

بهروش، علاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی عمران، دانشکده: فنی، دانشگاه: تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی رشته راه و ساختمان از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۹، کارشناسی ارشد در رشته سازه از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۵۰ و دکترای سازه از دانشگاه ساری انگلستان در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده فنی دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

المانهای محدود، تحلیل دینامیک سازه به روش المانهای محدود، حل معادلات دیفرانسیل با مشتقات جزئی، پیشنهاد زبان خاص تحلیل سازه‌ها، بررسی عناصر نیمه محدود، تحلیل پلاستیک قابها، آنالیزالاستیک پلاستیک شبکه‌های مسطح بهینه‌سازی سازه‌های مفصلی، تهیه داده‌های روش المانهای محدود، آنالیز قابهای بادیوار برشی، استاتیک و تحلیل سازه به روش ماتریس، تدریس دروس تحلیل ماتریسی سازه‌ها، روش المانهای محدود، ریاضیات عالی مهندسی و سازه‌های صنعتی در دانشگاه تبریز.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تعمیم روش کانی در سازه، تحلیل دینامیکی سازه‌ها و روشهای تحلیل ماتریس سازه‌ها.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

تهیه مشخصات هندسی سازه‌ها با کامپیوتر، نکاتی چند درباره حل سازه‌های فضائی، حل سازه‌های سطح با روش یک معادله یک مجهول، روش مستقیم تکراری برای تحلیل سازه‌های برگ.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

بهزاد، یدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یدالله بهزاد از شاعران کهن سرای معاصر است.

زندگی نامه

یدالله بهزاد کرمانشاهی فرزند حسین ایوانی (نیمه بهمن ماه ۱۳۰۴ – ۵ فروردین ۱۳۸۶) زاده کرمانشاه از شاعران معاصر ایران است. بهزاد پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه و دوره عالی به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و مدت ۲۷ سال در دبیرستانهای زادگاه خود به تدریس ادبیات فارسی اشتغال داشت و در سال۱۳۵۹بنا به درخواست خود بازنشسته گردید و به کار مطالعه و تحقیق پرداخت. وی به هنر خوشنویسی علاقه و دلبستگی زیادی پیدا کرد و خود در نوشتن خط تحریر و نستعلیق مهارت و توانایی یافت. یدالله بهزاد در سالهای ۱۳۲۷ تا ۱۳۲۹، هنگامی تحصیل در دانشکده ادبیات تهران، از استادانی چون جلالالدین همایی و دکتر محمد معین بهره برد.

اشعار او در مجلات ادبی مانند سخن، آینده، یغما چاپ شده‌است. همچنین از وی کتاب گلی بیرنگ از انتشارات آگه (چاپ ۱۳۸۱) منتشر شده‌است.

مهدی اخوان ثالث، درباره بهزاد چنین می‌نویسد:

«بهزاد از شعرا و سخنوران بسیار قادر سخن و بلیغ و شیوا و سلیم ذوق و بلند طبع و لطیف قریحه و نغز اندیشه عصر ماست.»

محمدحسین شهریار نیز درباره بهزاد می گوید:

برو جلیلی و بهزاد را به کرمانشاه / ببین که ماه ببینی به پشت ابر سیاه

بهزادی، کرامت‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: مهندسی نفت، دانشگاه: صنعت نفت

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی با رتبه اول از دانشگاه جندی شاپور، کارشناسی ارشد و دکترا از دانشگاه منچستر انگلستان در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه صنعت نفت.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه و بررسی کمپلکسهای فلزات واسطه وانادیم، نیوبیوم، تانتالوم، مولیبدن و تنگستن، مطالعه و بررسی کمپلکسهای این فلزات بوسیله دستگاههای اسپکتروسکپی IR,R,NMR,M.S و RAY-,X,DIFFRACTION مطالعه سینیتکی واکنشها و استاد راهنمای یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد و یک پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۹

زمینه علمی مقالات:

تهیه و بررسی کمپلکسهای فلزات واسطه.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

بهشتی تبریزی، رحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۵۱ ق)، طبیب و شاعر. وی از پزشکان معروف تبریز بود که از حوزه‌ی درس لعلی استفاده می‌کرد. وی دارای اخلاق پسندیده بود و بیشتر اوقات فراغت خود را صرف پیشرفت فرهنگ می‌کرد. بهشتی طبع شعر نیز داشت در تبریز درگذشت و در قبرستان طوباییه آن شهر دفن شد. از آثار وی «رساله‌ی مدینه در اخلاق» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۹۹ -۹۸ /۲)، سخنوران آذربایجان (۲۴۶ -۲۴۵)، فرهنگ سخنوران (۱۵۰)، مؤلفین کتب چاپی (۱۲۲/۳)،

بهشتی حصاری

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. وی از معاصران امیر علیشیر نوایی بود که در شهر هرات به تحصیل علم و ادب اشتغال داشت. در شعری تتبع قصیده‌ی شتر حجره‌ی ملا کاتبی را کرده است. از اوست:

چه پروری شتر نفس را به حجره‌ی تن

شتر دلی است که در حجره پرور دشمن

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۲۴)، الذریعه (۱۴۸/۹)، مجالس النفائس (۸۰).

بهشتی رشتی، محمدعلی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۲۳۰ ق)، عالم دینی و فقیه. از علمای قرن سیزدهم و از شاگردان سیدعلی طباطبایی، صاحب «ریاض» بود که در کربلا نزد استاد تلمذ می‌کرد. او فتواهای استادش را از تصانیف وی جمع‌آوری کرد تا مقلدانش بتوانند به رساله‌ی عملیه‌ی او دسترسی پیدا کنند. بهشتی از میان مسایل گردآوری شده استاد، رساله‌ای فارسی به نام «راه نجات»، با فصولی مرتب در طهارت و نماز و روزه، در سال ۱۲۳۰ ق نگاشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۶۴/۱۰)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۸۲۷/۱۳).

بهشتی قزوینی، شریف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۸ ق)، عالم دینی، مدرس، ادیب و شاعر. در قزوین به دنیا آمد. وی پس از فراگیری مقدمات علوم، مدارج عالی را در حوزه‌ی درس شیخ ملا محمدصالح برغانی و شهید ثالث پیمود. سپس به عراق رفت و در کربلا و نجف از محضر استادانی چون

شیخ حسن برغانی بهره گرفت و به درجه اجتهاد نایل شد. در بازگشت به موطن خویش از استادان قزوین نیز اجازه اجتهاد گرفت. آنگاه به تدریس و فتوا و ترویج دین پرداخت. بهشتی از مدرسان مشهور مدرسه صالحیه بود، بویژه در تدریس کتاب «مطول» به حدی مهارت داشت که او را مطول‌گوی می‌گفتند. وی و برادرش شیخ ملا عبدالوهاب بهشتی، که او نیز مدرس سطوح فقهیه بود و در حدود ۱۳۰۰ ق از دنیا رفت، هر دو از علما و ادبا و برجستگان قزوین به حساب می‌آمدند. از آثار وی: حواشی بر «مطول»؛ حواشی بر «حاشیه‌ی ملا عبداللّه»، در منطق؛ حواشی بر «شرح لمعه‌ی» شهید ثانی؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۸۰۵/۱۳)، المآثر والآثار (۱۶۵).

بهشتی گیلانی، محمود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۱ ق)، شاعر. وی از شاعران مقرب دربار شاه‌عباس صفوی بود که در سرودن ماده تاریخ و فن معما دست داشت. از اوست:

خسرو آفاق شه کام بخش

آن محک باطن هر خوب و زشت

کرد چو در اشرف مازندران

طرح بنایی به صفا چون بهشت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۸۱)، الذریعه (۱۴۸/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۵۰)، مواد التواریخ (۶۵۴)، نامها و نامدارهای گیلان (۷۲).

بهشتی مقدم، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا بهشتی مقدم

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۷۲ همزمان با ورود به دانشگاه اصفهان در رشته فیزیک کاربردی به حوزه علمیه اصفهان وارد شده با جدیت مشغول تحصیل دروس مقدمات گشتم، بعد از انصراف از تحصیل در دانشگاه، با جدیت بیشتری دروس را ادامه داده، بطوری که در سال دوم، تدریس دروس ادبیات مربوط به سال اول را مشغول شدم و به پایان رساندم. همزمان با لمعه، دروس مکاسب را و همزمان با رسائل شیخ کفایه را و با اتمام لمعه و رسائل، در ادامه مکاسب و کفایه را با دروس خارج حضرت استاد آیت الله العظمی آقا شیخ حسین مظاهری ادامه دادم و این در حالی بود که سال چهارم حوزه بودم. دروس خارج را با لغت عرب می‌نگاشتم و جدیتم در دروس و ارائه مطالب نو (و یا در قالبی نو) چشمگیر بود.

نهایتاً سال ۷۶ به علت مشکلاتی که از طرفی بعضی از اقران و هم صنفی‌ها (روحانیت) بر اینجانب وارد شده بود به حوزه قم منتقل شده و تا سال ۷۹ امتحانات دروس سطح را به پایان بردم (به طوری که هر دو سال را در یک سال آزمون داده‌ام). سال ۷۹ موضوع پایان‌نامه‌ام را «مباحث الفنیهٔ فی فقه الاملیهٔ» قرار دادم که متن طرح پایان نامه خدمت مرحوم استاد راهنمایم حضرت آیت الله محمد هادی معرفت(قدس سره) وقتی ارائه نمودم بسیار بسیار تحسین و ترغیب نمودند، لیکن از طرف دیگر مرحوم آیت الله العظمی آقا میرزا جواد تبریزی بنده را به ادامه دادن دروس خارج بدون توجه به برنامه شورای مدیریت سفارش نموده و مرا از ارائه پایان‌نامه که قسمت عمده کارهای آن صورت گرفته بود، بازداشتند. فی الحال اخذ مجوز تدریس دروس معارف اسلامی (مبانی نظری) از نهاد نمانندگی نموده و مشغول به تدریس در دانشگاهها می‌باشم. نیز مایل به تدریس در حوزه مقدس به صورت متمرکز و از تدریس مهم‌تر تحقیق در مباحث تفسیری و فقهی و اصولی و دیگر مباحث جهت خدمت به حوزه مقدسه و انقلاب می‌باشم.

بهشتی مهر، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد بهشتی مهر

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه شدم در سال ۱۳۷۴ وارد حوزه قم شدم و درکنار دروس حوزوی مقطع کارشناسی الهیات را در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی آغاز کردم . در سال ۱۳۷۹ درس خارج مشغول شدم . در سال ۱۳۸۱ در موسسه رشته دین شناسی در مقطع کارشناسی ارشد پیوسته پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۵ با دفاع از پایان نامه و با رتبه عالی فارغ التحصیل شدم .دروس تحقیقا ت و پژوهشهای خود را هم پیش از این نام بردم. از سال ۱۳۷۷ با نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها همکاری می کنم و در ایام تبلیغ به تبلیغ در دانشگاهها می پردازم . پیش از سال ۷۷ هم در مراکز مردمی به تبلیغ می رفتم مناطق محرومی چون زابل و زاهدان و ایرانشهر را برای تبلیغ انتخاب کرده بودم .

بهشتی هروی، عبداللّه

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از شاگردان فصیحی هروی بود. وی از شاعران مثنوی‌سرایی بود که به تقلید از «تحفهٔالعراقین» خاقانی، مثنوی «نورالمشرقین» را سرود. از اوست:

چو مرغ آشیان گم کرده روحم مضطرب گردد

در آن روزی که باز آیند جانها سوی قالبها

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۲۴)، الذریعه (۳۷۷ -۳۷۶ /۲۴ ،۱۴۸ /۹)، فرهنگ سخنوران (۱۵۰)، مخزن‌الغرائب (۳۹۸ - ۳۹۷ /۱).

بهشتی، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم بهشتی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در حدود سال ۱۳۴۹ به مدرسه علمیّه حاج فتحعلی بیک دامغان وارد شده و بعد از دو سال به حوزه علمیّه قم آمدم و در مدرسه علمیّه آیت الله گلپایگانی به تحصیل خود ادامه دادم و پس از پایان سطح و چند سالی درس خارج فقه و اصول به شهر دماوند رفتم و مدّت چهار سال در آن شهر در مدرسه علمیّه امام صادق علیه السلام مشغول تدریس بودم و سپس به قم آمدم و در قم هم مشغول تحصیل و هم تحقیق بودم.

بهشتی، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابولفضل بهشتی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابولفضل بهشتی فرزند جعفر به سال ۱۳۳۹ شمسی در شهر قم در خانواده ای روحانی متولد گردیده، پس از گذراندن تحصیلات عمومی (سطح دیپلم) با پیوستن به حوزه علمیه در دوره سطح از اساتیدی چون حضرت آقایان: ستوده، اعتمادی، پایانی، انصاری شیرازی استفاده برده و سالها نیز در دوره های خارج فقه اصول، فلسفه از محضر آیات عظام: فاضل لنکرانی، وحید خراسانی، تبریزی، حسن زاده آملی و.... بهره گرفتم و پس از پیروزی انقلاب همکاری فعال علمی و فرهنگی با نهادها و مراکز فرهنگی و تبلیغی و انتشاراتی داشته و از بدو تأسیس دفتر تبلیغات اسلامی در بخش های مختلف آن بویژه برنامه ریزی و نظارت و پژوهش فعالیت داشته ام و هم اینک نیز ادامه دارد. و همزمان به تهیه و تألیف آثاری در قالب مقاله و کتاب و انجام سفرهای تبلیغی همت گماشته‌ام. و در حال حاضر نیز در درس خارج شرکت فعال دارم.

بهشتی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت الله دکتر احمد بهشتی در سال ۱۳۱۴ در میانده از روستاهای بخش شیبکوه شهرستان فسا در خانواده ای روحانی متولد شد.ایشان در دوره اول و دوم مجلس شورای اسلامی از سوی اهالی شهرستان فسا به نمایندگی مجلس انتخاب شد. از سال ۱۳۶۵ به طور رسمی به دانشگاه الهیات دانشگاه تهران رفت. در این چند سال، مراحل استادیاری و دانشیاری را پشت سر گذاشت و اکنون به عنوان « استاد » به کار تدریس دروس فلسفه دوره دکترا اشتغال دارند. ایشان به عنوان برگزیده سومین دوره مجلس خبرگان از طرف مردم شریف فارس انتخاب شدند و اکنون در مجلس خبرگان به عنوان رئیس کمسیون آئین نامه انجام وظیفه میکنند. گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیگرایش : فلسفهوالدین و انساب : پدر احمد بهشتی مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ عبدالمجید بهشتی در روستاهای بخش کردیان جهرم اقامه نماز جمعه و جماعت میکرد. او به قدری در معاشرت با مردم صفا و صمیمیت داشت که کمتر کسی بود که تحت تاثیر تذکرات، مواعظ و رهنمودهایش قرار نگیرد. دکتر بهشتی دروس مقدماتی را نزد ایشان خواند و صرف و نحو و همچنین برخی کتب فقهی رااز نزد ایشان بهره مند بردند.مادرشان نیز نمونه زهد، پارسایی، تقوا وتجهد بود.او تربیت اولاد بسیار موفق را برعهده داشت.فرزندانش یکی قاضی بازنشسته ،پزشک جراح ،مدرس حقوق و سردفتر انساب می باشد.خاطرات کودکی : احمد بهشتی از این دوران چنین یاد میکند": دوران کودکی بامختصری کشاورزی امرار معاش میکردیم .پدرمان معتقد بود که انسان نباید در زندگی متکی بر مردم باشد. ساده زیستی و قناعت در لباس و پوشاک و خوراک و مسکن روشی بود که پدر و مادر آن را توصیه می کردند.اگر غیر این بود در آن شرایط سخت تحصیل کردن از محالات بود .هنگامی که با برادر کوچکترم که اکنون از شغل قضاوت بازنشسته شده است ،با روزی ۲۰ ریال که پدر و مادر تامین می کردند امرار معاش می کردیم.مادرمان از طریق مختصری بافندگی به ما کمک می کرد".اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : ساده زیستی و تقوا وزهد و عبادت و تقلید به فرایض وگذشت و ایثار بر خانواده حاکم بود .مادر محترم احمد بهشتی با آنکه سواد نداشت ولی بر مسائل فقهی مسلط بود بطوری که به تنهایی پاسخگوی مشکلات زنان بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : احمد بهشتی در سال ۱۳۲۸ شمسی به همراه پدر به شیراز آمد و در مدرسه آقابابا‌خان مشغول تحصیل علوم حوزوی شد.علاقه شدید به سخنوری و نویسندگی در ایشان سبب شد منبرهای پرمایه ایشان طرفداران زیادی داشته باشد ایشان در سال ۱۳۳۸ شمسی به قم وارد شد و در مدرسه دارالشفا به ادامه تحصیل پرداخت.ایشان با داشتن دیپلم متوسطه مشتاق بود که مدرک لیسانس بگیرد. او همانند مرحوم استاد مطهری، دکتر بهشتی، دکتر مفتح و دکتر باهنر برای اخذ مدرک در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی وارد دانشکده الهیات دانشگاه تهران شد.در سال ۱۳۴۲ به علت اینکه در دوره لیسانس شاگرد اول شده بود، بدون کنکور اجازه یافت که در دوره دکترا ادامه تحصیل دهد. که در سال ۱۳۴۵ فارغ التحصیل دکترای فلسفه شد و رساله دکترای خود را به راهنمایی استاد مطهری، بدون حضور ایشان دفاع کرد. خاطرات و وقایع تحصیل : احمد بهشتی از این دوران خاطرات زیادی را به یاد دارد که می توان به دریافت جایزه از دست آیت الله بروجردی بخاطر قبولی در امتحانات عالی حوزه و شرکت در قرعه کشی نظام وظیفه در سال ۱۳۴۴ که منجر به معافیت سربازی وی شد ، اشاره کرد.فعالیتهای ضمن تحصیل : احمد بهشتی در کنار تحصیل -فقط در محرم و صفر و رمضان- به منبر میرفت و از این طریق امرار معاش میکرد.استادان و مربیان : احمد بهشتی در دوران تحصیل در شیراز از محضر اساتید و علمای بزرگی همانند حضرات آیات حاج سید حسین آیت اللهی، سید حسن آیت اللهی، شیخ محمد علی موحد، میرزا علی اکبر ارسنجانی، سید نورالدین حسینی، شیخ ابولحسن حدائق، شیخ بهاالدین محلاتی، شیخ محمود شریعت زرقانی، حضرت سید حسین جهبذ و ... بهره های بسیار برد. درس خارج فقه و اصول را در محضر امام راحل که در مسجد سلماسی برگزار میشد ادامه داد و درس مرحوم آیت الله بروجردی نیز شرکت جست. آیت الله بهشتی در محضر مرحوم آیت الله حاج آقا مصطفی خمینی، استاد مرحوم آیت الله سلطانی طباطبایی و مرحوم آیت الله محقق داماد نیز تلمذ نمود. از اساتید دانشگاهی ایشان می توان به استاد مطهری ،استاد مشکات ،دکتر صدیقی ،دکتر حائری و استاد مصلح اشاره کرد.هم دوره ای ها و همکاران : همدوره ای های دانشگاه احمد بهشتی : دکتر شیخ،دکتر شکیبا و دکتر مشسائی همکاران در دانشگاه : دکتر حبیبی ،دکتر قراملکی ،دکتر کوچیان و دکتر مطهری همدوره ایهای وی در حوزه :استادان انصاری ،مصباح ،ادیب لاری ،رفسنجانی و دکتر احمدی همسر و فرزندان : احمد بهشتی متاهل و داری همسر بنام خانم عطیه هاشمی است. ماحصل این ازدواج فرزندانی است که اسامی آنها به شرح زیر می باشد: دکتر سعید بهشتی ،استاد دانشگاه علامه طباطبایی دکتر حمید بهشتی ،داندانپزشک دکتر محسن بهشتی (در سال ۷۸ در پایان دوره سربازی در ماموریت به سوی مناطق جنگی به عنوان پزشک وظیفه به درجه شهادت نائل آمد) مهدی بهشتی دانشجوی فلسفه محمد

صادق بهشتی دانشجوی علوم سیاسی فاطمه بهشتی ،خانه دار طاهره بهشتی ،خانه دار و دانشجوی ارشد علوم قرآنی رضیه بهشتی دانشجوی دندان پزشکیوقایع میانسالی : از وقایع بوقوع پیوسته دوران میانسالی احمد بهشتی از دست دادن استادش ،مرحوم سیدنورالدین در سال ۱۳۳۵،فوت پدرشان در سال ۱۳۴۵ و همچنین درگذشت مادرشان (مادر دکتر در سال کشتار حجاج ایرانی در مکه حضور داشته که در آنجا دچار آسیب شدید میشود که بعد از بازگشت به ایران پس از سه روز دار فانی را وداع میگوید)می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد بهشتی تا سال۱۳۵۷ در حوزه علمیه قم به تدریس اشتغال داشت و همچنین به عنوان دبیر در دبیرستان ها قم به تعلیم تربیت نوجوانان می پرداخت. ایشان در دوره اول و دوم مجلس شورای اسلامی از سوی اهالی شهرستان فسا به نمایندگی مجلس انتخاب شد. از سال ۱۳۶۵ به طور رسمی به دانشگاه الهیات دانشگاه تهران رفت. در این چند سال، مراحل استادیاری و دانشیاری را پشت سر گذاشت و اکنون به عنوان « استاد » به کار تدریس دوره دکترا اشتغال دارند. و بمدت ۱۵ سال مدیر گروه فلسفه بودند.و هم اکنون مدیر گروه فلسفه دین هستند .ایشان به عنوان برگزیده سومین دوره مجلس خبرگان از طرف مردم شریف فارس انتخاب شدند و اکنون در مجلس خبرگان به عنوان رئیس کمسیون آئین نامه انجام وظیفه میکنند. ضمنا دکتر بهشتی برای چهارمین دوره مجلس خبرگان که از اسفند ۱۳۸۶ شروع و تا سال ۱۳۹۶ادامه می یابد، انتخاب شده است. فعالیتهای آموزشی : احمد بهشتی از سال ۱۳۶۵ تا کنون در دانشگاه تهران به تدریس مشغول است ایشان در تدریس های حوزوی تمام متون عالی درسی همانند کفایه، مکاسب، خارج فقه و اصول و ... تدریس می کنند.همچنین در دوره های دکترای دانشگاهها اعم از دانشگاه تهران، شهید بهشتی، دانشگاه آزاداسلامی ... اسفار، شفاء فقه، اصول، کلام و ... را تدریس می کنند.ایشان کار تدریس دروس فلسفه دوره دکترا رانیز بر عهده دارد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : احمد بهشتی در روستای محل زادگاهش دو مسجد،یک دارالقرآن ،یک مرکز تبلیغی بنام حسینه ،بیت رقیه ویژه بانوان و یک کتابخانه عمومی و همچنین یک دارالقرآن در روستای موسویه جهرم تاسیس کرده است.ایشان هم اکنون به دنبال تاسیس یک موسسه فرهنگی در قم می باشد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : احمد بهشتی در کنار تالیف و تدریس به تبلیغ و سخنرانی نیز می پردازد.با اینکه فعالیت های تبلیغی اش بسیار کاهش یافته ولی کار تدریس و راهنمایی پایان نامه ها و تالیف کتب و مقالات هم اکنون ادامه دارد.شاگردان : احمد بهشتی در طول ۴۶ سال خدمت خود توانسته است بیش از صدها شاگرد را تربیت کند .بطوری که عده زیادی از آنها در دانشگاهها و حوزه ها به امر تدریس مشغول هستند.و عده زیادی هم در پستها ومنصبهای حساس مشغول به خدمت هستند.همفکران فرد : بیشترین و عمده ترین گرایش فکری احمد بهشتی به سوی استاد مطهری و شهید بهشتی و دکتر مفتح و دکتر باهنر بوده است.و یا به زبان دیگر ایشان همواره این بزرگواران را الگوی خود قرار داده است.جوائز و نشانها : احمد بهشتی در سال ۱۳۴۲ به عنوان شاگرد اول دانشکده الهیات لوح تقدیر و جوایزی را دریافت کرد و توانست بدون کنکور وارد مقطع دکتری شود.ایشان همچنین جوایز و تقدیرنامه های متعددی را به خاطر ارائه مقالات و نشر کتب در زمینه های مختلف دینی و غیره از وزارت فرهنگ و ارشاد دریافت کرده است.چگونگی عرضه آثار : احمد بهشتی با ورودشان به جمع نویسندگان مکتب اسلام، کارها و فعالیتهای قلمی اش گسترش یافت و هم اکنون بیش از ۷۰ جلد کتاب تالیفی و ترجمه ای از ایشان در موضوعات فلسفه، حقوق اسلامی، اقتصاد، ایدئولوژی، تربیت اسلامی، کودک و تربیت، بازی در اسلام، ورزش، زنان، خانواده، قرآن، حکومت و ... که بالغ بر بیش از ۵۰ هزار صفحه تالیف می باشد چاپ و برخی به زبانهای خارجی ترجمه شده است. ضمنا صدها پایان نامه دکترا و کارشناسی ارشد حوزه و دانشگاه را راهنمایی کرده است. آثار : اسلام و بازی کودکان ، اسلام و تربیت کودکان (دو جلد) ، اسلام و حقوق کودک ، اندیشه تربیتی و سیاسی علوی ، اندیشه سیاسی نائینی ویژگی اثر : این کتاب تکمیل مقاله ای است که به ماسبت همایش نائینی در اصفهان نگاشته شده است.کتابی بر مبنای تنبیه الامه عقاید و نظرات سیاسی نائینی را تقریر کرده است.نشر بوستان قلم۶ انسان در قرآن ، پایخ به شبهاتی پیرامون تشیع (ترجمه) ، تاملات کلامی ، تجرید ویژگی اثر : نشر بوستان کتاب۱۰ تربیت از دیدگاه اسلام ، تربیت کودک در جهان امروز ، ترجمه و تفسیر مجمع البیان (۱۲جلد) ، حکومت در قرآن ، خانواده در قرآن ، خدا در قرآن ، راه تکامل (هفت جلد به همکاری ادیب لاری و محمد امامی) ، زنان نامدار (سه جلد) ، صنع ابداع ویژگی اثر : نشر بوستان کتاب۱۹ علی و قومیت عربی (ترجمه) ، عیسی پیام آور اسلام ، عیسی در قرآن ، غایات و مبادی ویژگی اثر : نشر دانشگاه تهران۲۳ فلسفه دین ویژگی اثر : نشر بوستان کتاب۲۴ قهرمان علقمه ، گامهایی در راه تبلیغ (ترجمه) ، گوهر و صدف دین ویژگی اثر : نشر بوستان کتاب۲۷ مادرپیامبر (ترجمه ، مبارزات ایدئولوژیک ، مبانی تربیت بدنی در اسلام ، مستضعف در قرآن ، منشور عفاف (تفسیر روایی عرفانی سوره نور) ، نسل نوخاسته ، هستی و علل آن ، وحیانیت و عقلانیت عرفان

بهشتی، سیدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۵۴ ق)، عالم، ادیب، لغوی، مفسر، فقیه و محدث. معروف به مفسر. در کربلا متولد شد و همان جا نشو و نما یافت. وی در تهران ساکن و از اعلام معاصر تهران بود. بهشتی در زهد و تقوی کم‌نظیر بود. او متجاوز از بیست و دو سال پی‌درپی در مسجد جامع تهران تفسیر قرآن می‌گفت. در تهران درگذشت و در امامزاده عبداللّه شهر ری دفن شد. از آثار وی تفسیر «مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر»، به عربی، در دوازده مجلد است که در تهران به طبع رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۱۷۹ -۱۷۸ /۴)، مقتنیات الدرر (ج ۱/ مقدمه مؤلف).

بهشتی، عزیزاللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی با رتبه اول از دانشگاه شهید چمران اهواز، کارشناسی ارشد و دکترا در رشته شیمی از دانشگاه منچستر انگلستان.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

سنتز ترکیبات معدنی، بررسی ساختمان بلور مشتقات تیوسایانات CU-W-S و نظارت بر ۱ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

شیمی پیشرفته مدرن، نگرشی بر ترکیبات کوئوردیناسیون، شیمی معدنی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

سنتز ترکیبات معدنی اورانیم، سنتز ترکیبات معدنی مشتقات تیوسیانات کمپلکس‌های خوشه‌ای CU-W-S و.CU-M-S

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

بهشتی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی بهشتی بروجردی. تولد ایشان در بروجرد واقع شده و پس از فراگرفتن مقدمات و ادبیات به قم مهاجرت و سطوح وسطی و عالی را از مدرسین و اساتید حوزه علمیه به پایان رسانیده و به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و دیگران حاضر و استفاده نموده و پس از فوت مرحوم آقای بروجردی حسب‌الامر آقای گلپایگانی به شاه‌آباد مهاجرت و تااکنون اشتغال به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ارشاد مردم دارند.

و در شاه آباد منشأ خدمات اجتماعی و آثاری گردیده‌اند که از جمله تأسیس کتابخانه‌ای برای جوانان که ضمن آن کتابهای مذهبی به قیمت مناسب در دسترس جوانان قرار می‌گیرد و دیگر با همکاری جمعی از متدینین اقدام به تأسیس درمانگاه مهدیه نموده‌اند که برای فقرا و مستمندان بسیار مفید و مؤثر است.

برادر ارجمندشان جناب حجهٔالاسلام حاج سید عبدالحسین بهشتی نیز از فضلاء محترم حوزه علمیه قم به شمار می‌روند که سالیان دراز است از زادگاه خود هجرت و در دارالعلم قم رحل اقامت افکنده و از محاضر آیات عظام آقای بروجردی و آیت‌اللّه شریعتمداری و آیت‌اللّه گلپایگانی و غیرهم استفاده نموده و تا هم‌اکنون از شرکاء درس آیتین علمین مذکورین می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

بهشتی، محمد صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن میر عبدالباقی میر محمدرضا حسینی.

عالم و زاهد و فاضل بوده، در محله‌ی لنبان مرجع امور دینی بوده، و در مسجد لنبان امامت می‌نموده.

در سلخ ربیع‌الثانی سال ۱۳۰۸ وفات یافته، در قسمت شمالی مسجد مصلی در تخت فولاد مدفون شده.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

بهشتی، محمدحسینی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه.

تولد: ۱۳۰۷، اصفهان.

شهادت: ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

آیت‌الله سید محمدحسین بهشتی در محله‌ی لومبان اصفهان چشم به جهان گشود. پدربزرگ وی، آیت‌الله میر محمدصادق مدرس خاتون‌آبادی، از مراجع عصر خود بود. آیت‌الله بهشتی تحصیلات خود را تا سال دوم دبیرستان در اصفهان گذراند و سپس در سال ۱۳۲۵ به قم رفت. حدود شش ماه در قم بقیه سطح مکاسب و کفایه را تکمیل نمود و از اوایل سال ۱۳۲۶ به درس خارج فقه و اصول در محضر آیت‌الله محقق داماد وارد شد. از اساتید دیگر وی آیات عظام بروجردی، خوانساری، کوه‌کمره‌ای و امام خمینی (ره) بودند.

برای پیگیری تحصیلات دانشگاهی، در سال ۱۳۲۷ با گرفتن دیپلم وارد دانشگاه معقول و منقول شد و تا سطح دکتری ادامه تحصیل داد. در فسلفه نیز پنج سال مستمر (۱۳۳۵ –۱۳۳۰) در درس علامه‌ی طباطبائی حضور یافت و علاوه بر بحث‌های اصول فسلفه و روش رئالیسم، اسفار و شفا را نیز فراگرفت.

در همان سالها به سبب آشنایی با زبان انگلیسی به عنوان دبیر به تعلیم این زبان در دبیرستان‌ها پرداخت.

در سال‌های ۱۳۲۹ و ۱۳۳۰ وارد عرصه‌ی فعالیت‌های سیاسی شد. تأسیس مدرسه‌ی منتظریه‌ی با همت آیت‌الله قدوسی و با نظارت ایشان از فعالیت‌های دیگری بود که از سال ۱۳۳۹ آغاز شد. از سال ۱۳۴۱ نیز در جریان‌های سیاسی حضور داشت. از جمله اقدامات وی همکاری در ایجاد «کانون دانش‌آموزان قم» بود که بعدها آیت‌الله دکتر محمد مفتح مسئولیت آن را پذیرفت. در زمستان سال ۱۳۴۲ او را مجبور کردند که از قم خارج شده و به تهران برود.

با ورود به تهران با جمعیت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی رابطه سازمان یافته‌ای داشت. در همین جمعیت‌ها بود که به پیشنهاد شورای مرکزی، امام خمینی (ره) یک گروه چهار نفری را به عنوان شورای سیاسی و فقهی تعیین نمود که یکی از آنها آیت‌الله بهشتی بود. بعدها برنامه تغییر کتاب‌های تعلیمات دینی مدارس در رأس فعالیت‌های آنها قرار گرفت.

با دستگیری اغلب رهبران سیاسی نظامی جمعیت‌های مؤتلفه، آیت‌الله بهشتی در اوایل سال ۱۳۴۴ برای راهنمایی مسلمانان آلمان، از ایران به آن کشور رفت و در هامبورگ مستقر شد. در آنجا زبان آلمانی را یاد گرفت. اما فعالیت وی فقط منحصر به آلمان نبود و کشورهای آلمانی زبان (به ویژه اتریش) را نیز در برگرفت. آیت‌الله در این مدت در تشکیل اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا و نشریه «اسلام مکتب مبارز» همکاری کرد و از ایشان در این دوره، سخنرانیها و جزوات چندی به زبان‌های فارسی، انگلیسی، عربی و آلمانی باقی مانده است. یک دوره تفسیر قرآن از آغاز تا سوره نساء نیز حاصل همین ایام است.

در سال ۱۳۴۹ به ایران بازگشت و با همکاری آیت‌الله مهدوی کنی، آیت‌الله موسوی اردبیلی و آیت‌الله محمد مفتح به تشکیل جامعه روحانیت مبارز نمود. در سال ۱۳۵۵ هسته‌هایی برای امور تشکیلاتی به وجود آمد و در سال ۱۳۵۶ روحانیت مبارز شکل گرفت.

در کنار فعالیت‌های دیگرش، از همان سال بازگشت به ایران (۱۳۴۹) کار تحقیقاتی و علمی را آغاز کرد که تا سالهای انقلاب با همکاری آیت‌الله موسوی اردبیلی و دکتر محمد مفتح ادامه یافت و اهمیت این کار تحقیقاتی به حدی بود که حتی در سال ۱۳۵۳ در برگه یادداشت کارهای جاری، پنجاه درصد از وقت خویش را فقط به آن اختصاص داده‌اند و بقیه را به بیش از پانزده کار فرهنگی، تحقیقی و اجرائی دیگر. در سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ نیز، جلسه‌ای در روزهای دوشنبه در منزل ایشان برقرار بود که در آن با حضور چند تن از محققان و فارغ‌التحصیلان رشته‌ی اقتصاد، کتاب کاپیتال (سرمایه) کارل مارکس مورد بررسی قرار گرفت.

با عزیمت امام خمینی (ره) به پاریس، آیت‌الله دکتر بهشتی به حضور ایشان رفت و هسته‌ی شورای انقلاب تشکیل شد که وی یکی از اعضای آن بود.

علاوه بر مقاله‌ها و سخنرانی‌ها، تألیفات وی به شرح زیر است: بانکداری و قوانین مالی اسلام؛ عادت (ترجمه از انگلیسی)؛ قانون علیت در جامعه ما؛ نقش ایمان در زندگی انسان؛ کدام مسلک ؟؛ صدای اسلام در اروپا (به پنج زبان)؛ روحانیت در اسلام و در قرآن؛ یک قشر جدید در جامعه ما؛ حکومت در اسلام (حکومت از نظر اسلام) (۱۳۶۷)؛ نماز چیست؟ (۱۳۶۶)؛ اسلام و مکتب‌های معاصر؛ مباحث شناخت در اسلام (۱۳۶۹)؛ شناخت از دیدگاه قرآن؛ امر به معروف و نهی از منکر، آزادی از دیدگاه اسلام؛ مالکیت از نظر اسلام؛ تکامل از نظر اسلام؛ تخریب در اندیشه اسلامی؛ حقیقت و عرفان؛ اسلام دین واقع‌بین؛ قضای اسلامی؛ اقتصاد اسلامی (فارسی و عربی، ۱۳۶۲)؛ توحید در قرآن؛ حج در قرآن (۱۳۶۵)؛ نقش قیامتی انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات؛ با همکاری محمدجواد باهنر).

از آثار دیگر ایشان که چاپ نشده‌اند: ترجمه کامل تاریخ قرآن نولد؛ ترجمه بخشی از کتاب دانش منطق اثر هگل؛ تحقیق گسترده‌ای پیرامون وحی؛ تفسیر قرآن (نوار).

ضمنا تعداد معدودی نوار از جلسات درس دکتر بهشتی با عنوان (فلسفه‌ی هگل) که از سال ۱۳۵۵ برای طلاب آغاز کرد و نیز یادداشتهای آن به جا مانده است.

آیت‌الله دکتر بهشتی در بمب‌گذاری هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. پیکرش در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

استاد دکتر سید محمد حسینی بهشتی اصفهانی از افاضل دانشمندان و اکابر مدرسین و اساتید معاصر و مستخرجین با کمال حوزه علمیه قم است آقای دکتر بهشتی در حدود ۱۳۴۵ قمری در شهر اصفهان به دنیا آمده و پس از خواندن اولیات و قسمتی از سطوح را از مدرسین بزرگ حوزه فراگرفته و آنگاه به دروس خارج فقه واصول آیات عظام مرحوم آیت‌اللّٰه بروجردی و آیت‌اللّٰه محقق داماد و آیت‌اللّٰه العظمی نایب‌الامام خمینی و آیت‌اللّٰه العظمی آقای شریعتمداری حاضر و از دراسات آنان استفاده کامل نموده و معقول را هم از محضر علامه آیت‌اللّٰه طباطبائی آموخته و در رشته‌های مختلف علمی عقلی و نقلی یکی از ستارگان درخشنده حوزه علمیه گردیده و چند سالی از طرف مراجع بزرگ برای ارشاد و وظائف روحی و دینی به آلمان مهاجرت و در آنجا رهبری– مسلمین

شیعی را نموده و خدمات چشمگیری انجام داده تا در این چند ساله اخیر که مراجعت به ایران و در تهران به تدریس و خدمات دینی پرداخته و هم برای تدریس و سخنرانی در دارالتبلیغ اسلامی قم به دعوت موسس بزرگوار آن حضرت آیت‌العظمی آقای شریعتمداری به قم آمده و ایفاء وظیفه نموده است.

معظم‌له نیز از مجاهدین به نام و مبارزین عیه امپریالیسم و رژیم منفور طاغوتی است که با تمام سخنرانیهایش مظالم و جرائم دولت را بیان و از اعمال ضد خلقی و مردمی و توحیدی آنان انتقاد نموده است.

استاد بهشتی در انقلاب ایران و پیروزی آن سهم ویژه‌ای دارند و هم اکنون یکی از علماء دولت موقت جمهوری اسلام و از نزدیکان و همکاران جناب آقای مهندس مهدی بازرگان نخست‌وزیر می‌باشد سخنرانیها و اعلامیه‌های ایشان جالب و مجموع آن خود کتابی خواهد بود.

آثار و تالیفات عدیده علمی دارند که بعضی از آن مطبوع و برخی هم مخطوط مانده است از تالیفات مطبوع ایشان کتب زیر است.

۱- خدا از دیدگاه قرآن که در ۲۷ شهریور ۱۳۵۲ برابر ۲۵ شعبان ۱۳۹۳ ق به طبع رسیده است.

۲- نماز چیست.

۳- شناخت اسلام که به اتفاق دو نفر از افاضل آقای علی آقای گلزار غفوری- محمدجواد باهنر نوشته‌اند کتابهای دیگری که متاسفانه نام آنها را یاد ندارم.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بهفروز، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: ارومیه

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد و دکترا در رشته فیزیک از دانشگاه یوتا آمریکادر سالهای ۱۳۵۲ و ۱۳۵۴ با تخصص در خواص اپتیکی فیلمهای بسیار نازک هادی و نیمه هادی و مواد آلی رنگی، فرصت مطالعاتی همزمان با دوره فوق دکترا در دانشگاههای یوتا و آیداهو آمریکا در سال ۱۳۶۴ -۶۳.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه ارومیه.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پیش‌بینی زمین لرزه با استفاده از گاز دادن چشمه‌های معدنی آب گرم، استاد راهنمای یک پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

فیزیک در مورد نسبیت، ریاضی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

فیلمهای نازک، پیش‌بینی زلزله، استفاده از انرژی خورشیدی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

بهکامی، عزیز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۴، مرتبه علمی: استاد، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فیزیک از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۸، کارشناسی ارشد فیزیک از دانشگاه شیکاگو آمریکا در سال ۱۳۴۱، دکترای فیزیک از دانشگاه شیکاگو در سال ۱۳۴۶ و فوق تخصص فیزیک از دانشگاههای نیویورک، برکلی واورگان در سالهای ۱۳۶۴ ، ۱۳۵۸، ۱۳۵۴ و پژوهشگر برجسته دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۲.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۴۷ تا سال ۱۳۴۹، دانشیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۵۲ و استاد دانشگاه شیراز از سال ۱۳۵۲ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

سرپرستی چندین پروژه پژوهشی وزارت آموزش عالی و دانشگاه شیراز، تدریس دروس فیزیک کوانتومی و فیزیک هسته‌ای در دانشگاههای شیراز و راچستر آمریکا، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مفاهیم در فیزیک عمومی و کلیات فیزیک عمومی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: متعدد، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

مسائل گوناگون فیزیک.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

بهلول گنابادی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۰ ق)، شاعر. معروف به بهلول. اصل وی بجستان گناباد است. وی در سبزوار متولد شد و همان جا تحصیل علوم قدیمی کرد. سپس بیشتر به وعظ و روضه‌خوانی و مسافرت در ایران و عراق مشغول بود. وی برای مخالفت با قانون اتحاد شکل و تبدیل لباسهای مختلف و معمولی ایرانی به لباس واحد نیم‌تنه و شاپو، در مشهد سخنرانیهایی کرد که منجر به شورشی در آنجا شد که در نهایت وی را به افغانستان بازگشت و در سال ۱۳۴۹ ق به ایران بازگشت. بهلول حافظه‌ای نیرومند داشت. او را منظومه‌ای است در حدود هزار و دویست بیت که خود از آن تعبیر به «مجموعه‌ی دینی» کرده و در آن شرح حال خود و بعضی وقایع زمان خود را به تصویر کشیده است. مجموعه‌ی شعرش به نام «بهلول» به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۴۹ -۱۴۸ /۹)، سخنوران نامی معاصر (۶۳۴ -۶۳۱ /۱)، صد سال شعر خراسان (۱۵۷ -۱۵۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲۶۲/۲).

بهمن بیگی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد بهمن‌بیگی، بنیانگذار آموزش عشایر در ایران، در سال ۱۲۹۹ در ایل قشقایی در شهرستان لارستان به دنیا آمد. پس از پایان دوره‌ی کارشناسی حقوق در دانشگاه تهران، کوشش خود را برای بر پایی مدرسه‌های سیار برای بچه‌های ایل آغاز کرد و با پی‌گیری‌ها و فداکاری‌ها خود توانست برنامه‌ی سوادآموزی عشایر را به تصویب برساند. او توانست دختران عشایری را نیز به مدرسه‌های سیار جلب کند و نخستین مرکز تربیت معلم عشایری را بنیان نهاد. بهمن‌بیگی برای کوشش پی‌گیر خود در راه سوادآموزی به هزاران نفر کودک ترک، لر، کرد، بلوچ، عرب و ترکمن، برنده‌ی جایزه‌ی سوادآموزی سازمان یونسکو شد. او تجربه‌های آموزشی خود را در چند کتاب در قالب داستان نوشته است.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

والدین و انساب : پدر محمد بهمن‌بیگی که یکی از بزرگان تیره بهمن بیگی از ایل قشقایی بود در زمان حکومت رضاخان، وارد فعالیت های سیاسی شده و در منازعات ایلی با دولت اختلاف پیدا کرد که دولت وقت وی را مقصر شناخته و به تبعید محکوم کرد. خاطرات کودکی" : من در یک چادر سیاه به دنیا آمدم. زندگانی را در چادر با تیر، تفنگ و شیهه اسب آغاز کردم... تا ده سالگی حتی یک شب هم در شهر و خانه شهری به سر نبردم... زمانی که پدر و مادرم را به تهران تبعید کردند تنها فرد خانواده که خوشحال و شادمان بود، من بودم... نمی‌دانستم فشنگ مشقی و تفنگم را می‌گیرند و قلم به دستم می‌دهند... پدرم مرد مهمی نبود. اشتباهاً تبعید شد و دوران تبعیدمان بسیار سخت گذشت. چیزی نمانده بود که در کوچه ها راه بیفتیم و گدایی کنیم. مأموران شهربانی - رضاخان - مراقب بودند که گدایی هم نکنیم. از مال و منال خبری نمی رسید. خرج بیخ گلوی مان را گرفته بود. در آغاز کار کلفت و نوکر داشتیم ولی هر دوی آنان همین که هوا را پس دیدند گریختند و ما را به خدا سپردند.. به کتاب و مدرسه دلبستگی داشتم. دو کلاس یکی می کردم شاگرد اول می‌شدم. تبعیدی‌ها، مأموران شهربانی و آشنایان کوچه و خیابان به پدرم

تبریک می‌گفتند و از آینده درخشانم برایش خیال‌ها می‌بافتند".

اوضـاع اجتماعی و شـرایط زنـدگی : محمـد بهمن بیگی فرزنـد ایل، در سال ???? هجری شمسـی در منطقه چاه کاظم در نزدیکی شهرستان لارستان در چادر عشایری به هنگام کوچ زاده شد.در زمان استبداد رضاخانی سرکوبی ایلات عشایر جنوب از مهمترین سیاستهای حکومت بود، چون روح جامعه عشایری آزاده تر ازآن بود که دربند آن همه بی عدالتی ونابرابری گرفتار آید. حکومت وقت در راستای سرکوبی ایلات، تبعیـد سـران عشـایر به تهران را بهـترین راه می دانست. ایـل قشـقایی به عنوان یکی از بزرگترین ایلات جنوب از این قضـیه مسـتثنی نبود. این ایل در آن زمان ایلخانی مقتـدری به نام صولت الـدوله قشـقایی داشت. ترس حکومت مرکزی از ایشان به حدی بود که نه تنها خود او بلکه همسر و فرزنـدان وچند خانواده ایلی را نیزبه تهران تبعید کردند. اسـتاد بهمن بیگی درآن روزها کودکی حدودا ?? ساله بود که به همراه مادرش ، یکی از خانواده های تبعید شده به تهران بودند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : اگرچه تبعید ازایل به تهران برای استاد که آن ایام کودک ناتوانی بیش نبود، بسیار سخت و دردآور بود ولی همینکه سبب شـد تا مـدرسه برود و با جدیت درس بخواند، ازدرد و رنجها می کاست. پیشـرفت او با وجود تمام کمبودها چشـمگیر بود.اولین کودک قشـقایی بود که در کلاسـهای ابتـدایی شاگرد اول می شـد. هوش و نبوغ او آنقدر بود که از کمند همه کمی هـا و کاستی ها بگریزد و با اخـذ دانشـنامه ای رنگین،به رسم آن روزها، به جهت پیشـرفت عازم آنسوی دنیا شود. جـذبه های زنـدگی درآنسوی آبهـا نتوانست که مانع از برگشت او به ایل شود و با اولین درخواست کسان و آشـنایان با اشتیاق تمام به دامن پر مهر مهر و صـفای ایل برگشت. وی از آن دوران چنین بیاد دارد":دو کلاس یکی می‌کردم شاگرد اول می‌شـدم. تبعیدی‌ها، مأموران شهربانی و آشـنایان کوچه و خیابان به پدرم تبریک می‌گفتند و از آینده درخشانم برایش خیال‌ها می‌بافتند. سرانجام تصدیق گرفتم. تصدیق لیسانس گرفتم .یکی از آن تصدیق‌های پررنگ و رونق روز ".محمد قبل از تبعید پدر، در سن ?? سالگی توسط معلمی که پدرش برای آموزش وی در زمان کوچ و ییلاق و قشـلاق استخدام کرده بود به مدت دو سال، خواندن و نوشتن اولیه را فراگرفت و مادر وی شـش روز پس از تبعید همسـرش به جرم تهیه آذوقه برای عشایر مخالف دولت، مقصر شناخته شده و به تبعیدگاه همسرش (تهران) فرسـتاده شد و محمد نیز با مادر رهسـپار تبعیدگاه شد و در همان جا به تحصیل ادامه داد و در سال ???? مقطع کارشناسی رشـته حقوق قضـایی را در دانشـگاه تهران به پایان رسانـد. اسـتاد بهمن بیگی از نحوه یادگیری زبان فرانسه چنین می گویـد ": زبان فرانسه را در مدارس متوسـطه و دانشـکده حقوق تهران و بعد به علت سـیر و سـیاحت دو- سه ساله با چند فرانسه دان اروپایی آن را بهبود بخشـیدم.قشـقایی بودم و در جنگ بین المللی دون با آلمان ها همکاری داشـتم. از جمله چنـد چتر باز به ایل ما آمده بودند و من تنهـا مترجم آنهـا بودم. به بعضـی از آنهـا فارسـی یـاد دادم و از آنهـا آلمـانی یـادگرفتم. پس از یـادگیری این دو زبـان آموزش انگلیسی آسان بود. هم به صورت خصوصی و هم به صورت سفرهایی به خارج ،انگلیسی را هم آموختم"

خاطرات و وقایع تحصـیل : محمـد بهمن بیگی از اخـذ مـدرک کارشناسـی خود و نحوه عکس العمل خانواده چنین اذعان می کند: "تصـدیق لیسانس گرفتم. پـدرم لیسانسم را قاب گرفت و بر دیوار گچ فرو ریخته اتاق مان آویخت و همه را به تماشا آورد. تصدیق قشـنگی به شـکل مربع مستطیل بود.مزایای قانونی تصدیق و نام و نشان مرا به خطی زیبا بر آن نگاشته بودند.تصویر رتوش شده ام با چشـم هـای خنـدان ،کراوات عـاریتی ،موهـای سیاه،در گـوشه تصـدیق می درخشـید و قلب پـدرم را از شـادی و شـعف لـبریز می کرد.آشـنایی در کـوچه و محلـه نمانـد کـه تصـدیق مرا نبینـد و آفریـن نگویـد.تبعیـدی‌ها، مـأموران شـهربانی، کاسب‌هـای کـوچه، دوره‌گردها، پیازفروش‌ها، ذرت بلالی‌ها و کهنه‌خرها همه به دیـدار تصـدیقم آمدند. من شـرم می‌کردم و خجالت می‌کشـیدم... من پس از خواندن نسـخه فرانسوی یکی از تبعیدی ها و در مراجعت به خانه دیگر راه نمی‌رفت، پرواز می‌کرد... ملامتم می‌کردند که با این تصـدیق گرانقـدر، چرا در ایل مانـده‌ای و چرا عمر را به بطالت می‌گـذرانی؟ تو تصـدیق داری و باید مانند مرغکی در قفس در زوایای تاریک یکی از ادارات بمانی و بپوسی و به مقامات عالیه برسی"

همسر و فرزندان : استاد محمد بهمن بیگی متاهل است و نام همسر ایشان سرکار خانم سکینه کیانی می باشد.

وقایع میانسالی : محمـد بهمن بیگی از خاطرات پس از اخـذ مدرک لیسانس حقوق اش چنین بازگو می کند": در پایتخت به تکاپو افتادم و با دانشـنامه حقوق قضایی به سـراغ دادگستری رفتم تا قاضـی شوم و درخت بیـداد را از بیـخ و بن برانـدازم. دلم گرفت و از ترقّی عدلیّه چشم پوشـیدم. در ایل چادر داشـتم، در شـهر خانه نداشـتم. در ایل اسب سواری داشـتم، در شـهر ماشین نداشتم. در ایل حرمت و آسـایش و کس و کـار داشـتم، در شـهر آرام و قرار و غمخوار و انـدوه‌گسار نداشـتم. نـامه‌ای از برادرم رسـید. بوی جوی مولیان مدهوشم کرد. ترقّی را رها کردم. تهران را پشت سـر گذاشتم و به سوی بخارا بال و پر گشودم. بخارای من ایل من بود ....به ایل رسـیدم. ایل همانی بود که می خواستم و می پنداشتم .چادر پدرم ،بالای همان چشمه زلال و در میان همان دو کوه سبز و سفید افراشته بود و" ...

مشاغل و سـمتهای مورد تصـدی : محمـد بهمن بیگی در سال ???? مقطع کارشناسـی رشـته حقوق قضایی را در دانشـگاه تهران به پایان رسانـد. محمد حدود دو سال به عنوان کارشـناس واحد حقوقی بانک ملی در تهران مشـغول به کار شد تا اینکه با اتمام دوران یازده ساله حبس و تبعید پدر همراه با خانواده به اسـتان فارس و دامان ایل بازگشت و به زراعت و چوپانی مشغول شد. او با مشاهده بیسوادی و مشکلات ناشی از آن در اطراف خود به فکر آموزش دختران و پسران عشایر با همکاری افرادی از عشایر که تا حدودی از مهـارت سواد برخوردار بودنـد افتـاد و در سـال ???? اولین مـدرسه سـیار عشـایری را در محل زنـدگی خود راه انـدازی کرد. با مشاهده اشتیاق پسـران، دختران، زنان و مردان عشایر به سوادآموزی، بهمن بیگی با هدف گسترش فعالیت های آموزشـی به وزارت آموزش و پرورش مراجعه کرده و خواسـتار حمـایت دولت از این طرح شـد. بـابت حمایت های مردمی و همچنین کمکهای دولتی، مؤسـسه دانشسـرای عشایری در شیراز به عنوان مدرسه مرکزی آموزش عشایر تشکیل و آغاز به کار کرد. تاکنون هزاران نفر از افراد جامعه عشایری از این مؤسسه آموزشی فارغ التحصیل شده و مهارتهای آموزشی را فراگرفته اند.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : استاد محمد بهمن‌بیگی خوب می دانست فایده ای ندارد که به تاریکی لعنت بفرستد بلکه باید شـمعی روشن کرد.اینگونه بود که با تاسیس نخستین دبستان سیار ایلی در سال ???? شمع کوچکی در دنیای تاریک آن

روزهای جامعه عشایر روشن کرد. دبستانهایی که نه به کمک دستگاه آموزش وپرورش وقت بلکه فقط به همت استاد و مساعدت مردم شریف عشایر در چادرهای سفید دایر می گشتند. چادران سفید درمیان سیه چادران ایلی چون نگین می درخشیدنند تا نویدی بر پایان روزهای تیره و تار چادرنشینی باشد. دیری نپایید که سیلی از مشکلات گریبانگیر این چادر های دبستان شد. اکثر طوایف عشایر از پرداخت هزینه های ناچیز دبستان سیار ایلی عاجز بودند. آموزگاران ایلی تصدیق مورد نیاز برای تدریس را نداشتند وبه تبع آن نمی توانستند کارنامه معتبر برای دانش آموزان صادر کنند. تحرک دائمی ایل برای بقا وبعد مسافت بین قشلاق و ییلاق ومشکلاتی از این قبیل، مزید بر علت شده بودند تا پیمودن این مسیر پردردسر، سخت تر و پرماجراتر گردد. استاد که نمی خواست نهال نوپای آمورش کودکان ایل به این زودی پژمرده گردد، به هر دری می زد تا شاید چاره ای یابد. به زحمت مقامات وقت آموزش و پرورش را مجاب کرد تا تعدادی دانش آموخته های دیپلمه دانشسرای شیراز را در اختیار دستگاه آموزشی اش بگذارند. این حربه نیز کارساز نشد چون این آموزگاران از بطن ایل برنخواسته بودند که بتوانند با مشکلات آموزشی فرزندان ایل و زندگی ایلی کنار بیایند. دیگر بار این اسطوره خستگی ناپذیر عشایر دست به کار شد و چاره در پرورش آموزگارانی دید که از درون ایل برخواسته باشند تا با آشنایی کامل ازمصائب و مشکلات نوباوه گان عشایر، به آموزش آنها اهتمام ورزند.تاسیس دانشسرای عشایری برای تربیت آموزگاران ایلی وبه تبع آن راه اندازی اداره کل آموزش عشایر کشور کار آسانی نبود ولی به همت والای این مرد سختکوش ممکن شد. اینگونه بود که با تربیت عده کثیری از فرهیختگان عشایر چهره ایلات دگرگون شد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : تسلّط استاد محمد بهمن بیگی به سه زبان انگلیسی، فرانسه و آلمانی که اغلب آثار نویسندگان خارجی را به زبان اصلی مطالعه می‌کرد و غور و تفحّص در متون ادبی، این اجازه را به وی می‌داد که با نثر دلنشین و جذّاب دست به تألیف زند. از آثار استاد بهمن‌بیگی بوی طبیعت و انسانیّت به مشام جان خواننده می‌رسد و نغمه دوستی و از خودگذشتگی می‌تراود. بخارای من ایل من؛ به اجاقت قسم؛ عرف و عادات در عشایر فارس؛ اگر قره‌قاج نبود... استاد با آثارِ خود انسان را آرام آرام با زیبایی‌ها، انسان‌دوستی‌ها و فداکاری‌های ایلیاتی آشنا می‌سازد و در زیر روشنایی ستارگان و در دامان زیبای طبیعت، از خودگذشتگی‌های مردانی که عمر خود را برای آموزش کودکان معصوم عشایری سپری ساخته‌اند، به تصویر می‌کشد. و گرم و صمیمی انسان را به قلّه‌های رفیع و مناظر بدیع طبیعت هدایت می‌کند و با خلق و خوی مردم عشایر آشنا می‌سازد و از آداب و رسوم ایلات سخن به میان می‌کشد و چنان دلنشین می‌نویسد، که انسان هرگز از مطالعه آثار وی خسته نمی‌شود. و چون به حوزه موسیقی عشایری وارد می‌شود شور و شوق خود را با اشکی که بر گونه‌هایش می‌نشیند، نشان می‌دهد. او می‌گوید موسیقی در میان ایلات و عشایر قشقایی همانند سایر اقوام دیگر از احترام بسیار برخوردار است. استاد وقتی از موسیقی ایلیاتی سخن می‌گوید گویی نغمه می‌سراید و عاشقانه وصف موسیقی ایلی می‌کند و در این میان هشدار می‌دهد که «موسیقی ایل از چنگ اوباش هرزه‌سرا و عربده‌کش به دور است، موسیقی ایل با عیّاشی‌های رذیلانه آمیزشی ندارد. موسیقی ایل از پستان نجیب و سخاوتمند طبیعت شیر می‌نوشد و جان می‌گیرد». آری دامن طبیعت از دید استاد بهمن‌بیگی آشیانه هزاردستان است که در دامن خود ماه‌پرویزها، منصورخان‌ها، صمصام‌السّلطان‌ها و داوود نکیساها را پرورش داده است. اینک استاد بر فراز قلّه‌ها است و اگر امروز استاد بهمن‌بیگی ــ که عمرش دراز باد ــ این نغمه ایلیاتی را زمزمه می‌کند که: ای کوه‌های بلند، بر ایل ما چه گذشت ای قلّه‌های مه‌گرفته، بر ایل ما چه گذشت ای کوه‌های بلند و ای قلّه‌های مه‌گرفته بر آن ایل که در دامن شما خیمه می‌سازد چه گذشت ولی استاد به خوبی می‌داند که بر ایل و تبارش چه گذشت و چگونه در سایه تلاش وی مردانی فرهیخته، و استادانی گرانقدر و جوانانی برومند تربیت شدند و اینک هر کدام در گوشه‌ای از این کهن‌سرزمین ایران در اداره این مرز و بوم سهیم هستند و این برای استاد بزرگ‌ترین هدیه الهی است که به بار نشستن تلاش‌های بی‌وقفه و شبانه‌روزی خود را مشاهده می‌کند

آرا و گرایشهای خاص : این دانشی‌مردِ فرهیخته سرد و گرم روزگار چشیده به تجربه دریافته بود که تنها راه نجات عشایر در بالا بردن سطح سواد جمعیّت عظیم عشایری است. مردمی که با هرگونه ناملایمات زندگی می‌ساختند، شجاع و بخشنده بودند، با قناعت و صبوری زندگی می‌کردند، حلیم و صادق بودند، امّا روح لطیف خود را با مفاسد اجتماعی آلوده نمی‌کردند، غیور و ظلم‌ستیز بودند و تشنه معرفت و جویای دانش. چه کسی می‌بایست به این قشر محروم رنج‌کشیده توجّه می‌کرد. استاد بهمن‌بیگی که خود پرورده درد و رنج بود به خوبی می‌دانست که کسی آستین بالا نخواهد زد و دولتمردان را نیز در سر، سودای تعلیم و تربیت و پروراندن استعدادهای افراد ایلیاتی نیست؛ از این‌رو دست به کار شد. تصمیم گرفت به جای چوب شبانی، قلم در دست کودکان عشایری نهد و خواندن و نوشتن را به طریق خاصّ خود به میان عشایر بَرَد تا جهل و بی‌سوادی را ریشه‌کن کند. شاید خود نیز در آن زمان بر این باور نبود که قدمی که برداشته است چگونه به بار خواهد نشست امّا مصمّم بود و با تمام توان در این عرصه قدم گذاشت. کوره‌راه‌های ایلی را به خیابان‌های پر زرق و برق شهری برگزید و اسبان رهوار را به خودروهای گران‌قیمت ترجیح داد و گویی با خود این ترانه ایلی را زمزمه می‌کرد که: من این باغ خرّم را با اشک چشم سیراب کردم چرا گلش برای دیگران چرا خارَش برای من آری! استاد مصمّم بود که در بهار طبیعت و صفای کوهستان چراغ علم و معرفت را روشن کند و گلشنی از سوسن و سنبل بسازد که خار چشم دشمنان گردد. اگر استاد بهمن‌بیگی زمزمه‌گر این ترانه بود که: داغ اگر یکی و درد اگر یکی بود می‌شد چاره‌ای یافت با صد داغ و صد درد چه می‌توان کرد؟ ولی با همّت و اراده‌ای که داشت نشان داد که می‌توان صد داغ و درد را نیز چاره کرد، دست به کار شگرفی زد، با تشکیل کلاس‌های عشایری و تربیت معلّمان مؤمن و متعهّد برای تدریس، ایجاد کتابخانه‌های سیّار، دانش را به میان عشایر بُرد و از کودکان محروم، آینده‌سازانی بصیر و مطّلع ساخت. استاد، چون بنده عاشقی، شب و روز را به هم می‌دوخت تا بر تعداد مدارس عشایری افزوده شود، معلّم تربیت کند، از کمک‌های مالی دولتی و غیردولتی بهره‌مند شود تا کودکان مستعد امّا ستم‌کشیده، از حقّ مسلّم خود که تحصیل و تربیت بود، محروم نشوند. استاد بهمن‌بیگی در حالی که به راحتی می‌توانست به پست‌های مهم دولتی دست یابد پشت به همه چیز کرد، احساس درد و وظیفه در قبال هموطنان و هم‌عشیره‌های خود، او را به دامان طبیعت کشاند، زندگیِ شهری را به شهرنشینان واگذاشت، با غم و شادی و با رنج و محنتِ مردانِ خانه‌بدوشی که مدام در حرکت بودند، ساخت؛ و بیست و شش سال از عمر خود را صرف تعلیم و تربیت بچّه‌های عشایری نمود.

استاد به خوبی دریافته بود که «کلید مشکلات عشایر در لابه‌لای الفبا است»، از این‌رو معتقد بود که باید قیام کرد؛ قیام همگانی، و از این جهت، مردم را به یک قیام مقدّس دعوت کرد: قیام برای باسواد کردن مردم ایلات. خدمات استاد بهمن‌بیگی به زودی نتیجه داد. بچّه‌های محروم ایلیاتی، مراحل دبستانی و دبیرستانی را پشت سر گذاشتند و راهیِ دانشگاه شدند. به آماری از این حرکت علمی و فرهنگی (که در فصل‌نامه عشایری ذخایر انقلاب، زمستان ۱۳۶۷ درج شده است) توجّه کنیم: از تعداد ۳۶ نفر قبولی دیپلم در خردادماه سال تحصیلیِ ۵۲–۱۳۵۱، ۳۴ نفر وارد دانشگاه شدند و در سال ۵۵–۱۳۵۴ تمامی ۸۸ نفر قبول‌شدگان در مقطع دیپلم وارد دانشگاه‌های کشور شدند و در سال ۵۶–۱۳۵۵ نیز از تعداد ۸۵ نفر دانش‌آموز دیپلم تعداد ۸۴ نفر در رشته‌های مختلف دانشگاهی مشغول تحصیل شدند. بی‌شک این موفقیّت‌ها و آماده کردن کودکان برای فراگیری علوم و فنون و پرورش استعدادهای کودکان عشایری مدیون تحمّل رنج‌ها و تلاش‌های خستگی‌ناپذیر استاد بهمن‌بیگی است. امّا در این میان، استاد را غم دیگری نیز بود. استاد همواره از ستم مضاعفی که بر دختران معصوم عشایری می‌رفت، رنج می‌برد و بر آن بود که دختران را نیز زیر پوشش تعلیم و تربیت قرار دهد؛ و به همین‌منظور تصمیم گرفت که با گسترش دانش در میان دختران، آنان را به حقوق خود آشنا سازد. اگرچه این امر در حال و هوای آن روزگار کار سخت و دشواری بود و تعصّب‌های ایلی و عشیره‌ای کار را بر استاد دشوار کرده بود، امّا استاد مصمّم بود و چاره‌ای جز این نداشت که در هر اجتماعی حاضر شود، از فواید دانش و سواد سخن گوید و با هرگونه تعصّب و خامی با صبوریِ تمام مبارزه کند. در اثر تلاش و کوشش، استاد سرانجام توانست در این مبارزه نیز موفق شود و دختران را نیز به دبستان بکشاند و به تربیت آنان همّت گمارد. اینک استاد هشتاد و پنجمین سال زندگی خود را سپری می‌کند و بدون تردید خود نیز از این همه تلاش و کوشش که ثمره آن، کشف استعدادها و بارور کردن آنان است خرسند است. استاد، حاصل تلاش خود را در وجود کودکانی که اینک بزرگ‌مردانی در عرصه علم و سیاست و مدیریت شده‌اند، می‌بیند و همین برای استاد کافی است. تلاش‌های استاد در همان سال‌ها مورد توجّه دانشمندان، اندیشمندان و دانشگاهیان داخل و خارج از کشور قرار گرفت

جوائز و نشانها : محمد بهمن بیگی در سال ۱۹۷۳ موفق به دریافت جایزه بین‌المللی یونسکو شد . مراسم گرامیداشت محمد بهمن بیگی، بنیانگذار آموزش و پرورش عشایر کشور با حضور جمع کثیری از اعضای انجمن فارغ التحصیلان عشایر منطقه جنوب کشور و راهنمایان تعلیمات عشایری در شیراز برگزار شد. در این مراسم بیش از ??? نفر از عشایر ایلات قشقایی، باصری، عرب، لر، بویراحمدو بختیاری که دوران تحصیل خود را در مؤسسه دانشسرای عشایر به مرکزیت شیراز گذرانده بود و در حال حاضر در مشاغل و مناصب مختلف سراسر کشور مشغول می باشند در کنار محمدبهمن بیگی حضور داشتند. در این نشست صمیمانه علاوه بر بررسی روند گذشته آموزش و پرورش عشایری، راهکارهایی در جهت بهبود کمی و کیفی و همچنین ترسیم افق روشن آموزش وپرورش عشایر ارائه شد. همچنین مراسم بزرگداشت استاد محمّد بهمن بیگی در ۳۰ آبان ماه سال ۱۳۸۴ از طرف انجمن آثار و مفاخر فرهنگی جهت تکریم وی برگزار شده است.

چگونگی عرضه آثار : تأمل و دقت استاد بهمن بیگی برای چاپ کتاب، علی‌رغم آن همه جوشش احساسات، تراکم خاطرات و تسلط عجیبی که او بر کلمه و کلام دارد، به راستی شگفت‌انگیز است. نخستین اثر او «عرف و عادت درعشایر فارس» درست ۶۰ سال پیش منتشرشد و سه اثر دیگرش: «بخارای من ایل من»، «اگر قره قاج نبود» و «به اجاقت قسم» به ترتیب با فاصله‌های ۴۴، ۶۵ سال پیش از یکدیگر به چاپ سپرده شده‌اند. به راستی اگر بهمن‌بیگی تنها «عرف و عادت درعشایر فارس» را نوشته بود، به عنوان پژوهشگری جست‌وجوگر، شایسته احترام و تقدیر بود. اگر او فقط مجموعه داستان‌های کوتاه و جذاب «بخارای من ایل من» را درسال ۶۸ و با فاصله‌ای طولانی از اولین اثر خود روانه بازار نشر کرده‌بود، لایق هرگونه بزرگداشت و تشویق بود. این اثر، همانند یک قطعه موسیقی با یک سمفونی زیبا، به دل می‌نشیند و خواننده را در جذبه نثری دلاویز و پرتصویر پرواز می‌دهد و با خود به سرزمین زیبای عشایر می‌برد وبا مسائل مردم این خطه از کشورمان آشنا می‌کند. انتشار «بخارای من ایل من» به راستی در سپهر ادب فارسی، یک حادثه بزرگ بود، آنچنان که همه نگاه‌ها را به سوی خود کشاند. بهمن‌بیگی در اثر سوم خود «اگر قره‌قاج نبود» گوشه‌هایی از خاطرات و خطرات خویش را با نثری آهنگین و توصیفی به زیبایی به تصویر کشیده ودر واپسین اثرش «به اجاقت قسم» خاطرات آموزشی خود را در راه پرفراز ونشیبی که برای سوادآموزی عشایر این مرز وبوم پیموده، بیان کرده‌است. وی در حال حاضر به نگارش خاطرات متأخر خود مشغول است و امید می‌رود که در آینده‌ای نزدیک، شاهد اثر برجسته دیگری از بنیانگذار آموزش عشایر و به تعبیری «پدر آموزش عشایری» کشورمان باشیم. آنچه درپی می‌آید، تنها گزارش کوتاهی از چهار اثر منتشر شده استاد بهمن بیگی است. --

----

آثار :

۱ اگر قره قاج نبود

ویژگی اثر : محمد بهمن بیگی، چاپ دوم، تهران، انتشارات باغ آینه، ۱۳۷۷(چاپ اول/ ۱۳۷۴)، ۲۰۶ص، رقعی. هفده خاطره و حکایتی که در این مجموعه فراهم آمده‌است، همچون اثر دیگر نویسنده: «بخارای من ایل من» هریک حاوی مطالبی جذاب است که قلم سحار نویسنده، رنگی از خیال و خاطره بر آن پاشیده‌است. نام کتاب از دهمین خاطره این مجموعه گرفته شده‌است. قره‌قاج رودخانه پربرکت و زیبایی درخطه فارس است که از ارتفاعات «بن رود» سرچشمه می‌گیرد و تا سواحل خلیج‌فارس گسترده‌است. بهمن بیگی در داستانواره اگر قره‌قاج نبود، ابتدا از ملال خود از ماندن در ایل و سپس از قصد خود برای سفر به سرزمین‌های دور خبر می‌دهد و به دنبال آن، به شرح جاندار و زیبایی از حکایت روزی می‌پردازد که سوار بر اسب محبوبش «سمند» دچار توفان می‌شود، به آب رودخانه «قره‌قاج» می‌زند و با دشواری به کمک سمند به ساحل سلامت می‌رسد، به شهر می‌آید، به اروپا و آمریکا می‌رود. زیبایی‌های طبیعی غرب را می‌بیند، اما هیچ‌گاه زیبایی قره‌قاج را از یاد نمی‌برد. نامه‌هایی که از خویشانش برایش ارسال می‌شود، بی‌تابی اورا برای بازگشت به وطن و به ایل صدچندان می‌کند و سرانجام به اندیشه حرکت از غرب و فرار به سوی ایل می‌افتد و درآخرین نامه‌اش از آمریکا خطاب به خانواده‌اش می‌نویسد: «... تاب و طاقت دوری شما را ندارم. تاب و طاقت دوری

ایلم و وطنم را نـدارم. بـا اولین بلیط هوایی که به دستم می‌آیـد حرکت می‌کنم. پیام مرا به گوش امواج قره‌قاج برسانیـد. قره‌قاج، تو می‌خواستی غرقم کنی ولی من دست از دامنت برنمی‌دارم. من ترا بیش از همه رودهـای روی زمین دوست می‌دارم. من یـک مـوج کوچک ترا به صـدها الب، هودسن و پوتوماک عوض نمی‌کنم. قره‌قاج، می‌آیم ولی این بار می‌کوشم که بی‌گـدار به آب نزنم و با کمک خداوند نهال‌های تازه‌ای در کنارت بنشانم و پل‌های استوار برایت دست و پا کنم.» پارچه سلیکا، هدیه گرگین خان/ آهنگ گرایلی/ داسـتان مـا و «فریـدون/ حسـاب حافـظ از دیگران جـداست/ پـدر و پسـر/ و «بسـتان کردسـتان» عناوین برخی از خاطره‌های داستانی این مجموعه است.

۲ ایل من بخارای من

ویژگی اثر : محمـد بهمن بیگی، چـاپ سوم، تهران، انتشـارات آگاه، ۱۳۶۹ (چاپ اول ۱۳۶۸)، ۳۴۸ ص، رقعی. بهمـن‌بیگی در این اثر، غرض اصـلی از نگـارش کتـاب را بـازنمودن احوال ایلات فـارس بویژه ایـل قشـقایی ذکر کرده‌است. بخارای من ایل من، از ۹ دسـتانواره کوتاه، جذاب و دلنشـین تشکیل شده‌است. آغازین اثر این مجموعه «بوی جوی مولیان» است. موضوع این داستان مستند، سرگـذشت مولف از دوران کودکی و تبعیـد پـدر و مـادر وی به تهران تـا هنگام بازگشت او به ایل است. در یکی از روزهای گرم تابسـتان شـهر که فکر یـار و دیـار و هوای خوش ییلاـق ایل در ذهن نویسـنده خلجان داشـته، نامه‌ای پر مهر از برادر، او را دگرگون می‌کنـد و به تعبیر نویسـنده، نامه برادر، با او همان می‌کنـد که شـعر و چنگ رودکی با امیرسامانی کرد. چنین بود که بهمن بیگی به همه زرق و برق‌هـا و جاذبه‌های شـهر پشت پا می‌زنـد و به «بخارای خود» به «ایل» می‌پیونـدد. موءلف دراین اثر، با نثری شـیوا که به شعر پهلو می‌زند، طی دسـتانواره‌هایی پرکشـش، ضـمن توصـیف طبیعت زیبای سرزمین عشایر قشقایی، خواننده را با آداب و رسوم، معتقدات و مسائل و مشـکلات مردم و بویژه زنان ایل و مصایب آنها آشنا می‌کند. آل/ ترلان/ ایمور/ وطن/ شکار ایلخانی و شیرزاد/ ملا بهرام/ گاو زرد و «آب بید» برخی از داستان‌های کوتاه این مجموعه جذاب است.

۳ به اجاقت قسم

ویژگی اثر : محمـد بهمن‌بیگی، چاپ سوم. شـیراز، انتشارات نویـد، ۱۳۸۲ (چاپ اول ۱۳۷۹)، ۲۷۱ ص، مصور، وزیری. «به اجـاقت قسم» دربرگیرنـده خـاطرات آموزشـی اسـتاد بهمن بیگی بنیانگـذار آموزش عشایر ایران است. این اثر از ۲۱خاطره آموزشی تشکیل شـده و عنـوان آن، از سـیزدهمین خـاطره این مجموعه انتخـاب شـده‌است. نویسـنده در مقـدمه این اثر تحت عنوان «چگونه به شـرح چگونگی آموزش از آهنـگ خویش به فرزنـدان عشـایر و بیـان تجربه‌هـایش پرداخته و درحقیقت کلیـدهای کامیابی خود را در راه دشوار تعلیم و تربیت عشایر به دست داده و می‌نویسـد:«... یاران و دوسـتان من دست بردار نیسـتند و پیوسـته می‌پرسـند چگونه؟! من دراین کتاب سـعی کرده‌ام که با گزارش پراکنده قسـمتی از خاطرات آموزشی خودم، فراز و نشیب‌های راه رفته‌ام را به پرسندگان و دوسـتداران تعلیم و تربیت نشـان دهم و به آنـان بگویم چگونه!» بهمن بیگی در نخسـتین اثر خود«عرف و عـادت در عشـایر فـارس» دربـاره اعتقاد افراد ایل به «اجاق» می‌نویسـد:«در آتش‌پرستی ملل باسـتانی گیتی نیز آثاری درمیان ایلات وجود دارد. افراد ایلات به اجـاق خـانه و خانواده عقیـده کاملی دارنـد و آن را گاهی منبع آثار و صاحب قـدرت می‌پندارنـد و عـده‌ای از خانواده‌ها را صاحب اجـاق پرفروغ‌تر و قـوی‌تری می‌داننـد و نسبت به چنین خانواده‌هـایی بویژه خیـانت را خطرنـاک می‌شـمارند... قسم به اجـاق و به هر کانونی که در آن آتشـی افروخته باشـد معمول است و این قسم‌ها به اقتضای ایمانی که بـدان دارنـد، می‌تواند مدعی یا منکر را قانع نمایـد. اجاق مردی را که فرزنـد نداشـته‌باشد «کور» یعنی خاموش می‌دانند و به حال او تأسف فراوان می‌خورند...» معلم بی‌تصدیق/ آموزگـار ایلی/ مقررات دست‌وپـاگیر/ آموزش عشـایر و زنـان/ آموزش عشایر و سازمان برنامه/ خـدمت و تهمت/ و «چگونه شـیراز مرکز آموزش عشایر کشور شد» عناوین بخش‌هایی از خاطرات این مجموعه‌اند.

۴ عرف و عادت در عشایر فارس

ویژگی اثر : محمــد بهمـن بیگی، چـاپ دوم، شــیراز، انتشـارات نویـد، ۱۳۸۱ (چــاپ اول، تهران ۱۳۲۴)، ۱۳۵ ص. رقعی. اسـتاد بهمن‌بیگی اثر حاضـر را درست ۶۰ سال پیش، زمانی که حـدود جوانی ۲۰ سـاله بود، نوشـته‌است. کتاب از چنان اهمیتی برخوردار بوده که در همان سال انتشار، مورد توجه نویسـندگان بزرگ و نشریات معتبر ادبی – علمی قرار گرفت. چاپ دوم اثر، در فاصله‌ای ۵۷ سـاله و درسال۱۳۸۱ منتشـر شـد. بهمن بیگی در مقـدمه این چـاپ به علـل تـأخیر چـاپ دوم کتاب اشاره کرد و مشـکلات را بر شمرده‌است. نویسـنده دراین کتـاب، بـا نگـاهی از درون، خواننـده را بـا آداب و عـادات و اخلاق و رسوم و همچنین دیگر جنبه‌های متنوع زنـدگی ایل بزرگ قشـقایی در دوره تألیف کتاب آشـنا می‌کنـد. از آنجا که موءلف، آگاه به مسائل حقوقی بوده، در مبحث اول کتاب، موضوع عرف و عادات را از نظر حقوق مدنی، کیفری، آیین دادرسـی، حقوق اداری و سیاسی اجتماعی در بین ایلات و عشـایر فـارس مورد بحث قرار داده و در مبحث دوم که انـدکی مختصـرتر است، به ذکر عقایـد وافکـار عشـایر فـارس پرداخته و در برخی موارد، آداب و رسوم عشـایر فـارس را بـا قوانین و رسوم ملـل قـدیم مقایسه و تطبیق کرده‌است. اسـتاد بهمن بیگی در این اثر، ضمن بیـان بی‌سـروسامانی عشـایر جنوب در آن سال‌هـا، درمان دردهای بزرگ عشایر را تنها در سایه مهر و محبت و تعلیم و تربیت دانسته و اعلام داشته: «برای جلوگیری از این همه سرگردانی و گمراهی، راهی جز ایجاد مدارس سیار و فراوان وجود ندارد.» .

بهمنعلی اصفهانی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۰ ق)، شـاعر و صوفی. ملقب به بهمنعلی. وی سالهـا در شیراز از حضور رحمت اسـتفاده کرد. در اواخر عمر در تهران در زاویه امامزاده عبدالعظیم ساکن شد. ملاعلی با صاحب «طرائق‌الحقائق» همنشین بود. وی در مزار مرحوم سعادت علیشاه دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طرائق‌الحقائق (۴۳۳ -۴۳۲ /۳).

بهمنی، سعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید بهمنی

محل تولد : باجیگران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان تحصیلات متوسطه در سال۶۱-۶۰وارد حوزه علمیه قم شـدم . ابتدا به مدت سه سال به طور آزاد درس های حوزه را از اسـتادان مختلف آموختم و پس از سه سال در حوزه ثبت نام کرده و قبول شدم. دروس سطح را در سال ۶۹ به پایان رسانده و سپس دروس خارج را آغاز کردم . در سال ۷۱-۷۰ در دوره های تربیت محقق و مدیر و مبلغ مناطق اهل سنت شرکت کرده و به مدت دو سـال دوره عمومی آن را گذرانـدم و پس از یـک سال دوره تخصصـی فقه و اصول را طی کردم . این دوره ها پس از مـدتی به نام رشته های تخصصی فوق و مذاهب اسلامی از سوی حوزه علمیه قم به رسمیت شناخته شد.

بهمنی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمـدعلی بهمنی در فروردین سال ۱۳۲۱ در شـهر دزفول به دنیا آمـد. شـعر بهمنی نیز البته شایـد با خود او متولد شده باشد، گرچه بسیاری بر این عقیده اند که او غزلهایش را وامدار سبک و سیاق نیماست. نخستین شعر از او در سال ۱۳۳۰، یعنی زمانی که او تنها ۹ سال داشت، به چاپ رسید.

محمدعلی بهمنی

برای محمدعلی بهمنی شـعر چون موجودی جاندار است که شـکل و قالب، لباسـهای آن را تشکیل و به آن شخصیت میدهند. با این همـه، محمـدعلی بهمنی شـیفته ی غزل اسـت و غزل گفتـن و غزل خوانـدن و غزل سـرودن. میگویـد: «غزل، نه تنهـا در شـعر امروز، بیتردیـد در شـعر تمام فرداها جایگاه ویژه ای خواهد داشت. غزل هستی ایرانی است و خواهد بود. آنچه که مهم است، این است که این امانت حساس را به نسلهای آینده تحویل دهیم.» گرچه به رغم تمام این علاقه به غزل گفتن، بهمنی غزل را هرگز قالب نمیبیند. «چون قالب یعنی محـدودیت و هنر را نمیتوان محـدود کرد و به خاطر این حرفم بارها زیر تهمت ها رفته ام.» در دیـدگاه محمـدعلی بهمنی، غزل یک شکل است که میتواند با روزگار خود و با شرایط جدید تغییر کند.

محمـدعلی بهمنی در سال ۱۳۷۸ موفق به دریافت تنـدیس خورشـید مهر به عنوان برترین غزلسـرای ایران گردیـد. برخی از مجموعه اشـعار وی عبارتند از: باغ لال (۱۳۵۰)، در بیوزنی (۱۳۵۱)، عامیانه ها (۱۳۵۵)، گیسو، کلاه، کفتر (۱۳۵۶)، گاهی دلم برای خودم تنگ میشود (۱۳۶۹)، غزل (۱۳۷۷)، عشق است (۱۳۷۸)، شاعر شـنیدنی است (۱۳۷۷)، نیستان (۱۳۷۹)، این خـانه واژه های نسوزی دارد (۱۳۸۲)، کاسه آب دیوژن، امانم بده (۱۳۸۰).

بهمنی، هوشنگ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر هوشنگ بهمنی متولد ۱۳۴۳ در شهر مرودشت است. وی پس از اتمام تحصیلات دوران ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۶۲ وارد دانشـکده فنی دانشـگاه علم و صـنعت در رشـته مهندسـی مکانیک گردید و هم اکنون دارای مدرک کارشناسـی مهندسـی مکانیک می‌باشـد. ایشـان رتبه اول ابتکـار در یـازدهمین جشـنواره خوارزمی در سال ۱۳۷۶ و رتبه سـومی تحقیقـات و توسـعه در پـانزدهمین جشنواره خوارزمی در سال ۱۳۸۰ را به خود اختصاص داد.

گروه : فنی و مهندسی

رشته : مهندسی مکانیک

گرایش : حرارت و سیالات

والـدین و انساب : پـدر هوشـنگ بهمنی، نسورالله بهمنی و نام مادر محترمشان سـروگل زارع است. ایشان دارای ۳ برادر و ۴ خواهر

می‌باشد.

خاطرات کودکی : هوشنگ بهمنی دوران تحصیل ابتدایی و راهنمایی را در مدارس عشایری گذرانده است. ایشان فردی بسیار کنجکاو و باهوش بودند و در تمام دوران تحصیل از راهنمایی تا مقطع دانشگاهی جزء دانش آموزان برتر بودند.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : هوشنگ بهمنی در خانواده‌ای کشاورز و از نظر اقتصادی متوسط بدنیا آمد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : هوشنگ بهمنی تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در مدارس و دبیرستان عشایری گذراند. در سال ۱۳۶۲ دیپلم خود را در یافت کرد و بالافاصله همان سال در دانشکده فنی دانشگاه علم و صنعت ایران در رشته مهندسی مکانیک حرارت و سیالات پذیرفته شد و در سال ۱۳۶۶ با معدل ۱۳/۱۶ فارغ‌التحصیل گردید.

خاطرات و وقایع تحصیل : هوشنگ بهمنی از خوابگاه دوران تحصیل در مقاطع راهنمایی و متوسطه خاطرات خوبی به یاد دارد. وی از خاطرات حضور در کلاس و مطالعه‌های اجباری همراه با همکلاسیها و معلمان به نیکی یاد می‌کند.

فعالیتهای ضمن تحصیل : هوشنگ بهمنی در مقطع متوسطه در جهاد سازندگی عشایر فارس به فعالیت می‌پرداخت و همچنین در دوران دانشجویی کلاسهای کنکور و کامپیوتر را جهت تعلیم برگزار می‌کرد.

استادان و مربیان : دکتر شیدفر (استاد ریاضی دانشگاه علم و صنعت)، دکتر بیدآبادی (استاد دینامیک گاز) و دکتر معدولیت (استاد مقاومت مصالح) از استادان هوشنگ بهمنی بودند.

هم دوره ای ها و همکاران : آقایان منصور صمدیان، فرهاد صمیمی راد ،حمید صفوی اردبیلی و علی قاضی از هم‌دوره‌ای‌های هوشنگ بهمنی به شمار می‌روند.

همسر و فرزندان : هوشنگ بهمنی با سرکار خانم مریم تصوری (دارای مدرک کارشناسی مدیریت دولتی) ازدواج کردند و ماحصل این ازدواج دو فرزند به نامهای محمد و علیرضا می‌باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : هوشنگ بهمنی چندین سال به عنوان مدیر پروژه، مدیر تولید، مدیر کنترل کیفیت و مهندس ناظر تاسیسات و غیره مشغول به کار بودند.

فعالیتهای آموزشی : هوشنگ بهمنی دروس ریاضی، مبانی و برنامه‌ریزی کامپیوتر، مقاومت مصالح، خلاء و خلاسازی و مقررات ملی ساختمان را در آموزشکده فنی صنایع الکترونیک تدریس کرده‌اند.

جوائز و نشانها : – کسب رتبه اول ابتکار در یازدهمین جشنواره بین‌المللی در سال ۱۳۷۶ و دریافت جایزه و لوح تقدیر از ریاست محترم جمهوری وقت، – کسب رتبه سوم تحقیقات و توسعه در پانزدهمین جشنواره بین‌المللی در سال ۱۳۸۰ و دریافت تقدیر و جایزه از ریاست محترم جمهوری وقت، – کسب رتبه اول تحقیقات از موسسه تحقیقات توسعه آسیا و اقیانوسیه COM SAT در سال ۱۳۸۰، – کسب رتبه سوم خدمتگزاران انقلاب اسلامی و مردم از ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام، – دریافت سه بار لوح تقدیر از مقام محترم وزارت دفاع، – کسب دو بار لوح تقدیر از مقام محترم وزارت علوم تحقیقات و فناوری

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

بهمنیار کرمانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۴ –۱۲۶۸ /۱۲۶۲ ش)، استاد دانشگاه، مصحح، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به دهقان. وی در کرمان متولد شد و در همان شهر نزد پدر خویش ادبیات فارسی و عربی و فقه و اصول و فلسفه و ریاضیات را آموخت، ضمن تحصیل، زبان ترکی استانبولی و انگلیسی را نیز فراگرفت و در این دو زبان دست به تحقیقات و تألیفاتی زد. در آغاز مشروطیت به مبارزات سیاسی روی آورد و در سال ۱۲۸۹ ش روزنامه‌ی «دهقان» را برای اشاعه‌ی اندیشه‌های ملی خویش منتشر کرد که منجر به تبعید و زندانی شدنش به شیراز شد. در سال ۱۲۹۶ ش از شیراز به تهران آمد و از طرف وزارت دارایی مأمور خدمت در خراسان شد. در سال ۱۳۰۳ ش روزنامه‌ی «فکر آزاد» را در مشهد انتشار داد. در این هنگام از طرف وزارت فرهنگ به ریاست دارالمعلمین تبریز انتخاب گردید اما پس از یک سال به تهران مراجعت کرد. چندی هم با سمت وکیل عمومی مأمور قزوین و همدان شد. در سال ۱۳۱۳ ش که معلم دانشسرای عالی و دانشگاه تهران بود، سمت استادی‌اش تأیید گردید. بهمنیار در سال ۱۳۲۱ ش به عضویت پیوسته‌ی فرهنگستان ایران درآمد، و در سال ۱۳۳۲ ش به ریاست انجمن تألیف و ترجمه که از مؤسسات وابسته به دانشگاه بود، برگزیده شد. در تهران وفات یافت و در کربلا به خاک سپرده شد. از تألیفات وی: «تحفه‌ی احمدیه»، در شرح «الفیه‌ی ابن‌مالک»؛ «تصحیح و تحشیه‌ی منشآت محمد بن مؤید بغدادی»؛ «تصحیح اسرار التوحید»؛ «رساله‌ی املای فارسی»؛ «تصحیح تاریخ بیهق» «شرح حال صاحب بن عباد»؛ «تصحیح الابنیه عن حقایق الادویه»؛ «مجمع‌الامثال فارسی»؛ «رساله در حکمت و فلسفه»؛ «دیوان» اشعار.[۱]

احمد بن آقا محمد علی، ادیب و استاد دانشگاه تهران (و. کرمان ۱۲۶۲– ف. ۱۳۳۴ ه.ش.) وی علوم مقدماتی را در کرمان تحصیل کرد و در نهضت مشروطه در عداد آزادی‌خواهان درآمد و روزنامه «دهقان» را انتشار داد سپس از طرف مأموران انگلیس به شیراز تبعید شد و محبوس گردید. در سال ۱۳۳۵ ه.ق. رهایی یافت و در تهران وارد خدمت وزارت مالیه شد و مأمور خراسان گردید و در مشهد روزنامه «فکر آزاد» را منتشر کرد. در سال ۱۳۰۵ ه.ش. از طرف وزارت معارف مأمور تبریز شد و به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۰۶ وارد خدمت عدلیه شد و مأمور قزوین و سپس همدان گردید و مجددا در ۱۳۰۸ به معلمی مشغول شد. در ۱۳۱۰ برایس تدریس دارالمعلمین انتخاب گردید و در ۱۳۱۳ تدریس ادبیات عربی مدرسه معقول و منقول بدو محول شد و در ۱۳۱۵ عنوان استادی دانشگاه و در ۱۳۲۱ عضویت فرهنگستان یافت. از آثار او «تحفه احمدیه» در شرح الفیه ابن مالک، تصحیح التوسل الی

الترسل، تصحیح تاریخ بیهق، تحصیل اسرار التوحید، ترجمه زبدهٔ التواریخ در تاریخ آل سلجوق، صرف و نحو عربی به فارسی (سه دوره)، ترجمه احوال صاحب بن عباد را باید نام برد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از نیما تا روزگار ما (۱۲۸ -۱۲۷)، تاریخ جراید (۸۴ -۸۲ /۴، ۳۱۰ -۳۰۷ /۲)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۱۴۶ - ۱۴۴)، ستارگان کرمان (۱۱۶ -۱۱۰)، سخنوران نامی معاصر (۱۳۹۰ -۱۳۸۵ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۱۳۱ -۱۲۷ /۱)، شرح حال رجال (۳۲ -۳۱ /۶)، فرهنگ سخنوران (۳۴۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳۶۹ -۳۶۷ /۱)، یغما (س ۸ ش ۸ ص ۳۸۳، س ۳۰، ش ۱۱، ص ۶۸۴ -۶۷۹).

بهنیا، کامبیز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی عمران، دانشکده: فنی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای مهندسی راه و ساختمان از انستیتوی علمی علوم تجربی (INSA) لیون فرانسه در سال ۱۳۴۶، دکترای مکانیک خاک از دانشگاه پاریس ۶ در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده فنی تهران از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۶۴ و دانشیار دانشکده فنی تهران از سال ۱۳۶۴.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی روشهای محاسبه تونلها، کاربرد خاک مسلح در مجاورت آب و بررسی ظرفیت باربری قائم و افقی شمع‌ها، تدریس دروس پی‌سازی پیشرفته، طرح فرودگاهها و مکانیک خاک و آزمایشگاه در دانشکده فنی تهران، برنده جایزه کتاب سال در زمینه مکانیک خاک در سال ۱۳۶۶ و استاد راهنمای ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

طرح فرودگاهها، مکانیک خاک در دو جلد به زبان فارسی، پی‌سازی ۲ جلد، کارهای دریایی بندرسازی، اجرای پی و پلهای بزرگ و اجرای تونل ترجمه از فرانسه به فارسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

خاک مسلح، رفتار طاقهای خاک مسلح و کاربرد خاک مسلح در پناهگاهها و مخازن سوخت.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

بیات، اروج بیک

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اروج بیک پسر سلطان علی بیک بیات بود ، سلطان علی بیک ازسرداران شاه محمد خدابنده بود که درنبرد عثمانی کشته شد(۹۹۳ه.ق)گروه : علوم انسانیرشته : علوم سیاسیوالدین و انساب : اروج بیک پسر سلطان علی بیک بیات یکی از درباریان شاه عباسی اول صفوی بود که به همراه هیات سفارتی مرکب از سر آنتونی شرلی و حسینعلی بیک بیات به اروپا رفت. وی در اسپانیا پس از پناهندگی و گرویدن به مسیحیت دون ژوان نامیده شد. (۱۰۱۳ه.ق)و کتابی به نام دون ژوان ایرنی را درباره حکومت صفوی و شرح سفر خود به اسپانیا نوشت و مدتی بعد به دست یک اسپانیایی کشته شد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : سلطان بیک بیات پدر اروج بیک بیات ازسرداران مقتول شاه محمد خدابنده در نبرد با عثمانی بود (۹۹۳ه.ق) بنابراین به نظر می رسد که از شرایط زندگی و تحصیل مناسبی برخوردار بوده است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : اروج بیک بیات علوم رایج زمانه از جمله تاریخ و علم انشاء را به خوبی فرا گرفته بود.وقایع میانسالی : اروج بیک بیات در ۱۰۰۷ه.ق/ ۱۵۹۹م به همراه هیئت اعزامی شاه عباسی به ریاست حسینعلی بیک بیات و سرآنتونی شرلی به اروپا رفت تا اروپائیان را به اتحاد علیه عثمانی تشویق نماید. وی از مسیر دریای خزر ولگاه، مسکو آرخنگل، اقیانوس منجمد شمالی، آلمان، چک اسلواکی (بوهم)، ایتالیا، رم و جنوب فرانسه به اسپانیا را انتخاب کرد و با شاهان بسیاری از این مناطق دیدار نمود. ولی با حسینعلی بیک به ایران بازگشت و از آنجا که برای مطالبه خونبهای ملای هیات از لیسبون به ولادولید نزد فیلپ سوم رفت و در همان جا پناهنده و با نام دن خوان(دون ژوان) مسیحی شد. او

اندکی پس از انتشار کتاب خود تحت عنوان دون ژوان ایرانی، توسط یک اسپانیایی کشته شد.زمان و علت فوت : اروج بیک بیات پس از انتشار کتاب خود در ۱۵می ۱۶۰۵میلادی / ۴محرم ۱۰۱۳ه.ق به دست مردی اسپانیای کشته شد و برای اینکه مرگش فاش نشود، او را در قایقی نهاده و به دریا انداختند. و چند روز بعد درساحل طعمه سگان شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : اروج بیک بیات به عنوان منشی هیات سفیران شاه عباسی به رهبری ریاست حسینعلی بیات و سرآنتولی شرلی به اروپارفت (۱۰۰۷ه.ق/۱۵۹۹میلادی).آرا و گرایشهای خاص : اروج بیک بیات دراسپانیا به دین مسیح گروید. شاید یکی از دلایل این کار مشاهده پیشرفتهای تکنیکی اروپا و قایل شدن به ارتباط میان این دو (مسیحیت و پیشرفت تکنیکی) بوده است.جوائز و نشانها : اروج بیک بیات پس از گرویدن به دین مسیح لقب اشرافی دن «دونdon»را از شاه اسپانیا فیلیپ سوم دریافت کرد.آثار : دون ژوان ویژگی اثر : کتابی دون ژوان ایرنی درسه فصل به بررسی مختصر ولایات ایرنی و حکومت داری صفویان ، جنگهای آنان با عثمانی ، و شرح سفارت می پردازد. وی این کتاب را به کمک آلفونسو رمون به زبان اسپانیانی ترجمه و چاپ کرد. این کتاب را ۱۹۲۶ توسط گی لسترنج شرق شناسی انگلیسی به انگلیسی ترجمه شد.

بیات، عزیزالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر عزیز الله بیات در سال ۱۲۹۹ در شهر نهاون بدنیا آمد.ایشان دارای مدرک دکترای رشته تاریخ و جغرافیا از دانشگاه پل ساباته فرانسه در سال ۱۳۷۸ می باشد. نامبرده عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه دانشگاه شهید بهشتی می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عزیز الله بیات تحصیلات مقدماتی را در شهر نهاوند گذراند.وی کلاسهای هفتم ،هشتم و نهم را در شهر ملایر سپری کرد.ادامه تحصیلات متوسطه را در همدان پس گرفت و موفق به اخذ دیپلم گردید. ایشان تتحصیلات دانشگاهی خود را در دانشسرای عالی تهران گذراند و مدرک کارشناسی اش را در سال ۱۳۲۳ گرفت".در سال ۱۳۳۲ و به علت نزدیک بودن کرمانشاه به نهاوند از طرف اداره فرهنگ به این شهر رفتم و به مدت ۲۰ سال در این شهر زندگی کردم، چند کتاب هم درباره تاریخ و جغرافیای کرمانشاه نوشتم و منتشر کردم".دکتر بیات با استفاده از بورس تحصیلی که به کارمندان تعلق داشت استفاده کرده و عازم فرانسه گردید.نامبرده در سال ۱۳۴۸ موفق به اخذ مدرک دکترای رشته تاریخ و جغرافیا از دانشگاه پل ساباته فرانسه شد.

خاطرات و وقایع تحصیل : دکتر بیات از خاطرات تحصیلش چنین بیاد دارد: بعداز از دیپلم ترک تحصیل نکردم .پدر بزرگم انسان فاضلی بود، مضاف بر این یکی از دوستان آیت الله مدرس بود و زمانی که به تهران رفت وآمد می کرد در منزل مرحوم مدرس اقامت می کرد. ایشان مرا به ادامه تحصیل تشویق می کرد. ابتدا قرار بود مرا به خارج از کشور بفرستد اما من به دانشسرای عالی که الان به آن تربیت معلم می گویند رفتم و لیسانسم را نیز دریافت کردم.

همسر و فرزندان : عزیز الله بیات دارای ۴ فرزند پسر و یک فزرند دختر می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۵۰ تا کنون رئیس اداره چهارم کارگزینی آموزش و پرورش رئیس اداره مطالعات و برنامه ها

فعالیتهای آموزشی : عزیز الله بیات در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا، به تدریس دروس تاریخ تمدن اسلام و گاه شماری در دانشگاههای شهید بهشتی (به عنوان عضو هیئت علمی)،دانشگاه آزادا اسلامی ،دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه الزهرا می پردازد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر عزیز الله بیات از زندگی خودش چنین اذعان می کند: من ۶۰ سال است که تدریس می کنم و در این مدت که درس داده ام شش ساعت هم غیبت ندارم. من بیش از ۵۰ سال است که فقط یک وعده غذا می خورم و از هر فرصتی برای پیاده روی هم استفاده می کنم، هیچ بیماری هم ندارم.

چگونگی عرضه آثار : دکتر عزیز الله بیات حدود ۴۰ کتاب به رشته تحریر در آورده است. ---------------------------- --

آثار :

۱ آثار باستانی کرمانشاه

ویژگی اثر : تالیف

۲ از ظهور اسلام تا دیالمه

ویژگی اثر : تالیف

۳ تاریخ ایران

ویژگی اثر : ناشر: امیر کبیر نویسنده: عزیزالله بیات (جلد اول و دوم)

۴ تاریخ ایران از آغاز تا انقراض پهلوی با تجزیه و تحلیل منابع و ماخذ

ویژگی اثر : تالیف

۵ تاریخ تطبیقی ایران(از سلسله ماد تا پهلوی) با تمام دنیا

ویژگی اثر : تالیف-پدیدآورنده: عزیزالله بیات ناشر: امیرکبیر - ۰۶ اردیبهشت، ۱۳۸۵

۶ تاریخ مختصر ایران

ویژگی اثر : تالیف

۷ تاریخ منابع و ماخذ ایران

ویژگی اثر : تالیف–پدیدآورنده: عزیزالله بیات ناشر: امیرکبیر – ۱۳۸۳

۸ تحریر و تحشیه تاریخ گیتی گشای نامی

ویژگی اثر : تالیف

۹ جغرافیا برای دانشسراها و دبیرستانها

ویژگی اثر : تالیف

۱۰ جغرافیای محلی کرمانشها

ویژگی اثر : تالیف

۱۱ زمینه های پیشرفت و پیروزیها و شکستهای ایران

ویژگی اثر : تالیف

۱۲ کتب درسی تاریخ برای دانشسراها و دبیرستانها

ویژگی اثر : تالیف

۱۳ کلیات جغرافیای طبیعی و تمدنی ایران

ویژگی اثر : تالیف–پدیدآورنده: عزیزالله بیات ناشر: امیرکبیر – ۱۳۸۳

۱۴ کلیات گاه شماری در جهان

ویژگی اثر : پدیدآورنده: عزیزالله بیات ناشر: دانشگاه شهید بهشتی – ۱۳۸۱

۱۵ نهاوند

ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین زرینی، عزیزالله بیات (زیرنظر) ناشر: دفتر پژوهشهای فرهنگی – ۲۷ تیر، ۱۳۸۵

بیات، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود بیات

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمود بیات در حدود سال ۱۳۵۰ وارد حوزه شهرستان نیشابور و تقریباً بعد از ۳ سال در حوزه مشهد به مدت دو سال و سپس راهی قم شده و تاکنون مشغول بوده‌ام . در سال ۶۳ ـ ۱۳۶۲ به مدت یک سال تمام از طرف حوزه علمیه قم برای تدریس ادبیات به شهرستان میناب رفتم . در سال ۸۱ ـ ۸۲ به مدت یک سال در دانشکده علوم قرآنی تدریس قرآن و علوم مربوطه به مقدمات قرآن از قبیل ادبیات بوده‌ام و در خلال تحصیل مقداری هم تدریس داشته‌ام .

در ضمن به مدت سه سال از طرف معاونت تهذیب در مدرسه شهید صدوقی واقع در بلوار صدوق به امر تهذیب مشغول بوده‌ام و در مدارس امام صادق و بقیهٔ الله واقع در حاجی‌آباد یک سال تحصیلی تقریباً تدریس تجوید و صرف داشته‌ام . اکنون پایان‌نامه سطح چهار را تحویل داده‌ام و مقدمات دفاع انشاء الله فراهم می‌گردد . نیز در دانشگاه علامه طباطبایی تهران مشغول تدریس تفسیر موضوعی هفته‌ای یک روز در هفته می‌باشم.

بیات، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی بیات

محل تولد : نهاوند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

بیارجمندی خاخورینی خراسانی، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۸ ق)، دانشمند، محدث و فقیه. در کودکی از زادگاه خود به مشهد رفت و در آنجا به تحصیل پرداخت، پس از چندی جهت تکمیل تحصیلات خود به نجف سفر کرد و نزد نایینی به فراگیری اصول و فقه پرداخت. سپس از محضر شیخ محمدحسین غروی و سیدابوالحسن اصفهانی فیض برد و اجازه‌ی اجتهاد یافت. همچنین در کربلا از محضر ایت الله قمی فیض برد. وی از محدث قمی اجازه‌ی حدیث گرفت. چند دوره «رسائل» و «مکاسب» و «کفایه» را تدریس کرد. پس از آن درس خارج را شروع کرد و به تدریس فقه و اصول پرداخت. برخی از آثار وی عبارت اند از: «شرح کفایه»، تقریرات نایینی» در فقه و اصول؛ «تقریرات کمپانی»؛ «حاشیه بر مکاسب»؛ «رساله‌ی عملیه»؛ «زبدةالمسائل»؛ «مدارک‌العروة».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۳۶/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۸۸۹ -۸۸۷ /۶).

بیاری، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر بیاری

محل تولد : جعفر آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۵/۴

زندگینامه علمی

بنده تا سوم راهنمائی را در محل تولد خواندم. بعد وارد حوزه علمیه قم شدم. همزمان بطور غیر حضوری دیپلم را گرفتم. در مدارس علمیه امام صادق(ع)، امام باقر(ع)، رضویه و معصومیه ادامه تحصیل دادم و در دروس خارج فقه آقایان فاضل لنکرانی، هادوی، کعبی شرکت کردم. در تفسیر آیت الله جوادی آملی هم ۶ سال شرکت داشتم، دوره های تربیت مربی دفتر تبلیغات را گذرانده ام(شش ماه). در مرکز ادبی حوزه شرکت و دوره ادبیات را گذراندم. در سال ۱۳۷۶ وارد موسسه امام خمینی شدم و دوره کارشناسی و سپس ارشد را گذراندم. الان در حال تدوین پایان نامه هستم. همزمان فعالیت های تبلیغی هم دارم که عمده آن در دبیرستانهای کشور است از طریق اتحادیه انجمن های اسلامی دانش آموزان و بسیج دانش آموزی.

بیاضی استرآبادی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی در استرآباد متولد شد. اکثر اشعارش هجو و هزل بود، در اواخر عمر به کاشان رفت و در آن شهر درگذشت. به قول صاحب «تذکره‌ی روز روشن» وی همان بیاضی اکبرآبادی است که در هجو قاسم کاهی و غزالی مشهدی اشعاری از او روایت شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۲۵)، تحفه سامی (۲۴۰)، الذریعه (۱۴۹/۹)، صبح گلشن (۷۰).

بیاضی حصاری

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. وی از حصار شادمان بود. به همراه محمود برلاس به هرات رفت و مدتی در آن شهر سکونت کرد و پس از چندی به زادگاهش بازگشت. وی در سرودن شعر توانا بود. از اوست:

بزن بر سینه‌ی من خنجر و افکن سر از تن هم

در این خانه تاریک را بگشای و روزن هم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۴۹/۹)، مجالس النفائس (۱۲۲).

بیان شاهرودی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۷ ق)، شاعر و واعظ. وی اهل شاهرود بود و در وعظ بسیار توانا و دارای سحر بیان بود. طرز بیان وی طوری بود که فقهای زمانش به بیان او با حسن نظر نگاه نمی‌کردند. بیان در سرودن شعر توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۱۵۱)، یغما (س ۱۱، ص ۳۸۴ -۳۸۳).

بیان همدانی، مهدی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۰۰ ق)، شاعر، متخلص به بیانی. وی خواهرزاده‌ی میرزا ابوطالب کلیم بود در همدان متولد شد و در اصفهان نشو و نما یافت. چون به سن رشد رسید، در عهد عالمگیر به هندوستان رفت و در آنجا به سرودن شعر پرداخت. بیان در کشمیر درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۳۵/۱)، الذریعه (۱۱۳۲، ۱۵۰ /۹)، شام غریبان (۵۲ -۵۱)، صبح گلشن (۷۱ -۷۰)، فرهنگ سخنوران (۱۵۱)، کاروان هند (۱۷۶ -۱۷۵ /۱)، مخزن‌الغرائب (۳۷۱ -۳۶۹ /۱)، نشتر عشق (۲۱۶/۱).

بیانی استرآبادی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۴ ق)، شاعر. وی پیشه رمالی داشت و در سرودن شعر نیز توانا بود. از اوست:

رفت در خرگه مه من مرغ دل حیران بماند

شمع در قانوس شد پروانه سرگردان بماند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۲۸۶)، الذریعه (۱۵۰/۹).

بیانی تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر و نقاش. در آغاز پیشه‌ی زرکشی داشت و سپس به کاغذبری و نقاشی پرداخت. وی غزلسرا نیز بود. از اوست:

مه من سوی مسکینان نگاهی می‌توان کردن

اگر هر روز نتوان، هر به ماهی می‌توان کردن

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۲۸)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۰۱/۲)، دانشمندان آذربایجان (۷۴)، الذریعه (۱۵۰/۹)، سخنوران آذربایجان (۲۴۸)، فرهنگ سخنوران (۱۵۲)، مجمع‌الخواص (۲۷۱).

بیانی تبریزی، بهرام‌بیگ

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به بیانی. ساکن محله‌ی عباس‌آباد اصفهان بود و نستعلق را خوش می‌نوشت. در بهار به شغل کتابت و در زمستان به پوستین‌دوزی مشغول بود. بهرام‌بیگ شعر نیز می‌سرود و در زمان تألیف «تذکره‌ی نصرآبادی»، ۱۰۸۹ ق، در قید حیات بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۳ -۱۰۲/۱)، تذکره‌ی شعرا آذربایجان (۱۰۰ -۹۹ /۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۹۰)، دانشمندان آذربایجان (۷۲)، الذریعه (۱۵۰/۹)، سخنوران آذربایجان (۲۴۸ -۲۴۷)، صبح گلشن (۷۱)، فرهنگ سخنوران (۱۵۱)، مجمع‌الخواص (۲۷۱).

بیانی جوینی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از ولایت جوین از شهرهای خراسان بود که به پیشه‌ی تجارت اشتغال داشت و شعر نیز می‌سرود.

شدم به مسجد و دیدم بتی ز دست شدم

به کعبه روی چه آرم چو بت‌پرست شدم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۳۲۰ -۳۱۹)، تذکره‌ی روز روشن (۱۲۶)، الذریعه (۱۵۰/۹)،

بیانی قلندر هروی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. وی اهل هرات بود و در ماوراءالنهر صدارت بابر شاه را به عهده داشت. از او اشعار چندی به جای مانده است:

وفا وعده کردی جفا می‌نمائی

مه من عجب بی‌وفا می‌نمائی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۵۱/۹)، صبح گلشن (۷۱) نشتر عشق (۲۱۴/۱).

بیانی یزدی، قطب‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، دانشمند، شاعر، متخلص به بیانی. وی در علم سیاق و حساب دست داشت و کتابی موسوم به «خلاصهٔ‌الحساب» نیز در این زمینه تألیف کرد. بیانی تولیت مسجد جامع میرچماق را داشت و در نظم اشعار نیز توانا بود. صاحب «الذریعه» کتاب «خلاصهٔ‌الحساب» را به مولی قطب‌الدین خسرو شاه از علماء عصر تیمور گورکانی نسبت می‌دهد. از اوست:

حیرانم و از حد شده حیرانی من

ز اندازه برون بی‌سر و سامانی من

هرچند به حال خویشتن می‌نگرم

جمع آمده اسباب پریشانی من

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۱۲۳ -۱۲۲)، جامع مفیدی (۲۶۶ -۲۶۵ /۳)، الذریعه (۱۵۱/۹ -۲۲۴/۷).

بیانی، خانبابا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۸ ش)، نویسنده و استاد دانشگاه. در همدان متولد شد. تحصیلات متوسطه و عالی خود را در مدارس دارالفنون و دارالمعلمین عالی به پایان رسانید. سپس برای تکمیل معلومات به اروپا رفت و موفق به اخذ گواهینامه دکترای تاریخ از دانشگاه سوربن پاریس شد. بیانی از سال ۱۳۱۶ ش در دانشکده‌ی ادبیات و دانشسرای عالی، مدیریت کل نگارش وزارت فرهنگ، ریاست دانشکده‌ی ادبیات و دانشگاه تبریز، مدیریت کل دانشگاه تهران، معاونت نخست‌وزیری و سرپرستی اداره‌ی کل تبلیغات و انتشارات، نمایندگی مجلس سنا، عضو شورای عالی فرهنگ و پیشاهنگی خدمت کرده است. آثار او از ترجمه و تألیف بدین قرار است: «روابط سیاسی ایران با دولتهای غرب اروپا در زمان صفویه»، به زبان فرانسه؛ «تاریخ مغول»؛ «تاریخ ایران از آغاز اسلام تا ظهور سلسله پهلوی و تاریخ اروپا از پطر اول تا بیسمارک»؛ «تاریخ دیپلماسی ایران»؛ «توسعه‌ی کتابخانه‌های عمومی»؛ «تارخی ژول مازارن صدر اعظم فرانسه»؛ «تاریخ عمومی»، در دو جلد؛ «تفوق و برتری اسپانیا»؛ «نهضتهای ایران بعد از اسلام»؛ «تاریخ اسلام»؛ «تاریخ ایران»؛ «مجمع‌التواریخ سلطانی»؛ «موسیقی در زمان ساسانیان».[۱]

متولد ۱۲۸۸ در همدان. تحصیلات متوسطه را در دارالفنون و تحصیلات عالی را در دارالمعلمین عالی در رشته‌ی تاریخ به پایان رسانید، سپس از طرف دولت برای ادامه‌ی تحصیلات عازم اروپا شد. پس از پنج سال اقامت در پاریس، از دانشگاه سوربن دکترای تاریخ دریافت کرد. در ۱۳۱۶ با عنوان دانشیاری در دانشکده‌ی ادبیات و دانشسرای عالی به تدریس اشتغال ورزید و مدتی نیز در

دانشکده‌های حقوق و هنرهای زیبا و معقول و منقول به تدریس مشغول بود. در ۱۳۲۱ به درجه‌ی استادی رسید و ضمن تدریس مشاغلی را نیز تصدی کرده است که عبارتند از: معاونت دانشکده‌ی ادبیات و دانشسرای عالی، مدیرکلی نگارش وزارت فرهنگ، ریاست دانشکده‌ی ادبیات تبریز، ریاست دانشگاه آذربایجان، مدیرکلی دانشگاه تهران، معاونت نخست‌وزیر و ریاست اداره‌ی کل تبلیغات و انتشارات، ریاست دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ریاست دانشسرای عالی. در دوره‌ی دوم مجلس سنا از طرف مردم همدان به سناتوری انتخاب شد. بعد از خاتمه‌ی سنا به معاونت دانشگاه تهران منصوب شد. در رشته‌ی خود دارای تألیفاتی است که تاکنون چند جلد از آنها به چاپ رسیده است. او از اساتید بی‌سر و صدای دانشگاه تهران بود و در رشته‌ی تخصصی خود بسیار متبحر بود. وی داماد دکتر مهدی ملک‌زاده سناتور و فرزند ملک‌المتکلمین بود. همسر او به نام خانم ملکه ملک‌زاده و دختران او به نام شیرین بیانی و نوشین بیانی و دامادهای او همه استاد دانشگاه و از خادمین علم و فرهنگ بوده‌اند. دکتر بیانی پس از بازنشستگی، برای تشکیل آرشیو به وزارت امور خارجه دعوت شد و ضمن چند سال زحمت، آرشیو مجهز و منظمی بنیانگذاری کرد. در سال ۱۳۷۷ در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۵۱ -۲۵۰ /۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۳۹/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۶/۳).

بیانی، شیرین

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

دکتر شیرین بیانی ، فرزند دکتر خانبابا بیانی در یازدهم مرداد ماه سال ۱۳۱۷ در تهران متولد شد. پس از تحصیلات ابتدایی ومتوسطه در سال ۱۳۳۶ وارد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران شد و در رشته ی تاریخ ادامه تحصیل داد و در دوران تحصیل دانشگاهی ، شاگرد اول بود. در سال ۱۳۳۹ موفق به اخذ درجه ی لیسانس از آن دانشگاه شد. در همان سال برای ادامه ی تحصیل به کشور فرانسه رفت و در سال ۱۳۴۱ از دانشگاه سوربن پاریس موفق به اخذ درجه ی دکترای تاریخ با درجه ی « بسیار عالی » گردید. خانم بیانی در سال ۱۳۴۲ با رتبه ی استادیاری تمام وقت وارد کادر آموزشی گروه تاریخ دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۴۶ به مقام دانشیاری ارتقاء یافت. در سال ۱۳۵۳ به مقام استادی « تمام وقت » همان دانشگاه دست یافت و در سال ۱۳۷۳ به رتبه ی پروفسوری « رتبه ی همراه استادی » رسید. وی هم اینک با رتبه ی ۳۰ استادی به تدریس دوره های قرون وسطی و دوران باستانی ایران در گروه آموزشی تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران مشغول است. خانم شیرین بیانی علاوه بر نگارش چندین کتاب ، مقالات زیادی نگاشته است که در مجلات معتبر داخلی و خارجی به چاپ رسیده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

گرایش : تاریخ ایران - دوره مغول

والدین و انساب : شیرین بیانی ، فرزند دکتر خانبابا بیانی است که دارای فعالیت هاو کارهای ارزنده ای بود که به چند مورد از آنها اشاره می کنیم: مؤسس دانشگاه تبریز و توسعه دهنده ی دانشگاه تربیت معلم ، استقلال بخشیدن به دانشسرای عالی (تربیت معلم کنونی) عضو شورای عالی و فرهنگ سابق و تدوین و تنظیم اسناد و مدارک موجود در وزارت خارجه و تاسیس کتابخانه برای وزارت خانه و اهدای کتابهای خصوصی به آن .دکتر شیرین بیانی از جانب مادری ، نواده ی ملک المتکلمین مشروطه خواه معروف و شهید راه آزادی (که به در باغشاه توسط محمد علیشاه قاجار همراه با میرزا جهانگیر خان صور اسرافیل شهید گردید) و دکتر مهدی ملک زاده از بنیان گزاران طب جدید در ایران و صاحب کتاب « تاریخ مشروطیت » و فرزند ملک زاده ی بیانی کارشناس معروف باستان شناسی و از بنیان گزاران موزه ی ایران باستان می باشد. مادر بزرگ دکتر بیانی از طرف مادری ،خورشید کلاه ملکزاده بانویی فرهیخته وشاعر بودو عموی ایشان ،دکتر مهدی بیانی استاد دانشگاه تهران ،خوشنویس و بنیانگذار انجمن خوشنویسی ایران است.خواهر دکتر بیانی ،سوسن بیانی (دارای دکتری رشته باستان شناسی و مشغول تدریس در دانشگاه تهران)است.

خاطرات کودکی : دوران کودکی شیرین بیانی در بهترین و آرام ترین شرایط ممکن خانوادگی سپری گردید در محیطی آکنده از مهر و محبت ،صفا ،یک رنگی و عشق به ایران و ایرانی و همه انسانها.احترام به سنت ها ی ملی و مذهبی و اصول مذهبی ،احترام و دستگیری از طبقه غیر مرفه جامعه که این اصول در تدوین شخصیت او بسیار موثر بوده است.افراد خانواده همه فرهنگی ،اهل ذوق و هنر و دارای تالیفات متعدد بوده اند،که این شرایط خانوادگی نیز در سوق دادن او بسوی دانش و دانشگاه تاثیر بسیاری داشته است. شیرین بیانی در این باره می گوید: یکی از بهترین خاطرات کودکی ام ، در هفت سالگی همراه خواهرم در حیاط خانه به بازی مشغول بودم. پدرم با کیفی و بغلی پر از کتاب از دانشگاه به خانه باز گشت.من بسوی او دویدم و سلام کردم. او مرا در میان کتابها در آغوش گرفت و بوسید.من در آن لحظه با خود گفتم" منهم استاد دانشگاه می شوم و هروز با بغلی و کیفی پر از کتاب به خانه باز می گردم.من مانند پدرم تاریخ خواهم خواند و مانند او استاد خواهم شد "و چنین هم شد من از هفت سالگی در آغوش پدر راه زندگی ام را یافتم و با راهنمایی های مادر ،پدر و مادر بزرگ و پدر بزرگم ،همه ارزنده و انسان ساز بودند،بدون کوچکترین تردید و تزلزل تاکنون همین را ادامه دادم. دکتر بیانی در خانواده ای بزرگ در خیابان ویلا تهران کوچه شیرین زندگی میکرد بنا به

گفته های ایشان: در خانه از صبح باز بود و دوستان و آشنایان در رفت و آمد بودند. دراین خانه پدر بزرگ و مادر بزرگ ریاست آن را بر عهده داشتند.بیشتر رفت و آمد ها برای ملاقات پدر بزرگ (دکتر مهدی ملکزاده) بود.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : شیرین بیانی در خانواده ای فرهیخته و ارجمند متولد شد و دوران کودکی بسیار پرباری را در یک محیط گرم خانوادگی ، توام با محبت و دانش سپری نمود. در خانواده او را با نوامیس زندگی چون شرافت و کرامت انسانی ، علم دوستی ، پاکدامنی ، وطن پرستی و هم وطن دوستی و محبت انسانی آشنا کرده و دینداری را به او آموختند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیرین بیانی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه منوچهری و متوسطه را در دبیرستان های ژاندارک و انوشیروان دادگر به انجام رسانید. در سال ۱۳۳۶ در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در رشته ی تاریخ به تحصیل ادامه داد و در دوران تحصیل دانشگاهی ، شاگرد اول بود. در سال ۱۳۳۹ موفق به اخذ درجه ی لیسانس از آن دانشگاه شد. در همان سال برای ادامه ی تحصیل به کشور فرانسه رفت و در سال ۱۳۴۱ در دانشگاه سوربن پاریس در رشته ی دکترای تاریخ تحصیل و موفق به اخذ درجه ی دکترای تاریخ با درجه ی « بسیار عالی » گردید.

خاطرات و وقایع تحصیل : مهم ترین وقایع دوران تحصیل شیرین بیانی ، نصب مجسمه ی ملک المتکلمین نیای مادری شان در میدان « حسن آباد » بود که نام این میدان به میدان « ملک المتکلمین » تغییر یافت. همچنین خاطره ی دیگر خانم بیانی ، شاگرد اول شدن در کلاس ششم ادبی در مدرسه انوشیروان دادگر و کل دبیرستان های تهران بود. شیرین از ابتدا تا انتهای دوران تحصیل در علم ریاضی ضعیف و در ادبیات قوی بود.خاطرات تلخ او گاه در کلاسهای ریاضی است و خاطرات شیرین از کلاهای ادبی، که سرانجام نیز در رشته ادبی شاگرد اول بود.یکی از خاطرات جالب شیرین در کلاسهایست که معلمان او را بسیار با فراست و هوشیار می دانستند و احترام خاصی برایش قائل بودند در حالیکه معلمان ریاضی ،با وجود نامی که در دبیرستان داشت،و همه اورا می شناختند ،چندان توجهی به او نداشتند البته حق هم داشتند. ودر حین تحصیل در دانشگاه به دلیل استادی پدر ،همه اورا می شناختند و بهمین دلیل شیرین می بایست خوب درس بخواند و خوب رفتار کند که چنین هم می کرد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : شیرین بیانی ضمن تحصیل فعالیت های همچون به تکمیل زبان فرانسه ،مطالعه کتابهایی غیر درسی و ورزش می پرداخت.و دردبستان ودبیرستان او را به عنوان سرپرست انجمن نیکوکاری مدرسه انتخاب می کردند.

استادان و مربیان : ازجمله استادان شیرین بیانی می توان به پدر ایشان دکتر خانبابا بیانی ، عموی ایشان دکتر مهدی بیانی ، علی اصغر شمیم و دکتر محمدحسن گنجی اشاره نمود.

هم دوره ای ها و همکاران : همدوره ایهای شیرین بیانی اغلب قریب به اتفاق فرهنگی و بخصوص دبیر هستند.

همسر و فرزندان : شیرین بیانی ، همسر دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن نویسنده ی معروف معاصر و استاد دانشگاه تهران است که در سال ۱۳۴۳ با وی ازدواج کرد است.ایشان دارای دو فرزند پسر به نام های رامین ، متخصص تغذیه طبی و مهران ، متخصص محیط زیست و مسائل آب می باشند که پس از گذراندن تحصیلات در سوئیس و آمریکا به ایران بازگشته و مشغول به کار شده اند. آنها که در محیطی فرهنگی و سالم پرورش یافته اند علم و انسانیت را ارج می نهند و در این راستا کوشا می باشند.

وقایع میانسالی : شیرین بیانی در دوره ای زندگی می کند که بیش از هر زمان دیگر دارای فراز و نشیب بوده و هست .دنیا در تحولی شگرف و سریع بسر می برد که بخصوص این سرعت ،در تاریخ بی نظیر است و او شاهد این دگرگونی هاست.و این وقایع و ماجراهای جهانی و داخلی در گسترش افق دید او از جهت نگرش تاریخی ،اهمیت بسزایی دارد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : شیرین بیانی در طول چهل و سه سال فعالیت علمی خود بلافاصله از اتمام تحصیلات در سال ۱۳۴۲ با رتبه استاد یاری در دانشگاه تهران آغاز کرد .هیچ مسئولیتی بجز تدریس در گروه تارخ دانشگاه تهران نداشته است.وی در سال ۱۳۴۶ به رتبه دانشیاری و در سال ۱۳۵۳ به درجه استاد تمام وقت نائل آمد.و در سال ۱۳۷۳ به رتبه ی پروفسوری « رتبه ی همراه استادی » رسید. وی هم اینک با رتبه ی ۳۰استادی به تدریس دوره های قرون وسطی و دوران باستانی ایران در گروه آموزشی تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران مشغول است.

فعالیتهای آموزشی : تدریس در دوره های کارشناسی ،کارشناسی رشد و دکتری در گروه تارخ دانشگاه تهران. عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط شیرین بیانی: کارشناسی • : تاریخ ایران دردوره سلوکی واشکانی • تاریخ ایران ازمغولتا کارشناسی ارشد • : بررسی ومطاله انتقادی ادیان ایران با • تاریخ تحولات سیاسی ومناسبات فرهنگیوتمدنی ایران واسلام • تاریخ تمدن وفرهنگ اسلامی • نقدوبررسی ایران باستان • نقدوبررسی تاریخ مغول تیمورحک دکتری •: بررسی وتحلیل اسنادارشیوی وکتاب •تاریخ اجتماعی ایران • تحول سیاسی اجتماعی بعدازاسلام • مناسبات ایران باستان • هنرهاوصنایع ایران بعدازاسلام

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : شیرین بیانی درتاسیس کتابخانه ملی شهر ندوشن یـــزد فعالیت مستمری از خود نشان داده است. وی همچنین به مراکز درمانی نیز کمک می کند.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شیرین بیانی بر این باور است که هر زن ابتدا می بایست به خانه و خانواده بپردازد.چون وی معتقد است که بزرگترین مسئولیت یک زن تربیت فرزندان نیک برای تحویل دادن به جامعه ،ترتیب امور همسر برای آمادگی وی در پیشبرد کارهایش است.خانم شیرین بیانی علاوه بر امورات زندگی به نگارش چندین کتاب ، مقالات زیادی نگاشته است که در مجلات معتبر داخلی و خارجی چون مجلات : یغما ، راهنمای کتاب ، بررسی های تاریخی ، هستی و ایرانیکا (چاپ دانمارک) به چاپ رسیده است. او گذشته از اینها ، سخنرانی چیره دست نیز هست و در مجامع بین المللی علمی از قبیل : کنگره ی بین المللی خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی ، کنگره ی بین المللی بیهقی ، مطالعات ایران شناسی و ازاین قبیل به سخنرانی هایی پرداخته که در مجموعه های وابسته به کنگره ها و مجلات معتبر به چاپ رسیده است. او در پیگیری پژوهش های علمی خود به کشورهای فرانسه ، انگلیس ، سوئیس ، ایتالیا ، یونان ، بلغارستان ، لهستان ، اسپانیا ، پرتغال ، آلمان ، ترکیه ، مصر ، کویت ، هندوستان ، چین ، اردن ، عراق ، امارات متحده عربی و آمریکا سفر کرده و هربار با ره آوردهای سودمندی به وطن بازگشته است.

همفکران فرد : مولانا جلال الدین رومی بلخی در روشنفکری زندگی شیرین بیانی تاثیر داشته است. همچنین پدر و مادر و در

بسیاری موارد همسر وی ، همفکران او بوده و هستند.

آرا و گرایشهای خاص : درباره گرایش شیرین بیانی می توان گفت که به عرفان گرایش دارد. بدین گونه او اعتقاد دارد که باید بسوی کمال گام برداشت.خودشناسی را ضروری می داند و دانش را چراغ فرا راه.عشق را ملاط همه اموز زندگی می داند و انسان را بی عشق نمی تواند تصور کند.در توضیحی افزون تر ،شیرین بیانی معتقد است که سنت های ایرانی را با تطبیق با وضع در روز می بایست ارج نهاد و بکار گرفت و مدرنیته را با گزینشی صحیح و مطابق با فرهنگ و تمدن ایرانی به آن پیوند داد.دقت در انتخاب هر دو کاری دقیق و سخت است که همواره خانواده اش به پیروی از آنان در این راه اقدام کرده اند و به نتیجه ای مطلوب رسیده اند.

جوائز و نشانها : شیرین بیانی به اخذ متجاوز از ده لوح تقدیر از مراکز علمی – فرهنگی و دانشگاهی نائل آمده است. مهمترین آنها لوح تقدیر از انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران می باشد(سال ۱۳۸۲) .و همچنین لوح های تقدیری بمناسبت انتخاب کتاب"دین و دولت در ایران عهد مغول "تالیف وی به عنوان کتاب نمونه سال جمهوری اسلامی ایران در سال (دوره پانزدهم کتاب سال)۱۳۷۵ ،لوح تقدیر برای انتخاب کتاب او به عنوان کتاب سال دانشگاه تهران در رشته علوم انسانی در سال ۱۳۷۵ در یافت کرده است و همچنین در این راستا موفق به دریافت لوح تقدیر به همراه ۵۰ سکه بهار آزادی گردید که جایزه ی نقدی آن به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اهداء شد تا کمکی برای تأسیس کتابخانه ملی شهر ندوشن یزد باشد.

چگونگی عرضه آثار : شیرین بیانی حدود ۳۵ مقاله نگاشته است که یا به صورت کتاب و مجموعه به چاپ رسیده و یا زیر چاپ است. و قبل از آن در مجلات معتبر داخلی و تعداد اندکی در مجلات معتبر خارجی انتشار یافته است. مقالات ارائه شده در همایشها •بیانی شیرین" ,بابا طاهر از اقطاب فرقه قلندریه," کنگره بزرگداشت بابا طاهر ,همدان /.ایران ,۰۲–,فروردین,۱۳۷۹ • بیانی شیرین "پیوند ادبیات و تاریخ در ایران," کنگره زبان فارسی,شیراز /ایران ,۰۲–,فروردین,۱۳۷۹ • بیانی شیرین" ,فرقه قلندریه در دوره ایلخانی,"کنگره بین المللی مغول شناسی,تهران/ایران ,۰۱–,فروردین,۱۳۷۶ • بیانی شیرین" ,هویت ایرانی از خلال بوستان سعدی,"کنگره هویت ایرانی,لندن /انگلیس ,۰۱–,فروردین,۱۳۷۶ • بیانی شیرین" ,زن در تاریخ بیهقی,"کنگره بین المللی بزرگداشت ابوالفضل بیهقی,مشهد /ایران ,۰۱–,فروردین,۱۳۴۹ • بیانی شیرین" ,بررسی اوضاع اجتماعی ایران از خلال جامع التواریخ رشیدی,"کنگره بین المللی خواجه رشید الدین فضل الله همدانی,تهران /ایران ,۰۱–,فروردین,۱۳۴۸ ––

آثار :

۱ ایران در برخورد با مغول

ویژگی اثر : از انتشارات کتابخانه ی طهوری در سال ۱۳۵۳ .

۲ پنجره ای بسوی تاریخ

ویژگی اثر : مجموعه شانزده مقاله – انتشارات اساطیر –در دست چاپ

۳ تاریخ آل جلایر

ویژگی اثر : از انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳– این کتاب به زبان فرانسه و رساله دکتری وی بوده است که در دانشگاه سوربن پاریس از آن دفاع شده است و بعد ها توسط خود وی به فارسی برگردانده شده است.این اثر بزبان قزاقی نیز ترجمه شده است

۴ تاریخ ایران باستان (دوره ی سلوکی و اشکانی)

ویژگی اثر : از سری تألیفات زیر چاپ.

۵ تاریخ ایران باستان از ورود آریایی ها تا سقوط هخامنشیان

ویژگی اثر : از سری تألیفات زیر چاپ.

۶ تاریخ ایلخانان

ویژگی اثر : از سری تألیفات زیر چاپ.

۷ ترجمه ی کتا ب تاریخ سری مغولان

ویژگی اثر : تألیف : چائویی شه ، از انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰ –اولین منبع درباره تاریخ مغول و چنگیز خان است که ۱۳ سال پس از در گذشت این خان تدوین شده است . و اصل آن بزبان چینی بوده است.

۸ ترجمه ی کتاب تاریخ عیلام

ویژگی اثر : تألیف : پیر آمیه ، از انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹ .

۹ ترجمه ی کتاب چنگیزخان

ویژگی اثر : تألیف : ولادیمیر تسف ، از انتشارات اساطیر در سال ۱۳۶۳ .

۱۰ ترجمه ی کتاب نظام اجتماعی مغولان

ویژگی اثر : تألیف : ولادیمیر تسف – انتشارات بنگاه ترجم و نشر کتاب – تهران ۱۳۴۶

۱۱ ترجمه ی کتاب نظام اجتماعی مغولان ؛ فئودالیسم خانه به دوشی

ویژگی اثر : تألیف : ولادیمیر تسف ، از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب در سال ۱۳۴۶ .

۱۲ ترجمه ی مهمانخانه ی آنژگارین

ویژگی اثر : تألیف : دسکور.کتاب داستان برای نوجوانان و جوانان در سال ۱۳۳۲– این اثر شیرین بیانی هنگامی که پانزده سال داشت ترجمه گردید و بکوشش پدرش خانبابا به چاپ رسید .دکتر ناتل خانلری مقدمه ای بر آن نگاشت.

۱۳ تیسفون و بغداد در گذر تاریخ

ویژگی اثر : تالیف,انتشارات جامی ,۱۳۷۷

۱۴ دین و دولت در ایران عهد مغول

ویژگی اثر : مجموعه ای مشتمل بر سه جلد از انتشارات مرکز نشر دانشگاهی در سال ۱۳۶۷ ، ۱۳۷۱ و ۱۳۷۵ – برنده جایزه بهترین کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره پانزدهم کتاب سال در رشته علوم انسانی و اخذ لوح تقدیر بسال ۱۳۷۵ و برنده جایزه بهترین کتاب سال دانشگاه تهران در رشته علوم انسانی در سال ۱۳۷۵. آشنایی با کتاب: «دین و دولت در ایران عهد مغول»: دین و دولت در ایران عهد مغول؛ شیرین بیانی؛ تهران: مرکز دانشگاهی، ۳ج، جلد سوم، ۱۳۷۵. دوران فرمانروایی ایلخانان مغول در ایران را می توان یکی از شگفت انگیزترین و پُرتحرک ترین ادوار این کشور به شمار آورد. در این عهد است که درخت فتوحات چنگیزی به بار می نشیند و برای بازماندگانش ثمری شیرین می دهد، ولی این لقم ?گلوگیر به سختی قابل بلعیدن بود. در طول زندگی حکومت ایلخانی، پیوسته دو تلاش متقابل و در ضمن خستگی ناپذیر از جانب حکومت و مردم مشاهده می شود. از یک سو، تلاش حکومت برای تحکیم هرچه بیشتر مبانی قدرت و قبولاندن آن به اتباع ایرانی و از سوی دیگر تلاش مردم در جهت کمر راست کردن و تجدید حیات خویش. به بیان نویسند ?کتاب، پیوستگی دین و دولت در دورانهای گوناگون تاریخ ایران به چشم می خورد. این پیوستگی که ریشه در قبل از اسلام دارد، با ورود اسلام و به ویژه در دور ?صفوی به اوج رسیده، در نتیجه دین آمیخته شده با فرهنگ ملی، مجموع معتقدات ایران را در برمی گرفت. از این رو، مغولان در هجوم به ایران و فتح آن با معتقدات مردم روبه رو بوده اند که می بایست یا آن را ریشه کن کنند یا با آن کنار آیند و این نبردی بود که تا زمان اسلام آوردن حکومت مغولی مستقر در ایران، همچنان ادامه داشت. این موضوع خاص و مهم، محتوای کتاب نویسنده را تشکیل می دهد که ۳ جلد را شامل می شود. در جلد اول رویارویی دو طرز تفکر و دو فرهنگ ناهمگون و نابرابر (غالب و مغلوب) روشن می شود. ادام ?این نبرد و نفوذ و حضور ایرانیان در امور دیوانی و ادار ?کشور مطالب جلد دوم را در برمی گیرد. در جلد سوم نیز مسائل سیاست خارجی حکومت ایلخانی در مرزهای شرقی و مرزهای غربی ایران در روزگارانی مطرح شده که جهان اسلام از سویی در رویارویی با عنصر بیگان ?مغول و از سوی دیگر در تکاپوی رهایی از تتم ?جنگهای صلیبی با جهان غرب است.

۱۵ زن در ایران عصر مغول

ویژگی اثر : از انتشارات دانشگاه تهران در سال۱۳۵۲ .

۱۶ شامگاه اشکانیان و بامداد ساسانیان

ویژگی اثر : از انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۵ .

۱۷ کرمساز دوصد کیش

ویژگی اثر : درباره مولانا جلال الدین_ انتشارات جامی –تهران ۱۳۸۲

۱۸ مجموعه مقالات

ویژگی اثر : از سری تألیفات زیر چاپ.

۱۹ مغولان و حکومت ایلخانی در ایران

ویژگی اثر : انتشارات سمت – تهران ۱۳۷۹

۲۰ هشت مقاله در زمینه ی تاریخ

ویژگی اثر : از انتشارات توس در سال ۱۳۵۲ .

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

بی‌باک

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۱۲۸۰ ق، از زنان شاعر و سخنور. وی از زنان حسینقلی میرزا فرمانفرما، (۱۲۵۰ –۱۲۰۳ ق) حاکم فارس بود. به دلیل سخنوری و شیرین‌سخنی به مجلس آرا مشهور بود. اشعار زیر منسوب به اوست:

بی‌باک جنس وصل طلب کن به نقد جان

کاین نقد ناروا بود آن جنس منتخب

گر دل آزردنم ای دوست مراد تو بود

من فدای تو از این بیشتر آزارش کن

شد طاقت من طاق از آن کاکل مشکین

ای سلسله زلف پریشانی من بین

خون ریخت ز بس بی‌گل روی تو ز چشمم

خون شد دلم از حسرت آن چشم خمارین[۱]

(وف ح ۱۲۸۰ ق)، شاعر. اسم اصلی و زادگاه وی مجهول است. بعضی او را ترکمان و برخی قزاق می‌گفتند. وی یکی از زنان حسین علی میرزای فرمانفرما بود. به دلیل شیرین‌سخنی و مجلس‌آرایی به مجلس ملقب شد و به همین اسم اشتهار یافت. خط و سوادی تحصیل کرد و شعر بسیار به نام خود می‌خواند.[۲]

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :[۱] منبع: حدیقهٔالشعراء، ۲۱۳۸ –۲۱۳۶ / ۳.

[۲] حدیقهٔالشعراء (۲۱۳۸ –۲۱۳۶/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۱۵۳)، مشاهیر زنان (۳۳).

بی‌بی بیدلی

قرن:۹

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن نهم هجری، از زنـان شـاعر. وی اهـل هرات بود و در عصـر پادشاهـان تیموری هرات زنـدگی می‌کرد. برخی تـذکره‌ها بی‌بی را همسـر شـیخ عبداللّه دیوانه و برخی دیگر خواهر شـیخ دانسـته‌اند. امیرعلی شیر نوایی (۹۰۶ –۸۴۴ ق) در مجالس‌النفـایس او را مادر شیـخ‌زاده انصاری می‌دانـد و درباره‌اش می‌نویسـد: «توان گفت که در خانه او مرد و زن خوش طبعنـد». او را بیدلی نیز نامیده‌اند. دو مطلع زیر از اوست:

من مسکین به سر کوی تو هر چند دویدم

غیر آهی و سرشکی ز دل و دیده ندیدم

روم به باغ و ز نرگس دو دیده وام کنم

که تا نظاره‌ی آن سرو خوش خرام کنم[۱]

(س نهم ق)، شاعر. اهل هرات بود در عصر پادشاهان تیموری هرات زنـدگی می‌کرد. برخی تذکره‌ها بی‌بی را همسر شـیخ عبداللّه دیوانه و برخی دیگر خواهر شیخ دانسته‌اند. امیر علیشیر نوایی در «مجالس‌النفائس» او را مادر شیخ‌زاده انصاری می‌داند.[۲]

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منـابع زنـدگینامه :[۱] منـابع: «پرده‌نشـینان سـخنگوی»، آریانـا، سـال دهـم، شـماره دوم، ۵۰ –۴۹؛ از رابعـه تـا پروین، ۵۹ –۵۸؛ تذکرهٔالخواتین، ۷۰؛ تراجـم اعلام‌النسـاء، ۳۷۵ / ۱؛ جواهرالعجـایب، ۲۹۷ ،۱۳۲؛ حـدیقه عشـرت، ۱۲؛ خیرات حسـان، ۱۵۹ / ۱؛ دایرهٔالمعارف آریانا، ۵۰۹ / ۲؛ دایرهٔالمعـارف صـنعت و ادبیات تاجیک، ۲۶۴ / ۱؛ الذریعه، ۱۵۳ / ۹؛ زنان سـخنور، ۵۶ / ۱؛ شمع انجمن، ۸۶؛ عرفات العاشقین، گ ۱۰۸؛ مخزن‌الغرایب، ۳۷۷ / ۱؛ مجالس‌النفایس، ۱۰۲؛ مرآت‌الخیال، ۳۳۸.

[۲] از رابعه تا پروین (۵۹ –۵۸)، جواهرالعجائب (۱۳۲)، الذریعه (۱۵۳/ ۹)، مجالس‌النفائس (۱۰۲)، مخزن‌الغرائب (۳۷۷/ ۱)، مشاهیر زنان (۳۳).

بیتکچی جرجانی، محمود

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، منجم و شاعر. از نزدیکان خواجه منصور بیتکچی جرجانی بود. در علم نجوم مهارت داشت و شـعر خوب می‌گفت. از اوست:

شد روزگار من سیه از هجر یار من

کس را مباد روز من و روزگار من

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۰۸، ۴۶۰/ ۹)، مجالس النفائس (۲۶۰ –۲۵۹، ۸۵).

بیجه منجمه

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، منجم و شـاعر. وی مـاه و مه تخلص می‌کرد. خـواهر مولانـا علاءالـدین کرمـانی بـود. در زمـانی سـلطان حسـین بـایقرا می‌زیست و معاصـر میر علیشـیر و جـامی بود. وی در جوار خـانه‌ی مولانـا جـامی مسـجد جـامعی ساخته بود و توقع داشت که مولانا جامی در آن مسـجد نماز بگزارد، لیکن مولانا در مسجد او نماز نخوانـد. بیجه علاوه بر اینکه، در علم نجوم دست داشت و تقویمی استخراج کرد، از علوم دینی، دیگر فضایل نیز بهره‌مند بود و شعر نیز می‌سرود.[۱]

قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری، از زنان فاضل، منجم و شاعر. وی خواهر مولانا علاءالـدین کرمانی و معاصـر سـلطان حسـین بایقرا (۹۱۲ –۸۷۵ ق) و وزیر دانشـــمندش امیرعلی شـــیرنوایی (۱۷ رمضـان ۸۴۴– ۱۲ جمادی‌الثانی ۹۰۶ ق) و شـاعر معروف مولانـا عبـدالرحمان جامی (۸۹۸ –۸۱۷ ق) بود. به نوشـته مجـالس النفـایس «فضایـل بیجه غـایت و نهـایت نـدارد و تقویم خوب اسـتخراج می‌کرده و شعر نیز نیکو می‌گفته است». مؤلف جواهرالعجـایب نیز دربـاره او می‌نویسـد: «بیجه منجمه، ظریفه و عـارفه نـادره‌ی ایـام بوده. خصوص در علم نجوم که مثـل او نبود و از (علوم) دنیوی نیز جمعیت تمـام داشت و اکثر فضایـل را کسب کرده بود و منظور امراء سلطان بود».

بیجه در کنـار خـانه جـامی مسـجدی سـاخت و از او دعوت کرد تا امامت جماعت مسـجد را بپـذیرد اما جامی با یک بیت هجوآمیز

درخواست او را رد کرد و بیجه نیز با بیت زیر پاسخش گفت:

جامیا زین سان خرچندی که در گرد تواند

گر تو «خر گردی» تخلص سازی از «جامی» به است

(ایهام شعر در کلمه خر گرد است که هم کلمه توهین‌آمیزی است و هم زادگاه جامی بوده است.) برخی تذکره‌ها نام او را منیجه‌ی منجمه و بیجه‌ی نهانی نیز گفته‌اند. بیت زیر را بیجه در رثای همسرش سروده است:

کوکب بختم که بود از وی منور آسمان

بنگر ای مه کز فراقت در زمین است این زمان

مطلع زیر نیز از او نقل شده است:

گر نه هر دم ز سر کوی توام اشک برد

عاشقی‌ها کنم آنجا که فلک رشک برد[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از رابعه تا پروین (۶۰ -۵۹)، جواهرالعجائب (۲۹۶ ،۱۳۱ -۱۳۰)، حدیقهٔالشعراء (۲۱۹۸/۳)، الذریعه (۱۵۱/۹)، زنان سخنور (۵۶ -۵۵ /۱)، ستارگان کرمان (۱۲۲ -۱۲۱)، صبح گلشن (۴۵۵)، فرهنگ سخنوران (۱۵۴ -۱۵۳)، مجالس‌النفائس (۳۵۱ -۳۵۰)، مشاهیر زنان (۳۹ -۳۸).

[۲] منابع: از رابعه تا پروین، ۶۰ -۵۹؛ جواهرالعجایب، ۲۹۶ ،۱۳۱ -۱۳۰؛ حدیقهٔالشعراء، ۲۱۹۸ /۳؛ دایرهٔالمعارف صنعت و ادبیات تاجیک، ۲۷۹ /۱؛ ریاحین‌الشریعه، ۱۸۷ /۴؛ الذریعه، ۱۲۳۹ -۱۲۳۸ ،۱۵۱ /۹؛ ستارگان کرمان، ۱۲۱؛ صبح گلشن، ۴۵۵؛ کارنامه‌ی زنان، ۷۶؛ مجالس‌النفایس، ۳۵۱ -۳۵۰.

بیچاره، اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اصغر بیچاره (زاده ۲۲ خرداد ۱۳۰۶ در تهران) عکاس، بازیگر و کارگردان ایرانی است. از او به عنوان قدیمی‌ترین عکاس سینمای ایران یاد می‌شود. بیچاره در حال حاضر بزرگترین آرشیو عکس ایران را در اختیار دارد. او از ۱۱ سالگی به عنوان کارگر ساده در عکاسی به کار مشغول شد، پس از چند سال در لاله‌زار تهران مغازه‌ای باز کرد که به زودی تبدیل به پاتوق هنرمندان و نویسندگان معروف آن زمان شد. نخستین بار با گرفتن کپی از تمام عکس‌های فیلم دختر لر برای عبدالحسین سپنتا فیلمنامه‌نویس این فیلم، رسما وارد دنیای هنر شد. سپس با آشنایی با تئاتر، افزون بر عکاسی از نمایش‌ها، گاه در بعضی از آنها هم به بازی پرداخت. چند سال بعد با گروه دوبله مرتضی حنانه و حسین سرشار در ایتالیا همکاری کرد. او عکاسی را از سال ۱۳۲۳ آغاز کرد. فعالیت‌های عکاسی : بیچاره در نمایشگاه‌های مختلف عکس و عکاسی در ایران و دیگر کشورهای جهان حضور داشته است. او بزرگترین آرشیو عکس سینما و تئاتر ایران را در خانه خود گرد آورده است. او در موزهٔ شخصی‌اش دوربین‌هایی از قدیمی‌ترین عکاسان ایران مانند دوربین «ماشاءالله خان عکاسباشی» (نخستین عکاس ایران) را نگهداری می‌کند. بیچاره ۳ جلد کتاب درباره تاریخ سینمای ایران نگاشته است.

او افزون بر عکاسیِ ۳۸ فیلم، سابقه بازی در ۲۳ فیلم را نیز دارد.فیلم‌هایی که بیچاره در آن‌ها به بازی پرداخته است: ۱. دم صبح (۱۳۸۴)

۲. بانوی من (۱۳۸۱)

۳. زیستن (۱۳۸۰)

۴. مزاحم (۱۳۸۰)

۵. نان و عشق و موتور ۱۰۰۰ (۱۳۸۰)

۶. بوی کافور، عطر یاس (۱۳۷۸)

۷. جنگجوی پیروز (۱۳۷۷)

۸. چهره (۱۳۷۴)

۹. افسانه دو خواهر (۱۳۷۳)

۱۰. ای ایران (۱۳۶۸)

۱۱. ناخدا خورشید (۱۳۶۵)

۱۲. امشب اشکی می‌ریزد (۱۳۵۷)

۱۳. کلام حق (۱۳۵۶)

۱۴. کوسه جنوب (۱۳۵۶)

۱۵. رفیق (۱۳۵۴)

۱۶. عمو فوتبالی (۱۳۵۴)

۱۷. قفس (۱۳۵۳)

۱۸. تنها مرد محله (۱۳۵۱)

۱۹. قلندر (۱۳۵۱)

۲۰. زمین تلخ (۱۳۴۱)

۲۱. گربه وحشی (۱۳۴۱)

۲۲. یکی بود یکی نبود (۱۳۳۸)

۲۳. لیلی و مجنون (۱۳۳۵)

اصغر بیچاره، نویسنده و کارگردان فیلم «سَنَد زنده» در سال ۱۳۵۹ بوده است. او همچنین در سینمای ایران به عنوان تهیه‌کننده، فیلم‌بردار و سایر بخش‌ها نیز فعالیت داشته است

بیخود اصفهانی، زین‌العابدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی مداح محمود میرزا قاجار بود و از نجیب‌زادگان و میرزازادگان دارالسلطنه اصفهان بود که در سرودن شعر توانایی داشت.

خوشا از مرگ من سازند آگه آن جفاجو را

به این تقریب گردانند خرم خاطر او را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سفینهٔالمحمود (۱۷۸/۱)، فرهنگ سخنوران (۱۵۴)، مجمع‌الفصحاء (۱۸۲/۴)، مصطبه‌ی خراب (۳۲).

بیخودی سمرقندی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر. از شاعران غزل‌سرای سمرقند بود که لطافت طبع وی از اشعار به جا مانده از او آشکار است. از اوست:

هزارگونه جفا از تو بر دل است مرا

هنوز دل به جفای تو مایل است مرا

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۵۲/۹)، صبح گلشن (۷۲)، فرهنگ سخنوران (۱۵۴)، مجالس‌النفائس (۱۶۲).

بیخودی سمنانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به بیخودی. اصل وی از سمنان بود و از ناظمان عهد شاه عباس اول بود. وی به سبب غلبه‌ی عشق بر مزاجش به بیخودی مشتهر گشت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۵۲/۹)، صبح گلشن (۷۲)، مخزن‌الغرائب (۳۸۲/۱)، نشتر عشق (۲۳۴ -۲۳۳ /۱).

بیخودی شیرازی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. معروف به بیخودی «شاهنامه» خوان. «شاهنامه» خوان والادستی بود که در حضور شاه‌عباس اول «شاهنامه» خوانی می‌کرد. از وی مثنوی بر وزن «شاهنامه» به یادگار مانده است. از اوست:

چو دیبای نیلوفری گشت زرد

ازین زعفران سای دیرینه گرد

بپوشید دندان انجم سپهر

کزین زعفران خنده ناید به چهر

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۲۷۶/۱)، تاریخ موسیقی (۳۲۹/۱)، تذکره‌ی نصرآبادی، (۳۰۷)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۰۶/۱)، الذریعه (۱۵۲/۹)، صبح گلشن (۷۲).

بیخودی قزوینی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. اصل او از طایفه‌ی روملو بود و در قزوین نشو و نما یافت. در سرودن شعر طبع خوشی داشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۴۹/۱)، الذریعه (۱۵۲/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۵۵)، مینودر (۴۰۸-۴۰۷ /۲).

بید آبادی عارف سرجویی، محمد جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عارف و محقّق، از مشایخ سلسله ذهبیّه در اصفهان، و دارای نفسی قدسی بوده، عدّه‌ای از بزرگان این شهر به او ارادت می‌ورزیده‌اند.

در ۱۰ ماه صفر سال ۱۳۴۴ به سنّ قریب به نود در کربلا وفات یافته،

و هم آنجا مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بید آبادی، اسداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل محقّق جیل زاهد عابد، افقه و اتقی و اکمل اولاد حاج سید محمّد باقر حجهٔ الاسلام شفتی است.

در ۷-۱۲۲۸ متولّد شده، و در شب آخر ماه جمادی الثانیه سال ۱۲۹۰ در کرند وفات یافته، جنازه به نجف اشرف منتقل گردیده و در دالان قبلی مقابل قبر شیخ انصاری مدفون گردید.

در اصفهان نزد پدر و دیگران تحصیل نموده، و در نجف از شاگردان شیخ محمّد حسن صاحب جواهر بوده است، و پس از وفات پدر از نجف به ایران مراجعت نموده و مورد توّجه عموم طبقت بوده، و از دنیا و مردم آن، بالاخص امر و بزرگان، اعراض کلّی داشته، به طوری که می گویند: در جهات زهد و تقوی بر پدر خویش مقدّم بوده، در صورتی که پدر بزرگوارش ازهد و اعبد اهل زمان بوده است.

از آثار خیریّه او احداث و اجرای آب فرات است به نجف اشرف که در سال ۱۲۸۸ انجام یافته، و تاریخ آن: «اشرب الماء الفرات» می‌باشد.

کتب زیر از آثار اوست:

۱- رساله‌ای در تجوید ۲- شرح زیارات عاشوراء ۳- شرح بر شرایع (فقه استدلالی) یک دوره کامل ۴- کتابی در رجال ۵- کتابی در غیبت ۶- مناسک حج ۷- مناقب الائمّهٔ یا منتخب المناقب؛ و غیره.

در تاریخ اصفهان و ری در وقایع سال وفات سیّد صاحب عنوان فرماید: وفات ابوذر ثانی در منزل کرند... سیّد در حسن خط هم مرتبه ی اعلی را دارا بود، انتهی.

کتیبه ی دور بقعه سیّد حجهٔ الاسلام به خطّ ایشان است.

در المآثر و الآثار درباره ی او گوید: در فقاهت و اجتهاد و ورع و زهد و تقوی، مسلّم مسلمین بود، در تنظیم شعر نیز قدرتی داشت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بیدادی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک حالت جامد، دانشکده: علوم، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی و دکترا در رشته فیزیک حالت جامد.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اندازه‌گیری مقدار تشعشعات خورشیدی در منطقه آذربایجان، طراحی و ساخت کاتد با گسیل الکترونی بالا، احیاء مگنترونهای رادار و طراحی کاتد، تولید لایه‌های نازک به روشهای مختلف، مطالعه خواص الکتریکی و نوری لایه‌های نازک، مطالعه خواص الکتریکی، نوری و مغناطیسی مواد در دماهای پائین، مطالعه اندر کنش لیزر با نیمه رساناها در دماهای مختلف، استاد راهنمای ۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

فیزیک حالت جامد، فیزیک پایه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۹

زمینه علمی مقالات:

خواص الکتریکی لایه‌های نازک اکسیدها که بین دو لایه فلزی ساندویچ شده، خواص دی الکتریکی عایقهای مصنوعی در فرکانسهای مختلف.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

بیدار مغز، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، شاعر، متخلص به فهیمی. در آران کاشان متولد شد و تحصیلات خود را در مکاتب قدیمه آنجا فراگرفت. فهیمی کار شعر و شاعری را از سال ۱۳۱۲ ش آغاز کرد و با شرکت در انجمن ادبی صبا و معاشرت با استادان شعر و ادب کاشان با رموز شعر و فنون آن آشنایی پیدا کرد و در انواع شعر طبع آزمایی نمود و در مدایح و مراثی اهل‌بیت و ائمه اطهار (ع) اشعاری سرود. فهیمی آثاری نیز از خود به جا گذاشته است از جمله: «فرهنگ اصطلاحی به گویش مردم آران»؛ «شهر فرنگ از همه رنگ»؛ کتابهای آران اول، دوم، سوم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۲۷۵۲ -۲۷۴۸ /۴).

بیدآبادی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن السید محمّد علی بن سید محمّد باقر. عالم فاضل محقّق، در سال ۱۳۲۰ وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بیدآبادی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن حاج علی اکبر بیدآبادی اصفهانی. ادیب فاضل شاعر، متخلّص به «راجی» متوّفی به سال ۱۳۰۱، و مؤلّف: ۱- حقایق ناصری، منظومه فارسی مطبوع ۲- حقایق النبویّه و العلویّه، منظوم ۳- علاج الامراض بالادعیهٔ و الادویهٔ، فارسی و مختصر است ۴- همیان، و غیره که همگی در نزد مرحوم سید ابوالقاسم اصفهانی نجفی موجود بوده است.

وی را برادری است موسوم به میرزا نصر الّه که عمر زیادی کرده، و در ۱۳۱۳ در نجف وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بیدآبادی، اسدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به حاج فاضل بیدآبادی، عالم فاضل، از مخصوصین حاج میرزا عبدالحسین مسجد شاهی، و پس از فوت ایشان به آخوند فشارکی پیوست. در مدرسه میرزا مهدی در محله بیدآباد امامت می‌فرمود؛ از مریدان و تربیت یافتگان حاج محمد جواد بیدآبادی.

در ۸ ذی قعده ۱۳۶۰ وفات یافته است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بیدآبادی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن حاج سید محمّد باقر. عالم فاضل، از رؤسای علما و متنفّذین. در محلّه بیدآباد عنوان کلّی داشته، و پس از فوت حاج سید اسداللّه مرجع شرعیّات و متولّی مسجد سیّد بوده، و در زمان تولیت او اقداماتی در تکمیل ساختمان مسجد شده، در سال ۱۳۲۰ در مسافرت عتبات وفات یافته، جنب برادر مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بیدآبادی، قیصر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر ادیب در قرن سیزدهم هجری است. این دو شعر از اوست:

هنگام صباح چائی و شیر خوش است

در وقت نهار قند و سرشیر خوش است

چون عصر شود دوباره چایی نیکوست

در آخر شب صدای کفگیر خوش است

ملا صادق ذاکری سدهی گوید:

اندر دل شب ناله‌ی شبگیر خوش است

در وقت سحر توبه ز تقصیر خوش است

مطلوب سحرگهان بود استغفار

چون فجر دمد صدای تکبیر خوش است

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

بیدآبادی، کاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند مشهدی نصرالله. عالم فاضل زاهد ادیب شاعر، در حدود سال ۱۲۹۸ متولد گردیده، و نزد جمعی از علمای اصفهان تحصیل نموده، سپس به نشر احکام و ترویج دین و اقامه‌ی جماعت پرداخته، در ۲۱ محرم سال ۱۳۶۷ وفات یافته، در صحن تکیه‌ی مرحوم بروجردی در تخت فولاد مدفون گردید.

کتب زیر از اوست:

۱ – اربعین ۲ – دیوان اشعار ۳ – ذخیرهٔ المحشر، در شرح باب حادی عشر؛ و غیره.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

بیدآبادی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا محمد در محله بیدآباد اصفهان چشم به جهان گشود و در این شهرمراتب رشد و کمال را پیمود. دوران زندگی وی مصادف با سقوط صفویه و انتقال قدرت به افشاریه و پس از آن زندیه بود و او در دوران انحطاط زندیه درگذشت .

بیدآبادی علوم نقلی و عقلی را در محضر ملا اسماعیل خواجویی (متوفی ۱۱۷۲ ق)و میرزا محمدتقی الماسی (متوفی ۱۱۹۵ ق)فرا گرفت. اما از زمانی که علم رسمی را سر به سرقیل و قال دید و عطش درونی خود را همچنان در اشتداد یافت دست در دامن استاد عرفان و اخلاق سید قطب ا لدین نیریزی شیرازی نهاد.

آقا محمد بیدآبادی مردی بسیار متواضع و مهربان بود.در فقه مجتهد مسلم و در فلسفه تسلط کامل داشت.در عرفان علمی و عملی بسیار متبحر بود، در زندگی شخصی اش با کمال قناعت و زهد زندگی می کرد.چنانکه نقل است در روزگاری وی در اصفهان قحطی سختی روی داد و مردم را به زحمت انداخت در صورتی که آقا محمد هیچ شکایتی از اوضاع نداشت. وقتی علت را جویا

شدند دریافتند که وی و خانواده اش شش ماه تمام با هویج پخته یا خام روزگار گذرانده اند.

از دیگر صفات بارز وی بی اعتنایی و عدم توجه اش به حکام زمانه بود . می گویند کریم خان زند و علیمردان خان زند همواره مایل به دیدار و نشست و برخاست با وی بودند ولی آقا محمد بیدآبادی با قناعت و زهدش هیچ توجهی به آنان نمی کرد.

یکی از تربیت یافتگان بید آبادی، حاج محمد ابراهیم کرباسی است که به حق یکی از ستارگان جهان تشیع است. حاجی کلباسی که ده سال بیشتر از عمرش نمی گذشت بنا بر وصیت پدرش به خانه آقا محمد بیدآبادی رفت و تحت تربیت و کفالت این عالم ربانی قرار گرفت.

اما اهمیت ویژه بیدآبادی در انتقال فلسفه غنی اصفهان عصر صفوی به روزگار بعد از خودش بود.زیرا با انقراض سلسله صفویه،فلسفه در حوزه اصفهان دستخوش نابودی فراموشی بود ولی آقا محمد بیدآبادی با تربیت شاگردان بزرگی چون ملاعلی نوری توانست علم حکمت را به نسل بعد منتقل کند.

بیدآبادی همچنین در علم کیمیا مهارت داشت و تبدیل فلزات پست به طلا ـ را عملاً ـ در اصفهان انجام می داد و چندین رساله و کتاب در این خصوص از خود بجای گذاشته است. در رستم التواریخ آمده است که:«آن مرحوم نزدیک وفات خود به دیدن جناب قدسی آداب،میرزا محمد علی ولد میرزا مظفر خلیفه سلطانی آمد و خواست علم کیمیا را تعلیمش نماید،آن کروبی قریحه قبول ننمود و فرمود این بار بسیار گران است و مرا تاب و طاقت و توانایی برداشتن این بار گران نیست و اگر متحمل این بار گران بشوم تکلیف بر من شاق می شود و در این باب صلاح خود را نمی دانم پس مرحوم آقا محمد چون غیر آن پاک فطرت از برای این علم شریف سزاوار با اهلیتی نیافت، چه از اولاد خود چه از دیگران،پس ناچار این امانت خدایی را مانند درّ مکنون در گنجینه دل به خاک برد و آن را به هیچ کس نسپرد.»

بیدآبادی پس از عمری تلاش و مجاهده در طریق حق و تربیت شاگردان زیاد،عاقبت در سال ۱۱۹۸ در اصفهان دار فانی را وداع گفت.

او قبل از مرگش خوابی در جلالت و منزلت میر معصوم خاتون آبادی(متوفی ۱۱۵۱ ق) دیده بود و به همین اساس وصیت نموده بود او را بعد از مرگ در کنار قبر وی دفن نمایند.همچنین بیدآبادی وصیت کرده بود که بر بالای قبر وی گنبد و بارگاهی ساخته نشود.و بر طبق همین وصیت قبر وی تا حدود ۱۲۰ سال بعد از وفاتش بدون گنبد و بارگاه بوده است.تا اینکه مرحوم میرزا سلیمان خان رکن الملک که نایب الحکومه اصفهان و از اولاد خلف بیک بود،عمارت چهار طاقی بر بالای قبر وی ایجاد نمود.بر مزار وی سنگی بسیار نفیس و ارزشمند قرار دارد که اشعار آقا محمد کاظم واله به خط بسیار زیبای نستعلیق بر روی آن حک شده است.

یکی از کرامات مشاهده شده در تخت فولاد مربوط به ایشان است . مرحوم مهدوی نقل می کنند که هنگام دفن میرزا حسین نایینی در کنار قبر آقا محمد بیدآبادی ، به قبر ایشان راهی باز شد و جسد مطهر آقا محمد بیدآبادی سالم بود و هیچگونه تغییری نکرده بود در حالی که ۱۲۷ سال از فوت ایشان می گذشت.

بیدآبادی، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمد باقر ثانی بیدآبادی از علماء کاملین و ادباء و شعراء و فضلاء و علماء اخیار معروف بحاج آقا با پدر خود مرحوم حاج سید اسدالله حجه‌الاسلام از اصفهان بنجف مهاجرت نموده و سالها در نزد اساتید آنجا تحصیل نموده و پس از فوت عم بزرگوار خود (۱۳۲۰) به ایران مراجعت نموده و مورد توجه عموم طبقات و بالاخص اهالی بیدآباد قرار گرفته و منشاء خدماتی شایان در مسجد سید شده است که از آنجمله:

۱- تهیه ضریح فولادی جهت قبر مرحوم سید حجه‌الاسلام و نصب آن در تاریخ ۱۳۲۲ و دیگر تهیه ساعت که در قسمت قبلی مسجد نصب گردیده است در نقباء البشر. گوید: در جریانات مشروطیت ایران بنجف مراجعت نموده و در سال ۱۳۷۳ مجددا باصرار مردم باصفهان معاودت کرده و مورد احترام و اکرام قرار گرفته و پس از شش ماه در سوم ماه رمضان همانسال وفات یافته و در مقبره جد خویش مدفون گردیده است. از اشعار اوست که بجد خویش حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام خطاب کرده و گوید:

یابن عم النبی ای معال

لک فی ارفع المدائح تذکر

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بیدآبادی، محمّد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به آقا محمد عماد الاسلام، فرزند حاج سید جعفر.

عالم فاضل، و شاعر ادیب کامل متخلّص به «فخر» در حدود سال ۱۲۰۸ متولّد شده، و در سال ۱۳۴۰ در شیراز وفات یافته، در مقبره حضرت شاه چراغ علیه السلام مدفون گردید.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- فصول العلیّهٔ، در آداب نماز شب، مطبوع ۲- هدایهٔ السالکین، در احادیث اربعین، غیر مطبوع. نسخه آن در نزد نگارنده موجود است و در ۱۳۱۶ تألیف شده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بیدآبادی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن آقا میرزا هاشم بن حاج سید جعفر. عالم فاضل زاهد، از شاگردان آقا سید محمّد باقر درچه‌ای و آخوند کاشی و آخوند گزی و جمعی دیگر بوده، و امام مسجد علی قلی آقا و مسجد سیّد متوفّی در ۱۰ ربیع الثانی سال ۱۳۶۹، و مدفون در بقعه مسجد سیّد.

مرحوم نیّر در تاریخ وفاتش گوید:

ارخ النیّر للعام و شهرٍ و الیوم

تنقص العشرهٔ من (شهر ربیع الثانی)

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بیدآبادی، محمد مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن سید محمّد علی بن حاج سید محمّد باقر حجهٔ الاسلام بیدآبادی، از علما و فضلا بوده، و در مسجد سیّد امامت داشته، در ۱۲ شوال سال ۱۳۲۶ وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بیدآبادی، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمّد علی بن سید محمد باقر حجّهٔ الاسلام.

عالم فاضل محقّق، مؤلّف کتابی است به نام «غرقاب» در رجال که در سال ۱۳۰۳ شروع به تألیف آن نموده و تا سال ۱۳۰۹ تألیف آن به طول انجامید.

نسخه‌ای از آن در کتابخانه مرحوم اقبال آشتیانی بوده است. تولّد او در ۱۲۷۸ روی داده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بیدآبادی، مؤمن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج سید محمّد باقر. عالم فاضل کامل، پس از حاج سید اسداللّه اعلم و افقه اولاد سیّد بوده. وی بعد از فوت برادر، ریاست و عنوان کلّی یافته و در مسجد سید امامت داشته، و چون مادرش کنیز بوده، قدری سیاه چرده بوده است. در ۶ رمضان سال ۱۲۹۴ وفات یافته، در مقبره پدر مدفون گردید.

مرحوم حاج میرزا بهاء الدین عاملی در مادّه تاریخ وفاتش ضمن قطعه‌ای گوید:

ماه صیام نزد رسول آمد از جهان

آن سیّدی که مؤمن آل رسول بود

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بیدآبادی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج میرزا شفیع مستوفی (متوفّی در سال ۱۲۸۱) عالم فاضل محقّق مجتهد، جامع معقول و منقول، و از مدّرسین فقه و اصول در اصفهان بوده، در ۱۲۵۰ متولّد، و در روز جمعه دوّم جمادی الاولی سال ۱۳۲۵ در اصفهان وفات یافته، در یکی از اطاقهای تکیه

مزبور مدفون شد. مشارالیه رفیق و هم درس حاج میرزا حسین نوری بوده است، و در حدود سی مجلد کتاب و رساله و حاشیه نوشته که از آن جمله است:

۱- رساله در تعیین ثقل اکبر، در افضلیّت عترت بر قرآن [هدایهٔ المومنین]؛ و آن را در ردّ بر [رساله تبصره الاخوان] آخوند ملّا اسمعیل خواجوئی نوشته است ۲- رساله در خراج و مقاسمه ۳- رساله در خمس ۴- رسائلی در مباحث مختلفه فقه و اصول ۵- حاشیه بر خاتمه مستدرک تالیف حاج میرزا حسین نوری.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بیدل آشتیانی، محمد تقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۰ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به بیدل. وی در تهران متولد شد و خط نستعلیق را بد نمی‌نوشت. در اوایل متخلص به افسر بود ولی بعدها تخلص بیدل یا بینش را برگزید. بیدل در سلک خدام دربار ظل السلطان به لقب استیفا ملقب شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۴۹۶)، حدیقهٔ الشعراء (۲۸۸ -۲۸۶ /۱)، مکارم الآثار (۳۸۹/۲) .

بیدل رودباری قزوینی، قربان

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۶۶ ق)، شاعر، متخلص به بیدل. از شعرای مرثیه‌گو است. وی با حجت الاسلام سید محمد باقر رشتی اصفهانی معاصر بود. از جمله آثارش: «دیوان» شعر؛ «ماتمکده»، شعر؛ «مصیبت نامه» شعر؛ «مقتل بیدل»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۵۳/۹، ۱۸۶/۳)، ریحانه (۳۰۱/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۹۱۷/۴)، مکارم الآثار (۱۵۷۰/۵).

بیدل شیرازی، رحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۵۸ /۱۲۵۷ ق)، طبیب خطاط و شاعر، متخلص به بیدل. ملقب به فخرالدوله. در اوایل حال در خدمت میرزا حسنعلی طبیب تحصیل مراتب حکمت و طب کرد. سپس از شیراز به تهران آمد و ندیم و حکیم‌باشی فتحعلی شاه قاجار شد. وی به دلیل این که طبیب خاصه‌ی فخرالدوله، صبیه‌ی، خاقان بود، به حاجی میرزا رحیم فخرالدوله اشتهار یافت. بیدل در شاعری توانا بود و «دیوانی» مشتمل بر سی هزار بیت از قصاید و غزلیات و مراثی و غیره داشت که اکنون پنج هزار بیت آن باقی مانده است. وی خطوط سبعه به ویژه نستعلیق را نیکو می‌نوشت. در شهر قم درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۲۷ -۵۲۶)، احوال و آثار خوشنویسان (۷۲۰ -۷۱۸ /۲)، بزرگان جهرم (۳۱۹ -۳۱۸)، بزرگان شیراز (۳۷۰ -۳۶۹)، حدیقه العراء (۲۹۴ -۲۸۸ /۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۱۴ -۵۰۶ /۱)، الذریعه (۱۵۳/۹)، ریحانه (۳۰۲/۱)، سفینهٔ المحمود (۵۰۷ -۵۰۵ /۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۹۹ -۱۰۹۸ /۲)، فرهنگ سخنوران (۱۵۶ -۱۵۵)، مجمع الفصحا (۱۸۴ -۱۸۳ /۴)، مصطبه‌ی خراب (۲۹ -۲۸)، نگارستان دارا (۷۰ -۶۷).

بیدل فسایی، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۳ -۱۲۸۹ ق)، شاعر. متخلص به بیدل و ملقب به اعتماد الفقراء. وی از پیروان سلسله‌ی نعمت‌اللهی سلطان علی شاه بود که در فسا متولد شد. پس از تحصیل مقدمات و ادبیات فارسی و عربی به عراق عرب و شهرستانهای ایران رفت. در سال ۱۳۲۷ ق وارد سلسله‌ی سلطان علیشاهی شد، سپس به هارم فسا رفت. او در آنجا مسجد و بقعه شیخ ابوعبدالله بن محمد بن علی بن سهل اصفهانی و باغ مصفایی برای خانقاه به نام خانقاه عرفانیه بنیاد کرد. برخی تألیفات وی: «تذکرهٔ العارفین»؛ «تنبیه الفقرا»؛ «دیوان» اشعار.[۱]

مرحوم هادی فسائی ملقب باعتماد الفقراء و متخلص به بیدل متولد ۱۲۸۹ و متوفی ۱۳۶۳ ق از شعراء و عرفاء شهرستان فسا است. دارای تألیفاتی به نام تذکرهٔالعارفین و تنبیه الفقراء و دیوان شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۱۵ -۵۱۴ /۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۴۲ -۱۴۱ /۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۲۸۸/۲)، فرهنگ سخنوران (۱۵۶)، مؤلفین کتب چاپی (۷۲۷ -۸۲۶ /۶).

بیدل کرمانشاهی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. اصل وی از چلاب مازندران و از بنی‌اعمام میرزا علینقی، متخلص به اقبال بود. در ایام شیرخوارگی وی، پدرش به کرمانشاه رفت. او در عهد ناصرالدین شاه می‌زیست. بیدل مراثی بسیار دارد و در بدیهه‌گویی خاصه در ماده تاریخ تسلطی غریب و در سایر اقسام شعر نیز طبع روان و سریع داشت. آثار وی: رساله‌ای در عروض و قافیه و مثنوی «عسر و یسر» و «تحفهٔ الذاکرین»، «دستان ماتم»، در مقتل؛ «وقایع صفین»، در بحر تقارب؛ «ربیعیه»، در علم صرف؛ «دیوان» اشعار، در حدود بیست هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۲۹۸ -۲۹۵ /۱)، الذریعه (۱۵۳/۹، ۱۴۹/۸، ۴۳۳، ۱۸۷، ۱۸۶- /۳)، ریحانه (۳۰۱/۱)، فرهنگ سخنوران (۱۵۶)، گنج شایگان (۱۵۹ -۱۵۱)، المآثر و الآثار (۲۰۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶۴۱ -۶۴۰ /۵)، مجمع الفصحا (۱۷۳ -۱۶۵ /۴).

بیدل نیشابوری، محمد امین، رفیق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. در نیشابور متولد شد. از نجبای شعرای نیشابور بود و ظاهرا با رضا قلی‌خان هدایت معاصر. بیدل در علم موسیقی مهارت داشت. او به فرمان فتحعلی شاه قاجار به خراسان رفت و در جرگه‌ی مستوفیان شاهزاده محمد ولی میرزا قرار گرفت.

این بیت از اوست:

برآورد از نهادم دود شمعی

ندانم کز کدامین دودمان است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۲۹۸/۱)، ریحانه (۳۰۱/۱)، فرهنگ سخنوران (۱۵۶)، گلزار جاویدان (۲۳۴/۱)، مجمع الفصحا (۱۸۱/۴)، نگارستان دارا (۱۷۳).

بیدل یزدی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. پدرش حاکم یزد بود. بیدل مردی مهربان و خوشخو بود. در اشعار و کلمات خود مطایبه بسیار می‌کرد و بسیار هم مراقب طاعت و عبادت و ترک معصیت بود. با اینکه در زمان حیات میرزای وامق نویسنده‌ی «تذکره‌ی شعرای یزد» از دنیا رحلت کرده، وامق شرح حالش را نوشته ولی تاریخ وفات او را ذکر نکرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۲۹۹ -۲۹۸ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۵۷).

بیدل یزدی، زین‌العابدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۵۷ ق)، شاعر. اصل وی از ترکان بود. در یزد متولد شد. اجدادش به سلسله‌ی پایای، معروف بودند و در یزد مشغول تجارت و زراعت. آقا زین‌العابدین نیز به هر دو کار مشغول بود و گاهی هم شعر می‌سرود. صاحب «حدیقهٔ الشعراء» وی را در یزد ملاقات کرده بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۶۲ -۶۱)، حدیقهٔ الشعراء (۲۹۹/۱).

بیدلی همدانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، نویسنده و شاعر. وی از معاصران صادقی کتابدار بود، در کارگاه صباغی کار می‌کرد و گاهی شعر می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۳۶/۱)، الذریعه (۱۵۳/۹)، مجمع الخواص (۲۷۴).

بیرام‌خان بهارلوی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۶۸ ق)، شاعر، متخلص به بیرم. ملقب به خان خانان. نسب وی به سه واسطه به علی شکربیگ بهارلو قراقوینلو می‌رسید. او در بدخشان ولادت یافت و بعد از فوت پدر به بلخ رفت و پس از کسب مقدمات دانش و ادب در شانزده سالگی به خدمت همایون پادشاه، پسر ظهیرالدین بابر، درآمد. او استاد و مربی شاهزاده محمد اکبر بود. بیرام‌خان در سفر همایون پادشاه، به ایران در رکاب وی بود و در بازگشت به هند، مرتبه‌ی سپهسالاری یافت. او در گجرات توسط یکی از معاندان کشته شد. جسد وی را به مشهد انتقال دادند. بیرام‌خان به دو زبان فارسی و ترکی شعر می‌سرود. «دیوان» وی در دست است و در سال ۱۹۷۱ م در کراچی به طبع رسید. او مجموعه‌ای به نام «دخلیه» دارد که متضمن تصرفات او در شعر بعضی از گویندگان به قصد بهتر ساختن لفظها یا مضمونهای آنهاست. وی همچنین نقدی بر «معرکه سکندری لودی» نوشته‌ی نظیری سمرقندی دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده آذر (۴۹/۱)، احسن التواریخ (۵۳۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۶۹/۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۵۵)، صبح گلشن (۷۳ –۷۲)، فرهنگ سخنوران (۱۵۷)، کاروان هند (۹۸۲/۲)، مآثر الامراء (۳۸۴ –۳۷۱ /۱)، مآثر رحیمی (۱۰۳ –۱۰۱ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۴۶/۲)، هفت اقلیم (۴۵۶/۱).

بیرجندی، پرویز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات خارجی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: علامه طباطبائی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

بیرجندی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(شهادت ۱۲۷۰ ق)، عالم دینی. پس از شهادت پدرش سید غلامرضا بیرجندی به دست بابیان، در سن کمتر از سی سالگی، به جای پدر نشست و رهبری‌اش عمومیت یافت و مردم به گردش جمع شدند. لیکن چهل روز بیش نشد که بابیان او را نیز به نیرنگ زهر دادند و شهید ساختند. وی در کنار پدر به خاک رفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :شهیدان راه فضیلت (۴۸۲).

بیرجندی، علی اصغر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۰ –۱۳۱۰ ق)، مفسر و مدرس. وی از بزرگان و سرآمدان علوم دینی در سده‌ی سیزدهم و اوایل چهاردهم هجری قمری بود و همچنین از مشایخ و استادان حاج محمد باقر بیرجندی. از وی تفسیری دو جلدی به نام «التفسیر بالمأثور» به جای مانده که نظیر «تفسیر البرهان» سید هاشم بحرانی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۶۵/۴)، ریحانه (۳۰۵/۱).

بیرجندی، غلامرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(شهادت ۱۲۷۰ ق)، عالم و فقیه. در توابع بیرجند به دنیا آمد. در جوانی در خراسان به تحصیل پرداخت و سپس به اصفهان رفت و در آنجا تحصیلاتش را تکمیل کرد. پس از مدتی به بیرجند رفت و با استقبال عمومی مواجه گشت و عهده‌دار مقام مرجعیت منطقه و رهبری و تدریس و قضا و فتوا شد. در فتنه‌ی بابیگری او و علامه سید ابوطالب بیرجندی به مقابله برخاستند. در همان اوقات یکی از بابیان در شیری که او می‌خواست بیاشامد زهر ریخت و او را شهید کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شهیدان راه فضیلت (۴۸۱ -۴۸۰).

بیرجندی، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۲ -۱۲۷۶ ق)، عالم دینی، مجتهد و شاعر، متخلص به صافی، و صافی قاینی. در قریه‌ی گازار بیرجند متولد شد. تحصیلات خود را در قاین، مشهد و نجف به پایان برد و از حوزه‌های درسی استادانی چون میرزا علی رضا مدرس سبزواری، حاج میرزا هدایت الله مجتهد ابهری و حاج شیخ محمد تقی بجنوردی و سید مرتضی یزدی قاینی و حاج میرزا حبیب الله رشتی و فاضل ایروانی و حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی و سرانجام میرزای شیرازی بهره گرفت. وی پس از کسب اجازه‌ی اجتهاد و روایت به بیرجند مراجعت کرد. در بیرجند با آخوند ملا ابراهیم حنفی از افاضل اهل سنت در مسأله‌ی امامت مباحثه کرد و این جلسات سبب شهرت وی شد. او از مشایخ اجازه‌ی آیت الله مرعشی نجفی بود. محمد باقر بیرجندی در بیرجند وفات کرد. از آثار وی: «اکفاء المکائد و اصلاح المفاسد»؛ «زهر الریاض»؛ «فصل الخطاب»؛ «وثیقهٔ الفقهاء»، در شرح «الارشاد»؛ «نور المعرفهٔ»، در عقاید؛ «رساله رجبیه»؛ «ایضاح الطریق»؛ «فوائد الطوسیه»، در رجال؛ «وقایع الایام»؛ «کبریت الاحمر»؛ «عوائد الغرویه»؛ «فاکههٔ الذاکرین»؛ «ذخیرهٔ المعاد»؛ «ازاحهٔ الریبهٔ»؛ «مفتاح الفردوس»، در مواعظ و اخلاق.[۱]

حاج شیخ محمد باقر مجتهد بیرجندی اعلی‌الله مقامه الشریف، از معاریف علماء اعلام و فقهاء اسلام بود که صیت فقاهتش در اقطار و بلدان پیچیده و مقام درایتش در علوم اسلامی بهمه جا رسیده بود مصنفات و مؤلفات ایشان مطبوع خواص و عوام و محررات ایشان مورد توجه فضلاء عظام است. تبحرش در فقه برتبه‌ای بود که میفرمود از برای من میسر است بدون مراجعه به کتب مهمات فقه را از طهارت تادیات با اشاره بفتاوی معظم فقهاء در هر مسئله بنویسم.

در وقوف بر اقاویل ارباب ملل و نحل و کتب مذاهب عالمی بی‌بدیل بود پیوسته در مسائل دینی طائفه شیعه و فرقه حنفیه بایشان رجوع داشتند و در مرقومات دولتی هرات از آن جناب بمفتی‌الفریقین تعبیر میشد و نماز جمعه را در زمان غیبت واجب میدانست بوجهی که ترک نمینمود و غالبا بتدریس فقه و اصول و مطالعه کتب معقول و منقول و اقامه جمعه و جماعت و موعظه و جواب مسائل حلال و حرام عمر عزیز خود را گذرانید.

مؤلفات و مصنفات عدیده برشته تألیف و تصنیف آورد که از آنجمله است:

(نورالمعرفه) در معارف خمسه و در آن جمع کرده است مابین اخبار وارده از ائمه

۱- کتاب معصومین و کلمات محققین از حکماء و متکلمین

۲- کتاب صمصام مهدوی در رد رساله شمس‌الدین هروی در اثبات عقاید شیعه و رد عامه بهترین کتابیست که تألیف شده.

۳- کتاب اکفاءالمکائد در رد عقاید باطله بعضی از مشایخ صوفیه.

۴- کتاب زهرالریاض حواشی بر ریاض فقه است.

۵- کتاب فصل‌الخطاب در اثبات نبوت خاصه از کتاب سماویه.

۶- ذخیره‌المعاد جامع طرق و اجازات.

۷- کتاب بغیه‌الطالب دراثبات وجود امام غایب علیه‌السلام.

۸- رساله رجبیه شرح زیارت رجبیه مشاهد مقدسه.

۹- کتاب وثیقه‌الفقهاء در فقه استدلالی بر طریقه مدارک، عبادات آن تمام است.

۱۰- فوائد الکاظمیه در علم رجال.

۱۱- کتاب ایضاح الطریق در محاکمه بین اصولیین و اخباریین از فقها.

۱۲- فوائد الطوسیه در علوم رجال.

۱۳- عوائد الغرویه در شرح فوائد الغرویه مرحوم آقا سید ابوطالب قاینی در علم درایه الحدیث.

۱۴- کتاب ازاحه الریبه در وجوب صلوه الجمعه فی زمن الغیبه.

۱۵- نصح الاستغاثه در حرمت افیون و شراب و حشیش که از آن بملاعین ثلاثه تعبیر فرموده.

۱۶- کتاب کبریت‌الاحمر فی شرایط المنبر در سه مجلد که یکی از آنها بنام مکین الاساس در احوال حضرت ابوالفضل‌العباس علیه‌السلام.

۱۷- کتاب مفتاح الفردوس در اخبار فضائل و مصائب ائمه طاهرین بر نهج کبریت الاحمر.

۱۸- وقایع الایام.

۱۹- فاکهه الذاکرین در ادعیه و زیارات.

۲۰- رساله‌ای در سیر و سلوک.

۲۱- سفینه‌القماش حاوی لطائف بسیار نظیر کشکول شیخنا البهائی و غیر از اینها و از این کتب هفت مجلد بطبع رسیده بقیه مخطوط مانده است.

مرحوم آیه‌الله بیرجندی طبعی روان و ذوقی فراوان داشته و بصافی تخلص مینموده و حدود دو هزار بیت از اشعار ایشان جمع‌آوری شده ولی بطبع نرسیده است.

آن جناب در سال ۱۲۷۶ ق در بیرجند متولد و در ۱۲ سالگی در تحت تربیت برادر بزرگش حاج ملا محمد علی برای تحصیل بقاین رفته و در مدرسه جعفریه مشغول تحصیل شده و در آنوقت چنان اتفاق افتاد که مرحوم خانلرخان اعتصام‌الملک که از برای تعدیل مالیات قاینات و سیستان از طرف دولت مأمور بود بمدرسه‌ی قائن رفته و از فضلاء و طلاب مدرسه سئوالاتی کرده و جماعت فضلاء از جواب عاجز مشارالیه با صغر سن از عهده‌ی جواب برآمده و جوابهای شافی و کافی داد که مرحوم خانلرخان ایشان را اعزام بمشهد مقدس نموده و در اثر مساعدت آن مرحوم در مدرسه میرزا جعفر در مدرس مرحوم شیخ‌الرئیس شاهزاده ابوالحسن میرزای قاجار ساکن گردید و چند سالی در آنجا اقامت داشت تا از سطوح فقه و اصول فراغت یافت و در خلال این احوال بدرس حکمت و معقول مرحوم میرزا علی رضا مدرس سبزواری نیز حاضر و امور عامه و طبیعیات و الهیات نزد آن مرحوم تلمذ کرده و نیز از محضر مرحوم حاج میرزا هدایت‌الله مجتهد ابهری و مدرس معروف خراسان استفاده نموده و آن مرحوم مکرر میفرمود که من فقط درس را از برای ایشان میگویم زیرا که شیخ بهائی در عالم خواب توصیه او را بمن فرمود، پس از مشهد مهاجرت بنجف اشرف نموده و بدرس مرحوم حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و ملا محمد ایروانی و حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی حاضر شده و بعد منتقل بسر من رای گردیده و بدرس مرحوم آیه‌الله العظمی میرزای شیرازی شرکت نموده و علم حدیث را از مرحوم حاج میرزا حسین نوری تکمیل کرده و در سال ۱۳۰۵ ق بعد از تشرف بمکه معظمه بایران مراجعت و در شهر بیرجند اقامت و تأهل اختیار کرده و در اوائل ورودش در مجلس امیر علم خان حکومت وقت با آخوند ملا ابراهیم حنفی که از افاضل نامی اهل سنت بوده در مسئله امامت و دیگر مسائل خلافیه مذهبی در جلسات عدیده مباحثه کرده و در تمام جلسات غلبه و پیروزی با ایشان بوده و این خود وسیله شهرت مقامات علمی ایشان گردیده و در آن شهرستان بوظائف دینی و روحانی قیام نموده تا در سال ۱۳۵۲ ق در شب جمعه ۱۴ ذی‌الحجه الحرام در وقت سحر داعی حق را اجابت گفته و در تشییع جنازه ایشان تجلیلی بعمل آمد که نظیر آن کمتر دیده شده است.

مقارن فوت ایشان کرامات عدیده بظهور پیوست و منامات عدیده دیده شد که بالجمله کاشف از علو- مقام و درجات اوست. معظم‌له از آیات عظام نجف چون حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی و حاج میرزا حسین نوری و آیه‌الله صدر اصفهانی و آیه‌الله سید حسن صدر کاظمینی و دیگر اعلام اجارات جامع اجتهاد و روایتی دارند.

نگارنده این سطور هم بیک واسطه از آن جناب اجازه دارم اعلی‌الله مقامه و رفع‌الله درجاته.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (۱۸۱/۹)، بهارستان آیتی (۳۱۸ -۳۰۵)، الذریعه (۱۲۷/۲۵، ۳۷۷/۲۴، ۹۷/۱۶، ۵۹/۳)، ریحانه (۳۰۴/۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۴۵، ۱۴۴ /۲)، علماء معاصرین (۱۶۸ -۱۶۶)، فرهنگ سخنوران (۵۴۱)، فوائد الرضویه (۴۱۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۶۶ -۲۶۳ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹ -۴۸ /۲)، معجم المؤلفین (۹۳ -۹۲ /۹)، مکارم الآثار (۲۱۰۴/۶).

بیرجندی، نظام‌الدین، عبدالعلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۹۳۴ ق)، ریاضیدان، منجم و محدث، حنفی. معروف به فاضل بیرجندی. خواندمیر وی را جامع اصناف علوم محسوس و معقول و حاوی انواع مسایل فروع و اصول در علم نجوم و حکمیات می‌داند. وی ریاضی و حکمت را نزد منصور بن معین‌الدین کاشانی و علم حدیث را نزد خواجه حافظ غیاث آموخت، و از استادانی چون کمال‌الدین شیخ حسین القنوی، سیف‌الدین احمد بن سعدالدین مسعود تفتازانی و کمال‌الدین مسعود شروانی بهره برد. تاریخ وفات او «در تاریخ نظم و نثر» و «کشف الظنون» سال ۹۱۱ ق نوشته شده است. برخی از آثار وی: «شرح الفوائد البهائیه» عمادالدین بغدادی، در حساب؛ «شرح شمسیه فی الحساب»؛ «شرح بیست باب در معرفت اسطرلاب»؛ «رساله تشریح در پرگار»؛ «شرح تحریر مجسطی»؛ «شرح زیج الغ‌بیگ»؛ «شرح زبدهٔ الاصول»؛ «شرح تذکره خواجه نصیرالدین طوسی»، در هیئت؛ «شرح النقایهٔ» مختصر «الوقایهٔ»؛ رساله «الابعاد و الاجرام»؛ «بیست باب»، در معرفت تقویم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۰/۸)، بهارستان آیتی (۲۰۷ -۲۰۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۷ -۳۴۴ /۵)، تاریخ نجوم اسلامی (۲۷۶، ۴۱)، تاریخ نظم و نثر (۸۰۷ -۸۰۶، ۳۸۵ -۳۸۴، ۲۸۳)، حبیب السیر (۶۱۶، ۶۱۵ /۴)، دایرهٔ‌المعارف فارسی (۴۸۶/۱)، الذریعه (۲۵۶/۲۵، ۲۱۶/۲۰، ۵۵/۱۳، ۲۷/۴، ۱۸۸/۳، ۷۱/۱)، ریحانه (۳۰۴/۱)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۱۷۵ -۱۷۳)، کشف الظنون (۱۹۷۱ ،

۱۸۲۶، ۱۲۹۶، ۳۹۲، ۴۱)، الکنی و الالقـاب (۱۱۲/۲)، لغت‌نامه (ذیـل/ بیرجنـدی)، مؤلفین کتب چـاپی (۸۸۹/۳)، معجم المـؤلفین (۲۶۶/۵)، هدیهٔ الاحباب (۱۱۰)، هدیهٔ العارفین (۵۸۶/۱).

بیرشک، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد بیرشک، فرزند محمد در سال ۱۲۸۵ در تهران زاده شد. تحصیلات اولیه را نزد پدر خویش فراگرفت، سپس در سال ۱۲۹۶ به مشـهد عزیمت کرد و در مدرسه احمدیه مشغول تحصـیل شد. در سال ۱۳۰۰ به تهران آمـد و در مدرسه آلیانس فرانسه به تحصـیل ادامه داد و فرانسه را به نیکی فراگرفت و از همان ابتـدا به ترجمه کتاب‌های فرانسوی مشـغول شـد. پس از فراغت از تحصـیل مـدتی رئیس اداره اسـتخدام شهرسـتان‌ها در کـارگزینی وزارت فرهنـگ و مـدتی رئیس کـارگزینی دانشگاه و بانی و معلم گروه فرهنگی هـدف بود. اسـتاد بیرشـک تـاکنون کارهـای تحقیقاتی و فرهنگی بسـیاری را به انجام رسانـده است و آثار او در دسترس عموم قرار دارد. از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۱ مسئولیت زندگینامهٔ علمی دانشوران در شرکت انتشارات علمی و فرهنگی به عهده ایشان بود. سپس به کار ویراستاری کتابهای دانشگاهی و غیردانشگاهی پرداخت، در حال حاضر نیز رئیس بنیاد دانشنامهٔ بزرگ فارسی است. کتاب "زندگینامه علمی دانشوران "ترجمه احمد بیرشک، در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : نویسندگی

والدین و انساب : احمد بیرشک فرزند محمد می‌باشد.

اوضاع اجتماعی و شـرایط زندگی : دوران تحصیل و کودکی احمد بیرشک به دلیل ماموریت‌های پی در پی پدر، دوران پرتلاطمی در زندگی او بوده است. به همین دلیل تحصیلات مقدماتی ایشان پیوسته و منظم نبود.

تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : احمد بیرشک در ۷ الی ۸ سالگی نزد پدر خود به آموختن زبان فارسـی از کتاب گلسـتان فارسی و پس از آن زبـان فرانسوی پرداخت. در ۱۲۹۶ به مشـهد رفته و در مدرسه احمدیه این شـهر مشغول تحصیل شد و پس از گذشت سه ماه بنا به تشـخیص مدیر مدرسه (میرزا حسـین خانزاده) از کلاس چهارم به کلاس پنجم ارتقاء یافت. مرحله دوم تحصیلات ایشان به سال ۱۳۰۰ آن هـم در مـدرسه آلیـانس فرانسـه تهران بـود، لیکن مجـدداً به علت نبـوغ و اسـتعداد وافر پس از گذرانـدن یـک دوره امتحانات، بنا به تشـخیص «مسـیو مرل» مـدیر مـدرسه به کلاس شـشم و مجـدداً دو الی سه ماه پس از آن به کلاس سوم و دوم یعنی کلاس مـا قبـل آخر ارتقاء یافت. اسـتاد در سال ۱۳۰۶ به تهران بـازگشت. در این سـال وی تحصـیل در کلاس سـوم متوسـطه را با موفقیت به پایان برد و بلافاصله در تابستان ۱۳۰۷ شـخصاً اقدام به مطالعه کتاب‌های کلاس چهارم و در پایان همان سال توفیق ورود به کلاس پنجم را پیـدا نمود. سال پنجم تحصـیل اسـتاد در مـدرسه شـرف بود که مجـدداً در تابسـتان کلاس شـشم را خواند. اسـتاد بیرشـک پس از پایـان دوره متوسـطه، در مهر ۱۳۰۸ وارد دارالمعلمیـن شـد و در رشـته ریاضـیات تحصـیلات خـود را ادامه داد. در سالهای ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ چند ماه در انگلستان و آمریکا به مطالعه در روشهای آموزش و پرورش گذراند.

خاطرات و وقایع تحصـیل : احمـد بیرشک یاد می‌کنـد از روزی که زبان فرانسه را تازه آموخته بود، او می‌گوید: «در همان سال‌های ۱۲۹۲–۱۲۹۳، آنوقت‌هـا چنـد تـا لغت یـاد گرفته بودم گوشه طـاقچه کتاب فرانسه‌ای بود که تصـمیم گرفتم آن را ترجمه کنم. رفتم کتاب را آوردم و شـروع کردم به ترجمه چهار، پنج سـطر اولش. در سطر دوم از «کور سوپریور» (بالاترین کلاس) صحبت می‌کرد. من می‌دانسـتم که «کور» بـا املاـء دیگر یعنی حیاط، «سوپریور» هم یعنی عالی، بنابراین ترجمه کردم: حیاط عالی. البته بعـد از اینکه سه، چهار سـطر جلو رفتم متوقف شدم. نکته جالب اینکه من در چنین سنی تصمیم داشتم کتاب ترجمه کنم.» احمد بیرشک به دلیل هوش و اسـتعداد قابـل توجهش، بعضـی از کلاس‌هـا را جهشـی و به سـرعت طی نمود. بیرشـک از دوره ابتـدایی خود چنین تعریف می‌کنـد: «بعـد از اینکـه سـه مـاه در کلاس چهـارم بـودم به پـدرم گفتم: آقاجـان این کلاس برای من کم است، من اینهـایی را که می‌گوینـد می‌دانم. شب که آقای مـدیر به خانه ما آمـد پدرم گفت: آقای مدیر! احمد خان می‌گوید این کلاس برای من کم است. [آقـای مـدیر] گفت: خوب امتحـانش می‌کنیم، اگر بلـد بود می‌بریم کلاس پنجم. بنـابراین بعـد از سه چهار ماه از کلاس چهارم به کلاس پنجم رفتم.» بیرشک دوره تحصـیل در مدرسه آلیانس را نیز به همین ترتیب طی نمود. او در این مدرسه از «مسیو مرل» مدیر مدرسه که فرد بداخلاقی بود تقاضا نمود وی را از کلاس هفتم به کلاس شـشم منتقل نماید، مسیو مرل از جسارت بیرشک در بیان خواسته خود خوشش آمد و از طریق آزمون، او را به کلاس ششم ارتقاء داد. این روال در دوره‌های بعدی یعنی پنجم، چهارم، سوم و دوم که کلاس‌های ماقبل آخر بودنـد برای او تکرار شد. سال تحصـیلی ۱۳۰۶–۱۳۰۷ برای بیرشک سال بسـیار سختی بود، زیرا از ثبت نام در مقطع متوسـطه بازمانـده بود؛ او تنها امید خود را در ثبت نام در مدرسه شـرف می‌دید، به محض مراجعه به آن مدرسه با جواب منفی مـدیر مـدرسه مواجه شـد، اما اصـرار او باعث شد که مدیر نام او را بپرسد، بیرشک پس از معرفی نمودن خود توانسـت مـدیر را قانع نماید و بدین ترتیب در آن مدرسه ادامه تحصـیل داد. اینکه چرا مدیر مدرسه با شـنیدن نام بیرشک، که به قول او یک «آدم دهاتی» بود از او ثبت نام نمود معمایی بود که بیرشک بعدها به آن پی برد. استاد در این باره می‌گوید: «... در آن ایام در سال سـوم، دبیرسـتان‌های تهران بـه دنبـال ایـن بودنـد کـه شـاگرد اول تحویـل بدهنـد، مرحـوم ذوقی و مرحـوم مهران هـم برای خـاطر دانش‌آموزی به نام عبـدالرسول دبیر که می‌خواسـتند شاگرد اول مدرسه‌شان بشود، دنبال این امتحانات بودند و اسامی شاگرد اول‌ها را شـناسایی می‌کردنـد، من هم که کاری نداشـتم به این کارها آمـده و امتحان داده بودم، نه کسـی بود که حامی من باشـد و نه من

احتیاج به حمایت داشتم، بعد اینها رفته بودند و دیده بودند که عبدالرسول دبیر با معدل ۱۵/۸۷ شاگرد اول شده، ولی دو تا ۱۵/۸۷ هست: یکی عبدالرسول دبیر و یکی هم کسی به نام احمد بیرشک؛ این را به خاطر سپرده بودند. این بود که گره از کار بنده گشوده شد ...». در مقطع تحصیلی دانشسرای عالی، معلمی به نام «گابرئیل یارئیر»، به آنها مکانیک درس می‌داد؛ این شخص به دلیل آنکه از نظر علمی در سطح پایینی قرار داشت، شیوه تدریس را رعایت نمی‌نمود و گاه در درس ریاضی، فیزیک تدریس می‌کرد. استاد بیرشک از این کلاس خاطره‌ای به یاد دارد که بسیار شنیدنی است: «یک روز من قطعه کاغذی را روی میز گذاشتم و روی آن محاوره بین دو دانشجو را نگاشتم: – آیا اینکه به ما تعلیم می‌شود ریاضی است؟ – نه، مسلماً فیزیک است. – اما ما که دانشجوی ریاضی هستیم! – بله، اما استاد ما خیلی فیزیکدان است.» معلم کاغذ را از بیرشک گرفت و بلافاصله شروع به تدریس ریاضی نمود، در امتحان سال آخر با مشخص شدن نتایج، بیرشک متوجه شد که نفر دوم کلاس شده است، زیرا نمره ریاضی هشترودی ۲۰ شده بود و نمره او ۱۴. بیرشک وقتی دلیل امر را از معلم ریاضی خود پرسید، او در جواب گفت: «آیا موضوع کاغذ را فراموش کرده‌اید؟»، و از جیب خود یادداشت بیرشک را بیرون آورد، بعدها «یارئیر» مشوق خوبی برای بیرشک گردید و او را تشویق به ادامه تحصیل در فرانسه نمود، او حتی پیشنهاد داد در صورت موافقت بیرشک، او را به وزیر آموزش و پرورش فرانسه و رئیس دارالمعلمین عالی (اکول نورمال) معرفی خواهد کرد، اما این امر میسر نگردید.

فعالیتهای ضمن تحصیل : احمد بیرشک قبل از آغاز تحصیل در کلاس سوم متوسطه همواره به مطالعه می‌پرداخت، استاد خود در این باره چنین می‌گوید: «سرمایه بنده از نظر کتاب عبارت بود از یک «دیکسیونر پتی لاروس»، یک کتاب حساب «بازنان» که کتاب بسیار خوبی بود، یک گرامر «کلودوژه» جلد سوم و کتاب معلم ایشان. بعد هم رفتم به یک کتابفروشی روبروی محلی که الآن شهر و روستاست. در خیابان فردوسی، کتابفروشی مادام پازنئود، کتابفروشی فرانسوی. رفتم آنجا دو کتاب داستان خریدم و با این «زرادخانه» مهم! تو سر خودم می‌زدم و تو سر این کتاب‌ها، یعنی طلبه‌وار درس می‌خواندم، مطلب مشکل بود ولی آن قدر می‌خواندم تا بفهمم. »

استادان و مربیان : احمد بیرشک در مورد آموزش‌های دوران کودکی خود چنین می‌گوید: «تحصیلاتم خیلی مرتب نبوده است. اولین و بزرگترین معلم من پدرم بود. او مرد خودساخته‌ای بود و فرزندانش را هم ساخت ... » مدیر مدرسه ابتدایی استاد، یعنی آقای میرزا عبدالحسین خان (بعدها سلطانزاده) نیزدر ارتقاء وی نقش به سزایی داشته است. تحصیلات ابتدایی و متوسطه استاد بیرشک معمولا به صورت خودآموزی و هر سه ماه یک کلاس بوده است، اما در دوره‌های کوتاه مدت از کلاس معلمانی بهره گرفته است که از میان آنان می‌توان از افراد زیر نام برد: شیخ ابوالقاسم محمودی در دبستان المحمدیه مشهد، بدیع الزمان فروزانفر معلم فارسی کلاس پنجم دبیرستان، شیخ علی اکبر خدابنده (جانشین بدیع الزمان فروزانفر)، میرزا حسن خان مشاور (جانشین شیخ علی اکبر خدابنده، وی پیشکار ولیعهد در سوئیس شد)، سیدمصطفی خان طباطبایی (تحصیل کرده آلمان و پسر سیدمحمد طباطبایی از رهبران مشروطه)، معلم شیمی مصور الممالک، نقاش معروف، موسیو بونو معلم ادبیات فرانسه، موسیو پاریه معلم فیزیک (او در سفر بیرجند کشته شد. استاد در رثای او مقاله‌ای به زبان فرانسوی نوشت که در ستاره جهانی چاپ شد، ۱۳۰۸)، حبیب الله مظفری معلم فرانسه. بیرشک در مورد استادان خود در دانشسرای عالی چنین می‌گوید: «استادانم در دانشسرای عالی عبارت بودند از شادروانان غلامحسین رهنما، دکتر شفق، فروزانفر، دکتر لویی لونگ، گابریل یارئیر، استادان ریاضی و ژان اتییه استاد زبان ... دکتر لونگ در سه سال دانشسرای عالی، استاد شاخه‌های مختلف ریاضی بود. در نیمه دوم سال آخر گابرئیل یارئیر برای معلمی مکانیک استخدام شد. ... باری آقای یارئیر بسیار خوش هیکل، شیک، خوش لباس، حراف و زبانباز بود، اما در قسمت علمی چندان پرمایه نبود. در درس ریاضی اغلب به فیزیک گریز می‌زد و وقتی ایراد می‌گرفتیم می‌گفت: من خیلی فیزیکدان هستم.»

هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره‌ای‌های تحصیل احمد بیرشک می‌توان غلامحسین صدیقی را نام برد. وی در سال ۱۳۰۱ درکلاس چهارم مدرسه آلیانس فرانسه با وی آشنا گردید. وی همچنین در سه سال دانشسرای عالی با محسن هشترودی نیز همکلاس بود.

همسر و فرزندان : احمد بیرشک در سال ۱۳۱۶ با دختر آقای فرزان ازدواج نمود. اولین فرزند استاد، یعنی خانم دکتر گیتی بیرشک در ۲۷ خرداد ماه ۱۳۱۸ متولد شد. خانم دکتر مهشید بیرشک فرزند دوم ایشان در ۱۹ فروردین ۱۳۲۲ متولد گردیدند، و آخرین فرزند استاد، دکتر بهروز بیرشک در ۱۹ فروردین ۱۳۲۷ به دنیا آمد.

وقایع میانسالی : با توجه به آنکه تجربه تاسیس مدارس به صورت فردی تجربه خوبی دربرنداشت، احمد بیرشک تصمیم به تاسیس مدارسی نمود که به فرد متکی نباشد، انجام این کار مقارن بود با دوره رضا شاه؛ او را به شهربانی احضار کردند و در آنجا سرهنگ پارسا، رئیس اداره اماکن پس از بازرسی او را از انجام این کار برحذر داشت. این مسئله دو سه بار تکرار شد.

زمان و علت فوت : احمد بیرشک سرانجام در عصر روز چهارشنبه ۱۴ فروردین سال ۱۳۸۱ در سن ۹۵ سالگی چشم از جهان فروبست.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد بیرشک در ۱۶ بهمن ۱۳۱۲ به خدمت وزارت «معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه» درآمد و به همین منظور برای تدریس ریاضی، فیزیک، علوم طبیعی و زبان از کلاس اول تا ششم متوسطه به ساری اعزام گردید. وی در این زمان مسئولیت امتحانات را نیز به عهده داشت . بیرشک با توصیه حسن فرزان رئیس کل کارگزینی وزارت معارف، به سمت ریاست استخدام شهرستان‌ها منصوب گردید و از همین سال (۱۳۱۴) تا سال ۱۳۲۰به عنوان مدیر سوم در مدیریت «جامعه لیسانسیه‌های دارالمعلمین عالی» به فعالیت پرداخت. در سال ۱۳۲۰ نیابت انجمن مدارس ایران به استاد بیرشک واگذار گردید، و در سال بعد با استقلال دانشگاه تهران، با اقدام دکتر سیاسی ـ وزیر معارف و رئیس دانشگاه تهران ـ به دانشگاه تهران منتقل و ریاست و کارگزینی آنجا را به عهده گرفت. در سال ۱۳۲۷ گروه فرهنگی هدف تاسیس و ریاست هیئت مدیره و مدیر عامل این مؤسسه گردید. با تعطیل شدن مدارس ملی در سال ۱۳۳۸ بیرشک «انجمن ملی مدارس هماهنگ» را با عضویت گروه‌های فرهنگی هدف، خوارزمی، ارامنه، زرتشیان تاسیس و خود ریاست آن را تا سال ۱۳۵۸ به عهده گرفت. بیرشک قبل از بازنشستگی در زمان وزارت

دکتر خانلری (۱۳۴۱) معاونت وزارت فرهنگ را عهده‌دار بود، اما بعد از مدتی از این مقام استعفاء داد و در اواخر اردیبهشت ۱۳۴۲ بازنشسته شد. وی هجده ماه مسئولیت دانشنامهٔ ایران و اسلام را در بنگاه ترجمه و نشر کتاب (سابق) برعهده داشت. از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۱ مسئولیت زندگینامهٔ علمی دانشوران در شرکت انتشارات علمی و فرهنگی به عهده ایشان بود. سپس به کار ویراستاری کتابهای دانشگاهی و غیردانشگاهی پرداخت، در حال حاضر نیز رئیس بنیاد دانشنامهٔ بزرگ فارسی است.

فعالیتهای آموزشی : احمد بیرشک خدمات آموزشی را از سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۷ در مدرسه آلیانس تهران آغاز کرد، متعاقبا در ساری و مشهد مشغول تدریس شد. ریاست استخدام شهرستان‌ها در اداره آموزش و پرورش و تدریس در دبیرستان‌های سن لویی، معرفت و دارالفنون و تدریس در دانشکده هنرهای زیبا در رشته معماری و تدریس در دانشسرای عالی از دیگر خدمات ایشان است که می‌توان به آن اشاره کرد.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : از فعالیت‌های فرهنگی احمد بیرشک تاسیس مدارس علمی بوده است. دلیل عمده تشکیل چنین مدارسی توسط استاد این بود که مدارسی مانند اقدسیه، تمدن، تدین، اسلام و ... کوتاه زمانی پس از تشکیل منحل می‌شدند. استاد که از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۰ رئیس جامعه لیسانسیه‌های دانشسرای عالی بود، در سال ۱۳۱۵ فکر خود را با تنی چند از دوستان عضو جامعه یادشده در میان گذاشت و چون آن فکر را تایید کردند به منظور از قوه به فعل درآمدن فکر، نامه‌هایی برای تعداد زیادی از اعضای جامعه تهیه کرد که به چاپ رسید و به صورت بخشنامه برای آنان فرستاده شد، تا نیروهای خود را متمرکز سازند و یک تربیتی نو آغاز کنند. گروه فرهنگی «هدف» ثمره این زحمات بود. مؤسسان گروه مصمم شدند افرادی در گروه پذیرفته شوند که با منظور اساسی یعنی خدمت از راه تعلیم در تربیت و بی‌علاقگی به جنبه مادی، موافق باشند و از طرف اکثریت اعضای موجود شناخته شده باشند؛ لذا در سال ۱۳۲۰ اولین دبیرستان را دایر و در سال ۱۳۳۴ دومین دبیرستان و به همین منوال گروه فرهنگی هدف توسعه پیدا کرد به گونه‌ای که در سال ۱۳۵۳ این گروه دارای ۱۳ مدرسه و ۱۵ هزار دانش‌آموز بود. حدود ۱۲ سال از تشکیل گروه فرهنگی هدف گذشته بود که مدارس ملی دیگری هم یکی پس از دیگری شروع به فعالیت کردند. پیرو این موفقیت‌ها استاد بیرشک همراه با گروهی از همفکران خود اقدام به تاسیس «انجمن ملی مدارس هماهنگ» کردند. هدف از تشکیل چنین انجمنی ارتقاء سطح معلومات دانش‌آموزان و تبادل تجربیات علمی و تعیین یک سلسله معیارها و استانداردهایی بود که می‌بایست هر مدرسه‌ای که بخواهد عضو این انجمن شود تلاش کند به این معیارها برسد و این راهی بود که سرانجام موجبات ارتقاء سطح تعلیم و تربیت را موجب می‌شد.

آرا و گرایشهای خاص : دیدگاه احمد بیرشک در خصوص تالیف و تدوین کتاب دیدگاهی است ساده و روان. او می گوید: «من علاقه‌مندم که کتاب‌های خودآموز بنویسم تا جوان‌ها به مطالعه تشویق شوند. باید ساده نوشت، درست نوشت، جذاب نوشت. برای اینکه الگوی کتاب ساده را به مؤلفان نشان دهم خودم تصمیم گرفتم بخش اخترشناسی کتاب خودآموز فیزیک را بنویسم.» لازم به ذکر است که احمد بیرشک از پایه‌گذاران آموزش نوین در ایران می‌باشد.

جوائز و نشانها : کتاب" زندگینامه علمی دانشوران "ترجمه احمد بیرشک، در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. وی در فروردین ۱۳۸۱ نشان دولتی درجه یک دانش را از دفتر ریاست جمهوری دریافت نمود.

چگونگی عرضه آثار : بیرشک تاکنون بیش از ۱۱۰ کتاب که برخی از آنها با همکاری دیگران بوده تألیف و ترجمه کرده است.

آثار :

۱ ۳۸ جلد از مجموعه ریاضیات دبیرستانی هدف و مجموعه خرد

۲ آثار اصلی ریاضیدان های بزرگ یونان

۳ اصول مناظره مرایا: پرسپکتیو

۴ اقتصاد آموزش و پرورش در عصر پهلوی

۵ تاریخ مدارس

۶ ترجمه رهبر علم نوشته ایزاک عاصم اوف

۷ ترجمه سلطنت قباد و ظهور مزدک نوشته آرتور کریستین سن

۸ ترجمه شناخت ژاپن نوشته جون لیو ینگستون و دیگران

۹ ترجمه علم قدیم و تمدن جدید نوشته جورج ساتن

۱۰ ترجمه علم و زندگی نوشته الس ورت س.اوبورن و دیگران

۱۱ ترجمه فرض و اسطوره در فیزیک نظری نوشته هرمان باندی

ویژگی اثر : این ترجمه با همکاری رضا منصوری می باشد.

۱۲ ترجمه فرهنگ علم نوشته ئی بی.اوواروف، آیزاکس

ویژگی اثر : این ترجمه با همکاری ابوالقاسم قلمسیاده انجام شده.

۱۳ ترجمه فرهنگ و اندیشه نو، نوشته الیور استالی براس، آلن بلوک

۱۴ ترجمه فلسفه ریاضی نوشته استیفن سی.پارکر

۱۵ ترجمه کتاب سرگذشت علم، نوشته جورج سارتن

۱۶ ترجمه کتاب آموزش در جریان پیشرفت، نوشته پائولوفریره

۱۷ ترجمه کتاب آموزش ستمدیدگان، نوشته پائولوفریره

ویژگی اثر : این کتاب توسط احمد بیرشک و سیف الله داد ترجمه گردید.

۱۸ ترجمه کتاب آناباسیس، نوشته گزنفون

۱۹ ترجمه کتاب آنیشتاین، نوشته جرمی برنشتاین

۲۰ ترجمه کتاب پرسش و پاسخ از کتاب دانش

ویژگی اثر : این کتاب توسط هادی خراسانی و احمد بیرشک ترجمه گردید.

۲۱ ترجمه کتاب پهلوان شیرافکن یا تاتارن تاراسکنی، نوشته آلفونس دوده

۲۲ ترجمه کتاب تاریخ آفریقا، نوشته جی. کی. زربور

ویژگی اثر : این کتاب توسط احمد بیرشک و مرتضی ثاقب ترجمه گردید.

۲۳ ترجمه کتاب جهان و اینشتاین، نوشته لینکلن بارنت

۲۴ ترجمه کتاب جهان، تالیف جمعی از مؤلفان

۲۵ ترجمه کتاب رهبر علم ، نوشته آیزاک آسیموف

۲۶ ترجمه کتاب ریاضیات نوین ، نوشته سربرژمان ، رنه بزار

۲۷ ترجمه کتاب سرگردان های زیر دریا، نوشته کاپیتان دانری، دکومانمان دیریان

۲۸ ترجمه کتاب مردی که طلا می سازد نوشته کنان دویل

۲۹ ترجمه کتاب هایی که دنیا را تغییر دادند، نوشته روبرت پژدونز

۳۰ ترجمه کمون پاریس نوشته لئوتروتسکی

۳۱ ترجمه میراث ایران نوشته سیزده تن از خاورشناسان

۳۲ ترجمه هندسه لیاچفسکئی نوشته اسموگوژفسکی

ویژگی اثر : ترجمه از روسی به انگلیسی و کیسین،ترجمه از انگلیسی به فارسی می باشد.

۳۳ ترجمه هندسه نااقلیدسی نوشته هارولداولف

۳۴ ترجمه یک ،دو،سه بینهایت نوشته ژرژگاموف

۳۵ جبر برای پنجم طبیعی

۳۶ جبر برای سال پنجم ادبی

۳۷ جبر برای سال چهارم طبیعی

۳۸ جبر برای سال چهارم طبیعی

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۳۹ جبر برای سال دوم دبیرستان

۴۰ جبر برای سال دوم دبیرستان ها

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۴۱ جبر برای سال دوم دبیرستان ها

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۴۲ جبر برای سال سوم

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۴۳ جبر برای سال سوم دبیرستان ها

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۴۴ جبر سال پنجم دبیرستان ها شعبه ریاضی

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۴۵ جبر سال پنجم ریاضی

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۴۶ جبر سال چهارم ادبی

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۴۷ جبر سال چهارم دبیرستان های شعبه ریاضی

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۴۸ جبر سال چهارم ریاضی

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۴۹ جبر سال ششم ریاضی

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۵۰ جبر و مثلثات سال ششم دبیرستان های شعبه طبیعی

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۵۱ جدول های لگاریتم

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و ا . انواری صورت گرفته است.

۵۲ حساب آسان برای سال پنجم دبستان

۵۳ حساب آسان برای سال ششم دبستان

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و جهانگیر شمس آوری صورت گرفته است.

۵۴ حساب برای اول

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۵۵ حساب برای دوم دبیرستان ها

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۵۶ حساب برای سال اول دبیرستان ها

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۵۷ حساب برای سال اول و دوم دبیرستان ها

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۵۸ حساب برای سال دبیرستان ها

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۵۹ حساب برای سال دوم و سوم دبیرستان ها

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۶۰ حساب برای سال سوم

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۶۱ حساب برای سال سوم دبیرستان ها

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۶۲ حساب و دفترداری دوبل برای سال پنجم و ششم دبستان ها

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

۶۳ حساب و هندسه برای سال های پنجم و ششم

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک ، ا. انواری و ب . نحوی صورت گرفته است.

۶۴ خلاصه ریاضیات متوسطه

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و ا. انواری صورت گرفته است.

۶۵ دانشنامه خودآموز اختر شناسی

۶۶ ریاضیات سال اول دانشگاه

ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و جهانگیر شمس آوری صورت گرفته است.

۶۷ زندگی نامه علمی دانشوران، به ویراستاری چارلز کولستن گیلسپی

ویژگی اثر : ترجمه این کتاب زیرنظر احمد بیرشک صورت گرفته است.این کتاب در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «زندگینام ?علمی دانشوران»: زندگینام ?علمی دانشوران؛ بودان دوبوالوران، پینل فیلیپ؛ زیرنظر احمد بیرشک؛ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی با همکاری بنیاد دانشنام ?بزرگ اسلامی، ۱۳۷۵، ۳ج.–زندگینام ?علمی دانشوران مشتمل بر شرح حال، آثار و نظریه های علمی بیش از شش هزار دانشمند از سراسر جهان است که با تلاش علمی و عملی خود به پیشرفت تمدن بشری خدمت کرده اند. این کتاب مرجع که در پاسخ به نیاز محققان و دانش پژوهان تدوین شده، تاریخ نه چندان مختصر علم نیز به شمار می آید که خواننده را با سیر علم در طول تمدن بشر آشنا می سازد و اطلاعات موثقی را دربار ?زندگی حرفه ای دانشمندان در دسترس دوستداران علم قرار می دهد. ترجم ?این کتاب که حاصل تلاش حداقل ۵۴ نفر از مترجمان و ویراستاران برجست ?ایران است، ترجمه ای است بی کم و کاست و خالی از حشو و زواید که سعی شده در آن سبک و سیاق نویسند ?اصلی حفظ شود. امتیاز خاص این کتاب، کتابشناسی جامعی است مرکب از دو قسمت، کارهای اصلی و خواندنیهای فرعی است که اطلاعات کافی دربار ?آثار صاحب مقاله و آثار وابسته به او را در اختیار خواننده قرار می دهد. چاپ دقیق و بدون غلط، علامت گذاری دقیق برای تلفظ نام مکانها و افراد به زبان انگلیسی و عنوانهای فرعی قابل رؤیت در هر مقاله از ویژگیهای دیگر این کتاب است.

۶۸ زندگینامه برتراندارسل

۶۹ قرآن چهار زبانه

۷۰ کارنامه بزرگان ایران

۷۱ کتاب درسی هندسه

۷۲ گاهشماری ایرانی ، شاهکار دقت

۷۳ گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله، تطبیق تاریخ های ایرانی و هجری قمری و میلادی

۷۴ متمم حساب برای سال چهارم

۷۵ مثلثات برای سال پنجم دبیرستان

۷۶ مثلثات برای سال پنجم شعبه ریاضی

۷۷ مثلثات برای سال چهارم دبیرستان ها

۷۸ مثلثات برای سال ششم ریاضی

۷۹ مثلثات برای سال ششم ریاضی

۸۰ مثلثات سال پنجم دبیرستان ها شعبه طبیعی

۸۱ مثلثات سال پنجم ریاضی
۸۲ مثلثات سال ششم دبیرستان ها شعبه ریاضی
۸۳ مقاله اختر شناسی
۸۴ مقاله تاریخ تمدن
۸۵ مقاله تاریخ علم
۸۶ مقاله خط فارسی
۸۷ مقاله داستان
۸۸ مقاله داستان نویسی
۸۹ مقاله در زمینه آموزش و پرورش
۹۰ مقاله ریاضیات
۹۱ مقاله زندگی دانشوران و هنرمندان
۹۲ مقاله زیست شناسی
۹۳ مقاله سرگرمی های ریاضی
۹۴ مقاله سفربه فضا
۹۵ مقاله فرهنگ نویسی
۹۶ مقاله فیزیک
۹۷ مقاله گاهشماری
۹۸ مقاله نقد دانشگاه
۹۹ مقاله نقد قانون تربیت معلم
۱۰۰ هندسه آسان برای سال پنجم دبستان
۱۰۱ هندسه آسان برای سال چهارم دبستان
۱۰۲ هندسه آسان برای سال سوم دبستان
۱۰۳ هندسه آسان برای سال ششم دبستان
۱۰۴ هندسه آموزش نظری سال اول
۱۰۵ هندسه برای سال اول دبیرستان ها
۱۰۶ هندسه برای سال اول دبیرستان ها
۱۰۷ هندسه برای سال پنجم دبیرستان ها
۱۰۸ هندسه برای سال پنجم ریاضی
۱۰۹ هندسه برای سال چهارم ادبی
۱۱۰ هندسه برای سال چهارم ادبی دبیرستان ها
۱۱۱ هندسه برای سال چهارم دبیرستان ها
۱۱۲ هندسه برای سال چهارم ریاضی
۱۱۳ هندسه برای سال دوم دبیرستان
۱۱۴ هندسه برای سال دوم دبیرستان ها
۱۱۵ هندسه برای سال سوم دبیرستان ها
۱۱۶ هندسه ترسیمی و رقومی برای سال ششم ریاضی
۱۱۷ هندسه ترسیمی و رقومی برای سال ششم ریاضی
۱۱۸ هندسه ترسیمی و هندسه رقومی
۱۱۹ هندسه چهارم طبیعی
۱۲۰ هندسه سال اول آموزش متوسطه عمومی علوم تجربی و ریاضی
۱۲۱ هندسه سال پنجم ادبی و طبیعی
۱۲۲ هندسه سال چهارم ریاضی
۱۲۳ هندسه سال دوم دبیرستان
۱۲۴ هندسه سال سوم
۱۲۵ هندسه مسطحه برای سالهای ۱و۲ دبیرستان های دختران
۱۲۶ هندسه و رسم برای سال اول دبیرستان ها
۱۲۷ هندسه و رسم برای سال اول دبیرستان ها
۱۲۸ هندسه و رسم برای سال دوم دبیرستان ها
۱۲۹ هندسه و رسم برای سال سوم دبیرستان ها
۱۳۰ هندسه و مخروطات برای سال ششم ریاضی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۴، ص ۱۰ -۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۷۲ - ۳۷۰ /۱).

/http://iranologyfo.com

بیرشک، بهروز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بهروز بیرشک در سال ۱۳۲۷ در تهران متولد شد.وی پس از پایان دوره تحصیلات دبیرستانی در دانشگاه ملی به تحصیل پرداخت . در سال ۱۳۵۴ برای ادامه تحصیل در رشته روانشناسی مشاوره در دانشگاه ایلینوی به آمریکا رفت. پس از اخذ مدرک فوق‌لیسانس و دکتری در سال ۱۳۵۹ به ایران بازگشت. ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی ایران می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : بهروز بیرشک پس از پایان دوره تحصیلات دبیرستانی در دانشگاه ملی به تحصیل پرداخت . در سال ۱۳۵۴ برای ادامه تحصیل در رشته روانشناسی مشاوره در دانشگاه ایلینوی به آمریکا رفت. پس از اخذ مدرک فوق‌لیسانس و دکتری در سال ۱۳۵۹ بـه ایران بـازگشت.وقـایع میانسالی : بهروز بیر شـک پس از مراجعت به ایران به استخدام وزارت بهداری و بیمارستان روانی رازی در آمد و برای راه‌اندازی دو بیمارستان روانی وابسته به مرکز روانپزشکی رازی از طرف بیمارستان به فعالیت پرداخت. پس از جایگزینی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی به جای وزارت بهداری در زمره نخستین افرادی بود که به عزیمت هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران در آمد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : بهروز بیرشک بـدو ورود بـه ایران بـه اسـتخدام وزارت بهـداری و بیمارسـتان روانی رازی در آمـد .بـا آغـاز دوره تحصـیلات کارشناسـی ارشـد روانشناسی بالینی و انیستیتو روانپزشکی وی همکاری در این دوره را آغاز نمود و مسوولیت آموزشی انیستیتو به وی محول گردید. سپس عنوان معـاونت آموزشـی انیستیتو و مـدیریت گروه روانشناسـی بـالینی به وی داده شـد. در حال حاضـر نیز به عنوان دانشـیار ، مسوولیت‌هـای فوق بر عهـده ایشان می‌باشـد. مسوولیتهای مورد تصـدی و عضویت در انجمن های علمی بهروز بیر شک به قرار زیر است : ۱ـ عضـو هیـات موسـس انجمن روانشـناسان ۲ـ عضـو هیـات موسـس انجمـن مشـاوره ایران ۳ـ عضو هیـات موسـس انجمن روانشناسـی ایران از بدو تاسیس و عنوان رئیس هیات مدیره از دی ماه ۱۳۷۸ به مدت دو سال ۴ـ عضو هیات موسس بورد تخصصی وزارت بهـداشت ، درمان و آموزش پزشـکی ۵ـ عضو هیات موسـس کمیته‌های فنی ـ تخصصـی مشاوره در زمینه ایـدز (کمیته ملی مبارزه با ایـدز) ۶ـ عضو هیات موسـس هیات تحریریه در نشـریه انـدیشه و رفتار ۷ـ عضویت در انجمن روانشناسـی آمریکـا از سال ۱۹۷۶ (گروه تخصصـی روانـدرمانی و مشاوره روانی) ۸ـ عضو پیوسـته ـ فرهنگسـتان علوم پزشـکی مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : بهروز بیرشک در راه‌اندازی دو بیمارستان روانی وابسـته به مرکز روانپزشکی رازی از طرف بیمارستان نقش بسزایی داشـته اسـتچگونگی عرضـه آثـار : تعـدادی از مقالات بهروز بیرشـک بـه قرار زیر است: ـ عقایـدی دربـاره خصوصـیات شخصـیتی مشـاوران و روان‌درمـانگران ، نشریه روانشناسـی مرکز روانپزشـکی رازی ، ۱۳۶۲ ـ مغز مرد ، مغز زن ، تفاوت‌هـای پنهـان ، نشـریه روانشناسی مرکز روانپزشکی رازی ، ۱۳۶۴ ـ بررسـی اثر آموزش مادران در کاهش اختلال‌های رفتاری کودکان ، فصلنامه اندیشه و رفتار ، ۱۳۷۶ ـ بررسـی عوامـل روانی ـ اجتماعی در بیماران مبتلا به زخم اثنی‌عشـر ، فصـلنامه انـدیشه و رفتار ، ۱۳۷۸ ـ پیشرفت در روانپزشکی ، گزیده‌ای از تازه‌های پزشکی ، فرهنگستان علوم پزشکی

بیرنگ نیشابوری، محمد امین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۲۳ ق)، شاعر. اصل وی از نیشابور بود و در لاهور مسکن داشت. بیرنگ از ملازمان نواب عبدالصـمد خان بود و مدح وی می‌گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :صبح گلشن (۷۳)، فرهنگ سخنوران (۱۵۸ -۱۵۷)، نشتر عشق (۲۵۰ -۲۴۹ /۱).

بیرونی، ابوریحان محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۴۰ -۳۶۲ ق)، دانشـمند، منجم، ریاضـیدان، حکیم، فیلسـوف، مـورخ، لغـوی. در خـانواده‌ای ایرانی در بیرون خوارزم متولـد شـد. شهرک زادگاهش در بیرون شـهر کاث قرار داشت که یکی از دو شهر مهم این ناحیه بود و شهرت بیرونی وی از همین جا است. او مدتی را در خوارزم به تحصیل معارف و علوم گذراند و نزد استادانی مثل ریاضیدان بزرگ آن عصر، ابومنصور عراق، به فراگرفتن علوم ریاضـی پرداخت. ابوریحان با ابوعلی سینا، در موضوعات مختلف مکاتبه داشت. بیرونی بعد از مدتی در اثر یک اتفاق مهم به گرگانج شـمال خوارزم رفت و بعد سفری به گرگان کرد و در آنجا به خدمت شمس‌المعالی قابوس بن ابی‌طاهر وشمگیر رسید. در ری بـا ابومحمـود خجنـدی و کوشـیارکیکی ملاقـات کرد و بعـد بـه طبرسـتان نزد ابوالعبـاس مرزبـان بـن شـروین رفت و یکی از شاهکارهای ریاضی خود را به نام او نوشت. بیرونی در سال ۳۸۷ ق در خوارزم بود و با ابوالوفای بوزجانی که در بغداد بود، مکاتبه

کرد و قرار رصـدی را گـذاشت. ابوریحان در زمان حکومت سلطان محمود به دربار راه پیـدا کرد و در سفرهای جنگی محمود به هندوستان و مسافرتهـای ممتـد او به آن دیار همراه وی بود. او در ضـمن همین سـفرها بود که با دانشـمندان آن سامان آشـنا شـد و علاوه بر فراگیری زبان سانسـکریت، با علوم و عقاید هندوان نیز آشنا شد. بیرونی با زبانهای سـریانی، سانسـکریت، فارسـی، عبری، عربی آشـنا بـود. وی در هنـد فلسـفه‌ی یونـان را تـدریس می‌کرد. اگر چـه بیرونی در اکـثر رشـته‌های علـوم زمـان خـود بـه پژوهش پرداخت، اما اصولا به ریاضیات دلبستگی داشت و بیشتر وقت خود را صرف تحقیقات ریاضی کرد. وی بیش از ۱۱۳ کتاب در علوم مختلف پزشکی، هیأت، تاریـخ جغرافیا نوشت. از جمله آثار وی: «التفهیم لاوائل صـناعهٔ التنجیم»، در ریاضـی؛ «تحقیق ماللهنـد»، که پرحجم‌ترین اثر وی است؛ «اسـتخراج الاوتار»؛ «جمع الطرق السائره فی معرفهٔ اوتار الـدائره»؛ «مقالیـد علم الهیئـهٔ»؛ «قانون مسـعودی»؛ «آثار الباقیه عن قرون الخالیـهٔ»؛ «الجماهر فی معرفهٔ الجواهر»؛ «رساله الاستیعاب لوجوه الممکنـهٔ فی صـنعهٔ لاسـطرلاب»، «الاضـلال او افراد المقال» و «فهرستی از تألیفات محمد زکریای رازی».[۱]

(قـد. ابوریحان محمد بن احمد، ریاضـی‌دان و فیلسوف ایرانی و. بیرون) (خوارزم) ۳۶۲ ه.ق./ ۹۷۳ م.- ف. غزنین ۴۴۰ ه.ق./ ۱۰۴۸ م.) وی اوایل عمر را در خوارزم معروف به خوارزم شاهیان گذرانیـد و سـپس چند سال در گرگان، در دربار قابوس بن وشـمگیر به سر برد و کتـاب «الآثار الباقیه» (ه.م.) را به نام آن پادشاه تألیف کرد. پس از چنـدی به خوارزم بازگشت و در دربار ابوالعباس مأمون به مأمون مدتی بزیست. محمود غزنوی در مراجعت به غزنین ابوریحان را با چند تن از فاضـلان دربار خوارزمشاه به غزنین برد (۴۰۸ ه.ق.).پس از آن چند بار به خوارزم سـفر کرد و در غالب غزوات محمود به هندوستان در ملازمت او بود و با دانشمندان و حکیمان هنـد مخـالطت کرد و زبـان سنسـکریت را بیاموخت و دایره معلومات خود را وسـعت داد و مواد لازم رابرای تألیف کتاب «تحقیق ما للهند» (ه.م.) فراهم آورد. از آثار مهم او جز آنچه گذشت کتاب «التفهیم» (ه.م.) است که آن را به عربی و فارسی (جداگانه) تألیف کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۰۶ -۲۰۵ /۶)، اعیان الشیعه (۶۵/۹)، تاریخ در ایران (۲۱ -۲۰)، تاریـخ ادبیات در ایران (۳۴۲ -۳۳۷ /۱)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۲۷۱ -۲۵۴)، تاریخ گزیده (۶۹۰ -۶۸۹)، تاریخ موسیقی (۱۵۴/۱)، الذریعه (۵/۲۲، ۲۷/۱۷، ۱۳۲/۵، ۷ - ۶ /۱)، روضـات الجنـات (۳۳۶ -۳۳۴ /۷)، ریحـانه (۱۱۹ -۱۱۴ /۷)، زنـدگینامه‌ی ریاضـیدانان (۱۹۷ -۱۷۶)، زنـدگینامه‌ی علمی دانشمندان (۳۲۷ -۳۵ /۱)، شـرح حال رجال و مشاهیر نامی (۲۸ -۲۱)، فلاسفه‌ی شیعه (۴۰۳ -۳۸۰)، کشف الظنون (۱۷۸۴، ۱۶۲۲ ، ۱۵۹۴ ،۱۴۳۷، ۱۴۳۴، ۱۳۸۵، ۱۳۱۴، ۱۱۲۶، ۱۰۶۵، ۹۰۷، ۷۷۱، ۵۹۴، ۴۸۸، ۴۶۳، ۴۲۴، ۴۰۳، ۳۴۵، ۸۱، ۷۹، ۷۰، ۹)، الکنی و الالقاب (۸۰ -۷۸ /۱)، لغت‌نـامه (ذیل/ ابوریحان)، معجم الادباء (۱۸۰/۱۷)، معجم المؤلفین (۲۴۲ -۲۴۱ /۸)، نامه‌ی دانشوران (۸۲ -۶۱ /۱)، هدیهٔ العارفین (۶۶ -۶۵ /۲).

بی‌ریای کهن گیلانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۳ -۱۲۹۸ ش)، شـاعر، متخلص بـه شـیدا. در بنـدر انزلی چشـم به جهـان گشـود، از همـان ابتـدا به دنبـال علم و دانش و هنر و فراگیری زبـان عربی، تاریـخ، معـارف اسـلامی و صـناعات ادبی رفت و نزد مرحوم حـاج سـید محمـد تـائب، حـاجی علیرضا معتمد دماوندی، وهاب‌زاده‌ی حدیدی و یارمحمدخان افشار شاگردی کرد. پس از آن به فراگیری هنرهایی چون شـعر، نقاشـی، موسـیقی، نمایشنامه‌نویسـی، عکاسی، تندیس‌تراشی روی آورد. سپس به اصفهان رفت و به خاطر علاقه‌ی شدید به شعر صائب دوازده سال در آن شـهر زیست و مکتب صـائب را اسـتوار سـاخت. بعـد از آن به مـوطن خود بـازگشت و از آنجـا به نیشـابور رفت و انجمن سـخن نیشابور را در همین زمان پایه‌گذاری کرد. وی بیش از بیست هزار بیت شـعر سروده است. نخستین دفتر «نیمروز عاشورا» و دفتر دوم «نیلوفر مرداب» نام دارد.[۱]

شاعر.

تولد: ۱۲۹۷، بندر انزلی (پهلوی سابق).

درگذشت: ۱۶ تیر ۱۳۷۳، نیشابور.

محمـد بی‌ریـای گیلانی (کهن) متخلص به «شیدا» در کنار فراگیری زبان عربی، تاریـخ، معارف اسـلامی و صناعات ادبی نزد سـید محمـد تائب، علیرضا معتمـد دماوندی، وهاب‌زاده‌ی حدیدی و یارمحمدخان افشار (مشـهور به سـردار کل)، به هنرهایی چون شـعر، نقاشی، موسیقی، نمایشنامه‌نویسی، عکاسی، تندیس‌تراشی و... روی آورد. بعدها واژه‌ی «کهن» را برای تخلص شعری خود برگزید. شیـدا بیش از بیسـت هزار بیـت شـعر سـروده اسـت. از آثـار اوسـت: دفـتر نخسـت وزیری نیمروز عـاشورا (بـه کوشـش جـواد محقق نیشابوری)؛ نیلوفر مرداب (گزیده‌ای از غزلیات وی، ۱۳۷۳). او همچنین «انجمن سخن نیشابور» را پایه‌گذاری نمود.

پیکر وی در جوار مزار عطار نیشابوری در آرامگاه خود به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۱۱، ش ۵، ص ۷۰).

بیژن‌زاده، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ریاضی از دانشسرای عالی تهران، ورود به دوره دو ساله مدرسی ریاضیات در مؤسسه ریاضیات دکتر غلامحسین مصاحب، کارشناسی ارشد از دانشگاه شفیلد انگلستان در سال ۱۳۵۶، دکترای ریاضیات در رشته تخصصی جبر جابجائی و جبر همولوژی.

مرتبه علمی:

استاد مدعو در دانشگاه شفیلد انگلستان به مدت ۲ سال، دانشیار دانشکده علوم دانشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ریاضیات، آموزش ریاضیات، تدریس ریاضیات در دانشگاه تربیت معلم تهران، تحقیق و تدریس به مدت یکسال در دانشگاه آرکانزاس آمریکا، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ریاضیات، جبر، جبر خطی، هندسه، آموزش ریاضی، تهیه کتابهای درسی دبستان، دبیرستان، دانشگاه و فلسفه ریاضی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۸

زمینه علمی مقالات:

جبر و جبر همولوژی، فلسفه ریاضی و آموزش ریاضی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

بیضاوی، ابوالقاسم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به قاسم. از سادات موسوی بود که در شهر بیضای فارس به دنیا آمد. برای تحصیل علوم اصفهان رفت و به گفته‌ی نصرآبادی، در ۱۰۸۳ ق، در محضر حاج طاهر شیرازی به تحصیل مشغول بود. وی گاهی شعر می‌گفت. از اوست:

نمی‌دانم ز ضعف آخر چه خواهد شد سرانجامم

سیاهی می‌کشد چشم نگین از بردن نامم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۶۳ -۱۶۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۸۶ -۱۸۴ / ۴)، الذریعه (۸۶۲ / ۹)، صبح گلشن (۳۲۷)، فرهنگ سخنوران (۷۳۰)، لغت‌نامه (ذیل/ قاسم بیضاوی).

بیضاوی، ابوعبدالله محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۴ ق)، فقیه، محدث، مدرس و قاضی. قاضی بیضاوی ساکن بغداد بود. و در آنجا تدریس فقه می‌کرد و مطابق مذهب شافعی فتوا می‌داد مدتی نیز عهده‌دار منصب قضاوت بود. قاضی بیضاوی از ابوبکر بن مالك قطیعی و حین بن محمد عسکری نقل روایت کرده است. خطیب بغدادی از شاگردان او است و از وی استماع حدیث کرده و مورد اعتماد بودن و راستگویی وی را ستوده است. بیضاوی به مرگ ناگهانی در بغداد از دنیا رفت و در مقبره‌ی باب حرب دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (۴۷۶/۵)، ریحانه (۳۰۷ -۳۰۶ /۱)، الکنی و الالقاب (۱۱۳/۲).

بیضاوی، امام‌الدین، ابوالقاسم عمر

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۷۳ ق)، محدث و مدرس. در شیراز ساکن بود و عهده‌دار مقام قضاوت. وی از دانشمندان و قضات بنام عصر خویش بود. او علاوه بر آگاهی از علوم دینی در طریقت و تصوف نیز مقامی داشت که به گفته‌ی صاحب «شیرازنامه» خرقه‌ی طریقت از شیخ الشیوخ وقت، ابهری گرفت. وی پدر بیضاوی معروف به صاحب «تفسیر» است. در شیراز درگذشت و در مدرسه‌ی مقربی دفن شد.

از آثار وی: «مشیخه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی هزار مزار (۳۳۹)، ریحانه (۴۰۶/۴)، شیرازنامه (۱۸۲)، معجم المؤلفین (۳۱۴/۷).

بیضای اصفهانی، حسنعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح س سیزدهم ق)، شاعر. از روستاهای سواد اصفهان و مردی کم‌سواد بود، ولی طبعی روان داشت و بی آنکه معلم و مربی داشته باشد، اشعاری دلنشین می‌سرود و به واسطه‌ی همین استعداد از مرتبه‌ی سربازی ترقی کرد و به درجه‌ی بیگ‌زادگی رسید. در اشعارش مضامین خوب، فراوان به چشم می‌خورد. در حدود ۲۵۰۰ بیت از اشعار او باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۳۰۳-۳۰۱/ ۱).

بیضای جونقانی، قاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۰ ق)، شاعر. ملقب به تاج‌الشعراء. وی از روستای جونقان از نواحی چهارمحال بختیاری بود. تحصیلات ابتدایی را در موطن خود سپری کرد. در ضمن خدمت سربازی پیوسته از شهری به شهری دیگر می‌رفت با شعر و شاعری آشنا می‌شد و تا مجالس ادبی در شهرهای مختلف راه جست و با بیشتر شعرای زمان خود آشنا شد. بیضا به یکی از عارفان نعمت‌اللهی ارادت ورزید و از راه تهذیب نفس و تزکیه‌ی باطن از مجاز به حقیقت پیوست. او از چنان حافظه‌ای برخوردار بود که در هنگام مفقود شدن قسمت اعظم اشعارش همه را بیت به بیت از حفظ مجددا نوشته است. مضامین اشعارش بیشتر درباره عشق، طبیعت و نکات دقیق اخلاقی است و به شیوه اشعار سبک خراسانی. قاسم در قبرستان جونقان دفن شد. وی دارای «دیوان» شعر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ارمغان (س ۶، ش ۶ -۵، ص ۳۲۶ -۳۱۲)، فرهنگ سخنوران (۱۵۸).

بیضای خاوری، عبدالغفار

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۵۰ ق)، خطاط. وی نستعلیق راخوش می‌نوشت و شعر را نیکو می‌گفت. از آثار او کتیبه‌های بیروت و اطراف صحن و پشت مسجد محمدعلی پاشا، خدیو معروف مصر در قاهره است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۰۵)، شرح حال رجال (۱۴۳ -۱۴۲ /۶).

بیضای عراقی، موسی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. اصل وی از آستانه‌ی کزاز بود. تولیت امامزاده‌ی سهل بن علی (ع) را داشت. مدتی در درگاه محمد تقی میرزا به دبیری پرداخت. گاهی شعر نیز می‌سرود. از اوست:

صفحه چون گلشن پر نسرین است

خامه چون بلبل خوش الحان است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سفینهٔ المحمود (۱۸۶/۱)، مصطبه‌ی خراب (۳۳).

بیضای قاجار، الله‌وردی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۱۶– ح ۱۲۸۰ ق)، خطاط، ریاضیدان و شاعر، متخلص به بیضاء. او چندی حکمران بسطام و شاهرود بود. پس از عزل، ملتزم رکاب پدر شد و بعد از وفات او نواب ظل‌السلطان، حکومت قم را به وی بخشید. پس از استقرار محمد شاه فرار کرده، به عتبات عالیه رفت و از آنجا به استانبول سفر کرد و به دربار سلطان محمود عثمانی راه یافت و سالها در آنجا در آسایش و احترام می‌زیست تا سلطان درگذشت و پس از او نیز مدتی در دربار سلطان عبدالمجید خان اول به سر برد، بعدها به بغداد رفت و از آنجا به بیروت و پس از چندی در همان جا متوطن شد. بیضاء خط نستعلیق را خوب می‌نوشت. استادش در شعر و شاعری محمود میرزا بود. در علم ریاضی نیز توانا بود و شعر هم می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۶/۱)، تاریخ عضدی (۱۸۳ –۱۸۲)، حدیقة الشعراء، (۳۰۴ –۳۰۳ /۱)، سفینة المحمود (۴۰ –۳۹ /۱)، شرح حال رجال (۱۵۴ –۱۵۳ /۱)، مجمع الفصحا (۳۱/۱)، مصطبه‌ی خراب (۲۶)، مکارم الآثار (۱۳۵۵ /۴، ۵۶۹ –۵۶۸ /۲)، نگارستان دارا (۳۵).

بیضای قاجار، امامقلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۲ –۱۲۳۰ ق)، شاعر و خطاط. ملقب به دولتشاه عمادالدوله. او تا زمان حکومت برادرش حشمت‌الدوله به تحصیل علوم پرداخت. بعدها با روی کار آمدن محمدشاه به تهران آمد و مشغول تحصیل شد و در اغلب علوم مهارت کسب کرد. وی در زمان سلطنت ناصرالدین شاه حاکم کرمانشاهان شد و چون عاقل و کافی بود قریب بیست و چهار سال حکومت آنجا را به عهده داشت و حکومت ولایات لرستان و نهاوند را نیز عهده‌دار گردید. از آثار خیرات او مسجدی است در کرمانشاه و عمارتی در صبای کرمانشاه که به عمادیه معروف است. او در خط شکسته از میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله پیروی می‌کرد، اشعاری به فارسی و عربی دارد اما شعرش چندان انسجام و استحکامی ندارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقة الشعراء (۳۰۸ –۳۰۵ /۱)، شرح حال رجال (۱۶۲ –۱۶۰ /۱)، گنج شایگان (۳۹ –۳۳)، مصطبه‌ی خراب (۲۷).

بیضایی، نصرالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۰ ق)، خطاط. از مستوفیان بود و نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت، به طوری که با خط استادان این دو خط اشتباه می‌شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۳۹/۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۲۷/۲).

بیضایی، نعمت‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۸۳، آران کاشان.

درگذشت: مرداد ۱۳۶۵، تهران.

نعمت‌الله بیضایی متخلص به «ذکایی»، فرزند میرزا محمدرضا، متخلص به «ابن روح» و برادر ادیب بیضایی و نوه‌ی ملا محمد آرانی متخلص به «روح‌الامین»، در سال ۱۲۸۳ در قصبه‌ی آران کاشان دیده به جهان گشود و تا سال ۱۳۰۶ در آن قصبه به سر برد. تحصیلات ابتدایی و قسمتی از علوم قدیم را در آران آموخت و قواعد و فنون ادب را نزد برادرش ادیب بیضایی فراگرفت. سپس به عنوان آموزگار و نظامت دبستان معرفت آران به خدمت اشتغال ورزید. در اسفند سال ۱۳۰۶ در تهران اقامت گزید. ضمن گذراندن دوره‌ی متوسطه در تهران و پس از سه سال معلمی در مدرسه تربیت بنین تهران، در سال ۱۳۱۰ در اداره‌ی کل ثبت اسناد و املاک مشغول به کار گردید. ضمن اشتغال دوره‌ی مدرسه‌ی عالی قضایی وزارت دادگستری را نیز گذراند و به اخذ تصدیق‌نامه مربوطه نایل آمد. وی در اداره‌ی کل ثبت در مشاغلی در شهرستان‌ها و تهران خدمت کرد و پس از ۳۲ سال خدمت در سال ۱۳۴۲ بازنشسته گردید.

در سال ۱۳۳۲ اقدام به تأسیس «انجمن ادبی تهران» نمود و تا سال ۱۳۵۷ که این انجمن دایر بود، هفته‌ای یک روز در منزلش تشکیل می‌شد. تعداد اشعار نعمت‌الله بیضایی در حدود پنج هزار بیت در انواع قصیده، غزل و مثنوی است.

از آثار او می‌توان به عناوین زیر اشاره نمود: اندرزنامه ادیب بیضائی یا ۴۴ تعلیم، خوابنامه‌ی منظوم اثر ادیب بیضایی، طلیعه آثار انجمن ادبی تهران، چهل و هشت تن از شعرای معاصر، مجموعه آثار رامین (مهدی موافق)، علم بدیت و قافیه و انواع شعر، تذکره خوان نعمت شامل شرح احوال و اشعار ۸۶ تن شاعر معاصر (۱۳۶۸)، نقد الشعرا (۱۳۶۴)، ید البیضاء (دیوان اشعار، ۱۳۵۷)، و نیز دو کتاب دیگر، یکی در علم بدیع و کتابی در حقوق بین‌الملل که این دو در مجله «اخگر» به چاپ رسیده‌اند. وی مطالبی نیز در مجله «ارمغان» به چاپ رسانده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بیغش کرمانی، محمد صادق

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم و سیزدهم ق)، شاعر. وی از شاعران کرمان است. «دیوان» اشعارش که حدود بیست هزار بیت بود. در فتنه‌ی آقا محمدخان قاجار به کرمان از بین رفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۵۴/۹)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۱۵۰).

بیغشی، محمد شریف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عالم، فقیه و مدرس. ملقب به شریف العلماء. اصل او از بیغش، از توابع ملایر است. او از همنامش شریف‌العلمای مازندرانی متأخر است. ملا محمد شریف شاگرد ملا اسدالله بروجردی، ملقب به حجهٔ الاسلام بود و در تهران سکنی گزید. در «المآثر و الآثار» آمده که گروهی از بزرگان علمای عهد قاجار به شاگردی وی مفتخرند، از جمله: شیخ عبدالرحیم بروجردی که در تهران بود و شیخ محمد رحیم بروجردی و سید محمد باقر عراقی و حاج آقا محسن عراقی و ملا-شیخ علی بروجردی و آخوند ملاحسین آقا باقر و شیخ محمود عراقی که در تهران بوده و میرزا ضیاءالدین قلعه‌ای و ملا احمد خوانساری که ساکن ملایر بوده و ملا محمد علی محلاتی ساکن شیراز و ملامحمد تقی گلپایگانی و حاج سید علی بروجردی و دیگران.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (۳۷۳ -۳۷۲ /۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۱۹ -۶۱۸ /۱۳)، المآثر و الآثار (۱۷۱).

بیغم کاشانی، معصوم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر، متخلص به معصوم. پدر وی رفیعی کاشانی از شعرای بنام روزگار خود بود، و همچنین برادر میر سنجر کاشی. دوبار به هندوستان سفر کرد. از معاصران کلیم کاشانی بوده و کلیم از او در شعر خود یاد کرده است. وی در سرودن غزل استاد بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۷۵، ۱۱۷۴، ۹۳۰/۵)، تاریخ نظم و نثر (۶۷۲)، تذکره‌ی روز روشن (۱۳۴ -۱۳۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۵۱ -۲۵۰)، الذریعه (۱۰۷۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۸۶۰)، کاروان هند (۱۳۲۳ -۱۳۱۸ /۲، ۴۶۱ /۱).

بیغمی، ترمذی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی فردی شعرشناس بوده و غزل را نیکو می‌سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۸۴).

بیغمی، نطنزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۴ ق)، شاعر. سید عالی‌نسب والاحسب بود. وی در جنگ با ترکان کشته شد. از اوست:

یار بی رحمت و من بیتاب و مردم بدگمان

بودن اینجا مشکل است ای بیغمی رسوا شدم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۴۹)، صبح گلشن (۷۴)، فرهنگ سخنوران (۱۵۹)، مخزن الغرائب (۳۶۶/۱).

بیغو ملک

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم و هفتم ق)، شاعر. از سلاله‌ی قراخان ماوراءالنهر بود. عوفی نام او را الملک المعظم بیغو ملک نوشته است. بیغو ملک در ولایت مرغینان فرغانه و شهر کاشان ماوراءالنهر حکومت داشت و به ظن قریب به یقین او همان است که ضیاءالدین خجندی او را در چند قصیده مدح کرده است. هدایت به اشتباه نام او را بیغوی سلجوقی نوشته و گویا نام او و حسام‌الدین بختیار بن زنگی سلجوقی را که مداح همین امیر بوده است با هم خلط کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۷۳۱ -۷۲۹ /۲)، رباعی و رباعی‌سرایان (۱۷۰)، لباب الالباب (۵۹ -۵۲ /۱)، مجمع الفصحا (۴۵۵ -۴۵۱ /۱).

بیکسی سبزواری

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. از سبزوار بود و زمین شعر از طراوت کلامش سبزه‌زار می‌شد. در عروض و قافیه مهارت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۵۴/۹)، صبح گلشن (۷۴)، مخزن الغرائب (۳۷۸/۱).

بیکسی شوشتری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از دیار خود به هرات رفت و در آنجا مسکن گزید و با شاعران آن سرزمین محشور و سرانجام به جنون مبتلا شد و در آن حال درگذشت. وی از غزلسرایان خوب زمان خود بود. از او «دیوان» شعری بر جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۵۷)، تذکره‌ی روز روشن (۱۳۵)، الذریعه (۱۵۴/۹)، صبح گلشن (۷۴).

بیکسی شیرازی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. همعصر غزالی مشهدی بود و زمانی که غزالی به شیراز رفت، برای آزمایش شعرا، غزلی را طرح کرد و خود در گفتن غزل مسامحه کرد و بیکسی قطعه‌ای برای او گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۱۹/۱)، الذریعه (۱۵۴/۹)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۵۹/۲)، مجمع الخواص (۳۰۸- ۳۰۷)، مرآت الفصاحه (۱۰۳).

بیکسی غزنوی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۳ ق)، شاعر. وی از دانشمندان و شاعران زمان خود بود. ابتدا در کابل به خدمت میرزا محمد حکیم مشغول بود، پس از آن به هندوستان عزیمت کرد و مدتی در آن سامان در دربار حاکمان آنجا به سر برد و در ضمن بازگشت، در میانه راه درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شام غریبان (۴۷)، فرهنگ سخنوران (۱۵۹)، مخزن الغرائب (۳۴۵ -۳۴۳ /۱)، هفت اقلیم (۳۳۶/۱).

بیکندی بخاری، ابوجعفر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۸۲ -۳۹۴ ق)، عالم معتزلی و قاضی حنفی. معروف به قاضی حلب. اهل بخارا بود. وی به مصر رفت و با جماعتی از جمله، ابونصر هبهٔ الله که سر کرده‌ی اسماعیلیان بود مناظره کرد. او از سلیمانی و منصور کاغدی و عدنان هروی نقل حدیث کرده و ابوالمظفر، جد سمعانی، و مکی بن عبدالسلام و ابونصر شیرازی و علی بن زهمویه و جماعتی از وی حدیث روایت کرده‌اند. چون مردم را به مذهب اعتزال می‌خواند، ابومنصور عبدالملک بن محمد از ورودش به بغداد جلوگیری کرد و چون ابومنصور درگذشت، به بغداد درآمد و تا پایان عمر در آنجا سکنی گزید. در حدود نود سالگی در بغداد درگذشت و در مقبره‌ی باب حرب دفن شد. از آثار وی: «الهدی و الارشاد»، در رد ابونصر هبهٔ الله؛ «الرسالهٔ المسعودیهٔ»؛ «تحقیق الرسالهٔ بأوضح الدلالهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۸/۶)، سیر النبلاء (۵۸۷ -۵۸۶ /۱۸)، لسان المیزان (۶۸۷ -۶۸۶ /۵)، معجم المؤلفین (۲۴۹/۸).

بیگ اصفهانی، احمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از اصفهان به هندوستان و به بنگاله رفت، چون در آنجا اقبالی ندید، به شاه جهان آباد رفت و در دستگاه شاه جهان تقرّب یافت. از او است:

از جنبش نسیم سحرگاه لاله‌ها

بریکدگر زدند چو مستان پیاله‌ها

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۷ /۹)، صبح گلشن (۱۸)، فرهنگ سخنوران (۴۲).

بیگانه‌ی نیشابوری، ابوالحسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اهل نیشابور و از شاعران مضمون‌ساز و معنی‌پرداز بود، و از شاگردان صائب تبریزی. از اوست:

تو با این دلنشینی کی توانی رفت از یادم

غباری کز تو بر خاطر نشیند دیر برخیزد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۳۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۰۱ -۱۰۰)، الذریعه (۱۵۴/۹)، صبح گلشن (۷۴)، فرهنگ سخنوران (۱۵۹)، نشتر عشق (۲۴۹/۱).

بیگدلی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشگاه گوتنبرگ آلمان در سال ۱۳۴۲، کارشناسی ارشد شیمی از دانشگاه گوتنبرگ در سال ۱۳۴۶، دکترای تخصصی شیمی (پلیمر) از دانشگاه گوتنبرگ آلمان و فرصت مطالعاتی شیمی (پلیمر) در دانشگاه ماساچوست آمریکا در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

استادیار و دانشیار دانشگاه تربیت معلم از سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۶۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

سنتز و بررسی خواص رزین کوپلیمر اوره- فنل- اوره، سنتز پلیمرهای محلول در آب و سنتز در رزینهای الکید قابل پخش در آب، تدریس دروس شیمی عمومی و آلی در کالج دانشگاه گوتنبرگ، شیمی عمومی، شیمی پلیمر، شیمی تجزیه در دانشگاه تربیت معلم، شیمی پلیمر در مدرسه عالی پارس تهران، استاد راهنمای ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اصول ماکرو مولکولار شیمی و سینتیک شیمیائی، شیمی و اجتماع، معادلات ریاضی سینتیک شیمیایی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

شیمی پلیمر.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

بیگدلی، آذر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج لطفعلی بیک فرزند آقاخان بیگدلی: پدرش از اعیان عصر، و حکّام و زمان، مورد اعتماد سلاطین صفویه بوده، نسب او به بیگدل خان بن ایلدگز بن آغورخان از نجبای ایل شاملو می‌رسد.

صاحب عنوان از ادبا و گویندگان و شعرا و نویسندگانی است که در بازگشت سبک ادبی به شیوه متقدّمین با دوستان و معاشرین خود (همچون مشتاق و صباحی و هاتف و رفیق و دیگران) تشکیل انجمنی داده و در این راه رنجها برده تا بالاخره در این راه توفیق حاصل نمود.

صاحب عنوان در اوایل شاعری «واله» و سپس «نکهت» و در آخر تخلّص «آذر» را انتخاب نمود و به همین تخلّص مشهور گردید.

در دستگاه سلاطین افشاریّه و زندیّه مصدر اموری بوده است.

در تاریخ ۲۰ ربیع الثانی سال ۱۱۳۴ متولّد و در ۱۱۹۵ در اصفهان وفات یافت.

وی مولّف تذکره‌ای است در احوال قریب ۸۴۰ نفر از شعرا و گویندگان زبان فارسی به نام «آتشکده» کتاب او از این نظر که درباره شعرا نظر انتقادی دارد بر دیگر تذکره‌ها امتیاز دارد.

کتب زیر از آثار اوست:

۱- تذکره آذر، یا آتشکده آذر ۲- دفتر نه آسمان، در شرح حال شعرای معاصر خودش ۳- دیوان اشعار ۴- مثنوی یوسف و زلیخا، بر وزن گلشن راز، محتوی ۱۲ هزار بیت.

از اشعار اوست در وصف اصفهان. (از مثنوی یوسف و زلیخا):

بود هر کوچه آن، ازهری به
ددش از حور، دیوش از پری به
ز عشقش چون زلیخا، مصر شیدا
هزارش یوسف از هر کوچه پیدا
به جان شرمنده آن خاک فرّخ
سمرقند و چگل، نوشاد و خلخ
ز آبش گر بخارا تر کند کام
به خاکش هندرا گر دل شود رام
نماند خشگ جوی مولیانش
شود بی مشگ موی لولیانش
بتان اصفهان خوبان ارمن
کسی با هم نسنجد، عهده بر من
هوایش معتدل چندان که در وی
گل اردیبهشتی روید از دی
ز بس گل، کز گل آنجا، آشکار است
همه فصلش توان گفتن بهار است

بهشت هشت گانه چهار باغش
به از آواز بلبل بانگ زاغش
ز آب زندگی به، زنده رودش
خضر آورده اسکندر درودش
بدانش به ز نیکان دگر شهر
در آن کشور دهد طعم شکر، زهر
رود چون دزد آنجا، پاسبان است
بان وادی چو گرگ آید، شبان است
هوایش طبع هر کس را ملایم
نسیمی از بهشت آنجاست دایم
دری از خلد در هر خانه‌اش باز
حمام روضه در بامش به پرواز
چند شعر از یک غزل:
نیم ز لطف تو نومید اگر خطائی رفت
گنه ز بنده و بخشایش از خداوند است
ز آسمان نکنم شکوه گر ز کین کشدم
چرا که دشمنی او به دوست مانند است
به روز مرگ شنیدم که پیر کنعان گفت
که دوست دشمن جان است اگر چه فرزند است
اثر ز ناله آذر به جز گرفتاری
مجو که بلبل از آواز خویش در بند است
قطعه
به شیخ شهر فقیری ز جوع برد پناه
به این امید که از لطف خواهدش نان داد
هزار مسأله پرسیدش از مسائل و گفت
اگر جواب نگفتی نخواهمت نان داد
نداشت حال جدل آن فقیر و شیخ غیور
ببرد آبش و نانش نداد تا جان داد
عجب که با همه دانائی این نمی‌دانست
که حق به بنده نه روزی به شرط ایمان داد
من و ملازمت آستان پیر مغان
که جام می به کف کافر و مسلمان داد

محل دفن آذر، در اصفهان، در باغ خود در محلّه عبّاس آباد، در کنار مادی فرشادی قرار داشته، و تا این اواخر به نام تکیه آذر معروف بود، و محلّ آن در ملتقای خیابان آذر فعلی و مادی در سمت شمال غربی قرار داشت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بیگدلی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر علی بیگدلی در سال ۱۳۲۲ در شهر قم بدنیا آمد. ایشان دارای دکترای تاریخ (با موضوع سلجوقیان و جنگهای صلیبی) از دانشگاه تولوز در جنوب فرانسه است. وی عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه شهید بهشتی می باشد. دکتر بیگدلی در سال ۱۳۸۵ پس از ۴۴ سال و شش ماه خدمت در عرصه علم بازنشسته شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

گرایش : تاریخ اروپا

والدین و انساب : پدر و مادر علی بیگدلی فوت شده اند و دارای دو برادر و یک خواهر است.

خاطرات کودکی : علی بیگدلی علاوه بر تحصیل به ورزش دو و پرش علاقه زیادی داشت، بطوری که در این رشته به فعالیت پرداخته و به مقام قهرمانی استان تهران دست یافت. ایشان در موسیقی نیز در زمینه های آواز، تنبک و تار به طور مختصر تحت آموزش بوده است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی بیگدلی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر محل زادگاهش، قم به تحصیل پرداخت و

دیپلمش را اخذ کرد. پس از آن (تجربه کارمندی در سفیدرود) در سال ۱۳۴۶ در رشته حقوق دانشگاه ملی با رتبه ۱۳ پذیرفته شد ولی بدلیل اشتغال داشتن در آموزش و پرورش نمی توانست روزها به تحصیل بپردازد. بالاخره در سال ۱۳۴۷ بصورت شبانه روزی در مدرسه عالی ادبیات و زبانهای خارجی در رشته ادبیات فرانسه به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۵۰ پس از اخذ کارشناسی رشته مذکور عازم فرانسه شد و جامعه شناسی را ادامه داد ولی به علت علاقه به رشته تاریخ در دانشگاه تولوز در جنوب فرانسه به تحصیل رشته تاریخ پرداخت و دوره دکتری را نیز روی سلجوقیان و جنگهای صلیبی کار کرد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : علی بیگدلی در کنار تحصیل به مدت ۱۲ سال به شغل روزنامه نگاری در روزنامه های اطلاعات، آیندگان و مجله سیاه و سفید اشتغال داشت. بهترین خاطره از دوران خبرنگاری آشنایی با مقامات اجرایی کشور بود. پس از انقلاب اسلامی بیش از ۱۰۰ برنامه مصاحبه رادیویی، تلویزیونی و بیش از ۱۲۰ مصاحبه مطبوعاتی در لیست کارنامه کاری خود دارد.

استادان و مربیان : استاد فروزانفر، دکتر ذبیح الله صفا، دکتر موسی بروخیم و غیره از استادان دکتر بیگدلی بودند بطوری که وی از آنها به عنوان اساتید برجسته و تاثیر گذار در زندگی خود یاد می‌کند.

هم دوره ای ها و همکاران : همکلاسی‌های علی بیگدلی به ترتیب از میان ۱۶ نفر، ۶ نفر یهودی، ۴ نفر مسیحی و ۶ نفر مسلمان بود حتی در طول چهار سال تحصیلی برای یک بار هم صحبتی از تفاوتهای دینی به میان نیامد.

همسر و فرزندان : علی بیگدلی در سال ۱۳۵۱ با همسر خود که هم اکنون بازنشسته آموزش و پرورش است ازدواج کرد. ماحصل این ازدواج دو فرزند پسر به نامهای سینا (دارای مدرک کارشناسی ارشد عمران) و عطا (دارای مدرک کارشناسی عمران) می‌باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی بیگدلی پس از اخذ دیپلم خود در سال ۱۳۴۴ در اداره آب و برق سفیدرود مشغول به کار شد. وی پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد در وزارت راه و ترابری به فعالیت پرداخت و در سن ۳۲ سالگی مدیر کل آموزش گردید. سپس عضو هیئت مدیره یکی از شرکت های تابعه این وزارتخانه شد. از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۱ معاونت اداری مالی هواپیمایی کشور و سازمان هواشناسی را بر عهده گرفت. ایشان همچنین برای مدت کوتاهی مسئولیت معاونت وزیر راه و ترابری را در سازمان هواپیمایی کشور را بر عهده داشتند.

فعالیتهای آموزشی : علی بیگدلی از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۱ در بیش از ده دانشگاه و مدرسه عالی به تدریس پرداخت. تخصص ایشان در زمینه تاریخ اروپاست و بیشترین آموزش ایشان در زمینه علوم سیاسی در حوزه تاریخ اندیشه سیاسی و تاریخ روابط بین الملل بوده است و تا مقطع دکترای این رشته به تدریس پرداخته اند و کتب درسی این حوزه را نیز خود نگاشته‌اند.

چگونگی عرضه آثار : علی بیگدلی دارای ۱۰ کتاب تالیفی و ترجمه است. وی همچنین بیش از ۵۰ مقاله تخصصی منتشر شده در مجلات معتبر علمی دارد. --
------

آثار :

۱ تاریخ اروپا در قرون جدید

ویژگی اثر : تالیف- انتشارات دانشگاه پیام نور

۲ تاریخ اروپا در قرون وسطی

ویژگی اثر : تالیف- انتشارات دانشگاه پیام نور

۳ تاریخ اندیشه سیاسی در غرب

ویژگی اثر : تالیف- دو جلد

۴ تاریخ روابط بین الملل

ویژگی اثر : ترجمه

۵ تاریخ سیاسی- اقتصادی عراق

ویژگی اثر : تالیف

۶ تاریخ فرهنگ و تمدن اروپا در دوران جدید

ویژگی اثر : تالیف

۷ تاریخ یونان و روم

ویژگی اثر : تالیف- انتشارات دانشگاه پیام نور

۸ ترورهای سیاسی در تاریخ معاصر ایران

ویژگی اثر : تالیف- دو جلد

۹ شیخ نشین های خلیج فارس و مسئله نفت

ویژگی اثر : ترجمه

۱۰ کرونولوژی مسیحیت و قرون وسطی

ویژگی اثر : تالیف منابع زندگینامه :

۱پرسشنامه تکمیل شده توسط دکتر علی بیگدلی بنا به درخواست بنیاد ایران شناسی- بهار ۱۳۸۶

بیگدلی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسین بیگدلی در سال ۱۲۹۷، در خمسهٔ زنجان دیده به جهان گشود. پس از طی دوران کودکی وارد مدارس جدید شد. آنگاه به تهران عزیمت کرد و در دبیرستان نظام و دانشکده افسری ادامه تحصیل داد و در شهریور ۱۳۲۰ ش. به درجه افسری نایل گردید.بیگدلی در سال ۱۳۲۴ش. در اثر فعالیت سیاسی برضد رژیم به اتحاد جماهیر شوروی سابق رفت و در مسکو تحصیلات عالی خود را در رشته ادبیات آغاز کرد. وی پس از اخذ دکترای ادبیات ، در انستیتوی زبان و ادبیات (نظامی) باکو (آذربایجان شوروی سابق) به پژوهش و تحقیق در زمینه ادبیات فارسی و ترکی پرداخت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به ایران بازگشت و بیشتر اوقات خود را صرف پژوهش و نگارش مطالب تاریخی و ادبی کرد. ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است. غلامحسین بیگدلی سرانجام در مرداد ماه سال ۱۳۷۷ در سن ۸۸ سالگی ، در شهرستان کرج چشم از جهان فروبست و به دیار باقی شتافت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : پدر غلامحسین بیگدلی آقا فتح الله خان بیگدلی اهل خمسهٔ زنجان بود و به کار کشاورزی اشتغال داشت.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامحسین بیگدلی پس از طی دوران کودکی وارد مدارس جدید شد. آنگاه به تهران عزیمت کرد و در دبیرستان نظام و دانشکده افسری ادامه تحصیل داد و در شهریور ۱۳۲۰ ش. به درجه افسری نایل گردید. بیگدلی در سال ۱۳۲۴ش. در اثر فعالیت سیاسی برضد رژیم به اتحاد جماهیر شوروی سابق رفت و در مسکو تحصیلات عالی خود را در رشته ادبیات آغاز کرد و با اخذ گواهینامه دکترای ادبیات به پایان رسانید.

خاطرات و وقایع تحصیل : غلامحسین بیگدلی از دوران تحصیل خود و اتفاقی که در زمان حضور رضا شاه در مدرسه افتاد چنین یاد می کند: « من با لباس رسمی (یونیفورم) مدرسه بودم. رضا شاه از عمویم پرسید: این پسر بچه کیست و این چه لباسی ست که پوشیده است ؟ عمویم توضیح داد. رضاشاه گفت: محمدرضا هم به همین مدرسه می رود ولی لباس مدرسه او این زرق و برق ها را ندارد. عمویم گفت: این برادرزاده من شاگرد اول کلاس است و بنابراین یونیفورم او چیزهایی علاوه دارد.»

وقایع میانسالی : غلامحسین بیگدلی در سال ۱۳۲۴ش. در اثر فعالیت های سیاسی و پیوستن به احزاب مخالف حاکمیت بازداشت شد و پس از شش ماه حبس در کرمان رهایی یافت و به اتحاد جماهیر شوروی سابق مسافرت کرد ، ولی به علت سوءظن مسوولان وقت مدت هفت سال در تبعیدگاه سیبری به سر برد، آنگاه به مسکو رفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ از وی دعوت به همکاری شد و به تهران مهاجرت کرد.

زمان و علت فوت : غلامحسین بیگدلی در مرداد ماه سال ۱۳۷۷ در سن ۸۸ سالگی ،

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : غلامحسین بیگدلی پس از اخذ دکترای ادبیات ، در انستیتوی زبان و ادبیات (نظامی) باکو (آذربایجان شوروی سابق) به پژوهش و تحقیق در زمینه ادبیات فارسی و ترکی پرداخت.

جوائز و نشانها : غلامرضا اسلامی بیدگلی برگزیده بیست و ششمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است. ---

آثار :

۱ ادب خزینه

ویژگی اثر : این اثربه زبان ترکی می باشد.

۲ تاریخ بیگدلی ـ شاملو

ویژگی اثر : این اثر دکتر بیگدلی بنابر نوشته خود وی در ده جلد قرار دارد ، و تنها دو جلد از آن در بیش از ۱۲۰۰ صفحه به چاپ رسیده است و سایر مجلدات دیگر هنوز مخطوط است. الف) جلد اول ، شامل منشاء ایل و تبار بیگدلی و معرفی سایر انشعابات بیگدلی. ب) جلد دوم ، ایل بیگدلی در دوران صفویه. ج) جلد سوم ، دوران افشاریه و ایل بیگدلی. د) جلد چهارم ، دوران زندو ایل بیگدلی. ه) جلد پنجم ، دوران قاجار و ایل بیگدلی. و) جلد ششم ، دوران پهلوی و خاندان بیگدلی. ز) جلد هفتم ، دودمان بیگدلی ـ شاملو در دوران معاصر. ح) جلد هشتم ، تاریخ شعرای بیگدلی (معرفی بیش از ۸۰ شاعر). ط) جلد نهم ، مدارك و اسناد مختلف از خاندان بیگدلی. ی) جلد دهم ، معرفی آثار عمرانی و خیریه که توسط بیگدلی ها بنا شده است.

۳ تصحیح دیوان آذر بیگدلی

ویژگی اثر : تصحیح این دیوان با همکاری دکترحسن سادات ناصری

۴ تصحیح شهریار نامهٔ عثمان مختاری غزنوی

۵ جمشید و خورشید

ویژگی اثر : به اهتمام و ویرایش دکتر بیگدلی .

۶ چهره اسکندر در شاهنامه فردوسی و اسکندر نامهٔ نظامی

ویژگی اثر : این اثر در سال ۱۳۶۹ در تهران به چاپ رسید ، که علاوه بر موضوع اصلی (چهره اسکندر) متعرض بسیاری از نگرش و ویژگی های علمی و هنری فردوسی و نظامی شده است.

۷ دیدار با شهریار (استاد سیدمحمدحسین شهریارتبریزی

۸ دیوان حاج محمدصادق خان بیگدلی شاملو

ویژگی اثر : گردآوری دکتر غلامحسین بیگدلی.

۹ کهله یه سلام (به زبان ترکی)

۱۰ گذر عمر

ویژگی اثر : مجموعه اشعار

۱۱ لغتنامه فارسی ـ ترکی صحاح العجم (نسخهٔ غازان)

ویژگی اثر : به اهتمام دکتر غلامحسین بیگدلی . --

منابع :

۱اینه پژوهش ، سال نهم ، شماره ۵۴ ، ص ۶۸۱۲ماهنامه کلك ، شماره ۹۷ ، شهریور ۱۳۷۷ ، ص۱۲۱

بیگدلی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشگاه آمریکایی بیروت در سال ۱۳۵۱، کارشناسی ارشد پتروشیمی و شیمی هیدروکربورها از انستیتوی علوم تکنولوژی دانشگاه منچستر انگلستان، دکترای شیمی آلی از دانشگاه منچستر انگلستان در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح تهیه مواد داروئی مورد نیاز کشور، تهیه و مطالعه مکانیسم تشکیل مواد آلی، نظارت بر ۷ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

ابداع:

کلردار کردن نفت خام ایران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

شیمی فضائی آلی و آنالیز کانفورماسیونی (شیمی فضایی، آلی).

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

سنتز مواد داروئی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

بیگی سلطان

قرن:۹

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۹۰۷ ق، از زنان عالم و شاعر. وی خواهر درویش گنج مداح بود. شعری از او به خط خودش در کتاب کنزالسالکین آمده که در تاسوعای سال ۹۰۷ ق در مشهد نوشته است. کنزالسالکین مجموعه اجازات علما از اواسط قرن هشتم تا آخر قرن نهم هجری است.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: الذریعه، ۱۵۵ / ۹.

بیلدار پهلوان تبریزی، علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از غزل‌سرایان دستگاه سام‌میرزا صفوی (م ۹۷۴ ق) بود و پهلوانی به نام. از اوست:

تا گشت مرا دل ز غم یار پریشان

جمعیت خاطر شده بسیار پریشان

جانا نشوی همدم اغیار که آخر

گل می‌شود از همدمی خار پریشان

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۹۴)، تحفه‌ی سامی (۳۶۹)، دانشمندان آذربایجان (۷۷ -۷۶)، سخنوران آذربایجان (۲۶۲).

بیلقانی، مجیرالدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۸۶ ق)، شاعر. اهل بیلقان آذربایجان بود و شاگرد خاقانی شروانی و مداح سلاجقه‌ی آذربایجان. مجیر هموست که در هجو اصفهان و مردم آن سامان شعری سرود و به استاد خود خاقانی نسبت داد و موجب دردسر آن شاعر شد. وی در قصیده استاد بود و از خاقانی پیروی می‌کرد. برخی شیوه‌ی بیان او را بر استاد ترجیح داده‌اند. مجیرالدین از معارضان اثیرالدین اخسیکتی و ظهیر فاریابی بود. سال مرگ او را به اختلاف ۵۹۴، ۵۸۹، ۵۷۷، ۵۶۸ ق نوشته‌اند که از این میان تاریخ فوق‌الذکر قریب به تحقیق است. «دیوان اشعار» وی حدود پنج هزار بیت قصیده و غزل است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده آذر (۱۰۸ -۱۰۵ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۲۹ -۷۲۱ /۲)، تاریخ گزیده (۷۴۹)، تاریخ نظم و نثر (۱۰۷)، تذکرة الشعراء (۱۳۱ -۱۲۸)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۳ -۱۴ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۳۲۶ -۳۲۵)، الذریعه (۹۶۹/۹)، ریحانه (۲۲۲/۵)، سخن و سخنوران (۶۰۱ -۵۷۸)، فرهنگ سخنوران (۸۰۵ -۸۰۴)، لباب الالباب (۲۲۳/۲)، مجمع الفصحا (۴۷۲ -۴۷۱ /۱)، هفت اقلیم (۳۱۳ -۳۰۶ /۳).

بیماری شیرازی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، طبیب، جراح و شاعر. وی اهل شیراز بود و به تصریح بیشتر مآخذ به پیشه‌ی جراحی مشغول بود و گویند جراحی بسیار ماهر و حاذق بود. بیماری گاهی شعر نیز می‌سرود. از اوست:

رشکم کشد هر جا که او در محفلی ساغر زند

مست است و ترسم از جفا بر دیگری خنجر زند

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۲۰ -۵۱۹ /۱)، سفینهٔ المحمود (۵۱۱ -۵۱۰ /۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۶۰/۲)، فرهنگ سخنوران (۱۶۰)، مجمع الفصحا (۱۸۱/۴)، مرآت الفصاحه (۱۰۴ -۱۰۳)، مصطبه‌ی خراب (۲۳).

بینا قربانی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۸ ش)، شاعر، متخلص به بینا. وی در بندر انزلی پا به عرصه‌ی حیات نهاد. پدرش از مردان خیر و سرشناس آن شهر بود و به تجارت اشتغال داشت. بینا تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به انجام رسانید و با زبانهای روسی و فرانسه و ترکی آشنایی پیدا کرد. وی شاعری باذوق و خوش‌قریحه و در سرودن انواع شعر تواناست. او علاوه بر سرودن شعر، داستانهای متعددی نیز نوشته و آثارش در روزنامه‌های «سایبان» و «سینا» طبع و نشر شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۶۶۰ -۶۵۶ /۱)، تذکره‌ی خوان نعمت (۵۷ -۵۴)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۰۰ -۹۸)، فرهنگ سخنوران (۱۶۰).

بینا، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن بینا در سال ۱۲۹۰ه.ش در همدان زاده شد. وی پس از طی تحصیلات مقدماتی و متوسطه و فراگیری زبانهای عربی و انگلیسی وارد دانشگاه تهران شد و در رشته علوم عقلی و عرفانی لیسانس گرفت. از آن پس به استخدام اداره فرهنگ همدان در آمد و به عنوان دبیر در دبیرستانها مشغول به تدریس شد. وی رئیس کتابخانه آرامگاه ابوعلی سینا همدان است و تحقیقات بسیاری پیرامون علوم عرفانی و آثار ابوعلی سینا دارد.گروه : علوم انسانیرشته : ادیان خارجیاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محسن بینا

درسال ۱۲۹۰ه.ش در همـدان متولد شد. او در مکتب خانه های همدان شروع به تحصیـل مقدمات علوم که چیزی جز قرآن و علوم دینی نبود، کرد.تحصیلات رسـمی و حرفه ای : محسن بینـا پس از گذرانـدن تحصیلات اولیه در مکتب خـانه های همـدان و ادامه تحصیـل تا اخذ دیپلم، واردمدرسه آخوند همدان شد و به فراگیری زبان عربی و انگلیسـی پرداخت. سپس وارد دانشگاه تهران شدو در رشته علوم عقلی و عرفـانی لیسـانس گرفت و از آن پس به تحقیق و تـالیف آثـاری درزمینه عرفـانی اسـلامی پرداخت.فعالیتهای ضمن تحصیل : محسن بینا درهنگام تحصیل در رشته علوم عقلی وعرفانی در دانشگاه تهران به مطالعه آثاری عرفانی گذشته ایران و نیز آثار شیخ الرئیس بوعلی سینا پرداخت.استادان و مربیان : محسن بینا در هنگام تحصیل دررشته علوم عقلی و عرفانی در دانشگاه تهران، از محضـر اساتید برجسته ای چون مرحوم عصار، الهی قمشه ای، شهابی و ... بهره مند گردید.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محسن بینا پس از فراغت از تحصیل در رشته علوم عقلی و عرفانی از دانشگاه تهران، به استخدام اداره فرهنگ همدان در آمد و به عنوان دبیر در دبیرسـتانهای آنجـا به تـدریس پرداخت. وی در حـال حاضـر ریـاست کتابخانه بوعلی سـینا را برعهـده دارد.فعالیتهای آموزشـی : محسن بینا پس از فراغت از اخذ مدرك لیسانس، به عنوان دبیر در دبیرسـتانهای شهر همدان به تدریس مشغول شد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محسن بینا به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری درزمینه عرفان اسلامی و نیز تصحیح متون گذشته عرفانی ایران بسیار علاقمند بوده و دراین زمینه فعالیت چشمگیری داشته است.آرا و گرایشهای خاص : محسن بینا در تصحیح متون عرفانی و تحقیق در عرفان اسلامی ایران، به آثار خواجه عبدالله انصاری و شیخ شبستری توجه ویژه ای دارد.

آثار : ۱ اصول فراگیری قواعد زبان عربی ۲ البدایه و النهایه ۳ تعلیم و تربیت در محدوده های روستایی ۴ سراج الصعود لمعاریج الشهود ۵ عیسـی از دیدگاه قرآن ۶ مجموعه گـل ویژگی اثر : کتـاب مجموعه گـل، اثری است که اسـتاد محسن بینا در آن شـرح اشـعار خواجه شـمس الـدین حافظ شـیرازی را با دیـدگاهی عرفانی ، در آمیخته است.۷ مرد مشـرق ۸ مقامـات معنوی ویژگی اثر : کتاب مقامات معنوی اثری است از استاد محسن بینا که در واقع ترجمه کتاب عربی منازل السائرین اثر خواجه عبدالله انصاری عارف ایران قرون چهارم و پنجم هجری است.۹ موسی از دیدگاه قرآن

بینای گیلانی، صدرالدین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۳۹ ق)، شـاعر. متخلص به بینـا. اهل رشت بود و به روزگار اسـحاقیان می‌زیست. وی به اصـفهان رفت و در آن جا به تحصـیل علم و دانش پرداخت و بعد از چندی به زادگاهش بازگشت و پس از چندی به مشـهد رفت و مجددا به رشت رفت و در آن سامان منصب شیخ‌الاسلامی یافت. مولانا صدرالدین از معاصران حزین بود و اشعار خود را به نزد حزین برای حك و اصلاح می‌فرستاد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تذکرهٔ المعاصـرین (۱۴۰ -۱۳۹)، الذریعه (۶۰۳، ۱۵۵ /۹)، صـبح گلشن (۷۴)، فرهنگ سـخنوران (۱۶۰)، نامها و نامدارهای گیلان (۷۲).

بینای نهاوندی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۶ ق)، شاعر، متخلص به بینا. در اصـفهان متولـد شـد. وی مـدتی در مـدارس جدیـد و مـدتی در مـدارس قدیم به تکمیل و تحصـیلات خویش پرداخت. در ضـمن علم قرائت و تجویـد را نزد اسـتادانی چون سـید محمـد علی عریضـی و آقا میرزا عبـدالغفور شمس تلمذ کرد. بینا گاهی شعر نیز می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۰۲ -۱۰۰).

بیندار، سایتاپل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی عمران، دانشکده: مهندسی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی در زمینه مهندسی عمران.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده مهندسی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انتقال تکنولوژی، حمل و نقل، طرح‌های استاندارد طراحی راهها، اطلس تکنولوژی، محیط زیست و اثرات آن، ۲۵ سال تجربه آموزش و تحقیق و مشاورتهای علمی در کشورهای انگلیس، کویت، اردن، لیبی، هندوستان، آلمان و استاد راهنمای ۶۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۷

زمینه علمی تألیفات:

حمل و نقل، تکنولوژی، مدیریت ساختمانی، راه آهن، بنادر، انتقال تکنولوژی و مهندسی پل.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۱۰

زمینه علمی مقالات:

حمل و نقل، برنامه‌ریزی و مدیریت.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

بینش تبریزی، محمد علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۶ ق)، صوفی و شاعر، متخلص به بینش. ملقب به کشاف الاسرار. اصل وی از قره‌باغ ولی مقیم تبریز بود. وی عموی کلنل محمد تقی‌خان پسیان بود، بینش صوفی‌مشرب و خود رییس فقرای وقت ذهبیه تبریز بود. از آثارش: مجموعه‌ی منظوم «هفت مجمر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۰۲ -۱۰۱ /۲)، سخنوران آذربایجان (۲۴۸)، مؤلفین کتب چاپی (۱۴۸/۴).

بینش شیرازی، عباسعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۶ ق)، شاعر. ملقب به حق‌جو و ضیاءالشعراء. وی از عمادآباد، از روستاهای شیراز است. تا سن هفده سالگی در موطن خود زیست و همان جا مقدمات علوم ادبی را فراگرفت. پس از آن برای تکمیل تحصیلات از زادگاهش سفر کرد. از آثار وی: «بدیع المعانی»، مثنوی؛ «هزار رباعی»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۵۵/۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹۰/۳)، مرآت الفصاحه (۱۰۵ -۱۰۴).

بینش مشهدی، مرتضی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۲۶ ق)، شاعر، متخلص به بینش. نسب وی به چند واسطه به حضرت حسین بن علی (ع) می‌رسد. سید مرتضی از نوادگان شاه ابراهیم مصطفی حسینی، دایی سید محمد گیسو دراز بود. اجداد وی از مشهد به دکن مهاجرت کردند. بینش همان جا متولد شد و در شهر گلبر اقامت گزید و در آنجا به سرودن شعر پرداخت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۵۵/۹)، صبح گلشن (۷۶ -۷۵)، فرهنگ سخنوران (۱۶۱).

بی‌نشان

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، شاعر، متخلص به بی‌نشان. به ظاهر تخلص زنان شاعری اهل فارس است که از جزئیات احوال وی چیزی در دست نیست. تنها نسخه‌ای از «دیوان» غزلیات او مشتمل بر هزار و پانصد بیت موجود است که در آن بی‌نشان تخلص می‌کرده است

از «دیوان» وی دو نسخه در کتابخانه‌ی پاریس و ملی موجود است.[۱]

از زنان شاعر. وی احتمالاً ـ در قرن نهم هجری می‌زیسته است. مجموعه اشعار او تحت عنوان دیوان بی‌نشان همراه با دیوان جهان خاتون، به شماره ۱۱۰۲ در کتابخانه ملی پاریس موجود است.[۲]

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ نظم و نثر (۳۴۰)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۲۲۵۶/۳)، مشاهیر (۴۰ –۳۹).

[۲] منبع: فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ۲۲۵۶ /۳. نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۱۰۰۲ /۱۱ –۱۰.

بینوای بدخشانی، خلیل

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. مراحل سیر و سلوک را در خدمت پدرش به اتمام رسانید و به مدارج بلند دست یافت. شاه خلیل در زمان ابوالمنصورخان به دهلی رفت و در آنجا ساکن شد. این رباعی از اوست:

در صورت قطره‌ی سر بسر دریاییم

تو ذره مبین مهر جهان آراییم

گویند که کنه ذات حق نتوان یافت

ما یافته‌ایم اینکه کنهش ماییم

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۳۷)، الذریعه (۱۵۶ –۱۵۵ /۹)، ریاض العارفین (۴۴)، فرهنگ سخنوران (۱۶۱)، مخزن الغرائب (۳۹۳/۱).

بینوای شیرازی، کریم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۲۹ ق)، شاعر، متخلص به بینوا. وی طبعی سلیم داشت و در موسیقی نیز ماهر بود و آوازی خوش داشت. در شیراز وفات یافت و در دارالسلم دفن شد. از اوست:

گر ماه من از چهره نقاب اندازد

سر پیش ز خجلت آفتاب اندازد

بیتاب کند هزار دل چون دل من

در طره‌ی خود چو پیچ و تاب اندازد

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۲۷/۱).

بینوای مشهدی، داوود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۴۱ –۱۱۹۱ ق)، ریاضیدان، فقیه و شاعر، متخلص به بینوا. وی در مشهد زاده شد و دانش مقدماتی را نزد پدر و محمد تقی اصفهانی فراگرفت. او علم هیأت و نجوم می‌دانست و از ریاضیدانان نامی خراسان و صاحب کتابخانه‌ای بسیار بزرگ و ممتازی بود که در آن زمان در خراسان خیلی شهرت داشت. وی در مشهد درگذشت. از اوست:

چشم بیمار تو شد باعث بیماری دل

باز دارم من از آن چشم پرستاری دل

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :سفینهٔ المحمود (۵۷۹ –۵۷۷ /۲)، شرح حال رجال (۹۹ –۹۸ /۶)، فرهنگ سخنوران (۱۶۱)، مجمع الفصحا (۱۸۲/۴)، مصطبه‌ی خراب (۲۲ –۲۱)، نگارستان دارا (۶۲ –۶۱).

بیوکی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کتیبه‌نویس.

تولد: ۱۳۲۸، ق.، مشهد.

درگذشت: ۱۳۶۳.

محمدحسن بیوکی معروف به رضوان مدت سی سال نزد پدر خود به فراگیری اصول کتیبه‌نویسی و خطاطی پرداخته است.

وی دارای آثاری در زمینه‌های خطاطی، طراحی، کتیبه‌نویسی و نقاشی است که نمونه‌هایی از آن در صحن‌ها و رواق‌های امام رضا (ع) و در دانشگاه رضوی مشهد وجود دارد.

رضوان پیش از این که به خدمت آستان قدس درآید در خیابان تهران واقع در مشهد با برادران پیراسته و ارژنگ نگارستانی تشکیل داده بودند و بیشتر در خانه‌ها کار می‌کردند ولی حدود چهل و هفت سال قبل به آستان قدس رضوی آمد و مشغول کار شد. در این مدت وی طرح‌ها و کتیبه‌هایی را طراحی کرد که برای مثال می‌توان از کتیبه‌های دارالذکر و سر در موزه و گنبد اللهوردیان نام برد. وی همچنین در خط ثلث استاد بود.

رضوان علاوه بر خدمات خود در آستان قدس رضوی، کارهای هنری فراوانی در آستان‌های اصفهان، فارس و خراسان انجام داده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بیهقی خسروجردی، ابوبکر احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۵۸ /۴۵۴ –۳۸۴ ق)، فقیه شافعی، حافظ، محدث، مفسر و متکلم اصولی. ملقب به فخرالزمان. در خسروجرد بیهق متولد شد، و در همان جا نشو و نما یافت. وی به بغداد و کوفه و مکه سفر کرد و در نیشابور رحل اقامت افکند، در همان جا درگذشت و در بیهق دفن شد. ابوبکر در علوم گوناگون دارای دستی توانا بود. امام الحرمین گوید که: شافعی بر گردن تمام شافعیان حق دارد جز بیهقی، و این بیهقی است که با کثرت تصنیفاتش در حمایت مذهب شافعی بر او منت دارد. ذهبی گوید که اگر بیهقی می‌خواست قادر به تأسیس مذهب جدید بود. بیهقی از شاگردان ابو عبدالله حاکم نیشابوری و ابوالفتح ناصر مروزی و ابن فورک و ابو علی رودباری و عبدالله بن یوسف بن نامویه است. شیخ الاسلام ابو علی انصاری و ابو عبدالله فزاری و ابوالقاسم سحامی و ابوالمعالی محمد فارسی از شاگردان وی بوده‌اند. به خاطر گستردگی دانش و معرفتش به اختلاف، در حدود یکهزار ساله تصنیف کرد. از جمله‌ی آثار او: «السنن کبیر»، ده مجلد و «السنن صغیر»، دو مجلد، در حدیث؛ «دلایل النبوة»، در سه مجلد؛ «الجامع المصنف فی شعب الایمان»؛ «المبسوط فی نصوص الشافعی»، در ده مجلد؛ «الاسماء و الصفات»؛ «المعارف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۱۳/۱)، اعیان الشیعه (۵۶۹ –۵۶۸ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۷۴/۱)، دائرةالمعارف اسلامیة (۴۳۰ –۴۲۹ /۴)، روضات الجنات (۲۶۴ –۲۶۰ /۱)، ریحانه (۳۰۸/۱)، سرآمدان فرهنگ (۹۳/۱)، سیرالنبلاء (۱۷۰ –۱۶۳ /۱۸)، الکامل (۱۰۴/۸)، کشف الظنون (۲۰۵۱ ،۱۹۵۷، ۱۸۳۶ ،۱۷۳۹ ،۱۷۲۶ ،۱۶۲۱ ،۱۵۸۲ ،۱۴۵۵ ،۱۳۹۳ ،۱۳۹۱ ،۱۰۴۷ ،۱۰۰۷ ،۷۶۰ ،۷۲۱ ،۵۷۴ ،۴۰۰ ،۲۶۱ ،۱۷۵ ،۵۳ ،۹)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد بن حسین)، معجم البلدان (۴۲۴/۲)، معجم المؤلفین (۲۰۷ –۲۰۶ /۱)، الوافی بالوفیات (۳۵۴/۶)، وفیات الاعیان (۷۶ –۷۵ /۱)، هدیة العارفین (۷۸/۱).

بیهقی، ابوالحسن علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۵۶۵ –۴۹۰ ق)، مورخ، ادیب، محدث، فقیه، متکلم، ریاضیدان و حکیم. مشهور به ابن‌فندق و فرید خراسان. در سبزوار به دنیا آمد، اما آنچنان که خود بیان می‌کند اصلش به خزیمة بن ثابت که از مشاهیر اصحاب پیامبر (ص) بوده، می‌رسد. ابوالحسن ابتدا فقه و ادب آموخت و سپس به فراگیری علوم حکمت و حساب و نجوم پرداخت. بسیاری از استادان بزرگ عهد خود را در بیهق و نیشابور و مرو و سرخس و دیگر بلاد خراسان دیده و از محضر آنان استفاده کرده است، از آن جمله حکیم عمر بن ابراهیم خیام که وی شرحی از ملاقات خود را با وی در کتاب «تتمة صوان الحکمة» آورده است. او از مشایخ ابن شهرآشوب بود. وی کتب بسیاری تألیف کرده و نخستین کسی است که کتاب «نهج‌البلاغه» را شرح کرده است. یاقوت در «معجم الادباء» در ترجمه‌ی حال او از هفتاد و چهار تألیف وی با اسم و رسم نام می‌برد ولی متأسفانه از آثار فارسی او جز «تاریخ بیهق» و کتابی مختصر در احکام نجومی موسوم به «جوامع الاحکام» و از آثار عربی او: شرحی بر «نهج‌البلاغه» موسوم به «معارج النهج»؛ جلد اول از «لباب الانساب» و «تتمة صوان الحکمة»، در تاریخ حکما که ذیلی است بر «صوان الحکمة» سجستانی. مهمترین کتاب فارسی بیهقی «تاریخ بیهق» است؛ این کتاب در تاریخ و جغرافیای ناحیه‌ی بیهق و ذکر رجال علم و ادب، کتاب، سادات و خاندانهای مشهور آن ولایت است و مشحون به فواید تاریخی است.[۱]

ابوالحسن علی ابن زید مشهور به ابن فندق و فرید خراسان (ف. ۵۶۵ ه.ق.)، حکیم و ادیب و ریاضی‌دان معروف قرن ششم از جمله آثار اوست: تاریخ بیهق (ه.م.)، لباب الانساب، تفسیر نهج‌البلاغه، جوامع احکام النجوم (ه.م.)، معرفةالکرة و ذات الحلق و

الاصطرلاب، قواعد علوم الطب، مناهج الدرجات فی شرح کتاب النجات، تنبیه العلماء علی تمویه المتشبهین بالحکماء، عرائس النفایس فی اصناف العلوم، امثلهٔ الاعمال النجومیهٔ.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱]الاعلام (۱۰۱/۵)، ایضاح المکنون (۷۱۴، ۵۶۳، ۵۵۲، ۵۰۳، ۴۸۶، ۴۶۹، ۴۵۰، ۴۳۰، ۳۹۸، ۳۰۳، ۲۳۴، ۲۲۲، ۱۸۴، ۱۴۴، ۱۱۵، ۹۸، ۸۳، ۶۰ / ۲، ۵۹۹، ۵۶۶، ۵۴۸، ۴۶۶، ۴۶۲، ۴۰۶، ۳۷۳، ۳۶۳، ۳۲۶، ۳۰۰، ۲۵۰، ۲۳۲، ۱۹۲، ۱۸۰، ۱۵۴، ۱۳۰، ۱۲۵، ۱۲۳، ۱۰۷، ۹۷، ۹۲، ۸۳، ۷۴، ۶۶، ۶۵، ۵۳، ۳۶، ۳ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۹۶ -۹۹۳، ۳۱۲ -۳۱۱ /۲)، تاریخ بیهق (مقدمه)، تاریخ در ایران (۱۷ -۱۶)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمهٔ (مقدمه و ۷۲ -۷۱)، دائرهٔالمعارف الاسلامیهٔ (۴۳۱/۴)، الذریعه (۱۸۴ /۲۱ ۱۱۴، -۱۱۳ /۷، ۱۴۹ /۴)، ریاض العلماء (۳۸/۷)، ریحانه (۳۳۵ -۳۳۴ /۴)، سبک‌شناسی (۳۶۶ -۳۶۴ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۶۲ -۶۱ /۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۹۰ -۱۸۹ /۶)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۱۹ -۱۱۸)، کشف الظنون (۲۰۵۰، ۲۰۱۱، ۲۰۰۷، ۱۸۹۵، ۱۶۸۶، ۱۵۱۴، ۱۴۳۸، ۱۳۶۱، ۱۲۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۰، ۸۲۱، ۷۴۷، ۶۳۴، ۶۰۹، ۲۸۹)، لغت‌نامه (ذیل/ علی بیهقی)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۸ - ۲۵۷ /۴)، معجم الادباء (۲۴۰ -۲۱۹ /۱۳)، معجم المؤلفین (۹۷ -۹۶/۷)، هدیهٔ العارفین (۷۰۰ -۶۹۹).

بیهقی، ابوالقاسم اسماعیل

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم و پنجم ق)، لغوی، نحوی، فقیه و قاری. معروف به شمس بیهقی. ملقب به شمس الائمه. او جامع علوم و فنون بود و در مرو مسکن داشت. از آثارش: «نقض الاصطلام»؛ «سمط الثریا»، در معانی غرائب حدیث؛ کتابی در «لغت».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۶۷۵/۲)، معجم الادباء (۱۴۱ -۱۴۰ /۶)، معجم المؤلفین (۲۶۴/۲).

بیهقی، ابوالقاسم زید

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۱۷ ق)، فقیه و متکلم امامی. او پدر علی بن زید بیهقی، ابن‌فندق، صاحب «تاریخ بیهق»، شارح «النهج» است. ابوالقاسم بیهقی از مشایخ ابن شهرآشوب مازندرانی بوده است. از آثارش: «حلیهٔ الاشراف»؛ «لباب الالباب»؛ «حدائق الحدائق»؛ «مفتاح باب الاصول».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۲۷ -۱۲۶ /۷)، تاریخ بیهق (۲)، الذریعه (۲۸۰/۱۸، ۸۰/۷، ۲۸۳/۶)، ریحانه (۳۰۹/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۴ -۱۱۳ /۶)، فهرست منتجب‌الدین (۸۱).

بیهقی، ابوالقاسم، ابومحمد اسماعیل

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۰۲ -۳۲۸ ق)، فقیه حنفی. او در اصول و فروع حنفی مقتدای زمان خود بود. از آثار وی: «المجرد فی فروع الحنفیهٔ» به نام «الشامل»، در فروع فقه حنفی، در دو جزء؛ «الکفایهٔ الفقهاء»، مختصر شرح القدوری.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۸/۱)، کشف الظنون (۱۵۹۳، ۱۴۹۸، ۱۰۲۴)، هدیهٔ العارفین (۲۰۹/۱).

بیهقی، ابوجعفر احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۵۴۴ -۴۷۰ ق)، محدث، فقیه، مفسر و ادیب. معروف به بوجعفرک. وی اهل نیشابور بود. گروهی از نجبا همصحبت وی بودند و جماعتی نزد وی دانش فراگرفتند. او از ابونصر احمد بن محمد بن صاعد قاضی و ابوالحسن علی بن حسن بن عباس صندلی واعظ و دیگران سماع حدیث داشت. تاج‌الدین محمود بن ابی‌المعالی خواری، در مقدمه‌ی کتاب «ضالهٔ الادیب» می‌آورد که احمد بن علی بیهقی در ادب و قرائت امام بود و کتاب «صحاح» جوهری، در لغت را، پس از قرائت بر ابوالفضل احمد بن محمد میدانی، حفظ کرد. از جمله‌ی تألیفات او: «المحیط»، در لغات قرآن؛ «ینابیع اللغهٔ»؛ «تاج المصادر»، در لغت عرب؛ کتاب «المحیط بعلم القرآن».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۳۲۱ -۳۲۰ /۲)، دایرةالمعارف فارسی (۴۹۷/۱)، روضات الجنات (۲۷۰/۱)، سیر النبلاء (۲۰۸/۲۰)، کشف الظنون (۲۰۵۲ -۱۶۱۹ ،۲۶۹)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد بن علی)، معجم الادباء (۵۱ -۴۹ /۴)، معجم المؤلفین (۴/۲)، الوافی بالوفیات (۲۱۵ -۲۱۴ /۷)، هدیهٔ العارفین (۸۴/۱).

بیهودی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(شهادت پس از ۱۳۰۰ ق)، ادیب و شاعر. وی منسوب به بیهود از توابع قاین است. در قاین و سپس در مشهد به تحصیل پرداخت، آنگاه راهی نجف شد و تحصیلاتش را نزد استادان عصر، از جمله علامه شربیانی به پایان برد و بر اقران پیشی گرفت و به مقام اجتهاد رسید. پس از آن به دیار خویش بازگشت و به نشر حقایق اسلامی و اجرای قوانین کیفری اسلام پرداخت. وی با صوفیان طاووسیه زادگاهش به مقابله برخاست و این تقابل آنان را به خشم آورد تا حدی که شبانه به خانه‌اش درآمدند و او را در حالی که خفته بود با ضربات چاقو مجروح و سپس خفه کردند و همسر حامله‌اش را نیز با او کشتند و اموالش را به غارت بردند. وی در هنگام مرگ شصت ساله بود. از او «دیوان» شعری باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۳/۵)، بزرگان قاین (۱۳۶ -۱۳۵)، شهیدان راه فضیلت (۵۴۰ -۵۳۹)، معجم المؤلفین (۲۴۶/۲).

پا قلعه‌ای، اسدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا زین العابدین خاتون آبادی. عالم فاضل، در ریاضیّات و هیئت و نجوم مهارت اشته و در اصفهان، فارسی هیئت تدریس می‌نموده.

مادرش دختر میرزا احمد نیریزی خطّاط معروف است.

در سال ۱۳۶۰ وفات یافته، در اطاق غربی تکیه ی خاتون آبادی مدفون گردید.

مرحوم حسام الواعظین در مرثیه و تاریخ وفاتش گوید:

آن که بُد زنده روانش ز تولّای علی

وان که شد سر خوش و سر مشت ز صبهای علی

حاج سید اسداللّه که در مدّت عمر

همچو عمّار بُد او واله و شیدای علی

بود هم عالم و هم زاهد و همن روشندل

دل او طور و منوّر ز تجلّای علی

بهر تاریخ وفاتش ز وفا گفت حسام

شد بهشتی اسد اللّه ز اعطای علی

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

پاپلی یزدی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جغرافیا، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

پادشاه خاتون

قرن:۷

جنسیت:زن

ملیت:ایران

۶۹۴ ق، ملقب به صفوةالدین و مشهور به لاله خاتون از زنان عالم، فاضل، شاعر و فرمانروا. پدرش سلطان قطب‌الدین محمد (۶۵۵ ق) حاکم کرمان و مادرش عصمت‌الدین قتلغ ترکان معروف به ترکان خاتون بود. او فضایل و کمالات فراوان داشت. ناصرالدین منشی کرمانی در سمط العلی للحضرة العلیا- که بیست سال پس از مرگ پادشاه خاتون تألیف کرده- وی را زنی «عادله عاقله فاضله کریمه متفضله بلند نهمت والاهمت خوب صورت با طهارت و عفت» توصیف می‌کند. پدرش لباس مردانه بر تن او می‌کرد و وی را

سلطـان حسن شاه می‌نامیـد. درباره علت این کار گفته شـده که چون پادشاهان مغول عادت داشـتند دختران زیبا را از گوشه و کنار جمـع نموده و به دربـار خود می‌آوردنـد و پس از چنـدی آنهـا را به امرا و غلامـان خویش می‌بخشـیدند، از اینرو به این حیله دسـت یازیـد. اما پس از آنکه سـلطان قطب‌الـدین درگذشت ترکان خاتون به نیابت از طرف فرزند خردسالش حکومت کرد و برای تثبیت قـدرت خود، دخترش را به ازدواج اباقاخـان (۶۸۰ -۶۶۳ ق) درآورد. پادشـاه خـاتون پـانزده سال با اباقاخان زنـدگی کرد و پس از مرگ او، با پسرش گیخاتو- بنابر رسم مغولی- ازدواج کرد و به همراه او رهسپار روم گردید. بعد از مرگ ارغون خان (۶۹۰ -۶۸۳ ق)، گیخاتو پادشاه شد و لذا به ایران آمد و با اجازه همسـرش حکومت کرمان را در دست گرفت تا بدین وسیله انتقام مادرش را از برادرش سـیورغتمش بگیرد. پس از ورود به کرمان، برادر را به زنـدان افکنـد اما پس از چندی همسـرش کرد و چین و دخترش شاه عالم او را نجات دادند.

سیورغتمش به عنوان عرض حال به دربار گیخاتو رفت ولی پادشاه خاتون مأمورانی در طلب وی فرسـتاد و او را به کرمان آوردند و سپس به فرمـان پادشاه خاتون به قتل رسـید (۶۹۲ ق). دو سال بعـد گیخاتو درگذشت و بایدو، داماد سـیورغتمش و همسـر شاه عالم جانشـین او شد. کردوچین برای گرفتن انتقام همسـرش، حکومت کرمان را از دامادش گرفت و بدانسو رهسپار شد. پادشاه خاتون با بزرگـان شـهر مشورت کرد. برخی نظر دادنـد که وی و همراهـانش راه خراسـان پیش گرفته و به غـازان خان پناه آورنـد ولی برخی دیگر او را به ماندن در کرمان و تحصن در قلعه توصـیه کردند. چند روز بعد لشکر کردوچین به حومه‌ی کرمان رسـید. چند روزی به جنگ و جدال گذشت ولی اکثر امرا و بزرگان به نزد کردوچین رفتند. کردوچین به شـهر وارد شد. به دسـتور او پادشاه خاتون را با اهانت و خواری از قلعه فرود آوردنـد. و زنـدانی کردند و اموال وی و امرا و اعیانی که دسـتگیر شده بودند به غارت رفت. پس به اشاره کردوچین پادشاه خاتون را به قتل رساندنـد. او را در دهی به نام مسـکین، در نزدیک کرمان دفن کردند. پس از آنکه سـلطان مظفرالدین محمدشاه به حکومت کرمان رسـید دسـتور داد تا جنازه او را با تشریفات تمام به شهر آوردند و عزاداری رسمی برپا شد و در مدرسه مادرش ترکان خاتون دفن کردند.

پادشـاه خـاتون به علمـا و ادبـا توجه خاص داشت. به نوشته تاریـخ کرمان «در زمان سـلطنت او به کرمان، علما و فضـلا را رعایت و احترام می‌فرمود و غالب اوقات در مجلس او صـحبت علمی داشـته می‌شـد.» وی خط نسـخ را به زیبایی تمام می‌نوشت و شـعر را نیز نیکو می‌گفت. وی قرآن‌ها و کتابهای متعددی به خط خودش نوشت که پس از خودش در کرمان و دیگر ولایات موجود بوده و به گفته ناصرالدین منشی «بر فضل و هنروری و وفور کمال و دانشوری او دلیلی واضح است.»

در مـدت کوتاه سـلطنتش به عـدل و داد رفتار کرد و مـدارس و عمارات متعـددی بنا کرد و اوقافی برای آنها منظور نمود. از اشـعار اوست:

من آن زنم که همه کار من نکوکاری است

به زیر مقنعه من بسی کله‌داری است

درون پرده عصمت که تکیه‌گاه من است

مسافران صبا را گذر به دشواری است

نه هر زنی به دو گز مقنعه است کدبانو

نه هر سری به کلاهی سزای سرداری است

به هر که مقنعه‌ای بخشم از سرم گوید

همه جای مقنعه تاج هزار دیناری است

من آن شهم ز نژاد شهان الغ سلطان

ز ما برند اگر در جهان جهانداری است

جمال طلعت خود را دریغ می‌دارم

زآفتاب که آن شهر کو؟؟؟؟؟ است

همیشه باد سر زن به زیر مقنعه‌ای

که تار و پود وی از عصمت و نکوکاری است

از رباعیات اوست:

سیبی که ز دست تو نهانی رسدم

زو بوی حیات جاودانی رسدم

چون نار دلم بخندد از شادی آن

کز دست و کف تو دوستگانی رسدم

بر لعل که دید هرگز از مشک رقم

یا غالیه بر نوش کجا کردستم

جانا اثر خال سیه بر لب تو

تاریکی و آب زندگانی است بهم[۱]

(وف ۶۹۴ ق)، خطـاط و شـاعر، متخلص به لالـه خاتون. ملقب به صـفوهٔالدین. از مغولان ساکن کرمان بود. پـدرش حاکم کرمان و مـادرش ترکـان خـاتون بود. پس از مرگ پـدر، پادشـاه خـاتون به خواست مـادر خود بـا اباقاخـان ازدواج کرد و پـانزده سال با وی زنـدگانی کرد. پس از مرگ همسـرش، بنـابه رسم مغولی، با پسر اباقاخان، گیخاتو، ازدواج کرد و رهسپار روم شـد. بعـد از مرگ ارغون خان، گیخاتو پادشاه شد و پادشاه خاتون نیز به ایران آمد و با اجازه‌ی همسرش، پادشاهی کرمان را به دست گرفت. در زمان حکـومت، به قصـد انتقـام مـادرش، فرمـان قتـل برادر خـود، سیورغتمش، را صـادر کرد، ولی دو سـال بعـد که همسـرش، گیخـاتو،

درگذشت و داماد سیورغتمش، جانشین او شد، کردوچین، همسر برادرش، حکومت کرمان را به دست گرفت و پس از جنگ وارد کرمان شد و پادشاه خاتون را با خواری زندانی کرد و سپس به قتل رسانید. جسد وی را در مدرسه‌ی مادرش ترکان خاتون دفن کردند. او خط نسخ را به زیبایی تمام می‌نوشت و شعر را نیز نیکو می‌گفت. از آثار وی قرآن‌ها و کتابهای متعددی است با خط زیبا که پس از خودش در کرمان و دیگر ولایات موجود بود؛ مدارس و عمارات متعددی نیز بنا کرد و اوقافی برای آنها منظور کرد.[۲]

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :[۱] منابع: آتشکده آذر، ۳۵۹؛ «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره اول، ۵۲ –۵۰؛ از رابعه تا پروین، ۶۶ –۶۱؛ پشت پرده‌های حرمسرا، ۱۹۲ –۱۹۱؛ تاریخ ادبیات ایران، ۶۵۸ / ۳؛ تاریخ تذکره‌های فارسی، ۶۱۰ / ۱؛ تاریخ کرمان، تاریخ گزیده، ۵۳۴ –۵۳۳؛ تذکرةالخواتین، ۶۰؛ تذکره کاظم، ۵۸۲؛ جواهرالعجایب، ۲۸۹ ،۱۲۲ –۱۲۱؛ حدیقةالشعراء، ۲۱۹۰ / ۳؛ حدیقه عشرت، ۱۲ –۱۱؛ خیرات حسان، ۴۷ / ۳ ،۶۹ / ۱؛ الذریعه، ۹۳۸ ،۶۱۳ / ۹؛ ریاحین‌الشریعه، ۴۶ / ۵؛ ریاض‌الجنه، روضه پنجم، قسم دوم، ۹۰۸؛ ریاض‌العارفین، ۲۱۷ –۲۱۶؛ زنان سخنور، ۶۵ –۵۷؛ زن در ایران عصر مغول، ۱۰؛ سمط العلی للحضرة العلیا، ۷۹ – ۷۰؛ ستارگان کرمان، ۳۱۹؛ صبح گلشن، ۳۵۲ ،۱۴۷، صحف ابراهیم، حرف، عرفات العاشقین. لغت‌نامه دهخدا، الافکار، ۶۱۳ –۶۱۲، نقل مجلس. ک ۴۳ –۴۲.

[۲] از رابعه تا پروین (۶۶ –۶۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۵۸/ ۳)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۶۱۰/ ۱)، تاریخ گزیده (۵۳۴ –۵۳۳)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۴۲۶ –۴۲۴)، جواهر العجایب (۱۲۲ –۱۲۱)، حبیب السیر (۲۷۱ –۲۷۰/ ۳)، حدیقة الشعراء (۲۱۹۱ –۲۱۹۰/ ۳)، خیرات حسان (۴۸ –۴۷/ ۳ ،۶۹/ ۱)، الذریعه (۹۳۸/ ۹)، رباعی و رباعی‌سرایان (۲۰۰ –۱۶۴)، ریاحین الشریعه (۴۶/ ۵)، زنان سخنور (۶۵ –۵۷/ ۱)، ستارگان کرمان (۳۲۱ –۳۱۹)، صبح گلشن (۱۴۷)، کارنامه‌ی زنان (۴۶ –۴۴)، لغت‌نامه (ذیل/ پادشاه خاتون)، مجمع الفصحا (۷۳/ ۱)، مخزن الغرائب (۸۱۰ –۸۰۹/ ۴ ،۷۸/ ۲)، مشاهیر زنان (۴۳ –۴۱)، نشتر عشق (۴۹۷/ ۲).

پادشاه خواجه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به خواجه. او برادر شیخ علی خواجه شوقی بود. در بیشتر علوم، بخصوص در فن شعر و انشا مهارت داشت. نامه‌هایی که به سلاطین عثمانی می‌نوشتند به انشای او بود. وی به فارسی و ترکی در قالبهای مختلف قصیده و غزل و مثنوی شعر می‌سرود و در سرودن قصاید مصنوع مهارت داشت. قصیده‌ی مصنوعی در مدح عادلشاه سروده که بیشتر صنایع مشکل را مانند: اظهار، مضمر، مقلوب، مستوفی و معما را در آن آورده است. اشعار ترکی خود را برای ظهیرالدین بابر می‌فرستاد. مولانا خواجگی کاشانی و میرزا شاه نقشبندی از مریدان وی بوده‌اند. از آثارش: «دیوان» پادشاه خواجه به فارسی و ترکی؛ مثنوی «مقصد اطوار» در برابر «مخزن الاسرار» نظامی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۴۱ –۶۴۰)، منظومه‌های فارسی (۱۸۷).

پارسا

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۰ ق)، خطاط و شاعر. از کاتبان هرات بود. پارسا نستعلیق خفی را نیکو می‌نوشت و شعر نیز می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۵/۱)، خوشنویسان و هنرمندان (۴۵).

پارسا پژوه، داود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: صنایع چوب، دانشکده: منابع طبیعی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دیپلم مهندسی در رشته جنگل و مرتع از دانشکده کشاورزی کرج دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴، کارشناسی ارشد بیولوژی گیاهی (چوب‌شناسی) از شهر نانسی فرانسه در سال ۱۳۴۷ و دکترای مهندسی تکنولوژی چوب از فرانسه در سال ۱۳۴۹.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹، دانشیار دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۴ و استاد دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۳،استاد نمونه دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۱، استاد ممتاز دانشگاههای ایران در سال ۱۳۷۲.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

چوب‌شناسی، حفاظت چوب تکنولوژی چوب، استفاده از نی، نگهداری چوبهای واقع در آب، نگهداری تراورس چوبی، تیر چوبی، استاد راهنمای یک پایان‌نامه دکترا و ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

ابداع:

جایگزینی روش روپینگ بجای روش بتل در تأسیسات حفاظت چوب (روش حفاظت چوب).

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

تکنولوژی چوب، چوب‌شناسی، اطلس چوب (تشریح میکروسکوپی چوب).

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

چوب‌شناسی، حفاظت چوب و تکنولوژی چوب.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

پارسا تویسرکانی، عبدالرحمان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۸۸، تویسرکان.

درگذشت: ۲ فروردین ۱۳۶۹، تهران.

عبدالرحمن پارسا تویسرکانی متخلص به «پارسا» فرزند شیخ محمدرحیم رستگار (از نیای پارسا مجنون تویسرکانی)، علوم ابتدایی و متوسطه را در تویسرکان و مازندران و تهران (فارغ‌التحصیل دارالمعلمین مرکزی) به پایان رساند. سپس به تکمیل معلومات خود نزد استادان فن به تحصیل پرداخت.

پس از پایان تحصیلات، چندی به شغل آموزگاری در دبیرستان‌های تهران و مدرسه عالی سپهسالار پرداخت. مدتی نیز رییس تحقیق امنیه‌ی غرب بود، سپس به شرکت بیمه ایران رفت و تا زمان بازنشستگی (در سمت‌های مختلف و از جمله ریاست روابط عمومی شرکت، مسئولیت مجله‌ی «بیمه» و فعالیت در اداره‌ی انتشارات و مطبوعات بیمه‌ی ایران) در این شرکت کار می‌کرد. از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۹ منشی و نایب رییس انجمن ادبی ایران بود. مدتی نیز رییس انجمن ادبی ایران بود. علاوه بر اینها عضو دائمی و عضو هیئت مدیره فرهنگستان ایران نیز بود. پس از کودتای ۱۳۳۲ نیز مدت یک سال مشاور مطبوعاتی سپهبد اردشیر زاهدی (نخست وزیر) بود.

فعالیت مطبوعاتی‌اش را از سال ۱۳۰۹ آغاز کرد. ضمن خدمت مطبوعاتی خود، سردبیری مجله‌ی «معارف» و روزنامه‌ی «کرمانشاه» را به عهده داشت. با نام‌های «گل آقا»، «همشهری» و «شیخ ابوالپشم» نیز مطالب خود را امضا می‌کرد. وی به مناسبت‌هایی نشان‌های ۲۸ مرداد و تاجگذاری دریافت داشت و به کشورهای عربستان صعودی و کویت و بحرین و قطر و عراق نیز سفر کرد.

پارسا شاعری را از دوران جوانی آغاز کرد. شاعری غزلسرا بود و به ساختن قطعه و رباعی نیز می‌پرداخت. یکی از کارهای پارسا به نظم درآودن حکایت‌ها و مثل‌های اقوام مختلف دنیاست که قسمتی از آنها در مجله‌ی «گوهر» از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ به چاپ رسیده است. دیوان اشعار او که در حدود ده هزار بیت است هرچند به چاپ نرسیده ولی بیشتر اشعارش در جراید کشور به ویژه در مجله‌های «ارمغان» و «وحید» و «گوهر» و در مجله‌های کشورهای پارسی زبان افغانستان و پاکستان منتشر شده است. همچنین قطعه‌هایی از آثار منظم وی به وسیله پرفسور ایلسکی به زبان روسی و پرفسور مولوی به زبان انگلیسی ترجمه گردیده است.

فهرست تألیفات او به شرح زیر است: تصحیح و چاپ دیوان شاهزاده افسر سبزواری؛ تصحیح و چاپ دیوان رضی‌الدین آریتمانی؛ تصحیح دیوان عنصری؛ تاریخ تویسرکان؛ فهرست کتابخانه‌ی مدرسه‌ی عالی سپهسالار تهران؛ تصحیح مقدمه و چاپ قیصرنامه‌ی ادیب پیشاوری؛ رساله در شرح حال خاقانی و رساله در معرفت النفس و مقاله‌های انتقادی و اجتماعی در روزنامه‌ها و مجله‌های فارسی، مقدمه بر کتاب‌های مختلف از جمله کتاب رجال قم و بحثی در تاریخ آن. کتابی نیز درباره‌ی تاریخ تویسرکان تألیف کرده است که به چاپ نرسید.

(۱۳۶۹ –۱۲۸۸ ش)، نویسنده و شاعر، متخلص به مجنون. در تویسرکان متولد شد. پدر وی از شاعران و ادیبان نامور بود. پارسا علوم ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش و مازندران و تهران به پایان برد. از آن پس چندی آموزگار و مدتی رییس تحقیق امنیه‌ی غرب بود و سپس به شرکت بیمه‌ی ایران منتقل شد. از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۹ ش منشی و نایب رییس انجمن ادبی و عضو دایمی و عضو هیأت مدیره فرهنگستان ایران نیز بود. پارسا شاعری اجتماعی و غزلسرا بود. غزل را نیکو می‌سرود و در ساختن قطعه و رباعی توانایی داشت. آثارش در مجله‌ها و روزنامه‌ها چاپ می‌شد. از آثار او: تصحیح و چاپ «دیوان» شاهزاده افسر سبزواری؛ تصحیح و چاپ «دیوان» رضی‌الدین آرتیمانی؛ تصحیح «دیوان» عنصری؛ «تاریخ تویسرکان»؛ «تحریر هزار صفحه فهرست کتابخانه‌ی مدرسه

سپهسالار تهران»؛ تصحیح و چاپ «قیصرنامه» ادیب پیشاوری و همچنین مقالات متعددی در مجلات ادبی که به چاپ رسیده است. یکی از کارهای مهم و قابل توجه پارسا به نظم درآوردن حکایتهای آموزنده و مثل‌های اقوام مختلف دنیاست که قسمتی از آنها در دوره‌ی شش ساله‌ی مجله‌ی «گوهر» به چاپ رسیده است. «دیوان» اشعار او حدود ده هزار بیت است که تاکنون به چاپ نرسیده است.[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] سخنوران نامی معاصر (۷۱۳ –۷۰۸/ ۲)، کیهان فرهنگی (س ۷، ش ۲، ص ۵۶)، گلزار معانی (۲۴۴ –۲۴۲/ ۱).

پارسا، خواجه محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خواجه جلال الدین (یا شمس الدین) محمد بن محمد بن محمود الحافظ البخاری از بزرگان سلسله نقشبندیه و از اصحاب و خلفای خواجه بهاءالدین محمد نقشبند و از رجال معروف و منتقد دوران تیموری است. او به سال ۷۶۵ در بخارا زاده شد و چون از پیشروان نقشبندیه بود با عنوان خواجه خوانده شد و لقب پارسا را پیر و مرشدش خواجه بهاءالدین به او داد. خواجه محمد از عالمان جامع معقول و منقول بود و پس از مرگ خواجه بهاءالدین تا مدتی ریاست نقشبندیان با او بود. وی در سال ۸۲۲ در هنگام بازگشت از مکه در مدینه در گذشت و در همانجا مدفون شد.

از خواجه پارسا آثار متعددی به فارسی در شرح مسایل عرفانی بنابر طریقت نقشبندیان باقی مانده است که معروفترین آنها عبارتند از: فصل الخطاب– کتابی در شرح کلمات خواجه بهاءالدین نقشبند بنام انیس الطالبین و عده السالکین– رساله قدسیه– کتاب تحقیقات– تفسیر سوره فاتحه الکتاب– رساله کشفیه– شرح فصول الحکم و جر آن. همه این آثار به نثر خوب و روان پارسی نوشته شده است.

پارسا، داوود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

داوود پارسا

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۴/۱

زندگینامه علمی

پس از اتمام دوران دبیرستان و گذراندن دوره های زبان انگلیسی در موسسه شکوه تهران در سال ۱۳۵۵ و با قبولی در امتحانات کنکور و ورود به مجتمع دانشگاهی فنی و مهندسی در رشته برق عزم داشتم رشته ام را در دانشگاه پلی تکنیک (امیر کبیر فعلی) ادامه دهم که در سال ۱۳۵۷ انقلاب اسلامی رخ داد و تمامی دانشگاههای کشور تعطیل گشت.

در سال ۱۳۵۷ در کمیته امداد امام خمینی (ره) در قسمت تحقیق خانواده شهدا همکاری داشتم و در سال ۱۳۵۸ وارد آموزش و پرورش شدم و چندین سال در رشته دینی و زبان انگلیسی به تدریس مشغول شده و بعنوان مدیر مدرسه و همکاری با معاونت منطقه ۱۴ تهران مسئولیت پذیرفتم. از سال ۱۳۵۲ به بعد گرایش بیشتری به مسائل مذهبی و علاقه به مطالعه کتب دینی پیدا کردم و با حضور در مجالس سخنرانی آیات عظام مکارم شیرازی و سبحانی و مجتبی تهرانی و نوری و عبید زنجانی که هر کدام جلسات جداگانه ای در تهران داشتند بهره مند شدم.

در ابتدای انقلاب اسلامی با استاد علی صفایی حائری آشنا شدم که حاصل این آشنایی بینش جدیدی بود که نسبت به مذهب و دین در من ایجاد شد و با عمق بیشتری مسائل دینی را دنبال کردم و موجب ورود من به حوزه علمیه مجتهدی تهران در سال ۱۳۶۱ و سپس هجرت به قم در سال ۱۳۶۲ و ادامه تحصیل در حوزه علمیه قم گردید.

ادبیات را نزد اساتید : علوی طالقانی، مدرس افغانی، عرفان و اصول و فقه را نزد اساتید: فاضل ، محمدی ، محامی، محفوظی، موسوی تهرانی، پایانی، و آشیخ علی پناه و دروس خارج را نزد آیات عظام : وحید خراسانی، فاضل ، آشیخ جواد تبریزی ، مکارم شیرازی و علی صفایی حائری تلمذ نمودم. و چندین سال هم از محضر درس تفسیر آیهٔالله جوادی آملی بهره مند شدم. در طول دوران تحصیلات حوزوی کار تحقیق با گروهی از دوستان در موضوعات: تاریخ، عرفان، تعلیم وتربیت و روانشناسی و تفسیر را دنبال کردم.

از سال ۱۳۶۹ به بعد در دو مقطع تدریس و تبلیغ علوم اسلامی در دانشگاههای تهران و امیر کبیر و علم و صنعت و شریف و علامه و شهید بهشتی و خواجه نصیر الدین و شهید مدرس و علوم پزشکی و دانشگاه قم و در استانها دانشگاه بوشهر و شیراز و قزوین پرداختم و چندین بار بعنوان مبلغ و استاد نمونه از طرف نهاد رهبری در دانشگاهها انتخاب شدم. و همچنین در مدرسه امام خمینی(ره) و حوزه خواهران و دانشگاه باقرالعلوم(ع) قم به تدریس دروس حوزوی پرداختم.

پارسا، شمس‌الدین محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۸۲۲ ق)، مفسر، فقیه، نویسنده و صوفی. وی اهل بخارا و از اصحاب درجه‌ی اول خواجه بهاءالدین نقشبند و از اولاد عبدالله بن جعفر طیار بود. او نسبتش به حافظالدین کبیر، محمد بخاری می‌رسد. از مشاهیر عرفای سلسله‌ی نقشبندیه است. چون مردی پارسا و دانشمند بود، بهاءالدین وی را پارسا لقب داد. پارسا، کتب بسیاری در تصوف دارد که به شیوه‌ی تفکر و تحلیل ابن‌عربی از مسائل عرفانی، نزدیک است. وی همچنین در نقل حدیث نیز دست داشت و کرامات بسیاری را به او نسبت داده‌اند. در هنگام بازگشت از سفر حج، در مدینه درگذشت و او را در جوار مزار حضرت عباس (ع) به خاک سپردند. وی پسری داشت به نام خواجه حافظالدین ابونصر پارسا که او هم از مشایخ معروف نقشبندیه به شمار می‌رود. از آثارش: «فصل الخطاب لوصل الاحباب»، در محاضرات؛ «الفصول الستة»؛ «اربعون حدیثا»؛ «تفسیر القرآن العظیم»، در یکصد مجلد؛ «رساله‌ی قدسیه»؛ «عقاید حکیم ابوالقاسم اسحق بن محمد بن اسمعیل بن ابراهیم بن زید سمرقندی»؛ «انیس الطالبین و عدة السالکین»؛ «تفسیر سوره‌ی فاتحة الکتاب»؛ «رساله‌ی کشفیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۷۳/۷)، ایضاح المکنون (۱۹۱/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۸۳ -۴۸۲ /۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۸۱ -۲۸۰ ، ۲۲۱ -۲۲۰)، تذکرة الشعراء (۳۷۹)، حبیب السیر (۵ -۴ /۴)، الذریعه (۵۰ /۱۷ ،۲۳۳-۲۳۲ /۱۶)، رشحات عین الحیات (مقدمه ۱۱۱ - ۱۰۱ ،۸۸، ۴۴)، ریحانه (۳۱۰/۱)، طرائق الحقائق (۶۲/۳)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۸۲۳)، معجم المؤلفین (۳۰۰/۱۱)، نفحات الانس (۴۰۰ -۳۹۷)، هدیة العارفین (۱۸۳/۲).

پارسافر، غلامعباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۳۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: صنعتی اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی در رشته شیمی و متخصص ترمودینامیک آماری.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه صنعتی اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

متخصص ترمودینامیک آماری، بررسی سیستم‌های متراکم (سیالات مایع و سیالات متراکم در ماورای نقطه بحرانی و جامدات و مخلوطها)، محاسبه خواص ترمودینامیکی پدیده بی‌نظمی و بانظمی، معادله حالت، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۴ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ترمودینامیک آماری، شیمی عمومی مهندسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۱

زمینه علمی مقالات:

معادله حالت سیستم‌های بسیار متراکم، بررسی پدیده بی‌نظمی و بانظمی در جامدات و محاسبه خواص ترمودینامیکی آنها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

پازارگاد، بهاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۷ ق)، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر. در شیراز متولد شد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در مدرسه‌ی نظامی به

تحصیل فنون نظامی پرداخت و سپس به تدریس علوم طبیعی و ریاضی در دوره‌ی متوسطه مشغول شد و مدیریت مدرسه‌ی ابتدایی و متوسطه‌ی فارس نیز به او محول گردید. وی مؤسسه‌ی ورزش و باشگاه فوتبال و پیشاهنگی را تأسیس کرد، و به علت آشنایی با علم موسیقی و نت اروپایی سرودهای وطنی که برخی از آهنگهایش نیز ساخته خود او، و بعضی مطابق نغمه‌های اروپایی بود، برای محصلان ساخت. پازارگاد با گرفتن امتیاز مجله‌ی «پازارگاد» یک سال و نیم به انتشار این مجله در شیراز پرداخت، و روزنامه‌ی «خورشید ایران» را که قبلا در سال ۱۳۰۲ ش منتشر کرده و در سال ۱۳۰۳ ش توقیف شده بود، مجددا در سال ۱۳۲۱ ش انتشار داد. پازارگاد، علاوه بر نشر روزنامه و مجله، کتابهایی را هم منتشر کرد. برخی از آنها عبارت‌اند از: «سرود و ورزش»؛ «پنج قصیده»؛ «میکروسکوپ و میکروسکوپی»؛ «تعلیم و تربیت پیشاهنگی– اصول پیشاهنگی»؛ «آینده‌ی باختر»؛ «تاریخ فلسفه‌ی سیاسی»؛ «مکتبهای سیاسی»؛ «فلسفه‌ی نوین تاریخ»؛ «باده‌ی بی‌خمار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲۵۶ –۲۵۵ /۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۴۱ –۵۲۸ /۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۹۴ –۹۲ /۳)، سخنوران نامی (۶۹ –۶۰ /۱)، سخنوران نامی معاصر (۷۲۰ –۷۱۴ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۲۶ –۱۲۱ /۲).

پازنده، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: فنی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی و تخصص در زمینه شیمی فیزیک.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده فنی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شیمی فیزیک و الکتروشیمی، فرایندهای تهیه روغن نباتی و مارگارین، جلوگیری از پلیمریزاسیون هیدروکربورهای غیر اشباع، تهیه سیمان، جلوگیری از خوردگی، مطالعه در انتخاب مناسبترین ترکیب‌های سیلیکاتی برای تهیه چینی و دیرگدازها، جدا کردن ترکیبات شیمیائی روغن‌ها بر اساس کروماتوگرافی، استاد راهنمای دو پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

شیمی فیزیک و الکتروشیمی، شیمی تجزیه اسبابی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

مطالعات سینتیکی و اسپکتروگرافی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

پازوکی، شهرام

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شهرام پازوکی متولد تهران است.در سال ۱۳۳۵ در این شهر به دنیا آمده، تحصیلات متوسطه را به پایان رسانده و اواسط دهه ۵۰ در رشته فلسفه دانشگاه تهران قبول شده است.در میانه تحصیل وبا انقلاب فرهنگی وقفه ای در روند تحصیلی او ایجاد می شود، اما پازوکی که دلمشغولی جدی اوحوزه اندیشه بود بیدرنگ بعد از بازگشایی دانشگاه به ادامه تحصیل می پردازد و لیسانس فلسفه را درسال۱۳۶۳ از دانشگاه تهران می گیرد.اوفوق لیسانس فلسفه را نیز با پایان نامه ترجمه مقدمه و تفسیر کتاب عقل و وحی در قرون وسطی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دریافت کرده و دوره دکترا را نیز با عنوان پایان نامه سیر مابعدالطبیعه در غرب به تفسیر مارتین هایدگر در سال ۱۳۷۳از دانشگاه تهران گرفته است.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه ای : ـ پایان تحصیلات متوسطه در تهران ـ اخذ لیسانس فلسفه از دانشگاه تهران سال ۱۳۶۱ ـ دریافت فوق لیسانس فلسفه از دانشگاه تهران سال۱۳۶۷ ـ اخذ مدرک دکتری فلسفه از دانشگاه تهران سال ۱۳۷۳

خاطرات و وقایع تحصیل : از وقایع دوران تحصیل شهرام پازوکی میتوان به وقوع انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاهها اشاره کرد.
فعالیتهای ضمن تحصیل : شهرام پازوکی در خلال سالهای تحصیل علاوه بر آن،تدریس را نیز آغاز می کند.او از سال ۶۸ تا ۷۹ در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه تهران و شهید بهشتی درس داده است

فعالیتهای آموزشی : شهرام پازوکی از سال ۶۸ تا ۷۹ در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه تهران و شهید بهشتی و از سال ۷۹ تا کنون، دردوره های دکترای دانشگاه تهران(گروه فلسفه)، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه تهران (دانشکده هنرهای زیبا) در رشته های فلسفه اگزیستانس، فلسفه یونان و مسیحی، عرفان تطبیقی، الهیات تطبیقی ، الهیات مدرن، فلسفه هنر و زیبایی، فلسفه تطبیقی در مباحث وجود شناسی وجهان شناسی درس داده است. او همچنین ـ همکاری با دانشگاه تهران به عنوان مدرس دروس فلسفه غرب،عرفان،فلسفه هنر ـ همکاری با دانشگاه شهید بهشتی به عنوان مدرس دروس فلسفه غرب، عرفان، فلسفه هنراز سال ۱۳۶۷ تا سال ۱۳۷۵ ـ همکاری با مؤسسه حکمت و فلسفه ایران به عنوان عضو هیأت علمی ومدرس دروس فلسفه غرب،عرفان، فلسفه هنر ازسال ۱۳۷۳ تاکنون در کارنامه خود دارد.

آرا و گرایشهای خاص : شهرام پازوکی همچنان که حوزه های معرفت دینی و عرفان نظری را دنبال می کند،از تطبیق و تطابق آن با شرایط اکنون جوامع انسانی نیز غافل نمانده و دیدگاه های جالبی در این باره یافته است.او می گوید:«برخلاف ذهنیت اشتباه ما که بر این باور هستیم که تکنولوژی غربی بر همه شئون آنها سیطره دارد، غرب خود به واسطه تکنولوژی زدگی، به سمت عرفان و معنویت رفته است؛ زیرا به این نتیجه رسیده که این تکنولوژی نمی تواند برطرف کننده همه نیازهای انسانی، از جمله نیازهای وجودی و معنوی انسان باشد.اشتباه است که فکر کنیم تصور غربیان به واسطه اعمال تروریستی برخی حلقه های بنیادگرا مانند «طالبان»، نوعی بنیادگرایی است، چرا که جهان غرب بین این اعمال خشونت آمیز و روح معنوی عرفانی و پاک اسلام، تفکیک قائل شده است. حتی می توان گفت برداشت کلی آنها از اسلام، برداشتی انسانی و مسالمت آمیز است. غرب به دنبال فضای تکنولوژی زدگی که بر آن حاکم شده است، به دنبال مسکن آرامش دهنده ای است که نوعی آرامش باطنی داشته باشد؛ البته خود به خوبی نمی داند که به دنبال چیست، اما همین قدر می داند که این فضا ارضا کننده نیست و باید به دنبال پاسخ به سؤال های وجودی و معنوی خود باشد. غرب به خاطر این آشفتگی و این که نمی داند به دنبال چیست، به سمت ابتدایی ترین، مبتذل ترین تا متعالی ترین رهیافت های عرفانی رفته است، اما با این حال از سر این تکثر خود دارد به نوعی عرفان پی می برد که ریشه در ادیان دارد. بازخوانی و تدریس آثار عرفایی مانند«ملاصدرا»، «ابن عربی» و... و همچنین بزرگداشت هایی درباره عرفان اسلامی در غرب و استقبال طیف های مختلف مردم به این دست کارها، نشان می دهد غرب در پی دست یافتن به گم گشته خویش است. در آمریکا، چند سالی است که «مثنوی معنوی» جلال الدین مولوی پر تیراژترین کتاب است... غرب در یک کلام دوست دارد بیشتر از عرفان اسلامی بداند و این نشانه بازگشت آن به عرفان و معنویت اسلامی است» پازوکی از این منظر مسیرهای طی شده به وسیله اسلام شناسان غربی را نیز به خوبی زیر نظر گذاشته و مورد نقد و مداقه قرار داده است.اودرباره هانری کربن مستشرق و اسلام شناس معروف فرانسوی می گوید:«کربن که در مطالعاتش به روش هرمنوتیک و پدیدارشناسی متکی بود «معتقد شد» که تشیع باطن اسلام است.به اعتقاد کربن عالم معنوی ایرانی ای وجود داشته است که با ورود اسلام جان تازه ای گرفته است.

چگونگی عرضه آثار : آثار شهرام پازوکی علاوه بر همکاری با دایره المعارف تشیع در نگرش مداخل فلسفه اسلامی، نگارش مقاله های متعدد نظری در نشریه های تخصصی را نیز به چاپ رسانده. تأمل پازوکی در عرفان نظری در ایران او را با ادبیات و فرهنگ پیرامون عرفان نظری در ایران آشنا کرده و روحیه جست وجوگر او را به گنجینه ادبیات کلاسیک ایران نیز تعمیم داده است. او در یکی ازنشست های ماهنامه ادبیات و فلسفه درباره عطارسخن گفته و در همایش مولانا به اندیشه نظری او پرداخته و درباره محمود شبستری تحقیقات قابل توجهی کرده و خلاصه از این دریای بی کرانه اندیشه نیز غافل نمانده است پازوکی به زبان های انگلیسی، عربی وآلمانی تسلط و آشنایی دارد و بر اساس این تسلط وآشنایی است که دست به ترجمه مقاله ها و کتبی از این زبان ها به فارسی زده است. او در تدوین فرهنگ فلسفی غرب نیز همکاری داشته وترجمه مقاله های اصلی دایرهٔ المعارف فلسفی پل ادواردز در موضوع های مابعدالطبیعه و هستی شناسی را بر عهده داشته است.» پازوکی همچنین در موضوع هایی چون حکمت یونانی و مسیحی در عالم اسلام و مناسبات تاریخی و ماهوی تصوف و تشیع، دست به کار تألیف و تحقیقات فراوان زده است.او در کنار تدریس، تحقیق و تألیف از حضور در مجامع علمی حوزه کاری اش نیز غافل نمانده و در همایش ها و گردهمایی های مرتبط در داخل و خارج از کشور،حضور پررنگ داشته است.از آن جمله است شرکت در کنگره نقد فلسفی، دانشگاه علامه طباطبایی، عنوان مقاله: پرسش از فلسفه مسیحی، همایش هنر جدید، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، مقالات هنر جدید و مبادی فکری مدرنیسم، کنگره دکارت و فلسفه جدید، دانشگاه علامه طباطبایی، دکارت، مؤسس مدرنیته، کنگره فارس شناسی، دانشگاه شیراز، تصوف عاشقانه روزبهان بقلی شیرازی، دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم کرمان، بحران معرفت در معماری جدید، سمینار دین و فلسفه، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، عنوان مقاله: فلسفه مسیحی چیست؟،کنگره بین المللی شیخ اشراق، مقایسه میان سهروردی و هایدگر،کنگره نقد تجدد از دیدگاه سنت گرایان، سنت گرایی و بنیادگرایی،کنگره بین المللی ادراک بنا بر نظر ملاصدرا و مکاتب فلسفی غرب، دانشگاه لندن، کنگره بین المللی مولوی، دانشگاه استراسبورگ، کنگره بین المللی مولوی، دانشگاه لندن، کنگره بین المللی عطار، دانشگاه لندن، کنگره معنای صلح در اسلام و مذهب بودا، دانشگاه بانکوک، کنگره بین المللی شاه نعمت الله ولی، دانشگاه لایدن هلند و ... پازوکی همچنین با دایرهٔ المعارف تشیع همکاری مستمر داشته و حدود ۵۰ مقاله در مباحث عرفانی در جلد های ۱ تا ۵ این دایرهٔ المعارف نگاشته است. تأمل پازوکی در عرفان نظری در ایران او را با ادبیات و فرهنگ پیرامون عرفان نظری در ایران آشنا کرده و روحیه جست وجوگر او را به گنجینه ادبیات کلاسیک ایران نیز تعمیم داده است. او در یکی ازنشست های ماهنامه ادبیات و فلسفه درباره عطارسخن گفته و در همایش مولانا به اندیشه نظری او پرداخته و درباره محمود شبستری تحقیقات قابل توجهی کرده و خلاصه از این دریای بی کرانه اندیشه نیز غافل نمانده است : «آیا عطار در تذکره الاولیا ادیب بوده؟ در کتابی که به قول علامه قزوینی کتابی چون آن که دارای ۲صفت «سادگی و شیرینی» [به غایت] باشد

در ادبیات پارسی سراغ نداریم. به نظرمن ـ چنان که از متن تذکرهٔ الاولیا فهمیده می شود ـ قصد عطار از انشای این کتاب، احیا و یادآوری ایمان است. او به دنبال آن نیست که مشخص کند «شبلی» آن «کلوخ» را برحلاج زد یا نه، قاعده آن است که «حلاج را دردی آمد عظیم» چراکه «دیگران ندانستندی و زندی و او دانستی و زدی» عطار می اندیشد که «جنید حقیقی» کیست او را با «جنید واقعی» کاری نیست. نگرش او به جهان در این نقطه است که رقم می خورد می بالد و به ما می رسد. او درباره مولانا می گوید: «مولانا یکی از متفکران برجسته ایرانی است که می تواند در عرصه های جهانی مطرح شود. مولانا راه نجات انسان و سلوک الی الله را نشان می دهد و به واقع او نه تنها یک شاعر بلکه یک اندیشمند برجسته است .مثنوی تنهاً یک متن ادبی نیست بلکه فراتر از آن یک اثر عرفانی و استمرار تفکر غزالی در رابطه با «احیای علوم دین» است. مولانا نه اشعری است و نه معتزله، او انسانی است عارف که حصول معرفت بشری را از طریق عقل جزئی محال می داند.معرفت تقلیدی در اندیشه مولانا جایی ندارد، زیرا او قیاس و علم نقلی را اگر منطبق بر معرفت قدسی نباشد، نفی می کند. از منظر عرفانی و در تفکر مولانا ،همه علوم منشأ دینی دارند و هیچ علمی در نزد وی شایسته نیست، مگر این که راه رسیدن به خدا را به ما نشان دهد. تفکر مولانا تفکر کلی است و تنها مربوط به ایرانیان نیست؛ بلکه به کل جهان اختصاص دارد. این تصور وجود دارد که تأثیر و تأثرها تنها در عالم اقتصادی و سیاسی رخ می دهد؛ اما دقت نمی کنیم این مسأله در عالم تفکر شدید تر است؛ ولی پنهان.» بد نیست با دیدگاه های شهرام پازوکی درباره حصول به معرفت دینی در اندیشه ایرانی آشنا شویم: معرفت به حقیقت هستی از طریق علم حصولی ممکن نیست. بلکه معرفت حقیقی، معرفت حضوری است که بی واسطه است . عرفان بحث ادیان است. ادیان ابراهیمی ۲ شأن دارند؛ یک جنبه ناظر به احکام شریعت است که جنبه ظاهر است و جنبه ای است که شخص چون در عالم زندگی می کند باید قوانین و مقرراتی را رعایت کند و در مقابل جنبه شریعت، جنبه باطنی به اسم طریقت وجود دارد که یکی از اصطلاحات کلیدی عرفان اسلامی است . همانطور که جان برای تجلی و ظهورش نیاز به تن دارد، طریقت نیز برای تجلی نیاز به شریعت دارد . عرفان فقط در آسمان نیست. بلکه عرفان جنبه باطنی، طریقتی و معنوی همه ادیان است. از آنجا که ادیان از حیث معنا و حقیقت عرفان واحدی دارند، ادیان از وجه جنبه طریقتی با هم مشترکند، بنابراین شریعت مایه تکثر است .به همین دلیل در ادیان مختلف عارفان آن ادیان چون همدل هستند همزبان هم هستند و این هم زبانی موجب شده تفکر عرفانی خصوصیات خاص خود را داشته باشد.یکی از مشترکات عرفانی ادیان قول به حقیقت واحد هستی است و عالم مظاهر این حقیقت است یعنی اگر از حیث عرفانی، عرفان ادیان مختلف را نگاه کنیم متوجه می شویم عارفان در بحث از پیدایش عالم قائل به ظهور وتجلی هستند. یعنی عالم را جلوگاه حق می دانند و موجود آیت حق است. به عبارتی در عرفان میان خالق و مخلوق نسبت وجودی هست. ما در عرفان نظر تنها نداریم و نظر باید با عمل توام باشد و هیچ کس با خواندن فصوص الحکم عارف نمی شود و هیچ عارفی را سراغ نداریم که عرفان خوانده باشد ولی اهل عمل نباشد . ایران نسبت خاصی با عرفان و تصوف اسلامی پیدا کرده است . یعنی در تمام شئون فکری و اجتماعی ما تصوف و عرفان وجود دارد. مسیحیت به دلیل این که جنبه طریقتی بسیار غالبی دارد، دینی است که ماهیت عرفانی دارد، ولی در تاریخ مسیحیت آن چنان ظاهر بینی غلبه پیدا کرد که سخنگویان اصلی مسیحیت مطرود شدند و متکلمین مسیحی غلبه پیدا کردند .در میان فیلسوفان رمانتیک آلمانی مانند گوته بحث دین مطرح می شود .آنها بحث دین را به ماهو دین مطرح می کنند و نخستین پایه های اسلام شناسی و هنر شناسی را می گذارند. بحث تجربه دینی به عنوان جایگزین برای عرفان مطرح می شود و جنبه عقاید و کلام دین کنار می رود و همچنین مخالفت های فلسفه مدرن با دین کنار می رود و تأکیدی که روی تجربه می شود به گونه ای طرح مسأله عرفان است .در قرن بیستم بحث تجربه دینی و عرفانی مطرح می شود و در مقابل عده ای می گویند دین فقط تجربه دینی نیست. چون در عرفان تجارب، تجربه بر خاسته از حواس نیست بلکه احوال است. عرفان عین ذوقیات و تجربیات نیست و بالاتر از آن است .از حیث عرفانی احوال معرفت زاست. یعنی شما معرفتی نسبت به هستی پیدا می کنید اما در همه بحث تجربه دینی، مطرح شدن معرفت را نمی بینید. در ایران یک مشکل این است که هم می خواهیم عارفان مسلمان باشند و هم می خواهیم نباشند. ما هر وقت می خواهیم بحث جدی راجع به عرفان کنیم سراغ اسلام می رویم چون به محض این که صحبت از تفکر در اسلام می کنیم باید سراغ عرفان برویم و منابع فکری ما عرفا هستند.ایرانیان پرده از حقیقت معنوی اسلام برداشتند و آنچه در باطن اسلام است، نمایان کردند... ------------

---

آثار :

۱ تاریخ تصوّف از قرن هفتم تاکنون

ویژگی اثر : مقاله (دایرهٔ المعارف اسلام)

۲ تصوف علوی

ویژگی اثر : مقاله (مجله عرفان ایران)

۳ جامع الاسرار:جامع تصوّف , تشیع

ویژگی اثر : مقاله (مجله عرفان ایران-)

۴ دکارت مؤسس مدرنیته

ویژگی اثر : مقاله (مجله فلسفه دانشگاه تهران-)

۵ دکارت و پیدایش مفاهیم نو در هنر

ویژگی اثر : مقاله (مجله فرهنگستان هنر-خیال-)

۶ سیر مابعدالطبیعه در تاریخ فلسفه غرب

ویژگی اثر : کتاب (تهران-پژوهشگاه علوم انسانی)

۷ عرفان صراط مستقیم گفت وگوی ادیان

ویژگی اثر : مقاله (مجله پل فیروزه)

۸ عقل و وحی در قرون وسطی

ویژگی اثر : کتاب(تهران–پژوهشگاه علوم انسانی)

۹ فلسفه مسیحی چیست؟

ویژگی اثر : مقاله (مجله فلسفه دانشگاه تهران–

۱۰ کتاب خدا در فلسفه

ویژگی اثر : ترجمه کتاب (تهران–حقیقت)

۱۱ گفت وگو و فرا گفت وگو در اندیشه

ویژگی اثر : مقاله (مجله فلسفه دانشگاه تهران)

۱۲ معنای هنر و زیبایی در مثنوی

ویژگی اثر : مقاله (مجله دانشکده هنر های زیبای دانشگاه تهران–)

پاشا صالح، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

تولد: ۵ بهمن ۱۲۸۰، کاشان.

درگذشت: ۲ بهمن ۱۳۶۹، تهران.

علی پاشا صالح، فرزند میرزا حسن‌خان مبصرالممالک کاشانی، پس از گذرانیدن دوره‌ی مکتب و مدرسه‌ی ابتدایی در کاشان، تحصیلات متوسطه را در مدرسه‌ی آمریکایی تهران ادامه داد. سپس در مدرسه‌های تجارت و نظام به تدریس پرداخت. چندی هم رییس دارالترجمه وزارت مالیه و پس از آن به دعوت علی‌اصغر حکمت سرپرست اداره‌ی کل انطباعات وزارت معارف بود.

از زمانی که دانشگاه تهران تأسیس شد، در دانشکده‌ی حقوق به تدریس متون حقوقی به زبان انگلیسی پرداخت. از کارهای با ارزش او در این دوره ترجمه‌ی متن قانون اساسی ایران به زبان انگلیسی بود. ضمنا در مؤسسه وعظ و خطابه‌ی دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی تدریس آیین سخنوری و فن خطابه را بر عهده داشت.

آثار زیر از اوست: اصول تربیت جسمانی و حفظ الصحه (ترجمه، ۱۳۰۶)؛ آثار ایران (ویرایش مجلدی که سید محمدتقی مصطفوی ترجمه کرد، ۱۳۱۶)؛ آداب مناظره (۱۳۱۷)؛ آثار ایران (دفتر سوم، ۱۳۱۸)؛ کتاب انگلیسی دبیرستانی با همکاری عبدالله فریار (شش جلد، ۱۳۱۹)؛ تاریخ ادبی ایران (تألیف ادوارد براون، جلد اول، ۱۳۲۳، جلد دوم ۱۳۵۸)؛ سرگذشت قانون (مباحثی از تاریخ حقوق، ۱۳۳۵)؛ آداب سخن، اصول فن خطابه (۱۳۳۷)؛ قوه‌ی مقننه و قوه‌ی قضاییه– نظری به تاریخ حقوق ایران (۱۳۴۳). در سال‌های پایانی عمر به نگارش فرهنگ حقوقی پرداخت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

پاشایی راد، جلال الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکترجلال الدین پاشایی راد در سال ۱۳۲۴ در اراک متولد شد.ایشان دارای مدرک دکتری رشته فیزیک نظری از دانشگاه لندن می باشد.ایشان عضو هیئت علمی دانشگاههای شیراز و صنعتی امیرکبیر بوده، در حال حاضر مشاور تحقیقاتی شرکت لامپ پارس شهاب می باشد. کتاب"دینامیک کلاسیک ذرات و سیستمها "ترجمه،جلال الدین پاشایی راد(یکی از مترجمین) ، در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم پایهرشته : فیزیکگرایش : فیزیک نظریتحصیلات رسمی و حرفه ای : جلال الدین پاشایی راد پس از طی مراحل تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در سال ۱۳۵۰ لیسانس فیزیک را از دانشگاه شیراز اخذ کرد. دورهٔ فوق لیسانس را در سال ۱۳۵۵ در امپریال کالج دانشگاه لندن به پایان برد و دکترای خود را نیز در رشتهٔ فیزیک نظری از دانشگاه لندن دریافت داشت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : جلال الدین پاشایی راد عضو هیئت علمی دانشگاههای شیراز و صنعتی امیرکبیر بوده، در حال حاضر مشاور تحقیقاتی شرکت لامپ پارس شهاب می باشد. از دیگر فعالیتهای وی موارد ذیل را می توان نام برد. عضو سابق انجمن فیزیک انگلستان، عضو انجمن فیزیک ایران، از بنیانگذاران انجمن فیزیک ایران، پاکستان، ترکیه که بعدها به صورت انجمن منطقه ای درآمد، همکاری با مؤسسهٔ ترجمه و نشر کتاب، بنیاد دانشنامهٔ بزرگ فارسی و مرکز نشر دانشگاهی. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : جلال الدین پاشایی راد از بانیان انجمن فیزیک ایران می باشد.جوائز و نشانها : کتاب"دینامیک کلاسیک ذرات و سیستمها "ترجمه،جلال الدین پاشایی راد(یکی از مترجمین) ، در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : انتشار ۷ مقاله به زبان انگلیسی در مجلات معتبر بین المللی در زمینهٔ فیزیک ذرات بنیادی و ترجمهٔ بیش از ۱۳ عنوان کتاب که اغلب با همکاری دیگران صورت گرفته از آثار دکتر پاشایی راد است.

آثار : دینامیک کلاسیک ذرات و سیستمها ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «دینامیک کلاسیک ذرات و سیستمها»: دینامیک کلاسیک ذرات و سیستمها؛ جری ماریون، استیفن تورنتون؛ ترجم ?جلال الدین پاشایی راد، بهرام معلمی؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴. در کتاب دینامیک کلاسیک بیان جدید و نسبتاً کاملی از مکانیک کلاسیک ذرات، سیستمهای ذرات، و اجسام صلب ارائه شده است و به این منظور از نمادگذاری و اصطلاحات جدید بهره گرفته شده، همچنین مفاهیمی که در فیزیک نوین حائز اهمیت هستند مورد توجه خاص قرار گرفته اند. در آخرین ویرایش کتاب تغییرات عمده ای صورت گرفته است؛ ازجمله، حذف برخی از مباحث و جایگزینی مباحث جدید و کتابشناسی انتخابی و عمومی روزآمد. مثالهای جالب در این کتاب، موجب برتری آن از سایر کتب در این زمینه است. مکانیک از دروس پایه و اساسی فیزیک است و کتاب مزبور از این حیث جزو اولویتهای رشت خود قرار می گیرد. مترجمان محترم با ترجم روان این کتاب جامع و کامل، به نیاز دانشجویان کارشناسی، کارشناسی ارشد و مهندسی پاسخ داده اند.

پاشایی، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی پاشایی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد تقی پاشایی در فروردین سال ۱۳۳۷ هجری شمسی در شهر مقدس مشهد متولد گردید. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران گذراند و در سال ۵۷ موفق به اخذ دیپلم ریاضی گردید. ایشان در سال ۵۸ جهت تحصیل علوم حوزوی وارد حوزه علمیه اشتهارد شد و بعد از شش ماه در مدرسه علمیه برهان شهری ادامه تحصیل داد و از سال ۶۴ تا کنون در حوزه علمیه مقدسه قم مشغول تحصیل و تدریس و تحقیق می باشد.

پاشائی اول، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: خاک‌شناسی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای خاک‌شناسی و متخصص در پیدایش و طبقه‌بندی و شیمی خاک از کشور آلمان غربی.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پیدایش و طبقه‌بندی خاک و شیمی خاک، تثبیت تپه‌های ماسه‌ای و کویرزدائی، مسائل مربوط به شوری خاک، اثر بهره‌برداری از اراضی بر روی خصوصیات میکرومورفولوژیکی، مدل اراضی کشت صنعت نیشکر هفت تپه، بررسی تغییرات شرایط جوی از عصر قبل از تاریخ در ایران به کمک مطالعه خاکهای فسیلی، اثر نیشکرکاری بر روی خصوصیات فیزیکی و شیمیائی خاک، بررسی و نقشه‌برداری اراضی شمال اهواز، راوه تپه، گلی داغ و آق قلعه.

ابداع:

دستگاه اندازه‌گیری نفوذپذیری خاک در آلمان به نام Constantometer.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

زمین‌شناسی کشاورزی، فیزیک خاک، کویرهای ایران، سابقه تاریخی جنگلهای ایران.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۲

زمینه علمی مقالات:

مسائل مربوط به زهکشی اراضی و خصوصیات فیزیکی فیزیکو شیمیائی خاک، مسائل مربوط به شوری خاک، دینامیک آبهای زیرزمینی، حفاظت خاک و آبخیزداری، اثر بهره‌برداری متراکم از خاکها بر روی خصوصیات میکرومورفولوژیکی، اثر شوری خاک بر روی میزان محصول چغندر قند.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

پاک سرشت، محمدجعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آموزش و پرورش، دانشکده: علوم تربیتی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی روان‌شناسی از دانشسرای عالی تهران، کارشناسی ارشد روان‌شناسی از دانشگاه آمریکائی بیروت و دکترای روان‌شناسی و تعلیم و تربیت از دانشگاه ایلینویز آمریکا.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه علل خودکشی در استان خوزستان و مطالعات روانی– اجتماعی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

مبانی و نظریه‌های تعلیم و تربیت.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی:–

زمینه علمی مقالات:

مبانی تعلیم و تربیت، نظریه‌های تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزی درسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

پاک نیا، عبدالکریم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالکریم پاک نیا

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

او در سال ۱۳۴۱ در شهر تبریز به دنیا آمد و در سال ۱۳۵۴ بعد از اتمام تحصیلات دوره ابتدایی دروس جدید،وارد حوزه علمیه شد.پدرش حاج اسماعیل یکی از معماران متدین و عالم پرور آن شهر بود. عبد الکریم دروس مقدماتی حوزه و ادبیات عرب را،از اساتید آن زمان در مدارس علمیه طالبیه،صادقیه،حسن پادشاه و حاج صفر علی،فرا گرفت.با شتاب گرفتن انقلاب اسلامی ایران،در ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ در کنار دیگر طلاب درس را تعطیل،و همراه سایر اقشار مختلف جامعه به جمع انقلابیون پیوست.بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران به تحصیل ادامه داد تا اینکه در سال ۱۳۵۹ برای تکمیل تحصیلات خود در عرصهٔ علوم اسلامی،به شهر مقدس قم هجرت کرد.کتاب های مطوّل،حاشیه ملا عبد الله،شرح باب حادی عشر را نزد شیخ محمد علی مدرس افغانی و سید هاشم خوئی و شرح لمعه را در نزد شیخ علی پناه اشتهاردی و شیخ کریم ملّائی تبریزی خواند.

درس تفسیر قرآن را از آیات عظام دکتر صادقی طهرانی و جواد آملی و دروس سطح عالی فقه و اصول را از بزرگانی همچون آقایان شیخ احمد پایانی،شیخ مصطفی اعتمادی،آقا سید رسول طهرانی و منطق و حکمت را نیز از آیت الله شیخ یحیی انصاری شیرازی و شیخ حسن مجد آموخت. درس خارج فقه و اصول را از محضر حضرات آیات شیخ جواد تبریزی،شیخ حسین وحید خراسانی،شیخ حسین نوری،سید موسی زنجانی،شیخ مسلم ملکوتی و شیخ جعفر سبحانی بهره مند گردید. در کنار تحصیل از سال

۱۳۷۱ به تدریس ادبیات،معانی و بیان ، منطق ، فلسفه مقدماتی،فقه و اصول و سایر دروس سطوح عالی پرداخت.همچنین از سال ۱۳۶۶ تاکنون در عرصه تبلیغ به مناسب های مختلف در ۱۵ استان کشور به فعالیت های تبلیغی و خدمات در این وادی اشتغال داشته است.بالاخره در کنار این اشتغالات عمده ترین وقت خود را در عرصه پژوهش های علمی و تحقیقی در موضوعات مختلف دینی،تاریخی،تربیتی و اخلاقی- که بیشترین علاقه را داشت- صرف نمود.در این راستا،از رهنمودها و تشویق های استاد محمود مهدی پور بهره برد. حاصل تلاش های وی در قالب کتاب و مقاله،توسط ناشرین مختلف و یا در مطبوعات و رسانه های سراسری چاپ و منتشر شده است.مهمترین موضوعات این آثار عبارتند از:سیره و سخن پیشوایان معصوم(ع)،مناسبت های مذهبی،شرح حال شخصیت های تاثیر گذار در جهان اسلام،اندیشه های اهل بیت(ع) در مسائل اخلاقی ، عقیدتی ، تربیتی ، سیاسی ، فرهنگی و اجتماعی،مقالات قرآنی ، یاران اهل بیت(ع) و غیره.

پاک‌بین آورزمانی، قهرمان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۶ ق)، شاعر. در قریه آورزمان ملایر متولد شد. تحصیلات خود را نزد آخوند قریه گذراند، ولی نتوانست از علم و دانش بهره‌ی کافی برگیرد. هوش و استعداد سرشار وی باعث شد که از زشتیها و ناروائیهای اجتماعی با زبان شعر پرده بردارد. سرانجام در زادگاهش چشم از جهان فروبست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۲۸۴۰ -۲۸۳۴ /۴)، فرهنگ سخنوران (۷۴۹).

پاکپور، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی پاکپور

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم اقتصاد، در سال ۱۳۶۳ دروس حوزه را در مدرسه علمیه جلالیه آستانه اشرفیه آغاز نمودم.

سال ۶۴ برای ادامه تحصیل به قم آمدم و در مدرسه امام صادق(ع) (نیروگاه) پذیرفته شده به مدّت چهار سال دوره مقدّماتی را به پایان رساندم. ادامه تحصیل در مدرسه امام باقر(ع) (نیروگاه) و ورود به موسسه در راه حق همزمان با دروس موسسه، در سال ۷۳ دروس سطح حوزه را به پایان رساندم. بعد از دوره پنج ساله اول موسسه در راه حق، (موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی) در مقطع کارشناسی ارشد رشته دین‌شناسی پذیرفته شده و در طول مدت چهار سال پایان نامه خویش را به عنوان «وظیفه‌گرایی از دیدگاه کریستین ام کرسگارد» دفاع کردم. دو سال آخر دوره کارشناسی ارشد در گروه کارورزی فلسفه اخلاق موسسه زیر نظر استاد محمود فتحعلی فعالیت پژوهشی داشته‌ام، همزمان با کار پایان‌نامه در گروه اخلاق مرکز برنامه‌ریزی و تدوین کتب درسی نهاد فعالیت نموده و چند سالی است که به عنوان مسئول گروه اخلاق مشغول فعالیت هستم. بعد از اتمام دوره سطح حوزه چند سالی در درس خارج آیات عظام جوادی آملی، سبحانی، لاریجانی و... شرکت کردم. در طول سال ۸۵ با گروه اخلاق و تربیت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم در غالب پروژه اخلاق کاربردی، همکاری داشته و از فضای علمی آنجا بهره کافی برده‌ام. اکنون در ضمن فعالیت در گروه اخلاق مرکز تدوین نهاد رهبری، در رشته مدرسی معارف اسلامی گرایش اخلاق و عرفان اسلامی در مقطع دکتری مشغول به تحصیل می‌باشم.

پاکدل، بهروز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اقتصاد کشاورزی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد کشاورزی از ایران، دکترای اقتصاد کشاورزی از فرانسه.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مسائل اقتصاد کشاورزی بخصوص در مسائل تعاونیهای روستائی، مسائل ترویج کشاورزی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مسائل کشاورزی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

اقتصاد کشاورزی، فرهنگ و تعلیم و تربیت، تعاون.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

پاکدل، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن فرزند حاج میرزا عباس پاکدل از فضلاء و ائمه جماعت و مدرسین معاصر شیراز است. وی در سال ۱۳۱۱ شمسی در طبس به دنیا آمده و پس از خواندن دروس ابتدائی در سن ۱۷ سالگی به تحصیل علوم دینی پرداخته و مقدمات و ادبیات و تفسیر و اخلاق را در مدت هشت سال در حوزه طبس نزد اساتید آنجا مانند حاج شیخ محمد ابراهیم مجتهد نجفی و حاج شیخ محمدعلی امینیان مدرس و حاج شیخ غلامرضا نمائی و دیگران خوانده و بعدا به مشهد مقدس رضوی هجرت نموده و مدت هفت سال توقف و سطوح عالی را (رسائل و مکاسب و کفایه) و نیز مقداری از تفسیر و فلسفه و معقول و اخلاق را در خدمت حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج شیخ کاظم دامغانی و حاج میرزا جواد آقای تهرانی و حاج شیخ مجتبی قزوینی و سایرین تحصیل نموده و نیز مقداری از درس خارج آیت‌اللَّه میلانی استفاده کرده سپس عزیمت به قم و از محضر آیت‌اللَّه بروجردی و آیت‌اللَّه خمینی و سایرین بهره‌مند گردیده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف و حدود بیست سال در آن بلده طیبه اقامت و پس از مطالعه در دروس آیات عظام و مدرسین کرام آن سامان فقه و اصول آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظله العالی را اختیار و پس از شرکت در یکدوره اصول معظم له دیگر فقط به درس فقه معظم‌له حاضر و خود به تدریس سطوح اشتغال و در آن سامان به مصاهرت و دامادی مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ حسنعلی طوبائی شیرازی، موفق و در سال ۱۳۵۹ شمسی عزیمت به ایران نموده و مدتی در قم اقامت و برای صله ارحام و دیدن بستگان سببی خود به شیراز آمده و با اصرار آنان و دوستان دیگر عزم رحیل مبدل به اقامت و توطن در شیراز شده و پس از استحضار علماء بزرگوار شیراز مخصوص مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی و فرزند برومند و فاضلش حاج شیخ مجدالدین محلاتی ابراز خرسندی کرده و محل نمازش مسجد مولا را واگذار و به اقامه جماعت در آنجا در شبها و تدریس فقه و اصول و غیره پرداخته و در ظهرها در مسجد ساجدین دروازه کازرون امامت نموده و مسئولیت و اداره تدریس دو حوزه علمیه شیراز را به عهده گرفته و آنها از این قرار است:

۱- حوزه علمیه امام رضا علیه‌السلام مدرسه مقیمیه و مسجد مشیرالملک و مکتب مقدس حضرت زهرا علیهاالسلام به تدریس سطوح عالی اشتغال دارند.

۲- حوزه علمیه امام سجاد علیه‌السلام و مدرسه آقا قاسم مشغول می‌باشند.

مرحوم والدش حاج میرزا عباسعلی نیز از روحانیون خدمتگزار طبس و مورد وثوق و اعتماد و اطمینان مردم آن سامان بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

پاکدین، کامل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کامل پاکدین

محل تولد : مراغه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۷/۱

زندگینامه علمی

بنده از سال ۱۳۵۹ بمدت ۱۲ سال بصورت مستمر در مدرسه علمیه شهیدین قم تحصیل کرده و همزمان با تحصیلات حوزوی , دروس دانشگاهی را هم تا سطح کارشناسی به اتمام رساندم.حدود یک سال و نیم در باکو (آذربایجان شوروی سابق) مشغول تبلیغ بودم. بعد , یکسال در نهاد رهبری دانشگاهها , در قسمت بازرسی فعالیت داشتم بعد , حدود سه سال در مرکز دفتر تبلیغات اسلامی واحد سیره بعنوان محقق مشغول کار بودم.در جامعه الزهرا (سلام الله علیها) و دانشکده سپاه قم تدریس کرده ام . یکسال در دانشگاه معارف اسلامی و تاریخ تشیع تدریس داشتم و اخیرا "چهار سال است که در موسسه پژوهشی رای پرداز مشغول تحقیقات فقهی هستم.

پاکروان، روح‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: زیست‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

سال تولد: ۱۳۰۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: زیست‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

زندگینامه

شادروان دکتر سید روح‌اللّه پاکروان در سال ۱۳۰۱ شمسی در شهرستان خوی چشم به جهان گشود وی تحصیلات مقدماتی خود را تا کلاس دوم دبیرستان در زادگاه خود بانجام رساند و برای ادامه تحصیل به تهران عزیمت نمود و موفق به اخذ دیپلم علمی گردید. ایشان در سال ۱۳۲۹ به دریافت مدرک لیسانس در رشته فیتو پاتولوژی از انستیتوی آکرونومیک فرانسه گردید و در سال ۱۳۳۸ موفق به اخذ درجه دکترای میکروبیولوژی از دانشگاه سوربن فرانسه شد، و دوره‌ی تخصصی خود را در رشته‌ی ایزوتوپها و اثرات آن بر میکروبها در مرکز اتمی فرانسه در سال ۱۳۴۰ به پایان رساند.

وی از نخستین کسانی بود که محیطهای کشت میکروبی را در ایران با استفاده از امکانات محدود آنزمان تهیه نمود و شاگردان زیادی را نیز در این زمینه تربیت کرد. شادروان دکتر پاکروان همه‌ی عمر خود را به دانش‌اندوزی و مهمتر از آن انتقال سخاوتمندانه دانش به عاشقان عمل سپری نمود و سرانجام در روز اول شهریور ماه سال ۱۳۷۲ دار فانی را وداع گفت.

مدرس.

تولد: ۱۳۰۱، خوی.

درگذشت: ۱ شهریور ۱۳۷۲، تهران.

سید روح‌الله پاکروان تحصیلات مقدماتی خود را تا کلاس دوم دبیرستان در زادگاه خود به انجام رساند و برای ادامه‌ی تحصیلات به تهران عزیمت نموده و موفق به اخذ دیپلم عملی گردید.

وی در سال ۱۳۲۹ به دریافت مدرک لیسانس در رشته‌ی فیتوپاتولوژی از انستیتوی آکرونومیک فرانسه گردید و در سال ۱۳۳۸ موفق به اخذ درجه‌ی دکترای میکروبیولوژی از دانشگاه سربن فرانسه شد، و دوره‌ی تخصصی خود را در رشته‌ی ایزوتوپ‌ها و اثرات آن بر میکروب‌ها در مرکز اتمی فرانسه در سال ۱۳۴۰ به پایان رساند.

دکتر سید روح‌الله پاکروان از نخستین کسانی بود که محیطهای کشت میکروبی را در ایران با استفاده از امکانات محدود آن زمان تهیه نمود و شاگردان زیادی را نیز در این زمینه تربیت کرد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

پاکیاری، علی حیدر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شیراز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

پانوسی، استفان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اقتصاد، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

پایا، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر علی پایا در هشتم خرداد ماه سال ۱۳۳۲ ش. در تهران به دنیا آمد.ایشان دارای دکتری رشته فلسفه از دانشگاه لندن می باشد.نامبرده مدرس فلسفهٔ علم و تاریخ اندیشهٔ مؤسسهٔ اسلامی در لندن بوده و هم اکنون به عنوان استاد مدعو در دانشگاه تربیت مدرس فعالیت دارد. کتاب "فلسفهٔ تحلیلی: مسائل و چشم‌اندازها "تالیف علی پایا ، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی پایا تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در تهران سپری کرد. سپس وارد تحصیل در مقاطع دانشگاهی شد و لیسانس برق را از دانشگاه صنعتی شریف و فوق لیسانس فلسفه را از دانشگاه تهران اخذ نمود. وی جهت ادامهٔ تحصیل عازم لندن شد و موفق به دریافت فوق لیسانس فلسفه و تاریخ علم و ریاضیات و همچنین دکترای فلسفه از دانشگاه لندن گردید.

استادان و مربیان : علی پایا فلسفهٔ اسلامی را در محضر اساتیدی چون مرحوم آیت‌الله مطهری و مرحوم آیت الله حائری گذرانده است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر پایا در مشاغل مختلف اجرایی، پژوهشی و آموزشی خدمت نموده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود: عضو هیئت علمی و سرپرست گروه علم و فناوری و جامعه، پژوهشگر و مؤلف کتابهای تاریخ و فلسفه مرکز تحقیقات و تألیف کتب درسی وزارت آموزش و پرورش، مدرس فلسفهٔ علم و تاریخ اندیشهٔ مؤسسهٔ اسلامی در لندن، استاد مدعو دانشگاه تربیت مدرس.

جوائز و نشانها : کتاب "فلسفهٔ تحلیلی: مسائل و چشم‌اندازها "تالیف علی پایا ، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ----------------------------
----

آثار :

۱ اسطوره چارچوب در دفاع از علم و عقلانیت

۲ ترجمهٔ فارسی کتاب فرگه، هانس اسلوگا

۳ جنبه‌های اخلاقی تحقیقات در حوزهٔ سلولهای بنیادین

۴ فلسفهٔ تحلیلی: مسائل و چشم‌اندازها

ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب فلسفهٔ تحلیلی: مسائل و چشم‌اندازها فلسفهٔ تحلیلی: مسائل و چشم‌اندازها / علی پایا. – تهران: طرح نو، ۱۳۸۲. ۷۹۷ ص. – (فلسفه و فرهنگ). کتابنامه. – ۶۹۵ – ۷۳۶. ۱. فراتجدد – جنبه‌های اجتماع. ۲. علوم اجتماعی – تحقیق. الف. عنوان. فلسفهٔ تحلیلی یکی از شاخه‌های مهم و اثرگذار فلسفه معاصر است که در ایران نیز با اقبال و توجه فراوان از سوی پژوهندگان و علاقه‌مندان به مسائل فلسفی مواجه است. این کتاب کوششی درخور و شایسته در جهت معرفی «واقع نمایانه» فلسفهٔ تحلیلی به خوانندگان فارسی زبان است. شاکلهٔ اصلی کتاب فلسفهٔ تحلیلی مجموعه مقالاتی است که نویسنده آنها را دربارهٔ موضوعاتی که با فلسفهٔ تحلیلی ربط و نسبتی مستقیم یا غیر مستقیم دارند به نگارش درآورده است و در هریک از آنها جنبه‌ای خاص از این روش خاص فلسفی را مورد بحث قرار داده است. برای ایرانیان که در میان بسیاری از ملل و اقوام به داشتن ذوق و فطانت فلسفی ممتازند و در پی‌اندازی بنای رفیع یک نظام فلسفی ویژه سهمی اساسی ایفا کرده‌اند، آشنایی دقیق و نقادانه با فلسفهٔ تحلیلی، امری لازم و مفید است. در مقالهٔ نخست این مجموعه با عنوان «فلسفه تحلیلی چیست؟» ضمن ارائه توضیح دربارهٔ برخی رهیافت‌های نادرست که در تحدید حدود فلسفه تحلیلی اتخاذ شده، این پرسش مورد بحث قرار گرفته که آیا ارتباط میان اجزای این نظام فلسفی از نوع شباهت خانوادگی و بنابراین اعتباری و عرضی است یا آنکه رشته‌ای واقعی و اصیل موجب وحدت این اجزا می‌شود. «نگاهی اجمالی به سیر تحولات تاریخی فلسفهٔ تحلیلی» که به دلالت عنوانش به نهضت فکری فلسفهٔ تحلیلی به مثابهٔ یک رویداد خاص در تاریخ اندیشه نظر کرده، مکمل مقالهٔ نخست است که به چیستی این پدیدار نظر داشته است. مقالهٔ «فلسفه از دید من» نگاه خاص یکی از فیلسوفان نامبردار تحلیلی را به موضوع کاوش‌های خود توضیح می‌دهد. مقالهٔ چهارم به بررسی نتایجی اختصاص یافته است که از آموزه‌های فلسفی ویتگنشتاین (به عنوان یکی از برجسته‌ترین چهره‌های فلسفهٔ تحلیلی) متأخر برای پژوهش‌های حوزهٔ علوم اجتماعی حاصل می‌شود. مقالهٔ «کارنپ و فلسفهٔ تحلیلی» به تفصیل چشم‌انداز تکاپوهای فکری یکی از تأثیرگذارترین فیلسوفان تحلیلی را پیش روی خواننده قرار می‌دهد. در مقالهٔ «جایگاه مفهوم صدق در آرأ فوکو» ارتباط مفهوم صدق با دیگر مفاهیم و عناصر اساسی نظام فکری وی همچون قدرت، معرفت، باستان‌شناسی آرأ و اندیشه‌ها و تبارشناسی مفاهیم از منظر فلسفهٔ تحلیلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. مقالهٔ هفتم به بررسی «شهود» و موقعیت آن در فلسفهٔ تحلیلی معاصر اختصاص یافته است و در آن پس از بحث مختصری دربارهٔ معانی مختلف «شهود» امکانِ یافتن وجه مشترکی میان دیدگاه‌های قدیم و جدید درباره شهود مورد بررسی قرار گرفته است. در مقالهٔ «نقش آزمایش‌های فکری در کاوش‌های علمی و فلسفی » پس از بحث تفصیلی دربارهٔ ماهیت آزمایش‌های فکری، کوشش شده است تا حدود معرفت بخشی این هستارهای ذهنی را روشن سازد

۵ فلسفه‌های بهداشتی و فلسفه‌های غیر بهداشتی ایران

۶ فناوریهای نو (نانو، بایو، اینفو) و فرهنگ

۷ کارگاه بین المللی یک روزه اسلام و دموکراسی

۸ گفت و گو در جهان واقعی

پایانی اردبیلی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عمده الفضلاء الفخام و العلماء الاعلام آقای حاج شیخ احمد پایانی در سال ۱۳۴۶ قمری در شهرستان اردبیل متولد شده و بعد از اتمام فارسی و طی مقدمات در مدرسه ملا ابراهیم اردبیل در سال ۱۳۶۶ به قم آمده و سطوح عالیه را نزد اساتید معظم قم خوانده و خارج مکاسب را از مرجع عالیقدر مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حجت قدس‌الله سره استفاده نموده و پس از فوت آن مرحوم به درس آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر شده و یک دوره درس خارج اصول مرحوم آیت‌الله آقا سید محمد محقق یزدی معروف به داماد را فراگرفته و اکنون به تدریس فقه و اصول و مباحثات خصوصی اشتغال دارند.

وی از فضلاء متین و مدرسین خلیق و باتقوای حوزه علمیه است که علم خود را با حلم و ورع قرین ساخته است.

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۲۹۶(۵ رمضان ۱۳۴۶ ق.)، اردبیل.

درگذشت: ۶ اسفند ۱۳۷۵، قم.

آیت‌الله احمد پایانی اردبیلی در حدود پنج سالگی به مکتبخانه رفت و خواندن قرآن مجید و فنون تجوید و قرائت و متون فارسی چون گلستان و نصاب‌الصبیان را فراگرفت و پس از آن در مدارس دولتی تحصیلات ابتدایی را آموخت. در سن چهارده سالگی به مدرسه علمیه‌ی ملاـ ابراهیم شتافت و به خواندن ادبیات عرب پرداخت و به لباس روحانیت ملبس شد. در اوایل سال ۱۳۶۶ ق. به مقصد ادامه‌ی تحصیل به حوزه‌ی علمیه‌ی قم آمد و به تحصیل سطوح فقه و اصول پرداخت و مکاسب را نزد آیت‌الله مجاهدی و رسائل را در محضر آیت‌الله سلطانی طباطبایی و کفایهٔ الاصول را هم در درس آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی فراگرفت.

آیت‌الله پایانی اردبیلی همزمان با ادامه‌ی تحصیل، به تدریس کتابهای حاشیه ملا عبدالله و معاصم الاصول پرداخت. وی در سال ۱۳۷۰ ق. به درس فقه آیت‌الله حاج سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای حاضر شد و پس از آن در درسهای فقه و اصول آیت‌الله العظمی بروجردی و سپس در درسهای فقه و اصول آیت‌الله سید محقق داماد شرکت جست و مبانی عملی خویش را استوار ساخت. استاد حدود پنجاه سال به تدریس کتابهای مهم فقه و اصول پرداخت.

آیت‌الله پایانی اردبیلی از بدو شروع مبارزات مرجعیت و روحانیت به رهبری امام خمینی (ره) علیه رژیم ستم شاهی، به پیکار با نظام پهلوی پرداخت. پس از انقلاب اسلامی نیز از تأیید و پشتیبانی مواضع حضرت امام دریغ نکرد. از اشتغالات دیگر ایشان شرکت مستمر در جلسه دیرین تفسیر قرآن کریم بود که با حضور جمعی از بزرگان و دانشمندان تشکیل می‌شدند.

آیت‌الله پایانی به غیر از تدریس متوالی، در ایام تعطیلی حوزه‌ی علمیه‌ی قم رخت سفر برمی‌بست و برای تبلیغ شعایر دین به نقاط دیگر هجرت می‌کرد و به راهنمائی مردم و اقامه جماعت می‌پرداخت و این تا سالیان پایان عمرش ادامه داشت. او دارای اجازه‌ی نقل حدیث و امور حسبیه از استادش آیت‌الله حجت بود.

تألیفات ایشان عبارتند از: تقریرات درس فقه آیت‌الله حجت کوه‌کمره‌ای (بحث بیع)؛ تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی بروجردی؛ فهرست جامع الشتات میرزای قمی؛ شرح مکاسب به نام «ارشاد الطالی الی حقایق المکاسب» از اول مکاسب محرمه تا اواسط خیارات؛ حاشیه کفایهٔ الاوصل؛ حاشیه‌ی مکاسب (که حاشیه بر مکاسب محرمه (در یک جلد) و حاشیه بر بیع در دو جلد به چاپ رسیده است)؛ «رسالهٔ فی احکام الاراضی و اقسامها» که در مجموعه‌ی مقالات کنگره‌ی شیخ انصاری به چاپ رسیده؛ «رسالهٔ فی بیع الفضولی» که در مجموعه مقالات کنگره‌ی محقق اردبیلی به چاپ رسید. آنچه از تقریرات ایشان به چاپ رسیده است، عبارتند از: در کلاس درس مکاسب (شرح قسمتی از مکاسب محرمه در سه جلد، نوشته آقای رضا محمودی)؛ در محضر شیخ انصاری (نوشته جواد فخار طوسی؛ در این کتاب مکاسب محرمه در نه جلد، و نیمی از بیع در هشت جلد و اکثر خیارات در نه جلد شرح گشته و همه آنها نیز به چاپ رسیده است.)

آیت‌الله پایانی اردبیلی سرانجام در تاریخ یک شنبه ششم اسفند ماه ۱۳۷۵ در هفتاد سالگی جان سپرد. پیکرش پس از تشییع و نماز آیت‌الله شبیری زنجانی بر آن، در جوار مرقد استادش آیت‌الله سید محقق داماد- که در صحن حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

پاینده، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر پاینده

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب جعفر مشهور به پاینده فرزند حسنعلی پس از گذراندن دروس مکتبی در سال۱۳۴۴ به حوزه علمیه الحجه در نجف آباد وارد شدم و در مدت یک سال و نیم دروس مقدمات و سیوطی و مغنی و منطق را نزد مرحوم حاج شیخ غلام حسین منصور و مرحوم حاج آقا محمود مدرس و دیگر اساتید گذراندم . این مدرسه در آن زمان تحت نظر مرحوم حاج شیخ عباس ایزدی بود و بعضی دروس را شخص ایشان عهده دار بودند. پائیز سال ۱۳۴۶ به حوزه علمیه قم آمدم و در مدرسه حاج ملاـ صادق در چهار مردان که تحت نظر مرحوم آیت الله گلپایگانی بود، دروس معالم و مختصر و حاشیه و منطق و ... را نزد آقایان امینی و حاج حسن آقا تهرانی و آدینه وند خواندم و در سال تحصیلی ۱۳۴۷ به مدرسه حقانی تحت مدیریت مرحوم شهید قدوسی وارد شده و دنباله درس معالم و مختصر را نزد آیات : جنتی و خزعلی خوانده و دروس سطح عالی را به ترتیب نزد این آقایان گذراندم؛ حضرات آیات: مرحوم حرم پناهی و آیت الله محمدی گیلانی، درس لمعه آیت الله مومن قمی، درس اصول فقه آیت الله آذری قمی ،درس رسائل شیخ مرحوم آیت الله احمدی میانجی ،درس مکاسب آیت الله یوسف صانعی، درس کفایه آیت الله جوادی آملی، درس بدایهٔ الحکمه آیت الله حسن زاده آملی، درس هیئت و کلیله و دمنه آیت الله دکتر احمد بهشتی، درس انشاء و نویسندگی آیت الله شهید قدوسی ،درس اخلاق و عروهٔ الوثقی آیت الله شهید مفتح و آیت الله انصاری شیرازی ،درس منظومه منطق آیت الله مصباح یزدی ،ضمناً دروس متفرقه دیگری هم مثل مکالمه عربی ، تجوید قرآن و معلومات عمومی تا حد دیپلم در زمینه طبیعی، زبان انگلیسی و تشریح کالبد بدن انسان وجود داشت که از دبیران فرهنگی استفاده می شد. نزدیک پنج سال دروس یاد شده در مدرسه حقانی گذرانده شد و از سال ۵۲ که اوج اختناق در زمان شاه بود ، بنده از مدرسه حقانی به مدرسه خان و حجتیه آمدم و سه سال تحت تعقیب ساواک شاه قرار گرفتم و همواره در مسافرت و متواری بودم .سال ۵۵ و ۵۶ در خارج کشور (سوریه و لبنان و کویت و ...) به سر میبردم و بیشتر اعلامیه های امام را در بین ایرانیان زائر و زوار حج پخش می کردم (با جمعی از دوستان).در این پنج سال از نظر دروس حوزه وقفه ای ایجاد شد.

اساتید دروس خارج یا عالی از سال ۱۳۶۰ : درس اسفار اربعه تا آخر نزد آیت الله جوادی آملی ،قسمتی از اشارات نزد آیت الله حسن زاده آملی،عرفان نظری درس فصوص قیصری نزد آیت الله حسن زاده آملی ،درس تمهید القواعد نزد آیت الله جوادی آملی،درس خارج اصول نزد آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله صانعی ،درس خارج فقه زکات و مکاسب محرمه و ولایت فقیه نزد آیت الله منتظری ،درس خارج قسمتی از طهارت و صلوهٔ نزد آیت الله تبریزی ،نوارهای درسی برهان شفا از استاد مصباح یزدی.

پاینده، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود پایندهٔ لنگرودی در سال ۱۳۱۰ خورشیدی در شهرستان لنگرود به دنیا آمد.استاد سالهاست که به عنوان گرافیست و خوشنویس به خدمات هنری و فرهنگی اشتغال دارد و روزگار را به پژوهش در فرهنگ و تاریخ سرزمین کهنسال گیل و دیلم سپری می‌کند. کتاب" فرهنگ گیل و دیلم " محمود پایندهٔ لنگرودی ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمود پایندهٔ لنگرودی دورهٔ تحصیلات دبستان و دبیرستان را در زادگاه خود به پایان برد و در سال ۱۳۳۲ راهی تهران شد و همکاری با مطبوعات را آغاز کرد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمود پایندهٔ لنگرودی سالهاست که به عنوان گرافیست و خوشنویس به خدمات هنری و فرهنگی اشتغال دارد و روزگار را به پژوهش در فرهنگ و تاریخ سرزمین کهنسال گیل و دیلم سپری می‌کند.

جوائز و نشانها : کتاب" فرهنگ گیل و دیلم " محمود پایندهٔ لنگرودی ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. --

آثار :

۱ آیین‌ها و باورداشتهای گیل و دیلم

ویژگی اثر : بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۵

۲ خوئینه‌های تاریخ دارالمرز (گیلان و مازندران)

ویژگی اثر : (در دست چاپ)

۳ دکتر حشمت جنگلی

ویژگی اثر : انتشارات شعله اندیشه – ۱۳۶۸

۴ فرهنگ گیل و دیلم

ویژگی اثر : امیرکبیر ۱۳۶۷–این کتاب در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است

۵ قیام غریب شاه گیلانی
ویژگی اثر : انتشارات سحر ۱۳۵۷
۶ گل عصیان
ویژگی اثر : مجموعهٔ شعر ۱۳۳۶
۷ گیلان در شعر شاعران و مجموعهٔ شعر (فارسی)
ویژگی اثر : (در دست چاپ)
۸ لیله کوه
ویژگی اثر : شعر گیلکی ۱۳۵۸
۹ مثلها و اصطلاحات گیل و دیلم
ویژگی اثر : بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۲
۱۰ مجموعهٔ مقالات گیلان‌شناسی
ویژگی اثر : (در دست چاپ)
۱۱ یَه شُو بو شَئوم روخُئونَه
ویژگی اثر : شعر گیلکی – ۱۳۵۸ --

منابع :
۱www.ketabesal.ir

پاییزی نسوی، مجدالدین محمد

قرن:۶
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز ۶۰۰ ق)، شاعر. از شاعران عهد سلطان اسکندر خوارزمشاه بود. از آثار وی: مثنوی «شاهنشاه‌نامه» که در آن به بیان دقایق حالات خوارزمشاهیان پرداخته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (۹۶۲ -۹۶۱ /۹)، فرهنگ سخنوران (۱۶۴)، لباب الالباب (۳۴۶ -۳۴۵ /۲)، هفت اقلیم (۳۵/۲).

پائین‌شهری، محمدحسین

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محمدحسین پائین‌شهری- از مجتهدین بزرگ و با تقوای قم بوده و در بقعه جناب علی بن جعفر مدفون می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

پتگر، علی‌اصغر

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نقاش.
تولد: ۱۲۹۲، تبریز.
درگذشت: ۱۷ اردیبهشت ۱۳۷۱.
علی‌اصغر پتگر دوران مقدماتی نقاشی را نزد میرمصور ارژنگی گذارند. سپس به همراه برادرش، جعفر پتگر، بعد از به پایان رساندن تحصیلات متوسطه به تهران آمد و در هنرستان هنرهای متسظرفه (هنرهای زیبای کنونی) مشغول به تحصیل شد. در این هنرستان با آثار استاد کمال‌الملک آشنا شد و همچنین از حضور در کنار اساتیدی چون شیخ اسماعیل آشتیانی و علی‌محمد حیدریان بهره جست. پس از اخذ لیسانس تصمیم به تأسیس آموزشگاه آزاد هنر نقاشی گرفت. بدین ترتیب وی و برادرش نخستین آموزشگاه آزاد هنر نقاشی را در سال ۱۳۱۹ در تهران پایه‌گذاری کردند و تا پایان عمر به تدریس پرداختند. در خلال تدریس هنر نقاشی به خلاقیت هنری خود می‌پرداخت و آثار متعددی در شیوه‌ی رئالیسم با سبک کلاسیک و همچنین قلم آزاد و امپرسیونیستی را آفرید و تدریجا پایه‌گذار سبک و سیاق خاص خود شد.
علی‌اصغر پتگر همیشه موضوع آثارش را از میان مردم، کارگران، زحمتکشان، فروشندگان دوره‌گرد، رختشویان و پیشخدمت‌های خانه‌ها انتخاب می‌کرد. در این زمینه می‌توان از تابلوهای «محله‌ی گازران تبریز»، «روز رختوشیی»، «قاری» و «درویش» یاد کرد. او همچنین به خلق مناظر و پرتوهایی ساخته است که نزد برخی مجموعه‌داران موجود است.

آثار پتگر، در سال‌های ۳۴۶، ۱۳۴۳، ۱۳۲۴ و ۱۳۵۳ در نمایشگاه‌های مختلف به نمایش درآمد. گرچه از سال ۱۳۵۵ به بعد خاموشی اختیار کرد و فعالیت نمایشگاهی خود را متوقف کرد ولی همواره به نقاشی و تدریس مشغول بود، آخرین باری که برخی از آثارش به معرض نمایش گذاشته شد، در پاییز سال ۱۳۷۰ در موزه‌ی هنرهای معاصر بود.

(۱۳۷۱ -۱۲۹۲ ش)، نقاش و شاعر. اهل تبریز بود و از همان سنین کودکی، توانایی خود را در نقاشی بروز داد. مراحل اولیه‌ی تحصیل این هنر را نزد استاد میر مصور ارژنگی گذراند و در سال ۱۳۱۲ ش به توصیه‌ی همان استاد، همراه برادرش، جعفر پتگر، از تبریز به تهران آمد و در مدرسه‌ی هنرهای مستظرفه مراحل عالی آموزش هنری را گذراند. وی پس از اخذ لیسانس، اولین آموزشگاه طراحی و نقاشی را افتتاح کرد و در آنجا به تعلیم زنان و دختران نیز پرداخت. نقاشیهای اولیه‌ی استاد متأثر از آثار کمال الملک، شیخ اسماعیل آشتیانی و علی محمد حیدریان است. وی از سال ۱۳۲۴ ش به بعد، به سوی قلمهای آزاد رفت و در مکتبهای رئالیسم و امپرسیونیسم و حال و هوای ویژه خودش، تنوع و تکامل ویژه‌ای به حرکتهای رئالیستی هنر نقاشی معاصر ایران بخشید. هنرمندان مشهور بسیاری از محضر استاد پتگر استفاده کردند، از آن جمله دو تن از فرزندان وی: نامی پتگر و نیما پتگر. وی علاوه بر نقاشی دارای قریحه‌ی شعر و غزلسرایی نیز بود. پتگر در سن ۷۹ سالگی بر اثر حمله قلبی درگذشت. از آثارش: تابلوهای «خیابان سرچشمه‌ی تهران»؛ «روز رختشویی»؛ «قاری»؛ «درویش»؛ «مجله گازران تبریز»؛ «بازگشت به ده» و همچنین مجموعه شعری به نام «رنگین کمان».[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۹، ش ۴، ص ۴۹)، مجله‌ی زنان (س ۱، ش ۴).

پذیرنده، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: استاد، رشته، فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فیزیک از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۷، کارشناسی ارشد فیزیک از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴، دکترای تخصصی انرژی هسته‌ای از دانشگاه لندن (امپریال کالج) در سال ۱۳۴۹.

مرتبه علمی:

استادیار گروه فیزیک دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۵۶، دانشیار گروه فیزیک دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۶ و ارتقاء به درجه استادی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

محاسبات ترموهیدرولیکی قلب راکتور، اندازه‌گیری سطح مقطع ۸۳۲- U در بیناب نوترونهای CF۲۵۲، ساخت دستگاه رطوبت سنج، رادیوگرافی بانوترون، تعیین سن سنگهای زمین‌شناسی، مطالعه و بررسی دتکتورنوترون، اندازه‌گیری عناصر کم‌مقدار به روش اسپکتروسکوپی گاما، روش مونت کارلو در انتقال تابش، طرح و ساخت دتکتورنوترون SPN، استاد راهنمای ۱۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

فیزیک جدید، دورنمای انرژی در دنیا، فیزیک نوترون، فیزیک اتم، مهندسی هسته‌ای، فیزیک اتمی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۸

زمینه علمی مقالات:

فیزیک نوترون، فیزیک اتمی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

پرتو اصفهانی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۴/۱۳۰۳ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به پرتو. مشهور به آقاجان. در لنجان، یکی از توابع اصفهان چشم به جهان گشود و تحصیلات خود را در آن شهر به پایان برد. به کسب هنر خط نسخ پرداخت و در زمره‌ی استادان این خط درآمد. پرتو علاوه بر خوشنویسی، شاعر خوش‌طبعی بود و در اقسام شعر مهارت داشت و بیشتر غزل می‌سرود. او سالهای آخر زندگی را در تهران به سر

برد و در دربار ناصرالدین شاه معزز می‌زیست. در اصفهان درگذشت. از وی «دیوان» شعری بر جای مانده است. از خطوط او: یک قطعه نسخ کتابت خوش و رقاع عالی، با رقم: «و انا العبد الاقل الداعی ابن محمد علی، علیرضا شهر بآقاجان فی محروسهٔ اصفهان... سنهٔ ۱۲۰۵»؛ یک قطعه نسخ کتابت خوش، با رقم: «العبد پرتو الاصفهانی، سنهٔ ۱۲۶۳»؛ قرآن رحلی جلد روغنی، به خط نسخ و رقاع کتابت جلی خوش، ترجمه‌ی فارسی نستعلیق کتابت خوش، با رقم: «... در عهد دولت... ناصرالدین شاه... کمترین بنده‌ی این قرآن کریم... فی سنهٔ ۱۲۷۷»؛ قرآن وزیری جلد روغنی مذهب، نسخ خوش، با رقم: «... علیرضا... ملقب... آقاجان.... پرتو تخلص اصفهانی... ۱۲۹۷». چهار اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۱۹ -۱۱۱۸ /۴)، اطلس خط (۳۶۵)، تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (۵۸)، حدیقهٔ الشعراء (۳۱۵ -۳۱۳ /۱)، الذریعه (۷۵۷، ۱۵۷ /۹)، فرهنگ سخنوران (۱۶۴)، المآثر و الآثار (۲۱۶، ۲۰۵)، مجمع الفصحا (۱۷۷ -۱۷۳ /۴)، مصطبه‌ی خراب (۳۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۶۰/۴).

پرتو اعظم، ایران

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۸ /۱۲۹۷ ش)، شاعر، متخلص به پرتو. در تهران متولد شد. پدر وی استاد دانشکده‌ی الهیات بود. پرتو پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در رشته‌ی مامایی ادامه‌ی تحصیل داد و موفق به دریافت مدرک در این رشته شد. او در شعر پیرو سبک عراقی بود و در سرودن انواع شعر مهارت داشت ولی بیشتر به غزل علاقه‌مند بود. پرتو از هنر موسیقی و خوشنویسی نیز بهره‌مند بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زنان سخنور (۷۳ -۶۶ /۱)، سخنوران نامی معاصر (۷۴۲ -۷۴۰ /۲).

پرتو بروجردی، محمد کاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۷ ق)، شاعر، متخلص به پرتو. پدرش در جوانی به بروجرد آمد و ملازم خسروخان شد و به مقامات بلندی دست یافت. پرتو در این شهر متولد شد و در همان جا نشو و نما یافت. گویا مدتی به تنگنای فقر گرفتار آمد و پس از آن به سلک صوفیان پیوست و روزگار به نقاشی می‌گذرانید. وی مثنوی «یوسف و زلیخا» را به نام خسروخان ثانی به نظم درآورد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۳۲۹ -۳۲۷ /۱)، حدیقه‌ی امان اللهی (۱۴۷ -۱۳۹)، حدیقهٔ الشعراء (۳۱۶ -۳۱۵ /۱)، نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات تبریز (س ۱۷، ص ۱۸۹).

پرتو علوی، عبدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۹ -۱۲۸۱ ش)، مترجم، نویسنده و شاعر، متخلص به پرتو. وی در تهران متولد شد. تحصیلات مقدماتی را در مدرسه‌ی اقدسیه به پایان رسانید و سپس وارد دارالمعلمین گردید. وی چندی نیز در عراق و مصر و برلن به تحصیل پرداخت. پس از بازگشت به ایران، ابتدا در وزارت دادگستری و سپس در راه‌آهن اشتغال یافت و مدتی نیز به تدریس ادبیات و زبان خارجه در هنرسرای عالی مشغول شد. پرتو در سالهای ملی شدن صنعت نفت به صف مبارزان علیه شرکتهای استعماری پیوست، و در این راه زندانی هم شد. او در شعر به جنبه‌های اجتماعی آن می‌پرداخت و هنر خود را در خدمت راهنمایی و ارشاد مردم به کار می‌گرفت. از آثار وی: «خودآموز و گرامر آلمانی»؛ «راست و نو»؛ «زندگی علی بن ابی‌طالب (ع)»؛ «بانگ جرس»، در شرح مشکلات «دیوان» خواجه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۶۳/۲)، سخنوران نامی معاصر (۷۳۳ -۷۲۹ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۸۳ -۸۸۲ /۳).

پرتو همدانی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۳ -۱۳۰۰ ش)، شاعر، متخلص به پرتو. وی در همدان چشم به جهان گشود. در مکتب، خواندن و نوشتن را آموخت و در نوجوانی پیشه‌ی قصابی را برگزید. پرتو در چهل سالگی سرودن شعر را آغاز کرد و از محافل ارباب معرفت کسب فیض کرد. وی

شاعری لطیف طبع و شیرین بیان بود و در شعرش تکلف دیده نمی‌شد. او در یک سانحه‌ی اتومبیل درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۷۴۷ -۷۴۳/ ۲).

پرتو، علی‌رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمدعلی و مشهور به «آقاجان» و متخلّص به «پرتو» است. از اهالی لنجان اصفهان بود تحصیلات مقدماتی را در شهر اصفهان به پایان رسانید و به تکمیل خط نسخ پرداخت و در این خط سرآمد شد. پرتو علاوه بر خوشنویسی شاعری به نکته‌دانی و خوش‌طبعی شهرت داشت و بسیار نیک محضر و مهربان بود. سالهای آخر زندگی را در تهران به سر برد و در دربار ناصرالدین شاه مکانی یافته از خوشنویسان مخصوص گردید. تاریخ وفاتش یافته نشد ولی به طور قطع تا سال ۱۲۹۷ حیات داشته و به سال ۱۳۰۶ تاریخ تالیف «الماثر والاثار» درگذشته بوده است.

-قرآن رحلی، جلد روغنی ممتاز، چهار صفحه‌ی اول مذهب، دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع ممتاز. نسخ و رقاع کتابت جلی خوش ترجمه‌ی فارسی نستعلیق کتابت خوش با رقم: «... در عهد دولت... ناصرالدین شاه... در بارگاه همایون معروض گردید که کمترین بنده‌ی این قرآن کریم و مصحف عظیم با این رونق بها... سمت اختتام پذیرفت» «... فی سنهٔ ۱۲۷۷»

-دنباله‌ی ترجمه‌ی: «فزت بالفراغ من کتابهٔ ترجمهٔ القرآن السابع فی اواسط شهر شعبان المعظم من شهور سنهٔ ۱۲۷۷ سبع و سبعین و مائتان بعد الاف و انا الفقیر الحقیر میر علی الشیرازی ۱۲۷۷» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

-قرآن وزیری، جلد روغنی مذهب، چهار صفحه‌ی اول مذهب مرصع علای نسخ خوش با رقم: «... علیرضا... ملقب... آقاجان... پرتو تخلص اصفهانی...» سال ۱۲۹۷ در کتابخانه‌ی ملک.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

پرتوی

قرن:۱۰

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۹۶۲ / ۹۵۸ ق، از زنان شاعر. وی اهل تبریز بود و طبعی لطیف داشت. دوران زندگی او معلوم نیست. مؤلف کتاب از رابعه تا پروین با استناد به نوشته تذکره‌ی جواهرالعجایب و نیز سبک شعر پرتوی، دوره‌ی زندگی او را مربوط به پیش از قرن نهم و مؤلف پرده‌نشینان سخنگوی متعلق به قرن دهم هجری دانسته‌اند. از مضمون عبارت فخری هروی در جوهر الوجوب چنین برمی‌آید که پرتوی احتمالا معاصر وی بوده و در قرن دهم می‌زیسته است. تذکره‌ی میخانه که پس از جواهرالعجایب نوشته شده (۱۰۲۸ ق) از او به نام حکیم پرتوی نام می‌برد و او را مردی شاعر معرفی می‌کند. مطلع زیر از اوست:

جامه گلگونی درآمد مست در کاشانه‌ام

خیز ای همدم که افتاد آتشی در خانه‌ام

غزل زیر نیز به بی‌بی پرتوی منسوب است:

منم ز نیک و بد دهر دم فرو برده

سر وجود به جیب عدم فروبرده

چو صورتم ز بد و نیک کاینات خموش

گشاده چشم تماشا و دم فروبرده

بنفشه‌وار ز هر سو سیاه‌بختی چند

به گرد کوی تو سرها به هم فرو بوده

صفاست «پرتوی» از اشک خاکساران را

که بی‌غبار بود خاک نم فروبرده[۱]

(ز ۹۶۲/ ۹۵۸ ق)، شاعر. وی اهل تبریز بود و طبعی لطیف داشت. دوران زندگی او معلوم نیست. مؤلف «از رابعه تا پروین»، دوره‌ی زندگی او را پیش از قرن نهم و مؤلف «پرده‌نشینان سخنگوی»، قرن دهم هجری نوشته‌اند. از مضمون عبارت فخری هروی در «جواهر العجائب»، چنین برمی‌آید که پرتوی احتمالا معاصر وی بوده و در قرن دهم می‌زیسته است. «تذکره‌ی میخانه» از او به نام حکیم پرتوی نام می‌برد و او را مردی شاعر معرفی می‌کند، در حالی که دیگر تذکره‌ها او را از زنان شاعر می‌دانند.[۲]

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :[۱] منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره سوم، ۵۰؛ از رابعه تا پروین، -۶۶؛ تذکره‌ی شعرای آذربایجان، ۱۰۴ :۱۰۳ / ۲؛ جواهرالعجایب، ۲۹۹ ،۱۳۶؛ حدیقه‌ی عشرت، ۱۳؛ دانشمندان آذربایجان، ۷۵؛ دایرهٔالمعارف صنعت و ادبیات تاجیک، ۵۳۰ / ۲؛ زنان سخنور، ۷۴ / ۱؛ سخنوران آذربایجان، ۲۵۰.

[۲] از رابعه تا پروین (۶۶)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۰۴ -۱۰۳/ ۲)، جواهر العجائب (۱۳۶)، دانشمندان آذربایجان (۷۵)، زنان

سخنور (۷۴/ ۱)، سخنوران آذربایجان (۲۵۰ -۲۴۹)، فرهنگ سخنوران (۱۶۵)، مشاهیر زنان (۴۳).

پرتوی شیرازی، حکیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۲۸ ق)، شاعر و عارف. صاحب «میخانه» محل تولد او را لاهیجان نوشته و گفته است که در جوانی به شیراز رفت. ولی دیگر مؤلفان تذکره‌ها، مانند امیرعلیشیرنوایی و سام میرزا که از معاصرانش بودند، او را شیرازی دانسته‌اند. پرتوی از شاگردان علامه جلال‌الدین دوانی بود، و دانشهای عقلی را از او فراگرفت. گفته‌اند در علم نجوم نیز دست و در سرودن انواع شعر نیز مهارت داشته است. به همین سبب او را شاعری بلیغ دانسته‌اند. شهرت پرتوی به «ساقی‌نامه» اش است. او را پس از مرگ در جوار مرقد شیخ سعدی به خاک سپردند. آثار وی: «ساقی‌نامه»؛ «دیوان» قصیده و غزل؛ «مثنویی» به روش «حدیقه‌ی» سنایی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۵۳ -۶۴۸ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۶۵)، تحفه سامی (۲۲۶)، تذکره‌ی میخانه (۱۴۰ -۱۲۴)، الذریعه (۱۵۷/۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۴۸ -۵۴۷ /۲)، صبح گلشن (۷۶)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۵۷/۲)، فرهنگ سخنوران (۱۶۵)، مجالس النفائس (۳۹۷)، مرآت الفصاحه (۱۰۷ -۱۰۶)، هفت اقلیم (۲۵۴/۱).

پرچمی بختیاری، مراد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۸ -۱۲۸۱ ش)، شاعر. وی از طایفه‌ی احمد خسروی بختیاری بود. تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود انجام داد و سپس در اصفهان به تکمیل آن پرداخت. پرچمی از وکلای مبرز و خوشنام دادگستری اصفهان بود. وی در اصفهان وفات یافت. او گاهی شعر می‌سرود. از اوست:

به هم پیچیده زلف خویش یارم تا چه پیش آید

به پیچ و تاب باز افتاده کارم تا چه پیش آید

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۰۵).

پرستش کاشانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۳ ش)، شاعر و نقاش قالی. وی در کاشان متولد شد و تحصیلات مقدماتی را در همان شهر گذراند، آنگاه به کار نقاشی قالی اشتغال ورزید، پس از چندی به اصفهان رفت و در آنجا ساکن شد. پرستش از قریحه‌ی شعری خود در راه بیداری و بهبود زندگی کارگران مدد گرفت. او به زبان مردم شعر می‌گفت و اشعارش ساده و بی‌تکلف بود. از آثار وی: «نقاشی قالی»؛ «من و خیام»؛ «صدف بسته».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۰۶ -۱۰۵)، سخنوران نامی معاصر (۷۶۱ -۷۵۵ /۲)، فرهنگ سخنوران (۱۶۵)، مؤلفین کتب چاپی (۳۴۷ -۳۴۶ /۵).

پرغم تبریزی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۸۰ ق)، شاعر. از سخنوران بنام تبریز بود که در بلاد عثمانی چندی به سیاحت پرداخت و در شهر ازمیر با صاحب «حدیقهٔ الشعراء» ملاقات کرد. «دیوان» او به عنوان «غم‌خانه» معروف بوده و در تبریز مکرر چاپ شده است، پرغم غزلیات شیرین به زبان فارسی و ترکی دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۷۵)، الذریعه (۶۰/۱۶)، مؤلفین کتب چاپی (۱۵۲/۲).

پرنگ، نوذر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غزالی بسته مشک‌آور بفتراک غزل نوذر

که خون دل به چشم آهوان چین بگرداند

نوذر پرنگ از آن پدیده‌های استثنایی و شگرف غزل معاصر است که به علت خوی درویشی و پرهیز از خودنمایی بی‌ثمر و مشئمز کننده گروهی که بی‌هیچ استعداد خود را با بلند پایه‌ترین گویندگان و بزرگان این سرزمین می‌سنجند، از همه‌گونه خودنمایی و جار و جنجال تبلیغاتی بدور است تا به جایی که به نوشته محققین و شعر شناسائی که آثار او را از نظر سبک و فصاحت با اشعار گویندگان ادب فارسی مقایسه کرده اند (والحق سخنی بگزاف نگفته اند) با خوی و خصلت متواضعانه خود استغفار کنان خود را از این گفتارها بر کنار داشته و اگر گاهی در اشعار و آثار خود به شاعری مانند خواجه شیراز اشارتی دارد از آن انفاس قدسیه طلب معاضدت‌های معنوی و روحانی دارد چنانچه در این ابیات:

این قلم دیری است در جهل مرکب مانده است

کو ید بیضا و انگشت ورق گردان تو

چشم عیاران عالم سوز بر دست من است

خواجه! تدبیری بکن دست من و دامان تو

و گویی خود از عطر کلام و رایحه مست‌کننده این غزل چنان بی‌خود شده که دست‌افشان و پایکوبان مقطع غزل را بدین‌گونه پایان می‌دهد:

بعد حافظ کس چنین گلچرخ رنگینی نزد

بسته عهدی دیگر ای گل چرخ با دوران تو

به طور کلی غزل و غزل‌سرایان در نیم قرن اخیر اکثرا به یک سبک و مضمون و با ترکیبات مشابه و همانند سروده شده که کم و بیش متأثر از یکدیگر بوده است، چنانچه اگر غزل شاعری را به نام شاعر غزل‌سرای دیگری می‌خواندند، از نظر تشابه لفظ و معنی چندان غریب و متمایز نمی‌نمود، لیکن غزلیات «پرنگ» از نظر، تازگی مضمون ابداع استعارات و تشبیهات و انسجام کلمات و ترکیبات، دارای آن جذبه و شور و حالی است که اگر چه ناگزیرانه و نه در حد تقلید به سبک و روش پیشینیان است، لیکن از خوش‌تراشی گوهر لفظ، و موسیقی مترنم وزن، و تازگی و طراوت معنی و مضمون آنچنان مایه اندوخته که انسان را در وجد و حالی دست نیافتنی و سکرآور فرومی‌برد.

ساقی به جلوه آی و مئی چون پری بریز

دستی فشان و آبروی دلبری بریز

مطرب از آن خیال که در پرده سماع

گلگون نشسته، در خم خنیاگری بریز

بر باده نوش خم سماوات گوشدار

جام نخست من ز پی آخری بریز

ای خواجه حکم قاضی حاجات کافی است

خاکی بیار و در دهن داوری بریز

ایمان خشک تازه کند این شراب ناب

آبی بروی آتش ناباوری بریز

دقائق و ظرائقی که در ابیات غزل «پرنگ» به کار رفته ممکن است در ابتدای امر به چشم نیاید. چنانکه درک آن نیز برای همه کس ممکن نیست، خواننده یا شنونده این اشعار باید آنقدر استطاعت علمی وحدت نظر داشته باشد که فی‌المثل هنگام خواندن این مصراع «ای خواجه حکم قاضی حاجات کافی است» از کلمات «قاضی حاجات» و «کافی»، بیاد «یا قاضی‌الحاجات و یا کافی‌المهمات» بیفتد، تا بتواند از خواندن این شعر و لطایفی که در آن به کار رفته حظ وافر و کافی ببرد.

نوذر در بیان التهابات و انقلابات درونی خود به راستی از توانایی خاصی برخوردار است و گویی دستی به عالم غیب و شهود و گوشی به باده نوش خم سماوات و اندیشه‌ای ماوراء تفکرات معمول بشری دارد او غزل را با کلمات و ترکیبات درربار و درخشانی که در خزینه حافظ خود پیراسته به گونه‌ای می‌آراید که از حد تصور بدور است.

باد لیلاج قبا، سوخته مجنون دستار

خاک چون پیرهن بوالحسن عمرانی

سوختم در دهن خویش، خرابات کجاست

تا زنم آب به سوز سخن پنهانی

چون رگ پاره خورشید قیامت تا صبح

نعره می‌زد شب اخترشکن بارانی

همچنانکه خواجه بزرگوار شیراز دامن غزل را که تا آن زمان اکثرا در موضوعات عاشقانه، تعریف و توصیف و شکوه و گلاه از معشوق سروده می‌شد، به مسایل عارفانه و بیان مضامین تازه کشید، غزل نوذر نیز بگستردگی دامنه غزل و بگونه گونه مطالب و موضوعات آن افزوده است:

هوای معنی بیگانه در سر دل ماست

بود که رنگ دگر بر رخ هنر بزنیم

باز دو چشم مست او رفته بخوابگاه گل

سبز کشیده خورده را ریخته در نگاه گل

از سر کوی عاشقان باز بنفش می‌رود

صوفی سبز باد در خرقه سرخ آه گل

دوش کدام آسمان خفته بیاد چشم تو

بوی ستاره می‌دهد کنگره کلاه گل

یاد شیرین تو در خلوت سرچشمه‌ی مهر

جامه از تن بدر آورد و به مهتاب سپرد

آسمان عکسی از آشوب قیامت برداشت

به نهان آینه‌داران ته آب سپرد

از انعکاس رنجهای نوذر در شعر که سالها غم توانفرسای غربت را با صبوری تحمل کرده و بارگران محبت‌های از دست رفته را به دوش جان کشیده و پیوسته کوله‌بار نگرانیهای گذشته‌اش به شانه بوده است. نیز یادی کنیم که با قلم سحارش گاهگاه بدان اشاره کرده است.

صبا بناله و می در خروش و گل سفری است

بساز برگ رحیلم که فصل دربدری است

مبین به شعر تر و نغمه‌های شیرینم

قسم به آب و گیاه و پرنده غمگینم

چو آخرین نگه آدم صفی به بهشت

پر از ملائک غمناک حسرت آگینم

به چه مانعی در اینجا، به کلام دلنشینی

که نشست است در بیت بجای نابجایی

تو بیاد کس میاور که برفت و مرد نوذر

ز چنان عجیب خاکی، به چنین غریب جایی

دلم می‌خواست می‌گشتم چو مه دور زمین با تو

دریغا بر سر کین است دور آسمان با من

دیده‌ی مهتاب چینم زیر باران خیال

مانده بین صدهزار آئینه سرگردان تو

مثنوی‌های «پرنگ» نیز همانند غزلیات او اعجاب برانگیز و شورآفرین است، علاوه بر شمول و تسلطی که وی بر فرهنگ اساطیری و باستانی این کشور دارد و جای جای در اشعار خود از آن سود جسته تصویرسازی‌ها و نقش‌آفرینی‌های او نیز چشم‌گیر و در حیرت‌آور است، در مثنوی عارفانه‌ای که بگونه ساقی‌نامه سروده شده و آن نیز انباشته از مضامین بکر و دست نیافتنی است، از شعر خواجه شیراز بدین‌گونه سود جسته و چهره آن پیر مراد را بدین گونه به تصویر کشیده:

نشسته پیر پیری چنگ در دست

فکنده چنگ در زلف دلم مست

فرومی‌ریزد از بال و پر چنگ

سرشک آیه‌هایی صورتی رنگ

«سحرگه رهرویی در سرزمینی

همی گفت این معما با قرینی»

«که ای صوفی شراب آنگه شود صاف

که در شیشه بماند اربعینی»

نباتی در شراب تلخم انداخت

هراتی گفت و یاد بلخم انداخت

تازگی و انسجام این ترکیبات و صحنه‌پردازیهایی که در مجموعه این مثنوی به کار رفته از قدرت طبعی ما فوق‌الطبیعی و در عین حال متحول حکایت می‌کند، چنانکه نخست «دل» را «زلفی» در میان نیست و فروریخت سرشک از بال و پر چنگ (که چنگ را نیز بال و پری نیست) آنهم چه سرشک! سرشک آیه و چه آیه، آیه‌هایی به رنگ صورتی که ممکن است در بادی امر و به گوش آنان که طبعشان به ساده‌گویی خو گرفته مورد سؤال قرار بگیرد، ولی در جواب باید گفت انتظار، از شعر امروز این نیست که ترکیب‌ها و مضامین شعر و سیاق و روش گذشتگان ساخته و پرداخته گردد.

چنین صحنه دلکش و زیبایی که ساخته ذهن متبلور و نقش‌آفرین شاعر است، آن‌هم هنگامی که قلم سحار اندیشه او چهره پیری چون حافظ آسمانی را به تصویر می‌کشد و از ابتدا قصد اقتدای شعر او را دارد، ناگزیر است برای بیان نشان دادن حالات درونی خود، تمام قراردادهای تعیین شده را بر هم ریخته نقشی چنین بدیع و نو ظهور بیافرینند.

و آن دو نیز نمونه درخشانی از شعر راستین دیروز و امروز است.

نمی‌دانم کجای این شب تار

کجای بیشه‌ی دوری دگر بار
گیاهی خواب می‌بیند که در باد
پلنگی از درختی ناگه افتاد
فتاد اما بروی آهویی خورد
پس آنگه سیلی از خون بیشه را برد

نگارنـده که سالهـاست بـا این شـاعر لطیف طبع و حساس مجالست و مؤانست داشـته‌ام مطلقا چکامه‌ای، شـعری، ترانه‌ای، بیتی از او نیـافتم که از شـیرینی و لطـافت، فصـاحت و بلاـغت، تـازگی و جـذابیت خـالی باشـد، مجموعه آثـار او به نام «فرصت درویشان» که اشـعاری نیز به سبک نو در آن منـدرج و این قبیـل از آثار ایشان نیر در نوع خود بی‌نظیر و از امتیازات زیادی برخوردار است همه و همه از زیباترین و پربارترین نمونه‌های شعر فارسی معاصر است.

«افسانه‌ی جم»

سحر چو قصه‌ی پیمانه در میان افتاد
می آتشی شد و در جان این و آن افتاد
گل حدیث گریبانت از لبم چو شکفت
پیاله را ز هوس آب در دهان افتاد
شبی ز شیون جامی شکسته دانستم
به خاک پای تو آسان نمی‌توان افتاد
سبو، فسانه‌ی فرجام جام جم می‌گفت
ستاره خون شد و از چشم آسمان افتاد
دهان جام چنان باز ماند از حیرت
که شیشه خم شد و اشکش ز دیدگان افتاد
درود باد به رندی که چون پیاله گرفت
نخست یاد حریفان خسته جان افتاد

«اسب سم طلا»

دختر خانو می‌خوامش
خان بدونه منو می‌گیره
چکار کنم چکار کنم
اسب ابلق زین کنم
تنگ غروب سوار بشم
فرار کنم فرار کنم
من کجا فرار کنم
دلم نمی‌گیره قرار
سر راشو می‌گیرم اگر بیاد صد تا سوار
اسب ابلق سم طلا
آسته برو میری کجا (۲ مرتبه)
می‌ترسم دیونه بشم
با آدماش جنگ کنم
سر بشکنم سر بشکنم
یا تبرزین ور دارم
خونه‌شونو در بشکنم
نه میرم گل میستونم
سر زلفش وامیستونم (۲ مرتبه)
اسب ابلق سم طلا
تندتر برو آسته چرا (۲ مرتبه)

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

پروانه اصفهانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر، متخلص به پروانه. وی در اصـفهان متولـد شـد و مقـدمات علوم فقه و ادب را در اصـفهان تحصـیل کرد و سپس جهت تکمیل آن به قم مهاجرت کرد و در آنجا از محضـر بسـیاری از بزرگان کسب دانش کرد و سرآمد اقران شد. پروانه در

سرودن شعر توانا بود. اشعاری از وی به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۰۷).

پروانه اصفهانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۶۶ ق)، شاعر، متخلص به پروانه. شغل وی سقط فروشی بود. در اواخر عمر در مسجد حمام شاه علی مکتبداری می‌کرد. پروانه از جمله کسانی بود که به جز مدح ائمه‌ی اطهار (ع) شعر دیگری نگفت. وی را در تخت فولاد در تکیه مرحوم سید العراقین دفن کردند. حدود هجده جلد «کتاب مصیبت» به شعر از او باقی است که حدود سی هزار بیت می‌شود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۱۲ -۱۱۱).

پروانه شیرازی، تقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، شاعر و مذهب. از سادات شیراز بود که در فن تذهیب استاد بود و شعر را نیز به نیکی می‌سرود. از اوست:

به دوئیت نتوان قائل از آن شد که به سیف
فرقه‌ای تیغ بگویند و گروهی شمشیر

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقة الشعراء (۳۱۸ -۱/۳۱۷)، فرهنگ سخنوران (۱۶۶)، مرآت الفصاحه (۱۰۷)، مصطبه‌ی خراب (۲۵).

پروانه فراهانی، محمد صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به پروانه. وی از نژاد قائم مقام بود که ذوق و قریحه خوش داشت و شعر را به خوبی می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۵۸/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۶۶)، المآثر و الآثار (۲۱۷).

پروانه کرمانی، محمد جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به پروانه. وی اهل کرمان بود و در سرودن شعر توانا. از اوست:

دو دست تو شاها و دو دیده‌ی من
دو گوهر فشانند هر یک بیک سان
تو را دست بارد به دامان مردم
مرا مردم دیده بارد به دامان

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۱۶۶)، مصطبه‌ی خراب (۳۱).

پرور، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل پرور

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۲ پس از اخذ دیپلم ریاضی ، وارد شهر مقدس قم شده و تحصیل علوم حوزوی را نزد برخی از اساتید این شهر آغاز کردم . از سال ۱۳۷۵ توفیق شرکت در دروس خارج حضرت آیت الله جوادی آملی را یافتم و پاره ای از ابواب فقهی و معارف تفسیری را از این استاد فرزانه فرا گرفتم . همزمان با تحصیل علوم فقه و اصول ، به پژوهش در مباحث عقلی پرداختم و در سلسله جلسات پژوهشی مرحوم حجت الاسلام سید منیرالدین حسینی شیرازی – بنیانگذار فرهنگستان علوم اسلامی– شرکت کردم و از نزدیک با اندیشه های ایشان در زمینه ضرورت تدوین و طراحی علوم اسلامی و لزوم دست یابی به مدل اداره جامعه بر پایه احکام دین آشنا شدم و در این میان با برخی از مراکز پژوهشی دیگر مانند مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما نیز همکاری خود را آغاز نموده و چند کتاب و مقاله به رشته تحریر درآوردم .

پروین

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم هجری، ملقب به شمس‌الحاجیه از زنان فاضل، ادیب و شاعر. وی ربیبه‌ی حاج میرزا حبیب خراسانی (۱۳۲۷ -۱۲۶۶ ق)، از علما و شعرای معروف خراسان بود. پروین بسیاری از اشعار میرزا حبیب را جواب می‌گفته است. او در سن بیش از هفتاد سالگی درگذشت. از اشعار اوست:

وصل یار و فصل فروردین خوش است

طرف جوی و لاله و نسرین خوش است

خوش نباشد هر خطی در هر لبی

گرد آن لب آن خط مشکین خوش است

بر گلستان رخت شب تا سحر

همچو بلبل ناله پروین خوش است[۱]

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، ادیب و شاعر. ملقب به شمس الحاجیه. وی نادختری حاج میرزا حبیب خراسانی بود. پروین بسیاری از اشعار میرزا حبیب را جواب گفته است. او در سن بیش از هفتاد سالگی درگذشت.[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] منبع: صد سال شعر خراسان، ۱۶۷.

[۲] صد سال شعر خراسان (۱۶۷)، مشاهیر زنان (۴۴ -۴۳).

پروین خاتون

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم و پنجم ق)، شاعر. اسدی طوسی در «لغت فرس» نام او را پرویز خاتون آورده که درست به نظر نمی‌رسد، زیرا خاتون لقبی بوده که به اسامی زنان افزوده می‌شده است.[۱]

اواخر قرن چهارم یا اوایل قرن پنجم هجری، از زنان شاعر. اسدی طوسی (۴۶۵ ق) در لغت فرس نام او را پرویز خاتون آورده که درست به نظر نمی‌رسد، زیرا خاتون لقبی بوده که به اسامی زنان افزوده می‌شده است. اسدی طوسی ابیات زیر را از او به عنوان شاهد مثال دو کلمه «ما چوچه» و «دنه» آورده است:

طفل را چون شکم به درد آمد

همچو افعی ز رنج او برپیخت

گشت ساکن ز درد چون دارو

او به ماچوچه در دهانش ریخت

تا توانی شهریارا روز امروزین مکن

جز به گرد خم خرامش، جز به گرددن دنه[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] شاعران بی‌دیوان (۲۸۳)، فرهنگ سخنوران (۱۶۷)، لغت‌نامه (ذیل/ پروین)، مشاهیر زنان (۴۴).

[۲] منابع: شاعران بی‌دیوان، ۲۳۸؛ لغت فرس، ۵۰۶ -۵۰۵؛ لغت‌نامه‌ی دهخدا، ش ۲۹۰ /۷.

پروین شیرازی، خلیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۱۳ ق)، شاعر، متخلص به پروین. وی از اهالی شیراز بود و در زمان نگارش «آثار عجم» که در سال ۱۳۱۳ ق به پایان رسیده، در قید حیات بوده است. نام وی را صاحب «ریحانه» جلیل ذکر کرده است و برخی منابع سال مرگ وی را ۱۳۳۳ ق نوشته‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۳۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۵۹ ،۵۵۸/۱)، الذریعه (۱۵۸/۹)، ریحانه (۳۱۱ -۳۱۰ /۱)، مرآت الفصاحه (۱۰۸).

پروین همدانی، علی اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۳ -۱۲۳۸ ق)، شاعر و عارف. در همدان به دنیا آمد. وی از راه مکتبداری روزگار می‌گذرانید و در سرودن انواع شعر توانا بود بخصوص در غزل و قصیده مهارت کامل داشت. وی جز در مدح و رثاء ائمه اطهار، شعر نگفت. از معاصران وی غبار، مظهر و تسلیم را می‌توان نام برد. اثر نشر یافته از او «آتشکده‌ی پروین» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵ -۴ /۱)، سخنوران نامی معاصر (۷۷۶ -۷۷۲ /۲).

پروین، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نام: علی

شهرت: پروین

محل تولد: تهران

متولد: ۱۳۲۵

فرزند: احمد

قد: ۱۶۹ سانتی‌متر

شماره پا: ۴۱

رنگ چشم: سبز

فرزند ششم خانواده (دارای ۳ برادر و ۴خواهر) علی پروین کاپیتان سابق تیم‌های ملی و پرسپولیس متولد تیرماه ۱۳۲۵ در تهران است علی پروین [وب‌سایت شخصی] فوتبال را از مقطع جوانان و با تیم کیان شروع کرد. مربی پروین در این تیم منصور امیر آصفی بود. در سال ۴۶ از سوی رایکوف به تیم ملی جوانان دعوت شد و تا پایان دوران حرفه‌ای خود همیشه یکی از بازیکنان ثابت تیم ملی بود. پروین پس از تیم کیان فوتبال را در تیم پیمان ادامه داد اما با انحلال این تیم دوران بازیگری پروین در تیمی که خانه او به شمار می‌رود شروع شد: پرسپولیس خود او در مورد پیوستن به پرسپولیس می‌گوید: یک روز درخانه نشسته بودیم که همایون بهزادی و دکتربرومند به سراغم آمدند و به خاطر آنها با پرسپولیس قرارداد امضا کردم.

پروین در بازی‌های جام‌جهانی ۱۹۷۸ کاپیتان تیم ملی ایران بود. خود او اما بهترین بازی عمر حرفه‌ای فوتبال خود را بازی‌های مقدماتی جام جهانی ۱۹۷۸ می‌داند: بهترین بازی عمرم با استرالیا در پیکارهای مقدماتی جام جهانی۱۹۷۸ بود که در ورزشگاه آزادی برگزار شد و بازی، با پاس گل من (۱ بر صفر) به سود ما تمام شد. آخرین حضور رسمی پروین در میادین فوتبال به بازی پرسپولیس و دارایی به تاریخ ۲۷ تیر ماه ۱۳۶۶ بازمی‌گردد.

پرهام، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر یوسف پرهام متولد ۱۳۲۳ ش دارای دکترای رشته باغبانی عضویت هیئت علمی دانشگاه لسینگ با درجه دانشیار باشد. وی دارای تحقیقات وآثار پیرامون شیوه های محافظت از مرکبات در کانتینر های کشتی می باشد.گروه : کشاورزیرشته : باغبانیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر یوسف پرهام دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه تهران دکترای رشته باغبانی ازدانشگاه لسینگ میباشد.خاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته باغبانی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر یوسف پرهام بوده

است.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر یوسف پرهام د ر کنار تحصیل به مطالعه ،پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : دکتر یوسف پرهام پس از اخذ مدرک دکتری در رشته باغبانی به عضویت هیئت علمی گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی دردانشگاه لسینگ در آمد وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر یوسف پرهام عضوهیئت علمی و دانشیار گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه لسینگ است.فعالیتهای آموزشی : دکتر یوسف پرهام سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی لسینگ به تدریس دروس تخصصی رشته باغبانی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر یوسف پرهام در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : دکتر یوسف پرهام از جمله دانشمندان علم باغبانی است که تحقیقات و پژوهشهای و تلاشهای علمی عمیق و وسیعی درباره شیوه های محافظت از مرکبات در کانتینر های کشتی انجام داده است.آثار : شیوههای محافظت از مرکبات در کانتینر های کشتی

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

پرهیزکار، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا پرهیزکار

محل تولد : استهبان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب غلامرضا پرهیزکار دبیرستان را در رشته ریاضی در زادگاهم استهبان به پایان بردم و پس از آن جهت تحصیل درعلوم دینی و در سال ۱۳۷۰؛ به حوزه علمیه قم آمدم. ۶ سال نخست را در مدرسه معصومیه(س) و پس از آن به سبک معمول در حوزه در درس های آزاد شرکت کردم و در سال ۱۳۸۰ و پس ازاتمام دوران سطح به درس خارج اشتغال یافتم و تاکنون (سال ۸۵) مشغول به تحصیل هستم. ضمن تحصیل در حوزه از سال ۷۷ به بعد در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) نیز مشغول تحصیل در رشته جامعه شناسی شدم و هم اکنون در حال نگارش پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی بر گرایش به مهدویت در ایران و بررسی موردی زائرین مسجد جمکران» می باشم. و به تازگی نیز در گروه جامعه شناسی مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما مشغول به فعالیت شده ام.

پرهیزگار، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا پرهیزگار استاد بخش زبان و ادبیات انگلیسی دردانشگاه شیراز است . او به ویژه درمورد ترجمه فعالیت می کند . او دانستن یک زبان خارجی را برای ترجمه کافی نمی داند. وی دانش زبان شناسی با شاخه منظور شناسی راجهت ترجمه لازم و ضروری می داند او همچنین نظریه تاویل یا هرمنوتیک را از لوازم ترجمه شمرده است .گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات انگلیسی گرایش : زبان های خارجی فعالیتهای ضمن تحصیل : مهمترین فعالیت ضمن تحصیل محمد رضا پرهیزگار ،ترجمه است . او براین عقیده است که امروزه کسانی که زبان شناسی می خوانند، دو رشته جدید را تحصیل می کنند که بدون اطلاع ازاین دورشته ، یک ترجمه خوب به دست نمی توان داد . مگر به طور تصادفی ، آن دو دانش ،یکی دانش زبان شناسی باشاخه منظور شناسی است که همان پراگماتیک و گفتمان و تحلیل سخن کاوی یا دیسکوآنالیزیسم است و دیگر شناخت نظریه های متاخر وجدی ادبی است مثل نظریه تاویل یا هرمنوتیک می باشد .وقایع میانسالی : مهمترین امر این دوران رو آوردن محمد رضا پرهیزگار به ام ترجمه است . او که سخت به ترجمه علاقمند است براین باور می باشد که ما ضمن اینکه نقد ترجمه داشته باشیم ،ازطریق مطبوعات نیز به طور مرتب ترجمه های خوب را معرفی کنیم تا خوانندگان به سراغ ترجمه های غلط و نادرس نرونـد .آرا و گرایشهای خاص : محمد رضا پرهیزگار زمینه آفرینش کارفرهنگی رادرترجمه ، آشفته می داند . او معتقد است که بعد ازانقلاب اسلامی ،بسیاری از مردم به دلیل تجربه هایی که دریک زبان خارجی داشتند و یا دردانشگاهها انگلیسی و فرانسه خوانده بودند ،به ترجمه وری آوردند و این تنها ظاهر قضیه است . اینها گمان می کردند دانستن یک زبان خارجی برای ترجمه کافی است . اما این درست نیست و آشفتگی می آفریند .آثار : ترجمه رنگ ارغوانی ویژگی اثر : این رمان تالیف خانم آلیس و اکران است .

پریخان

قرن:۱۰

جنسیت:زن

ملیت:ایران

۲۵ جمادی‌الاخر ۹۸۵ -۹۵۵ ق، متخلص به حقیقی از زنان مدبر، متنفذ و شاعر. وی دختر شاه طهماسب اول صفوی (۹۸۴ -۹۳۰ ق) و از مادری چرکسی بود. همسرش عبداللّه خان و دایی او شمخال خان (۹۸۵ ق) از سرداران نامدار شاه طهماسب و شاه اسماعیل دوم صفوی (۹۸۵ -۹۸۴ ق) بودند. پریخان خانم نزد پدرش احترام و تقرب خاصی داشت و به همین دلیل در آخرین روزهای زندگی شاه طهماسب نفوذ زیادی در میان دولتمردان و امرای سپاه قزلباش یافت و کوشید تا نظر شاه را نسبت به حیدر میرزا، برادر دلاور ناتنی خود و جانشین احتمالی پدر، برگرداند و متوجه اسماعیل میرزا، برادر دیگر که در قلعه قهقهه زندانی بود، بکند. پس از مرگ شاه طهماسب با کمک شمخال خان و حسینقلی خلفای روملو، حیدر میرزا را کشت و بلافاصله مأمورینی را به قلعه قهقهه فرستاد تا اسماعیل میرزا را به قزوین آورده و به تخت سلطنت بنشاند. در طی این مدت پریخان خانم اداره امور کشور را در دست داشت. اسماعیل پس از جلوس، برخی از طرفداران خود از جمله حسینقلی خلفای روملو را کشت و درصدد برآمد تا دست پریخان خانم را از امور سیاسی کوتاه کند. اما پریخان خانم که به قصد برادرش پی برده بود، او را مسموم کرد و از بین برد (۱۳ رمضان ۹۸۵ ق). پس از مرگ شاه اسماعیل دوم با پیشنهاد پریخان خانم و اتفاق نظر طوایف ترکمان و استاجلو، محمد میرزا، فرزند ارشد شاه طهماسب- که در زمان پدر نابینا شده بود- و در شیراز به سر می‌برد به قزوین آمد و بر تخت سلطنت نشست. در این ایام فترت نیز پریخان خانم عملاـ اداره امور کشور را در دست داشت. سلطان محمد (۹۹۶ -۹۸۵ ق) به تحریک خیرالنساء بیگم ملقب به مهدعلیا در صدد برآمد تا به نفوذ پریخان خانم در میان سران قزلباش و نیز دخالت‌های او پایان دهد. از اینرو به اشاره وی، خلیل‌خان افشار، پریخان خانم را خفه کرد و همه دارایی‌های خواهرش را به خلیل‌خان داد.

پریخان خانم مدرسه‌ای در اصفهان بنا کرد و تا مدتها طلاب علوم دینی در آن درس می‌خواندند. خواجه علی ملقب به زین‌العابدین، معروف به عبدی بیگ و متخلص به نویدی کتاب خود را به نام تکملهٔالاخبار به نام پریخان خانم تألیف کرد. داستان زندگی پریخان خانم در دو جلد با عنوان زندانی قهقهه (جلد اول، ۱۳۴۸ ق) و قصه پرغصه عشق پریخان خانم (جلد دوم) به چاپ رسیده است. نام او را پری رخ خانم نیز نوشته‌اند. از اشعار اوست:

ساقیا تکیه بر این دار فنا نتوان کرد

باده پیش آر که تغییر قضا نتوان کرد

خانه بر رهگذر سیل فنا نتوان ساخت

فکر جاوید در این کهنه سرا نتوان کرد

طاق ابروی تو محراب دلم تا نشود

ای پریچهره به اخلاص دعا نتوان کرد

ای «حقیقی» چو تو را عمر به پایان برسد

با همه حکمت لقمانش دوا نتوان کرد[۱]

(وف ۹۸۵ ق)، شاعر، متخلص به حقیقی. نام وی را در تذکره‌ها به صورت پریرخ و پری خانم نیز آورده‌اند. وی دختر شاه طهماسب اول، شهریار صفوی، و خواهر شاه اسماعیل دوم بود. زنی لایق و مدبر و جاه‌طلب، که در کارهای کشوری دخالت می‌کرد. حقیقی در به سلطنت رساندن برادر خود نقش بسزایی داشت، و تا به تخت نشستن وی، مدتی هم اداره‌ی امور را به دست گرفت. ولی، اسماعیل پس از جلوس در صدد برآمد، تا دست پریخان خانم را از امور سیاسی کوتاه کند؛ اما وی با پی بردن به این امر، برادرش را مسموم کرد و کشت. پس از آن امید داشت تا با روی کار آمدن محمد میرزا، پدر شاه عباس بزرگ، فرمانروایی را به دست گیرد، اما، محمد میرزا وقتی که بر تخت نشست دستور دستور داد که او را بکشند. داستان زندگی پریخان خانم در دو جلد با عنوان «زندانی قهقهه» و «قصه‌ی پر غصه عشق پریخان خانم» به چاپ رسیده است. از آثار وی: اشعاری چند است که در «تکلمهٔ الاخبار» نقل شده و همچنین بنای مدرسه‌ای در اصفهان است.[۲]

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :[۱] منابع: از رابعه تا پروین، ۸۹ -۸۷؛ احسن التواریخ، ۶۳۸؛ تاریخ ادبیات در ایران، ۱۰۹ -۱۰۸ / ۵؛ تاریخ عالم آرای عباسی، ۱۱۹؛ تذکرهٔالخواتین، ۶۵؛ خیرات حسان، ۷۶ / ۱؛ دانشمندان آذربایجان، ۷۵؛ دایرهٔالمعارف تشیع، ۶۱۷ -۶۱۶ / ۳؛ دایرهٔالمعارف فارسی، ۵۴۱؛ الذریعه، ۷۷۸ / ۹ ،۴۱۰ / ۴؛ ریاحین‌الشریعه، ۷۳ -۷۲ / ۴؛ سخنوران آذربایجان، ۲۵ -۲۴؛ شعرای آذربایجان، ۵۱ -۵۰ / ۱؛ کارنامه زنان مشهور ایران، ۸۴.

[۲] از رابعه تا پروین (۸۹ -۸۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۹ ،۱۰۸/ ۵)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۵۱ -۵۰/ ۱)، خیرات حسان (۷۶/ ۱)، دانشمندان آذربایجان (۷۶ -۷۵)، دایرهٔالمعارف فارسی (۵۴۱/ ۱)، الذریعه (۷۷۸/ ۹ ،۴۱۰/ ۴)، ریاحین الشریعه (۷۳ -۷۲/ ۴)، زنان سخنور (۱۷۱ -۱۷۰/ ۱)، سخنوران آذربایجان (۲۵ -۲۴)، عالم‌آرای عباسی (۱۳۵ ،۱۲۰ -۱۱۹/ ۱)، کارنامه‌ی زنان (۸۵ - ۸۴)، مشاهیر زنان (۴۶ -۴۵).

پریشان گلپایگانی، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۵ -۱۲۷۰ ش)، شاعر، متخلص به پریشان. وی در گلپایگان متولد شد، و مدارس آن شهر به تحصیل پرداخت. پس از آن به

خمین رفت و در آنجا ساکن شد. پریشان شاعری استاد بود و هزاران بیت از اصیل‌ترین و زیباترین شعرها را حفظ بود. اثر به جا مانده از وی «منتخبی از اشعارش» با مقدمه‌ی بانوی شاعر، پروین دولت‌آبادی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۷۹۷ -۷۹۳ /۲).

پریمی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی پریمی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجایب علی پریمی دارای تحصیلات حوزوی ودانشگاه می باشم .تحصیلات حوزه خود را تا پایه دوم در حوزه علمیه دامغان درسالهای ۶۷-۶۸ سپری نمودم وسال۱۳۶۹وارد حوزه علمیه قم شدم و تاکنون مشغول تحصیل هستم که حدود هشت سال سابقه حضور در دروس خارج فقه واصول را دارم .همزمان با تحصیلات حوزوی ،تحصیلات متوسطه و بعد قبولی در دانشگاه را کسب نمودم و دررشته ادبیات وزبان فارسی مدرک کارشناسی را دریافت نمودم و بعد در دانشگاه باقرالعلوم (ع)قم موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم و از سال ۷۹تاکنون در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)به عنوان محقق و مسئول کتابخانه تخصصی علوم عقلی مشغول به تحقیق و پژوهش هستم . ازسال ۱۳۸۰تاکنون در دانشگاههای مختلف کشور (پیام نور قم،دامغان ،صنعتی شاهرود،آزاداسلامی دامغان،وشاهرود)در رشته فلسفه ،دروس عمومی و رشته حقوق مشغول به تدریس هستم .

پریور، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زیست‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زیست‌شناسی از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد زیست‌شناسی با گرایش علوم جانوری از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵، دکترا در رشته علوم جانوری با گرایش زیست‌شناسی سلولی و تکوینی از دانشگاه ردینگ انگلستان در سال ۱۳۵۳، دوره‌های کوتاه مدت کاربرد تکنولوژی مدرن در مطالعات جنین‌شناسی در کشورهای انگلستان و آلمان در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۸.

مرتبه علمی:

تدریس در دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا در رشته علوم جانوری، دانشیار دانشکده علوم دانشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اثرات کارمیوم بر رشد و نمو جنین، تاثیر سرب بر رشد و نمو جنین، اثرات لیتیوم بر رشد و نمو جنین، اثر میدان‌های مغناطیسی ثابت بر رشد و نمو جنین، اثر میدانهای مغناطیسی متحرک بر رشد و نمو جنین، اثر سالویجنین استخراج شده از گیاه سالویا بر رشد و نمو جنین، استاد راهنما و مشاور ۲۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

ابداع:

دستگاه الکترومغناطیس ثابت و متحرک جهت مطالعه اثر میدانهای الکترومغناطیسی بر رشد و نمو جنین، ابداع دستگاه قفس دوار حیوان با سرعتهای مختلف جهت بررسی اثر نیروی گریز از مرکز بر رشد و نمو جنین.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بنیادها و یافته‌ها و آزمونهای زیست‌شناسی، اطلس جنین‌شناسی تجربی و مبانی ژنتیک.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

بررسی تمایز سلولهای جنین، مطالعه بیولوژی حلزونها، اثرات فلزات سنگین بر رشد و نمو جنین، مطالعات جنین‌شناسی ماهی علفخوار و ماهی سفید، استخراج ترکیبات گیاهان داروئی و اثر آنها بر رشد و نمو جنین، اثرات میدانهای الکترومغناطیسی بر رشد و نمو جنین.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

پزشک، حمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : حمید پزشک در سال ۱۳۴۰ در شهر تهران به دنیا آمد . بعد از کسب مدرک دیپلم متوسطه در سال ۱۳۵۸ از دبیرستان ارشاد (خوارزمی) وارد دانشگاه شیراز شد و بعد اخذ دوره کارشناسی و فوق کارشناسی ارشد از آن دانشگاه برای ادامه تحصیل به دانشگاه آکسفورت انگلیس رفت و در سال ۱۳۷۹ موفق به اخذ مدرک دکتری رشته آمار بیزی گردید و در حال حاظر به عنوان دانشیار این رشته در دانشکده ریاضی پردس علوم دانشگاه تهران مشغول به خدمت است.

گروه : علوم پایه

رشته : آمار

گرایش : آمار بیزی و احتمال

والدین و انساب : نام پدر حمید پزشک محمد رضا متولد سال ۱۳۱۵ بروجرد و مادر محترمشان زهرا عابدین قلی متولد ۱۳۲۰ دماوند است.

خاطرات کودکی : حمید پزشک از آن دوران میگوید": خاطرات زیادی از کودکی به یاد ندارم فقط به خاطر می آورم بسیار علاقه مند به یادگیری علوم بودم و این علاقه گاهی کار به نوعی حساسیت مضاعف میکشاند بنحوی که در پایان سال سوم راهنمایی به علت حساسیت های زیاد از حد در یادگیری و نگرانی خیلی زیاد از عدم یادگیری درست،موجب شد که ناراحتی شدید معده دچار شدم که معالجه آن یکسال و نیم به طول انجامید".

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : حمید پزشک در خانواده ای متوسط و محیطی بسیار صمیمی و گرم روز گار گذراند .خانواده ای پنج نفری با وجود یک برادر و یک خواهر ، مادر خانه دار و در برنامه‌ریزی اقتصادی نقش عمده ای داشت و پدر نیز کار گر فنی بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : دوران ابتدایی در مدرسه ابتدایی معمار قصری ۵۱-۱۳۴۷ دوران راهنمایی در مدرسه راهنمایی قصری ۵۴-۱۳۵۲ دوران متوسطه در دبیرستان ارشاد (خوارزمی) ۵۸-۱۳۵۵ دوره کارشناسی آمار دانشگاه شیراز ۶۵-۱۳۵۸ دوره کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز ۶۷-۱۳۶۵ دوره دکترای آمار دانشگاه آکسفورد انگلستان ۷۹-۱۳۷۷

خاطرات و وقایع تحصیل : حمید پزشک آشنایی خود را با استادان بخش آمار دانشگا ه شیراز و انگلیس را از وقایع مهم زندگی حرفه ای و تحصیلی خود میداند استادانی مانند : دکتر احمد رضا سلطانی، دکتر بهبودیان، پروفسور جان گیتینز John Gittins، پیتیر دونلی Peter Donelly، استفان سن Stephn Senn.

فعالیتهای ضمن تحصیل : حمید پزشک همواره در کنار تحصیل به کار مشغول بوده تا خرج تحصیل و معاش را تامین کند وی در طول تحصیلات دانشگاهی همواره کلاسهای حل تمرین داشته و به استادان کمک میکرد.

استادان و مربیان : استادان دکتر جواد بهبودیان، دکتر احمد رضا سلطانی و عبدالرسول برهانی استادیار بخش آمار دانشگاه شیراز و پروفسور جان گیتینز استاد بخش دانشگاه آکسفورد انگلیس از استادان حمید پزشک بوده‌اند.

هم دوره ای ها و همکاران : دکتر سروش علیمرادی عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی شریف، دکتر شاپور اسکورچی عضو هیات علمی دانشگاه بروکسل، دکتر سعید پولاد ساز عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی اصفهان و دکتر نادر نعمت اللهی عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی از همدورهایها و همکاران حمید پزشک بوده اند.

همسر و فرزندان : همسر حمید پزشک سرکار خانم کتایون ساکی سگوند کتولد ۱۳۴۴ شهر خرم‌آباد است وی دارای دو فرزند به نامهای گلنوش پزشک متولد ۱۳۷۲ تهران و مهرنوش پزشک متولد ۱۳۷۳ تهران میباشد.

وقایع میانسالی : حمید پزشک عزیمت به انگلیس و تحصیل در دانشگاه آکسفورد انگلیس و فارغ التحصیل در رشته آمار در سال ۱۳۷۹ و بازگشت به ایران و ارتقاء به درجه دانشیاری در سال ۱۳۸۳ را از وقایع آن دوران نام میبرد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : معاون گروه ریاضی دانشکده علوم دانشگاه تهران ۷۴-۱۳۶۹ معاون اداری و مالی دانشکده علوم دانشگاه تهران ۷۵-۱۳۷۴ رئیس پردیس علوم (دانشکده علوم) دانشگاه تهران ۸۷-۱۳۸۴ رئیس قطب علوم پایه مرکز آموزشهای الکترونیکی دانشگاه تهران ۸۲-۱۳۸۱

فعالیتهای آموزشی : مربی گروه ریاضی دانشکده علوم دانشگاه تهران ۷۵-۱۳۶۹ استادیار گروه ریاضی دانشکده علوم دانشگاه تهران ۸۳-۱۳۷۹ دانشیار دانشکده ریاضی پردیس علوم دانشگاه تهران از ۱۳۸۳ تا کنون

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : آزمایشگاه آمار دانسکده ریاضی پردیس علوم دانشگاه تهران ،تاسیس ۱۳۸۰ گروه بیوانفورماتیک موسسه IBB دانشگاه تهران تاسیس ۱۳۸۳

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عضو شورای اجرایی انجمن آمار ایران ۸۷-۱۳۸۳ عضو هیات تحریریه خبرنامه انجمن ریاضی ایران ۸۷-۱۳۸۳ عضو انجمن سلطنتی آمار انگلستان Royal Statistical Society از سال ۱۹۹۹ تا کنون

شاگردان : مهناز الله بخشی :دانشجوی دوره دکتری فعلا در حال تحصیل در دانشگاه ویکتوریا کانادا، واحد معروفی: فارغ التحصیل کارشناسی ارشد از دانشگاه علامه طباطبائی ، علی کتابفروش : دانشجوی دکتری بیوانفورماتیک دانشگاه تهران و سید امیر مرعشی: دانشجوی دکتری بیوتکنولوژی دانشگاه تهران از دانشجویان حمید پزشک هستند.

جوائز و نشانها : جایزه کنفرانس سالانه ISCB برای دانشمندان سال ۲۰۰۲ در دیژون فرانسه Scientist Award for the presentation if paper in ۲۳rd International society for clinical Biostatistics (ISCB) Annual Meeting (Dijon-France ۲۰۰۲).i

چگونگی عرضه آثار : چاپ حدود ۲۵ مقاله علمی و پژوهشی در مجلات معتبر و ارائه ۱۶ مقاله علمی پژوهشی در کنفرانسها و سمینارهای ملی و بین المللی و ترجمه ۳ جلد کتاب از آثار حمید پزشک میباشند.

آثار :

۱ احتمال و استنباط امار جلد اول

ویژگی اثر : ترجمه، نوشته R.Hogg and E. Tanis چاپ ۱۳۸۲ دانشگاه تهران

۲ احتمال و استنباط امار جلد دوم

ویژگی اثر : ترجمه، نوشته R.Hogg and E. Tanis چاپ ۱۳۸۲ دانشگاه تهران

۳ عمو پترس و انگاره گلد باخ

ویژگی اثر : ترجمه، نوشته A. Doxiades، چاپ ۱۳۸۳ دانشگاه تهران

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

پزشکی شیرازی، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۲۹۲، شیراز.

درگذشت: ۸ آذر ۱۳۶۴، تهران.

کاظم پزشکی شیرازی فرزند محمدتقی حکیم پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه در شیراز در مدارس رحمت و شعاعیه ابتدا در شهرداری شیراز به کار مشغول شد. سپس به استخدام وزارت دارایی درآمد و در اداره‌ی دارایی شهرستان‌ها از جمله اداره‌ی دارایی مشهد خدمت کرد. بعد به تهران منتقل شد. از سال ۱۳۲۱ در دوره‌ی جدید روزنامه انتقادی (خورشید ایران) با بهاءالدین حسام‌زاده پازارگاد به همکاری پرداخت و اشعار و مقاله‌های خود را در آن روزنامه منتشر کرد و مقاله‌هایی ضد دولت انگلستان که ایران را اشغال کرده بود نوشت. به همین علت دستگیر و زندانی شد. پس از آزادی از زندان به شیراز منتقل شد. در سال ۱۳۲۳ امتیاز روزنامه‌ی «آیینه‌ی پارس» را گرفت و تا سال ۱۳۲۵ مرتب هفته‌ای سه شماره از آن را منتشر کرد. در این روزنامه، به سیاست استعماری انگلیس می‌تاخت ولی به علت بروز غائله جنوب و طغیان قشقایی‌ها در شهریور ۱۳۲۵ روزنامه تعطیل شد و پزشکی به تهران آمد و تا پایان عمر در این شهر زیست. در سال ۱۳۳۹ به سمت نمایندگی مردم لار در مجلس شورای ملی انتخاب شد. وی همچنین در سازمان امور اداری و استخدامی کشور کار می‌کرد.

از پانزده سالگی به سرودن شعر و مقاله‌نویسی در روزنامه پرداخت. در بیست سالگی نامه‌ای نوشت و اشعاری سرود و برای ملک‌الشعرای بهار که در اصفهان به حال تبعید به سر می‌برد، فرستاد. بهار در جواب او قصیده‌ای گفت که از خط و شعر و ادب او تمجید کرده است. وی پیش از شهریور ۱۳۲۰ در انجمن سالار شرکت داشت و پس از آن تا زمانی که در شیراز بود، در انجمن ادب فارس و در تهران هم در «شب‌های شیراز» معدل شرکت می‌کرد. پزشکی در سال‌های آخر عمر به شیراز می‌آمد و در انجمن‌های کانون دانش و صدر شرکت می‌جست و اشعار خود را می‌خواند.

او در سال ۲۳۴۳ اشعار بلند طنزآمیزی به صورت مسمط با ترجیع «کلوخ انداز را پاداش سنگ است» درباره‌ی قتل حسنعلی منصور، نخست وزیر وقت، سرود و در آن وکلای دو مجلس را به باد تمسخر گرفت. این اشعار در محافل ادبی تهران دست به دست می‌گشت و چون نسخ تکثیر شده بود، پزشکی تحت تعقیب ساواک بود و به او دستور داده شده بود که از نوشتن مقالات و سرودن اشعار خودداری نماید. اشعار پزشکی ساده و روان است و آنچه می‌اندیشید به زبان شعر بیان می‌کرد. هرچند طبع او بیشتر مایل به غزل‌سرایی بود ولی در گفتن قصاید و قطعات و به خصوص رباعیات نیز از خود مهارت نشان داده است.

پزشکی مدت چهل سال مقالات سیاسی و اجتماعی خود را در روزنامه‌های «عصر آزادی» و «پارس» منتشر می‌کرد. اشعار او در روزنامه‌های شیراز: «اقیانوس»، «پارس» و «بهار شیراز» و روزنامه‌ها و مجلات تهران: «خورشید ایران»، «کیهان»، «گوهر»، «یغما»، «وحید» و «خاطرات وحید» انتشار می‌یافت.

پزشکی در بامداد جمعه هشتم آذر ۱۳۶۴ به سبب بیماری سرطان در تهران درگذشت و در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

پزشکی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد پزشکی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۵/۱

پژدو، بهرام

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، شاعر زرتشتی. وی هیربدی دانشمند و پزشکی حاذق و ستاره‌شمری و پارسی‌دان و پهلوی‌خوان از مردم کرمان بود. او گوینده‌ی منظومه‌ای است به بحر هزج مسدس با عنوان «بهاریات بهرام پژدو» که از آن نسخی در دست است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۵۰۷ –۵۰۶ /۳)، تذکره‌ی شاعران. کرمان (۲۶۵)، فرهنگ شاعران زبان فارسی (۹۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲۴۲/۳).

پژمان بختیاری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۳ –۱۲۷۹ ش)، شاعر و مترجم. از مردم تهران بود، مادرش خانم عالم تاج، متخلص به ژاله از دودمان میرزا ابوالقاسم قائم مقام، وزیر محمد شاه بود. وی تحصیلات خود را در مدارس تهران گذراند و در رشته‌های علوم ادبیات و عربی و زبان فرانسه اطلاعات خود را کامل کرد و پس از آن به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد. پژمان در هیجده سالگی به سرودن شعر پرداخت و آثارش در روزنامه‌ها و مجلات مختلف به چاپ رسید. او از شعرای خوش‌ذوق و تجددخواهی است که آثارش از لطف کلام و انسجام لفظی و معنوی برخوردار است. از آثارش: منظومه‌های «سیه روز»؛ «زن بیچاره»؛ «محاکمه‌ی شاعر»؛ «خاشاک»؛ و همچنین ترجمه‌ی کتابهای: «وفای زن»؛ «آتالاورنه»؛ «پیشه»؛ «دزد اطفال»؛ «قمار»؛ «کرسیل»؛ «گربه‌ی سیاه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (۳۶ –۳۵)، از بهار تا شهریار (۳۸۸ –۳۸۴)، چهارصد شاعر برگزیده پارسی‌گوی (۱۶۷ –۱۶۴)، چون سبوی تشنه (۱۸۰ –۱۷۸)، دویست سخنور (۶۴ –۶۲)، سخنوران نامی (۱۴۴ –۱۳۶ /۲)، سخنوران نامی معاصر (۸۰۳ –۷۹۸ /۲)، صدف (۱۴۴ –۱۱۴)، گلزار معانی (۱۸۷ –۱۷۵)، مؤلفین کتب چاپی (۸۲۹ –۸۲۷ /۲).

پژوم شریعتی سمنانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۰ ش)، شاعر. وی در سمنان به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی را در مدارس همان شهر گذراند. پس از آن دوره‌ی متوسطه را در مدارس دارالفنون و آلیانس فرانسه به پایان برد. سپس با گذراندن کلاس مالیه وزارت دارایی، به استخدام دولت درآمد و پس از سالها خدمت بازنشسته شد. پژوم، شاعر توانایی است که علاوه بر شعر فارسی به گویش سمنانی نیز شعر می‌سراید و اشعار سمنانی‌اش از طنز بی‌بهره نیست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۸۰۸ –۸۰۴ /۲).

پژویان، جمشید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اقتصاد، دانشکده: علوم اقتصادی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای اقتصاد و متخصص در اقتصاد بخش عمومی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبائی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آغاز مباحث جدید اقتصاد بخش عمومی در مباحث مالیاتی، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر (توزیع درآمد، خط فقر، سوبسید)، مالیاتها، تقاضا و قیمت‌گذاری اتومبیل، انجام چند کار تحقیقی در زمینه سیستم‌های جهانی و مسئله توزیع درآمد، مدرس اقتصاد خرد در سطح کارشناسی ارشد و دکترا، راهنمائی مشاوره و نظارت بر ۹ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اقتصاد بخش عمومی، اقتصاد خرد.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

اقتصاد بخش عمومی، توزیع درآمد.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

پسندیده، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس پسندیده

محل تولد : محلات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۷/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۸ در شهر محلات متولد شدم. در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه القائم محلات شده و از محضر اساتید آن حوزه به خصوص مرحوم آیت الله سید طه مقدسی بهره بردم. در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه ولی عصر خوانسار شدم و از محضر اساتیدی چون مرحوم آیت الله تقدیری و دیگر اساتید معظم آن حوزه استفاده کردم. در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از اتمام دروس سطح، در دروس خارج حضرات آیات فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، سبحانی و جوادی آملی شرکت کردم. از سال ۱۳۷۳ همکاری علمی خود را با مرکز تحقیقات دارالحدیث آغاز کردم که همچنان ادامه دارد. همچنین از سال ۱۳۸۲ به تدریس در دانشکده علوم حدیث و از سال ۱۳۸۳ به تدریس در رشته تخصصی علوم حدیث حوزه علمیه قم اشتغال دارم.

پسندیده، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه.

تولد: ۱۲۷۴(۱۷ شوال ۱۳۱۳ ق.)، خمین.

درگذشت: ۲۵ آبان ۱۳۷۵، قم.

آیت‌الله سید مرتضی پسندیده به تحصیل علوم اسلامی پرداخت. ادبیات، منطق، کلام، فقه اصول و هیئت و نجوم را نزد عالمان اصفهان از جمله آیت‌الله رحیم ارباب، شیخ علی یزدی، آیت‌الله محمدعلی تویسرکانی آموخت و سالها در محضر آیت‌الله محمدصادق خاتون‌آبادی درس‌های سطح و خارج و فقه و اصول را گذراند. پس از طی دوره‌های سطح و خارج دروس حوزوی به خمین بازگشت و حوزه‌ی دروس فقه و اصول کلام و منطق و نحو را در آن دیار برپا کرد. حضرت امام خمینی (ره) برادر ایشان، نیز در این دروس از زمره‌ی حاضران به شمار می‌رفتند. مراودات آیت‌الله پسندیده با سران مخالف حکومت رضاشاه و ایستادگی ایشان در برابر خوانین و سرسپردگان حکومت باعث شد تا در زمان اشغال خاک ایران از سوی نیروهای متفق، به اتهام مخالفت و جلوگیری از تأمین نان و خوراک نیروهای اشغالگر، با حکم وزیر کشور رژیم رضا پهلوی به تبعید محکوم شود. وی همراه با

عالمان اصفهان در زمان جنگ جهانی اول برای ایستادگی در برابر نیروهای انگلیسی آموزش‌های نظامی را فراگرفت و در اردوی نظامی روحانیون منطقه شرکت کرد. زمانی نیز به اتهام مخالفت با برنامه کشف حجاب محاکمه شد. او همچنین از محضر آیت‌الله سید حسن مدرس نیز فیض برده بود و در مبارزات ملی شدن نفت با آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی و سران نهضت ملی دیدار و مشارکت داشتند. ایشان همواره در مبارزان سده‌ی اخیر شرکت داشت و پس از خیزش خونین پانزدهم خرداد سال ۱۳۴۲ که منجر به دستگیری امام خمینی (ره) گردید، همراه با مراجع دیگر به تهران آمد و در اعتراض گروهی علما شرکت کرد. وی بارها به دادگاه نظامی احضار شد و تحت محاکمه گرفت.

آیت‌الله مرتضی پسندیده در سال ۱۳۵۷ درگذشت. پیکرش روز جمعه بیست و پنجم آبان در قم تشییع شد و همان جا به خاک سپرده شد.

آیت‌الله آقای حاج سید مرتضی بن العلامه السید مصطفی بن السید احمد معروف به پسندیده برادر بزرگوار امام خمینی عالمی با متانت و دانشمندی با فطانت است در سال ۱۳۱۳ قمری در خمین متولد شده و مقدمات را در آنجا خوانده آنگاه مهاجرت به اصفهان نموده و سطوح را از مرحوم مبرور آیت‌الله العظمی آقاسید علی نجف‌آبادی و دیگران فراگرفته و به درس خارج آیت‌الله العظمی آقامیرمحمدصادق خاتون‌آبادی و بعضی از مدرسین بزرگ دیگر اصفهان حاضر شده سپس مراجعت به وطن نموده و به وظائف مقرره دینی و روحی پرداخته تا سال ۱۳۵۸ قمری به قم مهاجرت نموده‌اند.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

پشت مشهدی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدتقی بن سید عبدالحی بن سید ابراهیم بن سید ماجد بن سید ابراهیم حسینی پشت مشهدی کاشانی از بزرگان علماء عصر و معاصر علامه جلیل‌القدر ملا احمد (فاضل نراقی) بوده و در سال ۱۲۵۸ وفات نموده.

دارای آثاری مانند (تنقیح‌الاصول) و غیره بوده است.

نگارنده گوید: مرحوم آقا سید محمدتقی پشت مشهدی که قبرش در مقبره صحن جناب حبیب بن موسی (ع) در پشت مشهد کاشان مزار است از علماء ربانی و آیات سبحانی زمان خود و از متشرفین خدمت حضرت ولی عصر عجل اللّٰه فرجه الشریف بوده چنانچه مرحوم حجهٔ‌الاسلام میرزا محمود میثمی در (دارالسلام) خود در ضمن حکایت شیخ قاسم واعظ گیلانی نقل نموده است.

بعضی از معاصرین درباره وی فرموده‌اند– سیدالفقهاء والمجتهدین و سند الاتقیاء والزاهدین الحاج سید محمدتقی بن میر عبدالحی ابن ابراهیم بن السید ماجدین السید ابراهیم کاشانی علیهم رحمهٔ الباری جامع علوم ظاهری و باطنی و صاحب کرامات و خوارق عادات و محل وثوق عامه ناس از خواص و عوام بوده.

مزار کثیرالانوارش در پشت مشهد کاشان در جنب شمالی صحن سلطان حبیب بن موسی (ع) دارای بقعه و ضریح مطاف کافه مردم و زیارتگاه ارباب نیاز می‌باشد.

علامه محدث ملا حبیب‌اللّٰه شریف در (لباب‌الالقاب) فرموده: کان عالماً کاملا فاضلا فقیهاً اصولیا جامعاً بین العلم والظاهر والباطن مرتاضا عابداً زاهدا موثوقاً به عند الخواص والافاضل من تلامذهٔ (صاحب الریاض).

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

پناهنده، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی شیمی، دانشکده: فنی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

پناهنده، رسول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج شیخ غلامرضا پناهنده متولد سال ۱۳۲۳ ه. ش که تحصیلات اولیه خودش را در مدرسه کازرونی اصفهان شروع و بعداً علوم حوزوی را در مدرسه نیم آورد جده بزرگ زیر نظر مدرسین زمان خویش ادامه و به حوزه علمیه قم وارد و در مدارس حجتیه و فیضیه قم دوره‌های سطح و خارج فقه و اصول را در زمره شاگردان آیات عظام حسین نوری همدانی– حسینعلی منتظری– یوسف صانعی مرحوم آیت اللّٰه گلپایگانی– وحید خراسانی– محقق داماد و با شرکت در بحث‌های اخلاقی و سیاسی حضرت امام خمینی قدس سره و در نهایت پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران وارد خدمات اجتماعی خویش گردیده و با شروع تدریس دروس معارف اسلامی و علوم معقول و منقول در دانشکده ادبیات و علوم اسلامی دانشگاه اصفهان فعالیت فرهنگی ر انیز شروع و

در ادوار دوم و سوم مجلس شورای اسلامی ایران بنمایندگی از منطقه برخوار و میمه انتخاب و با عضویت در هیئت مدیره مرکزی ائمه جمعه اصفهان و نمایندگی در بنیاد ۱۵ خرداد در سال ۱۳۸۱ ه. ش بعلت عارضه قلبی در سن ۵۸ سالگی دار فانی را وداع‌و بدیار باقی شتافته‌اند روان ایشان شاد باد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

پناهی همدانی، اسماعیل

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. خانواده‌ی وی از خاندان بزرگ و سرشناس همدان بودند. خانواده‌ی پناهی عموما نسبت به اهل علم و ادب توجه داشتند و منزل آنها برای شعرا و ارباب فضل مجمع و محفل انسی بود. وی غزلسرایی زبردست بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۳۷ -۲۳۶ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۲۹)، تذکره‌ی روز روشن (۱۳۹)، الذریعه (۱۵۹/۹)، مخزن الغرائب (۳۴۳ -۳۴۲ /۱)، هفت اقلیم (۵۷۱/۲).

پناهی، علی احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی احمد پناهی

محل تولد : اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی احمد پناهی فرزند شمس الله تحصیلات ابتدایی و راهنمایی خود را در فراهان اراک گذرانده و بعد از اتمام تحصیلات راهنمایی ،در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه قم گردیدم.دروس مقدماتی وسطح را در مدرسه علمیه امام علی (ع)و مدرسه معصومیه به پایان بردم و دروس سطح عالی و خارج را در مدرسه آقای گلپایگانی و مسجد اعظم،ادامه دادم.و الآن حدود ۹سال است که در درس خارج شرکت می کنم.هم زمان با تحصیلات حوزوی ،دروس جدید را از مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)پی گیری کردم.و دوره کارشناسی ارشد معارف را در این مؤسسه به پایان بردم و سپس در اداره کارشناسی ارشد روانشناسی شرکت کرده و آن را در سال ۸۲به پایان بردم و الآن به عنوان محقق در مؤسسه امام خمینی مشغول هستم.ضمنا حدود ۱۵ سال است که از مراکز روستایی،سپاه،و بیشتر در مراکز دانشگاهی هم(در ایام رمضان،محرم،و غیره)به تبلیغ می پردازم.

پور داوود، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۷ -۱۲۶۴ ش)، نویسنده و محقق. پدرش بازرگان بود. در رشت متولد شد. مقدمات فارسی و عربی را در همان شهر آموخت. پس از آن به تهران آمد و نزد محمدحسین خان، سلطان الفلاسفه، به تحصیل حکمت و طب قدیم پرداخت. وی در آغاز مشروطه رهسپار بیروت شد و مدت دو سال و نیم در آن دیار به فراگرفتن زبان و ادبیات فرانسه مشغول بود. سپس به ایران بازگشت و پس از اقامت کوتاه به فرانسه رفت و در پاریس به تحصیل علم حقوق پرداخت. در زمان جنگ جهانی اول به ایران آمد و در کرمانشاه روزنامه‌ای به نام «رستخیز» منتشر کرد، که موفق به ادامه‌ی نشر آن نشد. پس از چند ماه رهسپار اروپا شد و در آلمان مطالعات عمیق خود را درباره‌ی آیین و زبان و فرهنگ ایران باستان آغاز کرد و «اوستا» را محور اصلی پژوهش خود قرار داد. پور داوود در سال ۱۳۱۱ ش، به درخواست رابیندرانات تاگور، برای دومین بار به هندوستان سفر کرد. در آنجا به تکمیل مطالعات و پژوهش ایران‌شناسی خود پرداخت و در دانشگاه ویسو بهارتی مشغول تدریس شد و دو سال بعد به آلمان بازگشت. در هنگام تاسیس دانشکده‌ی ادبیات از پورداوود دعوت شد که برای تدریس به ایران بازگردد، در سال ۱۳۱۵ ش به ایران آمد. وی از آن پس به جز دوره‌های کوتاه مسافرتهای علمی خود، در تهران می‌زیست و در دانشکده‌های ادبیات و حقوق به تدریس اشتغال داشت از سال ۱۳۱۷ ش به عضویت پیوسته‌ی فرهنگستان جهانی هنر و دانش برگزیده شد و در سال ۱۳۴۶ ش، به پاس خدمات انسان دوستانه‌اش از دربار واتیکان به دریافت نشان علمی و عنوان شوالیه دونس سیلوستر مفتخر شد. وی در سال ۱۳۴۲ ش با عنوان استاد ممتاز از دانشگاه بازنشسته شد و در ۸۳ سالگی درگذشت. از آثارش: «فرهنگ ایران باستان»؛ «خرده اوستا»؛ «خرمشاه»؛ «ویسپرد»؛ «آناهیتا»؛

«هرمزنامه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از نیما تا روزگار ما (۱۵۳ ،۱۵۰)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۱۷۴ -۱۷۱)، راهنمای کتاب (س ۱۱، ش ۹، ص ۴۹۰ -۴۸۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۷۷ -۱۷۵ /۲)، سخن (س ۲، ش ۱، ص ۴۹ -۴۸)، سخنوران نامی معاصر (۸۳۲ -۸۲۸ /۲)، سواد و بیاض (۵۷۰ -۵۵۹)، شرح حال رجال (۷/۶)، گلزار معانی (۱۹۰ -۱۸۸)، مولفین کتب چاپی (۴۲ -۴۰ /۱).

پور داوود، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد ابراهیم پور داود ادیب ،مورخ و سخنور معاصر در سال ۱۲۶۴ ه.ش در شهر رشت به دنیا آمد. وی مقدمات فارسی و عربی را در زادگاهش آموخت و در سال ۱۲۸۴ه.ش برای تحصیل حکمت و طب قدیم به تهران آمد. پور داود در آغاز نهضت مشروطه برای کسب علوم جدید به بیروت رفت. وی پس از دو سال و نیم اقامت در لبنان به ایران بازگشت و رهسپار فرانسه شد و در پاریس به تحصیل علم حقوق پرداخت. استاد پور داود در سال ۱۳۰۷ به اروپا بازگشت و در سال ۱۳۱۱ به درخواست رابیند رانات تاگور شاعر و فیلسوف هندی به تدریس فرهنگ ایران در دانشگاه ویسوبهارتی شهر شانتی نیکیتان پرداخت . پس از آن پور داود مجددا مطالعات خود را در اروپا ادامه داد. وی در سال ۱۳۱۶ به دعوت مسئولان دانشگاه تهران، برای تدریس زبانها و ادبیات ایران پیش از اسلام دعوت شد. پور داود از این تاریخ تازمان بازنشستگی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به تدریس و تحقیق فرهنگ ایران باستان، زبان اوستا و تاریخ حقوقایران باستان اشتغال داشت.ایشان در سال ۱۳۴۷ در سن هشتاد و سه سالگی در شهر رشت درگذشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

گرایش : تاریخ و ادبیات ایران پیش از اسلام،

تحصیلات رسمی و حرفه ای : ابراهیم پور داود مقدمات فارسی و عربی را در زادگاهش آموخت و در سال ۱۲۸۴ه.ش برای تحصیل حکمت و طب قدیم به تهران آمد. پور داود در آغاز نهضت مشروطه برای کسب علوم جدید به بیروت رفت. وی پس از دو سال و نیم اقامت در لبنان به ایران بازگشت و رهسپار فرانسه شد و در پاریس به تحصیل علم حقوق پرداخت. پور داود پس از شروع جنگ جهانی اول به ایران بازگشت و در کرمانشاه دست به‌انتشار روزنامه‌ای بنام رستخیز زد و پس از چند ماه مجددا عازم اروپا شد و در آلمان با ایرانشناسان و طرز کار آنان آشنا شد. از این زمان به بعد پورداود به رشته ایران شناسی به‌ویژه زبان و فرهنگ ایران علاقه‌مند شد و زندگی خود را وقف مطالعه و پژوهش تاریخ ایران باستان کرد. وی در سال ۱۳۰۳ ه.ش به ایران بازگشت و پس از یک سال و نیم به هندوستان رفت و با دستیابی به برخی از منابع آئین ایران باستان، بخشی از تفسیر اوستا را منتشر کردو یک سلسله سخنرانی نیز در باره ایران و فرهنگ کهن آن ایراد کرد که در کتابی بنام خرمشاه گرد آوری شد.

زمان و علت فوت : پور داود در سال ۱۳۴۷ در سن هشتاد و سه سالگی در شهر رشت درگذشت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : استاد پور داود در سال ۱۳۰۷ به اروپا بازگشت و در سال ۱۳۱۱ به درخواست رابیند رانات تاگور شاعر و فیلسوف هندی به تدریس فرهنگ ایران در دانشگاه ویسوبهارتی شهر شانتی نیکیتان پرداخت و ضمن اقامت یک ساله خود در هند صد بند ازاشعار تاگور را از بنگالی به فارسی برگرداند ;پس از آن پور داود مجددا مطالعات خود را در اروپا ادامه داد. وی در سال ۱۳۱۶ به دعوت مسئولان دانشگاه تهران، برای تدریس زبانها و ادبیات ایران پیش از اسلام دعوت شد. پور داود از این تاریخ تازمان بازنشستگی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به تدریس و تحقیق فرهنگ ایران باستان، زبان اوستا و تاریخ حقوقایران باستان اشتغال داشت. وی در سال ۱۳۱۷ به عضویت دائمی فرهنگستان ایران درآمد. پور داود در سال ۱۳۲۴ انجمن ایران شناسی را در تهران دایر کرد و پس از دو سال آموزشگاهی برای ایرانشناسی بوجود آورد که مدت دو سال دوام داشت.استاد پور داود در سال ۱۳۴۱ ه.ش به عضویت شورای فرهنگی (سلطنتی) وقت منصوب شد.در سال ۱۳۴۲ دانشگاه دهلی به او درجه دکتری افتخاری داد و در سال۱۳۴۴ به عنوان اولین دانشمند ایرانی به عضویت آکادمی جهانی هنر و دانش برگزیده شد.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : ابراهیم پور داوددر سال ۱۳۲۴ انجمن ایران شناسی را در تهران دایر کردو پس از دو سال آموزشگاهی برای ایرانشناسی بوجود آورد که مدت دو سال دوام داشت

جوائز و نشانها : در سال ۱۳۲۴ دانشگاه تهران طی مراسم بزرگداشتی از خدمات علمی و فرهنگی ابراهیم پور داودقدردانی کرد و به همین مناسبت در سال ۱۳۲۵ یاد نامه‌ای مشتمل بر شرح احوال و آثار او به کوشش دکترمحمد معین به زبان فارسی و زبانهای اروپائی منتشر شد. پور داود در سال ۱۳۴۵ جایزه بزرگ تاگور را از دولت هندوستان دریافت کرد و درسال ۱۳۴۶ به دریافت نشان علمی و عنوان شوالیه دوسن سیلوستر (DeSilvester)از دربار واتیکان مفتخر گردید -----------------------------
----

آثار :

۱ آناهیتا،

ویژگی اثر : تهران (۱۳۴۳)

۲ ایرانشاه(تاریخچه مهاجرت زرتشتیان به هند)

ویژگی اثر : بمبئی ۱۳۴۴

۳ پوراندخت نامه،

ویژگی اثر : بمبئی (۱۳۰۶)

۴ خرده اوستا

ویژگی اثر : (تفسیر مجموعه اوستا بامتن اوستائی) بمبئی، (۱۳۱۰)

۵ سوشیانت بمبئی

ویژگی اثر : ۱۳۰۶

۶ فرهنگ ایران باستان،

ویژگی اثر : تهران (۱۳۲۶)

۷ گاتها، نخستین بخش از کتاب مینوی اوستا،

ویژگی اثر : بمبئی (۱۳۰۵)

۸ گفت و شنود پارسی

ویژگی اثر : (برای دبیرستانهای هند) بمبئی (۱۳۱۲)

۹ هرمزد نامه،

ویژگی اثر : تهران(۱۳۳۱)

۱۰ یزد گرد شهریار،

ویژگی اثر : بمبئی (۱۳۱۲)

۱۱ یسپرد،

ویژگی اثر : تهران (۱۳۴۲).

۱۲ یشتا بخش نخست

ویژگی اثر : ۱۳۰۷

پور طباطبایی، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مجید پور طباطبائی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۶/۱

زندگینامه علمی

در مورخه یکم شهریور ماه ۱۳۳۶ در تهران متولد شدم، سه سال اول ابتدایی را در قم خواندم از تابستان ۱۳۴۵ به تهران منتقل شدم.دیپلم ریاضی خود را در سال ۱۳۵۴ از دبیرستان محمد علی فروغی تهران دریافت کردم. از سال ۱۳۵۰ مشغول آموختن زبان انگلیسی در مؤسسات انگلیسی شکوه، ملی زبان، انجمن ایران و آمریکا (کانون زبان فعلی) بودم. در همان سال در کنکور سراسر در رشته زبان انگلیسی مدرسه عالی ادبیات و زبانهای خارجی پذیرفته شدم. تحصیل در دورهٔ کارشناسی مدت سیزده سال طول کشید و در سال ۱۳۶۷ از دانشگاه علامه طباطبایی فارغ التحصیل شدم. علاقه به ادبیات و سینما از سال ۱۳۴۹ به واسطه آشنایی و رفاقت با یکی از اقوام (که دانشجوی رشته فیزیک دانشگاه تهران بود) در اینجانب شکل گرفت. (این علاقه منجر به تسلّط نسبی به ادبیات و سینمای قبل از انقلاب ایران و جهان شد که البته با هدایت و راهنمایی‌های مرحوم آیت الله حاج شیخ علی صفایی حایری(ره) (مشهور به عین – صاد) شکل و سمت و سوی مناسب شد.

در سال ۱۳۵۷ (اردیبهشت ماه) به خاطر شرکت در فعالیت های سیاسی به مدت یک ترم از دانشگاه اخراج شدم که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دانشگاه باز گشتم.از اواخر سال ۵۹ با آشنایی با مرحوم آیت الله رحمانی خلیلی که به تازگی از نجف به تهران آمده بود علاقمند به آموختن دروس حوزوی گشتم، البته این علاقه بیشتر ریشه در آشنایی با مرحوم آیت الله حاج شیخ علی صفایی حایری که در اواخر سال ۱۳۵۵ در منزل یکی از اقوام که از مکه آمده بود شروع شده بود.از مهر ماه ۱۳۶۰ به طور رسمی از تهران به قم منتقل شدم تا برای آموزش حوزوی خود شکل مناسب و مفیدی فراهم کنم. با توجه به سن (حدود ۲۴ سال) و تلاش برخی از فضلای حوزه دروس ادبیات را تا پایان سال تحصیلی ۱۳۶۱ به پایان بردم.تیر ماه ۶۱ با زمزمه بازگشایی دانشگاه‌ها به تهران باز گشتم ولی دروس حوزوی را رها نکردم و به طور خصوصی از محضر حجةٔ الاسلام و المسلمین مرحوم شیخ مجتبی عاملی زید عزه متوفای فروردین ۱۳۸۵ در محله سرچشمه تهران دروس معالم و کتابهای اولیه شرح لمعه استفاده کردم.

در اواخر سال ۱۳۶۱ با تشکیل پرونده رسمی در حوزه علمیه قم تصمیم به اقامت دائمی در قم گرفتم و از همین رو از شهریور ۶۲ ادامهٔ دروس سطح را پی گرفتم. اصول فقه مظفر را از استاد فقیهی استفاده کردم، و کتابهای مختلف (لمعه) را از بزرگانی چون مرحوم پایانی، حاج شیخ علی پناه اشتهاردی، مرحوم حجه الاسلام محامی (زید عزه) فرا گرفتم. پس از آن فراگیری مکاسب محرمه

و رسائل را به طور همزمان از محضر اساتیدی چون حجهٔ الاسلام اعتمادی، موسوی تهرانی(زید عزه) آیت الله حاج شیخ علی صفایی حایری آغاز کردم. پس از اتمام رسائل، کفایه جلد یک را از محضر آیت الله صفایی حایری و جلد دوم را از محضر حجه الاسلام موسوی تهرانی استفاده کردم. بیع و خیارات را هم از محضر مرحوم صفایی حایری بهره بردم.در سال ۱۳۶۹ موفق به پایان دوره سطح و گذراندن امتحانات شفاهی پایه دهم شدم. درس خارج خود را به منظور فراگیری رجال، با همراهی چند تن از فضلا با حضور در درس خارج (حج) حضرت آیت الله حاج سید موسی شبیری زنجانی شب ها یک ساعت پس از نماز مغرب و عشاء در منزل ایشان آغاز کردم. (در آن تاریخ سال هشتم درس حج ایشان بود که با حضور حدود ۱۲ تن ادامه می یافت). همزمان در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت می‌کردم. پس از دوسال درس خارج فقه خود را در محضر آیت الله حاج شیخ جواد تبریزی و خارج اصول را در محضر آیت الله مومن ادامه دادم.

در همان سال‌ها حضرت آیت الله مومن مسائل مستحدثه را در روزهای جمعه در منزل خود با حضور ۷ الی ۸ نفر پی‌می‌گرفتند که اینجانب نیز در آن حلقه شرکت می‌کردم. در طول این مدت (از سال ۶۹ تا ۷۸) جمعی از فضلا به صورت موضوعی بر روی برخی عناوین فقهی کار دسته جمعی انجام می‌دادند و وقتی در هر موضوع جزئی به نتایجی دست می‌یافتند، حاصل مطالعه خود را به عرض مرحوم آیت الله حاج شیخ علی صفایی حایری می‌رساندند و ایشان نتیجه بررسی‌های آنان را مورد نقد و ارزیابی قرار داده و نواقص کار آنان را گوشزد و سمت و سو می‌داد. افتخار همراهی دوستان در این محفل را نیز داشتم.از سال ۱۳۶۴ به دلیل آن که دروس متداول حوزوی عطش اینجانب و جمعی از دوستان که همگی دروس دانشگاهی را نیمه تمام گذارده و به حوزه آمده بودیم،را پاسخ نمی گفت با هدایت مرحوم آیت الله صفایی حایری به بررسی مطالعه عرفان و فلسفه پرداختیم این سیر مطالعاتی حدود ۳ سال طول کشید که برای اینجانب حاصلی به عنوان بررسی فلسفهٔ افلاطونی و تأثیر آن بر عرفان و فلسفه مسیحیان و مسلمانان را داشت که به دلیل وسواس های اینجانب هنوز برای نشر به هیچ ناشری ارائه نشده است.

از سال ۱۳۶۷ همین جمع به دلالت و هدایت مرحوم استاد به مطالعهٔ تاریخ اسلام رو آوردیم که برای اینجانب حاصلی تحت عنوان (ابوطالب تجلی ایمان) داشت که بعدها با تجدید نظر به چاپ رسید.از سال ۱۳۷۱ با آشنایی با دکتر علی لاریجانی که به واسطه حجهٔ الاسلام مهندس مجتبی همدانی (که از زمان حضور در واحد دانشجویی حزب جمهوری اسلامی در سال های ۵۸ – ۶۰ با یکدیگر آشنایی و رفاقت داشتیم) به وزارت فرهنگ و ارشال اسلامی و در پی آن صدا و سیما راه یافتم و در کنار دروس حوزوی به انجام خدماتی نائل آمدم. در سال ۱۳۷۵ با تشکیل دانشکده اصول دین، در اولین دوره آن دانشکده پذیرفته شدم که در سال ۱۳۷۸ از آن دانشکده با نگارش پایان نامه‌ای تحت عنوان جایگاه صحیح مسلم در سیر تدوین حدیث (که از نمرهٔ ۲۰ برخوردار شد) فارغ التحصیل گردیدم. این پایان نامه در ششمین دوره پایان نامه برتر رتبهٔ اول مقطع کارشناسی ارشد در رشته الهیات را به خود اختصاص داد. این رساله بالغ بر ۵ جلد و ۱۵۶۰ صفحه آ- چهار است که هنوز هیچ ناشری خود را برای چاپ و نشر آن به خطر نینداخته است. در پایان خاطر نشان می‌شود که در حال حاضر در حال نگارش پژوهشی تحت عنوان رویارویی خاورشناسان با قرآن در حدود ۱۰۰۰ صفحه برای مرکز فرهنگ و معارف قرآن دفتر تبلیغات اسلامی هستم.

پور فریدون

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم و هشتم ق)، شاعر. از اهالی کردان فارس بود. از آثارش فقط تعدادی «دو بیتی» به گویش پهلوی فارس به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۲۴)، تذکره‌ی روز روشن (۱۴۰)، الذریعه (۱۵۹/۹)، لغت‌نامه (ذیل / پور فریدون)، مخزن الغرائب (۲۹۶/۱).

پور منصوری، خلیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلیل پور منصوری

محل تولد : رامسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه رضویه تحصیلات حوزوی خود را ادامه دادم. پس از اتمام دروس سطح حوزوی در سال ۶۶- ۶۵در درس خارج آیت الله منتظری و آیات عظام شرکت و در سال ۱۳۷۲ در کلاس های تخصصی قوه

قضائیه شرکت نمودم . از سال ۱۳۶۸ به بعد نگارش و تحقیق را شروع و در همان سال کتاب نظریهٔ الوصف را نگاشته و در سال بعد به چاپ رساندم. پس از آن کتب متعدد و صدها مقاله علمی و قرآنی را تألیف و در مطبوعات کثیرالانتشار چون کیهان به چاپ رساندم.

پوراحمد، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر احمد پور احمد در سال ۱۳۳۷ در کرمان متولد شد.ایشان دارای دکتری رشته جغرافیایی انسانی با تخصص برنامه‌ریزی شهری از دانشگاه تربیت مدرس(در سال ۱۳۷۳) می باشد. وی پس از انقلاب اسلامی به عنوان نماینده دانشجویان دانشگاه تهران به عضویت کمیته برنامه‌ریزی رشته جغرافیا شورای عالی (ستاد) انقلاب فرهنگی درآمد و همزمان به عنوان مسوول همه پژوهشی جغرافیا در دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، به فعالیت پرداخت. کتاب" قلمرو فلسفه جغرافیا" تالیف ،ایشان ، در دوره بیست و پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاگرایش : برنامه‌ریزی شهریتحصیلات رسمی و حرفه ای : احمد پوراحمدپس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۶۷، در دوره دکترای همان دانشگاه پذیرفته و سرانجام در سال ۱۳۷۳ دکترای جغرافیای انسانی با تخصص در برنامه‌ریزی شهری را با درجه عالی دریافت کرد. وقایع میانسالی : احمد پوراحمد پس از انقلاب اسلامی به عنوان نماینده دانشجویان دانشگاه تهران به عضویت کمیته برنامه‌ریزی رشته جغرافیا شورای عالی (ستاد) انقلاب فرهنگی درآمد و همزمان به عنوان مسوول همه پژوهشی جغرافیا در دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، به فعالیت پرداخت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد پوراحمد تاکنون سمت‌هایی از جمله معاونت آموزشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی (۷۶-۱۳۷۴)، مدیر کل امور پژوهش دانشگاه (۱۳۸۵-۱۳۷۶)، عضویت در هیات ممیزه مرکزی جهاد دانشگاهی، عضویت در شورای مرکزی انجمن جغرافیایی ایران و در حال حاضر ریاست دانشکده جغرافیا و مشاور معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه را برعهده دارد و در سال ۱۳۸۵ به عنوان مدیر نمونه دانشگاه تهران مورد تشویق قرار گرفته است. فعالیتهای آموزشی : دکتر احمد پوراحمد رسما از سال ۱۳۷۳ فعالیت خود را در گروه جغرافیای دانشگاه تهران آغاز کرده و بیش از ۱۰ درس مختلف در رشته‌های مربوط به جغرافیا را در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری تدریس می کند.جوائز و نشانها : دو عنوان از کتاب‌های احمد پور احمد موفق به کسب جایزه از جشنواره فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۷۹ و کتاب سال دانشجویی کشور در سال ۱۳۸۱ شده‌اند. همچنین کتاب" قلمرو فلسفه جغرافیا" تالیف ،ایشان ، در دوره بیست و پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. دکتر احمد پوراحمد در سال ۱۳۸۳ به عنوان استاد نمونه دانشگاه تهران برگزیده شد و همچنین در سال ۱۳۸۵ به عنوان پژوهشگر برگزیده دانشگاه، نشان پژوهش دانشگاه تهران را کسب کرد. دو عنوان از طرح‌های ایشان به عنوان طرح برگزیده هفتمین جشنواره بین‌المللی خوارزمی در سال ۱۳۷۳ رتبه سوم تحقیق را به خود اختصاص داده و دیگری به عنوان طرح نمونه دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۰ برگزیده شده است. دکتر احمد پوراحمد تاکنون راهنمایی تعداد زیادی پایان‌نامه کارشناسی ارشد و رساله دکتری را برعهده داشته که ۳ عنوان از آن‌ها به عنوان پژوهش‌های برگزیده کشور در زمینه جغرافیای فرهنگی توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ۲ مورد دیگر به عنوان پایان نامه‌های برگزیده دانشجویی کشور انتخاب و تشویق شده‌اند.چگونگی عرضه آثار : دکتر احمد پوراحمد تاکنون راهنمایی تعداد زیادی پایان‌نامه کارشناسی ارشد و رساله دکتری را برعهده داشته که ۳ عنوان از آن‌ها به عنوان پژوهش‌های برگزیده کشور در زمینه جغرافیای فرهنگی توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ۲ مورد دیگر به عنوان پایان نامه‌های برگزیده دانشجویی کشور انتخاب و تشویق شده‌اند. وی همچنین، بیش از ۱۵ طرح پژوهشی را اجرا کرده که دو عنوان از طرح‌های مذکور به عنوان طرح برگزیده هفتمین جشنواره بین‌المللی خوارزمی در سال ۱۳۷۳ رتبه سوم تحقیق را به خود اختصاص داده و دیگری به عنوان طرح نمونه دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۰ برگزیده شده است. دکتر احمد پوراحمد تاکنون بیش از ۶۰ مقاله علمی پژوهشی در مجله‌های معتبر دارای اینکس داخلی و خارجی به چاپ رسانیده یا در کنفرانس‌های علمی داخل و خارج از کشور ارایه کرده است. *** آثار : ۱ برنامه‌ریزی، بهسازی و نوسازی شهری ویژگی اثر : تالیف۲ تحولات کارکردی بازار کرمان ویژگی اثر : تالیف۳ توسعه کالبدی فضایی شهر سنندج با استفاده از GIS ویژگی اثر : تالیف۴ جغرافیا و بهسازی و بازسازی شهری ویژگی اثر : تالیف۵ جغرافیا و ساخت شهر کرمان ویژگی اثر : تالیف۶ جغرافیای عملیات ماندگار جنگ ایران و عراق ویژگی اثر : تالیف۷ جهانی شدن و شهر ویژگی اثر : ترجمه۸ روش تحقیق کیفی در جغرافیای انسانی و قلمرو و فلسفه جغرافیا ویژگی اثر : تالیف۹ روش‌های کیفی تحقیق در علوم اجتماعی ویژگی اثر : ترجمه۱۰ شهرها و فرهنگ‌ها ویژگی اثر : ترجمه۱۱ فنون و تجارب برنامه‌ریزی مرمت بافت تاریخی شهرها ویژگی اثر : تالیف۱۲ قلمرو فلسفه جغرافیا ویژگی اثر : تالیف احمد پوراحمد.– تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. ۱۳۸۵ . ۳۷۶ ص . نقشه . جدول. عکس. .این کتاب در دوره بیست و پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است۱۳ مبانی جغرافیایی زلزله و آتشفشان ویژگی اثر : ترجمه

پوراصغر تلمبه‌چی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: دامپروری، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

سه مدرک مایستری (کارشناسی ارشد) در رابطه با پرورش نژادشناسی و بیماری آفات زنبور عسل از آلمان غربی در سال ۱۳۴۷، مهندسی در رشته دامپروری (زنبور عسل) از آلمان غربی در سال ۱۳۵۳ و دکترا از دانشگاه گوتینگن آلمان غربی در سال ۱۳۶۱.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پرورش زنبور عسل، شناخت مشخصات نژادی زنبوران عسل در ایران، پرورش ملکه زنبور عسل، مطالعه در زمینه بیماری و آفات زنبور عسل در رابطه با آفت کنه واروا در آلمان غربی، انتخاب بهترین نژاد زنبور عسل برای کشور آلمان غربی و اخذ مدال طلا از آن کشور.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

پرورش و نگهداری زنبور عسل، آفات و امراض زنبور عسل و کنه واروا (آفت زنبور عسل).

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

پرورش زنبور عسل و بررسی مشخصات سلول کارگر زنبور عسل با محاسبات ریاضی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

پورافکاری، نصراللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی جامعه‌شناسی از دانشسرای عالی دانشگاه تبریز، دکترای جامعه‌شناسی در رشته پژوهشگری.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پروژه تحقیقی برای فولاد مبارکه، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

جامعه‌شناسی شهری و روستایی، خانواده.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

پوراکبر، عبدالعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالعلی پور اکبر

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

پورامینی، محمد باقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر پور امینی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد باقر پور امینی در سال ۱۳۴۷ متولد شد . تحصیلات ابتدائی تا دبیرستان را در قم گذراند و به سال ۱۳۶۶ مقدمات دروس حوزوی را آغاز کرد . سپس دروس سطح را خدمت اساتید بزرگواری همچون آیات و حجج الاسلام طالقانی (لمعه) ، محمدی خراسانی (لمعه) ، حسینی بوشهری (اصول فقه) ، احمدی میانجی (مکاسب) ، استادی (مکاسب) ، پایانی (مکاسب) ، موسوی تهرانی (رسائل و کفایه) و بیگدلی (کفایه) فرا گرفت . در سال ۱۳۷۲ کارشناسی علوم سیاسی را اخذ نمود . وی از سال ۱۳۷۶ در درس خارج فقه آیت الله زنجانی و اصول آیت الله کوکبی شرکت کرد و از سال ۱۳۷۹ تا کنون نیز در درس خارج فقه آیت الله تبریزی و اصول آیت الله وحید خراسانی حضور دارد و همزمان با تحصیلات حوزوی و دانشگاهی ، به فعالیت های تبلیغی ، تدریس و تالیف نیز پرداخته است .

پورانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق) خطاط. از خاندان پورانی بود و در خط نسخ و نستعلیق زبردست. وی به شیوه و قدرت میرعلی هروی خط می‌نوشت.
از آثار او: پنج قطعه از مرقع بهرام میرزا، به قلم سه دانگ جلی و نیم دو دانگ و کتابت خوش، با رقمهای: «مشقه میرشیخ الپورانی غفر ذنوبه ۹۳۹» و «میرشیخ الپورانی» و «عبده میرشیخ پورانی» و «عبده میرشیخ پورانی غفر ذنوبه و ستر عیوبه» و «عبدکم میرشیخ پورانی»؛ دو قطعه از مرقع سیداحمد مشهدی، به قلم دو دانگ و کتابت خوش، با رقم: «مشقه میرشیخ الپورانی»؛ چهار قطعه، در سه مرقع مختلف، به قلمهای شش و چهار و سه و دو و نیم دو دانگ و کتابت خوش، و بعضی به قلم نسخ خوش، با رقمهای: «میرشیخ الپورانی» و «مشقه العبد میرشیخ الپورانی»؛ یک قطعه از مرقع، به قلم سه دانگ جلی خوش، که با این رقم تمام می‌شود: «فقیر میرشیخ»؛ یک قطعه، به قلم سه دانگ و دو دانگ عالی، با رقم: «مشقه العبد میرشیخ الپورانی سنه ۹۶۸»، در کتابخانه آستان رضوی مشهد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار و احوال خوشنویسان (۹۳۳ -۹۳۲ /۳).

پورآذرنگ، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی متالورژی، دانشکده: مهندسی متالورژی، دانشگاه: صنعتی شریف

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

پورآذرنگ، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کاظم پورآذرنگ متولد ۱۳۲۴ ش تهران دارای دکترای رشته متالوژی عضویت هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف با درجه دانشیار باشد. وی دارای تحقیقات وآثار پیرامون احیای کانه های آهن ، الگوی رشد می باشد.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی متالوژیتحصیلات رسمی و حرفه ای : کاظم پورآذرنگ دارای کارشناسی رشته مهندسی مواد از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته مهندسی مواد از دانشگاه تهران دکترای رشته متالوژی آلیاژها از دانشگاه نیویورک میباشدخاطرات و وقایع تحصیل : تحصیل در رشته متالوژی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکترکاظم پورآذرنگ بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : کاظم پورآذرنگ د ر کنار تحصیل به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری در زمینه تخصصی مورد علاقه خود بوده است.وقایع میانسالی : کاظم پورآذرنگ پس از اخذ مدرک دکتری در رشته متالوژی به عضویت هیئت علمی گروه متالوژی در دانشکده فنی مهندسی دردانشگاه صنعتی شریف در آمد وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : کاظم پورآذرنگ عضوهیئت علمی و دانشیار گروه متالوژی در دانشکده فنی مهندسی در دانشگاه صنعتی شریف است.فعالیتهای آموزشی : کاظم پورآذرنگ سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه متالوژی در دانشکده فنی مهندسی صنعتی شریف به تدریس دروس تخصصی رشته متالوژی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : کاظم پورآذرنگ در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون تخصصی ،پژوهشی و عمیق می پردازد.آرا و گرایشهای خاص : کاظم پورآذرنگ از جمله مهندسین مواد و فلزشناسانی است که تحقیقات و پژوهشهای علمی و عمیق وسیعی درباره احیای کانه های آهن ، الگوی رشد دارد.

آثار : احیای کانه های آهن الگوی رشد منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

پوربهای جامی، تاج‌الدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، عارف، شاعر، متخلص به پوربها. معروف به ابن‌بها. وی مردی دانشور و فاضل بود و در خاندانی که پدر بر پدر از قضات ولایت جام بودند، نشو و نما کرد. او از معاصران بدرالدین جاجرمی و بدرالدین کرمانی به شمار می‌رفت. طبعی خوش داشت و با دانشوران نشست و برخاست می‌کرد. بنا به روایت دولتشاه سمرقندی مدتی شاگرد سعید هروی و رکن‌الدین قبایی بود. با آنکه مولد و منشاء پوربهاء ولایت جام بود، بیشتر روزگار خود را در هرات گذرانید. وی در شمار اطرافیان خواجه عزالدین طاهر فریومدی و پسرش، خواجه وجیه‌الدین زنگی فریومدی، بود و آن دو را مدح می‌گفت. مدایح این دو در «دیوان» پوربها دیده شده است و اینکه برخی تذکره‌نویسان، او را فقط مختص به درگاه خواجه وجیه‌الدین زنگی دانسته‌اند، باطل است. در میان ممدوحان پوربها غیر از عزالدین و وجیه‌الدین فریومدی و رجال خاندان جوینی، کسان دیگری مانند اباقاخان و خواجه نصیرالدین طوسی و صاحب شرف‌الدین قانجی را می‌یابیم. وی پس از خروج از خراسان مدتی در تبریز و بغداد و سپس در اصفهان اقامت داشت؛ اقامتش در تبریز به خاطر تعلق به درگاه شمس‌الدین صاحب دیوان بود.

پوربها سخنی روان و غالبا متوسط دارد و از اختصاصات شعر او آنست که گاه قصایدی با کلمات وافر مغولی ساخته و خود را در این راه مبتکر شمرده است. شهرت پوربها بیشتر در هجوها و هزلهای او است و خود را در این شیوه شاگرد سوزنی دانسته است. به هر حال پوربها شاعری است خوش‌ذوق و خوش‌بیان و شوخ‌طبع و هزال و مدیحه‌ساز و هجاپرداز که از قریحه‌ی خود آزادانه به هر نحوی که می‌خواست استفاده می‌کرد. او «دیوانی» دارد شامل: قصاید، مقطعات، ترکیب‌بند و رباعیات.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده آذر (۲۹۳ -۲۹۲ /۱)، از سعدی تا جامی (۱۶۰ -۱۵۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۷۱ -۶۶۰ /۳)، تاریخ گزیده (۷۲۴)، تاریخ نظم و نثر (۱۶۰)، تذکره‌ی روز روشن (۱۴۰)، تذکرةالشعراء (۲۰۵ -۲۰۱)، الذریعه (۱۵۹/۹)، رباعی و رباعی‌سرایان (۱۴۰ -۱۳۹)، ریحانه (۳۱۱/۱)، صبح گلشن (۷۷)، کشف الظنون (۷۸۰)، لغت‌نامه (ذیل/ پوربها)، مجمل فصیحی (ذیل/ سالهای ۶۶۹، ۶۶۶)، مخزن الغرائب (۳۰۸/۱).

پورجوادی، نصراللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر نصراللّه پورجوادی (۱۳۲۲ـ تهران) دارای مدرک دکتری فلسفه است.وی هم اکنون عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و استاد رشتهٔ فلسفه در دانشگاه تهران می باشد.دکتر نصرالله پور جوادی از چهره های سر شناس و فرهیخته روزگار ما است که در عرصه فلسفه و عرفان و ادب فارسی با خلق آثاری ماندگار ، از خود چهره ای دوست داشتنی و قابل احترام در مجامع علمی به جا گذاشته است . کتاب"دو مجدّد (پژوهش‌هایی دربارهٔ محمّد غزّالی و فخررازی ")تالیف نصرالله پورجوادی، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

تحصیلات رسـمی و حرفه ای : نصرالله پور جوادی دکتر نصرالله پورجوادی در سال ۱۳۲۲ در تهران چشم به جهـان گشود و پس از طی مراحل مقـدماتی تـحصیل بـرای ادامـه تحصـیل بـه ایالات متحـده امریکا عزیمت نموده و در سال ۱۹۶۷ (۱۳۴۶) موفق به اخذ مـدرک کارشناسی فلسـفه از دانشـگاه سانفرانسیسـکو شـد. وی پس از بـازگشت به میهن تحصیلات خـود را ادامه داده و مـدرک کارشناسی ارشد فلسفه در سال ۱۳۵۱ و سپس دکتری فلسفه در سال ۱۳۵۷ اخذ نمود.

اسـتادان و مربیـان : در دوران تحصـیل اگرچه محضـر اسـتادان به نـام بهره برد ، امـا خود را وابسته به حوزه خاصـی نکرد . در میان بزرگـان عرصه فلسـفه و عرفـان بیش از هر کس به پروفسور ایزو تسو نزدیـک شـد و در پیش وی فصوص الحکم عربی خوانـد و به تشویق وی سوانح غزالی را به انگلیسـی ترجمه کرد و روش تحلیلی وی را در امر پژوهش الگو قرار داد اگر چه در کنار استاد ژاپنی نام دارانی چون ، فردرید ، بزرگمهر ، مهدوی ، جلیلی و نصر قرار گرفته بودند ، اما هیچ یک این دانشجوی متفکر پر احساس را به سوی خود جلب نکرد .

وقایع میانسالی : نصـرالله پور جوادی سـعی می کرد که هویت ایرانی خود را در فرهنگ سـرزمین خود پیـدا کنـد ، از این رو پس از دریافت مدرک لیسانس به ایران باز گشت و در دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت .دکتر پور جوادی پس از پایان تحصیلات خود به اسـخدام دانشگاه صـنعتی شـریف در آمد و به تدریس فلسـفه پرداخت . با پیروزی انقلاب اسـلامی و تعطیلی دانشگاه ها با ستاد انقلاب فرهنگی همکاری خود را آغاز نمود و چون مرکز نشـر دانشگاهی در سال ۱۳۵۹ تاسیس شد مسئولیت این مرکز را بر عهده گرفت . تلاش دکتر پور جوادی در مرکز نشر دانشگاهی چشمگیر و ستودنی است .

مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : دکتر پورجوادی خدمت خود را با سـمت مربی مرکز تعلیمات عمومی دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۵۲ آغـاز کرد و تـا سال ۱۳۶۶ خـدمت خود را در دانشـکده ادبیـات و علوم انسانی دانشگاه تهران پی‌گرفت و با پشت سـر گـذاردن مـدارج دانشـگاهی به اخـذ رتبه اسـتادی این دانشگاه نائل شـد. دکتر پورجوادی در سال ۱۳۵۸ سـرپرستی مرکز تعلیمات عمومی و مـدیریت عامل انتشارات دانشگاه صـنعتی شـریف را به عهده گرفت و در سال ۱۳۵۹ به عنوان سـرپرست کمیته ترجمه و تالیف ستاد انقلاب فرهنگی انتخاب شد. همچنین از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۸۳ ریاست مرکز نشر دانشگاهی وابسته به شورای عالی انقلاب فرهنگی را بر عهده داشـته است. وی در سال ۱۳۸۱ به دعوت Colgate University در نیویورک به عنوان استاد مدعو در این دانشگاه حضور داشـته است. دکتر نصـرالله پورجوادی در طول خـدمت خود مسـئولیت‌های اجرایی و فعالیت‌های اجتماعی متعدد بر عهـده داشـته است که از اهم آن می‌تـوان به ریـاست مرکز نشـر دانشـگاهی، عضـویت فرهنگسـتان زبـان و ادب فارسـی، تاسیس و سردبیری مجله نشـر دانش، تاسیس و مدیریت مجله معارف، عضویت هیات امناء بنیاد دائره‌المعارف اسـلامی، عضویت هیات علمی دائره‌المعارف بزرگ اسـلامی، عضویت شورای مرکز نشـر دانشگاهی، عضویت در شورای مسئولیت اجرایی ستاد انقلاب فرهنگی و عضویت در شورای عـالی انقلاب فرهنگی اشـاره کرد. دکتر پورجوادی در سـمت‌های مختلفی خـدمت نموده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شـود: ـ رئیس مرکز تعلیمـات عمومی دانشـگاه صـنعتی شـریف ـ مـدیر عامـل انتشـارات دانشگاه صـنعتی شریف ـ عضـو فرهنگسـتان زبان و ادب فارسـی ـ رئیس بنیاد دانشـنامهٔ جهان اسلام ـ رئیس مرکز نشر دانشگاهی و مدیر مسؤول و سردبیر نشریهٔ نشر دانش از ابتدای تأسیس در سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۸۳. –۱۳۵۷– ۱۳۵۲:مربی، مرکز تعلیمات عمومی دانشگاه صنعتی شریف –۱۳۶۶– ۱۳۵۷: اسـتادیار مرکز تعلیمات عمومی دانشگاه صـنعتی شریف –۱۳۶۶ تاکنون: اسـتادیار، دانشـیار، دانشـکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران –۱۳۵۸: سـرپرست مرکز تعلیمات عمومی، دانشگاه صـنعتی شـریف –۱۳۵۸: مدیر عامل انتشارات دانشـگاه صـنعتی شریف –۱۳۵۹: سرپرست کمیته ترجمه و تالیف ستاد انقلاب فرهنگی – پائیز ۱۳۸۱: استاد مدعو Colgate University (New york) جذب اسـتادان برای ترجمه و تالیف که حاصل آن بیش از ۱۳۰۰ عنوان کتاب در عرصه های مختلف علم و ادب است و یا تـالیف فرهنگ اصـطلاحات با بیش از ۳۰ عنوان و همچنین نشـر مجلاتی چون نشـر دانش ، تاریـخ و باسـتان شناسـی ، لقمان ، زبان شناسـی ، فیزیـک ، ریاضـی ، شـیمی . معـارف و مجله بهـداشت از جمله کـار هـایی است که در طول مسـئولیت این عـاشق دلباخته فرهنگ اسـلامی انجام پذیرفت . وارد کردن کتاب های خارجی در زمانی که مرزها بسته بود و ارتباط با خارج چندان مطلوب نبود ، کاری در خور تحسـین بود . دکتر پور جوادی در مدت ۲۴ سال دوران مسـئولیت خود هر کاری که کرد ، برای نشان دادن هویت ایرانی ایران مظلـوم بـود . او بهـترین روز هـای عمر خود را وقف خـدمت به فرهنـگ و مردم این مرز و بوم نمود و آسـتین بالاـ زد و دانشـمندان و اسـتادان را به همکاری طلبیـد و به واقع هر که روی به وی آورد چه خوب یا بد ماند و نرفت . آنان عشق به وطن را به زر و زیـور نفروختنـد و در اثری کـه فضـیلت و انسـانیت ره گـم کرده ای بیش نیست ، ماندنـد و به هـویت ایرانی خـود بالیدنـد و با خـدمت به فرهنگ کهن سـرزمین ایران اسـلامی احساس غرور کردنـد و بازوی علمی وی شدند و آنچنان شد که امروزه مرکز نشـر دانشـگاهی یکی بزرگترین و معتبرترین موسسه انتشارات دانشگاهی به شمار می رود . بی شک نام نشر دانشگاهی ، در کارنامه وی چون نگینی خواهـد درخشـید و در هر جا از نشـر دانشـگاهی سـخن رانـده شود یاد آور نام دکتر پور جوادی خواهد بود . دکتر پور جوادی در جلسات فرهنگستان نیز همواره چهره ای شاخص بود ، اظهار نظر های وی ، چه موافق و چه مخالف ، قابل بحث بود . او می گفت هر کاری که در فرهنگسـتان صورت می گیرد ، بایـد بنیادی باشد ، زیرا معتقد بود که زمان فارسـی به کار بنیادی نیازمند است هر چنـد که زمـان طولانی برای آن صـرف شود . برای مثال چون صـحبت فرهنگ نویسـی مطرح می شـد ، می گفت : امروزه فرهنگ های قدیم پاسـخگوی نیاز های جامعه ما نسـیتند . برای احتیاجات روزمره برای دانشـجویان ، برای نسل عظیم تحصـیل کرده تشنه علم ، چند کتاب فرهنگ دست و پا شکسته قدیمی کفایت نمی کند . امروزه فرهنگ نویسی یک علم و به کلی با گذشته فرق دارد . کارهای تیمی بایـد انجام داد ، کارهای روشـمند و قانون مند ؛ و همواره در جلسات فرهنگسـتان به این نکته تاکید داشت که اگر کاری می کنیم و یا گروهی را تشکیل می دهیم ، بایـد بدانیم که هدفش چیست ؟ برنامه اش چیست و چه کار می کند ؟ وگر نه اگر بی برنـامه حرکت کنیم ، به نتیجه نخواهیم رسـید . معتقـد بود که جـامعه نیـاز به فرهنـگ روز آمـد دارد و نبود آن کاملا در جامعه علمی احساس می شود . دانشجوی ما فرهنگ درست و حسابی ندارد . فرهنگی که ما بتوانیم به صورت روز آمد داشته باشیم ، سـراغ نداریم یعنی وقتی لغت جدیدی وارد زبان می شود ، مرتب بتوانیم کاربرد آن را نشان دهیم و داخل فرهنگ بیاوریم ، همان

کاری که امروزه در اکثر کشور ها رایج است . دکتر پور جوادی به تبع کاری که در نشر دانشگاهی شروع کرده بود ، معتقد بود که باید در نشر متون کوشا بود و در این زمینه سیاست روشن و شفاهی داشت . احیای زبان فارسی و هویت این ملت را در احیای آثار معنوی و معرفی آن به نسل جوان می دانست و می گفت ما اکنون می خواهیم با این همه متون که از زبان فارسی داریم چه کنیم ؟ سیاست ما در این مورد جگونه خواهد بود ؟ در آینده چکار می خواهیم بکنیم ؟ سیاست کشور در قبال متون فارسی چیست ؟ این مسائل باید روشن شود ، تا بدانیم در گنجینه ادب فارسی از قدیم چه داریم و کمبود ها چیست .

آرا و گرایشهای خاص : دکتر نصرالله پور جوادی از چهره های سر شناس و فرهیخته روزگار ما است که در عرصه فلسفه و عرفان و ادب فارسی بـا خلق آثاری مانـدگار ، از خود چهره ای دوست داشتنی و قابل احترام در مجامع علمی به جا گذاشته است . وی با نگرشی کاملا متفاوت به مسائل فلسفی و عرفانی در هر محفل علمی خوش می درخشد و حرفی تازه برای گفتن دارد و بی گزاف می توان گفت کـه وی در این زمینه فردی است صاحب سبک ، و روشن ضمیری است آگاه به مسائل روز ، علاقه او به کهن سرزمین ایران ستودنی است . مقالات و نوشته های وی چنان محکم ، استوار و متکی به منابع اصیل و پر محتوا و گیراست که هر خواننـده ای را در کوچه باغ های جهان هستی از خود بی خود می کند و گویی با مخاطب خود سخن می گوید . دکتر پورجوادی که تحصیل غرب را تجربه کرده است و در پی گمشده خود تا قونیه پر کشیده بود ، در زیارت مزار مولانا به گمشده خود دست می یابـد و با فرهنگ هزار چهار و صـد ساله خود عهـد و پیمان می بنـدد تا می تواند در روشن نگهداشتن چراغ فرهنگ سرزمین خود تلاش کند . روح جستجو گر و سرکش او با تحصیل در رشته های پزشکی و فنی در تضاد بود او که تحصیلات دبیرستانی خود را در رشته ریاضی به پایان برده در آمریکا در رشته فلسفه فارغ التحصیل شده بود ، روی به عرفان آورد زیرا در عرفان چیزی بود که نیازهای فلسفی وی را پاسخ می گفت . او این راز و رمز درونی را سال های قبل احساس کرده بود به همین جهت چون به گمشده خود رسید ، احساس کرد که کلیـد قفـل جهان بینی خود را یـافته است وی خود به صراحت به این موضوع اشاره می کنـد و می نویسد : ۵ سال دوری از ایران و اقامت در غرب احساس شدیـد غربت را در من به وجـود آورده بـود و پس از مراجعت به وطن ، تصمیم گرفته بودم به مزار مولانـا مشرف شوم تـا در آنجـا بـا هزار و چهار صـد سال فرهنگ و زبان خود دوباره بیعت کنم . مولانا برای من مظهر تمـام عیـار چهـارده قرن فرهنگ اسـلامی بود و زبان مثنوی که مجلای این فرهنگ بود ، زبان من بود وقتی قـدم در صحن مزار گذاشتم ، حال فرزند گمشده ای را داشتم که پس از سال ها در به دری و آوارگی به آغوش مادر باز می گردد . قطره ای بودم که به دریا می پیوستم با آنکه اولین سفر من به قونیه بود ، همه چیز مزار برایم آشکار بود . (ایران مظلوم ، ص ۲۳۵) دکتر پور جوادی در آن زمان ۲۴ سال بیشتر نداشت ، اما روح سرکش او ، او را به دنبال چیزی می کشید که بتواند با آن زندگی کند ، حرف زند راز دل گوید ، هویت اسلامی خود را آنچنان که هست بشناسد و بشناساند . او به کهن سرزمین ایران به عنوان سرزمین اندیشه های معنوی و تفکر فلسفی ، سرزمین ابن سینا ها ، فارابی ها ، غزالی ها ، مولانا ها ، نظامی ها ، سهروردی ها ، سعدی ها ، حافظ ها ، جامی ها و ملا صدرا ها رابه دیـده احترام می نگرد و عاشقانه می پرستد و چه زیبا این احساس خود را بیان می کنـد : ایران همواره برای من سرزمین اندیشه های معنوی و فلسفی بوده است یک جنبه از این تفکر فلسفی همان است که در فلسفه های ابن سینا و سهروردی و ملاصدرا و فلاسفه و حکمای دیگر متجلی شده ، جنبه دیگر تفکر ایرانی ، چیزی که در دل توده های مردم نفوذ کرده و در خلق و خوی ایرانیان ظاهر گشته همان است که در ادبیات فارسی و بویژه در شعر فارسی جلوه گر شده است . این جلوه از تفکر فلسفی ، در عین حال که اساسا اسلامی است ، واجد خصوصیت ایرانی هم هست و در واقع از لوازم هویت ایران اسلامی است این هویت نیز برخاست از نسبت خاصی است که ایرانی با خدا بر قرار کرده است (ایران مظلوم ص ۲۶۳) . دکتر پور جوادی در تحقیق به دنبال شناخت است با بی طرفی . وی به دنبال القای فکر نیست و این گونه است که خواننده با اعتماد به نوشته های او می نگرد و همین دید متفاوت آثار وی را از دیگران متمایز می سازد . دکتر پور جوادی از نادرستی ها و نارواها می خروشد و عصیب خود را نشان می دهد و جوش و خروش او هم از روی دلسوزی است ، دلسوزی به وطن ، به علم ، و به جامعه .

جوائز و نشانها : کتاب"دو مجدّد (پژوهش‌هایی دربارهٔ محمّد غزّالی و فخرازی ")تالیف نصرالله پورجوادی، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیـده شـد. ایشان به واسطه خـدمات علمی و اجتماعی درخشـان مفتخر به دریافت نشان و تقـدیرنامه‌های متعـدد شـده که از آن بین می‌توان به دریافت تقدیرنامه دومین کتاب به عنوان نویسنده و منتقد شایسته تقدیر از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، تشویق به واسطه تالیف کتاب رویت ماه در آسمان، لوح تقدیر پنج عنوان کتاب برگزیده شورای انتشارات دانشگاه تهران اشاره کرد.

چگونگی عرضه آثار : از نصرالله پور جوادی دهها مقاله و کتاب به زبان‌های فارسی و انگلیسی انتشار یافته است.تاکنون دهها عنوان کتاب و مقاله، تالیف و ترجمه استاد دکتر پورجوادی به چاپ رسیده و فعالیت‌های علمی ایشان باعث غنای هر چه بیشتر گنجینه حکمت ، فلسفه و ادب ایران شده است. --

----

آثار :

۱ اشراق و عرفان

ویژگی اثر : ۱۳۸۰

۲ بسحاق اطعمه را بهتر بشناسیم

ویژگی اثر : ۱۳۵۴

۳ بوی جان و شکوه ایران

ویژگی اثر : ۱۳۷۲

۴ حُسن و عشق در ادبیات عرفانی

ویژگی اثر : ۱۳۵۹

۵ داستان مرغان، رسالۀالطّیر احمد غزالی

ویژگی اثر : ۱۳۵۵

۶ درآمدی به فلسفه افلوطین

ویژگی اثر : ۱۳۵۸

۷ دو مجدّد (پژوهش‌هایی دربارۀ محمّد غزّالی و فخررازی)

ویژگی اثر : تـالیف،این کتـاب ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیـده شـد. آشـنایی با کتاب :«دو مجدّد (پژوهش‌هایی دربارۀ محمّد غزّالی و فخررازی)» نصـرالله پورجوادی.ـ تهران: مرکز نشـر دانشگاهی، ۱۳۸۱. این کتـاب حاصـل پژوهش‌هایی است که نگارنـده در طی حـدود شانزده سـال، به مرور و به مناسبت‌های گونـاگون، دربـارۀ پاره‌ای از آثار و آراء و افکار دو تن از شخصیت‌های بزرگ عالم اسـلام، یکی ابوحامـد محمّـدغزّالی و دیگر فخرالـدّین رازی، انجام داده است. بیشتر مطالب به نحوی با تصوّف ارتباط دارد. میان ابوحامـد و امام فخر، کـه یکی مجـدّد رأس قرن شـشم به شـمار آمـده است و دیگری مجـدّد رأس قرن هفتم، مشابهت‌هـایی وجـود داشـته و اگرچه حـدود یـک قرن فاصـله در میـان ایشـان بوده، ولی امام فخر به آثار غزّالی توجه داشـته و همواره در آثار خود با دیـدۀ احترام به وی می‌نگریسـته است. توجه امـام فخر به آثـار غزّالی را در یکی از رساله‌های کوتاه او که دربارۀ مشـکلاتی است که در احادیث کتاب مشکوۀالانوار غزّالی بوده است می‌توان ملاحظه کرد. کتـاب در هفت بخش تنظیم شـده است. پنـج بخش نخست دربـارۀ ابوحـامد غزّالی است و بخش ششم و هفتم دربارۀ فخر رازی.

۸ سلطان طریقت، سوانح زندگی و شرح آثار احمد غزالی

ویژگی اثر : ۱۳۵۸

۹ شعر و شرع (بحثی درباره فلسفه شعر از نظر عطّار)

ویژگی اثر : ۱۳۷۴

پورحسن اسفراینی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، عارف و شاعر. در فارسـی پورحسن و در ترکی حسن اوغلی تخلص می‌کرد. از بزرگان اسـفراین و مرید جمال‌الدین ذاکر بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۲۵۵/۱)، تاریخ نظم و نثر (۱۸۰)، تذکره الشعراء (۲۲)، الذریعه (۱۵۹/۹)، لغت‌نامه (ذیل/ پورحسن اسفراینی).

پورحسن امیری، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر پورحسن امیری

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۲۶ در یـک خانواده کشاورز مـذهبی متولـد شـدم. دروس ابتدایی در حد قرائت قرآن و کتب فارسـی ادبی از قبیل دیوان حافظ و نصـاب و غیره را در مکتبخـانه هـای متـداول آن زمـان آموختم. با توجه به گرایش های دینی و مـذهبی خانواده و روش و منش شخصـی خودم همسایه ها و هم محلی ها به پدرم پیشـنهاد نمودند که وارد حوزه علمی دینی شوم . ابتدا به مدرسه صدر اعظم بابل که فعلا بعـد از تجدیـد بنای مفصل به مـدرسه خاتم الانبیاء (ص) تغییر نام یافته ، وارد شـدم و بعد از فراگیری مقداری از جامع المقدّمات در حد صـرف میر و مقداری از نجوم از محضـر اساتید بویژه مرحوم شـیخ اسـماعیل قشـقاوی که تسـلط فوق العاده ای به صرف و نحـو داشت در معیت یکی از طلاب منطقه که سـید متـدینی بود که جنبه سـرپرستی و راهنمـایی نسـبت به من داشت وارد حوزه علمیّه قم شـدیم و برنـامه آموزشـی مـا بـا توجه به نبودن یک برنامه آموزشـی در آن زمان و انتخاب اسـتاد و حجره ، داسـتان مفصـلی دارد . اجمالا بعد از گذراندن ادبیات در سطح سیوطی و حاشیه و مغنی و غیره وارد لمعتین و قوانین شدم . اساتید این دوره عبارت بودند از آقای صـلواتی و مرحوم سیّد ابوالفضل موسوی تبریزی که تا آخر در شورای عالی قضایی مشغول بود و جناب آقای شیـخ مصـطفی اعتمادی و غیره و اساتیـد دوره عالی سـطح عبارت بودند از حضـرات آقایان نوری همدانی، جعفر سـبحانی و فاضـل لنکرانی . حکمت و فلسـفه را هم در حـد منظومه و اسـفار از محضـر اساتیـدی چون آقایان محمـدی و امینی گیلانی و آقای جوادی

آملی و بعضی دیگر استفاده نمودم ؛ ضمناً بعد از فوت آقای بروجردی و گذشتن چند سال وضع حوزه از نظر امتحان ، صورت جدیدی به خود گرفت و امتحان حوزه در دو قسمت کتبی و شفاهی در یک تشکیلاتی که زیر نظر مرحوم آیت الله گلپایگانی عمل می کرد اداره می شد و سه رتبه داشت و من قبل از سال پنجاه حدود سال ۴۷ و ۴۸ امتحانات حوزه را در دو مرحله دوم و سوم گذراندم . دروس خارج حوزه را در مقطع فقه و اصول از محضر اساتیدی چون مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی و حضرت آیت الله وحید خراسانی فرا گرفتم ؛ ضمناً دروس حوزه مخصوصا درس های خارج را در دفتر یادداشت می نمودم.

بعد از گذراندن چند سالی از شرکت در درس خارج با توجه به علاقه به کار علمی- تحقیقی از سال ۶۴ با شروع در مؤسسه آل البیت(ع) همراه اشتغال و ادامه تحصیل مشغول کار تحقیقی شدم و بعد از چند ماهی وارد انتشارات جامعه مدرسین گردیدم . ابتدا کارهای مقابله و استخراج و بعد از گذشت مدّتی به کارهای نهائی از قبیل تصحیح و انتخاب متن و بررسی نهائی منابع و غیرهما پرداختم و کارهای زیادی شد. از قبیل تصحیح متن و تنظیم فهرست حاشیه مرحوم آقا ضیای عراقی که به تنهائی انجام دادم ؛ تصحیح و انتخاب متن مختلف الشیعه علّامه که این قسمت مربوط به من بود و رفقای دیگر هم در بخش های دیگر کار می کردند که در مقدمه آن اشاره گردیده و بررسی مجدد سرائر ابن ادریس بعد از تحقیق دیگران و سایر کارها .

تا اینکه مقدّمات برگزاری کنگره شیخ انصاری فراهم گردید و تحقیق و بررسی کتب شیخ جزو کار اصلی آن بود و اینجانب توسط حاج آقای انصاری (مسئول بررسی کتب شیخ و مولف موسوعه الفقهیه المیسره) دعوت به همکاری شدم که با رفتن به آن موسسه فصل جدیدی در کار تحقیق برای من باز شد و تقریباً در همه کتاب های شیخ مخصوصا مکاسب و صلاهٔ و طهارت و غیره که مجموعا ۲۸ جلد می شود همکاری داشتم .

پورحسین، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی پورحسین

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

فروردین ۱۳۶۳ از هنرستان فنی راه و ساختمان بابل وارد حوزه علمیه رستمکلاه در شهرستان بهشهر مازندران شدم. تابستان ۱۳۶۴ به حوزه علمیه اصفهان رفته در مدرسه ذوالفقار این شهرستان ادامه تحصیل دادم. پس از طی مراحل مقدماتی و فراگیری بخشی از سطوح عالی حوزه، در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه مقدسه قم شدم. طی سه سال با تطبیق دروس فراگرفته شده با سیستم رسمی حوزه قم و شرکت در امتحانات و با اتمام رسمی دروس سطح در سال ۷۳ وارد درس خارج شدم. و از محضر حضرات آیات: فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، شبیری زنجانی، جعفر سبحانی و یوسف صانعی بهره گرفتم. همزمان با فراگیری دروس خارج از محضر اساتید بزرگوار حوزه در سال ۱۳۷۱ وارد مرکز آموزش موسسه در راه حق شده سپس در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) ادامه تحصیل داده و در سال ۱۳۷۹ با اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته الهیات و معارف اسلامی فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۷۵ با آشنایی با حضرت حجهٔ الاسلام والمسلمین سروش محلاتی در درس‌های خصوصی فقه سیاسی بسیار پربار ایشان شرکت کرده که همچنان ادامه دارد. همچنین طی چهار سال از دروس خصوصی قواعد فقه و فقه حضرت حجهٔ الاسلام والمسلمین سید ضیاء مرتضوی بهره بسیار بردم. در سال ۱۳۷۶ با پیوستن به جمع محققان و نویسندگان صفحه حوزه روزنامه جمهوری اسلامی در این راه قدم گذاشته، همچنان بر این افتخار باقی می‌باشم. در سال ۱۳۸۰ با دعوت استاد بزگوار مرتضوی همکاری با فصلنامه حکومت اسلامی وابسته به دبیرخانه مجلس خبرگان را آغاز و طی شش سال ضمن اداره بخش علمی این مجله، مقالاتی را نیز به رشته تحریر درآوردم. همچنین در سال ۱۳۸۴ با عقد قرارداد پژوهشی با مرکز تحقیقات حکومت اسلامی، همکاری با این مرکز خوشنام را آغاز کردم که تاکنون ادامه دارد. تدریس در دانشگاه یکی دیگر از فعالیت‌های علمی بنده می‌باشد که ادامه دارد.

پورحسینی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۵ -۱۲۹۹ ش)، مترجم، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به واصل. وی در کرمان متولد شد. و تحصیلات ابتدایی و متوسطه‌ی خود را در همان شهر گذراند، پس از آن به تهران آمد و در دانشسرای عالی موفق به دریافت لیسانس در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی شد. سپس به کرمان بازگشت و به تدریس پرداخت و روزنامه‌ی «روح‌القدس» را در کرمان، به مدت سه سال منتشر

کرد. برخی از مشاغل وی عبارت‌اند از: ریاست دانشسرای مقدماتی کرمان، ریاست دبیرستان، ریاست فرهنگ شهداد، رفسنجان، کرمان. واصل در سال ۱۳۳۷ ش به وزارت فرهنگ و هنر تهران انتقال یافت و در خلال خدمت اداری، و در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی دکترا گرفت و به مقام استادی دانشگاه رسید. مدفن او در کرمان است. از آثار وی:

ترجمه‌ی «اخلاق نیکو ماخس» ارسطو؛ ترجمه‌ی رساله‌ی «سلامان وابسال»؛ «فیثاغورثیان»؛ «رواقیون»؛ «لغت‌نامه گویش کرمانی»؛ «فلاسفه قبل از ارسطو»؛ «اخلاق عملی» و «دیوان» اشعار.[۱]

مدرس، مترجم.

تولد: ۱۲۹۹، کرمان.

درگذشت: ۲۷ آذر ۱۳۶۵، شهداد.

سید ابوالقاسم پورحسینی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خویش به پایان برد. آنگاه به تهران آمد و در سال ۱۳۲۲ از دانشگاه تهران در رشته‌ی فلسفه فارغ‌التحصیل شد و به زادگاه خود بازگشت و با شغل دبیری کار فرهنگی خود را آغاز نمود. وی در طول چهل سال خدمت فرهنگی مشاغلی متعدد چون نظامت دانشسرای مقدماتی کرمان، ریاست دانشسرای کرمان و فرهنگ شهداد و رفسنجان، معاونت استان کرمان و... برعهده‌اش بود. طی پانزده سال خدمت فرهنگی در استان کرمان حدود ۱۲۲ مدرسه‌ی ابتدایی در این شهر احداث کرد. در سال ۱۳۳۷ به تهران بازگشت و در وزارت فرهنگ و هنر مشغول به کار شد و پس از چندی به ریاست دبیرخانه‌ی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران منصوب شد (۱۳۶۲ –۱۳۴۲) و در ضمن به تدریس در این دانشکده نیز می‌پرداخت.

در سال ۱۳۴۸ از دانشگاه تهران در رشته‌ی فلسفه دکتری گرفت. در طی اقامتش در کرمان روزنامه «روح‌القدس» را پی افکند و سه سال متوالی آن را منتشر نمود و دو نشریه را در دانشسرای مقدماتی کرمان فراهم ساخت. مقالات و اشعار او در روزنامه‌های «استقامت»، «صدای کرمان» و «بیداری» چاپ می‌شد.

دکتر پورحسینی شعر نیز می‌گفت و غزلیات، دو بیتی‌ها و قصادی از او به یادگار مانده است و تخلص او «واصل» بود. وی از سال ۱۳۳۵ به بعد در هیئت مدیره‌ی انجمن ابدی عضویت داشته است.

فهرست آثار دکتر پورحسینی به شرح زیر است: ترجمه‌ی اخلاق نیکوماخوس ارسطو به فارسی و تطبیق آن با کتاب تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق (الطهاره) مسکویه، ترجمه رساله سلامان و آبسال ابن سینا، فراسوی تناقض، افلاطون، مشارب عمده‌ی اخلاقی، فلسفه‌ی اپیکور، فلسفه‌ی رواقی، فلسفه‌ی اخلاق شرح نمط نهم اشارات، فیثاغورثیان، از انتشارات مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات، رواقیون، رساله‌ای درباره‌ی فلسفه‌ی اخلاقی ابن حکماء کتب و آثار خطی مسکویه به صورت مقاله در مجله‌ی «معارف اسلامی»، ترجمه‌ی اشعار در مجله‌ی «یغما». آثار ترجمه نشده‌ی وی عبارتند از فرهنگ لغات و اصطلاحات کرمان، فلسفه‌ی بعد از سقراط، سقراط، هراکلیتوس، فلسفه‌ی یاسپرس، سلسله مقالات عرفانی، مردمی و نامردمی‌ها.

پیکر دکتر پورحسینی بنا بر وصیت خود در جوار مرقد امامزاده زید به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تذکره‌ی شاعران کرمان (۱۶۸ –۱۵۸)، الذریعه (۱۲۴۹/۹)، ستارگان کرمان (۱۲۹ –۱۲۴)، سخنوران نامی معاصر (۶/ ۳۸۱۳– ۳۸۱۶).

پورسید آقایی، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسعود پور سید آقائی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

پورضا، ناهید

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشگاه شهید چمران اهواز، کارشناسی ارشد و دکترا در شیمی تجزیه از دانشگاه بیرمنگام انگلستان، دوره فرق دکترا در دانشگاه کلرادو آمریکا.

مرتبه علمی:

حدود ۱۱ سال سابقه تدریس و پژوهش در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد شیمی و دکترای داروسازی، دانشیار دانشکده علوم دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اندازه‌گیری عناصر با جذب اتمی، اسپکتروفتومتری، کروماتوگرافی، شناسائی ترکیبات آلی با دستگاه Gc – Mass، طرح تعیین آلودگیهای شیمیائی و نفتی آبهای خلیج‌فارس از سال ۱۳۶۱، ابداع سیستم الکتروترمال، استاد راهنما و مشاور ۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و داور یک پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اسپکتروسکوپی جذب اتمی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

روشهای شری برای اندازه‌گیری ترکیبات فسفر، گوگرد و هالوژنها و روشهای کروماتوگرافی و Gc – Mass برای جداسازی و شناسائی ترکیبات آلی و اندازه‌گیری عناصر با روش اسپکتروسکوپی جذب اتمی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

پورعبداللّه‌نژاد، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۳ مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ریاضی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵، کارشناسی ارشد مدرسی ریاضیات از مؤسسه ریاضیات دانشگاه تربیت معلم در سال ۱۳۴۹، کارشناسی ارشد ریاضی از دانشگاه نیوکاسل انگلستان در سال ۱۳۵۳، دکترای ریاضی از دانشگاه لیورپول انگلستان در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

علائق ریاضی، آنالیز تابعی، آنالیز هارمونیک مجرد، منطق ریاضی، آموزش ریاضی، فشرده‌سازی‌های نیم گروههای توپولوژیک، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

آنالیز ریاضی، منطق ریاضی، فلسفه علم، نظریه اطلاع.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

توابع تقریبا دوره‌ای با وضعیت روی نیمگروه‌ها، میانگین‌پذیری، تاریخ ریاضیات.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

پورکرمانی، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زمین‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زمین‌شناسی از دانشگاه تربیت معلم تهران، کارشناسی ارشد از دانشگاه مونپلیه فرانسه، دکترا از دانشگاه پاریس.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تربیت معلم تهران در سال ۱۳۵۶، دانشیار دانشگاه تربیت معلم تهران و دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۶۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زمین‌شناسی و استاد راهنما و مشاور ۲۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

زمین‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

زمین‌شناسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

پورکرمانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی برق، دانشکده: مهندسی برق، دانشگاه: صنعتی شریف

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد پیوسته برق از دانشگاه هانور آلمان غربی در سال ۱۳۴۸، دکترای برق ماشینهای الکتریکی از دانشگاه هانور آلمان غربی در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۵۷، دانشیار دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۵۸ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طراحی سیستمهای فشار قوی، طراحی SPU با استفاده از ترانس فرورزونانس، تدریس درسهای ماشینهای الکتریکی، انتقال و توزیع، حفاظت سیستمهای قدرت، ماشین‌های مخصوص، ماشینهای الکتریکی ۳، تئوری عمومی ماشین در دانشگاههای صنعتی شریف و تربیت مدرس.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ماشینهای الکتریکی I.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

هماهنگی عایقی در سیستمهای الکتریکی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

پورکرمانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود پورکرمانی متولد ۱۳۲۳ه.ق، دارای کارشناسی ارشد پیوسته مهندسی برق از دانشگاه هانور آلمان غربی در سال ۱۳۴۸و دکتری برق ماشینهای الکتریکی از دانشگاه هانور آلمان غربی درسال۱۳۵۰و استادیار دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۵۷ و دانشیار همان دانشگاه از سال ۱۳۵۸ تا کنون می باشد.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی برقاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمود پورکرمانی دراصل از اهالی کرمان است. وی درسال ۱۳۲۳ ه.ش متولد شد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمود پورکرمانی دارای کارشناسی ارشد پیوسته برق از دانشگاه هانور آلمان غربی درسال ۱۳۴۸ ودکتری برق ماشینهای الکتریکی از

دانشگاه هـانور آلمـان غربی درسـال ۱۳۵۰ می باشـد. وی هـم اکنـون دانشـیار گروه مهندسـی برق در دانشـگاه صـنعتی شـریف است.خاطرات و وقایع تحصـیل : اخذ دکتری مهندسـی برق از دانشـگاه هانور آلمان غربی از مقاطع مهم زندگی محمود پورکرمانی بوده است.وقـایع میانسـالی : محمود پور کرمـانی پس از اخـذ دکتری برق ماشـینهای الکتریکی دانشـگاه هـانور آلمان غربی درسال ۱۳۵۰ به ایران آمـد و عضـو هئیت علمی دانشـگاه صـنعتی شـریف شـد وی از آن پس به این سـمت و شـغل اشـتغال دارد.مشاغـل و سمتهای مورد تصـدی : محمود پور کرمانی از سال ۱۳۵۰تا سال ۱۳۵۷ با عنوان استادیار و از سال ۱۳۵۸ تا کنون به عنوان دانشیار و عضـو هئیت علمی دانشـگاه صـنعتی شـریف مشـغول به تـدریس مهندسـی برق می باشـد.فعالیتهـای آموزشـی : محمودپـور کرمـانی ازسال ۱۳۵۰ به عنوان عضو هیت علمی دانشـگاه صـنعتی شـریف به تدریس درسـهای ماشـینهای الکتریکی، انتقال و توزیع، حفاظت سیسـتمهای قدرت، ماشینهای مخصوص، ماشینهای الکتریکی ۳، تئوری عمومی ماشین در دانشگاه صنعتی شریف و تربیت مدرس مشـغول بوده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمود پورکرمانی درحین تدریس به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری درزمینه ماشـینهای الکـتریکی مشـغول است.آرا و گرایشـهای خـاص : محمود پورکرمـانی در زمینه طراحی سیسـتمهای فشـار قوی و طراحی ups با استفاده از ترانس فرورزونانس دارای مطالعات و تحقیقاتی است.

آثـار : طراحی upsبـا اسـتفاده از ترانس فرورزنـانس طراحی سیسـتمهای فشـار قـوی ماشـینهای الکـتریکی i همـاهنگی عـایقی در سیستمهای الکتریکی منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

پورکرمانی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زمین‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید بهشتی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

پورمحمد، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن پور محمد

محل تولد : --

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

بنـده از یک خانواده متوسط روسـتایی هسـتم. پـدرم کشاورز و مادرم خانه دار است. سه فرزنـد دارم به ترتیب فاطمه متولـد ۱۳۶۸ ، حسین متولد ۱۳۷۳ ، محمّد مهدی متولد۱۳۸۱ و همسرم نیز معلّم هستند. در رشته خدمات بازرگانی در سال تحصیلی ۶۲ ـ ۶۳ دیپلم گرفتم. بلافاصـله به حوزه علمیّه قم رفتم و در مدرسه علمیّه رسول اکرم (ص) به تحصیل علوم حوزوی پرداختم. تحصیلات حوزوی را در مـدرسه امـام بـاقر علیه السلام ادامه داده ، سـطح را تمـام کردم و در دروس خارج آیات عظام: فاضل لنکرانی (حـج) جوادی آملی (صوم و خمس) و مکارم شـیرازی (حدود و ارتداد) سـبحانی (نماز و طهارت) واز درس خارج اصول اساتید معظم سـبحانی و لاریجـانی بهره بردم. البتـه از درس هـای آیت الله محفـوظی و مرحـوم آیت الله خـاتم یزدی(ره) نیز اسـتفاده کرده ام. و اسـفار را در محضـر استاد مصباح یزدی و استاد فیاضی آموختم. در کنار تحصیل در حوزه در این دوره به مدت یک سال در جبهه های نور علیه ظلمت داوطلبانه حضور داشـته ام. بعـد از جنگ در سال ۱۳۶۸ با شـرکت در کنکور سراسری در رشته فلسفه دانشگاه تهران پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۳ از دانشگاه تهران کارشناسی فلسفه غرب را دریافت نمودم. در سال ۱۳۷۳ در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) در رشـته دین شناسـی در مقطع کارشناسـی ارشـد پذیرفته شدم و در این دوره به عنوان دانش پژوه ممتاز شـناخته شده و پایان نامه خود را نیز در سال ۱۳۷۶ در موضوع«روح القدس در کتاب مقدس ادیان ابراهیمی» با درجه ممتاز دفاع کردم. همزمان در گروه تحقیقات ادیان به مدّت ۵ سال در محضر استاد حسین توفیقی و دکتر لگنهاوزن فعّالیّت داشتم.

با توجه به اینکه از دروس اسـفار آیت الله مصـباح یزدی بهره منـد می شدم از طرف ایشان در سال ۱۳۷۳ ماموریت یافتم تا گزارش جامعی در خصوص فعّالیّت های علمی در عرصه های علوم عقلی در سطح کشور تهیه نمایم. در نهایت با جمعی از شاگردان ایشان طرح دایرهٔ المعارف علوم عقلی اسـلامی تهیه گردید و بنده به عنوان مسئول گروه های علمی در آن فعّالیّت داشتم. این کار زیر نظر آیت الله مصـباح به مدیریت حجّت الاسـلام و المسلمین محسن قمی آغاز شد. با توجه به مأموریت حاج آقای قمی به عنوان ریاست نهـاد نماینـدگی مقـام معظم رهبری در دانشـگاه ها، بنـده نیز به حسب وظیفه در آن شـرایط حساس، مسـئولیت نهاد نماینـدگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشـکی گیلان را بر عهده گرفتم و با توجه به موفّقیّت هایی در کار، از سال ۱۳۸۲ باحفظ سمت به عنـوان دبیر منطقه ۲ کشوری انجـام وظیفه می نمـایم و نیز از سال ۱۳۸۱ به عنوان امام جمعه موقت شهرسـتان ما سال توفیق خـدمت دارم.

پورمعتمد لشتنشاهی، فرامرز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زمین‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

پورمنصوری، ماشاءاللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۷، مرتبه علمی: استاد، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فیزیک از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۴۲، کارشناسی ارشد فیزیک هسته‌ای از دانشگاه پتیسبورگ آمریکا در سال ۱۳۴۶، دکترای فیزیک هسته‌ای از دانشگاه آستون انگلستان در سال ۱۳۵۴.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه شهید چمران اهواز در سال ۱۳۶۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق در زمینه‌های فیزیک هسته‌ای، فیزیک اتمی، مکانیک تحلیلی، فیزیک جدید، تئوری سینتیک، ترمودینامیک، امواج و فیزیک‌های پایه.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

خودآموز فیزیک (مکانیک) و خودآموزی فیزیک (الکتریسیته)، کوانتوم مکانیک و فیزیک هسته‌ای.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

بررسی پرتوهای گاما، فیزیک راکتور، راکتورهای هسته‌ای، انرژی هسته‌ای، جداسازی ذرات He۳ و H۲ در واکنش هسته‌ای D–d، بکار بردن یخ سنگین به عنوان هدف دوتریوم.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

پورمیرزا، علی اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اصغر پورمیرزا متولد تهران و دارای مدرک دکتری رشته حشره شناسی گرایش سم شناسی در سال ۱۳۶۸ از دانشگاه کاردیف انگلستان است. ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه ارومیه می باشد.گروه : کشاورزیرشته : حشره شناسیگرایش : سم شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : مدارج علمی علی اصغر پورمیرزا به ترتیب زیر است : کارشناسی : حشره شناسی گرایش سم شناسی در تاریخ ۱۳۵۰از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد:حشره شناسی گرایش سم شناسی در تاریخ ۱۳۵۳ از دانشگاه تهران دکتری: حشره شناسی گرایش سم شناسی در تاریخ ۱۳۶۸ از دانشگاه کاردیف انگلستان عنوان پایان نامه در مقطع کارشناسی ارشد : بررسی حساسیت لاروهای کرم غوزه در برابر سموم سوپراسیدواندوسولفان . عنوان پایان نامه در مقطع دکتری : STUDIES ON THE SUSCEPTIBILITY OF HELIOTHIS ARMIGERA TO BACILLUS THURINGIENSIS AND ALPHA CYPERMETHRIN AND THE EFFECT OF HOST PLANT ON THE SUSCEPTIBILITY مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی اصغر پورمیرزا عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه ارومیه است. ایشان هم اکنون مدیرگروه گیاهپزشکی و در گذشته : ریاست دانشکده ، معاون آموزشی دانشکده – مدیرگروه گیاهپزشکی را برعهده داشتند.فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی علی اصغر پورمیرزا به قرار زیر است : تدریس دروس کارشناسی : سم شناسی ، آمار ، طرح آزمایشات تدریس دورس کارشناسی ارشد یا دکترای حرفه ای : سم شناسی تکمیلی – آمار حیاتی ـ روش تحقیق تدریس دوره

دکتری : به عنوان استاد مدعو سم شناسی تکمیلی – مدل سازی کامپیوتری در حشره شناسی در دانشگاههای تهران و تربیت مدرسآرا و گرایشهای خاص : زمینه های تحقیقاتی مورد علاقه علی اصغر پورمیرزا به قرار زیر است: ۱–فرمولاسیون سموم شیمیایی ۲–فرمولاسیون سموم میکروبی ۳–بررسی اثرات سموم از نظر کشندگیچگونگی عرضه آثار : – تعداد مقالات چاپ شده در مجلات علمی و پژوهشی :۷۶ مقاله – راهنمای پایان نامه های دوره کارشناسی ارشد و یا دکتری عمومی :۱۸ پایان نامه طرحهای تحقیقاتی در دست اجرا و پایان یافته دکتر پور میرزا به ترتیب زیر است: ۱–بررسی تولید نیمه صنعتی سوشهای بومی NPV موثر روی هیلیوتیس و کارادرینا ۲– بررسی امکان فرموله کردن نماتدهای STEINERNEMATIDAE جهت مبارزه بیولوژیکی با أفات ۲–جمع أوری و شناسایی فون حشرات آذربایجانغربی ۳–بررسی مقایسه‌ای تاثیر نماتد STEINERNEMATIDAE و باکتری باسیلیوس تورنژیننیس برروی لارو پشه ها آثار : درمان مسمومیت های حاد ویژگی اثر : ۱۳۷۴ – ناشر جهاد دانشگاهی دانشگاه ارومیه۲ زراعت غلات ویژگی اثر : ۱۳۸۲ ، ناشر جهاد دانشگاهی دانشگاه ارومیه به طور مشترک با آقای دکترمهدی تاجبخش۳ سم شناسی ویژگی اثر : ناشر دانشگاه بوعلی سینا به طور مشترک با آقای دکترمحمدخانجانی۴ طرح های آزمایشی در علوم کشاورزی ویژگی اثر : ۱۳۷۳ ، ناشر جهاد دانشگاهی دانشگاه ارومیه

پورنامداریان، تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر تقی پور نامداریان در سال ۱۳۲۰ در همدان متولد شد. وی در سال ۱۳۵۸ در حالی که فعالیتهای خودرا در آموزش و پرورش ادامه می داد موفق به دریافت درجه دکتری خود از دانشگاه تهران گردید. دکتر پورنامداریان در حال حاضر استاد زبان و ادبیات فارسی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی میباشد تقی پورنامداریان در زبان و ادبیات فارسی , بویژه در زمینۀنقد ادبی و عرفان مهارت و تخصص دارد. اورا می توان پیرو مکتب کلاسیسیسم دانست, چون بیشتر به بررسی شعر کلاسیک فارسی پرداخته است . کتاب"رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی "تقی پورنامداران ، در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : نقد ادبی

والدین و انساب : پدر تقی پور نامداریان قناد بودو شعر هم می گفت . اما آنقدر سرگرم شعر و شاعری بود که قنادی را در حاشیۀ آن انجام می داد .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تقی پورنامداریان تحصیلات خودرا از کلاس سوم ابتدایی شروع نموده و در رشتۀ ریاضی در زادگاهش دیپلم گرفت و ته معلمی پرداخت . یکی از معلمان دبستان روستای الفوت (در حوالی همدان) وی را به ادامه تحصیل در دانشگاه ترغیب نمود. پورنامداریان پس از موفقیت در امتحانات دانشگاه در رشتۀ زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران از روستای الفوت به ازندریان منتقل شد. . وی پس از انتقال به تهران تحصیلات خود را در دورۀ فوق لیسانس در پژوهشکدۀ فرهنگ ایران ادامه داد. او اولین دانشجوی پژوهشکده بود که به تشویق دکتر اتوالقاسمی در آزمون ورودی دکتری دانشگاه تهران شرکت نمود و درسال ۱۳۵۸ از پایان نامۀ دکتری خود دفاع نموده است.

خاطرات و وقایع تحصیل : تقی پورنامداریان از مشکلات رفت و آمدخود به تهران در زمان تحصیل, به خصوص در روزهای برفی و بارانی زمستان , و اقامت در مسافرخانه های خیابان ناصرخسرو خاطرات مفصلی دارد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : تقی پورنامداریان در زمان معلمی خود در ازندریان, هر هفته یکی دو روز جهت تحصیل به تهران می آمد . بدین گونه فعالیت معلمی اودر حین تحصیل نیز ادامه داشت . او که تحصیلات دانشگاهی خود را مدیون اصرار دوستان و همکاران خود در روستای ازندریان میداند, پس از یک سال خدمت در ازندریان به روستای قروۀدرجزین همدان منتقل گشت. وی از این روستا نیز مدت دو سال به تهران رفت و آمد داشت. تا اینکه به تهران منتقل شده و سال چهارم دانشگاه رادرتهران مقیم گشت. اودر تهران شش سال دیگر به معلمی د ردبستان و دبیرستان پرداخت و در این مدت نیز موفق به اخذ درجۀ فوق لیسانس از پژوهشکدۀ فرهنگ ایران شده است . وی بعداز سال اول دانشجویی درپژوهشکدهعلاوه بردرس خواندن , تدریس هم داشت و بطور غیر رسمی به دانشجویان در نوشتن رساله نیز کمک می کرد. هر چند اشتغال بیش از پیش پورنامداریان در دورۀ فوق لیسانس و اشتغال بسیار وی در دورۀ دکتری باعث شدکه همسرش ابراز ناراحتی نماید , اما با دفاع از پایان نامۀ دکتری ااز وضعیت با ثباتی برخوردار گردید.

استادان و مربیان : تقی پور نامداریان دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی را در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران با درک فیض از محضر اساتیدی چون مرحوم محمد پروین گنابادی – مرحوم دکتر احمدعلی رجایی و دکتر پرویز ناتل خانلری – دکتر سیدجعفر شهیدی – دکتر سیدحسن سادات ناصری و خصوصا ارشادات و راهنمایی استاد دکتر شفیعی کد کنی در سال ۱۳۵۸ طی کرده و به اخذ درجه دکتری در این رشته نایل آمد.

همسر و فرزندان : تقی پورنامداریان سال اول که در پژوهشکدۀ فرهنگ ایران دورۀ فوق لیسانس را می گذراند در مدرسۀهدف نیز به آموزش خط اشتغال داشت. در این مدرسه با یکی از معلمان آشنا شده و با او ازدواج نمود.

فعالیتهای آموزشی : تقی پورنامداریان که در حال حاضر استاد زبان و ادبیات فارسی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

میباشد, در سالهای قبل و پس از گرفتن دیپلم, در روستاهای ملایر(جیجان , مانیزان, کسب, ازندریان, الفوت) به شغل معلمی پرداخته است . در آن دوران وی چند ماه در جیجان و دو سال نیز در الفوت , تنها معلم دهکده بود . او در در دوران تحصیلات دانشگاهی به فعالیتهایی همچون معلمی , اشتغال در پژوهشکدهٔ فرهنگ ایران , کمک به دانشجویان در درس و رساله و تدریس در دبستان و دبیرستان می پرداخت . تا اینکه از آموزش و پرورش به فرهنگستان ادب و هنر انتقال یافته و بعنوان مامور در بنیاد فرهنگ ایران مشغول گشته است . در سالهای بعداز انقلاب که بنیادها و فرهنگستان در مؤ سسهٔمطالعات و تحقیقات فرهنگی ادغام شده و بعد هم به پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تغییر داد, او و همکارانش تالیف؛فرهنگ تاریخی زبان فارسی ؛را از سال۱۳۶۳ آ غاز نمودند . در خلال این سالها , که سه سال آن در کرهٔجنوبی به تدریس گذشت , در اکثر دانشگاههای تهران از جمله , دانشگاه تهران , تربیت معلم , شهید بهشتی و تربیت مدرس به تدریس پرداخته و به خلق کتب و مقالات متعدد اهتمام ورزیده است .

آرا و گرایشهای خاص : تقی پورنامداریان در زبان و ادبیات فارسی , بویژه در زمینهٔنقد ادبی و عرفان مهارت و تخصص دارد. اورا می توان پیرو مکتب کلاسیسیسم دانست, چون بیشتر به بررسی شعر کلاسیک فارسی پرداخته است . از نمونه آثار وی در نقد ادبی به کتاب در سایهٔ آفتاب :اشاره کرد . در این کتاب نویسنده به مشعر فارسی و ساخت شکنی در شعر مولوی بپرداخته است.

جوائز و نشانها : کتاب"رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی "تقی پورنامداران ، در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار : دکتر تقی پورنامداران ،بیش از ۲۲ مقاله در زمینه رشته تخصصی خود و بیش از ۲ طرح تحقیقاتی را در کارنامه کاری خود دارد. --

آثار :

۱ احوال و اندیشهٔ عطار

ویژگی اثر : مقا له

۲ اسباب و صور در غزلهای مولوی

ویژگی اثر : مقا له

۳ استاد زرین کوب و مثنوی

ویژگی اثر : مقا له

۴ بلاغت و گفت و گو با متن

ویژگی اثر : مقا له

۵ پایان بی قراری ماهان

ویژگی اثر : مقا له

۶ پونه های الوند

ویژگی اثر : گزیده شعر های رضا ذوقی

۷ تاملی در شعر احمد شاملو

ویژگی اثر : کتاب

۸ تصحیح و شرح کتاب منطق الطیر عطار

ویژگی اثر : با همکاری دکتر محمود عابدی بوده و نا تمام است .

۹ تصویر آفرینی در مرزبان نامه

ویژگی اثر : مقا له

۱۰ تفسیری دیگر از شیخ

ویژگی اثر : مقا له

۱۱ جلد دوم : داستان پیامبران در کلیات شمس :

ویژگی اثر : نا تمام است

۱۲ چند نکته دربارهٔ شعر شاعران آذری و نظامی

ویژگی اثر : مقا له

۱۳ خانه ام ابری است (نقد و تحلیل شعر نیما)

ویژگی اثر : کتاب

۱۴ داستان پیامبران در کلیات شمس (جلد اول)

ویژگی اثر : جلد ۲ این کتاب در دست تحریر است

۱۵ در سایهٔ آفتاب

ویژگی اثر : نویسنده این کتاب را حاصل بخشی از اندوخته های ذهنی خود -که سبب حصول یک شهود- و ظرایف غریب زبان قرآنی می داند. نویسنده معتقد است در قرآن همه سخن می گویند در عین آنکه متکلم حقیقی همان خداست, و در طول سوره ها توالی و تناوب متکلم دستوری و به اقتضای آن مخاطبها بدون ذکرقرینه ، زبان خاصی را به وجود می آورند , که به این ترتیب می توان عادت ستیزیهای گوناگونی راتصور کرد که در زبان قرآن رخ داده است و ساختارآنرا در قیاس با زبان ما درهم شکسته است. دکتر پور نامداریان در فصل اول کتاب به بررسی پاسخ این سوال می پردازد که چه عواملی سبب می شود شاعرانی مثل سنایی:

عطار :مولوی و حافظ در غزلهای عارفانهٔ خود رکن رکین معنی داری یا تک معنایی رادر شعر کلاسیک بشکنند و از میان چهار عامل موثر در تولید شعر یعنی اوضاع سیاسی و اجتماعی : شخصیت فردی شاعر : میراث ادبی و مخاطب شعر : تحول کدام عامل سبب شکسته شدن سد سنت می گردد و تجدد در ارکان سه گانه شعر کلاسیک (زبان ادبی :صورت و قالب ازپیش معین و معنی داری)را به دنبال خودمی آورد . همچنین در این فصل به علت متزلزل بودن رکن معنی داری بوسیلهٔبعضی شاعران می پردازد. نویسنده در بخشی از کتاب با عنوان : صور و اسباب ابهام در غزل های مولوی :کوشیده است تاشباهتهای ساختاری میان غزلها ی مولوی با ساختار قرآن را که نتیجهٔ اشتراک بافت , یعنی بافت وحی است :نشان دهد. بخش دوم کتاب نیزهمین ساخت شکنیهارا در مثنوی پی می گیرد.ضمن آنکه به مناسبت : به شیوهٔ داستان پرداری مولوی و تاثیر این بافت در زبان مثنوی اشاره و برای اثبات مطلب و تفاوت مثنوی با کتابهای تعلیمی مشابه چون حدیقهٔسنایی و مثنویهای عطار مقایسهٔلازم به عمل می آورد.

۱۶ درس فارسی برای فارسی آموزان خارجی

ویژگی اثر : کتاب

۱۷ دیدار با سیمرغ

ویژگی اثر : کتاب

۱۸ رساله های عرفانی ابن سینا و مثنویهای عطار

ویژگی اثر : مقا له

۱۹ رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی

ویژگی اثر : این کتاب در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است–آشنایی با کتاب رمز و داستانهای رمزی این کتاب شامل ۱۶ بخش است که ۱۰ بخش ابتدای آن در حکم مقدّمه ای است که خواننده را با زمینه ها و سوابق رمز و جلوه های متعدد و متنوع آن در ادب فارسی و فرهنگ ایرانی – اسلامی آشنا می سازد. در این مقدّمه پس از بحث درباره معنی لغوی و اصطلاحی رمز علت رمزی شمردن این داستان ها و سپس رابطه رمز با صور خیال بررسی گردیده است و موارد اشتراک و اختلاف آنها شرح شده و آن گاه نوع برخورد انسان با متعلق معرفت و تأثیر آن در کیفیت بیان مورد مداقه قرار گرفته است. در ۶ بخش بعدی، کتاب مستقیماً با داستان های رمزی ارتباط می یابد و جدایی داستان رمزی از تمثیل و شباهت آن با رؤیا بیان می گردد. در بخش های ۱۴ و ۱۵ به شرح رمزهایی که در داستان های عرفانی – فلسفی ابن سینا و سهروردی آمده، پرداخته و در بخش ۱۶ به مفهوم کلی «رسالهٔ الطّیر» ها اختصاص یافته است. ضمناً خلاصه ای از داستان های مورد بحث در پایان به کتاب منضم شده است.

۲۰ رهروان بی برگ

ویژگی اثر : مجموعه شعر

۲۱ سفردر مه (نقد شعر احمد شاملو)

ویژگی اثر : کتاب

۲۲ سیری در یک غزل عطار

ویژگی اثر : مقا له

۲۳ شرح گزیده ای از نثرهای شاعرانهٔ عرفانی:

ویژگی اثر : نا تمام است

۲۴ شرح و تحلیل سه رساله از سهروردی

ویژگی اثر : این کتاب در دست تحریر است.

۲۵ شهود زیبایی و عشق الهی

ویژگی اثر : مقا له

۲۶ عالم مثالی شعر حافظ

ویژگی اثر : مقا له

۲۷ عشق و غزل در ادب فارسی

ویژگی اثر : مقا له

۲۸ عطار و ابو سعید ابوالخیر

ویژگی اثر : مقا له

۲۹ غزلهای فارسی فضولی

ویژگی اثر : مقا له

۳۰ فرهنگ تاریخی زبان فارسی

ویژگی اثر : جلد دوم -(با همکاری پژوهشگران مؤسس ?مطالعات و تحقیقات فرهنگی) در دست تحریر است

۳۱ گزیده ای از آثار شیخ اشراق : همراه با شرح و تحلیل

ویژگی اثر : نا تمام است

۳۲ گزیده ای از غزلهای حافظ همراه با شرح :

ویژگی اثر : ناتمام است

۳۳ گزیده ای از نظم و نثر همراه با شرح :

ویژگی اثر : ناتمام است

۳۴ گمشدهٔ لب دریا

ویژگی اثر : مقا له

۳۵ گمشدهٔ لب دریا : دربار ۀ شعر حافظ:

ویژگی اثر : نا تمام است

۳۶ مجلدات :فرهنگ تاریخی زبان فارسی : (با تنی چند از همکاران)

ویژگی اثر : نا تمام است

۳۷ مسالهٔ معنی در شعر کلاسیک و شعر نو

ویژگی اثر : مقا له

۳۸ نقد و تحلیل هزارهٔ دوم آهوی کوهی

ویژگی اثر : مقا له

۳۹ هماهنگی صورت و معنی در شعر بهار

ویژگی اثر : مقا له

۴۰ هویت ملی و شاهنامه

ویژگی اثر : مقا له

پورنامداریان، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۲ ش)، شاعر، متخلص به ذوقی. وی در همدان متولد شد. و با آنکه از سواد خواندن و نوشتن بی‌بهره بود، اما قریحه‌ی سرشار و استعداد ذاتیش او را در سرودن شعر رهنمون بود. وی برای شکوفایی شعرش به انجمن ادبی همدان راه یافت و توانست از محضر استادان شعر و ادب بهره‌ی کافی برگیرد و به بهبود شعرش کمک کند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۱۴۱۴ -۱۴۱۱ /۲).

پورنقی آذر، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی شیمی و متخصص در شیمی و الکتروشیمی.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده علوم دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شیمی و الکتروشیمی محلولهای آبی و ناآبی، مطالعات مبسوط در زمینه الکتروشیمی محض و شیمی فیزیک در حلالهای ناآبی با ثابت دی الکتریک بسیار کوچک نظیر کلروفرم و نیز نمکها و حلال‌های مذاب در درجه حرارت‌های بالا به ویژه آستامید مذاب در ۱۰۰ درجه سانتیگراد، روش الکتروشیمیائی تجزیه سریع حساس و دقیق در اندازه‌گیری و تجزیه مقادیر بسیار کم و مواد آلی، معدنی، داروئی حیاتی در کلروفرم پس از استخراج و جداسازی آنها با حلال، استاد راهنمای ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اصول شیمی تجزیه کیفی و کمی و روشهای جداسازی در شیمی تجزیه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۲

زمینه علمی مقالات:

الکتروشیمی محض، الکتروشیمی تجزیه‌ای، تجزیه مواد آلی، داروئی و بیولوژیکی به روشهای الکتروشیمی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

پوریا منفرد، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین پوریامنفرد

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای حسین پوریا مفرد در سال ۱۳۳۱، در مشهد مقدس دیده به جهان گشود. وی پس از طی موفقیت‌آمیز دوران متوسطه در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه مشهد شد و پس از طی مقدمات از محضر آیت الله علی اصغر حسینی به کرمانشاه مهاجرت کرد و در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ از محضر آیت الله نجومی، آیت الله خامنه‌ای در آن دیار کسب فیض کردو پس از آن به قم مهاجرت کرد. از دیگر اساتید ایشان می‌توان مرحوم آشتیانی فلسفی را نام برد. ایشان جهت تبلیغ دین مبین اسلام به کشورهای زیادی سفر کرده است که از آن جمله می‌توان فرانسه، برزیل، فنلاند و هلند را نام برد.

پوریای ولی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پهلوان محمود خوارزمی ملقب به پوریای ولی، و نیز مقلب به قتالی (ف. خیوه ۷۲۲ ه.ق.) اصل او از گنجه است. وی عارفی شجاع و پهلوان بود. مثنویی به نام کنزالحقائق به نظم درآورده است. داستانهایی از مردانگیهای او در افواه شایع است.

(وف ۷۲۲ ق)، پهلوان، عارف و شاعر. احوال این پیر پهلوان بیشتر در ظلمت افسانه‌ها و خرافات فرو رفته است اما همین افسانه‌ها تصویری مطلوب از شخصیت یک جوانمرد صوفی به دست می‌دهند. اصل او از مردم گنجه بود و زادگاه او خیوه، از حوالی خوارزم می‌باشد. پوریای ولی گذشته از جنبه‌ی پهلوانی و جوانمردی از لحاظ ادب صوفیانه نیز در خور ذکر است. با توجه به روایات، در ایام جوانی قدرت جسمانی وی سبب شد که بر تمام پهلوانان و زورآوران توران غلبه کند و در ایام پیری قدرت روحانی وی موجب گشت که بر تمام اولیا و زهاد عصر برتری یابد. گویند علت رسیدن وی به عوالم معنوی، رفتن وی به بنگال و زورآزمایی وی با پهلوان بنام آن دیار بود. علاوه بر پاره‌ای رباعیات و قطعات چند غزل نیز از او در دست است. مثنویی به نام «کنزالحقایق» و «دیوان» شعری نیز به او نسبت داده‌اند.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ نظم و نثر (۷۷۱ -۷۷۰)، جستجو در تصوف (۳۵۵ -۳۵۲)، الذریعه (۱۰۰۹، ۸۷۶، ۱۶۰ -۱۵۹/ ۹)، رباعی و رباعی سرایان (۳۹۳، ۲۶۴، ۲۲۲، ۱۵۷)، ریحانه (۳۱۲ -۳۱۱/ ۱)، سرآمدان فرهنگ (۲۴۳ -۲۴۲/ ۱)، صبح گلشن (۳۳۰)، فرهنگ سخنوران (۷۳۹)، کشف الظنون (۱۵۱۴)، لغت‌نامه (ذیل/ پوریا)، مولفین کتب چاپی (۷۴ -۷۳/ ۶)، معجم المولفین (۱۶۲/ ۱۲)، نفحات الانس (۸۸۳ -۸۸۲)، هفت اقلیم (۳۳۱ -۳۳۰/ ۳).

پوستی، ایرج

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: بافت‌شناسی، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دامپزشکی از دانشگاه تهران، دکترای تخصصی از دانشگاه بریستول انگلستان در رشته بافت‌شناسی.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بافت‌شناسی، کالبدشناسی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بافت‌شناسی، هیستوتکنیک.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

بافت‌شناسی، کالبدشناسی و آسیب‌شناسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

پوشنگی، ابوعبدالله محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۹۱ -۲۰۴ ق)، فقیه مالکی، محدث، لغوی و ادیب. از پیشگامان حدیث، در نیشابور، بود. برای کسب علم و دانش سفرها کرد، و ره‌آوردش تصنیف‌ها بود. او در لغت و کلام عرب پیشتاز بود. از یحیی بن عبدالله بن بکیر و روح بن صلاح و احمد بن حنبل و امیه بن بسطام و بسیاری دیگر حدیث شنید. محمد بن اسماعیل بخاری با اینکه از او مسن‌تر بود در «صحیح» خود از وی نقل حدیث کرده است. محمد بن اسحاق صاغانی (چغانی) و ابوحامد بن شرقی و ابن‌خزیمه و یحیی بن محمد عنبری و علی بن حمشاد و خلق بسیاری از او حدیث روایت کرده‌اند. گفته‌اند که در محرم سال ۲۹۱ ق و یا در آخر ذیحجه ۲۹۰ ق درگذشت و ابن‌خزیمه بر او نماز گذاشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۸۴/۶)، تهذیب التهذیب (۱۰ -۸ /۹)، الجرح و التعدیل (ج ۳، ق ۱۸۷/۲)، سیرالنبلاء (۵۸۹ -۵۸۱ /۱۳)، الوافی بالوفیات (۳۴۲/۱).

پویا، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا مهدی پویای یزدی از علماء معاصر کراچی بودند.

وی در یزد و یا یکی از مضافات آن متولد شده و علوم عربیه و ادبیه را در مدرسه مصلای یزد خوانده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدحسین نائینی و مرحوم آیت‌اللّه العظمی شریعت اصفهانی و دیگران استفاده نموده و از خواص اصحاب و شاگردان مرحوم میرزاء نائینی گردیده و در اواخر آن مرحوم مهاجرت به هندوستان نموده و مدتی در مدارس به خدمات دینی و روحی پرداخته و در تقسیم هندوستان و پاکستان از روی ضرورت به کراچی عزیمت و رحل اقامت افکنده و به ترویج دین مشغول تا در اوائل سال ۱۳۹۴ ق که در همانجا وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

پویایی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم پویایی (پویا) در سال ۱۳۳۴ در کرمانشاه متولد شد ، دوران ابتدایی و دبیرستان را در همین شهر به پایان رسانید سپس عازم خدمت مقدس سربازی شد، پس از خدمت انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) کشور چهره تازه ای بخود گرفته بود . ابراهیم پویا برای کمک به مسائل فرهنگی جذب جهاد سازندگی شد و در واحد فرهنگی مشغول فعالیت شد ، چون عمر این واحد کوتاه بود از آنجا خود را به واحد عمران منتقل کرد و در بدترین شرایط ،که گروهکهای کومله و دمکرات به برادران جهاد شبیخون می زدند به روستاهای مرزبانی برای مدرسه سازی رفت و این گروه منحله هر روز به شهدای جهاد می افزود و برادران را به اسارت می گرفت در سال ۱۳۶۰ بزرگان دین و علم از پویا تقاضا کردند که به صدا و سیمای کرمانشاه خود را منتقل کند ، پویا کلیه برنامه های رادیو را می نوشت و بدون بررسی بروی آنتن می رفت ، پویا بالاخره استخدام صدا وسیما شد ودر واحد روابط عمومی مشغول فعالیت شد و وبا توجه به این که کتاب های فراوانی در این رشته مطالعه کرده بود این واحد را از حالت پوستر چسباندن بیرون آورد و چهره ای تازه به روابط عمومی بخشید.گروه : علوم انسانیرشته : علوم سیاسیاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : ابراهیم پویایی به دلیل مرگ مادر ومشکلات فراوان دیگر در رشتهٔ ادبیات پیام نور بود که آن را نیمه تمام رها کرد.خاطرات و وقایع تحصیل : ابراهیم پویایی از خاطرات دوران تحصیل خود چنین می گوید: خاطرات دوران تحصیل بسیاراست که هر کدام وقت وفرصت دیگری طلب میکند اما تا آنجا که به یاد دارم دوستان را تشویق به کتابخوانی ودنبال دین ودانش رفتن میکردم.در دبیرستان رازی کرمانشاه درسال ششم طبیعی مشغول تحصیل بودم که در بدترین شرایط تحصیلی آمدند وگفتند چون دوبار از تبصره انگلیسی استفاده کرده ای بایـد بروی کلاس پنجم، متاسفانه این ضربه روحی چنان تلخ بود که هرگز خاطرهٔ آنرا

فراموش نمیکنم، هرچقدر دبیران انساندوست تلاش کردندتا ثابت کنند اشتباه از طرف دبیرستان بوده چه ربطی به دانش آموز دارد قبول نکردند ناچار یکسال شبانه درس خواندم وسال آینده وارد کلاس ششم طبیعی شدم.هم دوره ای ها و همکاران : همکاران صدا وسیما که بسیار است چون به دلیل شغل پل بین مردم ومحل کارش بوجود آورده است، دکتر سعیدی رئیس دانشگاه قلب کرمانشاه از همکلاسیهای ابراهیم پویایی بشمار میرود.همسر و فرزندان : آناهیتا برزویی تهیه کننده رادیو همسر ابراهیم پویایی است. دو فرزند پسر دارد که امیرحسین سال اول دانشگاه ،اهورا اول دبیرستان وابسته به دانشگاه است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ابراهیم پویایی در حال حاضر سه مجموعه شعر آماده چاپ دارد . رایحهٔ دوست، پیوند خاک وخون، پیچک نیلوفر ، دیگر دست نوشته هایی است که طی سالها جمع آوری شده است. یکی از مهمترین کارهایی که هنوز به اتمام نرسیده ((سیری در سبک هندی)) است که از دیدگاه نو اندیشه شاعران اصفهانی گو (سبک هندی) را شامل میشود.شاگردان : ابراهیم پویایی می گویند بنده اگر شاگردی داشته ام در عرصه داستان نویسی بوده است که در طول سی سال شاگردان بسیاری که امروز شاعران خوبی هستند به جامعه ادبی کرمانشاه تحویل داده ام.جوائز و نشانها : ابراهیم پویایی در کلیه شب های شعر، کنگره های شعر شرکت داشته وجوایزی نقدی ولوح تقدیر دریافت کرده وهنوز هم این حرکت ادامه دارد.چگونگی عرضه آثار : ابراهیم پویایی از سال ۱۳۵۳ با مطبوعات همکاری واین همکاری در مسیر شعر، داستان، نقد تأتر وفیلم، نقد مسائل اجتماعی،، و هنوز هم با مطبوعات همکاری دارد ومسئول صفحهٔ شعر چشم انداز در نشریه محلی باختر می باشد سعی می کند در صفحه چشم انداز تازه های ادبیات را عرضه کند اگر چه حق الزحمه ناچیزی دریافت می کند اما هدف، بالاتر از مسائل مادی است.: تاکنون هشتاد سرود فارسی ومحلی برای رادیوکرمانشاه ساخته است ودر روزنامه نگاری، فیلمنامه نویسی، نقد، داستان نویسی تاکنون لوح تقدیروجایزه نقدی دریافت کرده است .یک جفت پوتین فیلمی بودکه درزمان جنگ برای بچه هابا دیدگاهی نو ساخته شد که برنده سکه بهار آزادی شد.

پوینده‌ی همدانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۳ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر. وی در همدان متولد شد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر گذراند. از آن پس در بازار به کار پرداخت. پوینده چندی با روزنامه‌های محلی همکاری داشت و مدتی هم روزنامه‌ی «سازمان»، ارگان سازمان بازار همدان، را منتشر ساخت. وی در شعر طبعی لطیف داشت و دارای خطی خوش و زیبا بود. شعر وی در خدمت فرهنگ و بیداری مردم است. اثر وی: روزنامه‌ی «سازمان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۸۴۰ -۸۳۸ /۲).

پهلوان بیگ

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از مردم طایفه‌ی قمری و از سران سپاه صفویه، در زمان شاه طهماسب، و شاه محمد خدابنده بود. پهلوان بیگ در خراسان دلاوریهای بسیار کرد، به همین جهت در زمان خدابنده به درجه‌ی امیری رسید. وی در موسیقی و شعر دست داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (۳۲۱/۱)، تاریخ نظم و نثر (۴۹۶).

پهلوان محمد ابوسعید

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، شاعر، خواننده و موسیقیدان. وی در زمان سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیر نوایی در هرات می‌زیست و مورد عنایت این دو بود.او به غیر از پهلوانی، به جمیع فضایل و کمالات انسانی آراسته و در علم موسیقی استاد بود و تصنیفهای خوبی داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (۲۳۵/۱)، الذریعه (۱۶۰/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۷۰)، مجالس النفائس (۹۱ -۸۹).

پهلوان یزدی، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. وی از شاگردان عبدالرحمان جامی بود که در سرودن شعر دست داشت.

این مقامی است که اینجا رخ پرگرد خوش است

دردمندی و نیاز و دل پردرد خوش است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۴۰)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۵۳ -۵۲)، الذریعه (۱۶۰/۹).

پهلوان، منصور

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

منصور پهلوان

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان موفقیت آمیز دوران متوسطه در سال ۱۳۵۱ هجری شمسی بخاطر عشق و علاقه فراوان وارد حوزه علمیه تهران شد. در کنار تحصیل حوزوی در سال ۱۳۷۲ در مقطع دکترا در رشته علوم قرآن و حدیث از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. در طی مدت تحصیل سفرهای علمی و تبلیغی فراوانی به کشورهای خارجی داشته است. نامبرده در کنار تحصیل به تدریس در دانشگاههای تهران پرداخت و در کنار تدریس به راهنما و مشاوره دانشجویان در مقطع و دکترا پرداخت و تاکنون حدود ۲۵۰ مورد مشاوره و راهنمایی در این رابطه ارائه کرده است.

ایشان در طول سالهای عمر خویش خدمات علمی و فرهنگی سیاسی انجام داده است که از آن جمله می توان سرپرستی شبکه ۱ و ۲ سیما، سرپرستی دانشگاه بین المللی اسلامی لندن و مدیر مسئول بررسی مقالات دانشگاه تهران را نام برد.

پهلوانان اشکانی

قرن:۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مراد از پهلوانان اشکانی دسته‌ای از پهلوانانند که اصلا از شاهان و شاهزادگان اشکانی بوده، ولی به تدریج در داستانهای ملی راه یافته و در شمار پهلوانان بزرگ عهد کیان درآمده‌اند. از میان ایشان مهمتر از همه خانواده‌ی گودرزیان هستند که گودرز گشوادگان و گیو و بیژن و رهام و بهرام از آنان بودند.

و نیز به پهلوانان منفردی مانند شاپور و زنگه و پلاشان و فرهاد در شاهنامه برمی‌خوریم که ممکن است اصلا افرادی تاریخی و از خاندان اشکانیان باشند. از عجایب آنکه پهلوانی به نام فرود که در شاهنامه برادر کی‌خسرو شمرده شده، اصلا از شاهان اشکانی است.

برگرفته از کتاب :ایران در عهد باستان

پهلوانیان، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد پهلوانیان

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب احمد پهلوانیان در سال ۱۳۷۲ بعد از اخذ دیپلم در رشته ریاضی به حوزه علمیه قم مشرف و مشغول به تحصیل شدم ، در مدت ۵ سال سطح مقدماتی و عالی را پشت سر گذاشته و بعد از آن به درس خارج اشتغال پیدا کرده و در کنار آن در رشته های ارتباطات و پس از آن فلسفه و کلام اسلامی در دانشگاه های صداو سیما و باقر العلوم در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل کردم .

از جمله دوره های آموزشی غیر رسمی که گذراندم می توان به دوره تربیت مربی کودک و نوجوان ، فیلم نامه نویسی ، نقد فیلم ... اشاره کرد . تاکنون کتب و مقالات متعددی در زمینه ها ی ادبیات ، داستان ، روانشناسی و ارتباطات و فلسفه ، نگارش در آورده ام

و در رشته های ادبیات عرب (حوزه) ارتباطات (مبانی جامه شناسی) و فیلم نامه نویسی در دوره های متعددی تدریس کرده ام .

پیامی شیرازی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. از شاعران خوش سخن و نیکو قریحه شیراز بود که از احوال وی اطلاعی در دست نیست. اشعاری چند از وی به جای مانده است. از اوست:

گهی ز دیده خرابم، گهی ز دل بیتاب

کسی مباد چو من، در میان آتش و آب

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۴۱)، مرآت الفصاحه (۱۱۰)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۹۲/۱)، الذریعه (۱۶۰/۹).

پیامی کرمانی، عبدالسلام

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از شاگردان علامه دوانی بود. مدتها سمت وزارت شاه علاءالملک بن نورالدهر لاری را بر عهده داشت، عاقبت معزول شد و از وطن خود به دکن مهاجرت کرد و در خدمت نظام شاه درجه‌ی امارت یافت، پیامی شعر می‌سرود و اشعاری از وی بر جای مانده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شاعران کرمان (۱۵۷)، الذریعه (۱۶۰/۹)، شام غریبان (۴۹)، کاروان هند (۱۹۳ -۱۷۶ /۱)، مخزن الغرائب (۱/ ۳۵۹- ۳۶۰).

پیامی هروی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. در هرات متولد شد و در همان جا به تحصیل فضل و دانش پرداخت. سپس ماوراء النهر را اقامتگاه خود ساخت. از اوست:

وفا وعده کردی جفا می‌نمائی

مه من عجب بی وفا می‌نمائی

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۴۱)، مخزن الغرائب (۳۲۹/۱).

پیدا، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۱ -۱۲۷۰ ش)، شاعر. در همدان چشم به جهان گشود، پس از فراگرفتن علوم مقدماتی قدیم به شغل حسابداری مشغول شد. وی خارج از ساعات کاری به یادگیری علوم ادبی و عربی می‌پرداخت و از محضر دانشمندان و استادانی چون غمام همدانی بهره می‌گرفت. پیدا در سرودن انواع شعر مهارت داشت، اما بیشتر به سرودن غزل می‌پرداخت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۸۴۹ -۸۴۵ /۲).

پیدای اصفهانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۱۹ ق)، شاعر، متخلص به پیدا. از سادات ایرانی بود که در عهد عالمگیر شاه در هندوستان به سر می‌برد. وی نثری رنگین و

مسجع داشت و از رموز شعر فارسی نیز آگاه بود. مخلص‌خان در عهد بهادر شاه شاه درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۴۱)، کاروان هند (۱۹۳/۱).

پیر حسین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط. وی از خطاطان گمنام است. آثاری که به خط او دیده شده مجموعه‌ای است مشتمل بر مثنویهای: «اسرارنامه»، «الهی‌نامه»، «منطق‌الطیر»، «مصیبت‌نامه»، و «مختارنامه‌ی» شیخ عطار، با رقم: «تمت النسخه الموسوم بمختارنامه من جمله الکتاب المسمی بسته الشیخ... فرید المله و الشریعه و الطریقه و الحقیقه والدین عطار... فی تاریخ عشر اوسط شعبان المعظم سنه ثلاث و تسعین و ثمانمائه الهجریه، علی ید العبد... پیرحسین غفرالله ذنوبه...»، به قلم کتابت خفی متوسط؛ یک نسخه «دیوان» حافظ، با رقم: «ثم الدیوان افصح الفصحاء... شمس المله و الطریقه و الحقیقه و الدین محمد الشیرازی رحمه الله علیه فی تاریخ ثانی عشرین شهر شوال ۸۷۴ ختم بالخیر والاقبال، علی یدالعبد المذنب پیرحسین الکاتب غفر ذنوبه»، به قلم کتابت خفی متوسط؛ یک نسخه «تحفه الغرایب» زکریا بن محمد قزوینی، با رقم: «اتمام پذیرفت... در تاریخ عشر اوسط ربیع‌الثانی سنه‌ی سبع و تسعین و ثمانمائهٔ علی انامل العبد المذنب پیرحسین الکاتب غفرالله ذنوبه»، به قلم کتابت خوش.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۶-۱۰۵ /۱).

پیر، پرویز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پرویز پیر در سال ۱۳۱۹ خورشیدی در اصفهان به دنیا آمد.ایشان دارای مدرک کارشناسی ارشد رشته مهندسی برق از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳ می باشد.. نامبرده عضو هیأت مدیره برق تهران است.پرویز پیر فعالیتهای فرهنگی خود را از سال ۱۳۴۱ با ترجمهٔ داستان کوتاهی به نام «واش» اثر ویلیام فاکنر آغاز کرد و سپس به نگارش مقالات و ترجمه آثاری پرداخت .قابل ذکر است ترجمه کتاب" قلمرو و مرزهای منطقه صوری " پرویز پیر ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی برقتحصیلات رسمی و حرفه ای : پرویز پیر دورهٔ تحصیلات ابتدائی و دبیرستان را در زادگاه خود به پایان برد و سپس در سال ۱۳۳۹ وارد دانشکدهٔ فنی دانشگاه تهران گردید و در سال ۱۳۴۳ به دریافت درجهٔ فوق لیسانس در رشته مهندسی برق نایل آمدمشاغل و سمتهای مورد تصدی : پرویز پیر پس از پیروزی انقلاب مشاغلی چون مدیریت عامل شرکت برق منطقه‌ای غرب، معاونت فنی برق منطقه‌ای تهران و جز آن را عهده‌دار بوده، و اکنون عضو هیأت مدیره برق تهران است. آقای پرویز پیر فعالیتهای فرهنگی خود را از سال ۱۳۴۱ با ترجمهٔ داستان کوتاهی به نام «واش» اثر ویلیام فاکنر آغاز کرد و سپس به نگارش مقالات و ترجمه آثاری پرداختجوائز و نشانها : ترجمه کتاب "قلمرو و مرزهای منطقه صوری " پرویز پیر ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

آثار : ترجمهٔ کتاب باغوحش انسانی ویژگی اثر : اثر از موند موریس – کتابهای جیبی – ۱۳۵۴.۲ ترجمهٔ کتاب کنترل خودکار ویژگی اثر : (در دست چاپ)۳ ترجمهٔ کتاب هنر و دانش رله‌گذاری حفاظتی ویژگی اثر : (در دست چاپ)۴ ترجمه کتاب قلمرو و مرزهای منطقه صوری ویژگی اثر : اثر ریچارد جفری – شرکت انتشارات علمی و فرهنگی -این کتاب در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است۵ نگارش چند مقالهٔ علمی به زبان ساده ویژگی اثر : مجلهٔ پیک دانش آموز – ۱۳۵۴.۶ نگارش کتاب فضیحت السلوک ویژگی اثر : (در دست چاپ)۷ واش ویژگی اثر : ترجمه - اثر ویلیام فاکنر منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

پیراسته خزرجی، ضیاء

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ضیاء پیراسته خزرجی

محل تولد : نجف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۳/۱

زندگینامه علمی

بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطیبین الطاهرین اینجانب ضیاء بیراسته معروف به خزرجی دریک خانواده مذهبی در نجف اشرف به دنیا آمده ام .تحصیلات حوزوی تا رتبه اول گذرانده ام وتحصیلات کلاسیک تا دیپلم ریاضی به اتمام رسانده ام و در سال ۱۳۵۹به ایران آمده ایم و در شهر مقدس مشهد در حدود ده سال رتبه دو و سه را کذرانده ام و سبس در سال ۱۳۷۲ به شهر مقدس قم مهاجرت کرده ام و دروس خارج را به مدت شش سال به اتمام رسانده ام

پیراسته، بهمن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر بهمن پیراسته دارای دکترای رشته ژنتیک گیاهی و عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان دانشکده کشاورزی با درجه دانشیار می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیفعالیتهای ضمن تحصیل : استادان و مربیان : فعالیتهای آموزشی : سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شاگردان : آثار : تولید سبزی ویژگی اثر : ور، جورج، دبلیو ۱۳۷۳ (ترجمه)مصطفی مبلی و بهمن پیراسته ،انتشارات دانشگاه صنعتی اصفهان

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com

پیرالهی، هوشنگ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: شیمی آلی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی و کارشناسی ارشد شیمی آلی از دانشگاه تهران در سالهای ۱۳۴۰ و ۱۳۴۲، دکترا از دانشگاه پنسیلوانیا آمریکا در سال ۱۳۵۰، فوق دکترا از دانشگاه تمپل آمریکا در سال ۱۳۵۱، دوره تخصصی مرکز تحقیقی H.E.J پاکستان در سال ۱۳۶۹.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده علوم دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ماهیت پیوندی گوگرد در سیستم تیا بنزن‌ها، مکانیسم فتوکرومیسم و فتوایزو مریزاسیون در سیستم، استخراج مشتقات لینین از پس آبهای سلولزی، استاد راهنمای ۱۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۱ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شیمی آلی نظری و تجربی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۸

زمینه علمی مقالات:

فتوکرومیسم، فتوایزومریزاسیون در سیستم، تیوپیرانها، تیابنزن‌ها، تیانفتالن‌ها، تیا آنتراسن‌ها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

پیرجمالی اردستانی، جمال‌الدین، احمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۷۹ ق)، عارف، شاعر و نویسنده. معروف به پیرجمالی و جمالی. وی از اهالی اردستان اصفهان و از عرفای بزرگ عهد شاهرخ میرزا، پسر تیمور لنگ، بود. جمالی بنیانگذار طریقه‌ی پیرجمالیه در تصوف بود و کتابهای بسیاری به نظم و نثر فارسی نوشت. از آثارش: «احکام المحبین»؛ «استقامت نامه»؛ «بدایه المحبه»؛ «دیوان قصاید غزلیات و ترجیعات»؛ «روح‌القدس»؛ «کشف

الارواح»؛ «معلومات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۲۷/ ۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۵۵/ ۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۴۵ -۲۴۴)، جستجو در تصوف (۳۳۴ -۳۳۲)، الذریعه (۳۱۷ / ۱۹ ،۲۶۴/ ۱۱ ،۱۶۱/ ۹)، ریاض العارفین (۵۷ -۵۳)، ریحانه (۳۱۳ -۳۱۲/ ۱)، سرآمدان فرهنگ (۲۶۲/ ۱)، طرائق الحقائق (۷۴۷/ ۳ ،۱۰۶/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ جمالی اردستانی).

پیرسید، اسداللَّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسداللَّه بن سید صدرالدین بن سید محمدهاشم نزیل (قزوین) متوفی ۱۳۳۹ ق از احفاد میر محمدعلی معروف به (پیر سید) که در سادات محله رامسر مدفون و صاحب مزار و کرامات می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

پیرعلی جامی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۳۳ ق)، خطاط. صاحب «گلستان هنر»، او را از شاگردان سلطانعلی مشهدی دانسته است. احتمال می‌رود که وی فرزند عبدالرحمان جامی باشد. گویند در دستگاه امیرعلی‌شیر نوایی همان مقامی را که عبدالرحمان جامی در فضل و معرفت داشت، پیرعلی در خوشنویسی داشته است. وی به سرعت کتابت مشهور بود و سالها در سایه امیرعلی‌شیر مرفه زندگی کرد و این مقام را در نتیجه‌ی توجه سلطانعلی مشهدی یافت. از آثار وی: یک نسخه «ظفرنامه‌ی» هاتفی، به قلم کتابت جلی متوسط، با رقم: «کتبه العبد الفقیر پیرعلی الکاتب الجامی غفر ذنوبه و ستر عیوبه...»؛ نسخه‌ی دیگر به قلم کتابت متوسط، با رقم: «پیرعلی الجامی»؛ قطعه‌ای از مرقع بهرام میرزا، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «کتبه العبد الفقیر پیرعلی الجامی غفر ذنوبه»؛ یک خسنه «دیوان» جامی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «کتبه العبد الفقیر الحقیر پیرعلی بن عبدالرحمان جامی، تجاوزالله عنه، فی اواخر رجب المرجب سنه‌ی ۹۳۳ ثلاث و ثلثین و تسعمائه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۷ -۱۰۶ /۱)، خوشنویسان و هنرمندان (۴۱)، گلستان هنر (۶۲)، مناقب هنروران (۶۷).

پیرعلی هروی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط. وی را نباید با پیرعلی جامی یکی دانست. به خط پیرعلی هروی، یک نسخه «گلستان» سعدی موجود است که رقم «بتاریخ... سنه ۱۰۳۸ هجری برسم کتابخانه‌ی بندگان اعلیحضرت... حرره العبدالاقل پیرعلی ابن ملا عبدالرحیم عنبرین قلم بدارالفاخره‌ی آگره» دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :خوشنویسان و هنرمندان (۵۶).

پیرغیبی، پروین

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۸۲، شیراز.

درگذشت: چهارم شهریور ۱۳۶۱، شیراز.

بتول مارشال پروین پیرغیبی متخلص به «پروین»، فرزند قراخان ارسنجانی، پس از فراگفتن مقدمات علوم و فنون ادب، به تأسیس دبستان دوشیزگان همت گماشت. سال‌ها مدیر آن دبستان بود. در سال ۱۳۲۸ امتیاز روزنامه «ستاره‌ی جنوب» را گرفت و چند سال آن را منتشر می‌کرد.

پروین سال‌ها در انجمن ادب فارس و انجمن قلم و جلسات کانون دانش پارس شرکت می کرد و به مناسبت‌هایی شعرهایی می‌سرود.

پیکر پروین پیرغیبی در جوار آرامگاه شاه داعی الی الله به خاک سپرده شد.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

پیرمحمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از اهالی شیراز بود و صاحب «مناقب هنروران» وی را از شاگردان میرعلی هروی و معاصر با مولانا محمود سیاوش شیرازی می‌داند. نویسنده‌ی «احوال و آثار خوشنویسان»، از سه کاتب با نام پیرمحمد که یکی از ایشان همان پیرمحمد اول است، یاد کرده و در کتاب خود چنین آورده است: به نظر می‌رسد آن دو یک کاتب نباشند و حتی پیرمحمد سومی نیز سراغ دارم که یک نسخه‌ی خمسه‌ی نظامی به قلم کتابت نستعلیق متوسط، به خط او در کتابخانه‌ی مدرسه‌ی سپهسالار است و چنین رقم و تاریخ دارد: «... علی ید افقر العباد پیرمحمد کاتب ولد محمد حافظ، غفر ذنوبه... به تاریخ اول جمادی‌الاول سنه‌ی ۱۰۰۶». مولف «گلستان هنر» وی را از خطاطان ثلث و اکثر کتیبه‌های مساجد و مدارس شیراز در سال ۹۲۰ ق را به خط پیرمحمد ثانی می‌داند. از آثار وی: قرآن وزیری بزرگ، جلد طلاپوش درون سوخت کار روزبهان بن حاجی نعیم‌الدین کاتب مذهب، در تاریخ ۹۳۰ ق، دو صفحه‌ی اول تمام مذهب، به خط نسخ کتابت و ثلث جلی خوش با رقم: «پیرمحمد ثانی...» سال ۹۲۹ ق، یک نسخه «ظفرنامه‌ی» هاتفی، به قلم کتابت متوسط با رقم: «کتبه العبد الفقیر پیرمحمد الکاتب»؛ یک قطعه به قلم سه دانگ جلی متوسط، با رقم: «مشقه العبد پیرمحمد».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۵۳ -۱۰۵۲ /۴ ،۱۰۸ ،۱۰۷ /۱)، گلستان هنر (نوزده، ۲۸)، مناقب هنروران (۷۷).

پیرنور اصفهانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، خطاط. از آثار او: «صحیفه‌ی سجادیه»، به قطع بغلی، دو صفحه‌ی اول مذهب، به خط نسخ غبار خوش، با رقم: «نمقه... ابن پیرمحمد مقیم، پیرنور الاصفهانی فی تاریخ... سنه ۱۱۰۷»؛ «صحیفه‌ی سجادیه»، به قطع بغلی، مذهب و به خط نسخ غبار خوش، با رقم: «کتبه ابن پیرمحمد مقیم، پیرنور اصفهانی، سنه ۱۰۹۵»، در کتابخانه سلطنتی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۵۳/۴).

پیرنیا، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۱ ش)، استاد دانشگاه و نویسنده. در تهران متولد شد. تحصیلات متوسطه را در رشته‌ی علمی و ادبی به پایان رسانید و در سال ۱۳۱۱ ش به کمک حکیم‌الملک برای تکمیل تحصیلات به اروپا رفت و از دانشگاه کمبریج به اخذ درجه‌ی دکترا در علوم مالی و اقتصادی نایل شد. در سال ۱۳۱۹ ش وارد خدمت وزارت دارایی و دانشگاه تهران شد و چندین سال ریاست ادارات نفت و معادن را عهده‌دار بود و بعد به معاونت وزارت دارایی رسید. پیرنیا در دوره‌ی هجدهم از نایین به وکالت مجلس انتخاب شد. از آثار وی: «انتقاد از بودجه‌ی دولت»؛ «ده سال کوشش در راه حفظ و بسط حقوق ایران در نفت»؛ «عقاید بزرگترین علمای اقتصاد»؛ «مالیاتها و حقوق مالی»؛ «نفت در اقتصاد ایران».[۱]

متولد ۱۲۹۲، فرزند ابوالحسن معروف به معاضدالسلطنه، از بنی‌اعمام مشیرالدوله، مادرش دختر مبشرالسلطنه‌ی نبوی از خاندان‌های کهنسال و قدیمی ایران بود. پیرنیا پس از انجام تحصیلات مقدماتی و متوسطه عازم اروپا شد. نخست در پاریس علم اقتصاد تحصیل کرد و درجه‌ی دکترا گرفت. سپس به انگلستان رفت و در آنجا در رشته‌ی فنی و پلی‌تکنیک ادامه تحصیل داد و درجه‌ی علمی دریافت نمود. در ۱۳۱۹ به ایران آمد و به استادی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی برگزیده شد. همزمان با کار استادی، در وزارت دارائی مشغول شد و سالیان دراز در رأس اداره‌ی نفت و امتیازات وزارت دارائی قرار داشت. در ۱۳۲۵ از طرف قوام‌السلطنه به معاونت نخست‌وزیری منصوب شد. در ۱۳۲۸ معاون وزیر دارائی شد و تحقیقاً در آن روز یکی از کارشناسان نفتی درجه‌ی اول ایران بود. در مذاکرات با کنسرسیوم که در ۱۳۳۳ صورت گرفت، چهره‌ی اصلی در مذاکرات نفتی بود. در دوره‌ی هیجدهم به وکالت مجلس برگزیده شد. در دوره‌ی نوزدهم هم وکیل گردید ولیکن از مرز خود تجاوز کرد و در نتیجه مورد بی‌مهری قرار گرفت و از کار معاف شد. غالباً به کار تدریس اشتغال داشت. پس از آنکه دانشکده‌ی اقتصاد مستقل شد، به ریاست آنجا انتخاب گردید و در رشته‌ی تخصصی خود به تألیف و ترجمه پرداخت. مانند تمام افراد خانواده‌ی خود مردی صحیح‌العمل و نیکنام بود. یادداشت‌های پدرش در صدر مشروطه و استبداد صغیر، به همت او به چاپ رسیده است. آثاری که او در رشته‌ی اقتصاد

تألیف و ترجمه کرده، بسیار است.

فرزند میرزا نصراللّه خان نائینی، آخرین صدراعظم دوره‌ی استبداد. تحصیلات مقدماتی و فارسی و عربی را در تهران فراگرفت. سپس برای ادامه‌ی تحصیل به اروپا رفت. رشته‌ی حقوق را در پاریس، فلسفه و ریاضی را در انگلستان آموخت و در ۱۳۱۷ ه.ق به تهران وارد شد و جزء معلمین مدرسه‌ی سیاسی قرار گرفت. چون پدرش وزیر امور خارجه بود، در کابینه‌ی وزارتی معاونت برادر خود میرزا حسن خان مشارالملک را که بعدها مشیرالدوله لقب گرفت، عهده‌دار شد؛ ضمناً نزد میرزا طاهر تنکابنی فلسفه‌دان معروف، به تحصیل حکمت الهی پرداخت. از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ ه.ق مستقلاً رئیس کابینه‌ی وزارت خارجه بود. مدتی نیز ریاست مدرسه‌ی سیاسی را بر عهده گرفت. در تنظیم قانون اساسی و انطباق آن با قوانین اروپائی دخیل و دست‌اندرکار بود.

در ۱۲۸۶ در کابینه‌ی ناصرالملک برای اولین مرتبه به وزارت فوائد عامه منصوب شد. در ترمیم کابینه‌ی نظام‌السلطنه وزارت معارف بر عهده‌ی او قرار گرفت. مشیرالسلطنه او را به وزارت فوائد عامه و تجارت منصوب نمود، ولی به زودی از این سمت استعفا داد. در کابینه‌ی دوم ناصرالملک که به سرپرستی سعدالدوله اداره می‌شد، وزیر معارف بود، ولی قبل از سقوط کابینه که با فتح تهران به وسیله‌ی سپهدار و سردار اسد صورت گرفت، او و برادرش از وزارت استعفا کردند. در انتخابات دوره‌ی دوم مجلس شورای ملی به وکالت مردم تهران به مجلس رفت و کاندیدای ریاست مجلس شد، ولی قبل از او ممتازالدوله و مستشارالدوله و فروغی هر کدام چند صباحی به ریاست رسیدند تا سرانجام در اواخر دوره‌ی ریاست به مؤتمن‌الملک رسید. پس از ختم دوره‌ی دوم مجلس که با اولتیماتوم روس‌ها برای اخراج مستشاران آمریکائی تعطیل گردید، در کابینه‌ی علاءالسلطنه به وزارت تجارت منصوب شد. در انتخابات دوره‌ی سوم به وکالت و ریاست مجلس رسید، ولی این دوره به علت جنگ جهانی تعطیل و عده‌ای از وکلاء مهاجرت کردند و مجلس از اکثریت افتاد.

در ۱۲۹۶ در دو کابینه‌ی علاءالسلطنه وزیر تجارت و در ترمیم همان کابینه وزیر فوائد عامه و در کابینه‌ی عین‌الدوله وزارتخانه‌های تجارت و فوائد عامه را توأماً عهده‌دار گردید. در همان سال، مستوفی او را به وزارت معارف برگزید و سرانجام در ۱۲۹۹ در کابینه‌ی برادر خود مشیرالدوله، وزیر مشاور گردید. در انتخابات دوره‌ی چهارم به وکالت رسید و رئیس مجلس شد. این مجلس به علت جریانات روز و مسائلی که در شرف تکوین بود و با در نظر گرفتن وجود افراد تندرو و با برنامه‌ای که به پارلمان راه یافته بودند، نیاز به قدرت و مدیریت صحیح داشت. وی با قدرت و تسلط تمام، مجلس را اداره کرد و در زمره‌ی مقتدرترین رؤسای مجلس درآمد. در دوره‌ی پنجم نیز به وکالت و ریاست رسید، ولی در اواخر دوره به علت مخالفت با انقراض قاجاریه و روی کار آمدن سلسله‌ی پهلوی، از ریاست استعفا داد و مستوفی به جایش انتخاب شد؛ او هم نپذیرفت و سرانجام سید محمد تدین نایب‌رئیس، به مقام ریاست رسید. در انتخابات دوره‌ی ششم به وکالت رسید. ابتدا تدین رئیس مجلس بود، ولی در کابینه‌ی مستوفی به وزارت معارف معرفی شد و مؤتمن‌الملک مجدداً به ریاست مجلس انتخاب شد. در انتخابات دوره‌ی هفتم که با الغاء القاب، نام خانوادگی پیرنیا را برای خود انتخاب نموده بود، وکیل هفتم تهران شد. ادیب‌السلطنه حاکم تهران طی نامه‌ای قبولی او را خواستار شد، ولی در ذیل نامه‌ی حکومتی چنین نوشت: «از انجام این مأموریت معذورم» و وکالت دوره‌ی هفتم را رد کرد.

از آن تاریخ دور از کارهای سیاسی وقت خود را به مطالعه و مذاکره با دوستان و دانشمندان می‌گذرانید. حتی برخلاف برادرش، از انجام کارهای فرهنگی و اجتماعی هم اعراض داشت و حتی‌المقدور در هیچ کمیسیون و اجتماعی حضور نمی‌یافت. غالباً ادبا و فلاسفه نزد او می‌رفتند و از هر دری و مقوله‌ای جز سیاست سخن گفته می‌شد. با ثروت سرشاری که از پدرش به او به ارث رسیده بود، در خانه‌ی خود واقع در لاله‌زار نو به طرزی اشرافی زندگی می‌کرد. بعد از شهریور ۱۳۲۰ که توجه به رجال ملی زیاد شد، مجلس سیزدهم به نخست‌وزیری او ابراز تمایل کرد و نمایندگان به اتفاق آراء تمایل خودشان را نسبت به او اعلام نمودند؛ ضمناً آقایان عبدالحسین اورنگ و بیات صدر و دکتر طاهری مأمور ملاقات با مؤتمن‌الملک و ابلاغ تمایل مجلس شدند. این ملاقات در همان روز انجام گرفت و پس از شش ساعت مذاکره، مؤتمن‌الملک همان جوابی را داد که در ابتدای ملاقات داده بود و آن جواب این بود: «توانایی انجام این خدمت را ندارم». نمایندگان پس از این ملاقات، به مجلس بازگشتند و عدم قبولی پیرنیا را به مجلس اطلاع دادند. فردای آن روز بحث تمام مطبوعات تهران در این مورد بود. اطلاعات سرمقاله‌ی مفصلی نوشت و حق را به مؤتمن‌الملک داد. در همان دوره که اوضاع آذربایجان و فارس و خراسان مشکلات بزرگی فراهم کرده بود، مردم تهران او را به وکالت انتخاب کردند، ولی از قبول آن اعراض کرد، باز مورد تمایل مجلس قرار گرفت ولی مانند گذشته زیر بار نرفت. در بهمن ۱۳۲۴ که قوام‌السلطنه کاندیدای نخست‌وزیری بود، مخالفین قوام مخصوصاً فراکسیون حزب توده، مؤتمن‌الملک را کاندیدا کردند و پس از اخذ رأی، مؤتمن‌الملک ۵۱ رأی و قوام ۵۲ رأی داشت؛ یک رأی اضافی قوام‌السلطنه مربوط به رئیس مجلس بود که می‌دانست مؤتمن‌الملک آن سمت را قبول نمی‌کند. بعد از شهریور ۱۳۲۰، مؤتمن‌الملک در امور سیاسی مرتباً مورد مشورت قرار می‌گرفت و در این مورد به هیچ وجه مضایقه نداشت. وقتی قوام‌السلطنه در مسکو با بن‌بست مذاکرات مواجه شد، نظر مشورتی مؤتمن‌الملک را خواست. او با جمله‌ی کوتاه «تأمل کنید!» قوام را به پایداری تشویق و ترغیب نمود.

در تاریخ نهم شهریور ۱۳۲۶ در ۷۳ سالگی درگذشت و در امامزاده صالح در تجریش مدفون گردید. مجلس شورای ملی به مناسبت خدمات مؤتمن‌الملک و به پیشنهاد دکتر معظمی، ماده‌ی واحده‌ای گذرانید و او را در شمار یکی از فرزندان خدمتگزار ایران محسوب نمود. به مناسبت درگذشت آن مرد، یک روز تعطیل عمومی اعلام شد. مؤتمن‌الملک یک همسر انتخاب نمود، و او دختر محمدولی خان آصف‌السلطنه از بطن دختر مظفرالدین شاه قاجار بود. از این همسر صاحب پنج اولاد شد. پسر بزرگ او خسرو وارد وزارت خارجه شد، پسر دیگرش در اروپا حرفه‌ی دندانپزشکی را تعقیب کرد. دو فرزند ذکور دیگرش نه در علم پیشرفت کردند و نه در سیاست. یگانه دختر او همسر سپهبد زاهدی شد که به زودی به متارکه انجامید و سپس به همسری سرهنگ سیف درآمد. ابراهیم صفائی در کتاب رهبران مشروطه درباره‌ی خصوصیات مؤتمن‌الملک چنین نوشته است: «مؤتمن‌الملک از رجال تحصیلکرده و وطن‌خواه ولی محافظه‌کار و راحت‌طلب ایران بود. با تقوی و پاکی زندگی می‌کرد و به ناپاکی هم نیازی نداشت، زیرا از ثروت موروثی پدر سرمایه‌ی کافی داشت.»

مورخ‌الدوله سپهر در یادداشت‌های خود درباره‌ی مؤتمن‌الملک چنین نوشته: «در هر حال حسین پیرنیا یکی از رجال معروف و موجه و دانشمند ایران است. متجاوز از ۲۰ سال در صحنه‌ی سیاسی ایران نقش اساسی داشت، به قانون احترام می‌گذاشت، در اداره‌ی مجلس قدرت زیادی از خود نشان می‌داد. زمانی که در مدرسه‌ی سیاسی تدریس می‌کرد، یادداشت‌هائی تنظیم نمود که بعدها چاپ شد. مهمترین اثر او قراردادهای ایران با خارجه است که هنگام ریاست کابینه‌ی وزارت خارجه آن را تنظیم و انتشار داد».

(میرزا) حسین مؤتمن الملک (و. ۱۲۵۴– ف.۱۳۲۶ ه.ش./ ۱۳۶۶ ه.ق.) پسر دوم میرزا نصراللّه خان مشیرالدوله از تحصیل کردگان پاریس و لندن. وی چند بار وکیل مجلس و وزیر بود و مدتی ریاست مجلس شواری ملی را به عهده داشت و مؤلف «مجموعه معهدات ایران با دول خارجه» است. وی به مرض سرطان فقرات در تهران درگذشت. نواده عم آنان ابوالحسن ملقب به معاضدالسلنطه، سیاستمدار ایرانی.وی مکرر در ممالک خارجه سمت سفارت داشته (ف.۱۳۱۸ ه.ش.)

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] مولفین کتب چاپی (۷۱۱ –۷۱۰ /۲).

پیرنیا، داوود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ش)، موسیقیدان و حقوقدان. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در منزل و نزد استادان و معلمان وقت فراگرفت و پس از آن برای ادامه‌ی تحصیل به سویس رفت و در رشته‌ی حقوق فارغ‌التحصیل شد. او در ضمن تحصیلات عالی به زبانهای آلمانی، فرانسه، انگلیسی تسلط کامل پیدا کرد و با موسیقی کلاسیک نیز آشنا شد و نواختن پیانو را فراگرفت. پیرنیا کانون وکلا را در وزارت دادگستری، و اداره‌ی احصائیه (آمار) را در وزارت دارایی، تاسیس کرد. پیرنیا در وزارت دادگستری و وزارت دارایی، یک چند خدمت کرد و به ریاست بازرسی کل کشور و معاونت نخست‌وزیری نیز منصوب شد. او پس از سالها خدمت در مشاغل سیاسی و قضایی و اداری، از همه‌ی آنها کناره گرفت و به کارهای فرهنگی روی آورد. پیرنیا، مبدع و مبتکر روشی بود که قبل از او کسی به آن توجهی نداشت و آن روش تلفیق شعر و موسیقی و کمک گرفتن از یکی برای تفهیم و تاثیر ارزش دیگری بود. از آثار وی: آهنگهای «گلهای جاویدان» (در سال ۱۳۳۵ ش)، «ارکستر گلها» برنامه «گلهای رنگارنگ»؛ «برگ سبز»؛ «گلهای صحرایی»؛ «شاخه گل»؛ تنظیم «برنامه‌ی کودک».[۱]

فرزند ارشد حسن پیرنیا (مشیرالدوله)، متولد ۱۲۸۰، تحصیلات عالی خود را در رشته‌ی حقوق در سوئیس دنبال کرد و پس از مراجعت به ایران، به خدمت دادگستری و دارائی درآمد و چند شغل اداری از جمله ریاست اداره‌ی آمار و اداره‌ی کانون وکلاء را متصدی شد. در ۱۳۲۵ قوام‌السلطنه او را به مدیرکلی بازرسی نخست‌وزیری و سپس به معاونت اداری خویش برگزید. بعد از سقوط دولت، به کارهای آزاد پرداخت و زندگی مرفه او از طریق ارث قابل ملاحظه‌ای که از پدرش باقی مانده بود، اداره می‌شد. از ۱۳۳۵ با اداره‌ی رادیو همکاری خود را آغاز کرد و یک سلسله آهنگهای اصیل ایرانی را با همکاری نوازندگان و خوانندگان کشور به سبک جالبی عرضه کرد. وقتی این برنامه‌ها از رادیو پخش می‌شد و نام او را به عنوان تهیه‌کننده و تنظیم‌کننده ذکر می‌کردند، مادرش که دختر علاءالدوله بود و در آن تاریخ حیات داشت، عصبانی می‌شد و می‌گفت: «بالاخره پسر مشیرالدوله مطرب از آب درآمد». او از این کار فرزند خود سخت ناراحت بود و بعضی از نزدیکانش معتقدند که از غصه‌ی همین کار دق کرد.

داود پیرنیا به اعتبار پدر و عموی خود مؤتمن‌الملک، در محافل مختلف راه داشت. با علی دشتی در اواخر عمر زیاد حشر و نشر داشت. در ۷۳ سالگی در اثر بیماری در تهران درگذشت. تا حدی از نیکنامی و سلامت نفس برخوردار بود، ولی هوش و پرکاری پدرش را نداشت.

داود پیرنیا، بنیانگذار برنامه‌ی «گلها» در تهران، خیابان ایران در یک خانواده‌ی بزرگ و قدیمی چشم به جهان گشود. دوران طفولیت را در تحت توجهات پدر بزرگوارش حسن پیرنیا (مشیرالدوله) که از رجال خوشنام و روشنفکر آن زمان بود گذراند.

تحصیلات ابتدایی را طبق سنن و آداب آن زمان در منزل و نزد استادان و معلمین وقت فراگرفت، سپس برای ادامه‌ی تحصیلات و فراگیری دروس زبان و غیره به مدرسه ی سن‌لوئی که زیر نظر معلمین و استادان فرانسوی اداره می‌شد قدم نهاد. پس از گذراندن تحصیلات متوسطه بنا به تمایل پدرش مشیرالدوله جهت فراگیری تحصیلات عالیه به کشور سوئیس سفر نمود. پس از گذرانیدن تحصیلات عالیه در رشته حقوق به وطن مراجعت نمود و به خدمت در وزارت دادگستری مشغول گردید.

داود پیرنیا بنیانگذار و مؤسس کانون وکلا بود. در وزارت دادگستری تا رتبه‌ی یازده قضائی مدارج را طی کرد و سپس به وزارت دارائی منتقل شد و در این وزارتخانه اقدام به تأسیس اداره‌ی احصائیه (آمار) نمود که برای اولین‌بار در ایران چنین اداره‌ای به وجود آمد.

داود پیرنیا در حین فراگیری تحصیلات عالیه با موسیقی کلاسیک آشنایی کامل پیدا کرد و نواختن پیانو را به خوبی فراگرفت و ادبیات و موسیقی ایران را نیز از خاطر نبرد. به زبانهای فرانسه، آلمانی، انگلیسی تسلط کامل داشت و در زبان فرانسه تا حد ادبیات عالیه این زبان پیشرفت کرده بود بعد از چندی در نخست‌وزیری به سمت رئیس بازرسی کل در سطح کشور و سپس عهده‌دار پست معاونت نخست‌وزیری گردید.

پیرنیا همواره در فکر احیای موسیقی سنتی و اصیل ایرانی و زنده نمودن فرهنگ و ادبیات ایران بود و همین فکر باعث شد که به فکر ایجاد برنامه‌های «گلهای جاویدان» و سپس «گلهای رنگارنگ» و دیگر برنامه‌های ارزنده بیافتند و همواره در این راه با استادان

بنامی چون: کلنل‌وزیری، روح‌اللّه خالقی، ابوالحسن صبا، مرتضی محجوبی، حسین‌یاحقی، احمد عبادی، مهدی خالدی، علی تجویدی، جواد معروفی و غیره تبادل‌نظر و همفکری داشت. و این علاقه شدید باعث شد که مشاغل دولتی را کنار گذارده و با جدیت، هدف والای خود را دنبال کند و برنامه‌هایی ارزنده که امروزه همچون گنجینه‌ای گرانبها به یادگار مانده است از خود باقی گذارد و موسیقی اصیل ایرانی و ادبیات و فرهنگ غنی این کشور را نه تنها به مردم ایران بلکه به مردم سایر ملل نیز معرفی نماید و به این امر مهم که تا قبل از ایجاد برنامه‌های «گلها» نه تنها توجهی نمی‌شد بلکه در بوته فراموشی سپرده شده بود بپردازد.

داود پیرنیا یکی از خدمتگزاران بزرگ موسیقی و ادب ایران در دوره‌ی معاصر است و ارزش والای خدمات او بخصوص از آن جهت است که او مبدع و مبتکر روشی بود که قبل از او کسی به آن توجهی نداشت و آن روش تلفیق شعر و موسیقی و کمک گرفتن از یکی برای تفهیم و تأثیر ارزش دیگری بود.

پیرنیا بعد از سالها اشتغال در مشاغل سیاسی و قضائی و اداری از همه‌ی آنها کناره گرفته بود و وقت خود را مصروف به مطالعه، بخصوص بررسی اشعار فارسی می‌کرد.

وقتی یکی از فرزندان او در دبیرستان جم قلهک سرگرم تحصیل بود، دکتر معین افشار که یکی از دبیران آن دبیرستان بود و به موسیقی آشنایی و علاقه خاص داشت، ارکستر کوچکی از دانش‌آموزان هنرمند تشکیل داده بود و در یکی از جشنهای دبیرستان، این ارکستر قطعاتی اجرا می‌کرد. پیرنیا که در آن هنگام رئیس انجمن خانه و مدرسه بود کار آنان را بسیار پسندید و یک روز آنها را به اداره‌ی کل هنرهای زیبا برد و نواری از آهنگهای آنان ضبط کرد و یک روز عصر این نوار از رادیو پخش شد.

کسی نمی‌داند که پیرنیا چگونه به رادیو راه یافت، ولی بعضی از شبها مردم برنامه‌ای از رادیو می‌شنیدند که «گلهای جاویدان» نام داشت و همراه با موسیقی که مثنوی همایون بود آغاز می‌شد و ضمن آن اشعاری بر روی سازی تنها به وسیله گوینده‌ای خوش‌صدا به لحنی که در شنونده تأثیری عمیق می‌بخشید قرائت می‌شد و یکی از خوانندگان نیز اشعار دیگری را به آواز می‌خواند. در بعضی از برنامه‌ها، شرح احوال شاعر و اظهارنظر درباره‌ی اشعار و افکار او نیز قسمت دیگری از برنامه بود. برنامه با جمله «این هم گلی بود جاویدان از گلزار بی‌همتای ادب ایران– همیشه شاد و همیشه خوش باشید» پایان می‌یافت.

«گلهای جاویدان» در سال ۱۳۳۵ شروع شد و همزمان با آن پیرنیا برنامه‌ای برای کودکان نیز تنظیم کرد که صبحها با صدای فرزندش «بیژن» پخش می‌شد و هر دو برنامه به شدت مورد استقبال مردم بود.

به تدریج این اندیشه به ذهن پیرنیا راه یافت که «موسیقی ضربی» ایران نیز می‌باید در برنامه‌ی «گلها» جایی داشته باشد، به خصوص که ترانه‌ها و تصنیفهایی که در رادیو ساخته و پخش می‌شد غالباً تحت تأثیر و نفوذ موسیقی بیگانه و فاقد اصالت کافی بود. تشکیل ارکستری از هنرمندان صاحب نام که بتوانند نظر او را اجرا کنند نیاز به تأمین بودجه‌ای داشت که از توانایی «اداره‌ی کل انتشارات و رادیو»ی آن زمان خارج بود. پیرنیا با کوشش و زحمات طاقت‌فرسا موفق شد نظر مقامات «سازمان برنامه و بودجه» را به اهمیت موضوع جلب و اعتباری برای این منظور تحصیل کند و به این ترتیب ارکستر «گلها» تشکیل گردید و برنامه‌ی «گلهای رنگارنگ» حاصل کار بود. برنامه با موسیقی ضربی و ارکستره که آهنگ بی‌کلام یک ترانه‌ی اصیل و سنگین بود آغاز می‌شد. خانم «روشنک» گوینده‌ی خوش‌صدای برنامه‌ی «گلها» بر روی این آهنگ چند شعر زیبا، دلانگیز با معنی و مضمونی دلکش و عمیق قرائت می‌کرد. پس از آن اشعار دیگری بر روی سازهای تنها قرائت می‌شد، یا خواننده چند بیت شعر که غالباً قسمتی از یک غزل بود به آواز می‌خواند و در پایان آهنگ با کلام به وسیله خواننده همراه با ارکستر اجرا می‌شد.

مدت دو سال از آغاز برنامه‌ی «گلها» گذشته بود که پیرنیا برنامه کودک را به «دکتر معین افشار» همان دبیر دبیرستان پسرش محول کرد و با فراغت بیشتر تمام هم خود را صرف برنامه‌ی «گلها» کرد.

در این زمان، وضع مالی کشور بهتر شده بود و ارکستر «گلها» بزرگ و بزرگتر شد و از حالت «یک صدایی» بیرون آمد. هنرمند ارجمند «جواد معروفی» آهنگ را به تدریج و تا حدی که گوش شنونده‌ی ایرانی آمادگی قبول داشت به صورت چند صدایی می‌نوشت و به رهبری روح‌اللّه خالقی اجرا می‌شد، «برگ سبز» و «شاخه گل» و «گلهای صحرایی» برنامه‌های دیگری بودند که به بخش «گلها» تنوع و جاذبه می‌بخشیدند.

«برگ سبز» از سلو و اشعاری عرفانی با صدای خواننده که «سید جواد ذبیحی» یکی از آنان بود در شبهای جمعه اجرا می‌شد. در آغاز برنامه این دو بیت قرائت می‌شد:

«چشم بگشا که جلوه‌ی دلدار

به تجلی است از در و دیوار»

این تماشا چو بنگری گویی

لیس فی‌الدار، غیره دیار»

و پیرنیا که یکی از ارادتمندان مولا-علی (ع) بود در پایان برنامه این جمله را منظور کرده بود: «این هم برگ سبزی بود، هدیه‌ی درویش، علی نگهدارتان».

«شاخه گل» یک برنامه ربع ساعته بود که به معرفی کوتاه یک شاعر و ذکر چند بیت از اشعار او و اجرای یکی از ترانه‌های «گلهای رنگارنگ» که خواستار فراوان داشت می‌پرداخت و «گلهای صحرایی» خاص معرفی آهنگهای محلی ایران بود.

این سؤال همواره برای مردم مطرح بود که در برنامه‌های «گلها» چه رمز و رازیست که تا این حد در اعماق قلب و روح مردم نفوذ می‌کند، در حالی که از همان هنرمندان و همان شاعران و همان ترانه‌سرایان، برنامه‌های دیگری نیز در رادیو به وجود می‌آید، ولی نه تأثیر برنامه‌های «گلها» را داشت و نه به آن حد مورد استقبال عامه‌ی شنوندگان و تمامی طبقات مردم بود. علت واقعی این امر در حقیقت یکی شناخت کامل و دقیقی بود که پیرنیا از شعر و ادب و موسیقی ایران داشت و دیگر دقت و وسواس عجیبی بود که او در انتخاب قطعات موسیقی و اشعار به خرج می‌داد. به کرات یک قطعه موسیقی را می‌شنید و قسمتهایی از آن را انتخاب و قسمتهایی را حذف می‌کرد، سپس برای شعری که روی آن قطعه باید قرائت شود دیوانهای اشعار و تذکره‌های متعدد را مطالعه

می‌کرد. در سالهای آخر، مرحوم «رهی معیری» را به کمک گرفت و پس انتخاب اشعار آنها را با موسیقی تلفیق و نوار ضبط شده را به دفعات می‌شنید و حتی برای کسانی که به دیدنش می‌آمدند پخش می‌کرد و تأثیر آن را بر روی آنان بخصوص افراد صاحب نظر امتحان می‌کرد و نظر آنان را جویا می‌شد و شاید به این ترتیب یک برنامه را بیش از سی‌بار می‌شنید. به همین دلائل کار کردن با پیرنیا مشکل بود و فقط افراد پرحوصله می‌توانستند خواسته‌های او را به مرحله اجرا و عمل درآورند.

برنامه‌ی «گلها» فقط یک نوازندگی و ساز سلوی تنها نبود، بلکه مسأله فرهنگ و ادبیات مملکت بود، مسأله‌ی موسیقی غنی و پربار گذشته‌ی کشور بود، مسأله‌ی لباس فاخر پوشیدن به موسیقی ملی، اصیل و سنتی مملکت بود و به دلیل همین توجهات شادروان پیرنیا بود که برنامه‌ی «گلها» طوری شده بود که موسیقیدان آرام‌آرام، ارج و احترام واقعی خودش را در جامعه به دست آورده بود، این نبود جز ارائه‌ی برنامه‌های خوب و ارزشمند، برنامه‌های والا-و لباس فاخر و در خور شأن آن پوشیدن، یعنی نه یک چیز مصنوعی، یعنی آن چیزی که واقعاً قدر این کار را داشت، سزاوار بود که این موسیقی به این صورت عرضه بشود.

وقتی «سکته‌ی قلبی» به سراغ پیرنیا آمد و خانه‌نشین شد. دیگران بسی کوشش کردند که راه او را ادامه دهند، ولی «گلهای» آنان رنگ و بوی «گلهای» پیرنیا را نداشت و هرگز جای برنامه‌هایی را که او می‌ساخت نگرفت.

در یکی از دفعاتی که پیرنیا دچار «سکته‌ی قلبی» و در بیمارستان بستری شده بود، دکتر معین افشار دوست صمیمی و باوفای او که تا پایان مدت خدمت او در رادیو با او همکاری داشت سبدی گل برای او برد و بر روی کارت همراه آن این رباعی را نوشته بود:

تا مهر درخشنده و مه تابان باد

عمر تو چو «گلهای» تو جاویدان باد

چون آن همه شاخه‌های گل کز نو شکفت

«پیوسته دلت شاد و لبت خندان باد»

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] مردان موسیقی (۵۱۵-۵۰۹/ ۱)، تاریخی موسیقی (۶۷۳/۲).

پیرنیا، محمد کریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد کریم پیرنیا در سال ۱۲۹۹ شهر یزد متولد شد . وی پس از اخذ دوره دبستان و دبیرستان با یک آزمو ن در دانشکده هنر های زیبا در رشته معماری قبول شد و شرو ع به کسب علم نمود .

گروه : هنر

رشته : معماری

والدین و انساب : محمد کریم پیرنیا در سال ۱۲۹۹ از پدری نائینی و مادری یزدی درشهر یزد متولد شد .

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمد کریم پیرنیا دردورا ن کودکی به این علت که پدرش به یزد تبعید شده بود و اجازه خروج از این شهر را نداشتند تا بعد که این امکان فراهم شد وبرای کارهایی که باید انجام می دادبه اکثر نقاط کشور مسافرت کرد . یزد زمستانهای بسیار سرد وتابستانهای گرمی دارد . درآن زمان مردم اعم از اعیان و طبقه پایین از پانزدهم اردیبهشت به کوهستانهای اطاف می رفتند که هوای مطلوبی دارد و تا آخر تابستان آنجا می ماندند . اکثر مردم از خودشان جایی برای این مدت اسکانشان نداشتند و معمولاـ باغهایی را اجاره می کردند . پدر بزرگ او هم مثل سایر مردم باغی را اجاره می کرد وبه آنجا می رفتند .یزد واقعا یکی از شهر های آرام دنیاست ، اما به علت کمبود آب دراین منطقه ، بین مردم در گیری پیش می آمد و حتی گاهی قتل هایی هم اتفاق می افتاد . در همان باغی که اجاره می کردند ، کنار جوی آب ، چاهی درست کرد و به تقلید از قناتها ی یزد ،با درست کرد ن چند پشته ، آب را به بالا می کشاند و به قول مقنی ها ،آ ب آفتابی شد . در آنجا باغ و خیابانی درست کرده بود و به جای درخت ،عدس کاشت و با قوطی کبریت شروع به خشت زدن کرد و با همین خشت ها استخری درست کرد .به قدری این عمل مورد توجه قرار گرفت که مردم برای تماشای آن می آمدند . اواخر تابستان هم که ما باغ را ترک می کردند ، صاحب باغ اطراف مزرعه ای را که اومی ساخت ،خارکریز کرد تا آب آن را از بین ببرد . خلاصه طوری بود که علاوه بر بچه ها ،بزرگتر ها هم از این کار او خوششان می آمد .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد کریم پیرنیا دوران دبستان را درمدرسه اسلام و بعد از تاسیس مدرسه دولتی به دلیل با لا بودن کیفیت این گونه مدارس نسبت به مدرسه های قدیمی ، «در مدرسه نمره دو »ادامه تحصیل داد . دوران تحصیل را در «دبیرستان ایرانشهر » یزد که فقط دوره علمی داشت گذراندم . بعد از طی دوره علمی دریزد برای ادامه تحصیل به تهران آمد .در کنکور اولین دوره «دانشکده هنرها زیبا » به دلیل علاقه ای که به هنر معماری کشور خود داشت شرکت کرد و قبول شد .

خاطرات و وقایع تحصیل : تمام دوستان محمد کریم پیر نیا که در دانشگاه با وی بودند بعد ها جزو هنرمندان ممتاز نه تنها ایران ، بلکه در جهان بودند .محل دانشکده آن موقع در «مدرسه هروی » (علوم قدیمه) و مدرسه سپهسالار بود . این دو مدرسه را با تغییراتی که در آنها انجام شده بود ، به دانشکده هنر های زیبا تبدیل کرده بودند . دانشکده هنرهای زیبا در آن سالها فقط سه رشته معماری ، نقاشی ،مجسمه سازی داشت و برای شرکت در دوره معماری ، دیپلم کامل متوسطه لازم بود اما برای رشته نقاشی و مجسمه سازی سیکل اول متوسطه کافی بود .مجسمه سازی به دلیل اینکه داوطلب زیادی نداشت ، به تدریج تعطیل شد . باوقوع مسائل شهریور ۲۰ دانشکده به زیر زمین دانشکده فنی منتقل وبعد ها به ساختمان فعلی انتقال داده شد که البته سا ختمان آن هنوز

تکمیل نشده وبه شکل فعلی که وجود دارد ، نبود . شخصی بودبه اسم استاد مندلی که چون با سواد بود به او مندلی می گفتند . ایشان اهل میبد بود . ملا مندلی اطلاعات عجیب و غریبی درسینه اش داشت . بعد ازاینکه از مدرسه بر می گشتنددور ایشان جمع می شدندو اوبه قول خودش «نکیر » می کرد ، یعنی با سر انگشت یا چوب خطهایی روی زمین می کشید و توضیحاتی خاصه در مورد «هنجار »می داد . هنجار واقعا مثل یک کامپیوتر کارهای عجیب و غریبی می کرد .به هر حال از ملا مندلی کسب اطلاعات می کردو گاهی هم می شد که پاسبانی می آمد و جمع آنهارابه هم می زد و ازملامندلی می خواست که دیگر معرکه نگیرد ولی هیچ کس اجازه نمی داد و درمکانی دیگر جمع شان را تشکیل می دادند و از وجود ملامندلی استفاده می کردند . وی وقتی که همین موضوع هنجارو کاربرد آن را برای مرحوم دکتر محسن هشترودی گفت ایشان خیلی تعجب کرد و می دانید که ایشان هم به ریاضیات غربی و هم ریاضیات شرقی مسلط بود . دکتر هشترودی می گفت که چنین چیزی رانه در ریاضیات غرب و نه درشرق ندیده است ،و این رامختص معماران قدیمی ایران می دانست که سینه به سینه نقل شده است .ایشان علاقمند بود که برای به جاماندن هنجار ،به طور مشترک کاری انجام دهند ولی متاسفانه به علت فوت ایشان این کار میسر نشد . بعد از این باز هم به دنبال کسی بود که اینکار را پی گیری کند تا دکتر پیرنیا ی ریاضی دان ، برای این کار اعلام آمادگی کرد ولی متاسفانه ایشان هم مرحوم شد .

هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره ایهای محمد کریم پیرنیا می توان به مهندس زهره بزرگمهر و مهندس معماریان که زحمت چاپ بعضی از کتابهای او را کشیده بودند اشاره کرد .

وقایع میانسالی : محمد کریم پیرنیا از این دوران چنین یاد می کند: بعد از بازنشسته شدن تجربیات و تحقیقات چندین ساله ام را خواستم روی کاغذ بیاورم ، ولی متاسفانه به علت لرزش دست و بعد هم از کار افتادن آن ، میسر نشد .اما تعدادی زیادی از نوارهای صحبتهای بنده در دانشگاههای تهران ، شهید بهشتی و فارابی و «میراث فرهنگی » موجود است که دوستان زحمت پیاده کردن آنها را کشیده اند .

زمان و علت فوت : محمد کریم پیرنیا درسال ۱۳۷۶ دارفانی را وداع گفت .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد کریم پیرنیا مدتها معاونت «حفاظت آثر باستانی »را به عهده داشتم و کار ترمیم و تعمیر آثارباستانی بود .

جوائز و نشانها : گرفتن سه مدال که در طول دانشگاه به دلیل نوشتن سه رساله گرفته بود . --

آثار :

۱ آشنایی با معماری اسلامی ایران « ساختمان درون شهری و برون شهری»

ویژگی اثر : این اثر در ۱۳۷۱ انتشارات دانشگاه علم وصنعت ایران به چاپ رسیده است این کتاب شامل ده بخش و پنج پیوست است همراه با واژه نامه و فهرست منابع . که این مجموعه ای از سخنرانیها، مقالات و مواد درسی استاد است که توسط غلامحسین معماریان جمع آوری و تنظیم وتدوین شده است .

۲ اثر

ویژگی اثر : این فصلنامه علمی ، فنی ، هنری سازمان میراث فرهنگی کشور شماره ۲- زمستان ۱۳۷۰ به چاپ رسیده است . این فصلنامه بیستمین شماره است و استاد مطالب خود را به تقریرات استاد کریم پیرنیا درزمینه معماری سنتی و هنر های وابسته اختصاص داده است . مطالب این کتاب که در خقیقت سلسله درسهای استاد در طول سالیان متمادی برای دانشجویان واهل فن بوده، تحت عنوان «گنبد های ایران » جمع آوری شده است . در یک بخش به چگونگی ساخت گنبد ها و در بخش دیگر به طرح خصوصیات هندسی وفنی گنبد ها اشاره شده است .

۳اثر

ویژگی اثر : درفصلنامه علمی ، هنری سازمان میراث فرهنگی کشور پائیز۱۳۷۳به چاپ رسیده است . بیست و چهارمین شماره اثر . سومین دفتر از تقریرات استاد پیرنیا درزمینه معماری است که توسط زهره بزرگمهر تنظیم و تدوین شده است . مطالب این مجموعه «چفدها و طاقها » بخشی دیگراز مبحث «ساخت وسازه »و روش عملی کاربست آن در معماری ایرانی است .

۴ ارمغانهای ایران به جهان معماری «جناغ وکلیل »

ویژگی اثر : این اثر در مجله هنر ومردم به شماره ۱۴۲ در سال دوازدهم ۱۳۵۳ به چاپ رسیده است که این مقاله تحت عنوان شرح تاثیرات معماران ایرانی است در کار معماران خارجی .

۵ ارمغانهای ایران به جهان معماری گنبد

ویژگی اثر : این اثرد ر مقاله هنر ومردم به شمارهای ۱۳۶و۱۳۷ در سال ۱۲به چاپ رسیده است . دراین مقاله به شیوه های کار معماران ایرانی درساخت گنبد و کاربردو ویژگیهای بناهای گنبدی پرداخته و در ادامه تاثیرات این گونه معماری را درروند کار معماران خارجی مورد بررسی قرار می دهد .

۶ ارمغانهای معماری ایرا ن به جهان معماری «پادیاو»

ویژگی اثر : این اثر در هنر و مردم در سال ۱۲ و شماره ۱۳۹،۱۳۵۳به چاپ رسیده است که در رابطه با مکانی برای شست وشوی و طهارت بود که به آن پادیاو می گفتند و طشت آب که در آن شست شوی انجام می شد پادیاب دان می نامیدند .

۷ بادگیر و خیشخان

ویژگی اثر : این در مجله هنر و معماری به شماره ۱۰ و ۱۱ به چاپ رسیده است . این مقاله ،به بررسی جنبه های تاریخی و نیز کیفیت فنی بادگیر و نقش آن در زندگی مردم نواحی مختلف ایران می پردازد .

۸ بازار ایران

ویژگی اثر : این اثر در باستان شناسی و هنرایران به شماره ۳ درسال۱۳۴۸ به چاپ رسیده است که در باره خصوصیات نیکو و پسندیده پیشه وران و بازاریان و زندگی و کسب مسالمت آمیز آنها در کنار هم و مشخصات معماری و ساختمان بازارهای ایرانی و بر شمردن ویژگیهای منحصربه فرد هر دکان که کالایی خاص را به فروش می رساند ه است .

۹ بناهای تاریخی هر کشور درحکم شناسنامه های فرهنگی است

ویژگی اثر : در مجله هنر و معماری شماره ۱۷ این اثر استاد به چاپ رسیده است .در این مقاله ،بناهای تاریخی و معماری اصیل ایرانی را از دیدگاه هویت فرهنگی مورد بررسی قرار داده است .وی ضمن بر شمردن برخی از خصوصیات معماری ایرانی و تناسب آن با شرایط اجتماعی ، اقلیمی و فرهنگی مردم ، آثار مثبت این قرابت را در تاریخ معروفی چون مساجد ، کاخها ، آتشکده ها ،مزارها و .... اشاره شده و دروصف هرکدام از آنها به تفضیل سخن رانده شده است .

۱۰ بیماری بو لو ار

ویژگی اثر : این مقاله در مجله هنر ومردم در سال ششم به شماره ۶۹ به چاپ رسیده است که دریک کلام شکوائیه نویسنده از تخریب بناهای سنتی و زیبا که هر کدام انبوهی از خاطرات تلخ وشیرین را با خود دارند و رشد بی رویه بلوارها و خیابانها و آسمان خراشها است که با ویرانی و نابودی بناهای کهن ، ابزار وجود می کنند .

۱۱ تویزه ـ قوس ـدور

ویژگی اثر : این اثر در هنر ومعماری درشماره ۸ و در سال ۱۳۴۹ به چاپ رسیده است. مطالب آن تحت عنوان بررسی نقاط ضعف و قوت سبکهای قدیم پارتی و پارسی و سبکهای جدید خراسانی و رازی و آذری و اصفهانی که با ذکر دلیل در رابطه با هر کدام بررسی های انجام داده است

۱۲ خیز و اندام گنبد های ایرانی

ویژگی اثر : در مجله هنر و معماری شماره ۱۰و ۱۱ به چاپ رسیده است . در این مقاله به بررسی ویژگیهای گنبد و خصوصیات آن و نیز انواع مختلف گنبد درسیر تاریخی زندگی مردم ایران پرداخته شده است و در جای جای مقاله مثالهای ازگنبد های معروف ایرانی چون گنبد : حرم مطهر امام رضا (ع) ، آرامگاه سلطان محمد خدابنده در سلطانیه ، مقبره شاه نعمت الله ولی در ماهان کرمان ، جامع قزوینی و. ..... همراه با تصاویری از این مکانها آورده شده است .

۱۳ در درگاه و کتیبه آستانه حضرت عبدالعظیم (ع)

ویژگی اثر : در باستان شناسی و هنر ایران در شماره دوم و در سال ۱۳۴۸ بهار به چاپ رسیده است . که دررابطه با تاریخ و قدمت این بنای معماری است

۱۴ درو پنجره درمعماری ایران

ویژگی اثر : این مقاله در بهار ۱۳۴۸ و شماره ۲ و در مجله باستان شناسی و هنر ایران تحت عنوان چگونگی استفاده معماران از در و پنجره در معماری بنا ها اشاره رفته است .

۱۵ راه و رباط

ویژگی اثر : این اثر وی درانتشارات امین ، تابستان ۱۳۷۰ به چاپ رسیده است. راه و رباط در دوبخش یکی راه و بناهای وابسته به آن در دوره پیش از اسلام و در بخش دوم راه ورباط های دوره های اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است .

۱۶ سبک آذری

ویژگی اثر : این اثردرفرهنگ ومعماری ایران درسال ۱۳۵۴ به شماره اول به چاپ رسید ه است که دارای خصوصیات و نشانه هایی است که نگارنده مقاله ، به شکلی مبسوط به آنها پرداخته و با در نظر گرفتن تمامی جووانب ، به شرح آن مبادرت کرده است .

۱۷ شیوه های معماری ایرانی

ویژگی اثر : موسسه نشر هنر اسلامی وابسته به معاونت امور فرهنگی اجتماعی و هنری بنیاد مستضعفان و جانبازان ، در هشت بخش ، که چاپ اول در زمستان ۱۳۶۹ است . این کتاب د ررابطه به منطق و حکمت کارهایی که در زمینه معماری در طول تاریخ انجام شده است و نیز تحولاتی که درمدت سه یا چهارهزار سال ، این پدیده دستخوش آن بوده و همچنین نقاط اوج ، فواید ، ایرادها و ...پرداخته شود .و بخشهای هشت گانه آن عبارتند از : ـ اصول معماری ایرانی – شیوه های معماری ایرانی – شیوه اصفهانی –شیوه های پارسی – شیوه های پارتی – شیوه های آذری – شیوه های خراسانی ـ شیوه های رازی

۱۸ طاق گنبد

ویژگی اثر : این مقاله که در حقیقت ادامه ای بر مقاله« خیز و اندام گنبد های ایرانی »استاد می باشد ، به مساله طاق گنبد توجه کرده و اقسام مختلف طاقهای ایرانی را از لحاظ شکل و طرز اجرا بر می شمارد .

۱۹ طاق و چف

۲۰ مردم ورای در معماری ایران

ویژگی اثر : در فرهنگ و زندگی به شماره ۲۴ و در سال ۱۳۵۵ تحت عنوان خصوصیات مردم ورای درمعماری ایران که نویسنده به جوانب آن اشاره کرده است.

۲۱ مروری بر کتاب (نظری اجمالی بر شهر نشینی و شهر سازی ایران)

ویژگی اثر : که این مقاله در مجله اثربه شماره ۱ درسال ۱۳۵۸ به چاپ رسیده است . در این مقاله استاد به چگونگی و ویژگیهای معماری ایران د ر رابطه با خصوصیتهای اجتماعی مردم می پردازد .

۲۲ مساجد

ویژگی اثر : این مقاله در خصوص معرفی مسجد به عنوان یک مرکز مهم مردمی و همچنین مشخصات مساجد اسلامی از بدو پیدایش و سیرتحولی آنها در طول زمان نگاشته شده است . دراین مقاله همچنین قسمتهای مختلف یک مسجد بصورت تفکیکی

مدرد بررسی قرار گرفته و در هر مورد مثالهایی پیرامون مساجد معروف اسلامی به میان آورده شده است .

۲۳ معماری مساجد ایران راهی به سوی ملکوت

ویژگی اثر : این اثر در فصلنامه هنر و به شماره سوم درسال ۱۳۶۲ به چاپ رسیده است که عنوان این مقاله است سیر مسجدسازی در ایران و ویژگیهای معماری هر مسجد در ادوار مختلف و جمع بندی خصوصیات تمامی مساجد ، مطلبی است که نویسنده در این مقاله بازبانی روان و سلیس و دیدی مو شکافانه و دقیق و تحلیل به آن پرداخته است .

۲۴ هندسه در معماری ایران

ویژگی اثر : این کتاب در اسفند ماه سال ۱۳۶۰ در نشریه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران به چاپ رسیده است .

پیروزپناه، وهاب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: فنی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای مهندسی مکانیک در رشته موتورهای احتراق داخلی از دانشگاه ویلز انگلستان در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده فنی دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ساخت مدلهای ریاضی احتراق در موتورهای دیزلی با پاشش مستقیم، گاز سوز کردن موتورهای دیزلی با پاشش مستقیم) I.D (و غیر مستقیم) I.D.L (به روش دیزل- گاز، تدریس دروس کارشناسی و کارشناسی ارشد در زمینه‌های موتورهای احتراق داخلی، طراحی موتورهای احتراق داخلی، سوخت و احتراق، زبان تخصصی، موتورهای احتراق داخلی پیشرفته، مباحث برگزیده در انرژی، استاد راهنمای ۱۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

ابداع:

طراحی و ساخت سیستم سوخت رسانی دو گانه موتورهای دیزل- گاز به منظور استفاده همزمان از گاز و گازوئیل در موتورهای دیزلی سیستم سوخت‌رسانی دوگانه و نصب بر روی موتور دیزل- گاز مدل ۶۶۳- MO کارخانه ایدم تبریز.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

موتورهای احتراق داخلی، تست موتورهای احتراق داخلی و مهندسی احتراق.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

مدلهای ریاضی احتراق در موتورهای دیزلی، مدلهای ریاضی احتراق در موتورهای دیزل- گاز، گاز سوز کردن موتورهای دیزلی خودرو و صنعتی به روش دیزل- گاز.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

پیروزمند، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا پیروزمند

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۴ در شیراز متولد و تا مرحله اخذ دیپلم ریاضی در شیراز اشتغال به تحصیل داشتم. زندگی سیاسی ام از مقطع راهنمایی همگام با خیل عظیم مردم در مقابله با رژیم شاه شروع شد. در دوران دبیرستان در قالب همکاری با انجمن اسلامی و تقابل با گروههای ضد انقلاب و ارتباط با سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی(قبل از انشعاب و در دوران نمایندگی آیت ا... راستی) ادامه

یافت. توفیق حضور مکرر در جبهه های جنگ از همین ایام آغاز و تا سالیانی بعد ادامه داشت. زندگی علمی ام به شکلی هدفمند پس از اخذ دیپلم آغاز شد. در سال ۱۳۶۲ با وجود قبولی در رشته فنی دانشگاه برای ادامه تحصیل به قم آمدم و به موازات فراگیری دروس حوزوی در دفتر فرهنگستان علوم اسلامی قم به پژوهش مشغول شدم. دروس سطح را خدمت اساتید محترمی همچون آیات و حجج اسلام آقایان راستی کاشانی، وجدانی فخر، پایانی، ستوده، احمدی میانجی، حسینی بوشهری، موسوی ،اعتمادی و گنجی فرا گرفتم و از سال ۱۳۷۳ در درس خارج فقه آیت الله تبریزی و خارج اصول آیت الله وحید خراسانی توفیق حضور داشته و دارم. در طول این مدت از محضر اخلاقی حضرات آیات: بهاء الدینی، مظاهری، احمدی میانجی، منیر الدین حسینی، شب زنده دار و به ویژه راستی کاشانی به قدر بضاعت بهره برده ام. در دفتر فرهنگستان علوم اسلامی نیزر به ویژه از محضر استاد علامه منیر الدین حسینی (ره) بهره فراوان برده در موضوعات زیر مشغول بوده ام:

روشهای سنتی و انحرافی اجتهاد، موضوع شناسی، فلسفه علم و معرفت شناسی، مبانی اقتصاد سوسیالیسیتی و سرمایه داری، روش سیستمی ،الگوی سیستم سازی، فلسفه(با گرایش فلسفه حرکت) مبانی جامعه شناسی، مبانی نظام سیاسی، ولایت فقیه، روش مدل سازی، روش تحقیق، مبادی و مبانی اصول فقه احکام حکومتی و... .

در طول این مدت مسئولیت اجرایی نداشته ام. گذشته از مسئولیتهای پژوهشی گذشته، هم اکنون عضو هیئت علمی دفتر فرهنگستان، معاونت پژوهشهای بنیادی و مسئول گروه اصول فقه احکام حکومتی هستم علاوه بر مسائل بنیادی در موضوعات راهبردی نظام اسلامی نیز با گرایش مسائل علمی فرهنگی در قالب همکاری با برخی مراکز کلان نظام فعالیت داشته ام از جمله به عنوان کارشناس مسائل علمی –فرهنگی –اجتماعی در دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام از سال ۷۶ تا ۸۲، در طول این مدت علاوه بر مشاوره ، طرحهای تحقیقاتی را برای آنها به انجام رسانده ام، از سال ۱۳۸۲ تاکنون نیز به عنوان کارشناس مسایل فرهنگی با دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی همکاری دارم و طرحهای تحقیقاتی را نیز در همین ارتباط به انجام رسانده ام.

در سالیان گذشته علاوه بر ارتباط علمی با مراکز مختلف توفیق تالیف کتاب، مقاله و تنظیم طرحهای تحقیقاتی را داشته ام که در دو گرایش مبنایی و راهبردی انجام گرفته است، در موضوعات بنیادی، مباحثی همچون فلسفه علم، روش علم، روش سیستمی، فلسفه فیزیک و ریاضی... و در موضوعات راهبردی به مطالبی همچون، شبکه های اطلاع رسانی، رابطه دین و دولت و فرهنگ، طبقه بندی موضوعات فرهنگی در مهندسی فرهنگی کشور... پرداخته ام.

پیروزمند، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد پیروزمند

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

ما تقریبا سال ۱۳۶۰ بود که وارد حوزه مبارکه قم شدیم هرچند که از قبل با ادبیات عرب آشنایی داشتم و کتابهای مختلفی را خوانده بودم ولی برنامه حوزه مقتضی دوباره خوانی بود مقدمات از صرف ساده و جامع المقدمات سپس سیوطی و مغنی و معالم و حاشیه ملا عبدالله که همراه با آن منطق صوری دکتر محمد خوانساری را نیز می خواندیم روزهای خوش علمی آن روزگار بود بعد هم که از مدرسه کرمانیها بیرون آمدیم و بصورت آزاد شرح لمعه را شروع کردیم بعد از آن رسائل بود در کنار رسائل به درس اسفار جناب علامه حسن زاده آملی مدظله العالی حاضر می شدیم از قبل بدایه را اجمالا و منطق منظومه و حکمت آن را تا اندازه زیادی کار کرده بودم. درس اسفار اگر چه سنگین بود ولی الهیات مداری آن جاذبه ای شیرین بود تمامی جلد اول اسفار و قسمتی از جلد دوم آن را در محضر مبارک آن بزرگوار خواندیم. رسائل و مکاسب و کفایتین را می خواندیم همزمان با خواندن کفایه بر خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام وحید خراسانی ، میرزا جواد آقا تبریزی قدس سره الشریف و سید احمد مددی شرکت می جستیم که تا این زمان ۱۴ سال خارج اصول و ۱۴ سال خارج فقه.بعد از مدتی قسمت قابل توجهی از جلد ششم اسفار لغی الهیات به معنی افصار را با یکی از دوستان مباحثه کردیم –زمانی جناب حسن زاده آملی مصباح الانس را آغاز فرمود با کسب اجازه از محضر مبارکش به خدمتش شتافتم و تا وقتی آن درس برقرار بود رفتن ما نیز برقرار بود تا اینکه ایشان از تدریس عمومی امتناع ورزید ما به درس پنج شنبه و جمعه آقای شیخ محمدرضا نکونام مدظله العالی حاضر شدیم و مصباح الانس را ادامه دادیم . بعد از مدتی ایشان جلد ۹ اسفار در معاد قرآنی را آغاز کردند.هرچند که ایشان معاد صدرایی را بسیار نقد می فرمود اما ما تا آخر جلد کتاب را در درس ایشان حاضر بودیم بعد تمهید القواعد را به تماما نزد ایشان خواندیم هم زمان جلد دوم اشارات و قسمتی از جلد سوم آن را با دوستان به بحث و بررسی گذاشتیم و در درس حرکت و زمان جلد سوم اسفار جناب ممدوحی حاضر گشتیم و بر مسائل آن بحث بسیار گذاشتیم. زمان گذشت تا تمامی بدایه ، نیم از نهایهٔ الحکمهٔ را برای عده ای از عزیزان حوزوی گفتیم و به خاطر تقارن ساعت تدریس فقه در مدرسه معصومیه با ساعت نهایه مجبور به تعطیل نمودن آن شدیم، از کتاب رسائل کتاب قطع و ظن را دو مرتبه و قسمتی از اصالهٔ البرائهٔ و همچنین خیارات، مکاسب و قسمتی از کتاب بیع آن را تدریس کردیم اکنون هم به

تدریس مکاسب محرمه و شرح لمعه مشغول هستیم. سالیان متمادی شرح لمعه و اصول فقه را تدریس داشته ایم همچنین حدود چهار ، پنج سال درس شرح فصوص استاد محمدرضا نکونام را نیز درک کردیم. اکنون از خداوند متعال با این بضاعت مزجات خویش مسئلت خدمتی اگر چه بسیار ناچیز به مذهب حقه و اسلام عزیز و بندگان مخلص خداوند را داریم، در این زمان پنج شنبه و جمعه در حرم مطهر منطق منظومه را نیز تدریس داریم بحوله تعالی والحمد الله رب العالمین.

پیروی ساوجی، امیر بیگ

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، نقاش و شاعر. از مردم ساوه بود و در تذکره‌ها به عنوان پیروی نقاش، پیروی ایرانی و پیروی مصور هم مذکور است. وی را نباید با حبیب‌الله ساوجی یکی شمرد. در عهد جلال‌الدین محمد اکبرشاه به هند رفته و مدتها در آن دیار به سر برده و همان جا درگذشته است. پیروی در غزلسرایی طبعی خوش داشت و در نقاشی نیز استاد بود. دوانی می‌نویسد: «پیروی نقاش- اکثر پیرو خواجه آصفی است. در تصویر دستی چابک داشت و از راه صورت پی به معنی می‌برد.» وی دارای «دیوان» شعر؛ و منظومه‌ای به نام «صورت و معنی» بود که مطلعش این است:

خداوندا ز معنی تنگدستم

ببخشایم که بس صورت پرستم

ز لطف خویشتن ای ایزد پاک

چنان سازی به صورتخانه‌ی خاک

که هر صورت مرا در دیده آید

به سوی معنیم رویی نماید

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۸۵/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۵۷/۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۳۱)، الذریعه (۱۶۲/۹)، صبح گلشن (۷۷)، فرهنگ سخنوران (۱۷۳)، کاروان هند (۱۹۷ -۱۹۳ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ پیروی)، مخزن الغرائب (۳۸۳/۱)، نشتر عشق (۲۳۴/۱).

پیری اصفهانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از مصاحبان ضمیری اصفهانی بود و در غزلسرایی مهارت داشت. اثر وی: «دیوان» غزلیات با عنوان «سفینه‌ی مراد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۴۱)، تاریخ نظم و نثر (۶۷۲)، الذریعه (۱۶۲/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۷۳ -۱۷۲).

پیری، بیگ دوکر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر و موسیقیدان. وی از اهالی ترکمان و مردی پارسا بود که در موسیقی هم دست داشت و ترانه‌های بسیاری ساخت. وی به دو زبان فارسی و ترکی شعر می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۰۶).

پیریحیی صوفی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، خطاط و صوفی. از شاگردان احمد رومی و مبارکشاه زرین قلم بود. وی در خدمت سلاطین جلایر، ایلخانی و امیر چوپان سلدوز (وف ۷۲۸ ق)، به سر می‌برد و سلسله‌ی شاگردی خوشنویسان عراق به او می‌رسد. اکثر عمارات نجف اشرف و کتیبه‌های آن به خط او است؛ از دیگر آثار وی: قرآن سلطانی کوچک مذهب ممتاز به خط نسخ یاقوتی نیم دو دانگ، با رقم: «کتبه یحیی الصوفی حامدا لله تعالی علی نعمه و مصلیا علی نبیه محمد و آله مسلما فی سنه تسع و ثلثین و سبعمئه» (۷۳۹)، وصایای حضرت

امیر (ع)... به قطع وزیری کوچک و به خط نسخ کتابت یاقوتی خوش، با رقم: «کتبه اضعف عبادالله تعالی یحیی الصوفی فی سنه احدی و ثلثین و سبعمائه (۷۳۱)، حامدا و مصلیا»؛ چهار صفحه از مرقع طهماسب- بایقرا، به خط ثلث و ریحان پنج دانگ ممتاز و نسخ کتابت عالی، با رقم: «کتبه پیریحیی الصوفی عفاالله عنه». پنج اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۳۴ -۱۲۳۳ /۴)، پیدایش خط و خطاطان (۱۷۶)، گلستان هنر (۲۴ -۲۳)، مناقب هنروران (۱۱۴، ۳۹).

پیش بین، عبدالمجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالمجید پیش بین

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۶۴ که وارد بخش فرهنگی زندان قزلحصار زندان های سیاسی شده، ضمن آشنائی با سران گروهک ، مطالعات تاریخی خود را از مشروطیت تا انقلاب اسلامی آغاز کردم، بعد از جنگ با ورود به حوزه به دروس حوزوی مشغول و پس از اتمام سطح پایه ۱۰، در رشته الهیات و معارف اسلامی مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه قم قبول و پس از اخذ کارشناسی ارشد به کارهای تحقیقاتی در تاریخ معاصر ادامه داده که محصول آن چند کتاب می باشد.

پیش نماز، محمد باقر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پیشنماز مسجد شاه. از علمای ازکیا، عالم فاضل متقّی، کتب بسیاری از فقه و اصول و اخبار و غیر آن بر طلّاب وقف نموده که اکثر از حالت موقوفه خارج شده، لکن هنوز کم و بیش در دست طلّاب باقی است.

در سال ۱۱۲۳ وفات یافته، در بقعه تکیه آقا رضی مدفون شد.

مشارالیه جد سادات عاملی ساکن رنان و خوارسگان می باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

پیشوا، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد پیشوا فرزند حاج سید محمدصادق پیشوا از دانشمندان خدوم و علماء اعلام و فضلاء کرام شیراز می‌باشند (که در سال ۱۳۱۸ شمسی به فشار حکومت وقت شهرت خود را از بحرالعلوم تبدیل به پیشوا نمودند).

معظم‌له در سال ۱۳۵۰ قمری در شهر کازرون دیده به دنیا گشوده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات و سطوح را از مرحوم والد و عموی بزرگوارش حاج سید محمدرضا شریعتمدار آموخته و در سال ۱۳۳۵ شمسی مشرف به نجف اشرف شده و از ابحاث و دراسات سطوح و خارج آیات عظام چون میرزا حسن یزدی و استاد حاج شیخ محمدتقی جعفری و علامه حاج میرزا باقر زنجانی و آیت‌اللّٰه حاج میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّٰه حاج سید محسن حکیم و آیت‌اللّٰه حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله استفاده نموده و پس از آن برای تبلیغ اسلام و ترویج احکام به زادگاه خود کازرون مراجعت و به اقامه جماعت و وظائف روحی و دینی و اجتماعی پرداخته و خدمات شایانی نموده تا سال ۱۳۴۸ شمسی شش سال پس از انقلاب پانزده خرداد چهل و دو به شیراز مهاجرت نموده و بنابر اصرار و استقبال گرم عده کثیری از مردم شیراز رحل اقامت افکنده و در مسجد نو برابر مشهد و مزار حضرت احمد بن موسی (شاه چراغ) علیهماالسلام به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین اشتغال یافته و مورد استقبال پرشور و هیجان مردم شیراز قرار گرفته که محسود برخی از همگنان و ابناء نوع شده تا در سال ۱۴۰۵ قمری برابر ۱۳۶۳ شمسی روی جهاتی از رفتن به مسجد نو خودداری و در منزل شخصی به وظائف روحی خود تداوم داده و تا حال تحریر این کتاب موفق به تدریس فقه و اصول می‌باشند.

آثار و تألیفات ایشان

۱- کتاب آئینه سیاه، برداشتی از سوره مبارکه لقمان.

۲- علی علیه‌السلام، از دیدگاه دگران- مخطوط.

۳- تجدید و نوسازی مسجد جامع کازرون.

۴- تأسیس کتابخانه ولی عصر عجل‌اللّٰه فرجه متصل به مسجد.

۵- احداث لوله‌کشی قسمتی از شهر قبل از اقدام شهرداری کازرون به لوله‌کشی تمام شهرستان کازرون.

۶- خرید دویست هزار متر مربع زمین در قسمت شرقی کازرون به نام باغ فردوس جهت دفن مؤمنین.

۷- سنگ فرش و تعمیر مسجد نو شیراز.

۸- تأسیس بنیاد (مهدی) و صندوق قرض‌الحسنه.

۹- تأسیس بیت‌المهدی و مدرسه علمیه امام مهدی (ع).

نگارنده گوید: آقای پیشوا منتسب به علامه بحرالعلوم است که ترجمه‌اش زیب و زینت کتب تراجم مانند اعیان الشیعه و روضات الجنات و معارف الرجال و فوائد الرضویه و ریحانه الادب و دهها کتاب رجالی و تراجم دیگر می‌باشد. و او شاگرد علامه وحید بهبهانی بوده و بارها به شرف و فیض ملاقات و زیارت مولایمان حضرت بقیه‌اللّٰه اعظم امام زمان عجل‌اللّٰه فرجه الشریف رسیده که این نویسنده روسیاه همواره گفته و می‌گویم:

به امید دیدن او همه عمر زنده باشم

چه نباشد این سعادت نه من و نه زندگانی

حاج میرزا حسین نوری در جنه‌النعیم و نجم‌الثاقب خود حکایات تشرف آن بزرگوار را ذکر فرموده است. علامه بحرالعلوم قدس اللّٰه سره که بعد از استادش وحید بهبهانی ریاست عامه و مرجعیت تامه داشت در نجف از دنیا رفته و در نزدیک مقبره شیخ طوسی در مقبره شخصی دفن شده است طاب اللّٰه ثراه و قبرش از مزارات خاصه نجف است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

پیشوایی یزدی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۸ ق)، عالم و فقیه. وی در قریه‌ی عزآباد یزد متولد شد. دروس دینی را در یزد در حوزه‌ی درسی آیت‌الله میرزا سیدعلی مدرس و سیدیحیی و حاج ملا ابراهیم لاری و سید ابراهیم مهریزی فراگرفت. در سال ۱۳۱۷ ق به مشهد رفت و از حوزه‌ی درس سیدعلی حائری یزدی بهره جست. سپس به سبزوار رفت و از حوزه‌ی درسی حاج‌میرزا حسین بزرگ و میرزا اسماعیل تهرانی، از شاگردان حکیم سبزواری، استفاده کرد. در سال ۱۳۲۴ ق به عتبات رفت و از حوزه‌ی درسی علامه یزدی و علامه خراسانی بهره‌مند شد و سالها مقسم شهریه آیت‌الله یزدی بود. در سال ۱۳۴۱ ق به قم آمد و در تاسیس حوزه علمیه‌ی قم با آیت‌الله حائری همکاری کرد و به ترویج دین و تدریس مشغول شد. پیشوایی در اواخر دوره‌ی ریاست آیت‌الله بروجردی در قم درگذشت.[۱]

آیت‌الله حاج سید علی‌اکبر یزدی از علماء اعلام و فقهاء عظام حوزه علمیه قم و فرزند حاج سید رضای عزآبادی یزدیست در سال ۱۲۸۸ قمری در قریه عزآباد که در شش فرسخی یزد است تولد یافته و برای تحصیل به یزد آمده و از محضر علماء بزرگ مانند آیت‌الله میرزا سید علی مدرس و سید یحیی و حاج ملاابراهیم لاری و سید ابراهیم مهریزی و دیگران استفاده نموده و در سال ۱۳۱۷ به مشهد رضوی مشرف و از محضر سید علی حایری یزدی استفاضه کرده آنگاه به سبزوار آمده و از حضرت حاج میرزا حسین بزرگ و میرزا اسماعیل طهرانی که از شاگردان حکیم سبزواری صاحب منظومه بوده‌اند استفاده کرده و در سال ۱۳۲۴ به عتبات مشرف و از محضر علامه یزدی و علامه خراسانی و بعضی دیگر بهره‌مند شده و سالها مقسم شهریه مرحوم آیت‌الله سید یزدی بوده و در سال ۱۳۴۱ به قم مهاجرت و در تاسیس حوزه با مرحوم آیت‌الله حایری همکاری داشته و ضمنا به ترویج دین و اقامه جماعت در مسجد امام و تدریس هم اشتغال داشته تا در اواخر که به واسطه مرگ ناگهانی فرزند برومندش سید مهدی غریق منکسر شده و در اواخر ریاست آیت‌الله بروجردی بدرود حیات گفته و در جوار حضرت معصومه علیهاالسلام مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۲۷/۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۹۷/۲).

پیشوایی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی پیشوائی

محل تولد : -

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

●عضو هیئت تحریر مجله درسهائی از مکتب اسلام از سال ۱۳۴۹ تاکنون

●مدیریت داخلی مجله درسهایی از مکتب اسلام از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۳

●طی دوره تحصیلات عالی دار التبلیغ اسلامی و اخذ گواهینامه این دوره در سال ۱۳۴۹

●اشتغال به تحقیق و تألیف از سال ۱۳۵۱ تاکنون

●همکاری با سیمای جمهوری اسلامی ایران (شبکه های مختلف)

●همکاری با شبکه رادیو معارف (قم –) کارشناس عالی تاریخ و سیره

●همکاری نزدیک با موسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق (ع) زیر نظر حضرت آیت الله سبحانی و عضو هیئت موسس این موسسه از بدو تأسیس

●همکاری با فصلنامه میقات از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۵

●همکاری با فصلنامه پیام حوزه تا سال ۱۳۸۰

●همکاری با معاونت امور اساتید دروس معارف اسلامی در دانشگاه ها (نهاد نمایندگی ولی فقیه) از سال ۱۳۷۳ تاکنون در ارتباط با درس تاریخ اسلام و متون و مدرسین این درس و کتب کمک درسی.

●مدیر گروه پژوهشی تاریخ موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

●سردبیر فصلنامه علمی – تخصصی "تاریخ در آینه پژوهش"

●همکاری با نشریه افق حوزه (هفته نامه خبری حوزه علمیه)

پیشوائی یزدی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج حسن بن آیت‌الله حاج سید علی‌اکبر مذکور از علماء با ورع و تقوای حوزه است که تمام تحصیلاتش را در قم نزد والد خود و اساتید دیگر دیده و سالها به درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر شده و به امر آن جناب برای ترویج احکام و تبلیغ مردم نورآباد و خرم‌آباد لرستان به آنجا مسافرت و چندین سال در آن سامان این خدمت را به خوبی انجام داده و اکنون در قم مشغول عبادت و بندگی خداست.

نگارنده در سال ۱۳۶۷ ق همسفر مکه وی بودم و تا آنجناب را دیده و شناخته‌ام اهل تعبد و تهجد و توسل یافته‌ام بسیار متواضع و بی‌آلایش و با حزم و احتیاط و مقید به آداب و سنن است ادام‌الله توفیقاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

پیشوائی، ابوطالب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیه‌الله آقای حاج سید ابو طالب پیشوائی در سال ۱۳۳۲ ق در شهرستان رشت شروع بتحصیلات علوم دینیه نموده و دوره مقدمات و مقداری از سطوح را نزد اساتید وقت مرحوم آقا شیخ عبدالرحیم رشاد و مرحوم حاج شیخ اسماعیل شفتی صرفی باتمام رسانیدند و در سال ۱۳۳۷ هجری برای ادامه تحصیلات عازم عتبات عالیات شدند و در کاظمین محضر مرحوم آیه‌الله آقای حاج سید اسمعیل صدر قدس سره مشرف شده و در باب توقف در حوزه نجف اشرف و سامرا با ایشان مشورت نمودند فرمودند لازم است شما بعد از زیارت عتبات نجف اشرف را انتخاب نمائید، زیرا از زمین نجف علم میجوشد.

بعد از تشرف بنجف سطوح عالیه را نزد اساتید وقت مرحوم آقای آقا شیخ اسمعیل تنکابنی و آقا شیخ زین‌العابدین مازندرانی و آقا میرزا مجید گنجه‌ای و آقا شیخ علی اکبر خونساری و آقا شیخ نعمت‌الله دامغانی و آیه‌الله میرزا احمد آشتیانی و مرحوم آیه‌الله آقا میرزا ابوالحسن مشکینی قدس سره باتمام رسانیده سپس در درس خارج فقه و اصول مراجع و علماء وقت مرحوم آیه‌الله العظمی اصفهانی و آیه‌الله العظمی آقا ضیاءالدین عراقی حاضر شده و در سال ۱۳۵۰ ق به بندر پهلوی بازگشت نموده و تا حال حاضر باقامه جماعت در مسجد جامع پهلوی و گفتن تفسیر قرآن و ترویج دین مبین اسلام و اقامه نماز جمعه و تربیت طلاب علوم دینیه در مدرسه قائمیه بندر پهلوی اشتغال دارند.

آثار معظم‌له در پهلوی و حومه آن از این قرار است: ۱- مسجد قریه بشمن ۲- مسجد قریه قلم گوده ۳- مسجد میان پشته ۴- مسجد سجاد ۵- مسجد قریه سنگاچین ۶- مسجد رضویه ۷- مسجد آذربایجانیهای غازیان ۸- مدرسه علمیه قائمیه که با مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی قدس سره و تحت نظر ایشان بنیان گردید که اکنون عده‌ای از طلاب در این مدرسه اشتغال بتحصیلات علوم دینیه دارند و در ضمن محلی است مناسب برای سکونت آقایان مبلغین که در ایام تبلیغ باین شهر وارد میشوند که از طرف ایشان پذیرائی کامل شده و باطراف اعزام میشوند و اکنون یکی از فرزندان معظم‌له بنام آقای آقا سید محمد جواد پیشوائی که جوان فاضل و نجیب و بسیار متدین و عفیف است در حوزه علمیه قم اشتغال بتحصیل دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

پیشوائی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد بن العالم الربانی آیهٔاللّه المرحوم حاج سید علی‌اکبر یزدی از علماء محترم معاصر تهران است.

وی در سال ۱۳۳۸ قمری ه. در نجف اشرف متولد شده و در سن کودکی در خدمت مرحوم والدش در سال ۱۳۴۱ قمری به قم مهاجرت نمود و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات، ادبیات را از مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ محمد علی ادیب تهرانی و سطوح را از مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و حجهٔالاسلام آقا سید رضای سید صفی و بعضی از آیات دیگر آموخته و در درس خارج مرحومین آیتین حجت و خونساری شرکت و پس از آن بالغ بر پانزده سال از محضر و دراسات فقهی و اصولی مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده کامل و ضمناً تدریس متون فقه و اصول را نموده تا سال ۱۳۸۰ قمری که بنابر دعوت جمعی از مردم متدین خیابان سلسبیل تهران به تهران عزیمت و تاکنون در خیابان (بوستان سعدی) سکونت و در (مسجد الصادق) به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و مواعظ حسنه و غیره اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

پیشوائی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید حسین بن آیت‌الله حاج سید علی‌اکبر یزدی سابق‌الذکر از فضلاء و علماء حوزه علمیه و شهرستان مذهبی قم و ائمه جماعت مسجد امام است که به جای مرحوم والدش اقامه جماعت دارد دانشمندیست باتقوا و عالمی است با فضیلت در سال ۱۳۰۴ شمسی یعنی چهل و نه سال قبل در این شهرستان به دنیا آمده و در مهد علم و کمال تربیت یافته و پس از دوران مقدمات با معیت برادر ارجمندش حجه‌الاسلام حاج سید احمد پیشوائی مقیم تهران که ترجمه‌اش در جلد سوم خواهد آمد سطوح عالی را از اساتید حوزه مانند آیت‌الله العظمی مرعشی و آیت‌الله امام خمینی و دیگران فراگرفته و پس از فراغت از آن به درس مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و دیگران حاضر شده و در غالب دروس با این نگارنده شرکت داشته و از بدو ورود مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی تا آخر عمر آن مرحوم حاضر ابحاث فقه و اصول آن جناب شده و پس از وی از دروس آیات و زعماء دیگر حوزه مخصوص آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی که نهایت توجه و عنایت را به ایشان داشته و دارند استفاده‌های کافی و سرشار نموده و در مسجد امام و محله خود کوچه معروف به حاج نوفل به ترویج دین و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن و هم تدریس فقه و اصول اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

پیشه‌ور، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی و کارشناسی ارشد فیزیک از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۲، دکترای فیزیک از دانشگاه تولوز فرانسه در سال ۱۳۴۸، دکترای دولتی فیزیک در سال ۱۳۵۳ از دانشگاه اورلی وین.

مرتبه علمی:

استادیار مرکز اتمی دانشگاه تهران به مدت ۱۵ سال، دانشیار مؤسسه علوم و فنون هسته‌ای و گروه فیزیک دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فیزیک تجربی و نظری، فیزیک هسته‌ای، اندازه‌گیری حیات ترازهای انرژی، دتکتورهای نیمه هادی، اندازه‌گیری مقادیر کم به روش فلورسانس اشعه X، شتاب دهنده‌های و اندوگراف، استاد راهنمای ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

فیزیک هسته‌ای و لیزر.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

فیزیک نیمه هادی، فیزیک هسته‌ای و شتاب دهنده‌ها.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

پیغامی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم پیغامی دارای دکترای رشته گیاهپزشکی و عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز دانشکده کشاورزی با درجه دانشیار می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : وقایع میانسالی : ابراهیم پیغامی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاهپزشکی به عضویت هیئت علمی گروه گیاهپزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز در آمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ابراهیم پیغامی عضو هیئت علمی و دانشیار گروه گیاهپزشکی در دانشگاه تبریزاست.آثار : اصول قارچ شناسی ویژگی اثر : پدیدآورنده: کنستانتین جان آلکسوپولوس، چارلز میمس، مردیت بلك ول، ابراهیم پیغامی (مترجم)، حسین صارمی (مترجم)، مقصود پژوهنده (مترجم)ناشر: جهاد دانشگاهی (واحد مشهد) – ۲۳ بهمن، ۱۳۸۴۲ اصول مبارزه با بیماریهای گیاهی ویژگی اثر : مولف: ابراهیم پیغامی ۹۲ صفحه سال انتشار: ۱۳۷۸ انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد۳ بیماریهای درختان میوه ویژگی اثر : مولف: ابراهیم پیغامی ۲۰۰ صفحه سال انتشار: ۱۳۷۲ انتشارات عمیدی تبریز ۴ بیواکولوژی عوامل بیماریزای خاکزاد گیاهان ویژگی اثر : پدیدآورنده: ابراهیم پیغامی ناشر: دانیال – ۱۳۸۲۵ قارچ شناسی تکمیلی ویژگی اثر : پدیدآورنده: ابراهیم پیغامی ناشر: احرار – ۱۳۸۱۶ ویژه نامه ناظر شماره ۱ ویژگی اثر : تالیف

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com

پیغامی، عادل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عادل پیغامی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۸/۱

زندگینامه علمی

آقای عادل پیغامی در سال ۱۳۵۲ ، در تهران از خانواده ای پاك و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت (ع) دیده به جهان گشود. پس از طی دوران تحصیلات متوسطه در کنکور دانشگاه امام صادق (ع) پذیرفته شد و در سال ۱۳۷۱ همزمان با دورس دانشگاهی ، دروس حوزوی را نیز ادامه داده. از اساتید برجسته و بنام حوزوی ایشان می توان آیات هاشمی تبریزی، مجتهد زاده، باقری کنی، و مصطفوی را نام برد. نامبرده از اساتید موفقی است که طرحهای متعددی جهت آبادانی و عمران کشور ارائه داده است . از نامبرده تالیفات به قلم طبع آراسته شده است که از آن جمله اند:

۱. مبادی منابعه الطبیعی عدل از دیدگاه شهید مطهری.

۲. ساختار پیشنهادی درس نامه فقه الاقتصاد.

نامبرده در کنفرانس های متعدد علمی مشارکت و مقالات ارزشمندی ارائه داده است. ایشان هم اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع) می باشد. Cv زمستان ۱۳۸۶

الف) مشخصات فردی

نام و نام خانوادگی: عادل پیغامی.

نام پدر: قربانعلی.

سال تولد: ۱۳۵۲.

محل تولد: تهران.

شماره شناسنامه: ۷۷۶۴ صادره از تهران. ب) مشخصات دانشگاهی – تحصیلی

مدرک: کارشناسی ارشد اقتصاد و معارف اسلامی.

محل تحصیل: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

سال اخذ مدرک : ۱۳۷۹.

عنوان پایان نامه: تحلیل و شبیه سازی سیاستهای تثبیت اقتصادی با تکیه بر جانب عرضه در مورد ایران.

استاد راهنما: دکتر اکبر کیجانی.

آشنایی با زبانهای انگلیسی، عربی و ترکی استامبولی.
دانشجوی دکترای علوم اقتصادی.

پیکانی، محمد صادق

قرن:۱۶
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزنـد ملاـ احمـد، از افاضل شاگردان شیخ انصاری بوده، و پس از وصول به مقام اجتهاد به اصـفهان مراجعت نموده، به تـدریس و تألیف اشغال جسته، امید ترقیات زیادی دربارەی او می‌رفته، لکن در جوانی وفات یافته، در ایوانچەی بیرون بقعەی تکیەی آقا حسین خوانساری مدفون شد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

پیمان یغمایی، علی‌محمد

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شاعر.
تولد: ۱۲۷۵، سمنان.
درگذشت: ۲ مرداد ۱۳۶۱، سمنان.
علی‌محمد پیمان یغمائی، فرزند عبدالله موثق دفتر و نبیرەی یغمای جندقی از شاعران معاصر بود. پس از تحصیلات متداول زمان در سال ۱۲۹۸ وارد خدمت دولتی گردید و مدت سی و سه سال خدمت کرد تا بازنشسته شد. دیوان اشعارش در سال ۱۳۳۴ به چاپ رسید. قسمتی از دیوان مذکور شامل دستور زبان فارسی و اشعاری است که به آن زبان سروده است. برگزیدەی اشعار او به خط خودش نیز در سال ۱۳۵۵ در دویست صفحه چاپ شده است. نوشته‌هایش در مجله‌های «یغما»، «راهنمای کتاب» و «ارمغان» طبع شده است. به سعدی علاقه داشت و نقدی مفصل بر کتاب قلمرو سعدی علی دشتی نوشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

پیمانی، ضیاءالدین

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حقوق، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی حقوق و علوم سیاسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۵، دکترای حقوق از دانشکده حقوق و علوم اقتصادی دانشگاه پاریس در سال ۱۳۴۵.
مرتبه علمی:
استادیار در سال ۱۳۴۹، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۱.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
حقوق و علوم سیاسی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱
زمینه علمی تألیفات:
مسائل تاریخ حقوق کیفری، مسائل قواعد حقوق کیفری عمومی و جرائم و مجازاتها.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱
زمینه علمی مقالات:
حقوق کیفری عمومی و اختصاصی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

پیمانی، یداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

پیوندی، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا پیوندی

محل تولد : لاسجرد – سمنان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱۴

زندگینامه علمی

دوران ابتدایی و راهنمایی خود را در روستای محل تولدم (روستای لاسجرد سمنان) گذراندم و برای ادامه تحصیل به شهر سمنان عزیمت کردم و دوره دبیرستان را در سمنان بودم که در سال دوم دبیرستان وارد حوزه علمیه صاحب الزمان مهدیشهر سمنان شدم و به مدت سه سال مقدمات را در آن شهر با موفقیت سپری کردم و در سال ۱۳۶۵ برای ادامه تحصیل به قم عزیمت نمودم و از پایه چهارم حوزه در شهر مقدس قم در درس اساتید بزرگوار حوزه علمیه قم حاضر شدم و دوره سطح را با موفقیت به اتمام رساندم و به مدت ۱۰ سال در درس خارج فقه و اصول بزرگان حوزه علمیه قم تلمذ نمودم لازم به ذکر است در مدت ادامه تحصیل در حوزه علمیه قم دوره دبیرستان خود را به صورت متفرقه ادامه و در سال۱۳۶۹ دیپلم خود را گرفتم و برای ادامه تحصیل در دانشگاه وارد عرصه و رشته حقوق شدم و در سال ۱۳۷۵ دوره کارشناسی خود را با معدل ۴۸/۱۸ در دانشگاه مفید به پایان بردم و در کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی پذیرفته شدم و در پایان دوره یعنی سال ۱۳۷۸ به عنوان نفر اول دوره و با معدل ۶۸/۱۸ و دفاع از پایان نامه خود با نمره عالی موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم

لازم به ذکر است موفقیت در علم و دانش و فراگیری آن مرهون زحمات و بزرگواری استادان و علمای بزرگ حوزه علمیه و دانشگاه بوده است که به برخی از اساتید حوزوی و درس هایی که در خدمت ایشان بودم اشاره می کنم

الف شرکت در درس تفسیر ترتیبی قران به مدت ۱۰ سال حضرت آیت الله جوادی املی (حفظه الله)

ب شرکت در درس خارج فقه (خمس و صوم) به مدت سه سال حضرت آیت الله جوادی املی (حفظه الله)

ج شرکت در درس خارج فقه (دیات) به مدت ۲ سال حضرت آیه الله مکارم شیرازی (حفظه الله)

د شدکت در درس خارج فقه (نکاح) به مدت ۲ سال حضرت آیه الله مکارم شیرازی (حفظه الله)

ه شدکت در درس خارج اصول به مدت ۵ سال حضرت آیه الله سبحانی (حفظه الله)

همچنین لازم است که از اسابید بزرگوار دوران سطح حوزه نیز از جمله ، استاد اعتمادی ، تهرانی ، محمدی خراسانی ، علیدوست و ... نیز یادی کنم و بهره های علمی خود را مرهون زحمات آنان هستم

پیوندی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا پیوندی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی دیپلم گرفتم و در همان سال به حوزه علمیه کاشان راه یافتم. پس از گذراندن سطح اول در کاشان، در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شده و دروس سطح عالی را تا سال ۱۳۶۹ به اتمام رساندم و در این سالها از محضر اساتیدی چون آیت الله راستی کاشانی ، فخر وجدانی ، اعتمادی ، پایانی ، گنجی و خسرو شاهی استفاده فراوانی بردم. در همین سالها به یادگیری ادبیات داستانی و نمایشی پرداختم و درکنار دروس حوزوی به تدوین داستان و فیلمنامه حضور در کلاسهایی در این مورد بر اطلاعات هنری افزوده و در ضمن در نشریاتی چون مکتب جبهه و سرگرمی های آموزشی مقالاتی را به رشته تحریر درآوردم.

در سال ۱۳۷۰ به حوزه درسی خارج اصول آیت الله مومن قمی وارد و مدت ۴ سال از محضر استاد استفاده نموده و سپس به محضر درس خارج آیت الله سید عباس خاتم یزدی رفته و مدت ۳ سال نیز در درس فقه این استاد فرزانه به فراگیری فقه آل محمد پرداختم.در سال ۱۳۷۶ در امتحان ورودی دانشکده صدا و سیما شعبه قم شرکت کرده و پس از قبولی در آزمون، در این دانشکده مشغول تحصیل شدم و در سال ۱۳۸۲ با تدوین پایان نامه تحصیلی کارشناسی ارشد تهیه کنندگی از این دانشکده فارغ التحصیل شدم.

در همین حال با همکاری با مرکز پژوهشهای صدا و سیما، و سیمای عربی به تدوین و ساخت فیلمهای مستند پرداخته و توانستم حدود ۱۰ فیلمانه و سریال را تدوین نمایم که با تولید از سوی سیمای عربی در آن شبکه پخش گردید.سردبیری نشریاتی چون سرگرمی های آموزشی و مربی بسیج عقیدتی سیاسی از فعالیتهای دیگر حقیر بوده و هم اکنون نیز مرتبا در موضوعات مختلف در این نشریات مقاله می نویسم.مقالات دیگری نیز در زمینه شخصیت شناسی در فصلنامه «مربیان» دارم و باز مقالات دیگری در موضوعات علوم قرآنی ، تاریخی ، داستانی ، اخلاقی ، اجتماعی دارم که بعضی از آنها در فصلنامه های اندیشه بسیج مربی بسیج اخلاق به چاپ رسیده است.کتابهای« آن سوی پرده» که حاوی دو فیلمنانه است سیمای امام علی علیه السلام و نهج البلاغه «مهمان سپیده» «فریاد سرخ» حاصل فعالیت علمی حقیر در زمینه دین و هنر است. همچنین در تدوین ویراستاری دهها مقاله، و کتاب دیگرنیز همکاری داشته ام.

تابش اصفهانی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۷۰ ق)، شاعر. وی از فرزانگان و مقدسان اصفهان و از اعضاء قدیمی انجمن ادبی شیدا بود. میرزا علی‌اکبر در تهران درگذشت. اشعارش در «مجله دانشکده» دوره‌ی اول به چاپ رسیده است. وی در قم دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۲۶ -۱۲۲).

تابش، فضل‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۸ ش)، اقتصادان، نویسنده و شاعر. از سلسله‌ی سادات حسینی بود. در قم به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خویش و تحصیلات متوسطه را در تهران به پایان رساند. پس از آن به تجارت پرداخت و از آنجا که اهل قلم بود و با بینش خاصی که داشت، مجموعه‌ی مقالات اقتصادی خود را در روزنامه‌ی «اطلاعات» به چاپ رساند که مورد توجه محافل اقتصادی قرار گرفت. از سال ۱۳۱۳ ش سرودن شعر را آغاز کرد و با محمود تندری (صمصام)، انجمن ادبی قم را تشکیل داد. تابش در انواع شعر دست داشت ولی بیشتر غزل می‌سرود و چون شعر وی مورد توجه شعرشناسان قرار گرفت، درصدد برآمد که گزیده‌ای از اشعار خود را به چاپ برساند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۸۸۳ -۸۷۸ /۲)،

تابع قمی، محمدباقر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۵۰ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به تابع. اهل قم بود و با اینکه محتسب شهر نیز بود اما، روزگار به درویشی سپری می‌کرد. مدتی در خدمت ملا۔ محمدطاهر درس خواند. تابع نه تنها در سرودن شعر قادر بود بلکه خط شکسته را نیز درست و نمکین می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۴۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۱۴)، الذریعه (۱۶۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۷۵)، مخزن الغرائب (۴۱۹/۱).

تابع کهکیلویه‌ای، غلامرضا

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. از اهالی کهکیلویه فارس بود و با شیخ محمدعلی حزین معاصر. به کیمیاگری شهرت داشت سیر و سیاحت زیاد می‌کرد و در آخر مقیم اصفهان شد و هم در آنجا درگذشت. در برخی تذکره‌ها اشعاری از وی نقل کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۴۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳-۲ /۲)، الذریعه (۱۶۴/۹).

تابعی خوانساری، آدینه قلی‌بیگ

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۸ ق)، شاعر، متخلص به تابعی. وی با اینکه از سواد چندان بهره نداشت، شاعری نکته‌سنج و معنی‌یاب بود و از ارباب علم گوی سبقت ربود. تابعی از معاصران وحشی بود. وی سفرهای بسیاری به اصفهان، یزد، شیراز و قزوین کرد. در برخی تذکره‌ها از وی با نسب یزدی یاد شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۲۹/۵)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۶۵)، تذکره‌ی شعرای خوانسار (۳۹ -۳۷)، الذریعه (۱۶۴/۹)، صبح گلشن (۷۷)، لغت‌نامه (ذیل/ تابعی)، مخزن الغرائب (۴۰۴/۱)، نشتر عشق (۲۷۵/۱)، هفت اقلیم (۴۸۵/۲).

تابعی دماوندی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از بزرگ‌زادگان دماوند بود و طبع خوبی داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶۴/۹)، مجمع الخواص (۲۹۳ -۲۹۲).

تابعی هروی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر. از شاعران هرات بود که علاوه بر شاعری در نواختن نی و نقاشی هم توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۲۵/۱)، الذریعه (۱۶۴/۹)، صبح گلشن (۷۷)، فرهنگ سخنوران (۱۷۶)، لغت‌نامه (ذیل/ تابعی)، مجالس النفائس (۱۶۷)، نشتر عشق (۲۷۵/۱).

تابنده، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی برق، دانشکده: مهندسی برق، دانشگاه: صنعتی شریف

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

تابنده، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمود تابنده دارای دکترای رشته متالوژی عضویت هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف با درجه دانشیار باشد.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی برقتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر محمود تابنده دارای کارشناسی رشته مهندسی مواد از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته مهندسی مواد از دانشگاه تهران دکترای رشته متالوژی آلیاژها از دانشگاه نیویورک میباشدخاطرات و وقایع تحصیل : تحصیل در رشته متالوژی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر محمود تابنده بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر محمود تابنده د ر کنار تحصیل به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری در زمینه تخصصی مورد علاقه خود بوده است.وقایع میانسالی : دکتر محمود تابنده پس از اخذ مدرک دکتری در رشته متالوژی به عضویت هیئت

علمی گروه متالوژی در دانشکده فنی مهندسی دردانشگاه صنعتی شریف در آمد وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر محمود تابنده عضوهیئت علمی و دانشیار گروه متالوژی در دانشکده فنی مهندسی در دانشگاه صنعتی شریف است.فعالیتهای آموزشی : دکتر محمود تابنده سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه متالوژی در دانشکده فنی مهندسی صنعتی شریف به تدریس دروس تخصصی رشته متالوژی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر محمود تابنده در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون تخصصی ،پژوهشی و عمیق می پردازد.آرا و گرایشهای خاص : دکتر محمود تابنده از جمله مهندسین مواد و فلزشناسانی است که تحقیقات و پژوهشهای علمی و عمیق وسیعی درباره احیای کانه های آهن ، الگوی رشد دارد.

آثار : الکترونیک کاربردی طراحی مدار به کمک کامپیوتر منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

تابنده، نصراللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: فنی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد پیوسته مهندسی مکانیک از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۵، کارشناسی ارشد مهندسی مکانیک از دانشگاه ایالتی لویزیانا در سال ۱۳۴۰، کارشناسی ارشد ریاضیات از دانشگاه ایالتی لویزیانا در سال ۱۳۴۶، دکترای مکانیک مهندسی از دانشگاه ایالتی لویزیانا در سال ۱۳۴۹.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه ایالتی لویزیانا آمریکا از سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۵۰، استادیار و دانشیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۰.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

روش اجزاء مرزی، تدریس دروس استاتیک، دینامیک، ریاضیات و مکانیک محیط پیوسته در دانشگاههای ایالتی لویزیانا و تهران، استاد راهنمای ۱ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

دینامیک برداری.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

مسئله سه نقطه مادی در دینامیک در رشته مکانیک، تقریب خطی معادلات دیفرانسیل غیر خطی و پایداری، پایداری در معادلات دیفرانسیل غیر خطی در رشته ریاضیات کاربردی، پایداری حرکت و مدارهای جدی پوانکاره در معادلات دیفرانسیل غیر خطی و چندین مقاله دیگر به زبانهای فارسی و انگلیسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

تاثیر تبریزی، محسن

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۳۱/۱۱۲۹ ق)، شاعر، متخلص به تاثیر. وی از نوادگان ابوالخان زرگر تبریزی بود که از جانب مادر نسب وی به محمدحسین چلبی تبریزی می‌رسید. در اصفهان به دنیا آمد و در آنجا نشو و نما یافت. تاثیر از شاگردان صائب تبریزی و از شاعران و مستوفیان عهد شاه سلیمان و شاه سلطان حسین بود که در سال ۱۱۲۰ ق از کار معزول شد و در خانه‌اش معتکف. وی در اصفهان درگذشت. از آثار وی: «کلیات اشعار» مشتمل بر: «منهاج المعارج»، «جهان نما»، دعوه‌العاشقین»، «گلزار سعادت»، «ثمره الحجاب»، «معما»، «حسن اتفاق» و «میمنت نامه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ارمغان (س ۱۲، ش ۳، ص ۱۷۱ -۱۶۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۱۴/۵)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۱۲ -۱۰۵ /۲)، تذکره المعاصرین (۱۷۱ -۱۶۹)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۲۰ -۱۱۹)، دانشمندان آذربایجان (۸۱ -۷۷)، الذریعه (۹۷۶، ۱۶۵ -۱۶۴ /۹)، ریحانه (۳۱۵/۱)، سخنوران آذربایجان (۲۷۰ -۲۶۲)، فرهنگ سخنوران (۱۷۶)، مخزن الغرائب (۴۳۵ -۴۳۱ /۱)، نشتر عشق

(۲۹۳ -۲۹۲ /۱).

تاج بخارایی، تاج‌الدین عمر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر و صوفی. ملقب به صدرالشریعه و برهان‌الاسلام. از بزرگان ماوراءالنهر و از سرآمدان آل سازه و رئیس حنفیان بخارا بود. وی مردی فاضل و در علوم دینی ادبی تبحر داشت. تاج‌الدین در عهد سلطان قلج طمغاج خان ابراهیم از آل افراسیاب به سر می‌برد و رباعیاتی در مدح وی سروده است. کتاب «خالصه الحقایق لما فیه من اسالیب الدقائق»، در اخلاق که مولف آن ابوالقاسم عمادالدین محمود بن احمد الفارابی است و به سال ۵۹۷ ق تالیف شده، به نام همین عمر بن مسعود است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۸۳۴ -۸۳۳ /۲)، فرهنگ سخنوران (۱۷۷ -۱۷۶)، لباب‌الالباب (۱۷۴ -۱۶۹ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ تاج‌الدین)، هفت اقلیم (۴۰۶ -۴۰۵ /۳).

تاج تمران، تاج‌الدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. ملقب به ملك معظم. از شاعران عهد سلاجقه بود که اشعاری لطیف می‌سرود و با طغان شاه بن محمد الموید مکاتبه و مشاعره داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :لباب الالباب (۵۱ -۵۰ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ تاج‌الدین)، مخزن الغرائب (۴۰۱ -۴۰۰ /۱).

تاج حلاوی، تاج‌الدین علی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، شاعر. معروف به تاج حلاوی. وی در زمان خویش شهرت بسیار داشت و مولف کتابی است در محسنات کلام و فن شاعری به اسم «دقایق الشعر» که از جمله کتابهای معتبر و مفید است و به سبک «حدائق السحر» نوشته شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۱۰)، کشف الظنون (۷۵۸)، مولفین کتب چاپی (۳۷۰/۴).

تاج سرخسی، تاج‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۳۵ ق)، شاعر و دانشمند. ملقب به شرف‌الروسا یا تاج‌الروسا. وی اهل سرخس بود و از بزرگان و سرآمدان دانشمندان و مدرسان خراسان بود. که به هندوستان سفر کرد و در همان جا درگذشت. اشعاری از وی در تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۷۳)، تحفه‌ی سامی (۱۲۵)، تذکره‌ی روز روشن (۱۴۳)، الذریعه (۱۶۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۷۷)، لغت‌نامه (ذیل/ تاج‌الدین)، مجمع الفصحا (۴۶۲/۱).

تاج سرخسی، فخرالروسا، تاج‌الدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر و دانشمند. از پیشوایان و دانشمندان خراسان بود. تاج‌الدین در تصویرسازی و خیال‌پردازی توانا بود و اشعاری بسیار سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶۵/۹)، لباب الالباب (۱۴۷ -۱۴۵ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ تاج‌الدین)، هفت اقلیم (۴۰ -۳۸ /۲).

تاج سلمانی اصفهانی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو پیش از ۸۹۷ -۸۲۱ ق)، خطاط. اکثر تذکره‌نویسان خطاطان، وی را واضع قلم شکسته‌ی نستعلیق نوشته‌اند. اگر هم چنین نباشد، حداقل اول کسی است که به آن سر و صورت کامل داده و خط شکسته را تحت قاعده آورده است. چنانکه گویند هیچ یک از مخترعان خطوط، خط اختراعی خود را به زیبایی او ننوشته‌اند. خواجه تاج سلمانی در زمان سلطنت ابوسعید گورکانی می‌زیسته و خطوط وی را هم در اقلام ستّه و هم در تعلیق به زیبایی و لطافت ستوده‌اند. مولف «خوشنویسان و هنرمندان» وی را از شاعران و از احفاد سلمان فارسی، صحابی پیامبر (ص)، دانسته و کتابی به نام «شمس‌الحسن» به او نسبت داده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اطلس خط (۴۰۷ -۴۰۶)، خوشنویسان و هنرمندان (۹۷ ،۶)، گلستان هنر (پانزده، شانزده، ۴۲).

تاج فارسی، تاج‌الدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۶۳۳ ق)، شاعر و منشی. وی از مردم زیرراه (دهی از دهستانهای بخش برازجان شهرستان بوشهر) بود که در دهلی مسکن داشت و دبیری سلطان شمس‌الدین دهلوی را عهده‌دار بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵/۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۳۳۰/۲)، فرهنگ سخنوران (۱۷۷)، لغت‌نامه (ذیل/ تاج‌الدین)، مجمع الفصحا (۴۶۵ -۴۶۴ /۱)، مرآت الفصاحه (۱۱۲ -۱۱۱).

تاج فر، مهران

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر مهران تاج فر تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته کارشناسی مهندسی مکانیک در دانشگاه نورث استیرن بوستون آمریکا آغاز و در سال ۱۳۶۱ به پایان رسانید. وی موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد رشته مهندسی هوا فضا از دانشگاه کیس وسترن رزرو آمریکا (در سال ۱۳۶۴) و دکتری همان رشته را از دانشگاه ایالتی اوهایو آمریکا در سال ۱۳۶۹ اخذ کرده است. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه صنعتی امیرکبیر می باشد.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی هوا- فضاتحصیلات رسمی و حرفه ای : مهران تاج فر تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته کارشناسی مهندسی مکانیک در دانشگاه نورث استیرن بوستون آمریکا آغاز و در سال ۱۳۶۱ به پایان رسانید. وی موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد رشته مهندسی هوا فضا از دانشگاه کیس وسترن رزرو آمریکا (در سال ۱۳۶۴) و دکتری همان رشته را از دانشگاه ایالتی اوهایو آمریکا در سال ۱۳۶۹ اخذ کرده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای اداری و مدیریتی دکتر مهران تاج فر به ترتیب زیر است: دانشیار دانشگاه امیرکبیر،دانشکده هوافضا از سال ۱۳۸۳ تا کنون پژوهشگر مرکز محاسبات پیشرفته،موسسه تحقیقاتی فیزیک و شیمی ،ژاپن از سال ۱۳۷۸ تا سال ۱۳۸۳ استادیار دانشگاه امیرکبیر ،دانشکده هوا فضا از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۸ پژوهشگر آزمایشگاه مکانیک سیالات،مرکز تحقیقات ملی ناسا ،آمریکا از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۷۳ مربی و پژوهشگر ،دانشگاه ایالتی ،دانشکده هوافضا،از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۶۹ مربی و پژوهشگر دانشگاه وسترن رزرو دانشکده مهندسی مکانیک و هوافضا از سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۶۵ مهندس طراح ،شرکت ژرف پولاک ،آمریکا از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۶۱ عضو انجمن ASME ،مهندسین مکانیک آمریکا استاد مشاور دفتر استعدادهای درخشان دانشگاه صنعتی امیرکبیرچگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی مهران تاج فر به ترتیب زیر است: ۸ مقاله (چیده) ارائه شده در کنفرانس های بین المللی ۳۵ مقاله چاپ شده و ارائه در کنفرانسهای بین المللی

تاج ماه

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز جمادی‌الاول ۱۳۴۸ ق، از زنان مترجم، ادیب و شاعر. وی همسر سردار امجد فتح‌الله خان بود. مجموعه اشعار و نامه‌هایش به نام کلیات یا دیوان، به خط شکسته نستعلیق خود و به شماره ۳۵۵۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. اثر دیگری به نام نامه نادری (ترجمه از ترکی) از بانویی به همین نام ملقب به آفاق‌الدوله، خواهر اسماعیل خان، آجودالباشی توپخانه مقیم گرگانرود طالش موجود است که در ۱۳۲۴ ق ترجمه شده است. نظر به هم اسم بودن و تقارن زندگی، احتمال می‌رود که این دو اثر از یک نفر باشد.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ۱۸۵۱ / ۳؛ مولفین کتاب چاپی فارسی و عربی ۱۸۳ / ۲.

تاج‌الحکماء، حسنعلی، حسینعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۵۴ –۱۲۰۴ ش)، طبیب و شاعر. وی در آغاز شاعری تاج‌الحکما و طبیب تخلص می‌کرد، سپس تخلص خود را فلسفی قرار داد. سید در نایین متولد شد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش به انجام رساند، سپس برای تکمیل تحصیلات به اصفهان رفت و یک دوره طب قدیم را در محضر درس میرزا باقر حکیم‌باشی آموخت. مدتی مامور خدمت در بهداری نایین شد. در اواخر دوره‌ی مظفری به تهران آمد و به تحصیل زبان فرانسه و طب جدید پرداخت تا آنکه در جراحی چشم مهارت یافت. او در نقاشی و موسیقی و تاریخ و جغرافی نیز دست داشت. کتاب چاپ شده‌ی وی: «هفت مقاله‌ی فلسفی در لزوم دیانت».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۴۸۳ –۴۸۱)، الذریعه (۲۳۷/۲۵)، سخنوران نامی معاصر (۲۷۳۷ –۲۷۳۴ /۴)، فرهنگ سخنوران (۱۷۷)، مولفین کتب چاپی (۶۸۳ –۶۸۲ /۲).

تاج‌الدوله، طاووس

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، ادیب، شاعر و خطاط. در اصفهان متولد شد. وی از گرجی‌زادگان صفویه و زنی هوشمند و دانا بود. تاج‌الدوله علوم اسلامی و فنون ادب و خط را از معتمدالدوله‌ی نشاط اصفهانی فراگرفت. وی همسر فتحعلی‌شاه و بسیار مورد توجه و اعتنای او بود. تخت طاووس که «تخت خورشید» نام داشت، بعد از وفات تاج‌الدوله، تخت طاووس نامیده شد. سلطان محمد میرزای سیف‌الدوله، که شاعری توانا بود، یکی از سه پسر او است. بعد از مرگ فتحعلی‌شاه، تاج‌الدوله دو مرتبه به حج مشرف شد و سرانجام نجف اشرف را مسکن دایمی خویش قرار داد و در همان شهر درگذشت. طاووس خانم در صحن مطهر حضرت امیرالمومنین (ع)، در آرامگاهی که خود ساخته بود، به خاک سپرده شد. از اوست:

باد از سر کوی تو گذشتن نتواند

پیغام من دلشده را پس که رساند؟

گفتم به صبوری دل خود را بفریبم

دیگر دل بیچاره صبوری نتواند[۱]

قرن سیزدهم هجری، از زنان ادیب و شاعر. نام اصلی او طاووس خانم و از زنان صیغه‌ای فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ –۱۲۱۲ ق) بود که بسیار مورد علاقه و توجه وی قرار داشت و از همین رو به او لقب تاج‌الدوله داد. تخت جواهرنشان سلطنتی معروف به تخت طاووس را که تا پیش از عروسی تاج‌الدوله تخت خورشید می‌گفتند از نخستین شب ازدواج شاه و طاووس خانم، تخت طاووس نامیدند. وی خارج از حرمخانه شاهی قصر مجللی مخصوص به خود داشت. شاه و شاهزادگان قاجاری هر ساله از روز اول نوروز تا پایان روز سیزدهم عید مهمان تاج‌الدوله بودند.

تاج‌الدوله نزد شاعر معروف آن زمان، میرزا عبدالوهاب اصفهانی، متخلص به نشاط فنون ادب و هنر را فراگرفت و در رموز نویسندگی به استادی رسید. نامه‌هایی که به شاه می‌نوشت مضامین و دقایق لطیف داشت. برخی از رسایل و مراسلات او را ماه شرف از زنان فاضل و ادیب انجام می‌داد. تاج‌الدوله پس از مرگ فتحعلی شاه از بیم نزاع میان شاهزادگان به عالم معروف اصفهان، سید محمدباقر شفتی (۱۲۶۰ ق) معروف به حجت‌الاسلام پناه برد. پس از جلوس محمدشاه قاجار (۱۲۶۴ –۱۲۵۰ ق) تاج‌الدوله تمام ثروت و جواهرات خود را به محمدشاه تقدیم کرد که به وی بازگرداند. وی چند بار به سفر حج رفت و در پایان عمر در نجف اشرف سکونت کرد و در همان شهر درگذشت و در صحن مطهر امیر مؤمنان دفن شد. از جمله فرزندان مشهور او احمد میرزا عضدالدوله مؤلف تاریخ عضدی و خورشید کلاه بودند.

تاج‌الدوله طبع شعر داشت. وقتی پسرش بر اثر ابتلا به مرض وبا درگذشت شاه با ارسال بیت زیر به او تسلیت گفت:

از کسی چون بشکند چیزی بلایی بگذرد

خوب شد بر تو بزد آسیبش از مینا گذشت

و او نیز با یک بیت شعر به شاه چنین پاسخ داد:

اگر بشکست اندر بزم مستان ساغر مینا

سر ساقی سلامت دولت پیرمغان برجا

به خواهش او محمود میرزا کتاب پرورده خیال را به رشته تحریر درآورد. از اشعار اوست:

باد از سر کوی تو گذشتن نتواند

پیغام من دلشده را پس که رساند

تا کی به صبوری بفریبم دل خود را

دیگر دل بیچاره صبوری نتواند

به تاج‌الدوله چون دادم لقب شاه

گذشت از آن سرم از طارم ماه

همیشه بخت با او هست و نبود

کسی باذات غیر از سایه همراه[۲] برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از رابعه تا پروین (۱۶۶ -۱۶۴)، تذکره القبور (۳۵)، حدیقه الشعراء (۲۱۷۸ -۲۱۷۲ /۳)، الذریعه (۶۳۹/۹)، روضه الصفا (۱۳۸، ۱۰۱، ۹۵، ۷۷ /۱۰)، زنان سخنور (۱۴۰ -۱۳۹)، فرهنگ سخنوران (۱۷۶)، کارنامه‌ی زنان (۱۰۰ -۹۸)، مشاهیر زنان (۵۰ -۴۹)، ناسخ التواریخ (۱۵۳/۲)، یغما (س ۲، ش ۲ و ۳، ص ۸۷ -۸۰).

[۲] منابع: از رابعه تا پروین، ۱۶۶ -۱۶۴؛ تاریخ عضدی، ۲۰ -۱۷؛ تذکرةالقبور، ۳۵؛ حدیقةالشعرا، ۲۱۷۸ -۲۱۷۲ /۳؛ خیرات حسان، ۱۴۵ -۱۴۰ /۲؛ دایرةالمعارف تشیع، ۱۱ -۱۰ /۴؛ الذریعه، ۶۳۹ /۹؛ ریاحین‌الشریعه، ۹۵ /۵؛ زنان سخنور، ۳۱۲ -۳۱۱، ۱۴۰ -۱۳۹ /۱؛ کارنامه زنان مشهور ایران، ۹۸؛ نقل مجلس، گ ۲۳ -۲۱.

تاج‌الکتاب سرخسی، ظهیرالدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر و منشی. مدتها دیوان انشاء سلطان مسعود غزنوی به رسم او بود. منشآتش مقبول فضلا و مکتوباتش پسند علما واقع می‌شد. وی معاصر تاج‌الدین تمران شاه بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۷۷)، لباب الالباب (۱۳۹ -۱۳۷ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ تاج‌الکتاب)، مخزن الغرائب (۴۰۲ -۴۰۱ /۱)، هفت اقلیم (۳۸ -۳۷ /۲).

تاجری خوانساری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۰۰ ق)، شاعر. اصل وی از خوانسار بود و چون پیشه تجارت داشت به هند سفر کرد و در آنجا پس از دست دادن سرمایه سرگردان شد. فرزندی داشته که همانند پدر شعر می‌سروده و حضری تخلص می‌کرده است. از اوست:

غیر کشتن من یار را مرادی نیست

امید هست که او خدا مراد دهد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای خوانسار (۳۹)، فرهنگ سخنوران (۱۷۸)، کاروان هند (۱۹۹ -۱۹۷ /۱).

تاجی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، خطاط. از آثار وی: یک صفحه از مرقع ثلث چهاردانگ کتیبه و سه‌دانگ جلی عالی و به خط نسخ کتابت جلی خوش، با رقم: «مشقه تاجی‌الفقیر»، در دانشگاه استانبول.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۵۳/۴).

تاراج اصفهانی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی پیشه‌ی مقواسازی داشت و در زمره‌ی ادبا و شعرای اصفهان بود و در سرودن غزل دست داشت. «دیوان» وی شامل ده هزار بیت است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۳۲۷/۱)، الذریعه (۱۶۶ -۱۶۵ /۹)، فرهنگ سخنوران (۱۷۸)، مجمع الفصحا (۱۸۶ -۱۸۵ /۴).

تاراج شیرازی، خسرو

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. اصل وی از شیراز بود. بـا میرزا شـفیع، متخلص به وصال معاشـر و مصاحب و از مریـدان میرزا ابوالقاسم سکوت بود. میرزا خسرو به کردستان و کرمانشاهان سفر کرد. صاحب «حدیقه الشعراء» می‌نویسد که وی با مرشد علی محمد همدانی مصاحب و رفیق بوده است. همین مرشد علی بعد از مرگ تاراج «دیوانش» را که بیش از پنج هزار بیت بود، دزدیده و غالب غزلیاتش را با تغییر تخلص به نام خود ثبت کرده است. از این رو اشعار تاراج از میان رفته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۳۲۸ -۳۲۷ /۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸ -۷ /۲)، الذریعه (۱۶۶/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۷۸)، مرآت الفصاحه (۱۱۳ -۱۱۲).

تاراج قمشه‌ای، رضاقلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۳ -۱۲۴۸ ش)، ادیب، شاعر، متخلص به تاراج. ملقب به پژوهنده. وی تحصیلات مقدماتی را در شهرضا انجام داد و جهت تکمیل آن به اصفهان رهسپار شد. تاراج از کودکی طبع شعر داشت و بیشتر اوقات نزد شیخ اسدالله حکیم قمشه‌ای به گفتن و خواندن اشعار مشغول بود. وی در اغلب فنون شاعری بخصوص ماده تاریخ و هزل استاد بوده است. میرزا رضاقلی در ابتدا منشی اداره‌ی حکومتی بود ولی در اواخر عمر از کلیه مشاغل دست کشید. وی حدود پنج‌هزار بیت شعر سروده که حدود دو هزار بیت آن را فرزندش، حمزه پژوهنده، جمع و مرتب کرد و در صدد تکمیل و چاپ آن برآمد. اشعار وی در زمان حیاتش در مجله‌های «ارمغان»، «آینده» و روزنامه‌ی «ندای شهرضا» به چاپ رسید. وی در شهرضا فوت کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۲۹ -۱۲۶).

تارک شیرازی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۱۲ ق)، شاعر. از مریدان شیخ محمد نوربخش بود که ضمن ستایش وی، از او استمداد نیز می‌جست. تارك در اوایل سلطنت شاه اسماعیل صفوی می‌زیست. از وی اشعار چندی به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۱ -۸ /۲)، الذریعه (۱۶۶/۹).

تازه رسیده‌ی اصفهانی، عبدالحسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۵ ق)، شاعر، متخلص بـه تـازه رسـیده. وی از اهـالی اصـفهان بـود. گویـا تخلص خـود را از شاه عباس گرفتـه بـود. میرزا عبدالحسین سفری به هند داشت و با صاحب «عرفات» در اجمیر هند ملاقاتی داشت. از اوست:

جز حکم قتلم آن بت بد خو نمی‌کند

با من سخن به جز خم ابرو نمی‌کند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کاروان هند (۲۰۰ -۱۹۹ /۱).

تازه کام، شعبان

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شعبان تازه کام

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای شعبان تازه کام در سال ۱۳۳۷هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان ساری دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۲و در اوج خفقان حاکم بر کشور از سوی حکومت ستمگر و ظالم شاهنشاهی خصوصا با فشار مضاعف بر حوزه های علمیه وارد حوزه علمیه ساری گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. پس از مدتی تحصیل در حوزه علمیه ساری به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیها رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۰ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله مکارم، مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی، آیت الله صانعی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

وی پس از طی تحصیلات جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون در دانشگاه گرگان علاوه بر معاونت نهاد رهبری در دانشگاهها به امر تدریس نیز اشتغال دارد. وی در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نبوده و آثاری از قبیل" چهل حدیث در باب ازدواج "و" کوثر رسول "را به رشته تحریر در آورده است

تاشکندی چاپی، عبدالعلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. مشهور به مولانازاده. از شاعران ایرانی در منطقه ماوراءالنهر است که در بدو امر منصب قضا داشت و چون از منصب خود عزل شد، گوشه‌نشینی اختیار کرد و به سرودن شعر پرداخت. از میان قالب‌های شعری، بیش از همه به غزل توجه داشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۱۲)، الذریعه (۶۹۱ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۱۸)، هفت اقلیم (۴۷۰ / ۳).

تاشکندی، کمال‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر و صوفی. از زندگی و آثار او اطلاع چندانی نداریم، جز اینکه از متصوفه زمان بود. و مثنوی «شمع و پروانه» را سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۲۵)، منظومه‌های فارسی (۴۹۸).

تالهی تویسرکانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی تألهی از علما اعلام معاصر است در تویسرکان که اکنون در آن سامان به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد وی عالمی بزرگوار و جلیل القدر و از شیوخ و کبار دانشمندان حاضر است که تحصیلات خود را در ایران و عراق به پایان رسانیده و از محاضر آیات عظام نجف اشرف استفاده نموده و در شهرستان تویسرکان را محل سکونت و خدمات دینی خود قرار داده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

تألهی، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه.

تولد: ۱۲۸۰، همدان.

درگذشت: ۱۳۷۵، همدان.

آیت‌الله حاج شیخ هادی تألهی، فرزند آیت‌الله حاج شیخ مرتضی تألهی (ره) سالها در محضر پدرشان به فراگیری علوم دینی پرداخت. مدرسه‌ی زنگنه همدان پایگاه تحقیق و تدریس ایشان بود. ایشان همچنین از محضر علمائی چون آیت‌الله میرزا علی آقا خلخالی، آیت‌الله شیخ محمد بهاری، آیت‌الله حاج سید علی عرب و آیت‌الله حیدر کسب فیض نمود. حواشی بر قواعد انصاری، حواشی به متاجر شیخ و شرحی بر مجموعه حاج ملا هادی سبزواری از جمله تألیفات ایشان است.

آیت‌الله تألهی در سن نود و پنج سالگی به علت کهولت سن درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

تایب خراسانی، تایب

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. وی مشرب تصوف داشت و بیشتر ایام عمر را به سیر آفاق و انفس مشغول بود، تایب سفری به هندوستان داشت. اشعاری نیز از وی به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶۳/۹)، صبح گلشن (۷۹ -۷۸).

تایب خویی، خداویردی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۱۰ ق)، شاعر. وی در قصبه‌ی چورس ماکو متولد شد و در همان جا از دنیا رفت. «دیوانش» مرکب از شعرهای فارسی و ترکی بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمند آذربایجان (۸۴)، الذریعه (۱۶۳/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۷۹).

تایب قندهاری، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. اصل وی از شیراز بود، به همراه جدش، شاه اسماعیل قندهاری، به قندهار رفت. تایب از فضل و دانش و ادب بهره‌ی بسیار داشت و نزد حاکم بلوچستان، مسند ریاست دارالانشاء را عهده‌دار بود و به میرمنشی ملقب شد. وی شعر نیز می‌سرود اما شعر او بر اسلوب و طرز شعرای آن حدود است و با سیاق شاعران ایرانی منافات دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۳۲۶ -۳۲۴ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۷۹).

تایب کرمانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از شاعران کرمان بود که در نهایت شور و حال می‌زیست و گوینـد خانه‌اش محفل شاعران و اهل حال بود.

از اشعار وی:

یا رب به نیاز و ناز مستان الست

تایب را کن ز جام هشیاران مست

آن لحظه ببخشای که بر هم ساییم

ما پای به پای و دوستان دست به دست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۲۶۰)، الذریعه (۱۶۳/۹)، ستارگان کرمان (۱۳۷ -۱۳۶)، صبح گلشن (۷۸)، فرهنگ سخنوران (۱۷۹).

تایب مراغه‌ای، شرف‌الدین محمود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۳۰)، خطاط و شاعر. از فرهیختگان مشهور آن سامان بود. بسیاری از مردم معتقد و مرید وی بوده‌اند. وی مرید شیخ ابراهیم و شیخ مجاهد، از فرزندان شیخ مصطفی عزیز کندی، بود. او صاحب حسن خط و اشعار خوب بود. مقبره وی در چرنداب در حرم شیخ ابراهیم جونیانی مقابل تکیه سیدحسن مقتول‌بند است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمند آذربایجان (۸۵ -۸۴)، الذریعه (۱۶۴ -۱۶۳ /۹)، روضات الجنان (۳۶۲ -۳۵۸ /۱).

تایبادی، ابوبکر، رکن‌الدین، زین‌الدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۹۱ ق)، عارف، دانشمند و شاعر. وی جامع کمالات صوری و معنوی بود. در علوم ظاهری کامل، در صفای باطن و کشف و شهود بحری بی‌ساحل. خواجه بهاءالدین نقشبند به خدمت وی رسیده. سید شریف جرجانی و سعد تفتازانی از معاصران وی بودند و در حق او اعتقادی تمام داشتند. تیمور لنگ بدو ارادت داشت. اشعاری نیز به وی منسوب است. شیخ در تایباد وفات یافت.[۱]

ابوبکر زین‌الدین دانشمند و عارف معروف (ف. ۷۹۱ ه.ق.). وی شاگرد نظام‌الدین هروی است. وی از روحانیت شیخ‌الاسلام احمد جامی تربیت معنوی یافته و بعضی او را مرید ابوطاهر خوارزمی نوشته‌اند. گویند وی در سفر به مکه چند روزی در شیراز اقامت گزید و خواجه حافظ را از غوغای طاعنان رهایی بخشید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ نظم و نثر (۲۲۱)، الذریعه (۴۰۹/ ۹)، ریاض العارفین (۸۳ -۸۲)، ریحانه (۴۰/ ۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۵/ ۸)، فرهنگ سخنوران (۴۱۹)، الکنی والالقاب (۲۱/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ تایبادی)، مجالس المومنین (۴۱ -۴۰/ ۲)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۷۹۱)، نفحات الانس (۵۰۱ -۴۹۸)، هدیه الاحباب (۶)، یادداشتهای قزوینی (۳۰۱ -۳۰۰/ ۳).

تایبادی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط. از کاتبان گمنام است. از آثار وی: یک نسخ «دیوان» سلمان ساوجی، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «تمت الکتاب... تحریرا فی تاریخ غره‌ی شهر رجب المرجب سنه‌ی ۱۰۶۵، کتبه المذنب سلطان محمد تایبادی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۶۷/۱).

تبادکانی، حمید، حمیدالدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. از شاعران صاحب نام روزگار خود بود که با امیرعلیشیر نوایی همعصر و در نهایت درویشی و صلاح می‌زیست. وی در سرودن شعر طبعی رسا داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۶۷ -۲۶۶ /۹)، صبح گلشن (۱۴۳ -۱۴۲)، مجالس النفائس (۹۴)، نشتر عشق (۴۴۶ -۴۴۵ /۲).

تبادکانی، شمس‌الدین محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۹۱ ق)، عارف و شاعر. وی از عرفای ساکن هرات و از پارسایان معروف زمان خود و از خلفای شیخ زین‌الدین خوافی بود که پس از مرگش، امیر علی‌شیر در سر قبر وی خانقاهی ساخت. شمس‌الدین علاوه بر شرحی که بر «منازل السائرین» خواجه عبدالله انصاری نوشته، قصیده‌ی «برده» را نیز به صورت مخمس درآورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۲۸).

تبریزی ابوالفتح، شمس الدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به جرعه. از سخنوران تبریز بود و دیوان او قریب شش هزار بیت شعر دارد که مشتمل بر قصاید، غزل، قطعه، رباعی و مسمط است. وی کتابت مثنوی «خسرو و شیرین » را شروع کرد امّا ناتمام ماند. کتابهایی که او کتابت کرد، در تبریز به چاپ سنگی رسید که از آن جمله «کلیّات» قاآنی و «جهان نما» است. جرعه، ناصرالدین شاه و اتابک اعظم و چند تن از رجال قاجار را مدح گفته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۹ /۱)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۲۷ -۱۲۵ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۹۴ -۹۳)، الذریعه (۱۹۳ /۹)، سخنوران آذربایجان (۲۸۳ -۲۸۱)، فرهنگ سخنوران (۲۰۹).

تبریزی اصفهانی، قاسم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از تبریزیان ساکن عباس‌آباد اصفهان بود. جد اعلای او خزانه‌دار شاه‌طهماسب بود و لذا زمان تألیف تذکره‌ی «نصرآبادی»، در ۱۰۸۳ ق، در آنجا بود.از اوست:

آن چنان زی که گر از حادثه بر باد روی

حسن معنی نگذارد که تو از یاد روی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۲۱)، دانشمندان آذربایجان (۳۰۵)، الذریعه (۸۶۳ -۸۶۲ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۳۰)، کاروان هند (۱۰۷۶ -۱۰۷۵ / ۲).

تبریزی اصفهانی، معز الدین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا حسن بن محمد صادق خان.

متوفی در ۵ شنبه ۷ شعبان سال ۱۱۸۳ در اورنگ آباد هند.

در اصفهان متولد شده، و در خدمت آخوند شفیعا ابرو و میرزا ابوسعید مشکی تحصیل نموده، و سپس عزم مسافرت هند کرده، پس از تحمل رنج‌ها و مشقات، سرانجام در اورنگ آباد متوطن گردید.

این شعر از اوست:

چشم از نسیم دارم شاید به روزگاری

آرد به دیده‌ی من از کوی او غباری

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

تبریزی اصفهانی، نعمت‌اللَّه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، عالم دینی، قاضی و خطاط. اهل تبریز و از فرزندزادگان میر عبدالوهاب تبریزی بود. او مدتی در دستگاه سلاطین آق‌قوینلو معزز می‌زیست و پس از فتنه‌ی تبریز و تسلط عثمانیان در ۹۵۵ ق، به کاشان رفت و چندی شیخ‌الاسلام آنجا گردید. سپس عازم اصفهان شد و منصب قاضی‌القضاتی یافت. صاحب «گلستان هنر» آورده: میر نعمت‌اللَّه... خطوط ثلث و نسخ را خوب می‌نویسد، اما شکسته تعلیق میر نیز بسیار بامزه است... در «دانشمندان آذربایجان»، صاحب عنوان تحت نام میر نعمت‌اللَّه بن محمد بواب ذکر گردیده، که ظاهرا با نعمت‌اللَّه بن محمد بواب خلط شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۴۵ -۹۴۴/ ۳)، تاریخ اصفهان (۲۰۲)، دانشمندان آذربایجان (۳۸۶)، گلستان هنر (۳۸ - ۳۷).

تبریزی شمس‌الدین، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۳۷ ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن رحلی بزرگ مذهب و جلد سوخت ممتاز، به خط ثلث دو دانگ جلی و نسخ کتابت یاقوتی و رقاع کتابت عالی، با رقم: «... کتبه العبد الفقیر... شمس‌الدین محمد بن امیرعلی التبریزی فی العشر الاخر من شهر ربیع الثانی سنه سبع ثلثین و تسعمائه حامدا للّه...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۴۸/۴).

تبریزی کلبعلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، دانشمند و شاعر. وی از شاعرانی بوده که در زمان اکبر شاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به هند رفته‌اند. رباعیاتی چند از او باقی است از آثارش «دیوان» شعر می‌باشد. در تذکره‌ی «روز روشن» شعرایی که نام کلبعلی دارند تحت عنوان کلبی آمده‌اند. از اوست:

افسوس که ماه رمضان آمد و رفت

و آن توبه ده پیر و جوان آمد و رفت

از بهر صلاح کار ما آمده بود

از دست فساد ما به جان آمد و رفت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۲۰)، تذکره‌ی روز روشن (۶۸۰)، دانشمندان آذربایجان (۳۱۵)، الذریعه (۹۱۴/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۶۵).

تبریزی محراب

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۶۱ ق)، خطاط. محمدصالح اصفهانی و میرزا سنگلاخ وی را قزوینی و صاحب «پیدایش خط و خطاطان» اصفهانی و صاحبان «دانشمندان آذربایجان» و «ریحانهٔ الادب» تبریزی دانسته‌اند. او شاگرد میرعماد و سریع‌القلم بود و گویند روزی پانصد بیت کتابت می‌کرد. محراب بیگ در دربار شاه عباس صفوی (۱۰۳۸ -۹۹۶ ق) سکونت داشت. بعضی وی را داماد شاه عباس دانسته‌اند. صاحب «دانشمندان آذربایجان» آورده که قرآنی به خط نسخ و با تاریخ ۹۰۹ ق از وی دیده است، که اگر چنین باشد، این کاتب قرآن غیر از صاحب عنوان است، زیرا که دیگر منابع محراب بیگ را جزو نستعلیق‌نویسان آورده و تاریخ وفاتش را ۱۰۶۱ ق، در اصفهان دانسته‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۱۹/ ۳)، پیدایش خط و خطاطان (۱۵۶)، دانشمندان آذربایجان (۳۲۸)، ریحانه (۳۲۶ - ۳۲۵/ ۱)، لغت نامه (ذیل/ تبریزی)، مناقب هنروران (۱۰۴).

تبریزی نجفی، راضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ راضی نجفی تبریزی به حجه‌الاسلام و العلامه المحقق حاج شیخ محمدحسین بن العالم الجلیل الحاج شیخ محمدرضا بن وحید عصره (در احسان) الحاج علی تبریزی از علماء اعلام و دانشمندان عظام حوزه علمیه قم می‌باشند در سال ۱۳۱۵ قمری در نجف اشرف متولد شده و پس از چند سال با والد ماجد به تبریز آمده و در شهر تبریز علوم مقدمات و ادبیات عالیه را از اساتید این فنون مانند مرحوم آقا شیخ حسن نحوی و حجه‌الاسلام والمسلمین آقای اهری و سطوح اصولیه و فقهیه را در خدمت والدشان تکمیل نموده آنگاه در سال ۱۳۴۷ هجری به قم آمده و از چهار استاد بزرگ استفاده کامل نموده و سطوح عالیه را از مرحوم میرزا محمد همدانی فراگرفته و از جلسات درس مرحوم آیت‌الله خونساری و هم آیت‌الله الموسس الحایری استفاده کرده و دروس عقلیه را از مرحوم میرزا محمدعلی شاه‌آبادی آموخته و در سال ۱۳۵۵ قمری پس از فوت مرحوم حایری به تبریز مراجعت و چند سالی اقامت نموده و به تدریس متون فقه و اصول اشتغال و بنابر دعوت مرحوم استادش آیت‌الله خونساری به قم مراجعت و در سال ۱۳۵۹ مشرف به نجف و حدود پنج سال به درس مرحوم آیت‌الله اصفهانی و اندکی آیت‌الله عراقی شرکت و هم تدریس اصول و خارج فقه اشتغال تا در سال ۱۳۶۵ ق برای زیارت ارض اقدس مراجعت به ایران و سرانجام قم را محل اقامت خود قرار داده و به تدریس تحلیلی فقه و اصول می‌پردازند.

والـد ماجـدش علامه محقق صاحب افکار بدیعه الحاج شیخ محمدحسین از جمله تلامذه بارزه مرحوم علامه یزدی صاحب عروه و مرحوم شریعت اصفهانی بوده است.

جـد بزرگـوارش مرحـوم عـالم متقی حـاج شـیخ محمـدرضا بن تـاجر بـا سـخاوت و کثیرالاحسـان حـاج علی بن عبـدالنبی بن خلیل تبریزیست.

آقـای آیت‌الله حـاج میرزا عبـدالله مجتهدسـرایی از بنی‌اعمـام ایشاننـد و در عبـدالنبی بوی متصل می‌شونـد و مرحوم حاج علی نجفی الاصل و تبریزی المسکن دارای مضیف خانه‌ای بود برای نائی و وارد.

مرحوم آیت‌الله حاج میرزا ابوالحسن انگجی که ترجمه‌اش در جلـد اول گـذشت دائی‌زاده والـد آن جناب است و جـد مادری ایشان مرحوم آیت‌الله حاج سید کاظم خلخالی سر سلسله جلیله طائفه خلخالیه که از تلامذه میرزای رشتی بوده می‌باشد.

کنیه مترجم ما ابومحمدون است فرزندان محصل و فاضلی به اسامی زیر دارد:

۱- محمد محمود ۲- محمد مسعود ۳- محمدرضا که مشغول تحصیل می‌باشند.

آثار معظم‌له به قرار زیر است:

۱- المحـاورات الاـصولیه الضـروریه (الجزء الاـول) تحت طبع است ۲- تحلیـل العروهٔ- الاجتهاد والتقلیـد ۳- قضـاء الفطره یا داوری وجدان در توحید ۴- الفرقان فی تفسیر القرآن ۵- الفوائد المنتخبه ناتمام ۶- خلاـصه الکلام فی فقه الکلام تا باب وضوء ۷- قضاء الفطره فی التمسک امامه العتره ۸- عقد اللقاح فی عقد النکاح ۹- المسائل التداخلیه ۱۰- شـرح شرایع باب طهاره و نجاسات و تیمم ناتمام ۱۱- دیوان مختصـر غـدیریه و مراثی و اندرز و توحید بهاریه ۱۲- الوجیزه فی الاجازه ۱۳- غراف البحر از وسائل الشـیعه ۱۴- طبرق الجنه ۱۵- نتایج‌الافکار کشکول ۱۶- طلوع الفجر در قیام حسینی- مخفی نماند که علامه رازی رحمه‌الله حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی اکثر این کتب را در الذریعه خود ذکر کرده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تبریزی، ابوالوفای

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. در تذکره‌ها شرح احوالی از وی ذکر نشده است. این قطعه را به او نسبت داده‌اند:

از لطیفی جام و لطف می به جام

کس نداند این کدام است آن کدام

گویی اینجا باده هست و جام نیست

گویی آنجا نیست باده، هست جام

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تـذکره‌ی شـعرای آذربایجان (۳۸ -۳۷ /۲)، دانشـمندان آذربایجان (۲۹)، الـذریعه (۵۲ /۹)، سـخنوران آذربایجان (۱۹۲)، فرهنگ سخنوران (۳۷).

تبریزی، ابوالهادی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. از شاعران شیرین بیان تبریز بود. این بیت از اوست:

ندانم با که دارای وعده‌ی کز انتظار امشب

به وقت حرف چشمی بامن چشمی به ره داری

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۹)، دانشمندان آذربایجان (۲۹)، الذریعه (۵۲ /۹)، فرهنگ سخنوران (۳۶).

تبریزی، امین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط و شاعر. بنا به گفته‌ی نصـرآبادی، وی پسر بزرگ میرزا نوری بیک تبریزی بود. مـدتها بیکار بود و در آخر استیفاء شیراز به او واگذار شد. نستعلیق را خوش می‌نوشت و گاهی شعر می‌گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۹/۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۹۳)، الذریعه (۱۰۴/۹).

تبریزی، باقر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، عالم و شاعر. وی از نوادگان قاضی زین‌العابدین تبریزی بود که از محضر علامه‌ی بزرگ، آقا حسین خوانساری کسب فیض و کمال کرد. میرزا باقر در اصفهان ساکن بود و مدرس مدرسه‌ی قطبیه. از اوست:

همچو غنچه تا به کی دربند خود باشد کسی

خیمه زن چون لاله، بیرون از سواد خویشتن

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۷۶ -۷۴ /۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۷۵)، دانشمندان آذربایجان (۶۲)، الذریعه (۱۲۰/۹)، سخنوران آذربایجان (۲۲۵ -۲۲۴)، صبح گلشن (۵۳)، مخزن الغرائب (۳۷۶/۱).

تبریزی، تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای حاج میرزا تقی تبریزی معروف بزرگ ری از تلامذه مبرز و مهذب آیت‌الله حجت و آیت‌الله العظمی آقای نجفی مرعشی است که از جهت تعذیب اخلاق و متانت کردار و وقار رفتار و صفاء معنویت کم‌نظیر است.

در تبریز متولد شده و پس از رشد و دیدن باره‌ای از علوم ادبیت و عربیت به قم مهاجرت نموده و پس از پایان سطوح در درس مرحوم سید استاد ما آیت‌الله حجت شرکت نموده و تا هم اکنون از مباحث فقه و اصول آیت‌الله نجفی مرعشی استفاده می‌نماید.

دارای فضائل نفسانی و ملکاتیست که در ج ۲ کتاب آثارالحجه اشاره کرده‌ام دلباخته و شیفته و عاشق مولای ماست و با مرحوم جمال السالکین و زین‌المشتاقین عالم و عارف کامل حاج ملامحمود زنجانی مشهور به حاج ملا آقاجان که در معنویت و صفا و خلوص و اخلاص در عصر خود نادره بود صداقت تام و رفاقت مخصوصی داشت و آن مرحوم چنان مشتاق و مجذوب سالکی بود که به هر کس نزدیک می‌شد او را مانند خود مجنون محبوب کرده و واله و شیدا می‌نمود که بی‌اختیار بگوید:

ای مولای من امام زمان من.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تبریزی، تیلی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا حسن تیلی تبریزی از خواص اصحاب و مبرزین تلامذه مرحوم آیت‌الله حجت و علماء حوزه علمیه است در سال ۱۳۸۵ شمسی در یکی از مضافات تبریز به دنیا آمده و مرحوم والدش حجه‌الاسلام حاج ملا علی تیلی ملقب به معین‌الشریعه که از علماء آذربایجان بودند وی را تربیت تا پس از طی مقدمات و خواندن سطوح خدمت مرحوم آیت‌الله حاج میرزا ابوالحسن انگجی و مرحوم آیت‌الله حاج مولینا در سال ۱۳۱۹ به ملازمت مرحوم آیت‌الله حجت به قم مهاجرت نموده و از همان تاریخ مرتبا در مباحثات فقه و اصول و رجال آن مرحوم شرکت و در تمام مسافرتهای وی به شهر ری و مشهد ملازم آن مرحوم و محرم اسرار ایشان بوده تا پس از فوت ایشان به درس آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده و تاکنون که دوازده سال از فوت بروجردی می‌گذرد در کمال متانت و ظرافت در قم زندگانی می‌نماید اطال‌الله عمره و توفیقاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تبریزی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۴ -۱۲۹۰ ق)، فقیه اصولی شیعی. در زادگاهش رشد و نمو کرد و مقدمات علوم را در آنجا آموخت. سپس رهسپار عتبات عراق شد و مدت ده سال نزد استادانی چون شیخ محمدحسن مامقانی، فاضل شربیانی، شیخ الشریعه اصفهانی و آخوند خراسانی به تکمیل تحصیلات پرداخت. در سال ۱۳۲۴ ق به تبریز بازگشت و به ارشاد مردم و تالیف کتاب روی آورد. از آثار وی: «الاجزاء»؛ «البیع»؛ «تذکره العباد لزاد المعاد»، به فارسی، در عبادت و ادعیه؛ «استصحاب»؛ «دلائل الخیرات»، در زکات؛ «روائع الاصول»؛ «کتاب الطهاره»؛ «کتاب الصلاه»؛ «کتاب المستبین»، در اصول دین، به فارسی؛ «مبانی الاصول».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۵/۱۹، ۲۵۵/۱۱، ۲۵۰ -۲۴۹ /۸، ۴۰/۴)، معجم‌المولفین (۱۴۹/۳).

تبریزی، جلال‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۳۰ ق)، شاعر. معروف به جلال‌الدین خواندمیر. از بزرگان دربار صفویه بود که در املاء و انشاء دست داشت. بعد از کشته شدن میرزا شاه حسین اصفهانی، وزیر شاه‌اسماعیل شد و پس از مرگ او، وزیر شاه طهماسب گردید. سرانجام وکیل شاه طهماسب، دیو سلطان، باعث گرفتاری و مرگ وی شد. جلال‌الدین غزلسرا بوده و از وی «دیوان» شعری بر جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احسن التواریخ (۲۳۵)، تاریخ ادبیات ایران (۱۰۱/۵)، تاریخ نظم و نثر (۶۹۵)، تحفه سامی (۹۱ -۹۰)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۴۶ -۱۴۵ /۲)، حبیب السیر (۵۹۹ -۵۹۸ /۴)، دانشمندان آذربایجان (۹۸ -۹۷)، الذریعه (۱۹۹/۹)، سخنوران آذربایجان (۲۹۳ -۲۹۲)، عالم آرای عباسی (۱۵۹/۱).

تبریزی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ جواد تبریزی از علمای محترم و مدرسین معظم درس خارج حوزه علمیه قم می‌باشند... تولد ایشان در حدود سال ۱۳۴۵ قمری در تبریز واقع شد و پس از پرورش و خواندن اولیات و مقدمات سطوح مهاجرت به قم نموده و از محاضر مدرسین بزرگ آیت‌اللّٰه العظمی حجت استفاده و در سال ۱۳۷۰ قمری مهاجرت به نجف و از دراسات و ابحاث آیت‌اللّٰه العظمی خوئی و آیت‌اللّٰه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی بهره‌های کافی و وافی برده تا به مدارج عالی علم و اجتهاد رسیده و خود تشکیل حوزه تدریس داده و عده‌ای از فضلاء مانند حجت الاسلام حاج سید عبدالعلی تقوی شیرازی معاصر تهران از محضر و دروسش استفاده نموده تا در سال ۱۳۹۲ هجری که بنا بر فشار دولت بعث عراق به ایرانیان مقیم عراق ناچار به مهاجرت به ایران شده و در شهرستان قم رحل اقامت افکنده و به تدریس خارج فقه و اصول پرداخته و جماعتی از فضلاء از محضرش استفاده نموده و می‌نمایند. ادامه‌اللّٰه توفیقه.

نویسنده مکرر از ایشان خواستم ترجمه‌ای از خود در اختیار ما گذارد متاسفانه اجابت نفرمودند از باب وظیفه وجدانی سطور فوق را نگاشتم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

تبریزی، حافظ عندلیب

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خواننده و شاعر. از خوانندگان زبردست و حافظ قرآن بود که از اخبار و قصص گذشتگان نیز آگاهی بسیار داشت و بیشتر وقت خود را صرف نقل آنها می‌کرد. وی انسان متواضعی بود و غزل را نیکو می‌سرود. از وی «دیوان» شعری باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۰۲)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۴۷۱/۲)، دانشمندان آذربایجان (۲۸۲)، الذریعه (۷۷۲/۹)، سخنوران آذربایجان (۵۶۳).

تبریزی، حسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از هنرمندان تبریز بود که بعد از تصرف این شهر به دست عثمانیها در زمان سلطان محمد صفوی، پدر شاه عباس، به اصفهان و سپس به قزوین رفت. وی در مسجد جامع قزوین به مشق و کتابت اشتغال داشت. خط او را کمتر از استادان سته ندانسته‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۱۱۵)، گلستان هنر (۴۰).

تبریزی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام مرحوم میرزا حسین تبریزی از افاضل حوزه علمیه و مبرزین تلامذه و مرحوم آیت‌الله حجت داماد مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدباقر قزوینی به کثرت فضل و تقوا موصوف و به علم و کمال قدس و صفا معروف و در نهایت تعفف زندگی می‌کرد و در میان شاگردان مرحوم آیت‌الله حجت به زیادی فهم و بینش مشار بالبنان بود و برای این نگارنده و بعضی دیگر دروس استاد را تقریر می‌نمود و مقداری از مکاسب شیخ و بعض سطوح دیگر را خواندم بسیار متواضع و منیع‌الطبع و کثیرالصمت و قلیل‌الکلام بود فقط در موقع سوال به سخن می‌آمد کمتر کسی را از تلامذه سید استادمان به رتبه فضل و تهذیب و کمالات معنوی وی یافتم جناب حاج میرزا عبدالکریم حق‌شناس طهرانی که از علماء آن سامانست و در مسجد امین‌الدوله تهران امامت می‌نماید در میان حوزه ایشان را انتخاب و به وضع زندگیش رسیدگی می‌کرد و از تحقیقاتش استفاده می‌نمود.

در اوائل ماه شعبان سال ۱۳۶۵ ق وی را به قصد زیارت حضرت رضا علیه‌السلام به تهران برده ولی متاسفانه در آنجا ناگهانی بدرود حیات گفته در سنین کمتر از چهل سال و دوستان خود را به مرگ خود داغدار نمود جنازه او را با تجلیل به شهر ری برده و در جوار مرقد محمد بن بابویه شیخ صدوق دفن نمودند رحمه‌الله علیه.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تبریزی، حسین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از آثار او: کتابی در اخلاق به فارسی و به قطع نیم ربعی، نسخ کتابت خفی خوش، با رقم: «تم علی یدالفقیر حسین محمد التبریزی احسن‌اللّه عاقبه فی بلده شیراز... اربعین و تسعمائه الهجریه» (۹۴۰ ه ق).

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۶۲/۴).

تبریزی، شاه قاسم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۸ ق)، خطاط. از مردم آذربایجان بود و در حسن خط و علم انشاء مهارت داشت. سلطان سلیم پس از جنگ چالدران در سال ۹۲۰ ق، او را با سه هزار نفر از اهل حرف و صنایع و علماء به استانبول روانه ساخت. وی به تالیف تاریخ دولت عثمانی پرداخت، اما ناتمام ماند و درگذشت. تاریخ وفات شاه قاسم تبریزی را، صاحب «پیدایش خط و خطاطان» ۹۰۹ ق ضبط کرده که سهو است. مولف «دانشمندان آذربایجان» به نقل از کتاب «الشقایق النعمانیه» وی را فرزند شیخ مخدومی دانسته است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۹۰ -۲۸۹ /۲)، پیدایش خط و خطاطان (۱۷۷)، دانشمندان آذربایجان (۱۸۹ -۱۸۸).

تبریزی، شجاع

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی مردی تیز فهم و تند گفتار بوده و در سلک سپاهیان می‌زیسته و غزل را نیکو می‌سرود و دیوانش در آذربایجان شهرت داشت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۸۱).

تبریزی، شرف‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی برادر کوچک میرزا حسابی بود، در دربار شاه طهماسب راه داشت، به هند سفری کرد و به دربار شاه جهان مقرب شد. گویا وی از بهره‌ی شنوایی برخوردار نبوده است. از اوست:

پوشیدن چشم من بدیدن ماند

از پای نشستنم به رفتن ماند

پابند به هیچ مانده‌ام بر سر راه

چون حرف که بر زبان الکن ماند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۸۰)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۳۰۷ -۳۰۶ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۸۹)، الذریعه (۵۱۰/۹)، سخنوران آذربایجان (۴۱۵)، فرهنگ سخنوران (۴۹۸)، کاروان هند (۶۲۱/۱).

تبریزی، شمس‌الدین محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن رحلی بزرگ مذهب و جلد سوخت ممتاز. ثلث دو دانگ جلی و نسخ کتابت یاقوتی و رقاع کتابت عالی با رقم: «... کتبه العبد الفقیر الی رحمهٔ‌اللّه الغنی شمس‌الدین محمد بن امیر علی التبریزی فی العشر الاخر من شهر ربیع‌الثانی سنهٔ سبع و ثلثین و تسعمائه حامداً للّه...» در موزه‌ی اسلامی ترک.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

تبریزی، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یکی دیگر از وافدین این شهرستان حجهٔ‌الاسلام والمسلمین آیت‌اللّه فی العالمین آقای حاج میرزا صادق تبریزی است معظم له از اکابر علماء ایران و یکی از مراجع امامیه در زمان خود بوده ریاست تامه و مرجعیت تقلید در آذربایجان داشت و او را اعلم وافقه وادق نظراً می‌گفتند جمیل‌الخلق و حسن‌الخلق حلیم و کریم و حکیم وقور و شدیدالعزم والقلب و بصیر در امور و صبور در شداید و متصلب در دین و شرعیات و طیب المحاوره و محاضره و ادیب و منشی و شاعر مجید و خوش‌خط بود.

وی فرزند عالم فقیه و مجتهد و متکلم علامه حجهٔ‌الاسلام میرزا محمد بن عالم مجتهد میرزا محمدعلی قراجه داغی شارح تبصره علامه حلی رضوان‌اللّه‌علیهم بود آباء کرامش تا پشت هفتم و اخوان بزرگوارش تمامی علماء و فقهاء و مجتهدین طراز اول آذربایجان بودند.

در سال ۱۲۷۴ ق در تبریز متولد و پس از طی مقدمات فقه و اصول در زمان قلیل به امثال و اقران فایق آمده و چون سن شریفش به نوزده سالگی رسید در مصاحبت برادر اکبرش حاج میرزا محسن آقا مجتهد در سال ۱۴۸۸ مسافرت به نجف اشرف و مدت اقامتش در آن مکان شریف ۲۴ سال بود و در آنجا یکی از مشایخ عظام و اساتید کرام بوده که فضلاء طلاب به بحث او حاضر می‌شدند در سال ۱۳۱۱ عزیمت مراجعت به تبریز نموده و پس از ورودش به آن سامان و انتشار فضل و علم و تقوا و اخلاق فاضله‌اش محبوب و مطلوب عموم قرار گرفته و ریاست تامه یافته و هم به تدریس فقه و اصول پرداخته و هم در منبر افاده با بیانی شیوا افاضه فیض نموده تا در واقعه مرحوم آیت‌اللّه بافقی با علماء دیگر تبریز برای استخلاص آن مرحوم قیام و بعد از آزادی وی مسافرتی به کردستان و سنندج کرده و در آنجا مورد تجلیل و تبجیل علماء اهل سنت قرار گرفت و بعد از بیست روز توقف از راه همدان مهاجرت به قم نموده و توطن را اختیار فرمود و در شب جمعه ششم ذی‌القعده ۱۳۵۱ قمری به روح و ریحان و جنت رضوان خداوند رحمان شتافت.

در صبح جمعه در آن زمان سخت و خفقان‌آور که عموم تظاهرات مذهبی موقوف بود بالغ بر پانزده هزار نفر از مردم قم و تهران تشییع جنازه‌اش نموده و مرحوم آیت‌اللّه عالم ربانی حاج شیخ ابوالقاسم کبیر بر جنازه‌اش نماز خوانده و در رواق حضرت معصومه علیهاالسلام در قبری که آماده بود از قدیم‌الایام مدفون گردید، ماده تاریخش به عربی این جمله است: (قد انجاه اللّه تعالی من ایدی الظلمه) و در فارسی این بیت است: (قوام ملت و دین بوده مقتداء انام)

قصاید و آثار ارزنده دارد که ما تبرکاً بعضی از ابیات آن مرحوم را که درباره مرثیه حضرت علی‌اکبر علیه‌السلام سروده می‌نگاریم:

أیا غافلا والموت لیس بغافل

و سهم المنایا عنک لیس یحول

تروم بطاق العز تبرم عقده

و کل بطاق العز لابد محلول

و من شاهد الدنیا اراها مقیمهٔ

مآتم منها فی السماء عویل

کقتل علی بن الحسین الذی له

لایات نعت الاطهرین شمول

بدی کوکبا من آیهٔ النور ساطعاً

له فی ذرا بیت النبوهٔ تعدیل

هوالکوکب الدری سیماء احمد

به لمعت فانسد فیه الاقاویل

شبیه رسول‌اللّه خلقا و منطقاً

له من علی فی الشجاعهٔ تأویل

و شاهده یوم الطفوف الذی به

خیول المنایا فی البسیط یحول

فقام یحامی عن ابیه و اهله

علی موقف قد حار فیه عقول

یخوض المنایا والمنایا تطیعه

الی حیث مال العزم عنه تمیل

فیبدوا کلیث دامیات اظافره

و فی یده ماضی الغرار صقیل

سقی غلهٔ السیف المهند و انثنی

علی ظلماء لم یرومنه غلیل

یرید لقاء من ابیه لعلمه

بان البقا من بعد ذاک قلیل

فجاء لتودیع الامام و نفسه

لاعظم سر فی اللقاء حمول

فقام الیه ابن النبی مبادرا

کان الذی یأتی الیه رسول

و من خلفه للفاطمیات مشیهٔ

تلوی علی اقدامهن ذیول

مشین الیه صارخات فتارهٔ

قیام و اخری للقعود تمیل

فعانقه والدمع ملاء جفونه

افی الدمع من عظم المصاب بدیل

الی ان یقول

فقال حسین والدموع بوادر

و من حوله للباکیات عویل

اذا لم تجد بدا الی ما ترومه

فصبرک یابن الاطیبین جمیل

فعاد الیهم حاسرا عن ذراعه

کحیدرهٔ الکرار حین یصول

تا آخر قصیده‌اش.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

تبریزی، ضیاءالدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۱۳ / ۷۰۳ ق)، شاعر. وی از شاعران آذربایجان است که در زهد و تقوا مقامی بلند داشت. ضیاءالدین در سرودن شعر، بویژه رباعی، مهارت داشت. در تبریز درگذشت و در قبرستان چرنداب دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ گزیده (۶۷۴)، تاریخ نظم و نثر (۷۶۹)، تذکره‌ی روز روشن (۴۸۹)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۴۰۰ -۳۹۹/ ۲)، دانشمندان آذربایجان (۲۴۱)، الذریعه (۶۲۹ / ۹)، سخنوران آذربایجان (۴۹۵)، لغت‌نامه (ذیل/ ضیاءالدین)، هفت اقلیم (۲۱۵ / ۳).

تبریزی، عباس

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. وی ظاهرا شاعر هم بوده و قدرت تخلص می‌کرده است. از آثار وی «برج زواهر» است که به قلم کتابت خفی متوسط نوشته و در ۱۲۷۶ ق به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۴۲ / ۲).

تبریزی، عبدالباقی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ع. بنده جاوید (خدای)) تبریزی، خوشنویس معروف (ف. ۱۰۳۹ ه.ق.). وی از بزرگان خوشنویسان عهد شاه عباس اول و شاگرد علاءالدین تبریزی و در نوشتن خطوط ثلث و نسخ و رقاع استاد مسلم است. نام او را در زمره حکیمان و عارفان و شاعران نیز آورده و گفته‌اند مردی بسیار مهربان و دروی مسلک بود و در شعر «باقی» تخلص می‌کرد. بخشی از عمر او در بغداد گذشته. هنگامی که بنای مسجد سلطانی اصفهان به پایان رسید، شاه عباس او را به اصفهان فراخواند و وی بعض کتیبه‌های مسجد را به خط زیبای خود نوشت که هم اکنون باقی است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

تبریزی، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا عبدالرحیم مدرس تبریزی از علماء حوزه و مبرزین تلامذه مرحوم آیت‌الله خونساری و آیت‌الله حجت و مدرسین و حوزه علمیه شهیر به مدرس ماهر تبریزی فرزند جناب آقای محمدتقی تبریزی خیابانیست در سال ۱۲۸۵ شمسی هجری متولد شده و پس از مقدمات سطوح اولیه و عالیه را در تبریز خدمت مرحوم آقا سید علی‌اکبر مرعشی و حاج میرزا علی‌اصغر ملکی و حاج سید محمد مولینا و آیت‌الله آقا میرزا رضی و آقای سید عبدالحجه ایروانی و جاج میرزا عبدالعلی اخوی مرحوم آیت‌الله آقا میرزا صادق آقا و بعضی دیگر خوانده و مقداری از محضر مرحوم آقا میرزا صادق و آقای انگجی در تبریز استفاده نموده و بعد از آن رهسپار قم شده و از محاضر آیات عظام قم چون آقای شاهرودی و آیت‌الله حجت و آیت‌الله صدر و اکثرا آیت‌الله خونساری و آیت‌الله فیض استفاده نموده و هم از محضر آیت‌الله العظمی بروجردی کامیاب و بهره‌مند گردیده و معقول را هم از خدمت آقای حاج شیخ مهدی مازندرانی و مرحوم آقامیرزا مهدی آشتیانی فراگرفته و اینک به تدریس و تالیف اشتغال دارد.

آثار قلمی ایشان از این قرار است:

۱- رساله در رضاع

۲- حاشیه بر کفایه

۳- شرح منظومه راجع به مباحثات معقول.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تبریزی، عبدالرسول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا عبدالرسول مرزبانی تبریزی از فضلاء محترم قم و خواص اصحاب و شاگردان آیت‌اللّه العظمی مرعشی مدظله بودند که در سال ۱۳۹۳ قمری برای دهمین بار مشرف به مدینه شده و در آنجا به سکته قلبی از دنیا رفته و در نزدیکی قبر ائمه علیهم‌السلام مدفون شده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

تبریزی، عبدالغفار

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از خوشنویسان دربار ناصرالدین‌شاه قاجار بود. از آثار وی: یک نسخه «دیوان» عنصری، به قلم نیم دو دانگ خوش، با رقم: «حسب الفرمایش... ناصرالدین میرزا... بنده‌ی درگاه عبدالغفار تبریزی... سنه‌ی ۱۲۶۳»؛ صفحه‌ی آخر قرآن معروف نستعلیق میرزا اسدالله شیرازی، که به قلم نستعلیق کتابت جلی خوش نوشته، با رقم: «این کلمات بتحریر... عبدالغفار تبریزی است... سنه‌ی ۱۲۷۰».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۰۵ / ۲).

تبریزی، عبدالقاهر

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۴۰ –۶۴۸ ق)، قاضی و شاعر. اصل وی از تبریز بود. در حران به دنیا آمد و در دشمق نشوونما یافت. او به قضاوت صفد شامات گمارده شد، ولی بزودی عزل شد. پس از چندی قاضی دمیاط شد و تا پایان عمر به این کار اشتغال ورزید. وی شعر را نیکو می‌سرود. از آثارش «مجموعه خطب» می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۷۴ / ۴).

تبریزی، عبدالقیوم

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، خطاط. از آثار وی: یک جزو از قرآن، به خط ریحان سه دانگ عالی و به شیوه‌ی احمد سهروردی و ثلث رقاع مانند خوش، با رقم: «کتبه العبد الضعیف الراجی... ابومحمد عبدالقیوم بن محمد بن کرماشاه التبریزی»، (قرن ۸).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۰۷ / ۴).

تبریزی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای شیخ عبدالله تبریزی از علماء و اتقیاء تبریزی و قدماء حوزه علمیه قم است که محلی به زیور علم و حلم و تقوا و متانت است ولادتش در آذربایجان واقع شده و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح وسطی به قم مهاجرت نموده و سطوح عالی فقه و اصول را نزد مدرسین بزرگ حوزه تکمیل نموده و به درس سید استاد ما مرحوم آیت‌الله حجت حاضر و فقها و اصولا از آن مرحوم استفاده کرده و از منقطعین به آن جناب بود، و پس از فوت آن مرحوم به حوزه درس آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر شده و تا پایان عمر آن جناب بهره‌های کافی برده و تا هم اکنون به مباحثات خصوصی و تدریس اشتغال دارد– عالمی متین و دانشمندی آرام و متقی و پرهیزکار و منیع‌الطبع و زکی‌النفس و نقی‌القلب می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تبریزی، عبدالنبی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، خطاط. از خوشنویسان عصر ناصری بود که خط نستعلیق را به شیوه‌ی میرعماد می‌نوشت و در شکسته‌نویسی نیز ماهر بود. از آثار وی: یک قطعه به قلم سه دانگ خوش، با رقم: «عبدالنبی»؛ دو قطعه به قلم شش دانگ و سه دانگ خوش، با رقمهای: «بنده‌ی درگاه عبدالنبی» و «عبدالنبی سنه‌ی ۱۲۸۳».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۱۶ –۴۱۵ / ۲).

تبریزی، عبیدالله

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط. وی تعلیم خط از پدر گرفت و واسطه‌ی نشر و تعلیم آن بود. درباره‌ی کیفیت و حسن خط میرعبیدالله، اختلاف سلیقه موجود است. بعضی تذکره‌ها نام وی را عبدالله آورده‌اند و از متقدمین تذکره‌نویسان، محمد قصه‌خوان نام او را عبیدالله ضبط کرده و این قول از حقیقت دور نیست. از آثار وی، نسخه‌ای از «کلیات» اشعار سلطان احمد جلایر موجود است که به قلم کتابت متوسط نوشته و چنین رقم نهاده: «خدم بکتابه... عبیدالله بن علی الکاتب السلطانی... سنه تسع و ثمان مئه الهجریه» و در دنباله‌ی مثنوی دیگر: «خدم بکتابه... عبیدالله بن علی الکاتب السلطانی... سنه تسع و ثمان مائه الهجریه، بدار السلطنه بغداد...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۵۳ -۳۵۲ / ۲)، اطلس خط (۴۵۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲ / ۴)، گلستان هنر (شانزده)، مناقب هنروران (۵۵)، هنر عهد تیموریان (۶۷۸).

تبریزی، علاءالدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، خطاط. معروف به ملا‌ـ علاءبیگ. ملقب به جمال‌الملک. وی از استادان معروف و همعصر دوست محمد کتابدار است، که در خطوط نسخ و ثلث از نوادر روزگار به شمار می‌رفت. او از شاگردان شمس‌الدین محمد تبریزی، نویسنده‌ی فرمان‌شاه طهماسب است. صاحب «گلستان هنر» آورده که وی به هند سفر کرده است. علاءالدین شاگردان معروفی چون عبدالباقی تبریزی و علیرضا عباسی تربیت کرده است ، که هر یک از استادان معروف‌اند. از آثار وی بعضی کتیبه‌های عمارات تبریز بوده که غالبا بر اثر مرور زمان از میان رفته است، اما بعضی نسخه‌ها و قطعات وی در کتابخانه‌های مختلف موجود است. از جمله: قرآن رحلی جلد معرق طلاپوش، به خط نسخ کتابت و ثلث عالی، با رقم: «... علاءالدین... بن محمد الحفاظ التبریزی...»، سال ۹۶۴؛ یک قطعه نسخ کتابت عالی، با رقم: «نقل من خط قبله الکتاب یاقوت المستعصمی، علاءالدین التبریزی، فی ۹۸۰»؛ قرآن وزیری جلد روغنی مذهب، به خط نسخ و رقاع کتابت عالی، با رقم: «... العبد الفقیر علاءالدین بن شمس‌الدین محمد القاری التبریزی... فی سنه تسع و ثمانین و تسعمائه»؛ مرقع بیست و دو رقعه‌ای، به خط ثلث سه دانگ جلی و نسخ کتابت عالی، با رقم: «کتبه العبد المذنب علاءالدین تبریزی، بدار السلطنه قزوین، فی سنه ۱۰۰۱». یازده اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار ملی اصفهان (۶۷۳)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۱۴ -۱۱۱۳ / ۴)، اطلس خط (۳۴۷)، پیدایش خط و خطاطان (۱۴۱ -۱۴۰)، تاریخ هنرهای ملی (۸۷۶ -۸۷۵ / ۲)، خوشنویسان و هنرمندان (۲۸)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۵۸ -۱۵۷)، گلستان هنر (۴۰)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۴۰۱)، مناقب هنروران (۴۴).

تبریزی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسین تبریزی از علماء اعلام و دانشمندان گرام مشهد مقدس و ائمه جماعت جامعه گوهرشادندوری در سال ۱۳۵۳ قمری در تبریز متولد شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات و ادبیات سطوح متوسط و عالی را از محضر مدرسین و حجج اسلام تبریز مانند مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالحسن انگجی و غیره استفاده نموده و هم مدتی از درس خارج معظم‌له بهره‌مند شده و برای تکمیل مبانی علمیه مهاجرت به نجف اشرف نموده و چندی از درس مرحوم علامه آخوند ملاکاظم خراسانی (صاحب کفایه) و مرحوم آیت‌اللّه شریعت اصفهانی و مقداری از مرحوم علامه یزدی صاحب عروه مستفیض گردیده تا به درجه عالیه اجتهاد رسیده آنگاه به تبریز مراجعت و مشغول به وظائف دینی از اقامه جماعت و ترویج احکام و امر به معروف و نهی از منکر و غیره گردید و برای همین جهت مورد تعقیب مقامات دولتی آن روز قرار گرفته و مدت هشت ماه در اختفاء به سر برده تا سال ۱۳۵۰ قمری که مهاجرت قهری به آستان قدس رضوی علیه آلاف التحیه والثناء نموده و تاکنون که بالغ بر نود سال از عمر مبارکشان می‌گذرد در مسجد جامع گوهرشاد به اقامه نماز جمعه و جماعت اشتغال دارند و ضمنا تدریس فقه و اصول و غیره می‌نمایند.

مولف گوید: حجهٔالاسلام تبریزی عالمی عابد و متعصب در دین و دارای معنویت و صفاء می‌باشد آثار مطبوع و مخطوط عدیده‌ای دارند که قسمتی از آن را می‌نگارم.

۱- اصول مهذبه در مسائل مهمه اصول فقه.

۲- الدروس الدینیه ج ۱ مطبوع.

۳- الدروس الدینیه ج ۲ مطبوع.

۴- الدروس الدینیه ج ۳ مطبوع.

۵- الدروس الدینیه ج ۴ مطبوع.

۶- گوهرهای درخشان مطبوع.

۷- دروس دینیه ج ۷ مطبوع.

۸- دروس دینیه ج ۹ مطبوع.

۹- انوار لامعه مطبوع.

۱۰- الدررالثمینه مطبوع.

۱۱- مقالات بنام تذاکرات دیانتی در معارف اسلامی.

۱۲- مقالات در حقانیت تشیع و رد کسروی.

۱۳- ترجمه اعتقادات مفید.

۱۴- ترجمه وجوه اعجاز قرآن علامه بلاغی.

۱۵- ندای راستی در جواب مردوخ در سه مجلد.
و از آثار خیر معظم‌له مدرسه علمیه دینیه است که در آن عده‌ای از طلاب و محصلین اقامت و به تحصیل علوم دینی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

تبریزی، لطفعلی

قرن:۱۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۲ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. نزد پدرش میرزا احمد مجتهد تبریزی اخذ مراتب علمی نمود و در کربلا با پدر خود در خدمت آقا سید علی کربلایی درس خواند، و از محضر صاحب «ریاض» بهره برد تا به مقامات شایسته‌ی علمی ارتقاء یافت. آن‌گاه به تبریز بازگشت و در حیات پدر، امام جمعه آن شهر شد. وی در وبای عمومی، سه سال پیش از وفات پدرش، با دو برادر دیگرش میرزا رضا و میرزا جعفر درگذشت. از آثار وی: «اوثق الوسائل»، در شرح «ریاض المسائل» استادش آقا سید علی طباطبائی، «تفسیر»ی بزرگ در دو جلد؛ کتابی در «زکوه»؛ کتاب «ملاذ الداعی»، در اخلاق و مواعظ به فارسی؛ شرح قصیده‌ی «بانت سعاد» کعب بن زهیر، در مدح پیامبر (ص)؛ شرح قصیده‌ی «برده» بوصیری.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ریحانه ۳۵۳ / ۳، ۳۲ / ۱۰)، الذریعه (۳۱۲ -۳۱۱ / ۴، ۴۷۳ / ۲)، شهدیان راه فضیلت (۵۴۷)، علماء معاصرین (۳۳۳)، مکارم الآثار (۱۶۸۹ -۱۶۸۸ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۱۲۹ -۱۲۸ / ۵).

تبریزی، محمد جواد

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

سید محمد جواد بن السید العلام السید محمد تقی بن السید الجلیل المیرزا ابی القاسم بن العالم الکبیر علی اصغر شیخ الاسلام الطباطبائی تبریزی از علماء بزرگ معاصر تبریزی بودند در نجف اشرف.
وی در سال ۱۳۱۵ قمری در تبریز متولد شده و در بیت شرف خود پرورش یافته و اولیات و مقدمات علوم را نزد افاضل تبریز خوانده آنگاه در سال ۱۳۳۷ قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مرحوم آیت الله نائینی و آیت الله میرزا علی آقای ایروانی و آیت الله آقا شیخ اسماعیل محلاتی و آیت الله میرزا احمد آشتیانی و آیت الله سید ابوتراب خونساری و غیر آنها استفاده کامل نموده و به مقام منیع اجتهاد رسیده و اشتغال به تدریس در فقه و اصول و حکمت یافته و یکی از مدرسین بزرگ و اعلام نجف و ائمه جماعت آن سامان گردیده است تا در سال ۱۳۸۷ هجری که مسافرت به ایران و تبریز و تهران نموده و در تهران بعروض سکته بدرود حیات گفته و جنازه‌اش با تجلیل شایان حمل به نجف و در جوار جد بزرگوارش به خاک رفته است.
از آثار علمی اوست کتب زیر:
۱- اصول مباحث الالفاظ ۲- المباحث العقلیه ۳- تقریرات المکاسب ۴- کتاب ماء و سراب در جواب شبهات وارده بر قرآن کریم ۵- کتابی در مقالات روحیه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

تبریزی، محمد زمان

قرن:۱۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

(وف ۹۹۴ ق)، خطاط. اصلا کرمانی بوده، ولی در تبریز نشو و نما یافته و به این نسبت معروف شده است. صاحب «گلستان هنر» او را کاتب و قطعه‌نویس می‌داند. سپهر وفات او را ۹۹۴ ق ذکر کرده است. از آثار وی: یک قطعه از مرقعی، به قلم سه دانگ و کتابت خوش، با رقم: «مشقه محمد زمان التبریزی...»؛ قطعه‌ی دیگری، به قلم سه دانگ و دو دانگ و کتابت گلزار عالی، با رقم: «سوده محمد زمان».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۴۰/ ۳) گلستان هنر (۱۲۰)، مناقب هنروران (۱۱۳).

تبریزی، محمد شفیع

قرن:۱۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

(ز ۱۲۶۲ ق)، خطاط. از نسخ‌نویسان طراز اول تبریز بود و قدرت قلم وی را کمتر کسی از معاصران داشته است. از آثار وی بسیار

در دست است و سی و دومین قرآنی در کتابت کرده، دیده شده است. فرزند محمد شفیع، همنام جد خود، محمدعلی است که خوشنویس نسخ و نستعلیق بوده است. از آثار وی: دعای عدیله نیم ربعی جلد روغنی مذهب، نسخ کتابت جلی خوش، با رقم: «کتبه العبد الاثم... ابن محمدعلی، محمد شفیع التبریزی سنه‌ی ۱۲۳۵»؛ تعلیقات نماز، نیم ربعی جلد روغنی مذهب، نسخ کتابت خوش، با رقم: «کتبه العبد الاثم ابن محمدعلی، محمد شفیع

التبریزی فی سنهٔ ۱۲۳۸»؛ یک قطعه مذهب، نسخ کتابت جلی عالی و رقاع خوش، با رقم: «العبد محمد شفیع التبریزی فی ۱۲۵۲»؛ یک رقعه نسخ دو دانگ جلی متوسط، با رقم: «کتبه العبد الاثم محمد شفیع التبریزی ۱۲۶۲». شانزده اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۷۵ -۱۱۷۳/ ۴).

تبریزی، محمد صالح

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۹ ق)، شاعر. از بزرگ‌زادگان تبریز که در فن تفنگ‌سازی از مشاهیر روزگار خود بود. در ایران تحصیل دانش کرد و نزد سلاطین صفویه معزز و مکرم زیست و مدتی عهده‌دار سمت شیخ‌الاسلامی تبریز بود. وی در سرودن شعر به دو زبان فارسی و ترکی و نیز ساختن ماده تاریخ مهارت داشت. او ماده تاریخ فوت فغفور لاهیجی (م ۱۰۲۹ ق) را ساخت. صالح از ایران به هندوستان سفر کرد و در شهر برهانپور ساکن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۰۰ -۶۹۹)، تذکره‌ی روز روشن (۴۶۲)، تذکره‌ی میخانه (۴۵۹ -۴۵۸) تذکره‌ی نصرآبادی (۱۰۴ -۱۰۳)، دانشمندان آذربایجان (۲۱۶ -۲۱۵)، الذریعه (۵۷۸ / ۹)، سخنوران آذربایجان (۴۶۰ -۴۵۸)، فرهنگ سخنوران (۵۴۲)، کاروان هند (۶۸۵ -۶۸۳ / ۱)، مآثر رحیمی (۱۶۸۸ -۱۶۸۳ / ۴).

تبریزی، محمدابراهیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۴۹ -۱۱۴۰ ق)، فقیه و ادیب امامی. نسبش حسینی و مسکنش قزوین بود. مقدمات علوم را در خدمت پدرش فراگرفت، سپس به اصفهان رفت و از مجلس درس آقاجمال خوانساری. علامه محمدباقر مجلسی، شیخ جعفر قاضی اصفهانی و میرزا قوام‌الدین محمد سیفی قزوینی بهره‌مند گردید. پس از چندی به قزوین رفت. وی از علامه مجلسی و آقاجمال خوانساری اجازه‌ی حدیث داشت. وی گذشته از علوم دینی در شعر و ادب نیز استاد و به هر دو زبان فارسی و عربی شعر می‌سرود و اشعارش بیشتر مدایح و مراثی بود. محمد قطب ذهبی و شیخ عبدالنبی قزوینی، مولف «تتمیم امل‌الآمل» از شاگردان او بودند. وی پدر بزرگوار آقاسید حسین قزوینی و نیای خاندان حاج سید جوادی است. او سرانجام در شهر قزوین درگذشت. برخی منابع جای درگذشت وی را در تبریز و محدث قمی به تصریح قبر وی را در قزوین می‌داند. او را علامه‌ای جامع انواع فنون و عالمی زاهد و با ورع و ادیبی شاعر به هر زبان فارسی و عربی دانسته و نوشته‌اند که کتابخانه‌ای بیش از هزار و پانصد جلد کتاب داشته که اکثر آنها را مقابله کرده یا بر آنها حاشیه نوشته است. هفتاد مجلد کتاب به خط خود نوشته که بعضی از آنها از تالیفات خود ایشان است. از جمله آثار وی: «البداء»؛ «تحصیل الاطمینان»، در شرح «زبده البیان» که حاشیه‌ای بر «آیات الاحکام» مقدس اردبیلی است؛ «سلاح المومنین»، در دعا؛ «العلم الالهی»؛ «مجموعه الفوائد» متفرقه، مثل «کشکول»؛ «تحقیق الصغیره و الکبیره من الذنوب»؛ «مقامات»، همچون «مقامات حریری».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۲۸ -۲۲۷ /۲)، تلامذه‌ی العلامه المجلسی (۹ -۸)، الذریعه (۹۴/۲۰، ۳۱۷/۱۵، ۲۰۹/۱۲، ۳۹۶، ۵۳/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۷ -۱۵ /۱۲)، فوائد الرضویه (۱۳ -۱۲)، معجم المولفین (۱۱۴/۱).

تبریزی، محمدحسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۶/۹۸۵ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به محزون. ملقب به مهین استاد. وی برادر مولانا محمدعلی، از علمای عصر خود، بود. محمدحسین ابتدا به کسب علوم پرداخت و در علم ادب و لغت عرب مهارت پیدا کرد. در جوانی به مشهد رفت و از سید احمد مشهدی و میر حیدر خوشنویس تعلیم خط گرفت و سپس خط را نزد بابک دیلمی تکمیل کرد. در کتیبه‌نویسی دست قوی داشت و در زمان شاه‌اسماعیل دوم، مدار کتیبه‌نویسی عمارات دولتی با وی بود. او شعر نیز می‌سرود و در جوانی درگذشت. از شاگردان

معروفش، محمدرضا تبریزی، بهبود شاهنشاهی، محمد شریف، علیرضا عباسی و میرعماد را نام برده‌اند. از آثار وی: یک نسخه «مناجات» خواجه عبدالله انصاری، به قلم دودانگ خوش، با رقم: «تمت الرساله بید العبد المذنب محمدحسین التبریزی، غفر ذنوبه»؛ یک نسخه منتخب «حدیثه الحقیقه» سنایی، به قلم نیم دودانگ خوش، با رقم: «تمت الرساله الشریف علی ید الفقیر محمدحسین التبریزی»، یک قطعه، به قلم دودانگ و نیم دودانگ و کتابت عالی، با رقم: «نمقه العبد محمدحسین التبریزی غفر له» و قطعات مختلف دیگر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۸۳ -۶۸۰ /۳)، اطلس خط (۴۹۷ -۴۹۵)، پیدایش خط و خطاطان (۱۵۹ -۱۵۷)، تاریخ هنرهای ملی (۸۹۵ -۸۹۴ /۲)، تذکره الخطاطین (۲۰۸ -۱۹۴ /۱)، تذکره‌ی روز روشن (۷۲۱)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۵۷۱ - ۵۶۶ /۲)، خوشنویسان و هنرمندان (۴۸)، دانشمندان آذربایجان (۳۲۸)، ریحانه (۳۲۷ -۳۲۶ /۱)، عالم آرای عباسی (۱۷۱ -۱۷۰ /۱)، فرهنگ سخنوران (۸۰۹)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۸۱)، گلستان هنر (۱۱۹)، لغت‌نامه (ذیل/ تبریزی)، مناقب هنروران (۸۷)، مواد التواریخ (۳۶۹ -۳۶۸)، هفت اقلیم (۲۴۲ -۲۴۱ /۳).

تبریزی، محمدزمان

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۲۷ ق)، عالم، فقیه و شاعر امامی. وی پس از اخذ مقدمات و فنون ادب، وارد مدرسه‌ی شیخ لطف‌الله اصفهان شد و از مدرسان آنجا بهره‌مند شد. سپس مدارج علی اجتهاد را نزد علمای اصفهان پیمود. فقه و حدیث را از علامه محمدباقر مجلسی و شیخ جعفر بن عبدالله بن ابراهیم قاضی حویزی فراگرفت و علوم عقلی را در حوزه‌ی درس آقاحسین خوانساری تلمذ کرد. صاحب «روضات الجنات» می‌نویسد: بعید نیست نزد سید امیرقاسم قهپایی و مجلسی اول که از آنان دارای اجازه می‌باشد، تلمذ نموده باشد. مجلسی دوم در پایان «بحارالانوار» اجازه‌ی صاحب عنوان را به ملا مهرعلی جرفادقانی ذکر کرده که وی از قهپایی و مجلسی اول روایت می‌کند. از جمله آثار وی: «فرائد الفوائد» در احوال مدارس و مساجد، که صاحب «روضات الجنات» این کتاب را یکی از منابع خود دانسته؛ شرح «زبده‌الاصول»؛ «کتاب الجنه»، دارای فوائد متفرقه مانند «کشکول»؛ «کتاب المسعار فی الاسعار»، به فارسی و منظوم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۹/۲۱، ۱۴۲/۱۶)، روضات الجنات (۳۳۷ -۳۳۵ /۳).

تبریزی، محمدصادق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۸۴ ق)، خطاط. از آثار وی: «صحیفه‌ی سجادیه»، به خط نسخ و آخر رقاع کتابت خفی عالی، با رقم: «تمت الصحیفهٔ الکامله... کتبه ابن محمدحسین، محمدصادق التبریزی... فی سنهٔ ۱۰۸۳»؛ یک رقعه از مرقع ثلث سه دانگ جلی و نسخ کتابت و خفی و غبار خوش، با رقم: «کتبه محمدصادق التبریزی فی ۱۰۸۴».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۸۰/ ۴).

تبریزی، محمدمومن

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: کتیبه‌ی فرمان شاه سلطان حسین به رستم‌خان بیگلربیگی آذربایجان برای بستن قمارخانه‌ها و غیره بر سر در مسجد اسحاق تبریز، به خط ثلث یک دانگ کتیبه‌ی عالی، با رقم: «تحریرا شهر شوال سنه ۱۱۰۶... قد تشرف بکتابتها محمد مومن التبریزی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۹۹/۴).

تبریزی، محمود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، شاعر. از معاصران خواجه رشیدالدین (م ۷۱۸ ق)، وزیر الجایتو و ابوسعید بود. قصبه‌ی زنوز را خواجه از وی و برادرانش خرید و وقف کرد. ملک محمود دارای طبع خوبی بود و اشعاری از وی باقی مانده است. از اوست:

وقت غنیمت شمر ورنه چو فرصت نماند

ناله که را داشت سود، گریه کی آید به کار؟

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ گزیده (۷۵۲)، تاریخ نظم و نثر (۷۴۹)، تذکره‌ی روز روشن (۷۲۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۶۰ -۳۵۹)، لغت نامه (ذیل/ تبریزی)، هفت اقلیم (۲۳۰/ ۳).

تبریزی، معزالدین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۸۳/ ۱۱۸۲ ق)، شاعر. در عباس‌آباد اصفهان ساکن بود. نیاکانش در خدمت سلاطین صفویه به عزت می‌زیستند. هنگام فوت پدر شش ساله بود و در خدمت میرزا ابوسعید تحصیل کمالات می‌کرد. پس از آن از محضر آخوند شفیعای طالقانی بهره برد. بعضی از تذکره‌ها بر این عقیده‌اند که وی با ابراهیم شاه، برادرزاده‌ی نادر شاه، میانه‌ی خوبی نداشت و وقتی که او به سلطنت رسید، معز به شیراز فرارکرد. بعضی دیگر گفته‌اند که بین معز و ابراهیم شاه دوستی دیرینه‌ای وجود داشت و ابراهیم شاه زمانی که در تبریز بر تخت سلطنت نشست، کلیه امور مربوط به ممالک عراق و فارس را به میرزا معزالدین که در اصفهان بود سپرد. بعد از انقراض ابراهیم شاه، معزالدین به دلیل دشمنی و حسادت عده‌ای به شیراز رفت و در آنجا مورد توجه و احترام ابوالحسن، حاکم شیراز قرار گرفت. معز به دلیل اشتیاق به سیر و سیاحت به هند رفت و در بعضی از شهرهای آن به سیاحت پرداخت. او در اورنگ‌آباد درگذشت. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۶۱۰ -۶۰۹/ ۲)، دانشمندان آذربایجان (۳۵۱ -۳۵۰)، الذریعه (۱۰۶۹ -۱۰۶۸/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۵۸)، نتایج الافکار (۶۶۹ -۶۶۷).

تبریزی، مقصود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از استادان نامور خط رقاع بود. از آثار وی: یک رقعه ثلث رقاع پنج دانگ جلی و دو دانگ جلی خوش، با رقم: «کتبه العبد حاجی مقصود التبریزی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۱۹/۴)، مناقب هنروان (۴۴).

تبریزی، مقیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. به آورده‌ی نصرآبادی گویا ملا باینـدر معلم نواب زبیده بیگم، دختر شاه عباس اول، بوده است. میرزا مقیم ساکن عباس‌آباد اصفهان بود. در تذکره‌ها مهاجرت ایشان، به همراه تبریزیان، به عباس‌آباد اصفهان ذکر شده است. مدتی در خدمت عیسی خان قورچی باشی بود و بعد از آن به خدمت منوچهر خان، حاکم لر کوچک، درآمد و همراه وی به لرستان رفت و در همان جا نیز درگذشت. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. همچنین او «رباعیات» ملا محتشم کاشانی را در عهد وزارت ساروتقی (م ۱۰۵۵ ق)، در زمان شاه عباس اول (۱۰۳۸ -۹۹۶ ق)، جواب گفته است. از اوست:

چو دریای رحمت تلاطم کند

گنه صاحب خویش را گم کند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۴۳۱/ ۱)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۶۲۲ -۶۲۰/ ۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۰۲ -۴۰۱)، دانشمندان آذربایجان (۳۵۸)، الذریعه (۱۰۹۲/ ۹)، صبح گلشن (۴۴۳)، فرهنگ سخنوران (۸۷۰)، لغت نامه (ذیل/ مقیم تبریزی).

تبریزی، موسی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۷ ق)، فقیه، مفسر و زاهد. از شاگردان شیخ انصاری و آیت‌الله کوه‌کمری بود. از آثار وی «اوثق الوسائل»، در شرح «رسائل» شیخ انصاری معروف به «حاشیه‌ی میرزا موسی» است که در ۱۲۹۵ ق از تألیف آن فارغ شده و این کتاب به عنوان بهترین شرح «رسائل» مورد استفاده‌ی خواص می‌باشد. از دیگر آثار وی: حاشیه‌ای بر «قوانین الاصول» که پسر خواهرش، میرزا لطفعلی بن میراز علی، آن را تدوین نمود و محتمل است که همان «غایه المأمول»، در کشف معضلات اصول فقه باشد؛ «تفسیر میرزا موسی»، به فارسی و عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۷۸ / ۱۰)، الذریعه (۱۶ / ۱۶، ۱۷۹ / ۶، ۴۷۳ / ۲)، ریحانه (۳۵۳ / ۳،۳۲۵ / ۱)، شهیدان راه فضیلت (۵۴۹)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۳-۳۳۲ / ۶).

تبریزی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام مرحوم آقای سید مهدی تبریزی از فضلاء با ورع حوزه علمیه و تلامذه مبرز مرحوم آیت‌الله حجت است که از مسقط الراس خود در زمان مرحوم آیت‌الله حایری هجرت به قم نموده و سطوح خویش را از اساتید بزرگ قم تکمیل نموده و در شمار اصحاب و شاگردان آیت‌الله آقا سیدمحمد حجت رحمه‌الله درآمده و تا آخر عمر آن جناب حدود ۱۷ سال فقه و اصول را استفاده نموده و هم چندین سال درس و بحث آیت‌الله العظمی بروجردی بهره‌مند گردیده است.

از نوشته‌های ایشانست دروس فقه و اصول مرحوم آیت‌الله حجت قدس‌الله سره.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تبریزی، نورالدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن سی ورقی، نیم‌ورقی جلد روغنی، دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع نسخ کتابت خفی غبار خوش با رقم: «قد تشرفت باتمام، یوم‌الثلثاء شهر ذی‌قعدهٔ‌الحرام من شهور سنهٔ ثمان و سبعون و مأتین بعدالالف... ابن المرحوم المغفور شهاب‌الدین احمد، نورالدین الحسینی الشیرازی» ۱۲۷۸ در کتابخانه‌ی سلطنتی.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

تبریزی، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ هادی تبریزی از علماء ابرار شهر ری بوده است.

وی در سال ۱۲۹۱ قمری در آذربایجان متولد شده و مقدمات و سطوح را در تبریز خوانده و مهاجرت به نجف اشرف نموده و سالها از محاضر آیات بزرگ نجف چون مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ محمدحسن علامه مامقانی و آیت‌اللَّه العظمی آخوند خراسانی و علامه طباطبائی یزدی و مرحوم آقای شریعت اصفهانی و اعلام دیگر استفاده نموده تا بمدارج عالیه علم و اجتهاد رسیده. و در مصاحبت علامه بزرگوار مامقانی به ایران برای زیارت ارض اقدس رضوی علیه الصلوه والسلام در زمان (مظفر الدین شاه قاجار) به ایران آمده و مورد تجلیل دولت و ملت قرار گرفته میفرمود مرحوم مامقانی مشرف بزیارت حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام گردیده و نماز مغرب و عشاء را در صحن مطهر بجماعت خوانده جماعتی که نظیرش را ندیدم زیرا سجاده آن مرحوم را نزدیک کفشن کن مردانه گذارده و تمام صحن و مسجد و بازار مردم ایستاده و به آن مرحوم در جماعت اقتدا نمودند و من چون آن روحانیت و منظره را دیدم از خدا خواستم مجاورت زاویه مقدسه را نصیب من فرماید و بعد از تشرف بزیارت حضرت رضا علیه الصلوه و السلام مراجعت به نجف نموده و پس از فوت مرحوم علامه مامقانی و مرحوم آخوند خراسانی به تبریز آمده و چون در اسکو و میلان شیخی‌ها نفوذ کرده بودند برای هدایت و ارشاد مردم به آنجا رفته و مدتی به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و مبارزه با آن منحرفین نموده تا در سال ۱۳۶۱ قمری و غائله پیشوری و توده‌ئی‌ها که وی را مورد حمله اهانت قرار دادند مجبور به مهاجرت از آذربایجان و مجاورت زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام را اختیار و در صحن مطهر به اقامه نماز جماعت و خدمات دینی پرداخته و حتی برای این که از وجوه شرعیه اعاشه نکند با یکی از اخیار شریک و مغازه‌ای گرفته تا در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۷۱ قمری در سن هشتاد سالگی وفات و در صحن مطهر در محل نمازش مدفون و تاکنون قبرش مزار خواص و مؤمنین می‌باشد.

نگارنده گوید: مرحوم حاج شیخ هادی جدا عالمی ربانی و آیتی سبحانی و عبادی زاهد و مجتهدی متعبد و دانشمندی متواضع و

خلیق و در شهر ری محبوبیت تامه داشت.

داماد ارجمندش جناب ثقةالاسلام والمحدثین آقای حاج میرزا ابوطالب حایری خوئی از افاضل اهل منبر ری می‌باشد که در این ناحیه به خدمات دینی و ترویجی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

تبریزی، همام‌الدین محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۱۴/ ۷۱۳ –۶۳۶ ق)، صوفی، عارف و شاعر، متخلص به همام. معروف به خواجه همام. نام او در تذکره‌ها به صورتهای علاء و همام‌الدین بن علاء تبریزی و همامی نیز ذکر شده است. در تبریز به دنیا آمد. از معاصران و ندمای خاص خواجه شمس‌الدین محمد صاحبدیوان جوینی بود. نزد خواجه نصیرالدین طوسی به تحصیل علم پرداخت. او همچنین از محضر مولانا قطب‌الدین شیرازی استفاده برد و از اقران او به حساب می‌آمد. گویند قطب‌الدین کتاب «مفتاح المفتاح» خود را به خواهش او تألیف نمود. پس از طی این مدارج علمی مدتی به وزارت آذربایجان رسید و بعد با خواجه شمس‌الدین به روم سفر کرد. وی در ادبیات، شعر، انشاء و حسن خط متبحر بود و به عربی و فارسی شعر می‌گفت. از جمله ممدوحان او می‌توان خواجه شمس‌الدین صاحبدیوان، خواجه شرف‌الدین هارون جوینی، رشیدالدین فضل‌اللّه، علامه نجم‌الدین عبدالغفار، سلطان احمد تگودار، غازان خان، سلطان محمد خدابنده و مولانا قطب‌الدین شیرازی را نام برد. او در شعر از شعرایی چون سنایی و انوری و نظامی و سعدی، که با او معاصر و معاشر بودند، پیروی می‌کرد. وی در اواخر عمر منزوی گشت و از مال و منصب اعراض نمود، سپس به مکه معظمه مشرف گشت و بعد از مراجعت طریقه‌ی صوفیه را در پیش گرفت و مرید شیخ سعید فرغانی گردید. وی در تبریز درگذشت و در مقبرةالشعراء، نزدیک مزار بابا مزید، به خاک سپرده شد و به گفته‌ی بعضی از تذکره‌ها در خانقاهی که خود ساخته بود دفن گردید. در مورد سال تولد و مرگش بین تذکره‌ها اختلاف وجود دارد. از آثارش: تقریظی بر «توضیحات» خواجه رشیدالدین، به نثر؛ «دیوان» شعر، مشتمل بر قطعات و قصاید و غزلیات و رباعیات، و مثنویات، از جمله یک «مثنوی» بر وزن «حدیقةالحقیقة» سنایی، در تحقیق و تهذیب، متجاوز از پانصد بیت و مثنوی «صحبت‌نامه»، به وزن «خسرو و شیرین» نظامی، به نام خواجه شرف‌الدین هارون، در سیصد و هشتاد و سه بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۴۷ –۱۴۵/ ۱)، از سعدی تا جامی (۱۹۸ –۱۹۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۳۱ –۷۱۲/ ۳)، تاریخ گزیده (۷۵۶)، تاریخ نظم و نثر (۱۶۸)، تذکره‌ی روز روشن (۹۲۹ –۹۲۷)، تذکرةالشعراء (۲۴۲ –۲۴۱)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۵۶ –۴۶/ ۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۸ –۳۹۶)، دایرةالمعارف فارسی (۳۲۸۲/ ۲)، دیوان همان تبریزی (مقدمه/ سی و یک– هشتاد و چهار)، الذریعه (۱۲۹۶/ ۹)، رباعی و رباعی‌سرایان (۱۴۰)، روضات‌الجنان و جنات‌الجنان (۱۰۶ –۱۰۵/ ۱)، ریاض‌العارفین (۲۳۷)، ریحانه (۳۷۱ –۳۷۰/ ۶)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۲)، گنج سخن (۲۱۹ –۲۱۵/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ همام)، مجمع‌الفصحا (۱۴۴۹/ ۳)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۷۱۴)، مرآةالخیال (۴۴ –۴۳)، مؤلفین کتب چاپی (۸۸۲ –۸۸۱/ ۵)، هفت اقلیم (۲۲۴ –۲۲۲/ ۳).

تبکچی، منصور

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. وی از شاعران نامی هرات و اصل وی از طایفه تبکچی گرگان بوده است. خواجه منصور از معاصران سلطان حسین بایقرا بود و مدت مدیدی در دربار وی مامور رسیدگی دادخواهی بود که از مناصب مهم آن زمان به شمار می‌رفت. در کتاب «تاریخ نظم و نثر» نسبت او بتکچی ذکر شده است. وی از نظم اشعار آگاهی کامل داشت و همواره غزلهای دلفریب می‌سرود. از سروده‌های اوست:

پرده‌ی لاله تهی دیدم و آغشته به خون

یاد آمدم که مرا رفته دل از پرده برون

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۳۴۷/۴).

تجار، راضیه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

راضیه تجار در ۵ آذر ۱۳۲۶ در تهران متولد شد.وی دارای مدرک کارشناسی روانشناسی است.. ایشان از فعالان عرصه نویسندگی

هستند و همچنین تاکنون مسئولیتهای ادبی ـ هنری زیادی را بر عهده داشته‌اند.از آن جمله اند :دبیر انجمن قلم ایران ، عضو شورای سردبیری فصلنامه ادبیات داستانی به مدت ۶ سال ، مدرس داستان نویسی در دانشکده صدا و سیما ، عضو شورای سیاستگذاری واحد ادبیات حوزه هنری ، عضو شورای ادبی بنیاد حفظ آثار و نشر دفاع مقدس، مسئول صفحه شهرزاد روزنامه جام جم .گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی گرایش : داستان نویستحصیلات رسمی و حرفه ای : تجار دارای مدرک کارشناسی روانشناسی استمشاغل و سمتهای مورد تصدی : راضیه تجار از فعالان عرصه نویسندگی هستند و همچنین تاکنون مسئولیتهای ادبی ـ هنری زیادی را بر عهده داشته‌اند. حضور در شورای بررسی داستان و کارگاه قصه و رمان حوزه هنری، ارشاد، بنیاد شهید، بنیاد جانبازان، مدرس داستان‌نویسی (دانشگاه صدا و سیما)، مسئولیت جلسات نقد و بررسی داستان (سه‌شنبه‌ها در حوزه هنری) به مدت ۱۶ سال، همکاری با روزنامه جام‌جم، مجله زن روز، مجله سروش، عضو شورای هنر، تدریس در خانه داستان فرهنگسرای انقلاب، هلال احمر و سردبیری ادبیات داستانی و دبیری انجمن قلم ایران از بدو تأسیس از جمله فعالیتهای ایشان در عرصه فرهنگی ـ هنری است.جوائز و نشانها : رمانهای «کوچه اقاقیا»، «نرگسها» و «هفت بند» از این نویسنده به‌عنوان رمان برتر یک دهه در آموزش و پرورش انتخاب شدند.همچنین راضیه تجار به‌عنوان نویسنده زن برگزیده ادبیات هشت سال دفاع مقدس از سوی حوزه هنری برگزیده شدندآثار : آرام شب بخیر! (مجموعه داستان) ویژگی اثر : پدیدآورنده: راضیه تجار ناشر: سوره مهر – ۰۵ اردیبهشت، ۱۳۸۴ ۲ آواز پرواز ویژگی اثر : پدیدآورنده: راضیه تجار ناشر: نشر شاهد – ۰۱ مرداد، ۱۳۸۷ ۳ بانوی آبی ها: زندگینامه ی داستانی خلبان شهلا ده بزرگی ویژگی اثر : پدیدآورنده: راضیه تجار ناشر: نهاد ریاست جمهوری، مرکز امور زنان و خانواده – ۳۰ مرداد، ۱۳۸۷ ۴ بانوی رنگین کمان: زندگینامه ی داستانی اشرف قندهاری (بهادرزاده) ویژگی اثر : پدیدآورنده: راضیه تجار ناشر: نهاد ریاست جمهوری، مرکز امور زنان و خانواده – ۳۰ مرداد، ۱۳۸۷ ۵ جای خالی آفتابگردان ها ویژگی اثر : پدیدآورنده: راضیه تجار ناشر: خورشید باران – ۰۴ اردیبهشت، ۱۳۸۴ ۶ سه شنبه های عزیز، داستانهای کوتاه کوتاه ویژگی اثر : پدیدآورنده: راضیه تجار ناشر: پنجره ای به روشنایی – ۱۳۸۱ ۷ شهید شیرودی ویژگی اثر : پدیدآورنده: راضیه تجار ناشر: مدرسه – ۲۸ آبان، ۱۳۸۶ ۸ فانوسی بیفروز (مجموعه داستان) ویژگی اثر : پدیدآورنده: راضیه تجار ناشر: سوره مهر – ۰۴ اردیبهشت، ۱۳۸۵ ۹ کوچه اقاقیا، رمان ویژگی اثر : پدیدآورنده: راضیه تجار ناشر: سوره مهر – ۱۳۸۳ ۱۰ گمان مبر که شعله بمیرد، براساس زندگینامه شهید محمد سلیمانی ویژگی اثر : پدیدآورنده: راضیه تجار ناشر: نسل کوثر – ۱۳۸۱ ۱۱ هم سیب، هم ستاره ویژگی اثر : پدیدآورنده: راضیه تجار، ریحانه مولوی () ناشر: توسعه کتاب ایران – ۰۶ مرداد، ۱۳۸۷

تجبر، ناصر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی و دکترا در رشته فیزیک حالت جامد.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

رشد بلور و شناسایی نواقص بلوری به روش توپوگرافی با پرتو X، روشهای مشخصه‌یابی الکتریکی و اپتیکی مواد نیمه رسانا، روشهای مشخصه‌یابی مغناطیسی مواد از قبیل مغناطو تنگش و msv (مغناطیس سنجش نمونه نوسانی)، آشنایی با لیزرها به ویژه لیزرهای جامد، ساخت آلینکو، اندازه‌گیری پارامترهای ساختار و الکتریکی نیمه رساناهای دوتایی، سونش شیمیایی بلورهای cdte,cdse راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

بلورشناسی با پرتو، فیزیک قطعات نیمه رسانا.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

سونش شیمیایی نیمه رساناها، شناسایی نواقص بلوری با ترپوگرافی پرتو X، مغناطو تنگش در ترکیبات $R-CO_3$ پدیده‌های کوانتومی در جامدات، اندازه‌گیری مغناطو تنگش در آلیاژها، راههای صرفه‌جویی در مصرف انرژی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

تجرید اصفهانی، محمد شریف

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق) خطاط و شاعر، متخلص به تجرید. از بزرگان اصفهان بود و به تحصیل علوم و کتابت مشغول بود. نستعلیق را خوش می‌نوشت و از طریق کتابت صحایف امرار معاش می‌کرد. تجرید هنگام تالیف «تذکره‌ی نصرآبادی» در قید حیات بود. از سروده‌های اوست:

ای دردکش باده حمد تو بیانها

یک موج ز دریای ثنای تو زبانها

آنان که چو تیر از هدف چرخ گذشتند

در قبضه حکم تو شکستند کمانها

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۵۳/۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۹۸)، الذریعه (۱۶۶/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۸۰).

تجلی اردکانی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۴ ق)، شاعر، متخلص به تجلی. در یزد متولد شد. وی پس از تحصیلات مقدماتی به اصفهان رفت و بیش از بیست سال نزد آقا محمدرضا قمشه‌ای و غیره تحصیل کرد و از بزرگان حکما شد. او سالها در تهران، در مدرسه شیخ عبدالحسین، مشغول تحصیل علوم حکمت و ریاضی بود. پس از آن به قم رفت و به تدریس در رشته‌های حکمت و ریاضی پرداخت. تجلی در حسن خط و اشعار حکیمانه و عارفانه مقامی عالی داشت. وی در قم درگذشت و در شیخان دفن شد. اثر وی «حواش علی الاسفار» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مولفین کتب چاپی (۴۹۸ -۴۹۷ /۴).

تجلی اردکانی، علیرضا

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۸۵ ق)، عالم، ادیب و شاعر، متخلص به تجلی. وی از شاگردان مشهور محقق خوانساری و از بزرگان اردکان بود که در آغاز جوانی به اصفهان رفت و در آنجا به کسب دانش پرداخت و پس از مدتی تعلم، در خدمت محقق مذکور سفری به هند کرد و بعد از مدتی به اصفهان بازگشت و به سبب مقام علمی که داشت در آن شهر شهرت بسیار یافت و به مرتبه‌ی مدرسی مدرسه والده رسید و شاه عباس دوم به سال ۱۰۷۲ ق محلی را در اردکان به رسم سیورغال بدو واگذاشت و او در همان حال که حوزه‌ی درسی خود را اداره می‌کرد به تالیف و تصنیف و سرودن شعر نیز سرگرم بود. تجلی پس از چند سال به مکه و از آنجا به شیراز رفت و همان جا ماند تا بدرود حیات گفت. تجلی در موضوعهای علمی و دینی اثرهایی دارد، از آن جمله است: «رساله»ای به فارسی در منع نماز جمعه و در غیبت امام که ملحقاتی بر آن در رد رساله‌ی ملا محمدباقر خراسانی درباره‌ی وجوب عینی آن افزود که خود حکم رساله‌یی مستقل دارد. از آثار وی: «تفسیری بر قرآن» به فارسی؛ رساله‌ای درباره امامت به فارسی به نام «سفینه النجاه»؛ «دیوان» قصیده و غزل؛ مثنویی به نام «معراج الخیال»؛ «حاشیه المولی عبدالله فی المنطق».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۴۰/۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۸ -۳۱۷ /۵)، تذکره‌ی روز روشن (۱۴۷ -۱۴۸)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۶۵ -۶۳)، تذکره‌ی شعرای کشمیر (۱۶۵ -۱۶۴ /۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۷۰ -۱۶۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۶ -۱۲ /۲)، الذریعه (۲۰۱/۱۲، ۳۰۱/۱۹، ۱۶۷/۹، ۶۱/۶)، ریحانه (۳۲۸/۱)، سرو آزاد (۱۱۶ -۱۱۵)، شام غریبان (۶۰)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۲۴۹/۲)، کاروان هند (۲۰۵ -۲۰۰ /۱)، کلمات الشعراء (۳۹ -۳۸)، الکنی والالقاب (۱۱۸/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ علیرضا)، مرآت الفصاحه (۱۱۵ -۱۱۴)، معجم المولفین (۹۳/۷)، نتایج الافکار (۱۲۸ -۱۲۶)، نشتر عشق (۲۷۸ -۲۷۷ /۱)، هدیه العارفین (۷۶۰/۱).

تجلی اصفهانی، محمدمحسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از مشایخ اشترجان و در شعرشناسی و سخن‌سنجی استاد بود. وی با آنکه کور مادرزاد بود در فنون جفر و رمل و نظم مهارتی کامل داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۴۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۶۲)، الذریعه (۱۶۷/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۸۱)، مخزن الغرائب (۴۵۵/۱).

تجلی بخارایی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. اهل بخارا بود و در آخر عمر در بلخ وفات یافت. از اشعار اوست:

هنوز لب به دعا ناگشوده، از صد جا

رسید مژده که درهای آسمان بستند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶۷/۹)، لغت‌نامه (ذیل/ تجلی)، مخزن الغرائب (۴۶۳/۱).

تجلی حسینی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

که خود از شاگردان مرحوم آیت‌اللّه مدرّس اسفه‌ای در مدرسه جدّه کوچک، کاسه‌گران و نیماورد اصفهان بوده و به علت داشتن تحصیلات عالیه حوزوی و درجه اجتهاد و نیز گواهی مرحوم آیت‌اللّه مدرس، سردفتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق در قریه محمودآباد برخوار بوده است. وی با صدور حکم و مجوز از وزارت عدلیه، داور وزیر دادگستری وقت در زمان سلطنت رضاخان پهلوی به اجرای امور شرعی مردم مشغول گردید و پس از وفات در قبرستان امامزاده ابراهیم دستگرد مدفون گشت. او از اولاد سیّد حسین ابن سیّد محمّد ابن اقل الطلبه میرسیّد محمد اسماعیل الحسینی صاحب دست‌نوشته‌های جامع‌المواعظ در سنه ۱۲۸۶ ه.ق (مدفون به امامزاده واقع در سین برخوار) ابن میر علاءالدین محمّد ابن میر بدرالدین محمّد از احفاد میر غیاث‌الدین محمود الحسینی ابن شاه طاهر ابن شاه محمّد ابن شاه جعفر ابن میر ابوالقاسم ابن میر مهدی ابن سیّد زین‌الدین ابن شاه نعیم ابن شاه نعمت‌اللّه عمدهٔ القضاهٔ و المتشرعین و خادم شرع سیّد المرسلین مدفون به قریه جز برخوار بوده است.

همسرش مرحوم مغفوره بیگم آغا تجلی‌الحسینی از سادات گز برخوار و دختر مرحوم آقا سیّد کاظم ابن آقا میر هدایت‌اللّه ابن آقا میر محمّدباقر ابن آقا میر عبدالکریم ابن آقا میر علی‌اکبر ابن آقا میر محمّد ابن آقا سیّد ابوالحسن الحسینی از سادات امامی‌الحسینی گز است که نسبش با ۲۷ واسطه به امام همام جعفر ابن محمّدالصادق (ع) می‌رسد. از اولاد سیّد محمّدعلی دو فرزند به نامهای حاج سیّد محمّدحسین تجلی‌حسینی محمودآبادی که در قید حیات و از کارمندان بازنشسته آموزش و پرورش و خانم زهرا بیگم تجلی‌حسینی متعلقه مرحوم حاج منصور سجادی جزی فرزند سیّد حسین می‌باشند. در حال حاضر از آقای سیّد محمّد حسین تجلی‌حسینی سه فرزند به نامهای سیّد محمّدعلی مهندس آرشیتکت و سیّد محمّدحسین و سیّد محمّدجعفر تجلی‌حسینی محمودآبادی و از خانم زهرا بیگم چهار فرزند دختر باقی مانده که در قید حیات هستند.

برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

تجلی سبزواری، رجبعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۰ -۱۳۰۰ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به تجلی. در سبزوار به دنیا آمد. پس از خاتمه‌ی تحصیلات در رشته ادبیات، به صف مشروطه‌خواهان پیوست. به فرمان حاکم سبزوار دستگیر شد اما، به همراه چند تن از یارانش شبانه گریخت و به مشهد رفت. تجلی از کارمندان وزارت دارایی بود. به سلسله‌ی نعمت‌اللهی گناباد ارادت داشت. تجلی شعر نیکو می‌گفت، به ویژه در سرودن مثنوی و غزل استاد بود. از آثار وی: «ارمغان تجلی»؛ «تجددنامه»؛ «طالب‌نامه‌ی تجلی»؛ «معراج الخیال»؛ «ذم الاستبداد»؛ «انقلاب خراسان»؛ «نیاز تجلی»؛ «کنگاشنامه»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶۷/۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۵۹ -۲۵۸ /۲)، مولفین کتب چاپی (۱۰۵ -۱۰۴ /۳).

تجلی سیفی، حبیب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته، فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فیزیک از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۷، کارشناسی ارشد اسپکتروسکوپی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۵۱ و دکترای اسپکتروسکوپی مواد جامد لیزرزا از انگلستان در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس فیزیک، در دانشگاه تبریز، مطالعه تخلیه‌های الکتریکی با استفاده از لیزر، اندرکنش لیزر با لایه‌های نازک، بررسی امکان استفاده از علامتهای الکتریکی تحریکات لیزری (LOG) در اسپکتروسکوپی مولکولها و آشکارسازی آنها، بررسی مکانیسم‌های تولید سیگنال اپتوگالوانی لیزری در مولکول ۲N، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اپتیک، لیزر و اسپکتروسکوپی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

اسپکتروسکوپی لیزری در تخلیه‌های الکتریکی، اسپکتروسکوپی مواد جامد لیزرزا، لیزر در پزشکی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

تجلی کاشانی، محمدحسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۹ ق)، شاعر. از اهالی کاشان بود. در سال ۱۰۱۶ ق از ایران به هندوستان مهاجرت کرد و مدتی در گجرات اقامت کرد و در آنجا با مولانا نظیری مشاعره داشت. بعد از فوت تجلی، مولانا نظیری اشعار وی را که قریب به هزار بیت بود، جمع‌آوری کرد، و با دیوان خود در یک مجلد قرار داد. سال وفات وی را ۱۰۲۱ و ۱۰۴۱ ق نیز نوشته‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶۸ -۱۶۷ /۹)، ریحانه (۳۲۸/۱)، صبح گلشن (۸۱ -۸۰)، فرهنگ سخنوران (۱۸۱)، کاروان هند (۲۰۶ - ۲۰۵ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ تجلی)، نشتر عشق (۲۷۷ -۲۷۶ /۱).

تجلی لاهیجی گیلانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط و شاعر. پدرش از علمای گیلان بود. تجلی از معاصران مولف «مآثر رحیمی» بود و خط شکسته را خوش می‌نوشت. در شعر، ابتدا جمالی تخلص می‌کرد. وی در نسا و ابیورد ملازم سلطان استاجلو قزلباش بود. او از آنجا به مشهد رفت و بعد به هندوستان سفر کرد و در آنجا تخلص جمالی را به خاوری بدل کرد، بعد از مدتی نیز تخلص جمالی را برگزید. در برخی منابع مانند «تذکره‌ی روز روشن» ترجمه‌ی احوال او ذیل نام خاوری سمنانی و تجلی سمنانی آمده است. تجلی در سال ۱۰۲۲ ق سفری به حجاز و عتبات کرد. از وی «دیوان» شعری بر جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۵۹ -۱۲۵۸ /۴)، تذکره‌ی روز روشن (۲۳۷، ۱۴۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۰۴)، الذریعه (۲۸۸، ۱۶۸ /۹)، شام غریبان (۵۹)، فرهنگ سخنوران (۳۰۰، ۱۸۱)، کاروان هند (۲۰۹ -۲۰۶ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ خاوری سمنانی و خاوری لاهیجی)، مآثر رحیمی (۱۰۵۷ -۱۲۰۷ /۴)، مخزن الغرائب (۴۵۳ -۴۵۲ /۱).

تجلی، حافظ محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، خطاط. از آثار او: یک لوحه ریحان و ثلث نیم دودانگ کتیبه و نسخ و رقاع نیم دودانگ کتابت خوش، با رقم: «حرره العبد المذنب حافظ محمدتجلی ترجمان دیوان همایون ۳۵۱».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۵۲/۴).

تجلیل، ابوطالب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا ابوطالب فرزند مرحوم حاج میرزا علی‌اکبر تجلیل (که از عباد و صلحاء زمان خود و به قوت ایمان و کمالات نفسانیه ممتاز و در شعبان ۱۳۹۱ ق بـه رحمت ایزدی پیوسته است) از افاضل دانشمندان و مبرزین تلامذه آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی است که پس از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی جز معظم‌له به درس دیگری حاضر نشده می‌باشد دارای مقام علم و تقوا و متانت و فضائل نفسانی است.

در سال ۱۳۴۵ ق در تبریز متولد شده و با تشویق والد بزرگوارش در سلک روحانیت وارد و پس از خواندن مقدمات ادبیه و منطق و کلام و مقداری از سطوح در تبریز در سال ۱۳۶۴ ق به قم مهاجرت نموده و پس از فراغت از سطوح نهائی در سال ۱۳۶۵ ق به درس علامه بزرگوار آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی حجت تا زمان فوتشان حاضر گردیده و نیز در فلسفه از مرحوم آیت‌الله آقا سید حسن الهی و میرزا مهدی آشتیانی و زعیم مجاهد آیت‌الله العظمی امام خمینی و علامه و فیلسوف بزرگوار طباطبائی استفاده نموده است.

آقای تجلیل در خلال تحصیل نیز به تدریس مکاسب و کفایه از سال ۱۳۶۶ تا سال ۱۳۹۰ مشغول و از سال ۱۳۹۱ به تدریس خارج عروه و کفایه اشتغال دارد.

از موفقیت آن جناب شرکت (در لجنه ضبط مدارک شیعه) است که حضرت علامه ذوفنون مرجع عالیقدر آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله برای معاونت ایشان در جمع فضائل امیرالمومنین و ائمه طاهرین علیهم‌السلام و سائر مدارک شیعه از کتب عامه تشکیل داده و با اطلاع وسیعی که مخصوص معظم‌له است انجام می‌گیرد و انصافا این اقدام ایشان مایه فخر قرن حاضر و آن مقدار مدارکی که تاکنون جمع و مجلدات آن به طور فشرده و اسقاط مکررات اسانید و متون به عنوان ملحقات احقاق‌الحق منتشر می‌شود بی‌نظیر است.

اما آثار آقای تجلیل از مطبوع و مخطوط به قرار زیر است:

۱- کتاب البیع مشتمل بر دو قسمت (۱) تقریرات مرحوم آیت‌الله الکبری حجت ره ۲- و نظریات خودشان که به طبع رسیده است.

۲- رساله حجیه الشهره (مطبوع) که در آن حجیه شهره قدما را در فقه با شرایط خاصی اثبات شده و ۱۸ حجت فقهی در آن مورد بحث قرار گرفته است.

۳- معجم الثقات و ترتیب الطبقات (مطبوع) که در آن ۱۵۸۸ نفر موثق بالخصوص و ۱۰۰۹ موثق بالعموم از اسانید استخراج و ۱۰۰۸ ممدوح از کتب شیعه جمع‌آوری شده است.

۴- مدارک الحج (مخلوط) مشتمل بر احادیث هر یک از احکام حج و تقسیم آن بر حسب دلالت که با مرحوم آیت‌الله بروجردی تالیف شده است.

۵- صلوه المسافر (مخطوط) تقریرات مرحوم آیت‌الله حجت که آن مرحوم بر آن تفریظ نوشته‌اند که طبع شود.

۶- تقریرات مرحوم آیت‌الله بروجردی در صلوه ۷- تقریرات آن مرحوم در وصیت ۸- دراسات الاصول تقریرات مرحوم آیت‌الله بروجردی مخطوط ۹- تحریرالاصول تقریرات مرحوم آیت‌الله حجت مخطوط.

۱۰- رساله فی الاستصحاب (مخطوط) ۱۱- فوائد نفیسه فی الاصول (مخطوط) ۱۲- آنچه حجاج باید بدانند (مطبوع) ۱۳- حواشی علی مختصر المحقق (مخطوط) ۱۴- حواشی علی العروه (مخطوط) ۱۵- رساله فی الاجتهاد و التقلید ۱۶- حواشی علی کتب الرجال ۱۷- رساله فی میزان الاستدلال علی الاعتبارات ۱۸- فلسفه حقوق اسلامی و تطبیق آن با حقوق ملل دیگر که بسیار مبسوط است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تجویدی تاییدی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۲۵ -۱۲۷۰ ش)، نقاش، موسیقیدان و شاعر، متخلص به تایب. وی بعد از طی مقدمات اولیه خطنویسی، زیر نظر استادان معروف آن زمان، آقا ابراهیم و میرزا احمد نقاش‌باشی به فراگیری رموز هنر پرداخت و مدتی بعد به همراه برادرش هادی، که او نیز از نقاشان معروف بود، به تهران آمد و در مجمع‌الصنایع هنری آن دوران مشغول کار شد و شهرتش بدان پایه رسید که جهت طراحی و ارائه نقوش تمبرهای پستی به چاپخانه مجلس راه یافت. تجویدی علاوه بر آن که در شبیه‌سازی و ارائه چهره‌ها و آبرنگ و سیاه قلم استعداد فراوان داشت، شعر نیز می‌سرود و در موسیقی نیز دست داشت. وی در تهران درگذشت و در ابن‌بابویه دفن شد. از آثار او: تصویر آبرنگ حمام قدیمی، با رقم: «مهدی تایب ۱۳۱۰»؛ تصویر زنبق زیبایی، با رقم: «مهدی تایب ۱۳۰۸ شمسی»؛

تصویر طبیبی در حین معالجه‌ی بیمار، با رقم نقاش.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۲۴۶ -۱۲۴۵ /۳).

تجویدی، ضیاءالدین

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ضیاءالدین بن العلامه حاج سید علینقی بن حاج سید اسماعیل بن میر محمدعلی تجویدی از علماء ابرار و دانشمندان اخیار و مدرسین کبار معاصر اصفهان است. در سال ۱۳۲۰ قمری در اصفهان در بیت علم و تقوا به دنیا آمده و پس از پرورش و خواندن ادبیات و مقدمات و متون فقه و اصول از محضر و تدریس مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید مهدی درچه‌ای و مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید علی مدرس نجف‌آبادی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمدرضا خراسانی استفاده نموده و هیئت از مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا هدی کرباسی حفید علامه کبیر آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ محمدابراهیم کرباسی معاصر و شریک درس و بحث آیت‌اللَّه العظمی آقا سید محمدباقر شفتی) فراگرفته و ضمنا خود به تدریس متون فقه پرداخته است.
معظم له اکنون ظهرها در مسجد مرحوم آیت‌اللَّه حاج آقا رحیم ارباب و شبها در مسجد شیخ‌الاسلام به امامت و خدمات دینی اشتغال و در مدرسه صدر (مرکز حوزه علمیه اصفهان) به تدریس صلوهٔ حاج آقا رضا همدانی و شرح ریاض مشغول و با علماء بزرگ و مدرسین سترک اصفهان مباحثه کمپانی دارند و در میان دانشمندان اصفهان و مردم با ایمان آن سامان به فضل و پارسائی و تقوی موصوف و مورد توجه عموم می‌باشند.
از باقیات‌الصالحات ایشان است فرزند برومندش جناب حجهٔ‌الاسلام والمسلمین آقای حاج آقا فضل‌اللَّه تجویدی مقیم تهران. وی در سال ۱۳۴۵ قمری در اصفهان به دنیا آمده در بیت فضل و ورع پرورش یافته و پس از خواندن اولیات و سطوح متوسطه از محضر و تدریس مرحوم آیت‌اللَّه حاج آقا رحیم ارباب و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمد حسن نجف‌آبادی استفاده نموده و حکمت را از مرحوم حاج شیخ محمود مفید فراگرفته و بعد مهاجرت به تهران و از درس و محضر حضرت آیت‌اللَّه العظمی حاج احمد خونساری و شوارق را از مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ زین‌العابدین سرخه‌ای آموخته و در حال حاضر در مسجد جامع محمدی خیابان دولت شمیران تهران به امامت و ترویج دین و تبلیغ احکام و سایر خدمات و وظائف دینی اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

تحریری، محمود

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمود تحریری تهرانی یکی از چهره‌های درخشان و فضلاء موصوف به تقوا و ائمه جماعت معاصر تهران است. وی در حدود ۱۳۴۲ قمری در تهران دیده به دنیا گشوده و پس از رشد و خواندن دروس فارسی مقدمات و اولیات را در تهران فراگرفته سپس مهاجرت به قم نموده و متون فقه و اصول را از مدرسین حوزه آموخته آنگاه به درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقای بروجردی و حضرت آیت‌اللَّه العظمی نایب‌الامام آقای خمینی مدظله العالی و دیگر آیات شرکت و از خرمن علوم آنان استفاده نموده و بعد از فوت مرحوم آقای بروجردی به زادگاه خود مراجعت و بنابر دعوت عده‌ای از مؤمنین غرب تهران در مسجد خیابان اصطخر به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج مذهب حقه اثناعشریه پرداخته و تا حال تحریر نیز به خدمات دینی در آن محیط اشتغال دارند.
نویسنده گوید: جناب آقای تحریری دانشمندی باتقوا و دارای محامد آداب و محاسن اخلاق و در میان اقران خود موصوف به ورع و پاکی و مبرا از رذائل اخلاقی و دارای ولایت کامل و از مخلصین مخصوص خاندان رسالت و جداً خالص در محبت اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام است منبری مفید و آموزنده دارد و از مرز قرآن و احادیث عترت (دو ثقل بزرگ و دو امانت پیامبر (ص) تجاوز نمی‌کند.
نیست در لوح دلش جز الف قامت دوست
چه کند حرف دیگر یاد نداد استادش
در مصائب اهل‌بیت نبوت سلام‌اللَّه علیهم اجمعین خود می‌گرید و دیگران را نیز می‌گریاند. سیمائی ملکوتی و بیاناتی لاهوتی دارد.
در مبارزه بر علیه طاغوت و عوامل آن تا حد قدرت و توانائی خود با کسالت مزاجش کوتاهی را روا نداشته و مسجدش یکی از سنگرهای مبارزه بوده و هست و نویسنده هم که در ماه صفر ۱۳۹۹ ق بهمن ماه ۱۳۵۷ شمسی ده شبی را در آنجا برنامه تبلیغی داشته شاهد عینی مبارزات تربیت یافتگان ایشان بودم.
از باقیات‌الصالحات ایشان فرزندان صالح و شایسته‌ای به نام آقا شیخ باقر و آقا شیخ کاظم که اکنون در قم به تحصیل علم و کمال اشتغال دارند.
آقای تحریری از شیفتگان و دلباختگان سالار شهیدان محبوب سالکان راه حق و معشوق عاشقان جمال مطلق حضرت ابی‌عبداللَّه الحسین علیه الصلوهٔ والسلام است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

تحصیلی یزدی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۷ ش)، شاعر. وی تحت سرپرستی جد مادری خود تا دوره اول دبیرستان درس خواند و در سال ۱۳۲۸ ش به استخدام بانک ملی درآمد. تحصیلی عضو انجمن ادبی یزد بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۸۰۵-۸۰۴،۴۸۳).

تختی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جهان پهلوان تختی اسوه مردانگی

غلامرضا تختی در روز پنجم شهریور ماه ۱۳۰۹ در خانواده ای متوسط و مذهبی در محله خانی آباد تهران به دنیا آمد".رجب خان- "پدر تختی- غیر از وی دو پسر و دو دختر نیز داشت که همه آنها از غلامرضا بزرگتر بودند".حاج قلی، "پدر بزرگ غلامرضا ، فروشنده خواروبار بود. از قول رجب خان، تعریف می کنند که حاج قلی در دکانش بر روی تخت بلندی می نشست و به همین سبب در میان اهالی خانی آباد به حاج قلی تختی شهرت یافته بود. همین نام بعدها به خانواده های رجب خان منتقل شد و به " نام خانوادگی "تبدیل شد.

رجب خان با پولی که از ماترک پدرش به دست آورده بود، در محل سابق انبار راه آهن زمینی خریده و یک یخچال طبیعی احداث کرده بود و از همین راه مخارج زندگی خانوادگی پرجمعیت خود را تامین می کرد.

نخستین واقعه ای که در کودکی غلامرضا روی داد و ضربه ای بزرگ و فراموش نشدنی در روح او وارد کرد، آن بود که مرحوم پدرش برای تامین معاش خانواده ناچار شد خانه مسکونی خود را گرو بگذارد.

تختی سال ها بعد در آخرین مصاحبه خود با یادآوری این ماجرای تلخ می گوید ":یک روز طلبکاران به خانه ما آمدند و اثاثیه خانه و ساکنینش را به کوچه ریختند، ما مجبور شدیم که دو شب را توی کوچه بخوابیم. شب سوم اثاثیه را بردیم به خانه همسایه ها و دو اتاق اجاره کردیم. چندی بعد روزگار عرصه را بیشتر بر پدرم تنگ کرد تا این که مجبور شد یخچال طبیعی اش را نیز بفروشد. این حوادث تاثیر فراوانی در روحیه پدرم گذاشت و باعث اختلال روحی او در سال های آخر عمر شد".

در چنان شرایطی، غلامرضا تنها ۹ سال به تحصیل پرداخت. وی خود می گوید ":مدت ۹ سال در دبستان و دبیرستان منوچهری که در همان خانی آباد قرار داشت، درس خواندم، ولی تنها خاطره ای که از دوران تحصیل به یاد دارم، این است که هیچ وقت شاگرد اول نشدم، اما زندگی در میان مردم و برای مردم درس هایی به من آموخت که فکر می کنم هرگز نمی توانستم در معتبرترین دانشگاه ها کسب کنم.

زندگی همچنین به من آموخت که مردم را دوست بدارم و تا آن جا که در حد توانایی من است، به آنان کمک کنم، حال این کمک از چه طریقی و از چه راهی باشد، مهم نیست. هر کس به قدر تواناییش"...

غلامرضا، ورزش را از نوجوانی آغاز کرد. ورزش ابتدا برای او نوعی تفنن و سرگرمی بود. در همان اوان، خیال قهرمان شدن، مدتی او را به وسوسه انداخت اما از همان نوجوانی که تازه به فکر باشگاه رفتن افتاده بود، اعتقاد داشت که ورزش برای تندرستی و سلامت جان و تن هر دو لازم است.

شادروان تختی در مصاحبه ای با اشاره به فقر و مشقت زمان نوجوانی اش می گوید "با آن که علاقه فراوانی به ورزش داشتم، مجبور بودم که در جستجوی کاری برآیم. زندگی ، نان و آب ، لازم داشت. برای مدتی به خوزستان رفتم و در ازای روزی هفت یا هشت تومان، کار کردم. دنیا در حال جنگ(جنگ جهانی دوم) بود، زندگی به سختی می گذشت".

آشنای حقیقی تختی با ورزش و کشتی در باشگاه " پولاد "آغاز شد. وی که پیش از این گودها و زورخانه های فراوانی دیده بود و شیفته تواضع و افتادگی پهلوانانی کشتی و ورزشی باستانی شده بود، برای نخستین بار درسال ۱۳۲۹ به باشگاه پولاد(واقع در خیابان شاهپور سابق) رفت و به دلیل علاقه و استعداد وافری که نسبت به کشتی نشان داد مورد توجه مرحوم " حسین رضی زاده" مدیر آن باشگاه قرار گرفت.

تختی، خود می گوید ":رضی خان آدم خوبی بود، اگر کسی را نشان می کرد و می دید که استعداد کشتی دارد، دست از سرش بر نمی داشت. در گرمای تابستان لخت می شدیم و هر روز از ساعت دو بعدازظهر تا چندین ساعت کشتی می گرفتیم، از دوش آب گرم و حمام خبری نبود . کشتی گیران برای وزن کم کردن، به خزینه می رفتند تشک های کشتی را با پنبه پر می کردند، اما خاک و خاشاک آن، بیش از پنبه بود".

تختی که پس از بازگشت از خوزستان(مسجد سلیمان) روانه خدمت سربازی شده بود، در سربازخانه با استفاده از فرصت ها و توجهات فراهم شده، به ویژه تشویق و حمایت دبیر وقت فدراسیون کشتی که در دژبان ارتش فعالیت داشت، تمرینات کشتی خود را بار دیگر آغاز کرد. تختی خود در این باره می گوید ":وقتی در سال ۱۳۲۸ در مسابقه بزرگ ورزشی(کاپ فرانسه) شرکت کردم، در همان اولین ضربه فنی شدم. اما تمرین های جدی و سختی که در پیش گرفتم، مرا یاری کرد تا حقیقت مبارزه را درک

کنم، اگر چه شور پیروزی در سر داشتم، اما کار و کوشش را سرآغاز پیروزی می دانستم".

به این ترتیب تختی با تمرین و پشتکار مثال زدنی رفته رفته خود را از میان بازنده ها بیرون کشید و سرانجام در سال ۱۳۳۰ در وزن ششم(۷۹ کیلوگرم) به عضویت تیم ملی درآمد.

وی در نخستین دوره مسابقه های کشتی آزاد قهرمانان جهان(هلسینکی، ۱۹۵۱) با وجود آن که هنوز ۲۱ سال داشت، نایب قهرمان جهان شد.

درخشش خیره کننده تختی در رقابت های کشتی هلسینکی که در نخستین حضور او در مسابقه های قهرمانی جهان در فاصله کمتر از دو سال از ورودش به میادین ورزشی داخلی اتفاق افتاد، بیش از هر چیز نمایانگر ایمان و تلاش و اراده کم نظیر تختی و همچنین استعداد و مهارت فوق العاده او در زمینه کشتی بود.

گفتنی است در اولین دوره مسابقات قهرمانی کشتی آزاد جهان که از لحاظ تاریخی میدان معتبر و تعیین کننده ای برای کشتی ایران و جهان بود، تیم ملی کشتی آزاد ایران با ترکیب کامل و در هر هشت وزن آن زمان حضور پیدا کرد و با کسب دو نشان نقره(محمود ملاقاسمی و غلامرضا تختی) و دو نشان برنز، (عبدالله مجتبوی و مهدی یعقوبی) در نتیجه درخشان و غیرقابل تصور پس از تیم های ملی ترکیه و سوئد عنوان سوم جهان را به دست آورد.

مسابقات سال ۱۹۵۱ هلسینکی(فنلاند) برای تختی آغاز راهی بود که طی ۱۵ سال آینده با کسب ده ها پیروزی و فتح سکوهای متعدد قهرمانی در بزرگترین میادین بین المللی کشتی ادامه یافت.

شادروان غلامرضا تختی در سال ۱۳۳۱ (۱۹۵۲) در نخستین حضور خود در رقابت های المپیک با کسب شش پیروزی و قبول یک شکست در برابر " دیوید جیما کوریدزه "از شوروی صاحب نشان نقره شد. وی در این مسابقه ها توانست حیدر ظفر ترک را که سال پیش با غلبه بر تختی قهرمان جهان شده بود را شکست دهد.

تختی در دومین دوره مسابقات جهانی که در خرداد ماه ۱۳۳۳(۱۹۵۴) در توکیو برگزار شد، در وزن هفتم (۸۷ کیلوگرم) به رقابت پرداخت که با وجود پیروزی های درخشان و شایستگی فراوانی که از خود بروز داد با قبول یک شکست غیرمنتظره در برابر" وایکینگ پالم "سوئدی از راهیابی به فینال بازماند و در نهایت عنوان چهارمی این وزن را به دست آورد.

تختی شش ماه بعد در یک دیدار دوستانه در سوئد "،پالم "را با ضربه فنی شکست داد و باخت غافلگیرانه توکیو را به خوبی جبران کرد.

شادروان تختی همچنین در سال ۱۹۵۵ در جشنواره بین المللی ورشو موفق به کسب نشان نقره شد. اما سومین دوره مسابقه قهرمانی جهان(استانبول،۱۹۵۷) تجربه تلخی برای مرحوم تختی بود. وی که در این دوره از رقابت ها، برای اولین و آخرین بار در وزن فوق سنگین آن زمان(۸۷+ کیلوگرم) کشتی می گرفت، به دلیل وزن بسیار کمتر نسبت به رقیبان با دو باخت حذف شد.

پهلوان ایران با وجود حذف شدن در استانبول آبرومندانه کشتی گرفت و نتایجی که به دست آورد با توجه به آن که با وزن ۹۲ کیلوگرم به مصاف کشتی گیران فوق سنگین رفته بود، در مجموع غیرقابل قبول نبود.

به عنوان نمونه" دیتریش "آلمان و " ایوان ویخریستیوک "روس، حریفان اصلی تختی در این رقابت ها ۱۱۰ کیلوگرم وزن داشتند و علاوه بر آن در وزن خود نیز از تجربه خوبی برخوردار بودند.

در بازی های المپیک ملبورن(استرالیا) که در آذرماه ۱۳۳۵ (۱۹۵۶) برگزار شد تختی یک بار دیگر در وزن هفتم (۸۷ کیلوگرم) به مصاف رقبایی از شوروی، آمریکا، ژاپن آفریقای جنوبی، کانادا و استرالیا رفت و با شکست تمامی حریفان اولین نشان طلای خود را به گردن آویخت.

این برای نخستین بار بود که دو قهرمان از آمریکا و شوروی در یک سکوی معتبر جهانی پایین تر از حریف ایرانی قرار می گرفتند.

جهان پهلوان تختی در اسفندماه همان سال با غلبه به مرحوم حسین نوری به مقام پهلوانی ایران دست یافت و صاحب بازوبند شد و در سال های ۱۳۳۶ و ۱۳۳۷ نیز این عنوان را تکرار کرد.

جهان پهلوان تختی در سال ۱۹۵۸ در بازی های آسیایی توکیو و مسابقات قهرمانی جهان در صوفیه به ترتیب نشان های طلا و نقره این رقابت ها را به گردن آویخت و در مهرماه سال ۱۳۳۸(۱۹۵۹) در چهارمین دوره مسابقات کشتی آزاد قهرمانی جهان که در تهران برگزار شد سومین عنوان قهرمانی جهان خود را کسب کرد.

"بوریس کولاـیف "از شوروی تنها کشتی گیری بود که با امتیاز به تختی باخت و در ۵ کشتی دیگر رقبای مجارستانی، لهستانی، فرانسوی، بلغار و ترک تختی با ضربه فنی مغلوب پهلوان ایران شدند.

تیم ملی کشتی آزاد ایران که در رقابت های تهران با اکتفا به دو مدال طلای غلامرضا تختی و امامعلی حبیبی با وجود برخوردی از امتیاز میزبانی در حفظ عنوان سومی سال های قبل نیز ناموفق بود در هفدمین دوره بازی های المپیک(ایتالیا، ۱۹۶۰) تا مکان پنجم رده بندی سقوط کرد. تختی کاپیتان تیم ملی و پرتجربه ترین کشتی گیر ایران که در این رقابت ها در وزن هفتم به میدان رفته بود، پس از پیروزی در پنج دیدار با در مسابقه نهایی با قبول شکست در برابر" عصمت آتلی "از ترکیه به گردن آویز نقره دست یافت.

مسابقه های قهرمانی جهان در یوکوهامای ژاپن میدانی فراموش نشدنی برای کشتی ایران بود. تیم ملی کشتی آزاد کشورمان پس از حضور در ۸ دوره مسابقات المپیک و جام جهانی در رقابت های جهانی ۱۹۵۹ ژاپن، پرافتخارترین حضور خود در تاریخ کشتی را رقم زد و با دریافت پنج نشان طلا، یک نشان نقره، یک نشان برنز و یک عنوان پنجمی به مقام قهرمانی کشتی آزاد جهان دست یافت.

جهان پهلوان تختی که در این مسابقات در وزن ۸۷ کیلوگرم به مصاف حریفان رفته بود با حضوری مقتدرانه آخرین مدال طلای خود را به گردن آویخت.

کشتی گیران آزاد ایران در ششمین دوره رقابت های قهرمانی جهان در تولید وی آمریکا (۱۹۶۲) نیز حضوری شایسته داشتند.

تیم ملی ایران اگر چه نتوانست مقام قهرمانی خود را در این مسابقات حفظ کند ولی کسب مقام سوم جهان نیز با توجه به کارشکنی

هـا و نـاداوری هایی که در حق تختی و سایر کشتی گیران ایران روا شـد نتیجه قابل قبولی تلقی می شود. جهان پهلوان تختی در این مسابقات با حضور مقتـدرانه در برابر " وان براند "آمریکایی "، مریود "روسـی و " عصـمت آتلی "که از قهرمانان صاحب نام وزن هفتم بودنـد از حیثیت کشتی ایران به خوبی دفـاع کرد و در نهـایت پس از تساوی بـا " مرویـد "جوان تنها به دلیل ۲۰۰ گرم اضافه وزن نسبت به حریف از دریافت نشان طلا محروم شد و به گردن آویز نقره رضایت داد.

قهرمان ارزشـمند ایران در شـرایطی در این دیدارها شـرکت کرد که از بیماری خطرناکی رنج می برد با این حال عشق به ملت ایران او را به مصـاف بـا بزرگترین قهرمانـان جهان کشانـد. شـدت بیماری تختی به حـدی بود که پس از دیـدار فینال سریعا به نیویورک منتقل و روز بعد در بیمارستان بزرگ نیویورک تحت عمل جراحی قرار گرفت.

در فاصـله سال های ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۶، جهـان پهلوان تختی بـا وجود سن بالاـ همچنـان عضو تیم ملی ایران بود. امـا تنهـا در بازی های المپیک ۱۹۶۴ توکیو شـرکت کرد که در این دیـدار بـا بـداقبالی از کسب چهـارمین نشان المپیک خود بازمانـد و به عنوان چهارمی جهان اکتفا کرد. البته جانشینان تختی در مسابقات جهانی صوفیه(۱۹۶۳) و منچستر(۱۹۶۵) از دریافت حتی یک امتیاز در وزن هفتم نـاموفق بودنـد، این امر در کنـار عشق وافری که ملت ایران به جهـان پهلوان داشـتند، موجی از درخواست هـای مردمی و مطبوعـاتی برای حضور مجـدد تختی در رقـابت هـای جهانی را برانگیخته بود. پهلوان ۳۶ ساله ایران با وجود عـدم آمادگی کافی و گذشـتن از مرز بازنشستگی شرکت در مسابقه های جهانی ۱۹۶۶ (تیرماه ۱۳۴۵) تولیدو را پذیرفت.

تختی در مسابقـات انتخـابی مسابقات جهانی ۱۹۶۶ از نظر نتایـج فنی و پیروزی با ضـربه فنی، بهترین چهره شـناخته شـده و به عنوان بهـترین کشـتی گیر وزن هفتم ایران راهی آمریکـا شـده بود بـا این حـال کارشـکنی و برخوردهـای سویی که از سوی برخی افراد و مقامات نسبت به او روا می شد روحیه او را تضعیف کرده بود.

جهان پهلوان تختی به هنگام عزیمت به آخرین سـفر خود، در میان خیل عظیم مردمی که برای بدرقه او و همراهانش آمده بودند در گفت و گو با خبرنگار "کیهان ورزشی "گفت: هیچ چیز نمی تواند مرا خوشحال کند، پول، مدال طلا، عشق و حتی عشق.

نسبت به این مردمی که به فرودگـاه آمـده انـد، احسـاس شـرمندگی می کنم. راستی چقـدر محبت بـدهکارم؟ من چرا بایـد کشتی بگیرم؟ چرا باید همراه تیم مسافرت کنم، تا سبب این همه مراجعت باشم؟ اگر پاسخ به این پرسش را می دانستم من هم می توانستم ادعا کنم چون دیگران هسـتم... وقتی کسـی ندانـد چه عاملی سـبب خوشـحالی اش خواهـد شـد، یقینا نخواهـد توانست بگویـد چرا کشتی می گیرد و چرا همراه تیم مسافرت می کند"

تختی که بی امید به مصاف تازه نفسی ها و جوانان جویای نام رفته بود، متاسـفانه با بدترین قرعه ممکن نیز مواجه شد به طوری که پس از پیروزی پنج بر صـفر در مقابل حریفی از مجارسـتان به مصاف " الکساندر مدوید "و " احمد آئیک("نفرات اول و دوم این دوره از رقابت ها) رفت و با قبول شکست در برابر آنها برای همیشه با صحنه کشتی خداحافظی کرد.

افتخارات تختی:

بازیهای المپیک:

۵۲ هلسینکی: مدال نقره (۷۹ کیلو گرم)

۵۶ ملبورن: مدال طلا (۸۷ کیلو گرم)

۶۰ رم: مدال نقره (۸۷ کیلو گرم)

۶۴ توکیو: چهارم (۹۷ کیلو گرم)

قهرمانی جهان:

۵۱ هلسینکی: مدال نقره (۷۹ کیلو گرم)

۵۴ توکیو: نفر پنجم (۸۷ کیلو گرم)

۶۱ یوکوهاما: مدال طلا (۸۷ کیلو گرم)

۶۲ تولیدو: مدال نقره (۹۷ کیلو گرم)

بازیهای آسیایی:

۵۸ توکیو: مدال طلا (۸۷ کیلو گرم)

جمع مدالهای غلامرضا تختی: ۸ (۴ طلا، ۴ نقره)

المپیک ۳ – جهانی ۴ – بازیهای آسیایی ۱ سجایا و خصایص انسانی والای شادروان تختی

جهان پهلوان غلامرضا تختی پرافتخارترین چهره تاریخ ورزش قهرمانی ایران و فاتح سکوهای رفیع کشتی جهان، نه تنها در ایران که در تاریـخ ورزش دنیا نیز چهره ای کاملاً شـناخته شـده است. با وجود گذشت حدود ۴ دهه از آخرین حضور تختی در رقـابت های المپیک (توکیو،۱۹۶۴) و ۳۵ سـال از درگـذشت جهـان پهلوان، نـام وی همچنان در زمره نام آورترین قهرمانان کشتی رقابت های المپیک می درخشد.

بـا ایـن همه تردیـدی نیست که راز محبـوبیت و مانـدگاری کم نظیر شـادروان غلامرضـا تختی را نه در برق نشـان هـای رنگـارنگ ورزشی او که در خصایص و سجایای اخلاقی و صفات بارز انسانی این فرزند وفادار مردم باید جستجو کرد.

پس از تختی قهرمانان بسـیاری بودنـد که با کسب چند مدال جهانی و تقلید ازحرکت های مردمی تختی سودای دستیابی به موقعیت بی بدیل او در سرپروراندند و چند صباحی به مدد تبلیغات و جنجال های مطبوعاتی ردای جهان پهلوانی را بر تن کردند اما هیچگاه نتوانستند به خانه های روشن و پاک دل مردم راه پیدا کنند عشق و ارادت خالصانه توده های معتقد و مذهبی به این " سلاله بی فخر و تبـار برخاسـته از تن درد و رنـج و محرومیت "خود آن چنـان عمیق و ریشه دار و آگاهـانه است که حتی نیش گزنـده آن "دروغ بزرگ " هم نتوانسته است، کوچکترین خللی در آن ایجاد کند.

"او بـا مردم و چونـان مردم زیست. در شادی شان گلخنـده اش را نثار آنان کرد و در ماتم و انـدوهشان، ایثارگرانه و انـدوهگین در

کنارشان جای گرفت. شادی هر لبخند فتحی را که بر لبانش نقش بست با آنان قسمت کرد و با غرور و پیروزی خویش بارها و بارها، زنگار اندوه شکست های دیرین را از سینه آنان شست.

چه بسیار مردم سیلی خورده یی که زبونی خویش را در قدرت و حمیت و همت او جبران شده می دیدند و غروب آرزوها و آرمان های خویش را در طلوع نام و کام او ازیاد می بردند و تداوم آرمان هایشان را در صلای مردانگی و عزت او- که او هرگز- آن را به پای دونان و دشمنان سوگند خورده مردم نریخت جستجو می کردند و چنین بود که تختی آرام آرام و نه یکباره و ناگهانی قهرمان شکست ناپذیر افسانه های دل مردم شد. او تبلور آرزوهای مرده و به طاق نسیان سپرده مردم شد".

تختی بزرگ، خود نیز به عمق علاقه خالصانه طبقات محروم و رنج دیده نسبت به خویش واقف بود، وی در پاسخ به خبرنگاران داخلی و خارجی که از او پرسیده بودند "با ارزش ترین مدالی که تا کنون گرفته ای کدام است "؟گفته بود ":بزرگترین پاداش و عالی ترین هدیه ای که گرفتم مدال یا نشان طلا و نقره نبود. قلب یک انسان بیش از هزاران مدال طلا ارزش دارد و من می دانم که هزاران هزار نفر از مردم حق شناس میهنم در قلب مهربان خودشان جای کوچکی هم برای من ذخیره کرده اند".

تختی که در خانواده ای مذهبی و معتقد پرورش یافته بود، از همان جوانی انسانی مومن و پرهیزگار بود. ایمانی خالصانه داشت، برای شرعیات اهمیت خاصی قائل بود و نماز و روزه اش هرگز ترک نمی شد ".شبهای جمعه همواره برای زیارت به حضرت عبدالعظیم می رفت "و ارادت خاصی به ائمه اطهار خصوصا حضرت ثامن الحج(ع) داشت.

نقافیان از مفسران قدیمی ورزش در مشهد با تجلیل از سجایای اخلاقی جهان پهلوان تختی می گوید ":تختی ارادت وعلاقه زیادی به حضرت امام رضا (ع) داشت و در هر فرصتی که پیش می آمد و یا قبل از هر سفری به خارج به مشهد می آمد و به زیارت و پابوسی آن حضرت مشرف می شد. وقتی وارد حرم حضرت رضا (ع) می شد، دیگر خودش نبود، آستان بوسی او به قدری خاضعانه و بی پیرایه بود که همه همراهان و اطرافیان را تحت تاثیر قرار می داد".

تختی در آخرین مصاحبه اش در مورد رمز موفقیت خود را تاسی از ائمه اطهار دانسته و می گوید: من ازعلی(ع) آموختم که در مقابل ناملایمات باید ایستادگی کرد و برای پیروزی باید تلاش کرد و با اتکال به خدا به میدان رفت و پیروز شد و من چنین کردم و پیروز شدم، ولی نه آن پیروزی که من می خواستم چرا که نگذاشتند و سد راهم شدند.

ساده زیستی، قناعت و مناعت طبع از صفات بارز جهان پهلوان بود. او با وجود مشکلات مالی که به ویژه در اثر فشارهای رژیم گریبانگیر او بود، نه تنها حاضر به پذیرش پیشنهادات وسوسه انگیزی که به او می شد نبود که با بزرگواری، مستمری محدود خود را نیز به کشتی گیران نیازمند حواله می کرد.

شاه حسینی یکی از دوستان نزدیک تختی ضمن بیان خاطره یکی از دیدارهای خود با وی از قول جهان پهلوان نقل می کند": اومدن به من می گن حالا که بعضی از آقایون ورزشکار فیلم بازی کردن و از نظر مال و تمول، شارژ شدن، تو هم بیا پول کلونی بگیر و تو یکی دو تا فیلم بازی کن. من بهشون گفتم آقا از من این کارها ساخته نیست. ما اگر پول می خواستیم از طریق مشروع ترهم می شد".

وی ادامه داد ":نماینده کمپانی تیغ ناست اومده پیشنهاد کرده که بیا پای آینه با این تیغ های ناست یه خورده صورتت را بتراش ما هم مبلغ زیادی می دیم "و بعد از نقل این پیشنهاد یک مصرع شعر خواند ":عمر عزیز است و صرف غم نتوان کرد. "وقتی دست و پا شکسته این مصرع را خواند گفت: بقیه اش یادم رفته.

تختی هر بار که عازم سفر ورزشی بود، به مشهد می رفت و به ثامن الحجج(ع) متوسل می شد، در عین حال که دستگاه تربیت بدنی و سرشناسان شهر به او بسیار احترام می گذاشتند و استقبال می کردند، او به خانه وفادار- پهلوان صاحب بازوبند- وارد می شد و همیشه می گفت ":ما باید بریم خونه وفادار چون آبگوشت خونه وفادار می ارزه به تمام غذاهای دیگه و چلوکباب توکلی".

"بینی و بین الله مردم ما هم الحق پاسخ خوبی به جهان پهلوان خود دادند. پس از سی سال از مرگ او نسلی که نه او و نه کشتی اش را دیده و تنها اسمی از او شنیده، این چنین شیفته اوست و هر سال یادش را گرامی می دارد. ما از تختی کشتی گیرتر داشتیم، اما مردم برای" سگک نشستن "شیفته اش نشدند. مدال بگیر هم زیاد داشتیم ولی تختی بود که " مدال مردم "را گرفت".

مردمداری و دستگیری نیازمندان یکی دیگر از خصایص بارز جهان پهلوان بود که در این مورد حکایت های بسیار زیادی نقل شده است. بابک فرزند پدر نادیده که تختی را از ورای انبوه سخنان و خاطرات مردم بازشناخته است در این مورد می گوید ":از دستگیری های تختی خاطره خیلی زیاد است. از کمک به یک زن و مرد فلج که تازه ازدواج کرده بودند تا دکه مطبوعاتی خریدن برای یک جوان بیکار و... می گویند هر وقت کادویی از طرف راه آهن- محل کارش- یا بقیه سازمان ها ودستگاه ها می گرفت، بدون اینکه آنها را بازکند به کسانی می داد که ناگفته سرپرستی شان را به عهده داشت بعد از شب هفت، یکی از دوستانش می بیند که پیرزنی در راهروهای فدراسیون کشتی می گردد. از او می پرسد ":مادر چی می خوای؟ دنبال کی می گردی "؟پیرزن می گوید ":والله نمی دونم دنبال کسی می گردم که قد و قواره اش به پهلوونها می خوره او میومد به من کمک می کرد، چند وقتیه که پیدایش نیست، گفتم شاید بتوانم اینجا ازش خبری بگیرم".

... و بالاخره تختی با مردم بود و از مردم، مردمگرایی در ذاتش بود، یک بار که دانشجوها در دانشگاه تهران تحصن کرده بودند و دانشگاه هم محاصره بوده و کسی امکان تردد به دانشگاه نداشته، تختی با ظرف های غذا از دانشگاه وارد می شود، خوب پاسبان ها هم او را می شناختند و کاری با او نداشتند. چون غذا کم بوده، او از درهای متعدد دانشگاه وارد می شود و کار غذا رسانی را تکرار می کند.

بابک با اشاره به علاقه و سمپاتی متقابلی که مردم نسبت به تختی داشتند، برخورد آنها با جهان پهلوان را نظیر اعتمادی می داند که نسبت به پهلوان های قدیم وجود داشت.

وی می گوید ":یک بار پدرم که از آلمان با ماشین شخصی راهی ایران بوده، یکی از دانشجویان ایرانی که خانم آلمانیش را می خواسته به ایران بفرستد می فهمد که تختی راهی ایران است. نمی دانم چرا خانمش را با هواپیما نمی فرستاده، شاید به خاطر اینکه

پول نداشته، در فرانکفورت به سراغ تختی می آید و خانمش را می سپرد به دست تختی. ظاهرا ماشین تختی ایرادی داشته. تختی عنوان می کند خیلی خوب ماشین رفیق من هست خانم شما می تواند با او بیاید. ولی آن دانشجو می گوید فقط باید در ماشین خودت سوار شود. بالاخره او با تختی به ایران می آید و این زمینه دوستی های بعدی دانشجوی ایرانی با تختی می شود. به هر حال تختی در جامعه ما پدیده ای بود".

"تختی در طول عمر خود تنها یک بار دست نیاز به سوی دیگران دراز کرد و آن هم بخاطر مردم و این دست با صمیمیت شرافتمندانه بدرقه شد".

شهریور ماه ۱۳۴۱ چند روز پس از زلزله ویرانگر "بویین زهرا "پهلوان و چندنفر از دوستانش در حالی که اخبار و تصاویر ساکنان مصیبت زده و ویرانه های مناطق زلزله زده را در روزنامه نگاه می کردند، ضمن صحبت هایشان در مورد علت کم بودن کمک های مردمی و بی توجهی مردم به مراکز جمع آوری اعانه راه اندازی شده در شهر بحث می کردند . بعضی از دوستان تختی معتقد بودند که مردم توجهی به مصیبت هموطنان خود ندارند و حاضر نیستند کوچکترین کمکی به آنها بکنند. پهلوان، این سلاله پاک مردم، که به عمق مهربانی و ایثار هموطنان پاک نهاد خود و میزان بی اعتمادی و انزجار آنها از " خودکامگان حاکم "واقف بود، می گفت: علت بی توجهی مردم به این مراکز کمک رسانی، نداشتن اطمینان به حکومت و کسانی است که معرکه گردان این جریان شده اند. پیش کشیده شدن این بحث و مخالفت یکی از دوستان تختی با نظر او ناگهان فکری را به ذهن پهلوان انداخت. تختی تصمیم گرفته بود که خود وارد این میدان شود البته نه برای اثبات گفته هایش بلکه "برای این که به هر حال یک نفر باید وسط بیفتد و سبب خیر شود".

فردای آن روز تختی بدون هیچ اعلان و تبلیغاتی اول صبح به چهار راه ولیعصر فعلی رفت و تصمیم خود برای جمع آوری اعانه به نفع زلزله زدگان را به کمک دوستانش به اطلاع مردم رساند. پس از آن غوغایی به پا شد که در تاریخ مشارکت های مردمی ایران کم نظیر و شاید بی نظیر بود. محمود رفعت از دوستان و علاقمندان جهان پهلوان و نویسنده کتاب " تختی مرد همیشه جاوید "این واقعه تاریخی را چنین نقل می کند ":مردم که دهن به دهن خبردار شده بودند از دور و نزدیک خودشان را رسانده بودند به پهلوان و بی دریغ هر چه از دستشان برمی آمد کمک کرده بودند. چند دانشجو کتشان را درآورده بودند و انداخته بودند روی تل بزرگ لباس ها، پتوها، ظرف و ظروف ها، طلا و جواهرات و خلاصه هر چیزی که عابران معمولا همراه دارند یا خانه دارها می توانستند از آن صرف نظر کنند.

در این میان پیرزنی چادرش را از سرش برداشته بود و بعد از دادن آن به پهلوان پیشانیش را بوسیده و گفته بود ":پسرم خدا عمرت بدهد که به فکر مصیبت زده ها هستی، خدا عزتت را بیشتر از این ها بکند که غصه خانه خراب ها را می خوری، من خجالت زده ام که چیز دیگری ندارم".

پهلوان در حالی که چشمایش از اشک برق می زد چادر را برداشت و ملتمسانه از پیرزن خواهش کرد که آن را بگیرد. پیرزن چادر را که تختی به او داده بود دوباره روی تل هدایا انداخت و با لحن مادری که از حرف گوش نکردن فرزندش بی حوصله شده گفت ":مرحمت خشک و خالی که فایده ندارم، پسرم".

پیرزن وقتی با تردید دوباره پهلوان مواجه شد، خشمگینانه گفت ":یعنی ما فقیر بیچاره ها حق نداریم":

صورت پهلوان یک دفعه رنگ به رنگ شد، گفت ":شما را به خدا این حرف را نزنید . شما از هر ثروتمندی ثروتمندترید، حق دارترید، چون که بلندنظرتر و باگذشت ترید.

پیرزن همین که سرخ شدن صورت پهلوان را دید به گریه افتاد، اما چشم هایش را به تندی با گوشه لچکش پوشاند و عقب عقب خودش را از جمع مردم بیرون کشاند و رفت".

"کیهان ورزشی "که خبر این رویداد را با عنوان "تختی، گوهر گرانبهای ملت ما "در شماره ۲۴ شهریورماه ۱۳۴۱ خود به چاپ رسانده بود، ثمره دو روز پیاده روی تختی را چهارکامیون خواربار و پوشاک و بیست هزار تومان پول نقد(که در آن زمان رقم بسیار بالایی به حساب می آمد) نوشته است.

جوانمردی، فتوت و صفات انسانی تختی که ریشه در اعتقادات و باورهای عمیق او داشت هرگز به عرصه های اجتماعی و برخوردهای مردمی وی محدود نمی شد. جهان پهلوان این سلاله خلف "پوریای ولی "در میادین ورزشی و رقابت های جهانی نیز منش والای خود را به نمایش می گذاشت.

در این مورد خاطره ها و روایت های فروانی نقش شده است، الکساندر مدوید، کشتی گیر صاحب نام شوروی سابق و رقیب مقتدر تختی در این مورد خاطره جالبی دارد ":در تولیدو(۱۹۶۲) تختی و من دیدار نهایی را برگزار کردیم. در جریان این مسابقه ها، پای راست من به شدت ضرب خورده و روحیه ام را خراب کرده بود. فکرم متوجه تختی بود که باید با این پای ناجور با او مبارزه می کردم. به راستی تا آن موقع از خصوصیات اخلاقی، رفتار و کردار انسانی و والای تختی خبرنداشتم. اما در آنجا به عظمت، انسانیت و جوانمردی تختی پی بردم و تحت تاثیر آن قرار گرفتم. او که شنیده بود پای راست من ضرب دیده با این پا به خوبی مدارا کرد و هرگز نخواست با هجوم به این پا مرا زجر دهد. او تا آخرین لحظه، مردانه و تمیز کشتی گرفت و از پای ناراحت من اصلا استفاده نکرد. تختی با این کارش نشان داد که یک قهرمان به معنای واقعی است. بعد از این جریان، ما به صورت دو دست صمیمی درآمدیم.

او همیشه مرا دوست می داشت. او ملت خودش را هم دوست می داشت و فکر می کنم تختی اصلا برای ملتش زندگی می کرد. آشنایی با او برای من افتخار بزرگی به حساب می آید.

تختی بسیار خوب و فنی کشتی می گرفت و من چیزهای زیادی از او آموختم. ما روی تشک دو حریف سخت کوش بودیم و در خارج از تشک دو دوست جدانشدنی، تختی می تواند الگوی خوبی از نظر ورزشی و اخلاقی برای جوانان شما باشد"

زندگی جاوید این پهلوان مردم، فصلی که به شهادت ۳۵ سال حضور مستمر و بالنده او هرگز آخرین فصل حیات او نبوده است.

احترام به پیشکسوتان

احترام به پیشکسوت در فرهنگ ورزش و بخصوص در کشتی که ورزشی پهلوانی است یک سنت بسیار مهم و خدشه ناپذیر است که باعث تشویق جوانان و دلگرمی بزرگان می شود.

احمد وفادار از پهلوانان نامی ایران بود که قبل از تختی سابقه بستن بازوبند پهلوانی ایران را داشت. او درمسابقات جهانی کشتی هم سابقه شرکت دارد. او در گفته هایش نمی تواند خوشحالی خود را از رعایت سلسله مراتب کسوت توسط جهان پهلوان تختی پنهان کند:

او یک انسان واقعی بود و احترام به بزرگان و پیشکسوتان را همیشه رعایت می کرد. یادم نمی رود شبی را که همراه وی به یکی از زورخانه های تهران رفتیم به او پیشنهاد دادند که تخته شنا را وسط گود بگذارد و میانداری کند ولی او قبول نکرد و گفت: جایی که وفادار هست من این کار را نخواهم کرد. در پایان مراسم که قرار شد جوایز گروهی از قهرمانان کشتی اهدا شود او باز هم قبول نکرد و این کار را به من واگذار کرد. او احترام خاصی برای سنت های خوب ورزش قهرمانی قائل بود.

وقتی تختی به مشهد می آمد خیلی ها دوست داشتند او را به طرف خود بکشانند. خیلی از دست اندرکاران و مسئولین هم از او دعوت می کردند، اما تختی دعوت هیچکس را قبول نمی کرد و فقط به خانه من می امد و

می گفت: آبگوشت خانه پهلوان وفادار را به سفره های رنگین دیگران ترجیح می ده.

وی چهار ماه پس از بازگشت از آخرین سفر خود(تولیدو،۱۹۶۶) در آبان ماه سال ۱۳۴۵ زندگی مشترک خود را با همسرش آغاز کرد؛ که حاصل آن تولد بابک در سال ۱۳۴۶ بود و سرانجام پس از گذشت چهار ماه از تولد فرزندش خبر درگذشت جهان پهلوان همه را در اندوهی عظیم و بهتی شگفت انگیز فرو برد.

۱۷ دی ماه ۴۶ وقتی روزنامه ها نوشتند : غلامرضا تختی خود را کشت مردم باورشان نشد .آنها مطمئا بودند که تختی را چیز خورش کردند حتی اسم سم را هم میدانستند باربی توریت .آنها می گفتند غلامرضا را کشتند و عکس پهلوان را می گذاشتند روی طاقچه کنار قرآن و شمایل مولا ـ نکته مشترکی که در نشریات زمان مرگ تختی به چشم می‌خورد، اشاره‌ای است به دست نوشته‌های او، اگرچه هیچ‌کجا سند یا عکسی در مورد اصل این دست نوشته‌ها یا دفترچه یادداشت دیده نمی‌شود. و هیچ سندی برای اعتبار آنها وجود ندارد. شاید به نظر می رسد این نوشته ها هم برای گمراه کردن افکار عمومی و با اندیشه ای خاص تهیه و چاپ شده است. این موضوع نیز مانند مرگ پهلوان رمز بزرگی است که هنوز جوابی برایش وجود ندارد.

او خودش بود :

جلال آل احمد در وصف او می گوید : «او پوریای ولی نبود. او هیچ کس نبود، او خودش بود، بگذار دیگران را به نام او و با حضور او بسنجیم. او مبنا و معنای آزادگی است ... و هرگز به طبقه ی خود پشت نکرد.»

«اطلاعات» نیز این چنین از تختی قدردانی کرد: «او خورشیدی بود که غروب کرد و مردی بود که به صورت افسانه تا ابد باقی خواهد ماند.» و این حقیقتی انکارناپذیر است. برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

تدین، حبیب‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: کشاورزی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تبریز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

تدینی، رحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

تدینی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس تدینی در رشته حقوق به تحصیل پرداخت و دکترای خود را از دانشگاه سوربن فرانسه اخذ کرد. او پس از کسب مدارج عالی تحصیلی، به امر تدریس در دانشگاه شیراز مشغول شد و ضمن آن معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده حقوق را به عهده گرفت. علاوه بر آن وی آثاری نیز به رشته تحریر درآورده که برخی به صورت ترجمه می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عباس تدینی در رشته حقوق به تحصیل پرداخت و پس از طی نمودن مقاطع مختلف تحصیلی، سرانجام دکترای خود را در سال ۱۹۹۱م، از دانشگاه سوربن فرانسه اخذ کرد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عباس تدینی معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده حقوق را به عهده دارد.

فعالیتهای آموزشی : عباس تدینی به عنوان کادر آموزشی و عضو هیئت علمی در دانشکده حقوق دانشگاه شیراز اشتغال دارد. او دروسی چون حقوق بین الملل عمومی ۱و۲ – حقوق بین الملل خصوصی ۱و۲ – حقوق سازمانهای بین المللی – حقوق حل اختلاف بین الملل – داوری بین الملل – حقوق دریاها – حقوق مخاصمات مسلحانه بین المللی – حقوق منابع طبیعی – نظامهای سیاسی – بررسی تفصیلی برخی از مسائل حقوق بین الملل – حقوق بین الملل معاهدات – مسئولیت بین المللی دولتها – حقوق دیپلماتیک و کنسولی تدریس می نماید.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عباس تدینی ضمن تحریر مقالات و آثاری به زبان فارسی، با توجه به تسلط به دو زبان فرانسه و انگلیسی، ، آثاری نیز توسط او ترجمه شده است. ---

آثار :

۱ بررسی مشکلات استخراج نفت در دریاها(مجله دیدگاههای حقوقی دانشکده علوم قضائی تهران)۲. اعمال صلاحیت ملی در دریاها۳. دلایل ادامه بمباران عراق توسط ایالات متحده (مجله سیاست خارجی) .

۲ حقوق بین الملل ۱و۲ – حقوق استخراج نفت از دریاها – شیوه حقوقی حل وفصل اختلافات بین المللی و بین الدولی .

تذرو اصفهانی، فرج‌الله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. در اصفهان متولد شد، برای کسب کمال به شیراز رفت، پس از کسب دانش به اصفهان برگشت. وی در جوانی بدرود حیات گفت. از او قصایدی در مدح معتمدالدوله به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۳۳۲ –۳۳۱ /۱).

تذروی ابهری قزوینی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۵ ق)، شاعر. از بلده‌ی ابهر بود و خواهرزاده مولانا نرگسی ابهری. وی نخست از ایران به خاک عثمانی، آنگاه به هند رفته و نزد بیرام‌خان، وزیر تیموریان هند، تقرب یافته است. تذوری در جنگ دامن کوه اسیر شد و بعد از رهایی به دست دزدان کشته شد و در اگره در خانه‌ی شخصی‌اش دفن شد. تذوری در سرودن مثنوی قدرتی عجیب داشته است، مثنوی «حسن یوسف» را به وزن «خسرو و شیرین» برای یوسف محمدخان پسر خان‌اعظم سرود و همچنین «ده نامه‌ای در تتبع ده نامه ابن‌عماد»، به نام اعظم‌خان کوکلتاش سرود. از وی «دیوان» شعری نیز بر جای مانده است که در هند معروف است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۵۶ –۱۱۵۴ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۵۴۳)، الذریعه (۱۶۰/۱۹، ۱۶۸/۹)، صبح گلشن (۸۳)، فرهنگ سخنوران (۱۸۲)، کاروان هند (۲۱۳ –۲۰۹ /۱)، منظومه‌های فارسی (۱۹۶)، هفت اقلیم (۱۹۶ –۱۹۴ /۳).

تذهیبی اصفهانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، مذهب و شاعر. وی مردی نیک‌خو، شیرین سخن و بذله‌گوی بود. در تذهیب، جدول‌کشی، الوان و افشان‌سازی کاغذها و مرقعات و در هنر ابری‌سازی به سیاق تلفیق رنگ و روغن بسیار هنرمند بود و از شاگردان یحیی قزوینی به شمار می‌آمد. او در اقسام مختلف شعر نیز دست داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۲۶ –۱۲۵ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۲۱)، الذریعه (۱۶۹/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۸۲)، گلستان هنر (چهل و دو)، مجمع الخواص (۲۴۰ –۲۳۹).

تذهیبی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۲ ش)، مذهب و خطاط. معروف به آقا محمدعلی. وی نوه‌ی استاد محمدعلی بهار، فرزند میرزا ابوطالب مدرس است که در صنعت تذهیب دستی داشته و در زمان خود از تذهیب کاران شیرین قلم بوده است. آقا محمدعلی علاوه بر زرنشان کردن قلمدان، در حواشی نقاشی‌های میرزا آقا امامی، هنرمند معاصر خود، تذهیبهای جالبی کرده است. او در شعر و شاعری نیز صاحب قریحه بود و از خوشنویسی و علوم دینی سررشته داشت. وی در ۱۳۱۰ ش در مدرسه‌ی کمال‌الملک، به عنوان معلم نقاشی قالی استخدام شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۹۳۰/ ۲)، هنر قلمدان (۱۶۷ -۱۶۵).

تراب جهرمی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به تراب. وی در کوی مصلی جهرم می‌زیسته و قریب هزار بیت شعر سروده است. در قبرستان شاه حاجات دفن است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمند و سخن‌سرایان فارس (۲۱ -۲۰ /۲).

تراب کاشی، محمد هاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۵۶ ش)، شاعر. در کاشان متولد شد و در همان شهر مقیم بود و به شغل خیاطی اشتغال داشت. اثر وی «منتخب قصاید و غزلیات» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مولفین کتب چاپی (۷۴۹ -۷۴۸ /۹).

ترابای اصفهانی، ابوتراب

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۷۲ ق)، خطاط و شاعر. اصل او از اصفهان بود. در خوشنویسی از شاگردان ملافایضی و سپس میرعماد بود. رابطه ترابا و میرعماد از شاگردی و استادی فراتر بود و به مرز مریدی و مرادی می‌رسید. سالها نزد وی تعلیم خط گرفت و بسیار شبیه استاد می‌نوشت. فرزند وی، محمدصالح، نیز از استادان خط نستعلیق بود. ترابا در مرگ استادش میرعماد مرثیه‌ای سروده است و اولین کسی بود که بعد از کشته شدن میرعماد، بر سر نعش استاد حاضر شد. مقبره‌ی ترابا در مسجد لنبان اصفهان و در جوار مزار خواجه صاین‌الدین ترکه است. در خوشنویسی آثار رقم‌داری از وی باقی مانده است که از آن جمله‌اند: قطعه‌ای به قلم چهاردانگ و دودانگ خوش، با رقم: «ترابا»؛ یک قطعه به قلم دودانگ خوش، با رقم: «ابوتراب ۱۰۵۲» و یک نسخه «سبحهٔالابرار»، بدون رقم که به وی نسبت داده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۶ -۲۴ /۱)، پیدایش خط و خطاطان (۸۱)، تاریخ اصفهان (۱۵۴ -۱۵۳)، تذکره الخطاطین (۱۲ -۴ /۲)، تذکره القبور (۶۶)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۰۸)، خوشنویسان و هنرمندان (۵۴)، الذریعه (۱۶۹/۹)، ریحانه (۴۴/۷)، فرهنگ سخنوران (۱۸۳)، مخزن الغرائب (۴۲۹/۱).

ترابی بلخی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. ملا ترابی از مداحان امامقلی خان بود که بیشتر مدت عمر را بر سر مزاری که به مرقد امیرالمومنین علی ابن ابیطالب علیه‌السلام در بلخ مشهور است، معتکف بود. ترابی در همان شهر درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۴۰)، الذریعه (۱۶۹/۹)، صبح گلشن (۸۴)، فرهنگ سخنوران (۱۸۳)، نشتر عشق (۲۹۴/۱).

ترابی مشهدی، ابوتراب

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۶۰ ق)، شاعر. وی ابتدا تراب و ترابی و سپس فطرت تخلص می‌کرد. میر ابوتراب پدر میررضی دانش بود. مدتی با پدر به ممالک هندوستان برای سیاحت سفر کرد و به خراسان بازگشت، برای بار دوم به دکن رفت و به ملاقات میر محمدزمان صف‌شکن رسید و در آنجا به مرتبه‌ای بلند دست یافت. به سبب خصومتی که میان فرمانفرمای هند و پادشاهان دکن بود، اموال ترابی مصادره و خود ره به زندان افتاد. میر ابوتراب در قلعه‌ی گوالیار محبوس شد ولی، پس از چندی به خواهش خادمان و یاران آزاد شد و به مشهد بازگشت. وی بار دیگر از خراسان به هندوستان رفت در حیدرآباد دکن وفات یافت و در دایره میر محمدمومن که گورستان مقرری ایرانیان بود، به خاک سپرده شد. از اوست:

شب هجران به سرم اخگر غم می‌پاشید

خنده می‌کردم و از خنده الم می‌پاشید

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۷۱۴، ۱۸۳)، کاروان هند (۲۱۷ -۲۱۳ /۱)، مآثر رحیمی (۱۲۳۶ -۱۲۲۴ /۴).

ترابی، اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اکبر ترابی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۲۹

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۸ در خانواده ای مذهبی دیده به دنیا گشوده دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهرستان شهرضا با اخذ دیپلم ریاضی به پایان رسانیدم . در سال ۱۳۵۶ به حوزه علمیه قم وارد و در طی سه سال دوران مقدمات را طی کرده به تحصیل مکاسب و رسائل و کفایه در خدمت اساتید بزرگواری مانند آیت الله ستوده و استاد موسوی تهرانی و استاد اعتمادی پرداختم .در سال ۱۳۶۰ همزمان با درس کفایه به خارج قضا و درس رجال آیت الله جعفر سبحانی حاضر شدم . در سال ۱۳۶۱ در درس فقه و اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی شرکت کردم و مدت ۱۳ سال افتخار شاگردی آن بزرگوار را داشتم . در خلال حضور در درس اساتید فوق به تدریس ادبیات و لمعه و اصول الفقه اشتغال داشته مدت ۲۴ سال فقه و اصول را تدریس کرده ام و از سال ۱۳۸۰ به تدریس مکاسب و رسائل مشغول هستم . در دوران دفاع مقدس مدت ۱۷ ماه در دفتر نمایندگی امام (ره _) پس از رحلت امام قدس سره به دفتر نمایندگی ولی فقیه تغییر نام یافت _ در تدارکات سپاه به عنوان معاون، خدمت کرده بارها در جبهه دفاع مقدس همگام با رزمندگان دلاور بسیجی حاضر شدم .از کارهای فرعی علاوه بر تبلیغ و عهده دار بودن سمت روحانی کاروانهای حج و عمره , در امر تنظیم سوالات امتحانی حوزه و تصحیح اوراق و ممتحن امتحانات شفاهی حوزه نیز همکاری دارم ولله الحمد .

ترابی، رشید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رشید ترابی واعظی توانا و خطیبی اریب و فاضلی حسیب بودند.

وی در آنجا پرورش و تحصیل خود را در مدرسهٔالواعظین هندوستان تکمیل و در کراچی که یکی از پایگاه‌های مهم شیعه هندوستانست اقامت اختیار و از طریق منبر به تبلیغ ولایت و فضائل اهل‌بیت رسالت علیهم‌السلام پرداخته و در شهرهای بمبئی و حیدرآباد و رنگون و مسقط و لگنهو وحیدآباد سند و لاهور و کویته ط و زنگبار و غیره مسافرت و منبرهای پرشوری رفته است.

مرحوم رشید ترابی بیشتر اساس و برنامه منبرش گفتن مطاعن غاصبین و ظالمین اهل‌بیت و خاندان مظلوم پیغمبر علیهم‌السلام و فضائل آن برگزیدگان عالم بود و مردم پاکستان و هندوستان و غیره توجه و علاقه تامی به منبر و سخنان او داشتند و در هر کجا منبر می‌رفت جای بر مردم تنگ می‌شد و ده‌ها هزار نفر برای استماع بیانات او شرکت و ابراز احساسات و تظاهرات به رسم و عادت خود می‌نمودند.

وی به زبان فارسی و عربی و اردو انگلیسی و غیره وارد و صحبت می‌کرد و همه طبقات را مستفیض می‌نمود.

نگارنده ده شب اول محرم را قبل از منبر وی در حسینیه انجمن ایرانیان در سال ۱۳۸۹ ق منبر رفتم و نسبت به حقیر محبت و علاقه داشت.

فرزندان متعددی داشت که در میان آنان جناب مستطاب حجهٔالاسلام و فاضل علام آقای حاج میرزا عقیل ترابی از افاضل معاصر است.

وی چندین سال در عصر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی در قم اشتغال به تحصیل داشت و در اواخر عمر آن مرحوم مسافرت به نجف و چند سالی از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم و آیت‌اللّه العظمی خوئی و دیگران استفاده نموده و بعد به امر مرحوم آیت‌اللّه حکیم به لندن عزیمت و برای رهبری شیعه هندی انگلستان در آنجا اقامت و به خدمات دینی و تبلیغ دین اسلام و ترویج احکام اشتغال یافته و تا حال تحریر نیز در آنجا به انجام وظائف موفق می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ترابی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی ترابی

محل تولد : سکردوبلستان

شهرت

تابعیت : پاکستان

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی ترابی فرزند احمد از کشور جمهوری اسلامی پاکستان دارای کد ۱۲۵۲۱۸۴ می باشم بنده در سال ۱۹۷۶م به دنیا آمدم در سن ده سالگی در دارالقرآن واقع در منطقه روندو مشغول به فراگیری کلام الله مجید شدم بعد از سن ۱۲ سالگی مشغول به خواندن دروس دولتی شدم که در همان زمان بخاطر علاقه که به معارف علوم دینی داشتم در یک مدرسه دینی پذیرش شدم و ادامه تحصیلات علوم اسلامی را در کنار علوم دولتی ادامه دادیم. و مدرسه جامعه المنتظر تا حد لمعه ج اول فرا گرفته بودم در این هنگام به تشویق بعضی از استاد شدم برای ادامه تحصیل به کشور جمهوری اسلامی انقلابی ایران شهر مقدس قم آمدم هم اکنون در مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی در سطح ۲ مشغول به ادامه تحصیل می باشم. والسلام

ترابیان، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن ترابیان

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۷۲ جهت ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم وارد شدم و طی سه سال دوره مقدمات حوزه را طی نمودم و در سال ۷۵ در امتحان ورودی موسسه امام خمینی (ره) پذیرفته شدم و در کنار دروس موسسه دروس سطح را در محضر اساتید حوزه استادان علیدوست ، محمدی ، حسینی ، عالی ادامه داده در سال ۷۹ دوره سطح سوم را به پایان رسانده در سال ۸۰ در درس خارج آیت الله العظمی مکارم شیرازی و آیت الله سبحانی شرکت نمودم ولیکن به علت های مختلف در سال ۸۳ به دادگستری رفته به شغل خطیر قضاوت پرداختم و در ضمن در سال ۸۱ با دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) و اخذ نمره عالی موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم .

تربتی خراسانی، عمادالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ / ۱۲۹۹ ش)، شاعر، متخلص به عماد. در مشهد به دنیا آمد و تحصیلاتش را در زادگاهش به انجام رسانید. از دوازده سالگی به نظم پرداخت و بر اثر تشویقهای پدرش گام در راه پیشرفت گذاشت و با شرکت در انجمنهای ادبی به رموز و فنون شعر آگاهی یافت. وی به کشاورزی اشتغال داشت. از آثارش: «یک شب در بهشت»؛ «چند غزل از عماد»؛ مثنوی «شبی بر مزار خیام».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۷۶۶ –۷۶۵ / ۹)، سخنوران نامی معاصر (۲۵۳۹ –۲۵۳۲ / ۴)، صد سال شعر خراسان (۴۱۰ –۴۰۶)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۷ / ۴).

تربتی خراسانی، یوسف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطیب و شاعر. اهل تربت حیدریه بود. وی واعظی فاضل و دانشمند بوده که گاهی هم شعر می‌سروده است. این بیت از او است:

شکستم عهد و پیمانی که با زهد و ریا بستم

چو بستم بر در میخانه با پیمانه پیمانی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۲۱۲۸/۳).

تربتی نژاد، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن تربتی نژاد

محل تولد : گرگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب بعد از اخذ مدرک دیپلم در رشته ی فنی ماشین افزار با وجود قبولی در کنکور سراسری در رشته مهندسی وارد حوزه علمیه امام خمینی شهرستان گرگان که زیر نظر نماینده ولی فقیه در استان گلستان بود شدم. ادبیات عرب ، منطق مظفر و مختصر المعانی را به مدت چهار سال در نزد اساتیدی چون حجج اسلام رضمان پور ، برقرار، افضلی و ... پشت سر نهادم و فقه و اصول فقه مظفر ر ا نیز در نزد اساتیدی همچون حجج اسلام میر بهبهانی ، افضلی و مرحوم سید علی رئیسی گذراندم. و همچنین مکاسب محرمه را نزد آیت الله محمدرضا میبدی و رسائل و کفایه را نزد آیت الله نور مفیدی شاگردی نمودم. و در سال تحصیلی ۷۲–۷۱ برای ادامه تحصیل به حوزه علیمه قم مشرف شدم و در این سال کفایه ۲ را نزد استاد آیت الله موسوی تهرانی و بقیه ی مکاسب را محضر اساتیدی مثل حجهٔ الاسلام بیگدلی به اتمام رساندم. بعد از اتمام سطح سوم حوزه به مدت ۲ سال دردرس خارج اصول آیت الله سبحانی شرکت نمودم و به مدت ۱۱ سال در درس خارج فقه حضرت آیت الله مکارم شیرازی نیز شاگردی نمودم و همچنین لازم به ذکر است که به مدت ۷ سال نیز در درس خارج اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی نیز شاگردی کرده ام.

اما اینجانب دروس دانشگاهی را در سال ۷۳ با قبولی در کنکور سراسری و پذیرفته شدن در امتحاناتت اختصاصی دانشگاه مفید (مصاحبه ی علمی) در رشته علوم سیاسی مشغول به تحصیل شده ام. در سال ۷۶ کارشناسی را به اتمام رسانده و ۲ سال بعد یعنی سال ۷۸ با شرکت در کنکور ارشد و کسب رتبه یازدهم در گرایش اندیشه ی سیاسی مجددا در دانشگاه مفید پذیرفته شده و ادامه تحصیل داه ام و در سال ۸۱ با دفاع از پایان نامه فارغ التحصیل شدم. ولی برای ادامه تحصیل در دکتری تا بحال اقدامی نکردم.

تربتی، اسحاق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۳۷ –۱۱۵۷ ق)، فقیه و متکلم امامی. وی در تربت حیدریه به دنیا آمد و در آن شهر و مشهد رضوی تحصیل کرد تا در فقه و اصول و معقول و منقول استادی یافت. پس از آن به تدریس و ارشاد شاگردان پرداخت. تا سالها در آن شهر ساکن بود، در اواخر عمر به سفر حج رفت، اندکی پس از بازگشت از سفر حج از دنیا رفت. از جمله آثارش: حاشیه بر «الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه» شهید ثانی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۹۱/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۲ –۱۲۱ /۱۳)، فوائد الرضویه (۴۲)، مکارم الآثار (۱۰۴۲/۴)، منتخب التواریخ (۶۲۵ –۶۲۴).

تربتی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۰۰ ق)، فقیه امامی. وی از اهالی تربت حیدریه بود اما در سبزوار ساکن بود. در میان مردم شهر زعامت و مرجعیت تام داشت. فرزندش، محمدتقی نیز از بزرگان علمای شیعه و از شاگردان میرزای شیرازی بود. از جمله آثار وی: «الاجتهاد و التقلید»، به عربی؛ «الرد علی من ادعی قطعیه صدور الاحادیث المرویه فی الکتب الاربعه»؛ شرح «الروضه البهیه» شهید ثانی، که خودشرحی بر « اللمعه الدمشقیه» شهید اول است؛ شرح «دعاء الندبه» که در آن به رد فرقه‌های بابی و بهایی پرداخته؛ «المحاکمات بین المحققین الاصولیین» که در آن به داوری میان میرزای قمی، شیخ محمدحسین اصفهانی، صاحب «فصول» و برادرش شیخ محمدتقی اصفهانی پرداخته است؛ «النکاح»؛ «الرضاع»؛ «الواقف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۹۳/۶ –۲۷۱/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۹۸ ،۲۳۹ /۱۴).

تربتی، عباسعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ عباسعلی تربتی عالمی ناسک و دانشمندی زاهد و موصوف بتقوا و ورع و ضرب‌المثل مردم خراسان و برای او کرامات و مقاماتی حکایت کنند.

وی عمری را بپاکی و قدس واقعی گذرانیده و تبلیغ قولی و عملی و ایفاء وظیفه کرده و باجل موعود بموالیان طاهرین خود ملحق و در جوار حضرت ثامن‌الحجج علیه‌الصلوه والسلام در صحن جدید (نادری) مدفون گردیده است.

واعظ نامی و استاد گرامی آقای حاج شیخ حسینعلی راشد فرزند ارجند اوست که شهرتش او را مستغنی از تعریف و ذکر ما نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

تربتی، عبدالعلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۸۴ ق)، خطاط. از آثار وی: بازوبندی با جلد ساغری مشکی مذهب، دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع عالی، نسخ غبار خوش، با رقم: «وقع الفراغ... علی ید العبد... عبدالعلی بن محمد تربتی... سنه‌ی اربع و ثمانون و تسعمائه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۰۳ / ۴).

تربتی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از شاگردان شاه محمد نیشابوری بود و رتبه‌اش به دوری هروی نزدیک است. وی در مشهد مدفون است. در «مناقب هنروران» نام وی سلطان محمود تربتی آمده که با فهرست آخر کتاب همخوانی ندارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۶۷/۱)، مناقب هنروران (۷۱).

تربتی، محمد صالح

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۶ ق)، مدرس و فقیه امامی. وی در مشهد رضوی و عتبات تحصیل کرد. پس از پایان تحصیلات در عراق، به مشهد بازگشت و تا پایان زندگی در آن شهر به سر برد. وی در مشهد به تدریس و امامت جماعت می‌پرداخت و در ترویج مذهب شیعه می‌کوشید و مردم آن سامان وی را به ریاست و مرجعیت می‌شناختند. پیکرش را پس از مرگ در گورستان قتلگاه به خاک سپردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۷۰/۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۵۰/۱۳).

تربتی، مظفر علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۹۹۰ ق)، نقاش، خطاط و شاعر. ملقب به نقاش شاهی. از ولایت تربت و خواهرزاده و شاگرد استاد بهزاد بود. وی در تصویرسازی و چهره‌پردازی ماهر و در ارئه جانوران و گرفت و گیر آنها، صورتگری استاد بود و در تذهیب و تشعیر مقام شایسته‌ای داشت. هنر رنگ روغنی این هنرمند، بیشتر بر روی جلدها و قلمدانها بوده و در قطاعی نیز دست داشته است. مظفر علی در کتابت خط نستعلیق مهارت داشت و از شیوه‌ی سلطانعلی مشهدی پیروی می نمود و در شعر نیز، غزلسرایی ماهر بود. وی نزد شاه طهماسب معزز و محترم می‌زیست و اکثر تصاویر عمارت دولتخانه و چهل ستون این پادشاه در قزوین، از آثار اوست. مرگ مظفر علی در قزوین اتفاق افتاده و در مزار شاهزاده حسین دفن شده است. از آثار نقاشی وی: تصویر بهرام گور در شکارگاه که با یک تیر، پای آهویی را به گوشش دوخته و حیوان را زا حرکت باز داشته است، با رقم: «عمل استاد مظفر علی»؛ تصویر نجات یوسف از چاه بدون رقم؛ تصویر دیدار مجنون از لیلی که در زیر یک چادر رنگین بزرگان قوم نشسته‌اند و با مجنون صحبت می‌کنند و لیلی با ندیمه‌اش در بیرون چادر دیده می‌شود، بدون رقم؛ تصویر رستم زال در نخجیرگاه، بدون رقم. از آثار خطی وی: دو قطعه از مرقع امیر غیب بیگ، به قلم سه دانگ و دو دانگ خوش، با رقم: «الفقیر مظفر علی» و «فقیر مظفر علی»؛ یک نسخه «گلستان» و «بوستان» سعدی، با رقم: «کاتب السلطانی مظفر علی» و تاریخ ۹۷۵ ق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۱۲/ ۳)، احوال و آثار نقاشان (۱۱۷۱ -۱۱۶۴/ ۳)، تاریخ نظم و نثر (۵۲۵)، تاریخ هنرهای ملی (۸۳۵ -۸۳۴/ ۲)، خوشنویسان و هنرمندان (۱۰۳)، الذریعه (۱۰۶۰/ ۹)، عالم آرای عباسی (۱۷۴/ ۱)، قزوین در گذرگاه هنر (۱۹۶)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۲۳ -۱۲۲)، گلستان هنر (۱۴۱)، لغت نامه (ذیل/ مظفر علی)، مجمع الخواص (۲۵۶ -۲۵۵)، هنر عهد تیموریان (۷۷۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۵۷۸، ۴۰۴)، هنر قلمدان (۲۴).

ترپوگوسیان، گریگور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۴، مرتبه علمی: استاد، رشته: شیمی، دانشکده: شیمی، دانشگاه: صنعتی شریف

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشگاه یوهانس گوتنبرگ مانیس آلمان غربی، کارشناسی ارشد پلیمر از مرکز تحقیقات پلیمر آلمان، دکترای شیمی آلی از دانشگاه یوهانس گوتنبرگ.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده شیمی دانشگاه صنعتی شریف.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

رنگ‌های غذائی، رنگ‌های پارچه، چسب چوب، استخراج تانین از گیاهان، استخراج قند از خرما، استخراج پکتین از میوه‌ها، تهیه فورفورال از ضایعات کشاورزی، تهیه قند کسیلیت از ساقه گندم، برنج و نیشکر، تهیه نشاسته از گیاه سور گرم و ساخت قندهای مختلف، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

ابداع:

روش تهیه آجر از رسوبات سد و شمگیر بدون پخت.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شیمی آلی، شیمی آلی آزمایشگاهی، شیمی پلیمر، شیمی رنگ، کروماتوگرافی، شیمی رنگ‌های پوششی، شیمی بهداشت و ایمنی آزمایشگاه و تجزیه کیفی عناصر.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

ترکیب کردن– N فلورسیولفونیل ایزوسیانات با مواد مختلف فسفردار، واکنش– N کربونیل سولفامید با اولفین‌ها، آشنائی با ساختمان مولکولهای رنگی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ترجانی، عایشه

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز نیمه اول قرن چهاردهم هجری، از زنان فاضل و دانشمند. وی فرزند ملاعلی قزلجی ترجانی بود. علوم متداول آن زمان را نزد پدرش فراگرفت و به اخذ اجازه تدریس نایل شد. از آن پس تا پایان عمر در تعلیم و تربیت زنان و پسران خویشاوندان نزدیک کوشش کرد. او دارای هوش سرشار، حافظه‌ای قوی و اطلاعات کافی بود و کمتر کسی را یارای مناظره علمی و دینی با او بود. برادرانش ملاحسن و ملاحسین که از فضلا و مدرسان دوره خود بودند او را در هوش و استعداد و کثرت محفوظات بر خود برتری داده‌اند.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: تاریخ مشاهیر کرد، ۱۳۴ / ۲.

ترجمان برازجانی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر، متخلص به ترجمان. وی در سرودن شعر هیچگاه پیرامون صنایع شعری نمی‌گشت. بیشتر اشعارش دوبیتی است، به سبک باباطاهر و فائز دشتی. وی سعی کرده است که اشعارش ساده و نزدیک به فهم اهالی دشتستان باشد. از اوست:

نسازد سالها تا خون دلی را

نخواهد کرد آسان مشکلی را

دوصد عاقل بیازارد زمانه

که تا خرسند سازد جاهلی را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۹ -۱۷ /۲).

ترجمانی خوارزمی، علاءالدین محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۴۵ ق)، فقیه حنفی. از فقهای حنفی قرن هفتم هجری است. او در جرجانیه خوارزم درگذشت. از آثارش «یتیمه الدهر فی فتاوی اهل العصر» است. در «هدیه العارفین» سال تولد و مرگ وی به ترتیب ۵۹۳ و ۶۵۵ ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۸ / ۷)، معجم المولفین (۳۱۶ / ۱۱)، هدیه العارفین (۱۲۵ / ۲).

ترخان، قاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قاسم ترخان

محل تولد : بن جی کول ، نوشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

ایشان در سال ۱۳۴۶ ش در روستایی از توابع نوشهر استان مازندران به نام بن جی کول ، دیده به جهان گشود و بعد از طی دوره

راهنمایی در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیّه شهرستان نور گردید و همزمان به دروس دبیرستان هم پرداخت و تا مقطع کارشناسی ارشد در رشته الهیات با گرایش فلسفه و کلام ادامه تحصیل داد و با درجه عالی از دانشگاه قم فارغ التحصیل گردید . ورود به حوزه و اشتغال به کار علمی مانع از فعّالیّت های وی در عرصه انقلاب اسلامی و جنگ نگردید. طولی نکشید که به حوزه علمیّه قم وارد شد و از آن زمان تاکنون که ۲۳ سال به طول انجامید ، خوشه چین خرمن بزرگان بوده است و از اساتید و آیات عظام همچون : وجدانی فخر ، پایانی ، استادی ، طاهری خرم آبادی ، وحید خراسانی ، فاضل لنکرانی ، شیخ جواد تبریزی ، گرامی ، جوادی آملی ، حسن زاده آملی ، صالحی مازندرانی ، مصباح یزدی ، فیاضی و ... بهره های فراوانی برد . فقه ، اصول ، تفسیر ، کلام ، فلسفه ، عرفان و زبان انگلیسی از جمله موضوعات و گرایشاتی بود که به صورت تخصصی در حوزه علمیّه قم به آن پرداخته شد و محصول این تلاش ۲۵ ساله در حوزه و دانشگاه ، ارائه مقالات متعددی است که در مجلات ، کنگره ها و سایتهای اینترنتی ارائه شده است و تعداد زیادی هم از آنان در آینده عرضه خواهد شد .

تردی روده‌یی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اصل وی از هرات بود و از نویسندگان دربار سلطان حسین میرزا. تردی به دلایلی به هندوستان رفت و مدتی در دکن به سر برد و در خدمت حاکمان آن دیار با احترام زیست و مدح آنان گفت. وی از هند به زیارت خانه خدا رفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :صبح گلشن (۸۴)، فرهنگ سخنوران (۱۸۴)، هفت اقلیم (۳۸۵ -۳۸۴ /۳).

ترسلی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی و کارشناسی ارشد از دانشگاه تهران، دکترای شیمی از دانشگاه لندن تحت عنوان شیمی آلی فلزی و مطالعات اسپکتروسکوپی، فوق دکترای تخصصی و فرصتهای مطالعاتی از دانشگاههای آمریکا و کانادا به مدت ۳ سال.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده علوم دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

سنتز، شناسائی و کاربرد ترکیبات عالی فلزی جدید عناصر سیلیکون، جرمانیوم، قلع و سرب، شناسایی ترکیبات فسفر (III)- ازت و بررسی کاربرد آنها بعنوان پلیمرهای جدید معدنی، مطالعات وسیع در زمینه‌های اسپکتروسکوپ مرئی، طیف سنجی جرمی، مطالعات کریستالوگرافی با اشعه X ترکیبات متعدد، طیف‌سنجی موسباور و کاربا‌تکنیک‌های خط- خلاء (Vacuum - line) و اتمسفر بی‌اثر، مطالعه واکنش‌های نوسانی، استخراج بعضی مواد شیمیایی از گیاهان طبیعی منطقه، تعیین میزان آلودگیهای شیمیایی در آبهای خلیج فارس، تهیه برخی از سموم دفع آفات نباتی از خانواده ترکیبات آلی فلزی قلع نظیر Bretan plictran Du ter جداسازی و تخلیص و شناسایی مواد شیمیایی موجود در گیاه مورت، بررسی واکنشها در سیستم‌های معدنی، استاد راهنما و مشاور ۲۱ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

۱- ترجمه کتاب:

"Organic Spectroscopy By willwan kemp.

۲- در دست ترجمه و چاپ

Metals and ligand Reactivity By E.C.Constable.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۳

زمینه علمی مقالات:

سنتز و شناسایی و کاربرد ترکیبات آلی فلزی جدید عناصر قلع، سیلیکون، جرمانیوم و سرب، مطالعه پلیمرهای آلی فلزی و پلیمرهای

معدنی جدید، تهیه و مطالعه روشهای شناسایی ترکیبات جدید فسفر (III)- ازت و کاربرد آنها، مطالعات اسپکتروسکوپی و طیف سنجی جرمی، کریستالوگرافی با اشعه X و طیف‌سنجی موسباور (Mossbauer).

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ترشیزی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ اسماعیل ترشیزی (کاشمری) از بزرگان علماء و رؤساء روحانیون عصر از شاگردان آیت‌اللّه العظمی میرزاء مجدد شیرازی در سامرا و از رفقاء و اصدقاء مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ حسنعلی تهرانی (مقیم مشهد) بوده و در مشهد مقدس اقامه جماعت در جامعه گوهرشاد داشته و نیز حوزه تدریس تا در حدود ۱۳۲۰ ق وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ترشیزی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی‌اکبر ترشیزی (کاشمری) در اوائل ۱۳۰۰ قمری مشرف به سامرا شده و از محضر آیت‌اللّه مجدد شیرازی استفاده نموده تا در آنجا وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ترشیزی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدباقر ترشیزی (کاشمری) از اجلاء علماء تهران و از شاگردان علامه حجهٔالاسلام حاج سید محمدباقر شفتی اصفهانی و مرجعی بزرگوار در تهران بوده و در حدود ۱۲۷۵ قمری وفات و دو فرزند بنام شیخ محمد معروف به سرخهی و شیخ حسین والد عالم جلیل معاصر آیت‌اللّه حاج شیخ زین‌العابدین سرخهی از خود باقی گذارد که آنان را مرحوم ملا عباسعلی سرخهی از تلامذه شیخ انصاری تربیت نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ترشیزی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدحسین ترشیزی (کاشمری) عالمی جلیل و فاضلی کامل از شاگردان مجدد شیرازی در سامرا و ملازمین علامه آقا شیخ اسماعیل کاشمری بوده و مضافاً بر تبحر در فقه و اصول ید طولائی در علم طب داشته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ترقی، بیژن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

«امروز نوای نغمه در سازی نیست»

«کز بیژن ما به پرده آوازی نیست»

«تنها نه ز او قول و غزل مایه گرفت»

«همپایه او ترانه‌پردازی نیست»

از: مشفق کاشانی

بیژن ترقی یکی از شعرا و تصنیف‌سازان معروف معاصر است که بیشترین ایام عمر خود را صرف اعتلاء هنر تصنیف‌سازی نموده، او متولد سال ۱۳۰۸ شمسی در تهران است. پدر وی «محمدعلی ترقی» مدیر و مؤسس انتشارات خیام می‌باشد که یکی از قدیمترین و معروفترین مؤسسات انتشاراتی و فرهنگی این کشور است روزی که برای گرفتن شرح احوال و آثار به ایشان مراجعه کردم، ضمن

مطالبی خاطرنشان شدم که چندین مقال و نوشته را که دیگران در زمان‌های مختلف در معرفی آثار و ترانه‌های شما نگاشته‌اند نیز به دست آوردم، ایشان متواضعانه گفتند: من چه دارم که بگویم:

خوشتر آن باشد که سر دلبران

گفته آید در حدیث دیگران

سراینده‌ی ترانه‌ی برگ خزان نوشته حسینعلی ملاح:

مجله موسیقی شماره ۱۳۳۸ -۲۲ شمسی

هرکس که سراینده‌ی این ترانه را نشناسد می‌پندارد، بیژن ترقی پیرمردی است سپید موی و سالخورده که سرد و گرم بسیار چشیده و نیک و بد ایام بسیار دیده، اما وقتی گاه می‌شود که او بیش از سی بهار از عمرش سپری نشده است، بر نبوغ او آفرین می‌گوید و در برابر ذوق سرشارش سر تعظیم فرود می‌آورد، من نمی‌دانم آیا کسی است که سراینده این ترانه را دوست نداشته باشد؟

آتشی ز کاروان جدا مانده

این نشان ز کاروان بجا مانده

سر می‌کشم چو شعله که برخیزم ای دریغ

کو پای قدرتی که پی همرهان روم

بخت سبک عنانم اگر همرهی کند

چون گرد ره به بدرقه کاروان روم

پدر بیژن مؤسس کتابخانه خیام است که تمام عمر خود را صرف خدمت به فرهنگ این کشور کرده است خودش می‌نویسد: «من در خانواده‌ای چشم گشودم که بازیچه‌ام کتاب بود».

بیژن ترقی همکاری خودش را با رادیو از سال ۱۳۳۵ آغاز کرده و در این مدت ترانه‌های بسیار شیوا و دلپذیر و محکم ساخته است. او شاعری است متواضع، مؤدب، مهربان کسی نیست که نسبت بر او بی‌مهر باشد، همه طبع لطیف و خلق نیکویش را می‌ستایند، وی در سرودن ترانه‌ها توجه خاصی به مضمون اشعار دارد، ترانه‌هایش در قالب تغزل آموزنده است، زمان در آن منعکس است سستی و رخوت ایجاد نمی‌کند اگر در ترانه‌ای با صوفیان نشسته، در ترانه‌های دیگر ایمان راسخ خود را آشکار کرده است.

هنر ترانه‌گویی «تصنیف» سراینده ترانه «برگ خزان» نوشته مهرداد اوستا

نقل از کتاب سرود برگ ریزان (۱۳۵۱ شمسی)

از برای تحقیق، هیچ فاجعه‌ای دردانگیزتر از این نیست که محقق ناگزیر باشد. پاس جانب تنگ‌نظری‌ها، خودبینی‌ها، صراحت را در پرده کنایه نهان دارد.

در صف مقدم شاعرانی که آثاری بدیع در هنر ترانه گویی «تصنیف» پدید آورده‌اند بیژن ترقی خالق شورانگیزترین، شیواترین، پرمایه‌ترین آثار است و باز گفتن این نظر در صورتی است که پاس حرمت تنگ نظری، یکی از شرایط تحقیق باشد. در تذکره احوال هنرمند استیلای خلاق این شاعر که با گوشه‌های و دستگاههای موسیقی آشناست به یاری غنایی از نقطه نظر مضمون‌های بدیع در غزل‌گویی آسان‌تر و بهتر از هر دیگری، ترکیب هندسی کلام را با تألیف موسیقی الفاظ می‌تواند پیوند داد، و از این روی استادانه‌تر، تا رهبر نوایی را با پود هر کلامی در ایجاد یک ترانه، موزون در می‌پیوندد، و ناگزیر درآمیختن افاعیل عروضی و نواهای موسیقی دارای آن مایه توانایی است که از این تار و پور به هم در پیوسته، حله‌ای جادویی و پرنیانی سحرانگیز بافته آید که نغمه دل را فریفته دارد و به مفهوم جان‌های مشتاق را. بیژن ترقی را بیشتر با ترانه‌های ناب و شورانگیز می‌شناسد، و در مرحله دوم با غزل‌هایی دلپذیر که زبان احساس اوست.

و به حکم این سخن بیژن عزیز ما از آن دودمان برگزیده و منتخب است که تارهای عواطف و احساس آنان را تنها زخمه عشق و مردمی به ترنم درمی‌آورد.

باری به روزگار ما از رهی که بازگذریم، زیرا او عالمی دیگر داشت و به تقریب با یک برهه زمانی پیش از این باید ارزیابی شود، در زمانی که او خود پدیدآور شیوه‌ای نوآیین در هنر ترانه‌سرایی آمد... و پس از وی می‌توان شاعران ترانه‌گوی را به سه گروه تقسیم کرد آنان که تصنیف را سنگین می‌سازند، و آنان که سبک و گروهی که آن را با مفاهیم عجیب و حیرت‌انگیز از برای، فی‌المثل جاز، می‌سازند، و ما را با این گروه چه توان گفت؟ هیچ سخنی نیست چرا که هرگز دیده نشد، که یک تصنیف چنانی بیش از هفته‌ای چند که سر و صدایی در میان خلق هیپی‌مآب برپا می‌کند، فراموش نگردد از میان آنانکه تصنیف را سنگین می‌سرایند و ترانه‌هایشان دارای مفاهیم دلپسند است، بگمان من بیژن ترقی با چهره‌ای مشخص در صف مقدم از این گروه قرار دارد، بی‌آنکه خواسته باشم، یکی را بر دیگری برتری دهم یا با دیگری بسنجم، چرا که هر یک از آنان در مقام و موقع خویشتن‌اند و هر یکی را عواملی است سوای عالم دیگری...

لیکن از نظر حال و شور، می‌توان گفت، که تصنیف‌های بیژن، عالمی ویژه خود دارد، که بهر حال دلنشین است و هرگز به اعتبار زمان، کهن و فرسوده نمی‌شود، تصنیف‌های مشهوره «می زده شب چو ز میکده بازآیم»- «برهی دیدم برگ خزان»- «به زمانی که محبت شده همچون افسانه»- «آتش کاروان»- «صبرم عطا کن»- «پشیمانم» و تعداد کثیری از ترانه‌های دیگر که به وسیله خوانندگان آن زمان خوانده آمد همه و همه ماندگار و فنا ناپذیر و شیوا... که بی‌هیچ تردید از بهترین ترانه‌های روزگار ما خواهند بود.

اگر چه بیشتر ترانه‌های این شاعر مثل: «آواز دل» و «برگ خزان» و... از شهرت و محبوبیت خاصی برخوردار است، اینک از جهت یادآوری دو نمونه از آنها را که به گفته خود شاعر: (ترانه «برگ خزان» سرنوشت زندگی من را زیر و رو کرد)، مبادرت می‌نماییم:

«برگ خزان» (بیداد زمان)

برهی دیدم برگ خزان

چو ز گلشن رو کرده نهان

پژمرده ز بیداد زمان
در رهگذرش باد خزان
کز شاخه جدا بود
چون پیک بلا بود
ای برگ ستمدیده پاییزی
آخر تو ز گلشن ز چه بگریزی
روزی تو هم آغوش گلی بودی
دلداده و مدهوش گلی بودی
برگ
ای عاشق شیدا
در گل نه صفایی
دلداده رسوا
نی بوی وفایی
گویمت چرا فسرده‌ام
جز ستم ز وی نبرده‌ام
خار غمش در دل بنشاندن
در ره او من جان بفشاندم
تا شد نوگل گلشن و زیب چمن
رفت آن گل من از دست
با خار و خسی پیوست
من ماندم و صد خار ستم
وین پیکر بی‌جان
ای تازه گل گلشن
پژمرده شوی چون من
هر برگ تو افتد برهی
پژمرده و لرزان
برهی دیدم برگ خزان
چو ز گلشن رو کرده نهان
پژمرده ز بیداد زمان
در رهگذرش باد خزان
کز شاخه جدا بود
چون پیک بلا بود
«آواز دل»
به زمانی که محبت شده همچون افسانه
به دیاری مه نیابی خبری از جانانه
دل رسوا دگر از من تو چه خواهی؟ دیوانه!
از آواز دلم، زمزمه‌ی ساز دلم، من بفغانم!
تو همان شرری که خرمن جان من بسوزی
تو که با نگهی به جان من شعله برفروزی
تو که از صنمی ندیده‌ای روی آشنایی
ز چه رو دل من تو این چنین کشته‌ی وفایی
تا تو همدم شبهای منی شبها شاهد تبهای منی
همچون آتشی، شعله می‌کشی، شمع هر انجمنی
ای دل ز تو ما را چه نصیبی بود
گشتم ز تو رسوا چه فریبی بود
غمهای جهان را تو خریداری
آخر تن ما را چه شکیبی بود
بکجا بکجا بریم ای دل رسوا به‌کجا ای دل رسوا
نکنی تو چرا پروا
به زمانی که محبت شده همچون افسانه
به دیاری که نیابی خبری از جانانه
دل رسوا دگر از من تو چه خواهی دیوانه

«خنده‌ی گل»
گریه می‌گیردم از بیهده خندیدن گل
که همین خنده شود خود سبب چیدن گل
چه نیاز است به چیدن که دل‌انگیزتر است
بر سر ساقه‌ی فیروره نشان، دیدن گل
چمن و باغ و درختان همه در وجد آیند
زین بهر سوی گراییدن و رقصیدن گل
آنقدر زود شود پرپر و بر باد رود
که نماند به کسی فرصت بوییدن گل
می شکستند که دستی سوی هر گل نرود
می‌شنیدند اگر نغمه نالیدن گل
گل دلیلی است که تا قدرت حق را نگریم
بهر چیدن نبود علت روییدن گل
بسکه از نازکی ساعد گل می‌ترسم
گریه می‌گیردم از بیهده خندیدن گل

تقدیم به پیشگاه یگانه هنرمند فرزانه استاد احمد عبادی به یادبود شبی که مرغ شباهنگ با نوای ساز استاد همنوا گشت. دوستدار همیشگی استاد بیژن ترقی

«ساز عبادی» و سوز مرغ شباهنگ
شب است و شادی دوران به کام یاران است
سه‌تار نغمه‌گر و شب ستاره باران است
چه پیر، جلوه‌ای از حسن و شور و عشق و کمال
چه چهره، آیتی از لطف روزگاران است
نهاده ساز بدامان او سر تعظیم
که در حریم وی از خیل سرسپاران است
ز شور و غلغله، هنگامه‌ایست ایمان سوز
بیا که نوبت مستی هوشیاران است
بیا که نغمه جان پرور ستار امشب
قرار بخش دل و جان بیقراران است
به ساز او نه عجب مرغ حق هم آوا گفت
که بلبلان وی از هر طرف هزاران است
سریر عشق بدو ده، که زهره چنگی
به آستان وی از جمله رهگذاران است
نوای ساز عبادی به خلوت شب تار
نیایش است و خود از شام زنده‌داران است

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

ترک، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمد حسین حسینی خوئی. عالم فاضل محقق جلیل، از ائمه‌ی مسجد شاه، بسیار زاهد و عابد، و مورد وثوق عموم طبقات بوده.

در ۳ شنبه ۲۹ ربیع‌الاول سال ۱۲۶۶ وفات یافته، در اول تخت فولاد در تکیه‌ای مخصوص مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ترکابادی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۹ ق)، فقیه امامی. وی ابتدا در کاشان در خدمت ملااحمد نراقی و حاج سید محمدتقی پشت مشهدی و میرزا ابوالحسن مجتهد و حاج ملا ابوالقاسم ترکابادی درس خواند. سپس رهسپار عراق گردید و در نجف در مجلس درس شریف‌العلمای

مازندرانی آقا سید محمد کربلایی حضور یافت. پس از گرفتن اجازه‌ی اجتهاد از سید محمد کربلایی به زادگاهش بازگشت و در کاشان به امامت نماز و ارشاد مردم پرداخت. از جمله آثار وی: «زبده الاصلاح» که مختصر «صلاح العمل» سید محمد کربلایی است؛ شرح «زبده الاصلاح»؛ «الرساله الجعفریه»، در دیات؛ «معتمد الانام»، فقه مبسوط؛ «هلال الاحکام»؛ «محبوب القلوب»، در احوال انبیاء و حکما؛ «مجمع الفواید» که در آن «جامع الشتات» میرزای قمی را گرد آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۱۲/ ۲۱)، مکارم الاثار (۱۹۴۰ -۱۹۳۹/ ۶).

ترکاشوند، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن ترکاشوند

محل تولد : نهاوند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۷/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۰ پس از اخذ سوم راهنمائی به دلیل سکونت خانواده در کرمانشاه وارد حوزه علمیه امام صادق (ع) آن شهر شدم و در محضر اساتیدی همچون استاد محسنی، شریفی ، نظری، به تحصیل ادبیات عرب ، منطق ، معانی، تفسیر مشغول شدم و البته مدتی نیز اصول را در محضر حضرت آیت الله نجومی تلمذ نمودم .

در سال ۱۳۷۴ به تهران عزیمت نموده و در حوزه علمیه مروی به ادامه تحصیل پرداختم لمعه را در نزد استاد قاسمی و اصول را در نزد استاد سعیدی تلمذ نمودم و سپس رسائل را در نزد استاد شریف زاده ، مکاسب را در نزد آیت الله مقتدایی و آیت الله هاشمی تبریزی، فلسفه را در نزد استاد طبرستانی تلمذ نمودم و در این مدت در تهران نیز به امور تبلیغی و امامت جماعت اشتغال داشتم.در سال ۱۳۸۰ توفیق سکونت و تحصیل در بلده طیبه قم نصیب گردید و دوره سطح را در نزد اساتیدی همچون آیت الله استادی و مرحوم استاد روستا ارسنجانی و استاد موسوی تهرانی به پایان رساندم. در سال ۸۱ همزمان با ورود به دوره خارج و بهره گیری از محضر آیات عظام مکارم شیرازی و سبحانی تبریزی در مرکز تخصصی علم کلام به عنوان دانش پژوه مقطع سطح ۳ مشغول به تحصیل شدم و از محضر اساتیدی همچون ربانی گلپایگانی مومنی ،خسرو پناه، توفیقی بهره مند شدم و پس از پایان دوره به تدوین پایان نامه با عنوان" بررسی مبانی فکری و اعتقادی معاویه "مشغول شدم.

از سال ۱۳۸۱ همزمان با تحصیل به امور پژوهشی و تحقیقی نیز مشغول شده و با مراکزی همچون مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه ، موسسه تحقیقاتی ولی عصر ، موسسه تحقیقاتی طه و ... همکاری داشته و مقالاتی را تدوین نمودم. در سال ۱۳۸۳ ضمن تدوین و آمده سازی یک متن درسی اعتقادی جهت تدریس در حوزه علمیه علوی به تدریس در آن حوزه شریفه نیز مشغول شدم که این همکاری هنوز نیز ادامه دارد و همچنین به تدریس در مرکز جهانی علوم اسلامی و جامعهٔ الزهرا نیز مشغول می باشم. همچنین از سال تحصیلی ۸۵ نیز به صلاحدید مسئولین و بزرگان مرکز تخصصی علوم کلام به عنوان معاونت آموزشی این مرکز مشغول به خدمت گزاری می باشم. از خداوند تبارک و تعالی حسن عاقبت و توفیق شناخت و عمل به تکالیف را خواستارم.

ترکستانی قمی، فخرالدین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۶۵ ق)، متکلم، فقیه، ادیب و شاعر امامی. وی از اهالی ترکستان ماوراءالنهر و سنی مذهب بود. سپس به مشهد مقدس هجرت نمود و پس از اخذ مقدمات و فنون ادب نزد علمای مشهد در اوایل جوانی به تشیع گروید. سپس در قم ساکن شد و مدارج عالی علمی را تا اجتهاد گذرانید و از ائمه فتوی در قم شد. از جمله آثار وی: ترجمه‌ی «توحید المفضل»، به فارسی؛ شرح «حدیث البساط» یا شرح «حدیث الغمامه»، شامل معجزات امیرالمومنین علی (ع)؛ شرح «حدیث الاحتجاج و منهاج الکرامه»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۹۲ -۱۹۱ /۱۳ ،۹۱/۴)، ریاض العلماء (۳۳۲ -۳۳۱ /۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۳۳/۱۱).

ترکستانی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. وی از خوشنویسان گمنام است و به خط وی یک نسخه «گوی و چوگان» عارفی، در کتابخانه سلطنتی است، به قلم کتابت خوش، با رقم: «کتبه العبد المذنب میرزا محمد بن شاه محمد ترکستانی غفر ذنوبه و ستر عیوبه فی شهر محرم سنه ۹۸۳».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۶۶/۳).

ترکمان خراسانی، علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۴ ق)، شاعر، متخلص به علی. در خراسان به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت. پس از کشته شدن پدرش بوسیله اوزبکان، به همراه خانواده‌ی خود به عراق رفت و به ملازمت شاه‌عباس رسید چون از جانب شاه‌عباس مورد تکریم قرار نگرفت به هندوستان رفت و به ملازمت عبدالرحیم‌خان خانان رسید و تا ۱۰۲۴ ق که صاحب «مآثر رحیمی» در هند بوده، او در ملازمت خان خانان بوده است. علی ترکمان در شعر از عرفی تتبع می‌کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :صبح گلشن (۲۹۳)، فرهنگ سخنوران (۶۴۷)، کاروان هند (۹۱۳ -۹۰۹ / ۲)، مآثر رحیمی (۱۶۲۷ -۱۶۱۳ / ۴).

ترکمان شیرازی، عجم قلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به ترکمان. اهل شیراز بود و در هندوستان متولد شد. ترکمان در نظم و نثر مهارت داشت. از اشعار اوست:

دل غم گرفته‌ی ما، ز نشاط کی گشاید

نه هوای باغ سازد نه فضای کشت ما را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۲ -۲۱ /۲)، الذریعه (۱۶۹/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۸۴).

ترکمان فراهی، برخوردار

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به ممتاز. وی از نویسندگان و منشیان دوران شاه سلطان حسین صفوی بود و منشآتش در آن روزگار مشهور بوده است. وی آغاز زندگی خود را در فراه گذراند و خیلی زود به نویسندگی و شاعری روی آورد. ترکمان پس از فراه به مرو رفت و به خدمت حاکم آنجا، اصلان‌خان، درآمد و دو سال در آن شهر بود و سپس به اصفهان رفت و ملازم و منشی حسن قلی‌خان قورچی‌باشی شاملو شد و در این شهر نخستین بار مجموعه‌ای از حکایات اخلاقی به نام «رعنا و زیبا» گرد آورد، این مجموعه مورد توجه مردم زمان قرار گرفت. همین توجه او را بر آن داشت تا حکایتهای نوی بر آن افزود و آن را «محفل آراء» نامید. اما در جنگهای سرحدی که با طایفه‌های متمرد درگرفت، کتاب «محفل آرای» وی به غارت رفت. بعد از مدتی در خبوشان دیگربار به گرد آوردن حکایتها، همت گماشت و آن را «محبوب القلوب» نامید و چون در آن کتاب داستان یاقوت شاه و شمشه‌ی وزیر و قهقهه‌ی وزیر آمده است این کتاب به «شمسه و قهقهه» نیز معروف است. دیگر کتاب وی «احسن السیر»، در تاریخ، که به دستور شاه اسماعیل نوشته است. وی شعر نیز می‌سرود و شعر او پایین‌تر از حد متوسط است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۸۰۵ -۱۸۰۲ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۶۲)، الذریعه (۱۵۳، ۱۴۱ / ۲۰، ۱۱۰۳ -۱۱۰۲ /۹).

ترکمان قمی، محمدعلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به واحد. وی ساکن اصفهان بود. وی از تربیت یافتگان شاه طهماسب صفوی و در سلک هنرمندان کتابخانه‌ی همایونی بود. نستعلیق را خوش می‌نوشت و مدتی شاگردی میر عبدالرزاق کاشانی کرده بود. ترکمان علاوه بر آشنایی به علم انشاء و معما، در سرودن مثنوی نیز مهارت داشت. مثنوی «گلشن خیال» در بحر حدیقه‌ی سنایی اثر اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۰۳/۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۶۶)، الذریعه (۲۲۶/۱۸، ۱۲۴۷/۹)، صبح گلشن (۵۷۸)، فرهنگ سخنورن (۹۶۶).

ترکمان، پری بیگه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. برخی تذکره‌ها از او به نام پری بیگه نیز یاده کرده و نسبت او را علاوه بر ترکمان، نیشابوری نیز دانسته‌اند. از تاریخ تولد، زندگی و وفات او اطلاعی در دست نیست. از اشعار اوست:

سراسر جانی ای باد صبا در قالب شوقم

سرت گردم مگر در کوی او بسیار می‌گردی[۱]

از زنان شاعر. او را ترکمان و نیشابوری نیز دانسته‌اند. بیت زیر از اوست:

سراسر جانی ای باد صبا در قالب شوقم

سرت گردم مگر در کوی او بسیار می‌گردی

برخی تذکره‌ها از او بنام پری‌بیگ ترکمان نیز یاد کرده‌اند. تاریخ تولد، زندگی و وفات او معلوم نیست.[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تذکره‌ی روز روشن (۱۰۸)، حدیقهٔ الشعراء (۲۱۳۸/۳)، الذریعه (۱۵۸/۹)، مشاهیر زنان (۴۵ -۴۴).

[۲] منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره نهم، ۵۴؛ حدیقهٔالشعراء، ۲۱۳۸ /۳؛ حدیقه عشرت، ۱۳؛ دایرهٔالمعارف آریانا، ۴۳۱ /۳؛ الذریعه، ۱۵۸ /۹؛ روز روشن، ۱۰۸؛ ریاض‌العارفین، ۱۲۷.

ترکمان، حیدر

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، شاعر. از خویشاوندان امیرعلیشیر نوایی بود و مردی مهذب و درویش مشرب که به زبان فارسی و ترکی شعر می‌سرود. وی مثنویهایی به تقلید از «خمسه‌ی» هزار بیت است. حیدر در سرودن انواع شعر به زبان پارسی و ترکی توانا بوده و در قصیده به استقبال امیر خسرو دلهوی رفته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۱۷).

ترکمان، رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۵ ق)، خطاط. به نقل از سپهر وی نستعلیق را خوش می‌نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۱۱/۱).

ترکمان، سالم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی از ترکمانان ایرانی بود که پس از چندی اقامت در خراسان به هندوستان سفر کرد و در آنجا از احدیان دربار جلال‌الدین محمداکبر شد. سالم بیک در سرودن اقسام مختلف شعر بویژه غزل و مثنوی مهارت داشت. از آثار وی: «شاهنامه»ای مشتمل بر فتوحات شاه عباس.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۸۸).

ترکمان، محمد امین سلطان

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. از امرای دربار صفویه بود و از خانواده‌ی مادری شاه اسماعیل دوم به شمار می‌آمد. شعر فارسی و ترکی را خوب می‌گفت و تا زمان شاه عباس اول (۱۰۳۸ -۹۹۶ ق) می‌زیست. از اوست:

نشکفت دل در سینه‌ام از باد دامان کسی

تا چند باشد اخگری در زیر خاکستر نهان

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۹۵)، مجمع الخواص (۳۲ -۳۱).

ترکمان، محمد مؤمن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. وی برادر کوچکتر محمد امین‌سلطان ترکمان و از نزدیکان و بزرگ زادگان دربار صفویه بود. وی به دو زبان فارسی و ترکی اشعار فراوانی سروده که اکنون اندکی از آن باقی مانده است. از اوست:

چشم بیننده نداریم از آن محرومیم

ورنه هر سو که نظر می‌فکنی دیدار است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۰۱)، الذریعه (۱۱۲۴/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۱۳)، مجمع الخواص (۶۸ -۶۷).

ترکمان، محمود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی با شاه طهماسب و شاه محمد خدابنده همعصر بود و غزل را نیکو می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۰۱).

ترکه اصفهانی، صاین الدین، ابومحمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۳۵/۸۳۰ ق)، عارف، دانشمند و شاعر. از خاندان ترکه‌ی اصفهان بود که اصل آنان از خجند بوده، چون نیای وی، سید محمد، ترک بود به ترکه معروف شدند. تحصیلات صاین‌الدین نخست در خدمت برادرش و سپس در بلاد مختلف دیگر از طریق زیارت بزرگان و مشایخ زمان انجام گرفت، در مصر مدتی در خدمت شیخ سراج‌الدین بوالقینی تلمذ کرد، و مدتی را در خدمت امیرزادگان تیموری عراق و فارس گذراند و سپس در عهد شاهرخ منصب قضای یزد یافت، ولی به سبب آنکه آثاری در عرفان داشت، متهم به تصوف و بددینی شد و مطرود فقیهان گشت، و به امر شاهرخ به هرات رفت و تا زمان واقعه‌ی ترور شاهرخ توسط احمد لُر در آنجا ماند. پس از این واقعه جمعی از بزرگان از جمله صاین‌الدین به تهمت همدستی با او ماخوذ و معاقب شدند سرانجام با اعتذار به خدمت شاهرخ بار یافت و با توسل به میرزا بایسنقر چندگاهی را در امان گذرانید، بعدها به اصفهان رفت و در آنجا درگذشت. از او آثار متعددی به فارسی و عربی باقی مانده، از جمله: مهمترین اثر وی «شرح فصوص الحکم»، به عربی؛ «رساله التمهید فی شرح قواعد التوحید»، در علم کلام به عربی؛ «شرح قصیده ابن فارض»؛ «اسرار الصلوه»، در مسایل عرفانی؛ «اطوار ثلثه تصوف»؛ «تحفه علائیه»؛ «رساله در اعتقاد»؛ «نفثه المصدور اول و ثانی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران (۴۹۱ -۴۸۹، ۷۲ /۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۷۹، ۲۷۴ -۲۷۵)، ترجمه‌ی الملل و النحل (مقدمه/۳۹ - ۳۶)، حبیب السیر (۱۰ -۹ /۴)، الذریعه (۵۷۱ -۵۷۰ /۹، ۲۷۲/۷، ۴۳۴/۴)، ریاض العلماء (۲۴۰/۳)، سبک‌شناسی (۲۴۰ -۲۲۸ /۳)، فرهنگ سخنوران (۵۴۶)، کشف الظنون (۱۲۶۴)، مجالس المومنین (۴۱ -۲ /۲).

ترکه، افضل الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معاصر شاه طهماسب صفوی، و قاضی اصفهان بوده، در سال ۹۹۱ در ری وفات یافته است. قاضی نورالدین اصفهانی وعلامی چلبی نزد او تحصیل کرده اند.

در کتاب کشکول شیخ بهائی(۶۱:۱) این رباعی را از او نقل می‌کند:

در دوزخ هجران لب کس کی خندد

یا خاطر او به خرمی پیوندند

گر آن دوزخ، چو دوزخ هجران است

حاشا که خدا به کافوری بپسندد

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ترکه، حبیب‌الله

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از مردان نامی خاندان معروف ترکه و انسانی فاضل و عالم بود، بیشتر در اصفهان زیست و در زمان شاه طهماسب قاضی اصفهان بود. پس از مرگ وی، قضاوت آن شهر به دست پسرش افضل‌الدین محمد افتاد. دو فرزندش، خواجه افضل الدین محمد، ترکه دوم و خواجه ضیاءالدین هلی، از شاعران بنام و زبردست بودند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۳۹/۳)، تاریخ نظم و نثر (۴۹۹ -۴۹۸)، الذریعه (۲۳۰/۹)، مجمع الخواص (۴۵ -۴۴)، مخزن الغرائب (۷۸۷/۱).

ترکه، مظفر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر و ادیب و واعظ، معاصر شاه عباس صفوی. در هجو ساروتقی (بعداً به نام او اشاره خواهد شد) اشعاری دارد که از آن جمله است:

ساروتقی که امروز ایرانیان مدار است

یاران حذر نمائید الماس لکّه دار است

در گنجینه آثار تاریخی اصفهان(:۵۴۸) نقل از قصص الخاقانی(۲:۸۰) گوید:

در دوره شاه اسماعیل اول به منصب قضای دارالسلطنه اصفهان سرافراز بوده، و تولیت مسجد جامع اصفهان و مقبره مشایخ یزد با اجداد او بوده. در سال ۱۰۷۶ جزو منشیان دربار شاه عباس ثانی بوده، مردی ظریف و بذله گو و عیاش بوده است.

نور صادقی در کتاب اصفهان(:۵۴۸) در ضمن شرح حال میرزا ابو تراب خطّاط اصفهانی گوید: در جنب مسجد لنبان در جوار مزار خواجه صاین الدین ترکه، که از اجلّه علما و فقها بود. دفن گردیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ترکی شیرازی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۰ ق)، نقاش و شاعر، متخلص به ترکی. شعل وی نقاشی بود از شیراز به هند سفر کرد و در بمبئی اقامت کرد. از آثار وی: «دیوان» کلیات ترکی شیرازی، شامل دو جلد در یک مجلد است به نامهای: «حدیقه البکاء» و «لاله‌زار»؛ «سفره در ذم ریا» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۴۸) دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۷ -۲۲ /۲)، الذریعه (۱۶۹/۹)، مولفین کتب چاپی (۱۸۸/۲)، مرآت الفصاحه (۱۱۷).

ترکیبی یزدی، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک قطعه مذهب، به خط ثلث و رقاع دودانگ خوش، با رقم: «کتبه محمد الحکیم الحافظ الترکیبی الیزدی فی شهور سنه اربعین و ثمانمائه» ۸۴۰ یک قطعه از مرقع، توفیق نیم دودانگ جلی عالی، با رقم: «کتبه محمد

الحکیم الحافظ الترکیبی الیزدی... لسنه ستین و ثمانمائه حامدا و مصلیا و مسلما».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۶۴/۴).

ترکی‌کشی ایلاقی

قرن:۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

(س چهارم ق)، شاعر. از زندگانی این شاعر آگاهی نداریم عوفی نام او را ترکی‌کشی ایلاقی آورده و از احوال او چیزی نگفته است، در اینکه وی از شاعران سده چهارم و اهل ایلاق چاچ ماوراءالنهر و شاعری لطیف طبع بوده است اختلافی نیست. از اشعار ترکی‌کشی ۱۲ بیت شامل یک غزل و دو قطعه دوبیتی و یک مفرد گرد آمده است. از سروده‌های وی:

امروز اگر مراد تو بر ناید
فردا رسی به دولت آبا بر
چندین هزار امید بنی‌آدم
طوقی شده به گردن فردا بر

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران (۴۵۶/۱)، سخن و سخنوران (۴۴)، شاعران بی‌دیوان (۷۱)، فرهنگ سخنوران (۱۸۵ -۱۸۴)، لباب الالباب (۲۶/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوذر)، مجمع‌الفصحا (۴۶۶ -۴۶۵ /۱).

ترمذی، ابوعیسی محمد

قرن:۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

(ح ۲۷۹ -۲۰۹ ق)، حافظ، محدث و مصنف. اهل بوغ ترمذ، بر کناره‌ی جیحون، بود. به دنبال حدیث به خراسان و عراق و حجاز سفر کرد و از قتیبه بن سعید و اسحاق به راهویه و محمد بن عمرو بلخی و محمد بن حمید رازی و ابراهیم بن عبدالله هروی و سوید مروزی و صالح بن عبدالله ترمذی و محمد بن ابی‌معشر سندی و بسیاری دیگر حدیث شنید. علم حدیث را از بخاری آموخت و در بسیاری از مشایخ با وی مشارکت داشت. احمد بن اسماعیل سمرقندی و ابوحامد احمد مروزی و احمد بن علی حسنویه و احمد بن یوسف نسفی و اسد بن حمدویه نسفی و عبد بن محمد نسفی و علی بن عمر سمرقندی و ابوالعباس محمد بن احمد محبوب و هیثم بن کلیب شاشی و بسیاری دیگر از وی حدیث شنیدند. ادریسی گوید که ابوعیسی در قدرت حافظه ضرب‌المثل بود و حاکم گوید که بعد از بخاری در خراسان از نظر علم و حفظ، خلف شایسته‌ای چون او نبود. در اواخر عمر نابینا شد و در قریه‌ی بوغ ترمذ درگذشت. وی صاحب یکی از «صحاح» ششگانه است. از آثارش: «الجامع الصحیح» یا «جامع ترمذی»، در حدیث،: در دو مجلد؛ «الشمائل النبویه»، «التاریخ»؛ «العلل»، در حدیث؛ رساله‌ای در «خلاف و جدل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۳ / ۷)، الاعلام بوفیات الاعلام (۱۹۸ / ۱)، انساب سمعانی (۴۶۰ -۴۵۹ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۴ / ۱)، تهذیب التهذیب (۳۳۶ -۳۳۵ / ۹)، دایره‌المعارف فارسی (۶۳۳ / ۱)، روضات الجنات (۱۹۵ / ۸)، ریحانه (۳۳۲ / ۱)، سیر النبلاء (۲۷۷ -۲۷۰ / ۱۳)، شذرات الذهب (۱۷۵ -۱۷۴ / ۲)، طبقات الحفاظ (۲۸۲)، العبر (۴۰۲ / ۱، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۴۲۳)، الکامل (۷۵ / ۶)، کشف الظنون (۱۴۴۰، ۱۰۵۹، ۸۶۳، ۵۵۹)، الکنی و الالقاب (۱۱۹ -۱۱۸ / ۲)، لسان المیزان (۱۳۴ / ۹)، لغت‌نامه (ذیل/ ترمذی)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۲۷۹)، معجم المؤلفین (۱۰۵ -۱۰۴/ ۱۱)، النجوم الزاهره (۹۴ -۹۳ / ۳)، الوافی بالوفیات (۲۹۶ -۲۹۴ / ۴)، وفیات الاعیان (۲۷۸ / ۴)، هدیه الاحباب (۱۱۲)، هدیه العارفین (۱۹ / ۲).

ترمذی، ناصرالدین

قرن:۱۰
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. معروف به ناصر ترمذی. اصل وی از ترمذ بود و در جوانی در روزگار جلال‌الدین محمد اکبرشاه به هند رفت و در دستگاه خان زمان سیستانی به خدمت پرداخت و هنگام طغیان‌خان با او کشته شد. ناصر پیرو مذهب شیعه بود و به فارسی شعر می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۴۹)، تذکره‌ی روز روشن (۷۹۲)، الذریعه (۱۱۵۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۹۱۰)، کاروان هند (۱۵۸۰ -۱۵۷۸ /۲).

تزریقی اردبیلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به تزریقی. در اردبیل متولد شد. در شماخی شیروان، روزگار به دلالی می‌گذرانده و در صنعت تزریق در شعر، دست داشته است. وی در این فن از پیشوایان و سرشناسان بود و به همین جهت تزریقی تخلص می‌کرد. تزریقی در سرودن غزل توانا بود. صاحب «الذریعه» ترجمه حال او را با تزریقی بیارجمندی درآمیخته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۹۴)، تحفه سامی (۳۶۶)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۳۴ -۳۱ /۱)، دانشمندان آذربایجان (۸۶ - ۸۵)، الذریعه (۱۷۰/۹)، سخنوران آذربایجان (۱۴)، فرهنگ سخنوران (۱۸۵).

تزریقی بیارجمندی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۶۳ ق)، شاعر. وی اوقات خود را به تاج‌دوزی می‌گذراند و در هزل اشعار بسیار دارد. تزریقی در پایان عمر از سرودن اشعار هزلی تایب شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۳۱۱)، فرهنگ سخنوران (۱۸۵).

تستری، حسن علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مولی حسن علی، عالم جلیل محقق، متوفی به سال ۱۰۷۵، مؤلف رساله‌ای در حرمت نماز جمعه به فارسی، به خلاف رأی پدر که قائل به وجوب عینی آن بوده، و در این مورد رساله‌ای نگاشته است، و عندنا منه نسخهٔ.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

تستری، رضی‌الدین محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌بهاءالدین محمد بن مولی حسن علی بن مولی عبدالله تستری اصفهانی. عالم فاضل محقق، مؤلف «شرح ادعیه السر»، که جهت مریم بیگم یکی از زنان صفویه (عمه‌ی شاه سلطان حسین) تألیف شده است.

مولی عزالدین عبدالله تستری بن حسین صاحب مدرسه‌ی معروفه در بازار اصفهان می‌باشد. شرح حالش در کتب تراجم مذکور، و در تاریخچه‌ی محله‌ی خواجو (: ۳۶ - ۵۲) به طور مفصل مسطور است.

در ۱۰۲۱ وفات یافته است. جنازه پس از دفن در امامزاده اسماعیل به کربلا منتقل گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

تسکین تبریزی، فتحعلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. برادر داراب بیگ جویا و میرزا کامران گویا بود و در سنین جوانی به عهد عالمگیر شاه (۱۰۶۸ -۱۱۱۹ ق) وفات یافت. در «تذکره‌ی روز روشن» از او با عنوان تسلیمی کشمیری یاد شده است. از اوست:

به کیش حق‌پرستان کفر از پندار می‌باشد

رگ گردن میان اهل دل زنار می‌باشد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۵۴)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۱۳ -۱۱۲ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۸۷)، الذریعه (۱۷۰/۹)، سخنوران آذربایجان (۲۷۱ -۲۷۰)، فرهنگ سخنوران (۱۸۵).

تسلی اصفهانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. در دوره‌ی جهانگیری به هندوستان رفت و بعد از مدتی به وطن برگشت، چون به کاشان رسید و در همان جا درگذشت. از اوست:

تا ز بختم تیرگی می‌رفت، چشمم شد سفید

این سیاهی از سر داغ من آسان برنخاست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۵۲ -۱۵۱)، الذریعه (۱۷۰/۹)، کاروان هند (۲۱۸/۱).

تسلی شیرازی، ابراهیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به تسلی. در اوایل زندگی در شیراز قمچی‌بافی (تازیانه بافی) می‌کرد، بعدها با همتی که داشت خود را به صف شاعران رسانید و پایه‌ی سخن خود را بلندمرتبه کرد. تسلی آخر به جانب هند رفت و در آنجا در خدمت مسیح‌الزمانی، الهی شیرازی اعتباری پیدا کرد، چنانکه به اتفاق وی به مکه رفت و بعد به هند مراجعت کرد و در آنجا فوت کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۲۵۹ -۲۵۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۰-۲۹ /۲)، صبح گلشن (۸۵)، فرهنگ سخنوران (۱۸۵)، کاروان هند (۲۱۹ -۲۱۸ /۱)، مخزن الغرائب (۴۳۶ -۴۳۵ /۱)، نشتر عشق (۲۷۸/۱).

تسلی شیرازی، رجبعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، مذهب و شاعر. اهل شیراز بود و شغل وی مذهبی. او در تذهیب اوراق دست توانایی داشت و جدول‌کشی نیز می‌کرد. منزل وی محل اجتماع ادیبان و ظریفان بود. گاهی نیز شعر می‌گفته و صاحب دیوان بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۳۳۵ -۳۳۴ /۱)، سفینه المحمود (۵۵۷/۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۶۱/۲)، مجمع الفصحا (۱۸۴/۴)، مرآت الفصاحه (۱۱۹ -۱۱۸)، مصطبه‌ی خراب (۳۵)، نگارستان دارا (۱۷۴).

تسلی لرستانی، جهانگیر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۴ ق)، شاعر، متخلص به حفظی و تسلی. سالها حکومت لرستان با سلسله‌ی ایشان بود، پس از آنکه شاه عباس اول، شاهوردی‌خان را کشت و سلسله‌ی او را برانداخت. مادر جهانگیر او را از آن مهلکه بدر برد تا رسیدن به سن رشد شهر به شهر می‌گشت و سرانجام به هندوستان رفت و در سال هزار و بیست و پنج در برهانپور خانه‌دیس به خدمت خانخانان پیوست و در این تاریخ نوزده ساله بود. باقی نهاوندی می‌گویند: نخست حفظی تخلص می‌کرد و در برهانپور از من طلب تخلص نمود و تسلی بخاطر رسید و الحال تسلی تخلص می‌نماید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کاروان هند (۲۲۰ -۲۱۹ /۱)، مآثر رحیمی (۱۵۲۷ -۱۵۲۵ /۴).

تسلیم اصفهانی، حسن، صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، صوفی و شاعر، متخلص به تسلیم. وی چندی به غلام علیشاه دست ارادت داد و به سیر و سلوک پرداخت. تسلیم از پیروان طریقه‌ی جلالیه بود. صاحب «ریاض العارفین» گوید: «دیوانش» به نظر رسید، قریب پنج‌هزار بیت است. اثر دیگر وی رساله‌ی «صبح صادق» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۷۰/۹)، ریاض العارفین (۲۴۶)، المآثر و الآثار (۲۲۵).

تسلیم خراسانی، رضا

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به تسلیم. اهل خراسان و مرد درویشی بود. از وطن خود به کشمیر رفت و از مریدان میرزا حسین سبزواری شد و در بقعه‌ی او به ریاضت و عبادت مشغول بود. اصلح در «تذکره‌ی شعرای کشمیر» نسبت وی را اصفهانی نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای کشمیر (۳۹ -۳۸ /۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۰۱)، الذریعه (۳۶۵ -۳۶۴، ۱۷۱ /۹)، شام غریبان (۶۲)، فرهنگ سخنوران (۱۸۶)، کاروان هند (۲۲۰/۱)، لغت‌نامه (ذیل/ تسلیم خراسانی)، مخزن الغرائب (۴۵۶/۱).

تسلیم شیرازی، محمد طاهر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به تسلیم. شغلش صحافی بود. از اوست:

از بس ز آشنایی مردم رمیده‌ام

دایم تلاش معنی بیگانه می‌کنم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۸۷)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۱/۲)، الذریعه (۱۷۱/۹)، صبح گلشن (۸۵).

تسلیم شیرازی، محمدهاشم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۰۹ ق)، شاعر، متخلص به تسلیم، گاهی هاشم نیز تخلص می‌کرد. اصلش از شیراز بود. در عهد شاه عالمگیر اورنگ زیب به هندوستان رفت. وی غزلسرای خوبی بود. از اوست:

غریب کوی توام با وطن چه کار مرا

سپرده‌ام به تو خود را، به من چه کار مرا

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۱/۲)، الذریعه (۱۷۱/۹)، ریحانه (۳۳۶/۱)، شام غریبان (۶۲)، صبح گلشن (۸۶-۸۵)، فرهنگ سخنوران (۱۸۶)، کاروان هند (۲۲۱/۱)، لغت‌نامه (ذیل/ تسلیم)، مخزن الغرائب (۴۵۱/۱)، نشتر عشق (۲۸۹ -۲۸۸ /۱).

تشبیهی کاشانی، علی‌اکبر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۸ ق)، شاعر. وی از سادات کاشان است که به سه سفر به هندوستان داشت، چندی در دربار اکبر پادشاه هند ماندگار شده است. تشبیهی از پیروان طریقه پسیخانی و از اصحاب محمود پسیخانی بوده و دعوی اجتهاد داشته است. تشبیهی در قصیده‌ای که در مدح جلال‌الدین اکبر ساخته، از ممدوح خویش خواسته که تقلیدیان را براندازد تا حق به مرکز خود بازگردد، و توحید خالص بماند. و رساله‌ای به نام شیخ ابوالفضل ناگوری دکنی نوشته، و در آن اسرار نقط و حروف را شرح داده است. تشبیهی در شعر دست داشته و بیشتر در قالب غزل و مثنوی شعر می‌سروده است. مثنوی «ذره و خورشید» از اوست. از وی «دیوان» شعری بر جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران (۴۵۷/۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۲۵ -۴۲۴)، تذکره‌ی شعرای پنجاب (۱۳۰)، تذکره‌ی میخانه (۸۹۱ -۸۸۷)، الذریعه (۱۷۱/۹)، ریاض العارفین (۴۹)، فرهنگ سخنوران (۱۸۷)، کاروان هند (۲۳۰ -۲۲۱ /۱)، کلمات الشعراء (۲۱)، مجمع الخواص (۹۹)، منظومه‌های فارسی (۱۹۸).

تشنه‌ی تهرانی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۱۰/ ز ۱۲۶۴ ق)، شاعر. وی خواهرزاده‌ی مهدی بیگ شقاقی بود و در مراغه متولد شد. تشنه ابتدا به شغل کلاه‌دوزی اشتغال داشت، به سبب هجوی که درباره‌ی بعضی از بزرگان گفت از تهران به کرمان فرار کرد، و از آنجا به کربلا روانه شد و در فتنه‌ای که در آن شهر رخ داد، جراحت برداشت، لاجرم به ایران برگشت و مدتی در اصفهان به سر برد. وی مدیحه‌ای برای منوچهرخان گرجی، معتمدالدوله، گفت او «دیوان» شعری نیز داشته است. «در حدیقه الشعراء» قسمتی از شرح حال تشنه‌ی تهرانی، تحت عنوان تشنه‌ی شیرازی آورده شده و در «مرآت الفصاحه» اسم تشنه‌ی شیرازی، محمدباقر ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۳۳۸ -۳۳۶ /۱)، الذریعه (۱۷۲ -۱۷۱ /۹)، فرهنگ سخنوران (۱۸۷)، مرآت الفصاحه (۱۲۰)، مکارم الآثار (۳۹۲/۲).

تصنیفی خوانساری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، نقاش و تصنیف‌ساز. اهل خوانسار بود. وی علاوه بر توانایی در سرودن شعر و قدرت شاعری در نقاشی و موسیقی و سایر فنون نیز دست داشته و بر اقران ممتاز بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۰۴۸/۳)، تاریخ موسیقی (۳۳۷/۱)، تذکره‌ی شعرای خوانسار (۴۰ -۳۹)، الذریعه (۱۷۲/۹)، صبح گلشن (۸۶)، فرهنگ سخنوران (۱۸۷)، مخزن الغرائب (۴۵۱ -۴۵۰ /۱)، هفت اقلیم (۴۸۸/۲).

تعظیم مازندرانی، محمدتقی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. وی در جوانی به اصفهان رفت و در صحبت حزین لاهیجی به بعضی مقاصد علمی و مراتب شعری رسید. تعظیم پس از چندی به موطن خود بازگشت. وی در نجوم مهارت داشته و غزل را نیکو می‌سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره المعاصرین (۲۰۸ -۲۰۷)، الذریعه (۱۷۲/۹)، شعرای مازندران و گیلان (۶۸ -۶۷)، فرهنگ سخنوران (۱۸۸)، مخزن الغرائب (۴۴۹/۱)، نشتر عشق (۲۹۷ -۲۹۶ /۱).

تعظیمای قمی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی به هند سفری کرد، ولی پس از چندی به قصد بازگشت به جانب وطن راهی شد و مدت دو سال در بلده‌ی تقه اقامت گزید و نزد کمال‌الدین احمد رضوی ماند. وی از شاگردان صائب تبریزی بود. از اوست:

فصاد غمت خون ز رگ سنگ برآرد

تردستی نازت ز حنا رنگ برآرد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۷۲/۹)، صبح گلشن (۸۶)، فرهنگ سخنوران (۱۸۸)، کاروان هند (۲۳۰/۱)، مقالات الشعراء (۱۳۱ - ۱۳۰).

تعلیمی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۵ ش)، ریاضیدان، منجم، فیزیکدان و ادیب. در تهران متولد شد. بعد از سپری کردن دوره‌ی ابتدایی و متوسطه از دانشسرای عالی در رشته ریاضی فارغ‌التحصیل شد. سپس برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و موفق به اخذ لیسانس از دانشگاه بُردو، و درجه‌ی دکترا از دانشگاه ژنو شد. همچنین در رشته‌های فیزیک ستارگان و جوشناسی موفق به اخذ دانشنامه گردید. تعلیمی مدت دو سال در رصدخانه‌ی ژنو به انجام تحقیقات علمی پرداخت و چون به تعلیم و تربیت علاقه‌ی وافر داشت، وارد انستیتوی ژان ژاک

روسو شد و پس از پنج سال تحصیل در رشته‌ی تعلیم و تربیت و روانشناسی، دانشنامه، و در قسمت تعلیم و تربیت تجربی دیپلم عالی اختصاصی دریافت کرد. دکتر تعلیمی پس از هفده سال تحصیل، تحقیق و کسب تجربه در فرانسه و سویس، به ایران بازگشت و به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و عهده‌دار سمت‌هایی چون مترجمی فنی و ریاست دانشکده‌ی ادبیات تبریز شد. از آثار وی: «مبانی آموزش و پرورش نوین»؛ «مربی و طرز تربیت او»؛ «اصول تعلیم و تربیت تجربی و روانشناسی فنکسیونل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۶۸/۲)، مولفین کتب چاپی (۳۵۳ -۳۵۲ /۵).

تفتی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۵ ق)، خطاط. وی از اعیان یزد و از شکسته‌نویسان برجسته بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۶۱/۴).

تفرشی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از کاتبان بود و به خط وی: یک نسخه‌ی «لبّ قصص مثنوی» مولانا، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «... میرزا اسمعیل خلف مرحوم میرزا معصوم تفرشی... فی سنه‌ی ۱۲۸۳».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۶/۱).

تفرشی، عباسعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، خطاط. از آثار وی کتابت «لطیفه‌ی غیبیه» است که در ۱۳۰۴ ق در تهران به چاپ سنگی رسیده و دیگر، کتابت «بحر الجواهر»، در علم حساب و سیاق، که رساله‌ی اول به قلم نستعلیق کتابت خفی خوش و رساله‌ی دوم به قلم شکسته‌ی کتابت خوش است، و به ترتیب با رقمهای: «تمت بالخیر... بید اقل الکتاب عباس علی تفرشی، فی سنه‌ی ۱۳۰۴» و «بید اقل الکتاب عباس علی تفرشی، سمت اختتام پذیرفت».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۴۱ -۳۴۰ / ۲).

تفرشی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۹ ق)، خطاط. او نستعلیق جلی را مانند استادان و تحریر شکسته را شیرین می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۵۰/۲).

تفرشی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. ملقب به کاتب السلطان. از خوشنویسان دربار فتحعلی‌شاه قاجار بود. وفات او را سپهر ۱۲۴۵ ق ضبط کرده است. از آثار وی: یک نسخه «کلیات» فتحعلی‌خان صبا، به قلم نیم دو دانگ خوش، با رقم: «کتبه کاتب الحضره السلطانی، علی اکبر تفرشی... ۱۲۴۰»؛ یک صفحه به کتابت خوش، با رقم: «کتبه...علی اکبر تفرشی فی... سنه‌ی ۱۲۳۷...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۳۶ / ۲).

تفرشی، محمدعیسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمدعیسی تفرشی در سال ۱۳۳۰، در تفرش به دنیا آمد. وی پس از اتمام تحصیلات مقطع کارشناسی وکارشناسی ارشد حقوق خصوصی در دانشگاه تهران، وارد دانشگاه تربیت مدرس شد و در سال ۱۳۷۵ به اخذ درجه دکترا نائل آمد. او در همین دانشگاه به امر تدریس مشغول شد و ضمن آن در شورای آموزشی دانشگاه تربیت مدرس، کمیته اساسنامه های شورای گسترش آموزش عالی،کمیته علوم انسانی شورای گسترش آموزش عالی و کانون وکلای دادگستری مرکز عضویت یافت. علاوه بر آن نشر مقالات و آثار تخصصی نیز مبادرت ورزید.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدعیسی تفرشی پس از اتمام تحصیلات متوسطه، وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۵۳ لیسانس حقوق و در سال ۱۳۵۶ فوق لیسانس حقوق خصوصی را از این دانشگاه دریافت نمود. پس از آن وارد دانشگاه تربیت مدرس شد و در سال ۱۳۷۵، به دریافت درجه دکترا نائل آمد.

هم دوره ای ها و همکاران : محمدعیسی تفرشی در سالهای خدمت در دانشگاه با افرادی چون دکتر بهروز اخلاقی (گروه حقوق دانشگاه تهران)، دکتر سید مصطفی محقق داماد (گروه حقوق دانشگاه شهید بهشتی)، دکتر سید حسین صفایی (گروه حقوق دانشگاه تهران) همکار بوده است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدعیسی تفرشی ضمن تدریش در دانشگاه مسولیتهای زیر را به عهده داشته است: ۱-عضویت در شورای آموزشی دانشگاه تربیت مدرس ۲-عضویت در کمیته اساسنامه های شورای گسترش آموزش عالی ۳- عضویت در کمیته علوم انسانی شورای گسترش آموزش عالی ۴- ارزشیابی ۲ کتاب ۵- مدیر گروه حقوق دانشگاه تربیت مدرس از ۵/۹/۱۳۷۹ تا بحال

فعالیتهای آموزشی : محمدعیسی تفرشی در سال ۱۳۷۰ به عنوان مربی فعالیت خود را در دانشگاه تربیت مدرس تهران آغاز کرد و پس از طی مدارج عالی علمی هم اکنون با رتبه استادی در این دانشگاه فعالیت دارد. او در این مدت تدریس دروسی چون حقوق تجارت، حقوق کار (مقطع کارشناسی)، حقوق تجارت، حقوق مدنی (۱)و(۲) (مقطع کارشناسی ارشد)، حقوق تجارت پیشرفته - حقوق مدنی پیشرفته (۱)و (۲) (مقطع دکتری) را به عهده داشته است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمدعیسی تفرشی علاوه بر عضویت در کانون وکلای دادگستری ، با نشریات تخصصی نیز همکاری نموده و داوری حداقل ۵ مجله علمی را به عهده داشته است.

آرا و گرایشهای خاص : زمینه مورد علاقه محمدعیسی تفرشی در تحقیق و تدریس، همواره حقوق تجارت و حقوق مدنی بوده است. ---

آثار :

۱ مباحثی تحلیلی از حقوق شرکتهای تجاری (جلد اول)، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸.

۲ محمد عیسی تفرشی (اثر حکم ورشکستگی نسبت به معاملات تاجر ورشکسته با توجه به اصول و مبانی حقوق مدنی)، فصلنامه علمی ــپژوهشی مدرس (دانشگاه تربیت مدرس)، ش ۵، زمستان ۱۳۷۶، ص ۷۴- ۵۴

۳ محمد عیسی تفرشی (قانون حاکم بر قراردادهای بین المللی، (ترجمه) ، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، ش ۱۵ و ۱۶، سال ۱۳۷۵، ص ۱۳۸- ۱۲۳.

۴ محمد عیسی تفرشی (مفهوم و قلمرو و ماده ۲۲۰ قانون تجارت ۱۳۱۱)، فصلنامه علمی - پژوهشی مدرس (دانشگاه تربیت مدرس)، ش ۱۴، ۱۳۷۹، ص ۶۱- ۴۰.

۵ محمد عیسی تفرشی و بهزاد پورسید (اجبار به انجام دادن عین تعهد)، فصلنامه دانشور (دانشگاه شاهد)، ش ۲۸، ۱۳۷۹، ص ۱۱۱- ۱۰۳.

۶ محمد عیسی تفرشی و جلیل قنواتی خلف آبادی (ارکان عقد مضاربه در حقوق اسلام و حقوق مدنی ایران)، دانشگاه تربیت مدرس، فصلنامه علمی -پژوهشی مدرس (دانشگاه تربیت مدرس)، ش ۹، زمستان ۱۳۷۷، ص ۱۳۳- ۱۱۵.

تفرشی، نصرالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «حدیقهٔالشیعه» مقدس اردبیلی، به قلم کتابت خفی و دو دانگ متوسط، که در ۱۲۶۵ ق به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۳۹/ ۳).

تفسیری تبریزی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ حسن فرزند حجت‌الاسلام مرحوم حاج میرزا علی مرندی یکی از علماء و ائمه جماعت معاصر تهران بودند- والد ماجدش در سال ۱۲۹۰ قمری پس از اتمام تحصیلات در نجف اشرف به تبریز مراجعت و در کوی امیرخیز اقامت و در آن موقع با مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید ابوالقاسم کوهکمری که در آن محل بودند وصلت کرده و از طیبه عفیفه و صالحه آن مرحوم اولین فرزند را در سال ۱۳۰۰ همان مترجم ما دارا شدند. آن مرحوم در سن ۶ سالگی در مکتب مرحوم حاج ملا حسن که از ادباء و فضلاء عصر خود بودند مشغول تحصیل علم و کمال گشته و مقدمات را همان مکتب فراگرفته و در سن ۱۰ سالگی در مدرسه طالبیه به تحصیل علوم صرف و نحو اشتغال ورزیده و در حدود ۱۵ سالگی مطول را از مرحوم حجت‌الاسلام حاج شیخ حسینعلی تبریزی که در علوم ادبی عربی شهرت به سزائی داشته و سپس شرایع و شرح لمعه را از عالم ربانی آمیرزا رضا نوری فراگرفته و در حدود ۲۰ سالگی رسائل و مکاسب را از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه آقا سید ابوالحسن انگجی فراگرفته و شرح اشارات و تجرید خواجه نصیرالدین طوسی را در محضر مرحوم صراف تلمذ نموده و پس از پایان مراحل تحصیلات و کسب اجازه در نقل احادیث از مراجع عالیقدر آن زمان مانند مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی و حاج عبدالکریم حایری و مرحوم آیت‌اللّٰه حجت در سال ۱۳۳۵ قمری بنا بر تقاضای اهالی کوی اهراب به آن محل منتقل و در مسجد معروف ملا- محسن به اقامه نماز جماعت و ارشاد وعظ پرداخته و در سال ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷ شمسی به ترجمه و تفسیر قرآن با تشریک مساعی مرحوم حاج میرزا علی خیابانی موفق و در کتابفروشی اقبال چاپ و منتشر گردیده و در آن موقع از طرف یکی از اساتید شایسته دانشگاه تهران به لقب تفسیری مشهور و معروف شدند.

فقید سعید مدت ۳۰ سال به تهذیب اخلاق و تقویت روحی انسان‌ها پرداخت و عده‌ای از فضلاء و اخیار از بیانات و دروس آموزنده و سازنده او استفاده نموده و به مراتب عالیه رسیده‌اند که از آنهاست استاد محمد تقی جعفری تبریزی دانشمند محترم و نویسنده ارجمند معاصر که درباره ایشان چنین می گوید.

(یکی از موفقیت آمیزترین دورانهای زندگی اینجانب دورانی بود که در تبریز موفق به حضور در جلسات وعظ و ارشاد فقید سعید گذشته توصیف حالات ربانی مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین عالم ربانی آقای حاج شیخ حسن تفسیری قدس‌اللّٰه سره و نورانیتی در هنگام ارشاد چهره او را فرامی‌گرفت که امکان ناپذیر یا خیلی دشوار است آنچه توصیف و تشریح امواج روحانی که از دل سرمی‌کشد و در دل‌ها می‌نشیند امکان‌پذیر نباشد.

او که می گفت راه بروید خود در حال توقف وجود نبود بلکه خود راه میرفت و به دیگران می گفت راه بروید. می گفت راستگو باشید خود واقعا از دروغ متنفر بود او از آن جمله مربیان زندگی اسلامی بود که طعم سازندگی اسلام را حقیقتا چشیده بود هرگز فراموش نمی‌کنم که وقتی آیات قرآنی را تفسیر می‌فرمود همین‌که آیه یا آیاتی را می‌خواند خود الفاظ قرآنی تجسم معنی به خود می‌گرفت و درون شنوندگان را دگرگون می‌کرد. یکی دیگر از با عظمت‌ترین امتیازات آن مرد کمال یافته این بود که هیچ مطلبی را بدون ماخذ صحیح عظمی یا نظمی مطرح نمی‌کرد.

امتیاز دیگری که همه آشنایان آن مرحوم در او دیده‌اند خود سازی شایسته‌ای بود که در کمتر اشخاص دیده می‌شود حالات ربانی آن مرحوم به خوبی اثبات می‌کند که از خودخواهی گذشت به خودیابی رسیده وسپس به آن خود سازی که انسان را به بارگاه خدا رهنمون می‌شود موفق گشته بود.

شادروان تفسیری در سال ۱۳۲۴ شمسی به تهران مهاجرت و به علت استقبال علاقمندی مردم تهران و آذربایجانیهای مقیم مرکز در آن اقامت نموده و در یکی از مساجد بازار به اقامت جماعات اشتغال و به تدریج مجالس وعظ و خطابه مجدد آغاز گردیده در این مجالس عده‌ای از معاریف علماء مبارز از بیانات و منابر شادروان تفسیری استفاده می‌نموند.

در طول زندگی حدود ۳۰ بار مشرف به عتبات عالیات و مشهد مقدس رضوی و دوازده بار توفیق زیارت بیت‌اللّٰه الحرام را داشته و در خلال سفر حج همیشه به عنوان مرجع مسائل دینی حجاج بوده‌اند.

فقید سعید دارای فضائل اخلاقی فوق‌العاده بوده و در مراتب زهد و تقوا کم نظیر بوده‌اند به نحوه‌ای که عده‌ای از رفقا و دوستان نزدیکش وی را مقدس اردبیلی عصر خود می‌ستودند از صفات برجسته آن مرحوم امانت در قول و فعل که سخت مراقب و مواظب به معنی واقعی امین بود.

غیب و بدگوئی از دیگران در حضور ایشان غیر ممکن بود به احدی اجازه بدگوئی و غیبت از دیگران را نمیدادند. امر به معروف و نهی از منکر را برای خود فریضه می‌دانست (چنانچه بر هر متمکنی فریضه است) و عمل می‌کرد و از کسی باک نداشت. به نماز و قرآن عشق و علاقه عجیبی داشت و تمام نوافل را به جا می‌آورد.

در بزرگداشت مساجد و احترام معبدی آنها سعی فراوانی داشت. مساجد زیادی در تهران شاهد نماز و نیایش و سجود آن فقید سعید می‌باشد به زیارت عاشورا مداومت داشت و در وصیتنامه خود نوشته و تاکید کرده بود که زیارت‌نامه عاشورا موقع دفن به سینه او گذارند. عشق عجیبی به حضرت سید الشهداء علیه‌السلام داشت و هر وقت یاد آن شهید مظلوم می‌کرد بی‌اختیار اشک می‌ریخت.

از مستمندان و فقیران دستگیری می‌کرده و برای خود یک امر لازم و واجب می‌دانست و برای علما و سادات احترام بسیاری قائل بود.

مرحوم تفسیری سه ماه قبل از فوتش کلیه کتابهای خود را به کتابخانه دارالتبلیغ اسلامی قم اهداء نمود و باقیات الصالحات بعد از مرگ خود قرار داد. و در بیستم جمادی‌الاولی ۱۳۹۷ قمری برابر نوزدهم اردیبهشت ۱۳۵۶ شمسی پس از یک دوره نقاهت کوتاه دعوت حق را لبیک گفته و در گورستان بهشت زهرا تهران در آرامگاه مخصوص (شماره ۳۲۸) به خاک سپرده شد در تهران و قم و تبریز مجالس عدیده‌ای از طرف علماء و مراجع عظام برای بزرگداشت او برگزار شد. دارای سه فرزند ذکور به نام آقایان حاج علی- حاج محمد- حسین آقا از تجار محترم تهران می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

تفضلی یزدی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی متالورژی دانشکده: مهندسی متالورژی، دانشگاه: علم و صنعت ایران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

تفضلی، جهانگیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

داستان نویس، شاعر.

تولد: ۱۲۹۳.

درگذشت: ۱۳۶۹.

جهانگیر تفضلی دوره دانشسرای عالی را در رشته‌ی ادبیات گذراندن و پس از شهریور ۱۳۲۰ به نویسندگی سیاسی پرداخت و اغلب با نام‌های مستعار «مازیار»، «آسمان»، «نگین»، «رامین» در روزنامه‌ها و مخصوصا روزنامه «پیکار» (ناشر افکار حزب پیکار) مقاله می‌نوشت. پس از آن در سال ۱۳۲۲ اجازه‌ی انتشار روزنامه‌ی «ایران ما» را همراه با غلامعلی پرویزی گرفت. بعدها همراه قوام‌السلطنه به مسکو رفت و چندی معاون عبدالحسین هژیر (در دوره نخست وزیری) شد. در دوره‌ی مصدق پیرو آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی شده بود. پس از آن به ریاست اداره‌ی تبلیغات و سرپرستی دانشجویان در اروپا و وکالت مجلس شورای ملی و وزارت و سفارت (افغانستان و الجزایر) رسید. کتاب‌هایی که از وی چاپ شده بر روی شن‌های ساحل (داستان) و هایده (داستان) و زهره (شعر) است.

در ۱۲۹۱ در شهر مشهد تولد یافت. پدرش غلامرضاخان مصدق‌السلطان از اهل علم و عرفان و یکی از مریدان و تربیت یافتگان حاج ملا سلطانعلی گنابادی بود و در عرفان و ادب فارسی و عربی مقامی شامخ داشت. جهانگیر پس از انجام تحصیلات مقدماتی و ابتدائی دوره‌ی مدرسه‌ی متوسطه را در مشهد پایان داد و به تهران عزیمت نمود و وارد دارالمعلمین عالی شد و در ۱۳۱۴ لیسانس تاریخ و جغرافیا اخذ نموده به خدمت فرهنگ درآمد و در مدارس آن روز تهران زبان فرانسه و تاریخ و جغرافیا تدریس می‌نمود.

بعد از شهریور ۱۳۲۰ و آغاز بحران دموکراسی، به فکر روزنامه‌نگاری افتاد و سرانجام با خسرو اقبال و تنی چند از یاران، روزنامه‌ی تندرو و منقد نبرد را انتشار دادند. نبرد پس از چند ماهی در محاق توقیف قرار گرفت و سپس نبرد ما جای آن را گرفت و سرانجام در ۱۳۲۲ امتیاز روزنامه‌ی چپ‌رو و مخالف دولت به نام ایران ما صادر شد. اعضاء هیئت تحریریه و سردبیران مجله عبارت بودند از: اسمعیل پوروالی، محمود تفضلی، خسرو اقبال، محمود هرمز و دکتر دهنائی. این روزنامه روزانه بود و تدریجاً حسن ارسنجانی و سید جلال شادمان هم در زمره‌ی نویسندگان آن قرار گرفتند. روزنامه‌ی ایران ما مرتباً توقیف می‌شد ولی بجای آن امتیازاتی تحصیل نموده بودند که به جای ایران ما منتشر می‌گردید.

در شهریور ماه ۱۳۲۲ دو تن از گردانندگان روزنامه‌ی ایران ما توسط نیروهای متفقین به جرم ژرمانوفیلی دستگیر و به زندان اراک منتقل شدند. جهانگیر تفضلی و خسرو اقبال ابتدا در زندان اراک و سپس زندان رشت مدتی در اسارت قوای بیگانه بودند ولی بازداشت آنها طولانی نشد و زودتر از یک سال از زندان مستخلص شدند.

جهانگیر تفضلی در سال ۱۳۲۴ موضع خود را تغییر داد و خود را به حزب آزادی قوام‌السلطنه متمایل نمود و همین موضوع سبب شد که قوام که در اواخر سال ۱۳۲۴ به نخست‌وزیری رسید و در رأس هیئتی برای مذاکره به مسکو رفت، جهانگیر تفضلی یکی از اعضای میسیون بود و در آن سفر مورد توجه و محبت قوام‌السلطنه قرار گرفت. تفضلی پس از مسافرت به مسکو به ایران بازنگشت و به فرانسه رفت و مدتی در آن کشور بسر برد. در ۱۳۲۵ روزنامه‌ی ایران ما، که توسط محمود تفضلی اداره می‌شد پس از ائتلاف حزب توده و حزب ایران، به حزب توده پیوست و چند ماهی با حزب توده همکاری داشت ولی سرانجام در دی ماه ۱۳۲۶ از وابستگی به حزب توده کنار رفت.

بطور کلی روزنامه‌ی ایران ما از روز انتشار تا پایان حیات خود نشریه‌ای معتبر و مورد توجه تمام طبقات بود و حتی محمدرضا پهلوی و اشرف پهلوی بدان توجه خاص داشتند بطوری که شاه با هیئت تحریریه‌ی روزنامه‌ی ایران ما جلسات ماهیانه داشت و اشرف پهلوی هم با جهانگیر تفضلی حشر و نشر زیادی پیدا کرد و او را جز محارمین خود قرار داد.

احمد قوام سرانجام پس از مقاوله‌نامه‌ی نفت شمال، به سرعت در سراشیبی سقوط قرار گرفت و در آذر ماه ۱۳۲۶ با رأی عدم

اعتماد نمایندگانی که حزب دموکرات تعیین کرده بود، ساقط شد و ابراهیم حکیمی برای بار سوم به زمامداری رسید و از همان نخستین روزهای نخست‌وزیری او معلوم بود که محلّلی بیش نیست. در کابینه‌ی حکیم‌الملک، علی سهیلی و عبدالحسین هژیر وزیران مشاور بودند و برای جانشینی او تلاش می‌کردند.

در خرداد ماه ۱۳۲۷ اشرف موفق شد تا عبدالحسین هژیر را به کرسی صدارت برساند. بدون تردید در این کابینه، اشرف پهلوی نقش اول را عهده‌دار بود. از اینرو از نخستین روزهای نخست‌وزیری هژیر، جلسات مداوم شبانه در پل رومی (سفارت آلمان) که مقر نخست‌وزیری بود، با شرکت اشرف پهلوی، عبدالحسین هژیر و جلال شادمان تشکیل می‌شد. تمام وزیران کابینه‌ی هژیر توسط اشرف تعیین شدند و بالاخره به دستور اشرف، جهانگیر تفضلی به معاونت سیاسی نخست‌وزیر تعیین شد. این انتصاب در آن روز که عده‌ی زیادی از رجال صدر مشروطه هنوز حیات داشتند، با تعجب تلقی شد. یک روزنامه‌نویس جوان در سن ۳۵ سالگی در یک سمت حساس قرار گرفت. کابینه‌ی هژیر با مخالفت شدید آیت‌اللّه کاشانی و فدائیان اسلام دوام زیادی نکرد ولی قبل از سقوط کابینه، جهانگیر تفضلی از کار کناره‌گیری نمود و به سمت بازرس دولت در بانک صنعتی و معدنی قرار گرفت. در حکومت دکتر مصدق هم کار مهمی به او ارجاع نشد، فقط چندی مدیرعامل بیمه کارگران بود تا در انتخابات دوره‌ی هیجدهم که پس از کودتای ۲۸ مرداد انجام گرفت، به نمایندگی مجلس از زابل تعیین شد. در سال ۱۳۳۴ در نخست‌وزیری حسین علاء، مورد توجه علم وزیر کشور قرار گرفت و به عنوان سرپرست محصلین به اروپا رفت و قریب پنج سال در آن سمت باقی بود. تفضلی علاوه بر سرپرستی محصلین، سفیرکبیر ایران در یونسکو نیز بود. در ۲۹ بهمن ماه ۱۳۴۱، علم و وزیران کابینه‌ی او استعفا دادند و علم مجدداً مأمور تشکیل کابینه شد و در روز سی‌ام بهمن کابینه‌ی جدید را معرفی کرد. در این کابینه، جهانگیر تفضلی وزیر مشاور و سرپرست اداره کل تبلیغات و انتشارات شد.

اصولاً کار سانسور مطبوعات از بدو تأسیس سازمان اطلاعات و امنیت با آن سازمان بود. به ترتیب سرهنگ هژبر کیانی و سرهنگ ابوالحسن سعادتمند و سرهنگ فرهنگ شاهین، کار سانسور را انجام می‌دادند. در اوایل نخست‌وزیری دکتر علی امینی، سانسور مطبوعات از ساواک منفک و ضمیمه‌ی اداره تبلیغات و انتشارات و بعد وزارت اطلاعات گردید. جهانگیر تفضلی در مقام سرپرستی تبلیغات و انتشارات، رویه‌ی خشن و تندی را اتخاذ نمود. از جمله حداقل تیراژ روزنامه‌ها در تهران بایستی پنج هزار شماره باشد و این امر در آن ایام که روزنامه‌ها با بهای آگهی‌های دولت اداره می‌شدند، امکان‌ناپذیر بود و لذا قریب ۵۰ روزنامه و مجله را در تهران تعطیل و محل انتشار آن را در شهرستان‌ها تعیین کردند که طبعاً مدیران آن دسته به شهرستان‌ها نرفتند.

جهانگیر تفضلی روز ۱۸ خرداد ماه ۱۳۴۲ پس از وقایع خونبار ۱۵ خرداد، از سمت رئیس اداره انتشارات و تبلیغات و وزارت مشاور استعفا داد. پس از آن چندی عضو هیئت نظارت سازمان برنامه بود تا اینکه در فروردین ماه ۱۳۵۰ با سمت سفیرکبیر عازم کابل گردید و تا مرداد ماه ۱۳۵۴ در آن سمت باقی ماند.

صاحب ترجمه مردی جسور، صحنه‌ساز، بی‌بندوبار و خوشگذران بود و به زبان و ادبیات فارسی و فرانسه تسلط داشت. نویسنده‌ای متفکر و در عین حال منقد بود. بیشتر مقالات او با نام مستعار «مازیار» در ایران ما و سایر جراید منتشر می‌شد. در جریان اصلاحات ارضی و اصول ششگانه‌ی انقلاب سفید، مشاور محمدرضا پهلوی بود و بیشتر نطق‌های شاه را او تهیه می‌کرد. در اواخر عمر خاطرات خود را با مدد گرفتن از حافظه تدوین نمود. این خاطرات سرانجام در سال ۱۳۷۶ از حوزه‌ی هنری دفتر ادبیات انقلاب اسلامی به کوشش یعقوب توکلی با مقدمه‌ی محققانه‌ای و زیرنویس‌های لازم، چاپ و انتشار یافت.

جهانگیر تفضلی در سال ۱۳۷۰ دست به خودکشی زد. این فکر از چندی پیش در مخیله‌ی او وجود داشت و همواره با دوستان نزدیک خود این مطلب را بیان می‌نهاد. آنقدر در این مورد سخن گفته بود که دوستانش او را مسخره می‌کردند. ولی سرانجام فکر خود را جامه عمل پوشانید. پس از چندی، دختر او استاد دانشگاه شهید بهشتی بود نیز خودکشی نمود.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

تفضلی، عنایت الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عنایت‌الله تفضلی دارای دکتری باغبانی از دانشگاه ردینگ انگلستان در سال ۱۳۵۴ است. وی هم اکنون با رتبه علمی استادی در دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز به تدریس و تحقیق مشغول است.گروه : کشاورزیرشته : باغبانیتحصیلات رسمی و حرفه ای : عنایت‌الله تفضلی دارای دکتری باغبانی از دانشگاه ردینگ انگلستان در سال ۱۳۵۴ است. خاطرات و وقایع تحصیل : تحصیل در رشته باغبانی و اخذ مدرک دکترای آن رشته و سفر به کشور های آمریکا و انگلستان از خاطرات و وقایع مهم زندگی علمی عنایت‌الله تفضلی بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : عنایت‌الله تفضلی در کنار تحصیل به یادگیری زبانهای انگلیسی و آلمانی می پرداخت.هم دوره ای ها و همکاران : وقایع میانسالی : عنایت‌الله تفضلی پس از حراز دکتری باغبانی در دانشگاه شیراز مشغول به تدریس شد . وی پس از طی مراتب علمی استادیاری و دانشیاری به رتبه علمی استادی دانشگاه شیراز درآمد.وی در کنار تدریس به تحقیق در زمینه مقایسه اثر تنک دستی و شیمیایی بر خصوصیات خرما و اثر تنظیم کننده های رشد در زمان گل انگیزی بر کیفیت و کیفیت انگور وغیره ...می پردازد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عنایت‌الله تفضلی عضو هیات علمی و استاد دانشگاه شیراز است.فعالیتهای آموزشی : عنایت‌الله تفضلی به تدریس دروس های مختلف زیردر دانشگاه شیراز می پردازد: تنظیم کننده های رشد ،میوه های گرمسیری و نیمه گرمسیری ،میوه های دانه ریز ،اصول باغبانی ،سبزیکاریچگونگی عرضه آثار : عنایت الله تفضلی آثار خود را در قالب تالیف و ترجمه کتب و مقاله و همچنین با انتشار آنها در مجلات معتبر علمی بین المللی ارائه میکند. ایشان

بیش از ۱۰ پایان نامه کارشناسی ارشد را راهنمایی و مشاوره و نظارت کرده است. وی همچنین دارای چندین طرح تحقیقاتی پایان یافته است که در زیر به چند عنوان از آنها اشاره می شود: مقایسه اثرات و ساخت ایرانی CCC و مقایسه با مشابه خارجی – مجری مقایسه اثر تنک دستی و شیمیایی بر خصوصیات خرما– مجری اثر تنظیم کننده های رشد در زمان گل انگیزی بر کمیت و کیفیت انگور – مجری آثار : ۱ اصول باغبانی ویژگی اثر : پدیدآورنده: مرتضی خوشخوی، ایرج روحانی، بیژن شیبانی، عنایت الله تفضلی ناشر: دانشگاه شیراز – ۱۳۸۳۲ انگور ویژگی اثر : دانشگاه شیراز –فارسی ۱۳۷۱۳ فرهنگ کشاورزی و منابع طبیعی (شامل تعریف و معادل فارسی واژه های علمی): علوم باغبانی ویژگی اثر : پدیدآورنده: مرتضی خوشخوی، عنایت الله تفضلی، احمد خلیقی، وازگین گریگوریان، علیرضا سپاهی، محمدرضا داهی (ویراستار)، سیدمحمد اشکان (ویراستار)، غلامرضا ستوده (ویراستار) ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ – ۲۶ اردیبهشت، ۱۳۸۵

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

تفضلی، عنایت‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: باغبانی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شیراز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

تفضلی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی تفضلی متولد ۱۳۲۴ ش دارای دکترای رشته متالوژی عضویت هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران با درجه دانشیار باشد. وی دارای تحقیقات وآثاری پیرامون شکل دادن فلزات،علم مواد شناخت فلزات صنعتی می باشد.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی متالوژیتحصیلات رسمی و حرفه ای : مصطفی تفضلی دارای کارشناسی رشته مهندسی مواد از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته مهندسی مواد از دانشگاه تهران دکترای رشته متالوژی آلیاژها از دانشگاه نیویورک میباشدخاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه وتحصیل در رشته متالوژی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی مصطفی تفضلی بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : مصطفی تفضلی د ر کنار تحصیل به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری در زمینه تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : مصطفی تفضلی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته متالوژی به عضویت هیئت علمی گروه متالوژی در دانشکده فنی مهندسی دردانشگاه علم و صنعت ایران در آمد وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مصطفی تفضلی عضوهیئت علمی و دانشیار گروه متالوژی در دانشکده فنی مهندسی در دانشگاه علم و صنعت ایران است.فعالیتهای آموزشی : مصطفی تفضلی سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه متالوژی در دانشکده فنی مهندسی علم و صنعت ایران به تدریس دروس تخصصی رشته متالوژی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مصطفی تفضلی در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : مصطفی تفضلی از جمله مهندسین متالوژی است که تحقیقات و پژوهشهای علمی و عمیق وسیعی درباره شکل دادن فلز، شناخت فلزات صنعتی انجام داده است.

آثار : شکل دادن فلز شناخت فلزات صنعتی علم مواد متالوژی منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

تفکری، اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۹ –۱۲۹۰ ش)، هنرمند. مشهور به تفکری. وی در تهران متولد شد و از همان نوجوانی به هنر بازیگری علاقه‌مند شد و کار هنری خود را با پیش پرده‌خوانی آغاز کرد. حاجی اسماعیلی پس از آن در نمایشهای مختلف شرکت کرد و کار جدی خود را از سال ۱۳۰۶ ش با گروه هنری خیرخواه شروع کرد. تفکری از سال ۱۳۳۰ ش با شرکت در فیلم «شکار خانگی» به سینما روی آورد و بعد از آن در فیلمهای «دستکش سفید»؛ «مشهدی عباد»؛ «میلیونر»؛ «آقای اسکناس» و همچنین در نمایشنامه‌هایی چون «جناب میرزا»؛ «مردی از آن دنیا» و «انگلهای اجتماع»، نقش ایفا کرد. وی در تهران درگذشت و در امامزاده عبدالله به خاک سپرده شد.[۱]

مرحوم اصغر تفکری که نام اصلی او، اصغر حاجی اسماعیلی بود، در سال ۱۲۹۰ شمسی در تهران متولد شد و در نقش‌ها کمدی (خنده‌آور) باز می‌کرد و یکی دیگر از پیش‌پرده‌خوانان تئاترهای تهران بود.

وی کار بازیگری در تئاتر را از سال ۱۳۰۶ با گروه خیرخواه آغاز کرد سپس با شرکت در پیس‌های: «اسرار حرم»، «جناب میرزا»، «حافظ»، «شوهرهای عوضی»، «مردی از آن دنیا»، «بازرس»، «انگل‌های اجتماع»، «خروس بی‌محل»، «نامزد عوضی»، «دختر شکلات

فروش» رسماً به حرفه‌ی بازیگری پرداخت.

شادروان اصغر تفکری در سال ۱۳۳۰ با شرکت در فیلم «شکار خانگی» با شرکت خانم عزت روح‌بخش به سینما روی آورد و پس از آن در فیلم‌های: «دستکش سفید»، در سال ۱۳۳۰ با شرکت ناهید سرفراز و حمید قنبری، «مشهدی عباد» سال ۱۳۳۲ با شرکت تقی ظهوری، علی تابش، معصومه خاکیار، رضا کریمی، «نقلعلی» محصول استودیو ارتش رنگی در سال ۱۳۳۳، «میلیونر» سال ۱۳۳۳، «آقای اسکناس» سال ۱۳۳۷، «آقای شانس» سال ۱۳۳۸، «آقا جنی شده» سال ۱۳۳۸، «در جستجوی داماد» سال ۱۳۳۹ و «فریاد نیمه‌شب» در سال ۱۳۳۴ متناوباً شرکت کرد. اصغر تفکری در سال ۱۳۳۹ به رحمت ایزدی پیوست، خداوند رحمت کند وی را.

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[1] ادبیات نمایشی (۱۱۰/۲)، تاریخ سینمای ایران (۳۱۷ ،۳۰۶ ،۲۳۱)، سیمای هنرمندان (۳۴۴ –۳۴۳ /۱)، مردان موسیقی (۲۹۲ –۲۹۱ /۲).

تقاوی، فضل‌اللّه

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن نسخ کتابت جلی ترکی عالی با رقم: «فضل‌اللّه بن محمد تقای سنهٔ ۱۰۶۷» در موزه‌ی اسلامی ترک.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

تقدیری بشرویه، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی تقدیری بشرویه

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۶/۳

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ به حوزه علمیه ولیعصر (عج) شهرستان خوانسار وارد شدم و علوم مقدماتی را در نزد ابوی مرحوم حضرت آیت الله شیخ هاشم تقدیری سبزواری (ره) تلمذ نمودم. سطح فقه و اصول را در نزد اساتید بزرگوار حضرت حجهٔ السلام والمسلمین نیازی خرم آبادی و حجهٔ السلام و المسلمین رفیعان نیشابوری و دیگراستادان آن حوزه استفاده نمودم. در سال ۱۳۶۹ برای تکمیل دروس حوزه به شهر قم عزیمت نمودم و سطوح عالی رسائل و مکاسب و کفایه را در محضر حضرات اساتید حجهٔ الاسلام موسوی تهرانی، مرحوم آیهٔ الله پایانی (ره) ، مرحوم آیهٔ الله صالحی مازندرانی (ره) ودروس خارج حوزه را در محضرحضرات اساتید آیهٔ الله وحید خراسانی، آیهٔ الله شیخ جواد تبریزی، آیهٔالله جوادی آملی و دیگر بزرگواران بسیاری بهره بردم.در حین تحصیل به جهت علاقه وافربه تربیت نسل جوان در مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان از محضر استاد هنرمند حضرت حجت الاسلام و المسلمین راستگو؛ شیوه های مهارتی تربیتی و پرورشی را آموختم که تا کنون ازسرمایه های علمی آن مرکز در راه تبلیغ و تربیت نسل جوان بسیار بهره مند شده ام وهمچنین به عضویت گروه پژوهش کودک و نوجوان صدا وسیمای قم و دوره های نقد ادبی حوزه از محضر استادان حجهٔ الاسلام والمسلمین جواد محدثی و دهنوی درراه خدمت به فرهنگ علمی جامعه از شیوه های نگارش و ویرایش استفاده کردم. وپس از مدتی کوتاه به مؤسسه فرهنگی دار الحدیث توفیق تحقیق و مصدریابی یافتم و چندین سال از علوم حدیث و معارف اهل بیت هم در راه رشد فکری خویش از آن مؤسسه فرهنگی بهره ها بردم.ازتوفیقات بنده در راه خدمت به معارف اهل بیت علهیم السلام، ورود به مؤسسه مذاهب اسلامی جهت شرکت در دوره های آموزشی وتخصصی مذاهب اسلامی بوده است. ودرتبلیغ و اطلاع رسانی به ویژه در مناطق اهل سنت و مرزی واجرای برنامه ی کلاسی و اردویی ونویسندگی در خدمت بوده ام.

تقدیری، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقدیری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در ۵ مسیر دارای فعالیت بوده‌ام:

۱- تحصیل: تحصیلات دبیرستان تا دیپلم در رشته ریاضی و فیزیک در دبیرستان امام صادق(ع) قم گذراندم پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه مدرسه رسالت شدم و تا لمعتین در آن مدرسه تحصیل کردم از حضور اساتید معظم نکونام، طالقانی(ادبیات)، فشارکی (سیوطی)، (اصول)، کریمی، صالحی افغانی، نکونام، حائری، لمعه (اشتهاردی، محامی وجدانی فخر) استفاده کردم و رسائل را خدمت استاد اعتماد و موسوی تهرانی و مکاسب را خدمت استاد مرحوم پایانی، اشتهاردی، ستوده استفاده کردم و هم زمان فلسفه و بدایه و نهایه را خدمت استاد فیاضی تلمذ نمودم و سپس وارد درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی و آیت الله هاشم شاهرودی شدم و فقه را نزد آیت الله تبریزی و مکارم و مددی و سید کاظم حائری استفاده کردم و خارج بیع را نزد آیت الله هاشمی شاهرودی گذراندم و اکنون مدت ۵ سال است در درس خارج مکاسب محرمه نزد رهبر معظم انقلاب در تهران مشغول هستم همزمان با تحصیل حوزه کارشناسی ارشد الهیات رشته کلام در تربیت مدرس دانشگاه قم گذراندم و موضوع افسردگی و حزن و اندون (مقایسه تطبیقی) در قرآن، سنت و متون دینی و روانشناسی پایان‌نامه‌ام بود همچنین دو سال و نیم دوره معارف در دانشکده باقرالعلوم (ع) وابسته به دفتر تبلیغات گذراندم.

۲- تحقیق: به طور رسمی از سال ۱۳۷۲ در مؤسسه دارالحدیث جزو محققین همکار در تدوین میزان الحکمه قرار گرفتم که موضوعات تربیتی و اخلاقی و روانشناسی مانند اخلاق، حزن، خانواده، خیر و برکت، محبت و عناوین دیگر را تحقیق کردم که دو عنوان آن محبت در قرآن و حدیث، خیر و برکت در قرآن و حدیث منتشر شده است.

۳- تدریس: همزمان با دو عنوان قبل به تدریس دروس منطق، فقه و اصول، کلام، اخلاق و تفسیر اشتغال داشته‌ام مباحث روش تحقیق و روش تبلیغ از مباحث تدریسی بوده است.

۴- تألیف: علاوه بر کتب چاپ شده در تحقیق مقالاتی برای سمینارها و کنفرانسها ارسال می‌داشتم که بعضاً در همان سمینار قرائت شده و سپس چاپ شده است.

۵- تبلیغ: پس از اتمام لمعتین تبلیغ در مدارس، روستاها، سپس دانشگاهها را شروع کردم که مجموعاً ۲۰ سال تبلیغی سابقه دارم و تا سال ۱۳۷۹ که جهت معاونت فرهنگی آستان حضرت عبدالعظیم به تهران آمدم در ۶ دانشگاه کشور و خوابگاههای آن فعالیت داشته‌ام بدلیل آموزش و پرورش کار با کودکان و نوجوانان و تحصیلات دانشگاهی توانستم در تبلیغ مدارس و دانشگاهها اثرات مؤثری داشته باشم. هم اکنون نیز در مساجد شهری و تهران دانشگاه شاهد و مراکز و مجالس به سخنرانی و تبلیغ اشتغال دارم.

در سال ۱۳۷۹ به عنوان معاون فرهنگی آستان حضرت عبدالعظیم(ع) در خدمت آن امامزاده وارد شدم که علاوه بر کارهای مدیریت ریاست مرکز نجوم آستان مقدسی، مسئول حوزه علمیه حضرت عبدالعظیم (خواهران و برادران –) تدریس در این دو حوزه و تحصیل درس خارج درس مقام معظم رهبری شرکت دارم. و علاوه بر تبلیغ مجموعه ای از خواهران و برادران را برای تبلیغ در مدارس آموزش داده‌ام که در مناسبت‌ها به تبلیغ اعزام می‌شوند. همچنین به عنوان استاد راهنما راهنمایی بیش از ده پایان‌نامه در موضوعات اخلاقی – تربیتی روانشناسی راهنمایی کرده‌ام.

تقوی اشتهاردی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین تقوی اشتهاردی در اشتهارد، به سال ۱۳۰۴ ش، در یک خانواده روحانی، چشم به این جهان گشود. او درسال ۱۳۲۵ ش به قم سفر کرد و در مدرسه فیضیه در یکی از حجره ها سکونت نمود و مدت هفت سال در آن حجره بود و با ذوق و شوق به تحصیلات خود ادامه داد. یکی ازاشتغالات مهم آیت الله تقوی در حوزه علمیه قم، تدریس و تربیت شاگرد بود و دراین جهت مهارت و پشتکار از خود نشان داد. از همان آغاز که وارد حوزه شد، در ضمن تحصیل به تدریس دروس سطح حوزه نیز پرداخت. او در ۱۴ مهر ماه ۱۳۷۹ ش دار فانی را وداع گفت.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : پدر بزرگوار حسین تقوی اشتهاردی ، حضرت آیت‌اللّه حاج شیخ یحیی تقوی (۱۲۶۷ – ۱۳۳۸ ه . ش) از علمای برجسته، مخلص و خدمتگذار شهر اشتهارد (واقع در ۵۲ کیلومتری جنوب غربی شهرستان کرج) بود. این عالم ربانی، در صفات و ارزش‌های اخلاقی، عرفانی و شاگردپروری، در سطح بالایی قرار داشت.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : «صبح‌ها مشغول خرید و فروش و تأمین معاش و رسیدگی به امور خانه بودم و تنها بعدازظهرها درس می‌خواندم. دیدم با این وضع به جایی نخواهم رسید، نزد پدر رفتم و عرض کردم: اجازه بفرما یا به قم برای ادامه تحصیل بروم و یابه کسب و کار مشغول شوم. ایشان که بسیار علاقه داشت تحصیلات حوزوی را ادامه دهم، اجازه فرمود به قم عزیمت کنم.از این رو در سال ۱۳۲۵ شمسی به قم سفر کردم. یک ماه بود که مرجع معروف، آیت‌اللّه العظمی سید ابوالحسن اصفهانی؛ در نجف اشرف رحلت کرده بود. مدتی نیز از آمدن حضرت آیت‌اللّه العظمی بروجردی به قم می‌گذشت و روز به روز بر رونق حوزه علمیه قم تحت زعامت آن مرجع عالیقدر، افزوده می‌شد. در مدرسه فیضیه در یکی از حجره‌ها سکونت نمودم و مدت هفت سال در آن حجره بودم، شرایط حجره از نظر بهداشت و آب و هوا و غذا و ساختمان، بسیار بد بود، به گونه‌ای که بیماری رُماتیسم گرفتم، در چنین شرایطی با ذوق و شوق به تحصیلات خود ادامه

دادم.»تحصیلات رسمی و حرفه ای : پدر و مادر حسین تقوی اشتهاردی از داشتن نخستین پسر خشنود شدند و نام این نوزاد فرخنده را حسین گذاشتند. حسین در کنار پدر و مادر مهربان خود پرورش یافت و در پنج یا شش سالگی نزد پدر، تحصیل را آغاز کرد. طبق رسم آن زمان، نخست به یاد گرفتن تلاوت آیات قرآن پرداخت. بر اثر استعداد سرشار، به زودی تلاوت همه آیات قرآن را فرا گرفت. پس از آن، به تحصیل درس فارسی، که کتاب «معراج السعاده»، تألیف مرحوم آیت‌اللّه ملا ـ احمد نراقی؛ بود، پرداخت. قدری ریاضی نیز در محضر پدر آموخت. در این هنگام خواندن و نوشتن را به طور کامل فرا گرفته بود.در دوازده سالگی به خواندن «جامع المقدمات» که اولین کتاب درسی حوزه است، مشغول شد. چون هنوز مدرسه علمیه اشتهارد در آن وقت مخروبه بود، این کتاب را نیز همراه بعضی از دوستان در مسجد نزد پدرش می‌آموخت. تا این که سال ۱۳۱۵ شمسی فرا رسید. مرحوم حاج شیخ یحیی تقوی، مدرسه علمیه مخروبه را در آن سال تعمیر کرد و حوزه کوچکی در آن‌جا تشکیل داد. شیخ حسین تقوی، در آنجا همراه بعضی از دوستان، دروس سطح مانند: «لمعه» و «قوانین» را نزد پدر فرا گرفت و در کنار درس، برای تأمین زندگی به کار و کسب نیز اشتغال داشت.حدود شش سال در درس آیت‌اللّه العظمی بروجردی؛ حاضر شد و از علم وافر او بهره‌مند گردید و تقریرات درس فقه ایشان را در سه جلد به رشته تحریر درآورده که هم اکنون موجود می‌باشد و هنوز به چاپ نرسیده است.همچنین در دوره اصول درس خارج امام خمینی (ره) از آغاز تا پایان شرکت و آن را به طور کامل تقریر کرده است. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام این تقریرات را با عنوان «تنقیح الاصول» در چهار جلد، چاپ و منتشر نموده است. نیز تقریرات درس مکاسب امام راحل را از آغاز تا شرایط متعاقدین، نوشته‌اند که بنا است همین مؤسسه آن را به چاپ رساند.فعالیتهای ضمن تحصیل : حسین تقوی اشتهاردی با وجود برخورداری از حافظه و استعداد سرشار، می‌توانستند در سطح مراجع تقلید مطرح شوند؛ ولی بیماری طولانی مانع بروز آثار علمی از آن مرحوم گردید؛ چنان که خود می‌فرمود:«اوایل انقلاب اسلامی در ایران، چشمهایم آب آورد و بر اثر عمل جرّاحی و طولانی شدن مداوا، مبتلا به سر درد شدم و از توفیقاتم کاسته شد.»استادان و مربیان : اساتید دروس سطح حسین تقوی اشتهاردی در حوزه قم عبارتند از:۱ – مرحوم شهید آیت‌اللّه صدوقی یزدی؛ ۲ – مرحوم شهید علامه مرتضی مطهّری؛ ۳ – مرحوم آیت‌اللّه مجاهدی تبریزی؛ ۴ – مرحوم آیت‌اللّه حاج عبدالجواد اصفهانی؛ ۵ – مرحوم آیت‌اللّه آقا جواد خندق آبادی؛ ۶ – مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا علی اصغر علامه تهرانی؛ ۷ – مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا باقر سلطان.آیت‌اللّه تقوی در درس خارج فقه و اصول مراجع و علمای محقق وقت، شرکت می‌کرد که می‌توان به افراد ذیل اشاره داشت:۱ – آیت‌اللّه العظمی حاج آقا حسین بروجردی؛.۲ – آیت‌اللّه العظمی حضرت امام خمینی (ره).۳ – آیت‌اللّه العظمی سید محمدرضا گلپایگانی؛.۴ – آیت‌اللّه العظمی سید محمد حجت؛.و بعضی دیگر و مقداری از درس خارج فقه و فلسفه را در محضر علاّمه طباطبایی فرا گرفت.البته در میان این بزرگواران بیشتر از درس آیت‌اللّه العظمی بروجردی؛ و امام خمینی (ره) استفاده کرده است.هم دوره ای ها و همکاران : از هم‌مباحثه‌های حسین تقوی اشتهاردی که بسیار با هم بودند، دانشمند و نویسنده محقق عبدالمجید رشیدپور است که خدمات فرهنگی بسیاری داشته است.او در ضمن تحصیل، کتاب‌های مقدماتی و سطح حوزه را نیز تدریس می‌کرد و طلاب از محضرش بهره‌مند می‌شدند.زمان و علت فوت : حسین تقوی اشتهاردی پس از مدت‌ها کسالت، در هفته آخر، حالشان روز به روز وخیم‌تر می‌شود.خود نیز فهمیده بود که در آستانه رحلت قرار گرفته است. پسرش می‌گفت:«ده روز قبل از مرگ، به من فرمود: ده روز دیگر می‌میرم و مصلحت است بروم. در این باره شک نکن. ماه مبارک رجب فرا رسید. روز هشتم حالش منقلب شد. شب آن روز، نماز مغرب و عشا را خوابیده خواند؛ اما هوش و حافظه‌اش هیچ خللی نداشت. حتی دنبال چیزی می‌گشتیم، فرمود: فلان جا است. رفتیم، دیدیم همان جا است. وقتی پزشک معالج آمده بود، از او تشکر کرد و به ذکر خدا مشغول شد. با آرامش خاصی نام خدا و شهادتین را به زبان آورد. و حدود ساعت ۱۰/۳۰ شب بود که به لقاء اللّه پیوست.»او چهارشنبه، ششم رجب سال ۱۴۲۱ ق. (برابر با ۱۴ مهر ۱۳۷۹ شمسی) دار دنیا را وداع گفت. پیکر مطهّرش در روز جمعه ۱۵ مهرماه از مسجد امام، با تشییع با شکوه، به طرف حرم حضرت معصومه (س) حرکت داده شد. پس از طواف ضریح، حضرت آیت‌اللّه آقای حاج شیخ علی پناه اشتهاردی (دامت برکاته) نماز بر آن گزارد. پیکر مطهرش را در قبرستان باغ بهشت (روبه روی گلزار شهدای قم)، در «مقبرهٔ العلماء»، به خاک سپردند. مجالس پر شکوهی به مناسبت رحلت آن عالم ربّانی با شرکت مراجع، علما و فضلا و سایر اقشار مردم در قم، تهران و اشتهارد برگزار گردید.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسین تقوی اشتهاردی با آن که از مجتهدین و مدرسین بود، اما از وظیفه تبلیغ دین و بیان حلال و حرام و وعظ و ارشاد غافل نمی‌شد. از این رو در ماه مبارک رمضان و محرم، بنا به دعوت اهالی اشتهارد، به آنجا رفته و ضمن اقامه جماعت، به تبلیغ دین می‌پرداخت و مدت‌ها قبل از انقلاب، نماز جمعه را نیز اقامه می‌فرمود.در اشتهارد دو مسجد را اداره می‌کردند و با تلاش‌های شبانه روزی خود تا مدت ۳۵ سال این کار را ادامه دادند. از آن جا که ایشان بر مسائل اسلامی و احکام، بسیار تسلّط داشت و مطالب را به گونه روان و همه فهم بیان می‌کرد، لذا توانست تحول خوبی در آن سامان به وجود آورد.در بیان احکام، جدّی و قاطع و دقیق بود. با پیش مطالعه عمیق، سخن می‌گفت. برای اوقات مردم ارزش فراوان قائل بود. بیاناتش اثر خاصی داشت و از این رو عده بسیاری تحت تأثیر قرار گرفته و بر ایمان و کمالات خود افزودند.او مکرر می‌گفت:«سه چیز باید از خوب‌هایش باشد و در انتخاب آنها دقّت کرد: ۱ – پزشک برای درمان بیماران؛ ۲ – عالم دانا به مسائل برای پاسخگویی به مسائل مختلف؛ ۳ – هندوانه خوب.»این مثال هندوانه را می‌آورد تا روشن کند اگر دکتر و عالِم، حاذق و ماهر نباشند، مانند هندوانه نارسیده، قابل استفاده نیستند.فعالیتهای آموزشی : یکی از اشتغالات مهم حسین تقوی اشتهاردی در حوزه علمیه قم، تدریس و تربیت شاگرد بود و در این جهت مهارت و پشتکار چشمگیری از خود نشان می‌داد. از همان آغاز که وارد حوزه شد، در ضمن تحصیل به تدریس دروس سطح حوزه نیز پرداخت. حدود پانزده سال در مدرسه حقّانی و مدرسه آیت‌اللّه گلپایگانی، کتاب‌های «شرح لمعه»، «مکاسب»، «رسائل» و «کفایه» را تدریس کرد. همچنین در حوزه علمیه خرّم آباد نیز یک ماه تدریس کرده است. علاقه وی به دانش و دانش اندوزی به حدّی بود که در سال‌های آخر عمر، که بر اثر کسالت، بیشتر در منزل بود، جلسات مباحثه و تدریس درمنزل وی انجام می‌گرفت.مرحوم تقوی، مدت‌ها در مدرسه علمیه حاج ملاّ صادق قم تدریس می‌کرد و شب‌ها در همان جا نماز جماعت را اقامه می‌نمود و روزهای پنجشنبه برای خواهران طلبه تفسیر می‌گفت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حسین

تقوی اشتهاردی ؛ در ضمن وعظ و ارشاد در اشتهارد، به نیازهای مادی و رفاهی مردم نیز توجه خاصی داشتند و در رفع آن نیازها به جدّیت می‌کوشیدند.یکی از خدمات مهمی که با پیشنهاد و جلوداری ایشان شروع و تکمیل گردید، ساخت و تبدیل حمام‌ها و رسانیدن آب آشامیدنی به اهالی بود.مشکل دیگری که در اشتهارد وجود داشت، نداشتن آب آشامیدنی بود. مردم از قنات دوردستی که همان قنات، غسّالخانه نیز بود، آب شُرب خود را تأمین می‌کردند. لذا آیت‌اللّه تقوی با راهنمایی و زمینه سازی و با همت مردم، مزرعه‌ای را که دارای آب شیرین بود و در حدود یک فرسخی اشتهارد قرار داشت، خریداری و آب آن را به اشتهارد لوله کشی می‌کرد. شروع این کار در سال ۱۳۴۸ بود و هم اکنون بعد از گذشت سال‌ها از این آب استفاده می‌شود. البته بر اثر افزایش جمعیت، آب‌های دیگری را نیز بر آن افزوده‌اند.او بسیار خرسند بود که قدمی در راه خدمت به مردم برداشته و در این باره می‌فرمود:«وظیفه خود دانستم که اهالی را به یاری خداوند متعال، از این زحمت طاقت فرسا نجات دهم، و آب خوشگوار و شیرین را در دسترس همگان بگذارم.»ارتباط حضرت آیت‌اللّه تقوی؛ با حضرت امام خمینی (ره) در ابعاد گوناگون بسیار قوی بود. ارتباط مهم او با امام، ارتباط شاگرد و استادی بود. ایشان حدود ده سال (از سال ۱۳۳۱ تا ۱۳۴۱ شمسی) در درس فقه و اصول امام شرکت کرد و علاوه بر فقه و اصول، از فیوضات عرفانی و اخلاقی امام نیز استفاده فراوان برد.شاگردان : شاگردپروری حسین تقوی اشتهاردی را می‌توان از امتیازات ایشان دانست؛ شاگردانی برجسته و کارآمد که اکنون بسیاری از آنها در نظام اسلامی و حوزه‌های علمیه، منشأ خدمت هستند؛ مانند حجج اسلام: فلاحیان، رازینی، یونسی (وزیر اطلاعات فعلی)، نیّری، عباسی فرد و بسیاری از رؤسای دوایر قضایی و شیخ محمد رضا آدینه‌وند، صدیقی (دو نفر از علمای حوزه) و محمدی عراقی (رئیس سازمان تبلیغات اسلامی) و....آرا و گرایشهای خاص : مرحوم حسین تقوی اشتهاردی از نظر اخلاقی و معنوی، دارای ویژگی‌هایی بود که در اینجا نظر شما را به چند نمونه جلب می‌کنیم:زهد و وارستگی، عبد خدا و شیفته ولایت،وقار، ادب و متانت، خوش رویی و اخلاق نیک،صبر، مقاومت و شکر،تواضع و فروتنی،نظم و انضباط،یاد آخرت و آرامش پیش از سفر،آثار : ، اصول المذهب ، تقریرات درس فقه آیت‌اللّه العظمی بروجردی، تقریرات درس فقه مکاسب ، تنقیح الاصول ، فروع المذهب ، معاشرت از دیدگاه وحی

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/بخش زندگینامه علماwww.hawzah.net/-۱k

تقوی شیرازی، عبدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید عبدالعلی بن العالم المجاهد الکامل آیت‌اللّه الحاج سید هدایت‌اللّه تقوی شیرازی از علماء خدوم و مروجین حقیقی خاندان رسالت و ولایت علوی معاصر تهران است که جمع نموده مقام فضل و تقوی عمل و اخلاص را در سال ۱۳۶۲ قمری برابر با ۱۳۲۰ شمسی در تهران در بیت علم و فضیلت دیده به جهان گشود و در مهد تقوی و دانش پرورش یافته و در سن ۱۴ سالگی برای تحصیل مهاجرت به قم نمود و اولیا و ادبیات و سطوح را در قم خوانده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی چندی در تهران توقف و سطوح را در مدرسه عالی سپه سالار از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد علی لواسانی استفاده- و سپس به نجف عزیمت نموده و بقیه سطوح عالی را از آیت‌اللّه حاج سید اسداللّه مدنی و آیت‌اللّه حاج شیخ جواد تبریزی فراگرفته و از درس خارج آیت‌اللّه حاج شیخ محمد حسن صافی اصفهانی بهره‌مند شده و در سال ۱۳۹۱ قمری به واسطه کسالت والد ماجدش که منجر به فوت ایشان شده مراجعت به تهران و بعد از رحلت آن مرحوم بنابر اصرار بسیاری از متدینین و دوستان والدش و امریه حضرات آیات عظام خوئی و شاهرودی و مراجع بزرگوار قم برای اداره مسجد والدش معروف به (مسجد سنگی) واقع در خیابان ادیب الممالک خیابان ری از برگشت به نجف اشرف معذور و تا حال حاضر با اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین و تدریس علوم دینیه و نشر معارف اهل بیت وحی و رسالت اشتغال و جدا از مدافعین ولایت علوی معاصر و مجاهدین با وهابی مسلک‌ها و سنی منش‌های وطنی و ضد ولایتی‌ها می‌باشد معظم‌له در میان روحانیون مرکز و مراجع و آیات بزرگ تقلید و نجف و بالاخص از نظر حضرت نایب الامام آقای خمینی مدظله از محبوبیت مخصوصی برخوردار است و در مسافرتش به لندن برای معالجه برای ملاقات و زیارت معظم‌له سفری به پاریس نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

تقوی شیرازی، محمدشریف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدشریف بن العالم الجلیل سید محمدحسن بن الفقیه النبیه سید حسین بن السید الجلیل سید علی ابن الشریف الجمیل سید محسن بن سید شاه حسین بن سید زبیر تقوی برقعی رضوی مجتهد ونکی شیرازی نسبش با بیست و چهار واسطه بوسیله جناب موسی مبرقع به حضرت جوادالائمه امام محمدتقی (ع) منتهی می‌شود.

وی در سال ۱۲۷۰ ق در ونک متولد شد و در ۵ سالگی به مکتب رفت و در ۹ سالگی در محضر پدرش به تحصیل مقدمات عربی مشغول شد و در دوازده سالگی برای تکمیل تحصیلات به اصفهان رفت و با مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمدکاظم یزدی (صاحب عروة) که به اصفهان آمده بود دوستی پیدا کرد و متحدا در محضر درس اساتید اصفهان به تحصیل فقه و اصول و سایر علوم متداوله عصر مشغول شده تا آنکه سطوح را تمام کرده و سپس به درس خارج حاج شیخ محمدباقر اصفهانی حاضر و در ۱۷ سالگی

مهاجرت به نجف نموده و از محضـر درس مرحومین علمین حاج شیخ لطف‌اللَّه و حاج شیخ زین‌العابدین مازندرانی و فاضل ایروانی و حاج میرزا حبیب‌اللَّه رشتی و آیت‌اللَّه العظمی میرزا محمدحسن شیرازی مدت دوازده سال تکمیل علوم نقلی و عقلی نموده و خود به اصـرار طلاب و محصـلین حوزه نجف به تـدریس پرداخته و جمع کثیری از فضـلاء از محضـرش اسـتفاده نموده تا اینکه به مرض قلبی مبتلا ـ و ناچـار مراجعت به ایران و شـیراز نموده و مورد توجه و احترام و تجلیل شایان علماء و اهالی شـیراز قرار گرفته و پس از ورود و پـذیرائی علمـاء او را به مسـجد برده و عمـوم مردم از وی درخـواست مجلس بحث و فحص و تـدریس نموده و حوزه علمی تشکیل داده و قریب چهل سال به رتق و فتق امور شرعی و امر به معروف و نهی از منکر اشتغال داشت و نیز کتب عدیده‌ای تألیف و تصنیف نمود که اسامی آنها را یادآور خواهیم شد.

مرحوم آیت‌اللَّه تقوی مزبور از مخالفین سرسـخت مشـروطه بود و از اینجهت در شـیراز تحت فشار مشـروطه‌خواهان قرار گرفت و به اصـفهان و تهران رفت و پس از شهادت مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ فضل‌اللَّه شهید نوری مسافرت به عراق نموده و با مرحوم علامه خراسانی آخوند ملا محمدکاظم مباحثه و گفتگو نموده و بعد از چندی به شـیراز برگشت و بار دیگر مجلس درس تشـکیل و در سال ۱۳۴۲ ق به قصد زیارت مشهد مقدس حرکت و در اصفهان مریض و پس از معالجه چندی در مدرسه صدر مجلس درس و بحث قرار داده و پس از دو سال اقامت برای زیارت ارض اقـدس به تهران آمـده و در آنجا مرضـش شدت تا در بیست و هشـتم ماه رمضان ۱۳۵۲ ق وفـات و جنـازه‌اش را بـا تشـییع عظیمی حمل به قم و به امر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری تعطیل عمومی و تجلیل فراوان از جنازه‌اش نموده و آن مرحوم بر وی نماز خوانده و حسب‌الوصیه‌اش در رواق جدش حضرت موسی مبرقع دفنش نمودند.

آثار علمی آن مرحوم از اینقرار است ۱- تبصرة الناظرین (در دواعی مسیحی) ۲- کشف‌المرام فی قانون الاسلام (راجع به مشروطه و معایب آن) ۳- کشف‌البیان فی تربیهٔ الانسان ۴- تذکرهٔ المسـلمین فی تهیج العامه (در امر به معروف و نهی از منکر) ۵- رساله نفلیه (در نوافل) ۶- رسـاله در رد طائفه وهابیه ۷- مرآهٔالاصول (در اصول دین اسـلام) ۸- رساله عملیه محشـی به حاشیه خود آن مرحوم ۹- یک دوره فقه فارسی از عبادات تادیات (که در شیراز و اصفهان و تهران چاپ شده) ۱۰- قانون الهی که در شیراز به طبع رسیده است.

آن مرحوم فرزندان عدیده‌ای داشتند که تمامی از ارباب دانش و ادب و زبان و قلم بوده‌اند.

۱- مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید عنایت‌اللَّه تقوی.

۲- آقا سید عبدالحمید تقوی مدیر روزنامه آرین از نویسندگان معاصر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

تقوی شیرازی، هدایت‌اللَّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج سـید هدایت‌اللَّه تقوی شـیرازی بن آیهٔ‌اللَّه سـید محمد شریف مجتهد ونکی بن العالم الجلیل سید محمد حسن بن السید الزکی السـید حسـین بـن العـالم العلاـم السـید علی از مشـاهیر علمـاء معاصـر تهران و دارای وجـاهت تـامه و مرجعیت عـامه و در امر بمعروف و نهی از منکر جـدی (ولاـ یخـافه فی اللَّه لومه لائم) بوده و بـا مرحوم مبرور آیت‌اللَّه مجاهـد حاج سـید ابوالقاسم کاشانی قدس اللَّه سره رفاقت تام و صداقت مخصوص و در اهداف مقدس دینی و اجتماعی وی هم آهنگی داشتند.

در حدود هزار و سیصد و بیست (۱۳۲۰ ق) در شـیراز متولد شده و مقدمات را در محضـر پدر بزرگوارش آموخته و از علماء عصر شیراز نیز اسـتفاده کرده و آنگاه به قم مشـرف شده و چندی در درس مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری یزدی (موسس) حوزه شرکت نموده و مورد توجه و عنایت اسـتاد واقع شـده و پس از آن مهاجرت به نجف اشـرف نموده و در خـدمت مرحومین آیت‌اللَّه العظمی اصـفهانی و آیت‌اللَّه حاج سـید میرزا آقا اصطهباناتی و سایرین علوم دینی خود را تکمیل نموده و بدریافت اجازه اجتهاد و روایتی از اساتید مذکور نائل شده آنگاه بشـیراز مراجعت و پس از فوت مرحوم والدش سال (۱۳۵۲ ق) بر حسب دعوت بعضی از علماء مرکز به تهران آمـده و رحل اقامت افکنده و تا آخر عمر سال ۱۳۹۰ ق به اقامه جماعت و ترویـج دین و تبلیغ احکام پرداخته و چندین نفر از صاحبان ادیان مختلفه کلیمی و مسـیحی و بهائی در اثر بیانات سودمنـد ایشان مشرف به اسـلام گردیده‌انـد. مسـجدش در خیابان ادیب‌الممالک (خیابان ری) معروف بمسجد سنگی، از مساجد معروفه تهران و از مراکز حساس تبلیغی دینی می‌باشد.

وی در سال ۱۳۹۰ ق در تهران در سن هفتـاد سـالگی رحلت نموده و بـا تجلیل فراوان حمل به نجف و در دارالسـیاده (مقبره علماء) مدفون گردیده است.

دارای سه فرزند برومند بنام حجهٔ‌الاسـلام آقای آقا سید عبدالعلی و آقا سید غلامرضا و آقا سید عبدالحسین می‌باشند و در میان آنان جناب آقا سـید عبدالعلی تقوی شـیرازی سالها در قم اقامت و اشتغال بتحصیل داشته و از محضر آیات عظام و مدرسین گرام استفاده نموده و پس از فوت والدش به تهران برگشـته و اکنون در مسجد والدش بجای آن مرحوم به اقامه جماعت و خدمات دینی اشـتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

تقوی قزوینی، محمدتقی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علامه حاج سیدمحمدتقی تقوی قزوینی به سال ۱۱۵۹ هـش (هـ.ق) ، در قزوین دیده به جهان گشود. پس از آموختن مقدمات ، ادبیات عرب ، ریاضیات ، فقه و اصول به فراگیری علوم کلام و حکمت نزد استادان زمان خود پرداخت. آن گاه به زیارت بیت الله الحرام مشرف شد و برای تکمیل علوم دینی به عتبات عالیات سفر کرد و به کسب کمالات معنوی و طی مراحل عرفانی همت گماشت. سیدمحمدتقی قزوینی علاوه بر کسب علوم زمان خود و مطالعات بسیار ، به تالیف آثار متعددی نیز دست زد که آثار قلمی او به سی و دو عنوان می رسد. وی سرانجام در سال ۱۲۷۰ هجری قمری دیده از جهان فروبست.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی تحصیلات رسمی و حرفه ای : علامه حاج سیدمحمد تقی قزوینی پس از آموختن مقدمات ، ادبیات عرب ، ریاضیات ، فقه و اصول به فراگیری علوم کلام و حکمت نزد استادان زمان خود پرداخت. آن گاه به زیارت بیت الله الحرام مشرف شد و برای تکمیل علوم دینی به عتبات عالیات سفر کرد و به کسب کمالات معنوی و طی مراحل عرفانی همت گماشت.استادان و مربیان : سیدمحمد تقی تقوی قزوینی علوم کلام و حکمت را از محضر علامه مازندرانی معروف به «جدلی» فراگرفت. وی همچنین از محضر سیدمحمد مجاهد که در اصفهان عهده دار تدریس فقه و اصول بود و نیز از محضر شیخ ابراهیم کرباسی بهره های فراوان برد. او پس از آنکه از اصفهان به موطن خود بازگشت ، وارد مدرسه صالحیه شد و در محضر درس بزرگانی چون شهید ثالث و شیخ محمد صالح برغانی حائری و نیز ملاآقا حکمی قزوینی حاضر شد ، و بعد از آن عازم عتبات عالیات گردید. او ابتدا در کربلا از حوزه درس شریف العلما مازندری حائری (م ۱۲۴۶ق) و سپس از محضر سیدباقر بن سیداحمد قزوینی و ملا اسماعیل عقدایی و سید سلیمان طباطبایی یزدی بهره مند گشت و در کاظمین به حوزه درس سیدعبدالله شبر و دیگران ملحق گردید و به مقام عالی علمی نائل گردید و از مشایخ خود و همچنین شیخ احمد احسایی اجازه دریافت کرد.زمان و علت فوت : وفات علامه حاج سید محمدتقی تقوی قزوینی در سال ۱۲۷۰ هجری قمری اتفاق افتاد. جسد وی را پس از تشیع با شکوهی به کربلا حمل نموده و در آنجا به خاک سپردند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیدمحمدتقی تقوی قزوینی علاوه بر کسب علوم زمان خود و مطالعات بسیار ، به تالیف آثار متعددی نیز دست زد که آثار قلمی او به سی و دو عنوان می رسد. او همچنین به شعر و شاعری نیز نزدیک بود ، مجموعهٔ از سروده های فارسی او در جنگ نفیسی متعلق به کتابخانه امام صادق (ع) قزوین وجود دارد که در آنها با نام « رفیع » و گاه « موفق » تخلص کرده است.آرا و گرایشهای خاص : شیخ جابرکاظمی در کتاب خود سلوه الغریب در مورد سیدمحمدتقی تقوی چنین می گوید: « وی در حکمت و فقه و اصول و فنون اسلامی به سرحد کمال رسیده بود و مردم از اقصی بلاد جهت اخذ دعا به زیارت وی می شتافتند... » آثار : ارجوزه هایی در صرف و نحو ، فقه ، معانی و بیان ، کلام ، منطق و عرفان ، التجلیات ، انوار الاشراق ، برهان العصمه ، تذکرهٔ انبیای بنی اسرائیل مدفون در قزوین ، ترجمه نهج البلاغه ، خلاصه التفاسیر، ظرایف الحکمه ، نهایه التحریر فی شرح التجرید

منابع زندگینامه :دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی ، به کوشش بهاء الدین خرمشاهی ، ج ۱ ، تهران: دوستان و ناهید ، ۱۳۷۷ ، ص۸۰۲۲ستایش امیر المومنین (در سروده های سخنوران قزوین) ، پژوهش: محمدعلی حضرتی ، قزوین: بحرالعلوم

تقوی مقدم، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مرتضی تقوی مقدم

محل تولد : کهکیلویه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

درسال ۱۳۵۹ در سن ۱۸ سالگی وارد حوزه علمیّه قم شدم. قبل از ورود به حوزه مقدمات ادبیّات عرب را نزد پدرم آموخته بودم. دوره مقدّمات را تا سال ۶۲ به پایان رساندم و از سال ۶۳ به محضر درس لمعه و قوانین حضرت آقای شیخ حسین راستی کاشانی وارد شدم و حقاً از آن محضر پر فیض استفاده بردم. در سال ۶۴ در کنکور سراسری شرکت کرده و با احراز رتبه ۱۵ برای تحصیل جامعه شناسی وارد دانشگاه تهران شدم. همزمان با دروس سطح حوزه، به صورت پاره وقت و پراکنده درس دانشگاه را نیز تا پایان دوره لیسانس ادامه دادم. از آنجا که سطح علمی دانشگاه را پایین تر از تصور قبلی ام می دیدم، بعد از کارشناسی آن را ادامه نداده و ممحض در دروس حوزه شدم.مکاسب را از محضر مرحوم آقای شیخ احمد پایانی و مکاسب را اغلب از محضر شیخ مصطفی اعتمادی استفاده کردم.

کفایه را در خدمت آقای گنجی فرا گرفتم. در سال ۷۱ وارد مرحله خارج شده و پس از تتبع و شرکت در دروس مشهور، در فقه درس آیهٔالله آقای سیدمحمد هاشمی شاهرودی و در اصول درس آیهٔالله آقای شیخ حسین وحیدخراسانی را پسندیدم و ادامه دادم. ۸ سال درس فقه و ۹سال درس اصول را مستمراً شرکت کردم. گزیده درس اصول آقای وحید را از نواهی تا آخر برائت در ۱۰ دفتر یادداشت کردم. در حکمت، بخشهایی از منظومه سبزواری را نزد یکی از فضلا خواندم وبدایهٔ الحکمه را خود مطالعه کرده و نهایهٔ الحکمه را از نوارهای آقای مصباح استفاده کردم. به مقوله هنر و ادبیات مخصوصاً شعر تعلق خاطری داشته و مطالعاتی در این زمینه داشته ام، در شعر فارسی ممارست ورزیده و علاوه بر تتبع گاهی طبع آزمایی نیز کرده ام. از دریچه شعر به وادی عرفان نیز سری

زده و مطالعاتی داشته ام. با حوزه علوم اجتماعی نیز چون رشته دانشگاهیم بود آشنایی دارم، با تاریخ اسلام مخصوصاً تاریخ معاصر نیز بیگانه نیستم.

در سال ۱۳۶۱ کتاب «امرئتان و الرجل» از نوشته های شهیده بنت الهدی صدر را که داستانی آموزنده بود تحت عنوان سرنوشت دو خواهر ترجمه کرده که انتشارت جامعه مدرسین آن را چاپ و منتشر کرد. از سال ۷۴ همکاری با مجله تخصصی فقه اهل بیت را آغاز کردم و مقالات فقهی خود را در آن منتشر کردم اغلب مقالات استادم جناب آقای هاشمی شاهرودی که در این مجله انتشار یافته با قلم این بنده به فارسی تقریر شده است. از سال ۷۸ تا ۸۰ مسئولیت مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی دفتر تبلیغات را بر عهده داشته و تقریباً همزمان با آن مسئولیت مرکز تحقیقات فقهی قوّه قضائیه نیز به عهده اینجانب واگذار شد. در طول سالهای گذشته مخصوصاً پس از اتمام دروس خارج به تدریس متون فقهی و اصولی نیز اشتغال داشته ام.

تقوی، جلال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای سید جلال‌الدین تقوی فرزند محمدشریف از ادباء و فضلاء معروف شهرضا و سومین فرزند پدر است. وی در سال ۱۲۸۲ شمسی در شهرضا متولد و پس از تحصیلات ابتدائی علوم ادبی و عربی را در آنجا از حکیم فرزانه فراگرفته آنگاه به اصفهان آمده و چند سالی در مدرسه (جده بزرگ) تحصیل نموده و سپس در تهران در مدرسه سپهسالار علوم ادبی و عربی و پاره‌ای از علوم جدید را تکمیل کرده است.

معظم له دارای طبعی روان و قریحه‌ای سرشار می‌باشد و اشعار ایشان مکرراً در جرائد و مجلات بطبع رسیده است

(تو ۱۲۸۲ ش)، شاعر و روزنامه‌نگار. وی در شهرضای اصفهان به دنیا آمد، و پس از طی دوره‌ی ابتدایی، صرف و نحو و منطق را در خدمت حکیم فرزانه فراگرفت، سپس چند سالی در مدرسه‌ی جده‌ی بزرگ اصفهان و مدرسه‌ی سپهسالار تهران به تکمیل علوم ادبی و عربی و برخی علوم جدید پرداخت. تقوی از طبع شعری سرشار برخوردار بود و اشعارش در مجلات به چاپ می‌رسید. مدت سه سال هم روزنامه‌ی «شهرضا» را منتشر ساخت که بعدها به علل قانونی تعطیل شد.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۳ -۳۲/ ۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۷۳ -۲۷۲/ ۲).

تقوی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن تقوی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سال ۱۳۵۵ بعد از اتمام دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه شهر رضا شدم . کمتر از یکسال در آن حوزه بخش اعظم ادبیات را خواندم و سپس وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه حقانی مشغول تحصیل شدم و ادبیات را در آنجا تکمیل نمودم و همزمان در حوزه درس را پیگیری نمودم و سپس به دلیل برخی رخ دادها در مدرسه حقانی و شروع انقلاب اسلامی وارد جریانات سیاسی شدم ، چندین بار تحت تعقیب ساواک قرار گرفتم و ۶ ماه زندگی مخفی داشتم و سپس با پیروزی انقلاب اسلامی در سازماندهی تظاهرات شرکت نمودم و اعلامیه های امام خمینی (ره) را در سراسر کشور توزیع و نشر نمودم و همزمان درس را با جدیت دنبال نمودم و عمده سطح را نزد اساتید آقایان آیات عظام وحید و تبریزی بهره جسته ام . سپس عمده درس فقه و اصول را به مدت ۱۵ سال از محضر استاد ارجمندم آیت الله مظاهری بهره گرفتم که تقریرات درسی ایشان بنام مشکوه الاصول در سه جلد به زبان عربی و با نظارت ایشان آماده چاپ و بهره برداری است و در صورت توفیق ، معارف آموخته از ایشان مجددا به زیورچاپ آراسته خواهد شد.ضمنا درس فلسفه، معارف قرآنی، تفسیر و فلسفه اخلاق و سایر معارف اجتماعی را بطور مستقیم به مدت ۱۵ سال از محضر استاد مصباح بهره گرفتم.هم اکنون در سه محور تدریس در سطح رسایل ، مکاسب و لمعه ، در حوزه مشغول تدریس و الحمد الله در امر نگارش و تحقیق و پژوهش توفیق فراوانی داشت ام.اکنون نیز ترجیح می دهم به طور شبانه روز بر آثار وحیانی و اهل بیت علیهم السلام تحقیق و تلخیص نمایم. ضمنا اینجانب در طول عمر انقلاب اسلامی مسئولیت هایی از قبیل نمایندگی امام در سپاه پاسداران ، شرکت در جنگ تحمیلی و افتخارحضور در کنار رزمندگان و مسئولیت کمیته انقلاب اسلامی ، خدمت در دادستانی سپاه و معاونت آموزشی دانشکده سپاه را به عهده داشته ام.

تقوی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین تقوی دهاقانی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اینجانب سال ۱۳۵۵ بعد از اتمام دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه شهر رضا شدم . کمتر از یکسال در آن حوزه بخش اعظم ادبیات را خواندم و سپس وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه حقانی مشغول تحصیل شدم و ادبیات را در آنجا تکمیل نمودم و همزمان در حوزه درس را پیگیری نمودم و سپس به دلیل برخی رخ دادها در مدرسه حقانی و شروع انقلاب اسلامی وارد جریانات سیاسی شدم ، چندین بار تحت تعقیب ساواک قرار گرفتم و ۶ ماه زندگی مخفی داشتم و سپس با پیروزی انقلاب اسلامی در سازماندهی تظاهرات شرکت نمودم و اعلامیه های امام خمینی (ره) را در سراسر کشور توزیع و نشر نمودم و همزمان درس را با جدیت دنبال نمودم و عمده سطح را نزد اساتید آقایان آیات عظام وحید و تبریزی بهره جسته ام . سپس عمده درس فقه و اصول را به مدت ۱۵ سال از محضر استاد ارجمندم آیت الله مظاهری بهره گرفتم که تقریرات درسی ایشان بنام مشکوه الاصول در سه جلد به زبان عربی و با نظارت ایشان آماده چاپ و بهره برداری است و در صورت توفیق ، معارف آموخته از ایشان مجددا به زیورچاپ آراسته خواهد شد.ضمنا درس فلسفه، معارف قرآنی، تفسیر و فلسفه اخلاق و سایر معارف اجتماعی را بطور مستقیم به مدت ۱۵ سال از محضر استاد مصباح بهره گرفتم.

هم اکنون در سه محور تدریس در سطح رسایل ، مکاسب و لمعه ، در حوزه مشغول تدریس و الحمد الله در امر نگارش و تحقیق و پژوهش توفیق فراوانی داشت ام.اکنون نیز ترجیح می دهم به طور شبانه روز بر آثار وحیانی و اهل بیت علیهم السلام تحقیق و تلخیص نمایم. ضمنا اینجانب در طول عمر انقلاب اسلامی مسئولیت هایی از قبیل نمایندگی امام در سپاه پاسداران ، شرکت در جنگ تحمیلی و افتخارحضور در کنار رزمندگان و مسئولیت کمیته انقلاب اسلامی ، خدمت در دادستانی سپاه و معاونت آموزشی دانشکده سپاه را به عهده داشته ام.

تقوی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی تقوی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

او در سال ۱۳۵۱ در خانواده ای روحانی در قم متولد شد. در سال ۱۳۵۷ در حالی به مدرسه رفت که پس از چند ماه مدارس تعطیل شد. پس از گذراندن سیکل وارد حوزۀ علمیۀ قم شد و همزمان با دروس حوزوی در دبیرستان شبانه مشغول به تحصیل شد و پس از أخذ دیپلم در دانشگاه پیام نور موفق،به أخذمدرک لیسانس در رشتۀ جغرافیا(برنامه ریزی شهری و روستایی) شد.

او دروس سطح را در محضر اساتیدی همچون علیدوست، محمدی، موسوی تهرانی، فقیهی و پایانی به پایان رساند و دروس فلسفه را در محضر آقای اسحاق نیا فرا گرفت. پس از گذراندن دورۀ سطح در دروس خارج آیات عظام وحید خراسانی ، شیخ جواد تبریزی، کرباسی و هادوی تهرانی شرکت نمود و همزمان در مؤسسۀ تخصصی کلام اسلامی موفق به گذراندن دورۀ سطح ۴ حوزه شد. او از سال ۱۳۸۰ به بعد به پژوهش در فقه، اصول و کلام پرداخت و با مؤسساتی مانند مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزۀ علمیه قم، معاونت تبلیغ حوزۀ علمیه، مجلۀ تخصصی مبلغان، مؤسسه امام صادق زیر نظر آیت الله سبحانی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) همکاری نموده و می نماید.

تقوی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقوی

محل تولد : گناباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۲

زندگینامه علمی

آقای محمد تقوی در سال ۱۳۲۲هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان گناباد دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۳۲ وارد حوزه علمیه گناباد گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد اما شوق زیارت و هم جواری با بارگاه ملکوتی حضرت علی علیه السلام او را راهی حوزه علمیه نجف گردانید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه نجف، ضمن انس با آستان ملکوتی حضرت علی (ع) با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیار حاضر شد و پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۴۶ به حلقه دروس خارج راه یافت. در آن دیار از درس بزرگانی همچون آیت الله العظمی امام خمینی ، آیت الله خوئی، آیت الله فیاض و... بهره ها برد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از امر تبلیغ غافل نماند و برای تبلیغ مذهب انسان تشیع به کشورهای متعددی از جمله ترکیه، سوریه و... سفر کرده است، سال های متمادی است که به تدریس و شاگرد پروری در حوزه علمیه گناباد مشغول است.نامبرده در زندگی سراسر علمی خود از نگارش و تألیف غافل نبوده است و مقالات متعددی به رشته تحریر در آورده است.

تقوی، محمدکاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد کاظم تقوی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۵/۲

زندگینامه علمی

اینجانب محمدکاظم تقوی در سال تحصیلی ۶۳ـ۱۳۶۲ در حالی‌که در سال اول هنرستان ـ رشته راه و ساختمان ـ مشغول تحصیل بودم؛ تحصیل در هنرستان را رها کردم و وارد حوزه علمیه جعفریه رستمکلاء بهشهر در مازندران شدم و پس از سه سال تحصیل در آن حوزه علمیه، در ادامه وارد حوزه علمیه اصفهان ـ مدرسه ذوالفقار ـ شدم و تا سال ۱۳۶۹ در آن حوزه بودم و از سال تحصیلی ۷۱ـ۱۳۷۰ به حوزه علمیه قم وارد شدم و از آن سال تاکنون در این حوزه علمیه مقدسه مشغول تحصیل و استفاده از محضر اساتید می‌باشم. شرح تحصیل بنده در حوزه علمیه قم بدین صورت است که تمام امتحانات کتبی و شفاهی تا پایه دهم را به پایان رساندم و علاوه بر آن چهار نوبت مصاحبه درس خارج فقه و اصول هم انجام دادم که در پرونده ثبت است.

همچنین برای سطح سوم پایان‌نامه‌ای را انتخاب کردم و مشغول نوشتن آن می‌باشم. بیش از ده سال است که در مقطع خارج فقه و اصول از محضر اساتید بزرگوار بهره برده و می‌برم. در درس خارج فقه؛ چهار سال از محضر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی، یک سال از محضر حضرت آیت الله العظمی تبریزی(ره)، یک سال از محضر حضرت آیت الله العظمی شبیری زنجانی، یک سال از محضر حضرت آیت الله جوادی آملی و نیز بیش از سه سال از درس تفسیر ایشان بهره بردم و نیز بیش از یکسال از درس‌های کلام جدید این حکیم بزرگوار بهره گرفتم. چهار سال از محضر حضرت آیت الله صانعی استفاده کردم. و اکنون بیش از هفت سال است که از درس‌های خارج فقه فاضل محقق آیت الله سروش محلاتی استفاده می‌برم. از مباحث فقه الحکومه، امر به معروف و نهی از منکر و سال سوم مباحث قصاص است که مشغول می‌باشیم. همچنین یک درس خصوصی قواعد فقهیه و اکنون خارج حج را از محضر استاد محقق و فاضل حضرت حجهٔ‌الاسلام والمسلمین سیدضیاء مرتضوی استفاده می‌کنم. در درس خارج اصول نیز از محضر اساتید بزرگوار به شرح زیر استفاده کردم! حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی یک سال، حضرت آیت الله سبحانی چهار سال، استاد محقق لاریجانی دو سال، استاد فاضل سروش محلاتی یک سال و نیز یک سال از محضر آیت الله صانعی.

علاوه بر درس‌های رسمی حوزه، درس‌های جانبی و حاشیه‌ای هم مورد توجهم بود که بدانها اشاره می‌کنم: دوره تربیت مربی کودکان و نوجوانان، دوره‌ای یک ساله. دوره عمومی موسسه در راه حق ـ موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی که سال اول و سال دوم را گذراندم ولی به خاطر تعارض درس‌های آنجا با درس‌های حوزه ـ چون درس‌های بعد از ظهر آنجا به صبح تغییر یافت ـ از سال سوم رهایش کردم. دوره اول آشنایی با اندیشه‌های امام خمینی، دوره عمومی و دوره تخصصی اندیشه‌های سیاسی امام خمینی ـ از سوی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ـ یک دوره فشرده و کوتاه مدت آشنایی با علوم حدیث در دارالحدیث هم شرکت کردم. ضمناً پس از طی مراحل جذب و گزینش روحانی حج و عمره هم می‌باشم. سال دومی است که در دانشگاه آزاد

ساوه درس انقلاب اسلامی را تدریس می‌کنم. چند سالی است که مجوز تدریس از امور اساتید حوزه نمایندگی ولی فقه در دانشگاه‌ها دارم. از سال ۱۳۷۱ تاکنون در مناسبت‌های محرم و ماه مبارک رمضان و بعضی از سال‌ها دهه صفر و دو سال طرح هجرت ـ در همان سال‌های نخست ـ به تبلیغ موفق هستم. البته دو سال ماه رمضان و یک سال محرم مشکل داشتم و موفق نشدم. بیش از پنج سال در کارهای اجرایی و قلمی صفحه حوزه روزنامه جمهوری اسلامی و نیز فصلنامه حکومت اسلامی، فعالیت می‌کردم. اکنون ـ سال تحصیلی ۸۶ـ۱۳۸۵ در کنار تحصیل و تدریس، در حاشیه به نوشتن برخی مقالات نیز مشغول می‌باشم.

تقوی، نصرالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۶ –۱۲۴۲ ش)، شاعر، محقق و مصحح. در تهران متولد شد. فقه و اصول و حکمت را در جوانی نزد حاج میرزا حسن آشتیانی و میرزا ابوالحسن جلوه در تهران فراگرفت، و برای تکمیل تحصیلات به عتبات رفت، و در حوزه درس علمای آنجا حاضر شد و موفق به اخذ تصدیق و اجازه روایت و استنباط احکام شرعی گردید. تقوی در ادبیات پارسی و عربی نیز متبحر شد، شعر هم خوب می‌سرود. وی پس از اتمام تحصیلات سفری به مکه کرد و در مراجعت از مکه به اروپا رفت و در قوانین موضوعه‌ی اروپا تحقیقاتی انجام داد. نصرالله به هنگام جنبش مشروطه‌خواهی به آزادی خواهان پیوست و از سران انقلاب مشروطه شد. در سال ۱۳۲۳ ق به اتفاق ملك المتکلمین و نصرةالسلطان کتابخانه ملی را تاسیس کرد و در دوره‌ی اول و سوم مجلس شورای ملی وکیل تهران شد. او سالهای متمادی نیز عضو و رئیس دیوان عالی کشور بود. وی در تهران درگذشت. از آثار وی: «هنجار گفتار»، در معانی و بیان؛ تصحیح «اوصاف الاشراف» و «تازیانه سلوك»، مکتوب احمد غزالی به عین القضاه و «دره التاج»؛ ترجمه‌ی «اشارات» با همکاری سید حسن مشکان طبسی.[۱]

(حاج سید) نصراللّه اخوی (و. تهران ۱۲۸۲ ه. ق– ف. تهران ۱۳۶۷ ه.ق./ ۱۳۲۶ ه. ش.). از رجال دانشمند دوره اخیر قاجاریه و اوایل پهلوی، وکیل دوره اول و دوم مجلس شورای ملی از تهران، مدعی‌العموم و رئیس دیوان عالی تمیز و مدرس دانشکده‌های حقوق و معقول و منقول و رئیس دانشکده اخیر. از تألیفات وی «هنجار گفتار» در معانی و بیان فارسی است و متن دیوان ناصر خسرو نیز توسط وی تصحیح شده و به طبع رسیده. کتابخانه‌ای نفیس نیز از او به جای مانده است.

معروف به سادات اخوی تهرانی، فرزند سید محمدرضا سادات اخوی، متولد ۱۲۴۲ در تهران. پس از انجام تحصیلات مقدماتی به آموختن معارف اسلامی و فلسفه پرداخت. علوم منقول را نزد میرزا حسن آشتیانی و علوم معقول را در محضر میرزا ابوالحسن جلوه تحصیل نمود. سپس عازم نجف شد. چند سالی از محضر علمای بزرگ درس خارج گرفت و به مقام اجتهاد رسید. پس از مراجعت به ایران، در مدرسه‌ی سپهسالار قدیم به تدریس فلسفه پرداخت. در نهضت مشروطیت در زمره‌ی آزادیخواهان بود و برای استقرار حکومت قانون، از هیچ اقدامی فروگزاری نمی‌کرد. پس از صدور فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی اول، از طرف طلاب و روحانیون و اهل علم به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. به علت تسلط به سخنوری، در مجلس گل کرد و در ردیف چند نماینده‌ی متنفذ درآمد. به هنگام تاجگذاری محمدعلی شاه، خطابه‌ی بسیار شیوا و غرائی در مجلس ایراد کرد. اقدامات او و عده‌ای دیگر از وکلاء، نتوانست روابط مجلس با محمدعلی شاه را التیام دهد. مجلس به توپ بسته شد، عده‌ای دستگیر شدند، و تعدادی فرار کردند. او هم در دوران استبداد صغیر در اختفا بسر می‌برد. پس خلع محمدعلی میرزا و رفع بحران، فعالیت خود را از سر گرفت. در انتخابات دوره‌ی دوم از تهران وکیل شد و به نیابت ریاست مجلس منصوب گردید. در دوره‌ی سوم وکیل و نایب‌رئیس بود.

پس از انحلال آن مجلس، به دعوت مشیرالدوله وزیر عدلیه وقت، وارد دادگستری گردید و رئیس شعبه‌ی دیوان عالی کشور شد و سال‌ها در همان سمت باقی ماند. در ۱۳۰۶ که داور دادگستری جدید را بنیاد نهاد و از قدمای عدلیه چند نفری را به خدمت پذیرفت، او با رتبه‌ی ۱۰ قضائی، رئیس یکی از سه شعبه‌ی دیوان عالی کشور شد. در آن تاریخ، داور به یک نفر رتبه‌ی ۱۱ و به ۶ نفر رتبه‌ی ۱۰ قضائی اعطاء کرد. رتبه‌ی ۱۱ قضائی به میرزا رضاخان نائینی که مقام دادستان کل را داشت تعلق گرفت، رتبه‌ی ۱۰ را به نیرالملك کفیل دیوان کشور، محمدرضا وجدانی، حاج سید نصراللّه تقوی، صدرالاشراف و شیخ محمد عبده و سید محمد فاطمی داد. در ۱۳۱۲ که صدرالاشراف از دادستانی کل به وزارت دادگستری منصوب شد، جای خود را به تقوی سپرد. در ۱۳۱۵ به ریاست دیوان عالی کشور رسید و مدت ده سال در رأس قوه‌ی قضائیه کشور قرار داشت.

در کنار کارهای قضائی خود مدتی عضو و نایب‌رئیس فرهنگستان بود و سال‌ها در سمت ریاست دانشکده‌ی معقول و منقول، به امر دریس در آن دانشکده و مدرسه‌ی حقوق و مدرسه‌ی سپهسالار اشتغال داشت. در ۱۳۲۵ تقاضای بازنشستگی نمود و در این امر اصرار داشت. سرانجام قوام‌السلطنه نخست‌وزیر وقت، در ذیل تقاضای بازنشستگی او شرحی به این مضمون نوشت: «برای اینجانب و دولت و کشور نهایت تأسف حاصل است که از خدمات گرانبهای جناب مستطاب عالی محروم می‌مانیم، لیکن چون زحمات و خستگی ممتد حضرت عالی را مجبور به تقاضای تقاعد نموده، از این جهت که ملاحظه‌ی مزاج و حفظ صحت و سلامت عالی برای ارادتمندان فوق‌العاده مأمول و مطلوب است، ناچار با درخواست حضرت عالی موافقت می‌شود؛ مشروط به اینکه از تجربیات و نظرات اصلاح‌طلبانه در پیشرفت امور دریغ نفرموده، دولت و مملکت را از این جهت قرین مزید قدردانی و تشکر فرمایید.»

تقوی در ۱۳۲۶ در ۸۴ سالگی درگذشت. مردی ادیب، دانشمند و حقوقدان بود. در زبان و ادبیات فارسی و عربی استاد بود. تألیفاتی از خود به یادگار گذاشت: از جمله کتاب سیاست، هنجار و گفتار در علم معانی و بیان. دیوان ناصرخسرو را نیز تصحیح کرده و مقدمه‌ی فاضلانه و مبسوطی بر آن نوشته است. شعر نیز نیکو می‌سرود. در بحبوحه‌ی دیکتاتوری رضاشاه، قصیده‌ای طولانی

در مدح رضاشاه و ذم احمدشاه انشاء نموده است. از لحاظ سیاسی جزو افراد محافظه‌کار و مؤید دولت‌های وقت بود. زمانی که به عضویت دیوان کشور پذیرفته شد، به فراماسونری پیوست و تدریجاً از ارکان و بزرگان آن گردید.

وی از جوانی علاقه‌ی خاصی به جمع‌آوری کتب خطی منحصر به فرد و خطوط خوشنویسان معروف داشت و همین علاقه باعث شد کتابخانه و گنجینه‌ی بزرگی از خطوط خطاطان معروف جمع‌آوری کند. به طوری که مجموعه‌ی او فوق‌العاده جالب و منحصر به فرد بود. بعد از مرگش به فرزندش جمال اخوی رسید و معلوم نشد که آن گنجینه‌ی گرانبها که از مواریث بزرگ فرهنگی ایران بود، به چه سرنوشتی دچار شد. مرحوم تقوی در تمام عمر زندگی مرفهی داشت.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ انقلاب مشروطیت (۱۲۹۷/۶ ،۲۱۰/۱)، الذریعه (۱۱۹۴/۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۶۹/۲)، سخنوران نامی معاصر (۹۰۷/۲)، شرح حال رجال (۳۱۵/۵)، مولفین کتب چاپی (۵۷۷ -۵۷۵ /۶).

تقی اصفهانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۱ ق)، خطاط و شاعر. معروف به آقاتقی. اهل اصفهان بود. از مقدمات علمی آگاهی داشت و اشعار قدما را تتبع می‌کرد. وی سفرهایی به سیستان و خراسان کرد؛ سپس در عهد جهانگیر شاه به هند رفت و ملازم شاهزاده پرویز شد. در جوانی درگذشت و در برهانپور خاندیس در عادل پوره دفن شد. آقاتقی خط شکسته را خوش می‌نوشت و طبعی روان داشت و چون دیوانی ترتیب نداده بود اشعار وی پراکنده و مهجور مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۲۸/۳)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۵۹/۴)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۳۱)، الذریعه (۱۷۳/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۸۸)، کاروان هند (۲۳۶ -۲۳۰ /۱)، ماثر رحیمی (۱۴۷۷ -۱۴۷۴ /۴)، مخزن الغرائب (۴۶۱/۱).

تقی خانی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی تقی خانی

محل تولد : دماوند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

اینجانب علی تقی خانی در سال ۱۳۵۷ با مدرک سیکل وارد حوزه علمیه دماوند شدم بعد از اتمام دوره مقدمات از سال هفتم وارد حوزه علمیه قم شدم در سال ۸۳ شروع به درس خارج در محضر اساتید معظم جوادی آملی، ابوالقاسم علیدوست، آیت الله وحید خراسانی، استاد مددی کردم.

در سال ۸۰ با رتبه ۲۱ در تخصصی قضاء شروع به تحصیل در رشته حقوق کردم و در سال ۸۴ با رتبه ۱۳ در کنکور کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق در دانشگاه پردیس قم – تهران پذیرفته شده و در سال ۸۶ پایان نامه خود را با درجه عالی ۱۹ دفاع کردم.

از ابتدای مهر ۸۶ در دانشگاه آزاد اراک مشغول تدریس هستم.

تقی زاده، لطف الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه علمی

آقای لطف الله تقی زاده در سال ۱۳۴۹هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان ملکان دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و شوق ادامه تحصیل در قم، زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیها از سوی دیگر وی را رهسپار قم و درسال ۱۳۸۱ وارد حوزه علمیه قم و مرکز علوم اسلامی جانبازان گردید. از نخستین روزهای ورود ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت(ع) با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگان و ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته تاریخ در مقطع دکترادر سال ۱۳۸۷از دانشگاه

باکو در جمهوری آذربایجان فارغ التحصیل گردید و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان"به حکومت رسیدن ترکان جوان در ترکیه و مناسبات ما با قفقاز "دفاع کرد .

وی پس از سالها تلاش و علم اندوزی ، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون به تدریس در دانشگاههای آزاد بناب،ملکان،مراغه و عجب شیر مشغول می باشد. وی درطول حیات علمی خویش از امرنگارش و پژوهش غافل نمانده است و مقالاتی از قبیل" جنگ جهانی اول و دولت عثمانی "و "ترکان جوان و تفکرات مشروطه خواهی " را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

تقی لله، محمدتقی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. مشهور به لله. وی از شاعران صاحب کمال شیراز بود که با بزرگان آن دیار از جمله امامقلی خان حشر و نشر داشت. تقی بعد از مرگ امامقلی به اصفهان رفت و با نصرآبادی، صاحب تذکره معروف، ملاقات کرد. اشعاری از وی در تذکره‌ها نقل است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۷۹ -۱۷۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۱/۲)، الذریعه (۱۷۴/۹).

تقی مشهدی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۴/۱۰۲۱ ق)، شاعر. پدر وی از مازندران به مشهد مقدس رفت و در آنجا متوطن شد و تقی در مشهد متولد شد و در آنجا نشو و نما یافت و از این رهگذر به مشهدی مشهور شد. وی از مشهد به هندوستان رفت و در آنجا به خدمت بزرگان آن سامان راه یافت آخرالامر به عزم آستان بوس و دریافت و ملازمت خانخانان، عبدالرحیم خان، به برهانپور رفت و «ساقی‌نامه»ای به نام وی گفت و جایزه و صله فراوان دریافت کرد. پس از آن به آگره رفت و مدتی ملازم حاکم آنجا شد و در آن دیار درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی پیمانه (۱۵۵ -۱۴۸)، فرهنگ سخنوران (۱۹۰)، کاروان هند (۲۴۷ -۲۴۴ /۱)، هفت اقلیم (۲۲۰/۲).

تقی نیشابوری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۳ ق)، شاعر. وی از نزدیکان ملا نظیری نیشابوری بود که در هند با وی معاشرت داشت. از اوست:

ننگ آیدش که باز نشیند به شاخ گل

مرغی که در هوای تو از آشیان گذشت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۵۶) الذریعه (۱۷۵/۹) فرهنگ سخنوران (۱۹۱)، کاروان هند (۲۵۴/۱)، مخزن الغرائب (۴۱۵/۱).

تقی همدانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. او از بزرگان و سرآمدان همدان بود که در عهد جهانگیر شاه به هند سفر کرد. در آن سامان متوطن شد. وی شعر را نیک می‌سرود. از اوست:

آب از دل من خورد خدنگش

چون تازه نهال بر لب جوی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۳۳۶، ۲۳۹ -۲۳۸ /۱)، تذکره‌ی پیمانه (۳۳۶)، الذریعه (۱۷۵/۹)، صبح گلشن (۹۰ - ۸۹)، فرهنگ سخنوران (۱۹۱)، کاروان هند (۲۵۵ -۲۵۴ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ تقی همدانی)، نشتر عشق (۲۷۳/۱).

تقی‌پور ظهیر، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تعلیم و تربیت، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: علامه طباطبائی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

تکلو شیرازی، زین‌العابدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. مشهور به تکلوخان قصه‌خوان. اهل شیراز بود. در اوایل حال سفر بسیار می‌کرد، به خدمت شاه اسماعیل رسید و چندان مورد توجه آن حضرت قرار گرفت که هیچ کس از آن طایفه در هیچ زمانی منزلت او را نیافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۱۳۸)، تذکره‌ی روز روشن (۱۵۷)، الذریعه (۴۱۱ -۴۱۰ /۹)، مرآت الفصاحه (۱۲۱).

تکلو، احمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۳۳ ق)، مذهّب، خطاط و شمشیرساز. هنرمند ذوفنونی از محل تکه ترکمان، نزدیک مشهد بود که در هنگام حمله سلطان سلیم به ایران و فتح تبریز، از موطن اصلی خود رخت بربسته و در دربار سلطنتی پادشاه عثمانی به کار هنری مشغول گشته بود. از آثار این استاد که در سال ۹۳۳ ق به پایان رسانده: شمشیر منقش و استادانه سلطان سلیمان قانونی است که در قبضه عاجی آن، انواع نقوش قرینه‌ای و سایر تزیینات اسلیمی، در کمال ریزنگاری انجام پذیرفته و بر روی تیغه به خط ثلث طلاکوبی رقم «احمد تکلو قارا باجک» دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۴۴۱ -۱۴۴۰ /۳).

تکلو، مسیب

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط، موسیقیدان و شاعر. پدرش از اعاظم و بزرگان طایفه‌ی تکلو بود. خود وی نیز از امرای آن قوم به حساب می‌آمد و از خویشاوندان سلاطین صفویه بود. در آن دوره وی مدتی بیگلر بیگی هرات را داشت و چندی حاکم تهران بود. او در اواخر سلطنت سلطان محمد خدابنده به مخالفت با ولیعهدی حمزه میرزا برخاست و خواهان ولایتعهدی طهماسب میرزا شد. سرانجام به دست حمزه میرزا اسیر گشت و از شوکت و اعتبار افتاد. مسیب خان در فن موسیقی و خطاطی مهارت داشت. تصنیفهای ساخته‌ی و در آن زمان معروف بوده است. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۷/ ۱)، احوال و آثار خوشنویسان (۹۰۳/ ۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۱۹/ ۵)، تاریخ موسیقی (۳۲۱/ ۱)، تاریخ نظم و نثر (۴۹۵ -۴۹۴)، الذریعه (۱۰۴۰/ ۹)، عالم آرای عباسی (۱/ صفحات متعدد)، فرهنگ سخنوران (۸۴۲)، لغت نامه (ذیل/ مسیب خان)، مجمع الخواص (۳۰ -۲۹)، مجمع الفصحا (۱۱۴/ ۱).

تکمیل همایون، ناصر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر ناصر تکمیل همایون در سال ۱۳۱۵ در قزوین متولد شد. وی در دو رشته تاریخ و جامعه شناسی در سالهای ۱۳۵۱ و ۱۳۵۶ موفق به اخذ درجه دکترا از دانشگاه پاریس (سوربن) شد.آنچه وی را از دیگر پژوهشگران اجتماعی – فرهنگی ایران به صورتی ویژه متمایز می کند، تحصیل و تسلط بر تاریخ ایران (خصوصا ابعاد اجتماعی تاریخ ایران) در گذشته و حال، در کنار تحصیل دانشگاهی جامعه شناسی است. در صورتی که بتوان برای شناخت صحیح فرهنگها خصوصا فرهنگ ایرانی، آگاهی از تاریخ و خصوصا تاریخ اجتماعی را لازم دانست، دکتر تکمیل همایون به خوبی از عهده این مهم بر آمده است.گروه : علوم انسانیرشته :

جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : ناصر تکمیل همایون در دو رشته تاریخ و جامعه شناسی در سالهای ۱۳۵۱ و ۱۳۵۶ موفق به اخـذ درجه دکترا از دانشگاه پـاریس (سوربن) شـد.مشاغل و سـمتهای مورد تصـدی : ناصـر تکمیل همایون اسـتاد و عضو هیئت علمی پژوهشـگاه علوم انسـانی و مطالعـات فرهنگی است. وی علاوه بر موقعیت دانشـگاهی، سـرپرستی بخش «فرهنگ و تاریـخ» در موسـسه تحقیقی – انتشـاراتی «دفـتر پژوهشـهای فرهنگی» را بر عهـده دارد. وی در ایـن موسـسه بـه طـور ویژه اشـراف علمی انتشـار مجموعه کتابهـایی موجز و دقیق دربـاره ابعـاد گوناگون تاریـخ و فرهنگ را برعهـده گرفته است.فعالیتهای آموزشـی : ناصـر تکمیل همایون علاوه بر پژوهش و تالیف، سالها به تدریس تاریخ و علوم اجتماعی در برخی دانشگاهها و خصوصا پژوهشگاه علوم انسانی مشـغول بوده، به نحوی که مقام دانشگاهی استادی رادر اختیار دارد. چگونگی عرضه آثار : ناصر تکمیل همایون راهنمای بخشی از پایـان نـامه های دانشـجویی هم بوده است. وی ۱۴۲ مقاله فارسـی و ۴ مقـاله انگلیسـی هم در آثـار خود نهاده است. تکمیل همایون تـاکنون بیش از ده عنـوان کتـاب از مجموعه « از ایران چه می دانم؟» را به نگـارش درآورده است. تـاکنون حـدود ۷۵ مجلد از این مجموعه به چـاپ رسـیده و بیش از ده مجلـد دیگر نیز در شـرف انتشار است. این مجموعه کتابها، از آنجا که توسط متخصصـین هر موضوع به نگـارش درآمـده و اشـراف علمی دقیقی بر آنهـا واقع شـده، مورد اقبال و اسـتقبال فراوان مخاطبان قرار گرفته است. آثار ایشـان و نتـایجی که وی از خلال بحثهای تاریخی — اجتماعی درباره عناصـر فرهنگی– اجتماعی ایران، با بهره منـدی از نوعی نگاه تـاریخی، ارائه می کنـد، سـندی مهم از اهمیت دانش تـاریخی در بررسـی اجتمـاعی ایران است. گرچه محـدوده موضوعات آثار او آنچنان وسیع است که نوعی فقدان مرکزیت در تولیدات ایشان را به ذهن متبادر می کند، تحلیل آماری موضوعات آثار ایشان نشان می دهد که وی بیش از همه درباره ابعاد گوناگون شهر تهران در دوره های جدید، تاریخ اجتماعی ایران، عناصر مدرن تاریخ ایران (مرزبندی ها، نیروهای نظامی، تعلیم و تربیت)، اسـتانهای جنوبی ایران، خلیج فارس و دریاهای ایرانی و نیز معماری ایرانی به تحقیق و پژوهش دست زده است. آثار : تالیف کتاب تاریـخ اجتماعی و فرهنگی تهران، ۳ جلد، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول ۱۳۷۷ چاپ دوم ۱۳۸۰ ، تالیف کتاب تاریخ ایران در یک نگاه، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول ۱۳۸۲چاپ سوم ۱۳۸۴ ، تالیف کتاب تاریخ تحولات قشون در تاریخ معاصر ایران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۶ ، تالیف کتاب تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۸۲ ، تالیف کتاب دانشـگاه گندی شاپور، دفتر پژوهشـهای فرهنگی، ۱۳۸۴ ، تالیف کتاب کتابشناسـی تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۶۹ ، تـالیف کتاب میهن دوستی در ایران، اسـتقلال، ۱۳۵۹ ، تـالیف کتاب نقش علمی و فرهنگی یونسـکو در پژوهش راههـای تاریخی ابریشم، سـروش، ۱۳۷۶ ، تـالیف کتـاب آبسـکون یا جزیره آشوراده، دفتر پژوهشـهای فرهنگی، چاپ اول ۱۳۷۹ چاپ سوم ۱۳۸۰ ، تـالیف کتاب آموزش و پرورش در ایران، دفتر پژوهشـهای فرهنگی، زیر چاپ ۱۳۸۴ ، تالیف کتاب استان هرمزگان، (اجرای طرح با دانشگاه هرمزگان) ، تالیف کتاب خلیـج فارس، دفتر پژوهشـهای فرهنگی، چاپ اول ۱۳۸۰ چاپ چهارم ۱۳۸۳ ، تـالیف کتاب خوارزم، دفتر پژوهشـهای فرهنگی، ۱۳۸۳ ، تـالیف کتاب رویـدادها و یاد مانهای تاریخی تهران، جلـد اول (از چهار جلد)، دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۸۴ (زیر چاپ). تالیف کتاب سـر گذشت دریای مازندران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول ۱۳۸۰ چاپ سوم ۱۳۸۳ ، تالیف کتاب گستره فرهنگی و مرزهای تاریخی ایران زمین، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول ۱۳۷۹ چاپ سوم ۱۳۸۰ ، تالیف کتاب مرزهای ایران در دوره معاصر، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول ۱۳۷۹ چاپ دوم ۱۳۸۰ ، تالیف کتاب مشـروطه خواهی ایرانیان، مرکز بازشناسـی ایران و اسـلام، جلد دوم زیر چاپ ۱۳۸۴ ، تالیف کتاب مشـروطه خواهی ایرانیان، مرکز بازشناسـی ایران و اسـلام، جلد اول ۱۳۸۳ ، تـالیف کتـاب مکتبخانه (آموزش کودکان و نوجوانان)، پژوهشـگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، زیر چاپ ، تالیف کتاب نظام و نهادهای آموزشـی در ایران باسـتان، پژوهشـگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲

تمامی، بهمن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی پلیمر، دانشکده: علوم، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی در رشته شیمی پلیمر.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

سنتز و شـناسائی پلیمرهای دارای عامل‌های اکسیدکننده و یا احیاکننده و کاربرد آنها در سـنتز مواد آلی، سـنتز پلیمرهای آلی، سنتز پلیمرهای عامل‌دار، کاربرد پلیمرهای عامل‌دار در واکنش شـیمیائی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۷ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۳ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:–

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۸

زمینه علمی مقالات:

سنتز و شناسائی پلیمرهای آلی، سنتز و کاربرد پلیمرهای عامل‌دار.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

تمکین شیرازی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، شاعر. در شیراز به دنیا آمـد. وی برادر میرزا محمـد نثار شـیرازی است. خانواده او از روسای طایفه‌ی جامه بزرگی از طوایف قشقایی بودند. ابیات زیر از اوست:

آن که از غازه‌ی عدلش رخ دین رنگین است

مَلک مُلک‌گشا، میر فلک آیین است

داوری کاز مدد تربیتش دامن خاک

در مه بهمن و دی پرسمن و نسرین است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۳۳۹/۱).

تمکین شیروانی، زین‌العابدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۵۳ -۱۱۹۴ ق)، نویسـنده، صوفی و شـاعر، متخلص به تمکین. ملقب به مست علیشـاه. در شـماخی متولـد شـد. همراه خـانواده به کربلاـ رفت و تا هفـده سالگی در آنجا به تحصـیل پرداخت. بعـد با معصوم علیشاه و نورعلیشاه، سـر سلسـله‌ی دراویش نعمت‌اللهی، ملاقـات کرد و به مسـافرت و سـیاحت در مازنـدران، خراسـان، قهسـتان، زابلسـتان و افغانسـتان و هندوسـتان و مصـر و شـام و یونـان پرداخت. زین‌العابدین از مریدان حاج محمدجعفر قراگزلوی کبودر آهنگی، مجذوب علیشاه همدانی، شد. پس از مسافرتهای بسـیار در شیراز سـاکن شـد. علمـا غالبا او را تکفیر می‌نموده‌انـد. سـرانجام در راه مکه درگـذشت. وی گاهی نظمی می‌سـرود. از آثار او: «ریاض السیاحه»؛ «حدائق السیاحه»؛ «بستان السیاحه»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشـیعه (۱۶۵/۷)، حدیقه الشـعراء (۳۴۰ -۳۳۹ /۱)، دانشـمندان آذربایجان (۱۷۱ -۱۶۹)، الذریعه (۲۲۱/۱۸ ، ۱۰۳۳ -۱۰۳۲ ،۱۷۶/۹ ،۳۸۵/۶ ،۱۰۶/۳)، ریاض العارفین (۲۴۶ -۲۴۵)، ریحانه (۳۳۶ -۳۳۷ /۳)، سرآمدان فرهنگ (۲۷۰ -۲۷۱ /۱)، شرح حـال رجال (۵۳ -۵۲ /۲)، طرائق الحقائق (۳۳۳ ،۱۲ -۱۱ /۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۶۰/۲)، فرهنگ سخنوران (۱۹۲ -۱۹۱)، لغت‌نامه (ذیل/ زین‌العابدین)، مجمع الفصحا (۱۸۵ -۱۸۴ /۴)، معجم المولفین (۱۹۶/۴)، مولفین کتب چاپی (۲۶۲ -۲۶۱ /۳)، مکارم الآثار (۱۵/۱).

تمکین کرمانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۰۸۵ ق)، شاعر و عارف. اهل بم و از نوادگان شاه نعمت‌الله ولی بود. مدتی به هندوسـتان رفت و مورد التفات محمدشاه هندی قرار گرفت. وی بیشتر اوقـات به تـدریس و ارشـاد اشـتغال داشت. سـراج‌الدین علیخـان آرزو درباره‌ی ایشان اعتقادی راسـخ داشت. بعضی تذکره‌های متاخر نسبت وی را به غلط کرمانشاهی نوشته‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۷۶/۹)، ریاض العارفین (۴۹)، ریحانه (۳۵۰ -۳۴۹ /۱)، ستارگان کرمان (۱۳۸ -۱۳۷)، صبح گلشن (۹۰)، فرهنگ سخنوران (۱۹۲)، لغت‌نامه (ذیل/ تمکین). نشتر عشق (۲۹۷ -۲۹۶ /۱).

تمنای شیرازی، ابوالحسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۱۸ ق)، شاعر، متخلص به تمنا. مدتی در شیراز در خدمت ابوالولی تحصیل کرد. بعد از آن به اصفهان رفت و در کنار میرزا

هدایت حکیم زندگی کرد. پس از فوت میرزا هدایت به زیارت عتبات عالیه رفت. او از شاعران عهد شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی بود. ابتدا تسلی، تخلص می‌کرد ولی تخلص خود را پس از چندی به تمنا تغییر داد. از آثارش: «دیوان» شعر که شامل حدود ده هزار بیت است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۵۱)، تذکره‌ی المعاصرین (۲۸۴ -۲۸۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۸۸ -۱۸۷)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۹ -۴۸، ۲۹ -۲۸ /۲)، الذریعه (۱۷۷/۹)، ریحانه (۳۵۰/۱)، طرائق الحقائق (۳۳۲/۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۶۱ ، ۹۱۵ /۲)، فرهنگ سخنوران (۱۹۲)، مرآت الفصاحه (۱۲۳ -۱۲۱ ،۱۱۸)، مخزن الغرائب (۴۳۱ -۴۳۰ /۱)، نشتر عشق (۲۸۱ -۲۸۰ /۱).

تمنای یزدی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۶۲ ق)، شاعر، متخلص به تمنا. در یزد متولد شد. وی از معاصران وامق بود. گاهی هم شعر می‌گفته. از اوست:

چند پرسی ای طبیب سنگدل از درد ما

می‌توان دانست درد ما ز رنگ زرد ما

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۶۸ -۶۷)، حدیقه الشعراء (۳۴۲ -۳۴۱ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۹۳).

تمیمی نیشابوری، علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۵۳۳ ق)، محدث و فقیه شیعی. فقه و حدیث را از پدرش و پدرش از ابوعلی بن شیخ و ابوالوفاء عبدالجبار و دیگران آموخت. او به مقام عالی اجتهاد نایل آمد و در سلسله‌ی مشایخ حدیث شیعه حلقه‌ی واسطی شد. وی از سلسله‌های علمی مشهور بنی‌تمیمی در نیشابور است. خاندان و اجداد و پدرانش همگی از شیوخ علمای حدیث و فقهای عصر خویش بوده‌اند. از جمله آثار وی: «ذخیره الاخره» در ادعیه و اعمال، در چهار فصل، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریاض العلماء (۲۳۶/۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۰۴/۶)، معجم رجال الحدیث (۱۵۶/۱۲).

تمیمی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. وی کاتب سلاطین ترکمان، قراقوینلو و آق قوینلو بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۶۸/۴)، گلستان هنر (۴۴).

تنباکوچی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۷ مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: مهندسی مکانیک، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی در رشته مهندسی مکانیک.

مرتبه علمی:

تدریس در دانشگاههای صنعتی شریف، صنعتی امیرکبیر و فردوسی مشهد از سال ۱۳۴۶، دانشیار دانشکده مهندسی مکانیک دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طراحی، ساخت و نصب و راه‌اندازی کارخانجات نظیر روغن نباتی، روغن‌کشی، شیر، قند، پنبه پاک کنی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

انتقال حرارت.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

تنکابنی قزوینی، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۴ /۱۳۲۳ ق)، نحوی، اصولی، فقیه و عالم شیعی. از نوادگان میرمحمد صالح تنکابنی بود که در قزوین متولد شد. وی پس از کسب مقدمات علوم اولیه، سطوح عالی را از حوزه‌ی درس پدرش و دیگران فراگرفت. سپس در مدرسه صالحیه، علوم عقلی و اصول و فقه را از حوزه‌ی درس شیخ میرزا عبدالوهاب برغانی قزوینی کسب کرد. پس از آن راهی عتبات مقدسه عراق شد و در نجف اشرف ساکن. تنکابنی نخست، به حوزه‌ی درس شیخ مرتضی انصاری و پس از وفات وی، به حوزه‌ی درس میرزا حبیب‌الله رشتی پیوست و در کربلا از محضر درس شیخ زین‌العابدین مازندرانی بهره‌مند شد. حکمت و فلسفه را در حوزه‌ی درس علامه‌ی برغانی آل‌صالحی تکمیل کرد و به مقام اجتهاد نایل آمد، پس از آن به موطن خویش بازگشت و کرسی تدریس و رهبری و فتوی را به خود اختصاص داد. وی آثار و مآثری از خود باقی گذاشت از جمله: مدرسه علوم دینی، موسوم به مدرسه‌ی تنکابنی یا مدرسه‌ی آقا و جنب آن مسجدی به همین نام که موقوفات بسیاری برای آنها تعیین کرد. از آثار قلمی وی: «شرح رسائل»، در چهار مجلد؛ «شرح مکاسب»؛ «شرح مدارک» «تقریرات استادش برغانی» و «رساله‌ای در اخلاق».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۱۵/۲)، دایره المعارف الاسلامیه (۲۶۷/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷/۱۴).

تنکابنی، ابوجعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوجعفر بن السید محمدحسین تنکابنی دائی میرزا محمد تنکابنی صاحب (قصص‌العلماء)

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

تنکابنی، حکیم مؤمن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمد مؤمن بن محمد زمان حسینی تنکابنی. سید حکیم فاضل ادیب. معاصر شاه سلیمان صفوی بوده، و کتاب خود را در طب به نام «تحفة المؤمنین» و بر حسب آنچه مشهور است «تحفه‌ی حکیم مؤمن» را در زمان این پادشاه تألیف نموده که مکرر به طبع رسیده. اولاد او در اصفهان و نجف آباد ساکن می‌باشند.

در صحن مقبره‌ی خواجه، قبر کوچکی است که بر روی او: میرزا محمد مؤمن (حکیم و ادیب و شاعر) متوفی به سال ۹۲۳ مرقوم است، و اتحاد نام، برخی را به اشتباه انداخته، وی را حکیم مؤمن تنکابنی سابق الذکر دانسته‌اند، و حال آن که تاریخ قبر، حکایت از اختلاف آن دو می‌نماید، و او دانشمند دیگری است غیر از حکیم تنکابنی.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

تنکابنی، سلیمان

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۵۰ ق)، فقیه، ادیب، متکلم و پزشک ایرانی. مقدمات علوم را در زادگاهش فراگرفت. در جوانی به همراه برادرش، ملا عبدالمطلب، رهسپار عتبات عراق گردید و چندی در شهرهای مقدس آن سرزمین به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. سپس راهی اصفهان شد و بیست و دو سال در خدمت آخوند ملاعلی نوری مازندرانی شاگردی کرد و کتب ملاصدرا را نزد وی فراگرفت. «شرح لمعه» را نزد ملا محمدعلی نوری آموخت. پس از آن خود به تدریس روی آورد و در اصفهان «تجرید الکلام»؛ «شوارق»؛

«شرح لمعه» و «تفسیر قاضی بیضاوی» را درس می‌گفت. میرزا سلیمان به آموختن دانش پزشکی پرداخت و در رشته‌ی پزشکی شاگرد میرزا اسماعیل اعرج اصفهانی بود. میرزا اسماعیل به تنکابنی طب آموخت و خود نیز نزد او شرح «تجرید الکلام» فرا می‌گرفت. میرزا سلیمان در اصفهان به ملامحراب، عارف گیلانی، دست ارادت داد. میرزا سلیمان تنکابنی پدر میرزا محمد تنکابنی، مولف «قصص العلماء»، است. از جمله آثار وی: حاشیه بر «مطول» تفتازانی؛ حاشیه بر «مفاتیح الشرائع» ملامحسن فیض کاشانی؛ حاشیه بر «الفوائد الضیائیه» جامی، حاشیه بر «شرح الاسباب»، در پزشکی؛ حاشیه بر «حکمه العین»؛ حاشیه بر «حیوه القلوب»؛ حاشیه بر «تذکره الائمه»؛ رساله‌ای در وبا و طرز معالجه‌ی آن.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :قصص العلماء (۷۳ -۷۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۰۹/۱۳).

تنکابنی، صدرالدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صدرالدین بن سید محمدهاشم تنکابنی متوفی ۱۳۱۶ قمری از احفاد میرزا محمدعلی (پیر سید) مذکور.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

تنکابنی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی بن سید محمد سعید بن الامیر سید علی بن الامیر سید عبدالباقی تنکابنی متولد ۱۲۳۸ و متوفی ۱۳۳۴ قمری

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

تنکابنی، فتحعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از کاتبان دربار محمدشاه و ناصرالدین‌شاه قاجار بود. از آثار وی: یک نسخ «جنات الخلود»، به قلم کتابت خوش، با رقم: «در عهد خجسته...محمدشاه قاجار... فتح علی تنکابنی... سنه‌ی ۱۲۵۶...»؛ یک نسخه «آتشکده‌ی آذر»،به قلم کتابت عالی، با رقم: «از ناسازگاری سپهردون... فتحعلی تنکابنی غفرالله ذنوبه و ستر عیوبه، فی... سنه‌ی هزار و دویست و شصت من هجره...»؛ یک مرقع مناجات حضرت علی (ع)، به قلم دو دانگ و کتابت خفی عالی، با رقم: «فتح علی تنکابنی، سنه‌ی ۱۲۷۲»؛ یک مرقع، به قلم نیم دو دانگ و کتابت رنگه‌ی خوش، با رقم: «السلطان... ناصرالدین شاه... فتحعلی تنکابنی ۱۲۷۵».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۶۵ -۵۶۴ / ۲).

تنکابنی، محمد بن عبدالفتاح

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مولی محمد بن عبدالفتاح تنکابنی، معروف به فاضل سراب.

از علمای کاملین، و فقها و مجتهدین، عالم فاضل محقق زاهد عابد، از شاگردان محقق سبزواری و علامه‌ی مجلسی بوده.

در شرح حال او حکایات [حکایت] غریبی نقل شده است که جهت اطلاع باید به رجال اصفهان و روضات و دیگر مواضع مراجعه نمود. کتب زیر از اوست:

۱- اثبات الصانع القدیم ۲- حاشیه بر آیات الاحکام اردبیلی ۳- حاشیه بر ذخیره‌ی سبزواری ۴- حاشیه بر شرح لمعه ۵- حاشیه بر مدارک ۶- حاشیه بر معالم ۷- حجیهٔ الاجماع و خبر الواحد - حجیهٔ الاخبار ۸- رساله در حکم رؤیت هلال قبل از ظهر ۹- رساله در وجوب عینی نماز جمعه، به فارسی ۱۰- رساله در نماز جمعه، به عربی ۱۱- رساله در رد آخوند ملا عبدالله تونی که نماز جمعه را حرام دانسته ۱۲- سفینهٔ النجاهٔ، در اصول دین [مطبوع] ۱۳- ضیاء القلوب در امامت؛ و غیره.

مشارالیه در روز عید غدیر سال ۱۱۲۴ وفات یافته، در اول تخت فولاد مدفون گردید.

مقبره‌ی او به تکیه‌ی فاضل سراب و جویباره‌ای‌ها معروف است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

تنکابنی، محمد رضا

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در اصفهان متولد گردید، و خدمت پدر تحصیل علوم کرد، و از او اجازه داشته، و رغبت کامل به انشاء و شعر داشته، در شعر «رضا» تخلص می‌نموده.

این شعر از اوست:

هرگز طبیب فکر من مبتلا نداشت

گویا برای درد دل من دوا نداشت

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

تنکابنی، محمد صادق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل محقق، از مشایخ اجازه، در ۱۰۸۲ متولد گردید، و نزد پدر و علامه‌ی مجلسی و جمعی دیگر تحصیل نموده، و پس از وفات [احتمالا] در جنب پدر و برادر مدفون شده است.

بر برخی از کتب ادعیه حواشی نگاشته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

تنکابنی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن متوفی قبل از ۱۲۹۰ قمری از بنی‌اعمام صاحب (قصص‌العلماء) بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

تنکابنی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۸ -۱۲۸۵ ق)، عالم، مجتهد و فقیه اصولی. در تنکابن متولد شد. در کودکی به همراه برادرش آیت‌الله محمدرضا تنکابنی به قزوین رفت و نزد استادان و علمای آن سامان به تکمیل سطوح پرداخت. بعد از مدتی، به نجف مهاجرت کرد، و از محضر علمایی چون: میرزا حبیب‌الله رشتی و علامه طباطبایی یزدی و آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و علامه‌ی مامقانی بهره‌ها برد، و در فقه و اصول به بالاترین درجه نایل شد. وی با مقام اجتهاد مطلق از نجف به ایران بازگشت و در تهران ساکن شد و به تدریس فقه و اصول و ترویج مذهب پرداخت. در تهران درگذشت. پیکر وی با تجلیل به شهر ری منتقل و در جوار حضرت عبدالعظیم حسنی دفن شد.[۱]

الشیخ محمدحسین الفقیه الزاهد التنکابنی رحمه اللّه بن العالم النبیل الشیخ محمد الواعظ التنکابنی برادر ارجمند آیهٔاللّه تنکابنی مذکور از علماء اعلام و حجج اسلام عموی گرامی علامه فلسفی واعظ می‌باشد در حدود سال ۱۲۸۵ قمری در تنکابن متولد شده و با معیت برادر بزرگوارش به قزوین مسافرت نموده و نزد اساتید و علماء آنجا تکمیل سطوح کرده و بعد از مدتی که بوطن بازگشته، مهاجرت میرزا حبیب‌اللّه رشتی و مرحوم علامه طباطبائی یزدی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و مرحوم علامه مامقانی قدس اللّه اسرارهم استفاده کامل نمود و در فقه و اصول بمرتبه اقصی نائل گردیده و با مقام اجتهاد مطلق از نجف مراجعت به ایران کرده و سکونت در طهران را اختیار و به اقامه جماعت و تدریس فقه و اصول و ترویجات دینی اشتغال یافته تا در سال ۱۳۶۸ ق دنیا را وداع و با تشییع مجللی بشهر ری منتقل و در مقبره ناصرالدین شاه قاجار در جوار سیدالکریم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام مدفون گردیده است و این نویسنده ترجمه آن مغفور له را در تذکره المقابر فی احوال المفاخر نوشته‌ام.

فرزند ارجمندش جناب حجت‌الاسلام و المسلمین آقای آقا شیخ محمد تنکابنی از ائمه جماعت معاصر تهران است و در مسجد آن مرحوم اقامه جماعت می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۹۲/۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۱۰ -۴۰۹ /۴).

تنکابنی، محمدرحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرحیم تنکابنی از شاگردان میرزا محمد تنکابنی صاحب (قصص‌العلماء) متوفی سال ۱۳۰۲ قمری

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

تنکابنی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۵ -۱۲۸۳ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مجتهد. در تنکابن به دنیا آمد. مقدمات را در زادگاهش فراگرفت و به قزوین رفت و سطوح را تکمیل کرد. سپس به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر علمای بزرگی چون آیت‌الله میرزا حبیب‌الله رشتی، آیت‌الله ملا محمدکاظم خراسانی، علامه طباطبایی یزدی، و ملاعلی نهاوندی حدود بیست سال استفاده کرد و مجتهد جامع‌الشرایط شد. از آن پس، به ایران مراجعت کرد و در تهران ساکن شد، و در مدرسه‌ی فیلسوف‌الدوله به تدریس خارج فقه و اصول و ترویج دینی پرداخت. او از علما و مجتهدان بزرگ تهران به حساب می‌آمد. پیکر وی پس از مرگ با تجلیل به نجف اشرف منتقل، و در جوار امیرالمومنین (ع) دفن شد. در فقه و اصول آثاری از وی باقی است.[۱]

حاج شیخ محمدرضا بن العلامه المرحوم الشیخ محمد تنکابنی معروف بواعظ رحمهمااللّه از علماء اعلام و مجتهدین کرام تهران بوده که در عصر خود اعلم و اتقی و ازهد و اورع دانشمندان مرکز بوده است.

در سال ۱۳۸۳ قمری هجری در تنکابن از بلاد شمال ایران و کناره دریای شمال در آخوند محله رامسر دیده بجهان گشوده و در خاندان علم و فضیلت تربیت یافته و مقدمات را در محل خوانده آنگاه بقزوین آمده و سطوح را در آنجا در خدمت علماء آن شهر تکمیل نموده و مهاجرت به نجف اشرف کرده و از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌اللّه میرزا حبیب‌اللّه رشتی و آیت‌اللّه خراسانی صاحب کفایه و علامه یزدی صاحب غروه و آخوند ملا علی نهاوندی حدود بیست سال استفاده و مجتهد جامع الشرایط گردیده و مراجعت به ایران نموده و رحل اقامت به طهران عاصمه تشیع و پایتخت کشور افکنده و در مدرسه فیلسوف‌الدوله واقع در جنب امامزاده سید اسمعیل خیابان سیروس بتدریس خارج فقه و اصول و اقامه جماعت و ترویجات دینی و روحی پرداخته است تا در هیجده ذی‌الحجه ۱۳۸۵ ق در سن یکصد و دو سالگی بدرود حیات گفته و جنازه‌اش با تشییع کم سابقه حمل به نجف اشرف و در جوار مولی الکونین ابن الحسنین امیرالمؤمنین علیه‌السلام مدفون گردید و در رثاء و ماده تاریخش شعراء عصر مخصوصا علی‌اکبر خوشدل شاعر معاصر قصیده‌ای سروده که از نظر اهل ادب می‌گذرانم:

و مخفی نباشد که علامه تهرانی صاحب الذریعه ترجمه اجمالی ایشان را در قسم دوم از جزء اول طبقات اعلام‌الشیعه ص ۷۶۸ ذکر کرده است.

آیت‌اللّه تنکابنی دارای شش فرزند ذکور که از مفاخر دانشمندانند به اسامی زیر می‌باشند:

۱- استاد بزرگ و خطیب توانا آقای حاج شیخ محمدتقی فلسفی واعظ معروف که ترجمه‌اش در جلد دوم ص ۳۸۷ گذشت.

۲- حجهٔ‌الاسلام حاج میرزا ابوالقاسم تنکابنی که ترجمه‌اش بعد از این خواهد آمد.

۳- حجهٔ‌الاسلام و المسلمین علامه فقیه حاج میرزا علی آقا تنکابنی نزیل مشهد مقدس.

۴- آقای مرتضی فرید.

۵- آقای دکتر احمد فلسفی.

۶- آقای مهدی فلسفی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۹۳/۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۰۹ -۴۰۶/ ۴).

تنکابنی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی تنکابنی متوفی قبل از ۱۳۲۰ قمری

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

تنهای اصفهانی، عبداللطیف

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۱۶ ق)، شاعر، متخلص به تنها. وی خواهرزاده‌ی میرزا جلال امیر شهرستانی است. در عهد عالمگیر به هند رفت و به ترتیب خدمت دیوانی کابل، لاهور و کشمیر را عهده‌دار بود. خان آرزو دیوان هزار و دویست بیتی او را در دست داشته و هفتاد و شش

بیت آن را در «مجمع النفائس» آورده است. وی در کشمیر درگذشت و اموالش ضبط خزانه‌ی شاهی شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای پنجاب (۲۱۲ –۲۱۱)، تذکره‌ی شعرای کشمیر (۵۹۱ ،۴۶)، الذریعه (۱۷۹/۹)، شام غریبان (۶۳ – ۶۲)، فرهنگ سخنوران (۱۹۳)، کاروان هند (۲۵۶ –۲۵۵ /۱)، نتایج الافکار (۱۲۹ –۱۲۸)، نشتر عشق (۲۹۳ –۲۹۲ /۱).

تنهایی ارسبارانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به تنهایی. از مردم ارسباران آذربایجان است. وی مردی خوشروی و شیرین زبان بوده که به ترکی و فارسی شعر می‌گفته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۰۷)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۲۲۶/۱)، الذریعه (۱۷۹/۹)، سخنوران آذربایجان (۱۰۹ – ۱۰۸)، فرهنگ سخنوران (۱۹۳)، مجمع الخواص (۱۳۰).

تواقتمور شهابی ساوی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اوست؛ قرآن رحلی عظیم، ثلث و ریحان سه دانگ جلی خوش. نسخ کتابت جلی متوسط با رقم: «فرغ من کتبه توقتمور بن عبدالرزاق الشهابی الساوی فی یوم الاربعا التاسع عشر من شوال لسنهٔ سته عشرهٔ و سبعمائهٔ (۷۱۶) در موزه‌ی اسلامی ترک.
برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

توتونچی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۰ –۱۲۹۰ ق)، فقیه و متکلم شیعی. وی در تبریز به دنیا آمد و مقدمات علوم را همان جا فراگرفت. در سال ۱۳۱۴ ق به نجف کوچ کرد و در خدمت استادانی چون محمدحسن مامقانی و شیخ‌الشریعه‌ی اصفهانی به تکمیل دانشهای دینی خود پرداخت. در سال ۱۳۲۴ ق به زادگاهش بازگشت و به تدریس و تصنیف و امامت و ارشاد مردم روی آورد. توتونچی از بزرگان علمای تبریز بود. از جمله آثار وی: «ازاله الوساوس و الاوهام عن قدس ساحه الاسلام»، در رد نصارا و ابطال؛ «بحر الفوائد»، به فارسی؛ «الادله العقلیه»، در اصول؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ مرتضی انصاری؛ «هدایه الانام الی حقیقه الایمان و الاسلام»، به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (۱۷۳ –۱۷۲ /۲۵، ۴۴/۳، ۵۳۰/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۹۷/۱۴)، معجم المولفین (۱۸/۴).

توتونچیان، ایرج

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اقتصاد، دانشکده: علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه: الزهرا (س)

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، کارشناسی ارشد اقتصاد از آمریکا، دکترای اقتصاد با درجه ممتازی از آمریکا.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد دانشگاه الزهرا.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

کاربرد توابع مطلوبیت بهم پیوسته در سیستم اقتصاد اسلامی و مقایسه با سیستم سرمایه‌داری، مالیات، ارز، پول و بانکداری در اقتصاد اسلامی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۶ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

تئوری رفتار مصرفی مسلمانان، پول و بانکداری در اقتصاد اسلامی، اقتصاد خرد.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

پول و بانکداری در اقتصاد اسلامی، اقتصاد بخش عمومی.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

توتونیان مشهد، فائزه

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: فردوسی مشهد

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

توحید شیرازی، محمد اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۶ -۱۲۴۶ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به توحید. وی قصیده را خوب می‌گفت و غزل را به سبک خواجه‌ی شیراز می‌سرود. در علوم، خاصه ریاضی و موسیقی تحصیل کرده، صوتی خوب داشته و هفت خط را نیکو می‌نوشته است، بخصوص خط نسخ. وی در سی و یک سالگی با برادر بزرگ خود، میرزا احمد وقار به تهران آمد و سپس به شیراز بازگشت. قرآنهایی که او بر پوست آهو با قلمهای بسیار ریز می‌نوشته، از شهرت زیادی برخوردار بوده است. توحید در چهل سالگی به علت مرض وبا، چشم از جهان فرو بست و در صحن حضرت شاهچراغ به خاک سپرده شد. صاحب «گلشن وصال» اشاره کرده است که توحید در ضبط اشعار خود مسامحه می‌کرده و برادرش یزدانی به زحمت دو هزار و پانصد بیت از گفته‌های او را مدون ساخته است. روحانی، خود اشعار را جمع‌آوری کرده که هزار و صد و هفتاد و پنج بیت است. از خطوط وی: قرآن بغلی جلد روغنی، نسخه کتابت خفی غبار خوش و رقاع، با رقم: «... کاتبه العبد الحقیر... محمد اسمعیل التخلص بالتوحید. سنه اربع و ثمانین و ماتین بعد الالف...»؛ «صحیفه سجادیه» جانمازی، نسخ کتابت خفی عالی و رقاع، با رقم: «کتبه العبد الاقل... محمد اسمعیل التوحید... سنه ۱۲۷۸»؛ شش دفتر «مثنوی»، نسخ کتابت خفی خوش، با رقم: «... و انا العبد... ابن المرحوم المبرور الوصال... محمد اسمعیل المتخلص بالتوحید... سنه ۱۲۸۱...»؛ ادعیه‌ی رقعه مرصع مزین مذهب، نسخه کتابت خفی خوش، با رقم: «حرره العبد... محمد اسمعیل التوحید ابن المرحوم الوصال... فی سنه ۱۲۸۱ من الهجره».[۱]

اثر اوست:- قرآن بغلی جلد روغنی، شش صفحه‌ی اول تماماً مذهب عالی. تمام متن قرآن روی زر نوشته شده است. نسخ کتابت خفی غبار خوش و رقاع با رقم: «الحمد للّٰه الذی وفقنی به اتمام کتابه المجید... اتباً عاالاسر... شاهرخ میرزا... کاتبه العبد الحقیر الفقیر المحتاج الی ربه الغنی محمد اسمعیل المتخلص بالتوحید ابن المرحوم المبرور المغفور میرزا محمد شفیع‌الوصال طیب‌اللّٰه مضجعه». «و قد فرغ من تحریره و تمنیقه بعون‌اللّٰه تعالی و توفیقه فی شهر جمید ری الثانیه من شهور سنهٔ اربع و ثمانین و مأتین بعد الالف حامداً للّٰه و مصلیاً علی نبیه و آله» (۱۲۸۴) در مجموعه‌ی آقای دکتر وصال.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۳۶۱ -۳۶۰)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۴۲ -۱۱۴۰ /۴)، اطلس خط (۵۶۶)، حدیقه الشعراء (۳۴۸ -۳۴۲ /۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۵ -۵۰ /۲)، الذریعه (۱۸۰ -۱۷۹ /۹)، ریحانه (۳۵۵/۱)، طرائق الحقائق (۳۸۴ -۳۸۲ /۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۱۶ -۱۰۱۴ /۲)، المآثر و الآثار (۲۰۵)، مجمع الفصحا (۱۹۴ -۱۸۶ /۴)، مرآت الفصاحه (۱۲۴ -۱۲۳).

توحیدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا محمدعلی توحیدی تبریزی بن علی بن آغا بن حسن التبریزی از علماء عظام و مدرسین عالی مقام امروزه حوزه علمیه است در سال ۱۳۴۴ ق در تبریز متولد شده و مقدمات را در آنجا دیده آنگاه به قم مشرف و سطوح را در خدمت اساتید قم خوانده و در سال ۱۳۶۵ قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و بالغ بر بیست و هشت سال توقف و از محاضر آیات عظام مرحوم حاج شیخ محمد کاظم شیرازی و آیت‌الله حکیم و آیت‌الله العظمی میلانی و آیت‌الله العظمی خوئی استفاده و تقریرات درس فقه ایشان را به نام مصباح الفقاهه در شش مجلد به رشته تحریر آورده.

و سه جلد آن را به طبع رسانیده و مورد استفاده فضلاء نجف و قم می‌باشد و معظم درس ایشان در محضر استاد بزرگوار و علامه

عصر آیت‌الله خوئی مدظله العالی بوده تا ماه رجب سال ۱۳۹۱ قمری که از نجف هجرت به قم نموده و به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارند.

آثار علمی آن جناب از این قرار است ۱- مصباح الفقاهه در ۶ جلد که ۳ جلد آن مطبوع و سه جلد دیگر آماده طبع است ۲- دوره حاشیه بر کفایه ۳- شرح عروه تا آخر صلوه ۴- رساله فی مناسب الفقیه ۵- رساله فی البدایه الطهاره ۶- تفسیر القرآن الکریم ۷- رساله فی الخمس ۸- رساله فی العلم الاجمالی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

توحیدی بسطامی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی توحیدی بسطامی از علماء مبرز و معروف معاصر شاهرود است. وی در سال ۱۳۱۶ ق در بسطام دیده به جهان گشوده و تحصیلات مقدماتی را در بسطام و شاهرود از علماء زمان فراگرفته و سپس برای ادامه تحصیلات به مشهد مقدس عزیمت نموده و مدت هفت سال از حوزه درس مرحوم آقازاده بزرگ آخوند و مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج‌آقا حسین قمی استفاده کرده سپس به قم آمده و مدت یکسال از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی استفاده نموده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف و مدت ۱۶ ساله در آنجا از محضر آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نموده و پس از نائل شدن به اعلی درجات اجتهاد با دریافت اجازات عدیده اجتهادی از معظم لهم به ایران مراجعت و در شاهرود رحل اقامت افکنده و در مدرسه قلعه شاهرود به تدریس خارج و در مسجد آن مدرسه به اقامه جماعت و افاضه منبری و وعظ و ارشاد اشتغال دارند ادام اللّه عمره و توفیقه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

توحیدی، ابوحیان علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۴۱۴/۴۰۰ -۳۱۰ ق)، ادیب، فیلسوف معتزلی، صوفی و شاعر. معروف به فیلسوف‌الادباء و ادیب‌الفلاسفه و جاحظ ثانی. اگر چه محل تولد او را به اختلاف شیراز، نیشابور، بغداد، واسط دانسته‌اند، اما احتمال این که در شیراز متولد شده باشد بیشتر است. ابوحیان علوم ادبی را در خدمت ابوسعید سیرافی آموخت و چندی هم در محضر ابوسلیمان منطقی سجستانی بود، در آنجا با گروهی از دانشمندان طراز اول مانند ابوالحسن عامری و ابن‌مسکویه معاشرت داشت. وی فقه شافعی را از ابوحامد مروروذی و ابوبکر شاشی آموخت و نزد استادان صوفی آمد و شد داشت و از راه کتابت زندگانی می‌کرد. ابوحیان مدتی در بغداد اقامت داشت و پس از آن به ری رفت و در آنجا در خدمت ابوالفضل عمید و صاحب بن عباد بود ولی با آنها میانه خوبی نداشت و حتی کتابی در ذم آنها به نام «اخلاق الوزیرین» نوشت ولی با وزراء صمصام‌الدوله یعنی عبداللّه بن عریض شیرازی و ابن سعدان میانه خوبی داشت. از جمله اساتید دیگر وی علی بن عیسی رمّانی در تصوف و یحیی بن عدی در فلسفه و منطق و جعفر خلدی و ابن سمعون در حدیث و سایر معارف اسلامی. ابوحیان در نگارش عربی استاد بود و جاحظ را بسیار می‌ستود و کتابی در مناقب و شناخت او نیز تألیف کرد. وی در ادبیات عرب به مقامی رسید که وی را با جاحظ برابر یا برتر می‌شمارند. بعضی او را از زنادقه می‌دانند. او علاوه بر نگارش نثر که در حد اعلای سلاست و استواری بود شعر نیز می‌گفت. وی در اواخر عمر کتابخانه عمومی خود را آتش زد و علت آن چنانکه خود گفت عدم توجه مردم بغداد در مدت بیست سال اقامت او در آنجا به وی بود چون نمی‌خواست کسانی که قدر او ندانستند پس از مرگ او از آنها بهره‌مند شوند. ابوحیان احتمالاً در خانقاه ابن خفیف در شیراز درگذشت و در کنار مزار شیخ کبیر به خاک سپرده شد. از جمله تألیفات وی: «المقابسات»؛ «الصداقهٔ والصدیق»؛ «الامتاع والموانسهٔ»، در سه جزء، «اشارات الالهیه»؛ «البصائر والذخائر» یا «بصائر القدما و بشائر الحکما»، در پنج جزء؛ «تقریظ الجاحظ»؛ «المحاضرات والمناظرات».[۱]

توحیدی، علی بن محمد بن عباس، ادیب و فیلسوف معتزلی قرن چهارم (ف. ۴۰۰ ه.ق.) وی در حسن تنظیم مطالب و سهولت انشای عربی چندان مهارت داشته که او را «جاحظ ثانی» لقب داده‌اند. ابوحیان علوم ادبی را در خدمت ابوسعید سیرافی آموخت و چندی هم در محضر ابوسلیمان منطقی با گروهی از دانشمندان و حکمای عهد معاشرت داشته و مدتی نیز درک خدمت ابن‌العمید و صاحب بن عباد و ابن سعدان را کرده و با ابوعلی مسکویه نیز رابطه داشته است. از آثار مهم او کتاب الامتاع و المؤانسهٔ، کتاب الهوامل و الشوامل، کتاب المقابسات، کتاب البصائر، رسالهٔ فی الصداقهٔ است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۴۵ -۱۴۴ /۵)، ایضاح المکنون (۶۴۰، ۶۵ /۲، ۶۰۲/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۲، ۳۵۳، ۳۰۰، ۲۸۶، ۲۶۰/۱،)، تاریخ اسلام (حوادث ۴۰۲ -۴۰۰/۴۰۰ -۳۸۱)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۱۷۲ -۱۵۷)، تاریخ نجوم اسلامی (۹۹ -۹۸، ۷۰)، تذکره‌ی هزار مزار (۹۷ -۹۶)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۱۲۶ -۱۲۴ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۲۹/۸)، دایرهٔالمعارف فارسی (۲۹/۱)، روضات الجنات (۸۵ -۵۶ /۸)، ریحانه (۸۴/۷)، سخن و سخنوران (۲۰)، شیرازنامه (۱۵۰ -۱۴۹)، کشف الظنون (۱۷۷۸، ۵۲۲، ۲۴۶، ۱۶۷، ۱۴۰)، الکنی والالقاب (۶۱/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن چهارم/ ۱۲)، لسان المیزان (۶۳۷ -۶۳۳ /۷)،

لغت‌نامه (ذیل/ ابوحیان)، معجم الادباء (۵۲ -۵ /۱۵)، معجم المؤلفین (۲۰۵/۷)، الوافی بالوفیات (۴۱ -۳۹ /۲۲)، وفیات الاعیان (۱۱۳ -۱۰۸ /۵)، هدیهٔ الاحباب (۱۴)، هدیهٔ العارفین (۶۸۵ -۶۴۸ /۱)، یادداشتهای قزوین (۱۸۰ -۱۷۴ /۴).

توحیدی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه.

تولد: ۱۳۳۲ ق.، تبریز.

درگذشت: ۱۳۶۶.

آیت‌الله رضا توحیدی مقدمات را در مدرسه‌ی ملی که زیر نظر علما اداره می‌شد تا کلاس هشتم گذرانید و قسمتی از سطوح عالیه را (رسائل مکاسب) در تبریز طی نمود. در سال ۱۳۶۳ ق. برای تکمیل تحصیلات به نجف رفت و مدت بیست و پنج سال در نجف مشغول تحصیل و تدریس شد. در آنجا از محضر اساتیدی چون آیت‌الله سید محمود شاهرودی و آیت‌الله العظمی خویی و آیت‌الله آقا شیخ حسن حلی و آیت‌الله حکیم و آیت‌الله حسن حمامی و آیت‌الله سید ابراهیم اصطهباناتی معروف به آقا سید میرزا آقا و علمای دیگر در چندین دوره اصول را پشت سر گذاشت و خارج صلوهٔ آقا رضا همدانی را از اول تا آخر و اجاره و حج عروه را از محضر آیت‌الله شاهرودی استفاده نمود و هم قسمت زیادی از فقه و اصول و اخلاق را از محضر آیت‌الله سید محمدهادی میلانی (در موقعی که در کربلا- و نجف بود) بهره‌مند شد و نیز تقریرات علامه نایینی اعم از مباحث الفاظ و عطیه را در محضر علامه حلی استفاده نمود. شانزده سال نیز در یکی از مساجد نجف به اقامه نماز جماعت و تبلیغات دینی پرداخت و به بعد از مدتی به تبریز درآمد و در مسجد توحید به اقامه جماعت و خدمات روحی و دینی اشتغال پیدا نمود.

مشایخ اجازه ایشان عبارتند از آیت‌الله سید محمدهادی میلانی، آیت‌الله شاهرودی، آیت‌الله خویی، آیت‌الله میرزا سید عبدالهادی شیرازی، آیت‌الله حکیم، آیت‌الله شریعتمداری.

آثار علمی آیت‌الله توحیدی به شرح زیر است: تفسیر قرآنی به نام اللئالی المنضودهٔ فی تفسیر الایات المأثوره؛ نفخهٔ القدیر فی شرح خطبهٔ الغدیر؛ القرآن والحجهٔ؛ اربعینات؛ الدراسات الدینیه؛ تقریرات دروس فقه و اصول از آیت‌الله شاهرودی، آیت‌الله خویی و علامه حلی، شرح حدیث اهلیلجه به قلم روز.

رضا بن محمد علی بن عبدالحسین بن محمد حسین معروف بتوحیدی از علماء اعلام و دانمشندان بنام معاصر تبریز است.

وی در سال ۱۳۳۲ قمری در بلده تبریز متولد شده و در خاندان عفیف و پاکدامنی پرورش یافته است.

دروان صباوت را در مدرسه ملی که به نظارت علماء اداره می‌شد تا کلاس هشتم گذرانیده و قسمتی از سطوح عالیه (رسائل و مکاسب) را در تبریز طی نموده و در سال ۱۳۶۳ هجری قمری برای تکمیل تحصیلات از هر گونه علائق مادی دست کشیده به آستان بوسی باب مدینه العلم نجف اشرف علی مشرفها و ساکنها آلاف التحیه و الشرف مشرف شده و مدت ۲۵ سال در محضر پر برکت مولای متقیان حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام مشغول تحصیل و تدریس و از محاضر آیات عظام و اساتید کرام آیت الله العظمی حاج سید محمود شاهرودی و آیت الله العظمی خوئی و آیت الله آقا شیخ حسین حلی و آیه الله حکیم و آیت الله سید حسین حمامی و آیت الله حاج سید ابراهیم اصطهباناتی معروف به آقا سید میرزا آقا و سایر بزرگان در چندین دوره اصول آقایان نامبرده را دیده و خارج صلوه حاج آقا رضا همدانی را از اول تا آخر و اجاره و حج عروه را از محضر آیت الله شاهرودی استفاده نموده و هم قسمت زیادی از فقه و اصول و اخلاق را از محضر آیت الله العظمی میلانی (در موقعی که در کربلا و نجف بودند) بهره‌مند شده و نیز تقریرات نائینی اعم از مباحث الفاظ و عقلیه را در محضر آقای حلی کامیاب شده و در مدت شانزده سال هم در یکی از مساجد نجف اشرف اقامه نماز جماعت و ضمنا مشغول تبلیغات دینی از مسائل و اصول عقائد و احکام نموده تا چند سال قبل که به وطن مراجعت و در خیابان نادر تبریز در مسجد «توحید» باقامه جماعت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

از آثار قلمی و علمی ایشان کتب زیر است که به آن اشاره می‌شود:

۱- تفسیر قرآن بنام «اللئالی المنضوده فی تفسیر الایات المأثوره» از اول فاتحه الکتاب تا آخر سوره بقره و سوره الرحمن و سوره الواقعه و سوره الحدید و مجادله و سوره فجر را تمام نموده‌اند.

۲- نفحه القدیر فی شرح الخطبه الغدیر حاوی یک مقدمه و پنج اصل «توحید، نبوت، عدل، امامت، معاد» و خاتمه در دو مجلد.

۳- القرآن و الحجه، کتابی است معادله و موازنه می‌کند حضرت حجت (عج) را با قرآن از حیث آثار و خصایص.

۴- اربعینیات کتابی است حاوی چهل حدیث آنهائی که متضمن عدد چهل و مطالبی است.

۵- الدراسات الدینیه. کتابیست علمی، اخلاقی، دینی، انتقادی، اجتماعی، فلسفی، در حدود پانصد صفحه.

۶- تقریرات دروس فقهیه و اصولیه از آقای شاهرودی و آقای خوئی و آقای حلی.

۷- شرح حدیث اهلیلجه بقلم امروز.

مشایخ اجازه مترجم معظم:

۱- آیت الله العظمی میلانی. ۲- آیت الله العظمی شاهرودی ۳- آیت الله العظمی خوئی ۴- آیت الله العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی ۵- آیت الله العظمی حکیم طاب ثراه ۶- آیه الله العظمی شریعتمداری.

نگارنده گوید آیت الله توحیدی از علماء متین و دانشمندان موصوف به تقوا و دارای صفات جمیله و خصال حمیده و محاسن اخلاق و محامد آداب و اهل سلوک و معنویت است در محرم و صفر سال ۱۳۹۱ قمری که باعتاب عالیات مشرف بودند چند روزی

در کاظمین و سامرا درک مصاحبت ایشان را نموده و از حالات و روحیات ایشان استفاده نمودم، در مشاهد مشرفه توجه مخصوص و حال خاصی دارند ادام الله توفیقه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

توحیدی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی توحیدی از علماء مبرز و محترم معاصر شاهرود است.

ایشان تحصیلات خود را در مشهد و نجف اشرف به پایان رسانیده و سالها از محضر آیات عظام و مراجع بزرگ حوزه نجف استفاده نموده و سپس به وطن مراجعت و تا حال حاضر در مسجد مدرسه قلعه به اقامه جماعت و تدریس و خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

توحیدی، ناصر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۸ مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی متالورژی، دانشکده: فنی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد و دکترا از دانشگاه آخن آلمان در سالهای ۱۳۴۳ و ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده فنی دانشگاه تهران به ترتیب در سالهای ۱۳۵۶ ،۱۳۵۴ ، ۱۳۵۰.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

احیای کانه‌های آهن، الگوی رشد، بررسیهای فنی اقتصادی، بررسی کنترل کیفیت، نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

ترمودینامیک مهندسی متالورژی، احیای مستقیم، تئوری احیای مستقیم، تکنولوژی احیای مستقیم، سیر تکامل تولید آهن و فولاد در ایران و جهان، تولید چدن و فولاد از آهن اسفنجی و جدول توابع ترمودینامیکی واکنشها.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۵

زمینه علمی مقالات:

تولید آهن به روشهای احیای مستقیم، احیای سنگهای آهن، اکسایش آهن.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

توران پشتی، شهاب‌الدین، ابوعبدالله فضل‌الله

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۶۱ ق)، دانشمند و شاعر. وی از مردم توران پشت، قریه‌ای از توابع یزد، و ساکن شیراز و از بزرگان علمای شافعی ایران بود. وی در پایان زندگی به خواهش قتلغ ترکان خاتون قراختایی به کرمان رفت و همان جا درگذشت. از آثار وی: شرحی بر «مصابیح السنه»، تالیف امام حسین بن مسعود فراء بغوی شافعی؛ کتابی به فارسی در اعتقادات اتابک ابوبکر بن سعد زنگی و پسرش سعد در ولیعهدی وی، به نام «المعتمد فی المعتقد» که به «تحفه‌ی مظفری» و «تحفه‌ی سلغری» نیز معروف است. وی در شاعری نیز دستی داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۱۵۳)، کشف الظنون (۱۷۳۳)، هدیه العارفین (۸۲۱/۱).

توسلی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ علی توسلی نجفی از علماء فعال معاصر است در تربت جام. وی در حدود ۱۲۹۵ شمسی در حومه میانجام متولد شده و دروس ابتدائی را در محل خوانده سپس بمشهد مقدس آمده و ادبیات و سطوح وسطی را نزد اساتید فن تلمذ نموده و ضمنا موفق بدریافت دیپلم گردیده و در حدود سال ۱۳۱۴ شمسی مهاجرت بنجف اشرف نموده و سطح مکاسب را خدمت آیه‌الله العظمی خوئی مدظله و کفایه را نزد آیه‌الله میرزا باقر زنجانی و رسائل را از آیه‌الله آقا سید ابوالقاسم رشتی فرا گرفته و یکدوره خارج اصول را نزد آیه‌الله خوئی و فقه (خارج صلوه حاج آقا رضا) را از آیه‌الله میرزا باقر زنجانی و قسمتی را از مرحوم آیه‌الله حاج شیخ موسی خونساری استفاده کرده و مدتی هم در حوزه درس آیه‌الله آقا ضیاءالدین عراقی استاد المتاخرین والمعاصرین و آیه‌الله العظمی اصفهانی شرکت و بهره کافی برده و موفق باجازه اجتهاد از آن مرحوم گردیده حدود ۱۵ سال در نجف اشرف با کمال متانت و تقوا بسر برده و مورد الطاف و توجهات مخصوصه آیات عظام و بالاخص آیه‌الله اصفهانی و نیز آیه‌الله العظمی بروجردی رضوان‌الله علیهما بودند و در حدود بیست سال قبل که از نجف عازم خراسان بودند بر حسب اصرار و اوامر مؤکد آیه‌الله بروجردی رهسپار تربت جام شدند و بی‌نهایت مورد توجه و تقدیر و تشویق آن مرحوم بودند.

و پوشیده نماند که شهر جام در آن اوقات شش هزار نفر که فقط یک پنجم آن شیعه بودند و محیط جام بسیار ظلمانی و ظاهرا از صدر اسلام تا آن تاریخ هیچ عالم جعفری نداشته و حتی مسجدی هم شیعیان آنجا نداشتند و تمام مراسم مذهبی بوسیله‌ی دیگران انجام میشد و بزرگترین جرم و ذنب لایغفر شهادت بولایت بوده و حوادث ناگواری داشته که بیان آن موجب تأثر است و اکنون با حسن تدبیر و فداکاری و شهامت معظّم له و روش خاصّی که ایشان دارند رشته الفت و اخوّت در میان عامّه و خاصّه برقرار و عدّه‌ای مستبصر و شهر که اکنون سی و پنجهزار جمعیت دارد و اکثر آن شیعه هستند و بشیعه عزّتی داده شده و بحمدالله در کمال سرافرازی میباشند و گاهی در قسمتی از مسائل حضرات تسنّن و علماء عامّه بایشان مراجعه مینمایند و بر حسب مشورت و اشاره مرحوم آیه‌الله بروجردی مدرسه علمیه‌ای بنام مدرسه مهدیه طباطبائی بسیار وسیع و در نهایت زیبائی تأسیس نموده‌اند که سالهاست عدّه‌ای از طلاب مشغول بتحصیل میباشند نان و شهریّه بآنها میپردازند و نهایت مراقبت را بتعلیم و تربیت آنان دارند و متصل بآن مدرسه مسجدی ساخته شده بسیار مجلل و باشکوه بنام جامع ثقلین که خارج آن مزیّن بکاشی کاری و متّصل بآن کتابخانه بسیار آبرومندی بهمان نام تأسیس که در حدود چهار صد جلد کتاب تا بحال تهیه شده است و نیز تاکنون موفق بتأسیس مساجدی در قراء اطراف و خاصّه دهاتیکه شیعیان آن در اقلیت و قادر به بناء مسجد نبودند و هم چنین چند دستگاه حمّام برای همین سنخ اشخاص تأسیس نموده‌اند.

خلاصه جناب آقای توسّلی عالمی دلسوز و مهربان و بخصوص اگر کسی از اهل سنت کار مشروعی را بایشان ارجاع نماید بهر وسیله است حتّی‌المقدور انجام میدهند. در امور دینی و دفاع از حریم دین و ولایت و روحانیّت متصلّب میباشند.

ایادی مرموز و قلمهای مسموم که بحمایت از مسلک ننگین وهابیّت و کوبیدن مقام شامخ ولایت و روحانیّت از سنندج و تهران و جاهای دیگر بدین منطقه بسیار حساس شخصا یا قلما برای تبلیغ سرازیر شده نتوانسته‌اند حتی یکنفر را گمراه نمایند و گاهی که شنیده‌اند یکی دو نفر از جوانان یا غیر آنان در نتیجه تبلیغات شوم انحرافی پیدا نموده‌اند آرام نگرفته تا آنها را براه آورده‌اند. در بعضی از قراء عده‌ای در حدود ۳۵ نفر خانوار از ملاحده در نتیجه مجاهدات و خدمات ایشان مستبصر و هدایت و اثنی‌عشری شده‌اند.

آثار قلمی ایشان عبارت است از قسمتی از تقریرات اساتیدشان که بطبع نرسیده است و نیز کتابی در بحث ولایت در دست تألیف دارند. و در مسجد جامع ثقلین اقامه جماعت نموده و تبلیغ احکام و نشر آثار اهلبیت علیهم‌السلام مینمایند اطال‌الله عمره و ادام‌الله توفیقه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

توسلی، غلامعباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده: علوم اجتماعی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

توسلی، محمد اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد اسماعیل توسلی

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اخذ دیپلم در رشته ریاضی فیزیک در سال ۶۱ از دبیرستان امام خمینی (ره) شهر آمل وارد حوزه علمیه قم شدم . مهرماه سال ۶۱ بود که در مدرسه رضویه قم واقع در ابتدای خیابان آذر پذیرش شدم. ادبیات عرب و مجموعه دروس سطح یک را در همان مدرسه به پایان بردم . سال ۶۴ وارد مدرسه سعادت که تحت نظارت آیت الله جوادی آملی بود شدم . سطح دو حوزه را تا سال ۶۷ به اتمام رساندم و از محضر اساتیدی همچون وجدانی فخر در شرح لمعه ، استاد پایانی در مکاسب ، استاد موسوی تهرانی در رسائل و استاد ستوده در کفایه بهره بردم . شرح منظومه سبزواری را در نزد استاد ممدوحی خواندم و تا سال ۶۹ سطح ۳ حوزه را به پایان رساندم . با شروع درس خارج از سال ۶۹ همزمان جلد اول اسفار را نزد استاد حسن زاده آملی و مابقی آن را نزد استاد جوادی آملی گذراندم. خارج اصول را نزد آیت‌الله العظمی وحید خراسانی و خارج فقه را نزد آیت‌الله العظمی شیخ جواد تبریزی تا سال ۷۶ ادامه دادم. سال ۶۸ بود که در رشته اقتصاد دانشگاه مفید پذیرش شدم و تا سال ۷۳ آن را به پایان رسانده موفق به اخذ درجه کارشناسی اقتصاد از آن دانشگاه شدم . بلافاصله در آزمون سراسری فوق لیسانس شرکت کردم و در همان سال ۷۳ در دانشگاه تربیت مدرس تهران در رشته علوم اقتصادی پذیرش شدم ، سال ۷۶ با نگارش پایان نامه‌ای با عنوان « کاهش ارزش پول از دیدگاه اقتصاد و فقه» موفق به اخذ درجه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی از آن دانشگاه شدم.

از سال ۷۶ تا کنون به تدریس دروس معارف و اقتصاد در دانشگاه‌های مختلف به ویژه دانشگاه مفید اشتغال دارم . فعالیت اصلی من پژوهش در موضوعات اقتصاد اسلامی به ویژه زکات ، پول و بانکداری است و هم اکنون عضو انجمن اقتصاد اسلامی حوزه علمیه قم و نیز حضو انجمن اقتصاد اسلامی ایران هستم و به عنوان پژوهشگر در مرکز مطالعات اقتصادی دانشگاه مفید مشغول فعالیت پژوهشی در موضوعات اقتصاد اسلامی می‌باشم.

توسلی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر مجمود توسلی متولد ۱۳۱۸ هـ‌ش دارای دکترای رشته باغبانی و عضو هیئت علمی دانشگاه ایالتی آلاباما با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات و آثاری پیرامون آبیاری ترکیبی بارانی و زهکشی درختان چوب صنعتی کالیفرنیا می باشد.گروه : کشاورزیرشته : باغبانیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر محمود توسلی دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه فردوسی مشهد کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه فردوسی مشهد و دکتری رشته باغبانی از دانشگاهایالتی الاباما می باشد.خاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته باغبانی و اخذ مدرک دکترای آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده و زندگی علمی دکتر محمود توسلی بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر محمود توسلی در کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : دکترمحمود توسلی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته باغبانی به عضویت هیئت علمی گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه آلاباما در آمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر محمود توسلی عضو هیئت علمی و دانشیار گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه آلاباما است.فعالیتهای آموزشی : دکتر محمود توسلی سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه باغبانی در دانشگاه آلاباما به تدریس درونی تخصصصی رشته ماشین آلات کشاورزی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر محمود توسلی در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول بوده است.آرا و گرایشهای خاص : دکتر محمود توسلی از جمله دانشمندان علم باغبانی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره آبیاری ترکیی بارانی و زهکشی درختان چوب صنعتی کالادونیا انجام داده است.آثار : ۱ آبیاری ترکیبی باران و زهکشی درختان چوب صنعتی کالدونیا

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

توسلی، مریم

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۴۳.

درگذشت: ۱۳۶۳.

از آثار اوست: برداشتی از انشراح، انفطار والرحمن (مشهد، ۱۳۶۴).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

توسنی تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از سخنوران تبریز بود که در عهد اکبرشاه به هندوستان رفت. وی علاوه بر شاعری، در گلدسته‌بندی و جامه‌چینی و خلال‌سازی نیز دست داشت. از اوست:

هیچ معشوقی وفا با عاشق شیدا نکرد

گل به صد ناخن گره از کار بلبل وانکرد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۵۸)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۱۵ -۱۱۴ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۸۸)، الذریعه (۱۸۰/۹)، سخنوران آذربایجان (۲۷۲).

توفان قمی، مهدی فاطمی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۱ ش)، شاعر، متخلص به توفان. وی نواده‌ی جلال‌الدین، امام جمعه بود، در قم متولد شد و در مکتب خواندن و نوشتن را آموخت و دوره‌ی دبیرستان را در تهران گذراند. سپس وارد دانشکده‌ی افسری شد و در سال ۱۳۱۹ ش به استخدام بانک کشاورزی درآمد. او بیتشر غزلسرایی می‌کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۹۳۴ -۹۲۹ /۲).

توفیق کلهر کرمانشاهی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۰ -۱۲۰۳ ق)، شاعر. وی از روسای طایفه‌ی کلهر بوده و مردی با کمال و عارف مسلک. اقسام شعر را خوب می‌گفته لیکن بیشتر غزل می‌سروده است. از وی فقط یک غزل بازمانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۳۴۸/۱).

توفیق، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۸ -۱۲۵۸ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر. در تهران تولد یافت و از همان ابتدا طبع و ذوق شعری داشت. وی نیمی از عمر خود را صرف ترویج معارف و توسعه‌ی ادبیات کرد. توفیق شاعری نکته‌سنج و روزنامه‌نگاری حساس بود. در روزنامه‌ی فکاهی «گل زرد» و سایر هفته‌نامه‌های آن زمان مقالاتی می‌نوشت و مدتی نیز سردبیر روزنامه‌ی «گل زرد» بود. از سال ۱۳۰۱ ش روزنامه‌ی «توفیق» را، که نشریه‌ای ادبی فکاهی بود، منتشر ساخت. وی در تهییج و تقویت قریحه‌ی نو شاعران تاثیر زیادی داشت. پس از فوت توفیق، فرزندش محمدعلی، روزنامه‌ی توفیق را منتشر کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات نوین ایران (۲۷۵)، تاریخ جراید (۱۴۷ -۱۴۴ /۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۹۷/۲)، سخنوران نامی معاصر (۹۳۷ -۹۳۵ /۲).

توکل کوثری، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر سید محمدعلی توکل کوثری دانشیار گروه جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته ریاضی، علوم کامپیوتری از دانشگاه صنعتی شریف تهران(۱۳۵۶)، مدرک کارشناسی ارشد را در رشته علوم کامپیوتر از دانشگاه اورگان آمریکا (۱۳۵۷)، مدرک دکتری را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه آبردین انگلستان(۱۳۶۰) و مدرک فوق دکتری را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه کمریج انگلستان اخذ نموده است.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه

شناسیتحصیلات رسـمی و حرفه ای : دکترسـیدمحمدعلی توکل کوثری مدرک کارشناسـی را در رشته ریاضی، علوم کامپیوتری از دانشـگاه صنعتی شریف تهران(۱۳۵۶)، مـدرک کارشناسـی ارشـد را در رشـته علوم کـامپیوتر از دانشگاه اورگان آمریکا (۱۳۵۷)، مدرک دکتری را در رشـته جامعه شناسـی از دانشگاه آبردین انگلستان(۱۳۶۰) و مدرک فوق دکتری را در رشـته جامعه شناسـی از دانشـگاه کمبریـج انگلسـتان اخـذ نمودنـد. عنوان رساله وی و دوره دکتری «جامعه‌شناسـی معرفتی تطبیقی- انتقادی» است. مشاغل و سمتهای مورد تصـدی : خدمات علمی اجرایی دکتر توکلی کوثری به قرار زیر است ,•: دبیرکل کمیسـیون ملی یونسـکو,کمیسـیون ملی یونسـکو- وزارت علـوم • معـاون پژوهشـی وزارت علـوم,وزارت علـوم • ۸مشـاور وزیر و رئیس موسـسه پژوهش آمـوزش عالی,موسـسه عالی پژوهش وبرنامه ریزی آموزش عالی-– وزارت علوم • مدیر گروه جامعه شناسی دانشگاه تهران,دانشگاه تهران فعالیتهـای آموزشی : مـوارد تـدریس دکـتر توکـل «جـامعه شناسـی پزشـکی»، «زبـان تخصصـی ۲» (در مقطـع کارشناسـی)، «زبـان تخصصی۲»، «جامعه شناسـی تکنولوژی و توسـعه»، «جامعه شناسـی معرفت»، «جامعه شناسـی بهـداشت وسـلامت جوانان»، (در مقطع کارشناسـی ارشـد و دکتری) است.جوائز و نشانها : پایان نامه برگزیده کارشناسی ارشد,دانشگاه تهران, پایان نامه برگزیده دکتری سـال,دانشـگاه تهران, پایـان نـامه برگزیـده سـال,دانشـگاه تهران,آثـار : اصـطلاحنامه فرهنگی فارسـی ویژگی اثر : بررسـی و نقد کتاب,سازمان مدارک فرهنگی,۲ تقریـظ بر کتاب جامعه شناسی بیماری و پزشکی ویژگی اثر : بررسـی و نقـد کتاب,باورداران,۳ جامعه شناسـی پزشکی ویژگی اثر : تالیف و تصنیف,انتشارات دانشگاه صنعتی شریف,۴ جامعه شناسی معرفت ویژگی اثر : تالیف۵ جامعه شناسـی معرفت و علم ویژگی اثر : تالیف۶ جامعه شناسـی(بررسی و معرفی کتاب گیدنز در مجله نامه علوم اجتماعی) ویژگی اثر : ,بررسی و نقد کتاب,نشر نی,۷ دگرگونی اجتماعی در جامعه اطلاعاتی ویژگی اثر : ترجمه -ترجمه,شورای عالی اطلاع رسانی وکمیسیون ملی یونسکو,۸ رویکرد تـأویلی در مسـیحیت و اسـلام ویژگی اثر : تـالیف۹ مأخذشناسی توسعه ویژگی اثر : تـالیف- ویرایش علمی کتـاب,موسـسه پژوهش در برنـامه?ریزی و توسـعه,۱۰ مقـدمه ای بر جـامعه شناسـی علـم ویژگی اثر : تـالیف و تصنیف,انتشارات صدوق,۱۱ موانع توسعه در سه کشور ویژگی اثر : تالیف۱۲ موانع توسعه: مطالعه مقایسه ای ایران با ترکمنستان و مراکش ویژگی اثر : تالیف۱۳ یادنامه آیت الله خاتمی-–فصل(مقاله) رویکرد تاویلی ویژگی اثر : تالیف و تصـنیف,موسـسه معارف اسلامی امام رضا

توکل، رحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید رحیم توکل

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

بعـد از اخذ دیپلم تجربی درسال ۴۹ ـ ۴۸ در سال ۵۱ شمسـی وارد حوزه علمیه قم شدم و در زمان پیروزی انقلاب اسـلامی دروس سطـح و کفـایتین باتمـام رسید و در سال ۶۰ ـ ۵۹ وارد دروس خـارج شـدم.دو دوره اصـول را خـدمت حضـرت آیـت الله العظمی مظاهری (دام عزه) گذرانـدم و حدود ۴ سال هم در خـدمت حضـرت آیت الله میرزا هاشم آملی بحث اصول و فقه معظم له شـرکت می کردم و درسـال ۶۸ موفق باخـذ اجتهاد از آن دو بزرگوار شـدم البته چنـد سالی هم بعـد از اتمام دو دوره اصول در درس اصول حضـرت آیت الله العظمی مکـارم شـیرازی شـرکت می کردم تا از مبانی معظم له هم مطلع شوم.از سال ۷۷ به فضل الهی به تـدریس خارج فقه مشـغول هستم و تا الان (سال ۸۴ ـ ۸۳) هفت سـال خارج فقه را تـدریس کرده ام با توجه به این نکته در میاحث فقهی هر کجا بحث اصول لازم بود ، بحث اصول آن را مطرح می کردم تا کاربرد اصولی در مسائل فقهی کار بردی تر انجام شود.

توکلی قینائی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید بهشتی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

توکلی هشجین، تیمور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

توکلی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله توکلی

محل تولد : ازنا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه امام صادق (ع) شهرستان ازنا شدم و تا سال ۱۳۶۷ در این حوزه مشغول تحصیل بودم در این مدت از محضر آقایان حجهٔ الاسلام مرادی، مرحوم حجهٔ الاسلام و المسلمین وحید میان آبادی- بهرهمند بودم در این دوره حدود ۱۳ بار هم به جبههٔ مقدس نبرد حق علیه باطل عازم شدم با قبولی در امتحانات پایهٔ های ۳و۵و۶ در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه مقدسه قم شدم سطوح مکاسب را نزد آیهٔ الله استادی، آیهٔ محفوظی و مرحوم آیهٔ الله وجدانی به پایان رساندم و رسائل نزد آیهٔ الله اعتمادی و کفایهٔ در محضر مرحوم آیهٔ الله پایانی تلمذ نمودم. در این سالیان در کنار دورس حوزوی مقطع دبیرستان را نیز به پایان رساندم و سال ۱۳۶۹ همزمان درس تفسیر و مقداری هم فلسفه را در محضر آیهٔ الله جوادی آملی کسب فیض کردم. از سال ۱۳۶۹ در دانشگاه تهران- پردیس قم در رشته مدیریت پذیره شدم و تا ۱۳۷۳ مقطع کارشناسی را به اتمام رساندم از سال ۱۳۷۲ وارد پژوهشگاه حوزه دانشگاه شدم وهمکاری اینجانب این نهاد مقدس کماکان ادامه دارد.

توکلی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی برق، دانشکده: مهندسی، دانشگاه: شیراز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

تولایی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۷۵، کاشان.

درگذشت: ۵۸. کاشان.

محمـد تولایـی، فرزنـد علی، معروف به اسـتاد بابا علی، متخلص به «تولایی» خوانـدن و نوشـتن و قرآن را در مکتبخانه‌ها فراگرفت و مقدمات صـرف و نحو را نزد ملا محمدحسن نحوی آموخت و علم تجوید قرآن را از محضر ملا محمدجعفر قاری معروف به ادیب و محمدحسـین قرائتی و ملاـ عبـدالرسول مـدنی تلمـذ کرد و در این رهگـذر تبحر یـافت و به عنوان اسـتاد تعلیم قرآن و تجویـد آن شناخته گردید.

محمـد تولاـیی در قالب‌هـای قصـیده و غزل و قطعه و مثنوی شـعر می‌گفت و اشـعار او متضـمن مضـامین اخلاـقی و مدایـح و مراثی معصومین (ع) بود.

وی سرانجام در سال ۱۳۵۸ چشم از جهان فروبست و در دارالسلام شهر خود به خاک سپرده شد.

(۱۳۵۸ –۱۲۷۵ ش)، شاعر. معروف به اسـتاد باباعلی. وی در خانواده‌ای مـذهبی در کاشان متولـد شد. مقدمات صـرف و نحو را نزد ملا محمدحسن نحوی و تجوید را از ملا محمدجعفر قاری، معروف به ادیب، آموخت. تولایی شاعری کاملا مذهبی و سروده‌هایش بر مبنـای اعتقـادات دینی بود. او به عنوان اسـتاد تعلیم قرآن و تجویـد شـناخته شـد و در اواخر عمر بیشتر به عبـادت و خوانـدن قرآن مشـغول بـود. تولاـیی در سـرودن انواع شـعر غزل و قصـیده و مثنوی و ربـاعی تبحر داشت. در کاشـان وفـات یـافت و در گورسـتان دارالسلام دفن شد.[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] سخنوران نامی معاصر (۹۴۱ –۹۳۸/ ۲).

توللی شیرازی، فریدون

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۴ -۱۲۹۸ ش)، شاعر. در شیراز متولد شد و پس از تحصیلات مقدماتی و متوسطه، وارد دانشگاه تهران شد و در رشته‌ی باستان‌شناسی لیسانس گرفت و به سمت مدیر کل اداره‌ی باستان‌شناسی فارس منصوب شد. او مدتها با جراید و مجلات همکاری داشت. پس از آن به عنوان مشاور دانشگاه شیراز انتخاب شد. وی در شعر روش نیمایی داشت ولی به تدریج از آن دور شد. با این همه، مضامین اشعارش نو و شیوه‌اش دلپذیر است. تازگی در مضمونها و استعاره‌ها و تشبیه‌ها، عدم رعایت صنایع بدیعی، گزینش بهترین واژه، از نکاتی است که توللی برای شعر نو می‌پذیرد. او در شاعری و نویسندگی دارای سبکی خاص است. برخی از آثارش در عداد بهترین اشعار معاصر ایران، به زبانهای دیگر ترجمه شده است. وی در شیراز وفات یافت و در محوطه‌ی آرامگاه حافظ در مقبره‌ی خانوادگی به خاک سپرده شد. از آثار او: «التفاصیل»، در لباس طنز، به شیوه‌ی «گلستان»؛ مجموعه‌های شعری او: «رها»؛ «نافه»؛ «کاروان»؛ «شگرفت»؛ «پویه»؛ و «بازگشت».[۱]

فریدون توللی، فرزند جلال توللی به سال ۱۲۹۶ خورشیدی در شیراز، مهد شعر و شاعری متولد شد، پس از طی تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی به دانشگاه رفت و در رشته باستانشناسی موفق به اخذ لیسانس گردید. کتاب انتقادی «التاصیل» از وی به‌جای مانده که از آثار خوب او می‌باشد.

فریدون توللی از شاعران نوپرداز و طراز اول بود و مجموعه شعر او به نام رها از وی منتشر گردیده است.

«نغمه عشق»

دل به یاری سپردم کز او
دیده نتوان گرفتن دمی
تازه‌رویی که در باغ دل
رسته چون شاخه مریمی
آتشی که زد بر جانم آن پری
خرمی بود و مستی
بوسه‌ای که بگرفتم از لعل او
زندگی بود و هستی
در نگاه چشم زیبای او
در صدای گرم و گیرای او
در سکوت مست و گویای او
خفته راز دلربایی و افسونگری
خنده‌اش ز دل می‌برد غم و می‌سراید
آتشین نغمه عشق و شادی
می‌دمد به تن جان تازه و میزداید
زنگ ناکامی و نامرادی
می‌پرستم ز جانش که جان
می‌کشد دامنم سوی او
دل ز مهرش نگیرم که دل
آشنا گشته با خوی او
چون که باشد
ز جام یارم
بوستان و بهارم
کی پسندد در آزارم
تا بود غمگسارم
جز بیادش نبندم امید ز آنکه پیوند جان است
بی‌وجودش مرا زندگی اندوه جاودان است

«کارون»

بلم آرام چون قویی سبکبار
بنرمی بر سر کارون همی رفت
به نخلستان ساحل قرص خورشید
ز دامان افق بیرون همی رفت
شبق بازیکنان در جنبش آب
شکوه دیگر و راز دگر داشت
بدشتی پر شقایق باد سرمست
تو پنداری که پاورچین گذر داشت

جوان پارو زنان بر سینه‌ی موج
بلم می‌راند و جانش در بلم بود
صدا سر داده و غمگین در ره باد
گرفتار دل و بیمار غم بود
دو زلفونت بود تار ربابم
چه می‌خواهی از این حال خرابم
تو که با ما سر یاری نداری
چرا هر نیمه شو آیی بخوابم
درون قایق از باد شبانگاه
دو زلفی نرم نازک تاب می‌خورد
زنی خم گشته از قایق بر امواج
سر انگشتی بچین آب می‌خورد
صدا چون بوی گل در جنبش باد
بآرامی بهر سو پخش می‌گشت
جوان می‌خواند و سرشار از غمی گرم
پی دستی نوازش پخش می‌گشت
تو که نوشم نه‌ای نیشم چرایی
نمک پاش دل ریشم چرایی
خموشی بود و زن در پرتو شام
رخی چون رنگ شب نیلوفری داشت.
ز آواز جوان دلشاد و خرسند
سری با او دلی با دیگری داشت
ز دیگر سوی کارون زورقی خرد
سبک بر موج لغزان پیش می‌راند
چراغی کورسو می‌زد به نیزار
صدایی سوزناک از دور می‌خواند
نسیمی این پیام آورد و بگذشت
چه خوش بی‌مهربانی هر دو سربی
جوان نالید زیر لب بافسوس
که یکسر مهربونی دردسر بی
شاعر، روزنامه‌نگار.
تولد: ۱۲۹۸، شیراز.
درگذشت: ۹ خرداد ۱۳۶۴، شیراز.

فریدون توللی، فرزند جلال، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شیراز به پایان رساند. سپس در تهران تحصیلات عالی خود در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران در رشته باستان‌شناسی ادامه داد و موفق به اخذ لیسانس شد. پس از این که مدتی در اداره‌ی ثبت اشتغال داشت به اداره‌ی باستان‌شناسی منتقل گردید و به سمت ریاست حفریات استان فارس منصوب گردید. پس از آن به عنوان مشاور دانشگاه شیراز برگزیده شد.

توللی فعالیت ادبی خود را از سال ۱۳۲۰ شروع کرد. از آغاز جوانی اشعاری ساخته بود که بعد از یافتن سبک ویژه و شیوه دلخواه خود، آنها را از میان برد و از سال ۱۳۲۱ بود که خود را به عنوان شاعر شناساند. وی هم در سبک کهن و هم در شیوه نو شعر سروده است. عقاید و نظریه‌های خود را نیز در در حکایت‌هایی به سبک مغلق نویسان زمان‌های قدیم به صورت مسجع و مقفی به نظم و نثر نگاشته است. توللی در باب شعر نو عقیده داشت که شعر نو شعری است که درک نو داشته باشد اما بر اصول و قواعد مسلم شعر متکی باشد و جز در آنجا که قالب شعر تحمل کشیدن درک نو را نداشته باشد شکستن قالب‌ها و قواعد اصیل را جایز نمی‌شمارد.

توللی از لحاظ روزنامه‌نگاری، نویسنده‌ای پر کار بود. مقاله‌های او در روزنامه‌های «فروردین»، «سروش»، «اقیانوس»، «دنا» و «بهار ایران» چاپ شیراز و «کهکشان» و «شرق میانه»، «ایران ما» چاپ تهران منتشر می‌شد. تمام مقاله‌ها و اشعار روزنامه‌ی «صدای شیراز» از سال ۱۳۲۸ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به قلم اوست. اشعار و نوشته‌های او علاوه بر جراید یاد شده در مجلات «یغما»، «سخن»، «راهنمای کتاب»، «وحید»، «خاطرات وحید» و مجلات دیگر تهران درج شده است.

فهرست آثار وی به شرح زیر است: رها (مجموعه شعر، نخستین مجموعه اشعار نو، با دیباچه‌ای در شناخت شعر نو، ۱۳۳۰)؛ التفاصیل (نظم و نثر، شامل قطعات طنزآمیز با شیوه‌ی نثر کهن)؛ کاروان (در شیوه‌ی کهن، مجموعه‌ای دیگر از قطعات طنزآمیز و انتقادات سیاسی و اجتماعی)؛ نافه (اشعاری در شیوه‌ی شعر نو، ۱۳۴۱)؛ پویه (مجموعه شعر به غزل و قصیده، اندیشه نو در قالب کهن)؛ شگرف (مجموعه‌ای از غزلیات و قصاید، اندیشه‌ی نو در قالب کهن)؛ بازگشت (مجموعه‌ای از غزلیات و قصاید)؛ رساله‌ی عنعنیه؛ رساله‌ی پژوهشی به نام «مینیاتور در ایران». برخی از آثار وی به زبان‌های دیگر ترجمه شده است.

پیکر او در محوطه‌ی آرامگاه حافظ در مقبره‌ی خانوادگی‌اش به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات نوین ایران (۳۵۸، ۳۵۷، ۳۵۵، ۳۵۴، ۲۱۵، ۱۷۴، ۱۷۳، ۱۷۲، ۱۶۰، ۱۵۱، ۱۴۴، ۹۵، ۸۰)، چشمه‌ی روشن (۶۱۴ -۶۰۷)، چون سبوی تشنه (۱۰۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۳ -۵۵ /۲)، سخنوران نامی معاصر (۹۴۷ -۹۴۲ /۲)، شعر فارسی از آغاز تا امروز (۳۵۹ -۳۵۳)، فرهنگ سخنوران (۱۹۴).

تومانیان، مگردیچ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای ریاضی از دانشگاههای تهران و ساوتمپون انگلستان.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده علوم دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فضاهای متقارن، هندسه دیفرانسیل، نظریه نمایش گروههای لی و ریاضی کاربردی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ریاضی (توپولوژی، آنالیز) ریاضی عمومی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

هندسه دیفرانسیل (فضاهای متقارن، نمایش گروههای لی)، ریاضی کاربردی (الگوهای ریاضی فارماکوسینتیک).

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

تونی، حیدر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۶ ق)، موسیقیدان و شاعر. در دربار همایون بود و از صدای خوبی برخوردار. وی از شاعران قلندر پیشه بود که مدت زیادی از عمر خود را در هندوستان سپری کرد. حیدر در موسیقی پرده‌ی تازه‌ای در دستگاه راست پنجگاه راست پنجگاه ساخت. «دیوان» شعری از وی به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۱۲ -۴۱۱)، الذریعه (۲۶۹/۹)، صبح گلشن (۱۴۵)، فرهنگ سخنوران (۲۸۲)، مجالس النفائس (۱۶۷).

تونی، عبدالقادر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از بزرگان منطقه تون (فردوس) خراسان بود که سمت کلانتری آن ولایت را بر عهده داشت و پس از آن به اصفهان رفت. عبدالقادر در سرودن شعر به ویژه مثنوی مهارت داشت. از آثارش «فتح‌نامه‌ی قندهار» است که آن را برای شاه‌عباس ثانی (۱۰۷۷ -۱۰۵۲ ق) سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۲۶۴ / ۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۰۶ -۱۰۴)، الذریعه (۲۵۴ / ۱۹، ۱۰۹ / ۱۶، ۶۹۲ -۶۹۱ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۱۸).

تونی، عبدالله

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۷۱ ق)، عالم، زاهـد و فقیه. معروف به فاضل تونی. از پارساترین علمای زمان خود و ثانی مقـدس اردبیلی بود. وی از مردم بشـرویه خراسان بود. نخست در مـدرسه‌ی ملاعبـدالله شوشتری اصـفهان و سـپس در مشـهد اقامت گزیـد. پس از آن با برادرش ملا احمد تونی در مسیر زیارت عتبات عراق مدتی در قزوین به خواهش ملاخلیل قزوینی ماندگار شدند. او معاصر صاحب «امل الامل» است. سـرانجام در راه زیارت در شـهر کرمانشاهان وفات یافت و نزدیک پل شاه دفن شد. از تالیفات او: حاشیه بر «معالم»؛ حاشیه بر «مدارک»؛ شرح بر «الارشاد» علامه؛ «الوافیه»، در اصول؛ فهرست «تهذیب» طوسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۷۰/۸)، الذریعه (۱۷/۲۵، ۲۳۰/۶)، روضات الجنات (۲۴۰ -۲۳۷ /۴)، ریاض العلماء (۲۳۹ -۲۳۷ /۳)، ریحانه (۳۵۶/۱)، فوائد الرضویه (۲۵۵)، الکنی و الالقاب (۱۲۸ -۱۲۷ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ فاضل تونی)، معجم المولفین (۱۱۴ -۱۱۳ /۶)، هدیه الاحباب (۱۸۵ -۱۸۴).

تونی، کاظم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یـازدهم ق)، شـاعر. در نظم و نـثر تبحر داشت و تحصـیل علوم می‌کرد. به هندوسـتان مسـافرت نمود و در آنجـا به کـار دیوانی پرداخت و جنگهای سـلطان جلال الدین منکبرنی (م ۶۲۸ ق)- آخرین پادشاه سلسـله خوارزمشاهیان- را به نظم درآورد. وی معاصر میرزا محمد طاهر نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) بود. از اوست:

هرچند سیر کردیم، جایی چو دل ندیدیم

با صد جهان کدورت، باز این خرابه جاییست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۰۲)، الذریعه(۹۰۰/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۵۶)، کاروان هند (۱۱۴۸ -۱۱۴۷/ ۲).

تویسرکانی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد میرزا عبـدالغفار. از محترمین علمـای اصـفهان و متنفّـذین به شـمار می‌رفت، و ماننـد برادر خود در مسـجد حاج محمّـد جعفر آباده‌ای امامت می‌فرمود. در ۱۲۹۵ متولّد، و در صبح ۳ شنبه ۱۸ محرّم سال ۱۳۸۳ وفات یافت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

تویسرکانی، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مآثر و الاثار) ص ۱۶۲ گوید: میرزا جعفر از فضـلاء فقها و به درجه اجتهاد نایل بود فرزند هنرمندش شیخ محمد نیز از علماء معتبر آن حدود معدود است.

جعفر از علماء و فقهاء این منطقه بوده که در عصـر خود قیام به وظائف دینی نموده چنانچه فاضل مراغی در (مآثر و الاثار) ص ۱۶۲ ذکر کرده و بعد از وی فرزند برومندش آقا شیخ محمد از علماء بزرگوار بوده که به جای والدش انجام وظیفه داده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

تویسرکانی، صادق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از شاعران تویسـرکان است که در عهد صـفویه می‌زیست. ملا محمد صادق نخست در اصفهان اقامت داشت و در همان شـهر به تحصیل پرداخت. پس از مـدتی به هندوسـتان رفت و در آنجا ملازمت پادشاه اورنگ زیب (۱۱۱۸ -۱۰۶۸ ق) را اختیار نمود. از اشعاری که در تذکره‌ها به نام او نقل شده است لطف طبع وی پیداست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۳۰۷ -۳۰۶ / ۱)، تذکره‌ی روز روشن (۴۵۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۳۴ ،۱۹۵)، الذریعه (۵۷۸ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۳۷ -۵۳۶)، کاروان هند (۶۷۶ -۶۷۵ / ۱).

تویسرکانی، عبدالغفار

قرن:۱۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج میرزا عبدالغفار حسینی تویسرکانی فرزند محمد حسین عالم و محقق جلیل، فقیه و مجتهد عالی مقام. که از محضر بزرگانی همچون آقا سید محمد شهشهانی وملا حسینعلی تویسرکانی و....کسب علم نمود.
وی مدتی در شهر همدان به تزکیه وکسب معارف پرداخت وآنگاه در سال ۱۲۶۶ ق برای تحصیل مدارج عالیه به اصفهان هجرت نمود وتا آخر عمر در در این شهر زیست .
این عالم بزرگوار در فقه واصول از شاگردان عالم برجسته مدّرس مطلق (میر سید حسن) ودر معقول از محضر درس حکیم آقا محمد رضا قمشه ای کسب علم نمود. وی در مراتب علم چنان بود که خواص وعوام به او ارادت می ورزیدند. و به نماز ایشان در مسجد حاج محمد جعفر آباده ای حاضر می شدند.
همچنین وی یکی از مشوّقین صاحب روضات در تألیف کتاب ارزشمند خویش«روضات الجنات» بوده وخود نیز صاحب آثار ارزشمند همچون:
۱- حواشی بر اسفار
۲- حاشیه بر شرح اشارات
۳- حاشیه بر شرایع و... می باشد.
فرزندان این عالم بزرگوار نیز مانند پدر اهل علم وفضل بودند. از جمله فرزندش حاج میرزا محمد باقر تویسرکانی از فقهاء وعلمای پرهیزگار زمان خود که صاحب آثار ارزشمند بوده و فرزند دیگرش حاج میرزا ابوالحسن تویسرکانی عالم فاضل جلیل را می توان نام برد (هر دوی آنان کنار پدر بزرگوارشان مدفون می باشند.)
سرانجام این عالم بزرگوار در سال ۱۳۱۹ ق وفات یافت ودر تخت فولاداصفهان در تکیه ای که هم اکنون به نام او مشهور است مدفون گردید . ماده تاریخ فوت وی چنین است.
که مداح شوشتر زغفّار ذنب مرا سال تاریخ شد
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی القبور (۴۱۵ -۴۱۴)، الذریعه (۹۴/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۴۸ -۱۱۴۷ /۱۳).

تویسرکانی، علی

قرن:۱۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی تویسرکانی فقیهی بزرگوار و عالمی جلیل بود از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و سید محمد حسن مجدد شیرازی و غیر ایشان از فحول علماء و بزرگان محققین و از محضر آنان به مقام بلندی از علم با کمال صلاح و تقوا رسیده آنگاه به وطن خود برگشته و به وظائف دینی قیام نموده تا بعد از سال ۱۳۰۰ قمری در تویسرکان از دنیا رفت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

تویسرکانی، علی اکبر

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اکبر بن العلامه الشیخ محمد امین تویسرکانی عالمی فاضل و ادیبی شاعر از شاگردان مرحوم آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی و مورد توجه و مقسم شهریه آن مرحوم بودند تا در سال ۱۳۴۲ در موقع مراجعت از حج وفات نمودند.
آثار علمی ایشان از این قرار است: ۱- دیوان شعری در مدح و مراثی ائمه معصومین علیهم‌السلام ۲- منظومی مانند نان و حلوای شیخ بنام (قند و چاهی).
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

تویسرکانی، محمد

قرن:۱۱
جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی از زادگاهش تویسرکان به اصفهان رفت و در آنجا در مدرسه‌ی خواجه محبت نزد علاءالدین حسین سلطان العلماء تلمذ کرد. محمد داوود در پایان عمر به هندوستان سفر کرد و در آنجا زیست تا در دکن درگذشت. از وی اشعاری چند در تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۵ -۲۴ /۲)، تذکره‌ی روز روشن (۲۵۶)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۰۱)، الذریعه (۳۱۹ -۳۱۸ /۹)، کاروان هند (۴۰۴ -۴۰۳ /۱).

تویسرکانی، محمد ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ابراهیم بن العالم الجلیل الشیخ محمد حسن توسرکانی از علماء مبرز این شهرستان و مقیم بروجرد بوده و بعد از فوت مرحوم والد مذکورش که از شاگردان مرحوم علامه رجالی آقا سید شفیع جاپلقی صاحب (الروضه البهیه) ریاست و مرجعیت به وی رسیده و در ذی الحجه ۱۳۲۵ قمری وفات نموده است

دارای دو فرزند عالم به نام حجه الاسلام آقا شیخ مجتبی تویسرکانی که از شاگردان مرحومین آیتین خراسانی و یزدی و حجت الاسلام آقا شیخ مصطفی بوده که وی نیز از علماء مبرز بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

تویسرکانی، محمد باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند مرحوم حاج میرزا عبدالغفّار حسینی، عالم فاضل، مجتهد زاهد، از علمای اخیار، و فضلا و ابرار، در غرّه جمادی الاولی سال ۱۲۹۳ متولّد، و در شب دوّم ربیع الاول ۱۳۷۴، وفات یافته، در تخت فولاد جنب پدر بزرگوار خود مدفون گردید.

مشارالیه از شاگردان حاج میرزا بدیع درب امامی، و پدر والا گهر خود، و میرزا حسین همدانی، و آخوند کاشی، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای بوده، فقیهی جامع و منزوی بود. بیشتر اوقات در کتابخانه خود به مطالعه مشغول بود، و جمعی از فضلا و دوستانش به منزل او رفته، به مباحثه مشغول بودند.

کتب زیر از اوست:

۱- تعلیقات بر حواشی مغنی ۲- حواشی بر شرایع ۳- حواشی بر شرح لمعه ۴- حواشی بر تفسیر روح البیان شیخ اسماعیل حقّی ۵- المآثر الباقریّهٔ، در چندین مجلّد، در فوائد رجالی و متفرّقات.

مادّه تاریخ وفاتش این است:

اذ جمع الواحد فی الجمع قل

اقترب الباقر بالباقر

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

تویسرکانی، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن تویسرکانی از علماء بزرگ و مجتهدین مسلم الاجتهاد یکی از علماء دینی در بروجرد بوده است، علامه رجالی جاپلقی وی را در روضه البهیه خود یاد کرده است و درباره وی در کتاب مزبورش گفته است: (عالم ربانی و محقق صمدانی و الزاهد التارک لنعیم الدنیا الفانی و المحقق الذی لیس له ثانی) و فاضل مراغی او را در مآثر و آثار یاد کرده که وی در بروجرد و در سال ۱۳۲۵ هجری وفات نموده و جنازه‌اش حمل به نجف گردیده و در جوار حضرت علی علیه‌السلام مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

تویسرکانی، محمد رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

السید محمد رضا بن السید معصوم تویسرکانی عالمی جلیل از شاگردان علامه سید ابراهیم قزوینی صاحب (ضوابط) در کربلا بوده

و بعد از سال ۱۲۵۶ قمری وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

تویسرکانی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه زاهد، از شاگردان حاج شیخ محمد باقر نجفی و دیگران، از مدّرسین مدرسه نیم آورد.

در ۱۳۲۹ وفات یافته، در بقعه مدفون شد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

تویسرکانی، محمد نبی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۲۰ ق)، فقیه شیعی. در اصفهان و تهران در خدمت استادانی چون محمد جعفرآباده‌ای، ملاحسین علی تویسرکانی، ملا عبدالرحیم اصفهانی، ملا علی کنی، سید اسماعیل موسوی بهبهانی و عده‌ی دیگری از علما درس خواند و از همه‌ی آنها اجازه‌ی اجتهاد گرفت. وی پس از فراغت از تحصیل در تهران ساکن شد و سرانجام همان جا درگذشت. از جمله آثار وی: «جامع المسائل»، در فقه، «لالی الاخبار و الاثار»، در اخلاق؛ «مقداریه»، رساله‌ای به فارسی، درباره‌ی اوزان شرعی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۷۹/۱۰)، الذریعه (۳۵/۲۲، ۲۵۸- ۲۵۷ /۱۸، ۷۰/۵).

تویسرکانی، محمدشریف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۲ -۱۲۴۲ ق)، فقیه و مجتهد شیعه. وی پس از تکمیل مقدمات علوم و سطوح نزد افاضل تویسرکان، به عتبات هجرت کرد. در کربلا به حوزه‌ی درس شیخ زین‌العابدین مازندرانی حایری رفت و بعد در نجف از حوزه‌ی درس شیخ ملاعلی خلیلی و سید علی آل بحرالعلوم و شیخ محمدحسین کاظمی و سید حسین کوه کمری کسب فیض کرد. تویسرکانی از همه‌ی مشایخ مذکور اجازه‌ی اجتهاد دریافت داشت و همگی آنها به علو مرتبه‌ی علمی وی تصریح نموده‌اند. سید محمدشریف سالها عهده‌دار تدریس در کربلا و سامراء بود تا اینکه سرانجام در روز عید قربان در سامراء درگذشت و پیکرش در رواق پایین پای امام حسن عسگری (ع) به خاک سپرده شد. از جمله آثار وی: کتاب «الفقه الاستدلالی»، در چند جلد؛ حاشیه بر «رسائل» انصاری؛ حاشیه بر «فرائد الاصول» شیخ انصاری.

السید محمد شریف بن السید محمد طاهر الحسینی تویسرکانی عالمی جلیل و فقیهی فاضل بوده است.

پس از پرورش در مهد علم و سیادت به نجف اشرف مهاجرت نموده و مدتها از محضر بزرگان آنجا مانند شیخ ملا علی خلیلی و السید علی آل بحرالعلوم و شیخ محمد حسین کاظمی و آیه الله سید حسین کوهکمری و شیخ زین العابدین مازندرانی و غیر آنها استفاده کرده و از ایشان نائل به دریافت اجازه اجتهاد و غیره گردیده تا در روز عید قربان ۱۳۲۲ قمری در سامرا در سن هشتاد سالگی وفات نموده و در رواق عسکریین علیهماالسلام بخاک رفته است.

از آثار اوست فقه استدلالی از طهاره و صلوه و زکوه و الصوم و حج و متاجر نکاح و رضاع و میراث و غیره و نیز حاشیه بر رسائل و رساله‌ای در (مایضمن بصحیه یضمن بفاسده) و غیر اینها.

از باقیات الصالحات ایشان است فرزندان دانشمندی بنام ۱- حجه الاسلام آقای سید ضیاء الدین ۲- حجه الاسلام السید علی نقی ۳- حجه الاسلام السید مهدی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۸۴/۱۸، ۱۲/۱۷، ۲۸۷/۱۶، ۱۵۷/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۳۶/۱۴)، معجم المولفین (۶۸/۱۰).

تهامی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۵ -۱۳۱۴ ق)، مجتهد و فقیه. یکی از مراجع بزرگ عالم تشیع در منطقه بیرجند و قاینات و قهستان بود. او از برجسته‌ترین مفاخر حوزه‌ی علمیه‌ی نجف و نخبه‌ی شاگردان آیت‌الله نایینی بود. وی از آیت‌الله نایینی و سایر آیات و حجج آن زمان به دریافت

بهترین تصدیق نایل آمد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۰۱/۲)، یغما (س ۱۸، ش ۴، ص ۱۳، ش ۵، ص ۲۷۳ -۲۷۲).

تهامی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدغلامرضا تهامی، فرزند آیت‌الله تهامی در سال ۱۳۱۰ در شهر بیرجند دیده به جهان گشود.وی در سال ۱۳۳۱ وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و تحصیلات خود را تا مقطع دکترا ادامه داد. دکتر سیدغلامرضا تهامی در اوایل دهه ۱۳۳۰ همکاری خود را با «مجله ایران ما» آغاز کرد.دکتر تهامی، پس از بازنشستگی از مشاغل رسمی، در سال ۱۳۶۵، دوباره به ترجمه، تحقیق و ویراستاری -که از علایق اوست- روی آورد. وی بیش از ۱۰۰ عنوان کتاب را ویراستاری کرده که ۳۰ عنوان آن از کتاب‌های «مرکز نشر میراث مکتوب» را شامل می‌شود. کتاب"فرهنگ اعلام تاریخ اسلام "تالیف سید غلامرضا تهامی، در سال ۱۳۸۶به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید غلامرضا تهامی در سال ۱۳۳۱ وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و تحصیلات خود را تا مقطع دکترا ادامه داد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید غلامرضا تهامی تا اوایل دهه ۴۰، ویرایش بیش از ۲۰ عنوان از کتابهای «بنگاه ترجمه و نشر کتاب» را برعهده داشت. از جمله برخی ترجمه‌های بدیع‌الزمان فروزانفر. «فرهنگ اعلام تاریخ اسلام» دکتر تهامی در دو مجلد با ۲۸ هزار مدخل و بیش از شش هزار صفحه از سوی شرکت سهامی انتشار، در اسفند ۱۳۸۵ منتشر شده است. دکتر تهامی، پس از بازنشستگی از مشاغل رسمی، در سال ۱۳۶۵، دوباره به ترجمه، تحقیق و ویراستاری -که از علایق اوست- روی آورد. وی بیش از ۱۰۰ عنوان کتاب را ویراستاری کرده که ۳۰ عنوان آن از کتاب‌های «مرکز نشر میراث مکتوب» را شامل می‌شود.

جوائز و نشانها : کتاب"فرهنگ اعلام تاریخ اسلام "تالیف سید غلامرضا تهامی، در سال ۱۳۸۶به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد برگزیده شد. --
----

آثار :

۱ باروی قفقاز، دو قرن مبارزه مسلمانان قفقاز

ویژگی اثر : ترجمه

۲ بحران فرهنگ اسلامی

ویژگی اثر : ترجمه

۳ چین و هنرهای اسلامی

ویژگی اثر : ترجمه

۴ سیاست و دیانت در اسراییل

ویژگی اثر : ترجمه

۵ فرهنگ اعلام تاریخ اسلام

ویژگی اثر : تالیف.این کتاب در سال ۱۳۸۶ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.دکتر سید غلامرضا تهامی درباره این کتاب چنین می گوید: اعلام در لغت به معنی علم‌هاست و در زبان عربی به معنی اسلامی خاص است، در فارسی ما اسامی خاص داریم مثل اسم کوه‌ها، شهرها و... در زبان عربی و در اصطلاح نویسندگی آنچه درباره اشخاص و اماکن خاص استرا علم می‌گویند. در پایان بسیاری از کتاب‌های غالبا مذهبی، اعلام اشخاص یا اعلام اماکن آمده است. در این کتاب هم موضوع همین است. البته فرهنگ به معنای شخصیت‌هاست مثل «فرهنگ مصاحب»، کلمه قاموس را هم به جای فرهنگ به کار می‌برند یا کلمه معجم. اما در زبان فارسی به آن «فرهنگ» گفته می‌شود و فرهنگ اعلام یعنی کتابی که اسامی خاص یک دوره یا یک کشور یا یک گروه که معمولا بر حسب حروف الفبا مرتب شده در آن تنظیم می‌شود.

۶ مسایل هنر و زیبایی‌شناسی

ویژگی اثر : ترجمه

۷ نگارگری اسلامی

ویژگی اثر : ترجمه

تهجدی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی تهجدی بن آیت‌اللَّه حاج سید محمد بن العالم الجلیل حاج سید اسماعیل بن حاج سید کوچک بن حاج سید رضی ساوه‌ای عالمی زاهد و متقی و دانشمندی فقیه و متعبد از علماء ساوه بودند و پدرانش جملگی از دانشمندان عظام و حجج اسلام بوده‌اند.

وی در سال ۱۲۶۵ شمسی در ساوه متولد شده و پس از پرورش در بیت علم مهاجرت به نجف اشرف نموده و تحصیلات سطوح خود را به پایان رسانیده و در حوزه مرحوم آیت‌اللَّه نائینی و مراجع معاصر دیگرشان شرکت نموده و در عداد تلامذه برجسته آنان آمده و پس از آن مراجعت به ایران نموده و در قم با مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری یزدی در تأسیس حوزه علمیه همکاری نموده.

و بالاخره اهالی شهرستان ساوه با درخواست زیادی ایشان را به ساوه طلبیده و آن مرحوم چون اصرار مردم ساوه را مشاهده نمودند ناگزیر تقبل نموده و تا موقعی که در قید حیات بودند مصدر امور و رتق و فتق و مورد توجه کامل اهالی قرار داشتند تا در سال ۱۳۲۹ شمسی که برای تحصیلات یگانه فرزند خود دانشمند معظم آتی‌الذکر حاج سید محمدصالح تهجدی عزم نجف نموده.

و مدت دو سال در نجف اشرف اقامت و سپس مجدداً به ایران مراجعت و در سال ۱۳۳۵ قمری که برای زیارت عتبات عالیات و دیدار فرزند خود به نجف مشرف شدند در آنجا مبتلا به زخم سیاه در ناحیه شصت پا شده که منجر به قطع پا شده و بعد از دو سال در سن ۷۲ سالگی در سال ۱۳۳۷ شمسی دار فانی را وداع نمودند و از ایشان یک پسر و چهار دختر باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

تهجدی، محمدصالح

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدصالح بن مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا سید علی تهجدی ساوه‌ای از علماء معاصر شهرستان ساوه می‌باشد.

وی در سال ۱۳۱۹ شمسی در ساوه متولد شده و در بیت علم و سیادت پرورش یافته و در سال ۱۳۲۹ شمسی برای تحصیل علوم دینیه و نیل به درجه اجتهاد و مقامات علمی با مرحوم والد خود عازم نجف اشرف شدند. و مدت بیست و دو سال در حوزه نجف اشرف و مکتب علی علیه‌السلام به فراگرفتن و تدریس علوم مشغول بوده و از محاضر آیات عظام و مراجع تقلید مانند مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقای حکیم و آیت‌اللَّه العظمی آقای خوئی و سایر اساتید بزرگ استفاده و در سال ۱۳۵۱ شمسی به دعوت اهالی ساوه که در ضمن طومارهای بزرگ از مراجع تقلید خواسته بودند نامبرده را مجبور نمودند که به ساوه بیایند.

مراجعت به ایران نموده و فعلا در این شهرستان مشغول انجام امور مذهبی و امامت مسجد جامع و مورد احترام مردم ساوه می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

تهرانی حائری، محمدجعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۸۱ ق)، مذهب و خطاط. وی مذهبی نازک قلم بود و در خط نسخ نیز قلمی شیوا داشت. تنها اثر وی رساله‌ی دینی و احکام شرعی است که علاوه بر تذهیب و آرایش صفحات و جداول کناره‌ها، متن اصلی رساله را نیز به خط نسخ شیوای خود کتابت کرده است و حواشی نسخه با تذهیبهای زیبا و گلهای الوان و کتیبه‌های مذهب و گنبدی آرایش یافته و رقم نهاده: «قد فرغ من تسوید هذه الرساله... تماما من حیث الخط و الجدول و التذهیب الحقیر... الشیخ محمدجعفر الطهرانی الحائری فی سنه ۱۲۸۱».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۶۸۰-۶۷۹/ ۲).

تهرانی زاده، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محسن تهرانی زاده در سال ۱۳۳۲ در تهران بـه دنیا آمد. وی تحصیلات متوسطه را در این شهر باتمام رساند و لیسانس مهندسی خود را در رشته سازه از دانشگاه صنعتی شریف دریافت نمود. در سال ۱۳۵۵ عازم آمریکا شد و در دانشگاه کالیفرنیا به تحصیلات خود ادامه داد و طی مدت یکسال در رشته راه و ساختمان به دریافت کارشناسی ارشد با عنوان رتبه ممتاز نایل گردید. سپس در سال ۱۳۶۳ با استفاده از بورس دانشجویان ممتاز به ادامه تحصیل در دانشگاه کالیفرنیا پرداخت و در رشته راه و ساختمان به اخذ درجه دکترا با عنوان رتبه ممتاز نایل آمد. رسالهٔ دکترای وی در زمینه «رفتار دینامیکی صفحات کمانش یافته تحت تاثیر نیروهای رانـدم» بوده است. تهرانی زاده از سال ۱۳۶۵ در دانشگاه صنعتی امیر کبیر به تدریس و تحقیق پرداخت. وی هم اکنون به عنوان استاد پایه ۲۶ دانشگاه، به تحقیق و تدریس اشتغال دارد.قابل ذکر است کتاب "تحلیل سازه ها "تالیف وی ، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه : فنی و

مهندسیرشته : مهندسی راه و ساختمانگرایش : سازهتحصیلات رسمی و حرفه ای : محسن تهرانی زاده تحصیلات متوسطه را در شهرتهران باتمام رساند و لیسانس مهندسی خود را در رشته سازه از دانشگاه صنعتی شریف دریافت نمود. در سال ۱۳۵۵ عازم آمریکا شد و در دانشگاه کالیفرنیا به تحصیلات خود ادامه داد و طی مدت یکسال در رشته راه و ساختمان به دریافت کارشناسی ارشد با عنوان رتبه ممتاز نایل گردید. سپس در سال ۱۳۶۳ با استفاده از بورس دانشجویان ممتاز به ادامه تحصیل پرداخت و در رشته راه و ساختمان به اخذ درجه دکترا با عنوان رتبه ممتاز نایل آمد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محسن تهرانی زاده، علاوه بر فعالیتهای علمی ـ پژوهشی فوق عهده دار مسئولیت های اجرایی دیگر نظیر عضویت و ریاست بخش ارتباط با دانشگاهها در شورایعالی جهاد دانشگاهی (سال ۱۳۵۹-۶۳)، رئیس دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، مشاور وزیر فرهنگ و آموزش عالی، قائم مقام دفتر شورای جذب نخبگان، رئیس کمیته زلزله شورای پژوهشهای علمی کشور و رئیس انجمن مهندسی زلزله ایران بوده و هم اکنون رئیس کمیسیون عمران و زلزله شورای علمی کشور و رئیس کمیته تخصصی مقاوم سازی شورای کاهش خطرپذیری ناشی از زلزله و مسئول و هماهنگ کننده کمیته دائمی بازنگری آئین نامه ۲۸۰۰ زلزله ایران و عضو شورای تدوین و مقررات ملی ساختمان کشور می باشد.فعالیتهای آموزشی : محسن تهرانی زاده از سال ۱۳۶۵ در دانشگاه صنعتی امیر کبیر به تدریس و تحقیق پرداخت. وی هم اکنون به عنوان استاد پایه ۲۶ دانشگاه، به تدریس دروس، تحلیل سازه ها، تحلیل ماتریسی سازه ها، مهندسی زلزله، دینامیک سازه ها، پایداری سازه ها و ارتعاشات تصادفی (راندم)، مهندسی زلزله پیشرفته و ساختمانهای مقاوم در برابر زلزله در سطح کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا اشتغال داشته است . تهرانی زاده تا کنون تعداد ۶۸ رساله دوره کارشناسی ارشد و ۱۰رساله دکتری در زمینه های سازه و مهندسی زلزله را سرپرستی کرده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محسن تهرانی زاده در سازه، دینامیک سازه، مهندسی زلزله، رفتار دینامیکی صفحات کمانش یافته تحت تاثیر نیروهای راندم، تحلیل سازه ها، کاربرد روش اجزا محدود در مسائل استاتیکی و دینامیکی، پایداری سازه ها، رفتار دینامیکی غیر خطی سازه ها، شکل پذیری سیستم های مختلف سازه ای، تحلیل دینامیکی ساختمانهای جدایش یافته در مقابل زلزله، نقش باربندیهای همگرا و واگرا در سیستم های مختلف سازه ای و تاثیر آنها در مقابل زلزله، سیستم پی لغزشی برای محافظت ساختمانهای کوچک در برابر زلزله، مقاوم سازی ساختمانهای بنائی، فولادی و بتنی در مقابل زلزله، بررسی و بازنگری آئین نامه ۲۸۰۰ ایران، تحلیل دینامیکی پلهای جدایش یافته در مقابل زلزله، تحلیلی بر مسائل مهندسی در زمین لرزه کوبه ژاپن ۱۹۹۵، عضویت علمی در مجامع بین المللی.جوائز و نشانها : محسن تهرانی زاده تا کنون به دریافت ۱۶ لوح تقدیر بعنوان برگزیده کتاب سال جمهوری، استاد نمونه دانشگاه صنعتی امیر کبیر، پژوهشگر نمونه و استاد نمونه رتبه اول گروه فنی و مهندسی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی و ... نایل شده است.به عنوان مثال می توان به انتخاب کتاب"تحلیل سازه ها"تالیف وی اشاره کرد که ، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : محسن تهرانی زاده ۱۴۳ مقاله علمی به زبان های انگلیسی و فارسی در مجلات معتبر علمی- پژوهشی ، ISI و در مجموعه مقالات کنفرانسهای داخلی و خارجی و ۱۶ کتاب در زمینه های سازه، دینامیک سازه، مهندسی زلزله و کاربرد اجزا، محدود در مسائل لاستوپلاستیک، منتشر کرده است. آثار : تهیه و تدوین مجموعه مقالات اولین کنفرانس تخصصی انجمن مهندسان راه و ساختمان ارتعاشات تصادفی و کاربرد آن در مباحث مهندسی زلزله ویژگی اثر : پدیدآورنده: محسن تهرانی زاده، محمد صافی ناشر: دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی تکنیک تهران) ۳دی، ۱۳۸۵ ۳ تحلیل ماتریسی سازه ها و کاربرد آن در مباحث دینامیک سازه ها تهیه و تدوین کتاب استادان و دانشیاران کشور تهیه و تدوین کتاب استادیاران کشور تهیه و تدوین کتاب شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور در ۴ جلد تهیه و تدوین کتاب شرح حال تخصصی برگزیدگان علمی و فرهنگی کشور راهنمای تعمیر و مقاوم سازی ساختمان های خسارت دیده محلی کم ارتفاع در زمین لرزه گجرات، هند ویژگی اثر : پدیدآورنده: محسن تهرانی زاده (مترجم)، علی خواجه سامانی (مترجم) ناشر: توسعه ایران؛ ۲۴ مرداد، ۱۳۸۶ ۹ راهنمای طرح لرزه ای، اجرا و بهسازی ساختمانها در افغانستان ویژگی اثر : پدیدآورنده: محسن تهرانی زاده (مترجم)، علی خواجه سامانی (مترجم) ناشر: توسعه ایران ؛ ۲۴ مرداد، ۱۳۸۶ ۱۰ سیستم پی لغزشی برای محافظت ساختمانهای کوچک در مقابل زلزله سیستم های جداگر لرزه ای کتاب تحلیل سازه ها ویژگی اثر : تالیف،این کتاب در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «تحلیل سازه ها»: تحلیل سازه ها؛ محسن تهرانی؛ تهران: مؤسسس ?بین المللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله، ۱۳۷۳. در این کتاب اصول و مفاهیم تحلیل سازه ها به صورت کامل و ساده ارائه گردیده است. ارتباط مباحث با هم به گونه ای طراحی شده اند که خواننده بتواند با درک اصول تحلیل سازه ها و فهم عمیق آنها، قادر به حل مسائل مختلف موردنظر خود باشد. این کتاب حاوی روشهای تحلیل سازه ها معین و نامعین بوده و مثالهای متنوعی با ویژگیهای خاص برای فهم روشهای ارائه شده را در بر دارد. فصل اول این کتاب به مطالع ?پایداری، ناپایداری، معینی و نامعینی سازه ها می پردازد. در فصل دوم به تحلیل کامل سازه های معین پرداخته شده است، و فصل سوم به بررسی جامع خطوط تأثیر سازه های معین اختصاص دارد. در فصل چهارم روشهای انرژی به طور مبسوط مورد بررسی قرار گرفته و مباحث ?تغییر شکلهای سازه های معین را ممکن ساخته است. تحلیل سازه های نامعین اسکلتی با گره های مفصلی و گیره دار و تکیه گاههای ارتجاعی در فصل پنجم توضیح داده شده است. تحلیل سازه ها به روش شیب – افت در فصل ششم و به روش توزیع لنگر در فصل هفتم ارائه گردیده است. از ویژگیهای این کتاب ارائه مثالهای کاربردی متنوع و جذاب است که فهم تئوریهای مطرح شده را به بهترین صورت ممکن ساخته است ۱۳ گزارش تحلیلی بر مسائل مهندسی و زمین لرزه کوبه «ژاپن» ویژگی اثر : با همکاری دکتر آشتیانی۱۴ گزارش رفتار دینامیکی پلهای جدایش یافته در مقابل زلزله گزارش رفتار دینامیکی غیر خطی سازه ها نخستین همایش ملی ایران شناسی، خلاصه مقالات، فارسی – انگلیسی ویژگی اثر : پدیدآورنده: محسن تهرانی زاده، مجدالدین میرحسینی، گلناز افشار ناشر: دایره سبز –۱۳۸۱ منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

تهرانی زاده، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محسن تهرانی زاده در سال ۱۳۳۲ در تهران به دنیا آمد. وی تحصیلات متوسطه را در این شهر باتمام رساند و لیسانس مهندسی خود را در رشته سازه از دانشگاه صنعتی شریف دریافت نمود. در سال ۱۳۵۵ عازم آمریکا شد و در دانشگاه کالیفرنیا به تحصیلات خود ادامه داد و طی مدت یکسال در رشته راه و ساختمان به دریافت کارشناسی ارشد با عنوان رتبه ممتاز نایل گردید. سپس در سال ۱۳۶۳ با استفاده از بورس دانشجویان ممتاز به ادامه تحصیل در دانشگاه کالیفرنیا پرداخت و در رشته راه و ساختمان به اخذ درجه دکترا با عنوان رتبه ممتاز نایل آمد. رسالهٔ دکترای وی در زمینه «رفتار دینامیکی صفحات کمانش یافته تحت تاثیر نیروهای راندم» بوده است. تهرانی زاده از سال ۱۳۶۵ در دانشگاه صنعتی امیر کبیر به تدریس و تحقیق پرداخت. وی هم اکنون به عنوان استاد پایه ۲۶ دانشگاه، به تحقیق و تدریس اشتغال دارد.قابل ذکر است کتاب "تحلیل سازه ها "تالیف وی ، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی راه و ساختمانگرایش : سازهتحصیلات رسمی و حرفه ای : محسن تهرانی زاده تحصیلات متوسطه را در شهرتهران باتمام رساند و لیسانس مهندسی خود را در رشته سازه از دانشگاه صنعتی شریف دریافت نمود. در سال ۱۳۵۵ عازم آمریکا شد و در دانشگاه کالیفرنیا به تحصیلات خود ادامه داد و طی مدت یکسال در رشته راه و ساختمان به دریافت کارشناسی ارشد با عنوان رتبه ممتاز نایل گردید. سپس در سال ۱۳۶۳ با استفاده از بورس دانشجویان ممتاز به ادامه تحصیل پرداخت و در رشته راه و ساختمان به اخذ درجه دکترا با عنوان رتبه ممتاز نایل آمد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محسن تهرانی زاده، علاوه بر فعالیتهای علمی ـ پژوهشی فوق عهده دار مسئولیت های اجرایی دیگر نظیر عضویت و ریاست بخش ارتباط با دانشگاهها در شورایعالی جهاد دانشگاهی (سال ۱۳۵۹-۶۳)، رئیس دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، مشاور وزیر فرهنگ و آموزش عالی، قائم مقام دفتر شورای جذب نخبگان، رئیس کمیته زلزله شورای پژوهشهای علمی کشور و رئیس انجمن مهندسی زلزله ایران بوده و هم اکنون رئیس کمیسیون عمران و زلزله شورای علمی کشور و رئیس کمیته تخصصی مقاوم سازی شورای کاهش خطرپذیری ناشی از زلزله و مسئول و هماهنگ کننده کمیته دائمی بازنگری آئین نامه ۲۸۰۰ زلزله ایران و عضو شورای تدوین و مقررات ملی ساختمان کشور می باشد.فعالیتهای آموزشی : محسن تهرانی زاده از سال ۱۳۶۵ در دانشگاه صنعتی امیر کبیر به تدریس و تحقیق پرداخت. وی هم اکنون به عنوان استاد پایه ۲۶ دانشگاه، به تدریس دروس، تحلیل سازه ها، تحلیل ماتریسی سازه ها، مهندسی زلزله، دینامیک سازه ها، پایداری سازه ها و ارتعاشات تصادفی (راندم)، مهندسی زلزله پیشرفته و ساختمانهای مقاوم در برابر زلزله در سطح کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا اشتغال داشته است . تهرانی زاده تا کنون تعداد ۶۸ رساله دوره کارشناسی ارشد و ۱۰رساله دکتری در زمینه های سازه و مهندسی زلزله را سرپرستی کرده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محسن تهرانی زاده در سازه، دینامیک سازه، مهندسی زلزله، رفتار دینامیکی صفحات کمانش یافته تحت تاثیر نیروهای راندم، تحلیل سازه ها، کاربرد روش اجزا محدود در مسائل استاتیکی و دینامیکی، پایداری سازه ها، رفتار دینامیکی غیر خطی سازه ها، شکل پذیری سیستم های مختلف سازه ای، تحلیل دینامیکی ساختمانهای جدایش یافته در مقابل زلزله، نقش باربندیهای همگرا و واگرا در سیستم های مختلف سازه ای و تاثیر آنها در مقابل زلزله، سیستم پی لغزشی برای محافظت ساختمانهای کوچک در برابر زلزله، مقاوم سازی ساختمانهای بنائی، فولادی و بتنی در مقابل زلزله، بررسی و بازنگری آئین نامه ۲۸۰۰ ایران، تحلیل دینامیکی پلهای جدایش یافته در مقابل زلزله، تحلیلی بر مسائل مهندسی در زمین لرزه کوبه ژاپن ۱۹۹۵، عضویت علمی در مجامع بین المللی.جوائز و نشانها : محسن تهرانی زاده تا کنون به دریافت ۱۶ لوح تقدیر بعنوان برگزیده کتاب سال جمهوری، استاد نمونه دانشگاه صنعتی امیر کبیر، پژوهشگر نمونه و استاد نمونه رتبه اول گروه فنی و مهندسی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی و ... نایل شده است.به عنوان مثال می توان به انتخاب کتاب"تحلیل سازه ها"تالیف وی اشاره کرد که ، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : محسن تهرانی زاده ۱۴۳ مقاله علمی به زبان های انگلیسی و فارسی در مجلات معتبر علمی- پژوهشی ، ISI و در مجموعه مقالات کنفرانسهای داخلی و خارجی و ۱۶ کتاب در زمینه های سازه، دینامیک سازه، مهندسی زلزله و کاربرد اجزا، محدود در مسائل لاستوپلاستیک، منتشر کرده است. آثار : تهیه و تدوین مجموعه مقالات اولین کنفرانس تخصصی انجمن مهندسان راه و ساختمان ارتعاشات تصادفی و کاربرد آن در مباحث مهندسی زلزله ویژگی اثر : پدیدآورنده: محسن تهرانی زاده، محمد صافی ناشر: دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی تکنیک تهران) ۳دی، ۱۳۸۵ ۳ تحلیل ماتریسی سازه ها و کاربرد آن در مباحث دینامیک سازه ها تهیه و تدوین کتاب استادان و دانشیاران کشور تهیه و تدوین کتاب استادیاران کشور تهیه و تدوین کتاب شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور در ۴ جلد تهیه و تدوین کتاب شرح حال تخصصی برگزیدگان علمی و فرهنگی کشور راهنمای تعمیر و مقاوم سازی ساختمان های خسارت دیده محلی کم ارتفاع در زمین لرزه گجرات، هند ویژگی اثر : پدیدآورنده: محسن تهرانی زاده (مترجم)، علی خواجه سامانی (مترجم) ناشر: توسعه ایران؛ ۲۴ مرداد، ۱۳۸۶ ۹ راهنمای طرح لرزه ای، اجرا و بهسازی ساختمانها در افغانستان ویژگی اثر : پدیدآورنده: محسن تهرانی زاده (مترجم)، علی خواجه سامانی (مترجم) ناشر: توسعه ایران ؛ ۲۴ مرداد، ۱۳۸۶ ۱۰ سیستم پی لغزشی برای محافظت ساختمانهای کوچک در مقابل زلزله سیستم های جداگر لرزه ای کتاب تحلیل سازه ها ویژگی اثر : تالیف،این کتاب در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «تحلیل سازه ها»: تحلیل سازه ها؛ محسن تهرانی؛ تهران: مؤسسس ?بین المللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله، ۱۳۷۳. در این کتاب اصول و مفاهیم تحلیل سازه ها به صورت کامل و ساده ارائه گردیده است. ارتباط مباحث با

هم به گونه ای طراحی شـده انـد که خواننـده بتوانـد بـا درک اصول تحلیـل سـازه هـا و فهم عمیق آنهـا، قادر به حل مسائل مختلف موردنظر خود باشـد. این کتـاب حاوی روشـهای تحلیل سازه ها معین و نامعین بوده و مثالهای متنوعی با ویژگیهای خاص برای فهم روشـهای ارائه شده را در بر دارد. فصل اول این کتاب به مطالع ?پایداری، ناپایداری، معینی و نامعینی سازه ها می پردازد. در فصـل دوم به تحلیـل کامل سازه های معین پرداخته شـده است، و فصل سوم به بررسـی جامع خطوط تأثیر سازه های معین اختصاص دارد. در فصل چهارم روشـهای انرژی به طور مبسوط مورد بررسـی قرار گرفته و مباحث ?تغییر شـکلهای سازه های معین را ممکن ساخته است. تحلیـل سازه های نامعین اسـکلتی با گره های مفصـلی و گیره دار و تکیه گاههای ارتجاعی در فصل پنجم توضـیح داده شـده است. تحلیل سازه ها به روش شیب — افت در فصل ششم و به روش توزیع لنگر در فصل هفتم ارائه گردیده است. از ویژگیهای این کتاب ارائه مثالهای کاربردی متنوع و جذاب است که فهم تئوریهای مطرح شده را به بهترین صورت ممکن ساخته است ۱۳ گزارش تحلیلی بر مسائل مهندسی و زمین لرزه کوبه «ژاپن» ویژگی اثر : با همکاری دکتر آشتیانی۱۴ گزارش رفتار دینامیکی پلهای جدایش یـافته در مقابـل زلزله گزارش رفتـار دینـامیکی غیر خطی سـازه هـا نخستین همـایش ملی ایران شناسـی، خلاـصه مقالات، فارسـی – انگلیسـی ویژگی اثر : پدیدآورنده: محسن تهرانی زاده، مجدالدین میرحسـینی، گلناز افشار ناشـر: دایره سبز –۱۳۸۱ منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

تهرانی صادق، محمد صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۸ ق)، شـاعر و طبیب. وی طبیب ناصـرالدین شـاه قاجـار و پـدر میرزا علی‌خـان اعلم الممالک بود. در رودخانه‌ی جاجرود هنگـام طغیـان آب غرق شـد. از آثـار وی «الفیه الفنون»، در بیست فن که در ۱۲۶۵ ق به نظم درآورده و حـاج ملاـ علی کنی بر آن تقریظ نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۷۹، ۲۹۸ / ۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۱ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۶ / ۳).

تهرانی عسکری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در سال ۱۳۶۱ هجری بود که مرحوم مبرور حجهٔالاسـلام والبحر الزاخر القمقام فخر الفرقهٔ المحقه و ذخرالشیعه الامامیه استاد اساطین العصـر و اسـتاد فضـلاء الـدهر العالم المحقق الامجـد والفاضل الفقیه الاوحد مولینا الاجل العلامهٔ المیرزا محمد العسـکری التهرانی به قصـد زیارت حضـرت ثامن الحجـج علیه الصلوهٔ والسـلام به ایران آمده و در شـهر ری چند روزی میهمان مرحوم آیت‌اللّه آقا سـید محمد حجت کوه‌کمری که برای معالجه و گذرانیدن تابستان به آنجا آمده بودند شده و پس از تشرف به ارض اقدس به قم آمده و چند روزی اقامت نمودند و با حضرت آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی مراوده داشته و اغلب با وی مصاحبت داشتند.

معظم له از شاگردان مبرز آیت‌اللّه سـید محمـد فشارکی و محقق خراسانی و آیت‌اللّه میرزا محمـدتقی شـیرازی بوده و از آن مرحوم اجـازه اجتهـاد مطلق داشـته‌اند. تألیفات ارزنـده‌ای دارد که از آنست مسـتدرک‌البحار در شـش مجلـد بزرگ در مسـتدرک اجازات بحارالانوار و از آنهاست صحیفهٔ المهدیه در ادعیه حضرت ولی عصر عجل‌اللّه فرجه الشریف.

نگارنـده گوید آن مرحوم شـیخ‌المشایخ اجازه عصـر ما بودند که غالباً فقهاء و مجتهدین و محدثین از ایشان اجازه حدیث داشـتند و برای این حقیر هم اجازه‌ای در سال ۱۳۶۲ قمری مرقوم فرمودند که در کتاب خلاصهٔ الاجازات خود ذکر کرده‌ام.

فرزندان برومندی دارد که از آنهاست حجهٔالاسلام والمسلمین آیت‌اللّه حاج میرزا نجم‌الدین الشریف عسکری که سالها در سامرا در حرم مطهر عسکریین علیهماالسلام اقامه جماعت داشتند ولی اکنون چندین سالست که حسب‌الامر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محسن حکیم قدس‌اللّه سره در مدینهٔ الهادی بغداد به ترویج دین و امامت جماعت اشتغال دارند تألیفات مفیده دارند.

و دیگر جنـاب حجهٔالاسـلام والمسـلمین آقـای حاج میرزا ابوالحسن الشـریف العسـکری که در تهران مقیم و ترجمه‌اش را در ضـمن تراجم علماء تهران خواهم نگاشت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

تهرانی، ابوالحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۹ ق)، خطاط. وی برادر ابوالقاسم خوشـنویس است. خط تحریر را بسـیار خوش می‌نوشت. در فن انشاء دستی قوی داشت و در یک شبانه‌روز یک صد و چند فرمان و نامه می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۴۰ /۴).

تهرانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم سید ابوالقاسم تهرانی از علماء محترم و ائمه جماعت شهرستان قم بوده است که در اوائل تاسیس حوزه از تهران مهاجرت به قم نموده و سالهای متمادی از فیض محضر و درس مرحوم آیت‌الله حایری بهره‌مند شده و پس از ایشان از محضر و درس مرحومین علمین آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری طاب ثراهما و بعد از ورود مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی به درس ایشان حاضر شده و در زمان ریاست آن مرحوم به رحمت حق و اصل و در جوار فاطمه معصومه علیهاالسلام مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تهرانی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۸ –۱۲۸۳ ش)، عالم دینی. در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در تهران، در عصر آیت‌الله حایری رهسپار قم شد و سطوح نهایی «مکاسب» و «کفایه» را در محضر آیت‌الله مرعشی نجفی و مدرسان دیگر فراگرفت. به نجف رفت و در آنجا از محضر آیت‌الله حاج شیخ مرتضی طالقانی و آیت‌الله حاج شیخ محمدتقی آملی بهره‌مند شد، و به تهران بازگشت و پس از اقامتی کوتاه به مشهد رفت، و در آنجا از محضر حاج شیخ هاشم قزوینی بهره‌ها برد. از آن پس در حوزه درس خارج آیت‌الله میرزا مهدی غروی اصفهانی حاضر شد و به مدت ده سال تا پایان عمر این استاد در نزد وی بود. بعد از فوت آن مرحوم خود رسماً حوزه‌ی درس خارج تشکیل داد و عده‌ی بسیاری از مبانی علمی و اخلاقی و معارف وی استفاده نمودند. او یکی از مروجان مبانی تفکیک و اصول مکتب تفکیک بود. از آثار وی: «فلسفه بشری و اسلامی»؛ «عارف و صوفی چه می‌گوید»؛ «میزان المطالب».[۱]

مدرس، فقیه

تولد: ۱۲۸۳، تهران.

درگذشت: دوم آبان ۱۳۶۸.

آیت‌الله جوادآقا تهرانی خراسانی، فرزند محمدتقی، در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پس از تحصیل دوره ابتدایی و اخذ گواهی سیکل از مدرسه‌ی ثروت تهران، برای فراگیری علوم دینی راهی قم شد و پس از چند سال سکونت در آن شهر و گذراندن مقدمات و بخشی از سطوح، به نجف اشرف رفت و از محضر آیت‌الله مرتضی طالقانی و آیت‌الله محمدتقی آملی (صاحب دررالفوائد، تعلیقه بر شرح منظومه سبزواری) کسب فیض کرد. آنگاه به امر مادرش به تهران بازگشت و پس از مدتی اقامتی کوتاه در تهران، در سن سی سالگی (سال ۱۳۱۳) به مشهد رفت. نخست از حضور آیت‌الله هاشم قزوینی بهره گرفت. از آن پس به حوزه درس خارج فقه و اصول و معارف آیت‌الله میرزا مهدی غروی اصفهانی حاضر گشت و تا پایان عمر ایشان (۱۹ ذیحجه ۱۳۶۵ ق.) یعنی نزدیک به ده سال از محضر ایشان استفاده کرد و مبانی اصولی میرزای نایینی را، و همچنین فقه و معارف اهل‌بیت (ع) را فراگرفت. این دوره‌ی طولانی باعث شد که میرزای اصفهانی تأثیر فوق‌العاده‌ای بر وی بگذارد، چنانکه تا پایان عمر، در تبیین و ترویج مبانی و خط مشی علمی ایشان کوشش داشت و در کتابها و درسهای خود همواره به تفسیر و تقریر معارف براساس آرا و اندیشه‌های استاد می‌پرداخت و بدین گونه یکی از مروجان مبانی «تفکیک» و اصول «مکتب تفکیک» به حساب می‌آمد.

آیت‌الله تهرانی خراسانی پس از این دوره فراگیری، به تدریس و تألیف پرداخت. سالیانی دراز (حدود چهل سال) به حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد خدمت کرد و خارج فقه و اصول درس و معارف تدریس می‌کرد و به درخواست طلاب و یکی دو دوره به تدریس شرح منظومه‌ی سبزورای پرداخت. سپس به تفسیر قرآن همت گماشت. محل تدریس ایشان غالبا مدرس فوقانی مدرسه‌ی میرزا جعفر بود. پس از بسته شدن مدرسه در مسجد حاج ملا حیدر درس می‌گفت.

از جمله فعالیتهای اجتماعی او می‌توان به تأسیس اولین خیریه‌ی درمانی مشهد، به نام «درمانگاه خیریه بینوایان» بنا به اشارت و مساعدت ایشان و جمعی از دوستان پزشکی وی، در سال ۱۳۳۴ اشاره نمود. هر هفته یک شب در جلسه‌ی هیئت‌ی مدیره‌ی آن شرکت می‌کرد تأسیس نخستین صندوق قرض‌الحسنه ایران نیز که در سال ۱۳۴۲ در مشهد آغاز به کار کرد تا با تأیید و مساعدت ایشان صورت گرفت؛ این مؤسسه بعدها به صورت مجموعه‌ای شامل صندوق قرض‌الحسنه، فروشگاه تعاونی و کتابخانه درآمد. ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دفعات برای دیدار با امام خمینی (ره) در فرصت‌های مختلف، به صورت انفرادی یا با هیئت‌هایی از علما و روحانیون به قم و تهران آمد. ضمنا با وجود کهولت، چندین بار به جبهه‌های دفاع مقدس نیز رفت.

در امر تألیف و نوشتن تلاش داشت برای خود عنوانی قائل نشود و به تعبیرهایی نظیر (ج- زراع) یا «ج» یا «جواد» بسنده می‌کرد و بعدها تحت نام «جواد تهرانی» می‌نوشت. از جمله آثار چاپ شده ایشان این کتاب هاست: فلسفه بشری و اسلامی؛ عارف و صوفی چه می‌گویند؟ (تهران، ۱۳۶۷)؛ میزان الطالب (در دو جلد)؛ آیین زندگی و درسهای اخلاق اسلامی؛ بررسی پیرامون اسلام (رد بر کسروی)؛ اصول و عقاید؛ بهایی چه می‌گوید؛ آئین زندگی در اخلاق اسلامی.

آیت‌الله جواد آقا تهرانی خراسانی در سن هشتاد و پنج سالگی درگذشت.

حجةالاسلام والمسلمین آیت‌اللّه آقای حاج میرزا جواد تهرانی از علماء ربانی و آیات صمدانی و مدرسین برجسته معاصر مشهد مقدسند (کرارا به معظم‌له مراجعه نمودم که بیوگرافی خود را مرحمت نمایند ولی اجابت نفرمودند) اما وجدان نگارنده اجازه نداد که از ذکر معظم‌له صرف‌نظر کنم و قطعا ارباب فضل و دانش و شاگردان آن جناب هم به این امر راضی نیستند که کتاب ما خالی از نام ایشان باشد.

اجمالاـ آن بزرگوار در حدود سال ۱۳۳۰ قمری در تهران چشم به جهان گشوده و در بیت دیانت و تقوا پرورش یافته و پس از خواندن دروس فارسی و جدید و اولیات و ادبیات در عصر مرحوم آیت‌اللّه حایری یزدی رهسپار قم شده و سطوح نهائی مکاسب و کفایه را از محضر آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی مدظله و مدرسین دیگر حوزه استفاده نموده.

آنگاه مهاجرت به مشهد و در جوار سلطان سریر ارتضا حضرت علی بن موسی‌الرضا علیه آلاف التحیه و الثناء رحل اقامت افکنده و از درس و محضر مرحوم مبرور عالم ربانی و آیت سبحانی آیت‌اللّه آقای حاج میرزا مهدی غروی اصفانی تا آخر عمر آن مرحوم استفاده فقه و معارف اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام نموده.

و ضمنا به تدریس فقه و اصول پرداخته تا بعد از فوت آن مرحوم که خود رسما حوزه درس خارج تشکیل و عده زیادی از افاضل دانشمندان از مبانی علمی و اخلاقی و معارف آن جناب استفاده نموده و می‌نمایند.

نگارنده گوید: جناب آقای تهرانی از جهت تواضع و محاسن اخلاق و محانمد آداب نسخه اول استادش مرحوم میرزا مهدی اصفهانی می‌باشند و جدا از نوادر دانشمندان عصر محسوب می‌شوند.

آثار و تالیفات علمی چندی دارند که بعضی از آنها مانند کتاب عارف و صوفی چه می‌گوید به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۹، ش ۱۲، ص ۴۰ –۳۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۲۷ –۱۲۶ /۷).

تهرانی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه حضرت آیت الله حسن تهرانی

تولد و دوران کودکی:

آیت‌الله شیخ حسن تهرانی در سال ۱۳۱۲ در تهران به دنیا آمد. پدرش مرحوم یوسف تهرانی از کسبهٔ تهران بود که ارادت عجیبی به روحانیت و مرجعیت شیعه داشت. او که خود از زاهدان زمان بود و نماز جماعت و نماز شبش هیچ گاه ترک نمی‌شد، از شاگردان و دوستداران مرحوم شیخ محمد حسین زاهد بود و همواره از این مرد نورانی بهره می‌برد. دوران تحصیل:

آیت‌الله تهرانی تحصیلات خود را در دورهٔ ابتدایی در تهران به پایان برد و سپس به مدرسه مرحوم حاج شیخ علی اکبر برهان رفت و به دلیل تلاش فراوان مورد عنایت آن مرد بزرگ قرار گرفت. او مدت دو سال با نظارت مرحوم برهان در آن مدرسه درس خواند و همواره در نماز مرحوم شیخ محمد حسین زاهد حاضر می‌شد. در این مدت تلاش او به حدی بود که توانست تمام الفیه ابن مالک را حفظ کند. الفیه ابن مالک که در واقع یک دوره ادبیات عرب به شمار می‌آید، حدود هزار بیت است که بسیاری از طلاب تنها ابیات مهم یا حدود نیمی از آن را در حافظه دارند، امّا آیت‌الله تهرانی به گفته خود، هر شب پس از صرف طعام، اشعار را مرور می‌کرد و تا اشعار مربوط به درس روز را حفظ نمی‌کرد، به بستر خواب نمی‌رفت. البته در این زمینه، سفارش‌های پدرش نیز بسیار مهمّ بود. پدرش که علاقه وافری به طلاب علوم دینی داشت، از هرگونه خدمت او در گستره‌های علمی دریغ نمی‌ورزید، تا آنجا که وقتی به همراه فرزندش به مدت ده روز به مشهد رفت، برای آن مدت کوتاه از یکی از روحانیان مشهد خواست تا به فرزندش دروس حوزه را تعلیم دهد تا پس از بازگشت از سفر، از دیگر دوستان خود عقب نیفتد!

آیت‌الله تهرانی پس از طی کردن دروس مقدمات، دروس دورهٔ سطح را در مدرسه مرحوم برهان در شهر ری آغاز کرد و پس از مدتی به سفارش یکی از استادان خود، که همواره کوشش شاگرد خود را از نزدیک می‌دید، به قم مهاجرت کرد تا از محضر استادان آن دیار عالم خیز بهره‌های بسیار برد. او در قم به محضر استادان بسیار شرفیات شد و فقه و اصول و فلسفه را تا سر حد اجتهاد فرا گرفت. استادان و دوستان:

آیت‌الله شیخ حسن تهرانی در سالهای تحصیل خود، به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد. او در شهر ری برای فراگیری معالم الاصول به درس آقا سید حسن آقایی می‌رفت و بخشی از شرح لمعه را در محضر آقا شیخ محمدرضا بروجردی فرا می‌گرفت.

با ورود به قم، قوانین و باقیماندهٔ شرح لمعه را در محضر آیت‌الله نوری همدانی فرا گرفت و در درس رسائل آیت‌الله مشکینی و در درس مکاسب و کفایه آیةالله مجاهدی تبریزی شرکت نمود. تلاش او به حدی بود که دورهٔ سطح را در سه سال به پایان رسانید.

آیت‌الله تهرانی پس از طی دورهٔ سطح، به دروس خارج آیت‌الله العظمی بروجردی، آیت‌الله العظمی امام خمینی، آیت‌الله العظمی محقق داماد، آیت‌الله شیخ محمد تقی بروجردی، آیت‌الله العظمی حاج مرتضی حائری و آیت‌الله العظمی گلپایگانی ـ رحمهٔالله علیهم ـ رفت و در مدت کوتاهی که پس از عزیمت به حجّ، به عتبات عالیات رفته بود در درس امام(ره) و آیت‌الله العظمی خویی(ره) شرکت نمود. او اسفار و شفا و تفسیر را نیز در محضر علامه سید محمد حسین طباطبایی(ره) آموخت.

او در سالهای تحصیل و تدریس خود با طلاب بسیاری رابطه دوستی داشت که از جمله آنها می‌توان از آیت‌الله محمد مؤمن،

آیت‌الله ربانی املشی(ره)، آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی و آیت‌الله سید محمد کاشانی به عنوان دوستان و هم بحثهای ایشان نام برد.

فعالیتهای علمی و فرهنگی:

آیت‌الله شیخ حسن تهرانی در طول سالهای عمر خود تا هم اکنون، تلاشهای علمی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است. او از سالهای آغازین طلبگی به امر تدریس اشتغال داشته است و سالها در حوزه‌های علمیه خواهران به آموختن مبانی فقه و اصول پرداخته است.

از فعالیتهای مهم او در این عرصه، برگزاری جلسات امتحانات شفاهی و کتبی در حوزه علمیه و تعیین میزان رشد علمی طلاب بوده است که این امر حدود سی سال است که ادامه دارد. همچنین او در امتحاناتی که برای باز شناخت قضات و طلابی که تمایل به شرکت در رشته قضا داشتند، به عنوان طرح کنندهٔ پرسشهای امتحانی و ارزیاب حضور داشته است. فعالیتهای سیاسی:

آیت‌الله شیخ حسن تهرانی از سالهای آغازین نهضت اسلامی مردم ایران همواره در صف اوّل مبارزه حضور داشته است. او که در جوانی خود را سخت تحت تأثیر فعالیتهای سیاسی مرحوم نوّاب صفوی می‌داند، در موقعیتهای گوناگون به افشای ماهیت رژیم منحوس پهلوی و عوامل آن پرداخته است.

بخشی از فعالیتهای سیاسی او به تلاشهای او در جلسات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مربوط می‌شود. امضای او در بسیاری از اعلامیه‌های آن نهاد در سالهای پیش از انقلاب، از جمله اعلامیه خلع ید شاه از قدرت به چشم می‌خورد.

او در پیش از انقلاب برای اعلام وفاداری به امام(ره) در نجف به خدمت او می‌رسید و در ایران نیز مورد تهدید و بازداشت رژیم سابق قرار می‌گرفت، امّا فعالیتهای سیاسی او به پیش از انقلاب محدود نشد. با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، او نیز به سیل خروشان ملت پیوست و همواره از خط ولایت فقیه دفاع می‌کرد. در سالهای دفاع مقدّس، بارها و بارها در جبهه‌ها حضور پیدا می‌کرد و سخنان دلنشین او همواره امیدبخش رزمندگان اسلام بود.

از فعالیتهای مهم او پس از انقلاب قضاوت در کمیته‌های انقلاب اسلامی بود که بعدها در قالب دادگاه انقلاب فعّال شد. همچنین او مدتی با عنوان قاضی دادگاهِ ویژه روحانیت و قاضی دادگاه انتظامی به فعالیت می‌پرداخت.

آیت‌الله تهرانی در سالهای آخر عمر شریف خویش در بخش امتحانات شورای مدیریت حوزه علمیه قم به ارزیابی وضعیت علمی طلاب می پرداخت و امامت جماعت مسجد باغ پنبه قم را بر عهده داشت. او همچنین به تدریس مکاسب و کتاب جواهر نیز اشتغال داشت.

آیت‌الله تهرانی در روز پنج شنبه ۱۴ دی ۱۳۸۵ در سن ۷۳ سالگی دار فانی را وداع و به سوی معبودش شتافت

خداوند او را با اولیاء الله محشور کند انشاء الله

تهرانی، حسنعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسنعلی تهرانی (جد حجةالاسلام حاج آقای مروارید معاصر) و او فرزند حاج محمود تاجر تبریزی الاصل تهرانی المسکن صاحب کرامات باهره و مقامات باطنه و ظاهر از بزرگان علماء و مجتهدین عصر خود بوده است.

وی در تهران متولد شده و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از متون فقه و اصول مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح را تکمیل و از محضر بزرگان استفاده نموده آنگاه در معیت استادش علامه ملاعلی نهاوندی و شریک به حسش حجةالاسلام حاج سید عزیزاللّه تهرانی هجرت به سامرا نموده و به امر آن بزرگوار قبل از درس آن جناب مقداری از نهج‌البلاغه را برای تلامذه میرزا خوانده و علماء را به سخنان مبارک کلام علی (ع) (علی الکلام) متذکر و متوجه می‌ساخت. و حقا از اتقیاء ابرار و صالحین اخیار بود و از کثرت احتیاط چیزی از حقوق شرعیه مصرف نمی‌کرد و در عصر مرحوم میرزاء بزرگ شیرازی از مدرسین سامرا بود و جمع زیادی از افاضل طلاب از محضرش استفاده و در مواقع نبودن سید به جای ایشان اقامه جماعت می‌نمود و تمام ثقات به وی اقتدا می‌کردند و سال بعد از فوت مجدد شیرازی در سال ۱۳۱۴ قمری به تهران برگشته و بعد از توقف کمی مشرف به مشهد مقدس گردیده و رحل اقامت انداختند.

جناب آقای قطب‌المحدثین خراسانی از مرحوم حاج ملاهاشم خراسانی صاحب (منتخب التواریخ) برای نگارنده نقل نمود که وقتی آن مرحوم از اعتاب عالیات مراجعت به تهران کردند همه علماء و رجال دولت و ملت از ایشان دیدن کردند من جمله علی‌اصغرخان اتابک صدر اعظم ناصرالدین شاه و پس از ملاقات در موقع رفتن یک چک ده هزار تومانی (که چند صدهزار تومان امروز بوده) به برادر ایشان مرحوم حلاج میرزا حسینعلی که از تجار تهران بودند می‌دهد برای ایشان ولی آن بزرگوار نارات شده و چک را برگردانیده و می‌فرماید از همه بازدید خواهم کرد جز صدراعظم و شاید برای همین هم از تهران به مشهد مهاجرت نمود که مبادا رجال دولت با او مراوده نمایند و مهاجرت به ارض اقدس نمودند.

وی در مشهد موقعیت عجیبی پیدا نموده و مورد توجه عموم طبقات و بالاخص روحانیت خراسان قرار گرفت و در مسجد جامع گوهرشاد اقامه جماعت می‌نمود و صلحاء و اتقیاء مشهد که با غیر او نماز نمی‌خواندند به وی اقتدا می‌کردند و بسیاری از فضلاء و علماء مشهد به مجلس درسش شرکت نموده و استفاده می‌کردند و آن بزرگوار با این اشتغالات کثیر البکاء و دائم المراقبه بود تا در چهاردهم ماه رمضان ۱۳۲۵ قمری در جوار سلطان سریر ارتضا حضرت علی بن موسی الرضا علیه و علی آبائه و ابنائه آلاف التحیه و الثناء رحلت نموده و در نزدیکی حرم مطهر مدفون گردید در روزی که قرین او در علم و تقوا مرحوم عالم ربانی و آیه سبحانی آقا شیخ محمد بهاری همدانی در بهار وفات نمود.

از آثار علمی آن جناب است تقریرات بحث استادش میرزاء بزرگ شیرازی از اول بیع تا آخر خیارات که علامه تهرانی در ج ۴ کتاب الذریعه ص ۳۷۶ ذکر نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

تهرانی، شاپور

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۴۸ ق)، شاعر. ملقب به شرف‌الدین. نخست فریبی تخلص می‌کرد و بعد شاپور را انتخاب کرد. از نسل مولانا امیدی و از شاعران والاتبار و از استادان نغزگوی عصر خود بود. در ایام جوانی از وطن به هندوستان رفت و در آنجا با میرزا جعفر آصف خان مصاحب بود و با ایشان مدتها در هند و کشمیر سیر کرد، اشعار خود و ابیات مرغوب در دارالعیش کشمیر گفت، از آن جمله پاره‌ای مثنوی است که در برابر «خسرو شرین» به نظم درآورد. وی بعد از فوت آصف خان به ایران بازگشت. نسخه‌های «دیوان»ش فراوان است و معمولا از پانزده هزار بیت تجاوز نمی‌کرد. وی با امین رازی و اعتمادالدوله جهانگیری قرابت نزدیک داشت و مداحی اعتمادالدوله‌ی مذکور را بسیار می‌کرد. معاصر و معاشر شاپور تهرانی، تقی‌الدین اوحدی بلیانی که مدعی است که نام شاپور در آغاز ارجاسب بود و او وی را در آغاز جلوس شاه عباس در قزوین و اصفهان دید و صحبت خوب با هم داشتند. وی اقامت طولانی در هند را به قصد مداحی اختیار نکرد و به همین جهت قصیده‌هایش بیشتر در ستایش امامان است و او هر دو سفر خود را به هند با آهنگ بازرگانی انجام داد و از این راه ثروت اندوخت و به همین سبب هم در صف ملازمان پادشاه یا پادشاهزادگان درنیامد. وی سفری به مکه معظمه نیز داشت و بعد از دریافت کعبه‌ی مقصود به تهران بازگشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۰۸۷ -۱۰۸۲ /۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۱۰ -۱۰۹۷ /۵)، تذکره شعرای کشمیر (۱۷۲ -۱۵۲)، تذکره‌ی میخانه (۵۴۴ -۵۳۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۳۸ -۲۳۷)، الذریعه (۸۳۰، ۴۹۰ /۹)، سرو آزاد (۵۳ -۵۱)، فرهنگ سخنوران (۴۸۵)، کاروان هند (۶۱۳ -۵۹۹ /۱)، لغت نامه (ذیل/ شاپور)، مجمع الخواص (۲۰۳ -۲۰۱)، مجمع الفصحا (۴۴/۴)، مخزن الغرائب (۹۶۵ -۹۵۴ /۲)، نتایج الافکار (۳۸۳ -۳۷۵)، نشتر عشق (۸۲۰ -۸۱۸ /۳)، هفت اقلیم (۷۸ -۷۳ /۳).

تهرانی، عبدالحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسین بن علی تهرانی متوفی ماه رمضان ۱۲۸۴ ق و مدفون در کربلا معلی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

تهرانی، عبدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا عبدالعلی ابن التقی الزکی ملا غلامحسین شهید از علماء مبرز و با تقوا و ورع تهران بوده است.

تولدش در تهران واقع و در دوران کودکی مرحوم والد را از دست داده و در خاندان مسجد جامعی‌های تهران پرورش یافته و پس از فراغت از اولیات و سطوح به قم مهاجرت و از محضر مرحوم آیهٔ‌اللّه حایری و رجال علم دیگر استفاده نموده و پس از آن مراجعت به تهران و به تربیت و تهذیب مردم و اقامه جماعت در مسجد بازار و درس اخلاق اشتغال و غالبا بانزوا و دوری از اجتماعات به تزکیه نفس و تصفیه قلب و محاسبه نفس خود پرداخته تا در سال ۱۳۷۱ ق که بقصد مجاورت آستان قدس رضوی عزیمت به مشهد مقدس نموده و چند سال در آنجا اقامت و بتدریس فقه و اخلاق و اقامه جماعت در مسجد بالا سر حضرت رضا علیه‌السلام موفق تا روی بعض جهات مراجعت به تهران و در مسجد مرحوم میرزا موسی معروف بمسجد بزازها بامامت و ترویج دین و نشر معارف اسلامی پرداخته تا هنگامی که در چند سال قبل اجلش رسیده و بسرای دیگر شتافته است.

از یادگارهای ایشانست دو فرزند فاضل و دانشمند بنام حجت‌الاسلام حاج آقا مجتبی تهرانی و حاج آقا مرتضی تهرانی که هر دو سالهای متمادی در قم و نجف اشتغال بتحصیل علم و کمال داشته و از محضر آیات بزرگ مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه حاج آقا حسین فرید محسنی اراکی و آیت‌اللّه اراکی و دیگران استفاده کافی در فقه و اصول نموده تا بمدارج عالیه فقه و اصول رسیده و تقریرات بعضی از اساتید بزرگوار خود را برشته تحریر و طبع درآورده و اکنون بجای مرحوم والد در تهران به اقامه‌ی جماعت و ترویج دین و مباحثات علمی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

تهرانی، عزیزاللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

السید الجلیل الحاج سید عزیزاللّه تهرانی از شاگردان میرزاء شیرازی بوده و در سامرا وفات و حمل به نجف اشرف گردیده.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

تهرانی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام مرحوم حاج شیخ محمدتقی تهرانی از ائمه جماعت مسجد امام و علماء حوزه علمیه و تلامذه قدیمی مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله العظمی بروجردیست، پس از فوت مرحوم حایری برای ترویج دین و تبلیغ احکام به شهریار تهران و قصبه رباط کریم چند سالی اقامت نموده و آنگاه به قم مراجعت و تا حدود سال ۱۳۸۲ قمری به وظائف دینی و روحی شاغل سپس دعوت حق را لبیک اجابت گفته و به سرای باقی خرامیده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تهرانی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در سال ۱۳۷۶ قمری بود که مرحوم مبرور شیخ‌العلماء والمحدثین العلامهٔ المتتبع الحاج الشیخ محمدحسن الرازی مشهور به حاج شیخ آقا بزرگ التهرانی صاحب الذریعه الی تصانیف الشیعه و نقباء البشر و طبقات اعلام الشیعه و غیرها وارد به قم و مورد تجلیل و تکریم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و قاطبه علماء قرار گرفت. این بزرگوار که استاد اجازه و شیخ و جازه متاخرین و معاصرین بوده است، از علماء ابراریست که در حدود هشتاد سال از عمر شریف خود را مصروف تألیف و تصنیف نموده و ساعتی فارغ نبوده است حق عظیمی بر اسلام و مسلمین خاصه بر شیعیان و بالاخص بر روحانیون جهان دارد در یازدهم ربیع‌الاول ۱۲۹۳ متولد و در ۱۳۸۹ قمری بدرود حیات گفته است.

تولدش در تهران واقع و پس از رشد و طی مقدمات در سال ۱۳۱۳ ق از ایران به عراق مسافرت نموده و از محضر محقق خراسانی کفائی و شریعت اصفهانی و آیت‌اللّه یزدی اخذ علوم نموده و تقریرات فقه و اصول آنان را به رشته تحریر آورده و در سامرا از محضر آیت‌اللّه مجاهد میرزا محمدتقی شیرازی استفاده نموده و بعد به تألیف و تصنیف کتب پرداخته و الحق تألیفات مفیده و ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشت و خدمت شایسته‌ای به مسلمین نمود. نسبت به این نگارنده محبت و توجهی مخصوص داشت و اجازه جامعی برایم به طرق عدیده‌اش مرقوم فرمود در سال ۱۳۷۸ که مشرف به زیارت روضه مرتضویه شدم به زیارتش رفتم وقتی وارد به کتابخانه‌اش شدم دیدم مشغول مطالعه و نوشتن است تا مرا دید و شناخت از جا برخاست و مرا در آغوش گرفت و معانقه گرمی نمود و فرمود کتابخانه مرا می‌بینی که همه‌گونه کتاب دارد ولی انیس من کتاب آثار الحجه تو می‌باشد که از آن بسیار استفاده کرده و می‌کنم.

معظم له دو سفر به ایران آمد برای زیارت مشهد مقدس و در هر سفر چند ماه در قم و تهران و مشهد توقف نموده و از کتابخانه‌های عمومی آستان قدس رضوی و کتابخانه ملک تهران و غیره و کتابخانه خصوصی آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی مدظله استفاده نموده و مواد کتاب ارزنده الذریعه الی تصانیف الشیعه خود را تحصیل آنگاه مراجعت به نجف نمودند. بسیار بی‌آلایش و ساده و باصفا و زودباور بود و از این سادگی وی برخی از مغرضین و منحرفین از ولایت سوء استفاده کرده و در بعضی از تألیفات او دست برده و تحریف کرده و نسبت به بعضی از اعاظم روی اغراض نفسانی اسائه ادب نموده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

تهرانی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از خوشنویسان دربار محمدشاه و ناصرالدین شاه قاجار بود که چند قلم را خوش می‌نوشت و در کتابت نیز قوی‌دست بود. وی هنگام تالیف «المآثر و الاثار» (۱۳۰۶ ق)، درگذشته بوده است. اثر عظیم و نفیس وی یک دوره «ترجمه‌ی الف لیله و لیله» است که به امر ناصرالدین شاه کتابت و تزیین و تذهیب شده است، با رقم: «کمترین کاتب حضرت السلطانی، محمدحسین طهرانی تحریر نمود، ۱۲۶۹» و از دیگر آثار او: یک نسخه «آداب المشق» بابا شاه اصفهانی، به قلم نیم دودانگ خوش، با رقم: «کتبه محمدحسین الطهرانی غفرله سنه ۱۲۵۹»؛ یک مرقع مشتمل بر سی رقعه، به قلمهای نسخ و شکسته نستعلیق و نستعلیق از پنج‌دانگ تا نیم دودانگ عالی و خوش، با رقم: «کتبه محمد حسین الطهرانی، غفرله، سنه ۱۲۵۹»؛ مرقع دیگر مشتمل بر سی رقعه، به

قلمهای ثلث و تعلیق و شکسته نستعلیق و نستعلیق از پنج‌دانگ تا نیم دودانگ عالی و خوش، با رقم: «الکاتب السلطانی، محمدحسین الطهرانی غفرله ۱۲۷۰» و قطعات دیگر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۷۰/۴، ۶۹۷ -۶۹۵ /۳)، شرح حال رجال (۲۳۰/۶)، المآثر و الاثار (۲۱۳).

تهرانی، محمدصادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدصادق بن میرزا ابوالقاسم تهرانی از دانشمندان فاضل و اخیار معروف به تقوا و پرهیزکاری حوزه علمیه قم و شهرستان مذهبی قم است مرحوم والد مذکورش از متدینین واقعی و عبادالله الصالحین بوده که تا آخر عمرش جز کسب رضای خدا هدفی نداشت و جدش مرحوم میرزا علی‌اکبر سیاه‌پوشان از رجال معروف زمان ناصرالدین‌شاه بود که همه عمر برای ماتم حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام لباس سیاه را از تن بیرون نکرد شب و روز کارش گریه بود بخصوص در ایام عاشورا که دستمالها از گریه و اشک چشمش تر نموده و برای کفن و قیامت خود ذخیره می‌نمود و نیز مادران وی از زنان پارسا و قانتات عابدات ذاکرات با کیات صالحات روز کار بوده‌اند و هم پدران مادری ایشان از مومنین کاملین و اتقیاء زمان خود و بسیار معتقد و صوام و قوام بوده‌اند.

وی در اواخر ذی‌الحجه ۱۳۳۱ ق در چنین خاندانی متولد و در حجر این پدران متدین و مادران صالحه تربیت و پس از رشد و خواندن مقدمات و ادبیات به مشهد مقدس رفته و بعضی از سطوح را خدمت مرحوم حاج شیخ حبیب‌الله گلپایگانی که از ائمه جماعت مسجد گوهرشاد و معروف به قدس و تقوا بود خوانده و بعد از دو سال به تهران آمده و از مرحوم حاج میرزا عبدالعلی تهرانی که از علماء اتقیاء تهران بود استفاده کرده و بعد به قم مهاجرت نموده و از اساتیدی مانند مرحوم ادیب تهرانی و سید مهدی کشفی و حاج شیخ عباس تهرانی و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم آیت‌الله شاهرودی سطوح را تکمیل و به درس خارج آیت‌الله حجت و آیت‌الله صدر حاضر شده و بعد به درس مرحوم علامه بزرگ آیت‌الله بروجردی شرکت نموده و ضمنا در مسجد جامع قم به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال دارد و بعد از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی- ره- به آیت‌الله العظمی امام خمینی مدظله پیوسته و از اصحاب خاص آن جناب گردید و به همین جهت گاهی گرفتار و به معذورات شدیدی مبتلا شده است.

آثار ایشان ۱- کتابی است در شرح احوال علماء قم که از زمان مرحوم حایری تا عصر حاضر از دنیا رفته و دارای اثرات نورانی بوده‌اند به نام آثارالنوریه یا (جلوه درخشان).

۲- سفور التهافت یا (رسوائی یاوه‌گویان) که همان تهافت و تناقض‌گوئی جمعی از مبدعین قرون گذشته و عصر حاضر است که همان بطلان ادعاء آنهاست از قول خودشان.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تهرانی، محمدمهدی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۲۱ ق)، خطاط. در دوره‌ی فتحعلی‌شاه قاجار می‌زیست و تا زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه در قید حیات بود. وی در کتیبه نگاری دستی قوی داشت و غالب کتیبه‌های ابنیه‌ی دولتی زمان فتحعلی‌شاه به خط اوست. در «احوال و آثار خوشنویسان» آمده است که میرزا سنگلاخ گوید که از فتحعلی‌شاه لقب خوشنویس خاصه را گرفت و نزد من به تعلیم خط پرداخت. او جز نستعلیق، سایر اقلام را نیز خوش می‌نوشت. از آثار وی: یک نسخه «دیوان» حافظ، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «تمت الکتاب... سنه‌ی ۱۲۰۴... انا العبد المذنب الحقیر محمدمهدی»؛ یک نسخه ادعیه، به قلم کتابت خوش، با رقم: «حرره کاتب الحضرهٔ السلطانی محمدمهدی الطهرانی... سنه‌ی ۱۲۱۳، بدار السلطنه طهران... تحریر شده»؛ کتیبه‌ی ازاره‌ی مدخل مسجد سلطانی تهران، به قلم سه دانگ کتیبه‌ی خوش، با رقم: «کمینه کاتب الحضرهٔ السلطانی، محمدمهدی الطهرانی ۱۲۲۱»؛ هفت اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۰۰/ ۴، ۸۴۹ -۸۴۸/ ۳)، اطلس خط (۵۸۶).

تهرانی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمود تهرانی از تلامذه امام شیرازی و متوفی ۱۳۰۴ قمری.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

تیرگر هروی، مقصود، درویش مقصود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر. اصل وی از هرات بود. مدتی در مشهد مقدس سکونت گزید و در آنجا به شغل تیرسازی اشتغال داشت و در فقر و تنگدستی می‌زیست. در اقسام شعر به رباعی بیشتر مایل بود به همین دلیل در مشهد به شیخ رباعی مشهور شد. به گفته‌ی «الذریعه»، میرزا سنگلاخ «دیوان» وی را که به خط سلطان محمد نورا نوشته شده، دیده است. در «صبح گلشن» و تذکره‌ی «روز روشن» اسم او یوسف شاه ذکر شده و مؤلف «آتشکده‌ی آذر» وفات وی را ۷۰۷ ق نوشته است. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۷۴ -۷۷۳/ ۲)، تاریخ نظم و نثر (۳۳۴)، تذکره‌ی روز روشن (۷۵۹)، الذریعه (۱۰۹۱، ۳۲۴/ ۹)، صبح گلشن (۴۴۰ -۴۳۹)، فرهنگ سخنوران (۸۷۰)، لغت نامه (ذیل/ مقصود هروی)، مجالس النفائس (۱۵۶)، نتایج الافکار (۶۵۱ - ۶۵۰)، هفت اقلیم (۴۳۹/ ۳، ۱۶۴/ ۲).

تیشی شیرازی، شمس

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر و موسیقیدان. اهل شیرزا بود که به اصفهان رفت و چون در علم موسیقی مهارت داشت، مورد توجه شاه عباس قرار گرفت و شاه صفوی، قهوه‌خانه‌ای در چهارباغ جهت او بنا کرد. وی طبعی موزون داشت و اکثر تصانیفش، شعر خود اوست. از اشعار اوست:

ای شیخ تو خبث جام احباب مزن

خود را به دم گرم می ناب مزن

زاهد تو به افسردگی خویش بساز

چون بار تو کاغذ است بر آب مزن

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار ملی اصفهان (۹۹)، تاریخ اصفهان (۲۶۶)، تاریخ موسیقی (۳۲۹/۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۴۸ -۱۴۷).

تیمورشاه

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۰۰ ق)، شاعر. پدر وی، احمدخان، از خادمان نادرشاه بود که بعد از قتل نادرشاه طغیان کرد و دعوی شهریاری داشت، مدتی نیز در هندوستان و کابلستان به تخت شاهی نشست. احمدخان خواهر احمدشاه بن محمدشاه بابری گورکانی را در حباله‌ی نکاح پسر خود تیمورشاه درآورد، و به کابل بازگشت و تیمورشاه بعد از احمدشاه در آن بلاد استقلال حاصل کرد، و مدت سی سال به سلطنت گذرانید. او طبعی داشته و به سیاق اهل هند شعر می‌گفته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۳۴۹ -۳۴۸ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۹۵)، مجمع الفصحا (۳۳/۱)، نگارستان دارا (۱۷۵ -۱۷۴).

تیموری بدخشی، ابراهیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۶۷ -۹۴۱ ق)، شاعر. وی چون با پدرش در بدخشان می‌زیسته به بدخشی معروف شده است. تیموری در جنگی که به همراه پدر کرد، کشته شد. بدخشی غزل را نیکو می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۶۶).

تیموریان، آندرانیک

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آندرانیک تیموریان (به ارمنی: Անդրանիկ Թեյմուրեան) با نام کامل و درست آندرانیک تیموتیان سامرانی متولد ۱۵ اسفند سال ۱۳۶۱ فوتبالیست ایرانی است. او در پست هافبک دفاعی بازی می‌کند و در سال ۲۰۰۶ پس از درخشش در جام جهانی المان به تیم بولتون انگلستان پیوست که توسط سام الاردایس مربی سرشناس انگلستان اداره می شد . وی پس از درخشش در چند بازی با افت شدید مواجه شد که همین امر یکی از اوامل نیمکت نشینی وی بود که در نهایت به یک دیمکت نشین در فصل پیش تبدیل شد . اندرانیک در فصل جدید با اتمام قرارداد به تیم فولام پیوست که تا کنون موفقیتی را کسب نکرده است . اکنون در تیم ملی فوتبال ایران و باشگاه فولهام انگلستان بازی می‌کند. تیموریان در جام جهانی فوتبال ۲۰۰۶ آلمان برای تیم ملی ایران در هر سه بازی این تیم به میدان رفت.

روز ۶ ژانویه سال ۲۰۰۶ آندرانیک در دیدار مقابل دونکستر راورز با به ثمر رساندن دو گل نخستین گلزن ایرانی جام حذفی انگلستان نام گرفت و نقشی تعیین‌کننده در پیروزی ۴ بر ۰ تیمش داشت. او در بازی تیم بولتون با ویگان نیز دو گل از سه گل تیمش (بولتون) را به ثمر رساند و نقش مهمی در پیروزی ۳ بر ۱ تیمش داشت. برادر بزرگ‌تر آندرانیک سرژیک است که او هم در تیم ماینتز سابقه بازی دارد. تیموریان در ۲ فوریه ۲۰۰۹ به صورت قرضی به باشگاه بارنزلی در لیگ دسته یک انگلستان رفت.

ثابت بخارایی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی از شعرای عبدالعزیزخان ازبک بود. صاحب «الذریعه» گفته: گویا این ثابت بخاری همان ثاقب بخاری باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۳۸)، الذریعه (۱۸۳ -۱۸۱ /۹)، صبح گلشن (۹۶)، فرهنگ سخنوران (۱۹۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ثاقب).

ثابت تبریزی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از شعرای زبردست تبریز که معاصر صائب تبریزی بود و شیوه سخنوری را از وی آموخت. روزی صائب غزل گفت به مطلع:

طلوع صبح به تیغ کشیده می‌ماند

شفق به بسمل در خون طپیده می‌ماند

ثابت، بی‌درنگ این مطلع را گفت:

دو ابرویش به دو تیغ کشیده می‌ماند

دو نرگسش به غزال رمیده می‌ماند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۵۹)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۱۷ -۱۱۶ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۸۹ -۸۸)، الذریعه (۱۸۲/۹)، ریحانه (۳۶۲ -۳۶۱ /۱۱)، سخنوران آذربایجان (۲۷۳).

ثابت تبریزی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۳ -۱۲۵۳ ق)، شاعر و صحاف. از مردم تبریز بود. از رهگذر پیشه‌ی صحافی و جلدسازی امرار معاش می‌کرد، و در زادگاهش می‌زیست او به دو زبان فارسی و ترکی، نیکو شعر می‌گفت. «دیوان» او شامل اشعاری به هر دو زبان است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۱۶/۲)، دانشمندان آذربایجان (۸۹)، الذریعه (۱۸۲/۹)، ریحانه (۳۶۲/۱)، سخنوران آذربایجان (۲۷۳)، فرهنگ سخنوران (۱۹۷).

ثابت تفرشی قمی، فخرالدین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اصل وی از محال تفرش است، به هندوستان رفت و در آن سامان با ملا فرج‌الله مشاعره داشت. گویا در همان جا درگذشته است. وی طبعی خوش داشت و اشعاری نیکو می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۲۲۴/۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۶۱ -۲۶۰)، الذریعه (۱۸۲/۹)، شام غریبان (۶۱)، صبح گلشن (۷۸)، فرهنگ سخنوران (۱۹۷)، کاروان هند (۲۰۰/۱)، مخزن الغرائب (۴۵۵/۱).

ثابت خلخالی، صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. از ایل اسپرلوی ترکمان و وکیل‌الرعایا در بلوک خلخال و معاصر مولف «نگارستان دارا» بود. او به دو زبان فارسی و ترکی شعر می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۹۰ -۸۹) الذریعه (۱۸۲/۹)، ریحانه (۳۶۲/۱)، فرهنگ سخنوران (۱۹۸ -۱۹۷)، نگارستان دارا (۱۷۵).

ثابت خویی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر. مدتی از عمر خود را در شهر گنجه گذرانید و بعد به خوی بازگشت و در آنجا درگذشت. «دیوان» او مرکب از اشعاری به دو زبان پارسی و ترکی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۹۰)، الذریعه (۱۸۲/۹)، ریحانه (۳۶۲/۱)، فرهنگ سخنوران (۱۹۸).

ثابت شیرازی، ابوالحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۲ ق)، شاعر. اصلش از شیراز و گویا ولادتش در اصفهان بوده است. وی جوانی بسیار کم‌سواد و شغلش خیاطی بود، با این حال در سرودن غزل توانا بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۳۵۱ -۳۵۰ /۱).

ثابت شیرازی، عبدالحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۱۳ ق)، نقاش و شاعر، متخلص به ثابت. وی از هنرمندان صورتگری بود؛ چندی به سیر و سلوک پرداخت و با صاحب «مرآت الفصاحه» آشنا شد و مدتی با او زیست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۵۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۴/۲)، فرهنگ سخنوران (۱۹۸)، مرآت الفصاحه (۱۲۵).

ثابت کرمانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۷ ق)، شاعر و روزنامه‌نگار. مشهور به انتظام‌السادات. وی از آزادیخواهان و سخنوران زبردست کرمان در صدر مشروطیت بود و روزنامه‌ی «طوفان» را در کرمان منتشر ساخت. وی سفرهایی به خراسان، بخارا و سمرقند کرد و سرانجام در تهران درگذشت. او علاوه بر انتشار روزنامه‌ی «طوفان» سالی نیز به وکالت دادگستری پرداخت. در تهران درگذشت. «دیوان» اشعار وی در حدود چهارهزار بیت است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شاعران کرمان (۱۸۲ -۱۸۱)، الذریعه (۱۸۲/۹)، ستارگان کرمان (۱۴۲ -۱۴۱)، فرهنگ سخنوران (۱۹۸).

ثابت کرمانی، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۳ ش)، استاد دانشگاه و شاعر، متخلص به ثابت. وی در محله‌ی مسجد ملک کرمان متولد شد. پدرش از عالمان بنام، در علوم اسلامی بویژه فقه و اصول و حکمت، و مادرش نیز اهل شعر و ادب بود. او مقدمات علوم ادبی و عربی را در مکتب و محضر پدرش آموخت، سپس به تهران آمد و در رشته‌های ادبیات، فلسفه، علوم تربیتی و حقوق تحصیل کرد. در سال ۱۳۱۱ ش به خدمت فرهنگ درآمد و مشاغل فرهنگی را از آموزگاری تا استادی دانشگاه طی کرد. ثابت مدتی در دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران تدریس کرد. اکثر اشعار او در قالب غزل است. اثر چاپ شده‌ی وی: «علم الاخلاق».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شاعران کرمان (۱۸۴ -۱۸۲)، ستارگان کرمان (۱۴۶ -۱۴۲)، مولفین کتب چاپی (۸۳۱ -۸۳۰ /۳).

ثابت هروی، علی‌اکبر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۰۵/۱۰۰۵ ق)، نویسنده و شاعر. معروف به ثابت‌خان. وی در هندوستان ساکن بود و از امراء همایون و اکبر پادشاه بود. گویا مردم آن دیار اذیتها و آزارها دید. به قول صاحب «تذکره‌ی روز روشن» کتابی در صرف داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۶۰ -۱۵۹)، الذریعه (۱۸۲/۹).

ثابتای کاشی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، واقعه‌نویس و شاعر. طبعش خالی از لطف نبوده و طرزش به شعرای هندوستان شبیه بوده است. وی مدتی در خدمت عباس قلی‌خان، حاکم هرات، واقعه‌نویس بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۷۱)، الذریعه (۱۸۲ -۱۸۱ /۹)، صبح گلشن (۹۶)، فرهنگ سخنوران (۱۹۸)، گلزار جاویدان (۲۹۳/۱).

ثابتی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی بن العالم الجلیل آخوند ملا محمدتقی ثابتی از فضلاء بارع قم و علماء ائمه جماعت معاصر همدان است.

وی در قریه و هنده متولد شده و در کودکی پدر را از دست داده و در تحت تربیت و پرورش برادر جلیل‌القدر خود نشو و نما نموده و پس از فراگرفتن مقدمات و سطوح اولیه به قم مهاجرت و سطوح نهائی از مدرسین بزرگ حوزه چون آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی مدظله و آیت‌اللّه العظمی امام خمینی و گلپایگانی و دیگران به پایان رسانیده و چند سالی از خارج فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّه العظمی حجت کوه‌کمره‌ای و بالاخص مرحوم مبرور آیت‌اللّه العظمی بروجردی بالغ پانزده سال استفاده نموده و پس از فوت آن مرحوم به همدان رحل اقامت افکنده و به خدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و ارشاد مردم و تدریس سطوح فقه و اصول و غیره تا حال حاضر اشتغال دارد.

نگارنده گوید مترجم گرامی ما مانند برادر بزرگوارش به تقوا و ورع و متانت موصوف و دارای محامد آداب و محاسن اخلاق می‌باشد (و مذرایته و عرفته مارایت منه الا جمیلا) آری از آن پدر متقی برادر سازنده و مربی لایق برجسته‌ای انتظار این گونه فرزند صالح و فاضل و برومندی می‌رود ادام اللّه توفیقه و عزه .

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

ثابتی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی ثابتی

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت الله علی ثابتی در سال ۱۳۰۸ هجری شمسی برابر با سال ۱۳۴۸ هجری قمری در همدان در میان خانواده‌ای متدین و دوستدار خاندان پاک پیامبر(ص) به دنیا آمد. پدرش حضرت آیت الله میرزا محمد همدانی از علمای معروف همدان بود که خدمات بسیاری را در همدان انجام داد وی در زمان مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری سالها در قم به تدریس اشتغال داشته از شاگردان طراز اول آن مرحوم به شمار می‌رفت بعد از درگذشت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری ایشان به همدان عزیمت کرده و در سال ۱۳۲۴ هجری شمسی برابر با محرم سال ۱۳۶۵ هجری قمری دار فانی را وداع گفت. استاد ثابتی در سن هفت سالگی تحصیلات خود را آغاز کرد. او در آغاز به دبستان رفت و در سال ۱۳۲۰ موفق به اتمام آن شد. پس از آن به کسب دروس دینی رو آورد و دروس مقدمات را در خدمت پدر بزرگوارش آغاز کرد؛ اما پس از مدتی پدرش به رحمت پروردگار شتافت و او ناگزیر به حوزه علمیه قم رو آورد تا در آنجا در محضر عالمان و استادان فرهیخته بهرهٔ بسیار ببرد. او در سال ۱۳۲۵ برابر با سال ۱۳۶۶ هجری قمری به قم آمد و ضمن اتمام باقیماندهٔ دروس دورهٔ مقدمات، به تحصیل دوره سطح رو آورد. پس از آن به درس خارج آیات عظام و علمای اعلام دورهٔ خود راه یافت و سالها از محضر علم و عمل آنان بهره‌مند شد. او در طی این سال‌ها از تحصیل اخلاق اسلامی و شرکت در درسهای اخلاق نیز غافل نماند و در کنار فراگیری فقه و اصول به تحصیل علوم فلسفی نیز مبادرت ورزید. آیت الله ثابتی در سالهای تحصیل خود به محضر عالمان بسیاری شرفیاب شد. او که جامع المقدمات و بخشی از سیوطی را نزد پدر فرا گرفته بود، در قم در درس مطول آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی شرکت کرد و معالم را نزد او و نیز آیت الله العظمی مکارم شیرازی و امام موسی صدر آموخت. او بخشی از لمعهٔ را نزد شهید آیت الله صدوقی(ره) و بخش دیگر آن و نیز رسائل و مکاسب را نزد آیت الله مشکینی و کفایهٔ را نزد آیت الله میرزا محمد مجاهدی(ره) فرا گرفت. با پایان یافتن دروس سطح به درس خارج آیات عظام بروجردی(ره)، امام خمینی(ره)، گلپایگانی(ره) و اراکی ـ رحمهٔ الله علیهم ـ راه یافت و سالهای متمادی از محضر آنان استفاده کرد. همچنین در بخش علوم عقلی، در درس شرح منظومه و شرح اشارات آیت الله منتظری شرکت جست. آیت الله ثابتی در سالهای تحصیل خود با طلاب و فضلای بسیاری رابطه دوستی داشت و دروس پیش آموخته را مباحثه می‌کرد که از جمله آنان می‌توان به آقایان آیت الله نیری و آیت الله عراقچی اشاره کرد. آیت الله ثابتی در سالهای عمر خود تا به امروز، در عرصه علم و فرهنگ خدمات بسیاری از خود برجای نهاده است. از جمله آنها سفرهای تبلیغی به مناطق گوناگون، عضویت در شواری استفتائات دفتر آیت الله العظمی گلپایگانی(ره)، تدوین کتاب مجمع المسائل (حاوی استفتائات آن مرجع تقلید) و عضویت در شورای استفتائات آیت الله العظمی صافی گلپایگانی(ره) است. همچنین وی سالها به تدریس کتب دورهٔ مقدمات و سطح اشتغال داشته و از این رهگذر، طلاب بسیاری را در مکتب تشیع تربیت کرده است. فعالیتهای سیاسی آیت الله ثابتی در پیش و پس از انقلاب در فعالیتهای سیاسی حضور داشته است. او بارها به افشای ماهیت رژیم طاغوت در شهرهای گوناگون پرداخت همچنین وی از کسانی بود که به دیدار تبعید شدگان در مناطق گوناگون کشور می‌رفت؛ از جمله آ نها، سفر به ایرانشهر و دیدار با رهبر معظم انقلاب که در آن روزگار در تبعید به سر می‌بردند، بود. آیت الله ثابتی هم اکنون در قم حضور دارد و از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است.

ثابتی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد بن العالم الزاهد المتقی آخوند ملامحمدتقی ثابتی همدانی از اکابر علماء و اعاظم اساتید و مفاخر مدرسین حوزه علمیه قم و مشاهیر دانشمندان معاصر همدان بوده‌اند.

وی در سال ۱۳۱۵ ق در قریه (وهنده) دوازده فرسخی همدان متولد شده و در سن ۷ سالگی در خدمت پدر خود به تحصیل علوم پرداخته و با داشتن استعداد فوق‌العاده در مدت چهل روز قرآن را ختم و تا حدود قوانین را از محضر ایشان استفاده نموده و برای ادامه تحصیل به همدان آمده و نزد مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ علی گنبدی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ علی دامغانی درس خوانده و پس از آن به تهران مسافرت و در مدرسه سید نصرالدین (واقع در خیابان خیام) اقامت و نزد مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ علی مدرس و مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حاج شیخ عبدالنبی نوری تلمذ نموده. و معقول را از حاج ملا محمد هیدجی (معروف به حاج آخوند) استفاده نموده و در سال ۱۳۴۱ ق به ولایت خود برگشته و از آنجا مهاجرت به قم نموده و از محضر و دروس آیت‌اللّٰه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری استفاده نموده تا جائی که یکی از بزرگترین شاگردان آن مرحوم به شمار آمده و خود به تدریس سطوح

عالی (وسائل و مکاسب و کفایه) پرداخته و بسیار از فضـلاء آن روز که از مراجع و دانشمندان معاصر قم و شهرهای دیگر ایرانند از بحث و درس ایشان استفاده نموده‌اند.

آن مرحوم به واسطه داشتن فضـل و تقوا مورد توجه مخصوص آیت‌اللّه حـایری بودنـد و گاهی در غیاب آن مرحوم به جای ایشان نیابت و اقامه جماعت نموده و وجوه اهل علم و دیگران در نمازش شـرکت می‌کردند تا سال ۱۳۵۶ ق که بنابر تقاضا و دعوت مردم همـدان به آنجا منتقل و در مسـجد جامعه امامت نموده و مورد توجه و اقبال اهالی واقع شدنـد تا سال ۱۳۶۴ ق که مسـافرت به قم و مشـهد نموده و در این سـفر چنـدین بار از حضـرت آیت‌اللّه العظمی بروجردی ملاقات و مباحثه نموده و توجه آن مرحوم را به خود جلب که پس از مراجعت از مشـهد آیت‌اللّه بروجردی نـامه‌ای برای ایشـان مرقـوم که (به نظر من توقف و اقـامت شـما در قم اصـلح است).

بعد از وصول نامه مرحوم بروجردی، بنا را بر حرکت به سوی قم گذاردند لکن اجل مهلتش نداده و در جمعه ۲۲ محرم ۱۳۶۵ ق در سن پنجاه و یک سالگی پس از انجام غسل جمعه و خواندن سوره (والصافات) و فرستادن پانصد صلوات که معمول هر روزشان بود از دنیـا رفته و جنـازه ایشـان بـا تجلیـل بسـیار حمل به قم و از مسـجد امام با شـرکت عموم مراجع و اهل علم حوزه و شهرسـتان قم و طبقـات دیگر تشـییع و بعـد از طواف حرم مطهر در قبرسـتان مرحوم حاج شـیخ حائری در مقبره خصوصـی مـدفون و تا چنـد روز از طرف زعماء حوزه مجالس ختم منعقد و مرحوم اشراقی واعظ بزرگ در پیرامون شخصیت ایشان داد سخن می‌دادند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

ثابتی، مؤید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدعلی مؤید ثابتی متخلص به «مؤید» فرزند سید حسین نایب‌التولیه آستان قدس رضوی بود که در سال ۱۲۸۱ خورشیدی دیده به جهان باز کرد. وی چند بار هم به سمت نمایندگی مجلس شواری ملی و سنا از استان خراسان انتخاب گردید.

«پیام بهاری»

نوبهاری خوش و زیباست بیا
فصل باغ و گل و صحراست بیا
باغ اینک چه مصفاست ببین
چمن امروز چه زیباست بیا
ابر شد ساقی و می رشحه‌ی او
سرخ گل ساغر صهباست بیا
هر طرف گوش فراداری از هر سوی باغ
نغمه مرغ خوش آوازست بیا
ای صبا رو، تو بآن ماه بگو:
که مرا با تو سخن‌هاست بیا
همه جمعند بهم بلبل و گل
عاشق زار تو تنهاست بیا
هر چی می‌خواهی تو ز اسباب نشاط
از برای تو مهیاست بیا
ساز و آواز و می و مطرب و گل
شادی و خرمی اینجاست بیا
هر کجا درنگری از در و دشت
فرشی افکنده ز دیباست بیا
گریه ابر و شکرخنده‌ی گل
همه از بهر دل ماست بیا
چون ستاره بدرخشد نرگس،
یاسمن عقد ثریاست بیا
سرخ گل تازه عروسی است بتخت
تا ببینی که چه زیباست بیا
باغ از نسترن و یاس سپید
چهره از بهر تو آراست بیا
از صدای خوش بلبل همه شب
در چمن غلغله برپاست بیا
لاله در باغ صراحی در دست

حالیا منتظر ماست بیا

ابر لغزنده چو کشتی در آب

آسمان پهنه دریاست بیا

آبدان آینه و چهره‌ی گل

اندر آن آینه پیداست بیا

بهره از نعمت امروز ببر

چه غم از زحمت فرداست بیا

خود تو دانی که مؤید برخت

واله و عاشق و شیداست بیا

«امشب»

جانا نداری خبر از حال ما امشب

جانم از غم بسوخت ای بی‌وفا امشب

کردی دوری ز من رفتی کجا امشب

دل شده از غم تباه سینه پر از سوز و آه

بنگر فراق تو کرد با ما چه‌ها امشب

مهجور از او رنجور از او، دین و دل دور از او شد بینوا امشب

بی‌رخ جانانم، نالان و گریانم، تازان امید جانم، ماندم جدا امشب

از نور مه فضای گلشن شد همچو روز روشن

بلبل گرفته گل را دامن هر دم بسوی بستان

آرد پیام از بستان باد صبا امشب

بازآ جانا، تا شود از فیض حسنت، بهار و گل طرب‌افزا

چمن ز رویت چنان خواهد شد که رشک باغ چنان خواهد

آرام جانم کجاست

سرو روانم کجاست

کز مقدمش بزم ما

یابد صفا امشب

«جلوه‌ی دوست»

سال‌ها خانه‌ی من جلوه‌گه روی تو بود

منظر دیده‌ی من طاق دو ابروی تو بود

جان من جرعه‌کش جام عقیقش لبت

دل من شیفته لعل سخنگوی تو بود

از حضور تو نمی‌رفت دلم جای دگر

که فروبسته آن طره گیسوی تو بود

جان سرکش که دمی در برم آرام نداشت

روز و شب معتکف خاک سر کوی تو بود

هر کجا رفتم و هر سو که سفر کردم من

باز، ای قبله‌ی جان روی دلم سوی تو بود

این همه فیض که من یافتم از عالم قدس

همه در پرتو عشق رخ دلجوی تو بود

دوش از بهر تماشا به گلستان رفتم

در سراپرده‌ی گل نزهت مشکوی تو بود

محفلی ساخته بودند عروسان چمن

سخن آنجا همه از رنگ تو و بوی تو بود

گر مؤید دل و دین را همه در راه تو داد

عاشق روی تو و شیفته‌ی خوی تو بود

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

ثاراللهی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا محمد ثاراللهی همدانی- که از دانشمندان موصوف به دیانت و تقوا و مروجین معروف به صفا و دانش است در سال ۱۳۲۱ ق در یکی از قراء همدان تولد یافته و در خاندان زهد و تقوا تربیت شده و مقدمات فارسی و عربی را در مکتب خانه آن قریه خدمت میرزا علی‌اکبر عالم آنجا آموخته و در سال ۱۳۳۹ ق به عراق سلطان‌آباد مسافرت و به ادامه تحصیل پرداخته و پس از انتقال مرحوم آیت‌الله حایری به قم ایشان هم در سال ۱۳۴۰ به قم آمده و سطوح را خدمت آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی و آیت‌الله گلپایگانی و مرحوم آیت‌الله یثربی کاشانی خوانده و به درس مرحوم آیت‌الله حایری حاضر و از فقه و احوال آن مرحوم استفاده و پس از فوت ایشان به تبلیغ دین و ترویج احکام و مبارزه با فرقه ضاله نموده و چندی هم مرحوم آیت‌الله بروجردی برای تبلیغ و ارشاد مردم به کردستان و نقاط دیگر رفته و خدمات عالی انجام داده و مورد توجه آیت‌الله گردیده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ثاری رشتی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۳ ش)، شاعر، تخلص به ثاری. تحصیلات معمول زمان خود را در رشت به پایان برد و از محضر پدرش نیز بهره گرفت. ثاری بعد از اتمام تحصیل، در اداره‌ی دارایی گیلان به خدمت مشغول شد و در سال ۱۳۳۷ ش بازنشسته گردید. وی از آن پس به سرودن شعر و تالیف کتاب پرداخت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی خوان نعمت (۸۴ -۸۱).

ثاقب اصفهانی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۰/۱۳۶۵ -۱۲۸۵ ق)، شاعر. ملقب به ثاقب. از اهالی لاو از بلوک سمیرم، بود. اسلافش همه از افاضل و برخی از ایشان منصب قاضی عسکر داشتند. ثاقب از شاعران و استادان فن ادب در اصفهان بود که در عموم انجمن‌های ادبی حاضر می‌شد، و در انجمن ادبی شیدا از استادان مسلم به شمار می‌رفت. وی در یکی از اطاقهای تکیه تویسرکانی اصفهان به خاک سپرده شد. اثر او: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۱۴۶)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۳۵ -۱۳۴)، فرهنگ سخنوران (۱۹۸).

ثاقب اصفهانی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۵۸ ق)، نویسنده و شاعر. وی عموی تاج‌الشعرا، شهاب، است. ثاقب به امر فتحعلی شاه به نگارش «تاریخ جهان‌آرا» پرداخت. گمان می‌رود که او «دوازده بند» محتشم کاشانی را مخمس کرده است. قصایدی از او در کتاب «مدایح معتمدیه» آورده شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۳۵۲ -۱/ ۳۵۱)، الذریعه (۱۸۳ ،۱۸۲ /۹ ،۲۷۰ -۲۶۹ /۸)، فرهنگ سخنوران (۱۹۸).

ثاقب شیرازی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۰ ش)، خطاط و شاعر متخلص به ثاقب. ثاقب در کودکی با پدر از شیراز به تهران آمد و مقدمات علوم را آموخت. پس از مرگ پدر به شیراز بازگشت، و تحت توجه میرزا قاسم‌خان آصف‌الملک شیرازی، قرار گرفت. وی چهار سال از محضر درس سید یعقوب انوار اردکانی استفاده کرد، و مقدمات عربی را از صرف و نحو و معانی و بیان آموخت. ثاقب مدتی سمت منشیگری شهرداری شیراز را داشت و در سال ۱۳۱۰ ش به تهران آمد و مدیر دبیرخانه بانک سپه شد، و تا سال ۱۳۳۸ ش در این سمت باقی ماند. در سال ۱۳۱۲ ش وارد سلسله‌ی صفائیه نعمت‌اللهی شد که قطب آن حاج میرزا حسن صفی علیشاه اصفهانی بود. ثاقب خط نستعلیق را از میرزا محمد خوشنویس فراگرفت. و از شمار خوشنویسان شد. آثار وی: «تذکره السلاطین»؛ «جامع المقطعات و الحکایات»؛ «اسرار العاشقین»؛ «مجمع القصائد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۱ -۷۴ /۲)، فرهنگ سخنوران (۱۹۹ -۱۹۸)، گلزار جاویدان (۲۹۴/۱).

ثاقب کرمانی، زین‌العابدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۷۲/۱۲۷۱ ق)، طبیب و شاعر. پدرش از حکما و اطبای معروف عصر خود بود که اواخر عمر به مشهد رفت، و زین‌العابدین در آنجا متولد گردید. بعد از آنکه از مشهد به کرمان بازگشتند، ثاقب نزدیک سی سال در کرمان به تحصیل علوم پرداخت سپس به یزد رفت و در آنجا مشغول تحصیل انواع علوم، به ویژه طب شد، و مدت چهل و پنج سال در آن دیار بود. وی در سرودن انواع شعر مهارت داشت. در اواخر عمر به اصرار دوستان، به تدوین «دیوان» اشعارش پرداخت، و قریب چهارهزار بیت از قصاید و غزلیات و مثنویات را جمع‌آوری کرد، که اکثر آنها مشتمل بر معارف و توحید و مدایح ائمه‌اطهار (ع) است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۳۵۷ -۳۵۲ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۹۹).

ثاقب مدراسی، مهدی حسینی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۲۳ ق)، خطاط و شاعر. از سادات حسینی مدارس و برادر سید مرتضی بینش بود که اجدادش از مشهد خراسان به جنوب هندوستان سفر کردند. خود وی به حیدرآباد رفت و با شاعران آن دیار محشور شد. ثاقب هفت قلم را حوش می‌نوشت و شعر نیز می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۲۶/۳)، الذریعه (۱۸۳/۹)، صبح گلشن (۹۸)، نتایج الافکار (۱۳۹ -۱۳۸).

ثانی بید آبادی، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج سید اسداللّه بن حاج سید محمّد باقر شفتی. از علمای کاملین، و ادبا و شعرا و فضلا و علمای اخیار، معروف به حاج آقا. با پدر خود از اصفهان به نجف مهاجرت نموده، و سالها در نزد اساتید آنجا تحصیل نموده، و پس از فوت عمّ بزرگوار خود (۱۳۲۰) به ایران مهاجرت نموده، و مورد توجّه عموم طبقات بالاخص اهالی بید آباد قرار گرفته، و منشأ خدماتی شایان در مسجد سید قرار گرفته که از آن جمله است: تهیّه ی ضریح فولادی جهت قبر مرحوم سیّد حجهٔ الاسلام و نصب آن در تاریخ ۱۳۲۲، و دیگر تهیه ی ساعت که در قسمت قبله ی مسجد نصب گردیده است.

در نقباء البشر (: ۱۹۵) فرماید: در جریانات مشروطیّت ایران به نجف مراجعت نموده، و در سال ۱۳۲۳ مجدّداً به اصرار مردم به اصفهان معاودت کرده، مورد احترام و اکرام قرار گرفته، پس از شش ماه در سوّم رمضان ۱۳۳۳ وفات یافته، در مقبره جدّ خویش مدفون گردید.

در کتاب معجم رجال الفکر و الادب (: ۳۵) درباره ی او فرماید: عالم فاضل ادیب جلیل شاعر رقیق الطبع، له شعر، کثیر، منه:

یابن عمّ النبیّ ایّ معالٍ

لک فی ارفع المدائح تذکر

در کتاب شعراء الغری در دو محل نامی از او برده شده، یکی به نام حاج آقا، و دوّم: سید باقر. همچنین در اعیان الشیعه، و در الحصون الشیعه و دیگر کتب از او به احترام نام برده شده، طالبین مراجعه فرمایند.

اشعار کتیبه‌های شمالی مسجد سید (پشت بقعه ی سید و قرینه ی آن) از مرحوم حاج میرزا فتح اللّه میر محمّد صادقی فرزند میرزا کوچک است، وی ادیب فاضل شاعر ماهر بوده، به فارسی و عربی شعر می‌سروده، اشعار مادّه تاریخ فوت آقا میرزا محمّد باقر چهارسوقی نیز از اوست.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ثانی بیدآبادی، اسداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۰ -۱۲۲۷ ق)، عالم دینی. وی در مجله‌ی بیدآباد اصفهان متولد شد و در محضر پدرش تربیت یافت و چون از مقدمات فراغت یافت نزد پدر و دیگر عالمان اصفهان به تحصیل علوم پرداخت تا اینکه عازم نجف شد و در آنجا در محضر صاحب «جواهر» و دیگران به تلمذ پرداخت و به مقامات عالیه‌ی علم و عمل رسید. پس از آن به اصفهان بازگشت و در آن شهر به تدریس و امامت پرداخت و پس از مرگ پدر مرجعیت تامه یافت. پس از آن به اصفهان بازگشت و در آن شهر به تدریس و امامت پرداخت و پس از مرگ پدر مرجعیت تامه یافت. پس از مدتی به عتبات رفت و مدرسه‌ی سهله را تعمیر کرد و برای آوردن آب فرات به نجف اقدام کرد. وی در حسن خط و سرودن شعر نیز بهره‌ی کافی داشت. حاج سید اسداللّه از پدرش و حاج میرزا حسین بن میرزا خلیل از او روایت می‌کرد. وی را پس از مرگ مقابل قبر شیخ مرتضی نصاری دفن کردند. از آثار وی: کتابی در رجال؛ شرح «زیارت عاشورا»؛ «منتخب المناقب»؛ «مناسک حج»، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار ملی اصفهان (۱۹۲)، تذکره القبور (۱۲۷)، الذریعه (۷۵/۱۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۶ -۱۲۴ /۱۳)، المآثر و الاثار (۱۸۴، ۱۳۹)، مکارم الاثار (۸۳۸ -۸۳۶ /۳)، نامها و نامدارهای گیلان (۴۲ -۴۱).

ثانی تکلو، حسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۶۷ ق)، شاعر. وی به هند رفت و در جوانی درگذشت. از اوست:

چو آدمی به جهان نیست، دل به مهر که بندم

کسی ز صفحه‌ی خالی چه انتخاب نماید؟

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۲۹۵)، فرهنگ سخنوران (۱۹۹)، کاروان هند (۲۵۷ -۲۵۶ /۱).

ثانی گیلانی اصفهانی، زاهد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، و شاعر ادیب عارف، از اعقاب شیخ زاهد گیلانی عارف مشهور است. از شاگردان آخوند ملا علی نوری بوده، پس از تحصیل علوم ظاهر خدمت حسین علی شاه رسیده.

در سال ۱۲۲۲ در سفر حج در کاظمین وفات یافته. از اشعار اوست:

عمری به در مدرسه‌ها بنشستیم

با اهل ریا و کبر و کین پیوستیم

از یک نظر عاشق رندی آخر

هم از خود و هم ز غیر خود وارستیم

سلسله‌ی ایشان به سلسله‌ی مشایخ بیدآباد معروفند، و جمعی کثیر عالم و فاضل در بین آنها بوده، و عده‌ای از آنها به مقام قضاوت این شهر رسیده‌اند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ثانی هروی، علی‌اکبر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۵ ق)، شاعر. معروف به ثانی‌خان. از شاعران سده‌ی دهم هجری است که در سرودن غزل توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۸۴ -۱۸۳ /۹)، صبح گلشن (۹۹ -۹۸)، لغت‌نامه (ذیل/ ثانی‌خان)، هفت اقلیم (۴۷۱/۱).

ثبوتی، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد از دانشگاه تورنتو در سال ۱۳۳۹، دکترای فیزیک از دانشگاه شیکاگو در سال ۱۳۴۳.

مرتبه علمی:

طی مراحل استادیاری، دانشیاری و ارتقاء به درجه استادی دانشگاه شیراز از سال ۱۳۴۳ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مؤسس رصدخانه ابوریحان بیرونی شیراز، مبتکر برنامه‌های کارشناسی ارشد و دکترای فیزیک در دانشگاه شیراز، مبتکر و مؤسس مرکز تحصیلات تکمیلی در علوم پایه زنجان، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۴۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

نجوم و مکانیک آماری.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴۵

زمینه علمی مقالات:

نوسانات ستاره‌ها و اجرام سماوی، مکانیک آماری عدم تعادل و مکانیک آماری کوانتومی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ثریا تهرانی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر. در تهران متولد شد و در دارالفنون به تحصیل پرداخت. در همان اوان، پدرش از طرف کامران میرزای نایب‌السلطنه به کلانتری شهر منصوب شد، ثریا بعد از پدر به کدخدایی تهران برگزیده شد. اثر وی «دیوان» اشعار است، در سه هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۲۰۰)، گلزار جاویدان (۲۹۶/۱).

ثریا شیرازی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. مادرش فرزندزاده‌ی میرزا محمدعلی گلشن بود. میرزا محمد طبع شعر را هم از طریق وراثت و هم بطور اکتسابی داشته است. وی جوانی با اخلاق و مودب، با ذوق و به حکمت و معرفت مایل بوده است. از اوست:

ای مرغ جان به بند تنی چند مبتلا

این بند بگسل از خود و زین دام شو رها

تو آفتاب روشنی اندر زمین مپوی

تو شاهباز گلشنی اندر قفس چرا؟

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۳۶۰-۱/۳۵۹).

ثریا کرمانشاهانی، حیدرعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به ثریا. ملقب به مجدالادبا. از شاعران عهد ناصرالدین شاه بود. در کرمانشاه متولد شد، پس از پایان تحصیلات به تهران آمد و در محضر حاج سید صادق طباطبایی به نگارش اشتغال یافت. ثریا مدتی معلم فرح‌السلطنه، دختر شاه بود. وی در گفتن ماده تاریخ مهارت داشت. قصایدی که درباره‌ی ائمه اطهار (ع) گفته به نام «خیر الکلام فی مدائح الاکرام» مدون شده است. از خطوط وی: رساله‌ای در احوال امامزاده‌ها، تالیف سید محمدصادق، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «... سنه‌ی ۱۲۹۶... حیدرعلی محرر شرعیات، المتخلص بالثریا مسوده نمود...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۷۳/۱)، الذریعه (۹۶۰، ۱۸۴ /۹، ۲۸۵، ۲۸۴– ۷/)، ریحانه (۱۸۴/۵)، فرهنگ سخنوران (۲۰۰)، المآثر و الآثار (۲۲۶ –۲۲۵).

ثعلبی، ابواسحاق، احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۳۷/۴۲۷/۴۲۶ ق)، قاری، مفسر، حافظ، مورخ، فقیه، ادیب و محدث. از اهالی نیشابور بود. وی از ابوطاهر بن خزیمه و ابوبکر بن مهران مقری و ابومحمد مخلدی و همطبقه‌ی آنان روایت کرده است. استادان بسیار دیده و احادیث بسیار شنیده است. ابوالحسن واحدی تفسیر را از او روایت کرده است. در علم قرآن او را یگانه‌ی زمان خود می‌دانستند. از آثار وی: «عرایس المجالس فی قصص الانبیاء»؛ «الکشف و البیان فی تفسیر القرآن» معروف به «تفسیر کبیر» یا «تفسیر ثعلبی»؛ «تاج العرایس»؛ «ربیع المذکرین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۶ –۲۰۵ /۱)، دایره‌المعارف فارسی (۷۱۳/۱)، الذریعه (۶۷ –۶۶ /۱۸، ۲۴۳، ۲۴۲– ۱۵/)، روضات الجنات (۲۵۷ –۲۵۵ /۱)، ریحانه (۳۶۸ –۳۶۷ /۱)، سیرالنبلاء (۴۳۷ –۴۳۵ /۱۷)، کشف الظنون (۱۴۹۶، ۱۱۳۱)، الکنی و الالقاب (۱۳۱/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (۳۸ –۳۶ /۵)، الوافی بالوفیات (۳۰۸ –۳۰۷ /۷)، وفیات الاعیان (۸۰ –۷۹ /۱)، هدیه العارفین (۷۵/۱).

ثقهٔ الاسلام، عبدالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن سید محسن بن میر محمّد باقر بن میر سید علی مدرس میر محمّد صادقی. عالم جلیل، در ۱۲ ربیع الثانی سال ۱۲۸۵ در اصفهان متولّد گردیده، مقدّمات علوم را در اصفهان نزد علمای این شهر آموخته، در سنّ هیجده سالگی به عتبات عالیات جهت تکمیل تحصیلات مهاجرت نموده، در آن ارض اقدس مدّتی نزد جمعی از دانشمندان تلمّذ نموده که از آن جمله است: میرزا محمّد علی رشتی، و میرزا محمد حسن شیرازی، و حاج میرزا حبیب اللّه رشتی، و آقا سید محمد کاظم یزدی، و قسمت عمده تحصیلات او نزد آخوند خراسانی بوده، و از خواصّ آن مرحوم به شمار می‌آمده، و در ۱۲۳۰ به ایران معاودت نموده، به درس و بحث و اقامه جماعت اشتغال جسته.

سرانجام در قبل از ظهر روز ۶ ماه صفر سال ۱۳۸۲ وفات یافته، در تخت فولاد درتکیه میر محمّد صادقیها جنب تکیه ملک مدفون گردید.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱– ارشاد المسلمین، در نسب نامه خود. و در این کتاب از او استفاده شده است ۲– انیس العارفین، در احوال برزخ و جنّت و نار، مطبوع ۳– تقریرات اصولّیه اساتیدش ۴– حاشیه بر طهارت شیخ ۵– خلاصهٔ الاصول، از محبث الفاظ تا محبث تعادل و تراجیح ۶– رساله در اصول دین ۷– رساله در لباس مشکوک ۸– رساله در تقلید اعلم ۹– رساله در عدالت ۱۰– رساله در قاعده من ملک شیئاً ۱۱– رساله در قاعده میسور ۱۲– رساله در وضو، طبق رساله شیخ اسماعیل مقرّی که تمام سطرها اگر خوانده شود مسأله وضو است، و کلمات اوّل سطرهای هر صفحه غرض از تألیف است، و کلمات وسط سطرها اگر جمع شود مسأله لغز است، و کلمات آخر سطرها بیان ذکر دعایی است به جهت علاج جراحات ۱۳– رساله‌ای در طرق روایت خود و اجازه آنها به فرزندش فاضل بزرگوار آقا سید محمّد کاظم ۱۶– کتابی در مجازاتهای معاصی (حدود و دیات و تعزیزات) ۱۵– مبک المؤمنین ۱۶– مشکول، مانند کشکول ۱۷– مقتصر المقال، در علم رجال ۱۸– نور الایمان، ردّ بر بابیّه؛ و رسائل عدیده دیگر.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ثقهٔ الواعظین، اسدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل و ادیب و شاعر، و از محترمین اهل منبر اصفهان به شمار می‌رفت. کتب و رسائل چندی تألیف نموده و آنها را در پشت جزوه های که در ترجمه و شرح حدیث کساء نوشته و به طبع رسانیده نام برده است:

۱– آثار باقریّه ۲– بغیهٔ الامجاد فی لغات الاضداد ۳– ترجمه و شرح حدیث کساء، مطبوع ۴– دررالثمین ۵– دیوان السادات ۶– سرور العباد فی صدق المعاد ۷– سلطان المقاتل ۸– کرامهٔ الائمهٔ فی معرفهٔ الائمهٔ ۹– لئالی الصدق و خیر التحف ۱۰– مجمع الاحزان ۱۱– معاجز القرآن ۱۲– المعراجیّهٔ ۱۳– منتخب اللغهٔ؛ و غیره.

در شب شنبه ۲۶ ذی حجّهٔ الحرام سال ۱۳۸۰ وفات یافته، در اطاق پدر مدفون شد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ثقةالاسلام، محمد علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج شیخ محمّد باقر بن شیخ محمّد تقی رازی اصفهانی.

عالم زاهد فقیه مجتهد اصولی، از مشاهیر علما و فقها و مدّرسین اصفهان. مادرش دختر سید صدر الدین عاملی بوده، به دین جهت از طرف پدر و مادر هر دو، نواده شیخ جعفر کبیر است.

در ربیع الاول سال ۱۲۷۱ در اصفهان متولّد شده، و در اصفهان و نجف نزد: پدر بزرگوار خود، و آقا شیخ مهدی نجفی، وحاج میرزا حبیب اللّٰه رشتی، و میرزای بزرگ شیرازی، و شیخ راضی نجفی تحصیل نموده تا به مقامات عالیه اجتهاد نایل شده، در اصفهان به درس و بحث و اقامه جماعت و تدریس پرداخته.

سرانجام در روز ۳ شنبه چهارم شعبان المعظم سال ۱۳۱۸ وفات یافته، در نجف اشرف در جنب برادر خود آقا شیخ محمّد حسین مدفون گردید.

در تاریخ اصفهان و ری (:۳۳۵) درباره او گوید: عقل اکمل آقایان مسجد شاه بوده، و به کارهای خوب اقدام نمود، یکی: دادن سالی هزار تومان به دولت، عوض مالیات قهوه خانه‌های اصفهان و بستن آن انجمن مفاسد و کارخانه اتلاف مال و جان و حال و وقت و شرافت و آسایش مردم را. دوّم: جلوگیری از خیالات سطحی برادرش آقای حاج شیخ نور اللّٰه.

تاریخ فوتش «ثقة الاسلام آوی بالجنان» است.

دیگر از آثار او احداث مدرسه‌ای به نام خودش در محّله حسن آباد اصفهان که ظاهراً محلّ مدرسه ساروتقی بوده و در طول زمان خراب شده، ایشان در سال ۱۳۱۷ تجدید بنا کردند.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- حواشی بر کتاب ارشاد الاذهان، که آن را فرزندش حاج شیخ مهدی به دستور او ترجمه کرده و وی حاشیه کرده است ۲- رساله در آداب نماز شب و استخاره، مطبوع ۳- رساله در اصول دین، مطبوع ۴- کتابی در معاصی کبیره، مطبوع ۵- کتابی در ولایت به عربی ۶- رساله عملیّه که در آن هزار مسأله از مسائل نماز را ذکر فرموده است. ۷- مناسک حج؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ثقفی نژاد، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد ثقفی نژاد

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد ثقفی متولد ۱۳۲۳، تبریز، دارای شماره ۴، در یک خانواده مذهبی چشم به جهان گشود. پدرم سلاله الاطیاب آقای سید علی‌اصغر ثقفی مردی متدین و کاسب کار بود. پس از اتمام دوره مدرسه ابتدایی، در سال ۱۳۳۵ وارد مدرسه طالبیه تبریزی تبریز شدم و مقدمات علوم عربی و ادبیات فارسی و عربی را شروع کردم. دو کتاب ادبی ارزنده گلستان و کلیله و دمنه را از مرحوم آقای حاج میرزا علی نمرودی فرا گرفتم و همزمان جامع المقدمات را در صرف و نحو به پایان رساندم. مقداری از معالم الاصول و جلد اول لمعه را در تبریز به پایان بردم و سپس در سال ۱۳۴۱ بعد از وفات مرحوم آیت الله بروجردی و برای تداوم تحصیل عازم حوزه علمیه قم گردیدم.در مدت ۵ سال متون فقه و اصول، رسائل، مکاسب و کفایه را به ترتیب از آیت الله سبحانی، شیخ ابوالفضل علمانی و آیت الله پایانی و آیت الله سید محمدباقر سلطانی به اتمام رساندم. همزمان در درس فلسفه منظومه سبزواری شهید دکتر مفتح حاضر می‌شدم و سپس ادامه فلسفه اسلامی را به ترتیب از آیت الله سبحانی، استاد جوادی آملی، شهید مطهری و آیت الله محمد گیلانی، دنبال کردم.همچنین کلام اسلام، کشف الراء خواجه نصر را از آیت الله آستارائی به پایان رساندم. در علم تفسیر، به تفسیر استاد صالحی نجف آبادی ، آیت الله سبحانی حاضر می‌شدم. آن روزها، در شب‌های جمعه و شنبه، در دبیرستان دین و دانش شهید بهشتی، طلاب قم به کلاس زبان و مکالمه عربی شرکت می‌کردند که من هم به مدت ۹ سال از استاد اسدی دبیر زبان و استاد رخشان فر زبان را تکمیل کردم. سپس به مدت ۶ سال در درس خارج فقه آیت الله شریعتمداری و اصول آیت الله مکارم، حاج آقا مرتضی حائری حاضر می‌شدم.هنگامی که دارالتبلیغ اسلامی افتتاح شد در دوره اول و دوم آن موسسه علمی شرکت کرده و سپس دوره تحصیلات تکمیلی را آغاز کردم. در سال ۱۳۵۶ که در دوره تحصیلات تکمیلی دارالتبلیغ اسلامی حضور داشتم، فرصتی پیش آمد که از طرف موسسه علمی دارالتبلیغ اسلامی که حکم دانشگاه اسلامی را داشت به خارج از ایران، کشور آمریکا، با بورسیه تحصیلی اعزام شدم و وارد دانشگاه تمپل Temple فیلادلفیا شدم و در رشته تطبیق ادیان و جامعه‌شناسی دینی وارد دوره فوق لیسانس شدم. پس از اخذ مدرک، تعدادی از دروس دوره دکتری را می‌گذراندم که مقارن پیروز انقلاب

مواجه بـا مبـارزه سیاسـی جمهوری اسـلامی بـا دولت آمریکـا شـدیم، در نتیجه تحصـیل ناتمام مانـده و به خاطر فعالیتهای سیاسـی ـ اسـلامی ـ ویزای تحصیلی‌ام لغو گردید و به ایران آمدم.در سال ۶۳ که تازه دانشگاه آزاد اسلامی تاسیس شده بود در کنکور دوره دکتری شـرکت جسـتم و به عنوان شاگرد اول کنکور در رشـته تاریخ و تمدن اسـلام، ادامه تحصیل دادم. رساله دکتری خود را زیر عنوان: ساختار اجتماعی ـ سیاسـی دولت مـدینه با درجه بسـیار خوب پـذیرفته شـد. و از تاریـخ به بعد در دانشـگاههای تهران ـ آزاد اراک و تهران مرکز مشـغول تدریس هستم. در حال حاضر، به عنوان استادیار دانشگاه که به دانشیاری تبدیل می‌شود در دوره ارشد و دکتری دانشگاه دروس علوم اجتماعی ـ جامعه شناسی دینی تدریس می‌نمایم و از وضع تحصیل و تدریس خود راضی هستم.

ثقفی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در سال ۱۳۲۳، خانواده ای مؤمن و فرهنگی در قزوین صاحب فرزنـدی خوش یمن شدنـد که به حُب مولایشان امیرمؤمنان، نام علی بر او نهادند. پدر و مادر خانواده هر دو از رهروان آموزش بودند که به فرزندان میهن پاک خود دانش و ادب می آموختند. علی سه سـاله بود که شـمع فروزان وجود مـادر خـاموش و از گرمـای هستی و مهر مـادر محروم شـد؛ و از همان اوان کودکی، دوران تجربه پایداری و شـکیبایی وی آغاز گردید. در سایه حضور پدری آموزگار و دوراندیش، علی دوران تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را با موفقیت پشت سـر گـذاشت و در سال ۱۳۴۱ با دریافت دیپلم ریاضـی از دبیرسـتان محمـد قزوینی فارغ التحصـیل شـد. وی در اولین فرصت ممکن در همان خدمت سـربازی راه پدر و سیره مادر– پیشه معلمی– را پی گرفت و با اسـتفاده از دوره سـپاه دانش، قدم در راهی گـذاشت کـه هیـچ گـاه از آن روی برنگردانـد. دکـتر علی ثقفی در سـال ۱۳۴۵ بـا ورود به مؤسـسه عالی حسابـداری، دوران تحصـیلات تخصصـی و عالی خود را پایه ریزی کرد و به طور همزمان در رشـته حسابداری دانشکده حسابداری شرکت نفت نیز بر آموزه های خود افزود. همزمان با تحصـیل، از سال ۱۳۴۶ در وزارت دارایی وارد حوزه تشـخیص مالیات شد و مدت دو سال کمک ممیز و سه سـال ممیز بود. از سال ۱۳۴۹ تا۱۳۵۱ نیز با تشکیل و اداره مؤسـسه حسابرسی فن پال بر تجارب خود افزود. وی در بهمن سال ۱۳۴۹ موفق به دریافت درجه لیسانس از مؤسسه عالی حسابداری شد و با گذشت دو سال، در سال ۱۳۵۱ برای ادامه تحصیلات عـالی به خارج از کشور رفت. دکتر ثقفی دوره کارشناسـی ارشـد حسابـداری را در سال ۱۳۵۱ در دانشگاه ایالتی ایندیانای آمریکا شروع کرد و در سـال ۱۳۵۳، با معـدل ۸/۱۹ این دوره را پشت سـر گـذاشت. وی بلافاصـله در دوره دکـترای حسابـداری دانشـگاه میسوری کلمبیای آمریکا پـذیرفته شد که به طور همزمان اصول حسابداری ۱ و ۲ و حسابداری صنعتی ۱ و ۲ را نیز در این دانشگاه تـدریس می کرد. پس از دریـافت درجه دکترا (۱۳۵۶) از دانشـگاه میسوری، این دانشـگاه وی را به عنوان اسـتادیار جذب کرد. سه سال نیز در دانشـگاه میسوری با تـدریس دروس حسابرسـی، حسابـداری پیشـرفته و اصول حسابـداری به تعلیم و تربیت پرداخت. در سال ۱۳۵۹ زمانی که تحصـیلکرده ها و غرب دیده ها یارای تحمل مشـکلات میهن خود را نداشـتند و جلای وطن می کردند، وطن پرستی و آموزه هـای جـان بخش پـدر و مـادر، دکتر ثقفی را به وطن کشانـد. و از این زمان است که خـدمات پرقـدرشان آغاز می گردد. دکتر ثقفی به محض ورود، در دانشگاههای شـهید بهشتی، دانشـکده حسابـداری شـرکت نفت و مؤسـسه عـالی بازرگانی به تدریس پرداخت و آموزه های خود را به شاگردان تقدیم کرد. با انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشـگاهها، وارد وزارت بازرگانی شـد و پس از مدتی به سمت معاونت بررسی قیمتها و عضو هیئت مدیره سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولیدکنندگان منصوب شد. تصـمیمات دکتر در این سِـمَت تبعـات اقتصـادی، سیاسـی و اجتمـاعی گونـاگون و گسترده ای به همراه داشت که به همین دلیـل از حساسیت فوق العاده ای برخوردار بود. این دوران طولانی، پرمشغله و طاقت فرسا (۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰) دورانی سخت و همراه با فراز و نشیبهای گونـاگون برای دکتر در عرصه عمـل بود. با این همه، در این دوران نیز فرزنـدان دانشـجوی خود را نیز تنها نگـذاشت و با بازگشایی دانشگاهها در کنار آنان قرار گرفت. دکتر ثقفی در دانشگاههای زیر در سـطوح مختلف کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تدریس کرده است: دانشگاه شهید بهشتی،

دانشگاه تهران،

دانشگاه علامه طباطبایی،

دانشگاه صنعتی شریف،

دانشگاه امام صادق(ع)،

دانشگاه الزهرا(س)،

دانشکده حسابداری شرکت نفت.

گوشه ای از خـدمات دکـتر در دانشگاهها شامـل این موارد است: تـدریس تمـام دروس تخصصـی دوره لیسـانس در دانشـگاههای مختلف،

تقریباً تدریس تمامی دروس تخصصی دوره کارشناسی ارشد،

تدریس نیمی از دروس دوره دکترای حسابداری،

راهنمایی بیش از ۱۰۰ پایان نامه کارشناسی ارشد و ۱۵ پایان نامه دوره دکترا.

در برهه ای که حرفه حسابـداری نیـاز مبرم به تفکر و انـدیشه های نظری داشت، دکتر دوره کارشناسـی ارشـد را در دانشگاه تربیت مـدرس راه انـدازی کرد و مدت ۱۰ سال تلاشـهای ارزشـمندی را با سـرپرستی رشـته حسابداری این دانشگاه به انجام رساند . دوره

کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد نیز با همت ایشان آغاز شد که سه سال سرپرستی این دوره را خود به عهده گرفت. با توجه به مشکلات دانشگاهها و کمبود مدرس و به رغم محدودیتهای گوناگون، دکتر علی ثقفی راه اندازی دوره های دکترای تخصصی حسابداری را در داخل کشور ضروری تشخیص داد و این دوره را ابتدا در دانشگاه تهران و سپس در دانشگاه علامه طباطبایی ایجاد و با تمام وجود سعی کرد که از کیفیت لازم برخوردار باشد. از جمله تلاشهای ارزشمند دکتر ثقفی دعوت از استادان ایرانی خارج از کشور و تشویق آنها به تدریس در دوره های دکترا، بود. ایشان علاوه بر تدریس در دوره های کارشناسی ارشد و دکترا در دانشگاه تهران، مجله بررسیهای حسابداری را برای آموزش قلم زدن به دانشجویان خود و گسترش دانش حسابداری منتشر کرد و به مدت ۵ سال سردبیر آن بود. بسیاری از دانشجویان ایشان از این راه وارد حوزه نگارش مقالات علمی شدند و با تشویق ایشان این مسیر را ادامه دادند. از دکتر علی ثقفی بیش از ۲۰ مقاله در مجله های بررسیهای حسابداری، مطالعات مدیریت، اقتصاد مدیریت، حسابدار و حسابرس به چاپ رسیده است. دکتر ثقفی علاوه بر این، عضویت هیأت تحریریه مجله های مطالعات مدیریت و تحقیقات مالی نیز داراست. دکتر علی ثقفی با سازمان حسابرسی ، همکاری مستمر داشته و مدت ۴ سال مدیر تدوین استانداردهای حسابداری بوده است. نشریه ۱۱۳ سازمان حسابرسی با عنوان مبانی نظری و گزارشگری مالی در ایران، یکی از دستاوردهای ارزشمند مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری وحسابرسی است که با مشارکت ایشان تهیه شده است. دکتر علی ثقفی در سال ۱۳۷۷ عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی شد و همزمان برای بار دیگر مأمور خدمت در سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف کنندگان گردید. مأموریت ایشان تا سال ۱۳۸۰ ادامه داشت. با آغاز به کار جامعه حسابداران رسمی، از سوی شورای عالی این جامعه دکتر علی ثقفی به سمت دبیرکل جامعه منصوب شدند. فهرست مقاله های منتشر شده دکتر علی ثقفی تحلیلی بر تأثیر

رویه های حسابداری در تصمیم گیریهای مدیریت، مجموعه مقالات اولین سمینار حسابداری، زمستان ۱۳۶۸

ماهیت پژوهشهای حسابداری، اقتصاد و مدیریت، ۱۳۶۹

اطلاعات مالی و قیمت سهام، اولین سمینار بورس اوراق بهادار، ۱۳۷۰

مبانی نظری استانداردهای حسابداری بر واحدهای انتفاعی، بررسیهای حسابداری، تابستان ۱۳۷۱

تأثیر روشهای حسابداری در تصمیم گیریهای مدیریت، بررسیهای حسابداری، پاییز ۱۳۷۱

اعتلاء آموزش حسابداری در کشورهای در حال رشد: بررسی مورد ایران، بررسیهای حسابداری، پاییز ۱۳۷۱

Accounting Profession in Iran: Problems and Remedial Startegies، ۱۹۹۲

فرضیه بازار کارا اوراق بهادار و تأثیر آن در حسابداری، حسابرس، تابستان ۱۳۷۲

اقتصاد و حسابداری، دوقولهای ناسازگار، بررسیهای حسابداری، پاییز ۱۳۷۲

حسابداری طرحهای عمرانی غیرانتفاعی، سمینار ذیحسابان مالی، پاییز ۱۳۷۲

موانع توسعه حسابداری در ایران از دیدگاه تئوری، حسابدار، اسفند ۱۳۷۲

Income Information for Decision Making ، بررسیهای حسابداری، پاییز ۱۳۷۲

نرخ بازده سرمایه گذاری: دفتری یا واقعی، مطالعات مدیریت، پاییز ۱۳۷۳

رفتار سود حسابداری، بررسیهای حسابداری، پاییز ۱۳۷۳

Islamic Banking Performance Evaluation and Control ، American Accounting Association Western Regional Meeting، تابستان ۱۳۷۴،۱۹۹۵ May

آزمایش تجربی در مورد نظریه سود تضمین شده برای سرمایه، بررسیهای حسابداری، تابستان و پاییز ۱۳۷۵

کاربرد سیستم کنترل در تجزیه و تحلیل انحرافات بهای تمام شده، بررسیهای حسابداری، زمستان ۱۳۷۵ بهار ۱۳۷۶

جامعیت گزارشهای سالانه و ویژگیهای مالی شرکتهای پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهادار تهران، بررسیهای حسابداری، زمستان ۱۳۷۶

مدیریت استراتژیک و ایده های نوین حسابداری مدیریت، حسابرس، بهار ۱۳۷۷

صورتهای مالی میاندوره ای در بورس اوراق بهادار، حسابرس، زمستان ۱۳۷۷

ضوابط قیمت گذاری کالاها، آوند، آبان ۱۳۷۸

مقدمه ای بر مبانی نظری حسابداری مدیریت، حسابرس، اسفند ۱۳۷۹

در جستجوی واقعیت، حسابدار، اسفند ۸۰

در جستجوی واقعیت، حسابدار، اردیبهشت ۱۳۸۱

ثقفی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۰۵ -۱۳۱۳ ق)، فقیه، مفسر و شاعر امامی. وی در تهران به دنیا آمد و در آن شهر نشو و نما یافت. مقدمات علوم را در خدمت استادانی چون آقامیرزا کوچک، آقا شیخ آقا بزرگ اخوان ساوجیان فراگرفت. در سال ۱۳۴۱ ق رهسپار قم شد و به مجلس درس شیخ عبدالکریم حایری یزدی پیوست. نزدیک هفت سال که در قم بود یک دوره معقول و منقول از سید ابوالحسن رفیعی قزوینی آموخت و چندی نیز از مباحث شیخ محمدرضای اصفهانی مسجد شاهی بهره‌مند شد. وی از دو استادش، حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی و سید ابوالحسن رفیعی اجازه‌ی روایت و اجتهاد داشت. پس از گرفتن اجازه‌ی اجتهاد به تهران بازگشت و تا پایان

زندگی به تالیف کتاب، ارشاد مردم انجام وظایف شرعی پرداخت. چون درگذشت، پیکرش را به مشهد رضوی بردند و در آنجا به خاک سپردند. وی پدر زن امام خمینی (ره) بود. از آثار وی: «تقریرات» بحث نکاح آیت‌الله حایری؛ «غرر العوائد» در حواشی بر «درر الفوائد» آیت‌الله حایری؛ حواشی بر «تقریرات منظومه‌ی» سید ابوالحسن رفیعی؛ «دیوان» اشعار؛ «روان جاوید» در تفسیر «قرآن مجید».[۱]

میرزا محمد بن العلامه المتبحر و البحاثه المتتبع صاحب شفاء الصدور فی شرح زیارهٔ العاشور الحاج میرزا ابوالفضل بن العلامه الکبیر صاحب التقریرات و التألیفات الحاج میرزا ابوالقاسم الکلانتر النوری التهرانی معروف به آیت‌اللّٰه ثقفی از مفاخر علماء معاصر و افاضل فقهاء عصر حاضر و ساکن خیابان پامنار تهرانست که در همان ناحیه بوظائف دینی و روحی و اقامه جماعت و تبلیغات اشتغال دارند.

والد مرحوم ایشان علامه‌ی شهیر حاج میرزا ابوالفضل فرزند عالم محقق حاج میرزا ابوالقاسم تهرانی است که نام نامی آن دو بزرگوار زینت بخش کتب تراجم است در جمادی‌الثانیه سال ۱۳۱۳ ق-ه در تهران ولادت یافته و از بدو عمر اشتغال بتحصیل علوم دینیه داشته مقدمات و ادبیات و سطوح فقه و اصول را غالبا در نزد دو عالم کامل آقا میرزا کوچک و آقا شیخ آقا بزرگ اخوان ساوجیان تاب ثراهما بپایان رسانده و در سنه ۱۳۴۱ ق-ه برای تکمیل مدارج علم به بلده مقدسه قم هجرت نموده و قریب هفت سال در آن شهر اقامت داشته و در این مدت یکدوره معقول را در نزد سید الحکماء و المجتهدین آقای حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی دامت افاداته فراگرفته و جنابش تصدیق کمال ایشان را در علوم عقلیه و نقلیه نموده است و دو دوره اصول خارج و عمده مباحث فقهیه را از بحث رئیس الشیعه مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی رضوان اللّٰه علیه استفاده نموده و حضرتش بخط شریف تصریح بمقام اجتهاد و اعتماد او فرموده و در خلال این احوال چندی از بحث شیخ الفقهاء و المحدثین مرحوم شیخ محمد رضای اصفهانی مسجد شاهی اعلی اللّٰه مقامه مستفیض بوده و از ایشان بتحصیل اجازه عامه بلیغه مشتمل بر سه طریق متصل بامام علیه‌السلام با تصریح به اهلیت فتوی فائز گشته است.

مترجم محترم دارای تألیفات و آثار گرانقدری است که ذیلا از نظرتان میگذرد:

۱- غرر العوائد در حواشی بر درر الفوائد مرحوم حایری.

۲- حواشی بر تقریرات منظومه حاج سید ابوالحسن قزوینی.

۳- رساله در عدم جواز رجوع بحکام جور.

۴- روان جاوید در تفسیر قرآن در ۵ جلد که مطبوع میباشد.

۵- حواشی بر سیوطی.

۶- تقریرات نکاح مرحوم آیت‌اللّٰه حائری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۴۱۹ -۴۱۲ /۴)، مکارم الآثار (۲۰۴۵/۶).

ثقفی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد دکتر محمود ثقفی در سال ۱۳۰۵ خورشیدی در تهران به دنیا آمد.وی پس از اتمام دوره متوسطه در سال ۱۳۲۵ دانشجوی هنرسرایعالی در دانشگاه علم و صنعت ایران شد. در سال ۱۳۲۸ تحصیلات خود را در رشتهٔ مهندسی برق به اتمام رساند .نامبرده در سال ۱۳۳۴ برای ادامهٔ تحصیل عازم فرانسه شد و در ۱۳۳۸ دکترای مکانیک خود را دریافت کرد. وی در سال ۱۳۳۱ به استخدام دانشگاه تهران درآمد .و پس از سالها تدریس، تحقیق، تألیف ، ترجمه و مسافرت به مراکز علمی اروپا و آمریکا و همکاری با استادان این مراکز علمی، به تقاضای شخصی بازنشسته شد.دکتر ثقفی در شهریور ۱۳۷۸ موفق به دریافت لوح تقدیر تحت عنوان « بازنشسته و پیشکسوت نمونه » از ریاست جمهوری گردید.

گروه : فنی و مهندسی

رشته : مهندسی مکانیک

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمود وثوقی در تهران دورهٔ دبستان و دبیرستان را به پایان رساند و در سال ۱۳۲۵ دانشجوی هنرسرایعالی در دانشگاه علم و صنعت ایران شد. در سال ۱۳۲۸ تحصیلات خود را در رشتهٔ مهندسی برق به اتمام رساند .نامبرده در سال ۱۳۳۴ برای ادامهٔ تحصیل عازم فرانسه شد و در ۱۳۳۸ دکترای مکانیک خود را دریافت کرد. دکتر ثقفی در سال ۱۳۵۷ برای مطالعه دربارهٔ انرژی بادی و کاربرد آن در کشاورزی عازم آمریکا شد و پس از یک سال مطالعه در دانشگاه ایالتی آیوا (IOWA) به ایران بازگشت

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : استاد محمود ثقفی در سال ۱۳۲۸ تحصیلات خود را در رشتهٔ مهندسی برق به اتمام رساند و بلافاصله به استخدام شرکت نفت ایران و انگلیس درآمد. وی در سال ۱۳۳۱ به استخدام دانشگاه تهران درآمد .وی پس از سالها تدریس، تحقیق، تألیف ، ترجمه و مسافرت به مراکز علمی اروپا و آمریکا و همکاری با استادان این مراکز علمی، به تقاضای شخصی بازنشسته شد. دکتر محمود ثقفی در مجامع علمی کشور منجمله کمیتهٔ ملی انرژی جمهوری اسلامی ایران، انجمن انرژی خورشیدی ایران و نیز انجمن مهندسان مکانیک ایران حضور داشته است.

جوائز و نشانها : دکتر ثقفی در شهریور ۱۳۷۸ موفق به دریافت لوح تقدیر تحت عنوان « بازنشسته و پیشکسوت نمونه » از ریاست

جمهوری شد.

چگونگی عرضه آثار : همچنین وی مقالاتی نیز در مجلات خارجی و داخلی و کنفرانسهای علمی داخل کشور دربارهٔ استفاده از انرژی بادی ارائه کرده است. وی تاکنون ۵ اثر را اختراع کرده است که عبارتند از : ـ دستگاه اندازه گیری غلظت مایعات ـ دستگاه اندازه گیری سطوح ـ دستگاه اندازه گیری سرعت مایعات در هر نقطه از مقطع قائم یک لوله ـ حفاظت تراکتور از واژگون شدن هنگام شخم زدن در سطح شیب دار عمود بر شیب زمین ـ دستگاه اندازه گیری فاصلهٔ افقی دو نقطهٔ روی زمین ناهموار

آثار :

۱ اجزای ماشین

۲ انرژی بادی و کاربرد آن در کشاورزی

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه تهران

۳ تراکتور مکانیسم

۴ تعمیر تراکتور و ماشینهای کشاورزی

۵ مکانیزاسیون کشاورزی و نگاهداری و سرویس کشاورزی

۶ مکانیک موتور

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

ثقه الاسلام، شفیع

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۱ –۱۲۱۸ ق)، مدرس و مجتهد. در تبریززاده شد. در سال ۱۳۴۲ ق برای تکمیل معلومات خویش به عراق رفت، و در نجف، از حوزه‌ی درس شیخ محمدحسن اصفهانی، صاحب «جواهر الکلام»، و شیخ علی، نواده‌ی شیخ جعفر، فقه و اصول را آموخت، سپس در پای درس سید کاظم رشتی، پیشوای شیخیه، علوم حدیث و تفسیر را تحصیل و تکمیل کرد و از آنان اجازه‌ی اجتهاد گرفت و بعد به طریقه‌ی شیخیه گروید. پس از بازگشت به وطن، به تدریس اشتغال ورزید و از پیشوایان شیخیه در آذربایجان و صاحب محراب و منبر شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۱۱۷ –۱۱۶ /۵).

ثقه الاسلامی، محمدهاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۲ –۱۲۸۰ ق)، فقیه و مورخ امامی. وی در مشهد به دنیا آمد و پس از فراگرفتن مقدمات علوم رهسپار نجف شد و در آن شهر از مجلس درس استادانی چون آخوند خراسانی و سید اسماعیل صدر اصفهانی بهره‌مند گردید. پس از بازگشت به مشهد به حوزه‌ی درس آیت‌الله سید علی حایری یزدی پیوست. وی در مشهد درگذشت. از آثار وی: «رساله‌ی ربا»؛ «رساله‌ی رضاع»؛ «رساله‌ی معاملات»؛ «حسن العاقبه فی سعاده الخاتمه»، به فارسی؛ «غایه الامال فی حسن خواتیم الاعمال»؛ «منتخب التواریخ» در تاریخ معصومان (ع) و برخی امامزادگان؛ «وسیله الامان من تسویلات الشیطان» که خلاصه «حسن العاقبه» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۷۶/۲۵، ۱۵/۷)، منتخب التواریخ (مقدمه).

ثقه‌الاسلام اصفهانی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۸ –۱۲۷۱ ق)، فقیه امامی. وی در خانواده‌ای که بیشتر آنها عالم دینی بودند به دنیا آمد. نیای او صاحب «هدایه المسترشدین» بود. ثقه‌الاسلام مقدمات علوم و بخشی از سطح و خارج را در خدمت پدرش و برخی علمای اصفهان فراگرفت. حدود سال ۱۲۸۸ ق رهسپار عراق شد و در نجف و سامراء در خدمت استادانی چون میرزا حبیب‌الله رشتی، میرزای شیرازی و دیگران به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. سپس به زادگاهش بازگشت و در مسجد شاه و مدرسه‌ی عربان به تدریس و تربیت شاگردان پرداخت. پس از درگذشت پدر اقامه‌ی نماز جماعت را نیز به عهده گرفت. از شاگردان او سید محمدجعفر میردامادی سدهی و سید جمال‌الدین گلپایگانی و شیخ محمدجواد صافی گلپایگانی و عده‌ای دیگر را می‌توان یاد کرد. در جنبش تنباکو به همراه برادرش آقانجفی به حمایت از فتوای میرزای شیرازی برخاست. پس از درگذشت پیکرش را به نجف بردند و در بارگاه حضرت علی (ع) به

خاک سپردند. از آثار وی: «رساله‌ای در اصول دین و اخلاق»، به فارسی؛ «لسان الصدق»، در مواعظ و اخلاق، به فارسی؛ «حاشیه‌ی مجمع المسائل»؛ رساله‌ی عملیه برای عمل مقلدان؛ «رساله‌ای در معاصی کبیره» به فارسی؛ «رساله‌ای در ولایات» به عربی؛ «رساله در کیفیت نماز شب و استخاره و نماز جعفر طیار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۰۵/۱۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۴۸/۱۴)، مکارم الاثار (۱۹۷۳/۶).

ثقه‌الاسلام تبریزی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۷۷- شهید ۱۳۳۰ ق)، عالم امامی، مجتهد و شاعر. اصل وی خراسانی بود اما در تبریز در خانواده‌ای اهل علم متولد شد. او در ایران و کربلا و نجف کسب علم کرد و در فقه و اصول و حکمت سرآمد شد. وی به زبانهای فارسی، عربی، ترکی و فرانسه مسلط بود. از جمله استادانش فاضل اردکانی و شیخ مازندرانی و شیخ علی یزیدی بفرویی بوده‌اند. وی پس از فوت پدرش، حاج میرزا موسی، عنوان ثقه‌الاسلام را یافت. در هنگام حکومت ملی در تبریز فعال بود و عاقبت به امر صاحب منصب روس در میدان مشق تبریز به دار آویخته شد. از آثارش: «ایضاح الانباء فی تعیین مولد خاتم الانبیاء (ص)، و مقتل سیدالشهداء (ع)»؛ «رساله‌ی بث الشکوی»؛ «رساله‌ی لالان»؛ «ترجمه‌ی عتبی»، به درخواست حسنعلی خان امیرنظام؛ حواشی «الغیبه» شیخ طوسی، که تبحر ثقه‌الاسلام را در ادب و مهارتش را در علم رجال نشان می‌دهد؛ «مرآت الکتب»، در اسامی مولفات شیعه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۵۸/۸)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۲۴ -۱۱۷ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۹۲ -۹۱)، ریحانه (۳۷۰ -۳۶۹ /۱)، سخنوران آذربایجان (۲۸۰ -۲۷۴)، شرح حال رجال (۳۷۴ -۳۷۳ /۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۷۹/۱۳، قرن ۱۵۴۷ - ۱۵۴۶ /۱۴)، فرهنگ سخنوران (۲۰۰)، لغتنامه (ذیل/ علی)، مولفین کتب چاپی (۴۲۰ -۴۱۹ /۴)، مکارم الاثار (۲۱۳۷ -۲۱۳۵ /۶)، یادداشتهای قزوینی (۱۶۳/۸)، یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۱۲)، یغما (س ۵، ص ۲۱۷، س ۷، ص ۲۳۲ -۲۲۴).

ثلاثی، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن ثلاثی ، جامعه شناس و مترجم ،متولد ۱۳۲۴ بابل است.تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خویش به پایان می برد و برای ادامه تحصیل راهی تهران می شود. ثلاثی در رشته جامعه شناسی تحصیل کرده و بر مبنای این گرایش تحصیلی و علاقه شخصی،سال هاست که به ترجمه متون جدی و مرجع در این حوزه پرداخته و آثار گرانقدری را برای جامعه دانشگاهی و محققان علوم اجتماعی به فارسی برگردانده است. ثلاثی هم اکنون عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسی فعالیتهای آموزشی : محسن ثلاثی علاوه بر آن که ترجمه متون جامعه شناختی و مردم شناختی را با جدیت دنبال می کند،از تدریس در این حوزه نیز غافل نمانده و در دانشگاه تهران و در دانشکده علوم اجتماعی این دانشگاه، سال هاست که به تدریس اشتغال دارد.آرا و گرایشهای خاص : محسن ثلاثی درباره نقش شعر و ادبیات عرفانی فارسی در تقوت و تشدید رویکرد جهانگرایی می گوید: «شعر فارسی از مهم ترین و برجسته ترین و کارسازترین عناصر فرهنگ ایرانی به شمار می آید. شعر فارسی چنان بر عرصه های دیگر تولید فرهنگی تسلط پیدا کرد که به راستی می توان گفت که آیینه به نسبت تمام نمای فرهنگ ایرانی شده است؛ از همین روی، هرگونه بررسی در تحلیل تحول و فرهنگ ایرانی به بررسی شعر فارسی نیازمند است. اعراب به دلیل فقدان دستمایه های هنری پس از تسخیر ایران حساسیت چندانی نسبت به مضامین و نقش مایه های هنر ساسانی از خود نشان ندادند. او با اشاره به این که کتاب های رشته مردم شناسی در سال های پس از انقلاب و با فعال شدن این رشته، منتشر شده است،می گوید: «قبل از انقلاب کتابی در زمینه مردم شناسی نداشتیم. گذشته از کتاب های درسی، تحقیق های مردم شناسی که با پیشنهاد، درخواست و تأمین اعتبار یک سازمان خاص انجام می شوند، با نظر همان سازمان سفارش دهنده، منتشر می شوند که البته تعداد این گونه سازمان ها در ایران کم است.» «ثلاثی» در این باره که وزارت علوم در زمینه تقویت رشته مردم شناسی چه اقداماتی می تواند انجام دهد،معتقد است: «در دنیا رسم است که چنین رشته هایی از طریق افراد متخصص در آنها، تقویت می شوند و با صدور بخشنامه های دولتی نمی توان برای آنها کاری کرد. در ایران فارغ التحصیلان رشته مردم شناسی کم هستند و افرادی هم که در خارج تحصیل کرده اند، به سادگی جذب دانشگاه های ما نمی شوند. چون امکانات، منابع مالی و تحقیقاتی ما برای جذب آنها کافی نیست. البته استادهای رشته مردم شناسی در سال های اخیر، فعال تر شده اند و این رشته هم قابلیت گسترش دارد؛ چرا که هنوز بسیاری از حوزه های زیرمجموعه آن در ایران ایجاد نشده است.» او رشته مردم شناسی را برای جوامع متنوعی مانند ایران، بسیار جذاب و مناسب می داند و می گوید:«جامعه ایران از نظر قومی، زبانی و فرهنگی بسیار متنوع و متکثر است و این مسأله، موضوع مناسبی برای رشته مردم شناسی است. شاید در هیچ کجای دنیا به این اندازه تنوع موضوعی برای تحقیق مردم شناسان وجود نداشته باشد. ضمن آن که شناخت فرهنگ ها، خرده فرهنگ ها و اقوام مختلف ایران برای حل بسیاری از مسائل فرهنگی و رفع تنش های فرهنگی میان اقوام مختلف ایرانی و ایجاد همدلی و تفاهم در میان آنها بسیار مهم است که این کار در

حوزه انسان شناسی می گنجد. متأسفانه تاکنون اهمیت چندانی برای چنین تحقیق هایی قائل نشده اند.» جوائز و نشانها : محسن ثلاثی از جمله پژوهشگران معاصر مورد تقدیر سازمان میراث فرهنگی نیز هست. به طوری که درهفته کتاب سال جمهوری اسلامی ایران و دربیست و دومین دوره کتاب سال، از او در کنار جمعی دیگر درحوزه ترجمه تقدیر شد. چگونگی عرضه آثار : محسن ثلاثی در رشته علوم اجتماعی، نامی در کنار بسیاری از کتب مرجع است، جامعه شناسی آگاه و مترجمی زبده که به توسعه علوم اجتماعی در ایران می اندیشد. وی آثار زیادی را در این زمینه ترجمه کرده است. در طول این سال ها بسیاری از آثار ترجمه شده ثلاثی به عنوان منابع کنکور کارشناسی ارشد در چند رشته جامعه شناسی ومطالعات فرهنگی معرفی شده است.از آن جمله است کتاب درآمدی بر جامعه شناسی نوشته بروس کوئن. محسن ثلاثی علاوه بر حسن انتخابی که در متون ترجمه اش دارد،در برگردان آن به فارسی نیز نهایت دقت نظر و هماهنگی آن با زبان اصلی را به کار می بندد و برای واژه های ناآشنا در زبان فارسی نیز معادل هایی پیشنهاد می کند.به طور مثال برای واژه پارادایم معادل های فارسی گوناگونی به کار رفته که یکی از آنها «نمونه » است . احمد آرام در کتاب «ساختار انقلاب های علمی » ـ نوشته کوهن ـ واژه «نمونه » را به جای «پارادایم » قرار داده است . علی اسدی در ترجمه کتاب «شناختِ شناخت» نوشته ادگار مورن به جای آن، از ترکیب «چارچوب ادراکی » استفاده کرده است و اما محسن ثلاثی در ترجمه کتاب «نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر» ـ نوشته جورج ریتزر، کلمه «انگاره» را به جای آن قرار داده است . آثار : اسلام و سرمایه داری ویژگی اثر : نوشته ماکسیم رودنسون، درحوزه اسلام شناسی،ثلاثی کتاب «اسلام و سرمایه داری» نوشته ماکسیم رودنسون را ترجمه کرده وبا این که سال هاست نایاب شده، ولی تجدیدچاپ نشده است۲ انسان شناسی فرهنگی ویژگی اثر : بیتس؛ دانیل، ۳ انقلاب فرانسه و رژیم های پیش از آن ویژگی اثر : الکسی دتوکویل ؛ انتشارات زرین.۴ پیامدهای مدرنیته ویژگی اثر : یکی دیگر از کتب ترجمه شده آنتونی گیدنز توسط ثلاثی «پیامدهای مدرنیته» است. «مدرنیت» به شیوه هایی از زندگی یا سازمان اجتماعی مربوط می شود که از سده هفدهم به بعد در اروپا به وجود آمد و به تدریج ابعاد جهانی پیدا کرد. این تعریف، مدرنیته را به یک دوره زمانی و یک جایگاه جغرافیایی اولیه مربوط می سازد، در حالی که عمده شاخصه های آن را سربسته باقی می گذارد. آنتونی گیدنز، جامعه شناس نامی معاصر، درکتاب «پیامدهای مدرنیته» به تحلیلی فرهنگی و معرفت شناختی از مدرنیت می پردازد و تعبیری جدید و تأمل برانگیز از تحولات نهادی همراه با مدرنیته عرضه می کند. گیدنز معتقد است که ما هنوز پا به دوران پسامدرن نگذاشته ایم، بلکه دوران متأخر مدرنیته را سپری می کنیم که در آن پیامدهای مدرنیته فراگیرتر و ریشه ای تر و بنیادین تر شده است عواملی چون تباهی محیط زیست، تهدیدهای قدرت نظامی و تسلیحاتی، رشد و بسط توتالیتاریسم و حقیر شدن کار صنعتی و ... که گیدنز این ها را از پیامدهای مدرنیته برمی شمارد و بر این باور است که برای فرا رفتن از این ها و گذار به عصر پسا مدرن می بایست در ساختار سازمان های اجتماعی و فرهنگی مسلط عصر مدرن دگرگونی اساسی ایجاد کرد. این کتاب در ? فصل تدوین و تنظیم شده و به مباحثی چون: انقطاع های مدرنیته، جامعه شناسی و مدرنیته، بازاندیشی در مدرنیته، ابعاد نهادی مدرنیته، اعتماد و مدرنیته، دوره پیش از مدرن و دوره مدرن، مخاطره و خطر در جهان مدرن، پدیده شناسی مدرنیته، آیا مدرنیته یک طرح غربی است؟ و ... می پردازد. ۵ جاده ابریشم ویژگی اثر : چاپ اول، نشر سروش، تهران،۶ جامعه باستان ویژگی اثر : لوئیس هنری مورگان ؛ مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۷ جامعه شناسی دین ویژگی اثر : ملکلم همیلتون؛ نشر تبیان ، چاپ اول،۸ جامعه نو نوشته ای.اچ.کار ، جهان ایرانی و ایران جهانی ویژگی اثر : یکی از مهم ترین کتب ثلاثی که بر خلاف غالب آثار او تألیف شده است، کتاب جهان ایرانی و ایران جهانی است که نشر مرکز آن را منتشر کرده است.کتابی که دردهمین دوره کتاب برتر دانشگاهی در رشته علوم اجتماعی، به عنوان کتاب برتر شناخته شد.درباره این کتاب به همان اندازه که در محافل دانشگاهی و مجامع فرهنگی تهران باعث ایجاد بحث ها و نظرات متفاوتی گردید، در شهرهای دیگر نیز موجبات برگزاری جلسات نقد و بررسی آن فراهم شد.جلسه نقد و بررسی کتاب در امور کتابخانه های عمومی استان زنجان که در سالن آمفی تئاتر کتابخانه سهروردی این شهر برگزار شد از آن جمله بود. میر معزی کارشناس ارشد جامعه شناسی درباره این کتاب می گوید :« پژوهش نظریه پایه ای خود را از انسان شناسی فرهنگی گرفته است. این همان نظریه پراک گرایی یا اشاعه گرایی است که به آن(diffusion) می گویند. این نظریه می گوید، اقوام و اجتماع فرهنگی انسانی در جهان منزوی نیستند و روابطی با فرهنگ های همسایگانشان دارند که تقلید و مهاجرت را از فرهنگ های دیگر می گیرند. ایرانیان در گذشته و تا چند سده پیش از این، با فرهنگ های پیشرفته جهان در شرق و غرب جهان ارتباط مستقیم و بی واسطه داشتند. ولی دشمنی ایران شیعی با عثمانی سنی راه ارتباط بی واسطه ایران را با اروپا تا حدودی سدکرد و در نتیجه فرهنگ ایرانی دیگر نتوانست به آسانی دوران گذشته، با فرهنگ نوینی که در اروپای غربی به سرعت و بیش از پیش پیشرفت داشت و می رفت که سرنوشت جهان را در سده های آینده رقم زند، ارتباط سازنده ای برقرار سازد.» ۱۰ خرد و انقلاب ویژگی اثر : نشر نقره، کتاب «خرد و انقلاب» هربرت مارکوزه نیز به وسیله ثلاثی به فارسی برگردانده شده و نخستین بار به وسیله سازمان انتشارات جاویدان منتشر شده و بعدها در سال ،نشر نقره آن را به چاپ بعدی رسانده است.۱۱ درآمدی بر جامعه شناسی ویژگی اثر : بروس کوئن۱۲ درآمدی به انسان شناسی ویژگی اثر : از سایمون کولمن و هلن واتسون۱۳ روش تحقیق در انسان شناسی ، روش تحقیق کیفی در جامعه شناسی ویژگی اثر : سیلورمن(دیوید)؛ انتشارات تبیان، ۱۵ روش های تحقیق کیفی ویژگی اثر : از سیلورمن؛ ۱۶ زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی ویژگی اثر : ثلاثی، از میان آثاری که تاکنون ترجمه و منتشر کرده ، به «زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی» علاقه بیش تری دارد. او دراین باره می گوید:«زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناس» را بیشتر دوست دارم، به خاطر اینکه مقام جامعه شناسان را در بستر اجتماعی، اقتصادی و تاریخی مورد بررسی قرارداد و نشان می دهد که نظریات و افکار این افراد در چه شرایطی، پرورش پیدا کرده و تحت تأثیر چه عواملی شکل گرفته است. این کتاب فصل بندی بسیار جذابی دارد و درواقع کتاب جامعه شناسی جامعه شناسان است! » عنوان اصلی این کتاب ideas in historical Masters of Sociological thought؛ است. که واژه نامه و کتابنامه آن را ثلاثی به صورت زیرنویس تنظیم کرده و چاپ اول آن را در سال به انتشارات علمی سپرده است.۱۷ سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی ویژگی اثر : ساموئل هانتینگتون؛ نشر علم، ۱۸ فراسوی چپ و راست ویژگی اثر : چاپ انتشارات

علمی، ثلاثی به آثار آنتونی گیدنز، جامعه شناس معاصر و نظریه پرداز عصر جدید، توجه ویژه ای دارد و اسباب آشنایی مخاطب فارسی زبان را با ترجمه برخی از آثار مهم او فراهم کرده است. از آن جمله اثر « فراسوی چپ و راست » را می توان نام برد. گیدنز در این اثر به این نکته اشاره می کند که به دلیل گسترش مدرنیته و درگیری همه فرهنگ ها و ملت ها در ساختن جهان کنونی، هم اکنون مرزبندی های رایج اعم از شمال و جنوب، مرکز و پیرامون و نیز تقابل میان چپ و راست سیاسی از میان رفته است.۱۹ فلسفه و اندیشه سیاسی سبزها ویژگی اثر : اندرو دابسون ۲۰ کالبد شکافی چهار انقلاب ویژگی اثر : کرین برینتون؛ انتشارات نشر نو.۲۱ کالبدشکافی چهارانقلاب از برینتون ، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر» ویژگی اثر : توتالیتاریسم» از هانا آرنت؛ جاویدان، اسفند .۲۳ نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر ویژگی اثر : جرج ریتزر، تهران، انتشارات علمی

منابع زندگینامه :منابع : روزنامه ایران صفحه مهرگان ۱-۱۲-۱۳۸۵

ثمر انصاری

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا حسین خان فرزند میرزا محمّد علی انصاری، شاعر و ادیب و نویسنده بوده، در ۱۲۸۴ متولّد، و در جمادی الاولی سال ۱۳۴۴ وفات یافته، در اطاق تکیه تویسرکانی در تخت فولاد مدفون گردید.

کتب زیر از اوست:

۱- ترجمه تاریخ شرق اقصی ۲- ترجمه تاریخ فرانسه ۳- ترجمه تاریخ جنگ روس و ژاپن ۴- دیوان اشعار که دوبار به طبع رسیده، ۵- رعنا و زیبا منظوم، به طبع رسیده ۶- عبرهٔ للناظرین در تاریخ؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ثمر نایینی، محمدحسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۳۴ ق)، شاعر. از سادات طباطبایی نایین و از علم الهی و طبیعی بهره‌مند بود. آثاری از وی باقی مانده از جمله: «تذکره‌ی ثمر نایینی»، که مشتمل بر مقدمه و دو باب و خاتمه است. باب اول در ذکر شاعرانی که به امر نظام‌الدوله، در رثاء حضرت سیدالشهداء (ع) شعر سروده‌اند و باب دوم در ذکر زبده‌ی افکار و خلاصه‌ی اشعار شعرایی است که صدراعظم، نظام‌الدوله، را مدح گفته‌اند، و خاتمه در ذکر شطری از احوال و افکار مولف است. یگانه نسخه‌ی شناخته شده این تذکره، در کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی، به شماره (۸۹۸)، موجود است و به عنوان «تذکره‌ی ثمر نایینی» تعریف و توصیف شده است. وی «دیوان» شعری نیز دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۲۱۰ -۲۰۴ /۱)، حدیقه الشعراء (۳۶۱ -۳۶۰ /۱)، الذریعه (۱۸۴/۹)، سفینه المحمود (۴۹۳/۲)، فرهنگ سخنوران (۲۰۰).

ثمره، یداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر یدالله ثمره در سال ۱۳۱۱ در شهر کرمان بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته زبانشناسی از دانشگاه لندن-انگلستان در سال ۱۳۴۸ است. وی استاد بازنشسته دانشگاه تهران ، و هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشکده زبانها و ادبیات دانشگاه آزاد اسلامی می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : زبان شناسی عمومی والدین و انساب : پدر یدالله ثمره ،عنایت الله ثمره نام دارد.خاطرات کودکی : یدالله ثمره در یک خانواده فرهنگی متولد شد و دوره دبستان را تحت نظر پدر و مادرش در دبستان بدر سیرجان تحصیل کرده است.او می گوید ":پدر و مادرم، هردو ، معلم بودند و من تحصیلات اولیه ام را در خانواده پیش پدر ومادر شروع کردم و سپس در مدرسه این دونفر ،تحصیلات ابتدایی را به پایان رساندم. پدرم مدیر مدرسه بود و مادرم هم معلم همان مدرسه. بنابراین، اولین معلمان من پدر و مادرم بودند. قبل از اینکه به مدرسه بروم، پدرم قرآن و مقداری تعلیمات مذهبی به من آموخت. من شش سال ابتدایی را در مدرسه پدرم به پایان رساندم. مدتی از دوره تحصیلات ابتدایی را در کرمان گذراندم و بعد از انتقال پدرم به یکی از مدارس سیرجان ،که به مدیریت آن مدرسه رسید، من هم به انجا نقل مکان کرده و تا ششم ابتدایی را در آن مدرسه بودم ".اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : یدالله ثمره در یک خانواده فرهنگی در شهر کرمان به دنیا آمد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : یدالله ثمره پس اتمام تحصیلات ابتدایی ،تحصیلات متوسطه اش را در دانشسرای مقدماتی کرمان به پایان رساند و در مهرماه ۱۳۲۹ به عنوان آموزگار پایه یک به خدمت وزارت فرهنگ آن زمان درمی آید. یکی دو سال بعد ، دیپلم کامل متوسطه در رشته ادبی را اخذ و چندسالی در وزارت فرهنگ کرمان تدریس کرد. او در سال ۱۳۳۶ به تهران آمد و در کنکور دانشگاه تهران در سه رشته ادبیات فارسی، باستان شناسی و حقوق شرکت کرد و در هر سه رشته قبول شد و از بین آنها ادبیات فارسی را بر گزید.

در سال ۱۳۳۹ با رتبه اول ، از دانشکده ادبیات لیسانس ادبیات فارسی گرفته و بلافاصله وارد دوره دکترای ادبیات فارسی می شود و حدود دو سال ونیم در این دوره تحصیل کرد. استاد در اواسط سال ،۱۳۴۱ از طرف دولت ایران بورس تحصیلی شاگرد اولی دریافت کرد و برای تکمل معلوماتش به انگلستان عزیمت کرد و در دانشگاه لندن به تحصیل زبان شناسی پرداخت و در سال ۱۳۴۷ با درجه دکترا از دانشگاه لندن فارغ التحصیل شد. خاطرات و وقایع تحصیل : یدالله ثمره در خصوص انگیزه اش از انتخاب زبان شناسی آن هم در سالهایی که در نظام آموزش عالی چیزی به این عنوان اصلاً وجود نداشت می گوید: «ما در دوره لیسانس دو یا سه درس با محتوای زبان شناختی داشتیم. چند تا از این درسها به زبان شناسی و زبان های باستانی مثل پهلوی ، فارسی باستان و اوستا و نیز ساختمان این زبانها مربوط می شد. یکی دو درس هم به زبان شناسی نوین مربوط می شد، مثل تاریخ زبان و دستور زبان و غیره که اینها جزو دروس ادبیات بود و با عنوان رشته زبان شناسی تدریس نمی شد. استادان این دروس هم بعضی مانند مرحوم پورداود و مرحوم صادق کیا، زبان های باستانی را درس می دادند و بعضی مثل مرحوم خانلری و مرحوم مقدم مطالبی به اسم زبان شناسی جدید تدریس می کردند. البته چیزهایی که آنها درس می دادند با این زبان شناسی که امروز می شناسیم تا حدودی فرق داشت و آمیزه ای بود از زبان شناسی باستانی و جدید... یادم هست وقتی که از استادهایم خداحافظی می کردم که بروم خارج ، بعضی ها به من سفارش می کردند که زبان شناسی بخوانم. از میان این افراد، به خصوص باید از دکتر مقدم ، خانلری و کیا یادکنم که مرا خیلی تشویق می کردند. آنها معتقد بودند چون ما متخصص زبان شناسی نداریم و این رشته در آینده مطمئناً در ایران تأسیس خواهد شد برای تدریس آن به متخصص و مدرس نیاز داریم. این بود که وقتی به انگلیس رفتم، تا حدودی با زبان شناسی آشنایی داشتم.» دکتر ثمره درباره خاطراتش از لندن و تحصیل در آنجا چنین می گوید: «یادم هست که وقتی وارد دانشگاه شدم، تا مدتی، حداقل شش ماه، همه چیز برایم سیر و سیاحت بود و تازگی داشت چون با آن سیستم دانشگاهی کاملاً بیگانه بودم. از رفتار استادها گرفته تا طرز حرف زدن آنها با دانشجو، طرز رفتارشان، معاشرت شان با دانشجوها، تجهیزات کتابخانه ها، آزمایشگاهها و امثال اینها همگی برایم تازگی داشت.» فعالیتهای ضمن تحصیل : یدالله ثمره بین سالهای ۳۸ تا ۳۹ حرف «ه» لغتنامه دهخدا را نوشته و همکاری هایی هم در تألیف فرهنگ معین داشته است.استادان و مربیان : یدالله ثمره در دوران تحصیلات دانشگاهی در ایران از محضر اساتیدی چون بدیع‌الزمان فروزانفر، دکتر محمد معین، جلال‌الدین همایی، محمد تقی مدرس رضوی، ابراهیم پورداوود، عبدالحمید فروزانی، دکتر محمد خوانساری، دکتر ذبیح‌الله صفا ،استادخانلری،دکتر مقدم و دکتر صادق کیا کسب فیض کرد و از اساتید دوران تحصیل وی در دانشگاه لندن، می‌توان از: جی.دی.اوگانور، ا.سی.گیمسون، آر. اچ. روبینز و هالیدی نام برد.وقایع میانسالی : یدالله ثمره در سال۱۳۴۷ به عضو یت هیأت علمی دانشگاه تهران درآمد و در سالهای ،۱۳۵۰ ۱۳۶۰ و ۱۳۶۹ به ترتیب به درجه استادیار، دانشیار و استاد نایل گشت. یکی از زمینه های مورد علاقه ثمره آموزش زبان فارسی به خارجیان است و در این زمینه هم خیلی کار کرده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغلی که ید الله ثمره به عهده داشته اند عبارتند از : کارشناس برنامه ریزی آموزشی دروزارت علوم و آموزش عالی ریاست انجمن زبانشناسی ایران عضویت در هیأت علمی دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۷ استادیار، دانشیار و استاد دانشگاه تهران طی سالهای ۱۳۶۹ - ۱۳۵۰ مدیر گروه زبان شناسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران طی سالهای ۷۵ - ۱۳۷۰ مدیر پژوهشگاه گویش شناسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی طی سالهای ۵۴ - ۱۳۵۱ مدیر گروه علوم انسانی انستیتو علوم بیمارستانی طی سالهای ۵۷ - ۱۳۵۲ عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی عضو دائمی انجمن آواشناسی بین المللی IPA همکاری با موسسات و مراکزی تحقیقاتی : فرهنگستان دوم بمدت ۴ سال ،مرکز تحقیقات الکترونیک دانشگاه صنعتی شریف بمدت یک سال ، موسسه دانش پژوهش ایران بمدت یک سال،وزارت جهاد کشاورزی مرکز تحقیقات روستاییبمدت سه سال،وزارت آموزش و پرورش دفتر تهیه و تدوین کتب درسی و آموزشی بمدت سه سال ،بنیاد ایرانشناسی بمدت یک سال ،فرهنگستان زیان و ادب فارسی بمدت هشت سالفعالیتهای آموزشی : ید الله ثمره بعنوان دبیر دبیرستانهای ایران ازسال ۱۳۲۹تا ۱۳۴۲ فعالیت داشته است و بعنوان استاد یار، تدریس در دانشگاههای تهران ،تربیت معلم ، امام خمینی قزوین و انستیتو علوم بیمارستانی تهران ازسال ۱۳۴۷ تا ۱۳۷۷ را عهده دار بوده اند. وی همچنین درسال ۱۳۷۷ بعنوان استاد در دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه لندن به تدریس زبان شناسی اشتغال داشته است .مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : یدالله ثمره یکی از مؤسسین اصلی آزمایشگاه زبان دانشکده ادبیات دانشگاه تهران می باشد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : یدالله ثمره در نخستین کنگره تحقیقات ایرانی ، سومین و چهارمین کنگره تحقیقات ایرانی ، سمینارزبانشناسی ، سمینار جهانی ISO و همایش ایرانشناسی بنیاد ایرانشناسی شرکت کرده است . همچنین با فرهنگستان علوم بخش گردآوری گویشهای ایران، از سال ۱۳۵۰تا۱۳۵۴ و در مرکز تحقیقات الکترونیک دانشگاه صنعتی شریف و درموسسه توسعه دانش و پژوهش ایران و دروزارت جهاد کشاورزی، مرکزتحقیقات روستایی، در وزارت آموزش و پرورش، دفتر تهیه و تدوین کتب درسی وآموزش فارسی به خارجیان،نیز فرهنگستان زبان وادب فارسی فعالیت داشته است .شاگردان : یدالله ثمره در باره دانش آموختگان و دانشجویان تحت تعلیم خود چنین می گوید: «الآن ۹۰درصد افرادی که در دانشگاههای مختلف زبان شناسی درس می دهند، یا پرورش یافتگان داخل هستند یا لااقل فوق لیسانس خود را در اینجا گرفته اند و برای گرفتن دکترا به خارج رفته اند. مثلاً دکتر سیمین کریمی فوق لیسانس خود را همین جا گرفت. دکترایش را همین جا تا حد رساله گرفت و بعد رفت خارج و رساله اش را در آنجا نوشت و دکترایش را از آنجا گرفت و حالا هم در دانشگاههای آمریکا درس می دهد.» و البته شاگردان دیگری چون دکتر حسن پوراقدم که مشغول تدریس در آمریکاست، یا چند نفر دیگر از دانشجویانش که حالا در دانشگاههای انگلیس تدریس می کنند ثمره سالها تلاش و کوشش یدالله ثمره می باشد.همفکران فرد : یدالله ثمره با دکتر باطنی و دکتر میلانیان همفکری نزدیکی دارد.آرا و گرایشهای خاص : یدالله ثمره درباره زبان شناسی می گوید: «زبان شناسی از ابتدای پیدایش تا امروز در مسیر رشد بوده است. زبان شناسی فارسی در مسیر تکامل بوده است. به طور کلی اولین هدف زبان شناسی در ایران این بودکه به زبان فارسی و زبان شناسی زبان فارسی خدمت کند. در این راهکارهای زیادی صورت گرفته و مقالات و کتابهای نسبتاً قابل توجهی نوشته شده است.» جوائز و نشانها : - دریافت لوح تقدیر از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای ترجمه کتاب " زبانهای خاموش "در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران -

تندیس سخن ،دانشگاه علامه طباطبائی در سال ۱۳۸۳ – مدال زرین دانشگاه تهران–تهران در سال ۱۳۸۵ بمناسبت تجلیل و قدردانی از خدمات علمی.چگونگی عرضه آثار : از یداله ثمره تعداد زیادی مقالهٔ تحقیقی و فرهنگی و زبان‌شناسی در نشریات مختلف مانند: نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات، نشریه کنگره ایران‌شناسی، مجله وحید، مجله رودکی و غیره به چاپ رسیده است. – تعداد مقالات منتشر شده در مجلات علمی :۱۷ مقاله – شرکت در مجامع علمی : ۷ مورد آثار : ۱ A Course In Colloquial Farsi ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه تهران،۱۹۷۷۲ The Arrangement Of Segmental PhinemesIn Farsi ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۱۵۷۷۳ The verb system In Zeynabadi Dari ویژگی اثر : ایـن مقـاله در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال۱۳۵۷ به چاپ رسیده است۴ آرایش واکه ای واژه هـای ویژگی اثر : ایـن مقـاله درمجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران درسال ۱۳۵۴ به چاپ رسیده است۵ آموزش زبـان فارسی ویژگی اثر : آزفا ۱ ،وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، سال ۱۳۶۶ . این کتاب یک دوره ۵ جلدی است که به زبان فارسی و انگلیسی نوشته شده و تاکنون به ۱۶ زبان ترجمه شده است۶ آموزش زبان فارسی ویژگی اثر : آزفا ، وزارت و فرهنگ و ارشاد اسلامی ، سال ۱۳۶۷۷ آموزش زبان فارسی ویژگی اثر : این کتاب درآزفا و تحت وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی درسالهای ۶۹ـ ۱۳۶۷به چاپ رسیده است.۸ آواشناسی زبان فارسی ،آواها و ساخت آوائی هجا ویژگی اثر : مرکز نشر دانشگاهی، سال۱۳۶۴۹ پاره ای ویژگیهای دستوری دری ویژگی اثر : این مقاله درمجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران درسال ۱۳۵۶ به چاپ رسیده است۱۰ تحلیل ساختاری فعل در گویش گیلکی کلاـردشت ویژگی اثر : این مقاله درمجله دانشکده ادبیا ت دانشگاه تهرا ن در سال ۱۳۶۷ به چاپ رسیده است۱۱ تحلیل سبکی حافظ و معرفی غزلی تازه منسوب به او ویژگی اثر : این مقاله درچهارمین کنگره تحقیقات ایرانی درسال۱۳۵۴ به چاپ رسیده است۱۲ تحلیلی بررده شناسی زبان ، ویژگیهای رده شناختی زبان فارسی ویژگی اثر : این مقاله در مجله زبان شناسی درسال ۱۳۶۹ به چاپ رسیده است۱۳ تهیه و تدوین بخشی ازحرف «ه»لغت نامه دهخدا ویژگی اثر : مجلدات ۷۵تا ۱۰۴۱۴ دریای خلیج فارس درصوره الارض ابن حوقل ویژگی اثر : این مقاله در مجله دانشکده ادبیات دردانشگاه تهران درسال۱۳۶۸ به چاپ رسیده است۱۵ دریچه ای به زبان فارسی ویژگی اثر : انتشارات المهدی، سال ۱۳۷۳۱۶ راهنمای تدریس زبان فارسی ویژگی اثر : این کتاب درآزفا و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درسال ۱۳۶۹ به چاپ رسیده است.(این کتاب تاکنون به زبانهای فرانسه، آلمانی، روسی، اسپانیایی، ترکی استانبولی، هندی و... ترجمه شده است)۱۷ راهنمای زبان فارسی ویژگی اثر : انتشارات المهدی ، سال ۱۳۷۴–این دو کتاب که برای دانشگاههای قزاقستان ،تاجیکستان و ازبکستان نوشته شده توسط مرحوم پروفسور رستم اوف به زبان قزاقی و خط سیریلیک برگزیده شده است.۱۸ زبانهای خاموش ویژگی اثر : ترجمه، باهمکاری دکتر بدر الزمان قریب ، پژوهشگاه علوم انسانی ، سال ۱۳۶۵– این کتاب، برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در ۱۳۶۶ از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد برگزیده شد ،۱۹ ساختمان فونولوژیکی درفارسی ویژگی اثر : این مقاله در نخستین کنگره تحقیقات ایرانی در دانشگاه تهران درسال ۱۳۵۰ چاپ شده است۲۰ ساختمان واجی «ونـد » درفارسی ویژگی اثر : این مقاله در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۱ به چاپ رسیده است۲۱ شناخت نظام‌آوایی زبان ویژگی اثر : (ترجمه)، فرهنگ معاصر. (زیر چاپ) .۲۲ طرح آوایی واژه هایی دو هجایی درفارسی ویژگی اثر : این مقاله درسومین کنگره تحقیقات ایرانی دربنیاد فرهنگ ایران درسال ۱۳۵۲ به چاپ رسیده است۲۳ طرح حرف نویسی و واج نویسی زبان فارسی ویژگی اثر : ایـن مقاله در سمینار جهانی (Internation Standadization Organization)درلندن در آوریل ۱۹۹۷ به چاپ رسیده است۲۴ نظام آوایی زبان ویژگی اثر : نظریه و تحلیل ، فرهنگ معاصر ، سال ۱۳۶۸۲۵ همکاری در تهیه و تدوین فرهنگ فارسی ویژگی اثر : این کتاب تالیف محمدمعین است .

ثمری، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ثمری

محل تولد : گلپایگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ با مدرک سیکل وارد حوزه علمیه قم شدم و در موسسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی مشغول به تحصیل شدم. ادبیات و فقه و اصول تا اواسط رسائل و مکاسب را از محضر اساتید معظم صلواتی، تقوی، استادی، مقتدایی، تهرانی، و در ادامه از محضر آیت الله ستوده و آیت الله اعتمادی بهره‌مند شدم. در سال ۱۳۵۹ با تاسیس مدرسه عالی تربیتی و قضایی طلاب قم توسط شهدای بزرگوار بهشتی و باهنر در آزمون ورودی مدرسه مذکور شرکت نموده و به مدت یک سال از محضر اساتید آیت الله شاهرودی دکتر احمدی و بقیه اساتید اقتصاد اسلامی فلسفه روانشناسی ادبیات و بقیه دروس را با معدل ۱۸ و اخذ مدرک کارشناسی به پایان رساندم .

در سال ۶۰ در آموزش و پرورش مشهد مشغول تدریس در مراکز تربیت معلم مشهد شدم. از سال ۶۳ مدتی به عنوان عضو هسته گزینش آموزش و پرورش خراسان و سپس معاون پرورشی آن اداره در ضمن تدریس در مراکز تربیت معلم و شرکت در درس کفایه آیت الله مرتضوی تا سال ۶۵ که برای ادامه تحصیل به قم منتقل شدم انجام وظیفه نمودم.از سال ۶۵ ضمن تدریس در

دبیرستان‌های قم در درس خارج فقه و اصول آیات عظام منتظری، سبحانی، وحید خراسانی، فاضل لنکرانی و نوری همدانی به مدت ۱۵ سال شرکت نمودم.

مدت ۵ سال با نظارت آیت الله نوری همدانی بحث حج و مسائل مستحدثه را به صورت استدلالی زیر نظر اساتید بزرگوار ممدوحی و خلیلی بررسی نمودم. از سال ۷۶ به عنوان روحانی حج و عمره در خدمت زائرین بیت الحرام می‌باشم و در طول سال علاوه بر تدریس از منبر وعظ و خطابه در مساجد شهر مقدس قم و بقیه شهرها برای تبلیغ معارف اسلام بهره‌مند می‌باشم به علاوه مدت ۳ سال است به عنوان استاد تاریخ اسلام در دانشگاه تدریس دارم.

ثمری، محمد ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد ابراهیم بن خیر الحاج آقای حاج اکبر آقای ثمری گلپایگانی از فضلاء محترم و بنام حوزه علمیه قم است در علیشاه عوض، وی در سال ۱۳۱۱ شمسی در گوگد گلپایگان (زادگاه آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی) متولد شده و پس از رشد مقدمات و ادبیات را در حوزه مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا هدایت وحید در گلپایگان خوانده و در سال ۱۳۶۵ قمری به قم مهاجرت نموه و سطوح را در خدمت آیت‌اللّٰه صدوقی یزدی و آیت‌اللّٰه سلطانی و حجهٔ‌الاسلام آقای حاج شیخ اسداللّٰه نوراللهی و حجهٔ‌الاسلام آقای حاج آقا رضای صدر تکمیل نموده سپس بدرس خارج آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّٰه موسوی شرکت نموده و از خرمن علوم آنان بهره‌ها برده آنگاه در سال ۱۳۸۸ ق حسب‌الامر آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی به علیشاه عوض عزیمت نموده و در مسجد جامع آنجا به اقامه جماعت و خدمات دینی و نشر معارف اسلامی اشتغال دارند.

از آثار ایشانست: تعمیر اساسی مسجد جامع و چند باب دکان و مؤسسه‌ای برای مصارف و مخارج مسجد و کتابخانه‌ای برای مسجد که در شرف تکمیل می‌باشد و نیز جلسات متعددی برای تنویر افکار جوانان و مبارزه با افراد منحرف و ضد ولایت در علیشاه عوض و مناطق دیگر شهریار دارند ادام اللّٰه توفیقه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

ثنایی مشهدی، حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۶/ ۹۹۵ ق)، شاعر،متخلص به ثنایی. خواجه حسین در مشهد متولد شد. در اوایل جوانی شعر نمی‌گفت، ولی به دنبال رؤیایی به شاعری روی آورد، بی‌آنکه مقدمات آن را طی کند. همین بی‌توشگی از مقدمات ادبی، همواره موجب طعن مخالفان در حق وی بود و سخن او را نارسا می‌دانستند. در همان آغاز شاعری، سلطان ابراهیم میرزا، که خود مردی شاعر و هنرپرور بود او را تحت حمایت خود قرار داد و خواجه حسین «ساقی‌نامه» خود را در ستایش او سرود. پس از شهادت شاهزاده مزبور، به قزوین رفت و ضمن قصیده‌ای شاه اسماعیل دوم را مدح گفت، ولی مقبول طبع وی واقع نشد و ثنایی از بیم جان به هندوستان گریخت. نخست، در سلک شعرای دربار اکبری منتظم شد اما ترقی چندانی نکرد؛ لذا، دست اخلاص و ارادت به دامن حکیم ابوالفتح گیلانی زد و حکیم او را در کنف حمایت و تربیت خود قرار داد و در نتیجه کارش بالا گرفت ابوالفتح، در شمار ستایشگران میرزا عبدالرحیم خان خانان سپهسالار درآمد. وی در لاهور وفات یافت و در همان جا دفن شد اما مدتی بعد خانواده‌ی وی جنازه‌ی او را به مشهد منتقل کردند. از آثارش: «دیوان» اشعار، مشتمل بر پنج‌هزار بیت؛ یک مثنوی نیز از نوع «اسکندرنامه» به نام اکبرشاه سروده و آن را «سد اسکندر و باغ ارم» نام داده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده آذر (۴۶۴ -۴۶۳/ ۲)، اعیان الشیعه (۴۶۵/ ۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۷۹ -۷۷۷/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۱۷ -۴۱۶)، تذکره‌ی میخانه (۲۱۴ -۱۹۸)، دایره المعارف فارسی (۷۱۴/ ۱)، الذریعه (۱۸۵ / ۹)، ریحانه (۳۷۳/ ۱)، سرآمدان فرهنگ (۲۳۷ -۲۲۸/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۲۰۲ -۲۰۱)، کاروان هند (۲۶۲ -۲۵۷/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ثنایی)، مآثر رحیمی (۳۸۱ -۳۵۴/ ۳)، مجمع الخواص (۱۵۰ -۱۴۹)، هدیه العارفین (۳۱۹/ ۱)، هفت اقلیم (۲۷۳ -۲۶۹/ ۲).

ثنایی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر ابراهیم ثنائی در سال ۱۳۲۶ در شهرستان درگز به دنیا آمد.پس از اخذ لیسانس با درجهٔ ممتاز، در سال ۱۳۴۹ برای تکمیل تحصیلات به فرانسه عزیمت نمود و در سال ۱۳۵۴ موفق به اخذ دکترای مهندسی ساختمان از دانشگاه پیر وماری کوری پاریس شد.وی پس از بازگشت به ایران، از سال ۱۳۵۴ در دانشگاه علم و صنعت به تدریس پرداخت و بلافاصله پس از پیروزی انقلاب

اسلامی ایران به معاونت اداری و مالی دانشگاه علم و صنعت برگزیده شد.قابل ذکر است ترجمه کتاب" مقاومت مصالح "ابراهیم ثنائی ، در دوره دوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی راه و ساختمانتحصیلات رسمی و حرفه ای : ابراهیم ثنایی پس از طی تحصیلات ابتدائی و متوسطه در شهرهای آبادان، اصفهان و تهران، در رشتهٔ مهندسی راه و ساختمان دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی تکنیک تهران) به تحصیل پرداخت. پس از اخذ لیسانس با درجهٔ ممتاز، در سال ۱۳۴۹ برای تکمیل تحصیلات به فرانسه عزیمت نمود و در سال ۱۳۵۴ موفق به اخذ دکترای مهندسی ساختمان از دانشگاه پیر وماری کوری پاریس شد. موضوع رسالهٔ دکترای وی تحلیل پلهای جعبه ای شکل تحت تأثیر بار متمرکز و ارائهٔ راه حلّ ریاضی آن بدون استفاده از کامپیوتر بود.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ابراهیم ثنایی پس از بازگشت به ایران، از سال ۱۳۵۴ در دانشگاه علم و صنعت به تدریس پرداخت و بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به معاونت اداری و مالی دانشگاه علم و صنعت برگزیده شد. پس از آن به عنوان رئیس مدرسهٔ تربیت مدرس، رئیس دانشگاه علم و صنعت، عضو هیأت مرکزی گزینش استاد ستاد انقلاب فرهنگی و عضو شورای عالی ارزشیابی مدارک تحصیلی خارجی وزارت فرهنگ و آموزش عالی و عضو گروه فنّی و مهندسی ستاد انقلاب فرهنگی، به فعالیت اشتغال داشته است.جوائز و نشانها : ترجمه کتاب" مقاومت مصالح "ابراهیم ثنائی ، در دوره دوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. آثار : جزو ?کامل درس ساختمانهای فولادی جزوه درس تئوری ساختمان کتاب مقاومت مصالح ویژگی اثر : ترجمه–جلد دوم این کتاب به عنوان برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره دوم کتاب سال معرفی شد–آشنایی با کتاب این کتاب ترجمه کتاب Mechanics of Materials تألیف James M.Gere,S.P Timoshenko dames در تدوین و تصنیف این کتاب، کوش به عمل آمده است که مطالب نظری و روشهای تجربی به نحوی جمع آوری و تنظیم شوند که برای استادان قابل تدریس باشند؛ همچنین با شرح کافی و ذکر مثالهای متعدّد و مصوّر و مورد استفاده مستقیم در دور ?لیسانس، دانشجویان بتوانند بسادگی اصول بنیادی این علم را درک کنند. در عین حال بخشی از مطالب متن از نظر کیفی فراتر از حد عمومی دور ?لیسانس بوده و حاوی مطالبی مهم درسطح عالی و کاملاً تخصصی است، به طوری که دانشجویان دوره های بعد از لیسانس نیز که به تحقیق، طرح، یا مطالعات عمیق شخصی مشغول هستند می توانند از آنها به عنوان مرجع قابل اعتمادی که حاوی مطالب جدیدی است استفاده کنند. مترجم محترم با تکیه بر تجرب ?چندین سال ?تدریس درس مقاومت مصالح و نیز با توجه به کمبود کتاب در این موضوع، که شامل مسائل علمی جدید باشد، به ترجم ?این کتاب اقدام کرده است. جلد دوم این کتاب شامل چهارفصل بوده و به تجزیه و تحلیل سیستمهای نامعین و مباحث تخصصی مقاومت مصالح اختصاص دارد. عناوین این چهارفصل بدین شرح است. خمش نامتقارن، خمش غیرارتجاعی، ستونها، روش انرژی (تجزیه و تحلیل ساختمانی و روشهای انرژی). علاوه بر این در پایان هر فصل مسائل متناسب با محتوای فصل طرح شده که خود بر ارزش آموزشی کتاب افزوده است.

ثنایی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۰۳، اصفهان.

درگذشت: ۱۳۵۹، تهران.

محمود ثنایی متخلص به «شهر آشوب»، فرزند یکی از علمای ارومیه، پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه و تحصیلات قدیمه به آموزگاری (در وزارت آموزش و پرورش) در تهران و شهرستان‌ها مشغول شد. در ضمن با جراید کشور همکاری داشت از سال ۱۳۲۳ در تهران مقیم شد و سال‌ها مدیر مدرسه‌ی خواجه نصیر طوسی بود. از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ در رادیو ایران به کار ترانه‌سازی مشغول بود. در سال ۱۳۵۳ چند بار در انجمن ادبی گوهر که به مدیریت عبدالرفیع حقیقت شرکت کرد و چند غزل از سروده‌های خود را خواند. وی در غزل و ترانه‌سازی و بذله‌گویی و کاریکاتورسازی مهارت داشت. هرچند بخشی از آثارش در دیوانش به طبع رسیده است اما نتوانست بقیه اشعار خود را به چاپ برساند. مجموعه‌ی اشعار وی با مقدمه‌ی غلامحسین رضانژاد متخلص به «نوشین» چاپ و منتشر شده است. بخشی از سروده‌های او در مجموعه شبگیر نیز انتشار یافته است.

محمود ثنائی متخلص به «شهرآشوب» از شاعران نادره پردازد و در انواع شعر فارسی بخصوص غزل استاد بود. زادگاهش شهر هنرخیز اصفهان و پرورشگاهش منطقه ادب‌پرور آذربایجان می‌باشد. در مورد تاریخ ولادت خود در مجله سوم سخنوران نامی نوشته است که «پیری هستم ۳۳ ساله و جوانی رنج کشیده که در سال ۱۳۰۳ خورشیدی چشم به جهان گشوده‌ام».

برای اینکه بیشتر به خصوصیات روحی و طرز اندیشه و سبک نگارش او آشنا شویم، یادداشتی را که درباره خود نوشته است با هم می‌خوانیم– «بر آنم که در کتم عدم جسم سخت جانم چون بادنجان بم با رنج و غم خو گرفته– که چون آتش و گرما و یخ و سرما با هم در حکم نفس واحده درآمده و لازم و ملزوم هم شده‌اند چه اگر غیر از این بودی به‌حکم عقل پایداری چون من ناتوانی محال می‌نمودی و عجب نباشد اگر یقین کنم که پادزهر درد و حرمان در رگ و شریانم با خون آمیخته و نقش هستیم را ریخته و هم از این روی هر کوششی را امری زایده و هر تلاشی را چه مثبت و چه منفی بی‌فایده می‌دانم و باقتضای قضا راهی جز تسلیم و رضا نمی‌دانم». شهرآشوب در مناعت طبع مصداق این بیت خواجه بود.

گرچه فقرآلود فقرم دور باد از همتم

گر به آب چشمه خورشید دامن تر کنم

به همین دلیل در سراسر عمر خود در برابر زر و زور سر تسلیم فرود نیاورد و چه رنجها و مشقت‌ها که نکشید، قسمتی از اشعار او در مجموعه بنام «شبگیر» انتشار یافته است و امید می‌رود که دیوان کامل وی با همت فرزندان و دوستانش جمع‌آوری و چاپ شود. او در سال ۱۳۶۱ در روز چهارم آذر، سرای خاک را ترک گفت و به ملوت اعلا پیوست.

نقل از کتاب خلوت انس

گزیده‌ای چند از مقدمه کتاب شبگیر به قلم دکتر نوشین (رضانژاد)

تا آنجا که سراینده «شبگیر» را می‌شناسیم و از آثار او استنباط می‌کنم و در کالبد ناتوان او روح توانا و فرازمندی نهفته است که گسترش دامنه خیال و عزت طبعش، به ویژگیهای او افزوده و در پرواز تصورات و اوج‌گیری در تخیلات از سرایندگان کم‌نظیر ادبیات و فرهنگ کشور ما در شمار است، شهرآشوب نه تنها متصف به آزادی اندیشه و بیان و تموج ذوق و قریحه است، بلکه دارای صفات و مقامات عالیه دیگری، همچون عدم تعلقات مادی و گرایش باطنی به معنویات و پرهیز از جیفه‌های دنیوی و وارستگی از قیود جهانی می‌باشد...

عبارات منسجم و اسلوب دلپذیر و ترکیبات ملتهب شهرآشوب از آزمون‌های پراعتبار و عوالم آوارگی روح و سرگشتگی‌های مجنون صفتانه‌اش حکایت می‌کند.»

از آنجا که بیژن ترقی شاعر و ترانه‌سرای معروف یکی از معاشرین و دوستان نزدیک مرحوم شهرآشوب بوده‌اند از ایشان خواستم، مطالبی چند از خاطرات خود را جهت تکمیل این مقدمه نوشته ضمیمه این شرح حال نمایم: اینک نوشته ایشان.

«شهرآشوب انسانی بود به تمام معنی هنرمند، دلسوخته آتش به جانی بود که بار سنگینی از مشکلات زندگی را بدوش ناتوان خود کشیده، مخارج سنگین زندگی، کثرت اولاد و امجاد، حقوق مختصر بازنشستگی و آلودگیهایی که از جهت فراموشی مشکلات زمانه او را در خود فروبرده بود، دانش و بینش و هنرهای چشم‌گیر و خلاقه این انسان والا را تحت‌الشعاع قرار داده گاهی از سر درد غزلی بدین‌گونه سر می‌داد:

من بار سنگینم مرا بگذار و بگذر

نیکم، بدم، اینم، مرا بگذار و بگذر

زمانی که دنیا را به کام ناجوانمردان و بیسوادانی می‌دید که روزگاری از معاضدت‌های او بهره برده و اکنون که به مقام و منصبی رسیده او را از خود می‌رانند با طبع آتشین خود مخاطب قرار داده که:

درون بحر دل گوهر از جفا خون شد

که حکمران سر موج جز حبابی نیست

«یکی از شاهکارهای بی‌نظیر و پرسوز و گداز شهرآشوب قصیده‌ایست انتقادی تحت عنوان «مداح» که بیانگر دورن آشفته و نابسامانیهای روز و روزگار اوست که به نظر نگارنده جای آن در سر لوحه تاریخ ادبیات این مرز و بوم خالی است.»

اینک چند سطر از آن قصیده:

آن زند طعنه که در سفره شاعر نان نیست

وین کند خنده که در پیکر شاعر جان نیست

منم آن گرسنه خوشحال مباهی به کمال

گرچه دانم شکم گرسنه را ایمان نیست

روزگاری است که دانا به مکافات کمال

می‌برد رشک به جاهل که چرا نادان نیست

همه گویند که مداح شو و کام بجوی

که بجایی نرسد هر که مدیحت خوان نیست

خود گرفتم به مدیح خذفی در سفتم

آنکه فرق خذف از در بشناسد آن نیست

شعر بر نام شکم‌باره‌ی بی‌عقل و شعور

چون مسمی بکنم، شعر که بادمجان نیست

«خواب و خیال»

تو ای آهوی وحشی- چه دیدی که از ما رمیدی

چو در پایت افتادم- به راه تو سر دادم

کی می‌کنی یادم- گاهی گذاری به نامه‌ای شادم

مرو ای ستمگر- که من بی‌تو دیگر- ندارم سر هستی

ای آشنا گل- ناآشنا گشتی

ای جان شیرین- از من جدا گشتی

تو ای شور مستی- تو ای نور هستی

چو پیمان گسستی- ز قید وفا رستی

خبر ندیدم- دردا به حال دل خواب و خیال دل

«شهرآشوب علاوه بر تسلطی که در تمام زمینه‌های ادبی داشت، از طبعی بدیهه‌سرا و قهرمان نیز برخوردار بود که به طرفۀالعین منظومه‌ای شیوا و شیرین می‌سرود و با مطایبات و طنزهای مؤدبانه‌ای از دوستان خود انتقاد می‌کرد که آن اثر بزودی دست به دست

می‌گشت و خاطر شنوندگان را از ابداعات و شیرین کاریهای لفظی خود محفوظ می‌نمود. او در سرودن ترانه نیز از پیش‌کسوتان عصر خود بود، یکی از شاهکارهای او تصنیف «ساز شکسته» است که در آن شعر از دل پردرد و زندگی بی‌سر و سامان خود ایده گرفته و خود را به ساز شکسته‌ای تشبیه کرده که روزگاری نواهی آسمانی و دلنشینی به گوش سوختگان عالم خاک می‌رساند. و اکنون که شکسته و بینوا شده جز ناله‌ای محزون و غم انگیز از آن به گوش نمی‌رسد. «ساز شکسته ز چه رو تو فغان نکنی؟»

یادش بخیر و نامش گرامی باد

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ثنائی، شاه حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر و ادیب بوده، سابقا در سلک نواب بلند جناب حضرت درمش خان منتظم بوده، و شاه اسماعیل صفوی منصب وزارت بدو ارزانی داشته (زمستان ۹۲۰).

در آثار الشیعهٔ گوید: از اولاد شیخ محمد بن یوسف بنای صوفی معروف است، و خود عارف و عاقل بوده، در اوایل عمر بنایی می‌کرده، در اثر استعداد ذاتی، ترقی نموده تا به مقام وزارت رسیده.

در روز ۴ شنبه ۲۸ جمادی الاولی ۹۲۹ به دست یکی از نوکران خود مقتول گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ثنائی‌ذاکر، باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مشاوره و راهنمایی، دانشکده: علوم تربیتی، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی از دانشگاه تهران و دکترای مشاوره از دانشگاه کلورادو آمریکا.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح عوامل مؤثر در افت تحصیلی، رفتار بیماران و مراجعین در جلسات درمان، تأسیس سالنامه نمایه‌ها و چکیده‌های علوم تربیتی و روانشناسی ایران، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مشاوره و روان درمانی خانواده، مشاوره و روان درمانی گروهی، فنون مشاوره، مبانی مشاوره و راهنمایی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: متعدد، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

مسائل مختلف روان‌شناسی و روان درمانی، مشاوره و روان درمانی خانواده، درمان آسیب‌های روانی جنگ، درمان اعتیاد، نظریه‌های روان‌شناسی و درمانی مشاوره گروهی با کودکان.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ج.اهرپور، ناصر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : ناصر جواهر پور از هنرمندان خط نستعلیق می باشد . او صاحب مدرک «ممتاز »در خط نستعلیق از انجمن خوشنویسان است . وی بر فلسفه پخش و نشر خط و کتابت به شکل گسترده و موسع اش اعتقادی دیرین داردو انتشارات را در زمینه خط و خوشنویسی از امهات فعالیت های انجمن خوشنویسان ایران می انگارد .وی هم اکنون در انجمن به کار تلمیذ و تدریس اشتغال دارد .

گروه : هنر

رشته : خوشنویسی

والدین و انساب : ناصر جواهر پور درسال ۱۳۲۲ در اصفهان به دنیا آمد . او از طرف مادر اصفهانی و از طرف پدر باخترانی است . منتها اجداد پدری اش در اسد آباد بوده و آهنگری می کردند لیکن اجداد مادری اش به کارهای هنری علاقه داشتند .

استادان و مربیان : استاد حسین میرخانی ، در انجمن خوشنویسان یکی از استادان جواهر پور بود .ناصر جواهر پور همچنین در نزد استادش حسین میرخانی نیز تعلیماتی فراگرفته است .

هم دوره ای ها و همکاران : یکی از همکاران ناصر جواهر پور دراداره هنر گرافیک ،غلامحسین امیر خانی بود .

وقایع میانسالی : ناصر جواهر پور در سن ۱۸ سالگی دریک آتلیه نقاشی کار می کرد و کار نقاشی اش نسبت به سنش خوب بود . لیکن به یاد گرفتن خط نیز نیاز پیدا کرد بدان علت مبالغی را برای آموختن خط می پرداخت و راهی طولانی رانیز طی می کرد . این طولانی بودن راه و خرج مبالغ باعث شد که او به فکریاد گرفتن خط بیفتد و پیشرفت نماید. مهمترین خاطره جواهر پور در دوران میان سالی این بود که اوبعد از اخذ مدرک «ممتاز » باز هم درهمان انجمن خوشنویسان ثبت نام کرده و شهریه کلاس دوره ممتاز رایک بار دیگر پرداختا کرده و گفت که «می خواهم باز هم تعلیم بگیرم » .چون وی علیرغم اینکه مدرک ممتاز راگرفته بود ولی احساس می کرد که خطش آن طور که باید خوب و یا عالی نشده است .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ناصر جواهرپور دوسال درارتش مشغول کارشد ولی چون دید که استعدادش در آن محیط کاربردی ندارد به استخدام فرهنگ و هنر در آمد . او درآنجا در اداره گرافیک مشغول به فعالیت شد .

آرا و گرایشهای خاص : ناصر جواهر پور با« خط /نقاشی »یا« نقاشی /خط »و به قول دیگر «خطاشی » مخالف نیست . او آن هنر را برای دستیابی به هدف لازم می داند لیکن اگر مخالفتی هم باشد با کار آن دسته از ناآگاهان مخالف است که تقلید کورکورانه ای از صاحبان فهم و اندیشه می کنند .

چگونگی عرضه آثار : ناصر جواهر پور درسال ۱۳۴۵ مدرک «ممتاز» در خط نستعلیق را از دست استاد سید حسین میرخانی دریافت کرده است .

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

جابری اصفهانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۶ -۱۲۸۷ ق)، شاعر و نویسنده. جابری تحصیلات ابتدایی خود را در اصفهان به پایان رسانید و پس از آن در فقه و اصول و حکمت و ادبیات فارسی و عربی متبحر شد. وی به مشاغل دولتی اشتغال داشت. صاحب «تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان» محل تولد وی را اصفهان و صاحب «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس» زادگاهش را شیراز ذکر کرده است. از آثار وی: «آفتاب درخشنده»؛ «آگهی شهان از کار جهان»، شعر؛ «اثبات معراج و معاد جسمانی»؛ «اسرار الانصار»؛ «اصفهان نصف جهان»؛ «اصفهان و ری و همه‌ی جهان»؛ «بدایع و نوادر»؛ «تفسیر حسن، سوره حمد و آیه‌ی اول سوره بقره»؛ «توحید و شئون آن»، شعر؛ «جواهر الجواهر»؛ «رساله در اسرار تاریخی قاجار»؛ «شرح حال شیخ بزرگوار سعدی»؛ «گنجینه‌ی انصار»؛ «گوهر شب چراغ»؛ «لالی السمط فی معالی النبی و السبط»؛ «نورالثقلین»؛ «نوشدارو و تهذیب اخلاق».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۳۷ -۱۳۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۴۷ -۳۴۴ /۱)، مولفین کتب چاپی (۶۲۰/۲).

جابری اصفهانی، سلمان

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۱ ق)، شاعر. اهل اصفهان بود. سلسله‌ی نسبش به جابر بن عبداللّٰه انصاری از یاران پیامبر اکرم (ص) میرسد. در زمان شاه طهماسب اول نظارت بیوتات می‌کرد. در زمان شاه اسماعیل ثانی به وزارت رسید. و شاه او را بر همه‌ی امراء و رجال دربار خود برتری داد، در زمان پادشاهی سلطان محمد خدابنده وزیر اعظم بلکه امیر اکرم شد و دختر خود را به حمزه میرزا ولیعهد ایران داد و خود را از خاندان سلطنتی شمرد. امرای قزلباش عظمت او را برنتافتند و او را به قتل رساندند و اموالش را مصادره کردند و خاندانش را برافکندند. میرزا سلمان در شعر بسیار توانا بود و دیوانی نیز به اتمام رسانید. در «صبح گلشن» به خطا «سلطان» آمده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۴۷ -۹۴۶ /۳)، احسن التواریخ (۷۱۷ -۷۱۶، ۶۵۵، ۶۳۹)، تاریخ نظم و نثر (۴۶۳ -۴۶۱)، تذکره‌ی روز روشن (۳۶۴ -۳۶۳)، الذریعه (۴۶۲/۹)، صبح گلشن (۲۰۶)، عالم آرای عباسی (۲۸۲، ۲۵۱، ۲۳۶ /۱)، لغت نامه (ذیل/ (سلمان)، مجمع الخواص (۴۲ -۴۱)، مخزن الغرائب (۶۶۶ -۶۶۴ /۲)، هفت اقلیم (۴۰۳ -۴۰۱ /۲).

جابری انصاری، حسن

قرن:۱۴

جنسيت:مرد

مليت:ايران

فرزند حاج ميرزا على مستوفى بن محمود.

فاضل ارجمند گرامى، اديب مورّخ شاعر، از مشاهير فضـلا و دانشـمندان اصفهان، و از خاندان علمى و ادبى، در ۱۸ رجب ۱۲۸۷ در شيراز متولّد شده، و در ۵ جمادى الثانيه سال ۱۳۷۶ در اصفهان وفات يافته، در ايوان داخلى بقعه بابا ركن الدين مدفون گرديد.

در اصـفهان خـدمت جمعى از افاضـل همچـون: ميرزا محمّـد حسن نجفى، و آقـا سيد محمّـد بـاقر درچه‌اى، و آخونـد كاشـى تلمّذ فرموده، و در اين بين به تأليف و تصنيف اشتغال جسته، كتب زيادى تأليف نموده، و اغلب آنها را به طبع رسانيده است.

اينك به اسامى برخى از آنها اشاره مى‌شود:

۱- آثار الحسان، در بدايع اشعار نسوان ۲- اوصاف المستحسنه ۳- آگهى شهان از كار جهان، ۴ مجلّد ۴- آفتاب درخشنده ۵- اسرار الانصار ۶- اسـرار تاريخى قاجاريه ۷- بـدايع و نوادر ۸- تاريخ اصـفهان، مختصر ۹- تاريخ اصـفهان و رى ۱۰- تفسير حسن، تفسير قرآن مجيـد ۱۱- تهـذيب الاخلاق ۱۲- ترجمه وفيـات الاعيـان ابن خلّكـان كه به دسـتور ظـل السـلطان انجـام داده ۱۳- ترجمـه فقه ابوحنيفه ۱۴- تسـهيل وصّاف ۱۵- ديوان اشـعار ۱۶- رسـاله در حقيقـت معراج ۱۷- صـعود المسعود ۱۸- عشق حقيقى و مجـازى، منظومه فارسى ۱۹- گزارش شـرح حال سعدى و حافظ ۲۰- گنجينهٔ الاسرار ۲۱- گوهر شب چراغ، جلـد اوّل آن مطبوع ۲۲- لئالى السمط فى معالى النبى و السبط ۲۳- منشآت ۲۴- نوش دارو، در اخلاق ۲۵- نور الثقلين، در مناقب رسول اكرم صلى الله عليه و آله و سلم؛ و رسائل عديده ديگر از مطبوع و غير مطبوع، حدود سيزده مجلّد.

مرحوم انصارى در كتب خويش به نام جمعى از مشاهير خانـدان خويش كه در اصـفهان ساكن بوده‌انـد اشاره مى‌كند. ذيلاً نام آنها در اين كتاب جهت تتميم مطلب تذكّر داده مى‌شود:

۱- خواجه كمال ابوالفتح جابرى فرزند خواجه جلال الدوله، معاصر شاه اسماعيل و مشرف خزانه سلطنتى.

۲- ميرزا باقر فرزند ميرزا محمّد على كلانتر اصفهان، و واقف خانه‌ها و املاكى در اصفهان.

۳- رئيس برگه، با فضايل متوافر، و از زمره اخيار و صاحبان خيرات بوده.

۴- جلال الدين. از وزراى تراكمه و از اسخياى معروف بوده، معاصر سلطان الوند بهادر.

۵- ميرزا حسين جابرى، كلانتر و حكمران اصفهان در عهد نادر شاه، و مقتول به امر او.

۶- ميرزا داود، در دستگاه سلاطين صفويّه بوده، شاعر و اديب و بانى تكيه حاج ميرزا داود در جويباره است.

۷- ربيع الدين، معاصر با نادر شاه و فرزند رفيع الدين.

۸- رفيع الدين ابن مهدى مستوفى الممالك ايران.

۹- ميرزا سلمان اعتماد الدوله بن على، اديب و نويسنده و شاعر معصر شاه طهماسب صفوى.

۱۰- ميرزا عبداللّه فرزند ميرزا سلمان، اديب و شاعر.

برگرفته از كتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

جابرى عربلو، محسن

قرن:۱۴

جنسيت:مرد

مليت:ايران

سال تولد:-، مرتبه علمى: دانشيار، رشته: مبانى حقوق اسلامى، دانشكده: الهيات و معارف اسلامى، دانشگاه: تهران

برگرفته از كتاب :شرح حال تخصصى استادان و دانشياران كشور (جلد سوم)

جابرى، محمد

قرن:۱۴

جنسيت:مرد

مليت:ايران

محمدرضا بن حاج محمدحسـين جابرى ابلولانى گلپايگانى از علماء متورع و پرهيزكار اين ديار بوده كه سالها در اصفهان اشتغال به تدريس و تدرس داشته است.

و پس از رسـيدن به حـد كمـال به مـوطن خود برگشـته و به انجـام وظـائف دينى و علمى پرداخته و از ورع او آنكه از وجوه شـرعيه استفاده نمى‌نموده در دوران تحصيل هم شهريه نمى‌پذيرفته.

بلكه چون تـاجرزاده بوده و پـدرش از متمكنين بنـام گلپايگـان بوده دسـتگيرى از مسـتمندان بسيارى نموده و به طلاب بى‌بضـاعت كمكهائى نموده آن مرحوم همشـيره‌زاده آيت‌اللّه آقا شـيخ محمـد سـعيد است و به مصداق الولد الحلال يشـبه بالعم و الخال خلقا و علما و ادبا شباهت تام بخال مفضال خود داشته و صاحب ترجمه دائى حاج آقاعلى قاضى‌زاده مى‌باشد.

حجهٔ‌الاسـلام والمسـلمين آقاى ميرزا عباسـعلى قاضـى زاهدى مى‌فرمودند در وقتى كه من تازه به اصفهان رفته بودم مرحوم حاج ملا محمدرضا از فضلاى نامى حوزهٔ‌ى اصفهان به شمار مى‌رفت.

برگرفته از كتاب :گنجينه دانشمندان (جلد هفتم)

جاپلقی، عبدعلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، فقیه. پدر وی از شاگردان برجسته‌ی محقق کرکی بود. عبدعلی از ایران به هند رفت و در آنجا ساکن شد. وی مدتی در خدمت سلطان سلیمان میرزا بود و متولی آستان قدس رضوی. محمدباقر داماد از وی روایت کرده است. از جمله آثار وی شرح بر «الفیه» شهید است که آن را به درخواست سلیمان میرزا، فرزند شاه طهماسب صفوی، سلطان حیدرآباد، برای خواهرش پری‌خانم نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۱/۸)، الذریعه (۱۱۲ -۱۱۱ /۱۳)، روضات الجنات (۲۱۵ -۲۱۴ /۴)، ریحانه (۳۷۵/۱)، ریاض العلماء (۱۵۱/۳)، فوائد الرضویه (۲۳۸).

جاپلقی، علی‌اصغر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۳ -۱۲۳۱ ق)، فقیه، مدرس و محدث امامی. در روستای جاپلق به دنیا آمد و چون پدرش از دانشمندان بزرگ دینی حوزه‌ی علمی بروجرد بود، مقدمات علوم را در جاپلق آموخت، سپس به بروجرد رفت و در آن شهر فقه و اصول و حدیث و رجال و تفسیر و منطق و کلام و حکمت و درایه را نزد پدر و حجه‌الاسلام بروجردی و شیخ مرتضی انصاری فراگرفت و از پدر و برادرش اجازه‌ی روایت یافت. سید علی‌اصغر پس از چندی اقامت در بروجرد به شهر قم رفت و به تحقیق و تالیف و تدریس پرداخت و درین شهر درگذشت و در جوار حضرت معصومه (ع) به خاک سپرده شد. از آثار وی: «حج استدلالی»؛ «جامع المقاصد» در اصول فقه استدلالی؛ «طبقات الرواه»، در دو جزء؛ «طرائف المقال»، در علم رجال.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (۴۲۲/۲)، الذریعه (۷۳/۵)، چهل سال تاریخ ایران (۷۷۳، ۲۱۸)،« المآثر و الاثار (۱۶۲).

جاپلقی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد اسمعیل بن المرحوم آقا محمد صادق صادقی جاپلقی از علماء و دانشمندان مبرز و مشهور بفضل و تقوای تهران میباشد. وی در سال ۱۳۱۳ ق در یکی از قراء جاپلق که از مضافات اراک است بدنیا آمده و پس از رشد و طی مقدمات به اراک مسافرت نموده و از ابتداء با حضرت آیت‌اللّه آقای حاج شیخ محمد علی اراکی رفیق بحث و شریک تحصیل بوده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمدعلی خان و آیت‌اللّه حاج شیخ محمد سلطان العلماء استفاده سطوح نهائی نموده و از اول ورود مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی در اراک حاضر جلسات درس فقه و سطوح آنجناب شده و پس از مهاجرت و انتقال ایشان به قم مهاجرت بحوزه علمیه نموده و تا سال ۱۳۵۴ از مرحوم آیت‌اللّه موسس استفاده و هم چند ماهی از محضر مرحوم آیت‌اللّه نائینی (در موقع تبعیدشان به قم) بهره‌مند شده و در سال مزبور منتقل به تهران و در خیابان صفاری رحل اقامت افکنده و تا حال حاضر که هشتاد سال از سن شریفش می‌گذرد به اقامه جماعت در مسجد (صفاری) و ترویج دین و خدمات مذهبی و تدریس فقه و اصول اشتغال دارد. از آثار ایشان است تقریرات درس فقه و اصول کاملی مرحوم آیت‌اللّه حایری.

فرزند برومند ایشان جناب ثقهٔ‌الاسلام آقا شیخ خلیل اللّه صادقی جاپلقی تهرانی از فضلاء محصلین حوزه علمیه قم است که مدت ده سال در مشهد مقدس بتحصیل اشتغال داشته از محضر مدرسین بزرگ استفاده نموده آنگاه به قم مشرف و چندین سال است که از محضر آیات عظام و مدرسین والا مقام حوزه کسب فیض و کمال می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

جاپلقی، محمدحسن

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، فقیه امامی. وی از مردم شفت گیلان بود. در جوانی به اصفهان رفت و در خدمت بعضی از استادان این شهر چون میرزا حبیب‌الله و میرزا هدایت‌الله به تکمیل تحصیلات پرداخت. پس از چندی که استادان وی به فرمان نادرشاه متصدی امور شرعی جاپلق شدند، او نیز در روستای دره‌باغ مسکن گزید. محمدحسن در جاپلق با دختر هدایت‌الله ازدواج کرد و نتیجه این ازدواج پسری شد به نام ابوالقاسم که بعدها به میرزای قمی شهرت یافت. محمدحسن گذشته از علوم دینی در علوم ادبی نیز مهارت

داشت و از نخستین استادان فرزندش بود. ملا محمدحسن به دلیل اقامت طولانی در جاپلق به جاپلقی مشهور شد. از جمله آثار وی: «کاس السائلین» که به تقلید از «کشکول» شیخ بهائی نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۳۲/۱۷)، قصص العلماء (۱۸۰)، مکارم الاثار (۹۱۲/۳).

جاربردی، فخرالدین، ابوالمکارم احمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۶ ق)، فقیه و ادیب شافعی. وی از فضلای شاگردان قاضی بیضاوی و از داناترین دانشمندان تبریز بود و اوقات خود را بیشتر به تدریس و تالیف در زمینه علوم عقلی و نقلی صرف می‌کرد. بین جاربردی و قاضی عضدی ایجی مشاجرات بسیاری در علوم بود. وی در تبریز درگذشت. از تالیفات او: «الحواشی علی الکشاف» زمخشری؛ شرح «المنهاج» بیضاوی؛ حاشیه بر «شرح المفصل» ابن حاجب، در نحو؛ «شرح اصول البزدوی»؛ «شرح الحاوی الصغیر» قزوینی، و فروع فقه شافعی؛ «شرح الشافیه»، ابن‌حاجب، در صرف؛ «شرح الهدایه للمرغینانی» در فروع حنفیه؛ «المغنی»، در نحو.[۱]

(منسوب به جاربرد) ابوالمکارم فخرالدین احمد ابن حسن بن یوسف، دانشمند معروف قرن هشتم (ف. تبریز ۷۴۶ ه.ق.) وی پیوسته موظبت بر تحصیل علوم می‌کرد و به افاده طالبان علم ممارست داشت.

او ساکن تبریز بود و در همانجا درگذشت. جاربردی نزد قاضی بیضاوی صاحب تفسیر معروف تلمذ کرده و با قاضی عضدالدنی ایجی معارضات و مناقضات داشته. وی تألیفات بسیار دارد از جمله: شرح شافیه ابن الحاجب در علم صرف، کتاب السراج الوهاج که شرح بر کتاب منهاج استادش قاضی ناصرالدین بیضاوی است در علم اصول، تعلیقات بر کشاف. المغنی که رساله‌ایست در نحو.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۰۷/۱)، حبیب السیر (۲۳۲/۳)، روضات الجنات (۳۴۷ -۳۴۵ /۱)، ریحانه (۳۸۰/۱)، کشف الظنون (۶۲۶، ۱۰۲۱، ۱۴۷۸، ۱۸۷۹، ۲۰۳۶، ۲۲۲)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، الکنی و الالقاب (۱۳۷/۲)، معجم المولفین (۱۹۹ -۱۹۸ /۱)، هدیه العارفین (۱۰۸/۱).

جاروبی بلخی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر. وی از مردم بلخ بود و چون جاروب‌کشی آستانه خواجه عبدالله انصاری می‌کرد، به جاروبی مشتهر شد. جاروبی در سرودن شعر توانا بوده و اشعاری از وی در تذکره‌ها به جای مانده است. از اوست:

صد ره سرم به کوی تو گر خاک در شود

کی شوق پای بوس تو از سر به در شود

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۳۱۱)، تذکره‌ی روز روشن (۱۶۲) الذریعه (۱۸۷/۹)، مجالس النفائس (۱۶۶)، مخزن الغرائب (۵۹۵/۱)، لغت‌نامه (ذیل/ جاروبی).

جاکوبس، کین

قرن:۲۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نام واقعی : Glen Jacobs

قد: ۷ فوت

وزن : ۳۲۰ lbs

زمان تولد :April ۲۶, ۱۹۶۷

محل تولد : Madrid, Spain

اهل : Knoxville, TN

آغاز حرفه : ۱۹۹۴

مربی : Dean Malenko

ضربه نهایی : Chokeslam

کین کار خود را در باشگاه SMW با نام Unabomb آغاز کرد.

در ۷ آوریل سال ۱۹۹۵ Unabomb به همراه آل اسنو موفق شدند گروه the Rock 'n' Roll Express را شکست دهند و

در Pikeville, KY قهرمان جدید Smoky Mountain Wrestling Tag Team title شوند.
کین به خود ماسکی زد و نام خود را Doomsday گذاشت و خود را از شانس ها قهرمانی کمربند USWA Southern title معرفی کرد که در نهایت در ۱۳ جولای سال ۱۹۹۷ با شکست Spellbinger این کمربند را به دست آورد.
کین کار خود را در WWF با نام Isaac Yankem شروع کرد که یک دندانپزشک برای Jerry "The King" Lawler بود
بعد از اینکه اسکوت هال (رازور رامون) و کیوین نش (دیزل) WWF ترک کردند و به WCW رفتند .جیم رس مجبور شد با Big Daddy Cool به جای دیزل و با The Bad Guy به جای رازور رامون قرار دادبست که نقش رازور را Rick Bogner بازی میکرد و نقش دیزل را همین Glen Jacobs بازی میکرد.
کین کار خود را دوباره با عنوان برادر کوچک آندرتیکر شروع کرد ولی در ۵ اوکتبر سال ۱۹۹۷ در BAD BLOOD در بازی که بین آندرتیکر و شان مایکلز در HELL IN A CELL بود اومد و وارد رینگ شد و یک تامبستون به آندر زد و باعث باختن آندرتیکر شد.
کین در Montreal و در Survivor Series سال ۱۹۹۷ توانست که منکایند را شکست دهد.
- در داستان جدیدی که برای کین در زندگی ورزشیش پیش اومد این بود که در مراسم تشییع جنازه والدین آندرتیکر و احتمالا کین اتاق پذیرایی آتش گرفت . و کین که از بیرون وارد خانه میشد دید که ساختمان در حال رفتن به زیر آتش هست و و دید که بین پدرش پاول بیرر و آندر تیکر دعوا رخ داده به پدرش کمک کردند و از روی عمد آندرتیکر را به داخل آتش انداختند و با هم دیگر فرار کردند.
-بعد از مدتی آندرتیکر دوباره بازگشت و یک مسابقه ی CASKET MATCH با کین برگزار کرد که درون مسابقه کین به کمک پاول بیرر موفق شد آندر را به درون CASKET بندازد و بعد روی تابوت بنزین ریخت و آن را آتش زد .
- در رویال رامبل سال ۱۹۹۸ در WWF وقتی که آندرتیکر در مسابقه CASKET MATCH با صاحب کمربند WWF champion یعنی شان مایکلز حضور داشت در حین مسابقه کین آمد و باعث باخت آندرتیکر شد .
در رستل منیا XIV آندر تیکر با ۳ باز زدن تامبستون به کین بازی را برد اما کین اولین کسی بود که با وجود خوردن تامبستون بازی را واگذار نمیکرد.
-در Unforgiven سال ۱۹۹۸ وقتی که تریپل ایچ و کین در یک مسابقه رینگ آتش مبارزه میکردند آندر تیکر آمد و ایکس پک یار کین را خونی در بیرون رینگ انداخت کین هم بازی را ول کرد و از رینگ پرید بیرون وبازی را باخت البته در این بازی دست کین سوخت !
- کین در راو به کمک منکایند توانست آندرتیکر را شکست بدهد و شانس اول برای گرفتن کمربندWWF Champion در King of the Ring" شود.
-وینس مکمهمن قرار داد مسابقه اولین خون (First Blood) را بین کین که ماسک داشت و استن کلد به طور حتم برد استن کلد غیر ممکن بود !!!
- در King of the Ring سال ۱۹۹۸ کین خیلی راحت استن کلد را شکست داد
وآمادگی خود را برای کمربند WWF title اعلام کرد .
- منکایند و کین در ۱۳ ژولای سال ۱۹۹۸ با یکدیگر تیم شدند و میخواستند که کمربند WWF Tag Team را از گروه the New Age Outlaws بگیرند .
-در ۱۰ آگوست سال ۱۹۹۸ آندر تیکر امد و به تنهایی مانع برندن کین و منکایند در مسابقه با New Age Outlaws شد .
- کین و آندر تیکر و استن کلد در یک مسابقه triple threat match سره WWF champion در PPV Breakdown شرکت داشتند که در طی ان مسابقه هر دو برادر استن کلد را پین کردند برای همین برنده اون مسابقه معلوم نشد ؟
- با سفارش مکمهن در Judgment Day همون سال استن کلد داور افتخاری بود برای مسابقه بین آندر تیکر و کین برای مشخص شدن قهرمان WWF champion. (که ننوشته بود که کدوم یک بازی را بردن ؟)
- در ۳۰ مارچ سال ۱۹۹۹ کین و ایکس پک باز با یکدیگر یار شدند و جف جارت و اون هارت را شکست دادن و قهرمان جدید WWF World Tag Team شدند.
- در سال ۱۹۹۹ در شهر Kansas City, MO کین و ایکس پک موفق شدند که مارک هنری و دیلو برون را شکست دهند و از کمر بند خود دفاع کنند .
- کین در King of the Ring سال ۱۹۹۹ توانست بیگ شو را شکست دهد .
- در آرماگدون سال ۱۹۹۹ کین در مسابقه ی steel cage توانست که ایکس پک را شکست دهد .
- بعد از یک مدت دوری کین دوباره با پدرش پاول بیرر در راو در ۷ فوریه سال ۲۰۰۰ برگشت
- کین به همراه ریکیشی در رستل منیا ۲۰۰۰ که در Anahim برگزار شد توانستند که ایکس پک و رود داگ را شکست دهند
- در ۱۸ آوریل سال ۲۰۰۰ در WWF/IWA event کین به همراه راک توانستند که گروه Dudley Boys را شکست دهند.
- در PPV که در شهر لندن انگیلیس به نام Insurrextion برگزل شد کین توانست Bull Buchanan را شکست دهد .
- در ۱۴ آگوست سال ۲۰۰۰ کین در راو اومد و در رینگ یک چوک اسلم زیبا به آندرتیکر زد !!!
- در Survivor Series سال ۲۰۰۰ کین توانست که کریس جریکو را شکست دهد .
در ژوین سال ۲۰۰۱ کین و آندر تیکر دوباره رو در روی یکدیگر قرار گرفتند !
در رستل منیا XVII کین توانست کمربند WWF Hardcore را با وجود بیگ شو و ریون ببرد .

در ۱۷ آوریل سال ۲۰۰۱ کین و آندرتیکر در شهر Nashville, TN توانستند ادج و چیرستین را شکست دهند و کمربند WWF World Tag Team را ماله خود کنند .

– کین در Judgment Day سال ۲۰۰۱ که در شهر Sacramento برگزار شد توانست که تریپل ایچ را شکست دهد و کمربند Intercontinental را ماله خود کند .

– در ۷ آگوست سال ۲۰۰۱ کین به همراه آندرتیکر در WCW توانستند که Chuck Palumbo و Sean O'Haire را شکست دهند و کمربند WCW World Tag Team را ماله خود کنند .

– در Summerslam سال ۲۰۰۱ کین و آندرتیکر توانستند که DDP و KANYON

را شکست دهند و کمربند WWF World Tag Team را ماله خود کنند.

– در Unforgiven سال ۲۰۰۱ که در WCW برگزار شد کین و آندر تیکر از کمربند خود در مقابل تیم Kronic دفاع کردند .

– در ۳ مارچ سال ۲۰۰۲ کین به همراه بیگ شو در سنگاپور توانستند که Dudley Boyz را شکست دهند .

– در آوریل سال ۲۰۰۲ کین برای یک مدتی از کشتی کج کنار رفت.

– کین یک ماه بعد به WWE با یک ماسک جدید اومد

– در Unforgiven سال ۲۰۰۲ کین به همراه بوبا ری دادلی و بوکر تی و گالدست توانستند تیم Un-Americans را که متشکل بود از (تست – لنس استورم – ویلیام ریگل – چیرستین) شکست دهند.

– شب بعد از Unforgiven کین به همراه هاریکین توانست لنس استورم و چیرستین را شکست دهد و قهرمان WWE World Tag Team شوند .

– در ۳۰ سپتامبر سال ۲۰۰۲ کین در Houston توانست کریس جریکو را شکست دهد و قهرمان کمربند Intercontinental شود .

– در ۳۱ مارچ سال ۲۰۰۳ در شهر Seattle, WA سه تا تگ تیم حضور داشتند این کین و روب وان دام بودند که توانستند بر گروه Dudley Boyz و تگ تیم Sean Morley and Lance Storm غلبه کرده و کمربند World Tag Team را ماله خود کنند .

– کین و RVD در ۱۲ می سال ۲۰۰۲ از کمربند خود مقابل Legion of Doom محافظت کردند.

– بعد از اینکه در ۲۳ ژوین سال ۲۰۰۳ بازی خود را مقابل بریپل ایچ باخت و کمربند WORLD HEAVY WEIGHT را از دست داد ـ کین ماسک خود را در آورد

– در Summerslam سال ۲۰۰۳ کین توانست روب وان دام را شکست دهد.

– در Unforgiven سال ۲۰۰۳ کین توانست شین مک مهن را در مسابقه last man standing شکست دهد .

– در Survivor Series سال ۲۰۰۳ کین باز هم شین مک مهن را این بار در مسابقه ambulance" match برد

– در ۱۷ می سال ۲۰۰۴ کین مسابقه ۱۸-man battle royal را برد تا بتواند در مقابل قهرمان World Heavyweight که در ان زمان کریس بنوا بود در Bad Blood همون سال مسابقه دهد که در اون مسابقه نا موفق بود .

– در Summerslam سال ۲۰۰۴ کین موفق به شکست مت هاردی شد .

– در New Year's Revolution کین موفق به شکست اسنیتسکی شد.

– در Backlash سال ۲۰۰۵ کین ویسکرا را برد.

– در Vengeance سال ۲۰۰۵ کین موفق به شکست ادج شد .

– در Taboo Tuesday سال ۲۰۰۵ کین به همراه بیگ شو توانست که تگ تیم Trevor Murdoch and Lance Cade را شکست دهند و قهرمان World Tag Team شود

– و در Armegeddon سال ۲۰۰۵ هم کین به همراه بیگ شو توانست بر باتیستا و ری مستریو غلبه کند. بیوگرافی کامل KANE : نام : Glen Thomas Jacobs

محل تولد : شهر مادرید در اسپانیا

تاریخ تولد : چهارشنبه ، ۶ اردیبهشت سال ۱۳۴۶ شمسی = ۲۶ April ۱۹۶۷ میلادی

محل رشد و بزرگ شدن : خیابان لوییس در شهر نشویل در ایالت میسوری آمریکا

تحصیلات : رشته زبان انگلیسی در دانشگاه میسوری در شمال شرق آمریکا

محل اقامت فعلی : شهر ناکس ویل در ایالت تنسی در جنوب شرقی آمریکا

خصوصیات ظاهری : موهای قهوه ای روشن ، رنگ چشم آبی

قد : ۲ متر و ۶ سانتی متر . البته کفشی مخصوصی می پوشد که یک کفی سه لایه دارد و قد او را به دو متر و ۱۳ سانتی متر می رساند.

وزن : ۱۴۷/۵۵ کیلوگرم

طالع بینی (ستاره شناسی) او : شماره تولد او ۸ است. متولد سال گوسفند .

وضعیت تاهل : متاهل است. نام همسر Maurisa . دو دختر هم دارد.

تعداد برادر و خواهر : ۱ خواهر به نام Becky ، ۱ برادر به نام Brian

محلهای سرمایه گذاری و درآمد : فروشگاه ورزشی (فعلا تعطیل است) ، رستوران خوراکهای دریایی (هم اکنون مشغول کار است)

لقب ها و نامهای داخل رینگ : The Christmas ، The Black Knight ، Angus King ، Big Red Monster ، D.D.S ، Isaac Yankem ، Doomsday ، Diesel ، Creature (دندانپزشک) ، Unabomb ، Kane .

مربیان کشتی کج او : Dean Malenko ، Jeff Bradley ، Ray Candy .
نام فن معروف او : Chokeslam .
افتخارات اخیر او : قهرمان مسابقات WWE Champion ، Intercontinental Champion ، World Tag Team Champion ، WCW Tag Team Champion و Hardcore Champion . تاریخچه مختصری از فعالیت کشتی کج Kane . چگونه او به عنوان برادر Undertaker ، وارد WWE شد. سرآغاز قصه و چگونگی رخ دادن : Kane در اوایل کشتی زیر نظر Dean Malenko تعلیم دید و وارد – USWA (United States Wrestling Association –) انجمن کشتی ایالات متحده – به عنوان Christmas Creature (کسی که متولد شده در روز کریسمس است)، شد. این وضعیت خیلی طول نکشید. Glen Jacobs سپس در سال ۱۹۹۲ در USWA ، خود را به عنوان Doomsday معرفی کرد و همین حقه را به WWC در جزیره پورتوریکو زد. در ۱۹۹۵ ، Glen Jacobs ، به طور اتفاقی با Jim Cornette در ایالت میسوری ملاقات کرد. او به گروه Smoky Mountain Wrestling که متعلق به Cornette بود ، پیوست و در آنجا به مقام Unabomb رسید. Glen Jacobs سپس یار Al Snow (معروف به Simply Sensational) شد و بعد از قهرمانی Tag Team با او از Smoky Mountain Wrestling رفت.

Glen Jacobs در آزمون ورودی WWF خیلی خوش شانسی آورد ، چون Vince McMahon ، خیلی تحت تاثیر سایز و خصوصیات عضلانی و ورزشی او قرار گرفت. او به سرعت تحت عنوان دکتر Isaac Yankem ، دکترای جراحی فک و دندان ، به WWE پیوست (دندانپزشک خبیث Jerry Lawler) . اگر چه این حقه او نگرفت. اما او دیگر هر طوری بود خودش را وارد WWE کرده بود و شانسهای دیگری به او روی آورد.

وقتی که واقعا حقه دکتر Isaac Yankem او نگرفت دوباره به Smoky Mountain Wrestling برگشت و دوباره همان مقام Unabomb رسید .

در ۱۹۹۶ ، به Glen Jacobs ، نقش Diesel که Kevin Nash در هنگامی که این کلک را زده بود و در حال ترک WWE بود ، بر عهده داشت ، پیشنهاد شد. هواداران Diesel ، حاضر به قبول Diesel قلابی یا ۲ Diesel نشدند و این حقه هم راه به جایی نبرد .

در سال بعد ، Glen Jacobs ، یک بار دیگر برای USWA کشتی گرفت .

در این اثنا ، Undertaker ، Paul Bearer و Vince McMahon، پس از جستجوی فراوان چیزی را پیدا کردند که بعدا یکی از بزرگترین افراد ماسکدار کشتی شد ، یعنی KANE . آنها در حالی که ایده هایی در سر داشتند از یک سالن ورزشی به سالن ورزشی دیگر می رفتند. در یک روز که آنها به Smoky Mountain Wrestling رسیدند ، فکر می کنید چه کسی را دیدند ؟ هیچ کس جز Percy . Kane می گوید هم او و هم Undertaker به خوبی می دانستند که Kane ، شخصی است که می تواند کاراکتری که آنها در ذهن داشتند را توصیف کند.

Kane ، تا حالا حدود ۶ سال است که دوام آورده است و خیلی بیشتر از بقیه کشتی کج کارا که به آنها امیدوار بودند ، رشد و پیشرفت داشته است. در سال ۲۰۰۳ ، طرفداران Kane ، هنگامی که در نهایت ماسک خود را برداشت ، شوکه شدند. ولی این برداشتن ماسک مقام و اعتبار Kane را بیش از پیش کرد. قابلیتهای او در داخل رینگ کشتی کج و خارج از رینگ واقعا منحصر به فرد بود .

در ضمن توجه کنید که تا به حال هیچ کس جز Glen Jacobs ، کاراکتر Kane را بازی نکرده است. خلاصه سوابق کشتی Kane : اوایل دهه ۱۹۹۰ : کار در ژاپن ، پورتوریکو ، میسوری و فلوریدا .

۱۴ دسامبر ۱۹۹۲ (دوشنبه ، ۲۳ آذر ماه سال ۱۳۷۱ شمسی) ، در USWA به عنوان Christmas Creature (متولد شده در روز کریسمس) معرفی شد. آقای Bill Moody (همان Percy Pringle) می گوید که Kane بعد از حقه ای که در USWA زد ، آنقدر خجالت زده و شرمنده شده بود که دوباره پیش Bill Moody برگشت و از او عذرخواهی کرد. ۱۹۹۲ : اولین لقب او Angus King بود و آن هم زمانی بود که در سالن خیابان لوییس در ایالت میسوری ظاهر شد و پس از آن بود که به جنوب و به سمت USWA رفت. ۱۹۹۴ : در USWA ، به عنوان Doomsday معرفی شد. شرکت در Tag Team با Al Snow و برنده شدن Smoky Mountain Tag Team Championship در ۱۹۹۵ . ۱۹۹۵ : در SMW (Smoky Mountain Wrestling) به عنوان Unabomb معرفی شد . مقام قهرمانی مسابقات Tag Team با Al Snow در ۷ April ۱۹۹۵ (جمعه ، ۱۸ فروردین سال ۱۳۷۴) .

در ۱۹۹۵ Glen Jacobs ، شرکت در رقابتهای SMW (با ریاست Jim Cornette) را با عنوان Unabomb آغاز کرد. Unabomb و Al Snowدر قالب یک Tag Team در SMW رقابت کردند و مسابقات Tag Team را در SMW یعنی Smoky Mountain Tag Team Championship با شکست دادن The Rock و Roll Express در یک Pole Match تحت عنوان Coal Miner's Glove ، بردند .

Unabomb در ۴ آگوست ۱۹۹۵ (جمعه ، ۱۳ مرداد ۱۳۷۴) ، به Undertaker در مسابقه Super Bowl of Wrestling در SMW باخت. ۸ روز بعد ، Unabomb و Al Snow در یک مسابقه تحت عنوان loser-leaves-town (بازنده شهر را ترک می کند) شرکت کردند و از حریفهای خود یعنی Tracey Smothers و Dirty White Boy باختند. Glen Jacobs سپس از WWE سر درآورد.

تابستان ۱۹۹۵ : به عنوان دکتر دندانپزشک Dr. Isaac Yankem DDS (Isaac Yankem) در WWE معرفی شد.

یک دندانپزشک دیوانه که Jerry Lawler با خود آورد تا به او در رقابت و دشمنی دیرینه اش با Bret Hart (The Hitman) کمک کند. Hart در مسابقات SummerSlam سال ۹۵ بهتر از Dr. Isaac Yankem ظاهر شد و همینطور

در مسابقه قفس در ماه اکتبر در RAW نیز پیروز شد.

Isaac Yankem ، به مسابقه دادن در WWE ادامه داد ، اما تعداد خیلی کمی از طرفدارانش او را می دیدند چون او چندین سال ، اکثرا ، در مسابقات تاریک بازی می کرد. ضمنا دیگر بهAhmed Johnson و Bob Holly علاقه ای نداشت. ۱۹۹۶ : در WWE تحت عنوان ۲ Diesel (The New Diesel) ظاهر شد که این عنوان قبلا متعلق به Kevin Nash بود.

با رفتن Kevin Nash و Scott Hall از Glen Jacobs ، WWE به تلویزیون WWE برگشت، اما تحت عنوان و ظاهر متفاوت دیگری ظاهر شد. Jim Ross گزارشگر ، ادعا کرد که او Diesel و Razor Ramonرا به زمین خواهد آورد. اما دو مرد ظاهر شده در Nash ، RAW و Hall نبودند. Rick Bogner یکی از افراد باسابقه و قدیمی در سازمان Frontier Martial Arts ژاپن در نقش Razor Ramon و Glen Jacobs در نقش Diesel ظاهر شدند.

این حقه ، موفقیت کمی در WWE بدست آورد و تا اوایل ۱۹۹۷ ، که این حقه راهی به سوی USWA شد که Razor Ramon قلابی Diesel قلابی را در یک مسابقه loser-leaves-town شکست داد.

۱۹۹۷ : در WWE ، تحت عنوان KANE در P.P.V Bad Blood توسط Paul Bearerو به عنوان برادر Undertaker ، معرفی شد که ماسکی بر سر داشت تا آثار سوختگی صورتش را مخفی کند و توانست برنده مسابقات سنگین وزن USWA Heavyweight Championship در July ۱۹۹۷ بشود. ۱۹۹۹-۲۰۰۰ : در ۱۹۹۹ او باز هم به WWF پیوست. ولی یکی از اعضای WWF به نام Chyna با خیانت به او سعی در خراب کردن وجهه KANE کرد و موفق هم شد . اما بعد از مدتی او با Undertaker متحد شد و یک بار دیگر برگشت. بعد از اینکه از Undertaker جدا شد ، با دیگر با تشکیل یک گروه Tag Team با X-Pac چهره شد و در همان زمان بود که از حالت سکوت خود خارج شد و شروع به حرف زدن با استفاده از صدای ته حنجره خود (البته به ندرت) کرد و اولین چیزی هم گفت این بود " Suck it " و یک دوست دختر کشتی کج کار به نام Terri Poch برای خود انتخاب کرد که عکس آن را در زیر می بینید. (قد : ۱۷۵ سانتی متر . وزن : ۶۴ کیلوگرم . تاریخ تولد : یکشنبه ، ۲۹ مرداد سال ۱۳۴۶ شمسی = ۲۰ August ۱۹۶۷ میلادی)

این Tag Team ، هنگامی که X-Pac به D-Generation X ملحق شد ، شکسته شد.

به خاطر دشمنی هایی که KANE و Terri پیدا کردند ، او هم به KANE خیانت کرد و به گروه D-Generation X ملحق شد. دشمنی Kane و X-Pac تا ۲۰۰۰ WrestleMania ادامه داشت و در آن بازی Kane ، پیروز شد و پیروزیش را جشن گرفت.

مدت کمی بعد از KANE ، WrestleMania از صدمه ای که به دست او رسید بسیار رنج برد و باعث شد حدود یک ماه کشتی کج را کنار بگذارد. بعد از اینکه برگشت ، به Undertaker و The Rock بر سر اختلافی که با دم و دستگاه McMahon ها پیدا کرده بودند، کمک کرد. کمک به آنها در این دشمنی و خصومت در ۲۰۰۰ King of the Ring و در مقابل Vince و Shane Mcmahon و سپس قهرمان Triple H ، به اوج خود رسید. درگیری مختصری بین Undertaker و KANE ، در خلال مسابقه پیش آمد که به سرعت برطرف شد و مسئله تمام شد.

KANE بعدا یک بار دیگر تغییر رویه داد و به Undertaker حمله کرد که منجر به مسابقه ای بین آن دو در ۲۰۰۰ SummerSlam شد. مسابقه موقعی به پایان رسید که Undertaker ماسک KANE را از صورتش برداشت و باعث شد او از رینگ فرار کند.

Kane تا پایان سال در رقابتهای WWF باقی ماند و سال ۲۰۰۰ با دشمنی که با Chris Jericho به پایان رساند . قهرمان سابق مسابقات KANE ، Intercontinental Champion با ماسک : --

۲۰۰۱ – ۲۰۰۲ : Kane کمی قبل از ۲۰۰۱ Royal Rumble ، اتحاد خود با Undertaker را مجددا تشکیل داد و نام گروهشان را Brothers of Destruction (برادران نابودی) گذاشتند و تا پایان سال ۲۰۰۱ با هم بودند. او در Royal Rumble ۲۰۰۱ ، ۱۱ نفر از کشتی کج کاران را بیرون انداخت و در نهایت هم نفر دوم مسابقه شد.

در خلال آن سال ، Undertaker و KANE با Edge و Steve Austin ، Haku ، Rikishi ،Christian و Triple H دشمنی پیدا کردند. در همان زمانی که KANE در WWF Hardcore Championship رقابت می کرد، Raven را در ۱۷ WrestleMania شکست داد.

در خلال رقابتهای Kane ، The Invasion و Undertaker با Diamond Dallas Page و Chris Kanyon ،هنگامی که Page به سمت Sara زن Undertaker حمله کرد، دشمنی پیدا کردند. این دشمنی در SummerSlam ۲۰۰۱ هنگامی که Kane و Page ، Undertaker و Kanyon را در یک رقابت قفس فلزی شکست دادند ، به اوج خود رسید و باعث شد هم مقام قهرمانی WWF World Tag Team Championship و هم WCW World Tag Team Championship خود را حفظ کنند.

Kane و KroniK ، Undertaker را در مسابقات ۲۰۰۱ Unforgiven شکست دادند و هر دو در رقابتهای ۱۰ نفره survivor series در ۲۰۰۱ Survivor Series به عنوان اعضای Team WWF شرکت کردند و برنده هم شدند. اگر چه بعدا هر دو حذف شدند . ۲۰۰۳ : KANE در روز دوشنبه ، دوم تیر سال ۱۳۸۲ شمسی برابر ۲۳ June ۲۰۰۳ میلادی ماسک خود را برداشت و سپس سر خود را کامل تراشید و اندکی مو در قسمت پایین سر خود باقی گذاشت.

در همین زمان ، Triple H ، به KANE پیشنهاد داد که به او در گروه Evolution (گروهی متشکل از Ric Flair ، Randy Batista ، Orton و Triple H که البته الان دیگر وجود ندارد) یک جای ثابت خواهد داد. معاون مدیر کل RAW ، Stone Cold Steve Austin ، به KANE این شانس را داد که اگر پیشنهاد Triple H را رد کند کاری می کند که در مقابل Triple H در رقابتهای World Heavyweight Championship بازی کند. از طرف دیگر معاون مدیر کل Eric

Bischoff ، اصرار داشت که KANE باید بدون ماسک در برابر Triple H ببازد. Kane پیشنهاد Stone Cold را پذیرفت و در هفته بعد به مسابقه با Triple H در رقابتهای Madison Square Garden رفت. Triple H مسابقه را برد و در پی مزاحمتهایی که Triple H برایش ایجاد کرد ، ماسک خود را برداشت و معلوم شد صورتش واقعا زخمی نبوده است. او سپس به سرعت برگشت و یک ضربه Chokeslam به یار Tag Team خود یعنی Rob Van Dam زد که البته قصد داشت تا او را در SummerSlam ۲۰۰۳ شکست دهد.

در مصاحبه با گزارشگر Jim Ross ، روشن شد که مسئله سوختگی صورت KANE جنبه روانی داشته است و واقعا سوختگی در کار نبوده و این مسئله باعث شد صحبتهایی که قبلا شده بود مبنی بر اینکه بعضی از کشتی کج کاران با دیدن صورت او یکه خوردند ، منتفی شود. در پایان مصاحبه KANE فهمید که دارد مسخره می شود و برای همین به Jim Ross حمله کرد و او را به زمین کوباند . نتایج بازیهای مهم KANE از ابتدا تا کنون :

مجله تخصصی کشتی کج – Pro Wrestling Illustrated – PWI) ، از میان ۵۰۰ کشتی گیر برتر سال ۲۰۰۳ به او مقام ۱۸۶ را داده است.

سال ۱۹۹۹ میلادی ، جایزه Tag Team مجله PWI که با X-Pac بود را دریافت کرد.

در Smoky Mountain Wrestling :

SMW Tag Team Championship با Al Snow .

Rock 'N Roll Express را در روز ۷ April ۱۹۹۵ در شهر پیک ویل در ایالت کنتاکی آمریکا شکست داد.

به Tracy Smothers و Tony Anthony در شهر Jellico در ایالت میسوری آمریکا در روز ۶ July ۱۹۹۵ باخت. در United States Wrestling Association :

USWA Southern Heavyweight Championship :

Spellbinder را در روز ۱۳ July ۱۹۹۷ در شهر ممفیس در ایالت تیسوری آمریکا شکست داد.

به Steven Dunn در روز ۶ September ۱۹۹۷ در شهر ممفیس در ایالت تیسوری آمریکا ، باخت. در World Championship Wrestling :

WCW World Tag Team Championship با Undertaker .

Chuck Palumbo و Sean O'Haire را در روز ۷ August ۲۰۰۱ در شهر لوس آنجلس در ایالت کالیفرنیای آمریکا شکست داد.

به Booker T و Test در روز ۲۵ September ۲۰۰۱ در شهر دایتون در ایالت اوهایو آمریکا باخت. در World Wrestling Federation :

WWF Championship .

Stone Cold Steve Austin را در ۲۸ June ۱۹۹۸ در شهر پیتربورگ در ایالت پنسیلوانیا آمریکا شکست داد.

به Stone Cold Steve Austin در ۲۹ June ۱۹۹۸ در شهر کلیولند در ایالت اوهایو آمریکا باخت. WWF World Tag Team Championship با Mankind .

New Age Outlaws را در روز ۱۳ July ۱۹۹۸ در شهر رادرفورد شرقی در ایالت نیو جرسی آمریکا شکست داد.

به Stone Cold Steve Austin در ۲۶ July ۱۹۹۸ در شهر فرزنو در ایالت کالیفرنیا آمریکا باخت. WWF World Tag Team Championship با Mankind .

Undertaker و Stone Cold Steve Austin را در روز ۱۰ August ۱۹۹۸ در شهر اوماها در ایالت نبراسکا آمریکا شکست داد.

به New Age Outlaws در روز ۳۰ August ۱۹۹۸ در شهر نیویورک سیتی در ایالت نیویورک آمریکا باخت. WWF World Tag Team Championship با X-Pac .

Owen Hart و Jeff Jarret را در روز ۵ April ۱۹۹۹ در شهر لانگ آیلند در ایالت نیویورک آمریکا شکست داد.

به The Acolytes در روز ۲۵ May ۱۹۹۹ در شهر مولاین در ایالت ایلینوی آمریکا باخت. WWF World Tag Team Championship با X-Pac .

The Acolytes را در ۹ August ۱۹۹۹ در شهر شیکاگو در ایالت ایلینوی آمریکا شکست داد.

به Undertaker و Big Show در ۲۲ August ۱۹۹۹ در شهر میناپولیس در ایالت مینه سوتا آمریکا باخت. WWF Hardcore Championship .

Raven را در روز ۱ April ۲۰۰۱ در شهر هیوستن در ایالت تگزاس آمریکا شکست داد.

به Rhyno در روز ۱۷ April ۲۰۰۱ در شهر نشویل در ایالت تنسی آمریکا باخت. WWF World Tag Team Championship با Undertaker .

Edge و Christian را در روز ۱۷ April ۲۰۰۱ در شهر نشویل در ایالت تنسی آمریکا شکست داد.

به The Two-Man Power Trip در روز ۲۹ April ۲۰۰۱ در شهر شیکاگو در ایالت ایلینوی باخت. WWF Intercontinental Championship.

Triple H را در روز ۲۰ May ۲۰۰۱ در شهر ساکرامنتو در ایالت کالیفورنیای آمریکا شکست داد.

به Albert ، در روز ۲۶ June ۲۰۰۱ در شهر نیویورک سیتی در ایالت نیویورک باخت. WWF World Tag Team Championship با Undertaker .

Diamond Dallas Page و Chris Kanyonرا در روز ۱۹ August ۲۰۰۱ در شهر سن خوزه در ایالت کالیفرنیا آمریکا شکست داد.

به Dudley Boyz در روز ۱۷ September ۲۰۰۱ در شهر نشویل در ایالت تنسی آمریکا باخت. در World Wrestling Entertainment :

World Tag Team Championship با Hurricane .

The Un-Americans را در روز ۲۳ September ۲۰۰۲ در شهر آناهایم در ایالت کالیفرنیای آمریکا شکست داد.

به Chris Jericho و Christianدر روز ۱۴ October ۲۰۰۲ در شهر مونترال در استان کبک در کانادا باخت. WWE Intercontinental Championship .

Chris Jericho را در روز ۳۰ September ۲۰۰۲ در شهر هیوستن در ایالت تگزاس آمریکا شکست داد.

به Triple H در روز ۲۰ October ۲۰۰۲ در شهر لیتل راک در ایالت ارکانزا آمریکا باخت. World Tag Team Championship با Rob Van Dam .

Sean Morley و Lance Stormرا در روز ۳۱ March ۲۰۰۳ در شهر سیاتل در ایالت واشنگتن آمریکا شکست داد.

به La Résistance در روز ۱۵ June ۲۰۰۳ در شهر هیوستن در ایالت تگزاس آمریکا باخت. World Tag Team Championship با Big Show .

Cade و Murdochرا در روز ۱ November ۲۰۰۵ در شهر سانتیاگو در ایالت کالیفرنیا آمریکا شکست داد.

به Spirit Squad در روز ۳ April ۲۰۰۶ ، در شهر شیکاگو در ایالت ایلینوی آمریکا باخت. فعالیتهای هنری KANE :

اولین فیلم او به عنوان Jacob Goodnight ، جز اولین فیلمهای WWE بود و بعد از آن هم فیلم See No Evil در روز ۱۹ May ۲۰۰۶ که آدرس سایت رسمی این فیلم در زیر آورده شده است : Jacobs در یک شکل خاص از برنامه بازی WWF در شبکه معروف بازی تلویزیونی به نام The Weakest Link در ماه March سال ۲۰۰۲ ظاهر شد و با شکست دادن Bubba Ray Dudley در راند آخر ، بهترین و قویترین لینک بازی شد.

کاراکتر Kane اولین بار در چاپ چهاردهم کتاب کمدی Undertaker در سال ۱۹۹۹ توسط موسسه Chaos! Comics که در حال حاضر منسوخ شده است ، بوجود آمد. این سری از کتابها کاراکتر کمدی منحصر به فرد خواهر ناتنی جوانتر Kane به نام Jezebelle را نشان می داد که البته گفته می شود که Jezebelle همانند Kane نتیجه ارتباط نامشروع Paul Bearer با یک زن ناشناس است.

تا آنجا که به Jezebelle و Kane مربوط می شود ، آنها فقط در پدر مشترک هستند و احتمال دارد که Jezebelle هیچی نسبتی با Undertaker نداشته باشد

جامع شیرازی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۶۳ /۱۲۶۲ ق)، شاعر. پدرش در شیراز شغل نعلبندی داشت. وی در اول عمر، چون به ادامه‌ی شغل پدر تمایلی نداشت به تحصیل مشغول شد. میرزا محمد در اواسط عمر به کرمان رفت و به عنوان منشی حاکم مشغول کار شد و مورد قبول مردم قرار گرفت. وی در کرمان درگذشت و همان جا دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۳۶۵/۱)، فرهنگ سخنوران (۲۰۳)، مرآت الفصاحه (۱۲۷ -۱۲۶)، مصطبه‌ی خراب (۳۸ -۳۷).

جامعی، پرویز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: دامپروری، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای فیزیولوژی در تغذیه دام و شیمی مواد خوراکی از انستیتو تغذیه و فیزیولوژی شهر دانشگاهی گوتینگن آلمان.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

در زمینه شیمی مواد خوراکی، شناخت و چگونگی ارزیابی و تأمین نیازهای دامی در مراحل مختلف رشد و تولید، شناخت منابع غذائی و پی بردن به ترکیبات شیمیائی سازنده در این گونه مواد و ارزیابی آنها و بعد تعیین ارزش غذائی آنها، طرح بررسی برخی از صفات پوست بره قره گل (پوست بره سیاه سرخی) در شرایط محیطی کرج با تغذیه دستی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۰

پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

فیزیولوژی تغذیه، نیازها، محاسبات غذائی برای تأمین تولیدات، منابع غذائی دام و طیور.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۹، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

ترکیبات شیمیائی مواد خوراکی (بخصوص مواد معدنی، املاح)، پروار حیوانات پرواری (جوجه گوشتی، گوساله‌های پرواری) و نیازهای آنها، طرق مختلف خشک کردن و نگهداری علوفه‌ها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

جامی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نور الدین عبدالرحمن بن نظام الدین احمد بن شمس الدین محمّد دشتی اصفهانی. شاعر ماهر، و ادیب عارف صوفی، پدر و جدّش در محلّه دشت اصفهان ساکن، و خود جامی در جام متولّد گردیده، و در اوایل «دشتی» تخلّص داشته، و بعداً «جامی» را انتخاب نموده است.

در عموم کتب رجال و تذکره‌های شعرا نام و تألیفاتش مذکور است، و بهارستان او که به سبک گلستان تألیف شده معروف.

در ۲۳ شعبان ۸۱۷ متولّد، و در محرّم ۸۹۸ در هرات وفات یافته.

قریب ۴۰ مجلّد کتاب و رساله به نظم و نثر تألیف نموده.

دیگر از تألیفات معروف او نفحات الانس، در شرح حال ۶۱۴ نفر از مشایخ صوفیّه است. برای اطلاّع بیشتر از حالات او به تذکره‌های شعرا و تاریخ ادبیّات مراجعه شود.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

جامی اردبیلی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟) شاعر. از اهالی اردبیل بود و این بیت از اوست:

دارد آندم سر ما ترک ستم‌پرور ما

که ز فتراک خود آویخته باشد سر ما

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۰۲/۱)، تذکره‌ی روز روشن (۱۶۲)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۰۲/۱)، فرهنگ سخنوران (۲۰۴)، هفت اقلیم (۲۵۸/۳).

جامی، ابوبکر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۷۷ ق)، خطاط. سلسله نسبش به عبدالرحمن جامی، صاحب «نفحات الانس»، می‌رسد. وی جامع کمالات صوری و معنوی بود. جامی مدتی از خراسان به کردستان رفت و به سبب حسن خطش جمع انبوهی به خدمتش رسیدند. ابوبکر خط نستعلیق را نیکو می‌نوشت و قطعات خوبی از خود به یادگار گذاشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۴/۱)، پیدایش خط و خطاطان (۸۸)، ریحانه (۴۱/۷).

جامی، بهاءالدین احمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۸۰۷ ق)، شاعر. از بازماندگان احمد جام ژنده پیل، عارف مشهور، بود و در شیراز می‌زیست. وی منظومه‌ای بر وزن «لیلی و مجنون» نظامی در مقامات جدش و به نام ابوالفتح سلطان ابراهیم تیموری سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۹۶)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۶۹)، الذریعه (۱۸۸/۹).

جامی، خلیل

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از هنرمندان گمنام بود. از آثار وی: یک نسخه «دیوان» جامی، به قلم کتابت جلی خوش، با رقم: «... فی شهر ذی حجه سنه ۹۶۶ ست و ستین و تسعمائه. کتبه العبد خلیل بن درویش محمد الجامی»؛ یک نسخه «خمسه‌ی» امیر خسرو دهلوی، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «... فی تاریخ شهر رجب المرجب سنه‌ی ثمان سبعین و تسعمائه. العبد خلیل بن درویش محمد الجامی»؛ یک نسخه «کلیات» جامی، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «... فی تاریخ شهر ذی قعده سنه‌ی ثمان و ستین و تسعمائه. کتبه العبد خلیل بن درویش محمد الجامی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۸۱ -۱۸۰ /۱).

جامی، زین‌الدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۱۸ ق)، خطاط. از کاتبان گمنام و از معاصران مولانا شریف‌الدین عبدالقهار سمرقندی بود. از آثار وی: یک نسخه «دیوان» حافظ، به قلم کتابت متوسط که به شیوه‌ی اظهر نوشته است، با رقم: «زین‌الدین بن رحمن جامی سال ۹۱۸».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۲۳/۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۲۹).

جامی، عبدالرحمن

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مولا عبدالرحمن بن احمد بن محمد دشتی فارسی صوفی نحوی صرفی شاعر فاضل که نسبش به محمد بن حسن شیبانی شاگرد ابوحنیفه میرسد او را جامی گویند زادگاهش شهر جام بوده و درباره آن گفته است:

مولدم جام و رشحه‌ی قلمم

جرعه‌ی جام شیخ الاسلامیست

لاجرم در جریده‌ی اشعار

بدو معنی تخلصم جامیست

جز دیوانش مؤلفات بسیار دارد چون نفحات الانس در ذکر طبقات پنجگانه صوفیه و شرح او بر نصوص و سبحه‌الابرار و شواهد النبوه در فضائل پیغمبر و ائمه علیهم‌السلام و شرح بر کافیه ابن حاجب بنام فوائد ضیائیه که بنام پسرش ضیاءالدین نوشته و دقایق و تحقیقاتی در آن آورده و از مولا علامه میرزا محمد شیروانی نقل است که من ۲۵ بار این شرح را درس گفتم و هربار دریافتم که حق فهم و معرفتش را درباره پیش درنیافتم و آیا او سنّی بوده و یا شیعه، زیرا در سبحه الابرارش گوید:

پنجه ور کن اسداللهی را

بیخ بر کن دو سه روباهی را

علامه سید محمد حسین خاتون آبادی سبط علامه مجلسی صاحب وقایع السنین (که اخیرا بامر زعم الشیعه و مدارالشریعه آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله طبع و نشر گردید) عقیده بر تشیع او دارد و حکایتی نقل میکند که خلاصه‌اش اینست که شیخ علی بن عبدالعالی محقق کرکی در سفر زیارت ائمه عراق علیهم‌السلام همسفر با جامی بود و از او تقیه میکرد و چون ببغداد رسیدند رفتند کنار دجله برای تفریح و درویش قلندری آمد و قصیده رسائی در مدح مولانا امیرالمؤمنین علیه‌السلام خواند و چون جامی آنرا شنید گریست و بسجده افتاد و در سجده هم گریست و به آن درویش جایزه‌ای داد و سپس گفت برای اینست که من خود شیعه خالصی از امامیه هستم ولی تقیه واجب است و این قصیده هم از خود من است و من خدا را شکر میکنم که تا آنجا رسیده که در اینجا خوانده میشود.

سپس خاتون آبادی گوید: که بعضی ثقات افاضل از قول یک موثق برای من گفته که همه خادمان و عیال و عشیره‌ای که در

خانه‌ی جامی بودند شیعه امامیه بودند و از او نقل است که در تقیه سفارش اکید داشت بویژه چون سفر میکرد و جامی در سال ۸۹۸ فوت کرده و گفته‌اند قبرش در هرات است و از شعر اوست این رباعی:

ای مغبچه‌ی دهر بده جام میم
کامد ز نزاع سنی و شیعه رقم
گویند که جامیا چه مذهب داری
صد شکر که سگ سنی و خر شیعه نیم

و نیز از اوست:

آنکه تا کس بود باصل سرشت
بتقالیب دهر کس نشود
سگ مگس را اگر کنی مغلوب
قلب او غیر سگ مگس نشود

و نیز از اوست:

دوست دار رسول و آل ویم
دشمن خصم بد سگال ویم
جوهر من زکان ایشانست
رخت من از دکان ایشانست
همچو سلمان شدم ز اهل‌البیت
گشت روشن چراغ من زآن زیت
چون بود عشق صادق درسم
کی ز قید منافقان ترسم
این نه رفض است محض ایمانست
رسم معروف اهل عرفانست
رفض اگر هست حب آل نبی
رفض فرض است بر زکّی و نبی

نورالدین عبدالرحمن ابن نظام‌الدین احمد بن محمد شاعر و نویسنده معروف ایرانی (و. خرگرد جام (خراسان) ۸۱۷– ف. هرات ۸۹۸ ه.ق.) وی به مناسبت مولد خویش (جام) و نیز به سبب ارادت باطنی به شیخ‌الاسلام احمد جامی (ف. ۵۳۶ ه.ق.) جامی تخلص کرد. او همراه پدر به هرات و سمرقند رفت. و در آن دیار به سکب علم و ادب پرداخت ودر علوم دینی و ادب و تاریخ کمال یافت، و سپس به سیر و سلوک افتاد، و پیروی سعدالدین محمد کاشغری و خواجه علی سمرقندی و قاضی‌زاده رو می‌کرد و به مرتبه ارشاد رسید، و در سلک بزرگان طریقه نقشبندی درآمد. پس از وفات سعدالدین کاشغری که خلیفه نقشبندی بود خلافت این طریقت بدو تعلق یافت و شهرت وی شایع شد، و مورد احترام بزرگان عصر گردید.

جامی سفری به حج رفت و از راه دمشق و تبریز به هرات بازگشت. (۸۷۸) پادشاه معصر وی ابوالغازی سلطان حسین بایقرا و وزیر عصر امیر علیشیر بود. جامی بزرگترین شاعر و ادیب قرن نهم هجری محسوب میشود. از آثار منظوم اوست: دیوان اشعار (مشتمل بر قصاید و غزلیات و مراثی و ترجیع بند و ترکیب بند و مثنویات و رباعیات)، هفت اورنگ شامل هفت مثنوی به تقلید خمسه نظامی به نام: سلسلهٔ‌الذهب، سلامان و ابسال، تخفهٔ‌الاحرار، سبحهٔ‌الابرار، یوسف و زلیخا، لیلی و مجنون خردنامه اسکندری، و از تألیفات او به نثر فارسی: نقد النصوص فی شرح نقش الفصول، نفخات الانس، لوایح، لوامع، شواهد النبوه، اشعهٔ اللمعات و بهارستان است.

(۸۹۸ –۸۱۷ ق)، عارف و شاعر حنفی، متخلص به جامی. اصل خانـدان وی از محله‌ی دشت اصـفهان بود. نورالدین در خرجرد جام به دنیـا آمـد و به مناسـبت مولـد خویش و نیز به خـاطر ارادت به شیخ‌الاسـلام احمـد جام، تخلص جامی را اختیار کرد. شیخ‌الاسـلام احمـد جـام، تخلص جـامی را اختیـار کرد. عبـدالرحمان در نوجوانی همراه پـدر به هرات رفت و در آنجـا سـاکن شـد و در زمره‌ی شاگردان می‌رسـید شـریف جرجانی و بعـد مولانا شـهاب‌الدین محمـد جاجرمی درآمـد و در همان زمان شاعری را آغاز کرد، ابتدا دشتی تخلص می‌کرد. وی در ضـمن تحصـیل صـرف و نحـو، اصـول، حـدیث، تفسـیر، منطق مشـایی، حکمت اشـراق، طبیعیـات و ریاضیات رموز تصوف را نیز فراگرفت و مجذوب تصوف شد و در هرات به خدمت سـعدالدین کاشغری، از مشایخ بزرگ طریقت خواجگان، درآمـد و بعد از فوت وی از مریدان خواجه ناصـرالدین عبیدالله احرار شد و همچنین با خواجه محمد پارسا نیز آنگاه که به سـفر حج می‌رفت و از جام می‌گذشت ملاقات داشت و پس از سیر و سـلوک در این وادی به مقام بلند دست یافت و از بزرگان فرقه‌ی مـذکور شـد. جـامی قسـمتی از زمـان شـاهرخ و تمام دوره‌ی ابوالقاسم بابر و ابوسـعید گورکانی و قسـمت اعظم سـلطنت شاه حسـین بایقرا را درک کرد. نورالدین با امیر علی‌شیر نوایی معاصر بود و پس از وفات جامی، کتاب «خمسه المتحیرین» را به یادگار او ساخت. جامی جز چند سـفر کوتاه (حجاز، بغداد، دمشق، تبریز و غیره) بقیه عمر را در هرات گذرانید و دعوت سـلطان عثمانی را نیز نپذیرفت. وی داماد سـعدالدین کاشـغری بود. عبدالرحمان در هرات وفات یافت و در همان شـهر کنار مزار سـعدالدین کاشـغری دفن شد. سـلطان حسین بایقرا مراسم تشیع و سوگواری را درباره‌ی او به کمال رعایت داشت. جامی را آخرین شاعر کلاسیک ایران دانسـته‌اند. وی در فنون مختلف و علوم دین و ادب و تاریخ استاد بود و در شعر به سعدی و حافظ توجه داشت و از نظامی نیز پیروی کرده و به تقلیـد او آثـاری ساخته است آثار وی را بیش از صـد اثر دانسته‌اند، از جمله: آثار منظوم: «دیوان» اشعار که خود در سـه قسـمت تقسـیم کرده و آنها را فاتح الشباب، واسطه العقد، خاتمه الحیات نام گذارده است. و دیگر: «هفت اورنگ» به تقلید «خمسه» نظـامی شامـل: «سلسـله الـذهب»، «سـلامان و ابسـال»، «تحفه الاـحرار»، «سـبحه الاـبرار»، «یوسف و زلیخا»، «لیلی و مجنون»، «خردنامه

اسکندری». از جمله آثار نثر وی: «نفحات الانس»؛ «بهارستان»؛ «لوایح»؛ «اشعه اللمعات»؛ «تاریخ صوفیان و تحقیق مذهب آنها»؛ «نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص ابن عربی»؛ «مناسک حج منظوم»؛ «مناقب جلال‌الدین رومی»؛ «منشأت».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۳۷۵ -۲۹۴/ ۱)، از سعدی تا جامی (۷۹۲ -۷۴۵)، الاعلام (۶۷/ ۴)، ایضاح المکنون (۴۱۴/ ۲)، با کاروان حله (۲۹۴ -۲۸۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۶۸ -۳۷۴/ ۴)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۸۰۰، ۴۸۶، ۴۸۵، ۴۸۲، ۴۸۱، ۲۳۱/ ۲، ۶۶۷/ ۱)، تاریخ نظم و نثر (۲۸۹ -۲۸۵)، تحفه سامی (۱۵۲ -۱۴۳)، تذکره الشعراء (۵۵۸ -۵۴۶)، تذکره‌ی میخانه (۱۱۱ -۱۰۰)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۰۰ -۴۹۹)، حبیب السیر (۳۳۸ -۳۳۷/ ۴ ،۳۸۹/ ۲ ،۶۴/ ۱)، دایره المعارف فارسی (۸۲۲/ ۱)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (۱۵۷ -۱۵۳)، الذریعه (۱۹/ ۲۵ ،۶۹ -۶۸/ ۱۰ ،۱۸۸/ ۹)، رشحات عین الحیات (۲۸۶ ،۲۳۳/ ۱)، روضات الجنات (۷۱ ،۶۵/ ۵)، ریاض‌العارفین (۵۳ -۵۰)، ریحانه (۳۹۱ -۳۸۵/ ۱)، سبک‌شناسی (۳۰۰ ،۲۲۷ ،۲۲۵ ،۲۲۴ ،۳۱۶/ ۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۵۹ -۱۵۷)، فرهنگ سخنوران (۲۰۵ -۲۰۴)، فهرست‌واره کتابهای فارسی (۵۱۲/ ۱)، کتاب جامی (تالیف علی‌اصغر حکمت)، کشف الظنون (۱۹۷۲ ،۱۸۴۲ ،۱۸۳۱ ،۱۵۶۳ ،۱۳۷۲ ،۱۲۶۲ ،۱۰۳۹ ،۱۰۳۷ ،۹۷۵ ،۸۹۸ ،۸۹۷ ،۸۸۶ ،۸۷۲ ،۸۵۳ ،۷۸۱ ،۷۴۲ ،۴۴۱ ،۳۶۱ ،۳۱۰ -۳۰۹ ،۲۵۶)، الکنی والالقاب (۱۴۰ -۱۳۸/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ جامی)، مولفین کتب چاپی (۸۰۸ ،۷۹۸/ ۳)، مجالس النفائس (۲۲۹ ، ۵۶)، مجمع‌الفصحا (۱۸ -۱۷/ ۴)، مرآت الخیال (۷۴ -۷۳)، مزارات هرات (۱۰۹ -۱۰۸)، معجم المومنین (۱۲۲/ ۵)، نفحات الانس (مقدمه)، هدیه الاحباب (۱۱۶)، هدیه العارفین (۵۳۴/ ۱)، هفت اقلیم (۱۸۶ -۱۸۱/ ۲).

جامی، عبداللطیف

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از بازماندگان شیخ احمد جام ژنده‌پیل. از مریدان حاج شیخ محمد خبوشانی بود و مدت مدیدی به مجاهدت و ریاضت مشغول بود و بعد از مراد خود مسند ارشاد یافت. عبداللطیف از ایران به حج رفت و در راه با سلطان سلیم عثمانی ملاقات کرد و مورد احترام او قرار گرفت و چندی در دربار او زیست. وی در راه بازگشت از سفر حج در ازمیر درگذشت و در همان جا دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۲۸).

جامی، غیاث الدین علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «دیوان» عبدالرحمان جامی، به قلم کتابت خفی خوش و به شیوه‌ی سلطان محمد نور، با رقم: «تحریرا فی... سنه سبع و ثلاثین و تسعمائه، راقمه الفقیر الجانی، غیاث‌الدین علی الجامی...»؛ یک نسخه «تیمورنامه‌ی» هاتفی، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «تمت بتاریخ سنه‌ی ۹۵۰، خمسین و تسعمائه، راقمه غیاث‌الدین علی الجامی غفرله».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۵۰ / ۲)، هنر عهد تیموریان (۷۷۰، ۵۴۵).

جامی، فخرالدین علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از آثار وی یک نسخه «یوسف و زلیخا»ی جامی، به قلم کتابت متوسط و با رقم: «فی ساسد شهر ربیع‌الاول سنه‌ی ۹۹۱ بدارالسلطنه‌ی هراه واقع شد، علی ید العبد الضعیف، فخرالدین علی بن محمد اصغر الجامی غفرالله ذنوبه و ستر عیوبه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۵۰ / ۲)، هنر عهد تیموریان (۵۳۹ -۵۳۸).

جامی، محمد علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند عین علی فروشانی. عالم فاضل، ادیب کامل، و شاعر متبحر، از اعقاب شیخ حر عاملی، در سال ۱۲۲۰ در قریه‌ی فروشان وفات یافته.

وی را منظومه‌ای است نظیر «حمله‌ی حیدری»، مشتمل بر احوالات حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در بحر تقارب، قریب بیست و پنج هزار بیت. [به نام جام گیتی نما]

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

جامی، مرید

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط. از شکسته تعلیق‌نویسان زبردست گمنام بود. از خطوط وی: یک قطعه از یک مرقع، به قلم کتابت جلی عالی، با رقم: «کتبه العبد الداعی، مرید بن احمد الحافظ الجامی»، در کتابخانه‌ی خزینه‌ی اوقاف استانبول.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۷۹/۴).

جامی، معین‌الدین محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۸۳ ق)، شاعر و ادیب. نسبش به پنج پشت به شیخ‌الاسلام احمد جامی و از طرف مادر به ملک شمس‌الدین ابوبکر کرت، از پادشاهان آل کرت می‌رسد. خواجه معین‌الدین خود از بزرگان خراسان به شمار می‌رفت. وی در جام درگذشت و در مقبره‌ی نیایش شیخ احمد جام به خاک سپرده شد. وی از ادبا و شعرای نامی زمان خود بود و در نظم و نثر فارسی دست داشت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۱۹).

جان احمدی، فاطمه

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

فاطمه جان احمدی در تاریخ ۱۳۴۳ در خرم آباد مرکز استان لرستان دیده به جهان گشود. وی پس از طی تحصیلات مقدماتی و متوسطه وارد دانشگاه شهید بهشتی شد و موفق به دریافت لیسانس کارشناسی تاریخ گردید . کارشناسی ارشد خود را در دانشگاه الزهرا ادامه داد و مدرک دکترای تاریخ با گرایش تاریخ اسلامی را از دانشگاه تربیت مدرس اخذ نمود . در حال حاضر علاوه بر تدریس در گروه تاریخ دانشگاه الزهرا معاونت آن گروه را نیز بر عهده دارد . زمینه های تدریس ایشان تاریخ تحولات سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی جهان اسلام تا قرن ۴ هجری و به طور تخصصی تاریخ فاطمیان در مغرب و مصر اسلامی ، تارخ اسماعیلیه مستعلویه در مصر و یمن و گسترش اسلام در شمال آفریقا و جنوب اروپا است .

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای : فاطمه جان احمدی در سال ۷۶ در کنکور سراسری شرکت و در مقطع کارشناسی (۶۸-۷۲) رشته تاریخ دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شد، در سال ۷۲ پس از شرکت در کنکور کارشناسی ارشد تاریخ به دانشگاه الزهراء راه یافت و در سال ۷۵ از پایان نامه خود به نام « بررسی اوضاع اقتصادی ایران در دوره خلافت عباسیان» دفاع کرد. در پایان همین سال پس از شرکت در آزمون پذیرش دکتری تربیت مدرس موفق به راه یابی دوره دکتری تاریخ، گرایش اسلام در این دانشگاه شدو در سال ۸۲ از رساله خود در زمینه « مبانی مشروعیت و ساختار خلافت فاطمیان » دفاع نمود.

همسر و فرزندان : فاطمه جان احمدی در اواخر سال دوم دبیرستان ازدواج کرد و وقتی وارد دانشگاه شد دو فرزند پسر داشت.

فعالیتهای آموزشی : فاطمه جان احمدی تدریس در گروه تاریخ دانشگاه الزهرا معاونت آن گروه را نیز بر عهده دارد . زمینه های تدریس ایشان تاریخ تحولات سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی جهان اسلام تا قرن ۴ هجری و به طور تخصصی تاریخ فاطمیان در مغرب و مصر اسلامی ، تارخ اسماعیلیه مستعلویه در مصر و یمن و گسترش اسلام در شمال آفریقا و جنوب اروپا است .

چگونگی عرضه آثار : فاطمه جان احمدی دارای مقالات متعددی با محوریت تاریخ اسلام است ، ایشان در سمینارهای متعدد داخلی و خارجی شرکت داشته و در کنفرانسهای مختلفی مقالاتی را ارائه داده است. --

آثار :

۱ تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی

ویژگی اثر : دفتر نشر معارف(وابسته به نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاهها)- تیر ۱۳۸۷

جان محمدی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین جان محمدی

محل تولد : بیجار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱۲/۷

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۸ در یکی از روستاهای شهرستان بیجار متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در روستا گذراندم و سپس برای تحصیلات دوره راهنمایی به مدرسه تیزهوشان شهرستان قروه رفتم. بعد از اتمام دوره راهنمایی و قبولی در آزمون دبیرستان تیزهوشان و دبیرستان سپاه سنندج، این دومی را انتخاب کردم و در رشته علوم تجربی ادامه تحصیل دادم. پس از آن با اتمام دوره پیش دانشگاهی در رشته علوم انسانی وارد حوزه علمیه شدم. طلبه سطح دو حوزه بوده و هم زمان در گرایش" فلسفه روش "ادامه تحصیل می دهم و به کار تحقیق و نویسندگی نیز اشتغال دارم. در ضمن از زندگی جدید شهری هم تقریبا بیزارم و عاشق تجربیات باطنی هستم . تا خدا چه خواهد و چه تدبیر کند.

جانقربان، کمال

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی مواد، دانشکده: مهندسی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

متخصص ساختار مواد.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده مهندسی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعات ساختار مواد با استفاده از ابزار آنالیز از جمله اشعه ایکس X و میکروسکوپ الکترونی، ارتباط ساختار با خواص مکانیکی و خواص سطحی، عملیات حرارتی آلیاژهای فلزی، پوششهای سطحی، خواص سطحی، تهیه آلیاژها با خواص مطلوب، طراحی و تولید مواد مرکب با زمینه سرامیکی و فلزی، نقشه‌های خزش مواد، سایش ابزار کشاورزی، تهیه پودرهای کاربیدی، استاد راهنمای ۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

متالورژی و آنالیز ساختار مواد با میکروسکوپ الکترونی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۴

زمینه علمی مقالات:

مهندسی مواد شامل خواص مکانیکی مواد، بررسی ساختار مواد، مواد مرکب و متالورژی سطح.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

جانی بخارایی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۶/۹۸۵)، شاعر. پدرش تیمبان بود و او مدتی شغل پدر را داشت. از استعداد شاعری برخوردار بود و در زمان ظهیرالدین محمد بابر به کابل رفته و در دربار بابر و همایون شاه کارش بالا گرفت و از امرای معتبر گشت و به نظر مولف «صبح گلشن»، به دست یکی از غلامان مسموم و کشته شد. وی از استادان غزل عصر خود بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۶۰)، الذریعه (۱۹۰/۹)، شام غریبان (۶۵)، صبح گلشن (۱۰۰)، فرهنگ سخنوران (۲۰۵)،

لغت‌نامه (ذیل/ جانی بخارایی)، مخزن الغرائب (۶۰۸ -۶۰۷/ ۱).

جانی فسایی، محمدحسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۱۲ -۱۱۳۶ ق)، شاعر. مشهور به میرزا جانی. در شیراز متولد شد. وی مردی متمکن و صاحب دارایی و ثروت بود و شعر را نیکو می‌گفت و خط شکسته را خوش می‌نوشت. در اوایل سلطنت کریمخان زند منصب استیفای دیوانی فارس داشت. وی در استقرار حکومت قاجار سعی و تلاش کرد. هنگامی که فتحعلی شاه قاجار والی فارس بود جانی را محرم اسرار خود قرار داده بود. بعد از اینکه فتحعلی شاه به تهران آمد، برادر خود، حسینقلی خان را والی فارس کرد، وی به فکر سلطنت افتاد و هر چه میرزا جانی و آقا محمدزمان، کلانتر شیراز او را نصیحت کردند سودمند نشد و حسینقلی خان، جانی را مسموم ساخت. در «مجمع الفصحا» و در «سفینه المحمود» سال فوت وی ۱۲۰۰ ق نوشته شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۲ -۸۱/ ۲)، سفینه المحمود (۵۱۲/۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۲۷ -۹۲۵/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۲۰۶)، مجمع الفصحا (۲۰۶/۴)، مرآت الفصاحه (۱۲۸)، مصطبه‌ی خراب (۳۶)، نگارستان دارا (۱۷۶ -۱۷۵).

جانی قزوینی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. وی ملک‌زاده بود و به دلیل تمرد از سلطان حسین میرزا به قتل رسید. علی قلی‌خان لکزی در تذکره‌ی خود این شعر را به اسم او نوشته است:

اگر به یار من از من کسی دعا برساند

دعا کنم که خدایش به مدعا برساند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۵۰/۱)، تذکره‌ی روز روشن (۱۶۵)، لغت‌نامه (ذیل/ جانی)، مخزن الغرائب (۵۸۳/۱).

جاودان اصفهانی، محمدصادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۲ ش)، شاعر، متخلص به جاودان. در اصفهان متولد گردید. وی پس از دوره‌ی اول دبیرستان به سبب فقدان امکانات تحصیل، در اداره‌ی دارایی اصفهان استخدام شد و پس از مدت کمی از این کار منزجر و به خدمت بانک ملی ایران وارد شد. جاودان در هنگام فراغت شعر می‌سرود. از اوست:

بی روی دلفریب تو ما را قرار نیست

جز اشک چشم و خون دلم در کنار نیست

با کس نگوید این دل شوریده سر عشق

جز زانوی غمم که جز او رازدار نیست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعری معاصر اصفهان (۴۲۴ -۴۲۳).

جاودان، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجهٔالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عبدالحسین نجل عالم جلیل مرحوم حاج شیخ مرتضی حمام گلشنی از علماء محترم معاصر تهرانست وی در ۱۲۸۶ شمسی در تهران متولد و در تحت تربیت چندین پدر صالح و بزرگواری پرورش یافته و پس از رشد و خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح رسائل را خدمت مرحوم حجهٔالاسلام حاج سید محمد تنکابنی و کفایه را نزد مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ عباس حایری خوانده و خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدرضا تنکابنی استفاده نموده و بعد از فوت مرحوم والدش بجای او به خدمات دینی و تدریس و گفتن تفسیر و معارف اسلامی در جلسات هفتگی و غیره تا هم‌اکنون اشتغال دارد. نگارنده گوید: آقای جاودان از دانشمندان متین و دارای محامد اخلاق و آداب و مانند والدش مورد وثوق

و اعتماد و توجه مردم می‌باشند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

جاودان، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جاودان

محل تولد : میناب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد جاودان، صرفاً به دلیل تقاضای مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی این زندگینامه را تحریر می‌نمایم و خود را در موقعیت تحریر «زندگینامه علمی» نمی‌دانم.در سال ۱۳۴۸هجری شمسی در خانواده‌ای روحانی و تازه از نجف بازگشته، در حوالی رودان، از شهرهای کوچک و شرقی استان هرمزگان به دنیا آمدم.پدرم حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای شیخ عبدالله جاودان، نخستین معلم و استاد علمی و اخلاقی من، به گفته خود، از حدود چهار سالگی به علم من مبادرت نمودند. تا حدود هفت سالگی خواندن، نوشتن، قرائت قرآن، اشعاری از سعدی و حافظ، کتب مقدماتی «جامع المقدمات» یعنی، امثله و شرح آن، صرف میر و التصریف را نزد ایشان فراگرفتم.از هفت سالگی وارد دبستان شده و معلم مدرسه مرا به عنوان دانش‌آموز کلاسم دوم ابتدایی ثبت نام کردند، هر چند نظر او کلاس پنجم بود و گویا مدیر مدرسه موافق نبود. از کلاس چهارم تا سوم راهنمایی را در مدارس قم و پس از آن مجدداً به رودان بازگشته و از مدرسه شهید بهشتی رودان در سال ۱۳۶۷ دیپلم علوم تجربی را اخذ نمودم.

بحمدالله در تمام مدت تحصیل دانش‌آموز موفقی بودم. در تمام این دوران دو گونه فعالیت داشتم: ۱. فعالیت‌های قرانی و شرکت در مسابقات قرآن، که در قم مقام اول کسب نمودم و نیز در استان مرکزی دوم شدم. در استان هرمزگان نیز چندین بار به مقام اول رسیدم و در مسابقات کشوری نیز در دوره دبیرستان به مقام ممتاز دست یافتم.۲. ادامه تحصیلات حوزوی در ایام فراغت و در نتیجه تا اخذ دیپلم کتب حوزوی مثل جامع المقدمات (تماماً)، سیوطی، مختصر المعانی، حاشیه ملاعبدالله (در منطق)، معالم الاصول، بخشهایی از لمعتین. در همین مدت البته کتب مختلف جامع المقدمات و بخش‌هایی از سیوطی و گاهی کتبی در منطق را نیز تدریس می‌نمودم. بیشتر کتب مذکور را نزد ابوی معظم و بخش‌هایی از کتاب حاشیه ملا عبدالله و نیز کتاب الارث شرح لمعه را نزد استاد فاضل و متقی حضرت حجت الاسلام عبدالعلی جاویدان، که در آن ایام امام جمعه شهر رودان و نماینده مردم حضرت امام خمینی(ره) بودند فراگرفتم. خداوند خیر دنیا و عقبا را نصیبشان گرداند. انشاء الله.قصدم آن بودم که با اخذ دیپلم و ورود به دانشگاه، همزمان علوم حوزوی را نیز ادامه دهم. همان سال اخذ دیپلم (۶۷) در کنکور شرکت نموده و برای تحصیل در تهران قبول شدم.

اما به دلیل حضور در جبهه‌های جنگ امکان ورود به دانشگاه سلب شد و در همان سال وارد حوزه علمیه بندرعباس گردیدم و همزمان به تحصیل و تدریس مشغول گردیدم. البته در سطح شهر بندرعباس نیز با قرائت قرآن در مجالس عمومی و نیز دایر کردن جلسه تعلیم فنون تجوید و قرائت قرآن به ترویج قرآن در جامعه پرداخته و بحمدالله برکات معنوی قابل توجهی داشت و برخی از شاگردان آن جلسات اکنون به عنوان استاد مشغول ترویج قرآن هستند.سال ۱۳۷۲ وارد حوزه علمیه قم و نیز دانشگاه مفید قم (در رشته فلسفه غرب) شده دروس حوزوی را تا مقطع خارج فقه و اصول ادامه دادم و در تمام امتحانات کتبی و شفاهی ظرف ۳ الی ۴ سال شرکت نموده و با موفقیت پیش رفته.در سال ۱۳۷۶ به اخذ لیسانس فلسفه غرب و در ۱۳۷۹ به اخذ فوق لیسانس در همان رشته از دانشگاه مفید موفق شده و در همان سال در رشته کلام (گرایش فلسفه دین و کلام جدید) در مقطع دکترای تربیت مدرس قم، دانشگاه قم، قبول شده و اکنون در آستانه دفاع هستم.

از سال ۱۳۷۶ وارد مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب گردیده و در گروه مذاهب اسلامی (بیشتر با گرایش تشیع اسلامی) به تحصیل و تحقیق پرداختم. و به عضویت هیئت علمی آن مرکز پذیرفته شده و مقالات متعددی را در آن مرکز تحریر یا ترجمه نمودم.در سال ۱۳۸۴ به عنوان فلوشیپ (Felowship) دانشگاه هاروارد در آمریکا پذیرفته شده و به مدت یک سال در آن دانشگاه، به عنوان عضو هیئت علمی آن دانشگاه، به همراه خانواده حضور یافتم. در آنجا به تحقیق، تدریس برای برخی از دانشجویان ایران (به عنوان سخنرانی نه تدریس) مشغول بودم. همچنین به مدت یک سال در مرکز اسلامی شهر Boston (مرکز ایالت ماساچوست) به سخنرانی دینی ـ علمی (تفسیر سوره حشر) و نیز آموزش قرآن و تدریس یک دوره کامل تجوید پرداخته.

سخنرانی‌ها و برنامه قرآن با استقبال فراوان مواجه گردید.اعتبار علمی فلوشیپ یاد شده، فوق دکتر است. آنچه عامل اصلی این توفیق بود، پس از لطف خداوند مساعی استاد مکرم جناب استاد آیت الله دکتر مدرسی طباطبایی، استاد تمام دانشگاه پرینستون در نیوجرسی آمریکا بود که با معرفی اینجانب به آن دانشگاه زمینه پذیرش مرا در آن دانشگاه فراهم نمود. حضور من در آمریکا تجارب علمی، معنوی و آفاقی و اجتماعی ارزشمندی برایم به همراهداشت. به ویژه حضورم در مرکز اسلامی در جمع شیعیان ایرانی و پاکستانی. استقبال آنان از برنامه‌های این جانب فوق‌العاده بود و اصرار زیادی بر ماندن من حداقل برای یک سال دیگر را داشتند. هنوز نیز با آنان در ارتباط هستم. انسان‌های پاک، مومن، خداخواه و ایران دوست. خدایشان خیر دهد.در این سال‌ها علاوه بر

تدریس در موضوعاتی چون کلام اسلامی، کلام جدید و فلسفه دین، فرق اسلامی، تشیع امامی و فرق تشیع و مذاهب اسلامی، فلسفه اسلامی و... پروژه‌های تحقیقی متعددی اعم از مقاله و کتاب را به انجام رسانده‌ام که بسیاری از آنها منتشر شده‌اند. چندین پایان نامه را نیز مشاوره یا داوری نموده‌ام.هم اکنون عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه مفید هستم. همچنین به صورت نیمه وقت با مرکز ادیان همکاری دارم که زعم از تدریس و پژوهش است (عضو هیئت علمی نیمه وقت مرکز هستم).متأسفانه بیش از دو سال است به علت مشغله علمی دانشگاهی و سفر خارج از کشور وقفه‌ای در تحصیلات حوزوی‌ام پیش آمده است که امیدوارم در سال آینده مجدداً آن دروس را از سر گیرم و البته بیشتر قصد تدریس دارم. امیدوارم خداوند توفیق دهد.از خداوند منان که همواره مددکارم بوده است می‌خواهم توفیق بیشتری را در جهت اهداف انسانی ـ الاخص به حقیر عنایت فرماید.

جاوید اصفهانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر، متخلص به جاوید. وی از اعضاء قدیمی انجمن ادبی شیدا بود. اشعارش در روزنامه‌های قدیم اصفهان، همچون «سحاب» به چاپ می‌رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۳۸).

جاوید قزوینی، درویش

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، صوفی و شاعر. وی در خارقان قزوین متولد شد. جاوید سیر و سیاحت بسیار کرد. در حین سفرهای خود بعد از رسیدن به سیستان به هندوستان مهاجرت کرد و در آن سامان زیست. وی شاعر صوفی مسلک بود و قریب پانزده هزار بیت شعر در برابر «مثنوی» مولوی به رشته نظم درآورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۶۵)، تذکره‌ی میخانه (۹۲۱ -۹۱۹)، فرهنگ سخنوران (۲۰۷)، کاروان هند (۲۷۱ -۲۶۹ /۱)، مینو در (۴۱۳ -۴۱۱ /۲).

جاوید نهاوندی، محمد شفیع

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی به امر صاحب «سفینه المحمود» ملازم جهانشاه میرزا، پسر فتحعلی شاه شد و همچنین به تحصیل ریاضیات پرداخت. از اوست:

فکر دهنش مکن تو جاوید

از هیچ نگشته هیچ حاصل

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سفینه المحمود (۱۹۱/۱)، مصطبه‌ی خراب (۳۸).

جاویدان نژاد، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : صادق جاویدان نژاد دارای دکترای رشته بیوشیمی و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران با درجه دانشیار می باشد.

گروه : علوم پایه

رشته : بیوشیمی

گرایش : دارو سازی

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : صادق جاویدان نژاد عضو هیئت علمی و دانشیار گروه بیوشیمی در دانشکده پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی تهران است.

جاهد، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۴ ش)، موسیقیدان و شاعر، متخلص به جاهد. وی تحصیلات خود را در دارالفنون شروع کرد، سپس به کارهای مطبوعاتی مشغول شد. در جنگ جهانی اول به آزادیخواهان پیوست و در روزنامه‌ها مقاله می‌نوشت. هنگامی که حکومت موقتی مهاجران به سرپرستی نظام‌السلطنه‌ی مافی در کرمانشاهان تشکیل شد، به عزم پیوستن به آنها، به آن شهر رفت. در قزوین به دست ماموران کنسولگری روسیه تزاری دستگیر شد و بعد از آزاد شدن به کرمانشاهان رفت. وی پس از متلاشی شدن حکومت موقت به تهران بازگشت و تنظیم اخبار و تصحیح نوشته‌های روزنامه‌ی «زبان آزاد» را به عهده گرفت؛ و مقاله‌ها و اشعار و سروده‌های مهیج خود را نیز به چاپ رساند. جاهد مدتی را نیز در خدمت افسری پلیس گذراند، سپس خدمت اداری خود را در مجس شورای ملی شروع کرد. در دوره‌ی خدمت نیز از نشر آثار سودمند فارغ ننشست و نخستین شماره‌ی سالنامه‌ی پارس را با شیوه‌ای نو و مندرجاتی مفید در سال ۱۳۰۵ ش منتشر کرد. «سالنامه‌ی پارس» بیست و هشت سال منتشر شد و علاوه بر مطالب سودمند یک دوره از تاریخ سیاسی و اجتماعی اخیر ایران را نیز در برداشت. امیر جاهد شعرها و سرودها و تصنیفهای بسیاری ساخته که حاکی از علم موسیقی و درک اوزان و ذوق سرشار و طبع شعر وی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (۴۸۲ -۴۷۷ /۲)، الذریعه (۱۹۱/۹)، سرگذشت موسیقی (۴۲۶/۱)، مولفین کتب چاپی (۱۳۵ -۱۳۴ /۴).

جاهی صفوی، ابوالفتح، ابراهیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۸۴ -۹۴۶ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به جاهی. وی به علو همت وفور فضل و لطف طبع در میان شاهزادگان صفویه ممتاز بود. در جوانی به دامادی شاه طهماسب رسید و ایالت خراسان به او تفویض شد. او از علوم متداول، صرف و نحو، معانی و بیان، عروض و قافیه، معما، انشاء، منطق و حکمت طبیعی و الهی، طب، ریاضی، موسیقی، هیات، تاریخ، علم انساب و... حظی وافر داشت و همچنین با فنون مختلف و هنرهای خوشنویسی، نقاشی و تذهیب و تصویرسازی، زرفشانی، صحافی و خاتم‌سازی آشنا بود. همچنین شعر فارسی و ترکی را نیکو می‌سرود. وی علم تجوید و قرائت را نزد شیخ فخرالدین طبسی و پدرش، شیخ حسنعلی، آموخت. جاهی در خط نستعلیق، ابتدا چندی نزد مالک دیلیمی تعلیم گرفت اما چون به شیوه‌ی میرعلی هروی متمایل بود، از روی خط او مشق می‌کرد و گاهی نیز کتابت خفی می‌کرد. سلطان ابراهیم میرزا پس از دوازده سال فرمانروایی خراسان به پایتخت (قزوین) احضار شد و شاه اسماعیل دوم بر اثر عداوت و کینه‌ای که از وی و دیگر شاهزادگان داشت، او و یازده تن دیگر را به قتل رسانید. جاهی به صحبت دانشمندان و شعرا و ادبا و هنرمندان میل فراوان داشت و در مجلس وی غالبا دانشمندان و موسیقیدانان حاضر بودند. او چند ساز را به خوبی می‌نواخت و در نواختن قانون شاگرد قاسم قانونی هراتی بود. از شاگردان وی می‌توان به میرمنشی قمی (پدر قاضی احمد)، خاقانی ثانی، خواجه حسین ثنایی مشهدی، انیسی شاملو و ملاشکوهی اشاره کرد. مجموعه‌ی آثار وی عبارتند از: «خطوط خوشنویسان»؛ «تصاویر مصوران»؛ «جواهرات»؛ «ظروف چینی». همچنین وی در کتابخانه‌ی خود قریب چهارهزار نسخه‌ی خطی داشته است. جاهی صاحب «دیوان» شعری قریب سه‌هزار بیت است. از خطوط او دو قطعه موجود است که هر دو رنگه‌ی تحریردار، یکی به قلم سفیداب و دیگری به زعفران، به خط نستعلیق سه‌دانگ خوش و هر دو به شیوه‌ی میرعلی هروی است، با رقمهای: «فقیر ابراهیم بن بهرام غفر ذنوبه» و «فقیر ابراهیم».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۵۱ -۵۰ /۱)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۳ -۹ /۱)، احوال و آثار نقاشان (۱۷ -۱۶ /۱)، پیدایش خط و خطاطان (۷۶ -۷۵)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۷۹/۴)، تاریخ ادبیان در ایران (۷۷۹ -۷۷۸، ۴۹۹ /۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۶۱۸ -۶۱۷ /۱)، تاریخ موسیقی (۳۲۰ -۳۱۹ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۸۳۰ -۸۲۹، ۴۹۲ -۴۹۱)، تاریخ هنرهای ملی (۸۵۲ -۸۵۰ /۲)، حبیب السیر (۶۷ -۶۵ /۴)، دانشمندان آذربایجان (۲۱ -۱۸)، دایره المعارف فارسی (۱۳۲۳/۱)، الذریعه (۱۹۱/۹)، ریحانه (۳۹۲/۱)، سرآمدان فرهنگ (۴۶۹/۱)، عالم آرای عباسی (۲۰۸ -۲۰۷، ۱۳۶ /۱)، فرهنگ سخنوران (۲۰۶)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۹۷ -۳۹۶)، گلستان هنر (۱۱۲ -۱۰۶)، لغت‌نامه (ذیل/ ابراهیم)، مجمع الخواص (۲۵)، مجمع الفصحا (۳۴ -۳۳ /۱).

جباری، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شناسنامه :

نام کامل : مجتبی جباری – متولد : ۱۶ خرداد ۱۳۶۲ – سن : ۲۵ سال – زادگاه : رباط کریم ، ایران – قد : ۱□۸۲ متر اطلاعات

باشگاهی :

باشگاه کنونی استقلال تهران – شماره پیراهن ۸ – پُست : هافبک باشگاه‌های جوانان :

۱۳۷۶ راه آهن

۱۳۷۷ – ۱۳۸۳ استقلال تهران باشگاه‌های حرفه‌ای :

۱۳۸۳ – ۱۳۸۴ ابومسلم مشهد

۱۳۸۴ – تا کنون استقلال تهران تیم ملی :

۱۳۸۴ ۵ بازی ملی تیم ملی :

جباری تاکنون ۵ بـازی برای تیم ملی فوتبال ایران انجام داده است که بهترین بازی ملی وی مربوط می‌شود به مقـدماتی جام ملتهای آسیا در بازی با تیم ملی چین تایپه در اسـتادیوم آزادی. در آن بازی مربی تیم ملی فوتبال مکزیک که برای آنالیز تیم ایران (قبل از رقابتهای جام جهانی ۲۰۰۶) به ورزشگاه آمده بود مجتبی جباری را بهترین بازیکن تیم ایران نامید. مسلما مصدومیت نقش بسیار پر رنگی در کم بودن سوابق ملی وی داشته است.

باشگاهی :

جبـاری فوتبـال را از جوانـان راه آهن و زیرنظر سـرمربی وقت آن شـروع کرد. وی بـا بازیهـای قابل قبولی که انجام داد توانست نظر احدی مربی وقت جوانان اسـتقلال را به خود معطوف کند و راهی باشـگاه اسـتقلال شود. رشد جباری در فوتبال از همان سال آغاز شد و در پایان فصل و به دلیل مشـمول بودن نظام وظیفه، وی برای گذراندن خدمت سربازی راهی تیم بزرگسالان ابومسلم خراسان شـد. جبـاری در تیم ابومسـلم تبـدیل به یک هافبک خلاق شـد و خیلی زود توانست خود را به شـهرت برسانـد و به تیم ملی دعوت شود. در پایان فصل ۸۳ –۸۴ مجتبی جباری با گذراندن یک فصل کاملاً موفق در ابومسـلم خراسان به تیم بزرگسلان استقلال تهران بازگشت و در همان فصل به همراه استقلال قهرمان لیگ برتر فوتبال ایران شد.

بهترین بازیکن و پدیده ایران :

مجتبی جبـاری بـا بازیهـای زیبـا و موثر توانست نقش بسـزایی در قهرمانی اسـتقلال تهران در فصل ۸۴ – ۸۵ داشـته باشد و از طرف کارشناسان و مسئولان به عنوان بهترین بازیکن لیگ ایران و پدیده فصل انتخاب شد .

زندگی شخصی :

در روز بـازی فینال جام حـذفی سال ۱۳۸۷ ساعاتی پیش از شـروع بازی پـدرش درگـذشت. اما به او اطلاع ندادنـد و در همان بازی یک گل زد و یک پاس گل داد و بهترین بازیکن میدان شد و مهمترین نقش را در قهرمانی استقلال ایفا کرد.

مصدومیت :

مصـدومیت سـخت مجتبی جبـاری در اردوی آماده سازی تیم ملی برای جام جهانی فوتبال ۲۰۰۶ آلمان در سوئیس ضـربه سختی بر رونـد پیشرفت جبـاری وارد نمود. وی که پیش بینی می‌شـد یکی از بازیکنـان ثـابت و پدیـده تیم ملی در جـام جهـانی باشـد با این مصدومیت ۱ سال از فوتبال به دور مانـد و به همین دلیل جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان، ۸۶–۸۵ لیگ برتر و جام ملتهای آسیا ۲۰۰۷ را از دست داد. اکثر کارشناسان معتقدند که اگر وی در جام جهانی بازی می‌کرد می‌توانست به لیگهای معتبر جهان بپیوندد.

افتخارات :

قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ایران ۸۵–۸۴ به همراه تیم استقلال تهران

قهرمانی در جام حذفی ۸۷–۱۳۸۶ به همراه تیم استقلال تهران

قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ایران ۸۸–۸۷ به همراه تیم استقلال تهران

جباریان، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا جباران

محل تولد : ملایر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در پنجم آذر ۱۳۳۷ هجری شمسـی در ملایر به دنیا آمدم پدرم کشاورز بود و خود نیز تا سن ۲۰ سالگی که دروس دبستان و دبیرسـتان را به پایـان بردم در کنـار او کشاورزی می کردم.در سال ۱۳۵۶ تحصـیلات حوزوی خود را در مدرسه علمیه ولی عصـر (عـج) بروجرد آغاز کردم در پاییز ۱۳۵۹ از بروجرد به قم آمـدم و تـا سال ۱۳۶۵ جز در دو مقطع کوتاه که مسـئولیت مـدرسه علمیه ولی عصـر(عج) بروجرد و مسئولیت مدرسه علمیه امیر المومنین(ع) ملایر را به عهده داشتم، پیوسته در قم مشغول تحصیل بودم و در کنار تحصیل، کتب مقدماتی را نیز تدریس می کردم از سال ۱۳۶۵ به قصد شرکت در دفاع مقدس به منطقه غرب رفتم و به تناسب تجربه و تخصـص خویش مسئولیت سازمان تبلیغات اسلامی بوکان را به عهده گرفتم تا سال ۱۳۶۸ در بوکان خدمت کردم آنگاه به قصـد ادامه تحصـیل به قم بازگشـتم ولی پس از مدتی کوتاه در خرداد ۱۳۶۹ به مهاباد عزیمت کردم و به مـدت ۱۵ ماه در سازمان

تبلیغات اسلامی مهاباد به خدمت اشتغال داشتم پس از بازگشت مجدد به قم تا سال ۱۳۷۵ به تحصیل پرداختم. در طول مدت تحصیل سطح از محضربزرگانی چون مرحوم آیت الله شیخ محمد ابراهیم نجفی بروجردی، شیخ علی جواهری، شیخ رحمت الله صاحب الزمانی و شیخ غلامرضا مولانا در بروجرد و اکابری چون مرحوم وجدانی فخر، اعتمادی تبریزی، ستوده، کمره ای، نبوی و عالمی در قم بهره بردم و در خارج فقه و اصول از محضر آیات وحید خراسانی، مکارم شیرازی ، سبحانی تبریزی و مروجی بروجردی و گنجی در حد وسع خویش بهره مند شدم. از سال ۱۳۷۵ به علل شخصی از شرکت در کلاس درس محروم شدم و مطالعات شخصی خود را در فقه و تاریخ ادامه دادم و نوشته های ناچیزی عرضه کردم. ترجمه را از سال ۱۳۶۰ و نوشتن را از سال ۱۳۷۱ آغاز کردم و در دو زمینه تقریر و تألیف چند کتاب نوشتم.

جبان اصفهانی، ابومنصور محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۴۱۶ ق)، ادیب، لغوی و شاعر. وی در ری به دنیا آمد و در اصفهان ساکن شد و به بغداد سفر کرد. جبان از ندیمان صاحب بن عباد و اصحاب ابوعلی فارسی نحوی بود. از جمله آثار وی: «انتهاز الفرص فی تفسیر المقلوب من کلام العرب»؛ «ابنیه الافعال»؛ «الشامل فی اللغه»؛ «شرح الفصیح»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۲۸۵ -۲۸۴ /۵)، کشف الظنون (۱۳۳)، معجم الادباء (۲۶۲ -۲۶۰ /۱۸)، معجم المولفین (۳۱ -۳۰ /۱۱)، الوافی بالوفیات (۱۸۰/۴).

جبرئیلی، محمدصفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صفر جبرئیلی

محل تولد : بیجار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد صفر جبرئیلی در سال ۱۳۶۲ تحصیلات حوزوی را در کرج و سپس شهرری آغاز کرده و در قم ادامه داده ام که هنوز هم اشتغال دارم. طبق سنت حوزه از سال های آغازین تحصیل به تدریس نیز اشتغال داشته ام.و لذا کتاب های ادبیات، منطق، فقه و اصول نیز در شهرری، کرج و قم تدریس کرده ام.با اینکه با سیکل وارد حوزه شدم اما در کنار آن چهار سال دبیرستان را ادامه دادم و با اینکه به جهاتی زمینه ورود به دانشگاه را داشتم اما علاقه به حوزه و دروس آن موجب نرفتن به آن مرکز علمی شد.با شروع مراکز تخصصی حوزه به جهت علاقه و دغدغه ای که در مباحث کلامی داشتم در مرکز تخصصی کلام شرکت کردم و مدت چهار سال در سطح چهارم اشتغال به تحصیل داشتم و از اساتید بزرگواری چون آیت الله سبحانی، حجج اسلام ربانی گلپایگانی، فیاضی و دیگران استفاده کردم.بعد از گذشت یک سال از اتمام تحصیل برای تدریس در آن مرکز دعوت شدم. اکنون سومین سال است که در آنجا برای سطح ۲ و ۳ تدریس دارم.به علاوه در مرکز جهانی مرکز تخصصی فلسفه، و فرق و مذاهب نیز اشتغال به تدریس دارم. در بعضی مدارس حوزه نیز این توفیق را داشتم که به جهت کثرت اشتغال از ادامه آن محروم شدم.به جهت علاقه ای که به تحقیق داشتم از دهه هفتاد رسما "به نوشتن و تحقیق پرداختم که بعضی از مقالات در مجلات علمی چاپ شده است. با توجه به احساس نیاز در کنار درس در زمان های خاص به تبلیغ و منبر و از جمله در دانشگاه اشتغال دارم.با مراکز علمی و تحقیقی نیز ارتباط و همکاری داشته و دارم.در خارج اصول حضرت آیت الله سبحانی و در خارج فقه در درس آیت الله شبیری زنجانی بهره برده ام که دومی هنوز ادامه دارد.

جبل عاملی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ ابراهیم بن حاج شیخ عباس عاملی از احفاد مولانا شیخ بهاءالدین عاملی از زهاد و عباد علماء قم بودند در سال ۱۲۹۶ در قریه جبع از قراء لبنان متولد شده سال ۱۳۲۳ ق به نجف اشرف مشرف و از مرحوم آیت‌الله حاج شیخ احمد کاشف الغطا و شیخ علی محمد یزدی و آیت‌الله سید عبدالحسین شرف‌الدین عاملی استفاده نموده و در سال ۱۳۳۸ ق به قم مهاجرت و از موقع ورود

آیت‌الله حایری تا وفات آن مرحوم از محضرش استفاده کرده و در سال ۱۳۷۰ ق وفات و در خاک قم مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

جبلی غرجستانی، بدیع الزمان، عبدالواسع

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۵۵ ق)، شاعر، متخلص به جبلی. در غرجستان ولادت یافت. بدیع‌الزمان در علوم زمانه، بویژه علوم ادب به کمال رسید، سپس در طریق شاعری قدم نهاد و به مدح شاهان پرداخت. از ممدوحان او می‌توان به طغرل تگین بن محمد، بهرام‌شاه بن مسعود غزنوی و ارسلان شاه بن کرمانشاه اشاره کرد، چندی نیز در دستگاه سنجر به سر برد و مورد توجه وی قرار گرفت. وی از پیشروان مهم تغییر سبک سخن در اواسط قرن ششم بود. به گفته‌ی محمد عوفی، وی ذوالبلاغتین بود، زیرا در شعر عرب نیز دست داشت و در سرودن قصاید مسجع و مرصع زبردست بود. از او «دیوان» اشعاری به یادگار مانده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۵۲۹ -۵۱۱ /۲)، تاریخ ادبیات ایران (۶۵۶ -۶۵۰ /۲)، تاریخ گزیده (۸۳۳)، تاریخ نظم و نثر (۸۲)، تذکره‌ی روز روشن (۴۴۱ -۴۴۰)، تذکره الشعراء (۸۶ -۸۳)، دائره المعارف فارسی (۱۶۷۶/۲)، الذریعه (۷۰۲، ۱۹۱ /۹)، ریحانه (۳۹۵/۱)، طرائق الحقایق (۲۶۵/۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۶۰ -۱۵۹)، فرهنگ سخنوران (۲۰۸ -۲۰۷)، گنج سخن (۲۸۱ -۲۷۵ /۱)، لباب الالباب (۱۱۰ -۱۰۴ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ جبلی)، مجمع الفصحا (۵۲۵ -۵۰۸ /۱)، مرآه الخیال (۲۹ -۲۸)، هفت اقلیم (۱۲۳ -۱۱۸ /۲)، یادگار (س ۱، ش ۷، ص ۴۶ -۴۵).

جبه دارمارالانی، پرویز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر پرویز جبه دارمارالانی در سال ۱۳۲۰ ه.ش در تبریز بدنیا آمد. او پس از اخذ مدرک کارشناسی مهندسی برق از دانشگاه تهران برای تکمیل تحصیلات دانشگاهی به آمریکا عزیمت کرد و موفق شد مدرک کارشناسی ارشد و دکتری رشته فوق را از دانشگاه برکلی کالیفرنیا دریافت کند.سپس به ایران آمد و از سال ۱۳۴۲ در دانشکده فنی تهران به تدریس مشغول شد. وی استاد ممتاز دانشگاه تهران و چهره ماندگار در عرصه مهندسی برق در سال ۱۳۸۱می باشد. ترجمه کتابهای" سیستم کنترل نوین "و "روشهای کامپیوتری طرح و تحلیل مدار "پرویز جبه دارمارالانی ، به ترتیب در دورهای ششم و نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شده است.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی برقتحصیلات رسمی و حرفه ای : پرویز جبه دار مارالانی دورهٔ تحصیلات دبستان و دبیرستان را در زادگاه خود به پایان برد و در سال ۱۳۳۸ به دانشگاه تهران راه یافت. وی در سال ۱۳۴۲ با کسب رتبهٔ اول موفق به دریافت درجهٔ مهندسی برق از دانشکده فنّی دانشگاه تهران گردید و سپس در سال ۱۳۴۳ جهت تکمیل تحصیلات دانشگاهی راهی آمریکا شد و با احراز رتبهٔ ممتاز، به دریافت درجات فوق لیسانس (۱۳۴۵) و دکتری مهندسی برق (۱۳۴۷) از دانشگاه کالیفرنیا (برکلی) نایل آمد.خاطرات و وقایع تحصیل : سفرهای پرویز جبه دار مارالانی به آمریکا (اقامت) و کانادا (تدریس) از وقایع مهم روزگار تحصیل وی بوده اند.فعالیتهای ضمن تحصیل : پرویز جبه دار مارالانی در هنگام تحصیل در رشته مهندسی برق، به مطالعه و نظریه اساسی مدارها و شبکه ها و سیستم های کنترل نوین و سیگنالها و سیستم ها می پرداخت.وقایع میانسالی : پرویز جبه دار مارالانی از سال ۱۳۴۲عضو هئیت علمی دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه تهران شد . وی از سال ۱۳۴۸ از آمریکا به ایران بازگشت و به تدریس ادامه داد. اما در سال ۱۳۴۹ به آمریکا رفت و به تحقیق در آزمایشگاه بل پرداخت اما پس از اندکی بازگشت و به تدریس ادامه داد و تا کنون به این فعالیت اشتغال دارد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل ، عضویت ها و مسئولیت های پرویز جبه دار مارالانی به قرار زیر است: - استادیار گروه مهندسی برق دانشکدهٔ فنّی (۵۲ — ۱۳۴۹) و دانشیار گروه مهندسی برق دانشکده فنّی (۶۵ — ۱۳۵۲) دانشگاه تهران - سرپرستی دوره دکترای مهندسی برق دانشگاه تهران - عضویت کمیته برق شورایعالی برنامه‌ریزی - از سال ۱۳۶۵ تاکنون استاد تمام وقت گروه مهندسی برق دانشکدهٔ فنی دانشگاه تهران - محقق در آزمایشگاههای تحقیقاتی بل در آمریکا ۱۳۴۹ه.ش - عضو پیوسته در فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران - استاد مدعو دانشگاه واترلوی کانادا - مدیر گروه مهندسی برق دانشکده فنی - رئیس انستیتوالکتروتکنیک دانشگاه تهران - رئیس مرکز انفورماتیک دانشگاه تهرانفعالیتهای آموزشی : پرویز جبه دار مارالانی از سال ۱۳۴۲تا کنون استاد بخش برق و کامپیوتر دانشکده فنی دانشگاه تهران است. وی در دانشگاه واترلوی کانادا نیز استاد مدعو بوده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پرویز جبه دار مارالانی تدریس و تصدی مسئولیت های علمی، به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری درزمینه مهندسی برق مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : پرویز جبه دار مارالانی در حوزه مطالعات تخصصی مهندسی برق به نظریه مدارها، تحلیل مدار، سیستم های کنترل نوین و ... علاقمند و صاحب تالیفات و تحقیقاتی در این زمینه است.جوائز و نشانها : ترجمه کتابهای" سیستم کنترل نوین "و" روشهای کامپیوتری طرح و تحلیل مدار "پرویز جبه دارمارالانی ، به ترتیب در دورهای ششم و نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شده است.

آثار : آنالیز عددی و روشهای کامپیوتری ویژگی اثر : (ترجمه —) ۲ جلد — انتشارات دانشگاه تهران – ۱۳۶۰۲ الکترومغناطیس برنامه‌نویسی فرترن ویژگی اثر : (تألیف —) کانون معرفت — ۱۳۵۳۴ روشهای کامپیوتری طرح و تحلیل مدار ویژگی اثر : (ترجمه) ،این کتاب در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «روش‌های کامپیوتری طرح و تحلیل مدار»: این کتاب دارای هفده فصل است که ده فصل اول آن در مورد تئوری و روشهای محاسباتی و الگاریتمی متناظر با تحلیل مدارهای خطی متمرکز شده است. فصل‌های ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ مطالب اساسی و الگاریتمی مربوط به تحلیل مدارهای غیر خطی را ارائه می‌دهند. فصلهای باقیمانده کتاب در مورد کاربرد این روشها در طراحی مدارهای خطی و غیر خطی می‌باشند، در این کتاب روشهای آلگاریتمی و مدرن محاسباتی مورد استفاده در تحلیل و طراحی مدارهای الکترونیکی مورد توجه اصلی بوده و اصول ساختن اینگونه آلگاریتمها و بسته‌های نرم‌افزاری مربوط به طور وسیعی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. با توجه به توسعه تکنولوژیکی و ساخت کامپیوترهای ارزان قیمت و در دسترس عمومی قرار گرفتن امکانات عظیم محاسباتی، آشنائی با ابزارهایی که کارهای روزمره مهندسی و محاسباتی را با سرعت‌های بسیار زیاد انجام داده و مدارهایی طراحی کنند که از لحاظ عملکردهای مختلف بهترین پاسخ را ارائه می‌دهند از مسائل اصلی مورد توجه تکنولوژی امروز است، که این کتاب چنین امکاناتی را در حد وسیعی فراهم می‌آورد. همچنین برای انجام دادن مراحل مختلف تحلیل و طراحی مورد بحث در فصول مختلف کتاب یک بسته نرم افزار کامل تهیه شده در آخر کتاب آورده شده است ـ مطالب کتاب همراه با بسته‌نرم افزاری مختلف موجود در آن ـ قابلیت بسیار خوبی از لحاظ تحلیل و طراحی مدارهای الکترونیکی مورد نیاز تکنولوژی مهندسی برق امروز و فردا در اختیار خوانندگان آن قرار می‌دهد. ۵ سیستم کنترل نوین ویژگی اثر : (ترجمه —) مرکز نشر دانشگاهی — ۱۳۶۶ –این کتاب در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است۶ سیگنالها و سیستم ها ویژگی اثر : (ترجمه —) ۲ جلد — انتشارات دانشگاه تهران — ۱۳۶۶۷ طرح و ترکیب مدار ویژگی اثر : (ترجمه —) مرکز نشر دانشگاهی — ۱۳۶۴۸ میدان موج نظریه احتمال و کاربردهای آن ویژگی اثر : آن (تألیف—) ۲ جلد — انتشارات دانشگاه تهران — ۱۳۵۵۱۰ نظریه اساسی مدارها و شبکه ها ویژگی اثر : (ترجمه —) ۲ جلد — انتشارات دانشگاه تهران — ۱۳۵۳ منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

جبه‌دار مارالانی، پرویز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی برق: دانشکده: فنی، دانشگاه: تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی برق با رتبه اول از دانشکده فنی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۲، کارشناسی ارشد مهندسی برق از دانشگاه برکلی آمریکا در سال ۱۳۴۵ و دکترای مهندسی برق از دانشگاه برکلی آمریکا در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

عضویت در هیأت علمی و تدریس در دانشکده فنی دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۹، پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی در سال ۱۳۶۵.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طراحی و بهینه‌سازی شبکه‌های با مقیاس بزرگ، تحقق سخت‌افزاری برنامه‌ریزی غیر خطی، تحلیل مدارهای خطی به کمک کامپیوتر، تحلیل مدارهای غیر خطی به کمک کامپیوتر، روشها و آلوریتمهای تحلیل کامپیوتری مدارهای الکترونیکی، کنترل دور موتورهای صنعتی آسنکرون، تحقیق در یک آزمایشگاه پژوهشی در آمریکا به مدت دو سال، استاد ممتاز دانشکده فنی دانشگاه تهران و برنده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در رشته مهندسی برق در سالهای ۱۳۶۶ و ۱۳۶۹، عضویت در فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران و راهنمائی، مشاوره و نظارت بر بیش از ۲۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

مهندسی برق و کامپیوتر، ریاضیات کاربردی، نظریه اساسی مدارها و شبکه‌ها، نظریه احتمال و کاربردهای آن، آنالیز عددی و روشهای کامپیوتری، برنامه‌نویسی فرترن، روشهای کامپیوتری طرح و تحلیل مدار، سیستمهای کنترل نوین، سیگنالها و سیستمها، سیستمهای کنترل دیجیتال، طرح و ترکیب مدار، الکترومغناطیس میدان و موج.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۱

زمینه علمی مقالات:

بهینه‌سازی و طراحی شبکه‌ها با مقیاس بزرگ، طراحی مدار به کمک کامپیوتر، شبکه‌های ارتباطی دیجیتالی و مدارهای مقاومتی،

خازنهای سویچ شده، مدل‌سازی قطعات الکترونیکی، افزایش سرعت همگرائی در شبیه‌سازی مدارهای الکتریکی، حل مسائل غیر خطی با سخت‌افزار و عیب‌یابی در شبکه‌ها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

جدایی افشار، نصرالله

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. مادر وی دختر دوم باباعلی بیگ افشار بود. بعد از قتل نادرشاه، نصرالله و امام قلی میرزا را از کلات گرفته به مشهد، نزد علی قلی‌خان بردند و او به قتل هر دو فرمان داد. از اوست:

مستوفی دیوان قضا روز نخست

مجموعه‌ی شادی و الم کرد درست

شادی به تمام مردمان قسمت کرد

غم باقی ماند گفت این قسمت تست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سفینه المحمود (۵۸۱/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ جدایی افشار)، مجمع‌الفصحا (۳۴/۱).

جدایی ترمذی، سیدعلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، نقاش، خطاط و شاعر، متخلص به جدایی. اصل وی از ترمذ بود. همراه پدرش به تبریز آمد و در کتابخانه‌ی شاه طهماسب به فعالیت هنری پرداخت. بعدها به هند رفت و در دربار جلال‌الدین اکبر شاه لقب نادرالملک همایون شاهی یافت. جدایی با غزالی مشهدی معاصر بوده و با وی مکالمات و مناقشات داشته است. مشهورترین همکاران یا استادان وی که مدتی با آنها همکاری داشته، استاد میرک و سلطان محمد تبریزی بوده‌اند. میر سیدعلی علاوه بر شیوه‌های متنوعی که در آرایش و تزیین و طراحی و تنظیم نسخه‌ی «حمزه‌نامه» به کار برده، در چهره‌پردازی، صنعت تذهیب، آبرنگ و نقاشیهای روغنی و بخصوص جلدسازی نیز مهارت والایی داشت. در خط نستعلیق و ثلث شیوا قلم بود و تزیینات خطوط کوفی را هم خوب می‌دانست. جدایی در غزلسرایی ماهر بوده و قصاید و مقطعات و رباعیان نیز داشته است. از شاگردان وی، دسونته، شیخ حسین، شیخ علی و شیخ هاطم (حاتم)، از همه معروفترند. میر سیدعلی و عبدالصمد شیرین قلم مکتب هنر نقاشی جدید را که مایه‌ی اصلی آن از ایران بود، در هند پایه‌گذاری کردند. از آثار گرانقدر او که زیر نظر و همکاری وی و در معیت سایر استادان ایرانی و هندی به نقش در آمده، نسخه‌ی «حمزه‌نامه» مصور است که حدود پانزده سال به طول انجامیده است. از دیگر آثار وی: تصویر شکار بهرام گور در معیت روزبه و همراهان؛ تصویر خطاط جوانی که رحل کوچکی به جلو نهاده و روی آن کتابی قرار دارد و مطالعه می‌کند، با رقم: «صوره سیدعلی نادرالمک همایونشاهی»؛ تصویر مجنون که زنجیری به گردن آویخته و به حضور لیلی آمده است، با رقم: «عمل میر سیدعلی»؛ مجمع روحانیون مسلمان، که قبل از سفر به هند تصویر کرده است و به خط نستعلیق رقم «کار میر سیدعلی» دارد. هشت اثر دیگر وی در «احوال و آثار نقاشان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۳۳۴ -۱۳۱۳ /۳)، تاریخ ادبیات ایران (۴۵۷/۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۳۸۸ -۳۸۶ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۸۲۰، ۴۲۴)، تاریخ هنرهای ملی (۸۳۳/۲، ۴۵۲ -۴۵۱، ۴۴۸، ۴۲۲ /۱)، دانشمندان آذربایجان (۹۳)، الذریعه (۱۹۲ - ۱۹۱ /۹)، شام غریبان (۶۷ -۶۶)، صبح گلشن (۱۰۰)، کاروان هند (۲۷۵ -۲۷۲ /۱)، گلستان هنر (چهل، چهل و یک، چهل و پنج، ۱۴۰ -۱۳۹)، مجمع الخواص (۹۸ -۹۷)، مخزن الغرائب (۵۸۰ -۵۷۹ /۱)، هفت اقلیم (۹۴ -۹۳ /۲)، هنر قلمدان (۲۴).

جدلی، محمد ابراهیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علمای ازکیا عالم فاضل عظیم القدر بوده، در سال ۱۱۹۹ وفات یافته، در تخت فولاد جنب قبر ملّا اسماعیل خواجوئی مدفون شد؛ قبری بلند بسته دارد

مادّه تاریخ وفاتش را رفیق شاعر اصفهانی ضمن اشعاری گوید:

شد ز جهان و رفیق از پی تاریخ گفت

رفت ببزم جنان زبده ارباب علم

همچنین مشهور شاعر اصفهانی در مرثیه و تاریخ او گوید:

شد دریغا ز لوح هستی محو
نام ملا محمد ابراهیم
حیف از آن فاضل عظیم الشأن
آه از آن عالم خبیر علیم
گر شد اجزای او چو گل اوراق
گر شد اعضای او چو عظم رمیم
گفت مشهور بهر تاریخش
شد بجنت مقام ابراهیم

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

جدیدی اصفهانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۳۹ ق)، شاعر. از میرزاده‌های ترکمان و از مصاحبان امیر نجم‌ثانی، وزیر صاحب قرآن، بود. وی تا روزگار شاه طهماسب در قید حیات بود. جدیدی مردی هزال و شیرین‌سخن و در ندیمی و شاعری نیز از اقران خود برتر بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۷۳)، تحفه سامی (۳۵۷ -۳۵۶)، تذکره‌ی روز روشن (۱۶۶)، فرهنگ سخنوران (۲۰۸).

جدیدیان، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید جدیدیان

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در اول فروردین ماه سال ۵۳ در خانواده‌ای مذهبی متولد شدم و دوران کودکی خود را در کنار خانواده و جو موجود آن زمان سپری نموده و در مدارس دولتی تحصیلات خود را شروع کردم که دوره ابتدایی و راهنمایی دورانی شیرین و در عین حال پرخاطره بود و سپری شد اما دوره دبیرستان برایم زندگی دیگری آغاز شد و در مدرسه‌ای درس خواندم که حال و هوایش حوزوی و دانشگاهی بود و به شدت مرا تحت تأثیر جو حاکم در این مدرسه قرار داد به نحوی که شیوه زندگی‌ام در آن دوران تغییرات قابل توجهی نمود و مرا به سمت و سوی حوزه متمایل کرد و هدفم را چند برابر متمرکز در حوزه نمود مدرسه‌ای که درس خواندم مدرسه علوم و معارف اسلامی شهید مطهری بود که تحت حمایت مدرسه عالی شهید مطهری تهران اداره می‌گردید که در این مدرسه با آموزش‌های کلاسیک و چند سالی نیز آموزش‌های حوزوی که کتاب‌های حوزوی همراه کتاب‌های دبیرستانی را فرامی‌گرفتیم. که در این سال‌ها بنده هم درس می‌خواندم و هم تدریس می‌کردم تا اینکه دیپلم گرفته و... ناگفته نماند که در دوران تحصیل دبیرستان با دروس حوزوی مأنوس بودم و به شدت علاقه به این دروس سیر زندگیم را به سوی هدف متعالی تغییر می‌داد.

بعد از دیپلم بدون معطلی در امتحانات حوزه علمیه قم شرکت نمودم و قبول شدم و رسماً از سال تحصیلی ۷۳ ـ ۷۲ وارد حوزه مقدس قم شده درس خود را آغاز نمودم و تحت نظر اساتید بزرگواری تعلیم دیدم که در این دوران علاوه بر تحصیل در مدرسه شریفه اباصالح عجل الله تعالی فرجه الشریف به تدریس دروس حوزه تا حدی که در توانم بود پرداختم و بعد از گذشت ۸ ـ ۷ سال تحصیلی وارد مرکز تخصصی حوزه علمیه در رشته حقوق و قضای اسلامی شدم و در آنجا سطح دو را خواندم و فارغ التحصیل شدم و الان در آن مرکز مشغول به تحصیل سطح سه در رشته جزا می‌باشم که در این مدت نیز از تدریس بی‌بهره نبودم در عین حال تحصیلات خود را به پایان رساندم و چند سالی است که مشغول به درس خارج بوده‌ام که در این مدت چند سال که از آمدنم به قم می‌گذرد همواره به تحصیل و تدریس در دانشگاه و مراکز حوزوی مشغول هستم تا چه خواهد...

جذبی خوانساری

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از کلانترزاده‌های خوانسار بود. پدرش مردی ثروتمند و خاندان او به اعتبار تمول و ثروت در میان مردم نفوذ و امتیازی داشتند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای خوانسار (۲۰۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۱۹)، الذریعه (۱۹۲/۹)، صبح گلشن (۱۰۰)، فرهنگ سخنوران (۲۰۹ -۲۰۸)، لغت‌نامه (ذیل/ جذبی)، مخزن الغرائب (۶۱۲/۱)، نشتر عشق (۳۵۱/۱).

جذبی کرد نارنجی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۳ ق)، شاعر، متخلص به جذبی. وی بعد از آنکه مدتی در قزوین به سر برد و در آنجا به تحصیل مشغول بود، به هندوستان مهاجرت کرد و به ملازمت اکبر شاه درآمد و همچنان در خدمت او به سر برد تا اینکه در جنگ کُوار درگذشت. وی معاصر شاه طهماسب بود و در فن شعر و تنظیم مضامین عجیب مهارت کامل داشت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۳۷۹/۲)، الذریعه (۱۹۲/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۰۹)، کاروان هند (۲۷۶ -۲۷۵ /۱).

جذوی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعری اصفهانی است که در سال ۹۱۰ وفات یافته.

از اشعار اوست:

عاشق و بد نام اگر گشتم دلم باری خوش است

عاشقی بد نامی ای دارد ولی کاری خوش است

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

جراح زاده، منوچهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

منوچهر جراح زاده ، شاعر و نویسنده معاصر ،در سال ۱۳۱۲ در بندر انزلی بدنیا آمد.وی از چهره های فعال عرصه مطبوعات بود،شعر می گفت و داستان می نوشت و به طنز می پرداخت.ایشان در روز شنبه ۱۵ شهریور ماه سال ۱۳۸۲ در تهران درگذشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

زمان و علت فوت : منوچهر جراح زاده ، شاعر و نویسنده معاصر ، روز شنبه ۱۵ شهریور ماه سال ۱۳۸۲ در تهران درگذشت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : منوچهر جراح زاده بازنشسته بانک بود و " موج سازان "عنوان کتابی است در عرصه شغلی وی که در آن مروری دارد بر عملیات بانکی .تلاشهای دیگرش در این زمینه،وی را شایسته دریافت عنوان نیروی باشزنسته فعال در عرصه بانکداری در سال ۱۳۸۰ کرد..وی از چهره های فعال عرصه مطبوعات بود،شعر می گفت،داستان می نوشت و به طنز می پرداخت.با تبلیغات هم میانه خوبی داشت. متن تبلیغاتی برای مبلغان تلویزیونی تدارک می دید.

چگونگی عرضه آثار : مرحوم منوچهر حراج زاده هنگامی که نفس در سینه اش حبس شد و از منزل بر دوش یاران،دوستان و خویشان شعر سکوت و سکون را سرود و طنز زندگی را با قصه مرگ در آمیخت،یک دو جین تالیف از خود میراثماندگار کرده بود. عنوان های همچون قلندرفدریا،هردمبیل،انزل چی و میم وجیم برخی امضاهای جراح زاده پای اثار طنز وی در مطبوعات بوده اند. ---

آثار :

۱ بر بافت های خون

ویژگی اثر : مجمعه شعر انقلاب

۲ بوسه بر آتش

ویژگی اثر : مجموعه شعر

۳ تلاوت فواره ها

ویژگی اثر : مجموعه شعر

۴ توفان در فنجان

ویژگی اثر : مجموعه طنز

۵ چلچله های جزیره

ویژگی اثر : داستان بلند

۶ خانه های شنی

ویژگی اثر : داستان کودکان

۷ خواب های قایقی

ویژگی اثر : داستان پیرامون فصاحت سلمان رشدی

۸ زنده های بی مزار

ویژگی اثر : مجموعه شعر طنز

۹ گیل آواز

ویژگی اثر : دو بیتی های تمثیلی

۱۰ نیمکت سنگی

ویژگی اثر : داستان جنگ

۱۱ یابو و هیاهو

ویژگی اثر : مجموعه داستان

۱۲ یک اسمان شعر

ویژگی اثر : پیرامون شعر

جراح نظام، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از کاتبان بوده است و به خط وی یک نسخه «قرابادین صالحی» (تحفه الصالحین)، به قلم کتابت خفی و دودانگ متوسط موجود است که در سال ۱۲۸۴ ق در تهران به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۹۱/۳).

جراذینی رازی، علی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، متکلم، فقیه و محدث امامی. وی از مردم خراذین یا جراذین ری بود. از زندگی وی و روزگاری که در آن بوده، چیزی نمی‌دانیم. نجاشی (م ۴۵۰ ق)، با چهار واسطه از وی روایت می‌کند. بیشتر رجال‌نویسان شیعه وی را به غلو متهم و نکوهش کرده‌اند و احادیثی را که از وی روایت شده ضعیف دانسته‌اند. علامه حلی نام وی را خراذینی آورده و در دیگر کتب رجال تحت عنوان خرادینی نیز آمده. وی در ری مقیم بود و در همان جا درگذشت. از جمله آثار وی: «آداب و المروات»؛ «الرد علی سلمانیه» یا «سلیمانیه» که یکی از فرق غالی شیعه است. این کتاب که ردی بر غلات شیعه است غالی بودن وی را نفی می‌کند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۰۱/۱۰، ۱۲/۱)، رجال ابن داود (قسم ۴۸۴ /۲)، رجال النجاشی (۷۹ -۷۸ /۲)، ریحانه (۱۲۳/۲ -۳۹۹/۱)، ری باستان (۳۳۱/۲)، الفهرست للطوسی (۲۲۳)، لغت‌نامه (ذیل/ جراذینی)، معجم رجال الحدیث (۶۸/۱۲).

جرجانی اصفهانی، ابوعبدالله محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، عالم و متکلم امامی. وی اصلا از مردم جرجان بود که در اصفهان سکنی داشت. او در ابتدا معتزلی بود که به دست عبدالرحمان بن احمد جیرویه رجوع به مذهب امامیه کرد. نجاشی در کتاب «رجال» حود وی را ستوده و می‌نویسد: از اصحاب جلیل و عظیم‌القدر است. از جمله آثار وی «الجامع فی سائر ابواب الکلام کبیر»؛ «المسائل و الجوابات فی الامامه»؛ «موالید الائمه (ع)»؛ «مجالس مع ابی‌علی الجبائی»؛ «الامامه»؛ «النقض علی الجبائی»، در امامت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۸۹/۲۴، ۲۳۶/۲۳، ۳۶۶/۱۹، ۳۳۵/۲)، رجال النجاشی (۲۹۸ -۲۹۷، ۴۷ /۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۸۲ -۲۸۱، ۱۴۷ /۴)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۳۳۲)، معجم رجال الحدیث (۲۴۶/۱۶).

جرجانی، ابوالحسن علی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۶۶ /۳۶۲ -۲۹۰ ق)، ادیب، شاعر، خطاط، مورخ، مفسر و فقیه شافعی. از جرجان به همراه برادرش ابوبکر محمد به نیشابور آمد و در این شهر حدیث شنید و دانشهای مختلف را آموخت، تا آنجا که ثعالبی او را در خوشنویسی و شعر و نثر با ابن‌مقله و بحتری و جاحظ برابر دانسته است و ابن‌خلکان نیز شعر وی را ستوده. ابتدا قاضی جرجان بود و بعد قاضی القضاهٔ ری و از نزدیکان خاص صاحب بن عباد شد. در هفتاد سالگی در ری درگذشت. جنازه‌اش به جرجان منتقل شد. یاقوت حموی و ذهبی وفات وی را در دهه آخر قرن چهارم ذکر کرده‌اند. از آثار او: «الوساطهٔ بین المتنبی و خُصومه»؛ «تفسیر القرآن»؛ «تهذیب التاریخ»، که گویا همان کتاب «صفهٔ التاریخ» است؛ «مجموعه‌ی رسائل»؛ «کتاب الوکالهٔ»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۱۴ /۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۴ -۳۵۵ /۱)، تاریخ الاسلام (حوادث ۲۷۳ -۲۷۱ /۴۰۰ -۳۸۱)، تاریخ نیشابور (۱۷۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۴۶ /۷)، ریحانه (۴۰۲ /۱)، سیر النبلاء (۲۱ -۱۹ /۱۷)، الکامل (۸۸ /۷)، کشف الظنون (۱۴۷۱، ۷۸۲)، الکنی والالقاب (۱۴۴ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/علی)، معجم المؤلفین (۱۲۳ /۷)، معجم الادباء (۳۵ -۱۴ /۱۴)، هدیهٔ العارفین (۶۸۴ /۱)، وفیات الاعیان (۲۸۱ -۲۷۸ /۳).

جرجانی، ابوسعید

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم/ ششم ق)، شاعر. از احوال و آثار او جز چند بیت شعر چیزی در دست نیست. از اوست:

آن قوم که ایشان ره احرار سپردند
احوال جهان باطل و بازیچه شمردند
محنت زدگان را بکرم دست گرفتند
چون دست گرفتند بر آنپای فشردند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :لغت‌نامه (ذیل/ابوسعید)، مجمع الفصحا (۱۹۵ -۱۹۴ /۱)، هفت اقلیم (۵۵۴ /۲).

جرجانی، اسماعیل، ابوبکر احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۷۱ -۲۷۷ ق)، فقیه، حافظ و محدث شافعی. یگانه زمان خود و شیخ شافعیان جرجان بود. از دوازده سالگی به دنبال حدیث رفت. از ابراهیم حلوانی و یوسف بن یعقوب قاضی، صاحب «سنن»، و ابن خزیمه و احمد بن محمد بن مسروق و محمد بن یحیی مروزی و جعفر فریابی و عمران سختیانی و سراج و بَغَوی و همطبقه آنان در خراسان و حجاز و عراق و دیگر نقاط حدیث شنید. حاکم و ابوبکر بَرقانی و حسین باشانی و ابوسعید نقاش و ابوالحسن طبری و ابوبکر جَرجَرائی و دیگران از وی حدیث شنیدند. از اسماعیلی تصانیفی به جا مانده که نشانگر تبحر او در فقه و حدیث است. در جرجان درگذشت. از آثار وی: «الصحیح»، منطبق با اصول بخاری، در چهار مجلد؛ «معجم الشیوخ»؛ «مسند عمر»، در حدیث.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۸۳/۱)، تاریخ الاسلام (حوادث ۴۹۲ -۴۸۹ /۳۸۰ -۳۵۱)، سیر النبلاء (۲۹۶ -۲۹۲/ ۱۶)، الکامل (۱۱۱/۷)، کشف الظنون (۱۷۳۵)، معجم المؤلفین (۱۳۵/۱)، الوافی بالوفیات (۲۱۳/۶)، هدیهٔ العارفین (۶۶/۱).

جرجانی، تاج‌الدین حسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۳۵ ق)، عالم و فقیه امامی. ملقب به تاج‌الدین. وی پس از اخذ فنون ادب و علوم متداول، مدارج عالی اجتهاد را نزد محقق کرکی پیمود. در کاشان می‌زیست و به تدریس و فتوا اشتغال داشت. از مشهورترین شاگردان جرجانی، مولی شاه‌علی یزدی است

که دارای اجازه روایت از وی بود. صاحب «ریاض العلماء» وی را از افاضل عصر خویش و اکابر علمای شیعه خوانده است. از جمله آثار وی کتاب «الفقه الفارسی» که یک دوره فقه از طهارت تا دیات است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۹۴/۱۶)، ریاض العلماء (۲۹۵/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۹ -۴۸ /۱۰).

جرجانی، جمال‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۹ ق)، دانشمند، فقیه، متکلم، ادیب و محدث امامی. وی در استرآباد به دنیا آمد و مقدمات علوم را در این شهر فراگرفت، سپس به هرات رفت و نزد ملاحسن حسابی به تحصیل علوم دینی پرداخت و شرح «اللوامع» و کتابهای دیگری را در محضر درس او فراگرفت. وی چندی به وزارت رسید، گویا با امیر غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی مجادله و درگیری داشت، گویند وی با محقق کرکی مجالست و موانست داشت و از محقق کرکی «شرح قوشچی» را آموخت. از جمله آثار وی، شرح «تهذیب الاصول» علامه می‌باشد که در ۹۲۹ ق از تالیف آن فراغت یافت. این شرح در میان اصولیان شیعه بسیار معروف است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶۶/۱۳)، روضات الجنات (۲۱۱/۲)، فوائد الرضویه (۸۴).

جرجانی، زین‌العابدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، خطاط. از آثار وی: دو صفحه از مرقع بایقرا- طهماسب اویغوری، به قلم سه دانگ و کتابت زیبا و به خط رقاع کتابت جلی و نسخ کتابت خفی عالی، با رقم: «مشقه العبد الضعیف... زین‌العابدین بن سلطان بخت الحسینی الجرجانی... (قرن ۸)».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۷۵/۴).

جرجانی، شریف‌الدین، علی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۱۶ -۷۴۰ ق)، شاعر، متکلم، حکیم و محدث حنفی. در قریه‌ی طاعون استرآباد تولد یافت. در همان جا به کسب علوم پرداخت و برای تکمیل تحصیلات به شیراز رفت و در آنجا نزد قطب‌الدین رازی و محقق دوانی بود و از استادش قطب‌الدین روایت کرد. پسرش و جلال‌الدین محمد بن عبدالعزیز الشافعی و شیخ منصور بن حسن کازرونی نیز از او روایت کرده‌اند. قاضی نورالله به گواهی شاگردان جرجانی، سید محمد نوربخش و شیخ محمد بن ابی‌جمهور احسایی، او را شیعه می‌داند. شاه شجاع در سال ۷۷۹ ق او را به شیراز برد و در مدرسه‌ی دارالشفاء به تدریس گماشت. جرجانی بعد از فتح شیراز به دست تیمور گورکانی به سمرقند فرستاده شد و در این شهر با سعدالدین تفتازانی محاورات و مباحثاتی داشت. بعد از مرگ تیمور به شیراز آمد و در همان جا درگذشت. از جمله آثار وی: «الاصول المنطقیه»؛ «المترجمان فی لغات القرآن»؛ «حاشیه بر شرح مطالع»؛ «حاشیه‌ی شرح حکمه العین»؛ «حاشیه آداب البحث»؛ «رساله‌ی القدر»؛ «حاشیه شرح شمسیه»؛ «حاشیه مشکاه المصابیح»؛ «رساله در تقسیم علوم»؛ «رساله در وجود»؛ «شرح التذکره النسیریه»؛ «تعریفات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۶۰ -۱۵۹ /۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۲، ۹۱، ۸۸ /۴، ۲۹۲ -۲۹۱ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۹۱ -۱۹۰)، حبیب السیر (۵۴۷ -۵۴۶ /۲)، رشحات عین الحیات (۱۹۰ -۱۸۶ /۱)، روضات الجنات (۲۹۴ -۲۸۷ /۵)، دایره المعارف فارسی (۷۳۴/۱)، الذریعه (۱۸۵، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۳۳، ۱۲۸، ۱۲۵، ۷۶، ۷۵، ۷۳، ۷۲، ۷۰ /۶، ۴۲/۱۵، ۷۳/۲۳، ۲۲۲/۲۴، ۳۲۴، ۳۰۸، ۱۹ /۲۰۵/۵، ۳۸۴/۲۲، ۵۶/۲۵، ۴۹/۱۷)، ریحانه (۲۱۷ -۲۱۳ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۰/۹)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۶۲ -۱۶۱)، کشف الظنون (۲۲۹)، الکنی والالقاب (۳۶۰ -۳۵۸ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ جرجانی)، مجالس المومنین (۲۲۰ -۲۱۷ /۲)، معجم المولفین (۲۱۶/۷)، هدیه الاحباب (۱۶۱)، هدیه العارفین (۷۲۹ -۷۲۸ /۱).

جرجانی، محمدقاسم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، خطاط. به خط وی قطعه‌ای است به قلم دو دانگ و کتابت خوش، با رقم: «کتبه العبد المذنب الخادم بالمشهد الغری محمدقاسم الجرجانی غفرله».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۰۷/۳).

جرفادقانی، اباالقاسم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اباالقاسم بن محمد ربیع جرفادقانی صاحب مصنفات بسیار و حواشی بر کتب معقول و منقول و علامه مجلسی حوزه اجازه او را از ملامهر علی گلپایگانی نقل کرده و او معاصر مجلسی او بوده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

جرفادقانی، ابوشرف ناصح

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، نویسنده، مورخ و شاعر. وی در خدمت الغباربیگ از ممالیک اتابکان آذربایجان به سر می‌برد و از دبیران و شاعران فاضلی بود که در نظم و نثر تازی و پارسی توانایی داشت. او به سفارش ابوالقاسم علی بن حسن، وزیر جمال‌الدین الغبار «تاریخ عتبی»، معروف به یمینی را به نثری مصنوع و استادانه، به سال ۶۰۳ ق از عربی به فارسی ترجمه کرد. ابوشرف در سرودن شعر نیز استاد بود. در مقدمه «تاریخ یمینی» از ترجمه دو مجموعه شعر به نام: «روضه الحزن» و «شعله القابس» و در خاتمه‌ی کتاب از کتاب دیگری موسوم به «تحفه الآفاق فی محاسن اهل العراق» نام برده شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران (۱۰۱۲ -۱۰۱۱ /۲ ،۶۴۱/۱)، تاریخ در ایران (۴۹)، تاریخ‌نگاران ایران (۲۶۱)، ترجمه‌ی تاریخ یمینی (مقدمه/ ۲۸ -۲۴ ،۱۱)، دایره‌المعارف فارسی (۵۹۹/۱)، سبک‌شناسی (۳۸۶/۲)، سرآمدان فرهنگ (۲۵۳ -۲۵۲ /۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۲۳)، کشف الظنون (۲۰۵۳ -۲۰۵۲)، گنج و گنجینه (۲۶۸)، لغت‌نامه (ذیل/ جرفادقانی)، مولفین کتب چاپی (۴۹۷ -۴۹۵ /۶).

جرفادقانی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک رقعه از مرقع، به خط نسخ کتابت جلی و خفی خوش، با رقم: «حسین بن محمدالجرفادقانی فی سنه ۱۲۴۴»، در کتابخانه‌ی سلطنتی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۶۱/۴).

جرفادقانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد بن علی گلپایگانی حکیم بوده و فرزانه و عالمی بوده یگانه دارای تألیفاتی بود از قبیل تکلمهٔ الصافی و تقریب المرام علی القسم الاول من تهذیب الکلام و کشکول و غیره و از کتب مطبوعه ایشان است کتاب واردات غیبی این کتاب در دهه اول ذی‌القعدهٔ الحرام ۱۲۴۸ قمری به دست مولفش پایان پذیرفته و پس از گذشتن هفتاد و سه سال بعد از تألیف در ذیقعده ۱۳۲۱ به طبع رسیده تاریخ ولادت و رحلت آن مرد بزرگ بر ما مجهول است و توضیحا نامبرده اهل گوگد گلپایگان بوده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

جرقویه‌ای اصفهانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدرضا جرقویه‌ای اصفهانی حایری از علماء مبرز و مجتهدین بزرگ معاصر کربلاء بودند. تولد آنجناب در جرقویه اصفهان واقع شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات و اولیات به اصفهان آمده و سطوح و متون فقه و اصول را در آنجا از مدرسین بزرگ آموخته سپس مهاجرت به نجف اشرف نموده و به درس آیات بزرگ چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی شریعت اصفهانی و آیت‌اللّه محقق میرزا محمدحسین نائینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین اصفهانی و دیگران شرکت و استفاده نموده آنگاه به کربلا منتقل و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج آقا حسین قمی بهره‌مند و از خواص اصحاب معظم له گردیده و خود ضمناً شروع به تدریس فقه و اصول و معقول و کلام نموده و عده‌ای از افاضل کربلا از جلسات و دراساتش کسب علم و فیض کرده تا در سال ۱۳۹۲ قمری که دعوت حق را لبیک اجابت گفته و در جوار مولی الکونین ابی‌عبداللّه الحسین (ع) مدفون گردیده است.

آثار و تألیفات عدیده علمی دارد که بعضی به طبع رسیده و برخی هم مخطوط مانده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

جرقویه‌ای، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج ملاعلی نیز از علمای نامدار، و به زهد و تقوی معروف بوده، در اصفهان خدمت آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی و حاج میرزا بدیع درب امامی تلمذ نموده، و در حدود ۱۳۲۵ وفات یافته، در مولد خود مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

جرموقی خراسانی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۹ -۱۲۷۹ ق)، فقیه، اصولی، ادیب و شاعر. به جرموق از روستاهای خراسان انتساب دارد. وی از علمای بزرگ کاظمین به حساب می‌آید. او در علوم عربیت و در فنون عقلی و در قواعد فقهی و اصولی ماهر بود. سید محمدمهدی صاحب «احسن الودیعه» از شاگردان جرموقی است. در کاظمین درگذشت و طی تشییع باشکوهی در نجف دفن شد. از آثار وی: شرح «کفایه الاصول»، در فقه؛ رساله‌ای در «متنجّس»؛ «الاسئله الکاظمیه»؛ «دیوان» شعر؛ حواشی غیر مدون بر کتب علمیه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۵/۸)، الذریعه (۱۸۸/۶، ۹۱ -۹۰ /۲)، علماء معاصرین (۱۲۶ -۱۲۵).

جرمی تبریزی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، شاعر. وی از معاصران حاج سیدعظیم شروانی بود. یوسف باکویی یک سلسله اشعار در هجو جرمی به نظم آورده و سید عظیم با یک قطعه طولانی او را مجاب ساخته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۹۴)، الذریعه (۱۹۳/۳).

جزایری شوشتری نجفی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۴ -۱۳۰۷ ق)، فقیه اصولی. در شوشتر به دنیا آمد. مقدمات را در زادگاهش فراگرفت، سپس به نجف رفت و نزد فضلای آنجا تحصیل سطوح کرد و پس از آن در محضر میرزا محمدحسین نایینی و آقا ضیاءالدین عراقی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی حاضر شد و تقریرات آنان را در فقه و اصول به رشته‌ی تحریر درآورد. پس از مدتی به علت کسالت به تهران آمد و تا آخر عمر در این شهر ساکن شد. وی در تهران درگذشت و در ابن‌بابویه دفن شد. از آثار او: «تنبیه الجاهلین»، در اصول دین؛ «منهج الیقین»، عربی منظوم در اصول و فروع دین.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰/۳)، الذریعه (۲۰۰/۲۳، ۴۴۲، ۴۴۱- ۴/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳۸۱/۱).

جزایری شوشتری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۴ -۱۲۹۱ ق)، عالم دینی و فقیه شیعی. معروف به سید آقا. از نوادگان سید نعمت‌اللّه جزایری بود. در شوشتر به دنیا آمد. پدرش مرجع دینی مردم شوشتر بود. سید احمد پس از تحصیل مقدمات به نجف رفت و در حوزه‌ی درس آخوند خراسانی و آقا سید محمدکاظم یزدی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. از مشایخ روایت او کمال‌الدین دولت‌آبادی، معروف به میرزاآقا، و سید عبدالصمد شوشتری و ثقةالاسلام مازندرانی و محمدرضا دزفولی بودند. آیت‌اللّه مرعشی نجفی و محمدجعفر شوشتری و شیخ احمد محلاتی شوشتری از وی اجازه حدیث داشتند. از آثار وی: «الاجازات»؛ «تعوید اللسان»، در تجوید قرآن؛ «تقویم المعرفة»؛ حاشیه بر «الروضة البهیة» شهید ثانی؛ «الرجال»؛ «العجالة»؛ «الفوز العظیم»، در شرح حال جد بزرگش سید حسین بن عبدالکریم؛ کتابی در شرح احوال و آثار جدش سید نعمت‌اللّه جزایری.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۷۱/۱۶، ۲۲۱/۱۵، ۹۵/۱۰، ۹۰/۶، ۴۰۳، ۲۲۷ /۴، ۱۲۳/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۴۸، ۹۶ /۱۴).

جزایری شوشتری، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۱ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. از نوادگان سید نعمت‌اللّه جزایری بود. در شوشتر به دنیا آمد، همان جا نشو و نما کرد و سپس به نجف مهاجرت کرد و در نزد شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر» و سید علی شوشتری درس خواند و با شیخ مرتضی انصاری مصاحبت داشت. قبرش در مقبره‌ی استادش سید علی شوشتری است. از او فرزندانی به جای ماند که همگی از علمای دینی بودند. از آثار وی: «فواکه الاحکام»، در فقه، در هشت مجلد؛ «فواکه الاصول»، در اصول، در دو مجلد؛ «فوز العباد»، در فقه، که رساله‌ی عملیه او است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۸/۶)، الذریعه (۳۷۰ -۳۶۹، ۳۶۵ /۱۶)، فوائد الرضویه (۱۳۵)، معجم المؤلفین (۸/۴).

جزایری شوشتری، عبدالصمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۷ -۱۲۴۳ ق)، فقیه اصولی و محدث. از نوادگان سید نعمت‌اللّه جزایری بود. در شوشتر به دنیا آمد. مقدمات علوم را در زادگاهش فراگرفت، سپس به عراق رفت و در نجف به مجلس درس شیخ انصاری و میرزای شیرازی پیوست. از بزرگانی چون میرزا حبیب‌اللّه رشتی و حاج شیخ جعفر شوشتری و حاج ملاعلی میرزا خلیلی اجازه گرفت. پس از چندی به شوشتر بازگشت و عهده‌دار مرجعیت امور مذهبی مردم شد. وی در نجف به خاک سپرده شد. شوشتری در اغلب زمینه‌های علوم اسلامی کتابهایی نوشته است. از جمله آثار وی: «الاجازات»؛ نظم «کافیه‌ی» ابن حاجب، در نحو؛ «التحفة النظامیة»؛ تعلیقه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ «فصل الخطاب»، در تفسیر آیه «ان اللّه اشتری...»؛ حاشیه‌ی «الروضة البهیة» در شرح «اللمعة الدمشقیة»؛ «شرح نتیجة الأنظار»، منظومه عبدالرحیم شوشتری؛ «المحاکمات» میان صاحب «قوانین» و صاحب «فصول»؛ «نقد البیان و بناء التبیان»؛ «رسالة المنطق».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۷/۸)، الذریعه (۲۷۴ -۲۷۳ /۲۴، ۱۳۳/۲۰، ۲۲۹، ۲۲۸- /۱۶، ۹۹/۱۴، ۹۵/۶، ۴۷۸/۳، ۲۱۷، ۱۶۴ /۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۳۳ -۱۱۳۲ /۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۰۸ -۴۰۷ /۵)، مکارم الآثار (۱۲۰۶ -۱۲۰۵ /۴).

جزایری شوشتری، عبدالکریم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۱۵ ق)، فقیه عارف و شاعر. از نوادگان سید نعمت‌اللّه جزایری بود. در کودکی نزد جدش، سید عبداللّه، درس خواند و پس از مرگ او از عموهای خود بهره جست. سید عبدالکریم از علامه وحید بهبهانی و علامه بحرالعلوم اجازه‌ی عامه داشت. وی در سفرش به مشهد از میرزا مهدی شهید خراسانی نیز استفاده حکمیات نمود و اجازه گرفت. جزایری پس از بهره‌جوئی از مجالس درس استادان خود به شوشتر بازگشت. او در نجف درگذشت و همان جا دفن شد. از آثار وی: «کشف الغطاء عن حال الغناء»؛ «الدرر المنثوره فی احکام المأثوره»؛ «مفتاح الجنة»، در اصول و فروع؛ «مفتاح الایمان»، به فارسی؛ «تنبیه الغافل فی حکم الجاهل»؛ «گرز آتشی بر فرق مرتشی»، در حرمت رشوه؛ «هدایة الانام الی ما یستخرج من الاجسام»؛ «نهایة الکفایة»، در شرح مقدمه «بدایة الهدایة»؛ شرح «الفیه‌ی ابن‌مالک»؛ «الجنة العاصمة للصوارم القاصمة»؛ «هشت بهشت»، به فارسی، در آداب زیارت، قصائد بسیاری در

مدح ائمه معصومین (ع).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۲/۸)، الذریعه (۱۷۲/۲۵، ۴۰۵/۲۴، ۳۲۵، ۳۱۹/۲۱، ۴۴/۱۸، ۱۳۶/۸، ۴۴۳/۴، ۲۵۵/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۶۰/۱۳)، مکارم الآثار (۵۵۳ -۵۵۲ /۲).

جزایری شوشتری، عبداللطیف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبداللطیف بن سید احمد بن سید محمد بن سید طیب جزایری شوشتری فاضلی بزرگوار بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جزایری شوشتری، عبداللّه

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۷۳ ق)، ادیب، محدث، مورخ و فقیه شیعی. یکسر مذهب اخباری داشت و منکر طریقه‌ی اجتهاد بود. وی از مشایخ اجازه‌ی روایت سید نصراللّه مدرس بود و خودش نیز از پدرش و سید امیر محمدحسین خاتون آبادی روایت می‌کرد. از آثار وی: «الاجازهٔ الکبیرهٔ»؛ «اجوبهٔ مسائل السید علی نهاوندی»؛ «الانوار الجلیهٔ»؛ «التذکرهٔ فی التاریخ تستر»؛ «تاریخ شوشتر»؛ «حاشیه ریاض السالکین»؛ «حاشیه نقد الرجال»؛ «شرح مفاتیح الحکام»، ملا محسن فیض؛ «شرح نخبه‌ی» فیض؛ «الذخیرهٔ الباقیهٔ»؛ «الحاشیهٔ علی اربعین البهایی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۸۷/۸)، الذریعه (۳۸۲ -۳۸۱ /۲۱ ،۲۵۴/۲۰، ۱۰۲/۱۴، ۱۵/۱۰، ۸۴۲، ۶۹۴ /۹، ۲۵، ۱۳/۶، ۸۹/۴، ۲۴۵ - ۲۴۳ /۳، ۴۲۴ -۴۲۳ /۲)، روضات الجنات (۳۷۲، ۲۵۳ -۲۴۹ /۴)، ریحانه (۱۱۵/۳)، فرهنگ سخنوران (۷۱۶ -۷۱۵)، فوائد الرضویه (۲۵۷ -۲۵۶)، الکنی والالقاب (۳۳۲/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ جزایری)، معجم المؤلفین (۱۶۰/۶).

جزایری شوشتری، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۸ /۱۳۴۲ ق)، عالم دینی، فقیه و نویسنده. معروف به حکیم. جدش سید علی یار دمساز و وصی شیخ انصاری بود بطوری که از او به مراد شیخ تعبیر می‌کردند. سید علی‌اصغر از مروجین دین و از نویسندگان اسلامی بود. آثار بسیاری دارد که از آن جمله: «مختصر مغنی اللبیب»؛ شرح «عیون الاخبار» شیخ صدوق؛ ترجمه‌ی «لآلی الاخبار» شیخ محمد نبی تویسرکانی؛ مجموعه‌ای در ادعیه و زیارات؛ «الدر الثمین فی مقدمهٔ التضمین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۷۵/۱۳، ۶۶/۸، ۲۰۱ -۲۰۰، ۱۳۱ /۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۷۴/۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۱۰/۵).

جزایری شوشتری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدعلی بن سید محمود بن سید احمد بن سید محمدرضا بن سید علی‌اکبر بن سید عبداللّه بن سید نورالدین بن علامه محدث سید نعمت‌اللّه جزایری شوشتری عالمی باورع و فاضلی متقی بوده است.

وی در ۱۲ ماه رمضان ۱۲۹۷ ق متولد شده و مقدمات را خدمت شیخ محمدعلی شیخ‌الاسلام خوانده و از محضر علامه آقای آسید عبدالصمد جزایری استفاده نموده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و به درس میرزا محمدعلی رشتی و علامه یزدی آقا سید کاظم صاحب عروه حاضر شده و از آن دو بزرگوار کاملا بهره‌مند گردیده و بعد به شوشتر مراجعت و به وظائف شرعی قیام نموده تا در روز دوشنبه ششم ذی‌الحجه ۱۳۵۶ ق وفات نموده است. رساله‌ای در امامت دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جزایری شوشتری، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۲ -۱۳۱۹ ق)، عالم دینی و فقیه امامی. از نوادگان سید نعمت‌اللّه جزایری بود. پدرش محمدمهدی و جدش ملا عبدالصمد هر دو از علمای شیعه بودند. سید محمدحسن در شوشتر به دنیا آمد و مقدمات علوم را در زادگاهش فراگرفت. سپس رهسپار قم شد و به مجلس درس آیت‌اللّه حائری یزدی راه یافت. سرانجام به خوزستان بازگشت و در اهواز ساکن شد و عهده‌دار مرجعیت امور شرعی مردم شد. وی در بارگاه علی بن مهزیار مدفون است. از آثارش: «نوید اسلام»، در علائم ظهور، ترجمه «بشارة الاسلام» سید مصطفی کاظمی؛ «فلسفه‌ی غیبت».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۹۱/۲۴، ۳۰۹/۱۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۴۴/۱۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۷ -۶۵۶ /۲)، مکارم الآثار (۱۲۰۶/۴).

جزایری شوشتری، محمدشفیع

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۷۴ -۱۲۱۱ ق)، عالم دینی، فقیه و رجال‌شناس امامی. از نوادگان سید نعمت‌اللّه جزایری بود. در شوشتر به دنیا آمد و پس از نشو و نما به اصفهان رفت و در محضر استادانی چون محمدابراهیم کلباسی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت و سرانجام از وی اجازه اجتهاد گرفت. سید محمدشفیع گذشته از فقه در علم رجال نیز مهارت داشت. پیکر وی در تخت پولاد اصفهان مدفون است. از آثارش: «کشف الریاض» که حاشیه‌ای است بر «ریاض المسائل» سید علی طباطبائی؛ حاشیه‌ی «نقد الرجال» میرمصطفی تفرشی؛ «رساله‌ای در منجزات مریض»؛ تحقیقات متفرقه در نحو و فقه و رجال.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرة القبور (۳۷۱ -۳۷۰)، الذریعه (۳۶/۱۸)، معجم المؤلفین (۳۹۲/۱۳، ۷۰/۱۰)، مکارم الآثار (۲۰۶۲/۶، ۴۱۱ - ۴۰۸ /۲).

جزایری شوشتری، محمدعباس

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۶ -۱۲۲۴ ق)، عالم دینی، فقیه امامی و شاعر. معروف به علامه مفتی یا مفتی میرعباس، مفتی دیار هند. وی از نوادگان سید نعمت‌اللّه جزایری بود. جد وی محمدجعفر از شوشتر به هند مهاجرت کرد و در لکهنو ساکن شد. محمدعباس در لکهنو به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت. وی در کلام از شاگردان سلطان العلماء سید محمد بن دلدار علی نصیرآبادی و در فقه شاگرد سید حسین بن دلدار علی بود و از ایشان اجازه گرفت. پس از دریافت اجازه به تألیف و تدریس روی آورد و شاگردان بسیاری تربیت کرد که شماری از آنها از مراجع دینی مردم در هند شدند. علامه میر حامد حسین، صاحب «عبقات» از شاگردان او است. جزایری به زبان فارسی و عربی و اردو کتاب می‌نوشت و در شعر فارسی و عربی دستی توانا داشت. از جمله آثار وی: «الشریعهٔ الغراء»، در فقه؛ «الدرهٔ البهیهٔ فی اثبات حقیقهٔ التقیهٔ»؛ «رشحهٔ الافکار فی تحدید الأکرار» در فقه؛ «ظل ممدود و طلح منضود»، مکاتبات و اشعارش به عربی و فارسی؛ «اوراق الذهب»، در شرح حال استادش سید العلماء؛ «روایح القرآن فی فضائل أمناء الرحمن»؛ «شمع المجالس»، در مراثی سیدالشهداء (ع)، به عربی و فارسی؛ «الجواهر العبقریهٔ»؛ ترجمه‌ی جلد دهم «بحار» (قدیم)؛ «تعلیقهٔ الروضهٔ البهیهٔ»؛ «المنّ والسلوی»، در زهد و تقوی؛ «اجناس الجناس»؛ «رطب العرب»، دیوان شعر عربی؛ «بنیاد اعتقاد»، منظومه‌یی به زبان اردو؛ مثنوی «نان جو».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۱۳ -۴۱۱ /۷)، ایضاح المکنون (۳۷۷/۱)، الذریعه (۲۳۲ -۲۳۱، ۱۸۷ /۱۴، ۲۳۶/۱۱، ۹۱/۸، ۴۷۶ - ۴۷۵ /۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۱۲ -۱۰۱۰ /۱۴)، فوائد الرضویه (۵۴۹ -۵۴۸)، مستدرکات اعیان (۲۹۸/۲)، معجم المؤلفین (۱۲۰/۱۰)، مکارم الآثار (۷۷۸ -۷۷۷ /۳)، هدیهٔ العارفین (۳۹۰/۲).

جزایری شوشتری، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۰ -۱۲۹۸ ق)، فقیه، ادیب و شاعر امامی. وی از نوادگان سید نعمت‌اللّه جزایری بود. جد بزرگش محمدجعفر از شوشتر به هند مهاجرت کرد و در لکهنو سکنی گزید. سید محمدعلی نیز در آنجا به دنیا آمد و مقدمات علوم را در آن شهر فراگرفت. در سال ۱۳۲۵ ق رهسپار عتبات عراق شد و در نجف نزد استادانی چون آخوند خراسانی، آقا سید محمدکاظم یزدی، آقا ضیاءالدین عراقی

تحصیل کرد. پس از شش سال به زادگاهش بازگشت و در بنیاد علمی شعبه‌ی عربی کالج به تدریس پرداخت و شاگردانی چون سید علینقی نقوی، میرزا یوسف حسین، شیخ محمدبشیر انصاری و سید ثمرحسن را می‌توان نام برد. در سال ۱۳۵۵ ق به عراق رفت با شیخ آقابزرگ تهرانی دیدار کرد. وی در شعر دست توانایی داشت و به سه زبان فارسی و عربی و اردو شعر می‌سرود. از جمله آثار وی: «الافادات المحمدیه»؛ «تخمیس قصیده‌ی علویه» به عربی که سروده‌ی پدرش بود؛ شرح «یوان امرىء القیس»، به اردو؛ شرح «رنات الطرب فی قصائد العرب»، به اردو؛ «مزاعم العرب فی الجاهلیهٔ»؛ «دیوان» شعر به عربی؛ «ضبط الغریب من لغهٔ العرب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۱۴/۱۵، ۲۹۲، ۱۶۵ /۱۳، ۲۵۴/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۶۲ -۱۴۶۰ /۱۴)، مستدرکات اعیان (۲۹۸/۲، ۱۸۸/۱).

جزایری شوشتری، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۴/۱۲۸۳ -۱۳۲۱ ق)، فقیه و نسّابه. معروف به امامزاده. وی در دو سالگی با پدرش به شوشتر کوچ کردند. درین شهرنشو و نما کرد و مقدمات علوم را نزد کسانی چون پدر و پسر عمویش، سید محمدعلی، فرزند سید بزرگ و دیگران فراگرفت. در سال ۱۳۴۴ ق به نجف رفت و به مجلس درس شیخ نعمت‌اللّه دامغانی و دیگر عالمان پیوست. پس از چندی به شوشتر بازگشت و به انجام خدمات دینی مشغول شد. چندی به کشورهای افریقایی سفر کرد. پس از بازگشت، چون پدرش به اهواز رفته بود، به آنجا مهاجرت کرد. اندکی پس از درگذشت پدر، به نجف رفت و از مجلس درس آقا ضیاءالدین عراقی و حاج سید ابوالقاسم خویی بهره‌ها برد و چندی نیز از محضر درس آق سید ابوالحسن اصفهانی استفاده کرد. سپس برای بار دوم و این بار به نمایندگی از طرف آیت‌اللّه بروجردی برای تبلیغ اسلام راهی آفریقا شد. پس از چندی به نجف بازگشت و در این شهر درگذشت. از جمله آثار وی: «بوستان پیغمبر» یا «خاندان سادات جزایری»، که زندگینامه‌ی سادات جزایری است؛ «گلستان پیغمبر» که زندگینامه‌ی سادات مرعشی شوشتر است؛ «تفسیر آیات بینات النازلهٔ»، در فضایل اهل‌بیت سید کاینات؛ «تقریرات» برخی از دروس خودش.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۲۰/۱۸، ۲۳۶/۴).

جزایری شیرازی، محمد مؤمن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۳۰ -۱۰۷۴ ق)، عالم، محقق، متکلم، محدث، فقیه و شاعر امامی. وی در شیراز به دنیا آمد و در آن شهر به کسب علم و تحصیل معارف پرداخت، سپس به دیگر شهرها سفر کرد و از محضر بزرگانی چون مولی شاه محمد شیرازی و مولی مسیح‌الزمان فسوی و حکیم محمدهادی بهره گرفت و از علامه مجلسی و شیخ حر عاملی و امثال آنها به دریافت اجازه نایل شد. سید عبدالحیّ در «نزههٔ الخواطر» استادان وی را در هر رشته به تفصیل آورده است. محمدمحسن شیرازی از شاگردان او است. تألیفات و آثار وی بالغ بر سی و نه کتاب و رساله است که برخی از آنها به چاپ رسیده. از جمله: «مجالس الاخبار و مجالس الاخیار» در هفت جلد؛ «خزانهٔ الخیال المشحونهٔ من طرق المعانی والالفاظ الموزونهٔ بامثال اللال»، در سه مجلد؛ «طیف الخیال فی مناظره بین العلم والمال»، و شرح آن «تعبیر طیف الخیال»؛ «تمیمه لفوائد»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۵/۱۰)، ایضاح المکنون (۵۳۶، ۴۲۹ /۲ ۴۲۸، ۳۴۷، -۳۲۲ /۱)، الذریعه (۳۵۸ -۳۵۷ /۱۹، ۱۹۶/۱۵، ۱۵۶/۷، ۴۳۵، ۲۱۰ -۲۰۸ /۴)، فوائد الرضویه (۶۰۰ -۵۹۹)، معجم المؤلفین (۶۹/۱۲)، هدیه العارفین (۳۱۰/۲).

جزایری نجفی، احمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۵۱ -۱۱۴۹ ق)، عالم، فقیه، محقق و نویسنده‌ی امامی. وی منسوب به «جزایر» خوزستان است. وی پس از فراگیری مقدمات در زادگاه خود، روانه‌ی عتبات شد و در نجف به تحصیلات خود ادامه داد. در این شهر نزد علمای بزرگ شیعه درس خواند و از آنها اجازه گرفت. بسیاری از بزرگان وی را ستوده‌اند. از جمله یوسف بن احمد بحرانی در «لؤلؤ البحرین» وی را فاضلی محقق و باریک‌بین خوانده و سید عبداللّه بن نورالدین بن نعمت‌اللّه جزایری در اجازه‌ای که برای وی نوشته از وی به عنوان «خاتمه المجتهدین» یاد کرده است. از آثار وی: «الارتدادیه»، کتابی فقهی درباره‌ی برگشتن از دیانت اسلام و ارتداد؛ «تبصرهٔ المبتدئین»، در احکام طهارت و نماز؛ «الشافیه»، در نماز؛ حاشیه بر «کافی»؛ «قلائد الدرر فی بیان آیات الاحکام بالاثر» که کتابی تفسیری و فقهی استدلالی درباره‌ی بیان و تفسیر آیاتی از قرآن مجید؛ «میزان المقادیر» که کتابی فقهی استدلالی همراه محاسبات ریاضی که اوزان و

مقادیر شرعی در زکوهٔ را با واحد اندازه‌گیری بیان کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۸۰ -۴۷۹ /۲)، تلامذه العلامه المجلسی (۱۱۹ ،۱۱۱ ،۱۰۶)، الذریعه (۳۱۸ -۳۱۷ /۲۳ ،۱۶۲ -۱۶۱/۱۷ ،۱۱/۱۳ ،۱۸۱/۶ ،۳۲۱ -۳۲۰ /۳ ،۴۳۷ ،۱۴۰ /۱).

جزایری، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج آقا جواد جزایری از (احفاد مرحوم علامه کبیر و محدث خبیر مرحوم سید نعمت‌اللّه جزایری شوشتری صاحب تألیفات بزرگ) می‌باشد دارای کمالات نفسانی و معنوی و از علماء متمکن عصر خود و به دیانت و تقوا موصوف و مورد توجه عموم مردم خرم‌آباد و لرستان بوده و در سال ۱۳۸۳ قمری وفات نموده است.

فرزندان ارجمندی دارد که یکی از آنها به نام مرحوم آقا سید مغیث‌الدین از طلاب قم بود که در سنین جوانی و عنفوان شباب ۲۲ سالگی وفات نمود و پدر پیر خود را داغدار و مصیبت‌زده نمود.

۲- جناب حجهٔ‌الاسلام آقای حاج آقا عماد جزایری که در مهد علم و تقوا پرورش و سالها در قم اقامت و از محضر مراجع و آیات سطحاً و خارجاً فقهاً و اصولاً استفاده کامل نمود و بعد از فوت مرحوم والد به خرم‌آباد مراجعت و تا هم‌اکنون به اقامه جماعت و خدمات دین اشتغال دارد.

۳- جناب حجهٔ‌الاسلام آقا سید نورالدین جزایری که در قم اقامت و به تکمیل مبانی علمی از محضر آقایان اشتغال دارد بسیار متین و متواضع و موصوف به تقوا می‌باشد

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جزایری، شمس‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس، مؤلف.

تولد: ۱۲۹۲، تهران.

درگذشت: اواخر مهر ۱۳۶۹.

سید شمس‌الدین جزایری، فرزند سید حسن شوشتری، تحصیلات ابتدایی خود را در تهران به پایان رساند و سپس وارد مدرسه‌ی دارالفنون گردید. پس از فراغت از تحصیل از دارالفنون به اروپا رفت و در رشته‌ی حقوق بین‌الملل تحصیل و به درجه‌ی دکتری نایل گشت. رساله‌ی وی در مقطع دکتری بحران اقتصادی و تأثیرات آن بر ایران نام داشت که در پاریس در سال ۱۹۳۸ به چاپ رسید.

دکتر شمس‌الدین جزایری پس از مراجعت به ایران به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. وی در سال ۱۳۲۹ به عنوان وزیر فرهنگ دولت رزم‌آرا معرفی شد (که از ۶ تیر الی ۱۷ بهمن همان سال وزیر فرهنگ بود). وی همچنین در دوره‌ی هیجدهم قانونگذاری نیز به مجلس شورای ملی راه یافت.

دکتر شمس‌الدین جزایری بیشتر اوقات زندگی خود را به تدریس دروس مالیه، اقتصاد سیاسی، حقوق کار و بیمه‌های اجتماعی در دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران گذرانید و تألیفاتی نیز دارد که عبارتند از اقتصاد اجتماعی (تهران، ۱۳۳۵، نشریه‌ی ۳۵۶ دانشگاه) حقوق کار و بیمه‌های اجتماعی، قوانین مالیه و محاسبات عمومی و مطالعه بودجه از ابتدای مشروطیت تا به حال (تهران، ۱۳۳۵، نشریه ۳۲۳ دانشگاه).

دانشگاهی، وزیر، نماینده‌ی مجلس، استاندار، امیرالحاج، مؤلف. فرزند حاج سید حسن شوشتری، متولد ۱۲۸۳. تحصیلات متوسطه را در دارالفنون تهران و تحصیلات عالی را در مدرسه‌ی حقوق پایان برد و به خدمت فرهنگ درآمد. چندی در تهران و رشت دبیر بود، بعد به نظامت و مدیریت دبیرستان رسید. در ۱۳۱۲ از طرف دولت برای ادامه‌ی تحصیل عازم اروپا شد. در پاریس در علم اقتصاد درجه‌ی دکترا گرفت. در ۱۳۱۷ به تهران آمد و در دانشکده‌ی حقوق دانشیار شد. همزمان با تدریس در دانشگاه، ریاست دبیرستان شرف را عهده‌دار گردید. پس از آن ریاست فرهنگ تهران به عهده‌اش قرار گرفت. مدتی در وزارت دارائی صاحب مقاماتی شد، از جمله ریاست کارخانجات مؤسسه‌ی دخانیات و اداره کل باربری. پس از تأسیس سازمان برنامه، به عضویت شورای عالی برگزیده شد.

در ۱۳۲۹ سپهبد رزم‌آرا نخست‌وزیر، او را به سمت وزیر فرهنگ معرفی کرد، ولی پس از چند ماه به دنبال غوغای نفت که غلامحسین فروهر وزیر دارائی، در مجلس اظهاراتی کرد که مورد تصویب هیئت وزیران قرار نگرفت، به نطق وزیر دارائی شدیداً اعتراض کرد و کار آن دو به مشاجره کشید. جزایری در مجلس به اظهارات فروهر پاسخ گفت. در مطبوعات نیز وزیر دارائی را به خودسری متهم کرد و از عضویت دولت کناره گرفت. در انتخابات دوره‌ی هیجدهم از تهران به وکالت رسید، بعد به استانداری خراسان اعزام شد. جزایری در جوانی در کسوت روحانیت بود. هنگام سفر به اروپا تغییر لباس داد. در سال ۱۳۴۱ با عنوان امیرالحاج

به مکه معظمه سفر کرد. همیشه چند شغل را یدک می‌کشید. در رشته‌های اقتصاد و مالیه تألیفاتی دارد. متجاوز از سی سال استاد دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران بود. در ۱۳۶۹ در اروپا درگذشت.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

جزایری، صدرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید صدرالدین جزایزی شوشتری ابن العلامه الجلیل السید حسین بن العالم النبیل السید محمد علی بن العلامه السید عبداللّه بن العالم العلام السید علی اکبر بن العلامه المحدث (صاحب کتاب الاجازه) السید عبداللّه بن العالم الجلیل السید نورالدین بن العلامه الکبری و الایه العظمی السید نعمت اللّه جزایری موسویست.

معظم له از مشاهیر علماء مبرز معاصر تهران است که بعلم و فقاهت و فضل و وجاهت موصوف و متصف میباشد.

تولدش در هفتم ذی‌الحجه ۱۳۱۳ ق در نجف اشرف واقع شده و در حدود چهار سالگی در مدرسه مروی رفته و ادبیات و سطوح را تقریبا تا ۱۲ سال در تهران خدمت مرحوم والدش و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد تنکابنی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمد رضا نوری و آیت‌اللّه آقا میرزا احمد آشتیانی بپایان رسانیده و در ماه شعباه ۱۳۲۵ ق به مشهد مقدس مشرف و قریب هفت سال خدمت جمعی از علماء آنجا مثل مرحوم حاج فاضل و مرحوم آیت‌اللّه آقا محمد آقا زاده کفائی و مرحوم آیت‌اللّه العظمی قمی و دیگران تلمذ نموده و از آنجا بعتبات عالیات مشرف و مدت ده سال در نجف اشرف خدمت مرحوم آیت‌اللّه نائینی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی تلمذ نموده و غالبا از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید عبدالغفار مازندرانی کسب فیض نموده و از کلمات نفیسه و شریفه ایشان که نوعا استفادات معارف و اخلاقیات از کتاب ایشان بود استفاده نموده و پنجسال هم در کربلا از محضر مرحوم آیت‌اللّه قمی فقها و اصولا بهره‌مند شده آنگاه برای زیارت والد ماجدش به تهران آمده و بالضروره رحل اقامت افکنده به اقامه جماعت در مسجد عباس آباد بازار و تدریس فقه و اصول و سایر وظائف دینی و روحی تا حال حاضر اشتغال دارد.

نگارنده گوید: مترجم گرامی از مدرسین و اساتید مبرز و ماهر مدرسه مروی می‌باشند و حوزه درس فقه و اصولشان مورد استفاده‌ی فضلاء و محصلین تهران بوده و میباشد ادام اللّه توفیقه و ظله.

(۱۳۸۶ –۱۳۱۳ ق)، عالم دینی و فقیه امامی. سید صدرالدین در نجف به دنیا آمد و در چهار سالگی همراه پدر به تهران آمد و از همان سال در مدرسه مروی به تحصیل ادبیات و سطوح، در نزد پدرش و آیت‌اللّه سید محمد تنکابنی و آیت‌اللّه شیخ محمدرضا نوری پرداخت و «شرح اشارات» را در محضر آیت‌اللّه میرزا احمد آشتیانی فراگرفت. ۱۳۲۵ ق به مشهد رفت و از حوزه‌ی درس آقازاده و آیت‌اللّه حاج آقا حسین قمی مدت هفت سال بهره گرفت و سپس به عتبات رفت و مدت ده سال در نزد علامه ناینی و حاج شیخ محمدحسین اصفهانی به فراگیری فقه و اصول پرداخت. وی پس از آن مدت پنج سال نیز نزد آیت‌اللّه قمی در کربلا به تحصیل فقه و اصول ادامه داد. آنگاه به تهران آمد و از مدرسان و استادان فقه و اصول مدرسه مروی شد. از آثار وی «یادداشتهایی در عقاید و مساله ولایت اهل بیت (ع)» را می‌توان نام برد.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۷۲/ ۱۴)، علماء معاصرین (۲۳۰ –۲۲۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۲۲ –۴۲۱/ ۴).

جزایری، عبدالغفور

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالغفور بن سید محمدرضا جزایری عالمی کامل و فاضلی جلیل بوده و در سال ۱۳۲۲ ق وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جزایری، عبدالکریم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالکریم معروف به آغا کب یعنی آغا بزرگ بن سید حسین بن سید عبدالکریم بن سید حسن بن سید عبداللّه بن سید نورالدین ابن علامه سید نعمت‌اللّه جزایری عالمی متقی از شاگردان میرزاء شیرازی و معاصرین او بوده و در سال ۱۳۱۰ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جزایری، عبداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبداللّٰه بن سید محمد بن سید محمد شفیع جزایری شوشتری از فضلاء باکمال و ورع در اصفهان بوده و در جمعه ۴ ربیع‌الثانی ۱۳۵۷ ق وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جزایری، علی اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی‌اصغر بن السید الجلیل و العالم النبیل حاج سید محمد حسین بن العلم العلام حاج سید محمدکاظم بن العلامه آیت‌اللّٰه آقا سید محمد علی موسوی جزایری از علماء اعلام معاصر تهران و مشاهیر احفاد علامه جزایری است.

وی در ۲۲ جمادی الثانی ۱۳۱۴ ق در نجف اشرف متولد شده و پس از دوران صبا در معیت مرحوم والدش به تهران آمده و از محضر مرحوم حجهٔ‌الاسلام حاج شیخ مسیح طالقانی مدرس مدرسه مروی متوفی ۱۳۲۷ ق که ماده تاریخ فوتش کریمه‌ی (لن یستنکف المسیح ان یکون عبداللّٰه) و آیت‌اللّٰه حاج صید محمد تنکابنی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ مرتضی آشتیانی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ عبدالنبی نوری استفاده نموده و در اوائل تاسیس حوزه علمیه به قم آمده و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حایری و بعد مقداری از آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی بهره‌مند گردیده و مسافرتی هم به نجف اشرف نموده و مدت کوتاهی از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه میرزا محمدتقی شیرازی و آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی مستفیض گشته و در تهران بوظائف دینی از اقامه جماعت در مسجد (حاج میرزا شفیع) در اول خیابان جنوبی خیام و ترویج دین اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

جزایری، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر علرضا جزایری در سال ۱۳۳۳ در تهران بدنیا آمد. ایشان مدرک دکتری روانشناسی بالینی را از دانشگاه سندیاگو-کالیفرنیا در سال ۱۳۶۴ اخذ کرده است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی – گروه روانشناسی بالینی می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی گرایش : روانشناسی بالینی تحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی علیرضا جزایری : دکتری در روانشناسی بالینی از دانشگاه سندیاگو ـ کالیفرنیا ۱۹۸۵ ، فوق لیسانس در مشاوره و خانواده درمانی از دانشگاه سندیاگو ـ کالیفرنیا ۱۹۸۰ ، لیسانس در روانشناسی بالینی از کالج پاریس تهران ۱۹۷۷ آموزش تخصصی در دوره‌های پیشرفته PSYCHO-DIAENOSES سندیاگو ۱۹۸۳ ، دوره پیشرفته تست رورشاخ EXNER سندیاگو ۱۹۸۴ ، برنامه‌ریزی‌های تحقیقات کشوری در زمینه آسیب‌های اجتماعی (خصوصاً اعتیاد) سندیاگو ۱۹۹۹ ـ همسر و فرزندان : علیرضا جزایری متاهل و دارای دو فرزند ۳ و ۱۵ ساله است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علیرضا جزایری استادیار گروه روانشناسی بالینی ازسال ۱۳۷۳ تا کنون می باشد. شایان ذکر است ، در حال حاضرایشان عضو اولین شورای مرکزی سازمان نظام روانشناسی و مشاوره کشورمی‌باشند. فعالیتهای آموزشی : فعالیت آموزشی علیرضا جزایری بدین قرار است: استادیار گروه روانشناسی بالینی ازسال ۱۳۷۳و مدرس دروس بالینی در مقطع دکترا از سال ۱۳۷۶ در دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی ، مدرس دروس روانشناسی بالینی ازسال ۱۳۶۸تا۱۳۷۴ ومدرس دروس بالینی‌درمقطع دکترا ازسال۱۳۷۶درانستیتو روانپزشکی تهران ، مدرس دروس روان‌شناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی تهران در مقطع کارشناسی از سال ۱۳۶۸تا ۳۷۴ ، مدرس دوره‌های آموزش آزاد-آموزش کوتاه مدت دفتر آموزش ضمن خدمت دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی از ۱۳۷۴ تا زمان حاضر مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : مراکزی که علیرضا جزایری از بانیان آن است به ترتیب زیر می باشد: بنیان گذار پنج مرکز، مداخله در بحران‌های فردی ، زوجی و خانوادگی در سندیاگوکالیفرنیا ۱۹۸۰ ، ارائه سرویس و ایجاد مراکز HOT-LINE (خط بحران) درمرکزدرمانی-TURNING POINT ۱۹۸۰ ، کار با کودکان مورد سوءاستفاده قرارگرفته وخانواده‌هایشان ، مرکزHALCYON سندیاگو ۱۹۸۱، درمان بیماران با اختلال شخصیت مرزی۱۹۸۲ UCLAچگونگی عرضه آثار : سوابق تحقیقاتی علیرضا جزایری بدین قرار است: مجری طرح‌های‌انطباق وهنجاریابی وکسلر کودکان ۱۳۷۶ WISC III تا ۱۳۷۹، نگرش دانش آموزان دبیرستانی شهرتهران نسبت به پدیده‌های اعتیاد ـ معتاد و مواد مخدر ۱۳۸۰ تا۱۳۸۱، تعیین شاخص‌های ازمان در بیماران مزمن ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳، تعیین عوامل خطرآفرین وحفاظت کننده‌درسو مصرف مواد برای دانش آموزان دبیرستان کشور برای U.N.D.C.P. از ۱۳۸۰ ، تعیین شاخص‌های بررسی کننده دانش آموزان در معرض خطر ابتلاـ به اعتیاد، تدوین ماتریس‌های تحقیقاتی پیگیری و آگاه سازی در سوء مصرف مواد ، همکار اصلی تحقیقاتی در تحقیق بررسی نیمرخ روانی اجتماعی بیماران با کمردرد بدون ضایعه عضوی ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰ ، و پژوهش نیمرخ روانی اجتماعی دختران فراری در شهر تهران ۱۳۷۹ تا۱۳۸۱و هم چنین مشاوردر امور آسیب‌های اجتماعی موسسه بنیاد نیکوکاری مهر تهران۱۳۸۰ ، فعالیت درسازمان غیرانتفاعی غیردولتی NGO از سال ۱۳۷۵ آثار : راهنمای عملی کمک به بیماران اسکیزوفرنیک ویژگی اثر : جزایری وپورشهباز۱۳۷۹۲ کتاب زندگی فروید ویژگی اثر : ۱۳۸۳ زیر چاپ۳ کتاب وکسلر و

هـــــوش ویژگی اثر : جزایری و پــــــور شــــــهباز ۱۳۷۸۴ کتـاب۶۱راه مبـــارزه بـاSTRESSویژگی اثر : بــــــــــه همراه دکترمهریارودکترمجتبی‌جزایری ۱۳۷۷،۵ واژه‌نامه روان‌شناسی همراه با جمعی از نویسندگان ویژگی اثر : ۱۳۸۱ زیر چاپ

جزایری، عیسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج آقا عیسی جزایری از علماء بزرگ خرم‌آباد و مورد توجه و علاقه مردم لرستانست. ایشان در خرم‌آباد متولد شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات و سطوح در عصر مرحوم آیت‌اللّه حایری به قم آمده و از محضر آنجناب و آقایان دیگر استفاده نموده و بعد مراجعت به خرم‌آباد و تا حال (تحریر این کتاب ه.ش ۱۳۵۳) به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جزایری، فخرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید فخرالدین بن حجهٔالاسلام حاج سید علی بن آیت‌اللّه میر محمد علی جزایری از علماء محترم معاصر تهران است.

وی در سال ۱۳۰۸ ق متولد شده و در خاندان فضیلت تربیت شده و پس از خواندن متون فقهی و اصول نزد مدرسین و علماء تهران مانند آقا سید محمد مدرسی یزدی و مرحوم آقا شیخ مسیح طالقانی و آقا شیخ علی نوری و در سال ۱۳۴۳ قمری به قم مهاجرت کرده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیات دیگر استفاده نموده و در اواخر مرحوم آقای حایری به تهران مراجعت و تاکنون به اقامه و ترویجات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

جزایری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد موسوی جزایری از اجله علماء و مجتهدین شوشتر است که در سال ۱۳۳۴ قمری در شهر شوشتر به دنیا آمده‌اند.

معظم له در بحث و تدریس و تألیف یدی طولا دارند و از ارباب نظر و تحقیق می‌باشند.

اکثر اوقات خود را صرف اشتغالات علمیه نموده و فضلاء محل از ابحاث علمیه و افادات عالیه فقهیه و اصولیه ایشان مستفیذ هستند و در شوشتر مرجع مردم می‌باشند.

تألیفات آنجناب شرحی بر عروهٔالوثقی و رساله مستقلی در فروع علم اجمالی بنام الجواهر الغوالی مطبوع دارند و نیز رساله‌ای در قاعده لاضرر نوشته‌اند.

تبصرهٔ الاحباب در نحو اجازات اجتهاد و روایت از اعاظم علماء و مراجع تقلید داشته‌اند.

معظم له سطوح عالیه را از مرحوم آیت‌اللّه آقا سید مهدی آل‌طیب و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدکاظم شیخ و دروس خارج را از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه حاج سید ابوالقاسم خوئی استفاده نموده‌اند.

حاج شیخ هادی امینی در کتاب معجم و رجال‌الفکر والادب اجمالی از ترجمه وی را در تحت عنوان جزایری موسوی نوشته‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جزایری، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین بن سید عبدالصمد بن احمد بن محمد بن طیب بن نورالدین الموسوی جزایری عالمی فاضل بوده و در سال ۱۲۷۳ در شوشتر متولد و در سال ۱۳۳۶ ق وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جزایری، نصراللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید نصراللّه بن العلامه الورع حاج سید حسن بن آیت‌اللّه میر محمدعلی جزایری از علماء معاصر بودند.

وی از دانشمندان بنام سلسله‌ی جزایری تهران بودند و عمری را بتقوی و فضیلت گذرانیده و بسهم خود خدماتی انجام داده و به اجل محتوم باجداد خویش ملحق گردیدند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

جزایری، نورالدین محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۵۸ –۱۰۸۸ ش)، نویسنده، عالم، ادیب و شاعر. از اکابر علمای امامیه عهد خود بود و از محضر پدر استفاده برد و از پدر و از شیخ حر عاملی روایت کرد. مولی علی بن علی نجار شوشتری و آقا محمد بن فتحعلی آقا ابن آقا محمد شوشتری از شاگردان وی بودند. سید نصراللّه حایری در تاریخ ۱۱۵۴ ق از وی اجازه گرفته است. جزایری چندبار به ایران آمد و مورد استقبال عمومی قرار گرفت. از آثار او: «فروق اللغات فی الفرق بین المتقاربات»؛ «فروق اللغات فی التصفیر بین مفاد کلمات»، که حاوی فرق معنوی مترادفات لغت عربی است؛ «تحفهٔ الاولیاء»، در ترجمه‌ی «قصص الانبیاء والمرسلین/ النورالمبین»؛ «السیفیهٔ فی اللغز»؛ «شرح طهارهٔ نخبه‌ی فیض»، که به درخواست شاه سلطان حسین نوشته است؛ «فروق اللغهٔ» و «رساله فی حل بعض الاحادیث المشکله».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۲۸/۱۰)، الذریعه (۱۸۷ –۱۸۶ /۱۶ ،۴۲۳ –۴۲۲ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۹۴ –۷۹۳ /۱۲)، فوائد الرضویه (۶۹۵)، الکنی والالقاب (۳۲۲/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۷۰/۵).

جزائری، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی‌اصغر بن سید حسین بن سید علی موسوی جزایری شوشتری معروف به حکیم عالمی نویسنده و فاضلی جلیل بوده و در سال ۱۳۴۸ ق وفات نموده است.

آثار بسیاری دارد که از آنهاست (مختصر معنی اللبیب و شرح عیون‌الاخبار و لوامع‌الاخبار در شرح عیون و ترجمه لالی الاخبار و مجموعه در ادعیه و زیارات و تألیفات دیگر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جزائری، نعمت‌اللّه

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(قس. نعمهٔاللّه): جزائری. سید نعمت‌اللّه بن عبداللّه جزائری شوشتری (ف. ۱۱۱۲ ه.ق)، از اکابر متأخرین علمای امامیه که در فقه و حدیث و تفسیر و ادب و علوم عربی متبحر و استاد بود. وی از شاگردان علامه‌ی مجلسی و ملامحسن فیض کاشانی است و از تألیفات او: انس‌الوحید، حاشیه‌ی استبصار، حاشیه‌ی شرح جامی، شرح روضه کافی، شرح کبیر، نورالانوار و هدیهٔ‌المؤمنین است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

جزمه‌ای قزوینی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد جزمه‌ای از علماء مبرز و معروف شهرستان قزوین بوده‌اند. آن مرحوم در قزوین متولد شده و پس از رشد و خواندن اولیات و ادبیات و سطوح در زادگاهش به نجف اشرف مهاجرت نموده و چندین سال در آن سامان از محضر آیتین علمین علامتین آیت‌اللّه آخوند خراسانی صاحب کفایه و آیت‌اللّه آقا سید کاظم یزدی صاحب عروه استفاده نموده تا به درجه رفیعه اجتهاد و دریافت اجازه اجتهادی از معظم لهما شده که نسخه هر دو نزد نگارنده موجود است.

سپس به قزوین مراجعت کرده و به خدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و امر به معروف و نهی از منکر پرداخته و سرسختانه با منکرات و فحشاء و عاملین آن مبارزه کرده و تا پای ریشه‌کن کردن فساد و مفسدین چه یهود و چه غیر آن مقاومت می‌نمود و در موضوع کشف حجاب نیز در برابر رضاخان و عمالش مبارزه منفی نموده و از شهر مهاجرت و تا مدتی به شهر نیامده تا این موضوع نسبتا راکد و متوقف شد.

و آن بزرگوار در اثر تقوا و پرهیزکاری و پارسائی در نزد مردم محبوبیت داشت و او را مستجاب الدعوه می‌دانستند. زیرا سالی در

قزوین باران نیامد باغات و کشتها خشکید و مردم و کشاورزان به وحشت و هول و هراس قحطی و کمبود افتادند پس آن مرحوم بنا بر دستور والد ماجدشان مرحوم حاج سید ابوالقاسم جزمه‌ای به نماز استسقاء و باران رفته و دعا نموده و باران مفید و سودمندی بارید و مردم بخصوص کشاورزان از نگرانی درآمدند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

جزمی تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. به عطاری روزگار می‌گذراند، و غزل را نیکو می‌سرود. از وی «دیوان» شعر به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۰۳)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۲۸ -۱۲۷ /۲)، سخنوران آذربایجان (۲۸۴ -۲۸۳)، فرهنگ سخنوران (۲۱۰)، مجمع الخواص (۸۷ -۸۶).

جزوی عراقی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۱۰ ق)، شاعر. معروف به بابا جزوی. وی از قوم جغتایی بود، در اصفهان نشو و نما یافت و به هرات سفر کرد. از آثار وی: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۵۱/۱)، الذریعه (۱۹۳/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۱۰)، لغت‌نامه (ذیل/ جزوی)، مجالس النفائس (۱۵۸).

جزی اصفهانی، عبدالرزاق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علمای قرن چهاردهم در اصفهان (حدود ۱۳۳۰ هجری قمری) و از ملازمین مرحوم آخوند فشارکی متوفی ۱۳۱۴ و مدفون به تکیه آقاحسین خوانساری بوده و از شاگردانش شیخ اسماعیل بن نقری بن محمّد حسن معزالدین اصفهانی متولد ۱۳۰۹ و متوفی به ۱۳۶۳ است. محضر بسیاری از علمای درجه یک حوزه را درک کرده است. از مرحوم ملّا عبدالرزاق جزی اطلاع بیشتری در دست نیست ولی همعصر با حاج میرزا بدیع و سیّد مهدی درچه‌ای بوده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

جزی اصفهانی، محمّدعلی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن سلطان محمّدالحسینی العریضی الجزی الاصفهانی از شاگردان علامه شیخ علی ابن ابراهیم ابن سلیمان قطیفیه البحرانی بوده و در شرح احوالاتش در الذریعه جلد ۱۳ ص ۱۴۵ آمده است. کتاب استادش «شرح ترددات النافع فی مختصر الشرایع» را با ضمائمی به عنوان «قوله، و اوله الحمدالله الذی بنعمه ثم الصالحات و نشکرالله بشکرهٔ ترفع المحذورات الی آخره» و مرحوم آقابزرگ تهرانی در الذریعه نقل کرد که: «رأیت نسخته منه فی مکتبهٔ الشیخ محمّدالسماوی فی النجف ضمن مجموعه مع المقتصر ابن فحد حلّی و هی بخط تلمیذ المؤلف السید محمّد علی بن سلطان محمّد العریضی الحسینی الجزی فرغ من نسخها فی صفر سنه ۹۵۵ هجری قمری فی حیاته الاستاده المؤلف و مانضم الیها فی المجموعه بخط هذا السید ایضاً».

برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

جزی، زین‌الدین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به شیخ جنتی، شاعر و ادیب، در کمال درویشی و صلاح بوده، دیوان اشعارش حدود ۲۰۰۰۰ بیت است. مؤلف، مثنوی

اخلاقی به نام شاهپور و شهباز و از معاصرین نصرآبادی از شعراء قرن ۱۲ هجری بوده است و نقل عنه فی القناعه الی آخر قوله.یکی
بازی به بازی گفت در دشت
که تا کی کوه و صحرا می‌توان گشت
بیا تا سوی شهر آریم پرواز
که با شهزادگان باشیم دمساز
گهی باشیم انیس بزم شاهان
گهی همصحبت زرّین کلاهان
به شبها شمع کافوری گذاریم
به روزان با شهان نخجیر بازیم
جوابش داد شهباز نکو رأی
که ای نادان دون همت سرا پای
اگر صد سال باشی در بیابان
جفای برف بینی جور باران
کشی هر لحظه صد اندوه و خواری
ز چنگال عقابان شکاری
بسی بهتر که بر تخت زراندود
دمی محکوم حکم دیگری بود
قناعت جنّتی با تلخ و با شور
بود نوش عسل با نیش زنبور
همچنین این رباعی از اوست:
هر چند متاعت همه عصیان و خطاست
وین جسم شکسته کشتی موج فناست
ای جنتی از کثرت طوفان گناه
مندیش که ناخدای این بحر خداست
برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

جزی، محمّدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جد مادری مرحوم آخوند گزی است که فاضل و زاهد و از علماء و مقدسین و پیشوایان مردم برخوار و از شاگردان حاج سیّد محمّدباقر حجهٔالاسلام و حاجی کلباسی و مقبول‌القول نزد آن دو و دیگران بوده و در موطن خویش وفات یافته است. تکیه‌ای داشته معروف به مقبره و فرزندش ملّا محمّدباقر ابوالفقرا دایی مرحوم گزی صاحب عنوان که در یک محل مدفون بوده‌اند. محل آن در جنوب پارک عمومی گز و نزدیک به مقبره شاه نعمت‌اللّه است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

جسمی همدانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۴ ق)، شاعر. از شاگردان مولانا کمال‌الدین هلاکی همدانی بود و در همدان دکان ابریشم‌فروشی داشت. با از دست دادن سرمایه، در زمان سلطنت اکبرشاه و جهانگیرشاه به هندوستان رفت و در آنجا ماندگار شد. وی از معاصران تقی اوحدی بود و در دکن و لاهور مسکن داشت. جسمی غزل را نیکو می‌سرود. «دیوان» شعر وی نزدیک به سی هزار بیت دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن سرایان همدان (۲۴۱ -۲۳۹ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۳۵)، الذریعه (۱۹۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۱۰)، مجمع الخواص (۳۰۶)، مآثر رحیمی (۹۶۴، ۹۲۷ /۴).

جشوی، احمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط. از آثار وی: «مثنوی» مولانا به قطع وزیری با جلد روغنی، نسخ کتابت خوش، با رقم: «... احمد بن عبدالرحمان بن ابی‌القسم الجشوی... سنهٔ ثلاث و ستین و ثمانمائه...» (۸۶۳).

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۱۹/۴).

جعفر اهری

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطاط. از خطوط وی: یک رقعه از مرقع، به خط نسخ کتابت خوش، با رقم: «العبد المذنب جعفر الاهری، من شهور سنهٔ ۱۱۲۳»، در کتابخانه‌ی سلطنتی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۵۴/۴).

جعفر بایسنقری، کمال‌الدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۶۲/۸۶۰ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به جعفر. اهل تبریز بود، اما عده‌ای به جهت طول اقامتش در هرات وی را هروی دانسته‌اند. بنا به روایتی، سفرهایی به نواحی ماوراءالنهر داشته است. جعفر تربیت یافته‌ی امیرشاهرخ و مورد توجه و حمایت بایسنقر میرزا، فرزند شاهرخ، و همچنین رییس کتابخانه بایسنقر بود و برای وی کتابت می‌کرد. به همین خاطر به بایسنقری معروف شد. جعفر علاوه بر استادی در نستعلیق، که شاگرد میر عبداللّه، فرزند میرعلی تبریزی، بود در خطوط اصول نیز از شاگردان شمس‌الدین مشرقی قطابی به شمار می‌رفت. وی چون در خط نستعلیق از استاد خود پیش‌تر رفته، او را دومین استاد خط نستعلیق دانسته‌اند. صاحب «روضات الجنان» به او لقب فریدالدین داده و دیگران او را به قبلهٔ الکتاب و کمال‌الدین ملقب کرده‌اند. از شاگردان جعفر که هر یک خود استادی ماهر و شهره بوده‌اند، در خط نستعلیق، اظهر تبریزی و شیخ محمود زرین قلم خفی نویس؛ در خط تعلیق، عبدالحی استرآبادی؛ در خطوط اصول، عبداللّه طباخ، از همه مشهورترند. از آثار وی: نسخه‌ی «شاهنامه‌ی» فردوسی، که به امر بایسنقر میرزا کتابت و مقدمه‌ای به آن افزوده شده و تذهیب و ترصیع و تشعیر و تصویر و تجلید آن، به بهترین وجهی انجام گشته است. متن نسخه، به قلم نستعلیق کتابت خفی متوسط و عنوانها به کوفی تزیینی خوش و غالباً نیم دو دوانگ با رقاع عالی است، با رقم: «... جعفر البایسنقری... سنه ثلاث و ثلثین و ثمانمائهٔ...»؛ یک نسخه «دیوان» اشعار حسن دهلوی، به قلم کتابت خفی متوسط، با رقم: «... جعفر البایسنقری... فی خامس عشرین و ثمانمائهٔ الهجریهٔ، به دارالسلنه هراهٔ...». بیش از بیست اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.[۱]

بایستغری تبریزی خطاط (ف. حدود ۸۶۰ ه.ق.) وی در جمله خطوط متداول زمان خود مخصوصا در نستعلیق استاد بود. در خطوط ششگانه شاگرد شمس‌الدین مشرقی و در نستعلیق با واسطه میر عبداللّه فرزند میر علی تبریزی شاگرد شخص اخیر بود. از مهمترین آثار او شاهنامه معروف بایسنغری است. این کتاب به خط نستعلیق شیوا و مزین به مجالس تصویر و تذهیبهای عالی است که به سال ۸۳۳ ه.ق. به پایان رسیده و اکنون در کتابخانه سلطنتی موجود است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۵۶ -۱۰۵۴ /۴، ۱۲۳ -۱۱۴ /۱)، از سعدی تا جامی (۷۲۸، ۵۵۵)، الطلس خط (۳۲۵ -۳۲۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۲/۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۴۱)، تاریخ هنرهای ملی (۸۰۰ -۷۹۸ /۲)، تذکرهٔالخطاطین (۱۴۳ -۱۳۶ /۱)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۴۰ -۱۲۸ /۲)، حبیب السیر (۱۹/۴)، خوشنویسان و هنرمندان (۳۲ ،۶)، دانشمندان آذربایجان (۹۵)، دایرهٔالمعارف فارسی (۷۴۰/۱)، الذریعه (۱۹۴/۹)، روضات الجنات (۳۷۱/۱)، سخنوران آذربایجان (۲۸۹ -۲۸۴)، سر آمدان فرهنگ (۲۵۳ -۲۵۲ /۱)، فرهنگ سخنوران (۲۱۰)، کارنامه‌ی بزرگان (۶۵ -۶۴)، گلستان هنر (شانزده، ۵۷ ،۲۵)، لغت‌نامه (ذیل/ جعفر تبریزی)، مناقب هنروران (۵۹ ،۵۶ ،۵۵)، هنر عهد تیموریان (۴۸۰ -۴۴۹).

جعفر پیشه فرد، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی جعفر پیشه فرد

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

متولـد شـهر اصـفهان در سال ۱۳۴۰ می بـاشم. سـال ۱۳۵۸ دررشـته ریاضـی فیزیـک از دبیرسـتان ادب اصـفهان موفق به اخـذ دیپلم گردیـدم. اواخر دوره دبیرسـتان در کنـار دروس دبیرسـتان و همزمان با دوران خفقان و مبارزات علیه نظام سـتم شاهی و شـرکت در جلسات مذهبی به همراه شهیدان بزرگواری همچون مصطفی ردانی پور و شهیدان عبدالله و رحمت الله میثمی با الهام از اندیشه های متعالی امام خمینی (قـدس سره) شـروع به خوانـدن دروس حوزوی و جامع المقدمات کردم. سال ۱۳۵۸ به طور رسـمی وارد حوزه علمیه اصـفهان شدم. تا سال ۱۳۶۱ دروس مقـدماتی را نزد اساتیـد گرانقدر آن حوزه کهن شامل: جامع المقدمات، سـیوطی، مغنی، معالم الاصول وبخش هایی از مختصـر المعانی ، بدایهٔ الحکمه، منظومه ، منطق ، شـرح لمعه و غیره را به پایان بردم. درسال تحصیلی ۶۱ توفیق ورود به حوزه علمیه پر رونق و با نشاط قم نصـیبم گردید و ادامه دروس سطح را که از اصفهان شروع شده بود نزد اساتید برجسته و مبرز حوزه در آن زمـان همچون آیـات و حجـج بزرگوار، سـتوده، وجـدانی فخر، اشـتهاردی، اعتمـادی، سـید علی محقق داماد، مسـعودی، صالحی افغانی (حفظهم الله) به پایان بردم و از سال ۱۳۶۵ در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام حوزه، به ویژه حاج شیخ جواد تبریزی، حاج شیخ محمد تقی بهجت، شبیری زنجانی، وحید خراسانی و غیره شرکت جستم.

ضمنا در طول دوران تحصـیل همزمان با تحصـیل در فقه و اصول از دروس حکمت اساتید بزرگوار حسن زاده آملی، جوادی آملی، انصاری شـیرازی و مصباح یزدی بهره جسته و موفق به تلمذ کتاب های منظومه، اسفار، تمهید القواعد، شرح فصوص الحکم، و غیره شد ه ام. در کنار خوشه چینی از محضـر اساتید حوزه و تحصـیلات حوزوی، در دوره اول کارشناسـی ارشد تربیت مدرس دارالشفاء قم نیز به سال ۱۳۶۷ شرکت کردم و در سال ۱۳۷۱ با دفاع از پایان نامه آن دوره را با عنوان " پدیده و علیت " موفق به اخذ مدرک آن گردیم. در بخش تـدریس همزمان با تحصـیل در حوزه اصـفهان به لطف الهی درس و بحث متون خوانـده شده را آغاز کردم و این برنامه همواره تا حال حاضـر، با عنایت حضرت ولی عصرعجل الله تعالی فرجه الشریف تداوم داشته است و از دروس مقدماتی و ادبیات تا شرح لمعه وسطوح عالی همچون حلقات الاصول، رسائل و مکاسب و کفایه تا خارج فقه و اصول و همچنین دروس منقول همچـون بـدایه و نهایـهٔ الحکمه و اسـفار اربعه را ، به فضـل پروردگـار در مراکز مختلـف علمی حـوزه، همچون فیضـیه، دارالشـفاء ، مـدرسه حجتیه، مـدرسه شـهیدین، جـامعه الزهرا، یـا دانشـگاه هـا ارائه کرده ام و هم اینک به عنوان هیئت علمی و عضو گروه فقه و اصول مرکز جهـانی توفیق خـدمت دارم ؛ ضـمن آنکه از سـال ۱۳۷۶ همکـاری با بخش اسـتفتائات کتبی و شـفاهی دفتر مقام معظم رهـبری ، نصـیبم شـده است. در بخش پژوهش و تحقیـق، کـار رسـمی تحقیق و قلم زدن حقیر به طور رسـمی از حـدود سـال ۷۲ با همکاری با ستاد مبارزه با مواد مخدر و تالیف کتاب اضرار به نفس، با کمک بعضی از دوستان شروع شد و در ادامه به همکاری در بخش تحقیقات دبیرخانه خبرگان و برخی مراکز پژوهشـی دیگر پرداختم که حاصل آن ارائه چنـدین جلـد کتاب بوده است، ضـمن آنکه توفیق تهیه ده هـا مقاله برای کنگره ها و نشـریات معتبر داخلی و خارجی و روزنامه ها را داشـته ام و اکنون افتخار عضویت در تحریریه برخی از مجلات مثل مجله حکومت اسلامی را دارا می باشم.

جعفر تبریزی، میرزا بیگ

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. او پسـر عم حاتم بیگ اعتمادالدوله، از خاندان محتشم، بود. وی در عهد سـلطان محمدشاه خدابنده وزیر قزوین شد و در حکمرانی نجف قلی‌خان، وزیر ایروان شد و در همان شهر درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریـخ نظم و نثر (۶۹۴)، تذکره‌ی نصـرآبادی (۷۴ -۷۳)، دانشـمندان آذربایجان (۹۴)، الذریعه (۱۹۶/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۱۱)، مینو در (۷۸۰/۱).

جعفر علی بابا

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۰/۱۰۰۲ ق)، شاعر. نوشته‌اند آموزگار کودکان بود. از وی رباعیاتی چند به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۵۴).

جعفرپور، بهروز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: گیاه‌پزشکی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی کشاورزی در رشته حفاظت گیاهان از دانشگاه شیراز، کارشناسی ارشد در رشته بیماریهای گیاهی از دانشگاه کالیفرنیای آمریکا در سال ۱۳۵۵، دکترای بیماریهای گیاهی در رشته تخصصی ویروس‌شناسی گیاهی از دانشگاه کالیفرنیای آمریکا در سال ۱۳۵۷، گذراندن دوره فوق دکترا در ارتباط با ویروس زردی انتهای گوجه فرنگی از دانشگاه کالیفرنیا آمریکا در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

تدریس در دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۵۸، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

باکتری‌شناسی گیاهی، قارچ‌شناسی، بیماریهای گیاهان، ویروس‌شناسی گیاهی، تشخیص سرولوژیکی ویروسهای موزائیک معمولی لوبیا (VMCB) و موزائیک کاهو (VML) در بذر بوسیله روش ELISA و مشاور یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای گیاهی شامل: باکتری‌شناسی، قارچ‌شناسی و ویروس‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای گیاهی و ویروس‌شناسی گیاهی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

جعفرپور، مجتبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فیزیک از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵، کارشناسی ارشد فیزیک از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷ و دکترای فیزیک تئوری از دانشگاه وایومینگ آمریکا در سال ۱۳۵۴.

مرتبه علمی:

استادیار فیزیک دانشگاه شهید چمران اهواز از سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۶۳، دانشیار فیزیک دانشگاه شهید چمران اهواز از سال ۱۳۶۳ تا سال ۱۳۶۸ و استاد فیزیک دانشگاه شهید چمران اهواز از سال ۱۳۶۸.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس ریاضیات پایه در دانشگاه وایومینگ آمریکا، فیزیک پایه ۱ و الکترومغناطیس در دانشگاه ایلینویز جنوبی آمریکا و دروس فیزیک‌های پایه، ترمودینامیک، مکانیک آماری، الکتریسیته و مغناطیس، الکترومغناطیس، حالت جامد، شیمی فیزیک، کوانتوم ۱ و ۲، تحقیق در زمینه‌های مکانیک کوانتومی و آماری.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

الفبای مکانیک کوانتا، مکانیک آماری و مکانیک کوآنتومی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

آنتروپی ترمودینامیکی و ناآگاهی آماری، نقد و بررسی مکانیک سال چهارم، دمای مطلق منفی، ترمودینامیک در دمای منفی، رابطه عدم قطعیت میان مولفه‌های سرعت و مقالاتی چند در زمینه‌های فیزیک به زبان خارجی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

جعفرعلی جاسبی، عبداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۳ مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی صنایع، دانشکده: مهندسی صنایع، دانشگاه: علم و صنعت ایران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی صنایع از هنرسرای عالی تهران، کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی و دکترای مدیریت تولید و تکنولوژی از دانشگاه آستون انگلستان.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مدیریت، اقتصاد و سیاست، عضویت در هیات ممیزه دانشگاه علم و صنعت ایران، شورای عالی انقلاب فرهنگی و برنامه‌ریزی، ریاست کمیته برنامه‌ریزی برنامه پنج ساله دوم بخض آموزش و تحقیقات غیر دولتی، عضو هیات موسس، امناء و رئیس هیات ممیزه دانشگاه آزاد اسلامی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۹ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا در زمینه مدیریت سیاسی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مدیریت، اقتصاد، سیاست و تربیت.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

مدیریت و مدیریت اسلامی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

جعفری پور، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن جعفری پور

محل تولد : رفسنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

جعفری تبریزی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی جعفری تبریزی یکی از چهره‌های درخشان علم و فضیلت و اساتید فلسفه و حکمت معاصر طهرانست. وی در حدود شصت و شش سال قبل یعنی در سال ۱۳۶۵ قمری برابر هزار و سیصد و چهار شمسی در تبریز به دنیا آمده و در دامن پدر و مادر متدین و با صداقت پرورش یافته، و با آنکه آنها اهل سواد نبودند ولی دارای صفای قلب و پاکی طینت بودند و توان و بنیه مالی نداشتند که وسائل تحصیل ایشان را فراهم کنند زیرا به شغل نانوائی اشتغال و با عفت اداره عائله خویش را می‌نمودند.

ایشان پس از خواندن دوره ابتدائی وارد مدرسه طالبیه تبریز شده و به خواندن ادبیات مشغول و چون بنیه مالی پدرش ضعیف بود با برادر بزرگترش میرزا محمد جعفر نصف روز را کار و نصف دیگر در مدرسه طالبیه درس خوانده و ادبیات را از مرحوم آقای اهری آموخته. سپس به طهران عزیمت نموده و از درس و بحث مرحوم آقا میرزا مهدی آشتیانی و حاج شیخ محمدرضا تنکابنی سطوح عالی را به پایان رسانیده و پس از آن به قم آمده و در مدرسه دارالشفا اقامت و از محضر آیات آن زمان چون آیت‌اللّه حجت و حاج سید محمدتقی خونساری و دیگران استفاده کرده و پس از یکسال چون پدرش وفات کرده بود به تبریز آمده و پس از چند ماه به امر مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا فتاح شهیدی مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر و دراسات مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم شیرازی و حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و غیر آنها استفاده نموده و حدود یکسال و نیم از محضر عالم ربانی و حکیم متاله حاج شیخ مرتضی طالقانی بهره‌مند شده است.

خاطره عجیب آقای جعفری از استادش شیخ مرتضی طالقانی

استاد جعفری در مجله ۷ کیهان فرهنگی به خبرنگار مجله چنین گوید: من روزی که آخرین روزهای ذیحجه بود برای درس به خدمتشان رسیدم همینکه وارد شدم و روبروی معظم‌له نشستم فرمودند برای چه آمدی آقا؟

عرض کردم آمدم که درس را ادامه دهید فرمود برو آقا درس تمام شد. چون ماه محرم رسیده بود من خیال کردم ایشان می‌فرمایند که تعطیلات (۱۴ روزه محرم) رسیده است لذا درس را تعطیل کرده‌اند و به ذهنم نمی‌آید که ایشان خبر از مرگ خود می‌دهد و همه آقایان که در نجف بودند می‌دانستند ایشان کسالتی ندارند. پس عرض کردم دو روز به محرم مانده است و هنوز درسها تعطیل نشده است. فرمودند اللّه‌اکبر می‌دانم آقا می‌دانم به شما می گویم درس تمام شد (خر طالقان رفته پالانش مانده) روح رفته جسدش مانده.

پس متوجه شدم که ایشان خبر از مرگ خود می‌دهد سخت منقلب شدم و عرض کردم چیزی بفرمائید برای یادگار اول کلمه لا اله الا اللّه را با یک قیافه روحانی و رویه ابدیت گفت و اشک از دیدگان مبارکش به محاسن شریفش جاری شد و این بیت را سرود.

تا رسد دستت به خود شو کارگر

چون فتد از کار خواهی زد به سر

بار دیگر کلمه لا اله الا اللّه را با حالتی عالی‌تر گفت من برخاستم و هرچه کردم دستش را کشید پس خم شد پیشانی و محاسن مبارکش را بوسیدم چند بار واثر قطرات اشک مقدس آن مسافر ابدیت را در صورتم احساس کردم و رفتم و روز بعد در مدرسه صدر که من در آنجا درس می‌خواندم و محرم ۱۳۶۴ وارد شده بود به یاد سالار شهیدان امام حسین علیه‌السلام نشسته بودم که مرحوم (حجهٔ‌الاسلام) حاج شیخ محمدعلی واعظ خراسانی آمد و خبر محنت اثر فقدان و رحلت آن عالم بزرگ ربانی را داد پس همگی به مدرسه سید شتافتیم و دیدیم تمام مراجع بزرگ و مدرسین و فضلاء حاضر و آن مرحوم را از آنجا تشییع کردیم.

نگارنده گوید: صریح‌تر از ایشان در اخبار از مرگش مرحوم آیت‌اللّه استاد المتاخرین حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی معروف به کمپانی بودند که در کتاب خاطرات شریف خود نقل نموده و اینجا هم مناسب دیدم بازگو کنم.

برای نگارنده حکایت کرد آقا حاج سید محمدرضا میبدی یزدی مقیم گرگان که از علماء بنام معاصر آن سامانست که استاد ما مرحوم آیت‌اللّه حاج سید یحیی مدرسه یزدی فرمودند که چون استاد ما مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی درگذشت و سه روز برایش درسها تعطیل شد روز چهارم به منزل مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین اصفهانی (کمپانی) رفته و عرض کردم آقا سه روز است درسها تعطیل شده خواهش داریم که فردا درس را شروع نمائید که بیکار نباشید.

فرمودند: آسید یحیی خودم هم تصمیم داشتم فردا شروع کنم ولی امروز صبح داشتم تعقیب نماز صبح می‌خواندم و بیدار بودم ناگاه دیدم آقا ضیاء آمد درب اطاق و فرمودند شیخ محمدحسین آماده باش آخر این هفته نزد ما خواهی آمد و من تا آخر هفته بیشتر زنده نیستم و چنین شد و با آنکه سالم بود آخر هفته شب جمعه درگذشت و از دنیا رفت. و نیز استاد ما مرحوم آیت‌اللّه حجت که در آثارالحجه مفصلا نقل کردم از مرگ خود خبر داد.

خلاصه استاد جعفری حدود ده سال در نجف اقامت نموده و از محضر و ابحاث آیات عظام و مدرسین بزرگ چون حاج شیخ کاظم شیرازی و حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله و دیگران استفاده نموده و با مرحوم شهید آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر صدر روابط نزدیک و دوستانه و اشتراک درسی و عقیدتی داشته و در ضمن تحصیلات فقهی و اصولی و فلسفی با فرهنگ غرب هم آشنا شده و کتب آنان را مطالعه و بررسی نموده و در آنجا تقریرات درس استادش آقای خوئی را در طلب و اراده و جبر و اختیار والامر بین الامرین را عربی به رشته تحریر آورده و به چاپ رسانیده سپس در عصر آیت‌اللّه العظمی بروجردی به ایران و قم آمده و پس از رسیدن محضر آن مرحوم و اصرارشان در اقامت در حوزه و تدریس کردن برای عدم مساعدت آب و هوای قم با موافقت ایشان به مشهد عزیمت نموده و حدود یکسال در آنجا اقامت و به تدریس پرداخته و پس از آن به تهران مهاجرت و رحل اقامت افکنده و به تألیف و تدریس در دانشگاه و مدرسه مروی و غیره اشتغال و تا حال تحریر موفق به وظائف روحی و علمی خود می‌باشند.

تألیفات استاد جعفری

در عصر حاضر کمتر کسی به تألیفات و تصنیفات استاد جعفری می‌رسد و گذشته از تألیفاتی که از دید خوانندگان می گذرد. مکاتبات و مراسلاتی با پروفسور راسل استاد و فیلسوف فرانسوی دارد و نیز مصاحبات با پرفسور یانگ امریکائی و دیگر علال فارسی مراکشی و دکتر حسووانی در مه ایتالیائی و دکتر کلاوز آلمانی و دکتر بیدفورد آلمانی و چارلیز ادامز امریکائی و برخی دیگر داشته است.

اما تألیفات چاپ شده ایشان

۱–الامر بین الامرین که در نجف به طبع رسیده.

۲– الرضاع.

۳– تعاون الدین و العلم. چاپ تهران.

۴– وجدان چاپ تهران

۵– جبر و اختیار چاپ تهران

۶– آفرینش انسان چاپ تهران

۷– علم در خدمت انسان چاپ تهران

۸– اخلاق و مذهب چاپ تهران

۹– فیزیک و متافیزیک

۱۰– رابطه علم و حقیقت چاپ تهران

۱۱– توضیح و بررسی مصاحبه با فراند راسل– انتشارات تهران.

۱۲- نقد و بررسی برگزیده افکار راسل، چاپ تهران.

۱۳- بینش حضرت حسین علیه‌السلام- انتشارات تهران.

۱۴- منابع فقه، مشتمل بر امارت اهل کتاب و مواد زکوه و غیره.

۱۵- ارتباط انسان و جهان در سه جلد

۱۶- انسان از دیدگاه قرآن چاپ اصفهان.

۱۷- ایده‌آل زندگی و زندگانی ایده‌آل چاپ تحقیقات تهران.

۱۸- نگاهی به امام علی علیه‌السلام مشتمل بر مباحث علی (ع) و سیاست علی (ع) و... چاپ تهران.

۱۹- تفسیر نقد و تحلیل مثنوی در ۱۵ جلد چاپ حیدری.

۲۰- مجموعه مقالات به نام... انتشارات تهران.

۲۱- مولوی و جهان‌بینی‌ها انتشارات تهران.

۲۲- فلسفه و هدف زندگی انتشارات صدر تهران.

۲۳- تفسیر نهج‌البلاغه ۱۴ جلد آن به طبع رسیده و بقیه در دست طبع است.

۲۴- طرحهائی در انقلاب فرهنگی، انتشارات پیشوا تهران.

۲۵- علم از دیدگاه اسلام، انتشار سازمان پژوهشهای علمی و فلسفی.

۲۶- حیات معقول.

۲۷- زیبائی از نظر اسلام.

۲۸- شرحی بر احتجاج حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام با عمران صابی در الهیات چاپ تهران.

۲۹- حیات نقطه اسلامی فلسفه و علم و احساسات و مذهب، چاپ تهران.

۳۰- علیت و اختیار از دیدگاه علامه طباطبائی.

و حدود بیست جلد تألیف مخطوط دیگر که هنوز به طبع نرسیده است.

(الهیکل قسط من الثمن بل تمام الثمن)

این دانشمند فرزانه با این همه آثار و فضائل بسیار ساده و بی‌آلایش و پیرایه است عمامه‌ای کوچک و جثه‌ای متوسط بلکه ضعیف و لباسی مقتصد دارد و اگر کسی قبلا او را ندیده باشد و برای اولین بار ببیند برای او ارج و ارزشی تصور نمی کند چون نمی‌داند که این مرد با این هیکل متوسط و قد کوتاه دارای این همه آثار بزرگ است و چه افکار روشنی دارد چنانچه خود ایشان مسافرت خود را به سمنان بنا بر دعوت علامه حایری سمنانی نقل و به این موضوع اشاره نموده است.

در مصاحبه‌ای که با کیهان فرهنگی با معظم‌له شده فرمودند روزی نامه‌ای به توسط یکی از دوستان از مرحوم علامه حایری رسید به دستم که مرا دعوت به سمنان کرده بودند برای دیدار و ملاقات با ایشان.

پس به اتفاق یکی از رفقا عازم سمنان شده با قطار به آنجا رفتم وقتی در ایستگاه سمنان پیاده شدم جمعیت بسیاری را دیدم که گویا به استقبال آمده‌اند و در همانحال که پیاده شدیم آقای روحانی دیگری که دارای هیکل بزرگ و لباس جالبی بود از واگن پیاده مردم به سوی او هجوم آوردند و گفتند برای سلامتی علامه استاد جعفری صلوات پس من به رفیقم گفتم خوب شد نزدیک بود بلائی به سرم بریزد. پس آمدم در میدان ایستگاه به هر درشکه و وسیله نقلیه که گفتم ما را ببر منزل علامه حایری گفت نمی‌توانم چون ما باید میهمانهای علامه حایری را ببریم.

پس به یک درشکه که کرایه‌اش یک تومان بود گفتم ده تومان می‌دهیم ما را ببر به خانه علامه پس با چند نفر دیگر سوار کرد و چون قدری راه رفتیم دیدم خود علامه حایری عصازنان به طرف ایستگاه می‌آید پس به درشکه‌چی گفتم آقای علامه ایشانست. گفت آری، گفتم همین جا ما را پیاده کن و خدمت ایشان رسیدم فرمودند مردم چه شدند گفتم چه مردمی فرمودند مردم را به استقبال شما فرستادم گفتم الان می‌آیند خدمت شما. پس آن مرحوم با کیاست و فراست دریافتند و فرمودند پس تقصیر قیافه و هیکل و لباس شماست و حتما مردم عوضی گرفته‌اند این چه قیافه‌ایست حتما به خودتان برسید و یک مقداری خودت و لباست را جمع و جور کن و مردمی که به استقبال آمده بودند قیافه و لباس ما را دیده احساس کرده بودند که حتما پیشواز آن آقای خوش هیکل آمده‌اند.

پس به سوی او هجوم آوردند که حضرت آقای جعفری بفرمائید منزل آقا علامه که در انتظار شماست و آن آقا متحیر مانده و گفتند جعفری کیست و علامه کدام است؟

پس مردم متوجه شدند که اشتباه کرده‌اند و عوضی گرفته‌اند. پس مانند لشکر شکست خورده پراکنده و به منزل علامه که تهیه نهار دیده بودند آمدند و خلاصه چند روزی که در خدمتشان بودیم بسیار لذت روحانی بردیم و از ایام خوش زندگانی من بود.

پس از مسائلی که با آن مرحوم مورد بحث قرار گرفت موضوع قصیده هبوطیه و عینیه ابن سینا که بیت بیت و مطلعش اینست:

هبطت الیک من المکان الارفع

ورقاء ذات تعزز و تمنع

و من در استقبال آن ابیات گفتم به هشتاد و هفت بیت می‌رسد و از نظر آن علامه نقاد و صراف ادبیات فارسی و عربی گذرانیده که مورد تحسین و تصدیق ایشان قرار گرفت که از نظر عزیزان می‌گذرانم.

طلعت الیک النفس احسن مطلع

مشعوفه و هو ذات تلوع

غابت و لم تعری حصولا انما

عرفت حضوریا و لم تتبرقع

ان العویصه فی حدیث النفس من
تعریفها بالاسطقس الارفع
و به تعالی النفس حتی جاوزت
عن کل قید للکمال الابدع
بل ان قد تمنوا ان استعل کل ما
فی الکون غامض سره المتنوع
فتعود عالمه بکل خفیه
فی العالمین فخرقها لم یرقع
منحوا لها فوق الکمال فاصبحت
کالواجب الاعلی الغنی الامنع
فیقول ما معنی الحراک من الحمی
العالی الی قعر الحضیض الاوضع
قد انشا و اشعرا بلاجبر و لا
کره فحاروا فر الروی الامنع
واظن ان صعودها و هبوطها
لم یعرفا عند اللبیب الالمعی
واستهون الصلصال زعما انه
شبه المعالم و الطلول الخضع
فیخال ما وصلت الیه حضیضها
فیقول منکسرا بغیر ترفع
هبطت الیک من المحل الارفع
ورقاء ذات تعزز و تمنع
لو حقق الشیخ ابن سینا حقه
و جری بفکرته و عقل اروع
لرای التکامل فی صمیم تعلق
الفس البسیطه بالحسوم الخضع
تا آخر ابیات او که برای اختصار از نقل تمام آن خودداری کردیم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

جعفری تبریزی، محمدجعفر

قرن:۱۰
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، شاعر. تبریزی الاصل، از سادات آن دیار و از معاصران شاه طهماسب اول بود که از دسترنج خود و از راه موزه‌دوزی امرار معاش می‌کرد و گاهی به نظم شعر همت می‌گماشت. از وی «دیوان» شعر باقی مانده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۲/۱)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۴۵ -۱۴۳ /۲)، تذکره‌ی روز روشن (۱۷۲ -۱۷۱)، دانشمندان آذربایجان (۹۷ -۹۶)، الذریعه (۱۹۷/۹)، سخنوران آذربایجان (۲۹۱ -۲۸۹)، فرهنگ سخنوران (۲۱۲)، مجمع الخواص (۹۷ -۹۶).

جعفری ساوجی، ذوالفقار

قرن:۱۰
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، شاعر. نسب وی به سلمان ساوجی می‌رسد. جعفری مردی مهذب و قانع بود و در اقسام مختلف شعر دست داشت و در غزل استاد بود. او با صرفی ساوجی، شاعر معروف آن زمان خویشاوند بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۱۷)، الذریعه (۱۹۷/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۱۲)، مجمع الخواص (۲۲۱)، مخزن الغرائب (۵۹۷/۱).

جعفری شبستری، جمشید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زراعت و اصلاح نباتات، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

جعفری شیرازی، مقیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۷۴ /۱۰۷۳ ق)، شاعر، متخلص به جعفری. وی در شیراز می‌زیست. از نزدیکان شیخ علینقی بود و به اتفاق او به اصفهان رفت و چون شیخ فوت شد، ندیم میرزا علیرضا شیخ‌الاسلام اصفهان شد. طبعش در شعر و تاریخ مناسبت تمام داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۸۷ –۱۸۶)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۹۵ –۹۴ /۲)، الذریعه (۱۹۸ –۱۹۷ /۹)، فرهنگ سخنوران (۲۱۲).

جعفری صمیمی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد جعفری صمیمی در سال ۱۳۳۱ در مشهد بدنیا آمد.وی پس از اخذ دیپلم از دبیرستان بامداد مشهد ،وارد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۵۰ فارغ التحصیل شد. ایشان برای تکمیل معلومات دانشگاهی به امریکا سفر کرد و در دانشگاه واشنگتن به تحصیل پرداخت و موفق به اخذ دکتری رشته اقتصاد در سال ۱۳۶۲ شد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه مازندران می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : اقتصادگرایش : اقتصاد ونظریوالدین و انساب : حاج غلامرضا جعفری پدر احمد ، در سال ۱۳۶۵ دارفانی را وداع گفت ".وی در طول ۶۴ سال عمر خود فردی پرتلاش و زحمت کش و شغل اصلی او رانندگی بود. مادر اینجانب خانم معصومه سفیدک تهرانی متولد ۱۳۰۸ و درقید حیات می باشد. .من نیز دو برادر بنامهای عباس و محمدرضا و یک خواهر نیز دارم .برادر بزرگترم کارمندبازنشسته دیوان محاسبات خراسان و کوچکتر نیز دارای شغل آزاد می باشد".خاطرات کودکی" : یکی از بهترین خاطرات اینجانب مربوط به دوره کودکی است.اینجانب در کلاس اول ابتدایی دبستان دولتی شاگرد اول نشدم آما به توصیه پسرخاله ام که یکی از روحانیون معروف بود با موافقت مرحوم پدرم به دبستان مذهبی نقویه منتقل شده و به دلیل اینکه مدرک دبستان دولتی مورد قبول آنها نبود مجددا به کلاس اول رفتم که برایم سخت بود زیرا دانش آموزان ضعیف تر از من در دبستان دولتی به کلاس دوم رفته بودند و من که شاگرد اول آنها بودم در دبستان نقویه مجدد کلاس اول را شروع کردم.از انجایی که سطح ای مدرسه پائین بود در سال چهارم ابتدایی دبستان نقویه را ترک گفته و با کمک مادرم به دور از چشم پدر به اداره فرهنگ رفته و نحوه ورود به دبیرستان را جویا شدیم.من کلاسهای چهارم و پنجم را نخوانده بودم ولی در امتحان کلاس ششم شرکت کرده و قبول شدم که این مهمترین موفقیت من در طول تحصیل تلقی می شود"تحصیلات رسمی و حرفه ای : مدارک تحصیلی : – تحصیلات ابتدایی در مدرسه نقویه (یک مدرسه دینی بود) – تحصیلات متوسط ه در دبیرستان بامداد مشهد در رشته ریاضی بسال ۱۳۵۰ با مدل ۱۹/۵ – کارشناسی اقتصاد – دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران , ۱۳۵۴ با معدل ۱۹/۵ از ۲۰ (فارغ‌التحصیل رتبه اول). – کارشناسی ارشد علوم اقتصادی , دانشگاه امریکایی واشنگتن , ۱۳۵۷ با معدل ۳/۹۴ از ۴ (فارغ‌التحصیل رتبه اول). – دکتری علوم اقتصادی , , دانشگاه امریکایی واشنگتن , ۱۳۶۲ با معدل ۳/۸۶ از ۴ (فارغ‌التحصیل رتبه اول). فرصتهای علمی مطالعاتی خارج از کشور : ۱– کشور انگلستان – دانشگاه ردینگ ۱۳۷۲–۱۳۷۳ . ۲– کشور استرالیا– دانشگاه نیوکاسل ۱۳۷۹ . خاطرات و وقایع تحصیل" : مهمترین خاطره من کسب رتبه اول در هر سه مقطع کارشناسی ،کارشناسی ارشد و دکتری بوده است.این موضوع مخصوصا در دوره کارشناسی ارشد و دکتری که در امریکا اتفاق افتاد بسیار جالب و پرخاطره بود. همچنین یکی از داوران رساله دکتری من پروفسور پل ساموئلسون برنده جایزه نوبل اقتصاد و یکی از معروفترین اقتصاددانهای جهان بود که این موضوع یکی از خاطرات شیرین دوره دکتری اینجانب بوده است".فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر جعفری صمیمی در حین تحصیل به عنوان کمک استاد و سپس به عنوان عضو هیئت علمی در دانشگاه واشنگتن تدریس می کرد.استادان و مربیان : استاد دکتر تمدن جهرمی ،استاد مهندس علی مدنی از اساتید دانشگاه تهران،از مربیان و اساتید احمد جعفری صمیمی بوده اند.هم دوره ای ها و همکاران : دکتر علی آهنی (معاون وزارت امور خارجه) از همدوره ایهای دکتر احمد جعفری صمیمی می باشند.همسر و فرزندان : احمد جعفری صمیمی در سال ۱۳۶۳ یعنی پس از وردش به ایران با همسر خود سرکار خانم مهناز قادری ازدواج کرد.ایشان دارای مدرک کارشناسی ارشد می باشند که به صورت پاره وقت در دانشگاه مازندران و پیام نور بابل به امر تدریس مشغول می باشند.ماحصل این ازدواج دو فرزند بنام های ندا ،دانشجوی سال آخر رشته مهندسی عمران دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل و محمد حسین ،دانشجوی سال اول رشته IT دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم شهر است.وقایع میانسالی : دکتر احمد جعفری صمیمی مهمترین وقایع میانسالی خود را ازدواجش در سال ۱۳۶۳ می داند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی :

مسئولیت های اجرایی: ۱- استادیار گروه اقتصاد دانشگاه مازندران ۱۳۶۲-۱۳۶۹ . ۲- دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه مازندران ۱۳۷۰-۱۳۷۳ . ۳- استاد گروه اقتصاد دانشگاه مازندران ۱۳۷۴- تاکنون. ۴- عضو جامعه بین‌الملل کاربرد آمار در اقتصاد. ۵- مدیر گروه اقتصاد نظری سالهای ۱۳۷۰-۱۳۷۳،۱۳۷۱-۱۳۷۹و ۱۳۸۱ تا کنون . ۶- رئیس دانشکده اقتصاد دانشگاه مازندران ۱۳۶۲-۱۳۶۳ . ۷- مدیر تحصیلات تکمیلی دانشگاه مازندران ۱۳۷۷-۱۳۷۹ و۱۳۸۳- ۱۳۸۵ ۸- سردبیر مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران ۱۳۷۸- تاکنون. ۹- عضو هیات تحریریه مجله دانش و توسعه دانشگاه فردوسی مشهد ۱۳۸۰- تاکنون. ۱۰- عضو هیات تحریریه فصلنامه تحقیقات مالی، دانشگاه تهران-۱۳۸۱. ۱۱- عضو هیات ممیزه دانشگاه مازندران ۱۳۷۸- تاکنون. ۱۲- عضو کمیته تخصصی علوم انسانی هیات ممیزه دانشگاه مازندران ۱۳۷۸- تاکنون. ۱۳- عضو کار گروه آمایش، جمعیت و محیط زیست استان مازندران ۱۳۸۰- تاکنون. ۱۴- مشاور حقیقی، اقتصاد مدیریت و سیستم، سازمان مدیریت و برنامه ریزی اسفند ۱۳۸۰-تاکنون. ۱۵- عضو ستاد درآمد و تجهیز صنایع استان مازندران اردیبهشت ۱۳۸۱- تاکنون. ۱۶- مشاور اقتصادی استاندار مازندران- ۱۳۸۲. ۱۷- معاون پژوهشی دننشگاه مازندران- خرداد ۱۳۸۵ تا کنون فعالیتهای آموزشی : فعالیت آموزشی احمدجعفری صمیمی به ترتیب زیر است: ۱- اقتصاد کلان در مقطع کارشناسی - کارشناسی ارشد و دکتری علوم اقتصادی . ۲- اقتصاد ریاضی در مقطع کارشناسی و دکتری علوم اقتصادی. ۳- اقتصاد سنجی کاربردی در مقطع کارشناسی _ کارشناسی ارشد. ۴- اقتصاد مهندسی در مقطع کارشناسی_ کارشناسی ارشد. ۵- زبان تخصصی در مقطع کارشناسی_ کارشناسی ارشد و دکترا . ۶-اقتصاد بخش عمومی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد. ۷- تدریس درس اقتصاد کلان و اصول علم اقتصاد در دانشگاه امریکایی واشنگتن در سالهای ۱۳۶۰-۱۳۶۲ . ۸-موضوعات انتخابی در اقتصاد – نظریه‌های پولی پیشرفته – سیاستهای پولی- اقتصاد کلان پیشرفته – زبان تخصصی. و سیراندیشه های اقتصادی در مقطع دکترا. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : احمد جعفری صمیمی یکی از بانیان موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی و غیر دولتی راه داش در بابل است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر جعفری صمیمی در کنار فعالیت های آموزشی به تحقیقات و پژوهش در پیرامون رشته تخصصی خود می پردازد.جوائز و نشانها : جوایز علمی ۱- فارغ‌التحصیل رتبه اول دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران ۱۳۵۴ (معدل ۱۹/۵ از ۲۰). ۲- دریافت بورس تحصیلی برای ادامه تحصیل در دوره دکتری . ۳- جایزه بهترین دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه امریکایی واشنگتن در سال ۱۹۸۱ ۴- جایزه بهترین پایان نامه دکتری علوم اقتصادی دانشگاه امریکایی واشنگتن. ۵- استاد نمونه دانشگاههای کل کشور برای سال تحصیلی ۷۳-۷۴ . ۶- پژوهشگر نمونه استان مازندران در سال ۱۳۸۲. ۷- پژوهشگر نمونه استان مازندران در سال ۱۳۸۴ ۸- پژوهشگر برگزیده کل کشور در سال ۱۳۸۵چگونگی عرضه آثار : - تعداد مقالات فارسی و لاتین : ۱۲۰مورد - تعداد طرح های پژوهشی اجرا شده :بیش از ۱۶ مورد -راهنمای پایان نامه: ۱- استاد راهنمای ۱۴۰پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه مازندران و علوم و فنون مازندران. ۲-استاد راهنمای ۷ پایان‌نامه دکتری در دانشگاه مازندران- دانشگاه تهران و دانشگاه علامه طباطبایی (رشته مدیریت مالی).و دانشگاه آزاد اسلامی. آثار : آدام اسمیت به مسکو می‌رود ویژگی اثر : ترجمه،نویسندگان والتر آدمس و جیمز بروک _انتشارات موسسه فرهنگی انتشاراتی وثقی _ چاپ اول _ ۱۳۷۵۲ ارزیابی نقش اصناف در طرح ضربتی اشتغال استان مازندران ویژگی اثر : مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی– تهران-۱۳۸۳۳ اقتصاد بخش عمومی (۱) ویژگی اثر : انتشارات ((سمت)) وزارت فرهنگ و آموزش عالی _ چاپ هفتم -۱۳۸۴۴ اقتصاد ریاضی ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه مازندران-۱۳۸۵۵ اقتصاد ریاضی ویژگی اثر : کاربرد ریاضیات در اقتصاد و بازرگانی به زبان ساده انتشارات دانشگاه مازندران_ چاپ دوم ۱۳۶۸۶ اقتصاد سنجی به زبان ساده ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه مازندران _ ۱۳۷۸۷ جهانی شدن – شاخصها و جایگاه اقتصاد ایران ویژگی اثر : مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی– تهران-۱۳۸۵۸ ریاضیات و کاربرد آن در اقتصاد, مدیریت و علوم اجتماعی ویژگی اثر : ترجمه،نویسنده ادوارد دولینگ ترجمه اینجانب با همکاری دکتر اسماعیل ابونوری _ انتشارات اردیبهشت _ چاپ اول ۱۳۷۳ . ۹ سیاستهای قیمت‌گذاری در کشور های در حال توسعه، ویژگی اثر : ترجمه،نویسنده فلیکس پاکرت _انتشارات دانشگاه مازندران _ چاپ اول ۱۳۷۱۱۰ قتصاد خرد و کلان (مجموعه مقالات) ویژگی اثر : ترجمه،ترجمه اینجانب با همکاری دکتر غلامعلی فرجادی _ انتشارات دانشگاه مازندران چاپ اول ۱۳۷۸۱۱ مبانی اقتصاد مهندسی ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه علوم و فنون مازندران _ چاپ اول ۱۳۷۶۱۲ مبانی اقتصادسنجی ویژگی اثر : انتشارات دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی تهران _ چاپ اول ۱۳۶۷۱۳ نظریه و مسائل اقتصاد کلان ویژگی اثر : ترجمه،نویسنده : اوجین آ. دیولیو _ ترجمه اینجانب انتشارات دانشگاه مازندران _ چاپ هفتم - ۱۳۸۵۱۴ نظریه و مسائل پول و بانکداری ویژگی اثر : ترجمه،نویسنده: اوجین آ . دیولیو _ ترجمه اینجانب با همکاری آقای سید فضل ریاضی انتشارات آذر چاپ اول ۱۳۷۱ ۱۵ هزار مسئله اقتصادی با پاسخ ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه مازندران_ چاپ دوم_ ۱۳۶۸۱۶ واژه‌نامه اقتصادی و برنامه‌ریزی ویژگی اثر : با همکاری دکتر غلامعلی فرجادی انتشارات دانشگاه مازندران _ چاپ سوم-

منابع زندگینامه :تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر احمد جعفری صمیمی بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی ،زمستان ۱۳۸۷

جعفری فرانی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین جعفری فرانی

محل تولد : اردستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات مقطع ابتدائی را در زادگاهم (روستای فرانی از توابع شهرستان اردستان واقع در استان اصفهان گذراندم و برای ادامه تحصیل در مقطع راهنمائی و دبیرستان راهی شهر اصفهان شدم در سال ۱۳۵۸ در رشته علوم تجربی در دبیرستان صارمیه اصفهان موفق به دریافت دیپلم شدم در سال ۱۳۶۱ پس از سپری کردن دوران نظام وظیفه برای تحصیل در حوزه به شهر مقدس قم عزیمت نمودم و از این سال تحصیلات حوزوی را در مقطع ادبیات آغاز کردم . در سال ۱۳۶۹ دوره سطح را تمام کردم و در حلقه درس خارج آیات عظام شرکت نمودم که در حال حاضر نیز به صورت مختصر ادامه دارد در کنار دروس فقه واصول در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی نیز مدتی شرکت نمودم.

در سال ۱۳۷۰ همزمان با تحصیلات حوزوی تحصیل در دانشگاه را آغاز نمودم و در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ مدرک دانشگاهی در رشته حقوق از داشنگاه مفید شدم و در سال ۱۳۷۶ نیز با شرکت در آزمون سراسری کارشناسی ارشد در رشته حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تهران (پردیس قم) پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۸ با دفاع از پایان نامه با عنوان (فلسفه مجازات از دیدگاه اسلام و نظام غرب) فارغ التحصیل شدم در همین ایام به فعالیتهای اجرائی و فعالیت های کم و بیش علمی اشتغال داشته ام .

جعفری هروی، محمود

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط. از شاگردان جعفر تبریزی بایسنقری بود. او ابتدا نزد پیر بوداق بن جهانشاه قراقوینلو به امر کتابت مشغول بود و پس از آن بـه دربـار سـلطان یعقـوب بـن اوزون حسـن پیـوست و در کتابخـانه‌ی وی بـه امر کتـابت پرداخت. مرقعی بسیار نفیس از متروکـات سـلطان یعقوب اکنون در کتابخـانه‌ی خزینه‌ی اوقـاف اسـتانبول است که در آن مکتوبی از شـیخ محمود ظـاهرا خطاب به سلطان یعقوب نوشته است و از مفاد آن چنین استنباط می‌شود که در کتابخانه‌ی آن امیر، سمت ریاست را داشته است. شیخ محمود نستعلیق را خوش و اقلام شـش‌گانه را بسـان اسـتادان طراز اول می‌نوشت. مولف «احوال و آثار خوشنویسان» نام وی را در دو ذیل «محمود جعفری» و «محمود هروی» آورده که هر دو یکی هسـتند. از آثـار وی: یـک قطعه از مرقعی در کتابخـانه‌ی خزینه‌ی اوقـاف اسـتانبول، به قلم کتـابت خفی متوسـط، بـا رقم: «کتبه شـیخ محمود الجعفری بمزار متبرک گازرگـاه هرات»؛ یـک نسـخه «غزلیـات» میرشـاهی، به قلم کتـابت خفی متوسـط، بـا رقم: «بسـعی و اهتمـام اقـل عبـاداللّه الودود، شـیخ محمود... سـنه اربع و ستین و ثمانمـائه الهجریه... بـدارالملک شـیراز...»؛ یک نسـخه «رباعیات خیام»، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «کتبه العبـد... شـیخ محمود پیر بوداقی... سنه خمس و ستین و ثمانمـائه الهجریه...»؛ یک نسـخه «چهل کلمه» با ترجمه‌ی نسـتعلیق کتابت خوش، با رقم: «کتبه شـیخ محمود... سنه تسع و ستین و ثمانمائه بدارالسلم بغداد» و چند ترجیع‌بند و قطعات دیگر با تاریخهای مختلف.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۹۴ -۸۹۱، ۸۶۸/ ۳)، هنر عهد تیموریان (۶۲۹).

جعفری همدانی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیـخ غلامحسـین جعفری همـدانی از علمـاء ابرار معاصـر تهرانست و در یکی از شبسـتانهای جنوبی مسـجد جامع به اقامه جماعت و ترویجات دینی اشتغال دارد.

تولد آنجناب در حدود سال ۱۳۲۵ ق در ده هنجرین در جزین همدان واقع شده و در تحت تربیت مرحوم والدش که مرد متدین و با تقوا و به عـدالت موصوف و به تقوا و پرهیزکاری معروف بوده نشو و نما یافته و در محل خود تحصیل مقـدمات نموده و به همدان آمده و قسـمتی از ادبیات را در آنجا خوانده آنگاه به قم مشرف و مقداری از سطوح را چند سالی در حوزه علمیه قم فراگرفته و بعد مهـاجرت به نجـف نمـوده و کفـایه را نزد مرحـوم میرزا ابوالحسن مشـکینی سـطحا و خارجـا اسـتفاده نموده و بعـد در درس مرحوم آیـت‌اللَّه العظمی آقـا ضـیاءالدین عراقی فقهـا و اصولا- شـرکت کرده و هم از دروس اصـول و فقه فقیه اهـل البیت آیت‌اللَّه العظمی اصـفهانی و مقداری هم در درس مرحوم آیت‌اللَّه نائینی آیت‌اللَّه حاج شیخ محمد حسـین اصـفهانی حاضـر شده و از معقول مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید حسین باد کوبه‌ای بهره‌مند گردیده است چندین سال در نجف بتدریس متون فقه و اصول اشتغال داشتند تا در سال ۱۳۶۸ ق که به ایران مراجعت و در تهران رحـل اقامت افکنـده و تا هم اکنون بخـدمات دینی و روحی و تـدریس اشـتغال دارنـد در امور دینی بسیار متعصب و غیور و در امر بمعروف و نهی از منکر حتی المقدور کوتاهی نمی‌کند و در همین زمینه ابتلا آتی داشته و تحمل مشاقی در راه دین نموده است.

از آثـار قلمی ایشان است: ۱- جزاوتی از دروس و مباحثـات آیت‌اللَّه مشـکینی. ۲- جزوات تقریرات دروس آیت‌اللَّه اصـفهانی. ۳- دوره‌ی تقریرات دروس آیت‌اللَّه آقا ضـیاء الـدین عراقی ۴- تقریرات درس آیت‌اللَّه نـائینی. ۵- تقریرات دروس آیت‌اللَّه حاج شـیخ

محمد حسین اصفهانی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

جعفری یزدی، جعفر

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، مورخ و شاعر، متخلص به جعفری. از مورخان دوره‌ی شاهرخ بود. از وی سه اثر تاریخی بزرگ به جای مانده است که عبارت است از: «تاریخ کبیر»، از آغاز خلقت تا وقایع سال ۸۴۰؛ «تاریخ یزد»؛ «تارخی واسط» که به نام شاهرخ به پایان رسانید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران (۴۷۴/۴)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۵۴۸ -۵۴۷ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۲۵۳)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۷۶ -۷۴)، دایرهٔالمعارف فارسی (۵۹۹/۱)، الذریعه (۱۹۸/۹ ،۲۴۶/۳)، فرهنگ سخنوران (۲۱۳)، فهرستواره کتابهای فارسی (۹۱۷، ۹۱۶ /۲ ،۵۸۶/۱)، کشف الظنون (۳۰۹)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰۴/۲)، یغما (س ۱۵، ش ۷، ص ۴۱۸ -۴۱۵).

جعفری، اباذر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اباذر جعفری

محل تولد : هشترود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد سال ۱۳۵۱ در شهرستان هشترود از توابعه تبریز .مهاجرت به شهر قم در سال ۱۳۵۴ آغاز تحصیلات ابتدایی از سال ۱۳۵۸ در قم تا سال اول دبیرستان در دبیرستان امام صادق(ع) قم. ورود به حوزه علمیه مقدسه در سال ۱۳۶۷ و آغاز تحصیلات در مدرسه علمیه رسالت تا سال سوم و ادامه تحصیلات در مدرسه امام محمد باقر(ع) و سپس شرکت در دروس عمومی حوزه مبارکه تا اتمام سطح و تحصیل خارج.ورود به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) در سال ۱۳۷۵ و تحصیل در دوره کارشناسی ارشد پیوسته آن موسسه و فارغ التحصیل در سال ۱۳۸۰. همزمان اشتغال به فعالیت پژوهشی در دائرهٔ المعارف علوم عقلی اسلامی این موسسه به مدت ۷ سال. اشتغال به فعالیت تحقیقی و مدیریتی در مرکز فرهنگ و معارف قرآن وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. به مدت ۴ سال.همکاری با ستاد پاسخگویی به مسائل دینی در امور پژوهشی و ساماندهی اطلاعات پرسش و پاسخ مراکز پاسخگویی دینی بمدت ۴ سال.تدریس دروس تفسیر، تفسیر موضوعی و روش تفسیر در دانشگاه.

جعفری، جواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد جعفری

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱۰/۱

زندگینامه علمی

اینجانب بعد از اتمام دوره راهنمایی در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیّه حضرت ولی عصر (عج) شهرستان زنجان شدم و همزمان دوره دبیرستان را در مدرسه شبانه خواندم و دیپلم تجربی گرفتم. بعد از اتمام پایه ششم حوزه در زنجان، در سال ۱۳۷۳ وارد حوزه علمیّه قم شدم و طی ۳ سال مقطع سطح حوزه را به پایان رساندم و در سال ۱۳۷۶ وارد درس خارج فقه آیت الله العظمی سیّدموسی شبیری زنجانی و درس خارج اصول آیت الله العظمی وحید خراسانی شدم و همزمان در درس تفسیر آیت الله جوادی آملی شرکت کردم. مدّت شش سال حضور مداوم در درس اصول و تفسیر داشتم و در درس فقه اینک نیز شرکت می کنم.

در سال ۱۳۸۰ وارد مرکز تخصصی مهدویت قم شدم و سال ۱۳۸۳ سطح چهار حوزه (دکترا) را در آنجا تمام کردم. از بدو ورود به قم در درس شرح منظومه استاد مهندسی شرکت کردم و کلّ کتاب را با ایشان خواندم و بعد به درس شرح اشارات استاد غلامرضا

فیاضـی رفتم که بعـد از دو سال آن درس را به اسـتاد حشـمت پور سپردنـد و بنـده درس را با ایشان ادامه دادم. کتاب بـدایه و نهایه علامه طباطبایی را نیز با نوارهای اسـتاد فیاضـی خودم مطالعه کردم. در سال ۱۳۸۱ حدود شش ماه در کلاسهای حدیث دارالحدیث شرکت کردم. مقاله«جمال یار» در اوصاف ظاهری حضـرت که در مجله انتظار فصل نامه تخصصی مهدویت در سال ۱۳۸۱ به چاپ رسیده بود در اولین جشنواره مطبوعات، مقاله برگزیده شناخته شد.

حوزه اصـلی پژوهش بنـده موضوع امامت و مهـدویت است و مقالاتی را غیر از مقاله جمال یارنوشـتم که در قسـمت مقالات به آنها اشاره خواهم کرد. بنـده از سال ۱۳۸۳ شـروع به تدریس منبع شناسـی در مرکز تخصصی مهدویت در مقطع سطح سه حوزه کردم و در سال ۱۳۸۴ نیز مسئولیت واحد پرسش و پاسخ پژوهشکده مهدویت را بر عهده دارم و کارهای تحقیقی و پژوهشی برای پاسخ به سوالات و شـبهات راجع به امام عصـر(عج) را انجام می دهم و در تابستانها نیز از طرف مرکز تخصصی مهدویت برای تدریس دوره های فشرده مهدویت عازم شهرستانها می شویم و در حوزه های علمیّه تدریس می کنم.

جعفری، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین جعفری فرانی

محل تولد : اردستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصـیلات مقطع ابتدائی را در زادگاهم (روسـتای فرانی از توابع شهرسـتان اردسـتان واقع در اسـتان اصـفهان گذراندم و برای ادامه تحصـیل در مقطع راهنمائی و دبیرسـتان راهی شـهر اصفهان شدم در سال ۱۳۵۸ در رشـته علوم تجربی در دبیرستان صارمیه اصفهان موفق به دریافت دیپلم شدم در سال ۱۳۶۱ پس از سپری کردن دوران نظام وظیفه برای تحصـیل در حوزه به شهر مقدس قم عزیمت نمودم و از این سـال تحصـیلات حوزوی را در مقطع ادبیـات آغاز کردم . در سال ۱۳۶۹ دوره سـطح را تمام کردم و در حلقه درس خـارج آیـات عظام شـرکت نمودم که در حال حاضـر نیز به صورت مختصـر ادامه دارد در کنار دروس فقه واصول در درس تفسـیر حضرت آیت الله جوادی نیز مدتی شرکت نمودم.

در سال ۱۳۷۰ همزمان با تحصیلات حوزوی تحصیل در دانشگاه را آغاز نمودم و در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ مدرک دانشگاهی در رشـته حقوق از داشـنگاه مفید شدم و در سال ۱۳۷۶ نیز با شـرکت در آزمون سراسـری کارشناسـی ارشد در رشته حقوق جزا و جرم شناسـی دانشـگاه تهران (پردیس قم) پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۸ با دفاع از پایان نامه با عنوان (فلسـفه مجازات از دیدگاه اسـلام و نظام غرب) فارغ التحصیل شدم در همین ایام به فعالیتهای اجرائی و فعالیت های کم و بیش علمی اشتغال داشته ام .

جعفری، حمیدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمیدرضا جعفری

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱۰/۱۸

زندگینامه علمی

درسال ۱۳۷۳بعـد از اتمام خـدمت سـربازی به حوزه علمیه تهران وارد شـدم و د ر مـدرسه امین الـدوله خدمت حضـرت آیهٔ الله حق شناس دام ظله مشـغول فرا گیری علوم حوزوی شدم. بعد از اتمام پایه ششم درسال ۱۳۷۶به مدت یکسال در مدرسه امام حسین علیه السلام تهران مشغول کار آموزشی بودم. بعد از آن به قم مقدسه آمدم .

در سال ۱۳۷۸ در دروس مکاسب و رسائل مدرسه آیهٔ الله گلپایگانی مشغول تحصیل شدم و د رهمان سالها درکلاسهای به اصطلاح تابعه که از طرف دفتر آیه الله فاضل(ره) برگزار شده بود شرکت داشتم تا اینکه در سال ۱۳۸۳وارد مرکز تخصصی فقه واصول ائمه اطهـار و درحال مشـغول می باشم . در ضـمن به طور غیر حضوری در مؤسـسه امام خمینی(ره) در رشـته کلام مشـغول تحصـیل می باشم.

جعفری، رسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید رسول جعفری شیاده

محل تولد : شیاده

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید رسول جعفری شیاده معروف به جعفری فرزند مرحوم سید علیجان جعفری شیاده در سال ۱۳۳۱ ه. ش در روستای شیاده از توابع شهرستان بابل به دنیا آمدم. دوران کودکی را در آنجا سپری کردم اما با وجود مدرسه دولتی در آن جا ، از تحصیل در آن محروم بودم؛ زیرا مرحوم پدرم چنین می پنداشت که در مدارس دولتی نه تنها بچه ها تربیت اسلامی پیدا نمی کنند که بی تربیت نیز می شوند! و بی دین بار می آیند لکن چون خود او سواد قرآنی یا خواندن و نوشتن داشت، مرا نیز بر این اساس خوانا و نویسا بار آورد؛ لذا در سن شانزده سالگی یعنی در اواخر سال تحصیلی ۱۳۴۷ ه ش، که به مدرسه علمیّه مسجد آقا عباس آمل به عنوان طالب علم مراجعه کردم.

زمینه تحصیل علوم حوزوی را داشتم و در سال بعد به حوزه علمیه مسجد جامع شهرستان آمل منتقل شدم و چون همزمان با دوران خدمت سربازی بود و می بایست کارت تحصیلی دوره آموزش و پرورش دریافت می کردم و این مشروط به داشتن حداقل مدرک ششم ابتدایی بود و من از آن محروم بودم، به ناچار به راهنمایی مرحوم آیت الله سعیدی کاشمری مدیر حوزه علمیّه مسجد جامع، در کلاس ششم ابتدایی به صورت متفرقه یا کلاس شبانه در دبستان سعدی مشغول تحصیل شدم و پس از سه ماه در امتحانات خرداد ماه ۱۳۴۹ شرکت کردم و قبول شدم.

قبولی در این آزمون که به آسانی و صرف کمترین هزینه و وقت همراه بود، مرا وسوسه یا تشویق کرد که همزمان با ادامه تحصیل دروس حوزوی ـ و البته به صورت قاچاق و به دور از چشم مدیریت مدرسه! ـ و هم چنان به صورت متفرقه، دروس دبیرستانی را پی گیری کنم و بنا بر این در خرداد سال ۱۳۵۰ در کلاس اول دبیرستان نیز قبول شدم. در همین سال ـ یعنی سال ۱۳۵۰ ـ برای ادامه تحصیل به تهران مهاجرت کردم و در مدرسه حاج شیخ عبدالحسین پاچنار یا مدرسه آذربایجانی ها مشغول شدم. در این مدرسه که با اشراف مرحوم آیت الله خسروشاهی اداره میشد، در مدت سه سال تحصیلی، قسمتی دیگر از مقدمات و نیز سطح و همزمان کلاس هشتم و نهم دبیرستان ـ نظام قدیم ـ به اتمام رسید. درسال ۱۳۵۳ به حوزه مقدسه قم وارد و مشغول تحصیل شدم و درسال ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ قسمتی از مقدمات را تدریس می کردم و در این سال ها تا سال ۱۳۶۰ که البته در اثر انقلاب و پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به طور طبیعی با تعطیلی دروس حوزوی همراه بود، لمعتین، اصول فقه، رسائل و مکاسب و کفایه و در علوم عقلی، بدایه الحکمه و نهایه الحکمه مرحوم علامه طباطبایی را به پایان رسانیدم.

در سال ۱۳۶۰ توفیق حضور در در س های خارج فقه و اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی و بعدها آیت الله شیخ جواد تبریزی را یافتم. در سال ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ در کلاس های عربی و انگلیسی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم شرکت کردم و به مدت دو سال، همزمان با تحصیل علوم حوزوی دوره مکالمه و انشاء زبان عربی و انگلیسی را به پایان بردم. در سال ۱۳۶۳ دوره آموزش یا معلمی زبان انگلیسی را در بخش زبان نیروی هوایی جمهوری اسلامی در تهران به اتمام رسانیدم و مدتی نیز در قسمت آموزش زبان دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم به تدریس این زبان اشتغال داشتم اما چون به نظر می رسید اشتغال به تدریس زبان با اشتغال به تدریس و تدرس دروس حوزوی برخورد دارد، از آن صرف نظر کردم.

در سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۸ ضمن تحصیل در درس های خارج فقه و اصول وشرح منظومه مرحوم حاج ملا هادی سبزواری نزد حضرت آیت الله انصاری شیرازی و اسفار اربعه تا جلد چهارم را نزد حضرت آیت الله حسن زاده آملی (دام ظله) تتلمذ کردم که در آن سال (۱۳۶۸) به علت منع پزشکان از تدریس حضرت آیت الله حسن زاده آملی، حوزه علمیه از افاضه این فیض الهی محروم شدم. در سال ۱۳۶۱ به مدت چهار سال تحصیلی، به صورت هفتگی جلسات ادبی فارسی به همراه دوستان برگزار می کردم و در این ارتباط، مقالات ادبی و وصفی و تحقیقی و اشعاری چند آفریده شد. در سال ۱۳۶۹ در ماه مبارک رمضان برای اولین بار به عنوان مبلغ عرب زبان به لبنان اعزام شدم که این مساله به لطف خداوند در ایام تبلیغی محرم و رمضان و گاه تعطیلات تابستان ادامه یافته است و هم چنان ادامه دارد.

البته در خلال این سال ها یعنی در سال ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ دو بار به عنوان مبلغ به یونان اعزام شدم که برای ایرانیان ، مهاجران عرب و پاکستانی به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی تبلیغ می کردم. هم چنین چند بار در سوریه مشغول تبلیغ بوده ام. از سال ۱۳۷۴ نیز به عنوان مبلغ زبان دان در ایام حج تمتع و عمره، توفیق تشرف دارم. ضمن اینکه در قسمت روحانیون کاروان ها نیز چند بار به عنوان حج تمتع و عمره مفرده تشرف حاصل کردم. در سال ۱۳۷۰ باتفاق تنی چند از دوستان به صورت گروهی مشغول تحقیق، تدوین و مباحثه در زمینه موضوعات فقهی شدم که با اشراف حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی صورت می گرفت و درسال ۱۳۷۶ این تحقیقات شکل دیگری به خود گرفت و به مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام که با دستور معظم له تاسیس شد، منتقل شد و از آن تاریخ تا کنون بنده توفیق همکاری با آن مرکز را دارم که در این ارتباط رساله های فقهی تنظیم و تدوین شده است. ضمنا به تدریس لمعتین، اصول فقه، شرح منظومه مرحوم سبزواری و بعدها در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی به تدریس سطوح

عالی: مکاسب محرمه، رسائل، کفایه و مکاسب اشتغال داشته و دارم. در ضمن در برخی از مدارس علمیه قم در زمینه ادبیات فارسی و دروس حوزوی مشغول تدریس بوده و هستم. و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب .

جعفری، عصمت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عصمت الله جعفری

محل تولد : ساوه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۳/۶/۱

زندگینامه علمی

سال ورود به حوزه ۱۳۴۲ در حوزه علمیّه فیضیه/شهر قم

بنده در هفت سالگی مکتب خانه رفتم مشغول درس شدم چون آن زمان مدرسه نبود رسم معلّم را می گفتند ملّا هرهفته خانه یک نفر مشغول درس بودیم حروف تهجی الابجدوقرآن ومصیبت خواندن شش سال به مکتب رفتم درضمن یک درس ازمقدّمات را پیش مرحوم شیخ نجفی می خواندم ۵ سال بعد خودم برای بچّه ها درس میگفتم در آن روستا مقدّمات هم می خواندم سال ۴۲ آمدم قم در منزل امام رضوان الله امتحان کردند در ادبیّات قبول شدم شهریه ای مختصری درست شد بنده درس ها را با ردیف خواندم امتحان دادم قبول شدم شهریه ای رتبه ای یک می گیرم بعد هجرت به ساوه اول انقلاب بود در ستونهای قبلی کمّیت و کیفیت آنها را نوشتم واجبات شکیات نصاب الصبیان در روستا خواندم از برشدم به حساب الابجد آشنا هستم درس قرآن راباهیجاخواندم درضمن تحصیل حساب جمع تفریق ضرب چهار عمل اصلی رایادگرفتم وآشنا هستم تا بحال هر جابودم مشغول درس بودم ومن الله التوفیق از روستایان بخش نوبران ساوه عصمت الله جعفری

جعفری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی جعفری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۵۹قم دوره ابتدایی: دبستان فیض و شاهد نور علم قم دوره راهنمایی: مدرسه تیزهوشان (مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان)

دوره دبیرستان (رشته ریاضی فیزیک): مدرسه تیزهوشان (مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان) ورود به حوزه علمیه قم: ۱۳۷۴ (پس از اشتغال به دروس حوزوی، ادامه دبیرستان را به صورت داوطلب آزاد امتحان دادم و در سال ۱۳۷۷ دیپلم ریاضی گرفتم)

اتمام کتبی و شفاهی پایه ۱۰حوزه علمیه درسال ۱۳۸۱

اساتید سطح حوزه: استاد حسینی عاملی و حسینی خراسانی(ادبیات عرب)– استاد ناصری، استاد مدنی و استاد مسعودی(شرح لمعه)– استاد سلیمانی و استاد محمدی پور(اصول)– مرحوم آیت الله احمدی میانجی(مکاسب محرمه)– آیت الله استادی (رسائل)– آیت الله موسوی تهرانی (کفایه)– استاد علیدوست (مکاسب) از سال ۱۳۸۱ حضور در درس خارج آیت الله وحید خراسانی

دریافت لیسانس حقوق با احراز رتبه اول گروه از موسسه امام خمینی(ره) در سال ۱۳۸۳

اتمام دوره عالی زبان انگلیسی دانشگاه باقرالعلوم(ع) در سال ۱۳۸۳ دریافت فوق لیسانس حقوق خصوصی با احراز رتبه اول گروه از دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۵ و انتخاب پایان نامه به عنوان پایان نامه برتر دانشکده

شروع به تدریس در دانشگاهها از سال ۱۳۸۵ اتمام خدمت سربازی در اردیبهشت ۱۳۸۷ اشتغال به تحصیل در دوره دکتری تخصصی (Ph.D) حقوق خصوصی در دانشگاه قم از مهر ۱۳۸۷

مدیریت گروه فقه و حقوق پژوهشکده باقرالعلوم(ع) از خرداد ۱۳۸۷

جعفری، محمد صابر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صابر جعفری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه شدم، مدرک تحصیلی ام سیکل بود . کمی بعد، در کنار دروس حوزه، دیپلم گرفتم، در رشته علوم سیاسی دانشگاه باقر العلوم ثبت نام کردم ولی انصراف دادم. درس های حوزه را با شرکت در رشته تخصصی کلام (موسسه امام صادق علیه السلام) ادامه دادم . با پایان تحصیل آنجا جزء گروه اولی بودم که در مرکز تخصصی مهدویت شرکت جسته و کم کم حوزه فعالیتم را بیشتر به این موضوعات اختصاص دادم. چند مقاله در مجله تخصصی کلام اسلامی و چند مقاله هم در فصلنامه تخصصی انتظار ارائه دادم. هم اکنون معاون پژوهشی مرکز تخصصی مهدویت و بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) هستم، ضمنا جزء هیئت تحریریه فصلنامه علمی تخصصی انتظار از بدو تشکیل بوده ام. اکنون جزء هیئت تحریریه فصلنامه شرق موعود (فارسی)، الموعود (عربی) و Bright future (انگلیسی) هستم.

جعفری، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : یحیی جعفری در سال ۱۳۰۰ ، در تفرش دیده به جهان گشود. دوران جوانی خود را در تفرش به تحصیل مقدماتی پرداخت و سپس برای تکمیل تحصیلات خود به تهران رفته و در محضر علما و فضلا به کسب معلومات متداوله پرداخت. وی در خلال تحصیل به فراگیری هنر خوشنویسی پرداخت. استاد در سال ۱۳۱۹ در شهرداری تهران وارد خدمت دولتی گردید. و از سال ۱۳۳۴ به مجلس سنا سابق منتقل شد و با سمت خوشنویسی به خدمت خویش ادامه داد. استاد جعفری در فن کتابت قادر و خط نستعلیق را از خفی تا جلی زیبا تحریر نموده است. او در زمینهٔ خط شکسته نیز دستی دارد.

گروه : هنر

رشته : خوشنویسی

والدین و انساب : یحیی جعفری فرزند حسن می باشد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : یحیی جعفری دوران جوانی خود را در تفرش به تحصیل مقدماتی پرداخت و سپس برای تکمیل تحصیلات خود در سال ۱۳۱۹ به تهران رفته و در محضر علما و فضلا به کسب معلومات متداوله پرداخت. وی در خلال تحصیل به فراگیری هنر خوشنویسی پرداخت.

استادان و مربیان : یحیی جعفری در خلال تحصیل نزد خوشنویس معروف علی منظوری به فراگرفتن اصول و قواعد خط روی نمود و چند سال از او تعلیم گرفت. او همچنین از استادان دیگری همچون کاوه مشق خط گرفته و هنر خوشنویسی را در خود بارور نمود.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : یحیی جعفری در سال ۱۳۱۹ در شهرداری تهران وارد خدمت دولتی گردید. او از سال ۱۳۳۴ به مجلس سنا سابق منتقل شد و با سمت خوشنویسی به خدمت خویش ادامه داد.

آرا و گرایشهای خاص : یحیی جعفری در فن کتابت قادر و خط نستعلیق را از خفی تا جلی زیبا تحریر نموده است. او در زمینهٔ خط شکسته نیز دستی دارد.

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

جعفری، یعقوب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یعقوب فرزند مرحوم محمدحسین جعفری نیز از افاضل نویسندگان و مدرسین معاصر حوزه علمیه و مجتمع مجله مکتب اسلام می‌باشند.

وی در سال ۱۳۲۵ شمسی در شهر مراغه به دنیا آمده و پس از خواندن دروس ابتدایی و اولیه در مدرسه جامع و مدرسه امامزاده مراغه به تحصیل علوم دینیه پرداخته و مقدمات و مقداری از سطوح را در مراغه خدمت مرحوم آقا شیخ حسین پیشنماز و مرحوم حاج شیخ رضا ساجدی و حاج شیخ احمد امینی و حاج سید جواد مقدسی و آقای هبۀالهی خوانده و در سال ۱۳۴۱ شمسی عزیمت به قم نموده و علیرغم مشکلات مالی و کمبودهای شکننده‌ای با اهتمام تمام به درس و بحث پرداخته و دوره سطح را از محضر اساتیدی مانند آقایان ستوده و اعتمادی و مکارم و سبحانی به پایان رسانیده و همزمان با آن دروس عقلی را از مرحوم آیت‌اللّٰه مطهری و آقای حسن‌زاده آملی استفاده کرده و خود نیز به تدریس کتب سطح مشغول بوده و در کنار این تدریس و تدرس دوره

عـالی دارالتبلیغ اسـلامی قم را به اتمـام رسانیـده و پس از آن به درس خـارج مرحوم آیت‌اللّه شـریعتمداری و آیت‌اللّه گلپایگـانی و آیت‌اللّه آملی حـدود پانزده سال شـرکت و ادامه داده و در ایام تعطیل و موسم تبلیغ محرم و ماه رمضان در مساجـد مهم شـهر مراغه تبلیغ احکام و ترویـج دین و نشـر معارف جعفری نموده و خدمات ارزنده‌ای از ارشاد نسل جوان و روشن کردن افکار آنان نموده و در ضـمن اشـتغال به دروس متـداوله به نویسـندگی علاقه شدیـدی داشـته و در سن ۱۸ سـالگی نخستین سلسـله مقالات تحت عنوان درس زندگی در مجله کتابخانه مسجد اعظم به چاپ رسیده و از آن پس در روزنامه ندای حق و مجلاتی مانند نسل نو و پیام شادی و مکتب اسـلام مرتبا مقالات ایشان منتشر می‌شـد و مدتی هم سر دبیری مجله نسل نو و مدیریت داخلی مکتب اسـلامی را به عهده داشته‌اند و در حال حاضر نیز عضویت هیئت تحریریه مکتب اسلام را دارا هستند.

آثار طبع شده ایشان به قرار زیر است:

۱– انسان در جهان بینی اسلامی

۲– ابعاد حکومت اسلامی

۳– بینش تاریخی قرآن

۴– مسلمانان در بستر تاریخ ۵– خوارج در تاریخ

آثار مخطوط آماده طبع

۱– قرآن در قرآن

۲– بینش تاریخی نهج‌البلاغه

۳– شرح دوازده بند محتشم کاشانی تحت عنوان (آن سر که شد به نیزه)

۴– تاریخ علم کلام

۵– حدوث و قدم قرآن– و غیره جزوه‌های دیگری مانند:

۶– نور هدایت در تفسیر قرآن

۷– آداب و اخلاق در حدیث

۸– النور المبین فی شرح تبصره المتعلمین

۹– طبقات متکلمین شیعه

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

جعفری، یعقوب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یعقوب جعفری

محل تولد : مراغه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۵/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔ الاسـلام و المسلمین آقای حاج شیخ یعقوب جعفری (جعفری نیا) فرزند محمد حسین در ۱۱ بهمن ماه ۱۳۲۵ در شهر مراغه در یک خانواده متوسط مـذهبی به دنیا آمد و از سن ۶ سالگی در یکی از مکتب خانه های قدیمی شـهر به خواندن قرآن مشغول شد و پس از آن در حوزه علمیه مراغه به تحصـیل ادبیـات فارسـی و عربی و متون درسـی پرداخت و تـا کتـاب معـالم الاـصول را در آنجا خواند. برخی از اساتید ایشان در آن زمان عبارت بودند از: مرحومان شـیخ رضا ماجدی و شیخ حسین پیش نماز و شیخ احمد امینی و شیخ حسین هبتی.

وی درسال ۱۳۴۲ به حوزه علمیه قم عزیمت کرد و ادامه تحصـیل داد. برخی از اساتیـد ایشـان در سـطح عبـارت بودنـد از: آیت الله آقای حاج شیـخ محسن دوزدوزانی، آیت الله آقای حاج سید یوسف مـدنی، آیت الله آقای شیـخ یـد الله دوزدوزانی، آیت الله آقای ستوده، آیت الله آقـای مکـارم، آیت الله آقـای سـبحانی و مرحوم آیت الله آقـای سید رضـا صـدر. همچنین اساتیـد ایشان در دروس خارج که حـدود ۱۵ سـال ادامه داشت عبـارت بودنـد از: مرحومان آیت الله شـیخ هاشم آملی، آیت الله فیروز آبادی، آیت الله شـیخ کاظم تبریزی، آیت الله شریعتمداری و آیت الله گلپایگانی. و نیز از دروس آیت الله میرزا جواد تبریزی و آیت الله وحید خراسانی هم استفاده کرد و در دروس عقلی از شـهید مفتـح و آقـای انصاری شـیرازی و آقای حسن زاده آملی بهره برد. در کنار خوشه چینی از دانش این بزرگان، خود نیز به تدریس بعضـی کتاب های درسی پرداخت و همزمان در سال های ۵۰ تا ۵۶ چندین سال در دارالتبلیغ اسلامی که در آن زمان برنامه های منظمی داشت درس خواند و دوره عالی آن را گذراند و در آنجا از محضر اساتیدی مانند شهید مطهری و مرحوم صـدر بلاـغی و مرحوم سـید مرتضـی شبستری و مرحوم آیت الله حـاج میرزا بـاقر ملکی میانجی و مرحوم آیت الله شیـخ اسـحاق آسـتارایی و نیز آیت الله مکـارم و آیت الله سـبحانی و آیت الله شبیری زنجانی و دیگران اسـتفاده کرد. از حـدود سال ۱۳۴۶ با مطالعه آثار نویسندگان بزرگ مذهبی و روشنفکران آن عصر و برخی از ترجمه کتابهای خارجی و آشنایی باشیوه نگارش، دستی به قلم برد و مقالاـتی نوشت که اولین مقـاله وی در نشـریه مسـجد اعظم چـاپ شـد، تـا بالاخره وقت بیشتری را برای مطالعه و

تحقیق و نوشتن صرف کرد و مقالات بسیاری را در مجلات مختلف نوشت و سردبیر مجله نسل نو شد که در آن زمان از سوی دارالتبلیغ اسلامی در سطح جوانان منتشر می شد و با استقبال فراوانی روبرو بود.

بعدها نیز سردبیری مجله مکتب اسلام و مجله تخصصی کلام اسلامی را بر عهده داشت. همزمان با این فعالیت های علمی و حوزوی، همواره در موسم های تبلیغی مانند ماه های رمضان و محرم و صفر به تبلیغ می رفت وبیشتر در مساجد و مجالس شهر مراغه انجام وظیفه می کرد. حجهٔ الاسلام جعفری علاوه بر فقه و اصول، در مطالعات و تحقیقات خود در آغاز بیشتر به رشته تاریخ گرایش داشت و در این رشته کتاب هایی را نوشت که بعضی از آنها چاپ شده است مانند: خوارج در تاریخ، مسلمانان در بستر تاریخ، بینش تاریخی قرآن، بینش تاریخی نهج البلاغه، و مقالاتی در تحلیل برخی از وقایع تاریخی. همچنین چندین دوره در مرحله کارشناسی ارشد رشته تخصصی تاریخ در حوزه علمیه تدریس کرده است. پس از آن در مطالعات خود به سوی علم کلام و تاریخ علم کلام و ملل و نحل گرایش یافت و در این رشته نیز کتاب های متعدد و مقالات بسیاری نوشت و در این مرحله بود که مجله کلام اسلامی از سوی موسسه امام صادق علیه السلام وابسته به آیت الله سبحانی، منتشر می شد و نیز در این مرحله به تصحیح برخی از متون کلامی متقدمان پرداخت که از جمله آنها می توان از کتاب شرح جمل العلم از سید مرتضی و کتاب مناهج الیقین از علامه حلی که هر دو با پاورقی های مفصل ایشان به زبان عربی چاپ شده است، نام برد.

سپس سیر فکری ایشان به سوی قرآن و علوم قرآنی و در نهایت تفسیر قرآن تغییر جهت یافت و مطالعات خود را در تفسیر و علوم قرآنی متمرکز کرد و نتیجه آن علاوه بر دهها مقاله در این موضوع که در مجلات مختلف چاپ شده است، چندین کتاب است که از جمله آنها می توان از کتاب سیری در علوم قرآن، پژوهشی درباره صابئین، رسم الخط مصحف، سیمای امام علی در قرآن، تفسیرسوره یوسف، تاریخ اسلام از منظر قرآن و از همه مهمتر مجلدات تفسیر کوثر نام برد که هم اکنون نیز به نوشتن آن مشغول هستند، تفسیر کوثر که یک تفسیر ترتیبی از اول قرآن تا آخر آن است با روش خاص و با توجه به نیازهای روز نگاشته می شود و تاکنون شش جلد آن منتشر شده و پیش بینی می شود که به خواست خدا در ده جلد تمام شود. به خاطر نگارش این تفسیر و سایر فعالیت های قرآنی، در سال ۱۳۸۰ در نمایشگاه بین المللی قرآن کریم تهران، طی مراسمی، ایشان از خادمان قرآن معرفی شدند و توسط رئیس جمهور لوح تقدیر و جایزه به ایشان داده شد. حجهٔ الاسلام جعفری نیا درباره انگیزه خود در نگارش این تفسیر، چنین اظهار داشتند: «باید بگویم همواره معتقد بودم که با نزول قرآن سفره ای از آسمان در زمین گسترده شده که بشر را در طول نسلها و قرنها به میهمانی فرا می خواند و مائده های خود را در اختیار همگان می گذارد و انسان در هر عصری می تواند به اندازه گنجایش استعداد و سعه وجودی خود از این خوان پر خیر و برکت تغذیه کند و بهره گیرد و قرآن مانند باران رحمتی است که هر کسی می تواند به مقدار ظرفیتی که دارد آن را در خود جای دهد "،انزل من السماء ماء فسالت اودیه بقدرها ".البته در طول تاریخ، اندیشمندان بسیاری در کنار این خوان نعمت نشسته اند و عمر خود را با آن سپری کرده اند و کوشیده اند که یافته های خود را به دیگران منتقل سازند و نتیجه آن، نگارش تفاسیر با ارزشی شده که ازآنها به یادگار مانده است و ما اکنون میراث دار مجموعه ای گران سنگ از تفاسیر گوناگونی هستیم که حاصل تلاش فرزانگانی است که خود را در خدمت قرآن قرار داده اند و سالیان بسیاری از عمر خود را به تفسیر و توضیح و کشف و بین آیات قرآنی گمارده اند و ثروتی عظیم و ماندگار برای ما پیش کش کرده اند.

ولی حقیقت این است که با وجود تمام این تفاسیر پرارزش، هنوز هم گنجینه پایان ناپذیر علوم و معارف قرآنی انباشته از نکات فراوانی است که کشف و استخراج آنها تعمقی دوباره و نگرشی تازه را طلب می کند. و میدان برای پژوهندگان و جویندگان بعدی همواره باز است که همت گمارند و به اندازه درک و فهم خود در این دریای ناپیدا کرانه غور کنند و مطالب تازه ای بدست آورند. کم ترک الاول للآخر.بخصوص اینکه هر عصری زبان خاص و ادبیات خاص و نیازهای خاصی دارد و لازم است که در هر عصری تفسیرهای جدید و جدیدتری برای قرآن نوشته شود که ضمن وفاداری به مفاهیم قرآنی و پرهیز از تفسیر به رای، معارف بلند آن، مطابق با نیازهای عصر و با زبان روز ارائه شود. نگارش تفسیر کوثر برای رسیدن به چنین هدفی بوده است، ولی آیا این توفیق را به دست آورده است؟ پاسخ آن بر عهده صاحب نظران است.»

جعفریان محمدی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: زمین‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی و دکترای زمین‌شناسی.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده علوم دانشگاه اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

چینه‌شناسی ایران (وضعیت انتشار دورانهای مختلف زمین‌شناسی در ایران) بویژه در چینه‌شناسی دوران اول ایران، فسیل‌شناسی بی‌مهرگان بویژه بازوپایان و آمونیت‌ها، در زمینه علوم موزه‌داری (Museology) خصوصاً موزهای تاریخ طبیعی که نتیجه این تحقیق منجر به تاسیس موزه تاریخ طبیعی اصفهان، طرح تاسیس موزه‌های تاریخ طبیعی در ایران به صورت یک الگوی کاربردی،

علوم زمین و زمین‌شناسی ایران، مسائل آبی، معدنی ژئوتکنیک مربوط به ۱۳ شهر در استان اصفهان و چهارمحال بختیاری، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مسائل مربوط به زمین‌شناسی ایران، معادن ایران، فرهنگ علوم طبیعی زمین‌شناسی تاریخی و فسیل‌های بی‌مهرگان ایران.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۹

زمینه علمی مقالات:

فسیل‌شناسی بی‌مهرگان ایران، چینه‌شناسی یا دورانهای زمین‌شناسی در ایران و کاربرد زمین‌شناسی در طرح‌های اجرائی و برنامه‌ریزی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

جعفریان، رسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رسول جعفریان

محل تولد : خوراسگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

دوره دبستان را در زادگاهش" خوراسگان "گذراند و سپس برای ادامه تحصیل به اصفهان آمد و دوره راهنمایی را در این شهر آغاز کرد. پس از چندی تحت تأثیر سفرهای تبلیغی مبلغان حوزه علمیه قم و کلاس های روخوانی قرآن در خوراسگان به دروس دینی علاقه مند شد و از آن پس به مدرسه ذوالفقار رفت و مطالعه دروس جدید را در مدارس شبانه ادامه داد. وی در مدت اقامت در اصفهان، به صورت آزاد از مدارس دینی دیگری چون«نیماورد»،«نوریه»،«وجده کوچک» استفاده می کرد.

رسول جعفریان در سال ۵۷ هجری شمسی و در آستانه پیروزی انقلاب، برای ادامه تحصیلات حوزوی، راهی شهر مقدس قم شد. نخست به مدرسه خان رفت و سپس در مدرسه رسالت، به ادامه تحصیل پرداخت. وی در قم از درس اساتیدی چون آیت الله جوادی آملی، آیت الله مصباح یزدی، آیت الله ممدوحی، آیت الله گرامی و نیز آیت الله جعفر مرتضی جبل عاملی کسب فیض کرد. سال ۵۸ هجری شمسی با آثار و موسسه آیت الله مصباح یزدی آشنا شد و در کلاسها و دوره آموزشی آن موسسه شرکت کرد و با بازگشایی دانشگاهها، در سال ۵۹ هجری شمسی به تدریس معارف اسلامی و تاریخ اسلام در دانشگاههای اصفهان و تهران مشغول شد. اولین اثر استاد جعفریان در سال ۶۴ هجری شمسی تحت عنوان «پیش درآمدی بر شناخت تاریخ اسلام» منتشر شد و از آن پس تاکنون، ضمن همکاری با موسسات پژوهشی و تأسیس کتابخانه اسلام و ایران در قم، به کوشش های پی گیر خود در زمینه تألیف،تصحیح، ترجمه و نیز تحقیق در تاریخ اسلام، ایران و تشیع همچنان ادامه می دهد.

جغتایی، محمد صالح

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۱ ق)، شاعر، متخلص به صالح. از شاعران و امیران معروف اواخر عهد تیموری بود. در نزد عبدالرحمان جامی تلمذ کرد. صالح در سرودن شعر و نوشتن خط مهارت داشت. وی در بخارا درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۲ / ۱)، الذریعه (۵۸۸ / ۹)، روضه السلاطین (۸۶)، فرهنگ سخنوران (۵۴۲)، لغت‌نامه (ذیل/ صالح)، مجالس النفائس (۱۱۰)، مجمع الفصحا (۱۱۴ / ۱).

جلال الدین جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۱–۱۳۳۷) در شب ۶ ذی حجه سال مرقوم وفات یافته، در نجف مدفون گردید. از علمای اصفهان به شمار می‌رفت.
فرزند ایشان مرحوم حاج میرزا عبدالحسین نیز عالم و امام جماعت مسجد شاه بود، و در شب ۲۲ رجب سال ۱۳۴۸ وفات یافت.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

جلال نیشابوری، حسن، حسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۴ ق)، شاعر. مشهور به کاسه خر صاحب. وی اهل نیشابور بود و بعد از تحصیل علم و دانش در عهد جهانگیری به هندوستان مهاجرت کرد و در شهر گلکنده در خدمت محمدامین، قطب‌الملك به سر می‌برد. وی که معاصر صاحب «مآثر رحیمی» و تذکره‌ی «عرفات» بود، به غایت اهل و خوش صحبت و صاحب طبیعت بود و در وادی شعر و شاعری نیز طبعی کافی و از اکثر مقدمات علمی آگاهی تمام داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۷۴ –۱۷۳)، تذکره‌ی طلعت (۵۸ –۵۷)، الذریعه (۲۰۰/۹)، مطلع الشمس (۱۸۰/۳)، فرهنگ سخنوران (۲۱۷)، کاروان هند (۳۰۳ –۳۰۲ /۱)، مآثر رحیمی (۵۳ –۵۲ /۳).

جلال هروی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید باهنر کرمان

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

جلال یزدی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۵ –۱۲۸۳ ق)، حکاك، خطاط و شاعر، متخلص به جلال. از نوادگان میرزا علینقی. در قریه‌ی نبادك سادات یزد متولد شد. در نوجوانی ضمن کار حکاکی به تحصیل پرداخت و در ۲۶ سالگی ابتدا به اصفهان و سپس به تهران رفت و توسط میرزا علی‌اصغر اتابک به دربار مظفرالدین شاه قاجار وارد شد و به دلیل بلاغت گفتار لقب افصح‌الملك یافت. وی در سرودن غزل، مثنوی و قصیده، بویژه قطعه، مهارت داشت. وی در یزد وفات یافت و در جوار حرم امامزاده جعفر، دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۴۲۶ –۴۲۲)، الذریعه (۲۰۱/۹)، ریحانه (۱۵۷/۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۵ –۱۳ /۳)، فرهنگ سخنوران (۲۱۷).

جلال‌الدین یوسف

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط. وی از شکسته‌نویسان و از شاگردان محمدحسین خلف بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۶۰/۴).

جلال‌الدین، امیر یوسف

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به امیری. از خوشنویسان دستگاه بایسنقر بود. احتمال می‌رود وی همان ملا محمد یوسف هروی، متخلص به امیری، از مداحان شاهرخ میرزا باشد که نام وی در «تذکره‌ی روز روشن» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۴۲)، تذکره‌ی روز روشن (۸۲).

جلال‌الدین، نعمان

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۸۲ ق)، شاعر. از وزیران و ادیبانی بود که در شیراز می‌زیست و شعر فارسی را بسیار نیکو می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۱۴).

جلالای طباطبایی زواره‌ای، محمد جلال‌الدین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، نویسنده و شاعر. در نام، نسب، محل تولد و نشو نمای وی اختلاف بسیار وجود دارد. جلالا در ایران کسب دانش و علم کرد سپس به سال ۱۰۴۴ ق روانه هند شد و به دربار شاهجهان راه یافت و از مقبولان درگاه گشت. گویا پنج سالی آنجا می‌ماند و به تاریخ‌نویسی می‌پردازد؛ در این حال به اسناد معتبر تاریخی دسترسی داشته و با استفاده از آنها تألیف خود را غنی‌تر ساخته است. نصرآبادی او را از سادات طباطبایی قهپایه و صاحب «تذکره‌ی روز روشن» او را یک بار نصرآبادی دانسته و بار دیگر با تخلص جلالی از سادات اردستان شمرده و محمدصالح لکنبوه در «شاهجهان نامه» یا «عمل صالح» او را یزدی خوانده است، ولی او در موثق‌ترین مآخذها قهپایه‌ای زواری و از سادات آن دیار است. از آثار وی: «شاهجهان نامه» یا «پادشاهنامه»؛ «دستور نامه‌ی کسروی» یا «توقیعات کسری» و یا «توقیعات مطول»؛ «سه نثر جلالا»؛ «رقعات جلالا»، «منشآت جلالا».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران (۱۷۶۲ -۱۷۵۹، ۱۴۹۲ -۱۴۹۱ /۵)، تذکره‌ی روز روشن (۱۷۶، ۱۷۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۰۳ -۱۰۲)، الذریعه (۱۹۸/۹)، شام غریبان (۶۹)، کاروان هند (۳۰۲ -۳۰۰ /۱)، نشتر عشق (۳۳۸/۱).

جلالوند، علی کرم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی کرم جلالوند

محل تولد : نهاوند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی کرم جلالوند در سال ۱۳۴۴ در روستای درّه ابراهیم از توابع شهرستان نهاوند به دنیا آمده ام .تحصیلات ابتدائی را در زادگاهم به اتمام رساندم و سپس دوره راهنمائی و دبیرستان را در شهرستان نهاوند به پایان بردم . و در سال ۶۲ موّفق به اخذ مدرک دیپلم علوم تجربی شدم.پائیز همان سال وارد حوزه علمیه نهاوند شدم ، یک سال بعد وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه علمیه مهدی موعود (عج) که مدرسه ای تازه تأسیس بود ، مشغول ادامه تحصیل شدم دروس مقدمات را در این مدرسه به اتمام رساندم .اساتید در این مقطع حجج الاسلام آقایان :احدی ، مظهر علی ، طالقانی ونقوی و... بودند . دروس شرح لمعه و اصول فقه را نزد آیت الله اشتهاردی ، حجت الاسلام خاتمی و علیدوست و...تلمذ کردم . دروس رسائل ومکاسب را نزدآیت الله استادی ، حجت الاسلام محمدی ، حسینی بوشهری وحسینی شاهرودی و.... فرا گرفتم . در سال ۶۸ همزمان با تحصیل دروس حوزوی در کنکور سراسری شرکت کردم و وارد دانشگاه تهران شدم و در سال ۷۲ موفّق به اخذ مدرک کارشناسی علوم اجتماعی در گرایش پژوهشگری شدم. در این سال که برای اولین بار نوشتن پایان نامه جزء واحدهای درسی دوره کارشناسی شده بود اینجانب موضوع پایان نامه خود را (بررسی مسائل جامعه شناختی فرقه گنابادیه) قرار دادم . از سال ۷۰-۷۱ به تناسب همکاریهائی که با سازمان تبلیغات اسلامی و پژوهشکده باقرالعلوم (ع) داشتم در تألیف وآماده سازی کتب بسیاری ازجمله مجموعه دیدار با ابرار ، گلشن ابرار ، بانوان نمونه و مجموعه فقه و زندگی به عنوان ویراستار ،ارزیاب و...سهیم بودم. به موازات این همکاریها کتاب و مقالاتی نیز تألیف کردم .

جلالی بهزاد، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زیست‌شناسی، دانشکده: فیزیک، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

جلالی تهرانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمد ابن العالم الجلیل الحاج السید علینقی الموسوی الجلالی تهرانی مذکور از فضلاء دانشمندان تهران و سبط آیت‌اللَّه حاج سید محمدصادق لاله‌زاری می‌باشد.

معظم له در حدود سال ۱۳۵۵ قمری در تهران متولد شده و پس از تربیت- در بیت علم و سیادت و تحصیلات ابتدائی و مقدمات به قم آمده و سطوح را از مدرسین حوزه آموخته و بدروس خارج آیات عظام مانند آیت‌اللَّه مرحوم محقق یزدی و آیت‌اللَّه العظمی امام خمینی و حضرت آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیات دیگر شرکت تا سال ۱۳۸۲ قمری که در تهران اقامت گزیده و بخدمات دینی و روحی اشتغال دارد.

مؤلف گوید: آقای جلالی دانشمندی با استعداد و فاضلی برومند و در میان اقران خود مانند والد ارجمندش بمتانت و ظرافت ممتاز و بشرافت حسب و نسب سرافراز میباشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

جلالی خراسانی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. وی از شعرای نامدار دربار سلطان حسین میرزا بود. در «مجالس العشاق» ذکر وی آمده است. از اوست:

از یار دور مانده‌ام و از وطن جدا

کس از دیار و یار مبادا چون من جدا

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۰۱/۹)، صبح گلشن (۱۰۵)، فرهنگ سخنوران (۲۱۸)، مخزن الغرائب (۵۱۶، ۵۱۵، ۱/)، نشتر عشق (۳۳۷/۱).

جلالی سندی، جلال

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر جلال جلالی سندی در سال ۱۳۳۸ در فومن متولد شد.ایشان مدرک دکتری رشته حشره شناسی رااز دانشگاه بنارس هندوستان در سال ۱۳۷۰ اخذ کرده است.وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه گیلان می باشد.گروه : کشاورزیرشته : حشره شناسیگرایش : حشره شناسی کشاورزیوالدین و انساب : پدر جلال جلالی سندی مهدی جلالی سندی (معلم) و نام مادر محترمشان فاطمه صفوی است.ایشان نیز ۴ برادر و یک خواهر دارد.خاطرات کودکی : دوران کودکی جلال جلالی سندی در روستای سندی از توابع شهر فومن سپری شد .تا کلاس چهارم ابتدایی در فومن به تحصیل پرداخت و بعد از آن برای ادامه تحصیل به رشت عزیمت کرد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : خانواده جلال جلالی سندی در خانواده ای مذهبی ،فرهنگی و متوسط بدنیا آمد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : جلال جلالی سندی تا چهارم ابتدایی را در شهر فومن گذراند و پس از آن تا دوره متوسطه در رشت به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۵۷ دیپلم تجربی را از دبیرستان نوربخش رشت اخذ کرد.تحصیلات دانشگاهی ایشان در هندوستان بوده است. کارشناسی کشاورزی از دانشگاه بنگلور هندوستان در بین سالهای ۱۳۵۸-۱۳۶۲ کارشناسی ارشد گیاهپزشکی گرایش حشره شناسی از دانشگاه آترا هندوستان دربین سالهای ۱۳۶۲-۱۳۶۵ دکتری رشته حشره شناسی از دانشگاه بنارس هندوستان در بین سالهای ۱۳۶۵-۱۳۷۰ دوره میکروسکوپ الکترونی-دانشگاه بنارس هندوستان در سال -۱۹۸۹ دوره کاربرد الکترو فورز در کشاورزی— دانشگاه گیلان در سال -۱۳۷۸ همسر و فرزندان : جلال جلالی سندی متاهل و دارای همسر و یک فرزند می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای مورد تصدی جلال جلالی سندی به قرار زیر است: - سرپرست موزه جانورشناسی دانشکده علوم کشاورزی از سال ۱۳۷۲ الی ۱۳۸۲ - مدیر گروه گیاه پزشکی از سال ۱۳۷۸ الی ۱۳۸۰ - معاون آموزشی و دانشجویی دانشکده کشاورزی از سال ۱۳۸۰ -۱۳۸۵ - عضو انجمن حشره شناسان ایران - شورای آموزشی و پژوهشی دانشکده کشاورزی از سال ۱۳۷۸الی۱۳۸۵ - شورای آموزشی دانشگاه گیلان از سال ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۵ - شورای دانشگاه از سال ۱۳۸۴الی۱۳۸۵ فعالیتهای آموزشی : دروس ارائه شده توسط جلال جلالی سندی در دانشگاه گیلان به شرح زیر است: الف) دوره کارشناسی زیست شناسی-جانور شناسی-حشره شناسی و دفع آفات-حشره شناسی

تخصصی–نرمتنان و مهره داران زیان اور کشاورزی ب) دوره تحصیلات تکمیلی مرفولوژی حشرات–فیزیولوژی حشرات سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : جلال جلالی سندی در کنار تدریس به تحقیق و نقاشی می پردازد.آرا و گرایشهای خاص : زمینه های مورد علاقه جلال جلالی سندی : فیزیولوژی تولید مثل در حشرات–استفاده از مواد گیاهی در کنترل حشرات چگونگی عرضه آثار : مقالات انگلیسی چاپ شده در مجلات علمی و پژوهشی : ۷ مقاله مقالات فارسی چاپ شده در مجلات علمی و پژوهشی : ۱۶ مقاله شرکت در کنفرانسها و مقالات ارائه شده :۳۴ مقاله پروژه های تحقیقاتی انجام یافته : الف) پروژه های انجام شده در پنج سال اخیر ۱–بررسی تاثیر حشره کشی ،عقیم زایی و هورمون جوانی از گیاهان هرز رو منطقه گیلان علیه حشرات باغی و زراعی. ۲–بررسی نوسانات فصلی تریپس توت در مزرعه تحقیقاتی مرکز تحقیقات کرم ابریشم ایران– پسیخان. ۳–فون حشرات پارازیت و پرداتور استان گیلان ۱۳۸۰(همکارمجری). Puricularia grisea۴–ارزیابی عصاره چند گونه از گیاهان بومی در جلوگیری از رشد قارچ عامل بیماری بلاست برنج.۱۳۸۵.(مجری) ب) پروژه های جاری (در دست اجرا) ۱–غربال چند گونه از گیاهان دارویی مهم ایران برای فعالیت ضد حشره ای علیه چهار گونه آفت انباری ۲– جمع آوری و شناسایی فون بال ریشکداران استان گیلان آثار : تنظیم کننده های رشد در حشرات ویژگی اثر : انتشارات حق شناس ۱۹۳ صفحه منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

جلالی همدانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد جلالی بن حاج سید جلال‌الدین از علماء محترم معاصر (مجاور) مشهد مقدس است.

وی در سال ۱۳۲۵ قمری در تهران متولد شده و بعد از پرورش در تحت تربیت مرحوم والدش به تحصیل علوم فارسی و عربی پرداخته و در معیت آن مرحوم از تهران عزیمت عراق نموده ولکن به اصرار بستگان و دوستان همدانی رحل اقامت در همدان افکنده و پس از خواندن مقدمات و سطوح مهاجرت به قم و از محضر آقایان استفاده نموده آنگاه به همدان مراجعت و به خدمات دینی پرداخته تا سال ۱۳۹۲ قمری که به مشهد منتقل و مجاور حضرت ثامن‌الحجج علیه الصلوه والسلام را اختیار فرمودند.

دارای آثار خیر و باقیات الصالحات در همدان و حومه آن و مشهد مقدس می‌باشند و از جمله آن آثار.

۱– درمانگاه مهدیه همدان است که مجهز و همه روزه از بیماران بینوا و غیره پذیرائی و معالجه نموده و می‌نماید.

۲– مهدیه همدان از موسسه‌های بسیار مجهز دینی می‌باشد زیرا دارای مسجد و پرورشگاه و درمانگاه و بانگ قرض‌الحسنه و سالن تبلیغات می‌باشد.

و در همین سالن در ایام دینی و روزهای شریف سخنرانی‌های مذهبی و نشر معارف اسلام و حقایق دینی می‌شود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

جلالی یزدی، علیرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی در ابتدای عمر به یزد رفت و در آن شهر به کار مشغول شد و بعد از مدتی از این کار دست برداشت و به شاعری روی آورد. جلالی معاصر وامق بود و در غزلسرایی مهارت داشت. از اوست:

رقیب از گریه گل سازد از آن خاک مزارم را

که ترسد بر سر کوی تو باد آرد غبارم را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۸۰ –۷۸)، حدیقهٔ الشعراء (۳۷۴/۱)، سفینهٔ المحمود (۱۹۰ –۱۸۹ /۱)، فرهنگ سخنوران (۳۱۸)، مجمع الفصحا (۲۰۶/۴)، مصطبه‌ی خراب (۳۷ –۳۶)، نگارستان دارا (۱۷۷).

جلالی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۲ –۱۲۸۹ ش)، موسیقیدان و شاعر، متخلص به مهجور. وی در کرمانشاه به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی را در همان شهر به پایان رسانید و نزد افاضل شهر به کسب علم و دانش پرداخت و با فنون ادب و رموز آن آشنا شد. مهجور از آغاز جوانی به شعر و شاعری پرداخت و چون دارای ذوق و استعداد موسیقی بود که آموختن تار نیز، نزد پدر، همت گماشت و در این راه از استاد یحیی خان زرین پنجه تعلیم گرفت و مهارت یافت. جلالی مدتی در اداره‌ی دامپزشکی و شهرداری مشغول کار بود و سپس در رادیو مشغول خدمت شد. جلالی شاعری خوش ذوق بود و غزل و قصیده را نیکو می‌سرود.[۱]

شاعر.

تولد: ۱۲۸۹، کرمانشاه.

درگذشت: ۶ اردیبهشت ۱۳۷۲، کرمانشاه.

احمد جلالی گوران فرزند آقاخان که در شعر «مهجور» تخلص می‌کرد، تحصیلات مقدماتی را در مدرسه‌ی اسلامیه همان شهر به پایان رسانید و در خارج از محیط مدرسه، نزد افاضل شهر خود به کسب دانش پرداخت و با فنون ادب و رموز شعر آشنا گردید.

«مهجور» از آغاز جوانی به شعر و شاعری پرداخت و بیشتر در غزل و قصیده شعر می گفت. در بیست سالگی به آموختن تار نزد پدر و سپس نزد یحیی زرین‌پنجه پرداخت و با چند دستگاه موسیقی اصیل ایرانی آشنا شد.

جلالی همنگام تأسیس اداره‌ی دامپزشکی در کرمانشاه به وسیله دکتر اندریات آلمانی در آن اداره استخدام شد و به خدمت پرداخت. پس از چندی به شهرداری رفت و بالاخره در سال ۱۳۳۷ پس از تأسیس اداره‌ی رادیو به خدمت آن دستگاه درآمد و سرانجام بازنشسته شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] سخنوران نامی معاصر (۳۴۷۶ -۳۴۷۲ /۵).

جلالی، بیژن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بیژن جلالی شاعر معاصردر اول آذرماه سال ۱۳۰۶ خورشیدی، در تهران به دنیا آمد. وی از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۱ چندماهی در رشته‌ی فیزیک دانشگاه تهران و چند سال در رشته علوم طبیعی دانشگاه‌های تولز و پاریس درس خواند. البته همه آنها نیمه‌کاره ماند ؛زیرا علاقه به شعر و ادب، مسائل فکری و ادبی و گشت و گذار آزاد در زمینه‌های فلسفه، هنر و ادبیات، او را از انضباط و نظم درس خواندن دور کرد.از این شاعر چنیدین کتاب و مجوعه شعر به یادگار مانده است.وی در روز آدینه ۲۴ دی‌ماه ۱۳۷۸، در هفتاد و دو سالگی، زندگی را بدرود گفت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : بیژن جلالی در آخرین شب آبان‌ماه ؛یا به‌عبارتی، اول آذرماه سال ۱۳۰۶ خورشیدی، در تهران به دنیا آمد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : بیژن جلالی از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۱ چندماهی در رشته‌ی فیزیک دانشگاه تهران و چند سال در رشته علوم طبیعی دانشگاه‌های تولز و پاریس درس خواند. البته همه آنها نیمه‌کاره ماند ؛زیرا علاقه به شعر و ادب، مسائل فکری و ادبی و گشت و گذار آزاد در زمینه‌های فلسفه، هنر و ادبیات، او را از انضباط و نظم درس خواندن دور کرد. در بازگشت، در رشته زبان و ادبیات فرانسوی دانشگاه تهران، نام نوشت. دوره لیسانس را به پایان برد و از سال ۱۳۲۵ تا مدتی، به کارهای گونه‌گونی پرداخت

همسر و فرزندان : بیژن جلالی، ازدواج نکرد ؛زندگی‌اش در سکوت و با آرامش و تلالویی خاص ادامه داشت

زمان و علت فوت : بیژن جلالی چند روزی پس از نیمه آذرماه، دچار سکته مغزی شد که بیش از یک ماه را در اغما گذراند و در روز آدینه ۲۴ دی‌ماه ۱۳۷۸، در هفتاد و دو سالگی، زندگی را بدرود گفت.

فعالیتهای آموزشی : بیژن جلالی در دبیرستان‌ها انگلیسی درس داد ؛چندی هم مسؤول آزمایشگاه دبیرستان ایرانشهر بود. زمانی هم در موزه مردم‌شناسی وزارت فرهنگ به کار پرداخت، چون دوره مردم شناسی را در موزه مردم‌شناسی پاریس گذرانده بود؛ سرانجام به کار در شرکت فرانسوی آنتروپوز مشغول شد و با استفاده از بورس این شرکت، یک دوره اقتصاد نفت را در پاریس به پایان برد ؛کار اداری رسمی را در شرکت نفت و شرکت پتروشیمی پی گرفت و در سال ۱۳۵۹ بازنشسته شد. علاقه به شعر و ادبیات، فلسفه، فکر و عرفان، زندگی در محیط فرهنگی خاندان هدایت، گفت و گو با دایی‌اش صادق هدایت و تاثیرپذیری از او و اقامت پنج‌ساله دوره جوانی در فرانسه، پیوندهایی میان جلالی و نوشتن به وجود آورد ـ گاه به فارسی، گاه به فرانسوی. البته ابتدا آنها را جدی نمی‌گرفت ؛اما پس از اینکه به ایران بازگشت و توانست با فراغ بیشتری بخواند، بیندیشد و بنویسد، تامل‌های شاعرانه‌اش نظم گرفت و توانست از ادای معانی ذهنی خود برآید. او از آغاز دهه ۱۳۴۰ این تامل‌ها را به نشر سپرد. سروده‌هایش، در مجموع با تلقی مثبت و گشاده‌رویانه‌ای از اهل شعر و ادب معاصر رو به رو شد ؛هرچند شعرهایش همه سپید بود و به نسبت همسالانش، تا حدی دیر به انتشار آنها پرداخت.

آرا و گرایشهای خاص : بسیاری از منتقدان ، نگرش «جلالی » در شعرهایش را نگرشی «اشراقی » دانسته اند و خود او در مورد مضمون شعرهایش گفته است : «در شعرهای من نوعی گفت وگو دنبال شده ، گاه با خداوند، گاه با جهان ، گاه با طبیعت . از این جهت ، همیشه این نوشته ها یک روی تاریک و یک روی روشن دارند. زمینه مشترک آنها ادامه نوعی اندیشه است . یعنی اندیشه و فکری را بیان می کنند یا زمینه را در ما برای ایجاد اندیشه فراهم می کنند. ولی این گفت وگوها همیشه به صورت نیمه تمام می ماند و حدس می زنم در خواننده ، حالت انتظاری را به وجود می آورد. آنها حالت منطقی ظاهری و فرمولی ندارند و بدین جهت ، دست و پاگیر خواننده نیستند. بعد از پایان هر قطعه راه برای رشد و ادامه اندیشه باز است .

چگونگی عرضه آثار : بیژن جلالی نخستین شعرهایش را در دهه چهل منتشر کرد که نخستین کتاب شعرش روزها (۱۳۴۱) و آخرین شان «دیدارها» بود که دو سال پس از مرگش منتشر شد. «دیدارها» گزیده یی از شعرهایی است که «جلالی » در فاصله

سالهای ۷۵ تا ۷۸ (سالی که درگذشت) سروده بود. اکنون شعرهایی از این کتاب را با هم می خوانیم . چه امید بخش است سفیدی کاغذ آنگاه که اندوه خود را به او نگفته ام دومینیکو اینجنیتو – مترجم ایتالیایی – هم برگزیده‌ای از شعرهای جلالی را با عنوان «بیدار» ترجمه کرده است، که از سوی نشر سوی مؤسسه‌ی علوم ترجمه در دانشگاه ناپل با نام اریل اکسپرس به چاپ خواهد رسید. عبدالله طاهر برزنکی گزیده‌ای از شعرهای جلالی را به عربی ترجمه و در لبنان منتشر کرده است. همچنین مریوان حلبچه‌ای گزیده‌ای از شعرهای این شاعر را به همراه دو مصاحبه‌ی او به کردی ترجمه کرده است، که از سوی نشر رخنه چاودیر در کردستان عراق منتشر خواهد شد. --

------

آثار :

۱ آب و آفتاب

ویژگی اثر : (۱۳۶۲)

۲ بازی نور (به انتخاب شاپور بنیاد ۱۳۶۹)

ویژگی اثر : گزینه شعرها

۳ درباره شعر (به انتخاب شاعر ۱۳۷۷)

ویژگی اثر : گزینه شعرها

۴ دل ما و جهان

ویژگی اثر : (۱۳۴۴)

۵ دیدارها (گزینه شعرها از ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۸).

ویژگی اثر : گزینه شعرها

۶ رنگ آب‌ها

ویژگی اثر : ۱۳۵۰

۷ روزانه‌ها

ویژگی اثر : (۱۳۷۳)

۸ روزها

ویژگی اثر : ۱۳۴۱

جلالی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس جلالی

محل تولد : روستای جواران کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ هجری شمسی به شهرستان سیرجان یکی از شهرهای استان کرمان مهاجرت و پس از فراگیری مقدمات در سال ۱۳۵۵ هجری شمسی وارد حوزه مقدسه قم شد و با شرکت در دروس اساتیدی چون مرحوم مدرس افغانی، مرحوم عرفانیان، استاد باکویی، مرحوم وجدانی فخر، مرحوم ستوده، آیت ا... فاضل لنکرانی و بالاخره آیت ا... وحید خراسانی ، به تحصیل علوم حوزوی پرداخت.

در کنار دروس حوزوی به دلیل اشتیاق فراوان نسبت به فراگیری زبان عربی روز، در سال ۱۳۶۳ هجری شمسی در محضر اساتیدی چون: دکتر ابو یاسر، دکتر ابو حارث،استاد کورانی لبنانی، زبان عربی راآموخت و پس از چندی به فراگیری زبان انگلیسی نیز همت گماشت که به اخذ پایان نامه عالی از هر دو زبان نائل شد. از همان آغاز، به ترجمه متون عربی علاقه فراوان داشت از این رو، از مقالات آسان مجله کودکان« الهدی» شروع نموده و رفته رفته وارد متون دشوارتر شد ودر موضوعات گوناگون به ترجمه عربی جدید پرداخت.

در همین راستا جهت تسهیل امر آموزش فضلا و طلاب، ۳ جلد کتاب درسی عربی جدید حوزه به نام«المدخل الی تعلم المکالمهٔ العربیهٔ» با قرائت متن، توسط دو تن از اساتید بزرگ همان مرکز استاد ابو عقیل الحیدری، استاد ابوذر الحکیم، همزمان توسط ایشان به فارسی ترجمه شد که در ۴۵ نوار کاست در واحد صوت و نوارخانه دفتر تبلیغات موجود است. همچنین به دعوت سازمان حج و زیارت، و در جهت تسهیل آموزش و آشنائی مدیران کاروان های آن سازمان به زبان عربی جدید، کتاب «گفتگو» در ۱۲ نوار کاست توسط ایشان ترجمه شده.

جلالی، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر علی اکبر جلالی،در ۱۳۲۳ در شاهرود به دنیا آمد.وی فوق دکترای برق در رشته کنترل و متخصص فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) از دانشگاه ویرجینیای غربی آمریکا می‌باشند. در حال حاضر ایشان به عنوان استاد دانشگاه علم و صنعت ایران، در پژوهشکده الکترونیک و دانشکده برق دانشگاه علم و صنعت ایران به تدریس و تحقیق مشغول بوده، و استاد پاره وقت دانشگاه ویرجینیای غربی می‌باشند.دکتر جلالی جزء محققان آینده‌نگر بوده و نظریه موج چهارم، عصر مجازی را برای اولین بار در دنیا مطرح کرده‌اند. ایشان تا کنون چندین پروژه ICT را در سطح ملی در زمینه‌های مختلف توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات انجام داده‌اند.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی برقگرایش : کنترلتحصیلات رسمی و حرفه ای : علی اکبر جلالی، فوق دکترای برق و متخصص فناوری اطلاعات (IT) از دانشگاه ویرجینیای غربی آمریکا می‌باشند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : کارنامه شغلی دکترعلی‌اکبر جلالی ▪: معاون پژوهشکده الکترونیک دانشگاه علم و صنعت ایران ▪ عضو هیات علمی دانشگاه علم و صنعت ایران ▪استاد پاره وقت دانشگاه ویرجینیای غربی ▪ عضو مستقل یونسکو در آموزش و فناوری منطقه آسیا و اقیانوسیه ▪ عضو کمیته آموزش مجازی کشور ▪ عضو هیات مدیره انجمن ICT ایران ▪ عضو هیات مدیره انجمن مطالعات جامعه اطلاعاتی ایران ▪ عضو شورای پژوهشی آموزش و پرورش کشور . از فعالان توسعه فرهنگ ICT در کشور، با ارائه بیش از ۵۰۰ برنامه رادیو و تلویزیونی و بیش از ۱۲۰۰ سخنرانی علمی و ارائه دهها مقاله و مصاحبه در روزنامه‌ها و مجلات علمی کشور و در سطح بین‌المللی. . مجری سند راهبردی شهر الکترونیک مشهد با محوریت شهرداری . مجری تدوین سند راهبردی ICT روستائی کشور . مجری تدوین سند راهبردی ICT استان مازندران . مجری، تهیه و تدوین RFP سند راهبردی ICT سازمان گسترش و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران . مجری، تهیه نرم افزار آموزش مجازی ضمن خدمت دبیران کشور در وزارت آموزش و پرورش. . مشاور و ناظر تدوین سند راهبردی ICT استان قم . بانی، مشاور و طراح پروژه ملی تجهیز ده هزار روستا به دفاتر خدمات کاربردی فناوری اطلاعات و ارتباطات در سطح کشور. . مشاور آموزش و فناوری اطلاعات بانک ملی ایران .مجری پروژه دولت الکترونیکی و پروژه کار از راه دور در شرکت فولاد مبارکه اصفهان . ارائه دهنده اولین درس مجازی بر روی شبکه اینترنت در ایران مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : لیست بخشی از خدمات ایشان به شرح ذیل است: ۱- طراحی شهر الکترونیک کیش (این پروژه در سال ۱۳۷۹ شروع شد و در فرهنگ سازی توسعه ICT کشور نقش مؤثری داشته و هم اکنون توسط یک شرکت ایرلندی دنبال می‌شود). ۲- طراحی همایش جهانی شهرهای الکترونیکی و اینترنتی (این همایش با حضور ۱۵۰۰ نفر در اردیبهشت ۱۳۸۰ در جزیره کیش برگزار شد و نقطه عطفی در توسعه ICT کشور گردید). ۳- طراحی همایش کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در روستا (در اسفند ماه ۱۳۸۲ با حضور ۷۰۰ نفر از مدیران و کارشناسان کشور برگزار شد و آغازگر فعالیتهای ICT روستایی در کشور گردید). ۴- طراحی اولین مرکز جامع خدمات کاربردی اینترنت در ایران، ASP (حاصل این پروژه تحقیقاتی یک کتاب تألیفی و چندین مقاله کاربردی شد؛ و منشاء راه‌اندازی ICP ها در کشور گردید). ۵- طراحی اولین روستای اینترنتی ایران" شاهکوه "که تاکنون بیش از یک میلیون نفر از سراسر جهان از طریق وب سایت از آن بازدید کرده‌اند و اغلب رسانه‌های جهان آنرا مورد توجه قرار داده‌اند. ۶- طراحی اولین مرکز جامع خدمات کاربردی فناوری اطلاعات و ارتباطات روستائی کشور که در پنجم خردادماه ۱۳۸۳ توسط رئیس قوه قضائیه بصورت مجازی و وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات بصورت حضوری افتتاح گردید. ۷- طراحی مقدماتی کریدور ICT شمال کشور (شامل استانهای گیلان، گلستان و مازندران). ۸- ارائه دهنده اولین درس مجازی روی شبکه اینترنت در ایرانآرا و گرایشهای خاص : دکتر جلالی جزء محققان آینده‌نگر بوده و نظریه موج چهارم، عصر مجازی را برای اولین بار در دنیا مطرح کرده‌اند. ایشان تا کنون چندین پروژه ICT را در سطح ملی در زمینه‌های مختلف توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات انجام داده‌اند.جوائز و نشانها ▪ : برنده جایزه E. Aisia AWARD یا جایزه برترین پروژه خلاقیت و فناوری در حوزه منطقه آسیا و اقیانوسیه به‌خاطر تاسیس نخستین روستای الکترونیکی جهان ▪ پژوهشگر و محقق برتر IT کشور در سال ۱۳۸۲ ▪ استاد نمونه دانشکده برق دانشگاه علم و صنعت ایران در سال‌های ۷۵و ۷۶ ▪ مقام اول ترجمه کتاب سال در سال ۱۳۷۸ به‌خاطر ترجمه کتاب PLC .پژوهشگر نمونهٔ دانشکده برق در سال ۱۳۸۲ ، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ . کتاب PLC دکتر علی اکبر جلالی مقام برتر کتاب سال در رشته کامپیوتر را به خود اختصاص داده است.چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی دکتر علی اکبر جلالی به قرار زیر است: – مؤلف و مترجم ۲۶ کتاب در زمینه مهندسی برق و ICT که کتاب PLC ایشان مقام اول ترجمه کتاب سال ۱۳۷۸ را در سطح کشور را داشته است، و کتاب Reduced Order Systems ایشان به زبان انگلیسی در سال ۲۰۰۶ توسط انتشارات Springer در آمریکا به چاپ رسیده است و در NASA و دانشگاههای معتبر جهانبه عنوان کتاب مرجع استفاده می‌شود. – مؤلف بیش از ۱۰۰ مقاله علمی ارائه شده در مجلات و کنفرانسهای علمی داخلی و خارجی در حوزه مهندسی برق و کنترل و ارائه ۱۲۰۰ مقاله در حوزه فناوری اطلاعات – استاد راهنمای ۵ دانشجوی دکترا، ۴۰ فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد و ۱۵ دانشجوی کارشناسی در دانشگاه علم و صنعت ایران و تعداد دیگری در سایر دانشگاههای کشور

آثار : برنامه ی Excel ویژگی اثر : پدیدآورنده: محمدعلی عباسی، علی اکبر جلالی، محمدحسین طالب بیدختی ناشر: مدرسه – ۰۳ خرداد، ۱۳۸۷ ۲ برنامه ی Front page ویژگی اثر : پدیدآورنده: محمدعلی عباسی، علی اکبر جلالی، محمدحسین طالب بیدختی ناشر: مدرسه – ۰۳ خرداد، ۱۳۸۷ ۳ برنامه ی PowerPoint ویژگی اثر : پدیدآورنده: محمدعلی عباسی، علی اکبر جلالی، محمدحسین طالب بیدختی ناشر: مدرسه – ۰۳ خرداد، ۱۳۸۷ ۴ برنامه ی Word ویژگی اثر : پدیدآورنده: محمدعلی عباسی، علی اکبر جلالی، محمدحسین طالب بیدختی ناشر: مدرسه – ۰۳ خرداد، ۱۳۸۷ ۵ تحلیل مدار و الکترونیک با استفاده از

MATLAB ویژگی اثر : پدیدآورنده: جان اوکی یر آتیا، علی اکبر جلالی (مترجم)، حامد مجللی (مترجم) ناشر: دانشگاه علم و صنعت ایران – ۱۳۸۲ ۶ چگونه به فرزندان خود Internet بیاموزید ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین بیدختی، مرتضی محمودی، علی اکبر جلالی (زیرنظر) ناشر: ناقوس – ۱۴ فروردین، ۱۳۸۴ ۷ حل جامع مسائل سیگنال ها و سیستم ها ویژگی اثر : پدیدآورنده: سعید مطیعیان، محمد آقابابایی علویجه، علی اکبر جلالی (زیرنظر) ناشر: آذر – ۱۲ شهریور، ۱۳۸۷ ۸ روستای الکترونیکی ویژگی اثر : پدیدآورنده: علی اکبر جلالی، محمدامین زارع، سعید روحانی ناشر: دانشگاه علم و صنعت ایران – ۰۶ دی، ۱۳۸۵ ۹ شهر الکترونیک ویژگی اثر : پدیدآورنده: علی اکبر جلالی ناشر: دانشگاه علم و صنعت ایران – ۲۷ آذر، ۱۳۸۴ ۱۰ کنترل کننده های منطقی برنامه پذیر ویژگی اثر : پدیدآورنده: رونالد ریس، جان ویلیام وب، علی اکبر جلالی (مترجم)، حمید محمودی (مترجم) ناشر: دانشگاه علم و صنعت ایران – ۱۳۸۲ ۱۱ مقدمه ای بر کارآفرینی دیجیتالی ویژگی اثر : پدیدآورنده: علی محمد آقازمانی، عبدالله شهریوری، علی اکبر جلالی (مقدمه) ناشر: ناقوس – ۳۱ مرداد، ۱۳۸۶ ۱۲ ملاحظات مدیریتی و اجرایی پیاده سازی سیستم های برنامه ریزی منابع سازمان ویژگی اثر : پدیدآورنده: دیویدلوئیس اولسون، علی اکبر جلالی (مترجم)، محمدامین زارع (مترجم)، سعید روحانی (مترجم) ناشر: دانشگاه علم و صنعت ایران – ۲۵ آبان، ۱۳۸۴ منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

جلالی، فتح‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

تولد: ۱۲۸۵، تفرش.

درگذشت: اردیبهشت ۱۳۶۹.

فتح‌الله جلالی، فرزند شمس‌الدین فطن‌الملک تفرشی، تحصیلات ابتدایی را در مدرسه آلمانی‌ها گذراند و دوره متوسطه را در مدرسه‌ی آمریکایی‌ها تا کلاس دهم تمام کرد و در سال ۱۳۰۳ برای تکمیل تحصیلات به اروپا سفر نمود. در آلمان پس از اتمام دبیرستان موفق به اخذ دیپلم متوسطه شد و مدت هشت سال در دانشگاه‌های ماربورگ، هامبورگ، مونیخ و برلین مشغول تحصیل در علوم اقتصاد و حقوق بود. در سال ۱۳۱۲ به اخذ مدرک رسمی لیسانس حقوق نایل گردید و سپس شروع به نوشتن رساله‌ی دکترای خود درباره‌ی حقوق اساسی نمود. در سال ۱۳۱۳ پس از دادن امتحانات و دفاع از رساله خود موفق به اخذ دکتری در علم حقوق شد. وی بعدا مدت یک سال در دانشگاه سیاسی برلین به ادامه تحصیل پرداخت.

در سال ۱۳۱۵ به ایران مراجعت کرد و پس از خاتمه‌ی دوره‌ی نظام وظیفه در وزارت امور خارجه وارد خدمت شد. مدت بیست و سه سال در خدمت دولت بود و مشاغل عمده‌ی وی به شرح زیر هستند: عضو اداره‌ی عهود و عقود جامعه‌ی ملل در وزارت امور خارجه؛ رییس اداره‌ی سیاسی وزارت کشور؛ معاون مدیر کل امور شهرداری‌ها در وزارت کشور؛ فرماندار خرمشهر و آبادان؛ مستشار حقوقی وزارت دارایی؛ مدیر کل وزارت دارایی؛ مدیر کل وزارت خوار و بار؛ خزانه‌دار کل وزارت دارایی؛ مدیر کل وزارت کار؛ عضو هیئت نظارت سازمان برنامه از طرف مجلس شورای ملی و مجلس سنا؛ وزیر کشور؛ رییس هیئت مدیره سازمان اتحادیه شهرداری‌های ایران؛ استاد دانشگاه ملی؛ دانشکده‌ی بانکداری و علوم مالی و اقتصادی رشته‌های حکومت و تاریخ عقاید اقتصادی.

وی مدت نوزده سال در اروپا بود و دو مرتبه به انگلستان و یک بار به آمریکا و ژاپن و هند و پاکستان سفر کرد. وی همچنین صاحب نشان صلیب درجه‌ی یک از دولت فدرال آلمان و صلیب طلا درجه‌ی یک (شوالیه) از رییس جمهوری ایتالیا و نشان علمی از وزارت فرهنگ است.

وی مقالاتی در مجله‌ی حقوقی وزارت دادگستری نوشت و دو کتاب درباره‌ی تاریخ زندگی فردریک کبیر و تاریخ روابط ایران و شوروی ترجمه کرد و یک کتاب درباره‌ی عقاید اقتصادی تهیه نمود که به چاپ نرسید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جلالی، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محسن جلالی بن آیت‌اللَّه آقا سید علی جلالی از مشاهیر علماء و ائمه جماعات کربلاء معلی بوده‌اند. معظم‌له در سامری به دنیا آمده و در بیت علم وتقوی پرورش یافته و به اتفاق والد ماجدش مهاجت به کربلاء در عصر زعامت و مرجعیت مجاهد بزرگوار عالم ربانی آیت‌اللَّه العظمی آقا میرزا محمد تقی شیرازی نموده و پس از تکمیل مقدمات و سطوح وسطی و نهائی در رشته‌های معقول و منقول مشرف به نجف اشرف شده و از محضر و دراسات آیت‌اللَّه محقق میرزا حسین نائینی و مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی فقها و اصولا استفاده نموده تا به مدارج عالیه اجتهاد رسیده آنگاه به کربلا مراجعت و در سال ۱۳۶۱ در جلسات بحث خصوصی مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا هادی خراسانی که (ابوالزوجه)ایشان بودند شرکت نموده و در ضمن به تدریس و اقامه جماعت در حرم مطهر حسینی (صبحها) و صحن و حرم حضرت ابوالفضل علیه‌السلام (شبهاو ظهرها) پرداخته تا

روز اربعین (۲۰ صفر) ۱۳۹۱ قمری از دنیا رفته و طبق وصیتش جنازه‌اش را بعد از تجلیل و تشیع فراوان حمل به نجف اشرف و در جوار امیرالمومنین علیه‌السلام به خاک سپردند.

مترجم گوید: مرحوم آیت‌اللّه جلالی عالمی مهذب و پارسا و متحلی به اخلاق حسنه و در زهد و ورع در عصر خود کم نظیر و نسبت به مستمندان رحیم و دلسوز و حتی المقدور در مساعدت به ایشان کوتاهی نمی‌کرد. دارای آثار ارزنده بوده که فهرست آنها را می‌نگارم.

۱- حاشیه بر کفایه.

۲- تنبیه الامه الی احادیث الائمه.

۳- المنتخب من الاحادیث و الخطب.

۴- مصباح الهدی فی اصول دین المصطفی.

۵- حقیقه التناسخ وابطاله فی الفلسفه.

۶- تقریرات دروس اساتیدش در فقه و اصول.

گذشته از آثار علمی دارای پنج فرزند فاضل و صالح می‌باشند که اسامی آنان را یاد می‌نمایم.

۱- حجت‌الاسلام آقا سید محمد تقی جلالی.

۲- حجت‌الاسلام آقا سید محمد حسین جلالی.

۳- حجت‌الاسلام آقا سید محمدرضا جلالی.

۴- حجت‌الاسلام آقا سید محمد جلالی.

۵- آقا سید محمد جواد جلالی.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

جلایر، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۰/۱۲۸۵ ق)، نقاش رنگ و روغن، قلمدانکار و خطاط. نقاشی را در مدرسه‌ی دارالفنون و زیر نظر زبده‌ترین استادان زمان خود آموخت. در اغلب رشته‌های هنری، از قبیل: آبرنگ و سیاه‌قلم و نقطه‌پردازی و شبیه‌سازی پراستعداد بود. آثار رنگ و روغنی خود را با رنگهای شاد و زنده تصویر می‌کرد و بعضی اوقات از رنگ سیاه و سفید استفاده می‌کرد و رنگ و روغن را به روش سیاه‌قلم می‌ساخت. وی زمینه‌ی آثار خود را با گل و برگهای شاد و زنده و ابتکار مخصوص پر می‌کرد. در خطاطی نیز روش خاصی داشت. و از روی خطوط میرزا غلامرضا خوشنویس باشی مشق و با قلم‌مو نقاشی می‌کرد. به خاطر اعتقاد باطنی خاصی که به حضرت علی (ع) داشت، موضوعات هنری را از بین اقطاب و اخوان صفا و قلندران پاکباخته انتخاب و ترسیم می‌کرد. وی شاگردان بسیاری را تربیت کرد و از آن جمله: علی‌اکبر مصور معروف به حجار. از آثار وی: تابلوی «ذبح اسماعیل»، در اندازه‌ی بزرگ که تصویر خیالی ابراهیم و اسماعیل و شماری چند از فرشتگان را نقش‌بندی کرده و با نبوغ هنری خود جنبه‌ی ملکوتی چشم‌گیری به آن تابلو داده است. و این اثر عالی جزو آثار فاخر تزیینی می‌باشد؛ مجلس چایخوری مانند، قصه‌ی معروف یوسف و زلیخا، با رقم: «اسمعیل- غرض نقشی است کز ما باز ماند»؛ دو تابلوی زیبا، به خط نستعلیق استادانه شش دانگ با نام والقاب امین‌السلطان اتابک، با رقم:«اسماعیل»؛ شمایل آبرنگ امیرالمؤمنین با حسنین، با: «رقم کمترین فدویان اسماعیل جلایر»؛ تصویر رنگ و روغن میرزا حسین‌خان سپهسالار بر روی اسب که صورت تصویر را در شیوه‌ی امپرسیونیسم و با تکه رنگهای گوناگون تصویر کرده است، با رقم: «عمل نقاش دولت علیه ایران اسمعیل بن المرحوم حاج زمان خان جلایر». در «احوال و آثار نقاشان» به پانزده اثر دیگر وی نیز اشاره شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۸۸ -۷۷ /۱)، تاریخ هنرهای ملی (۱۰۰۳ -۱۰۰۱ /۲)، گلستان هنر (پنجاه و دو)، هنر قلمدان (۱۲۷ -۱۲۶).

جلایر، آفاق بیگه

قرن:۱۰

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. دختر امیرعلی جلایر و خواهر امیرحسین جلایر از سلسله جلایریان، و همسر حاکم بلخ، امیر درویش علی کتابدار، برادر امیرعلیشیر نوایی بود. در ایام سلطنت سلطان حسین بایقرا در هرات مرجع خاص و عام و صاحب املاک فراوان بود و از اموال خود برای فضلا و شعرا مقرری تعیین کرده بود. یکی از مقرری بگیران او خواجه آصفی بود. بیت زیر از او است:

اشکی که سر ز گوشه‌ی چشمم برون کند

بر روی من نشنید و دعوی خون کند

در تذکره‌ها از او با نام، آغابیگه و بیگی هروی نیز یاد شده است. شیخ آقا بزرگ تهرنی صحیح آن را همان ضبط تذکره‌ی

«مجالس النفائس» یعنی آفاق بیگه می‌داند.[۱]

قرن نهم و دهم هجری، از زنـان نامـدار شاعر. وی دختر امیرعلی جلایر و خواهر امیر حسـین جلایر از سـرداران و شاعران قرن نهم و دهم هجری و نیز همسـر امیر درویش علی کتابدار (برادر امیرعلی شـیرنوایی) بود. به نوشـته تذکره مرآت‌الخیال وی در ایام سـلطنت سلطان حسین بایقرا (۹۱۲ -۸۷۵ ق) در هرات مرجع خـاص و عام و صاحب خـدم و حشم و املاک فراوان بود و از اموال خود برای فضلا و شعرا مقرری تعیین کرده بود و داستان تاخیر مقرری خواجه آصفی و مطایبه او با آفاق مشهور است.

از اشعار اوست:

اشکی که سر ز گوشه چشمم برون کند

بر روی من نشیند و دعوی خون کند

نتوان دید رخ ماه تو را ماه به ماه

زانکه آسان نتوان کرد به خورشید نگاه

آه از آن زلفی که دارد رشته جان تاب از او

وای از آن لعلی که هر دم می‌خورم خوناب از او

آبی که فلک به لب چکاند ما را

سرگشته بود همی دواند ما را

ای کاش به منزلی رساند ما را

کز هستی خود باز رهاند ما را

مطلع زیر را هنگـامی کـه از خـوردن شـراب تـوبه کرده بـود، در محضـر شـاهزاده بـدیع‌الزمان میرزا (- ۹۱۲ ق) کـه به شـرابخواری می‌پرداخته سروده است:

من اگر توبه ز می کردم ای سرو سهی

تو خود این توبه نکردی که مرا می‌ندهی

عرفات العاشـقین این واقعه را مربوط به مهری هروی دانسته و بیت فوق را منسوب به او می‌داند. تذکره‌ها از او به آقابیگم، آغابیگه، آقابیگه و بیگی هروی نیز یاد کرده‌اند.

تذکره جواهرالعجایب او را خواهر امیرحسن جلایر (۷۵۷ -۷۳۶ ق)، از امرای جلایری و خیرات حسان او را همسر امیرحسن می‌داند که این دو گفته درست به نظر نمی‌رسد.[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اندیشه‌نگاران زن (۲۶)، تذکره‌ی روز روشن (۱۱)، حدیقهٔ الشعراء (۲۱۳۵ /۳)، الذریعه (۹ /۹)، زنان سخنور (۵ -۴ /۱)، مجالس النفائس (۱۶۴)، مرآت الخیال (۳۳۷ -۳۳۶)، مشاهیر زنان (۷ -۶).

[۲] منابع: «پرده‌نشـینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره دوم، ۵۱ -۵۰؛ از رابعه تا پروین، ۵۷ -۵۶؛ اعیان‌الشیعه (مستدرکات)، ۷ /۴؛ تـذکرهٔالخواتین، ۵۸ ،۱۳؛ تذکرهٔالشـعرا، ۳۸۵؛ تراجم اعلام‌النسـاء، ۱۹۵ /۱؛ جواهرالعجـایب، ۲۹۵ -۲۹۴ ۱۳۰ -۱۲۹؛ حدیقه‌ی آریانا، ۳۳۴ /۴ ،۵۰۹ /۲، دایرهٔالمعارف تشیع، ۱۲۰ /۱، الذریعه ۹ /۷، روز روشن ۱۱؛ زنان سخنور، ۵ -۴ /۱؛ عرفات‌العاشقین، ۶۶؛ مجالس‌النفایس، ۱۶۴؛ مرآت‌الخیال، ۳۳۷ -۳۳۶.

جلایی

قرن:۱۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

از زنـان شـاعر. به نوشـته خیرات حسـان، تخلص شاعره ایرانی بود و برخی از نویسـندگان، فصاحت و بلاغت او را سـتوده‌اند. تاریخ تولد، وفات و یا زندگی او معلوم نیست.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره نهم، ۵۵؛ خیرات حسان، ۸۸ / ۱.

جِلْدَکی، عزالدین ایدمر

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۳ ق)، دانشـمند. وی منسوب به جلدک. از اهالی خراسان بود و در قاهره ساکن. مدتی نیز در دمشق به تحصیل پرداخت. او در آموختن علم کیمیـا ولع زیـادی داشت. در قـاهره درگـذشت. از آثـارش: «کنز الاختصاص فی معرفهٔ الخواص»؛ «البـدر المنیر فی معرفهٔ اسـرار الاکسیر»؛ «مختصـر»؛ «المصباح فی علم المفتاح»؛ «البرهان فی اسرار علم المیزان»؛ «التقریب فی اسار الترکیب والکیمیا»؛ «غایهٔ السرور فی شرح تمام الشذور».[۱]

علی ابوعزالـدین کیمیاگر و اکسیری معروف اسـلام (ف. ۶۴۷ ه.ق.) وی تألیفـاتی در فن کیمیـا دارد. از آثـار اوست: «المصباح فی اسرار علم المفتاح» و «نتائج الفکر فی احوال الحجر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۵۷/۵)، اعیان الشیعه (۵۱۸ -۵۱۷ /۳)، الذریعه (۱۳/۱۶ ،۶۶۴/۴ ،۶۸/۳)، ریحانه (۴۱۷/۱)، کشف الظنون (۱۷۰۷ ،۲۴۱ ،۲۳۰)، الکنی والالقاب (۱۴۸/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ایدمر جلدکی)، معجم المؤلفین (۲۸/۳).

جلوه، ابوالحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۴ -۱۲۳۸ ق)، فیلسوف، حکیم مشائی و شاعر، متخلص به جلوه. معروف به میرزای جلوه. در احمدآباد گجرات متولد شد. در خاندان دوستدار علم و ادب پرورش یافت. پدرش از شعرای عهد فتحعلی شاه قاجار بود و مظهر تخلص می‌کرد. اصل او از مردم نائین است. جد اعلای وی سید الحکما میرزا رفیع‌الدین نایینی، استاد علامه مجلسی است. جلوه تحصیلات خود را در اصفهان گذراند و در مدرسه‌ی کاسه‌گران به تحصیل حکمت و فلسفه پرداخت. بعد از فراغت از مقدمات به تحصیل فنون علوم معقول از طبیعی و ریاضی، خاصه الهی مشغول شد. پس به تهران آمد و در مدرسه‌ی دارالشفا سکنی گزید و مدت چهل و یک سال در آنجا تدریس کرد. یکبار نیز با امیرنظام گروسی به تبریز رفت. وی سراسر عمر مجرد زیست. از آثار وی: «دیوان» اشعار؛ «رساله در تاریخ صوفیه»؛ «اثبات الحرکهٔ الجوهریهٔ»؛ «حاشیه شرح ملخص چغمینی»؛ «حاشیه شرح هدایه اثیریه»؛ «حاشیه علی المشاعر»؛ «الربط الحادث بالقدیم» و «حاشیه فائده فی تحقیق حرکهٔ الجوهر».[۱]

(بخش ۱) (میرزا) ابوالحسن بن سید محمد طباطبائی از مردم نائین (و. احمدآباد گجرات (هند) ۱۲۳۸- ف. ۱۳۱۴ ه.ق.). وی به اتفاق خانوداه خود (که ایرانی بود) به ایران آمد و پس از توقف در اصفهان و فراگرفتن حکمت اسلامی و فلسفه شرق به تهران شد و مقرب دربار ناصرالدین شاه قاجار گردید. جلوه علاوه بر تبحر در حکت اسلامی طبع شعر نیز داشته و دیوان اشعار او چاپ شده. از آثار علمی او حواشی بر کتاب اسفار تألیف صدرالدین شیرازی در حکمت است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات معاصر (۴۰ -۳۸)، الذریعه (۱۳۴/۱۱ ،۲۰۲/۹ ،۱۳۸ ،۱۲۶ /۶ ،۸۹/۱)، ریحانه (۴۲۰ -۴۱۹ /۱)، سخنوران نامی معاصر (۹۹۷ -۹۹۴ /۲)، شرح حال رجال (۴۱ -۴۰ /۱)، علماء معاصرین (۳۷۹ -۳۷۵)، الکنی والالقاب (۴۹/۱)، المآثر والآثار (۱۶۱ -۱۶۰)، مؤلفین کتب چاپی (۱۴۹ -۱۴۶ /۱)، نامه‌ی دانشوارن (۳۷ -۳۱ /۳)، یادگار (س ۳، ش ۳، ص ۲۹ -۲۸).

جلوه‌ی شیرازی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۹۳ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به مفتون. وی از شیراز برای تجارت به یزد رفت و در آنجا ساکن شد. در اوایل عمر حکاکی می‌کرد و خط نستعلیق را هم خوب می‌نوشت. از اوست:

چو ما را نیست در عشقش نصیبی جز جدایی‌ها

اجل گو تا کند در کار ما مشگل گشایی‌ها

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۳۷۹ -۳۷۸ /۱)، مرآت الفصاحه (۱۳۶).

جلی، ابوتراب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۷ ق)، روزنامه‌نگار و شاعر. در دزفول متولد شد. به سال ۱۳۴۲ ق به بین‌النهرین رفت و دو سال در آنجا مسکن گزید و بعد از مدتی به ایران بازگشت و به اراک رفت، مدتی با روزنامه‌ی اراک همکاری کرد و به دلیل نوشتن مقالات و اشعار مهیّج مدتی زندانی شد. پس از مدتی بار دیگر به بین‌النهرین رفت و به سال ۱۳۲۳ ش به ایران بازگشت و در تهران مقیم شد و با مطبوعات همکاری خود را آغاز کرد و شهرتی به دست آورد. وی بیشتر آثار خود را با امضاهای مستعار رنجبر، خفی، خوشه‌چین، جلیل، مزاحم، در جراید منتشر می‌کرد، چندی آثارش در روزنامه فکاهی «چلنگر» انتشار یافت. از آثار وی: منظومه‌ی «عشق و عفت»؛ «کتابت ابراهیم» که از شاهکارهای نظم فارس معاصر به شمار می‌رود و «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۰۲/۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۸/۳)، سخنوران نامی معاصر (۱۰۰۳ -۹۹۸ /۲)، فرهنگ سخنوران (۲۱۹)، مؤلفین کتب چاپی (۱۲۰/۱).

جلیل‌زادگان، قدیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۱۰، اردبیل.

درگذشت: ۱ خرداد ۱۳۷۱، اردبیل.

قدیر جلیل‌زادگان متخلص به «انور اردبیلی» در کوچه‌ی اصغریه در اردبیل دیده به جهان گشود. «انور اردبیلی» در مرثیه‌سرایی استاد بود. از وی ده کتاب در رثای شهیدان کربلا و ائمه معصومین به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جلیلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ مصطفی بن العالم الجلیل آقا شیخ مرتضی جلیلی کرمانشاهی از علماء اعلام و حجج اسلام و دانشمندان با متانت و وقار حوزه علمیه قم است که صبحها در مسجد موزه آستانه مقدسه فاطمیه علیهاسلام اقامه جماعت دارند و در هنگام مسافرت آیت‌الله العظمی شریعتمداری به جای ایشان در همان محل امامت و نیابت می‌نمایند. در ذی‌القعده الحرام در سال ۱۳۱۹ ق در کرمانشاه متولد و در مهد تربیت والد ماجد نشو و نما یافته و مقدمات و سطوح اولیه را در کرمانشاه دیده و در سن بیست سالگی مشرف به نجف اشرف و مدت ده سالی تقریبا توقف نموده و سطوح عالی را از مدرسین نجف آموخته و در سال ۱۳۴۸ ق به قم مهاجرت و مدت هفت سالی از مجلس درس آن مرحوم و سایر علماء استفاده نموده و هم مدت بیست سال از ابحاث فقه و اصول مرحوم آیت‌الله حجت و پانزده سال از دروس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی بهره‌مند شده و هم ضمنا تدریس فقه و اصول نموده است.

آیات عظام گذشته قم و نجف اشرف مراتب علمی و اجتهاد معظم‌له را تصدیق نموده و اجازاتی که به نظر این مؤلف رسیده است برای آن جناب صادر فرموده‌اند و حقا ایشان واجد مقام علم و کمالات نفسانی و ملکات معنوی و از افراد موفق می‌باشد .

آثار علمی ایشان که حقیر دیده‌ام به قرار زیر است:

۱- رساله قاعده لاضرر که تقریرات درس مرحوم آیت‌الله حجت است.

۲- حواشی بر کفایه الاصول ۳- حواشی بر جواهر الکلام ۴- حواشی بر عروه‌الوثقی . ۴- حواشی بر منظومه سبزواری.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

جلیلی کرمانشاهی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، ادیب.

تولد: ۱۲۹۸، کرمانشاه.

درگذشت: ۳۰ آبان ۱۳۵۸.

محمدحسین جلیلی کرمانشاهی متخلص به «بیدار»، فرزند آیت‌الله هادی کرمانشاهی رییس حوزه‌ی علمیه‌ی کرمانشاه ابتدا چند سالی در مدارس همان شهر به تحصیل علوم جدید اشتغال داشت و به اقتضای خانوادگی نزد پدر و علامه حیدرقلی‌خان سردار کابل و آزاد همدانی به تحصیل علوم مذهبی اسلامی پرداخت و ادبیات عرب و حدیث و فلسفه و فقه را فراگرفت. و سپس برای تکمیل مطالعات خود در سال ۱۳۱۸ به تهران آمد و در دانشکده‌ی علوم معقول و منقول ثبت نام نمود و این رشته را تا اخذ لیسانس از آن دانشکده در سال ۱۳۲۲ ادامه داد. پس از آن به کرمانشاه بازگشت. ابتدا در یکی از شعب بانک ملی ایران به کار پرداخت اما بعد از مدتی استعفا داد. به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به تدریس ادبیات در دبیرستان‌ها اشتغال ورزید.

از آثار اوست: کرمانشاهان باستان (با همکاری دکتر مسعود گلزاری)، ابکار الافکار، تاریخ ایل و طایفه زنگنه، تاریخچه‌ی اوقاف در کرمانشاه، تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا مشروطیت، یک دوره صرف و نحو و دستور زبان فارسی، ترجمه زبدهٔ النصرهٔ و نخبهٔ العصرهٔ، تألیف بنداری اصفهانی که در سال ۱۳۶۵ به نام تاریخ سلسله‌ی سلجوقی از طرف انتشارات بنیاد فرهنگ ایران طبع و نشر شد. دیوان اشعارش را یدالله عاطفی جمع‌آوری و با مقدمه‌ی غلامرضا کیوان سمیعی به چاپ رسانید و چند اثر دیگر که به چاپ نرسیده است.

محمدحسین جلیلی کرمانشاهی در سال ۱۳۵۸ به بیماری سرطان مثانه بدرود حیات گفت و در بهشت زهرای تهران به خاک سپرده شد.

محمدحسین جلیلی متخلص به بیدار فرزند مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدهادی کرمانشاهی از ادباء و فضلاء معاصر کرمانشاه است.

وی در سال ۱۲۹۸ شمسی در کرمانشاه متولد شده مقدمات و ادبیات و سطوح عالیه را در کرمانشاه از محضر والد معظم خود و آقای آیت‌اللّٰه حاج شیخ حسن علامی و مرحوم سردار کابلی فراگرفته و در علوم جدید فارغ‌التحصیل از دانشکده حقوق می‌باشد. بیدار شاعری فرزانه و ادیبی کم‌نظیر است.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جلیلی، احمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمدرضا جلیلی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۲/۶

زندگینامه علمی

اینجانب پس از فراغت از دبیرستان و علاقه وافری که به زبان انگلیسی داشتم در کنکور سال ۱۳۵۷که مصادف با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی بود شرکت کردم و به دانشگاه راه یافتم و تحصیلات خود را در رشته زبان و ادبیات انگلیسی آغاز کردم. اما دیری نپایید که دانشگاههای سراسر کشور به سبب وجود عناصر مخرب ضد انقلابی و گروهک‌های محارب و انتشارات دانشجویی به تعطیلی کشیده شد و طی آن مراکز عالی دانشگاهی از لوث وجود آنان پاکسازی شد که این جریان به انقلاب فرهنگی معروف است در طی نزدیک به سه سال تعطیلی دانشگاه به سبب شور و علاقه ای که برای کار در مناطق محروم داشتم، به دبستان کهگیلویه و بویراحمد عزیمت کردم و در شهر یاسوج (مرکز آن استان) در دو دبیرستان و یک مدرسه راهنمایی به کار تدریس پرداختم. علاوه بر شهر یاسوج، به مدت یکسال در استان اصفهان در دو روستای اطراف مبارکه به کار تدریس مشغول شدم.

با بازگشایی دانشگاه‌ها در سال ۶۱ در رشته فوق الذکر تحصیلاتم را ادامه دادم و در سال ۶۵ موفق به اخذ مدرک کارشناسی در رشته زبان و ادبیات انگلیسی شدم و برای انجام دادن خدمت مقدس سربازی سپاه را به عنوان محل خدمت برگزیدم و پس از طی مراحل گزینش خوشبختانه کاری متناسب با رشته تحصیلی‌ام در دانشگاه امام حسین(ع) عهده دار شدم در آن ایام به کار ترجمه علاقه روز افزونی پیدا کرده بودم لذا در دانشگاه اما م حسین(ع) علاوه بر کار تدریس، بیشتر اوقات خود را صرف ترجمه متون می کردم. پس از آن، به علت دشواری‌های زندگی خصوصاً در محیط تهران، درخواست انتقال به قم و کار در دانشکده شهید محلاتی را نموده و بالاخره، با زحمت فراوان موفق به جلب رضایت مسئولین شدم و تا سال ۷۱ که سال پایان خدمت پنج ساله (سرباز افتخاری)ام بو د، در آن دانشکده به کار تدریس و ترجمه مشغول بودم. در این اثنا موفق شدم که برای اوقات بیکاری خود در بنیاد باقرالعلوم(ع) که زیر نظراستاد آیت الله مصباح یزدی اداره می شد کاری دست و پا کنم. با پایان یافتن دوران خدمت سربازی از نیمه دوم سال ۷۱ در بنیاد باقرالعلوم(ع) و سپس در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) به طور رسمی و تمام وقت کار خود را آغاز کردم که هنوز هم به آن کار مشغولم. در طی دورانی که در موسسه امام خمینی(ره) فعالیت کرده ام و با مطالعات جسته و گریخته ای که در زمینه فلسفه دین داشته ام، چندین و چند مقاله برای مجلاتی از جمله «معرفت»، «حوزه و دانشگاه»، «نقد و نظر»، ترجمه کرده ام .

جلیلی، جهانگیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۸ –۱۲۸۸ ش)، نویسنده و شاعر. در تهران به دنیا آمد. وی دارای تحصیلات عالی در پایه‌ی لیسانس، و کارمند وزارت دارایی و اداره‌ی انحصار تریاک بود. در آغاز جوانی به سرودن شعر روی آورد و قطعات نظم و نثر زیادی در روزنامه‌ها منتشر کرد. او پیرو سبک محمد مسعود بود. جلیلی مدت دو سال مدیریت روزنامه «جوانان ایران» را که در کالج آمریکایی‌ها نشر می‌شد، به عهده داشت. از آثار وی: داستان کوتاه «من هم گریه کرده‌ام»؛ «کاروان عشق».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :از نیما تا روزگار ما (۳۱۷ –۳۱۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴۹ –۴۴۸ /۲).

جلیلی، حسام‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسام‌الدین جلیلی از علماء و ائمه جماعت معاصر کرمانشاه می‌باشد.

وی در سال ۱۳۴۹ ق در نجف اشرف متولد شده و در سال ۱۳۵۰ ق با مرحوم والدش به کرمانشاه آمده و بعد از طی دوران کودکی مشغول به تحصیل دبستان و دبیرستانی گردیده و در روز عید فطر سال ۱۳۶۶ ق در سن هفده سالگی در لباس مقدس روحانیت وارد و به خواندن مقدمات و ادبیات عرب نزد مرحوم والدش پرداخته و تا مقداری از سطوح را در وطن خویش خوانده و در سال ۱۳۷۱ ق به قم مهاجرت و بقیه سطوح را در خدمت حاج شیخ محمدتقی ستوده اراکی و آقا میرزا علی آقای مشکینی و آقا شیخ جواد تبریزی و آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر سلطانی و معقول را خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد فکوری خوانده.

و پس از تکمیل سطوح از درس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی امام خمینی و پس از فوت مرحوم آقای بروجردی از محضر آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری و مقداری از آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی استفاده نموده و در سال ۱۳۸۹ قمری به واسطه مریضی و کهولت مرحوم والدش حسب‌الامر مراجع عظام به وطن خود کرمانشاه برگشته و بعد از فوت والدش در مسجد عمادالدوله به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

دارای تألیفات عدیده می‌باشد که هیچکدام به طبع نرسیده و نگارنده هم زیارت نکرده‌ام و نیز اجازات چندی در امور حسبیه و روایتی دارند و در حال حاضر سرپرستی مدرسه عمادالدوله نیز به عهده ایشانست.

نگارنده گوید: مترجم عزیز ما در تمام اخلاق و رفتار و حتی طرز لباس و عمامه (اشبه الناس خلقا و خلقا و لباسا) به پدر بزرگوارش می‌باشد و به قول شاعر عرب.

بابه اقتدی عدی فی الکرم

فمن یشابه ابه فما ظلم

و به گفته شاعری فارسی زبان

گرچه گل رفت و گلستان شد خراب

بوی گل را از چه جویم از گلاب

مردم کرمانشاه همان نظری که به مرحوم والدش داشتند به ایشان دارند و وی را به همان دیده می‌نگرند ادام‌اللّه توفیقه و عزه.

و مخفی نماند که ترجمه ایشان و والد مبرورشان باید در باب اعلام معاصرین کرمانشاه یاد شود ولی چون در آن هنگام به واسطه گرفتاری و ابتلاء این حقیر مفقود و مجددا وقتی رسید که جلد ششم تمام و منتشر از این‌رو در اینجا تدارک نمودیم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

جلیلی، شجاع‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شجاع‌الدین ابن حجهْ‌الاسلام حاج شیخ بهاءالدین (معروف به نظام‌العلماء) بن مرحوم آیت حاج شیخ محمدصالح جلیلی کرمانشاهی از علماء اعیان و مشهور استان کرمانشاه و عالمی متین و باوقار و اخلاقی بودند.

تولدشان در سال ۱۳۱۸ ق در شهر کرمانشاه واقع شده و پس از گذرانیدن دوران کودکی در دامن والد ماجدش خدمت مرحوم آقا شیخ حسن کربلایی و آقا شیخ احمد نجفی کرمانشاهی مقدمات و سطوح را به پایان رسانیده و در سال ۱۳۳۹ عزیمت به نجف اشرف نموده و از دراسات فقه آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و اصول آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و حکمت و معقول را خدمت عالم جلیل مرحوم آقا شیخ مرتضی طالقانی که یکی از اوتاد و زهاد عصر خود بود استفاده نموده‌اند.

و بعد از پنج سال اقامت و مجاورت به واسطه اغتشاش اوضاع عراق و تبعید آیات عظام نجف به ایران اجبارا به وطن خود برگشته و مدت یکسال توقف و در خلال آن مشرف به مکه شده و بعد از مراجعت به قم آمده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی و آیت‌اللّه یثربی و آیت‌اللّه حاج شیخ ابوالقاسم اصفهانی مدت یک سال بهره‌مند گردیده.

و در سال ۱۳۴۶ مجددا به نجف مهاجرت تا سال ۱۳۵۰ توقف و از محضر آیتین اصفهانی و عراقی مستفیض شده و پس از رسیدن به مقام شامخ اجتهاد و دریافت اجازه به کرمانشاه بازگشته و به انجام وظایف دینی و روحی از قبیل اقامه جماعت و تعلیم و تربیت عده‌ای از محصلین کرمانشاه نموده و در سال ۱۳۸۵ ق اقدام به تأسیس مدرسه علمیه (عمادالدوله) که تا هم‌اکنون از مدارس دائر کرمانشاه و در تحت سرپرستی فرزند برومندش حاج‌آقا حسام‌الدین اداره می‌گردد.

وی در روز یکشنبه دوم ربیع‌الثانی ۱۳۹۳ ق دار فانی را وداع گفته و با تجلیل فراوان تشییع و حمل به قم گردیده و در آنجا نیز عموم مراجع و آیات عظام و حوزه علمیه تشییع نموده و در مقبره فاطمیه بین مسجد اعظم و صحن عتیق مدفون گردیدند.

دارای آثار قلمی چندیست که به آن اشاره می‌گردد.

۱- تقریرات دوره کامل فقه آیت‌اللّه اصفهانی به نام (دررالفقهیه) ۲- دوره کامل اصول آقا ضیاءالدین عراقی بنام (دررالنجفیه) ۳- رساله‌ای در لاضرر ۴- کتابی در توحید ۵- کتابی در اثبات امامت و ولایت ۶- مجموعه‌ای در تمام مجالس منبر آن مرحوم در ماه مبارک رمضان و دهه عاشوراء

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

جلیلی، عبدالرحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ عبدالرحیم بن عبدالرحمن بن عبدالاحد بن عبدالجلیل معروفترین شخصیتهای خانواده جلیلی مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالرحیم کرمانشاهی است وی از اعاظم فقها و مراجع تقلید دوره ناصری محسوب بوده و در سال ۱۲۳۲ هجری قمری در کرمانشاه متولد شده علوم مقدماتی و سطوح را در کرمانشاه فراگرفته و مدتی در بروجرد از محضر فقیه ملا اسداللَّه بروجردی کسب فیض کرده سپس برای تکمیل تحصیل به نجف اشرف مشرف گردیده مرحوم شیخ عبدالرحیم غالب تحصیلات عالیه خود را در خدمت مرحوم شیخ حسن بن شیخ جعفر کاشف‌الغطاء مؤلف کتاب انوارالفقاهۀ انجام داده پس از مرحوم شیخ حسن از محضر درس مرحوم صاحب جواهر مستفیض گردیده و از بزرگان اساتید مانند صاحب جواهر و شیخ علی کاشف‌الغطاء و سید علینقلی کربلائی و سید علی صاحب برهان قاطع باخذ اجازه اجتهاد نائل آمده مرحوم حاج شیخ عبدالرحیم مرجع تقلید مردم کرمانشاه بوده و منصب قضاء و حل و فصل دعاوی اهالی را به عهده داشته حدود سی جلد کتاب و رسائل مختلف در فقه و اصول از خود به یادگار گذاشته که مهمترین آنها عبارتند از: کشف‌الاسرار در شرح دره بحرالعلوم- لمعات‌الانوار در مقدمات صلوۀ- کتاب البیع- کتاب الاجارۀ- مجمع‌المسائل- دقایق‌الاصول- رساله درر با رساله در استعمال اوانی ذهب و فضه- اثنی عشریه در حل مشکلات اخبار و احادیث- رساله در کیفیت زیارت عاشورا- کتاب سرالاسرار در وقایع جانگداز طف مرحوم علامه سید محسن عاملی در کتاب اعیان‌الشیعه در جزو ۳۷ صفحه ۱۲۷ شرح احوالات حاج شیخ عبدالرحیم مفصلا اشاره نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

جلیلی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد بن عبدالجلیل در معقول و منقول صاحب نظر بوده و دارای تألیفاتی چون شرح اصول کافی است حاج آقا محمد شکسته نستعلیق را خوش می‌نوشته و کتب بسیاری به خط خوش خود استکتاب کرده است حاج آقا محمد به عربی و فارسی شعر می‌سروده و بارق تخلص می‌کرده در سال ۱۲۸۱ قمری در کرمانشاه فوت نموده و جنازه او را به نجف اشرف برده و در وادی‌السلام مدفون شد

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

جلیلی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۸ –۱۲۹۸ ش)، نویسنده و شاعر، متخلص به بیدار. وی در کرمانشاه دیده به جهان گشود. پدرش از بزرگان علمای کرمانشاه بود و ریاست حوزه‌ی علمیه‌ی آن شهر را به عهده داشت. وی دوره‌ی ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان رسانید، آنگاه به تحصیل علوم قدیمه پرداخت و از محضر استادان عصر مثل آزاد همدانی و سردار کابلی کسب فیض کرد و دانش اندوخت. بعدا برای ادامه‌ی تحصیل به دانشکده‌ی معقول و منقول راه یافت و به اخذ لیسانس نایل شد. جلیلی از شاعران توانا و پرمایه بود، از سبک اساتید کهن پیروی می‌کرد و غزل را خوب می‌سرود. از جمله‌ی آثار وی: «کرمانشاهان باستان»؛ «تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا مشروطه»؛ «تاریخ ایل و طایفه‌ی زنگنه»؛ ترجمه‌ی «زبدۀ النصرۀ و نخبۀ العصرۀ»، در دستور زبان فارسی؛ «تاریخ سلسله‌ی سلجوقی»؛ «ابکار الافکار» و «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینده (س ۵، ش ۱۲ –۱۰، ص ۹۵۶ –۹۵۵)، تاریخ مشاهیر کرد (۴۲۴/۲)، سخنوران نامی معاصر (۶۵۰ –۶۴۵ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۵۵).

جلیلی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای محمدجواد شباب فرزند حاج محمدصالح (اخوی‌زاده مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ عبدالرحیم کرمانشاهی) متولد ۱۲۷۱ و متوفی ۱۳۵۳ می‌باشد.

مرحوم شباب از شعراء و دانشمندان بنام عصر خود بوده و در دربار قاجار منزلتی داشته و کتاب لسان‌العاشقین خود را بنام مرحوم علی‌اصغر خان اتابیک موشح نموده است.

مرحوم شباب در حدود هجده جلد کتاب در شعر و ادبیات تألیف نموده که کتاب شکرستان و مخزن‌اللئالی از آنها به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

جلیلی، محمدهادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدهادی بن شیخ عبدالرحیم- حاج شیخ محمدهادی جلیلی کرمانشاهی در سال ۱۲۸۸ قمری در کرمانشاه دیده به جهان گشوده تحصیلات مقدماتی و سطوح را طبق معمول آن زمان در زادگاه خود فراگرفت و در سال ۱۳۰۸ ق برای تکمیل تحصیلات خود به نجف اشرف عزیمت نمود و در نجف اشرف به حلقه درس غالب بزرگان عصر چون میرزا حبیب‌اللّه رشتی و حاج شیخ هادی تهرانی و سید محمد بحرالعلوم صاحب بلغهٔ‌الفقیه راه یافت و سرانجام در ملازم درس مرحوم آیت‌اللّه آخوند ملا محمدکاظم خراسانی گردید مرحوم حاج شیخ محمدهادی پس از نیل به مقام منیع مرجعیت و دریافت اجازات متعدد از اساتید خود به زادگاه اصلی خویش کرمانشاه مراجعت نموده و تا قبل از تشکیل دادگستری به قضاوت شرعی و حل و فصل امور مردم اشتغال داشت مرحوم آیت‌اللّه جلیلی بر حسب تقاضای مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی حوزه علمیه کرمانشاه را تأسیس نمود و به تربیت طلاب علوم دینیه همت گماشت تدریس بحث خارج و اداره امور طلاب را بعهده گرفت تا اواخر عمر شریف خود به تدریس و تألیف کتب فقهی و اصولی اشتغال داشت تألیفات مغفور له بالغ بر بیست مجلد کتاب و رساله است که مهمترین آنها عبارتند از تتمیم کشف‌الاسرار: در این کتاب مرحوم والد ماجدشان دره بحرالعلوم را شرح نموده و قبل از اتمام فوت نموده مرحوم حاج شیخ محمدهادی از مصرع (و سن فیها لحد موسع) تا آخر منظومه را شرح نموده و فصولی در احکام نماز جماعت بر آن افزود.

دیگر از تألیفات ایشان کتاب الطهاره- کتاب القضاء- رساله در مزارعه و مساقات- کتاب الطلاق- رساله در مشتق- رساله در برائت- رساله در حجیت ظن- رساله در میراث زوجه- رساله در اجتماع امر و نهی- رساله در تعادل و تراجیح رساله در مسئله ضد- کتاب القضاء- می‌باشد مرحوم شیخ محمدهادی رئیس مطاع و دارای محبوبیتی خاص در بین اهالی کرمانشاه و اطراف آن بود، نه تنها مورد اعتماد و احترام مسلمانان بودند بلکه اقلیت‌های مذهبی هم به ایشان ارادت می‌ورزیدند مرحوم آیت‌اللّه جلیلی در سال ۱۳۷۵ قمری در ماه مبارک رمضان در حال اداء فریضه ظهر در نجف اشرف به رحمت ایزدی پیوستند و در وادی‌السلام دفن شدند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

جلیلی، ولی‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۶ -۱۲۸۰ ش)، مدرس. وی در روستای اسفه و در خانواده‌ای روحانی متولد شد. جلیلی دروس مقدماتی را نزد پدر آموخت، سپس به شاگردی نزد میرزا حسین مدرسی پرداخت و پس از طی دوره‌ی مقدماتی تحصیل، راهی اصفهان شد و در مدرسه‌ی جدّه‌ی کوچک به تحصیل ادامه داد. پس از پایان تحصیلات، زندگی خود را وقف خدمت به اسفه و روستاهای اطراف کرد. جلیلی از دوستداران مدرس بود و عمری در خانه‌ی او زندگی کرد و از محضر او بهره‌مند شد. در زمان تبعید مدرس به خواف، وی در حوزه‌ی علمیه‌ی شهری نزدیک به خواف و محل زندان او به تدریس پرداخت تا به مرشد خود نزدیک باشد. وی در اسفه دفن است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۰/۳).

جم مشهدی، محمد شریف

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. متخلص به جم. وی مدتی به هند رفت و در ملازمت میرزا جعفر آصف خان اکبری به سر برد و بعد در ملازمت شاهزاده سلطان شاهجهان قرار گرفت. وی طبعی لطیف داشت. در اثنای جنگ شاهجهان با پدر خویش جهانگیر پادشاه به شهادت رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۰۲/۹)، صبح گلشن (۱۰۶)، فرهنگ سخنوران (۲۱۹)، کاروان هند (۳۰۵ -۳۰۴ /۱)، مخزن الغرائب (۶۰۵/۱).

جمال حسن اصفهانی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، نقاش و خطاط. در خراسان زندگی می‌کرده و به غیر از هنر نقاشی در ریخته‌گری نیز مهارت داشته و در خطاطی صاحب قلم بوده است. از آثار این استاد مفرغی هنرمندانه‌ای است که در مسجد جامع هرات قرار گرفته، با رقم: «عمل العبد حسن بن علی بن حسن ابن استاد علی صفاهانی المذکور به جمال حسن ۷۷۶».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۴۴۶/۳).

جمال خجندی، جمال‌الدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. وی از خاندان آل‌خجند اصفهان بود که مدت چندین قرن ریاست علمی اصفهان را بر عهده داشتند. جمال‌الدین مدح خاندان آل‌صاعد در اصفهان می‌گفت و خود نیز ممدوح جمال‌الدین اصفهانی بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران (۷۳۲، ۶۱/ ۲)، تذکره‌ی روز روشن (۱۷۸)، تذکرهٔ القبور (۲۲)، فرهنگ سخنوران (۲۲۰)، لباب الالباب (۲۶۸ -۲۶۶ /۱)، هفت اقلیم (۳۶۰/۲).

جمال کازرونی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. عالمی از سادات کازرون بود و از علم و فضل بهره‌مند و در شعر و سخن ارجمند بود. از اوست:

وصل تو داد وعده‌ی فردا، ولی مرا

از ذوق وعده، عمر به فردا نمی‌رسد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فارس (۱۲۴/۲)، صبح گلشن (۱۰۶)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۴۴۵/۲)، فرهنگ سخنوران (۲۲۱)، مخزن الغرائب (۶۰۳/۱)، مرآت الفصاحه (۱۳۷ -۱۳۶)، نشتر عشق (۳۴۴/۱).

جمال کاشانی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۸۴ ق)، شاعر. وی با اباقاخان مغول معاصر بود. جمال در شعر از سعدی شیرازی پیروی می‌کرد و به همین جهت سخن وی از لطافت بهره‌مند بود. از اشعار مشهور وی ترجیع بندی است که به تقلید از ترجیع‌بند معروف سعدی سروده است، با مطلع زیر:

من مستم و رند لاابالی

وین شیوه مراست لایزالی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۱۱۷/۳)، الذریعه (۲۰۳، ۷۸/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۲۲۲ -۲۲۱)، هفت اقلیم (۴۵۶/۲).

جمال مشهدی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. ترجمه‌ی احوال وی را جزو خوشنویسان نیاورده‌اند. از آثار وی: یک نسخه نفیس «دیوان» سلطان ابراهیم میرزا صفوی متخلص به جاهی، به قلم کتابت متوسط و با رقم: «... فی شهور سنه ۹۸۹ کتبه جمال المشهدی»؛ یک نسخه رساله‌ی منظوم «قواعد خطوط» سلطانعلی مشهدی، به قلم کتابت جلی متوسط و با رقم: «کتبه جمال المشهدی غفرالله ذنوبه و ستر عیوبه»؛ قطعه‌ای از یک مرقع کتابخانه‌ی خزینه‌ی اوقات استانبول، به قلم دودانگ و کتابت خوش، با رقم: «کتبه جمال المشهدی»؛ دو بیت شعر از سعدی، در پشت یک نسخه «روضهٔ الصفا»، به تاریخ ۹۸۶ ق، به قلم کتابت خوش، که چنین رقم دارد: «حسب الامر حضرت آصف جاهی، خواجه حمزه بیگ، مرقوم شد. عبده جمال المشهدی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۸ -۱۲۷ /۱).

جمالا شیرازی، جمال

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۹۶ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به واله. وی برادر شمسا، مشهور به بینی است. جمالا شعر می‌گفت و در خط نستعلیق شاگرد میرعماد بود. حاجی جمال از اصفهان به هندوستان سفر کرد و تا پایان عمر در آنجا ساکن شد. از خطوط وی: یک نسخه «کشکول» شیخ بهایی، به قلم کتابت تحریر متوسط، با رقم: «قد فرغ من تحریر هذه النسخه... سنهٔ ست و تسعون و الف من الهجرهٔ... کتبه العبد حاجی جمال ابن ملک محمد شیرازی»؛ کتاب دیگری به همان قلم، با رقم: «... سنهٔ تسع و ثمانون و الف من الهجرهٔ... کتبه العبد حاجی جمال ابن ملک محمد شیرازی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۷ -۱۲۶ /۱)، اطلس خط (۵۳۸)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۸۸)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۱۱۴/۲)، الذریعه (۱۲۵۶ -۱۲۵۵ /۹)، ریحانه (۲۹۸/۶)، صبح گلشن (۵۸۵)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۴۴۵/۲)، فرهنگ سخنوران (۹۷۳)، کاروان هند (۱۵۰۳/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ واله).

جمال‌الدین، اسدآبادی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسدآبادی (سید) بن صفدر متفکر و مصلح اجتماعی شرق (و. اسدآباد ۱۲۵۴- مقت. ۱۳۱۴ ه.ق.) مردی آزادی خواه و آزادمنش و دارای افکار و عقاید فسلفی و سیاسی و اجتماعی و طرفدار استقرار دموکراسی در ممالک شرق و ایجاد وحدت میان مسلمانان و تشکیل اتحادیه دول اسلامی. وی همه عمر را با استبدار سلاطین ایران و عثمانی و مصر و سیاست استعماری انگلستان در مبارزه بود و پیوسته به شرق و غرب سفر سفر میکرد. در پاریس روزنامه عروهٔالوثقی را انتشار داد و به سیاست انگلستان در شرق حمله کرد. در قاهره و استانبول و هند و افغانستان طی نطقهای پرشوی افکار آزادیخواهانه را به مردم تلقین کرد. در سال ۱۳۰۶ ه.ق. به امر ناصرالدین شاه بار دوم تبعید گردید و به لندن رفت و روزنامه ضیاءالخافقین را به زبانهای عربی و انگلیسی منتشر کرد و مجددا مورد تعقیب واقع شد و ناچار خاک اروپا را ترک کرد و به استانبول رفت. سلطان عبدالحمید عثمانی برای ایجاد اتحادیه مسلمین از او به گرمی پذیرائی کرد اما وقتی متوجه شد که سید قصد دارد پادشاه ایران را به ریاست چنان اتحادیه‌ای منصوب کند سید را مسموم کرد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

جمالی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صوفی، یحیی، خطاط معروف (قر. ۸ ه.) معاصر شاه شیخ ابواسحاق اینجو. وی در شیراز می‌زیست. آثار مخطوط وی در موزه پارس (شیراز) موجود است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

جمالی اسدآبادی، صفات‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، مؤلف.

تولد: ۱۲۷۱، اسدآباد همدان.

درگذشت: ۱۳۶۱.

صفات‌الله جمالی اسدآبادی، متخلص به «صفا»، فرزند لطف‌الله محزون و خواهرزاده‌ی سید جمال‌الدین اسدآبادی، پس از فراگیری خواندن و نوشتن در مکتب، علوم مقدماتی را در زادگاهش و کرمانشاه نزد سید هادی روح‌القدس و محسن فقیه اسدآبادی فراگرفت.

صفات‌الله جمالی اسدآبادی از آن پس در دستگاه محمدحسن‌خان افشار به خدمت پرداخت و مدت ده سال در قریه‌ی حسام‌آباد واقع در چهارده کیلومتری بخش اسدآباد خدمت کرد. چون طرز رفتار و سلوک مستبدانه‌ی مالکین با طبقه کشاورزان غیر عادلانه و خودسرانه بود نتوانست تحمل کند و ناگزیر ترک خدمت کرد. آنگاه در سال ۱۳۰۴ به استخدام فرهنگ درآمد و مدت سی سال در اسدآباد و همدان با سمت آموزگاری و بازرسی آموزشگاه‌ها به خدمت پرداخت و در مهر ماه سال ۱۳۳۵ بازنشسته شد.

«صفا» از شاعران و نویسندگانی است که به اشعار و مقالاتش در دوره‌های مجله «ارمغان» به چاپ می‌رسید. از آثار اوست: اسناد و مدارک ایرانی بودن سید جمال‌الدین اسدآبادی، رساله‌ی راهنمای رستگاری، رساله‌ای منظوم از دعای روزهای ماه رمضان، شرح حال شعرای اسدآبادی، و کتابی درباره‌ی وضع اقتصادی اسدآباد. وی در سال ۱۳۳۵ دیوان پدرش محزون را به طبع رسانید.
(۱۳۶۱ -۱۲۷۱ ش)، نویسنده و شاعر، متخلص به صفا. در اسدآباد همدان به دنیا آمد. وی خواندن و نوشتن را در مکتب آموخت و علوم مقدماتی را در زادگاهش در محضر حاج سید هادی روح‌القدس و حاج میرزا محسن فقیه اسدآبادی فراگرفت و پس از آن در دستگاه محمدحسین خان افشار به خدمت پرداخت. جمالی پس از چندی به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در سمت آموزگاری و بازپرسی آموزشگاهها خدمت کرد. از آثار او: «اسناد و مدارک ایرانی بودن سید جمال‌الدین اسدآبادی»؛ «رساله‌ی راهمای رستگاری»؛ «رساله‌ای منظوم از دعای روزهای ماه رمضان»؛ «شرح حال شعرای اسدآباد»؛ «کتابی درباره‌ی وضع اقتصادی اسدآباد» و «طبع دیوان پدرش محزون».[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] سخنوران نامی معاصر (۲۲۹۰ -۲۲۸۶/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۴۸/ ۳).

جمالی تربتی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به جمالی. زنی خوش‌ذوق و با استعداد بود که غزل را نیک می‌سرود. او خواهری به نام فخرالنساء داشته که او نیز غزل می‌سرود و نسایی، تخلص می‌کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از رابعه تا پروین (۹۱)، تاریخ نظم و نثر (۶۹۵)، تذکره‌ی روز روشن (۲۳۶)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۴۸/۲)، جواهر العجائب (۱۳۵)، خیرات حسان (۱۶۳/۱)، دانشمندان آذربایجان (۹۹ -۹۸)، الذریعه (۲۰۴/۹)، زنان سخنور (۱۵۱/۱)، فرهنگ سخنوران (۲۲۳ -۲۲۲)، مشاهیر زنان (۸۳).

جمالی شوشتری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. در اوایل دوره‌ی صفویه تا زمان شاه‌اسماعیل دوم در قید حیات بود. از احوال او جز این اطلاعی در دست نیست. اثر وی «فتوح العجم» نام دارد که در خصوص فتح تبریز به دست عثمان پاشا در سال ۹۹۴ ق سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران (۵۷۷/۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۹۷).

جمالی کاشانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی نیز همانند پدرش شاعر بود و برخلاف او که به سرودن هجویات گرایش داشت، به طلب علم و دانش مشغول بود. از اوست:

شب هجران او جز ناله نبود هم نفس ما را

به غیر از اشک بر بالین نباشد هیچکس ما را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۲۸۳)، تذکره‌ی روز روشن (۱۸۱)، الذریعه (۲۰۵ -۲۰۴/ ۹).

جمالی مهریجردی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، شاعر. از شعرای سلجوقی و معاصر لامعی و برهانی بود. منظومه‌ای به نام «بهمن نامه» منسوب به اوست، اندکی از اشعار او در فرهنگ‌ها به یادگار مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۳۸۷/۲)، تاریخ نظم و نثر (۵۱)، فرهنگ سخنوران (۲۲۳)، مجمع الفصحا (۱۱۵۴/۳).

جمالی، جمال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۱۰، ق.، شیراز.

درگذشت: ۱۳۵۶، شیراز.

جمال‌الدین جمالی متخلص به «جمال» و گاه «جمالی»، فرزند محمدعلی، از جوانی به شعر گفتن پرداخت. از شانزده سالگی به تحصیل مقدمات ادبیات فارسی و عربی اشتغال ورزید. چون جوانی او مصادف با انقلابات مشروطیت و بعد جنگ‌های جهانگیر اول و قیام تنگستانی‌ها علیه انگلیسی‌ها و زد و خوردهای داخلی شیراز بود، قصاید و غزلیات و قطعاتی که ناشی از شور وطن‌دوستی بود، سرود که در جراید محلی شیراز و در کتاب‌های آن دوران، از جمله در کتاب دلیران تنگستانی به چاپ رسیده است. انتشار این قبیل اشعار موجب دستگیری و تعقیب از سوی کنسولگری انگلستان در شیراز و حامیان اجانب گردید. «جمال» سی سال آخر عمر را با افکار و عقاید عرفانی روزگار گذرانید و در انزوا به سر برد. گزیده‌ای از دیوان او به نام جلوه‌ی جمال به سال ۱۳۶۲ ق. در شیراز به چاپ رسید.

جمال‌الدین جمالی تا سال ۱۳۱۴ در اغلب انجمن‌های ادبی از جمله انجمن فرصت و سالار و فارس حرکت می‌کرد. وی در نود و هفت سالگی در شیراز فوت کرد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جمالی، فیروز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر فیروز جمالی درسال ۱۳۲۳ در شهرستان مراغه بدنیا آمد.وی در سال ۱۳۶۴مدرک دکتری در رشته جغرافیا را از دانشگاه دورهام — انگلستان با موفقیت اخذ کرد. دکتر جمالی از سال ۱۳۵۱ به عنوان عضو هیات علمی در گروه جغرافیای برنامه ریزی شهری دانشکده علوم انسانی و اجتماعی مشغول خدمت هستند.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه آموزشی جغرافیا و برنامه ریزی شهری ،دانشگاه تبریز می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاتحصیلات رسمی و حرفه ای : فیروز جمالی تحصیلات ابتدایی را در دبستان بدر به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۴۴ از دبیرستان فردوسی اخذ کرده‌اند . ایشان مدرک کارشناسی در رشته جغرافیا را از دانشگاه تبریزو کارشناسی ارشد جغرافیای انسانی را در سال ۱۳۵۱از دانشگاه تهران دریافت نموده اند و در سال ۱۳۶۴مدرک دکتری در رشته جغرافیا را از دانشگاه دورهام — انگلستان با موفقیت اخذ کرده‌اند . عنوان پایاننامه : الف – کارشناسی ارشد : جغرافیای فقر آمریکا ب – دکتری: مهاجرتهای بین استانی ایران با تاکید بر استان آذربایجان شقی وقایع میانسالی : فیروز جمالی در سال ۱۳۶۴مدرک دکتری در رشته جغرافیا را از دانشگاه دورهام — انگلستان با موفقیت اخذ کرد. وی از سال ۱۳۵۱ به عنوان عضو هیات علمی در گروه جغرافیای برنامه ریزی شهری دانشکده علوم انسانی و اجتماعی مشغول خدمت هستند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای اجرایی و مدیریتی فیروز جمالی به قرار زیر است: قبلی : مدیریت گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری ، سرپرست مرکز پژوهشهای جغرافیای دانشگاه تبریز فعلی :عضو هیئت علمی و استاد گروه آموزشی جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تبریزفعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی فیروز جمالی به قرار زیر است: تدریس: ۱-دوره کارشناسی: جغرافیای جمعیت – فلسفه جغرافیا – اکولوژی شهری ، جغرافیای جمعیت و مهاجرتهای داخلی ایران ، ۲- تحصیلات تکمیلی: مکتبهای جغرافیایی، تحلیل های جمعیتی در برنامه ریزی شهری ،فلسفه های سیاسی، جغرافیا ومحیط و شهرنشینی درجهان سوم چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی دکتر جمالی به ترتیب زیر است: تعداد مقاله های منتشرشده : ۱۶ مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها : ۱۸ مورد تعداد کتابهای ترجمه شده : ۲ مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد : ۱۰ مورد تعداد طرحهای تحقیقاتی مصوب : ۵ مورد آثار : ۱ مقدمه ای بر جغرافیای جمعیت ویژگی اثر : پدیدآورنده: ویلبر زلینسکی، فیروز جمالی (مترجم) ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) – ۲۰ خرداد، ۱۳۸۶

جمالی، قربان

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قربان جمالی

محل تولد : محمود آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب بعد از اخذ دیپلم در رشته علوم تجربی سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه روحیه بابل شدم و در عرض سه سال خوشه چینی از خرمن علم استاد حاج آقا محمدی لمعتین را تمام نموده و در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه قم شدم. دوره عالی سطح حوزه را در ۷ سال به اتمام رساندم و همینطور ۱۰سال درس خارج فقه و اصول از محضر آیات عظام: فاضل لنکرانی ـ جوادی آملی ـ سبحانی و همینطور ۱۲ سال در درس تفسیر استاد جوادی آملی شرکت نموده و بهره‌های علمی فراوانی بردم. در دوره چهار ساله تخصصی تفسیر علوم شرکت نموده و با دفاع از پایان‌نامه با موضوع «تعامل ایمان و عمل در قرآن و سنت» با راهنمایی مرحوم آیت الله معرفت در سال ۱۳۸۱ مدرک سطح ۴ را گرفتم و فعلاًـ اشتغال به کارهای پژوهشی و نیز تدریس در دانشگاهها می‌باشم. در سطح کارشناسی دوره عمومی در گرایش‌های تفسیر موضوعی قرآن، تاریخ تحلیلی صدر اسلام، اندیشه اسلامی ۱ و ۲ و آیین زندگی را تدریس می‌کنم و در سطح کارشناسی ارشد دروس علوم قرآن ۱ و ۲ و ۳، علم رجال، فق الحدیث، حدیث شیعه و سنی تدریس می‌کنم که تقریباً ۱۰ ترم تحصیلی تدریس می‌کنم. و همینطور به عنوان عضو کمیته تخصصی گروه راهنمایی و مشاوره و داوری پایان‌نامه‌های ارشد را انجام می‌دهم. و الان نیز راهنمایی و مشاوره چندین پایان نامه را در دانشگاه در دست دارم. در باب کتاب و مقالات و پاسخ به شبهات نیز کارهای مختصری انجام دادم. یک کتاب تألیف نمودم و با عنوان «تدبیر معیشت از دیدگاه آیات و روایات» که چاپ شده است. در مقاله با عنوان «تدبیر معیشت از دیدگاه اسلام ۱ و ۲» و مقاله برگزیده اجلاس نماز با عنوان «سیمای اخلاقی نمازگزاران».

جمالی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جمالی

محل تولد : بجنورد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۹/۱

زندگینامه علمی

استاد گرانقدر آقای محمد جمالی در سال ۱۳۳۴هجری شمسی در خانواده ای متدین و کاملا مذهبی در شیرآباد بجنورد دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت هرچه تمام تر به پایان رسانید. در پی تشویق خانواده و اطرافیان و علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۴۷وارد حوزه علمیه فاروج گردید و از جو خفقان و ترس و دلهره ای که توسط رییم شاهنشاهی پهلوی بر حوزه های علمیه سایه افکنده بود هراسی به دل راه نداد. علاقه وافر او به کسب علوم بیشتر او را به تحصیل در حوزه علمیه شیروان روان کرد، پس از مدتی تحصیل در حوزه علمیه شیروان برای کسب فیض از محضر ستارگان مشهد رهسپار آن دیار شد و ضمن انس با بارگاه ملکوتی ثامن الحجج(ع) به تحصیل بیشتر پرداخت. پس از مدتی دوباره راه غربت به دیار قم را در پیش گرفت. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه قم همچون گذشته به جد و جهد، در درس بزرگان حوزه علمیه قم حاضر شد. نامبرده در طی دوران تحصیل از محضر ستارگان فراوانی خوشه علم و ادب چیده است که برخی از آنان را می توان همچون آیت الله واعظی، آیت الله واعظ طبسی، آیت الله خامنه ای، استاد حجت هاشمی و استا ادیب نیشابوری نام برد. ایشان ضمن تبلیغ و وعظ در شهرهای مختلف از امر تدریس تحقیق و پژوهش غافل نمانده است.

جمالی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی جمالی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱۲/۱

زندگینامه علمی

دوران دبستان و راهنمایی را به خوبی گذرانده و در دوران ابتدایی به جهت هوش و حافظه بالاـ دو سال ابتدایی را در یک سال گذرانده و همواره در مدرسه جزو شاگردان خوب بودم .کار علمی جدی بنده از هنرستان کارآموز واقع در منطقه نارمک تهران آغاز شد . در اینجا به جهت فضای حاکم آنوقت که فضای جبهه و جنگ بود در کنار درسهای هنرستان که بنده در رشته برق

مشغول به تـدریس بودم ، به عضو انجمن اسلامی هنرستان در آمـده و در سالهـای اولیه در کلاس درس اعتقادی و اخلاقی درون انجمن با اساتید و واعظان شهر تهران شرکت می کردم .

در آن ایام در سال سوم و چهارم هنرستان نوعا با دوستان جلسات مباحثه و مطالعات آثار شهید مطهری را داشتیم و از همان ایام به بیان بعضـی از مباحث استاد شهید در جلسات می پرداختم .در همان ایام عازم به جبهه شده و در آنجا هم به مطالعات و مباحثات در جمع دوستـان مشـغول بودم . درسال پایانی هنرستان در کنکور دانشگاه شرکت کرده و قبول شدم و در همان ایام به جهت علاقه به مباحث مـذهبی و اعتقادی قصـد آمدن به حوزه را هم داشـتم . لذا در آن ایام بر اساس ضـرورت عمل به وظیفه راه حوزه را انتخاب کرده و با عنایت امام زمان (عج) به سربازی این مکتب جهاد و مبارزه نایل شدم .

در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه رضویه مشغول به درس و بحث طلبگی شدم و با داشتن حجره در اتاق مدرسه بصورت ممحض دروس مقدمات را آغاز نموده و از اساتید متعددی از جمله استاد عرفان ، استاد علیدوست ، استاد عالمی و دیگر اساتید استفاده کرده ام . در کنار دروس متداول حوزوی به مطالعات بیرونی هم مشغول بوده و در کلاس های جنبی و آزاد همچون کلاس های نهج البلاغه و تفسیر و اخلاق شـرکت کرده و از اساتیدی همچون آیت الله مظاهری در اخلاق اسـتفاده نموده و البته در کلاس های خصوصی اخلاق هم شرکت می کردم .

در این ایام با مباحث حضـرت اسـتاد حاج آقای صـفاری آشـنا شده و توفیق شـرکت در مجالس این استاد گرانسنگ را پیدا کرده و استفاده های زیادی از مباحث و افکار این استاد بردم .پس از گذرانـدن دوران مقـدمات ، دوران سـطح حوزه را از اساتید حوزه به خـوبی اسـتفاده کرده و دروس لمعه و اصول مرحوم مظفر را پشت سر گذاشـته و سپس دروس رسائل و مکـاسب و سپس کفـایهٔ الاصول را پشت سر گذاشتم و با جدیت در فرا گرفتن مباحث و مباحثه مستمر توانستم به خوبی تمامی دروس سطح را طی کنم .

پس از دروس سطح ، وارد درس خارج شده و حدود ۷ سال دروس خارج فقه واصول را درمحضر بزرگانی همچون آیات و حجج اسلام آقایان : وحید خراسانی ، تبریزی ، جوادی آملی ، سبحانی و میرباقری گذرانده و دلیل این تعدد استاد در درس خارج هم به جهت آشـنایی با سبک درس این اساتید بود ، چرا که معتقد بودم هدف درس خارج آشنایی با شیوه اجتهاد است نه گذراندن یک دوره کامـل مبـاحث فقـه و اصـول . در کنـار درس اصـول و فقه به مبـاحث فلسـفه هم پرداخته و در سـال ۸۲ به جهت کامـل کردن مباحث به دانشکده تربیت مدرس قم رفته و در آنجا با مباحث فلسـفی غربی آشـنا شده و در رشـته فلسـفه و کلام مقطع کارشناسی ارشد را گذراندم .از مهمترین فراز زندگی علمی بنده آشـنایی با تفکرات دفتر فرهنگسـتان و مخصوصا اسـتاد بی نظیر حضرت آیت الله سـید منیرالدین حسـینی الهاشمی بوده است . بنده به جهت روحیه وظیفه مداری با موسسات گوناگون مطرح در قم ارتباط برقرار کرده و پس از سـنجش و مقایسه آنان با توجه به نیازمنـدیهای نظام اسـلامی تشـخیص دادم که این موسسه به دنبال حل مسائل مهم نظام اسـلامی می باشـد . لذا از سال ۷۱ بـا این موسسه آشـنا و در کلاسـهای آموزش آن شـرکت کرده و کم کم جزو محققین این موسسه شـروع به کار کرده و مسـتقیما در جلسات مباحث حضـرت اسـتاد سـید منیر، در موضوعات مختلفی همچون فلسـفه ، مدل ، روش تحقیق ، موضوعات کاربردی و ... شرکت و استفاده فراوانی برده ام .

البته بنـده در کنـار کـار تحقیقـاتی در دفتر فرهنگسـتان ، کارهـای علمی و مقالاـت متعـددی در مجلات و همایش ها ارائه داده و به تالیف چندین کتاب مبادرت داشته ام و در کنار تحقیق به کار تبلیغ و سخنرانی های تخصصی در دانشگ ه ها مشغول می باشم .

جمالی، نصرت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نصرت الله جمالی

محل تولد : گلپایگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۴/۱۰

زندگینامه علمی

نصـرت الله جمالی در خانواده ای مذهبی و اهل علم و دانش در روسـتای ورزنه گلپایگان پرورش یافته و هر روز با صوت دل نشـین قرائت قرآن پـدر از خواب بیـدار می شـد. خـانواده او اگر چه روحـانی رسـمی نبودنـد ولی نسـل انـدر نسل اهل قرآن و مکتب رفته گذشتگان بوده اند و محل مراجعه مردم برای مشکلات علمی و نوشتاری. سال ۱۳۴۲ آغاز مرحله آموزش کلاسیک او بود. قرآن و نوشـتن را پیش از آن از پـدر مهربان آموخته؛ بعـد از اتمام ۹ سال از تحصـیل ، سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم شـده و در مدرسـه جـانی خـان (جهـانگیر خـان) ساکن گشت و برای تحصـیل به مـدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی می رفت با پشـتکاری که از خود نشان داد در کلاس دیپلمه های این مـدرسه وارد شـد چنـد سال را در این مدرسه و بعد در مدرسه رضویه دوران مقدماتی را سپری کرده سـپس وارد دروس فقه واصول موجود در دروس عمومی حوزه شـد. در کنار دروس حوزو ی دیپلم خود را نیز به طور متفرقه (ثبت نام برای امتحان) گرفت . جریان انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام حرکت تحصیلی را کند کرد و در ایام تبلیغی از سال هزار و سیصد و پنجاه و چهار به سخنرانی و تبلیغ پرداخت . بعد از پیروزی انقلاب در کنار دروس حوزوی دانشگاه شد و رشته زبان و ادبیـات عرب را انتخـاب کرد که به درس های حوزوی لطمه نزنـد. بعـد از اتمام سـطح در درسـهای خارج فقه و اصول، اخلاق و

تفسیر و فلسفه شرکت کرد و از اساتیدی چون: مرحوم مدرس افغانی ، مرحوم ستوده، مرحوم مشکینی و آقایان دوزدوزانی، محقق داماد، اعتمادی، موسوی تهرانی، موسوی تبریزی ، صافی گلپایگانی، سبحانی، وحید خراسانی و ... استفاده کرد. در دانشگاه مورد توجه اساتیدی چون دکتر انوار، دکتر موسوی و دکتر جعفری قرار گرفت و برای دانشجویان همرشته اش نیز مبادی العربیه را مباحثه می کرد. او علاوه بر مدارج علمی حوزوی خارج بعد از کارشناسی ، در رشته ی علوم قران و حدیث ، نایل به اخذ کارشناسی ارشد از دانشکده اصول الدین شد و از اساتیدی چون مرحوم معرفت و مرحوم علامه عسکری بهره گرفت و پایان نامه خود را درباره ی « انقراض امت ها در قرآن و نهج البلاغه» ارائه داد با نمره عالی پذیرفته شد. او دارای ۱۰ اثر چاپی که اولین آن : کتاب « سرزمین های اسلامی» چاپ عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۸ که بین ۷ نوشته در همین موضوع ، رتبه ی اول را در هیأت علمی آن نهاد به دست آورد یک سکه طلا برنده شد. این کتاب تا چند سال در ارتش تدریس می شد. بقیه آنها درباره فرهنگ اسلامی است که عبارتند از : «عوامل سقوط حکومت ها در قرآن و نهج البلاغه» ، «اعتکاف»، «اخلاق تبلیغی» ، «فرازی از سیره تبلیغی امام علی» ، « عقل و عاقل»، «زن در نهج البلاغه»، «اندرزنامه»، «روش گفتمان یا منظره» و آخرین کتاب چاپی او : «روش گفتمان یا جدل و استدلال در قرآن» است که در سال ۱۳۷۶ در دانشکده علوم قرآنی قم تدریس و در سال ۱۳۸۶ منتشر شد. نامبرده دارای چند مقاله چاپی و غیر چاپی است به اضافه چند نوشته ی منتشر نشده از دیگر آثار اوست که با توجه به شغل فرهنگی او در سازمان فرهنگ و ارتباطات برای امور کارشناسی نوشته شده است. در ضمن نام او به عنوان دین پژوهان حوزوی در کتابی به همین نام توسط معاونت پژوهش حوزه علمیه قم آمده است. دو مقاله از نامبرده به نام : «نامه ای به مادرم افغانستان » و « روش گفتمان یا مناظره» و چند شعر مذهبی در سایت ها آمده است. متن بعضی از کتابهایش نیز در کتابخانه های اینترنتی آمده است.

جمالیان نظرآبادی، جلال

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: صنایع غذائی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شیراز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

جمشید بیگ، امیر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۶۱ ق)، خطاط و شاعر. ملقب به خان خوشنویس. میرزا سنگلاخ نام وی را آورده و گوید که از کارکنان کتابخانه‌ی شاه‌عباس بود و میرعماد قطعاتی به نام وی نوشته است. جمشیدبیگ به هندوستان رفته و همان جا درگذشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۸/۱)، تذکرهٔ الخطاطین (۱۶۵ -۱۴۸ /۲).

جمشید فرودیان، هوشنگ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: اصفهان

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

جمشیدی، محمود رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود رضا جمشیدی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔ الاسلام و المسلمین محمود رضا جمشیدی در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی در قم و در میان خانواده‌ای پرهیزگار و دوستدار

خاندان پیامبر گرامی اسلام به دنیا آمد. پدرش به پیشه تولید و عرضه لوازم تأسیسات اشتغال داشته از آن راه روزگار می گذارند. مادرش نیز زنی پاکدامن بود که به اهل کرامت بودن و پرهیزگاری شهرت داشت و نقش بسیاری در تربیت فرزند خود بر عهده داشت. حجهٔ الاسلام و المسلمین جمشیدی دروس کلاسیک خود را تا مدرک دیپلم و تا سال ۱۳۶۲ به پایان رسانید و سپس به دروس حوزوی روی آورد. البته پیش‌تر بخشی از جامع المقدمات را در ۱۲ سالگی آموخته بود و مدتی نیز در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به فعالیت پرداخته بود. او در سالهای دبیرستان کتب شهید والا ـ مقام مطهری(ره) و علامه سید محمد حسین طباطبایی(ره) را بارها خوانده بود و از مطالعه دیگر کتب اسلامی نیز باز نمانده بود. وی تحصیلات دورهٔ سطح را در مدت چهار سال به پایان رسانید و سپس به درس خارج فقه و اصول استادان مبرّز و برجستهٔ حوزه علمیه قم راه یافت و در کنار آن از تحصیل فلسفه و علوم عقلی نیز باز نماند. تحصیلات دورهٔ سطح او در مدرسه رضویهٔ قم بود و در طول سالها تحصیل در ایام فراغت و تابستان به حوزه‌های علمیه شهرهایی نظیر مشهد می‌رفت و در آنجا نیز به مباحثه و مطالعه دروس خود می‌پرداخت و گاه از محضر استادان بهره می‌برد و همچنین زبان لاتین را به خوبی آموخت. حجهٔ الاسلام و المسلمین جمشیدی درطول سالهای تحصیل به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد. او جامعه المقدمات را نزد آیهٔ الله عابدی، سیوطی و مطول را نزد آیهٔ الله علوی مغنی را نزد حجهٔالاسلام و المسلمین طالقانی و حاشیه ملا ـ عبدالله و معالم الاصول را نزد حجهٔ الاسلام و المسلمین هادوی فرا گرفت. برای آموختن شرح لمعه به درس حضرات آیات راستی کاشانی و کریمی جهرمی رفت واصول فقه را نزد حجهٔ الاسلام و المسلمین محسن وحید خراسانی ـ فرزند آیهٔ الله العظمی وحید خراسانی ـ فرا گرفت. رسائل را نزد استادان صادق لاریجانی، سید رسول تهرانی و میرباقری و کفایهٔ الاصول را نزد استاد صادق لاریجانی آموخت. وی همچنین مکاسب محرمه را نزد حجهٔالاسلام و المسلمین اسلامیان و کتاب بیع و خیارات را از محضر حضرت آیت‌الله حاج شیخ ابوالحسن مصلحی اراکی بهره برد. او بدایهٔ الحکمهٔ و نهایهٔ الحکمهٔ را نزد حجهٔ الاسلام و المسلمین میرباقری و اسفار اربعه را نزد آیهٔ الله جوادی آملی فرا گرفت. در بخش خارج نیز به دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات و آیات عظام مددی، شیخ محمد شاه آبادی، فاضل لنکرانی، شیخ جواد تبریزی و وحید خراسانی راه یافت و سالها از محضر آنان بهره‌مند شد. حجهٔ الاسلام و المسلمین جمشیدی در طول سالیان تحصیل، دروس فرا گرفته را با فضلای بسیاری مباحثه کرد که از جمله آنان می‌توان حجج اسلام سلیمانی، صادقی، الهی، سبحانی، برنجکار و محمود منتظری را نام برد. حجهٔ الاسلام و المسلمین جمشیدی تا کنون فعالیتهای علمی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است. او مدت بسیاری در گروه کلام جدید که با ارشاد آیهٔ الله مصباح یزدی و به ریاست حجهٔ الاسلام و المسلمین شیخ صادق لاریجانی تشکیل می‌شد شرکت داشت. این گروه ضمن ترجمه مباحث کلام جدید غرب به مطالعه و کاوش در آن می‌پرداخت و آن را در جلسات مختلف به بحث و تبادل نظر می‌نهاد.حجهٔ الاسلام و المسلمین جمشیدی در سالهای تحصیل خود عضو شورای دبیری نشریه راه انقلاب بود. این نشریه ویژه کودکان و نوجوانان بود. وی در طول سالیان تحصیل خود همواره به تدریس نیز اهمیت بسیاری داد و بارها کتب دورهٔ سطح را تدریس نموده است که این مسأله، هم اکنون نیز ادامه دارد و او نوشته‌های بسیاری را برای چاپ آماده کرده است که از جمله آنها می‌توان به کلیات تطبیقی علم رجال، تقریرات دروس اساتید خود، حاشیه بر مکاسب، حاشیه بر کفایهٔالاصول و حاشیه بر رسائل اشاره کرد. از فعالیتهای مهم وی در این عرصه دبیری ستاد اصلاح ساختار حوزه بود که به دنبال فرمان امام(ره) که به «منشور روحانیت» شهرت یافت، تشکیل شد. وی در این ستاد فعالیتهای ارزنده بسیاری را به انجام رساند. او همچنین سالها قائم مقامی حوزه علمیه خواهران را پذیرفت و در آن مرکز نیز خدمات بسیاری را به انجام رساند که این خدمت هم اکنون نیز ادامه دارد. حجهٔ الاسلام و المسلمین محمود رضا جمشیدی همواره با سیل خروشان ملت ایران برای نابودی نظام طاغوت همگام بوده از دوران نوجوانی به فعالیتهای انقلابی اهتمام ویژه‌ای داشت. او در سالهای تحصیل خود در مدرسه رضویه با چاپ نشریه‌ای، به شبهات سیاسی و اعتقادی سید مهدی هاشمی معدوم پاسخ می گفت و هماره از خط مستقیم ولایت پاسداری می کرد. از فعالیتهای او در این عرصه عضویت در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود که در آن موقعیّت، امری خطیر و مهم می‌بود و در سالهای بعد، نتایج مثبت بسیاری بر جای نهاد. حجهٔ الاسلام و المسلمین جمشیدی در طول سالهای دفاع مقدس بارها و بارها به جبهه شتافت و در عملیات‌های مهم بسیاری حضور یافت تا در کنار تحصیل علم، وجود خود را به ادای وظیفه و عمل صالح نیز زینت بخشد. از تلاشهای مهم او پس از پیروزی انقلاب اسلامی توان به عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و مسؤولیتهای اجرای وی در این نهاد مقدس اشاره کرد که نتایج مثبت آن در سالهای کنونی ظاهر شده و همگان را به تحسین وا داشته است.

جمشیدیها، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر غلامرضا جمشیدیها دانشیار گروه جامعه‌شناسی و رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران (۱۳۵۸)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۶۶) و دکتری را در رشته جامعه شناسی تاریخی از دانشگاه منچستر انگلستان (۱۳۷۶) اخذ نموده است. گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیگرایش : جامعه شناسی تاریخیتحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامرضا جمشیدیها مدرک کارشناسی را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران (۱۳۵۸)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۶۶) و دکتری را در رشته جامعه شناسی تاریخی از دانشگاه منچستر انگلستان (۱۳۷۶) اخذ نموده است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در خصوص دیگر خدمات علمی و اجرایی آقای دکتر غلامرضا جمشیدیها می توان مواردی همچون «مشاور معاون آموزشی»، «استاد راهنمای دانشجویان شاهد»، «معاون اداری و مالی»، «مشاور رئیس و مسئول اداره ارزشیابی و رسیدگی به شکایات دانشگاه»، «مدیر کل دفتر ریاست

دانشگاه»، «معاون پژوهشی دانشکده» و «نماینده دانشکده در شورای انتشارات دانشگاه» را نام برد. فعالیتهای آموزشی : موارد تدریس غلامرضا جمشیدیها «اندیشه های متفکران مسلمان»، «تاریخ تفکراجتماعی دراسلام»، «جامعه شناسی انقلاب»، «زبان تخصصی»، «نظریه های جامعه شناسی۱» و «نظریه های جامعه شناسی ۲» (در مقطع کارشناسی) و «اندیشه های متفکران مسلمان»، «اندیشه متفکرین مسلمان۱»، «زبان تخصصی۲»، «نظریه های جامعه شناسی۱» و «جامعه شناسی تاریخی» (در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری) می باشد.آثار : «پیدایش نظریه های جامعه شناسی (سال دوم)» (۱۳۸۳) ، «تاریخ و نظریهٔ اجتماعی (سال سوم)» (۱۳۸۳) ، «زبان تخصصی علوم اجتماعی» (۱۳۸۵) ، جامعه، دولت و شهر نشینی: تفکر جامعه شناختی ابن خلدون(سال دوم) (۱۳۸۳) ، هراس بنیادین اروپامداری و ظهور اسلام گرایی ویژگی اثر : (۱۳۷۹)

جمیله‌ی اصفهانی

قرن:۱۱

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۱۰۲۵ ق، از زنان سخنور و شاعر. تذکره‌ها زادگاه او را اصفهان، هرات و یزد نوشته‌اند. ولی تقی‌الدین اوحدی، که معاصر و مصاحب او بوده زادگاهش را اصفهان می‌داند و می‌نویسد: «الحق به غایت حرافه، فهیمه، ظریفه است و... همچو تخلص و نام خود، هم جمیله و هم فصیحه است.»

جمیله در جوانی صیغه خواجه حبیب‌اللّه ترکی شد و با او زندگی کرد. پس از مرگ خواجه مدتها در اصفهان بود تا اینکه در زمان اکبرشاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) پادشاه بابری هند، به قصد سیر و سیاحت به هندوستان رفت و سپس به اصفهان بازگشت. در آن شهر سرمایه‌ای به هم زد و به تجارت پرداخت و ظاهراً به عقد اسماعیل بن خواجه میرک جان (خان) درآمد. رباعی زیر از اوست:

دیگر نه ز غم نه از جنون خواهم خفت

نه زین دل غلطیده به خون خواهم خفت

زین گونه که بسته نرگست خواب مرا

در گور که حیرتم که چون خواهم خفت

تقی‌الدین اوحدی رباعیات زیر را که به خواجه حبیب منسوب است، از جمیله می‌داند:

رندان بساط عشق درد آشامند

فارغ ز می لعل و رخ گل‌فامند

بی‌منت بال طایر فرد و سند

بی‌زحمت صیاد اسیر دامند

روزی که به خوان وصل مهمان گشتم

شرمنده انتظار احسان گشتم

زآن چشمه حیوان چو کشیدم آبی

از زندگی خویش پشیمان گشتم

مطلع غزل زیر نیز از اوست:

جز خار غم نرست ز گلزار بخت ما

آن هم خلید در جگر لخت لخت ما[۱]

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به جمیله و فصیحه. تذکره‌ها زادگاه او را اصفهان، هرات و یزد نوشته‌اند. ولی تقی‌الدین اوحدی که معاصر و مصاحب او بوده، زادگاهش را اصفهان می‌داند و می‌نویسد: «الحق به غایت حرّافه، فهیمه، ظریفه است». جمیله در جوانی با خواجه حبیب‌اللّه ترک زندگی مشترکی را آغاز کرد. پس از مرگ خواجه مدتها در اصفهان بود، تا این که در زمان اکبرشاه به قصد سیر و سیاحت به هندوستان رفت. سپس به اصفهان بازگشت و در آن شهر سرمایه‌ای فراهم آورد و به تجارت پرداخت و ظاهراً به عقد اسماعیل بن خواجه میرک جان (خان) در آمد.[۲]

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :[۱] منابع: «پردەنشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره سوم، ۵۳؛ از رابعه تا پروین، ۹۳ -۹۱؛ تذکرةالخواتین، ۸۱ -۸۰؛ تذکرةالقبور، ۳۰؛ تذکره سخنوران یزد، ۲۴۵ -۲۴۴ / ۱؛ حدیقةالشعراء، ۲۱۸۸ -۲۱۸۷، ۲۱۴۰ -۲۱۳۹؛ خیرات حسان، ۸۹ / ۱؛ الذریعه، ۲۰۵ / ۹؛ روز روشن، ۶۲۸؛ ریاض‌العارفین، ۹۲ / ۲؛ زنان سخنور، ۱۵۲ / ۱؛ صبح گلشن، ۱۰۷؛ صحف ابراهیم، حرف ج، ش ۱۰۴، حرف فاء، ش ۱۰۰، عرفات‌العاشقین، گ ۱۴۵؛ کاروان هند، ۳۰۷ -۳۰۵ / ۱؛ مخزن‌الغرایب، ۲۹۱ / ۳؛ نتایج‌الافکار، ۱۶۴، ۵۵۳؛ نشتر عشق، ۱۱۳۹؛ نگارستان سخن، ۷۶.

[۲] از رابعه تا پروین (۹۳ -۹۱)، تذکره‌ی روز روشن (۶۲۸)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۲۴۵ -۲۴۴)، تذکرهٔ القبور (۳۰)، حدیقهٔ الشعراء (۲۱۴۰ -۲۱۳۹/ ۳)،الذریعه (۲۰۵/ ۹)، زنان سخنور (۱۵۳ -۱۵۲/ ۱)، کاروان هند (۳۰۷ -۳۰۵/ ۱)، مشاهیر زنان (۶۳ -۶۲)، صبح گلشن (۱۰۷).

جناب اصفهانی، فتح‌اللّه

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۴۸/۱۱۴۶ ق)، شاعر و ادیب. از بزرگان عهد صفوی بود که زمان نادرشاه را درک کرده است. نسبتش به امیرنجم ثانی می‌رسد. در جوانی به هندوستان رفت و بعد به وطن بازگشت و در خوزان که یکی از بلوکات اصفهان است، ساکن شد و به دستور شاه طهماسب صفوی به منصب کلانتری اصفهان رسید. جناب از طرف نادرشاه مأموریتی به خراسان یافت و پس از مدتی به امر وی در راه تهران و کاشان کشته شد. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرة النبور (۲۴۱)، الذریعه (۲۰۶ -۲۰۵ /۹)، ریحانه (۴۳۰/۱)، سفینة المحمود (۱۸۸ -۱۸۷)، صبح گلشن (۱۰۸ - ۱۰۷)، فرهنگ سخنوران (۲۲۵ -۲۲۴)، لغت‌نامه (ذیل/ جناب اصفهانی)، مجمع الفصحا (۲۰۵ -۲۰۴ /۴)، نگارستان دارا (۱۷۷ - ۱۷۶).

جناب حسینی اصفهانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۹ -۱۲۸۷ ق)، فقیه، حکیم، نویسنده و روزنامه‌نگار. وی از سادات و معاریف رجال ادبی و ریاضی اصفهانی بود. در نزد علماء این سامان در فقه و اصول و طب و بخصوص ریاضی و در هیأت جدید و قدیم سرآمد معاصران شد، و تمام عمر خود را صرف تحصیل علوم و اشاعه آن از راه روزنامه و کتاب کرد. میر سید علی در سال ۱۳۲۴ ق روزنامه «الجناب» را با چاپ سنگی در اصفهان منتشر کرد. سرانجام در تهران درگذشت و در امامزاده عبداللّه دفن شد. از جمله آثار او: «الاصفهان»؛ «راهبر برای مسافرین اصفهان»؛ و «فعالیتهای فرهنگی بنادر جنوب (بوشهر) در شیخ نشین دوبی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲۴۸ -۲۴۵ /۱)، تذکرة القبور (۲۴۱ -۲۴۰)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۳/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۷۳ -۱۷۱ /۴)، یادگار (س ۴ ش ۴، ص ۵۶).

جناب زاده، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جناب زاده در سال ۱۲۷۶ در اصفهان به دنیا آمد . بخشی از تحصیلات خود را در مدارس قدیمه و نزد پدرش فراگرفت . سپس در مدرسه ی کمالیه و مدرسه ی ادب داخل شد و در تهران نیز در دارالفنون به تحصیل پرداخت . با شغل آموزگاری کار خود را آغاز کرد ، سپس در سال ۱۳۰۶ وارد وزارت دادگستری گردید . اما شغل قضایی را نپذیرفت . مراحل خدمات اداری را در ثبت اسناد و املاک پیموده و سپس رییس اداره ی تبلیغات دادگستری شد . از سال ۱۲۹۹ کار روزنامه نگاری را با مجله ی هفتگی « صحیفه ی آسمانی » آغاز نمود . و از آثار او در این حرفه می توان جراید : کوشش ، ندای آسمانی ، تعلیم وتربیت را نام برد . جناب زاده در آذر ۱۳۷۰ در گذشت .گروه : علوم انسانیرشته : علوم ارتباطاتتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد جناب زاده بخشی از تحصیلات خود رادر مدارس قدیمه و نزد پدرش فرا گرفت .سپس در مدرسه کمالیه و مدرسه ادب داخل شد و در تهران نیز در دارالفنون به تحصیل پرداخت.زمان و علت فوت : محمد جناب زاده در سال ۱۳۷۰ درگذشت .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد جناب زاده در سال ۱۳۰۶ وارد وزادت دادگستری شد ولی شغل قضایی را نپذیرفت . مراحل خدمات اداری را در ثبت اسناد و املاک پیموده و سپس رییس اداره تبلیغات وزارت دادگستری شد .(۱۳۳۶)فعالیتهای آموزشی : محمد جناب زاده در آغاز وارد شغل آموزگاری در مدارس ابتدایی و متوسطه اقدسیه شد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد جناب زاده در سال ۱۲۹۹ از وزارت معارف پروانه انتشار مجله هفتگی (صحیفه آسمانی)را گرفته و پس از انتشار پنج شماره با سید شکر الله صفوی مدیر روزنامه (کوشش) در نگارش مقاله های اساسی آن تا سال ۱۳۱۰ صرف وقت می نمود. در سال ۱۳۲۱ مجددا (صحیفه آسمانی) را انتشار داد و شماره ۱۷ آن مصادف با وقایع ۱۷ آذر گردید و در نتیجه الغاء امتیاز تمام جراید سرمایه مصرف شده از دست رفت .در سال ۱۳۲۲ امتیاز (ندای آسمانی)را تحصیل و به طور هفتگی منتشر شد و تا بیستم آذر بیشتر دوام نیافت و در سال ۱۳۲۸ مدت پنج ماه مجددا به انتشار آن پرداخت.آثار : اوراق پراکنده ویژگی اثر : قطعات ادبی ،فلسفی ،اجتماعی ،دینی ۱۳۱۲۲ بررسی تازه در آموزش و پرورش (۱۳۱۹) ، بسوی خدا ، تعلیم و تربیت در نظر سعدی (۱۳۱۷) ، توحید تمدن شرق و غرب (۱۳۲۷) ، جهان بینی از نظر فلسفه علمی (۱۳۲۲) ، دادرسی تاریخ (۱۳۳۷) ، راهنمای دانش درس طبیعت و وظایف انجمنهای همکاری خانه و مدرسه (۱۳۲۹) ، رهبر زندگی برای جوانان و دختران (۱۳۳۴) ، زن در نظر تاریخ (۱۳۳۵) ، سیر تمدن و لزوم سازش علم و ایمان (۱۳۳۸) ، عشق و پارسایی (۱۳۳۶) ، مفاسد رباخواری (۱۳۳۳)

منابع زندگینامه :گلزار مشاهیر ، زندگی نامه درگذشتگان مشاهیر ایران ۱۳۵۸- ۱۳۷۶ ، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، ص ۲۶۲

جناب شیرازی، حسام‌الدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۱۵ ق)، شاعر. ملقب به جناب. وی نزد حکام شیراز محترم بود و مدت مدیدی به مرض سودا مبتلا. میرزا حسام‌الدین از خویشان صاحب «مرآت الفصاحه» است. او علاوه بر مهارت در علم نجوم، در سرودن شعر نیز توانایی داشت. از اوست:

گفت پیغمبر به آواز جلی

که ز نور واحدم من با علی

این معما خواست برهانش جناب

شد ز ابجد اسم هر دو منجلی

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۵۵ -۵۵۴)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۱۷۲/۲)، مرآت الفصاحه (۱۳۸ -۱۳۷).

جناب، کمال

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۷ ش)، فیزیکدان و استاد دانشگاه. در اصفهان متولد شد. وی تحصیلات خود را در رشته‌ی فیزیک و شیمی و ریاضی در فرانسه به پایان رسانید و سپس برای تحقیق در رشته‌ی فیزیک اتمی، وارد انستیتو کالیفرنیا شد و رساله‌ی دکترای خود را در این انستیتو گذرانید. جناب پس از مراجعت به ایران، در دانشکده‌ی علوم تهران به تدریس در رشته‌ی فیزیک اتمی پرداخت و مدتی نیز مدیر کل دبیرخانه‌ی دانشگاه و چندی معاونت وزارت فرهنگ را بر عهده داشت. از آثار وی: «عناصر شیمی»؛ «گزارش کنفرانس اتمی ژنو»؛ «مکانیک فیزیک».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۶/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴ -۸۳/ ۵).

جنابدی، ابوالفتح

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۳۲ ق)، طبیب و شاعر. وی از پزشکان عهد شاه‌اسماعیل بود و در غزلسرایی نیز استاد بود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۶۶).

جنت

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

۱۲۹۵ ق- رمضان ۱۳۱۸ ش، فصل بهار خانم ملقب به ایران‌الدوله از شعرا و هنرمندان. وی دختر سلطان حسین میرزا نیرالدوله فرزند فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) و از طرف مادر نوه فرهاد میرزا معتمدالدوله فرزند عباس میرزای قاجار بود. وی در خانواده‌ای اشرافی متولد شد و در کودکی خواندن و نوشتن و دانش‌های متداول را توسط معلم سرخانه فراگرفت. پس از مدتی تمایل زیادی به شعر پیدا کرد و بیشتر اوقاتش را به مطالعه‌ی شعرای نامدار گذشته می‌گذارند. در سیزده سالگی با مصطفی قلیخان حاج‌الدوله ازدواج کرد و صاحب فرزندانی شد.

جنت در فضای نسبتاً آزاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پس از مشروطه، در محافل و مجامع ادبی حضور می‌یافت و در مسابقات ادبی نیز شرکت می‌کرد و اشعارش در اغلب مجلات آن زمان بویژه محله ارمغان (به مدیریت وحید دستگردی) چاپ و منتشر می‌شد. وی علاوه بر سرودن شعر در نقاشی و موسیقی نیز تسلط داشت. نقاشی را زیر نظر کمال‌الملک فراگرفته بود. جنت در سن شصت و چهار سالگی در تهران درگذشت و برحسب وصیت خودش در جوار حضرت معصومه (ع) در قم دفن شد. دیوان او به نام بهار جنت که مشتمل بر غزلیات، رباعیات و مخمسات است در سال ۱۳۵۶ ش به چاپ رسید. از اشعار اوست:

در خم زلف تو از اهل جنون شد دل من

اندرین سلسله عمری است که خون شد دل من

از ازل با سر زلف تو چه پیوندی داشت

که پریشان شد و از خویش برون شد دل من

در کمند سر زلف تو به ویرانه عشق

آنقدر گشت که از اهل جنون شد دل من
آنچه گفتم به دل از روی نصیحت نشنید
عاقبت عشق تو ورزید و زبون شد دل من
حاصل هر دو جهان در ره عشقت دادم
جان و تن سوخت ز هجر تو و خون شد دل من
بر سر کوی تو نتوان گذر از بیم رقیب
تا دمی با تو دهم شرح که چون شد دل من
در دور فلک هر چه کشیدیم گذشت
رنج و بدو راحت آنچه دیدیم گذشت
افسوس در این چمن که عمرش نامند
یک گل به مراد دل نچیدیم و گذشت
آن چنان مهر رخش رفته مرا در رگ و پوست
که ز من نیست اثر آنچه به جا مانده از اوست
نه چنان رفته ز کف طاقت و صبر و هوشم
که توان لاف تحمل بزنم در غم دوست
یا رب تو مرا به حشر شرمنده مکن
در پیش خلایقم سرافکنده مکن
من بنده عاصی و تو دریای کرم
از راه کرم عذاب این بنده مکن

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: از رابعه تا پروین، ۱۰۲ -۹۵؛ بهار جنت، زنان سخنور، ۱۶۱ -۱۵۴ / ۱؛ کارنامه زنان، ۹۳.

جنتی اصفهانی، زین‌الدین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اصل وی از قریه جزه بود. میر زین‌الدین در کمال درویشی و صلاح می‌زیست. افرادی مثل میرزا رفیع صدر و دیگران، خواهان صحبت با او بودند. وی خوش طبع بود. «دیوانش» نزدیک به بیست هزار بیت می‌رسد اما توفیق ترتیب آن را نیافت. از مثنویهای او: «شاپور و شهناز» را می‌توان نام برد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۳۹/۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۱۴)، الذریعه (۲۰۶/۹)، صبح گلشن (۱۰۹ -۱۰۸)، لغت‌نامه (ذیل/ جنتی اصفهانی).

جنتی بیای نخشبی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. در نخسب ماوراءالنهر متولد شد و دارای طبعی لطیف بود. حکیم نخشبی در خدمت علاءالملک شرف‌الدین به سر می‌برد و چند قصیده در مدح او گفته است. از اشعار وی یک ترجیع‌بند و یک قصیده با ردیف پیاله در «لباب الالباب» نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۲۲۵)، لباب الالباب (۳۹۶ -۳۹۴ /۲)، هفت اقلیم (۴۰۰/۳).

جنتی خراسانی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. از شاعران خراسان بود. اگر چه از ذوق و استعدادی در سرودن بهره‌مند بود. اما زندگی به فقر و فاقه می‌گذارنید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۰۶/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۲۵)، مجالس النفائس (۲۳۹، ۶۶)، لغت‌نامه (ذیل/ جنتی خراسانی).

جنتی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد جنتی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۳/۱۲/۳

زندگینامه علمی

آیهٔ الله احمد جنّتی در سوم اسفند ۱۳۰۵ هجری شمسی در روستای لادان از بلوک ماربین، واقع در سه کیلومتری غرب شهرستان اصفهان، چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم ملا هاشم از روحانیون وارسته و بزرگی بود که از شنبه تا چهارشنبه در شهر اصفهان حضور داشت و به تدریس علوم حوزوی می‌پرداخت و روزهای پایانی هفته را در روستا به سر می‌برد. مردم روستای او که بیشتر کشاورز و دامدار بودند و عمدتاً از نظر اخلاقی در جایگاه مناسبی قرار داشتند، اگر دچار اختلافی می‌شدند برای حل و فصل مسائل خود به او مراجعه می‌کردند، وی تا پایان عمر رابطه‌اش را با حوزه علمیه اصفهان قطع نکرد و از محضر عالمان بزرگی همچون حاج آقا رحیم ارباب و حاج سید علی نجف آبادی بهره برده بود در آمدش منحصر به وجوه شرعی و یا از طریق وعظ و خطابه بود. او یک فرزند بیشتر نداشت. مادر آیهٔ الله احمد جنّتی نیز زنی پاک و صبور بود و علاوه بر خانه داری، قرآن و برخی از کتب دینی را تدریس و بعضی از جلسات مذهبی را نیز اداره می‌کرد و با صبر و قناعت، زندگی می‌گذارند. در زادگاه آیهٔ الله جنّتی و کل آن منطقه مدرسه‌ای وجود نداشت؛ از این رو او به مکتب خانه رفت و خود، اندکی از دروس جدید را خواند و بعدها در قم، مقداری زبان انگلیسی فرا گرفت. او دورهٔ ادبیات عرب و مقدمات سطح را تا سال ۱۳۲۴ در حوزه علمیه اصفهان خواند. دوران نوجوانی او با اختناق رضاخانی همراه بود: پوشیدن لباس روحانی برای بسیاری از طلاب ممنوع شده بود؛ آنها می‌بایست برای پوشیدن آن لباس، مجوّز دریافت کنند و تنها به تعداد کمی از آنان مجوز داده می‌شد. عمامه‌ها را از سر طلاب برمی داشتند؛ کلاههای نمدی را پاره می‌کردند؛ از سر زنان چادر بر می‌داشتند؛ مجالس روضه به تعطیلی کشیده شده بود و مساجد به خلوتی می‌گرایید و ... آیهٔ الله جنّتی خود، از نزدیک شاهد چنین روزگاری بود. او پس از تکمیل مقدمات و طی کردن برخی از دروس سطح، به حوزه علمیه قم آمد تا از محضر عالمان و فرزانگان آن دیار نیز بهره ببرد. با ورود به قم به تکمیل دروس دورهٔ سطح پرداخت و در درس خارج بزرگانی همچون آیهٔ الله العظمی بروجردی(ره) و امام خمینی(ره) شرکت می‌جست. در این مدت از شرکت در بحث‌های اخلاق و تفسیر نیز غافل نماند. او در این مدت در مدرسه فیضیه و حجتیه حجره داشت. آیهٔ الله جنّتی بخشی از دروس مقدمات را نزد پدرش و بخشی را نزد مرحوم سید ابوالقاسم هرندی خواند. او بخشی از معانی و بیان را نزد مرحوم سید محمد باقر ابطحی و بخشی دیگر را نزد حاج شیخ احمد فیاض فرا گرفت و معالم را نزد مرحوم حاج شیخ علی مشکاتی آموخت. در قم شرح لمعه را نزد مرحوم شهید صدوقی آموخت و برای آموختن بخشی از رسائل و قوانین به نزد مرحوم آیهٔ الله بهاءالدینی رفت. بخشی از کتاب مکاسب را نزد مرحوم حاج سید محمد باقر طباطبایی بروجردی فرا گرفت. و برای آموختن کفایه به نزد مرحوم حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی و مرحوم مجاهدی رفت. بخشی از مکاسب را نیز نزد مرحوم حاج آقا روح الله کمالوند آموخت.با تکمیل دورهٔ سطح به درس خارج بزرگانی چون آیهٔ الله العظمی بروجردی(ره)، آیهٔ الله العظمی گلپایگانی، آیت الله العظمی حجّت کوه کمره‌ای(ره) و آیهٔ الله العظمی امام خمینی(ره) رفت و سالها در درس فقه و اصول ایشان به طور جدی شرکت کرد. او در طی این سالها در بعضی از درسهای اخلاق نیز شرکت می‌نمود،تا علاوه بر آموختن علم، عمل به آنها را نیز فراگیرد. آیهٔ الله احمد جنتی در دوران تحصیل خود با فضلائی چون شهید سعیدی، شیخ محسن حرم‌پناهی، شهید مفتح، سید کرامت‌الله ملک حسینی، شیخ ابوالقاسم خزعلی و شیخ محمد علی موحدی کرمانی به مباحثه درس می‌پرداخت و با بزرگانی چون شهید بهشتی، شهید قدوسی، آیهٔ الله مصباح یزدی، آیهٔ الله سبحانی، آیهٔ الله مشکینی و آیهٔ الله امینی رابطهٔ دوستانه و مصاحبت داشت. آیهٔ الله جنتی تا کنون آثار علمی و فرهنگی فراوانی از خود بر جای نهاده است. او مدت چهارده سال در مدرسهٔ علمیه حقانی به تدریس دروس دورهٔ مقدمات و سطح پرداخته است. مدرسه علمیهٔ حقانی، مدرسه‌ای بود که با هزینهٔ یکی از تاجران با تقوای زنجان و با مدیریت شهید قدوسی آغاز به کار کرد. این مدرسه که بسیاری از بزرگان کنونی حوزه، در ادارهٔ آن شرکت داشتند، با ابتکار شهید بهشتی و با طرحی نو و شیوه‌ای تازه در تدریس و تحصیل و با برنامه‌ای منسجم و امروزی، به تربیت و آموزش طلاب از مقدمات تا سطح می‌پرداخت که بسیاری از مدیران و متصدیان امور قضایی و اصحاب فرهنگ و پژوهشگران امروز جامعه در آن پرورش یافتند. طلاب این مدرسه در بسیاری از فعالیتهای علمی و سیاسی دورهٔ طاغوت و پس از آن، در اداره و برنامه‌ریزی علمی و فرهنگی سیاسی انقلاب اسلامی شرکت کردند و این حاصل تلاش استادان این مجموعه، از جمله آیهٔ الله احمد جنتی بود. آیهٔ الله جنتی به ترجمهٔ برخی از کتب حدیث پیشنیان، از جمله «اثبات الهداهٔ»، «ایقاظ الهجعه»، «تحف‌العقول» و «المواعظ العددیهٔ» پرداخته است.فعالیتهای علمی و فرهنگی و تحصیل فقه و اصول مانع فعالیتهای سیاسی آیهٔ الله جنتی نگردید. فعالیتهای سیاسی در پروندهٔ زندگانی او گاه بیشتر و بهتر می‌درخشد. آیهٔ الله احمد جنتی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، در سخنرانیها، اجتماعات عمومی و جلسات خصوصی همواره به افشای ماهیت پلید حکومت پهلوی و ضرورت براندازی این حکومت وابسته می‌پرداخت. او که خود سالها شاگرد مرجع عالی قدر شیعه، امام خمینی(ره) بود، همواره دیگران را به پیروی از راه امام(ره) دعوت می‌کرد. از سوی دیگر در درون حوزه، ضمن ملاقات با علما و مراجع، آنها را از آخرین اخبار حرکت انقلابی امام و مردم با خبر می‌ساخت. او با عضویت در جامعهٔ مدرسین حوزه علمیه قم، به

برنامه ریزی هماهنگ برای برپایی راهپیمایی‌ها، نوشتن اعلامیه‌ها و ارتباط با دیگر مراکز مرتبط با نهضت امام خمینی(ره) ـ همانند جامعه روحانیت مبارز ـ می‌پرداخت. آیهٔ الله جنتی همواره ارتباط خود را با امام(ره) حفظ می‌کرد تا با الهام‌گیری از ایشان، از آخرین فعالیتهای مبارزاتی در قم، نجف و دیگر شهرها اطلاع پیدا کند. او بارها در قم، رفسنجان و جزیرهٔ خارک مورد تهدید و تعقیب رژیم شاه قرار گرفت و چند بار در قم بازداشت شد. او سه نوبت به زندان رفت و مجموعاً سه ماه زندانی شد و یک بار هم دستگیر و به مدت سه سال به اسدآباد همدان تبعید شد. فعالیتهای وی پس از انقلاب نیز ادامه یافت. با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، آیهٔ الله جنتی در مسؤولیتها و سنگرهای گوناگونی به ایفای نقش پرداخت. نخستین مسؤولیت او پس از پیروزی انقلاب، قضاوت در دادگاه‌های انقلاب با حکم امام خمینی(ره) بود. بر کناری و گاه اعدام قضات دوران حکومت شاه، فقدان قوانین و آیین نامه‌های اجرایی در دادگاهها، عدم آشنایی افرادِ مؤمن و انقلابی با سیر اجرایی کار قضاوت و مشکلات متعدد دیگر، کار در دستگاه قضایی سالهای نخستین انقلاب را دشوار ساخته بود. با وجوداین مشکلات، بزرگانی چون شهید قدوسی، شهید بهشتی و آیهٔ الله جنتی در این عرصه پای نهادند به تدوین و اصلاح ساختار قضایی کشور پرداختند. دستگاه قضایی منسجم امروز کشور ما، حاصل تلاش این عزیزان در آن سالهاست. از مسؤولیتهای مهم آیهٔ الله جنتی عضویت در شورای نگهبان قانون اساسی، از نخستین روزهای تشکیل این نهاد مقدس است. شورای نگهبان از نهادهای مهم انقلاب به شمار می‌آید که با وجود آن، می‌توان گفت توطئه‌هایی چون داستان مشروطه تکرار نخواهد شد و همواره، مصوّبات مجلس، از صافی فقه اسلام و قانون اساسی خواهد گذشت. این نهاد همواره مورد هجمهٔ دشمنان انقلاب قرار گرفته است. آیهٔ الله جنتی در طول عمر ۲۴ ساله این نهاد، بارها با عنوان عضو فقیه این شوری، به دفاع از این نهاد و مبانی انقلاب اسلامی پرداخته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

جنون هروی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر، متخلص به جنونی. معروف به ذوفنونی. اهل هرات بود که به امیر غیاث‌الدین سلطان حسین بن امیرکبیر فیروز منسوب و به هزلیات و هجوگویی مایل بود. وی حافظ شربتی و بعضی دیگر از شاعران را هجو کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ الشعراء (۴۹۷)، الذریعه (۲۰۷/۹)، ریحانه (۴۳۲/۱)، لغت‌نامه (ذیل/ جنونی هروی)، مجالس النفائس (۱۹۴ ، ۱۹)، مخزن الغرائب (۵۱۵ –۵۱۴ /۱).

جنونی بدخشی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. در دربار همایون، پادشاه گورکانی، به سر می‌برد و او را مدح می‌گفت. او به سرودن قصاید مصنوع بسیار توجه داشت، قصیده‌ای درسی و هشت بیت در ستایش همایون ساخت و در آن انواع صنایع شعری را به کار برد، او این قصیده را به خاطر فتح بدخشان، در سال ۹۲۷ ق سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران (۶۱۲ –۶۱۰ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۱۱ –۴۱۰)، تذکره‌ی روز روشن (۱۸۴)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۱۲)، فرهنگ سخنوران (۲۲۶).

جنونی همدانی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. از شاعران و حافظان قرآن بود و به شغل تعلیم اطفال اشتغال داشت. از اشعار وی:

نه تنها ابر نیسان بر من دلتنگ می‌گرید

که بر درد دل بی‌حاصل من سنگ می‌گرید

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن سرایان همدان (۲۴۲/۱)، تحفه سامی (۲۶۳)، تذکره‌ی روز روشن (۱۸۴)، الذریعه (۲۰۷/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۲۶)، لغت‌نامه (ذیل/ جنونی همدانی).

جنید شیرازی، معین الدین، ابوالقاسم جنید

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۰۰/۷۹۱ ق)، صوفی، نویسنده و شاعر، متخلص به جنید. مشهور به شیخ‌الاسلام. وی از خاندانهای مشهور شیراز بود که بسیاری از علما و وعاظ از آن برخاستند. او مانند اجداد خویش در جامع عتیق به وعظ و تذکیر اشتغال داشت و بهترین اثر وی «شَدّالازار فی حطّ الاوزار عن زُوار المزار» است که راهمایی برای زیارت مقابر بزرگان شیراز است و شامل ترجمه احوال ۳۱۵ تن از معاریف شیراز تا روزگار تألیف کتاب است. این کتاب را فرزند مؤلف، عیسی، تحت عنوان: «ملتمس الاحباء خالصاً من الریا»؛ به فارسی گزارش کرد به «هزار مزار» یا «هزار و یک مزار» مشتهر است. از جنید «دیوان» شعری حدود هزار و پنجاه بیت باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۴۶۵ –۴۶۴)، بزرگان نامی پارس (۴۵۷ –۴۶۲ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۶۳ –۱۰۵۹)، تاریخ نظم و نثر (۲۱۵)، تذکره‌ی هزار مزار (مقدمه/ ۲۸ –۱۰)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۱۴۱ –۱۲۸ /۲)، الذریعه (۲۰۷/۹)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۲۶ –۱۲۵ /۱)، کشف الظنون (۱۰۲۸)، لغت‌نامه (ذیل/ جنید شیرازی)، مؤلفین کتب چاپی (۳۹۶/۲).

جنیدی تربتی، ابوعبداللّه محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر. از ادیبان و فرهیختگان ایرانی بود که در نظم و نثر به عربی و فارسی قدرتی تمام داشت. ابومصنور ثعالبی در «یتیمهٔ الدهر» ذکر او آورده و او را در شمار شاعران صاحب بن عباد ذکر کرده است و در «لباب الالباب» در بیت عربی و چهار بیت فارسی از او نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۴۴۱/۱)، تاریخ ادبی ایران (۶۷۹/۱)، شاعران بی‌دیوان (۱۵۹ –۱۵۸)، لباب الالباب (۲۴ –۲۳ /۲)، هفت اقلیم (۱۸۹/۲).

جواد اصفهانی، جواد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۳۳ / ۱۲۳۰ /۱۲۲۳ ق)، شاعر، متخلص به جواد. وی اهل اصفهان بود اما، سالها در کرمان اقامت داشت. میرزا جواد در سرودن شعر توانا بود. «دیوان» وی چهار هزار بیت شعر دارد. از اوست:

از شوق گلزار رخت گل بر دمد از خارها

گر بگذری ای شاخ گل روزی سوی گلزارها

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :سفینه المحمود (۱۸۷/۱)، فرهنگ سخنوران (۲۲۸)، مجمع الفصحا (۲۰۵/۴)، مصطبه‌ی خراب (۳۸).

جوادپور، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید باهنر کرمان

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

جوادی آملی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد فرزانه و حکیم متأله، حضرت آیت‌اللّه جوادی آملی در سال ۱۳۱۲ (ه.ش) در خانواده‌ای روحانی در شهرستان آمل متولد شدند. پدر ایشان از علما، وعاظ و زهاد مشهور آمل بودند. پس از گذران تحصیلات دوران ابتدایی در سال ۱۳۲۴ (ه.ش) شوق پدر و فرزند به دروس دینی موجب شد تا ایشان در حوزه‌ی علمیه آمل مشغول تحصیل شوند. وی در مدت پنج سال نزد اساتید مبرز و متقی که بعضاً شاگرد مرحوم آخوند خراسانی بودند تا حدی سطوح عالیه‌ی مقدمات، فقه، اصول و حدیث را فراگرفتند. سپس در سال ۱۳۳۰ (ه.ش) از آمل به تهران هجرت نموده و با راهنمایی پدر بزرگوارشان به حضور آیت‌اللّه شیخ محمدتقی آملی

(ره) که از اعاظم عصر بود، رسیدند و از آن طریق به مدرسی مروی راهنمایی گردیدند و سطوح عالیه و معقول را در آن محضر شریف فراگرفتند. این سیر علمی تا سال ۱۳۳۵ (ه.ش) ادامه یافت و در آن دوره، کتابهای منظومه، اشارات و بعضی از اسفار را نزد اساتید مبرزی همچون آیت‌اللّه شعرانی (ره) و آیت‌اللّه الهی قمشه‌ای (ره) فراگرفتند و نیز مقداری از خارج فقه و اصول را نزد استاد والامقام، آیت‌اللّه شیخ محمدتقی آملی (ره) تلمذ کردند و در سال ۱۳۳۵ (ه.ش) به دلیل جامعیت حوزه‌ی علمیه قم، وارد قم، شهر کریمه‌ی اهل‌بیت، حضرت معصومه (سلام‌اللّه‌علیها) شدند و در آنجا از محضر آیت‌اللّه العظمی السید محمدحسین البروجردی بهره بردند و نیز از درس فقه فقیه نامدار، آیت‌اللّه محقق داماد (ره) به مدت سیزده سال، و از محضر استاد، امام خمینی (ره) یک دوره‌ی اصول به مدت هفت سال را درک کردند. همچنین ایشان به حضور استاد مسلم، علامه طباطبایی (ره) رسیدند و مباحث تکمیلی اسفار، خارج حکمت متعالیه عرفان اسلامی و مباحث عالیه‌ی تفسیر حدیث و قرآن را در جلسات خصوصی از محضر آن استاد گرانقدر فراگرفتند. ایشان از اوان حضور در تهران و نیز پس از هجرت به قم و تاکنون که حدود چهل سال می‌باشد، انواع دروس معقول و منقول را تدریس کرده‌اند؛ به گونه‌ای که اکنون از بزرگترین رهبران فکری جهان اسلام، در ابعاد مختلف اسلامی به شمار می‌آیند و شاگردان فراوانی در علوم مختلف اسلامی برای عالم اسلام تربیت نموده‌اند.

از توفیقات الهی ایشان، مداومت با معارف الهی خصوصاً قرآن مجید است که انواع حقایق دینی را از طریق تفسیر قرآن در جهان اسلام منتشر کرده‌اند.

آیت الله جوادی آملی و وقف :

واقف بزرگوار، حکیم متأله و اندیشمند گرانقدر استاد آیت‌اللّه جوادی آملی است که نامشان ما را از هرگونه تعریف و توصیفی در ابعاد شخصیتی ایشان بی‌نیاز می‌کند و چهره معنوی و علمی ایشان در قلمرو فرهنگ و معارف اسلامی درخشان‌تر از آن است که این قلم را توان تصویر باشد. دیدگاهها، مقاصد و منویات واقف محترم که در قالب عبارات بلیغ و مشرب عمیق عرفانی در وقف‌نامه مطرح شده است قابل توجه و تعمق است. بویژه توجه دادن خواننده گرامی به این نکته مفید و لازم به نظر می‌رسد که در این وقف‌نامه یکبار دیگر آیین و سنت نیکوی وقف‌نامه‌نویسی که به عنوان یک سند فقهی، حقوقی و تاریخی همواره در گذشته مورد توجه واقع می‌شده است مدّنظر قرار گرفته و علاوه بر آن به ظرایف وقف و اهمیت آن در شریعت نبوی (ص) و نیات واقف و خصوصیات عین موقوفه و تکلیف آینده و سایر موارد فقهی و حقوقی آن به سبکی آموزنده اشاره شده است؛ اموری که متأسفانه در وقف‌نامه‌های جدید یا متروک مانده و یا به صورت ناقص بدان پرداخته می‌شود. در هر صورت اصل وقف‌نامه خود مشکی است عطرافشان و از بیان عطار بی‌نیاز. سردبیر وقف نامه حضرت آیت الله جوادی آملی بسم اللّه الرّحمن الرّحیم و ایّاه نستعین الحمدللّه الّذی یأخذ الصدقات و یُربیها و صَلّی‌اللّه‌علی رسولهِ الّذی یُطهّر نفوسَ المتصدّقین و یُزَکّیها بها، و علی اهل بیته الذین استّنوا بسنته (ص) فیها، واللعن علی اعدائهم الّذین نَبَذوُها وراء ظهورها. بعد از ثنا و تحیّت چنین گوید، عبد محض خدایی که حق مطلق و هستی صرف است: هیچ موجود امکانی مالک چیزی نبوده. ذاتا، وصفا و فعلاً بلکه اثرا، فانی در ذات، صفت، فعل و اثرخداوند می‌باشد، اسناد هر گونه هستی به غیر خداوند مجاز است؛ و اگر اسناد شأنی از شؤون هستی به غیر خدا صحیحا بررسی شود، سبک مجاز از مجاز می‌باشد؛ زیرا وقتی اسناد اصل هستی به غیر خدا، مجاز بود، اسناد شأنی از شؤون آن به غیر خدا، مجاز مضاعف خواهد بود. این مطلب عمیق توحیدی، در دنیا برای موحّدان راستین، چونان رسول گرامی (ص) حلّ شد، قل لااملک لنفسی نفعا ولا ضرّا،... لیس لک من الامر شیءٌ...، و برای دیگران در معاد، روشن می گردد، یوم لاتملک نفس لنفسٍ شیئا. زیرا، قیامت، ظرف ظهور چنین حقیقت توحیدی است، نه وعائی برای حدوث آن. البته، در دنیا برای حفظ نظام انسانی، بسیاری از امور، به غیر خدا اسناد مالکانه داده می‌شود، و بر همین اساس، اشخاصی مالک، و اشیائی مملوک، و عقود و ایقاعاتی، ممضی، و عهودی ایفاء می گردد. انسان مؤمن که به خداوند هستی ایمان آورد و با او بیعت نمود، یعنی جان، مال و همه شؤون مجازی خود را به خداوند بیع کرد، بعد از آن هرگونه تصرّفی را در ذات، وصف، فعل و اثر خود، مسبوق به اذن خدا قرار داده و تصرّف در شأنی از شؤون هستی خویش را بدون اذن او غاصبانه می‌داند، و از خود چیزی ندارد، تا آن را مورد معامله قرار دهد، و اگر چنین کرد، حتما به عنوان امتثال فرمان مالک حقیقی خواهد بود. لذا اینجانب عبداللّه واعظ جوادی معروف به جوادی آملی، نه به عنوان مالک و ولیّ، و نه به عنوان خلیفه مالک یا وکیل و نائب او، بلکه به عنوان عبد آبق که به مولای شفیق و رفیق خود برگشت، درباره خانه ملکی و متصرّفی شهر قم، عهد و قراری با مولای غیب و شهودم بستم که ذیلاً بعد از فصول دهگانه، مشروح می‌شود. ۱ـ مهم‌ترین هدف بعثت، تزکیه نفوس و تعلیم کتاب آسمانی و حکمت است، نمونه‌های وافری از هر دو رشته علمی و عملی در قرآن مجید بیان شد، یکی از بارزترین مصداق تزکیه همانا تأدیه صدقه می‌باشد، و کاملترین مصداق صدقه، وقف است که اصل آن ثابت و فرع آن با دوام اصل مزبور، جاری خواهد بود، و هیچ صدقه‌ای چون وقف، چنین مزیّت جاودانه را واجد نیست. اطلاق صدقه بر وقف، حبس، سکنی، عمری، رقبی، و نیز بر زکات مال و زکات فطر و نظائر آن برای آن است که امور مزبور، نشانه صداقت ایمان و صدق متصدّق و واقف می‌باشد. ۲ـ فضیلت صدقه که وقف مصداق بارز آن است، در این است که خداوند شخصا او را می‌پذیرد، و دریافت می‌نماید چنانکه فرمود: اَلَم یَعلَموُا اَنّ اللّهَ هُوَ یَقبَلُ التَّوبَهَ عَن عِبادِهِ وَ یَأخُذُ الصَّدَقاتِ، بنابراین دریافت رسول اکرم (ص)، مَظهر اَخذ خدا خواهد بود، و جمع بین آیه مزبور و آیه خُذ مِن اَموالِهِم صَدَقهً تُطهّرهُم وَ تُزکّیهِم بها، آن خواهد شد که، و ما اَخَذتَ اِذ اَخَذتَ، ولکنّ اللّهَ اَخَذَ. ۳ـ چون صدقه که، وقف، فرد کامل آن می‌باشد، مُطَهّر نَفس از اوساخ، و مُزَکّی روح از ادناس و اقذار است، امید آن خواهد بود که چنین روح طاهر از دَرَن و رَین، توانای ادراک صحیح وحی الهی باشد، زیرا، سروش غیب را جز طاهران طائر باغ ملکوت و طائران طاهر از دَنَس مُلک، مسّ نمی کنند،... لایمسّه الا المطهّرون. ۴ـ از آن‌جهت که صدقه و وقف، که مصداق بارز آن است، بسیار ظریف و شفّاف می‌باشد، با اندک غبار گردِ منّت و اذیّت، غبارین و متوسخ شده، و شایسته صعود به بارگاهی که جز، کلم طیّب، چیزی به اوج عروج آن بار نمی‌یابد، الیه یصعد الکلم الطیّب، نخواهد بود، لذا ندای قرآن مجید چنین است: یا ایّها الّذین آمنوا لاتبطلوا صَدَقاتِکم بالمنّ و الاَذَی. ۵ ـ چون صدقه جاری همانند سنّت ساری از آثار سودمند می‌باشد، و تا برقرار است، روح صاحب آن در دارالقرار قریرالعین خواهد بود، و خداوند، قادم را چون غابر می‌نگارد، نَکتُبُ ماقَدَّموا و آثارَهم، و جزء اَعمال برّ

متوفی محسوب می گردد، اجر جزیل آن در قرآن و سنّت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام کاملاً بیان شد،... والمتصدّقین والمتصدّقات... اَعَدّ اللّه لَهُم مَغفِرَهً وَ اَجرا عَظیما... یُضاعَف لَهُم و لَهُم اَجرٌ کَریم ـ لیس یتبع الرجل بعد موته من الاجر، الاّ ثلاث خصال: صدقهٔ اجراها فی حیاته، فهی تجری بعد موته، و سنّهٔ هدی سنَّها، فهی یعمل بها بعد موته، او ولد صالح یدعو له ـ و چون معیار در ثواب، همان اثر صالح است، ذکر امور سه‌گانه در این حدیث یا امور شش‌گانه در حدیث دیگر، از باب تمثیل است، نه تعیین، لذا علم صائب، فرزند صالح، سنّت صحیح، وقف جاری، سیرت ساری و مانند آن مایه روح و ریحانِ روح رائح الی اللّه خواهد بود. ۶ ـ چون اثر نافع صدقه که وقف مصداق روشن آن می‌باشد، همانند دیگر واقعیت‌های دینی، هنگام احتضار ظاهر می‌شود، محرومان از چنین فیض فوزآوری، درخواست ارتجاع به دنیا را بجای تسریع رجوع الی اللّه، و رجعت به وطن اصلی، مطرح می کنند، و به شیوه نکوهیده اَتَستَبدِلوُن الَّذی هُوَ اَدنی بِالَّذی هُوَ خَیرٌ، انّا للّهِ وَ انّا اِلَیهِ راجِعوُنَ را، به، رَبِّ ارجِعوُنِ...، مبدّل ساخته، و تمنّی کاذب را به جای رجای صادق، در سقیفه خیال و قیاس و گمان و وهم نشانده، آنگاه چنین می گویند:... فَاَصَّدَّقَ وَ اَکُن مِنَ الصّالِحینَ ـ و به منظور پرهیز از چنین استبدال ناپسند، صاحب ولایت کبری، حضرت علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین، علیه افضل صلوات المصلّین فرمود: الصَّدقهُ والحبسُ ذخیرتان فدعوهما لیومهما. ۷ـ از آن جهت که اهل بیت طهارت و عصمت صلوات‌اللّه علیهم اجمعین، قرآن ناطق‌اند، و در تمام حسنات، امامت امّت را به عهده دارند، و قبل از دیگران به وحی الهی مؤمن و به حِکَم آن معتقد، و به احکام آن عامل‌اند، لذا رسول گرامی (ص) و اهل بیت معصوم (ع) آن حضرت (ص) اقدام به وقف کرده‌اند، درباره پیامبر گرامی (ص) چنین آمده است: تصدّق رسول‌اللّه (ص) باموالٍ جَعَلَها وقفا، وَ کانَ یُنفِق مِنها عَلی اَضیافِهِ، وَ اَوقَفَها عَلی فاطِمهَ عَلیهَاالسلام... ـ و درباره حضرت امیرالمؤمنین، علیه‌السلام، آمده است: کان عبدا للّه، قد اَوجَبَ اللّه له الجنهٔ، عمد الی ماله فَجَعَله صدقهً مبتولهً تجری بعده للفقراء و قال: اللّهم انما جعلت هذا لتَصرِفَ النارَ عن وجهی و لتصرفَ وجهی عن النار، و حضرت صدّیقه کبری، فاطمه زهرا صلوات‌اللّه علیها، اموالی را وقف فرموده و تولیت آن را به حضرت امیرالمؤمنین (ع)، آنگاه به امام مجتبی حسن بن علی علیهماالسلام، سپس به سیّد شهدا حضرت حسین بن علی علیهماالسلام، روحی لمضجعه الشریف الفداء و بعد از آن حضرت به فرزند بزرگ‌تر که علوی و فاطمی باشد، نه علوی محض، سپرد، و همچنین از سائر معصومین علیهم‌السلام رسیده است که مال خود را به عنوان وقف، صدقه جاری قرار داده‌اند، حتی درباره حضرت سید شهدا (ع) رسیده است که نواحی قبر شریف خود را از اهل نینوی و غاضریّه به شصت هزار درهم ابتیاع فرمود، و آن را بر ایشان تصدق نمود. ۸ ـ چون اصحاب متعهد اهل بیت طهارت و عصمت، هماره، به آن ذوات مقدّس اتّساء داشته‌اند، لذا هر صحابی متمکن، اقدام به وقف می‌نمود، چه اینکه از جابر روایت شده لم یکن من الصحابهٔ ذو مقدرهٍ الاّ وقف وقفا. ۹ ـ همان‌طوری که وقف، فضیلت فراوان دارد، هدم آن به فروختن، هبه کردن، ارث بردن و مانند آن، رذیلت وافری را به همراه دارد که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام درباره وقف چشمه یَنبُع چنین فرمود:... هی صدقهٔ، بتهً بتلاً، فی حجیج بیت‌اللّه و عابری سبیل، لاتُباع و لاتوهب و لاتورث فمن باعها او وهبها فعلیه لعنهٔ اللّه والملائکهٔ والناس اجمعین، لایقبل اللّه منه صرفا و لا عدلاً. ۱۰ ـ شرح صدر، سعه نظر، جامعیت اسلام و همگانی و همیشگی بودن آن، ایجاب می‌نماید که جهانی بیندیشد، و سراسر گیتی را مشمول لطف خود قرار دهد چنانکه رسول گرامیِ چنین دینی، رحمهٔ للعالمین معرفی شد. لذا وقف بر جامعه بشری، اعم از مسلم و کافر، ذمّی و حربی مادامی که اعانت بر عصیان و تعاون بر اثم نباشد، جایز است و آیه مبارک و کریم، لاینهاکم اللّه عن الّذین لم یقاتلوکم فی الدّین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبرّوهم و تقسطوا الیهم انّ اللّه یحبّ المقسطین، گواه آن می‌باشد. اکنون که خطوط کلّی صدقه جاری، طی ده فصل بیان شد، به اصل مطلب می‌پردازم، و آن اینکه وقف صحیح شرعی ـ جامع همه شرایط واقف، موقوف‌علیه، موقوف و وقف ـ نمودم خانه ابتیاعی، ملکی و متصرفی خودم را که واقع است در: قم، خیابان ارم (آیهٔ‌اللّه نجفی مرعشی) پشت مسجد آیهٔ‌اللّه گلپایگانی، جنب مدرسه علمیه سعادت (جنوب و جنوب شرقی) برای مدرّسان، محقّقان، مؤلّفان، پژوهشگران علوم و معارف الهی مانند تفسیر، فلسفه الهی، کلام، فقه، اصول و سائر دانش‌های دینی، الی ان یرث‌اللّه الارض و من علیها. تولیت آن مادامت‌الحیوهٔ، در اختیارم می‌باشد، و بعد از توّفی و ادراک لقاء اللّه، به فرزندم جناب حاج شیخ مرتضی واعظ جوادی است، چنانکه تولیت مدرسه علمیه سعادت را که در اختیارم است و تعیین متولّی بعد از من نیز به اختیارم می‌باشد، بعد از وفاتم، در اختیار مشارالیه خواهد بود، و تولیت مدرسه و خانه وقفی بعد از عمر طولانی نامبرده، به فرزند روحانی از خاندان اینجانب می‌باشد، و اگر خدای نخواسته، از این خاندان، کسی روحانی نشد، به فرزند بزرگ این خاندان خواهد بود. تمام کتاب‌ها و سائر لوازم کتابخانه و تلفن، در اختیار مرکز تحقیقاتی اسراء است. ایجاب و قبول، اقباض و قبض، حاصل، و صیغه وقف به طور جامع همه مطالب لازم اعم از مرقوم و غیر آن جاری شد، ربّنا تقبل منّا و خذه منّا و طهّرنا به والحمدللّه ربّ العالمین، الّذی یرث الارض و من علیها. منبع:میراث جاویدان

برگرفته از کتاب :موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

جوادی پور، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود جوادی پور در سال ۱۲۹۹ در تهران به دنیا آمد. شهریور ۱۲۹۹ در تهران به دنیا آمدو در دبستان سلطانی و علامه و سپس هنرستان صنعتی ایران – آلمان – دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران – آکادمی هنرهای زیبا شهر مونیخ در کشور آلمان غربی در زمینه های نقاشی و گرافیک درس خوانده است. از سال ۱۳۳۲ تا سال ۱۳۳۸ در دانشکده هنرهای زیبا – دانشکده هنرهای ترسیمی هنرستان هنرهای زیبا به تدریس هنر پرداخت. آغاز گر هنرهای چاپی (گرافیک) در کشورم به آغاز گر چاپ رنگین در ایران بود. آغاز گر گشایش اولین مرکز هنرهای تجسمی، مولف کتابهای درسی درزمینه های — بهداشت — علمی– ادبیات فارسی و

قرائتی برای سالهای اول تا پنجم دبستان و دوران راهنمایی می باشد. بر پا کننده بیش از ۳۰ نمایشگاه فردی و ۴۰ نمایشگاه گروهی می باشد.

گروه : هنر

رشته : هنرهای تجسمی

گرایش : هنرهای تجسمی – موسیقی

والدین و انساب : پدرمحمود جوادی پور، علینقی جوادی پور و مادرش از خانواده ابراهیمی بود در تهران به دنیا آمده در حدود امکانات زمان خودش درس خوانده بود به زبان فرانسه آشنایی داشته است.

خاطرات کودکی : محمود جوادی پور از دوران کودکی خود اینچنین یاد می کند: از دوران کودکی خاطرات بسیاری دارم. در خانه ما همیشه آرامش و صلح و صفا برقرار بود. پدر و مادرم هر دو خوشخو و مهربان و دانا بودند. برادرم از من پنج سال بزرگتر بود و خواهرم پنج سال کوچکتر از من بود خواهر دیگری داشتم که ده سال از من کوچکتر بود و مدتی پیش در گذشت . برادرم و من از کودکی در یک اطاق زندگی می گردیم در اطاقمان انواع افزارهای آهنگری بخاری خراطی و انواع دیگر موجود بود و غالبا در همان اطلاق به ساختن انواع و اقسام مسائلی که در ارتباط با درسهای مدرسه بود و یا جنبه های تفریحی داشت می پرداختیم و همیشه سرمان گرم بود.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : در خانواده محمود جوادی پور همیشه یگانگی و مهربانی حکمفرما بود . همیشه همراه برادرانش مشغول ساختن چیزی بود که پدر و مادر مشوقشان بودند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمود جوادی پور تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان سلطانی و علامه و تحصیلات متوسطه را در هنرستان صنعتی ایران – آلمان آغاز کرد . از سال ۱۳۳۲ تا سال ۱۳۳۸دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران تحصیلات تکمیلی خود را آغاز نمود. همچنین در آکادمی هنرهای زیبا شهر مونیخ در کشور آلمان غربی در زمینه های نقاشی و گرافیک درس خوانده است.

خاطرات و وقایع تحصیل : محمود جوادی پور از خاطرات خود اینچنین یاد می کند: از دوران هنر آموزی در هنرستان صنعتی ایران و آلمان خاطرات بسیار خوب و دلپذیری دارم. استاد درس ادبیات ما نیما یوشیج بود. البته آن زمان نیما شهرت امروزیش را نداشت و مشهور نبود. روزی در کلاس دوم هنرستان مشغول گذراندن امتحان ادبیات فارسی بودیم، شاگردی که جلوی من نشسته بود تقلب می کرد. نیما متوجه شد از همان پشت میزش دفتر کلاس را که به طرف متقلب پرتاپ کرد و دفتر به او اصابت نکرد و محکم به من خورد. نیما خیلی ناراحت شد از من عذر خواهی کرد و متعاقبا ۵ نمره از امتحان او کم شد و ۴ نمره به نمره من اضافه شد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : در تمام دروان زندگی محمود جوادی پور چه در دبستان چه در دوران متوسطه و دانشگاه همیشه در کنار تحصیل به کار نیز اشتغال داشت. در دوران ابتدایی با اولین گروهی که از کشور فرانسه برای تهیه فیلم های آموزشی به ایران آمده بودند کارکرد. با گروهی که برای اولین بار در ایران به ساختن سینمای پرداخته اند همکاری داشته است. مدتی بعنوان (آپاراتچی) نمایش دهنده فیلم های سینمایی به نمایش دادن فیلم های محکمی در سالن نمایش مدرسه دارالفنون کارکرده است – با کرایه بالا اطاقی بعنوان کارگاه به ساختن انواع آلات تزیینی با چوب برای خانمها پرداخته است. سالها با فروش آثار هنری اش در زمینه تامین هزینه تحصیل و زندگی اش فعالیت داشت. حتی در زمان گذراندن دوران تحصیلی اش در کنار تحصیل به کار پرداخت.

همسر و فرزندان : حاصل ازدواج موفق آقای محمود جوادی پور دو دختر به نام نیوشا و مانیا است که نیوشا در رشته آموزش هنر در آلمان درس خوانده و مانیا در رشته مهندسی معماری در کشور کانادا شهر تورنتو ادامه فعالیت دارد.

وقایع میانسالی : دور ماندن محمود جوادی پور و همسرش از فرزندانش مهمترین وقایع زندگی آنها به شمار می رود.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : از فعالیتهای محمود جوادی پور می توان شرکت در: دانشگاه تهران دانشکده هنرهای زیبا هنرستان صنعتی ایران و آلمان دانشکده هنرهای تزینی هنرستان هنرهای زیبای دختران همچنین در سال ۱۳۶۰ اقدام به بازگشایی کلاسی نمود که تا سال ۱۳۷۳ ادامه داشت. در این کلاس بیش از ۵۰۰ دانشجو یا هنرجوی کوچک و بزرگ داشت که بیشتر آنها به دانشکده های هنری راه یافتند.

فعالیتهای آموزشی : محمود جوادی پور استاد در رشته های نقاشی ، هنرهای چاپی در هنرستان هنرهای زیبای دختران، دانشکده هنرهای تزینی ، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران و همچنین در کلاس آزاد

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : آغازگر هنرگرافیک در کشوراز سال ۱۳۲۲ آغاز گر و براه اندازی چاپ رنگی در ایران از سال ۱۳۲۳ آغاز گر تاسیس اولین مرکز هنرهای تجسمی بنام آپادانا کاشانه هنرهای زیبا در تهران سال ۱۳۲۸

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از دیگر فعالیتهای محمود جوادی پور می توان به موارد زیر اشاره کرد: خلق آثار هنری در زمینه ی نقاشی و گرافیک مطالعه دایم در زمینه هنر تجسمی نوشتن مطالبی در مورد هنر و در ارتباط با هنرهای تجسمی کارهای مختلف برای تامین کمبود هزینه های لازم زندگی روزمره

آرا و گرایشهای خاص : گرایش محمود جوادی پور از آغاز طفولیت به خلاقیت بود . در وحله اول به هنر موسیقی و دوم به هنر نقاشی و بعد از این دو به هر کاری که در آن مسئله سازندگی و خلاقیت مطرح می شد .

جوائز و نشانها : تندیس با علامت خورشید سال ۱۳۸۴ بمناسبت دومین جشنواره تصویر سازی ، کتابهای درسی تندیس با پیکره بزکوهی، سال ۱۳۸۴، بادمان پنجمین نمایشگاه سالانه کتابهای درسی تندیس با علامت خورشید سال ۱۳۸۴ اولین جشنواره کتاب کودک تندیس کره بلورین سال ۱۳۸۵ اولین بخش هنرمندان ایران، مجموعه فرهنگی تلاش وزارت کار لوح تقدیر پنجمین همایش، معرفی چهره های ماندگار تقدیر نامه از شورای کتاب کودک تقدیر نامه بمناسبت شرکت در نمایشگاه گل و گیاه از طرف شهرداری تهران لوح تقدیر از طرف وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دکتر عطاء الله مهاجرانی بمناسبت فعالیتهای هنری لوح تقدیر بمناسبت چهره ماندگار از طرف ستاد چهره های ماندگار لوح سپاس بمناسبت شرکت در نمایشگاه بنیاد آفرینش های معنوی

نیاوران لوح تقدیر بمناسبت فعالیتهای هنری از طرف سازمان صدا و سیما لوح تقدیر بمناسبت احراز مقام ریاست نمایشگاه از طرف رئیس فرهنگستان هنر تقدیر نامه بمناسبت طرح آرم شرکت ملی نفت ایران دریافت جایزه و مدال درمراسم تجلیل از اینجانب خرداد ماه سال ۱۳۸۶ از طرف فرهنگستان هنر

چگونگی عرضه آثار : آثار محمود جوادی پور در زمینه هنر نقاشی و هنرهای چاپی است که در نمایشگاههای مختلف گاهی بصورت فردی و زمانی بصورت گروهی عرضه می گردد. در مجلات و کتب هنری از آنها یاد می شود و در موزه ها و نزد کلیکتورها نگهداری می شود. از سال ۱۳۲۰ که رسما به فراگیری هنرهای تجسمی روی آورد بسیاری از آثار نقاشی اش توسط افراد هنر دوست، کلکتورها، موزه هنرهای تجسمی خریداری شد و یا به نقاط مختلف برده شد.

منابع زندگینامه : ۱تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط استاد محمود جوادی پور بنا به درخواست بنیاد ایران شناسی ، پاییز ۱۳۸۶

جوادی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ عبدالله جوادی دامت برکاته در سال ۱۳۴۱ ق بقم المحمیه مهاجرت نموده و مدت هفت سال از محضر مرحوم آیه‌الله العظمی حایری حاج شیخ عبدالکریم طاب‌الله ثراه و آیات دیگر استفاده نموده تا بدرجه اجتهاد رسیده و با دریافت اجازات در سال ۱۳۴۸ ق بابهر مراجعت و اقامت دائمی نموده و تا حال حاضر باقامه جماعت و وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

تألیفات و نوشته‌های ایشان از این قرار است:

۱- رساله‌ای در لباس مشکوک.

۲- رساله در قاعده ید که از محضر درس مرحوم آیه‌الله نائینی استفاده نموده.

۳- رساله‌ای در قاعده لاضرر.

۴- جزواتی بعنوان حاشیه بر مکاسب و حواشی بر دررالفوائد آیه‌الله حایری.

۵- رساله مستقلی در ارث.

۶- رساله‌ای در رد مسلک باب و بهاء.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

جوادی، قاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قاسم جوادی

محل تولد : پاکدشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب قاسم جوادی در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه قم شدم بعد از طی دروس رسمی حوزه که فقه و اصول و ادبیات بود در سال ۵۶ در درس خارج شرکت کردم ، همزمان با دروس رسمی حوزه از سال ۵۴ تا ۶۸ فلسفه و عرفان نظری را نزد اساتید متعددی گذراندم،سپس دوره‌های زبان انگلیسی دفتر تبلیغات را گذراندم و سرانجام در دوره دین‌شناسی مؤسسه امام خمینی شرکت کردم و در کنار درسهای حوزه، تاریخ را خودم مطالعه کردم و از مباحث تاریخ به مباحث مذاهب اسلامی کشیده شدم و از سال ۵۵ درسهای حوزه را تدریس کردم و از سال ۶۲ تا کنون در دانشگاههای متعدد نظیر دانشگاه کرمان، تهران، فردوسی، مقدس اردبیلی، مفید و باقرالعلوم تدریس داشته‌ام

جوادی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن جوادی

محل تولد : ابهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

محسن جوادی در سال ۱۳۴۲هجری شمسی در شهرستان ابهر به دنیا آمد ،او در سال ۱۳۶۰هجری شمسی وارد حوزه علمیه قم شد و دروس حوزه را فرا گرفت ، در کنار دروس متداول حوزه در دانشگاه تربیت مدرس تهران رشته فلسفه را پیگیری کرد و در سال ۱۳۷۸ هجری شمسی موفق به اخذ مدرک دکترا در این دشته شد ، وی هم اکنون ریاست دانشگاه تربیت مدرس قم را بر عهده دارد و به کار تحقیق ، تدریس و تألیف نیز مشغول است.

جواری، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین جواری در سال ۱۳۴۶ در اهر بدنیا امد. ایشان در سال ۱۳۷۷مدرک دکتری در رشته ادبیات فرانسه و تطبیقی را از دانشگاه سوربن پاریس– فرانسه با موفقیت اخذ کرده اند.وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تبریز می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات فرانسه تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدحسین جواری ،تحصیلات ابتدایی را در دبستان شمس به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۶۴ از دبیرستان مدرس اخذ کرده‌اند . ایشان مدرک کارشناسی در رشته زبان وادبیات فرانسه را از دانشگاه تبریز و ازدانشگاه ژول ورن آمین فرانسه و کارشناسی ارشد ادبیات فرانسه وتطبیقی را در سال ۱۳۷۳ از دانشگاه ژول ورن آمین فرانسه دریافت نموده اند و در سال ۱۳۷۷مدرک دکتری در رشته ادبیات فرانسه و تطبیقی را از دانشگاه سوربن پاریس– فرانسه با موفقیت اخذ کرده اند. عنوان پایاننامه: الف – کارشناسی ارشد : سنت – تقلید – نوآوری در پالکنهای رب گریه (رمان جدید) ب– دکتری: پایان رمان نو – مسائل زیبایی شناسی و مسائل دریافت ادبی از ورای آثار رب گریه. وقایع میانسالی : محمد حسین جواری و از سال ۱۳۷۷ بعنوان عضو هیات علمی در گروه زبان فرانسه دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی مشغول خدمت شده اند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای اجرایی محمدحسین جواری : قبلی: رئیس آموزش دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی – رئیس کتابخانه دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی فعلی: مدیر گروه آموزشی زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تبریز فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی محمدحسین جواری در دانشگاه تبریز به قرار زیر است: تدریس دروس کارشناسی وکارشناسی ارشد چگونگی عرضه آثار : فعالیتهای پژوهشی محمدحسین جواری به ترتیب زیر است: تعداد مقاله های منتشر شده : ۱۵ مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها: ۱۴ مورد تعداد کتابهای تالیف شده : ۲ مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد: ۹ مورد

جوان آراسته، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین جوان آراسته

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

به سال ۱۳۴۱ در مشهد مقدس در خانواده ای مذهبی چشم به جهان گشود. در سال ۱۳۵۶ پس از اتمام مقطع راهنمایی توفیق ورود به حوزه علمیه را پیدا نمود و بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در سال ۱۳۵۸ از زادگاه خود، به قم مهاجرت کرده. ابتدا در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی و سپس با بازگشایی مدرسه حقانی در آن جا به تحصیلات حوزوی ادامه داد. دروس سطح عالی حوزه را در محضر اساتیدی همچون حضرات آقایان راستی کاشانی و اعتمادی (رسائل) بنی فضل و کاشانی (مکاسب) و ستوده (کفایه) فرا گرفت. از سال ۱۳۶۷ در درس خارج اصول فقه از محضر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و در درس خارج فقه از حضرات آیات فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی و حاج شیخ جواد تبریزی استفاده کرد. در فاصله سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ با شرکت در مباحث تفسیر قرآن استاد فرزانه حضرت آیت الله جوادی آملی بیش از پیش با قرآن مأنوس و از این محفل معنوی بهره برد. در کنار دروس حوزوی از سال ۱۳۷۰ تصمیم به ادامه تحصیلات جدید گرفته، دروس دبیرستان را در سال ۱۳۷۴ به پایان رسانده و در همان سال موفق به ورود به دانشگاه تهران (پردیس قم) در رشته حقوق گردید. پس از اتمام سه ساله دوره کارشناسی حقوق، در سال ۱۳۷۷ در مقطع کارشناسی ارشد حقوق عمومی همان دانشگاه پذیرفته و در اردیبهشت سال ۱۳۸۰ فارغ التحصیل گردید.

جوان هوشیار، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر جوان هوشیار

محل تولد : لیلان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب بعد ازاخذ مدرک دیپلم در رشته ریاضی و فیزیک وارد حوزه علمیه ولی عصر(عج)شهرستان بناب شدم و شش پایه حوزه را درعرض پنج سال تمام کرده وارد حوزهٔ علمیهٔ قم شدم و همزمان با دروس حوزوی در مؤسسه امام خمینی در رشتهٔ روانشناسی پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۴از مؤسسهٔ امام خمینی(ع) با مدرک کارشناسی فارغ التحصیل شدم والآن مشغول تحصیل دروس حوزوی خارج فقه و اصول هستم.

جوان، حمیدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمیدرضا جوان

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۷/۱

زندگینامه علمی

دروس حوزوی را از سال ۱۳۵۹ در تهران مدرسه آیت الله مجتهدی آغاز کردم و مقدمات را در آنجا گذراندم . سپس لمعتین و اصول فقه مظفر را در قم نزد آیت الله اشتهاردی و حسینی بوشهری خوانده و در سال ۱۳۷۶ رسماً وارد حوزه علمیه قم گردیدم. تا سال ۱۳۸۱ سطح را به اتمام رساندم از سال ۱۳۷۸ همزمان در درس خارج شرکت داشتم و تاکنون مشغول به درس خارج فقه واصول می باشم . حدود سه سال در بخشهای عقیدتی سیاسی و بخش تحقیقات استراتژیک ستاد فرماندهی کل قوا به فعّالیتهای آموزشی و پژوهشی مشغول بوده ام و مقالات و جزواتی را تدوین و تألیف نموده ام . در سالهای اخیر تحقیقی نیز در رابطه با تکلیف و اباحی گری داشته ام و اکنون نیز به آن مشغول هستم .

دروس دانشگاهی را در مقطع کارشناسی در رشته مهندسی عمران در سال ۱۳۸۵ به اتمام رسانده ام و حدود پنج سال در دانشگاه امام حسین(ع) عضو هیئت علمی بوده و در ضمن دوره کارشناسی ارشد در دو رشته مدیریت ساخت و علوم سیستم ها را تا نیمه های دوره گذراندم که بخاطر علاقه شدید به دروس حوزوی آنها را به اتمام نرسانده و فعّالیت خود را بر روی دروس حوزوی متمرکز نمودم .

جوان، علی

قرن:۲۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی جوان (زاده ۹/۱۰/۱۳۰۵ در تهران از پدر و مادری آذری الاصل) دانشمند و مخترع ایرانی است. وی اولین لیزر گازی دنیا که ترکیبی از دو گاز هلیوم و نئون است و به همین نام نیز معروف است را اختراع کرد. این لیزر از نوع لیزرهای بی خطر به حساب می‌آید و رنگ آن سرخ است. این لیزر در آزمایشگاه‌های دانشگاه‌ها برای بررسی پدیده‌هایی مانند تداخل امواج و آزمایش دو شکاف یانگ کاربرد دارد.

پیشینه:

علی جوان پس از گذراندن تحصیلات در دبیرستان البرز، تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه تهران داد. سپس در سال ۱۹۴۸ به ایالات متحده آمریکا مهاجرت می‌کند و تحصیلات خود را در مقطع دکترای فیزیک در دانشگاه کلمبیا ادامه می‌دهد. وی در سال ۱۹۶۴ با درجه دانشیاری به عضویت هیات علمی موسسه فناوری ماساچوست (MIT)در آمد. وی در حال حاضر استاد بازنشسته موسسه فناوری ماساچوست در ایالات متحده آمریکا می‌باشد. گرایش وی در فیزیک، اتمی – مولکولی و اپتیک است.

او در MIT یک تحقیق بزرگ را پایه گذاری کرد که باعث ایجاد بزرگترین تحقیق لیزری در دهه های شصت و هفتاد میلادی شد. بسیاری از بنیان های اولیه در استفاده از لیزر در آنجا به وقوع پیوست. این بنیان ها شامل؛ ابداعات زیادی در زمینه

اسپکتروسکوپی لیزری بصورت Sub-Doppler ؛ اولین استفاده از لیزر برای آزمایش دقیق نسبیت و ایزوتروپی در فضا؛ ابداع تکنولوژی اندازه گیری فرکانسی دقیق در طیف نوری و اولین ساخت ساعت های اتومیک لیزری می باشند.

پروفسور جوان در زمینه های تازه تحقیق مانند پژوهش اخیرش برای جستجوی اثرات هدایت نورهای هم جهت شونده توسط یک آنتن نوری به سوی اندازه نانو از ماده فعال است.

او در تحقیقات گسترده ای از لیزرهای پرانرژی و رادارهای مولتی استاتیک

لیزری که توسط ساعت های نوری دقیق کنترل می شود، گرفته تا لیزرهای تشخیصی پزشکی شرکت داشته است. پایان نامه های تحقیقاتی بسیاری از دانشجویان فیزیک تحت نظر او بوده است.

برای تحقیقات در زمینه لیزرهای گازی، پروفسور جوان در سال ۱۹۶۴ مدال Stewart Ballentine، در سال ۱۹۶۶ مدال Fany & John Hertz Foundation در سال ۱۹۷۵ مدال Fredrick Ives و در سال ۱۹۹۳ مدال جهانی آلبرت انیشتین را دریافت کرد.

او عضوی از آکادمی ملی علوم و آکادمی هنر و علم آمریکا و عضو افتخاری موسسه Trieste برای ترویج علوم می باشد. در سال ۱۹۶۶ او به عنوان Guggeheim Fellow و در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۹۵ به عنوان Humbolt Foundation Fellow شناخته شد.

افتخارات:

•در سال ۱۹۶۰ وی موفق به اختراع لیزر گازی شد.

•این فیزیکدان ایرانی در سال ۱۹۷۵ مهم‌ترین نشان انجمن نورشناسی آمریکا یعنی مدال فردریک ایوز را دریافت کرد. در جمله‌ای که در کنار این نشان حک شده‌است از آقای جوان به خاطر «پدید آوردن یک دستگاه نورشناختی (لیزر گازی) با کاربردهای بی‌سابقه در پژوهش‌های علمی» قدردانی فراوان شده‌است.

•علی جوان در سال ۱۹۹۳ جایزهٔ علمی جهانی آلبرت اینشتین را دریافت نمود.

•او همچنین در سال ۲۰۰۷ رتبه دوازدهمین آدم باهوش را در جهان کسب کرد.

جوان، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۷ -۱۲۷۵ ش)، حقوقدان و نویسنده. در تبریز به دنیا آمد. وی تحصیلات عالی خود را در تهران به پایان رسانید و موفق به دریافت درجه‌ی دکترا در علوم قضایی از دانشکده حقوق پاریس شد. علاوه بر آن در محضر میرزامهدی آشتیانی حکمت آموخت و به زبانهای روسی، انگلیسی، فرانسه و عربی آشنایی پیدا کرد. جوان در دوره‌های یازدهم، دوازدهم و سیزدهم نماینده مجلس بود. از آثار او: «افسانه‌های دینی در مصر قدیم»؛ «تاریخ اجتماعی ایران باستان»؛ «رد کتاب تصوف و رد حکمت‌الاشراق»؛ «مبانی حقوق».[۱]

فرزند شیخ علی مجتهد تبریزی، متولد ۱۲۷۵ در تبریز. تحصیلات قدیم و جدید را فراگرفت و از مدرسه‌ی حقوق تهران درجه‌ی لیسانس دریافت کرد. در ۱۳۰۴ به اروپا رفت، در پاریس به تحصیل حقوق پرداخت و درجه‌ی دکترا گرفت. پس از مراجعت به تهران، مشغول خدمات قضائی شد. بعد به وزارت کشور رفت و به شهرداری شهر مشهد انتخاب گردید. پس از چندی، از مشاغل دولتی صرفنظر نمود و حرفه‌ی وکالت دادگستری را انتخاب کرد و در تهران ابتدا به عضویت انجمن بلدیه انتخاب شد و به مقام نایب‌رئیسی انجمن ارتقاء مقام یافت. در همین سمت موجبات معروفیت خود را کاملاً فراهم نمود. در دوره‌ی دهم از شهر ری به وکالت مجلس انتخاب شد. در دوره‌های یازدهم و دوازدهم و سیزدهم هم وکیل مجلس بود. در دوره‌ی سیزدهم به علت مخالفت با پیمان سه‌گانه که فروغی و سهیلی آن را به تصویب رسانیدند، استعفا داد. در همان دوره طرحی تهیه و به مجلس تقدیم نمود که به موجب آن بایستی به وضع دارائی و ثروت کارمندان دولت در بیست سال گذشته رسیدگی می‌شد. این طرح در مجلس رد شد.

از او تألیفاتی باقی مانده که مهمتر از همه مجلدات مبانی حقوق در پنج مجلد است. کتاب دیگری به نام تاریخ اجتماعی ایران باستان نوشت که مورد انتقاد شدید سعید نفیسی قرار گرفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۸/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۴ -۳۳۳ /۶).

جوانرودی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۳ -۱۳۰۰ ق)، منشی، خطاط، ادیب و دانشمند. از اهالی جوانرود بود. تحصیلات خود را در مدارس کردستان ایران و عراق شروع کرد و در شهر کرکوک علوم دینی را نزد علامه علی حکمت افندی به کمال رساند و به ایران بازگشت و در آبادی بالک از قرای مریوان به مدت یازده سال تدریس کرد، سپس به دره تفی رفته و تا هنگام مرگ در آنجا ماند و به تدریس و خدمت اجتماعی و دینی ادامه داد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۲۶۳/۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۹/۳).

جوانشیر خوبی، کریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: جنگل‌داری، دانشکده: منابع طبیعی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

جوانشیر، عزیز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اکولوژی گیاهی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد پیوسته جنگل و مرتع از دانشکده کشاورزی کرج در سال ۱۳۴۵، دکترای اکولوژی از دانشگاه اورسی پاریس در سال ۱۳۴۷ و دکترای مهندسی اکولوژی از دانشگاه اورسی پاریس در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز از سال ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۶۹ و دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز از سال ۱۳۶۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح پژوهشی مراتع سبلان، ریشه زدایی کاج سیاه، جمع‌آوری و شناسایی فلور آذربایجان، بررسی ارقام مختلف علف باغ، تدریس دروس اکولوژی، مراتع‌داری، اکولوژی گیاهان زراعی در دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

حالات و مفاهیم‌های بهاره کردن، جنگل، پوشش گیاهی زمین، بررسی و پرورش جنگل.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

تغذیه سوزنی برگان از عناصر معدنی روش تجزیه‌ای و نقدی، هواشناسی، اقلیم‌شناسی و سینوزی اردیبهشت ماه سبلان، چرای زودرس مهمترین عامل مخرب مراتع سبلان، نکاتی پیرامون فور آذربایجان، بررسی ارقام مختلف علف باغ از لحاظ صفات زراعی، صنوبرکاری و مسائل فلور ایران.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

جوانی گلوجه، رسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رسول جوانی گلوجه

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب از سال ۱۳۷۴وارد حوزه علمیه شدم. دوران مقدمات حوزه را در حوزه علمیه ولی عصر عج شهرستان بناب واقع در آذربایجان شرقی به پایان رساندم.بعد از ورود به قم مشغول دروس سطح حوزه گردیده از دروس اساتید معظم حوزه استفاده کردم. در همان سالهای اولیه ورود به حوزه علمیه به خاطر علاقه ای که داشتم، در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآنی نیز مشغول به تحصیل گردیده و موفق شدم دروس سطح ۲ این رشته را نیز در تاریخ ۱۳۸۳به پایان رساندم.

در ضمن موفق گشتم چندین ترم جزو نفرات ممتاز باشم. و با یک سال تاخیر در تاریخ ۸۵ نیز با قبولی در امتحانات ورودی تحصیل در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآنی را در مقطع کارشناسی ارشد پی بگیرم هم اکنون نیز سه سال است در دروس خارج فقه و اصول مشغول به تحصیل می باشم که هم اکنون که در سال ۸۶ می باشم سومین سال تحصیل در دروس خارج را می گذرانیم.در طی این دوران در ضمن تحصیل در دروس متداول و تخصصی در واحد تحقیقات و پژوهشهای فرهنگی حوزه، قسمت قرآن و تربیت و کلام و فلسفه مشغول پاسخ گوئی به سوالات بودم. که بیش از سه سال سابقه دارم.

مقاله ای با عنوان جوان و بحران هویت اینجانب در هفته نامه پرتو سخن به چاپ رسید. و مقاله ای نیز با عنوان جوان و هویت در مجله علمی تخصصی معرفت در حال انتشار می باشد.مقاله دیگری نیز با عنوان (کرامت انسان در سیره نبوی) برای موسسه نشر آثار حضرت امام ره نیز نوشته ام که در حال چاپ و انتشار می باشد.اینجانب در سایت اسلامی حضرت استاد هادوی تهرانی نیز به عنوان محقق پاسخ به سوالات اینترنتی مشغول می باشم.همینطور در پژوهشکده علمی – کاربردی باقرالعلوم مربوط به سازمان تبلیغات اسلامی هم مشغول به تحقیق می باشم.اخیرا نیز از پژوهشکده صدا و سیمای مرکز قم جهت همکاری در پروژه ای قرآنی دعوت گردیده ام.

جواهر رقم ثانی، بخش‌اللّه

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط. ممکن است وی فرزند سید علیخان تبریزی معروف به جواهر رقم باشد. بخصوص که شیوه‌ی خطش مشابه خط جواهر رقم است. از آثار وی قطعه‌ای است به قلم سه‌دانگ خوش و با رقم: «العبد المذنب الرّاجی بخش اللّه خان بن میرعلیخان، جواهر رقم ثانی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۷ -۹۶ /۱).

جواهر رقم، علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۹۴ ق)، خطاط شاعر. وی از سادات حسینی تبریزی و ساکن اصفهان بود. بعدها به همراهی پدر به هندوستان رفت و به دربار اورنگ زیب عالمگیر راه یافت و خطاب خان و عنوان هزاری را از او دریافت کرد. علاوه بر این سمت خدمت‌نویسی و کتابداری خاصه نیز به وی تفویض شد. سید علی خان شعر نیز می‌سرود و تخلص به نام می‌کرد. او در خط نستعلیق شاگرد پدر خود، محمدمقیم، بود که او نیز خود از شاگردان میرعماد بود. از آثار او: پنج قطعه از مرقعهای مختلف، به قلمهای سه دانگ و دو دانگ و کتابت خفی خوش، با رقمهای: «جواهر رقم» و «بنده‌ی مهجور جواهر رقم سنه‌ی ۱۰۸۳»؛ یک قطعه از مرقعی، به قلم دو دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم: «کتبه العبد سید علی غفر له ۱۰۶۲»؛ دو قطعه به قلم نیم دو دانگ عالی، که مهر شاهجهان در پشت آن است، با رقم: «جواهر رقم» و قطعات مختلف دیگر

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۴۹ -۴۴۷ /۲)، تاریخ اصفهان (۱۸۷ -۱۸۶)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۶۰۵ -۶۰۳ /۲)، تاریخ هنرهای ملی (۹۴۱/۲)، تذکرهٔ الخطاطین (۳۶۳ -۳۴۷ /۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۰۹ -۲۰۸)، خوشنویسان و هنرمندان (۵۸)، الذریعه (۷۵۳/۹)، ریحانه (۱۳۶/۳)، سرآمدان فرهنگ (۲۶۴/۱)، شام غریبان (۱۸۷)، صبح گلشن (۲۱۳)، فرهنگ سخنوران (۲۲۹ - ۲۲۸)، کارنامه بزرگان (۲۵۵)، کاروان هند (۳۰۸ -۳۰۷ /۱)، گلستان هنر (نوزده).

جواهری، رسول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

جواهری، عبدالرسول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۷ –۱۳۰۱ ق)، فقیه اصولی. نیای وی شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، بود. وی از پارسایان معروف نجف بود که پس از طی دوره‌های مقدماتی، دروس عالی فقه و اصول را از محضر شیخ محمدکاظم خراسانی، سید محمدکاظم طباطبایی یزدی و عده‌ای از دیگر استادان و رجال حدیث را از محضر سید ابوتراب خوانساری و معقول را از محضر شیخ عبدالهادی شلیله‌ی بغدادی فراگرفت. سپس به تدریس فقه و اصول پرداخت و دانشمندان زیادی از محضر او استفاده کردند. در مقبره‌ی صاحب «جواهر» در نجف به خاک سپرده شد. از آثار وی: ترجمه‌ی «انیس الموحدین» کلباسی از فارسی به عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۸۲/۴)، مستدرکات اعیان (۱۳۱/۳).

جواهری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۷۵، مشهد.

درگذشت: ۱۳۶۰.

سید محمد جواهری متخلص به «فرخ»، فرزند سید احمد جواهری متخلص به «دانا» از ادیبان و دانشمندان خراسان، علوم مقدماتی را در مدارس قدیمه‌ی آن شهر و فنون ادب را از محضر شیخ محمد حسین سبزواری و پدر خود آموخت. از همان کودکی قریحه‌ی شاعری در وی بیدار شد و در هشت سالگی به نظم شعر پرداخت.

سید محمد جواهری دو دوره از طرف مردم قوچان به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و چند سالی تصدی امور آستان قدس رضوی را داشت و چندی نیز کفالت استانداری خراسان را عهده‌دار بود. از آن پس از مشاغل سیاسی و اداری فاصله گرفت و انزوا و گوشه‌گیری نمود.

«فرخ» مسافرت‌هایی در داخل و خارج از کشور نمود و در سال ۱۳۲۳ به دعوت دولت ازبکستان با سمت ریاست هیئتی برای شرکت در جشن بیست و پنجمین سال تأسیس ازبکستان به تاشکند رفت.

«فرخ» در اواخر عمر بیشتر به مطالعه دواوین شعرا و تذکره‌ها می‌پرداخت و تذکره‌ی سفینه‌ی فرخ (در دو مجلد) از کارهای اوست و نیز تصحیح و چاپ مجمل فصیحی (در سه جلد) به کوشش او صورت گرفت. دیوانش شامل چهارهزار بیت شعر به چاپ رسید و هنگامی که فرخ به هفتادمین سال عمر خود رسید، کتاب یادبودی حاوی اشعار شعرا در ستایش او چاپ و منتشر شد. «انجمن ادبی خراسان» نیز سال ها به ریاست او اداره شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جواهری، وجدی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسین جواهری «وجدی»، از شعرای خوب دوران اولیه فعالیت دستگاه رادیو بوده است، آثاری بدیع و دل‌انگیز از وی به‌جای مانده و نیز گاه‌گاه ترانه‌هایی بر روی آهنگهای رادیو گذارده که چند نمونه آن در این مجموعه به چاپ رسیده است.

جواهری وجدی، در سال ۱۳۰۳ خورشیدی دیده به جهان باز کرد و از سال ۱۳۱۸ همکاری خود را با آهنگسازان رادیو شروع و ادامه داد، از نکات برجسته و قابل ذکر درباره این شاعر و ترانه‌سرا بدیهه‌گویی وی می‌باشد.

اشعار طنز و انتقادی او که از ملاحت و شیرینی بیان خاصی برخوردار است، به زودی زبان زد خاص و عام شد و نقش ایشان را در این سبک از شاعری مشخص می‌کند.

نمونه‌های زیادی از این بابت وجود دارد که جای بحث آن در این مختصر نیست، مشغله دیگر، ترانه‌سازی‌های او است، ترانه‌هایی که قبلاـ آهنگ آن‌ها آماده بود، یا بعضی از آهنگسازان مثل شادروان: مهدی خالدی، نصراللّه زرین‌پنجه و هنرمندان بزرگ و خوبی چون: اسداللّه ملک، فرهنگ شریف، انوشیروان روحانی و جواد لشگری بر روی آن‌ها آهنگ گذارده‌اند که در زمان خود تا حدی موفق بوده‌اند. درباره شعر و ترانه‌سرایی جواهری وجدی، شاعر باذوق و خوش قریحه سعید نیاز کرمانی می‌گوید:

«غزل سنتی امروز که با درونمایه‌ای نو عرضه می‌شود بهترین دلیل این امر است که قالب هرگز نمی‌تواند دست و پاگیر شاعر توانمند باشد. بر عکس شاعر است که توسن سرکش وزن و قافیه و ردیف را زیر ران می‌کشد و دلیل دیگر، وجود غزل‌پردازان بسیار خوبی است که در حال حاضر داریم.

البته کار آن گروه متشاعر که هنوز در قرن سنایی و عطار زندگی می‌کنند. و در هر زمان از این گونه افراد داشته‌ایم از این امر سواست، ولی آن کس که اندک ذوقی داشته باشد با خواندن غزل امروز ایران درمی‌یابد که سخن از لون دیگری است و جز قالب (به جز اشعار اخیر سیمین بهبهانی که تلاش می‌کند اوزان جدیدی را بر غزل تحمیل کند) درونمایه آن به کلی با گذشته متفاوت است. به خصوص غزل ایران بعد از ۱۳۵۷ یکی از پربارترین ادوار تاریخی خود را می‌گذراند- و باش تا صبح دولتش بدمد.

غرض از این مقدمه، معرفی شعر دوست عزیزم جواهری «وجدی» بود و درازی سخن از آن جهت لازم می‌نمود که امکان بحث

پیرامون شعر «وجدی» فراهم آید. چه این هم شاخه‌ای است از این درخت تناور که تا شناخت کاملی از اصل و ریشه نداشته باشیم و از آنچه بر آن گذشته است- نمی‌توانیم به چند و چون این شاخه نسبتاً سرسبز و پربار بپردازیم.

«وجدی» از جمله کسانی است که آبشخور شعرش را باید در برخورد با اجتماع جستجو کرد. البته صحبت روی دفتر شعری است که در پیش روی شما قرار دارد و می‌توان گفت که این یک روی سکه است و روی دیگر آن- که وجدی را باید از همان روی شناخت- طنز در شعر «وجدی» است. او شاعری است فطرتا طنزگوی، ولی فعلا از چاپ اشعار طنزآمیز خویش صرفنظر کرده و آن را به فرصتی دیگر واگذار کرده است. روندگان طریقت به نیم جو نخرند قبای اطلس آنکس که از هنر عاریست.

«باده از ما مست شد...»

گر به چشمت آن مه نامهربان زیبا نبود

بود او زیبا ولی عشق تو پا برجا نبود

آن لب شیرین پر از شوق تمنا بود لیک

آرزوهای تو شورانگیز و بی‌پروا نبود

نرگس مردم فریبش بود لبریز از هوس

لیک در تو آن همه سرمستی و غوغا نبود

چون نسیم صبحدم بگذشت او دامن‌کشان

گلشن شوق تو را حال شکفتن‌ها نبود

آری آری باده از ما مست شد نی ما از او

چونکه عشق و شور و مستی در می و میشا نبود

این جواب آن غزل «وجدی» که ورزی گفته است

«آمد اما در نگاهش آن نوازش‌ها نبود»

«تسلیم»

ما هستی عشقیم و فنا را نشناسیم

خو کرده به دردیم و دوا را نشناسیم

عمر ابدی یافته‌ایم از مدد عشق

خضریم ولی آب بقا را نشناسیم

هرکس بدری جبهه‌ی تسلیم نهادست

ما جز در تسلیم و رضا را نشناسیم

بی‌پرده فتادیم در آغوش تو ای گل

چون شبنم پاکیم و حیا را نشناسیم

«وجدی» بگذر از خود و از دعوی باطل

تا هیچکس غیر خدا را نشناسیم

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

جورابدوز، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جورابدوز

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۲ بعد از گرفتن دیپلم وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه ابوالصدق آن روز مشغول به دروس حوزوی شدم مقدمات سیوطی و مغنی و منطق را در آن مدرسه به پایان رساندم و در همین ایام در دین تفسیر آیت الله جوادی آملی شرکت می‌کردم و این درس در مدت ۹ سال ادامه داشت. اصول فقه و معالم را نزد استاد محمدی خراسانی و لمعه را نزد مرحوم استاد وجدانی و خاتمی و عندلیب شیرازی به اتمام رساندم.سپس در درس رسائل آیت الله اعتمادی شرکت کرم و در همین زمان مکاسب را نزد استاد دوزدوزانی خواندم و شرح منظومه را نزد استاد فاضل گلپایگانی خواندم و در درس اسفار آیت الله جوادی آملی شرکت کردم. کتاب کفایه الاصول را نزد آیت الله قدیری خواندم و بعد از اتمام ۲ جلد کفایه در درس خارج آیت الله العظمی وحید خراسانی در فقه و اصول از سال ۷۲ شرکت کردم که این درس خارج هنوز هم ادامه دارد. در سال ۷۱ در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه در رشته مدیریت دولتی در مقطع لیسانس را گذراندم و مقاله در زمینه مدیریت اسلامی نوشتم و مدتی در موسسه تحقیقی مهدویت شرکت کرم و مقاله‌ای در کلام در زمینه فرقه انحرافی بهائیت نوشتم و آن فرقه و عقاید آنها را مورد

نقد و بررسی قرار دادم.

جوزجانی، ابوعبید عبدالواحد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۳۸ ق)، طبیب و ریاضیدان. از مردم جوزجان بود، و در فنون حکمت و فقه بیشتر از طب تبحر داشت. ابوعبید در سال ۴۰۳ ق هنگامی که ابوعلی سینا از دهستان به جرجان می‌رفت به خدمت او پیوست و تا پایان حیات آن استاد در خدمتش به سر برد. جوزجانی شاگرد ابن‌سینا و محرض وی در تصنیف کتب و گرد آورندهی تألیفات شیخ بعد از وفات او بود. شهرت ابوعبید بیشتر در ریاضیات است. از جمله کارهای او یکی «تکمیل قسمت ریاضیات از کتاب نجات ابوعلی» است و علاوه بر آن، قسمت ریاضی و موسیقی از کتاب «دانشنامه علائی» را به همین سیاق بر آن کتاب افزود. از دیگر آثار او: «تتمه‌ی سرگذشت ابن سینا»، که قسمت نخستین آن به قلم خود شیخ است و ابوعبید حوادث حیات شیخ را بعد از سال ۴۰۳ ق بر آن افزود و «شرح رساله‌ی حی بن یقظان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران (۳۱۸/۱)، تاریخ طب (۶۹۴ -۶۹۳ /۲)، تاریخ الحکماء قفطی (۵۶۳ -۵۶۲ ،۵۶۰)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۲۱۴)، دایرهٔالمعارف فارسی (۳۲/۱)، ریحانه (۴۳۶/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۲۷/۵)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوعبیداللّه)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۶۶ -۱۶۵)، معجم المؤلفین (۲۰۷/۶).

جوزی، حافظ ابوالقاسم اسماعیل

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن محمّد بن فضل بن علی بن احمد قرشی طلحی بستی جوزی ملقّب به قوام السنهٔ. از مشاهیر علمای اهل سنّت، و از اساتید سمعانی است.

سمعانی در کتاب انساب گوید: الجوزی (به ضمّ جیم) به زبان اصفهانی به معنی جوجه است، و صاحب عنوان در اصفهان بدین نام شهرت داشته است. متولّد ۴۷۵، فوتش در سال ۵۳۵ روی داده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

جوشقانی، شعیب

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر و خطاط. اهل جوشقان، از توابع کاشان و از بزرگان آن شهر بود. در زمان شاه عباس اول محرری می‌کرد و در سلک وزرا بود. از آثار وی: «وامق و عذرا». این رباعی از اوست:

ایام بهار و موسم نوروز است

بر طارم شاخ گل جهان‌افروز است

دی رفت و پدید نیست فردا، ساقی!

برخیز و پیاله ده که روز، امروز است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۵۰/۳)، تذکره‌ی نصر آبادی (۸۰ -۷۹)، الذریعه (۲۳/۲۵، ۳۳۰/۱۹، ۵۲۹/۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۶۲/۱۱)، عالم آرای عباسی (۸۳۷، ۷۱۱ /۲)، فرهنگ سخنوران (۵۰۶)، منظومه‌های فارسی (۲۶۲ -۲۶۱، ۵۲)، نشتر عشق (۸۰۳/۳).

جوکار، یعقوب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر یعقوب جوکار متولد ۱۳۲۳ ش دارای دکترای رشته گیاه پزشکی عضویت هیئت علمی دانشگاه مارسی با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات وآثار پیرامون شیوه انتقال بیماری از گیاهان به انسان می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر یعقوب جوکار دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه شیراز کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه شیراز ودکترای گیاه پزشکی از دانشگاه مارسی فرانسه میباشدخاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و

تحصیل در رشته گیاه پزشکی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر یعقوب جوکار بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر یعقوب جوکار د ر کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : دکتر یعقوب جوکار پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاه پزشکی زراعی به عضویت هیئت علمی گروه کشاورزی در دانشکده کشاورزی دردانشگاه مارسی درآمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر یعقوب جوکار عضوهیئت علمی و دانشیار گروه گیاه پزشکی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه مارسی است.فعالیتهای آموزشی : دکتر یعقوب جوکار سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه گیاه پزشکی در دانشگاه مارسی به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشکی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر یعقوب جوکار در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : دکتر یعقوب جوکار از جمله گیاه پزشکانی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره شیوه های انتقال بیماری از گیاهان به انسان انجام داده است.آثار : شیوه انتقال بیماری از گیاهان به انسان

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com

جولانی، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی تالهی جولانی از علماء و ائمه جماعت و زهاد معاصر همدانست.

این بزرگوار که اکنون عمر شریفش از هشتاد متجاوز است. در محله جولان همدان متولد شده و در همدان و غیره تحصیل علم و کمال نموده و پس از آن به خدمات دینی از امامت و تبلیغ احکام و غیره پرداخته و از غالب اجتماعات و معاشرتهائی که غالبا بر ضرر انسان تمام می‌شود کناره‌گیری و اجتناب نموده است .

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

جوهری تبریزی، مقیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از تبریزیهایی بود که در اصفهان می‌زیست. میرزا مقیم بعد از فوت پدرش به تجارت پرداخت و به هندوستان رفت و با امرا و شاعران آن دیار آشنا شد و ثروتی به هم رسانید و در هرات به خدمت حسن خان شاملو رفت و او را مدح گفت و به اصفهان بازگشت. جوهری بعد از مدتی دوباره به هندوستان رفت و پس از چندی در پی یک بیماری مهلک در همان سامان درگذشت. از وی «دیوان» شعری به جای مانده است و قصیده «خمریه» او مشهور است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۲/۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۳۷ -۱۳۶)، دانشمندان آذربایجان (۱۰۱ -۱۰۰)، الذریعه (۲۱۰/۹)، ریحانه (۴۴۰/۱)، سخنوران آذربایجان (۲۹۹ -۲۹۷)، شام غریبان (۷۰ -۶۹)، صبح گلشن (۱۱۰)، فرهنگ سخنوران (۲۳۰)، کاروان هند (۳۰۹ -۳۰۸ /۱)، مجله‌ی دانشکده ادبیات تبریز (س ۱۰، ص ۱۹۲ -۱۸۵)، مواد التواریخ (۶۶۰).

جوهری سمرقندی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. مولانا جوهری از شاعران ماوراءالنهر بود که عروض را خوب می‌دانست. مولانا جوهری کتاب «سر النبی» را به دستور علیشیر به نظم درآورد. وی در سمرقند درگذشت. از اوست:

فلک بس که در موکبش تاخته

به هر ماه نعلی بینداخته

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۱۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۳۰)، مجالس النفائس (۴۷)، هفت اقلیم (۳۷۵/۳).

جوهری صایغ هروی، ابومحامد محمود

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، شاعر. وی هم زمان و مداح سلطان فرخزاد بن مسعود بن محمد غزنوی بوده است. عوفی می‌گوید: او در صناعات

بلاغت استاد بوده و از مقدمان ارباب صنعت می‌باشد. از احوال او بیش از این نمی‌دانیم. دولتشاه در ذیل ذکر احوال جوهری اطلاعی به دست می‌دهد که با صاحب ترجمه همخوانی ندارد. بنابراین یا سخن دولتشاه مقرون به اشتباه است یا او را باید غیر از جوهری صاحب ترجمه دانست. شاعر دیگری به نام جوهر زرگر، از اقران اثیرالدین اخسیکتی و شاگرد ادیب صابر و معاصر و مداح سلطان معزالدین سلیمان شاه بن محمد بن ملك شاه سلجوقی است که در قرن ششم می‌زیسته است و بعضی، از جمله دولتشاه، او را با جوهری یکی دانسته‌اند و اشعار آن دو را با هم خلط کرده‌اند. عوفی نیز دو قصیده از وی آورده که در پایان یکی تخلص جوهری زرگر آمده و با توجه به این امر نمی‌تواند از او باشد. دکتر صفا با تکیه بر گفته‌ی نظامی عروضی در «چهار مقاله»، جوهر هروی را مداح آل شنسب ذکر می‌کند که درست نمی‌نماید، زیرا نظامی عروضی در ردیف شاعران مداح آن خاندان، از ابوبکر جوهری نام می‌برد نه از ابومحامد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۴۴۳ -۴۳۸)، تاریخ نظم و نثر (۳۶)، تذکرهٔ الشعراء (۱۳۵ -۱۳۲)، چهار مقاله (۲۸)، الذریعه (۲۱۱/۹)، شاعران بی‌دیوان (۵۲۹ -۵۲۷)، ریحانه (۴۴۰/۱)، لباب الالباب (۱۱۱ -۱۱۰ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ جوهری).

جوهری مجد، وحید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر وحید جوهری مجد درجه کارشناسی را در رشته مهندسی برق در سال ۱۳۶۷ از دانشگاه تهران، و درجه کارشناسی ارشد و دکترا را در گرایش نظریه کنترل به ترتیب در سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۴ از گروه مهندسی برق دانشگاه پیتسبورگ در ایالت پنسیلوانیای آمریکا کسب نمود. سپس او در سال ۱۳۷۵ به هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس در تهران پیوست که هم اکنون دانشیار گروه مهندسی کنترل و سرپرست آزمایشگاه سیستم‌های کنترل هوشمند در این دانشگاه می‌باشد.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی برقگرایش : نظریه کنترلتحصیلات رسمی و حرفه ای : وحید جوهری مجد درجه کارشناسی را در رشته مهندسی برق در سال ۱۳۶۷ از دانشگاه تهران، و درجه کارشناسی ارشد و دکترا را در گرایش نظریه کنترل به ترتیب در سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۴ از گروه مهندسی برق دانشگاه پیتسبورگ در ایالت پنسیلوانیای آمریکا کسب نمود.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : وحید جوهری مجددر سال ۱۳۷۵ به هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس در تهران پیوست که هم اکنون دانشیار گروه مهندسی کنترل و سرپرست آزمایشگاه سیستم‌های کنترل هوشمند در این دانشگاه می‌باشد.فعالیتهای آموزشی : دروس تدریس شده توسط دکتر وحید جوهری مجد به قرار زیر است : کنترل فازی، کنترل عصبی، شبکه های عصبی، کنترل بهینه، کنترل دیجیتال، طراحی سیستمهای کنترل به کمک کامپیوتر، هوش مصنوعی.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : آزمایشگاه سیستمهای کنترل هوشمند در سال ۱۳۸۵ توسط دکتر وحید جوهری مجد تأسیس گردیده است که امکانات محاسباتی و تحقیقاتی دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترای ایشان در زمینه های هوش محاسباتی، شناسایی و کنترل هوشمند،سیستمهای عصبی فازی، عاملهای هوشمند، سیستم های آشوبناک، کنترل مقاوم، کنترل غیرخطی، و زیست شناسی سیستمی را فراهم میآورد.آرا و گرایشهای خاص : زمینه های تحقیقاتی ایشان شامل شناسائی و کنترل هوشمند، یادگیری چند عامله، کنترل فازی، کنترل مقاوم، کنترل غیرخطی، کنترل توان کسری، سامانه‌های آشوبناک، و زیست شناسی سامانه‌ای می‌باشد.چگونگی عرضه آثار : تعداد مقالات چاپ شده در مجلات معتبر علمی و پژوهشی:۲۸ مقاله تعداد مقالات ارائه شده در کنفرانس های علمی:۷۴ مقاله راهنمائی و مشاوره بیش از ۷۰ پایاننامه کارشناسی ارشد و رساله دکترا تاکنون تعداد پروژه های صنعتی و مّلی انجام شده:۴ مورد

آثار : سیستمهای کنترل هوشمند تونل ویژگی اثر : پژوهشکده حمل و نقل، وزارت راه و ترابری،۱۳۸۶ منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

جوهری، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۵۳ /۱۲۴۹ /۱۲۴۰ ق)، شاعر، متخلص به جوهری. اصل وی از هرات، ولی ساکن قزوین بود. بنا به گفته خوانساری در «روضات الجنات» و محدث قمی در «هدیهٔ الاحباب» و آقا بزرگ در «الذریعه» نام وی میرزا محمدباقر است و به تأکید مؤلف «الذریعه»، این جوهری غیر از جوهری جرجانی و میرزاطوفان متخلص به جوهری است. وی شاعری است مرثیه‌گو و صاحب کتاب «مقتل فارسی» است به نام «طوفان البکاء فی مقاتل الشهداء» که چندین بار تجدید چاپ شده است. میرزا ابراهیم در اصفهان درگذشت و در آب چخشان از توابع بیدآباد دفن است. نام وی ابراهیم بوده و ظاهراً محمدباقر نام پدر وی است که در بعضی از تذکره‌ها بعنوان شهرت وی ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۰۴ -۲۰۳ /۲)، دایرهٔالمعارف فارسی (۷۷۵/۱)، الذریعه (۱۸۲/۱۵، ۲۱۲ -۲۱۱ /۹)، روضات الجنات (۴۹ -۴۸ /۲)، ریحانه (۴۳۸/۱)، سرآمدان فرهنگ (۲۶۵/۱)، شرح حال رجال (۳۰۲/۳)، فرهنگی ادبیات فارسی (۱۶۶)، الکنی

والالقاب (۱۶۳/۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۶۶)، الکنی والالقاب (۱۶۳/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ جوهری)، معجم المؤلفین (۸۷/۱)، مکارم الآثار (۱۴۴۵ -۱۴۳۸ /۴)، هدیة الاحباب (۱۲۱).

جوهری، محمود

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، حکاک و خطاط. معروف به رشید حکاک. اصلاً نیشابوری بود و در حکاکی و کتابت خطوط به روی سنگها مهارت داشت. از آثار ارزنده‌ی وی، حکاکی قطعه سنگ سیاهی است به حالت طبیعی، که برای سلطان جلال‌الدین ابوالمظفر منکبرنی تهیه شده و بر روی آن جملاتی به خط کوفی تزیینی، ثلث، نسخ و رقاع حکاکی کرده، با رقم: «عمل العبد... محمود بن محمد الجوهری یعرف بر شید الحکاک النیشابوری فی المحرم سنه ثمان و عشرین و ستمائه (۶۲۸ ه ق...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۱۳۷/۳).

جویای تبریزی، داراب

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۱۸ ق)، شاعر، متخلص به جویا. اصل وی از تبریز بود و در کشمیر متولد شد. جویا از شاگردان ممتاز صائب بود و از سبک و شیوه‌ی او پیروی می‌کرد و با سالک قزوینی و ابوطالب و کلمی معاصر بود. در عهد عالمگیر شاه، مشهور و مورد احترام و اکرام وی و حاکمان کشمیر قرار گرفت. جویا شاگردان زیادی در هند تربیت کرد، از جمله‌ی آنها: عبدالعلی طالع، عبدالعزیز قبول و ملا ساطع را می‌توان نام برد. از آثار وی «کلیات» جویا است، متضمن قصیده‌ها و ترجیع بندها و چندین مثنوی کوتاه و قطعه‌ها و غزلیات عمده‌ی وی؛ «مثنوی حسن معنوی»، در وصف کشمیر؛ «خطبه نوروزیه» و «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۵۸ -۱۳۵۳ /۵)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۵۹ -۱۵۴ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۰۲ -۱۰۱)، دویست سخنور (۷۰ -۶۹)، الذریعه (۲۱۲/۹)، ریحانه (۴۴۳ -۴۴۲ /۱)، سخنوران آذربایجان (۳۰۵ -۳۰۰)، صبح گلشن (۱۱۱ -۱۱۰)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۶۶)، فرهنگ سخنوران (۲۲۱)، گنج سخن (۱۲۱ -۱۱۹ /۳)، لغت‌نامه (ذیل/ جویا)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۹ -۴۳۸ /۲)، مخزن الغرائب (۶۱۷ -۶۱۵ /۱)، منظومه‌های فارسی (۲۴۰ -۲۳۹)، یعما (س ۶، ص ۲۵۳ - ۲۴۸).

جویباره‌ای مازندرانی، محمدصالح

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۵ ق)، فقیه شیعی. وی از مردم مازندران و از نوادگان میرزا محمد تنکابنی، معروف به فاضل سرابی بود، اما چون روزگار درازی در جویباره‌ی اصفهان سکونت داشت، به جویباره‌ای مشهور شد. چندی در اصفهان درس خواند سپس به عتبات کوچ کرد و در شهرهای نجف و کربلا- به خدمت استادانی چون شریف العلمای مازندرانی، شیخ موسی کاشف‌الغطاء و برادرش شیخ علی کاشف‌الغطاء به تکمیل تحصیلات پرداخت. پس از گرفتن اجازه‌ی اجتهاد به اصفهان بازگشت و درین شهر با دختر صدرالدین عاملی ازدواج کرد. وی میان مردم اصفهان مرجعیت تام داشت و امام جماعت مسجد شیره پزها بود. وی در روزگار خود فقیهی پارسا و برجسته به شمار می‌آمد. پس از مرگ در تکیه‌ی شیخ محمدتقی رازی در تخت پولاد به خاک سپرده شد. از جمله آثار وی: «اصول الفقه»، در یک مجلد؛ «کواشف الحجب»، در اصول فقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۶۹/۹)، تذکرة القبور (۳۸۷ -۳۸۶)، الذریعه (۱۷۷/۱۸، ۲۰۵/۲)، فوائد الرضویه (۵۴۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۶۰، ۶۵۱ /۱۳)، مکارم الآثار (۱۶۵۰/۵).

جویباره‌ای، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم و فاضل، و مرجع مرافعات در اصفهان بوده، در دوم شوال ۱۲۶۱ متولد، و در صبح شنبه ۲۰ ذی حجه‌ی سال ۱۳۲۵ وفات یافته، در تکیه‌ی فاضل سراب مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

جویباری، ابواسحاق، محمدابراهیم

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، شاعر. وی زرگری استاد و شاعری کامل بود. از غزل لطیف منسوب به او لطافت طبع و مهارتش در این نوع از شعر آشکار است.

به ابر پنهان کرد آفتاب تابان را

به سبزه بنهفت آن لاله برگ خندان را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران (۳۹۷، ۳۹۶ /۱)، تاریخ ادبی ایران (۶۶۹/۱)، تاریخ نظم و نثر (۲۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۶۷)، لباب الالباب (۱۱/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابواسحاق)، مجمع الفصحا (۵۰۸ -۵۰۷ /۱).

جویباری، خواجه یوسف

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از سادات جویبار بخارا و از نوادگان خواجه محمد پارسا است که در آن ولایت به خواجه مشهور بود. وی شعر را نیک می‌سرود و معاصر میرزا صائب تبریزی (م ۱۰۸۶/ ۱۰۸۰ ق) بود. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۹۵۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۶۷)، الذریعه (۱۳۱۸/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۸).

جوینی، ابومحمد عبداللّه

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۳۸ /۴۳۷ /۴۳۴ ق)، نحوی، مفسر، فقیه شافعی. ملقب به رکن الاسلام. وی پدر امام‌الحرمین بود. عبداللّه در جوین متولد شد. ادبیات را نزد پدر در زادگاهش آموخت. سه بار به نیشابور رفت و فقه و اصول را نزد سهل بن محمد صُعلوکی فراگرفت، و سپس در مرو از محضر قفّال مروزی استفاده برد. و از ابونعیم اسفراینی نیز بهره گرفت. رکن‌الاسلام در بغداد در محضر ابوحسین بن بشران حاضر شد. وی در سال ۴۰۷ ق به نیشابور بازگشت و به تدریس و فتوی مشغول شد و در همان جا درگذشت. از آثار وی: «التبصرة»؛ «التذکرة»؛ «التفسیر الکبیر» یا «تفسیر الجوینی» مشتمل بر انواع علوم؛ «الفرق والجمع» یا «الجمع والفرق»؛ «الفروق والسلسلة»؛ «مختصر المختصر» یا «مختصر الجوینی»؛ «موقف الامام والمأموم».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۹۰ -۲۹۱ /۴)، دایرةالمعارف فارسی (۷۷۶/۱)، روضات الجنات (۱۵۸ -۱۶۰ /۵)، ریحانه (۴۴۴/۱)، سیرالنبلاء (۶۱۸ -۶۱۷ /۱۷)، کشف الظنون (۱۹۱۰، ۱۶۲۶، ۱۶۲۱، ۱۲۵۸، ۹۹۶، ۶۰۱، ۴۴۶، ۴۴۵- ۳۸۵، ۳۳۹)، معجم البلدان (۲۲۴ -۲۲۳ /۲)، معجم المؤلفین (۱۶۵/۶)، وفیات الاعیان (۴۸ -۴۷ /۳)، هدیة العارفین (۴۵۱/۱).

جوینی، شرف‌الدین هارون

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۶۸۵ ق)، شاعر. وی وزیر اباقاخان و داما احمد بن مستعصم، آخرین خلیفه‌ی عباسی بود که پس از مرگ عطا ملک جوینی حاکم بغداد گردید. وی از ممدوحان سعدی شیرازی و همام تبریزی بود و همام، مثنوی «صحبت‌نامه‌ی» خود را به نام او سرود. هارون خود نیز دارای طبع خوبی بود و شعر می‌سرود. وی سرانجام به دستور ارغون ایلخان مغول و به قولی به سعایت خواجه فخرالدین مستوفی و به دست امیر آروق، برادر بوقا، به قتل رسید. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (۴۰، ۳۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۱۲، ۷۲۰، ۷۱۷/ ۳)، تاریخ گزیده (۵۹۷)، تاریخ نظم و نثر (۷۴۱)، الذریعه (۱۲۸۷/ ۹)، ریاض‌العارفین (۱۶۰)، صبح گلشن (۶۰۵ -۶۰۴)، فرهنگ سخنوران (۹۹۴)، لغت‌نامه (ذیل/ هارون)، مجمع‌الفصحا (۱۴۴۹/ ۳ ،۸۱۸، ۸۱۷/ ۲).

جوینی، شمس‌الدین محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۸۳ ق)، نویسنده و شاعر. معروف به صاحب دیوان. وی از نوادگان عبدالملک جوینی، امام‌الحرمین، بود و جد شمس‌الدین، مستوفی دیوان سلطان محمد خوارزمشاه بود. شمس‌الدین وزیر هلاکوخان و اباقاخان بوده است. وی از قدرت خود برای ترمیم خرابیها، سپردن مشاغل حساس به ایرانیان و بخصوص تشویق بزرگان علم و ادب استفاده کرد، تا این که به سعایت مجدالملک یزدی مدتی محبوس و سرانجام به دستور ارغون بن اباقابن هلاکو در قره‌باغ به قتل رسید. از آثار وی: «دیوان» شعر؛ «رساله‌ی شمسیه»، در منطق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۲۸۶ -۲۸۵ /۱)، تاریخ ادبیات ایران (۴۱/۳)، تاریخ نظم و نثر (۷۴۱)، جامع مفیدی (۱۴۱ -۱۳۶ ، ۱۱۹ -۱۱۷ /۳)، حبیب السیر (۱۱۴ -۱۱۱ ،۱۰۵ -۱۰۴ /۳)، دایرةالمعارف فارسی (۱۴۹۳/۲)، دستور الوزراء (۲۹۵ -۲۶۷)، الذریعه (۵۷۵ ،۵۴۰ -۵۳۹ /۹)، ریحانه (۳۶۴ -۳۶۳ /۳) طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۷۲ ،۹۷ /۷)، فرهنگ سخنوران (۵۱۲)، الکنی والالقاب (۴۴۳/۲) لغت‌نامه (ذیل/ صاحب دیوان)، مجالس المؤمنین (۴۸۰ -۴۶۷ /۲)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۶۸۳)، مجمع الفصحا (۸۱۸ -۸۱۷ /۲)، مرآت الخیال (۴۰ -۳۹)، هفت اقلیم (۳۰۵ -۳۰۴ /۲).

جوینی، شهاب‌الدین محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۷۳ ق)، عالم و شاعر. از دانشمندان زمان ارغون شاه که در اکثر دانشهای روزگار خود بی‌همتا بود. از وی اثری به نام: «نظم علوم الحدیث» به جا مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۱۳۴/۳).

جوینی، معین‌الدین محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۸۳ / ۷۸۱ ق)، ادیب، صوفی و شاعر، متخلص به معین. در برخی از تذکره‌ها تخلص و شهرت وی معینی ذکر شده است. اهل خراسان بود و در انداده، از توابع جوین، به دنیا آمد. او شاعری توانا بود و قصاید وی در نعت باری تعالی همراه با مشرب تحقیق و غزلهایش پر از مایه‌های عرفانی است. وی همچنین در فن تصوف، مواعظ و پند، دقایق حدیث و تفسیر استاد بود و نزد مولانا فخرالدین خالدی اسفراینی، مؤلف «شرح فرایض»، کسب علم کرد و در تصوف پیرو خاندان شیخ سعدالدین یوسف حمویی شد. او سفری به عراق و آذربایجان کرد و مورد توجه خواجه غیاث‌الدین محمد فضل‌اللّه وزیر قرار گرفت و ساکن همدان شد. سپس به بغداد و از آنجا به مکه و مدینه رفت و بعد از آن به خراسان بازگشت. سرانجام در جوین درگذشت و همان جا دفن شد. از آثارش کتاب «نگارستان» است که آن را به تقلید «گلستان» سعدی، در عهد سلطان ابوسعید مغول و به نام وزیرش غیاث‌الدین محمد، نگارش کرد. در «ریحانة الادب» آمده است که کتاب به نام سلطان ابوسعید نوشته شده اما صاحب «تاریخ ادبیات در ایران» نویسنده‌ی آن را سعیدالدین یوسف حمویی دانسته است. این کتاب در ماوراءالنهر شهرتی عظیم یافت زیرا زمانی که الغ بیگ گورکان به بحرآباد رفت مشایخ آنجا این کتاب را پیشکش او کردند و سلطان به نویسندگان دستور داد تا کتاب را به خوبترین خط بنگارند. معین‌الدین علاوه بر قطعات و ابیات فراوانی که در «نگارستان» آورده، قصاید و غزلهای مستقلی نیز سروده است. تقی‌الدین کاشی از مجموع اشعارش هزار بیت غزل و قسمتی از قصاید را یافته و بخشی از آنها را در «خلاصة الاشعار» نقل کرده است. «احسن القصص»، شرح سوره‌ی یوسف و قصه‌ی یوسف و زلیخا، اثر دیگر اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۶۹ -۱۲۶۸ ،۱۰۴۵ -۱۰۴۱/ ۳)، تاریخ عصر حافظ (۲۹/ ۱)، تاریخ مغول (۵۲۵)، تاریخ نظم و نثر (۷۷۱)، تذکرة الشعراء (۳۸۵ -۳۷۹)، دایرةالمعارف فارسی (۲۸۱۲/ ۲)، الذریعه (۳۰۸ -۳۰۷/ ۲۴ ،۱۰۷۹/ ۹)، ریحانه (۳۵۲/ ۵ ،۴۴۴/ ۱)، صبح گلشن (۴۳۵)، فرهنگ سخنوران (۸۶۴)، کشف الظنون (۱۹۷۶)، لغت نامه (ذیل/ معین‌الدین جوینی)، هفت اقلیم (۳۰۶ -۳۰۵/ ۲).

جهان خانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی:- رشته: مدیریت، دانشکده:-، دانشگاه:-

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی مدیریت و برنامه‌ریزی از ایران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شیوه‌های خصوصی‌سازی صنایع در ایران، بررسی مالی چگونگی اصلاح بافت قدیم اطراف حرم امام رضا (ع)، بکارگیری نظام متخصصین در بورس تهران، مشکلات بورس تهران، گزارشگری مالی شرکتهای ایران، بهره‌وری از صنایع نساجی ایران، عدم کفایت مقررات در بازار سرمایه ایران، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۱ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مدیریت مالی، مدیریت سرمایه‌گذاری، بورس اوراق بهادار.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

ریسک و بازده اوراق بهادار، چگونگی اندازه‌گیری ریسک اوراق قرضه، آثار سهام جایزه بر نرخ بازدهی سهام عادی، قیمت‌گذاری سهام در بورس تهران.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

جهان قاجار، زبیده

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۴ ق)، ادیب، عارف و شاعر، متخلص به جهان. ملقب به جانباجی و فرشته. وی همسر علینقی خان قراگزلو، ملقب به نصرةالملک بود. او زنی خیر و عارف مسلک و از مریدان حاجی میرزا علینقی همدانی بود و زندگی به دور از تجمل داشت و بذل و بخششهای بسیاری می‌کرد. چندین بار به زیارت عتبات رفت. وی اشعاری نیکو می‌سرود. از او «دیوان» شعری به جای مانده است.[۱]

حدود ۱۳۰۵ ق، زبیده خانم، معروف به فرشته از زنان زاهد، عارف و شاعر. وی دختر بیست و هفتم فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ - ۱۲۱۲ ق) بود و مادرش ماه‌آفرین خانم نام داشت. به نوشته تاریخ عضدی در میان تمام فرزندان پسر و دختر فتحعلی شاه هیچکدام به زهد و تقوی و پاکی و اخلاص وی نبودند و از همین رو همه شاهزادگان به او لقب فرشته دادند. زبیده در جوانی به عقد علی خان نصرت‌الملک قراگوزلو درآمد. مدتی بعد به همراه همسرش به همدان رفت و در آنجا در سلک عرفان حاج میرزا علینقی همدانی، عارف معروف، درآمد و از مریدان خاص او گردید. در طول بیش از شصت سال اقامت در همدان، از ثروت خود به دستگیری مستمندان و عمران و آبادی منطقه پرداخت. کاروانسرایی مدور برای اقامت زوار در قریه تاج‌آباد با شراکت حاج میرزا علینقی همدانی بنا کرد.

پلی بر روی روان رود احداث نمود، دو دانگ قریه‌ی لاله‌چین را برای تعزیه‌داری و روشنایی کربلا-وقف نمود، بقعه و صحن امامزاده یحیی واقع در همدان را تعمیر کرد و همه ساله مبلغی برای متولی، قاری و روشنایی بقعه باباطاهر- که مدفن حاج میرزا علینقی همدانی نیز در آنجاست- مقرر نمود. زبیده دایم‌الذکر، شب زنده‌دار و اهل ریاضت و در سفر و حضر به دور از تجمل و تشریفات ظاهری بود. یک بار به زیارت حج، بیست مرتبه به زیارت عتبات و ده مرتبه نیز به زیارت مشهد رضوی مشرف شد.

وی دارای طبعی توانا بود و دیوانی حاوی قصیده، غزل و مراثی داشته که اشعار زیر را مؤلف تاریخ عضدی از آن نقل کرده است:

در ده به من ای ساقی زان می دو سه پیمانه

کز سوز درون گویم شعری دو سه مستانه

خواهم که در این مستی خود نیز رود از یاد

غیر از تو نماند کس نه خویش و نه بیگانه

از عشق رخ جانان، گشته است «جهان» حیران

مستانه سخن گوید این عاشق دیوانه

خواهم از ساقی مهوش تا نماید لطف عام

هر زمان ریزد به کام خشک من جامی دگر

گرچه نتوان لنگ لنگان پا نهم در کوی دوست

لطف او گر شامل آید می‌نهم گامی دگر

در شب هجران گدازم همچو شمع

روز وصلت سرفرازم همچو شمع

در رهت استاده‌ام از روی شوق

تا بیایی جان ببازم همچو شمع

از غمت با آتش هجران همی

گه بسوزم گه بسازم همچو شمع[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۴۳۳/۷)، حدیقه الشعراء (۲۱۴۳ -۲۱۴۰ /۳)، خیرات حسان (۱۴ -۱۱ /۲)، الذریعه (۴۰۱ ،۴۰۰ ، ۲۱۲ /۹)، ریاحین الشریعه (۲۶۷ -۲۶۶ /۴)، ریحانه (۳۶۱/۲)، طرائق الحقائق (۳۲۹ -۳۲۵ /۳)، فرهنگ سخنوران (۲۲۷)، الکنی والالقاب (۲۸۹/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ زبیده).

[۲] منابع: از رابعه تا پروین، ۹۵ -۹۳؛ اعیان‌الشیعه، ۴۳ /۶؛ تاریخ عضدی، ۳۴ -۳۰؛ حدیقهٔ‌الشعراء، ۲۱۴۳ -۲۱۴۰ /۳؛ خیرات حسان، ۱۴ -۱۱ /۲؛ الذریعه، ۴۰۱ -۴۰۰، ۲۱۲ /۹؛ ریاحین‌الشریعه، ۲۶۸ -۲۶۶ /۴؛ زنان سخنور، ۱۶۴ -۱۶۲ /۱؛ زنان نامی ایران و اسلام، ۷۳ -۷۱؛ طرایق الحقایق، ۳۲۷ -۳۲۵ /۳؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ۲۷۵ /۳؛ کارنامه زنان، ۸۷؛ لغت‌نامه‌ی دهخدا، ش ۲۱۷ /۱۱۰؛ دیوان.

جهانبانی، مهر ارفع

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

۱۳۲۳ ق، از زنان شاعر. وی دختر سیف‌اللّه میرزا و نواده پسری فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) بود. این بانو از زنان تجددخواه زمان خود بود که در اشعارش زنان را به کشف حجاب و احقاق حقوق اجتماعی خویش تشویق می‌کرد. اشعار زیر از اوست:

تا کی درون پرده بری دل ز عاشقان

بیرون خرام دیدن رخسارت آرزوست

بی‌پرده آی تا که تماشا کنند خلق

تا کی درون پرده ز حسن تو گفتگوست

زاهد از بهر خدا دست بدار از من و عشق

بجز از عشق ز من مذهب و ایمان مطلب

مجنون دل چو کرد گذر بر دیار عشق

لیلای حسن آمد و او را عنان گرفت

فرهاد بی‌ستون نه به همت تمام کرد

عشق است آنکه پایه این بیستون گرفت

من جان کنم به هجر تو او سنگ می‌کند

بسیار فرق از من و او می‌توان گرفت[۱]

(وف ۱۳۲۳ ق)، شاعر. وی از زنان تجددخواه زمان خود بود که در اشعارش زنان را به احقاق حقوق اجتماعی خویش تشویق کرد. از او اشعاری به جا مانده است. از اوست:

زاهد از بهر خدا دست بدار از من و عشق

بجز از عشق ز من مذهب و ایمان مطلب[۲]

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :[۱] منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره ششم، ۵۶؛ از رابعه تا پروین، ۵۳؛ زنان سخنور ۲۴۶ - ۲۴۵ / ۲.

[۲] از رابعه تا پروین (۵۳)، زنان سخنور (۲۴۶ -۲۴۵/ ۲)، مشاهیر زنان (۲۲۹).

جهانبخش، سعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکترسعید جهانبخش درسال ۱۳۳۲ در تبریز، بدنیا آمد.ایشان دارای مدرک دکتری رشته هیدروکلیماتولوژی را از دانشگاه کیوتو- ژاپن (در سال ۱۳۶۶) می باشد.وی پس از اخذ دکتری رشته فوق از سال ۱۳۶۷ به عنوان عضو هیات علمی در گروه جغرافیای طبیعی دانشکده علوم انسانی واجتماعی دانشگاه تبریز مشغول خدمت شدند.نامبرده هم اکنون با رتبه علمی دانشیاری به همکاری خود با دانشگاه مذکور ادامه می دهد.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاگرایش : هیدروکلیماتولوژیتحصیلات رسمی و حرفه ای : سعید جهانبخش تحصیلات ابتدایی را در دبستان فرمانفرمائیان به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۵۳ از دبیرستان منصور اخذ کرده‌اند . ایشان مدرک کارشناسی در رشته جغرافیا را از دانشگاه تبریز و کارشناسی ارشد جغرافیای محیطی را در سال

۱۳۶۲از دانشگاه هیروشیما – ژاپن دریافت نموده انـد و در سال ۱۳۶۶ مدرک دکتری در رشته هیدروکلیماتولوژی را از دانشگاه کیوتو- ژاپن با موفقیت اخذ کرده‌اند . عنوان پایاننامه : الف – کارشناسی ارشد : برآورد تبخیر و تعرق از گیاهان بر مبنای بیلان آب و بیلان حرارت ب – دکتری : مطالعات بنیادی تبخیر و تعرق از شالیزارها وقایع میانسالی : دکتر جهانبخش در سال ۱۳۶۶ مدرک دکتری در رشته هیدروکلیماتولوژی را از دانشگاه کیوتو- ژاپن با موفقیت اخذ کرد. و از سال ۱۳۶۷ به عنوان عضو هیات علمی در گروه جغرافیای طبیعی دانشکده علوم انسانی واجتماعی مشغول خدمت شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : از سمتهای اجرایی و مدیریتی دکتر سعید جهانبخش می توان به موارد زیر اشارت کرد: قبلی : ریاست دانشکده- معاونت دانشکده – مدیریت گروه – معاونت گروه فعلی:عضو هیئت علمی و دانشیار گروه آموزشی جغرافیای طبیعی دانشگاه تبریز فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی سعید جهانبخش به ترتیب زیر است: الف: تدریس ۱-دوره کارشناسی : هوا و اقلیم شناسی – آگروکلیماتولوژی ۲- تحصیلات تکمیلی: میکرو کلیماتولوژی -ژئوهیدرولوژی – هیدرومتئورولوژی کمی – زبان خارجه تخصصی ب – برگزاری کارگاه ها : کارگاه آموزشی آب و هواشناسی کاربردی – بهمن ۸۰ دانشگاه تبریز چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی دکتر جهانبش به ترتیب زیر است : تعداد مقاله های منتشرشده : ۲۴ مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها : ۵ مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد : ۲۰ مورد تعداد پایاننامه های دکتری : ۴ مورد تعداد طرحهای تحقیقاتی مصوب : ۴ مورد

جهانشاه

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۲۴ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به جهان. نزد محمود میرزا، برادر خود، مؤلف «گلشن محمود»، و دیگر هنرمندان شاگردی کرد. جهانشاه میرزا خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و اشعار فراوانی از حفظ بود و شعر نیز می‌سرود. از اوست:

جهان جانی ندارد بی نکویان

مگر این نیکوان جان جهانند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۳۰/۱)، سفینهٔ المحمود (۴۲ -۴۱ /۱)، فرهنگ سخنوران (۲۲۷)، مجمع الفصحا (۳۷/۱)، مصطبه‌ی خراب (۳۹)، نگارستان دارا (۳۵).

جهانشاه قراقوینلو، مظفرالدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۷۲ ق)، شاعر، متخلص به حقیقی. وی از خاندان قره‌قویونلوها بود. در سال ۸۳۹ ق در آذربایجان بر مسند سلطنت نشست و پس از جنگها و فتوحات بسیار، سرانجام توسط اوزون حسن دستگیر شد و به قتل رسید. مزارش در عمارت مظفریه‌ی تبریز است. وی اشعار نیکو، به فارسی می‌سرود و نسخه‌ای از «دیوان» شعر خود را به هرات نزد جامی فرستاد. مسجد کبود تبریز که هم اکنون طاقی از آن باقی مانده، به همت او ساخته شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۹۵ -۷۹۴)، تذکرهٔ الشعراء (۵۲۲، ۵۲۱، ۵۱۸، ۵۱۷، ۵۱۶، ۴۶۹ -۴۴۰)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۷۸ -۱۷۴ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۲۱ -۱۲۰)، الذریعه (۲۵۹/۹)، روضات الجنان (۵۲۴)، روضهٔ السلاطین (۶۷ -۶۶)، ریحانه (۵۶ -۵۵ /۲)، فرهنگ سخنوران (۲۷۴)، مآثر رحیمی (۴۷ -۳۳ /۱).

جهانشاهلو، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

جهانشاهی قاجار، ایرج

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ویراستار.

تولد: ۱۳۰۵، تهران.

درگذشت: ۲۹ تیر ۱۳۷۰، تهران.

ایرج جهانشاهی قاجار تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهرهای ملایر و اهواز انجام داد. سپس به دریافت لیسانس جغرافیا و تعلیم و تربیت از دانشکده‌ی ادبیات دانشسرای عالی نایل آمد. در سال ۱۳۳۸ از مؤسسه تحقیقات و مطالعات اجتماعی دانشگاه تهران درجه فوق لیسانس گرفت و دوره‌ی یک ساله را در رشته‌ی آموزش بزرگسالان در دانشگاه منچستر انگلستان گذراند. همچنین در دوره‌های کوتاه مدتی در کشورهای آمریکا، پاکستان و تایلند درباره‌ی ادبیات کودکان به مطالعه پرداخت. و از سال ۱۳۲۴ به عنوان معلم در آموزش وپرورش مشغول به کار شد. سپس مدتی نیز به دبیری و ریاست دبیرستانی رسید.

از جمله فعالیت‌های وی، تأسیس مرکز تهیه خواندنی‌های نوسوادان بود که بعدها به مرکز انتشارات آموزشی تغییر نام داد. نشر مجله‌های «پیک کودک»، «پیک معلم و خانواده»، «پیک نوآموز»، «پیک دانش‌آموز»، «پیک نوجوانان»، «پیک جوانان» از ابتکارات او بود. چندی هم مدیریت مجله‌ی «آموزش و پرورش» را بر عهده داشت. از سال ۱۳۵۷ سرپرستی شورای ویراستاری فرهنگنامه کودکان و نوجوانان را در شورای کتاب کودک به عهده گرفت. در سال ۱۳۶۱ همکای خود را به عنوان مشاور گزینش و تألیف و ترجمه و ویرایش کتاب‌های ادبیات کودکان و نوجوانان با انتشارات فاطمی و واژه آغاز کرد و تا آخرین لحظات زندگی نسبت به تهیه‌ی آثاری برای کودکان و نوجوانان فعال بود. کتاب‌های بخوانیم و بنویسیم هم یادگار اوست. تألیف او عبارتند از: گل‌های وحشی (۱۳۲۵)، شاخ‌های ملوس (۱۳۴۵)، ازوپ در کلاس درس (۱۳۶۱) قلم موی جادو(۱۳۶۲)، چشم چشم دو ابرو (۱۳۶۳)، بازی‌های ورزشی (۱۳۶۳)، قصه‌های من و بابام (کتاب برگزیده شورای کتاب کودک در (۱۳۶۲).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جهانشاهی، اردشیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۴، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: فنی، دانشگاه، تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی مکانیک از دانشگاه لیدز انگلستان در سال ۱۳۳۸، کارشناسی ارشد مهندسی مکانیک از دانشگاه نورتوسترن آمریکا در سال ۱۳۳۹، دکترای مهندسی مکانیک از دانشگاه نورتوسترن آمریکا در سال ۱۳۴۱.

مرتبه علمی:

استادیار در دانشگاه فلوریدای آمریکا از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۴، دانشیار در دانشگاه فلوریدای آمریکا از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۵، دانشیار در دانشگاه شیراز از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۶، دانشیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۰، استاد مدعو در دانشگاه کرنل آمریکا از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۱، استاد دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۱.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس تئوری ارتجاعی، نوسانات غیر خطی، تئوری صفحات، مکانیک اجسام پیوسته، تئوری تنشهای حرارتی، مقاومت مصالح، استاتیک پلاستیسته و ویسکوالاستیسته.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مقاومت مصالح و پلاستیسته.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: متعدد، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

کلیه رشته‌های مهندسی مکانیک، فیزیک، سازه و مهندسی برق.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

جهانگیر فیض آبادی، محمدجعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدجعفر جهانگیر فیض آبادی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد جعفر جهانگیر فیض آبادی مشهور به فیض آبادی در خانواده ای مذهبی و عاشق اهل بیت(ع) به دنیا آمد. در سال ۱۳۵۰ هجری شمسی وارد حوزه علمیه مشهد شد دروس مقدمات و لمعتین را از نزد آیت الله حجت هاشمی و فاضل هرندی آموخت. پس از آن شور و شوق فراوان او به ادامه تحصیل و استفاده از اساتید بزرگ آن روزگار سبب شد از دیار خویش به حوزه علمیه قم مهاجرت نماید، در بدو ورود در سال ۱۳۵۸ پای درس مرحوم آیت الله ستوده نشست (شخصیتی که هزاران طلبه از محضر او بهره جستند و عالمان بزرگی تقدیم حوزه‌های علمیه کرد) پس از آن و در سال ۱۳۶۲ به تحصیل درس خارج مشغول گردید و از شاگردان سرشناس آیات عظام مرحوم شیخ جواد تبریزی و مرحوم محمد فاضل لنکرانی گردید. ذوق خدمت به طلاب علوم دینی سبب شد دوباره به جوار بارگاه ملکوتی ثامن الحجج(ع) باز گردد. ایشان هم اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد است و در کنار آن به تدریس در حوزه علمیه و دانشگاههایی نظیر فردوسی مشغول می‌باشد تا در پرورش و تهذیب طلاب و دانشجویان دین خویش را اداء نماید.

جهانگیر، عیسی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عیسی جهانگیر

محل تولد : عجب شیر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۵ در شهرستان عجب شیر واقع در استان آذربایجان شرقی به دنیا آمدم – تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آنجا گذراندم سپس برای ادامه تحصیلات به قم رفتم. در سال ۱۳۷۰ دارد حوزه علمیّه قم شدم و در مدرسه شهیدین مشغول تحصیل علوم دینی گشتم. از جمله اساتید برجسته ای که در حوزه علمیّه قم از آنها کسب علم کرده ام آیت الله مروّجی، آیت الله جوادی آملی، آیت الله میرزا جواد تبریزی، آیت الله مصباح یزدی و حجت الاسلام و المسلمین صادق لاریجانی می باشند.در سال ۱۳۷۶ همزمان با تحصیلات حوزوی وارد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شدم. کارشناسی و کارشناسی ارشد جامعه شناسی را در این زمینه به پایان رساندم.

جهانگیر، محمدصادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدصادق جهانگیر

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمدصادق جهانگیر فیض آبادی، در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی در تهران، در خانواده دوستدار اهل بیت(ع) به دنیا آمد. پدر او اسماعیل نام داشت. شیفتگی به تحصیل علوم دینی سبب گردید تا ایشان در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه مشهد گردد. سطح یک را در دیار مشهد سپری کرد و پس از آن جهت تحصیل علم بیشتر رهسپار قم گردید و از محضر اساتید برجسته حوزه علمیه قم بهره‌ای فراوان برد سطح ۲ را از محضر آیات ستوده، دوزدوزانی و اعتمادی فرا گرفت، سطح عالی را در محضر مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله العظمی مکارم شیرازی تلمذ نمود.پس از آن به جوار بارگاه ملکوتی ثامن الائمه برگشت تا در آنجا به خدمت و تحصیل و تدریس بپردازد.

جهانگیری، یحیی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یحیی جهانگیری

محل تولد : سهرورد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۹/۱/۱

زندگینامه علمی

یحیی جهانگیری سهروردی به سال ۱۳۵۹ در سهرورد زنجان دیده به جهان گشود روستایی که مهد پرورش عرفان ، فلسفه و هنر اسلامی است شیخ اشراق سهروردی شیخ عمر شهاب الدین سهروردی و احمد خطاط سهروردی از زادگان این دیارند.ایشان به خاطر نبوغ علمی هماره مورد تحسین اهالی و معلمان بود علی رغم علاقه معلمان به تحصیر او در دبیرستانهای نمونه وی راه مطالعه علوم حوزوی را آغاز نمود .سال سوم به دعوت مسئولین حوزه خدابنده به تدریس رسمی نیز مشغول شد، در حالیکه ۱۷ سال بیشتر نداشت.

تدریس همزمان با تحصیل او را از آگاهی یابی به علوم جدید باز نداشت لذا همگام با حوزه دبیرستان را نیز تمام نمود و به یادگیری زبان انگلیسی پرداخت. با پایان دوره مقدمات عازم قم شد و افزون بر دروس رسمی ضمن قبول شدن در مرکز تخصصی کلام اسلامی در آنجا مشغول شد و فارغ التحصیل گشت.اینک ایشان فارغ التحصیل رشته ادیان از دانشگاه در مقدطع ارشد و خارج حوزوی بوده و به زبانهای انگلیسی و عربی مسلط میباشد .مصاحبه با مطبوعات و شبکه سحر به زبان انگلیسی و کسب جوائز در مسابقات شعر از سوابق ایشان است .ایشان علاوه بر اینها به تبلیغ درمناطق محروم و دبیرستانها و پایگاههای بسیج و کانونها مشغول بوده و با سایت شخصی پاسخگوی پرسشها می باشند.

جهان‌ملک

قرن:۸

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، شاعر، متخلص به جهان. وی در شیراز می‌زیست. مادرش سلطان بخت خاتون، دختر دمشق خواجه، پسر امیر چوپان، بود و خود همسر امین‌الدین جهرمی، ندیم اسحاق اینجو و معاصر حافظ و عبید زاکانی. به قول دولتشاه با عبید مشاعره و مناظره داشت. وی بیشتر در قالب رباعی و غزل طبع‌آزمایی کرده است. از «دیوان» او دو نسخه در دسترس است که اخیراً به چاپ رسیده است. مجموع اشعار وی متجاوز از ۵۵۰۰ بیت است، استاد سعید نفیسی شمار ابیات او را حدود چهارده هزار بیت می‌داند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (۳۱۶)، بزرگان نامی پارس (۴۵۷–۴۵۳)، تاریخ ادبیات ایران (۱۰۵۶–۱۰۴۵ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۱۶)، تذکره‌ی دولتشاه (۳۲۳،۳۱۳)، الذریعه (۶۰–۵۹ /۲۲)، زنان سخنور (۱۶۵)، مشاهیر زنان (۷۰–۶۸).

جهانی دهلوی

قرن:۱۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

از زنان شاعر فارسی‌گوی هندوستان. وی از اهالی دهلی و همسر یکی از بزرگان آن دیار بود. که پس از مرگ همسرش زندگی نابسامانی یافت. بیت زیر از اوست:

گل باغ و رخ آن غنچه دهن هر دو یکی است

قد رعنای وی و سرو چمن هر دو یکی است

تاریخ تولد، زندگی و وفات او معلوم نیست.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره نهم، ۵۵؛ از رابعه تا پروین، ۱۰۴؛ تذکرةالخواتین، ۸۵–۸۴؛ حدیقهٔ عشرت، ۲۶؛ خیرات حسان، ۹۴ / ۱؛ روز روشن، ۱۸۶؛ زنان سخنور، ۱۵۳ / ۱.

جهانیان، ناصر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصر جهانیان

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ناصر جهانیان در سال ۱۳۳۷ در بابل متولد شدم. دوران ابتدایی و دبیرستان را تا اخذ دیپلم در آن شهر سپری کردم. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در دانشگاه تبریز مشغول تحصیل در رشته شیمی شدم و با انقلاب فرهنگی در جهاد سازندگی بابل مشغول فعالیت شدم سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و در سال ۱۳۶۸ دوره سطح را تمام و درس خارج را از محضر حضرات آیات هاشمی شاهرودی، تبریزی، وحید خراسانی ، سبحانی و مکارم شیرازی استفاده نمودم. از سال ۱۳۶۸ همزمان با دروس حوزوی مجددا به تحصیل در دانشگاه پرداخته و دوره کارشناسی را در رشته اقتصاد در دانشگاه مفید و مقطع کارشناسی ارشد این رشته را در سال ۱۳۷۳ در دانشگاه شهید بهشتی تهران ادامه و در سال ۱۳۷۶ فارغ التحصیل شدم فعالیت های پژوهشی خود را از سال ۱۳۷۲ در دارالحدیث شروع و از سال ۱۳۷۵ در پژوهشکده حوزه و دانشگاه و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ادامه داده و از سال ۱۳۷۸ در سمت های عضو هیئت علمی گروه اقتصاد پژوهشگاه و عضو هیئت تحریریه فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی مشغول فعالیت می باشم.

جهرمی، باقر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. پدرش وزیر جهرم بود. محمد باقر نیز در هر باب قدم به قدم پدر خود برمی‌داشت و در وزارت جهرم نهایت ضبط و نسق به جای می‌آورد بلکه، از جهاتی بر پدر برتری داشت، بعد از آنکه وزارت تمام فارس به میرزا صادق مستوفی واگذار شد او را از وزارت جهرم معزول کرد. باقر به اصفهان رفت و به وزارت یزد منصوب شد، ولی طولی نکشید که مستوفی از وزارت فارس منفصل شد و محمد باقر بیگ بار دیگر به وزارت جهرم منصوب و در آنجا متوطن شد. وی در سرودن شعر توانا بود و اشعاری از وی به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان جهرم (۳۱۵ -۳۱۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۸۷ -۸۶)، جامع مفیدی (۲۲۲ -۲۲۱/۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۲۸/۱)، الذریعه (۱۲۰/۹).

جهرمی، عبدالجبار

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ عبدالجبار مجتهد جهرمی از دانشمندان بزرگ این شهرستان بوده مرحوم والدش که از تجار و بازماندگان بود به عراق عرب رفته و در آنجا مجاور اماکن مشرفه شد. وی در عراق تحصیل علوم دینیه نموده تا به مدارج اجتهاد رسیده آنگاه به شیراز مراجعت و در محله سرباغ شیراز سکونت نموده و در مسجد میرزا محمد تاجر به امامت پرداخته و در مسجد حسینیه حاج قوام‌الملک به تدریس اشتغال داشت تا بعد از ۱۳۱۳ قمری که وفات نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جهرمی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای شیخ محمدباقر جهرمی از افاضل علماء زمان خود و اصلش از جهرم ولی مقیم کربلاء معلی و معروف به حکیم بود برای او تقریظ نفیسی بر (شرح اشارات) خواجه نصیرالدین طوسی دارد که تاریخش (۱۲۵۵) قمری و از آن کمال فضل تبحرش معلوم می‌گردد. وی بعد از آن از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جیبی، سلمان

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سلمان حبیبی

محل تولد : رمنت بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۵ در روستای رمنت بابل در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم . تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در شهرستان بابل به پایان بردم . به دلیل علاقه زیاد به مسائل دینی از دوران نوجوانی در جلسات مذهبی شرکت فعال داشتم و این علاقه وافر به اهل بیت و عصمت و طهارت علیهم السلام و روحانیت موجب شد تا در سال ۱۳۶۱ برای فراگیری علوم اسلامی وارد حوزه علمیه قم شدم . از این سال تا ۱۳۷۰ به فراگیری دروس مقدمات و سطح نزد اساتید برجسته حوزه پرداختم و از سال ۱۳۷۰ در دروس خارج اساتید بزرگی چون : آیت الله مکارم شیرازی ، آیت الله خرازی و آیت الله کریمی شرکت می کنم .

در کنار تحصیل به فعالیت های علمی و پژوهشی و نیز سفرهای تبلیغی ، فرهنگی ، علمی و تدریس به داخل و خارج پرداختم . در این راستا با مراکز علمی و پژوهشی مختلف همکاری می کردم و از سال ۱۳۷۷ به صورت تخصصی در زمینه ماخذ شناسی و کتاب شناسی فعالیت داشتم که تا کنون توفیق ارائه خدمات ماخذ شناسی به بیش از چهار صد نفر در موضوعات مختلف علوم اسلامی جهت تدوین پایان نامه های کارشناسی ارشد و رساله دکتری را پیدا کرده ام .

جیحون یزدی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۵۰– ح ۱۳۱۸ /۱۳۰۲ ق)، شاعر، متخلص به جیحون. ملقب به تاج‌الشعرا و نواب. در یزد متولد شد و در آن شهر نشو و نما یافت. وی تحصیلات متداول زمان را در زادگاهش فراگرفت و به ستایش و مدح حکام و خوانین شهر خود پرداخت. او پس از مدتی زادگاه خود را ترک کرد و سفرهایی به شهرهای آذربایجان، تهران، قم، اصفهان و شهرهای جنوبی ایرن انجام داد. جیحون در زمان حکومت فرهاد میرزا با وی به شیراز رفت. و از آن پس در سیر و حرکت بود و چندی در هندوستان و پس از آن به بنادر عمان و خلیج‌فارس و از آنجا به بصره و عراق عرب رهسپار شد. در اصفهان مدح ظل‌السلطان گفت و بعد از مرگ تاج‌الشعراء شهاب اصفهانی، لقب تاج‌الشعرایی یافت. وی سالهای آخر عمر خود را در مصاحبت ناصرالدوله فرمانفرما، والی کرمان، گذرانید و در شهر کرمان درگذشت. و در جوار خواجه‌خضر دفن شد. هنر جیحون در قصیده‌سرایی بوده، بخصوص در ساختن مسمط مهارت داشت و بیشتر قصایدش مدح و مرثیه پیشوایان دین است. آثار وی: «دیوان» اشعار؛ «نمکدان» به نثر؛ «جیحون نامه»، اشعاری در مراثی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۷۴ –۶۸)، حدیقهٔ الشعراء (۳۹۲ –۳۸۹ /۱)، الذریعه (۳۱۳ –۳۱۲ /۲۴ ۲۱۳، –۲۱۲ /۹)، ریحانه (۴۴۷ –۴۴۶ /۱)، سخنوران نامی معاصر (۱۰۳۴ –۱۰۲۹ /۲)، فرهنگ سخنوران (۲۳۱)، الکنی والالقاب (۱۶۵/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ جیحون)، مؤلفین کتب چاپی (۳۶۶ –۳۶۵ /۵)، یغما (س ۱، ش ۴، ص ۱۷۹ –۱۷۵).

جیلانی اصفهانی، محمد رفیع

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، و فقیه جامع، در متولد شده، پس از تحصیل مقدمات به اصفهان مهاجرت نموده، و سال‌ها به تکمیل فضایل و معلومات خود گذرانیده. در نجف به درس سید بحر العلوم و دیگران حاضر شده.

کتب زیر از اوست:

۱– اصل الاصول، در شرح معالم، مفصل ۲– جواهر الاصول، حاشیه بر معالم تا آخر تعادل و تراجیح ۳– حواشی بر دره‌ی بحرالعلوم ۴– رساله در جمعه ۵– کشف المدارک، تعلیقه بر مدارک، مطبوع ۶– اللئالی الثمنیهٔ در شرح نهج‌البلاغه؛ و غیره.

صاحب عنوان در حدود سال ۱۲۴۵ به بعد در نجف وفات یافته.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

چاکر اشرفی، محمود، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به نواب. از اهالی اشرف مازندران بود، بعدها به تهران آمد و به وساطت یکی از نویسندگان

محمود میرزاقاجار، در دفترخانه مشغول به کار شد و تخلص نواب گرفت و مدت هشت سال آنجا ماند. وی بعدها از کارگزاران احمدعلی میرزا، برادر کوچکتر محمودمیرزا، شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۳۹۳/۱)، سفینهٔ المحمود (۶۲۱ -۶۲۰ /۲)، فرهنگ سخنوران (۲۲۳)، گلزار جاویدان (۳۴۷/۱)، مجمع الفصحا (۲۰۵/۴)، مصطبه‌ی خراب (۳۹).

چاکر افشار، حسینقلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، شاعر، متخلص به چاکر. نبیره‌ی ذوالفقارخان افشار، حاکم خمسه، بود. چاکر به حسن رفتار و لطف گفتار، معروف و به نکته‌دانی و شیرین زبانی موصوف بود. وی بعد از مدتی خدمت به واسطه‌ی کاردانی، به حکم عباس میرزای ولیعهد، به سمت امیر بار در دستگاه محمد میرزا منصوب شد. او به فارسی و ترکی شعر می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۲۹۴ -۲۹۳ /۱)، دانشمندان آذربایجان (۱۰۳)، الذریعه (۲۱۴/۹)، گلزار جاویدان (۳۴۷/۱)، نگارستان دارا (۷۱ -۷۰).

چراغی کوتیانی، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل چراغی کوتیانی

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۲/۲

زندگینامه علمی

در دومین روز از بهار سال ۱۳۵۴،در روستای کوتیان از توابع شهرستان دزفول، زاده شدم.تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در زادگاهم گذراندم و در سال ۱۳۶۸وارد حوزه علمیه قم شدم.پس از گذراندن دوره مقدمات و سطح، در سال ۱۳۷۷ درس خارج فقه و اصول را آغاز کردم. اصول فقه را خوشه چینِ درس استاد بزرگوارم حضرت آیه الله العظمی سبحانی(مدظله العالی) بودم و درس خارج فقه را با زانو زدن در محضر اساتید بزرگوارم آیات عظام شبیری زنجانی و مکارم شیرازی(دامت افاضاتهم)،آموختم. در کنار تحصیل در حوزه علمیه، در سال ۱۳۷۶ وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی شده و در رشته جامعه شناسی به تحصیل پرداختم. پس از پایان یافتن دوره کارشناسی،در سال ۱۳۸۲ در کارشناسی ارشد همان رشته به ادامه تحصیل پرداختم. و سرانجام در سال ۱۳۸۶ با دفاع از پایان نامه ام (با عنوان بررسی و تبیین رویکرد اسلام و فمینیسم به کارکردهای خانواده)موفق به اخذ کارشناسی ارشد در رشته جامعه شناسی شدم. در کنار تحصیل به پژوهش نیز پرداختم که حاصل آن مقالاتی است که در مجلات مختلف به چاپ رسیده است.

چرتاب، صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به چرتاب (چرختاب) تبریزی. از بدیهه‌گویان عهد عباس میرزا بود. اشعارش به زبان ترکی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۱۰۳).

چرختاب، محمدرضا

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۲ ق)، خطاط. معروف به چرختاب. از اهالی مشهد و شاگرد استاد سید احمد مشهدی بود. او از مشهد به یزد نقل مکان کرد و در آن شهر ساکن شد. از آثار او: یک قطعه از مرقع شاه‌اسماعیل به قلم دودانگ و کتابت خوش، با رقم: «کتبه العبد المذنب

محمدرضا المشهدی غفراللّه ذنوبه و ستر عیوبه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۳۷ -۷۳۶/ ۳)، گلستان هنر (۱۲۰).

چرخی نقشبندی، یعقوب

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۵۱ ق)، صوفی، نویسنده و شاعر. معروف به یعقوب چرخی نقشبندی. در روستای چرخ، از توابع غزنین، به دنیا آمد. وی از علوم ظاهری و باطنی بهره‌مند بود و مدتی در هرات و مصر به تحصیل علوم پرداخت و از محضر علمای آنجا استفاده‌ها نمود. مولانا یعقوب از اصحاب خواجه بهاءالدین و خواجه علاءالدین عطار بود و از شاگردان وی می‌توان به خواجه ناصرالدین عبیداللّه اشاره کرد. وی شعر نیز می‌سروده و اشعارش در بعضی از تذکره‌ها نقل شده است. به آورده‌ی «تاریخ نظم و نثر»، صاحب عنوان چندی در شیراز ساکن بود و تفسیری به نام «تفسیر یعقوب چرخی» دارد. عبیداللّه احرار، عارف مشهور، خلیفه و جانشین او بود. یعقوب در حصار شادمان درگذشت. از آثار وی: «رسالهٔ الانسیه»، به فارسی، در کلمات بهاءالدین نقشبند؛ تفسیر «فاتحهٔ‌الکتاب»، به فارسی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۶۵ -۲۶۴)، الذریعه (۱۳۱۲/ ۹)، رشحات عین الحیات (۴۳۲ -۴۲۸/ ۲، ۱۲۱ -۱۱۶/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۴)، لغت‌نامه (ذیل/ یعقوب)، نفحات‌الانس (۴۰۴ -۴۰۲)، هفت اقلیم (۳۳۴ -۳۳۳/ ۱).

چرکس، صفی قلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از بزرگان چرکس قفقاز و معاصر نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) بود.صفی علاوه بر مهارت در فن سپاهیگری، در شاعری نیز توانایی داشت. از اوست:

گردون پی شکست دل ما فتاده است

این شیشه را به ساقی کوثر سپرده‌ایم

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۶)، الذریعه (۶۱۴ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۶۱)، لغت‌نامه (ذیل/ صفی قلی بیگ).

چرندابی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا محمدعلی چرندابی تبریزی از علماء فضلاء معاصر تهران است.

وی در حدود ۱۳۳۴ ق در محله چرنداب تبریز متولد شده و پس از طی دوران صباوت و پرورش صحیح مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح را در تبریز خوانده آنگاه مهاجرت به قم نموده و پس از تکمیل سطوح از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حجت کوه کمری و بعض دیگر استفاده نموده سپس هجرت به نجف اشرف و چندی از دروس و محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیات دیگر بهره‌مند شده و بواسطه عدم مساعدت هوا به ایران مراجعت و چندی از آیت‌اللّه العظمی بروجردی و دیگران مستفیض و بنابر اصرار و تقاضای عده‌ای از مومنین تبریز بوطن برگشته و بخدمات دینی از اقامه جماعت و تدریس و غیره پرداخته تا در سال ۱۳۷۶ قمری که بواسطه جهانی منتقل به تهران و تا اکنون به اقامه جماعت و وظائف روحی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب آقای چرندابی دانشمندی ظریف و با تقوا و خوش مجلس و خوش سفر می‌باشد. در سال ۱۳۵۹ ق سفری در مصاحبت ایشان بقصد عراق نموده و حدود دو ماه از محضرشان استفاده خاطره‌های شیرین و عجیبی از آن سفر دارم که از آنها حادثه طوفان آبادان و خرمشهر و بصره و حومه آنها بود که در آن طوفان میلیونها خسارت مالی به ایران و عراق وارد و در اول طوفان ما بر بلم کوچکی سوار و از عراق به ایران برمی‌گشتیم که هوا منقلب و اگر لطف و ترحم پروردگار شامل حال این حقیر و مترجم محترم نشده بود غرق آن طوفان و طعمه کوسه ماهی‌ها و نهنگ‌های خلیج فارس شده بودیم بخاطر دارم که معظم له با حال عجیب و اضطراب غریبی متوسل بذکر غریق شده و مرتبا میگفت: (نجاه منک یا سید الکریم نجنی و خلصنی بحق بسم اللّه الرحمن الرحیم) پس خداوند مهربان بفضلش ما را از غرقاب و آن طوفان شدید نجات بخشید و الحمد لله رب العالمین.

و چون بساحل رسیدیم و در منزل میزبان خود وارد شدیم و شب را در آنجا ماندیم ثلثی از شب نگذشته بود که دیدیم آب از زمین اطاق می‌جوشد تا آمدیم حرکت کنیم که تمام اطاقها و منزل و کوچه‌ها و نخلستانها و خلاصه همه آن محیط را آب فراگرفت ناچار چند شبانه روز در کشتی بسر بردیم تا بعد از پانزده روز که آب فرونشست و ما از آنجا حرکت نمودیم.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

چشتی، عبداللطیف

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۸۲ ق)، صوفی و شاعر. از خلفای سلسله‌ی چشتیه و از شاعران روزگار اورنگ زیب (۱۱۱۸ -۱۰۶۸ ق)، پادشاه هند، است که در مثنوی‌سرایی توانا بوده است. وی صاحب منظومه‌ای عارفانه به نام «حقیقت الحق» یا « آیینه حق‌نما» است. این مثنوی مشتمل بر دیباچه‌ی نثر و حدود چهار هزار بیت در ۹۳ لطیفه است. نسخه‌ای از این منظومه در کتابخانه ملک به شماره ۵۴۴۸ موجود است. در انتهای مقدمه‌ی نثر آن گوید که این کتاب در ۱۰۸۲ ق به پایان رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶۱ / ۱۹)، منظومه‌های فارسی (۳۹۶ -۳۹۴).

چشتی، معین‌الدین حسن

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۳۲ ق)، صوفی و شاعر. معروف به معین چشتی سجزی. نسبت وی به قریه‌ی چشت در نزدیک هرات و مشایخ آنجا می‌رسد. وی در سیستان متولد شد و نسبت سنجری او نیز به همین سبب است. در خراسان نشو و نما یافت. از خراسان روانه بغداد شد و در بین راه به قصبه سنجار رسید و در آنجا با شیخ نجم‌الدین کبری ملاقات کرد. در ضمن همین سفر با شیخ عبدالقادر گیلانی و در شهر بغداد با خواجه اوحدالدین کرمانی ملاقات کرد و خرقه خلافت از او دریافت. پس از مدتی، همدان رفت و در آنجا صحبت خواجه یوسف همدانی را دریافت و در تبریز، اصفهان نیز به زیارت پیران طریقت نائل گشت. و در بین راه سفر اصفهان به هند از بسیاری از آرامگاههای عارفان بزرگ چون ابوسعید ابوالخیر و خواجه عبداللّه دیدار کرد و از طریق پنجاب وارد هند شد و در شهر لاهور اقامت گزید. پس از مدتی عازم دهلی شد و بعد از مدتی اعتکاف در آنجا سرانجام به اجمیر رفت و همان جا درگذشت. معین چشتی مؤسس و مروج طریقه چشتیه بود که به وسیله خلیفه‌ی او، شاه نظام اولیاء در سراسر هند پرآوازه شد. وی چنانکه از تذکره برمی‌آید شعر نیز می‌سروده، چند بار در هندوستان «دیوان» شعری به نام او چاپ شده است. از دیگر آثار وی: «انس الارواح» یا «انیس الدولة»؛ «گنج اسرار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران (۸۱۸ -۸۱۷ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۵۴ -۱۵۳)، تذکره‌ی روز روشن (۷۵۳ -۷۴۹)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (۲۱۸ -۲۱۷)، الذریعه (۱۰۷۶ -۲۱۵ /۹)، ریاض العارفین (۱۳۲)، ریحانه (۳۴۹/۵، ۹۱ -۹۰ /۳)، طریقه چشتیه (۱۰۳ -۸۳)، لغت‌نامه (ذیل/ معین)، مجمع الفصحا (۱۲۴۰)، نحفات الانس (۸۸۴، ۸۸۳، ۵۰۵).

چشمه‌ی ایروانی، رضاقلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به چشمه. از امرای دربار شاهزاده محمودمیرزا، خلف خاقان، بود که مدتی از جانب و به کار گماشته شد. وی طبعی موزون و اخلاقی نیکو داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقة الشعراء (۳۹۶ -۳۹۵ /۱)، سفینة المحمود (۶۶۲ -۶۶۱ /۲)، فرهنگ سخنوران (۲۳۴)، فرهنگ شاعران زبان فارسی (۱۵۳)، گلزار جاویدان (۳۴۸/۱)، مجمع الفصحا (۲۰۵/۴)، مصطبه‌ی خراب (۳۹).

چغانی اسطرلابی، ابوحامد احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۷۹ ق)، منجم و ریاضیدان. اصل وی از چغانه، از توابع مرورود خراسان بود، و در بغداد متولد شد و تحصیلات خود را در حوزه علمی بغداد به پایان رسانید و در همان شهر به تدریس ریاضی و نجوم پرداخت. چغانی در آلات رصدی قدما تصرفاتی کرد و آنها را بهبود بخشید و به امر شرف‌الدوله‌ی دیلمی، فرزند عضدالدوله، در کار تعیین رصد و ایجاد رصدخانه‌ی بغداد شرکت جست. چغانی سرانجام در بغداد درگذشت. از جمله آثار وی: «تسطیح الکره علی سطح الاسطرلاب» یا «کتاب فی تسطیح التام»؛ «مقاله فی الابعاد والاجرام».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۲/۱)، تاریخ الحکماء قفطی (۴۸۱، ۱۱۳ -۱۱۲)، ریحانه (۴۷ -۴۶ /۳)، زندگینامه ریاضیدانان (۲۹۵ -

۲۹۲)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۱۸)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد).

چغمینی، محمود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۵ ق)، منجم، ریاضیدان و طبیب. از مردم چغمین خوارزم بود. آثار وی: «المخلص فی الهیئة»، مشتمل بر یک مقدمه و دو مقاله که بر آن شروح زیادی نوشته‌اند از جمله: «شرح میر سید شریف جرجانی»؛ «شرح قاضی‌زاده رومی»؛ «شرح طرق الحساب فی مسائل الوصایا»؛ «قانونچه»، در طب.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۵۹/۸)، تاریخ ادبیات ایران (۲۷۴/۳)، تاریخ نجوم اسلامی (۳۲۶، ۵۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۶۳، ۷۸)، دایرةالمعارف فارسی (۸۰۳/۱)، ریحانه (۴۴۹/۱)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۲۲۰-۲۱۹)، سرآمدان فرهنگ (۲۶۷/۱)، کشف الظنون (۱۸۲۰-۱۸۱۹)، مؤلفین کتب چاپی (۸۶-۸۵/ ۶)، معجم المؤلفین (۱۹۸/۱۲)، هدیة الاحباب (۱۱۹).

چلبی تبریزی، محمدحسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر و معمار. از بزرگان تبریز و در محله‌ی عباس‌آباد اصفهان که مرکز تبریزیان بود مسکن داشت. چلبی در نظم و نثر توانا بود. مجلس او هیچ وقت از علما و شعرا و فضلا و اربابان کمال خالی نمی‌شد. وی سفری به هندوستان داشت و در دربار جهانگیر پادشاه مجالست یافت. چلبی حمام و مسجد و بازاری در جنب خانه خود ساخت که به... او مشهور است. از وی «دیوان» شعری بر جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۶۰/۲)، تذکرة القبور (۳۲۶-۳۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۱۸)، دانشمندان آذربایجان (۱۰۶)، الذریعه (۲۵۱، ۲۱۵/ ۹)، سخنوران آذربایجان (۳۰۶-۳۰۴)، کاروان هند (۳۱۱-۳۰۹/ ۱).

چلبی تبریزی، محمدرضا

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. از عموزادگان محمدحسین چلبی بود و در محله عباس‌آباد اصفهان سکنی داشت. وی در اوایل جوانی با پدر به روم (خاک عثمانی) رفت و پاشای مصر شد اما، از اهالی مصر نقصان زیادی به وی رسید و در سال ۱۰۳۴ ق از آنجا به مکه رفت و در همان جا مقیم شد تا درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۶۹)، دانشمندان آذربایجان (۱۰۷).

چلبی تبریزی، محمدقاسم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. برادر محمدحسین چلبی بود و اوقات خود را صرف تجارت می‌کرد. در ابتدای سلطنت عالمگیر پادشاه به هند رفت و در همان جا درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۶۱/۲)، تذکرة القبور (۳۲۶)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۱۹)، دانشمندان آذربایجان (۱۰۸)، الذریعه (۲۱۵/۹)، سخنوران آذربایجان (۳۰۶)، فرهنگ سخنوران (۲۳۴).

چلبی، رحیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. نواده محمدقاسم چلبی و از سخنوران آذربایجان بود. این بیت از وی است:

می‌ستاند صد دل و یک دل نمی‌دارد نگاه

زلف را این باد دستیها پریشان کرده است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۸۹)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۶۲/۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۰۷)، سخنوران آذربایجان (۳۰۶).

چلبی، محمد حسین

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در کمال مردمی و آدمیت، و صلاح و پاکیزگی وضع، و پرهیزکاری روزگار گذرانیده، مسجد و حمام و بازاری در جنب منزل خود ساخته، به اسم او مشهور است.

از اشعار اوست (رباعی درباره‌ی کتاب):

اندر سفر و در حضر ای صاحب هوش

هم راز بود کتاب از من مینوش

گنگی است سخن گوی و بشیری است نذیر

آنگه که شوی ملول گردد خاموش

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

چلبی، محمدرضا

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به چلبی. با صاحب «تذکره‌ی نصرآبادی» معاصر بود و در مشهد با وی ملاقات کرد در اواخر عمر با حاکم قندهار قرابتی یافت و در همان جا بدرود حیات گفت. از آثارش «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۹۷ -۳۹۶)، الذریعه (۷۷۴/۹)، ریحانه (۲۱۷/۴)، سخنوران آذربایجان (۵۶۳)، فرهنگ سخنوران (۴۱۰).

چلبی‌بیگ علامی، کمال‌الدین، ابوالفضل

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، حکیم و شاعر، متخلص به شیدا و فارغ. اصل وی از تبریز بود و علت شهرتش به علامه آن بود که از دانشمندان معروف عصر خویش بود. پدرش در زمان شاه طهماسب اول کلانتر آن دیار بود ولی، بعد از ترک منصب یا عزل از آن شغل به هند رفت و در نزد اولاد بهرام میرزای صفوی تقرب یافت. اما فرزندش، ابوالفضل، قدم در راه تحصیل گذاشت و به شیراز رفت و در حلقه درس مولانا میرزا جان قرار گرفت، بعد از آن به سعایت حاسدان به قزوین رفت و مدتها در همنشینی خواجه افضل‌الدین محمد ترکه کسب فیض کرد. وی برخی از فصول شفا و اشارات را مطالعه کرد و چون شهرت فضلش به همه جا رسید، اکبرشاه او را به حضور طلبید و مورد توجه قرار داد. ابوالفضل در هند مشهور شد و سرانجام در همان جا درگذشت. او به گفتن شعر نیز توجه خاص داشت و معانی عجیب و افکار غریبی در طرز غزل ابداع کرد. از وی «دیوان» شعری به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۱۰)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۴۹۰ -۴۸۵ /۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۹ -۱۵۸)، ریحانه (۱۶۷/۴)، کاروان هند (۹۷۹ -۹۷۲ /۲)، هفت اقلیم (۲۳۷/۳).

چلبی، مسعود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر مسعود چلبی متولد ۱۳۳۱ در یزد است. وی ،تحصیلات دانشگاهی خود را در ایران آغاز کرد .او مدرک کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی را از دانشگاه تهران اخذ نمود .وی برای تکمیل معلومات دانشگاهی خود عازم آمریکا شده و در دانشگاه میشیگان غربی مدرک دکترا (Ph.D) رشته جامعه شناسی را اخذ کرد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه جامعه

شناسی, دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد. گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی مسعود چلبی به ترتیب زیر است. کارشناسی: علوم اجتماعی / ۱۳۵۴ / تهران / دانشگاه تهران کارشناسی ارشد: علوم اجتماعی / ۱۳۵۶ / تهران / دانشگاه تهران دکتری: جامعه‌شناسی / ۱۳۶۳ / کالامازو / دانشگاه میشیگان غربی رساله کارشناسی ارشد : آثار تورم اقتصادی بر اوقات فراغت معلمین رساله دکترا : توسعه نیافتگی و سرمایه داری دولتی : یک مطالعه تطبیقی امتحانات حوزه تخصصی -امتحانات جامع جامعه شناسی تطبیقی جامعه شناسی آموزش و پرورش توسعه اجتماعی مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مسعود چلبی ،عضو هیئت علمی و استاد گروه جامعه شناسی, دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد.وی عضو سومین دوره هیات مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران ،سردبیر پیشین مجله جامعه‌شناسی ایران و عضو فعال شورای علمی مجله جامعه‌شناسی ایران می باشد. فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریسی و آموزشی مسعود چلبی به قرار زیر است: دوره کارشناسی:آمار درعلوم اجتماعی ،جامعه شناسی آموزش و پرورش ،مبانی جامعه شناسی ، جامعه شناسی توسعه ،روش تحقیق نظری و روش تحقیق عملی دوره کارشناسی ارشد: آمار پیشرفته ،روش تحقیق کمی ,روش تحقیق کیفی, نظریه های جامعه شناسی (کلاسیک ها) ,نظریه های جامعه شناسی معاصر دروس تدریس شده در دوره دکتری : نظریه های روش شناختی ، مسائل اختصاصی روش تحقیق ، روش تحقیق کمی ,جامعه شناسی نظم ,نظریه های جامعه شناسی ،روش تطبیقی کیفی فازی آرا و گرایشهای خاص : علایق پژوهشی مسعود چلبی : ۱- توسعه و نظم اجتماعی ۲- نظریه جامعه شناختی ۳- جامعه شناسی تطبیقی ۴- روش شناسی آثار : بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران ویژگی اثر : موسسه پژوهش فرهنگ، هنر و ارتباطات.تهران.۱۳۸۱۲ تحلیل اجتماعی درفضای کنش ویژگی اثر : نشر نی،تهران،۱۳۸۵۳ جامعه شناسی نظم:تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی ویژگی اثر : نشرنی.تهران,(۱۳۷۵)چاپ چهارم۱۳۸۶۴ چارچوب مفهومی پیما یش ارزش ها و نگرش ایرانیان ویژگی اثر : انتشارات طرح های ملی,تهران,۱۳۸۳

چلبی، مسعود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر مسعود چلبی متولد ۱۳۳۱ در یزد است. وی ،تحصیلات دانشگاهی خود را در ایران آغاز کرد .او مدرک کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی را از دانشگاه تهران اخذ نمود .وی برای تکمیل معلومات دانشگاهی خود عازم آمریکا شده و در دانشگاه میشیگان غربی مدرک دکترا (Ph.D) رشته جامعه شناسی را اخذ کرد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه جامعه شناسی, دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد. گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی مسعود چلبی به ترتیب زیر است. کارشناسی: علوم اجتماعی / ۱۳۵۴ / تهران / دانشگاه تهران کارشناسی ارشد: علوم اجتماعی / ۱۳۵۶ / تهران / دانشگاه تهران دکتری: جامعه‌شناسی / ۱۳۶۳ / کالامازو / دانشگاه میشیگان غربی رساله کارشناسی ارشد : آثار تورم اقتصادی بر اوقات فراغت معلمین رساله دکترا : توسعه نیافتگی و سرمایه داری دولتی : یک مطالعه تطبیقی امتحانات حوزه تخصصی -امتحانات جامع جامعه شناسی تطبیقی جامعه شناسی آموزش و پرورش توسعه اجتماعی مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مسعود چلبی ،عضو هیئت علمی و استاد گروه جامعه شناسی, دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد.وی عضو سومین دوره هیات مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران ،سردبیر پیشین مجله جامعه‌شناسی ایران و عضو فعال شورای علمی مجله جامعه‌شناسی ایران می باشد. فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریسی و آموزشی مسعود چلبی به قرار زیر است: دوره کارشناسی:آمار درعلوم اجتماعی ،جامعه شناسی آموزش و پرورش ،مبانی جامعه شناسی ، جامعه شناسی توسعه ،روش تحقیق نظری و روش تحقیق عملی دوره کارشناسی ارشد: آمار پیشرفته ،روش تحقیق کمی ,روش تحقیق کیفی, نظریه های جامعه شناسی (کلاسیک ها) ,نظریه های جامعه شناسی معاصر دروس تدریس شده در دوره دکتری : نظریه های روش شناختی ، مسائل اختصاصی روش تحقیق ، روش تحقیق کمی ,جامعه شناسی نظم ,نظریه های جامعه شناسی ،روش تطبیقی کیفی فازی آرا و گرایشهای خاص : علایق پژوهشی مسعود چلبی : ۱- توسعه و نظم اجتماعی ۲- نظریه جامعه شناختی ۳- جامعه شناسی تطبیقی ۴- روش شناسی آثار : بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران ویژگی اثر : موسسه پژوهش فرهنگ، هنر و ارتباطات.تهران.۱۳۸۱۲ تحلیل اجتماعی درفضای کنش ویژگی اثر : نشر نی،تهران،۱۳۸۵۳ جامعه شناسی نظم:تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی ویژگی اثر : نشرنی.تهران,(۱۳۷۵)چاپ چهارم۱۳۸۶۴ چارچوب مفهومی پیما یش ارزش ها و نگرش ایرانیان ویژگی اثر : انتشارات طرح های ملی,تهران,۱۳۸۳

چلمه‌ی بخاری، اسکندر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از مردم بخارا و یکی از هفت تن از شاگردان معروف میرعلی هروی بود. وی در عصر استادش به حدی در حسن خط ترقی کرد که وقتی میرعلی به وی اجازه داد که در قطعاتش عنوان «کتبه میرعلی» را رقم کند، میرچلمه به استاد پرخاش کرد و میرعلی آزرده شد و وی را نفرین کرد و چلمه پس از اندک زمانی نابینا شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۳۲/۱)، مناقب هنروران (۷۸، ۷۷).

چماقلو بارفروشی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. از اهالی بارفروش (بابل) مازندران بود و چون چماق بر دوش می‌گرفت و راه می‌رفت به چماقلو معروف بود. وی در سرودن شعر طبعی روان داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۳۹۶/۱)، سفینهٔ المحمود (۶۲۱/۲)، طرائق الحقائق (۲۵۲/۳)، فرهنگ سخنوران (۲۳۴)، گلزار جاویدان (۳۴۸/۱)، مجمع الفصحا (۲۰۵/۴)، مصطبه‌ی خراب (۳۷).

چهار محالی اصفهانی، جواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در جوانی به کرمان رفته و در آنجا متوطّن گشته و گوشه نشین و مسکنت گزین گردید، و همانجا در سال ۱۲۳۳ وفات یافته.

وی از معاصرین حسین علی شاه عارف اصفهانی است.

شاعر و ادیب بوده و به نام خود تخلّص می‌کرده. دیوانی دارد.

از اشعار اوست:

شد یار یار دیگران با دیگران یاریش بین

با عاشقان شد سرگران عاشق نگهداریش بین

در طرف باغ و بوستان می می‌کشد با این و آن

وزمن همی دارد نهان مستی و هشیاریش بین

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

چهاردهی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۴ -۱۲۵۲ ق)، فقیه امامی. در چهارده از روستاهای لاهیجان به دنیا آمد و مقدمات علوم را در زادگاهش فراگرفت. در قزوین به تکمیل تحصیلات پرداخت و پس از چندی به عتبات مهاجرت کرد، در نجف از مجلس سید حسین کوهکمری بهره برد. وی از ملاـ علی خلیلی تهرانی روایت می‌کرد. شیخ آقابزرگ تهرانی از چهاردهی اجازه‌ی روایت داشت. وی از مشایخ آیت‌اللّه شهاب‌الدین مرعشی نجفی بود. از جمله آثار وی: «الادعیه والاذکار»؛ «التذکرهٔ الغرویه»، در نمازهای مستحبی و ادعیه؛ ترجمه‌ی «صحیفه سجادیه»، به فارسی؛ «تعقیبات الصلوهٔ»؛ ترجمه‌ی «نواقض الروافض»؛ حاشیه بر «خلاصهٔ الحساب»؛ حاشیه بر «روضهٔ البهیه»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل» سید علی طباطبائی؛ حاشیه بر «فرائد الاصول» شیخ انصاری؛ حاشیه بر «قوانین الاصول» میرزای قمی؛ حاشیه بر «منهج المقال» میرزا محمدعلی استرآبادی؛ «ذریعهٔ العباد»، در اصول و فروع و ادعیه؛ «الرسالهٔ الغرویه فی جواب الطبریه»، در اصول دین؛ شرح «قصیده مطالع الانوار» که منظومه‌ای است در مدح آل‌عبا؛ شرح «نهج‌البلاغه» به فارسی؛ شرح «قواعد الاحکام»؛ «زبدهٔ العبادات» که رساله‌ی عملیه او به فارسی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۴۴ -۴۴۳ /۹)، الذریعه (۴۵/۱۶، ۱۴۱/۱۴، ۳۰، ۲۹، ۱۲/ ۲۹، ۲۲۰/۱۱، ۳۱/۱۰، ۹۶، ۸۴، ۶/ ۲۱۹، ۱۴۳، ۱۱۲ /۴، ۳۹۲/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۴۹ -۱۵۴۸ /۱۴)، معجم المؤلفین (۶۷/۱۱)، مکارم الآثار (۱۴۰۷ -۱۴۰۶ /۴).

چهارسوقی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا محمّد باقر چهار سوقی صاحب روضات. عالم فاضل محقّق، در ۲۱ ربیع الثانی سال ۱۲۶۳ متولّد، و در نزد پدر و عمّ خود و دیگر علمای اصفهان تلمّذ فرموده، و در نجف اشرف آنرا تکمیل نموده، فقیهی جامع، و عالمی فاضل بود.

در چهارشنبه ۱۵ رمضان المبارک سال ۱۳۴۱ در نجف وفات یافته، در جنب عمّ بزرگوار خود مدفون گردید.

در احسن الودیعه (۱: ۵۷) گوید: عالم فاضل زاهد عابد، از غایت زهد، ترک ریاست در اصفهان نموده، و به نجف مهاجرت کرده،

و در گوشه‌ای به عبادت و ریاضت مشغول گردیده.

زنش بیگم دختر آقا میرزا محمّد هاشم چهار سوقی است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

چهارسوقی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد دیگر مرحوم آقـا، مسیح: مرحوم حـاج میر سـید حسن چهـار سوقی است از رؤسـای علمای اصـفهان، ملجأ و پناه مردم، عالم فضـال محقّق مقبول القول، در نزد عموم طبقـات از عوام و خواص. مورد توّجه و احـترام بوده، در ۳ رجب سال ۱۲۹۴ متولّد، و در صبح ۵ شنبه ۱۳ جمادی ااولی سال ۱۳۷۷ در اصفهان وفات یافته، جنازه به نجف حمل گردیده، در جوار عمّ بزرگوار خود در وادی السلام مدفون گردید.

عـدّه‌ای کثیر از دانشـمندان در مرثیه و مادّه تاریخ وفاتش اشـعاری سـرودند که از آن جمله است مادّه تاریخی که مرحوم آقا حسـن رئیس زاده واعظ گفته است:

منوّر مشعلی خاموش شد از علم و از دانش

که مانندش نیاید در جهان از هیچ مشکاتی

ز سال فوت پرسید از رئیسی با صفا گفتا

ز جنّت مجتبی سر کرد بیرون گفت روضاتی

۴۰-۱۴۱۷=۱۳۷۷

در خدمت آقا سـید محمّد باقر درچه‌ای و آقا سید محمد کلیشادی و آخوند کاشی و جمعی دیگر از علما این شهر تحصیل نموده تا به درجه اجتهاد نایل گردید.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- تقریرات اصولی اسـتاد علاّمه خود مرحوم درچه‌ای، در اصل برائت و احتیاط ۲- تقریرات اصولی استاد نامبرده در مبحث ظن ۳- جامع الدر، دو مجلّد، در متفرّقات عربی و فارسی منظوم و منثور ۴- جزوات متعدّده در مواعظ منبری و غیره.

سبط جلیل ایشان فاضل بزرگوار آقا سـید محمّد علی بن آقا میرزا محمّد هاشم کتابی مسـتقل به نام «زندگانی حضرت آیهٔ اللَّه چهار سوقی» درباره ایشان و فامیل خود نوشـته که در شـرح حال صاحب روضات و خانـدانش در کتاب حاضـر از آن اسـتفاده زیاد شـده است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

چهارسوقی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی اصفهانی مشهور به « صاحب روضات » عالم فاضل مجتهد، ادیب و محقق رجالی برجسته از علمای بزرگ شـیعه در قرن سـیزدهم فرزنـد عالم برجسته حاج میرزا زین العابـدین موسوی خوانساری (مـدفون در تکیه شـیخ محمد تقی رازی) می¬باشد.

این عـالم بزرگوار در خوانسـار متولـد شـد و تحصـیلات خود را در اصـفهان نزد علمای بزرگی چون سـید محمـد شهشـهانی، سـید صدرالدین عاملی ، شـیخ محمد تقی رازی (صاحب حاشیه)، سید محمد باقر حجت الاسلام، حاج محمد ابراهیم کلباسی و ... انجام داد. در نجف اشرف از بزرگانی چون سید ابراهیم قزوینی کسب علم نمود و از بزرگانی چون شیخ محمد کاشف الغطاء و ... اجازه دریافت نمود. پس از بازگشت به اصفهان به تدریس ، تحقیق ، تألیف و عبادت روزگار سپری نمود.

در عهـد خود مرجعیت قضا و فتوی را داشت و در مسـجدی که در محله چهارسوق به نام وی نام گـذاری شـد امام جماعت بود. در تقوی و دیانت مورد تأییـد تمامی علما و مردم زمانش بود. در مقامات عرفانی او آورده انـد ظل السـلطان می خواست مالی را به آقا میرزا محمـد بـاقر واگـذار کنـد، صاحب روضات گفته بود قریه توکل آباد من برای کفاف مخارج خود و خانـدانم کافی است. ظل السـلطان ابتدا تصور می¬کرد که واقعا توکل آباد یکی از روسـتاهای آباد اصفهان است وقتی پرس و جو کرد فهمید که مقصود او توکل به خداوند است.

ایشان در شب دوشـنبه ۹ جمـادی الاول ۱۳۱۳ هــ. ق در گـذشت و بنـا بر وصـیتش در تخت فولاـد در جوار قـبر میرزا حسـین خـان کشیکچی به خاک سپرده شد.

به جهت احترام و تجلیـل از مقـام برجسـته وی به همت میرزا سـلیمان خان رکن الملک و فرزنـدان این عالم بزرگوار بعقه ای بر سـر قبرش بنا گردید.

تألیفات ایشان عبارتند از: احسن العطیه یا شـرح برالفیه ، تسـلیه الاخوان، حاشـیه بر شـرح لعمه، حاشیه بر قوانین، رساله در ضروریات دین، رساله در شـرح حـدیث حی ، رساله در امر به معروف و نهی از منکر، رساله عملیه، قصایـد عربی و فارسـی در مدح و فضـیلت

اهلبیت پیغمبر، مجالسی در مصائب حضرت سید الشهداء و کتابهای ارزشمند بسیار دیگر.

او تالیفات چندی در فقه، اصول و کلام دارد. از جمله: «روضات الجنات»، در احوال علما و سادات؛ «احسن العطیه» در شرح «الالفیه» شهید اول؛ «تسلیه الاحزان» فارسی، در مصیبت؛ حاشیه بر «شرح لمعه »؛ «ارجوزه»، در اصول فقه؛ «اقسام اسباب البلایا النازله فی هذه الدنیا علی الشقی و السعید»؛ «تفصیل ضروریات الدین و المذهب»؛ «حاشیه‌ی قوانین الاصول»؛ «قرهٔالعین و سرور النشاتین»؛ «رساله عملیه»؛ «رساله فی الامر بالمعروف و نهی عن المنکر».

مشهورترین کتاب ایشان « روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات » به عربی است که بیش از ده سال از عمر خویش را مشغول تحقیق و تألیف این کتاب ارزشمند نموده است. این کتاب از کتاب های رجال شناسی بسیار محققانه و عمیق بوده و مورد استفاده بسیاری از محققین و رجال شناسان قرار گرفته و بسیاری ازبزرگان حواشی و فهرست ها بر این کتاب نموده اند. شهرت این کتاب به حدی بود که پس از درگذشت این عالم بزرگوار به مرور زمان این خاندان به « صاحب روضات » و فرزندان بزرگوارش به « سادات روضاتی» معروف گشتند.

چهارسوقی، محمدهاشم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۸ –۱۲۳۵ ق)، مجتهد و نویسنده. وی برادر کوچکتر میرزا محمدباقر خوانساری، مؤلف «روضات الجنات»، بود. وی پس از مدتی از زادگاه خویش، خوانسار، برای کسب تحصیل به اصفهان آمد و در زمره‌ی علمای طراز اول اصفهان قرار گرفت. بسیاری از علمای روحانی اصفهان از شاگردان او بودند. وی در سن ۸۱ سالگی در نجف درگذشت و در وادی السالم به خاک سپرده شد. از آثار وی: «الاحکام الایمان»؛ «رساله‌ی عملیه»؛ «مجمع الفوائد»، معدن الفوائد، مخزن الفوائد»؛ «مجموعهٔ الرسائل»؛ «میزان الانساب»؛ «اصول الدین»؛ «التجوید»؛ «اصول آل الرسول»، در اصول فقه؛ «حاشیه ریاض»؛ «حاشیه قوانین» و چند اثر دیگر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۵۳/۷)، اعیان الشیعه (۸۳/۱۰)، الذریعه (۲۷۵/۲۲، ۴۵/۱۹، ۱۰۲/۶، ۱۴۸/۴، ۱۹۶، ۱۷۷، ۲ /۲۹۶/۱)، ریحانه (۱۹۲ –۱۹۱ /۲)، شرح حال رجال (۲۵۴ –۲۵۳ /۶)، علماء معاصرین (۶۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۹/۵)، المآثر والآثار (۱۴۵)، مؤلفین کتب چاپی (۷۵۳ –۷۵۲ /۶)، معجم المؤلفین (۸۶/۱۲).

چهره نما

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج عبدالمحمد مؤدّب السلطان ایرانی پور علی زاده، ادیب فاضل، و شاعر و نویسنده و مورّخ، در اصفهان متولّد شده، و در این شهر مقدّمات علوم را آموخته، به مصر مهاجرت نموده و تا آخر عمر در آنجا ساکن بوده و از محترمین ایرانیان ساکن مصر به شمار می‌رفته. روزنامه چهره نما را در آنجا می‌نوشته و مدّت سی و دو سال مرتّباً انتشار داده است.

در حدود سال ۱۲۹۱ متولّد، و در اوّل شعبان ۱۳۵۴ در قاهره وفات یافته، و هم در آنجا مدفون گردید.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- احقاق الحق ۲- امان التواریخ ۳- پیدایش خطّ و خطاطان ۴- زردشت باستانی و فلسفه او ۵- فؤاد التواریخ.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

چیتگر، عبدالرزاق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرزاق چیتگر

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۷۱-۷۰ در شهرستان بابل در مدرسه خاتم الانبیاء درس حوزوی را شروع کردم . به خاطر پاره ای از مشکلات برای ادامه تحصیلات به حوزه محمدیه قائم شهر رفتم دو سال در آنجا مشغول تحصیل شدم بخاطر رشد تحصیلی از قائم شهر به حوزه قم به صورت آزاد منتقل شدم . در سال اول در امتحانات سه پایه شرکت کردم ، و سالهای بعد تا سال ۷۹ پایه دهم حوزوی را بپایان رساندم . و در کنار درس اصلی حوزه به فلسفه و تفسیر مشغول شدم ، بعد از خواندن بدایه و نهایه الحکمه ، منظومه فعلا مشغول

خواندن اسفار ملا صدرا هستم.

و در تفسیر هم حدودا شش یا بیشتر علاوه بر شرکت در کلاس تفسیر جزوه، محقق فعال تفسیر قرآن موسسه جواد الائمه زیر نظر استاد معظم حجه الاسلام مهدی احدی زید عزه می باشم . اولین جلد تفسیر موسسه جواد الائمه زیر چاپ است. و همچنین ۴ سال در درس خارج فقه و اصول استاد محترم محمد جواد فاضل دام عزه شرکت می کنم.

چیچورانی، محمدامین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۵ –۱۲۸۰ ق)، مدرس. وی از اهالی چیچوران از روستاهای بانه بود. تحصیلات خود را نزد ملاعبدالرحمان پنجوینی به پایان رساند و به سمت مدرسی در آبادی چرچه‌قلا از روستاهای کردستان عراق منصوب شد. ملا محمد امین حدود ده سال پیش از مرگش به دهکده ره شه دی از توابع مریوان کوچ کرد و در آنجا تا زمان مرگ به تدریس و امامت اشتغال داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۲۱۸/۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۴۷/۳).

چیذری، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ علی (مدرس) نهاوندی از علماء اعلام و مدرسین عظام تهران بودند.

وی از شاگردان مبرز مرحوم علامه خراسانی صاحب کفایه الاصول و علامه طباطبائی یزدی صاحب عروه و بعد از آنان از تلامذه و شاگردان و اصحاب خاص مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی و المجاهد میرزا محمدتقی شیرازی بودند که پس از فوت آن بزرگوار به تهران آمده و در مدرسه سپهسالار و مروی بتدریس فقه و اصول اشتغال داشتند تا در قضایای اتحاد شکل و کشف حجاب که از تهران به شمیران منتقل و چندی در تجریش اقامت و در مسجد همت واقع در بازار به اقامه جماعت و تربیت افراد پرداخته و چون آنجا هم از مفاسد عمومی مصون نماند در چیذر که نسبتا از مظاهر فساد بر کنار بود رحل اقامت افکنده و حوزه علمیه تشکیل و افراد صالحی تربیت نمود تا از دنیا رفت و در جنب امامزاده آنجا مدفون گردیده است.

نگارنده گوید: آیت‌اللّٰه چیذری عالمی ربانی و آیتی سبحانی خالی از هوا و تظاهرات و دارای نفس قدسی و ملکات فاضله اخلاقی و خصال حمیده و صفات پسندیده و سیمائی ملکوتی بود کرارا از محضرش استفاده نموده و از بیاناتش بهره‌مند شده‌ام.

از جمله مطالبی که از ایشان شنیدم این بود که فرمودند یکی از شاگردان و اصحاب حضرت امام صادق علیه‌السلام به آن حضرت عرض کرد وقتی من بمحل خود می‌روم اهل قربه من می گویند برای ما امامت کن شما اجازه می‌فرمائید. حضرت فرمود (ان لم یکن نظرك بالوراك فتامم) اگر نظرت به پشت سرت نیست. یعنی قلت و کثرت و کم و کیف مأمومین در تو تأثیر نمی کند امامت کن. و این عجیب حدیثی است باید تمام ائمه جماعت این حدیث شریف را نصب‌العین قرار داده و درباره آن فکر نمایند.

فرمودند: این حدیث را برای مرحوم آیت‌اللّٰه آقا میرزا محمدتقی شیرازی که مجسمه زهد و تقوا بود خواندم رنگ ایشان پرید و مدت هیجده شبانه‌روز از منزل بیرون نیامده و کسی را نزد خود نپذیرفت و مشغول باصلاح خود بود.

از آثار آن بزرگوار که بطبع رسیده است.

کتاب تنبیه‌الغافلین است که در شهریور ۱۳۱۲ شمسی منتشر گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

چینی چی‌زاده، عبدالرحمن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اوست: قرآن نیم‌ربعی نسخ کتابت خفی عالی با رقم: «چینی چی‌زاده عبدالرحمن ۱۱۰۳» در موزه‌ی اسلامی ترک.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

چینی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به مولانا، از فلاسفه مشهور است، و در اصفهان حکمت متعالیه را تدریس بلکه تأسیس می‌فرموده. از شاگردان ملا علی

نوری بوده، و پس از وفات استاد، تدریس معقولات بدو منتهی شده، ظاهرا در ۱۲۶۴ وفات یافته.

میرزا ابوالحسن جلوه را از شاگردان او نوشته‌اند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حاتم شیرازی، محمدمهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، طبیب و شاعر. وی با صاحب «مرآت الفصحا» معاصر بود. حاتم شغل طبابت داشت و گاهی شعر می‌سرود از اوست:

ابرویش همچو هلالی است که سلخ رمضان

شایق دیدن او پادشه و درویش است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقة الشعراء (۳۹۷/۱)، مرآت الفصاحه (۱۴۶ -۱۴۵).

حاتم کاشی، هدایت

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به حاتم. از شاعران معروف کاشان و از ملازمان دربار شاه‌عباس بود. ابتدای امر هدایت تخلص می‌کرد. او از معاصران محتشم کاشانی و از شاعران غزلسرای آن عهد بود. از وی «دیوان» شعری به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تارخی ادبیات ایران، براون (۸۸/۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۲۵/۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۵۹)، تحفه سامی (۹۸ - ۹۷)، تذکره‌ی روز روشن (۹۲۵)، تذکره‌ی میخانه (۶۱۵)، الذریعه (۱۳۰۴، ۲۱۶/ ۹)، صبح گلشن (۶۱۰)، عالم آرای عباسی (۱۸۵ - ۱۸۴ /۱)، فرهنگ سخنوران (۲۳۵)، لغت‌نامه (ذیل/ کاشی حاتم)، مجمع الخواص (۱۸۹ -۱۸۸)، نتایج الافکار (۱۸۶)، هفت اقلیم (۲/ ۴۷۱- ۴۷۲).

حاتم هروی، ابوالفتح، عبدالکریم

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(قبل از س هفتم ق)، شاعر. وی از بزرگان و بخشندگان شهر هرات بود که به قول صاحب «لباب الالباب»، «افضل کتاب عهد و اکمل ارباب فضل بود با خطی چون درّ مکنون و نظمی چو زرموزون و او فارس هر دو میدان والی هر درّ بیان بود.»

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :لباب الالباب (۳۵ -۳۴ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ حاتمی)، هفت اقلیم (۱۶۲ -۱۶۱ /۲).

حاتم همدانی، حاتم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. ابتدای کار در همدان شغل عطاری داشت ولی، چون از فن طبابت بی‌بهره نبود به خدمت کلبعلی خان، حاکم اردلان، رفت و مدتی با وی به سر برد. حاتم بیگ هنر و کمالی بسزا داشت و شاعری نیک محضر و بذله‌گوی و لطیفه‌پرداز بود. لطیفه‌ای که درباره‌ی میرآشوب همدانی گفته است معروف است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن سرایان همدان (۲۴۲/۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۲۵ -۳۲۴)، الذریعه (۲۱۶/۹)، صبح گلشن (۱۱۲)، فرهنگ سخنوران (۲۳۶ -۲۳۵)، لغت‌نامه (ذیل/ حاتم).

حاتم، غلامعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامعلی حاتم در سال ۱۳۲۰ در شهر قصر شیرین بدنیا آمد دوره ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش گذراند و برای ادامه تحصیل راهی کشور ترکیه شد و تا اخذ درجه دکترا در سال ۱۳۵۶ در شهر آنکارا ماند. پس از برگشت به کشور کار را در وزارت فرهنگ و هنر آغاز کرد و در حال حاضر در دانشکده هنر (فارابی سابق) مشغول به تدریس است.گروه : هنررشته : پژوهش هنرگرایش : تاریخ هنروالدین و انساب : پدر غلامعلی حاتم فردی مهربان و دلسوز بود که در کارهای عام المنفعه و خیریه در قصر شیرین شرکت میکرد وی علاوه بر داشتن کار آزاد مدیر مسئول روزنامه شاه ایل قصرشیرین نیز بود و فرزندان را از همان ابتدا به مطالعه و کتاب آشنا کرد. مادر محترمشان نیز از خانواده خانه خراب کرمانشاه بودند که آنها هم به دلیل مبارزات در زمان مشروطیت به این نام شهرت یافتند.خاطرات کودکی : بازیهای کودکانه و سرگرمیهای فصلی مانند شنا در رودخانه الوند، مطالعه کتاب در تعطیلات تابستان در ییلاق و در مواقعی برای سپری کردن وقت به علت کبود امکانات تفریحی گوش دادن به رادیو در نبود و ناشناخته بودن تلویزیون از خاطرات دوران کودکی دکتر حاتم است وی دراین مورد میگوید:« برنامه های رادیویی راه گشایی بود برای خودم و دوستانم که توانستیم با دیدی بازتر به اطراف خود نظری بیاندازیم. شنیدن داستانهای حماسی ، افسانه ایی و تاریخی انگیزه ای شد که من بتوانم راه آینده ام را انتخاب کنم شاید دلیل انتخاب رشته تحصیلی ام باستانشناسی و تاریخ هنر همین شنودهای رادیویی بوده است.»اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : غلامعلی حاتم در یک خانواده متدین و عالم پرورش یافت. خانواده ایشان در فعالیتهای مذهبی برگزاری مراسم سوگواری حسینی و تعزیه شهره بودند و در مسائل اجتماعی نیز به علت بار علمی خانواده شرکت میکرند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : کسب دیپلم ریاضی از دبیرستان شاهپور شهر کرمانشاه سال ۱۳۴۰ گذراندن دوره علیه تحصیل در کشور ترکیه تا اخذ مدرک دکترا تا سال ۱۳۵۶خاطرات و وقایع تحصیل : سفر به کشورهای مختلف اروپایی مانند بلغارستان، یونان، ایتالیا، قبرس، سوریه، عراق و ... از خاطرات دوران تحصیل در کشور ترکیه غلامعلی حاتم است.فعالیتهای ضمن تحصیل : تدریس به عنوان معلم در دبستان و دبیرستان ایرانیها در آنکارای ترکیه و کار در سفارت ایران در ترکیه به عنوان کارمند محلی و کار در کشور آلمان به عنوان کار دانشجویی از فعالیتهای زمان تحصیلی غلامعلی حاتم است.استادان و مربیان : غلامعلی حاتم ازاستادان خود در دانشگاه ها ترکیه به پروفسور اکرم اکورگاد، پروفسور تحسین اوزگوچ، پروفسور نعمت اوزگوچ، پروفسور هالوک کارامارلی پروفسور یلماز اونگه و ... نام میبرد و خود را مدیوناین بزرگواران میداند و تمامی معلمان خود.همسر و فرزندان : غلامعلی حاتم دارای همسر و دوفرزند است که همسر وی اهل کشور ترکیه است و فرزند دختر وی فارغ التحصیل رشته زبان انگلیسی و فرزند پسر کارشناسی ارشد پژوهش هنر و مدرس دانشگاههای هنری نیز میباشد.وقایع میانسالی : وقایع دوران معلمی و زندگی با هم دانشگاهیها و تبادل نظر در رشته هنر از خاطرات آن دوران غلامعلی حاتم است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مسئولیت های کاری در سفارت ایران در آنکارا در دوران دانشجویی در کشور ترکیه و موزه ایران و باستان در ایران و مسئولیت های اجرایی در دانشگاه های هنر مانند مدیر گروه هنر دانشگاه پیام نور از مشاغل غلامعلی حاتم است.فعالیتهای آموزشی : غلامعلی حاتم در بیشتر دانشکده های هنری از سال ۱۳۵۶ به تدریس بوده است مانند دانشکده هنر دانشگاه تهران ، اصفهان، یزد، الزهرا، شریعتی، جهاد، علم و فرهنگ و دانشکد افسری قبل از انقلاب و در حال حاضر تدریس در دانشکده هنر تهران و همکاری با دانشکد هنر دانشگاه آزاد اسلامی . استاد راهنمای پایاننامه های دوره دکتر ا و کارشناس ارشد در دانشکده هنر از فعالیتهای آموزشی دکتر حاتم است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علاوه بر تهیه متن و مطالب درسی و کارهای دانشگاهی غلامعلی حاتم در موارد زیر مشغول است: شرکت در مجامع فرهنگی هنری، عضویت در کمیته انتصابات و ترفیعات اعضای هیئت علمی دانشگاه هنر، عضو کمیته های پژوهشی هنر دانشگاه هنر، عضویت هیئت تحریریه مجله گردش و سیلک رود، عضو شورای تخصصی تاریخ هنر پژوهشکده هنرهای سنتی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، عضو تحریریه پژوهشنامه هنرهای نمایشی دانشگاه تهران ، و مجله های رهپویه سوره، نگره دانشکده هنر دانشگاه شاهد ، تربیت مدرس دانشگاه تربیت مدرس، پژوهشنامه سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری و ...آرا و گرایشهای خاص : غلامعلی حاتم عنوان میکند که تمام تلاش وی بر این بوده است که ایران را با تمام ویژگیهای ملی و مذهبی توام با هنرهایش در ادوار مختلف تاریخ معرفی کند .چگونگی عرضه آثار : چاپ مقالات مختلف علمی در رشته هنر و تهیه و چاپ کتاب و ایراد سخنرانیهای گوناگون در جامع فرهنگی هنری از اثار غلامعلی حاتم است.

آثار : آشنایی با هنر در تاریخ ۱ ویژگی اثر : دانشگاه پیام نور فروردین ۱۳۸۲۲ آشنایی با هنر در تاریخ ۲ ویژگی اثر : دانشگاه پیام نور اسفند ۱۳۸۲۳ معماری اسلامی در دوره سلجوقیان ویژگی اثر : انتشارات جهاد دانشگاهی ماجد- تهران ۱۳۷۹۴ هنر و تمدن اسلامی ۱ ویژگی اثر : دانشگاه پیام نور دیماها ۱۳۸۳ منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

حاتمی لنکرانی، مجتبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه.

تولد: ۱۳۳۰ ق.، اصفهان.

درگذشت: ۲۳ فروردین ۱۳۶۵.

آیت‌الله مجتبی حاتمی لنکرانی در اوایل جوانی به نجف مهاجرت نمود و در آنجا از محضر آیت‌الله محمـد حسین نایینی و آیت‌الله ضیاءالـدین عراقی و آیت‌الله محمدحسین غروی و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و علامه محمدجواد بلاغی و دیگران استفاده

نمود. وی سپس به تدریس در حوزه پرداخت.

ایشان مدتی در سامره اقامت داشت تا در ذی‌القعده ۱۳۹۱ ق. به اجبار دولت عراق ، آنجا را ترک گفت و به اصفهان آمد و تا پایان عمر به تدریس علوم مذهبی مشغول بود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حاتمی، تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تقی حاتمی در تهران متولد گردید. از ابتدای طفولیت عشق و علاقه سرشاری به هنر ظریف خط و خوشنویسی که شیوه دیرین پدران و اجداد او بود، داشت. پس از اتمام دوره تحصیل، این هنر را به جد نزد اساتید بزرگ زمان خود فراگرفت. او در خط نستعلیق از شیوه عمادالکتاب پیروی نموده و در نوشتن این نوع خط از خفی و جلی ید تبحر خاص دارد. وی علاوه بر آن خط شکسته تحریر را زیبا می نوشته است. استاد سالها در مجلس شورای ملی به سمت کارگزینی مشغول خدمت بود.گروه : هنرشته : خوشنویسیوالدین و انساب : تقی حاتمی فرزند یوسف مستوفی تفرشی می باشد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : تقی حاتمی از ابتدای طفولیت عشق و علاقه سرشاری به هنر ظریف خط و خوشنویسی که شیوه دیرین پدران و اجداد او بود داشت. پس از اتمام دوره تحصیل این هنر را به جد نزد اساتید بزرگ زمان خود کسب نمود.استادان و مربیان : تقی حاتمی از سال ۱۳۰۵ به خدمت استاد عمادالکتاب رفته و به فراگیری رموز و اصول خط پرداخت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : تقی حاتمی سالها در مجلس شورای ملی به سمت کارگزینی مشغول اشتغال داشته است.آرا و گرایشهای خاص : تقی حاتمی در خط نستعلیق از شیوه عمادالکتاب پیروی نموده و در نوشتن این نوع خط از خفی و جلی تبحر خاص دارد. وی علاوه بر آن خط شکسته تحریر را زیبا می نوشته است.

آثار : ارشاد بیان عطار اسرار نامه شیخ عطار پند نامه عطار ترجمه الصلوه فیض کاشی ترجیع بند هاتف اصفهانی حدیقه الحقیقه سنایی مصیبت نامه عطار مظهر الذات عطار مظهر العجایب عطار منتخب ساقی نامه ها منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

حاج آخوند، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام مرحوم آقاحسین بن العلامه حاج ملا غلامرضای قمی چهارمین فرزند آن مرحوم از علماء باتقوا و فضیلت قم بوده‌اند تولدش در قم واقع شده و در مهد علم و تقوا تربیت یافته و سالها از مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله فیض و بالاخص آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده کرده تا دعوت حق را لبیک اجابت گفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حاج آخوند، عبدالهادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا عبدالهادی بن العلامه حاج ملاـ غلامرضا دومین فرزند آن مرحوم از علماء بارع و متین قم بوده که در خاندان علم و کمال نشو نما یافته و از محضر آیات عظام حایری و حجت و خونساری و فیض و آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و با کبر سن و قد خمیده‌اش از شرکت در دروس حضرات کوتاهی نمی‌کرد تا در اواخر ریاست مرحوم آیت‌الله بروجردی رحلت نموده و در قبرستان شیخان مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حاج آخوند، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقامحمد بن العلامه حاج ملا غلامرضا سومین فرزند آن مرحوم است که در دامن علم و کمال تربیت نموده و سالها از محضر آیات عظام حوزه علمیه مانند دو برادر گذشته‌اش استفاده نموده تا به سرای جاوید منتقل شده است.

مولف گوید بیت مرحوم آیه‌الله حاج ملا غلامرضا بیت علم و فضل و معنویت و از بیوتات شریفه شهرستان قم است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حاج حسینی نبوی، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن حاج حسینی نبوی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۷/۱

زندگینامه علمی

محمد حسن حاج حسینی نبوی در سال ۱۳۳۵هجری شمسی در رهنان اصفهان به دنیا آمد او در سن سیزده سالگی (۱۳۴۸ه ش) دروس حوزه را آغاز کرد، استاد در مورد علت آمدنشان به حوزه میگوید: علت اینکه آمدم طلبه شدم این است که قدیم ها قبل از اینکه بچه ها مدرسه بروند چیزهائی می خواندند که اسمش «پنجل حم» بود بعد هم آموزش فارسی، ابتدا بچه ها قرآن یاد می گرفتند و بعد فارسی ما پیش یک سید روحانی می رفتیم و پنجل حم می خواندیم ایشان روی ما حساس شده بود که طلبه شویم، به دلیل اینکه وقتی می خواست برود مسجد چند مرتبه در راه(مغازه پدرم در راه مسجد ایشان بود)به پدرم می گفت این را بفرست طلبه بشود، این پسر هوشش خیلی خوب است ، اصرار ایشان باعث شد بالاخره بعد از کلاس ششم ابتدائی پدرم بگوید که این آقا سید می گوید: خوب است که طلبه شوی اگر می خواهی و علاقه مندی می گذارم طلبه بشوی". استاد نبوی در همان ابتدا ،خود را با مطالعه کتب مختلف مأنوس کرد و توانست توشه ای گرانبها برای خود و دیگران جمع آوری کند او در این باره میگوید: من خیلی علاقمند به مطالعات عمومی بودم مدتها در مباحث مدیریت کار کردم، مدتی کار شخصی کردم، یعنی اینجور نبود که کلاس یا درس بروم، خودم کار کردم در حدی که حداقل در بعضی جاها تدریس می کنیم". استاد نبوی دروس حوزوه را در شهر اصفهان آغاز کرد و پس از مدتی به قم هجرت نمود، او دراین باره میگوید: در اصفهان درسم را بطور آزاد شروع کردم پیش یک بنده خدائی درس می خواندیم (حوزه در آن زمان خیلی بی برنامه بود)بعدها برنامه ای در اصفهان درست شد و آیت الله حاج آقا حسن امامی (خدا حفظشان کند) با بعضی دیگر از آقایان استارت این برنامه را زدند ما از اولین طلبه هایی بودیم که در این برنامه شرکت کردیم پنج سال در اصفهان بودم و از محضر آقایان حاج آقا حسن امامی، شیخ علی اکبر فقیه ،ابراهیمی ، عبودیت استفاده کردم و بعد هم به قم آمدم و اصول الفقه و لمعه را شروع کردم. لمعه را خدمت آقای فاضل هرندی خواندم رسائل و مکاسب را خدمت آیت الله مظاهری خواندم، البته گاهی هم از آقای ستوده(رحمه الله) استفاده می کردم کفایه را هم خدمت آیت الله مظاهری خواندم درس خارج را خدمت آیت الله سبحانی شروع کردم و ایشان آن زمان که تدریس می کردند هفت یا هشت شاگرد بیشتر نداشتند که برای ما خیلی مفید بود چرا که خیلی خوب می توانستیم اشکال کنیم و استفاده بیشتری ببریم چند سال خدمت آیت الله شیخ جواد تبریزی و آٌیت الله مکارم و آیت الله وحید و آیت الله جودی آملی بهره بردم در بحث فلسفه مدتی خدمت آقای انصاری شیرازی بودم مدتی هم خدمت آیت الله جوادی آملی در درس اسفار شرکت کردم".

حاج حسینیان، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسعود حاج حسینیان

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای مسعود حاج حسینیان در اول شهریور سال ۱۳۴۱هجری شمسی در خانواده ای متدین ، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در تهران دیده به جهان گشود.نامبرده پس از فراغت از تحصیل در دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در زادگاه خویش، در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۷ و همزمان با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی وارد حوزه علمیه تهران گردید از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد اما شوق زیارت کریمه اهل بیت حضرت معصومه سلام الله علیها و تحصیل در حوزه علمیه قم او را راهی آن دیار گردانید پس از مدتی تحصیل در قم این بار راهی مشهد مقدس و وارد حوزه علمیه آنجا شد. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد همچون گذشته با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیارحاضر

شد و از محضر ستارگان آن دیار همچون آیت الله فلسفی،آیت الله مروارید، آیت الله سیدان کسب فیض کرد. ایشان ضمن تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی مشهد به تحقیق و پژوهش مشغول می باشد و تا کنون در این زمینه از هیچ کوششی دریغ نکره است.

حاج رسولیها، شاپور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: خاک‌شناسی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: صنعتی اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی کشاورزی از دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز در سال ۱۳۳۹، کارشناسی ارشد و دکترای خاک‌شناسی از دانشگاه کالیفرنیا آمریکا.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام طرحهای متعدد تحقیقاتی در زمینه‌های اصلاح اراضی، شوری خاک، کیفیت آب برای آبیاری، شیمی آب و خاک، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

کیفیت آب برای کشاورزی (ترجمه).

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۲

زمینه علمی مقالات:

تغییرات فاصله‌ای مشخصات خاک با استفاده از علم زمین آمار، اثر شوری ویون‌های ویژه روی رشد گیاه، اصلاح اراضی، شیمی آب و خاک.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

حاج سید جوادی، احمد صدر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمدصدر حاج سید جوادی در سال ۱۲۹۶ شمسی، در شهر قزوین به دنیا آمد .وی دارای مدرک کارشناسی حقوق می باشد.سیدجوادی از اواخر سال ۱۳۶۰ در کار شروع و تدوین و تنظیم کتاب دایرةالمعارف تشیع با اعتبار از سرمای ?مرحوم سیدابوالفضل تولیت اقدام کرد و درسال ۱۳۶۱ با سمت سرپرست دایرةالمعارف به کار تهیه و تنظیم آن اشتغال ورزید.این کتاب ، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

والدین و انساب : احمدصدر حاج سید جوادی فرزند سیدعلی می باشد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : احمد صدر حاج سید جوادی مقدمات علوم جدیده را در مدارس ابتدایی و دور ?اول متوسط آن شهر آموخت و نیز علوم ابتدایی ادبیات عرب را در حوزه علمی مدرس ?التفاتیه فراگرفت و برای تکمیل تحصیلات جدید در دور? متوسطه به تهران عزیمت کرد. وی پس از اخذ دیپلم وارد دانشکده حقوق شد و به دریافت لیسانس در رشته های سیاسی و قضایی نایل آمد.

هم دوره ای ها و همکاران : آقایان کامران فانی، بهاءالدین خرمشاهی و حجةالاسلام آقای یوسفی اشکوری از همکاران احمد صدر حاج سید جوادی می باشند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد صدر حاج سید جوادی پس از انجام خدمت وظیفه چند سال در سمتهای دادیاری و بازپرسی و دادستانی در وزارت دادگستری به خدمت اشتغال داشت. در ابتدای انقلاب اسلامی (بهمن ۵۷) طبق فرمان امام خمینی (ره) به وزارت کشور و در تیرماه ۱۳۵۸ شمسی به وزارت دادگستری منصوب شد و در سال ۱۳۵۹ به نمایندگی از طرف مردم شهرستان قزوین در مجلس شورای اسلامی انتخاب گردید. آقای حاج سیدجوادی از اواخر سال ۱۳۶۰ در کار شروع و تدوین و

تنظیم کتاب دایرةالمعارف تشیع با اعتبار از سرمای ?مرحوم سیدابوالفضل تولیت اقدام کرد و درسال ۱۳۶۱ با سمت سرپرست دایرةالمعارف به کار تهیه و تنظیم آن اشتغال ورزید و تاکنون با کمک آقایان کامران فانی، بهاءالدین خرمشاهی و اخیراً حجةالاسلام آقای یوسفی اشکوری موفق به چاپ و نشر پنج جلد از این دایرةالمعارف شده است.

جوائز و نشانها : کتاب"دایرةالمعارف تشیع "احمد صدر حاج سید جوادی(همکاری در تدوین و تنظیم کتاب)، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. --

آثار :

۱ دایرةالمعارف تشیع

ویژگی اثر : همکاری در تدوین و تنظیم،این کتاب در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.

حاج سید جوادی، کمال

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر کمال حاج سید جوادی در سال ۱۳۳۰ در تهران متولد شد.ایشان پس از دریافت دکتری رشتهٔ تاریخ و همچنین دکترای رشته فلسفه ،تحصیلات حوزوی را نیز از سال ۱۳۴۷ در تهران آغاز کرد. او دارای اجازه روایتی ازمرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم آیت الله علامه شیخ محمدتقی شوشتری می باشد.تصحیح کتاب"زبدهٔ التواریخ "کمال سید جوادی ، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه ای : کمال حاج سید جوادی پس از اخذ دیپلم ریاضی و مدرک کارشناسی فنی و کارشناسی ارشد در رشتهٔ فرهنگ و تمدن اسلامی به درجهٔ دکتری در رشتهٔ تاریخ و همچنین دکترای فلسفه نائل آمد.وی تحصیلات حوزوی را نیز از سال ۱۳۴۷ در تهران آغاز کرد و دارای اجازه روایتی ازمرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم آیت الله علامه شیخ محمدتقی شوشتری می باشد.

استادان و مربیان : کمال حاج سید جوادی از مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم آیت الله علامه شیخ محمدتقی شوشتری اجازه روایتی را دریافت داشت.

جوائز و نشانها : تصحیح کتاب"زبدهٔ التواریخ "کمال حاج سید جوادی ، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. --

آثار :

۱ اخوان المسلمین مصر در امتحان تأریخ

۲ دستورنویسی فارسی در شبه قاره

۳ زبده التواریخ

ویژگی اثر : تصحیح،این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «زبده التواریخ»: زبده التواریخ؛ حافظ ابرو؛ تصحیح سیدکمال حاج سیدجوادی؛ تهران: نشر نی، ۱۳۷۲. ۲ ج. زبد?التواریخ، چهارمین ربع از کتاب حافظ ابرو به نام مجمع التواریخ السلطانیه است. این کتاب که به شرحِ وقایع دوران شاهرخ تیموری پرداخته و نکات مهم تاریخ سیاسی – اجتماعی جامعه ایرانی در دهه های نخستین قرن نهم را نمایان می سازد یکی از مهمترین منابعی به شمار می رود که باید مورد توجه و نظر پژوهشگران این دوره از تاریخ کشورمان قرار گیرد. در تصحیح کتاب مذکور، مصحح، از چهارنسخه خطی معتبر استفاده کرده و بهره گیری از منابع و متون نگاشته شده در عصر مؤلف جهت توضیح و تشریح ابهامات، از موفقیت های چشمگیر مصحح است. در مقدمه کتاب، طی ۹ بخش، مورّخان نیم ?اول قرن نهم هجری، از جمله حافظ ابرو و تألیفات وی، نسخ خطی زبدةالتواریخ، ویژگی ادبی نثر زبد?التواریخ و روش کار مصحح تشریح شده است. وجود فهارس متعدد و مختلف از ویژگی های برجسته این اثر است.

۴ صبح آفرینش

۵ میراث جاودان، کتیبه ها و سنگ نبشته های فارسی در پاکستان

ویژگی اثر : ۲ جلد

حاج شریفی خوانساری، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا حاج شریفی خوانساری

محل تولد : خوانسار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد رضا حاج شریفی خوانساری در سال ۱۳۴۱ شمسی در شهرستان خوانسار در حجر علم و ورع تولد و پرورش یافتم ؛ پدرم آیت الله حاج شیخ غلامعلی حاج شریفی خوانساری ـ دام ظله ـ پدر بزرگم مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد ابراهیم حاج شریفی خوانساری ـ قدس سره ـ و جدم مرحوم آخوند ملا علی اکبر حاج شریفی خوانساری ـ قدس سره ـ همگی از علمای عاملین بوده اند .در مدارس ملی رزاقپور و کامکار قم تحصیل نمودم . بر اثر جو آکنده از معنویت و تقوای خانوادگی فکر بهترین شغل برای آینده ام که رضای بیشتر خداوند و نیل افزونتر به کمال و معنویات و خدمت به دین مبین اسلام در آن باشد ، مرا بر آن داشت که از سال ۱۳۵۵ شمسی مشغول تحصیل علوم دینی در حوزه علمیه قم بشوم و خود را در سلک سربازان حضرت ولی عصر ـ عج الله تعالی فرجه ـ درآورم .علوم اولیه و ادبیات را از محضر مرحوم علامه حاج شیخ محمد علی مدرس افغانی و برخی دیگر از اساتید حوزه استفاده کردم .سطح را از حضور حضرات آیات : آقای حاج شیخ علی پناه اشتهاردی و آقای حاج شیخ مصطفی اعتمادی بهره مند گردیدم ، و سطح عالی را خدمت حضرات آیات : آقای حاج شیخ محمد تقی ستوده و آقای حاج شیخ احمد پایانی به پایان رساندم .

علوم کلام، تفسیر، رجال و درایه را نیز از خدمت حضرات آیات : آقای حاج شیخ جعفر سبحانی و آقای حاج شیخ علی پناه اشتهاردی بهره بردم .خارج فقه و اصول را هم از محضر آیات عظام : آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی ، آقای سید شهاب الدین نجفی مرعشی ، آقای حاج سید رضا صدر ، آقای حاج سید محمد روحانی ، آقای حاج شیخ محمد تقی بهجت ، آقای حاج سید محمد شاهرودی و آقای حاج شیخ حسین وحید خراسانی استفاده کافی نمودم . حکمت و عرفان را نیز از خدمت آیت الله حاج آقا رضا صدر بهره مند شدم .در کنار درس و بحث معمول حوزه ، علاقه شدیدی به خواندن کتب گوناگون در علوم و فنون مختلف داشتم. ساعتهای متوالی و بسیاری از اوقات تا پاسی از نیمه شب و گاه تا اذان صبح همچنان سرگرم مطالعه و پژوهش بودم ، و کرارا اتفاق می افتاد که شام خوردن را فراموش می کردم ؛ حتی در تعطیلات تابستان و دیگر تعطیلات حوزه ، تنها کارم مطالعه و تحقیق تمام وقت در کتاب ها بود ، هرچند از کثرت آن دیدگانم کم سو شد ، ولی هیچ وقت از آن سیر نشدم و خسته نگشتم و موفق به خواندن کتاب های بسیار زیادی در : تفسیر ، علوم قرآنی ، حدیث ، تاریخ ، اخلاق و ... شدم و بر برخی از آنها حواشی زدم .اواخر سال ۱۳۶۲ شمسی در زیارت حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا ـ علیه آلاف التحیه و الثناء ـ درخواست توفیق انجام خدمات سودمندی به دین مبین اسلام را نمودم که باقیات الصالحاتی محسوب شود و بحمد الله حاجتم مقرون اجابت قرار گرفت و از همان سال در حاشیه تعلیم و تعلم دروس حوزه به نویسندگی نیز پرداختم و نخستین اثر خود را درسال ۱۳۶۵ شمسی به عنوان «سیمای ابوذر غفاری» تمام نمودم که استادم مرحوم آقای حاج آقا رضا صدر هم مقدمه اش را نگاشت (که کاملترین و تحقیقی ترین کتاب پیرامون زندگانی ابوذر است) و تا کنون توفیق تالیف ، تحقیق ، و تصحیح کتاب هایی در موضوعات مختلف رایافته ام و همچنان مشغولم و با امامت جماعت در مسجد حضرت ابوالفضل (ع) در خیابان باجک دو قم و رسیدگی به امور مسلمین انجام وظیفه نموده و با شماره تلفن : ۷۷۲۷۴۸۹ پاسخگوی مسائل شرعی و شبهات علمی و اعتقادی داخل و خارج از کشور می باشم ؛ و لله الحمد و له الشکر .

حاج فاضل، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی معروف به (حاج فاضل) از علماء اعلام و مدرسین گرام و حکماء فحام معاصر مشهد بوده است.

شرح کمالات این علامه ربانی هنوز زبانزد دانشمندان خراسانست و مردمی که از بیانات او استفاده کرده‌اند هم اکنون در قید حیوتند.

بسیاری از علماء حاضر خراسان خود را از شاگردان ایشان معرفی می‌کنند.

آقای مروج در سوانح می‌نویسد: وی در روز دوشنبه ششم ربیع‌الثانی ۱۳۴۲ ق وفات و در مقبره خالصی مدفون در ماده تاریخش چنین سروده.

سال تاریخ حاجی فاضل

آن حکیم و فقیه با ایمان

ساعد از گفته شفیق نوشت

بهر تاریخ فوت (یا غفران)

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حاج مجتهد، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ ملا احمـد معروف به حاج مجتهد بن عباس اصـفهانی قائنی ترشـیزی عالمی کبیر و متقی از شاگردان شـیخ مرتضـی انصاری و علامه سـید حسین کوه‌کمری بوده و در سامرا از محضر آیت‌اللّه مجدد شیرازی استفاده نموده آنگاه به ترشیز (کاشمر) مراجعت و از بزرگان علماء آن سامان گردیده و خدمات شایسـته به شرع مقدس نموده تا در سال ۱۳۲۳ قمری وفات و بجای او فرزند بزرگوارش مرحوم حجهٔ‌الاسلام میرزا محمدرضا قرار گرفته و در آن سامان مرجعیت دینی یافته تا در سال ۱۳۴۰ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حاج مجتهد، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن معروف به حاج مجتهد از شاگردان میرزاء رشتی بوده و بعد ۱۳۱۰ وفات نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حاج محمدی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی تجزیه، دانشکده: علوم پایه، دانشگاه: مازندران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای مهندسی شیمی تجزیه.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم پایه دانشگاه مازندران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

کرومـاتوگرافی مـایع با کارآئی بالا (HPLC) در زمینه مطالعـات اصولی مکـانیسم جـداسازی، اپتیمم‌سازی خصـلت انتخابی، بهبود کشف دتکتورهای HPLC بـا کـاربرد فازهای متحرک مخصوص، کاربرد HPLC در جداسازی ترکیبات شـیمیائی و بیوشـیمیائی، جـداسازی ترکیبـات توسط الکتروفورز برای مولکولهای یونی و غیر یونی، اسپکتروسـکوپی فتواکوستیک و جـذب اتمی، روشـهای الکتروشیمیائی، طرح کروماتوگرافی ولومینانس شیمیائی، استاد راهنمای ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

کروماتوگرافی مایع با کارآئی بالا (HPLC)، لومینانس شیمیائی، جذب اتمی، فتواکوستیک اسپکتروسکوپی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

حاج معتمد، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل معروف به (حاج معتمد) خراسانی که از وعاظ و منبریهای محترم تهرانست.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حاج‌آخوند، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌الله شیخ محمدجواد بن العلامه حاج ملا غلامرضا مجتهد قمی از اکابر علماء و اعاظم مجتهدین شهرستان قم معروف به حاج آخوند در سال ۱۲۹۵ قمری در نجف متولد و در ۷ سالگی به قم آمده و مقدمات را نزد مرحوم سید میرزای اصفهانی و سید محسن قمی خوانده و فقه و اصول را نزد والد خود آیت‌الله حاج ملا غلامرضا و آیت‌الله حاج آقا احمد طباطبائی تحصیل نموده و در سن ۲۰ سالگی به تهران آمده و از محضر مرحوم میرزا آشتیانی و حاج شیخ علی نوری و میرزا محمود حکمی و شیخ عبدالحکیم سبزواری فراگرفته و بعد از سه سال به قم مراجعت و پس از یکسال توقف در سال ۱۳۱۹ قمری به نجف اشرف مسافرت و از علامه یزدی و آخوند خراسانی استفاده کافی و وافی نموده و بعد از چهارده سال توقف در سال ۱۳۳۳ به قم معاودت نموده و به جای والد ماجدش به امامت و خدمات دینی پرداخته تا در اوائل ریاست آیت‌الله بروجردی که دعوت حق را اجابت گفته و در خاک مقدس قم و قبرستان شیخان مدفون شده است.

آثار و تالیفات مطبوع و مخطوط آن مرحوم از این قرار است:

۱- صراط المستقیم جلد اول در اثبات صانع و توحید. ۲- جلد دوم در فروع دین ۳- در معاملات ۴- عدم جواز تقلید میت بدوا و استمرارا ۵- سعادت بشر در اثبات نبوت مطلقه و خاصه ۶- آئینه حق در ولایت مطلقه و خاصه ۷- کیمیا در معاد جسمانی ۸- توحید قمی در اصول عقاید در دو جلد ۹- یاقوت در رد مادیین و طبیعین.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حاجب شیرازی، حیدرعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۴ -۱۲۷۱ ق)، نقاش، خطاط و شاعر، متخلص به حاجب. وی در کناره، از روستاهای مرودشت شیراز، به دنیا آمد. با پدرش به شیراز رفت و علوم ادبی و نقاشی و قلمدان‌سازی را در آنجا آموخت. حاجب در اواسط عمر به تهران آمد و ضمن تحصیل علوم ادبی و عربی، در هنر خط نستعلیق هم تبحر یافت. او در اواخر عمر در سلک صوفیان سلسله ذهبیه درآمد. وی در تهران درگذشت و پس از مرگ، جنازه‌اش را در خانقاه متعلق به وی به خاک سپردند. از وی «دیوان» اشعاری به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فارس (۱۸۵ -۱۷۷ /۲)، الذریعه (۲۱۶/۹)، سخنوران نامی معاصر (۱۰۴۵ -۱۰۴۰ /۲)، فرهنگ سخنوران (۲۳۶)، مؤلفین کتب چاپی (۹۷۷ -۹۷۶ /۲).

حاجب قاجار، اللّه‌یار

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به حاجب. از امرای بزرگ قاجاریه بود. فتحعلی شاه یکی از دختران خود را به عقد اللّه‌یار خان درآورد و به وی سمت ایشک آقاسی باشیگری و حجابت دربار را تفویض کرد و روز به روز بر ترقی وی افزوده شد تا به لقب آصف‌الدوله ملقب شد. حاجب بعد از مدتی از صدارت اعظمی معزول شد. او مدتی حکومت خراسان را داشت، سپس به مکّه معظمه مشرّف شد و در راه بازگشت در کربلا از دنیا رفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقة الشعراء (۴۰۳ -۳۹۸ /۱)، سفینة المحمود (۴۸ -۴۷ /۱)، فرهنگ سخنوران (۲۳۶)، مصطبه‌ی خراب (۴۳)، نگارستان دارا (۳۸).

حاجبی، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا حاجبی

محل تولد : بندر عباس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۰/۷/۱

زندگینامه علمی

بعد از اتمام دوره پیش دانشگاهی دررشته ریاضی و فیزیک و رها کردن قبولی دانشگاه ،در سال۱۳۷۹وارد حوزه علمیه شدم .ابتدا در مدرسه علمیه نبی اکرم (ص)شرق تهران قبول شدم و به مدت ۵سال دوره مقدمات رابه پایان رساندم .در این دوره ۵ساله از اساتیدی همچون آیهٔ الله نجفی تهرانی و مقدم قوچانی وحجج الاسلام آقایان :اسکندری ،جان نثاری ،دکتر قربانعلی و...استفاده

بردم . از ابتدای ورود به حوزه شوق عجیبی به تحقیق و نوشتن داشتم لذا برای هر درس تحقیقی به دفتر و استاد مربوطه تحویل می دادم .که شامل تحقیق در اخلاق ،منطق ،فقه واصول و معانی بیان بود . پس از پایان مقدمات ملبس شدم و وارد حوزه علمیه قم گشتم اما لازم به ذکر است که در سال سوم و چهارم طلبگی ،بر اساس فرموده مقام عظمای ولایت در سال خدمت رسانی و پاسخگوئی ۲جزوه نوشته و به چاپ رساندم که بتوانم مقداری به منویات آن عظیم الشان نزدیک گردم .و ابتکاری که در این نوع نوشته ها داشتم این بود که چهل حدیث در مورد خدمت رسانی و پاسخگوئی را انتخاب کرده با ترجمه روان و سند آن ذکر شود و با داستان مربوط به آن تکمیل گردد که تفسیر حدیث به داستان می باشد .در این مدت نوشته جاتی درباره امر به معروف و نهی از منکر ،نماز جماعت ،معجم الذنوب (گناهان)،آیات النبی ، تهیه کرده ام که مجالی برای طبع و چاپ نداشتم .از ابتدای ورود به حوزه علمیه قم و آشنائی با آیهٔ الله غرویان ،در نوشتن فرهنگ مسجد و نوشتن مقالات برای مسجد همت گماشتم .معظم له در نوشتن و تالیف تشویق و مساعدتهای وافری کرده اند و ترجمه اصول کافی را به اینجانب سپرده اند که به کمک جمعی از دوستان به پایان رسانده ایم .کتاب اخلاق جوانان ازدیدگاه پیامبر اعظم (ص)در سال پیامبر اعظم (ص) را نوشته و با مساعدت یکی از دوستان درتیراژ ۵۰۰۰نسخه چاپ و در آموزش و پرورش بندرعباس به مسابقه گذاشتند .همین که در تالیفات جمعی و ترجمه ای جمعی و گروهی شرکت دارم .بنده سردبیر نشریه آموزش داخلی محراب نور وابسته به دفتر مطالعات و پژوهشهای مرکز رسیدگی به امور مساجد می باشم .در پایه هشت حوزه مشغول به تحصیلم و.........

حاجت شیرازی، یادگار

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۸۵ ق)، شاعر، متخلص به حاجت. در شیراز به شغل عطاری مشغول و با صاحب «آتشکده‌ی آذر» معاصر بود. حاجت هنگام بازگشت از زیارت خانه خدا درگذشت. ابیاتی چند از وی در تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۹۰ -۱۸۹)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۱۸۸ -۱۸۵ /۲)، الذریعه (۲۱۷/۹)، سفینهٔ المحمود (۵۲۴ -۵۲۱ /۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۶۲/۲)، مجمع الفصحا (۲۰۷/۴)، مرآت الفصاحه (۱۴۹ -۱۴۷)، نگارستان دارا (۱۷۸).

حاجی ابراهیمی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا حاجی ابراهیمی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه تحصیلاتم را در مدارس دولتی گذرانده ، در شانزده سالگی دیپلم ریاضی گرفته ، در همان سال وارد دانشگاه شدم. در اثنای انقلاب فرهنگی به حوزه قم آمدم و تحصیلات طلبگی را به صورت غیر رسمی شروع کردم ، با بازگشایی دانشگاهها به ادامه تحصیل پرداخته ، درسال ۱۳۶۵ در رشته مهندسی شیمی (گرایش پتروشیمی) از دانشگاه صنعتی اصفهان فارغ التحصیل شدم و در سال ۱۳۶۶ در کارشناسی ارشد مهندسی هسته ای در دانشگاه صنعتی شریف وارد شدم و در کنار دروس حوزه به ادامه تحصیل پرداختم؛ در سال ۱۳۶۸ به طور رسمی وارد حوزه علمیه قم شده و رسما طلبه شدم از آن زمان به این سو عمده وقتم به تحصیلات حوزوی طی شده و در اثنای تحصیلات حوزوی مجددا دوره کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی را در دانشکده تربیت مدرس قم و سپس دوره دکترای فلسفه و کلام اسلامی را در دانشکده الهیات دانشگاه تهران طی کردم. در سالهای تحصیلات حوزوی در کنار تحصیل ، تدریس نیز جزو اصلی ترین کارهای علمی حقیر بوده است ، این تدریس مشتمل بر صرف، نحو، بلاغت منطق، اصول و فلسفه بوده است و هم اینک نیز عمده وقت حقیر به تدریس و تدوین می گذرد.

حاجی احمدی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود حاجی احمدی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در تحصیلات کلاسیک در رشته ریاضی ـ فیزیک با گرفتن دیپلم در دبیرستان جامع سعدی اصفهان در سال ۱۳۵۸ اولین مرحله را سپری کردم و در همان سال در رشته فیزیک وارد دانشگاه اصفهان شدم و بعد از چند ترم تحصیل به علت علاقه به دروس حوزوی با انصراف از دانشگاه به تحصیل در حوزه اصفهان پرداختم و در مدت کمی مقدمات را با موفقیت سپری نموده و منطق و فلسفه را نیز با خواندن کتاب‌هایی مانند شمسیه ـ شرح مطالع ـ منظومه و نهایه الحکمه و بدایه الحکمه ادامه دادم و سپس برای تحصیل در مقطع سطح به حوزه علمیه قم آمدم و با شرکت در دروس اساتید بزرگوار آن حوزه مانند آیت الله پایانی ـ تهرانی ـ محقق ـ اعتمادی ـ جوادی آملی ضمن خواندن کتاب‌هایی لمعه ـ رسائل مکاسب و کفایه از تفسیر و اسفار آیت الله جوادی آملی بهره بردم .

سپس از دروس خارج آن حوزه شریف به مدت ده سال با شرکت در دروس آیات عظام محقق داماد ـ وحید تبریزی بهره بردم.

سال ۱۳۶۹ در امتحان مرکز تربیت مدرس قم (دانشگاه قم) شرکت نموده و در دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی پذیرفته شدم و با سپری کردن بالغ بر ۷۴ واحد درسی و پایان‌نامه در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ کارشناسی ارشد شدم و سپس بنابر اقتضائات خانوادگی و ضرورت برای انجام فعالیت به دانشگاه اصفهان آمدم .

از سال ۷۶ تاکنون در گروه معارف اسلامی دانشگاه اصفهان مشغول به کار هستم و فعلاً عضو هیئت علمی این گروه می‌باشم و در ضمن با دانشکده معارف قرآنی اصفهان همکاری علمی دارم و به طور مداوم به تدریس در آنجا اشتغال دارم.در سال ۱۳۸۵ در امتحان دکتری پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در گرایش علوم قرآن و حدیث شرکت نمودم و بعد از موفقیت در آزمون کتبی و امتحان شفاهی فعلاً به عنوان دانشجو در آن مرکز پذیرفته شده‌ام.

حاجی اسماعیلی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حاجی اسماعیلی

محل تولد : وسفو نجرد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده دوران ابتدائی و راهنمائی را در روستای وسفونجرد از بخش خلجستان قم سپری نمودم و در ضمن تحصیل مانند دیگر بچه های روستائی به کار کشاورزی مشغول بودم و بعد از اتمام تحصیلات راهنمایی نیز مدتی در روستا مشغول کشاورزی نمودم و در سال شصت و هشت برای تحصیلات طلبگی به قم آمدم، شوق اصلی من برای آمدن به حوزه سید بزرگواری بودند بنام آقای تقوی که در روستا بودند و خودشان مقداری دروس حوزوی خوانده بودند و معلومات خوبی داشتند که بنده در مدتی که در روستا درس می‌خواندم بعد از تمام شدن درس با چند نفر دیگر خدمت ایشان می رسیدیم و آموزش قرآن می دیدیم و در ضمن نکات اخلاقی خوبی نیز ایشان می فرمود به جهت اینکه از شاگردان خصوصی آیت اله سید حسین فاطمی بودند و از این رو نقش موثری در تربیت بنده داشتند به هر حال با مساعدت ایشان به قم آمدم و مشغول درس طلبگی شدم و بعد از اتمام سال تحصیلی در قم در تعطیلات تابستان، با برخی از دوستان به مشهد می رفتیم و تعطیلات را مشغول مباحثه و مطالعات آزاد می شدیم. بعد از اتمام پایه پنج حوزه کم کم به امر تبلیغ نیز پرداختم ابتدا در تابستان برای دانش آموزان تدریس می نمودم و سپس در ایام ماه مبارک رمضان و محرم به تبلیغ می‌رفتیم از آنجا که به کار با کودکان علاقه مند بودم یک دوره آموزش تربیت مربی کودکان و نوجوانان را در سال هفتاد و سه گذراندم و سپس در همان مرکز در بخش تحقیقات مشغول کارهای قرآنی شدم و یک کار گروهی را مشغول شدیم که آیات قرآن از اول تا آخر به صورت سؤال و جواب طرح می کردیم برای نوجوانان که جزء اول آن به صورت کتاب منتشر شد و چند جزئی هم به صورت جزوه ولی کار ناتمام باقی ماند در سال هفتاد و هفت همزمان با درس معمول حوزه در رشته تخصصی علوم قرآنی دفتر تبلیغات دوره محققی و نویسندگی علوم قرآنی را گذراندم در سال هفتاد و هشت پس از اتمام سطح به درس خارج مشغول شدم و اصول را با استاد احمد عابدی که با خواهش خودمان در منزلشان گذاشته بود شروع کردم و فقه را در درس آیت الله جوادی آملی در فیضیه شرکت می کردم و بعد از درس با دوستان مباحثه می نمودم سال هشتاد و یک در دوره کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس قم پذیرفته شدم و مدت دو سال این دوره را گذراندم و سپس پایان نامه خود را به نام وحی و تجربه دینی به راهنمایی استاد ربانی گلپایگانی که چند سالی در درس کلام ایشان در فیضیه شرکت می کردم تدوین نموده

و دفاع کردم در کنار فقه و اصول به تفسیر علاقه زیادی داشتم و چند سال در درس تفسیر آیت الله جوادی آملی و استاد خاتمی شرکت می کردم و اکنون نیز دوره مهارت های بیان تفسیر را می گذرانم. و مشغول کارهای تحقیقاتی در زمینه قرآنی هستم.

حاجی تبریزی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۰۲ ق)، دانشمند و شاعر. از دانشمندان زمان خود بود و از شاگردان میرزاجان شیرازی، که برای کسب دانش به شیراز رفت. «دیوانی» از وی در کتابخانه اسعد پاشا موجود است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۹۵)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان ۱۶۳ -۱۶۲ /۲۱)، دانشمندان آذربایجان (۱۰۹)، سخنوران آذربایجان (۳۰۷)، فرهنگ سخنوران (۲۳۷).

حاجی تهرانی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر، متخلص به حاجی. به قول تذکره‌نویسان: «از مردم تهران بود خوش رفتار و خوش کردار و خوش گفتار و رنگین بیان بود». اشعاری از وی به جای مانده، از جمله:

آنانکه دل به غیبت من شاد می‌کنند

باری بدان خوشم که مرا یاد می‌کنند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۱۸/۹)، صبح گلشن (۱۱۴ -۱۱۳)، فرهنگ سخنوران (۲۳۷)، لغت‌نامه (ذیل/ حاجی تهرانی)، مخزن الغرائب (۷۸۴/۱)، نشتر عشق (۴۴۳/۲)، هفت اقلیم (۸۵/۳).

حاجی حسینیان، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسعود حاجی حسینیان

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای مسعود حاج حسینیان در اول شهریور سال ۱۳۴۱هجری شمسی در خانواده ای متدین ، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در تهران دیده به جهان گشود.نامبرده پس از فراغت از تحصیل در دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در زادگاه خویش، در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۷ و همزمان با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی وارد حوزه علمیه تهران گردید از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد اما شوق زیارت کریمه اهل بیت حضرت معصومه سلام الله علیها و تحصیل در حوزه علمیه قم او را راهی آن دیار گردانید پس از مدتی تحصیل در قم این بار راهی مشهد مقدس و وارد حوزه علمیه آنجا شد. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد همچون گذشته با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیارحاضر شد و از محضر ستارگان آن دیار همچون آیت الله فلسفی،آیت الله مروارید، آیت الله سیدان کسب فیض کرد. ایشان ضمن تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی مشهد به تحقیق و پژوهش مشغول می باشد و تا کنون در این زمینه از هیچ کوششی دریغ نکره است

حاجی ده آبادی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد حاجی ده آبادی

محل تولد : میبد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شـده و در کنار آن در دبیرسـتان شـبانه دین و دانش مشـغول به تحصـیل شدم. در سال ۱۳۷۱ در دانشگاه مفید در رشته حقوق پذیرفته شدم. در سال ۱۳۷۵ در همین دانشگاه در مقطع کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی به تحصـیل پرداختم. در تابستان سال ۱۳۷۸ از پایـان نـامه خود با عنوان " سـیاست تقنینی جزائی مطلوب بر اساس نظام قضائی اسـلام" دفاع کردم. در بهمن ماه ۱۳۷۸ در مقطع دکتری حقوق جزا و جرم شناسی در دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شدم و در مهر ماه ۱۳۸۵ از رساله دکترین خود با عنوان" مطالعه تطبیقی جبران خسارت بزهدیده به هزینه دولت و نهادهای عمومی "با نمره ۱۹ و درجه عالی و تقدیر هیات ژوری دفاع نمودم. از سال ۱۳۸۰ تا کنون عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی هستم.

حاجی ده آبادی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی حاجی ده آبادی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ و پس از اخذ دیپلم علوم تجربی وارد حوزه شدم. مقدمات را در مدرسه علمیه کرمانی ها گذراندم. سـپس به دروس سطح حوزه مشغول شدم و همزمان در برنامه دوره آموزش موسسه در راه حق شرکت کردم، پنج سال دوره آموزشی موسسه را طی کردم و سـپس با تشکیل گروه علوم تربیتی در پژوهشکده حوزه و دانشگاه در برنامه آموزشی علوم تربیتی با گرایش فلسفه و تاریخ تعلیم و تربیت اسـلامی شـرکت کردم، دروس حـوزه نیز اسـتمرار یـافت. البته ضـروری دیـدم تـا بـا حضور در دانشـگاه و طی کردن دروس دانشگاهی در فضای دانشگاهی از وضعیت دانشگاه آشنایی داشته باشم و از قضا لیسانس حقوق را برگزیدم.

و پس از گذرانـدن لیسـانس حقوق و فوق لیسـانس حقوق جزا در امتحانـات دکـترای حقوق جزای دانشـگاه تهران شـرکت کردم و پذیرفته شدم به دلیل اهمیت علوم میان رشته ای و به لحاظ معلوماتی که در کارشناسی ارشد فلسفه و تعلیم و تربیت پیدا کردم حوزه مطالعـاتی جرم شناسـی را بسـیار مفیـد دیـدم و تاکنون در این حوزه و نیز جامعه شناسی جنایی مطالعه، تـدریس و تحقیق داشـته ام. محصول و ثمره فعالیت علمی من در این حوزه ها در قالب مقالات، پژوهش و کتاب هایی که مشـخصات آن خواهد آمد. ضـمنا به تـدریس این درس در مقطع کارشناسـی و کارشناسـی ارشـد و سـطح ۳ حـوزه مشـغول بوده ام. هم اکنون بحث بسـیار مهم جایگـاه اصـلاح و درمـان مجرمـان در سـیاست جنـایی اسـلام را پی گیری می کنم. از اساتیـد معزز و محـترم حـوزوی می تـوانم به آیت الله تبریزی آیت الله سـبحانی حجت الاسـلام اعرافی، حجت الاسـلام محمـدی اشاره کنم و در دانشگاه نیز از محضـر اساتیـدی همچون دکتر گرجی، دکتر آشوری، دکتر نجفی ارند آبادی، دکتر سید محمد حسینی وآیت الله معرفت ... بهره برده ام.

حاجی رحیمیان، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن حاجی رحیمیان

محل تولد : شبستر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

بعـد از اخـذ دیپلم از دبیرسـتان شـهدا بـا عنایت به علاقه وافری که به علوم حوزوی داشـتم و با تشویقات ابوی مرحوم که از علماء و روحـانیون عامـل و مهـذب و متقی بودنـد جهت فراگیری علوم حوزوی به قم مقـدسه هجرت نمودم. ابتـدا در مـدرسه حضـرت امام خمینی(ره) با مدیریت حجت الاسـلام والمسلمین عطایی مشغول به تحصیل شدم و مقدمات را در مدارس حضرت امام صادق(ع) و

مدرسه مبارکه رضویه پایان بردم و سطح را در خدمت حجت الاسلام والمسلمین تهرانی و محمدی (اصول)، حضرت آیت الله پایانی و وجدانی (فقه) بهره بردم و پس از اتمام سطح از دروس خارج اصول حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی، علوی گرگانی، مرحوم حضرت آیت الله العظمی تبریزی بهره‌مند شدم و فقه را در حضور آیت الله العظمی مکارم شیرازی، آیت الله سبحانی و حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی تلمذ نموده و اکنون نیز از محضر این بزرگواران کمال استفاده را می‌برم. در تفسیر لیاقت شاگردی علامه حضرت آیت الله جوادی آملی و حضرت حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خاتمی را داشته‌ام. در عین حال برخی موارد تحقیقی و نوشتن کتاب و مقالات پرداخته و اکنون نیز مشغول تدوین کتابی در زمینه موفقیت‌های استاد یا استاد موفق و نیز با توجه به آمار سازمان ملی جوانان که حدود ۱۴۲/۱۳۷/۲ نفر دختر متولدین ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۰ که اکنون ۲۶ تا ۳۱ ساله زیاد می‌باشند و اهمیت اجتماعی بودن این بحران و استفاده بهینه از فرصت و تبدیل بحران به فرصت و نیز وجود بانوان بیوه به تعداد زیاد و جهت پیشگیری از مشکلات جامعه و حل این معضل اقدام به کتابی به نام «ازدواج مجدد» نموده‌ام با عنایت به اهمیت موضوع و کار فرهنگی همه جانبه اینجانب با کمال خرسندی علاقمند به راهنمایی‌ها و ارشادات علمی و معنوی بزرگان می‌باشم.

حاجی رسولی، بهزاد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بهزاد حاجی رسولی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۴ شمسی در شهر اصفهان متولد شدم و از آنجائی که از همان دوران کودکی علاقه به علوم اسلامی و مذهبی داشتم پس از گذراندن دبیرستان در سال ۱۳۵۴ شمسی علی رغم مشکلات و موانع ، وارد حوزه علمیه اصفهان شدم (در مدرسه ذوالفقار و مدرسه صدر بازار) و نزد اساتید بزرگ مشغول به فرا گرفتن ادبیات و علوم اسلامی (مانند فلسفه، منطق، فقه، کلام و...) شدم. سال ۱۳۶۰ شمسی برای تکمیل تحصیلات خود عازم حوزه علمیه قم گردیدم و در آنجا علوم فلسفه ، عرفان ، رجال ، فقه ، اصول ، دوره تخصصی تبلیغ ، و ... را فرا گرفتم و پس از اتمام سطح وارد درس خارج شدم و نزد بزرگانی مانند آیات عظام فاضل، وحید، تبریزی، مکارم شیرازی، و غیره دروس منقول خود را تکمیل کردم.در فلسفه توفیق استفاده از محضر اساتید بسیاری ، برای حقیر فراهم شد از جمله : استاد جوادی آملی ، حسن زاده آملی و ...

بنده ضمن تحصیلات خود به تبلیغ، تدریس، و مشغول بودم که بعضی از آنها مطبوع شده است و بسیاری از آنها هنوز مخطوط باقی مانده است.

حاجی زاده، یدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یدالله حاجی زاده

محل تولد : زرند کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب یدالله حاجی زاده فرزند محمد متولد ۱۳۵۴ در روستای سینک از توابع شهرستان زرند به دنیا آمدم. پدرم کشاورز و مادرم خانه دار می باشد تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در شهرستان زرند به پایان رساندم سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه صالحه کرمان شدم. همزمان تحصیلات کلاسیک خودم را هم ادامه دادم. در سال ۱۳۷۵ موفق شدم در رشته ادبیات دیپلم بگیرم سال ۱۳۷۶ وارد حوزه علمیه قم شدم.

در سال ۱۳۷۹ همزمن با تحصیلات حوزوی در دانشگاه باقرالعلوم (ع) مشغول تحصیل در رشته تاریخ شدم دروس حوزوی را تا اتمام سطح به پایان رسانده و مشغول درس خارج هستم . در سال ۱۳۸۳ در مقطع ارشد تاریخ اسلام در دانشگاه باقرالعلوم مشغول تحصیل شدم و در حال حار مشغول تدوین پایان نامه ام هستم. با برخی از مراکز علمی ازجمله بخش فرهنگ و معارف قرآن دفتر

تبلیغات حوزه همکاری دارم. همچنین در مرکز مطالعات حوزه بعضاً به سوالات حوزه بعضاً به سوالات تاریخی و سؤالات بخش مهدویت پاسخ می دهم. بعضاً در ایام تبلیغی ماه محرم، ماه رمضان و ایام تابستان به تبلیغ می روم.

حاجی سبزواری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. از مردم سبزوار بود. کلامش شیرین و لطیف بود و به همین دلیل اشعار وی مورد قبول طبع صاحبدلان واقع می‌شد. از سروده‌های اوست:

فلک به گوشه‌نشنیان ستم کند که محیط

همیشه سیلی امواج بر کنار زند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۱۸/۹)، صبح گلشن (۱۱۴)، لغت‌نامه (ذیل/ حاجی سبزواری).

حاجی سمرقندی، حاجی محمد

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. از مردم سمرقند بود و شاعری زبردست و عالی فکر. به قولی: «مضامین رنگین به کار می‌برد و از طبع موزون خود به سعی صفا سخن می‌گفت».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۲۳۷)، لغت‌نامه (ذیل/ محمدحاجی سمرقندی)، نتایج الافکار (۱۸۶)، نشتر عشق (۴۴۲/۲).

حاجی صادقی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله حاجی صادقی

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

سپاس بی کران و شکر خدا را بر همه نعمت هایش به ویژه نعمت هدایت و ولایت که کاملترین مرحله آن با تمسک به قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام تحصیل می شود و درود وصلوات الهی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام و علماء و مصلحان بزرگ به ویژه حضرت امام خمینی ره که با نهضت خود اسلام ناب محمدی ص را احیاء کرد و با درود به ارواح پاک شهدای عزیزی که به اسلام و مسلمین عزت و اقتدار بخشیده و کفر و نفاق را ذلیل کردند.

این بنده ناچیز و متنعم به الطاف رب العالمین از اینکه در برابر نعمت های بی شمار الهی و دولت حقه و فرصت های فراوانی که در اختیار داشتم،نتوانستم تکلیف و وظیفه خود را انجام دهم، شرمنده و در عین حال چشم امید به مغفرت و رحمت خدا دارم و آنچه دراین گزارش خواهم آورد اولا نسبت به عنایات خدا و زمینه ها و فرصت هایی که اسلام و انقلاب برای همه ما فراهم کرده است بسیار ناچیز می باشد و ثانیا اگر احتمالا در برخی موارد اندک موفقیتی هم حاصل شده باشد آن را لطف و امداد الهی می دانم نه نتیجه عملکرد خویش،چرا که به قول آن روحانی شهید بزرگوار «توان ما به میزان امکانات در دست ما نیست، بلکه توان ما به میزان اتصال ما به خداست»

اینجانب در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه اصفهان (مدرسه ذوالفقار) شدم و دروس مقدماتی و پایه را در محضر اساتید بزرگواری مانند آیت الله سید حسن امامی و حجت الاسلام و المسلمین علی اکبر فقیه گذراندم و سال ۱۳۵۸ به حوزه علمیه قم وارد شدم و سطوح عالیه را در محضر اساتید برجسته ای نظیر مرحوم آیت الله ستوده، آیت الله اعتمادی و آیت الله اشتهاردی به پایان رساندم و حدود ده سال در درس خارج اصول و فقه آیات عظام شرکت کردم که بیشترین آن دروس آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله مظاهری می باشد و این در حالی بود که بنا به اقتضاءات زمان و جنگ تحمیلی مدتی از حضور در حوزه علمیه محروم ماندم لکن از امدادهای دیگر خدا بهره مند گشتم.

درسال ۱۳۶۹ در کنار دروس حوزوی در کنکور کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس پذیرفته شدم و هم زمان به عنوان عضو هیات علمی دانشکده شهید محلاتی به تدریس هم اشتغال داشتم.در سال ۱۳۷۵ به عنوان نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه امام حسین علیه السلام منصوب شدم وهم زمان در کنکور علوم قرآن و حدیث (مقطع دکتری) پذیرفته شدم.درسال ۱۳۷۸ به قم بازگشته و مسئولیت گروه الهیات دانشکده شهید محلاتی را پذیرفته و در سال ۱۳۸۱ دوره دکتری را به پایان رساندم و از همان سال تا به حال مسئولیت پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه (ریاست) را بر عهده دارم.

بعد از جنگ مهمترین اشتغالات علمی اینجانب عبارت بودند از:

۱. تدریس درمقطع کارشناسی ارشد، کارشناسی، مراکز حوزوی در موضوعات مختلفی مانند علوم قرآن، روش های تفسیر، تفسیر موضوعی و تربیتی (برخی از سوره ها)، فلسفه اسلامی، فلسفه و نظام سیاسی اسلام، دروس معارف و ...

۲. تحقیق و تالیف در موضوعاتی که به نظر حقیر مورد نیاز جامعه می باشد که فهرست حدود سی عنوان از کتاب ها، مقالات و جزوات درسی به پیوست می باشد.

۳. سرپرستی اجرایی مراکز علمی و خدمت گذاری به نخبگان و فرهیختگان علوم اسلامی و حوزوی.

بار دیگر اقرار می کنم تا به حال نتوانسته ام همچون سربازی شایسته و مقبول برای مولایم باشم امید است با توفیق الهی در آینده مقداری جبران کنم.

حاجی طبسی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. از مردم طبس بود. در سفر به هندوستان توسط راهزنان در راه فراه هرات کشته شد. این رباعی از اوست:

در خوابگه جهان من شیدایی

چشمی بگشودم از پی بینایی

دیدم که در او نبود بیدار کسی

من نیز با خواب رفتم از تنهایی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۱۸/۹)، صبح گلشن (۱۱۴)، لغت‌نامه (ذیل/ حاجی طبسی)، مخزن الغرائب (۷۹۳/۱).

حاجی علی لالانی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله حاجی علی لالانی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از پایان دوره ابتدایی وارد هنرستان فنی و حرفه‌ای شدم و بعد از ۵ سال دوره دبیرستان (نظام قدیم) دروس جدید را رها کرده و در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه قم شدم. تا سال ۶۸ سطح حوزه را به پایان رساندم و در دروس خارج حوزه شرکت کردم. از اواسط دروس سطح حوزه وارد بحث‌های فلسفه و تفسیر (دروس آیت الله جوادی آملی و حسن‌زاده آملی) شدم. و در سال ۱۳۷۰ با شروع دروس تخصصی حوزه به رشته تخصصی تفسیر وارد شدم و همزمان تدریس در دانشگاهها را شروع کردم که تا به حال نیز ادامه دارد. بعد از دفاع از پایان نامه حوزه و رساله پایان نامه‌های علمی کارشناسی ارشد با دانشگاه آزاد اسلامی اراک و مرکز جهانی همکاری داشته‌ام که حدود ۱۳ پایان نامه راهنما و ۱۰ پایان‌نامه مشاور و حدود پنجاه پایان‌نامه را داوری کرده‌ام. از سال ۱۳۸۰ با نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاهها همکاری داشته و در بخش ارزشیابی اساتید دروس معارف فعالیت داشته‌ام. و از سال ۱۳۸۳در مرکز تخصصی تفسیر و مرکز جهانی علوم اسلامی به تدریس تفسیر و علوم آن مشغول هستم و اخیراً عضو هیئت علمی مرکز جهانی علوم اسلامی شده‌ام.

حاجی فیروزآبادی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر احمد حاجی فیروزآبادی در سال ۱۳۰۱ش در شهر یزد به دنیا آمد.پس از اخذ مدرک کارشناسی فیزیک ،برای تکمیل معلومات دانشگاهی راهی آمریکا شد و از دانشگاه مری‌لند کارشناسی ارشد و سپس دکترا رشتهٔ برق را اخذ نمود.در سال ۱۳۴۷ش به کشور مراجعت نموده و در دانشگاه صنعتی شریف به تدریس اشتغال یافت؛ و بالاخره در مهرماه ۱۳۶۷ش به افتخار بازنشستگی نائل آمد. کتاب" خطوط، امواج و آنتنها "ترجمه احمد حاجی فیروزآبادی ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از

طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی برقتحصیلات رسمی و حرفه ای : احمد حاجی فیروزآبادی تحصیلات مقدماتی تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود به پایان رساند و پس از گذراندن دورهٔ دانشسرای مقدماتی یزد به دانشسرایعالی تهران راه یافت و بعد از دریافت درجهٔ لیسانس در رشتهٔ فیزیک جهت ادامهٔ تحصیل به کشور امریکا عزیمت کرد و از دانشگاه مری‌لند فوق‌لیسانس و سپس دکترا در رشتهٔ برق اخذ نمودمشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد حاجی فیروزآبادی در سال ۱۳۴۷ش به کشور مراجعت نموده و در دانشگاه صنعتی شریف به تدریس اشتغال یافت؛ و بالاخره در مهرماه ۱۳۶۷ش به افتخار بازنشستگی نائل آمد.جوائز و نشانها : کتاب" خطوط، امواج و آنتنها "ترجمه احمد حاجی فیروزآبادی ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : احمد حاجی فیروزآبادی در کنار تدریس در دانشگاه به امر تحقیق و پژوهش نیز اشتغال داشته که از آن جمله می‌توان به ترجمه بخشی از کتاب خطوط، امواج و آنتنها اشاره کرد.

آثار : خطوط، امواج و آنتنها ویژگی اثر : ترجمه -این کتاب در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب «خطوط، امواج و آنتنها»: این کتاب در پانزده فصل در زمینهٔ انتشار انرژی الکتریکی تألیف شده است و مطالب آن با بررسی نظریهٔ خطوط انتقال از دیدگاه نظریهٔ مدار آغاز می‌شود و فصول بعدی کتاب ضمن آشنا کردن خواننده با نظریهٔ امواج، نظریهٔ آنتن و مفاهیم اساسی انتشار امواج رادیویی را تبیین می‌کند. در ارائهٔ مباحث، ضمن اجتناب از تفصیل، سعی شده است مطالب نظری و مطالب عملی به موازات هم عرضه شوند. ترجمه براساس چاپ دوم (۱۹۷۳) متن انگلیسی کتاب فراهم آمده است منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

حاجی گیلانی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به حاجی. از معاصرن شیخ محمدعلی حزین لاهیجی و از کدخدایان کوچصفهان از شهرهای گیلان، بود. وی به اصفهان رفت و در آنجا به تحصیل دانش پرداخت. مدتی از شاگردان مولانا محمدباقر خراسانی بود و مدتی نیز نزد ملاحسن گیلانی به فراگیری علوم عرفانی پرداخت. وی بعد از فراغت از مطالعه علوم دیگر، شعر نیز می‌گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۳۶ -۸۳۵ /۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۴۷ -۳۴۶)، تذکره‌ی روز روشن (۱۹۱)، تذکرهٔ المعاصرین (۱۵۷ -۱۵۵)، الذریعه (۱۰۰۳ ،۲۱۹ /۹)، فرهنگ سخنوران (۲۳۸ -۲۳۷)، مخزن الغرائب (۸۰۰ -۷۹۷ /۱)، نشتر عشق (۴۴۴ -۴۴۳ /۲).

حاجی محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از آثار او: یک رقعه مذهَّب روی چلوار، ثلث رقاع سه دانگ جلی ممتاز و نسخ رقاع کتابت عالی، با رقم: «بمحروسهٔ اصفهان کتبه العبد المذنب المستغفر من ذنبه و خطائه حاجی (محمد) حامداً تعالی مصلیاً و مسلما» (۹۷۹).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۴۷/۴).

حاجی میرزا، براتعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر و عارف. از ارادتمندان و سرسپردگان فرقه‌ی نعمت‌اللهی بود که به خدمت حسین علیشاه، مجذوب علیشاه، مست علیشاه و رحمت علیشاه رسید. وی در پایان عمر به مشهد رفت و در همان شهر درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۰۵۸/۲).

حاجی همدانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۱ ق)، شاعر. از بزرگان طایفه قراگوزلوی همدان و عموی حاجی محمد مجذوب علیشاه بود. گرچه، ظاهراً در زمره‌ی رؤسای لشکر دولتی بود، ولی در باطن فقیر و فقیردوست بود. مدتی حاکم مراغه و خوی و مدتی دیگر بر بعضی بلاد آذربایجان حکومت می‌کرد و در تمام امور کارآمد بود. در تبریز وفات یافت و در جنب مجذوب علیشاه دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۰۵۳ -۱۰۵۲ /۲).

حاجی یوسفی، امیرمحمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر امیر محمد حاجی یوسفی ،دیپلم علوم تجربی، خود را ازدبیرستان اسلامی زرگران، جامعه تعلیمات اسلامی یزد (در سال ۱۳۶۱ با رتبه رتبه ممتاز) کسب کرد. وی تحصیلات دانشگاهی خود را در مقطع کارشناسی در دانشگاه امام صادق در رشته کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و علوم سیاسی آغاز و در سال ۱۳۶۸ به پایان رسانید.وی برای ادامه تحصیلات دانشگاهی عازم کانادا شد و در مقطع دکتری علوم سیاسی و روابط بین الملل در دانشگاه کارلتون (کانادا) به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ مدرك فوق شد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه علوم سیاسی, دانشکده علوم اقتصاد و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی می باشد. گروه : علوم انسانی رشته : علوم سیاسی گرایش : علوم سیاسی و روابط بین المللتحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی امیر محمد حاجی یوسفی: دیپلم علوم تجربی، دبیرستان اسلامی زرگران، جامعه تعلیمات اسلامی یزد، ۱۳۶۱ (رتبه ممتاز) کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و علوم سیاسی از دانشگاه امام صادق (ع) ۱۳۶۸ (رتبه اول) کارشناسی ارشد روابط بین الملل از دانشگاه مک گیل (کانادا) ۱۳۷۰ دکتری علوم سیاسی و روابط بین الملل از دانشگاه کارلتون (کانادا) ۱۳۷۴)با distinction) مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری و اجرایی و مدیریتی امیر محمد حاجی یوسفی به قرار زیر است: عضو هیات علمی دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی از ۱۳۷۵ تاکنون استادیار علوم سیاسی و روابط بین الملل از ۱۳۸۳-۱۳۷۵ دانشیار علوم سیاسی و روابط بین الملل از ۱۳۸۳ تاکنون مسئولیت فرهنگی انجمن دانشجویان ایرانی شهر اتاوا ۱۳۷۴-۱۳۷۰ راه اندازی و مسئولیت مجتمع راه امام (ره) (تدریس فارسی و دیگر دروس به دانش آموزان ایرانی مقیم و غیر مقیم) در اتاوا ۱۳۷۴-۱۳۷۰ کارشناس سیاسی-اقتصادی در سفارت ایران در کانادا (استخدام محلی) ۱۳۷۴-۱۳۷۱ مدیر گروه علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)۱۳۸۱-۱۳۷۶ مدیر گروه روابط بین الملل دانشگاه امام صادق (ع) ۱۳۸۳-۱۳۸۱ مدیر گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۵-۱۳۸۲ مدیر قطب علمی مطالعات خاورمیانه و جهانی شدن، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، از مرداد ۱۳۸۵ تا شهریور ۱۳۸۶ استاد میهمان در دانشگاه کارلتون، اتاوا، کانادا از مهر ۱۳۸۶ تاکنون (فرصت مطالعاتی) عضویت در مراکز علمی و پژوهشی عضویت در هیات تحریریه مجلات علمی معتبر فصلنامه رهیافت های سیاسی و بین المللی، دانشگاه شهید بهشتی، سردبیر از ۱۳۷۸ الی ۱۳۸۵ فصلنامه رهیافت های سیاسی و بین المللی، دانشگاه شهید بهشتی، عضو هیات تحریریه، از ۱۳۷۸ تاکنون فصلنامه سیاست خارجی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه، عضو هیات تحریریه از ۱۳۸۳ تاکنون فصلنامه مطالعات منطقه ای، مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه، عضو هیات تحریریه از ۱۳۸۴ تاکنون فصلنامه مطالعات فلسطین، موسسه مطالعات و تحقیقات سیاسی ندا، عضو هیات تحریریه از ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۱ فصلنامه دانش سیاسی، دانشکده علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، عضو هیات تحریریه از ۱۳۸۴ تاکنون فصلنامه سیاست و حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، عضو هیات تحریریه از ۱۳۸۵ فصلنامه پژوهشنامه علوم سیاسی، انجمن علوم سیاسی ایران، سردبیر فصلنامه Iranian Journal of International Affairs ، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه، عضو هیات تحریریه از ۱۳۸۳ تاکنون فصلنامه امنیت عمومی، عضو هیات تحریریه فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریسی و آموزشی امیر محمد حاجی یوسفی به ترتیب زیر است: عضویت در هیات علمی دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی از بهمن ماه سال ۱۳۷۵ تاکنون و تدریس دروس زیر: جامعه شناسی سیاسی (کارشناس(تئوری های انقلاب (کارشناسی(نظام های سیاسی تطبیقی (کارشناسی(اصول روابط بین الملل (کارشناسی(ایران و همسایگانش (کارشناسی) جامعه شناسی سیاسی ایران (کارشناسی) روش و نظریه های علوم سیاسی (کارشناسی) سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (کارشناسی و کارشناسی ارشد) مطالعات منطقه ای (کارشناسی ارشد) سیر تحولات حکومت در خاورمیانه (کارشناسی ارشد) روش شناسی علوم سیاسی (دکتری) روش شناخت در روابط بین الملل (دکتری) ابزارهای نوین تجزیه و تحلیل سیاسی (دکتری) اقتصاد سیاسی بین الملل (کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری) روش و پژوهش در روابط بین الملل (کارشناسی ارشد) مطالعه تطبیقی نظام های سیاسی بین الملل (کارشناسی ارشد) نظام امنیت بین الملل و منطقه ای (کارشناسی ارشد) جامعه شناسی توسعه (دکتری) مسایل سیاسی و اقتصادی جهان سوم (کارشناسی و کارشناسی ارشد) نظریه های مختلف روابط بین الملل (کارشناسی ارشد) سیاست بین الملل (کارشناسی ارشد) نظام بین الملل و امنیت در خاورمیانه (کارشناسی ارشد) سیاست خارجی ایران در کشورهای همجوار (دکتری) تدریس درس The Politics of Third World Development در دانشکده علوم سیاسی دانشگاه کارلتون: ترم زمستان ۱۳۸۶ (۲۰۰۸) مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : راه اندازی و مسئولیت مجتمع راه امام (ره) (تدریس فارسی و دیگر دروس به دانش آموزان ایرانی مقیم و غیر مقیم) در اتاوا ۱۳۷۴-۱۳۷۰آرا و گرایشهای خاص : زمینه تخصصی امیر محمد حاجی یوسفی به قرار زیر است: چالش های فراروی اوپک در هزاره سوم میلادی، موسسه مطالعات انرژی، ۱۳۷۹ ایران و رژیم صهیونیستی: از منازعه تا همکاری، معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۱ پیامدهای امنیتی دگرگونی های منطقه ای برای جمهوری اسلامی ایران،

دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزلرت امور خارجه، ۱۳۸۲ پیامدهای امنیتی طرح خاورمیانه بزرگ برای جمهوری اسلامی ایران، مرکز بررسی های ریاست جمهوری، ۱۳۸۴–۱۳۸۳ فرصت ها و تهدیدهای بین المللی جمهوری اسلامی ایران در یک دهه آینده (رویکرد منطقه ای)، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۵–۱۳۸۴ چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی امیر محمد حاجی یوسفی : تعداد ترجمه مقالات : ۱۵ مورد تعداد مقالات (تالیف در مجلات خارجی):۲ مورد تعداد مقالات تالیفی : بیش از ۷۰ مورد پروژه های تحقیقاتی در حال اجرا: اقتصاد سیاسی ماجراجویی آمریکا در منطقه خاورمیانه: دانشگاه شهید بهشتی (۱۳۸۶) شیوه های نوین آموزش و پژوهش علوم سیاسی در کانادا: پژوهشکده مطالعات اجتماعی و فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۸۶) آثار : اقتصاد سیاسی بین الملل ویژگی اثر : در دست نگارش و چاپ،تالیف (تهران: سمت، در حال نگارش)۲ ایران و خاورمیانه: گفتارهایی در سیاست خارجی ایران، ویژگی اثر : تالیف، (تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان، ۱۳۸۳(۳ ایران و رژیم صهیونیستی: از همکاری تا منازعه ویژگی اثر : تالیف، (تهران: دانشگاه امام صادق ع، ۱۳۸۲(۴ جهانی شدن و دولت در خاورمیانه (مجموعه مقالات تالیفی) ویژگی اثر : در دست نگارش و چاپ،گردآوری (تهران: قطب علمی مطالعات خاورمیانه و جهانی شدن دانشگاه شهید بهشتی، در حال نگارش) ۵ چشم اندازهای منطقه ای و بین المللی عراق جدید (مجموعه مقالات ترجمه شده) ویژگی اثر : در دست نگارش و چاپ، گردآوری همراه با آقای دکتر سلطانی نژاد (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه، ۱۳۸۶) ۶ دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران ویژگی اثر : تالیف،(تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸(۷ زوال کنترل :امنیت جهانی در قرن بیست و یکم ویژگی اثر : ترجمه ،پال راجرزترجمه حاجی یوسفی و جبلی (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۴(۸ سامان سیاسی در عراق جدید (مجموعه مقالات ترجمه شده) ویژگی اثر : در دست نگارش و چاپ،گردآوری همراه با آقای دکتر سلطانی نژاد (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه، ۱۳۸۶) ۹ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه ای ویژگی اثر : تالیف، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۴(۱۰ فهم سیاست جهان سوم، ویژگی اثر : ترجمه ،برایان کلایو اسمیت، ترجمه حاجی یوسفی و قائنی نجفی (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۰(۱۱ نظریه و روش در علوم سیاسی ویژگی اثر : ترجمه ،دیوید مارش و جری استوکر، (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبری، ۱۳۷۸)

حاجی، غلامرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مشهور به حاجی آخوند از علماء بزرگ و فقهاء سترک این سرزمین است که در عصر خود در اولین صف علماء قم بود علاوه بر فضل ظاهر قدس باطن نیز داشت در ابتدای جوانی به اتفاق مرحوم حاج سید صادق مسافرت به نجف اشرف نموده و در آنجا در محضر آیهٔاللّه مجدد شیرازی مرحوم میرزا محمدحسن و حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی قدس سرهما مشغول تحصیل شده و از مباحث فقه و اصول آن دو بزرگوار استفاده نمود تا به مقام منیع اجتهاد رسید آنگاه با مصاحبت همان دوست مذکورش در سال ۱۲۹۸ ق روی به وطن آورد و در این شهرستان دینی مشغول تدریس و افاضه و ترویج دین و اقامه جماعت بود تا در سال ۱۳۳۲ وفات نمود و در ایوان آئینه صحن اتابکی قم مدفون گردید از آثار آن مرحوم است حاشیه‌ای بر فرائد شخینا الانصاری رحمهٔاللّه علیه که به طبع رسیده و مورد مراجعه فضلاء می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

حاجیان، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی حاجیان

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای مهدی حاجیان در سال ۱۳۵۶ در خانواده ای کاملا مذهبی و دوستدار اهل بیت علیه السلام در تهران چشم به جهان گشود ، شوق فراوان او به تحصیل علوم دینی سبب شد تا پس از اتمام تحصیلات دوران متوسطه در سال ۱۳۷۶ وارد مدرسه عالی شهید مطهری گردد. پس از اتمام دروس این مدرسه در سال ۱۳۸۵ به جرگه تحصیل کنندگان درس خارج پیوست.

وی تا کنون از محضر بزرگانی چون استاد هادوی تهرانی، جاودان، انصاری شیرازی، مرعشی شوشتری کسب فیض کرده و بهره های علمی فراوان برده است. نامبرده در مقطع دکترا در رشته فلسفه تطبیقی از مدرسه عالی شهید مطهری فارغ التحصیل گردیده و با تلاش فراوان در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل می‌باشد. ایشان سالهای متمادی است علاوه بر پژوهش علمی به تدریس در دانشگاههای تربیت معلم تهران ، آزاد تهران، پیام نور تهران و علمی فرهنگی مشغول به تدریس می‌باشد.

حاجیه، مریم بیگم

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به حاجیه. وی از زنان عقدی فتحعلی شاه بود. پسر وی به نام شیخ علی میرزا، معروف به شیخ الملوک، در حدود چهارده سالگی به حکومت ملایر منصوب شد و مریم بیگم نیز به همراه او به آن شهر رفت و تا پایان عمر در آنجا بود. یک بار نیز به حج مشرف شد و اندکی پس از بازگشت، درگذشت. از اوست:

طواف کعبه مرا حاجیه میسر شد

خدا زیارت اهل دلی نصیب کند[۱]

قرن سیزدهم هجری، مریم بیگم از زنان زاهد و شاعر. وی دختر شیخ علی خان زند و از زنان عقدی فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ – ۱۲۱۲ ق) بود. پسر مریم بیگم بنام شیخ علی میرزا، معروف به شیخ‌الملوک، در حدود چهارده سالگی به حکومت ملایر منصوب شد و مریم بیگم نیز به همراه او به آن شهر رفت و تا پایان عمر در آنجا بود. یک بار نیز به حج مشرف شد و اندکی پس از بازگشت درگذشت. ظاهرا تخلصش را پس از همین سفر انتخاب کرد. بیت زیر از اوست:

طواف کعبه مرا «حاجیه» میسر شد

خدا زیارت اهل دلی نصیب کند[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از رابعه تا پروین (۱۰۷)، تاریخ عضدی (۳۱۲، ۲۲۴، ۱۳)، حدیقهٔ الشعراء (۲۱۴۴ –۲۱۴۳)، خیرات حسان (۱۶۲ –۱۶۱ /۱)، زنان سخنور (۱۶۸/۱)، فرهنگ سخنوران (۲۳۸)، مشاهیر زنان (۷۳).

[۲] منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره ششم، ۴۹؛ از رابعه تا پروین، ۱۰۷؛ تاریخ عضدی، ۳۱۲، ۲۲۴، ۱۳؛ تذکرهٔالخواتین، ۹۷؛ حدیقهٔالشعراء، ۲۱۴۴ –۲۱۴۳ /۳؛ خیرات حسان ۱۶۲ –۱۶۱ /۱؛ زنان سخنور، ۱۶۸ /۱.

حاذق جهرمی، شکراللّٰه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۷ ق)، طبیب و شاعر. در آغاز جوانی برای تکمیل تحصیلات طبی به شیراز مسافرت کرد و با محمدعلی دانشور نزد حیدرمیرزا به کار و تحصیل پرداخت و در مریضخانه خیریه‌ی حیدریه‌ی فارس به کارآموزی اشتغال یافت. حاذق علاوه بر طبابت، در ادبیات عربی و فارسی و علوم متداول زمان دست داشته و قریحه سرشاری در سرودن انواع شعر از غزل و قصیده و قطعه و مثنوی داشته است. وی در بقعه‌ی امامزاده اسماعیل واقع در محله صحرا دفن شد. از آثار وی: «تجوید قرآن با ذکر موارد اختلاف قراء سبعه»؛ «دیوان» اشعار؛ «رساله در علوم فیزیک و شیمی»؛ «رساله در فن عروض و بدیع».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان جهرم (۱۲۷ –۱۲۳)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۱۹۰ –۱۸۹ /۲).

حاذق گیلانی، کمال‌الدین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۶۷ ق)، شاعر. در فتحپور زاده شد. در سال ۱۰۰۴ ق که پدرش وفایت یافت، او خردسال بود. پیش از پدر، عموهای وی، حکیم ابوالفتح و نورالدین محمد قراری، نیز درگذشته بودند. او علوم ادبی و دانش پزشکی را در هند آموخت. در عهد جهانگیر با منصبی مناسب در برهانپور نزد شاهزاده پرویز بود. شاهجهان او را در سال ۱۰۳۸ ق به حجابت به دربار امامقلی خان پادشاه توران فرستاد، پس از دو سال از این سفر بازگشت و در سال ۱۰۴۰ ق به ملازمت رسید، حاذق یک سال بعد با منصب سه هزاری به خدمت عرض مکرر سربلند شد. اواخر عمر گوشه‌ی انزوا گرفت و تا سال ۱۰۵۴ ق مقرری او سالانه به چهل هزار روپیه رسید، وی در آگره وفات یافت. او در شعر طرز قدما را با شیوه‌ی تازه‌گویان زمان امتزاج می‌داد. به نقل از «نشتر عشق» وی دارای پنج مثنوی به نامهای: «گنج و طلسم»؛ «ظل الشمسین»؛ «بهار خلد»؛ «تمسک نجات»؛ «طور تجلّی» و دو «ساقی نامه» و «دیوان» غزلیات است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۴۶۱/۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۶۲ –۶۱)، الذریعه (۲۱۹/۹)، سرو آزاد (۹۲ –۹۱)، فرهنگ سخنوران (۲۳۸)، کاروان هند (۹۷ –۹۶ /۱)، کلمات الشعرا (۵۱)، مآثر رحیمی (۸۵۵ –۸۴۵ /۴)، مخزن الغرائب (۷۷۲ –۷۷۱ /۱)، منظومه‌های فارسی (۲۴۱)، نامها و نامدارهای گیلان (۱۲۴)، نتایج الافکار (۱۹۲ –۱۹۱)، نشتر عشق (۴۶۸ –۴۶۵ /۲).

حارثی عاملی، عزالدین حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۸۴ -۹۱۸ ق)، فقیه امامی، مفسر، محدث، متکلم و محقق. پدر شیخ بهایی بود. اصلاً از جبل عامل و ساکن اصفهان و قزوین بود. نسبت او به حارث اعور هَمْدانی، از خواص امیرالمؤمنین علی (ع) می‌رسد. حارثی با خانواده خود به دعوت شاه طهماسب صفوی از موطن اصلی به اصفهان آمد و مدتی در آن شهر به تدریس و افادات علمی مشغول شد و بعد به درخواست شاه صفوی در قزوین متوطن شد. عزالدین در پایان عمر به بحرین رفت و در آنجا مسکن اختیار کرد و همان جا درگذشت و در دیه مصلی، از توابع هجر بحرین، دفن شد. وی از شاگردان برتر شهید ثانی و سید حسن بن جعفر کرکی بود و در اکثر علوم اسلامی روزگار خود توانا و یگانه دهر بود. فرزندش شیخ بهایی و شیخ حسن بن شهید ثانی، صاحب «المعالم»، و سید حسن بن علی بن شدقم حسینی و شیخ رشیدالدین اصفهانی و بسیاری دیگر از شاگردان شیخ حسین می‌باشند. از آثار وی: شرح «الفیه» الشهید؛ «مناظرهٔ مع بعض علماء حلب»، در امامت؛ «دیوان» شعر؛ شرح «قواعد الاحکام» علامه، «درایهٔ الحدیث» یا «وصول الاخیار الی اصول الاخبار»؛ «تحفهٔ اهل الایمان»، در قبله؛ کتاب «الاربعین»، در اخلاق؛ رساله‌ی «الوسواسیهٔ»؛ رساله‌ی «الرضاعیهٔ»؛ «الغرر والدرر»؛ «جوابات الاعتراضات العشره»؛ «رساله فی الاعتقادات حقهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۶۰/۲)، اعیان الشیعه (۵۶/۶)، ایضاح المکنون (۵۱۶، ۳۴۶ /۱)، تکمله امل الآمل (۱۸۶ -۱۸۲)، الذریعه (۷۰/۱۵، ۳۸/۱۱، ۲۴۹/۹، ۱۶۳ -۱۶۲ /۶، ۱۷۵/۵، ۴۱۴/۱)، روضات الجنات (۳۳۶ -۳۹۲ /۲)، ریحانه (۱۳۰ -۱۲۶ /۴)، فوائد الرضویه (۱۴۰ -۱۳۸)، الکنی والالقاب (۱۰۵ -۱۰۲ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ حسین)، معجم المؤلفین (۱۷/۴)، هدیهٔ العارفین (۳۲۰/۱).

حارثی مروی، علاءالدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. وی از دانشوران و دانشمندان شریعت بود که در مرو و بلخ مدت مدیدی منصب شیخ‌الاسلامی داشت. علاءالدین از مخلصان و از محبّان صدق اندیش اهل‌بیت و ائمه معصومین (ع) بود و در مدح و منقبت ایشان اشعار فراوانی به فارسی و عربی سروده است. این رباعی از اوست:

یا رب من تشنه، جام خون چند کشم

بار ستم طاس نگون چند کشم

از بهر دو لقمه نان که هم داده‌ی تست

من منّت هر ناکس دون چند کشم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۹۱)، الذریعه (۲۱۹/۹)، ریاض العارفین (۱۸۵)، فرهنگ سخنوران (۲۳۹ -۲۳۸)، لباب الالباب (۲۱۰ -۲۰۹ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ حارثی)، مخزن الغرائب (۶۲۲ -۶۲۱ /۱)، هفت اقلیم (۱۱/۲).

حاسب طبری، ابوجعفر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۴۸۵ ق)، منجم و ریاضیدان. از مردم طبرستان بود و معاصر با الب ارسلان و ملکشاه سلجوقی، که از سال ۴۶۱ ق تا بعد از سال ۴۸۵ ق فعالیت علمی داشت و بیشتر عمرش را در زادگاه خود گذرانید. از وی نه کتاب یا رساله به جای مانده است. از آثار ریاضی وی: «شمار نامه»، در سه فصل؛ «مفتاح المعاملات فی الحساب» در شش فصل؛ و آثار نجومی وی: «شش فصل»، کتابی در اسطرلاب، و در جواب سؤالهایی که از او شده است و اهمیت کتاب، موجب آن شده که وی به عنوان «طبری صاحب اسطرلاب فارسی» معروف شود؛ رساله «استخراج» در شناختن عمر و بقاء آن که یکی از مباحث نجوم شمرده می‌شود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۷۱/۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۳۲/۱)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (۵۲)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۴۴۵ -۴۴۴)، سرآمدان فرهنگ (۱۰۰/۱)، کارنامه بزرگان (۱۶۴)، کشف الظنون (۳۴)، معجم المؤلفین (۸۳/۹).

حاصل مشهدی، باقر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، شاعر، متخلص به حاصل. وی از سادات بزرگ مشهد و از خادمان آستان قدس رضوی بود که به روزگار پادشاهی جهانگیر به هندوستان مهاجرت کرد و در آنجا به خدمت شاهزاده مرادبخش پیوست و از جانب او به نیابت وی به

زیارت مشهد مقدس باز آمد. وی سرانجام در مشهد درگذشت. حاصل در نظم و نثر توانا بود و مثنویی به نام «میخانه» در برابر «ساقی نامه» ظهوری سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۴۰)، الذریعه (۲۲۰/۹)، شام غریبان (۸۴)، صبح گلشن (۱۱۵)، کاروان هند (۳۱۳ -۳۱۲/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ حاصل)، نتایج الافکار (۱۸۹).

حاصلی تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. شغل او ابریشم فروشی و زرسازی بود و از این رهگذر روزگار می‌گذرانید. گاهی هم شعر می‌گفت. از اوست:

سوسن ماتم زده لاله‌ی خونین کفن

سرخ و سیه گشته‌اند بهر حسین و حسن

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۲۵۹)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۶۵/۲)، الذریعه (۲۲۰/۹)، دانشمندان آذربایجان (۱۱۰)، سخنوران آذربایجان (۳۱۰ -۳۰۹)، فرهنگ سخنوران (۲۳۹).

حاضری سمنانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی پیشه بازرگانی داشت و شعر نیز می‌سرود. از اوست:

زلف شب سیاه و رخت روز روشن است

القصه زلف و روی تو روز و شب من است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۲۰/۹)، تحفه سامی (۲۶۹ -۲۶۸).

حاضری مشهدی، ابوالمکارم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به حاضری. وی از بزرگان شهر مشهد بود و از معاصران محمدمیرزا، خلف شاه اسماعیل صفوی. حاضری در سرودن انواع شعر توانا بود و به انواع فضایل آراسته. از اوست:

می‌زنم هر لحضه از دست غمت بر سینه سنگ

سوی من کن یک نظر از لطف و سنگین دل مباش

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۷۲)، تذکره‌ی روز روشن (۱۹۲ -۱۹۱)، الذریعه (۲۲۰/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۳۹).

حافدی قزلجی، محمدسعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۲ -۱۲۹۲ ش)، دانشمند، شاعر و موسیقیدان. در بوکان متولد شد. وی تحصیلات مقدماتی خود را نزد پدرش گذراند و برای ادمه‌ی تحصیل به سقز، و از آنجا به سلیمانیه‌ی عراق رفت. حافدی پس از بازگشت به مهاباد، در آنجا نزد پسر عموی پدرش، ملا احمد ترجانی‌زاده، به فراگیری علم و فضیلت مشغول و موفق به اخذ لیسانس در الهیات شد. وی سرانجام در کرمانشاه درگذشت. حافدی علاوه بر علوم دینی و ادبی، با علوم جدید نیز آشنایی داشت و زبان انگلیسی و ترکی را می‌دانست و شعر کردی را نیکو می‌گفت و به فارسی و عربی نیز شعر می‌سرود. محمدسعید به موسیقی علاقه داشت و خوب آواز می‌خواند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۳۶۶ -۳۶۵/ ۲)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۵۴ -۵۳/ ۳).

حافظ باباجان تربتی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۴ ق)، خطاط و شاعر. معروف به بهرامی. از مردم تربت حیدریه و برادر حافظ قاسم، خواننده مشهور عصر خود، بود. پدرش از ملازمان دربار سلطان حسین میرزا بایقرا و خود از ملازمان دستگاه بهرام میرزا صفوی بود و به همین جهت است که خود را بهرامی معرفی کرده است. حافظ باباجان خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و در موسیقی نیز دست داشت و عود و شترغو را نیکو می‌نواخت. وی همچنین زرفشانی و نقاری در استخوان را خوب می‌دانست و در عروض و معما توانا بود و شعر نیز می‌سرود. در تبریز درگذشت. از آثار وی، دو قطعه در مرقع بهرام میرزای صفوی، در کتابخانه‌ی خزینه‌ی اوقاف استانبول است: یکی به قلم دو دانگ خوش، با رقم: «کاتبها حافظ باباجان، و قاطعها دوست محمد» و دیگری به قلم نیم دودانگ خوش، با رقم: «کتبه العبد باباجان بهرامی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۴ -۸۳ /۱)، تاریخ موسیقی (۲۴۵، ۲۳۳ /۱)، تحفه سامی (۱۳۶ -۱۳۵)، گلستان هنر (۱۰۱)، مناقب هنروران (۵۶).

حافظ تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، موسیقیدان و خطاط. از مردم محله‌ی خیابان تبریز و حافظ قرآن و صاحب آوازی خوش بود. او سازهای قانون و شترغو را نیکو می‌نواخت و غزل را نیکو می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (۳۲۳، ۲۴۶ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۶۹۶)، تحفه سامی (۱۳۷)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۶۷ - ۱۶۶ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۱۰)، الذریعه (۲۲۵ -۲۲۴ /۹)، سخنوران آذربایجان (۳۱۰).

حافظ تبریزی، محمدحسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به حافظ. وی از مردم تبریز بود که به اصفهان مهاجرت کرد و در آن سامان مدتی از رهگذر روضه‌خوانی امرار معاش کرد. گویند چون آواز خوشی داشت به ملازمت دولتمردان صفوی درآمد و به شهرت رسید. صاحب «تذکره‌ی نصرآبادی» می‌نویسد که: «اقتدارش در نثر بیش از نظم بود».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۸۹)، دانشمندان آذربایجان (۱۱۱)، الذریعه (۲۲۱/۹)، سخنوران آذربایجان (۳۱۱ -۳۱۰)، فرهنگ سخنوران (۲۳۹).

حافظ حلوایی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۵۰ ق)، شاعر، متخلص به حافظ حلوایی. او از شاعران معروف زمان شاهرخ میرزای تیموری بود که در هرات می‌زیست و غزل را نیکو می‌سرود. از وی «دیوان» شعر به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۰۵)، تذکره‌ی روز روشن (۱۹۲)، تذکرهٔ الشعراء (۵۲۵)، الذریعه (۲۲/۹)، ریحانه (۱۰/۲). لغت‌نامه (ذیل/ حافظ حلوایی).

حافظ خراسانی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر. مشهور به کمان ابرو. وی از شاعران خطه خراسان در روزگار امیرعلیشیر نوایی بود که علاوه بر شاعری، از آواز خوبی نیز بهره داشت و «دیوان» شعری نیز داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (۹۲۲، ۲۲۴، ۲۲۱/ ۹)، لغت‌نامه (ذیل/ حافظ پناهی)، مجالس النفائس (۱۴۷).

حافظ رومی

قرن:۹
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات»، به خط ثلث خوش و نسخ خفی متوسط با رقم: «وقع الفراغ من تحریره فی... سنهٔ اربعه و ثمانین و ثمانمائهٔ... حرره العبد... حافظ رومی...».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۵۷/۴).

حافظ سبزواری، علی

قرن:۹
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
از اوست: قران رحلی مذهب جلد سوخت عالی نسخ و رقاع نیم دو دانگ خوش با رقم: «قد تشرفت بکتابهٔ... العبد الضعیف... علی بن ملک الحافظ السبزواری... فی یوم الاحد: فی شهر ذی‌القعدهٔالحرام سنهٔ تسع و تسعین و ثمانماه (۸۹۹) و هذا هو المصحف الرابع من المصاحف التامهٔ التی شرفه اللّه تعالی به توفیق کتابها...» در موزه‌ی اسلامی ترک.
برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

حافظ شربتی

قرن:۹
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، شاعر، متخلص به حافظ. وی پدر شیخ کمال تربتی بود و از مردم متعین خراسان. حافظ طبعی خوش داشت و در این زمینه یگانه دوران بود. وی در ساختن معما و علم موسیقی توانا بود. چنانکه تصنیفهای وی در میان مردم مشهور بوده است. مولانا جنونی هروی، حافظ را هجو گفته است و هجو او مشهور است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۲۴۰)، لغت‌نامه (ذیل/ حافظ شربتی)، مجالس النفائس (۹۲).

حافظ شیرازی، شمس

قرن:۸
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س هشتم ق)، خطاط. از آثار وی: یک قطعه ثلث رقاع دو دانگ جلی خوش، با رقم: «کتبه افقر الفقراء شمس الحافظ الشیرازی... اربع و سبعین و سبعمائه» (۷۷۴)؛ یک قطعه ثلث دو دانگ جلی عالی و نسخ کتابت خفی متوسط و رقاع کتابت خوش، با رقم: «کتبه العبد شمس الکتاب الشیرازی...»؛ قطعه‌ی «وقبح خطیاتی علی یشنع»، به خط ثلث چهار دانگ جلی خوش و نسخ و رقاع کتابت خوش، با رقم: «مشقه خادم الفقراء شمس الحافظ الشیرازی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۸۵ -۱۰۸۴/ ۴)، یغما (س ۴، ش ۹، ص ۴۲۷).

حافظ شیرازی، غیاث‌الدین حسن

قرن:۱۰
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، خطاط. از آثار او: قرآن رحلی عظیم مذهَّب و جلد سوخت عالی، ریحان نیم دو دانگ خوش و نسخ نیم دو دانگ جلی خوش، با رقم: «غیاث‌الدین حسن حافظ الشیرازی ابن مرشدالدین محمد غفراللّٰه رب العالمین و کتب فی سنهٔ اثنین و تسعون و تسع مائهٔ (۹۹۲) من الهجرهٔ النبویهٔ».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۲۸/۴).

حافظ شیرازی، نظام الدین احمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط. از آثار وی: «قرآن» سلطانی کوچک، دو سطر ثلث و یک سطر ریحان، در هر صفحه نیم دودانگ عالی به زر و متن به خط نسخ کتابت خفی یاقوتی خوش، با رقم: «کتبه نظام الدین احمد الحافظ الشیرازی» (قرن نهم).

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۲۷ /۴).

حافظ صابونی قزوینی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. او از شاعران معروف عهد خود بود. صادقی افشار، کتابدار شاه‌عباس در نزد او شاگردی می‌کرد. حافظ به لهجه‌های مختلف از جمله گویش قزوینی شعر می‌گفت و در اقسام شعر دست داشت، قصیده‌ای که به هفت لهجه در مدح خان احمدخان گیلانی سروده، معروف است. برخی از شاعران آن زمان از روش وی تقلید می‌کردند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۳۱/۵)، تاریخ نظم و نثر (۵۱۰)، الذریعه (۲۲۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۴۱)، لغت‌نامه (ذیل/ حافظ صابونی)، مجمع الخواص (۱۸۰ -۱۷۹)، مینو در (۴۲۳ -۴۲۲ /۲)، هفت اقلیم (۱۸۷ -۱۸۶ /۳).

حافظ فوطه‌ای

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، خطاط. از نازک‌نویسان و کاتبان دربار سلطان حسین میرزا بایقرا بود. وی شاگردان نامداری تربیت کرد که مشهورترین آنها ملا میرحسین حسینی است، که خط او را نظیر خط میرعلی هروی می‌شمارند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۳۳/۱)، مناقب هنروران (۶۱).

حافظ قزوینی، حاجی‌بیگ

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اصلش از قزوین بود و در کاشان زندگی می‌کرد. وی شاعر و حاحفظ خوش صدای دوره‌ی شاه‌عباس و از معاصران وحشی و محتشم بود و غزل را نیکو می‌سرود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده آذر (۱۱۵۸/۳)، تاریخ نظم و نثر (۵۳۴ -۵۳۳)، تذکره‌ی روز روشن (۱۹۱ -۱۹۰)، الذریعه (۲۱۸/۹)، صبح گلشن (۱۱۳)، فرهنگ سخنوران (۲۳۷)، لغت‌نامه (ذیل/ حاجی قزوینی)، مجمع الخواص (۲۹۵).

حافظ قنبر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. اصل وی حبشه بود و غلام قاضی شرف‌الدین عبدالمجید قمی. حافظ قنبر در خط ثلث استاد بود و کتیبه‌ی درگاه مسجد جامع قم و محراب و درگاه مزار سلطان سید بواحمد در دروازه‌ی ری به خط اوست. در اواخر عمر به خط نستعلیق پرداخت و در آن نیز سرآمد شد. مولانا شاگرد وی بوده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۸۴/۲)، گلستان هنر (۳۲، ۳۳).

حافظ نیا، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا حافظ نیا در سال ۱۳۳۴ ه. ش در روستای خُراشاد بیرجند و در خانواده ای کشاورز متولد شد. او تحصیلات ابتدائی و تحصیلات متوسطه خود را در شهر بیرجند به اتمام رسانید و در رشته جغرافیای طبیعی دانشسرای عالی (که دو سال بعد به دانشگاه تربیت معلم تغییر نام یافت) پذیرفته شد. او دوره لیسانس (کارشناسی) را در رشته جغرافیای طبیعی(علمی) و در جریان انقلاب اسلامی به زندان افتاد. با پیروزی انقلاب اسلامی از زندان رهایی یافت و بمدت ۴ سال مسئولیتهای سیاسی به عهده داشت و سپس در سال۱۳۶۳ ه.ش از سیاست کناره گیری کرد و به فعالیتهای آموزشی و علمی رو آورد. او در سال ۱۳۶۴ه.ش در کنکور فوق لیسانس (کارشناسی ارشد) دانشگاه تربیت مدرس پذیرفته شد و تحصیلات خود را در رشته جغرافیای انسانی ادامه داد و در سال ۱۳۶۶ ه. ش از این مقطع فارغ التحصیل شد و بلافاصله در اولین کنکور دکتری جغرافیای انسانی (گرایش سیاسی) همین دانشگاه شرکت نمود و به عنوان اولین و تنها دانشجوی دکتری پذیرفته شد. سپس او بهمراه دانشجویان پذیرفته شده در دومین کنکور دکتری که در ترم بعد برگزار شد تحصیلات خود را ادامه داد و آنرا در بهمن ماه ۱۳۶۹ با درجه ممتاز به پایان رسانید. دکتر حافظ نیا در سال ۱۳۶۷ ه.ش به عنوان مربی در دانشگاه تربیت مدرس به کار مشغول شد و در سال ۱۳۷۰ به رتبه استادیاری و در سال ۱۳۷۸ به رتبه دانشیاری و در سال۱۳۸۲ به رتبه استادی ارتقاء یافت. او پس از سالها تدریس و تحقیق هم اکنون (۱۳۸۵ه.ش) به عنوان استاد تمام پایه ۲۵ در دانشگاه تربیت مدرس مشغول به خدمت می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاگرایش : جغرافیای سیاسیوالدین و انساب : - پدر محمدرضا حافظ نیا مرحوم رجب حافظ نیا، متولد سال ۱۳۰۴ ه. ش در روستای خراشاد از توابع بیرجند می باشد. او در شهریور ماه ۱۳۴۰ ه.ش در اثر بیماری یرقان و در سن ۳۶ سالگی فوت نمود. شغل اصلی او کشاورزی و دارای استعداد و ذوق شاعری بود. تعدادی از اشعار او هم اکنون در دسترس قرار دارد. - مادر او خانم خدیجه خراشادی زاده، متولد سال ۱۳۰۷ ه.ش در روستای خراشاد می باشد.خاطرات کودکی : محمدرضا حافظ نیا از حیات پدرش چیزی را به خاطر نمی آورد. تنها صحنه ای که به یاد دارد احتمالاًـ مربوط به آخرین سال حیاتش است و آن اینکه در حیاط خانه اش در روستا او را مشغول انجام کارهای روزمره دیده بود. - خاطره دیگر اینکه در شهریور ماه ۱۳۴۰ در منزل خود شاهد ازدحام جمعیت بود و نمی دانست موضوع چیست و با بچه های هم سن و سال خود مشغول بازی بود. در حالیکه ازدحام مزبور مربوط به مراسم فوت پدرش بوده است! تحصیلات رسمی و حرفه ای : ۱- اخذ دیپلم طبیعی از دبیرستان شوکتی بیرجند در سال ۱۳۵۲ ه. ش ۲- اخذ لیسانس در جغرافیای طبیعی(علمی) از دانشگاه تربیت معلم در سال ۱۳۵۶ ه.ش ۳- اخذ فوق لیسانس (کارشناسی ارشد) در جغرافیای انسانی از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۶۶ ه. ش ۴- اخذ دکتری (PhD) در جغرافیای سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۶۹ ه.ش ۵- گذراندن دوره آموزشی کوتاه مدت " مدیریت عمومی "در سال ۱۳۶۵ ه. ش ۶- گذراندن دوره آموزشی کوتاه مدت" کامپیوتر "در سال ۱۳۶۶ ه. ش ۷- گذراندن دوره آموزشی کوتاه مدت " مدیریت آموزشی "در سال ۱۳۶۷ ه. ش ۸- گذراندن دوره آموزشی کوتاه مدت" روش تحقیق "تحت نظر کالج کلمبو در سال ۱۳۶۷ ه. ش ۹- گذراندن دوره آموزشی کوتاه مدت" تقویت مهارتهای آموزشی "در سال ۱۳۸۱ ه. ش ۱۰- گذراندن دوره آموزشی کوتاه مدت " تقویت مهارتهای پژوهشی " در سال ۱۳۸۱ ه. ش ۱۱- طی دوره فرصت مطالعاتی در کشورهای فرانسه و آلمان در سال ۸۵-۱۳۸۴ ه.ش. خاطرات و وقایع تحصیل : در دوره ابتدائی، محمدرضا حافظ نیا از کتابهای پدرش دو کتاب را به یاد دارد. یکی کتاب" نسیم شمال "بود که گاهی اوقات او اشعار نسیم شمال را با حرارت قرائت می کردو برخی از بزرگتر ها به او می گفتند این کتاب ممنوع است و اگر بفهمند تو را مجازات می کنند. او در عالم کودکی این مطلب را متوجه نمی شد! کتاب دیگر" بهارستان "مرحوم آیتی بود که آقای غنی معلم کلاس سوم آنرا از او گرفت و علی رغم پیگیریهای فراوان هیچگاه آنرا پس نداد. او بخاطر این کتاب توسط مادرش تنبیه شد.فعالیتهای ضمن تحصیل : محمدرضا حافظ نیا در کنار تحصیل برای کمک به خانواده کار کشاورزی و نساجی و خواربار فروشی را دردوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه داشت و در دوره لیسانس در رستوران و سپس کار دانشجویی در سلف سرویس و تکثیر دانشگاه در تهران همچنین دردوره دکترای استفاده از مأموریت تحصیلی بویژه در تهران از جمله فعالیتهای وی می باشد.استادان و مربیان : - در دوره ابتدائی، آقایان: رضوانی، شوکت آبادی، غنی و نیکخواه - در دوره متوسطه، آقایان: وریدی، صباغ، آرین، حسنپور، حنفیها، احمدی و جاجوئی - در دوره لیسانس، آقایان: دکتر امین سبحانی، دکتر جعفرپور، دکتر کلاهی، دکتر دیانتنژاد و خانمها: دکتر یحیوی و دکتر فشارکی - در دوره فوق لیسانس و دکتری، آقایان: دکتر حسین شکوئی، دکتر عزت ا... عزتی، دکتر سعید سمنانیان، دکتر احمد احمدی، دکتر محمدحسین پاپلی یزدی، دکتر مسعود مهدوی، دکتر مهدی طالب، دکتر بهلول علیجانی، دکتر مصطفی مومنی، دکتر شاپور گودرزی نژاد و دکتر سید غلامرضا شیرازیان و نیز خانمها: دکتر دره میرحیدر و دکتر فاطمه بهفروز. در بین این بزرگان، نقش دکتر حسین شکوئی، دکتر عزت ا... عزتی و دکتر دره میرحیدر بارزتر بوده است. هم دوره ای ها و همکاران : - در دوره ابتدائی، آقایان: محمدعلی معروفیان، ابراهیم خراشادیزاده، حسن نداف، حسنرضا سهیل، عباس خراشادیزاده و محمد کفکینژاد - در دوره متوسطه، آقایان: احسانی،گنجی، دکتر مهدی قندهاری(در حال حاضر استاد دانشکده دندانپزشکی دانشگاه تهران)، عباس خراشادیزاده، پرویز فروزانفر و حسن رضا خراشادیزاده - در دوره لیسانس، آقایان: یدالله کریمیپور، عباس فخاری، محمدعلی رومی، محمدعلی معروفیان، سید علیرضا خراشادیزاده، سید علی اولیائی، علیرضا چاچی، محمدعلی خراشادیزاده، اسدالله جامعی، محمد بیکزاده، علی وزیری و علی رادی راز - در دوره کارشناسی ارشد و دکتری: دکتر یدالله کریمیپور، دکتر عبدالرضا رحمانی فضلی، دکتر عبدالرضا رکن الدین افتخاری، دکتر احمد پور احمد، دکتر محمد سلیمانی، دکتر محمد سلمانی، دکتر حسین نگارش، دکتر محمد حسین رامشت، دکتر زهرا حجازی زاده و دکتر حسن کامران دکتر حسین شکوئی، دکتر عبدالرضا رکن الدین افتخاری، دکتر پیروز مجتهدزاده، دکتر زهرا احمدیپور، دکتر اکبر پرهیزکار، دکتر محمدحسین پاپلی یزدی، دکتر منوچهر فرج زاده، دکتر مهدی طاهرخانی و دکتر سیاوش شایان همکار بوده و با آقای دکتر عزت الله عزتی و دکتر دره میرحیدر دوستی دارد که آنها بر او سمت استادی داشته اند. همسر و فرزندان : خانم سکینه خراشادیزاده دختر عموی

محمـدرضا حافـظ نیـا است که به عنوان همسر ایشـان در کنارشـان بوده است. ۱- یاسر حافظنیا، فارغ التحصیل مهندسـی معدن– اکتشاف، از دانشـگاه صـنعتی امیرکبیر ۲- حمیدرضا حافظنیا، فاژغ التحصیل مهندسـی صـنایع، از دانشـگاه صنعتی شریف ۳- حامد حافظنیا، دانش آموز سال سوم ریاضی– فیزیک دبیرستان تزکیه منطقه ۲ تهران (شاگرد اول) ۴- بهزاد حافظنیا، دانش آموز سال اول دبیرسـتان مطهری در منطقه ۲ تهران وقـایع میانسالی : محمـدرضا حافظ نیا زمانیکه افسر وظیفه بود به دنبال اقـدام شـجاعانه خود در دفـاع از مردم انقلابـی ایران، در مرداد ماه ۱۳۵۷ ه.ش که فرمانده لشـگر ۷۷ خراسان را مورد هـدف قرار داد تا اعتراض و سـرپیچی خود را از دسـتور ارتش برای سـرکوب تظاهرات مردم مشـهد اعلام نمایـد، دسـتگیر و به زنـدان افتاد. مقاصـد اصـلی او از این اقدام عبارت بود از: ۱- الگوسازی برای افسـران و سـربازان ارتش شاه برای سرپیچی از دستورات فرماندهان خود در مخالفت با سرکوب تظـاهرات مردم و انقلابیون ایران ۲- گشودن راه تخریب ارتش از درون که مهمترین تکیهگـاه قـدرت رژیم شاهنشـاهی در جریـان سرکوب تظاهرات انقلاب اسـلامی تلقی می شـد ۳- تضـعیف روحیه سـران رژیم شـاه از سـوئی و نیز تقـویت روحیه مردم ایران در تداوم نهضت انقلابی از سوئی دیگر.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ۱- دبیر و رئیس دبیرستان دولت آباد زاوه در شهرستان تربت حیـدریه در سال ۱۳۵۸ ه.ش ۲- فرماندار شهرسـتان بجنورد در سال ۱۳۵۹ ه.ش ۳- فرماندار شهرسـتان تربت حیدریه در سال ۱۳۶۱ ه.ش ۴- معاون سیاسی و اداری استانداری ایلام در سال ۱۳۶۲ ه.ش ۵- مشاور نیروی انسانی وزارت آموزش و پروش در سال ۱۳۶۳ ه.ش ۶- مشـاور و مـدیر کل آموزش ضـمن خـدمت وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۶۴ ه.ش و پایهگذار طرح ادامه تحصیل معلمان و فرهنگیان کشور ۷- معاون پژوهشـی سازمان مطالعه و تدوین سمت در سال ۱۳۶۷ ه.ش ۸- معاون پژوهشی دانشکده علوم انسـانی و مشاور پژوهشـی رئیس دانشگاه تربیت مـدرس در سال ۱۳۷۰ ه.ش ۹- وابسـته فرهنگی ایران در لاـهور پاکسـتان در سال ۱۳۷۲ ه.ش ۱۰- مـدیر کل فرهنگی آسـیا و اقیانوسیه در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسـلامی در سال ۱۳۷۷ه.ش ۱۱- رئیس مرکز مطالعات آفریقا در دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۸ ه.ش فعالیتهای آموزشی : محمدرضا حافظ نیا در سال ۱۳۵۸ ه.ش به عنوان دبیر دبیرسـتان در شهرسـتان تربت حیـدریه به اسـتخدام آموزش و پرورش در آمـد. سـپس در سال ۱۳۵۹ه.ش برای مـدت ۴ سال به وزارت کشـور مأمور شـد و در سـال ۱۳۶۳ بـه وزارت آمـوزش و پرورش برگشـت و در کنـار مسـئولیتهای اجرائی بـه تـدریس در دبیرسـتان و مراکز تربیت معلم مشغول گردید. او پس از اخذ درجهٔ کارشناسـی ارشد، در سال ۱۳۶۷ه.ش به دانشگاه تربیت مدرس منتقل و به عنوان مربی مشغول به کار شد و در سال ۱۳۷۰ به رتبه استادیاری ارتقاء یافت. او در سال ۱۳۷۸ به درجه دانشیاری و در سال ۱۳۸۲ به درجه اسـتادی ارتقاء پیـدا کرد و هم اکنون در دانشـگاه تربیت مـدرس مشـغول انجام خـدمت است. دکتر حافظنیا در دانشـگاه تربیت مـدرس و سایر دانشـگاهها در مقاطع کارشناسـی ارشـد و دکتری تـدریس می نمايد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمـار می آیـد : ۱- راه انـدازی طرح ادامه تحصـیل معلمـان کشـور در سـال ۱۳۶۴ ه.ش کـه منجر به تأسـیس مراکز آمـوزش عـالی فرهنگیان گردید ۲- تأسیس مرکز مطالعات آفریقا در دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۸ه.ش ۳- تأسیس انجمن ژئوپلیتیک ایران بـا همکاری تعـدادی از اساتیـد جغرافیای سیاسـی در سال ۱۳۸۱ه.ش ۴- تأسیس فصـلنامه بین المللی «ژئوپلیتیـک» با درجه علمی– پژوهشی در سال ۱۳۸۴ه.ش سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمـدرضا حافظ نیا همچنین تا کنون طرح های تحقیقاتی زیر را به انجام رسانـده است: ۱- عضـو و رئیس کمیسـیون علوم انسـانی هیأت ممیزه به مـدت ۸ سال ۲- عضو هیأت ممیزه دانشگاه تربیت مدرس ۳- عضو شورای دانشگاه تربیت مـدرس در سالهای ۷۱–۷۰ و ۸۳–۱۳۸۰ ۴- عضو شورای تحصیلات تکمیلی در دانشکده علوم انسـانی ۵- مـدیر گروه جغرافیـای دانشگاه تربیت مـدرس در سالهای ۷۷–۱۳۷۵ ۶- دبیر ۱۰ مـورد از همایشـهای داخلی و بین المللی ۷- سـردبیر مجلات علمی–پژوهشـی: فصلنامه مطالعـات ملی، فصلنامه بیـن المللی ژئوپلیتیـک و فصلنامه علمی– ترویجی مطالعـات دفاعی ۸- عضو هیأت تحریریه فصلنامههای علمی– پژوهشی: تحقیقات جغرافیایی، پژوهشـهای جغرافیایی، مـدرس علوم انسـانی، پژوهش علـوم انسـانی ، مطالعـات جغرافیـایی، Journal of Applied Sciences, Research Journal of Environmental Sciences, Trends in Applied Sciences Research, Research Journal of Social Sciences. ۹- ارائه طرحهای: « تأسـیس دانشـگاه تربیت مدیر برای کشور» و «رشد پلکانی مدیران در سازمانهای حکومتی ایران» در سال ۱۳۶۳ه.ش به ریاست جمهوری با هـدف تخصصـی کردن و بهینه سازی اداره امور کشور و انتصاب مدیران سـطوح مختلف سازمانهـای اجتماعی و حکومتی ۱۰- ارائه طرحهای: «موسـسه جغرافیایی جمهوری اسـلامی ایران» در سال ۱۳۷۰ه.ش و نیز «اتحادیه آسیائی» در سال ۱۳۷۲ ه.ش به ریاست جمهوری اسلامی ایران ۱۱- پیشنهاد تأسیس دانشگاه فراگیر آموزش از راه دور برای معلمان و فرهنگیان کشور در سال ۱۳۶۶ه.ش ۱۲- عضو و نایب رئیس انجمن ژئوپلیتیک ایران ۱۳- عضو انجمن جغرافیایی ایران ۱۴- عضو انجمن جغرافیدانان انگلستان (۱۵ (RGS & IBG- عضو انجمن جغرافیایی هندوستان (۱۶ (GSI- عضو انجمن بین المللی جامعه شناسی ادیان ۱۷- عضو کمیته علمی سـمپوزیوم بین المللی «آینـده حیات و تمـدن بشـری» دانشگاه فرانکفورت آلمان سال ۱۳۸۴/ ۲۰۰۵م ۱۸- عضو کمیته برنامهریزی جغرافیا در وزارت علوم (۷۲–۱۳۷۰ه.ش) ۱۹- عضو و رئیس کمیته پژوهشی جغرافیا در وزارت علوم (۷۲–۱۳۶۷ه.ش) ۲۰- عضو کمیته تـدوین کتب دانشـگاهی رشـته جغرافیا در سـمت (۷۲–۱۳۶۸ه.ش) ۲۱- رئیس کمیته علـوم انسـانی جشـنواره جوان خوارزمی (سالهای۸۱ و ۱۳۸۲ه.ش) ۲۲- داور طرحهـای پژوهشـی جشـنواره خوارزمی (سالهـای۷۱، ۸۲ و ۱۳۸۳ه.ش) ۲۳- بنیانگـذار و سـردبیر فصـلنامه ایرانشناسـی به زبانهـای انگلیسـی و اردو در پاکسـتان در سال ۱۳۷۳ه.ش شـاگردان : محمدرضا حافظ نیا ضـمن تدریس در دانشگاه , راهنمایی و مشاوره دانشجویان خود را نیز به عهده داشته است چنانکه می توان به افراد زیر اشاره کرد: عناوین پایان نامه ها و اسامی دانشـجویان تحت راهنمایی الف) کارشناسی ارشد: ۱) رضا پرواز، بررسی عوامل تداوم بحران در افغانستان (۱۳۷۹) ۲) مهدی نیکبخت، بحران آب و تنشـهای سیاسـی اجتماعی در گناباد (۱۳۷۹) ۳) حسن کاویانی راد، نقش اقلیت بلوچ در وحـدت ملّی (۱۳۷۹) ۴) ناصر شمس خامنه، ژئوپلتیک آب (هیرمند) (۱۳۷۶) ب- دکتری ۱) محمدحسین افشردی، تحلیل ژئوپلتیکی سیاست خارجی ایران در قفقاز (۱۳۷۹) ۲) محمـدباقر قالیبـاف، تحلیـل دولت ملّی در ایران (۱۳۷۹) ۳) عبـاس مهری، موانـع همگرائی ایران و ج. آذربایجـان (۱۳۷۷) عنـاوین پایـان نـامه هـا و اسـامی دانشـجویان تحت مشاوره الـف) کارشناسی ارشد ۱) محمدمهدی هوشیار، تحلیل الگوی تقسیمات کشوری در شمال خراسان (۱۳۷۹) ۲) حسینعلی برزگران، تحلیل

عملکرد فضائی – مکانی شهر بیرجند (۱۳۷۲) ۳) سیدحسین قالیباف، بررسی راههای توسعه شهرهای بیرجند (۱۳۷۲) ۴) علی سعادت بخش، بررسی اختلاف ایران وعراق بر سر اروندرود (۱۳۷۹) ۵) حجت اله شرفی، تحلیل عملکرد کمیته امداد امام ... (۱۳۷۹) ب) دکتری ۱) محمد اخباری، نقش هید روژئوپلیتیکی ایران (۱۳۷۷) ۲) حمیدرضا محمدی، تحلیل ژئوپلیتیکی بحران کردستان (۱۳۷۸) ۳) علی حاجی نژاد، تحلیل نقش و جایگاه سازمانهای عمران منطقه ای در کوله روستای سیسان (۱۳۷۹) ۴) خانم مرجان بدیعی، تحلیل خلاء استراتژی ژئوپلیتیکی مثلث ایران، افغانستان و پاکستان (۱۳۷۹) آرا و گرایشهای خاص : محمدرضا حافظ نیا طرفدار فلسفه انسانگرائی است و دارای تفکر و نگرش انسانگرایانه و بشردوستانه میباشد. او بر این باور است که فلسفه زندگی را کمال یابی مستمر بشریت، عشق به خدا و خالق جهان، تأمین مطلوب نیازهای مادی و معنوی انسانها، نوع دوستی و احترام به آزادی و حقوق انسانها و سایر مخلوقات ، رفاه و آسایش، آرامش و امنیت، عدالت جغرافیایی و اجتماعی و همزیستی با طبیعت تشکیل میدهد. بر این اساس معتقد است که سازههای فلسفی، مذهبی، ایدئولوژیک، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی، نظامی، امنیتی، آموزشی، درمانی و غیره باید بر مدار خدمت به انسانها تعریف و ساماندهی شوند. دکتر حافظنیا همچنین به ترویج مکتب جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک انسانگرا اهتمام میورزد. او بر این باور است که موثرترین عوامل تولید رنج برای بشریت، سیاستمداران جاهطلب، رهبران دینی انحصارطلب و مدیران و فعالین اقتصادی زیادهطلب میباشد. جوائز و نشانها : ۱– دریافت لوح به مناسبت انتخاب شدن به عنوان" استاد نمونه "در ایران در سال ۱۳۸۵ه.ش ۲– دریافت لوح به مناسبت کسب رتبه اول پژوهشگر برتر ایران در حوزه علوم انسانی و اجتماعی ۳– دریافت لوح به مناسبت انتخاب کتاب" جغرافیای سیاسی ایران "به عنوان کتاب سال دانشگاهی ایران در سال ۱۳۸۲ه.ش ۴– دریافت لوح به مناسبت انتخاب کتاب" جغرافیای سیاسی ایران "به عنوان کتاب قابل تقدیر در مراسم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۳ه.ش چگونگی عرضه آثار : محمدرضا حافظ نیا علاوه بر عضویت در انجمن جغرافیدانان ایران ، دستی بر قلم نیز داشته و ضمن تالیف آثار متعدد، با نشریات مختلف همکاری داشته است. ۱– تدوین و انتشار ۱۳ جلد کتاب (دو مورد به زبان انگلیسی) ۲– اجرای ۹ طرح تحقیقاتی و پژوهشی ۳– چاپ و نشر ۶۰ مقاله علمی–پژوهشی در مجلات علمی معتبر داخل و خارج از کشور ۴– ارائه ۵۰ مقاله علمی در همایشها و کنفرانسهای علمی داخلی و بین المللی ۵– چاپ و نشر حدود ۱۳۰ مقاله متنوع در فصلنامهها ، ماهنامهها و نشریات مختلف آثار : ۱ Educational System in Iran., Iran Shenasi, Lahore No.۴, ۱۹۹۵. Family Planming in Iran, ۲۹ th International Geographical Congtess, Seoul South Korea, August ۲۰۰۰ ۳ Geopolitical Analysis of the Kashmit Crisis, South Asian Studies, Vol, ۱, ۱۹۹۴, Punjabun University. ۴ Indo – Iran Cultural Relations, befor the Islamic Period; The first Seminar on Indo – Iran relation, University of Mumbai – India, March ۲۰۰۰ ۵ Islamic Revolutions Foundations, Iran Shenasi, No.۳/۱, ۱۹۹۶. ۶ Population Policies of the Islamic Republic of Iran, Iran Shenasi @uarterly; No.۱۳,۱۴,۱۹۹۶. آراء ابن خلدون در زمینه آثار عوامل جغرافیائی بر انسان، فصلنامه مدرس، شماره اول، ۱۳۷۵. اجتماع تبلیغی در رایانه، محمدرضا حافظ نیا، فصلنامه فرهنگ، شماره ۲۳، سال ششم، ۱۳۷۵. الگوی مناسب نظام بین الملل، محمدرضا حافظ نیا، فصلنامه دانشور، سال هفتم، شماره ۲۵، پائیز ۱۳۷۸. الگوی نظام مشارکت بین المللی و تنش زدائی در روابط ملّتها، همایش بین المللی رویکرد فرهنگی به جغرافیا با دانشگاه مشهد، ۱۳۷۹. تحولات اکولوژیکی در بخش مرکزی شهر تهران، محمدرضا حافظ نیا– عبدالرضا رحمانی فضلی ، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی – شماره ۴ ، سال دوم، ۱۳۶۷ ، تفاوتها و تعارضها در حوزه ژئوپلتیک خزر، محمدرضا حافظ نیا، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۷، ۱۳۷۸. تفاوتها و تعارضها در حوزه ژئوپلتیک خزر، هفتمین همایش بین المللی آسیای مرکزی و قفقاز، تهران، ۱۳۷۸. تنگه هرمز و اقتصاد منطقه ای خلیج فارس، کنگره جغرافیدانان ایران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹. تنگه هرمز و الگوی حمل کالا۔و نفت در خلیج فارس، مسائل حمل و نقل ایران، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۶۹. چالشهای ژئوپلتیکی اقتصاد ایران در دهه آینده، همایش چالشهای انسانی اقتصاد ایران در دهه ۸۰، پژوهشکده اقتصاد. تهران، ۱۳۷۹. راه حل مهاجرتهای روستائی در ایران، تحلیل مهاجرتهای روستائی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۶۵. روابط فرهنگی ایران و هند قبل از اسلام، محمدرضا حافظ نیا، فصلنامه تحقیقات جغرافیائی، سال چهاردهم شماره ۵۲و ۵۳، ۱۳۷۸. رویکرد جدید سیاست خارجی و تحوّل موقعیت ژئوپلتیکی ایران، دهمین کنگره جغرافیدانان ایران، دانشگاه امام حسین، ۱۳۷۸. ژئواستراتژی ایران در جنگ دوم جهانی، هشتمین کنگره جغرافیدانان ایران، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۱. ژئوپلتیک ایران پس از جنگ سرد، سمینار جغرافیا و کاربردهای امنیتی و دفاعی آن، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ۱۳۷۷. ۲۲ ژئوپلتیک تنگه هرمز، سمینار سازمان جغرافیائی، تهران، ۱۳۷۰. علل فقر خانواده های تحت پوشش کمیته امداد درایران، سمینار دست آوردهای تحقیقاتی کمیته امداد امام خمینی (ره)، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳. قدرت و بسط فرهنگی در شبه قاره هند، محمدرضا حافظ نیا، فصلنامه دانشور، شماره ۱۷، سال پنجم، ۱۳۷۶. قدرتهای جهانی و ایجاد بحران در منطقه خلیج فارس، سمینار جغرافیائی جهان بینی، سیاست و محیط ، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۷۱. لزوم بازنگری فرآیند آموزش جغرافیا در ایران، سمینار آموزش جغرافیا در ایران، دانشگاه تربیت معلم، تهران، ۱۳۷۲. لزوم تفسیم استان خراسان ، همایش علمی بررسی راهبردهای علمی و عملی تقسیم استان خراسان، دانشگاه سبزوار، ۱۳۷۶. موقعیّت اجتماعی و اقتصادی پنجاب در پاکستان فصلنامه تحقیقات جغرافیائی، شماره ۴۰، سال یازدهم، ۱۳۷۵. ناامنی طبیعی و بازدارندگی توسعه: مورد ایران، سمینار جغرافیا در عرصه سازندگی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶. نظام آموزشی در ایران، سمینار ایرانشناسی (۱)، پاکستان، لاهور،۱۹۹۵. نقش ژئواستراتژیک ایران در جنگ جهانی دوم، سمینار بین المللی ایران و جنگ جهانی دوم، تهران، ۱۳۷۸. نقش ژئواستراتژیک ایران در جنگ جهانی دوم، کنفرانس شهریور ۲۰، موسسه مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۰. نگاهی اجمالی به وضعیت جغرافیائی پاکستان، محمدرضا حافظ نیا، فصلنامه تحقیقات جغرافیائی، شماره ۳۹، سال دهم، ۱۳۷۴ نهادهای انقلاب اسلامی، سمینار ایرانشناسی (۲)، پاکستان، لاهور، ۱۹۹۶. همگرائی و موانع فراوری آن در خلیج فارس، سمینار بین المللی رویکردهای درون منطقه ای خلیج فارس، تهران، ۱۳۷۶. وضعیت ژئوپلتیکی منطقه

خلیج فارس، سمینار بین المللی مسائل جغرافیائی جهان اسلام، دانشگاه امام حسین (ره)، تهران، ۱۳۷۱. ۳۷ ویژگیهای ژئوپلتیکی منطقه خزر، همایش تحولات ژئوپلتیکی حوزه خزر، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ۱۳۷۹

منابع زندگینامه :تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط آقای دکتر محمدرضا حافظ نیا بنا به درخواست بنیاد ایران شناسی

حافظ هروی، جلال‌الدین محمود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۲۴ ق)، شاعر و خطاط. وی از خاصان امیرعلیشیر نوایی بود که سوای خط نستعلیق، همه‌ی اقلام را به پایه‌ی اعلی رساند. او شعر می‌سرود و همچنین امامت و خطابت مسجد جامع هرات، و پیش‌نمازی مسجد نوایی را عهده‌دار بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۳۴ -۱۳۳ /۱)، الذریعه (۲۲۵/۹)، مجالس النفائس (۲۷۵ ،۹۸).

حافظ هروی، کمال‌الدین حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۴ /۹۷۳ ق)، خطاط و قاری. معروف به واحدالعین. اصل وی از هرات بود ولی، به مشهد رفت و از آنجا به قم و به اردوی شاه طهماسب صفوی پیوست. او در خواندن قرآن در خراسان شهرت فراوانی داشت و مورد توجه بزرگان و پادشاهان بود. کمال‌الدین جز نستعلیق، انواع خطوط را ماهرانه و استادانه می‌نوشت. از آثار وی: یک نسخه کلمات قصار حضرت امیرالمؤمنین (ع) و دو قطعه به قلم ثلث نیم دو دانگ و نسخ کتابت ممتاز و عالی، با رقم: «... کمال‌الدین حسین الحافظ الهروی فی المشهد المقدس بتاریخ سنه‌ی ثلث و ثلاثین و تسعمائهٔ» و «مشقه الفقیر کمال‌الدین حسین الحافظ الهروی»؛ کتیبه‌ی صفه‌ی صاحب در مسجد جامع اصفهان، به قلم ثلث سه دانگ کتیبه‌ی عالی، با رقم: «انجام یافت فی تاریخ سنه ثمان و ثلاثین و تسعمائهٔ کتبه کمال‌الدین حسین الحافظ الهروی»؛ یک قطعه از مرقع سید احمد مشهدی، به قلم ثلث سه دانگ جلی و نسخ و رقاع کتابت ممتاز، با رق: «مشقه العبد کمال‌الدین حسین حافظ هروی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار ملی اصفهان (۵۳۸ -۵۳۷)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۶۳/۴، ۱۶۹ -۱۶۸ /۱)، اطلس خط (۳۳۵)، پیدایش خط و خطاطان (۱۵۰)، تاریخ اصفهان (۲۳۳)، تاریخ موسیقی (۳۱۹ -۳۱۸)، تاریخ هنرهای ملی (۸۷۳ -۸۷۲ /۲)، خوشنویسان و هنرمندان (۲۸)، گلستان هنر (۱۰۴ -۱۰۳)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۹۴ -۹۱).

حافظ یاری

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. وی از قاریان قرآن و مصاحبان امیرعلیشیر نوایی بود. حافظ یاری در مدرسه اخلاصیه هرات فوت کرد و در همان شهر دفن شد. از سروده‌های اوست:

گرم بر سر هزار آید بلا، شایسته‌ی آنم

که هستم بدترین خلق و خود را نیک می‌دانم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۳۰۶ ،۲۲۵ /۹)، فرهنگ سخنوران (۲۴۲)، لغت‌نامه (ذیل/ حافظ یاری)، مجالس النفائس (۳۹).

حافظ، احمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، دانشمند و شاعر. او از حافظان معروف زمان خود بود و شاگرد حافظ کلان قاری. میراحمد در بیشتر علوم دست داشت و آثار امام‌محمد شاطبی را درس می‌گفت و به امر خطابه اشتغال داشت. بیش از شصت سال زیست و در فتح‌آباد بخارا درگذشت و همان جا دفن شد. وی در انواع شعر استاد بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۲۱)،

حافظ، شمس‌الدین محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۹۲ -۷۹۱ ق)، شاعر، متخلص به حافظ. مشهور به لسان‌الغیب و ترجمان الاسرار. وی در شیراز ولادت یافت، اما از مدت عمر و تاریخ ولادتش و نام و هویت پدرش، در مآخذ موثق و قابل اعتماد قدیم ذکری نیست. در هر حال وی در جوانی به آموختن قرآن و ادب عربی و علوم اسلامی توجه کرد، و در تفسیر و کلام و حکمت و ادب تبحر یافت. قرآن را از حفظ بود، و بهمین سبب حافظ تخلص می‌کرد. عهد جوانی او مصادف بود با امارت شاه شیخ ابواسحاق اینجو (۷۵۴ -۷۴۴ ق)، در فارس، که ممدوح حافظ واقع شد و شاعر از رجال عهد او و نیز از دوران سلطنت او مکرر با شوق و علاقه یاد کرده است و ظاهراً از مشایخ و علمای عهد این پادشاه، کسانی مانند شیخ امین‌الدین بلیانی، قاضی عضدالدین ایجی و قاضی مجدالدین شیرازی، تا حدی مربی و حامی حافظ بودند. دوره‌ی امارت امیر مبارزالدین محمد مظفر، که توام با سختگیری و تعصب بسیار بود، ظاهراً موجب نارضائی شاعر بود، اما پسران او، شاه شجاع و شاه منصور، مورد توجه و ممدوح حافظ بودند، چنانکه از سایر سلاطین آل‌مظفر نیز، مثل شاه یحیی، شاه محمود و زین‌العابدین و همچنین از سلطان اویس و سلطان احمد ایلکانی نیز که در تبریز و بغداد حکومت داشته‌اند، به تصریح و کنایه در اشعار خویش یاد کرده است. اواخر عمر شاعر مواجه بود با استیلای امیر تیمور بر فارس و اگر ملاقات و مذاکره‌ای که به موجب قول بعضی از تذکره‌نویسان بین حافظ و این پادشاه روی داده است درست باشد، در پایان زندگی شاعر بوده است خاک مصلی که مدفن و مزار کنونی حافظ در شیراز است، به یک روایت ماده تاریخ وفات او نیز هست. حافظ، بنابر مشهور و چنانکه از دیوانش نیز بر می‌آید، به زادگاه خود شیراز علاقه‌ی فراوان داشته است و ستایش شیراز و خوبان آن در دیوان وی بسیار آمده است. ظاهراً بسبب همین علاقه‌ی وافر به شیراز یا بجهات دیگر حافظ برخلاف هموطن خود سعدی به سیاحت و مسافرت چندان رغبتی نشان نداده است، و ظاهرا جز به یزد و هرمز، از شیراز به جای دیگر نرفته است. با این همه، شهرت او هم در زمان حیات به آذربایجان و بغداد و حتی هند نیز رسیده بود، و حتی به موجب بعضی روایات، سلاطین دکنی هند نیز او را به دربار خویش دعوت می‌کردند. در دیوان حافظ، ذکر نام پادشاهان و وزراء و علمای عصر مکرر آمده است، و پیداست که شاعر با غالب بزرگان فارس ارتباط داشته است. حافظ با آنکه چندین قصیده‌ی عالی و چند منظومه‌ی کوتاه محکم و نیز رباعیات و قطعات دارد، شهرتش بیشتر در غزلسرائی است، و غزل او را از همه حیث اوج غزل فارسی می‌شمارند. وصف عشق و شراب و مستی، و بیزاری از ریا و سالوس، شعر او را رنگی خاص بخشیده است و با آنکه شاعر غالباً نظر خوشی درباره‌ی صوفیه ندارد، در بعضی موارد کلام او یادآور مطالب و مقاصد صوفیه است. در حقیقت، تعلیم حافظ ممزوجی است از فلسفه و عرفان اسلامی که- مثل رباعیات منسوب به خیام- از رندی و آزاداندیشی اهل شک و حیرت چاشنی گرفته است. در کلام او، نه فقط ذکر بعضی قدما مثل فردوسی، سعدی، نظامی، ظهیر فاریابی آمده است، بلکه از سلمان ساوجی، خواجوی کرمانی کمال خجندی نیز یاد شده است و مشابهت صورت و مضمون بعضی غزلهای او با غزلهای این شاعران و نیز با بعضی اشعار عماد فقیه و اوحدی کرمانی قابل ملاحظه است. «دیوان» حافظ، بنابر مشهور، اول دفعه به وسیله‌ی یکی از یاران یا شاگردان او، به نام محمد گلندام، تدوین یافته است، و بعدها بعضی غزلهای دیگر نیز به مرور در آن وارد شده است. از بین چاپهای متعدد موجود «دیوان» او فعلاً مهم‌ترین و موثق‌ترین چاپ همانست که به اهتمام محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی در تهران منتشر شده است. «دیوان» حافظ شروح متعدد به فارسی و ترکی دارد، که از آن جمله شرح ترکی سودی بسیار مشهور است. همچنین «دیوان» حافظ و گاه منتخباتی از آن به عربی و عده‌ای از السنه‌ی اروپایی ترجمه شده است، و تاثیر و نفوذ حافظ در ایجاد دیوان شرقی غرب گوته، شاعر آلمانی، محسوس و مشهود است. تفأل با «دیوان» حافظ و حکایات و قصه‌های بسیاری که در باب فال حافظ در کتابها و هم در افواه هست از شهرت و قبول فوق‌العاده‌ای او در نزد عموم فارسی زبانان حکایت دارد.[۱]

(بخش ۱) شیرازی، خواجه شمس‌الدین محمد (و. شیراز اوایل قر. ۸ ه.- ف. شیراز ۷۹۲ ه.ق.) وی نزد دانشمندان عصر از جمله قوام‌الدین عبداللّه به تحصیل علوم پرداخت و در تفسیر و حکمت و ادبیات عرب دست یافت، و قرآن را با چهارده روایت از برداشت و به همین مناسبت حافظ تخلص کرد. دوره زندگانی او با امرای اینجو (جال‌الدین مسعود شاه، شاه شیخ ابواسحاق) و سلاطین آل مظفر (امیر مبارزالدین محمد، شاه شجاع، شاه محمود، شاه یحیی، سلطان زین‌العابدین، شاه منصور.) که در فارس حکومت داشتند، و سلطان اویس و سلطان احمد از ملوک ایلخانی (ایلکانی) که در آذربایجان و بغداد حکومت می‌کردند و در اواخر عمر با امیر تیمور معاصر بود. استادی خواجه در غزل عارفانه است و در این باب تاکنون کسی به پایه او نرسیده است. مدفن خواجه در حافظیه شیراز است (آرامگاه حافظ). دیوان او شامل غزلیات، چند قصیده، چند مثنوی، قطعات و رباعیات است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۴۷۱ -۴۶۹)، از سعدی تا جامی (۴۲۲ -۳۵۸)، از کوچه‌ی رندان، اعیان الشیعه (۳۶۶ -۳۵۶ /۹)، با کاروان حله (۲۸۵ -۲۷۵)، بحث در آثار و احوال و افکار حافظ، بزرگان شیراز (۳۰۷ -۳۰۱)، بزرگان نامی پارس (۴۵۳ -۴۳۹)، بهارستان جامی (۱۱۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۸۹ -۱۰۶۴ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۰۶ -۲۰۵)، تذکرة الشعراء (۳۴۴ -۳۳۸)، تذکره‌ی میخانه (۹۹ -۸۴)، جستجو در تصوف (۲۳۶ -۲۳۱)، چشمه روشن (۲۶۸ -۲۵۹)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (۲۹۱ -۲۰۵)، حافظ و موسیقی، دائرةالمعارف الاسلامیه (۲۵۷ -۲۵۳ /۷)، دائرةالمعارف البستانی (۶۴۸ -۶۴۷ /۶)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۲۱۴ -۱۹۱ /۲)، دایرةالمعارف فارسی (۸۲۷/۱ ذیل حافظ)، در کوی دوست، دویست سخنور (۷۴ -۷۲)، الذریعه (۵۱/۱۶، ۲۲۴ -۲۲۲ /۹)، ریاض العارفین (۱۸۵ -۱۷۶)، ریحانه (۱۵ -۱۲ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۲۹۷ -۲۹۶ /۱)، سیری در شعر فارسی (۳۶۲ -۲۵۷)، شخصیتهای نامی (۱۵۷ -۱۵۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸۲/۸)، طرائق الحقائق (۶۸۵ -۶۸۱ /۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۶۴ -۱۱۶۲ /۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۷۵ -۱۷۴)، فرهنگ سخنوران (۲۴۱ -۲۴۰)، کارنامه‌ی بزرگان

(۲۷۲ –۲۷۱)، کشف الظنون (۷۸۴ –۷۸۳)، الکنی والالقاب (۱۶۷/۲)، گنج سخن (۳۱۵ –۲۹۸ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ حافظ شیرازی)، مؤلفین کتب چاپی (۳۷۷ –۳۶۷ /۵)، مجالس المؤمنین (۱۲۱ –۱۱۹ /۲)، مجمع الفصحا (۲۴ –۱۸ /۴)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۷۹۲)، مخزن الغرائب (۷۲۳ –۶۴۵ /۱)، مرآت الخیال (۵۲ –۵۱)، مرآت الفصاحه (۱۵۱ –۱۴۹)، مواد التواریخ (۳۵۳ –۳۵۱)، نتایج الافکار (۱۷۸ –۱۷۱)، نشتر عشق (۴۳۶ –۴۲۲ /۲)، نفحات الانس (۶۱۲ –۶۱۱)، وقایع السنین والاعوام (۳۹۷)، هفت اقلیم (۲۱۴ –۲۱۱ /۱)، یادگار (س ۱، ش ۱، ص ۱۲ –۷).

حافظ، محمدیوسف

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطاط. از آثار او: ادعیه‌ی نیم‌ربعی جلد روغنی، سرلوح مرصع، تمام متن و حاشیه مذهَّب، به خط نسخ کتابت جلی متوسط و با رقم: «کتبه تراب اقدام المؤمنین الفقراء محمدیوسف الحافظ فی شهور سنهٔ ۱۱۵۷...»، در کتابخانه‌ی سلطنتی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۰۹/۴).

حافظی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۸۴ –۹۳۰ ق)، فقیه و شاعر، متخلص به حافظی. شاعر عهد شاه طهماسب صفوی بود. کتاب «التحفه الطهماسبیه» را که منظومه‌ای ۲۰۰ بیتی است به فارسی در اصول دین به امر آن پادشاه به نظم درآورد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۸۰/۴)، الذریعه (۴۵۰/۳)، ریحانه (۱۶/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ حافظی).

حافظی شیرازی، غیاث‌الدین حسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن رحلی عظیم مذهب و جلد سوخت عالی ریحان نیم دو دانگ خوش. نسخ نیم دو دانگ جلی خوش با رقم: «غیاث‌الدین حسن حافظی الشیرازی ابن مرشدالدین محمد غفرالله رب‌العالمین و کتب فی ایام عمرنا او حیوتنا مائهٔ و ثلث و ثمانین و من المصاحف المختومهٔ المرقومهٔ فی سنهٔ اثنین و تسعون و ست مائه (۹۹۲) من الهجرهٔ النبویهٔ» در موزه‌ی اسلامی ترک.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

حافظی کرمانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر. او اهل کرمان بود و در شهر هرات اقامت داشت. وی گرچه از علم و فضل بهره کافی داشت و به وعظ و ذکر مشغول بود امّا، از رهگذر صنعت حکاکی زندگی می‌گذرانید. حافظی با شاه‌عباس معاصر بود و در سرودن اقسام شعر توانا.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۲۵/۹)، صبح گلشن (۱۱۶)، فرهنگ سخنوران (۲۴۲)، لغت‌نامه (ذیل/ حافظی)، مجالس النفائس (۱۵۳)، نشتر عشق (۴۴۲/۲)، هفت اقلیم (۲۸۴/۱).

حافظی یزدی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۴۴ ق)، شاعر، متخلص به حافظی. وی تحصیلات قدیمی داشت. گاهگاهی شعر می‌سرود. از اوست:

هر جا که بگذرم سخن از عشق روی تست

جانا چه کرده‌ای همه جا گفتگوی تست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۸۰۹ -۸۰۶).

حافظیان، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالحسن حافظیان خراسانی از روحانیون و دانشمندان متقی کراچی می‌باشد.

وی در مشهد مقدس متولد شده و در بیت سیادت پرورش یافته و از محضر مرحوم جمال‌السالکین آقای حاج شیخ حسنعلی اصفهانی و آیت‌اللّٰه آقا میرزا مهدی اصفهانی غروی و دیگران استفاده و کسب فیض نموده مخصوص در قسمت علوم غریبه و ادعیه محربهٔ زحمات فراوان کشیده و بیش از سی سالست که برای خدمت بیشتری به کراچی در پاکستان رفته و در ضمن تجارت انجام وظیفه نموده است.

اکثر مردم کراچی از ایرانی و هندی اعتقاد مخصوصی بدعاء و نفس او دارند از باقیات الصالحات و آثار اوست ضریح نقره و طلاکاری حضرت علی بن موسی‌الرضا (ع) که به نقشه‌ی و همت والای او و کمک مردم و بودجه خود حضرت رضا (ع) ساخته و بر روی قبر مطهر نصب گردید و قبلا ضریح فولادین داشت که جلب نظر نمی‌نمود

و دیگر تأسیس و توسعه انجمن کراچی و صندوق اعانات و اکنون ریاست انجمن بعهده معظم له می‌باشد

عارف.

تولد: ۱۲۸۲، مشهد.

درگذشت: ۱۳۶۰، مشهد.

سید ابوالحسن حافظیان مشهدی ابتدا به فراگرفتن ادبیات و ریاضی و طب قدیم و نجوم و هیئت و فقه و اخلاق پرداخت، لیکن به زودی وارد ریاضیات و تحصیل علوم غریبه گشت.

حافظیان، در حوزه‌ی مشهد با آیت‌الله مجتبی قزوینی آشنا شد و از طریق ایشان بود که با ذکر مقامات و کرامات و علوم سید موسی زرآبادی، وی را متوجه‌ی ایشان کرد. و همین باعث شد تا حافظیان به راهنمایی و همراهی مجتبی قزوینی در سال ۱۳۴۸ ق. به قزوین مسافرت کند و به محضر سید برسد و به کسب مراحلی نایل آید.

سید ابوالحسن حافظیان سال‌ها در یکی از حجره‌های فوقانی صحن عتیق رضوی (صحن انقلاب)- حجره‌های رو به قبله، در سمت شمال شرقی- به عبادت و ریاضت اشتغال داشت. از آثار ایشان، یکی لوح محفوظ است و دیگری کتابی در شرح آن و نیز لوح جنهٔ‌الاسماء که با دقت و زیبایی نوشته است.

همچنین ضریح مبارک حضرت امام

رضا (ع) از آثار حافظیان است. ایشان سال‌ها پیش، به فکر تعویض ضریح قبلی- که فرسوده شده بود- افتاد، و پس از اتمام ساختن ضریح، به وسیله هنرمندان اصفهانی و مشهدی، و انتقال ضریح سابق به موزه‌ی آستان قدس رضوی، ضریح جدید نصب گردید و به روز نیمه شعبان سال ۱۳۷۹ ق.، از آن پرده‌برداری شد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حاکم حسکانی، ابوالقاسم، عبیداللّٰه

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۴۷۰ ق)، متکلم، فقیه، محدث و قاضی. مشهور به ابن حداد یا ابن حذاء. او از نوادگان عبداللّٰه بن عامر، فاتح خراسان، بود. برخی وی را حنفی پنداشته‌اند، اما بیشتر رجال‌نویسان شیعی بر تشیع وی حکم کرده‌اند. او معاصر صدوق دوریستی بود و از جد خود و از ابوالحسن علوی و ابوعبداللّٰه حاکم و ابوطاهر بن محمش و ابن فنجویه دینوری و همطبقه‌ی آنان روایت می‌کرد. وی از ملازمان ابوبکر بن حارث اصفهانی نحوی بود و از احمد بن علی بن منجویه نیز بهره گرفت، اما فقه را از قاضی ابوالعلاء صاعد بن محمد آموخت. ابن شهرآشوب در «معالم العلماء» به شرح حال او پرداخته است. از آثار وی: «تصحیح خبر ردالشمس لعلی (ع)»؛ «خصایص علی بن ابی‌طالب (ع) فی القرآن» و «شواهد التنزیل لقواعد التفضیل»؛ «دعاء الهداهٔ الی اداء حق الموالات»، ذکر حدیث غدیر خم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۳۷ -۱۳۶ /۸)، الذریعه (۲۴۳ -۲۴۲ /۱۴ ،۱۹۶/۸ ،۱۶۶/۷ ،۱۹۵ -۱۹۴ /۴)، ریاض العلماء (۲۵۷ -۲۵۶ /۳)، سیر النبلاء (۲۶۹ -۲۶۸ /۱۸)، الغدیر (۱۴۶/۱)، معجم رجال الحدیث (۷۵ -۷۴ /۱۱)، هدیهٔ الاحباب (۱۱۶).

حاکم نیشابوری، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۰۵ -۳۲۱ ق)، حافظ، محدّث، فقیه و عارف. معروف به ابن البَیّع و مشهور به شیخ المحدثین. در نیشابور متولد شد. از همان دوران کودکی به تحصیل علم و دانش پرداخت. وی در طلب علوم عصر بویژه دانش حدیث که پرجاذبه‌ترین دانشهای آن روزگار بود به نقاط مختلف عالم اسلامی از نیشابور تا عراق و حجاز و ماوراءالنهر و دیگر بلاد خراسان سفر کرد، و در نیشابور و دیگر بلاد از حدود دو هزار تن از مشایخ سماع حدیث داشته است. در شناختن و نقد حدیث در آن روزگار کسی همتای او نبود. یکی از استادان وی حاکم ابواحمد نیشابوری است. ابوعبداللّه در تصوف نیز از محضر ابوالحسن پوشنجی و جعفر بن نصیر و ابوعمر و زجاجی و ابوعثمان مغربی کسب فیض کرد. وی در عصر سامانیان به روزگار وزارت عُتبی در سال ۳۵۹ ق چندی قضاوت نیشابور را عهده‌دار بود. برخی نویسندگان یادآور شده‌اند که وی نقش میانجی سیاسی میان سامانیان و آل‌بویه را نیز عهده‌دار بوده است. مشهورترین عنوانی که وی بدان شناخته می‌شود «الحاکم» است. بنا به گفته‌ی ابن خلکان، این عنوان به اعتبار مقامی است که در قضاوت داشته است و به گفته‌ی محدث قمی در «الکنی والالقاب»، حاکم در اصطلاح محدثان به کسی اطلاق می‌شود که احاطه به جمیع احادیث داشته باشد. بسیاری از محدثان عامه چون او را متشیع دانسته‌اند، نقل حدیث- غدیر- «من کنت مولاه...» و حدیث «طیر» و نگارش کتاب «فضایل حضرت زهرا (س)» را از نقاط ضعف او شمرده‌اند. آنه مسلم است این که وی اگر چه در باطن شیعی مذهب بود، اما در ظاهر مسلمانی سنی و بر مذهب امام شافعی بوده و مانند اغلب شافعیان به اهل‌بیت رسول و امیرالمؤمنین علی (ع) ارادتی خاص داشته است. او بر اثر سکته در نیشابور درگذشت. از آثار او: «تاریخ نیشابور»؛ «المستدرک علی الصحیحین»؛ «معرفهٔ علوم الحدیث»؛ «مُزَکّی الاخبار»؛ «المدخل الی الاکلیل»؛ «فضایل فاطمهٔ الزهرا»؛ «فضایل الشافعی»؛ «المدخل الی الصحیح»؛ «مفاخر الرضا»؛ «فوائد الشیوخ»؛ «الامالی».[۱]

عبدالمجید طالقانی. خطاط معروف ایرانی (ف. ۱۱۸۵ ه.ق.). وی از مردم طالقان بود و در آغاز جوانی به اصفهان رفت و چندی در کسوت فقر گذرانید. سپس به مشق خط پرداخت و از نستعلیق شروع کرد. پس از اندک زمانی به خط شکسته مشغول شد و در این هنر استاد مسلم گردید. خط شکسته را درویش کامل کرد، قواعد این خط را استوار نمود و زیبایی و شیوایی آن را به حد اعلی رسانید. از گرانبهاترین آثار او جز مقطعات و مرقعات متعدد نسخه «کلیات سعدی» است که در کتابخانه سلطنتی ایران موجود است. وی شاعر بود و در شعر «خموش» و «درویش» تخلص می‌کرد و دیوان غزلیاتش موجود است. وی در جوانی (سی و پنج سالگی) درگذشت و از معروفترین شاگردانش میرزا کوچک است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۰۱/۷)، اعیان الشیعه (۳۹۱/۹)، تاریخ بغداد (۴۷۴ -۴۷۳ /۵)، تاریخ نیشابور (مقدمه/۴۲ -۳۰)، دایرهٔالمعارف فارسی (۸۲۸/۱)، الذریعه (۱۹۹/۲)، روضات الجنات (۲۶۶/۷)، ریحانه (۴۲۷/۷)، سیرالنبلاء (۱۷۷ -۱۶۲ /۱۷)، کشف الظنون (۱۴۴)، الکنی والالقاب (۱۷۰ -۱۷۲ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن بیع)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۳ -۵۸۲ /۵)، معجم المؤلفین (۲۳۸ -۲۳۹ /۱)، الوافی بالوفیات (۳۲۱ -۳۲۰ /۳)، وفیات الاعیان (۲۸۰ -۲۸۱ /۴).

حاکمی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل حاکمی ، در سال ۱۳۱۵ در آبادان متولد گردید. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آبادان و شیراز به پایان برد. در سال ۱۳۳۴ پس از اخذ دیپلم ادبی از دبیرستان سلطانی شیراز به دانشکده ادبیات و علوم انسانی وارد گردید و پس از اتمام دوره لیسانس به سال ۱۳۳۷ وارد دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی شد و در سال۱۳۴۳ به اخذ درجه دکتری از دانشگاه تهران نائل آمد.دکتر حاکمی از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۷ به خدمت در وزارت آموزش و پرورش پرداخت و سپس به سال ۱۳۴۷ به درجه استادیاری و سال ۱۳۵۲ به دانشیاری و سرانجام به سال ۱۳۶۲ به مرتبه استادی دانشگاه تهران نائل گردید. استاد بعد از ۲۲ سال خدمت مداوم دولتی در مهر ماه ۱۳۶۹ درجه استادی ممتاز دانشگاه تهران را حائز گردید.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : اسماعیل حاکمی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آبادان و شیراز به پایان برد. در سال ۱۳۳۴ پس از اخذ دیپلم ادبی از دبیرستان سلطانی شیراز به دانشکده ادبیات و علوم انسانی وارد گردید و پس از اتمام دوره ی لیسانس به سال ۱۳۳۷ وارد دوره ی دکترای زبان و ادبیات فارسی شد و در سال۱۳۴۳ به اخذ درجه ی دکترا از دانشگاه تهران نائل آمد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : اسماعیل حاکمی در طول ۳۲ سال خدمت علمی و فرهنگی ، متصدی سمت های : ریاست دبیرستان ، مدیریت گروه ، معاونت دانشگاه علامه طباطبایی ، ریاست کتابخانه مرکزی دانشگاه را عهده دار بود.

فعالیتهای آموزشی : اسماعیل حاکمی از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۷ به خدمت در وزارت آموزش و پرورش پرداخت و سپس به سال ۱۳۴۷ به درجه استادیاری و سال ۱۳۵۲ به دانشیاری و سرانجام به سال ۱۳۶۲ به مرتبه استادی دانشگاه تهران نائل گردید. استاد بعد از ۲۲ سال خدمت مداوم دولتی در مهر ماه ۱۳۶۹ درجه استادی ممتاز دانشگاه تهران را حائز گردید.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حضور در کنگره ها و سمینارهای بین اللملی چون کنگره سعدی و حافظ و سمینار استادان فارسی هند ـ سمینار اقبال در پاکستان و دانشگاه کابل و دانشکده الهیات استانبول از جمله فعالیت دیگر اسماعیل حاکمی می باشد.

جوائز و نشانها : در سال تحصیلی ۷۰-۶۹ اسماعیل حاکمی عنوان استاد ممتاز را به خود اختصاص داده و توانست لوح تقدیر دریافت نماید. ---

منابع :

۱مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ، شماره پیاپی ۱۱۴–۱۱۳ ، سال ۲۸ ، بهار و تابستان ۱۳۶۹ ، ص ۳۱۳

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

حالت، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم حالت، فرزنـد محمـدتقی حالت در خانواده‌ای متمـدن و مذهبی متولد شد. وی از کودکی به موسیقی و نقاشی و شـعر و نویسندگی علاقه تام داشت و چون امکان پرورش ذوق و استعداد و رشد و ترقی خود را در موسیقی و نقاشی در خانواده مشاهده نکرد به شعر و نویسندگی روی آورد و طولی نکشید که در این هنرها پیشرفت شایانی کرد و از بزرگان آن گردید.

درباره اولین شعری که حالت سرود، خود وی می‌گویـد: «روزی در مـدرسه با یکی از دوستان همکلاسم قهر کرده بودم و چون خیلی نسبت به هم صمیمی بودیم بالاخره طاقت نیاوردم و با یک قطعه سه بیتی از او معذرت خواستم، این قطعه که اولین شعرم بود و متأسفانه الان هیچ به یادم نیست موثر واقع شـد و قهر ما را به آشتی تبدیل نمود... اثر این شعر مرا بر آن داشت که شاعری را دنبال کنم، لـذا از کلاس شـشم ابتـدایی گاهگـاهی شعر سـاختم، مخصوصـا تابستان‌ها که مـدرسه تعطیل بود و فراغت بیشتری داشـتم و می‌توانستم هم شعر بسازم و هم دنبال چاپ آن بروم اما روزنامه‌های ادبی آن ایام که عبارت بودند از «نسیم شمال» و «کانون شعرا» و «توفیق» همه از چاپ اشعارم خودداری می‌کردند، چون بسیار ناپخته بود، ولی این امر به هیچ‌وجه باعث دلسردی من نمی شد... تا دو سه سال بعد که کم‌کم بعضی از اشعارم در روزنامه‌ها چاپ شد.»

پس از چنـدی که اولین اثر ابوالقاسم حالت در یکی از جرایـد چاپ گردید، درصدد برآمد که خود را به کانون و انجمن‌های ادبی نزدیک نماید، به همین سبب بعضـی شب‌ها به انجمن ادبی ایران که ریاست آن با شاهزاده محمدهاشم افسر بود می‌رفت و در یکی از همین شب‌ها یکی از اشعار خود را در این انجمن ادبی قرائت می‌کنـد که صـدای آفرین و احسنت رسا و پر طنطنه شیخ‌الملک اورنگ که در آن زمان نایب رئیس انجمن بود به قدری وی را تحت تأثیر قرار داد که تا صبح خواب به چشمانش راه نیافت. از این زمان به بعد وی در راه شهرت و ترقی گام‌های بلندی یکی پس از دیگری برداشت.

باری ابوالقاسم حالت، در کلاس‌های چهارم دبیرستان مروی درس می‌خواند و چون اواخر سال تحصیلی بو و محصلین در حالی که کتاب‌های خود را جهت تمرین دروس زیر بغل نهاده و عازم محوطه باغ ملی که درختان زیادی داشت و محلی مصفا بود می رفتند، حـالت هم کتـاب خود را برداشت عـازم این محـل گردیـد. در خیابـان خیـام نزدیـک باغ ملی با مرحوم حسین توفیق صاحب امتیاز روزنـامه توفیق برخورد می‌کنـد و از طرف دعوت می‌شود که بـا هیئت تحریریه این روزنـامه همکاری نمایـد وی از نخستین شـماره روزنامه فکاهی توفیق تا مدت پنج سال متوالی سردبیری این مجله فکاهی را به عهده داشت.

حالت بعـد از وقایع شـهریور ۱۳۲۰ بـا بسیاری از جرایـد از جمله روزنامه‌هـای: «امیـد»، «قیـام ایران» و مجله «تهران مصور» همکاری می‌کند.

در مورد انگیزه ترانه می‌گوید: «یک شب مرحوم دهقان پیشـنهاد کرد که برای تماشاخانه تهران تصنیف بسازم اولین تصنیف من که توسط حمیـد قنبری به عنوان پیش سپرده در تماشاخانه تهران خوانـده شـد و خیلی معروف گردید، تصـنیف «چاقوکش‌ها» بود که با این شعر شروع می‌شد:

بچه‌ی چاقوکشم و گردنم کلفته

هر جا من باشم باید خون راه بیفته

بقیه‌اش حرف مفته

بعـد از تصنیف «وکـالت خانم‌هـا» را سـاختم کـه مرحـوم مجیـد محسـنی خوانـد. از آن به بعـد این کـار را هم دنبـال کردم و اغلب تصـنیف‌هایی را که می‌ساختم توسط حمیـد قنبری، جمشیـد شیبانی و مرحوم مجیـد محسـنی خوانـده و اجرا می‌گردید. البته بعضـی تصنیف‌های جدی و ادبی هم برای جامعه باربد ساخته‌ام که در آن زمان خانم ملکه حکمت شعار اجرا می‌کرد.»

ابوالقـاسم حـالت در سال ۱۳۲۵ بنـا بـه دعـوت کمپـانی «اورگرین پیکچر» به هندوسـتان سـفر کرد و در بمـبئی به کـار دوبلاـژ فیلم پرداخت و مدتی نتوانست در کار تصـنیف‌سازی فعال باشد. تا این‌که مرحوم مهدی خالدی، مرحوم جواد بدیع‌زاده، مرحوم نصـراللّه زرین‌پنجه، مرحـوم علی زاهـدی، مرحـوم یوسف کاموسـی، مرحوم علی‌اکـبر پروانه و خـانم دلکش جهت ضـبط صـفحه از ایران به بمبئی رفتند و حالت به عنوان یادگار برای این هیئت ایرانی تصـنیف «شیرین» را ساخت، و علی زاهدی آن را اجرا کرد. این تصنیف اینطور شروع می‌شود:

شیرین، شیرین، سروقد و سیمین برو گل پیکری تو

در مذاق از شکر شیرین‌تری تو

ابوالقاسم حالت، در بهار سال ۱۳۲۷ به وطن بازگشت و در آن زمان، سرپرستی اداره کل انتشارات و رادیو با ابوالقاسم پاینـده بود، از وی دعوت به عمل آورد تا برای رادیو تصـنیف بسازد و پس از یک ماه که با رادیو همکاری کرد، چون به استخدام شرکت نفت درآمده بود، عازم آبادان شد و این همکاری قطع گردید. وی از شعرای دانشمند و باذوق می‌باشد که به سه زبان عربی و انگلیسی و فرانسه تسلط کامل دارد و چندین کتاب از نویسندگان انگلیسی و فرانسوی را ترجمه کرده است.

در اینجا نام چند آثار این شاعر فاضل و ادیب و مترجم را یادآور می‌شوم:

۱- ترجمه کلمات قصار حضرت علی (ع) به زبان انگلیسی و فارسی و رباعیات فارسی.
۲- کتاب بهار زندگی (ترجمه از انگلیسی به فارسی).
۳- پیشروان موشک‌سازی (ترجمه از انگلیسی به فارسی).
۴- جادوگر شهر زمرد (ترجمه از انگلیسی به فارسی).
۵- شبح در کوچه میکل‌آنژ (ترجمه از فرانسه به فارسی).
۶- پروانه و شبنم (شامل قصاید ادبی به سبک سنایی).
۷- فکاهیات حالت (در دو جلد شامل اشعار فکاهی).
۸- رقص کوسه (شامل بیست داستان کوتاه).

در اینجا یادآور می‌شوم، گفتگویی را که با منوچهر همایون‌پور که از دوستان صمیمی حالت بود، به اطلاع خوانندگان گرامی برسانم، همایون‌پور، می‌گفت:

«در تابستان سال ۱۳۳۲ وقتی که زنده‌یاد مهدی خالدی همکاری خود را با خانم دلکش رها کرد و به فکر ابداع برنامه‌های دیگر افتاد، اولین کاری که طرح و شروع به اجراء آن کرد، همکاری با آوازخوان‌های مختلف بود، یکی از افرادی را هم که برای همکاری دعوت کرد من بودم، در آن ایام برنامه‌های موسیقی قبل از ظهر جمعه انحصاراً در اختیار ایشان بود که مورد علاقه اکثریت دوستداران موسیقی بود.

از کارهای بسیار ظریف و دقیق و هنرمندانه ایشان انتخاب آهنگ و شعر متناسب برای سبک و ذوق آوازخوان‌ها با رعایت و شناخت کل هنر آن‌ها بود با توجه به این موضوع که من در امر شعر و کلام و مضمون و آهنگ دقت داشتم و با آگاهی به طرز فکر و در عین حال انس و الفت و آشنایی که میان ما بود در انتخاب کلام و مضمون و آهنگ این تصنیف توجه خاص به من کرد. تصنیفی را با آهنگی متناسب و شعری از شاعری را برای من در نظر گرفت که می‌توان به جرأت و با دلایل متقن اظهار کرد که از آغاز ترانه‌سرایی در دوران مختلف تاکنون از لحاظ پیوستگی مضمون شعری و انتخاب کلام و صنایع بدیعی در نوع خود اگر نه بی‌نظیر که غلو و گزافه‌گویی زیاده از حد معقول نیست، ولی کم‌نظیر است.

عنوان این تصنیف «گلباران» است و به صورت‌های مختلف در تمام جمله‌ها و با عنایت به صنتهع «التزام» که یکی از صنایع بدیعی است، کلمه «گل» با ترکیب‌های مختلف به کار گرفته شده است و «گل» کرده است.

در انتخاب آهنگ این تصنیف که نت آن با خط زنده‌یاد نزد اینجانب موجود است و شاید در تجدید چاپ کتاب ایشان در جزء کارهای وی افزوده شود نیز حد اعلای تناسب ذوقی و موسیقیائی را با توجه به ذوق و سلیقه من به کار برده بود.

آهنگ این تصنیف در مایه ابوعطا و از آوازهای مورد علاقه من است، تصنیف از دو بخش تشکیل شده است.

بخش اول، با ضرب (ریتم) ۴ / ۴ و با الهام از یک آهنگ کردی است.

بخش دوم، با ضربی شاد و ریتمیک و در ضرب ۶ / ۸است.

این تصنیف در روز جمعه و قبل از ظهر در رادیو اجرا و منتشر شد. گرچه حسرت و افسوس بر گذشته نه کاری عاقلانه است و نه سودی از آن عاید خواهد شد. اما از جهاتی جای دریغ است که در آن ایام اوضاع و احوال صنعت ضبط به صورت ابتدایی بود و در دسترس عموم نبود و این ترانه چون خیلی از کارهای من به فراموشی سپرده شد. افسوس دیگر این‌که در اوقات جمع‌آوری و چاپ آثار ایشان اولا آگاهی نداشتم، در ثانی کسالت ایشان در سال‌های اخیر و بعضی مسائلی که ذکر آن‌ها جایز نیست و ملال‌آور است ارتباط و مراوده چون روزگار گذشته برقرار نبود.

گفتنی است، در بزرگداشتی که برای آقای ابوالقاسم حالت، در زمستان سال ۱۳۷۰ گذاشتند، درباره تصنیف‌سرایی ایشان و توضیح و شناساندن این رشته سخن را به دست کسی سپردند که اصلاً در کار تصنیف‌سرایی و تاریخ و سیر آن آگاهی نداشتند و این کار به صورتی که دیده شد در واقع انجام گردید.

البته این چنین بزرگداشت‌ها در زیر یک سقف و با حضور دویست، سیصد یا هزار نفر برای مردی با پنجاه سال سابقه کارهای ادبی و هنری مختلف همچون افزودن یک ظرف آب به رودخانه‌ای است. البته ترتیب دهندگان آن بزرگداشت نه تنها در مورد تصنیف‌سرایی ایشان که درباره بزرگترین کار بی‌نظیر وی که همانا برگرداندن نهج‌البلاغه به زبان انگلیسی و عربی و سرودن یک رباعی متناسب با همان معنی و مفهوم که کاری بس دشوار و ابداعی نو آیین است و تا این زمان کسی دانش و هنر دست یا زیدن به چنین کاری شگرف را نداشته است، به‌طرز جامع و دلخواه حرفی و سخنی گفته نشده به‌هر تقدیر ظهور چنین مردانی یک امر مألوف و معتاد نیست، گوینده این مطالب را اعتقاد بر آن است که این چهره هم به دلایلی از تصاویری است که در قاب زمان حال نمی‌گنجد و طبق معمول روزگار آیندگان هنرمند و هنرشناس می‌آیند و این تصور بزرگ را در جای خود قرار می‌دهند.

عمر و زندگی افراد عادی با روز و ماه و سال سنجیده می‌شود، اما عمر دانشمند، نویسنده، محقق، شاعر و هنرمند این چنین نیست و حیات این قبیل افراد و نوادر روزگار عبارت است از تعداد و اندازه آثار آنان در طول مدت زندگانی.

متأسفانه در شب یک شنبه سوم آبان‌ماه ۱۳۷۱ این استاد بزرگ ادبیات دار فانی را وداع گفت، روانش شاد. هنوز خیلی از نوباوگان ذوق و اندیشه او در باغ ادب و هنر ایران- زمین به گل ننشسته‌اند، و اینک تصنیف «گلباران» و شرح صنایع بدیعی و لطایفی که در آن به کار رفته است.

(۱) در فصل گل که گردد گلباران گلشن
وه چه گل‌ها کز خون دارم من بر دامن
ز غم گلرخسارم
شده گلکاری کارم
بهر گلی رخ را گلگون مکن از خون

در راه یک لیلی خود را مکن مجنون
تا از درون دل غم را کنی بیرون
در پای سر کن در کش می گلگون
(۲) گلعذاری که گل پیش او چون خار است
گل بهر اغیار و خار از بهر یار است
دل او زارم خواهد
گل من خارم خواهد
بهر گلی تا کی آری به خواری سر
چون بی‌وفا شد گل خاری از او خوشتر
هر سو در این گلشن گلی هست و گل پیکر
این گل نشد سر کن با نوگل دیگر
(۳) دلبرا رو که دیگر دلی در بر نیست
شوق گل چیدن دیگرای گلی در سر نیست
دگر این دل افسرده
دگر این گل پژمرده
ای نوگل خندان، من از تو بی‌زارم
رو رو که من یارا مستغنی از یارم
آسوده از یارم فارغ از اغیارم
هم بر کنار از گل هم ایمن از خارم

در جای جای ترانه کلمه‌ی گل به صورت جناس تام آمده است.

گل گلشن جناس مذیل است.

گل و خار طباق و تقابل و مراعات نظیر است.

اغیار و یار هم جناس زاید و هم طباق است.

و ترکیب‌های دیگری چون: نوگل، گلی، گلرخسار، گلعذار، گلگون به صورت‌هایی که دیده می‌شود در این ترانه گل کرده است و واقعاً سراینده، با این «گل‌ها»، گل کاشته است.

در گلستان که زاغان نغمه‌پردازی کنند
گوش گل را گوشواری بهتر از سیماب نیست
«رضی دانش»

شادروان استاد ابوالقاسم حالت، گذشته از آنکه در سرودن انواع و اقسام شعر پارسی از قصیده و غزل و مخمس و چهارپاره و طنز و رباعی و غیره ماهر و مسلط و از بعضـی جهات بی‌بدیل بود، در ترانه‌سرائی نیز دستی قوی و ذوقی لطیف داشت و بر روی آهنگهای بسیاری از هنرمنـدان رادیو ایران منجمله امین‌اللّه رشـیدی آهنگسـاز و خواننـده رادیو ترانه‌هایی زیبایی سـروده بود که نمونه از آنها ذیلاً می‌آید.

«برباد رفته»
من آن گلم که دور از چمنم
چنین پریشان که منم
چو یار دور از وطنم
چرا جدا ز گلشنم
باد سحر از چمنم برده بدر
بجا گذرم
چه رَوَد بسرم؟
ز رهی که رَوَم نَبَوَد خبرم
همره طوفان میگذرم
رهرو راهی پر خطرم
تیره جهان شد در نظرم
شد جانم آزرده
شد رویم پژمرده
مانده جدا از باغ و چمن
رنگ صفا رفت از رخ من
دیده بسوی من بفکن
تا بینی احوالم
این بخت و اقبالم
تا شده‌ام جلوه‌گر از باغ جهان

رفتم و شد چهر من از دیده نهان
نه کسی، نفسی، گذرد به برم
که شکایت دل بر او ببرم
نه ز بوی خوشم اثری
نه وجود مرا ثمری
نه کسی پی دیدن من
نه دل پی چیدن من
نه گلی شده همدم و همبر من
نه گیاه بسرم شده سایه فکن
همه نرگس و لاله چه شد؟
آه از دوری همنفسان
چو کسی ز میان برود
گویی رفته ز یاد کسان
نه دل و نه هوس
منم و غم و بس
چه بود ثمرم چه بود اثرم
همره طوفان میگذرم
رهرو راهی پر خطرم
تیره جهان شد در نظرم
شد جانم آزرده
شد رویم پژمرده

(۱۳۷۱ –۱۲۹۴ / ۱۲۹۳ ش)، نویسنده، شاعر، روزنامه‌نگار و مترجم. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات خود را در همین شهر به پایان رسانید و از همان کودکی به شعر و ادب علاقه‌ی فراوانی داشت. از سال ۱۳۱۴ ش به طور رسمی به شعر و شاعری پرداخت و از سال ۱۳۱۷ ش با روزنامه‌ی فکاهی «توفیق» همکاری کرد. بحر طویلهای او با امضاهای هدهدمیرزا و اشعارش با امضای خروس لاری، شوخ، فاضل مآب و ابوالعینک، به چاپ می‌رسید. حالت با نشریات بسیاری چون: «امید»، «تهران مصور»، «قیام ایران» و «خبردار»، همکاری داشت و ملك‌الشعرا بهار او را به کنگره‌ی نویسندگان ایران دعوت کرد. او در ترانه‌سازی توانا بود و علاوه بر آن شاعری محقق و مترجمی زبردست بود و به زبانهای انگلیسی و عربی و فرانسه، مسلط. از وی ترجمه‌های متعددی به جای مانده است. از آثار او: «دیوان» اشعار؛ «پروانه و شبنم»؛ «تذکره‌ی شاهان شاعر»؛ «کلمات قصار حضرت علی (ع)»؛ ترجمه‌ی «تاریخ کامل ابن‌اثیر»؛ «تاریخ فتوحات مغول»، اثر ج ج ساندوز؛ «تاریخ تجارت»، اثر اریک. ن. سیمونز؛ «زندگی من»، اثر مارك تواین؛ «بهار زندگی»، اثر کلاویس هاستی کارول.[۱]

شاعر، مترجم.

تولد: ۱۲۹۸، تهران.

درگذشت: ۳ آبان ۱۳۷۱، تهران.

ابوالقاسم حالت (با نام اصلی ابوالقاسم عبدالله فرد) متخلص به «حالت»، فرزند محمدتقی حالت، تحصیلات خود را در تهران از دبیرستان مروی به پایان رساند. از سال ۱۳۱۴ به شاعری پرداخت و در انجمن‌های ادبی و از جمله انجمن ادبی ایران راه یافت. در سال ۱۳۱۷ در هفته‌نامه‌ی «توفیق» که تازه فکاهی شده بود با مدیر آن، حسن توفیق، همکاری کرد (از نخستین شماره‌ی روزنامه فکاهی توفیق تا مدت پنج سال متوالی سردبیری این مجله فکاهی را به عهده وی بود) و این همکاری را تا آخرین شماره‌ی «توفیق» که به مدیریت حسن توفیق انتشار می‌یافت، ادامه داد در مدت این همکاری، بحر طویل‌های وی به امضای «هدهد میرزا» و اشعارش به امضاهای «خروس لاری»، «شوخ»، «فاضل مآب» و «ابوالعینک» در توفیق به چاپ می‌رسید.

بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰ علاوه بر هفته‌نامه‌ی «توفیق» با هیئت تحریریه برخی از جراید دیگر نیز همکاری می‌کرد. در هفته‌نامه‌های «امید»، «قیام ایران»، «خواندنیها» و «خبردار»، آثاری فکاهی به نثر و نظم داشت. در مجله‌ی «تهران مصور» نیز با امضای «فاضل مآب» قطعاتی را سرود.

ولی اشعاری که برای درج در هفته‌نامه «آیین اسلام» می‌ساخت همه جدی (غیر فکاهی) بود که از تاریخ شانزدهم فروردین ۱۳۲۳ به بعد هر هفته پنج رباعی که ترجمه‌ی منظوم کلمات قصار حضرت علی (ع) بود. همچنین یك قصیده اخلاقی و عرفانی از وی در آن هفته‌نامه دیده می‌شد. بیشتر قصاید او در همکاری با هفته‌نامه‌ی مذکور سروده شده است.

از جمله مشغولیت‌های دیگر وی ترانه‌سازی بود. در واقع با سرودن ترانه‌های فکاهی از اوضاع سیاسی و اجتماعی آن دوره انتقاد می‌کرد. این ترانه‌های به عنوان پیش‌پرده در تماشاخانه‌ی تهران به وسیله‌ی مجید محسنی، حمید قنبری، جمشید شیبانی و در تماشاخانه‌ی گهر به وسیله‌ی عزت‌الله انتظامی اجرا می‌شد.

در انجام کارهای هنری جامعه‌ی باربد نیز که به مدیریت اسماعیل مهرتاش اداره می شد. شرکت داشت. در بهار سال ۱۳۲۵ آثار فکاهی خود را در دو جلد تحت عنوان فکاهیات حالت منتشر کرد. در همین سال به نخستین «کنگره‌ی نویسندگان ایران» دعوت شده که به ریاست ملك‌الشعرای بهار تشکیل شده بود. این کنگره از چهارم تا دوازدهم تیر ۱۳۲۵ ادامه داشت و در این کنگره دو شعر جدی قرائت کرد: قصیده‌ای تحت عنون «ستمگر و ستمکش» و یك مثنوی به نام «توپ فوتبال».

ابوالقاسم حالت در سال ۱۳۲۵ بنا به دعوت شرکت «اورگرین پیکچر» به هندوستان سفر کرد و در بمبئی به کار صدابرگردانی فیلم پرداخت و مدتی توانست در کار تصنیف‌سازی فعال باشد. تا اینکه مهدی خالدی به همراه گروهی برای ضبط صفحه از ایران به بمبئی رفتند و حالت به عنوان یادگار برای این هیئت ایرانی تصنیف «شیرین» را ساخت و علی زاهدی آن را اجرا کرد. ابوالقاسم حالت در بهار سال ۱۳۲۷ به ایران بازگشت و در آن هنگام، سرپرستی اداره‌ی کل انتشارات رادیو تهران با ابوالقاسم پاینده بود که از وی دعوت به عمل آورد تا برای رادیو تهران تصنیف بسازد و پس از یک ماه که با رادیو همکاری کرد، چون به استخدام شرکت نفت درآمده بود، عازم آبادان شد و این همکاری قطع گردید. وی سپس به عضویت در هیئت تحریریه به مجله‌ی «اخبار هفته» منتشره در آبادان درآمد. بیشتر اشعار جدید و داستان‌هایش در این مجله طبع شده است.

پس از ملی شدن صنعت نفت و متوقف شدن صدور آن به مدت سه سال، حالت در این فاصله به تحصیل زبان فرانسوی پرداخت و به دنبال آن کتاب شبح در کوچه میکل آنژ فرانسوی ترجمه و در مجله‌ی «تهران مصور» به چاپ رسانید.

حالت در اواسط سال ۱۳۲۷ به تهران منتقل شد و در اداره‌ی روابط عمومی شرکت نفت انجام وظیفه نمود و در مدیریت مجله‌ی «صنعت نفت» را به عهده گرفت و در عین حال همکاری خود را با مطبوعات همچنان حفظ کرد تا در سال ۱۳۵۳ بازنشسته گردید. وی همچنین با مجله‌ی «گل آقا» همکاری داشت.

حالت در آغاز انقلاب اسلامی، سرود جمهوری اسلامی را ساخت و در نوزدهم آبان ۱۳۷۰ طی مراسمی که در تالار باشگاه بانک ملی برای بزرگداشت او برگزار شد از وی تجلیل به عمل آمد.

ابوالقاسم حالت در رشته‌ی زبان و ادبیات تحصیلات عالی کرد و به سه زبان عربی و انگلیسی و فرانسوی تسلط داشت و چندین کتاب از نویسندگان انگلیسی و فرانسوی را ترجمه کرد. برخی آثاری که از وی طبع و نشر شده بدین شرح است: دیوان حالت (شامل قطعات، مثنویات، قصاید، غزلیات و رباعیات)؛ کلیات سعدی (با ترجمه‌ی اشعار عربی آن به فارسی)؛ تذکره‌ی شاهان شاعر؛ گلزار خنده (مشتمل بر اشعار فکاهی که از نیمه سال ۱۳۱۷ تا آخر سال ۱۳۱۸ سروده شده)؛ فکاهیات حالت (دو جلد)؛ دیوان خروس لاری (شامل اشعار طنزآمیز)؛ دیوان ابوالعینک؛ دیوان شوخ؛ بحر طویل‌های هدهد میرزا؛ عیالوار؛ رقص کوسه (شامل بیست داستان کوتاه)؛ مقالات طنزآمیز؛ فروغ بینش یا سخنان حضرت محمد (ص) (با ترجمه‌ی فارسی و انگلیسی و رباعیات فارسی)؛ راه رستگاری یا سخنان حسین بن علی (ع) (با ترجمه فارسی وانگلیسی و رباعیات فارسی)؛ کلمات قصار حضرت علی (ع) (این کتاب مختصری از شکوفه‌های خرد است، با ترجمه به فارسی و انگلیسی و رباعیت فارسی، ۱۳۳۳)؛ کلمات قصار حسین بن علی (ع) (این کتاب چاپ دوم راه رستگاری است)؛ ترجمه تاریخ کامل ابن اثیر؛ تاریخ فتوحات مغول (نوشته ج. ج. ساندرز)؛ تاریخ تجارت (اثر اریک ن. سیمونز)؛ ناپلئون در تبعید (خاطرات ژنرال برتران، استنساخ و تنظیم یادداشت نگاری از پل فلوریو دولانگل)؛ زندگی من (اثر مارک تواین)؛ زندگی بر روی می‌سی سی پی (اثر مارک تواین)؛ پیشروان موشک‌سازی (تألیف بریل ویلیامز و ساموئل اشتاین)؛ بهار زندگی (اثر کلاویس هاستی کارول، ۱۳۳۷)؛ جادوگر شهر زمرد (نوشته‌ی ال. فرانک باوم)؛ مینوتوش مشاور نرون (نوشته‌ی میکا والتاری)؛ پسر ایرانی، سرگذشت واقعی داریوش سوم و اسکندر (نوشته‌ی ماری رنولت)؛ فرعون (نوشته‌ی الویز جارویز مک گرد)؛ شبح در کوچه میکل آنژ (ترجه از فرانسوی به فارسی)؛ پروانه و شبنم (شامل قصاید ادبی به سبک سنایی، ۱۳۳۶)؛ رقص کوسه (شامل بیست داستان کوتاه، ۱۳۳۳).

ابوالقاسم حالت، بر اثر سکته‌ی قلبی دار فانی را وداع گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۱۴۷/ ۲)، سخنوران نامی معاصر (۱۰۶۲ –۱۰۵۴/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۸ –۲۳۷/ ۱).

حالتی تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۰ ق)، شاعر. وی از غزلسرایان عصر خویش بود و «دیوانش» شامل هزار بیت است. بیت زیر از اوست:

ای آرزوی جان، به دلت آرزوی کیست؟

رنگ گلت شکسته خورشید روی کیست؟

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۷۴/۲)، تذکره‌ی روز روشن (۱۹۲).

حالتی ترکمان، قاسم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۰ ق)، شاعر، متخلص به حالتی. از طایفه ترکمانیه بود و در تهران نشو و نما یافت. صاحب «دانشمندان آذربایجان» او را از تبریز دانسته، که درست به نظر نمی‌رسد. وی از تهران به قزوین رفت و در زمان شاه طهماسب آنجا ساکن شد و مدتی در شاهزاده حسین (ع) آن شهر به تدریس پرداخت. حالتی از شاعران بنام روزگار شاه طهماسب و شاه‌عباس بود و صاحب «دیوان» شعر و «قصیده شهرآشوب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده آذر (۵۵ -۵۲ /۱)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۰۴/۴)، تاریخ نظم و نثر (۴۶۶)، تذکره‌ی روز روشن (۱۹۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۱۱)، دویست سخنور (۷۵ -۷۴)، الذریعه (۲۲۶/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۴۳)، لغت‌نامه (ذیل/ حالتی)، مجمع الخواص (۱۱۰ -۱۰۹)، مخزن الغرائب (۷۵۹/۱)، مکتب وقوع (۵۷ -۳۶)، مینو در (۴۲۴/۲)، نتایج الافکار (۱۸۴ - ۱۸۳)، یغما (س ۱۷، ش ۱۱، ص ۵۳۱ -۵۳۰).

حالتی جغتایی، یادگار

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۱ ق)، شاعر. وی پدر بقایی بود. در زمان اکبرشاه می‌زیست و مجالس شعر بر پا می‌کرد. حالتی خود را از نسل سلطان سنجر می‌دانست اما، در تاریخ «طبقات اکبری» میرزا نظام‌الدین احمد آمده که از طایفه‌ی جغتاست. حالتی توسط پسر خود، بقایی، مسموم گشت. یادگار بیگ در سرودن شعر توانا بود و «دیوان» شعری هم داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۴۵۷/۵)، الذریعه (۲۲۶/۹)، شام غریبان (۸۲)، فرهنگ سخنوران (۲۴۳)، مخزن الغرائب (۷۵۸ -۷۵۷ /۱)، نشتر عشق (۴۵۶/۲)، هفت اقلیم (۴۷۳/۱).

حالتی گیلانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۹۸۰ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به حالتی. از مردم لاهیجان و از سادات آن سامان بود. شعر می‌گفت و خط نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت. از اوست.

آنکه شادی از جفای سرو آزادی نداشت

بود آزاد از غم ما، خاطر شادی نداشت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۶۰/۴، ۱۳۴/۱)، تذکره‌ی روز روشن (۱۹۳)، الذریعه (۲۲۶/۹)، صبح گلشن (۱۱۶)، فرهنگ سخنوران (۲۴۴ -۲۴۳)، لغت‌نامه (ذیل/ حالتی)، نامها و نامدارهای گیلان (۱۲۵)، هفت اقلیم (۱۵۲ -۱۵۱ /۳).

حالی اردبیلی، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۳۳ -۱۲۴۷ ش)، خطاط، شاعر و صوفی. معروف به عمادالفقرا. در اردبیل متولد شد. از عرفای سلسله‌ی ذهبیه مقیم اردبیل بود. در عتبات وفات یافت. از آثار وی: رساله‌ی «افاضه‌ی روحیه»؛ «آینه‌ی بیابان»؛ «آیات الرجعهٔ»؛ مثنوی «تذکرهٔ السالکین»؛ رساله در «تصوف»؛ ترجمه‌ی «غررالحکم و دررالحکم» به شعر؛ «قصیده‌ی عشقیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۲۶/۹، ۱۲۱/۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۶۰/۳)، فرهنگ سخنوران (۲۴۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۴ -۲۱۳ /۵).

حالی اصفهانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بابا شاه، از معروفترین و زبردست ترین استادان خط نستعلیق نیمه دوم قرن دهم بابا شاه.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

حالی آذربایجانی، مولانا

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. وی نخست در شاعری چندان شهرتی نداشته است. در سال ۱۰۰۱ ق به کاشان رفت و در آنجا، اسدخان، پسر حکیم ابوالفتح تبریزی، معروف به حکیم کوچک که از دانشمندان آن زمان بود، باعث رونق‌کار او شد. وی در قالبهای مختلف شعر می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۹۶)، دانشمندان آذربایجان (۱۱۱)، فرهنگ سخنوران (۲۴۴).

حالی سبزواری، دوست محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۳۹/۹۳۷ ق)، شاعر، متخلص به حالی. از شاعران و قصیده سرایان زبردست نیمه‌ی اول قرن دهم و مورد توجه سلطان حسین بایقرا بود. وی در هرات وفات یافت. دوست محمد را، عده‌ای سبزواری نوشته‌اند و جمعی اسفراینی. حالی همچنین از مداحان میرغیاث‌الدین محمد، معروف به میر محمدیوسف، از بزرگان معاریف و دانشمندان خراسان بود. برخی تذکره‌ها تخلص حالی را گاهی به خطا جانی ضبط کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۲۵۵ –۲۵۴ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۵۸)، تحفه سامی (۲۰۷ –۲۰۶)، تذکره‌ی روز روشن (۱۹۳)، الذریعه (۲۲۷ ،۱۹۰ /۹)، ریحانه (۳۹۱/۱)، فرهنگ سخنوران (۲۴۴)، لغت‌نامه (ذیل/ جانی).

حالی، میرک

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، حکیم و شاعر، متخلص به حالی. معروف به حافظ. از مردم روستای سمعی، از توابع هرات بود و ساکن بخارا. پدرش از ملازمان و محرمان جامی، شاعر معروف، بود و از آن جهت که حافظ قرآن بود، به حافظ ملقب شد. میرک در علوم متداول دست داشت و در حکمت، شاگرد مولانا غیاث‌الدین بود. وی غزل را نیکو می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۳۲).

حامد تبریزی، حمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۶ ش)، شاعر، متخلص به حامد. در محله‌ی اهراب تبریز متولد شد. تحصیلات مقدماتی و دوره‌ی متوسطه را در زادگاهش به پایان رسانید، سپس وارد دانشکده‌ی افسری شد و در رشته‌ی مهندسی نظامی به تحصیل پرداخت و مدتی هم با سمت استادی به تدریس مشغول بود و چندی نیز مورد سوءظن قرار گرفت و زندانی شد و از استادی دانشگاه خلع شد. وی به دو زبان ترکی آذری و فارسی شعر می‌سرود. از جمله آثار وی: «کؤنول دردی»، به آذری؛ «برگزیده آثار صائب تبریزی»؛ مجموعه‌ی شعر «زیبای من».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۱۰۶۸ –۱۰۶۳ /۲)، فرهنگ سخنوران (۲۴۵).

حامد حسین، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۶ –۱۲۴۶ ق)، عالم امامی، فقیه، محقق، مفسر، محدث، متکلم و ادیب. وی را با نسبتهای موسوی نیشابوری، کنتوری، هندی و کلهنوی نوشته‌اند. حامد حسین در لکهنو به دنیا آمد. وی از ارکان علمای امامیه بوده است. کلام را در محضر پدرش، مفتی سید محمدقلی، و فقه و اصول را نزد سید حسین بن دلدار علی نقوی، و معقول را در خدمت سید مرتضی بن سید محمد و ادب را در حوزه‌ی مفتی سید محمد عباس فراگرفت. او تصنیفات فراوانی دارد با مراجعه به کتاب «عبقات» وی معلوم می‌شود که کسی به پایه او در فن کلام بخصوص در باب امامت بدان منوال کار نکرده است. کتابخانه‌ی ارزشمند میرحامد حسین یکی از خزاین گرانبهای شرقی در دوران اخیر است. این کتابخانه حاوی هزاران جلد کتاب است که برخی از آنها از دستنویسهای قدیمی است. از آثار وی: «عبقات الانوار فی امامهٔ الائمه الاطهار»؛ «اسفار الانوار عن وقایع افضل الاسفار»؛ «استقصاء الافحام و استیفاء الانتقام فی رد المنتهی الکلام»؛ «الشریعهٔ الغراء»، در فقه: «الشعلهٔ الجوالهٔ»؛ «شمع المجالس»، قصاید عربی و فارسی در مراثی؛ مثنوی «شمع و دمع»، به اردو؛

«الظلل الممدود والطلح المنضود»؛ «افحام اهل الیمن فی رد ازالهٔ الغین».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۸۱/۴)، ایضاح مکنون (۹۲/۲)، الذریعه (۲۱۵ -۲۱۴ /۱۵ ،۲۳/۱۰، ۲۵۷، ۳۱ /۲)، ریحانه (۳۷۹ -۳۷۷ /۳)، فوائد الرضویه (۹۲ -۹۱)، لغت‌نامه (ذیل/ حامد حسین)، معجم المؤلفین (۷۱۷/۳).

حامد شیرازی، محمدعلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. در شیراز متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت. وی مدتی از شاگردان شاه ابوالوالی بود و محضر بسیاری از دانشمندان دیگر، از جمله میرمحمد استرآبادی را نیز درک کرد. به گفته نصرآبادی، حامد شیرازی مدتی متولی مرقد منّور سید علی بن موسی بن جعفر (ع) بود. او پس از فراگیری علوم به شعر روی آورد و به فارسی و عربی شعر می‌گفت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۸۴ -۱۸۳)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۲۱۸ -۲۱۶ /۲)، الذریعه (۲۲۸ -۲۲۷ /۹).

حامد فسایی، محمدکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۰ ش)، شاعر، متخلص به حامد. وی تحصیلاتی نداشته و به نقل خویش بیست هزار بیت شعر سروده است، که پانزده هزار بیت آن به نام «عشقنامه» است در توحید و مدح پیغمبر اسلام (ص) و حضرت علی (ع) و پنج هزار بیت آن سیاسی است به نام «هوسنامه». وی در سال ۱۳۳۲ ش برای طبع آثار خود به تهران آمد و کلیه اشعارش در تهران مفقود شد که با تلاش فراوان پیدا شد.

وی پیرو طریقت نعمت‌اللهی و پیرو قطب‌الاقطاب حاج محمدحسن صالح علیشاه گنابادی بود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فارس (۲۲۱ -۲۱۸ /۲).

حامدنیا، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین حامد نیا

محل تولد : سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

بنام حق اینجانب طلبه حقیر حسین حامد نیا پس از دوره دبیرستان که دو رشته تجربی و ادبیات و علوم انسانی تحصیلات کلاسیکی را طی کرده و در سال۱۳۶۷ شمسی وارد حوزه علمیه مقدسه قم شدم و دوره ادبیات عرب را بمدت چهار سال در مدرسه المهدی (عج) که تحت نظرمرحوم مرجع عالی قدرآیت الله سید محمدرضا گلپایگانی اداره می گشت گذرانده که اساتید ادبیات ما عمدتاً ازتلامیذ استاد... حجتی هاشمی خراسانی و مرحوم مدرسی افغانی ...والحمدالله بهره های علمی ادبی فراوانی درآن مدرسه بودم و پس ازآن وارد مدرسه علمیه امام محمدباقرعلیهم السلام به تولیت مرحوم حاج آقا دیباجی اداره می شد که الحمدالله معنویت وقوت درسها و تدریسها واساتید بزرگواری در آن مدرسه مشغول بودند لمعتین و معالم الاصول و اصول مرحوم علامه مظفر که از شاگردان شیخ محمد حسین غروی اصفهانی بودند و نیز بدایه المعارف را خدمت شاگردان خاص حاج آقا جوادی آملی تلمذ کرده و بحمدالله دراین سه سال هم برکات علمی و معنوی به عنایات الهی و حضرت ولی عصر(عج) نصیبمان گشت و پس از ۷سال وارد سطح گشته مکاسب و رسائل شیخ انصاری را درخدمت اساتیدی چون احدی امیرکلائی وعلم الهدی و موسوی تهرانی و نکونام و استاد احمد امینی شیرازی و کفا یه را محضرشیخ مصطفی اعتمادی زانوی تلمذ زده و بخاطرعلاقه به معقولات و درسهای فلسفه بدایه الحکمه را درخدمت استاد رمضانی و نهایه الحکمه را درخدمت استاد عباسی و منظومه مرحوم سبزواری را بمدت ۲سال در خدمت بهرام دلیر نقده ای و جلد اول اسفار را در خدمت استادان روز بهانی وغرویان وجلد دوم اسفار را درخدمت استاد گرانقدر و معظم علی زمانی و بخشی شواهد الربوبیه و حکمت الشراق و شرح آن را خدمت آقازاده آیه الله جوادی آملی (شیخ مرتضی)و۲سال درس خارج فقه دیات و نکاح در خدمت آیه الله مکارم شیرازی و یکسال اصول خدمت محمد علی گرامی و دو سال قصاص درخدمت آیه الله صانعی و دوره قصاص مجدد در خدمت مرجع آیه الله استاد محمد علی اسماعیل پور شهر رضائی و

درس قضا بمـدت یکسال شـرکت در دروس حضـرت آیـه الله نـوری همـدانی و درس خـارج اصـول آیـه الله شـمس الـواعظین فرمومدریی(شیخ شمس)و تعادل و تراجیح درخدمت حضرت آیه الله وحید خراسانی و مکاسب خارج شیخ انصاری بمدت ۲سال در درس آیه الله فاضل لنکرانی و دروس مترق دیگر چون درس الاهیات خدمت استاد سید رضا اسحاق نیا و مشغول ملاحثات و تدریس ادبیات عرب و منطق مظفر و تفسیر قرآنی و کتاب الصلوه را بمدت ۲سال دردرس سید احمد خاتمی وغیره ، انشاالله که با توجهات حضرت بیه الله (عج) درآینده عضو مفید و خادم قرآن و اسلام و مکتب تشیع باشیم و قریب ۱۴سال تمام درایام تبلیغ مسافرت تبلیغی اعزام شده ام و نیز ۲سال شرکت در درسهای تخصصی تاریخ و تفسیر حکمت و کلام و فقه و اصول حوزه اجتهادیه محسنیه داشته ام .

حامدی اصفهانی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۸۸۴ ق)، شاعر، صوفی و خطاط. از متصوفین پیرو طریقه‌ی مولوی بود، که پس از جهانگردی بسیاری به خاک عثمانی و به دربار سلطان محمد فاتح راه یافت و سمت شیخی مزار مولانا جلال‌الدین در قونیه را عهده‌دار شد. به جز «دیوان» شعرش، اشعاری در پاسخ معماهای جامی سرود و نیز برای فرزندش، محمود، زایجه‌ای به فارسی شامل سی و دو سؤال وضع کرد و در پاسخ هر سوال یک یا دو بیت فارسی سرود و آن را «جام سخن گوی» نام نهاد. همچنین او بیش از نیمی از غزلیات حافظ را تضمین کرد. وی خطاط نیز بود، چنانکه «مفردات»ابن‌بیطار و «دلایل الاعجاز» را به خط خوش برای سلطان محمد فاتح نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۲/۴)، تاریخ نظم و نثر (۷۹۳ -۷۹۲)، فرهنگ سخنوران (۲۴۵)، مولفین کتب چاپی (۴۶۷/۲).

حامدی شوشتری، حلمی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اصلش از شوشتر است. در زمان شاه عباس اول می‌زیست. حامد شوشتری با شاعران عصر خویش دمساز بود. از اوست:

فلک بر جان من می‌خواست آزار جهانی را

در آخر مبتلای عشق آن نامهربانم کرد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۲۸/۹)، صبح گلشن (۱۱۸)، لغت نامه (ذیل/ حامدی)، مخزن الغرائب (۷۷۹/۱)، نشتر عشق (۴۶۰/۲).

حامدی قمی، امیر حامد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از شاعران روزگار شاه طهماسب بود که اشعاری با مضامین عالی می‌سرود. از اوست:

به قتل داد مرا وعده، یار و من مردم

ز بیم آنکه مبادا شود فراموشش

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۲۸/۹)، صبح گلشن (۱۱۸)، فرهنگ سخنوران (۲۴۵)، لغت نامه (ذیل/حامدی قمی)، مخزن الغرائب (۷۷۹/۱).

حامدی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: خواجه نصیرالدین طوسی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

حاوی سنندجی، حسینقلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۳ ق)، شاعر، متخلص به حاوی. وی مدتی حاکم کردستان بود از فضل و دانش نیز بهره‌ی کافی داشت در زمان سستی و فترت حکومت کردستان در بابان مسکن گزید. حاوی در نظم و نثر فارسی و عربی صاحب قدرت و در فنون سخنوری مقامی بلند داشت. وی در اوان جوانی درگذشت. از وی «دیوان» شعری به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۳۶۷ -۳۶۵ /۱)، حدیقه‌ی امان اللهی (۲۶۶ -۱۸۷)، الذریعه (۲۲۸/۹)، ریحانه (۲۰/۲)، فرهنگ سخنوران (۲۴۵)، لغت نامه (ذیل/ حاوی)، مجمع الفصحا (۲۲۶ -۲۱۸ /۴)، مصطبه‌ی خراب (۴۶)، مکارم الاثار (۱۷۲۰/۵).

حایر، محمدتقی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدتقی بن رمضانعلی حایری عالمی فاضل بود و بعد ۱۲۲۸ وفات نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حایری تهرانی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۰/۱۳۶۰ -۱۲۹۸ ق)، فقیه و نویسنده. وی در تهران متولد شد. تا دوازده سالگی تحصیلات مقدماتی را نزد پدر فراگرفت و سپس در مدرسه‌ی مروی تهرن به فراگیری علوم دینی و ادبی پرداخت. پس از چندی به نجف رفت و در خدمت مراجع بزرگ آنجا تکمیل مبانی علمی کرد، در سی سالگی به اجتهاد رسید. در کربلا و عراق به ترویج دین و تبلیغ احکام پرداخت و به ایران بازگشت و در قم اقامت کرد. در تاسیس حوزه‌ی علمیه‌ی قم با آیت‌اللّه حایری همکاری داشت و به تقاضای جمعی از مولفین به تهران عزیمت کرد و در این شهر درگذشت. پیکرش را به کربلا- حمل، و در جنب در قاضی‌الحاجات دفن کردند. از آثار وی: «شرح اصول کافی، جزء اول»؛ «رساله‌ی رضاع»؛ «موائد الکریم لزوار عبدالعظیم حسنی (ع)»؛ «رساله‌ی ادائیه»؛ «شرحی بر حاشیه‌ی ملا عبداللّه»؛ «کتاب الصلوه» و «مباحث الفاظ».[۱]

آیت‌اللّه مرحوم حاج شیخ عباس بن التقی الزکی حاج ملا حاجی حایری تهرانی از علماء عظام تهران بودند و در اوائل تاسیس حوزه علمیه در قم اقامت داشتند و در تشیید حوزه و تشویق طلاب کوتاهی نمی‌کردند مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری موسس حوزه هم بایشان عنایت و نظر مخصوصی داشتند و در موقع کسالت و مواقع دیگر ایشان را بجای خود برای نماز می‌فرستادند.

تولدش در سال هزار و دویست و نود و هشت در تهران واقع شده و تا سن ۱۲ سالگی در مهد تربیت والد ماجدش مرحوم حاج ملا حاجی که از اخیار و اتقیاء تجار تهران بودند تربیت شده سپس در مدرسه مروی به فراگرفتن علوم دینی و ادبی پرداخته و در سلک اهل علم و ادب درآمده و پس از چندی به نجف مشرف و در خدمت مراجع بزرگ آنجا تکمیل مبانی علمی نموده و در سن سی سالگی بحد کمال علمی و درجه علیای اجتهاد رسیده و در کربلا و عراق به ترویج دین و تبلیغ احکام پرداخته و بعد از چندی به ایران آمده و در قم سکونت نموده و بخدمات دینی و روحی مشغول تا به تقاضای جمعی از مومنین تهران عزیمت به آن سامان نموده تا سال ۱۳۷۰ ق که از دنیا رحلت و بسرای ابد خرامید. بازار تهران در مرگش تعطیل و جنازه او را بسر دوش گرفته و از بازار با گریه و زاری عجیبی تا حضرت عبدالعظیم آورده و بعنوان امانت گذاردند و پس از چندی حمل بکربلا- و در جنب درب قاضی‌الحاجات در مقبره شخصی خودش بخاک سپردند.

نگارنده گوید: خاطرم هست که آن مرحوم در شبهای شنبه بحضرت عبدالعظیم علیه‌السلام آمده و در مسجد بالای سر و یا رواق مطهر اقامه نماز جماعت می‌کردند و جماعت بسیاری از وجوه مردم تهران و ری به نماز ایشان آمده و استفاده می‌کردند.

مرحوم آیت‌اللّه حایری تهرانی تألیفات عدیده‌ای داشتند که ذیلا می‌نگارم:

۱- شرح اصول کافی که جزو اول آن به طبع رسیده. ۲- رساله رضاع. ۳- موائد الکریم و الزوار عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام ۴- رساله ترتیبیه. ۵- رساله در وصیت ۶- اسرار الصلوه ۷- رساله ادائیه ۸- رساله در اسلام ابوطالب ۹- اصول و فروع دین مختصر و مفصل ۱۰- کتاب الصلوه و بسیاری از ابواب فقه ۱۱- شرح زیارت عاشورا ۱۲- شرح زیارت جمامعه کبیره ۱۳- شرحی بر حاشیه ملا عبداللّه ۱۴- شرح صمدیه ۱۵- مباحث الغاظ.

از باقیات الصالحات آن مرحوم است فرزند فاضل برومندش حجت‌الاسلام حاج آقا مهدی حایری تهرانی که ترجمه‌اش در جلد دوم خواهد آمد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۹۸/۱۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۹۱ -۹۹۰ /۱۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۶۷ -۶۶ /۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۲۷ -۴۲۶ /۴)، معجم المولفین (۵۹/۵).

حایری سمنانی، محمد صالح

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۱ -۱۲۹۷ ق)، عالم، مجتهد، نویسنده و شاعر. در کربلا متولد شد. و مقدمات علوم دینی را نزد آخوند، ملاعباس اخفش و ملاعلی سیبویه آموخت. سپس به نجف رفت و در حوزه‌های درسی آخوند خراسانی و حاج میرزا حسین جلیل تهرانی، به فراگیری فقه و اصول پرداخت، و فلسفه را نیز نزد حاج ملا اسماعیل بروجردی حایری فراگرفت و در جوانی به اجتهاد رسید. برای معالجه‌ی چشم به ایران آمد و مدتی در تهران ماند، سپس به بابل رفت و در آنجا اقامت کرد و مرجع تقلید مردم شد. پس از چندی از بابل به سمنان تبعید شد و در آن شهر به اقامه‌ی نماز جماعت و تدریس مشغول شد. پس از رحلت، جنازه‌اش به مشهد حمل و در جوار امام رضا (ع) دفن شد. او در سرودن انواع شعر دست داشت، خصوصا در قصاید عربی و غزلیات و قصاید فارسی و انشاء مدایح و مراثی اهل‌بیت (ع). وی حدود سیصد تالیف و رساله دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از: «سبیکه الذهب»، که «کفایه الاصول» علامه خراسانی را به نظم درآورده؛ «دیوان الادب»؛ «تاریخ معارف امامیه متضمن مذاهب اسلامیه»، در ترجمه‌ی کتاب «ظلامه العتره الطاهره».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۳۵/۱۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۶۹ -۶۸ /۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۳۸ -۳۳۵ /۵).

حایری طباطبایی، علینقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۹ ق)، فقیه اصولی و عالم امامی. معروف به حاجی آقا. از نوادگان سید علی طباطبایی صاحب «ریاض» بود. در کربلا ولادت یافت و در همان شهر تحصیلات خود را به انجام رسانید و به ریاست عملیه آنجا منصوب شد. سید علینقی در کربلا درگذشت و در مقبره‌ی پدرش در بازار حضرت ابوالفضل (ع) دفن شد. از آثار وی: «الدره فی العام و الخاص»؛ «الدره الحائریه»؛ در شرح «الشرائع»؛ کتاب «البیع»، کتابی مبسوط همراه «الخیارات»؛ «رساله فی طهاره و الصلاه و الصوم و الحج»؛ «اصول الفقه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۸۲/۵)، اعیان الشیعه (۳۶۷/۸)، الذریعه (۱۹۲/۱۵، ۹۷/۸، ۱۹۲/۳، ۲۰۸/۲)، ریحانه (۶/۲)، لغت نامه (ذیل/ علینقی)، معجم المولفین (۶۹/۷).

حایری طبرسی مازندرانی، ابوعلی محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۱۵ -۱۱۵۹ ق)، مورخ و فقیه اصولی امامی. معروف به ابی علی. اصل وی از طبرستان و زادگاهش کربلا بود. ابوعلی از شاگردان محمد باقر وحید بهبهانی، سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض» و سید محسن کاظمی اعرجی بود. وی در عراق درگذشت. از آثار او: «زهر/ ازهار الریاض»؛ «عقدالللالی البهیه»، در رد اخباری‌ها؛ «منتهی المقال»، در رجال؛ «العذاب الواصب» یا «نقض نواقض الروافض».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۲۴/۹)، الذریعه (۲۹۱/۲۴، ۱۴ -۱۳ /۲۳، ۲۴۰/۱۵، ۷۱/۱۲)، ریحانه (۲۱۰/۷)، الکنی و الالقاب (۱۲۴/۱)، معجم المولفین (۵۸ -۵۷ /۹).

حایری قمی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۸ -۱۲۹۹ ق)، مدرس حوزه‌ی علمیه و نویسنده. در قم متولد شد. و پس از آن طی مقدمات به تهران آمد و در خدمت میرزا حسن آشتیانی شاگردی کرد. پس از آن در سال ۱۳۱۸ ق به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر آیات عظام آنجا. آیت‌اللّٰه خراسانی و آیت‌اللّٰه یزدی کسب فیض کرد. در سال ۱۳۲۵ ق به سامرا و بعد از جنگ جهانی اول به کاظمین رفت. سپس از جانب آیت‌اللّٰه میرزا محمد تقی شیرازی به کربلا احضار شد و پس از چندی سال توقف به قصد زیارت مشهد به ایران برگشت و تا اواخر دوران آیت‌اللّٰه حایری یزدی، در قم ساکن شد و حوزه‌ی درسی دایر کرد. ساختمان مسجد نو قم و پارک ملی قم را او تاسیس کرد. بعد از آیت‌اللّٰه حایری، ایشان را از حیث مقام علمیت و تقوا و زهد و صیانت نفس، شایسته زعامت حوزه‌ی علمیه‌ی قم می‌دانستند. وی در پی کسالتی چندین ساله درگذشت و در حرم حضرت معصومه (س)، دفن شد. آثار او عبارتند از: «مختارات»؛

«حاشیه بر کفایه»؛ «رد وهابیه»؛ چندین کتاب در فقه و متفرقات.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۷۰/۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۳۶ -۳۳۵ /۱).

حایری کرمانی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌الله مرحوم حاج شیخ محمدعلی حایری از علماء حوزه علمیه و اصحاب خاص مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی رحمه‌الله بودند که در سال ۱۳۰۸ در کرمان متولـد و مقـدمات و ادبیات را در آن سامان دیـده و قبل سنه ۱۳۳۵ ق از راه شیـراز عازم نجف اشرف شده و به واسـطه کسالت مزاج یکسال در آنجا توقف و سـطوح وسطی را خوانده آنگاه به کرمان مراجعت و بعد از چند سال اقامت و تمام کردن سطوح عالی در سال ۱۳۳۵ به مشهد مشرف و از تدریس فقه و اصول مرحومین علمین آیت‌الله قمی و آقازاده خراسانی استفاده نموده و پس از یکسال مراجعت به کرمان و در سال ۱۳۳۹ باز از راه قم مشرف به نجف و از حین ورود تا هشت سال از فقه و اصـول مرحوم آقـا ضـیاء و فقه مرحوم آیت‌الله نـائینی و آیت‌الله اصـفهانی اسـتفاده برده و در سـال ۱۳۴۷ مراجعـت به کرمـان و به وظائف و خدمات دینی و تدریس و امامت در مسجد جامع کرمان پرداخته و در سال ۱۳۵۶ به واسطه محذورات اعراض از کرمان و پس از دیـدن اوضاع مشـهد و بلاد دیگر پناه به قم حرم اهل‌بیت علیهم‌السـلام آورده و شـروع به تـدریس نموده و با مرحوم آیت‌الله صـدر و آیت‌الله زنجـانی و آیت‌الله صـادقی قمی مبـاحثه کمپـانی و خصوصـی گـذارده و بعـد از ورود آیت‌الله العظمی بروجردی به ایشان پیوسته تا در اواخر ریاست آن مرحوم به رحمت حق و اصل و در جوار حضرت معصومه علیهاسلام مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حایری گلپایگانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجهٔالاسـلام و المسـلمین آیت‌اللّه آقـای حـاج سـید محمـد بن السـید الجلیـل و العـالم النبیل آیت‌اللّه حاج میرزا هـدایت اللّه حایری گلپایگـانی از علمـاء محـترم و مبرز معاصـر تهران است. وی در سـال ۱۳۲۲ قمری در گلپایگـان متولـد شـده و در بیـت علم و عزت پرورش یـافته و پس از خوانـدن اولیات و ادبیات در محل خود به اراک آمـده و پس از انتقال حوزه به شهرسـتان قم مهاجرت بیلـده طیبه قم نموده و حـدود چهار سال از محضـر آیات عظام و مدرسـین بزرگ چون مرحوم آیت‌اللّه حاج سـید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّه آقـا میرزا سـید علی یـثربی و دیگران اسـتفاده نمـوده و از آنجـا مهـاجرت به نجف اشـرف و از محضـر آیـات بزرگ مـانند آیت‌اللّه محقق نائینی و آیت‌اللّه العظمی اصـفهانی بهره‌منـد گردیـده و در سال ۱۳۵۳ قمری به ایران و شهرسـتان گلپایگان مراجعت کرده و مـدت بسیت سال توقف و بخـدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تاسیس مـدرسه علمیه و تربیت طلاب و محصـلین و غیره پرداخته تـا سال ۱۳۷۳ ق به تهران منتقـل و تـاکنون بوظـائف مقرره شـرعی از اقـامه نمـاز جمـاعت در مسـجد (فخر الحاجیه) خیابان راه‌آهن و تدریس و مباحثات کمپانی با اقران خود اشتغال دارد.

دارای دو فرزند فاضل و دانشمندی می‌باشند که اجمالا به آنها اشاره می‌شود:

۱- مرحوم مغفور حجت‌الاسـلام آقا سـید جمال الـدین حایری که از فضـلاء حوزه علمیه‌ی قم بودند و پس از فراغت از تحصـیل در تهران اشـتغال بخـدمات دینی و روحی داشـتند و در ماه شـعبان ۱۳۸۶ ق در سن جـوانی بـدرود حیـات گفته و در مقـبره شـیخان قم مدفون گردیدند.

۲- جناب حجت‌الاسـلام آقای حاج سـید مرتضـی حایری که نیز تحصـیلات خود را در قم تکمیل و سالها از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و دیگران اسـتفاده و به تهران منتقل و اکنون در مسجد مرحوم برادرش در سـلسبیل تهران خیابان هاشمی (مسجد رضوی) بجای آن مرحوم به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.

مرحوم مترجم معظم ما نیز از آیات عظام و علماء اعلام گلپایگان بوده‌انـد که شـرح احوال و آثارش در جلـد چهارم گنجینه در باب گلپایگان خواهد آمد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

حایری گلپایگانی، هدایهٔ‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیـد هدایـهٔ‌اللّه فرزنـد آیت‌اللّه آقـا میرعبـاس (که از علمـاء بزرگ و شاگردان مرحوم آیت‌اللّه انصاری بوده و تقریرات فقه و اصول معظم له را تحریر و اکنون موجود است).

در سال ۱۲۷۴ قمری در بیت علم و تقوا چشم به دنیا گشوده و در تحت تربیت چنان پـدری (که مکرر می‌فرموده من در بین چهارده

فرزند ذکورم نور ایمان و شوق به تحصیل را در میرزا هدایت‌اللّه مشاهده کردم) پرورش یافته و حتی شبها نزد خودش می‌خوابانید تا هنگام سحر با کمال رغبت برای تهجد برمی‌خواست.

تحصیلات مقدمات و سطوح را نزد والد محترمش و سایر اساتید انجام داده و در سال ۱۲۹۵ مهاجرت بنجف اشرف نموده و از محضر آیت‌اللّه طباطبائی یزدی و آیت‌اللّه خراسانی قدس سرهما حداکثر استفاده را نموده و در بین فضلاء معاصر علماً و عملا مشار بالبنان بوده است.

جناب آیت‌اللّه حاج سید کاظم گلپایگانی از استادشان مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمدصادق اصفهانی که از فحول علماء عصر خود بودند نقل نمودند که ایشان می‌فرمودند مرحوم آمیرزا هدایهٔ‌اللّه در هر جلسه از فضلاء که شرکت می‌کرد از حیث تقوی و فضیلت وزنه‌ای بشمار می‌رفت و در موقع مراجعت به ایران اجازاتی به ایشان داده شده که در آنها مخصوصاً در اجازه مرحوم آیت‌اللّه العظمی سید اعلی اللّه مقامه ترغیب به تقلید از ایشان شده بود و لذا در همان اوان معظم له اجازات را خواسته و ملاحظه نمودند که در مقام تصدیق اجتهاد ایشان تعبیر (بل فوق رتبهٔ الاجتهاد) شده و باز پس از جمله (و بحرم علی التقلید و علی العوام الرجوع الیه) و امثال این تعبیرات گردیده.

مرحوم آیت‌اللّه آقا سید جمال‌الدین گلپایگانی قدس سره به فرزند ارجمندش جناب آقای حاج سید محمد حایری مذکور در اوائل تشرفش به نجف اشرف برای تحصیل در مقام نصیحت و تشویق فرموده بودند که مرحوم پدرت مردی بود که در بین فضلاء معاصرش مخصوصاً از جهت تقوی و ورع شخصیت ممتازی داشت و در موقع حرکت به ایران مرحوم سید اظهار تأسف می‌کرده و می‌فرموده که من در بین شاگردانم افقه از میرزا هدایت‌اللّه سراغ ندارم و به این شاگرد ارادت دارم.

اجمالا آن مرحوم در سال ۱۳۰۵ به واسطه ابتلا به تب لازم به حکم اجبار مراجعت به ایران که پس از معالجه باز مشرف شوند لکن مقدرات ایشان را پای‌بند و دیگر وسیله مراجعت بر ایشان فراهم نشده و باقی عمر را در گلپایگان اقامت و در حدود امکانات محل به تدریس علوم و ارشاد و هدایت مردم بسر بردند و با اصرار زیادی که حتی بزرگان از علماء معاصرشان داشتند زیر بار قضاوت نرفتند و تا اواخر عمرشان می‌فرمودند شکر خدا را می‌کنم که من به الکفایه هست و من ملتزم نیستم که زیر این بار سنگین بروم.

از سیاست بکلی بر کنار و منزوی و تارک معاشرت هم نبودند با خواص علماء معاصرشان که اکثراً از شخصیتهای بزرگ علمی و در طراز مراجع وقت بودند بعنوان افاده و استفاده و با عوام با کمال حلم و تواضع برای انجام حوائج دینی و دنیوی آنها معاشرت می‌کردند تا صبح روز بیست و یکم شعبان المعظم ۱۳۳۷ قمری هجری که در اثر بیماری حصبه بدرود حیات گفته و دعوت حق را اجابت نمودند

و قبرشان در نزدیک امامزاده احمد بن عمران واقع و بقعه برایشان بنا کردند که مورد توجه و مزار عمومی گلپایگان و حومه آنست.

و چون بنای قدیمی مندرس و گنجایش برای اجتماعات زیاد نداشت در سال ۱۳۹۰ ق تجدید بناء وسیعی گردید که جوابگوی اجتماعات مذهبی و حتی اقامه جماعت در ماه مبارک رمضان برای اهالی محل و مجاور می‌باشد

آن مرحوم در گلپایگان و حومه آن ریاست عجیبی داشته و نافذالکلمه بوده تا از دنیا رفته و قبرش اکنون یکی از مزارات مهم گلپایگان است و اخیراً صندوقی برای قبر او از تهران برده و در روی قبرش نصب نموده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حایری لاهیجی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۶ ق)، فقیه. وی پس از اخذ مقدمات علوم اسلامی، مدارج عالی اجتهاد را نزد سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض» و فرزند وی، سید مجاهد، و محمد صالح برغانی گذرانید. او دارای اجازه از استاد خود سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض»، بود. وی در جهاد علیه روسیه با استادش، محمد مجاهد همراه بود. سالها کرسی تدریس را در کربلا به خود اختصاص داد. از آثار وی: «ریاض المومنین فی احوال المعصومین (ع)»؛ «رساله فی صلاه الجمعه»؛ «اصول الفقه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۰۴/۲)، الذریعه (۳۳۹ -۳۳۸ /۱۱ ،۲۱۹/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۸ -۴۷ /۱۳).

حایری مازندرانی، زین‌العابدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۹ -۱۲۲۷ ق)، عالم و فقیه امامی. در بارفروش (بابل) مازندران ولادت یافت و در همان شهر نزد سعید العلماء مازندرانی درس خواند. وی پس از آن به کربلا رفت و در آنجا نزد سید ابراهیم قزوینی، صاحب «ضوابط» و شیخ محمد حسین اصفهانی، صاحب «فصول»، به تحصیل فقه و اصول پرداخت و سپس در محضر شیخ محمد حسن نجفی، صاحب «جواهر» و شیخ انصاری این علوم را تکمیل کرد. شیخ زین‌العابدین علاوه بر مرجعیت تقلید بسیاری از مردم هند و ایران و عراق، به تدریس و فتوی نیز مشغول بود. زین‌العابدین در کربلا وفات یافت و در صحن مطهر دفن شد. از آثار وی: «رساله فی الصلاه»؛ «مناسک الحج»؛ «ذخیره المعاد»، به فارسی معروف به «سؤال و جواب»؛ «زینه العباد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۰۶/۳)، اعیان الشیعه (۱۶۸ -۱۶۷ /۷)، الذریعه (۵۶/۱۵، ۹۳/۱۲، ۲۰/۱۰)، ریحانه (۱۴۶ -۱۴۵ /۵)، لغت نامه (ذیل/ مازندرانی)، المآثر و الاثار (۱۵۰)، معجم المولفین (۱۹۸/۴)، مکارم الاثار (۸۴۴/۳).

حایری مازندرانی، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۳ -۱۲۷۰ ش)، شاعر، نویسنده و فیلسوف. در تهران متولد شد. علوم ادبی را نزد استادان عصر، از جمله ادیب الممالک فراهانی فراگرفت. سپس علوم جدید را در مدرسه‌ی دارالفنون و مدرسه‌ی عالی سیاسی و حقوق به انجام رسانید، سپس به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و چندی به مشاغل، ریاست تعلیمات و بازرسی اوقاف و اداره‌ی نگارش و بازرس سیار در شهرستانها، پرداخت و در شهرستانها به ایجاد آموزشگاه‌ها و سایر موسسات فرهنگی اقدام کرد. حایری، شاعر توانا بود. آثار وی: «دیوان» شعر حدود پنج هزار بیت؛ قسمتی از اشعارش تحت عنوان «برگ سبز» منتشر شده است؛ «کتابی در فلسفه»؛ «کتابی در تاریخ فلسفه و فلاسفه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۲۸۶ -۱۲۸۵ /۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۹۰۷ -۳۹۰۳ /۶)، فرهنگ سخنوران (۹۹۳).

حایری یزدی، عبدالکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۵ -۱۲۷۶ ق)، مجتهد، مرجع و بنیانگذار حوزه علمیه قم. حایری در قریه‌ی مهرجرد/ میجرد میبد، از توابع اردکانی یزد متولد شد. پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در زادگاه خود، نزد مجدالعلماء اردکانی و آقا سید یحیی مجتهد یزدی به عراق رفت و از محضر سید محمد طباطبایی فشارکی و آیت‌اللَّه شیرازی درس آموخت و در نجف از محضر ملامحمد کاظم خراسانی و آیت‌اللَّه یزدی بهره برد و به درجه‌ی اجتهاد نایل آمد، سپس به ایران بازگشت و در اراک حوزه‌ی علیمه دایره کرد و به تدریس مشغول شد. سپس به علت عدم تمایل در درگیریهای سیاسی زمان مشروطیت، چند سالی به نجف و کربلا رفت و به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۳۱ ق به دعوت حاج سید اسماعیل اراکی به اراک رفت و به تدریس علوم دینی، فقه و اصول پرداخت. حایری بعد از پنج سال به قصد زیارت به مشهد رفت و در راه بازگشت در قم توقف کوتاهی کرد و علمای شهر با ایشان ملاقات کردند. بنا به اصرار و دعوت علمای آن شهر در آنجا اقامت کردند. بنا به اصرار و دعوت علمای آن شهر در آنجا اقامت کرد و حوزه‌ی علمیه قم را بنیان گذارد. امام خمینی، آیت‌اللَّه گلپایگانی، آیت‌اللَّه مرعشی نجفی، آیت‌اللَّه اراکی و آیت‌اللَّه شریعتمداری از شاگردان وی بودند. او در قم درگذشت و در جوار حرم حضرت معصومه دفن شد. از جمله‌ی تاسیسات و آثار خیریه‌ی او: «بیمارستان قم»؛ «قبرستان تازه و غسالخانه‌ی شهر قم» و «احداث کتابخانه مدرسه‌ی فیضیه» و «تاسیس قلعه‌ی مبارک آباد و سد رودخانه‌ی قم». آثار علمی او عبارتند از: «تقریرات»؛ « درر الفوائد فی الاصول» یا «درر الاصول»؛ «کتاب الرضا (ع)»؛ «کتاب الصلوه»؛ «کتاب المواریث»؛ «کتاب النکاح»؛ «حاشیه‌ی انیس التجار»؛ «حاشیه‌ی عروه الوثقی»؛ «ذخیره‌ی المعاد»؛ «مناسک حج»؛ «وسیله النجاه»؛ «منتخب الرسائل»، شامل فتاوی فقهی ایشان.[۱]

آیهٔاللَّه حاج شیخ عبدالکریم بن محمد جعفر مهرجردی یزدی، مرجع تقلید شیعیان (و. مهرجرد یزد ۱۳۷۶ ه.ق.- ف. قم ۱۳۵۵ ه.ق./ ۱۳۱۵ ه.ش.) وی در عتبات نزد حاج میرزا محمدحسن شیرازی، میرزا محمد تقی شیرازی، شیخ فضل‌اللَّه نوری، آخوند ملا کاظم خراسانی و سید کاظم یزدی تلمذ کرد و از محضر سید محمد فشارکی استفاده نمود. پس از بازگشت به ایران حوزه علمیه قم را تشکیل داد. از آثار اوست: ۱- تقریرات، و آن تحریر تقریرات سید محمد فشارکی است، ۲- درر الفوائد فی الاصول، ۳- کتاب الرضاء ۴- کتاب الصلوهٔ، ۵- کتاب المواریث، ۶- کتاب النکاح.

مرحوم حاج شیخ عبدالکریم بن محمد جعفر در سال ۱۲۷۶ قمری در قریه مهرجرد از مضافات میبد که از توابع اردکان یزد است متولد شده و تحصیلات مقدمات خود را در اردکان یزد خدمت مجدالعلماء اردکانی و دیگران نموده و بعد از آن به یزد آمده و در مدرسه خان سکونت و در نزد مرحوم حاج میرزا سید حسین وامق و آقا سید یحیی مجتهد یزدی تحصیل سطوح نموده آنگاه در اوان شباب و جوانی مهاجرت به عراق و سر من رای که به زعامت و ریاست علی‌الاطلاق مرحوم آیت‌اللَّه میرزا محمدحسن شیرازی اداره می‌شد وارد شده و رحل اقامت افکنده و در نزد جماعتی که از آنها بود استاد مرحوم آقا سید محمد طباطبائی فشارکی اصفهانی تلمذ نموده و هم از محضر آیت‌اللَّه مجدد استفاده و بعد از فوت آن دو بزرگوار به نجف اشرف آمده و از مرحومین علمین خراسانی صاحب کفایه و یزدی صاحب عروهٔ استفاده کافی کرده تا به مقام رفیع اجتهاد ارتقاء یافته سپس به کربلاء معلی توطن نموده و به تدریس و تربیت عده‌ای از فضلاء پرداخت تا آنگاه که به دعوت مرحوم حاج سید اسماعیل عراقی فرزند مرحوم آیت‌اللَّه حاج آقا محسن عراقی در سال ۱۳۳۲ قمری به اراک آمده و حوزه درس تشکیل و جماعتی از فضلاء بلاد و شهرستان اراک به محضرش شتافته و از دروس فقه و اصولش استفاده می‌کردند و بیش از هشت سال این حوزه به گرمی دائر و گذشته از آن مرحوم رجال بزرگی چون مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمد سلطان العلماء و آیت‌اللَّه آقا نورالدین عراقی و آیت‌اللَّه حاج میرزا محمد علیخان و آیت‌اللَّه حاج آقا مصطفی فرید محسنی و دیگران تدریس می‌نمودند.

آیت‌اللّه حایری پس از پنج سال توقف در اراک به قصد زیارت حضرت ثامن الحجج علیه الصلوهٔ والسلام به جانب مشهد عزیمت و در ایاب و ذهاب چند روزی در قم توقف نموده و علماء قم به زیارتشان نائل شده و از محضرشان بهره‌مند گردیده و دانستند چه شخصیت ارزنده‌ای در نزدیکی آنها وجود دارد.

آیت‌اللّه حایری مراجعت به اراک نمودند و تا سال ۱۳۴۰ توقف و تدریس و رسیدگی به امور مسلمین نمودند تا سال مزبور که برای زیارت حضرت معصومه علیهاالسلام و گذرانیدن ایام نوروز به سوی قم حرکت کردند.

آمدن آیت‌اللّه به قم

موقعی که خبر حرکت مرحوم حایری به قم رسید مردم به تشویق و تحریک مرحوم بافقی و علماء دیگر، اکثر علماء قم و طبقات دیگر به استقبال آن مرحوم رفته و تا امامزاده شاه جمال که در ۴ کیلومتری قم در مسیر راه اراک واقع است استقبال نموده و پس از رسیدن آن مرحوم خیر مقدم گفته و در همان یک ساعتی که برای استراحت در آنجا توقف فرمودند اولین زمزمه اقامت ایشان را در قم نموده و از آنجا با تجلیل فراوان حرکت و در منزل مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مهدی پائین‌شهری نزول نمودند و چنانچه سابقاً هم اشاره کردم ماده تاریخ ورود ایشان به قم نام شریف آن جناب (الشیخ عبدالکریم الحایری الیزدی) ۱۳۴۰ می‌باشد به این کیفیت: الف (۱) ل (۳۰) ش (۳۰۰) ی (۱۰) خ (۶۰۰) ع (۷۰) ب (۲) و (۴) ل (۳۰) ك (۲۰) ر (۲۰۰) ی (۱۰) م (۴۰) الحایری (۲۶۰) الف (۱) ل (۳۰) ی (۱۰) ز (۷) د (۴) ی (۱۰) جمع این اعداد حروف هزار و سیصد و چهل، قال علیه‌السلام (الاسماء تنزل من السماء)

حرکت از اراک روز بیست و دوم ماه رجب المبارک و ورودشان به قم روز بیست و چهارم ماه مزبور بوده است و در آن هنگام که بسیاری از مردم ایران از تهران و اصفهان و کاشان و اراک و نقاط دیگر برای تحویل حمل به قم آمده بودند و جمعی از علماء و خطباء نامی هم به همین عنوان مشرف بودند به زیارت و دست‌بوسی ایشان آمده و ضمناً تقاضای اقامت در قم را از معظم له نمودند که این شهر مذهبی را مرکز و محل توقف خود قرار داده و تشکیل حوزه دهند و مخصوص چندین نفر از خطباء و وعاظ نامی تهران مانند مرحوم مبرور حاج شیخ محمد سلطان الواعظین تهرانی که سمت ریاست گویندگان تهران را داشت به زیارت آمده بودند چون اصرار مردم را دیدند به توقف آن مرحوم در منبرهائی که در صحن مطهر و حرم منور می‌رفتند بیشتر مردم را تشویق نموده و تحریک به نگه داشتن آن مرحوم در قم نموده و در آن ایام در اغلب محافل و مجالس قم سخن از آیت‌اللّه حایری و اقامت در قم بود و از تمام علماء و خطباء جدی‌تر بر این موضوع مرحوم حاج شیخ محمدتقی بافقی بود که از نجف سوابق درخشان آن مرحوم را داشت و با آن دیدگان ملکوتی حق‌بین و آتیه‌بین خود می‌دید که اگر آن مرحوم در قم اقامت کند یکی از علائم فرج آل محمد علیهم‌السلام که ظهور علم و تشکیل حوزه علمیه است در قم بارز و واقع خواهد شد پس بیش از دیگران اصرار بر این امر داشت.

در خاطر دارم که مرحوم بافقی برای این نگارنده و جمعی دیگر می‌فرمود که مرحوم آیت‌اللّه حایری با اینکه در سفر مشهدشان وضع مدارس مهجور ویران قم را از فیضیه و دارالشفا دیده که چگونه دانشگاه روحانی و محل تدریس و افاضات مرحوم محدث بزرگوار ملا محسن فیض و ملا عبدالرزاق فیاض لاهیجی و صدرالمتالهین شیرازی و دیگران به مرکز گدایان و فقراء و دیوانه‌گان و بیماران تبدیل شده و ابراز تاسف نموده و می‌گفتند که چه می‌شد اگر این مدارس هم از غربت بیرون می‌آمد، ولی به نظر مبارکشان مشکل و گران می‌آمد که ممکن باشد حوزه را از اراک به قم منتقل نمایند.

فرمودند وقتی به ایشان اصرار کردم برای توقف موانعی ذکر کردند جواب آنها را دادم و آخر ایشان را به این کلمه قانع نموده و منصرف از مراجعت به اراک کردم.

گفتم شما این اخباری را که از حضرات معصومین علیهم‌السلام راجع به آخرالزمان که «قم مرکز علم و دانش خواهد شد (و منها تفیض العلم الی سائر البلدان) و اینکه در آن زمان علم در نجف چون ماری به زمین فرورفته و از قم بیرون خواهد آمد» دیده‌اید فرمودند: آری گفتم آیا قبول دارید و یا شبهه می‌کنید فرمودند: قبول دارم.

گفتم نمی‌خواهید که تأسیس این اساس به دست شما گردد و برای همیشه این سکه به نام شما زده شود و باقیات الصالحات شما باشد فرمودند چرا گفتم تصمیم به توقف بگذارید و به اراک پیام دهید هرکس مایل باشد به قم بیاید.

و گذشته از مرحوم بافقی عده دیگری از بزرگان قم چون مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمد ارباب و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدرضای ساوه‌ای و مرحوم حاج سید حسن متولی‌باشی آستانه مبارکه فاطمیه و حاج میرزا محمود روحانی و دیگران از افراد مؤثر و علاقه‌ای که عموم مردم قم و زوار آن سال ابراز داشتند مرحوم حایری را به حال تردید درآورده و فرمودند استخاره خواهیم کرد که آیا صلاح است در قم مانده و به فضلاء و محصلین حوزه اراک که انتظار بازگشت را دارند بنویسیم به قم بیایند.

پس با اینکه کمتر به قرآن مجید تفأل زده و استخاره می‌نمودند صبحگاهی که به حرم مطهر مشرف شدند با قرآن شریف استخاره کردند آیه ۲۹ سوره مبارکه یوسف علیه‌السلام آمد (إذهبوا بقمیصی هذا و القوه علی وجه أبی یأت بصیرا و أتونی باهلکم أجمعین) و اول جمله‌ای که در اول صفحه قرآن بود ذیل آیه و أتونی باهلکم اجمعین بود پس با عزمی راسخ و قلبی مطمئن بنا را بر توقف گذارده و به منزل مرحوم حاج سید علی مصطفوی تاجر قمی که علماء و طبقات تجار و اصناف دیگر مجتمع و انتظار نتیجه و تصمیم نهائی آنجناب را داشتند آمده و اظهار مطلب فرمودند، مردم بی‌اندازه مسرور شده و یکی از بزرگان دانشمند گفت:

و ترتجیه من الرحمن سائلهٔ

حتی استجیب لما ترجوه داعیها

مرحوم حاج میرزا عبدالحسین صاحب الداری بروجردی که مقسم مرحوم حایری بود در اراک برای نگارنده گفت که: چون پیام ایشان به اراک رسید اول کسی که به اتفاق آقای حاج میرزا هدایت‌اللّه وحید گلپایگانی به ایشان پیوست بنده بودم که بعد از دو ماه که شهریه محصلین حوزه اراک را پرداختم به قم آمده و خدمتشان رسیدم فرمودند: ما ماندنی شدیم اگر شما هم بخواهید بمانید خدا کریم است بروید خانواده خود را بیاورید.

پس آقای حاج میرزا هدایت‌اللّه به اراک رفته و رفقا و أصحاب آیت‌اللّه را از قضیه اطلاع داده و خانواده خود و مرا به قم آورد و

کم کم رفقای اراک به قم آمـده و رفته رفته حوزه علمیه قم تأسیس گردیـد و پیش‌بینی‌ها و پیش گوئیهای حضـرات أئمه معصومین علیهم‌السلام مصداق یافت.

خـدمات و آثـار مرحوم آیت‌اللَّه حـایری پس از توقف در قم بـا همت والا و سـجایای حسـنه و اخلاق فاضـله خود، فضـلاء اراک و تهران و شهرسـتانهای دیگر را دور خود جمع نموده و کم کم حوزه علمیه رو به افزایش گذاشت تا بیش از هزار نفر طلبه و محصـل جدی جمع شده و از محضر آیت‌اللَّه و مدرسین دیگر استفاده می‌نمودند و اما آثار آن مرحوم به شرح زیر است:

۱- حوزه رسمی علمیه قم که تا آمدن وجود ذیجود حضرت ولی عصر عجل‌اللَّه فرجه الشریف باقی خواهد بود.

۲- بیمارستان سهامی و فاطمی که از ثلث مرحوم حاج سید محمد فاطمی برای طلاب تأسیس شد.

۳- سد رودخانه قم پس از آمدن سیل و خرابی بسیار از منازل کوچه حرم و غیره.

۴- بناء قلعه مبارک‌آباد که امروز به نام کوچه رهبر معروف است برای افرادی که منازلشان در سیل ویران شد.

۵- تعمیر مدارس فیضیه و دارالشفا که رو به ویرانی گذارده بود چنانچه در جلد اول اشاره کردیم.

۶- کتاب دررالفوائد در علم اصول فقه که غالباً در درس اصولشان عنوان می‌فرمودند.

۷- کتاب صلوهٔ که مطبوع و مورد نظر فقهاء می‌باشد.

۸- کتابخانه مدرسه فیضیه که تفصیل آن در جلد اول گذشت.

۹- غسالخانه در جنب رودخانه قم.

۱۰- قبرستان آیت‌اللَّه حایری معروف به قبرستان حاج شیخ و قبرستان نو.

۱۱- معظم تلامذه و اصحاب برجسته آیت‌اللَّه حایری.

بزرگترین آثار و ثمرات حوزه علمیه و مکتب و مؤسسه مرحوم آیت‌اللَّه حایری رجال علمی قم و ایرانست زیرا هر کدام دارای مقام فضل و دانش و کمال و تقوا و غالباً حائز اجتهاد مطلق و یا مجتهد متجزی و نویسنده نامی و گویندگان سامی می‌باشند و تمام آنان از درس و بحث آن فقید معظم حیازت آن مقام شامخ را نموده‌اند:

مرحوم حایری رحمه‌اللَّه از نوابغ و فحول علمی چنانیست که از حوزه او مجسـمه‌های فضیلت و استوانه‌های شرافت و مجتهدین جامع الشرایط و علماء عالیقدر و مدرسین کرام و اساتید عظام بیرون آمده است.

و حـوزه اوماننـد حـوزه وحیـد بهبهـانی و شـیخنا الانصـاری و میرزای شـیرازی و شـیخنا الاسـتاد الخراسـانی و اسـتاد المعاصـرین آقا ضیاءالدین عراقی قدس‌اللَّه اسرارهم رادمردان بزرگ و دانشمندان سترکی برخاسته‌اند.

این نگارنده در اینجا فهرست اسامی معظم آنها را با محل سکونتشان نگاشته و ترجمه احوال و مآثر و آثارشان را در این جلد و جلد دوم می‌نگارم انشاءاللَّه تعالی، و مخفی نباشـد که بسـیاری از آنان دار فانی را وداع و جماعتی هم در قیـد حیات و از زعماء و مراجع بزرگ معاصر می‌باشند.

شماره، اسم و شهرت، محل اقامت

۱- مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید میرزا آقای ترابی، دامغان

۲- آیت‌اللَّه حاج سید ابراهیم علوی خوئی، تهران

۳- آقا شیخ ابراهیم ریاضی، نجف‌آباد

۴- آیت‌اللَّه حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، تهران

۵- حاج سید ابوالحسن اسلامبولچی، تهران

۶- مرحوم حاج سید ابوالحسن روحانی قمی، نجف

۷- حاج میرزا ابوالفضل خراسانی، تهران

۸- آیت‌اللَّه حاج میرزا ابوالفضل زاهدی، قم

۹- حاج سید ابوالقاسم فقیه ارسنجانی، شیراز

۱۰- مرحوم شیخ ابوالقاسم اصفهانی، قم

۱۱- آیت‌اللَّه حاج شیخ اسماعیل جاپلقی، تهران

۱۲- مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ اسماعیل بهاری، تهران

۱۳- آیت‌اللَّه حاج سید احمد خونساری، تهران

۱۴- آیت‌اللَّه حاج سید احمد زنجانی، قم

۱۵- مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید احمد لواسانی، تهران

۱۶- آیت‌اللَّه حاج آقا بزرگ، کنگاور

۱۷- مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید جعفر شاهرودی، تهران

۱۸- مرحوم آیت‌اللَّه حاج آقا حسن فرید محسنی، قم

۱۹- مرحوم آیت‌اللَّه حاج آقا میرزا حسن یزدی، نجف

۲۰- آیت‌اللَّه حاج میرزا حسن معینی، شهر ری

۲۱- آیت‌اللَّه حاج سید حسن اصفهانی، تهران

۲۲- مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید حیدر طاهری، خرم‌آباد

۲۳- مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید ابوتراب طاهری، خرم‌آباد

۲۴- آیت‌اللَّه حاج میرزا خلیل کمره‌ای، تهران

۲۵- آیت‌اللَّه حاج شیخ راضی تبریزی، تهران

۲۶- آیت‌اللّه حاج آقا رضا زنجانی، تهران

۲۷- آیت‌اللّه حاج آقا رضا مدنی کاشانی، تهران

۲۸- آیت‌اللّه العظمی آقای حاج روح‌اللّه خمینی، نجف

۲۹- مرحوم آیت‌اللّه حاج روح‌اللّه کمالوند، خرم‌آباد

۳۰- آیت‌اللّه حاج روح‌اللّه خاتمی، اردگان

۳۱- آیت‌اللّه حاج ریحان‌اللّه گلپایگانی، تهران

۳۲- آیت‌اللّه حاج سید سجاد علوی، گرگان

۳۳- آیت‌اللّه العظمی آقای سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی، قم

۳۴- مرحوم حاج میرزا شهاب همدانی، ملایر

۳۵- مرحوم حاج سید شمس‌الدین ابهری، تهران

۳۶- مرحوم آیت‌اللّه صدرالدین صدر، قم

۳۷- مرحوم آقا ضیاءالدین خونساری، قم

۳۸- مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عباسعلی شاهرودی، قم

۳۹- مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عباس تهرانی، قم

۴۰- آیت‌اللّه آقا شیخ عباس حایری، تهران

۴۱- آیت‌اللّه آقا شیخ عباس انصاری همدانی، تهران

۴۲- آیت‌اللّه حاج میرزا عبداللّه تهرانی، تهران

۴۳- آیت‌اللّه حاج میرزا عبداللّه مجتهدی، تبریز

۴۴- آیت‌اللّه حاج میرزا عبداللّه سرابی، تبریز

۴۵- مرحوم حاج میرزا عبدالحسین صاحب الداری، قم

۴۶- مرحوم حاج میرزا عبدالعلی تهرانی، تهران

۴۷- آیت‌اللّه حاج میرزا سید علی یثربی، کاشان

۴۸- آیت‌اللّه آقای آخوند ملاعلی همدانی، همدان

۴۹- آیت‌اللّه حاج علی محمد مزلقانی، همدان

۵۰- مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ علی اصغر صالحی، کرمان

۵۱- مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا علی مهرابی، کرمان

۵۲- مرحوم آیت‌اللّه حاج سید علی‌اکبر برقعی، تهران

۵۳- آیت‌اللّه آقای فضلعلی، قزوین

۵۴- مرحوم آیت‌اللّه فاضل لنکرانی، قم

۵۵- آیت‌اللّه حاج میرزا فخرالدین جزایری، تهران

۵۶- آیت‌اللّه حاج سید کاظم شریعتمداری، قم

۵۷- آیت‌اللّه آقا سید کاظم گلپایگانی، نجف

۵۸- آیت‌اللّه حاج آقا مجتبی عراقی، قم

۵۹- مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمد حجت، قم

۶۰- مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمد داماد یزدی، قم

۶۱- مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمد همدانی، همدان

۶۲- آقا شیخ محمد غروی، سنقر

۶۳- آقا آیت‌اللّه سید محمد صدرالعلماء، قم

۶۴- آیت‌اللّه حاج میرزا محمد ثقفی، تهران

۶۵- آیت‌اللّه میرزا محمد ثابتی، همدان

۶۶- آیت‌اللّه حاج میرزا محمدباقر مهاجرانی، همدان

۶۷- میرزا محمدتقی اشراقی، قم

۶۸- آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری، قم

۶۹- آیت‌اللّه حاج سید محمد جلالی، مشهد

۷۰- آیت‌اللّه حاج سید محمد حسن یزدی، قم

۷۱- حاج شیخ محمد حسن فرید گلپایگانی، تهران

۷۲- آیت‌اللّه، حاج شیخ محمدحسین شریعتمدار، ساوه

۷۳- آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی، قم

۷۴- آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدرضا طبسی، قم

۷۵- آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدعلی عراقی، قم

۷۶- آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمود روحانی، قم

۷۷- آیت‌اللّه العظمی حاج میرزا مصطفی صادق، قم

۷۸- آیت‌اللّه العظمی حاج سید مصطفی خونساری، قم

۷۹- مرحوم حاج سید محی‌الدین طالقانی، تهران

۸۰- حاج سید محمدرضای طالقانی، قم

۸۱- حاج میرزا مهدی بروجردی، قم

۸۲- آیت‌اللّه حاج سید مهدی کشفی، تهران

۸۳- آیت‌اللّه حاج سید مهدی انکجی، تهران

۸۴- آیت‌اللّه آقا شیخ مهدی کوچه حرمی، قم

۸۵- آیت‌اللّه حاج سید هادی روحانی، رودسر

۸۶- آیت‌اللّه میرزا هاشم آملی، قم

۸۷- حاج میرزا هدایت‌اللّه وحید، تهران

۸۸- حاج سید یحیی یزدی، نجف

۸۹- حاج سید یحیی بفروئی، بفروی یزد

۹۰- آقا سید یحی اسلمبولچی، تهران

و صدها نفر دیگر که ذکرشان موجب اطنابست و انشاءاللّه ترجمه هر یک در این کتاب و جلد دوم خواهد آمد.

رحلت مرحوم آیت‌اللّه حایری

مرحوم آیت‌اللّه حایری از اوائل ورودش به قم تا آخر عمرش که حدود پانزده سال بوده است مواجه با حوادث سهمگین و ناملایمات فراوانی بوده است که در جلد اول آثارالحجه نگاشته‌ام ولی در اینجا برای بعضی از محذورات از شرح آن معذورم و این نوائب ضربات بسیاری در روح و قلب آن بزرگوار وارد نموده که در اواخر او را از پا درآورده و بسیار ضعیف نموده بود تا جائی که گاهی تمنای مرگ نموده و می‌فرمود دیگر مردن سرقفلی دارد (فیاموت زرنی ان الحیاهٔ ذمیمهٔ) ای مرگ بیا که زندگی مرا کشت و در اواخر عمرش بسیار خلوت و اعراض و انزوا را دوست می‌داشت و غالباً در غیر وقت درس و تحصیل طلاب در سالاریه مرحوم متولی بزرگ پدر جناب آقای مصباح التولیه متولی معزول که به ایشان نهایت ارادت و اخلاص را داشت به سر می‌برد و روز به روز بر ضعف و کسالتش افزوده می‌شد زیرا دیگر برای مرد غیور و متدین با دین آن حملات و تهاجم به قرآن مقدس و نوامیس مسلمین و حوزه روحانیت جای تحمل و صبر و طاقت نبود و به گفته یکی از مراجع و اساتید بزرگ حوزه آن مرحوم به مرض دق از دنیا رفت خلاصه ضعف بالای ضعف و غصه بر غصه ایشان اضافه می‌شد تا در شب هفدهم ذی‌القعده هزار و سیصد و پنجاه و پنج قمری از دنیای فانی فارغ و از ناملایمات آن راحت گردید (در سن هشتاد و سه سالگی).

مرحوم آیت‌اللّه آقای حاج سید صدرالدین صدر رضوان‌اللّه‌علیه قصیده‌ای در مرثیه و تاریخ فوتش سروده‌اند که در میان قصائد و مراثی بسیاری که در ضایعه فوت ایشان گفته شده بیشتر مرضی خدا و مورد توجه آن مرحوم واقع گردیده است.

عبدالکریم آیت‌اللّه قضی

وانحل من سلک العلوم عقده

اجدب ربع العلم بعد خصبیه

و هد ارکان المعالی فقده

کان لاهل العلم خیر والد

و بعده امست یتامی ولده

کوکب سعد سدالعلم به

دهرا و غاب الیوم عنه سعده

فی شهر ذی القعدهٔ غاله الردی

بسهمه یالیت شلت یده

فی حرم الائمهٔ الاطهار فی

شهر الحرام کیف حل صیده

دعاه مولاه فقل مورخا

لدی الکریم حل ضیفا عبده

فرمود پس از انشاد این قصیده در عالم رؤیا دیدم در باغی هستم که فوق‌العاده از حیث اشجار و اثمار و ازهار و انهار جاریه و خیابانها زیبا و بی‌نظیر بود و من در خیابانها قد می‌زدم شخصی از مقابل به من رسیده و گفت میل دارید آقای حاج شیخ را ملاقات نمائید گفتم کدام حاج شیخ گفت حاج شیخ عبدالکریم حایری گفتم کمال میل را دارم.

آن شخص جلو افتاد و گفت بفرمائید سه چهار خیابانی طی کردیم رسیدیم به فضائی که وسط باغ بود و به حوضی برخوردیم که اطراف آن گل‌کاری بود و در سمت راست آن فضا عمارتی بود که سه چهار پله از زمین باغ بالا بود و درهای چندی به طرف باغ داشت نگاه کردم دیدم در آخر اطاق گوشه دست راست حاج شیخ را دیدم تکیه به در داده و به باغ نگاه می‌کند من سلام کردم و با عجله بالا رفتم و وارد اطاق شدم ثانیاً سلام کردم جواب دادند و بعد از پذیرائی من احوال‌پرسی کردم فرمودند حالم خوبست و احوال آقایان و حوزه را پرسیدند گفتم الحمدللّه خوبست خوشحال شدند و در این حال پیشخدمت وارد شد و برای ایشان چائی آورد فرمودند برای آقا هم بیاور، رفت و یک استکان چائی برای من آورد و در تمام این جریانات من تصور می‌کردم حاج شیخ زنده است و به باغ آمده‌اند گفتم تنها تشریف آورده‌اید میل مبارک باشد من هم خدمت شما باشم فرمودند خیر شما کار دارید و با شما کار دارند و باید بروید و بعد هر دو دست را بلند کرده فرمودند من تنها نیستم خیر تنها نیستم در آن وقت متوجه شدم که فوت

کرده‌انـد باز احوال‌پرسـی کردم و ایشان هم احوال‌پرسـی نمودنـد و بعـد توجهی به باغ انـداختم و ایشان همچون فهمیدند که من به منظره بـاغ مجـذوب شـده و از نزاهت و طراوت آن اسـتعجاب می‌کنم. کمی بلنـد شـده و هر دو دست را بلنـد و به طرف من اشـاره کردند فرمودند (لدی الکریم حل ضیفاً عبده).

منظره‌ای از تشییع جنازه‌ی مرحوم آیت‌اللّه حایری

و یکی دیگر از قصائد و ماده تاریخ‌های خالص که با صدق نیت گفته شد در فوت آن مرحوم ابیات زیر است

عجب از سیرت بی‌ارزش دنیای دنی
صلح ناکرده ز اول دل دانا با او
زهد و دنیاطلبی ساز نیایند به هم
نشده یک قدمی سازش دنیا با او
بی‌مکارم نرسد فایده علم بکس
گرچه علم و هنرش بوده چو دریا با او
گشت از حوزه علمیه روان سوی جنان
آنکه شد ماحصل دانش و تقوا با او
نشنیدیم در این ملک چو او مردی راد
همه اسباب شرف بوده مهیا با او
خود اگر داشت کسی دیده بینا می‌دید
رسم و آئین تدین که هویدا با او
همه کس را نرسد رتبه همپائی وی
«فیض روح‌القدسی بود به پیدا با او»
گفتم این چامه که داور بکشد روز پسین
خط بطلان بخط جرم خطاها با او

اثر عمیق فوت مرحوم حایری

قـال رسول‌اللّه صـلی اللّه علیه و آله: اذامـات العـالم ثلم فی الاسـلام ثلمـهٔ لا یسـدها شـییء وقتی عالمی از دنیا رود رخنه‌ای در دیوار اسلام واقع شود که چیزی آن را مسدود نکند.

و قـال صـلی اللّه علیه و آله و سلم: اذا مات العالم بکت علیه السـموات والارضون اربعین صـباحا وقتی عالمی از دنیا رود آسـمانها و زمین‌ها بر او چهل صبح گریه می‌کند در کتب اخبار و احادیث و تفسیرهای فریقین وارد شده است که مرگ عالم ربانی و مرجع با تقوی تـأثر عمیقی در جـامعه و جهـان هستی دارد به طوری که آسـمانها و زمین‌هـا و هوام و حشـرات و وحوش و طیور و درنـدگان برای فقدان او متأثر شده و گریه می‌کنند.

ای بسا کس مرد و کس آگه نشد
از عیانش مبدئی و مختمی
لیک اندر مرگ مردان بزرگ
عالمی گرید برای آدمی
عالمی گردد قرین درد و رنج
گر بمیرد برگزیده عالمی
آیتی چون حایری رفت از جهان
یک جهان گردد غریق ماتمی

رحلت و فـوت مرحـوم آیت‌اللّه حـایری در چنـان بحران و کـوران عصـر تـاریکی که تمـام دست‌هـا و قـوای مرموز اسـتعمارگران و دشـمنان دین و اسـتقلال کشور بر علیه قرآن و اسـلام فعالیت می‌کرد و روزی نبود که بـدعت تازه و منکری بر مردم ضـعیف‌الایمان تحمیـل نشود بزرگترین ضـایعه بود زیرا که تمـام علماء و دانشـمندان بزرگ و فعال و متعصب و متنفـذ را یا تبعیـد و یا زنـدانی و یا خانه‌نشـین و یا از بین برده بودنـد و تنها مرد میـدان مجاهـده بود که با مبارزات منفی و مثبت خود دشـمنان و بیگانه‌پرسـتان را عقب رانده و از تهاجم و حمله اساسی آنها جلوگیری می‌کرد.

آیت‌اللّه حـایری بـا آن متـانت و بردباری و تقیه و محافظه‌کاری که مشـروحاً بیان شـد دشـمن را که همواره می‌گفت همه را از میان بردم اگر ایـن یکی را هـم می‌بردم از اسـلام و دیـن آسـوده شـده و از حـدود و قیـود آئیـن و مـذهب آزاد و راحت می‌شـدم به زانو درآورده و مجذوب خود گردانیده بود.

در صـبح هفدهم ذی‌القعده ۱۳۵۵ قمری که این خبر در قم و وسیله تلگراف و تلفون در تهران و سـایر بلاد منتشـر شـد عموم مردم متـأثر شـده و جهـان در نظر ملت متـدین و شـیعیان متعصب تاریـک شـده و انتظار بلیات و مصائب دیگر را احساس نمودنـد که این نگارنده آن را در جلد اول آثار الحجهٔ مشروحاً نگاشتم طالبین به آنجا مراجعه کنند.

تشییع جنازه در آن موقع موقوف و کلیه تظاهرات و مظاهر دینی و شـعائر مـذهبی تعطیل بود لکن مردم قم عموماً زن و مردم عالم و جاهـل و طبقات مختلف مردم دولتی و غیره چنان آشـفته و پریشان بودنـد و به سـر و صورت می‌زدنـد و فریاد می‌کشیدند که گویا صاعقه‌ای از آسـمان آمـده و تمامی را سوزانیـده است در آن خفقان عجیب و شـرایط سـخت تشییعی از جنازه آن مرحوم شـد که کم‌نظیر بوده و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا فخرالدین شیخ‌الاسلام قم بر ایشان نماز خوانده و در جوار حضرت معصومه سلام‌اللّه‌علیها در مسجد بالا سر همانجائی که خود نماز می‌خواندند و درس می‌گفتند مدفون شده و اشعار مرحوم آیت‌اللّه صدر را که ذکر شد بر

روی سنگ قبرش منقوش نمودند (لدی الکریم حل ضیفا عبده).

رجال علم و تقوائی که در اطراف قبرش مدفون می‌باشند

یکی از مزارات و قبوری که بعد از حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام در قم زیارت می‌شود قبر مرحوم آیت‌اللّه حایری است و کمتر کسی مشرف به قم برای زیارت می‌شود که قبر آن مرحوم را زیارت نکند در شبانه روز هزارها نفر به زیارت قبر او می‌روند، در اطراف قبرش شخصیتهای برجسته علمی و مردان با فضیلت و تقوا بسیاری مدفون می‌باشند که غیر از دو قبر مرحومین آیتین خونساری و صدر قبور دیگران اثر و مظهری ندارد و ما فهرست آنها را در اینجا می‌نگاریم و ترجمه و آثارشان را در جای خود آورده و خواهیم آورد:

۱- آیت‌اللّه آقا سید محمد بن آیت‌اللّه آقا سید عبداللّه برقعی متوفی ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۵۰ قمری ترجمه‌اش قبلا گذشت.

۲- آیت‌اللّه آقا شیخ محمد بن آیت‌اللّه شیخ زین‌العابدین مازندرانی متوفی. ۲۳ ج ۱۳۵۰ /۲.

۳- آیت‌اللّه آقا شیخ ابوالقاسم کبیر متوفی اواسط ماه جمادی‌الثانی ۱۳۵۳ قمری

۴- آیت‌اللّه حاج سید احمد عراقی بن آیت‌اللّه حاج آقا محسن عراقی متوفی ۱۰ ذی‌الحجه ۱۳۵۶ قمری.

۵- آیت‌اللّه حاج سید حسین کوچه حرمی متوفی ۱۵ ذی‌القعده ۱۳۵۷ قمری.

۶- آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی حایری قمی متوفی دوشنبه ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۳۵۸ قمری.

۷- آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی بهبهانی متوفی دوم ربیع‌الثانی ۱۳۶۰ قمری.

۸- آیت‌اللّه حاج شیخ مهدی پائین‌شهری متوفی جمعه نوزدهم شعبان ۱۳۶۰ قمری.

۹- آیت‌اللّه حاج سید حسین شوشتری متوفی ۱۸ محرم ۱۳۶۲ قمری.

۱۰- آیت‌اللّه حاج سید فخرالدین سبط میرزای قمی متوفی سوم شعبان ۱۳۶۲ قمری.

۱۱- آیت‌اللّه حاج شیخ عیسی لواسانی متوفی دوم صفر ۱۳۶۴ قمری.

۱۲- آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر قزوینی متوفی ۲۸ صفر ۱۳۶۴ قمری.

۱۳- آیت‌اللّه سید محمدصادق بهبهانی متوفی ذی‌القعده ۱۳۶۴ قمری.

۱۴- آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی بافقی متوفی ۱۲ جمادی‌الاولی ۱۳۶۵ قمری.

۱۵- آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری متوفی ۷ ذی‌الحجه ۱۳۷۱ قمری.

۱۶- آیت‌اللّه حاج سید صدرالدین صدر متوفی ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۷۳.

۱۷- آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالنبی عراقی.

۱۸- آیت‌اللّه حاج میرزا مهدی بروجردی.

۱۹- آیت‌اللّه حاج آقا روح‌اللّه کمالوند

۲۰- آیت‌اللّه حاج سید احمد لواسانی

۲۱- آیت‌اللّه حاج شیخ عباس تهرانی

۲۲- آیت‌اللّه حاج شیخ محمد حسن طالقانی

۲۳- آیت‌اللّه حاج میرزا رضی تبریزی

۲۴- آیت‌اللّه حاج سید مهدی کشفی بروجردی

۲۵- مرحوم حجهٔالاسلام میرزا محمدتقی اشراقی فرزند مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمد ارباب متوفی ۲۵ ماه رمضان ۱۳۶۸ قمری

۲۶- مرحوم حجهٔالاسلام آخوند ملا عبداللّه متوفی ۱۳۵۷ قمری

۲۷- آیت‌اللّه حاج میرزا سید حسن برقعی رحمه‌اللّه

۲۸- آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالجواد صافی گلپایگانی

۲۹- آیت‌اللّه حاج میرزا محمود اصولی تبریزی

و ده‌ها نفر دیگر که نزدیکی قبر آن مرحوم مدفونند و گذشته از علماء مردان صالح و نیکوکاری چون مرحومین اخوان سلامت حاج شیخ علی‌اصغر و حاج شیخ علی‌اکبر سلامت رضوان‌اللّه علیهم اجمعین.

کرامت حضرت امام حسین علیه‌السلام نسبت به مرحوم حایری

از خصایص و امتیازات مرحوم آیت‌اللّه حایری قدس‌اللّه‌سره کثرت توسلش بود به خداندان جلیل عصمت و طهارت بالاخص بمولینا الکونین نورالثقلین امام المشرقین حضرت ابی‌عبداللّه الحسین علیه الصلوهٔ والسلام حتی در مجلس درس فقه‌اش مرثیه‌خوانی چون مرحوم حاج شیخ ابراهیم صاحب‌الزمانی تبریزی را که از اوتاد زمان بود تعیین کرده بود که هر روز قبل از درسش ذکر مصیبتی کند و بعد از آن خودش به منبر رفته و تدریس می‌نمود در ایام عاشوراء روضه‌خوانی داشت و روز عاشوراء خود در جلوی هیئت اهل علم پا برهنه و گل به پیشانی و صورت مالیده حرکت می‌کرد وقتی بعضی از نزدیکانش از علت این توسل و تمسکش به سفینهٔ‌النجاهٔ امت حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام پرسید جواب می‌فرمایند من هرچه دارم از آن حضرت دارم و بعد قصه کرامت حضرتش را درباره خودش شرح می‌دهد که این نگارنده در سفرم به اراک از دو نفر مرد موثق و عادل شنیدم که عیناً آن را در ج ۲ کتاب آثارالحجه ص ۲۰۸ نگاشته و اینجا هم که جای آنست می‌نگارم.

آقای حاج دفتری مباشر کارهای آیت‌اللّه حاج مصطفی محسنی که مرد موثق و متدینی است با تأیید مرحوم مبرور آقای آیت‌اللّه حاج آقا حسن فرید محسنی که مرحوم آیت‌اللّه حایری در منزل مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا مصطفی در اراک هنگامی که سرپرستی حوزه عراق را داشتند پس از نقل خواب آن مرحوم که در آثارالحجه نوشته‌ام فرمودند هنگامی که من در کربلا بودم شبی در عالم خواب دیدم که شخصی به من گفت شیخ عبدالکریم کارهایت را بکن که تا سه روز دیگر خواهی مرد. من از خواب بیدار شدم متحیر بودم گفتم البته خوابست تعبیر ندارد اتفاقاش شب سه‌شنبه بود روز سه‌شنبه و چهارشنبه را مشغول به درس و بحث بودم تا

خواب از خـاطرم رفت روز پنجشـنبه تعطیلی دروس بـا بعضـی از رفقا به ناحیه باغ مرحوم سـید جواد رفتیم در آنجا قـدری گردش و مذاکره علمی نموده تا ظهر نهار را صرف و ساعتی خوابیدیم در آن موقع لرز شدیدی به من عارض شد رفقا آنچه عبا و رواناز بود بر من انداختند باز می‌لرزیدم پس از ساعتی تب بسیار سوزانی کردم و کم کم حس کردم که حالم بسیار خراب است به رفقا گفتم مرا زودتر به منزلم برسانید.

رفقا وسیله‌ای فراهم کرده و مرا به شهر آورده و به منزلم رسانیدند در آنجا بی‌حال و حس افتادم کم کم حواس ظاهره‌ام از کار افتاد یـک مرتبه به یـاد خواب سه شب قبـل افتادم علائم مرگ را در خود مشاهـده کردم و ناگهان دیـدم دو نفر ظاهر شـده و از راست و چپ من نشستند و به هم نگاه کردند و گفتند اجل او رسیده مشغول قبض روح او شویم.

من در آن حـال مرگ را معاینه کردم از راه قلب توجهی به ساحت مقـدس حضـرت سیدالشـهداء امام حسـین علیه الصلوهٔ والسـلام نمـوده عرض کردم مولای مـن از مرگ هراس و ترس نـدارم ولکـن از این می‌ترسم که دسـتم خـالیست کـاری نکرده و زادی تهیه ننموده‌ام شـما را به حق مادرتان حضـرت صـدیقه طاهره علیهاالسـلام شـفاعت کنیـد که خدا مرگ مرا تأخیر اندازد تا فکری به حال خود نمایم.

و تا از راه دل این توسل را نمودم دیدم شخصـی وارد شد و نزد آن دو آمده و گفت حضـرت سیدالشهداء فرمودند شیخ عبدالکریم به مـا توسل نمود و ما هم نزد خـدا شـفاعت کردیم که عمر او را دراز و اجل او را تأخیر انـدازد و خداونـد تعالی اجابت فرمود شـما روح او را قبض نکنید.

پس آن دو به هم نگاه کرده و رو به آن شخص نموده و گفتند سمعاً و طاعه و از جا حرکت کردند و سه نفری صعود نمودند.

پس در آن هنگـام احسـاس کردم که حـالم بهتر شـده صـدای گریه و زاری و ناله خانواده خود را شـنیدم که به سـر و صورت خود می‌زدنـد آهسـته دست خود را حرکت دادم و چشم خود را گشودم دیدم چشم مرا بسـته و رویم چیزی کشیده‌اند، خواسـتم پایم را جمع کنم ملتفت شدم که شصت مرا هم بسته‌اند.

پس دسـتم را بلند کردم برای برداشـتن چیزی که رویم بود شنیدم می‌گویند ساکت شوید گریه نکنید که حرکت دارد و آرام شدند و روی مرا برداشـتند و چشـمم را گشودنـد و پایم را فوراً باز کردنـد با دست اشاره به دهانم کردم که آبم دهیـد. پس آب به دهانم ریختند و کم کم از جا برخاسـته و نشسـتم و تا پانزده روز ضـعف مفرط و کسالت داشتم، از آن حالت الحمدللّه به کلی رفع نقاهتم شده و بهبودی یافتم و این از برکت مولایم حضرت حسین علیه‌السلام بود. آری به خدا قسم.

مرا بغیر حسین ملجأ و پناهی نیست

در این عقیده یقینم که اشتباهی نیست

ره نجات حسین است و دوستی حسین

به سوی حق به جز از این طریق راهی نیست

اگر تو حکم غلامی من کنی امضا

به هیچ محکمه خوفم ز دادگاهی نیست

بیت آیت‌اللّه حایری

بیت و خـانواده آن مرحوم بیت علم و تقوا و فضـیلت است دارای دو پسـر و سه دختر بوده‌انـد پسـران جنـاب آیت‌اللّه آقای حاج آقا مرتضی حایری و جناب حجهٔ‌الاسلام آقای حاج آقا مهدی حایری که ترجمه هر یک خواهد آمد و اما دختران

۱- همسر مرحوم حجهٔ‌الاسلام حاج شیخ محمد توسرکانی

۲- همسر مرحوم حاج شیخ احمد همدانی

۳- همسر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد محقق داماد یزدی بودند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۱۷ -۱۳ /۱)، الذریعه (۱۳۲/۸ -۳۷۸/۴)، ریحانه (۶۸ -۶۶ /۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۶۳ - ۵۹ /۳)، مولفین کتب چاپی (۹۱۷ -۹۱۵ /۳).

حایری یزدی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیـد علی بن میرزا محمـدرضا بن میرزا ابی‌الحسن بن میرزا محمـدعلی جعفری یزدی حـایری بزرگ فقیهی متبحر و مجتهـدی جامع بوده است.

وی در یزد متولـد و در اصـفهان از محضـر علامه آقا شـیخ محمـدتقی اصـفهانی اسـتفاده نموده و پس از آن مهاجرت به کربلا و از محضـر فاضل اردکانی تا وصول به مقام اجتهاد بهره‌منـد شده و پس از آن به ایران مراجعت و مجاورت مشـهد مقدس را اختیار و به تدریس و اقامه جماعت و وظائف شـرعیه اشـتغال داشـته تا هنگام وقعه توپ بسـتن روسـها آسـتان قدس را که نتوانسته این منظره را مشاهـده نمایـد ناچـار به یزد منتقل و در بعضـی از نواحی شـهر ساکن تا در سال ۱۳۳۰ قمری بـدرود حیات گفته و در حرم جـدش امامزاده جعفر عریضـی مـدفون شـده و فرزنـد صالحی چون حجهٔ‌الاسـلام والمسـلمین آقا سـید علیرضا متولـد ۱۳۰۴ قمری مجمـوعه کمالات را بجا گذارد.

معظم‌له نیز سـطوح را در ایران به پایان رسانیده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف در سال ۱۳۳۰ ق نموده تا سال ۱۳۳۶ توقف و

از محضر علماء بزرگ چون آیت‌اللّه العظمی آقا سید محمدکاظم یزدی و دیگران استفاده و پس از آن به یزد مراجعت و به انجام وظائف شرعی و روحی مشغول تا در چند سال اخیر که بدرود حیات گفتند.

وی دارای طبعی سرشار بود و به عربی و فارسی اشعاری سروده که از آن است این بیت:

فانهض و شمر للمعالی مسرعا

اذلیس للانسان الا ما سعی

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حایری، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌اللّه آقا شیخ ابوالقاسم حایری از علماء ماهر کربلا بوده و بعد ۱۲۸۴ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حایری، احمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ احمد بن شیخ محمدعلی سلطان الحایری فاضلی جلیل بود و بعد از ۱۲۱۴ در کربلا وفات نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حایری، جواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ جواد بن شیخ راضی بن شیخ محسن سلطان حایری عالمی فاضل بود و بعد از ۱۲۵۳ وفات نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حایری، خاور

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۴ ق)، شاعر، متخلص به حایر و خاور. وی در قصبه بروجن چهارمحال بختیاری به دنیا آمد و در مهد پدر و استاد که در منزل به او تدریس می‌کرد مقدمات علوم را فراگرفت و پس از آن چندین سال در اصفهان به مدرسه رفت. بانو خاور از اوان کودکی به شعر و ادب علاقه‌مند بود و از شاعران به سعدی و حافظ ارادت می‌ورزید. او از زمان کودکی به سرودن شعر پرداخت. اشعار زیادی سروده است که در برخی از روزنامه‌ها و مجلات به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۷۷ -۱۷۶)، فرهنگ سخنوران (۲۹۹).

حایری، صدرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صدرالدین حایری از علماء مبرز و دانشمندان ممتاز معاصر شیراز است.

وی پس از تولید و پرورش در حجر علم و تقوا مقدمات و ادبیات و سطوح را از مدرسین بزرگ فراگرفته و مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام و مراجع بزرگ استفاده نموده و پس از آن به شیراز آمده و به وظائف دینی از اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن و تالیف پرداخته و در دوران خدمتش ابتلاءاتی پیدا نموده و گرفتاریهائی داشته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حایری، طاهر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید طاهر بن میرزا مهدی بن سید محمدباقر موسوی قزوینی حایری فقیهی متقی از علماء جلیل کربلا بوده و در سال ۱۳۲۹ وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حایری، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالحسین بن آقا سید علی بن سید جواد بن حسن بن سلمان بن درویش بن احمد آل طعمه موسوی حایری متولد ۱۲۹۹ و متوفی ۱۳۸۰ ق فاضلی جلیل و ادیبی متقی بوده است و آل طعمه از خاندان مجد و جلال کربلا و از خزان و خدام آستان قدس حسینی بوده‌اند و از همین سلسله است جناب سلالهٔ السادات الاطیاب حاج سید عبدالمهدی بن حاج سید عباس معاون التولیه آل طعمه موسوی مقیم تهران که از تجار خیر می‌باشند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حایری، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۷ -۱۲۵۳ ش)، مجتهد، نویسنده و شاعر. در شهر کربلا در خاندانی با فضیلت متولد شد. تحصیلات مقدماتی را در حوزه‌ی علمیه‌ی کربلا طی کرد و در آنجا از محضر استادانی چون: شیخ زین‌العابدین، ملا اسماعیل بروجردی و میرزا محمد هاشم خوانساری اصفهانی کسب فیض کرد. در هفده سالگی کتابهای زیادی نوشت و موفق به دریافت بیش از سی اجازه‌ی روایتی و اجتهادی شد. سفری به مکه داشت و در طول راه با علمای اهل تسنن ملاقات و بحث کرده است. در تهران و دیگر شهرها، چون قم، اراک و مشهد، جامعه‌ی اخوان اسلامی را بر اساس اخوت اسلامی تاسیس کرد. وی یکی از پیشنهاد کنندگان ملی کردن صنعت نفت به رضاخان بود. حایری به فارسی و عربی شعر می‌سرود. از جمله آثار او: «هدایه العامه فی اثبات الامامه»؛ «منظومه‌ی موجز المقال»، در علم درایه؛ «منظومه‌ای در علم رجال»؛ «منظومه‌ای در بیع فضولی»؛ «ودایع الاسرار و بدایع الاخبار»؛ «دیوان قصاید و غزلیات»؛ «حکم تشریع احکام دین»، در تصوف؛ و «غنائم التبیان در تفسیر قرآن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۵۵ -۱۵۱)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۲، ص ۵۳ -۵۲).

حایری، علی‌اصغر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی‌اصغر بن ملا آغابابا حایری عالمی متقی و فاضلی جلیل بود و در سال ۱۳۲۵ ق وفات نمود

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حایری، محمدسعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد سعید حایری بن شیخ محمدحسین عالمی جلیل و مدرسی فاضل و مدیر (مدرسه هندی) بود و حدود ۱۳۵۰ وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حایری، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آیت‌الله آقای شیخ مرتضی بن آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی مؤسس حوزه علمیه قم از

اکابر علماء فعلی و آیات عظام حوزه علمیه و شهرستان قم می‌باشد که به زیور علم و حلم و متانت و صفا آراسته است وی در ماه ذی‌الحجه ۱۳۳۴ ق در اراک متولد شده و فنون ادب و صرف و معانی و بیان را از مرحوم حاج میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و آقا شیخ ابوالقاسم نحوی فراگرفته و مقداری از سطوح و متون فقهیه و اصولیه را در خدمت آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی و آیت‌الله صالحی کرمانی خوانده و چندی هم از محضر والد معظم بهره‌مند شده و پس از آن حدود ۱۵ سال از دروس فقه و اصول آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله خونساری استفاده نموده و هم چند سالی به درس آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت کرده و ضمنا به تدریس سطوح عالی و اکنون خارج فقه و اصول اشتغال دارند و در مسجد امام قم اقامه جماعت می‌نمایند. از آثار و تالیفات ایشانست ۱- رساله‌ای در حدیث رفع ۲- رساله‌ای در مسئله تعاقب ایادی ۳- کتاب ابتغاء الفضیله.

این کتاب شرح بر وسیله مرحوم آیت‌الله اصفهانی که ملفقی از چند کتاب فقهی قدماء، تذکره، شرایع، لمعه، قواعد و غیر آن می‌باشد و آن ۶ جلد است که جلد اول به نام ابتغاء الفضیله به طبع رسیده است.

۴- شرح بر عروه الوثقی تا مبحث اغسال سه جلد ۵- دوره اصول به نام مبانی الاحکام فی اصول شرایع الاسلام سه جلد ۶- حاشیه بر کفایه ۷- حاشیه بر مکاسب ناتمام ۸- رساله مبسوطی در صلوه جمعه نظیر ابتغاء الفضیله.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حایری، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج آقا مهدی بن العلامه الورع حاج شیخ عباس بن الزکی الصالح التقی حاج ملا حاجی تهرانی حایری از علماء اعلام و افاضل کرام حوزه علمیه قم دارای فضل و دانش و اخلاق حمیده و صفات پسندیده است.

در سال ۱۳۰۴ شمسی در کربلاء معلی متولد شده و در معیت والد مبرورش به ایران آمده و پس از طی مقدمات ادبیات در تهران خدمت حاج شیخ محمدحسین زاهد خوانده و قسمتی از سطوح را خدمت حاج سید صدرالدین جزایری دیده و در سال ۱۳۲۷ شمسی مهاجرت به قم نموده و بعد از تکمیل سطح به درس آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله امام خمینی و آیت‌الله شریعتمداری و مرحوم آیت‌الله محقق داماد و آیت‌الله اراکی حاضر شده و از خرمن علمشان استفاده نموده و نیز اصول و فلسفه و کلام را خدمت علامه طباطبائی تلمذ نموده.

جناب آقای حایری از مراجع بزرگ نجف اجازات اجتهاد و غیره دارد، دارای پشتکار عجیب و همتی بلند می‌باشد. نوشته‌هایی از دراسات و تقریرات دروس اساتید خود مخصوص علامه‌ی طباطبائی دارد، مضافا یک سلسله مقالات دارند که در مکتب تشیع و مکتب اسلام و معارف جعفری به چاپ رسیده است و آنها به شرح زیر است:

۱- کتابی در سیر قرآن و تفسیر که بعضی مقالات آن در مکتب تشیع به چاپ رسیده است.

۲- کتابی در سیره عقاید و مذاهب که قسمتی از آن در مکتب تشیع به چاپ رسیده است.

۳- کتابی در سیر کتابخانه در اسلام.

۴- کتابی در روش تبلیغات اسلامی که قسمتی از آن در مکتب اسلام به چاپ رسیده است.

۵- کتابی در اخلاق و کلید خوشبختی که قسمتی از آن در معارف جعفری به چاپ رسیده است.

۶- اخلاق از نظر قرآن و دستورات اجتماعی اسلام.

مترجم معظم چون تهرانی‌الاصل و ریشه‌دار و از خاندان فضل و شرافت است فکری عمیق دارد در خدمات اجتماعی و باقیات الصالحات نیز سعی بلیغ و کوششی فراوان نموده تا از خود آثاری نیز در موضوع گذارده است.

۱- کتابخانه مدرسه حجتیه که در سال ۱۳۳۰ شمسی به همت ایشان تاسیس گردید که در ضمن کتابخانه‌های حوزه اشاره شد.

۲- در تحت نظر آیت‌الله العظمی میلانی در سال ۱۳۴۱ شمسی و بعضی مدرسین دیگر اقدام به تاسیس مدرسه حقانی (منتظریه) که در باب مدارس فعلی قم مشروحا گذشت.

۳- در عصر زعامت آیت‌الله العظمی بروجردی مدت سه سال در مدرسه فیضیه برنامه غذاخوری به کمترین قیمتی...

۴- تاسیس دبستان نمونه برای دختران در خیابان بهروز قم تا فرزندان روحانیین با برنامه‌های دینی و تعلیم و تربیت صحیح پرورش یابند.

۵- اداره و سرپرستی دبیرستان دین و دانش قم.

۶- تاسیس یک کتابخانه سیار اسلامی حایری تهرانی.

۷- اعزام مبلغین در شبهای جمعه و پنجشنبه به اطراف و نواحی قراء و قصبات تهران و قم.

۸- ساختمان یک مدرسه علمیه برای آقایان طلاب واقعه در خیابان آذر جنب شاهزاده زید.

۹- ساختمان طبقه دوم مدرسه رضویه.

۱۰- چاپ و نشر کتب دینی و اخلاقی و عقاید برای نشر معارف اسلامی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حایری، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۵ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به کورش حایری. در کربلا متولد شد. نسب وی با بیست و دو واسطه به حضرت سجاد (ع) می‌رسد. وی در هفت سالگی همراه خانواده به ایران آمد. سید هادی دوره‌ی تحصیلات خود را در دبستانهای کربلا و یا به قولی دبستان جاوید و حسینیه‌ی تهران و دبیرستان فردوسی و سپس کالج آمریکایی گذراند. مدتی در خدمت وزارت دارایی بود. وی به کربلا و هندوستان سفر کرد. از آثار او: «آفاق»، آثار انجمن دانشوران؛ «از هر چمنی گلی»، شعر؛ «افکار و آثار ایرج»؛ «برگ سبز یا عشق میهن» شعر؛ «تذکره‌ی زنان شاعر معاصر ایران»؛ «عشقی شاعر و نویسنده رمانتیک»؛ گردآوری «دیوان عارف قزوینی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۶۵/۳)، سخنوران نامی معاصر (۲۹۸۴ -۲۹۸۲ /۵)، مولفین کتب چاپی (۷۱۶ -۷۱۴ /۶).

حائری بروجنی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن ابوالقاسم بن حسن حسینی بختیاری.

عالم فاضل، از شاگردان فاضل اردکانی و شیخ زین العابدین مازندرانی بوده، و در صحن حضرت اباالفضل علیه السلام اقامه جماعت می‌فرموده. در ۱۳۲۰ و اندی به ایران مراجعت نموده و در نزد عوام و خواص، محترم و به وظایف شرعی قیام فرموده.

در ۱۳۳۹ وفات یافته. [در تکیه ی ملک در تخت فولاد مدفون است].

تقریرات اساتید خود را در فقه و اصول به رشته ی تحریر درآورده است.

وی را دو برادر عالم است:

۱- سید علی (فوت ۱۳۱۲.)

۲- سید محمّد. هر دو از علما و فضلا بوده‌اند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حائری پور، محمد مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی حائری پور

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از طی تحصیلات راهنمایی و اول دبیرستان در کاشان وارد حوزه علمیه مرحوم آیةالله العظمی یثربی ره کاشان شدم سال ۱۳۶۳ پس از سه سال گذراندن ادبیات عرب در سال ۱۳۶۶ به حوزه علمیه قم آمدم و به درس های فقه و اصول (لمعه و اصول فقه) پرداختم و همزمان دیپلم گرفتم. و تا سال ۱۳۷۲ سطح را به پایان بردم. در دس خارج یک دوره اصول نزد آیةالله سبحانی از شاگردان حضرت امام خمینی ره گذراندم و همزمان حدود ۲ سال در بحث های خارج فقه ایشان شرکت کردم.در سال ۱۳۷۶ در کنار درس خارج به رشته تخصصی علوم قرآن و تفسیر روی آوردم و مدت چهار سال در این دوره بودم. از سال ۱۳۷۰ همزمان با پایان دوره سطح به تدریس دروس حوزوی هم می پرداختم که هنوز ادامه دارد.در سال ۱۳۸۰ وارد مرکز تخصصی مهدویت شدم و به عنوان اولین دوره این رشته به تحصیل پرداختم که حدود سه سال طول کشید. و فعلاـ با موسسه آینده روشن هم در زمینه مهدویت همکاری می کنم.در دهه هفتاد مدت دو سال در مرکز ادبی حوزه (زیر نظر اقای جواد محدثی) دوره نگارش عمومی و تخصصی را مقداری نزد اقای محدثی و بیشتر نزد سید ابوالقاسم حسینی (ژرفا) گذراندم.فعلا مقداری به درس خارج و بیشتر به تدریس در حوزه مشغول هستم. والحمدالله رب العالمین.

حائری روحانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: زیست‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی علوم طبیعی (زیست‌شناسی) از دانشکده علوم دانشگاه تهران، کارشناسی آموزش از دانشسرای عالی تهران، کارشناسی ارشد (سیکل سوم) و دکترای دولتی در رشته‌های فیزیولوژی و نوروفیزیولوژی از فرانسه.

مرتبه علمی:

طی مراحل استادیاری، دانشیاری و ارتقاء به درجه استادی دانشکده علوم دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فیزیولوژی اعصاب، مدرس دروس فیزیولوژی و بیولوژی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

فیزیولوژی و بیولوژی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

نوروفیزیولوژی و بیولوژی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

حائری شیرازی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آسید حسین بن سید محمدرضا حسینی حایری شیرازی عالمی فاضل از شاگردان شیخ فضل‌اللّه نوری بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حائری شیرازی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمدتقی بن میرزا محب علی بن ابی‌الحسن میرزا محمدعلی گلشن حایری شیرازی زعیم ثوره عراق که مجسمه علم و تقوا و فضیلت بوده و در سال ۱۳۳۸ در کربلا وفات نموده است شرح آن بزرگوار محتاج به کتاب مستقل و مجال بیشتریست و این وجیزه ظرفیت و قابلیت ترجمه آن بزرگوار را ندارد.

میرزا محمدتقی بن میرزا محبعلی بن ابی‌الحسن میرزا محمدعلی (متخلص به گلشن) حایری شیرازی زعیم نهضت و ثوره عراق از اشهر مشاهیر عصر خود در علم و تقوی و غیرت دینی بوده است.

تولد آن بزرگوار در شیراز ولی نشو و پرورش او در کربلا بوده و اولیات و مقدمات را در آنجا خوانده و به درس علامه شهیر فاضل اردکانی شرکت نموده و پس از مهارت و تبحر در علوم عقلی و نقلی با شریک و رفیق درسش مرحوم سید استاد آیت‌اللّه علامه آقا سید محمد فشارکی اصفهانی مهاجرت به سامره و از محضر آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدحسن مجدد شیرازی استفاده و ضمناً برای عده‌ای از فضلاء شاگردان میرزا تدریس و تقریر درس استاد را نموده تا بعد از فوت آن مرحوم که برای مرجعیت و زعامت و تدریس و فتوا معین گردیده و عده بسیاری از بزرگان مراجع تقلید از محضرش استفاده و کسب علم و اجتهاد نمودند.

پس آن بزرگوار از سامره به کربلا منتقل و تشکیل حوزه علمیه داده و جماعتی از اکابر و اعاظم وقت اطرافش را گرفته و از تحقیقات و دقت نظر و تعمق فکر و اصابت رأی او بهره‌مند شده تا در سال ۱۳۳۸ ق که دعوت حق را لبیک اجابت گفته و در صحن شریف حسینی (ع) مدفون و اکنون قبر پاکش مزار اهل فضل و ایمان و مشهور همگانست.

آثار علمی آن بزرگوار از اینقرار است.

۱– حاشیه مکاسب ۲– رسالهٔ صلوهٔ الجمعه ۳– رسالهٔ الخلل ۴– المنظومهٔ الرضاعیه ۵– دیوان اشعار فارسی در مدائح و مراثی اهل‌بیت علیهم‌السلام.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حائری مجد، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی حائری مجد

محل تولد : قم

شهرت : حائری

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۴/۲۸

زندگینامه علمی

سال ۱۳۷۴اخذ دیپلم و ورود به دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی .سال ۱۳۷۷و ۱۳۷۸انتشار هفته نامه (نورٌعلی نور)در موضوع فرهنگ قرآنی در بیست شماره. سال ۱۳۷۸پایان تحصیلات کارشناسی . فروردین ۱۳۷۹ورود به مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما با انجام پژوهش معراج در محراب ویژه آیت الله اشرفی اصفهانی وشمیم تربیت اسلامی در خانواده. اسفند ۱۳۸۱پس ازبه دست گیری پروژه ای ناتمام روز شمار در این زمان اولین مجله از پروژه روز شمار با نام روز شمار قمری ویژه رجال و وقایع اسلامی منتشر شد. آبان ۱۳۸۲در ادامه کار روز شمار در این تاریخ روز شمار شمسی با محوریت تاریخ ایران از اواخر قاجار تا سال ۱۳۸۲ در بحث آزاد و رویدادهای گوناگون به چاپ رسید.

آذر ۱۳۸۴سومین مجله روز شمار تاریخ تحت عنوان روز شمار میلادی به سرانجام رسید لازم به ذکر است هر چند این سه جلد کاری گروهی بود ولی کلیه مراحل نظارت و ارزیابی بازنویسی و تطبیق مجدد تاریخ ها و درستی محتوای آنها را شخصا"انجام دادم جمع سه کار در حدود ۱۳۳۰صفحه چاپی و نزدیک به ۴۰۰۰صفحه تایپی بود؛ این سه کار همزمان در همان سال به صورت نرم افزار تاریخ ایران،جهان و اسلام برنامه ریزی و تولید گردید که کار رابرای بهره برداران آسان کرده است.در حال حاضر از یک سال قبل با کمک چند محقق همکار به تصحیح و اضافه روز شمار قمری که دارای نقص های محتوایی و تاریخی است مشغول هستیم. از دی ماه ۱۳۸۰تا اردیبهشت ۱۳۸۴به همکاری با ماهنامه گنجینه که در زمینه برگزیده متون کهن فارسی اخلاق عرفان قرآن تاریخ و معرفی شخصیت های فرهنگی و فعالیت می کرد پرداختم و در ابتدا ۱۵شماره مقالات قرآنی تاریخی و رجال را هر شماره در حدود ۴۰الی ۵۰صفحه تهیه و گردآوری می کردم از ابتدای سال ۱۳۸۲تا اردیبهشت ۱۳۸۴بخش قرآن و تفسیر هر شماره ۲۰الی ۳۰صفحه موضوعات مربوطه را ارائه می دادم که چاپ و نشر یافت.

حائری یزدی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت الله حاج شیخ مهدی حایری یزدی ، فرزند حاج شیخ عبد الکریم حایری یزدی ، در سال ۱۳۰۲ در قم متو لد گردید. وی دروس معقول و منقول را تا سرحد اجتهاد در حوزه های علمیه قم و تهران و فلسفه غرب را در آمریکا ، کانادا و آلمان فراگرفت. دکتر حایری یزدی به نمایندگی از آیت الله بروجردی ، رسیدگی به امور شیعیان را در آمریکا به عهده گرفت . او همچنین در آمریکا به تالیف تدریس و تحصیل و انجام وظایف مذهبی اشتغال داشت و در ده ها کنگره علمی و فلسفی شرکت جست و به ایراد سخنرانی پرداخت. استاد در سال ۱۳۵۸ به ایران بازگشت و تا سال ۱۳۶۲ به تدریس فلسفه و کلام اسلامی پرداخت . دکتر حایری یزدی سرانجام در روز پنجشنبه هفدهم تیر سال ۱۳۷۸ شمسی در تهران به درود حیات گفت.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

گرایش : فلسفه آنالیتیک/تحلیلی

والدین و انساب : پدرمهدی حایری یزدی آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری موسس حوزه علمیه قم بود. مهدی حایری یزدی در شهر قم و در خانواده ای یزدی الاصل متولد شد.

خاطرات کودکی : مهمترین استاد دوران کودی مهدی حائری یزدی پدرش بود . که مقدمات علوم دینی را به وی آموخت . آیت ا... عبد الکریم حائری در سالهای۱۳۱۶-۱۳۰۱ مرجع تقلید مهم به شمار می رفت . وی موسس حوزه علمیه قم و دارای شاگردان بسیاری بود. روحیه علمی پدر و فضای مذهبی خانواده, بی شک تاثیر عمیقی بر مهدی حائری داشته است.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : دوران کودکی مهدی حائری یزدی با وزارت جنگ و نخست وزیری رضا خان سردار سپه معاصر بود. در این زمان روابط ایران و امریکا در حال افزایش و روابط با انگلستان رو به کاهش بود. احمد شاه قاجار نیز همواره در سفرهای خارجی به سر می برد . و قدرت اصلی کشور در دست رضا خان بود.وی برای فراهم آوردن مقدمات سلطنت خود, علاوه بر مطرح نمودن جمهوری خواهی در ۱۳۰۳ ه . ش , به کسب محبوبیت در میان مردم و از جمله روحانیان مشغول بود. البته در همان هنگام روحانیان و علمای قم مخالفت خود را اعلام نمودند. مدتی بعد با الفای لایحه جمهوری , رضا خان با ترفند های خاصی فرماندهی کل قوا را بدست گرفت و مدتی بعد سلسله قاجار را سرنگون ساخت (اوایل آبان ۱۳۰۴ ه . ش) . رضا شاه پهلوی در ۱۳۰۴ ه . ش به تخت نشست. در ۶ آذر ۱۳۱۱ قرار داد نفتی دارسی را بطور - یکجانبه الغا نمود. این امر موجب خصومت میان ایران و شرکت ملی نفت ایران و انگلیس , و در نتیجه دولت انگلستان, شد. وی حق کاپیتولاسیون دولتهای خارجی در ایران را نیز

ملغی نمود تا محبوبیت و حمایت مردمی را به خود جلب نماید. شهر قم در زمان تولد مهدی حائری یزدی یکی از شهرهای مهم مذهبی ایران شده بود. زیرا پدرش , آیت ا... عبدالکریم حائری یزدی که در بین سالهای ۱۳۰۱ تا ۱۳۱۶ ه . ش از مراجع تقلید بود, حوزهٔ علمیه قم را بنیان گذارده بود و بسیاری از رهبران مذهبی ایران از جمله امام خمینی(ره) از شاگردان وی بودند. بنابراین مهدی حائری با این شخصیت ها آشنایی داشت.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : مهدی حائری یزدی پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی نزد پدر, به شاگردی آیت ا.. بروجردی در حوزه علمیه قم پرداخت. وی در آنجا فقه و اصول و منطق و حکمت فرا گرفت.وی در سال ۱۳۲۷ به اخذ درجه اجتهاد نائل آمد. بعد در ۱۳۳۹ ه . ش بعنوان نماینده آیت ا... بروجردی به واشنگتن رفت . و به فلسفه غرب علاقه مند شد و شروع به تحصیل در آن رشته نمود. وی لیسانس خود را از دانشگاه جورج تاون واشنگتن , فوق لیسانس خود را از دانشگاه هاروارد و دکتری خود را در دانشگاه میشیگان تحصیل نمود و در دانشگاه تورنتوی کانادا در سال ۱۹۷۹ رساله دکتری خود را نوشت .

خاطرات و وقایع تحصیل : دوره تحصیل مهدی حائری یزدی مصادف است با اواخر سلطنت رضا شاه (۱۳۲۰ –۱۳۰۴ ه. ش) و نیز اوایل سلطنت محمد رضا شاه پهلوی(۱۳۵۷–۱۳۲۰ ه . ش) در ایران . در این دوره بتدریج فشار بر روحانیون افزایش می یافت. مراکز علمی ایران رو به افزایش بود و ارتباط علمی دانشگاههای ایران با انگلستان و امریکا رو به رشد بود. آیت ا... حائری پس از اخذ درجهٔ اجتهاد در ۱۳۲۷ ه . ش, بعنوان نماینده آیت ا... بروجردی به آمریکا رفت (۱۳۳۸ ه . ش) و در آنجا تحصیلات تکمیلی خود را ادامه داد .

فعالیتهای ضمن تحصیل : مهدی حائری یزدی در هنگام اقامت در امریکا و کانادا به شکل گیری انجمن های اسلامی دانشجویان در آنجا یاری نمود. اعضای این انجمن ها نقش مؤثری در به ثمر رساندن انقلاب اسلامی داشتند. وی در کنار این فعالیت ها به مطالعه فلسفه غرب مشغول بود.

استادان و مربیان : تحصیلات مهدی حایری یزدی در حوزه علمیه قم نزد این بزرگان بوده است: ۱– حجه الاسلام شیخ ابوالقاسم نحوی (ادبیات). ۲– آیت الله شیخ مرتضی حایری یزدی (سطوح فقه و اصول) ۳– آیت الله العظمی سید محمد رضا گلپایگانی (سطوح عالی فقه و اصول) ۴– آیت الله العظمی سید محمد حجت کوه کمری (خارج فقه و اصول)۵– آیت الله العظمی سید محمد تقی خوانساری(۱۳۰۵–۱۳۷۱ ه.ق) خارج فقه و اصول ۶– آیت الله العظمی حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی،(۱۲۹۰–۱۳۸۰ ه.ق) خارج فقه و اصول. ۷–حضرت امام خمینی (ره) (۱۲۸۱–۱۳۶۸ شمسی) ، حکومت و فلسفه . استاد دکتر حایری یزدی و آیت الله سید رضا صدر از نخستین شاگردان درس اسفار امام خمینی بودند و طی مدت ده سال ، همه کتاب اسفار را ـ به استثنای مبحث « جواهرو اعراض »ـ نزد امام خمینی (ره) خواندند.

وقایع میانسالی : در زمانی که مهدی حائری یزدی در آمریکا به سر می برد, در ایران بتدریج پایه های انقلاب اسلامی بنیان گذاری می شد. حائری, بر اساس خاطرات خود سیاست های دربار محمد رضا شاه را , از جمله توهین به روحانیون و بویژه امام خمینی و نیز تغییر تقویم اسلامی به تقویم شاهنشاهی نکوهش نموده است.

زمان و علت فوت : مهدی حایری یزدی روز پنج شنبه هفدهم تیر ۱۳۷۸ شمسی برابر ۲۴ ربیع الاول قمری در تهران بدرود زندگی گفت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مهدی حائری یزدی پس از اخذ درجه اجتهاد از حوزه علمیه قم, بعنوان نماینده آیت ا... بروجردی در شورای عالی فرهنگی به تهران آمد و همزمان با آن در مدرسه علمیه سپهسالار و بعد در دانشگاه تهران مشغول به تدریس شد . هنگامی که در ۱۳۳۹ از سوی آیت ا... بروجردی بعنوان نماینده وی به واشنگتن رفت, نیز پس از اخذ مدرک دکترای فلسفه , به تدریس در دانشگاه های هاروارد, مک گیل(کانادا) , تورنتو(کانادا) , میشیگان (آمریکا) , دانشگاه جورج تاون(واشنگتن آمریکا) و آکسفورد (انگلستان) پرداخت. وی بعد از انقلاب اسلامی نیز علاوه بر استادی در بیشتر دانشگاه های مذکور, موقتاً بعنوان سفیر ایران در واشنگتن منصوب گردید . اما بدلیل مشکلات کار از این مقام کنار رفت.

فعالیتهای آموزشی : برخی از فعالیت های آموزشی مهدی حایری یزدی را می توان بشرح زیر برشمارد: ۱– از سال ۱۳۲۲ به بعد در مدرسه سپهسالار جدید (دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران) ، تدریس در رشته الهیات ، فلسفه ، درایت الحدیث، شرح اصول کافی . ۲– از سال ۱۳۴۴ به بعد در مدرسه سپهسالار قدیم ، تدریس متون منظومه ، اسفار و اشارات و رسایل. ۳– در سال تحصیلی ۱۹۶۴ – ۱۹۶۵ در مرکز تحقیقات ادیان جهانی دانشگاه هاروارد ، تدریس معارف اسلامی . ۴– در سال تحصیلی ۱۹۷۱– ۱۹۷۲ در دانشگاه میشیگان و فقه اسلامی. ۵– در سال ۱۳۵۶–۱۳۵۷ دانشگاه فردوسی مشهد به تاسیس دو کرسی به هزینه ایران (یکی برای زبان و ادبیات فارسی و دیگری فقه شیعه) در آمریکا مامور شد. استاد که در آن وقت در مرکز مطالعات کندی وابسته به دانشگاه جرج تاون به تدریس مشغول بود، به عنوان « استاد مامور از دانشگاه فردوسی » برای تصدی کرسی فقه شیعه معرفی شد ، زیرا بنا بر ترتیباتی که اتخاذ شده بود ، استادان زبان فارسی می بایست به عنوان فرصت مطالعاتی هر سه ماه یک بار از دانشگاه فردوسی به دانشگاه جرج تاون مامور به کار شوند ، ولی دارنده کرسی فقه شیعه عنوان دائمی داشت. مسئولان اداری این امر ، نخست جلال متینی (رییس دانشگاه فردوسی) و بعد پرویز آموزگار بودند. لذا استاد در سال تحصیلی ۱۹۷۹– ۱۹۸۰ در آن دانشگاه به تدریس مشغول بود ، ولی این برنامه پس از پیروزی انقلاب تداوم نیافت و قرار دادی که به دستور مصادر اولیه مملکت بین دانشگاه فردوسی و دانشگاه جرج تاون منعقد شده بود ، پس از پیروزی انقلاب ، لغو شد. ۶– استاد دکتر حایری یزدی ، به سال ۱۳۵۸ به ایران بازگشته و به تدریس و تالیف و تصنیف ادامه داد و پس از یکی دو سال به انگلیس رفت و در انجا چندی در آکسفوردبه تدریس فلسفه پرداخت . وی همچنین در دانشگاه های متعدد دیگری در آمریکا (از جمله دانشگاه دولتی نیورک ، دانشگاه یل و غیره) ، کانادا (از جمله تدریس فلسفه اسلامی و ادبیات فارسی در موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل و مونترآل و تدریس ادبیات فارسی (تاریخ بیهقی) در دانشگاه تورنتو در سال های ۱۹۷۵ – ۱۹۷۴) و بعد ها در آلمان و انگلستان به ایراد سخنرانی و مشارکت در سمینارها و کنگره های علمی پرداخت. ما عاقبت برای همیشه به ایران بازگشت و مدتی به تدریس

فلسفه تحلیلی در انجمن حکمت ادامه داد تا آن که عاقبت از دانشگاه تهران بازنشسته شد و فقط در منزل به تدریس و افاضه می پرداخت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مهدی حائری یزدی پس از اخذ مدرک دکترای خود, عمده وقت خود را در تدریس و تالیف صرف نمود . و بدین منظور بطور مدام به ایران و انگلستان و گاهی امریکا سفر می نمود.

شاگردان : سید حسن امین , دکتر سید حسن افتخار زاده , دکتر جواد مناقبی و نیز دکتر غلامحسین عماد زاده (عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی) ازجمله شاگردان مشهور علامه مهدی حایری یزدی بودند. دکتر حائری از طریق شضاگردان و آثارش تاثیر شایان توجهی بر فیلسوفان اسلامی گذاشته است. وی آشکار کرده است که چگونه می توان شیوه های فلسفی مختلف بویژه تحلیل فلسفی و استفاده از منطق جدیدرا در بحث از موضوعات نظری و عملی مهم به خدمت گرفت. از این رو بیشتر شاگردان وی علاقه مند به مباحث منطق جدید (غربی) و فلسفه تحلیلی می باشند.

آرا و گرایشهای خاص : مهدی حایری یزدی تحصیلات سنتی دینی را در ایران گذراند و علاقه مند به یک دسته از سنتهای فلسفی گردید به ویژه اندیشه های که ریشه در آرای اندیشمندان اشراقی (شیخ شهاب الدین سهروردی) صاحب مکتب عرفانی ایرانی داشت. او در دیدگاهش که به دور از تقلید و تعصب بود ، فلسفه اسلامی سده های میانه و نو را با فلسفه رایج غرب در هم آمیخت . ویژگی پژوهش های دینی او ، مرتبط با رهیافتی تحلیلی (آنالیتیک) بود. حتی هنگامی که به جنبه های دشوار عرفان نظر داشت ، رهیافتی معمول از میان فیلسوفان اسلامی سده های میانه و فیلسوفان معاصر غربی را به کار می بست تا رهیافت سنتی. حائری از طریق شاگردان و آثارش تاثیر شایان توجهی بر فیلسوفان اسلامی گذاشته است . او نشان داد که چگونه می توان شیوه های فلسفی مختلف را در بحث از موضوعات نظری و علمی مهم به خدمت در آورد ، به ویژه اینکه نشان داد چه اندازه فلسفه غربی در ترکیب با فلسفه اسلامی کار آمد می تواند باشد. وی معتقد بود که علمای اسلامی باید از دیدگاههای فلسفه غرب آگاهی یابند تا بتوانند رابطه میان آنرا با فلسفه اسلامی در یابند و تاثیرات متقابل آنها را بر یکدیگر به درستی تشخیص دهند. وی با فراگیری هر دو نوع فلسفه در سطح عالی از و بنیانگذاران فلسفه تطبیقی بشمار می رود. در عین حال علاقه وی به اندیشه برخی از متفکرین اسلامی همچون شهاب الدین سهروردی , ملاصدرا و خواجه نصیر الدین توسی مشهور است. وی افکار این بزرگان و حتی افکار عرفانی را به روش فلسفه تحلیلی و منطق غربی جدید تحلیل می نمود و این ابتکاری است که وی مدعی آن بود. --

آثار :

۱ آفاق فلسفه از عقل ناب تات حکمت احکام

ویژگی اثر : مجموعه گفتگوهای دکتر حائری است که توسط انتشارات فرزان منتشر گردیده است. [هفته نامه باور, دوره جدید , شماره ۸, ۱ مرداد ۱۳۸۱ , ص ۱]

۲ آگاهی و گواهی

ویژگی اثر : ترجمه و شرحی انتقادی از رساله عربی تصویر و تصدیق اثر صدرالدین شیرازی- (ملاصدرا) است, که با تئوری پردازیهای دکتر مهدی حائری در باره دو موضوع مهم (تصور و تصدیق) همراه است وی بر اساس تقسیم بندی این دو موضوع علوم را تقسیم بندی می نماید. [غلامحسین عماد زاده ((کاوشهای عقل نظری)) هفته نامه باور, دوره جدید , شماره ۸, ۱ مرداد ۱۳۸۱, ص ۳]

۳ الحجه فی الفقه

ویژگی اثر : آخرین کتاب دکتر حائری الحجه فی الفقه نام دارد که در چهار جلد درباره علم اصول می باشد. (میراث عقل ناب) هفته نامه باور , دوره جدید , شماره ۸, ۱ مرداد ۱۳۸۱ , ص ۱۵]

۴ تقریرات در س خارج فقه آیت الله العظمی سید محمد کوه کمری

۵ تقریرات درس خارج اصول مرحوم آیت الله العظمی بروجردی

ویژگی اثر : در چهار مجلد که مجلد اول آن با نام الحجه فی الفقه(مباحث الفاظ) از سوی موسسه « الرساله » در قطع وزیری در ۲۸۰ صفحه منتشر شده است.

۶ تقریرات درس خارج فقه آیت الله العظمی سید احمد خوانساری

۷ تقریرات درس خارج فقه مرحوم آیت الله العظمی بروجردی

۸ حکمت و حکومت

ویژگی اثر : این کتاب درکتر مهدی حائری یزدی در باره فلسفه سیاسی و مبانی نظری مشروعیت قدرت سیاسی است. فصلهای مهم کتاب عبارتند از : تمایز هستی و استی, توصیف هر یک از این دو , دو گانگی هستی و چیستی و بویژه فصل هفتم : جامعه اسلامی و جامه دموکراتیک . دکتر مهدی حائری در این کتاب ژ, پس از ترسیم نظام عالم هستی و نظام احسنی که باید باشد و رابطه میان این دو عالم در زمان خلقت, جایگاه پیامبران را در معرفی نظام احسن (نظام تشریع) به مردم , مشخص نمده و وظیفه عقلی مردم را اطاعا از آنان می داند. بنابر این از نظر وی عقل است که مردم را به اطاعت از پیامبر و امامان راهنمایی می نماید و نه جبر و قوه اجرائی . دکتر حائری وجوب امر به معروف و نهی از منکر را یک ضرورت عقلی می داند و نه قهر ی- وی در ادامه به مبانی فقهی و عقلی حکومت پیامبر در مدینه پرداخته و رهبری وی را ناشی از بیعت مردم و تایید این بیعت از سوی خداوند می داند. وی از این طریق به جایگاه مردم در مشارکت در امور سیاسی و اقتصادی در کشور اشاره نموده است. در ادامه در فصل جامعه شناسی اسلامی , انسان را اصل می داند نه جامعه را . و بنابر این در فصل انسان شناسی اسلام انسان را خلیفه ا... و اشرف مخلوقات معرفی می کند و به استقلالا فردی و رابطه فردو جامعه می پردازد. وی در بحث از جبر و اختیار وجود اختیارات فردی را برای اجرای قوانین شرعی ضروری می داند, زیر که به نظر وی در غیر اینصورت تکالیف قانونی امری بی معنی خواهد بود. وی معنی یافتن تنبیه و

پاداش در برابر قوانین را تنها در سایه اختیار می داند و از بحث اختیار به آزادی و آزادی سیاسی می پردازد. ((پلورالیسم سیاسی)) از دیگر فصلهای جالب این کتاب است که در باره کثرت پذیری و تحمل آرای گوناگون در جوامع اسلامی می باشد. [سعید رضوی فقیه, جمهوری نو (نظری به رساله حکمت و حکومت , هفته نامه ناور , دوره جدید , شماره ۸, ۱ مرداد ۱۳۸۱ , صص ۱۳-۱۲ . و نیز ((جامعه اسلامی و جوامع دمکراتیک هفته نامه باور , دوره جیددی , شماره ۸, ۱ مرداد ۱۳۸۱ , صص ۱۰-۶]

۹ رساله علم حضوری (k nowledge BY presence)

ویژگی اثر : تز دکتری فلسفه تحلیلی دکتر مهدی حائری می باشد (۱۹۷۸ م) [زندگی نامه و مدارج علمی آیت ا.. دکرت مهدی حائری یزدی , هفته نامه باور , دوره جدید , شماره ۸, ۱ مرداد ۱۳۸۱ , ص ۲۰]

۱۰ علم کلی (یا فلسفه مابعد الطبیعه)

ویژگی اثر : اگر چه اولین تالیف فلسفی اوست (قم ۱۳۳۵) . اما بدلیل در برگرفتن بحث های مختلف فلسفه کلاسیک اسلامی و نیز پرداختن به فایده فلسفه در مقدمه کتاب , مدخل خوبی برای پژوهندگان فلسفه کلاسیک اسلامی است. این کتاب در دانشگاه ها یک کتاب درسی بشمار می رود.

۱۱ علوم قرآن

ویژگی اثر : خش آغازین این کتاب ، تقریرات برادر ایشان آیت الله شیخ مرتضی حایری یزدی است.

۱۲ کاوش های عقل عملی

ویژگی اثر : از دیگر کتابهای مهم دکرت حائری است . موضوع کتاب تفاوتهای اساسی میان اخلاق و فلسفه و نیز علم اخلاق و فلسفه اخلاق می باشد. دکرت مهدی حائری فلسفه اخلاق را در این کتاب به فلسفه علم اخلاق و ما بعد الطبیعه اخلاق تقسیم می نماید . وی به شبهه هیرم (فیلسوف انگلیسی) مبنی بر وجود گسست میان بایدها (اخلاق) و هست ها(فلسفه) پاسخهای قانع کننده ای داده است. فصلهای کتاب عبارتند از : آنتولوژی بایستی - استی, منطق صورت بایستی ها و استی ها , منطق نماده بایستی ها و استی ها , و در نهایت بخشی از متون کلام اسلامی در مورد حسن و قبح و عقل این کتاب از لحاظ روش شناسی دارای سه ویژگی است که عبارتند از : ارائه مباحث به روش فلسفه تحلیلی(بر اساس تحلیل منطقی و نه فلسفی), ارائه مباحث تطبیقی بین حکمت اسلامی و فلسفه غربی, و نهایتاً برخورد مبتکرانه و اجتهاید یا مسائل فلسفی و عدم اکتفا به نقل و شرح آرا دیگر فیلسوفان[سید علی رضوی (صدر) , کتابشناسی کاوشهای عقل عملی, هفته نامه باور , دوره جدید , شماره , مرداد صص ۵-۴]

۱۳ کاوشهای عقل نظری

ویژگی اثر : کاوشهای عقل نظری یکی از مهمترین کتابهای دکتر حائری است . که شامل یک دوره کاذمل از موضوعات مهم در فلسفه اسلامی است. در این کتاب به فلسفه اسلامی کنونی و مسائل آن نیز پرداخته شده است . پیوستگی در تفکر و نیز ضابطه مندی کلام و نوشتار دکتر حائری در این کتاب و دیگر آثار وی از ویژگیهای بارز فلسفه نویسی اوست. [غلامحسین عماد زاده ((کاوشهای عقل نظری)) هفته نامه باور, دوره جدید , شماره ۸, ۱ مرداد ۱۳۸۱, ص ۳]

۱۴ کودک اندلسی

ویژگی اثر : اولین تالیف دکتر حائری یزدی بوده که در سن شانزده سالگی منتشر نمود . این داستان در باره دوران حکومت مسلمانان بر سرزمین اندلس می باشد. [میراث عقل ناب, هفته نامه باور, دوره جدید , شماره ۸, ۱ مرداد ۱۳۸۱, ص ۱۵.]

۱۵ متافیزیک (مجموعه مقالات)

ویژگی اثر : عناوین این مقالات عبارتند از : خداشناسی برتر, آنتولوژی توحیدی چیست؟ برهان صدیقین (این سه مقاله در کتاب روش راستین یکتا شناسی یا آنتولوژی توحیدی بطور جداگانه منتشر شده اند) , مقاله خدا در فلسفه کانت وجود و ماهیت در فلسفه ابن سینا رابطه میان وجود و ماهیت امکان عدم (نقدی بر برخی واشی علامه طباطبایی بر اسناد صدرالمتالهین و نیز جوابیه هایی در جواب جوابیه های علامه طباطبایی) موجبه سالبه الممول چیست, و قضیه و علم تصدیقی

۱۶ هرم هستی

ویژگی اثر : معروفترین کتاب دکتر ائری در باره منادی هستی شناسی تطبیقی است . این کتاب حاصل تدریسهای وی در انجمن حکمت و فلسفه است (۱۳۵۹ه . ش) . فصلهای کتاب عبارتند از : هستی و استی - انتولوژی غربی و هستی شناسی اسلامی- برهان صدیقین از طریق منط صورت - در پیرامون هستی - مخروط وجود در فلسفه اسلامی - قواعد انتولوژی توحیدی - انتولوژی کانت و اپیستمولوژی- هرم هستی - کلی طبیعی - حمل : این همانی - فردبالذات - امکان به معنی فقر. مولف در این کتاب با تقسیم انواع وجود به وجود مطلق و مطلق وجود معتقد است که بسیاری از مشکلات فلسفه غرب و شرق را حل نموده است . دو تئوری ((هرم هستی)) و نیز ((اتنولوژی توحیدی)) که زیر بنای نظریات دیگر دکتر حائری را تشکیل می دهد در این کتاب مطرح شده اند. [میراث عقل ناب , هفته نامه باور , دوره جدید, شماره ۸, ۱ مرداد ۱۳۸۱, ص ۱۴))

منابع زندگینامه :

۱روزنامه انتخاب ، ۱۸ تیر ۱۳۷۹ ـ آینه پژوهش ، سال دهم ، شماره ۵۷ ، مرداد و شهریور ۱۳۷۸۲زندگی نامه و مدارج علمی آیت ا... دکتر مهدی حائری یزدی, هفته نامه باور , دوره جدید , شماره ۸, ۱ مرداد ۱۳۸۱, ص ۲۰۳عبدالرضا هوشنگ مهدوی, تاریخ روابط خارجی ایران , چاپ ششم, تهران: امیر کبیر , ۱۳۷۷ , صص ۸-۳۸۳ و ۴۵۱۴علی اصغر شمیم, ایران در دوره سلطنت قاجار, چاپ هفتم , تهران: موسسه انتشارات مدبر, ۱۳۷۵ , صص ۴۵-۶۳۸۵محمد رضا ارشاد، فیلسوف قرن بیستم . همشهری , چهار شنبه ۲۲ تیر ۱۲۷۹ , ص ۹۶نفیسه کوهنورد، کاوشگر عقل نظری. همشهری, پنجشنبه ۲۰ تیر ۱۳۸۱, ص ۱۶

حائری، آمنه

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

۱۲۴۳ ق، از زنان فاضل و مجتهد. دختر آقا محمدباقر بن محمد اکمل اصفهانی، معروف به وحید بهبهانی. وی شاگرد پدر خویش و همسر سید علی طباطبایی صاحب ریاض و مادر سید محمد مجاهد و سید مهدی طباطبایی بود. از تالیفات او مبحث حیض از کتاب ریاض همسر خویش است. وی در کربلا درگذشت و نزد فرزندش سید محمد مجاهد دفن شد.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: اعیان‌الشیعه، ۱۵۵ / ۱۰ ،۴۴۳/ ۹؛ دایرةالمعارف تشیع، ۲۳۵ / ۱؛ وحید بهبهانی، ۲۵۹.

حائری، آمنه‌بیگم

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۳ ق)، فاضل و مجتهد. دختر آقا محمدباقر بن محمد اکمل اصفهانی معروف به وحید بهبهانی. وی شاگرد پدر خویش بود و همسر سید علی طباطبائی صاحب «ریاض» و مادر سید محمد طباطبائی مجاهد و سید مهدی طباطبائی. از تألیفات او مبحث «حیض» از کتاب «ریاض» همسر خویش است. وی در کربلا درگذشت و در همان جا دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۵۵ /۱۰، ۴۴۳ /۹)، مشاهیر زنان (۸ -۷).

حائری، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین حائری

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای حسین حائری در سال ۱۳۳۴هجری شمسی در خانواده ای متدین وکاملا آگاه به مسائل مذهبی در شهرمشهد مقدس دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۲ و درست در سال های خفقان رژیم شاهنشاهی وارد حوزه علمیه مشهد مقدس گردید از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت، ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) از درس بزرگانی همچون آیت الله معصومی،آیت الله مرتضوی و مرحوم آیت الله فلسفی بهره هـا برد.استاد هیچ وقت از تبلیغ و سخنرانی غافل نبود. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که از جمله آثار گرانبهای ایشان می توان به کتاب " الخوارج هم المارقین "اشاره کرد.

حائری، رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا الحائری المعروف (به کتاب فروش) متوفی حدود ۱۳۰۷ قمری و مدفون در زاویه صحن شریف نزدیک شبکه سرداب.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حائری، عبدالهادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: مطالعات اسلامی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

زندگینامه

دکتر شادروان عبدالهادی حائری استاد برجسته‌ی تاریخ معاصر ایران در سال ۱۳۱۲ هجر شمسی به دنیا آمد. وی که نوه‌ی حضرت آیت‌اللّه حائری یزدی بود سالها در خارج از کشور و در دانشگاههای کانادا و آمریکا مشغول تدریس و تحقیق بود و در سال ۱۳۵۷ به ایران مراجعت نمود و در دانشگاه فردوسی مشهد به عنوان استاد و رئیس گروه تاریخ مشغول به تدریس و تحقیق شد.

ایشان در زمینه‌های تاریخی، بخصوص تاریخ معاصر ایران دارای آثار ارزشمند و مهمی است که در محافل علمی و دانشگاههای داخل و خارج از کشور معروف می‌باشد.

تألیفات گوناگون وی در زمینه مسائل تاریخی به زبانهای انگلیسی و فارسی به بیش از ۴۰ مورد می‌رسد.

مرحوم دکتر حائری یکی از مردان نامی دانشگاههای کشور بوده و مهمترین آثار فارسی او «تشیع و مشروطیت در ایران»، «رویاروئی اندیشه‌گران ایران با دورویه تمدن بورژوازی غرب»، «تاریخ جنبش و تکاپوهای فراماسیونری در کشورهای اسلامی»، «ایران و جهان اسلام»، «آنچه گذشت»، «نقشی از نیم‌قرن تکاپو» (خاطرات خود استاد) و... نام برد. از وی بیش از ۳۶ مورد ملاقات ارزشمند تاریخی به زبان انگلیسی در نشریات داخلی و خارجی به چاپ رسیده است.

دکتر حائری سرانجام بعد از یک دوره بیماری طولانی ۲ ساله در سن ۶۰ سالگی در تاریخ بیست و چهارم مرداد ۱۳۷۲ چشم به جهان فروبست.

مدرس، مورخ.

تولد: ۱۳۱۴، قم.

درگذشت: ۲۳ تیر ۱۳۷۲، مشهد.

عبدالهادی حایری، فرزند میرزا احمد حائری (و نوه‌ی دختری آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی بنیانگذار حوزه‌ی علمیه‌ی قم) پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، لیسانس خود را در رشته‌ی الهیات از دانشگاه تهران گرفت. پس از آن چند سال در اداره‌ی بهداشت مشهد مشغول به کار بود. در همان دوران بود که وی کتابی تحت عنوان ابن مقفع که به قلم حنا الفاخوری عرب نوشته شده بود و از زبان عربی به فارس ترجمه و توسط انتشارات زوار چاپ کرد. در سال ۱۳۴۳ با کسب یک بورس دانشگاهی به کانادا رفت.

عبدالهادی حائری در دانشگاه مگیل کانادا مقاطع فوق لیسانس و دکتری را در رشته‌ی اسلام و خاورشناسی گذراند و علاوه بر دو سال تدریس در این دانشگاه مدت چهار سال در دانشگاه کالیفرنیا در برکلی به تدریس و تحقیق مشغول شد و در کنفرانس‌ها و کنگره‌های بین‌المللی از جمله در بلژیک، کانادا، آمریکا، مکزیک و آلمان نتایج تحقیقات خود را در قالب مقاله‌های مختلف ارائه داد.

دکتر حائری در سال ۱۳۵۷ به ایران آمد و با عنوان دانشیار در گروه تاریخ دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد به تدریس تاریخ دو سده‌ی اخیر ایران، خاورمیانه و دیگر سرزمین‌های اسلامی پرداخت.

تخصص اصلی دکتر حائری در زمینه‌ی انقلاب مشروطیت و نقش علمای شیعه در آن بود که نتیجه تحقیقاتش در این زمینه در قالب کتاب تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق به دو زبان انگلیسی و فارسی منتشر شد.

از آثار دیگر دکتر حائری می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: نخستین رویارویی اندیشه‌گران ایران با دو رویه‌ی تمدن بورژوازی در کشورهای اسلامی؛ ایران و جهان اسلام؛ پژوهش‌هایی تاریخی پیرامون چهره‌ها؛ اندیشه‌ها و جنبش‌ها؛ نقشی از نیم قرن تکاپو (خاطرات ایشان). مقاله‌های وی به زبان‌های فارسی و انگلیسی در مجله‌های گوناگون و از جمله در فصلنامه‌ی «مطالعات تاریخی» به چاپ رسیده است.

کتاب نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه‌ی تمدن بورژوازی غرب در هفتمین دوره‌ی کتاب سال کشور برنده‌ی جایزه شد.

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: خاورشناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

حائری، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی حائری

محل تولد : سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب از سال ۱۳۵۵ در حالی که مدرک سیکل را گرفتم وارد حوزه علمیّه سبزوار شدم و پس از یک سال وارد حوزه علمیّه قم شده در مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی پس از امتحان ورودی پذیرش شدم و تا سال ۱۳۶۶ در آنجا مشغول به تحصیل بودم و سپس در درس مکاسب و کفایه آیت الله ستوده شرکت کردم و خلاصه پس از اتمام دوره سطح و اتمام آن در سال ۱۳۷۳ و اتمام امتحانات آن دوره و شش سال شرکت در دروس خارج فقه و اصول و فلسفه مثل شرح منظومه ، بدایهٔ الحکمه و نهایهٔ الحکمه نزد

آیت الله فاضل ، آیت الله مکارم شیرازی ، آیت الله سبحانی و آیت الله جوادی آملی و آیت الله انصاری شیرازی و دکتر احمد بهشتی، وارد فضای تحقیق شدم که درسال ۱۳۶۹ کتاب مسالک الافهام که مولف آن شهید ثانی است. این کتاب شرح کتاب شرایع الاسلام سه جلد آن با محققین آن مرکز همکاری داشتم و پس از آن کتاب قواعد الفقهیه آیت الله فاضل را برای تحقیق متون آن به دست گرفتم . و پس از آن کتابی به نام علل و عوامل ظهور و سقوط تمدنها در منابع اسلامی را شروع به نوشتن کردم ، بعد به عنوان پایان نامه هم از من پذیرفته شد و هیئت داوران نمره عالی به آن دادند . مدتی با بخش تحقیق و پژوهش ستاد اقامه نماز استان قم همکاری داشتم .

حائری، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود حائری

محل تولد : سمنان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمود حائری فرزند رضا در سال ۱۳۴۴ در شهر سمنان به دنیا آمدم و در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه شهرستان سمنان شدم و پس از آن به قم آمده و در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل شدم و از سال ۱۳۷۱ شروع به درس خارج نمودم که در این زمینه از اساتید به نام آیت الله جوادی آملی، امین شیرازی، وجدانی فخر، اعتمادی، محقق داماد و غیره بهره ها بردم و نیز در زمینه های اجرایی دین فعالیت داشته ام از قبیل دفتر تبلیغات، محقق دانشگاه باقرالعلوم(ع) ارزیاب و مسئول بوده ام.

حائری، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه

تولد: ذی‌الحجه ۱۳۳۴ ق.، اراک.

درگذشت: اسفند ۱۳۶۴.

آیت‌الله مرتضی حائری، فرزند آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری یزدی، مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، متون ادب و صرف و معانی و بیان را از ابوالقاسم نحوی فراگرفت و مقداری از سطوح و متون فقهیه و اصولیه را در خدمت آیت‌الله سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی و آیت‌الله صالحی کرمانی خواند و چندی هم از محضر والد خود بهره‌مند شد. بعد از طی مراحل سطح، مدت پانزده سال از دروس خارج فقه و اصول آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و نیز از درس خارج آیت‌الله سید حسین بروجردی استفاده کرد و سپس در حوزه‌ی علمیه‌ی قم به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت. وی در مسجد امام قم اقامه‌ی جماعت می‌نمود. ضمنا ایشان دارای طبع شعر بود و اشعاری در توحید و مدح اهل‌بیت عصمت و طهارت از او به جا مانده است.

از آثار ایشان می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: رساله‌ای در حدیث رفع؛ رساله‌ای در تعاقب ایادی؛ کتاب ابتغاء الفضیله (این کتاب شرحی است بر وسیله نجاهٔ آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی که تلفیقی از چند کتاب قدماء، تذکره؛ شرایع؛ لمعه؛ قواعد و غیر آن میباشد و آن شش جلد است که جلد اول به نام ابتغاء الفضیله به طبع رسیده است)؛ شرح بر عروهٔ الوثقی تا مبحث اغسال؛ سه جلد؛ دوره اصول به نام مبانی الاحکام فی اصول شرایع الاسلام؛ سه جلد؛ حاشیه بر کفایه؛ حاشیه بر مکاسب (ناتمام)؛ رساله مبسوطی در صلوهٔ جمعه.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حائریان اردکانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۵، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی متالورژی، دانشکده: مهندسی متالورژی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی پالایشگاه از دانشکده نفت آبادان در سال ۱۳۴۸، کارشناسی ارشد مهندسی تولید از دانشگاه استرتکلاید، گلاسکواسکاتلند در سال ۱۳۵۲ و دکترای متالورژی از دانشگاه استرتکلاید گلاسکو اسکاتلند در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استایاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی خواص فیزیکی و مکانیکی آکریل‌های دوبار پخت، بررسی خواص مکانیکی آکریل‌های بیس پروتز، تدریس دروس زبان تخصصی در دانشگاه فردوسی و مواد دندانی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مواد و فرآیندهای تولید، مکانیک مهندسی، اصول متالورژی مکانیکی آشنایی با خواص مکانیکی مواد و متالورژی پودر.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

متالورژی پودر کاربرد متالورژی پودر در صنایع نظامی، نقش اقتصاد مهندسی در تصمیم‌گیری، متالورژی مکانیکی، مکانیک شکست.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

حبش حاسب مروزی، احمد

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوم و سوق ق)، منجم و ریاضیدان. وی حدود صد سال عمر کرد. در زمان مامون و معتصم در حاسب بسیار مشهور بود و لقب حاسب را به دلیل همین تبحر در محاسبات به او دادند. او مدت ده سال به رصد اشتغال داشت. در دوره‌ی علمی بغداد، زمان خلافت مامون در دربار منزلتی خاص داشت، او همچنین در مطالعات نجومی نیز تسلط داشت و به ظاهر نخستین کسی است که ظل را وارد مثلثات کرد و جدول ظلی را فراهم ساخت و همچنین به تعریف و تعیین جیب (سینوس) پرداخت. آثاری از او به جا مانده که از آن جمله است: سه زیج معروف: «زیج شاه»؛ «زیج مامونی»؛ «زیج دمشقی»؛ «عمل اسطرلاب»؛ «الرخایم و المقاییس»؛ «الدوایر المماسه و کیفیه الاوصال»؛ «الابعاد و الاجرام»؛ «کتاب العمل السطوح المبسوطه القایمه و المائل و المنحرفه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۵/۱)، تاریخ الحکماء قفطی (۲۳۴ -۲۳۳)، تاریخ نجوم اسلامی (۳۵۳ -۲۳۴ -۲۱۸)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۴۹۴)، دایرةالمعارف فارسی (۸۳۰/۱)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۲۲۴ -۲۲۱)، زندگینامه‌ی علمی دانشمندان (۳۹۶ -۳۷۵)، سرآمدان فرهنگ (۲۹۷/۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۷۷)، کشف الظنون (۹۶۸)، لغت نامه (ذیل/ حبش ابی‌عبداللّه)، معجم المولفین (۱۸۲/۳)، هدیه العارفین (۴۷/۱).

حبلرودی رازی، نجم‌الدین خضر

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۸۵۰ ق)، متکلم و فقیه امامی. در حبلرود ری متولد شد و در نجف ساکن. وی از شاگردان شمس‌الدین محمد بن سید شریف جرجانی بود و معاصر با علامه دوانی و شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی. از آثار وی: «التحقیق المبین فی شرح نهج المسترشدین»، در اصول؛ «جامع الاصول»، در شرح کتاب «الفصول فی الاصول»؛ «حقایق العرفان فی خلاصه الاصول و المیزان»؛ «توضیح الانور»؛ «تحفه المتقین فی اصول‌الدین»؛ «جامع الدقائق»، در منطق؛ «القوانین»؛ «جامع الدرر»، در شرح «الباب الحادی عشر» علامه، خلاصه‌ی آن: «مفتاح الغرر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۲۳/۶)، الذریعه (۳۳۷ -۳۳۶ /۲۱ ،۴۱/۵، ۴۹۱/۴، ۴۸۴/۳)، روضات الجنات (۲۵۱/۳)، ریاض العلماء (۲۳۹ -۲۳۶ /۲)، ریحانه (۱۳۸ -۱۳۷ /۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۶ -۵۵ /۹)، لغت نامه (ذیل/ خضر)، معجم المولفین (۱۰۲/۴).

حبی نیشابوری، حبیب‌اللّه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۷ ق)، شاعر. وی اهل نیشابور بود و در اصفهان اقامت داشت. حبی در سرودن شعر توانا بود و اشعاری نسبتا خوب از وی باقی مانده است. از اوست:

زان کمان ابرو مرا تیر که آید بر جگر

زخم او چشمی بود پر خون پی تیری دگر

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۲۸۱)، تذکره‌ی روز روشن (۱۹۴)، الذریعه (۲۲۹/۹).

حبیب اصفهانی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۵ ق)، ادیب، نویسنده، زبان‌شناس و شاعر، متخلص به دستان. در قریه‌ی بن از توابع چهارمحال اصفهان متولد شد. در اصفهان به تحصیل علوم پرداخت. بعد از تحصیل ادبیات و فقه و اصول در بغداد، به تهران آمد و پس از چندی به استانبول رفت و در آنجا مقیم شد. میرزا حبیب با شیخ احمد روحی و یاران او معاشرت داشت و در نهضت آزادمردانی که برای بیداری ایرانیان در کوشش بودند همکاری داشت. وی بیشتر اوقات خود را به تدریس و آموزش زبان فارسی در استانبول می‌گذراند و علاوه بر زبان فارسی به زبان ترکی و فرانسه مسلط بود. گاهی نیز به سرودن شعر می‌پرداخت. در اواخر عمر برای معالجه به آبهای بورسا رفت و همان جا درگذشت و در گورستان چکرگه دفن شد. از آثار وی: «برگ سبز»؛ «خط و خطاطان»؛ «دستور سخن»؛ «دبستان پارسی»؛ «رهنمای فارسی»؛ «غرائب عقائد ملل»؛ «دیوان» اشعار؛ ترجمه‌ی کتاب «حاجی بابا».[۱]

اصفهانی (میرزا) متخلص به دستان، دانشمند ایرانی (ف. بورسه ۱۳۱۱ ه.ق.) وی به جرم دهری بودن و اتهام سیاسی از ایران به استانبول تبعید شد و تا سال فوت غالبا در مکتب سلطانی آن شهر به تدریس زبان و ادبیات فارسی مشغول بود. از آثار او دستور سخن، تصحیح و طبع دیوان اطعمه ابواسحاق حلاج شیرازی، تصحیح و طبع دیوان البسه قاری، منتخب کلیات عبید زاکانی با مقدمه فرانسوی فرته، غرائب عوائد ملل، برگ سبز، خط و خطاطان (ترکی)، دبستان فارسی، خلاصه رهنمای فارسی، رهبر فارسی، ترجمه مولیر به فارسی به نام «مردم گریز» و ترجمه «جاحی بابا» است و دیوان شعری هم دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۴۰۵ -۳۹۵ /۱)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۵۹۹/۲)، تذکره‌ی القبور (۲۴۷)، شرح حال رجال (۳۱۴ -۳۱۳ /۱)، مولفین کتب چاپی (۴۷۰ -۴۶۹ /۲).

حبیب الله خان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل و صالح و سخی و بخشنده بوده، و مجموعه کمالات صوری و معنوی؛ به عربی و فارسی شعر می‌سروده، و به نظم و نثر رسائلی نگاشته، در حدود سال ۱۳۱۰ در طهران وفات یافته، در حضرت عبدالعظیم مدفون شد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حبیب اللهی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود حبیب اللهی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی در شهر اصفهان درخانواده ای روحانی به دنیا آمدم. مرحوم پدرم از شاگردان بنام مرحوم آیت الله خادمی اصفهانی محسوب می شدند . با تشویق ایشان بعد از اخذ مدرك ديپلم در سال ۱۳۶۲ بلافاصله وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و با جدیت تمام دروس مقدمات را نزد مرحوم پدر فراگرفتم و سپس دروس سطح را نزد اساتیدی همچون مرحوم آیت الله امامی گذراندم. در سال ۱۳۶۹ علاقه شدید به فراگیری علوم اسلامی در سطح بالاتر مرا به شهر مقدس قم کشانید و ادامه

دروس سطح را نزد اساتیدی همچون آیت الله پایانی ، وجدانی و حجه الاسلام موسوی تهرانی گذراندم .در سال ۱۳۷۵ وارد درس خارج فقه و اصول شده و از محضر اساتیدی همچون آیت الله مکارم شیرازی و مرحوم آیت الله تبریزی در فقه و از محضرآیت الله سبحانی در اصول بهره بردم همزمان با شروع درس خارج در سال ۱۳۷۶ در رشته کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شدم و بعد از دو سال به عنوان نفراول آن دوره پس از دفاع پایان نامه فارغ التحصیل گردیدم . هم اکنون علاوه برتحصیل در خارج فقه و اصول به تدریس فلسفه و کلام در مدرسه عالی امام خمینی(ره)نیز مشغول هستم .

حبیب آبادی، نصرالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج ملا اسماعیل، عالم فاضل، از شاگردان آقا سید محمد باقر درچه‌ای بوده، و در ۱۲۸۳ متولد، و در ذی‌حجه‌ی سال ۱۳۳۵ در مشهد مقدس در سفر زیارت وفات یافته و مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حبیب خراسانی، حبیب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۷ -۱۲۶۶ ق)، فقیه، مجتهد، عارف و شاعر، متخلص به حبیب. مشهور به شهیدی و آقا. وی از خاندان شهید ثالث بود که در مشهد متولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی و فراگیری زبان فرانسه، جهت تکمیل تحصیلات به عراق رفت. در سامرا شاگردی میرزا حسن شیرازی کرد و در نجف به محر حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی رسید. در عراق توسط میرزا مهدی گیلانی، معروف به خدیو، به جمع مریدان غلامعلی‌خان هندی پیوست و بعد از مرگ مرشدش، مرید میرزا خدیو شد. میرزا حبیب پس از بازگشت به مولد خویش، راه عراق را پیش گرفت و به ارشاد مردم پرداخت و در میان مردم محبوبیتی خاص پیدا کرد. سید حسن مشکان طبسی از شاگردان وی بود. میرزا حبیب در مشهد درگذشت و در صفه شاه طهماسب دفن شد. وی طبع و ذوق شاعری داشت و به زبان فرانسه، مسلط بود. از آثار او: «دیوان» شعر و «گنج گهر».[۱]

حبیب خراسانی (حاج میرزا) ابن حاج میرزا هاشم بن میرزا هدایت‌اللّه بن میرزا مهدی خراسانی شهید، عالم و شاعر خراسانی (و. مشهد ۱۲۶۶ ه.ق.- ف. ۱۳۲۷ ه.ق.). وی پس از طی دوره کودکی در دامان علم و ادب و فضل تربیت یافت و سرآمد اقران گردید و صاحب ملکات فاضله بود و از عرفان وقوفی تام داشت. دیوان کامل اشعارش به طبع رسیده. غزلیات وی شور و حالی مخصوص دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۵۶۲ -۵۶۱ /۹)، سخنوران نامی معاصر (۱۰۸۰ -۱۰۷۴ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۲۸۸ -۲۸۷ /۱)، شرح حال رجال (۷۷ -۷۶ /۶)، مولفین کتب چاپی (۴۹۵/۲).

حبیب رازی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی از مردم ری بود و عمر در طلب علم سپری می‌کرد و شعر می‌گفت و به قناعت و پرهیزگاری زندگی می‌گذراند. از اوست:

ندارم حسرتی جز دیدن آن رو پس از مردن
نسازم قبله‌ی خود غیر آن ابرو پس از مردن

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۹۵)، تذکره‌ی نصر آبادی (۲۰۳)، الذریعه (۲۳۰/۹).

حبیب زاده، محمد جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمدجعفر حبیب زاده در سال ۱۳۳۶، در تویسرکان چشم به جهان گشود. او تحصیلات خود را در رشته حقوق دنبال کرد و پس از اخذ مدرک لیسانس از دانشگاه شهید بهشتی، سرانجام تحصیلات خود با اخذ دکترای حقوق با گرایش جزا و جرم شناسی، در دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۲ به پایان برد. وی از سال ۱۳۶۸ به عنوان مدرس فعالیت خود را در دانشگاه تربیت مدرس

آغاز کرده و هم اکنون این همکاری به عنوان دانشیار پایه۲۳ این دانشگاه ادامه دارد. دکتر حبیب زاده علاوه بر عضویت در انجمن ایرانی جرم شناسی ، انجمن ایرانی حقوق جزا، کمیته علمی کمیسیون حقوق بشراسلامی، آثاری نیز به رشته تحریر درآورده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

گرایش : حقوق جزا و جرم شناسی

والدین و انساب : پدر محمدجعفر حبیب زاده مرحوم فتح الله حبیب زاده است .وی آموزگار و کارمند آموزش و پرورش بود که در مهر ماه سال ۱۳۵۱ بعلت سانحه تصادف فوت کردند.مادر محترمشان متولد ۱۳۱۳ و خانه دار است .وی نیز ۴ خواهر دارد.دکتر حبیب زاده درباره مادر خود چنین میگوید": مادر من فداکار و از جان گذشته است.من هر چه دارم از او و جان فشانی های او است .از خود گذشتگی او باعث شد بنده بتوانم ادامه تحصیل بدهم " .

خاطرات کودکی : بیشتر اوقات زندگی دکتر حبیب زاده جنبه درسی و مطالعه داشته است .وی اغلب مواقع شاگرد اول کلاس بود.محمدجعفر حبیب زاده از دست دادن پدرش را در مهر ماه ۱۳۵۱ را بعنوان تلخ ترین خاطره کودکی عنوان میکند.با فقدان ایشان مسئولیت و سرپرستی خانواده بر دوش ایشان بود.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمدجعفر حبیب زاده در خانواده ای فرهنگی ، مذهبی و از لحاظ اقتصادی، متوسط بدنیا آمد. پدرش کارمند اداره آموزش و پرورش بود.و هم اکنون ۴ خواهر وی در بخش های مختلف آموزش و پرورش در حال خدمت هستند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدجعفر حبیب زاده مقطع ابتدایی را در مدرسه محمدیه_ شهرمحل زادگاهش- که محل تحصیل نخبگان آن شهر بود ،گذراند.متوسطه را در دبیرستان امیر کبیر در رشته ریاضی طی کرد.با اخذ دیپلم ریاضی در سال ۱۳۵۵ در همان سال در رشته حقوق دانشگاه شهید بهشتی (ملی سابق) قبول شد.او پس از ورود به دانشگاه، در سال ۱۳۶۳ کارشناسی حقوق را از دانشگاه شهید بهشتی و در سال ۱۳۶۸ با گرایش حقوق جزا و جرمشناسی مدرک کارشناسی ارشد را از دانشگاه تربیت مدرس اخذ نمود. و سرانجام در سال ۱۳۷۲ درجه دکترای حقوق با گرایش جزا و جرمشناسی از دانشگاه تربیت مدرس را دریافت کرد.

خاطرات و وقایع تحصیل : محمدجعفر حبیب زاده از این دوران چنین می گوید": انچه از آن دوران به یاد دارم ،به مقطع کارشناسی ام مربوط می شود.که پس از وقوع انقلاب فرهنگی به عنوان مسول جهاد دانشگاهی در دانشگاه شهید بهشتی ، پیشنهاد تغییر نام دانشگاه ملی به دانشگاه شهید بهشتی را ارائه کردم که با مخالفت مسوولان وقت مواجه شد بطوری که بنده را از دانشگاه اخراج کردند و به ژاندارمری معرفی کردند تا به خدمت سربازی بروم.ولی مقاومت اینجانب مانع تحقق خواسته آنان شد".

فعالیتهای ضمن تحصیل : فعالیتهای محمدجعفر حبیب زاده در کنار تحصیل به شرح زیر است: - موسس انجمن اسلامی در دانشگاه شهید بهشتی و فعالیت های سیاسی در این قلمرو - موسس جهاد دانشگاهی واحد دانشگاه شهید بهشتی - کار آموز تحقیقاتی دادگستری جمهوری اسلامی - دادیار دادسرای انقلاب اسلامی پس از انقلاب

استادان و مربیان : محمدجعفر حبیب زاده از اساتید برجسته و عالی قدر خود افراد زیر را به یاد دارد و یاد آنها را به گرامی می شمارد. دکتر عبدالحسین علی آبادی - دکتر مهدی شهیدی- دکتر شفیع شفیعی- دکتر صابر صفایی - دکتر مهدی کنی نیا - دکتر محقق داماد- دکتر کاشانی - دکتر رضا نور بها - دکتر علی آزمایش و دکتر عبدالله شمس.

هم دوره ای ها و همکاران : محمدجعفر حبیب زاده با استادانی چون دکتر سید مصطفی محقق داماد، استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، دکترعلی حسین نجفی ابرند آبادی، دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی ، دکتر ایرج گلدوزیان،استاد دانشکده حقوق دانشگاه تهران ، دکتر هادی صادقی عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز ،دکتر موذن زادهان عضو هیئت علمی دانشگاه طبا طبائی و دکتر اسلامی عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی همکار است.

همسر و فرزندان : محمدجعفر حبیب زاده در شهریور ماه ۱۳۶۱ ازدواج کرد.همسرش دارای مدرک کارشناسی و خانه دار است. ایشان نیز سه فرزند دارد ،فرزند پسر بنام علی حبیب زاده دانشجوی رشته کامپیوتر و دو فرزند دختر به نامهای فاطمه دانشجوی رشته فیزیوتراپی و زینب محصل مقطع راهنمایی است.

وقایع میانسالی : محمد جعفر حبیب زاده از وقایع رخداده در این دوران به مرگ پدرش در سال ۱۳۵۱ ، اخراج از دانشگاه به دلیل پیشنهاد تغییر نام دانشگاه ملی به شهید بهشتی در سال ۱۳۶۲ ،قبولی در مقطع دکتری بسال ۱۳۶۸ و چاپ اولین کتاب در سال ۱۳۷۰ اشاره می کند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق شغلی محمدجعفر حبیب زاده : ۱- قاضی دادگستری جمهوری اسلامی (۱۳۵۹-۱۳۶۴) ۲- مشاورحقوقی رییس دانشگاه تربیت مدرس(۱۳۶۴-۱۳۷۳) ۳- معاون اموزشی دانشگاه شاهد(۱۳۷۲-۱۳۷۴) ۴- مدیرگروه حقوق دانشگاه شاهد(۱۳۷۴-۱۳۷۹) ۵- عضوودبیرکمیته پزوهشی حقوق سازمان سمت(۱۳۶۷-۱۳۷۷). ۶- معاون پزوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس(۱۳۷۷-۱۳۷۸). ۷- عضو هیات تحریریه فصلنامه علمی پژوهشی دانشور(۱۳۷۴-۱۳۸۲). ۸- عضوهیات تحریریه فصلنامه علمی پژوهشی مدرس علوم انسانی, دانشگاه تربیت مدرس(۱۳۷۸تاکنون). ۹- سردبیرفصلنامهٔ مدرس علوم انسانی ,دانشگاه تربیت مدرس(۱۳۷۸تا۹/۲/۸۵) . ۱۰-عضو هیات تحریریه مجله (Iranian Journal of Legal studies)مجتمع عالی قضایی قم وابسته به دانشگاه تهران. ۱۱- عضو کمیته تخصصی علوم انسانی هیات ممیزه دانشگاه تربیت مدرس(۱۳۷۹-۱۳۸۳). ۱۲- عضوشورای پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس(۱۳۷۷تاکنون) . ۱۳- عضو کمیته تخصصی علوم انسانی جشنواره بین المللی خوارزمی(دوازدهمین تا هفدهمین). ۱۴- مدیرکل حقوقی وزارت کشور(اردیبهشت۱۳۸۱تامهر۱۳۸۴). ۱۵- عضوشورای پژوهشی وزارت کشور(اردیبهشت۱۳۸۱تامهر۱۳۸۴). عضویت در مجامع علمی : ۱- عضوانجمن ایرانی جرم شناسی. ۲- عضوانجمن ایرانی حقوق جزا. ۳- عضوکمیته علمی کمیسیون حقوق بشراسلامی. داوری مجلات علمی : ۱- فصلنامه مدرس،علوم انسانی- دانشگاه

تربیت مدرس. ۲- فصلنامه علوم انسانی دانشور- دانشگاه شاهد. ۳- فصلنامه علوم اجتماعی وانسانی شیراز. ۴- فصلنامه قضایی وحقوقی دادگستری. ۵- ماهنامه دادرسی سازمان قضایی نیروهای مسلح. ۶- پژوهشنامه علوم انسانی واجتماعی دانشگاه مازندران.

فعالیتهای آموزشی : تدریس در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه تربیت مدرس از سال ۱۳۶۸ تا کنون. عنوان دروس ارائه شده توسط محمدجعفر حبیب زاده : ۱. حقوق جزای عمومی(۱) ،کارشناسی ۲. حقوق جزای اختصاصی(۲) ،کارشناسی ۳.حقوق جزای اختصاصی(۳)، کارشناسی ۴. متون تخصصی به زبان انگلیسی (۱)، کارشناسی ۵. حقوق جزای عمومی، کارشناسی ارشد ۶. حقوق جزای اختصاصی ،کارشناسی ارشد ۷. تاریخ تحولات حقوق کیفری، کارشناسی ارشد ۸. سمینار ،کارشناسی ارشد ۹. حقوق جزای عمومی، دکتری ۱۰.حقوق جزای اختصاصی، دکتری ۱۱.روش تحقیق ،دکتری ۱۲-حقوق بشر کیفری، دکتری

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : -انجمن اسلامی دانشگاه شهید بهشتی - جهاد دانشگاهی واحد دانشگاه شهید بهشتی - گروه حقوق دانشگاه تربیت مدرس - گروه حقوق دانشگاه شاهد

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عمده فعالیت محمدجعفر حبیب زاده بیشتر صرف مطالعه و تحقیق می شود وی اخیرا پروانه وکالت دادگستری را اخذ کرده است.

شاگردان : محمدجعفر حبیب زاده علاوه تدریس در دانشگاه، راهنمایی و مشاوره برخی از شاگردان خود را به عهده داشته است که می توان به موارد زیر اشاره کرد: پایان نامه ها و اسامی دانشجویان تحت راهنمایی الف) کارشناسی ارشد: ۱-مصونیت قضایی قضات ووکلای دادگستری.نام دانشجو:فرشته اسدی ۳- جایگاه هیات منصفه درفرایندادرسی.نام دانشجو:سیدرسول میرلوحی ب)دکتری ۱-قاعده منع محاکمه ومجازات مجدد درحقوق کیفری بین المللی وحقوق ایران- مجتبی جانی پوراسکلکی (۱۳۸۱) ۲- تروریسم درحقوق کیفری ایران واسناد بین المللی-سعیدحکیمیها(۱۳۸۲) فهرست رساله های تحت نظر مقطع کارشناسی ارشد: محمد افشاری،علل شیوع سرقت در اطفال و نوجوانان بزهکار احمد سام کن،بررسی جرم رشوه در قانون ایران هادی احتشامی،عفو در نظام کیفری ایران محمدرضا افخمی عقدا،بررسی جرم افتراء اسماعیل رحیمی نژاد،مطالعه تطبیقی اصل قانون بودن جرم و مجازات منصور پورمحمدی،حبس و توقیف غیر قانونی محمد نجاتی آجی پیشه،تاخیر و تعلیق اجرای حکم محمد علی بابائی،اشتباه در شخص مجنی علیه قتل حسین آقائی جنت مکان،حقوق متهم در قانون دادگاههای عمومی و انقلاب علیرضا تقی پور،جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در سیاست جنائی ایران بهروز ساکی ،بررسی تطبیقی سیاست جنائی ایران و سازمان ملل متحد در مقابل اطفال بزهکار عابدین صفر کاکرودی اصل تساوی مجازاتها در حقوق اسلام و ایران حسین ایارگر،تعقیب کیفری و مصونیت سیاسی عبدالرسول رسولی توانی،جرائم علیه هواپیما و امنیت هوایی حسین بابائی،بررسی مبانی فقهی و حقوقی ماده ۶۳۰ ق.م.ا. حسین آقابابائی،بررسی تحولات جرم سرقت در حقوق ایران عبدا.. پورچای بیجار،ضمانت اجرای مرگ در اسناد سازمان ملل فتح اللهی سیامک،جایگاه مشارکت مردم در سیاست جنائی سازمان ملل رامین میهمنی،اشتباه قاضی در امور کیفری و آثار آن فیاض شجاعی،تصرف غیر مجاز در اموال دولتی و عمومی عبدا.. پاک طینت،مقایسه کلاهبرداری در حقوق ایران، مصر و سوریه رشید عنایت تبار،اهانت به مقدسات مذهبی در حقوق ایران محمد میرزائی فدافنی،تمرد در حقوق کیفری ایران محسن عینی،مبنا و ماهیت تعزیر ابوالفتح خالقی،تخریب در حقوق ایران یزدانبخش مرادی ،نقش شخصیت بزهکار در تعیین مجازات سعید قوی البنیه،ماهیت مجازاتهای بازدارند علی اصغر اعظمی،احتکار و احکام آن در حقوق ایران و اسلام علیرضا تقی پور،جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در سیاست جنایی ایران عبدالرسول حقیقی،جعل و تزویر در حقوق کیفر ایران مقدم کورانی،مجازات فعل حرام در حقوق ایران آقای روشن،جرم نشر اکاذیب در حقوق کیفری ایران فرهادی رودباری،خسارت معنوی ناشی از جرم پروین انصاری ارده،ربایش غیر واجد غنوان سرقت اسدالله مسعودی مقدم،مطالعه تطبیقی حقوق متهم در اعلامیه حقوق بشر و ق.ا.د.ک. محمد علی نادری،جایگاه وزارت کشور در پیشگیری از بزهکاری مجتبی جعفری،جایگاه جنسیت در حقوق کیفری شهاب بازوند،تحولات نظام کیفری ایران درپرتو یافته های جرمشناسی حسین موسی زاده عباسی،گردشگری وبزهکاری هادوی جودوی،جرایم در حکم محاربه درحقوق ایران حسن عالی پور ،مفهوم نسبی بودن جرم شهرام براتی،صلاحیت شورای امنیت درارتباط بادیوان کیفری بین المللی سیددرید موسوی مجاب،مصو نیت پارلما نی در حقوق کیفری سید رسول میرلوحی، جایگاه هیات منضفه درفرایند دادرسی فرشته اسدی،مصونیت قضایی قضات ووکلای دادگستری فهرست رساله های تحت نظر مقطع دکتری جلیل امیدی نبی کندی،اصول تفسیر در قوانین کیفری عرفی و اسلام محسن عینی نجف آبادی،قلمرو اجرای قوانین کیفری در زمان حسین فرهودی نیا،شروع به جرم در حقوق ایران و مصر و فرانسه مهدی نقوی،امارات در حقوق کیفری و مطالعه تطبیقی محسن غیاثی ،مبانی مسوولیت کیفری محمد توحیدی فر،مفهوم و نحوه اعمال ضمانت اجرای کیفری در نظام بین الملل حسینعلی غلامی،تکرار جرم در حقوق جزا و جرم شناسی عباس شیخ الاسلامی،سیاست جنائی جمهوری اسلامی در قلمرو جرائم مطبوعاتی میرحسینی،سقوط قصاص در نظام حقوق اسلام و ایران فاطمه سوهانیان،حمایت کیفری از جنین در حقوق ایران حسین پوربافرانی،صلاحیت قوانین کیفری در خارج از قلمرو حاکمیت عباس منصورآبادی،اختلاس در حقوق ایران، مصر و آمریکا کریم بخنوه،تجدید نظر در آرای کیفری(مطالعه تطبیقی) حسن رضایی،ثابت و متغیر در نظام جزایی اسلام محمد ابراهیم شمس،سیاست کیفری ایران در قبال جرائم سازمان یافته کیومرث کلانتری،بحران در حقوق کیفری ایران عادل ساریخانی،مطالعه تطبیقی مرور زمان در حقوق کیفری اسلام،ایران،فرانسه، مصر محمد علی طاهری،خشونت در جرم شناسی و بازتاب آن در حقوق کیفری ابوالفتح خالقی،مبانی نظری وجایگاه عملی محرومیت ازحقوق اجتماعی وخدمات عمومی درحقوق کیفری ایران محمد علی بابایی،بررسی جرم شناختی حقوقی حالت خطرناک باتاکید برنظریات نوین جرم شناسی مجتبی جا نی پور اسکلکی،قاعده منع محاکمه ومجازات مجدد درحقوق کیفری بین المللی وحقوق ایران حسین فخربناب،الحاق ایران به اساسنامه رم برای تاسیس دیوان کیفری بین المللی جلال الدین قیاسی،سیاست جنایی تشریعی اسلام سعید حکیمیها،تروریسم درحقوق کیفری ایران واسناد بین المللی

همفکران فرد : از همفکران محمدجعفر حبیب زاده می توان به آقایان دکتر تفرشی دانشیار دانشگاه تربیت مدرس ،دکتر نجفی

استاد دانشگاه شهید بهشتی ،دکتر شاملو استادیار دانشگاه شهید بهشتی و دکتر امیری دانشیار دانشگاه تهران اشاره کرد.

آرا و گرایشهای خاص : محمدجعفر حبیب زاده در حوزه مطالعاتی خود به مسائل حقوق جزا (خصوصی و عمومی)، جرم شناسی و فقه جزائی گرایش بیشتری از خود نشان داده است. از زمینه های مورد علاقه تحقیقاتی دکتر حبیب زاده می توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- حقوق کیفری عمومی . ۲- حقوق کیفری اختصاصی. ۳- حقوق بشرکیفری. ۴- فقه جزائی.

جوائز و نشانها : ۱- استاد نمونه دانشگاه تربیت مدرس، در سال تحصیلی ۷۷-۷۶ . ۲- پژوهشگر نمونه دانشگاه تربیت مدرس، درسال تحصیلی ۸۰-۷۹ . ۳- پژوهشگر برگزیده وزارتخانه ها در سال۱۳۸۲. ۴- دریافت لوح تقدیر ازشورای نشان های دانشگاه تربیت مدرس واخذیک پایه ترفیع درسال۱۳۸۲ ۵- دریافت لوح تقدیر ازشورای نشان های دانشگاه تربیت مدرس واخذیک پایه ترفیع درسال۱۳۸۴

چگونگی عرضه آثار : مقالات چاپ شده در مجلات علمی وپژوهشی = ۲۸ مقاله مقالات چاپ شده درمجلات ترویجی = ۲۰ مقاله مقالات ارائه شده در مجامع علمی = ۷ مقاله پایان نامه های راهنمایی شده دوره دکتری : ۸ پایان نامه پایان نامه های راهنمایی شده دوره کارشناسی ارشد: ۴۵ پایان نامه ---

آثار :

۱ حقوق جزای اختصاصی (جرائم علیه اموال)

ویژگی اثر : انتشارات سازمان سمت؛ چاپ اول ۱۳۷۳ ؛ چاپ دوم ۱۳۷۴؛چاپ سوم ۱۳۸۰؛ چاپ چهارم۱۳۸۲.چاپ پنجم۱۳۸۵،(تا لیف).

۲ خیا نت درامانت درحقوق کیفری ایران

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه تربیت مدرس،۱۳۸۱؛(تا لیف).

۳ سرقت درحقوق کیفری ایران(ومطالعه تطبیقی)

ویژگی اثر : ،انتشارات دادگستر،۱۳۸۵،(تالیف).

۴ کلاهبرداری در حقوق ایران

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه شاهد، ۱۳۷۴(تا لیف).

۵ کلاهبرداری وجرایم مشابه درحقوق ایران

ویژگی اثر : انتشارات سنجش تکمیلی مدرس؛ چاپ اول۱۳۸۱؛چاپ دوم،۱۳۸۲ (تا لیف).

۶ محاربه در حقوق کیفری ایران (مطالعه تطبیقی در فقه اسلامی و عناوین مشابه در حقوق کامن لا)

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه تربیت مدرس،۱۳۷۹(تا لیف).

۷ محاربه و افساد فی الارض،

ویژگی اثر : انتشارات کیهان، ۱۳۷۰(تا لیف).

۸ مصونیت پارلمانی درحقوق کیفری

ویژگی اثر : انتشارات علمی وفرهنگی,۱۳۸۴,(تالیف).

حبیب سبزواری، حبیب‌اللّه

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. از شاعران سبزوار بود. از اوست:

بعد عمری گر نگاهی جانب من می‌کند

صد نگه بهر تسلی سوی دشمن می‌کند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۳۹۹/۱)، الذریعه (۲۳۰/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۴۷)، لغت نامه (ذیل/ حبیب‌اللّه سبزواری).

حبیب شیرازی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به حبیب. وی معاصر محمود میرزا، صاحب «بیان محمود» و منشی حسینعلی میرزا، فرزند فتحعلی شاه قاجار، بود از اوست:

به غیر از دوست دستی بر همه عالم برافشانم

که از عالم توانم بگذرم وز دوست نتوانم

جمال یوسفی با تست لیکن من ز خود حیران

که چون یوسف چرا در بند آن چاه زنخدانم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۲۹/۱).

حبیب شیرازی، ابوالقاسم

قرن:۱۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۶ ق)، شاعر. وی از سادات دستغیب شیراز بود و گاهی تجارت می‌کرد. میرزا ابوالقاسم با صاحب «تذکره‌ی میکده» معاصر بود. حبیب به رشت رفت و در آن سامان مشغول امامت و تدریس شد و همان جا وفات یافت. وی مثنویی به نام «فرهاد و شیرین» دارد. از اوست:

ای که گفتی فمن یمت یرنی
جان فدای حدیث دلجویت
کاش روزی هزار مرتبه من
مردمی تا بدیدمی رویت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۴۱۶ -۴۱۵ /۱)، فرهنگ سخنوران (۲۴۷)، رآت الفصحاه (۱۵۳ -۱۵۲).

حبیب شیرازی، شیخ علی مجتهد ابیوردی

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

(۱۳۵۷ -۱۲۸۲ ق)، عالم و شاعر، متخلص به حبیب. در قریه لاله‌گون آباده متولد شد. به تشویق حاج عبدالله تاجر ابیوردی، به خواندن مقدمات عربی مشغول شد. در چهارده سالگی برای ادامه تحصیل به شیراز رفت و فقه و اصول و تفسیر را در خدمت شیخ عبدالجبار مجتهد جهرمی و شیخ محمد حسین مجتهد محلاتی آموخت. سپس برای تکمیل تحصیلات دینی در بیست و چهار سالگی به عراق رفت و در درس حاج میرزا حسن مجدد شیرازی در سامره حاضر شد و بعد از درگذشت او در نجف در حوزه درس آخوند خراسانی حضور یافت. وی پس از اخذ درجه اجتهاد به شیراز بازگشت و از طرف مردم شیراز به وکالت شورای ملی انتخاب شد. در شیراز وفات یافت و در بقعه‌ی علی بن حمزه دفن شد. آثار وی: «دزدگیر، رد بهائیه»؛ «ذخیره المعاد»؛ «فرائد العلویه»؛ «کنز النصایح یا گنج سعادت»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۲۸ -۲۲۱ /۲)، مولفین کتب چاپی (۱۸۳ -۱۸۲ /۴).

حبیب قزوینی، محمدعلی

قرن:۱۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به حبیب. اصل وی از قزوین بود. ولیکن برای کسب معاش مدتی با حسین خان سردار به ایروان رفت و در همان جا درگذشت. از اوست:

به این فروغ ندانم چه گوهری، ز چه کانی
که روشن است و شمع رخت چراغ جهانی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۴۱۶/۱)، سفینه المحمود (۲۴۹/۱)، فرهنگ سخنوران (۲۴۷).

حبیب یزدی، ابوالقاسم

قرن:۱۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به حبیب. حرفه وی مسگری و با فتحعلی‌شاه قاجار معاصر بود. حبیب در اغلب فنون شعر استاد بود. در زمان ناصرالدین‌شاه درگذشت. از اوست:

کشت ما را کرنش بیجا و مدح بی محل
می‌توان وا مرحمت اما چسان واکرنشم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره سخنوران یزد (۱۱۸ ،۱۰۲ –۱۰۱)، حدیقه الشعراء (۴۱۷/۱)، الذریعه (۲۳۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۴۷).

حبیب‌اللهی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، مدرس.

تولد: ۱۲۸۱، مشهد.

درگذشت: ۲۸ آذر ۱۳۵۹، مشهد.

سید ابوالقاسم حبیب‌اللهی متخلص به «نوید» یا «نوید خراسانی» (مشهور به «شهیدی») فرزند آقا میرزا محمد و نوه‌ی سید حبیب‌اللهی مجتهد خراسانی (دیوان ناقص ایشان چند سالی است منتشر شده) است. وی علوم قدیم را در مشهد فراگرفت و صرف و نحو و معانی بیان و منطق را نزد ادیب نیشابوری و سید حسن مشکان طبسی آموخت و در سال ۱۳۰۱ همراه پدر خود به عراق و سوریه و لبنان مسافرت کرد، سپس به کشور بازگشت. اشعار او غالبا قطعاتی است که در معانی فلسفی و اخلاقی گفته شد، در میان اشعار وی که متجاوز از سه هزار بیت است، غزل دیده نمی‌شود یا اگر تغزلی باشد، نادر است. ابوالقاسم حبیب‌اللهی در سال‌های آخر عمر به عنون استاد نیمه وقت زبان عربی در دانشگاه مشهد تدریس کرد. وی از مؤسسان و از اعضای انجن ادبی خراسان (۱۳۰۱) بود.

(۱۳۵۹ –۱۲۸۲ ش)، شاعر، متخلص به نوید. از نوادگان سید حبیب‌اللّٰه مجتهد بود که در مشهد متولد شد. وی پس از اتمام تحصیلات مقدماتی، به تحصیل علوم ادبی نزد استادان معاصر خویش اهتمام ورزید. پس از آن به امور کشاورزی مشغول شد و اوقات خویش را به مطالعه گذراند. نوید شعر را نیکو می‌سرود و مدتی در دانشکده‌ی ادبیات مشهد تدریس کرد. آثار وی: «دیوان» اشعار، که تحت عنوان «ارمغان نوید» چاپ شده است.[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۲۳۶/ ۹)، خسنوران نامی معاصر (۳۷۵۲ –۳۷۴۸/ ۶)، صد سال شعر خراسان (۵۸۵ –۵۷۸)، مولفین کتب چاپی (۲۳۹ –۲۳۸/ ۱).

حبیبی احمد آبادی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی حبیبی احمدآبادی

محل تولد : کربلاء

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه المهدی (عج) که زیر نظر حضرت آیت الله گلپایگانی (ره) بود مشغول به تحصیل شدم . بعد از دو سال به مدرسه علمیه رسالت منتقل شدم و تا اتمام لمعتین در آن مدرسه به درس خود ادامه دادم . با پیروزی انقلاب اسلامی و نیاز شدید به دبیران دینی ، دو سال اول انقلاب را در دبیرستان ها و دانشسراهای محلات و بوشهر به تدریس کتاب های دینی و آموزش قرآن پرداختم و بعد از آن برای ادامه تحصیل به قم بازگشتم و سر درس رسائل و مکاسب حاضر شدم . در کنار تحصیل در فرصت های مناسب برای تبلیغ به جبهه ها اعزام می شدم ، ولی با توجه به مطالعات و تحقیقات جنبی که در علوم قرآنی داشتم و تجربیات و موفقیت های کسب شده در امر تدریس و کلاسداری و نیاز شدید به معلمین قرآن (با توجه به نهضت قرآنی که به برکت انقلاب اسلامی راه افتاده بود) تمامی همت و وقت خود را صرف برگزاری دوره های تربیت معلم قرآن کریم نمودم .

با تاسیس بخش قرآن سازمان تبلیغات اسلامی ، همکاری خود را با آن بخش شروع کردم و ضمن تدریس در دوره های تربیت معلم قرآن کریم ، ویژه معلمین آموزش و پرورش که از سراسر کشور در تابستان ها در تهران جمع می شدند برای برگزاری دوره های ضمن خدمت معلمین قرآن به شهرها اعزام و به تدریس مهارت های تدریس قرآن کریم می پرداختم .

با گسترش فعالیت های قرآنی بخش قرآن و تبدیل آن به دار القرآن الکریم سازمان تبلیغات اسلامی و کانون های قرآن در مراکز استان ها و شهرستان هایی که سازمان تبلیغات اسلامی در آن شهرستان ها نمایندگی داشت ، از طرف دار القرآن به آن مرکز جهت برگزاری دوره های تربیت معلم قرآن کریم اعزام می شدم تا معلمین مورد نیاز برای آموزش قرآن در تابستان ها و ماه مبارک رمضان ، آموزش لازم را دیده باشند و به تدریس یکنواخت قرآن کریم در سراسر کشور بپردازند .

برای آموزش یکنواخت قرآن کریم در سراسر کشور ، ابتدا با همکاری دو تن از اساتید دار القرآن کریم ، جزوه آموزش قرآن کریم تهیه نمودیم . سپس آن جزوه در دو سطح : یک برای خردسالان و دو برای بزرگسالان توسط این جانب تکمیل و برای معلمین قرآن نیز کتاب راهنمای تدریس روخوانی قرآن کریم تالیف نمودم که بعدها اصلاح و تکمیل شد و الحمد الله اکنون به

عنوان کتاب مشهور برای آموزش قرآن در اختیار علاقمندان می باشد ، به طوری که هر سال بیش از دویست هزار جلد روخوانی قرآن کریم و ده هزار جلد راهنمای تدریس روخوانی قرآن کریم چاپ و منتشر می شود .

همزمان با فعالیت های قرآنی در شهرستان ها ، کانون قرآن سازمان تبلیغات اسلامی قم را تاسیس و دوره های متعدد تربیت معلم قرآن کریم در طول سال برای طلاب ایرانی و غیر ایرانی و عموم علاقمندان قرآن کریم برگزار می نمودیم که الحمد لله با استقبال بسیار طلاب مواجه می گردید .

در کنار فعالیت های قرآنی ، کار تحقیقات در زمینه های مختلف علوم قرآنی را ادامه دادم و ضمن تکمیل کتاب های قبلی ، کتاب های دیگری را تالیف که در ادامه آورده ام .

در سال ۱۳۷۶ واحد قرآن مرکز مدیریت حوزه علیه قم را راه اندازی و اقدام به برگزاری دوره های تربیت معلم قرآن کریم ویژه طلاب علوم دینی (ایرانی و غیر ایرانی) نمودم که دوره های مذکور در سطح عالی و به صورت استدلالی برگزار می شد .

کتاب رسم و ضبط مهارت های تدریس قرآن کریم این جانب رتبه تشویقی کتب برگزیده حوزه را در اولین سال تشکیل این نهاد به خود اختصاص داد و امسال نیز به عنوان خادم قرآن در استان قم انتخاب شدم .

خداوند را شاکرم که در حدود ۲۵ سال فعالیت های قرآنی بیش ازپنجاه هزار نفر علاقمندان تدریس قرآن کریم ، معلمین آموزش و پرورش ، طلاب علوم دینی ایرانی و غیر ایرانی اعم از خواهر و برادر ، دوره های آشنایی با مهارت های تدریس قرآن کریم را نزد این جانب طی کرده اند ، و بیش از صد هزار نفر از کتاب های رسم و ضبط و مهارت های تدریس قرآن کریم استفاده کرده اند ، و بیش از دو میلیون نفر از کتاب های آموزش قرآن این جانب بهره مند شده اند .

اکنون به یاری خداوند در کنار حضور در درس خارج فقه آیت الله العظمی فاضل لنکرانی به تدریس و تحقیق نیز مشغول می باشم .

حبیبی بر گشادی آذربایجانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از مردم بر گشاد/ برکشاد آذربایجان بود. در ابتدا به دلیل فقر از رهگذر شبانی روزگار می‌گذراند. سپس به خدمت سلطان یعقوب آق‌قوینلو درآمد و پس از آن به دربار شاه اسماعیل. در دربار شاه اسماعیل لقب ملک‌الشعرایی یافت. در آنجا به هزل او را «گرزالدین بیگ» لقب داده بودند. در زمان با یزید به خاک عثمانی رفت و در آنجا در زمان سلطان سلیم درگذشت. وی به دو زبان فارسی و ترکی غزل را استادانه می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۹۶)، تحفه سامی (۳۵۸ -۳۵۷)، دانشمندان آذربایجان (۱۱۲)، لغت نامه (ذیل/ حبیبی)، الذریعه (۲۳۱ -۲۱۳ /۹)، فرهنگ سخنوران (۲۴۸).

حبیبی تبار، جواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد حبیبی تبار

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱۰/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۶ همزمان با تحصیلات کلاسیک به تحصیل علوم حوزوی مشغول شدم. دروس مقدمات را نزد علامه فقید مدرس افغانی (ره) تلمذ کردم، سپس لمعه و معالم و شرح باب حادی عشر را از محضر پر فیض آیت الله اشتهاردی (دام عزه) استفاده کردم. رسائل را نزد آیت الله اعتمادی (دام عزه) و مکاسب را نزد مرحوم آیهٔ الله ستوده (ره) خواندم. بخشی از کفایه را نزد آیهٔ الله دوزدوزانی و بخشی دیگر را نزد حضرت آیهٔ الله فاضل لنکرانی استفاده کردم. اسفار را نزد آیهٔ الله انصاری شیرازی (دام عزه) بهرمند بودم و در درس اخلاق معظم له نیز حضور داشتم مدتی عرفان را نزد آیهٔ الله شاه آبادی مستفیض بودم. تفسیر را از محضر آیهٔ الله جوادی آملی و مدتی فلسفه را نزد استاد دکتر محقق داماد (دام عزهما) بهره بردم، و از محضر آیات علوی کاظمینی، وحیدی شبستری و خوانساری در خارج فقه و اصول بهرمند بوده ام و هم اینک از محضر آیات وحید خراسانی و فاضل لنکرانی (دامت برکاتهما) استفاده می کنم. تحقیقات خود پیرامون مسائل و موضوعات حقوق به ویژه حقوق اسلامی را از سال ۱۳۶۴ آغاز نمودم و از محضر اساتید بزرگواری چون دکتر کی نیا، دکتر محقق داماد، دکتر آخوندی ، دکتر سپهوند ، دکتر گودرزی ، دکتر یاوری ، دکتر جهانگیر ثانی ، جناب آقای شهری ، و جمع دیگری از اساتید استفاده برده ام. فن خطابه را نزد مرحوم حجت الاسلام

و المسلمین فلسفی و روانشناسی خانواده را نزد حجت الاسلام و المسلمین آل اسحاق و دکتر نبی صادقی خواندم.

از اینجانب یک جلد کتاب دراصول فقه ، یک جلد در تفسیر ، یک جلد در مدیریت ، یک جلد در حقوق خانواده ، یک جلد در امور حسبی ، یک جلد در آیین دادرسی کیفری و دو جلد در موضوعات دیگر به چاپ رسیده است. ۸ جلد در حقوق مدنی ، ۴ جلد در متون فقه ، ۴ جلد در موضوعات حقوق به صورت رساله علمی به صورت دست نویس وجود دارد. اینجانب سالهاست که در مراکز حوزوی و دانشگاهی ذیل تدریس و یا فعالیت علمی دارم : ۱. اداره کل آموزش قضات قوه قضائیه، که در قم و مراکز استان ها تا کنون حدود یک هزار نفر از قضات شاغل کشور در کلاس های درس اینجانب حاضر بوده اند.۲. دانشگاه تهران ـ پردیس قم ـ صدها نفر از قضات و وکلای داگستری و مشاورین حقوق کشور که از این مرکز علمی، در رشته های حقوق و فقه و مبانی حقوق اسلامی فارغ التحصیل شده اند در کلاس های درس اینجانب حضور داشته اند. ۳. دانشگاه قم درس های رویه قضایی و آئین دادرسی مدنی در این دانشگاه برای دانشجویان محترم تدریس شده است. ۴. مرکز تخصصی حقوق و قضاء اسلامی حوزه مقدسه قم، تقریبا از بدو تاسیس این مرکز تخصصی با تدریس حقوق مدنی و آیین دادرسی کیفری در خدمت صدها دانش پژوه آن بوده و هستم. ۵. مرکز جهانی علوم اسلامی، دراین مرکز برای طلاب محترم خارجی که رشته حقوق تحصیل می نمایند تدریس داشته ام از جمله برای هشتاد نفر از قضات بالقوه افغانستان.۶. مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، در این مرکز در کمیسیون آسیب شناسی قوانین مدنی کشور عضویت و با دوستانی چون آقایان دکتر وحدتی شبیری، دکتر عبدی پور، دکتر ارسطا و دکتر قشقایی به کارشناسی در رابطه با قوانین مدنی و آسیب های آن پرداخته ام. ۷. کمیسیون تدوین پیش نویس قانون احوال شخصیه شیعیان بحرین، در این کمیسیون پیش نویس قانونی در زمینه احوال شخصیه به معنی اعم آن شامل مقررات راجع به ولادت، نسب، نکاح، طلاق، ارث، وصیت، وقف مورد بررسی و تصویب علمی قرار گرفت. ۸. صدا و سیما ، سالهاست که به عنوان کارشناس حقوق اسلامی در رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی فعالیت داشته و ارائه برنامه داشته و دارم. علاوه بر موارد مذکور در حوزه های علمیه بندرعباس، نهاوند و قم به تدریس متون ادبی و نیز کتب لمعه، معالم، اصول فقه، باب حادی عشر، رسائل و مکاسب اشتغال داشته ام.

حبیبی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن حبیبی در سال ۱۳۱۶ در یکی از محله های قدیمی تهران به دنیا آمد. او تحصیلات ابتدایی خود را به صورت فشرده آغاز کرد و در کنار آموزش دروس مدرسه به درسهای حوزه علمیه هم گرایش پیدا کرد. وی عضو و سخنگوی شورای انقلاب بود و به عنوان های مختلف مثل معاون اول رییس جمهوری در دورهٔ جناب آقای هاشمی رفسنجانی در کشور فعالیت داشته است. حسن حبیبی رئیس و موسس بنیاد ایران شناسی می باشد و به عنوان عضو پیوسته فرهنگستان زبان وادب فارسی هم فعالیت دارند. ایشان در طول خدمت و تحصیل خود به ترجمه و تالیف اثر های مختلفی در زمینه های حقوق ، جامعه شناسی، فلسطین ، جنگ و . . . را انجام داده است. در دومین جشنواره برگزیدگان فارابی که در هفتم دی ماه ۱۳۸۷ برگزار شد، از حسن حبیبی تقدیر به عمل آمد.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسن حبیبی پیش از آن که به سن مدرسه برود، خواندن و نوشتن را آموخته و خواندن قرآن را شروع کرده بود و از اشعار فردوسی، سعدی و حافظ ابیاتی را در حفظ داشت. کلاس اول و دوم را در یکسال خواند و در سالهای بعد در کنار درس مدرسه، درسهای دیگر را که در حوزه های علمیه معمول بود ، بخصوص در تابستان نزد پدرش و یکی دو تن از مدرسان حوزهای فرا گرفت.

فعالیتهای ضمن تحصیل : حسن حبیبی نوجوان بود که پدرش ضمن تشویق به درس خواندن ، از او خواست تا حرفهای نیز بیاموزد تا در صورت لزوم برای گذراندن زندگی خود کاری بلد باشد. از این رو قرار شد که جوراب بافی یاد بگیرد و تابستانها به آن مشغول شود. از آنجا که مادر و پدرش جوراب بافی میدانستند، یادگیری کار آسان بود، محل کار نیز خانه بود و برای تهیه نخ و رنگ کردن آنها و باز کردن کلافها ، بافتن جورابها و به بازار بردن آنها و... کارهایی را باید میآموخت و و اطلاعاتی باید بدست میآورد. این تجربه باعث گردید که از آغاز نوجوانی با محیط کار و برخی از انواع آن ، روابط و برخی از دشواریها آشنا شود. وی در نخستین سال درس در دانشگاه هم به دانشکده حقوق و هم به دانشکده ادبیات می رفت، دو کتاب کوچک و متوسط را برای تمرین زبان عربی ترجمه کرد و یک جستجوی مختصر را درباره ادبیات کودکان به پایان رسانید.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : از مسئولیتهای اجرائی حسن حبیبی می توان به از حوزه مطالعات علمی وی اشاره کرد: عضو و سخنگوی شورای انقلاب وزیر فرهنگ و آموزش عالی نماینده تهران در دوره اول مجلس شورای اسلامی وزیر دادگستری عضو شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و عضو هیات رئیسه آن (۱۳۶۸) عضو حقوقدانان شورای نگهبان (۱۳۸۰–۱۳۶۸) معاون اول رئیس جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۰–۱۳۶۸) نخستین رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی رئیس کمیسیون فرهنگ تعلیمات و تحقیقات مجلس شورای اسلامی (دو سال اول و دوره اول) عضو شورای عالی آموزش و پرورش (در سمت وزیر فرهنگ و آموزش عالی) استاد دانشگاه عضو ستاد انقلاب فرهنگی رئیس کمیسیون لوایح و رئیس کمیسیون فرهنگی هیات دولت رئیس هیات امناء فرهنگستانهای جمهوری اسلامی ایران عضو هیات نمایندگی ایران در کنفرانس عمومی یونسکو (۱۹۸۷)

عضو کمیته دهه جهانی توسعه فرهنگی یونسکو (۱۹۸۹–۱۹۸۷) موسس و رئیس بنیاد ایران شناسی عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام عضو شورایعالی انقلاب فرهنگی عضو هیات امنای فرهنگستان های جمهوری اسلامی ایران عضو هیات امنای کتابخانه مجلس شورای اسلامی عضو کمیسیون ملی یونسکو (ایران) عضو دیوان دائمی داوری (لاهه)

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : حسن حبیبی موسس و رئیس بنیاد ایران شناسی است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حسن حبیبی فعالیت اجتماعی خود را از آذر ماه سال ۱۳۲۹ آغاز کرد.

جوائز و نشانها : از نشانها و جوایزی که به حسن حبیبی اهدا شده است می توان به موارد زیر اشاره کرد: دکتری افتخاری جامعه شناسی دانشگاه تهران نشان عالی استقلال استادی افتخاری دانشگاه دولتی ترکمن (ترکمنستان استادی افتخاری دانشگاه علوم انسانی بیشککک (قرقیزستان) مدال دانشگاه دولتی تفلیس (گرجستان) دکتری افتخاری آکادمی علوم ارمنستان دکتری فخری (افتخاری) دانشگاه دولتی تاجیکستان تقدیر از حسن حبیبی در دومین جشنواره برگزیدگان فارابی ویژه تحقیقات علوم انسانی و اسلامی

چگونگی عرضه آثار : حسن حبیبی مقالات زیادی در زمینه هایی مانند سینمای کودک و نوجوان ، گفتار درباره پیاژه و یا زبان حقوقی تحریر نموده است که در دانشگاهها و آکادمی های کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز مطرح و برخی در مجلس ها عنوان و به چاپ رسیده است ولی هنوز در یک جا جمع آوری نشده است. --
----

آثار :

۱ اسلام و بحران عصر ما

ویژگی اثر : این کتاب ترجمه چند فصل کتاب کشف اسلام از روژه پاسکیه در سال ۱۳۶۳ است.

۲ امامت در حقوق شیعه

ویژگی اثر : در رشته حقوق عمومی تحقیق و رساله خود همین اثر بود که به مبانی نظری حقوق یا فقه اسلامی در زمینه حکومت اسلامی و ولایت امام معصوم و سپس فقها.

۳ ترجمه تقسیم کار اجتماعی

ویژگی اثر : این کتاب رساله دکترای دورکیم است . در این کتاب بخصوص دو وجه جامعه شناسی اخلاقی و جامعه شناسی حقوقی را می تان ملاحظه کرد.

۴ ترجمه کتاب آداب المتعلمین

ویژگی اثر : اولین ترجمه حسن حبیبی کتاب آداب المتعلمین بود که منسوب به خواجه نصیر الدین طوسی و از جمله جزوه های جامع المقدمات می باشد .

۵ ترجمه کتاب اخلاق نظری و علم آداب

ویژگی اثر : این اثر به بررسی امکان و شرایط وجودی این دو و خصوصا اخلاق نظری می پردازد.

۶ ترجمه کتاب استعمار صهیونیستی در فلسطین

۷ ترجمه کتاب استعمار صهیونیستی در فلسطین

۸ ترجمه کتاب اسلام و مسلمانان در روسیه

ویژگی اثر : این کتاب ترجمه کتاب امپراتوری متلاشی است که در اواسط مهرماه ۱۳۵۷ به چاپ رسید، حسن حبیبی با اضافه کردن مقدمه ای به نامه تفکیک مصنوعی دین از سیاست به اول کتاب آن را به چاپ رسانید. این اثر درآذر ماه ۱۳۵۷ چند هفته پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در اروپا منتشر شد و سپس در سالهای بعد از انقلاب در تهران انتشار یافت.

۹ ترجمه کتاب المنقذ من الضلال

ویژگی اثر : این کتاب نوشته غزالی است.

۱۰ ترجمه کتاب دو سرچشمه اخلاق و دین

ویژگی اثر : چاپ اول ترجمه کتاب در سال ۱۳۵۸ منتشر شد.

۱۱ ترجمه کتاب دیالک تیک و جامعه شناسی

۱۲ ترجمه کتاب سون تزو

ویژگی اثر : در نیمه دوم سال ۵۹ ترجمه این کتاب را آغاز کرد و در بهمن ماه ۵۹ چاپ اول آن منتشر شد.

۱۳ ترجمه کتاب عهدین، قران و علم

ویژگی اثر : این کتاب نوشته یک پزشک فرانسوی است که در اواخر سال ۱۹۷۶ منتشر شد . حسن حبیبی در مردادماه سال ۱۳۵۷ در تهران آن را به چاپ و منتشر کرد. این اثر دو بحث عمده را پی گیری می کند یک اصالت این کتاب از لحاظ ارتباط با وحی و دیگری مطابقت نمونه هایی از محتوای آنها با هم.

۱۴ ترجمه کتاب منیه المرید فی آداب المفید و المستفید

ویژگی اثر : این کتاب نوشته شهید ثانی است دریک مقدمه و چهار باب و یک خاتمه و یک تتمه می باشد. این کتاب جهات گوناگونی در تعلیم وتربیت دارد. درمقدمه درباره اهمیت و ارزش علم و در باب اول دربارهٔ آداب و وظایف معلم و شاگرد، در باب دوم و سوم و چهارم به ترتیب درباره آداب فتوا و وظایف فتوا دهنده و استفتاء کننده – مناظره و شروط و آداب آن– آداب نگارش و مسائل مربوط به کتاب سخن می گوید و در خاتمه به بیان مطالبی دربارهٔ علوم و اقسام و ترتیب آنها و در تتمه سفارش به دانشجویان را نشان می دهد.

۱۵ ترجمه مبانی جامعه شناسی حقوقی گورویچ

ویژگی اثر : این اثر در رابطه به مباحث نظری جامعه شناسی حقوقی می پردازد.

۱۶ جامعه ایران بر اساس و از منظر رویه قضائی

ویژگی اثر : این اثر موضوع رساله دکترای جامعه شناسی حسن حبیبی بود. رویه قضایی در بحث های حقوقی و کلاسهای درس حقوق به معنی اخص و عام به کار می رود.

۱۷ جامعه شناسی حقوقی

ویژگی اثر : با تاکید بر بررسی و توصیف و تحلیل جامعه شناسی و مردم شناختی و آماری اسناد ازدواج و طلاق محضر خندق آبادی ها در تهران در سالهای ۱۳۲۴–۱۳۱۳ ق به قلم ایشان به چاپ رسیده است.

۱۸ جامعه، فرهنگ ، سیاست

ویژگی اثر : اولین مجموعه مقالات حسن حبیبی است که در سال ۶۳ چاپ شده و در برگیرنده مقالات مربوط به زمان اقامت او در اروپا بوده است.

۱۹ کتاب حسبحال یا دو کوه

ویژگی اثر : این کتاب به فرهنگ و تمدن غربی می پردازد نوشته ای آهنگین دارد .

۲۰ مجموعه کرامه

۲۱ مجموعه مقالات در آئینه حقوق

ویژگی اثر : در سال ۶۷ منتشر شده در زمینه حقوق . این مجموعه بخش عمده مقالاتی است که نوشته و یا ترجمه شده و به مدت سه سال و در دوازده شماره فصل نامه حق به چاپ رسیده است. حاوی سه بخش است در زمینه های حقوق بین الملل، حقوق تطبیقی، جامعه شناسی حقوقی.

۲۲ مقاله انقطاع فرهنگی

۲۳ مقاله فرهنگ استعماری و روابط بین المللی

۲۴ مقاله نظام اسلامی بر مبنای فقاهت یا التقاط

ویژگی اثر : این اثر متن سخنرانی وی در دو سمینار اتریش و آلمان به سالهای ۴۹ و ۵۰ بوده است.

۲۵ مقاله یادداشتهایی درباره هنر

۲۶ منطق حقوقی و انفورماتیک

ویژگی اثر : آخرین کتابی است که در سال ۷۳ چاپ و منتشر شده و مجموعه ای از مقالات ترجمه شده است.

۲۷ مولوی انسان متعهد

حبیبیان نقیبی، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید حبیبیان نقیبی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مجید حبیبیان نقیبی با گذراندن دوران ابتدائی ، راهنمائی و دبیرستان در شهرستان بابل ، دیپلم رشته ریاضی فیزیک را در سال ۱۳۶۱ دربافت نمودم . در شهریور همان سال به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمدم و در سال ۱۳۶۳ برای تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه بابل شدم که به واقع حضور در جمع با انگیزه طلاب انقلابی در محضر اساتید بزرگواری چون آیت الله فاضل استر آبادی ، سعادت بزرگی بود که خداوند متعال ارزانیم داشت.

دروس مقدماتی و بخشهایی از سطح را در محضر ایشان آموختم . از سال ۱۳۶۷ برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم آمدم و تا سال ۱۳۶۹ بقیه دروس سطح را در محضر اساتید بزرگواری چون حضرات آیات اعتمادی ، دوزدوزانی و استادی تلمذ نمودم و از آن سال تا کنون در دروس خارج فقه و اصول از محضر آیات عظام وحید خراسانی ، میرزا جواد تبریزی(ره) ، فاضل لنکرانی(ره) ، سید محمود هاشمی شاهرودی و سید جعفر کریمی به قدر توان بهره مند شده و می شوم.

در کنار تحصیل از سالهای اول تحصیل حوزوی ، به تدریس دروس مختلف حوزوی تا پایه ششم اشتغال داشتم . از سال ۱۳۶۹ به همراه تحصیلات و تدریس حوزوی ، در دانشگاه مفید قم و در رشته اقتصاد نظری به تحصیل دروس دانشگاهی پرداختم . در سال ۱۳۷۴ برای ادامه تحصیل در مقطع کار شناسی ارشد در رشته توسعه اقتصادی و برنامه ریزی در دانشگاه تهران ادامه تحصیل دادم و در سال ۱۳۷۷ از این مقطع فارغ التحصیل شدم . از سال ۱۳۶۷ در کنار تحصیل و تدریس در حوزه و دانشگاه به امر پژوهش نیز پرداختم که حاصل آن کتاب ، طرح تحقیقاتی و مقالاتی است که منتشر و ارائه شده است .

در حال حاضر نیز در کنار تحصیل در حوزه عضو هیئت علمی دانشگاه مفید قم می باشم و به تحقیق در موضوعات اقتصاد اسلامی

و تدریس در آن دانشگاه اشتغال دارم .

حجاب اصفهانی، ابوتراب

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. از سادات تبریزی ساکن عباس‌آباد اصفهان بود.

وی در زمان نادرشاه درگذشت. از اوست:

زین پیش گردون در شیر من خون

می‌کرد و اکنون در بادهام آب

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۹۵)، دانشمندان آذربایجان (۱۱۲)، الذریعه (۲۳۲/۹)، سخنوران آذربایجان (۳۱۱)، سفینه المحمود (۲۴۹/۱)، فرهنگ سخنوران (۲۴۸)، لغت نامه (ذیل/ حجاب اصفهانی)، نگارستان دارا (۱۷۷).

حجاب شیرازی، فتحعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۹ ق)، خطاط، مذهب و شاعر، متخلص به حجاب. وی شاگرد وصال شیرازی بود. در سال ۱۲۶۶ ق با پسران وصاف به هندوستان رفت و دو سال بعد به شیراز بازگشت. حجاب انواع نستعلیق را از شش دانگ تا غبار استوار و عالی می‌نوشت و در سرودن شعر نیز مهارت داشت. صاحب «حدیقه الشعراء» آورده: «... در رسوم شاعری هم بین‌الاقران ممتاز بود. دیوانش قریب شش هزار بیت است...»، او در شیراز درگذشت و در بقعه‌ی شاهچراغ دفن شد. از خطوط تذهیبی وی اثر رقم‌داری دیده نشده است. از آثار او: یک نسخه شش دفتر «مثنوی» مولانا، به قلم کتابت خفی عالی، با رقم: «تمت الکتاب... کتبه فتح علی الشیرازی المتخلص به حجاب، سنه‌ی ۱۲۶۳»؛ یک نسخه «لوایح» جامی، به قلم نیم دو دانگ خوش، با رقم: «.... اقل الکتاب فتح علی الشیرازی متخلص به حجاب تحریر نمود...»؛ یک نسخه «تاریخ معجم»، به قلم نیم دو دانگ خوش، با رقم: «... اقل الکتاب فتح علی الحجاب، گردید» و چند قطعه‌ی دیگر که در احوال و آثار خوشنویسان» به آنها اشاره شده است.[۱]

فتحعلی بن محمد جعفر شاعر، خطاط شیرازی (ف. شیراز ۱۲۶۹ ه.ق.). وی در خط نستعلیق مهارت داشت. پس از مرگ او را در بقعه شاهچراغ دفن کردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۵۴۵ -۵۴۴)، احوال و آثار خوشنویسان (۵۶۷ -۵۶۵ /۲)، احوال و آثار نقاشان (۵۰۰/۲)، اطلس خط (۵۶۸ -۵۶۷)، تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (۵۷)، حدیقه الشعراء (۴۲۲ -۴۱۷ /۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۳۴ -۲۳۳ /۲)، الذریعه (۲۳۲/۹)، ریحانه (۲۲/۲)، شرح حال رجال (۱۷۶ -۱۷۵ /۶)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۶۴/۲)، فرهنگ سخنوران (۲۴۸)، لغت نامه (ذیل/ حجاب شیرازی)، مرآت الفصاحه (۱۵۵ -۱۵۴)، مکارم الآثار (۱۹۳۶/۶).

حجاب شیرازی، محمدمهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۴ -۱۲۲۴ ق)، خطاط. و شاعر، متخلص به حجاب در شیراز متولد شد و در همان جا کسب کمالات کرد و مقدمات ادبی و عربی، منطق، کلام و حکمت الهی را آموخت. سپس برای تجارت به هند رفت و در کنار تجارت، به عبادت و صحبت اصحاب کمال روزگار می‌گذرانید او گاهی شعر نیز می‌سرود و در خط شکسته تعلیق مهارت داشت. فرزند وی، سحاب، تاریخ فوت پدر را چنین سروده:

چو کرد عزم حریم وصال گفت سحاب

حجاب پرده برافکند و بی‌حجاب برفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۵۵)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۷۷ -۱۲۷۶ /۴)، بزرگان شیراز (۳۴۶)، حدیقه الشعراء (۴۲۳ -۴۲۲ /۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۳۳ -۲۳۰ /۲)، طرائق الحقائق (۴۷۲ -۴۷۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۵۴/۲)، فرهنگ سخنوران (۲۴۸)، مرآت الفصاحه (۱۵۴ -۱۵۳).

حجاب قزوینی، اسماعیل

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به حجاب. از مردم قزوین بود که به روزگار اورنگ زیب از مولـدش به هندوسـتان مهاجرت کرد و در آن سامان زیست. میرزا اسماعیل در سرودن شعر توانا بود و اشعاری چند از وی به جا مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تـذکره‌ی روز روشن (۱۹۶)، الـذریعه (۲۳۲/۹)، کاروان هنـد (۳۱۳/۱)، لغت نـامه (ذیـل/ حجـاب قزوینی)، مخزن الغرائب (۸۵۷ -۸۵۶ /۱)، مینو در (۴۲۵/۲).

حجاب یزدی، علینقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۸۷ ق)، عالم و شاعر، حجاب نه تنها در سرودن شعر توانا بود بلکه از علوم نظری نیز آگاهی وافری داشت. از اوست:

پاسبان گفتا بروب آن خاک در، گفتم به چشم

گفتمش ریزم کجا گفتا به سر، گفتم به چشم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تـذکره سـخنوران یزد (۱۰۷ -۱۰۲)، حـدیقه الشـعراء (۴۲۴ -۴۲۳ /۱)، الـذریعه (۲۳۲/۹)، ریحـانه (۲۲ -۲۱ /۲)، فرهنگ سخنوران (۲۴۸)، لغت نامه (ذیل/ حجاب).

حجابی

قرن:۱۱

جنسیت:زن

ملیت:ایران

پیش از قرن دوازدهم هجری، از زنـان شـاعر. وی دختر خواجه هـادی استرابادی بود. به نوشـته مرآت‌الخیال او زنی بود زیباروی که «از فرط حیـا و عصـمت در خلاـو ملاـ نقاب از رخسار نازنین برنگرفتی، از آن رو حجابی تخلص نموده بود.» برخی تـذکره‌ها او را همـان حجابی دختر مولانا بدرالـدین هلالی استرابادی (۹۳۶ ق) دانسـته‌اند. شایـد هم هر دو نفر یکی بـوده و کلمه هلالـی رد برخی تذکره‌ها اشتباهاً هادی نوشته شده است. بیت زیر از اوست:

مه جمال تو و آفتاب هر دو یکی است

خط عذار تو و مشک ناب هر دو یکی است

بیش از این تکلیف ایمانم مکن زاهد برو

درد سر کم ده که کاری با مسلمانیم نیست

برخی تذکره‌ها بیت اول را به نسایی نیز منسوب کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره نهم، ۵۵؛ ریاض‌العارفین، ۱۸۵ / ۱؛ مراهٔالخیال، ۳۳۸ -۳۳۷؛ النساءالمومنات، ۲۹۵.

حجابی استرآبادی

قرن:۱۰

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(وف ۹۳۶ ق)، شاعر، متخلص به حجابی. اصل وی از استرآباد گرگان بود. به نوشـته‌ی «عرفات العاشـقین»، حجابی «به غایت خوش طبیعت و عالی فطرت بود.» اغلب تذکره‌ها وی را با حجابی، دختر خواجه هادی استرآبادی، یکی دانسـته‌اند، شاید هم یکی بوده‌اند، «مرآت الخیـال» در مورد دختر خواجه هـادی استرآبـادی می‌نویسـد: «از فرط حیـا و عصـمت در جلأ و ملأ نقاب از رخسار نازنین بر نگرفتی، از آن رو حجابی تخلص نموده بود.» و کلمه‌ی هلال شاید اشـتباها هادی نوشته شده است. او در شعر طبعی روان داشت. از آثار او «دیوان» شعری به جای مانده است که مشتمل بر اشعاری لطیف و روان است.[۱]

قرن دهم هجری، از زنان شاعر، پدرش مولانا بدرالدین هلالی، استرابادی (۹۳۶ ق) مصاحب امیرعلی شیر نوایی بود که پس از او به دربار عبیداللّه خان اوزبک پناه برد. به نوشته عرفات‌العاشقین حجابی «به غایت خوش طبیعت و عالی فطرت بود.» اغلب تذکره‌ها وی را با حجابی دختر خواجه هادی استرابادی یکی دانسته‌اند. غزل زیر از اوست:

بهاره سبزه و گل و خوش به روی جانان است

وگرنه هر یک از این جمله آفت جان است

به غنچه مهر چه بندد ز گل چه بگشاید
دلی که خون شده از خار خار هجران است
مران به خواریم ای باغبان ز گلشن خویش
که پنج روز دگر گل به خاک یکسان است
حدیث زلف دلاویز آن نگار امشب
ز من مپرس که بس خاطر پریشان است
مگوی شعر «حجابی» که نزد سیمبران
هزار بیت و غزل پیش حبه حیران است

بیت زیر را هنگام شهادت پدرش گفته است:

این قطره خون چیست تا به روی تو هلالی
گویا که دل از غصه به روی تو دویده[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تذکره‌ی روز روشن (۱۹۶)، الذریعه (۲۳۲/۹)، ریاحین الشریعه (۱۴۰/۴)، زنان سخنور (۱۷۰ -۱۶۹ /۱)، فرهنگ سخنوران (۲۴۹ -۲۴۸)، مشاهیر زنان (۷۴ -۷۳).

[۲] منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره دوم، ۵۶؛ تذکرهٔالخواتین، ۸۸؛ حدیقهٔالشعراء، ۲۱۴۶ -۲۱۴۵ /۳؛ حدیقهٔ عشرت، ۱۹ -۱۸؛ جواهرالعجایب، ۳۰۲ -۳۰۱، ۱۳۹ -۱۳۸؛ خیرات حسان، ۹۹/۱؛ روز روشن، ۱۹۶؛ ریاحین‌الشریعه، ۱۴۰ /۴؛ زنان سخنور، ۱۷۰ -۱۶۹ /۱؛ صحف ابراهیم، حرف هاء، ش ۶۹؛ عرفات‌العاشقین، گ ۲۲۳ ،۱۹۰؛ مخزن‌الغرایب، ۷۹۲ /۱.

حجابی گلپایگانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. معاصر شاه عباس بزرگ بود و شعر را نیکو می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :خیرات حسان (۹۹/۱)، ریاحین الشریعه (۱۴۱ -۱۴۰ /۴)، زنان سخنور (۱۶۸/۱)، فرهنگ سخنوران (۲۴۹).

حجاج اسفراینی، ابوالحسن علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، ادیب، شاعر. از رجال بزرگ عهد غزنویان، پدرش از وزیران مشهور محمود است و از ممدوحان فرخی سیستانی وی به زبان عربی شعر می‌گفت و در تذکره‌ها اشعاری از او باقی مانده. مترجم «تاریخ عتبی» فضل و کمال او را ستوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۵۳۸ /۱)، ترجمه‌ی تاریخ یمینی (۲۱۷)، سرآمدان فرهنگ (۶۴ /۱)، فرخی سیستانی (۱۱۸ - ۱۱۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالحسن اسفراینی).

حجار اصفهانی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۹ ق)، خطاط و حجّار. از آثار وی: حجاری ستون سنگی سمت چپ ایوان شمالی مسجد سید اصفهان است که به خط نستعلیق چنین نوشته شده: «حاجی اسمعیل حجار، التماس دعا دارم سنه ۱۳۰۹».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار ملی اصفهان (۶۵۲)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۷۶۹).

حجارود، قربانعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: گیاه‌پزشکی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

حجارود، قربانعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قربانعلی حجارود دارای دکتری گیاه پزشکی از دانشگاه پلی تکنیک زونیخ،سوئیس است. وی عضو هئیت علمی دانشگاه تهران(کشاورزی) با درجه استاد است.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیتحصیلات رسمی و حرفه ای : قربانعلی حجارود دارای دکتری گیاه پزشکی از دانشگاه پلی تکنیک زونیخ،سوئیس است.وقایع میانسالی : قربانعلی حجارود پس از احراز دکتر ی رشته گیاه پزشکی به عضویت دانشکده کشاورزی/گروه گیاهپزشکی دانشگاه تهران در آمد. وی هم اکنون با رتبه علمی استادی مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : قربانعلی حجارود استاد و عضو هیئت علمی دانشگده کشاورزی ،گروه گیاه پزشکی دانشگاه تهران است.فعالیتهای آموزشی : عناوین دروس آموزشی ارائه شده قربانعلی حجارود به شرح زیر است: کارشناسی ارشد • قارچ شناسی تکمیلی • قارچشناسی • قارچشناسی تکمیلی چگونگی عرضه آثار : قربانعلی حجارود به موازات تدریس به تحقیق در زمینه های گونه جدیدی از قارچهای Frysiphaceae از ایران ،مارچهای مولد پوسیدگی ریشه چغندرقند بعداز برداشت در کرمانشاه ،کمک به شناسائی گونه های puccinia در ایران و بررسی اثر آفتاگونیست چند جدا شده Triehoderma روی phytophthora erythrose ptiea عامل بیماری پوسیدگی صورتی غده سیب زمینی می پردازد.آثار : ۱ مقالات ارائه شده در همایشها •:حجا رود قربانعلی "،بررسی مقاومت چند رقم برنج نسبت به بیماری کله قهوه ای،"دومین همایش ملی استفاده بهینه از کود و سم در کشاورزی،کرج/ایران ,۰۲-،بهمن,۱۳۷۹ • حجا رود قربانعلی "،بیماریزائی یا سفیدشدن گیاهچه های مرکبات،" دومین کنگره علوم باغبانی ایران،کرج/ایران ,۰۲-،شهریور,۱۳۷۹ • حجا رود قربانعلی "،تنوع شدت بیماریزائی جرایه های قارچ Ascochyta rabia جمع آوری شده از مناطق مختلف استان کرمانشاه بر روی ارقام نخود معمولی،"هشتمین کنفرانس سراسری زیست شناسی،دانشگاه رازی / ایران ,۰۹-،شهریور,۱۳۷۸ • حجا رود قربانعلی "،معرفی دو قارچ جدید روی برگ زرشک در خراسان،"سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران،کرج/ایران ,۰۱-،فروردین,۱۳۷۷ • حجا رود قربانعلی "،معرفی گونه های قارچی جدا شده به عنوان لکه قهوه ای ذرت در استان های مازندارن و گیلان،"سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران،کرج/ایران ,۰۱-،فروردین,۱۳۷۷ • حجا رود قربانعلی "،بیماریهای قارچی بعد از برداشت ریشه چغندر قند در استان خوزستان،" سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران،کرج/ایران ,۰۱-،فروردین,۱۳۷۷ • حجا رود قربانعلی "،مطالعه فلور قارچهای کرج،"سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران،کرج/ایران ,۰۱-،فروردین,۱۳۷۷ • حجا رود قربانعلی "،چرخه زندگی بیماری پوسیدگی طوقه برنج ناشی از giberella fijikuroi در گیلان،" سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران،کرج/ایران ,۰۱-،فروردین,۱۳۷۷ • حجا رود قربانعلی "،برسی بیماری سفیدک داخل یونجه و شرایط اقلیمی مؤثر در بروز اپیدمی آن در استان همدان،"سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران،کرج/ایران ,۰۱-،فروردین,۱۳۷۷ • حجا رود قربانعلی "،مطالعه تابستانگذرانی و جستجوی اسپور عامل بیماری سفیدک داخلی خیار در منطقه جیرفت،" سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران،کرج/ایران ,۰۱-،فروردین,۱۳۷۷ • حجا رود قربانعلی "،گونه جدیدی از قارچهای erysiphacea از ایران،"سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران،کرج/ایران ,۰۱-،فروردین,۱۳۷۷ • حجا رود قربانعلی "،بررسی اثر چند قارچکش و قارچ انتاگونیست روی قارچ عامل بیماری پوسیدگی گل آذین خرما،"سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران،کرج/ایران ,۰۱-،فروردین,۱۳۷۷ • حجا رود قربانعلی "،بررسی مقاومت سه رقم پیاز ایرانی در برابر پوسیدگی سفید پیاز،" دومین سمینار تحقیقات سبزی وصیفی،کرج/ایران ,۲۱-،مرداد,۱۳۷۴• حجا رود قربانعلی "،اولین گزارش از جداسازی و شناسایی قارچ paecilomycs farinosu از سیستمهای نماتد و بررسی یاثرانتاگونیستی آن روی تخمهای نماتد در ایران،"دوازدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران،کرج/ایران ,۰۱-،فروردین,۱۳۷۴ • حجا رود قربانعلی "،بررسی شانکر سیتو سپورایی درختان سیب در استان همدان،"دوازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران،کرج/ایران ,۰۱-،فروردین,۱۳۷۴ • حجا رود قربانعلی "،شناسایی قارچ های خانواده erisiphacea در منطقه حفاظت شده گلستان،"دوازدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران،کرج/ایران ,۰۱-،فروردین,۱۳۷۴ • حجا رود قربانعلی "،معرفی قارچ عامل پوسیدگی ساقه برنج در گیلان،"دوازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران،کرج/ایران ,۰۱-،فروردین,۱۳۷۴ • حجا رود قربانعلی "،معرفی pestalotiopsis smilacis به عنوان گونه جدید برای میکوفلور ایران،" دوازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران،کرج/ایران ,۰۱-،فروردین,۱۳۷۴• حجا رود قربانعلی "،معرفی چندعامل قارچی بیماری پوسیدگی غلات برنج در گیلان،"دوازدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران،کرج/ایران ,۰۱-،فروردین,۱۳۷۴ • حجا رود قربانعلی "،مطالعاتی در مورد زنگهای خانواده cyperacea در ایران،"دوازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران،کرج/ایران ,۰۱-،فروردین,۱۳۷۴ • حجا رود قربانعلی "،گزارشی از وجود قارچ انگل نماتدهای ماده در ایران،"دوازدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران،کرج/ایران ,۰۱-،فروردین,۱۳۷۴ • حجا رود قربانعلی "،جداسازی fusarium solani از سیستمهای نماتد و بررسی اثر انتاگونیستی آن روی تخم های نماتد،" دوازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران،کرج/ایران ,۰۱-،فروردین,۱۳۷۴ • حجا رود قربانعلی "،بررسی میکوفلور زعفران،"دومین گرد همائی زعفران و زراعت گیاهان داروئی ،گناباد / ایران ,۱۷-،آبان,۱۳۷۳ • حجا رود قربانعلی "،بررسی اثر آنتاگونیسی جدا شده تریلودر ماروی قارچ selerotinia sclerotiorun (Lib)de bary عامل اسکلروتینیائی بادنجان،"یازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران ،رشت / ایران ب ,۰۶-،شهریور,۱۳۷۲ • حجا رود قربانعلی "،بررسی اثر چند قارچ کش در کنترل بی‌اری گموز پسته در اثر phydophthora spp،" یازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران ،رشت / ایران ,۰۶-،شهریور,۱۳۷۲ • حجا رود قربانعلی "،بررسی بیماری پوسیدگی سفید سیر در اثر قارچ scl۲ مقالات چاپ شده در مجلات خارجی •:Hajarood Ghorbanali,"aesedium scorzonorae lalifoliae sp nov.and puceinia dore matis ammoniaci

sp.two new species of uredinales in iran", lidia,۳, ۱۲۲-۱۱۹ ,۲۶۱۵ • Hajarood Ghorbanali,"two taxa new to the iranian rust flora", lidia,۳, ۷۶-۷۳ ,۲۶۱۴ • Hajarood Ghorbanali,"la maladie des taches bumes du tournesol", phytofathologiche eatseherift,۷۸, ۲۷۷-۲۷۴ ,۲۵۹۴ • Hajarood Ghorbanali,"etudes taxonomiques sur les phoatoloje miyake et leurs formes moisines", sydowia,۲۲, ۱۰۷-۵۷ ,۲۵۸۹ • Hajarood Ghorbanali,"Genetic structure of Iranian Pyricularia grisea populations based on rep-PCR fingerprinting.",European Journal of Plant Pathology,۱۱۰,۹۰۹-۹۱۹ ,۲۰۰۴ • Hajarood Ghorbanali,"Fertility status and distribution of mating type alleles of the Rice Blast Fungus, Magnaporthe grisea in northern Iran",comm. APPl.Biol . Sci, جلد ۶۹ شماره ۴,۵۳۷-۵۳۹ ,۲۰۰۴ • Hajarood Ghorbanali,"Olive Verticillium wilt or dieback olive in Iran.",Comm.Appl.Biol, جلد ۶۹ شماره ۴,۴۳۳-۴۴۲ ,۲۰۰۴ • Hajarood Ghorbanali,"Evaluation of chickpea resistance against some isolates of Ascochyta rabiei, the causal agent of Ascochyta blight.",Comm. Appl. Biol. Sci. Ghent Universit, جلد ۶۹ شماره ۴,۶۶۳-۶۶۵ ,۲۰۰۴ مقالات چاپ شده در مجلات داخلی •:حجا رود قربانعلی"،مطالعه اثر اسپینزلار-اس-متیل در کنترل بیماری سفیدک پودری خیار،" مجله علوم کشاورزی ایران ,۳۵ (۲),۲۹۲- ۲۸۵ ,۱۳۸۳ • حجا رود قربانعلی"،تاکسونومی Puccinia coronata s. l عامل زنگ تاجی در ایران،"رستنیها,۵ (۱),۱۰۷ - ۸۹ ,۱۳۸۳ • حجا رود قربانعلی"،شناسائی نژادهای فیزیولوژیک قارچ عامل بیماری سفیدک داخلی آفتابگردان در استان مازندران و دشت گرگان،"مجله علوم کشاورزی ایران,جلد۳۱شماره ۱,۹۰-۸۵ ,۱۳۷۹ • حجا رود قربانعلی"،اطلاعاتی جدید از فلورقارچهای میکرومیست ناحیه کرج (۱،")رستنیها ,جلد ۱,۱۳۰-۱۰۳ ,۱۳۷۹ • حجا رود قربانعلی"،مطالعه رنگهای گیاهان تیره cyperacaae در ایران،" رستنیها ,جلد ۱,۴۱-۲۳ ,۱۳۷۹ • حجا رود قربانعلی"،تحقیقی درزمینه شناسائی قارچهای تیره Erysiphacaae در استان گیلان (۱،")رستنیها ,جلد۱,۱۴۹-۱۳۱ ,۱۳۷۹ • حجا رود قربانعلی"،گونه جدیدی از قارچهای Frysiphaceae از ایران،" مجله بیماریهای گیاهی,جلد۳۵ شماره ۴-۱,۱۲۴-۱۲۲ ,۱۳۷۸ • حجا رود قربانعلی"،اولین گزارش از تشکیل تلئومورف قارچ rhizocdonia solani جدایه چغندر قند در ایران،"مجله بیماریهای گیاهی,جلد۳۵شماره ۴-۱,۱۸۰-۱۷۹ ,۱۳۷۸ • حجا رود قربانعلی"،بررسی پوسیدگی ساقه برنج در گیلان،"مجله بیماریهای گیاهی,جلد۳۴شماره۱و۲,۸۳-۷۶ ,۱۳۷۷ • حجا رود قربانعلی"،مارچهای مولد پوسیدگی ریشه چغندرقند بعداز برداشت در کرمانشاه،" مجله بیماریهای گیاهی,جلد۳۴شماره۱و۲,۹۱-۸۴ ,۱۳۷۷ • حجا رود قربانعلی"،جداسازی قارچهای paecilomycos spp وFusarium solani از Heterodera schacahtii و کارآئی آنها در کنترل بیولوژیکی تخم های نماقد در شرایط آزمایشگاه،"مجله بیماریهای گیاهی,جلد ۳۴شماره۳و۴,۱۹۶-۱۸۶ ,۱۳۷۷• حجا رود قربانعلی"،بروز بی•اری پوسیدگی سفید روی کلزا در استان گیلان،" آفات وبیماریهای گیاهی ,جلد۶۶شماره۱و۲,۱۴۳ ,۱۳۷۶ • حجا رود قربانعلی"،کمک به شناسائی گونه های puccinia در ایران،"مجله بیماریهای گیاهی,جلد۳۲شماره۳و۴,۲۶۷-۲۴۴ ,۱۳۷۵ • حجا رود قربانعلی"،پیدایش gibbere lla zede patchفرم جنسی عامل پوسیدگی غلاف برنج در گیلان ،"مجله بیماریهای گیاهی,جلد۳۲شماره۳و۴,۲۹۲ ,۱۳۷۵ • حجا رود قربانعلی"،بررسی اثرچند قارچکش در کنترل بیماری پوسیدگی طوقه برنج در گیلان،" مجله بیماریهای گیاهی,جلد۳۲شماره۳و۴,۲۷۷-۲۶۸ ,۱۳۷۵ • حجا رود قربانعلی"،بررسی اثر آفتاگونیست چند جدا شده Triehoderma روی phytophthora erythrose ptiea عامل بیماری پوسیدگی صورتی غده سیب زمینی،" مجله علوم کشاورزی ایران,جلد۲۵شماره۲,۷۲-۶۱ ,۱۳۷۳ • حجا رود قربانعلی"،Pestalatiapsio mattrassii عامل بیماری سوختگی خاکستری برگ چای و یک نمونه جدید برای میکوفلور ایران،" مجله بیماریهای گیاهی,جلد ۳۰شماره۴-۱,۸۰-۷۹ ,۱۳۷۳ • حجا رود قربانعلی"،بررسی بیماریزائی برخی از گونه های بذر زاد روی گیاهچه پنبه،" مجله بیماریهای گیاهی,جلد ۲۹ش ۱و۲,۴۱-۳۵ ,۱۳۷۲ • حجا رود قربانعلی"،مطالعه گونه های septoria در ایران، "مجله بیماریهای گیاهی,جلد ۲۹ش ۱و۲, ۷۵-۵۳ ,۱۳۷۲ • حجا رود قربانعلی"،بررسی میکوفلور بذر پنبه در ایران،" مجله بیماریهای گیاهی,جلد۲۹ شماره۳و۴,۱۳۹-۱۳۲ ,۱۳۷۲ • حجا رود قربانعلی"،معرفی یک قارچ جدید جداشده از درختان سیب،" مجله بیماریهای گیاهی,جلد ۲۹ شماره۱و۲,۸۳-۷۷ ,۱۳۷۲ • حجا رود قربانعلی"،کمک به شناسائی سیاهکهای ایران،"مجله بیماریهای گیاهی,جلد۲۹شماره۱و۲,۱۰۶-۱۰۵ ,۱۳۷۲ • حجا رود قربانعلی"،معرفی قارچ fusaiem solani به عنوان عامل پوسیدگی سیاه ریشه نخود ایرانی در ایران،"مجله بیماریهای گیاهی,جلد۲۹شماره۳و۴,۱۴۸-۱۴۷ ,۱۳۷۲ • حجا رود قربانعلی"،شناسائی و پراکندگی گونه های Tilletia روی گندم در غرب و شمالغرب ایران،"مجله بیماریهای گیاهی,جلد۲۸شماره۴-۱,۹۶-۸۵ ,۱۳۷۱• حجا رود قربانعلی"،بررسی بیماری پوسیدگی طوقه وریشه (گموز) درختان پسته درمنطقه رفسنجان،"مجله بیماریهای گیاهی,جلد۲۶ شماره۴-۱,۱۱-۱ ,۱۳۶۹ • حجا رود قربانعلی"،بررسی اثر چند قارچکش درمبارزه با عوامل بیماری پوسیدگی طوقه وریشه پسته،" مجله بیماریهای گیاهی,جلد۲۶شماره۴-۱,۵۶-۴۷ ,۱۳۶۹ • حجا رود قربانعلی"،بررسی تأثیرعوامل جوی در اسپرزائی pyricularia orgzae،"مجله بیماریهای گیاهی,جلد۲۵ ش۴-۱,۵۸-۴۹ ,۱۳۶۸ • حجا رود قربانعلی"،جداسازی phytophthora citrophthora از طوقه وریشه درختان پسته دامغان،" مجله بیماریهای گیاهی,جلد۲۵سماره۴-۱,۷۳ ,۱۳۶۸ •حجا رود قربانعلی"،بررسی تاکسونومیک و پاتولوژیک در باره قارچهای شبه جنس sytosporaehrb و اشکال جنسی آنها روی درختان میوه ایران . قسمت۴ مقالات چاپ شده در همایشها •:حجا رود قربانعلی"،رده بندی عامل زنگ قهوه ای،"شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,۰۸-۱۲,شهریور,۱۳۸۳ • حجا رود قربانعلی"،جداسازی Gaeumannomyces graminis var. graminis از غلاف طوقه برنج در مازندران،"شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,۰۸-۱۲,شهریور,۱۳۸۳ • حجا رود قربانعلی"،مقاومت چند رقم نخود در برابر تعدادی از جدایه های قارچ Ascochyta rabiei در استان

کرمانشاه,"شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,۰۸-۱۲,شهریور,۱۳۸۳ • حجا رود قربانعلی",اثر عصاره برگ Reynoutria sachalinensis بر واکنش های دفاعی بوته خیار در جریان ابتلا به بیماری سفیدک پودری," شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,۰۸-۱۲,شهریور,۱۳۸۳ • حجا رود قربانعلی",شناسایی دودمان کلونی در جمعیت قارچ Magnaporthe grisea و بررسی نحوه پراکنش آنها به کمک rep-PCR در گیلان,"شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,۰۸-۱۲,شهریور,۱۳۸۳ • حجا رود قربانعلی",شناسایی گونه های جنس (Ganoderma Karst. Basidiomycota در شمال ایران,"شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,۰۸-۱۲,شهریور,۱۳۸۳ • حجا رود قربانعلی",گزارش Gibberella zeae تلئومورف Fusarium graminearum از مازندران,"شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,۰۸-۱۲,شهریور,۱۳۸۳ • حجا رود قربانعلی",کنترل بیولوژیکی قارچ Sclerotinia sclerotiorum عامل بیماری پوسیدگی ریشه آفتابگردان بوسیله سودوموناسهای فلورسنت,"شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,۰۸-۱۲,شهریور,۱۳۸۳ • حجا رود قربانعلی",استخراج و شناسایی مواد ضد باکتری از کارپوفور (Ganoderma applanatum (Basidiomycota) جمع آوری شده از شمال ایران," شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,۰۸-۱۲,شهریور,۱۳۸۳• حجا رود قربانعلی",مطالعه برخی خصوصیات بیولوژیکی و کشت و پرورش مصنوعی گونه های Ganoderma lucidum و G. applanatum (Basidiomycota) جمع آوری شده از شمال ایران,"شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,۰۸-۱۲,شهریور,۱۳۸۳ • حجا رود قربانعلی",نقش حرارت درمانی قلمه های زیتون در کاهش آلودگی انها به بیماری پژمردگی ورتیسیلیومی," شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,۰۸-۱۲,شهریور,۱۳۸۳ • حجا رود قربانعلی",بررسی اثر چند ترکیب شیمیایی در القاء مقاومت خیار علیه بیماری سفیدک پودری," شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,۰۸-۱۲,شهریور,۱۳۸۳• حجا رود قربانعلی",بررسی اثر چند آنتاگونیست بر Phytophthora citrophthora عامل بیماری گموز (پوسیدگی طوقه و ریشه) پسته," شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,۰۸-۱۲,شهریور,۱۳۸۳ • Hajarood Ghorbanali,"Olive Verticillium wilt or dieback of Olive in Iran",۵۶th International Symposium on Crop Protection ,بلژیک ,۰۵-۰۶,may,۲۰۰۴ • Hajarood Ghorbanali,"Fertility status and distribution of mating type alleles of the rice blast fungus, Magnaporthe grisea in northern Iran",۵۶th International Symposium on Crop Protection ,بلژیک ,۰۵-۰۶,may,۲۰۰۴ • Hajarood Ghorbanali,"Seed born fungi of rice (Oryza sativa) in Mazandaran",۵۶th International Symposium on Crop Protection ,بلژیک ,۰۵-۰۶,may,۲۰۰۴ • Hajarood Ghorbanali,"Evaluation of chickpea resistance against some isolates of Ascochyta rabiei blight",۵۶th International Symposium on Crop Protection ,بلژیک ,۰۵-۰۶,may,۲۰۰۴

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com

حجازی خمینی‌شهری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدمهدی بن سید محمدحسن بن سید محمدعلی بن سید حسنعلی بن سید محمد بن سید محمدرضا بن سید محمدعلی بن سید مهدی بن سید تراب بن حیدر بن کاظم بن سید هدایت‌اللَّه بن سید مهدی بن سید ابراهیم بن سید زین‌العابدین بن سید ابراهیم بن سید کریم‌الدین بن سید رکن‌الدین بن سید زین‌الدین بن سید صالح بن سید محمد بن سید محمود بن سید حسین بن سید حسن بن سید احمد بن سید ابراهیم بن سید عیسی بن سید حسن بن سید یحیی بن سید ابراهیم بن سید حسن بن سید عبداللَّه بن الامام موسی الکاظم علیه الصلوه والسلام.

معظم‌له که بسی واسطه به حضرت باب‌الحوائج الی‌اللَّه امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیهاالسلام منتهی می‌شود از علماء مبرز و محترم اصفهانست.

شجره‌نامه ایشان که به امضاء و تصحیح آیات عظام اصفهان و غیره توشیح گردیده به نظر حقیر رسید. و نسب فوق از آن اتخاذ شده است.

وی در سال ۱۳۲۰ قمری هجری در سده به دنیا آمده و در بیت علم و سیادت پرورش یافته و خدمت مرحوم والدش مقدمات را خوانده و قبل از پانزده سالگی از آن و شرایع‌الاسلام فارغ شده و سطوح را از مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ علی یزدی و مرحوم آیت‌اللَّه آقا میرزا احمد اصفهانی و آیت‌اللَّه حاج میرزا رحیم ارباب خوانده و سطوح عالی را از مرحوم آیت‌اللَّه آقا شیخ محمدحسین فشارکی و آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالکرمی کزی و حساب و هندسه را از آقای حاج‌آقا رحیم ارباب آموخته و دروس خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللَّه آقاشیخ محمدرضا مسجدشاهی و آخوند گزی و آقای فشارکی استفاده نموده و بعدا قریب هفده سال در درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا محمدصادق خاتون‌آبادی شرکت و دو دوره اصول و طهاره و صلوه و مکاسب و غیره را به ترتیب تکمیل نموده تا به مرحله اجتهاد رسیده‌اند.

حکمت و فلسفه را هم از مرحوم حاج میرزا جواد آدینه‌ای و حاج شیخ محمد خراسانی و حاج شیخ اسداللَّه قمشه‌ای فراگرفته تا بعد از فوت استادش مرحوم خاتون‌آباد به تدریس سطح و خارج فقه و اصول اشتغال یافته و در حال حاضر در خمینی‌شهر به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و بیان احکام موفق می‌باشند.

دارای ۹ فرزند ذکور که اکثریت در سلك روحانیت و مشغول به تحصیل فقه و اصول و علوم اسلامی به اسامی ذیل می‌باشند.

۱- جناب حجهٔالاسلام آقا سید محمدتقی حجازی ۲- حجهٔالاسلام آقا سید محمدحسن حجازی ۳- حجهٔالاسلام آقا سید محمد ۴- آقا سید محمدعلی ۵- آقا سید احمد ۶- آقا سید محمدرضا.

از تألیفات معظم‌له ۱- دوره اصول الفقه ۲- اکثر کتب فقهیه ۳- رسالاتی در متفرقات.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حجازی دزفولی، صدرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۳ /۱۳۲۲ -۱۲۷۳ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به حجازی. در تهران متولد شد. پدرش از علمای خوزستان و قطب سلسله‌ی ذهبیه بود. حجازی در نه سالگی باتفاق پدر خود به دزفول رفت و علوم متداول را نزد پدرش فراگرفت. در مجلس موسسان اول نماینده بود، بعدها دو دوره‌ی متوالی به نمایندگی مجلس انتخاب شد. حجازی طبع شعری نیز داشت و اشعاری می‌سرود. وی همچنین در مجله‌ی «ارمغان» به نشر مقالات ادبی، تحقیقی و انتقادی می‌پرداخت. او حدود بیست جلد کتاب تالیف کرده است. از جمله‌ی آثار او: «شکرستان تاریخ شش هزار ساله‌ی خوزستان»؛ «ظهور محمد (ص)»، ترجمه از انگلیسی؛ «نعم الظهر فی طلب اکسیر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۱۰۹۶ -۱۰۹۴ /۲)، مولفین کتب چاپی (۵۳۷ -۵۳۶ /۳).

حجازی دهاقانی، جلال

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی متالورژی، دانشکده: مهندسی متالورژی، دانشگاه علم و صنعت ایران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

فارغ‌التحصیل از هنرسرای عالی در سال ۱۳۴۴، دکترا در رشته متالورژی صنعتی از دانشگاه بیرمینگهام انگلستان.

مرتبه علمی:

عضویت در هیأت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران، پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه علم و صنعت ایران در سال ۱۳۷۰.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحلیل علمی و آماری صنایع ریخته‌گری ایران، انتخاب مناسب‌ترین کوره برای ایران، ساخت آلیاژهای هادی پر استحکام، تهیه کمپوزیتهای ریختگی و تهیه و تولید آلومینیوم برنزها، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۷ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ریخته‌گری، متالورژی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

اثرات عوامل مختلف بر شرایط ریخته‌گری، خواص قطعات ریخته شده نظیر سیالیت، انجماد.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

حجازی راد، الله کریم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

الله کریم حجازی راد

محل تولد : اسلام آباد غرب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۶/۲

زندگینامه علمی

از سال ۷۳ که وارد حوزه علمیه قم شدم ادامه درس و بحث خود را که کرمانشاه شروع کرده بودم پی گرفتم سال ۱۳۸۰ بنا به ضرورت به تحریریه پرتوسنجی رفتم و تا سال ۸۳ آنجا بودم همزمان در دفتر جریان شناسی معاصر مشغول پژوهش و تحقیق و گردآوری موضوعات مختلف شدم که حاصل آن پژوهشها منتشر شده و از سال ۸۲ سردبیری نشریه داخلی نیروی دریایی سپاه پاسداران به عهده ام گذاشته شد که حدود سه سال و اندی هم مشغول این کار بودم. و همزمان از دروس حوزوی نیز غافل نبودم و کلاسهای فقه و اصول و خارج فقه و اصول و تفسیر قرآن کلام، فلسفه و ... می رفتم در سال ۸۰ گواهی نامه علمی سطح دو را اخذ کردم و اکنون نیز برای گواهی نامه سطح سه ثبت نام کرده ام و مشغول تدارک آن هستم و همچنان تحصیل را ادامه می دهم.

حجازی قمیشه‌ای، فضل‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل زاهد، و ادیب شاعر متخلص به «حجازی».

در ۲۰ صفر ۱۳۱۸ در شهرضا متولد شده، در اصفهان و قم و مشهد و نجف نزد اساتید فن تحصیل نموده، که از آن جمله است در اصفهان: آقا شیخ علی یزدی، و آقا سید محمد نجف‌آبادی، و حاج میر محمد صادق احمدآبادی، و آقا شیخ محمد حکیم خراسانی؛ و در مشهد نزد حاج آقا حسین قمی، و آقا میرزا مهدی اصفهانی، و میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری، و سید آقا بزرگ حکیم مشهدی؛ و در قم نزد حاج فاضل، و آقا سید محمدتقی خوانساری و غیره.

سال‌ها در شهرضا ساکن، و مرجع امورات شرعیه، و مورد توجه و عنایت قاطبه‌ی طبقات بوده.

سرانجام در سال ۱۳۸۷ وفات یافته، در آنجا مدفون گردید.

از آثارش کتاب: المآثر الحجازیهٔ است که به طبع نرسیده، و دیگر: دیوان اشعار.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حجازی، احمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از او قرآن به قطع سلطانی ثلث و ریحان دو دانگ جلی عالی، نسخ کتابت یاقوتی خوش با رقم «احمد بن عبدالّله الحجازی ۸۷۲» در بقعه‌ی مولوی در قونیه موجود است.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

حجازی، ایرج

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ایرج حجازی

محل تولد : لردگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ایرج حجازی در سال ۱۳۵۳ در روستای تل ماران از توابع شهرستان لردگان (استان چهارمحال و بختیاری) در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمدم. دوران کودکی را همانند بیشتر کودکان روستایی گذراندم. درسال ۱۳۶۸ برای تحصیل علوم دینی راهی اصفهان شدم و در مدرسه علمیه ذوالفقار که دارای برنامه‌ها و نظم خاصی بود مشغول به تحصیل شدم و از محضر بزرگان و اساتیدی همچون آیت‌الله مرحوم سید احمد امامی، آیت الله سید حسن امامی ، حجج اسلام آقایان حجت ابطحی، مصطفی بهرمن، سید ابوالحسن درخشان (حسینی) و ... و در قم از محضر بزرگانی همچون سید هاشم حسینی بوشهری، حسینی خراسانی، علی محمد خراسانی، احمد عابدی، نجف لک زایی، غلامرضا بهروزلک، محمدجواد ارسطا بهره بردم. در سال ۱۳۷۷ در دوره تاریخ اسلام شرکت کردم و در سال ۱۳۷۹ وارد دانشگاه باقرالعلوم(ع) شدم و در رشته علوم سیاسی مشغول به تحصیل شدم و در سال ۱۳۸۳ دردوره کارشناسی ارشد علوم سیاسی با گرایش مسائل ایران به تحصیل ادامه دادم.و در سال ۱۳۸۶ فارغ التحصیل شدم.

حجازی، عبدالرسول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالرسول حجازی برادر معظم آقای حجازی که در غرب تهران حدود سلسبیل اقامت و به خدمات دینی اشتغال دارد

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حجازی، عبدالرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد دکتر سید عبدالرضا حجازی از مشاهیر خطباء و گویندگان و معاریف وعاظ و نویسندگان عصر حاضر می‌باشد. در تهران و تمام نقاط کشور شهرت بسزائی دارند.

معظم‌له دارای بیانی شیرین و منطقی شیوا و علمی می‌باشند این واعظ عالیقدر به زبان عصری داد سخن می‌دهد و تمام طبقات مردم را از عالم و عامی و دیروزی و امروزی بخصوص نسل جوان را بهره‌مند می‌سازد.

در سال ۱۳۱۳ خورشیدی در شهرضای اصفهان متولد گردیده و پس از خواندن دروس جدید و مقدماتی به اصفهان آمده و مدت سه سال از محضر مرحوم حجه‌الاسلام عالم ربانی حاج میرزا علی آقا شیرازی استفاده کرده و در سال ۱۳۲۹ شمسی وارد حوزه علمیه قم گردیده است.

و پس از تکمیل نمودن سطوح عالیه از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی آقای بروجردی و حضرت آیت‌الله العظمی مجاهد امام خمینی استفاده کرده ایشان معقول و تفسیر قرآن را نزد علامه بزرگ آقای طباطبائی تبریزی فراگرفته و در سال ۱۳۴۰ به تهران آمده و در راه انتشار اسلام و تبلیغ احکام به اشتغال ورزیده است.

این واعظ گرامی در اثر نبوغ و استعداد ذاتی و تحقیقات علمی که دارد در شمار وعاظ نامی کشور درآمده است. استاد حجازی گوینده مجاهدیست که در این پست حساس مصائب فراوان و سوانح زیادی را تحمل کرده و مورد غبطه بسیاری قرار گرفته است. وی دوره لیسانس را در دانشکده الهیات دانشگاه تهران و دوره دکترا را در دانشگاه آنکارا طی نموده است و نه تنها از رهگذر خطابه و سخنرانی خدمات شایانی به اسلام کرده استبلکه با قلم شیوای خود نیز افکار نسل جوان را روشن و متوجه بمبانی اعتقادی و دینی نموده است.

آثار علمی ارزنده ایشان که به طبع رسیده و مورد استفاده عموم مخصوص نسل جوان و تحصیل کرده می‌باشد از این قرار است ۱- کتاب سیستم اقتصادی اسلام پیرامون مبادی اقتصادی و روشهای عالی اسلام و اولین کتابیست که در سال ۱۳۳۸ شمسی به زبان پارسی در این رشته به تحریر آمده است.

۲- کتاب رسالت قرآن در عصر فضا و از جمله شاهکارهای علمی و ادبی فارسی است که در طی یکسال سه مرتبه به چاپ رسیده و پر تیراژترین کتاب اسلامی است که در این چند سال اخیر منتشر شده است و اخیرا آقای سید علی که یکی از فضلاء نجف است آن را به عربی ترجمه کرده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حجازی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی حجازی از علماء محترم معاصر شهرضا هستند که در آنجا به امامت و خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حجازی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی حجازی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۳/۱/۱

زندگینامه علمی

تا به سامانی های واپسین روزهای حکومت قاجار در کام زمانه شراره می ریخت ، سال ۱۳۰۳ هجری بود . در کانون کهن علم و فلسفه شهر باستانی قمشه (شهرضا) و در خانه عالم بزرگ شهر «حاج سید فضل الله حجازی» لبخندها می شکفت و تولد سید مهدی حجازی را با شادی می آمیخت ، او دوران کودکی را در خانواده ای که در علم و تقوا سابقه دیرین داشت سپری کرد و از تربیت های علمی و اخلاق پدر و نیاکان خویش پرتو گرفت.در آغاز جوانی برای تحصیل علوم دینی رهسپار اصفهان گردید. سالها در اصفهان با تلاش پیگیر ، ساده زیستی ، خودسازی و باور پولادین ، رشته های ختلف فرهنگ اسلامی را فرا گرفت ، استادان او در اصفهان عبارت بودند از :آیت الله حاج شیخ عباسعلی ادیب اصفهانی ، آیت الله میرزا علی آقای شیرازی ، آیت الله حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی ، آیت الله طیب ، آیت الله خادمی ، آیت الله حاج آقا صدر کوهپایه ای ، آیت الله حاج شیخ احمد فیاض .آیت الله حجازی در سال ۱۳۷۰ هجری برای تعالی بیشتر علمی و کسب تخصص فراتر فرهنگی و نیل به درجه عالی اجتهاد رهسپار نجف اشرف شد .وی علی رغم تنگناهای مادی در طول ۱۷ سال سکونت در نجف اشرف به فراگیری پیگیر علوم اسلامی پرداخت و از محضر مراجعی چون:حضرت امام خمینی ، آیت الله العظمی حکیم، آیت الله العظمی خویی، آیت الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی، آیت الله العظمی حاج سید عبدالاعلی سبزواری، آیت الله العظمی حاج سید جواد تبریزی، آیت الله العظمی حاج سید یحیی یزدی رحمه الله علیهم اجمعین بهره کافی گرفت.دستیابی به درجه اجتهاد یکی از فرازمندترین فله های ارتقای علمی و فقهی در حوزه های علمیه رسیدن به رتبه اجتهاد و گرفتن اجازه اجتهاد از مراجع بزرگی که به ایشان اجازه اجتهاد داده اند عبارتند از :آیت الله العظمی سید یحیی حسینی یزدی نجفی، آیت الله العظمی حاج سید محمد جواد طباطبائی تبریزی نامبرده در اول نوشته خویش آیت الله حجازی را این گونه وصف می کند:سید مهدی حجازی، دانشمند فاضل ، تقوا پیشه پیراسته، برگزیده بزرگان، پشتوانه دانشمندان اسلام، رهرو راه استوار صاحب ذوق آراسته به مرتبه اجتهاد رسیده اند.آیت الله العظمی سید ابوالمعالی حاج سید عبدالاعلی سبزواری، ایشان نیز در مرقومه خویش درباره آیت الله حجازی می نویسد:حجه الاسلام حجازی با آراستگی اخلاق معارف اسلامی را فرا گرفته است، مبانی احکام را استوار ساخته و به درجه اجتهاد رسیده است.

حجازی، میرجلیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر میرجلیل حجازی،دانشیار گروه آموزشی گیاه پزشکی دانشگاه تبریز ،درسال ۱۳۳۴ در شهرستان مرند بدنیا آمد.نامبرده در سال ۱۳۶۴ مدرک دکتری در رشته حشره شناسی را از دانشگاه دیویس – امریکا با موفقیت اخذ کرد. و از سال ۱۳۶۴ به عنوان عضو هیات علمی در گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی مشغول خدمت شد.این فعالیت در دانشگاه مذکور تا کنون ادامه دارد. گروه : کشاورزیرشته : حشره شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : میر جلیل حجازی تحصیلات ابتدایی را در دبستان فرمانفرمائیان به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۵۲ از دبیرستان فردوسی اخذ کرده‌اند. ایشان مدرک کارشناسی در رشته گیاه پزشکی را از دانشگاه تبریز و کارشناسی ارشد حفاظت گیاهان و مدیریت آفات را در سال ۱۳۵۹ از دانشگاه دیویس – امریکا دریافت نموده اند و در سال ۱۳۶۴ مدرک دکتری در رشته حشره شناسی را از دانشگاه دیویس – امریکا با موفقیت اخذ کرده‌اند. عنوان پایان نامه : الف – کارشناسی ارشد : Weed control by tarping the soil with clear polyethylene plastic ب – دکتری: Effect of Benzoylphenylureas on Platynota stultana Walsingham:life table studies and ovicidal activity وقایع میانسالی : میر جلیل حجازی در سال ۱۳۶۴ مدرک دکتری در رشته حشره شناسی را از دانشگاه دیویس – امریکا با موفقیت اخذ کرد. و از سال ۱۳۶۴ به عنوان عضو هیات علمی در گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی مشغول خدمت شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای اجرایی و مدیریتی دکتر حجازی: قبلی : عضویت در کمیته اجرایی و کمیته تحصیلات تکمیلی گروه گیاهپزشکی ، مدیریت گروه گیاهپزشکی ومعاونت گروه گیاهپزشکی فعلی: عضو کمیته تحصیلات تکمیلی گروه گیاه پزشکی–عضو هیئت علمی و دانشیار گروه آموزشی گیاه پزشکی دانشگاه تبریز فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی میر جلیل حجازی به قرار زیر است: تدریس ۱–دوره کارشناسی: سمشناسی – علفهای هرز و کنترل آنها ۲–تحصیلات تکمیلی:سمشناسی تکمیلی–مدیریت آفات– فیزیولوژی علفکشها– روش تحقیق وآفتکشهاومحیط زیست چگونگی عرضه آثار : تعداد مقاله های منتشرشده : ۱۳ مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها: ۲۳ مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد : راهنمایی (۷ فقره پایان یافته – ۴مورد در حال انجام) مشاوره: ۶ فقره پایان یافته – ۱ فقره در حال انجام تعداد پایاننامه های دکتری: راهنمایی (۱ فقره انجام یافته – ۲ فقره در حال انجام)

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

حجازی، میرجلیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر میرجلیل حجازی،دانشیار گروه آموزشی گیاه پزشکی دانشگاه تبریز ،درسال ۱۳۳۴ در شهرستان مرند بدنیا آمد.نامبرده در سال ۱۳۶۴ مدرک دکتری در رشته حشره شناسی را از دانشگاه دیویس – امریکا با موفقیت اخذ کرد. و از سال ۱۳۶۴ به عنوان

عضو هیات علمی در گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی مشغول خدمت شد.این فعالیت در دانشگاه مذکور تا کنون ادامه دارد. گروه : کشاورزیرشته : حشره شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : میر جلیل حجازی تحصیلات ابتدایی را در دبستان فرمانفرمائیان به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۵۲ از دبیرستان فردوسی اخذ کرده‌اند. ایشان مدرک کارشناسی در رشته گیاه پزشکی را از دانشگاه تبریز و کارشناسی ارشد حفاظت گیاهان و مدیریت آفات را در سال ۱۳۵۹ از دانشگاه دیویس – امریکا دریافت نموده اند و در سال ۱۳۶۴ مدرک دکتری در رشته حشره شناسی را از دانشگاه دیویس – امریکا با موفقیت اخذ کرده‌اند. عنوان پایاننامه : الف – کارشناسی ارشد : Weed control by tarping the soil with clear polyethylene plastic ب – دکتری: Effect of Benzoylphenylureas on Platynota stultana Walsingham:life table studies and ovicidal activity وقایع میانسالی : میر جلیل حجازی در سال ۱۳۶۴ مدرک دکتری در رشته حشره شناسی را از دانشگاه دیویس – امریکا با موفقیت اخذ کرد. و از سال ۱۳۶۴ به عنوان عضو هیات علمی در گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی مشغول خدمت شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای اجرایی و مدیریتی دکتر حجازی: قبلی : عضویت در کمیته اجرایی و کمیته تحصیلات تکمیلی گروه گیاهپزشکی ، مدیریت گروه گیاهپزشکی ومعاونت گروه گیاهپزشکی فعلی: عضو کمیته تحصیلات تکمیلی گروه گیاه پزشکی–عضو هیئت علمی و دانشیار گروه آموزشی گیاه پزشکی دانشگاه تبریز فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی میر جلیل حجازی به قرار زیر است: تدریس ۱–دوره کارشناسی: سمشناسی – علفهای هرز و کنترل آنها ۲–تحصیلات تکمیلی:سمشناسی تکمیلی–مدیریت آفات– فیزیولوژی علفکشها– روش تحقیق وآفتکشهاومحیط زیست چگونگی عرضه آثار : تعداد مقاله های منتشرشده : ۱۳ مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها: ۲۳ مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد : راهنمایی (۷ فقره پایان یافته – ۴مورد در حال انجام) مشاوره: ۶ فقره پایان یافته – ۱ فقره در حال انجام تعداد پایاننامه های دکتری: راهنمایی (۱ فقره انجام یافته – ۲ فقره در حال انجام)

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

حجت حایری طباطبایی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۹ –۱۲۴۲ ق)، عالم و فقیه اصولی امامی. معروف به حجت در کاظمین به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت. از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بود و در کربلا فقه و اصول تدریس می‌کرد. وی با میرزا محمد حسن مولی علی علیاری تبریزی و سید ابراهیم بن سید محمد تقی معاصر بود و چند تن از علمای هند و تبریز از وی اجازه گرفتند. میرزا ابوالقاسم فردی زاهد و خوش‌خلق بود. در کاظمین وفات یافت و در بقعه‌ی سید مجاهد در کربلا دفن شد. از آثارش: «اجازه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۰۴ –۴۰۳ /۲)، الذریعه (۱۳۹/۱)، ریحانه (۲۲/۲)، لغت نامه (ذیل/ حجت طباطبایی).

حجت حایری، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالحسین بن السید علی بن السید ابی‌القاسم ملقب (بالحجهٔ) ابن سید حسن معروف (بالحاج آقا) ابن سید محمد مجاهد حایری فقیهی فاضل و عالمی جلیل و مرجعی معروف در کربلا بود

و در سال ۱۳۶۳ وفات نمود و مخفی نماند که (آل طبائی) از بیوتات علمی معروفه کربلا بودند و زعامت و ریاست و مرجعیت عامه آنها از عصر جد گرامشان علامه بزرگ آقا سید علی صاحب ریاض متوفی ۱۲۳۱ و بعد از او فرزندش علامه مجاهد آقا سید محمد متوفی ۱۲۴۲ و پس از وی فرزندش علامه سید حسن سپس فرزند وی علامه آقا سید ابوالقاسم ملقب (به حجت) و متوفی ۱۳۰۹ ق ثابت بوده است.

و مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید ابوالقاسم حجت دارای دو فرزند بودند ۱– بنام آیت‌اللَّه آقا سید محمدباقر حجت ۲– آیت‌اللَّه آقا سید علی والد مترجم ما.

سید استاد ما آیت‌اللَّه العظمی آقای نجفی مرعشی مدظله می‌فرمودند یکی از خطباء بنام کربلا در خواب دید حضرت صدیقه طاهره سلام‌اللَّه‌علیها را که فرمودند برو به پسرم سید محمدباقر حجت بگو کسی که مادری چون من دارد دیگر به عایشه مادر نمی‌گوید آن عالم خطیب از خواب بیدار شده و صبح اول وقت به خانه آقا سید محمدباقر مذکور آمده و می‌گوید آقا جان آیا تازگی شعری گفته‌ای می‌گوید آری قصیده‌ای در مدح حضرت صدیقه سلام‌اللَّه‌علیها و طعن به عایشه گفته‌ام می‌گوید بخوانید سید قرائت می‌کند تا می‌رسد به این بیت که خطاب به عایشه نموده است

یا امنا فسبک محرم

لاجل عین الف عین تکرم

پس آن خطیب خواب خود را بیان کرده و می‌گوید فورا شعرت را عوض کن پس آن بیت را تغییر داده و می‌گوید (فیا حمیر اسبک محرم)...

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حجت کاشانی، فرخ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی برق، دانشکده: مهندسی برق، دانشگاه: علم و صنعت ایران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی الکترونیک از دانشکده فنی تهران در سال ۱۳۴۲، کارشناسی ارشد مخابرات از دانشگاه کالیفرنیا در لوس آنجلس در سال ۱۳۴۸ و دکترای مخابرات از دانشگاه کالیفرنیا در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده مهندسی برق دانشگاه علم و صنعت ایران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس الکترومغناطیس، رادار، میدانها و امواج، آنتن I، خطوط انتقال، سنتزوفیلترومایکروویو در دانشگاه علم و صنعت ایران، تحقیق در زمینه‌های سیستم‌های مخابرات الکترونیکی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اصول مهندسی میکروویو، آشکارسازی رادار و سیستمهای ردگیری، آنتنهای عملی، سیستمهای مخابرات الکترونیکی I,II اندازه‌گیریهای الکترونیکی، کاربرد IC در مدارهای صوتی و ریزموجها.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: متعدد

زمینه علمی مقالات:

میکروویو، سیستمهای مخابراتی و مقالاتی چند در زمینه رشته تخصصی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

حجت کاشانی، فرخ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر کاشانی در سال ۱۳۲۰ در مشهد مقدس به دنیا آمد،در سال ۱۳۴۲ در رشتهٔ مهندسی برق دانشکدهٔ فنی دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد و سپس برای ادامهٔ تحصیل به آمریکا رفت و در سالهای ۱۳۴۹ و ۱۳۵۱ موفق به اخذ فوق لیسانس و سپس دکترای الکترونیک از دانشگاه لوس آنجلس کالیفرنیا شد.وی هم اکنون استاد تمام دانشکده مهندسی برق دانشگاه علم وصنعت ایران است. کتاب"سیستمهای مخابرات الکترونیکی "فرخ حجت کاشانی ، در دوره دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی برقاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : فرخ حجتت کاشانی درسال ۱۳۲۰ ه . ش چشم به جهان گشود، گویاخانواده نی اصلا کاشانی بوده اند .تحصیلات رسمی و حرفه ای : فرخ حجت کاشانی دارای کارشناسی الکترونیک از دانشکده فنی دانشگاه تهران درسال ۱۳۴۲ ، کارشناسی ارشد ودکتری مخابرات از دانشگاه کالیفرنیا درلوس انجلس امریکا درسالهای ۱۳۴۹ و۱۳۵۱ بوده است .خاطرات و وقایع تحصیل : فرخ حجت کاشانی دکتری مهندسی مخابرات رااز دانشگاه کالیفرنیلی امریکا دریافت کرد واین از مقاطع مهم زندگی علمی وی به شمارمی رود .فعالیتهای ضمن تحصیل : فرخ حجت کاشانی درحین تحصیل دررشته های الکترونیک ومخابرات به مطالعه ، تحقیق وتالیف آثاری درباره میکروویو، رادار، انتنهای علمی ، ... مشغول بوده است .وقایع میانسالی : فرخ حجت کاشانی پس از اخذ کتری مخابرات ازامریکا وبازگشت به ایران ازسال ۱۳۵۰ به عنوان عضوهئت علمی دانشگاه علم وصنعت ایران استخدام شد وتامرحله استادی نیزترقی نمود.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فرخ حجت کاشانی عضوهئت علمی ،استادیار ، دانشیار ، واستاد دانشگاه علم وصنعت ایران بوده است .دکتر کاشانی علاوه بر فعالیتهای علمی و تحقیقاتی، چندین سال در سمت رئیس گروه الکترونیک دانشگاه علم و صنعت و نیز رئیس دانشکده برق و همچنین معاون پژوهشی این دانشگاه به فعالیت اشتغال داشته است.فعالیتهای آموزشی : فرخ حجت کاشانی به عنوان عضوهئت علمی ، دانشیار، واستاد گروه مهندسی برق گرایش مخابرات دردانشکده مهندسی برق دردانشگاه علم وصنعت ایران به تدریس دروس الکترومغناطیسی رادار ،میدانها وامواج ، آنتن ۲ ، خطوط انتقال ، سنتز وفیلترو ملیکرویو ، مشغول بوده است . ایشان در کنار کار تدریس به یک سلسله فعالیتهای پژوهشی نیز مبادرت ورزیده اند که عبارت است از: پروژهٔ موج بر باند وسیع (زیرنظر صنایع الکترونیک ایران)، پروژه آنتن HF کوچک (زیرنظر سازمان هواشناسی)،

پروژهٔ سیستم ردگیری UHF (زیر نظر سازمان هواشناسی)، و پروژه رادار برای نابینایان (زیرنظر سازمان پژوهشهای علمی کشور).سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : فرخ حجت کاشانی درکنار تدریس به مطالعه ، تحقیق وتالیف آثاری درباره برق ومخابرات مشغول است .آرا و گرایشهای خاص : فرخ حجت کاشانی دارای تحقیات وتالیفاتی پیرامون سیستم های مخابرات الکترونیکی می باشد .جوائز و نشانها : کتاب"سیستمهای مخابرات الکترونیکی "فرخ حجت کاشانی ، در دوره دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

آثار : آشکار سازی رادار و سیستمهای ردگیری آنتنهای عملی اصول مهندسی میکرویو اندازه گیری الکترونیکی سیستمهای مخابرات الکترونیکی ویژگی اثر : این کتاب ، در دوره دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب «سیستم های مخابرات الکترونیک»، جلد اول مخابرات الکترونیکی در دهه های اخیر به صورت یکی از گسترده ترین و پیشرفته ترین شاخه های مهندسی برق در آمده است. توسعه شگرف تکنولوژی و سیستم های مخابراتی الکترونیکی و پیشرفت های همه روز ?آن ناشی از تأثیر عمیق این رشته در زندگی مردم و در تمام عرصه های فعالیت فرهنگی و اجتماعی است. با توجه به این نکته و نیز نیاز شدید به معرّفی این شاخه از صنعت، مترجمان اقدام به ترجم ?این کتاب به زبان فارسی کرده اند. ویژگی اصلی این کتاب زبان روشن و ساده و دقیق آن از نظر علمی و نیز جامعیت و تنوع موضوعات آن است که در برگیرند ?اهم مسائل اساسی این رشته می باشد. ترجم ?فارسی کتاب در دو جلد صورت گرفته است. جلد اول، شامل فصول ۱ تا ۱۰ می باشد. فصلهای ۱ و۲ دربرگیرند ?مفاهیم کلی سیستم مخابراتی نظیر اطلاعات، فرستنده و گیرنده،کانال، مدولاسیون و... می باشد. در فصل سوم پاره ای از مدارهای الکترونیکی خاص سیستم های مخابراتی بررسی شده است. فصلهای ۴ تا ۷ روشهای مدولاسیون دامنه (AM) و مدولاسیون فرکانس (FM) و باند جانبی تکی (SSB) و سیستمهای گیرند ?مربوط به روشهای فوق را مورد بررسی قرار میدهند. در فصلهای ۸ و ۹ و ۱۰، اصول، روشها و سیستمهای انتقال، تشعشع و انتشار امواج الکترومغناطیس نظیر خطوط انتقال فرکانس بالا، تشعشع و انتشار موج در فضای اطراف زمین و آنتنها مورد مطالعه قرار می گیرند. تمام فصلهای کتاب با مسائل و تمریناتی که پاسخ آنها داده شده و پرسشهایی برای خودآزمایی، که خواننده را در فهم مطالب یاری می کند همراه است. جلد دوم این کتاب که فصول ۱۱ تا ۱۷ را در بر می گیرد، اصول و ابزار سیستم های مخابراتی طول موج بسیار کوتاه (ماکروویوولوزی)، سیستم های مخابراتی پالسی و تلویزیون تشریح می شود. در ترجم ?این کتاب به سبب فقدان اصطلاحات مناسب فارسی، تمامی اصطلاحات فنّی علمی به زبان انگلیسی همراه با برگردان فارسی آنها در متن ترجمه آورده شده است. علاوه بر این در مواردی که متن اصلی کتاب نارسا بوده توسط مترجمان اصلاح و تکمیل شده است. ۶ کاربردIC در مدارهای صوتی و ریز موجها منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

حجت مرودشتی، اسداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۶۲ ش)، شاعر. در مرودشت متولد شدو تحصیلات فارسی و مقدمات عربی را در مدارس هما شهر فراگرفت. وی دارای «دیوان» شعر است که به هفت هزار بیت می‌رسد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۳۵ -۲۳۴ /۲)، فرهنگ سخنوران (۲۴۹).

حجت مشهدی، میرزا مهدی، فرزند میر غیاث‌الدین پیشنماز

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به حجت. از اکثر علوم آگاهی داشت و گاهی شعر می‌گفت. وی «دیوان» اشعاری قریب چهار هزار بیت داشته است. از اوست:

دولتی بهتر از این نیست که از پهلوی او

غیر هم چون گره از بند قبا برخیزد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۰۲)، الذریعه (۲۳۳/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۴۹)، مخزن الغرائب (۸۵۸/۱)، مطلع الشمس (۴۲۸/۲).

حجت، اسداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسداللّه بن المرحوم العلامه الایه المیرزا محمد حجت از مشاهیر علماء و اعاظم دانشمندان معاصر همدانست.
وی در دوم شهر رمضان المبارک ۱۳۱۳ ق در همدان متولد شده و تا سن نوزده سالگی در تحت سرپرستی و تربیت والد ماجدش پرورش یافته و از آن بزرگوار استفاده نموده و در سال ۱۳۳۲ قمری به اصفهان مسافرت و متجاوز از چهار سال از بحث خارج مرحومین حجتین آیت‌اللّه آقا سید محمدباقر درچه‌ای و آیت‌اللّه آقا شیخ عبدالکریم گزی استفاضه فرموده و به تصدیق آیات عظام درجه اجتهاد نائل شده و به همدان مراجعت و مدت دو سال توقف و به بحث و استفاده پرداخته آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و حدود سه سال اقامت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی نائینی و زعیم اعظم شیعه آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و سایر آیات عظام بهره‌مند گردیده سپس به همدان بازگشت و از آنجا به قم مشرف و مدت یکسال از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاعج شیخ عبدالکریم یزدی مؤسس حوزه استفاده نموده و پس از آن به همدان برگشته و به مباحثه در محضر مرحوم آیت‌اللّه والدش و تدریس طلاب علوم دینیه اشتغال ورزیده تا سال ۱۳۶۱ قمری که والدش به رحمت ایزدی پیوسته و از آن تاریخ تاکنون به جای آن مرحوم به اقامه نماز جماعت و تدریس علوم شرعیه و سایر وظائف دینیه اشتغال دارند.
از آثار ایشان چند رساله در فقه و اصول می‌باشد که هنوز به طبع نرسیده است و دیگر حواشی بر رساله عملیه مرحوم والد مبرورش.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حجت، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقا سید حسن بن العلامه السید محمد الحجه الکوه کمری دومین فرزند آن مرحوم دارای مقام علم و کمال است که در سال ۱۳۴۲ قمری در تبریز متولد و در سال ۱۳۴۹ در خدمت والدش به قم مهاجرت و پس از خواندن مقدمات و سطوح به درس خارج پدر شرکت نموده و هم از آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده کرده و تاکنون که به تدریس اشتغال دارد. دارای تالیفاتی در فقه و اصول می‌باشند که بعضی به طبع رسیده و برخی هم مخطوط مانده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حجت، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر سید حسین حجت در سال ۱۳۱۴ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته حشره شناسی از کالج امپریال لندن – انگلستان در سال ۱۳۴۱ است. وی عضو هیئت علمی و استاد بازنشسته دانشگاه شهید چمران اهواز می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیگرایش : حشره شناسیوالدین و انساب : پدر سید حسین حجت فضل الله حجت است و مادر محترمشان پس از ازدواج با پدرش احترام السادات لقب گرفت.ایشان دارای سه خواهر بنامهای صدیقه (کارمند بازنشسته شهرداری) ،فاطمه (فرهنگی بازنشسته در آمریکا) و خدیجه حجت (بازنشسته بانک کشاورزی) و یک برادر بنام سید محمد حسن حجت بازنشسته سازمان صنایع نظامی کشور می باشد.خاطرات کودکی : دوران کودکی سید حسین حجت همچون دوران کودکی دیگران به بازی و تفریح سپری شد. ایشان از خاطرات خود در این باره از فلک و تنبیه با ترکه یا چوب بدست زدن ترس داشت.او همچنین از دیو و جن و موجودات خیالی و داستانی هم می ترسید.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : سید حسین حجت در خانواده ای از نظر مالی متوسط بدنیا آمد. هر چند که در بعضی از دوره های زندگی با وجود کمبودهایی با مشکلاتی مواجه می شد ولی از آن دوران به نیکی یاد می کند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید حسین حجت تحصیلات ابتدایی را دبستان عنصری تهران در سال ۱۳۱۸ و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان شرف تهران به پایان رسانده و در سال ۱۳۳۴ موفق به اخذ دیپلم متوسطه در رشته علوم طبیعی گردید. دوره کارشناسی ارشد پیوسته را در دانشکده کشاورزی در رشته دفع آفات کشاورزی در سال ۱۳۳۸ و دوره دکتری را در کالج امپریال لندن واقع در کشور انگلستان در رشته حشره شناسی در سال ۱۳۴۱ گذرانید. عنوان پایان نامه دوره دکتری ایشان : اثرات تراکم جمعیت و مقایر کم سموم حشره کش بر سن پنبهخاطرات و وقایع تحصیل : سید حسین حجت از خاطرات خود در این دورن چنین می گوید: با وجود مخالفت پدرم علاقه زیادی به موسیقی به خصوص سنتور داشتم. ضمن تحصیل نواختن این ساز را بخوبی آموختم و در جشن های دانشکده کشاورزی در ارکستر می نواختم. دکتر حجت در دوران تحصیل در مقاطع دانش آموزی جزء دانش آموزان و شاگردان متوسط و خوبی بود.فعالیتهای ضمن تحصیل : سید حسین حجت در کنار تحصیل به آموختن موسیقی (سنتور) و شرکت در کلاسهای شبانه (مکانیکی اتومبیل) دانشکده فنی دانشگاه تهران می پرداخت.استادان و مربیان : آقی قریب (معلم ادبیات دبیرستان شرف)مرحوم عباس دوراچی ،مرحوم دکتر جلال افشار ،دکتر محمود شجاعی ،پروفسور ریچاردو و غیره از استادان دکتر حجت بودند.هم دوره ای ها و همکاران : مهندسین عبدالله ابراهیمی ،ضیاء ابطحی ، داریوش عطاء الله اشرافیان ، عطاء الله سالور ، محمود امین ،رحیم بابا خانی ،هوشنگ بردمند ، محمد جوادی ، جواد شاه حسنی ، جمشید خیرابی ،خسرو زاهدی،محمد رهقی ،غلامرضا رجبی و غیره از همدوره ایهای و همکاران سید حسین حجت بشمار می روند.همسر و فرزندان : سید حسین حجت متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم سودابه زعیمی و دو فرزند پسر بنامهای بابک و سیامک حجت (در آمریکا موسسه رایانه ای دارند) و یک فرزند دختر بنام سارا حجت دارای کارشناسی مترجمی انگلیسی می باشد.وقایع میانسالی : از

وقایع میانسالی سید حسین حجت می توان به فرار از اهواز بعلت شرایط جنگی و ترک منزل سازمانی در دانشگاه شهید چمران اهواز و مسافرت بخاطر فرصت های مطالعاتی به آمریکا ،سویس و انگلستان، اشاره کرد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید حسین حجت در اسفند ۱۳۴۲ با مرتبه استادیاری در دانشگاه شهید چمران اهواز مشغول به خدمت گردید در اردیبهشت سال ۱۳۵۲ به مرتبه دانشیاری و در بهمن سال ۱۳۸۵ به مرتبه استادی ارتقاء پیدا کرد.از دیگر مشاغل مورد تصدی ایشان بدین قرار است: مدیر گروه گیاهپزشکی اهواز در دوره جنگ تحمیلی ، مدیر کل پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز ، عضو کمیته ترفیعات دانشگاه شهید چمران ،سردبیری مجله علمی کشاورزی دانشگاه شهید چمران و عضو هیئت تحریریه مجله علمی کشاورزی .فعالیتهای آموزشی : سید حسین حجت در دانشگاه شهید چمران اهواز به تدریس دروس حشره شناسی و دفع آفات و دروس وابسته می پردازدمراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سید حسین حجت از بانیان تاسیس گروه گیاهپزشکی در دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران اهواز است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سید حسین حجت در کنار تدریس به تحقیق و پژوهش و تالیف مقالاتی در زمینه اثر استرس بر موجودات زنده ،تئوری اثر استرس بر گیاهان و جانوران و غیره می پردازد.شاگردان : از شاگردان سید حسین حجت می توان به آقای سمیع و آقای دوستی اشاره کرد.جوائز و نشانها : سید حسین حجت در سال ۱۳۵۶ برنده جایزه نشان پژوهنده همراه با ۱۰ سکه طلا می باشد.چگونگی عرضه آثار : سید حسین حجت مولف ۵ کتاب فارسی چاپ شده و در حال حاضر مشغول تالیف یک جلد کتاب دیگر بزبان فارسی است. ایشان مترجم ۲ جلد کتاب چاپ شده و در حال ترجمه یک جلد کتاب دیگر می باشد. دکتر حجت مولف ۱۸ مقاله کامل چاپ شده بزبان فارسی در مجلات ،یک مقاله چاپ شده بزبان فارسی در مجموعه مقالات سمینارها ،۴ خلاصه مقاله چاپ شده بزبان فارسی در مجموعه خلاصه مقالات سمینارها ،۵ مقاله چاپ شده بزبان انگلیسی در مجلات ،یک خلاصه مقاله چاپ شده بزبان انگلیسی در مجموعه خلاصه مقالات سمینارها ،یک مقاله ترجمه شده بزبان فارسی در مجلات ،۴ خلاصه مقاله چاپ شده بزبان فارسی در مجلات و یک نشریه فنی ترویجی می باشد.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

حجت، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای سید محسن بن العلامه الکبری والایه العظمی السید محمد بن العلامه السید علی کوه کمری عالمی کامل و فاضلی بارع و در اخلاق و وقار ثانی آن پدر بزرگوار است در حدود سال ۱۳۳۵ ق در نجف متولد و با والد معظم به تبریز آمده و بعد از چند سال توقف به قم مهاجرت نموده و مقدمات و سطوح را از اساتید مبرز حوزه فراگرفته و به درس والد خود شرکت نموده و با اجازه و امر آن جناب به نجف مسافرت و چند سالی از دروس فقه و اصول آیات عظام‌خوئی و حاج شیخ کاظم شیرازی و میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حاج سید محسن حکیم و دیگران استفاده کامل نموده و در سال ۱۳۷۰ ق سفری به عزم زیارت والد و معالجه کسالت به ایران و قم آمده و مورد استقبال اهل علم و حوزه علمیه قرار گرفته و پس از آمدن در خدمت والد به شهر ری و توقف سه ماه مراجعت به نجف و تا چند سال بعد از فوت پدر توقف آنگاه به قم مراجعت و تاکنون به تدریس فقه و اصول و تالیف و اقامه جماعت در مسجد حجتیه اشتغال دارد.

و اما آثار و تالیفات علمی مطبوع و مخطوط ایشان از این قرار است:

۱- الجزءالاول من نهج‌الطالب مطبوعه.

۲- الجزءالثانی من نهج‌الطالب مطبوعه.

۳- کلمه موجزه مطبوعه.

۴- کلمه ثانیه مطبوعه.

۵- کلمه التقه مطبوعه.

۶- الرساله العلمیه مطبوعه.

و تالیفات مخطوط از این قرار است:

۱- تبصره فی کفاید الاصول.

۲- تبیان فی فرائد الاصول.

۳- ولایه الفقیه.

۴- مباحث الالفاظ.

۵- لبس اللباس السواد فی ایام شهادت امام الشهید ابی عبدالله الحسین علیه‌السلام

۶- قاعده لاضرر ۷- حقیقه التجرشی ۸- المعنی الحرفی.

۹- الحکم فی اللباس المشکوک ۱۰- الاستصحاب ۱۱- العلم الاجمالی و فروعه.

۱۲- قاعده الید ۱۳- مکاتبات الائمه علیهم‌السلام.

۱۴- صحابه النبی الاکرم و ائمه‌الدین علیهم‌السلام.

۱۵- سلمان الفارسی ۱۶- ثقاه الرواه.

۱۷- الاربعین فی حیاه سلمان الفارسی.

۱۸– فاطمه بنت الامام الکاظم علیهماالسلام.

۱۹– قصار الکلمات فی الاحکام ۲۰– تعلیقه علی العروه الوثقی.

۲۱– تفسیر اوائل سور القرآن المجید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حجت، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مولینا الامجد و سیدنا الممجد و الحبر المعتمد العلامهٔ الکبری آیهٔاللّه العظمی السید محمد بن العالم الکامل السید علی بن السید الاعلام السید علینقی بن السید محمد الحسینی الکوه کمری.

اصلا از قریه کوه کمر که یکی از قراء تبریز است می‌باشد منشاء و تولدش تبریز مرکز استان آذربایجان از سادات و خانواده‌های اصیل و نجیب کوه کمر تبریز است که به گفته نقیب‌السادات و نسابه کبری عصر حاضر علامه فقیه آیت‌اللّه نجفی مرعشی سادات کوه کمر بخصوص سادات حسینی آن که آیت‌اللّه حجت از آنهاست و از طرف مادر منسوب به آنها هستم به صحت نسب و شرافت حسب در غایت شهرت و در هر عصری مورد توجه عامه و خاصه مردم بوده‌اند.

نسب عالی ایشان به سید اجل سید محمد مصری ملقب به حجازی از فرزندان علی‌اصغر بن الامام زین‌العابدین علی بن الحسین علیهماالسلام موصول و تا آن بزرگوار بیست و پنج واسطه دارد.

آن جناب حاوی فروع و اصول و جامع معقول و منقول و عالم عامل و فقیه کامل و محدث فاضل و حکیم ماهر و اصولی محقق و رجالی مدقق و عابد زاهد جلیل‌القدر عظیم‌الشأن دارای کمالات نفسانیه عالیه و حایز مقامات معنویه سامیه که در مضمار مسابقه حاوی قدح معلی بوده و گوی سبقت از اکابر وقت ربوده و از مراجع تقلید و رؤساء فرقه محقه اثنا عشریه و مدیر و مدبر حوزه علمیه قم صانه‌اللّه عن الحدثان گردیده بود.

در ماه شعبان ۱۳۱۰ هجری در شهر تبریز متولد و در مهد تربیت پدر و حجر مادر عفیفه‌ای نشو و نما نموده تا وقت تحصیل و از آن استعداد سرشار و هوش و ذکاوت و ادراک و سرعت انتقال و فهم و قوهٔ دراکه فوق‌العاده به سرعت زیاد و مدت کوتاهی تحصیلات مقدماتی لازمه و ادبیات معموله را مدتی در همان شهر خوانده و پس از آن فقه و اصول و ریاضیات و معقول و طب قدیم و تجرید و مقدار وافی از علوم جدید فیزیک و شیمی و سایر فنون متنوعه را از اجلاء علماء و اکابر دانشمندان فضلاء آن شهر دیده و اغلب تحصیلات فقهی و اصولی سطوح او نزد والدش مرحوم سید علی آقای کوه کمری بوده است.

خود این نگارنده از آن جناب شنیدم که می‌فرمود شرح کبیر موسوم به ریاض را به تمامه نزد پدرم خواندم و جلدین شرح لمعه را با مطالعه تنها درست کردم و دو دوره آن را در تبریز درس گفتم و پس از تکمیل سطوح به نجف اشرف عزیمت نمودم.

مرحوم آیت‌اللّه حجت پس از تکمیل مقدمات سطوح و فنون ادبیات و متون متداوله سنه ۱۳۳۰ پس از گذشتن بیست سال از عمرش به نجف اشرف مهاجرت نموده و در حوزه درس علامه یزدی صاحب عروه حاضر شده و رجال و حدیث را از عالم رجالی مرحوم آقا سید ابوتراب خونساری فراگرفته هم از محضر مرحوم آیهٔ‌اللّه شریعت اصفهانی استفاده کامل فرموده و هم از مرحوم حاج شیخ علی قوچانی و حاج شیخ علی گنابادی و آیت‌اللّه میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه فیروزآبادی و وحید عصر آقای آقا ضیاءالدین عراقی و اجلاء دیگر بهره‌مند شده تا در سال ۱۳۴۹ که به قم آمده و یکی از اعاظم علماء و مدرسین آن حوزه مقدسه بود، آیت‌اللّه مؤسس مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حایری توجهی مخصوص به آن عالم و فقیه کامل نمود و در تکریم و بزرگداشت وی سعی بلیغ مبذول داشت. تا بعد از رحلت آن مرحوم آیت‌اللّه حجت در جای وی تدریس می‌کرد و سایر فقهاء و علماء حوزه نیز تقدمش را مراعات نموده و بدینگونه آوازه علم و فضیلتش شایع و همان موقع از مراجع بزرگ تقلید و زعمای عالیقدر حوزه محسوب گشت، و در حفظ حوزه و اداره امور طلاب و امتحانات آنان کوششی فراوان داشت.

و آن مرحوم با اینکه از نجف مبتلا به چندین کسالت، درد سینه و ضعف قلب و فشار خون و سوء هضم بود و پیوسته از سوزش بیماری می‌سوخت و فوق‌العاده در ناراحتی به سر می‌برد و چندین مرتبه برای معالجه به شهر ری و بیمارستان فیروزآبادی مسافرت کرد مع‌ذلک تا آخر ایام زندگانی به تدریس و جواب استفتاآت و رسیدگی به امور مسلمین و پرداخت نان حوزه علمیه که آن مرحوم به عهده داشت و مخصوصاً امر ساختمان مدرسه بزرگ (حجتیه) و غیره را رها نکرد.

آثار و باقیات الصالحات و معنویت آن مرحوم

تالیفات ذیقیمتی در فقه و اصول و رجال و حدیث بخصوص مستدرک البحار در چند مجلد از خود به یادگار گذاشت ولی متاسفانه هنوز هیچکدام چاپ و منتشر نشده است. آثار ارزنده و ارجدار آن بزرگ مرد دین و فضیلت گذشته از تألیفات سودمند، تربیت علماء و دانشمندان بسیار و از آنهاست مدرسه عالی حجتیه که بهترین یادگار آن مرحوم و نشانه علو همت و نیت پاک آن رادمرد بزرگ است.

اما معنویت آن بزرگوار به اندازه‌ئیست که در این کتاب گنجایش ندارد، شمه‌ای از آن را در جلد اول آثارالحجه نگارش داده‌ام و به طور اجمال در زمان ما بسیار کم‌نظیر و بی‌عدیل از هواها عاری و از تظاهرات فراری و جداً مصداق حقیقی «مخالفاً لهواه مطیعاً لامر مولاه صائنا لنفسه حافظاً لدینه» بود در این خصایص هرچه بیشتر گشتم مثل او را کمتر یافتم و چون بسیار کتوم و تودار بود نزدیکترین افراد به او هم آن طور که باید وی را نشناختند و آن جناب در زمان ما از افرادی بود که به فیض تشرف و لقاء حضرت ولی عصر عجل‌اللّه فرجه الشریف نائل آمده بود و بعد از وفاتش معلوم شد که آن بزرگوار چه نابغه‌ای در علم و تقوا و چه نادره‌ای

در صفا و معنویت بودند.

فوت مرحوم آیت‌اللّه حجت و ضایعه جبران‌ناپذیر

حوزه علمیه قم و دانشگاه روحانی تشیع از اول تأسیس آن تا سال ۱۳۷۲ که ۳۳ سال از عمرش می‌گذشت ناظر حوادث مؤثر و وقایع عـالم سوزی بوده لکن هیچکـدام از این حوادث و ضایعـات پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه حایری مؤثرتر از دو حادثه ناگوار، فقـدان آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه العظمی حجت نبوده است.

اولا خودش این پیش‌بینی را نموده و کراراً از روز فوتش که دوشنبه سوم جمادی‌الاولی است خبر می‌داد و حتی در روز مـذکور از ظهر می‌پرسید و دو ساعت قبل از حادثه فوتش جمعی از علماء حوزه را طلبید و دستور داد مهر مخصوص ایشان را بشکنند و فرمود این مهر دیگر لزومی نـدارد و تربت پاک حسینی علیه‌السلام خواست و بر زبان گـذارد و گفت آخر زادی من الـدنیا تربـهٔ الحسین علیه‌السلام و بعضی از آقایان که این مناظر را دیدند روی مقدسی یا جهات دیگر در شکستن مهر ایشان گفتند آقا استخاره بفرمائید خود با قرآن شریف استخاره کرده و با صـدای بلنـد انا للّه و انا الیه راجعون گفتنـد آقایان تعجب کردنـد مگر چه آیه‌ای آمده، آقا قرآن را به دست آیت‌اللّه زنجانی دادنـد دیدنـد اول سطر قرآن این آیه است «له دعوهٔ الحق» پس قرآن را همه آقایان نگریسته و از فراست و کیاست آن جناب متحیر شدنـد و غافل از این بودنـد که آن مرحوم محـدث است و مصـداق این حـدیث شـریف است که حضـرت صادق علیه‌السلام در ذیل حدیثی که در رجال کشـی مسطور است و سابقاً هم تمام آن را نوشتم فرمودند «فانا لانعد الفقیه منهم فقیها حتی یکون محدثا قیل له یابن رسول‌اللّه او یکون المؤمن محدثاً قال بلی یکون مفهما والمفهم محدث».

نه تنهـا آن مرحـوم از مرگ خود خـبر داد و می‌دانست که در آن روز بایـد به اجـداد طـاهرین خود ملحق شود بلکه عـده‌ای از اهل معنی و معنویت هم چه در قم و چه در تهران و چه در نقـاط دیگر در شب و روز حـادثه قبـل از انتشار به وسیله اطلاعات و رادیو و غیره فهمیده بودند که بعضـی از آن را در آثارالحجه نقل کردم و منجمله جناب حجهٔالاسلام والمسلمین علامه متتبع آقای حاج سید محمدحسن میرجهانی سلمه‌اللّه فرمودند در روز دوشنبه سوم جمادی‌الاولی یعنی همان روز حادثه ساعت یازده قبل از ظهر در مشهد مقـدس در حجره‌ای که در صـحن جدیـد داشـتم خواب قیلوله بودم ناگاه دیدم حضـرت ثامن الحجج علیه الصلوهٔ والسلام با حالی پریشان از حرم مطهر بیرون آمـده و عازم است که به جائی رود عرض کردم بعد از تقدیم سـلام و اخلاص آقاجان چرا مضـطربی و کجا تشـریف می‌برید فرمودند به قم می‌روم گفتم برای چه فرمودند سید محمد حجت از دنیا رفته است. پس از خواب پریدم و یک ساعت بعد رادیو فوت آن مرحوم را خبر داد.

مرگ آن بزرگوار اثر عمیقی در مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی داشت و اصـحاب جرئت نمی‌کردند که ناگهان این خبر موحش را به ایشان بدهنـد تا خود آن مرحوم از وضع آقایان احساس بلیه کردند پرسیدند چه خبر است این سـر و صدا برای چیست کم کم به عرض رسانیدنـد و ایشـان فرموده بودنـد کمرم شـکست. آقـای حجت برای من کمـک و پشتیبـانی بود و دیگر بارهـای ایشان هم برعهده من آمد و گریستند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

حجت، هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی حجت

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجـانب هادی حجت در سال ۱۳۴۷در شـهر کرمان متولد شدم . تحصـیلات ابتدایی را در دبسـتان احمدی و صفاری و راهنمایی را در مدرسه آیت الله سـعیدی کرمان پشت سـر گذاشـتم. پس از یکسال تحصیل در رشته علوم تجربی در سال ۱۳۶۲وارد حوزه علمیه کرمان شـدم و در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم (مـدرسه کرمانیها) گردیدم. در سال ۱۳۶۷ در امتحانات سراسری حوزه موفق به احراز رتبه اول پایه سوم گردیدم. در کنار دروس حوزوی در تابسـتان به صورت متفرقه دروس مقطع متوسـطه را امتحان و در رشـته علوم انسـانی دیپلم گرفتم. و همراه بـا دروس حوزوی از سال ۱۳۷۰ در مقطع کارشناسـی رشـته فلسفه دانشگاه شهید بهشتی را آغاز کردم. و در سـال ۱۳۷۵ در رشـته علوم قرآن و حـدیث دانشـگاه تربیت مـدرس تهران پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۷ با معدل ۹۲/۱۹ فـارغ التحصـیل گردیـدم. پایـان نـامه این مقطع بـا عنوان "بررسـی و طبقه بنـدی فقه هـای مربوط به ترجمه های قرآن کریم به زبان فارسی "رتبه سوم کشوری را در رشته علوم قرآن و حدیث کسب کرد.

در همـان سال در مقطع دکترای رشـته علوم قرآن و حـدیث مرکز تربیت مـدرس قم پـذیرفته شـده و همزمان از سال ۱۳۷۶ در رشته تخصصـی تفسـیر و علوم قرآن حوزه نیز مشغول به تحصـیل شدم. و ۴ سـال دوره آموزشـی آن را با موفقیت به اتمام رسانـدم. سال ۱۳۸۳ موفق به اخذ دکترا از مرکز تربیت مدرس قم گریدم. از سال ۱۱۳۷۹به عنوان عضو هیأت علمی در دانشکده علوم حدیث شهر ری به تدریس مشغول گردیده ام و هم اکنون عضو هیأت علمی و معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی این دانشکده ام.

حجتی کرمانی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا عبدالحسین کرمانی در خانواده زرتشتی قدم به عرصه وجود گذارده و در اوان بلوغ تحت تأثیر شکوه و سازندگی و حقانیت تعالیم اسلام قرار گرفته و در محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ علی عالم بزرگ آن روز (عموی مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمدرضا کرمانی) به آئین مقدس اسلام مشرف گردید و پس از چندی به امر مرحوم حاج شیخ علی به نجف اشرف رهسپار شده و بیش از بیست سال اقامت در عتبات عالیات و فراگرفتن علوم اسلامی و کسب کمالات معنوی در زمان مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری (مؤسس حوزه علمیه قم) رهسپار به قم گردیده و سالیان درازی در قم اقامت داشت تا به درخواست اهالی کرمان و امریه آیت‌اللّه حایری بوطن اصلی خود شهر کرمان برگشته و در مسجد تاریخی ملك به اقامه جماعت و ترویج احکام اسلام پرداخت

نکته قابل توجه در زندگانی این عالم بزرگ این بود که به مصداق (کونوا دعاة الناس بغیر السنتکم) مشی و روش و برنامه زندگی. توکل و بی‌هوائی تقوا و پاکی و دستگیری از بیچارگان و مستمندان و بالاخره پیروی عملی وی از تعالیم عالیه اسلام مبغلی عملی و عینی برای اسلام بود

مردم کرمان به او علاقه و عشق فراوانی داشتند و او را به عنوان (سلمان زمان) می‌خواندند و هنگامی که پس از عمری پاکی و قداست و عبادت خالق و خدمت به خلق در هفتم ذی‌قعده ۱۳۷۷ ق دار فانی را وداع گفت شهر کرمان یك پارچه عزا و ماتم شد و مدت یک ماه مجالس ختم و عزاداری برقرار بود و در آن هنگام دکتر ناظرزاده کرمانی که از شاگردان آن مرحوم بود در یکی از روزنامه‌های معروف کشور تحت عنوان (سلمان زمان در گوشه کرمان از دنیا رفت) مقاله مبسوطی در پیرامون خصایص اخلاقی و معنوی مرحوم حجتی کرمانی نوشت

معظم له دارای چهار پسر و پنج دختر بودند که دو نفر از پسران آن مرحوم از پدر پیروی نموده و در سلك روحانیت درآمدند و بحمداللّه هر دو از زبدگان و برجستگان فضلاء عصر حوزه علمیه قم روحانیت کرمان می‌باشند.

(وف ۱۳۷۷ ق)، عالم و مدرس. در کرمان در خانواده‌ی زرتشتی متولد شد. در جوانی تحت تاثیر تعالیم اسلام قرار گرفت و در محضر آیت‌اللّه حاج شیخ علی به آیین اسلام گروید. پس از چندی به نجف رفت و مدت بیست سال در عتبات به فراگیری علوم اسلامی پرداخت. میرزا عبدالحسین پس از بازگشت به ایران سالیان طولانی در قم اقامت داشت تا اینکه به درخواست اهالی کرمان و پیشنهاد آیت‌اللّه حایری به کرمان رفت. وی در مسجد تاریخی ملك به اقامه‌ی نماز جماعت و ترویج احکام اسلام پرداخت و آنچنان به زهد و پرهیزکاری معروف شد که وی را «سلمان زمان» لقب دادند. حجتی در کرمان درگذشت.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۸۳/ ۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۴۶ -۳۴۵/ ۶).

حجتی کرمانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ علی کرمانی دومین فرزند روحانی آن مرحوم است. وی نیز در کرمان دیده به دنیا گشوده و پس از خواندن دروس جدید به تحصیل علوم عربی و ادبی در مدرسه معصومیه کرمان پرداخته و برای تکمیل رهسپار قم و سطوح را از اساتید حوزه تکمیل و به درس خارج فقه و اصول آیت‌اللّه امام خمینی و آیت‌اللّه شریعتمداری و آیت‌اللّه حاج شیخ مرتضی حایری و آیت‌اللّه گلپایگانی شرکت و هم فلسفه و تفسیر را نزد استاد علامه طباطبائی خوانده و مدت دو سال هم در نجف اشرف اقامت و از آیات عظام آنجا استفاده نموده و جمعاً بیش از بیست سال در قم اقامت و اشتغال به تحصیل و تدریس و تألیف داشته تا یکی از گویندگان و نویسندگان مشهور حوزه علمیه گردیده و هم از اعضاء هیئت تحریریه مجله وزین مکتب اسلام بوده است

معظم له در سال ۱۳۴۳ شمسی با بیت اصیل و شریف آیت‌اللّه صدر وصلت و به مصاهرت و دامادی حضرت حجةالاسلام والمسلمین حاج سید رضای صدر دامت برکاته درآمده و در سال ۱۳۵۱ شمسی منتقل به تهران گردیده و اکنون به عللی در کرمانشاه بسر می‌برند.

دارای تألیفات عدیده می‌باشند که از آنها کتب زیر به طبع رسیده و یا آماده برای طبع می‌باشند ۱- اسلام و تبعیضات نژادی ۲- اسلام آئین زندگی ۳- فاجعه تمدن و رسالت اسلام ۴- چهارده استان ۵- اسلام و فرهنگ قرن بیستم ۶- عقل و احساس ۷- تاریخ و علوم قرآن ۷- زن و انتخابات ۸- بلاهای اجتماعی قرن ما (این دو کتاب اخیر ۸ -۷ به همکاری چند تن از دانشمندان مانند جناب آقای عمید زنجانی و زین‌العابدین قربانی به رشته تحریر درآمده است)

۹- عصر امتیاز ماشین ۱۴ -۱۰ مقاله ۱۲ -۱۱ داستان و...

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حجتی کرمانی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدجواد حجتی کرمانی که از دانشمندان و افاضل نویسندگان و بنام حوزه علمیه قم می‌باشند.

وی در کرمان متولد شده و در حجر والد چنان پدری پرورش یافته و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح را در مدرسه معصومیه کرمان از مرحوم والدش و آیت‌اللّٰه صالحی و دیگران فراگرفته آنگاه عزیمت به قم نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و مراجع دیگر استفاده و فلسفه را نزد استاد علامه طباطبائی فراگرفته است

نگارنده گوید: آقای حجتی از دوستان نزدیک حقیر است و از سال ۱۳۷۱ قمری که به کرمان تبعید شدم و به امر مرحوم والدش به دیدنم آمده و مأنوس بوده‌ایم ایشان را به تقوا و کمالات و فضائل اخلاقی و انسانی شناخته‌ام دارای آثار ارزنده‌ای که از آنها کتب زیر است می‌باشد ۱- اسرار سقیفه ۲- جلوه مسیح در پیرامون مسیحیت. ترجمه سه جلد تفسیر (المیزان) و غیره

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حجتی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام حاج شیخ ابوالقاسم حجتی رشتی ابن‌العلامه شیخ محمدحسین از علماء محترم رشت بودند که مهاجرت به قم نموده دارای کمالات نفسانی و معنوی بوده‌اند تولدش در قریه (لشت نشارد) رشت واقع شده و بعد از تحصیل مقدمات در سن ۱۷ سالگی به نجف اشرف مهاجرت نموده و سطوح را در خدمت اساتید وقت مانند آیت‌الله شیخ عبدالحسین رشتی و آیت‌الله اصطهباناتی و مرحوم شیخ فتاح نموده آنگاه به درس مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله حاج شیخ شعبان رشتی حاضر و بعد از دوازده سال اقامت به درجه اجتهاد رسیده و مراجعت به گیلان نموده و به ترویج دین و اقامه جماعت و احیاء مساجدی در رشت پرداخته و بعد از بیست سال توقف مهاجرت به قم و به درس آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت و هم به تدریس سطوح فقه و اصول پرداخت تا ۲۳ محرم در سال ۱۳۸۸ ق که به داغ فرزند برومندش مرحوم حاج شیخ حسن حجتی واعظ توانا و خطیب زبردست گیلان که در راه اصفهان در اثر تصادف ماشین با فرزندش بدرود حیات گفته مبتلا و این داغ او را چنان شکست که دیگر نتوانست قد راست کند به فاصله چندی او هم بدرود حیات گفته و در جوار فرزند مذکورش در قبرستان شیخان قم مدفون گردید از آثار قلمی ایشانست ۱- تفسیر سوره یوسف ۲- شرح احوال ائمه علیهم‌السلام که مخطوط مانده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حجتی، عبدالرحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبد الرحیم حجتی

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

حججی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد حججی بن ملاحسین بن ملا محمد عالمی جلیل القدر و عظیم‌الشان و کثیرالعلم و العمل بوده‌اند.

وی در خاندانی که بسیار علاقمند به علم و روحانیت بود در شهرستان نجف‌آباد متولد شده و بعد از رسیدن به حد بلوغ و رشد و اتمام تحصیلات ابتدائی خود عازم به نجف اشرف گردیده و پس از مدتی اقامت در جوار ائمه‌اطهار (ع) و درک درس اساتید بزرگ حوزه علمیه نجف اشرف به واسطه اخلاص و محبت به خاندان عصمت و طهارت و ایمان راسخ و جدیت در تحصیل به مقام اجتهاد رسیده و مورد توجه معاصرین خود قرار گرفته.

ولی به واسطه کسالت و فوت والدش حسب الامر و وصیت پدرش برای سرپرستی عائله والدش به نجف‌آباد آمده و در اصفهان از مجلس درس عالم جلیل حاج میرزا محمدصادق اصفهانی و مرحوم فشارکی استفاده نموده و مورد توجه مخصوص ایشان قرار گرفته و ضمنا خود به تدریس پرداخته و هم در مدرسه تحریریه اقامه جماعت و در نجف‌آباد جلسات تبلیغی تشکیل داده و صدها نفر را به مبانی اسلامی آشنا نموده است.

از آثار بزرگ آن مرحوم تأسیس حوزه علمیه نجف‌آباد است که در اثر زحمتهای پی‌درپی و طاقت‌فرسا شبانه‌روزی آن مرحوم دائر و غالب علماء و مروجین آن ناحیه مانند مرحوم آقا شیخ ابراهیم ریاضی و حاج سید محمود سجادی و مرحوم منصور و غیره از آثار

حوزه علمیه ایشانست و این هم از برکت خوابی است که دیده بودند و آن چنان بود که فرمود خواب دیدم شبی که باز به نجف اشرف برگشته‌ام و پس از زیارت حضرت علی (ع)به ایوان آمده و دیدم جمعی از روحانیون در زاویه ایوان در اطراف منبری نشسته و انتظار دارند پرسیدم از علت اجتماع آنها گفتند حضرت امیرالمومنین علی (ع) برای گفتن درس تشریف می‌آوردند.

پس رفتم کنار منبر نشستم که خوب بیانات حضرت را بشنوم پس دیدم حضرت از حرم بیرون آمده و به طرف منبر تشریف آوردند و من برخاستم بازوی حضرت را گرفته تا بر منبر بالا رفتند و بعد از اتمام منبر هم باز بازوی مبارکش را گرفته تا پائین آمدند و از خواب بیدار شدم دیگر از آثار آن مرحوم قبله نجف‌آباد بود که تا آن زمان مردم مستقیم نماز می‌خواندند و حال آنکه (تیامن) و انحراف داشت و ایشان با تبلیغات بسیاری مردم را متوجه به قبله واقعی نمود.

سوم از آثار ایشان مسجدیست به نام ایشان که اکنون معروف و مشهور می‌باشد دارای هشت فرزند بودند که از آنها سه نفر ذکور می‌باشند.

وی در ماه صفر سال... در نجف آباد از دنیا رفته و در همانجا مدفون و اکنون قبرش مزار و مورد توجه عموم می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حججی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا فرزند مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ احمد حججی از علماء و ائمه جماعت معاصر آبادان است. وی در سال ۱۳۱۲ شمسی در شهرستان نجف آباد متولد گردید و تحصیلات ابتدائی خود را در آنجا به اتمام رسانیده و در اثر پیش‌آمد فوت والدش به امر و راهنمائی عمویش حجهٔالاسلام حاج شیخ ابوالقاسم عزیمت به قم نموده و در حوزه علمیه قم به معاونت حجهٔالاسلام حاج شیخ محمدحسین موحد (عمه‌زاده خودش) مقدمات و سطوح عالیه را به اتمام رسانیده و مدتی از درس خارج مرحوم آیت‌اللّه بروجردی و آیت‌اللّه امام خمینی و علامه طباطبائی استفاده نموده و برحسب درخواست عده‌ای از مومنین و ساکنین آبادان رحل اقامت در آن شهر صنعتی افکنده و در آنجا به اقامه جماعت و ارشاد مردم اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حججی، سجاد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید سجاد حججی از علماء محترم و ائمه جماعت فعال شهرستان میانه است.

وی در سال ۱۳۰۷ شمسی در میانه متولد شده و دوران تحصیلات ابتدائی را در دبستان میانه گذرانیده سپس در سن ۱۷ سالگی موفق به ورود در سلک سربازی حضرت ولی عصر عجل‌اللّه فرجه‌الشریف گردیده و مدت کوتاهی در میانه تحصیل مقدمات نموده و در سال ۱۳۶۶ قمری به قم مهاجرت و از محاضر اساتید عالیقدر آقای حاج میرزا مسلم سرایی و آقای حاج میرزا علی مشکینی و آقای حاج شیخ نصرت میانه‌چی و بعد سطوح عالی را از محضر آیت‌اللّه حاج میرزا محمد مجاهدی و آیت‌اللّه سلطانی و آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی و درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی حجت و آیت‌اللّه العظمی بروجردی و حاج شیخ عباسعلی شاهرودی استفاده نموده و بنابر درخواست اهالی میانه و امریه مرحوم آیت‌اللّه بروجردی (بمیانه) وطن خویش مراجعت و به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و وعظ و تدریس و غیره پرداخته است آثار و خدمات ایشان از این قرار است.

۱- تعلیم و تربیت محصلین علوم دینی ۲- تأسیس کتابخانه برای مطالعه عموم داشن پژوهان در سال ۱۳۸۲ ق در جنب مدرسه طلاب دینی در زمینی به مساحت ۳۵۰ متر دارای سالن مطالعه و مخزن و کریدور حیاط مجزا و وسائل لازمه و جمع‌آوری کتب سودمند و مورد استفاده همگانی.

۳- تجدید بنای مسجد حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام (مشهور به کربلائی تقی) به اضافه تأسیس یک قرائت خانه فوقانی مجزا و دارای کتب و وسائل لازم آن و بهره‌برداری از آن از سال ۱۳۸۷ ق شده است.

۴- تأسیس مکتب قرآن مجید در ماههای تعطیلی (سه ماهه) برای آشنا ساختن جوانان به قانون آسمانی قرآن و احادیث و تربیت اخلاقی آنان و تشکیل کلاسهای متعدد بهمین منظور که از سال ۱۳۸۸ ق شروع به کار کرده‌اند.

۵- تجدید بنای مسجد مرحوم حاج سید حسین و تکمیل آن در سال ۱۴۹۰ ق گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حجی، رسول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی صنایع، دانشکده: مهندسی صنایع، دانشگاه: صنعتی شریف.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

حداد اصفهانی، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. مشهور به ناقوسی. از آثار او: ادعیه نیم ربعی، جلد روغنی، مذهب به خط نسخ و رقاع و کتابت خوش و با رقم: «... انا العبد... اقل الحاج ابن حاجی محمد تقی، محمد حسن الاصفهانی فی سنه ۱۲۳۷» و «خط حاج حسن حداد»؛ ادعیه نیم ربعی جلد میشن مذهب، نسخ کتابت جلی متوسط، با رقم: «... حاجی محمد حسن الاصفهانی الشهیر بالناقوسی» (قرن ۱۳)، ادعیه نیم ربعی به سفیدآب و الوان، نسخ و رقاع کتابت خفی، با رقم: «... اقل الحاج محمد حسن الاصفهانی فی ۱۲۴۲».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۵۸ -۱۱۵۷ /۴).

حداد عادل، غلامعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامعلی حدادعادل درسال ۱۳۲۴ درتهران متولد شد. و پس از اخذ دیپلم از دبیرستان علوی در ۱۳۴۲، لیسانس فیزیک از دانشگاه تهران (۱۳۴۵)و فوق لیسان از دانشگاه شیراز (۱۳۴۷ه.ش)گرفت اما توسط ساواک از دانشگاه اخراج شد. اما از سال ۱۳۴۸ دوباره به تحصیل در رشته علوم اجتماعی در دانشگاه تهران پرداخت. و در سال ۱۳۵۴ درفلسفه دکتری گرفت . وی مدرس فلسفه دانشگاه تهران، مدیر بنیاد دایره المعارف اسلامی و رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی و رئیس مجلس شورای اسلامی در دوره هفتم است. ترجمه کتاب" تمهیدات"غلامعلی حداد عادل ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : فلسفهوالدین و انساب : غلامعلی حداد عادل فرزند رضا است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامعلی حداد عادل پس ازاخذ دیپلم ازدبیرستان علوی تهران۱۳۴۲،لیسانس فیزیک ازدانشگاه تهران۱۳۴۵،فوق لیسانس فیزیک ازدانشگاه شیراز۱۳۴۷،توسط ساواک ازدانشگاه اخراج شد ودوباره از۱۳۴۸درمقطع لیسانس علوم اجتماعی وارد دانشگاه تهران شد. وتااخذ مدرک دکترای فلسفه ازدانشگاه تهران در۱۳۵۴تحصیل کرد. عنوا ن تزدکتری وی نظرکانت درباره مابعدالطبیعه بوده است.خاطرات و وقایع تحصیل : اخراج غلامعلی حداد عادل ازدانشگاه شیرازتوسط ساواک ازوقایع مهم زندگی علمی ومبارزاتی وی بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : غلامعلی حداد عادل درهنگام تحصیل دردوره فوق لیسانس فیزیک دردانشگاه شیراز،به طورهمزمان به تدریس دروس نظری وعملی فیزیک درهمان دانشگاه مشغول بوده است.استادان و مربیان : غلامعلی حداد عادل دررشته فزیک ازمحضر استاددکتر حسابی ودکتر جناب ودرفلسفه ازحضور عالمانی چون دکتر یحیی مهدوی،دکتر احمد فردید،دکتر سید حسین نصر،دکتر بزرگمهر ودکتر محمد خوانساریوشهید مطهری بهره برده است.وقایع میانسالی : غلامعلی حداد عادل پس ازاخذ دکتری فلسفه ازدانشگاه تهران به تدریس درمرکزتعلیمات عمومی دانشگاه صنعتی شریف پرداخت. پس ازانقلاب نیزمسئولیت های گوناگون اجرایی راعهده داربود که ازآن جمله مدیریت بنیاددایره المعارف اسلامی،ریاست فرهنگستان زبان وادب فارسی،تدریس کلام جدیددرحوزه علمیه قم ودانشگاهها اشاره نمود.وی اخیرا در دوره هفتم مجلس شورای اسلامی به ریاست مجلس نیز منسوب شده است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : قبل از پیروزی انقلاب اسلامی: عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف بعد از پیروزی انقلاب اسلامی: معاون تبلیغات وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی ، عضو شورای سرپرستی صداوسیما ، مشاور وزیر ومعاون وزیر ورئیس سازمان پژوهش وبرنامه ریزی وزارت آموزش وپرورش ، مدیر عامل بنیاد دائره المعارف اسلامی ، رئیس فرهنگستان زبان وادب فارسی ، عضو هیئت علمی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران نماینده مردم تهران در دوره ششم (عضو کمیسیون فرهنگی)،دوره هفتم(رئیس مجلس) و دوره هشتم مجلس شورای اسلامی فعالیتهای آموزشی : عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف(قبل از انقلاب اسلامی) عضو هیئت علمی دنشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران(بعد از انقلاب اسلامی) مدرس کلام جدیددرحوزه علمیه قم ودانشگاهها.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : غلامعلی حداد عادل دکنارتدریس ومسئولیت های اجرایی به مطالعه وتحقیق وتالیف آثاری درزمینه فلسفه واسلام می پرداخت.آرا و گرایشهای خاص : غلامعلی حداد عادل درفلسفه بیشتر بر آرای کانت و تحلیل آنها تمرکز دارد.جوائز و نشانها : ترجمه کتاب "تمهیدات"غلامعلی حداد عادل ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. غلامعلی حداد عادل در هفتمین همایش چهره های ماندگار در آبان ماه ۱۳۸۷ بعنوان چهره برگزیده در رشته فلسفه انتخاب گردید.

آثار : ۱ تمهیدات ویژگی اثر : ترجمه-این کتاب در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «تمهیدات»: کتاب ترجمهٔ «پروله گومنا» دومین مرجع فلسفهٔ نظری کانت، فیلسوف مشهور آلمانی است. ترجمه براساس شش ترجمهٔ انگلیسی و نظر به ترجمهٔ عربی و فرانسهٔ کتاب، با رعایت دقّتهای لازم و در کمال شیوایی و رسایی صورت گرفته است. ترجمهٔ این کتاب قدم مهمی در راه معرفی متون کلاسیک فلسفه به زبان

فارسـی و حلّ مشـکلات این زبان برای ترجمهٔ اصطلاحات فلسفهٔ کانت است. کتاب علاوه بر ترجمهٔ متن تمهیدات، مشتمل بر شرح حال کانت، نظر کانت در بارهٔ مابعـدالطبیعه و غرض وی از تألیف تمهیـدات است ۲ جدائیها ۳ دانشنامه جهان اسلام ویژگی اثر : (جلد ۲و۳و۴ – زیر نظر)۴ درســـهایی از قرآن ویژگی اثر : ۴ جلد۵ فارسـی دوره راهنمـایی ویژگی اثر : (بـا همکـاری دیگران)۶ فرهنگ برهنگی وبرهنگی فرهنگی ۷ نظریه معرفت در فلسفه کانت

حداد عادل، مجید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: اسفند ۱۳۳۰، تهران.

شهادت: ۷ تیر ۱۳۶۰، دارخوین.

مجید حداد عادل بعد از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۴۸ پس از اخذ دیپلم ریاضی وارد دانشگاه صنعتی شریف شد و در رشته مهندسی متالوژوی به تحصیل پرداخت. در سال‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱ به سبب فعالیت‌های مذهبی و سیاسی به زندان افتاد ت. در سال ۱۳۵۳ از دانشگاه فارغ‌التحصیل شد. دوره‌ی سربازی را در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۶ در شیراز و مشهد گذراند. در سال ۱۳۵۷ برای گذرانـدن یـک دوره مـدیریت به انگلسـتان رفت. بـا پیروزی انقلاب اسـلامی دروس و تحصیل را رهـا کرد و به ایران بـازگشت. وی تـا زمـان شـهادت در مشاغـل زیر را دارا بـود: مسـئولیت در دفتر نخست وزیری، مسـئولیت بخش فرهنگی جهاد سازنـدگی، نظـارت بر انتشـار مجله‌ی «جهاد سازنـدگی»، عضویت در شورای مـدیریت تولیـد رادیو، همکاری با شورای عالی دفاع، معاونت سیاسی- اداری استانداری کرمانشاه، سرپرستی استانداری کرمانشاه.

مجیـد حـداد عـادل در جریـان سرپرستی یـک گروه خبرنگـاران اعزامی به جبهه، در عصر روز سه شـنبه هفتم مهر ۱۳۶۰ در جبهه دارخوین بر اثر اصابت ترکش کاتیوشا از ناحیه‌ی سر مجروح شد و به شهادت رسید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حدادیان، سعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید حدادیان

همه او را مداح موفق اهل بیت (ع) می شناسـند که صدای گرم و دلنشین اش هر اهل دلی را خیلی زود مهمان سفره ی اشک میکند . مـداحی بزرگترین افتخـار برای حاج سـعید حـدادیان که مسئول دفتر ادبیات و هنر نهاد نماینـدگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تهران است ، محسوب می شود . او قرآن را بـا صوتی زیبـا می خوانـد و وجودش بـا کلام خـدا انس و الفتی شیرین دارد . در میان هنرهای فراوانی که در وجود ایشان یافت می شود می توان به " شاعر " بودن ایشان اشاره کرد . حاج سـعید حـدادیان شاعر توانایی است که شعر را خوب می شناسد و خوب می سراید . خواندن اشعاری از ایشان لطف دیگری دارد

حدائق، ضیاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۲۲، ق.شیراز.

درگذشت: ۳۰ بهمن ۱۳۶۶.

ضیاءالـدین حـدائق معروف بـه «ابن یوسـف»، فرزنـد آیت‌الله یوسـف حـدائق، پس از تحصـیل مقـدمات علـوم در مـدارس جدیـد و مدرسه‌ی علمیه‌ی منصوریه، به سال ۱۳۴۵ ق. برای تکمیل علوم معقول و منقول به اصـفهان، قم، تهران و مشـهد رفت و مدت پانزده سـال در تهران اقـامت گزیـد و با گرفتن لیسانس دانشـکده‌ی معقول و منقول، در مـدرسه‌ی علی سـپهسالار و مـدرسه خان مروی به تـدریس پرداخت. او از علمـای تهران اجـازه گرفت، سپس به عتبات عالیات رفت و از علمای آنجا نیز موفق به اخـذ اجازه‌ی اجتهاد شد. سـپس به شیراز مراجعت کرد. وی در جلسات کانون دانش پارس و انجمن صدر شـرکت می‌جست. آثار چاپ شده او عبارتند از: رساله‌ای درباره نهج‌البلاغه؛ رساله صدرالدین شـیرازی؛ فهرست کتب خطی کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی (یک جلد)؛ فهرسـت کتب خطی کتابخانه‌ی مدرسه‌ی عالی سپهسالار (دو جلد)؛ کتاب النظائر و المقتبسات، گمشده‌ها در «مصاریعی که مثل سائر شد».

ضیاءالدین بن حاج شیخ یوسف مذکور مشهور به ابن‌یوسف از نویسندگان و دانشمندان بنام و مؤلفین عظام شیراز است.

وی در ۱۳۲۳ ق متولـد شـده و در بیت علم پرورش یـافته و پس از خوانـدن مقـدمات و ادبیـات به تحصـیل سـطوح منقول و معقول پرداخت و مـدت پانزده سال در تهران از محضـر درس فحول علماء اسـتفاده نموده و جامع معقول و منقول شـد و مـدتی در مدرسـه

عالی سپهسالار و مدرسه خان مروی بتدریس و افاده اشتغال داشت و پس از آن مسافرتی به نجف اشرف نموده و با مذاکرات علمی که بـا مراجع بزرگ تقلیـد و آیـات عظـام نمود موفق به دریافت اجازه اجتهاد گردیـده و به شیراز مراجعت و به تـدریس و تالیف و ارشاد و هدایت مردم پرداخت تالیفات عدیده ارزنده دارد که آنها را متذکر می‌شوم.

۱- رساله نهج‌البلاغه چیست (چاپ شده)

۲- فهرست کتب خطی مدرسه عالی سپهسالار در دو جلد (چاپ شده)

۳- فهرست کتب خطی ادبی کتابخانه مجلس شورای ملی (چاپ شده)

۴- گمشده‌ها

۵- النظائر والمقتبسات.

از رباعیات ایشانست این دو رباعی.

دیدار تو ای دوست مرا جان بخشد
گفتار روانبخش تو ایمان بخشد
شایسته ز چون توئی بود آیت حسن
کایمان و روان ز رویت احسان بخشد
من از دل و جان طالب دیدار توام
آشفته و مدهوش ز رفتار توام
با اینهمه بندگی و عجزی که مراست
از چیست که محروم ز دیدار توام

(تو ۱۳۲۳ ق)، مجتهـد، نویسـنده، شـاعر و فهرست‌نگـار. در شـیراز به دنیا آمـد و تا بیست و سه سالگی در شـیراز، مقـدمات علوم و ادبیات فارسـی و عربی را در مدارس رحمت، شعاعیه و منصوریه و نزد پدر آموخت. در سال ۱۳۴۵ ق برای تکمیل تحصیلات علوم معقـول و منقول به اصـفهان، قم، مشـهد و تهران سـفر کرد. مـدت پـانزده سـال در تهران اقـامت گزیـد. وی در رشـته‌ی علوم معقول لیسانس گرفت و به مقام مدرسـی رسـید. پس از سـی این مراحل در مـدارس سـپهسالار و مروی به تـدریس پرداخت. پس از آن به عراق رفت و بعـد از گذراندن امتحان به کسب اجازه‌ی اجتهاد نایل شد و به شـیراز بازگشت و مقیم آن شـهر گردید. وی گهگاهی شعر نیز می‌سرود. آثار به جای مانـده از او: «رساله‌ی صدرالدین شـیرازی»؛ «فهرست کتابخانه‌ی مجلس شورای اسـلامی»؛ «فهرست کتابخانه‌ی مدرسه‌ی سپهسالار»؛ «نهج‌البلاغه چیست؟»؛ «گمشده‌ها»؛ «النظائر و المقتبسات».[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] دانشـمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۴۰ -۲۳۸/ ۲)، زنـدگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۸۴/ ۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴۲ -۴۴۱/ ۵)، مولفین کتب چاپی (۵۶۱ -۵۶۰/ ۳).

حدیدی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد حدیـدی در پنجم آذر مـاه سـال ۱۳۱۱ ش. در قـم متولـد شـد. ایشـان پس از اتمـام تحصـیلات حـوزوی در شهرسـتان قم ,در سال۱۳۳۳ در رشـته ادبیات فرانسه و دبیری ازدانشگاه تهران فارغ التحصیل شد و به عنوان دبیر در دبیرستانهای مشهد به کار مشغول شد. وی در سال ۱۳۳۶ به اخذ درجه تحصیلی معادل لیسانس ادبیات فرانسه از دانشگاه ژنو نائل گشت.همچنین وی به عنوان ریاست اداره آموزش مشـهد و ریاست کتابخانه دانشـکده ادبیات وعلوم انسانی و مدیر مسوول و صاحب امتیاز مجله دانشکده ادبیات وعلوم انسانی و معاونت دانشکده و ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی و مدیر کل برنامه ریزی زبان فرانسه برای دانشگاههای کشور و عضو پیوسته فرهنگستان زبان وادب فارسی و مدیریت گروه ادبیات تطبیقی در طول سالهای متمادی به خدمت مشغول بوده و هستند و از ایشـان کتابهـاو مقالات بسـیاری به زبانهای فارسـی و فرانسه منتشـرشده است . تعـدادی از کتبهای تالیفی و ترجمه ای ایشان به عنوان کتاب سال جمهوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد برگزیـده و معرفی شده است که از آن جمله می توان به ترجمه کتاب" حدیث عشق در شـرق "و ترجمه کتاب " از سعدی تا آراگون "اشاره کرد.گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات فرانسه خـاطرات کودکی : یکی از سـرگرمیهای جواد حدیـدی در دوره سـرخوردگی از مکتب, شـکار خرچنگ در قناتهای اطراف شهر بود که در عالم کودکانه او کاری بسیار دلاورانه به شـمار می رفت. بچه های همبازی او گفته بودنـد شاخک خرچنگ بعد از صـد سـال عتیقه می شود ,جواد تقریبا نمی دانست صـد سال چقـدر طول می کشـد , ولی تقریبا می دانست عتیقه چیز ی است مانند طلا.جواد در آن دوران کودکی شاخکهای بسـیار گردآوردکه سالها ماند ولی هیچیک از آنها عتیقه نشد.اوضاع اجتماعی و شـرایط زنـدگی : جواد حدیـدی خود در این زمینه می گویـد: پـدر و مادرم هیچ کدام سواد نداشـتند. در نتیجه آموزش و تعلیم و تدبیت و مدرسه مشکلاتی داشت. در آن زمان هم , لا اقل در قم , این طور رواج داده بودند که مدرسه های جدید بچه ها را بی دین بار می آورد. پدر من هم که آدم متدینی بود مرا به مدرسه نگذاشت بلکه ابتدا نزد شاباجی فرسـتاد و بعد مرا به مکتب.تحصیلات رسمی و حرفه ای : جواد حدیـدی تحصـیلات ابتـدایی را در مدرسه سـنایی قم به پایان رساند. سـپس از ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۰ در مدرسه فیضـیه به تحصیلات سنایی قم به پایان رساند. سپس از ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۰ در مدرسه فیضیه به تحصیلات حوزوی پرداخت.در سال ۱۳۳۰ تحصیل در ر شـته ادبیات فرانسه را در دانشگاه تهران آغاز نمود. ودر همین دوران به صورت همزمان تحصیلات خود را در دانشسرای عالی

تهران ادامه داد,که در سال ۱۳۳۳ موفق شد دو مدرك ليسانس رشته ادبيات فرانسه و دبيری را اخذ كند.پس از دو سال برای ادامه تحصيل به كشور سويس عازم شد و در سال ۱۳۳۶ با اخذ درجه تحصيلی معادل ليسانس ادبيات فرانسه از دانشگاه ژنو بازگشت.خاطرات و وقايع تحصيل : جواد حديدی ضمن تحصيل در دانشسرای عالی و دانشكده ادبيات ,بعد از امتحانات سال اول پدرش را كه به ذات ا لريه مبتلا شده بود از دست دا د و مسئوليت مادر و برادر كوچك و خواهر و فرزندان يتيم خواهری ديگرش به عهده او افتاد.فعاليتهای ضمن تحصيل : جواد حديدی ضمن تحصيل در حوزه, برای امرار معاش تدريس می كرد, همچنين تدريس زبان فرانسه به يكی از طلبه های حوزه علميه را به عهده داست به نام صلواتی كه استاد حديدی در حوزه بوداستادان و مربيان : دكتر سپهبدی , دكتر بروخيم, خانم نفيسی, خانم آندريو, خانم پاكروان , دكتر خوانساريوقايع ميانسالی : يك كليه جواد حديدی بر اثر شيمی درمانی از كار افتاده بود و ضايعه ای هم در كبد ايشان وجود داشت , به همين دليل حديدی تن به جراحی داد و يك كليه و قسمتی از كبد و كيسه صفرای ايشان را در آوردند كه اين عمل با موفقيت همراه بود. جواد حديدی پس از انقلاب برای تدوين برنامه‌های آموزشی رشته زبان و ادبيات فرانسه دانشگاههای كشور مأمور خدمت در ستاد انقلاب فرهنگی شد. وی از آن دوران چنين ياد می كند":اين مأموريت از بهمن ۱۳۶۰ تا اواخر سال ۱۳۶۲ به درازا كشيد. در اين مدت سه برنامه مختلف (ادبی، مترجمی، دبيری) تدوين و پيشنهاد كردم كه مورد تأييد قرار گرفت و پس از بازگشايی دانشگاهها به اجرا درآمد. در سال ۱۳۶۳ به درخواست خود بازنشسته شدم. ولی، طبق قراردادی، در مركز نشر دانشگاهی، با سمت مدير گروه تخصصی زبان و ادبيات فرانسه مشغول به كار شدم ".زمان و علت فوت : جواد حديدی بر اثر بيماری در تاريخ دوشنبه ۲۸ مرداد ماه سال ۱۳۸۱ در تهران در گذشت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : جواد حديدی از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۳ سمت رياست اداره آموزش دانشگاه مشهد و در طی سالهای ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۴ سمت رياست كتابخانه دانشكده ادبيات وعلوم انسانی دانشگاه مشهد را به عهده داشت. سال ۱۳۴۴ همچنين مدير مسوول و صاحب امتياز مجله دانشكده ادبيات و علوم انسانی را به عهده داشت. وی در طی سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲ مسووليت معاونت دانشكده و در طی سالهای ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۸ سمت رياست دانشكده ادبيات ووعلوم انسانی دانشگاه مشهد را به عهده داشت. حديدی در سال ۱۳۵۷ عضو پيوسته فرهنگستان زبان وادب فارسی شد و هم اكنون مديريت گروه ادبيات تطبيقی را به عهده دارد.از ارديبهشت ۱۳۶۷ تاكنون با مركز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، و از فروردين ۱۳۷۵ تاكنون با مركز ترجمه قرآن مجيد به زبانهای خارجی، همكاری دارد.فعاليتهای آموزشی : جواد حديدی از سال ۱۳۳۳ به عنوان دبير در دبيرستانهای مشهد به خدمت مشغول شد. نمود و خدمات آموزشی خود را در دانشگاه مشهد آغاز كرد. ايشان از سال ۱۳۴۴ به مرتبه استادی نايل آمدند.همچنين بعد ا ز بازنشستگی در سال ۱۳۶۳ به فعاليت های آموزشی خود در برخی از دانشگاههای تهران ادامه دادند.مراكزی كه فرد از بانيان آن به شمار می آيد : جواد حديدی مجله لقمان، نشريه ايرانشناسی مركز نشر دانشگاهی به زبان فرانسه را تأسيس كرده است بطوری كه انتشار آن همچنان ادامه دارد.ساير فعاليتها و برنامه های روزمره : عضويت در مجامع بين المللی : ۱. عضو انجمن نويسندگان فرانسوی زبان, ۱۹۷۵ ۲.عضو انجمن ايران شناسی اروپا , ۱۹۸۷ ۳. عضو انجمن مطبوعات فرانسوی زبان, ۱۹۸۸.جوائز و نشانها : حديدی اولين جايزه علمی خود را در سال ۱۳۳۳ به عنوان مدال درجه يك علمی, برای احراز رتبه اول در دانشسرای عالی وزارت فرهنگ سابق كسب كرد. جايزه ادبی نويسندگان فرانسوی زبان در ۱۹۷۸ , برای كتاب ؤ جايزه بهترين تحقيق در علوم انسانی برای (پژوهش خيام در ادبيات فرانسه) دانشگاه مشهد, ۱۳۵۲. ؤ جايزه كتاب سال جمهوری اسلامی ايران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای ترجمه حديث عشق در شرق ۱۳۷۳ .ؤ جايزه كتاب سال جمهوری اسلامی ايران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای كتاب از سعدی تا آرگون (در دوره سيزدهم كتاب سال جمهوری اسلامی ايران)۱۳۷۴.ؤ عنوان ؛؛ شواليه در افتخارات فرهنگی ؛؛ وزارت فرهنگ فرانسه ۱۹۹۴.چگونگی عرضه آثار : شركت در مجامع علمی به شرح زير: ۱.كنگره بين ا لمللی بخشهای زبان فرانسه دانشگاههای جهان , ۸ تا ۱۴ مه ۱۹۷۲ , كانادا. ۲. بيست و نهمين كنگره بين ا لمللی خاورشناسان, تابستان ۱۹۷۳, پاريس ۳. سی امين كنگره بين ا لمللی خاور شناسان, ۳–۸ اوت ۱۹۷۵, مكزيك ۴.اجلاس سالانه انجمن نويسندگان فرانسوی زبان, ۱۹۷۵,پاريس ۵. كنگره بين ا لمللی دويستمين سالگرد مرگ ولتر و روسو, ۷تا ۹ ژوئن ۱۹۷۸, فرانسه ۶. اجلاس سالانه انجمن نويسندگان فرانسوی زبان , ۸ نوامبر تا ۳ دسامبر ۱۹۸۴, پاريس ۷.اجلاس سالانه انجمن نويسندگان فرانسوی زبان, ۲۲ تا ۲۸ نوامبر ۱۹۸۶, فرانسه ۸ . بزرگداشت ششصدمين سالگرد مرگ حافظ در يونسكو, ۲۹ و ۳۰ نوامبر ۱۹۸۸ , فرانسه ۹.كنگره بين ا لمللی انجمن مطبوعات فرانسوی زبان , ۳–۱۱ نوامبر ۱۹۸۸ , گويان ۱۰.سی و سومين كنگره بين ا لمللی خاورشناسان, ۱۹–۲۵ اوت ۱۹۹۰ ,كانادا ۱۱.كنگره بين ا لمللی انجمن مطبوعات فرانسوی زبان, ژوئن ۱۹۹۲, ليموژ ۱۲.كنگره بين ا لمللی شعر در كشورهای حوزه مديترانه, ۲۸–۳۰ مه ۱۹۹۳, دلفی ۱۳.كنگره بين ا لمللی عطارم دانشگاه استراسبورگ, فرانسه,۲–۴ آوريل ۱۹۹۶ ۱۴.كنگره بين المللی جامی و خيام, دانشگاه استراسبورگ, فرانسه ۲۸–۳۰ آوريل ۱۹۹۹ ۱۵.تدريس در دوره های دكتری و فوق ليسانس بخش خاور شناسی دانشگاه استراسبورگ, مارس ۲۰۰۰.آثار : ۱ ۳ les portes de l'eau ۲ de sa'dia aragon ۵ voltaire et I'islam ۴ traduction commentaire et lerixue de la surate al- bagara ا لقرآن ا لكريم ذلك ا لكتاب لاريب فيه ويژگی اثر : ترجمه معانی ا لفاتحه و ا لبقره فی ا لفرنسيه۶ از سعدی تا آرگون ويژگی اثر : تاليف،اين كتاب در دوره سيزدهم كتاب سال جمهوری اسلامی ايران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزيده شده است. آشنايی با كتاب:«از سعدی تا آراگون»: ازسعدی تا آراگون: (تأثير ادبيات فارسی در ادبيات فرانسه)؛ جواد حديدی؛ تهران: مركز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳. اين كتاب، داد و ستد فرهنگی ايران و فرانسه را در مدت چهارقرن در بر می گيرد و به دوره¬ای مشخص يا شاعری معين اختصاص نيافته است. مطالب كتاب از هماهنگی و انجام دقيقی برخوردار و نحو ?تنظيم كتاب شناسی و فهرستها نيز دقيق است و به دو بخش اصلی تقسيم شده است. در بخش اول، از نويسندگان قرون هفدهم و هجدهم سخن رفته است و بخش دوم كتاب، دوره های پس از انقلاب فرانسه را در بر می گيرد و تا مرگ لويی آراگون، يكی از شيفتگان بزرگ ادبيات فارسی، ادامه می يابد. مؤلف نتيجه تجربيات و مطالعات خود را در طول سی سال به كار گرفته و با استفاده از كتب تاريخ ادبيات غرب و حتی دست نوشته های نويسندگان فرانسوی، آرای خود را استنتاج كرده است ۷ اسلام از نظر ولتر ۸ ايران در ادبيات

فرانسه ۹ برخورد اندیشه ها ۱۰ ترجمه قسمتی از قرآن مجید به زبان فرانسه و تالیف ۱۰ مقاله فارسی و فرانسه برای درج در ترجمان وحی و ویرایش کلیه مطالب مجله ترجمان وحی ویژگی اثر : از سال ۱۳۷۳ تاکنون در مرکز ترجمه قرآن مجید به زبانهای خارجی ,مانند ؛؛ ترجمه و تفسیری روایی از قرآن مجید به زبان فرانسه؛؛۱۱ ترجمه مقالات فرهنگ آثار ویژگی اثر : ترجمه حدود ۱۰۰ مقاله در انتشارات سروش از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۳۱۲ حدیث عشق در شرق (از سده اول تا سده پنجم هجری) ویژگی اثر : مولف کتاب ژان- کلود واده است که حدیدی آنرا ترجمه کرده است.این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب :«حدیث عشق در شرق»: حدیث عشق در شرق؛ ژان کلودواده؛ ترجم ?جواد حدیدی؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲. در شرق، عشق، از دیرباز مفهوم متعالی و برتری داشته است. این نکته ای است که مؤلف کتاب «حدیث عشق در شرق» می خواهد به اثبات آن بپردازد. او در جست و جوی وجوه اشتراک و مشابهت میان ادبیات عاشقان ?شرق اسلامی از یک سو، و ادبیات غرب مسیحی از سوی دیگر است. انتخاب بجا و شایست ?مترجم این اثر توانسته است تا حدودی جای خالی چنین آثاری را در ادبیات پژوهی یا عرفان پژوهی پر کند. نثر دقیق و استوار و سبک بیان مترجم، این کتاب را جزو نمونه های ممتاز نثر فارسی در ربع قرن اخیر قرار داده است. کتاب حاضر به زبان فرانسه تألیف شده اما در ترجمه اشعار عربی به فارسی، مترجم بیشتر اشعار را از منابع اصلی استخراج کرده و به شیوایی به فارسی برگردانده است. دقت مترجم در حصول اطمینان از صحت ارجاعات واقوال، در مقایسه با آثار دیگری که در سالهای اخیر به فارسی ترجمه شده است، بی نظیر می باشد. نکات فنی چاپ و دیگر خصوصیات صوری نیز زیبا و چشم نواز می نمایند ۱۳ دروازه های آب (هفده گفتار) ۱۴ رهروان حقیقت ویژگی اثر : دردست آماده سازی۱۵ شاعران فرانسوی در مکتب عارفان ایرانی ۱۶ مجله لقمان ویژگی اثر : مجله ای است به زبان فرانسه که توسط مرکز نشر دانشگاهی منتشر می گردد, هدف این مجله نشر فرهنگ ایرانی و فارسی است در زمینه های مختلف مذهبی , فلسفی, عرفانی و ادبی . که در حال حاضر به هفده کشور جهان فرستاده می شود و نزدیک به دویست و پنجاه مشترک خارجی دارد.۱۷ میراث سوم ویژگی اثر : مولف کتاب روژه - گارودی است که حدیدی آنرا ترجمه کرده ااست.۱۸ نظارت بر تدوین ۲۴ عنوان کتاب درسی برای رشته های مختلف زبان فرانسه دانشگاهای کشور ، نگارش و ویرایش مقاله ویژگی اثر : ویرایش حدود ۸۰۰ مقاله در مر کز دائر"ا لمعارف اسلامی از سال ۱۳۶۷ تاکنون, مانند مقاله ؛؛ بولن ویلی یه؛؛۲۰ نگاهی در آینه ویژگی اثر : این کتاب در حوزه زندگینامه نویسی از آثار ارزشمندی است که در دهه ۷۰ چاپ شده ا ست.

منابع زندگینامه :حدیدی, جواد- نگاهی در آینه, انتشارات نیلوفر۴کتاب ماه (ادبیات و فلسفه)- سال ۴-شماره ۱۰ و ۱۱, مرداد و شهریور ۱۳۸۰۵مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی-دانشگاه فردوسی مشهد, ویژه سپاسداشت و ارج شناسی استاد دکتر جواد حدیدی, سال ۳۴, شماره ۱و۲, بهار و تابستان ۱۳۸۰

حر عاملی، احمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد ابن حسن بن علی مشغری، از دانشمندان شیعه عهد صفوی (و. ۱۰۴۰ ه.ق.- ف. پس از ۱۱۲۰ ه.ق.) وی برادر محمد شیخ‌الاسلام مشهور است. او پس از مرگ برادر در ۱۱۰۴ به مقام شیخ‌الاسلامی رسید و در ۱۱۱۵ به دستور شاه سلطان حسین صفوی به اصفهان رفت.

از آثار او: تاریخ صغیر، تاریخ کبیر، تفسیر قرآن، جواهر کلام، حاشیه بر مختصر نافع را باید نام برد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

حربی کوه بر صبری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر و موسیقیدان. در موسیقی استاد و مخترع‌سازی مرکب از عود و رباب بود. وی نغمات دلکش می‌ساخت و پس از کسب دانش به حج و زیارت حرمین رفت و سپس به بخارا بازگشت. او غزل را نیز نیکو می‌سرود و بیشتر در پی مضمون بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۳۶).

حرم پناهی قمی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌الله مرحوم شیخ مهدی بن العلامه آقاحسن حفید آیت‌الله حاج ملا آقاحسین قمی از علماء ابرار قم بوده‌اند در دهم ماه شعبان ۱۳۱۹ ق در قم متولد شده و ادبیات و سطوح را از والد خود و مرحوم آیت‌الله شیخ ابوالقاسم کبیر فراگرفته و فقه و اصول خارج را

از مرحوم آیت‌الله حایری و هم مقداری از آیت‌الله اصفهانی استفاده نموده و در سن ۲۷ سالگی به درجه رفیعه اجتهاد رسیده ولی غالبا از اجتماعات کناره گیری نموده و به عبادت و بندگی خدا پرداخته تا در جمادی‌الثانی ۱۳۷۴ دعوت حق را اجابت و در جوار حضرت معصومه علیهاالسلام به خاک رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حرم پناهی، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حضرت آیت الله حاج شیخ محسن حرم پناهی در سال ۱۳۰۸ هجری شمسی در یک خانواده روحانی در قم متولد شد. تحصیلات: از چهار سالگی به آموختن قرآن، و تا دوازده سالگی در کنار قرآن، فارسی و ریاضی را فرا گرفت و از سیزده سالگی به آموختن علوم دینی پرداخت.

دروس مقدماتی و سطح حوزه را نزد اساتید معظمی مانند حضرات آیات آقایان فرهادی، فاضل کاشانی، بدلا، حاج شیخ یوسف احمدی همدانی، حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی سده‌ای، شهید صدوقی، حاج شیخ محمد علی کرمانی و مجاهدی تلمذ کرد.

پس از اتمام سطح، درس خارج را از محضر آیات عظام مرحوم بروجردی ؛ (۱۴ سال) مرحوم گلپایگانی ؛ ، مرحوم حجت ؛ ، مرحوم حاج سید محمد تقی خوانساری ؛ ، مرحوم اراکی ؛ ، مرحوم امام خمینی ۱ بهره برد. تدریس:

وی تدریس را از زمانی که در درس سیوطی شرکت می‌کرد با تدریس عوامل ملامحسن آغاز و در ادامه کلیه سطوح حوزه را از مقدمات، سطح و درس خارج تدریس کردند و تا آخر عمر شریفشان به تدریس اشتغال داشتند. تالیفات:

آثار تألیفی ایشان را می‌توان در کتاب «معالم جامع احادیث شیعه» و در مجلهٔ «نورعلم» مشاهده کرد، تألیفات دیگری از آن حضرت در زمینه تقیه، ولایت فقیه و... موجود است که هنوز به چاپ نرسیده است. مبارزات:

وی از همان زمانی که امام خمینی ۱ مبارزه را آغاز کرد با توجه به افکار ضدطاغوتی که داشت به هیأت سیاسیون پیوست و در جلساتی که اعضاء جامعه مدرسین قبل از انقلاب تشکیل می‌دادند شرکت می‌کرد.

از فعالیتهای قبل از انقلاب ایشان می‌توان به سفرهای تبلیغی ایشان به ورامین ـ آشتیان و تهران اشاره کرد که در ورامین به علت سخنرانی‌های روشنگرانه به شهربانی وقت احضار شدند که با تدبیر و پشتیبانی مردم شهربانی نتوانست وی را جلب کند بلکه به جلسات خود ادامه داد.

حضرت آیت‌الله حرم پناهی مدرس حوزه علمیه قم و از اعضاء موسس و عضو جامعه محترم مدرسین در شانزدهم ماه رجب ۱۴۲۳ برابر با دوم مهرماه ۱۳۸۱ در ساعت شش بعداز ظهر بعلت عارضه قلبی دعوت حق را لبیک گفت و به ملکوت اعلی پیوست.

روحش شاد و یادش گرامی باد

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حروفی ابوالحسن

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. پیرو طریقه‌ی حروفی بود که در سال ۷۷۱ ق در نوزده سالگی در اصفهان به خدمت فضل‌اللّه نعیمی حروفی رسید. و در سال ۸۰۲ ق «جاودان نامه» وی را به نظم درآورد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۷۱).

حری، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس حری در پانزدهم اسفند ۱۳۱۵ در خانوادهای روحانی در مشهد به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر گذراند. پس از گذراندن سه سال اول دبیرستان وارد دانشسرای مقدماتی شد و پس از اتمام دورهٔ دو سالهٔ دانشسرا برای معلمی در یکی از روستاهای شهرستان کاشمر(در جنوب خراسان) مأموریت یافت. در واقع در سال ۱۳۳۵ بود که به جرگهٔ معلمی پیوست. پس از دو سال خدمت در روستای ریوش از بخش کوهسرخ(کاشمر) به شهر کاشمر منتقل شد و هفت سال نیز در آنجا خدمت کرد. در این مدت مدرک ششم دبیرستان را که به «دیپلم کامل» میانجامید(در مقابل اتمام دو سال دانشسرا که «دیپلم ناقص» نامیده میشد). به صورت آزاد گرفت و در همین زمان به فراگیری زبان انگلیسی نیز پرداخت(زبان خارجی مرسوم آن زمان فرانسوی بود و انگلیسی تازه باب شده بود). در سال ۱۳۴۲ ازدواج کرد و در سال ۱۳۴۵ به مشهد انتقال یافت و در همان سال در آزمون ورودی دانشگاه مشهد شرکت جست. در آزمون ورودی رشتهٔ تاریخ رتبهٔ اول و در رشتهٔ زبان و ادبیات انگلیسی رتبهٔ پنجم را کسب کرد.

بنا به علاقهای که داشت وارد رشتهٔ زبان و ادبیات انگلیسـی شد و در سال ۱۳۴۹ مـدرک لیسانس خود را گرفت. پس از فراغت از تحصـیل، در همـان سـال بنـا به درخواست خود به تهران انتقـال یـافت و در آزمون ورودی فوق لیسـانس کتابـداری دانشـگاه تهران شرکت کرد و پذیرفته شد. در سال ۱۳۵۲ فوق لیسانس خود را گرفت و در سال ۱۳۵۳ از آموزش و پرورش به دانشگاه تهران انتقال یافت و به عنوان مربی در گروه کتابـداری این دانشـگاه به تدریس پرداخت. در همان سال از سوی دانشـگاه مأموریتی یکساله برای توسعهٔ اطلاعـات خود به ایالات متحـده گرفت و در همان زمان در آنجا، در دانشـگاه کیس وسترن، برای مقطع دکتری نام نویسـی کرد و پـذیرفته شـد. وی در مـدت چهارده ماه دروس دکتری را با موفقیت گذرانـد و تمام وقت خود, به جز زمان کلاس هایش, را در کتابخـانه میگذرانـد. طبق مقررات میبایست به ایران بازمیگشت و چنین کرد. در سال ۱۳۵۸ برای تکمیل دوره و گذراندن رسالهٔ دکتری بار دیگر عازم همان دانشگاه شد و سرانجام در سال ۱۳۶۰ با مدرک دکترای کتابداری و اطلاع رسانی به کشور بازگشت گروه : علوم انسانی رشـته : کتابداری والدین و انساب : مادر عباس حری از مردم تهران و پدرش اهل خراسان و مشخصاً اهل مشهد بود. از ناحیه پدر نسب وی به شیخ حُرّ عاملی، صاحب وسایل الشیعه، میرسد. خانواده او از لحاظ اقتصادی متوسط بود. مادربزرگ مـادریش از مردم خیابـان خراسـان(شـهر تهران) و محلـه تیر دوقلـو بـود که همراه دختـرش بـا این نیّت که بقیه عمر رادر جـوار مرقد حضـرت رضا(ع) سپری کند به مشهد کوچ کرده و در آنجا ساکن شده و طلبه جوان را برای همسری دخترش برگزیده بود. خانواده پدریاش پشت اندر پشت روحانی بودند. وصلت مادر و پدرش به چهار پسر و چهار دختر انجامید. پدرش مورد اعتماد و احترام اهل محل و راهگشای بسیاری از مسائل خانوادهها و حَکَم اختلافات خانوادگی، اجتماعی، و اقتصادی بود. پدرش در اواخر عمر مبتلا به سرطان کبـد شد و در سال ۱۳۴۲ چشم از جهـان فروبست و چنـد سال بعـد مادر نیز به او پیوست.خاطرات کودکی : کودکی عباس حری در دامان خانواده گذشت و در شش سالگی وارد مدرسهای نیمه دینی شد. مدرسهای که به سبک امروزی اداره میشد ولی بر دروس و علوم دینی تأکیـد داشت. مـدیر و معاون مـدسه و تعـدادی از معلمان آن روحانی بودند. مدرسه در نزدیکی محل سـکونت وی قرار داشت. به طور مبهم، سربازان روس را به یـاد میآورد که در آن سالهـا مشـهد را به سـمت شـهرهای شـمالی خراسان ترک میکردنـد تـا به روسیه بازگردنـد. کلاس شـشم ابتـدایی را بایـد در مدرسـهای دیگر میگذرانـد که کمی از منزل آنـان دورتر بـود. ساختمان این مدرسه قبلًا کارخانه کبریت سازی بود و یکی از سرگرمیهای دانشآموزان این بود که از منزل کبریت میآوردند و چون دیوارهـای ساختمـان مـدرسه آغشـته به گـوگرد بـود، هر چـوب کـبریت را که به دیوار میکشیـدند شـعله ور میشـد و این کـار برای کودکـان آن سـنین لـذت بخش بود و در عین حـال بایـد پیوسـته منتظر تنبیه از سوی مسـئولان مـدرسه نیز میبودنـد. از کلاس پنجم ابتـدایی با کتابهای پـدرش آشـنا شد. یکی از کتاب هایی که از آن زمان به یاد دارد کتاب مجمع البحرین است. طرز یافتن لغت در این کتـاب را از پـدرش فرا گرفت و شایـد به دلیل همین متفاوت بودن, بیش از سایر کتابها به یادش مانـده باشـد. کتاب دیگری که خطی بـود در سـال شـشم ابتـدایی مـورد اسـتفادهٔ او قرار گرفت. این کتـاب ورق اول نـداشت, ولی آنچه در آن آمـده بـود دربـارهٔ خوبیهای بهشت و زشتیهای جهنم بود. از آن به عنوان یک کتاب داسـتان لذت میبرد و گاه اگر کسـی به منزل آنان سـر میزد برایش تعریف میکرد. زن میانسـال مهربـانی یـک روز در میان برای کمک به مادرش به خانهٔ آنها میآمـد و هر وقت فرصت مییافت از وی میخواست تـا آن کتـاب را بـا صـدای بلنـد برایش بخوانـد. هر زمـان که به زشتیها و رویـدادهای هراس آور جهنم میرسـید آن زن با صـدای بلنـد گریه میکرد. این کـار هراز چنـدگاهی تکرار میشـد. اوضـاع اجتمـاعی و شـرایط زنـدگی : عبـاس حری پنجمین فرزند خـانواده بود. در دوران کودکی و انـدکی پس از آن آثـار جنگ و اشـغال در جامعه و طبعاً در شـرایط خانوادگی نیز کاملًا مشـهود بود. نان جو که غـذای پایه محسوب میشـد چنان بود که گویی از آرد نبیخته تهیه شده بود؛ همه چیز در آن پیدا میشد. چای خود را بـا کشـمش که آن هم بـا چیزهای اضافی همراه بود میخوردنـد. آن زمان همـهٔ اینها برایش عادی بود. چنین میاندیشـید که زنـدگی همین است و واقعاً برای بسـیاری از مردم نیز چنین بود. وصـله کردن لباس و جوراب کار عادی مادر بود. خیاطها عادت داشـتند که کت و شـلوار افراد را پشت و رو کننـد. میوه جزو ضـروریات زنـدگی محسوب نمیشد. وظایف دخترها، سوای مدرسه و درس، تمیز کردن لامپ دود زده چراغها و سابیـدن و برق انداختن سـماور و سینی و ظروف برنجی بود که با گرد آجر صورت میگرفت. پودر شسـتشو هم چوبک بود. در زندگی روسـتایی خاک و گِل کنار جوی نقش چوبک را ایفا میکرد. پول بسیار اندک و مخارج بسیار بالا بود. این برداشتی امروزی است وگرنه در آن ایام و در گرماگرم دوران کودکی زندگی همانی بود که بود.تحصـیلات رسمی و حرفه ای : عباس حری سه سالهٔ اول(سـیکل اول) دبیرسـتان را که تمام کرد وارد دانشسـرای مقدماتی شد تا برای شـغل معلمی آماده شـود. در دورهٔ دو سـاله دانشســرا در دورهٔ زبـان عربی کـه در مهدیـهٔ مشــهد برگزار میشـد نامنویســی کرد وهمـه روزه عصـرها در حجرههای درس حضور مییافت و طی این مـدت کتاب سـیوطی را به پایان برد. پس از اتمام دوره دانشسـرا به روسـتایی دور دست اعزام شد تا کار معلمی را آغاز کند. شـشم دبیرسـتان و زبان انگلیسی را در دورهای که در شهرستان کاشمر معلم بود به پایان برد و پس از انتقـال بـه مشـهد در ۱۳۴۵ وارد دانشگاه مشـهد شـد، لیسـانس زبـان و ادبیات انگلیسـی را در سال ۱۳۴۹ گرفت و بلافاصـله تقاضـای انتقـال به تهران کرد و در رشـته فوق لیسـانس کتابـداری شـرکت جست و پـذیرفته شـد. پس از پایـان این دوره و انتقال از وزارت آموزش و پرورش به دانشگاه تهران، مـدت چهـارده مـاه که به ایالات متحـده اعزام گردیـد دروس دوره دکتری را به پایان رسانـد و به ایران بـازگشت و در سال ۱۳۵۸ مجـدد برای اتمـام دوره مأموریت یافت و سال ۱۳۶۰ پس از اخـذ مدرک دکتری به ایران بــازگشت و کـار تــدریس خـود را در دانشــگاه تهران ادامـه داد.خـاطرات و وقـایع تحصــیل : در دورهٔ متوســطه, دبیرســتان شاهرضا(مشـهد) که محل تحصـیل عباس حری بود زیرنظر مدیری سـخت گیر, و در عین حال مهربان، اداره میشد. سـختگیری برای دبیرسـتانی که دانشآموزان آن, گاه از دبیران درشـتتر و قـد بلنـدتر بودند، به جز با سـختگیری ممکن نبود. رئیس دبیرسـتان را هرگز کسـی بدون ترکه نمی دید. این ترکه, که چندان هم نازک نبود, پیوسـته در حال نوسان بود، حتی وقتی که رئیس دسـتهایش را در پشت به هم قفل کرده بود. گاه برخی دانشآموزان را آنقـدر به کف دسـتشان ترکه میزد که خون میافتاد. آنوقت خدمتگـذار را صدا میزد که با مرکورکوروم محل آزردگی را التیام ببخشـد. علی رغم این رفتار، دانشآموزان بـدون اسـتثناء او را دوست داشـتند. کسـی خنـدهٔ او را نمیدیـد. شبی نمایشـی کمـدی در دبیرسـتان اجرا میشـد که همـهٔ دانشآموزان در تالار بزرگ آن حضور داشـتند. رئیس

دبیرستان نیز در انتهای سالن ایستاده بود. به قسمت بسیار خنده آور نمایش که میرسید، دانشآموزان به جای آنکه به صحنه چشم بدوزند، سر خود را به عقب بر میگرداندند که خنده رئیس را ببینند. در تاریکی تالار، دندانهای سفیدش را میدیدند و قند در دلشان آب میشد. در دورهٔ دانشسرا، گردش علمی خطهٔ شمال خاطرهای ماندنی به جای گذاشت. همه مسافران همسن و سال و دوست و آشنا بودند که همراه رئیس و معاون دانشسرا سفری سیزده روزه را گذراندند و گوشه گوشهٔ آن خاطره بود. دورهٔ لیسانس در دانشگاه مشهد دوران پرالتهاب سیاسی بود و گروه بندیهای دانشجویی، مطالعه در عرصههای مختلف، خواندن آثار کلاسیک غربی به زبان اصلی، مطالعهٔ کامل متن اصلی نهجالبلاغه و صحیفه سجّادیه در این دوره اتفاِ افتاد. استمرار مطالعات در دوره کارشناسی ارشد و در فضایی متفاوت ادامه یافت و عرصههای جدیدی در مطالعهٔ وی گشوده شد. در دوره دکتری در نخستین قسمت که به تنهایی به ایالات متحده اعزام شد، فرصت مغتنمی بود که همهٔ اوقات خود را در کلاس درس یا در کتابخانه بگذراند. باز بودن کتابخانههای دانشگاهی تا نیمه شب این فرصت را فراهم کرده بود که با ولع و اشتیاق آثاری را که میاندیشید دیگر به آنها دست نخواهد یافت مطالعه کند. فعالیتهای ضمن تحصیل : عباس حری در دورهٔ تحصیل در دانشسرای مقدماتی بود که کار نوشتن را آغاز کرد. روزنامهای دیواری راهاندازی کرد که فاصله انتشار آن هر دو هفته یک بار بود و کتابچه خاطرات سفر علمی به خطهٔ شمال از نخستینهای این فعالیتهاست. در همین دوره بود که به کانون نشر حقایق اسلامی پیوست که ادارهٔ آن را مرحوم محمدتقی شریعتی پدر روانشاد دکتر علی شریعتی بر عهده داشت. در دوره لیسانس در مشهد کار نوشتن جدیتر شد و آثاری از وی در روزنامههای محلی از جمله روزنامه خراسان درج گردید. مجموعه آثار چاپ نشدهای از آن دوران هنوز نزد وی باقی است. دوره لیسانس باکار آموزگاری در مدارس مشهد نیز همراه بود. در دوره فوق لیسانس در تهران، علاوه بر تحصیل، در دبیرستانهای تهران به تدریس اشتغال داشت و در عین حال به صورت پاره وقت با کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران و نیز مرکز آموزش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان همکاری میکرد. کار نوشتن در این دوره حال و هوای جدیدی یافت. استادان و مربیان : عباس حری از دورهٔ ابتدایی مرحوم مؤمن زاده، مدیر مدرسه، و روانشاد ریاحی معلم کلاس پنجم را به خاطر دارد، که اولی فردی مهربان و دومی معلمی سخت گیر بود و به دلیل اندام درشتش دانشآموزان از او بسیار میترسیدند. در دورهٔ دبیرستان روانشادان زوّار که رئیس دبیرستان و تقی بینش که دبیر بود از جمله کسانی هستند که بیش از همه به خاطرش مانده است. در دورهٔ لیسانس استادانی چون دکتر احمدعلی رجایی، دکتر غلامحسین یوسفی، و دکتر متینی و دکتر مختاری را به یاد دارد و در دوره فوق لیسانس شاگر کسانی چون مرحوم محمدتقی دانش پژوه، روانشاد فرشته انوار و خانمها نوش آفرین انصاری، پوری سلطانی، زهرا شادمان، و آقای علی سینایی بوده است. در دورهٔ دکتری استادانی چون روانشاد دکتر جسن شرا، دکتر کنرادراسکی و دکتر ویلیام گافمن, بیش از همه، وی را تحت تأثیر قرار دادهاند.هم دوره ای ها و همکاران : عباس حری از همدورهایهای ابتدایی و متوسطه به کسانی چون حسن امینی، حسین نجومیان، محمدرضا شجریان؛ در دوره دانشسرا علی رئوف و حسین نجومیان، و در دورهٔ لیسانس خانم ناهید بنی اقبال، اسداله آزاد، و ناصر انصاری را بیش از همه به یاد دارد. از دوره فوق لیسانس آقایان بهاءالدین خرمشاهی، کامران فانی، نوراله مرادی، علی میرزایی، و عبدالحسین آذرنگ را به خاطر میآورد. در دوره دکتری با آقایان دکتر شاهرخ افشارپناه، دکتر سید صادق، دکتر جعفر مهراد، و خانم دکتر مهرانگیز حریری، بیش از دیگران مراوده داشته است. همکاران امروز بسیار زیادند ونام بردن آنها ممکن است سبب سهوالقلم و در نتیجه شرمساری شود، ولی نمیتواند از کسانی چون خانمها نوش آفرین انصاری و دکتر نرگس نشاط و آقایان دکتر رحمتاله فتاحی، دکتر جعفر مهراد، و محمود حقیقی که همکاری فعالانهتری با آنان دارد به خیر یاد نکند. همسر و فرزندان : عباس حری در سال ۱۳۴۲ با بانویی از شهر کاشمر ازدواج کرد که حاصل آن دو فرزند پسر بوده است. این دو فرزند یکی در رشته پزشکی و دیگری در رشته دندانپزشکی از دانشگاه تهران فارغالتحصیل شدند و هم اکنون دارای همسر و فرزند بوده و به طبابت اشتغال دارند و مادرشان نیز سرگرم کدبانویی است. این خانواده چهار نفره افت و خیزهای بسیار فراوان در طول زندگی داشتهاند و سختترین ایام را نیز بدون گلایه و در نهایت شکیبایی از سرگذراندهاند. بردباری شان شایان قدرشناسی است مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ۱۳۳۵ آغاز کار معلمی، کاشمر ۱۳۳۵ — ۱۳۵۳ معلمی و دبیری در آموزش و پرورش ۱۳۴۲ ازدواج، کاشمر ۱۳۴۹ لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی، مشهد ۱۳۵۱ – ۱۳۵۳ همکاری با بخش آموزش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۵۲ فوق لیسانس کتابداری، تهران ۱۳۵۲ عضو کمیته تحقیق گروه کتابداری دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران ۱۳۵۲ – ۱۳۵۶ عضو کمیته آموزش انجمن کتابداران ایران ۱۳۵۳ انتقال از آموزش و پرورش به دانشگاه تهران ۱۳۵۳ – ۱۳۵۵ دبیر انجمن کتابداران ایران ۱۳۵۳ تاکنون عضو هیات علمی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران ۱۳۵۳ تاکنون عضو شورای کتاب کودک ۱۳۵۴ — ۱۳۵۵ عضو کمیته انتخاب و خرید کتاب دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی ۱۳۵۴ — ۱۳۵۶ سرپرست امور دانشجویی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران ۱۳۶۰ دکترای کتابداری و اطلاعرسانی، دانشگاه کیس وسترن، کلیولند، اوهایو، ایالات متحده امریکا ۱۳۶۱ تاکنون عضو کمیته اجرایی فرهنگنامه کودکان و نوجوانان ۱۳۶۳ — ۱۳۷۰ همکاری با دانشنامه جهان اسلام ۱۳۶۳ — ۱۳۷۰ ویراستار و مترجم بنیاد دایرهالمعارف اسلامی ۱۳۶۴– ۱۳۷۰ سرپرستی ترجمه دانشنامه مک گروهیل با انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۵ — ۱۳۷۰ مدیر بخش اطلاعات بنیاد دایرهالمعارف اسلامی ۱۳۶۵ —۱۳۶۹ مدیر بخش ویراستاری امیرکبیر ۱۳۸۰تاکنون سردبیر و عضو هیات تحریریه مجله روانشناسی و علوم تربیتی ۱۳۶۵ — ۱۳۸۰ مدیر بخش اطلاعات دفتر پژوهشهای فرهنگی ۱۳۷۰ — ۱۳۷۳ عضو کمیته علمی و سیاستگذاری اصطلاحنامه فرهنگی فارسی(اصفا)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی ۱۳۷۰ – ۱۳۷۳ مشاور فنی کتابخانه ملی ۱۳۷۰ تاکنون عضو شورای تحصیلات تکمیلی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی ۱۳۷۲–۱۳۷۵ عضو وابسته گروه علوم انسانی فرهنگستان علوم ۱۳۷۲ — ۱۳۷۹ مشاور اصطلاحنامه علوم قرآنی، قم ۱۳۷۳ — ۱۳۷۹ مشاور اصطلاحنامه فارسی فلسفه اسلامی، قم ۱۳۷۳–۱۳۷۹ عضو کمیته ملی اطلاع رسانی کمیسیون ملی یونسکو ۱۳۷۳ — ۱۳۷۴ عضو کمیته علمی هشتمین همایش ملی در حوزهاطلاعرسانی ۱۳۷۳ – ۱۳۷۵ عضو مجمع هماهنگی نظامهای اسنادی ۱۳۷۳ — ۱۳۷۷ نایب رییس کنگره بینالمللی کتابداران و اطلاعرسانان مسلمان ۱۳۷۳ – ۱۳۸۰ معاون پژوهش کتابخانهی ملی ۱۳۷۳ تاکنون عضو کمیته منطقهای آسیا و

اقیانوسیه، ایفلا ۱۳۷۴ دبیر همایش بین‌المللی کتابداران و اطلاع‌رسانان مسلمان (کاملیس) در تهران ۱۳۷۴ – ۱۳۷۹ مدیر گروه پژوهشی انتشارات سمت ۱۳۷۴ – ۱۳۸۰ مدیر گروه آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی ۱۳۷۴– ۱۳۸۰ طراحی، توسعه، سرپرستی و سرویراستاری دایرةالمعارف فارسی، کتابداری و اطلاع‌رسانی (ج۱) ۱۳۷۴ – ۱۳۸۰ مدیر مسئول و سردبیر مجله فصلنامه کتاب ۱۳۷۴ تاکنون عضو شورای سردبیران مجله‌های دانشگاه تهران ۱۳۷۵–۱۳۷۷ عضو شورای برنامه ریزی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران ۱۳۷۵ – ۱۳۸۱ عضو کمیته انتخاب کتاب برگزیده سال ۱۳۷۵ تاکنون عضو شورای آموزشی و پژوهشی دانشکده‌روانشناسی و علوم تربیتی ۱۳۷۶ دبیر نخستین همایش بین‌المللی جوانِ مسلمان و رسانه ۱۳۷۶ رییس کمیته تولید علم ، تدوین و ارایه آن ؛ دانشگاه تهران ۱۳۷۶ – ۱۳۷۷ ویراستار مجله علوم تربیتی ۱۳۷۶–۱۳۷۸ عضو هیات تحریریه نشریه سخن سمت ۱۳۷۶ – ۱۳۸۴ مشاور اطلاع‌رسانی رئیس جمهور ۱۳۷۶ – ۱۳۸۴ عضو شورای عالی اطلاع‌رسانی کشور ۱۳۷۷– ۱۳۸۱ مشاور پژوهشهای کاربردی دانشگاه تهران ۱۳۷۷ – ۱۳۸۲ عضو شورای انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۷ تاکنون عضو هیات مشاوران عالی کتابخانه ملی ۱۳۷۸ تاکنون عضو هیات تحریریه مجله علوم کتابداری و فن آوری اطلاعاتی ایران(انگلیسی) ۱۳۷۹– ۱۳۸۰ سرپرست کتابخانه دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی ۱۳۷۹ تاکنون مدیر مسئول مجله پل فیروزه (دفتر پژوهشهای فرهنگی) ۱۳۸۰ – ۱۳۸۲ معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی ۱۳۸۰ تاکنون عضو هیات تحریریه مجله انگلیسی علم و فنآوری اطلاعات (شیراز) ۱۳۸۰ تاکنون عضو انجمن برنامه‌ریزی آموزشی ۱۳۸۱ دبیر گروه کتابشناسی و نسخه‌شناسی اولین همایش ملی ایرانشناسی ۱۳۸۱–۱۳۸۳ عضو کمیته منتخب جذب هیات علمی دانشکده روانشناسی علوم تربیتی دانشگاه تهران ۱۳۸۱ – ۱۳۸۳ عضو کمسیون ارزیابی نشریات دانشگاه تهران ۱۳۸۱ تاکنون مدیر مسئول مجله اطلاعشناسی ۱۳۸۲ تاکنون معاون پژوهشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی ۱۳۸۲ تاکنون سردبیر مجله کتابداری (دانشگاه تهران) ۱۳۸۲ تاکنون عضو هیات مؤسس انجمن مطالعات جامعه اطلاعاتی ایران ۱۳۸۳ تاکنون عضو پیوسته انجمن مطالعات جامعه اطلاعاتی ایران ۱۳۸۲ – ۱۳۸۳ مدیر گروه پژوهشی رسانه کتاب، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات ۱۳۸۳ تاکنون عضو شورای علمی بنیاد ملی اطلاعات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فنآوری ۱۳۸۳ تاکنون مدیر کمیته واژه گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۱۳۸۳ تاکنون دبیر گروه کتابشناسی و نسخه‌شناسی دومین همایش ملی ایرانشناسی ۱۳۸۳ عضو کمیته علمی – فنی اطلاع رسانی سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی؛ وزارت جهاد کشاورزی ۱۳۸۴ عضو انجمن کتابخانه‌های عمومی استان تهران ۱۳۸۴ تاکنون رئیس انجمن ترویج علم ایران ۱۳۸۴– تاکنون عضو شورای تخصصی گروه کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۸۴ عضو کمیته تخصصی رشته روانشناسی و علوم تربیتی موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۸۴ عضو کمیته تدوین آیین نامه جامع ارتقاء علوم انسانی – اجتماعی و هنر دانشگاه تهران ۱۳۸۴ عضو هیات ممیزه نظارت بر فعالیتهای اعضای هیات علمی بنیاد دایره المعارف اسلامی ۱۳۸۵ عضو هیات ممیزه مرکزی وزارت علوم و تحقیقات و فنآوری ۱۳۸۵ عضو کمیسیون تخصصی علوم انسانی وزارت علوم و تحقیقات و فن آوری ۱۳۸۵ عضو کمیته راهبردی نظام اطلاع رسانی دانشگاهی وزارت علوم و فنآوری ۱۳۸۵ عضو کمیته کارآفرینی دانشگاه تهران فعالیتهای آموزشی : تدریس در دانشگاه تهران، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد واحد شمال، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه الزهراء، دانشگاه شیراز، دانشگاه اهواز، و دانشگاه مشهد در رشته کتابداری و اطلاع رسانی در مقاطع لیسانس، فوق لیسانس، و دکتری و هدایت بیش از ۱۵۰ پایان نامه کارشناسی ارشد و دکتریمراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : – همکاری در راهاندازی بنیاد دایرةالمعارف اسلامی در خدمت جناب آقای دکتر مهدی محقق – راه اندازی واحد اطلاعاتدفتر پژوهشهای فرهنگی – راه اندازی واحد اطلاعات بنیاد دایرةالمعارف اسلامی – راه اندازی مجله اطلاع شناسی – راه اندازی دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع رسانی – راه اندازی بانک مطالعات ایرانشناسی – راه اندازی کمیته واژه گزینی کتابداری و اطلاع رسانی در دورهٔ اخیر فرهنگستان زبان و ادب فارسی سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : – داوری مقالات مجلات علمی – داوری کتاب سال دانشگاهی – داوری کتاب سال جمهوری اسلامی ایران – داوری پژوهشهای فرهنگی – داوری طرحهای تحقیقاتی – داوری آثار جشنواره خوارزمی – داوری پایان نامههای ارشد و دکتری – بررسی کارهای علمی دانشجویان – شرکت در جلسات مستمر پژوهشی، آموزشی و هیأتهای ممیزه دانشگاه و وزارت علوم، و جلسات مختلف دیگر دانشگاهی و وزارتی – همکاری با بنیاد ایران شناسی – کارهای قلمی(مقاله و کتاب) شاگردان : شاگردان دورههای دانشگاهی عباس حری بسیار کثیرند که طی بیش از ۳۳ سال کار دانشگاهی در مقاطع مختلف به تحصیل اشتغال داشتهاند. از میان این شاگردان، از قدیم به جدید به نام هایی چون کاظم حافظیان، ابراهیم عمرانی، محمد حسن خوشنویس، فرخ امیرفریار، محمدحسن رجبی، نرگس نشاط، زهیر حیاتی، رحمتاله فتاحی، هاجر ستوده، کیوان کوشا، برمیخوریم که هریک در عرصه و زمینهای فعالیت داشته و از کامیابی هایی برخوردار بوده و رهاوردهای ارزندهای نیز داشتهاند همفکران فرد : از همفکران عباس حری در عرصههای مختلف علمی, از جمله کسانی که با اندیشههایش نزدیکی بیشتری داشته اند نخست سرکار خانم دکتر نرگس نشاط و سپس خانمها نوش آفرین انصاری، نوراله مرادی، کامران فانی، محمدحسن رجبی، دکتر رحمت اله فتاحی و دکتر علی رئوف در این زمره قرار میگیرند. آرا و گرایشهای خاص : عباس حری بسیار علاقهمند به نظریه پردازی در عرصهٔ اطلاعات و اطلاعشناسی است و به همین دلیل از دهه ۱۳۶۰ به بحث درباره نظریههای اطلاعات از جمله نظریه ریاضی، نظریه معنا شناختی، نظریه سیبرنتیکی، و اخیراً نظریه کوانتومی اطلاعات پرداخته و در این زمینه آثاری نیز عرضه کرده است. به رویکردهای دیگری نیز، با استفاده از استدلال استعاری، در زمینه اکولوژی اطلاعات، اختلاف پتانسیل اطلاعاتی، و نیز روش اطلاع شناختی پرداخته است. وی در گذشته نیز در نقد عالم سوم پوپر، تحلیل نظر ابن خلدون در باب تألیف، و جست و جوی مبانی تحلیل استنادی غرب در علم الحدیث و علوم اسلامی قلم زده است. جوائز و نشانها : ۷ دریافت لوح تقدیر به مناسبت انتخاب بعنوان استاد پیشکسوت از سوی انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران و دانشگاه تهران؛ ۷ دریافت لوح تقدیر به مناسبت انتخاب کتاب «آیین نگارش علمی» به عنوان کتاب برگزیده دانشگاهی از طرف دانشگاه تهران، ۱۳۸۰ ۷ دریافت لوح تقدیروجایزه به مناسبت برنده شدن کتاب «مروری بر اطلاعات و اطلاع‌رسانی» به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران,۱۳۷۲ چگونگی عرضه آثار : آثار عباس حری به صورت تالیف، ترجمه، مقاله، یادداشتها و نگارشها، سخنرانی،

مصاحبه و طرحهای پژوهشی می باشد . آثار : ۱ " تالیف مقاله : تالیف مقاله :روانشناسی خواندن. "ویژگی اثر : دایره المعارف کتابداری و اطلاع رسانی. ج ۱، ص ۹۲۶ — ۹۲۷.۲ " تالیف مقاله :راههای ارتقای میزان مطالعه. "ویژگی اثر : جهان کتاب. ۷ و ۸ اسفند ۱۳۷۵، ص ۵ – ۷.۳ " تالیف مقاله :رایانه و رسم الخط فارسی. "ویژگی اثر : پیام کتابخانه. ۱، بهار ۱۳۷۲، ص ۶ – ۱۱.۴" تالیف مقاله :روند به کارگیری روشهای پژوهش در پایان نامه های کارشناسیارشد کتابداری و اطلاعرسانی دانشگاه تهران (۱۳۴۸– ۱۳۷۸. ")ویژگی اثر : با همکاری افسانه محسن زاده. مجله روانشناسی و علوم تربیتی. ۱. بهار و تابستان ۱۳۸۲، ص ۵۵– ۷۶.۵" تالیف مقاله :زنجیره داوری ربط در فرایند انتقال اطلاعات. "ویژگی اثر : اطلاع شناسی. ۵، پاییز ۱۳۸۳، ص ۱۷۷ — ۱۹۳.۶ .۸۷ A study of Subject Consistency Between the National Library of Iran & Humanities Libraries Cataloging & Classification Quarterly . Vol ۴۳, : ویژگی اثر , By Narges Neshat & Abass Horri ۱,۲۰۰۶ ,pp.۶۷-۷۶۷ Bibliometric Overview of Library and Information Research Productivity in Journal of Education for Library and Information Science. Vol ۴۵, no ۱, winter : ویژگی اثر Iran A General overview. Tehran: : ویژگی اثر ۲۰۰۴۸ Education in the Islamic Republic of Iran Ministry of Education, ۱۹۹۳۹ The Correlation of Market Place Priorities and Educational Proceedings of : ویژگی اثر Priorities in the Field of Library and Information Science in Iran International Conference for Library and Information Science Educators in The Asia and Pacific Region, by Abbas Horri and Narges Neshat. Selangor, Malasiya, ۱۱ – ۱۲ June ۲۰۰۱.۱۰ The Relationship between Scholarly Publishing and the Counts of Academic Inlinks to by : ویژگی اثر Iranian University Web Sites: Exploring Academic Links Creation Motivations Keyvan Kousha and Abbas Horri.Journal of information management and scientometric.۱(۲), ۲۰۰۴: ۱۳–۲۲.۱۱ تالیف کتاب: آیین گزارش نویسی. ویژگی اثر : تهران: دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه های عمومی کشور، ۱۳۷۱.۱۲ تالیف کتاب: آیین نگارش علمی. ویژگی اثر : تهران: دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه های عمومی کشور، ۱۳۷۸؛ ۱۳۸۱؛ ۱۳۸۵۱۳ تالیف کتاب: اطلاع رسانی: نظامها و فرآیندها. ویژگی اثر : تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸؛ ۱۳۸۵۱۴ تالیف کتاب: اطلاع رسانی: نگرش و پژوهشها. ویژگی اثر : تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸؛ ۱۳۸۵.۱۵ تالیف کتاب: توسعهٔ نظام ملی کتابخانه های عمومی ایران. ویژگی اثر : با همکاری دکتر جعفر مهراد. شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۸۰.۱۶ تالیف کتاب: شیوه بهره گیری از کتابخانه. ویژگی اثر : تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۵۶.۱۷ تالیف کتاب: شیوه های استناد در نگارش های علمی : رهنمودهای بین المللی . ویژگی اثر : با همکاری اعظم شاهبداغی . تهران : دانشگاه تهران ، ۱۳۸۵۱۸ تالیف کتاب: فهرست کوچک سرعنوانهای موضوعی. ویژگی اثر : تهران: انجمن کتابداران ایران، ۱۳۵۲.۱۹ تالیف کتاب: کتابخانه آموزشگاهی در مدرسه کتابخانه مدار. ویژگی اثر : با همکاری دکتر نرگس نشاط. تهران: شبکه کتاب، ۱۳۸۳.۲۰ تالیف کتاب: کسانی که جامعه را می سازند . ویژگی اثر : ۱: دکتر عباس حری . تهران : نشر دیبایه ، نشر آناهید، ۱۳۸۴۲۱ تالیف کتاب: مراجع و بهره گیری از آنها. ویژگی اثر : تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۵۶.۲۲ تالیف کتاب: مروری بر اطلاعات و اطلاع رسانی. ویژگی اثر : تهران: هیئت امنای کتابخانه های عمومی کشور، دبیرخانه، ۱۳۷۲.این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب :«مروی بر اطلاعات و اطلاع رسانی»: مروری بر اطلاعات و اطلاع رسانی؛ دکتر عباس حرّی؛ تهران: دبیرخان ?هیأت امنای کتابخانه های عمومی کشور، نشر کتابخانه، ۱۳۷۲. در زمان ما که اطلاعات در حکم ماد ?خام استراتژیکی برای پیشرفتهای فرهنگی، علمی، آموزشی، فنی و اقتصادی جامعه محسوب می شود، نیازهای علمی و فرهنگی ایجاب می کند که دانشجویان و پژوهشگران با شیوه های علمی و با اصول و مفاهیم اساسی علم اطلاع رسانی و نقش اطلاعات در تحقیق و توسعه آشنا شوند و این امر مستلزم وجود منابع معتبر در این زمینه است. این اثر، به منظور برآوردن نیازهای مذکور تألیف شده است. در فصول مختلف این کتاب تلاش بر آن بوده است که اطلاعات به عنوان عناصر تشکیل دهند ?دانش و معرفت مورد بررسی قرار گیرد و کتابخانه ها و مراکز اطلاع رسانی نیز نمادهایی تلقی شده اند که دستیابی به این عناصر را تسهیل می کنند. این اثر، اطلاعات (این پدید ?چندبعدی) را — که در هم ?زمینه ها حضور دارد — براساس کارکرد آن مورد مطالعه قرار می هد و حیات علمی، صنعتی، آموزشی، اقتصادی و فرهنگی را در گرو بی چون و چرای آن می داند. کتاب، مشحون از رهنمودهای مفید درابعاد مختلف اطلاعات واطلاع رسانی است که با شیوه های علمی مورد بررسی قرار گرفته است. و نیازها و برنامه های اطلاعاتی جهان سوم و کشورهای اسلامی در آن با دیدی ابتکاری ارائه شده است. کتاب در مجموع خالی از حشو و زواید است و به زبانی گویا و دور از تکلف ارائه شده است. مجموع ?حاضر حاوی ۲۸ مقال ?کوتاه و بلند است که شش مقال ?آن ترجمه و بقیه تالیفی است ۲۳ تالیف مقاله " :بررسی وضعیت مبادله منابع اطلاعاتی میان کتابخانه های دانشگاهی و پژوهشی کشور. "ویژگی اثر : نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز. ۳– ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۵، ص ۷۵– ۱۰۲.۲۴ تالیف مقاله " :تحقیق نوعی سرمایه گذاری است. "ویژگی اثر : بینالود. ۳، مهر ۱۳۷۲، ص ۲۲ — ۲۵.۲۵ تالیف مقاله ":ارتباطات علمی و اختلاف پتانسیل اطلاعاتی. "ویژگی اثر : اطلاعشناسی. زمستان ۱۳۸۳، ص ۱۷ — ۳۲.۲۶ تالیف مقاله" :ارزیابی شیوه نامه های استناد در نشریات معتبر دانشگاه تهران. "ویژگی اثر : با همکاری اعظم شاهبداغی. کتابداری. ۴۰، ۱۳۸۲، ص ۱— ۲۳.۲۷ تالیف مقاله" :استناد در آثار علمی: چاله ها و چالشها. "ویژگی اثر : مجله روانشناسی و علوم تربیتی. پاییز و زمستان ۱۳۸۳، ۱۲۰ — ۱۳۳.۲۸ تالیف مقاله" :اطلاع رسانی: اصطلاحی نو با مضمونی کهن. "ویژگی اثر : دانشمند، ویژه نامه اطلاعات. شهریور، ۱۳۶۹، ص ۱۶– ۱۸.۲۹ تالیف مقاله" :اطلاع شناسی. "ویژگی اثر : دایره المعارف کتابداری و اطلاع رسانی. ۱۳۸۱؛ ج ۱، ص ۲۴۲ —۲۴۴.۳۰ تالیف مقاله" :اطلاعات چیست. "?ویژگی اثر : دانشمند، ویژه نامه اطلاعات. شهریور ۱۳۶۹، ص ۵ — ۸ و ۸۸ — ۸۹.۳۱ تالیف مقاله" :اطلاعات. "ویژگی اثر : دایره المعارف کتابداری و اطلاع رسانی. ۱۳۸۱ ؛ ج ۱، ص ۲۳۱ — ۲۳۵.۳۲ تالیف مقاله

":اکولوژی اطلاعـات: مروری بر مفـاهیم و مصـادیق. "ویژگی اثر : اطلاع شناسـی. ۲، زمستان ۱۳۸۲، ص ۵ — ۳۰.۳۳ تالیف مقاله ":اکولـوژی اطلاعـاتی و نظـام اجتمـاعی». ویژگی اثر : اطلاع شناسـی. ۴، تابسـتان ۱۳۸۳، ص، ۷ — ۱۷.۳۴ تـالیف مقاله" :اهمیت اطلاعـاتی پایان نامه ها. "ویژگی اثر : پژوهشـنامه آموزشـی. ۲، زمستان ۱۳۶۹، ص ۶– ۱۱.۳۵ تالیف مقاله" :اهمیت و ضـرورت به کـارگیری منابع خارجی در تحقیقات کشور. "ویژگی اثر : فصـلنامه کتاب. ۴، زمستان ۱۳۷۶، ص ۷– ۱۲.۳۶ تالیف مقاله" :بررسی پایگـاه مطالعـات ایران شناسـی، "ویژگی اثر : با همکاری دکتر نرگس نشاط، در مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایرانشناسـی :تهران : بنیـاد ایرانشناسـی ؛ ۱۳۸۳۳۷ تـالیف مقاله" :بررسـی تاثیر پـذیری اصـطلاحنامه از ورود اصـطلاحات جدیـد با رویکردی بر اصطلاحنامه اریـک. "ویژگی اثر : بـا همکاری مهـدیه میرزا بیگی . مجله کتابـداری . ۱و۲ (بهار و تابستان ۱۳۸۵)۳۸ تالیف مقاله ":بررسـی رابطه میـان مجلات منتشر شـده حوزه های تخصصـی و ارتقا علمی متخصـصان کشور. "ویژگی اثر : مجله روانشناسـی و علوم تربیتی. ۲، بهـار ۱۳۷۴، ص ۳۳– ۴۴.۳۹ تـالیف مقـاله" :بررسـی راهکارهـای عملیـاتی کردن طرح نظام ملی اطلاع رسانی در دانشگاههای کشور. "ویژگی اثر : با همکاری فاطمه زنـدیان. کتابداری. ۳۸، شماره ۴۱، بهار و تابستان ۱۳۸۳، ص ۹۱ — ۱۲۴.۴۰ تالیف مقاله" :بررسی فرایند اطلاع جویی پیوسته دانشجویان کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاعرسانی دانشگاهها. "ویژگی اثر : با همکاری حمید کشاورز. کتابداری. ۳۸، شماره ۴۱، بهار و تابستان ۱۳۸۳، ص ۱ — ۲۴.۴۱ تالیف مقاله" :بررسی فعالیتهای علمی و پژوهشی اعضای هیات علمی رشـته کتابـداری و اطلاع رسانی ایران تا پایان سال ۱۳۷۸. "ویژگی اثر : فصـلنامه کتاب. ۲(تابستان ۱۳۷۹) ص ۹– ۳۶.۴۲ تالیف مقاله" :بررسـی کارایی علمی پژوهشـی سـمینارهای تخصصـی برگزار شده در ایران. "ویژگی اثر : در سمینار تحقیق و توسـعه (۲۶ – ۲۸ تیر ۱۳۶۸)، مجموعه مقالات سـمینار تحقیق و توسـعه. تهران: سازمان پژوهشـهای علمی و صنعتی ایران، ۱۳۶۸.۴۳ تـالیف مقـاله" :بررسـی گرایش موضوعی آثار علمی و پژوهشـی رشـته کتابـداری و اطلاع رسانی، از آغاز تا پایان سال ۱۳۷۷، "ویژگی اثر : در فهرست رایانهـای: کـاربرد و توسـعه مجموعه مقالههـای همایش .... تهران: مشـهد، دانشـگاه فردوسـی مشهد؛ تهران: مرکز اطلاع رسانی و خدمات علمی وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۹.۴۴ تالیف مقاله" :بررسی میزان همگونی تدریس مواد با تولید و هدایت آثار توسط اعضای هیئت علمی رشته کتابداری و اطلاع رسانی. "ویژگی اثر : با همکاری نجمه سالمی. مجله روانشناسـی و علـوم تربیتـی. ۳۲، پـاییز و زمسـتان ۱۳۸۲، ص ۴۷ — ۷۰.۴۵ تـالیف مقـاله" :بررسـی وضع پیشـینه در پایاننـامه های کارشناسی ارشد دانشکده مدیریت واطلاع رسانی پزشکی. "ویژگی اثر : مجله روانشناسی و علوم تربیتی. ۱– ۴، ۱۳۷۵، ص ۳۳— ۳۷.۴۶ تـالیف مقـاله" :بررسـی وضـعیت مجلاـت منتشر شـده در ایران در طول برنـامه پنجساله اول توسعه ۶۸– ۷۲. "ویژگی اثر : کتابداری. دفتر بیست و شـشم و بیست و هفتم، ۱۳۷۶، ص ۲۱ – ۳۷.۴۷ تـالیف مقاله" :تبلور اطلاعات در تکنولوژی. "ویژگی اثر : ریزپردازنده. ۸ و ۹، فروردیـن و اردیبهشت ۱۳۷۰، ص ۵ — ۸.۴۸ تالیف مقاله" :تحلیل اسـتنادی و شباهتهای آن با علمالحـدیث." ویژگی اثر : نشــر دانش. ۲، بهمن واسـفند ۱۳۶۲، ص ۱۱– ۱۷.۴۹ تـالیف مقـاله" :تحلیـل اسـتنادی. "ویژگی اثر : دایره المعـارف کتابـداری و اطلاع رسانی. ج ۱، ص ۶۱۶ — ۶۲۰.۵۰ تالیف مقاله" :تحلیل ساختاری توصـیف گرهای فارسـی پایگاه های اطلاعاتی پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران، "ویژگی اثر : با همکاری شکوفه آخوندی . مجله کتابداری . سال چهلم ، دفتر ۴۵ (بهار و تابستان ۱۳۸۵)۵۱ تـالیف مقـاله" :تشـکیل بانک اطلاعات فرهنگی. "ویژگی اثر : چاپ و انتشار. ۱، اردیبهشت ۱۳۷۳، ص ۳۸ – ۴۱.۵۲ تالیف مقاله" :چگونگی حمایت از مالکیت فکری در کشورهای اسلامی، "ویژگی اثر : در سخنرانیها و مقالات همایش ملی بررسـی حقوق مـالکیت ادبی و هنری، بـا همکـاری سازمان جهانی مالکیت فکری (تهران: دانشـگاه تهران؛ خانه ادبیات، ۱۳۸۳، ص ۲۹۹ – ۳۱۳).۵۳ تالیف مقاله" :چهل سال عشق و تفکر و تلاش. "ویژگی اثر : زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی ... نوش آفرین انصـاری. تهران: انجمن آثـار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳، ص ۳۹ — ۴۷.۵۴ تـالیف مقاله" :دایره المعارف کتابـداری و اطلاع رسانی، ضرورت دنیـای نو. "ویژگی اثر : همشـهری. ۲۷ مرداد ۱۳۷۵.۵۵ تـالیف مقاله" :درباره ادبیات کودکان. "ویژگی اثر : پویه، نشـریه آموزشــی کـانون پرورش فکری کودکـان و نوجوانـان. ۲، پـاییز ۱۳۵۳، ص ۵ — ۱۲.۵۶ تـالیف مقـاله" :دستیـابی به اطلاعـات در پژوهشـهای کشورهای اسـلامی. "ویژگی اثر : نشریه علوم تربیتی.شماره ۱و۲، ۱۳۶۷، ص ۱– ۵.۵۷ تـالیف مقاله" :ده سال تلاش." ویژگی اثر : نامه انجمن کتابـداران ایران. ۴، زمستان ۱۳۵۴، ص ۵۰۸– ۵۱۴.۵۸ تالیف مقاله" :رفتار اسـتنادی نویسندگان مقاله های مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران از آغاز تا پایان سال ۱۳۷۹. "ویژگی اثر : با همکاری نرگس نشاط. مجله روانشناسی و علوم تربیتی. پاییز و زمسـتان ۱۳۸۱، ص ۱ — ۳۳.۵۹ تـالیف مقاله" :سیاسـتگذاری اطلاع رسانی. "ویژگی اثر : رهیافت. ۲۵، پاییز ۱۳۸۰، ص ۶ — ۱۲.۶۰ تالیف مقاله" :شناسایی الگوهای روابط فرارشته ای مقالات تالیفی رشته کتابداری و اطلاع رسانی در ایران ، بـا همکـاری غزاله قنـاویز چیـان و امیر حسـین غـائبی . ویژگی اثر : مجله روانشناسـی و علوم تربیتی . س. ۳۶ ، ۱و۲(بهار و تابسـتان ۱۳۸۵):۱۷–۳۵۶۱ تـالیف مقـاله" :ضـرورت تبیین بهره وری در فعالیتهای کتابـداری و اطلاعرسانی. "ویژگی اثر : کتابـداری: نشـریه علمی در تحقیقات کتابشناسـی، کتابـداری و اطلاعرسانی. ۲۶ و ۲۷(۱۳۷۶): ۲۱ — ۳۷.۶۲ تالیف مقاله" :عنوان نوشـته. "مروری بر اطلاعـات و اطلاعرسـانی. ویژگی اثر : تهران: دبیرخـانه هیئت امنـای کتابخانههـای عمومی کشور، نشر کتابخانه، ۱۳۷۲، ص ۱۷۷– ۱۸۰.۶۳ تـالیف مقاله" :قیمت کتاب در طول برنامه پنجساله اول توسـعه ۱۳۶۸– ۱۳۷۲. "ویژگی اثر : فصـلنامه کتاب. ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۴، ص ۹– ۲۳.۶۴ تالیف مقاله" :کاربرد چند رسانه ایها در اطلاع رسانی پزشکی. "ویژگی اثر : کامپیوتر. ۵، ۱۳۷۳، ص ۱۲ — ۱۸.۶۵ تـالیف مقـاله" :کتـاب و عـالم سوم پوپر. "ویژگی اثر : نشریه علوم تربیتی (ویژه کتابـداری). ۳ و ۴، ۱۳۶۶، ص ۱— ۱۱.۶۶ تالیف مقاله" :کتابـداری و مـدیریت جدیـد. "ویژگی اثر : نامه انجمن کتابـداران ایران. ۳، پاییز ۱۳۵۴، ص ۴۲۵ – ۴۳۴.۶۷ تالیف مقاله" :مـدیریت دانش و مدیریت اطلاعات در کتابداری. "ویژگی اثر : کتاب ماه کلیات. آذر ۱۳۸۳، ص ۸ — ۱۱.۶۸ تالیف مقاله" :مروری بر دو راهنما. "ویژگی اثر : فصـلنامه کتاب. ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۳، ص ۱۱۸– ۱۲۱.۶۹ تالیف مقاله" :مروی بر مفـاهیم و نظریـه هـا در قلمرو اطلاع شناسـی. "ویژگی اثر : اطلاع شناسـی. پـاییز ۱۳۸۲، ص ۹ — ۳۴.۷۰ تـالیف مقـاله" :مسائل و مشـکلات ذخیره پیش همارا و بازیابی پس همارا در نظام رایانه ای. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۳، ص ۸ — ۱۵.۷۱ تالیف مقاله" :مصـرف و تولیـد اطلاعات. "ویژگی اثر : در سـمینار نقش اطلاعات علمی و فنی در خدمات دفاع مقدس

(۱۸ و ۱۹ خرداد ۱۳۶۶)، مجموعه مقالات و سخنرانیهای ارائه شده. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، معاونت صنایع خودکفایی، مدیریت تحقیقات و آموزش، مرکز اطلاعات علمی و فنی، [۱۳۶۶].۷۲ تالیف مقاله" :مطالعه تأثیر استفاده از اینترنت بر رفتار پژوهشی اعضای هیات علمی دانشگاه تهران. "ویژگی اثر : با همکاری مریم اسدی. کتابداری. ۴۰، ۱۳۸۲، ص ۱۲۳– ۱۷۱.۷۳ تالیف مقاله" :مطالعه رفتار اطلاع یابی اینترنتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید بهشتی. "ویژگی اثر : مجله کتابداری (پاییز و زمستان ۱۳۸۳): ۱ — ۴۰.۷۴ تالیف مقاله" :مطالعه عملکرد نهادها و برنامه های پژوهشی در حوزه اطلاع رسانی ایران. "ویژگی اثر : رهیافت. ۲۵، پاییز ۱۳۸۰، ص ۷۸– ۹۳.۷۵ تالیف مقاله" :مطالعه میزان همبستگی موضوعی پایان نامه ها و مقالات فارسی در رشته کتابداری و اطلاع رسانی ایران. "ویژگی اثر : مجله روانشناسی و علوم تربیتی. ۳۲، بهار و تابستان ۱۳۸۱، ص ۴۳ — ۷۴.۷۶ تالیف مقاله" :نظام چند سطحی در ذخیره و بازیابی رایانه ای اطلاعات اسلامی. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۳(پاییز ۱۳۷۵) ص ۸ – ۱۳.۷۷ تالیف مقاله" :نظر ابنخلدون در باب تألیف. "ویژگی اثر : نشر دانش. ۴(خرداد و تیر ۱۳۶۳) ص ۲۰– ۲۷.۷۸ تالیف مقاله" :نظریه کوانتومی اطلاعات . "ویژگی اثر : اطلاع شناسی. سال سوم ، ۳و۴ (بهار و تابستان۱۳۸۵).۷۹ تالیف مقاله" :نقش خبرنامه. "ویژگی اثر : پژوهشنامه آموزشی. ۱(پاییز ۱۳۶۹) ص ۶– ۱۲.۸۰ تالیف مقاله" :نقش کتابخانه ها در تحقق جوامع اطلاعاتی و معرفتی. "ویژگی اثر : مجله کتابداری . سال چهلم ، دفتر۴۵ (بهار و تابستان ۱۳۸۵)۸۱ تالیف مقاله" :واقع گرایی در ادبیات کودکان . "ویژگی اثر : گزارش شورای کتاب کودک (نشریه داخلی). شماره ۱ ، ۱۳۵۳۸۲ تالیف مقاله" :وجه معرفتشناختی پوزیتیویسم منطقی و جایگاه آن در مطالعات کتابداری و اطلاع رسانی. "ویژگی اثر : اطلاعشناسی. (بهار ۱۳۸۳)، ص ۵ — ۱۶.۸۳ تالیف مقاله" :وحدت در کتابشناسی. "ویژگی اثر : نامه انجمن کتابداران ایران. ۲، تابستان ۱۳۵۵، ص ۲۰۷ — ۲۱۹.۸۴ تالیف مقاله" :وضعیت کتابداری و اطلاعرسانی در ایران. "ویژگی اثر : کتاب ماه کلیات. ۵، اردیبهشت ۱۳۸۲، ص ۴ — ۱۷.۸۵ تالیف مقاله":آیین بدنویسی. "ویژگی اثر : آینه پژوهش. ۳، مهر و آبان ۱۳۷۰، ص ۲– ۵.۸۶ ترجمه کتاب : اصطلاحنامه فرهنگ، ارتباطات، و اطلاعات، ویژگی اثر : از اصطلاحنامه یونسکو، گردآوری جین اچسن؛ ترجمه عباس حری و عبدالحسین آذرنگ با همکاری پروانه گودرزی. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۵.۸۷ ترجمه کتاب : راهنمای تهیه و گسترش اصطلاحنامه یکزبانه، ویژگی اثر : تألیف درک آوستین و پیتر دیل، ترجمه عباس حری. تهران: مرکز اسناد و مدارک علمی ایران، ۱۳۶۵.۸۸ ترجمه کتاب اصطلاحنامه بین المللی توسعه فرهنگی یونسکو. ویژگی اثر : با همکاری پروانه گودرزی. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۷.۸۹ ترجمه مقاله : «انعکاس انتشارات اسلامی در چند نمایه». ویژگی اثر : تألیف ا. ستاروس. رحمان. نشریه علوم تربیتی. ۱– ۴، سال ۱۳۶۵، ص ۷۳ – ۹۲.۹۰ ترجمه مقاله : «برنامه اطلاعاتی جهان اسلام: اصول نظری». ویژگی اثر : تألیف اولی محمد عبدالحمید. در اکملالدین احسان اغلو و دیگران. شبکه اطلاعرسانی در کشورهای اسلامی. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۶۹، ص ۱ — ۲۰.۹۱ ترجمه مقاله : «پوزیتیویسم و تحقیق در کتابداری و اطلاعرسانی». ویژگی اثر : تألیف مایکل هریس. مروری بر اطلاعات و اطلاعرسانی. تهران: هیئت امنای کتابخانههای عمومی کشور، دبیرخانه، ۱۳۷۲، ص ۲۶۹ — ۲۸۹.۹۲ ترجمه مقاله : «جامعیت دستیابی موضوعی در شبکهای بین المللی». ویژگی اثر : تألیف ف. و. لنکستر. در اکملالدین احسان اغلو و دیگران. شبکه اطلاعرسانی در کشورهای اسلامی. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۶۹، ص ۵۹ — ۷۳.۹۳ ترجمه مقاله : «خواندن به قصد لذت». ویژگی اثر : تألیف ال.ای.جی استرانگ. نامه انجمن کتابداران ایران. ۴، زمستان ۱۳۵۲، ص ۴ — ۱۵.۹۴ ترجمه مقاله : «سیاست اطلاعاتی جهان سوم برای قرن بیست و یکم». ویژگی اثر : تألیف ضیاءالدین سردار. دانشمند، ویژهنامه اطلاعات. شهریور ۱۳۶۹، ص ۸۵ — ۸۷.۹۵ ترجمه مقاله : «فراسوی مرزهای زمان و مکان». ویژگی اثر : تألیف رابرت وج ورث. گزیده مقالات ایفلا (ترکیه: ۲۰ – ۲۶ اوت ۱۹۹۵). زیر نظر عباس حری. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۵، ص ۱ — ۸.۹۶ ترجمه مقاله : «کتابخانه ها در جمهوری خلق چین از سال ۱۹۴۹ به بعد». ویژگی اثر : تألیف تی ماجان. خبرنامه انجمن کتابداران ایران. ۳، پاییز ۱۳۵۰، ۶ — ۱۶.۹۷ ترجمه مقاله : «کتابشناسی علوم ابن کفانی». تألیف ج. ج. ویتکام. تحقیقات اسلامی (یادنامه دکتر احمد طاهری عراقی). ۱ و ۳، ۱۳۷۰، ص ۱۶۱– ۱۷۲. ۹۸ ترجمه مقاله : «گاه شماری در کتاب تاریخ الاطباء اسحاق بن حنین». ویژگی اثر : تألیف ف.و.زیمرمان. فصلنامه کتاب. ۱، بهار ۱۳۷۵، ص ۸۱ — ۸۹.۹۹ ترجمه مقاله : «مسئولیت اجتماعی دانشمندان». ویژگی اثر : تألیف برتراند راسل. فردوسی. ۹۹۸، بهمن ۱۳۴۹، ص ۱۰ — ۱۱.۱۰۰ ترجمه مقاله : «مک لوهان، جوانان و ادبیات». ویژگی اثر : تألیف الینور کامرون. نامه انجمن کتابداران ایران. ۱۰، بهار ۱۳۵۲، ص ۴ — ۱۵.۱۰۱ ترجمه مقاله : «وضع کنونی بشر». ویژگی اثر : نویسنده اریک فرم. فردوسی. ۹۹۳، آذر ۱۳۴۹، ص ۱۶ — ۱۹ و ترجمه ۱۷۲ مقاله برای جلدهای مختلف دانشنامه جهان اسلام. تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۶۴ — ۱۳۷۰. ۱۰۲. سخنرانی در رابطه با" : رسانه کتاب در ایران و چشم انداز جهانی آن." ویژگی اثر : کتاب هفته. ۲۸ آذر ۱۳۸۳، ص ۱۸.۱۰۳ سخنرانی در رابطه با : افتتاحیه : ارتباط با منابع جهانی اطلاعات . ویژگی اثر : دانشگاه تهران با همکاری شرکت اطلاع رسانی نباء .دانشکده فنی دانشگاه تهران:۱۳۷۶۱۰۴ سخنرانی در رابطه با : افتتاحیه کتاب و کتابخوانی . ویژگی اثر : فرهنگسرای اندیشه: ۱۳۷۵۱۰۵ سخنرانی در رابطه با : پردازش و انتقال اطلاعات . ویژگی اثر : یازدهمین نمایشگا بین المللی کتاب تهران : نمایشگاه اطلاع رسانی و فن آوری اطلاعات: ۱۳۷۷۱۰۶ سخنرانی در رابطه با " : جامعه شناسی پزوهش . "ویژگی اثر : همایش پزوهش و فرهنگ و جامعه. اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان؛ ۱۳۷۸۱۰۷ سخنرانی در رابطه با " : جایگاه کتابداری در عصر اطلاعات. " ویژگی اثر : انجمن کتابداری و اطلاع رسانی ایران؛ شاخه خوزستان. آبان۱۳۸۳۱۰۸ سخنرانی در رابطه با " : راههایی برای مشارکت بهینه در دومین مرحله اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی . ویژگی اثر : نخستین نشست تخصصی . تیر ۱۳۸۳۱۰۹ سخنرانی در رابطه با" : اطلاعات خرد، اطلاعات کلان و نظام ملی اطلاع رسانی، "ویژگی اثر : در سمینار توسعه نظام مدیریت در اطلاعرسانی و کتابداری (۴– ۵ آبان ۱۳۷۱).۱۱۰ سخنرانی در رابطه با : "اطلاعات و توسعه، "ویژگی اثر : در سمینار اطلاع رسانی تحقیق و توسعه. تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، شهریور ۱۳۷۱.۱۱۱ سخنرانی در رابطه با" : اطلاعات و گردش آن. "ویژگی اثر : مرکز اطلاع رسانی جهاد سازندگی: شهریور ۱۳۷۳.۱۱۲ سخنرانی در رابطه با" : ایجاد شرایط مناسب آموزشی برای بهبود و ارتقاء انشاءنویسی. "ویژگی اثر : ارائه شده در

سمینار آموزش انشاء. (نیشابور: مرکز تربیت معلم شیخ طوسی، ۳۰ – ۳۱ اردیبهشت ۱۳۷۲).۱۱۳ سخنرانی در رابطه با" : ایجاد مرکز ملی اطلاعات پزشکی در ایران: طرح پیشنهادی، "ویژگی اثر : در اولین سمینار نیاز کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی در ایران (۱۶– ۱۷ اسفند ۱۳۶۷). مشهد: دانشگاه علوم پزشکی مشهد، [۱۳۶۷].۱۱۴ سخنرانی در رابطه با" : اینفوتراپی (اطلاع درمانی) و جایگاه آن در اطلاعرسانی پزشکی، "ویژگی اثر : در ششمین همایش ملی اطلاع رسانی پزشکی (اصفهان ۱۰– ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۳).۱۱۵ سخنرانی در رابطه با" : تبلور اطلاعات در تکنولوژی و برخورد جهان سوم با اینگونه اطلاعات، "ویژگی اثر : در کنفرانس تکنولوژی و اطلاعات(۳ تیرماه ۱۳۶۹).تهران:سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران،۱۳۷۱.۱۱۶ سخنرانی در رابطه با" : تشکیل بانک اطلاعات فرهنگی، گامی در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی. "ویژگی اثر : اطلاعات. ۳۰ بهمن ۱۳۷۲.۱۱۷ سخنرانی در رابطه با" : جایگاه ترویج علم در جامعه اطلاعاتی "ویژگی اثر : دوره آموزش روزنامه نگاری و جامعه اطلاعاتی . اسفند ۱۳۸۴۱۱۸ سخنرانی در رابطه با" : دایره المعارفها: نگاه از درون "ویژگی اثر : دایرهالمعارف زن ایرانی. جهاد دانشگاهی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. مهر ۱۳۸۳.۱۱۹ سخنرانی در رابطه با" : روابط متقابل قوانین ملی و بین المللی حق مؤلف، "ویژگی اثر : در همایش حق مؤلف (اسفند ۱۳۸۰).۱۲۰ سخنرانی در رابطه با" : رویکرد اکولوژیکی به جامعه اطلاعاتی، "ویژگی اثر : در همایش جامعه اطلاعاتی، ۱۳۸۲. سخنرانی افتتاحیه . کارگاه آموزشی پنجمین نمایشگاه کتاب و بانکهای اطلاعاتی : شرکت مهندسی رز سیستم ؛ ۱۳۷۶۱۲۱ سخنرانی در رابطه با" : سواد اطلاعاتی و اخلاق اطلاع رسانی . ویژگی اثر : پژوهشکده فرهنگ و هنر و ارتباطات ,گروه رسانه های الکترونیک. اردیبهشت ۱۳۸۳۱۲۲ سخنرانی در رابطه با" : ضرورت اصلاح برخی رویه های فرهنگی در ایران برای نیل به جامعه اطلاعاتی، "ویژگی اثر : در همایش علمی ایران و جامعه اطلاعاتی در سال ۱۴۰۰ هجری شمسی (۲۵ – ۲۷ آذر ۱۳۸۱).۱۲۳ سخنرانی در رابطه با" : طرح پیشنهادی برای تشکیل بانک اطلاعات فرهنگی. "ویژگی اثر : ارائه شده در اولین سمینار ملی فرهنگ و توسعه. (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۲۴ – ۲۶ مهر ۱۳۷۲).۱۲۴ سخنرانی در رابطه با" : علم اطلاع رسانی و اهمیت آن . " ویژگی اثر : گردهمایی مسئولین مراکز اطلاع رسانی مجتمع ها و شرکتهای تابعه شرکت ملی صنایع پتروشیمی . تهران : ۱۳۷۶۱۲۵ سخنرانی در رابطه با" : کتابداری و اطلاع رسانی در رویارویی با دوگانگی اطلاعات با اشاراتی بر: سیاستهای کلان اطلاع رسانی در ایران. "ویژگی اثر : مشهد : دانشگاه فردوسی : خرداد ۱۳۷۸۱۲۶ سخنرانی در رابطه با" : مبانی رشته ما." ویژگی اثر : در دانشگاه امام رضا . مشهد ، ۲/۹/۸۵۱۲۷ سخنرانی در رابطه با" : مروری بر بانک مطالعات ایران شناسی. "ویژگی اثر : ارائه شده در دومین همایش ملی ایرانشناسی (تهران: بنیاد ایرانشناسی، ۳۰ آذر – ۳ دی ۱۳۸۳).۱۲۸ سخنرانی در رابطه با" : نقش اطلاعات در برنامه ریزی خرد و کلان. "ویژگی اثر : ارائه شده در دومین سمینار نقش اطلاعات و ارتباطات در تحول اداری (تهران: وزارت جهاد سازندگی، ۶ – ۷ مهر ۱۳۷۳).۱۲۹ سخنرانی در رابطه با" : نقش تخیل در آثار کودکان و نوجوانان . "ویژگی اثر : نشست ماهانه نقد آثار غیر تخیلی . کتاب ماه کودک و نوجوان ؛ ۱۳۸۲۱۳۰ سخنرانی در رابطه با" : نقش خدمات اطلاعاتی در پیشرفت فرهنگی. "ویژگی اثر : در سمینار بررسی تحلیلی موانع و عوامل مؤثر در پیشرفتهای فرهنگی (بیرجند، ۱۱– ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۵)۱۳۱ سخنرانی در رابطه با" : نقش نظام آموزشی در توسعه کمی و کیفی نشر "ویژگی اثر : ، در دومین گردهمایی نقش اطلاع رسانی در توسعه فرهنگی: کتاب و فن آوری اطلاعات (۲۵– ۲۶ بهمن ماه ۱۳۸۰).۱۳۲ سخنرانی در رابطه با" : نمایه ها به عنوان ملاکهای ارزشگذاری نوشته های علمی، "ویژگی اثر : در همایش روش شناسی و فنون تحقیق (۲۱– ۱۹ بهمن ۱۳۷۶).محل ندارد۱۳۳ سخنرانی در رابطه با" : هنر حر بودن . "ویژگی اثر : ارائه شده در دومین کنگره فرهنگ عاشورا (۱۱ – ۱۳ خرداد ۱۳۷۵).۱۳۴ سخنرانی در رابطه با : ضرورت نظام مند بودن فعالیتهای اطلاع رسانی ویژگی اثر : . وزارت جهاد سازندگی ، مرکز تحقیقات اطلاع رسانی . اتاق فکر ؛۱۶ دی ۱۳۸۵۱۳۵ طرحهای پژوهشی: بررسی عوامل موثر بر تغییر رشته دانشجویان دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی در سال تحصیلی ۸۲–۸۳(در دست اجرا) طرحهای پژوهشی: بررسی وضعیت اعتبار ویژه اعضای هیات علمی دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران و تاثیر آن بر تولیدات علمی آنان ، ۱۳۸۵ (در دست اجرا) طرحهای پژوهشی: بررسی وضعیت شیوه نامه های تدوین پایان نامه ، نشر مقاله در مجلات ، و انتشار کتاب در دانشگاه تهران و ارائه الگو برای این گونه تولیدات ، ۱۳۸۵ (در دست اجرا) طرحهای پژوهشی: طراحی «نظام ملی اطلاعرسانی»، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران؛۱۳۷۳–۱۳۷۵ طرحهای پژوهشی: طراحی کتابخانه تخصصی و کانون ارجاعی در حوزه ساختمان و مسکن؛۱۳۷۶ طرحهای پژوهشی: طراحی و اجرای بانک اطلاعات پژوهشهای فرهنگی؛۱۳۷۴–۱۳۷۷ طرحهای پژوهشی: طراحی و اجرای پایگاه پایان نامه های دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی؛۱۳۸۲–۱۳۸۳ طرحهای پژوهشی: طراحی و اجرای پروژه کامپیوتری کردن فهرستنویسی کتابهای فارسی ؛ دفتر پژوهشهای فرهنگی؛۱۳۶۷–۱۳۷۱ طرحهای پژوهشی: طراحی و راه اندازی پایگاه اطلاعات عکس و عکاسی(دفتر پژوهش های فرهنگی)؛۱۳۷۲ طرحهای پژوهشی: طراحی،راه اندازی و توسعه پایگاه مطالعات ایرانشناسی؛ ۱۳۷۶– طرحهای پژوهشی: مجری طرح بررسی استنادهای مقاله های مجله روانشناسی و علوم تربیتی؛۱۳۷۹–۱۳۸۰ طرحهای پژوهشی: مجری طرح بررسی استنادهای مقاله های مجله روانشناسی و علوم تربیتی؛۱۳۷۹– طرحهای پژوهشی: مشارکت در طراحی و توسعه «شورای عالی اطلاع رسانی»؛۱۳۷۵ طرحهای پژوهشی: مشاور امور کتابداری طرح فهرستگان ایران . سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران : ۱۳۶۸ ۱۴۹ طرحهای پژوهشی: ناظر طرح بررسی کتابخانه های هنرستانهای کشور و چگونگی استفاده هنرجویان از آنها. وزارت آموزش و پرورش ؛ معاونت آموزش فنی و حرفه ای ؛ ۱۳۷۲ طرحهای پژوهشی: ناظر طرح توسعه کتابخانهه ای عمومی کشور، هیئت امنای کتابخانه های عمومی؛۱۳۸۳ ۱۵۱ طرحهای پژوهشی: ناظر طرح فهرست مطالب شهید و شهادت در مطبوعات فارسی ایران. بنیاد شهید انقلاب اسلامی ؛۱۳۷۷ ۱۵۲ طرحهای پژوهشی: ناظر طرح فهرستگان علوم انتظامی . مرکز مطالعات و پزوهشهای ناجا؛ ۱۳۷۶ طرحهای پژوهشی: نظارت بر طرح نمایه سازی وصایای شهدا . بنیاد شهید انقلاب اسلامی ؛ ۱۳۷۶ ۱۵۴ طرحهای پژوهشی: نظارت بر طرح مسائل کتابخانه های آموزشگاهی ایران (وزارت آموزش و پرورش)؛۱۳۷۰–۱۳۷۱ طرحهای پژوهشی: همکاری در طرح بررسی چگونگی دستیابی اعضای هیات علمی دانشکدهعلوم دانشگاه تهران به مدارک و اطلاعات علمی؛ ۱۳۵۲ مصاحبه « همه چیز برای کتاب نخواندن مهیاست». ویژگی اثر : جام جم . ۱۳ آذر ۱۳۸۴، ص۱و۱۶۱۵۷

مصاحبه «اطلاعشناسی صنعتی». ویژگی اثر : فرهنگ و صنعت. ۵۲، خرداد ۱۳۸۴.۱۵۸ مصاحبه «این گفتگو پشت پرده ندارد». ویژگی اثر : خبرنامه انجمن کتابداری و اطلاع رسانی ایران . س. پنجم ، شماره ۱، (بهمن و اسفند ۱۳۸۴).۱۵۹ مصاحبه «بانک اطلاعات فرهنگی». ویژگی اثر : فرهنگ و سینما. اردیبهشت ۱۳۶۹، ص ۱۴ — ۱۶.۱۶۰ مصاحبه «جایزه ترویج علم ایران» . ویژگی اثر : مصاحبه. خبرنامه داخلی انجمن ترویج علم ایران. دی ماه ۱۳۸۵۱۶۱ مصاحبه «چه کسانی کتاب نمیخوانند و چرا؟» ویژگی اثر : . ایران. ۲۳ اردیبهشت ۱۳۷۵.۱۶۲ مصاحبه «دایره المعارفها جلوهگاه جهان بینی جوامعند». ویژگی اثر : کیهان فرهنگی. ۱۲۷، خرداد، تیر ۱۳۷۵، ص ۱۰۷– ۱۰۹.۱۶۳ مصاحبه «درباره فصلنامه کتاب »؛ ویژگی اثر : آبان ۱۳۷۵.۱۶۴ مصاحبه «سرگذشتنامه و آثار » ویژگی اثر : آرشیو شفاهی . سازمان اسناد و کتابخانه ملی , معاونت اسناد ،۱۳۸۴۱۶۵ مصاحبه «کتابخانه عمومی و توسعه فرهنگی». ویژگی اثر : پیام کتابخانه. ۲ و ۳، تابستان و پاییز ۱۳۷۱، ص۲۹ —۳۲.۱۶۶ مصاحبه «کتابداری یا اطلاع رسانی » . ویژگی اثر : لیبر: فصلنامه انجمن علمی — دانشجویی کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاه تهران . دوره دوم ، ۴(زمستان ۱۳۸۴).۱۶۷ مصاحبه «معلم دورترین روزها». ویژگی اثر : ایران. ۲۷ آبان ۱۳۸۳.۱۶۸ مصاحبه «ناکامی همایشها در بهبود اوضاع» ویژگی اثر : . ایران. ۴ مهر ۱۳۸۳.۱۶۹ یادداشت ها و نگرشها ": اشارهای به فلسفه کتابداری. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۱، بهار ۱۷۰ یادداشت ها و نگرشها: "زمزمه کتابخانه ملی در شصت سالگی . "ویژگی اثر : اطلاع رسانی : نظام ها و فرایندها. تهران: نشرکتابدار، ۱۳۷۸، ص. ۱۱۸–۱۲۰۱۷۱ یادداشت ها و نگرشها ": لجاجت علمی . "ویژگی اثر : اطلاع رسانی : نگرش ها و پژوهش ها. تهران : نشرکتابدار، ۱۳۷۸،ص. ۱۶۴–۱۶۶۱۷۲ یادداشت ها و نگرشها ": مدیریت رسانه ها. "ویژگی اثر : اطلاع رسانی : نگرش ها و پژوهش ها . تهران : نشر کتابدار،۱۳۷۸، ص.۲۳۱–۲۳۵۱۷۳ یادداشت ها و نگرشها ": هدایت گری در آموزش متوسطه. "ویژگی اثر : اطلاع رسانی : نظام ها و فرایندها. تهران : نشرکتابدار، ۱۳۸۷، ص. ۲۰۲–۲۰۳۱۷۴ یادداشت ها و نگرشها": آموزش کتابداری در ایران. "ویژگی اثر : پیام کتابخانه، ۴، زمستان ۱۳۷۲، ص ۱۸– ۲۱.۱۷۵ یادداشت ها و نگرشها": اطلاع باوری. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۴، تابستان ۱۳۷۵، ص ۵۱۷۶ یادداشت ها و نگرشها": اطلاع رسانی، رسالت آموزش عالی. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۳، ص ۵– ۷.۱۷۷ یادداشت ها و نگرشها": اطلاع شناسی. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۳. پاییز ۱۳۷۲، ص ۳۹۳–۳۹۵.۱۷۸ یادداشت ها و نگرشها": اقتصاد اطلاعات. "ویژگی اثر : نشریه علوم تربیتی. ۳- ۴، سال ۱۳۶۸، ص ۱– ۴.۱۷۹ یادداشت ها و نگرشها": انتقال تجربه ها در دایره المعارف نگاری ایران معاصر. ویژگی اثر : کتاب ماه کلیات.۱۲، آذر ۱۳۷۷، ص ۸.۱۸۰ یادداشت ها و نگرشها": ایدز تکنولوژیکی. ویژگی اثر : اطلاع رسانی:نگرشها و پژوهشها. تهران:نشر کتابدار، ۱۳۷۸،ص۲۳۶–۲۳۸۱۸۱ یادداشت ها و نگرشها": اینترنت در کتابخانه "ویژگی اثر : . کتاب ماه کلیات.۴۱ و ۴۲، اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۰، ص ۴۰ —۴۱. . کتاب ماه کلیات.۴۱ و ۴۲، اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۰، ص ۴۰ — ۴۱.۱۸۲ یادداشت ها و نگرشها": برنامه ریزی آموزشی." ویژگی اثر : اطلاعرسانی: نگرشها و پژوهشها. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸، ص ۲۰۴ – ۲۰۶.۱۸۳ یادداشت ها و نگرشها": برنامه مدیریت نظامهای اطلاعاتی. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۳، پاییز ۱۳۸۰، ص ۵– ۶.۱۸۴ یادداشت ها و نگرشها": تأمل در مصرف." ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۱. بهار ۱۳۷۷، ص ۵– ۶.۱۸۵ یادداشت ها و نگرشها": تداخل در وظایف سازمانی. "ویژگی اثر : اطلاعرسانی: نگرشها و پژوهشها. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸، ص ۲۲۸– ۲۳۰۱۸۶ یادداشت ها و نگرشها": تکثر یا وحدت. "ویژگی اثر : اطلاعرسانی:نگرشها و پژوهشها. تهران:نشر کتابدار، ۱۳۷۸،ص.۲۸– ۳۰.۱۸۷ یادداشت ها و نگرشها": جوان مسلمان، رسانه و موج چهارم. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۳، پاییز ۱۳۷۶، ص ۷– ۹.۱۸۸ یادداشت ها و نگرشها": در جستوجوی هویت. "ویژگی اثر : اطلاع رسانی: نگرشها و پژوهشها. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸، ص ۱۳– ۱۶.۱۸۹ یادداشت ها و نگرشها": دسترس پذیری. اطلاع رسانی: نگرشها و پژوهشها. ویژگی اثر : تهران: نشر کتابدار ،۱۳۷۸،ص۲۲۲– ۲۲۷.۱۹۰ یادداشت ها و نگرشها": رویارویی با رسانه ها. "ویژگی اثر : اطلاعرسانی: نگرشها و پژوهشها. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸، ص ۲۳– ۲۷.۱۹۱ یادداشت ها و نگرشها": سیاست مجموعه سازی. "ویژگی اثر : اطلاعرسانی: نگرشها و پژوهشها. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸، ص ۲۱۹– ۲۲۱.۱۹۲ یادداشت ها و نگرشها": ضرورت تبیین بهره وری در فعالیتهای کتابداری و اطلاع رسانی. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۳، پاییز ۱۳۷۹، ص ۱۲– ۱۸.۱۹۳ یادداشت ها و نگرشها": عمر مجلات. "ویژگی اثر : اطلاعرسانی: نظامها و فرآیندها. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸، ص ۱۷۰– ۱۷۲.۱۹۴ یادداشت ها و نگرشها": گزارش سفر مالزی. "ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. ۱، بهار ۱۳۷۵، ص ۱۴۳– ۱۶۰.۱۹۵ یادداشت ها و نگرشها": مرگ کتاب . "اطلاع رسانی : نگرش ها و پژوهش ها . ویژگی اثر : تهران : نشر کتابدار، ۱۳۷۸، ص. ۱۶۷–۱۶۹۱۹۶ یادداشت ها و نگرشها": نیروی انسانی کتابخانه ملی. "ویژگی اثر : اطلاع رسانی : نظام ها و فرایندها . تهران: نشرکتابدار، ۱۳۷۸۱۹۷ یادداشت ها و نگرشها": هدایت گری در آموزش. "ویژگی اثر : اطلاع رسانی : نظام ها و فرایندها. تهران: نشرکتابدار، ۱۳۷۸ ، ص. ۱۹۹–۲۰۱

حریرچیان، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۲ ش)، روزنامهنگار، نویسنده و شاعر، متخلص به ساعی. در تهران متولد شد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی، در رشتهی علوم اقتصادی و روزنامهنگاری به تحصیلات ادامه داد و فارغ‌التحصیل شد، پس از آن همکاری با مطبوعات را آغاز کرد و به نشر آثار منظوم و منثور پرداخت. وی به منور مطالعه به کشورهای اروپایی و آسیایی سفر کرد و پس از درگذشت سید اشرف‌الدین، مدیر روزنامه «نسیم شمال»، اقدام به تاسیس روزنامهای با همین نام کرد. وی به فعالیتهای ادبی علاقهمند بود و شعر را نیکو میسرود. ساعی در بعضی انجمنهای ادبی از جمله صائب شرکت داشت. از آثار او: «گلزار ساعی»؛ «حمید و حمیده»؛ «ماکسیم

گورکی»؛ «آقاخان محلاتی و فرقه‌ی اسماعیلیه»؛ «پنجاه و یک حکایت»؛ «ارفع نامه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۳۰۰ -۲۹۸ /۴)، سخنوران نامی معاصر (۱۶۹۳ -۱۶۸۹ /۳)، مولفین کتب چاپی (۲۱۵/۵).

حریری اکبری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمد حریری اکبری در سال ۱۳۲۲ در تبریز بدنیا آمد.ایشان دارای دکتری رشته علوم اجتماعی Ph.D.in Social Science از دانشکده/مدرسه ماکسول دانشگاه سیراکیوز، نیویورک، ایالات متحده (در سال ۱۳۶۲) می باشد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی واستاد گروه علوم اجتماعی- دانشگاه تبریز می باشد. گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات محمد حریری اکبری : -۱۳۴۳ : اخذ دیپلم دوره متوسطه در رشته علوم طبیعی- تبریز. -۱۳۴۸: اخذ درجه لیسانس در علوم اقتصادی و سیاسی از دانشگاه ملی ایران-تهران. -۱۳۵۰: اخذ درجه فوق لیسانس در علوم سیاسی از دانشگاه ملی ایران – تهران. -۱۳۵۸: اخذ درجه فوق لیسانس در حکومت مقایسه ای از دانشکده/ مدرسه ماکسول دانشگاه سیراکیوز، نیویورک، ایالات متحده. Maxwell School of Syracuse University, USA. -۱۳۶۲: اخذ درجه دکتری در رشته علوم اجتماعی Ph.D.in Social Science از دانشکده/مدرسه ماکسول دانشگاه سیراکیوز، نیویورک، ایالات متحده. فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی محمد حریری اکبری بهقرار زیر است: -۱۳۵۰: تدریس اقتصاد و بازرگانی بین المللی در انستیتو تکنولوژی بازرگانی تبریز -۱۳۵۱: تدریس علوم سیاسی و اداری در مدرسه عالی غزالی، قزوین. -۱۳۵۲: تدریس علوم سیاسی و اجتماعی در مدرسه عالی علوم اجتماعی و اقتصادی، قزوین و تدریس علوم سیاسی در مدرسه عالی کمپیوتر، تهران. -۱۳۵۳: تدریس اقتصاد ایران در مدرسه عالی علوم بازرگانی، تهران و تدریس علوم اجتماعی در دانشگاه تبریز، -۱۳۵۴– ۱۳۵۷: اشتغال تمام وقت به تدریس و مدیریت در پستهای گونه گون در دانشگاه تبریز، -۱۳۵۷-۱۳۶۲: اعزام به آمریکا با ماموریت مطالعاتی دانشگاه تبریز جهت اخذ درجه دکتری. -۱۳۶۲-۱۳۸۰: تدریس تمام وقت در دانشگاه تبریز و در مرکز مدیریت دولتی (تهران، تبریز و ارومیه) و در سازمان برنامه و بودجه کشور. -۱۳۸۰-۱۳۸۱: گذراندن دوره تخصصی در برنامه " خزر شناسی "مدرسه (دانشکده) علوم سیاسی جان.اف.کندی، دانشگاه هاروارد، بوستون، ماساچوست، آمریکا. Caspian Studies Program in J.F.Kennedy School of Government, atHarvard University. -۱۳۸۰- تا کنون: تدریس و تحقیق تمام وقت در دانشگاه تبریز و در سایر دانشگاهها و مراکز آموزش عالی شهر تبریز. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : خدمات علمی و فرهنگی محمد حریری اکبری: -عضویت در هیات تحریریه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. -عضویت در هیات تحریریه نامه علوم اجتماعی، نشریه دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. -عضویت در هیات تحریریه مجله پژوهش زنان، دانشگاه تهران. -عضویت در هیات تحریریه مجله انجمن جامعه شناسی ایران، دانشگاه تهران، -عضویت در هیات امنای کتابخانه مرکزی تبریز. -برگزاری افزون بر ده کارگاه آموزشی در زمینه سازمان و مدیریت . -شرکت در بیش از بیست کنفرانس، سمینار و سمپوزیوم ملی و بین المللی که اغلب آنها با عرضه مقاله بوده است. -انجام بیش از ده مصاحبه مفصل با روزنامه ها و مجلات داخلی. -همکاری با روزنامه ها و مجلات گونه گون با تهیه مطالب کوتاه و بلند در باره امور و مسائل اجتماعی. چگونگی عرضه آثار : مقالات تهیه و تدوین شده: مقالات بزبان فارسی: ۱۹ مورد مقالات بزبان خارجی:۵ موردآثار : افسانه های فولکلوریک قفقاز ویژگی اثر : ۱۳۵۰: پروفسور پومرانتسوا،(تبریز: انتشارات نوبل، ۱۳۵۰)، ترجمه: محمدحریری اکبری، (از انگلیسی به فارسی). ۲ برگزیده آثار، ویژگی اثر : ۱۳۵۲: نریمان نریمانوف، (تبریز: نشر ابن سینا، ۱۳۵۲)، ترجمه: محمدحریری اکبری، (از ترکی آذربایجانی به فارسی). ۳ جامعه شناسی سیاسی ویژگی اثر : ۱۳۸۰: تام باتومور، (تهران: نشر قطره، ۱۳۸۰)، ترجمه: محمد حریری اکبری، (از انگلیسی به فارسی). ۴ حکومت فدرال هندوستان ویژگی اثر : ۱۳۴۹: کریشنا سوامی، تهران: موسسه بهار ایران، ۱۳۴۹)، ترجمه: محمد حریری اکبری، (از انگلیسی به فارسی). ۵ خرد، عدالت و نوگرایی: نوشته های اخیر یورگن هابرماس ویژگی اثر : ۱۳۸۰: استیون وایت، (تهران: نشر قطره، ۱۳۸۰)، ترجمه: محمد حریری اکبری، (از انگلیسی به فارسی). ۶ دبستان فرانکفورت ویژگی اثر : ۱۳۷۲: تام باتومور، (تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۷۲)، ترجمه: محمدحریری اکبری، (از انگلیسی به فارسی). ۷ ریشه های فعالیتهای سیاسی دانشجویان ویژگی اثر : ۱۳۵۱: محمدحریری اکبری، (تبریز: انتشارات نوبل، ۱۳۵۱) . ۸ کتاب دده قورقود ویژگی اثر : ۱۳۵۳: جفری لویس، (تبریز: نشر ابن سینا، ۱۳۵۳)، ترجمه: فریبا عزبدفتری و محمد حریری اکبری، (از انگلیسی به فارسی). ۹ مدیریت توسعه ویژگی اثر : ۱۳۷۸: محمد حریری اکبری، (تهران: نشر قطره، ۱۳۷۸).

حریری، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۴ ش)، شاعر، نویسنده، روزنامه‌نگار و پزشک. در شهر تبریز به دنیا آمد و علوم ابتدایی و متوسطه را در همان شهر فراگرفت. وی از همدرسان شهریار و غلامحسین رعدی و حسنعلی پسیان بود. از آنجا به تهران آمد و در رشته‌ی حقوق به تحصیل مشغول شد. پس از اخذ لیسانس به تبریز بازگشت و در آنجا به انتشار روزنامه‌ی مستعجل «اردیبهشت» پرداخت. حریری پس از

چندی به تهران آمد و با استاد ملک‌الشعرا بهار وهاشم افسر مصاحبت کرد و با رموز شعر و شاعری آشنا شد. وی به اروپا سفر کرد و در رشته‌ی طب و داروسازی به تحصیل پرداخت و به درجه‌ی دکتری نایل آمد. سپس به تهران آمد و چندی با سمت دانشیاری در دانشکده‌ی پزشکی مشغول کار شد. سپس به اروپا مراجعت کرد و در پاریس اقامت گزید. و برای برخی از مجلات پایتخت از جمله «یغما» و «وحید» مقاله می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۱۱۳/۱)، سخنوران نامی معاصر (۱۱۱۳ -۱۱۱۱ /۲)، فرهنگ سخنوران (۲۵۰).

حریف جندقی، ابوالحسن

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۳۰ ق)، شاعر، متخلص به حریف. از شعرای عصر فتحعلی‌شاه بود و از نجیب‌زادگان جندق و سادات طباطبایی ابن‌شهر. وی به تتبع استادان سخن پرداخت و در شعر و ادب مقام ارجمندی یافت. حریف در اوایل قرن سیزدهم به خوی رفت و در آنجا اقامت گزید، به همین دلیل بعضی تذکره‌ها از وی به حریف خویی یاد کرده‌اند. وی در شهنامه خوانی در تهران معروف بود. سید ابوالحسن در تبریز وفات یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره سخنوران یزد (۱۱۷ -۱۱۶)، الذریعه (۲۳۴/۹)، سفینه المحمود (۵۹۳ -۵۹۰ /۲)، فرهنگ سخنوران (۲۵۰)، لغت نامه (ذیل/ حریف جندقی)، مجمع الفصحا (۲۰۹/۴)، مصطبه‌ی خراب (۴۵)، یعما (س ۱، ص ۴۴۵ -۴۴۲).

حریفی ساوجی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. معروف به علی فراش. وی شاعری عاشق پیشه بود. در آخر عمر به خدمت یکی از امیران شاه طهماسب صفوی رسید. اهمیت حریفی در تاریخ ادبیات ایران به خاطر شهر آشوبی است که در باب مردم گیلان زمین سرود و در نتیجه آن زبان وی را بریدند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۵۹ -۱۵۸ /۴)، تذکره‌ی روز روشن (۱۹۸)، الذریعه (۲۳۴/۹)، لغت نامه (ذیل/ حریفی اصفهانی)، مجمع الخواص (۳۰۸)، هفت اقلیم (۵۳۱ -۵۳۰ /۲).

حریفی نهاوندی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از مردم نهاوند و معاصر سام میرزا بود. در اوایل جوانی در خدمت ترکان به سر برد، پس از آن به شاعری روی آورد. از اوست:

به سینه چون درآمد تیر او جان کرد آهنگش

دلم از رشک او بگرفت در پهلوی خود تنگش

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۲۷۹)، الذریعه (۲۳۴/۹)، لغت نامه (ذیل/ حریفی نهاوندی).

حریمی نیشابوری، غیاث‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر، متخلص به حریمی. از شاعران نیشابور بود که علاوه بر شاعری به کسب علم نیز اشتغال داشت. از اوست:

مکن بی موجبی، ای شوخ ترک گفتگو با من

گناهی گر به غیر از عاشقی کردم بگو با من

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۷۹۵/۹)، لغت نامه (ذیل/ غیاث‌الدین)، مجالس النفائس (۱۵۱ -۱۵۰).

حزنی اصفهانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۱ ق)، شاعر. مردی دانشمند و خواهرزاده ملا نیکی شاعر بود. مدتی در مشهد زیست و پس از آن به قزوین سفر کرد و هفت بند معروف ملامحسن کاشانی را در آنجا جواب گفت و از شاه طهماسب صله دریافت کرد. سفری نیز به گیلان کرد و در آنجا درباره‌ی مذهب زیدیه شهر آشوبی گفت و به این جهت زبانش را بریدند. حزنی در عروض و قافیه استاد بود و خط را خوش می‌نوشت و غزل را خوب می‌سرود. وی در مشهد درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۴۰/۳)، تحفه سامی (۲۷۹ -۲۷۸)، فرهنگ سخنوران (۲۵۰)، مخزن الغرائب (۷۶۶/۱)، مطلع الشمس (۴۲۸/۲)، نتایج الافکار (۱۸۲ -۱۸۱)، نشتر عشق (۴۱۹ -۴۱۷ /۲).

حزنی اصفهانی، تقی‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از شاعران و دانشمندان روزگار خود بود که در علوم معقول و منقول تبحر داشت و سالها در شهر اصفهان به تدریس مشغول بود. وی در ضمن تدریس و تحصیل دانش، شعر نیز می‌سرود و به جهت اینکه زندگی سختی در اصفهان داشت به هندوستان مهاجرت کرد و در عهد تقی کاشی در شهر گلکنده در ملازمت قطبشاه به سر می‌برده است و مولا تقی‌الدین سرانجام در رسول‌آباد لاهور درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۴۰/۳)، تاریخ نظم و نثر (۶۴۴)، الذریعه (۲۳۴/۹)، شام غریبان (۸۰ -۷۹)، عالم آرای عباسی (۱۸۷ -۱۸۶ /۱)، فرهنگ سخنوران (۲۵۱)، کاروان هند (۳۲۱ -۳۱۴ /۱)، مجمع الخواص (۱۶۴ -۱۶۲)، مخزن الغرائب (۷۴۵ -۷۳۹ /۱)، مکتب وقوع (۷۰ -۵۸)، نتایج الافکار (۱۸۳ -۱۸۲)، هفت اقلیم (۴۱۷ -۴۱۴).

حزنی مکریانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۷ -۱۲۹۶ ق)، شاعر و روزنامه‌نگار. در مهاباد متولد شد. وی از آغاز جوانی به مسایل کردشناسی و تحقیق درباره‌ی زبان و ادبیات کردی و روزنامه‌نگاری علاقه‌مند بود. برای ادامه‌ی تحصیل به عراق رفت و برای نخستین بار در حلب چاپخانه کردستان را دایر کرد و پس از آن در روانـدوز، چاپخانه‌ی زاری کرمانجی را به کار انداخت. وی نخستین روزنامه‌نگار کرد و اولین کسی بود که به چاپ و نشر آثار کردی و تحقیق درباره‌ی کرد و کردستان دست زد. حزنی در بغداد درگذشت و در اردبیل دفن شد. روزنامه‌هایی که حزنی اداره می‌کرد عبارتند از: «گوقاری روناکی»، اربیل ۱۹۳۶ میلادی؛ «خونچه‌ی به هارستان»؛ «خوشی و تورشی»؛ «ئاوریکی پاشه وه»؛ «کوردستانی موکریان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۸۷ -۸۶ /۳).

حزین بروجردی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۸۷ (رمضان ۱۳۲۷ ق.)، بروجرد.

درگذشت: ۱۸ بهمن ۱۳۷۴، بروجرد.

حسین حزین بروجردی، فرزند ملا حسین مشهور به «مداح»، در محله‌ای موسوم به باغ پسته‌ی بروجرد به دنیا آمد و دوران کودکی خود را نزد مادرش با آموختن عم جز گذرانید و در همان سنین کتاب، لیلی و مجنون را حفظ کرد. سپس نزد ملا حسن به تحصیل پرداخت. در جوانی پیشه‌ی بنایی را در پیش گرفت و مقارن با تلاش در جهت امرار معاش، شروع به سرودن شعر نمود. وی به دفعات پای پیاده به زیارت آستان امیرالمؤمنین و حضرت اباعبدالله الحسین (ع) رفت. استاد حزین بارها و بارها اشعارش را که در مدح ائمه اطهار سروده بود و در محضر آیت‌الله العظمی سید حسین بروجردی قرائت کرده است. از مهمترین اقداماتی که حزین در فن تاریخ‌نویسی در طول حایت خویش انجام داد، جمع‌آوری زندگی بسیاری از بزرگان و شعرای شهر بروجرد به نام تذکره‌ی حسین حزین بود. از دیگر آثار وی می‌تون به سوز و گداز (شعر، بروجرد، ۱۳۲۸)؛ مرصد الاسرار در وقایع کربلا (بروجرد ۱۳۳۳)

اشاره نمود. آثار چاپ نشده‌ی ایشان به این شرح هستند: دیوان قصاید ادبی و اخلاقی (در حدود سه هزار بیت)؛ دیوان غزلیات قدیم؛ مفردات؛ ترجیعات؛ ترکیبات و رباعیات (نزدیک به پانزده هزار بیت)؛ دیوان غزلیات جدید (نزدیک به هزار بیت)؛ چکامه‌های پارسی سره (در هزار بیت)؛ متفرقات حزین؛ خزانه حزین؛ پیشه‌وران دانشمند و سراینده (منثور)؛ مثنوی راز و نیاز؛ مثنوی آتش عشق؛ منظومه معراجیه؛ سرگذشت حسین حزین (تاریخی، جغرافی، ادبی، مسافرت ها، پیش‌آمدها)؛ گلچین حزین بروجردی به ترتیب حروف تهجی، مثنوی تابش خورشید ازل (دو جلد)؛ ساقی‌نامه یا آیینه‌ی عبرت؛ نامه‌اندرزهای پارسی سره‌نثری.

پیکر حسین حزین در قبرستان قدیمی بروجرد (جهان‌آباد بروجرد) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حزین لاهیجی، محمدعلی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۸۱ -۱۱۰۳ ق)، ادیب، عارف و شاعر، متخلص به حزین و معروف به شیخ علی حزین. وی در اصفهان متولد شد. بعد از هجوم افاغنه در سال ۱۱۳۵ ق به اصفهان، از آن شهر فراری شد و سرگردان، تا اینکه در سال ۱۱۴۶ ق از ترس نادرشاه به هند رفت و تا آخر عمر حدود سی و پنج سال در هندوستان زندگی کرد و در سال ۱۱۸۱ ق در حدود هفتاد و هشت سالگی در بنارس درگذشت و در همان شهر دفن شد. او از احفاد شیخ زاهد گیلانی، عارف معروف، بوده است و خطوط را بسیار نیکو می‌نوشت و صاحب کمالات صوری و معنوی بود. او سرگذشت خود و حوادث و وقایع عصر خویش را با احوال و اوضاع سیاسی به قلم شیوایی نوشته است. حزین با اکثر علوم و فنون آشنایی کامل داشت. تالیفات متعددی در نظم و نثر به عربی و فارسی داشته که مهمترین آنها عبارت‌اند از: «تذکره‌ی شعرا»؛ «تاریخ حزین»؛ «دیوان» اشعار؛ «کلیات» شامل قصاید، قطعات و مثنویهای «صفیر دل»؛ «چمن و انجمن»؛ «مطمح الانظار»؛ «فرهنگنامه»؛ و «تذکارات العاشقین»، در برابر «لیلی و مجنون».[۱]

(ع. بخش ۱) (شیخ) محمدعلی بن ابوطالب لاهیجی اصفهانی (و. اصفهان ۱۱۰۳ ه.ق./ ۱۶۹۱ م.- ف. بنارس (هند) ۱۱۸۱ ه.ق./ ۱۷۶۷ م.). وی از اعقاب شیخ زاهد گیلانی است. اجدادش در لاهیجان سکونت داشتند و پدرش از آنجا به اصفهان رفت و محمدعلی در آن شهر تولد یافت، و در حمله افغانان از اصفهان بیرون شد، و پس از سفر در بلاد ایران و عراق و حجاز و یمن به هند شتافت و تا پایان عمر در آن ناحیه بود. حزین کتابی در احوال شاعران به نام «تذکره حزین» و سرگذشتی به نام «تاریخ حزین» دارد که هر دو حاوی اطلاعات سودمندست. حزین دیوان اشعار خود را در چهار قسمت مدون کرده، و آن مشتمل بر انواع مختلف شعر است سخن او متوسط و مقرون به سادگی و روانی و حد فاصلی است میان سبک شاعران قدیم و سبک هندی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۸۹/۷)، اعیان الشیعه (۶/۱۰)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۸۵ -۱۸۲ ،۹۴ -۹۳ /۴)، تاریخ ادبیات ایران، دوره‌ی بازگشت (۳۸۱ -۳۷۹ /۲)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۳۵۹ -۳۵۵ /۱)، تذکره المعاصرین (۸۲ -۴۲)، لغت نامه (ذیل/ حزین لاهیجی)، دایرةالمعارف فارسی (۸۴۳/۱)، الذریعه (۱۰۰۱- ۱۹۰ /۲۱ ،۲۳۵/۹ ،۳۵۶/۳)، ریاض العارفین (۶۸)، ریحانه (۴۲ -۴۱ /۲)، سبک شناسی (۳۰۶ -۳۰۵ /۳)، سرآمدان فرهنگ (۳۰۱/۱)، سفینه المحمود (۶۲۵ -۶۲۴ /۲)، سیری در شعر فارسی (۱۵۰ - ۱۴۸)، شاعری در هجوم منتقدان در شرح احوال و آثار حزین، شام غریبان (۸۷ -۸۶)، شخصیتهای نامی (۱۶۰ -۱۵۹)، شرح حال رجال (۲۲۹/۳)، طرائق الحقائق (۵۲۰/۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۸۱ -۱۸۰)، فرهنگ سخنوران (۲۵۲)، گنج سخن (۱۳۷ -۱۳۴ /۳)، مولفین کتب چاپی (۱۰۴ -۱۰۲ /۴)، مخزن الغرائب (۸۰۵-۸۰۱ /۱)، معجم المولفین (۱۹/۱۱)، نامها و نامدارهای گیلان (۳۹۷ -۳۹۶).

حزینی استرآبادی، حسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۳۹ ق)، شاعر، متخلص به حزین/ حزینی. وی از سادات استرآباد و مدتی قاضی شهر هرات بود و به شعر گفتن علاقه‌مند بود. ظاهرا شیعه مذهب بود، زیرا که عبداللّه خان ازبک، هنگام استیلای بر خراسان او را به جرم هواخواهی از صفویه کشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۷۹/۲)، تاریخ نظم و نثر (۶۷۴)، تحفه سامی (۵۲)، تذکره‌ی روز روشن (۱۹۹)، الذریعه (۲۳۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۵۲)، لغت نامه (ذیل/ حزینی استرآبادی)، مجالس النفائس (۷۸).

حزینی گنابادی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از غزلسرایان و بازرگانان خوب عصر خود بود. وی حزینی تخلص می‌کرد که برخی ب خطا حزنی نوشته‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۲۷۶/۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۲۶)، الذریعه (۲۳۶/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۵۳)، لغت نامه (ذیل/ حزینی گونابادی)، مجمع الخواص (۲۶۲).

حزینی گیلانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، نویسنده و شاعر شیعه. وی قصاید فراوانی در مدح امام علی (ع) سرود. در «مآثر رحیمی» از شخصی به نام حزینی که به هندوستان رفته و با تاریخ نیز مانوس بوده، سخن رفته است و احتمال اینکه با صاحب عنوان یکی باشد، بسیار است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۳۲)، الذریعه (۲۳۶/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۵۳)، کاروان هند (۳۲۲-۳۲۱ /۱)، لغت نامه (ذیل/ حزین گیلانی)، مآثر رحیمی (۱۱۹۹ -۱۱۹۵ /۴)، مجمع الخواص (۲۹۰).

حزینی یزدی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی بازرگان بود و غزل را نیز نیکو می‌سرود. از اوست:

در اثنای تغافل از نگاه خشم آلودش

چو آن صیدم که صیاد از غم کشد زودش

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۲۷۶/۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۳)، تذکره سخنوران یزد (۱۱۶ -۱۱۵)، الذریعه (۲۳۶/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۵۳)، لغت نامه (ذیل/ حزینی)، مجمع الخواص (۸۹ -۸۸).

حسابی نطنزی، سلمان

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر و موسیقیدان. از نجیب‌زادگان نطنز بود که در اصفهان سکونت داشت و مدتی نیز در قزوین از نزدیکان محمد قاسم مستوفی، از اعیان دربار شاه طهماسب، بود. حسابی مردی دانشمند، هنرمند و عارف مشرب بود و در موسیقی مهارت کامل داشت، ترانه‌ها و تصنیفهای او بر سر زبانها بود. وی در سرودن غزل نیز شاعر زبردستی به شمار می‌رفت و قطعه‌ای در تاریخ رحلت شاه طهماسب سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۴۱ -۹۴۰ /۳)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۸۸/۴)، تایخ ادبیات در ایران (۵۲۶، ۵۲۵ /۵)، تاریخ موسیقی (۳۲۳ -۳۲۲ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۴۶۰)، تاریخ هنرهای ملی (۸۶۵/۲)، الذریعه (۲۳۶/۹)، صبح گلشن (۱۲۰ -۱۱۹)، عالم آرای عباسی (۱۸۵/۱)، فرهنگ سخنوران (۲۵۳)، لغت نامه (ذیل/ حسابی نطنزی)، مجمع الخواص (۱۶۲ -۱۶۱)، مخزن الغرائب (۷۵۱ -۷۴۷ /۱)، نشتر عشق (۴۴۵ -۴۴۴ /۲)، هفت اقلیم (۴۴۱ -۴۳۹ /۲).

حسابی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۳ -۱۲۸۱ ش)، فیزیکدان و استاد دانشگاه. در تهران متولد شد. در سال ۱۲۸۶ ش به بیروت عزیمت کرد و تحصیلات خود را تا سال ۱۲۹۷ ش در مدارس شبانه‌روزی فرانسویها و سپس آمریکاییها گذراند و به دریافت درجه‌ی کارشناسی نایل شد، سپس در رشته‌ی مهندسی راه فارغ‌التحصیل شد. وی برای ادامه‌ی تحصیل به فرانسه رفت، ابتدا در رشته‌ی برق، در مدرسه‌ی عالی الکتریسیته تحصیل کرد، پس از آن از دانشگاه سوربن بـه اخـذ درجه‌ی دکتری فیزیک نایل شد. سپس به ایران آمد و به خدمات مهمی پرداخت، از جلمه: تاسیس دارالمعلمین عالی، ایجاد اولین ایستگاه هواشناسی، نصب و راه‌اندازی اولین دستگاه رادیولوژی در ایران، واژه گزینی علمی، نوشتن قانون دانشگاه و تاسیس دانشگاه تهران، تاسیس دانشکده‌ی علوم و ریاست آن، پایه‌گذاری مدارس عشایری، تاسیس اولین رصد خانه‌ی تعقیب ماهواره در شیراز، شرکت در پایه‌گذار مرکز مخابرات اسدآباد همدان، تصدی وزارت فرهنگ در دولت مصدق، تعیین ساعت ایران، پایه‌گذاری موسسه‌ی ژئوفیزیک دانشگاه تهران، تاسیس مرکز اتمی، پایه‌گذاری

مرکز تحقیقات و رآکتور اتمی دانشگاه تهران در زمان ریاست دانشکده‌ی علوم. حسابی استاد ممتاز دانشگاه تهران و مرد سال از سوی انستیتوی زیست نگاری بین‌المللی در سال ۱۳۶۹ ش بود. وی علاوه بر تحقیق و انتشار مقاله و کتابهای علمی در دوره‌های اول تا سوم مجلس سنا، نماینده‌ی انتصابی شهر تهران بود. در تهران درگذشت. در تفرش دفن شد. برخی از آثار وی: «دارالفنون آمریکایی بیروت»؛ «نامهای ایرانی»؛ «دیدگانی فیزیکی»؛ کتابی در «الکترودینامیک»؛ «نگره کاهنربایی»؛ کتاب «دیدگان گوانتیک»؛ کتاب «فیزیک حالت جامد»؛ کتاب «وندها و گهواژه‌های فارسی»؛ «فیزیک دوره‌ی اول متوسطه».[۱]

متولد ۱۲۸۲، فرزند معزالسلطان است. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در مدارس فرانسوی و آمریکائی بیروت به اتمام رسانید و از دانشکده‌ی آمریکائی بیروت در رشته‌ی ریاضیات فارغ‌التحصیل گردید. مدتی در پاریس و شیکاگو ادامه‌ی تحصیل داد و درجه‌ی مهندسی راه و ساختمان و دکترای فیزیک دریافت کرد. در آمریکا مدتی دستیار اینشتین ریاضیدان و فیزیکدان معروف بود و رابطه‌ی خود را تا آخر عمر او حفظ کرد. پس از مراجعت به ایران، به استادی دانشگاه جدیدالولاده‌ی تهران برگزیده شد و تدریجاً به معاونت و ریاست دانشکده‌ی علوم رسید. مدتی هم ریاست دانشکده‌ی فنی تهران با او بود. در ۱۳۳۰ در کابینه‌ی دکتر محمد مصدق به وزارت فرهنگ منصوب شد، ولی دوران وزارت او طولانی نبود. مجدداً به دانشگاه بازگشت و به تدریس پرداخت. در انتخابات دوره‌ی اول سنا که در ۱۳۲۸ انجام یافت، سناتور انتصابی تهران شد. او از رجال دانشمند و از فیزیکدانان خوب ایران است. علاوه بر این، در مجامع بین‌المللی نیز شهرت داشته است. او در فارسی‌نویسی سلیقه‌ی خاصی دارد و نظریات خود را در این باره نوشته است. در زمینه‌ی فیزیک تألیفاتی دارد که در دانشگاه تدریس می‌شد. خیابان و چهارراه حسابی در شمیران به نام او نامگذاری شده است. در ۱۳۷۱ درگذشت.

محقق، فیزیکدان.

تولد: ۱۲۸۱، تهران.

درگذشت: ۱۲ شهریور ۱۳۷۱، ژنو.

محمود حسابی، فرزند عباس معزالسلطنه اهل تفرش، در سن چهار سالگی که سفارت ایران در بغداد به پدربزرگ ایشان واگذار شده بود به همراه خانواده به آن شهر رفت. پس از دو سال اقامت در بغداد به همراه خانواده به دمشق رفت و پس از یک سال به شهر بیروت عزیمت نمود. در سن هفت سالگی در مدرسه‌ی فرانسوی در بیروت به طور شبانه‌روزی مشغول تحصیل شد.

محمود حسابی تحصیلات ابتدایی را در همان مدرسه به پایان رسانید. با آغاز دوره‌ی متوسطه که مقارن با شروع جنگ جهانی اول بود مدرسه‌ی فرانسویان در بیروت تعطیل شد و از آن پس در منزل از یک معلم خصوصی درس گرفت و از مادر زبان فارسی آموخت و از جمله قرآن، گلستان و بوستان سعدی و غزلیات حافظ و منشأت قائم مقام فراهانی را مطالعه نمود. وی پس از دو سال برای ادامه‌ی تحصیل به مدرسه‌ی آمریکایی بیروت وارد شد. ابتدا به دلیل عدم آشنایی به زبان انگلیسی وی را در کلاس اول ابتدایی ثبت نام کردند ولی در آخر سال تحصیلی زبان انگلیسی را به خوبی فراگرفت و در امتحانات عمومی مدرسه شرکت و مربیانش پذیرفتند که به کلاس پنجم ارتقا یابد. پس از آن در کالج آمریکایی بیروت ثبت نام کرد. وی موفق شد که پس از اتمام کالج تحصیلات عالی خود را شروع کند. در سال ۱۲۹۹ لیسانس علوم و ادبیات خود را از آنجا دریافت کرد. سپس در دانشکده‌ی مهندسی بیروت به تحصیل مشغول شد و مدرک مهندسی راه و ساختمان خود را از آن مدرسه در سال ۱۳۰۱ دریافت کرد. وی همچنین به تحصیل علوم پزشکی و نجوم و ریاضی در دانشگاه آمریکایی بیروت پرداخت و در رشته‌های زیست‌شناسی و برق به تحصیل مشغول شد. وی سپس در سال ۱۳۰۵ در مدرسه‌ی عالی معدن در پاریس مدرک خود را دریافت و در سال ۱۳۰۶ دکترای فیزیک خود را از دانشگاه سربن پاریس اخذ نمود. از جمله فعالیت‌های وی پیش از آن که به ایران باز گردد، میتوان به این موارد اشاره کرد: تعیین نقشه‌ی راه‌های لبنان، ۱۹۲۱ م.؛ انجام وظیفه به عنوان مهندس راه و ساختمان در اداره‌ی راه سوریه، ۱۳۰۲؛ مهندسی برق در راه‌آهن برقی دولتی فرانسه، ۱۳۰۴. دکتری حسابی در سال ۱۳۰۶ به ایران بازگشت و در ابتدا در وزارت فواید عامه از دی ماه همان سال استخدام گردید. از جمله‌ی فعالیتهای وی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: تأسیس مدرسه‌ی مهندسی وزارت راه و تدریس در آن در سال ۱۳۰۷؛ نقشه‌کشی و نقشه‌برداری راه‌های ساحلی ایران میان بنادر خلیج فارس از بوشهر تا بندر لنگه در سال ۱۳۰۷؛ تأسیس دارالمعلمین عالی (دانشسرای عالی) (۱۳۰۷)؛ ایجاد اولین ایستگاه هواشناسی (۱۳۱۰)؛ تأسیس اولین بیمارستان خصوصی ایران (گوهرشاد)، ۱۳۱۲؛ تهیه‌ی نقشه راه تهران به شمشک؛ نصب و راه اندازی اولین دستگاه رادیولوژی کشور (۱۳۱۰)؛ شروع واژه‌گزینی علمی (۱۳۱۲)؛ تأسیس و همکاری در قانونگذاری دانشگاه تهران (۱۳۱۳)؛ تأسیس دانشکده‌ی فنی (۱۳۱۳)؛ و به عهده‌گیری ریاست آن تا سال ۱۳۱۵ و تدریس آن را به عهده گرفت و به تدریس فیزیک در آن پرداخت)؛ تأسیس نخستین رصدخانه برای پی‌گیری اطلاعات ارسالی از ماهواره‌ها در شیراز؛ تعیین ساعت ایران؛ تأسیس مؤسسه‌ی ژئوفیزیک دانشگاه تهران؛ تأسیس مرکز اتمی ایران؛ پایه‌گذاری اولین مدارس عشایری، کردستان، ۱۳۳۰؛ اولین رییس هئیت مدیره‌ی خلع ید از شرکت نفت انگلیس در دوران نخست وزیری دکتر محمد مصدق؛ مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران؛ وزیر فرهنگ در دولت دکتر محمد مصدق؛ تدریس در دانشگاه تا سن نود سالگی؛ عضو دائمی شورای اتمی شیکاگو؛ عضو آکادمی علوم نیویورک؛ عضو پیوسته شورای دانشگاه؛ عضو شورای عالی فرهنگ؛ عضو انجمن اصطلاحات علمی؛ رییس انجمن پژوهش فضای ایران (هنگام تشکیل آن)؛ رییس انجمن ژئوفیزیک ایران (هنگام تشکیل آن) پایه‌گذاری انجمن موسیقی ایران، تشکیل فرهنگستان زبان ایران؛ تدوین قانون و تشکیل مؤسسه‌ی استاندار؛ تحقیق و مطالعات علمی در دانشگاه‌های جهان در کنار دانشمندانی نظیر پروفسور انیشتن، شرودینگر، بورن، فرمی و چند فیزیکدان دیگر و تبادل نظر با برتراند راسل و آندره ژید. وی تنها ایرانی شاگرد پروفسور آلبرت انیشتن بود و با زبان‌های فرانسوی، انگلیسی، آلمانی و عربی آشنایی و نسبت به زبان‌های سانسکریت، یونانی، لاتین، پهلوی، اوستا، ترکی و ایتالیایی اشراف داشت، علاوه بر نگارش مقاله‌ها و رساله‌هایی و قرائت برخی از آنها در کنفرانس‌های بین‌المللی، از جمله تألیفات وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: حساسیت سلول‌های فتوالکتریک؛ رساله‌ی راه ما به زبان فرانسوی، ۱۹۳۵ م.؛ نام‌های ایرانی (۱۳۲۹)؛ فیزیک جدید و فلسفه ایران باستان (۱۳۴۳)؛ توانایی زبان فارسی (۱۳۵۰)؛ کتاب فیزیک دوره‌ی اول متوسطه

(۱۳۱۸)؛ دیدگانی فیزیک (مبحث تداخل و پراش نور، گردآورنده نیره حمزه و مهدی خاتمی، جلد اول، ۱۳۴۱، نشریه‌ی ۷۲۴ دانشگاه)؛ الکترودینامیک، فیزیک، نگره‌ی کاهنربایی؛ فیزیک حالت جامد؛ دیگانی کوانتیک؛ دارالفنون امریکایی بیروت (بیروت، ۱۲۹۴، م.).

در سال ۱۳۶۶ در کنگره‌ی شصت سال فیزك ایران از خدمات دکتر حسابی به عنوان «پدر فیزیك نوین ایران» قدردانی شد، جوایز دیگر استاد عبارتند از: استاد ممتاز دانشگاه تهران، ۱۳۵۰، دریافت نشان افتخار «کومان دو لژیون دونور»، بالاترین نشان علمی فرانسه، به مناسبت ارائه‌ی فرضیه بی‌نهایت بودن ذرات، نامزدی دکتر حسابی به عنوان مرد سال از سوی مؤسسه‌ی زیست نگاری بین‌المللی (آمریکا).

پروفسور محمود حسابی در ۱۲ شهریور سال ۱۳۷۱ هنگام معالجه‌ی بیماری قلب در بیمارستان دانشگاه ژنو بدرود حیات گفت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۹۰ -۸۸ /۳)، کیهان فرهنگی (س ۴، ش ۷، ص ۱۵ -۴)، مولفین کتب چاپی (۲۴ -۲۳ /۶)، میراث ماندگار (۳ و ۹۸ -۸۳ /۴).

حسام الواعظین، محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج میرزا محمد علی علاقبند بن ملا اسماعیل بن علی بن جعفر بن حسن اصفهانی. واعظ جلیل، و فاضل محدث خبیر، ادیب شاعر و خطاط، از خطبای طراز اول اصفهان بلکه ایران به شمار می‌رفت.

در ۱۳۰۱ متولد، و در شب جمعه ۱۳ ربیع الاول سال ۱۳۸۱ وفات یافته، در یکی از اطاق‌های تکیه‌ی سید العراقین مدفون گردید.

در اصفهان خدمت: آقا سید محمود کلیشادی، و ملا محمد حسین کرمانی، و آقا سید محمد باقر درچه‌ای تحصیل نمود. سال‌ها در طهران ساکن، و به وسیله‌ی شمس العرفا در سلسله‌ی فقر [!] وارد شده و به تصفیه‌ی نفس پرداخته، سپس به اصفهان مراجعت نموده و به وعظ و ارشاد پرداخته، الحق واعظی شیرین بیان، و محدثی طلیق اللسان بود. شعر خوب می‌سرود، و خط نستعلیق را در نهایت استادی می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حسامی قراکولی، درویش

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۲۳ /۹۲۲ ق)، صوفی و شاعر. اصلا اهل خوارزم بود و در قراکول بخارا می‌زیست. وی مردی وارسته بود و مرید خواجه عبیداللّٰه احرار. حسامی از بهترین شعرای ماوراءالنهر محسوب شد و غزل را نیکو می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۱۸)، تحفه سامی (۲۲۱ -۲۲۰)، تذکره‌ی روز روشن (۲۰۰ -۱۹۹، ۱۹۲)، الذریعه (۲۳۷/۹)، ریاض العارفین (۱۸۷ -۱۸۶)، فرهنگ سخنوران (۲۰۴)، لغت نامه (ذیل/ حسامی قراکولی)، هفت اقلیم (۳۳۱/۳).

حسامی، فاضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل حسامی

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۸/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب فاضل حسامی فرزند عباس متولد ۱۳۴۱ آبادان تحصیل دروس حوزوی تا خارج فقه نزد اساتید بزرگواری چون حضرات حجج اسلام آقایان اسلامی . نواب ، خسرو شاهی، رجائی ، موسوی تهرانی ، و صالحی افغانی و نیز حضرات آیات آقایان وجدانی فخر (ره) پایانی ، ستوده ، بهبودی ، مومن ، مظاهری ، مکارم شیرازی و خاتم یزدی .تحصیل در زمینه الهیات و معارف اسلامی از سال ۱۳۶۵ تا پایان آن دوره در موسسه در راه حق قم. در سال ۱۳۶۹ برای ادامه تحصیل در رشته جامعه شناسی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی که در آن زمان بنیاد فرهنگی باقرالعلوم(ع) نام داشت ، پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۷ در مقطع کارشناسی ارشد در رشته جامعه شناسی فارغ التحصیل شدم .به دلیل علایق حوزوی ، موضوع پایان نامه صبغه جامعه شناسی فقه و نیز جامعه

شناسی دین به خود گرفت .همزمان با تحصیل و در ادامه آن مسئولیت های اجرائی نیز عهده دار بودم که می توان مدیریت تحصیلات تکمیلی ، دبیری گروه جامعه شناسی ، مدیریت مالی ، معاونت اداری - مالی و نیز دبیر کلی انجمن فارغ التحصیلان موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) را نام برد

حسبی اصفهانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از نوادر روزگار خود بود که هم در فن انشاء توانایی داشت و هم در سرودن شعر اعم از جد و هزل استاد بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۲۷۵)، الذریعه (۲۰۷/۹).

حسرت اصفهانی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی ملازم شاهزاده محمدرضا میرزا، حکمران گیلان بود، مدتی نیز به مرتبه وزارت رسید. حسرت در سرودن شعر توانا بود. از اوست:

ما در رهش ز پای فتادیم و دیگرند

آنانکه گفته‌اند به منزل رسیده‌ایم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۳۸/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۵۵)، لغت نامه (ذیل/ حسرت اصفهانی)، مجمع الفصحا (۲۰۸/۴)، مصطبه‌ی خراب (۴۴).

حسرت سنندجی، تقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی از ابتدای عمر مشغول تحصیل علم و کمال شد و پس از آن به لباس فقر درآمد و مشغول سیاحت شد. حسرت در استانبول مدح سلطان روم را گرفت و سی هزار درم صله گرفت و از آنجا به عزم وطن مراجعت کرد و در تفلیس از دنیا رفت. وصیت کرد که وی را در مقبره‌ی اهل اسلام دفن نکنند زیرا از ارواح ایشان شرمسار است. «دیوان» وی بیش از هفت هزار بیت است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۴۳۳ - ۴۳۰ /۱)، فرهنگ سخنوران (۲۵۵).

حسرت شیرازی، باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۳ -۱۲۵۳ ق)، نقاش و شاعر، متخلص به حسرت. در شیراز به دنیا آمد. پس از تحصیلات مقدمات، به فراگیری ادبیات فارسی و عربی و حکمت الهی و نقاشی و مجسمه‌سازی پرداخت و در اندک زمانی مهارت پیدا کرد. وی در زمان ناصرالدین شاه به تهران رفت و پس از آنکه تصویر جنگ رستم و افراسیاب را به نقش در آورد، مورد توجه شاه قرار گرفت. به پیشنهاد ناصرالدین‌شاه تخلص غازی را برای خود برگزید و به همین مناسبت بعضی از اشعار وی با این تخلص سروده شده است. او سپس به شیراز بازگشت و همان جا درگذشت و در دارالسلام شیراز دفن شد. فرصت شیرازی، صاحب «آثار عجم» در نقاشی، از شاگردان وی بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۴۸)، احوال و آثار نقاشان (۹۵/۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۴۵ -۲۴۳ /۲)، فرهنگ سخنوران (۲۵۵)، گلستان هنر (پنجاه و دو)، مرآت الفصاحه (۱۵۷ -۱۵۶).

حسرتی کاشانی، مظفرالدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. معاصر تقی کاشی بود و از شاگردان محتشم کاشانی. حسرتی در سرودن قصیده توانایی بسیاری داشت. از اوست:

یا رب شرری به خرمن او نرسد

دست هوسی به گردن او نرسد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۳۹ -۲۳۸ /۹)، صبح گلشن (۱۲۱ -۱۲۰)، لغت نامه (ذیل/ حسرتی کاشی).

حسن اصفهانی، حسنعلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به حسن. از بزرگان شهر اصفهان بود که بیشتر به کسب دانش اشتغال داشت و بیشتر ایام عمر را در اصفهان سپری کرد. میرزا حسنعلی در سرودن شعر توانا بود. از اوست:

عیب خود در پی آیینه نهان داشته‌ای

تو که آیینه به عیب دیگران داشته‌ای

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۲۰۰)، جامع مفیدی (۱۸۹ -۱۸۸ /۳)، الذریعه (۲۴۱/۹)، لغت نامه (ذیل/ حسن اصفهانی).

حسن آبادی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین حسن آبادی دارای دکترای رشته مهندسی برق عضویت هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد با درجه دانشیار باشد.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی برقمشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسین حسن آبادی عضوهیئت علمی و دانشیار گروه مهندسی برق در دانشکده فنی مهندسی در دانشگاه فردوسی مشهد است.فعالیتهای آموزشی : حسین حسن آبادی سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه مهندسی برق در دانشکده فنی مهندسی فردوسی مشهد به تدریس دروس تخصصی رشته مهندسی برق می پردازد.a

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

حسن بگی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی حسن بگی

محل تولد : اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای علی حسن بگی در سال ۱۳۴۸ در شهر علم و صنعت، در خانواده‌ای مذهبی، دوستدار اهل بیت علیهم السلام قدم به عرصه گیتی گذاشت، دوران تحصیلات متوسطه را با موفقیت به پایان رساند که در کنار تحصیلات متوسطه از شرکت در جلسات مذهبی و هیئتها را غافل نماند و با عشق هرچه تمامتر به خدمت گذاری و تبلیغ در امر دین پرداخت. لذا با این مقدمه و شوق فراوان به فراگیری علوم دینی سبب شد در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه اراک گردید پس از مدتی شوق ادامه تحصیل بیشتر او را به قم کشاند و پس از اتمام موفقیت آمیز دروس سطح در سال ۱۳۷۰ در پای درس اساتید بزرگی چون آیت الله مکارم و وحید خراسانی حاضر گشت و از محضر این بزرگان کسب فیض کرد. در کنار تحصیل به تدریس دروس دینی در حوزه علمیه قم و اراک مشغول تدریس شد و طلاب فراوانی از تدریس ایشان بهره های علمی بردند.

حسن پور، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم حسن پور

محل تولد : گناباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای ابوالقاسم حسن پور در سال ۱۳۳۶هجری شمسی در خانواده ای متدین و کاملا مذهبی در شهرستان گناباد دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی تشویق خانواده و اطرافیان و علاقه خود به فراگیری علوم دینی وارد حوزه علمیه گناباد گردید از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد اما شوق زاید الوصف او به تحصیل او را به مشهد مقدس کشاند و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) از درس بزرگان آن دیار همچون آیت الله مرتضوی، آیت الله صالحی و آیت الله رضا زاده بهره ها برد.استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته علوم قرآنی در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۹از دانشگاه رضوی فارغ التحصیل گردید و پایان نامه خود را با عنوان "کمال انسان در قرآن "به اتمام رسانید. ایشان ضمن تبلیغ و تدریس، به امر تحقیق و پژوهش هم مشغول می باشد و در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که مقالات" المعجم فی لغت القرآن "و" اهل البیت فی القرآن الکریم "و... از جمله آثار ایشان است.

حسن زاده آملی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والعلم الاعلام آقا شیخ حسن حسن زاده آملی متولد ۱۳۰۷ شمسی از افاضل ممتاز حوزه علمیه صاحب تقویم رسمی و تألیفات ارزنده است. تولدش در آمل واقع شده و در مهد علم و تقوا تربیت یافته و دروس مقدماتی را تا متوسطه خوانده و بدروس علمیه عربی پرداخته و سپس بتهران عزیمت نموده و از اساتید بزرگ تهران چون مرحوم آیه‌الله آملی و آیه‌الله شعرانی و آیه‌الله حاج میرزا احمد آشتیانی و آیه‌الله حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و دیگران در رشته‌های علوم عقلی و نقلی استفاده نموده آنگاه بقم مهاجرت و رحل اقامت افکنده و از محضر آیات عظام حوزه علمیه چون آیه‌الله آملی حاج میرزا هاشم و دیگران بهره‌مند گردیده و در مدرسه علمیه سعادت بتدریس فقه و اصول اشتغال دارد.

دارای تألیفات عدیده‌ای مانند تقویم حسن زاده و ۵ جلد شرح نهج‌البلاغه مرحوم میرزا حبیب‌الله هاشمی خوئی از جلد ۱۵ تا جلد ۱۹ میباشد. و کتابی در ولایت و غیره دارند که ۱۵ مجلد آن بطبع رسیده و بقیه آماده برای طبع میباشد.

مرحوم آیه‌الله حاج میرزا ابوالحسن شعرانی تقریظ مفصلی برای شرح ایشان مرقوم که در اول جلد ۱۵ شرح نهج‌البلاغه خوئی مذکور میباشد و در آخر جلد ۱۴ شرح مزبور درباره‌ی معظم له چنین نوشته‌اند:

(ثم ان حضره الفاضل الادیب العالم الاریب الجامع بین العلوم العقلیه والنقلیه والحائز للملکه العلمیه والعملیه الشیخ المؤتمن الشیخ حسن الاملی ضاعف‌الله قدره و اجزل اجر له تصدی لشرح باقی کتاب نهج‌البلاغه و هوالحری به والمتوقع منه و هو کما قال بعض الانصار کما قیل عذیقها المرجب و جذیلها المحکل فقد جربته سنوات عند قرائه مختلف العلوم علی حاز الرتبه القصوی و فاز بالقدح المعلی و نرجو من‌الله له التوفیق و لنا.

العبد ابوالحسن الشعرانی

تألیفات و تصحیحات

آثار عرفانی و اخلاقی

لقاء الله

وحدت از دیدگاه عارف و حکیم

انه الحق

ولایت تکوینی

عرفان و حکمت متعالیه

الهی نامه متن الهی نامه

انسان در عرف عرفان

کلمه علیا در توقیفیت اسماء

اصول و امّهات حکمی و عرفانی
تصحیح رساله مکاتبات
تصحیح و تعلیق تمهید القواعد
تصحیح . تعلیق شرح فصوص قیصری
تصحیح و تحشیه رساله تحفة الملوک فی السیر و السلوک
مفاتیح المخازن
شرح فصوص الحکم
مشکاة القدس علی مصباح الأنس
شرح طایفه ای از اشعار و غزلیات حافظ
نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور
باب رحمت
نامه ها برنامه ها
قرآن و عرفان و برهان از هم جدایی ندارند
آثار فلسفی و منطقی
اتحاد عاقل به معقول
نصوص الحکم بر فصوص الحکم
رساله جعل
صد کلمه
تصحیح اسفار اربعه
تصحیح و تعلیق کتاب نفس شفاء
رساله ای در تضاد
رساله ای در اثبات عالم مثال
رساله ای در حرکت جوهری
ممدّ الهِمَم فی شرح فصوص الحِکَم
رساله نفس الأمر
نهج الولایه
درر القلائد علی غررِ الفَرائد
النور المتَجَلّی فی الظّهور الظِّلّی
مفاتیح الاَسرار لسلّاک الأسفار
سرح العیون فی شرح العیون
گشتی در حرکت
الحجج البالغة علی تجرد النفس الناطقة
گنجینه گوهر روان
رساله ای در اثبات عالم مثال
رساله مُثُل
تصحیح و تعلیق شرح اشارات
ترجمه و شرح سه نمط آخر اشارات
تصحیح و تعلیق شفا
ترجمه و تعلیقِ الجمع بین الرَّأیَین
رساله اعتقادات
الأصول الحکمیّة
رساله رؤیا
من کیستم
رسالة فی التضاد
دروس معرفت نفس
نثر الدراری علی نظم اللئالی
آثار فقهی
رساله ای در مسائل متفرقه فقهی
تعلیقات علی العروة الوثقی فی الفقه
وجیزه ای در مناسک حج
آثار تفسیری
تصحیح خلاصة المنهج

انسان و قرآن

آثار کلامی

خیر الأثر در رد جبر و قدر

تقدیم و تصحیح و تعلیق رساله قضا و قدر محمد دهدار

لیلةالقدر و فاطمه علیها السلام

رسالة فی الإمامة

رساله ای در کسب کلامی

فصل الخطاب فی عدم تحریف کتاب ربّ الأرباب

رسالة حول الرؤیا

آثار روایی

تصحیح نهج البلاغه

تصحیح سه کتاب (ابی الجعد ، نثر اللئالی ، طب الأئمّة)

تکملة منهاج البراعة

مصادر و مأاخذ نهج البلاغه

انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه

شرح چهل حدیث در معرفت نفس

رساله ای در اربعین

آثار ریاضی و هیوی

دروس معرفة الوقت و القبلة

رساله کلّ فی فلک یسبحون

رساله ای در تناهی ابعاد

تصحیح کتاب الإستیعاب فی صنعة الأصطرلاب للبیرونی

تعیین سمت قبله مدینه

الصحیفة العسجدیّة فی آلاتٍ رصدیّة

الکوکب الدرّی فی مطلع التّاریخ الهجری

رساله سی فصل

تعلیق تحفة الأجِلّة فی معرفة القبلة

رساله قطب نما و قبله نما

تعلیقه بر رساله مولا مظفر

رساله میل کلّی

رساله ظِلّ

رساله تکسیر دایره

تصحیح کتاب المناظر فی کیفیّة الابصار

رساله ای در اختلاف منظر و انکسار نور

رسالة فی تعیین البُعد بین المرکزین و الأوج

رسالة فی الصّبح و الشّفق

رساله ای پیرامون فنون ریاضی

رساله ای در مطالب ریاضی

دروس هیأت و دیگر رشته های ریاضی

تصحیح و تعلیق شرح جغمینی

تصحیح و تعلیق تحریر اصول اقلیدس

تصحیح و تعلیق اُکرِ مانالاؤس

تصحیح و تعلیق تحریر اُکَرِ ثاوذوسیوس

شرح زیج بهادری

تصحیح و تعلیق شرح بیرجندی بر زیج الغ بیک

تصحیح و تعلیق شرح بیرجندی بربیست باب

تصحیح و تعلیق تحریر مجسطی

استخراج جداول تقویم

تصحیح و تعلیق الدّرّ المَکنون و الجوهر المَصون

دروس معرفت اوفاق

شرح قصیده کُنوز الأسماء آثار ادبی

تقدیم و تصحیح و تعلیق نصاب الصِّبیان

تصحیح کلیله و دمنه

تصحیح و اعراب اصول کافی

دیوان اشعار

قصیده یَنبوع الحیاهٔ

مصادر اشعار دیوان منصوب به امیر المؤمنین

تعلیقه بر باب توحید حدیقهٔ الحقیقهٔ

تصحیح گلستان سعدی

تعلیقه بر قسمت معانی مطوَّل

امثال طبری

آثار متفرقه

تقدیم و تصحیح و تعلیق خزائن

هزار و یک نکته

هزار و یک کلمه

مجموعه مقالات

ده رساله فارسی

کشیکل

مصاحبات مناجات علامه حسن زاده

– الهی، تا تو لبیک نگویی من کجا الهی گویم؟

– الهی، همه گویند: بده و حسن گوید: بگیر

– الهی، همه از تو دوا خواهند و حسن از تو درد

– الهی، همه، حیوانات را در کوه و جنگل می بینند و حسن در شهر و ده

– الهی، عمری آه در بساط نداشتم و اینک جز آه در بساط ندارم

– الهی، شکرت که دنیایم آخرتم شد

– الهی، من در ذات خود متحیرم چه رسد به ذات تو

– الهی، شیدایی جانان را با حور و غلامان چه کار

– الهی، روزم را چون شبم روحانی بگردان و شبم را چون روز نورانی

– الهی، در جوانی شکستم که پیری، خود شکستگی است

– الهی، آن که تو را دوست دارد، چگونه با خلق ات مهربان نیست؟

– الهی، اگر من بنده تو نیستم، تو که مولای من هستی!

– الهی، گرگ و پلنگ را می توان رام کرد با نفس سرکش چه کنم؟

– الهی، اگر ستارالعیوب نبودی، ما از رسوایی چه می کردیم؟!

– الهی، قربان لب و دهانم بروم که به ذکر تو گویایند

توصیه‌هایی از علامه حسن‌زاده آملی

دهان روح و تن

انسان دو دهان دارد: یکی گوش که دهان روح او است و دیگر دهان که دهان تن او است. این دو دهان خیلی محترم‌اند. انسان باید خیلی مواظب آن‌ها باشد. یعنی باید صادرات و واردات این دهنها را خیلی مراقب باشد. آن‌هایی که هرزه خوراک می‌شوند، هرزه کار می‌گردند. کسانی که هرزه شنو می‌شوند، هرزه گو می‌گردند. وقتی واردات انسان هرزه شد، صادرات او هم هرزه و پلید و کثیف می‌شود. یعنی قلم او هرزه و نوشته‌هایش زهرآگین خواهد داشت. حضرت وصی، امیرالمؤمنین، علیه السلام فرمود: عمل نبات است و هیچ نبات از آب بی‌نیاز نیست و آب‌ها گوناگون‌اند. هر آبی که پاک است، آن نبات هم پاک و میوه‌اش شیرین خواهد بود ;و هر آبی که پلید است، آن نبات هم پلید و میوه او تلخ است.* خود عمل، حاکی است که از چه آبی روییده شده است. وقت اندک و کار بسیار

بدان که باید تخم و ریشه سعادت را در این نشأ، در مزرعه دلت‌بکاری و غرس کنی. این‌جا را دریاب، این‌جا جای تجارت و کسب و کار است ;و وقت هم خیلی کم است. وقت‌خیلی کم است و ابد در پیش داریم. این جمله را از امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کنم، فرمود: «ردوهم ورود الهیم العطاش ;» یعنی شتران تشنه را می‌بینید که وقتی چشمشان به نهر آب افتاد چگونه می کوشند و می‌شتابند و از یکدیگر سبقت می گیرند که خودشان را به نهر آب برسانند، شما هم با قرآن و عترت پیغمبر و جوامع روایی که گنج‌های رحمان‌اند این چنین باشید. بیایید به سوی این منبع آب حیات که قرآن و عترت است. وقت‌خیلی کم است و ما خیلی کار داریم. امروز و فردا نکنید. امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر پرده برداشته شود و شما آن سوی را ببینید، خواهید دید اکثر مردم به علت تسویف، به کیفر اعمال بد این‌جای خودشان مبتلا شده‌اند .» تسویف یعنی سوف سوف کردن، یعنی امروز و فردا کردن، بهار و تابستان کردن، امسال و سال دیگر کردن. وقت نیست، و باید به جد بکوشیم تا خودمان را درست‌بسازیم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

حسن زاده، رمضان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر رمضان حسن زاده تحصیلات عالیه خود را با قبولی در دوره کارشناسی رشته روان شناسی بالینی از دانشگاه علامه طباطبایی تهران آغاز کرد و کارشناسی ارشد در رشته روان شناسی تربیتی از دانشگاه تربیت معلم تهران و دکترای تخصصی(PhD) رشته روان شناسی ازدانشگاه آزاد اسلامی به پایان رسانید. حسن زاده در سمت های مختلف فعالیت خود را با دانشگاه آزاد اسلامی ساری آغاز کرد و از ایشان بارها به عنوان پژوهشگربرگزیده و برتر دانشگاه آزاد اسلامی ساری تقدیر به عمل آمد. با تدریس در دانشگاه های داخلی و عضویت در کمیته علمی همایش ها و کنفرانس ،شرکت در سخنرانی های علمی و تخصصی و ارائه مقالات متعدد به این همایشها از فعالیتهای وی می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : ۱- کارشناسی(لیسانس) رشته روان شناسی بالینی از دانشگاه علامه طباطبایی تهران، سال ۱۳۶۹. ۲- کارشناسی ارشد(فوق لیسانس) رشته روان شناسی تربیتی ،گرایش آمار وروش تحقیق، از دانشگاه تربیت معلم تهران، سال ۱۳۷۳. ۳- دکترای تخصصی(PhD) رشته روان شناسی ازدانشگاه آزاد اسلامی،واحد علوم و تحقیقات، سال ۱۳۷۸. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ۱-قائم مقام حوزه معاونت پژوهشی، دانشگاه آزاد اسلامی ساری،۱۳۷۶ تا۱۳۷۸. ۲- معاون پژوهشی ، دانشگاه آزاد اسلامی ساری،۱۳۷۸تا ۱۳۸۲. ۳- مدیر گروه مدیریت آموزشی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی ساری، ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۱. ۴- مدیر گروه مدیریت آموزشی کارشناسی ، دانشگاه آزاد اسلامی ساری، ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵. ۵- مدیر گروه روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی ساری، ۱۳۸۵تا۱۳۸۶. ۶-عضو شوای پژوهشی ، دانشگاه آزاد اسلامی ساری، ۱۳۷۶ادامه دارد. ۷- عضو شوای تحصیلات تکمیلی ، دانشگاه آزاد اسلامی ساری، ۱۳۷۶ادامه دارد. ۸-عضو شورای جذب و بورس ، دانشگاه آزاد اسلامی ساری، ۱۳۸۱تا۱۳۸۴. ۹-عضو مرکز مشاوره ، دانشگاه آزاد اسلامی ساری، ۱۳۷۵ادامه دارد. ۱۰-دبیر هم اندیشی استادان ، دانشگاه آزاد اسلامی ساری، ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۴. ۱۱- مدیریت پژوهش و نگارش معاونت فرهنگی ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر استان مازندران. ۱۲- عضو شوای پژوهشی منطقه سه ، دانشگاه آزاد اسلامی ، ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲. ۱۳-بازرس ویژه در امتحانات کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی ، دانشگاه آزاد اسلامی ساری، ۱۳۷۹. ۱۴-عضو سازمان نظام روان شناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵ ادامه دارد. ۱۵-عضو هیات علمی پاره وقت مرکز تحقیقات روان پزشکی و علوم رفتاری دانشگاه مازندران، ۱۳۸۵ ادامه دارد. ۱۶-نماینده تام الاختیار، دانشگاه آزاد اسلامی ساری جهت شرکت در جلسات کار گروه بانوان و جوانان استان مازندران،۱۳۸۲ادامه دارد. ۱۷-عضو کار گروه اجتماعی استان مازندران،۱۳۸۴ادامه دارد. ۱۸-رئیس مرکز مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی ساری، ۱۳۷۸. ۱۹-عضو گروه علمی تخصصی رشته روان شناسی منطقه سه دانشگاه آزاد اسلامی،۱۳۸۳ ادامه دارد. ۲۰- عضو کار گروه فرهنگ وهنر و تربیت بدنی استان مازندران،۱۳۸۴ادامه دارد. ۲۱- عضو شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان مازندران،۱۳۷۳ تا ۱۳۸۵. ۲۲- عضو کمیته تخصصی تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان مازندران،۱۳۷۳ تا ۱۳۸۵. ۲۳- عضو کمیته تحقیقات،آموزش و ترویج اداره کل تعاون استان مازندران.۱۳۸۰. ۲۴- عضو کمیته منتخب گروه غیر پزشکی منطقه سه دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۵ ادامه دارد. ۲۵- عضو شوای انتشارات ، دانشگاه آزاد اسلامی ساری، ۱۳۷۸ادامه دارد. ۲۶- عضو هیات ممیزه سازمان آموزش و پرورش استان مازندران، ۱۳۸۲ تا۱۳۸۴. ۲۷- عضو کار گروه پژوهش ، آمار و فناوری اطلاعات استان مازندران، گروه تخصصی آموزش و پرورش،۱۳۸۳. ۲۸- عضو کار گروه پژوهش ، آمار و فناوری اطلاعات استان مازندران، گروه تخصصی محیط زیست،۱۳۸۳. ۲۹- عضو شوای فرهنگی ، دانشگاه آزاد اسلامی ساری، ۱۳۸۱ادامه دارد. ۳۰- رئیس شوای انتشارات ، دانشگاه آزاد اسلامی ساری، ۱۳۸۲. ۳۱-عضو گروه فرهنگ و علوم انسانی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مازندران،۱۳۸۳. ۳۲- عضو خدمات مشاوره پژوهشی ، سازمان آموزش و پرورش استان مازندران، ۱۳۸۳. ۳۳- عضو روان شناسی بالینی ایران،۱۳۸۵ ادامه دارد. ۳۴-عضو کمیسیون آسیب های اجتماعی استانداری مازندران ، ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳. داوری و نظارت طرح های پژوهشی: داوری و نظارت طرح های پژوهشی،در دانشگاه ها و مراکز آموزشی و پژوهشی، حدود ۵۰ مورد. عضو کمیته علمی و دبیر همایش ها و کنفرانس های ایران: عضو کمیته علمی همایش ها و کنفرانس های ایران، حدود ۱۵مورد . فعالیتهای آموزشی : ۱-دانشگاه پیام نور گنبد کاوس(از ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴). ۲- دانشگاه پیام نور بهشهر(از ۱۳۷۳تا ۱۳۷۴). ۳- دانشگاه آزاد اسلامی گرگان (از ۱۳۷۳تا ۱۳۷۴). ۴- دانشگاه آزاد اسلامی ساری (از ۱۳۷۴ ادامه دارد). ۵- مرکز آموزش عالی فرهنگیان ساری (از ۱۳۷۴تا ۱۳۷۸). ۶- مرکز آموزش مدیریت دولتی مازندران (از ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۶). ۷- دانشگاه پیام نور ساری (از سال ۱۳۷۷ تا سال ۱۳۷۹). ۸- مرکز آموزش عالی شهید فروزنده مازندران (از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱). ۹- دانشگاه آزاد اسلامی نکا (از سال ۱۳۸۵ ادامه دارد). ۱۰- دانشگاه آزاد اسلامی بندر گز (از سال ۱۳۸۵ ادامه دارد). ۱۱- دانشگاه امام حسین(ع) مازندران (از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶) . ۱۲- دانشگاه امام حسین(ع)گلستان (از سال ۱۳۸۶ ادامه دارد). سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : رمضان حسن زاده بعنوان مربی گروه روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی ساری (از سال ۱۳۷۴تا ۱۳۷۸)، استاد یار گروه روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی ساری(از سال۱۳۷۸تا۱۳۸۴)، دانشیار گروه روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی ساری(از سال ۱۳۸۴تا) فعالیت داشته است. از دیگر فعالیتهای رمضان حسن زاده می توان به برگزاری کارگاههای آموزشی و شرکت در این کارگاه ها را اشاره کرد.جوائز و نشانها : ۱- احراز مقام برتر در بین پژوهشگران منطقه (۳) دانشگاه های آزاد اسلامی(و تشرف به خانه خدا و حج تمتع)،سال ۱۳۸۲ . ۲- پژوهشگربرگزیده و برتراولین همایش علمی – کاربردی پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر استان گیلان،سال ۱۳۸۳ . ۳- پژوهشگربرگزیده و برتراولین جشنواره بزرگ قلم استاد،مشهد مقدس،سال۱۳۸۴ . ۴- پژوهشگر برگزیده و برتر دانشگاه آزاد اسلامی ساری،سال ۱۳۸۳ . ۵- پژوهشگربرگزیده و برتر دانشگاه آزاد اسلامی ساری،سال ۱۳۸۴ . ۶- پژوهشگربرگزیده و برتر

دانشگاه آزاد اسلامی ساری،سال ۱۳۸۵. ۷- پژوهشگربرگزیده و برتر دانشگاه آزاد اسلامی در همایش بین المللی نهضت تولید علم، جنبش نرم افزاری و آزاد اندیشی ،سال ۱۳۸۴. ۸- پژوهشگر نمونه دانشگاه های استان مازندران،سال ۱۳۸۱. چگونگی عرضه آثار : از جمله آثار رمضان حسن زاده می توان به ۲۷ مقاله چاپ شده در مجلات داخلی، ۴۵ مقاله ارائه شده در سمینارها و همایش های علمی ، ۱۴ مقاله خارجی ارائه شده در سمینارها و کنفرانسهای جهانی، ۵ مقاله چاپ شده در مجلات خارجی، ۲ مقاله چاپ شده در ISI و شرکت در ۱۶ طرح تحقیقاتی می باشد. و همچنین نظارت بر طرح های تحقیق ، حدود ۱۰ مورد، راهنمایی یا مشاوره پایان نامه های کارشناسی، حدود ۲۰۰مورد، راهنمایی یا مشاوره پایان نامه های کارشناسی ارشد ، ۱۳۲ مورد، راهنمایی یا مشاوره پایان نامه های دکترای تخصصی، ۲ مورد. آثار : تالیف اقدام پژوهی: راهبردی برای بهبود آموزش و تدریس ویژگی اثر : با همکاری گروه نویسندگان، انتشارات پژوهشکدهٔ تعلیم و تربیت، تهران، ۱۳۸۳.۲ تالیف بررسی موانع و عوامل کاربست یافته های پژوهشی در دستگاههای اجرایی، دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ویژگی اثر : تهران، ۱۳۸۳.۳ تالیف روانشناسی اجتماعی در تعلیم و تربیت ویژگی اثر : با همکاری آقای دکتر حمزه گنجی، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۷۸.۴ تالیف روش های آماری در علوم رفتاری ویژگی اثر : با همکاری آقای محمد تقی مداح، انتشارات ویرایشف تهران ،۱۳۸۵.۵، تالیف روشهای تحقیق در علوم رفتاری (راهنمای عملی تحقیق) ویژگی اثر : انتشارات ساوالان، تهران، ۱۳۸۲.۶ ترجمه انگیزش برای یادگیری ویژگی اثر : با همکاری خانم نرجس عموئی، انتشارات دنیای پژوهش، مشهد، ۱۳۸۰. (تألیف دیبورا، جی استیپک).۷ ترجمه رفتار سازمانی ویژگی اثر : با همکاری آقایان دکتر مجتبی طبری و منوچهر نوری، و خانم ترانه عنایتی، انتشارات ساوالان، تهران، ۱۳۸۱. (تألیف رابرت بی، لاوسُن و زنگ شن).

منابع زندگینامه : تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط آقای دکتر رمضان حسن زاده بنا به درخواست بنیاد ایران شناسی پاییز ۱۳۸۶

حسن زاده، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله حسن زاده

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۵۴ قدم به حوزه علمیه قم گذاشتم. دروس حوزه از ادبیات، معانی بیان، منطق، کلام، فلسفه، اصول، فقه و عرفان را گذراندم. سالیانی هم در درس خارج شرکت کردم. از سال ۶۳ پا به عرصه ادبیات و هنر گذاشتم. در این زمینه درس های ادبیات معاصر، آیین نگارش و ویرایش، ادبیات دراماتیک، داستان نویسی، نمایش نامه نویسی، فیلمبرداری، فیلنامه نویسی، نقد و تحلیل فیلم، کارگردانی سینما، طراحی و نقاشی، عکاسی و ادبیات کودکان و نوجوانان را گذراندم. اکنون به عنوان مدیر مسئول و سردبیر سلام بچه ها و پوپک و سردبیر سنجاقک و حدیث زندگی ، فعالیت می کنم.

حسن لو، امیرعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیر علی حسن لو

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در شهر زنجان تحصیلات حوزوی را از مدرسه ولیعصر(عج) زنجان آغاز کرده و دروس مقدمات را نزد اساتید بزرگ و معروف این شهر نظیر استاد شیخ سلطانعلی اصحابی و شیخ توکل بیات در مدت اندکی به پایان برده و برخی از دروس مقدماتی دیگر از جمله معانی بیان را در محضر استاد شیخ ابوالفضل مصطفوی تلمذ نمودم.

متون اصولی و منطق و فقه را در محضر آیهٔ الله حاج بیوک خاتمی و آیهٔ الله شیخ تقی خاتمی و آیهٔ الله شیخ ابراهیم محمدی تلمذ نمودم و اندکی در محضر آیهٔ الله صائینی از شاگردان بزرگ علامه طباطبائی از اصول و دروس عرفانی که در تابستان برگزار می گردید و متن تدریس عرفانی که «رسالهٔ الولایه» علامه طباطبائی بود مدت دوسال استفاده بردم.در کنار تحصیل در حوزه به تحصیل در دبیرستان شبانه نیز غافل نمانده و دیپلم را از دبیرستان اخذ و پس از اتمام لمعتین(پایه ششم) در زنجان به کنکور سراسری

شرکت و در رشته تاریخ اسلام و علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم پذیرفته شده و در رشته تاریخ ادامه تحصیل داده و به اخذ مدرک کارشناسی تاریخ موفق شدم.

در کنار تحصیل در دانشگاه در حوزه نیز دروس حوزوی را ادامه داده و دروس سطح را در محضر اساتید بزرگ حوزه قم حضرات آیات: احمدی میانجی، پایانی، وجدانی فخر، حسینی بوشهری و... به پایان رسانیدم و اشتغال به درس خارج در محضر آیات عظام: وحید خراسانی، شبیری زنجانی، تبریزی، و جوادی آملی داشته و در کنار مشغله تحصیلی از تحقیق و پژوهش نیز غفلت ننموده و موضوعات و مقالات مختلفی را در قالب طرح و پژوهش به انجام رسانیده است.اکنون در رشته تاریخ تمدن اسلامی مقطع کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل بوده و با مراکز مختلف پژوهشی همکاری دارم.لازم به یادآوری است در فلسفه و عرفان نیز از اساتید بزرگوار جناب استاد فیاضی از دروس اشارات و نهایه و بدایه و حضرت آیهٔ الله شیخ یحیی انصاری قسمتهایی از اسفار اربعه را تلمذ نموده و کسب فیض شده است.

حسن‌آبادی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی برق، دانشکده: مهندسی برق، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

حسن‌زاده، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۶ مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مکانیک سیالات، دانشکده: فنی، دانشگاه: تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی مکانیک از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۵۰، کارشناسی ارشد در رشته مکانیک سیالات از دانشگاه پاریس ۶، دکترا در رشته مکانیک سیالات از دانشگاه پاریس ۶ در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده‌های فنی و تکنولوژی در سال ۱۳۵۸، ارتقاء به درجه دانشیاری در سال ۱۳۶۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فرصت مطالعاتی در دانشگاه اوتاوا و پلی تکنیک مونترال در زمینه شکست سد به مدت یکسال، نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

هیدرولیک، ماشین‌های آبی و مکانیک سیالات.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

هیدرودینامیک، جریانهای دوفازه مایع- جامد، جریانهای ناشی از شکست سدها، هیدرولیک رسوب و کاویتاسیون.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

حسنلو، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا حسنلو

محل تولد : ورامین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۹ دیپلم ریاضی گرفتم در سال ۱۳۵۳ در رشته الهیات (فقه و مبانی حقوق اسلامی) در دانشگاه فردوسی مشهد قبول شد و در سال ۱۳۵۷ مدرک کارشناسی خود را دریافت نمودم.در حوزه علمیه مشهد از دروس ادبیات استاد هاشمی درس تفسیر آیت الله میرزاجوادآقا تهرانی و درس نهج البلاغه رهبر معظم انقلاب استفاده کردم. از سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شد و ضمن اشتغال در آموزش و پرورش و تدریس کتب دینی از دروس حوزه استفاده نمودم. بالاترین سعادت اینجانب شرکت در جلسات درس اساتید معظم حسن‌زاده آملی و جوادی آملی به مدت چهار سال بوده است.

حسنی اردکانی، عبدالرسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرسول حسنی اردکانی

محل تولد : اردکان فارس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عبد الرسول حسنی اردکانی در اردکان فارس شهرستان سپیدان متولد شدم. پس از اخذ مدرک تحصیلی ششم ابتدایی، با رتبه اول در میان ۳۶ نفر دانش آموز، در مدرسه آقا بابا خان شیراز سه سال طلبه بودم . در سال ۴۳ به قم آمدم و با آیت الله مکارم و آیت الله ربانی شیرازی آشنا شدم دو دوره درس خارج اصول آیت الله مکارم شرکت کردم. مقداری از اصول را نزد آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله سبحانی استفاده کردم. با تایید ستاد انقلاب فرهنگی و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مدت ۱۲ سال در دانشگاه تهران معارف اسلامی تدریس نمودم. مدت ۸ سال در دانشگاه آزاد قم و سه سال در دانشگاه قم تفسیر قرآن و نهج البلاغه تدریس نموده ام. شرح لمعه و رسائل را نیز در حوزه تدریس نموده ام . از محضر آیت الله گلپایگانی، نوری همدانی، محمدی گیلانی، انصاری شیرازی و مقداری هم از محضر استاد مطهری استفاده کرده ام.

دارای مدرک لیسانس از دانشگاه قم می باشم سال ۱۳۶۱، بیشتر از همه اصول و فقه و تفسیر و عقاید را از محضر حضرت آیت الله مکارم شیرازی بهره مند شده ام. مدت ده سال از سال ۶۴ تا سال ۷۴ مسئول تبلیغات اسلامی راه آهن استان مرکزی از قم تا نزدیک درود انجام وظیفه تبلیغی داشته ام.قائم مقام معاونت تهذیب و اخلاق حوزه علمیه قم مرکز مدیریت هستم. در ماه محرم ۵۶ به جای حضرت حجت الاسلام و المسلمین آیت الله مجد الدین محلاتی شیرازی در ایرانشهر دهه عاشورا سخنرانی داشتم روز سوم بود،عصرها جلسه عقائد برای نسل جوان داشتم بعد از جلسه متوجه روحانی بزرگواری شدم که در گوشه حسینیه نشسته بودند نزدیک رفتم سلام و احترام کردم فرمود "سید علی خامنه ای" هستم به ایرانشهر تبعید شده ام. تا روز ۱۳ محرم که در ایرانشهر بودم شبانه روز در خدمتشان بودم شب ها که سخنرانی می کردم حضور داشتند. چند بار با اساتید دانشگاه شرفیاب محضر ایشان شدم که مورد لطف و عنایت خاص قرار دادند.

حسنی آملی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی حسنی آملی

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

آدرس اینترنتی

زندگینامه علمی

فرزندی از پدر و مادری متدین در سال ۱۳۵۴ دیده به جهان گشود او را علی نامیدند او فرزند سوم خانواده بود دوران کودکی و نوجوانی را در فضایی بی آلایش روستا سپری کرد و با اتمام دوره راهنمایی عازم شهری بزرگ و معروف که تاریخ طولانی در

تشیع داشت و مرکز حوزه های علمی شیعه به حساب می آمد (قم) گردید و در مدرسه شهیدین (بهشتی و قدوسی ره) مشغول به تحصیل در علوم دینی شد. در حدود ده سالی که در این مدرسه ساکن بود مراحل مقدمات و سطح دروس حوز های علمیه را به پایان برد و هم زمان با شروع به تحصیل کتاب مکاسب و رسائل شیخ اعظم انصاری ره در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی مشغول به تحصیل در دوره کارشناسی معارف اسلامی گردید.بعد از اتمام دروس سطح حوزه در دوره تخصصی فقه و اصو ل مدرسه شهیدین شرکت کرده واز سوی دیگر همزمان با آن در دوره کارشناسی ارشد دین شناسی مؤسسه امام خمینی قبول شده که ادامه آن منجر به قبولی در رشته ادیان در سطح دکتری همان مرکز شد.لازم به ذکر است او از زمانی که توانایی تبلیغ را پیدا کرده است به مدت ده سال هر زمان که فرصتی حاصل می شد به تبلیغ در جامعه و دانشگاهای کشور نیز می پرداخت

حسنی برقعی، عماد الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عماد الدین حسنی برقعی (مبرقعی) ، به سال ۱۳۰۰ در مشهد چشم به جهان گشود. عماد دوازده ساله بود که شعر سرود و بر اثر تشویق پدرش در این فن پیشرفت فراوان نمود. عماد تنها شاعر و گوینده نبود. او با ادبیات جهان آشنایی داشت و با آنکه رغبتی به فراگیری زبان خارجی نداشت اما آثار ادبی مغرب زمین را می خواند و بر برخی از آنها ارج می نهاد.گه گاه که حال و حالتی داشت با صدایی گرم و شور انگیز نغمه می سرود. و همچنین بر آهنگ های موزون دوستان موسیقی دان خود شعر می گذاشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

والدین و انساب : نسبت عماد الدین حسنی برقعی به موسی مبرقع پسر امام محمد تقی (ع) ملقب به جواد می رسد. عماد الدین از طرف پدر و مادر هر دو سید است. پدرش سید محمد تقی معین دفتر از صاحب منصبان آستان قدس رضوی و مادرش بی بی حرمت از خانواده ای صاحب ذوق و اهل ادب بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عماد الدین حسنی برقعی دوازده ساله بود که شعر سرود و بر اثر تشویق پدرش در این فن پیشرفت فراوان نمود.

فعالیتهای ضمن تحصیل : عماد الدین حسنی برقعی از ابتدای نوجوانی سعی داشته است هر چه بتواند هنر بیشتری در خود خلق کند.

استادان و مربیان : عماد الدین حسنی برقعی بر اثر تشویق پدر توانست یکی از شعرای معروف و شوریده حال خطه خراسان شود.

همسر و فرزندان : عماد الدین حسنی برقعی یک بار ازدواج نمود ولی همسرش هشت ماه پس از ازدواج فوت کرد و شاعر دیگر همسری اختیار نکرد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عماد الدین حسنی برقعی تنها شاعر و گوینده نبود. او با ادبیات جهان آشنایی داشت و با آنکه رغبتی به فراگیری زبان خارجی نداشت اما آثار ادبی مغرب زمین را می خواند و بر برخی از آنها ارج می نهاد. گه گاه که حال و حالتی داشت با صدایی گرم و شور انگیز نغمه می سرود. و همچنین بر آهنگ های موزون دوستان موسیقی دان خود شعر می گذاشت.

آرا و گرایشهای خاص : دکتر غلامحسین یوسفی درباره شعر عماد الدین حسنی برقعی و سبک او چنین اظهار نظر می کند: « عماد که به شعر ایرج و ساده گوئی و صداقت وی علاقه و توجهی بارز نشان می دهد خود نیز در شعر زبانی روان ، گویا ، گیرا ، زنده ، و پر احساس بکار می برد ؛ که در عین حال فصحیح و شیواست. » مهدی اخوان ثالث نیز دربارهٔ شعر عماد چنین می گوید: « سخن عماد چنانکه دیوانش گواهی می دهد ، اغلب فصیح و بلیغ و بلند است. اما اگر گواهی ترک اولی و فتوری در کلامش دیده شود ، بیشتر از آن جهت است که: او بعد از سرودن و فرود آمدن از حال سرایش و تغنی در موالید طبع خود کمتر تجدید نظر و آرایش یا به قول خودش (رتوش) روا می دارد... و اما نظیر این فتور گاهگاه و اندک در سخن همه کس حتی بزرگانی چون فدروسی و سعدی و حافظ نیز هست. کدام ژرف بین بی غرضی است که منکر این امر باشد؟ اگر اصالت و قدمت نسخه را یکسو نهیم ، بسیاری موارد هست که حتی در دیوان حافظ ، تصرف مردم بعضی شعرها را را حال خوشتر داده... این امر طبیعی است که چشمه ها و جویبار ها نیز جوشش و زلال آبشان همیشه به یک حال نیست... از این رو من معتقدم که این فراز و فرودها در شعر شاعران اصیل امری طبیعی است و کمتر جای چند و چون دارد ، زیرا حال آدمی هم همیشه به یک منوال نیست.» --

آثار :

۱ ورقی چند از دیوان عماد

ویژگی اثر : مهدی اخوان ثالث در مقدمه این کتاب شرح حال و زندگی نسبتا کاملی از عماد را تحریر نموده و منتشر گردیده که بارها تجدید چاپ شده است. ---

منابع :

۱از بهار تا شهریار ، تالیف حسنعلی محمدی ، ج ۲ ، تهران ، انتشارات ارغنون ، ص ۵۱۸

حسنی بسطامی، عبدالرسول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ عبدالرسول بن العالم الجلیل ملا فضل‌الله بسطامی بن العلامه ملا نور محمد (از اعاظم شاگردان مرحوم حجه‌الاسلام شفتی اصفهانی) میباشد. وی در سال ۱۲۹۰ شمسی در بسطام متولد شده و پس از رشد در سال ۱۳۴۸ قمری برای تحصیل بقم آمده و ادبیات را از مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم نحوی و مرحوم حجه‌الاسلام ادیب تهرانی فرا گرفته و سطوح را از آیه‌الله حاج شیخ علی‌اصغر صالحی کرمانی و آیه‌الله العظمی آقای نجفی مرعشی و مرحوم آیه‌الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و مرحوم آیه‌الله حاج میرزا شهاب همدانی و مرحوم آقا شیخ حسین گیلانی و مرحوم آیه‌الله حاج شیخ مهدی مازندرانی بپایان رسانیده و از درس خارج مرحوم آیه‌الله العظمی حجت و آیه‌الله خونساری و دیگران استفاده نموده و پس از دوازده سال توقف در قم در سال ۱۳۶۰ قمری مهاجرت به بسطام نموده و تاکنون بتلبیغ احکام و ترویج دین و اقامه جماعت اشتغال دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

حسنی پاک، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی شیمی، دانشکده: فنی، دانشگاه: تهران

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

حسنی تبریزی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از آثار او: «کیمیای سعادت» غزالی به قطع وزیری بزرگ، جلد تیماج عنابی جدول منگنه که دو صفحه‌ی اول متن و حاشیه مذهب عالی است، به خط نسخ کتابت تحریر خوش، با رقم: «فرغ من تحریره العبد محمد بن امیرعلی الحسنی فی ثالث عشر رجب سنه و ثلثین و تسعمائه» (۹۳۶)، در کتابخانه‌ی ملی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۴۸/۴).

حسنی خوئی، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالمی فقیه و دانشمند بزرگوار بود در خوی متولد شد و در تبریز رحل اقامت افکند و سادات خوئی در تبریز از اولاد او هستند این عالم جلیل از شاگردان صاحب جواهر و شیخ محسن خنضر و شیخ انصاری می‌باشد از تألیفات او حاشیه بر قوانین میرزا و قواعد علامه است در تبریز از دنیا رفت و جنازه او حمل به نجف اشرف و در وادی‌السلام مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسنی سیفی قزوینی، عماد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۰۲۴ –۹۶۱ ق)، خطاط و شاعر. ملقب به عمادالملک. بزرگترین استاد خط نستعلیق است. وی از سادات سیفی حسنی قزوین بود و در همان شهر به تحصیل مقدمات علوم و آموختن خوشنویسی پرداخت. برخی گویند وی ابتدا در قزوین شاگرد مالک دیلمی بوده و سپس به تبریز مسافرت کرده و نزد محمدحسین تبریزی به تکمیل هنر خویش مبادرت نموده است. میرعماد مسافرتهایی به آسیای صغیر و حجاز کرد و در مراجعت به ایران جزو خوشنویسان فرهاد خان قرامانلو، از سرداران شاه عباس اول (۱۰۳۸ –۹۹۶ ق) که در هرات بود، قرار گرفت. پس از قتل او در ۱۰۰۷ ق به گیلان سفر کرد و از آنجا به قزوین بازگشت و پس از یک سال به اصفهان رفت و به دربار شاه عباس راه یافت. میرعماد در مدت شانزده سال اقامت خود در اصفهان، شاگردانی تربتی کرد که بعضی از آنها از استادان معروف خط نستعلیق به شمار می‌روند، از جمله: نورالدین محمد لاهیجی معروف به نورا، عبدالرشید دیلمی معروف به رشیدا، ابوتراب اصفهانی معروف به ترابا، عبدالجبار اصفهانی، محمد صالح خاتون‌آبادی، درویش عبدی بخارایی و

گوهرشاد دختر میرعماد. میرعماد نزد شاه عباس جایگاهی ارجمند یافت و به همین سبب نیز، محسود اقران که به قولی یکی از آنها علیرضا عباسی بود، قرار گرفت و سعایت ایشان در حق وی و همچنین وارد آمدن اتهام تسنن و نیز کنایات و اشعار نیش‌دار میرموجب بدبین شدن شاه نسبت به او و نهایتا کشته شدن وی به اشارت پنهانی شاه عباس، توسط مقصود بیگ مسگر قزوینی گردید. میرعماد پایه‌ی خط نستعلیق را در جایی نهاد که هیچ کس، چه در مدت دو قرن قبل از او و چه در طی نیم قرن زمان خوشنویسی او و چه در طول چهار قرن بعد از او تا امروز، به آن جایگاه نرسیده است. میرعماد در لطافت قلم و قدرت کتابت و استواری و خوش‌اندامی حروف و کلمات و سطر و صفحه و تمام محاسنی که برای خط نستعلیق یاد کرده‌اند، اعجاز می‌کرد. هم خفی را خوش می‌نوشت و هم جلی را استوار و شیرین. آوازه‌ی حسن خط میر در زمان حیاتش به اقطار کشورهای اسلامی رسید و قطعات خطوط وی را در ایران و هندوستان و عثمانی و غیره به بهای زر می‌خریدند و شاهان و بزرگان عصر به داشتن خطوط وی در کتابخانه‌ی خود مباهات می‌کردد. میرعماد در پایان سالهای عمر خود سبک خاصی در نستعلیق داشت که شیواترین شیوه‌هاست، این شیوه ترکیبی از خط میر علی هروی و بابا شاه اصفهانی، و در عین حال روش مستقل خاصی است که پس از گذشت سالها از مرگ وی، تاکنون کسی دیگر نتوانسته است نقطه‌ای به آن بیفزاید و یا از آن نکته‌ای بکاهد. میر در نثر و نظم نیز دست داشت و بعضی رساله‌ی منثور «آداب المشق» را به او نسبت می‌دهند، که این رساله به احتمال زیاد از آثار بابا شاه اصفهانی است. آرامگاه میرعماد در مسجد مقصود بیگ در اصفهان است. از آثار وی: یک نسخه «سبحهٔ الابرار» جامی، به قلم کتابت خفی عالی، با رقم: «عماد الحسنی، سنه‌ی ۹۷۲»؛ یک نسخه «الاسماء الحسنی»، به قلم دو دانگ و غبار ممتاز، با رقم: «عماد الحسنی، سنه‌ی ۹۸۷»؛ یک نسخه «تکملهٔ النفحات» عبدالغفور لاری (ضمیمه‌ی «نفحات الانس» جامی به خط ضیاءالدین قزوینی) و حواشی بسیار بر «نفحات الانس» و فهرست اعلام آن، به قلم کتابت خفی عالی، با رقمهای: «تمت الحاشیه الشریفه اللطیفه... سنه‌ی ۹۹۲، علی ید عبدالضعیف... عماد بن ابراهیم الحسنی...» و «تمت الرسالهٔ... سنهٔ اثنی و تسعین و تسعمئهٔ... عماد الحسنی عفی عنه»؛ یک نسخه «گلستان» و در حاشیه‌ی آن «بوستان» سعدی، به قلم کتابت و کتابت خفی عالی، با رقم: «... کتبه العبد... عماد الملک الحسنی... بدارالسلطنهٔ قزوین سنه‌ی ۹۹۸»؛ یک نسخه «دیوان» حافظ، به قلم کتابت عالی، با رقم: «تمت الکتاب... فی سنه‌ی ثلاث و الف الهجریهٔ النبویهٔ، فقیر عماد الحسنی»؛ یک نسخه «مناجات» حضرت علی (ع)، با ترجمه‌ی فارسی، به قلم نیم دو دانگ و کتابت خفی ممتاز، با رقم: «شرف بکتابتها... عماد الحسنی... سنهٔ عشر و الف»؛ یک نسخه «رباعیات» خیام، به قلم نیم دو دانگ ممتاز، با رقم: «کتبه العبد عماد الحسنی ۱۰۱۶»؛ مرقعی مشتمل بر یکصد قطعه، به قلمهای چهار دانگ تا غبار ممتاز و عالی، با تاریخهای ۱۰۰۷ تا ۱۰۲۴ ق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار ملی اصفهان (۷۳۰)، احوال و آثار خوشنویسان (۵۳۸ -۵۱۸/ ۲)، اطلس خط (۵۳۲ -۵۲۲)، پیدایش خط و خطاطان (۱۲۲ -۱۱۵)، پیدایش و سیر تحول هنر خط (۱۴۹)، تاریخ برگزیدگان (۴۶۲ -۴۶۱)، تاریخ هنرهای ملی (۹۰۲ -۸۹۶/ ۲)، تذکره‌ی روز روشن (۵۶۷ -۵۶۶)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۰۸ -۲۰۷)، خوشنویسان و هنرمندان (۵۴ -۵۳)، دایرهٔالمعارف فارسی (۲۹۵۵ -۲۹۵۴/ ۲)، الذریعه (۱۲۰۷ -۱۲۰۶، ۷۶۷/ ۹)، ریحانه (۷۶ -۷۲/ ۶)، طرائق الحقائق (۱۵۸/ ۳)، عالم آرای عباسی (۸۹۵/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۵۳)، قزوین در گذرگاه هنر (۲۱۹ -۲۱۴)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۹۰ -۱۸۸)، گلستان هنر (نوزده، ۱۲۲ -۱۲۱)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۴۷۰ -۴۶۸)، لغت نامه (ذیل/ عماد قزوینی)، مآثر رحیمی(۱۵۴۴/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۶ -۶۱۴/ ۴)، مینودر (۷۶۲ -۷۵۹/ ۱).

حسنی سیفی قزوینی، گوهرشاد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۳۸ ق)، خطاط. وی یکی از بزرگترین نستعلیق نویسان زمان خود بود. او پس از قتل پدر تا ۱۰۳۲ ق در اصفهان زیست و سالها سوگوار بود. سپس به قزوین رفت و همان جا درگذشت. گوهر شاد خط نستعلیق را از پدر تعلیم گرفت و در میان زنان خوشنویس، کسی به زبردستی او در این خط دیده نشده است. از آثار وی: یک نسخه «گلستان» سعدی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «کتبه العبد المذنب گوهرشاد غفر له ۱۰۲۵»؛ یک قطعه به قلم نیم دو دانگ خوش و به آب زر، با رقم: «نمقه گوهرشاد ۱۰۳۰».[۱]

۱۰۳۸ ق، از زنان نامدار خوشنویس. وی دختر میرعماد قزوینی (۱۰۲۴ ق) بود و نستعلیق‌نویسی را از پدرش فراگرفت و سرآمد زنان نستعلیق‌نویس گردید. همسر وی میر محمدعلی خدیو الخطاطین بود و فرزندان بسیاری بدنیا آورد که همگی خوشنویس بودند. پس از قتل پدرش تا سال ۱۰۳۲ در اصفهان زیست و سالها سوگوار بود سپس به قزوین رفت و در همانجا درگذشت. یک نسخه گلستان سعدی با قلم کتابت عالی به خط وی در قم و تاریخ «کتبه العبد المذنب گوهرشاد غفر لها ۱۰۲۵» موجود است.[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۵۹۴/ ۳)، اطلس خط (۵۳۶)، پیدایش خط و خطاطان (۱۵۰)، تاریخ هنرهای ملی (۹۲۱/ ۲)، تذکرهٔ القبور (۳۶)، الذریعه (۷۶۷/ ۹)، قزوین در گذرگاه هنر (۲۲۸)، مشاهیر زنان (۲۰۰ -۱۹۹).

[۲] منبع: احوال و آثار خوشنویسان، ۳ و ۵۹۴ / ۴؛ پیدایش خط و خطاطان، ۲۱۳؛ تذکرهٔالقبور، ۳۶؛ الذریعه، ۹۰ / ۲۰ ۷۶۷ / ۹.

حسنی قزوینی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «روضه الشهداء» ملا حسین واعظ، به خط نستعلیق کتابت خفی عالی، با رقم: «قد تمت الکتاب فی... سنه ۹۱۴ علی ید العبد... شاه محمد بن قاسم بن عزیزاللّٰه الحسنی القزوینی...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :خوشنویسان و هنرمندان (۹۳).

حسنی کاظمی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیـد احمـد بن سیـد حیدر بن ابراهیم الحسـنی الکاظمی عالمی فقیه از بزرگان عصـر خود بوده وی در ۲۲۲ ق متولـد و در ۱۲۹۵ ق وفات نموده و والد او سید حیدر جد سلسله (آل حیدر) است در کاظمین شیخ صالح حریری در آخر قصیده رثائیه خود که درباره او سروده ماده تاریخ وفاتش را چنین گفته.

فان دعوتم فتاریخی مجیبکم

فعیش احمد فی دارالنعیم صفا

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حسنی گلستانه، محمود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به محمود. وی از سادات حسـنی اصـفهان بود که به گلستانه مشهورند. مولف کتابی است به نام: «انیس الوحده و جلیس الخلوه»، در اخلاق، در این کتاب سودمند برخی از اشعار فارسی و تازی خود را آورده است و پیداست که در شاعری توانا بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۱۷)، الذریعه (۲۶۹/۲)، کشف الظنون (۱۹۹).

حسنی لاریجانی، لطف اللّٰه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۳۸ ق)، خطـاط. ظـاهرا در دربـار فتحعلی شاه قاجار به امر کتابت اشـتغال داشـته و طبع شـعر نیز داشـته است. از آثار وی: یک نسـخه «گلسـتان» سـعدی، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «حرره لطف‌اللّٰه الحسـنی غفر له ۱۲۳۷»؛ «دیوان» حافـظ، به قلم کتابت جلی خوش، با رقم: «... حرره العبد الحقیر، ابن‌محمد زمان، لطف‌اللّٰه الحسنی... سنه‌ی ۱۲۳۷»؛ یک نسخه مجموعه‌ی «غزلیات و رباعیات» سعـدی، به قلم کتـابت متوسـط، بـا رقم: «در عهـد... فتحعلی شـاه... تحریر یـافته است... و انا الفقیر الحقیر ابن‌محمـد زمان، لطف‌اللّٰه الحسنی لاریجانی... سنه‌ی ۱۲۳۸».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۹۷ -۵۹۶/ ۳).

حسنی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسـماعیل فرزند آقا سـید ابوالقاسم حسنی نجف‌آبادی از علماء و فضلاء روشن فکر و با تدبیر نجف‌آباد بوده است. وی در سال ۱۳۰۳ شمسـی در نجف‌آباد چشم به دنیا گشود و بعد از نشو و نما و پرورش در بیت سـیادت و تحصیلات ابتدائی به اصفهان رفته و مدت سه سال در مدرسه جده بزرگ مشغول به مقدمات بوده تا اینکه در سال ۱۳۲۰ شمسی مهاجرت به قم نموده و سطوح اولیه را خدمت حجهٔ‌الاسـلام والمسـلمین حاج شـیخ اسداللّٰه نوراللهی و حجهٔ‌الاسـلام حاج سـید مرتضـی علوی فریدنی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمد فکور و آیت‌اللّٰه حاج شـیخ عبدالجواد جبل العاملی فراگرفته و در درس خارج آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی شـرکت نموده و از آیت‌اللّٰه امام خمینی بهره نموده و برای ارشاد مردم به تبلیغ اسلام و ترویج احکام به اطراف اصفهان و محال بختیار و غیره مسافرت و

خدماتی از قبیل بناء مساجد و حمام و راه‌سازی و آب لوله‌کشی و غیره نموده تا در جمادی‌الثانی ۱۳۹۴ قمری که به جرم دفاع از سالار شهیدان حضرت اباعبداللّه الحسین (ع) از طرف حامیان نویسنده کتاب ضد مقام علمی و ولایتی آن حضرت و خاندان جلیل رسالت (کتاب شهید جاوید) به واسطه ضربات چوب که بر گردن ایشان اصابت کرده بوده مریض شد و یکسال بعد از ضربات مانند اجداد طاهرین خود شهیدا از دنیا رفته و به اسلاف پاک خود ملحق و به رحمت حق پیوست. اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و آخر تابع له علی ذلک. اللهم العنهم جمیعا.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حسنی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۱۴ ق)، خطاط، از آثار او: یک لوحه ثلث یک دانگ کتیبه‌ی عالی، با رقم: «کتبه حسن حسنی ۱۳۱۴»، در ابوجامع بورسه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۵۸/۴).

حسنی، عطاء الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر عطاءالله حسنی ،متولد ۱۳۳۱ است. وی پس از اخذ مدرک دیپلم ادبی از دارالفنون تهران ،تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته کارشناسی تاریخ در دانشگاه شیراز آغاز کردو در سال ۱۳۵۴ به پایان رسانید .وی مدرک کارشناسی ارشد تاریخ را از دانشگاه علامه طباطبایی و دکترای همان رشته را از واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی (در سال ۱۳۶۹) دریافت کرد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه تاریخ, دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی عطاءالله حسنی به ترتیب زیر است: ۱- دیپلم ادبی – دبیرستان دارالفنون تهران (۵۰-۱۳۴۹) ۲- لیسانس تاریخ – دانشگاه شیراز(۱۳۵۴) ۳- فوق لیسانس تاریخ-دانشگاه علامه طباطبایی (۱۳۶۴) ۴- فوق لیسانس زبان وادبیات فارسی– دانشگاه تهران (۱۳۶۶) ۵- دکتری تاریخ– واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی (۱۳۶۹)

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری و اجرایی و مدیریتی عطاءالله حسنی به قرار زیر است: -رئیس مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی از ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰ – عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی از ۱۳۷۹ تا کنون(هم اکنون دانشیار دانشگاه مذکور می باشد) – مدیر گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی از ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ – مدیر گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی از ۱۳۸۶ تا کنون عضویت در مراکز علمی و پژوهشی – عضو هیئت تحریریه مجله رشد تاریخ از ۱۳۶۷ تا کنون – عضو هیئت تحریریه مجله تاریخ اسلام از ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۵ – عضو هیئت تحریریه مجله تاریخ دانشگاه تهران – عضو هیئت تحریریه مجله تاریخ دانشگاه لرستان از ۱۳۸۵ تا کنون

فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریسی و آموزشی عطاءالله حسنی به ترتیب زیر است: دانشگاه تربیت معلم (۱۳۶۴) دانشگاه شهید بهشتی(از سال ۱۳۶۹ تاکنون) استاد مدعو در دانشگاه مطالعات بین المللی شانگهای (۲۰۰۶-۲۰۰۷)SISU

آرا و گرایشهای خاص : علایق پژوهشی عطاءالله حسنی : -تاریخ فرهنگی و اجتماعی ایران -تاریخ دوره صفویه – تاریخ ایلات و عشایر – تاریخ عثمانی -تاریخ جنبش های اجتماعی – اشعار اجتماعی (فارسی ، ترکی) زمینه تخصصی : – تاریخ ایران عصر صفوی و ایلات و عشایر

چگونگی عرضه آثار : استاد راهنمای رساله های دکتری:۳ رساله استاد راهنمای رساله های ارشد:۹ رساله استاد مشاور رساله های دکتری:۶ مورد استاد مشاور رساله های کارشناسی ارشد:۱۴ مورد تعداد مقاله های فارسی:۲۵ مقاله تعداد مقاله های خارجی:بیش از ۲ مورد --

آثار :

۱ ازمنها

ویژگی اثر : آماده چاپ، دفتر شعر

۲ اسنادی از دانشگاه ملی ایران ۱۳۵۸-۱۳۳۸

ویژگی اثر : تهران : انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹

۳ بهار نامه

ویژگی اثر : سرپرستی مدارس جمهوری اسلامی ایران در ترکیه ، نوروز ۱۳۷۶

۴ پیرامون آموزش های غیر حضوری

ویژگی اثر : تهران : انتشارات اداره کل آموزش های ضمن خدمت وزارت آموزش و پرورش ، ۱۳۶۷

۵ تاریخ فرهنگی ایل شاهسون بغدادی

ویژگی اثر : تهران : انتشارات ایل شاهسون بغدادی، ۱۳۸۲

۶ تاریخ معاصر جهان: هند، ژاپن ، چین، انگلستان، افریقای جنوبی، مکزیک

ویژگی اثر : تهران : دفتر تحقیقات و برنامه ریزی کتاب های درسی ویژه مراکز تربیت معلم، ۱۳۶۷

۷ دستمایه پژوهشگران

ویژگی اثر : تهران : ضمیمه درسنامه گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی،۱۳۶۸

۸ زندگی، شخصیت، و محیط فضولی(ترجمه از ترکی استانبولی نوشته پروفسور عبد القادر قاراخان).

ویژگی اثر : آماده چاپ

۹ گفتگو : تاملاتی در علم تاریخ نگاری اسلامی (با دکتر غلامحسین زرگری نژادو دکتر هاشم آقاجری)

ویژگی اثر : بکوشش حسن حضرتی. تهران: نقش جهان ، ۱۳۸۰

۱۰ مطلع الاعتقاد فی معرفه المبدا و المعاد(از ترکی استانبولی نوشته محمد بن سلیمان فضولی)

ویژگی اثر : ترجمه ،تهران : انتشارات بین المللی الهدی ، ۱۳۷۹

حسنی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر حسنی

محل تولد : لنگرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۷/۱۲/۴

زندگینامه علمی

اینجانب علی اکبر حسنی فرزند حبیب الله ، اسفند ماه ۱۳۱۷ در لنگرود گیلان متولد شدم و تا کلاس هفتم دبیرستان را همان جا گذراندم . در سال ۱۳۳۲ پدرم مرا به قم فرستاد و در مدرسه علمیه خان ، حجره ای برایم فراهم شد. به سرعت و با پشتکار ، مقدمات از امثله ، صمدیه ، سیوطی ، مغنی ، مطول ، معالم ، قوانین و لمعتین را نزد علما و مدرسین آنروز خواندم ؛ رسائل و مکاسب شیخ انصاری (ره) را نیز خوانده و امتحان دادم .

در سال ۱۳۳۹ با اتمام کفایتین بمدت یکماه و نیم در درس خارج علمی و استدلالی آیت الله شیخ عباسعلی شاهرودی(ره) و نیز آیت الله اراکی(ره) شرکت کردم و همه مطالب را به عربی نوشته و مورد تشویق واقع شدم که متاسفانه در حملات ساواک به فیضیه ، در دوم فروردین ۱۳۴۲ از بین رفت .بعد از فوت آیت الله بروجردی (ره) در درس امام خمینی (ره) شرکت کردم . بعد از سه سال که تبعید ایشان به ترکیه و عراق پیش آمد ، به درس مراجع آن زمان آیات عظام گلپایگانی(ره) ، شریعتمداری(ره) ، حائری(ره) ، محقق داماد(ره) و میرزا هاشم آملی(ره) می رفتم. برخی از کتب آیت الله حکیم(ره) و آیت الله خوئی(ره) را استفاده و مطالعه می کردیم ؛ اسفار را نزد علامه طباطبائی (ره) خواندم و فلسفه تطبیقی را نزد آقای مهدی حائری(ره) و برخی دروس تکمیلی را نزد مراجع فعلی خواندم .

حسنی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌اکبر حسنی فرزند آقاحبیب‌اللّه از فضلاء روشنفکر و اعضاء رئیسیه مجله وزین مکتب اسلام می‌باشند.

وی چنانچه مرقوم فرموده‌اند در اسفند ماه ۱۳۱۷ شمسی در پرشکوه لنگرود گیلان به دنیا آمده و پس از خواندن دروس ابتدائی جدید را در محل به اصرار و تاکید پدر متدین و متعبد و پرهیزکارش برای تحصیل علوم دینی در سال ۱۳۳۲ شمسی عزیمت به قم نموده و در مدرسه (خان) آیت اللّه بروجردی و بعد مدرسه ملاصادق پس از آن فیضیه و دارالشفا اقامت و به تحصیل مقدمات و ادبیات و سطوح پرداخته و در درس خارج مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عباسعلی شاهرودی شرکت و جزوه تقریرات درس ایشان را نوشته و قسمتی از اسفار را از محضر علامه طباطبائی استفاده نموده و مدت دو سال هم از درس خارج امام راحل (ره) بهره‌مند گردید و نیز تا سال ۱۳۵۷ شمسی اوائل انقلاب در دروس خارج مراجع بزرگ و معروف آن عصر شرکت نموده و خود به تدریس سطوح متوسط پرداخته و همزمان با آن عضویت شوراء نویسندگان در راه حق و نیز از سال ۱۳۵۰ -۱۳۶۹ شمسی به عضویت هیئت تحریریه مجله وزین مکتب اسلام نشریه حوزه علمیه قم درآمده که هنوز هم ادامه دارد و چند سال نیز به عنوان مدیر داخلی مجله مزبور فعالیت داشته است.

آقای حسنی از اول انقلاب خالصانه در دانشگاه اسلامی اشتغال به تدریس داشته و خدمات بسیاری نموده‌اند. و هم در مدرسه عالی

قضائی و تربیتی طلاب قم و مجتمع آموزش عالی قضائی علوم اداری قم و دانشکده سپاه قم به تدریس مشغول و هم در دانشگاه آزاد قم اشتغال به تدریس دارند و هم در مدرسه علمیه حقانی مشغول می‌باشند و هم در کمیته تألیف و اصلاح کتابهای درسی دانشگاه فعالیت علمی و تحقیقی دارند.

آثار علمی و تألیفات آموزنده آقای حسنی

علاوه بر مقالات متعدده در مؤسسه راه حق و مجله صف وابسته ارتش پس از انقلاب و مقالات متعدد مکتب اسلام و سایر مجلات تألیفات دیگری دارند که یادآور می‌شوم.

۱- سازش دین و دانش

۲- ترجمه اسلام در سر دو راهی به اتفاق یکی از افاضل

۳- مسائل از دیدگاه اسلام با همکاری برخی از دوستان

۴- شیعه از دیدگاه پیامبر اسلام ترجمه و نگارش

۵- نقش سیاسی و تاریخی فدک ترجمه الفدک آیت‌اللّه صدر

۶- امام چهارم پاسدار انقلاب خونین کربلا

۷- پدیده‌های اسرارآمیز

۸- سفری به اعماق وجود انسان

۹- تکوین شخصیت

۱۰- اسلام و سیاستهای استعماری این کتابها عموما قبل از انقلاب به طبع رسیده است.

۱۱- نظری به قوانین اسلام

۱۲- جزوهای بسیار دیگر که در دانشگاه طهران تکثیر نشر شده است و نیز کتب و جزوات دیگری که از یاد آن خودداری شد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

حسنی، فرزاد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران سینمایی

فرزاد حسنی متولد:۲۱ شهریور ۱۳۵۶(۳۰ سال) محل تولد:بیمارستان عیوض زاده تهران محل زندگی:خانی آباد خانواده:نام مادر: شکوه السادات نام پدر: مرتضی فرزند بزرگ خانواده برادران : فرهاد و فرشاد تحصیلات: لیسانس مکانیک از دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی دوره بازیگری مدرسه امین تارخ و استاد سمندریان شغل: مجری و بازیگر و ترانه سرا نکاتی از زندگی او: *نام فرزاد را دخترخاله مادرش برای او انتخاب نوده است . *میگوید بهترین فیلمی که تا بحال دیده کازابلانکاست. *از درس ریاضی خوشش نمی آمده و نمره کمترین نمره ای که از ریاضی گرفته است ۱۴ میباشد. *اولین سریال او" عید آن سالها " است *با فوتبال میانه ای ندارد است * بسیار ولخرج است وجسارت و حاضر جوابی خاصی دارد *فعالیت در تلویزیون را از سال ۷۵ در شبکه جام جم آغاز کرد. * اواعتقاد دارد اجرای رادیو سخت تر از تلویزیون است

*همیشه بدنبال اجرای برنامه هایی است که در آن آزادی عمل داشته باشد و آن را طبق خواسته و روش خود پیش ببرد. . یک خاطره برای تست بازیگری: خودش میگوید من خیلی دیر رسیدم جمعیت زیادی برای تست آمده بودند که در میان آنها گروهی از بازیگران جوان وحتی قدیمی هم به چشم می خوردند متنی که داده بودند خیلی سخت بود شامل متون قدیمی واخباری .من حافظه خوبی دارم یک بار که نگاه کنم حفظ می شوم .چون بقیه حاضر نبودند به عنوان اولین نفر تست دادم و قبول شدم ".

* ترانه " آد م فروش "شادمهر عقیلی را وی سروده است

. * عاشق کشور عزیزمان ایران بوده و به ورزشهای شنا " یوگا و ژیمناستیک علاقه دارد.

* به رنگ آبی علاقه خاصی دارد

*نمازخوان و مقید است و اصولا آدم بدقولی نیست . عاشق رمان الیور تویست

است.

* ترانه تیتراژ مجموعه " کمکم کن " و " کوله پشتی " را او سروده بود " همچنین تیتراژ سریال " روز رفتن " را

.

*اما جدی ترین فعالیت او به عنوان مجری به برنامه نیمرخ بر میگردد . برنامه ای که پیش از آن با حضور کامیار اسماعیلی امیر حسین مدرس و... به کار موفقی بدل شده بود وشاید اجرای فرزاد حسنی در این برنامه یکی از مهمترین دلایل انتخاب او برای برنامه کوله پشتی بود

*موسیقی بدون کلام را دوست ندارد . موسیقی خارجی هم گوش نمی دهد

. * در زندگی , خود را مدیون پدر و مادر و معلم های دوره دبیرستانش می داند .

* ربطه اش با دوستانش بسیار صمیمی است " اما اصلا اهل رفیق بازی نیست .

*می گوید در بسیاری از مسائل و برنامه ها اگر کمک مادرم نباشد کارم پیش نمی رود . مادرم در ارتباط با کارهایم یک منتقد بی رحم است.

* معلم فن بیان او مرحوم مهدی فتحی بود

.

*در یک خانواده کاملا مذهبی بزرگ شده و مادرش همیشه با وضو به او شیر داده است .

* امین زندگانی او را برای حضور در رادیو معرفی کرد

* از پوشیدن لباسهای رنگ روشن خصوصا سفید خوشش می اید

.

*برای شهدا احترام فوق العاده ای قائل است . زود عصبانی می شود . اطلاعات عمومی خوبی دارد

* وی موفق ترین گوینده رادیو را مرحوم منوچهر نوذری می داند.

.

* نمره هر دو چشمش بالای دو است و عینکش طبی است

.

* سعی می کند هیچ گاه نمازش قضا نشود مخصوصا نماز صبح

. * برای بازی در یک کار به هر کارگردانی راحت اعتماد نمی کند . به بازی بازیگرانی چون علی نصیریان، عزت ا... انتظامی" رضا کیانیان " پرویز پرستویی " خسرو شکیبایی و ... علاقه دارد . هر وقت دلش بخواهد می تواند شعر بگوید

.

. *محمد رضا شجریان نخستین انتخاب او در موسیقی است و محمد علیزاده بیش از سایر خوانندگان ترانه های وی را اجرا نموده است. منابع زندگینامه :http://www.ettefagheno.ir

حسنی، کریم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کریم حسنی

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱/۲۰

زندگینامه علمی

در بیستم فروردین سال ۱۳۵۵ شمسی در زنجان متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در شهر زنجان مدرسه ابتدایی در مدرس سپری نمودم. دوره راهنمایی را در مدرسه شهید رجائی و سپس به مدرسه حافظ منتقل شدیم و دوره راهنمایی نیز در همان شهر با موفقیت به اتمام رسید.

دوره دبیرستان در رشته علوم انسانی در مدرسه قدس شهر زنجان به پایان رسید و علیرغم موفقیت در کنکور دانشگاه طلبه شدم. و در حوزه علمیه زنجان از سال ۷۴-۷۳ به مدت چهار سال و یک نیمسال دوره ۶ ساله را تمام و موفق به کسب مدرک سطح یک حوزوی گشتم و سپس عازم شهر مقدس قم گردیدم. سپس سطح دو حوزه را در محضر اساتیدی چون : سید محمد نجفی ، حضرت آیت الله بوشهری مدیر حوزه علمیه گذراندم. بعد از اتمام دروس مکاسب و کفایه به درس خارج مشغول و از محضر اساتیدی بزرگ بهره مند شدم.

درس خارج اصول که توسط آیت الله سبحانی صبح ها از ساعت ۸ الی ۹ در مسجد اعظم برگزار می گردد، مشغول شدم و هر روز بعد از ساعت ۹ الی ۱۰ صبح در مسجد اعظم فقه را در محضر آیت الله مکارم شیرازی پرداختم و هم اکنون نیز ادامه دارد. در ورودی دانشگاهی در سال ۱۳۷۹ همزمان با ورود به قم در دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام قم قبول و به رشته تاریخ مشغول شدم. پس از اتمام ۱۳۶ واحد موفق به اخذ کارشناسی تاریخ از آن دانشگاه گردیدم. یادآور می شود که همزمان با دروس حوزه ای به دروس دانشگاهی که بعد ازظهرها برگزار می گردید مشغول بودم.

بعد از اتمام کارشناسی بلافاصله به فکر مقطع کارشناسی ارشد افتاده و در کنکور شرکت نمودم. ولی مجاز نشدم و از ورود به دانشگاه بازماندم. ولی سال بعد با لطف خداوند متعال کمر همت را بسته و مجددا در کنکور شرکت نموده و به حمد خداوند متعال موفق به ورود در دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام در رشته تاریخ اسلام مقطع کارشناسی ارشد گردیدم. هم اکنون هم دروس کارشناسی ارشد را باموفقیت سپری و در حال انتخاب موضوع برای پایان نامه می باشم.

حسنی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسنی

محل تولد : ارومیه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ پس از اخـذ دیپلم علوم تجربی از دبیرسـتان طالقانی ارومیه، در مرکز تربیت معلّم تهران قبول شـدم، امّا به علّت علاقه وافر به تحصـیل در حوزه علمیّه جهت تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیّه حضرت ولیعصر تبریز شدم و تا سال ۱۳۶۷ در این حوزه مبارکه مشغول بودم و شرح لمعه و اصول فقه مرحوم مظفر را با موفّقیّت به پایان بردم. در ضمن این تحصیل به تدریس ادبیات عرب در این حوزه پرداختم. در سـال ۱۳۶۲ پس از اخـذ دیپلم علوم تجربی از دبیرسـتان طالقـانی ارومیه، در مرکز تربیت معلّم تهران قبول شدم، امّا به علّت علاقه وافر به تحصـیل در حوزه علمیّه جهت تحصـیل علوم دینی وارد حوزه علمیّه حضـرت ولیعصر تبریز شدم و تا سال ۱۳۶۷ در این حـوزه مبـارکه مشـغول بـودم و شـرح لمعه و اصـول فقه مرحـوم مظفر را بـا موفّقیّت به پایـان بردم. در ضـمن این تحصـیل به تدریس ادبیات عربی در این حوزه پرداختم. این مدّت در حوزه علمیّه تبریز مقارن با وقوع جنگ تحمیلی بود که دروس عقب افتـاده در اثر شـرکت در جبهه هـای نـبرد را در اوقـات تعطیلی حوزه جبران می کردم. در سـال ۱۳۶۷ جهت ادامه تحصـیل در حوزه علمیّه قم، در مـدرسه مبـارکه امـام صـادق(ع) که زیر نظر حضـرت آیت الله سیّد مهـدی روحـانی اداره می شـد، حجره ای را گرفتم و در درس مکاسب حضرت آیت الله پایانی شرکت و کتاب مکاسب شیخ انصاری را از ایشان بهره بردم. البته مبحث خیارات مکاسب را از محضـر حضـرت آیت الله سـیدعلی محقق داماد فرا گرفتم و همزمان کتاب الرسائل شـیخ انصاری را از آغاز تا انتها در محضـر اسـتاد حضرت آیت الله اعتمادی بودم که تبحر و اسلوب بیان ایشان شاگردان را مجذوب درس می کرد. در سال ۱۳۷۰ جلد اول کفایهٔ الاصول را از محضـر حضـرت آیت الله مجد و جلد دوم را از محضـر حضرت آیت الله موسوی تهرانی بهره بردم. در سال ۱۳۷۲ در آزمون سراسـری دانشگاهها در دو رشته حقوق و اقتصاد نظری در دانشگاه مفید قم پذیرفته شدم که به علّت علاقه به رشته حقوق، در این رشته مشغول به تحصیل شدم. همزمان با دانشگاه در درس فلسفه حضرت استاد مومنی شرکت کردم و کتابهای بدایه و نهایـهٔ الحکمه و شـرح اشـارات را از محضـر ایشـان بهره بردم و در ایام تعطیلی در طول سال تحصـیلی دروس جنبی مثل عروض و قافیه و طب سنّتی را از محضر این استاد فرزانه استفاده می کردم. پس از اتمام دوره کارشناسی حقوق در سال ۱۳۷۶ در رشته حقوق جزا و جرم شناسـی در دانشـگاه مفیـد پذیرفته شدم و پس از اتمام دوره تحصـیل در سال ۱۳۸۰ از پایان نامه کارشناسـی ارشد تحت عنوان« انگیزه و تـاثیر آن در تحقق جرم» بـا درجه عـالی دفاع کردم که راهنمایی این پایان نامه را جناب دکتر کوشا و مشاوره آن را جناب دکتر قربان نیا به عهـده داشـتند و داوری آن به عهـده دکتر آشوری بود. در سال ۱۳۸۰ به عنوان پژوهشـگر با مرکز تحقیقات فقهی قوه قضـائیه شـروع به همکـاری کردم. و در آغاز همکاری پروژه ای تحت عنوان تبیین آداب شـرعی اجرای قصاص در جهت اصلاح آیین نامه ماده ۲۹۳ آیین دادرسی کیفری را انجام دادم که حاصل آن اصلاح آیین نامه مذکور در سال ۱۳۸۲ بود. هم زمان بـا این پروژه در گروه تحقیقات جزائی مرکز تحقیقات به امور پژوهشـی مشـغول شـدم. که حاصل آن مقالات متعـددی است که در مجموعه نظریات مشورتی فقهی کیفری و حقوقی منعکس شده و در آنها به مسائل مبتلابه در قوه قضائیه نظرهای مشورتی داده شده است. از سال ۱۳۸۳ که بررسـی و آسیب شناسـی و اصـلاح و بازنگری قانون مجازات اسلامی در دستور کار مرکز تحقیقات فقهی قرار گرفته به عنوان پژوهشگر با این مرکز همکاری دارم. از سال ۱۳۷۶ در درس خارج اصول وحید خراسانی و درس فقه حضـرت آیت الله شیخ جواد تبریزی شرکت می کنم.

حسنی، محمدابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدمحمدابراهیم حسنی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

دوره ابتـدائی وراهنمایی تحصـیلی را درنور مازنـدران پشت سرگذاشـتم.واز همان آغاز ذائقه دینی ام درمسابقات قرآن و...باکسب امتیـازات درسـطح اسـتان بروزکرد.برای ادامـه تحصـیل بـه تهران آمـدم.مقـدمات دروس حـوزوی ازجملـه مبـادی العربیه،شـرح ابن عقیل،اخلاق وقرآن تخصصـی،تاریخ،متون و عقائد اسـلامی و..رادرکناردروس رایج تحصـیلی و علوم روز درمحضـر اساتیدی چون دکترچیت سازیان،دکتر جعفر پور،حاج علی اکبری،دکترسـعیدیان، اسـتادمحفوظی،توجهی، علی اکبراشعری، استادمرحوم حدادی و استادادبیات دکترسـید عبدالمجیـدحیرت سـجادی(کـه تـوان قلم ورمـق حیـاتم را مـدیون تعلیمـات وتشویقـات ایشـانم)دردبیرسـتان شهیدمطهری(رشـته علوم ومعارف اسـلامی)گذراندم.درک محضـرعلمی و اخلاقی حضـرات آیات امامی کاشانی،امجد،ضیاءآبادی وسیبویه (ره) و...آن سالها بسی غنیمت بود..

بعدازدیپلم،بسال۷۳باانتخاب،وانگیزه مناسبی که داشتم،علیرغم قبولی درکنکور،به ادامه تحصیل دروس حوزوی با گزینش اساتیدبرتر درفضاهای علمی ومعنوی مناسبی چون حوزه علمیه امین الدوله ومروی پرداختم.دروس سطوح حوزه ازجمله سیوطی،مغنی،لمعتین واصولین،معالم،رسائل ومکاسب وکفایتین رااز محضراساتیدبزرگواری چون افضل نژاد،جوادی افغانی،پورذهبی،مهاجری،علم الهدی،تقوایی،شریف زاده، دکترموسوی اصفهانی،مرحوم پاکتچی،دروازه ای وموسوی تبریزی(رحمهم الله)،ونوارهای درسی استادصالحی ووجدانی درکنارارتباط بامرکزمدیریت وبرخی اساتید حوزه علمیه قم فراگرفتم.علاوه براین غروب دوشنبه هایی پرباربهانه تنظیم آثار استادبزرگوارآیه الله سیداحمدعلم الهدی خراسانی ازمحضرایشان بهره های فراوانی بردم. آنسالها حضوردرپای درس اخلاق و مواعظ آیه الله مرحوم حق شناس،مجتهدی(ره)،مهدوی کنی وآیه الله مجتبی تهرانی نیزبسی ارزشمندوماندگار بود. محوربرخی فعالیتهای تبلیبی وقلمی بنده ازسال۷۳تاکنون چنین است: ۱-پیگیری نظام مندمطالعات وفیش برداری ازمنابع ومتون دینی ازجمله نهج البلاغه

۲- تدوین،ترجمه،بررسی وتالیف کتب ومقالات وارتباط بامراکزپژوهشی وفرهنگی

۳-ارائه مقالات به همایش ها،روزنامه هاومجلات علمی وتحقیقی قم وتهران

۴- مدیریت بروزوبلاگهای دینی وهمکاری علمی باسایتها وفضاهای مجازی

۵- فعالیتهای تبلیغی درهیئات ومساجدوادارات تهران وشهرستان

حسین آبادی، محمد جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم آقا شیخ محمّد جواد از علمای اعلام، و فقهای اسلام، و از شاگردان شیخ محمّد حسن صاحب جواهر، و مجاز از ایشان بوده، تاریخ اجازه: ۱۲۶۵، و مجاز از شیخ مرتضی انصاری می‌باشد.

وی را تألیفات چندی است که از آن جمله است:

۱- بحر البکاء، فارسی ۲- بساتین الریاحین، در اصول فقه ۳- ترجمه ی رساله ی نجاهٔ العباد ۴- ترتیب و تلخیص خلاصه (الاقوال) علاّمه حلّی که به طبع رسیده است. ۵- الرسالهٔ الاحمدیّهٔ، به نام فرزندش آقا شیخ احمد صاحب عنوان ۶- الریاحین، در فقه استدلالی ۷- سراج الوهّاج، در شرح نتایج الاصول تألیف سید ابراهیم قزوینی ۸- کنوز اللئالی، در اصول فقه ۹- النتایج، در اصول فقه [تقریرات سید ابراهیم قزوینی].

در ذی قعده سال ۱۳۱۲ وفات یافته، و در تکیه ی آقا حسین خوانساری، در قبری که حاج شیخ محمد باقراصفهانی جهت خود تهیّه نموده بود مدفون گردید (قبر در زیر دیوار مابین تکیه آقا حسین و مادر شاهزاده در سردابه واقع است).

مشارالیه مدّت چهارده سال در طهران ساکن بوده، و در مسجد سراج الملك امامت و تدریس می‌نموده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حسین خانی، هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی حسین خانی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اخذ دیپلم ریاضی فیزیك از دبیرستان شهید نبوی منش اصفهان در سال ۱۳۶۲وارد حوزه علمیه اصفهان شدم. طی پنج سال حضور در آن حوزه به تحصیل در زمینه های ادبیات، فقه، اصول و منطق و همزمان تدریس در زمینه های فوق پرداختم. در سال ۱۳۶۶عازم حوزه علمیه قم شدم و دروس شرح لمعه، اصول فقه مرحوم مظفر، رسائل، مکاسب، کفایه، بدایه و نهایه را تا سال ۱۳۷۱ به پایان رسانیدم. در این سال وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شده و تحصیل در زمینه فلسفه تعلیم و تربیت را آغاز کردم. همزمان تحصیل در دروس خارج فقه و اصول نیز اشتغال داشتم. در سال ۱۳۷۷از پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد تحت عنوان "تربیت الگوئی زنان در قرآن" دفاع کردم. در خلال سالهای ۱۳۷۴تا ۱۳۷۹که به عنوان معاون نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان فعالیت می کردم، فعالیت های علمی خود را در قالب تدریس سخنرانی بحث گروهی و تحصیل ادامه دادم. از سال ۱۳۸۰پس از بازگشت به حوزه قم تدریس در زمینه های گوناگون از جمله موارد زیر را آغاز کردم:

فضایل و رذایل اخلاقی، مشاوره،روش های تربیت اسلامی، ازدواج و خانواده، آسیب شناسی تربیت اخلاقی، زبان تخصصی(روان شناسی تربیتی)،تدبّر در قرآن و آداب معاشرت .

در سال ۱۳۸۳در دوره دکترای روان شناسی تربیتی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) پذیرفته شده و تا کنون به تحصیل در این مقطع اشتغال داشته ام .

حسین خواه، جواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جواد حسین خواه

محل تولد : مشهد

شهرت : حسینی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۴ پس از اتمام تحصیلات در دورهٔ دبیرستان در رشته ریاضی فیزیک وارد حوزه علمیه قم شدم. دوران شش ساله مقدمات را در مدرسهٔ امام المهدی(عج) در طی ۴ سال به اتمام رسانیدم و در طول این دوره به عنوان یکی از طلبه های ممتاز مدرسه بودم. پس از اتمام دوره مقدمات، دوره سطح را آغاز کردم و در این مدّت در کنار تحصیل دروس حوزوی تحصیلات دانشگاهی را نیز شروع کردم و در دانشگاه مفید در رشته حقوق مشغول تحصیل شدم و با درجهٔ عالی مدرک کارشناسی رشته حقوق را دریافت کردم و در دانشگاه مفید در رشته حقوق مشغول تحصیل شدم و با درجهٔ عالی مدرک کارشناسی رشته حقوق را دریافت کردم و پس از اتمام این دوره به عنوان پژوهشگر برتر دانشگاه و بدون کنکور در مقطع فوق لیسانس(کارشناسی ارشد) در همان دانشگاه پذیرش شدم و هم اکنون در حال گذراندن دوره ارشد حقوق بشر می باشم و مشغول تدوین پایان نامه هستم. در کنار این تحصیلات علاوه بر تدریس دروس مقدمات حوزه در مدارس علمیه مشغول تحصیل در دروس خارج حوزه علیمه قم و در کنار آن تحقیق و تألیف مقالات و کتب نیز می باشم.

حسین زاده گویا، ناصر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : ناصر حسین زاده گویادارای دکتری رشته ژئوفیزیک و عضو هئیت علمی دانشگاه تهران با درجه دانشیار می باشد.

گروه : علوم پایه

رشته : موسسه ژئوفیزیک

وقایع میانسالی : ناصر حسین زاده گویا پس از اخذ مدرک دکتری در رشته زمین شناسی به عضویت هئیت علمی گروه زمین شناسی دانشکده علوم پایه دانشگاه تهران درامد. وی هم اکنون با سمت دانشیار درآنجا مشغول به انجام خدمت است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ناصر حسین زاده گویاعضو هیئت علمی و دانشیار موسسه ژئوفیزیک/گروه فیزیک زمین دانشکده علوم پایه دانشگاه تهران است. خدمات علمی و اجرایی ایشان به قرار زیر است •: ۱۳۵۴-۱۳۵۹,سمت Research Assistant,موسسه ژئوفیزیک دانشگاه سنت لوئیز امریکا • ۱۳۵۰ -۱۳۷۹ ,سمت رئیس بخش مغناطیس سنجی,موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران

فعالیتهای آموزشی : تدریس در دوره کارشناسی ،کارشناسی ارشد و دکتری در موسسه ژئوفیزیک/گروه فیزیک زمین دانشکده علوم پایه دانشگاه تهران. عناوین دروس آموزشی ارائه شده ناصر حسین زاده گویا : کارشناسی • الکترومغناطیس کارشناسی ارشد •ژئومغناطیس ۱ • ژئومغناطیس ۲ • ژئومغناطیس۱ • ژئومغناطیس۲ • اکتشاف به روش مغناطیسی • اکتشافات بروس • اکتشافات بروش ایام • اکتشافات مغناطیس سنجی • مغناطیس سنگهادیرینه مغناطیس دکتری • تئوری پتانسیل • روشهای پیشرفته اکتشافی درژئومغناطیس • مغناطیس سنگهادیرینه مغناطیس

چگونگی عرضه آثار : طرحهای تحقیقاتی به پایان رسیده ناصر حسین زاده گویا •: انجام مطالعات ژئوفیزیکی به روش مگنتوتلوریک در منطقه استان گلستان-۱۳۸۵,استان گلستان • ۱۳۸۶-۱۳۸۶,بررسی پدیده اتصال مجدد مغناطیسی و ارتباط آن با زیر طوفانهای مغناطیسی • ۱۳۸۶-۱۳۸۶,تخمین عمق هم دمای کوری با استفاده از مدلهای میدان مغناطیسی ماهواره ای • ۱۳۸۶-۱۳۸۶,وارونسازی دوبعدی غیر خطی داده?های مغناطیسی با استفاده از روش زیرفضا • ۱۳۸۴-۱۳۸۵,پردازش داده های مغناطیس هوایی • ۱۳۸۳-۱۳۸۳,دیجیتال کردن رصد خانه مغناطیس سنجی تهران مقالات چاپ شده در مجلات داخلی ۲ مقاله مقالات چاپ شده در مجلات خارجی یک مقاله مقالات چاپ شده در همایشها ۷ مقاله

آثار :

۱ آشنایی باژئوفیزیک اکتشافی

ویژگی اثر : ترجمه,۱۹۷۰, Mc Grow Hill

۲ اصول وکاربرددیرینه مغناطیس

ویژگی اثر : ۱۹۷۱, chapmany Hall

۳ اکتشافات به روش مغناطیس سنجی

ویژگی اثر : تالیف,انتشارات دانشگاه تهران ,۱۳۷۹

۴ تئوری تفسیراکتشافات ژئوفیزیکی

ویژگی اثر : ترجمه,۱۹۶۵, Mc Grow Hill

۵ مقالات چاپ شده در مجلات خارجی • Hoseinzade Gooya Naser,"Planning new magnetic observatories in Iran" ,

۶ مقالات چاپ شده در مجلات داخلی • حسین زاده گویا ناصر , عطا جوع بیرمی اسدا"...,مطالعه بای های ثبت شده در رصد خانه مغناطیسی موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران (۱۹۸۰-۱۹۷۱,")مجله فیزیک زمین و فضا,جلد ۳۲ شماره۲ ص,۵۶-۴۵ ,۱۳۸۵• حسین زاده گویا ناصر",انتخاب فیلترمناسب دراکتشافات به روش مغناطیس سنجی,"نشریه تحقیقاتی فیزیک زمین و فضا,۱و ۲,۰ ,۱۱۱۱

۷ مقالات چاپ شده در همایشها • حسین زاده گویا ناصر",تخمین عمق داده های مغناطیسی با استفاده از تبدیل موجک پیوسته,"دوازدهمین کنفرانس ژئوفیزیک ایران,ایران ,۰۲-۰۴,اسفند,۱۳۸۴ • حسین زاده گویا ناصر",مطالعه bay های ثبت شده در رصد خانه مغناطیسی موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران,"دوازدهمین کنفرانس ژئوفیزیک ایران,ایران ,۰۲-۰۴,اسفند,۱۳۸۴ • حسین زاده گویا ناصر",پردازش داده های مگنتوتلوریک در اکتشافات به روش الکترومغناطیسی,"دهمین کنفرانس ژئوفیزیک ایران دانشگاه تهران,عدم اعلام ,۱۹-,آبان,۱۳۷۸ • حسین زاده گویا ناصر",انتخاب فیلتر مناسب در اکتشافات به روش مغناطیس سنجی,"هشتمین سمینارژئوفیزیک ایران,تهران/ایران ,۰۱-,آبان,۱۳۷۲ • حسین زاده گویا ناصر",کشف حلقه جدید از ذرات بر انرژی (کمربندهای وان آلن) در اطراف کره زمین,"هشتمین سمینارژئوفیزیک ایران,تهران/ایران ,۰۱-,آبان,۱۳۷۲• Hoseinzade Gooya Naser",عدم اعلام,"۲۰۰۰ IAGA workshop,اسلواکی ,۲۱-, march,۲۶۲۱• Hoseinzade Gooya Naser,"Using upward contination as a useful method eliminate near surfac magnetic anomalie",International union of Geodesy nad Geophysics,colorado/U.S.A ,۲۱-,march,۲۶۱۶

منابع زندگینامه :

۱http://dbfm.ut.ac.ir:۷۷۷۷/tunapp/tunserv/tun.ProfCV?func=shortcv&ProfId=۱۴۹۲۲&pLang=۱۱۸۳۰۱۲تهرانی زاده ، محسن، شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور، ج ۱، تهران، دفتر شورای جذب نخبگان، ۱۳۷۹، ۴۶۲

حسین زاده، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس حسین زاده

محل تولد : زرند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۸/۱

زندگینامه علمی

فروردین سال ۱۳۵۵ شمسی در روستای باب عبدان از توابع شهرستان زرند کرمان به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدایی را تا سال چهارم در همان روستا پشت سر گذاشتم و در سال پنجم ابتدایی به دهستان دشتخاک از توابع شهرستان زرند عزیمت نمودم.

با ورود به دوره راهنمایی عازم شهرستان زرند شدم و دوران راهنمایی و دبیرستان را در شهرستان مذکور به پایان رساندم و در سال ۱۳۷۳ در رشته ریاضی و فیزیک فارغ التحصیل گردیدم در سال ۱۳۷۴ با قبولی در آزمون ورودی حوزه علمیه به قم آمدم و در مدرسه علمیه امام مهدی موعود (عج) واقع در نیروگاه دروس حوزوی را آغاز نمودم.

دروس مقدماتی و ادبیات عرب را به مدت سه سال در مدرسه فوق الذکر به پایان رساندم و سال چهارم وارد مدرسه علمیه معصومیه (س) شدم و ادامه دروس مقدماتی را تا سال ششم در آن مدرسه تکمیل کردم.

در طول سه سال که در مدرسه معصومیه مشغول به تحصیل بودم در کنار دروس اصلی حوزه مکالمه عربی را به صورت تخصصی فرا گرفتم و در طول این مدت مقالات متعددی به زبان عربی به رشته تحریر در آوردم که دو مقاله در مجله تخصصی «النافذه» به چاپ رسید.

بعد از اتمام دروس مقدماتی ، دروس سطح را در مدرسه آیةالله گلپایگانی آغاز نمودم و از محضر اساتیدی چون حجةالاسلام و

المسلمین حضرات آقایان فقیهی، تهرانی، حسینی، دیباجی اصفهانی، طاهری مازندرانی، خسروشاهی و دیگران کسب علم نمودم و از علوم وافر و اخلاقیات آن اساتید بهره بردم در کنار دروس سطح و اصلی حوزه هم زمان در رشته تخصصی تبلیغ مشغول به تحصیل شدم و در سال ۱۳۸۴ در رشته کارشناسی تبلیغ فارغ التحصیل گردیدم و پس از آن در کارشناسی ارشد تبلیغ ادامه تحصیل دادم هم اکنون در دروس خارج فقه و اصول از محضر حضرات آیات وحید خراسانی و مکارم شیرازی (حفظه الله) بهره می برم.

علاوه بر تحصیل در رشته تخصصی تبلیغ دوره آموزشی روایت سیره شهدا و دوره مدیریت مسجد را فرا گرفتم و به عنوان یکی از محققان مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه قم به سؤالاتی که از آن مرکز دریافت می کنم پاسخ می گویم و در کنار دروس حوزوی به امر تحقیق و پژوهش و تبلیغ می پردازم و به شکر خدا از سال ۱۳۷۹ که ملبس به لباس مقدس روحانیت گردیدم در ایام تبلیغی توفیق تبلیغ دین و نشر احکام الهی را در شهرها و روستاهای مختلف کسب کرده ام و با اقشار مختلف جامعه در ارتباط بوده ام.

ان شاء الله همه ی این فعالیت ها مورد قبول درگاه الهی قرار گیرد. والسلام عباس حسین زاده.

حسین زاده، علی محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی محمد حسین زاده

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

آبادان، جایی بود که در سال ۱۳۵۹ دیپلم گرفتم، عشق فراگیری به معارف دین من را به کیلومترها آن طرف‌تر، به قم کشاند. در ابتدا در مدرسه رسالت مشغول به تحصیل شدم، اما چند ماهی از شروع درس نگذشته بود که آژیر جنگ نواخته شد. وظیفه و تکلیف شرعی خود دیدم که به جبهه بروم، حدود سه سال پی‌در پی در منطقه جنگی حضور داشتم.در سال ۱۳۶۲ مجدد به قم بازگشتم مقدمات را در مدرسه رضویه و دوره سطح را در نزد اساتید بزرگواری همچون هادوی، آل‌غفور، استادی، طاهری خرم آبادی، شب‌زنده‌دار، پایانی، اعتمادی، گنجی و غیره گذراندم و از حضور آنان حداکثر استفاده را بردم.بعد از آن یک دوره خارج اصول و برخی از مباحث فقهی را در نزد آیت الله سبحانی دام عزه فراگرفتم در ضمن در درس خارج فقه و تفسیر آیت الله جوادی آملی دام عزه شرکت داشتم و بهره‌های فراوان از آن بردم.در سال ۱۳۷۶ به دوره تخصصی کلام رفتم و در سال ۱۳۸۰ با نمره عالی فارغ التحصیل شدم و پایان‌نامه سطح چهار را به نام «رابطه فقه و کلام» دفاع کردم فعالیت پژوهشی خود را از سال ۱۳۶۹ آغاز کردم و در مراکز متعددی همچون مرکز تحقیقات جامعه مدرسین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، مرکز مدیریت خواهران و موسسه امام صادق(ع) بوده‌ام. آثاری از آنها به چاپ رسیده است. از سال ۱۳۷۴ تاکنون در دانشگاه‌های مختلف به عنوان استادیار گروه معارف اسلامی و در حوزه‌های علمیه مختلف تدریس نموده‌ام.

حسین زاده، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین زاده

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد حسین زاده در مرداد ۱۳۴۰ در شهر مقدس قم به دنیا آمد . پس از اتمام دوزه راهنمایی حدود سالهای ۱۳۵۳.۵۴دروس حوزه را دنبال کرد و در طی پنج سال و اندی در سال ۱۳۵۹ توانست به درس خارج فقه و اصول راه یابد . در دوره تحصیل سطح علاوه بر دروس رایج . فلسفتنا . اقتصادنا. عربی جدید . انگلیسی و نیز اخلاق و تفسیر را در محضر اساتیدی فرهیخته آموخت . فقه و اصول را در مقطع عالی سطح از محضر بزرگانی همچون آیت الله پایانی و آیت الله اعتمادی و آیت الله قافی فرا گرفت . از سال ۵۹تا ۷۴ به مدت ۱۵ سال در درس خارج فقه و اصول اساتید بر جسته ای چون حضرات آیات عظام مظاهری . شبیری زنجانی . و... مشارکت فعال داشت در طول تحصیل و پژوهش به طور مستمر در دروس اخلاق و فلسفه و تفسیر و عقاید حضرت آیت الله مصباح شرکت کرد و از آغاز تحصیلات حوزوی بلکه پیش از آن از راهنمایی های معظم له بهره بسیاری برد به علاوه او در درس های اسفار

حضرت آیت الله جوادی نیز چند سالی حضور داشت و از دروس عرفان ایشان نیز استفاده کرد . حدود سال ۱۳۶۵ به عضویت در گروه تخصصی فلسفه باقرالعلوم(ع) به ریاست استاد مصباح در آمد و به تحقیق در حوزه فلسفه پرداخت . از جمله ثمرات این تلاش آماده ساختن درس های اسفار ج ۶ و نیز شناخت شناسی استاد آیت الله جوادی آملی بود در سال ۱۳۷۱معادل دکترای فقه و اصول معارف مدرک داخلی موسسه امام خمینی و بالاخره دکترای معرفت شناسی را از حوزه دریافت نمود. در سال ۱۳۶۹برای شرکت در کنفرانس مربوط به فلسفه و نیز گذراندن دوره ای غرب شناسی . همراه با هیئتی به کانادا مسافرت کرد. دولت آمریکا از دادن ویزا خودداری کرد و نتوانستند در آن نشست شرکت کنند . اما دوره ذکر شده در کانادا برگزار شد. در سال ۱۳۷۴ علاوه بر تحقیق در رشته فلسفه در بنیاد باقر العلوم . تدریس خارج فقه و اصول را شروع کرد که تاکنون ادامه دارد . در سال ۱۳۷۷ عضو هیئت علمی گروه فلسفه موسسه امام خمینی(ره) گردید . او اکنون در سمت دانشیار به پژوهش و تدریس اشتغال دارد.

حسین زاده، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی حسین زاده

محل تولد : هشترود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

دوران ابتدائی را در مکتب خانه های زادگاهم سپری کرده و در تایخ ۱/۲/۱۳۵۳ جهت تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه قم شدم. ضمن تحصیل دروس حوزوی به دروس جدید نیز پرداختم. در سال۱۳۶۹ با دفاع از پایان نامه خود از مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز فارغ التحصیل شدم و دروس حوزه را تا دو سال خارج فقه و اصول ادامه داده و در سال ۱۳۶۸ به تهران عزیمت کردم.از سال ۱۳۶۸ به تدریس دروس معارف در دانشگاههای تهران، علامه طباطبائی، پلیس و آزاد اسلامی پرداختم و در کنار کارهای اجرائی و تدریس و امامت ،به نوشتن مقالات و ترجمه و تالیف و جزوات درسی نیز اشتغال داشتم.در حوزه علمیه قم از محضر اساتید معزز آقایان: شماعی همدانی، هاشمی تبریزی، وجدانی فخر، عبائی خراسانی، موسوی خرم آبادی،اعتمادی، میرزا محسن دوزدوزانی، سید علی محقق داماد، راستی کاشانی، آیت الله مکارم شیرازی و آقای میرزا جواد تبریزی و ... بهره مند شدم.از سال ۱۳۶۵ تبلیغ دین مقدس اسلام را شروع و اکنون نیز در حد توان به تبلیغ دین اسلام مشغول می باشم.

حسین زاده، منصور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، روزنامه‌نگار.

تولد: ۴ بهمن ۱۳۲۰، بجنورد.

درگذشت: ۴ بهمن ۱۳۶۸، تهران.

منصور حسین‌زاده تحصیلات عالی خود را در دانشکده‌ی علوم ارتباطات اجتماعی به پایان رسانید. مدتی در مدارس شهرستان بجنورد به آموزگاری پرداخت. در سال ۱۳۳۵ برای معالجه‌ی بیماری کلیوی و پیوند کلیه راهی آمریکا شد و پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ به ایران بازگشت و در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مشغول به کار شد. از سال ۱۳۶۲ در روزنامه‌ی «کیهان» مشغول شد و به کار روزنامه‌نگاری پرداخت. به عنوان یک روزنامه‌نگار و محقق با سرویس فرهنگی- هنری روزنامه «کیهان»، «کیهان بچه‌ها»، «کیهان فرهنگی» و «کیهان علمی» همکاری داشت و نتایج بخشی از مطالعات تحقیقی خود را نیز در شماره‌های مختلف «کیهان سال» ارائه کرد.

در آبان ماه ۱۳۶۸ به عنوان مأمور از روزنامه‌ی «کیهان» به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتقل شد تا به تلاش‌های مستمر خود برای نشریه‌ای تخصصی در زمینه‌ی روزنامه‌نگاری عینیت بخشد. وی در واقع بانی نشر فصلنامه‌ی مطالعاتی و تحقیقاتی در وسایل ارتباط جمعی به نام «رسانه» شد که از سوی مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها پس از فوت وی از سال ۱۳۶۹ انتشار یافت.

از جمله آثار وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: تاریخ مجلات کودکان و نوجوانان (این کتاب در دهمین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران به عنوان کتاب برگزیده اعلام شد) و چاپ «قصه‌ی انسانها» در «کیهان بچه‌ها».

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حسین سبزواری، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدعلی بن سید محمدتقی بن سید محمدکاظم حسینی سبزواری عالمی متبحر و فاضلی متقی از اجلاء و اعلام اهل فضل در معقول و منقول و فقه و اصول و طب و ریاضیات و حکمت و غیرها مضافاً بر این معلمات، بسیار محتاط و متقی و زاهد و صالح بوده است.

وی در شب ۲۸ ماه صفر ۱۳۳۸ ق در کاظمین از دنیا رفته و در حجره قبلی در زاویه شرقی سحن شریف مدفون شده است.

دارای ۳ فرزند صالح به نام ۱- سید محمدتقی متوفی ۱۳۸۴ ق

۲- سید هاشم

۳- سید محمدسعید تاجر بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسین مقدم، یحیی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید یحیی حسین مقدم

محل تولد : نکاء

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از گذراندن دوره مکتب‌خانه در روستای محل ولادت (سوچلما از توابع شهرستان نکاء) وارد حوزه علمیه رستمکلاً (از توابع شهرستان بهشهر مازندران) شدم و از محضر آیت الله ابوالحسن ایازی تا سال ۱۳۴۹ شمسی استفاده کردم، دوره مقدمات و قسمتی از لمعین و معالم الاصول را در آن حوزه خواندم.

و در سال ۱۳۴۹ هجری شمسی روز شهادت امام همام موسی بن جعفر(ع) وارد حوزه علمیه قم عش آل محمد(ص) صانها الله عن الحوادث شدم و دروس سطح را در محضر اساتید بزرگواری که قبلاً نام آنها ذکر شده تلمذ نمودم. تا اینکه از حدود سال ۵۴ و ۵۵ در درس خارج آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی و آیت الله مکارم و آیت الله مشکینی و اساتید دیگری که نام آنها را قبلاً ذکر کرم شرکت نمودم. و مدت سه سال بعد از پیروزی انقلاب در موسسه در راه حق از محضر آیت الله مصباح یزدی استفاده کردم.

لازم به ذکر است در ایام تابستان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و بعد از آن تا سال ۱۳۶۳ هجری شمسی در روستای بادالسبر از توابع شهرستان نکاء در محضر آیت الله سید خلیل محمدی بادالسبری مشغول تحصیل بوده و در ضمن تدریس نیز می‌نمودم.

حسین نژاد خاکی، یوسف

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یوسف حسین نژاد خاکی

محل تولد : ---

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

وضعیت تحصیلات کلاسیک : دوران ابتدایی و راهنمایی تا اوّل دبیرستان را قبل از ورود به حوزه علمیّه طی کردم . از سال ۱۳۶۷ در کنار سال دوم حوزه به تحصیلات متوسطه نیز مشغول شدم و سال ۱۳۷۰ در رشته فرهنگ و ادب دیپلم گرفتم . دوران دوم تا چهارم دبیرستان را درشهر مقدّس قم به صورت متفرقه گذراندم . در سال ۱۳۸۰ با مدرک کارشناسی حوزه وارد دانشگاه تربیت مدرس قم شدم و تا دی ماه ۱۳۸۴ پایان نامه را نیز در موضوع رابطه عرفان ، اخلاق و توسعه به اتمام رساندم و انشاء الله به زودی از آن دفاع می کنم .وضعیت تحصیلات حوزوی : در سال ۱۳۶۶ در امتحان ورودی حوزه علمیّه قم قبول شدم . از سال ۶۶ تا ۷۵ ده سال دروس سطح را گذراندم . از ابتدا در مدرسه رضویه حجره داشتم ؛ در دوران سطح نزد اساتیدی مانند زیبایی نژاد ، صفایی بوشهری ، فاضل ، علیدوست ، اسحاق نیا ، مغیثه ، محمدی خراسانی ، اشتهاردی و .... شاگردی کردم . از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۸۲ در درس خارج آقایان عظام حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی و آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی و آیت الله سبحانی و حجت الاسلام و المسلمین سیّد محمّد مهدی میرباقری شرکت کردم .تحصیلات و تخصص های تجربی : از سال ۱۳۷۱ تا کنون در دفتر فرهنگستان علوم اسلامی قم ، به صورت هم عرض سه کار تدوین ، اجرایی و آموزشی انجام داده ام . ضمن یادگیری تدوین

اولیه جزوات (پیاده کردن نوار، ویرایش علمی ، فهرست زدن و ...) به تدوین چند مقاله و کتاب پرداخته ام . در کار آموزشی از سال ۷۱ تا ۷۶ دوره عمومی (معادل کارشناسی) و دوره عالی (معادل کارشناسی ارشد) مباحث آموزشی فرهنگستان را گذرانده ام . در کار اجرایی چند سال سابقه مسوولیت آموزشی این مرکز را دارم . ضمنا در آموزش فرهنگستان از سال ۷۷ تا کنون سابقه تدریس نیز دارم و به آمورش تدوین نیز پرداخته ام و جزواتی نیز در زمینه آموزش و ویرایش ، فهرست و روش پیاده کردن نوار دارم .شرکت در همایش ها و جلسات علمی : به لطف خداوند حدود ۲ سال است که پس از بیانات مقام معظم رهبری در دانشگاه ها مانند دانشگاه صنعتی اصفهان , دانشگاه امام حسین (ع) تهران و ... به عنوان سخنرانی علمی و یا به عنوان استاد معین کمیسون های علمی از طرف دفتر بسیج دانشجویی تهران یا دفتر جنبش نرم افزاری دفتر تبلیغات دعوت می شود .

حسینعلی پور، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید حسینعلی پور

محل تولد : جلفا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۶ هجری شمسی به تبریز آمدم و در مدرسه طالبیه تبریز زیر نظر حجهٔ الاسلام آقای وثوقی به دروس حوزوی مشغول شدم (آقای وثوقی هم اکنون از اساتید حوزه‌های علمیه تبریز هستند) جامع المقدمات، باب رابع مغنی، حاشیه، معالم و بخش اوامر قوانین میرزای قمی را در تبریز خواندم. در سال ۱۳۴۹ به قم آمدم و از آن زمان تاکنون در قم هستم. اولین استادم آیهٔ الله علوی گرگانی بود که در درس شرح لمعه او حاضر می‌شدم و در درس لمعه آیهٔ الله محفوظی هم شرکت کردم و بقیه را از آقای شیخ علی پناه اشتهاردی درس گرفتم. استاد رسائل و مکاسب و کفایه ام آقایان میرزا یدالله و حاج میرزا محسن دوزدوزانی بودند. از افراد دیگری هم این کتابها را درس گرفته‌ام، لکن عمده این حضراتند. از سال ۱۳۵۸ در درس خارج آیهٔ‌الله تبریزی و نوری شرکت کردم در درس آیهٔ الله نوری همدانی فقط چهار سال شرکت داشتم ولی در درس آیهٔ الله تبریزی بیش از ۱۲ سال مرتب نشسته‌ام. شرح منظومه را از آیهٔ الله شیرازی انصاری خواندم. نهایهٔ الحکمه را از آیهٔ الله مصباح خوانده‌ام. شرح اشارات جلد دوم و سوم را از آیهٔ الله حسن‌زاده آملی درس گرفته‌ام. شرح فصوص قیصری و مصباح الانس را نیز از ایشان خوانده‌ام. سه جلد اول، دوم و سوم اسفار را هم از ایشان درس گرفته‌ام. بخشی از جلد ۶ و ۷ را از آیهٔ الله جوادی آملی تلمذ کرده‌ام. تمهید القواعد را از آیهٔ الله جوادی آملی خوانده‌ام. دروس عرفان و فلسفی را با توضیحات کامل، یادداشت دارم. همه دروس اعتقادی آیهٔ الله سبحانی را گذرنده‌ام و در درسهای اعتقادی پنجشنبه‌های آیهٔ الله مکارم شیرازی شرکت می‌کردم و در امتحان پایانی این دروس، با نمره خوب قبول شدم و به همین مناسبت برای ما جوایزی در نظر گرفته و جوایزی هم اکنون با مهر مدرسه امیرالمؤمنین موجود است. در یک دوره دو ماهه دروس حضرات اساتید در مدرسه حقانی پس از انقلاب اسلامی شرکت کردم. برخی از اساتید آن کلاسها عبارت بودند از:

آیهٔ‌الله نوری همدانی، آیهٔ‌الله تسخیری که درباره مارکسیسم تدریس می‌کرد، آقای سیدمنیرالدین هاشمی شیرازی که درس اقتصاد می‌گفت، آقای خاک که درباره سازمان مجاهدین خلق(منافقین) تدریس می‌کرد و...

حسینی ادیانی، مسلم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مسلم حسینی ادیانی

محل تولد : قائم شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

حسینی ارسنجانی، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدمحمدحسن حسینی ارسنجانی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۱/۱

زندگینامه علمی

جمعی از اساتید سطوح عالیه ، تفسیر ، فلسفه ، منطق و کلام : آیات عظام سلطانی، فاضل لنکرانی و آیات حسینی ارسنجانی ، حاج شیخ یحیی انصاری ، سید محمد کاظم آیت الهی ، خزئلی ، مشکینی ، ستوده ، جوادی آملی ، مجد الدین محلاتی ، دوزدوزانی ، شب زنده دار ، و کریمی جهرمی ؛ اساتید خارج فقه و اصول ، آیات عظام : گلپایگانی(ره) (۵ سال فقه) ، مرتضی حائری یزدی (ره) (۵ سال فقه) ، حسینعلی منتظری (۱۵ سال فقه) ، هاشم آملی (ره) (۴ سال اصول) . تدریس سیوطی ، معالم و لمعتین و نهج البلاغه .

حسینی استرآبادی، شرف‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۶۵ ق)، عالم امامی. وی از علمای بزرگ امامی و از شاگردان محقق کرکی بود. از آثارش: «تاویل الایات الظاهر فی فضل العتره الطاهره» یا «الایات الباهره»؛ «الفوائد الغرویه» در شرح «الجعفریه» استادش محقق کرکی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۵۳ –۳۵۲ /۱۶ ،۳۰۵ –۳۰۴ /۳ ،۴۶/۱)، ریحانه (۱۹۸/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۵/۱۰)، لغت نامه (ذیل/علی)، معجم المؤلفین (۳۳/۷)، هدیه العارفین (۷۴۷، ۷۴۵/ ۱).

حسینی استرآبادی، فخرالدین محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: صحیفه روغنی مذهب، نسخ کتابت خفی متوسط، با رقم: «... سلخ شهر ربیع‌الثانی من شهور سنه ۱۰۷۹... فخرالدین محمد الحسینی الاسترآبادی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۲۹ / ۴).

حسینی اسحاق نیا، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید رضا حسینی اسحاق نیا

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

سیّد رضا حسینی اسحق نیا در اوائل سال ۱۳۴۲ ه.ش در خانواده ای مذهبی دیده به جهان گشوده و اولین جرقه های علاقه به دین را پدرم مرحوم حاج سیّد محمود اسحق نیا که عمری را به نیکنامی سپری نمود و «عاش سعیدا و مات سعیدا» با تربیت عملی خود ضمیر صاف کودکانه من را روشن نمود. پدر بزرگ اینجانب مرحوم حاج سیّد احمد فرزند حاج سیّد اسحق از دوستان صمیمی مرحوم حاج آخوند ملا عباس تربتی بوده است چنان که در کتاب فضیلت های فراموش شده به قلم فرزند برومند وی که خود نیز ستاره ای است که از این شهر در آسمان علم و معرفت درخشیده یعنی خطیب دانشمند مرحوم حاج شیخ حسن علی راشد، به آن اشاره شده است و به شهادت اشخاص با اطلاع و مورد وثوق از معدود کسانی بوده که مرحوم حاج آخوند در منازل ایشان غذا تناول می نموده است.

از سن شش سالگی به مدّت دو سال در مکتب آقای حاج معلم، قرآن و دروس متداوّل در مکتب خانه های قدیمی را فرا گرفته و سپس تحصیلات جدید را از کلاس سوم آغاز نموده و مقطع ابتدایی را در دبستان بیهقی و دوران راهنمایی را در مدرسه راهنمایی علی تمدن و دوران دبیرستان را در دبیرستان رازی شهرستان گذارندم. تقریباً همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی فرا گیری علوم حوزوی را در کنار دروس دبیرستان حدود بیش از ۲ سال در مدارس علمیّه مرحوم هراتی و مرحوم فولاد شروع نموده و سپس

بعد از اخذ مدرک دیپلم در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی برای ادامه تحصیل به حوزه مقدسه علمیّه قم هجرت نمودم.
و بنا به گفته پیر هرات خواجه عبد الله انصاری که «الهی دود از آتش چنان نشان ندهد و خاک از باد که ظاهر از باطن و شاگرد از استاد» چون هر کس که دارای چیزی شده است آن را از استاد کسب نموده است، لذا از این فرصت استفاده نموده و به ذکر اساتید بزرگوار که از خرمن پر فیض آنها به فراخور استعداد و قابلیت خویش خوشه چینی نموده ام پرداخته و از این راه سپاس فراوان خود را نثار ساحت مقدس ایشان می نمایم. مقدمات حوزوی از قبیل ادبیات عرب و منطق و بلاغت و مقداری از سطح را در تربت در محضر اساتیدی چون حجج اسلام آقایان حاج شیخ احمد معلم و حاج آقا سعیدی، حاج سیّد علی آقا ربانی آموخته و بیشترین استفاده را از حوزه درس جناب حجت الاسلام و المسلمین حاج آقا رحمانی نمودم که تلاش جدی و مستمر و شور و نشاط ایشان در طریق تعلیم به طلاب اعجاب آور و تحسین برانگیز می باشد. در اواخر مدّت تحصیل در تربت حیدریه علم کلام و مقداری از فلسفه را خدمت مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ صدر الدین ربانی با وجود کسالتی که داشتند قرائت نمودم و از آن زمان تا کنون سخت تحت تاثیر معنویت آن مرحوم قرار دارم. وی به خاطر کسالت های متعدد و شدیدی که اواخر حیات پر برکت خود داشت و هم چنین ابتلائات گوناگون به حق، مصداق «البلاء للولاء کاللهب للذهب» بود یعنی:
پس از عزیمت به حوزه علمیّه قم ، بقیه دوره سطح و سطح عالی را در محضر اساتیدی چون حجج اسلام آقایان حاج سیّد احمد طباطبایی تربتی و حاج آقا قاضی زاده تربتی و حاج شیخ مصطفی اعتمادی تبریزی سپری نموده و حدود ده سال در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: فاضل لنکرانی و حاج شیخ جواد تبریزی و وحید خراسانی شرکت نمودم. در کنار فراگیری دروس عمومی حوزه در دروس تخصصی فلسفه و عرفان به مدّت هیجده سال حضور پیدا کرده و گر چه در محضر اساتید بزرگ در این رشته مانند آیت الله حسن زاده آملی مقداری تلمّذ نموده ام و لیکن عمده استفاده من در فن مزبور از محضر آیت الله انصاری شیرازی بوده است تقریباً از همان شروع به تحصیل علوم دینیه، در جنب آن به تعلیم طلاب نیز اشتغال داشته ام و اینک هم به تدریس معقول و منقول درسطح عالی در حوزه علمیّه قم مشغول می باشم. در کنار تحصیل و تدریس احیاناً به کار تألیف نیز پرداخته ام و آنچه تاکنون به زیور طبع آراسته شده دوره علم منطق تحت عنوان منطقیات در چهار مجلد است که شرح مبسوطی بر یکی از متون قدیمی در این رشته می باشد.آنچه در این سطور به رشته تحریر در آمده شمه ای از بحار بیکران الطاف و توفیقات خداوندی است که به این بنده نا چیز ارزانی فرموده است. از سال ۷۸ تا کنون علاوه بر تدریس درحوزه مبارکه قم هفته ای یک روز در تهران مقطع کارشناسی ارشد رشته عرفان به تدریس اشتغال دارم و نیز مسوولیت علمی مقالات بخش فلسفه و کلام دایره المعارف قرآن کریم را عهده دار می باشم. ضمنا گواهی علمی سطح چهار حوزه را دارم.

حسینی اشکوری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شب ۱۳ ربیع‌الاول سال ۱۳۵۰ ق در نجف اشرف متولد شده.

مرحوم پدرش حاج سید علی اشکوری از شاگردان آیت‌الله شیخ ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله شیخ شعبان گیلانی بود و مقداری از تقریرات اصولی و فقهی‌آقا ضیاء را نوشته است.

جدش سید حسن بن سیدعلی بن سید معصوم حسینی اشکوری از یکی از محال گیلان به نحف اشرف هجرت نموده و از شاگردان آیت‌الله آخوند خراسانی بود و حدود سال ۱۳۶۷ در نجف بدرود حیات گفت.

نزد اساتید برجسته‌ی نجف تحصیلات مقدمات و سطوح را به پایان رساند و در خصوص علوم ادبی عرب تخصص پیدا نموده و کوشش زیادی کرده است.

در سن هیجده سالگی ترک تحصیل نموده از نجف به بغداد رفتند و چهارسال به کسب اشتغال داشته و وضع مادی و کسبشان بسیار خوب بود، اما چون در خود قدرت انجام کارهای علمی می‌دیدند خود لازم دانستند که در این راه بذل مساعی کنند لذا به نجف بازگشته و به ادامه‌ی تحصیل پرداختند.

در نجف اشرف از سال ۱۳۷۸ ق به کار نویسندگی و تحقیق و تصحیح کتابهای علمی عربی پرداخته و در راه احیاء و زنده نمودن کتب قدما تا توانستند جدیت کرده و در ظرف چند سال پاره‌ای از کتابهای مهم را تحقیق و چاپ نمودند.

در اثر پیش‌آمدهائی ناگزیر به سال ۱۳۹۱ ه به قم هجرت نموده و مشغول به تالیف و تحقیق شده‌اند.

بیشتر اوقاتشان صرف می‌شود در تالیف کتاب «مولفات الامامیه العربیه» که بیش از صد جلد می‌باشد، و کتاب «الاسماء و مصادر» که بیش از پنجاه جلد می‌باشد و «فهرست کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی» که حدود بیست جلد می‌باشد.

سید احمد حسینی اشکوری فرزند عالم ربانی و زاهد سبحانی حاج سید علی فرزند سید حسن اشکوری در شب سیزدهم ربیع‌الاول ۱۳۵۰ قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و در آنجا نشو و نما یافته و علوم اولیه و اولیات علوم دینیه را نزد افاضل علماء و مدرسین نجف خوانده و دروس عالیه را نیز به سبک سنتی معموله در نجف اشرف در خدمت جماعتی از برزگان آن سامان به اتمام رسانده. و اکثر از درسهای خصوصی استفاده کرده و پس از فراغت از آن در سال ۱۳۸۰ ق به تألیف و به تحقیق پرداخته و شوق مفرطی به مطالعه و تحقیق آثار بزرگان داشته و موفق به مطالعه و بررسی صدها کتاب نویسندگان و مولفین شده و مسافرتها به داخل و خارج کشور برای مطالعه و دیدن کتب مطبوعه و غیره نموده است.

در اواخر ۱۳۹۱ قمری منتقل به ایران و در قم رحل اقامت افکنده و به تألیف و تحقیق و مباحثات پرداخته و از بسیاری از شهرها و

استانها دیدن نموده و درباره کتب مخطوطه کاوش و تفحص به عمل آورده و از کتابخانه‌های عمومی و خصوصی دیدن کرده و بر بسیاری از مصادر صالحه و کتب مخطوطه قدیمه که از مواریث اسلامی بوده راه یافته و استفاده نموده و دهها کتاب که از دانشمندان قدیم بوده به تحقیق ایشان به عراق و ایران و بیروت به طبع رسیده است.

و از کارها و تاسیسات ایشانست (مجمع الذخائر الاسلامیه) در قم و از تألیفات به چاپ رسسیده معظم له کتب زیر است:

۱- الامام الحکیم در سال ۱۳۸۵ ق در نجف اشرف به طبع رسیده.

۲- الامام الثائر در سال ۱۳۸۶ ق در نجف اشرف به طبع رسیده.

۳- الامام الشاهرودی در سال ۱۳۸۶ ق در نجف اشرف به طبع رسیده.

۴- فهرست مخطوطات رشتی که به کتابخانه آیت‌اللّه الحکیم اهداء شده.

۵- فهرست مخطوطات خزینه امیرالمؤمنین علیه‌السلام که در سال ۱۳۹۱ ق به طبع رسیده.

۶- زندگانی شریف مرتضی در سال ۱۳۸۵ ق به طبع رسیده.

۷- دلیل المخطوطات که جزء اول آن در سال ۱۳۹۷ در قم به طبع رسیده.

۸- التعریف بالتراث مقالاتی که در مجله هادی چاپ شده.

۹- فهرست مخطوطات کتابخانه آیت‌اللّه گلپایگانی که جزء اول آن در سال ۱۳۵۷ به طبع رسیده است.

۱۰- فهرست مخطوطات کتابخانه آیت‌اللّه مرعشی (ره) که تاکنون بیست جلد آن به طبع رسیده است.

۱۱- تراجم الرجال در قم چاپ شده.

۱۲- اجازات الحدیث علامه مجلسی در سال ۱۴۱۰ ق در قم چاپ شده.

۱۳- تلامذه شاگردان مجلسی در قم چاپ شده.

از کتابهائی که به عربی ترجمه نموده‌اند

۱- القرآن فی الاسلام در سال ۱۳۹۳ ق در بیروت چاپ شده.

۲- رابطه العالم الاسلامی.

و از تألیفات چاپ نشده ایشان کتب زیر است:

۱- مهذب الذریعه الی تصانیف الشیعه.

۲- المفصل فی تراجم الاعلام.

۳- حدیث جوله.

۴- نهج‌البلاغه فی الشعر العربی.

۵- معجم الاعلام الامامیه.

۶- مولفات الزیدیه.

۷- قضیه حیاتی.

۸- من کل لون (از هر رنگی).

۹- فهرست مخطوطات کتابخانه حکیم در نجف.

۱۰- التراث العربی در کتابخانه آیت‌اللّه مرعشی.

۱۱- اجازات الحدیث.

۱۲- معجم المولفات القرانیه.

۱۳- احسن المواثر فی اعلام القرن الخامس العشر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حسینی اشکوری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی حسینی اشکوری

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

سیّد علی حسینی اشکوری در سال ۱۳۳۷ هجری شمسی در خانواده ای روحانی در مشهد مقدس چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم آیت ا... سیّد محمد اشکوری از عالمان ربانی و فیلسوفان عارف و یکی از چهره های برجسته زهد و تقوی به شمار می رفت و جد پدری ایشان مرحوم آیت ا... سیّد اسد الله اشکوری از رجال برجسته علم و از پیشوایان عصر خویش بود. جد مادریشان آیت الله سیّد محمّد باقر فیض است. نامبرده پس از گذراندن دوره ابتدایی وارد حوزه علمیّه نجف اشرف شد و دوره مقدّمات ، سطح و سطح عالی را طی نموده و به درس خارج استادان بزرگ و نام آوری چون آیت الله شهید سیّد محمّد باقر صدر راه یافت پس از آن

در حوزه علميّه قم از محضـر علما و مراجع بزرگ همچون آيات عظام حاج آقا رضا صـدر ، كوكبی، سيّد عباس خاتم يزدی،وحيد خراسانی،گلپايگانی (قدس سره)و منتظری بهره بسيار برد. وی هم اكنون يكی از چهره های علمی حوزه و از محققان، نويسندگان و اساتيـد حوزه و دانشـگاه می باشـد. او از آغاز نوجوانی و در سالهای پيش از انقلاب همواره با نهضت اسـلامی و همگام با انقلابيون در صف مبـارزان قرار گرفت و برای آرمانهـای آن از هيچگونه فـداكاری دريغ نورزيـده و در همين راسـتا توسـط حزب بعث عراق دستگير و شكنجه های فراوانی متحمل شد و همواره طرفدار آزادی و آزادانديشی بوده است وی دفاع از انقلاب و اصول آن و دفاع از زجر كشـيدگان و پايه گذاران نهضت بزرگ اسلامی و محرومان و پاسداری از آزاديهای مشروع مردم و دست آوردهای انقلاب را وظيفه خويش می شمارد.

حسینی اصبهانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسـين بن محمدرضا بن علی بن محمد الحسـينی اصـبهانی نجفی متولد ۱۲۸۷ ق و متـوفی ۱۳۴۴ قمری كه در مـاده تاريخش علامه سماوی سروده است.

و كالحسين بن محمدالرضا

ابن علی الحسينی مضا

من اهل اصبهان سكان النجف

و من ذوی العلوم فيها والزلف

جاهد فی الولا و زار واعتصم

فارخوا (فی العمل الجهد ختم)

برگرفته از كتاب :گنجينه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی اصفهانی، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سيد مرتضی حسينی اصفهانی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعيت : ايران

تاريخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگينامه علمی

اينجـانب پس از گذرانـدن دوران دبسـتان و دبيرسـتان در زمـان سـيكل دوم (قبل از ديپلم) بود كه با وضـعيت نامناسب مـدارس در دوران شاهنشـاهی در سال ۱۳۵۱ – ۱۳۵۲ دروس مـدارس را ترك گفته و يـك مرتبه عشـق دروس حوزوی و تحصـيل علم در من زنده شد. با علاقه وافری در كنار دروس كلاسيك درس جامع المقدمات را به طور خصوصی نزد استادی شروع به خواندن كردم و كم كم به حوزه علميه در اصـفهان ، مدرسه ذوالفقار پای گذاردم. اساتيد بزرگواری مانند آيت الله حسن امامی، استادبزرگوار حاج آقا فقيه(حاج شـيخ علی اكبر)، اسـتاد بزرگوار حاج آقا صحبت ابطحی و ديگر اساتيد را تلمذ نموده و كتابهای ادبيات و دوره سطح تا لمعتين را در آن مدرسه به اتمام رسانيدم. آنگاه به حوزه علميه قم مشـرف شديم كه حدود ۱۳۵۷ بود. و بقيه كتب دوره سطح را از رسائـل و كـاسب و منطق مظفر و معـالم الـدينی تا به دروس خارج فقه و اصول را به طور پيوسـته در كنار اساتيـد بزرگوار همانند مرحوم آيت الله سـتوده، آيت الله اعتمادی- دوزدوزانی – مظاهری- غير خواندم و كم كم در دروس خارج فقه و اصول آيات عظام فاضـل لنكرانی- مكارم شـيرازی – مرحوم حاج شـيخ جواد آقا تبريزی – وحيـد خراسانی- نوری همـدانی- شـركت ميكردم و البته دروس جنبی ديگر هماننـد تفسير – علم رجـال- مبـاحث كلامی و دروس ديگر را به طور جزوه هـا و غيره را اشـتغال داشتيم و در امتحانـات حوزه شـركت داشتيم. بعـد از حضور در دروس خـارج در كنار آن به حضور در مجالس تفسير علاقه وافری داشـتم . در جلسه تفسير آيت الله خزعلی شـركت داشـتم و با عشق به آن درس و عمق در آن به حفظ قرآن مشـغول شدم و بيشتر قرآن را حفظ كرده و در كنار آن عشق به تفسير در بنـده زنـده شـد. كه نخست بيشتر تفسير نمونه را به طور كامل مطالعه كردم برای اينكه حفظ آيات در ذهن بنـده بيشتر اسـتقرار يابـد. آنگاه مجموعه تفسير الميزان را مطالعه عميق نمودم و از آن نسـخه برداری كردم. پی بردم برخی از مقالاتی هست كه بايد از قرآن اسـتخراج شود ، در اينجا زمينه با عشق وافری كه داشتم برخی از مقالات را استخراج نمودم از قبيل : توحيد نظری، و عملی ، يهوديت و مسيحيت ، ولايت و امامت، هنر و ديگر مقالات كه در قرآن زياد بر آن تكيه شده و در همين دوران بود كه كتابهای نوشته شـده تا كنون به حدود ۴۵ عـدد ميرسـد و بيشترين و بلكه همه آنهـا دقيقا در خصوص دردها و امور مبتلابه مردم است و حتی برخی از اساتيـد بـا نظـارت بر آنها اظهار داشته انـد كه شـما دقيقا روی دردهای محسوس و ملموث

جامعه قلم میزنید. امیدوارم خداوند با منتی که بر بنده حقیر نموده منت خودرا از بنده حقیر دریق ندارد تا بتوانم دینم را به اسلام و مسلمین ایفا بنمایم . از همکاری و لطف شما در این زمینه که بنده حقیر را تفقه نمود، به کمال تشکر و قدردانی می نمایم . والسلام

حسینی ایمنی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی حسینی ایمنی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه فیضیه مازندران در شهرستان بابل شدم در سال ۱۳۷۴ به حوزه علمیه قم آمدم ، تاپایه دهم حوزه را در کتبی و شفاهی در سال ۱۳۷۹ امتحان دادم و قبول شدم و از آن سال تاکنون مشغول گذراندن درس خارج هستم . سال ۱۳۷۷در دانشگاه مفید قم پذیرفته شدم و سال ۱۳۸۱ در رشته حقوق در مقطع کارشناسی از آنجا فارغ التحصیل شدم و از همان سال با مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما ، در بخش ماهنامه ادبی اشارات ، به عنوان سر دبیر این ماهنامه همکاری می کنم . در نشریات دیگر این مرکز هم مقاله داده ام که به چاپ رسیده است و اشعار و نوشته های ادبی ام نیز به صورت پرا کنده ، در نشریات مختلف کشور به چاپ می رسد .

حسینی بهشتی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضا حسینی بهشتی متولد ۱۳۳۶ در قم است. بعد از دوره دبیرستان به تهران آمده و پس از سه سال و نیم تحصیل رشته پزشکی آن را رها می‌کند. به علت علاقه اش به علوم اسلامی، با بازگشایی دانشگاه ها تغییر رشته می دهد و به سراغ رشته فلسفه غرب می رود. در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد را می گذراند. پایان نامه کارشناسی ارشد را در مورد مونادولوژی لایب نیتس می نویسد. برای دوره دکترا به آلمان می رود و از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۶ در آلمان تحصیل می کند. در سال ۱۳۶۶ به ایران بازمی گردد و از همان سال در گروه فلسفه دانشگاه تهران تدریس فلسفه را آغاز می کند.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

والدین و انساب : سید محمد رضا حسینی بهشتی فرزند شهید بهشتی است.او درباره پدرش می گوید: «آنچه را که می توانم به عنوان عصاره ای که در ذهنم از ایشان باقی مانده است بیان دارم اینست که در بیست و چند سال تماس مداوم من با آن شهید او را به تمام معنی (مؤمن) یافتم. دردل او و اندیشه او و عمل و کردار او هر چه بیشتر دقیق می شدی آثار این روشنی و گرمای ایمان را بیشتر حس می کردی و جوشش عشق به خدا و خدمت به خلق خدا را که از ورای پندار و گفتار و کردارش حس و لمس می شد ، ناخودآگاه مرا به سوی شخصیت ایشان جذب می کرد و می کشید. «آیت الله شهید بهشتی» سراپا عرفان بود ، اما عرفانی بی هیاهو که اثر عمیق خویش را در شیوه برخورد ایشان با مسائل و مشکلات و دشواری های راه بخوبی می توانستیم ببینیم . آنچنان ایمان در دل او رسوخ داشت که در این چند سال ندیدم که هیچ حادثه ای او را حتی اندکی به تزلزل وادارد و براستی که هیچ حادثه ای او را حتی اندکی به تزلزل وادارد.» و به راستی که محمد رضا بهشتی بی آن که هویت مستقل خویش را از دست داده باشد،این صفات پدر را در خویش زنده نگاه داشته و پرورانده است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : ـ تحصیلات ابتدایی و متوسطه در زادگاه ـ تحصیلات نیمه تمام در رشته پزشکی ـ دریافت کارشناسی فلسفه از دانشگاه تهران ـ دریافت کارشناسی ارشد فلسفه از دانشگاه تهران ـ عزیمت به آلمان برای ادامه تحصیل ـ دریافت دکترای فلسفه از دانشگاه هامبورگ آلمان ۶۶-۱۳۶۰ ـ آشنایی با زبان های عربی، آلمانی، انگلیسی و اندکی یونانی و لاتینی

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ـ مدیر مؤسسه مطالعاتی تاریخ خاورمیانه از ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۹ ـ مدیر مؤسسه پژوهشی فرهنگی «نوارغنون» از ۱۳۷۷تاکنون ـ عضو پیوسته فرهنگستان هنر ـ مسئول گروه فلسفه فرهنگستان هنر ـ عضو هیأت امنای مؤسسه مطالعات اجتماعی (وزارت علوم و تحقیقات و فناوری) ـ عضو هیأت امنای پژوهشگاه علوم انسانی ـ عضو هیأت امنای مؤسسه انجمن و حکمت

فعالیتهای آموزشی : تدریس در دانشگاه تهران گروه فلسفه از سال ۱۳۶۶ تا کنون

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : بعد از بازگشت از آلمان فعالیت های پژوهشی اش را روی فلسفه متمرکز می کند. پس از مدتی با همکاری دوستانش مؤسسه پژوهشی نو ارغنون را تأسیس می کند. به غیر از مقالات مختلفی که در مجله های تخصصی یا در مطبوعات منتشر کرده، گاه شمار تاریخ معاصر خاورمیانه با همکاری او منتشر شده است.

آرا و گرایشهای خاص : سید محمدرضا حسینی بهشتی با اشاره به این که مفهوم طبیعت به عنوان نرم و جهت دهنده در عرصه زندگی اجتماعی و فردی است اعتقاد دارد:« مفهوم طبیعت در پیوند با دو مفهوم خدا و انسان قرار دارد که هر سه این مفاهیم نقش مؤثری در تلقی ما از خود و موجودات پیرامون ما دارد . اگر ما به مواجهه انسان و طبیعت نگاه کنیم. ما پیش از سه دهه اخیر با سه نوع مواجهه روبرو بودیم یکی مواجهه نظری با طبیعت که انسان کنجکاو می خواهد به شناخت طبیعت بپردازد و نظر به طبیعت کند . در آغاز این نگاه به طبیعت و عالم ممکن است با این هدف صورت بگیرد که خود نگرش طبیعت به عنوان بالاترین ارزش تلقی می شود یعنی نظر به خاطر نظر صورت می گرفت و ایده آل دانش نظری در یونان باستان نظر برای نظر بود . در سده های میانه نظر به عنوان نظر دیگر ارزش ندارد و اگر نظر در خدمت ایمان قرار می گرفت ارزش داشت و شیخ بهایی نیز می گفت از صفحه دل هر علمی را که در جهت رستگاری نیست پاک کنید که این همان نگاه ارسطویی است. در عصر جدید اتفاق عجیبی در حال افتادن است و آن این که دانش نظری در خدمت غایات عملی انسانی قرار می گیرد یعنی در جهت سعادت مادی انسان است و بیکن معتقد است همه مشکلات از جهل است یعنی ما نمی توانیم آینده را پیش بینی کنیم و آن را در جهت غایات خود قرار دهیم .» بهشتی با اشاره به این که در عهد باستان انسان نمی توانست آقا و سید طبیعت باشد ولی در دهه های اخیر تاریخ نگاری علم یعنی نگاه علم هم به خودش عوض شده است می افزاید:« بیکن معتقد است طبیعت، در اختیار ماست به شرطی که حرف از آن بیرون بکشیم وگرنه جواب نخواهد داد و ضربه ای که می توانیم به آن بزنیم آزمایش است و در این صورت است که شناخت علمی داریم. مواجهه های انسان با طبیعت عبارتند از: مواجهه نظری، تکنیکی – علمی، زیبا شناختی، اخلاقی – عملی». محمدرضا بهشتی علاوه بر تدریس و تحقیق، به عرصه های عمومی تر حوزه مطالعاتی اش نیز توجه ویژه دارد و بویژه درباره وضع آموزش فلسفه در ایران دیدگاه های جالبی را ارائه می دهد: «آموزش فلسفه در ایران در دو حوزه صورت می گیرد که عبارتند از؛ مدارس سنتی و دانشگاه ها. در دانشکده الهیات تمرکز بر فلسفه اسلامی است ولی دانشکده ادبیات بیشتر به فلسفه غرب می پردازد. مهم ترین مسأله در مواجهه با آموزش فلسفه، ابهام در هدف گذاری و شناخت جایگاه فلسفه است.ما در برنامه آموزشی مان برخلاف کشورهای خارجی، هیچ دوره خاصی نداریم که فارغ التحصیل فلسفه بتواند پس از گذراندن آن فلسفه را آموزش دهد. در طریقه منتقل کردن مطلب نیز خلأ وجود دارد؛ در طول دوره پژوهشی فرد آموزش لازم را برای انجام کارهای پژوهشی نمی بیند و با کمترین تکنیک ها نیز در مسیر آموزش آشنا نمی شود.مشکل ما در آموزش فلسفه این است که نه ورود ما به مطلب مشخص است و نه خروج و نه طی مسیر و بر این اساس، با رهیافت مشخصی نیز روبه رو نیستیم وآشنا شدن با رهیافت ها را نیز در جایی پیدا نکرده ایم. یکی از کمبودهای جدی به لحاظ آموزشی و پرورشی، کمبود منابع داخلی و بویژه منابع خارجی است. مجلات و مقالات در رشته فلسفه هنوز هیچ جایگاهی ندارند و ما هنوز با شیوه های جدیدتر برقراری ارتباطات آشنا نیستیم. ما جلسات چند استاد (محقق) را پیرامون یک موضوع نداریم و برای استفاده از اساتیدی که بیرون از حوزه های آموزشی ما پرورش پیدا کرده اند مشکل زبان داریم، اما با فرض حل مشکل زبان، راه های ارائه موضوع آن ها نیز با ما متفاوت است.در مورد طرح های پژوهشی قوی و بویژه جمعی، و گره خوردن کار پژوهشی در داخل دانشگاه ها با نیازهای بیرونی که موجب ایجاد نشاط در گروه ها می شود نیز کاری انجام نشده است.همچنین رابطه ای میان دانشگاه ها با دانشگاه های داخل و خارج، پژوهشگاه ها و مؤسسه های غیر دولتی مانند NGO ها نیز وجود ندارد. در کارهای آموزشی و پژوهشی، نخستین قدم، جدی گرفتن گروه های کار دانشجویی و پیوند میان این گروه ها است و بعد مطالعه و شناسایی راه های موجود و انتخاب این راه ها و سپس حرکت و اجرا که باید با ارزیابی مجدد و نقادانه صورت بگیرد.

چگونگی عرضه آثار : بررسی تطورات تاریخی قواعد کلی فلسفی با تأکید بر فلسفه اسلامی عنوان یکی از گزارش های سید محمدرضا حسینی بهشتی دردانشگاه تهران است. تدوین و تألیف چند جزوه درسی مربوط به آموزش زبان از جمله آموزش مقدماتی زبان یونانی و آموزش مقدماتی زبان لاتین نیز از دیگر آثار بهشتی در فضای آموزشی دانشگاه تهران بوده است.او علاوه بر حضور مستمر در فضاهای آکادمیک، در سالیان گذشته با نگارش مقالات متعدد نظری دیدگاه های خویش را به فضاهای عمومی تر اندیشه نیز کشانده است. برخی از مقالات او عبارتند از:نگرشی تاریخی به تحول مفهوم آرخه از پیش سقراطیان تا ارسطو ؛ سقراط، پس کار تو چیست؟ ؛ فلسفه و بحران محیط زیست ؛ زیباترین مثلث ها ؛ دو نظریه در زیباشناسی طبیعت ؛صلح و عدالت در بستر دینی ؛ جایگاه نقد سوم در نظام استعلایی کانت و ... بهشتی همچنین با دانشنامه جهان اسلام نیز ارتباط دارد و برخی مدخل های فلسفی آن را می نگارد،از آن جمله است مدخل تاریخ قرآن کریم «تئودور نولدکه و مدخل ثامسطیوس» ----------

---

آثار :

۱ Methodologische Ueberlegungen Zum Wandel des Naturbegriffs Techno VerlagY ۱۹۹۷.

۲ انسان شناسی فلسفی

ویژگی اثر : ترجمه ، نوشته هانس دیرکس، کتاب انسان شناسی فلسفی، با رویکردی آموزشی و نه تنها فلسفی، متن هایی از متفکران غربی را متناسب با مسائل بنیادی زندگی گرد آورده است. مطالعه این کتاب در راستای سرفصل های درس انسان شناسی برای استادان محترم معارف پیشنهاد شده است.

۳ دروس گفتارهای فلسفی

ویژگی اثر : مؤسسه دانش و توسعه علوم انسانی

۴ سرآغازهای فلسفه در یونان

ویژگی اثر : انتشارات هرمس

۵ شرحی بر تمهیدات کانت،

ویژگی اثر : اثر: ماکس آپل ؛ مرکز نشر دانشگاهی

۶ گزیده مقالات گادامر

ویژگی اثر : انتشارات هرمس

۷ متون برگزیده در هرمنوتیک

ویژگی اثر : سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

حسینی تبریزی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۵ ق)، خطاط. از آثار او: دعای مشلول جانمازی، جلد روغنی سرلوح مرصع، به خط نسخ کتابت خوش و با رقم. «کتبه اقل السادات محمد بن جلال الحسینی التبریزی، فی سنه ۱۳۰۵»، در کتابخانه‌ی سلطنتی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۵۲/۴).

حسینی تبریزی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از آثار او: تعقیبات نماز، نیم ربعی جلد روغنی، مذهب و به خط نسخ کتابت جلی خوش، با رقم: «کتبه... محمد حسن الحسینی التبریزی، سنه ۱۲۳۵»؛ نیم قطعه نسخ دو دانگ جلی عالی و رقاع کتابت جلی عالی، با رقم: «کتبه العبد الاثم محمد حسن الحسینی التبریزی ۱۲۳۴»؛ دعای صباح و غیره، به قطع وزیر کوچک، نسخ کتابت جلی خوش و با رقم: «حرره الداعی... محمد حسن الحسینی التبریزی، سنه‌ی ۱۲۳۶».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۵۸/۴).

حسینی تودشکی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر حسین حسینی تودشکی در سال ۱۳۴۲ در شهرتودشک از توابع اصفهان بدنیا آمد. تحصیلات دانشگاهی خود را در مقطع دکتری از دانشگاه نیوساوت ویلز سیدنی استرالیا (در سال ۱۳۷۴) اخذ کرده است. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه صنعتی امیرکبیر می باشد.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی هوا- فضاتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر حسین حسینی تودشکی تحصیلات دانشگاهی خود را در مقطع دکتری از دانشگاه نیوساوت ویلز سیدنی استرالیا (در سال ۱۳۷۴) اخذ کرده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه صنعتی امیرکبیر می باشد.آرا و گرایشهای خاص : حسین حسینی تودشکی عضو هیات علمی دانشکده مهندسی سیستم هوا و فضای دانشگاه صنعتی امیرکبیر درباره طراحی میکروماهواره" آوت ست ("چنین می گوید: کاربردهای این ماهواره تصویربرداری از ایران به منظور دریافت AUT Sat) اطلاعات مراتع و جنگل‌ها و مانیتورینگ پوشش‌دهی گیاهی روی سطح کشور خواهد بود و کاربرد نظامی ندارد.جوائز و نشانها : از دکتر حسین حسینی تودشکی در اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۸ به مناسبت گرامیداشت پنجاهمین سال تاسیس دانشگاه صنعتی امیرکبیر، تقدیر به عمل آمده است.

حسینی تویسرکانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد شریف بن سید محمدطاهر حسینی تویسرکانی متوفی روز عرفه ۱۳۲۲ ق و مدفون در رواق مطهر سمت پائین پای مبارک.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی تهرانی، عبدالکریم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، خطاط. از شاگردان میرزا غلامرضای اصفهانی بود که نستعلیق را به شیوه‌ی استاد خود می‌نوشت. گوینـد وی جز نستعلیق، در شکسته‌نویسی نیز استاد بوده، ولی خط شکسته‌ی او دیده نشده است. از آثار او: یک مرقع پانزده قطعه‌ای، به قلم دو دانگ خوش و با رقم: «الفقیر عبدالکریم ۱۲۹۳»؛ یک نسخه «گلستان» سعدی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «راقمه عبدالکریم الطهرانی ۱۲۸۶»؛ یک قطعه چهار دانگ جلی عالی، با رقم: «الفقیر المذنب عبدالکریم الحسینی سنه‌ی ۱۳۰۷».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۱۲/ ۲).

حسینی تهرانی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۰۵.

درگذشت: ۱۳۷۴.

از آثار اوست: امام شناسی: بحثهای تفسیری، فلسفی، روائی (تهران، ۱۳۶۲)؛ ترجمه رساله بـدیعه در تفسـر آیه الرجال قوامون علی النساء (ترجمه توسط چند تن از فضلاء؛ تهران، ۱۳۶۳)؛ داستان‌های عبرت‌انگیز (جمع‌آوری و تنظیم مهدی شمس‌الدین، قم، ۱۳۷۳)؛ رساله بـدیعه فی تفسیر آیه‌ی الرجال قوامون علی النساء (تهران، ۱۳۶۶ ،۱۳۶۰)؛ رساله حول مسئله رویه الهلال، موسوعه علمیه‌ی فقهیه فی لزوم اشتراک... (۱۳۷۱)؛ مقدمه و شرح رساله سیر و سلوک (منسوب به بحرالعلوم مهدی بن مرتضی الطباطبائی نجفی، تهران، ۱۳۷۲)؛ روح مجرد: یادنامه موحد عظیم شأن و عارف کبیر حاج سید هاشم موسوی حداد (تهران، ۱۳۷۳)؛ مقدمه و تذییل هدیه غدیریه: دو نامه سیاه و سپید (تألیف محمد رفیع بن عبدالواحد طبسی، مشهد، ۱۳۷۴)؛ رساله نوین درباره‌ی بناء اسلام، سال و ماه قمری و تفسیر آیه‌ی ان عده الشهور عند الله اثنا عشر شهدا فی کتاب الله یوم خلق السموات و الارض منها اربعه حرم ذلک الذین القیم: بحث تفسیری، روائی، فقهی و تاریخی (تهران، ۱۳۶۴)؛ رساله فکاحیه: کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین (تهران، ۱۳۷۳)؛ رساله لب اللباب در سیر و السلوک اولی الالباب (تهران، ۱۳۶۶)؛ مکاتیب حکمی و عرفانی میان آیتین علمین: حضرت آیه الحق و التوحید حاج سید احمد کربلائی و حضرت آشیخ المحقق حاج شیخ محمدحسین اصفهانی... (تهران، ۱۳۷۳)؛ معادشناسی (تهران، ۱۳۶۱)؛ لمعات الحسین: برخی از کلمات و مواعظ و خطب حضرت سیدالشهداء ابی‌عبدالله الحسین (ع) (تهران، ۱۳۷۱)؛ ولایت فقیه در حکومت اسلامی (از منشات محمدحسین حسینی تهرانی، تنظیم و گردآوری از محسن سعیدیان و محمدحسین راجی، تهران، ۱۳۷۳)، نور ملکوت قرآن (مشهد، ۱۳۶۸)؛ نگرشی بر مقاله بسط و قبض تئوریک شریعت دکتر عبدالکریم سروش (تهران، ۱۳۷۴)؛ مهر تابان: یادنامه و مصاحبات تلمیذ و علامه محمدحسین طاطبایی تبریزی (تهران، ۱۳۷۵).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حسینی حایری، عزالدین حسین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۱۷ ق)، عالم امامی، ادیب و شاعر. اصل وی از خراسان بوده است. با شیخ ابراهیم کفعمی معاصر بود و به گفته‌ی علامه مجلسی بر کفعمی سمت استادی داشت و با وی مراسلات نظمی و نثری داشت. کفعمی در حاشیه‌ی «مصباح الائمه» خویش او را به عزالاسلام و المسلمین ابوالفضائل می‌ستاید. از آثار وی: «تحفه الابرار فی مناقب الائمه الاطهار (ع)»، مشتمل بر احادیثی از شصت کتاب ارزشمند عامه؛ «حاشیه‌ی عمدةالطالب فی نسب آل ابی‌طالب»؛ اشعاری در منقبت اهل‌بیت (ع) و رثاء امام حسین (ع).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۷۳ -۱۷۱ /۶)، بحارالانوار (۱۸/۱)، الذریعه (۱۵۰/۶، ۴۰۶ -۴۰۵ /۳)، ریاض العلماء (۱۷۶ -۱۷۵ /۲)، ریحانه (۱۳۱/۴)، لغت نامه (ذیل/ حسین).

حسینی خاتون آبادی، محمد صادق

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علما و دانشمندان در ۱۱۴۰ وفات یافته، قبرش در تکیه‌ی خاتون‌آبادی‌ها است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حسینی خطیب قمی، ابوطالب

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۰۷ ق)، خطاط. از خوشنویسان و کتیبه نگاران روزگار صفویه بود و اهل قم. از آثار وی: کتیبه‌ی مقبره‌ی شاه سلطان حسین در جوار مزار حضرت معصومه، در قم که روی گچ برجسته‌ای، به خط ثلث چهاردانگ کتابت نوشته شده، با رقم: «کتبه ابوطالب الحسینی الخطیب القمی فی سنهٔ ۱۱۰۷».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۱۷ /۴).

حسینی خلیفه سلطانی، محمد بن عبدالکریم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل شاعر، در ۱۱۹۸ متولد، و در ۱۲۸۰ وفات یافته است.

کتب زیر از اوست:

۱ - اجازات ۲ - تفسیر قرآن ۳ - دیوان اشعار ۴ - سفرنامه‌ی هندوستان ۵ - شرح بر زبدهٔ الاصول ۶ - شرح بر تشریح الافلاک، و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حسینی داور، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۰۰، همدان.

درگذشت: ۱۳۷۱.

سید کاظم حسینی داور معروف به «روح‌الامین» و متخلص به «داور»، فرزند سید محمدعلی، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش همدان به پایان رسانید و در سال ۱۳۱۹ از دانشسرای مقدماتی همدان فارغ‌التحصیل شد، آنگاه به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمد و مدتی مدیر دبستان‌های بابا طاهر و علویان شهر خود بود. چندی نیز در تهران در دبیرستان مروی و دارالفنون به تدریس اشتغال داشت.

سید کاظم حسینی در جریان مبارزات سیاسی زمان دکتر محمد مصدق به فعالیت‌ها پرداخت. نخستین اشعار وی متعلق به سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۲ بود، در سال‌های نوجوانی در منزل پدرش که محل تجمع شاعران و ادبای همدان بود، حضور می‌یافت و از محضر آنها استفاده می‌کرد و به این ترتیب با فنون شعر آشنا گردید. دیوان اشعارش متجاوز از سی هزار بیت است که قسمتی از آن در سال ۱۳۲۵ به نام روان الوند چاپ شد و در سال ۱۳۳۷ اثر دیگری از او به نام روی پل تجریش در همدان طبع و نشر گردید.

سید کاظم حسینی داور فنون شعر را از آزاد همدانی و مفتون کبریایی آموخت و از اعضای انجمن ادبی آن شهر به شمار می‌آمد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حسینی درکه‌ای، عزیزاللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۷۰ ق)، مجتهد و دانشمند. تحصیلات مقدماتی را در مدرسه پامنار تهران به پایان رساند و در سال ۱۳۱۶ ق راهی نجف شد و از محضر آخوند خراسانی و حاج سید محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی و میرزا محمدتقی شیرازی استفاده کرد و به مرتبه‌ی والایی از علم رسید و درجه اجتهاد دریافت کرد. وی به امر میرزا محمدتقی شیرازی به تهران مراجعت کرد و از رؤسای روحانیت شد و در تهران به امامت جماعت و بحث و درس مشغول شد. مقبره‌ی وی در نجف اشراف است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۷/۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۵۲ -۴۵۱ /۴).

حسینی راویز، عبداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۰۵، یزد.

درگذشت: ۸ آذر ۱۳۶۷، کرج.

سید عبدالله حسینی، فرزند سید حسن، در شهرستان رفسنجان بزرگ شد و پس از پایان تحصیلات به استخدام اداره‌ی ثبت کل درآمد و در شهرهای رفسنجان، کرمانشاه، یزد و آمل حضرت کرد و پس از بازنشستگی مقیم تهران شد.

وی علاقه به سرودن اشعار فکاهی و طنزگونه داشت ولی هیچگاه به فکر تدوین آثار خود نبود. سال‌ها پیش اشعاری از وی در مطبوعات و از جمله «توفیق» چاپ شد. پیش از فوت کلیه‌ی اشعار چاپ شده و نشده‌اش را که شامل مثنوی‌ها و منظومه‌های فکاهی کوتاه و بلند بود به خط خویش نگاشت و به دوست کرمانی خود غلامرضا ایرانی سپرد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حسینی رشتی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد بن سید کاظم بن سید قاسم حسینی رشتی عالمی ادیب بوده و در سال ۱۲۹۵ ق وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی رضوی، محمدجعفر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطاط. از آثار او: «صحیفه‌ی سجادیه»، نیم ربعی جلد روغنی، دو صفحه اول متن و حاشیه مذهب مرصع، به خط نسخ کتابت خفی متوسط و با رقم. «تم ماردناه حامدا و مصلیا... سنه ثلاثین و مائه بعدالالف... کتبه العبد الاحقر المفتاق الی رحمه ربه الغنی محمد جعفر الحسینی الرضوی، سنه ۱۱۳۰».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۵۵/۴).

حسینی رهقی، نصرالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید نصرالله حسینی رهقی

محل تولد : رهق کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۵/۱

زندگینامه علمی

در اول مرداد سال ۱۳۳۸ شمسی در روستای رهق کاشان به دنیا آمدم و در سال ۱۳۴۴ وارد دبستان روستا شده و در سال ۱۳۵۰ پس از اخذ گواهینامه پایان تحصیلات ششم ابتدایی از دبستان معزّی روستای رهق در مهرماه سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه حضرت آیت الله مدنی کاشانی در کاشان شدم و دروس مقدمات را نزد اساتید آن مدرسه تلمذ نمودم و تا سال ۱۳۵۸ در کاشان مشغول تحصیل و تدریس بودم و نزد بزرگوارانی به نام آقایان حاجی رضا تفویضی، آقای بهشتی، آقای شیخ محمد وحیدی، آقای صادق‌زاده، مرحوم آیت الله اعتمادی آقای لطفی کاشانی، شیخ عبدالله موحدی، آقای مصطفی صمدیان بیدگلی، آقای علوی، آقای مناقب، آقای صراف‌زاده، آیت الله خراسانی، آیت الله علم الهدی، آیت الله یثربی امام جمعه کاشانی،آیت الله سید مهدی لاجوردی و شیخ عبدالحسین تفویضی آیت الله مصطفوی کاشانی و... .سطوح مقدمات و سیوطی، مغنی و حاشیه و معالم و مختصر و مطول و لمعتین و رسائل و مکاسب و اصول فقه را تلمذ نمودم و همزمان به تدریس مقدمات و سیوطی و حاشیه و معالم مشغول بودم .

از سال ۱۳۵۵ مسئول امور رسیدگی به طلاب مدرسه میانچال و آقابزرگ از طرف آیت الله مدنی بودم که تقریباً حکم ریاست مدرسه را داشت. در عید قربان سال ۱۳۵۶ ملبس به لباس روحانیت شدم و همزمان علاوه بر تحصیل و تدریس به تبلیغ و امامت جماعت و فعالیت‌های فرهنگی مذهبی و سیاسی مشغول شدم و با شروع مجدد فعالیت‌های نهضت امام خمینی پس از شهادت

مرحوم حاجی آقا مصطفی خمینی(ره) وارد مبارزات سیاسی شده و در جلسات و تظاهرات به سخنرانی و نیز به پخش اعلامیه‌های امام و علماء مشغول بودم و بارها به دهات اطراف شهر برای راه‌اندازی تظاهرات و تشکیل مجالس سیاسی مسافرت نموده و در سال ۱۳۵۷ هم بعد از ۲۷ شب سخنرانی و فرار و گریز با محاصره محل سخنرانی توسط نیروهای اطلاعات و شهربانی در حال فرار پس از سخنرانی دستگیر شدم و پس از انتقال به شهربانی و پذیرایی توسط کماندوهای مستقر در شهربانی و بازجویی‌های ممتد که تا صبح ادامه داشت به واسطه فشار مردم و علما به خصوص حضرت آیت الله مدنی کاشانی و آیت الله یثربی و کمک‌های یکی از نیروهای شهربانی که فرد مؤمنی بود و از مبارزان بود و آن شب افسر نگهبان شهربانی بود که بعدها هم به عنوان اولین رئیس شهربانی شهر منصوب شد به نام سروان سفرجی بعد از یک روز آزاد شدم در حالی که بازجویی که ساعت ۲ بعد از نیمه شب از بنده بازجویی می‌کرد و مدعی بود نوارهای سخنرانی از اول ماه رمضان آن شب را گوش کرده می‌گفت حکم شما اعدام است ولی چون به سن قانونی (بیست سالگی) نرسیده‌اند حداقل ده سال زندانی برای شما حتمی است.

اما پس از پیروزی انقلاب تا یک‌سال در کاشان ماندم و علاوه بر تحصیل مشغول فعالیت‌های انقلابی و رفتن به روستاهای اطراف و تشکیل جلسات سخنرانی و ارشاد مردم و تبلیغ و توحید و ترویج انقلاب بودم که اثر زیادی هم داشت. اما در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و در دروس حوزه علمیه شرکت نموده و دروس سطح را تکمیل و به پایان رساندم و در درس مکاسب و کفایه مرحوم آیت الله ستوده و رسائل آیت الله اعتمادی و آیت الله وجدانی فخر و آیت الله سید ابوالفضل موسوی تبریزی و آیت الله دوزدوزانی و آیت الله فاضل لنکرانی و منظومه آیت الله انصاری شیرازی و... شرکت نمودم و در سال ۱۳۶۰ در اولین دوره درس خارج اصول آیت الله صانعی و درس خارج فقه حج آیت الله فاضل لنکرانی و درس خارج آیت الله منتظری شرکت کردم و هم‌زمان در درس‌های جنبی حوزه که توسط بزرگان و علمائی مانند آیت الله مکارم، سبحانی، یزدی و مشکینی و مصباح یزیدی تشکیل می‌شد شرکت نمودم ضمناً در برنامه‌ای که توسط دفتر تبلیغات در مسجد الوندیه در چهارمردان تشکیل می‌شد شرکت مستمر داشته و در آنجا از افاضات بزرگانی همچون مرحوم آیت الله بهشتی(ره)، آقای هاشمی رفسنجانی، رهبر انقلاب آیت الله خامنه‌ای، شهید باهنر و آیت الله یزدی و... بهره بردیم.

و در سال ۵۸ در حزب جمهوری اسلامی قم مشغول فعالیت شدم و در دفتر رئیس وقت آقای معادیخواه قم انجام وظیفه می‌کردم و در امتحانی که از طلاب حوزه علمیه گرفته شد شرکت نمودم و سطح حوزه تا کفایه را امتحان داده و قبول شدم و در مصاحبه حضوری هم در خدمت مرحوم آیت الله ربانی املشی امتحان دادیم. و در نتیجه از سال ۱۳۵۹ هم زمان با درس حوزه در مدرسه عالی تربیتی و قضایی هم شرکت نمودم و در سال ۱۳۶۱ مدرک کارشناسی علوم انسانی دریافت نمودم و در آنجا هم از محضر بزرگانی مانند آیت الله سبحانی، معرفت و مکارم و امین و هاشمی شاهرودی و دکتر شریعتمداری و... استفاده کای و وافی را بردیم.

در سال ۵۹ هم‌زمان با شروع جنگ تحمیلی در سپاه پاسداران اسلامی شاهرود به عنوان مسئول آموزش و بسیج آنجا و به منظور تصفیه نیروهای بنی‌صدر از طرف ستاد مرکزی سپاه اعزام شده و چند ماهی مشغول خدمت بودم که با شروع دروس مدرسه عالی تربیتی و قضایی طلاب به قم بازگشتم ولی هم‌زمان در عقیدتی سیاسی هنگ ژاندارمری قم و گروهان ژاندارمری قم مشغول شده و با آنها همکاری مستمر به عنوان مسئول آموزش و مسئول دفتر عقیدتی و اداره کننده کلاس‌های عقیدتی داشتم. در سال ۱۳۶۱ پس از فارغ التحصیلی از مدرسه عالی طلاب قم وارد آموزش و پرورش شهرستان کاشان شده و تا سال ۱۳۶۶ در مدارس و دبیرستان‌ها و تربیت معلم کاشان مشغول تدریس بودم و هم‌زمان در حوزه علمیه آیت الله مدنی به تدریس کتب حاشیه و معالم و سیوطی مشغول بودم و چندین دوره این کتاب‌ها را تدریس نموده و درس حاشیه ما از شلوغ‌ترین درس‌های حوزه کاشان بود چون به شیوه جدید و با استفاده تخته سیاه و... انجام می‌شد و هم‌زمان در این مدت به عنوان مسئول عقیدتی سیاسی گروهان ژاندارمری کاشان مشغول بودم و نیز به عنوان مسئول اتحدیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان با حکم از طرف نمایندگی حضرت امام(ره) در اتحادیه مرکز انجام وظیفه می‌نمودم.

و نیز در انجمن اسلامی معلمان شهر به عنوان عضو شورای مرکزی و مسئول آن انجام وظیفه می‌نمودم و در مدت جنگ تحمیلی چند بار به جبهه‌ها در منطقه کردستان اعزام شده و به عنوان مسئول و مبلغ به پایگاه‌های مختلف در آنجا اعزام می‌شدم و نیز هم‌زمان به عنوان عضو ستاد جمع‌آوری و جذب کمک‌های مردمی به جبهه و جنگ مشغول انجام وظیفه بودم. و در سال ۱۳۶۶ به قم مراجعت نموده و در درس‌های حوزه علمیه شرکت نموده و به مدت یک سال هفته‌ای دو روز به کاشان برای تدریس می‌رفم اما از سال ۱۳۶۷ به آموزش و پرورش قم منتقل شه و از آن زمان در دبیرستان‌ها و مراکز آموزش عالی فرهنگیان قم و تربیت معلم‌های قم مشغول فعالیت می‌باشم و هم‌زمان در درس‌های حوزه علمیه شرکت نموده و در درس‌های آیات عظام مکارم شیرازی، سبحانی، نوری همدانی، منتظری، صانعی، فاضل لنکرانی، شبیری زنجانی، موسوی اردبیلی، علوم گرگانی و شریعتی نیاسری و جوادی آملی و... شرکت نموده‌ام. و در سال ۱۳۶۸ در امتحانی که از طلاب حوزه علمیه گرفته شد شرکت نموده و قبول شده در تربیت مدرس مدرسه دارالشفاء نیز مشغول تحصیل شدم و در سال ۱۳۷۰ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی شده و از پایان نامه تحصیل با موضوع بلوغ شرعی در مذاهب مختلف اسلامی، دفاع نمودم. لازم به ذکر است که در این مدت در تمام امتحانات حوزه علمیه شرکت نموده و قبول شده‌ام و در سال ۱۳۸۴ به عنوان طلاب ممتاز شمرده شدم به علت موفقیت در چهار مرحله پی در پی امتحان و مصاحبه شفاهی درس خارج که در هر نوبت یک فقه و یک اصول را امتحان دادم.

و در این مدت در اکثر دوره‌های ضمن خدمت آموزش فرهنگیان قم به عنوان مدرس به تدریس دروس تعلیم و تربیت و معارف اسلامی و روش تدریس دینی و قرآن و تاریخ و... مشغول بوده‌ام. و نیز در مصاحبه و امتحان اساتید دانشگاه‌ها که نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها اجرا می‌کند شرکت نموده و قبول شده و گواهینامه تدریس در رشته‌های مختلف را اخذ نموده‌ام و برای اخذ مدرک سطح چهار حوزه علمیه قم (دکترا) در امتحانات و مصاحبه‌های آنها نیز شرکت داشته و پایان‌نامه کارشناسی ارشد بنده به عنوان تحقیق سطح سوم حوزه پس از دفاع از آن پذیرفته شده و هم‌اکنون مشغول تهیه و تنظیم و نوشتن پایان‌نامه‌ای برای سطح چهارم حوزه تحت عنوان «حرمت ربا در مذاهب مختلف اسلامی» می‌باشم که امید است به زودی بتوانم از آن دفاع نمایم. البته در این

مـدت جزوه‌های درسـی متعددی تحت عنوان‌های تعلیم و تربیت اسـلامی، تحول بینش دینی، فن خطابه و تبلیغ تفسیر قرآن و روش تدریس روخوانی و تجوید و غیره... تهیه نموده‌ام و در اختیار دانشجویان و معلمان قرار داده‌ام گرچه کدام از آنها چاپ شده است.

حسینی زاده، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدعلی حسینی زاده ده آبادی

محل تولد : میبد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۲ دیپلم خود را در رشـته علوم تجربی از میبـد گرفتم و در مهر ماه همان سال وارد حوزه علمیه یزد شدم و به مدت دو سال ادبیـات عرب را در آنجـا اموختم در مهرمـاه ۱۳۶۴ به حوزه علمیه قم مـدرسه حقـانی وارد شـدم در سـال ۱۳۶۵ دروس خـود را به صورت آزاد در حوزه قم ادامه دادم و در کنـار آن از همـان سـال ۶۵ تا ۶۹ یک دوره پنـج ساله دروس موسـسه در راه حق را در ۴ سال گذراندم در سال ۱۳۷۰ برای گذراندن یک دوره سه ساله کارشناسـی ارشد علوم تربیتی وارد دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (پژوهشـگاه حوزه و دانشـگاه فعلی) شـدم در سـال ۷۵ پس از گذرانـدن دروس ایـن دوره بـه امر پژوهش در زمینـه تعلیـم و تربیت اسـلامی مشغول شدم از سال ۷۸ همزمان با تحصـیل دروس حوزوی و پژوهش در پژوهشگاه حوزه ودانشـگاه به تدریس در جامعه الزهرا درس روش تحقیق و روش تـدریس مشـغول شـدم همچنین در سـال ۸۱ مشـغول تدریس دروس معارف اسـلامی در دانشگاه آزاد ا

سلامی واحـد نراق شـدم و به مـدت سه سال نیز در آنجا دروس معارف اسـلامی و تعلیم و تربیتی پرداختم همچنین در موسـسه امام خمینی(ره) و موسسه آموزشی باقر العلوم(ع) و دانشگاه امیرکبیر نیز دروسی را تدریس کرده ام.

در سال ۱۳۷۰ تـا کنون نیز در درس خـارج اساتیـدی چون آیات عظام سـید کاظم حائری شـیخ جواد تبریزی وحیـد خراسانی جعفر سبحانی و علیرضا اعرافی بهره برده ام.

حسینی زرندی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمود حسـینی زرندی از فضـلاء این سامان بوده و سالهای متمادی در حوزه علمیه قم کسب علم نموده و متون فقه و اصول را از مدرسـین حـوزه ماننـد آیت‌اللّه مرعشـی نجفی و دیگران فراگرفته آنگـاه به تهران منتقـل و به خـدمات دینی مخصـوص تـألیف و تحشیه و تصحیح کتب و تفاسیر پرداخته تا در سال ۱۳۹۲ قمری که در آنجا وفات و در قم به خاک رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی زفره ای، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر حسینی زفره ای

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سن پنـج سالگی یعنی در سال ۱۳۲۷ بهمراه والـدینم از زفره اصـفهان به کربلا رفتیم و یکسال در آنجا مانـدیم و پس از یکسال به ایران بازگشـته و بعللی که ذکر آن مفصل است عازم گرگان و در یکی از روسـتاهای آن به نام مرزنکلاقه مقیم گشتیم و در مدرسه آن روسـتا مشـغول تحصـیل شدم و تا شـشم ابتدایی درس را ادامه داده و پس از آن درس را رها کرده به کار کشاورزی مشغول و در سال ۱۳۴۴ عازم سـربازی شدم و پس از پایان خدمت ازدواج کرده و به تشویق یکی از روسـتائیان جهت تحصیل علوم

دینی عازم مشهد مقدس گشتم و دو سال در مشهد جامع المقدمات را نزد اساتید آنجا خوانده و سپس عازم قم گشته و از سال ۱۳۵۰ در قم مشغول تحصیل و از سال ۱۳۶۰ علاوه بر تحصیل دروس حوزوی به تألیف کتاب مبادرت کرده که تا کنون حدود سی جلد کتاب نوشته ام که بیست جلد از آنها چاپ شده و ده جلد دیگر آن نیز آماده چاپ است.

حسینی زنجانی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن بن سید حبیب‌اللَّه حسینی زنجانی متوفی حدود ۱۲۵۰ ق عالمی فاضل بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی زنجانی، محمدطاهر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط. از کاتبان گمنام بود. از خطوط وی: یک نسخه «گلستان» سعدی، به قلم نیم دودانگ متوسط، با رقم: «تمت علی ید... خلیفه محمدطاهر بن قوام‌الدین محمد بن عبداللَّه الحسینی الزنجانی... سنه‌ی ۱۰۸۱»؛ یک قطعه از مرقعی، به قلم دو دانگ جلی خوش، با رقم: «محمدطاهر الحسینی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۸۳ -۷۸۲ /۳).

حسینی سبزواری، اسداللَّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسداللَّه بن سید عبدالکریم بن سید عبداللَّه بن سید علی حسینی سبزواری الاصل ساکن دولت‌آباد اصفهان بوده و در حدود ۱۳۰۳ قمری در کاظمین از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی سبزواری، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیداسماعیل بن سید اسداللَّه مذکور در اصفهان عالمی فقیه از شاگردان علامه میرزا حبیب‌اللَّه رشتی بوده و در سال ۱۳۲۲ قمری وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی سبزواری، جعفر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، خطاط. از آثار وی چنین برمی‌آید که از سادات حسینی سبزوار و همعصر میرعماد بوده است. از آثار او: یک نسخه «گلستان» سعدی، با یک مثنوی از امیرخسرو دهلوی، به قلم کتابت و کتابت خفی خوش، با رقم: «... جعفر بن علی الحسینی سبزواری... تحریراً فی ۹۹۴ کتبه جعفر الحسینی»؛ یک نسخه مثنوی «عشق و روح» فضولی، به قلم نیم دودانگ خوش، با رقم: «کتبه الفقیر العبد المذنب الراجی جعفر الحسینی غفراللَّه ذنبه سنه‌ی ۱۰۴۶»، یک قطعه در مرقعی، به قلم دودانگ و نیم دو دانگ عالی، به شیوه‌ی میرعماد، با رقم: «کتبه الفقیه... جعفر بن سید آقا میر الحسینی... سنه ۱۰۴۶» و قطعات مختلف دیگر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۲۴ -۱۲۳ /۱).

حسینی سروری، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: تعلیمات متوسطه، دانشکده: علوم تربیتی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیل مقدمات و بخشی از سطح در محضر استادان بزرگ در دو مدرسه حجتیه و فیضیه قم، کارشناسی فرهنگ اسلامی از دانشکده الهیات دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی از دانشگاه ایندیانا آمریکا، دکترای تعلیمات متوسطه از دانشگاه ایندیانا آمریکا.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس و تحقیق در دانشگاه شیراز، طرح ارزیابی عملکرد فارغ‌التحصیلان، طرح مشکلات تحصیلی دانشجویان، استاد راهنمای ۲۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

مباحث قرآنی، مبانی و فلسفه تعلیم و تربیت، تعلیم و تربیت اسلامی، تاریخ تعلیم و تربیت اسلامی، آموزش برنامه‌ای، انتخاب دانشجو.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۳

زمینه علمی مقالات:

مسائل دانشجوئی، کنکور و انتخاب دانشجو، نقد روان‌شناسی و علوم اجتماعی معاصر، حقوق فطری کودکان و نوجوانان از دیدگاه اسلام، جبر و اختیار و برخی از مسائل اسلامی در این باب، نقد کتاب، کیفیت آموزش، مسائل مربوط به تدریس، تربیت معلم.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

حسینی شاهرودی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین حسینی شاهرودی سومین فرزند مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمود حسینی شاهرودی قدس‌اللَّه سره می‌باشند که در حدود سال ۱۳۲۳ شمسی در نجف اشرف دیده به دنیا گشوده و در حجر والد بزرگوار و والده ماجده‌اش صبیه مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدتقی فاضل نیشابوری پرورش یافته و مقدمات را از اساتید حوزه نجف مانند آیت‌اللَّه حاج سید کاظم حایری خوانده و سطوح عالیه را از مدرسین آن سامان فراگرفته و در درس خارج برادر بزرگوارش حضرت آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمد شاهرودی شرکت و فقه و اصول را از آیت‌اللَّه العظمی خوئی و مرحوم آیت‌اللَّه صدر شهید استفاده نموده، تا در سال ۱۳۹۴ ق که از طرف حکومت یزدی عراق تسخیر به ایران گردیده و مانند برادر بزرگوارش مقیم حوزه علمیه قم شده و به تدریس سطوح عالیه کفایه و مکاسب پرداخته و در ابحاث و دراسات برادرش نیز شرکت نموده و می‌نماید. به فضل و دانش و تقوا موصوف می‌باشند و در غیاب برادر عزیزش در حسینیه نجفیهای قم به جای معظم‌له اقامه جماعت نموده و مورد توجه خاص معاودین محترم و غیره می‌باشند.

نگارنده بارها از ایشان خواستار شدم که ترجمه خود را به نگارنده به جهت پارسائی اجابت ننموده تا بعد از مدتی چند سطری مرقوم داشتند که تلخیص آن را نگاشتم.

از تألیفات ایشان تقریرات بحث برادر بزرگوارشان آیت‌اللَّه حاج سید محمد شاهرودی که جزو اول آن به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

حسینی شاهرودی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی حسینی شاهرودی در سال ۱۳۴۷ قمری در نجف اشرف متولد شده و پس از تربیت و نشو در بیت علم مقدمات و سطوح را از مدرسین حوزه علمیه نجف خوانده و به درس خارج والدش رفته و سالها استفاده نموده و آنگاه به اداره امور و کارهای

والـدش قیام و به قضاء حوائج مراجعین حتی‌المقدور و تا آنجائی که امکانات ایجاب می‌کرد مبادرت می‌نمود و در حال حاضـر نیز این دو برادر درب منزل والد را باز و مانند زمان حیاهٔ آن مرحوم رفت و آمد برقرار می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی شاهرودی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد حسینی شاهرودی در جمادی‌الثانی ۱۳۴۴ هجری در نجف اشرف متولد شده و در بیت علم و ورع پرورش یافته.

و پس از فراگرفتن اولیات مقدمات را خدمت علامه شیخ علی شـهر بابکی و شیخ شمس زنجانی خوانده و سطوح وسطی و عالی را از مرحوم آیت‌اللَّه آقا شیخ عبدالحسین رشتی و والد ماجدش فراگرفته و پس از آن در درس خارج مرحوم والدش آیت‌اللَّه العظمی شاهرودی فقهاً و اصولا در سنین ۱۶ سالگی حاضر شده و تقریر درس آن مرحوم را نموده.

و ضـمناً به تـدریس سـطوح و بعد به درس خارج فقه و اصول پرداخته و تا حال تحریر اشـتغال دارد و عده‌ای از افاضل از محضـرش اسـتفاده می‌کنند تألیفات علمی او عبارت است از «تقریرات الاصول» والدش و کتاب صـلوهٔ الجمعه و کتابهای دیگر و مخفی نیسـت که جناب مسـتطاب آیت‌اللَّه زاده شاهرودی گذشـته از مقامات علمی و اجازه اجتهادی که از مرحوم والد مبرورش دارد موصوف به اخلاق حسنه و ملکات فاضله و محامد آداب و محاسن اخلاق و در واقع ثانی پدر بزرگوار خود می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی شاهرودی، ناصر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر ناصر حسینی شاهرودی متولد ۱۳۱۸ ش دارای دکترای رشته باغبانی عضویت هیئت علمی دانشگاه ردینگ انگلستان با درجه دانشـیار باشـد. وی دارای تحقیقـات وآثـار پیرامـون دگرگـونی ژنـتیکی و رابطـه آن بـا پیونـد زدن در گیاهـان می باشـد.گروه : کشاورزیرشـته : باغبانیتحصـیلات رسـمی و حرفه ای : دکتر ناصـر حسـینی شاهرودی دارای کارشناسـی رشـته کشاورزی از دانشگاه فردوسی مشهد کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه فردوسی مشهد دکترای رشته باغبانی ازدانشگاه لندن میباشد.خاطرات و وقایع تحصـیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته باغبانی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی ناصـر حسـینی شـاهرودی بوده است.فعالیتهـای ضـمن تحصـیل : دکتر ناصـر حسـینی شـاهرودی د ر کنـار تحصـیل به مطـالعه ،پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : دکتر ناصر حسینی شاهرودی پس از اخذ مدرک دکتری در رشـته باغبانی به عضویت هیئت علمی گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی دردانشگاه ردینگ انگلستان در آمد وی هم اکنون با سـمت دانشـیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر ناصر حسینی شاهرودی عضوهیئت علمی و دانشیار گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه ردینگ انگلستان است.فعالیتهای آموزشی : دکتر ناصر حسـینی شـاهرودی سالهـاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه باغبـانی در دانشـکده کشـاورزی ردینـگ انگلسـتان به تـدریس دروس تخصصـی رشـته باغبـانی و کشـاورزی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر ناصـر حسـینی شاهرودی در کنار تـدریس به مطـالعه تحقیق و تـالیف آثـاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشـغول است.آرا و گرایشـهای خاص : دکتر ناصـر حسـینی شاهرودی از جمله دانشـمندان علم باغبانی است که تحقیقات و پژوهشـهای و تلاشـهای علمی عمیق و وسیعی درباره دگرگونی ژنتیکی و رابطه آن با پیوند زدن در گیاهان انجام داده است.آثار : دگرگونی های ژنتیکی حاصل از پیوند زدن گیاهان

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

حسینی شهرستانی، عبدالرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۳۹ ق.، کربلا.

درگذشت: ۱۱ مرداد ۱۳۷۶، مشهد.

آیت‌الله حاج سـید عبدالرضا حسینی شهرسـتانی، فرزند حجت‌الاسـلام سید زین‌العابدین شهرستانی، بود. وی پس از پست سر نهادن دوران کودکی به سال ۱۳۴۶ ق. وارد مدرسه‌ی جعفریه شد و به یادگیری خواندن و نوشـتن و علوم ابتدایی پرداخت و پس از آن به تحصـیل علوم دینی روی آورد و مقدمات و سـطوح را نزد حضرات آیات شیخ علی‌اکبر سیبویه و شیخ جعفر رشتی فراگرفت. سپس به یادگیری رسائل و مکاسب و کفایهٔ و علوم هیئت و ریاضـیات نزد حضـرات آیات شـیخ محمد رضا اصـفهانی و سـید محمد طاهر بحرانی پرداخت و خارج فقه و اصول را نیز در محضـر آیات عظام سـید محمدهادی میلانی، میرزا مهدی شـیرازی، سید عبدالحسین

حجت و شیخ مرتضی آشتیانی آموخت. ایاشن در کنار تحصیل به تدریس سطوح عالیه پرداخت و پس از سالیان فراوان تدریس سطح، در سال ۱۳۹۲ ق. تدریس خارج فقه را آغاز کرد. سپس به مشهد هجرت کرد.

آیت‌الله حسینی شهرستانی علاوه بر تحصیل و تدریس، به اقامه‌ی جماعت در صحن حسینی (ع) پاسخگویی به مسائل دینی پرداخت. وی در برابر نفوذ و تبلیغات فکری و سیاسی و ایجاد شبهات دینی از سوی کمونیست و چپگرایان عراق سخت ایستادگی کرد و به منظور استحکام بنیان‌های فکری جوانان، اقدام به تأسیس مجله‌ی «اجوبهٔ المسائل الدینیه» کرد و در آن- با همیاری و همکاری حضرات آیات سید محمدباقر صدر، سید حسن شیرازی، سید عبدالصاحب حکیم و استاد احمد امین- به صدها پرسش فکری و اعتقادی جامعه پاسخ داد و حوزه‌ی خوانندگان خود را به فراسوی مرزهای عراق گسترانید. دامنه نفوذ این مجله در آن سال‌های پر اختناق عراق باعث شد تا رژیم بعث، پس از آزار و اذیت‌های فراوان و زندانی ساختن فرزندش جلو انتشار آن را بگیرد و او را هم از عراق بیرون نماید.

ایشان به جز تدریس، تألیف، اقامه‌ی جماعت و تبلیغ شعائر دینی، با همیاری و مساعدت گروهی از علمای بزرگ و تجار کربلا دست به بنیاد مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه‌ای زد که برخی از آنها عبارتند از مدرسهٔ الامام الصادق. (این مدرسه برای دانش‌آموزان بر مبنای تعالیم اسلامی در سال ۱۳۷۱ ق. تأسیس شد و تا سال ۱۳۹۵ ق. ادامه یافت)؛ مدرسهٔ اسلامیه (در این مدرسه به دانش‌آموزان دروس فقه؛ حدیث تفسیر و عقاید آموزش داده می‌شد)؛ درمانگاه کودکان؛ الجمعیهٔ الهریهٔ الاسلامیهٔ؛ المکتبهٔ الجعفریهٔ (این کتابخانه با پنج هزار کتاب چاپی و خطی در مدرسه هندی گشایش یافت)؛ لجنهٔ الثقافهٔ الدینیهٔ (که پاسخگویی به شبهات و پرسشهای دینی را بر عهده داشت و در خلال پانزده سال فعالیت خویش، توانست صدها سئوال را پاسخ دهد).

از تألیفات آیت‌الله حسینی شهرستانی می‌توان این آثار را نام برد: مقالید الهدی فی شرح العروهٔ الوثقی (هفت جلد، که سه جلد آن به چاپ رسیده است)؛ حیاهٔ الامام الحسین بن علی (ع)، الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، السجود علی التربهٔ الحسینیهٔ؛ صلاهٔ الجمعهٔ فی عصر الغیبهٔ؛ النوروز فی السلام نوروز در تاریخ و دین؛ اجوبهٔ المسائل الدینیهٔ (چهارده جلد که دو جلد آن به نام امید جوان ترجمه و چاپ شده است)؛ اجوبهٔ المسائل فی التفسیر (دو جلد)؛ اجوبهٔ المسائل فی العقائد؛ تقویم هجری (از سال ۱۳۶۳ تا ۱۴۶۳ ق.). تألیفات مخلوط ایشان عبارت است از: المهدی الموعود و دفع الشبهات عنه؛ الطریق القویم الی جنهٔ النعیم (پیرامون امامت)؛ دفع الشبهات و حل المشکلات؛ غایهٔ التقرب فی شرح منظومهٔ التهذیب؛ حاشبه بر مکاسب؛ حاشیه بر رسائل؛ حاشیهبر معالم؛ حاشیه بر قوانین؛ حاشیه بر شرح لمعه؛ الطریق المستقیم فی بیان اصول‌الدین؛ عقاید المؤمنین فی اصول الدین.

در سال ۱۳۹۷ ق. به علت فشارهای رژیم بعثی، وی عراق را به قصد ایران ترک کرد و در مشهد اقامت گزید و به تدریس سطوح عالیه و عقاید، امامت جماعت (در مسجد الحمید) و تأسیس مجله «الارشاد»- که از آن هفت شماره منتشر گردید پرداخت. اما در سال ۱۴۰۰ ق. به دنبال سکته‌ای ناقص توان کار و کوشش از او سلب شد و تا پایان عمر خانه‌نشین شد.

آیت‌الله حسینی شهرستانی سرانجام پس از هفتاد و هفت سال زندگی در یازدهم مرداد ۱۳۷۶(۲۷ ربیع‌الاول ۱۴۱۸ ق.) چشم از جهان فروبست و پیکرش در روز سه شنبه بیست و هشتم ربیع‌الاول، پس از تشییع و نماز آیت‌الله شیخ حسنعلی مروارید بر آن، در صحن آزادی حرم امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حسینی شیرازی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید میرزا آقا بن احمد المستوفی بن محمود الحسینی الشیرازی فاضلی متقی و زاهد داماد آیت‌اللّه العظمی میرزای شیرازی بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی شیرازی صادق، محمد صادق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۳۹ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به صادق. از سادات شیراز بود که پس از تحصیل علوم دینی مقام قاضی القضاتی آن شهر را به دست آورد. حسینی معاصر شاه صفی بود و چون در نگارش خط نسخ و نستعلیق مهارت داشت، شاه صفی او را به اصفهان خواست و به کتابت و استنساخ در کتابخانه‌ی سلطنتی واداشت. اما پس از اندک زمانی استعفا داد و به شیراز بازگشت و از آنجا به لار رفت و همان جا درگذشت. صادق در سرودن شعر دست داشته و اشعاری از وی در تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۲۷۳ -۲۷۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۱۶ -۴۱۳ / ۳)، الذریعه (۵۷۹ -۵۷۸ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۳۷).

حسینی شیرازی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسماعیل بن سید رضی بن سید اسماعیل الحسینی الشیرازی عالمی جلیل و فقیهی بارع و ادیبی مشهور والد آیت‌اللَّه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و پسرعموی میرزای بزرگ مجدد شیرازی بوده ولادتش ۱۲۵۸ وفاتش در ۱۳۰۵ واقع شده است و اوست صاحب مولودیه امیرالمؤمنین (ع) که در جلد اول در ضمن ترجمه والد مبرورش ذکر نمودم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی شیرازی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین بن سید هدایةاللَّه بن سید عنایةاللَّه بن اسماعیل بن هدایةاللَّه بن عنایةاللَّه حسینی شیرازی معروف به دستغیب عالمی جلیل و فاضلی متقی از اولاد زید شهید و علماء بزرگ و معروف شیراز بوده و در مسجد حاج میرزا کریم اقامت داشته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی شیرازی، صادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی روز ۲۰ ذی حجه ۱۳۶۰ق در کربلای معلا دیده به جهان گشود.

وی دروس دینی و حوزوی را از بزرگان علما و مراجع در حوزه ی علمیه فرا گرفت وبه درجات عالی اجتهاد نائل شد.

عالمان اسلامی ایشان را فقیهی جامع، اصولیِ مبرز وآشنا به علوم معقول ومنقول می شناسند و به پرهیزکاری و زهد و ورع و فضایل اخلاقی ایشان اعتراف دارند.

ایشان در بیت مجدد شیرازی رحمهٔ الله علیه که خاندان علم وفضیلت و پرهیزکاری واجتهاد است رشد یافت.

نگارش آثار متعدد و گوناگون برای سطوح مختلف مردم از خصوصیات ایشان می باشد که در ادامه فهرست آنها خواهد آمد.

ایشان همچنین برای فقها و مجتهدان درس ها و مباحثی را در فقه و اصول با استدلال علمی و دقیق و با روشی متین و زیبا و علمی به رشته تحریر در آورده اند.

بیش از ۳۰ سال است که در بحث خارج فقه و اصول ایشان جمعی از علما و دانشمندان و فضلا حاضر می شوند و برخی از مدرسان خارج در حوزه علمیه قم و سوریه وشماری از مبلغان نقاط مختلف دنیا از شاگردان این عالم فرزانه می باشند.

خاندان آیت الله العظمی شیرازی

آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی از فرزندان زید بن علی بن الحسین بن علی امیرالمؤمنین سلام الله علیهم است و در خاندانی پرورش یافته که در طول یکصد و پنجاه سال اخیر در فقاهت ومرجعیت معروف وشاخص بوده اند. در زیر به نام برخی از این اختران تابناک اشاره می نماییم:

۱. بزرگ مرجع آیت الله العظمی حاج سید محمد حسن شیرازی قدس سره معروف به مجدد شیرازی صاحب نهضت مشهور تنباکو در ایران (وفات وی در سال ۱۳۱۲ق می باشد)؛

۲. بزرگ مرجع آیت الله العظمی میرزا محمد تقی شیرازی قدس سره رهبر انقلاب ۱۹۲۰م در عراق (وفات وی در سال ۱۳۳۸ق می باشد)؛

۳. بزرگ مرجع آیت الله العظمی حاج سید علی شیرازی قدس سره فرزند مجدد شیرازی از بزرگان ومراجع شیعه در نجف اشرف (وفات وی در سال ۱۳۵۵ق می باشد)؛

۴. آیت الله العظمی آقا سید اسماعیل شیرازی قدس سره (وفات وی در سال ۱۳۰۵ق می باشد)؛

۵. بزرگ مرجع حضرت آیت الله العظمی آقا سید عبدالهادی شیرازی (وفات وی در ۱۱ صفر ۱۳۸۲ق می باشد)؛

۶. بزرگ مرجع آیت الله العظمی سید میرزا مهدی شیرازی قدس سره (پدر ایشان) از بزرگان مراجع شیعه در کربلای معلا (وفات وی در ۲۸ شعبان ۱۳۸۰ق می باشد)؛

۷. بزرگ مرجع آیت الله العظمی سید محمد حسینی شیرازی اعلی الله درجاته (برادر معظم له) که در ۲ شوال ۱۴۲۲ق به رحمت ایزدی پیوست؛

۸. آیت الله شهید سید حسن شیرازی اعلی الله مقامه (یکی دیگر از برادران معظم له) بنیانگذار حوزه علمیه در کنار حرم مطهر حضرت زینب کبری سلام الله علیها که در ۶ جمادی الثانی ۱۴۰۰ق در بیروت با ترور ناجوانمردانه دژخیمان بعث عراق به شهادت رسید.

استادان

ایشان مراحل مختلف دروس علمی را زیر نظر بزرگان علما و مراجع در حوزه علمیه کربلا دنبال کردند و به درجات بالای اجتهاد دست یافتند. برخی از استادان ایشان عبارتند از:

۱. پدر بزرگوارشان حضرت آیت الله العظمی میرزا مهدی حسینی شیرازی قدس سره .

۲. برادر بزرگوارشان حضرت آیت الله العظمی حاج سید محمد حسینی شیرازی قدس سره .

۳. آیت الله العظمی آقا سید هادی میلانی قدس سره .

۴. آیت الله العظمی آقا شیخ محمد رضا اصفهانی قدس سره .

۵. آیت الله شیخ محمد شاهرودی قدس سره .

۶. آیت الله حاج شیخ محمد صدقی مازندرانی قدس سره .

۷. آیت الله حاج شیخ جعفر رشتی قدس سره .

۸. آیت الله سید کاظم مدرسی قدس سره .

مؤسسات

از جمله اهتمامات خاص ایشان توجه به امر مؤسسات دینی، فرهنگی، خیریه و خدماتی است. صدها مؤسسه دینی وفرهنگی، مساجد، حسینیه ها، شبکه های تلویزیونی، شبکه های ماهواره ای، رادیو ، حوزه ها، زائرسرا، سایت های اینترنتی، مدارس، کتابخانه ها، مراکز انتشاراتی و درمانگاه ها تحت عنایات و ارشادات ایشان مشغول به فعالیت می باشند.

توجه به اخلاق وتهذیب

این بزرگ مرد علم و اخلاق نسبت به تربیت علمی و اخلاقیِ طلاب و فضلا اهمیت شایانی قائل است. دروس اخلاق ایشان که در کشورهای عراق، کویت و ایران ایراد شده است زبانزد همه علاقه مندان مکتب اخلاقی اسلام می باشد و از محضر مبارکش شمار فراوانی از فضلا و علما استفاده کرده اند. شایان ذکر است که درس های اخلاق ایشان به صورت جزوه و کتاب چندین مرحله به چاپ رسیده است. اخلاق اسلامی و نمونه ایشان زینت بخش شخصیت والای علمی معظم له می باشد وهر شخصی که با ایشان معاشرت داشته باشد خلق نیک و فضایل انسانی و خوشرویی معظم له، اولین چیزی است که توجه او را جلب خواهد کرد.

دوری از مظاهر دنیا در کنار تقوا و ورع، توکل بر خدا، تواضع فراوان در برابر مردم، اخلاق نیکو، احترام به کوچک و بزرگ، صبر، پایداری و ثبات قدم، تحمل مشکلات در راه اِعلای کلمه حق، نشر ومعرفی فرهنگ اهل بیت عصمت وطهارت سلام الله علیهم، دوستی برای خدا و در راه خدا، خدمت به مردم و مدارا با آنان و محاسبه نفس شعار این بزرگوار می باشد که خود، قبل از دیگران به این امور عمل می نماید.

تألیفات

ایشان تألیف وتصنیف را در سن جوانی آغاز کرده و تاکنون نیز آن را دنبال می کند. همچنین در موضوعات وابواب مختلف فقهی، اصولی، اعتقادی، فرهنگی و تاریخی تألیفاتی دارند که در این جا به برخی از آثار ایشان اشاره می شود: ـ بیان الفقه:

در چند مجلد که جلد اول آن در باب اجتهاد و تقلید می باشد و ۷۲ مسأله از کتاب اجتهاد و تقلید را شامل می شود و دارای ۷۰۰ صفحه می باشد. این کتاب در لبنان به چاپ رسیده و از تألیفات آن مرجع بزرگوار در کربلای معلاست. ـ بیان الأصول «۱۰جلد»:

۶ جلد آن (مجلدات مربوط به قاعده «لاضرر ولا ضرار» و استصحاب «قطع ظن» «تعادل و ترجیح») به چاپ رسیده است. این کتاب شامل مباحث علمی، دقیق، استدلالی و مفصل در علم اصول بوده، از تألیفات ایشان در شهر مقدس قم می باشد وتاکنون چندین مرتبه به چاپ رسیده است. ـ توضیح شرائع الاسلام «۴ جلد»:

شرح توضیحی بر کتاب شرائع الاسلام تألیف محقق حلی قدس سره شامل هزاران تعلیق و توضیح در ابواب مختلف فقهی نظیر عبادات و معاملات و ایقاعات و غیره می باشد. این کتاب از تألیفات ایشان در کربلای معلا بوده و مورد توجه بسیار حوزه های علمیه ومجامع علمی ودانشگاهی قرار گرفته و حتی به عنوان کتاب درسی و مرجعی مهم تعیین گردیده است. ـ شرح تبصرة المتعلمین «۲جلد»:

شرحی بر کتاب تبصرة المتعلمین فی أحکام الدین مرحوم علامه حلی رحمة الله علیه بوده و ابواب مختلف فقه از طهارت تا دیات را مورد بررسی قرار می دهد. این کتاب از تألیفات ایشان در کربلای معلا در سال ۱۳۸۲ق می باشد وتاکنون چندین بار تجدید چاپ گردیده و اولین بار در نجف اشرف در سال ۱۳۸۲ق به چاپ رسیده است. ـ شرح بر کتاب سیوطی «۲جلد»:

شرح تعلیقی است بر کتاب البهجة المرضیة فی شرح الألفیة تألیف جلال الدین سیوطی. این کتاب از کتب علمی و درسیِ حوزه های علمیه و از تألیفات ایشان در کربلای معلا در سال ۱۳۸۶ق می باشد. در پی استقبال فراوان طلاب سطوح حوزه چندین بار تجدید چاپ شده است.

ـ شرح اللمعة الدمشقیة «۱۰جلد»:

شرح تعلیقی جامع و کامل بر کتاب شرح اللمعة الدمشقیة تألیف شهید ثانی قدس سره که از مهم ترین کتب درسی در حوزه علمیه می باشد و ان شاء الله به زودی چاپ خواهد شد. ـ موجز در منطق:

در این اثر اصول علم منطق به روشی آسان و روشن برای نوآموزان حوزه نوشته شده و در بعضی از حوزه ها جزء برنامه درسی قرار گرفته است. این کتاب از تألیفات ایشان در کربلای معلا در سال ۱۳۸۴ق می باشد ●. کتاب های اعتقادی:

از جمله کتب مهم در دفاع از مذهب اهل بیت علیهم السلام می توان به مجموعه کتاب هایی اشاره کرد که این عالم ربانی ومرجع بزرگوار تحریر نموده است. ـ علی سلام الله علیه در قرآن «۲ جلد»:

در این کتاب ۷۱۱ آیه شریفه از قرآن کریم که در بیان فضیلت و عظمت حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب سلام الله علیه ودر شأن ایشان نازل شده مورد بررسی قرار گرفته است. تمامی این فضایل برگرفته از مصادر و کتب معتبر عامه می باشد و بر اساس

ترتیب سوره های قرآنی، از سوره حمد تا سوره اخلاص می باشد. جمع آوری و تدوین آن در کربلای معلا انجام شده است. ـ فاطمه زهرا سلام الله علیها در قرآن:

شامل آیاتی است که پیرامون حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها نازل شده است. این کتاب بنابر مصادر و کتب عامه و در شهر مقدس قم در سال ۱۴۰۸ق تألیف شده است. تعداد صفحات این کتاب ۳۶۰ صفحه می باشد وچندین بار تجدید چاپ شده است. ـ اهل البیت سلام الله علیهم در قرآن:

این کتاب نیز شامل آیاتی است که در شأن و مقام باعظمت اهل بیت علیهم السلام نازل شده و از مصادر و کتب معتبر عامه جمع آوری گردیده واز سوره فاتحه تا کوثر را شامل می شود و از تألیفات ایشان در کویت است و شامل ۴۰۷ صفحه می باشد. ـ شیعه در قرآن:

موضوع این اثر آیات شریفه ای از قرآن کریم است که درباره شیعیان حضرت علی بن ابی طالب سلام الله علیهما نازل شده. در این کتاب تمامی شأن نزول ها، تأویل ها و تفسیرهای آیات از کتب و مصادر عامه آورده شده است. ـ حضرت مهدی سلام الله علیه در کتب اهل سنت:

این کتاب شامل مجموعه زیادی از روایات نبوی پیرامون حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف است و تمامی مصادر آن از کتاب های عامه می باشد. این اثر ارزشمند از تألیفات ایشان در کربلای معلاست و در ۱۲۶ صفحه چندین بار چاپ شده که نخستین چاپ آن مربوط به سال ۱۴۰۰ق در مؤسسهٔ الوفای لبنان می باشد. ـ حقائق عن الشیعهٔ: (شیعه و اتهامات ناروا)

این کتاب در اثبات عقاید و رد برخی شبهاتی است که از طرف دشمنان مذهب مطرح شده و ایشان در این کتاب با بیانی روشن، زیبا و آسان به این شبهات پاسخ داده اند. کتاب مذکور از تألیفات آن بزرگوار در کربلای معلاست که در ۸۰ صفحه چندین مرتبه به چاپ رسیده است ●. کتاب های فرهنگی:

در این بخش به معرفی آثار فکری و ارشادی معظم له می پردازیم: ـ قیاس در شریعت اسلامی:

این کتاب مسأله مهم قیاس و احکام آن را در شریعت و دین اسلام مورد بحث وبررسی قرار می دهد و از تألیفات ایشان در شهر مقدس کربلاست. ـ منزلت نماز جماعت در اسلام:

این کتاب شامل مجموعه ای از احادیث شریفه در فضیلت نماز جماعت و بیان فلسفه و احکام آن است و ایشان در سن جوانی در کویت تألیف کرده اند. ـ روزه:

فلسفه روزه و احکام آن که به صورتی ساده و روان در کربلا تألیف شده و در نجف اشرف به چاپ رسیده است. ـ حج

شامل احکام و مسائل مربوط به حج به صورت ساده و روان که در کربلای معلا تألیف شده است.

ـ مقدماتی در اقتصاد اسلامی:

در این کتاب که در کویت و ایران به چاپ رسیده ویژگیهای مهم اقتصاد اسلامی بررسی شده و تفاوت آن با دیگر مکاتب اقتصادی به روشنی نمایان شده است. ـ اقتصاد و مشکل ربا:

بیانگر زیان های ربا در اقتصاد جهانی و راه حل آن می باشد که از تألیفات ایشان در سن جوانی است که در کویت و ایران به چاپ رسیده است. ـ اسلام و سیاست: (السیاسهٔ من واقع الإسلام)

در این کتاب دیدگاه اسلام درباره سیاست وسیره رسول خدا، امیرالمؤمنین وائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین در زمینه مسائل سیاسی شرح و توضیح داده شده است. این اثر از تألیفات ایشان در کربلاست و شامل ۴۱۴ صفحه می باشد و ترجمه آن به نام اسلام و سیاست در ایران به رشته چاپ در آمده است. ـ شراب و جامعه:

زیان ها و مفاسد شراب در جامعه موضوع این کتاب است که ایشان در کربلای معلا در سن جوانی تألیف کرده اند و چندین بار در نجف و قم تجدید چاپ شده است. ـ زشتی های بی حجابی:

شامل بحثی درباره ضرورت حجاب و مفاسد بی حجابی می باشد که از تألیفات ایشان در سن جوانی در کربلای معلاست. ـ داستان های آموزنده:

شامل مجموعه ای از داستان های آموزنده و از نوشته های ایشان در سن جوانی در کربلای معلاست که در نجف اشرف در سال ۱۳۷۸ق به چاپ رسیده است. ـ حدود در اسلام:

این کتاب درباره فلسفه حدود در اسلام و بیان شروط و احکام آن می باشد و از تألیفات ایشان در کربلای معلاست که در بیروت به چاپ رسیده است. ـ راهی به سوی بانک اسلامی:

این کتاب دیدگاه کاملی درباره بانکداری اسلامی ارائه می دهد و مسائل و اشکالات برطرف شدن قانون ربا را در نظام بانکی بررسی می نماید و مسائل و وظایف مهم بانک های اسلامی را با توجه به آخرین نظریات موجود در قانون اقتصاد جهانی روشن و بیان می کند. این اثر ۱۰۴ صفحه دارد و در سال ۱۳۹۲ق در کربلای معلا تألیف شده و در سال ۱۹۷۲م در دارالصادق لبنان به چاپ رسیده است ●. رجال و شخصیت ها

ـ مالک اشتر نخعی:

شرح حال شخصیت وسردار بزرگ اسلام مالک اشتر نخعی رضوان الله تعالی علیه است که در کربلا تألیف شده و در سال ۱۳۸۷ق در چاپخانه الغری الحدیثهٔ در نجف اشرف به چاپ رسیده است. ـ شهید اول:

شرح حال و بیان زندگی مختصری از شهید اول شیخ شمس الدین ابو عبد الله محمد بن جمال الدین مکی فرزند شمس الدین محمد مطلبی دمشقی عاملی جزینی همدانی است. این اثر از تألیفات ایشان در کربلای معلاست وضمن سلسله کتاب هایی تحت عنوان «بزرگان شیعه» می باشد که در نجف اشرف چاپ شده است. ـ شهید ثانی:

شرح حال مختصر شهید ثانی شیخ زین الدین علی بن احمد الجبل عاملی می باشد. این اثر از نوشته های آن بزرگ مرجع در کربلای معلا و جزء سلسله کتاب های «بزرگان شیعه» است که در نجف اشرف به چاپ رسیده است. ـ پدر:

این کتاب شامل بخش های آموزنده ای از زندگی مرحوم آیت الله العظمی حاج سید میرزا مهدی شیرازی قدس سره می باشد که به مناسبت چهلمین سالگرد رحلت آن مرجع عظیم به رشته تحریر درآمده است.

شایان ذکر است تعدادی از کتاب های یادشده به زبان های فارسی، انگلیسی، اردو، آذری، کُردی، بنگالی، سواحلی، هندی و دیگر زبان ها ترجمه شده و به چاپ رسیده است.

اجازه مرحوم آیت الله العظمی سید محمد شیرازی قدس سره

متن اجازه اجتهاد و ارجاع از طرف مرحوم حضرت آیت الله العمظی حاج سید محمد حسینی شیرازی اعلی الله درجاته به حضرت آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی دام ظله العالی در امور تقلید.

« ترجمه متن »

بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله رب العالمین و الصلاهْ و السلام علی محمد و آله الطاهرین

اما بعـد، همان گونه که از نزدیک مشاهده کردم، حضرت آیت الله حاج سید صادق شیرازی دامت تأییداته به مرتبه بالایی از مقام اجتهاد و همچنین مقام والایی از تقوا و عدالت رسیده است و ایشان را شایسته مقام فتوا و تقلید و هر آنچه یک فقیه عادل عهده دار می شود، می دانم.

بنابراین رجوع به ایشان در کلیه مسائل، مشروط به اجازه مرجع عادل وتقلید از ایشان جایز می باشد، و او را به تقوای بیشتر و احتیاط در کلیه احوال که راه نجات است توصیه می کنم، همان گونه که برادران ایمانی را سفارش می کنم تا به گِرد ایشان جمع شده، از وجودشان در کلیه زمینه ها استفاده کنند. خدای متعال توفیق دهنده وهدایتگر می باشد و تنها او یاری دهنده است. محمد الشیرازی

حسینی شیرازی، علیرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، خطاط. از کاتبان شیراز و نوادهٔی میرزا محمد کلانتر بود. هنگام فرمانفرمایی حاج فرهاد میرزا معتمدالدوله در فارس، کاتب مخصوص او و در تاریخ تألیف «فارسنامهٔی ناصری»؛ ۱۳۰۴ ق، در قید حیات بود. از آثار وی: یک نسخه «روزنامهٔی» میرزا محمد کلانتر، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «... اقل السادات علی‌رضا الحسینی الشیرازی، نوادهٔی مرحوم میرزا محمد کلانتر سابق شیراز... سنهٔی ۱۲۹۷»؛ یک نسخه «دیوان» فرخی، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «تمت الکتاب... علی‌رضای حسینی شیرازی... سنهٔی ۱۲۹۶...»؛ یک نسخه «دیوان» مغربی، به قلم کتابت جلی، با رقم: «کتبه العبد... علی‌رضا الحسینی الشریفی، ابن‌السید الشریف الشیرازی... سنه ۱۲۸۰». سه اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۶۳ -۴۶۱ / ۲).

حسینی شیرازی، علی‌محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی‌محمد بن میرزا سید ابوالقاسم حسینی شیرازی عالمی متقی و داماد آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدحسن شیرازی بوده و فرزندان دانشمندی بنام آسید میرزا احمد و آمیرزا سید مهدی و آمیرزا سید تقی داشته است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی شیرازی، فضل‌اللّه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیر فضل‌اللّه بن محب‌اللّه حسینی شیرازی متوفی ۱۰۴۳ ق.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی شیرازی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۴۹ -۱۱۸۴ ق)، عالم، عارف و شاعر، متخلص به حسینی. در خانوادهٔی قزوینی الاصل در کربلا متولد شد. پدرش، حاج محمد حسن، صاحب «ریاض الشهاده»، از شاگردان میر سید علی بود که به مرتبهٔی اجتهاد رسیده بود. محمد حسین تحصیلات مقدماتی را

در زادگاهش نزد حاج میرزا ابوالقاسم خاموش شیرازی، متخلص به سکوت، فراگرفت. وی برای ادامه‌ی تحصیلات و تصفیه قلب و تزکیه‌ی نفس به سفرهای گوناگونی پرداخت. در طی همین مسافرتها به شیراز رفت و مدتی برای تکمیل تحصیلات در این شهر ساکن شد. پس از وفات پدر، به تحقیق مشغول شد و ریاست اهل شریعت و طریقت را بر عهده گرفت. از آثار وی: «خمسه‌ی حسینی»، مشتمل بر «اشترنامه»، «الهی نامه»، «مهر و ماه»، «وامق و عذرا»، «وصف الحال»؛ «دیوان» قصاید و غزلیات که مفقود شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۶۰/۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۶۷ -۲۶۵ /۲)، الذریعه (۱۱۹ -۱۱۸ ،۱۱۶ /۱۹ ،۲۵۸ - ۲۵۷ /۷ ،۲۸۴/۲)، ریحانه (۴۷/۲)، فرهنگ سخنوران (۲۶۸)، لغت نامه (ذیل/ حسینی قزوینی)، مولفین کتب چاپی (۷۲۸/۲)، مجمع الفصحا (۲۱۸ -۲۱۳ /۴)، مکارم الآثار (۱۳۴۵ -۱۳۴۴ /۴).

حسینی شیرازی، نورالدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۷۸ ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن سی ورقی، دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع، نسخ کتابت خفی غبار خوش، با رقم: «قد تشرفت با تمام، یوم الثلثاء شهر ذی قعده الحرام من شهور سنه ثمان و سبعون و ماتین بعد الالف... ابن المرحوم المغفور شهاب‌الدین احمد، نورالدین الحسینی الشیرازی».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۲۳/ ۴).

حسینی صادقی بحرانی، ابوعلی ماجد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۸ ق)، فقیه، محدث و شاعر امامی. در بحرین متولد شد و همان جا نشو و نما یافت. در شیراز اقامت اختیار کرد و در آنجا به نشر علم حدیث پرداخت. با شیخ بهایی رابطه‌ی دوستی داشت و از او نقل حدیث کرده است. او استاد ملامحسن فیض کاشانی و شیخ سلیمان ماحوزی بود. وی مدتی نیز در بحرین منصب قضا داشت. گویند اول کسی بود که علم حدیث را در شیراز نشر داد. فیض کاشانی برای فراگیری علم حدیث به شیراز رفت و در محضرش حضور یافت. او در شیراز درگذشت و در شاهچراغ دفن شد. از آثار وی: «التعلیقات عی خلاصه الاقوال فی الرجال»؛ «سلاسل الحدید فی تقیید اهل التقلید»؛ «رساله الیوسفیه»، در اصول؛ رساله در «مقدمه الواجب»؛ «دیوان» اشعار.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۲۰/۶)، الذریعه (۳۰۱ -۳۰۰ /۲۵ ،۲۱۰/۱۲)، روضات الجنات (۸۷ ،۸۴ ،۷۴ ،۷۲ -۶۷ /۶)، ریحانه (۳۷۴ - ۳۷۳ /۳ ،۲۳۲/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۸۳ -۴۸۲ /۱۱)، معجم المولفین (۱۶۳/۸)، هدیه العارفین (۱/۲).

حسینی صدرالدین، یونس

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، عالم دینی و مدرس. از مدرسان و دانشمندان معاصر شاه طهماسب صفوی بود که سالها در مدرسه‌ی سبز برامان و مدرسه‌ی بدیعیه و مدرسه‌ی غیاثیه هرات به تدریس اشتغال داشت. وی در روزگار چیرگی محمدخان شیبانی بر دیار خراسان، به منصب احتساب آن سامان گماشته شد. مدتی نیز منصب شیخ‌الاسلامی بلخ را عهده‌دار بود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۳۵۲ / ۴).

حسینی طالقانی، محمد طاهر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از شاعران و بازرگانان ایرانی است که در روزگار جهانگیر پادشاه از طالقان به هندوستان رفت و در آن جا با ظفرخان، ممدوح صائب، معاشر شد. به واسطه‌ی خان مذکور به دربار شاه جهان (۱۰۶۸ -۱۰۳۷ ق) راه یافت و نزد او معزز و مکرم گشت. طاهر در سرودن شعر بویژه غزل مهارت داشت. از اوست:

دیوانه‌ایم و بر ما، باشد لباس زندان

زنجیر گردن ماست، زنجیره‌ی گریبان

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۰۰ ،۴۶۲ / ۹)، صبح گلشن (۲۶۱)، فرهنگ سخنوران (۵۸۳)، کاروان هند (۸۰۳ –۸۰۲ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ طاهر).

حسینی طباطبایی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه.

تولد: ۱۳۰۷، زابل.

شهادت: ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

حجت‌الاسلام سید محمدتقی حسینی طباطبایی، فرزند سید علی، تا سطح اجتهاد به تحصیل پرداخت و موفق شد که همچنین فوق لیسانس خود را در رشته‌ی فلسفه اسلامی از دانشکده الهیات اخذ نماید. پیش از انقلاب اسلامی معلم بود و در حوزه‌ی علمیه‌ی زابل نیز تدریس می‌کرد. بعد از انقلاب اسلامی در ادامه کار تدریس خود، مسئول کمیته انقلاب اسلامی زابل بود. ایشان در اولین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی به نمایندگی از مردم زابل انتخاب شد. تألیفات وی عبارتند از منطق و منظوم؛ منتهی المیزان؛ احسن البیان و جزوه‌ای به عربی در مدح حضرت علی (ع).

حجت‌الاسلام حسینی طباطبائی در بمب‌گذاری هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. پیکر وی در زابل به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حسینی عربی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی حسینی عربی

محل تولد : ارومیه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۵/۱۷

زندگینامه علمی

اینجانب سید مهدی حسینی عربی فرزند سید حسن در ۱۷ مرداد سال ۱۳۵۴ در روستای قلقاچی از توابع بخش انزل شهرستان ارومیه در یک خانواده مذهبی و اهل علم به دنیا آمدم. در سال ۱۳۵۷و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی همراه خانواده به شهرستان سلماس (آذربایجان غربی)نقل مکان نموده و تحصیلات ابتدایی را در مدرسه شهید داهیم آن شهر در سال ۱۳۶۱ آغاز کردم. پس از سپری شدن دوران ابتدایی و سپس دوران راهنمایی در مدرسه شهید مطهری سلماس، بنا به علاقه خود برای شرکت در دروس حوزوی و نیز تشویق های پدر بزرگوارم که خود فردی روحانی و یک خطیب وارسته بود به حوزه علمیّه وارد شدم.

دروس اوّلیّه (سطح اول) را در مدرسه حضرت ولیعصر شهرستان بناب بین سالهای ۱۳۷۰–۷۵ گذراندم و از محضر اساتیدی چون آیه الله حاج شیخ عبدالمجید باقری بنابی و حضرات حجج اسلام خیریان، آتش زر، طباطبائی، اعلائی، و ... استفاده نمودم و پس از اتمام دروس سطح اول در مهر ماه سال۱۳۷۵ وارد حوزه علمیه قم شدم .

دروس سطح دو و سه حوزه را در مدرسه مبارکه فیضیه و مدرسه آیه الله گلپایگانی نزد اساتیدی چون : استاد تهرانی، علیدوست، خسروشاهی، عظیمی، اصغری، قریشی و... سپری کردم و پس از آن در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام سبحانی، شبیری زنجانی، فاضلی گلپایگانی و استاد مهدی هادوی تهرانی شرکت داشتم. در ضمن اشتغال به تحصیل در حوزه علمیّه هم زمان تحصیلات کلاسیک را نیز ادامه داده و مدرک دیپلم را از مدرسه شهید زین الدین قم اخذ کردم و سپس مقطع کارشناسی را در رشته تاریخ در دانشگاه باقرالعلوم قم به پایان رسانیدم و در خلال اخذ دیپلم و قبولی در دانشگاه، دوره تربیت مربّی کودک و نوجوان را در مرکز تربیت مربی دفتر تبلیغات گذرانده و نیز در دروس مرکز تربیت محقق و نویسنده دفتر تبلیغات در رشته تاریخ اسلام شرکت کردم.

پس از شروع به تحصیل در مقطع کارشناسی در دانشگاه، در بخش فرهنگ نامه مؤلفین اسلامی پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسطه به دفتر تبلیغات حوزه علمیّه قم به عنوان محقق مشغول به کار شدم و همزمان به عنوان عضو ثابت گروه تاریخ مهدویت مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) به کار تحقیق و تألیف پرداختم و با مراکزی چون : مرکز مطالعات و پژوهشهای علمی حوزه علمیّه قم و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی در بخش دانشنامه امام خمینی همکاری

نمودم و در طی دوره تحقیق در این مراکز، چنـدین مقاله در موضوعات تاریـخ اسـلام و تاریـخ مهـدویت تألیف نموده و در تـدوین فرهنگ نامه بزرگ مؤلفین اسلامی که به صورت گروهی در پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت کار می شود حضور دارم که این پروژه هنوز ادامه دارد.

حسینی علی، میرعلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهـم و یـازدهم ق)، خطـاط. از خوشـنویسان گمنـام قرن دهم و یـازدهم قمری است که چنـدی از دوران آخر زنـدگی میرعلی حسـینی هروی را درک کرده و مانند او «کاتب السـلطانی» رقم و به شیوه‌ی میرعلی هروی کتابت می‌کرد. از آثار وی: یک نسخه‌ی «دیوان» امیرشاهی به قلم کتابت خفی غبار خوش با رمق: «وفق بکتابتها...الفقیر میر علی الکاتب السلطانی .. سنه‌ی ۱۰۰۸»؛ یک قطعه از مرقع، به قلم دو دانـگ و کتـابت جلی عـالی بـا رقم: «کتبه العبـد... علی الحسـینی الکـاتب غفر له»؛ یـک قطعه از مرقع، به قلم دو دانگ و کتابت خوش با رقم: «فی شهور سنه سبع و مثانین و ستعمائه، میرعلی السحینی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۵۳ -۴۵۲ / ۲).

حسینی فر، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا حسینی فر

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۰ در خانواده ای مـذهبی در شهرسـتان دزفول متولـد شدم . پس از پایان جنگ و اخذ دیپلم ریاضـی در سال ۱۳۶۸ در رشـته مهندسـی صـنایع (تولیـد صـنعتی) دانشـگاه امیر کبیر تهران پذیرفته شدم . در کنار دروس دانشـگاه از محضـر برخی از علمای بزرگ تهران اسـتفاده هـای فراوانی بردم .عشق و علاـقه به معـارف خـاص اهـل بیت موجب شـد تـا پس از تامل بسـیار و مشورت با بزرگـانی چون حضـرات آیـات بهجت ، بهـاء الـدینی ، مشـکینی ، مصـباح یزدی و بیش از همه راهنمایی های بسـیارسودمند حکیم فرزانه آیت الله جوادی آملی ، دانشگاه و رشته مورد علاقه خود را ترک گویم و دروس حوزوی را بی وقفه و با جـدیت تمام آغاز کنم .برای آشنایی بهتر با فضای حوزه و اطمینان بیشتر نسبت به تصمیمی که گرفته بودم ، بخش عمده ای از دروس مقدمات را در قم فرا گرفتم و سـپس برای ادامه تحصـیل به تهران بازگشـتم و در مـدرسه امین الـدوله زیر نظر اسـتاد اخلاـق حضـرت آیت الله حق شناس (حفظه الله) و نیز مدرسه مروی ، سایر دروس مقدمات و نیز سطح اول حوزه را به اتمام رساندم .

سپس برای ادامه تحصیل به قم مشـرف شده و از دروس سـطح حضـرات آیات و حجج اسلام اعتمادی ، احمدی میانجی ، تهرانی ، محمـدی خراسـانی ، مروی و نیز دروس فلســفه حجـج اسـلام سـروش محلاـتی ، مرتضـی جـوادی آملی و حسـن معلمی بهره بردم. همچنین از درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی بهره های فراوانی نصیبم شد .پس از اتمام سطوح عالیه ، از سال ۱۳۷۸ به بعد در دروس خـارج فقه و اصول حضـرات آیـات عظـام تبریزی ، آقـا موسـی زنجـانی ، و محقق داماد شـرکت کردهام.در کنار دروس عادی حوزه ، همواره این دغـدغه اساسـی و جدی را داشـته ام که از مباحث اخلاقی و معارف خاص اهل بیت ، همچنین از نیازها و ضرورت های کنونی جامعه ، بیگانه و غافل نباشم.

از سال ۱۳۷۹ ضـمن همکاری با موسسه امام صادق علیه السـلام در زمینه پاسـخگویی به شبهات ، وارد عرصه تالیف شده و در این زمینه توفیقاتی نصیبم شد . همچنین از سال ۱۳۸۳ توفیقی دست داد تا ضـمن تدریس در دانشـگاه ، ارتباط بیشتر و بهتری با دوستان دانشجو برقرار کنم. از سال ۱۳۸۴ ،تدریس برخی از درس حو زوی از جمله – عقاید و فلسفه ـ را آ غاز کرده ام.

حسینی فسائی، کمال‌الدین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کمال‌الدین حسـینی فسائی از دانشمندان و شعراء قرن دوازدهم هجریست. وی از افضال شاگردان آخوند فدشکوئی محمد مسیح بن

اسماعیل و متخلص به (معنی) بوده.

دارای تألیفاتی می‌باشد که از آنها (۱) حاشیه بر معالم الاصول (۲) کتاب شواهد که شرح مطول است (۳) رساله‌ای در حل شبهات کاتبی قزوینی.

از شاگردان وی مرحوم شیخ محمدعلی حزین صاحب تذکره و دیوان حزین می‌باشد، در تذکره‌اش می‌نویسد: راقم کتاب مغنی اللبیب را با تفسیر صغیر عروهٔالاسلام شیخ ابوعلی طبرسی علیه‌الرحمه و بعض مقاصد دیگر را در حضور باهرالنورش قرائت و استفاده نمودم.

وی در سال ۱۱۳۴ ق در هنگام محاصره اصفهان از طرف افغانیان زندگی را بدرود گفت و به سرای جاوید شتافت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حسینی فیروزآبادی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۸۹.

درگذشت: ۱۳۶۸.

مرتضی سید محمد حسینی فیروزآبادی نجفی صاحب کتب زیر است: السبعه من السلف: ابوبکر، عمر،... (قم، ۱۳۷۱)؛ شناسایی هفت تن در صدر اسلام (ترجمه کتاب السبعه من السلف...، مترجم عباس راسخی نجفی، قم، ۱۳۷۳)عنایهٔ الاصول فی شرح کفایهٔ الاصول]آخوند خراسانی[(قم)؛ فضائل الخمسه من الصحاح السنه و غیرها من الکتب المعتبره عند اهل السنه و الجماعه (قم، ۱۳۷۲)؛ فضائل پنج تن (ع) در صحاح ششگانه اهل سنت (ترجمه‌ی کتاب فضائل الخمسه... (ترجمه محمدباقر ساعدی، قم، ۱۳۷۴).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حسینی قاینی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۷۱ ق)، خطاط. از آثار وی: ادعیه‌ی گوناگون، جلد روغنی عالی، در حاشیه آیهٔالکرسی به خط رقاع عالی، مرقع به نسخ و رقاع کتابت جلی ممتاز، با رقم: «اهداء حضور... امام الجمعهٔ... العبد محمدحسین الحسینی القائنی ۱۲۷۱»؛ حواشی و کتیبه جلد روغنی، به خط رقاع عالی، با رقم: «العبد الجانی محمدحسین بن محمداسمعیل الحسینی القائنی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۶۱/ ۴).

حسینی قریشی، اسدالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۹۸ ق)، خطاط. از آثار وی کتیبه‌ای است که در میان نقاشیهای سه گانه‌ی سر در قیصریه‌ی اصفهان و پشت بغلهای کاشیکاری عهد صفویه، به فرمان ناصرالدین شاه، به خط نستعلیق چنین نوشته شده در عهد دولت و زمان... ناصرالدین شاه قاجار... صورت اتمام و سمت انجام پذیرفت... اسداللّه الحسینی القرشی سنهٔ ۱۲۹۸.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار ملی اصفهان (۳۹۳-۳۹۲)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۴۶۷-۴۶۶).

حسینی قلعه بهمن، اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اکبر حسینی قلعه بهمن

محل تولد : شهرری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید اکبر حسینی قلعه بهمن فرزند سید غفار در سال ۱۳۴۸ در شهری متولد شدم. بعداز دوران تحصیلات ابتدایی و راهنمایی در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه ورامین شدم. در سال ۱۳۶۷ به حوزه علمیه شهری و سپس در سال ۱۳۶۸ به حوزه علمیه قم منتقل گردیدم. از حدود سال ۱۳۷۱ در دروس خارج فقه و اصول اساتید گرانقدری چون آیات عظام وحید خراسانی، فاضل لنکرانی(ره) و جوادی آملی بهره وافری برده ام. در سال ۱۳۷۱ وارد دوره کارشناسی الهیات و معارف اسلامی موسسه امام خمینی(ره) شدم و در سال ۱۳۶۷ در دوره کارشناسی ارشد در رشته دین شناسی پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۱ با ارائه پایان نامه واقع گرایی اخلاقی در نیمه دوم قرن بیستم با نمره عالی(۱۹) فارغ التحصیل گردیدم. در سال ۱۳۸۳ وارد دوره دکتری فلسفه دین گردیدم و هم اکنون نیز به تدوین پایان نامه خود با عنوان واقع گرایی دین در قرن بیستم مشغول هستم. در این ایام در مقاطع مختلف(کارشناسی و کارشناسی ارشد) به تدریس اشتغال داشته‌ام و نیز کتب و مقالاتی را نیز تالیف و ترجمه نموده ام.

حسینی قمی، شرف‌الدین حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۹۰ -۹۱۳ ق)، شاعر، ادیب و خطاط. معروف به میر منشی قمی. وی پدر قاضی احمد و در آغاز منشی سام میرزا در هرات بود. بعدها در مشهد وزیر سلطان ابراهیم میرزا شد و نسبت ابراهیم یافت و بعد از آن به تبریز رفت. سرانجام در آستانه‌ی حضرت عبدالعظیم درگذشت و همان جا دفن شد. استاد وی در خط ثلث مولانا حیدر قمی و در صرف و نحو صدقی استرآبادی بود و هیات و ریاضی را نزد غیاث‌الدین منصور دشتکی آموخت. حسینی در شعر و انشاء نیز مرتبه‌ای والا داشت. مولانا عبدی جنابدی در تاریخ فوت او گفته:

چو تاریخ جستم ز پیر خود

بگفتا: «بهشت برین جای او».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۸۲ -۱۲۸۱ /۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۷۸ -۱۶۷۷ /۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۷۲۴ -۷۲۳ /۲)، گلستان هنر (پنجاه و شش- پنجاه و هفت).

حسینی کازرونی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیداحمدحسینی کازرونی در سال ۱۳۲۰در بوشهر بدنیا آمد. وی با احراز رتبه اول درمقاطع تحصیلی متوسطه با دریافت دیپلم وارد دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز گردید. دوره کارشناسی ارشد و دکترا را در شهر تهران ادامه داد. او به تدریس در مدارس، دانشگاه های آزاداسلامی و دولتی با سمت هیئت علمی و استادیاری ادامه فعالیت دارد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : سید جواد حسینی کازرونی پدر سید احمد است که به حرفه بازرگانی اشتغال داشته و از انساب حاج سیدمحمدرضا کازرونی از بازرگانان و واقفان بنام واز مساعدین معروف نهضت جنوب بوده است. سکینه کنگانی نام مادر سید احمدبود که ایشان خانه دار بوده اند.

خاطرات کودکی : سیداحمد حسینی کازرونی جوانی زیرک و بلند پرواز بود و پویا و پرتحرک.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : سید احمد حسینی کازرونی دارای خانواده ای آرام و روابطشان بسیار حسنه بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات دبستانی: از مهر ماه ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۳ دوره شش ساله دبستان تحصیلات دبیرستانی: مهرماه ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۹ دوره شش ساله دبیرستانی (دیپلم ادبی) تحصیلات دانشگاهی مقطع کارشناسی: مهرماه ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ دوره سه ساله در رشته ادبیات فارسی تحصیلات دانشگاهی مقطع کارشناسی ارشد: مهرماه ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷ دوره دو ساله در رشته ادبیات فارسی تحصیلات در مقطع دکتری: مهرماه ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۰ دوره سه ساله در رشته زبان وادبیات فارسی

خاطرات و وقایع تحصیل : سید احمد حسینی کازرونی از دوران تحصیل خود اینطور بیان میکند: نفراول دیپلم ادبی در سال ۱۳۳۹ در استان بوشهر و ورود بدون کنکور درمقطع لیسانس در دانشگاه شیراز و دریافت پاداش ماهانه و معافیت از سربازی و استخدام در وزارت آموزش و پرورش مهرماه ۱۳۴۲ . نفر اول دوره های کارشناسی ارشد و دکتری ونخستین فارغ التحصیل رشته زبان وادبیات فارسی- واحد علوم تحقیقات عالی تهران - دردانشگاه آزاد اسلامی ۱۳۷۰ش بوده ام و در رشته خود نخستین استادیاری هستم که در طول ۱۱سال از استادیاری به درجه استادی ۱۳۷۴-۱۳۷۳ رسیده ام.

فعالیتهای ضمن تحصیل : از دیگر فعالیتهای سید احمد حسینی کازرونی در امور مقاله نویسی وچاپ در نشریات، شرکت در همایش ها و کنگره های تحقیقاتی و تدریس و طرحهای پژوهشی، مطالعه، ورزش ، شرکت در مراسم مذهبی می باشد.

استادان و مربیان : دکتر جلیل تجلیل ، دکتراسماعیل حاکمی والا، دکتر عبدالله جاسبی، دکترموسوی بهبهانی. شادروانان: دکتر

صورتگر،خلیل رجایی،دکترعلی اصغر حکمت، حسن سادات ناصری، دکترحسن مینوچهر، دکتر علی محمد مژده، دکتر حسین بحرالعلومی، دکترسیدضیاء الدین سجادی، دکترنورانی وصال، دکتر پوران شجیعی، دکتر مرتضوی، بلادی، مذنب، بازیار، ایرج کشمیری، ناصر کشمیری، اسلامی مذهب، محمد غدیری، فروتن، مهیمنیان ، رسول مجد، دکتر یدالله پیمانی، دکتر بیگلربیگی، بیضایی، دوانی، ضیا الدین بلادی .

هم دوره ای ها و همکاران : دکترسید عبدالصاحب امامی، دکتر علی شیخ الاسلامی، دکتر سیدجعفر حمیدی، دکتر محمد موذنی، دکتر علی محمد سجادی، دکتر احمد حاتمی، دکتر احمد ذاکری، دکتر اسماعیل آذر، دکتر حیدری.

همسر و فرزندان : سیداحمدحسینی کازرونی درسال ۱۳۴۴ با خانم صدیقه اله کازرونی از منسوبین خاندانش ازدواج کرد که از وی سه فرزند داشت بعد درسال ۱۳۶۵ با خانم نسرین مهرانی ازدواج کرد و حاصل این ازدواج یک رفرزند میباشد اسم و مشخصات فرزندان وی به شرح زیر می باشد: بهناز حسینی کازرونی ، لیسانس شیمی، کارمند مهناز حسینی کازرونی ، دکترای دندان پزشکی، شهناز حسینی کازرونی ، کارشناس ارشد پرستاری، مقیم آمریکا سیدعلی حسینی کازرونی، دانشجوی مهندسی مکاترونیک دانشگاه صنعتی شریف بین المللی کیش

وقایع میانسالی : یکی از وقایع سید احمد حسینی کازرونی فوت همسر اولشان بود که درسال۱۳۶۳ به علت سرطان مغزی اتفاق افتاد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دبیر دبیرستان های بندر عباس(۴۴-۱۳۴۲) دبیر دبیرستانها و مدرس مراکز تربیت معلم و مدیر گروه ادبیات فارسی در استان بوشهر (۶۴- ۴۴) دبیر دبیرستان ها و مدرس مراکز تربیت معلم وکارشناس ومشاور معاون نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش درتهران (۷۳-۶۴) مدرس وعضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی دزفول (به ترتیب تایید آبها در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۲) موسس و مدیر گروه ادبیات فارسی در واحد بوشهر و استخدام رسمی تمام وقت(به ترتیب کارشناسی در ۱۳۷۳ و کارشناسی ارشد ۱۳۷۶ و دکتری زبان وادبیات فارسی ۱۳۷۸. موسس معاونت پژوهشی و معاون پژوهشی در واحد بوشهر ۸۱- ۷۵ رئیس شورای پژوهشی و رئیس انتشاراتوموسس کتابخانه جدید دانشگاه واحد وسرپرست آن تاسال ۱۳۸۱ عضو شورای پژوهشی واحد از سال ۸۱ عضو شورای پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاداسلامی ۸۱- ۷۸ نماینده واحد در استانداری بوشهر درزمان معاونت پژوهشی ممیز علمی درمنطقه یک دو دوره ۸۳-۷۹ ممیز و داور علمی در منطقه ۶ خوزستان از ۱۳۸۴ نماینده واحد در سازمان مرکزی ازسال ۱۳۸۰

فعالیتهای آموزشی : ۱- شرکت فعال در سمینارها و همایش های معتبر استانی، منطقه ای، کشوری و بین المللی منعقده در کشور باارائه مقاله وسخنرانی های متعدد در مراکز دانشگاهی و سازمانی و درون مرزی و برون مرزی ۲- سخنرانی در صدا وسیمای جمهوری اسلامی ایران(بین المللی، کشوری، منطقه ای واستانی) و رادیو فرهنگ ۳- عضو شورای پژوهشی و انتشارات در واحد بوشهر از سال ۱۳۷۵ تا کنون ۴- مدیر و عضو هیات علمی در چندین همایش و سمینار در مناطق یک و شش دانشگاه آزاد اسلامی ۵- استاد راهنما، مشاور و داور بیش از سیصد عنوان پایان نامه در دانشگاه آزاد اسلامی و دولتی ۶- عضو شورای پژوهشی سازمان آموزش و پرورش استان بوشهر در زمان حال ۱۳۸۶ ۷- داور کشوری جهت تایید مقالات ادبی در کنگره ها و مجامع دانشگاهی

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : ۱- تاسیس کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی درواحد دزفول (به ترتیب درسالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۲) ۲- کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری همین رشته در واحد بوشهر به ترتیب در سالهای ۷۳- ۱۳۷۴ ۳- پست معاونت پژوهشی ، تجهیز کتاب خانه، آزمایشگاه ها ، انتشارات، لابراتور زبان انگلیسی به ترتیب در سالهای ۷۵-۱۳۷۷ ۴- همکاری در تاسیس چندین رشته دانشگاهی و جذب تعدادی اعضای هیات علمی ph.d در رشته های علوم انسانی و فنی و مهندسی در واحد بوشهر از سال ۱۳۷۲

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مطالعه و تحقیق، تدریس، نوشتن وپژوهش، تالیف کتاب، مقاله نویسی، معاشرت و در زمان مقتضی در سیر و سفر، انجام طرحهای پژوهشی و کارهای تحقیقاتی، مشاور ناشران در چاپ کتاب همکاری با دانشجویان در امر تحقیق و پژوهش.

شاگردان : دکتر عبدالرسول مهرسای (اورولوژیست _مقیم تهران)- دکتر باقر هوشنگی (پزشک متخصص_ مقیم تهران)- دکتر عبدالکریم مشایخی (دکتر در تاریخ، مدرس دانشگاه و رئیس ایران شناسی _ مقیم بوشهر) - دکتر مریم بختیار (دکتری در عرفان و استادیار واحد اهواز)- دکتر مالملی (دکتر در ادبیات فارسی و استادیار واحددانشگاه آزاد اسلامی اهواز)- دکتر شمس الحاجیه اردلانی (مدرس ادبیات فارسی واحد دانشگاه بوشهر) - مریم پرهیزگار دانشجوی دکتری ادبیات فارسی و عضو هیات علمی واحد بوشهر- محمد دادفر (نماینده پیشین بوشهر در مجلس شورای اسلامی) و صدها مدرس، دبیر، پزشک ، مهندس و سایر مصادر دیگر در مشاغل کشوری، سپاهی، لشکری و حرفه های آزاد

جوائز و نشانها : ۱- هیات علمی نمونه واحد درسالهای ۷۳-۸۰ منطقه یک سالهای ۷۸- ۸۰ و کشور ۱۳۸۰ دانشگاه آزاد اسلامی همچنین درسالهای پس از ۱۳۸۰ در واحد دزفول و بوشهر ۲- کسب عنوان مقاله نویس برتر در فراخوان « بهبود نظام بازنشستگی کشور»در چهارمین جشنواره شهید رجایی تهران در سال ۱۳۸۰ در سطح کشور ۳- کسب عنوان مقام اول در محور پژوهشی فرهنگی ادبی برتر در استان بوشهر تحت عنوان درون گرایی در شعر جنوب - استان بوشهر درسال ۱۳۷۹ ۴- کسب عنوان پیش کسوت نمونه سطح دستگاهی (وزارت آموزش و پرورش) در چهارمین جشنواره شهید رجایی ، تهران درسال ۱۳۸۰ در کشور ۵- عضو نمونه کشوری در بخش پژوهش ها و تحقیقات در سومین جشنواره شهید رجایی (شهریور ۱۳۷۹ تهران) ۶- پژوهشگر برتر استان بوشهر درآذر ماه سال ۱۳۸۶ (پژوهشگر برتر سال ۱۳۸۶) واحد دانشگاهی بوشهر ۷- مقاله نویس در چندین همایش منطقه ای دانشگاه آزاد اسلامی (از جمله واحدهای بوشهر، اهواز، بابل، سبزوار و ... در سال ۱۳۸۶) و کشور (در بخش پژوهش ویژه اساتید کشور در نخستین کنگره نهج البلاغه) و کنگره شناخت فرهنگ عمومی (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) ۸- احراز مقام سوم کشوری کتاب « پژوهشی در اعلام تاریخی و جغرافیای تاریخ بیهقی» در سال ۱۳۸۰

چگونگی عرضه آثار : در عرصه مقالات علمی پژوهشی وتخصصی تا سال ۱۳۸۶ بیش از یکصد مقاله درفصل نامه ها، مجلات و نشریات معتبر دانشگاهی و وزارتی و سازمانی چاپ و منتشر گردیده است (تا کنون ۱۵ مقاله تخصصی در خصوص استان بوشهر در کتاب « بوشهر، شهر آفتاب و دریا» و ۴۶مقاله پژوهشی در کتاب « روزگاران ؟؟» چاپ و منتشر شده است. درعرصه کتاب بیش از ۳۳ کتاب در گروه ادبیات وعلوم انسانی (دانشگاهی و غیر دانشگاهی) توسط دانشگاه یا ناشران کشوری چاپ و منتشر شده است به سال ۱۳۸۶. ---

---

منابع :

۱تکمیل پرسشنامه تکمیلی توسط دکتر سید احمد کازرونی حسینی بنا به درخواست بنیاد ایران شناسی زمستان ۱۳۸۶

حسینی کاشانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۱ ق)، شاعر. از سادات کاشان بود. و بنا به قول برخی تذکره‌نویسان خواهرزاده حیدر معمایی است. از اشعار اوست:

شده مه بر فلک حیران ز روی عالم آرایش

عجب جای بلندی یافته بهر تماشایش

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۲۴۱ -۲۴۰)، الذریعه (۲۴۶/۹)، صبح گلشن (۱۳۷)، فرهنگ سخنوران (۲۶۸)، لغت نامه (ذیل/ حسینی کاشانی)، مخزن الغرائب (۷۷۷/۱)، نشتر عشق (۳۹۲/۲)، هفت اقلیم (۴۷۰ -۴۶۹ /۲).

حسینی کاشانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدمهدی طاب ثراه فرزند فقیه محقق آیت‌اللَّه حاج سید محمدصادق حسینی که از اجله علماء بیت شریف سادات حسینی کاشانی بوده‌اند.

وی عالمی عامل و فقیهی جامع و زاهدی ناسک و متعبدی باورع و متهجد و مدرسی تحریر و در جامعیت معقول و منقول ممتاز بوده و عمده تلمذش نزد فقیه اعظم مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید حسین کوهکمری و آیت‌اللَّه العظمی میرزاء بزرگ شیرازی و غیرهما بوده و جمعی نزد وی تلمذ نموده و از وی مجاز می‌باشند.

مؤلفات ارزنده و نفیسی در علوم متفرقه از قبیل فقه و اصول و حکمت و ریاضی و ادب و غیرها دارد که در کتابخانه نجل جلیلش مرحوم علامه بزرگوار آقای حاج سید علی‌اکبر حسینی و اکنون نزد حفید معظمش آیت‌اللَّه حاج سید عباس کاشانی حایری دام‌ظله می‌باشد که انشاءاللَّه به سعی ایشان- به طبع خواهد رسید- مترجم معظم در اواخر عمرش در نجف اشرف اقامت نموده و به تدریس اشتغال داشته و همانجا بدرود حیات گفته و روز وفاتش تجلیل و احترام باشکوهی از جنازه به عمل آمده و بازار نجف اشرف و حوزه‌های درس تعطیل و حسب‌الوصیتش در بقعه اختصاصی خود در وادی‌السلام مدفون گردیده است و بقعه او در آنجا معروف و مورد احترام علماء و سایر مؤمنین است.

و یکی از نیاکان این بزرگوار که از چهره‌های درخشان علمی این سلسله است ولی گمنام مانده در حالی که در عصر خود از اکابر علماء و اعاظم مجتهدین شیعه عصر خود و از نوابغ و فطاحل دوران و علامه دهر خود بشمار می‌رفته آیت‌اللَّه العظمی آقای آقا میر سید عبدالباقی می‌باشد که در زمان خود شبهه اعلمیت را حایز بوده ولی در اثر کثرت زهد و تقوی و پرهیزکاری انزوا را اختیار نموده و به هیچ وجه متصدی امر فتوی و تقلید نگردیده- بلکه انس عجیبی به انزوا و گوشه‌گیری و تنهائی داشته و وحشت بسیاری از شهرت و ریاست می‌نموده لذا با یک دنیا شخصیت علمی که داشته گمنام و در اکثر کتب بلا ذکر است و این معنی هم آرزوی مترجم معظم بوده است و در سال ۱۱۹۰ ق هجری در سن متجاوز از صد و بیست سالگی در نجف اشرف وفات نموده و در صحن مطهر حضرت امیر مؤمنان علی علیه‌السلام در ایوان پشت پنجره حرم شریف حسب‌الوصیتش مدفون گردیده است و روز وفاتش با آنکه شهرتی نداشته شورش و غوغائی عجیب برپا گردیده و مجالس فاتحه در اکثر بلاد منعقد گردیده و امروز جمعی از احفاد ایشان از علماء اعاظم و فقهاء گرامی در عراق و ایران و مناطق دیگر می‌باشند که از جمله آنان حضرت آیت‌اللَّه حاج سید عباس کاشانی حایری صاحب‌المصابیح که از اجلاء علماء به نام کربلا بوده و اکنون در شهر مذهبی قم اقامت و مورد تجلیل و تبجیل عموم طبقات می‌باشند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

حسینی کاشانی، معزالدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۵ ق)، خطاط و شاعر. معروف به میر معز. از سادات حسینی کاشانی و از مشاهیر خوشنویسان عصر خود و در خط نستعلیق شاگرد میر هبهٔاللّه کاشانی بود. از آثار خطوط جلی و خفی موجود وی و مقایسه و مطابقه با خطوط محمود شهابی و سید احمد مشهدی به خوبی می‌توان دریافت که مایه و استواری و ملاحت و شیوایی خط او، به خط خواجه محمود برتری دارد و از خط میرزا سید احمد که در کتابت استاد مسلم است، فروتر نیست. بعضی از تذکره‌نویسان متأخر، شرح زندگی میر معز را با میر معز دیگری که یزدی بوده است، خلط کرده و گفته‌اند که در زمان شاه عباس اول به هندوستان رفت و به سال ۱۰۳۵ ق مقتول گردید، در صورتی که در تذکره‌های معاصر وی، از جمله «تاریخ عالم آرای عباسی» و «گلستان هنر» و «مجمع الخواص» او را از خوشنویسان دوره‌ی شاه طهماسب دانسته و اشاره‌ای به مسافرت او به هندوستان نشده است. صاحب «مناقب هنروران»، محمد تقی مروارید و ملا مظفرعلی و ملا هدایت‌اللّه اصفهانی و مهدی قولی و ایلچی ابراهیم را از جمله شاگردان او ذکر کرده است. از آثار وی: یک نسخه «مقالات» خواجه عبداللّه انصاری، به قلم دو دانگ عالی، با رقم: «کتبه الفقیر المذنب معزالدین محمد الحسینی الکاتب، سنه‌ی ۹۸۵»؛ هفده قطعه از مرقعات مختلف، به قلم‌های چهار دانگ تا کتابت عالی و خوش، با رقم های: «کتبه معزالدین محمد الحسینی» و تاریخ‌های ۹۸۴ و ۹۸۷ ق و جزو همین قطعات بهترین خطی که ازا و موجود است، به قلم سه دانگ جلی ممتاز، با رقم: «کتبه معزالدین محمد الحسینی ۹۸۱». در «احوال و آثار خوشنویسان» چند اثر دیگر از او ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۲۳ -۸۱۸/ ۳)، اطلس خط (۴۹۵ -۴۹۴)، عالم آرای عباسی (۱۷۱)، کاروان هند (۱۳۱۷ -۱۳۱۶/ ۲)، گلستان هنر (۱۱۹)، مجمع الخواص (۹۵)، مناقب هنروران (۷۲ -۷۱).

حسینی کربلایی اصفهانی، عبدالله بن یحیی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، و ادیب و شاعر بوده، در ۱۱۲۶ وفات یافته، در تخت فولاد نزدیک مسجد مصلی مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حسینی کوهساری، اسحاق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسحق حسینی کوهساری

محل تولد : نکا- ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۲/۱۵

زندگینامه علمی

حقیر سید اسحاق حسینی کوهساری در سال ۱۳۲۸ در روستای کوهسار کتن از توابع شهرستان نکا متولد شدم. دوران ابتدائی تحصیل را در حوزه علمیه نکا تحت نظر آیت الله سیموندهی طاب ثراه و سپس به مدت چهار سال در حوزه علمیه امام صادق(ع) قم تحت نظر آیت الله دار ابکلائی ادامه تحصیل داده ام.

در سال تحصیلی ۴۷-۴۶ وارد حوزه علمیه قم شده ام و در مدرسه سعادت تحت نظر آیت الله حسن زاده آملی و جوادی آملی تحت اشراف و نظر آن دو عزیز به تحصیل ادامه داده قوانین را نزد استاد دوزدوزانی، رسائل را نزد استاد اعتمادی، مکاسب را نزد استاد ستوده، کفایتین را نزد آیت الله سلطانی و اسفار را نزد حسن زاده آملی و جوادی آملی و استاد مصباح یزدی گذراندم. تقریبا دو دوره درس اصول و فقه آیت الله میرزا هاشم آملی و مقدار اندکی از محضر آیت الله گلپایگانی و مرتضی حائری و مدت ۸ سال از محضر آیت الله تبریزی و مدت ۶ سال از محضر آیت الله جوادی و مدت ۴ سال از محضر آیت الله منتظری استفاده کرده ام.

تقریبا چند سال قبل از انقلاب وارد مدرسه در راه حق شده و دوره آموزشی دروس معارف و فلسفه و بقیه دروس موسسه را گذرانده و سپس وارد موسسه باقرالعلوم(ع) و بعد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شده ام .

مدت ۱۲ سال به عنوان مدرس دروس معرفت شناسی ، انسان شناسی، و خداشناسی با طرح ولایت بسیج دانشجویی افتخار همکاری داشته ام و پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآنی موسسه را دریافت نموده ام.

حقیر از سال ۶۰-۵۹ جز اولین گروهی بوده ام که وارد دانشگاه تهران شده ام و از آن زمان تاکنون به عنوان تدریس معارف اسلامی ۱ و ۲ اخلاق ، تاریخ اسلام همکاری داشته ام و اکنون عضو گروه الهیات پردیس قم هستم و درس تفسیر تاریخ قرآن و تاریخ تفسیر و درس های وانسیه را به عهده دارم.

کتب و مقالاتی هم نگاشته ام که خوشبختانه کتاب تاریخ فلسفه اسلامی به عنوان کتاب درس در مرکز تخصصی فلسفه حوزه تحت مدیریت استاد فیاضی که حقیر افتخار تدریس متن کتاب را بر عهده دارم و مرکز جهانی اهل بیت (جامعه المصطفی کنونی) و دانشگاه معارف اسلامی قم و برخی از دانشگاهها دولتی و آزاد جز کتب درس قرار گرفت و الان تحت چاپ است.
حقیر کارشناسی ارشد فلسفه خبرگان بدون مدرک را هم گرفته ام و اخیراً تز دکتری نقد و بررسی مبانی تفسیر عرفانی را تحت نظر استاد سید محمد باقر حجتی و حبیب الله طاهری و مشاوره دکتر الهیات و دکتر سبحانی گذرانده ام.و اکنون مشغول نگارش تفسیر سوره حمد به عنوان کتاب درس دانشگاه و آماده سازی پایان نامه جهت چاپ می باشم.
در ضمن حقیر افتخار روحانی کاروان در طول بیست سال را دارم و از نظر منبر و نوکری امام حسین قم و خطابه هم موفق هستم و در استانهای مختلف افتخار نوکری را دارم و الان بواسطه عضویت هیئت علمی امکان رفتن به خارج از قم را ندارم تقریبا در لشکر ۱۷ علی ابن ابی طالب و سپاه قم دانشگاه شهید محلاتی افتخار همکاری را در این ..... داشته و دارم.

حسینی مجدالدین، عباد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، عالم دینی و قاضی. از فرزندزادگان شرف شاه گلستانه بود. وی عهده‌دار قضای اصفهان در زمان سلطان الجایتو محمد بن ارغون (۷۱۶ – ۷۰۳ ق) و معاصر با علامه حلی بود. از آثارش: «توضیح الوصول»، در شرح «تهذیب الاصول»، که آن را به خواهش شاگردش، محمود بن علی بن یوسف طبری نوشت؛ «کاشف المعانی»، در شرح «حرز الامانی و وجه التهانی»، معروف به «الشاطبیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۴۰ –۲۳۹/ ۱۷ ،۴۹۹/ ۴)، ریاض العلماء (۵۷/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۷ –۱۰۶/ ۸).

حسینی مراغی، عبدالفتاح

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، فقیه، محدث امامی و شاعر، متخلص به اشراق در شعر فارسی و فتاح در شعر ترکی. در مراغه تولد یافت و در نجف اقامت اختیار کرد و نزد شیخ موسی و شیخ علی، فرزندان کاشف الغطاء، تحصیل کمال کرد. پس از آن به مشهد سفر کرد و در آنجا دست ارادت به میرمحمد تقی مشهدی داد و بعد از طی مدارج و مراحل سلوک به مراغه بازگشت و به امر شیخ‌الاسلامی مراغه مشغول شد. میر عبدالفتاح در سرودن شعر به دو زبان فارسی و ترکی با مضامین عارفانه استاد بود. او در نجف درگذشت و در همان جا دفن شد. از آثار وی: «عناوین الاصول»؛ «قیامت نامه» به ترکی؛ مثنوی «ریاض الفتوح»؛ «دیوان» اشعار؛ «ساقی نامه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۲۵۸)، الذریعه (۸۳ –۸۲ /۲۲ ،۲۲۳/۱۷، ۳۵۰/۱۵، ۱۱۱ –۱۱۰ /۱۲ ،۱۰۴۶، ۸۰۷، ۷۷ /۹)، ریحانه (۳۷۹/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۴۲ –۴۴۱ /۱۲)، مکارم الاثار (۱۳۶۶ –۱۳۶۵ /۴).

حسینی مرعشی، اسدالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از خطوط او: قرآن نیم ورقی جلد روغنی، دو صفحه اول متن و حاشیه مذهّب خوب، به خط نسخ کتابت جلی متوسط، با رقم «قدفرغ من تسوید کتابت القرآن، ابن‌محمد شریف‌الحسینی المرعشی القاضی الشوشتری، العبد الآثم اسداللّٰه غفراللّٰه ذنوبهما سنهٔ ۱۲۶۷».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۴۴ /۴).

حسینی مرعشی، ظفر حسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح س دوازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه قرآن بغلی جلد سوخته عالی، دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع عالی، به خط نسخ غبار خوش و با رقم: «قد وقع الفراغ من تحریره و انا العبد الاقل ظفر حسین‌خان الحسینی المرعشی»، (حدود قرن ۱۲).[۱]
از اوست: قرآن بغلی جلد سوخت عالی. دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع عالی نسخ غبار خوش با رقم: «قد وقع الفراغ من

تحریره و انا العبد الاقل ظفر حسین خان الحسینی المرعشی». (حدود قرین ۱۲) در کتابخانه‌ی سلطنتی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۸۷ / ۴).

حسینی مرعشی، محمد خلیل

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۲۰ ق)، فقیه، ادیب و شاعر. محمد خلیل که به سلطان میرزا نیز مشهور بود، از طرف پدر مرعشی، و از طرف مادر صفوی است. جدش، سید محمد حسین، مدتی در مشهد سلطنت کرد و به شاه سلیمان ثانی معروف شد. میرزا محمد خلیل به عتبات رفت و بعد به هندوستان مهاجرت کرد و در آنجا مقیم شد. از آثار او: «مجمع التواریخ»؛ «حاشیه‌ی تحریر اقلیدس»؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ حاشیه بر «مدارک»؛ حاشیه بر «من لا یحضره الفقیه»؛ و «شرح تذکره‌ی هیئت».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۵/۲۰)، ریحانه (۲۹۲/۵)، مولفین کتب چاپی (۲۹ -۲۸ /۳).

حسینی مرعشی، محمد مقیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطاط. وی از شکسته تعلیق‌نویسان گمنام است. از آثار او: یک نسخه «مکاتبات و رسالات» ظهوری به آقا حسین خوانساری، به قلم کتابت خوش که چنین تمام می‌شود: «حسب الاشاره صاحب سفینه بل صاحب کمینه، بتضییع این اوراق جرات نمود، و انا العبد الاقل المذنب ابن میرزا حسین المرعشی، محمد مقیم الحسینی».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۷۵/۴).

حسینی مشهدی، عبدالوهاب

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، خطاط. از سادات حسینی مشهد و نواده‌ی دختری و پرورش‌یافته‌ی سلطانعلی مشهدی است. قاضی احمد منشی، صاحب «گلستان هنر»، وی را در مشهد ملاقات کرده و گوید: «خطش به غایت صاف بود اما نزاکت نداشت... همیشه جزوه‌دان بزرگ پر از قطعه به خط خود همراه داشت که همه را افشان و حاشیه و جدول کرده بود و به مردم می‌نمود...». از آثار وی: سه قطعه از مرقع امیر غیب‌بیک، به قلمهای سه دانگ و نیم دو دانگ خوش و متوسط، بعضی رنگی و محرر، با رقمهای: «کتبه عبدالوهاب السحینی المشهدی...» و «... انا الفقیر عبدالوهاب الحسینی المشهدی غفر ذنوبه»؛ سه قطعه از مرقع سید احمد مشهدی، به قلمهای سه دانگ و نیم دو دانگ خوش و متوسط، با رقمهای: «الفقیر عبدالوهاب الحسینی» و «... فقیر عبدالوهاب الحسینی»؛ یک قطعه از مرقعی، به قلم دو دانگ و کتابت خوش، با رقم: «... بنده‌ی کمترین عبدالوهاب الحسینی المشهدی...».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۲۲ -۴۲۱ / ۲)، گلستان هنر (۹۰)، هنر عهد تیموریان (۵۷۷).

حسینی مشهدی، محمد حسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی از سادات بزرگ خراسان بود که از امیران زمان خود بودند. میرزا محمد حسین در عهد شاهجهان به هندوستان سفر کرد و در آنجا با صاحب تذکره «صبح صادق» آشنا شد و بین آنها دوستی پیوست. حسینی در سرودن شعر توانا بود، اشعاری از وی در تذکره‌ها نقل شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۲۶۹)، کاروان هند (۳۲۶ -۲۳۵ /۱)، مطلع الشمس (۴۲۹/۲).

حسینی موسوی کاظمی، علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح س دهم ق)، خطاط. از آثار او: قرآن نیم ربعی که دو صفحه افتتاح متن و حاشیه مذهب مرصع عالی است، به خط ثلث جلی و نسخ غبار خوش- که جلد روغنی عالی آن به رقم میرزا اسداللّه مذهب مشهدی است و در تاریخ ۱۲۹۴ ه ق انجام گرفته است- با رقم. «بتشرف کتابته العبد... علی بن الحسین زین‌العابدین الحسینی الموسوی الکاظمی... ببلده المومنین شیرازی»، (حدود قرن دهم).

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۲۵/۴).

حسینی موسوی، اصفهانی، ابوالقاسم کوچک

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۲۳ ق)، نقاش و خطاط. ملقب به مذهب باشی. از سادات اصفهان و در خط شکسته و تعلیق استاد و در تذهیب و تصویر از نوادر بود. وی در دوران فتحعلی‌شاه به لقب مذهب باشی مفتخر شد. میرزا کوچک در تمم مراحل طلاکاری و در ارائه نقوش زیبا مهارت داشت. شاگرد معروف وی، میرزا محمدتقی مذهب اصفهانی است که از استادان ممتاز تذهیب دوره‌ی خود بوده است. از آثارش: جلد مقوایی روغنی طلایی با حواشی متن زر که به طرح کتیبه‌ای و برگ انگوری تذهیب شده، با رقم: «ذهبه اقل السادات ابوالقاسم الحسینی اصفهانی ۱۲۲۲»؛ متن و حواشی فرمانی است که تمام متن و حواشی آن و کناره مهر پادشاه را در نهایت استادی تذهیب کرده و به خط تعلیق رقم «مذهب... ابوالقاسم الحسینی الموسوی الاصفهانی ۱۲۲۳» دارد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۴۸ -۴۷/ ۱).

حسینی موسوی، علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۳۸ ق)، خطاط. از خوشنویسان معاصر میرعلی هروی است. از آثار وی: قطعه‌ای در مرقع سید احمد مشهدی، به قلم دو دانگ خوش، با رقم: «کتبه العبد المذنب علی الحسینی الموسوی فی شهور سنه ثمان و ثلاثین و تسعمائه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۵۳ / ۲).

حسینی مهری، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسماعیل حسینی مهری

محل تولد : -----

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اینجانب سیّد اسماعیل حسینی مهری در سال ۱۳۲۷ ه.ق بدنیا آمدم. سال ۱۳۷۸ ه .ق وارد حوزه علمیّه شدم. چند سال در نجف اشرف مشغول به فراگیری علوم دینی بوده ام و بعد از پیروزی انقلاب به قم مشرف شدم و چند سال در شهرستان لار (فارس) سازمان تبلیغات اسلامی را راه اندازی کردم و در سال ۱۳۶۳ تا کنون کارهای بنیاد معارف اسلامی را راه اندازی کرده که کتاب هایی به چاپ رسیده است .

حسینی نایینی اصفهانی، بهاءالدین محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۳۳ -۱۰۸۰ ق)، متکلم، محدث، فقیه امامی و ادیب. در اصفهان ساکن بود و با فاضل هندی معاصر. او از شیخ حر عاملی اجازه روایت داشت. در اصفهان درگذشت. از آثار وی: «ارتشاف الشافی» و «صفوه الصافی من رغوه الشافی»، تلخیص «الشافی» علم الهدی؛ «اناره الطروس فی شرح عباره الدروس»؛ «تعلیقات اشباه و نظایر سیوطی»؛ «رساله فی صیغ العقود»؛ «تفریج القاصد لتوضیح

المقاصد»؛ «تعلیقات شرح صحیفه‌ی سید علی خان»؛ «زواهر الجواهر فی نوادر الزواجر»، نظیر «مقامات» حریری؛ شرح «بدایه الهدایه» شیخ حر عاملی؛ «شرح صمدیه‌ی شیخ بهایی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۶۱۵/۱)، تذکره القبور (۴۷۷)، الذریعه (۱۹۴/۲۴ ،۳۶۲/۱۳ ،۶۱/۱۲ ،۱۵۳/۴)، روضات الجنات (۱۱۶ -۱۱۵ /۷)، ریحانه (۳۹۰/۱)، فوائد الرضویه (۶۰۱)، معجم المولفین (۱۹۶/۱۱)، هدیه الاحباب (۱۰۹)، هدیه العارفین (۳۱۶/۲).

حسینی ناینی، شمس‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه.

تولد: ۱۳۱۲، سلطان نصیر نایین.

شهادت: ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

شمس‌الدین حسینی نایینی، فرزند سید رضا، تا مقطع سطح به تحصیل حوزوی پرداخت. وی همچنین موفق شد که دکترای خود را در رشته‌ی الهیات اخذ کند. پیش از انقلاب اسلامی تدریس می‌کرد. بعد از انقلاب اسلامی کارشناس مسائل دینی در امور تربیتی و سازمان تحقیقات و برنامه‌ریزی آموزشی بود. در اولین دوره مجلس شورای اسلامی، نماینده‌ی مردم نایین می‌شود. تألیفات وی عبارتند از مقایسه نیایش شیعه با سایر ادیان؛ جهاد در اسلام. از وی مقالات تربیتی در مجلات به چاپ رسیده است.

شمس‌الدین حسینی نایینی در بمب‌گذاری هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. پیکر وی در بهشت زهرا به خاک سپرده شده.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حسینی نجف‌آبادی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن حسینی (اسماعیلان) نجف‌آبادی ابن سیدباقر بن حاج سیدرضا ابن سیدعلی حسینی از سادات معروف نجف‌آباد و از فضلاء حوزه علمیه قم صاحب (کتاب فضائل امیرالمؤمنین (ع) و آشنا به خطوط مختلف اسلامی و استاد خط ثلث نسخ و نویسنده قسمتی از کتیبه‌های کتابخانه مبارکه آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی و ایوانهای مسجد اعظم و مسجد امام حسن عسکری (ع) در قم و بعضی مساجد و مشاهد دیگر می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حسینی نجفی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه.

تولد: ۱۳۲۳ ق.، نجف.

درگذشت: ۸ مهر ۱۳۷۵، همدان.

آیت‌الله حاج سید محمد حسینی نجفی، فرزند آیت‌الله حاج سید علی عرب، بود. خانواده‌ی وی در سال ۱۳۳۰ از عراق به ایران آمد و ایشان مدت سیزده سال تحت تربیت علمی و عملی پدر قرار گرفت و پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در سال ۱۳۴۳ ق. برای ادامه تحصیل به نجف اشرف بازگشت و ابتدا نزد آیت‌الله سید محمدهادی میلانی و آیت‌الله عماد رشتی به فراگیری علوم دینی پرداخت. سپس در محضر مراجع حوزه‌ی علمیه‌ی نجف حضرات آیات عظام محمد حسین نایینی، سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله محمد حسین غروی و آیت‌الله سید علی قاضی کسب فیض کرد. سپس به ایران بازگشت و در همدان ساکن شد و به اقامه‌ی نماز جماعت و خدمات دینی و تألیف و تصنیف پرداخت.

از جمله آثار ایشان تفسیر فارسی قرآن کریم با نام انوار درخشان (هیجده جلد) است.

آیت‌الله حاج سید محمد حسینی نجفی سحرگاه یک شنبه هشتم مهر ۱۳۷۵(۱۵ جمادی‌الاول ۱۴۱۷ ق.) در نود و پنج سالگی بدرود حیات گفت.

پیکرش به مشهد منتقل یافت و در دارالزهد آستان مقدس حضرت امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حسینی نسب، داوود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم تربیتی، دانشکده: علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی روانشناسی دانشگاه مشهد، کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی از دانشگاه کالیفرنیای جنوبی، دکترای روانشناسی تربیتی از دانشگاه کالیفرنیای جنوبی.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تبریز در سال ۱۳۶۱، دانشیار دانشگاه تبریز در سال ۱۳۷۲ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

کارآیی رشته تحصیلی آموزش و پرورش با نیاز جامعه، رضایت شغلی کارکنان صنعت، رشد اجتماعی کودکان، روانشناسی تربیتی، روش‌های تحقیق، سنجش و اندازه‌گیری، روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، رابطه ورزش‌های هوازی با میزان کلسترول و تری گلیسرید خون، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

گسترش کاربرد کامپیوتر در آموزش و پرورش، روانشناسی تربیتی، روشهای تحقیق.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

کامپیوتر و کودکان استثنایی، معرفی شاخص‌های آموزش عالی، تکنولوژی اطلاعات، روانشناسی تربیتی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

حسینی هاشمی شاهرودی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمود حسینی هاشمی شاهرودی

محل تولد : نجف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۷/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی در سال ۱۳۲۷ هجری شمسی در شهر نجف و در خانواده‌ای مذهبی و از سادات منسوب به امام حسین(ع) چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم آیت‌الله سید علی حسینی شاهرودی، از استادان و بزرگان حوزه علمیه نجف بود و خدمات فراوانی را به عالم اسلام ارزانی داشت. آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه علویه نجف به پایان رسانید و سپس به تحصیلات حوزوی روی آورد. او با توجه به موقعیت علمی خانوادگی و نیز با توجه به هوش و استعداد سرشار و کوشش فراوان خود، در مدتی اندک توانست دروس دورهٔ سطح را به پایان رساند. پس از آن به حلقه درس آیت‌الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر پیوست و سالها در خدمت استاد خود، مبانی اجتهاد در اصول و فقه را به خوبی آموخت و در درس دیگر مراجع آن روز نجف ـ از جمله امام خمینی(ره) ـ نیز با جدیت شرکت جست و بهره‌های فراوان برد. آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی در طول سالهای تحصیل، در دروس اخلاق خصوصی و عمومی استادان خود شرکت می‌کرد و از محضر آنان بهره‌های فراوان می‌برد. آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی در سالهای تحصیل خود از محضر استادان بسیاری بهره برد. مهم‌ترین و اصلی‌ترین استاد او در درس خارج آیت‌الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر بود. آن شهید سعید که از افتخارات شیعه و مرجعیت به شمار می‌آید، شاگردان بسیاری را به عالم اسلام، تقدیم داشته است. او که از حافظه و استعدادی سرشار برخوردار بود، توانست با نوآوریهای فراوان در فقه و اصول و دیگر علوم اسلامی و به روز ساختن مباحث علوم و نیز نگاشتن کتب درسی در زمینه‌های یاد شده، گام مهمی برای تعالی اسلام و تشیع بردارد و از این رهگذر، شاگردان او، همچون آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی، این خدمات و اندیشه‌ها را پی گرفتند. از دیگر استادان آیت‌الله هاشمی شاهرودی، حضرت امام خمینی(ره) و حضرت آیت‌الله العظمی خویی(ره) را می‌توان نام برد. معظم له سالها در محضر ایشان به تحکیم مبانی اجتهادی خود می‌پرداخت، ضمن اینکه از محضر آنان، در زمینه‌های اخلاقی نیز بسیار بهره می‌برد. آیت‌الله هاشمی شاهرودی در طول دوران

تحصیل خود، با طلاب و فضلای بسیاری رابطه دوستی داشت و پس از آن نیز با علمای بسیاری روابط صمیمانه و علمی برقرار نمود که از جمله آنها می‌توان از آیت‌الله مؤمن و مقام معظم رهبری نام برد آیت‌الله هاشمی شاهرودی تاکنون فعالیتهای بسیاری را در زمینه‌های علمی و فرهنگی به انجام رسانده است. در یکی از دیدارهای اعضای مجلس اعلای عراق، امام خمینی(ره) با توجه به شناخت خود از ایشان می‌خواهد که تدریس در حوزه علمیه قم را بر هر کاری ترجیح دهد و به تربیت طلاب مستعد در زمینه‌های علمی و اخلاقی بپردازد. معظم له نیز با ورود به ایران ـ در فروردین ۱۳۵۸ ـ به تدریس درس خارج فقه و اصول می‌پردازد که این تدریس تا هم اکنون نیز ادامه دارد و طلاب بسیاری از محضر ایشان بهره‌مند شده‌اند. ویژگی درس ایشان دقت فراوان، تسلط بر مباحث و نوآوری در برخی زمینه‌هاست. آیت‌الله هاشمی شاهرودی ریاست دو کنگرهٔ مهم نقش زمان و مکان در اندیشه امام خمینی(ره) و نخستین کنگره دایرهٔ المعارف فقه اسلامی را بر عهده داشت که هر دو کنگره با استقبال بزرگان و فضلای حوزه و دانشگاه و اندیشمندان خارجی و داخلی مواجه شد. از خدمات دیگر ایشان، ریاست مؤسسه دایرهٔالمعارف فقه اسلامی با حکم مقام معظم رهبری است. مقام معظم رهبری در حکم خود، خطاب به ایشان می‌فرماید: «جناب عالی را که چهرهٔ درخشانی در علم و عمل بوده و بحمدالله از مقام والایی در فقه و علوم مرتبط با آن برخوردارید، برای انجام این اقدام بزرگ، شایسته دانسته و مسؤولیت ایجاد و ادارهٔ مؤسسه‌ای برای تهیه این دایرهٔ المعارف را به جناب عالی محول می‌کنم». آیت‌الله هاشمی شاهرودی در سالهای تحصیل و تدریس، فعالیتهای سیاسی بسیاری را پدید آورده است. در پی یورش مزدوران رژیم صدام به علما و اندیشمندان در سال ۱۹۷۴ میلادی، آیت‌الله هاشمی شاهرودی به زندان افتاد و شکنجه‌های فراوان بدنی و روحی را به جان خرید. او در پی تظاهرات مردم عراق پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام(ره)، بویژه در نجف، و در گرامیداشت این پیروزی، تحت پیگرد رژیم بعث قرار گرفت و به سفارش شهید صدر(ره) به وطن خود بازگشت تا وکالت عام شهید صدر و نمایندگی او را نزد امام خمینی (ره) بر عهده گیرد. او با ورود به ایران به خدمت امام خمینی(ره) مشرف شد و با موافقت ایشان، رابط امام(ره) و شهید صدر شد و پیامهای علمای نجف را به سمع امام(ره) می‌رساند. او با دستور آیت‌الله خامنه‌ای که در آن زمان با حکم امام(ره) مسؤولیت نهضت‌های اسلامی را بر عهده داشت، تشکیلاتِ جامعهٔ روحانیت مبارز و مجلس اعلای عراق را به راه انداخت و آن را مدیریت و سازماندهی کرد. او که به دستور امام(ره) تدریس و بررسی مسائل فقهی، بویژه احیای فقه حکومتی استوار بر ادلهٔ استنباط جواهری را بر عهده داشت، در طول سالیان انقلاب از هیچ کوششی در جهت اعتلای انقلاب، دریغ نورزید. آیت‌الله هاشمی شاهرودی سالها از اعضای فقهای شورای نگهبان بود ودر این نهاد مقدس به خدمت اشتغال داشت تا اینکه با حکم مقام معظم رهبری به ریاست قوه قضائیه منصوب شد. او در طول مسؤولیت خود در قوه قضائیه، تاکنون خدمات بسیاری را انجام داد که توسعهٔ قضایی، تسریع در رسیدگی به پرونده‌ها و ایجاد ارتباط مردمی از جمله آنهاست.

حسینی هروی، عارف

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، خطاط و شاعر. از خوشنویسان و شاعران دوره‌ی سلطان حسین میرزا بایقرا بود و در خط نستعلیق مهارت داشت. از او اشعاری در تذکره‌ها نقل شده است. بعضی وی را یزدی می‌دانند. از آثار او: یک نسخه «نزهه الارواح» امیر حسینی و «لمعات» عراقی، به قلم کتابت خفی متوسط، با رقم: «تمت... عارف بن روح‌الله الحسینی... فی سنه‌ی ۹۰۱»؛ یک قطعه از مرقع بهرام‌میرزا، به قلم نیم دو دانگ و کتابت متوسط، به شیوه‌ی اظهر تبریزی، با رقم: «العبد الفقیر عارف الحسینی، اصلح‌الله».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۳۹ –۳۳۸ / ۲)، تذکره‌ی روز روشن (۵۱۱)، الذریعه (۶۷۰/ ۹)، صبح گلشن (۲۷۰)، فرهنگ سخنوران (۶۰۶)، هنر عهد تیموریان (۶۴۵، ۵۸۳).

حسینی همدانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید حسین حسینی همدانی از افاضل معاصر حوزه علمیه قم می‌باشند. در سال ۱۳۲۴ شمسی در یکی از قراء همدان به نام (دمق) متولد شده و پس از خواندن درس ابتدائی برای فراگرفتن علوم به شهر همدان مهاجرت و پس از دو سال اقامت در همدان و کرمانشاه و قم و تکمیل ادبیات در سال ۱۳۴۱ شمسی به نجف اشرف مشرف شده و سطوح عالیه را از محضر اساتید عظام فراگرفته مخصوصا منطق را در خدمت فیلسوف عالی مقام و محقق والامقام مرحوم آیت‌اللَّه آقا شیخ صدرا که در معقول وحید عصر خود بود استفاده نموده و در این علم کتابهای مختلف علم منطق در سن بیست سالگی بین طلاب مشهور معروف گردیده و عده‌ای از طلاب نجف و قم از دروس وی استفاده نموده‌اند آقای حسینی پس از ده سال اقامت در نجف اشرف و استفاده از محضر مرحوم آیت‌اللَّه آقا میرزا باقر زنجانی و آیت‌اللَّه العظمی خوئی دام‌ظله در اثر ناهنجاری اوضاع عراق به ایران و قم مشرف و تاکنون به تدریس سطوح وسطی و استفاده از محضر آیات عظام اشتغال دارند دارای آثار ارزنده زیر می‌باشند.

۱– کتاب (المحاکمه فی القضاء) تقریر درس آیت‌اللَّه حاج شیخ محمد طاهر خاقانی (آل شبیر).

۲– الاجاره تقریر درس آیت‌اله حاج سید علامه فانی اصفهانی غیر مطبوع.

۳- شرح حاشیه ملا عبداللّه غیر مطبوع.

۴- یادداشتهائی در علم منطق که مشتمل ببر مباحث مشکله علم منطق می‌باشد.

۵- نوشته‌هائی در فقه و اصول غیر مطبوع.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

حسینی یزدی، محمدحسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۲۱ /۱۲۱۷ ق)، شاعر. از اهالی یزد بود. روزگاری طولانی در آن شهر به کسب علم پرداخت. وی به شغل کارفرمایی روزگار می‌گذراند، ولی پس از مدتی از این شغل روی‌گردان شد. میرزا محمد حسین چندی در نهاوند و بعضی از شهرهای عراق به سر برد. سپس به ری و از آنجا به تهران رفت. وی در اثر اتفاقی در آتش سوخت. از اوست.

در پرده گفت مطرب و جز پیر می‌فروش

واقف نگشت کس که درین پرده راز جست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره سخنوران یزد (۱۱۱)، حدیقه الشعراء (۴۶۸/۱)، الذریعه (۲۵۵/۹)، سفینه المحمود (۲۵۱ –۲۴۹ /۱)، فرهنگ سخنوران (۲۶۹).

حسینی، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابراهیم حسینی

محل تولد : دماوند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

با لطف خدای متعال پس از اتمام دوران ابتدایی در دماوند، برای ادامه تحصیل در مقطع راهنمایی به تهران آمدم و با مشکلات و محدودیتهای نسبتاً زیاد ، در نهایت در سال ۱۳۶۲ موفق به اخذ دیپلم شدم و بارها در دوران ابتدایی و راهنمایی شاگرد ممتاز و در دوران دبیرستان موفق بوده ام.درسال ۱۳۶۲ با عنایت امام عصر (عـج) علیرغم اینکه برای رشته پزشکی دانشگاه تهران در امتحان کنکور شرکت کرده بودم و در مرحله اول قبول شده بودم ولی بدون انتظار برای نتیجه مرحله دوم به حوزه علمیه قم آمده و تحصیلاتم را در مدرسه امام صادق (ع) (واقع در نیروگاه) شروع و به لحاظ آمادگی ذهنی و روحی و شرایط خوب مدرسه توانستیم از تابستان نیز استفاده و در سال ۱۳۶۴ لمعتین را شروع کنیم.البته در سال ۱۳۶۳ ازدواج نموده از اقامت در مدرسه امام صادق بیرون آمدم.در سال ۱۳۶۵ رسائل و مکاسب و پس از آن کفایه را شروع کردم.

مدت دو سال و نیم مسئولیت سازمان تبلیغات اسلامی لارستان را پذیرفتم ولیکن در همان دوران نیز علاوه بر تدریس کم و بیش تحصیل را ادامه می دادم. نهایتا پس از برگشت از لارستان در سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۶۹ دروس سطح را نیز به اتمام رساندم و با نمره ۲۰ از کفایه و نمرات بالا در سایر دروس این مقطع را زیر نظر اساتید محترم آقایان: شیخ علی پناه اشتهاردی، سید احمد خاتمی، پایانی، اعتمادی، محقق (آقا سید علی)، قدیری به پایان رسانده و آماده ورود به مقطع جدید شدم.درس خارج فقه و اصول را از سال ۱۳۶۹ شروع کردم. شروع درس خارج فقه در محضر آیت الله فاضل لنکرانی و درس خارج اصول در محضر آیت الله سبحانی بوده و فیض بردم مدت پنج سال در درس فقه آیت الله فاضل لنکرانی و مدت ۲ سال در درس خارج آیت الله سبحانی شرکت نمودم. سپس در درس خارج فقه و اصول: حضرات آیات وحید خراسانی، شیخ جواد تبریزی، شبیری زنجانی و آیت الله هاشمی شاهرودی حاضر شده و بهره مند شدم.همزمان با شروع درس خارج فقه و اصول، در سال ۱۳۶۹ وارد موسسه در راه حق شده و دوره عمومی معارف اسلامی، فلسفه اسلامی و تفسیر موضوعی و علوم جدیده مورد نیاز مانند روان شناسی و جامعه شناسی و زبان انگلیسی به مدت پنج سال گذراندم و در سه نوبت دانش پژوه ممتاز در گروه بودم.

در سال ۱۳۷۴ در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) مشغول تحصیلات تکمیلی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته حقوق اسلامی و حقوق بین الملل شده و با دفاع از پایان نامه خود تحت عنوان اصل منع توسط به زور در اسلام و حقوق بین الملل دفاع نموده و با بالاترین نمره گروه (نمره ۱۹) با امتیاز عالی قبول شدم. (۱۳۷۹)از آن به بعد به عنوان محقق و پژوهشگر موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی و دبیر گروه حقوق فعالیت هایم وارد مرحله جدید شد و در سال ۱۳۸۱ به عنوان عضو هیات علمی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی کارهای تحقیقی و پژوهشی خود را بیشتر در زمینه فلسفه حقوق و حقوق زن شروع کردم.در سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ مسئولت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه سمنان را پذیرفتم ولیکن ارتباط علمی

خود را بـا موسسه حفـظ نموده ام. در طول سالیان ۱۳۷۸ تا کنون در دانشگاه مختلف از جمله: دانشگاه امام حسین (ع)، دانشگاه صنعت آب و برق (تهران)، دانشگاه سمنان، دانشگاه هـای آزاد اسلامی سـاوه، آشتیان و نیز حوزه علمیه خواهران (دفتر تبلیغات)، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره ، مؤسسه باقر العلوم علیه السلام و مدرسه جهانی فقه و اصول و نیز دوره های مختلف طرح ولایت و طرح کوثر (برای دانشجویان سراسر کشور) به تدریس عمدتا در دروس حقوقی و نیز معارف اسلامی اشتغال داشته و دارم.بعـد از انتقـال از سمنان به قم در مرکز فرهنگی نهاد نماینـدگی با تقبل مسئولیت گروه حقوق و فلسفه احکام بیشترین تمرکز پژوهشی را در زمینه حقوق زن و حقوق بشر داشته با انتشار مقالات مختلف و پاسخ به سوالات دانشجویان چه از طریق نامه یا ایمیل و فعلا نیز در صدد آمادگی برای امتحان در مقطع دکترای حقوق بین الملل یا فلسفه حقوق هستم.

حسینی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید ابوالحسن بن السید الجلیل مرحوم حاج میر باقر بن میر محمد بن سید یوسف حفید برادر آیه‌الله آقا سید عبدالغفار مذکور از علماء معاصر بابل و فضلاء با تقوا حوزه علمیه قم است. وی در سال ۱۳۰۴ شمسی در قریه درزی کلاء بابل متولد شده و تحصیلات ابتدائی را در شهرستان بابل خوانده و در سال ۱۳۲۰ شمسی بمشهد مقدس مشرف شده و مدت ۹ ماه در آنجا توقف و بواسطه بروز جنگ بین‌المللی و ورود متفقین بـایران با مشکلاتی روبرو شـده که ناچار بوطن برگشـته و مـدت یکسال یا بیشتر توقف و مواجه با گرفتاریهـای زیادی شـده تا والـدش وی را بقم آورده در سال ۱۳۶۳ قمری و شروع بتحصیل نموده و سطوح اولی و متوسط را نزد اساتیـد حوزه خوانده و سطوح عالی فقه و اصول را از محضـر آیه‌الله آقای سلطانی بروجردی و آیه‌الله صدوقی و آیه‌الله فکور یزدی خوانـده و خارج فقه و اصول را از محضـر مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله حاج شیخ مهدی مازندرانی و آیه‌الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی و دیگران استفاده کرده و ضمنا تدریس ادبیات و سطوح متوسط و عالی را نموده و در زمان آیه‌الله العظمی بروجردی امور طلاب و محصلین مازندرانی از قبیل تقسیم شهریه و غیره بایشان محوّل بوده و مدت هیجده سال در قم اقامت و اشتغال بتحصیل و تدریس داشته تا اواخر سال ۱۳۳۹ شمسی که بموجب دعوت و اصرار اهالی شهرستان بابل و حسب‌الامر آیه‌الله العظمی بروجردی به بابل آمده و تاا‌کنون باقامه جماعت در مسجد بی‌سر تکیه و ارشاد مردم و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام و تدریس سایر امور دینی و روحی اشتغال دارد.

نگارنـده گویـد: مترجم معظم مـا که این حقیر در قم آشنائی نزدیکی با او داشتم از علماء ابرار و فضلاء اخیار معاصر و در مکارم اخلاق و محامـد آداب و ملکات فاضلـه و قـدس و تقوا شـباهت تامی بعموی معظمش مرحوم آیه‌الله آقا سید عبدالغفار طاب‌الله ثراه دارد و در مـدت توقفش در قم مکروهی از او ندیـده و مـارأیت منه الا-جمیلا- آری بایـد از بیت آن مرحوم که از شاگردان آیه‌الله عالم ربّانی حاج شیخ محمد بهاری و آیه‌الله التقی الورع الزکی حاج سید احمد کربلائی تهرانی بوده مانند آقای حسینی بیرون آید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

حسینی، ابوالخیر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «تحفهٔ الملوک» و «مناجات» خواجه عبداللّٰه انصاری، به خط نستعلیق نیم دودانگ متوسط، با رقم «بتاریخ... سنهٔ مأتین و اربعین بعدالالف، بید حقیر فقیر المذنب اقل السادات الحسینی، ابوالخیر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۷/۱).

حسینی، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالقاسم حسینی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

تولد: تهران/ دوشنبه هفتم خرداد ۱۳۴۱ هجری شمسی/ بیست و سوم ذی الحجه ۱۳۸۱هجری قمری بیست و هشتم می ۱۹۶۲میلادی.

آ غـاز طلبگی: تهران/۱۳۵۹، ادامـه در قم ۱۳۶۳. تحصیلات حوزوی: خـارج فقه و اصول(یک دوره).استـادان اصـلی دروس حوزه:

پاکتچی، رضی شیرازی، محامی، راستی، طاهری خرم آبادی، احمدی یزدی، مؤمن، نوری همدانی، تبریزی، مددی، سبحانی . تحصیلات دانشگاهی: کارشناسی حقوق از دانشگاه تهران(۱۳۶۷)و کارشناسی ارشد حقوق بین الملل از دانشگاه شهید بهشتی (۱۳۷۱). سوابق علمی: ویرایش حدود ۵۰ کتاب، تألیف و ترجمه و تحقیق و فراهم سازی ۳۰ اثر در زمینه های حقوقی،ادبی، هنری، ادبیات کودکان، تربیت،حدیث، پیشینه شعر از سال ۱۳۵۸ و دارای اشعاری در مجموعه های مختلف و عرضه در ده ها کنگره کشوری، عرضه ده ها مقاله در نشریات گوناگون، نگارش صدها ساعت برنامه رادیویی و تلویزونی از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷. سوابق عملی: مسؤولیت های فرهنگی در آموزش و پرورش، صدا و سیما، سپاه پاسداران، وزارت ارشاد، مرکز تحقیقات اسلامی جانبازان، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، و نشریات گوناگون از سال ۱۳۵۸ . اشتغال کنونی: عضو هیأت علمی گروه ادبیات اندیشه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سر ویراستار دانشنامه فرهنگ فاطمی، مشاوره های فرهنگی، اشتغال به ترجمه دوره کامل الغدیر . سفرهای تبلیغی: پنج سال کار مستمر فرهنگی در کردستان، یک دوره عضویت در هیات علمی بعثه مقام معظم رهبری در حج . آشنایی به زبان های دیگر: عربی به طور کامل، انگلیسی در حد ترجمه.

حسینی، ابوالمعالی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطاط. از استادان نستعلیق و شکسته بود. از آثار او: کتیبه‌ی پیشانی ایوان تعمیری شاه سلطان حسین، در مسجد جامع اصفهان، که به قلم کتیبه‌ی دادانگ خوش نوشته شده است و چنین رقم دارد: « کتبه المذنب ابوالمعالی النقیب الحسینی ۱۱۱۲»؛ یک نسخه «نثر اللالی»، به قلم نستعلیق کتابت خوش، با رقم: «تم الکتاب...، ابوالمعالی الحسینی،... سنهٔ الف و مائهٔ و اربع و عشرین... ۱۱۲۴»؛ دو قطعه، به قلم نستعلیق و شکسته کتابت خوش، به زر تحریر دار، با رقمهای: «... ابوالمعالی الحسینی ۱۱۰۵» و «... ابوالمعالی الحسینی المنشی غفر له»؛ یک قطعه از مرقع کتابت خوش، با رقم: «تم... ابوالمعالی الحسینی... فی سنهٔ الف و مائهٔ و اربع و عشرین... ۱۱۲۴»؛ یک قطعه، به قلم کتابت خفی شفیعایی، با رقم: «... ابوالمعالی الحسینی غفر له».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۴۸ /۴،۳۵ /۱).

حسینی، ابوتراب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از آثار وی: کتیبه‌ی دیوار سمت غرب بقعه‌ی آرامگاه بابا افضل کاشانی، در مرق کاشان، به خط نستعلیق که چنین نوشته شده است:

گر عرض دهد سپهر اعلی

فضل فضلا و فضل افضل

از هر ملکی به جای تسبیح

آواز آید که افضل افضل

حرره ابوتراب الحسینی ۱۲۶۹.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز (۲۵۳)، فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران (۱۹۸).

حسینی، ابوسعید

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۰ ق)، خطاط. از کاتبان خوشنویس بود. از آثار وی: یک نسخه «تاج المآثر» حسن نظامی که به امر شاه عباس اول، پادشاه صفوی نوشته شده است و به قلم نستعلیق دو دانگ خوش، با رقم: «علی ید العبد الضعیف ابوسعید بن حسن الحسینی... فی سنهٔ الف من الهجرهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۷ /۱).

حسینی، استوانی، شیدخت

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جانورشناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی و دکترای زیست‌شناسی با گرایش جانورشناسی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

جمع آوری مجموعه‌ای از حشرات با عنوان قاب بالان آبزی و شناسایی و بررسی پراکندگی زیستگاهی و جغرافیایی این حشرات در سراسر ایران، مشارکت در دارالترجمه دائرةالمعارف مک گروهیل در جمع آوریهایی برای دروس گوناگون در زمینه‌های مختلف زیست‌شناسی نظیر تاگزونومی، جانورشناسی و تکوینی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

حشره‌شناسی (قاب بالان آبزی).

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

حسینی، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسماعیل حسینی

محل تولد : آذربایجان شرقی

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۳/۳۰

زندگینامه علمی

بنده حقیر در استان آذربایجان شرقی، شهرستان اهربخش خاروانا در روستای نچق در سال ۵۶ بدنیا آمدم بعد از آنکه به سن هفت سالگی رسیده‌ام ، تحصیلات ابتدائی را در همان محل طی کرده و چون در محل خودمان (روستای نچق) مدرسه راهنمائی نبود لذا برای ادامه تحصیلات در مقطع راهنمائی به بخش خاروانا مراجعه کرده و در آنجا مشغول تحصیل در مقطع راهنمایی شدم .بعد از تعطیلات دوره راهنمایی به جهت این که علاقه زیادی حتی از دوران ابتدائی به درس‌های حوزه و علوم دینی داشتم تا در آینده روحانی خوبی باشم حتی در همان محل با این که معلمین اسرار می‌کردند که درس شما خوب است همین دروس را ادامه بدهید با این حال این علاقه شدید مرا از آن درس‌های دوره دبیرستانی منصرف کرد و آمدم به نزدیکترین محل که شهرستان جلفا و هادی شهر بود در آنجا به تحصیلات حوزوی مشغول شدم، بعد از یک سال تحصیل در آنجا دیدم وضعیت آنجا مرا قانع نمی‌کند و بر بنده چنان مفید واقع نمی‌شود، برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه ولیعصر(عج) تبریز انتقال گرفتم و ادامه تحصیلات مقدماتی را در آن حوزه مبارکه گذراندم و در سال ۸۰ به قم آمدم و در خدمت استادانی چون استاد محسن فقیهی و استاد فاطمی و استاد سید حسن خمینی و استاد سیدمحمد ابن الرضا خونساری درس رسایل و مکاسب و کفایه را آموختم و الان در خدمت آیت الله سبحانی و آیةالله مکارم شیرازی و استاد محمدابن الرضا درس خارج فقه و اصول را فرامی‌گیرم.

اینجانب بعد از طی دوره مقدماتی علاقه زیادی به تبلیغ و تحقیق داشتم که این علاقه در سال ۱۳۸۵ که از طرف مقام معظم رهبری به سال پیامبر اعظم(ص) نام گذاری گردید مرا شدیداً وادار نمود تا در آن .سال بتوانم کتابی در مورد آن حضرت به رشته تحریر درآورم. از آن سال به بعد هم اکنون مدتی است مشغول تحقیق در عنوانهای مختلفی می‌باشم از جمله:(کتابی به نام راهی بسوی سعادت«مواعظ و سفارشات رسول اکرم(ص) به علی (ع) و اباذر» که چاپ شده ،و آداب زندگی در سیره رسول اکرم(ص) «اخلاقی-اجتماعی- عبادی -سیاسی وچهل حدیث» که دردست چاپ است وکتابهایی در موضوعات کرامات و معجزات رسول اکرم(ص) و راههای مبارزه بافقر و پزشک خانواده)که هنوز آنها رابخاطر مشکلات مالی نتوانستم به چاپ برسانم و بنده حقیر حافظ نصف قرآن کریم می‌باشم و به رشته تفسیر و علوم قرآنی بیشتر علاقه داشته و کار می‌کنم که تا در آینده به حول قوه الهی بتوانم در عنوانهای تفسیری تحقیق و تدریس داشته باشم «انشاءالله»

حسینی، اشگوری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی (نجفی) حسینی اشگوری از علماء معاصر نجف اشرف که به حسن اخلاق و تقوی مشهور و معروفند.

وی حدود ۱۳۲۰ ق هجری در نجف اشرف متولد شده و مراحل تحصیلی مقدماتی و سطوح را نزد اساتید معظم آنجا گذرانیده و سالها به درس خارج حضرات آیات عظام آقا ضیاءالدین عراقی و حاج شیخ شعبان گیلانی و حاج شیخ عبدالحسین رشتی حاضر شده و استفاده‌های فراوان برده و یک دوره تقریرات اصول آیت‌اللّه عراقی را با سبکی روشن و مرتب نوشته‌اند.

معظم‌له در حسن اخلاق و نیکوئی معاشرت ممتاز و بین دوستان و آشنایان خود مشهورند و در تقوا و ورع گوی سبقت ربوده و دائما به ادعیه و اذکار مشغولند. وی عفت نفس را پیشه خود قرار داده و برای صاحبان اموال و مکنت خضوع نمی‌نمایند و در طول عمر به جز دست اساتید بزرگوار خود را نبوسیده فقط برای آنان تواضع و فروتنی نموده‌اند.

از باقیات الصالحات ایشان فرزندان برومند و دانشمندانی به نام ۱- حجهًالاسلام حاج سید احمد حسینی اشگوری صاحب کتاب (مولفین الامامیه) که ترجمه‌اش در جلد دوم ص ۷۱ گذشت.

۲- حجهًالاسلام حاج سید نورالدین ۳- حجهًالاسلام حاج سید محمدرضا حسینی که از علماء مشتغل حوزه علمیه قم می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حسینی، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جعفر حسینی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده بعد از اتمام دوره تحصیلی مقطع راهنمایی در سال ۶۳ وارد حوزه علمیه روحیه واقع در شهرستان بابل شده و بعد از چند سال و اتمام رسائل و مکاسب در سال ۶۶ وارد حوزه علمیه قم شدم در سال ۶۷ وارد مباحث فقه و اصول در مقطع خارج گردیده که در همین زمان هم زمان دوره دبیرستان را گذرانده و با شرکت در آزمون کنکور سراسری در رشته حقوق لیسانس حقوق را اخذ نموده به علاوه اینکه اینجانب در مقطع فوق لیسانس حقوق نیز از طریق کنکور سراسری قبول گردیده ،حتی نفر اول ورودی دانشگاه مفید شدم ولی با توجه به گرایشات خاص موجود در دانشگاه مفید از حضور در آن دانشگاه انصراف دادم.

در سال ۷۲ همزمان با اشتغال به دروس حوزوی وارد تحقیقات مؤسسه دائرهٔ المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهلبیت علیهم السلام شدم که اینجانب مدیریت جلد نهم از دائرهٔ المعارف را عهده دار گردیدم.

حسینی، جواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جواد حسینی

محل تولد : تربت جام

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در اواخر سال ۱۳۵۷ وارد حوزه علمیه کاشان شدم . بعد از اتمام لمعه در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شده به ادامه تحصیل پرداختم . مکاسب را نزد استاد پایانی و رسائل را نزد استاد اعتمادی و کفایتین را نزد استاد مازندرانی به اتمام رساندم .همزمان با تحصیل در همان کاشان از سال ۵۸ به تدریس مقدمات پرداختم و تا سال ۶۲ صمدیه و بخشی از سیوطی را نیز تدریس کردم .با ورود به قم به صورت آزاد ، شرح لمعه و حلقات را و در مدرسه امام باقر (ع) معالم را تدریس می کردم و بعد از شرح لمعه و معالم به تدریس بدایه المعارف ، تفسیر ، و مکاسب پرداختم که هنوز هم در مدرسه مذکور و به صورت آزاد ادامه دارد .در تاریخ ۳/۲/۱۳۷۱ موفق به اخذ رتبه دوره اول خارج از دفتر تبلیغات اسلامی شدم .

درس هـای خـارج را هـم ازمحضـر آیـات عظـام : فاضـل لنکرانی ، میرزا جـواد تـبریزی (یـک دوره اصـول) و فقـه ادامه دارد وحید خراسـانی بهره برده و می برم .در سال ۱۳۷۳ در دوره تخصصـی کلام شـرکت نموده و بعد از چهار سال موفق به اخذ مدرک سطح چهار کلام شدم .از سال ۱۳۷۸ به صورت رسـمی دست به قلم بردم و در مرکز مطالعات و پژوهش های حوزه بخش کلام و تفسـیر مشـغول پاسـخگویی به شـبهات شـدم که تا کنون بیش از ۴۰۰ پرسـش ، پاسـخ داده شـده است .قابـل ذکر است گاه به جهت تعـدد مقالات در مجله مبلغان از اسم مستعار جواد خرمی، حسین تربتی و ... استفاده شده است .

حسینی، حسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، خطاط. از هنرمندان گمنام بود. به خط وی قطعه‌ای در مرقعی در کتابخانه‌ی روان کوشکوی استانبول است، به قلم دو دانگ جلی خوش، با رقم: «مشق بنده‌ی داعی حسن حسینی».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۳۷/۱).

حسینی، داور کیا

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یـازدهم ق)، خطاط. از خوشـنویسان و قاطعان عصـر خود بود. از آثار وی: یک قطعه به قلم دو دانگ خوش، با رقم: «فقیر داور کیا الحسینی»؛ قطعه‌ای بریده، به قلم سه دانگ نستعلیق خوش و سه دانگ ثلث عالی، با رقم: «قاطعه داور کیا الحسینی».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۸۶/۱).

حسینی، داوود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

داوود حسینی

محل تولد : دستجرد آشتیان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱۰/۱

زندگینامه علمی

درسال ۱۳۶۰وارد حوزه علمیه آیت الله مجتهدی تهرانی شدم و دروس صـرف و نحو را در تهران گذراندم. از درس اخلاق آیت الله مجتهدی بهره بردم و در درس اخلاق آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی شرکت می کردم.

درس فقه لمعتین را از اساتیـد بزرگوار آیت الله ضـیاء آبادی و رئوفی بهره بردم. در سال۱۳۶۷وارد حوزه علمیه قم شـدم و در درس رسائل آیت الله اعتمادی و مکاسب آیت الله پایانی و دوزدوزانی بهره مند شدم. همزمان در دوره های آموزشـی موسـسه در راه حق که زیر نظر آیت الله مصـباح یزدی برقرارمی شـد شـرکت می کردم.دو جلـد کفائتین را از آیت الله تهرانی وحجهٔ اسـلام والمسـلمین گنجی استفاده کردم.

با پایان دوره پنج ساله آموزشی موسسه در راه حق و تبدیل این موسسه به موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) درکنار دروس خـارج آیـات عظـام آیـهٔ الله مکارم شـیرازی و جعفر سـبحانی وجوادی آملی دوره کارشناسـی ارشـد روانشناسـی را در موسـسه امام خمینی(ره) به پایان رساندم ودر سال ۸۲ فارغ التحصیل شدم.

حسینی، رضا

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد میرزا شاه تقی. شاعر و ادیب متخلص به «سـید» از سادات حسـینی اصـفهان، در حسن سـلیقه و رنگینی صـحبت بی‌نظیر، و در

سخن فهمی و نکته سنجی مسلم هر صغیر و کبیر.

داغ عشق تو فراموش نخواهد گردید

این چراغی است که خاموش نخواهد گردید

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حسینی، زین‌العابدین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، خطاط. از آثار او: یک صفحه از مرقع کوفی سه دانگ و غبار خوش، به خط نسخ کتابت خوش و نستعلیق کتابت متوسط و رقاع کتابت جلی خوش، با رقم: «کتبه العبد... زین‌العابدین الحسینی غفراللّه له» (قرن ۱۱ -۱۰).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۷۵/۴).

حسینی، صالح

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صالح حسینی در سال ۱۳۲۵ در سنقر کرمانشاه به دنیا آمد. وی در کودکی با قرآن و دیوان شاعرانی چون سعدی و حافظ آشنا شد. تحصیلات عالی را در دانشگاه شیراز در رشته زبان و ادبیات انگلیسی دنبال کرد، و پس از آن به مدت چهار سال در دانشگاه جورج واشنگتن به تحصیل در زمینه ادبیات آمریکایی پرداخت. دکتر صالح حسینی به غیر از تدریس در دانشگاه شهید چمران اهواز ، آثار متعددی از مشاهیر ادبیات آمریکا از جمله ویلیام فاکنر و نور تروپ فرای را ترجمه کرده است.گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات انگلیسیگرایش : مترجمیتحصیلات رسمی و حرفه ای : صالح حسینی تحصیلات مقدماتی در مکتب خانه آغاز کرد و پس از مدتی طلبگی و آشنایی به قرآن وحافظ و سعدی وارد مدارس جدید شد . پس از اتمام دوره های ابتدایی و دبیرستان در زادگاهش از سال ۵۲-۱۳۴۵ در دانشکده ادبیات و علوم انسانی شیراز زبان و ادبیات انگلیسی را فرا گرفت .وی به مدت چهار سال در دانشگاه جورج واشنگتن آمریکا به تحصیل ادبیات آمریکایی پرداخت (از سال ۵۸-۱۳۵۴)مشاغل و سمتهای مورد تصدی : صالح حسینی در سال ۱۳۵۸ که از آمریکا به ایران بازگشت. به امر تدریس در دانشگاه سه سال تعطیلی دانشگاه ها ، که دو سال از آن را در مرکز نشر دانشگاهی فعالیت می کرد، سایر سالها ی عمر خودرا در در دانشگاه اهواز سپری نمود . دروس عمده ای که وی تدریس می کرده است ، عبارت است از: رمان، نقد، مکتبهای ادبی، شعر انگلیسی، بررسی ادبیات معاصر فارسی و ترجمه . آثار : آبشالوم، ابشالوم! ، تالیف بررسی تطبیقی خشم و هیاهو و شازده احتجاب ، تالیف خانه روشنان و گلشیری کاتب ، تالیف فرهنگ برابر های ادبی ، تالیف نظری به ترجمه ، تالیف نیلوفر خاموش ویژگی اثر : نظری به شعر سهراب سپهری۷ تالیف واژه نامه ادبی ، ترجمه آخرین وسوسه مسیح اثر نیکوس کازانتزاکیس ، ترجمه برادران کارازوف اثر داستایوسکی ، ترجمه برخیز ای موسی ، ترجمه به سوی نانوس رویایی ، ترجمه تحلیل نقد اثر نور تروداپ فرای ، ترجمه خشم و هیاهو ، ترجمه دل تاریکی ، ترجمه رمز کل: کتاب مقدس و ادبیات اثر نور تروپ قرای ، ترجمه گزارش به خاک یونان . اثر نیکوس کازانتزاکیس ، ترجمه لرر جیم ، ترجمه مجموعه مقالاتی درباره دو بلینی ها

حسینی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۶ -۱۲۷۳ ش)، خطاط. در تهران متولد شد. نستعلیق را خوش می‌نوشت و در این خط شاگرد میرزا کاظم خوشنویس بود پدر او، سید احمد، جد خاندان سید احمدیان است. از آثار وی: یک قطعه به قلم پنج دانگ و دو دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم: «عباس بن احمد الحسینی سید احمدیان،... سنه‌ی یک هزار و سیصد و هفتاد من الهجره المقدسه»؛ یک قطعه به قلم چهار دانگ و دو دانگ، با رقم: «راقمه سید عباس سید احمدیان، طهران، سنه‌ی ۱۳۵۸ ق».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۴۰ -۳۳۹/ ۲).

حسینی، عبدالقادر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قرآن رحلی مذهب تشعیرسازی و جلد سوخت ممتاز، ریحان نیم دو دانگ به زر و لاجورد محرر با رقم: «کتبه اضعف عباداللّه و اعجز خلق اللّه عبدالقادرین عبدالوهاب الحسینی» (قرن ۱۱ –۱۰) پو «حرره الفقیر قاسم بن ملا حسین» در موزه‌ی اسلامی ترک.
برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

حسینی، عبداللطیف

قرن:۱۱
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم و یازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: دو قطعه به خط رقاع ثلث دو دانگ جلی خوش و نسخ کتابت و رقاع کتابت خوش، با رقم: «نمقه عبداللطیف الحسینی»، (قرن ۱۱ –۱۰).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۰۸ / ۴).

حسینی، عبدالهادی

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا عبدالهادی بن سید اسماعیل بن سید رضی‌الدین بن سید میرزا اسماعیل حسینی فقیهی بزرگوار و مجتهدی عالیمقدار و مرجع بزرگ تقلید شیعیان بعد از رحلت مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی بوده است.
والد ماجدش آیت‌اللّه سید اسماعیل پسرعموی زعیم‌الشیعه آیت‌اللّه مجدد شیرازی بزرگ و متوفی سال ۱۳۰۵ ق صاحب میلادیه مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام است وی در سال ۱۳۰۵ ق سال وفات مرحوم والدش بدنیا آمده و در تحت پرورش آیت‌اللّه العظمی مجدد شیرازی تا ۷ سالگی تربیت یافته و بعد از رحلت آن بزرگوار در سایه تربیت آیت‌اللّه آقا میرزا علی آقا شیرازی فرزند ارجمند مجدد بزرگ شیرازی نشو و نما یافته و اولیات و مقدمات و سطوح را خوانده و در سال ۱۳۲۶ مهاجرت به نجف نموده و از محضر علامه خراسانی و شریعت اصفهانی و شیخ محمدباقر اصطهباناتی و آیت‌اللّه میرزا علی آقا شیرازی و دیگران استفاده نموده و در سال ۱۳۴۹ ق به تدریس خارج فقه و اصول پرداخته و یکی از مراجع بزرگ تقلید و اساطین فقه گردیده و صدها نفر از افاضل و علماء از محضرش استفاده نموده تا بعد از فوت مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی که اکثر مردم به ایشان رجوع نموده تا در ۱۳۸۳ ق که رحلت نموده و جامعه تشیع را در سوک و ماتم خود عزادار نمودند.
نگارنده گوید: گرچه آن بزرگوار در سال ۱۳۶۹ ق مبتلا به عارضه چشم گردید و در بیمارستان فارابی تهران عمل شد ولی نتیجه معکوس شد و معظم له از دید چشم محروم و نابینا شد ولی به واسطه صفا و معنویت و تقوای عجیبی که داشت، دارای بصیرت باطنی بود و کرامات از وی مشاهده گردید من جمله مهم این نگارنده بود که برای اصلاح آن عریضه‌ای خدمت ولی‌اللّه اعظم حضرت حجهٔ بن الحسن صاحب‌الزمان روحی له الفداء و عجل اللّه فرجه الشریف نوشتم حواله به آن مرحوم فرموده و به دست وی کفایت گردید.
دارای آثار علمی بسیاریست که از آنها (دارالسلام) در فروع اسلام و رساله در لباس مشکوک و کتاب الصوم و کتاب الزکاهٔ و کتابی در نجاسات و طهارت و کتابی در استصحاب و کتابی در اجتماع امر و نهی و حواله و رضا (ع) نوشته و طبع شده است.
دارای دو فرزند دانشمند بنام جناب حجهٔ‌الاسلام حاج سید محمدابراهیم و حجهٔ‌الاسلام حاج سید محمدعلی می‌باشد که از فضلاء نجف می‌باشند.
و نیز دامادهای ارجمندی بنام آیت‌اللّه حاج سید کاظم مقیم قم و آیت‌اللّه حاج سید مهدی مقیم نجف اخوان مرعشی و حجهٔ‌الاسلام حاج شیخ جواد بروجردی که از معاودین و مقیم تهران می‌باشند دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی، عقیل الدین

قرن:۱۱
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س یازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «دیوان» ملا محسن فیض کاشانی، به قطع وزیری کوچک و خط نسخ کتابت خفی متوسط، با رقم: «تم بالخیر عم و الحمدلله، کتبه ابن سید رکن‌الدین مسعود، عقیل‌الدین الحسینی، فی اواخر شهر جمادی‌الاول سنه ۱۰۸۵، خمس و ثمانین بعد الالف من الهجره النبویه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۱۲ / ۴).

حسینی، علاءالدین محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «اعمال حج» وزیری، با جلد روغنی عالی، به خط نسخ کتابت خوش، با رقم: «... من شهور سنه ۱۱۳۴ مرقوم قلم شکسته رقم کمترین غلام و غلامزادگان قدیمی، علاءالدین محمد الحسینی گردید...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۱۵ / ۴).

حسینی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی حسینی

محل تولد : قم

شهرت : حسینی قمی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید علی حسینی قمی فرزند سید شمس الدین حسینی در خاندانی که در علم و روحانیت به صورت پشت در پشت در قم متولد شدم پس از تحصیلات ابتدائی و راهنمایی و متوسطه در مدرسه علمیه معصومیه به تحصیل علوم حوزوی مشغول شدم، سطح را پس از هشت سال به اتمام رسانده و در درس خارج غالب اساتید بزرگ حوزه شرکت کرده واجازاتی دریافت کردم از همان آغاز طلبگی به تبلیغ روی آوردم و در ضمن تحصیل به تالیف و تحقیق و ترجمه روی آوردم.

حسینی، علی رضا

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا محمدباقر پیشنماز عاملی

عالم فاضل جلیل محقق، امام مسجد شاه اصفهان بوده، در دوشنبه ۱۷ ربیع‌الاول سال ۱۱۷۵ وفات یافته، در جنب پدر [در تکیه‌ی آقارضی] مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش این است:

«رفع منازله الکریم الرفیع»

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حسینی، علی محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از آثار وی یک قطعه خط مرغی است، به خط نسخ خوش کتابت و با رقم: «علی محمد الحسینی»، (قرن ۱۳).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۲۲ / ۴).

حسینی، علی نقی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل محقق، از علمای کاملین [!]. فوتش در ۱۲۵۵، قبرش نزدیک فاضلان.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حسینی، فضل الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید فضل الله حسینی

محل تولد : نوشهر

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم. روز آغازین ورودم به حوزه مصادف با آغاز جنگ هشت ساله تحمیلی عراق علیه ایران به رهبری صدام و کمک آمریکا، اروپا،شوروی و هم پیمانانشان بود. پس از چهارماه تحصیل در حوزه علمیه قم به جبهه جنگ رفتم در طول هشت سال جنگ سعی کردم میان درس و جنگ جمع کنم که در طول جنگ بیش از دو سال و نیم در جبهه بودم و پنج سال و نیم درس خواندم مدتی در جبهه در واحد عقیدتی قرار گاه خاتم الانبیاء و دفتر سیاسی نمایندگی امام در نیروی زمینی سپاه کار فرهنگی و سیاسی کردم.

حسینی، محمد باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میر سید علی میر محمّد صادقی، برادر علّامه میر سید حسن مدّرس. عالم فاضل محقّق، در ۱۲۱۶ متولّد، و در حدود سال ۱۲۸۰ وفات یافته، جنازه بر حسب وصیّت به نجف نقل شده.

تألیفات وی عبارت است از:

۱- حواشی بر قرآن مجید ۲- کتابی در ادعیه مأثوره.

وی را چهار فرزند پسر بوده: ۱- آقا سید محسن، بعداً شرح حالش نوشته خواهد شد ۲- سید ابراهیم و میر سید علی و سید رضا علیهم الرحمه.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حسینی، محمد جواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن میر محمّد حسین مذکور. از علمای اخیار، نزد پدر در اصفهان تحصیل نموده، و در کربلا به درس میرزا علی نقی طباطبائی، و در نجف به محضر شیخ انصاری حاضر شده، و از آن دو استفاده نموده، یک دوره فقه، و یک دوره اصول از تقریرات اساتید خود نوشته، سرانجام در سال ۱۲۸۰ در مراجعت از مکّه معظّمه بین راه وفات یافته، در نجف اشرف مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حسینی، محمد رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد صالح حسینی، از [فقهای عصر خود و] همدرسان میرزا محمد همدانی معروف به امام الحرمین بوده، و جهت او اجازه‌ای در سال ۱۲۸۱ مرقوم داشته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حسینی، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد تقی حسینی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال تحصیلی ۶۱-۶۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و بعد از شش ماه در مدرسه مبارکه رضویه نزد اساتید آنجا مشغول به تحصیل گردیدم و اتمام مقدمات تا سطح در آنجا گذراندم و سطح را نزد اساتید بزرگواری چون مرحوم پایانی آیه الله استادی . موسوی گرگانی . تهرانی .گنجی . میر باقر به اتمام رساندم و بیشتر در دروس خارج فقه و اصول آیهٔ العظیمی مرحوم شیخ جواد تبریزی شرکت کردم و بعد از آن در دو موسسه فقه و کلام وارد شدم و به حول و قوه الهی هر دو را به پایان رساندم و به نوشتن پایان نامه دوره فقه و اصول اشتغال دارم و ضمناَ در دفتر همکار ، حوزه دانشگاه (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه) در گروه فلسفه علوم اجتماعی یک دوره در این زمینه با دیگر دوستان در گروه به مطالعه و پژوهش حول موضوع فلسفه علوم اجتماعی پرداختم و نیز برای تدریس در دانشگا ه امتحان معارف دادم و در مرکز مطالعات نمایندگی ولی فقه در جهاد کشاورزی ضمن کمک به آن مرکز برای تألیف مجله جهاد با همکاری دیگر همکاران کتاب جلوه ها ی خدا محوری در زندگی را در زمینه اخلاق تألیف نموده ام و نیز مقالاتی چاپ نشده از قبیل دین کار و کتاب ناتمامی را تحت عنوان شادی و سرور در اسلام و نیز آسیب شناسی تربیتی در خانواده را دارم . (ذکر حج ، مهشر) و (ارکان استصحاب) و (ضرورت یابی ریشهای پژوهشهای فقهی) و تفسیر موضوع مقاله) نسخ در قرآن) فارق بین علوم اجتماعی و تجربی و... را نوشته و در حوزه تدریس به تدریس سطح بصورت نا منظم پرداخته و دو سال به تدریس در دروس عمومی (روش مناظره) مدرسه مجید (مرکز جهانی) اشتغال داشته ام و نیز یک دوره کلام جدید را در بنیان امام رضا علیه السلام گذرانده ام و کار می کنم .

حسینی، محمدحسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از کاتبان زبردست گمنام بود به خط او نسخه‌ای از «دیوان» حافظ به قلم کتابت خوش و به شیوه‌ی میرعلی هروی، در کتابخانه‌ی دانشگاه استانبول است، با رقم: «کاتبها الفقیر الحقیر محمد حسن است، با رقم: «کاتبها الفقیر الحقیر محمد حسن بن فیروز بخت الحسینی غفر ذنوبهما و ستر عیوبهما. تحریرا فی اواسط رمضان المبارک سنه‌ی احدی و سبعین و تسعمائه فی قریه‌ی رزه من قراء با خرز».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۷۶/۳).

حسینی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضا حسینی بهشهری از علماء و ائمه جماعات فعال و مبارز شهر ری می‌باشد. ایشان در سال ۱۳۱۷ شمسی برابر ۱۳۵۸ قمری در بهشهر مازندران متولد شده و در سن پانزده سالگی در دهستان کوهسان در خدمت مرحوم آیت‌اللّٰه عالم ربانی آقای کوهسانی مقدمات و قسمتی از سطوح را خوانده و پس از آن به قم آمده و سطوح عالی کفایه را در محضر آیت‌اللّٰه سلطانی و آیت‌اللّٰه منتظری استفاده نموده و بعد از اتمام آن به درس خارج آیت‌اللّٰه العظمی خمینی و آیت‌اللّٰه العظمی آقای گلپایگانی و آیت‌اللّٰه العظمی آقای شریعتمداری حاضر و بهرمند شده سپس از طرف آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی عزیمت به شهر ری (حضرت عبدالعظیم حسنی) علیه‌السلام نمود در حالیکه قبل از آن از طرف معظم‌له در بعضی از شهرستانهای دیگر به خدمات دینی اشتغال داشته‌اند.

آقای حسینی پس از ورود به زاویه مقدسه مشغول به ارشاد و اقامه جماعت و تبلیغ احکام گردیده و احداث مسجدی به نام امام حسین علیه‌السلام و کتابخانه‌ای برای استفاده عموم و نیزصندوق قرض الحسنه نموده و از این مسیر خدمتی به اجتماع و مستمندان نموده‌اند.

معظم‌له دارای اجازات عدیده از مراجع و آیات عظام معاصر قم می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

حسینی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود حسینی موسوی بن السید الجلیل والعالم النبیل السید ابوالفضائل امام جمعه حفید مرحوم مبرور آیت‌اللّٰه سید محمد مجتهد

طارمی (مؤلف کتاب انیس‌الفقهاء که در الذریعهٔ ذکر شده) و در غائله بابیه زنجان حکم جهاد داده که شرحی از آن در جلد قاجار ناسخ‌التواریخ موجود است می‌باشد.

مرحوم امام جمعه در سال ۱۳۰۹ قمری تولد یافته و در سال ۱۳۷۴ ق در سن ۶۵ سالگی در تهران به رحمت ایزدی پیوست. معظم له مقدمات و سطوح اولیه را نزد اساتید و مجتهدین زنجان مانند مرحوم حجهٔالاسلام آخوند ملا سبزعلی و مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ جواد طارمی و منظومه حکمت و اسفار را پیش مرحوم علامه میرزا مجید زنجانی تحصیل و سپس از درس خارج مرحوم آقا شیخ غلامحسین فقیه زنجانی و آیت‌اللّه آخوند ملا باقربانعلی مجتهد معروف زنجان استفاده کرده و مدتی نیز کفایهٔالاصول مرحوم خراسانی را که تازه طبع شده و پیش علماء مورد اهمیت بود خدمت مرحوم آقا میرزا عبداللّه زنجانی که از اجله شاگردان و تلامذه مرحوم میرزای بزرگ شیرازی بودند تحصیل نموده و در همان اوان به دستور مرحوم آخوند ملا غلامحسین فقیه زنجانی در مسجد سلطانی معروف به مسجد سید اقامه جماعت می‌نمودند و فقیه نامبرده مراجعین خود را به اقتداء و حضور در جماعت ایشان امر می‌فرمودند و بالاخره برای تکمیل تحصیلات در سن بیست و یک سالگی در سال ۱۳۳۰ به نجف اشرف مشرف شده و در درس مرحومین آیتین حجتین آقا سید محمدکاظم یزدی صاحب عروهٔالوثقی و مرحوم شریعت اصفهانی و همچنین درس مرحوم آیت‌اللّه نائینی حاضر شده و این در هنگامی بود که تلامذه مرحوم نائینی عده معدودی از بزرگان بودند مانند آیت‌اللّه آسید جمال‌الدین گلپایگانی و آیت‌اللّه آمیرزا مهدی اصفهانی و پس از فوت مرحوم والد ماجدشان و پیش‌آمد کارهای ضروری به زنجان مراجعت نموده و مشغول افاضات علمی از معقول و منقول گردیده و در مسجد سلطانی به اقامه جمعه و جماعت پرداختند.

پس از زمانی بنا به اشتیاقی که به حوزه مقدس نجف داشتند مجددا مشرف شده و در حوزه درس مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه نائینی حاضر و شرکت نمودند. در این هنگام غائله تبعید مراجع از عراق به ایران پیش‌آمد می‌کند و حوزه نجف از وجود اساتید بزرگ خالی و از طرفی شهرت مقام شامخ علمی مرحوم آیت‌اللّه کمپانی زبانزد خواص گردیده بود فرصت را مغتنم شمرده با عده معدودی مانند آیت‌اللّه خوئی و آیت‌اللّه میلانی و مرحوم اعتماد رشتی به درس خصوصی آن مرحوم حاضر شده و مجذوب مقام علمی و معنویت این استاد بزرگوار واقع شده و چون حاشیه مرحوم کمپانی بر کفایه هنوز چاپ نشده بود به خط خود از روی نسخه مؤلف استنساخ نمودند که نزد فرزند ارجمند ایشان موجود است و قسمتی از مکاتیب خصوصی که بعد از مراجعت از نجف از مرحوم کمپانی بعنوان ایشان ارسال شده که بعضی از آن مشتمل بر فوائد علمی و دستورالعمل‌های معنویست با خط آن مرحوم باقی مانده است

مرحوم آیت‌اللّه امام جمعه در سفر دوم نجف موفق به اخذ اجازات اجتهاد گردیده و پس از مراجعت به زنجان مشغول افاضه علمی و ترویج شدند و در مدرسه مسجد شاه که تولیت آنجا از طرف مرحوم شاهزاده عبداللّه میرزا به خاندان ایشان نسلا بعد نسل واگذار شده بود.

بناء اصلاحات و تنظیم امور طلاب را گذاشته و با تعیین مدرسین برای سطوح متوسطه و عالی و دادن شهریه رونقی بسزا بخشیده و خودشان تدریس خارج طهارت شیخ و مکاسب و کفایه را به عهده گرفته و درس خصوصی نیز از منطق حکمهٔالاشراق و معیارالعلم غزالی و مبدء و معارف صدرالمتألهین گذارده که عده‌ای حاضر شده که از جمله آنان دانشمند متقی جناب آقای حاج رضا روزبه و فرزند معظم ایشان آقای امام جمعه معاصر بوده‌اند.

از صفات عالی و برجسته ایشان ترویج رشته روحانیت و تشویق محصلین علوم دینی بوده و در مبارزه با منکرات از هیچ اقدامی فروگذاری نمی‌نمودند.

در حادثه حزب توده و تجزیه آذربایجان از طرف پیشه‌وری دست نشانده شوریها و اشغال زنجان یکی از رجال مقتدر خمسه را تشویق به مقاومت و با استمداد از دولت مشارالیه را وادار به دفاع نموده و با جنگهای چریکی در دهات اطراف زنجان و نقاط تمرکز فدائیان توده شهر زنجان را از خطر تجزیه نجات بخشیدند.

از امتیازات ویژه آن مرحوم در وعظ و ارشاد مردم مطالب باز یافته و حقایق علمی که برای عموم طبقات از روحانی و بازاری و حتی مجددین عصر بسیار سودمند و جالب بود و اثر قابل توجه در افراد باقی می‌گذاشته است و به قدری شیوا بود که کمتر گوینده‌ای واجد این امتیاز می‌باشد.

در لحاظ ایمان به مقام شامخ ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام طوری اخلاص داشت که در تشرف به حرم ثامن‌الائمه (ع) با از خود گذشتگی خود را روی آستانه حرم انداخته و می‌بوسید و روی علاقه وافری که به عتبات مقدسه داشت بجز از دو دفعه تشرف به نجف اشرف برای تحصیل دو دفعه دیگر به زیارت ائمه عراق مشرف شدند و آخرین دفعه به دعوت مرحوم آیت‌اللّه قمی حاج آقا حسین طباطبائی با معیت فرزند ارجمندش امام جمعه معاصر بوده که آن مرحوم برای شرکت در اداره کردن حوزه علمیه نجف معرفی و در جوار امیرالمؤمنین (ع) اقامت نمودند.

مرحوم آیت‌اللّه امام جمعه بزرگ بعد از مراجعت به زنجان روی علاقه به حوزه علمیه و عتبات ائمه علیهم‌السلام مدتی در قم توقف نمودند در موقعی که فرزند گرامی ایشان آیت‌اللّه حاج آقا عزالدین امام جمعه معاصر از فیوضات درسی مرحوم آیت‌اللّه کوه‌کمری و مرحوم آیت‌اللّه صدر و آیت‌اللّه خوانساری مستفیض بودند معظم له نیز اکثراً در قم توقف نموده و با آیات عظام و مراجع کرام روابط نزدیک داشتند تا در سال ۱۳۷۴ قمری در مراجعت از مشهد مقدس در تهران پس از کسالت و بیماری ممتدی که سالها ایشان را رنج می‌داد در جمادی‌الاولی به رحمت ایزدی پیوستند.

و موقعیت خاص ایشان در قلوب مردم به حدی بود که با شنیدن خبر فوت ایشان از رادیو تهران اصناف و طبقات مردم زنجان تا اربعین ایشان مجالس فاتحه گذارده و از صاحبان قریحه اشعاری در مرثیه ایشان سروده شده که در دفتر مخصوصی ثبت شده است.

محضرشان بسیار قابل استفاده و مورد اشتیاق اشخاص دانش‌دوست بود و هر موقع در تهران می‌آمدند رجال روشنفکر و افراد دانشمند ملازم حضورش بودند و از گفتار باارزش و نفس گرم ایشان مستفیذ می‌شدند مانند مرحوم غلامحسین رهنما و حاج محتشم‌السلطنه اسفندیاری و محمدعلی بامداد و مرحوم ابوالقاسم فیوضات و آقای سید مهدی بهشهری و دیگران و همینطور از

بزرگان روحانیان تهران دائماً به محضرشان می‌رسیدند.

تألیفات ایشان با داشتن کسالت ممتد مزاجی و اشتغالات مرجعیت محلی و تدریس و وعظ و ارشاد باز مهما امکن از تحریر مطالب علمی و دینی غفلت نمی‌کردند و نوشتجاتی که از ایشان باقی منده به اسامی زیر است.

۱- رساله مختصری در جبر و تفویض که در نجف تألیف شده و از نظر مرحوم آیت‌اللَّه آقای سید جمال‌الدین گلپایگانی گذشته است و در یک مورد به خط خود بر آن حاشیه نوشته‌اند.

۲- ذخرالبشر فی شرح باب حادیعشر که در اواخر عمر تا مبحث امامت نوشته‌اند

۳- تعلیقات بر صحیفه‌ی مبارکه سجادیه صلوات‌اللّه‌علیه.

۴- حاشیه بر تقریرات کاظمینی که موقع مباحثه خارج مرقوم نموده‌اند.

و آنچه که بخط خود استنساخ نموده‌اند ۱- صحیفه سجادیه که برای تیمن و تبرک با خط ثلث نوشته‌اند ۲- قسمتی از قرآن مجید که به خط خود مرقوم داشته‌اند ۳- حاشیه مرحوم کمپانی بر کفایه که در نجف پیش از چاپ شدن نوشته‌اند ۴- متفرقات از مسائل گوناگون دینی و علمی که جمع‌آوری شده و به طور پراکنده بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی، موسی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

موسی حسینی که اصلا اهل قریه ایزی پنج کیلومتری شرقی سبزوار بوده و تحصیلات نهائی را در سامره در محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقای آقا میرزا حسن شیرازی به پایان برده و کتاب کفایهٔالاصول را ابتدا ایشان در سبزوار تدریس و رائج نموده است مردی محجوب و آرام و متقی بوده و در سال ۱۳۳۶ ق به رحمت حق واصل شده است. قبرش در مقبره مشهور به مقبره میرزا موسی باقی است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی، میرهادی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از شخصیت‌های معزّز و روحانی و مورد احترام مردم عصر خویش مرحوم آقا میرهادی الحسینی است که نامبرده نیز از سادات و بزرگان و علمای مذهبی عصر خویش در منطقه برخوار و اصفهان بوده و به علت نمایندگی از طرف شیخ بهایی (۱۰۸۳-۹۵۳ هجری قمری) شیخ‌الاسلام عصر شاه عباس اوّل برای اداره امور شرعیه و حسبیه مردم و تبلیغات دین تشیع و سایر ائمه اطهار- علیهم السلام- در این منطقه و بلوک برخوار بوده و بعدها نواده‌اش سیّد ابوالحسن ابن سیّد محمّد ابن میر هادی الحسینی مدفون در بقعه امامزاده شاه نعمت‌اللّه گز و فرزندانش آقایان میر مهدی، میر هادی، میر محمّد آقا سلطان و آقا سیّد کمال‌الدین ابن سیّد ابوالحسن که از سادات حسینی منطقه گز و دارای مرجعیت تام بوده‌اند و همان طور که قبلاً نیز یادآوری شده است طبق نمودار ارائه شده با ۲۷ واسطه از اولاد علی العریض و فرزندان امام همام جعفر ابن محمّد صادق- علیهما السلام- بوده و به علت امکانات علمی و قومی و نفوذ اجتماعی و حمایت قبلی حکومت صفویه و بخصوص از زمان شاه اسماعیل اوّل صفوی برخوردار بوده‌اند، همگی در تشکیل شاکله اجتماعی و تاریخی این منطقه سهیم و قسمتی از تاریخ و تمدن منطقه را پایه‌گذاری نموده‌اند.

برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

حسینی، نجم‌الدین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: «صحیفه‌ی سجادیه»، نیم‌ربعی، جلد روغنی، دو صفحه‌ی اول متن و حاشیه مذهب مرصع، نسخ کتابت خفی متوسط، با رقم: «کتبه الفقیر الحقیر الجانی الی رحمهٔ ربه الغنی ابن سعدالدین محمد الحسینی نجم‌الدین» (قرن ۱۲).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۲۱/ ۴).

حسینی، ولی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۵ ق)، خطاط. از سادات قم و از کتیبه‌نویسان بناهای مذهبی این شهر بود و خط ثلث را ماهرانه می‌نوشت. از آثار وی: کتیبه‌ی برجسته‌ی مدخل حرم حضرت معصومه (س) در قم، به خط ثلث یک دانگ کتیبه‌ی عالی، با رقم: «... شاه اسماعیل الصفوی... سنهٔ خمس و عشرین و تسعمائه کتبه ولی الحسینی»؛ کتیبه‌ی سر در ورودی صحن قدیم، به خط ثلث چهار دانگ عالی، با رقم: «... بتاریخ خمس و عشرین و تسعمائهٔ کتبه ولی الحسینی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۲۵/ ۴)، گلستان هنر (۳۳).

حسینی، هاشم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید هاشم حسینی

محل تولد : بوشهر

شهرت : حسینی بوشهری

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت الله سید هاشم حسینی بوشهری در سال ۱۳۳۵ در بخش بردُخون از حوالی بندر دیّر استان بوشهر به دنیا آمد. پدر او روحانی بود و اگر چه بسیاری از دروس رسمی حوزه را نخوانده بود، در منطقه خود مورد اعتماد مردم و به رتق و فتق امور مردم و حل منازعه بین آنها می‌پرداخت و خود از راه کشاورزی روزگار می‌گذراند. مادر او نیز خود دختر عالمی فرزانه بود و در شکل‌گیری شخصیت آیت الله حسینی بوشهری نقش بسزایی ایفا می‌کرد. آیت الله حسینی بوشهری پس از به پایان رساندن دوره دبستان، به تحصیلات علوم دینی روی آورد. مشوق اصلی او در این امر پدرش بود. او تحصیلات خود را در مدرسه علمیه بوشهر آغاز کرد و پس از طی بخشی از دروس مقدمات به حوزه علمیه قم رو آورد. در قم درسهای باقیمانده از دورهٔ مقدمات را فرا گرفت و سپس دوره سطح را آموخت و به درس خارج راه یافت. ضمن اینکه در دروس اخلاق استادان خود شرکت می‌نمود. وی همگام با تحصیل به تدریس آنچه آموخته بود نیز می‌پرداخت. آیت الله حسینی بوشهری در حوزه علمیه بوشهر و قم به محضر عالمان و استادان بسیاری شرفیاب شد. او دروس مقدمات را در مدرسه علمیه بوشهر آغاز کرد و پس از فراگرفتن جامع المقدمات و بخشی از کتاب سیوطی به حوزه علمیه قم وارد شد. وی در قم ادامه کتاب سیوطی و نیز کتب مغنی و معانی و بیان و شرح لمعه‌را به صورت خصوصی از محضر اساتید آن زمان فرا گرفت. در دوره سطح نیز بخش عمده‌ای از رسائل و مکاسب را نزد مرحوم آیت الله ستوده آموخت. ایشان بخشهایی از رسائل، کفایه و قوانین را از محضر آیت الله میرزا محسن دوزدوزانی بهره برد. او بسیاری از مباحث کفایه را نیز از درس مرحوم آیت الله پایانی استفاده کرد. با اتمام دوره سطح به درس خارج فقه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی، آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله تبریزی رفت. در زمینه اصول نیز مدتی از محضر مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی بهره برد. سپس یک دوره کامل اصول را از خدمت آیت الله مکارم شیرازی و بخشهای بسیاری را نیز از محضر آیت الله وحید خراسانی فرا گرفت. در طی این سالها در بخش حکمت و عرفان به درس آیت الله حسن زاده آملی و آیت الله انصاری شیرازی رفت و اسفار را نزد این عالمان وارسته آموخت. آیت الله حسینی بوشهری از نخستین سالهای تحصیل به امر تدریس اهتمام ویژه‌ای داشت، به گونه‌ای که مصمم بود هر درسی که می‌آموزد، بیاموزاند. از این رو با شروع سیوطی، به تدریس اشتغال داشت که این مسأله هم اکنون نیز ادامه دارد. بسیاری از نوارهای تدریس او همواره مورد استفاده طلاب حوزه علمیه قم است. وی بارها دروس مقدمات، شرح لمعه، رسائل، مکاسب، کفایه و بخشهایی از عروهٔالوثقی را تدریس کرد. در فن خطابه نیز پس از نگارش جزوه ای در این زمینه سالیانی چند به تدریس برای علاقه‌مندان به آشنایی با فن سخنوری اشتغال داشتند که در طی این سالها شاگردان بسیار را تربیت کرده‌اند.او در کنار این فعالیتها از تدریس در دانشگاهها باز نمانده و به گونه‌ای مستمر به تدریس در دانشگاههای تهران و قم اشتغال داشته است. آیت الله حسینی بوشهری در عرصه تحقیق و تألیف کتب و مقالاتی را به رشته تحریر درآورده است. آیت الله حسینی بوشهری در طول سالهای مبارزه امام و امت مسلمان ایران بر ضد رژیم پهلوی، همواره با این سیل خروشان همراه بوده است. او مبارزه را از سنین نوجوانی و در بوشهر آغاز کرد و در قم نیز آن را پی گرفت. او اعلامیه‌های امام(ره) را بین مردم منتشر می‌کرد که این مسأله موجب چندین بار دستگیری و بازجویی وی شد.

حسینیان، روح الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

روح الله حسینیان

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

تا سوم دبیرستان را در صفاد ، یکی از روستاهای آباده طی کردم .

سطح را در مدرسه حقانی قم (ادبیات را نزد آیت الله حاج شیخ حسن آقا تهرانی، لمعه نزد فاضل هرندی ، مکاسب نزد آیت الله ستوده ، رسائل نزد آیت الله جنتی ، کفایه نزد آیت الله احمدی میانجی)

درس خارج را در تهران دو سال نزد آیت الله محمدی گیلانی، یک سال نزد آیت الله صانعی، دو سال نزد آیت الله خامنه ای و یک سال کتاب قضا و شهادات نزد آیت الله میرزا جواد آقا تبریزی در قم .

حسینیان، سیمین

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سیمین حسینیان سال ۱۳۳۱ در تهران متولد شد وی پس از پایان دوره دبیرستان بی درنگ در کنکور سراسری رشته علوم تربیتی دانشگاه تهران پذیرفته شد و پس از گرفتن مدرک کارشناسی با پذیرش از سوی بهترین دانشگاه های کالیفرنیا و لس آنجلس (UCLA) راهی آمریکا و موفق به دریافت مدرک کارشناسی ارشد و دکترا در رشته مشاوره شد. با ورود به وطن، در گروه روانشناسی دانشگاه الزهرا (س) مستقر شد و در طول خدمت افزون بر تدریس و پژوهش به کارهای اجرایی مختلفی پرداخت و هم اکنون در مقام معاون پژوهشی دانشگاه مشغول به خدمت است.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی گرایش : روانشناسی مشاوره اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر سیمین حسینیان یک حسابدار خبره و مسلط به زبان عربی وانگلیسی بود و مادرش علاقه مند به کتاب و مطالعه. پدر و مادر هر دو از اصلی ترین مشوقان فرزندان در تحصیل علم و دانش بودندتحصیلات رسمی و حرفه ای : – دکترای مشاوره از دانشگاه UCLA (کالیفرنیا– لس آنجلس) آمریکا – کارشناسی ارشد مشاوره از دانشگاه UCLA – کارشناسی مشاوره از دانشگاه تهران مشاغل و سمتهای مورد تصدی : – معاون پژوهشی دانشگاه الزهرا (س) درحال حاضر – مدیر گروه مشاوره دانشگاه الزهرا (س) از سال ۱۳۸۲ تاکنون – مدیرتحصیلات تکمیلی دانشگاه الزهرا (س) در سال های ۷۶ و ۱۳۷۷ – معاون آموزشی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، ۷۶– ۱۳۷۵ – عضو مؤسس و عضو هیأت مدیره انجمن مشاوره ایران – عضو سازمان نظام روانشناسی و مشاوره – عضو کمیسیون های تخصصی و نظامنامه اخلاقی شورای عالی سازمان نظام روانشناسی و مشاوره کشور – عضو شورای بررسی متون درسی و منابع روانشناسی کشور – عضو کمیته تخصصی طرح هدایت استعدادها در سازمان سنجش و آموزش کشور – عضو انجمن روانشناسی ایران – عضو انجمن ایرانی تعلیم و تربیت – عضو شورای قلم اندیشی امور بانوان شهرداری تهران – عضو هیأت مدیره کلینیک روانشناسی و مشاوره دانشگاه الزهرا(س) و همکاری با مرکز مشاوره دانشجویی – عضو کمیته علمی چندین سمینار و همایش سراسری و بین المللی – عضو هیأت تحریریه مجلات علمی – پژوهشی «اندیشه های نوین»، «تازه ها و پژوهش های مشاوره»، «پژوهش های تربیتی و روانشناختی» فعالیتهای آموزشی : تدریس در سطوح مختلف آموزشی در دانشگاه الزهرا بعد از احراز مدرک دکتری و دانشگاه های مختلف و راهنمایی بیش از ۷۰ پایان نامه کارشناسی ارشد و دکترا از فعالیت های سیمین حسینیان بوده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : – همکاری با وزارت آموزش و پرورش برای تهیه و نمره گذاری نخستین آزمون رغبت سنجی تحصیلی، شغلی که از سال ۷۵ تاکنون مورداستفاده دانش آموزان کل کشور قرارگرفته – همکاری با شورای عالی برنامه ریزی (شاخه مشاوره) سیمین حسینیان علاوه بر فعالیت و تحقیقات گسترده اش در مسائل خانواده و کار در کلینیک، در رابطه با «فرسودگی شغلی» پژوهش های بسیاری داشته است. یکی دیگر از فعالیت های علمی وی تحقیق روی نظریه «هالند» [روانشناس و نظریه پرداز معاصر شغلی و حرفه ای] است که علاوه بر تأیید در دیگر کشورهای جهان، در ایران نیز مورد تأیید قرار گرفته است. حسینیان حدود ۱۵ سال است روی این موضوع کار تحقیقاتی انجام داده که کماکان ادامه دارد. برخی از این تحقیقات در آموزش و پرورش، دانشگاه ها و بازار کار انجام شده است. آرا و گرایشهای خاص : سیمین حسینیان در مقدمه مقاله ای با عنوان «کاربرد پذیری نظریه تصمیم گیری شغلی هالند در مدارس، دانشگاه ها و بازار کار ایران، بررسی موانع و ارائه راهکارها» آورده است: «تصمیم گیری درباره انتخاب شغل و حرفه یکی از مهمترین و سرنوشت سازترین موضوع ها در زندگی هر فرد به حساب می آید. امروزه پیچیدگی و دگرگونی دنیای کار، سرعت فزاینده رشد تکنولوژی، تقاضاهای روزافزون برای ورود به برخی مشاغل و نیاز به کسب دانش و مهارت ها با توجه به تفاوت های فردی، موجب بر هم خوردن تعادل آموزش و بازارکار شده و مشکلاتی را در چگونگی هدایت استعدادها، راهنمایی شغلی و تصمیم گیری حرفه ای به وجودآورده است.» او در مورد علم روانشناسی امروز و جایگاه آن نزد مردم ایران زمین می گوید : «امروزه مردم ما واقعاً به مشاور و روانشناس نیازمندند و تقریباً نسبت به سال هایی که آنها را نمی شناختند و از مراجعه به آنها واهمه داشتند، مشاوران و روانشناسان را بیشتر می شناسند. تبلیغات خوبی روی این مسأله شده. منتهی لازم است مسأله اخلاق در مشاوره و روانشناسی و ضوابط و استانداردهای آن کمی روشن تر بیان و در واقع رعایت شود. یعنی فردی که می آید روانشناس و مشاوره می شود، صلاحیت این کار را داشته باشد، دوره های کارآموزی و به روز کردن معلوماتش را گذرانده باشد و علمی – تخصصی

کار کند و اگر به مطلبی آگاهی ندارد فرد را ارجاع دهد به منابع آگاه. خودش را ملزم نداند که حتماً باید راجع به هر چیزی نظر بدهد یا هر کسی را درمان کند.» جوائز و نشانها : – استاد نمونه کشوری در سال تحصیلی ۸۵–۱۳۸۴ از طرف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری – پژوهشگر نمونه و برتر دانشگاه الزهرا (س)، چندین سال متوالیچگونگی عرضه آثار : – ارائه ۸۰ مقاله پژوهشی – تحلیلی در مجلات علمی و سمینارهای داخلی و خارجی – نقد و بررسی بیش از ۱۲ کتاب در موضوع های گوناگون روانشناسی و مشاوره اجرای ۱۰ طرح تحقیقاتی ازجمله: هنجاریابی آزمون شغلی – شخصیتی، بررسی سلامت روان فرزندان و مادران باتوجه به موضوع حضانت، بررسی عملکرد خانواده و سلامت روانی نوجوانان فراری از خانه و نوجوانان عادی، روش های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار و... – ترجمه و تألیف ۷ عنوان کتاب . اخرین اثر دکتر حسینیان کتاب" اخلاق در مشاوره و روانشناسی "است که یک نظامنامه روانشناسی محسوب میشود. وی در این کتاب، منشور اخلاقی روانشناسان و مشاوران را که به نوعی سوگند نامه سازمان نظام روانشناسی و مشاوره محسوب می شود در ۷ بند ارائه کرده است. آثار : ۱ اخلاق در مشاوره و روانشناسی ویژگی اثر : آخرین اثر تألیفی دکتر سیمین حسینیان، در زمستان، ??به دنبال تأسیس سازمان نظام روانشناسی و مشاوره (به ریاست دکتر غلامعلی افروز)، دکتر حسینیان فعالیت های گسترده ای را روی طرح نظامنامه اخلاقی مشاوران و روانشناسان ایران آغاز کرد و این نخستین نظامنامه اخلاقی است که برای روانشناسان و مشاوران نوشته می شود. در حدود ? سال پیش در مجلس شورای اسلامی لایحه ای تصویب شد مبنی بر آن که روانشناسان و مشاوران می توانند نظامنامه و چارچوب استاندارد و مهر داشته باشند. حسینیان به همراه گروهی از همکاران خود در این عرصه شروع به تنظیم استانداردهای لازم و نگارش نظامنامه اخلاقی کردند که این موارد در کتاب مورد نظر به چاپ رسیده است. به عقیده مؤلف کتاب، «از ویژگی های یک حرفه آن است که دارای اصول و قوانینی است که متخصصان می پذیرند به عنوان شرط عضویت از آن پیروی کنند. این اصول در واقع ارزش های شغلی یک حرفه را نشان می دهند. قوانین حرفه ای برای این ایجاد می شوند که رفتاری بی طرفانه، شایسته و همراه با مسئولیت پذیری و تعهد در انسان ایجاد شود و افراد در هنگام تصمیم گیری های اخلاقی، چارچوبی برای تصمیم گیری مناسب داشته باشند. اتخاذ تصمیمات اخلاقی در شرایطی که میان تعهدات و مسئولیت ها تعارض وجود دارد، کار آسانی نیست.» حسینیان که با شور و علاقه عجیب و فراوانی درباره دستاورد تلاش ها و تحقیقاتش در این رابطه سخن می گوید، با اشاره به این کتاب، می گوید: «ممکن است در حال حاضر بسیاری از روانشناسان و مشاوران ما در ایران، مشاور و روانشناس واقعی نباشند. شخصی جغرافیا خوانده ولی به خودش اجازه می دهد کار مشاور یا روانشناس را انجام دهد! در این کتاب یکسری ملاک ها مشخص شده که به طور مثال ، در این حرفه باید چه مدرکی داشته باشند یا باید چه دوره هایی را– حتماً– برای کارآموزی گذرانده باشند، زیرا آموزش مشاور باید طبق برنامه ریزی خاصی باشد، هر آموزشی نمی تواند آموزش مشاور باشد، مشاور باید به مسائل روز و تفاوت های فردی توجه کند. از طرفی در کشور ما هیچ نظارتی بر کار مشاور نیست. اما در خارج از کشور، کار مشاور یا روانشناس زیر نظر قرار می گیرد. نبود نظارت یکی از ضعف های مهم و عمده ماست و از این روست که می گویم اخلاق در مشاوره در ایران کار جدیدی است و برای نخستین بار مطرح شده. ما می گوییم مشاور و روانشناسمان باید صلاحیت داشته و بر کارش نظارت باشد، باید آموزش متناسب دیده باشد. یعنی کسی که آموزش دیده چطور الآن هم اجازه مشاوره دارد؟ آموزش باید به روز باشد.» حسینیان در کتاب اخلاق در مشاوره و روانشناسی، منشور اخلاقی روانشناسان و مشاوران را که به نوعی سوگند نامه سازمان نظام روانشناسی و مشاوره محسوب می شود در ? بند ارائه کرده است. ۲ حرفه مناسب شما چیست ویژگی اثر : حسینیان با همکاری دکتر سیده منور یزدی در کتاب «حرفه مناسب شما چیست» نوشته «جان. ال. هالند» را به فارسی برگردانده که این اثر در زمینه تصمیم گیری شغلی نوشته شده است و پنجمین و آخرین تجدیدنظر هالند را در مورد نظریه حرفه و شخصیت توضیح می دهد. از منظر هالند، شخصیت فرد می تواند نقش مهمی در انتخاب شغل و به طور کلی در زندگی او داشته باشد. او ? تیپ شخصیتی و مدل محیطی را در نظریه خود به کار گرفته و افراد و محیط ها را با توجه به این الگوها طبقه بندی می کند. به اعتقاد مترجمان، این کتاب برای اشخاصی مناسب است که قصد دارند شغل مناسب شان را انتخاب کنند یا افرادی که از حرفه خود ناراضی اند و تصمیم به تغییر شغل گرفته اند. هم اکنون در مدارس و برخی سازمان ها از پرسشنامه شغلی این کتاب استفاده می شود که آموزش و پرورش کشور برای انتخاب رشته تحصیلی دانش آموزان دبیرستانی از این پرسشنامه بهره می برد. زیرا، متأسفانه امروزه بسیاری از نوجوانان و جوانان کشور ما سرگردانند و بر سر چند راهی قرار گرفته اند، نه به توانایی های واقعی خود واقفند، نه اطلاعات کافی درباره مشاغل جامعه دارند و نه قادر به پیش بینی مشاغل مورد نیاز جامعه در زمان آینده هستند. ۳ ناسازگاری و مشکلات هیجانی و رفتاری کودکان ، واقعیت مجازی در روان درمانی

حسینیان، محمدجعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جعفر حسینیان

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد جعفر حسینیان در سال ۱۳۵۷ موفق به اخذ مدرک دیپلم شده و در همان سال بنا به درخواست رسمی دانشگاهی از آمریکا ارسال ترجمه مدارک برای اخذ مدارک علمی بالاتر قصد آن دیار نمودم که با جریانات انقلاب مصادف شد، و با احساس تکلیفی که در جریان تحقق اسلام ناب در جامعه داشتم بعد از پیروزی انقلاب به عضویت رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز فارس درآمدم و تا سال ۱۳۶۳ در بخش فرهنگی و تبلیغی سپاه پاسداران مشغول فعالیت بودم. بعد از آن به قم مراجعت نموده و در مرکز تحقیقات علمی فرهنگستان علوم اسلامی و در کنار آن در حوزه علمیه مشغول تحصیل فعالیت علمی شدم و موضوعات مطرح شده علمی در فرهنگستان علوم اسلامی و همچنین هدف این موسسه علمی و تحقیقی که تحت سرپرستی علمی علامه شهیر مرحوم حجت الاسلام و المسلمین سید منیر الدین حسینی شیرازی (قد سره) بود به دلیل نوآوری آن بسیار مورد توجه و علاقه من قرار گرفت و اکثر اوقات علمی و تحقیقی خود را در آن موسسه علمی و تحقیقی گذراندم.

هدف عمده تحقیقات فرهنگستان علوم اسلامی بعد از آسیب شناسی جدی در موانع اجرای احکام الهی در جامعه و ریشه یابی آن و بزرگترین مانع را مدل ها و الگوهای علمی اداره کشور دیدن تحقیق پیرامون روش دستیابی به فلسفه شدن اسلامی بود در این راستا تمام عمر تحقیقی خود را در این موسسه و در محضر استاد عزیز علامه حسینی (ره) بودم و بعد از رحلت ایشان که بسیار برای من جانکاه بود به فعالیت های تحقیقی خود ادامه دادم.

حسینیون، علی رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ریاضی از دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۴۸، کارشناسی ارشد ریاضی از دانشگاه تربیت مدرس مصاحب در سال ۱۳۵۰ و دکترای ریاضی از دانشگاه استیرلینگ در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاههای تبریز و شهید بهشتی از سال ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۶۹ و دانشیار دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۶۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ریاضی، Liepschity Algebra، تدریس دروس آنالیز، آنالیز مختلط، معادلات عمومی،افزایش معمولی و جزیی، نظریه اعداد ریاضی، منطق ریاضی، کالکلوس پیشرفته ۱ و ۲، آنالیز حقیقی آنالیز تابعی در دانشگاههای تبریز، شهید بهشتی، آرکانزاس آمریکا، و مدرسه عالی شهید مطهری.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

آنالیز ریاضی ۲ و بهینه‌سازی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

ریاضی و

Classroom Fxm Teaching Calculus Withavew on application

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

حشری انصاری تبریزی، محمد امین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، نویسنده و شاعر. از خانواده‌ی شمس‌الدین محمد ثانی و ساکن عباس‌آباد اصفهان بود. حشری از مصاحبان نواب بود و بعد از مدتی به تبریز رفت و در آنجا درگذشت. از آثار او: «مثنوی» غزوات شاه عباس؛ منظومه «روضه ابرار»، که در تاریخ ۱۰۱۱ ق در بحر «مخزن‌الاسرار» موزون شده است و در همان سال، «روضه الاطهار» را تالیف کرد که به گفته‌ی مولفان «دانشمندان آذربایجان» و «الذریعه»، نثر همان «روضه ابرار» است. هر دو کتاب در خصوص مقابر اولیاء و بزرگان مدفون در تبریز است. این کتاب به نامهای «تذکره الاولیا»، «سامی الاسامی» و «تذکره حشری» نیز خوانده شده است. از حشری «دیوان» شعری نیز بر جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۸۱۷)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۷۱ -۱۶۸ /۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۸۰)، دانشمندان آذربایجان (۱۱۸ -۱۱۷)، الذریعه (۲۵۶ -۲۵۵ /۹، ۲۸۸، ۲۸۴/۱۱)، ریحانه (۴۸ -۴۷ /۲)، سخنوران آذربایجان (۳۱۳ -۳۱۱)، فرهنگ سخنوران (۲۷۰)، لغت نامه (ذیل/ حشری)، یادگار (س ۲، ش ۵، ص ۲۰)، مولفین کتب چاپی (۶۸۸ -۶۸۷ /۱).

حشمت بدخشانی، محتشم علی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۶۳ ق)، شاعر. اصل وی از بدخشان بود. در شاهجهان آباد متولد شد و همانجا نشو و نما یافت. میر محتشم از شاگردان افضل ثابت و شیخ عبدالرضا متین و خان آرزو و دیگر فصحای زمانه بود. «دیوان» اشعار وی قریب به هفت هزار بیت است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۹۷۱، ۲۵۶ /۹)، صبح گلشن (۱۳۹)، فرهنگ سخنوران (۲۷۰)، مخزن الغرائب (۷۹۷ -۷۹۶ /۱)، نتایج الافکار (۱۹۶ -۱۹۵)، نشتر عشق (۴۷۴ -۴۷۲ /۲).

حشمتی خوانساری، علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق، خطاط و شاعر، متخلص به حشمتی. از مردم خوانسار بود و از خاندان شیخ حافظ سعدالدین عنایت‌اللّٰه عارف. اجداد وی در میان مردم منصب شیخی و ارشاد داشته‌اند. حشمتی به نصرآباد اصفهان رفت و به بستگان محمد طاهر نصرآبادی سواد و خط یاد داد. در اصفهان معلم شاهزاده حوا بیگم شد و پس از مدتی ترک تعلیم کرد و در نصرآباد منزوی شد و به کتابت قرآن پرداخت. وی در نود سالگی، در اوایل سلطنت شاه سلیمان درگذشت و جنازه‌اش به کربلا منتقل شد. ملا علی بیگ هفت قلم را خوش می‌نوشت و شعر را نیکو می‌سرود. «دیوان» شعرش را حدود پنج هزار بیت نوشته‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۴۱ -۴۴۰ /۲)، تذکره‌ی شعرای خوانسار (۴۵، ۴۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۲۰)، الذریعه (۲۵۶/۹)، صبح گلشن (۱۳۹)، فرهنگ سخنوران (۲۷۱).

حصارکی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: ریاضی، دانشگاه: صنعتی شریف

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

حضوری قمی، عزیزاللّٰه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۰ ق)، شاعر. از سادات محترم قم بود. وی سالها در عتبات به درس و تحصیل پرداخت و مردی متقی و برادر میراشکی بود. پس از مدتی سکونت در نجف به ایران بازگشت و چندی در قزوین زیست و با شاه طهماسب صفوی معاشرت کرد. حضوری پس از مرگ شاه طهماسب به نجف برگشت و در همان جا درگذشت. «دیوان» غزلیات وی مشتمل بر حدود سه هزار بیت است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۲۴۲ -۱۲۳۵ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۴۶۰ -۴۵۹)، تذکره‌ی میخانه (۴۴۴ -۳۵۵)، الذریعه (۲۵۷/۹)، عالم آرای عباسی (۱۸۵/۱)، فرهنگ سخنوران (۲۷۲ -۲۷۱)، مجمع الخواص (۷۷ -۷۶)، مخزن الغرائب (۸۷۰ -۸۶۷)، نتایج الافکار (۸۵۵)، هفت اقلیم (۵۰۹ -۵۰۷ /۲).

حفاظ فقیه، شمس‌الدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اوست قرآن جانمازی جلد روغنی کشمیری. سرلوح مرصع و دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مذهب مرصع نسخ کتابت خفی خوش با رقم: «... شمس‌الدین بن فخرالدین حافظ فقیه» سال ۷۱۷ در کتابخانه‌ی ملی.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

حفظی اصفهانی، محمود

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۸۳ ق)، شاعر، متخلص به حفظی. اصلش از اصفهان بود. مدتی تحصیل علم کرد. بعد به مکه مسافرت کرد و دو سال آنجا ماند و از آنجا در عهد شاهجهان به هند رفت. بعد از مدتی عازم مکه شد. و از آنجا به بروجرد باز آمد مدتی نیز در آن دیار ماندگار شد و سرانجام به اصفهان بازگشت. طبعش خالی از لطف نبود و در نظم سلیقه‌ی خوبی داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۱۸)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۰۹)، الذریعه (۲۵۷/۹)، شام غریبان (۸۴)، کاروان هند (۳۲۶/۱).

حفید تفتازانی، سیف‌الدین، احمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۱۶ ق)، فقیه، محدث، مفسر و متکلم شافعی. معروف به شیخ‌الاسلام. چون از نوادگان محقق تفتازانی بود، به احمد حفید نیز شهرت داشت. وی مدت سی سال در زمان سلطان حسین بایقرا عهده‌دار قضای هرات بود. شاه اسماعیل صفوی، او را با پنج تن از علماء هرات در مرو کشت. وی در بیشتر علوم زمان، بویژه فقه و حدیث و تفسیر یگانه‌ی زمان و فرید عصر بود. از آثار وی: «شرحی بر تهذیب المنطق و الکلام»؛ «تعلیقه بر شرح عقاید نسفیه»؛ «حاشیه بر مختصر»؛ «حاشیه بر مطول»؛ «الفوائد و الفرائد» و «شرح فرائض السراجیه»؛ «حاشیه بر شرح الوقایه لصدر الشریعه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۳۴۹/۴)، روضات الجنات (۳۵۳ -۳۵۲ /۱)، کشف الظنون (۲۰۲۳، ۱۴۸۰، ۱۲۴۷، ۱۱۴۴، ۵۱۶، ۴۷۵)، الکنی و الالقاب (۱۲۲ -۱۲۱ /۲)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، معجم المولفین (۲۰۶ -۲۰۵ /۲)، هدیه العارفین (۱۳۸/۱).

حفیظ اصفهانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۰۶ ق)، شاعر. میرزا حفیظ در اصفهان به تحصیل علم پرداخت و در عهد او رنگ زیب عالمگیر پادشاه به هند رفت و چندی بعد به اصفهان بازگشت و بقیه عمر را به طاعت و عبادت گذرانید. اشعاری از وی در تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۵۷/۹)، شام غریبان (۸۶)، صبح گلشن (۱۴۰)، فرهنگ سخنوران (۲۷۲)، کاروان هند (۳۲۷ -۳۲۶ /۱).

حق جو، محمد حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین حق جو

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱۲/۲۹

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسین حق جو در۲۹ اسفند سال ۱۳۳۳ هجری شمسی در شهر نیشابور در خانواده ای متدین و مذهبی به دنیا آمدم.دوران تحصیلات خود را تا سوم دبیرستان در شهرستان نیشابور و سپس در هنرستان فنی مشهد سه سال ادامه تحصیل دادم و سرانجام در سال ۱۳۵۶ هجری شمسی برای کسب علوم حوزوی وارد حوزه علمیه قم شدم.از آغاز کودکی به همراه پدرم در جلسات و هیئات مذهبی شرکت می کردم و از همان اوایل کودکی به جلسات قرآن و درس اخلاق و احکام علاقه فراوانی داشتم هنوز به سن تکلیف نرسیده بودم که در هیئات مذهبی شهرستان نیشابور فعالیتهایی اجرایی و فنی را بعهده گرفتم.

جلسات هفتگی ، تمرین سخنرانی، حفظ حدیث و تلاوت قرآن برگزار می کردم. در تابستانها تحت نظر مدیریت حوزه در قبل از انقلاب جلسات و کلاسهای قرآن،عقائد، احکام و اخلاق را با حضور اساتیدی از قم اداره می کردم. در سالهایی که برای ادامه تحصیل به مشهد رفته بودم با استفاده از تعطیلات پایان هفته، جلسات هفتگی با حضور نوجوانان و جوانان تشکیل می دادم و برای آنان از درآمد شخصی خود هدایایی تهیه می کردم.در سال ۱۳۵۶ هجری شمسی تصمیم گرفتم برای ادامه تحصیل به قم سفر کنم که در ابتدا دوستان و حتی اولیاء با این امر مخالفت می کردند ولی با پایداری خود و توصیه برخی بزرگان وارد حوزه شدم.در آغاز ورود به حوزه با اساتید قلم، گفتار و عمل ارتباط برقرار کردم. در همان اوان ورود به حوزه به توصیه برخی عزیزان و اساتید، قلم به دست گرفته و اولین اثر خود را به نام خودسازی در مکتب قرآن و عترت (علیهم السلام)در سال ۱۳۶۱ با تقریظ حضرت آیت الله مظاهری و مقدمه استاد مصطفی زمانی (ره) به زیور طبع آراستم.

تاکنون حدود ۵۰ عنوان کتاب تألیف نموده ام و چند عنوان کتاب هم تحت نظر بنده تألیف گشته است چند سال در دانشگاه آزاد تهران،شهریار، کمیته انقلاب اسلامی،دفتر امام جمعه شهریار، فعالیت داشتم و همچنین چندین سال مسئول پاسخ گوئی به سوالات جوانان سراسر کشور در مؤسسه پیام اسلام بودم و حدود ۸ سال مدیریت بنیاد فرهنگی اسلام را عهده دار بودم که روزانه پاسخگوی صدها نامه و تلفن از سراسر کشور بودم و در کنار کارهای پژوهشی، تألیف، تدریس و تبلیغ به تحصیل پرداختم، دروس سطح را از آقایان باکوئی، اعتمادی، وجدانی،استادی،مظاهری،پایانی، ستوده، ممدوحی، مشکینی، شب زنده دار، جوادی، مصباح، خز علی و... کسب فیض کردم پس از گذراندن دروس سطح حوزه به مباحث عالی حوزه همت گماشتم و از محضر اساتید خارج آیات عظام، مرعشی، گلپایگانی، سبحانی، مکارم، وحید خراسانی، شیخ جواد تبریزی، نوری همدانی،که به تقریرات دروس این اساتید می پرداختم.همزمان با گذراندن تحصیلات خارج به تدریس نیز مشغول بودم، تا اینکه در سال ۱۳۷۳ به همکاری در معاونت تهذیب حوزه دعوت شدم و به عنوان مسئول مشاوران مدارس برگزیده شدم و به برنامه ریزی نظارت و اجرا می‌پرداختم به لحاظ ضرورت امر، لازم آمد که مرکز تخصصی مشاوره اقدام شود که تاکنون این مسئولیت را عهده دار می باشم و به یاری خدای متعال و کمک ۴۰ مشاور در رشته های مختلف اخلاقی، روحی، معنوی، پزشکی،روانپزشکی، حوزوی، اجرائی، آموزشی و خانواده ، به انجام ظیفه مشغول هستم.

کنون نیز علاوه بر کارهای علمی، پژوهشی و تبلیغی به تألیف موضوعات کاربردی جوانان مشغول هستم ولی متأسفانه بخاطر کمبود وقت و امکانات، توان نشر آن آثار را ندارم.ضمنا دو دوره بعنوان نماینده طلاب و فضلا نیشابوری مقیم حوزه قم برگزیده شدم که به عنوان رئیس کمیسیون اخلاق و تهذیب این مجمع نیز گزیده شدم.

اگر چه چندان موفق به تدریس نیستم، ولی با لطف الهی در مراکز تخصصی حوزه، مدارس علمیه قم و شهرستانها و موسسه امام خمینی (ره) ، مدرسه فیضیه قم و دانشگاهها تدریس مباحث اخلاقی و روانشناسی بصورت مداوم وپاره وقت مشغول میباشم.خدا را باید بر این الطاف فراوان سپاس و تشکر فراوان نمود که هذا من فضل ربی و از باب و اما بنعمه ربک فحدث یاد آور شدم.

حقانی، ابوالحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالحسن حقانی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات کلاسیک را تا سوم دبیرستان در دبیرستان جعفری اسلامی تهران ادامه دادم. اکثر اوقات فراغت خود را در آن دوران بویژه تابستان در کتابخانه مرحوم آیت الله حسن سعید واقع در مسجد جامع بازار تهران می‌گذراندم. همچنین عصرهای پنجشنبه از محفل درس اعتقادات آیت الله سبحانی در همان کتابخانه استفاده می کردم.در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شده و پس از موفقیت در آزمون ورودی در مدرسه منتظریه(حقانی)تحت اشراف شهید قدوسی به تحصیل علوم دینی پرداختم و از محضر آیت الله قدوسی، آیت الله بهشتی، آیت الله جنتی،آیت الله خزعلی، آیت الله مقتدایی، آیت الله حائری شیرازی، آیت الله معرفت و .... استفاده نمودم.همچنین از اساتید خارج از مدرسه تا سطوح عالیه چون استاد ستوده،استاد اعتمادی، استاد خرازی و استاد پایانی استفاده نمودم و یک دوره اصول و بخشی از فقه چون صلاهٔ، حج و ... را در محضر حضرت آیت الله مظاهری فرا گرفتم. در سال ۱۳۵۹ وارد مؤسسه در راه حق شده و از برنامه‌های درسی آنجا تحت اشراف حضرت آیت الله مصباح یزدی استفاده نمودم و علاوه بر گذراندن دروس عمومی دانشگاهی در رشته تخصصی روان شناسی تا حد کارشناسی ارشد تحصیل نمودم و از محضر اساتید حوزوی و دانشگاهی ا ستفاده نمودم که به دلیل آنکه آن زمان مدرکی داده نمی‌شد فقط به گذراندن دوره اکتفا شد.در این دوره از محضر استاد معظم آیت الله مصباح در زمینه‌های فلسفه، علوم قرآنی و اخلاق بهره‌ها بردم.

در سال ۱۳۷۰ از دانشگاه مک گیل واقع در شهر مونترآل از کشور کانادا پذیرش گرفته و کارشناسی ارشد را در رشته عرفان دریافت نمودم.در سال ۱۳۷۳ از دانشگاه لنکستر انگلستان در مقطع دکتری پذیرش گرفتم که به عللی ترک تحصیل نموده و به

ایران اسلامی بازگشتم.در مدرسه شهیدین، جامعهٔ الزهراء، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)،دانشگاه تهران تدریس دارم.تألیفاتی نیز داشته که برخی از آنها چاپ گردیده است. برخی از آنها نیز با همکاری دیگر برادران نوشته شده است. آخرین اثرصلح در اسلام به دو زبان فارسی و انگلیسی نگاشته شده است.

حقانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: صنعتی اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی در رشته ریاضی.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده علوم دانشگاه صنعتی اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیقات اولیه در نظریه بعد کرول حلقه‌ها و ارتباط آن با سایر بعدها خصوصاً بعدهای همولوژیک جهت شناسائی حساب ایده‌آل‌های بازتابی حلقه خاصه در حلقه‌های اپراتوری دیفرانسیل، مساله یافتن پیوند ایده‌آل‌های اول در حلقه‌هائی که ترتیب پیشین در حلقه خارج قسمتی خود می‌باشد، طرح توپولژی کانونیک، استاد راهنمای ۱۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ریاضیات.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۰

زمینه علمی مقالات:

ریاضیات.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

حقانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین حقانی از فضلا بنام و مهذب و بارع زنجانی حوزه علمیه قم می‌باشند.

وی در زنجان متولد شده و پس از خواندن مقدمات و دروس مقدماتی و سطوح اولی به قم مهاجرت نموده و سطوح عالی را از مدرسین حوزه تکمیل و از محضر آیات عظام بروجردی و شریعتمداری و دیگران خارج فقه و اصول را استفاده نموده و خود به تداریس متون عالیه فقه و اصول پرداخته و اکنون از فضلاء بنام و مشهور حوزه علمیه قم می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حقانی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین حقانی

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۳/۱۲/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین حقانی اوّل اسفند سال ۱۳۱۳ شمسی در شهرستان زنجان در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم.پدرم به نام علی از تجّار زنجان بوده، علاقه شدیدی به اسلام و تشیّع و ائمه اطهار (علیهم السلام) داشت و در اول سال ۱۳۶۲ شمسی بعد از پیروزی

انقلاب اسلامی ایران در سن ۸۶ سالگی دار فانی را وداع گفتند و از اهمّ برکات وجودی او مدرسه (المنتظر) معروف به مدرسه منتظریّه حقّانی بود که در سال ۱۳۳۹ شمسی در شهرستان (مذهبی) قم در حوزه علمیّه با نفقه خود و با اخلاص خاصی آنرا تاسیس و بنیان نهاد. دوره ابتدایی را در شهرستان زنجان در مدرسه ای بنام (توفیق) که زیر نظر استادی فرزانه و فاضل و با تقوا بنام رضا روزبه (رضوان الله تعالی علیه) اداره می شد به پایان رساندم و با رتبه ممتاز در کلاس ششم قبول شدم.

همان اوان مصادف بود با بلیّه بزرگی که ایران آنروز در اثر بی کفایتی و بی لیاقتی زمامداران طاغوت گرفتار آن شده بود و آن بلیّه، بلیّه تسلّط حزب توده و نوکران زمامداران شوروی به دبیری مردی بنام (پیشه وری) بود که از ناحیه شمال غربی منطقه آذربایجان به ایران نفوذ کرده تا زنجان و ابهر و نزدیکی های قزوین پیشروی کرده و حکومت خود مختاری را در داخل مملکت ایران آنروز تشکیل داده بود.این جریان بی دینی، زندگی مذهبی ودینی را بر متدیّنین تنگ کرده بود، آنان ناچار به طرف تهران و سایر نقاط امن ایران مهاجرت می کردند. ابوی اینجانب نیز چون در بازار زنجان تاجر نسبتاً مشهوری بود و همواره مورد اذیّت و تعّرض مسئولین حزب توده قرار داشت مقدمات مهاجرت خود را از زنجان به تهران فراهم نمود ودر سال ۱۳۲۷ شمسی این مهاجرت انجام پذیرفت. من نیز در تهران تحصیلات خود را در دبیرستان فرّخی تا سیکل (کلاس نهم آنزمان) به پایان رساندم از آنجا که پدرم از خانواده علم بود و پدران وی واجداد امی همه از علمای قریه خوئین زنجان بودند بسیار مایل بود که فرزندان او نیز در رشته علوم اسلامی به حوزه های علمیّه وارد شده، راه پدران خود را ادامه دهند و از طرفی هم تعصّب خاصّ مذهبی ودینی داشت و از وضع بی دینی حاکم بر مدارس آنروز تهران بسیار ناراحت بود حتّی در زمان ما سالیان سالی تا زمان فتوای مرحوم آیهٔ الله حکیم در نجف اشرف برای اولین بار در عالم فقه و فقاهت آنروز طی حکمی خرید وفروش رادیو را جایز اعلام کردند رادیو نداشتیم چون پدرم آنرا مایه فساد و تربیت غیر سالم ودینی می دانست.

از اینرو از ادامه تحصیل اینجانب بعد از خاتمه دوره دبیرستان شدیدا مخالفت می کرد صریحا به من می گفت: شما یا اینکه به بازار بیائید ومثل ما به تجارت مشغول گردید ویا به قم بروید و سیره پدران خود را در ادامه علوم اسلامی تعقیب نمائید راه سوّمی که ادامه تحصیل کلاسیک دبیرستانها می باشد وجود ندارد زیرا این راه شما را از دین ودینداری وتقوا وکمالات انسانی دور و موجب فساد است. من نیز چون علاقه به تجارت وکسب نداشتم راه ادامه تحصیل علوم اسلامی را در قم انتخاب کردم و در اوائل تیر ماه ۱۳۳۰ شمسی بعد از خاتمه امتحانات کلاس نهم در تهران وارد حوزه علمیه قم شدم. در این هنگام حوزه علمیه قم تازه تعطیلات تابستانی خود را شروع کرده بود که من تحصیلات علوم اسلامی را در هوای گرم تابستان سال ۱۳۳۰ هجری شمسی در قم شروع نمودم وبرای اینکار مستقیماً به منزل یکی از طلاب آنروز قم که از نزدیکان و خویشاوندان ما محسوب می شد وارد شده تا موقتاً ایام تابستان را مشغول به درس و بحث باشم و ایشان نیز مثل اکثریت طلاب آنروز قم وضع مالی خوبی نداشت و صاحب منزل نیز به ییلاقی به شیراز رفته بود و منزل خود را به عنوان اینکه خالی نباشد به ایشان واگذار کرده بود و طلاب بی بضاعت نیز برای اینکه حداقل در ایام تابستان آزادی بیشتری در منزل با بچه ها داشته باشند به این کار علاقه نشان می دادند.

دوره مقدماتی علوم اسلامی را در عرض سه سال(یعنی دوره نحو وصرف ومنطق ومعانی بیان وعلوم بلاغت در حد کتاب معمول حوزه های آنروز) نزد اساتید فن خواندم.و بعد از طی دوره مقدمات دوره سطح را شروع و در عرض شش سال آنرا به پایان رساندم. در این دوره از اصول فقه معالم الاصول مرحوم شیخ حسن فرزند شهید ثانی و کتاب قوانین الاصول تالیف مرحوم میرزای قمی جلد اول تا آخر باب نواهی و بعد از آن (شرح لمعتین) تالیف مرحوم شهید ثانی را که یک دوره کامل ومختصر فقه اسلام است در عرض ۵/۲ سال خواندم و سپس (فرائد الاصول) شیخ انصاری (ره) و مجدد الاصول تالیف مرحوم آیهٔ الله آخوند خراسانی را نزد اساتید فن از جمله مرحوم آیهٔ الله مجاهدی گذراندم. این کتاب های متن در فقه و اصول در سطح عالی را نزد اساتیدی بزرگ از قبیل مرحوم آیهٔ الله مجاهدی و آیهٔ الله طباطبائی وغیر این دو از اساتید بزرگ آنروز تلمذ کردم ودر عرض این دروس مربوط به فقه واصول، (لئالی منظومه) مرحوم حکیم سبزواری (رحمه الله علیه) را (منطق وحکمت) را نزد اساتید بزرگ فلسفی آنروز گذراندم. بعد از خاتمه سطح، دروه خارج سطح را نزد مراجع بزرگ آنروز متجاوز از ۲۲ سال شرکت کردم.

در این بیست و دو سال مراجع و فقهاء ومدرسین بنام و معروفی بودند که ازمحضرشان استفاده نمودم. سه سال در اواخر عمر با برکت مرحوم آیهٔ الله العظمی بروجردی در مسجد اعظم قم که مبحث قضا را شروع کرده بودند و بزرگان و اساتید و علماء بزرگ وقت در پای دروس این عالم فقیه متبحر شرکت می کردند و نوشته همه این دروس را به زبان عربی در اختیار دارم. در عرض این سه سال و بعد از آن نیز یک دوره اصول فقه را در محضر درس امام عزیز وراحل حضرت آیهٔ الله العظمی خمینی (رضوان الله تعالی علیه) در مسجد سلماسی واقع در آخر کوچه آقازاده صبح ها شرکت میکردم و بسیار محضر با برکت و درس مفیدی بود و ضمنا در خارج اصول فقه مرحوم آیهٔ الله محقق داماد در مسجد اعظم قم جلد ثانی (کفایهٔ الاصول) سالها شرکت کردم و از محضر پرفیض ایشان نیز استفاده بردم و نیز یک دوره کامل در دروس اصول فقه مرحوم آیهٔ الله آقای شیخ هاشم آملی (لاریجانی) (قدس سره) شرکت نمودم چون ایشان از نجف آمده و از شاگردان خاص و مستقیم مرحوم آیهٔ الله آقا ضیاء عراقی که یکی از بزرگترین اساتید فن اصول فقه بشمار میرفت و تقریرات مرحوم آقا ضیاء عراقی را نیز به نام (نهایهٔ الافکار) به رشته تحریردر آورده بود و در این دروس اصول فقه ایشان نیز سالها شرکت کردم و بهره ها بردم و نوشته های دقیق این دو درس موجود است به طوری که چند سال قبل از وفات ایشان در منزل خودشان به من فرمودند که نوشته ها را بیاورید من آن را اصلاح و به چاپ برسانم حتی می فرمودند که من هنوز زنده ام اصلاح می کنم و من چون به نوشته های دروس اشتغال داشتم وقت اینکه آنرا دقیقاً آماده بسازم و حتی پیدا نکردم و لذا دوره کامل دروس ایشان از استصحاب تا استصحاب به زبان عربی هنوز موجود است تا إن شاء الله موفقیتی باشد آنها را به چاپ برسانیم. و نیز در حدود ۲۳ سال در دروس فقه مرحوم آیهٔ الله العظمی آقای سید محمد کاظم شریعتمداری شرکت کردم و نیز سالیان متمادی در دروس فقه مرحوم آیهٔ الله بروجردی شرکت کردم و همه درسهای ایشان دقیقا به زبان عربی نوشته شده و موجود است.

در عرض این دروس فقه و اصول در دروس فلسفه مرحوم آیه الله علامه طباطبائی (ره) در درس اسفار ملا صدرا فلسفه متعالی سالها

در مسجد سلماسی شرکت کردم و از بزرگان و اساتید حوزه علمیه قم نیز در آن شرکت داشتند و فیض ها بردم (رحمت خدا و درود فراوان بروان پاک او باد). وهیئت قدیم را همراه جمعی از فضلا در مدرسه فیضیه پیش حضرت آیهٔ الله حاج شیخ محمد علی اردبیلی که در این علم گرچه قدیمی بود اما تبحری داشتند تلمذ کردم و متن درسی آن(کتاب شرح چغمینی) بود که همراه برخی از آلات و ادوات مربوط به تصویر کرات و منظومه شمسی و غیر آن تدریس می نمود. اصل علمی و پژوهشی اینجانب در عرض ۵۴ سال متجاوز از ۷۰۰ دفترچه ۲۰۰ برگی علمی وتاریخی و فقهی و اصولی و کلامی فلسفی بقرار ذیل بود: دروس خارج اصول فقه از کفایهٔ الاصول محقق خراسانی یک دوره کامل از مباحث الفاظ و مباحث عقلی و یک دوره نیز اصول فقه تقریرات مرحوم آیه الله شیخ هاشم آملی (لاریجانی) (قدس سره) از استصحاب تا استصحاب و یک دوره کامل اصول فقه تقریرات امام راحل و در فقه نیز مباحث کثیری از عبادات (طهارت ، صلاهٔ ، صوم ، زکوهٔ ، حج ، خمس و . .) و از معاملات (مکاسب محرمه و بیع تا آخر خیارات از محضر درس مرحوم آیه الله العظمی شریعتمداری که فقه را ایشان با قلم خود تصحیح نموده موجود است بصورت آثار گرانبهایی باقی مانده است و مقدار بیشتری از مباحث فقه تقریری از امام راحل مکاسب بیع تا عقد صبی و مقدار بیشتری از مباحث فقه را اساتید گرامی شخصا بازنگری کرده و در آنروز با خط مبارک خود تصحیح فرموده اند که بسیار با ارزش می باشد. روی همین تحقیقات وتقریرات بود که اجازه اجتهاد از طرف مرحوم حضرت آیهٔ العظمی آقای شریعتمداری به اینجانب به عنوان تقریظ بر کتاب طهارت که در آستانه چاپ بود داده شده و متن آن نیز دقیقا موجود است و اصل متن ورقه اجتهاد را نیز حضرت آیهٔ الله سبحانی نوشته وآن متن به امضاء و مهر حضرت مرحوم آیه العظمی آقای شریعتمداری رسیده است و باز روی ملاحظات بالا بنا به تقاضای دانشگاه الزهراء از مرتبه علمی به اینجانب از دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم رتبه خارج دوم را که مساوی با اجتهاد مطلق است به اینجانب نیز اعطا کرده است و متن آن نیز موجود است (البته این اجازه اجتهاد با مطالعه دقیق دروس حضرات مراجع عظام نامبرده تحقیق و بررسی علمی متجاوز از ۱۵۰ دفترچه ۲۰۰ برگی می باشد که با وسواس شدیدی مورد بررسی حوزه علمیه قم قرار گرفته است) و چند سال قبل نیز رتبه استادیاری را که مساوی با دکتری است از وزارت آموزش عالی به اینجانب اعطاء شد و اینک به عنوان هیئت علمی دانشکده الهیات دانشگاه الزهرا به تدریس دروس اختصاصی آن دانشکده (فلسفه – کلام – منطق – عرفان و اصول فقه و فقه و تفسیر و فلسفه اخلاق و نیز به تدریس متون اسلامی در دانشگاه تهران – دانشکده علوم سالهاست که اشتغال دارم و اینک متجاوز از ۴ سال است که مسئولیت دانشکده علوم انسانی و ادبیات و الهیات دانشگاه الزهراء که توسط رئیس دانشگاه آن وقت الزهرا جناب آقای دکتر کوهیان تفویض شده ادامه دارد و ضمنا مدیریت گروه معارف دانشگاه الزهراء نیز بر عهده اینجانب است و در حوزه علمیه اشتغال دارم به طلاب مدرسه منتظریه حقانی نیز برخی از دروس از قبیل تفسیر قرآن و ... را تدریس می نمایم. و در مدت اشتغال به دروس اسلامی از فقه و اصول و فلسفه و عرفان و متون اسلامی و تفسیر به عنوان محبت و تشویق، چند لوح تقدیر از عملکرد دانشگاهی و تدریس و تالیفات و تحقیقات علمی و دینی در دانشگاه الزهراء و دانشگاه تهران (دانشکده علوم) به اینجانب اعطا گردیده است و اخیرا در جلسه مجمع مدیران گروه معارف در نیمه شعبان (سال ۱۴۲۰ مطابق ۳ آذر سال ۷۸) به مناسبت میلاد مسعود امام زمان (عج) در مدرسه دارالشفاء قم با حضور متجاوز از ۲۰۰ استاد و اساتید گروه معارف که توسط نهاد محترم نمایندگی ولی فقیه حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (دام ظله) در گروه معارف در دانشگاهها برپا گشته بود از طرف نهاد نمایندگی به عنوان استاد موفق در تدریس معرفی شده و مورد تقدیر قرار گرفتم که من خود را شخصا ناقابل می دانم و در عین حال از همه بزرگان و مسئولین و اساتید گرامی کمال تشکر را دارم.

حقانی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

تولد: ۱۳۲۰، قم.

شهادت: ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

حجت‌الاسلام غلامحسین حقانی، فرزند محمد، تا مقطع اجتهاد به تحصیل حوزوی پرداخت. بعد از انقلاب اسلامی، امام جمعه بندرعباس شد. وی همچنین دبیر شورای هماهنگی دفتر تبلیغات قم و تهران و دبیر شورای هماهنگی دفتر تحکیم وحدت بود. در اولین دوره مجلس شورای اسلامی، به نمایندگی از مردم بندرعباس در مجلس حضور داشت. ایشان همچنین در دانشگاه تربیت معلم به تدریس می‌پرداخت.

آثار ایشان عبارتند از اسلام پیشرو نهضت ها؛ و برخی از جزوات مؤسسه در راه حق.

حجت‌الاسلام حقانی در بمب‌گذاری هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. پیکرش در قم به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حقایق شیرازی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۱۳ ق)، شاعر، متخلص به حقایق. در خورموج بوشهر متولد شد و همان جا نشو و نما یافت. حقایق با فرصت شیرازی معاصر بود و در سرودن غزل استاد. از آثار وی «دیوان» اشعار است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۴۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۸۶ -۲۸۵ /۲)، الذریعه (۲۵۸/۹)، ریحانه (۵۴/۲)، فرهنگ سخنوران (۲۷۲)، مرآت الفصاحه (۱۷۲ -۱۷۱).

حقایق، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج محمّد باقر حبیب آبادی برخواری اصفهانی، عالم فاضل و شاعر و ادیب بوده، و در شب جمعه دوّم ماه صفر سال ۱۳۲۸ وفات یافته، در تکیه فاضل سراب مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفات میرزای شیرازی را ضمن قطعه‌ای گفته، تاریخ این است:

بهر تاریخ او حقایق گفت

گشت فائز بلطف ربّ سمیع

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حقشناس، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید ابراهیم بن حجهٔالاسلام والمسلمین آقای حاج سید اسداللّه حقشناس یکی از علماء عاملین معاصر است در شهرستان جهرم. وی در حدود ۱۳۲۲ قمری در آن شهرستان متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح به شیراز آمده و متون فقه و اصول را از اعلام آنجا آموخته و بیشتر، از مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمدعلی فاضل شریعتمداری استفاده نموده است.

آقای محمدکریم اشراق در کتاب بزرگان جهرم ترجمه آن بزرگوار و والدش را چنین نگاشته است.

پدر حقشناس مرحوم (حاج سید اسداللّه) از علماء روشن‌ضمیر و شجاع و آزاده عصر خود بوده فتوت کم‌نظیری داشت. در مسجد گازران که از بناهای مرحوم حاج محمدعلی بیگ ذوالقدر است نماز می‌گذارد. آن مرحوم به روشنفکر مشهور بوده است. مردمان از او به نیکی یاد می‌کنند «الا ان اولیاء اللّه لا یموتون بل ینقلون من دار الی دار»

محمد ابراهیم حقشناس (مترجم معظم ما) مانند پدر، انسانی بافضیلت و راستین می‌باشد. مردم جهرم را ملجأ امور روحانی و بخصوص در مورد درماندگان و بیچارگان و یتیمان سرپرستی دلسوز و پناهگاهی مؤتمن است.

پس از درگذشت آقا سید عبدالحسین حجهٔالاسلام و شیخ عطاءاللّه حقدان بنابر اعتماد همگان اداره امور مذهبی مردم را در دست گرفت.

حقشناس علاوه بر امور روحانی و دینی به نیازهای بیچارگان و درماندگان رسیدگی می‌کند و در مسجد گازران نماز برپا می‌دارد و متون فقهی و ادبی می‌آموزاند. گشاده‌روی و پرهیزکار و پاکدل است او در این رهگذر بت‌های خودی را شکسته.

ای خنک آن را که ذات خود شناخت

اندر امن سرمدی قصری بساخت

نگارنده گوید: همانطور که آقای اشراق درباره حضرت آقای حقشناس نوشته است حقیر هم با هر کدام از علماء شیراز و جهرم و غیره استفسار احوال آنجناب نمودم جز مدح و ثناء و نیکی چیز دیگر نشنیدم و وقتی در مشهد مقدس رضوی بیمار شدم معظم له به عیادتم آمد و هرچه اصرار کردم که ترجمه و عکس خویش را بدهند که در این گنجینه یاد نمایم نپذیرفته و فرمودند من خود را لایق نمی‌دانم که در ردیف بزرگان نوشته گردم و الحق ایشان عالمی ربانی و آیتی سبحانی و دانشمندی بارع و موصوف به تقوا و ورع می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حق‌شناس، عبدالکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا عبدالکریم حق‌شناس تهرانی از علماء مبرز و فضلاء بنام و مدرسین کرام معاصر تهران است.

وی در سال ۱۳۳۸ ق در تهران متولد و پس از خواندن مقدمات و ادبیات سطوح متوسط و عالی را در تهران در خدمت آیت‌اللّه حاج شیخ محمد رضا تنکابنی و عرفان و معقول را خدمت مرحوم آیت‌اللّه شاه آبادی خوانده و در سال ۱۳۵۸ که مرحوم

ثقةالاسـلام حاج شیخ محمد حسین زاهد تهرانی (امام جماعت مسجد امین‌الدوله) تهران وفات نمود مومنین مسجد مزبور که غالبا از مقدسـین و متـدینین و اخیـار تهراننـد به قم آمـده و از آیت‌اللَّه بروجردی تقاضـا کردنـد ایشـان را بجـای آن مرحوم برای امامت آن مسجد انتصاب و اعزام فرماید.

پس ایشـان حسب‌الامـر آیت‌اللهی به تهران عزیمت و تـا حـال حاضـر در مسـجد مزبور اقـامه جماعت و هم بتـدریس فقه و اصول و معقول در مدرسه سپهسالار قدیم و خدمات دینی دیگر اشـتغال دارد و نزدیک چهل سال است که این نگارنده ایشان را می‌شناسـم حقـا دارای مقام فضل و دانش و تقوا و به پاکـدامنی و بی‌آلایشـی موصوف و در تربیت و تهـذیب اخلاق جوانان محیط خود بسـیار سـاعی و تربیـت یافتگـان مکتـب او در بـازار و حوزه‌هـای علمی قم و مشـهد بسیار است و از روز آشـنائی تـاکنون مکروهی از وی ندیده‌ام.

از آثـار ایشانست: ۱- رسـاله‌ای در ارث زوجه. ۲- تقریرات فقه مرحـوم آیت‌اللَّه حجت. ۳- تقریرات اصول آیت‌اللَّه خونسـاری. ۴- تقریرات فقه و اصول آیت‌اللَّه بروجردی.

شریک بحثی در قم داشـتند بنام مرحوم ثقةالاسـلام اسـتاد میرزا حسین نظر لوئی تبریزی که از افاضل تلامذه مرحوم آیت‌اللَّه حجه و دامـاد مرحـوم ایه اللَّه قزوینی بوده بفضـل و تقوا موصوف و مشـار بالبنـان بود و ایشـان علاقه تـام و ارادات کـاملی بوی داشت او را دعوت نمود که به مشـهد مقـدس ببرد ولی متأسـفانه در تهران مرگ ناگهـانی او را ربود و در ری در جوار ابن بـابویه با همت عالی معظم له دفن گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

حق‌نیا، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: خاک‌شناسی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

حقوری هروی، ابوالحرث حرب

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم و پنجم ق)، شاعر. وی اهل خراسان و از گویندگان درجه دوم دربار سـلطان محمود غزنوی بود. از زندگی و احوال وی بیش از این در تذکره‌ها نیامده، ده بیت از اشعار او باقی مانده است که شامل یک غزل و یک رباعی و دو بیت مفرد است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شاعران بی دیوان (۴۳۸ -۴۳۷)، فرهنگ سخنوران (۲۷۲)، لباب الالباب (۶۱ -۶۰ /۲)، لغت نامه (ذیل/ ابوالحرث)، مجمع الفصحا (۵۷۳ -۵۷۲ /۱).

حقوقی راد، ناصر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: انگل‌شناسی، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکـترای دامپزشـکی از دانشـگاه تهران، کارشناسـی ارشـد انگل‌شناسـی از دانشـکده طب گرمسیری لیورپـول انگلسـتان، گذرانـدن واحدهای دکترای بهداشت در دانشکده بهداشت جانز هاپکینز آمریکا.

مرتبه علمی:

دستیـار گروه میکروبیولوژی دانشـکده پزشـکی شـیراز به مـدت دو سال و نیم، اسـتادیار دانشـکده پزشـکی اصـفهان در سال ۱۳۵۳، دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیماریهای انگلی نظیر هیداتیـدوز، آسـکاریدوز، ژیاردیوزو توکسوپلاسـموز، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۱ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تشخیص آزمایشگاهی بیماریهای انگلی روده، بیماریهای انگلی شایع در اهواز و استان خوزستان و اصول پیشگیری از این بیماریها.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۹

زمینه علمی مقالات:

اپیدمیولوژی و تشخیص بیماریهای انگلی نظیر بیماری کیست هیداتیک، آسکاریدوز، کاپیلاریوز روده‌ای، توکسوپلاسموز، مالاریا، کریپتوسپوریدیوز، ژیاردیوز.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

حقی خوانساری

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۷۷ /۱۰۳۷ ق)، عارف و شاعر، متخلص به حقی. از مشایخ بزرگ خوانسار بود. نسب حقی به خواجه حسن ماضی و از او با چند واسطه به عارف بزرگوار حافظ سعدالدین عنایت‌اللّه خوانسار می‌رسد. حقی از بنی‌اعمام حشمتی بود و با تقی اوحدی نسبت خویشی داشت. وی خطیبی زبردست، شاعری توانا و مرشدی کامل بود. آقا حقی در مسجد جامع اصفهان در کمال فصاحت خطابه می‌گفت. وی در خوانسار بدورد حیات گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای خوانسار (۴۷ -۴۶)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۹۸ -۲۹۷)، الذریعه (۲۵۸/۹)، ریاض العارفین (۶۹)، ریحانه (۱۹۰ -۱۸۹ /۲)، فرهنگ سخنوران (۲۷۳)، مخزن الغرائب (۷۷۷ -۱/۷۷۶)، نشتر عشق (۴۶۵/۲).

حقی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای شیخ محمد بن العالم العابد عبدالله سرابی حقی از فضلاء اعلام حوزه و مدرسین و نویسندگان کرام می‌باشند وی در سال ۱۳۴۸ قمری در شهرستان سراب آذربایجان متولد شده و پس از فراگرفتن مقدمات و ادبیات در سن ۱۴ سالگی به تبریز رفته و به تکمیل علوم ادبی پرداخته سپس عازم قم شده و سطوح عالیه را نزد مدرسین مانند مرحوم آیت‌الله امام خمینی و آیت‌الله حاج سید حسین قاضی و آیت‌الله سلطانی و آیت‌الله حایری خوانده و پس از اتمام آن به نجف اشرف و مدتی از محضر اساتید بزرگ آنجا چون حضرت آیت‌الله العظمی خوئی مدظله و آیت‌الله میرزا باقر زنجانی و آیت‌الله العظمی مرحوم حکیم و بعضی دیگر استفاده کرده و ضمنا قسمتی از مباحث اعتقادی و اخلاقی را از آقای شیخ محمدعلی سرابی که از تلامذه مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی بود بهره‌مند شده و مراجعت به قم نموده و از محضر آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی شریعتمداری و آیت‌الله العظمی امام خمینی کامیاب شده و به تدریس فقه و اصول و کلام و غیره پرداخته است.

مولف گوید استاد حقی از دانشمندان جدی و اشتغال زیادی به تفسیر و عقاید دارند و در حال حاضر هم جلسات بحث عقاید اسلامی دارند که بر مبنای کتاب و سنت و عقل مورد بررسی قرار داده و متعرض اقوال حکماء و متکلمین شده و گفتار آنان را رد و تحلیل می‌نمایند. و مدت سه سالست که جزء هیئت تحریریه مکتب اسلام بوده و در جلسه مهم پاسخ سؤالات شرکت دارند. و نیز در دارالتبلیغ اسلامی به تدریس اخلاق عالی اشتغال داشته‌اند.

آثار علمی استاد حقی مضافا بر تقریرات اساتید بزرگ در فقه و اصول چند مجلد کتاب است که می‌نگارم. ۱- صحنه‌های خوش‌منظر در تفسیر سوره کوثر ۲- راه و چاره یا پناه و پناهگاه در تفسیر معوذتین.

۳- یگانه‌پرستی تفسیر مفصل از سوره مبارکه توحید ۴- شرح دعاء افتتاح.

۵- الاسماء والتسمیه ۶- رساله‌ای در تفسیر آیه نور ۷- رساله‌ای در لباس مصلی.

۸- رساله‌ای در تقلید شرح بر عروه ۹- تفسیر مهم و مفصل قرآن مجید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حقی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی حقی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۸۱ به بعد در درسهای فقهی حضرات آیات وحید خراسانی و مرحوم آیت الله تبریزی شرکت کردم و همزمان به تدریس درس مکاسب مرحوم شیخ در مدرسه خان و مدرسه امام عصر اشتغال دارم و از سال ۸۳ تاکنون به همراه دوست گرامی جناب حجهٔالاسلام والمسلمین آقای سید علی عماد بیرجندی طرحی را که در ارتباط با فقه القرآن با نگاهی متفاوت از آنچه تاکنون رایج بوده آغاز کرده ایم که احتمالاـ برای تکمیل آن بین ۱۰ تا ۱۵ سال نیاز به زمان است و می تواند آثار و نتایج علمی خوبی برای محققان حوزوی در برداشته باشد. طرح مذکور در مرحله فیش برداری و مطالعات اولیه قرآنی قرار دارد و در مراحل بعد نیاز به همکاری و یاری تعداد زیادی از محققان حوزه خواهد داشت که امید است مورد عنایت حضرت ولی عصر قرار گیرد.

تنظیم آثار علمی مرحوم والدم که شامل دست نوشته های فراوان فقهی، تفسیری، کلامی و فلسفی است از دیگر دغدغه های اینجانب است که امیدوارم بتوان سر و سامانی به آنها داده و بخشهایی از آن را به جامعه عرضه دارم، انشاء الله. از سال ۷۷ تا ۸۴ نیز بطور مستمر در حلقه جلسه تفسیر جمعی از بزرگان حوزه که بصورت هفته ای ۲روز تشکیل می شد شرکت کرده و بهره علمی فراوانی از محضر آقایان بردم.همچنین با توجه به نیاز فراوان جوانان و نوجوانان به مفاهیم و معارف ناب قرآن و اهل بیت و کمبود کارهای علمی و بی توجهی به این سنین از سوی محققان حوزه ای، طرح چند جلد کتاب آموزشی موضوعات منتخب قرآن همراه با معانی قابل درک و ابزارهای تفهیم و انتقال این مفاهیم به گروههای سنی ۴ تا ۱۸ سال را در دست تالیف و تحقیق دارم که امیدوارم به تدریج تکمیل و به جامعه عرضه گردد. بخشهایی از این موضوعات در موسسه حفظ قرآن کوثر و مدارس تابع آن در سالهای گذشته تدریس شده و نتایج مثبت آن مورد ارزیابی قرار گرفته است و هم اکنون آماده تکثیر و ارائه به سایر مراکز آموزشی کشور است.

حقیری تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۹۹۴ ق)، شاعر. از فراروییان زمان خود بود و در تبریز به موبینه‌دوزی اشتغال داشت. وی به نواحی مختلف ایران از جمله مشهد و کاشان سفر کرد و در کاشان با محتشم کاشانی و شاعران دیگر همنشین و همصحبت شد. حقیری در حمله‌ی لشکریان عثمانی به تبریز کشته شد. او از غزلسرایان زبردست زمان خود بود. «دیوان» غزلیاتش شامل حدود شش هزار بیت است. برخی به خطا تخلص «حقیری» را «فقیری» ضبط کرده‌اند در حاشیه کتاب «آتشکده‌ی آذر» نام وی شهاب‌الدین احمد نوشته شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۳/۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۳۱)، تحفه سامی (۲۶۱)، دانشمندان آذرباجیان (۱۲۰ –۱۱۹)، الذریعه (۲۵۹/۹)، صبح گلشن (۳۱۹)، فرهنگ سخنوران (۲۷۳)، هفت اقلیم (۲۵۰ –۲۴۹ /۳).

حقیری هروی، شهاب‌الدین احمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، شاعر. از شاعران نامی دربار سلطان حسین بوده و در فن شعر و معما تبحر داشته است. وی پس از انقراض سلسله‌ی تیموریان به مداحی میرزا حبیب‌اللّه، وزیر خراسان، پرداخت. از حقیری «رساله»ای در توضیح قواعد معما به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۲۶)، تذکره‌ی روز روشن (۲۱۸)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۰۹، ۴۷۱)، حبیب السیر (۳۶۱/۴)، لغت نامه (ذیل/ حقیری)، الذریعه (۲۵۹/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۷۳)، مجالس النفائس (۲۵۹، ۸۵، –۸۴).

حقیری همدانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر و موسیقیدان. وی اهل همدان بود و از معاصران و ندیمان سام میرزای صفوی. علاوه بر شاعری در موسیقی نیز دست داشت و از آواز خوش بهره‌مند بود. به همین سبب در بعضی تذکره‌ها او را «حنجری» گفته‌اند، شهرت این شاعر برابر «تحفه‌ی سامی»، حقیری است. البته در نسخ بدل «فقیری» آمده و صبا در «تذکره‌ی روز روشن»، حنجری یاد کرده است. مولف کتاب «بزرگان و سخن‌سرایان همدان»، ترجمه‌ی احوال او را یکبار به عنوان فقیری و بار دیگر ذیل حنجری ذکر کرده است. ما اساس را بر

تذکره «تحفه سامی» گذاشته و ترجمه حال او را تحت عنوان حقیری آوردیم. بیت زیر تنها بیت شاعر است که در همه‌ی تذکره‌ها به نام او آمده است:

خاک پایت گه در این چشم است ما را، گه در آن

بسر مثال شیشه‌های ساعت و ریگ روان

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۸۶، ۲۴۷ /۱)، تاریخ موسیقی (۳۲۲/۱)، تاریخ نظم و نثر (۶۷۴)، تحفه سامی (۲۷۱)، تذکره‌ی روز روشن (۲۲۱)، فرهنگ سخنوران (۲۷۳)، مجالس النفائس (۳۰۵).

حقیقت کیش، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۰ مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی نساجی، دانشکده: مهندسی نساجی، دانشگاه: صنعتی امیرکبیر.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد نساجی و رنگرزی از دانشکده نساجی دانشگاه صنعتی امیرکبیر در سال ۱۳۴۴، کارشناسی ارشد تکنولوژی نساجی از دانشگاه صنعتی امیرکبیر در سال ۱۳۵۲، دکترای علوم الیاف و پلیمر از دانشگاه کارولینای شمالی آمریکا در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

دستیار تحقیقاتی دانشگاه کارولینای شمالی به مدت ۴ سال، تدریس در دانشکده نساجی دانشگاه صنعتی امیرکبیر از سال ۱۳۵۷ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام ۴ طرح تحقیقاتی در زمینه مکانیک نساجی، تحقیق در رابطه با مرسریزاسیون الیاف پنبه و ریسندگی، تحقیق در رابطه با تغییر ساختار فیزیکی الیاف پلی استر، ارزیابی ظاهری فرشهای ماشینی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

علوم پلیمر.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۹، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۲

زمینه علمی مقالات:

نساجی، علوم الیاف و پلیمر.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

حقیقی ماوراءالنهری، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به حقیقی. اصلش از ماوراءالنهر بود. مدتی در گجرات زیست. وی در جوانی درگذشت. از اوست:

در حقیقت دگری نیست، خدایم همه

لیک از گردش یک نقطه، جداییم همه

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۱۹)، الذریعه (۲۶۰ -۲۵۹ /۹)، فرهنگ سخنوران (۲۷۴)، مخزن الغرائب (۸۵۸/۱)، مرآت الخیال (۲۱۶ -۲۱۵، ۲۰۸ -۲۰۷).

حکاک باشی شیرازی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۰ -۱۲۱۰ ق)، نقاش، حکاک و خطاط. وی اصلا شیرازی از منسوبان آقا محمد طاهر حکاک شیرازی بود. میرزا حسین به آذربایجان رفت و مدت چهل سال در تبریز زندگی کرد و همان جا درگذشت. او در خط نستعلیق و حک خواتم و عمل نقاری و

کتیبه‌نگاری و سجع مهر و طغراسازی و ترکیب بندی در عصر خود بی‌نظیر بود. از آثار وی مهرهایی است که برای ناصرالدین‌شاه و بسیاری از شاهزادگان و بزرگان رجال به دست او حک شده و آنچه پول در دوره‌ی وی ضرب شده سر سکه‌ی آن را، او کنده است. لقب حکاک باشی به فرمان ناصرالدین به نام او صادر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۵۱/۱)، احوال و آثار نقاشان (۱۲۹۱/۳، ۱۵۹/۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۸۹/۲)، المآثر و الآثار (۲۲۰).

حکاک تهرانی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۷۵ ق)، حکاک و خطاط. وی نستعلیق را نیکو و محکم می‌نوشت و در فن حکاکی مهارت کامل داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۷۳/۲).

حکاک، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، نقاش، حکاک و خطاط. وی برادر حاج میرزا حسین حکاک باشی و از خویشاوندان آقا محمدطاهر حکاک معروف بود. از مردم شیراز و معاصر ناصرالدین‌شاه قاجار بود. او در خط نستعلیق و تقلید آثار و حک مهر و نقاری و کتیبه‌نگاری و تربیت سجع مهر و طغراسازی، مانند برادرش، دست قوی داشت و هنگام تالیف «المآثر و الاثار» (۱۳۰۶ ق)، درگذشته بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۳۸ –۱۳۷ /۱)، احوال و آثار نقاشان (۱۵۲/۱).

حکاک، خداداد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۰۳ ق)، خطاط. از هنرمندان گمنام بود. از آثار او قطعه‌ای است به قلم سه دانگ خوش، با رقم: «مشقه العبد المذنب خداداد الحکاک ۱۲۰۳».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۷۵ –۱۷۴ /۱).

حکاک، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمد حکاک عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه تربیت مدرس می باشد.وی تحصیلات دانشگاهی را در دانشگاه بغداد عراق در رشته مهندسی برق آغاز کرد و پس از اخذ مدرک کارشناسی برای تکمیل معلومات دانشگاه به آمریکا عزیمت کرد و دانشگاه ایلینوی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در رشته مهندسی برق به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۵۰ موفق به اخذ مدرک دکتری شد.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی برقگرایش : مخابرات (میدان و موج)تحصیلات رسمی و حرفه ای : لیسانس : مهندسی برق , دانشگاه بغداد , عراق, ۱۳۴۲ فوق لیسانس : مهندسی برق , دانشگاه ایلینوی , آمریکا , ۱۳۴۷ دکتری : مهندسی برق , دانشگاه ایلینوی (, آمریکا , ۱۳۵۰مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مسؤولیت های اجرایی و اداری و مدیریتی دکتر محمد حکاک به ترتیب زیر است: ۱– عضو هفتمین هیأت مدیره مرکزی انجمن مهندسین برق والکترونیک ایران , ۰۱/۰۱/۱۳۸۴ – ۲۹/۱۲/۱۳۸? ۲– عضو کمیته علمی چهاردهمین کنفرانس سالانه سراسری مهندسی برق ایران ، دانشگاه صنعتی امیر کبیر ، تهران , ۲۹/۰۱/۱۳۸۴ – ۲۹/۰۱/۱۳۸ ?۳– سردبیر مجله علمی پژوهشی فنی ومهندسی دانشگاه تربیت مدرس , ۲۹/۰۸/۱۳۸۳ – ۴– مسوول کمیته علمی سمپوزیوم بین المللی مخابرات IST۲۰۰۵)) ، مرکز تحقیقات مخابرات ایران , ۰۱/۰۶/۱۳۸۳ – ۰۱/۰۶/۱۳۸۴ ۵– عضو کمیته علمی سیزدهمین کنفرانس سالانه سراسری مهندسی برق ایران ، دانشگاه زنجان ، زنجان, ۲۹/۰۱/۱۳۸۳ – ۲۹/۰۱/۱۳۸۴ ۶– عضو کمیته ارتقاء اعضای مرکز تحقیقات مخابرات ایران, ۲۹/۰۱/۱۳۸۲ – ۷– عضو هیئت رئیسه مرکز تحقیقات مخابرات ایران , ۲۹/۰۱/۱۳۸۳ – ۸– رئیس پژوهشکده انتقال در مرکز تحقیقات مخابرات ایران , ۰۱/۰۱/۱۳۸۳ – ۲۹/۱۱/۱۳۸۴ ۹– عضو کمیته علمی دوازدهمین

کنفرانس سالانه سراسری مهندسی برق ایران ، دانشگاه فردوسی مشهد ، مشهد , ۲۹/۰۱/۱۳۸۳ – ۱۰– عضو هیئت تحریریه مجله علمی پژوهشی انجمن مهندسین برق والکترونیک ایران , ۲۹/۰۱/۱۳۸۳ – ۱۱– عضو هیات تحریریه مجله فضا ، سازمان فضائی ایران ، تهران, ۲۹/۰۱/۱۳۸۲ – ۱۲– عضو کمیته مشورتی سازمان فضایی ایران ، مرکز سنجش از دور ایران ، تهران , ۲۹/۰۱/۱۳۸۱ – ۱۳– قائم مقام مجری طرح ماهواره کوچک مصباح در مرکز تحقیقات مخابرات ایران و سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران , ۲۹/۰۱/۱۳۸۲ – ۱۴– عضو کمیته ارتقاء اعضای انجمن مهندسین برق والکترونیک ایران , ۲۹/۰۱/۱۳۸۲ – ۱۵– مسوول کمیته مطالعات مخابرات در انجمن مهندسین برق والکترونیک ایران , ۰۱/۰۱/۱۳۸۲ – ۲۹/۱۲/۱۳۸۳ ۱۶– عضو ششمین هیأت مدیره مرکزی انجمن مهندسین برق والکترونیک ایران , ۰۱/۰۱/۱۳۸۳ – ۲۹/۱۲/۱۳۸۳ ۱۷– رئیس هفتمین اجلاس گروه کاری" کاربردهای مخابرات ماهواره ای" سازمان منطقه ای ESCAP در بانکوک , ۰۱/۰۲/۱۳۸۱ – ۱۸– رئیس سمپوزیوم بین المللی مخابرات IST۲۰۰۳)) ، مرکز تحقیقات مخابرات ایران , ۰۱/۰۱/۱۳۸۱ – ۲۹/۰۶/۱۳۸۲ ۱۹– نایب رئیس ششمین کنفرانس آسیا واقیانوسیه در مورد همکاری چند جانبه در فن آوری وکاربردهای فضا ، پکن , ۲۹/۰۱/۱۳۸۰ – ۲۰– رئیس سمپوزیوم بین المللی مخابرات IST۲۰۰۱)) ، مرکز تحقیقات مخابرات ایران , ۰۱/۰۱/۱۳۷۹ – ۲۹/۰۶/۱۳۸۰ ۲۱– مشاور رئیس مرکز تحقیقات مخابرات ایران , ۰۱/۰۱/۱۳۸۰ – ۲۲– مدیر گروه پژوهشی آنتن و انتشار امواج در مرکز تحقیقات مخابرات ایران , ۰۱/۰۱/۱۳۸۰ – ۲۹/۱۲/۱۳۸۳ ۲۳– عضو پنجمین هیأت مدیره مرکزی انجمن مهندسین برق والکترونیک ایران , ۰۱/۰۱/۱۳۸۰ – ۲۹/۰۳/۱۳۸۱ ۲۴– رئیس ششمین اجلاس گروه کاری" کاربردهای مخابرات ماهواره ای" سازمان منطقه ای ESCAP در بانکوک , ۰۱/۱۲/۱۳۷۹ – ۲۵– نماینده اعضای هیأت علمی در کمیته ارتقاء دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه تربیت مدرس , ۲۹/۰۱/۱۳۷۹ – ۲۹/۰۱/۱۳۸۳ ۲۶– عضو کمیته فنی صندوق توسعه الکترونیک وتحقیقات صنعتی –وزارت صنایع , ۲۹/۰۱/۱۳۷۸ – ۲۹/۰۱/۱۳۷۹ ۲۷– عضو اولین هیأت مدیره انجمن مهندسین برق والکترونیک ایران (شاخه تهران, ۰۱/۰۱/۱۳۷۹ – ۲۹/۱۲/۱۳۸۰ ۲۸– طراح و برگزار کننده دوره آموزشی " تکنولوژی ماهواره های کم ارتفاع وکاربردهای آن " مرکز تحقیقات مخابرات ایران , ۲۹/۰۱/۱۳۷۸ – ۲۹– مدیر مسؤول مجله بین المللی مهندسی ارتباطات – مرکز تحقیقات مخابرات ایران , ۲۹/۰۱/۱۳۷۸ – ۲۹/۰۱/۱۳۸۲ ۳۰– رئیس هفتمین کنفرانس سالانه مهندسی برق ایران – مرکز تحقیقات مخابرات ایران , ۲۹/۰۱/۱۳۷۸ – ۳۱– عضو کمیته مدیریتی طرح آسیائی ماهواره کوچک چند منظوره , ۲۹/۰۱/۱۳۷۸ – ۳۲– عضو کمیسیون توسعه ، فن آوری و تحقیقات شورای عالی برنامه ریزی پست و مخابرات , ۲۹/۰۱/۱۳۷۸ – ۳۳– رئیس چهارمین اجلاس گروه کاری" کاربردهای مخابرات ماهواره ای" سازمان منطقه ای ESCAP در تهران , ۲۹/۰۱/۱۳۷۷ – ۳۴– مسؤول گروه تخصصی ملی کاربردهای ارتباطات ماهواره ای در سازمان ESCAP آسیا واقیانوسیه و نماینده کشور در آن, ۲۹/۰۱/۱۳۷۶ – ۳۵– رئیس مرکز تحقیقات مخابرات ایران , ۱۰/۰۷/۱۳۷۶ – ۲۹/۱۱/۱۳۷۹ ۳۶– مسؤول گروه پژوهشی زیر سیستم مخابرات ماهواره کوچک (مصباح) در سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران, ۲۹/۰۱/۱۳۷ –? ۳۷– عضو شورای دانشگاه تربیت مدرس , ۲۹/۰۱/۱۳۷ – ?۲۹/۰۱/۱۳۷۶ ۳۸– عضو شورای پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس , ۲۹/۰۱/۱۳۷ – ?۲۹/۰۱/۱۳۷۶ ۳۹– مدیر کل دفتر پژوهشهای کاربردی دانشگاه تربیت مدرس , ۲۹/۰۱/۱۳۷ – ?۲۹/۰۱/۱۳۷۶ ۴۰– مجری قرارداد پژوهشی "مشاوره فنی مناقصه اخذ اطلاعات ماهواره ای ایستگاه زمینی ماهدشت " بین شرکت مخابرات ایران و مرکز سنجش از دور ایران , ۲۹/۰۱/۱۳۷۶ – ۴۱– مجری قرارداد پژوهشی "تدوین استانداردهای مخابراتی ملی" بین مرکز تحقیقات مخابرات ایران و دانشگاه تربیت مدرس , ۲۹/۰۱/۱۳۷ – ?۲۹/۰۱/۱۳۷۹ ۴۲– مجری قرارداد پژوهشی "تدوین نرم افزار شناسائی علائم تصویری" بین مرکز تحقیقات مخابرات ایران و دانشگاه تربیت مدرس, ۲۹/۰۱/۱۳۷ – ?۲۹/۰۱/۱۳۷۷ ۴۳– عضو هیأت تحریریه مجله فنی و مهندسی مدرس , ۲۹/۰۱/۱۳۷ – ?۲۹/۰۱/۱۳۸۳ ۴۴– عضو کمیته تحصیلات تکمیلی بخش مهندسی برق دانشگاه تربیت مدرس, ۲۹/۰۱/۱۳۷ – ?۴۵– عضو کمیته علمی دومین کنفرانس سالانه سراسری مهندسی برق ایران ، دانشگاه تربیت مدرس ، تهران , ۲۹/۰۱/۱۳۷۳ – ۴۶– عضو کمیته علمی اولین کنفرانس سالانه سراسری مهندسی برق ایران ، دانشگاه صنعتی امیر کبیر ، تهران , ۲۹/۰۱/۱۳۷۲ – ۴۷– عضو کمیته علمی اولین کنفرانس بین المللی تکنولوژی فضائی و کشورهای در حال توسعه – سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران ، تهران , ۲۹/۰۱/۱۳۷۴ – ۴۸– عضو کمیته فنی سازمان جنگلها و مراتع کشور برای پروژه شبکه های بیسیم استانهای مازندران و گیلان , ۲۹/۰۱/۱۳۷۳ – ۲۹/۰۱/۱۳۷۴ ۴۹– عضو هیأت رسمی جمهوری اسلامی ایران به اجلاس سران مختار اتحادیه جهانی مخابرات در کیوتو –ژاپن , ۲۹/۰۱/۱۳۷۳ – ۵۰– عضو هیأت رسمی جمهوری اسلامی ایران به کنفرانس توسعه ارتباطات آسیا و اقیانوسیه در سنگاپور , ۲۹/۰۱/۱۳۷۲ – ۵۱– عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس , ۲۹/۰۱/۱۳۷۲ – ۵۲– عضو هیأت رسمی جمهوری اسلامی ایران به کنفرانس جهانی رادیوئی (WARC۹۲) در اسپانیا , ۲۹/۰۱/۱۳۷۰ – ۵۳– عضو کمیته تخصصی برق و الکترونیک پنجمین دوره جشنواره خوارزمی ، تهران , ۲۹/۰۱/۱۳۷۰ – ۵۴– نماینده مرکز تحقیقات مخابرات ایران در کمیته هماهنگی گروههای مطالعاتی شرکت مخابرات ایران , ۲۹/۰۱/۱۳۷۰ – ۵۵– عضو اولین هیأت مدیره مرکزی انجمن مهندسین برق والکترونیک ایران ، تهران , ۲۹/۰۱/۱۳۷۰ – ۵۶– عضو گروه مطالعاتی پروژه انتشار امواج موضوع قرارداد وزارت پست و تلگراف و تلفن با دانشگاه صنعتی امیر کبیر , ۲۹/۰۱/۱۳۷۰ – ۵۷– عضو کمیته اجرائی "سمینار فیبر نوری و کربردهای آن" انجمن فیزیک ایران ، دانشگاه اصفهان ، اصفهان , ۲۹/۰۱/۱۳۷۰ – ۵۸– مشاور فنی و ناظر بر احداث اطاق ساکت مایکروویو در دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی امیر کبیر , ۲۹/۰۱/۱۳۷۰ – ۵۹– ناظر اجرائی دوره کارشناسی ارشد "مخابرات مایکروویو" موضوع قرارداد مرکز تحقیقات مخابرات ایران با دانشگاه صنعتی شریف , ۲۹/۰۱/۱۳۷۰ – ۲۹/۰۱/۱۳۷ ?۶۰– رئیس بخش انتقال رادیوئی و نوری در مرکز تحقیقات مخابرات ایران , ۲۹/۰۱/۱۳۶۴ – ۲۹/۰۱/۱۳۷۲ ۶۱– طراح شبکه سیم کشی برق والکترونیک وناظر بر اجرای آن در کارخانه ساخت قطعات الکترونیکی – بغداد – عراق , ۲۹/۰۱/۱۳?۶ – ۶۲– عضو کمیته مطالعاتی سازمان پژوهشهای علمی عراق برای تعریف طرح تلسکوپ رادیوئی در شمال عراق , ۲۹/۰۱/۱۳ –?? ۶۳– رئیس بخش مهندسی برق دانشکده فنی ومهندسی دانشگاه بغداد , ۲۹/۰۱/۱۳?۴ – ۲۹/۰۱/۱۳ ??۶۴– عضو هیأت علمی دانشکده فنی ومهندسی دانشگاه بغداد , ۲۹/۰۱/۱۳?۰ – ۲۹/۰۱/۱۳?۹ ۶۵– دستیار پژوهش (Research Assistant) و دستیار

تدریس (Teaching Assistant) در بخش مهندسـی برق دانشـگاه ایلینـوی – آمریکـا , ۲۹/۰۱/۱۳۴۸ – ۲۹/۰۱/۱۳?۰ ۶۶– مهنـدس مجری شبکه هـای تأسیساتی برق و تلفن اسـتادیوم بزرگ بغـداد , ۲۹/۰۱/۱۳۴ – ?۶۷– مهنـدس طراحی شـبکه های برق رسانی در موسسات نظامی عراق در مـدت خدمت سـربازی , ۲۹/۰۱/۱۳۴۳ – ۲۹/۰۱/۱۳۴۴ ۶۸– مهنـدس بهره برداری و نگهداری ایسـتگاه فرستنده های مخابراتی HF شـرکت مخابرات عراق , ۲۹/۰۱/۱۳۴۲ – ۶۹– عضو کمیته علمی پـانزدهمین کنفرانس سالانـه سراسـری مهندسـی برق ایران ، مرکز تحقیقـات مخـابرات ایران , – عضـویت در مجـامع علمی : ۱– عضـو انجمن مهندسـین برق والکترونیک IEEE Member of (آمریکـا) , ۲۹/۰۱/۱۳?۰ – ۲۹/۰۱/۱۳۶۲ ۲– عضو ارشد انجمن مهندسـین برق والکترونیک IEEE Senior Member of(آمریکـا) , ۲۹/۰۱/۱۳۶۲ – ۳– عضـو انجمن مهندسین برق IEE Member of (انگلیس) , ۲۹/۰۱/۱۳?۷ – ۲۹/۰۱/۱۳۶۹ ۴– عضـو برجسـته انجمن مهندسین برق IEE Fellow of (انگلیس), ۲۹/۰۱/۱۳۶۹ – ۵– عضو برجسته انجمن مهندسین الکترونیـک و رادیـو IERE Fellow of(انگلیس) , ۲۹/۰۱/۱۳۶۴ – ۲۹/۰۱/۱۳۷۳ ۶– عضـو انجمن مهندسـین برق والکترونیـک ایران Member of IAEEE (ایران) , ۲۹/۰۱/۱۳۷۰ – ۷– عضـو ارشـد انجمـن مهندسـین برق والکترونیک ایران Member of IAEEE Senior (ایران) , ۲۹/۰۱/۱۳۸۰ – ۸– عضو انجمن فیزیک ایران , ۲۹/۰۱/۱۳۷۰ – ۹– عضو اولین , پنجمین و ششـمین هیأت مـدیره مرکزی انجمن مهندسین برق والکترونیک ایران ۱۰ – , IAEEE– عضو اولین هیأت مـدیره شـاخه تهران انجمن مهندسین برق والکترونیک ایران, ۲۹/۰۱/۱۳۷۸ – ۱۱– عضو کمیته ارتقـا اعضای انجمن مهندسین برق والکترونیک ایران ۱۲ – ۲۹/۰۱/۱۳۸۱ , IAEEE– مسؤول کمیته مطالعـات مخابرات در انجمن مهندسـین برق والکترونیک ایران , ۲۹/۰۱/۱۳۸۱ –فعالیتهـای آموزشـی : عنوان دروس تـدریس شـده توسط دکتر حکاک به قرار زیر است: ۱– مـدارات الکترونیکی , کارشناسـی دانشگاه ایلینوی (آمریکا) ۲– آزمایشـگاه اندازه گیری الکتریکی , کارشناسـی دانشـگاه ایلینوی (آمریکا) ۳– ریاضیات مهندسـی , کارشناسی دانشگاه بغداد (عراق) ۴– میدان . امواج و مایکروویو ۱ , کارشناسی ۵– آنتن ۱ , کارشناسی دانشگاه بغداد و دانشگاه پولیتکنیک (عراق) ۶– خطوط انتقال , کارشناسـی دانشگاه بغداد و دانشگاه پولیتکنیک (عراق) ۷– تکنولوژی الکتریکی , کارشناسی ۸– تاریخ مهندسی برق, کارشناسی ۹– سیستمهای رادار, کارشناسی دانشگاه بغداد (عراق) ۱۰– الکترومغناطیس پیشرفته , کارشناسـی ارشـد دانشـگاه بغـداد (عراق) ۱۱– طراحی سیسـتمهای مـایکروویو , کارشناسـی ارشـد دانشـگاه بغـداد (عراق) ۱۲– ریاضـیات مهندسی پیشرفته , کارشناسی ارشد دانشگاه بغداد (عراق) ۱۳– آنتنهای پیشرفته (آنتن ۲), کارشناسی ارشد دانشگاه های صنعتی شـریف ، صـنعتی امیر کبیر ،صنعتی خواجه نصیر الدین طوسی و تربیت مدرس ۱۴– انتشار امواج پیشـرفته , کارشناسی ارشد خواجه نصیر الدین طوسی و تربیت مدرس ۱۵– مخابرات ماهواره ای , کارشناسـی ارشد و دکترا خواجه نصیر الدین طوسی ، تربیت مـدرس و امیر کبیر ۱۶– مخابرات سیار , کارشناسـی ارشـد تربیت مدرس ۱۷– تحلیـل و طراحی آنتنهـای رفلکتوری , دکترا تربیت مدرس ۱۸– اثرات انتشار امواج در مسیر ماهواره–زمین , دکترا تربیت مدرس ۱۹– روشهای تحلیلی در الکترومغناطی , دکترا تربیت مـدرسآرا و گرایشـهای خـاص : زمینه هـای مورد علاقه تحقیقـاتی دکـتر محمـد حکـاک به قرار زیر است: ۱– تئوری و فـن آوری آنتنهای مایکروویو ۲– تئوری و فن آوری قطعـات موجبری و ترکیبـات آن ۳– تئوری و فن آوری ایسـتگاههای زمینی سیسـتمهای مـاهواره ای ۴– تئوری و فن آوری مـاهواره هـای کوچـک وکاربردهـای آنها ۵– تئوری انتشـار امواج در محیطهـای بـاز و بسـته ۶– روشهای تحلیلی در آنتن و الکترومغناطیس ۷– مخابرات ماهواره ای ۸– مخابرات سـیار زمینی و ماهواره ایجوائز و نشانها : ۱– جایزه رئیس جمهور و شـش سازمان دولتی بمناسـبت کسب رتبه اول دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه بغداد در فارغ التحصیلی , دانشگاه بغداد, ۱۳۴۲ ۲– نامه تشـکر و قـدردانی و تقـدیم هـدیه انجمن IEEE بخاطر ایراد سـخنرانی علمی در یکصـدمین سالگرد تأسـیس انجمن , ایران, ۱۳۶۲ ۳– نامه تشـکر و قـدردانی انجمن فیزیک ایران بخاطر زحمات در برگزاری سـمینار " تارهای نوری " , ایران, ۱۳۷۰ ۴– – لوح تقدیر ریاست دانشگاه تربیت مدرس به عنوان استاد موفق سال تحصیلی ۷۵–۷۴ , دانشگاه تربیت مدرس, ۱۳۷۵ ۵– لوح تقـدیر نخستین کنفرانس دانشـجوئی مهندسـی برق کشور بخـاطر ایراد سـخنرانی علمی کـاربردی , ایران, ۱۳۷۷ ۶– لوح تقدیر معـاون رئیس جمهور و رئیس سازمـان برنامه و بودجه بخاطر عضویت در شورای عالی برنامه ریزی ارتباطات ومشارکت در تـدوین برنامه سوم توسـعه اقتصادی اجتماعی وفرهنگی کشور , ایران, ۱۳۷۸ ۷– جایزه ولوح تقـدیر سازمان COMSTECH بخاطر کسب رتبه اول تحقیقـات کـاربردی در سـیزدهمین جشـنواره بین المللی خـوارزمی , ایران, ۱۳۷۸ ۸– جـایزه ولوح تقـدیر رئیس جمهوری بخـاطر کسب رتبه اول تحقیقات کاربردی در سیزدهمین جشنواره بین المللی خوارزمی , ایران, ۱۳۷۸ ۹– لوح تقـدیر معاون برنامه ریزی و توسـعه وزارت پست وتلگراف وتلفن بخاطر کسب رتبه اول توسـعه تحقیقات در جشـنواره شهید رجائی , ایران, ۱۳۷۹ ۱۰– لوح تقدیر رئیس جمهوری بخاطر کسب رتبه اول توسعه تحقیقات برای مرکز تحقیقات مخابرات ایران در جشـنواره شـهید رجائی , ایران, ۱۳۷۹ ۱۱– نـامه تشـکر و قـدردانی معـاون آمـوزش ، تحقیقـات و فـن آوری وزارت پست وتلگراف وتلفن بخـاطر برگزاری موفقیت آمیز و رضایت بخش اولین همایش " نقش ارتباطات در ارتقاء بهره وری کشور " , ایران, ۱۳۷۹ ۱۲– لوح تقدیر دبیر کمیته دائمی کنگره همکاریهـای دولت ، دانشـگاه و صـنعت برای توسعه ملی بخـاطر نمونه بودن مرکز تحقیقات مخابرات ایران در سـطح کشـور , ایران, ۱۳۷۹ ۱۳– لوح تقـدیر از مرکز تحقیقـات مخـابرات ایران برای موفقیت در برگزاری سـمپوزیوم بین المللی مخابرات (IST۲۰۰۱) , ایران, ۱۳۸۰ ۱۴– لوح تقـدیر و هـدیه دومین همـایش سیسـتمهای تعیین موقعیت ماهواره ای بخاطر ایراد سـخنرانی کلیدی , ایران, ۱۳۸۰ ۱۵– لوح تقـدیر از معـاون فن آوری اطلاعات وبرنامه ریزی وزارت پست وتلگراف وتلفن بخاطر موفقیت در برگزاری سمپوزیوم بین المللی مخابرات IST۲۰۰۳)) , ایران, ۱۳۸۲ ۱۶– جائزه ولوح تقدیر بعنوان یکی از بانیان پژوهش از انجمن مهندسـین برق والکترونیـک ایران , ایران, ۱۳۸۳ ۱۷– جـائزه ولـوح تقـدیر از وزیر علـوم ، پژوهش و فن آوری بعنـوان اسـتاد نمونه کشوری , ایران, ۱۳۸۴ ۱۸– جائزه ولوح تقدیر از رئیس دانشگاه تربیت مدرس بعنوان استاد نمونه کشوری , دانشگاه تربیت مدرس, ۱۳۸۴ ۱۹– لوح تقدیر از رئیس دانشکده فنی ومهندسی دانشگاه تربیت مدرس بعنوان استاد نمونه کشوری , ایران, ۱۳۸۴ ۲۰– جائزه ولوح تقدیر از رئیس دانشگاه تربیت مدرس بعنوان سـردبیر مجله نمونه فنی ومهندسی دانشگاه , دانشگاه تربیت مدرس, ۱۳۸۴ ۲۱– جـایزه ولوح تقـدیر از رئیس بخش مهندسـی برق وکـامپیوتر برای دبیری علمی شانزدهمین کنفرانس مهندسـی برق ایران , دانشگاه

تربیت مدرس, ۱۳۸۷ ۲۲- لوح تقدیر از رئیس دانشگاه تربیت مدرس برای دبیری علمی شانزدهمین کنفرانس مهندسی برق ایران , دانشگاه تربیت مدرس, ۱۳۸۷ ۲۳- لوح تقدیر از وزیر ارتباطات وفناوری اطلاعات برای دبیری علمی شانزدهمین کنفرانس مهندسی برق ایران , دانشگاه تربیت مدرس, ۱۳۸۷ ۲۴- لوح تقدیر از معاون پژوهشی رئیس جمهور برای دبیری علمی شانزدهمین کنفرانس مهندسی برق ایران , دانشگاه تربیت مدرس, ۱۳۸۷ چگونگی عرضه آثار : تعداد مقالات چاپ شده داخلی :۱۴ مورد تعداد مقالات چاپ شده بین المللی:۳۱ مورد تعداد مقالات ارائه شده در کنفرانس های داخلی:۴۰ مورد تعداد مقالات ارائه شده در کنفرانس های بین المللی:۵۱ مورد تعداد پایان نامه های کارشناسی ار شد تحت مشاوره/راهنمایی:۴۶ مورد تعداد رساله های تحت مشاوره/راهنمایی:۱۳ مورد

آثار : انتشار امواج رادیوئی برای سیستمهای بی سیم مدرن ویژگی اثر : ۱۳۸۴–مرکز نشر دانشگاه تربیت مدرس۲ اندازه گیری مشخصات سیستمهای آنتن مخابرات سیار ویژگی اثر : ۱۳۸۵با مشارکت دکتر فرخ آرزم- مرکز تحقیقات مخابرات ایران،۳ تکنولوژی موجبرها ویژگی اثر : ۱۳۷۱–انتشارات به نشر آستانه قدس رضوی۴ سیستمهای مخابرات ماهواره ای و کاربردهای آن ویژگی اثر : ۱۳۶۸–انتشارات سروش۵ مبانی طراحی مخابرات سیار ویژگی اثر : ۱۳۸۰–مرکز نشر دانشگاهی ، تهران۶ مخابرات سیار ماهواره ای ویژگی اثر : ۱۳۸۱–انتشارات نص ، تهران۷ مسائل الکترومغناطیس ویژگی اثر : ۱۳۵۵انتشارات شخصی منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

حکمت بوشهری، علی‌محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۹ ق)، طبیب، شاعر و روزنامه‌نگار. در بوشهر متولد شد و در زادگاه خود و شیراز تحصیل کرد. حکمت در علم طب دست داشت. وی مدیر روزنامه‌ی «آشتی» و صاحب کتابخانه نفیسی بوده است. از اوست:

مطربا بفرست رحمت، عاشقان عود را

وز درود رود آگه کن دل داوود را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۹۶۷ -۹۶۵ /۵، ۲۹۱ -۲۸۹ /۲).

حکمت شعار، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زیست‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته زیست‌شناسی از دانشگاه تربیت معلم تهران در سال ۱۳۴۲، دکترا در رشته فیزیولوژی گیاهی از فرانسه در سال ۱۳۳۵.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس گیاه‌شناسی در دانشگاه ارومیه در سال ۱۳۴۶، تدریس دروس فیزیولوژی گیاهی در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه تبریز.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تغذیه و متابولیسم گیاهی، فیزیولوژی گیاهان در شرایط دشوار.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

تغذیه کانی گیاهان، شوری و مسائل ناشی از آن، سیتوتاکزونومی و شیمیوتاکزونومی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

حکمت نیا، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود حکمت نیا

محل تولد : ابرکوه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۱هجری شمسی وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدت هفت سال دوره مقدماتی و سطح را طی کردم. سال ۱۳۶۹ همزمان با شروع درس خارج رشته حقوق را در مجتمع آموزش عالی قم (دانشگاه تهران) آغاز کرده که با اتمام دوره کارشناسی در سال ۱۳۷۳ وارد مقطع کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس و پس از فارغ التحصیلی در سال ۱۳۷۸ در دوره دکتری همان دانشگاه مشغول به تحصیل شدم در سال ۱۳۸۳ از رساله دکتری خود با عنوان « مبانی نظری مالکیت فکری با تأکید بر فقه اسلامی» دفاع کردم. زبان انگلیسی را به مدت دو سال در مرکز زبانهای تخصصی دفتر تبلیغات پی گرفته و در سال ۱۳۷۸ از آن مرکز فارغ التحصیل شدم.همکاری علمی خود را با واحد اصطلاح نامه مرکز مطالعات و تحقیقات در سال ۱۳۷۳ آغاز کردم که حاصل سه سال همکاری تدوین اصطلاح نامه علوم قرآنی و اصول فقه به صورت جمعی است. سال ۱۳۷۶ شروع همکاری اینجانب با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به عنوان مدیر گروه فقه و حقوق بوده است که همچنان ادامه دارد.دراین مدت علاوه بر فعالیت در گروه فقه و حقوق، مدیریت بخش حقوقی دانشنامه امام علی (علیه السلام) را عهده دار بوده ام. همکاری با مجلات کتاب نقد ، مجله قبسات ، همکاری با پژوهشکده فقه و حقوق دفتر تبلیغات و راه اندازی سردبیری سه شماره اول مجله فقه و حقوق و قائم مقام مدیر مسئول مجله ، بخشهای دیگر مدیریت علمی بوده است فعالیت تدریس در دروس حقوق مدنی ۱، ۳، ۴، ۶ و ۸ ، مقدمه علم حقوق، حقوق تطبیقی، حقوق بین الملل خصوصی، متون حقوقی و زبان تخصصی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد، در دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه تهران(پردیس قم)، دانشگاه قم، دانشگاه مفید، مرکز تخصصی قضا، مدرسه امام خمینی، مدرسه عالی فقه و اصول از سال ۱۳۷۶ تا کنون ادامه دارد

حکمت، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مورخ، شاعر، مترجم.

تولد: ۱۲۷۱(۱۳۱۰ ق.)، تهران.

درگذشت: ۳ شهریور ۱۳۵۹، تهران.

علی‌اصغر حکمت فرزند احمد علی مستوفی (حشمت‌الممالک شیرازی) بود. اجداد وی از علمای شیراز بودند و از طرف مادر نیز نوه‌ی حسن فسایی نویسنده‌ی کتاب فارسنامه ناصری بود و جد او سید علیخان کبیر صاحب شرح صحیفه نام داشت.

علی‌اصغر حکمت تحصیلات علوم قدیم (مقدمات علوم و ادبیات فارسی و عربی) را در شیراز (در مدرسه‌ی علمیه و منصوریه) فراگرفت. سپس در تهران در دبیرستان کالج آمریکایی به تحصیل ادامه داد. در تاریخ ۱۳۳۷ ق. در وزارت معارف مشغول به کار شد. در سال ۱۳۴۶ ق. به وزارت دادگستری انتقال یافت و در سال ۱۳۰۹ به منظور تکمیل تحصیلات خود به فرانسه و انگلستان عزیمت کرد و از دانشگاه سربن پاریس در رشته‌ی ادبیات فارغ‌التحصل گردید و به تهران بازگشت.

مشاغل و فعالیت‌های وی به این شرح است: رییس بازرسی وزارت معارف، ۱۲۹۹؛ رییس اداره‌ی کل معارف، ۱۳۰۷؛ مأمور مطالعات در تعلیم و تربیت و قوانین ثبت اسناد در اروپا، ۱۳۱۲ –۱۳۰۰ (بازگشت به تهران در شهریور ۱۳۱۲)؛ کفیل وزارت معارف، ۱۳۱۲؛ وزیر فرهنگ، ۱۳۱۷ –۱۳۱۳؛ رییس دانشگاه تهران، ۱۳۱۷ –۱۳۱۴؛ وزیر کشور ۱۳۱۸؛ وزیر بهداری، ۱۳۲۰؛ وزیر دادگستری، ۱۳۲۲؛ رییس کمیسیون ملی یونسکو در ایران از سال ۱۳۲۵؛ وزیر مشاور؛ ۱۳۲۶ و ۱۳۳۲ وزیر امور خارجه، ۱۳۲۸ – ۱۳۲۷؛ استاد کرسی تاریخ مذاهب و ادبیات ایران در دانشگاه تهران از سال ۱۳۲۹؛ رییس هیئت نمایندگی ایران در دانشگاه تهران از سال ۱۳۲۹؛ رییس هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس عمومی یونسکو منعقد در فلورانس (۱۹۵۰) و دهلی نو (۱۹۵۶)؛ سفیر کبیر ایران در هند ۱۳۳۶ –۱۳۳۲؛ وزیر مختار در تایلند، ۱۳۳۵؛ وزیر امور خارجه، ۱۳۳۸ –۱۳۳۷؛ رییس هیئت مدیره انجمن آثار ملی، ۱۳۳۳ –۱۳۲۴؛ رییس هیئت مؤسسان انجمن آثار ملی و ریاست انجمن، ۱۲۴۴؛ از نخستین اعضای فرهنگستان ایران؛ بنیانگذاری مجله «تعلیم و تربیت» (این مجله از انتشارات وزارت فرهنگ بود و شماره‌ی اول آن در فروردین ۱۳۰۴ منتشر شد)؛ حکمت در بیست و یکم خرداد ۱۳۵۱ کتابخانه شخصی خود را شامل پنج هزار جلد کتاب چاپی، تعداد زیادی نسخ خطی و مجموعه‌های روزنامه (از زمان ناصرالدین شاه تا زمان معاصر) و مجموعه‌های کتاب‌های تفسیر و کتاب‌های مربوط به قرآن (از عربی و فارسی و انگلیسی و تعدادی مرقعات) به کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران اهدا کرد که در مخزنی به نام او نگاهداری می‌شود، شرکت در جلسات کانون دانش پارس (به هنگامی که وی برای تدریس و سخنرانی در دانشکده‌ی ادبیات به شیراز می‌آمد، به پیشنهاد علی سامی ریاست افتخاری کانون دانش به او واگذار شد)، شرکت گابیگاه در جلسات «شب‌های شیراز» در تهران.

از جمله نشان‌های اوست: نشان درجه اول وزارت فرهنگ، ۱۲۹۹؛ نشان لژیون دونور از دولت فرانسه؛ نشان درجه اول همایون، ۱۳۲۵؛ نشان درجه اول نیل از دولت مصر، ۱۳۱۸؛ نشان درجه‌ی اول الکوکب الاردنی از دولت هاشمی اردن؛ ۱۳۲۸، نشان درجه‌ی اول سردار اعلا از دولت افغانستان، ۱۳۲۹؛ نشان رسمی درجه‌ی اول از دولت‌های هلند، دانمارک، انگلستان، ژاپن و ایتالیا.

فهرست آثار او به شرح زیر است: امثال قرآن مجید (فصلی از تاریخ قرآن کریم، ۱۳۳۳)، حروف مقطعه‌ی قرآنیه یا فواتح صدور و فصلی از تاریخ قرآن (۱۳۳۱، نشریه مجله «مهر»)؛ تفاسیر بوعلی سینا از قرآن مجید؛ تصحیح و تحشیه کشف الاسرار و عدهٔ الابرار خواجه رشیدالدین میبدی معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری؛ سعدی تا جامی (ترجمه‌ی جلد سوم دوره‌ی تاریخ ادبیات ادوارد براون، در منبع دیگر به این صورت از آن یاد شده است: ترجمه‌ی جلد سوم تاریخ ادبی ایران و در منبع دیگری آمده است: چهارمین جلد از تاریخ ادبیات ایران، (۱۳۲۷)؛ شادباش نوروزی (مجموعه اشعار، ۱۳۲۶)؛ پارسی نغز (مجموعه آثار پارسی سره از نویسندگان ایران قدیم و جدید، ۱۳۲۳)؛ امین و مأمون (ترجمه عربی آثار جرجی زیدان)؛ پنج حکایت از شکسپیر (دو جلد، لاهور، ۱۹۵۷ م.)؛ پنج درام از شکسپیر (دو جلد، تهرن، ۱۳۳۳)؛ دوستداران وطن، تقویم معارف از سال ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۷ (تحصحیح و تحشیه)؛ جام جهان نما؛ رساله‌ی قضایای عامه در «علوم طبیعی» ترجمه از انگلیسی؛ رساله در باب علیشیر نوایی (۱۳۲۶)؛ ایران در فرهنگ جهان (۱۳۲۶)؛ شعر معاصر؛ رستاخیز (اثر لئون تولستوی، ۱۳۳۹)؛ راه زندگی (اثر نیکلا حداد مصری، ۱۳۴۶ ق.)؛ شرح حال و منتخب جامی (ظاهرا همین کتاب با نام زندگی جامی شاعر ایرانی در سال ۱۳۲۰ هم به چاپ رسیده است)؛ مطالعاتی در باب حافظ (با عنوان دیگری: درسی از دیوان حافظ نیز به چاپ رسیده است، ۱۲۲۰ –۱۳۱۹)؛ مطالعه تطبیقی رومئو و ژوملیت با لیلی و مجنون نظامی (۱۳۱۷)؛ مقدمه و تحشیه و تصحیح مجالس النفائس علیشیر نوایی؛ رساله در احوال «اثر» پرشکفتی شاعر معروف فارسی؛ نقش فارسی بر احجار هند (کلکته، ۱۹۵۷ م.، چاپ دوم، تهران، ۱۳۳۸)؛ شکونتلا یا انگشتر گمشده (کالیداس، ترجمه، بمبئی، ۱۳۳۶)؛ نه گفتار در تاریخ ادیان (شیراز، نشریه دانشگاه، تهران، ۱۳۴۱)؛ الواح بابل (اثر ادوار شی‌یر، ۱۳۴۱)؛ اسلام از نظرگاه دانشمندان غرب (۱۳۴۰، چاپ دوم)؛ اصول فن مناظره (۱۳۱۶)، افسانه دلپذیر (اثر ویلیام شکسپیر، ۱۳۲۱)، الف لیله و لیله (مقدمه کتاب به قلم حکمت، ۱۳۱۵)؛ گلزار حکمت جلد اول؛ مجله‌ی «تعلیم و تربیت»؛ مجله‌ی رسمی وزارت معارف از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۵. سخن حکمت شامل سه هزار و پانصد بیت از اشعار حکمت با مقدمه‌ی سید حسن سادات ناصری به خط نستعلیق ابراهیم بوذری، سرزمین هند (۱۳۳۷، نشریه‌ی ۵۱۵ دانشگاه تهران)، تاریخ ادیان، دیوان جامی (با مقدمه و تصحیح و اهتمام ایشان). گذشته از این مجموعه مقالاتی که به قلم وی در مجلات مختلف ایران منتشر شده و همه شامل مباحث ادبی و تاریخی است.

علی‌اصغر حکمت روز دوشنبه سوم شهریور ۱۳۵۹ برابرچهاردهم شوال ۱۴۰۰ ق. در تهران وفات یافت و در شیراز در مقبره‌ی خانوادگی در حضرت عبدالعظیم «باغ طوطی » به خاک سپرده شد.

فرزند احمدعلی خان حشمت‌الممالک است که در ۱۲۷۲ در شیراز تولد یافت. حشمت‌الممالک از مستوفیان شیراز بود. حکمت تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در شیراز گذرانید و در رشته‌های ادبیات فارسی و عربی مطالعاتی نمود و سپس برای ادامه‌ی تحصیل به تهران وارد شد و ضمن گذراندن مدرسه‌ی آمریکائی، تحصیلات ادبی و فقه و اصول را ادامه داد و نزد حکما و فقهاء درجه اول آن روز مانند مرحوم میرزا طاهر تنکابنی تلمذ کرد.

در ۱۲۹۷ وارد خدمات فرهنگی گردید و با نشر مقالات محققانه و تدریس زبان انگلیسی در مدارس متوسطه، کسب شهرت نمود و وارد فعالیت‌های سیاسی شد و با کمک عده‌ای از دوستان و همفکران خود، به زعامت علی‌اکبر داور حزب رادیکال را بنیانگذاری کردند. تا ۱۳۰۹ در وزارت معارف خدمت می‌نمود و مشاغلی مانند ریاست کارگزینی، بازرسی و اداره کل معارف را تصدی می‌نمود. در این سال به تشکیلات جدید داور در دادگستری وارد شد و پس از چندی برای مطالعه در امور قضائی و ثبتی به اروپا اعزام گردید.

حکمت در اروپا وارد دانشکده‌ی حقوق و ادبیات گردید و درجه‌ی لیسانس از هر دو رشته گرفت. مأموریت دیگر حکمت در اروپا، مطالعه در امر آموزش و پرورش دانشگاه بود. وی در این مدت تحقیقاتی درباره‌ی امر تعلیم و تربیت به عمل آورده و مرتباً گزارش آن را به تهران ارسال می‌داشت.

حکمت در شهریور ۱۳۱۲ به تهران احضار شد و در کابینه‌ی ذکاءالملک فروغی ابتدا کفیل و بعد وزیر معارف و رئیس دانشگاه گردید. حکمت در کابینه‌ی جم نیز وزیر فرهنگ بود تا اینکه در شهریور ماه ۱۳۱۷ از خدمت معاف شد.

دوران پنج ساله‌ی وزارت فرهنگ علی‌اصغر حکمت را باید دوران تحول فرهنگی در ایران نام نهاد. تأسیس دانشگاه تهران، تأسیس دانشسراهای مقدماتی در سراسر کشور، برگزاری جشن هزاره‌ی فردوسی، تأسیس فرهنگستان ایران، بوجود آوردن پیشاهنگی و تغییر برنامه‌های مدارس به اصول تعلیماتی کشورهای خارج، ایجاد تحول در زبان و ادبیات پارسی، توجه به آثار باستانی و تشکیل موزه‌ی ایران باستان و تربیت کادر آموزشی و انتشار نشریات سودمند و توجه به امر ورزش در مدارس، توسعه و تکمیل مدارس ابتدائی و متوسطه از جمله کارهای او بود.

حکمت پس از معافیت از وزارت فرهنگ، شش ماه بلاشغل بود تا اینکه در اسفند ۱۳۱۷ در ترمیم کابینه‌ی محمود جم، به وزارت کشور منصوب شد. در کابینه‌ی دکتر متین دفتری نیز سمت وزارت کشور را عهده‌دار بود. در خرداد ۱۳۱۹ بار دیگر از خدمت معاف گردید و به کار تحقیق و مطالعه پرداخت.

در ترمیم کابینه‌ی فروغی در سی‌ام شهریور ۱۳۲۰، حکمت وزیر بازرگانی و پیشه و هنر شد. در ترمیم دیگر کابینه‌ی فروغی، وزارت بهداری را بر عهده گرفت. در کابینه‌ی سهیلی نیز همچنان وزیر بهداری بود.

در ۱۳۲۲ در نخست‌وزیری دوم علی سهیلی، وزارت دادگستری بر عهده‌ی حکمت قرار گرفت. در کابینه‌ی قوام‌السلطنه در سال ۱۳۲۶ وزارت مشاور یافت. در کابینه‌ی ساعد در ۱۳۲۷ وزیر امور خارجه گردید و در دولت زاهدی وزیر مشاور بود. در ۱۳۳۷ در کابینه‌ی دکتر اقبال مجدداً وزیر امور خارجه شد و آنگاه به سفارت ایران در هند مأمور گردید. علی‌اصغر حکمت گذشته از اینکه پنج سال در سه کابینه وزیر فرهنگ و رئیس دانشگاه تهران بود، دو نوبت وزیر کشور، دو مرتبه وزیر امور خارجه، یک بار وزیر

دادگستری، دو بار وزیر پیشه و هنر، دو بار وزیر بهداری، سه دفعه وزیر مشاور و یک بار سفیرکبیر بوده است.

حکمت در سال ۱۳۱۴ که وزیر فرهنگ بود، کشف حجاب را اجرا کرد و در روز ۱۷ دی ماه جشنی در دانشسرای عالی منعقد نمود و چادر و حجاب از سر عده‌ای از فرهنگیان برداشت و شاه نیز حجاب همسر و دختران خود را برداشته، در آن مجمع شرکت کرد. معلمین و دانش‌آموزان مجبور شدند در مدارس بدون حجاب شرکت نمایند و همین مسئله موجب اشاعه‌ی کشف حجاب گردید. اقدام حکمت در این مورد درخور سرزنش بسیار است. وی در کتابی به نام سی خاطره از عصر پهلوی، اقدام خود را در این زمینه نوشته است و نقش خود را در آن دوران به نمایش گذاشته است. پاداش حکمت در این خوشرقصی، این بود که از کفالت وزارتخانه به وزارت منصوب شد.

حکمت در دو نوبت وزارت امور خارجه‌ی خود دست به یک اقدام فرهنگی زد و آن انتشار مجله‌ی وزارت امور خارجه بود که مقالات تحقیقی و تاریخی زیادی در آن به چاپ می‌رسید و یکی از منابع مهم سیاست خارجی ایران می‌باشد. حکمت در اواخر عمر ریاست یکی از مدارس عالی را بر عهده داشت. وی در جوانی با خواهر سردار فاخر حکمت ازدواج کرده و صاحب سه دختر شد.

او از روز تأسیس دانشگاه تهران، یکی از اساتید و مدرسین دانشکده‌ی ادبیات و علوم معقول و منقول بود و پیوسته با داشتن مشاغل سیاسی، دقیقه‌ای از حضور در سر کلاس غفلت نمی‌ورزید.

دارای تألیفات و تحقیقات بسیاری است که قسمتی از آن به چاپ رسیده است. ترجمه و تحشیه‌ی تاریخ ادبیات ایران تألیف پروفسور ادوارد براون تحت عنوان از سعدی تا جامی- پارسی نغز، سرزمین هند، نه گفتار در تاریخ ادیان، دو تفسیر یکی از ابوالفتوح رازی و دیگری از خواجه عبداللّه انصاری در ده مجلد است. تاریخ ادیان هم از دیگر تألیفات اوست.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حکمت، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

تولد: ۱۲۸۹، شیراز.

درگذشت: اردیبهشت ۱۳۷۲، پاریس.

محمدعلی حکمت، فرزند احمدعلی حشمت‌الممالک، در شیراز در مدارس جدید و سپس در تهران در دارالفنون تحصیلات ابتدایی و متوسطه‌ی خود را پشت سر گذاشته بود و سپس در فرانسه در دانشگاه تولوز و پاریس به تحصیل حقوق پرداخته بود. وی همچنین دیپلم مدرسه‌ی عالی مطالعات حقوق بین‌المللی پاریس را داشت. رساله‌ی دکترای وی درباره‌ی روابط عثمانی و ایران بود.

از سال ۱۳۳۳ دانشیار دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران شد. در سال ۱۳۴۹ بازنشسته گردید. در سال ۱۳۵۰ برای معالجه به پاریس رفت. از سال ۱۳۶۱ الی ۱۳۷۲ با دفتر خدمات حقوقی پاریس همکاری می‌کرد. از آثار اوست: حقوق عام ملل (۱۳۳۱)؛ ترجمه‌ی تاریخ دیپلماسی (تألیف زیر نظر استاد روسی و لادیمیرپوتمکین، ۱۳۳۲)؛ ترجمه‌ی حقوق بین ملل عمومی (تألیف شارل روس، دو جلد، ۱۳۴۷)؛ ترجمه بنیادهای بین مللی (اثر فرانسوای کلود آلبر کلیبار، ۱۳۴۵، چاپ نشده)؛ تقریرات درس در دوره‌ی دکترای دانشکده‌ی حقوق: لیسانس رشد و تکامل دیپلماسی، مقاله‌هایی از وی در «نشریه‌ی وزارت امور خارجه» و «مجله‌ی حقوقی» منتشر شده است. از آثار دیگر اوست: تحقیق و تألیف «شرایط اجازه‌یی اجرای احکام در فرانسه» و ترجمه‌ی و تلخیص «حقوق بین ملل رشد و توسعه» و ترجمه‌ی «رویه‌ی قضایی و عقیده‌ی علمی (دکترین)»؛ تدوین رساله‌ای در باب قطع روابط دیپلماتیک و حفظ منافع اتباع خارجی، و سرانجام تحقیقی در تعارض قوانین.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حکمت، میرزا باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۶۳ ش)، مدرس، مترجم و شاعر. در تبریز متولد شد. پس از فراگیری نحو و معانی و بیان و منطق، زبان فرانسه را در مدرسه‌ی کمال تبریز آموخت. پس از آن مدتی نیز نزد عبدالحسین فیلسوف و مویدالحکما کسب علم کرد. سپس به تهران آمد و با گذراندن امتحان ورودی وارد دارالفنون شد، اما به علت فوت پدر، تحصیل را رها کرد و به تبریز بازگشت و مدرسه‌ی حکمت را در تبریز دایر کرد. بعد از آن به تهران آمد و عهده‌دار مشاغل مختلفی شد. وی در سرودن شعر توانا بود. از آثار او: «اخلاق حکمتی»؛ «اخلاق نوباوگان»؛ «تاریخ طبیعی، گیاهشناسی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۱۳ -۱۱۲ /۳)، مولفین کتب چاپی (۶۳ -۶۲/۲).

حکمت، نصراللّه

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر نصرالله حکمت ، ابتدا تحصیلات خود را در علوم حوزوی تـا سـطح خـارج فقه و اصول (در سـال۱۳۵۸) بپایـان برد.وی باقی ماندن در این سطح را جایز ندانست و عزم خود را جزم کرد و در مقطع کارشناسی رشته فلسفه دانشگاه تهران پذیرفته شد .او مراتب علمی را به ترتیب تـا دکتری در دانشـگاه مـذکور به تحصـیل پرداخت و در سال ۱۳۷۳ موفق به اخذ مدرک دکتری رشـته فلسـفه از دانشگاه تهران شد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه فلسفه, دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : سوابق تحصـیلی دکتر نصرالله حکمت به ترتیب زیر است: علوم حوزوی تا خارج فقه و اصول –سال ۱۳۵۸ لیسانس فلسفه–دانشگاه تهران–۱۳۶۴ فوق لیسانس فلسفه –دانشگاه تهران –۱۳۶۷ دکترای فلسفه –دانشگاه تهران –۱۳۷۳

مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : نصـرالله حکمت فعالیت آموزشـی خود را از سال ۱۳۷۳ در دانشـگاه شهید بهشتی آغاز کرد که تا کنون ادامه دارد. وی دارای رتبه علمی دانشیار ی است.

فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریسی و آموزشی نصرالله حکمت به قرار زیر است: سالهای ۵۲تا۵۸ تدریس منطق و فلسفه در حوزه از سال ۷۳ تاکنون تدریس در دانشگاه شهید بهشتی

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علایق پژوهشی : دین،فلسفه ،فلسفه دین ،عرفان و ادبیات

آرا و گرایشـهای خاص : دکتر نصرالله حکمت، عضو هیأت علمی گروه فلسفه دانشگاه شهید بهشتی، در پاسخ به این پرسش که آیا فلسـفه اسـلامی در وضـعیت حاضـر قابلیت پاسـخگویی به مسائل جدید جامعه را دارد یا خیر، گفت: «فلسفه اسلامی در دوران ما در وضـعیت انجماد قرار دارد. باید تلاش کنیم، انجماد فلسـفه اسـلامی شکسـته شود.» دکتر حکمت افزود: «فلسـفه قداست پیدا کرده و منجمد شده و رابطه اش با مسائل قطع شده است. فلسـفه، اگر از حالت قداست خارج شود و به طرح پرسش و تأمل درباره پرسش‌ها تبدیل شود، طبعاً با پرسـش‌های امروز ما هم ارتباط برقرار می‌کند. پس اگر ما بخواهیم این انجمادها را بشـکنیم و فلسفه را به دنیای امروزمان و مشـکلات آن برگردانیم، بایـد حوزه اش را از حوزه دیانت خارج کنیم و آن را به عنوان امری که متعلق به تعقل و تفکر بشـر است، در نظر بگیریم.» دکتر حکمت معتقـد است که ما نیازمند بحث مسأله‌شناسـی هستیم. باید بدانیم که مسأله روز یعنی چه؟ آیا امروز مسأله‌ای داریم که پیشینه نداشته باشد؟» وی تصریح کرد: «فلسفه باید از حالت بسته خارج شود و به اندیشیدن و تأمل آزاد درباره پرسـش‌ها تبـدیل شود. ممکن است بگوینـد، آنچه ما به عنوان فلسـفه اسـلامی می شناسـیم بیش‌تر کلام است، تا فلسـفه. باید بیندیشـیم و اهـل تفکر باشـیم؛ ولی، این تفکر و اندیشـیدن در یک فضای ایمانی خیلی راحت‌تر تحقق پیـدا می‌کنـد.» دکتر حکمت تأکید کرد: «یکی از کاستی‌های جدی کتاب‌های فلسـفه اسلامی بی توجهی به تاریخ شکلگیری اندیشه‌ها و آرای فلسفی بوده است. بیش‌تر فیلسوفان مباحث را طوری مطرح کرده انـد که گویا همواره به همین شـکل بوده انـد و هیـچ تحولی در آن‌ها صورت نگرفته است. این دشواری و بی زمـانی از متون تحقیقی به متون تعلیمی راه یـافته و دانشـجویان را از دستیـابی به تصویر روشن مبـاحث دور می‌سازد.»

چگونگی عرضه آثار : تعداد مقالات منتشر شده در مجلات داخلی و خارجی : بیش از ۲۹ مورد عنوان های طرحهای پژوهشی : ۱ـ وجود ماهیت در حکمت متعالیه که به صورت کتاب چاپ شـده است. ۲ـ متافیزیک ابن سینا،که در دست انجام است. --------
----

آثار :

۱ ایمان درمانی

ویژگی اثر : تالیف

۲ تأملی در تاریخ فلسفه عقل

ویژگی اثر : تالیف

۳ ترجمه المصحف المفسّر

ویژگی اثر : ترجمه

۴ ترجمه علم اصول(۱)

ویژگی اثر : ترجمه

۵ ترجمه علم اصول(۲)

ویژگی اثر : ترجمه

۶ حکمت و هنر در عرفان ابن عربی

ویژگی اثر : تالیف

۷ زندگی و اندیشه حکیم ابونصر فارابی

ویژگی اثر : تالیف_ زیر چاپ

۸ شرحی بر فصوص الحکم

ویژگی اثر : ترجمه

۹ متافیزیک خیال در گلشن راز شبستری

ویژگی اثر : تالیف

۱۰ مسئله چیست؟

ویژگی اثر : تالیف

۱۱ وجود و ماهیت در حکمت متعالیه

ویژگی اثر : تالیف

حکمت‌نیا، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا محمد باقر حکمت‌نیا آذرشهری از علماء معاصر آذرشهر است (در قصبه شاه آباد غرب کرمانشاه) در سال ۱۳۳۵ قمری در آذرشهر متولد شده و تا سن سیزده سالگی در محل خود پرورش یافته آنگاه در معیت برادر رضاعی خود آیه‌الله حاج سید اسدالله مدنی (مقیم خرم‌آباد) از آذرشهر بقم آمده و تا سن هیجده سالگی دوره سطح خود را بپایان رسانیده و در صراط تزکیه نفس و تهذیب اخلاق کوشیده و چندی در تهران توقف و چندی هم در شهر ری بتدریس و سرپرستی طلاب مدرسه برهانیه اشتغال داشته تا گاهیکه از طرف مرحوم آیه‌الله مجاهد کاشانی بمنظور مبارزه با منحرفین و جلوگیری از تبلیغات مسمومانه بهائیت اعزام بخلخال گردیده و پس از آن مدتی در تبریز اقامت نموده و بتبلیغ و خدمات مذهبی پرداخته و با تشکیل انجمن تبلیغات اسلامی خدمات شایانی انجام داده است تا در سال ۱۳۸۵ قمری که باز بقم برگشته و چند سالی در حوزه تدریس فقه و اصول و تعلیم اعتقادات نموده و شاگردان چندی تربیت تا سال ۱۳۴۶ شمسی که بنا بر دعوت و اسرار بعضی از اهالی محترم شاه‌آباد غرب برای ارشاد فرق مختلف اسلامی در آن سامان بآنجا منتقل و شروع بتبلیغات نموده و خدماتی انجام داده‌اند که ذیلا مینگارم.

۱- ساختمان حجراتی در کنار مسجد شاه‌آباد بعنوان مدرسه علمیه و تربیت طلاب و مبلغین برای دهات اطراف.

۲- راهنمائی و اعزام مبلغین دینی بدهات اطراف شاه‌آباد غرب در ایام محرم و ماه مبارک رمضان.

۳- تصرف زمینی که گمراهان میخواستند در گوشه‌ای از شهر آنرا تبدیل به محفل کنند بنام مسجد امام علیه‌السلام.

۴- بنیانگذاری مسجدی در کنار بقعه شاهزاده محمد که زیارتگاه عمومی است.

۵- تعمیرات و تجدید بنای صحن و دیوار اطراف احمد بن اسحاق قمی در سرپل ذهاب با همکاری برخی از علماء و تجار کرمانشاه.

۶- تجدید بناء مسجد کرند با همکاری جمعی از متدینین و یکنفر از تجار کرمانشاه.

۷- رفع اختلافات مذهبی که میان فرق اهل حق و خانقاهیان و مؤمنین با بیانات جالب و تشکیل جلسات برای آقایان اهل حق و ارشاد آنان بمبانی شیعه و تبدیل نام (جمخانه) آنان به مسجد حق و تبدیل نام خانقاه به (مسجد مرتضی علی).

۸- اقامه نماز جمعه و خدمات ارزنده دیگر در شاه‌آباد و اطراف آن.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

حکمی شیرازی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی خواهرزاده‌ی عرفی شیرازی بود. در عهد شاهجهان به هندوستان رفت و چندی در بنگاله نزد قاسم‌خان جوینی، حاکم آنجا، به سر برد و سپس رهسپار دکن شد و در سلک ملازمان عبداللّه قطبشاه منتظم شد. حکمی در سرودن شعر مهارت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۰۶/۲)، الذریعه (۲۶۰/۹)، شام غریبان (۸۶)، صبح گلشن (۱۴۲)، فرهنگ سخنوران (۲۷۶ -۲۷۵)، کاروان هند (۳۲۹ -۳۲۸ /۱).

حکمی قزوینی، ملاآقا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۵ -۱۱۸۴ ق)، حکیم متأله و مدرس فلسفه‌ی ملاصدرا. در قزوین متولد شد و برای اخذ علوم به اصفهان رفت و نزد آخوند ملاعلی نوری حکمت و فلسفه‌ی خواند و از بهترین شاگردانش محسوب می‌شد. آخوند نوری او را می‌ستود و دوستداران فلسفه را به محضر وی هدایت می‌کرد. سپس به قزوین بازگشت و در مدرسه‌ی صالحیه کرسی فلسفه و عرفان را اشغال کرد و حدود پنجاه سال به تدریس پرداخت. آقاعلی مدرس زنوزی، قرهالعین دختر ملا محمد صالح، میرزای شیرازی، سید جمال‌الدین اسد آبادی، میرزا محمد تنکابنی و آقا رضا قلی قزوینی از شاگردان او هستند. ملا آقای قزوینی علاوه بر قدرت بیان از نظر احاطه به مبان فلسفه

صدرالمتألهین کم‌نظیر بود. شیخ احمد احسائی در سفرش به قزوین با او مناظره علمی داشت. آثار او عبارت‌اند از: «رساله‌ای در حدوث عالم»؛ «حواشی اسفار»؛ شرحی بر «عرشیه‌ی» ملاصدرا.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :برگی از تاریخ قزوین (۱۰۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۱ /۱۳)، طرائق الحقائق (۴۶۸ /۳)، قصص العلماء (۸۸)، المآثر والآثار (۱۸۳).

حکمی، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۳ -۱۲۶۲ /۱۲۶۱ ق)، عارف، فیلسوف و شاعر. معروف به حکیم. در دهستان کرون، از دهستانهای کرون، از دهستانهای بخش نجف‌آباد اصفهان متولد شد. وی تحصیلات خود را نزد استادان فن، در اصفهان به پایان رسانید و فلسفه را از آقا محمدرضا قمشه‌ای، حکیم معروف، آموخت. سپس به تهران آمد و تا آخر عمر در حجره‌ای واقع در مدرسه‌ی صدر، در جلوخان مسجد شاه به تنهایی زندگی کرد. حکمی از دانشمندان زمان خود بود و در مدرسه‌ی صدر حوزه‌ی درسی داشت. مدتی هم در مدرسه‌ی علوم سیاسی تدریس می‌کرد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۴۴۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۲۰/۳)، شرح حال رجال (۱۷۰/۶).

حکیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۳۰ ق)، خطاط و طبیب. اجدادش از پزشکان دربار صفوی بودند و خود وی نیز طبیب بود و نستعلیق را خوش می‌نوشت. شاه عباس از

وی رنجیده‌خاطر شد و او را از اصفهان راند. حکیم مدت دو سال در کاشان در تبعید به سر برد و از آنجا به مشهد و از مشهد به هندوستان رفت و همان جا درگذشت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۷۰/۱).

حکیم الممالک، علینقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۳ ق)، طبیب، شاعر، مترجم و روزنامه‌نگار. ملقب به حکیم الممالک. پدرش از پیشخدمتان فتحعلی‌شاه و ناصرالدین‌شاه بود. پس از مرگ پدرش، شغل او به میرزا علینقی رسید و او با حفظ این سمت، پس از افتتاح مدرسه دارالفنون در آنجا علم طب را آموخت. در سال ۱۲۷۲ ق ضمن این که نایب دوم سفارت ایران در فرانسه بود، به تکمیل علم طب پرداخت. پس از مراجعت، از ندیمان و نزدیکان شاه شد و در سال ۱۲۸۴ ق به لقب حکیم الممالکی نایل گردید و همواره با شاه در سفر و حضر همراه بود. حکیم الممالک مدتی به حکومت بروجرد و بختیاری منصوب شد، در سفر دوم ناصرالدین‌شاه به فرنگ، همراه وی بود و بعدها به حکومت اراک و سپس به ریاست کل اداره‌ی معادن منصوب شد. وی شعر را نیکو می‌سرود و در سفر ناصرالدین‌شاه از تهران به خراسان، مسئول نوشتن سفرنامه‌ای شد که به «روزنامه‌ی حکیم الممالک» معروف شد. از دیگر آثار وی: «ترجمه‌ی زبده الحکمه» دکتر پولاک.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۳۲۹ -۳۲۷ /۲)، شرح حال رجال (۵۰۹ -۵۰۵ /۲)، فرهنگ سخنوران (۲۷۶)، مولفین کتب چاپی (۶۰۳ -۶۰۲ /۴) المآثر و الآثار (۱۹۴).

حکیم الهی فریدنی، محمد علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل ادیب شاعر، از دانشمندان و فرهنگیان مشهور ایران.

در خونسار و اصفهان و بروجرد و نجف نزد علمای بزرگ تحصیل نموده، و عمده‌ی تحصیلاتش در اصفهان نزد مرحوم جهانگیر

خان بوده، در قریه‌ی چادگـان در حـدود سال ۱۲۸۴ متولـد، و مقـدمات را در محل فراگرفته، سپس به اصـفهان مهاجرت نموده، و سال‌ها به درس بزرگان حاضر شده، در فقه و اصول و خصوصا ادبیات فارسی و عربی رنجها کشید.

پس از وصول به مقامات عالیه‌ی علم و دانش به طهران رفته، و در آنجا به خدمت فرهنگ وارد شده، و تا اواخر عمر به شـغل دبیری ادبیات فارسی و عربی مشغول بود، و متجاوز از یکصد سال عمر نبود.

از آثار قلمیش: ۱ – شرح قصیده‌ی عینیه‌ی ابن‌سینا به شعر فارسی ۲ – لطائف الحکم و وظائف الامم به چاپ رسیده است.

مشارالیه در روز ۳ شنبه ۱۲ ذی قعدهٔ الحرام ۱۳۸۴ در طهران وفات یافت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حکیم الهی قمیشه‌ای، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد غلامرضا. فاضل ارجمند، در قمیشه متولد گردیده، و در اصـفهان تحصـیل نموده، در ابتدای تأسـیس مدارس جدید مدتی در مـدرسه‌ی گلبهار تـدریس نموده، و در این دوره کتابی در تاریـخ اسـلام، مختصـر و جامع تألیف نموده، که در سال ۱۳۵۵ قمری به طبع رسیده.

سپس ترک معلمی نموده، و به عنوان وکیل دعاوی در دادگستری وارد شده، و تا آخر عمر مشغول بود.

کتب و تألیفات دیگری نیز دارد، از آن جمله است: حواشی مفیدی بر قرآن کریم.

در حدود سال ۱۳۵۵ وفات یافته، در این تکیه مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حکیم الهی لواسانی ثانی، شمس‌الدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۶ ق)، کلامی، حکیم و ریاضـیدان. در تهران متولـد شـد. تحصـیلات وی در سبزوار، نزد حاج ملاهادی سبزواری بود. در سال ۱۲۷۶ ق بـه تهران مراجعـت کرد و در همیـن شـهر درگـذشت و در صـفاییه دفـن شـد. وی در علم کلام و حکمت و ریاضـی مهارت تمام داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۱۵۲/۲).

حکیم الهی، علینقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۴ –۱۲۹۳ ق)، خطاط، مذهب، مترجم و شاعر، متخلص به حکمت. معروف به موتمن دیوان مشیر الکتاب. در تهران متولد شد. نزد پـدر تحصـیل علم کرد و نزد میرزا علی محمـد صـفا به فراگیری خط پرداخت. وی در تهران درگـذشت و در صـفاییه دفن شـد. الهی، نسـخ و ثلث را خوب می‌نوشت و در تذهیب و نقاشـی و حجاری و نجاری نیز مهارت داشت. حکیم الهی در سالهای ۱۳۱۵ – ۱۳۱۴ ق بنا به دسـتور وزیر علوم، دو نسخه از ترجمه‌های کتب خارجی را برای کتابخانه‌ی سلطنتی نوشت. وی طبع شعر نیز داشت و بیشتر اشعارش به صورت قصیده و اغلب در مدح ائمه (ع) بود. اثر به جای مانده از وی: «لطیفه العرفان، الهی نامه»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۲۲/۳)، مولفین کتب چاپی (۶۰۹ –۶۰۸ /۴).

حکیم الهی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شیراز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

حکیم الهی، محمد جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۸ -۱۲۱۵ ش)، خطاط. وی برادر بزرگ میرزا علی محمد صفای لواسانی بود و در حدیث و علوم معقول و تاریخ ماهر و در انشاء استاد بود. وی در تهران درگذشت و در نجف اشرف به خاک سپرده شد. از آثار وی: تصدیقی است در پشت یک جزو از «اسکندرنامه‌ی» نظامی که نسخه را به خط میرعماد دانسته و مضمون تصدیق‌نامه این است: «آنچه عالی جناب اخوی میرزا علی محمد تصدیق نموده‌اند، حجت است. محمد جعفر الالهی ۱۲۸۲».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۷۲/۳)، شرح حال رجال (۴۸۳/۲)، طرائق الحقائق (۶۴۰/۳)، المآثر و الاثار (۱۹۹).

حکیم الهی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمدعلی بن سید اسماعیل مشهور به حکیم الهی از علماء و فلاسفه جهرم بوده است.

وی در خدمت مرحوم میرزا ابراهیم محلاتی شیرازی و آقا میرزا حکیم جهرمی درس خوانده و در حکمت اسلامی ید طولانی داشت و در سال ۱۳۱۲ شمسی وفات نموده و در امامزاده حسین جهرم مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حکیم باشی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن حکیم باشی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

آدرس اینترنتی

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۴۵ در تهران به دنیا آمدم و در سال ۱۳۵۴ در مشهد مقدس به فراگیری علوم حوزوی مشغول گردیدیم و پس از گذراندن سطوح عالی حوزه در درس خارج فقه و اصول نزد آیت الله فلسفی و آیت الله مرتضوی طی مدت ۲۰ سال شرکت نمودم . همچنین در درس تفسیر آیات معظم میرزا جواد آقا تهرانی ، محمد صادق سعیدی رها و آیت الله سید عز الدین زنجانی شرکت کردم . علوم قرآنی را نیز از آیت الله معرفت آموختم . از حدود ۱۵ سال پیش به تحقیق و نگارش در رشته های فقه ، علوم قرآنی و تفسیر پرداختم . هم اینک به تدریس فقه ، علوم قرآنی و تفسیر در حوزه علمیه مشهد مقدس و دانشکده علوم قرآنی و مرکز تربیت مدرس قرآن اشتغال دارم .

حکیم ترمذی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر و عارف. از اصحاب شاه نعمت‌اللّه ولی بود و با وی مکاتبه داشت. و شاه نعمت‌اللّه ولی، یکی از رسایل خود را برای او نوشته است. نسخه‌ای از اشعار وی به خط پسرش، علی بن حکیم ترمذی، به جا مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۴۱).

حکیم ترمذی، ابوعبداللّه محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۲۹۶ ق)، عارف، صوفی و محدث. در ترمذ خراسان به دنیا آمد و بیشتر عمر خویش را همان جا گذراند. از کودکی شوق عجیبی به یادگیری علم و دانش داشت، تاریخ چنانکه اشتغال به درس و مطالعه، جای بازی ایام کودکی را گرفت. ابوعبداللّه علم حدیث را ابتدا از پدر آموخت؛ به جز او از محضر علی بن حجر، قتیبه‌ی بن سعید و سفیان بن وکیع حدیث روایت کرد و یحیی بن منصور قاضی حسین بن علی و دیگر مشایخ نیشابور نیز از وی حدیث نقل کرده‌اند. وی چندی از مشایخ بلخ علم آموخت و بعد از آن با صوفیه خراسان آشنا شد، به صحبت ابوتراب نخشبی، احمد خضرویه و یحیی معاذ رازی رسید و چندی در عراق به کسب حدیث پرداخت و از آنجا از طریق بصره به مکه رفت، در راه بازگشت به ترمذ به خلوت علاقه پیدا کرد و انزوا اختیار کرد. به سبب اقوال او در «ولایت» از بلخ اخراجش کردند، متهم شده بود که مقام ولایت را برتر از نبوت می‌داند، حال آنکه چنین نبود، چه حتی در دو اثر «نوادر الاصول» و «معرفه الاسرار» به برتری انبیاء بر اولیاء تاکید کرده است. از حیث اعتقاد به اهمیت مقام ولایت و از بعضی جهات دیگر، ترمذی تا حدی پیشرو ابن‌عربی است و ابن به آثار و آراء او توجه تمام داشته است. حکیم بعد از آن از بلخ به نیشابور رفت و این مقارن بود با فعالیت ملامتیه در بلخ، با آنکه با تنی چند از سران این فرقه مراوده داشت با این رویه مخالف بود.
او آثار بسیاری از خود بجا گذاشته است، از آن جمله: «نوادر الاصول فی معرفه اخبار الرسول»؛ «ختم الولایه»؛ «رساله‌ی بدوشان ابی‌عبداللّه»؛ «کتاب النهج»؛ «کتاب الرد علی الرافضه»؛ «کتاب العقل و الهوای».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۶/۷)، تذکره الاولیاء (۹۹ -۹۱ /۳)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (۶۲ -۶۱)، تصوف اسلامی یا رابطه‌ی انسان و خدا (۲۲۳ -۲۱۷)، جستجو در تصوف (۵۵ -۴۹)، حلیله الاولیاء (۲۳۵ -۲۳۳ /۱۰)، دایرهٔالمعارف فارسی (۶۳۳/۱)، دایرهٔالمعارف الاسلامیه (۲۲۸ -۲۲۷ /۵)، الذریعه (۳۸۰/۲۴)، ریحانه (۳۳۱/۱)، سیرالنبلاء (۴۴۲ -۴۳۹ /۱۳)، صفه الصفوه (۳۵۳/۲)، طبقات الصوفیه سلمی (۲۲۰ -۲۱۷)، کشف المحجوب (۱۷۸ -۱۷۷)، لسان المیزان (۳۹۵ -۳۹۲ /۶)، لغت نامه (ذیل/ ۱۷۸ -۱۷۷)، لسان المیزان (۳۹۵ -۳۹۲ /۶)، لغت نامه (ذیل/ ترمذی)، معجم المولفین (۳۱۵/۹)، نفحات الانس (۱۱۹ -۱۱۸)، هدیه العارفین (۱۶ - ۱۵ /۲).

حکیم خراسانی، محمد

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن زین‌الدین بن محمد صادق گون‌آبادی.
عالم فاضل، حکیم متأله، فیلسوف ماهر، از اجله‌ی حکما و مدرسین اصفهان، صاحب ملکات فاضله. در اخلاق و آداب و حسن معاشرت ممتاز، و محضرش مجمع ارباب فضل و کمال، و خود از شاگردان آخوند کاشی و جهانگیرخان بوده، در مدرسه‌ی صدر، مجردا زندگی می‌نمود، و جمعی کثیر از فضلا و مستعدین در خدمتش تلمذ می‌نمودند.
در تربت متولد، و از ۱۳۱۶ در اصفهان ساکن بوده، و در غره‌ی ذی‌حجه‌ی ۱۳۵۵ وفات یافته، در جنب استاد خود [آخوند کاشی] در تکیه‌ی ملك مدفون گردید.
ماده تاریخ وفاتش این است:
«شمع دانش مرد از مرگ حکیم»
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حکیم شاه قزوینی، محمد

قرن:۱۰
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، حکیم، متکلم، طبیب، نحوی و شاعر. مشهور به حکیم شاه محمد. نخست در شیراز می‌زیست. اجدادش پزشك بودند و خود نیز در پزشکی دست داشت. وی مدتی نیز در مکه زندگی کرد و بنا به تعریف و تحسین مولی ابن الموید که از علمای بنام دربار بایزید دوم، پادشاه عثمانی بود، توسط پادشاه مذکور به استانبول دعوت شد و پزشك دربار گشت و تذکره‌ی «مجالس النفائس» امیرعلیشیر نوایی در سالهای ۹۲۹ -۹۲۷ ق به نام سلطان سلیم بن بایزید عثمانی ترجمه کرد. او از شاگردان علامه‌ی دوانی بود و در اکثر علوم زمان خود دست داشت. حکیم مولفات خود را به دو زبان فارسی و تازی تالیف می‌کرد. برخی از آثار وی عبارت‌اند از: «تفسیر سوره‌ی النحل تا آخر قرآن»؛ «ربط السور و الآیات»؛ حواشی بر «تهافت» مولی خواجه‌زاده مصطفی بن یونس، حواشی بر «شرح العقاید نسفی» تفتازانی؛ ترجمه‌ی فارسی و ترکی «حیوه الحیوان» دمیری، به نام «حیوه الانسان» که برای سلطان سلیمان نگاشته؛ ترجمه‌ی «مجالس النفائس» امیرعلیشیر نوایی یا «ذیل تذکره الشعراء»؛ «شرح عقاید ملاجلال دوانی»؛ شرح «ایساغوجی»، در منطق؛ شرح «کافیه‌ی» ابن‌حاجب؛ «نصیحت نامه»، به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۵/۴)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۱۲۳ -۱۲۰ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۲۷۷ -۲۷۶)، الذریعه (۱۰۲/۹)، ریحانه (۴۵۵ -۴۵۴ /۴)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۴۵)، کشف الظنون (۱۹۵۸، ۱۸۹۳، ۱۳۷۱، ۱۱۴۶، ۱۱۴۴، ۸۳۲ -۲۰۸)، لغت نامه (ذیل/ حکیم شاه)، مجالس النفائس (مقدمه، لا- مج)، معجم المولفین (۱۷۰/۱۱)، هدیه العارفین (۲۲۹/۲).

حکیم طباطبائی، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید یوسف فرزند بزرگ آیت‌اللَّه حاج سیدمحسن طباطبائی حکیم قدس‌اللَّه سرهما از آیات عظام و حجج اسلام نجف اشرف بوده است.

مجله مکتب اسلام (۱۲) سال سی‌ام می‌نویسد روز بیست و هفتم رجب روز بعثت پیامبر گرامی اسلام در حالی که مردم در صحن مطهر امیرالمؤمنین علیه الصلوه والسلام مشغول راز و نیاز و ابراز تهنیت و تبریک بودند ناگهان در سرتاسر شهر منتشر شد که فرزند ارشد مرجع بزرگوار و فقیه عالیقدر حضرت آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محسن حکیم، آیت‌اللَّه حاج سیدیوسف طباطبائی حکیم دعوت حق را لبیک گفت و جان به جان آفرین تسلیم کرد.

انتشار این خبر غم و شادی را به هم آمیخت هر چند از دوران تسلط بعثیها عراق و بالاخص قسمت سوافل فرات روز خوش و شادی به خود ندیده بودند اما همین شادی که با فرارسیدن بعثت منجی بشریت دست داده بود با غم و تلخی به هم آمیخت و تاثر و تاسف حوزه علمیه نجف و علماء بزرگ و بیوت علمی و دیگر طبقات را به خود گرفت.

حاج سید یوسف حکیم رحمه‌اللَّه در سال ۱۳۲۲ هجری قمری در نجف اشرف دیده به جهان گشود و در دوران جوانی ادبیات و منطق و سطوح عالی را از اساتید متخصص حوزه علمیه نجف فراگرفته آنگاه از دروس خارج آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمدهادی میلانی و حاج شیخ حسین حلی و آیت‌اللَّه حاج آقا ضیاءالدین عراقی و والد ماجدش آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محسن حکیم و آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظله العالی فقها و اصولا استفاده نموده تا به مدارج عالیه اجتهاد رسیده و در رشته سلوک و اخلاقیات از محضر عالم ربانی آیت‌اللَّه حاج سید علی قاضی رحمه‌اللَّه بهره‌مند شده و به مقام معنویت نائل گردیده بود.

مرحوم حاج سید یوسف در دوران مرجعیت گسترده والد بزرگوارش قسمتی از زحمات علمی مرجعیت را به دوش داشت و بررسی استفتاآت و پاسخ به اشکالات بر عهده او بود زیرا بر اثر حضور ممتد در درس مرحوم آیت‌اللَّه حکیم در صحن مقدس و مسجد هندی اقامه جماعت می‌کرد و شیفتگان فقه و اصول را با تدریس خود بهره‌مند می‌ساخت.

وقتی والد ماجدش از دنیا رفت او با اصرار مردم بر نشر رساله و قبول مرجعیت روبرو شد ولی زهد و پارسائی او و وجود مرجع بزرگواری چون حضرت آیت‌اللَّه العظمی خوئی مد ظله العالی (در حوزه علمیه نجف) باعث شد که این مسئولیت را نپذیرفت.

از بعضی از دانشمندان شنیدم که چون آیت‌اللَّه العظمی حکیم رحلت نمود مرحوم حاج سید یوسف به واسطه داشتن محبوبیت و موقعیت خاص بین مردم عراق بالاخص مقلدین والد بزرگوارش، مواکب عزا و دسته‌جات و عشایر عرب از اطراف و اکناف که برای شرکت عزاء و تسلیت مراجع تقلید نجف و حوزه علمیه هزار ساله نجف و به ویژه بیت جلیل حکیم به نجف آمده بودند اطراف بیت و دارالعلم آن مرحوم جمع گردیده و پس از عرض تسلیت و سوگواری خطاب به آن مرحوم کرده و فریاد می‌زدند و حماسه می‌کردند (سید یوسف قلدناک سید یوسف قلدناک) یعنی ای آسید یوسف ما شما را تقلید می‌کنیم و پس از پدر بزرگوارت رجوع به شما نموده و رشته تقلید شما را به گردن خود بسته‌ایم.

پس آن مرحوم برای قداست نفس و تزکیه روح و پاکی طینت و تهذیب اخلاقی که ذاتا داشت و از استادش مرحوم آیت‌اللَّه قاضی آموخته بود. از آنان تشکر نموده و فرمودند اما با بودن مجتهد و مرجع تقلیدی چون آیت‌اللَّه العظمی حاج ابوالقاسم خوئی دامت برکاته مرجعیت به مانند من نمی‌رسد همه باید به ایشان رجوع کنیم.

مصائب وارده بر آن مرحوم

نگارنده گوید: بزرگی روح و عظمت نفس و معنویت آن بزرگوار از صبر و ثبات و استقامت و پایداری آن مرحوم در برابر مصائب وارده و آزار و شکنجه‌های روحی که از ناحیه بعثیها و صدام تکریتی لعنهم اللَّه معلوم می‌شود زیرا اگر یکی از آنها بر کوه وارد می‌شد آن را متلاشی کرده و از پای درمی‌آورد اما بنابر فرمایش حضرت امام محمدباقر صلوات اللَّه علیه «الکمال کل الکمال، التفقه فی الدین و تقدیر المعیشه والصبر علی النائبه» چون به کمال و تمام کمال نائل شده بود به گفته بیانیه مکتب اسلام. در دوران زندگی خود فشارهای سختی از جانب حکومت بعث عراق متحمل شد حتی در بیست و هفتم ماه رجب ۱۴۰۳ قمری همه خاندان آیت‌اللَّه حکیم را از پیر و جوان با وضع فجیعی دستگیر کردند و به بغداد فرستادند و پس از مدتها بازداشت گروهی از آنان از جمله مرحوم حاج سید یوسف آزاد شده و در بیمارستان بستری شد و از آن به بعد ماموران امنیتی لحظه‌ای اطراف بیت او را ترک نکردند و حتی نزدیکترین افراد به ایشان نمی‌توانستند با وی تماس بگیرند.

داغهای جانفزاء آن مرحوم

مرحوم حاج سید یوسف قدس‌اللَّه سره پس از بازگشت از بغداد و محصور شدن بعثیها مصائب و داغهای پیاپی دیده و تحمل نموده‌اند که از آنهاست شهادت دو تن از فرزندان جوان و فاضلش بنام ۱- حاج سید کمال حکیم ۲- حاج سید وهاب حکیم و شهادت چند تن از برادران گرامیش که در یک روز در بغداد خراب از طرف حکومت ظالمانه بعث به فیض شهادت رسیدند به نامهای یاد شده:

۱- آیت‌اللَّه حاج سید عبدالصاحب حکیم.

۲- حجهٔالاسلام حاج سید علاء حکیم.

۳- حجهٔالاسلام حاج سید محمدحسین حکیم قدس‌اللَّه اسرارهم و لعن‌اللَّه اعدائهم و قاتلیهم.

و پس از چند سال برادر مبارز دیگرش مرحوم آیت‌اللَّه زاده حاج سید مهدی حکیم را که همواره مورد تعقیب بعثیها و از وطن و زادگاهش آواره بود در یکی از کشورهای آفریقائی (سودان) ترور و شهید کردند که جنازه‌اش حمل به قم و در جوار حضرت

معصومه علیهاسلام در مسجد بالاسر مدفون گردید.

و آن مرحوم همواره تحت نظر مـامورین بعث بوده و چنـد بـار می‌خواسـتند که ایشـان را به بغـداد منتقل کننـد که با اعتراض شـدید آیت‌اللّه العظمی خوئی مد ظله مواجه شده و منصرف از انتقال ایشان شدند.

رحلت آن بزرگوار

سرانجـام آن فقیه نـبیه و شخصیت بزرگ علمی و دینی در روز بیست و هفتم رجب ۱۴۱۱ قمری در سن هشـتاد و چهار سالگی در نجف اشـرف در حالیکه شـهرهای عراق زیر بمباران نیروهای چند ملیتی به سـرکردگی امریکا بودند و هزاران زن و کودک و پیر و جوان بر اثر این بمبارانها جان می‌باختند. با دلی پر از غصه و اندوه از دنیا رفته و به نیاکان پاکش پیوست.

آثار علمی آن مرحوم

۱- بحث حول علم الاجمالی

۲- خیارات

۳- ابحاث فی التفسیر

این آثـار را برخی از اربـاب فضـل از شـاگردان ایشـان به نام حاج سـید محمـدصادق حکیم و آقا سـیدطاهر احسائی به رشـته تحریر آورده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

حکیم طبسی، محبوب علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۸۱ ق)، طبیب، عارف و شاعر. اهل طبس و از مریـدان سید نسیمی، عارف و شاعر قرن نهم، بود که غزل را نیکو می‌سرود. وی از وطن بریـد و به سبزوار رفت، و شاگردی امیرشاهی سبزواری را اختیار کرد. بعد از تحصـیل در علم طب، در زمره اطباء ملازم سلطان حسـین میرزا درآمـد. در تـذکره «صـبح گلشن» از او به نام حکیمی استرآبادی، و در تذکره‌های دیگر، به نام سید حکیمی و محبوب علی یاد شده است. از او «دیوان» شعری به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۲۱)، تذکره‌ی روز روشن (۲۲۰)، الذریعه (۲۶۴/۹)، ریاض العارفین (۱۸۷)، صبح گلشن (۱۴۲)، فرهنگ سخنوران (۲۷۶)، مخزن الغرائب (۷۳۵/۱).

حکیم فرزانه، محمدهادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدهادی فرزانه شـهررضائی یکی از اساتید بزرگوار و حکماء عالیمقدار معاصـر و مفاخر استان اصفهان است پدرش مرحوم ملا محمدمهدی از جمله علماء و ائمه جماعت و از مراجع تقلید مردم شهررضا بوده.

محمـدهادی فرزانه در سال ۱۳۰۲ قمری در خانـدان علم و دانش و کـانون فلسـفه و حکمت پـا به عرصه وجود گذاشـته تحصـیلات مقـدماتی را از محضـر پـدر دانشـمند خـود اسـتفاده کرده و سـپس برای تحصـیل منطق و حکمت و کلاـم مـدت هفت سـال محضـر فیلسوف بزرگ میرزا نصـراللّه حکیم را درک و چون دارای اسـتعدادی فوق‌العـاده و هوش سـرشار و تنـد بود همواره مورد احترام و علاقه استاد خود قرار می‌گرفت.

پس از فوت مرحوم میرزا نصـراللّه حکیم به اصـفهان مهـاجرت و فرائـد و متـاجر را نزد مرحوم ملا عبـدالکریم کزی رحمت‌اللّه علیه تکمیل و فقه و اصول را نزد آن مرحوم و سـید محمدباقر و حاج میر محمدصادق و قسـمتی را هم نزد مرحوم حاج میرزا عبدالحسین سیـد العراقین به اتمـام رسانیـد و علم طب را خـدمت مرحوم میرزا محمـدباقر اصـفهانی تحصـیل و پس از اتمام تحصـیلات به موطن اصلی خود (شهرضا) مراجعت و مشغول مطالعات علمی و تحقیقات فلسفی گردید.

اگر درباره مـدارج علمی و مراتب فضل و دانش حکیم توجه شود به خوبی مسـلم خواهـد شـد که از دانشـمندان معاصـر بلکه قرون اخیر کمتر کسی به پایه و مایه وی در عالم علم و حکمت پا به عرصه وجود نهاده است.

در انواع فنون حکمت طبیعی الهی و ریاضـی و همچنین در ادبیـات و علوم عربیه و علم کلاـم و فقه و اصول و عرفـان اسـتادی کامل محسوب و دانشمندی جامع معقول و منقول است.

از فلسـفه متقدم بیشـر به معلم ثانی ابونصـر فارابی و شـیخ الرئیس ابوعلی سـینا معتقد بوده و درباره تصـنیفات این دو فیلسوف شـهیر تحقیقات مفصل و حواشـی جامعی دارد و بالجمله برای تدریس تصـنیفات ابن سینا (اشارات و شفا و قانون و غیره) اگر مدعی شویم بین حکماء معاصـر منحصـر می‌باشد تحقیقا به خطا نرفته‌ایم و روی همین اصل اساتید دانشگاههای اصفهان و تهران نیز مکرر محضر مشـارالیه را درک و تقاضـای مسـافرت ایشـان به اصـفهان و تهران و تشـکیل حوزه علمی و فلسـفی را نمودهانـد ولی شـخص ایشـان همچنـانکه عـادت اساتیـد این فن است هرگز به قبول این امر تن درنـداده و او اعتکـاف و تـدریس در موطن اصلـی را بر مسافرت و مهاجرت اختیار کرده‌اند.

طریقه حکیم فرزانه در حکمت تقریبا نزدیک به مشائین است اینکه می گوئیم نزدیک به مشائین بدین مناسبت است که در بعضی موارد عقیده ایشان با نظریه حکماء و مشائین اختلاف دارد و دراثبات واجب‌الوجد و توحید او دارای برهانی است نزدیک برهان صدیقین و بالاخره در تطبیق اصول و قواعد حکمت با احکام و آداب شریعت استادی کامل می‌باشند.

همانطور که قبلا گفته شد حکیم فرزانه پس از فراغ و از تحصیل و بازگشت به موطن خود در منزل شخصی جلسات تدریس را دائر نموده و این همه روز صبحها از هنگام طلوع فجر تا پاسی از روز گذشته بدون وقفه و تعطیل و اغلب عصرها دائر و حکیم بزرگوار مدت چهل و هفت سال تمام به تدریس علوم مختلف و کتابهای گوناگون از ابتدائی تا عالی و از سطح تا خارج اشتغال ورزید و به هیچ عنوانی از ارشاد افکار مستعد و افاضه فیض به دوستداران و طالبان دانش مضایقه نمی کرد. تدریس و تعلیم و هیچ کتابی و کلاسی را ولو در سطح پائین دون شأن خود نمی‌دانست و از تدریس هیچ علمی و کتابی ولو در عالیترین سطح پروائی نداشت.

کلاسی پرشوکت و پر استفاده داشت و درب این کلاس و این مکتب به روی همه دوستداران دانش باز بود و جماعتی کثیر با اشتیاقی وافر از مجالس درس حکیم استفاده می کردند و برخوردار می‌شدند.

اهتمام این حکیم بزرگوار در افاده و افاضافه و تدریس بدون هیچگونه توقع و انتظار به حدی بود که تا روز دوشنبه اول آذرماه ۱۳۴۴ شمسی دو روز قبل از فوتش تدریس اسفار و مکاسب و قوانین و منظومه و حکمت اشراق را تعطیل ننمود.

دعوت دانشگاه از حکیم و پاسخ وی.

در سال ۱۳۲۵ خورشیدی دانشگاه تهران از حکیم فرزانه برای چندین بار به منظور تدریس فلسفه دعوت نود که ایشان به تهران عزیمت و در آنجا به تدریس اشتغال ورزد. ایشان در جواب چنین نوشتند که متاسفانه زمانی از من یاد شده است که قوت رو به ضعف و ضعف رو به قوت نهاده است.

پاسخ استاد بدیع‌الزمان فروزانفر به حکیم فرزانه.

محضر شریف جناب افضل المتاخرین زمانا قدوه اهل حکمت و معرفت آقای شیخ هادی فرزانه دامت افاضاته مرقومه شریفه را زیارت کردم از دیدار خط منیف نوری در دل و جان یافتم اما تقاضای تشریف‌فرمائی جنابعالی به تهران و تدریس در دانشگاه مبتنی بر چند امر بود.

۱- اینکه علوم عقلی به علت عدم توجه در این نیم قرن اخیر مشرف به زوال و انقطاع است و حفظ آن بر عهده کسانی است که وارث به این علم و حامل این امانتند و شخص جنابعالی چنانکه شنیده‌ام دراین رشته کم‌نظیر هستید گمان می کنم که نشر و حفظ آن بیشتر در عهده آن جناب باشد تا دیگران خاصه این ضعیف را که درفنون حکمت خوضی پیوسته است و مفاد حدیث شریف (فعلی العالم ان یظهر علمه) مصداقش در عهده ما نسبت به علوم عقلی وجود عالی است که ینبوع فضائل و معدن کمالات نفسانی و ملکی است.

۲- آنکه وجود کثیرالخیر عالی در آن شهر مانند گوهری خسروانی و یا جوهری عرشی است که در کاهدان افتاده باشد و یا به دست آلودگان خاک رسیده و ارادتمند بر این عزیمت بود که آن گوهر در دست خریداران گوهرشناس باشد و در عرصه دانشگاه که مرکز حقیقی علم است نورپاشی کند چنانکه از هنگام دعوت جنابعالی همه روز قریب هزار طالب علم که متعطشان زلال حکمت و مشتاقان فیض دریای معرفت آن حکیم منفرد هستند مترصد خبر ورود قدوم کثیر البرکات جنابعالی بوده‌اند.

۳- تصور می کردم بر شخص عالی که قطعا مایل به نشر علوم و معارف آل محمد علیهم‌السلام هستند اکنون که وسائل آن در تهران در حد امکان فراهم شده است خوشتر خواهد گذشت و از آفتاب فضائل عالی ذرات حقیر امثال این مستضعفین خواهند شد و همین امر موجب تقویت باطن و تائید ضمیر منیر آن دانشمند خواهد بود.

اما مسئله ضعف قوی و قوت جهات ضعف چنانکه می‌دانیم عوامل آن در تهران و شهرضا یکسان است بلکه شاید وسائل ظاهری تقویت به نیت در تهران فراهم‌تر می‌باشد و اما اشکالات خانوادگی آن هم هیچ است و تا حد امکان در آسایش خیال جنابعالی سعی خواهد رفت هیچ نگرانی نخواهد بود (واتونی باهلکم اجمعین) و اگر مختصر ملاحظه‌ای هم دارید ممکن است یک چند به عنوان تفرج و بر سبیل اختیار تشریف بیاورید بعد از آن راه شهرضا همیشه باز است و بازگشت میسر با کمال صدق نیت عرض می‌کنم که بنده در تقاضای خود مصرم و آن را به صلاح علم و صلاح شخص ارجمند عالی و آقازادگان که باید در محیط وسیعی زندگی کنند و حق‌تعالی شاهد است که هیچگونه غرض نفسانی ندارم و چه غرض تواند بود که بنده اینجا و جنابعالی در شهرضا جز عشق به فضیلت قرض نمی‌شود که به مقام عالی استادی دانشگاه که هم اکنون عده‌ای کثیر هرگونه وسیله‌ای می‌انگیزند تا بدان رتبه نائل آیند و کسی جوابشان باز نمی‌دهد وجود مبارک را دعوت کنند و مقدمات و وسائل آن را بدون طلب از جانب مستفیض عالی فذاهم آورند.

به هر حال اینکه خط عالی را زیارت کردم و ثمره وجود شریف، آقای دکتر فرزانه ایداله به مواهب التوفیق دیدار نمودم موجب تشکر و مسرت است و امیدوارم که حق‌تعالی اسباب دیدار و شرف دست بوسی و افاضات و افادات عالیه را هرچه زودتر میسر فرماید با تقدیم ارادت.

۱۳۳۵/۹/۱۶

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

حکیم قبلی خویی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، پزشک و شاعر. وی اهل خوی و مقیم تبریز بود. میرزا محمد از معاصران عباس میرزا ولیعهد و از پزشکان مخصوص محمدشاه و ناصرالدین‌شاه قاجار بود. علم طب را در اصفهان آموخت. از آثار وی: «انوار الناصریه» یا «مرآه الحکمه الناصریه»؛ «رساله در تعلیم آبله زدن»، ترجمه؛ «مجمع الحکمتین و جامع الطبین»؛ «دیوان» اشعار؛ «خلاصه عباسی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۱۲۳ -۱۲۲)، الذریعه (۸۷۵/۹، ۲۲۹/۷)، فرهنگ سخنوران (۲۷۵)، مولفین کتب چاپی (۵۶۷ -۵۶۶ /۵)، یادگار (س ۲، ش ۱، ص ۶۱).

حکیم قزوینی، جلال

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۱۳ ق)، خطاط. در قزوین متولد شد. به کاشان سفر کرد و در آنجا به امر طبابت پرداخت. وی پس از اندکی شهره شهر شد. او علاوه بر خطاطی به علم ادوار و موسیقی و فنون سپاهیگری و سوارکاری آشنا بود و اشعار و غزلیات عاشقانه‌ای نیز می‌سرود. میرزا جلال نستعلیق را خوش می‌نوشت و با صاحب «خلاصهٔ الاشعار» مصاحب بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۶/۱).

حکیم قمی، سعید

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، طبیب و شاعر. در شاعری نخست تنها و بعد حکیم و گاهی سعید تخلص می‌کرد. وی طبیبی حاذق بود و در حکمت نظری نیز مهارتی وافر داشت و شعر هم خوب می‌گفت. حکیم قمی با برادرش، میرزا محمد حسین، از پزشکان ویژه شاه عباس اول به شمار می‌آمدند و مورد قبول عام بودند. حکیم سعید پس از جلوس شاه سلیمان به سعایت بدگویان مؤاخذه شد و به حبس در قلعه‌ی الموت محکوم شد، لیکن پادشاه از وی درگذشت، از آن پس در قم سکونت اختیار کرد و به طاعت و عبادت و طلب علم پرداخت. می‌گویند «دیوانش» متداول و قریب ده هزار بیت بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۲۴۶ -۱۲۴۲ /۳)، تذکره‌ی روز روشن (۳۵۸ -۳۵۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۶۸ -۱۶۷)، الذریعه (۴۵۱، ۱۷۹ /۹)، صبح گلشن (۹۵)، فرهنگ سخنوران (۲۷۶).

حکیم کازرونی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی حکیم متخلص به رحمت فرزند حاج سید عباس مجتهد طباطبائی کازرونی معروف به حاج مجتهد از فقهاء و مجتهدین و عرفاء و حکماء اشراق و شعراء دانشمند معاصر است.

معظم له در ذی‌حجه ۱۲۷۸ متولد شده و پس از پرورش در سن ۷ سالگی سال ۱۲۸۵ قمری از کازرون به شیراز آمده و مقدمات و ادبیات عربی را در خدمت مرحوم حاج سید محمدعلی کازرونی فراگرفته و حکمت را در محضر درس حاج شیخ احمد معروف به شانه‌ساز و فقه و اصول را نزد آقا شیخ محمدحسین مجتهد شیرازی آموخته و در سال ۱۳۰۳ قمری به نجف مشرف شده و مدت دوازده سال از محضر مرحوم آخوند ملا کاظم خراسانی و علامه یزدی صاحب (عروه) و دیگران استفاده نموده و در سال ۱۳۱۵ قمری به موطن و مولد خود کازرون برگشته و اهالی آن شهر مقدم او را گرامی داشته و بنابر اصرار اهالی تا سال ۱۳۱۹ در آنجا اقامت نموده و بعد از آن به شیراز آمده و در شاه‌چراغ به اقامه جماعت و در مدرسه مقیمیه و منزل خود و مسجد نو به تدریس اسفار اربعه و فصوص الحکم و فقه و اصول پرداخته تا در روز پنجشنبه هیجدهم رجب سال ۱۳۴۳ ق در شیراز به رحمت ایزدی پیوست و در تکیه حافظیه مدفون شد.

از آثار علمی او کتب زیر است.

۱- دوره اصول ۲- دیوان اشعار فارسی و عربی (در شیراز چاپ شده) ۳- دو رساله دیگر که چاپ شده

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حکیم مشهدی، فیض علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، طبیب و شاعر، متخلص به حکیم. اصل وی از مشهد مقدس بود، از زادگاهش رهسپار هندوستان شد و در آن سامان نزد حاکمان تقرب یافت. فیض علی علاوه بر اینکه در میانه‌ی موزونان از مشاهیر بود، در علم طب نیز آگاهی و وقوف تمام داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۸۵۳/۹)، کاروان هند (۳۳۰ -۳۲۹ /۱)، مآثر رحیمی (۱۲۵۲ -۱۲۴۳ /۴)، مرآت الخیال (۲۶۰ -۲۵۸).

حکیم مومن، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، پزشک و داروشناس. مشهور به حکیم مومن. پدر و نیای او از طبیبان دربار صفوی و خود پزشک ویژه‌ی شاه سلیمان بود. از آثارش: «تحفه المومنین»، به زبان فارسی در معرفت داروهای مفرد و مرکب. این کتاب چند مرتبه در ایران چاپ سنگی شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۳۶۳ -۳۶۲ /۵)، الذریعه (۴۷۳/۳)، ریحانه (۶۰/۲)، لغت نامه (ذیل/ حکیم مومن).

حکیم نوری، محمد یوسف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. از جوانی به کسب علوم عقلی و نقلی پرداخت و در حکمت الهی و طبیعی و فنون ادبی و عربی به مقام بلندی رسید. حکیم نوری همیشه با علماء و حکماء و شعراء قرین و جلیس بود. از آثار وی «دیوان» اشعار است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۶۳/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۷۶)، مجمع الفصحا (۲۱۳ -۲۱۰/۴).

حکیم یزدی، آمیرزا

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۱۶ ق)، ریاضیدان. فنون ریاضی را نزد مولی محمدحسین یزدی و سایر علوم را نزد استادانی چون آقاحسین خوانساری آموخت، آنگاه در یزد سکنی گزید و به تدریس در برخی مدارس تازه تأسیس شده‌ی آنجا اشتغال یافت. او پرهیزکارترین اهل زمانه‌ی خویش بود و لباس خشن بر تن می‌کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریاض العلماء (۱۹۷ /۲).

حکیم یزدی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۲ ق)، فقیه اصولی و متکلم. در یزد و تهران درس خواند، در معقول شاگرد آقا محمدرضا قمشه‌ای در منقول شاگرد میرزا ابوالقاسم کلانتری و میرزا محمد حسن آشتیانی بود و از میرزای آشتیانی اجازه اجتهاد داشت. پس از پایان تحصیلات در قم ساکن شد و به تدریس پرداخت. بیشتر آوازه‌ی شهرت او به خاطر مهارت او در حکمت بود. شیخ محمد علی، فرزند محمد جعفر قمی، از شاگردان اوست که «رسائل» شیخ مرتضی انصاری را در خدمت وی فراگرفت. حکمی در قم درگذشت و پیکرش در مقبره‌ی شیخان به خاک سپرده شد. از آثار وی: «الرساله الرضاعیه» یا «الرضاعیات»، به فارسی؛ شرح «الشواهد الربوبیه» ملاصدرا؛ شرح «رسائل» شیخ مرتضی انصاری؛ حاشیه بر «بدایع الاصول».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۷۶/۸)، خدمات متقابل اسلام و ایران (۶۱۱)، الذریعه (۱۹۲/۱۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۰۷/۱۴).

حکیم، حسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حکیم عالم فاضل، و فقیه کامل، از حکمای الهی در قرن دهم بوده، در سال ۱۰۰۴ وفات یافته، قبرش نزدیک مسجد مصلی در تخت فولاد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حکیم، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی حکیم

محل تولد : نجف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در یازده سالگی پس از شرکت در اولین جلسه تعلیم قرآن که از طرف حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی در سراسر قم بود شرکت کردم در تابستان بعدی اولین تدریس قرآن را آغاز کردم. پس از آن در همان سال تحصیلی علاقمند به حوزه شدم و در سن ۱۲ سالگی وارد حوزه علمیه قم شدم و کنار درس به مسائل رفتاری توجه خاصی داشتم و قبل از آغاز جنگ به مطالعه روانشناسی روی آوردم پس از دو سال جبهه که مسئولیتهای نسبتاً سنگین مانند قائم مقامی سازمان تبلیغات استان خوزستان و مسئولیت توزیع روحانیان به سپاه و ارتش برعهده اینجانب بود که به خاطر مسئله تربیت کادر و نیروی آینده احساس تکلیف کردم به قم برگردم (در اثر اصرار برخی از اساتید) و طرح تربیت الگو و مدرسه آزمایشی راه انداختم هدف از طرح انتقال رفتار و تغییر سریع رفتار در نوجوانان از طریق الگوی همسن طرح بسیار موفق و جامعی بود و کاملاً علمی در کنار اجرای طرح طراحی مدرسه نمونه نیز مد نظر بود ولی متأسفانه جو عمومی علمی نبود این طرح را سازمان تبلیغات قم پوشش حمایتی می‌داد و آموزش و پرورش همکاری می‌کرد به هرحال خیلی بار علمی و عملی داشت تا سال ۱۳۶۶ ادامه یافت و برخی خروجی‌های آن اکنون در حوزه و دانشگاه که برخی پزشک نمونه کشور شدند و سایر رشته‌ها و برخی که در دولت کنون افغانستان در وزارت آموزش و پرورش آن در حد برنامه ریزی درسی مدیرکل و معاون وزیر شدند به هرحال تأسف آور این است که این تجربه مدفون ماند در حالیکه کشور به آن نیاز داشت وضع تربیت اکنون نتیجه عدم برنامه‌ریزی علمی است و تربیت آشفته دینی ما هم از همین امر ناشی می‌گردد.

در کنار دروس حوزه که حتی در جبهه قطع نشد درقم کنار حوزه و مطالعات رفتاری به بررسی متدهای تغییر رفتار در از مدت در بزرگسالان و بحث روان درمانی هم نیز پرداختم در بیمار اضطراب حاد و بسیار وسواس داشتیم و نتایج فوق‌العاده جالب بود و حاکی از اهمیت تغییر رفتار پیش از بلوغ و تا ۲۱ سالگی بود در حوزه از روش‌های هم دروس قدیم اصول و دروس حلقات اصول همزمان پیش می‌بردم در سال ۶۸ وارد بحث خارج شدم و در آن زمان نیز اولین تدریس دانشگاه را آغاز نمودم که به اصرار آیت الله اراکی بود چندان مشتاق نبودم و تاکنون بیش از ۱۷۰۰۰ هزار دانشجو را در زمینه‌های مختلف معارف تفسیر قرآن اخلاق و تربیت عقاید و دفع شبهات هر مقطع پرداختم که در هر دانشگاه همیشه از نظر دانشجویی رتبه اول را داشتم در کنار آن بحث خارجم تا سال ۸۲ قطع نشد و پس از آن به خارج اعزام شدم و نزدیک یک سال در فنلاند امامت جمعه و تبلیغ و تدریس داشتم و فوق‌العاده با جوانان مسلمان رابطه صمیمانه و با خانواده ما برقرار شد ولی محیط غرب را اصلاً تحمل نکردم برای من حکم زندان را داشت در سال‌های ۱۳۷۶ مدیر گروه کلام واحد کلام و فلسفه را داشتم.

و در سال ۱۳۷۹ مدیر گروه فلسفه و کلام مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران را برعهده‌ام گذاشتند و در همان سال نیز مدیریت گروه اخلاق و تربیت برعهده داشتم که تا سال ۱۳۸۲ ادامه داشت یعنی تا سفر خارج کشور در کنار آن سه دوره تدریس کلام استدلالی در سطح عالی برای تربیت مدرس خواهران داشتم که از نظر روش تدریس از اساتید بزرگ دیگر نیز پیشی گرفته بودم و در دوره سطح سه کلام و فلسفه دفتر تبلیغات تدریس متون قدیم کلام و تدریس عقاید استدلالی را داشتم.و از سال ۱۳۷۵ یا ۷۶ اولین کارهای علمی در اینترنت در کتب با وهابیان و مسیحیان عرب زبان بود شروع و تاکنون ادامه دارد هر وقت فرصت کنم به چت های داغ و علمی رفته و مدت چهارماه برای مجمع اهل بیت هم نظارت و هم اداره علمی مباحث اینترنت را برعهده داشتم که استقبال بسیاری داشت والحمدالله رب العالمین.

حکیم، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۰ -۱۳۰۶ ق)، فقیه، مجتهد و مرجع تقلید. در نجف متولد شد. در شش سالگی پدرش را از دست داد و برادرش سرپرستی او را بر عهده گرفت. وی مقدمات را تا قوانین نزد برادر بزرگ خود و بقیه‌ی علوم را نزد سایر فضلا فراگرفت. پس از اتمام درس سطح، محضر ملا- محمدکاظم خراسانی رسید، و از وی بهره گرفت. آنگاه به تدریس فقه و اصول پرداخت، و مدتی در صحن نجف و مسجد هندی به اقامه‌ی نماز جماعت پرداخت. وی پس از فوت آیت‌اللّٰه حاج آقا حسین بروجردی، مرجعیت تام در میان شیعیان دوازده امامی پیدا کرد. آیت‌اللّٰه حکیم در هشتاد و چهار سالگی در کاظمین درگذشت و در نجف به خاک سپرده شد. آثار او عبارت‌اند از: «رساله‌ی عملیه»؛ «حاشیه علی العروهٔ الوثقی»؛ «حقایق الاصول تعلیقه علی کفایهٔ الاصول»؛ «دلیل الناسک» یا «راهنمای مناسک حج»؛ «منهاج السالکین» و «منهاج الناسکین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶۳/۲۳ -۱۴۹/۶)، شرح حال رجال (۱۹۲ -۱۹۰ /۵)، مولفین کتب چاپی (۲۲۰ -۲۱۷ /۵).

حکیم، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدتقی بن السید احمد بن سید علی‌اکبر بن سید حسین بن سید علی بن سید محمد ابن السید طیب بن السید نورالدین بن العلامه السید نعمت‌اللّٰه جزایری موسوی از علماء معاصر است در نیاوران شمیران.

تولد ایشان در دوشنبه ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۳۴۵ قمری برابر ۹ تیر ماه ۱۳۰۵ شمسی در شوشتر واقع شده و در کودکی دروس ابتدائی را خوانده و به تحصیل صرف و نحو پرداخته و از محضر آیتین آقا سید محمدحسن آل‌طیب و آقا سید محمدجعفر مروج سطوح اولیه را فراگرفته و به قم عزیمت نموده و پس از خواندن قسمتی از سطوح وسطی به نجف اشرف مهاجرت و سطوح نهائی را از حجهٔ‌الاسلام آقا شیخ محمدتقی ایروانی و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا حسن یزدی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ مجتبی لنکرانی و آیت‌اللّٰه حاج سید عبدالاعلی سبزواری بپایان رسانیده آنگاه بدرس خارج مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حکیم و آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی شرکت نموده و بالغ بر یک سال و نیم از محضر آنان استفاده کرده سپس به اهواز مراجعت و چندی بتدریس علوم ادبی فقه و اصول اشتغال داشته و در سال ۱۳۴۰ شمسی منتقل به تهران و در مسجد جامع (حصار بوعلی) نیاوران به اقامه جماعت و ترویجات دینی مشغول می‌باشد.

آن جناب دارای اجازه روایتی از مرحوم آیت‌اللّٰه تهرانی صاحب الذریعه می‌باشد.

تألیفات ایشان از این قرار است:

۱- ترجمه حقوق زن در اسلام مطبوع تهران.

۲- ترجمه حقوق و حدود آزادی زن در اسلام.

۳- مناسک یا راهنمای اعمال حج چاپ هشتم.

۴- راهنمای تجزیه و ترکیب و قواعد صرف و نحو عربی چاپ ششم.

۵- سخنان حضرت موسی بن جعفر چاپ اول.

۶- پدر و فرزند چاپ سوم.

۷- فلسفه و اسرار حج چاپ دوم.

۸- الهام از گفتار علی علیه‌السلام چاپ سوم.

۹- درسهائی از مکتب امام صادق علیه‌السلام.

۱۰- حواشی متفرقه بر بعضی از کتب درسی مانند هدایه و صمدیه و سیوطی و شرح لمعه و غیره مخطوط.

۱۱- اربعین حدیث چهل حدیث اخلاقی و دینی و اجتماعی مخطوط.

۱۲- (تعجب) ترجمه کتاب التعجب کراچکی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

حکیم، منذر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید منذر حکیم

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

بسمه تعالی تولد : ۲۹ شوال ۱۳۷۲ هجری قمری (۲۰/۴/۱۳۳۲ش) کربلا- ورود به حوزه علمیه : ۱۳۴۹- ۱۳۵۳ ش ، نجف اشرف (

مقدمات ، سطوح ، خارج) ۱۳۵۳– ۱۳۷۲ش ، قم (خارج) اساتید مقدمات و سطوح : آیهٔ الله شهید سید اسد الله مدنی ، آیهٔ الله سید محمود شاهرودی ، آیهٔ الله شیخ ابوالفضل (علی) اسلامی قزوینی ، آیهٔ الله شیخ بشیرحسین نجفی ، آیهٔ الله سید نور الدین اشکوری و حجهٔ الإسلام شیخ محمد سعید نعمانی ، شهید حجهٔ الإسلام شیخ ماجد بدراوی ، آیهٔ الله سید محمد تقی طباطبائی تبریزی ، آیهٔ الله میرزا حبیب الله اراکی ، آیهٔ الله شیخ مرتضی اشرفی شاهرودی ، آیهٔ الله سید حسن مرتضوی ، استاد شهید سید عبد الصاحب حکیم ، آیهٔ الله شیخ ابوالحسن انواری زنجانی ، آیهٔ الله شیخ مصطفی اشرفی ، آیهٔ الله سید کاظم الحائری ، آیهٔ الله سید محمد مفتی الشیعهٔ ، استاد شیخ غلامرضا عرفانیان ، آیهٔ الله شیخ علی کاتبی مرندی ، و آیهٔ الله فرخنده تبریزی ، استاد شیخ عباس طبرسی مازندرانی آیهٔ الله شیخ محمد امین زین الدین ، حجهٔ الإسلام دکتر شیخ محمد باقر مقدسی . اساتید اخلاق : آیهٔ الله شهید سید اسد الله مدنی ، استاد شهید سید عبد الصاحب الحکیم ، استاد شیخ نجم الدین طبرسی مازندرانی ، استاد شیخ نجم الدین طبرسی مازندرانی ، شیخ عبد الحسین واعظ خراسانی ، آیهٔ الله شیخ ابوالفضل (علی) اسلامی قزوینی . اساتید تفسیر : استاد شیخ نجم الدین طبرسی مازندرانی ، شیخ عباس طبرسی مازندرانی ، آیهٔ سید حسن مرتضوی ، آیهٔ الله شیخ بشیرحسین النجفی ، آیهٔ الله خزعلی ، آیهٔ الله جوادی آملی . خارج اصول در محضر آیات عظام : آیهٔ الله العظمی سید ابوالقاسم خوئی ،آیهٔ الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر ، آیهٔ الله العظمی شیخ حسین وحید خراسانی ، آیهٔ الله العظمی ناصر مکارم شیرازی ، آیهٔ الله العظمی میرزا هاشم آملی ، آیهٔ الله العظمی سید کاظم حائری ، آیهٔ الله العظمی سید محمد مفتی الشیعهٔ اردبیلی . مباحث خارج فقه در محضر محضر آیات عظام : امام خمینی (ره) ، شهید سید محمد باقر صدر ، سید علی سیستانی ، میرزا کاظم التبریزی ، شیخ محمد طاهر آل شبیر خاقانی ، میرزا جواد آقای تبریزی ، شیخ حسین وحید خراسانی ، سید کاظم حائری را درک نمودم . تدریس : تمام دروس مقدمات ، کتب سطوح اولیه و سطوح عالیه حوزوی ، خارج تاریخ و علوم تاریخ ، علوم قرآن و تفسیر ، علوم تربیتی و اخلاق ، فلسفه و کلام ، مباحث جامعه شناسی کلیه دروس معارف در مقاطع مختلف تحصیلی استاد مشاور و راهنمای و داور در بسیاری از رساله های علمی در مرکز جهانی علوم اسلامی و (جامعهٔ المصطفی العالمیهٔ) ، حوزه علمیه قم ، جامعهٔ الزهراء ، مرکز مدیرت خواهران ، جامعهٔ آل البیت (ع) ، مؤسسه پژوهشی امام خمینی (قدس) . برخی تحقیقات و تألیفات : – المرشد الی تعلیم قراءهٔ القرآن الکریم – اصول عقائد (در دو سطح مقدماتی) – نگاهی به سر فصل ها و متون دروس معارف اسلامی در دانشگاهها – ترجمه ی اصول فلسفه و روش رئالیسم ج ۱ – تحقیق فقه معالم الدین – تحقیق رساله لاضرر شیخ انصاری – تحقیق مقالات الأصول (محقق عراقی) – تاریخ تطور فقه و أصول در مکتب أهل بیت (ع) – حیاهٔ الإمام شرف الدین – عصر الإمام شرف الدین – قراءهٔ فاحصهٔ فی تراث الإمام شرف الدین – عصر الإمام البلاغی – قبسات من حیاهٔ شهید المحراب السید محمد باقر الحکیم – تاریخ عصر غیبت باهمکاری پور سید آقایی – درسنامه عصر غیبت – تاریخ عصر غیبت کبری – النظریهٔ الإجتماعیهٔ فی فکر الشهید السید محمد باقر الصدر (جامعه شناسی قرآنی) – موسوعهٔ أعلام الهدایهٔ (۱۴ جلد) – فی رحاب أعلام الهدایهٔ (۵ جلد) – موسوعه " تأریخ الإسلام (۴ جلد) – قبسات من سیرهٔ القادهٔ الهداهٔ (۲جلد) – دروس تمهیدیهٔ فی تأریخ و سیرهٔ قادهٔ الهداهٔ (۲ جلد) – فی رحاب سید المرسلین الرسول المصطفی (ص) برخی طرح های علمی : – نظریه ی اخلاقی اسلام – مبانی نظریه و نظام اخلاقی اسلام – طرح تاریخ و علوم تاریخ در قرآن کریم – طرح پیشنهادی آموزش در مقطع إجتهاد – مبانی و زمینه ها و شیوه ایجاد تحول در حوزه ها ی علمیه – برنامه آموزشی پیشنهادی برای حوزه های علمیه بر محوریت قرآن کریم برخی مسؤولیت ها : مدیریت سازمان تبلیغات اسلامی خوزستان مدیریت حوزه های علمیه اهواز و دزفول مدیریت پژوهش در : مجمع جهانی اهل بیت (ع) ، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (بخش عربی) مدیریت برنامه ریزی و آموزش در : سازمان تبلیغات اسلامی خوزستان مجمع اندیشه اسلامی مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران و… مدیریت اولین دوره ی تربیت محقق در مؤسسه ی دائرهٔ المعارف فقه اسلامی مدیریت گروه فقه خانواده در جامعهٔ المصطفی العالمیهٔ مدیریت گروه فقه در دانشگاه مجازی المصطفی

حکیم، منوچهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۹ ش)، پزشک، نویسنده و استاد دانشگاه. پس از پایان تحصیلات ابتدایی، وارد مدرسه‌ی ثروت شد و دوره‌ی تحصیلات متوسطه را در آن مدرسه گذراند. سپس به اروپا رفت و پس از تلاش بسیار از دانشگاه پاریس با درجه‌ی عالی، دانشنامه‌ی دکتری پزشکی در رشته‌ی کالبدشناسی گرفت. سپس به ایران بازگشت و به تدریس در دانشگاه پرداخت. از آثار او: «کالبدشناسی انسانی»؛ «کالبدشناسی بالینی»؛ «کالبدشناسی دستگاه گوارش»؛ «کالبدشناسی موضعی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۲۱/۳)، مولفین کتب چاپی (۳۰۸ -۳۰۷/۶).

حکیمی – محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد حکیمی در چهاردهم فروردین ۱۳۵۴ (۱۳۱۴ ق) (استاد، تاریخ درگذشت خویش را به اصحاب سرش گفته است (و «سر اهل السر مما لا یباح»)؛ اما امید است که با دعای همان اصحاب سر، آن تاریخ به تأخیر افتد و استاد دیرتر بزید. ان ذلک علی الله یسیر.)،

در مشهد زاده شد. پدرش، حاج عبدالوهاب حکیمی (م ۱۳۶۹ ش)، که از یزد به آستان امام رضا –ع – پناه برده بود، از محترمین بازار مشهد و متشرع و اهل مراقبه بود و از شبهات می‌گریخت. حکیمی در سال ۱۳۲۰ به مکتب و سپس به مدرسه رفت. پس از فرا گرفتن قرآن و صد کلمه (از کلمات قصار امیرالمؤمنین علی –ع– با ترجمه‌ی منظوم)، و نیز مقداری از دیوان حافظ، درسهای دوره‌ی ابتدایی را در مدرسه فرا گرفت. درسال ۱۳۲۶ به حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد وارد شد و بیست سال در آنجا به علم اندوزی و خود سازی پرداخت. هشت سال به درسهای مقدمات و سطح و دوازده سال به درس خارج اشتغال داشت و در جنب آن، پانزده سال به تحصیل فلسفه و کلام پرداخت.

ادبیات عرب را نخست در نزد چند تن از طلاب فاضل، و بار دیگر در نزد شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری، معروف به ادیب ثانی (م ۱۳۵۵ ش)، فرا گرفت و تقریرات همه‌ی دروس او را نوشت. اصول فقه و فقه را در محضر آیت الله میرزا احمد مدرس یزدی (م ۱۳۵۰ ش)، که خویشاوندش بود، و آیت الله علی نمازی شاهرودی (م ۱۳۶۴ ش)، و دیگر دروس سطح و مقداری از خارج را، از جمله خارج کفایه، در محضر آیت الله شیخ هاشم قزوینی (م ۱۳۳۹ ش)، آموخت. همچنین دوازده سال از افاضات آیت الله شیخ مجتبی قزوینی (م ۱۳۴۶ ش)، بهره برد و جلدین کفایه و خارج فقه و نیز درس معارف اعتقادی و اجتهادی و فلسفه (شرح اشارات و اسفار) و نقد فلسفه را از محضر او فرا گرفت و ضمن تماشای رواق اشراق، همراه مشائیان تمشی کرد. ده سال نیز در درس خارج فقه واصول آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی (م ۱۳۵۴ ش)، حاضر شد و تقریرات درس اصول وی را بتفصیل و تقریرات برخی از دروس فقه را باختصار نوشت.

شرح باب حادی عشر را از بعضی از فضلا، و شرح تجرید را در محضر شیخ عبدالنبی کجوری (م ۱۴۱۹ ق)، و شرح منظومه را از شیخ غلامحسین محامی بادکوبه‌ای (م ۱۳۳۳ ش)، آموخت، در پی آموختن علوم مرسوم حوزه، در سری هم در علوم دیگر کشید که مبادا چیزی را فروهشته باشد: نجوم و تقویم را در نزد حاج شیخ اسماعیل نجومیان (م ۱۳۵۶ ش)، و اوفاق و رمل را از محضر حاج سید ابوالحسن حافظیان (م ۱۳۶۰ ش)، و حاجی خان مخیری (م ح ۱۳۵۰ ش)، و شیخ مجتبی قزوینی فرا گرفت.

گزافه نیست اگر بگویم از کوچکی آثار بزرگی در مشی حکیمی نمایان بود و: بالای سرش ز هوشمندی می‌تافت ستاره‌ی بلندی. شاهد اینکه در نوزده سالگی، هنگامی که درسهایش در نزد ادیب ثانی پایان یافته بود، قصیده‌ای به عربی، در بیش از چهل بیت، پاس مقام استاد را، سرود و در شب نوروز ۱۳۳۳، به وی پیشکش کرد. آنکه که آن ادیب اریب، آن قصیده‌ی عربی را، از آن طلبه‌ی نوجوان دید، انگشت تعجب به دهان گرفت و او را، علی رؤوس الاشهاد، برکشید و «متنبی جوان» خواند. (شرح این موضوع خواهد آمد.).

نیز گفتنی است که استاد حکیمی دو جلد کفایه را در طی یک سال تحصیلی در نزد شیخ مجتبی قزوینی فرا گرفت. شیخ استاد چندان از ذکاوت وسرعت انتقال وی شگفت زده شده بود که گفت: «تاکنون کسی با این استعداد ندیدم که جلدین کفایه را در یک سال بخواند». (معاد جسمانی در حکمت متعالیه، ص ۴۰۲).

این را هم بگوییم چندی پس از آنکه حکیمی شرح منظومه را به صورت اجتهادی و انتقادی، در نزد محامی بادکوبه‌ای فرا گرفت، وی دیگر او را نه «حکیمی»، که «حکیم» می‌خواند و می‌گفت: «یا»ی نسبت را از نام حکیمی بردارید؛ او دیگر نه «حکیمی»، که «حکیم» است.

همچنین روزی آیت الله میلانی، در هنگام درس اصول، پس از اینکه بسمله گفت و خطبه خواند، چشم چرخاند و شاگرد جوانش را، که در گوشه‌ای نشسته بود و در دیدگاه استاد نبود، ندید. سکوت کرد و سکوت مجلس را فرا گرفت که مگر چه شده آقا درس را متوقف کرده است! آنگاه فرمود: آقای حکیمی نیستند. افلاطون تا ارسطو حاضر نمی‌شد درس را شروع نمی‌کرد؛ می‌گفت عقل در مجلس درس حاضر نیست.

آری، آن «متنبی جوان»، در نزد ادیب ثانی، و آن «حکیم»، در نظر محامی بادکوبه‌ای، «ارسطوی دوم» و «عقل مجلس درس»، در نزد آیت الله میلانی بود. و دانستنی است که حکیمی جوانترین فرد در درس میلانی بود و همگان از او پیشنه‌ی علمی و حوزوی دیرینه‌تری داشتند. حتی در آن جمع، فاضلانی بودند که حکیمی برخی از متون مقدمات و سطح را نزد آنان خوانده بود.

این را نیز بگویم که استاد حکیمی قدم در سی سالگی نگذاشته بود که علامه شیخ عبدالحسین امینی (م ۱۳۴۹ ش)، در نامه‌ای که از نجف برایش نوشت، وی را با عنوان «العلامهٔ الجلیل» مورد خطاب قرار داد. در این نامه، که با عبارت «با هزاران شوق دیدار» آغاز شده، استاد حکیمی به همکاری مطبوعاتی دعوت گردیده و در آن آمده است:

زیاد از حد مایلم که از قلم و قدم شما خدمات شایانی نسبت به مولا بوده باشد و شما شریک این اعمال گردید که تحقیقا موجب توفیق است. لذا این زحمت را به عهده‌ی جناب عالی می‌گذارم؛ والا رفقای زیادی در تهران هست که با جان و دل حاضرند که این خدمات را عهده‌دار شوند. و این تصدیع، رمز محبت حقیر است نسبت به شما. (این نامه‌ی بدون تاریخ در حدود ۱۳۴۱ نوشته شده و تصویری از آن در نزد اینجانب هست.).

در همین سالها بود که شیخ آقا بزرگ تهرانی (م ۱۳۴۸ ش)، در ضمن اجازه‌ی روایی به استاد حکیمی، از وی با القاب «الفاضل الکامل البارع الاریب والاستاد المحقق الماهر الادیب» یاد کرد. (شیخ آقا بزرگ تهرانی، ص ۶۷. تاریخ ابن اجازه رجب ۱۳۸۲، برابر با آذر ۱۳۴۲ است.) و این اجازه کتبی، پس از اجازه‌ی شفاهی‌ای بود که شیخ در حرم مطهر امام رضا –ع– در جمادی الاول ۱۳۸۲ به استاد حکیمی داده بود.

هیچگاه استاد حکیمی از زندگی آموزشی خود حکایت نکرده است؛ فقط در یک – دو جا، آن هم جایی که می‌خواسته است خاطر نشان کند که با علم اصول مخالف نیست، بناچار، از تحصیلاتش، آن هم فقط تحصیلات اصولی خویش، سخن گفته است:

در ایام تحصیل، کفایه و مقداری از درس خارج را نزد آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی خواندم، و مقداری خارج کفایه را نزد آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی. و هفت سال در درس خارج اصول آیت الله العظمی حاج سید محمد هادی میلانی (۱۳۱۳ ق – ۱۳۹۵ ق)، حاضر می‌شدم و همه‌ی درس را با دقت می‌نوشتم؛ به طوری که هیچیک از شاگردان ایشان در آن دوره به این تفصیل

نمی‌نوشتند. سپس مقداری از مطالب را (از باب «اوامر»)، به عربی برگردانم و در صدد تنظیم و تألیف تقریرات اصول ایشان بر آمدم. بخشی از مقدار عربی شده را نزد ایشان بردم، دیدند و پسندیدند و بسیار تشویق و ترغیب کردند که همه، به همان صورت، آماده شود تا به چاپ برسد. و خود اظهار می‌داشتند که اگر این تقریرات تدوین یابد و تعریب گردد و به چاپ برسد، در شمار بهترین و مهمترین کتب علم اصول جای خواهد گرفت...

باری، این امور بود، لیکن اینجانب پس از تأمل در اینکه در علم اصول فقه کتابهای بسیاری نوشته شده است، و اصول آیت الله میلانی نیز مفصل است، و همچنین پس از اینکه استاد دیگر، مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی، به چاپ کتابهایی در اصول و تقریرات اصولی، افزون بر آنچه هست، رضایت خاطری ندارند، از ترجمه‌ی کامل و چاپ و عرضه‌ی آن تقریرات منصرف گشتیم. (مکتب تفکیک، ص ۳۶۹-۳۶۸. همچنین استاد در همین باره مرقوم داشته‌اند: «کتاب اصولی را که از افاضات مرحوم آیت الله العظمی میلانی (م ۱۳۹۵ ق)، با تحریراتی از خودم، شروع به نوشتن کردم و مقداری را خدمتشان بردم، پس از ملاحظه فرمودند: «اگر این کتاب را تکمیل کنید و چاپ شود کفایه را نسخ می‌کند.» معاد جسمانی در حکمت متعالیه، ص ۴۰۳.).

استاد حکیمی سالها در لباس روحانیت بود، (حکیمی تا سال ۱۳۴۵، که در حوزه‌ی مشهد بود، کسوت روحانیت داشت، اما لباسش را سنگین نکرده بود. به جای قبا یک پالتوی ساده می‌پوشید و عمامه‌اش به دستار شبیه بود.) اما هرگز روحانیت را حرفه‌ی خود نکرد. زیرا پس از آنکه لباس روحانیت به تن کند، لباس زهد و اعراض به تن کرده بود. سرانجام در سال ۱۳۴۵، با رضایت استادش، شیخ مجتبی قزوینی، از حوزه و لباس روحانیت بیرون آمد، اما همواره نگاهش به حوزه است و مخاطبش، نسلهای جوان.

حکیمی جوان، در حوزه علمیه‌ی خراسان، در محضر استادانی زانو زد که، همه و همه، پروا پیشه بودند و از دنیا رسته و پشت کرده به جاه و مقام. هر یک، جهانی در گوشه‌ای بودند و همنشین خدا (گفته‌اند: «رسد آدمی به جای که بجز خدا نبیند»، اما از این برتر هم در امکان است و می‌توان گفت رسد آدمی به جایی که همنشین خدا شود. این، ادعایی از جانب انسان نیست، بلکه ارتقایی است که خداوند به آدمی ارزانی داشته و فرموده است: انا جلیس من ذکرنی.) و خدازی («خدازی»، از ساخته‌های استاد حکیمی است و آن را معادل کلمه‌ی «متأله» نهاده و در توضیح آن نوشته است: «انسانی که در شناخت خدا و توجه به خدا و عبادت خدا غرق است؛ برای خدا هست و برای خدا زندگی می‌کند...» خورشید مغرب، ص ۱۹۲. به عبارت دیگر، خدازی کسی است که ترجمه‌ی این آیه باشد: قل ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین. سوره‌ی انعام (۶)، آیه‌ی ۱۶۲.) و به دور از تعلقات دنیوی و مرید بازی و آقا منشی و اشرافیگری علمی. استاد حکیمی، حکایتهایی از مشی و منش ساده و مردمی آنان نقل می‌کند که امروزه افسانه و مثل شده است و مانند آنها را در کتابهای گذشتگان می‌توان یافت. (شرح حال شماری از این استادان در کتاب مکتب تفکیک آمده است.).

از میان آن استادان، آنکه بیش از همه بر حکیمی تأثیر گذاشت و در معماری شخصیت علمیش نقش داشت، شیخ مجتبی قزوینی بود. وی، به گفته‌ی استاد حکیمی، یکی از سه رکن مکتب تفکیک (مکتب تفکیک به نظریه‌ای گفته می‌شود که قائل به تفکیک دین از فلسفه و عرفان است. شرح آن بیاید.) در قرن چهاردهم هجری بود و صاحب کشف و کرامات و مشرف شده به آستان حضرت ولی عصر - عج - و داری اخلاق باطنی و اهل عبادات و ریاضات و مستغرق در خلسات. (برای تحقیق بیشتر درباره‌ی وی رجوع شود به: محمد علی رحیمیان، متأله قرآنی شیخ مجتبی قزوینی خراسانی، مقدمه‌ی محمد رضا حکیمی (چاپ اول: قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۲).) حکیمی دوازده سال از محضر او درس آموخت، اما چهل سال است که به مکارم اخلای او رطب اللسان است و هنوز خود را مرید وی می‌داند.

استاد حکیمی در کتاب خورشید مغرب، از چهار تن از متقدمان و چهار تن از معاصران یاد کرده است که به محضر آن حضرت مشرف شدند. چهار فرد اخیر عبارتند از: سید موسی زر آبادی (م ۱۳۵۳ ق)، میرزا مهدی اصفهانی (م ۱۳۶۵ ق)، شیخ علی اکبر الهیان (م ۱۳۸۰ ق) و شیخ مجتبی قزوینی (م ۱۳۸۶ ق). (ر.ک: خورشید مغرب:، ص ۲۰۵.) از این چهار تن، دو فرد اخیر، استاد حکیمی بودند و دو فرد نخست، استاد استادان او.

به هر رو، حکیمی در محصر استادانی زانوی ادب زد که، به یافت او، به محضر حضرت ولی عصر - عج - حضور یافته بودند. از این روست که وی، شاهکار خویش را (جلد سوم تا ششم الحیاهْ (کتاب مزبور، تألیف استاد حکیمی و محمد حکیمی و علی حکیمی، از دانشوران حوزه‌ی علمیه‌ی خراسان، است. این کتاب همواره به استاد نسبت داده می‌شود و ما نیز در کتاب حاضر، برای رعایت اختصار، گاه چنین کرده‌ایم؛ اما به گفته‌ی استاد، الحیاهْ «تألیف مشترک» است.)، به این چهار چهره تقدیم و از آنان چنین یاد کرده است: «عالمان بزرگ ربانی»، «متألهان سترگ قرآنی»، «سره سازان معارف وحیانی»، «پیرایندگان بنیادهای تعقل قرآنی»، «متعقلان ژرفکاو» و «مربیان تأثیر آفرین». (ر.ک: ترجمه‌ی الحیاهْ، ج ۳، ص ۴-۳. گفتنی است از آنجا که ترجمه‌ی الحیاهْ را استاد حکیمی، با دقت بسیار، ویراسته و با متن آن تطبیق داده، در سراسر این کتاب بدان ارجاع داده شده است. به هر حال، ترجمه‌ی الحیاهْ، اعتبار اصل کتاب را دارد و، مضافا اینکه، گاه مطالبی افزون بر اصل، به خامه‌ی استاد حکیمی، در آن آمده است.).

هنگامی که حکیمی مدارج عالی علمی را در حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد گذراند، دو راه در پیش داشت: یا مانند دیگر همدرسان خود در حوزه بماند و به تدریس فقه و اصول بپردازد و، النهایه، سر از مرجعیت در آورد، و یا اینکه پلی از حوزه به جامعه و جوانان بزند و خوراک فکری برای آنان فراهم آورد و، النهایه، به آنجا برسد که اینک رسیده است.

گذشت که استاد حکیمی، مانند همدرسان خود، در حوزه نماند و پلی از حوزه به جامعه زد و، به عبارت خویش، «هجرت الی التکلیف» کرد. وی در خرداد ۱۳۴۵، هنگامی که از سی سالگی گذشته بود، از حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد به تهران آمد، و در واقع، از همه‌ی القاب و مقامات و مزایا و عناوین حوزه چشم پوشید.

استاد حکیمی از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۷ در چند مؤسسه‌ی فرهنگی انتشاراتی در تهران، از جمله بنیاد فرهنگ ایران، شرکت سهامی انتشار و مؤسسه‌ی انتشارات فرانکلین، اشتغال داشت. (برخی از همکاران حکیمی در انتشارات فرانکلین عبارت بودند از: احمد آرام، احمد سمیعی گیلانی، ابوالحسن نجفی، نجف دریابندری، جهانگیر افکاری، اسماعیل سعادت، عبدالمحمد آیتی، غلامعلی

حداد عادل و عبدالحسین آذرنگ. کریم امامی، از مسؤولان این انتشارات، در مصاحبه‌ای گفته است: برخی از کارکنان فرانکلین کسانی بودند که به علت فعالیتهای سیاسی به زندان رفته بودند و در سازمانهای دولتی نمی‌توانستند شاغل شوند. مؤسسه‌ی فرانکلین این افراد را می‌پذیرفت و ساواک هم تقریبا راضی بود که اینها در فرانکلین مشغول به کار شوند. زیرا می‌خواست در جایی کار کنند که آمد و رفت و روابطشان زیر نظر باشد. یکی از کسانی که تحت نظر ساواک بود، آقای محمدرضا حکیمی بود. عبدالحسین آذرنگ و علی دهباشی (به کوشش)، «سلسله گفت و گوها پیرامون نشر ئو فرهنگ»، بخارا (شماره‌ی ۲۲–۲۱، آذر ذ اسفند ۱۳۸۰)، ص ۱۵۷.) او، بدرستی و از سر اجتهاد، تشخیص داده بود که باید در مؤسسه‌های فرهنگی داخل شد و تا آنجا که می‌توان «تعالی اندیشه‌ی اسلامی را روشن ساخت.» همچنین محض احتیاط و برای اطمینان بیشتر، از دو مرجع تقلید (آیت الله خمینی و آیت الله خوئی)، اجازه گرفت. پس از چند سال فعالیت هم که می‌خواست کناره بگیرد، با استاد مطهری مشورت کرد و او نه تنها کناره گیری را صلاح ندانست، بلکه «حرام» شمرد. بدین ترتیب با اطمینان بیشتر به کار مشغول شد و در آن مدت با صتحیح محتوایی شماری آثار و تعلیقه نگاری بر چند کتاب مهم، ضمن کار اداری، «تعالی اندیشه‌ی اسلامی را روشن ساخت.»

همکاران حکیمی در آن مؤسسه‌ها، او را یک روحانی بی عمامه می‌دانستند که بر نمی‌تابد کتابی منتشر شود و کلمه‌ای خلاف دین در آن باشد. به گفته‌ی یکی از همکاران او در انتشارات فرانکلین: «محمدرضا حکیمی همه‌ی دانش و تجربه‌ی خود را معطوف به این می‌کرد که هیچ اصلی از اصول اسلام نقض نشود و نکته‌ای خلاف واقع در نوشته نباشد.»

در خود ذکر است که تدریس استاد حکیمی در دانشگاه تهران، در دوره‌ی دکترای ادبیات، از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷، و بنا به دعوات دکتر عبدالحسین زرین کوب بود. در آغاز در حدود سی نفر در این دوره ثبت نام کردند؛ اما دیری نگذشت که بیش از سیصد نفر در کلاسهای استاد حضور می‌یافتند. وی برای نخستین بار به جای متونی چون تاریخ ابن خلکان، که رایج بود، نهج البلاغه را متن درسی قرار داد. استقبال دانشجویان از این کلاس و مرعوبیت ساواک از این ازدحام، منجر بدان شد که با دخالت پلیس و ساواک، تعطیل شود.

همچنین گفتنی است که استاد حکیمی، در پی هجرت تکلیفی از حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد، به جرم فعالیت علیه رژیم شاه، در سال ۱۳۴۵، چند بار در وی و مرند و سلماس و ارومیه بازداشت و زندانی شد. وی آخرین بار در سال ۱۳۵۷ دستگیر و در کمیته‌ی تهران زندانی گردید.

در آثار حکیمی، تا سال ۱۳۵۷ (پیروزی انقلاب اسلامی ایران)، بیشتر از قیام و پیکار سخن رفته و از موضوعات دیگری هم که سخن گفته شده، قیام و پیکار نتیجه گیری و بدان دعوت شده است. (از جمله رجوع شود به: فریاد روزها، سرود جهشها، بیدارگران اقالیم قبله و امام در عینیت جامعه.) آهنگ و جهت کلی کتابهای او، تا آن تاریخ، «قیام» است و گفته‌ها و نوشته‌های دیگر مقدمه و زمینه و برای آن است. اما از سال ۱۳۵۷ بدین سو، آهنگ و جهت کتابهای حکیمی تغییر کرد و به «قسط» تبدیل شد. (از جمله رجوع شود به: کلام جاودانه، قیام جاودانه، جامعه سازی قرآنی و الحیاهٔ (بویژه جلد سوم تا ششم).) وی از آن هنگام همواره از قسط سخن گفته و سخنهای دیگر را همچون مقدمه‌ی آن قرار داده و، در واقع، قسط را ترجیع بند سخنان خود ساخته است. بنابراین چکیده‌ی همه‌ی نوشته‌های حکیمی و آهنگ و پیام آن، در یک عبارت، عبارت است از: «قیام به قسط».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

حکیمی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود حکیمی در سال ۱۳۲۳ه.ش در تهران متولد شد و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی ومتوسطه،برای تحصیل دررشته زبان انگلیسی وارد دانشگاه تربیت معلم شد و پس از مدتی تدریس در مدارس، برای ادامه تحصیل دررشته تعلیم و تربیت به انگلستان رفت و پس از دریافت درجه فوق لیسانس و بازگشت به ایران، به تدریس در مراکز تربیت معلم پرداخت. وی اکنون (۱۳۸۳ه.ش) بازنشسته است و به کار مورد علاقه خود که همان تحقیق و تالیف درزمینه ادبیات معاصر انقلابی ایران و تاریخ تمدن است، می پردازد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ادبیات دینی و معاصر

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمود حکیمی در شهریور ماه سال ۱۳۲۳ه.ش در محله میدان خراسان درتهران در خانوده ای مذهبی متولد شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمود حکیمی پس از طی تحصیلات متوسطه موفق به دریافت مدرک کارشناسی زبان انگلیسی از دانشگاه تربیت معلم شد. وی پس از و مدتی تدریس در مدارس تهران، به انگلستان رفت و پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد، به تدریس در مراکز تربیت معلم مشغول شد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : محمود حکیمی از روزگار تحصیل به ادبیات فارسی و تاریخ تمدن علاقه داشت و با این گرایش به مطالعه آزاد می پرداخت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمود حکیمی سالها در مدارس تهران به عنوان معلم زبان انگلیسی ، و پس از بازگشت از انگلستان به عنوان مدرس تعلیم و تربیت درمراکز تربیت معلم به تدریش اشتغال داشته و اکنون نیز مدتی است بازنشسته شده و به

تحقیق و تالیف می پردازد.

فعالیتهای آموزشی : محمود حکیمی سالها تدریس زبان انگلیسی مدارس تهران را به عهده داشته، و پس از بازگشت ازانگلستان نیز استاد تعلیم و تربیت دردانشگاههای تربیت معلم بوده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مطالعه، تحقیق و تالیف و سرودن اشعاری با مضمون ادبیات معاصر و انقلابی ایران و تالیف کتبی پیرامون تاریخ تمدن از کارهای روزمره محمود حکیمی است.

آرا و گرایشهای خاص : محمود حکیمی در آثار ادبی خود مدافع ادبیات انقلاب ایران است و نیز در تاریخ تمدن به اخلاق گرایی و اصنافی چون صوفیان و پهلوانان توجه خاصی دارد.

جوائز و نشانها : فرهنگسرای نوجوانان درمنطقه ۱۸ شهرداری تهران کتابخانه ای رابه نام محمود حکیمی نام گذاری کرده است که در سال ۱۳۸۲ ه.ش توسط شخص محمود حکیمی افتتاح شد. ---

آثار :

۱ تاریخ تمدن جهان باستان یا داستان زندگی انسان

ویژگی اثر : مجموعه ای است ۲۱جلدی که اولین جلد آن در سال ۱۳۶۰ه.ش و جلد بیست ویکم آن در ۱۳۸۲ه.ش منتشر شده است.

۲ غرب بیمار

ویژگی اثر : غرب بیمار نخستین کتاب محمود حکیمی بود که در سال ۱۳۵۱ه.ش منتشر شد.

۳ مبانی ادبیات دینی کودکان و نوجوانان

ویژگی اثر : این کتاب آخرین و جدیدترین اثر اوست که با همکاری مهدی کاموس آن را به نگارش در آورده است.

۴ همراه با عارفان ، عیاران و جوانمردان

ویژگی اثر : کتابی است شامل شرح حالهای بزرگان عرفان، عیاران .جوانمردانی چون پوریای ولی و غلامرضا تختی.

حکیمیان، علی محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی محمد حکیمیان

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۷/۲

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی ، راهنمایی و دبیرستان را به ترتیب در مدارس قوامی ، آقا و رازی شهرستان یزد با موفقیت گذراندم و در سال ۱۳۵۷ شمسی در رشته صنایع غذایی دانشگاه شیراز پذیرفته شدم . پس از انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۵۹ در کمیته فرهنگی جهاد سازندگی یزد مشغول به خدمت به جامعه روستایی و انقلابی ایران اسلامی شدم . در سال ۱۳۶۰ با پذیرش در مدرسه حقانی قم مشغول به تحصیل علوم حوزوی گردیدم . پس از بازگشایی دانشگاهها از تحصیل انصراف دادم و تا سال ۱۳۶۳ را در مدرسه حقانی تحت برنامه مدرسه ، علوم حوزوی از قبیل ادبیات ، اصول ، منطق و معانی و بیان را گذراندم . با آغاز درس شرح لمعه در سال ۱۳۶۳ ازدواج کردم و برای مدت ۱۰ سال به دلیل مشکلات، در حوزه علمیه یزد – مدرسه خان – شرح لمعه ، رسائل ، کفایه ، مکاسب و حدود ۳ سال خارج زکات و خمس را گذراندم و در سال ۱۳۷۳ بار دیگر به قم مراجعت نمودم که بحمد الله تا کنون توفیق شرکت در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام و مراجع تقلید آقایان حاج شیخ جواد تبریزی (درس فقه) ، حاج شیخ وحید خراسانی (اصول) ، حاج شیخ فاضل لنکرانی (حج) ، حاج سید محمد حسن مرتضوی لنگرودی (اصول) را پیدا کردم . شایان ذکر است که در طول تحصیل بخشهایی از کتابهای اصول فقه مرحوم مظفر در اصول ، کتاب شرح لمعه در فقه ، کتاب مکاسب شیخ در فقه المعاملات را نیز تدریس کرده ام .

لازم به ذکر است که در سال ۱۳۷۳ همزمان با رجعت به قم از طریق کنکور سراسری در رشته حقوق دانشگاه مفید مشغول شدم که مدرک لیسانس را با معدل ۴۹/۱۸ در طول مدت ۳ سال و مدرک فوق لیسانس را نیز بلا فاصله با معدل ۳۹/۱۸ گذراندم و در سال ۱۳۷۹ از عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان (دین موجل و آثار و احکام آن در حقوق ایران) دفاع نمودم . این پایان نامه به عنوان سطح ۳ حوزه علمیه قم نیز پذیرفته شد و هم اکنون مشغول به نوشتن رساله سطح ۴ دروس حوزه علمیه قم تحت عنوان (ضمان قهری در فقه امامیه) می باشم و تحصیلات دانشگاهی را نیز در دانشگاه تهران و پردیس قم در رشته حقوق خصوصی ادامه داده و با گذراندن موفقیت آمیز امتحان جامع دکتری مشغول مطالعه موضوع رساله دکتری حقوق خصوصی می

باشم . متذکر می گردد که اینجانب در چندین سال اخیر در دانشگاههای (پیام نور قم ، مفید قم ، مرکز جامعهٔالاسلامیه قم) مشغول به تدریس دروس دانشگاهی رشته حقوق در موضوعات حقوق مدنی ، حقوق تجارت ، متون فقه ، آیات الاحکام و اصول بوده و هستم و هم اکنون مسئولیت گروه حقوق پژوهشگاه حوزه و دانشگاه را نیز عهده دار می باشم.

حلاجی، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر موسی حلاجی متولد ۱۳۲۱ ه.ش دارای دکترای رشته باغبانی و عضو هئیت علمی دانشگاه فردوسی مشهد با درجهٔ دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات وآثاری پیرامون طراحی باغهای کشت صنعتی و شرکتهای کشت و صنعت می باشد.گروه : کشاورزیرشته : باغبانیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر موسی حلاجی دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه آرگان آمریکا کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه آرگان و دکتری رشته باغبانی از دانشگاه شفلید انگلستان می باشد.خاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته باغبانی و اخذ مدرک دکترای آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر موسی حلاجی بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر موسی حلاجی درکنار تحصیل به مطالعه، پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : دکتر موسی حلاجی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته باغبانی به عضویت هئیت علمی گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی دردانشگاه فردوسی مشهد درآمد. وی هم اکنون دانشیار در آنجا مشغول به انجام خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر موسی حلاجی عضو هئیت علمی و دانشیار گروه باغبانی، در دانشکده کشاورزی در دانشگاه فردوسی مشهد است.فعالیتهای آموزشی : دکتر موسی حلاجی سالهاست که به عنوان عضو هئیت علمی گروه باغبانی در دانشگاه فردوسی مشهد به تدریس دروس تخصصی رشته باغبانی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر موسی حلاجی در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : دکتر موسی حلاجی از جمله دانشمندان علم باغبانی است که پژوهشها و تلاشهای علمی و سیعی دربارهٔ طراحی باغهای کشت صنعتی و شرکتهای کشت و صنعت انجام شده است.آثار : شهرکهای کشت و صنعت طراحی باغهای کشت صنعتی

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

حلالی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمد حلالی در سال ۱۳۴۲ در تهرن بدنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه ،تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته علوم و مهندسی مواد در کالج علوم و تکنولوژی امپریال انگلستان اغاز کرد. وی در این کالج تا مقطع دکترای همان رشته به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۷۲ موفق به اخذ دکترای رشته پردازش مواد نائل آمد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه صنعتی شریف می باشد.

گروه : فنی و مهندسی

رشته : مهندسی مواد

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد حلالی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه ،تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته علوم و مهندسی مواد در کالج علوم و تکنولوژی امپریال انگلستان اغاز کرد و در سال ۱۳۶۸ فارغ التحصیل شد. وی در این کالج تا مقطع دکترای همان رشته به تحصیل و تکمیل معلوماتش پرداخت و در سال ۱۳۷۲ موفق به اخذ دکترای رشته پردازش مواد نائل آمد.دکتر حلالی از سال ۱۳۷۳ دور فوق دکترای خود را در امپریال کالج انگلستان شروع کرد و در سال ۱۳۷۶ به پایان رسانید.

همسر و فرزندان : دکتر محمد حلالی متاهل است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای اداری و مدیریتی دکتر محمد حلالی به قرار زیر است: عضو موسسه مواد (IOM۳) انگلستان عضو موسسه مهندسین مواد ایرانی استاد دانشگاه صنعتی شریف ،دانشگاه علوم و مهندسی مواد از سال ۱۳۷۹ تا کنون استاد دانشگاه امیرکبیر،دانشکده مهندسی مواد و معدن از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۷۹ مهندس مشاور ،مرکز تکنولوژی نیساید ،انگلستان از سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۷۷ مهندس دریا ،کشتیرانی BP انگلستان از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۵ معاون آموزشی دانشکده مهندسی مهندسی و علم مواد از سال ۱۳۸۶

فعالیتهای آموزشی : عنوان دروس ارائه شده توسط محمد حلالی : شیمی حرارتی و جنبشی ،شیمی فیزیک ،ساخت آهن و استیل ،تولیدات مواد غیر آهنی فپردازش معدنی،ترمودینامیک پیشرفته ،حرکت عرضی

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر حلالی زبان انگلیسی را به صورت حرفه ای و زبانهای عربی و آلمانی را (به صورت ابتدایی) را دنبال می کند.وی همچنین در کنار فعالیت های آموزشی و تحقیق خود به فوتبال ،شنا ،موسیقی و غیره علاقه دارد. و از انجام آنها غافل نمی شود.

چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی محمد حلالی به قرار زیر است: ۱۴ طرح پژوهشی و ۳ مقاله(موجود در CV)
منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

حلبی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ محمودین صدیق المحدثین مرحوم حاج شیخ غلامرضا معروف به حلبی واعظ از دانشمندان مبرز و وعاظ نامی معاصر است در تهران تولد ایشان در روز یکشنبه ۱۳ جمادی‌الاولی ۱۳۱۸ قمری در مشهد مقدس واقع شده و تحصیلات مقدماتی قرآن و کتب فارسی را در مکتبهای بعضی از معلمین نموده و ادبیات نحو و اشتقاق و معانی
بیان را خدمت مرحوم میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و منطق را خدمت مرحوم حاجی محقق و شرح لمعه را خدمت مرحوم میرزا محمدباقر مدرس رضوی و مقداری از قوانین را خدمت مرحوم حاج میرزا جعفر شهرستانی که از مشاهیر مدرسین مشهد بودند تحصیل نموده آنگاه مدت دو سال دروس عقلی را نزد اساتید بزرگ فلسفه مانند مرحوم شیخ حسن کاشانی و مرحوم شیخ اسدالله یزدی و مرحوم حاج فاضل خراسانی خوانده سپس مدت چهار سال خدمت یگانه استاد فیلسوف عصر مرحوم آقا بزرگ شهیدی قدس سره اشارات و اسفار و بعضی دیگر از کتب فلسفه را تحصیل کرده.
پس از آن سطح کفایه را خدمت مرحوم آیت‌الله آقاشیخ محمد نهاوندی و مرحوم آیت‌الله حاج میرزا احمد کفائی و دروس خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمد آقازاده خراسانی و آیت‌الله العظمی آقای حاج آقا حسین قمی قدس سره تحصیل نموده و پس از آن مدت چهار سال در محضر مرحوم آیت‌الله العظمی آقا میرزا محمدمهدی غروی اصفهانی حاضر شده و از اقیانوس علم و عرفان آن بزرگوار اغترات غرفه‌ای نموده و پس از واقعه جان گداز مسجد گوهرشاد که در سال ۱۳۱۳ شمسی واقع گردید مدت هشت سال مشغول امور فلاحتی شده و پس از انقلاب محور و آزادی محراب و منبر مجددا مراجعت به شهر نموده و از تحصیل و تدریس محروم فقط به امر منبر قناعت نموده تا در سال ۱۳۳۱ شمسی که به تهران هجرت و تاکنون که سال ۱۳۵۲ خورشید پست ساکن تهران و از طریق منبر به خدمات دینی و ترویج معارف اسلامی و سایر خدمات دینی اشتغال دارند.
مولف گوید. علامه حلبی از گویندگان نامی و خدمتگذاران سامی عصر حاضر است و اخلاص شدیدی بساحت مقدس حضرت ولی‌عصر عجل‌الله فرجه الشریف دارد و مبارزات علمی بسیاری با فرق ضد ولایت و منحرفین نموده و با مجادلات حسنه جماعت زیادی را برگردانیده و هدایت به پیروی از ائمه اثناعشر علیهم‌السلام نموده‌اند از آثار ایشانست انجمن جوانان که برای جلوگیری کردن از تبلیغات سوء فرقه ضاله و مبارزه کردن با آنها تاسیس و افراد بسیار مبرزی تربیت که بحمدالله تاکنون صدها نفر از منحرفین از طریقه حقه را به راه حق هدایت نموده‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حلمی اردبیلی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. یکی از شاعران دانشمند اردبیل بود که در اردبیل متولد و بعد از مسافرتهای بسیار در اصفهان متوطن شد و در آنجا نیز بدورد حیات گفت. حلمی شاعری با طبع ظریف بود. از اوست:

نخواهم سایه افتد بر زمین از نخل بالایش

که پندارم ز پا افتاده‌ای افتاده در پایش

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۴۱/۳)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۵۲/۱)، دانشمندان آذربایجان (۱۲۳)، الذریعه (۲۶۴/۹)، سخنوران آذربایجان (۲۶)، صبح گلشن (۱۴۲).

حلوایی سمرقندی، محمد صادق

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر و دانشمند. از مشاهیر ماوراءالنهر و از نوادگان شمس‌الائمه حلوایی و از شاگردان مولا احمد جنیدی بود و حلاوت بیانش معروف بود. بعد از اینکه از موطن به حج رفت، از آنجا به هند سفر کرد و مدتها در لاهور به درس و بحث پرداخت و بار آخر در سال ۹۷۸ ق از راه هند به حج رفت و در راه بازگشت، میرزا محمد حکیم او را در کابل نگه داشت و به تدریس گماشت، تا آنکه در سمرقند پا بر جاده‌ی سفر آخرت نهاد. وی در غزلسرایی استاد بود و «دیوان» شعری از وی باقی مانده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۴۷)، الذریعه (۵۷۹/۹)، صبح گلشن (۲۴۱)، فرهنگ سخنوران (۵۳۷)، هفت اقلیم (۳۸۴–۳۸۳

/۳).

حلی، ابوالقاسم، نجم الدین جعفر

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(علامه) ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن بن یحیی معروف به محقق اول یا محقق حلی، از بزرگان فقیهان شیعه (ف. ۶۷۶ ه.ق.). وی معاصر نصیرالدین طوسی بود و از او و پدر خویش اجازه گرفت. از تألیفات او شرایع الاسلام، نافع، معتبر، مسالک (در اصول دین)، نکت النهایهٔ (شرح نهایه شیخ طوسی)، معارج (اصول فقه)، تنبیه (منطق)، و نهج الاصول را باید نام برد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

حلیمی شروانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. در سوریه و ترکیه می‌زیست و در سرودن اقسام مختلف شعر توانا بود. از وی «دیوان» شعری در دست است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۹۷)، الذریعه (۲۶۵/۹).

حمادراویه، ابوالقاسم

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۵۶/۱۵۵ -۹۵ ق)، مورخ، لغوی و شاعر. اصلش از دیلم بود. در عهد بنی‌امیه در کوفه می‌زیست. وی در عصر خود، در روایت اشعار و اخبار و وقایع از مشاهیر طراز اول بود. او با یزید ولید بن یزید و مهدی عباسی مجالست داشت و برای ولید اشعار نیکو می‌سرود. او همچنین دارای حافظه‌ای قوی بود، به طوری که روزی چندین قصیده از قصاید جاهلی را بدون آنکه کلمه‌ای از کلمات شعای اسلام در آن باشد، برای خلیفه می‌خواند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۲ -۳۰۱ /۲)، تاریخ الاسلام (حوادث ۳۸۲، ۱۱۳/۱۶۰ -۱۴۲)، دایرهٔالمعارف فارسی (۸۶۴/۱)، روضات الجنات (۲۳۷ -۲۳۵ /۳)، ریحانه (۲۹۹ -۲۹۸ /۲)، سیرالنبلاء (۱۵۸ -۱۵۷ /۷)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۱۵۵ -۱۵۴)، الکنی و الالقاب (۲۷۰ -۲۶۹ /۳)، لسان المیزان (۶۶۴ -۶۶۲ /۲)، لغت نامه (ذیل/ حماد بن شاپور)، معجم الادباء (۲۶۶ -۲۵۸ /۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۴۲ -۱۳۷ /۱۳)، وفیات الاعیان (۲۱۰ -۲۰۶ /۲).

حمامی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدحسین بن سیدعلی بن سیدهاشم متولد ۱۲۹۸ و متوفی ۱۳۷۹ قمری از آیات باهرات و کبار علماء معاصر نجف و اهل فضل و کمال و تدقیق و از بزرگان دانشمندان و مراجع عراق و موصوف به طهاره ضمیر و صفاء قلب و معنویت و حسن سریره از شاگردان مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید محمدکاظم یزدی و آیت‌اللّٰه شریعت اصفهانی و آیت‌اللّٰه نائینی و غیره بوده است.

دارای آثار علمی به اسامی زیر می‌باشد.

۱- المسائل النجفیه ۲- تقریرات در فقه ۳- تقریرات در اصول ۴- حاشیه بر وسیله النجاه ۵- هدیه المسترشدین.

از باقیات الصالحات ایشان دو فرزند عالم و فاضل برومند است که ذیلا می‌نگارم.

۱- حجهٔالاسلام والمسلمین آقا سید محمدعلی متولد ۱۳۴۰ ق که عالمی فاضل و نویسنده‌ی مورخ از ائمه جماعت نجف اشرف و مانند والد ماجدش متصف به خصال حمیده و اخلاق جمیل و از مدرسین فقه و اصول حوزه علمیه است. از تالیفات او:۱- تاریخ خلافه الاسلامیه ۲- المطالعات فی مختلف المولفات ۳- دیوان شعر می‌باشد.

۲- حجهٔالاسلام والفاضل العلام آقاسید محسن متولد ۱۳۵۰ فاضلی جلیل و شاعر دقیق الطبع و اشعار زیادی از او در مجلات نجف به طبع رسیده از آثار اوست تقریرات دروس فقه و اصولش و دیوان شعر که از آنست.

دعونی احیاء الفواد و مابیا

لعلی استوقی الشعور تناجیا

دعونی علی رسلی اثیر عواطفی

وخلوا اغادیدی تهزالنوادیا
فانی قد ذویت و جدا حشاشتی
فارسلتها دفعا من العین قانیا
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حمدی، برهان‌الدین

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مدرس، شاعر، محقق.
تولد: ۲۴ ذیقعده سال ۱۳۲۳ ق. (۱۲۸۲)؛ سنندج.
درگذشت: ۱۲ آذر ۱۳۶۶.

شیخ برهان‌الدین حمدی فرزند حاج شیخ عبدالمجید عرفان پس از ختم قرآن و خواندن کتاب‌های اخلاقی، دینی و ادبی فارسی، مقدمات علوم (صرف و نحو) را نزد پدر فراگرفت و سپس در محضر اساتیدی چون ملاـ صادق منبری، شیخ حبیب‌الله کاشتری (ادبیات عرب) و ملا عبدالعظیم مجتهد (علم حکمت و کلام) به تحصیل علوم پرداخت و سرانجام در سال ۱۳۱۲ به دریافت اجازه‌ی فتوا و اجتهاد و تدریس علوم اسلامی نایل گردید (این اجازه از طرف ملا محمد صادق نیری صادر شد و دو استاد دیگرش ملا عبدالعظیم کاشتری و شیخ حبیب‌الله کاشتری آن را تأیید کردند .) وی ابتدا در مسجد رشید قلعه بیگی (نزدیک بازار والی سنندج) به تدریس آموزش و پرورش درآمد و پس از سی و سه سال خدمت به سال ۱۳۴۸ بازنشسته شد. در این مدت ایشان در دبیرستان‌ها و دانشسراها مدرس ادبیات فارسی و عربی بودند. مدتی نیز ریاست دبیرستان شاهپور سنندج (شهید قصری فعلی) را که در آن زمان تنها دبیرستان شش کلاسه سنندج بود بر عهده داشت. وی همچنین اصول کلامی چون مواقف قاضی عضدالدین ایجی و شرح میر سید شریف جرجانی و بحث در تفسیر جلالین و بیضاوی را تدریس می‌کرد. بعدها قریب سه سال به ریاست اداره‌ی اوقاف کردستان منصوب شد. پس از رسیدن به بازنشستگی به دعوت هیئت امنای دانشگاه رازی در دانشکده‌ی تربیت دبیر سنندج به عنوان استاد فارسی برگزیده و مشغول گردید. ایشان کتابخانه‌ی خود را که شامل تعداد بسیاری از کتب نفیس خطی و چاپی بود به کتابخانه‌ی شهر سنندج واگذار نماید. ترجمه‌ها و تألیفات ایشان به شرح زیر هستند: ترجمه مشکوةالانوار امام محمد غزالی، ترجمه رسالهٔ الطیر ابن سینا شامل رسالات «فلسفه نماز» و کتاب مرآت الفلسفه در یک جلد به نام فلاسفه و خداشناسی؛ مرآت الفلسفه طنطاوی؛ ترجمه‌ی رساله‌ی حی بن یقضان ابن سینا؛ شیخ اشراق و ابن طفیل؛ ترجمه‌ی عقاید نسفی؛ ترجمه‌ی متسطاب الاربعین فی اصول الدین امام محمد غزالی. آثار چاپ نشده‌ی وی عبارتند از: ترجمه‌ی قصائد سه گانه: لامیه‌ی العرب شنفری و لامیهٔ العجم طغرایی و لامیهٔ الکرد عرفان از: حاج شیخ عبدالحمید (پدر برهان‌الدین حمدی)؛ ترجمه‌ی قصیده‌ی «بانت سعاد کعب ابن زهیر» و چند رساله دیگر.

شیخ برهان‌الدین حمدی روز دوشنبه دوازدهم آذر ۱۳۶۶ به سبب بیماری معده و روده و ضیق‌النفس جان سپرد.
جنازه‌ی وی در قبرستان تایله سنندج در جوار اقوامش دفن گردیده است.
بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حمزه‌ی اصفهانی، ابوعبداللّه

قرن:۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

(۳۶۰/۳۵۰ – ۲۷۰ ق)، مورخ و ادیب. در اصفهان تولد یافت. مدتی در طلب علم سفر کرد و اکثر ایام عمر را در زادگاهش گذراند. اگرچه، غالبا به عنوان یک مورخ مشهور نام برده می‌شود اما، وی بیشتر به ادب و لغت توجه داشته است. مشهورترین اثر وی «سنی ملوک الارض و الانبیاء» است، که نمایانگر تفکر شعوبی نویسنده می‌باشد. چه، نامهای ایرانی را به صورت اصلی آن نگاشته است، حال آنکه اغلب مورخان آنها را معرب کرده‌اند. دیگر آثار وی: «التنبیه علی حدوث التصحیف»؛ «کبار البشر»؛ «الامثال»؛ «تاریخ اصفهان».[۱]

اصفهانی، ابوعبداللّه بن حسن (و. حدود ۲۷۰- ف. حوالی ۳۶۰ – ۳۵۰ ه.ق.) وی مؤلف کتاب سنی ملوک الارض و الانبیاء (سنی ملوک...)، کتاب التصحیف، کتاب کبار البشر و کتاب المثال است که همه آنها در دست است.
بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۰۹/۲)، اعیان الشیعه (۲۴۰/۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۳/۱)، تاریخ در ایران (۳۵ – ۳۴)، دایرةالمعارف فارسی (۸۶۶/۱)، الذریعه (۲۶۵/۱۷، ۲۸۸ – ۲۳۳ /۳)، ریحانه (۱۴۳/۱)، سرآمدان فرهنگ (۳۲۱/۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۸۵، ۱۱۷ – ۱۱۶)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۲۳۰)، کشف الظنون (۱۴۶۴، ۳۰۱، ۲۸۲، ۱۶۸)، لغت نامه (ذیل/ حمزه)، معجم الادباء (۱۳۶ – ۹۴ /۱۳)، معجم المولفین (۷۸/۴)، هدیه العارفین (۳۳۶/۱)، یادداشتهای قزوینی (۱۶۳/۴).

حمصی، محمد حسین بن محمد رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، فوت سلخ رمضان ۱۲۱۰.

ماده تاریخ وفاتش این است:

مایل زار حزین گفت به تاریخ این

باد بهشت برین جای محمد حسین

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حموبه اسحاق، نظام‌الدین ابوالکرامه

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۵۲ ق)، عارف و شاعر. از خاندان سعدالدین حمویه و از مشایخ قرن نهم و پدر سالک‌الدین محمد و ساکن یزد بود. اشعاری عارفانه می‌سرود و از مریدان فریدالدین ابوسعید عبدالباقی بن علی بن عبدالحق از اولاد خواجه عبداللّه انصاری بود که در آغاز سده‌ی نهم قمری در یزد می‌زیست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۲۵).

حموی یزدی، سالک‌الدین محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۱۵ -۸۴۷ ق)، شاعر و عارف. وی از نوادگان سعدالدین حمویه، عارف مشهور قرن هفتم بود و مانند پدرانش ساکن یزد. وی سفرهایی به خراسان و کرمان و مشهد و قزوین داشت و علاوه بر دستگیری سالکان، شعر عرفانی نیز می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۲۵).

حموی یزدی، کاشف‌الدین، ابوالمحامد محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۹۱۰ ق)، عارف و شاعر. از نوادگان سعدالدین حمویه، عارف مشهور قرن هفتم، بود و مانند پدر از مشایخ تصوف یزد. وی به علت نامعلومی کشته شد. کاشف‌الدین اشعار صوفیانه می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۲۵).

حموی، سعدالدین ابوالسعادات، محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۵۰ ق)، صوفی و شاعر. وی از مشهورترین مشایخ قرن ششم و هفتم بود که در علوم ظاهر و باطن، یگانه‌ی روزگار بود. وی از مریدان نجم‌الدین کبری و شیخ شهاب‌الدین سهروردی بود و از مشایخ عزیز نسفی. سعدالدین در جوانی مدتی در جبل قاسیون دمشق که در آن زمان از مراکز مهم صوفیان به شمار می‌رفت، به سر برد. در آنجا با صدرالدین قونیوی مصاحبت داشت. او مدت بیست و پنج سال در شام و عراق و خوارزم و دیگر بلاد سفرها کرد و سپس به موطن خود، خراسان بازگشت و در قصبه‌ی بحرآباد جوین درگذشت. آثار او عبارت‌اند از: «سجنجل الارواح و نقوش الالواح»؛ «بحر المعانی»؛ «سکینه الصالحین»؛ «قلب المنقلب»؛ «کشف المحجوب»؛ «محبوب المحبین و مطلوب الواصلین»؛ «سفینه الابرار فی لجج الاسرار»؛ «محبوب الاولیاء» و «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۲۸۴ -۲۸۲ /۱)، ایضاح المکنون (۱۰۴۲، ۱۷ /۲ -۱۶۱ /۱)، تاریخ گزیده (۶۷۰)، الذریعه (۱۴۸/۱۲، ۱۸۷/۸)، ریاض العارفین (۸۳)، ریحانه (۲۷ -۲۵ /۳)، سیرالنبلاء (۲۸۴/۲۳)، صبح گلشن (۲۰۴ -۲۰۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۷۷ -۱۷۶ /۷)، کشف الظنون (۱۶۱۲، ۹۸۰)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۶۴۹)، معجم المولفین (۷۰/۱۲)، نفحات الانس (۴۳۳ -

۴۳۱)، هدیه العارفین (۱۲۴/۲).

حمید

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۷۶ ق)، خطاط. از آثار وی: مرقعی به قلم چهار دانگ تا دو دانگ متوسط که چنین رقم دارد: «مشقه سلطان حمید بن نصره‌الدوله، فی شهر رجب سنه‌ی ۱۲۷۶»، در کتابخانه‌ی سلطنتی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۳۴ -۲۳۳ /۱).

حمیدی بلخی، حمیدالدین عمر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۵۹ ق)، ادیب و شاعر. در شهر بلخ می‌زیست و در آنجا سمت قاضی القضاتی داشت و او بود که به انوری بعد از داستان هجو بلخ و غوغای عوام در آن شهر پناه داد. انوری قطعات و قصایدی در مدح قاضی حمیدالدین گفت. قاضی حمیدالدین شعر نیز می‌سرود. از آثار وی: «مقامات حمیدی» که حمیدالدین آن را به پیروی از مقامات بدیع‌الزمان همدانی و ابوالقاسم حریری و به تقلید از روش و مضامین آنها در بیست و چهار مقاله و خاتمه نگاشت؛ «وسیله العفاه الی اکفی الکفاه»؛ «حنین المستجیر الی حضره المجید»؛ «روضه الرضا فی مدح ابی‌الرضا»؛ «قدح المغنی فی مدح المعنی»؛ «الاستغاثه الی اخوان الثلثه»؛ «منیه الراجی فی جوهر التاجی»؛ «مثنوی سفرنامه‌ی مرو». مصحح دانشمند «فضائل بلخ» در تعلیقات خود بر آن کتاب بعد از بحث مستوفی در باب نسب و خاندان قاضی حمیدالدین می‌نویسد: پس با در نظر گرفتن روایات سابق، باید نام مولف «مقامات حمیدی» را ابوبکر حمیدالدین ابوبکر محمود بن عمر بن احمد بن محمد بن ابوذر محمودی دانست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۲۶۰ -۹۵۷ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۱۸)، تذکره الشعراء (۹۶)، دایرهٔالمعارف فارسی (۸۶۷/۱)، الذریعه (۹/۲۲)، ریحانه (۸۱ -۸۰ /۲)، سبک‌شناسی (۳۲۹ -۳۲۸ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۲۲ -۳۲۱ /۱)، فرهنگ سخنوران (۲۷۹)، فضائل بلخ (تعلیقات، ۴۰۳ -۳۹۴)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۵۳)، الکامل (۹۰/۹)، کشف الظنون (۱۷۸۶)، گنج و گنجینه (۲۰۰ -۱۹۵)، لباب الالباب (۲۰۰ -۱۹۸ /۱)، لغت نامه (ذیل/ حمیدالدین محمودی)، مولفین کتب چاپی (۶۴۸/۵)، مجمع الفصحا (۵۹۵ -۵۷۳ /۱)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۵۵۹)، مقامات حمیدی (مقدمه)، هفت اقلیم (۶۷ -۶۴ /۲)، یادگار (س ۱ ش ۷، ص ۲۵).

حمیدی شیرازی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب، مدرس. شاعر.

تولد: ۱۲۹۳، شیراز.

درگذشت: ۲۳ تیر ۱۳۶۵، تهران.

مهدی حمیدی شیرازی، فرزند سید محمدحسن ثقهٔالاسلام شیرازی، شاعر و از بازرگانان و رجال شیراز و نیز نماینده‌ی شیراز در دوره‌ی اول مجلس شورای ملی بود. سه ساله بود که پدرش زندگی را بدرود گفت و تحت نظر مادر خود که شاعر بود تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شیراز به پایان آورد. در سال ۱۳۱۳، به تهران آمد و در دانشگاه ادبیات دانشگاه تهران به تحصیل زبان و ادبیات فارسی پرداخت. پس از دریافت درجه‌ی لیسانس و پس از آن که خدمت نظام خود را در دانشکده‌ی افسری انجام داد، از سال ۱۳۱۷ به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در دبیرستان‌های تهران به سمت دبیری انتخاب شد. حمیدی بعد از شهریور ۱۳۲۰ قصاید غرا و حماسه مانندی درباره‌ی وقایع جاری مملکت گفت و در آنها به اشغالگران بیگانه و سیاسیت پیشگان طرفدار آنان و جدایی طلبان آذربایجان انتقاد نمود. این اشعار در جراید منتشر شد و مورد توجه آذربایجانی‌ها قرار گرفت. تلگراف‌ها و نامه‌های تشکرآمیزی به عنوان او در روزنامه و مجلات درج کردند و وی را شاعری ملی نامیدند. حمیدی در سال ۱۳۲۴ قصیده‌ی «مصاحبه با نیما پیشوای نوپردازان» را انتشار داد.

در سال ۱۳۲۵ از دانشگاه تهران در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی به اخذ درجه دکتری با رساله «شعر فارسی در قرن سیزدهم» نایل آمد. پس از آن در دانشگاه معقول و منقول (الهیات) به تدریس ادبیات اشتغال ورزید تا بازنشسته شد. وی همچنین در دبیرستان‌های مرکز به تدریس علوم ادب اشتغال داشت.

آثار وی به شرح زیر هستند: از یاد رفته، عصیان (مجموعه شعر، ۱۳۲۱)؛ جاودانگی درویش (۱۳۳۷)؛ زنده شاهنامه فردوسی، شعر

در عصر قاجار(۱۳۶۴)؛ گمشده‌ی من (مجموعه شعر، ۱۳۳۷)؛ فنون شعر و کالبدهای پولادین آن (۱۳۶۳)؛ دریای گوهر (سه مجلد مجموعه‌ای از بهترین آثار نویسندگان و مترجمان معاصر، ۱۳۳۳)؛ شعر فارسی در قرن سیزدهم، عروض حمیدی (۱۳۴۲)؛ بهشت سخن (دو جلد، جلد اول: شعرای پنج قرن اول، چاپ دوم، ۱۳۳۷)؛ عطار در آثار گزیده‌ی او و گزیده آثار او (۱۳۴۷)؛ شکوفه‌ها یا نغمه‌های جدید (۱۳۱۷)؛ سال‌های سیاه (بیشتر شامل اشعار وطنی؛ سیاسی و انتقادی؛ ۱۳۲۵)؛ پس از یک سال (مجوعه شعر، شیراز، ۱۳۱۹)؛ فنون و انواع شعر فارسی، ده فرمان (۱۳۴۴)؛ طلسم شکسته (۱۳۳۴)؛ زمزمه‌ی بهشت (اثر کنستین دینالد، مجموعه‌ی شعر، ۱۳۳۳)؛ اشک معشوق (شامل کتاب‌های عشق، انتقام، عصیان، رستاخیز، از یاد رفته چاپ دوم، ۱۳۲۴)؛ عشق در به در (در سه مجلد ثریا، گلباز، شیخ زنگله‌پا، ۱۳۱۹)؛ شاعر در آسمان (۱۳۲۱)؛ سبکسری‌های قلم؛ فرشتگان زمین (۱۳۲۱)؛ ماه و شش پنی (ترجمه از کتاب سامرست موآم، ۱۳۳۹)؛ شاهکاهای فردوسی (منتخبی از شاهنامه، ۱۳۳۰).

مهدی حمیدی شیرازی در سال ۱۳۶۵ در تهران درگذشت پیکرش به شیراز منتقل گردید و در حافظیه به خاک سپرده شد.

(۱۳۶۵ –۱۲۹۳ ش)، شاعر و استاد دانشگاه. در شیراز متولد شد. پدرش از بازرگانان شیراز و نماینده‌ی مردم شیراز در دوره‌ی اول مجلس بود. مادر او نیز از زنان فاضل و شاعر بود. حمیدی علوم ابتدایی و متوسطه را در شیراز به پایان رسانید، سپس به تهران آمد و در دانشکده‌ی ادبیات به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۱۷ ش برای خدمت نظام وارد دانشکده‌ی افسری شد و سپس به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به تدرس مشغول شد، وی ضمن تدریس به اخذ دکترای ادبیات نایل آمد. در تهران درگذشت و در شیراز به خاک سپرده شد. از آثار او: «بهشت سخن»؛ «اشک معشوق»؛ «شاعر در آسمان»؛ «فرشتگان زمین»؛ «دریای گوهر»؛ «سالهای سیاه»؛ «سبکسریهای قلم»؛ «عشق در به در»؛ «عروض حمیدی».[۱]

دکتر مهدی حمیدی شیرازی، فرزند سید محمدحسن ثقهٔالاسلام از بازرگانان بزرگ و معتبر شیراز بود که به سال ۱۳۹۳ شمسی در این شهر شعر و ادب دیده به جهان باز کرد.

حمیدی شیرازی، پس از طی تحصیلات ابتدایی و مقدماتی به دانشگاه رفت و در سال ۱۳۲۵ شمسی موفق به اخذ دکترای ادبیات گردید. وی صاحب کتاب‌های متعددی است که می‌توان از میان آن‌ها به: «بهشت سخن»، «دریای گوهر»، «شکوفه‌ها یا نغمه‌های جدید»، «پس از یک سال»، «سال‌های سیاه»، «اشک معشوق»، «شاعر در آسمان»، «سبکسری‌های قلم»، «فرشتگان زمین»، «عشق دربدر» اشاره کرد. وی یکی از شعرای جنجال برانگیز سال‌های اخیر بود و در سال ۱۳۶۵ دار فانی را وداع گفت، روانش شاد.

«مرگ قو»

شنیدم که چون، قوی زیبا بمیرد
ژفریبنده زاد و فریبا بمیرد
شب مرگ تنها، نشیند به موجی
رود گوشه‌ای دور و تنها بمیرد
در آن گوشه چندان، غزل خواند آن شب
که خود، در میان غزل‌ها بمیرد
گروهی برآنند کاین مرغ شیدا
کجا عاشقی کرد، کانجا بمیرد
شب مرگ، از بیم آنجا شتابد
که از مرگ غافل شود، تا بمیرد
من این نکته گیرم که باور نکردم
ندیدم که قوئی به‌صحرا بمیرد
چو روزی ز آغوش دریا برآمد
شبی هم در آغوش دریا بمیرد
تو دریای من بودی، آغوش واکن
که می‌خواهد این قوی زیبا بمیرد!

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از بهار تا شهریار (۴۹۱ –۴۷۹)، چشمه‌ی روشن (۶۲۲ –۶۱۵)، چون سبوی تشنه (۱۸۲ –۱۸۰)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۸۵ –۳۷۶/ ۲)، الذریعه (۲۶۷/ ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۲۷ –۱۲۴/ ۳)، سخنوران نامی معاصر (۱۲۰۱ –۱۱۹۴/ ۲)، صدف (۲۰۴ –۱۸۴)، مردان موسیقی (۴۶۰ –۴۵۸/ ۳)، مولفین کتب چاپی (۳۹۴ –۳۹۱/ ۶)، یغما (س ۲، ش ۱، ص ۳۱، ش ۸، ص ۳۶۰).

حمیدی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالقاسم بن مرحوم آقا سید رحیم حمیدی همدانی از علماء و ائمه جماعت معاصر همدانست.

وی در سال ۱۳۲۲ در قریه (حصارخان) همدان به دنیا آمده و در سال ۱۳۲۴ قمری والد ماجدش آقا سید رحیم که مقام زهد و تقوایش محرز و مسلم همگان بود در آن محل فوت نموده و ایشان در تحت کفالت و سرپرستی مرحوم عمویش آقا سید شریف

قرار گرفته و پس از رشد تحصیلات مقدماتی را در همدان طی نموده و پس از آن در عصر مرحوم آیت‌اللّه حائری به قم مهاجرت و از محضر مدرسین و آیات و مراجع دینی و علمی قم استفاده نموده و پس از چند سال به واسطه کسالت مجبور به ترک تحصیل و یا دریافت اجازه در تصدی از شرعیه از مرحوم آیت‌اللّه حائری و آیت‌اللّه حجت به زادگاه خود برگشته و تاکنون به اقامه جماعت و ارشاد و هدایت مردم اشتغال دارند و به حمداللّه در اثر تبلیغات موثر و طرز سلوک و روش ایشان مردم آن سامان نوعا متدین و دارای اخلاق دینی گردیده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حمیدی، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالقاسم حمیدی

محل تولد : خشت فارس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۳/۱۲

زندگینامه علمی

اینجانب در تاریخ ۱۲/۳/۱۳۳۱ در محلی بنام خشت از توابع استان فارس در خانواده ای روحانی مذهبی به دنیا آمدم. دوران کودکی و ابتدائی را در محل پشت سر گذاشته، دوران دبیرستان را در محل دیگر که تا زادگاهم ۱۰ کیلو متر فاصله داشت با دوچرخه تا سیکل به اتمام رساندم. در خرداد ماه ۱۳۴۶ وارد حوزه علمیه قم شدم(به لحاظ اینکه اجداد و پدرم همه روحانی بوند) مقدمات را نزد اساتیدی مربوطه خصوصا جناب آقای فلاح زاده فرا گرفتم- شرح لعمه را نزد سرور مکرم جناب آقای علوی گرگانی و موسوی تبریزی تلمذ نموده – قوانین خدمت جناب آقای دوز دوزانی بودم.

رسائل مرحوم شیخ انصاری را از محضر استاد اعتمادی بهره بردم. مکاسب را نزد حضرات آقایان موسوی تبریزی و ستوده فرا گرفتم. کفایه را نزد آقایان ستوده و سید علی محقق داماد بهره مند شدم. تا زمان در س خارج از محضر همه آیات عظام گلپایگانی، مکارم شیرازی، وحید خراسانی، تبریزی، فاضل لنکرانی و نوری همدانی استفاده فراوان بردم. شرح منظومه را خدمت آقای محمد گیلانی و اسفار را در محضر مرحوم سید رضا صدر و حسن زاده آملی و انصاری شیرازی فرا گرفتم.

تا قبل از انقلاب بر حسب وظیفه در ایام تبلیغ (رمضان، محرم،صفر) به امر خطیر تبلیغ مشغول بودم. دوران انقلاب بر حسب وظیفه به توزیع اعلامیه، رساله حضرت امام و شرکت در راهپیمایی و.... سرگرم بودم. بعد از پیروزی انقلاب در سمت های مختلف انجام وظیفه می نمودم: مدت ۱۵ سال در سمت امام جمعه، مدت ۶ سال به عنوان نماینده امام در جهاد سازندگی شهرستان کازرون فارس، مدت ۶ سال در دانشگاه آزاد اسلامی و پیام نور میمه و وزران از توابع اصفهان تدریس می نمودم (ضمناً در همین سنوات مسؤلیت امامت جمعه و مسؤلیت دفتر فرهنگ اسلامی دانشگاه آزاد میمه را به عهده داشتم).

در دوران دفاع مقدس جمعاً ۵ سال و اندی در جبهه های جنگ حضور داشتم. مدت سیزده سال مدیریت و تدریس در حوزه های علمیه کازرون، اندیمشک، فارسان را به عهده گرفته بودم. همه اینها وقتی لذت بخش و خوب است که مورد قبول خداوند تبارک و تعالی قرار گرفته و معصومین علیهم السلام راضی و خشنود باشند از ما و اعمال ما فعلاً هم در مدیریت (حوزه علمیه) به عنوان ناظر و بازرس و مدیریت مدرسه خوابگاهی امام حسین علیه السلام مشغول انجام وظیفه هستم. در حوزه علمیه قم هم مشغول تدرّیس و تحصیل هستم.

حنفی تبریزی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، دانشمند و شاعر. در آغاز دوره صفویه به علت این که سنی متعصب بود، از آذربایجان به ماوراءالنهر رفت و در بخارا «حصن» حصین، «شمایل» ترمذی و «تفسیر» بیضاوی را درس می داد و شعر را نیکو می‌سرود. حنفی سرانجام به علت بیماری در همان شهر درگذشت. از آثار او: «حواشی بر مطالع»؛ «شرح آداب البحث عضدالدین ایجی»، به عنوان «میزان الادب» و «وجیزه‌ی آداب البحث».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۰۵ -۷۰۴).

حویزی اصفهانی، قوام‌الدین جعفر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۱۵ ق)، فقیه امامی، مفسر اخباری و متکلم. اصلا از حویزه بود و در کمره مولد شد و در اصفهان مسکن گزید. علم حدیث و اخبار را از محمدتقی مجلس فراگرفت و در علوم معقول و منقول از شاگردان آقا حسین محقق خوانساری و محقق سبزواری بود. سید صدر قمی شارح «وافیه» و محمد اکمل بهبهانی، پدر علامه وحید بهبهانی، نیز از شاگردان صاحب عنوان بودند. وی در تمامی عمر شیخ‌الاسلام و قاضی اصفهان بود به همین جهت در میان علماء به شیخ جعفر قاضی شهرت یافت. او داماد محقق خوانساری بود. از آثار وی: «اصول‌الدین»؛ حاشیه بر «شرح لمعه»؛ حاشیه بر «الروضه البهیه»؛ «ذخائر العقبی»، در تعقیبات نماز؛ حاشیه بر «کفایه» محقق سبزواری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۱۵ -۱۱۴ /۴)، الذریعه (۶/۱۰، ۹۳ -۹۲ /۶)، روضات الجنات (۱۹۲ -۱۸۸ /۲)، ریحانه (۸۷ -۸۵ /۲)، معجم المولفین (۱۴۱ -۱۴۰ /۳).

حویزی، خلف

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۷۴ ق)، متکلم، محدث، ادیب و شاعر امامی. معروف به سید خلف. وی از معاصران شیخ بهایی و میرزا محمد استرآبادی بود و والی حویزه، حویزی مردی زاهدپیشه و در انجام فرائض و نوافل بر خود سخت‌گیر بود. در نجف دفن شد. از آثار وی: «الاثنی عشریه فی الصلوه»؛ «برهان الشیعه»، در امامت؛ «الحق المبین»، در منطق؛ «البلاغ المبین»، در احادیث قدسی؛ «الحجه البالغه»، در کلام؛ «سفینه النجاه»؛ «الموده فی القربی»؛ «النهج القویم»، در کلمات امیرالمومنین علی (ع)، «حق الیقین»، در کلام؛ دو «دیوان» به فارسی و عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۳۴ -۳۳۰ /۶)، الذریعه (۱۶۸/۲۱، ۳۰۰/۹، ۴۰/۷، ۲۵۸/۶)، روضات الجنات (۷۰۴ -۶۹۹ /۳)، ریحانه (۸۹ -۷۸ /۲)، فرهنگ سخنوران (۲۸۰)، معجم المولفین (۱۰۵/۴).

حویزی، عبد علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۵۳ ق)، ادیب و شاعر. نزد حکام بصره تقرب داشت و تا آخر عمر در کنف حمایت آنها زندگی کرد. وی مدتی نزد شیخ بهایی تلمذ کرد. از آثارش: «دیوان» شعر، به سه زبان ترکی، فارسی و عربی؛ «قطر الغمام»؛ «حاشیه تفسیر بیضاوی»؛ «المعول فی شرح شواهد المطول»؛ «مناهج الصواب فی علم الاعراب»؛ «رساله فی الرمل»؛ «کتاب فی الحکمه»؛ «کلام الملوک ملوک الکلام»؛ «کتاب فی العروض»؛ «کتاب فی نحو».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۶/۴)، ایضاح المکنون (۴۹۹/۱)، الذریعه (۲۴۲/۲۳، ۲۳۸/۲۰، ۲۵۰/۱۱، ۶۹۰/۹، ۱۸۹/۶)، روضات الجنات (۲۱۱ -۲۱۰ /۴)، ریحانه (۹۰ -۸۹ /۲)، معجم المولفین (۲۶۶/۵)، هدیه العارفین (۵۸۶/۱).

حویزی، عبدالعلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۶۵ ق)، فقیه، محدث، مفسر، ادیب و شاعر امامی. معروف به عبدالعلی عروسی. در حویزه متولد شد و در شیراز ساکن. وی استاد سید نعمت‌اللّه جزایری و معاصر شیخ حر، عاملی و علامه مجلسی است. از آثار وی: شرح «لامیه العجم» طغرایی؛ «نورالثقلین»، تفسیری روایی از قرآن، در چهار مجلد؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۶۶ -۳۶۵ /۲۴، ۶۹۰/۹)، روضات الجنات (۲۷ -۲۵ /۵)، ریحانه (۱۲۴/۴، ۸۹/۲)، فوائد الرضویه (۲۳۷)، معجم المولفین (۲۶۵/۵).

حویزی، فرج اللّه

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۰۰ -۱۰۳۱ ق)، متکلم، مفسر، ادیب، شاعر و مورخ امامی. از مردم حویزه خوزستان بود و معاصر با شیخ حر عاملی. وی در بیشتر علوم روزگـار خویش دست داشت و تالیفـاتش دامنه‌ی گسترده‌ای داشت. اکثر رجال‌نویسان او را به داشـتن فضل سـتوده‌اند. از آثار وی: «ایجـاز المقـال فی معرفه الرجـال» دربـاره‌ی رجـال، در دو مجلـد؛ «تـذکره العنـوان» که به پیروی «عنـوان الشـرف» شـرف‌الدین اسـماعیل یمنی است، در نحو و منطق و عروض؛ «التفسـیر»؛ «الغایه»، در منطق و کلام؛ «الصـفوه»، در اصول؛ شرح «خلاصه الحساب» شیخ بهایی؛ «المناسک الشاهوردیه»، در فقه؛ «دیوان» شعر؛ شرح «تشریح الافلاک» شیخ بهایی؛ «تاریخ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الاعلام (۳۴۱/۵)، اعیان الشیـعه (۳۹۵/۸)، ایضـاح المکنون (۴۹۹، ۲۷۵ /۱)، الـذریعه (۲۷۶/۲۲، ۸۱۸/۹، ۴۸۷/۲)، روضات الجنات (۳۴۱ -۳۹۹ /۶)، ریاض العلماء (۳۳۷/۴)، ریحانه (۹۴/۲)، فوائد الرضویه (۳۴۹)، لغت نـامه (ذیل/ فرج اللّه)، معجم المولفین (۵۹/۸)،هدیه العارفین (۸۱۶/۱).

حویزی، کرم اللّه

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۵۴ ق)، فقیه، عالم و نویسـنده امامی. اصل وی از حویزه یا هویزه خوزستان بود. علم را در خدمت عمو و پدرزنش، عبداللّه بن کرم اللّه، آموخت. وی عـالمی ارجمنـد و از بزرگوارترین پرهیزکاران و گرامی‌ترین هوشـمندان بود. کرم اللّه شیخ‌الاسـلام شـهر خود بود. او در نزدیکی خرم‌آباد درگذشت و در حویزه به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۹/۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۱۴/۱۲)، مکارم الاثار (۵۳/۱).

حیاآرانی، منور

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

۱۳۲۵ ق، متخلص به حیا از زنان خوشـنویس و شاعر. وی دختر وفایی کاشانی و مادر نظام وفا، شاعر معاصـر است. حیا خط شکسـته نسـتعلیق را به زیبـایی می‌نوشت. دیوان اشـعار او مشتمل بر حـدود هزار بیت از انواع شـعر به خط شکسـته نسـتعلیق زیبایش در میان کتابهای بازمانده از فرزندش موجود بوده است. او در آران وفات یافت و در مقبره خانوادگی در دروازه‌ی آران دفن گردید.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: مشاهیر کاشان، ۴۷.

حیات، ابوطالب

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا نصیـر اصفهانی، شاعر و ادیب، و از اخیار روزگار بوده، به غایت صاحب همّت و بلند فطرت، و در علم استیفاء مهارتش به کمال بوده، در سال ۱۱۳۵ فوت شده.

از اشعار اوست:

لب بخواهش نگشودیم و از آن خشنودیم

که مراد دو جهان قابل اظهار نبود

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حیاتی

قرن:۱۲

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س دوازدهم و سـیزدهم ق)، شـاعر و عـارف. حیاتی آیین و روش عارفان را از همسـرش نورعلیشاه آموخت و دارای طبع موزون و قریحـه‌ای توانـا بـود و در نظـم و نـثر دسـتی توانـا داشت. سـروده‌هایش بیشـتر آمیخته به گفته‌هـا و راه و روش عارفـان است. پس از درگذشت نور علیشاه، با ملا محمد نامی از مردم خراسان ازدواج کرد. شادوران وحیدی در مورد او چنین گفته است: «او بزرگترین شاعره‌ی قرن اخیر است». از آثار او: «دیوان» اشعار در حدود ده هزار بیت، با مقدمه‌ای به نثر بسیار شیوا و فصیح.[۱]

۱۲۱۳ ق، بی‌بی جـانی از زنـان عارف و شاعر. وی از اهالی هرات و خواهر رونق علیشاه و همسـر نورعلی شاه از بزرگان صوفیه بود.

قواعد و اصطلاحات عرفانی را نزد همسرش فراگرفت. پس از قتل معصوم علیشاه (۱۲۱۲ ق)، نور علیشاه به همراه حیاتی به عثمانی پناهنده شد و بعد از مدتی در شهر موصل درگذشت. چندی پس از مرگ وی همسرش با ملا محمد خراسانی ازدواج کرد. حیاتی طبع شعر داشت و حدود ده هزار بیت شعر گفته که غالبا شامل مضامین و اصطلاحات عرفانی است. دیوان اشعار او مشتمل بر پنجاه الی شصت غزل است که چاپ شده است (۱۳۴۹ ش) از اشعار اوست:

ایا طایر قدس عرش آشیان

مجو دانه از دام این خاکدان

قفش بشکن و بال و پر باز کن

به گلگشت و گلزار پرواز کن

منع دلم از ناله مکن در پی محمل

کز ناله کسی منع نکرده است جرس را[۲]

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :[۱] از رابعه تـا پروین (۱۱۱ -۱۱۰)، خیرات حسـان (۱۱۰/۱)، ریاحین الشـریعه (۱۴۱/۴)، زنان سخنور (۱۷۵ -۱۷۳ /۱)، ستارگان کرمان (۱۴۹)، طرائق الحقائق (۲۰۲/۳)، مشاهیر زنان (۷۸)، مصطبه‌ی خراب (۴۵).

[۲] منابع: «پرده‌نشـینان سـخنگوی»، آریانا، سال دهم، شـماره نهم، ۵۶؛ از رابعـه تـا پروین، ۱۱۱ -۱۱۰؛ تذکرهٔالخواتین، ۹۷؛ خیرات حسان، ۱۱۰ /۱؛ دیوان نور علیشـاه، ریاحین‌الشـریعه، ۱۴۱ /۴؛ زنان سـخنور، ۱۷۵ -۱۷۳ /۱؛ سـتارگان کرمان، ۱۴۹؛ شرح زندگانی وحید بهبهانی، ۲۹۸ -۲۹۷؛ طرایق‌الحقایق، ۲۰۲ /۳ فهرست نسـخه‌های خطی فارسی، ۲۳۰۳ /۳؛ مصطبه‌ی خراب، ۴۵؛ نقل مجلس، گ ۳۶ -۳۳.

حیاتی کاشانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۰۰ ق)، شاعر، متخلص به سـقایی و مشـهور به حیاتی سـقا. از شاعران نامی روزگار خود بود. در آغاز، شغل سقایی داشت. به همین جهت سـقایی تخلص می‌کرد. وی به طریقه نقطویـان گرویـد و به قزوین رفت، تـا آنکه او و گروهی از نقطویـان را بـا چند مجلـد از کتابهای ایشان گرفتنـد و نزد شاه طهماسب بردنـد. و به دسـتور شاه زنـدانی شدند. حیاتی پس از رهایی از زندان به شـیراز رفت و پس از مـدتی در سـال ۹۸۶ ق به کاشـان بـازگشت و از طریـق نقطویه توبه کرد. سـقایی از کاشـان به هنـد رفت و به دربـار جهانگیر راه یافت و بعد از چندی در همان کشور درگذشت. «دیوان» اشـعارش که مشتمل بر حدود ۲۰۰۰ بیت است از وی به جای مانده است. برخی او را با شاعر دیگری به نام حیاتی گیلانی اشتباه کرده‌اند. سقایی به گویش کاشانی نیز شعر می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریـخ نظم و نثر (۵۲۲ ،۵۲۱)، الذریعه (۲۶۹ -۲۶۸ /۹)، فرهنگ سخنوران (۲۸۱)، کاروان هند (۳۳۵ -۳۳۳ /۱)، لغت نامه (ذیل/ کاشی)، مجمع الخواص (۲۴۰)، مخزن الغرائب (۷۳۸/۱)، هفت اقلیم (۴۷۸/۲).

حیاتی گیلانی، کمال‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۸/۱۰۱۵ ق)، شـاعر. آغـاز زنـدگی را در زادگـاه خود گیلاـن گذرانـد. در جوانی پیشه بازرگـانی پیش گرفت، به خـاطر تجارت به کاشان رفت و آمد داشت و در آنجا با شاعران معاشرت و مشاعرت می‌کرد. کمال‌الدین از کاشان قصد هندوستان کرد و بعـد از ورود به آنجـا به خـدمت مسـیح‌الدین ابوالفتـح گیلانی درآمـد و به یاری او به حضور جلال‌الـدین اکبر پادشاه معرفی شـد و مقرب او گشت، او همچنین به عبـدالرحیم خان خانان سـپهسالار تقرب یافت و در بزم و رزم ملازم او بود. مدتی هم ملازم جهانگیر بود. وی در آگره درگذشت و در همان جا نیز دفن شد. آثار او: «دیوان» شـعر؛ مثنوی «سلیمان و بلقیس»؛ «ضمیمه یا تتمه تغلق نامه» امیر خسرو دهلوی، که به دستور جهانگیر شاه نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریـخ ادبیات در ایران (۱۰۱۲ -۱۰۰۷ /۵)، تاریـخ نظم و نثر (۴۲۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۱۳)، تذکره‌ی میخانه (۸۱۷ -۸۰۹)، الذریعه (۲۶۹/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۸۲ -۲۸۱)، کاروان هند (۳۴۸ -۳۳۵ /۱)، مآثر رحیمی (۷۸۱ -۷۳۸ /۳)، هفت اقلیم (۱۵۱ -۱۴۹ /۳).

حیاتی، وحید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

وحید حیاتی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱۰/۱

زندگینامه علمی

اینجانب وحیـد حیاتی پس از اتمام تحصیلات راهنمایی به حوزه علمیه قم وارد شدم و تحصیلات خود را در علوم حوزوی از سال ۷۲ در مـدرسه علمیه رسالت آغاز کردم . پس از سه سال برای تحصیل در مقاطع بالاتر در مدرسه علمیه الهادی رفتم و تا اتمام پایه ششم حوزه در آن جـا به تحصیل ادامه دادم . همزمـان به تحصیل در دیپلم ادبیات و علوم انسانی پرداختم و همزمان با پایه ششم حوزه موفق به کسب دیپلم شـدم . در ابتـدای تحصیل در پایه هفتم حوزه با قبولی در آزمون ورودی مؤسسه آموزشی امام خمینی (ره) در رشـته معـارف اسـلامی و حقوق به تحصیل در مقطع کارشناسی پرداختم و همزمـان به فراگیری زبـان انگلیسی پرداختم و یکسال بعد نیز موفق به کسب دیپلم زبان از مرکزتحقیقات علوم اسلامی (نور) شدم .همزمان که به تحصیل در حوزه (فقه و اصول) می پرداختم ، دروس مربوط به کارشناسی حقوق را گذرانـدم و در سـال آخر آن رشـته بخـاطر فعالیتهـای پژوهشی و هنری که در زمینه هنر و سینما داشتم (موفق به قبولی در آزمون کارشناسی ارشد ارتباطات گرایش تهیه کنندگی از دانشکده صدا و سیما قم شدم و در دوره کاشناسی ارشد ادامه تحصیل دادم و اکنون نیز مشغول تهیه پایان نامه ای تحت عنوان فلسفه و سینما هستم . اکنون سردبیر نشریه رواق اندیشه با موضوع هنری می باشم و در این زمینه به فعالیت پژوهشی و اجرایی مشغول می باشم .

حیدر یزدی، حیدر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی اهل یزد بود و مسلک و مشرب درویشان داشت. درویش حیدر در سرودن شعر توانا بود. از اوست:

درویشانی که از خدا دم زده‌اند

پا بر سر عیش هر دو عالم زده‌اند

این هر دو جهان را به مثال دو سبد

بگرفته به هر دو دست و برهم زده‌اند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره سخنوران یزد (۱۱۸ -۱۱۷)، تذکره‌ی روز روشن (۲۲۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۳۲)، الذریعه (۳۲۳ -۳۲۲ ، ۲۷۱ - ۲۷۰ /۹)، فرهنگ سخنوران (۲۸۳).

حیدرپور، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد حیدر پور

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب احمد حیدر پور در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح را نزد اساتید مانند آقایان مدرس افغانی، صالحی افغـانی، مهـدی زاده ، اعتمادی،وجـدانی فخر و اسـتاد پایانی به پایان رسانـدم. سپس در درس خارج فقه و اصول آیات عظام وحید خراسانی، سبحانی،جوادی آملی تلمذ نمودم. به دلیل علاقه شدید به علوم عقلی و به ویژه فلسـفه در رشته تخصصی کلام و فلسفه حوزه شرکت نمودم و در سال ۱۳۷۶ دوره را به پایان رساندم. در دروس فلسـفه اسـتاد فیاضی حضور مستمر داشتم و در سال ۱۳۷۸ در مدرسه معصومیه مشغول به تدریس عقاید شدم و از آن هنگام تاکنون به صورت مستمر به تدریس کلام و فلسفه مشغول هستم. در سال ۱۳۷۷ بـا مرکز دایرهٔ المعـارف علوم عقلی شروع به همکاری کردم و از آن زمان تاکنون مشغول تحقیق در کلام و فلسـفه اسلامی هستم.ضمناً در سال ۱۳۸۰ از نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاها اجازه تدریس اخذ کرده ام .

حیدری تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۲/۱۰۰۰ ق)، شاعر. از شاعران بنام روزگار خود در آذربایجان بود. از رهگذر حرفه سراجی روزگار می‌گذرانید. چند نوبت به هند رفت و سرانجام آنجا به سلک شاعران اکبرشاه درآمد. او از شاگردان لسانی شیرازی و شریف تبریزی بود. مولف کتاب «خلاصه الاشعار» به سال ۹۸۵ ق، در کاشان با او ملاقات کرده و «دیوانش» را که شامل حدود شش هزار بیت بوده، دیده است. میان حیدری و مولانا وحشی کشمکش‌هایی لفظی بود. او به طلاقت لسان معروف و صحبت وی از شعرش گرمتر بود. از آثار او: یک مثنوی به تقلید از «بوستان» سعدی به نام «جنگ نامه‌ی گجرات»؛ «سیر و سلوک»؛ «لسان الغیب» و «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۵ -۱۱۳ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۴۲۷)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۸۱ -۱۷۸ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۲۶ -۱۲۵)، الذریعه (۲۷۱/۹)، سخنوران آذربایجان (۳۲۳ -۳۱۹)، فرهنگ سخنوران (۲۸۳)، کاروان هند (۳۶۰ -۳۵۳ /۱)، مآثر رحیمی (۱۳۴۷ -۱۳۲۸ /۴)، مجمع الخواص (۲۱۸ -۲۱۷)، منظومه‌های فارسی (۲۵۶)، هفت اقلیم (۲۴۵ -۲۴۳ /۳).

حیدری ساوجبلاغی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۰ ق)، شاعر، متخلص به حیدری. وی در قریه رحیم‌آباد به دنیا آمد. پدرش در زمان ناصرالدین شاه در جنگ هرات و بوشهر از سرداران لشکر بود حیدری ادبیات فارسی و عربی را نزد بهار شیروانی فراگرفت و فنون و رموز شعر فارسی را نیز نزد او آموخت. حیدری در سن بیست سالگی وارد خدمت دولت شد. مدتی در ساوجبلاغ نایب الحکومه بود و چند دوره نیز از همان حوزه به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. میرزا علی‌خان در سرودن شعر توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۷۱/۹)، سخنوران نامی معاصر (۱۲۰۴ -۱۲۰۱ /۲).

حیدری سبزواری

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. مشهور به بینی. شهرت وی به بینی به علت بزرگی بینی‌اش بوده است. این بیت از وی است:

به خدمت تو چنان راغبند آدمیان

که دست بسته ز ارحام می‌رسند اطفال

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۳۹۹/۱)، فرهنگ سخنوران (۲۸۳)، هفت اقلیم (۲۹۵/۲)، الذریعه (۲۷۱/۹).

حیدری فر، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید حیدری فر

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۵ هجری شمسی به حوزه علمیّه ولی عصر(عج)در تبریز وارد شدم و با رسالت سربازی امام زمان(عج)آشنا شدم پس از گذراندن سطح مقدّماتی در سال ۱۳۵۷ به حوزه علمیّه قم هجرت کردم و پس از دو سال هنگام اشتغال به دروس پایه ۷ و ۸ فعلی،با شروع جنگ تحمیلی به جبهه های نور رفتم و حدود اواخر سال ۱۳۶۴ به حوزه برگشتم و دوباره ادامه تحصیل دادم.

مجموعا حدود شش سال سطح را به پایان رساندم و در درس خارج حضرت آیات منتظری و فاضل لنکرانی و مؤمن قمی و تبریزی و وحید خراسانی درس تفسیر و جوادی آملی درس فلسفه ای و حسن زاده آملی شرکت کردم. در مراکز گوناگون آموزش حوزه و دانشگاه فیض حضور داشتم و نقش معلّمی ایفا می کردم و می کنم.

با مراکز پژوهشی گوناگون قم بحمدالله در ارتباط و همکاری نسبتاً خوبی دارم. افاضل پایان نامه نویس را در آماده سازی پژوهش

نامه خوب راهنمایی می کنم و با آنان به مشورت می نشینیم به توفیق اللهی حدود ۲۰ سال است که در خدمت حضرت استاد علّامه آیه جوادی آملی و آثارایشان هستم و رد بسامان سازی آن مدد می رسانم. نوشته هایی نیز دارم که هنوز رخصت چاپ نیافته است و امیدمی رود بسترمناسبی برای چنین نوشته هایی فراهم گردد تا نانوشته هایی نیز رخ نماید!

حیدری موسوی، سید حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن حیدری موسوی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید حسن حیدری موسوی در سال ۱۳۴۱ در شهر قم متولد شدم تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به اتمام رساندم سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه شدم – مقدمات را در مدرسه مبارکه رضویه در حضور اساتید بزرگواری همچون مصطفی ملکیان ، کاشانی ، هادوی گذراندم . اصول فقه را نیز از محضر حضرت حجهٔ الاسلام و المسلمین هادوی استفاده کردم لمعتین را در محضر حضرات آیات استادی محامی و شب زنده دار بودم . و مکاسب و رسائل و کفایه هم از محضر حضرات آیات عظام مکارم شیرازی – فاضل لنکرانی و مرحوم شیخ جواد تبریزی بوده ام از سال ۱۳۷۱ در مرکز فرهنگ و معارف قرآن بودم و در تألیف فرهنگ قرآن مجله ۶ به بعد بصورت گروهی نقش داشته ام .

حیدری نیک، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید حیدری نیک

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

دوره های ابتدایی ، راهنمایی و دبیرستان را در دبستان ثقفی ، مدرسه راهنمایی مترجم الدوله و دبیرستان ابوریحان تهران گذراندم و مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی درسال ۵۷ دیپلم ریاضی فیزیک را از همان دبیرستان اخذ و در دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی کنونی) در رشته کامپیوتر نیز قبول شدم . با تعطیلی دانشگاه ها و همزمان با آغاز جنگ تحمیلی ، در سنگر جبهه ها مشغول فعالیت شدم . در سال ۱۳۶۰ همزمان در دو جبهه فرهنگی (معلمی) و رزمی (جبهه ها) فعالیت می کردم . تا سال ۶۳ در آموزش و پرورش منطقه ۱۳ تهران به تدریس اشتغال داشته و پس از حضور یک دوره سه ماهه در جبهه و بازگشت از آنجا در پائیز ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم ، مدرسه رضویه شدم . از سال ۶۳ تا ۶۶ علاوه بر مدرسه رضویه از اساتید مدرسه امام و مدارس دیگر نیز استفاده می کردم و در نهایت دروس مقدمات ، سیوطی ، حاشیه ، مغنی ، معالم و مختصر را از اساتیدی چون حجج اسلام حسینی ، عرفان ، طالقانی ، هادوی ، کدیور ، صالحی و مدرس افغانی استفاده کردم .

از سال ۶۶ تا ۷۰ لمعه ، اصول فقه ، رسائل ، مکاسب و کفایتین را از اساتیدی چون حجج اسلام : صلواتی ، محمدی ، هادی زاده ، پایانی ، اعتمادی ، شب زنده دار ، محقق داماد ، استادی ، تهرانی و محسن وحیدی خراسانی بهره بردم . از سال ۷۰ به مدت ده سال درس خارج فقه و اصول را از آیات عظام فاضل لنکرانی ، وحید خراسانی ، تبریزی ، مکارم شیرازی و مومن تلمذ کرده ام . در ضمن درس تفسیر قرآن را هم از سال ۷۰ تا ۷۴ از استاد آیت الله جوادی آملی استفاده کردم . از سال ۷۲ تا کنون به عنوان مدرس در دانشگاه های آزاد اسلامی واحد تهران و مرکز شاهد تهران مشغول تدریس معارف و متون و اخلاق و تاریخ و ریشه های انقلاب اسلامی بوده ام . همچنین از سال ۸۰ تا ۸۲ در مرکز تخصصی مهدویت به عنوان اولین دوره شرکت داشتم و از سال ۸۲ تا کنون در همان مرکز به عنوان مدرس دروس حکومت دینی و تاریخ تحلیلی اسلام مشغول تدریس هستم . به علاوه در همان مرکز با همکاری تعدادی از دوستان ، فصلنامه انتظار را انتشار دادیم و هم اکنون نیز جزء شورای نویسندگان در نشر این فصلنامه فعالیت می کنم . افزون بر این در همین مرکز در زمینه ترویج فرهنگ مهدوی به خصوص در نیمه شعبان و ۹ ربیع دراعزام های مختلف به تبلیغ و پاسخ به شبهات پرداخته ام .

از سال ۷۲ تا کنون نیز در همکاری با نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه ها به مراکز دانشگاهی مختلف کشور از قبیل دانشگاه جامع هرمزگان ، پزشکی بندر عباس ، بین المللی و پزشکی قزوین ، میرزا کوچک خان رشت ، خواجه نصیر الدین طوسی و علامه طباطبایی ، علوم بهزیستی تهران و ... اعزام و به تبلیغ و پاسخگویی به شبهات پرداخته ام . از سال ۷۶ تا کنون به همراه عده ای از دوستان به شکل تحقیقی و کار گروهی در زمینه تفسیر قرآن و نهج البلاغه و فقه و اصول مشغول فعالیت هستم .

در زمینه نشر فرهنگ شیعه درزمینه نویسندگی نیز فعالیتم را از سال ۷۰ تا کنون شروع کرده ام . ابتدا در ماهنامه آزادگان شرح حال فرزانگان و دانشمندان شیعه را نوشته و بعد در روزنامه کیهان به همین کار ادامه دادم و سپس در نشریه های دانشجویی به نشر دیدگاه های خود ادامه دادم . تا اینکه در سال ۸۰ با همکاری عده ای از دوستان در مرکز تخصصی مهدویت به انتشار فصلنامه انتظار مشغول شدم و در بعضی از شماره های این نشریه پیرامون فرهنگ مهدوی مقالاتی را به رشته تحریر درآوردم . هم اکنون چند کتاب پیرامون صلح امام حسن (ع) ، پیشینه تاریخی انتظار ، تاریخ تحلیلی اسلام در دست نگارش داردم که انشاء الله بزودی کار انتشار آن ها به پایان می رسد .

حیدری نیک، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسعود حیدری نیک

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اخذ دیپلم در تهران ، ابتدا یکسال به صورت متفرقه در سال ۶۳ در حوزه آیت الله مجتهدی تهران و سپس در سال ۶۴ با ورود به حوزه رسماً دروس حوزوی را شروع کردم . سه سال مقدمات را در مدرسه مبارکه رضویه گذراندم سپس دروس اصول فقه و لمعه و مکاسب را نزد اساتید معزز ، آقایان محمّدی خراسانی ، اشتهاردی ، اعتمادی و پایانی گذراندم ؛ کتاب کفایه را نزد آقایان محسن وحید خراسانی و تهرانی تلمّذ نمودم . از سال ۷۱ دروس خارج فقه و اصول را نزد حضرات آیات مکارم شیرازی ، وحید خراسانی ، جواد تبریزی و فاضل لنکرانی خواندم.

از ابتدای ورود به حوزه و حتی قبل از آن به کتب تاریخی علاقه خاصی داشتم و بدین سبب مطالعاتی داشتم ؛ با همین علاقه در سال ۷۱ با همکاری صدا و سیما و حزب الله در قم در قسمت تاریخ مقالاتی را نوشتم . زندگینامه بزرگانی همچون شیخ مفید که بعنوان سیمای فرزانگان صبح های جمعه از رادیو پخش می شد کار همان زمان می باشد . همچنین زندگینامه آقای رضا همدانی و مرحوم نراقی و محقق داماد نیز نوشته شد . سپس در سال ۷۷ اینجانب بعنوان مسئول گروه تاریخ مرکز جهانی علوم اسلامی شدم. در سال ۷۸ تا ۸۰ نیز بعنوان مسئول گروه تاریخ اسلام مدرسه امام خمینی در خدمت دوستان بودم . سال ۷۹ به همّت گروهی از پژوهشگران حوزه تاریخ ، انجمن پژوهشگران تاریخ حوزه علمیه قم را تأسیس کردیم که سپس بعنوان اوّلین انجمن علمی به رسمیت شناخته شد و اینک نیز جزء هیئت مؤسس آن می باشم .

بعنوان کار تحقیقاتی تلاش شده که فعلاً مقالات و جزوات جمع آوری شود و در حد بضاعت در تکمیل آن بپردازم حکومت از دیدگاه نهج البلاغه ، تاریخ در روایات ، مشکلات حکومت حضرت علی (ع) از مقالاتی است که تهیه شده است . پژوهش حکومت از دیدگاه نهج البلاغه بعنوان پایان نامه سطح سه حوزه اینجانب بود که تحت نظر استاد راهنما جناب حجت الاسلام آشتیانی در سال ۸۲ دفاع شد (در حوزه) . سال ۱۳۷۳ با گزینش امور اساتید نهاد رهبری بعنوان استاد به دانشگاه تهران و دانشگاه شهید بهشتی معرفی شدم و تا سال ۷۸ در دروس معارف ، تاریخ اسلام ، متون و اخلاق تدریس نمودم.

سال ۷۸ بعنوان استاد در مرکز تربیت محقق و نویسنده دفتر تبلیغات ، تاریخ اسلام تدریس نمودم . از سال ۷۸ تا کنون در مدرسه علمیّه امام خمینی (ره) بعنوان استاد تاریخ اسلام مشغول تدریس می باشم . سال ۷۶ تا ۷۸ نیز بعنوان مسئول قسمت پاسخگویی به سئوالات کتبی مؤسسه در راه حق ، مشغول خدمت بوده ام .

حیدری همدانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به مداحی و حیدری. وی از شاعران همدان بود که در روزگار اکبرشاه به هندوستان رفت و ملازمت یکی از خوانین از آن کشور را اختیار کرد. پس از وفات خان مذکور، حیدری به وطن خویش مراجعت کرد و تا آخر عمر در آنجا ماند. از اوست:

نمی‌دانست مجنون عاشقی، رسوای عالم شد

منم استاد عشق و عاشقی بر من مسلم شد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۴۷/۱)، صبح گلشن (۳۹۷)، فرهنگ سخنوران (۲۸۳)، کاروان هند (۳۶۲ -۳۶۰ /۱)، هفت اقلیم (۵۷۱/۲).

حیدری، حبیب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حبیب حیدری دستجردی

محل تولد : آبادان

شهرت : حیدری

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در شهرستان آبادان و اصفهان به پایان رساندم و در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و پس از دو سال جهت ادامه تحصیل به قم عزیمت نمودم و از اساتید بزرگواری همچون جناب آیت الله استادی در فقه و گرگانی در ادبیات ، مدرس افغانی در ادبیات عرب و آیت الله سبحانی و جوادی املی و تبریزی و محمدی استفاده نمودم.

و پس از شرکت ۴ سال در خارج اصول و فقه به تخصصی کلام در موسسه امام صادق ع تحت اشراف آیت الله سبحانی مشغول به تحصیل شدم و پس از پایان تحصیلات به عنوان محقق دائر المعارف کلام اسلامی با این موسسه همکاری نمودم. در سال ۱۳۸۴ جهت سامان دادن به حوزه علمیه آبادان با جمعی از دوستان به آنجا رفتیم که ضمن تدریس اصول و منطق به اصلاح سیستم آموزشی نیز مبادرت کردم. و همکنون با نهاد رهبری در معاونت امور اساتید معارف اسلامی در بخش ارزشیابی اساتید معارف همکاری می نمایم.

حیدری، خسرو

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شناسنامه

نام کامل : خسرو حیدری - متولد : ۲۳ شهریور ۱۳۶۲ - سن : ۲۵ سال - زادگاه تهران، ایران - قد : ۱۷۴ سانتی‌متر اطلاعات باشگاهی :

باشگاه کنونی : استقلال تهران - شماره پیراهن : ۲ - پُست : هافبک راست باشگاه های جوانان :

۱۳۷۹ - ۱۳۸۲ استقلال تهران باشگاه های حرفه ای :

۱۳۸۲ - ۱۳۸۵ پاس تهران

۱۳۸۵ - ۱۳۸۶ ابومسلم مشهد

۱۳۸۶ - ۱۳۸۷ پاس همدان

۱۳۸۷ - تا کنون استقلال تهران خسرو حیدری (زاده ۲۳ شهریور ۱۳۶۲ در تهران) یک بازیکن فوتبال ایرانی است. او هم‌اکنون عضو باشگاه استقلال تهران است.

افتخارات :

قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ایران ۸۸-۸۷ به همراه تیم استقلال تهران

حیدری، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس حیدری بهنوئیه

محل تولد : شهر بابک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

عباس حیدری بهنوئیه در سال ۱۳۴۴ در یکی از شهر های تابع استان کرمان ، به نام شهر بابک متولد شده پس از اخذ مدرک دیپلم در رشته علوم تجربی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شد . دوره مقدمات و سطح حوزه را طی کرده و مدت دوازده سال درس خارج فقه و اصول را گذرانده است. اساتید او در فقه و اصول عبارتند از آیت الله وحید خراسانی، آیت الله میرزا جواد آقا تبریزی و آیت الله سید محمد رضا مدرسی مشار الیه همزمان با فقه و اصول از مباحث فلسفی نیز بهره برده است ، منظومه سبزواری را نزد حجهٔالاسلام و المسلمین دکتر پرنده غیبی و نهایهٔ الحکمهٔ را نزد آیت الله موسوی گرگانی گذرانده است مباحثی از اسفار ملا صدرا را نزد آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن زاده آملی تلمذ نموده است. همزمان با مباحث حوزوی ، زبان انگلیسی را تا سطح عالی آن فرا گرفته است. وی پس از شرکت در آزمون سراسری سال ۱۳۷۴ و به دست آوردن رتبه هفتاد و هفت ، همزمان در دو رشته پزشکی و علوم سیاسی (به صورت نیمه متمرکز) پذیرفته شد اما تحصیلات خود را در رشته علوم سیاسی ادامه داد و اکنون دانشجوی مقطع دکتری دانشگاه تهران و مشغول تدوین پایان نامه است.علاوه بر پایان نامه دکتری با عنوان «زبان، سیاست و دولت در عصر مشروطه» دو پایان نامه در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد با عناوین «نظام سیاسی از دیدگاه فارابی» و «تحول نظری فقه سیاسی شیعه از مشروطیت تا انقلاب اسلامی» را تدوین و دفاع نموده است.

حیدری، عزیزالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عزیزالله حیدری

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم در رشته ادبی درتهران ، در کنکور شرکت نمودم و در رشته علوم تربیتی قبول شدم و تا دو سال در دانشکده علوم تربیتی پارس (در مجموعه دانشگاه علامه (ره) فعلی) تحصیل نمودم و با شناخت حوزه علمیه قم و درک ضرورت دروس حوزوی دانشگاه را ترک کردم اما مطالعات را در رشته علوم تربیتی و روانشناسی ادامه دادم . دروس مقدمات و سطح را در مدرسه رضویه و فیضیه و مسجد امام نزد اساتید محترم آقایان حبیبی ، مولوی نیا ، اشتهاردی ، سلطان محمدی ، گیلانی ، دکترضیایی ، مدرس افغانی ، کوه کمره ای ، مرحوم آیت الله ستوده ، گنجی ، مرحوم استاد علی صفایی حائری و درس خارج را نزد آیات عظام مکارم شیرازی ، نوری همدانی ، مازندرانی و تفسیر را نزد آیت الله جوادی آملی گذرانده ام .

کارهای تحقیقی و نوشتن کتاب و پاسخ به پرسش های کتبی و شفاهی در موسسه در راه حق و ارائه مقالات به مجلات و همکاری با مرکز فرهنگی وابسته به نهاد رهبری در دانشگاه ها ، تدریس در دانشگاه (دروس عمومی) و تبلیغات در مناسبت های مرسوم ، عمده اشتغالات اینجانب است .

عمده مطالعاتم در تفسیر ، حدیث ، ابعاد اخلاقی اجتماعی مکتب اصیل اسلام و تشیع و استخراج روش های کاربردی درمعارف و سازندگی اخلاقی می باشد .

حیدری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی حیدری

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۶۷ به حول و قوه الهی وارد حوزه مقدسه قم شدم و همزمان با اتمام پایه ۷ علوم حوزه وارد مرکز آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شدم و با اتمام دروس سطح حوزه وارد مرکز تخصصی امامت و مهدویت شدم و در سال ۱۳۸۳ به پایان رساندم. در حال حاضر همزمان با ادامه تحصیل در موضوع فقه و اصول در بعد تبلیغ، تدریس و فعالیتهای آموزشی انجام وظیفه می نمایم. به امید اینکه مشمول عنایات آقا امام زمان (عج) بوده باشیم. والسلام.

حیدری، علی محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی محمد حیدری

محل تولد : نراق

شهرت : حیدری نراقی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی محمد حیدری درسال ۱۳۳۱متولد شدم ودرسال۱۳۴۸ وارد حوزه علمیه شدم .ازمحضر اساتیدی چون آیات عظام گلپایگانی ُ،تبریزی،مکارم وصانعی استفادها بردم علاوه بر تحصیل به تحقیق و تالیف پرداختم وکتابهایی را به رشته تحریر در آوردم چند سالی نیز به عنوان سرپرست بنیاد شهید وجهادسازندگی تفرش به ادای وظیفه مشغول بودم وهم اکنون با بازگشت به قم به تحصیل و تبلیغ و تالیف مشغول هستم .

حیدری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حیدری درسال ۱۳۳۸ در شهرستان ابرکوه دیده به جهان گشود،ابتدای خط خوشنویسی را در محضر استاد حسین میرخانی آغاز کرد و بعد به علت نابینایی استاد میرخانی ادامه کار خود را با کیخسرو خروش ادامه داد، به سال ۱۳۵۸ درمحضر استاد یدالله کابلی ادامه تحصیل نمود. وی از سال ۱۳۶۰ مشغول تدریس می باشد. ایشان مدرک استادی خود را در سال ۱۳۷۸ اخذ نمودند. از سوابق کاری ایشان می توان به تدریس در دانشگاه های آزاد، دانشگاه الزهراء و دانشگاه کابل اشاره کرد. استاد محمد حیدری دبیر شورای ارزشیابی هنری انجمن خوشنویسان ایران می باشند.گروه : هنرشته : خوشنویسیگرایش : خط شکستهتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدحیدری در سال ۱۳۵۷ تحصیلات خود را با سیدحسین میرخانی در زمینه خوشنویسی آغاز نمود و از محضر استادان مختلفی کسب فیض نمود. ایشان مدرک استادی خود را درسال ۱۳۷۸ اخذ نمود.استادان و مربیان : محمدحیدری از محضر سید حسین میرخانی، کیخسرو خروش و یدالله کابلی در زمینه خوشنویسی کسب فیض نمود.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد حیدری دبیر شورای ارزشیابی هنری انجمن خوشنویسان ایران می باشند.فعالیتهای آموزشی : محمد حیدری از سال ۱۳۶۰ مشغول تدریس می باشند، از سوابق کاری ایشان می توان به تدریس در دانشگاه های آزاد، دانشگاه الزهراء و دانشگاه کابل اشاره کرد.چگونگی عرضه آثار : از دیگر آثار محمد حیدری می توان به موارد زیر اشاره نمود: – چاپ اثر در مجموعه های منتشر شده انجمن و غیره – نمایشگاه انفرادی در ایران و خارج از ایران – مشارکت در کلیه نمایشگاههای جمعی خوشنویسی از سال ۱۳۶۰ تا کنون

آثار : بخش شکسته خوانی کلک شیدایی / ۱۳۶۹ ساغر و سامان/ ۱۳۷۱ سواران آفتاب / ۱۳۶۲ فرمان حضرت امیر به مالک اشتر / ۱۳۶۶ کتاب" از نیستان "ویژگی اثر : (چلیپا نویسی در خط شکسته نستعلیق)، به خط و تالیف: استاد محمد حیدری، انتشارات انجمن خوشنویسان ایران،سال ۱۳۸۷ ۶ مـادر / ۱۳۷۰ مشعله خـاوری / ۱۳۷۳ منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

حیدری، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد علی حیدری حسنی

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اتمام ابتدای و ورود به متوسطه در عراق شهر کربلا مقدس همزمان شروع به فراگیری علوم مقدماتی حوزه علمیه کربلا شده از سال ۱۳۴۸ ه ش تا سال ۱۳۵۹ ه ش که مشغول به علوم ادبیات عرب کتاب اجرومیه و شرح بنی عقیل و باب چهارم مغنی اللبسیب به ترتیب استاد شیخ مهدی شریعت زاده و استاد شیخ احمد الشند علوم فقهی رساله عملیه و شرار السلام به ترتیب استاد شیخ مهدی

شریعت زاده و استاد شیخ احمد الشند و علم اخلاق اداب متعلمین خواجه نصیر الدین طوسی استاد سید عبد الرضا شهرستان و علم منطق مظفر استاد سید صادق شیرازی و علم هیئت شهید استاد سید محمد علی موسوی بحرانی و علم تفسیر جمع البیان استاد سید مرتضی قزوینی و علم ریاضی و اقتصاد شهید استاد محمد خیرالدین و علوم حدیث و نهج البلاغه و کتب اربعه صمام سته و علم خطابه مرحوم والد مکرم حاج سید محمد حسین حیدری و پس از دستگیری نظام حزب بعث عراق تبعیت پیروی از حضرت امام خمینی(قدس سره الشریف)و تبعید به جمهوری اسلامی ایران شروع به حضور و فراگیری از استاد مرحوم شیخ محمد تقی جعفری در علم منطق و فلسفه و نهج البلاغه از سال ۱۳۶۲– ۱۳۶۴ و از سال ۱۳۶۲ تا آخر سال ۱۳۶۴ مشغول به مشاوره و کارشناسی دفتر بررسی ارزشهای حاکم بر نظام اداری در سازمان امور اداری و استخدامی کشور بوده در موضوع مدیریت و کار و پرداخت در اسلام تدوین و تحقیق و نگارش و از سال ۱۳۶۵ وارد به حوزه علمیه قم شده و شروع به فراگیر علوم حوزی سطوح و سطوح عالیه و بحث خارج نموده و تا سال ۱۳۷۲ دروس سطوح و سطوح عالیه را به اتمام رسانده و در سال ۱۳۷۳ شروع به حضور بحث خارج استاد حاج شیخ باقر ایروانی شده تا سال ۱۳۸۱ ه ش . و در سال ۱۳۷۷ شروع به تاسیس موسسه تحقیقاتی فرهنگی بضعهٔ المختار الحیاء تراث اهل البیت علیه اسلام نمود و با اخذ مجوز رسمی از اداره کل ارشاد و شورای عالی بر مراکز فرهنگی با شماره ثبت ۲۴۲ مشغول به فعالیتهای تحقیقاتی و فرهنگی نموده.

که بحمد الله والمنّه تا بحال سالیانه ده هزار جلد قرآن کریم و پنج هزار جلد مفاتیح الجنان به صورت اهداء و رایگان در دست مومنان در داخل جمهوری اسلامی ایران و خارج از کشور توزیع شده .همچنان ده ها از کتابها تحقیق برخی از آنها به چاپ رسانده و برخی از آنها در دست اقدام می باشند.و همچنان مشغول بر تشکیل محافل قرآنی و دعایی و نهج البلاغه و عقائد و اخلاق و نقل احکام داخل و خارج از کشور و پاسخ گوی و حل اختلاف و اصلاح ذات البیع و تبلیغات می باشد.

حیدری، محمدولی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدولی حیدری از علماء بزرگ معاصر شهرستان نهاوند است.

وی پس از تحصیل مقدمات در شهر کرمانشاه در سال ۱۳۴۰ قمری به نجف اشرف عزیمت کرده و در جوار مرقد مطهر حضرت امیر (ع) به تحصیل و استفاده از بحث مراجع بزرگ نجف پرداخته.

آنگاه به ایران مراجعت و در بلده طیبه قم به بحث و تدریس مشغول و از محضر و درس آیت‌اللّه حایری استفاده نموده و پس از رحلت معظم‌له از محضر مرحوم آیت‌اللّه خونساری بهره‌مند شده و در خلال توقف در قم مدت دو سال از طرف حضرت آیت‌اللّه حایری به هرسین برای اداره امور مذهبی و تبلیغ رفته تا اینکه بعد از تکمیل تحصیلات و نیل به مقام اجتهاد و استنباط در سال ۱۳۶۸ قمری به تقاضا و درخواست اهالی نهاوند عزیمت به آن نموده و تاکنون در آنجا به اقامه امور دینی و انجام وظائف مذهبی اشتغال دارند.

خدمات برجسته مذهبی و اجتماعی معظم‌له در شهر نهاوند و قراء و قصبات اطراف آن در خلال ۲۵ سال بر اهالی این شهر و آنهائی که ارتباطی دارند و یا به آنجا مسافرت کرده‌اند پوشیده نیست زیرا با همت و جدیت ایشان مساجد آبرومندی بنا شده و مساجدی که قبلا مخروبه بود به بهترین صورت تعمیر یافته است آثار خیر آن جناب از این قرار است.

۱– در سال ۱۳۳۵ شمسی اقدام به ساختمان و تأسیس مدرسه علمیه نموده‌اند برای سکونت و تحصیل طلاب و مبلغینی که به این شهر رفت و آمد می‌کنند.

۲– حسینیه‌ای در شهر نهاوند با اراده و اقدامات و همت اهالی ساخته که در منطقه غرب کم‌نظیر است.

۳– تبلیغات مؤثری در این شهر نموده‌اند که بسیار ارزنده و آموزنده بوده و در اثر آن آلودگی و مفاسد کمتر دیده می‌شود.

۴– مبارزات با فرق باطله و منحرفین که بحمداللّه اکنون یا به کلی ریشه‌کن شده‌اند و یا در حال خمودگی و مردگی افتاده‌اند.

۵– رسیدگی به وضع مبلغین و گویندگانی که به این شهر می‌آیند از جهت رفاه و آسایش آنان آثار قلمی معظم‌له نیز که به طبع رسیده است به قرار زیر است.

۱– تنبیه الغافلین و ارشاد الجاهلین

۲– خلاصه البیان فی احکام النسوان

۳– دیوان شعر که هنوز به طبع نرسیده است.

معظم‌له در سال ۱۳۹۴ ق وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حیران

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۱۲۴۷ ق، از زنان شاعر. وی از طایفه دنبلی، از خاندان مشهور آذربایجانی، بود و در شهر تبریز به دنیا آمد. به نوشته مولف زنان

سخنور، حیران خـانم، خواهر کریمخـان کنگرلوی دنبلی است که از بزرگـان و توانگران نخجوان بود. این بـانو در سال ۱۲۱۸ ق در جریان جنگ ایران و روسیه از نامزد یا همسر خود به اجبار جدا شد و به ازدواج با مرد دیگری- که هیچگاه به او دل نبست- ازدواج کرد. وی به دفعات نارضایتی خود را نسبت به واقعه پیش آمده و علاقه‌اش را به همسر قبلی خود ابراز کرده است. حیران خانم مادر و خواهر عباس میرزا، نایب‌السلطنه‌ی فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) را مدح می‌کرد. دیوان او دارای چهار هزار و پانصد بیت و مشتمل بر قصاید، غزلیات، قطعات و ترجیعات به زبان فارسی و ترکی است (۱۳۱۴ ش).

شعر زیر از اوست:

چه کنم باز فتادم دگر از یار جدا
بلبل زار صفت از گل و گلزار جدا
ای فلک ناله من خانه خرابت سازد
که مرا کردی تو از یار دگر بار جدا
خون ز بهر من غمدیده هجران ریزد
باد سیار جدا ابر گهربار جدا
برغم فرقت من ناله کشد در گلشن
بلبل زار جدا خار ستمکار جدا
همه بر حسرت من گریه کنند شام و سحر
یار غمخوار جدا دشمن خونخوار جدا
در همه حال خرد راست جدایی ز رقیب
حیف باشد نشود یار ز اغیار جدا
آه «حیران» چه سازم من از این محنت و
کرد از یار مرا گردش غدار جدا

قطعه‌ای نیز به مناسبت وبای سال ۱۲۴۷ سروده است. وی هنگام مرگ هشتاد سال داشت.[۱]

(ز ۱۲۴۷ ق)، شاعر، متخلص به حیران. از خواتین محترم طایفه دنبلی‌ها و از خانواده مشهور آذربایجان بود. در شهر تبریز متولد شد. «دیوانی» دارد مشـتمل بر قصایـد و غزلیات و مقطعات و ترجیعات مرکب پارسـی و ترکی قریب به چهار هزار و پانصـد بیت و غالب اشعار او در مدایح والده همشیره عباس میرزا نایب‌السلطنه بود. به نقل از خویشان او در موقع وفات هشتاد سال داشته است. نسخه‌ای از «دیوان» شعر حیران را حاج حسین آقا نخجوانی از بازرگانان بنام تبریز در کتابخانه‌ی خود محفوظ داشته است.[۲]

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :[۱] منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره هفتم، ۴۹؛ از رابعه تـا پروین، ۱۱۵؛ تاریخ مشاهیر کرد ۳۴۱ -۳۴۰ / ۱؛ دانشمندان آذربایجان، ۱۲۶؛ الذریعه، ۲۷۲ / ۹؛ ریاحین‌الشریعه، ۱۸۶ / ۴؛ زنان سخنور، ۱۸۸ -۱۷۸؛ فهرست کتابهای چاپی فارسی، ۱۸۳۲ / ۲؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ۲۳۰۴ / ۳.

[۲] از رابعه تـا پروین (۱۱۵)، تاریخ مشاهیر کرد (۳۴۱ -۳۴۰/ ۱)، دانشمندان آذربایجان (۱۲۶)، الذریعه (۲۷۲/ ۹)، ریاحین الشرعیه (۱۸۶/ ۴)، زنان سخنور (۱۸۸ -۱۷۸/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۲۸۴)، مولفین کتب چاپی (۹۸۵ -۹۸۴/ ۲)، مشاهیر زنان (۷۹).

حیران اصفهانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اهل اصـفهان است و مدتها در سـلک شاعران بود. قدرتش را در سخن‌شناسـی از تصرفی که در شعر طالبای آملی کرده، ظاهر است. از اوست:

ز غارت چمنت بر بهار منتهاست
که گل به دست تو از شاخ تازه‌تر ماند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۲۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۲۲)، الذریعه (۲۷۱/۹).

حیران کردستانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۰ ق)، شاعر، متخلص به حیران. وی در در آبادی دژن، از روسـتاهای بیلوار کردسـتان سنندج متولد شد و تحصیلات خود را در مناطق مختلف کردستان به پایان رساند و بعدها به شهر سنندج رفت. وی در اغلب علوم تبحر داشت. حیران منظومه‌ای دارد به نام «مرشد العشاق».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۴۶۳ -۴۵۳ /۱)، حدیقه‌ی امان‌اللهی (۱۸۷ -۱۵۳)، الذریعه (۲۷۲/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۸۴)، مجمع الفصحا (۲۲۹ -۲۲۷ /۴).

حیران یزدی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به حیران. شغل وی مکتب‌داری بود. حیران در اواخر عهد جیحون محمد، شاعر یزدی (م ۱۳۱۸ ق) می‌زیست. او در خط نسخ مهارت داشت و در نظم و نثر چیره‌دست بود. چند نسخه از «دیوان» وی به خط خودش در یزد موجود است. از اوست.

زاهد که ترس روز جزا را بهانه ساخت

بیمش ز خلق بود و خدا را بهانه ساخت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره سخنوران یزد (۱۰۹ -۱۰۷)، الذریعه (۲۷۳/۹)، ریحانه (۹۵/۲)، فرهنگ سخنوران (۲۸۴).

حیرانی قمی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۰۳ ق)، شاعر. از مردم شهر قم بود. چندی در کاشان زیست، از آنجا که عمر خود را در همدان گذراند، به «همدانی» معروف شد. شاعری زبردست بود و دارای حافظه‌ای قوی. می‌گویند صد هزار بیت شعر حفظ داشت. وی از ندیمان سلطان یعقوب در آذربایجان بود و در اقسام مختلف شعر استاد. آثار او. «دیوان» شعر؛ مثنوی «بهرام و ناهید»؛ «مناظره‌ی آسمان و زمین»؛ «مناظره‌ی سیخ و مرغ»؛ «مناظره‌ی شمع و پروانه». او همچنین قصیده‌ای در هجو قاضی محمد علایی، قاضی شهر کاشان، سروده که معروف است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۲۴۷ -۱۲۴۶ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۵۱۰)، تحفه سامی (۱۹۹ -۱۹۸)، الذریعه (۲۷۴/۹)، ریحانه (۹۵/۲)، تحفه سامی (۱۹۹ -۱۹۸)، الذریعه (۲۷۴/۹)، ریحانه (۹۶ -۹۵ /۲)، فرهنگ سخنوران (۲۸۵)، لغت نامه (ذیل/ حیرانی)، مجالس النفائس (۳۰۸ -۳۰۷)، منظومه‌های فارسی (۲۵۶).

حیرت اصفهانی، احمد

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. اهل اصفهان بود و اشعار بسیاری سروده است. صاحب «ریحانه» شرح احوال و آثار حیرت اکبرآبادی را به وی نسبت می‌دهد که خطاست. از اوست:

مضطرب حالم از آهو روشان و رم‌شان

من ندانم به چه تدبیر به دست آرم‌شان

صفحه‌ی روی تو چین است و دو چشمت دو غزال

جنبش زلف تو داده ست ز هر سو رم‌شان

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۲۸۵ -۲۸۴ /۲)، تذکره‌ی طلعت (۶۴)، الذریعه (۲۷۴/۹)، صبح گلشن (۱۴۶)، فرهنگ سخنوران (۲۸۵).

حیرت بخارایی، محمد اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۶ -۱۲۵۴ ق)، مترجم و شاعر، متخلص به حیرت. وی مترجم معروف «تاریخ ایران»، تالیف سر جان ملکم، از انگیسی به فارسی است. حیرت در بمبئی وفات یافت و در قبرستان ایرانیان آن شهر دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۱۳۱/۱).

حیرت تبریزی، ابوالحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸/۱۳۳۶ -۱۲۶۴ ق)، عالم، شاعر و نویسنده. معروف به شیخ‌الرییس. در تبریز به دنیا آمد. در یازده سالگی به تهران آمد و در مدرسه‌ی ملا آقا رضا نحو و منطق را از محضر ملاعلی دماوندی فراگرفت و سپس به مدرسه‌ی نظامیه رفت و حساب و هندسه را به مدت دو سال آموخت. در سال ۱۲۶۴ ق به مشهد رفت و علوم ادبی و عربی را نزد استادان فراگرفت. و حکمت و کلام را نزد ملا ابراهیم سبزواری آموخت. در دوره‌ی دوم مجلس شورای ملی نماینده‌ی مازندران بود. حیرت پس از آن به عتبات سفر کرد و در نجف اشرف و کربلا از مراجع بزرگ، چون حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی، فاضل ایروانی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی فقه و اصول و سایر علوم اسلامی را فراگرفت. او سفرهایی به حجاز، استانبول، عشق‌آباد، سمرقند، بخارا و هندوستان داشت و به تدریس و تبلیغ پرداخت. در نظم و نثر توانا بود و به زبان فرانسه آگاه. از آثار وی: «دیوان» اشعار؛ «اتحاد الاسلام»؛ «ازاله الاوهام»؛ «رساله نقد فرقه‌ها»؛ «کتاب الابرار»؛ «منتخب النفیسر»؛ «سفرنامه‌ی استانبول»؛ «فصل الخطاب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۳۰ -۵۲۹)، دانشمندان آذربایجان (۱۲۷)، دویست سخنور (۸۳ -۸۲)، الذریعه (۴۴۱/۲۲، ۲۲۸/۱۶ ، ۱۸۵/۱۲، ۲۷۵ -۲۷۴ /۹ ،۶۵/۱)، ریحانه (۸ -۷ /۲)، سخنوران نامی معاصر (۲۲۰ -۱۲۱۵ /۲)، مولفین کتب چاپی (۱۵۸ -۱۵۶ /۱).

حیرت سجادی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۲ -۱۲۹۷ ق)، عالم، شاعر و مدرس. مشهور به رکن‌الاسلام. در شهر سنندج متولد شد. وی علوم عربی، ادبی و دینی را در مدارس دینی آن شهر فراگرفت و به کار دبیری و تدریس در آن شهر مشغول شد. در زادگاهش درگذشت و در مقبره‌ی شیخان دفن شد. حیرت در سرودن اقسام شعر توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۳۶۰ -۳۵۸ /۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۳۲ -۱۱۳ /۳).

حیرتی اصفهانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۸۹ ق)، شاعر. به هندوستان رفت و مورد عنایت قطب شاه واقع شد. از آثارش «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۷۵/۹)، ریحانه (۹۶/۱)، فرهنگ سخنوران (۲۸۶).

حیرتی تونی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. در عهد شاه طهماسب صفوی می‌زیست و چندگاهی ملازم درگاه او بود. بعضی از تذکره‌نویسان نسبت وی را بخاری نوشته‌اند. سام میرزا درباره‌ی او نوشته است که «مشهور است، از مرو است اما خود می‌گوید که از تونم...» به گفته اکثر تذکره‌نویسان وی در اوایل جوانی بسیار لاابالی و بی‌قید بوده و هجو بسیار می‌گفته است. سام میرزا می‌گوید «بین او و وحیدی قمی اهاجی بسیار واقع شده و حسن روملو گوید که میان حیرتی و مولانا سلطان محمد صدقی استرآبادی که از مشاهیر شاعران بود پیوسته به واسطه‌ی بحث شعر نزاع بود». گویا به سبب همین کارها و تجاهر به لاابالیگری بود که چندی مغضوب شاه طهماسب شد و به گیلان گریخت و سپس به خاطر قصیده‌ای که در منقبت امیرمومنان (ع) سرود بخشیده شد و بار دیگر به پایتخت شاه طهماسب بازگشت. وی در اواخر عمر به کاشان رفت و همان جا در ماه صفر سال ۹۶۱ ق از بام افتاد و درگذشت. حسن روملو که از معاصران وی است وفات وی را ذیل وقایع سال ۹۶۱ ق آورده است، بنابراین قول آذر در «آتشکده‌ی آذر» که می‌گوید: «... آخرالامر در کاشان ظالمی به طمع مال او را کشته و کان ذلک فی سنه ۶۹۷...» خطاست. حسن روملو آثار حیرتی را منظومات، قصاید، دیوان غزلیات و «بهجه المباهج» و قصیده‌ای مصنوع که در جواب خواجه سلمان ساوجی گفته و از قزوینیان شکوه نموده، ذکر نموده است. در انتساب کتاب «بهجه المباهج» به حیرتی تونی اشتباه روی داده است، زیرا «بهجه المباهج» کتابی است از حسن سبزواری در تاریخ اقوال پیامبر و آل‌علی و در واقع حیرتی آنرا به نظم درآورده است که مشتمل بر ۲۱۶۰۰ بیت است و به بحر خسرو و شیرین گفته شده و به تصریح خود شاعر نام این منظومه «کتیب معجزات» است که به تاریخ ۹۵۳ ق پایان یافته است. دکتر

صفا در «حماسه‌سرایی در ایران» این اثر را شاهنامه‌ی حیرتی خوانده است و هم او نیز در کتاب «تاریخ ادبیات در ایران» و همچنین احمد منزوی در فهرست مشترک آنرا «بهجه المباهج» و از سراینده‌ای ناشناس ذکر کرده، در حالی که شاعر در انتهای کتاب به نام آن اشاره می‌کند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۲۶۲ -۲۶۱ /۱)، احسن التواریخ (۴۹۵، ۳۷۰ -۳۶۹)، تاریخ ادبیات در ایران براون (۱۳۶ -۷۷ /۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۸۸ -۵۸۶ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۸۲۸، ۶۷۵، ۴۶۶)، تحفه سامی (۱۸۳ -۱۸۲)، تذکره‌ی روز روشن (۲۳۲ - ۲۳۰)، حماسه‌سرایی در ایران (۳۷۹)، الذریعه (۲۷۶ -۲۷۵ /۹)، ریحانه (۹۷ -۹۶ /۲)، فرهنگ سخنوران (۲۸۷ -۲۸۶)، لغت نامه (ذیل/ حیرتی)، مجالس النفائس (۳۷۹ -۱۵۳)، مجمع الخواص (۱۶۶ -۱۶۵)، نتایج الافکار (۱۸۱ -۱۸۰)، هفت اقلیم (۳۱۹ -۳۱۶ /۲).

حیرتی قزوینی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اهل قزوین اما بیشتر در خراسان و عراق مشغول سیاحت بود. در ابتدای حال به پیشه‌ی سراجی اشتغال داشت. شعرش بسیار اندک است و گویند حیرتی تونی «دیوان» وی را از میان برده است. از اوست:

مه من شام عید از گوشه‌ای بنمود ابرو را

فلک چندین چراغ افروخت، تا پیدا کند او را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۵۸/۳)، تحفه سامی (۲۳۱)، الذریعه (۲۷۶/۹)، ریحانه (۹۶/۲)، صبح گلشن (۱۴۶)، مینو در (۲/ ۴۳۵- ۴۳۶).

حیفی ساوجی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. در هندوستان، در دربار جلال‌الدین اکبر می‌زیست و در آنجا از نزدیکان ملک‌الشعراء فیضی بود. وی مدتی در گجرات به سر برد و در آنجا با خواجه نظام‌الدین احمد، مولف «طبقات اکبری»، مصاحبت داشت. حیفی غزل را خوب می‌سرود. از او «دیوانی» به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۶۶)، الذریعه (۲۷۶/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۸۷).

خاتمی اردکانی، روح‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج آقا روح‌الله خاتمی اردکانی از علماء عصر اردکان دارای مقام علم و عمل و تقوا میباشد، معظم له در اردکان متولد شده و پس از خواندن ادبیات در یزد و اردکان باصفهان آمده و سطوح عالی و مسائل و مکاسب و غیره را نزد علماء اصفهان خوانده و مهاجرت بقم نموده و چندین سال از محضر مؤسس حوزه آیه‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی طاب‌الله ثراه استفاده نموده آنگاه باردکان مراجعت و باقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام سیدالمرسلین علیه و علی آله صلوات المصلین و وظائف دینی و روحی پرداخت. وی والد حجه‌الاسلام والمسلمین خاتمی رئیس جمهور اسلامی ایران است.

مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی اردکان.

تولد: ۱۰ رمضان ۱۳۲۴ ق.، اردکان.

درگذشت: ۱۰ آبان ۱۳۶۷.

آیت‌الله سید روح‌الله خاتمی دوران طفولیت در اردکان طی کرد، همان جا به مکتب رفت و تا سیزده سالگی فارسی و عربی را آموخت. سپس در سال ۱۲۳۴۲ ق. به اصفهان رفت و در حوزه‌ی علمیه‌ی آن شهر به تحصیل مشغول شد. از جمله اساتید ایشان در این مرحله حاج میرزا علی آقای شیرازی و شیخ محمد خراسانی و در فقه و اصول به ترتیب آیت‌الله سید محمد نجف‌آبادی، آقا سید علی نجف‌آبادی و ایت‌الله رحیم ارباب بودند. در سال ۱۳۵۴ ق. از اصفهان به اردکان بازگشت. آیت‌الله خاتمی قصد داشت به نجف برود که مقدور نگردید. با شروع جنگ جهانی دوم، ایشان به همراه عده‌ای طلبه دیگر مدرسه‌ای را در اردکان ترمیم کردند که به تدریج به حوزه‌ی علمیه‌ی اردکان تبدیل شد.

(ح ۱۳۶۷ -۱۲۸۵ ق)، عالم دینی. در خانواده‌ای روحانی در اردکان به دنیا آمد. مقدمات علوم را در زادگاهش فراگرفت، پس از

آن برای تکمیل تحصیلات خود به اصفهان رفت و از محضر اساتیدی چون حاج میرزا علی آقا شیرازی، حاج رحیم ارباب، حاج سید علی نجف آبادی و سید محمد نجف‌آبادی بهره‌ها گرفت و چندین سال در حوزه‌ی درس آیت‌اللّه حایری یزدی در قم کسب فیض کرد. سپس به اردکان بازگشت و به ترویج دین و تبلیغ احکام پرداخت و در این شهر تشکیل حوزه‌ی علمیه داد. از آثار وی «آیینه‌ی مکارم» است.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۲۵ -۲۴)، کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۹، ص ۶۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶۷ -۶۶/ ۳ ،۲۹۱/ ۱).

خاتمی بروجردی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدرضا بن العالم الجلیل و الزاهد النبیل حاج شیخ حسن خاتمی بروجردی از علماء مبرز معاصر شهر ری و اصدقاء این نویسنده است. وی در سال ۱۳۴۱ قمری در بروجرد متولد شده و در مهد علم و فضیلت پرورش یافته و اولیات و مقدمات را در بروجرد خوانده و به قم آمده و با آشنائی و رفاقت با مرحوم والدش حدود دو سالی در قم با این نویسنده محشور و مأنوس بوده و قسمتی از سطوح وسطی را نزد حقیر و دیگران خوانده و در ماه ذی القعده الحرام ۱۳۶۱ قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و مدت شش سال اقامت و از محضر اساتید بزرگ چون آیت‌اللّه حاج شیخ غلامحسین اردبیلی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی کاظمینی (صاحب تقریرات) استفاده نموده و در مدت کوتاهی در اثر استعداد ذاتی و مطالعه و زحمت گوی سبقت از اقران ربوده و بدرجه سامیه اجتهاد رسیده و از آیات عظام نجف و قم چون مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه حجت مفتخر به اجازه اجتهاد گردیده و در سال ۱۳۶۵ قمری مراجعت به ایران و قم نموده و مدت سه سالی در قم بتدریس فقه و اصول پرداخته و در سال ۱۳۷۰ قمری بنابر استدعاء این حقیر برای تدریس مدرسه علمیه برهانیه شهر ری منتقل باین شهر شده و تا هم‌اکنون بتدریس و اقامه جماعت و تبلیغات دینی اشتغال دارد.

مرحوم والدش حجهٔالاسلام والمسلمین حاج شیخ حسن کمره‌ای خاتمی از علماء محترم بروجرد و دوستان خالص حقیر بود و محبت تامی نسبت به این کمترین داشت ذکرش در علماء بروجرد گذشت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خاتمی تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. معروف به خاتمی کتابفروش. وی به شغل کتابفروشی اشتغال داشت. خاتمی از معاصران درویش دهکی بود و با او مشاعره داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۲۶۸)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۸۸ -۱۸۷ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۲۸)، الذریعه (۲۷۷/۹)، سخنوران آذربایجان (۳۲۷)، فرهنگ سخنوران (۲۸۹)، لغت نامه (ذیل/ خاتمی تبریزی).

خاتمی مشهدی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. معروف به خاتمی حکاک. وی پیشه‌ی حکاکی داشت و از این رهگذر روزگار می‌گذرانید. از اوست:

به ستمگری فتاده سر و کار خاتمی را

که تمام عمر، کارش همه خشم و ناز باشد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۳۲)، الذریعه (۲۷۷/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۸۹)، مطلع الشمس (۴۳۰/۲).

خاتمی هروی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از جمله شاعرانی بود که به هندوستان رفت و از آنجا عازم حج شد، لیکن در راه وفات یافت. خاتمی از

غزلسرایان بنام روزگار خود بود که «دیوان» شعری هم داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۶۶)، تذکره‌ی روز روشن (۲۳۲)، الذریعه (۲۷۷/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۹۰)، کاروان هند (۳۶۶/۱)، هفت اقلیم (۱۶۲ -۱۶۱ /۲).

خاتمی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد خاتمی

محل تولد : سمنان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۲/۱۸

زندگینامه علمی

سید احمد خاتمی در هجدهم اردیبهشت ۱۳۳۹ در سمنان متولد شد، پدرش مرحوم سید مهدی خاتمی انسانی متعهد و متدین بوده و در میان اقوام، معروف به تقوی و غیرت دینی بود وی در سال ۱۳۶۴ از دنیا رفت. ما در ایشان خانم طیبه سادات خاتمی، بانویی متدین، مؤمن و مأنوس با قرآن و ادعیه است و هم اکنون (آذر ۱۳۸۳) در قید حیات است. خاندان خاتمی از سادات معروف سمنان‌اند و جد اعلای آنان مرحوم سید هاشم همواره مورد علاقه و محبت مردم بوده که همچنان مردم ذکر خیر او را دارند. سید احمد خاتمی در سال ۱۳۵۱ تحصیل علوم حوزوی را در مدرسه علمیه صادقیه سمنان آغاز کرد و به مدّت دو سال در آنجا دروس مقدماتی را نزد اساتید آن حوزه به پایان برد و در سال ۱۳۵۴ به حوزه علمیه قم هجرت کرد و جهت استحکام بیشتر دروس اکثر درسهایی را که در حوزه سمنان خوانده بود نزد ادیب بزرگ مرحوم مدرس افغانی که به تازگی از نجف آمده بود، مجدداً تکرار کرد و سپس دروس سطح را از اساتید بزرگ حوزه همانند مرحوم آیت الله ستوده، آیت الله اشتهاردی، آیت الله خزعلی، آیت الله بنی فضل و... به پایان برد و سپس در درس خارج حضرات آیات شیخ جواد تبریزی، محمد فاضل لنکرانی، میرزا هاشم آملی، وحید خراسانی، شبیری زنجانی و... شرکت کرده و به مدّت هفده سال در درس خارج فقه و اصول این حضرات شرکت نمود.

در فلسفه و کلام از حضرات آیات: شیخ یحیی انصاری شیرازی، حسن زاده آملی، جوادی آملی، ابراهیم امینی بهره برده است. در تفسیر از حضرت آیت الله مشکینی، آیت الله خزعلی بهره‌مند شده است و در درس نهج البلاغه از آیت الله حسین نوری همدانی بهره برده است او از درس فلسفی «شناخت» از محضر شهید آیت الله مطهری بهره‌مند شده است و در فن خطابه از محضر خطیب گرانقدر مرحوم حجهٔ السلام و المسلمین آقای شیخ محمد تقی فلسفی استفاده نموده است. تدریس وی از سال ۱۳۶۴، تدریس دروس حوزوی را به صورت عمومی شروع کرده است. اگر چه قبل از آن به طور خصوصی چند دوره کتب مقدمات (جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، مختصر المعانی و...) را تدریس کرده بود. تا کنون ۴ دوره معالم الاصول، ۷ دوره اصول الفقه، ۳ دوره شرح لمعه، ۲ دوره مکاسب، ۳ دوره رسائل و اینک (آذر ۱۳۸۳) مشغول پنجمین دوره تدریس کفایهٔ الاصول است. وی مدت ده سال است که به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارد، دوره اول تدریس خارج اصول را به اتمام رسانده و اینک (آذر ۱۳۸۳) مشغول تدریس دوره دوم خارج اصول است و از کتابهای فقهی بخشهایی از کتاب قصاص و دیات و تقریبا تمام کتاب الحج را تدریس کرده و اینک اشتغال به تدریس خارج کتاب صلوهٔ دارد.

در این مدت صدها طلبه از محضر وی بهره‌مند شده و همچنان استفاده می‌کنند. وی در کنار تدریس علوم مصطلح حوزوی از سال ۱۳۶۵ به تدریس سیره پیامبر و امامان (آذر ۱۳۸۳) در روزهای تعطیل (پنج شنبه‌ها) رو آورد که در سال ۱۳۸۰ یکدوره از این دروس به پایان رسید و اینک سه سال است که پنج شنبه‌ها تفسیر زیارت جامعه را دنبال می‌کند. وی در سال ۱۳۶۷ به دستور برخی از بزرگان حوزه درس تفسیر شروع کرد و اینک شانزدهمین سال این درس است که هر شب پس از نماز مغرب و عشاء، در مدرس امام مدرسه فیضیه دائر است و تا کنون تفسیر ۸ جزء قرآن به پایان رسیده (تفسیر جزء آخر و ۷ جزء اول) و اینک مشغول تفسیر هشتمین جزء قرآن کریم (سوره انعام) می‌باشند. تا کنون ۱۶۶۰ جلسه تفسیری داشته‌اند، درس تفسیر نهج البلاغه نیز در ایام تعطیل داشته‌اند که حدود دو سال است بحث موضوعی «امام علی (ع) و مخالفان حکومت» را از نگاه مولی در نهج البلاغه دنبال می‌کنند.

خوشبختانه نوار کاست این درسها (گرچه نه به کیفیت عالی) موجود است. وی کار اصلی خود راتدریس دانسته و سخت علاقه‌مند به آن است به گونه‌ای که در ایام تحصیل به هیچ وجه کار دیگری را جای آن قرار نمی‌دهد. در سخنرانیهای وی هم قرآن و هم روایات و هم مسائل سیاسی در حد نیاز هست. وی در صدا و سیمای جمهوری اسلامی تا کنون صدها برنامه اجراء کرده است و امت مسلمان ما استقبال خوبی از خطابه‌های وی داشته و دارند. سید احمد خاتمی به عنوان استاد راهنما و داور در رسالهٔ سطح چهار و سطح سوّم حوزه و نیز به عنوان استاد راهنما در مؤسسه پژوهشی امام خمینی و دانشکده شهید محلاتی سپاه خدمت می‌کنند و تا کنون رساله متعددی را در عرصه معارف دینی، فعالیتهای سیاسی، راهنمایی و ساماندهی کرده است. سید احمد خاتمی قبل از پیروزی انقلاب همگام با رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی در ستیز با رژیم منحط پهلوی بود و با ایراد خطابه‌های حماس علیه آن رژیم سیاه نقش مفیدی در روشنگری مردم ایفاء کرد و بعد از پیروزی انقلاب عمده راهی را که برای خود برگزید کار فرهنگی بود که از طریق تدریس ق، خطابه، تألیف آنرا دنبال کرد. وی موضع سیاسی خود را" موضع ولایت فقیه "قرار داده است تا زمانی

که امام راحل در قید حیات بودند همراهی با آن امام بزرگوار و اینک همراهی با مقام معظم رهبری مدظله العالی وجهه همت اوست. وی در کنار کار فرهنگی در عرصه‌هایی که نیاز بوده است موضع گیری‌های مناسب سیاسی داشته که در روزنامه و جرائد کشور منعکس شده است. او در طول۸ سال دفاع مقدس در مواقع مورد نیاز در جبهه‌های حاضر شده و به وظیفه خود عمل نموده است.سید احمد خاتمی هم اکنون عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، عضو کمیسیون حوزه آن جامعه نماینده مردم کرمان در مجلس خبرگان رهبری، عضو هیأت رئیسه مجلس خبرگان، عضو هیأت مدیره مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، عضو شورایعالی مجمع جهانی اهل بیت (ع) ، عضو شورای سیاستگذاری فرهنگی آن مجمع می باشد.

خاتمی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود خاتمی متولد ۱۳۳۱ شهر ری است. وی تحصیات متوسطه را در تهران گذراند. او کارشناسی فلسفه را از دانشگاه تهران گرفته و با علاقه وافری که به این حوزه اندیشه یافته،مدارج دانشگاهی را بدون وقفه و با جدیت و پشتکار مثال زدنی تا مقطع دکتری فلسفه در این دانشگاه ادامه داده است.وی برای ادامه تحصیل به انگلستان می رود و موفق به دریافت دکترای فلسفه از دانشگاه دورهام انگلستان می شود.همچنین او دوره فوق دکتری فلسفه دانشگاه دورهام را نیز طی می کند. خاتمی از سال ۱۳۷۶ استاد تمام وقت گروه فلسفه دانشگاه تهران بوده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

خاطرات کودکی :

تحصیلات رسمی و حرفه ای : - پایان تحصیلات متوسطه در تهران - دریافت کارشناسی فلسفه از دانشگاه تهران - دریافت کارشناسی ارشد الهیات (ادیان وعرفان) - دریافت کارشناسی ارشد فلسفه از دانشگاه تهران - دریافت دکتری فلسفه از دانشگاه تهران - عزیمت به انگلستان برای ادامه تحصیل - دریافت دکتری فلسفه از دانشگاه دورهام انگلستان - ورود به دوره فوق دکتری فلسفه دانشگاه دورهام - خاتمی تحصیلات حوزوی نیز دارد و تحصیل علوم اسلامی معمول را تا اجتهاد در حوزه گذرانده است

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمود خاتمی عضو فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران نیز هست و در گروه اندیشه این مرکز سال هاست که حضور پیوسته داشته است.

فعالیتهای آموزشی : محمود خاتمی از سال ۱۳۷۶ استاد تمام وقت گروه فلسفه دانشگاه تهران بوده و همچنین درمقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه های تربیت مدرس، علامه طباطبایی و مفید، تدریس فلسفه کرده است.او مدتی نیز به عنوان استاد میهمان (Visiting Professor) گروه فلسفه دانشگاه مک گیل McGill کانادا (۲۰۰۴-۲۰۰۳) به تدریس فلسفه پرداخته و در دوره حضور در انگلستان دستیار پژوهشی (۱۹۹۶-۱۹۹۷) (Research Assistant) فلسفه دانشگاه کمبریج نیز بوده است. - انتخاب شده در فهرست فیلسوفان برتر جهان در سال ۲۰۰۶ - کمبریج انگلستان

آرا و گرایشهای خاص : محمود خاتمی همچنان که حوزه تألیف و تدریس را دنبال می کند،مسائل و مشکلات آموزش فلسفه در ایران را نیز پی گرفته و دیدگاه های سازنده ای در باره آن دارد. او در مقاله «بررسی مشکلات آموزش فلسفه غرب به دانشجویان سال اول فلسفه» که در همایش اَسما ارائه کرد، راهی برای معرفی مکاتب و نحله های فلسفی برای دانشجویان، قبل از شروع مطالعات تخصصی شان پیشنهاد کرده بود.او می گوید: « یک ترم انتقالی پیشنهاد دادم شامل ۱۰ واحد نظری و ۸ واحد کارگاهی به منظور آگاهی ورودی ها با طرح کلی و فضای فلسفه، قبل از ورود به مطالعه و مباحث تخصصی. اصلاح برنامه های آموزشی، آموزش زبان خارجی روان برای مکالمه و مطالعه، ارائه مجالس سخنرانی های برنامه ریزی شده، کارگاه اندیشه، ایجاد ارتباط با مراکز آموزشی و پژوهشی دنیا و نظیر این ها نیز از راه های تغییر مسیر فلسفه از وضع کنونی آن در دانشگاه ها و بهینه شدن آن است». خاتمی تاکنون مقالات بسیاری را در حوزه فلسفه به فارسی و انگلیسی نوشته و بسیاری از این مقالات او در معتبرترین نشریات فلسفی دنیا چاپ و منتشر شده است.برایش آرزوی توفیق و طول عمر می کنیم.

جوائز و نشانها : محمود خاتمی امسال استاد نمونه دانشکده علوم انسانی دانشگاه تهران نیز بوده و برای تألیف کتاب «جهان در اندیشه هیدگر» برنده جایزه کتاب سال در حوزه فلسفه غرب نیز شده است.همچنین کتاب «پدیدارشناسی دین» او جایزه کتاب سال را در حوزه دین پژوهی از آن خود کرده است. - پژوهشگر برتر در حوزه دین پژوهی، وزارت فرهنگ و اندیشه اسلامی ۱۳۸۲

چگونگی عرضه آثار : محمود خاتمی بخصوص در میان همنسلان خویش با نگارش مقالات متعدد به زبان انگلیسی و به عبارتی ارائه دائمی پیپر در محافل دانشگاهی،از دیگران تمایز یافته و او را به چهره آشنای فیلسوف ایرانی در محافل بین المللی فلسفه بدل کرده است.تا آنجا که در سال ۲۰۰۶ دانشگاه کمبریج انگلستان نام او را در فهرست فیلسوفان برتر جهان قرار داد و اعتباری ویژه برای فلسفه امروز ایران پدید آمد. نگارش مقالات متعدد فلسفی به فارسی و انگلیسی از جمله پراگماتیسم واومانیسم، وجه اومانیستی فلسفه هگل، هیدگر و علم جدید؛ رأی هیدگر در باب نسبت تکنولوژی و هنر،لویناس و دیگری، تبیین تاریخی، پدیدارشناسی دین، مفهوم تحلیلی جدید از خود و تجربه عرفانی آن و... از دیگر ویژگی های خاتمی، که او را با اکثریت همنسلان خویش در حوزه فلسفه جدا می کند،همانا تسلط او در تألیف دیدگاه های نظری خویش به زبان غیر فارسی است. تألیف کتب Sadraean Meditation، Basic Issues in Islamic Philosophy و ... حضور او در جغرافیایی فراتر از مرزهای

داخلی فلسفه در ایران را به ثبت رسانده است. خاتمی همچنان که حوزه تدریس و تحقیق شخصی را دنبال می کند از حضور در محافل دانشگاهی و سمینارها و کنفرانس های مرتبط با رشته کاری خویش نیز غافل نمانده است.او در سومین دوره از سمینارهای تخصصی گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی درباره «امکان بحث از علیت ذهنی در اندیشه صدرایی» سخن می گفت. -------
----

آثار :

۱ الفبای نسبیت

ویژگی اثر : ترجمه ، (نوشته برتراند راسل

۲ پدیدارشناسی دین

ویژگی اثر : سازمان انتشارات،(برنده جایزه کتاب سال در حوزه دین پژوهی). پژوهش «پدیدار شناسی دین» برای «ابتکار در گزینش موضوع و در عین حال بهره گیری از منابع اصلی بویژه مآخذ خارجی و نثر و ادبیات مناسب فارسی» به عنوان اثر برگزیده انتخاب شد، بویژه آن که نخستین گام در این زمینه بود. خاتمی در مقدمه خودبر این کتاب آورده است: «پدیدارشناسی دین Phenomenology of religion رهیافتی است با اهمیت در دین پژوهی معاصر که به لحاظ تاریخی، محصول تلفیق دو جریان فکری – پژوهشی پدیدار شناسی هوسرل». او هدف خود را در این کتاب این چنین بیان کرده است: «نیت اصلی نگارنده آن بوده تا به پدیدار شناسی دین نگاهی متناظر یکMetatheoritic کند و شرحی در باب جایگاه و محتوای پدیدارشناسی دین بیان نماید». کتاب «پدیدارشناسی دین» را سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتشر کرده است. این کتاب در فصل، به این مباحث: مطالعات دینی: درآمدی به دین پژوهی معاصر– پدیدارشناسی دین: زمینه ها – پدیدارشناسی کلاسیک دین – پدیدارشناسی هرمنوتیک دین – دین و محاکات– دین و محاوره – پدیدارشناسی و حقیقت دین.

۳ جهان در اندیشه هیدگر، مؤسسه اندیشه اسلامی

ویژگی اثر : (برنده جایزه کتاب سال در حوزه فلسفه غرب)

۴ درآمدی به فلسفه ذهن

ویژگی اثر : جهاددانشگاهی دانشگاه تهران

۵ زیبایی شناسی از منظر پدیدار شناسی،

ویژگی اثر : فرهنگستان هنر

۶ فیزیک وفلسفه

ویژگی اثر : ترجمه، (نوشته ورنر هیزنبرگ

خاتون آبادی علوی، احمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل متقّی.

سیّد عبداللّه جزائری در اجازه ی کبیره ی خود گوید: از شرکای درس پدرم در اصفهان بود و نزد میر محمّد باقر و امیر محمّد صالح و دیگران تلمّذ می‌فرمود، سپس به مشهد رضوی منتقل شده و از علما و مدّرسین آنجا محسوب می‌شد. با وجود کمال تبحّری که در علم داشت در حکم و فتوی محتاط بود.

از تألیفاتش رساله‌ای است در جواب اعتراضاتی که علمای هند بر کتاب حقّ الیقین علّامه ی مجلسی نموده‌اند.

در سال ۱۱۴۱ در مشهد وفات یافت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خاتون آبادی، ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

برادر ایشان: مرحوم حاج میرزا ابوالفضل خاتون‌آبادی، عالم زاهد مقدس، و فقیه جامع، مدرس مدرسه‌ی ملا عبدالله، و امام جماعت در آن مدرسه و مسجد ساروتقی در بازار، و مورد وثوق و اعتماد قاطبه‌ی اهالی اصفهان بود، و در شب دوشنبه ۱۱ رمضان المبارک ۱۳۸۸ در طهران وفات یافته، جنازه با احترامات لازمه به قم منتقل شده، در آن ارض اقدس مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خاتون آبادی، امیر ابراهیم

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ عبدالنبی قزوینی مؤلّف تتمیم امل الامل کتاب «الرسائل الحکمیّه» را از تألیفاتش نام می‌برد، بنابراین صاحب عنوان عالم و حکیم و محقّق بوده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خاتون آبادی، عبدالحسین

قرن:۱۱
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن میر محمّد باقر بن شاه مراد، عالم فاضل، محقّق مورّخ، از شاگردان ملّا محمّد تقی مجلسی و ملّا محمّد باقر سبزواری است. در شعبان ۱۰۳۷ متولّد، و در ۱۰۹۷ یا ۱۱۰۰ وفات یافته، در مزار بابا رکن الدین مدفون گردید.
کتب زیر از اوست: ۱- شرح بر شاطبیّه، در علم تجوید ۲- شرح بر شافیه ی ابن حاجب ۳- وقایع السنین و الاعوام، مشهورترین تألیفات اوست. ۴- ترجمه ی رساله ی شهید ثانی در معنی ایمان «حقایق الایمان» و نسخه آن نزد نگارنده موجود است. تاریخ ترجمه: دوشنبه سلخ جمادی الاولی ۱۰۹۸.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خاتون آبادی، عبدالغنی

قرن:۱۲
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن میر معصوم عالم فاضل، و شیخ الاسلام اصفهان بوده، و در روز دوشنبه غره‌ی رمضان‌المبارک ۱۱۶۱ وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خاتون آبادی، عبدالواسع

قرن:۱۲
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند میر محمد مهدی، مانند عموم خاندان خود عالم و فاضل بوده، و در ۱۱۵۱ وفات یافته، در قبرستان آب بخشان مدفون شده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خاتون آبادی، محمد

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(۱۳۲۶ -۱۲۵۴ ش)، عالم دینی. مشهور به امام جمعه. اصلا اصفهانی و ساکن تهران بود. تحصیلات خود را در نجف نزد آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و دیگر علمای آن شهر سپری کرد و پس از اینکه به تهران باز آمد، به فعالیتهای آزادیخواهانه پرداخت. و در این راه مساعی بسیاری کرد. پس از فتح تهران توسط مشروطه‌خواهان، عضو هیات مدیره انقلاب شد و به جای برادرش، حاج میرزا ابوالقاسم که فردی مستبد بود از طرف مشروط خواهان امام جمعه تهران شد، تا روزگار مرگ.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :رجال عصر مشروطیت (۲۸)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۵۴ -۲۵۲ /۱)، شرح حال رجال (۲۱۹ -۲۱۸ /۳).

خاتون آبادی، محمد علی

قرن:۱۲
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم فاضل محقق، متوفی در ۱۱۴۶، مدفون در تکیه خاتون‌آبادی‌ها.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خاتون آبادی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن میر سید علی بن میر محمّد صادق بن میر محمدرضا فرزند میرزا ابوالقاسم مدّرس، عالم فاضل. پدرش از علما و ائمّه جماعت مسجد شاه اصفهان بوده، و در سال ۱۲۹۵ به مناسباتی ترک جماعت در آنجا نموده، و فرزندش در سال ۱۲۸۹ متولّد، و نزد علمای اصفهان و نجف تحصیل نموده، و در مسجد آقا علی بابا اقامه جماعت می‌نموده، و در سال ۱۳۵۲ وفات یافته، در تخت فولاد در تکیه ی سیدالعراقین مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خاتون آبادی، معصوم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن میر عبدالحسین، عالم فاضل زاهد محقّق بوده. گویند: آقا محمد بیدآبادی خوابی در جلالت قدر و عظمت شأن او دیده، و بدین جهت وصیّت کرده که در جنب او دفنش کنند؛ و همین موضوع، علّت اعتقاد بیشتر مردم بدو شده است.

در ۱۱۵۵ وفات یافته مادّه تاریخ وفاتش را خادم شاعر اصفهانی گوید:

زهد معصوم چون حدیثش بود

باز او شافعش بلطف و کرم

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خاتون‌آبادی اصفهانی، محمدتقی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط. از کاتبان گمنام بود. از آثار وی: یک نسخه «نزهه القلوب»، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «کتبه العبد المذنب محمدتقی بن حسین الکاتب الخاتون‌آبادی الاصفهانی... در تاریخ سنه‌ی... اربع و ثلاثین و الف، سمت اختتام پذیرفت»؛ یک نسخه «حبیب السیر»؛ به قلم نیم دودانگ متوسط، با رقم: «باتمام رسید... سنه‌ی اربع و اربعین و الف. کتبه المذنب محمدتقی بن حسین الکاتب الخاتون‌آبادی الاصفهانی عفی عنهما»؛ نسخه‌ی دیگر «نزهه القلوب»، به قلم کتابت خوش، با رقم: «... محمدتقی الخاتونابادی الاصفهانی... سنه‌ی احدی و اربعین و الف هجریه المصطفویه...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۶۸ -۶۶۷ /۳).

خاتون‌آبادی اصفهانی، محمدحسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۵۱ ق)، فقیه، محدث، مفسر، شاعر و خطاط. وی دخترزاده‌ی علامه مجلسی است و از پدر خود که شاگرد خاص میرعماد بود و نیز از آقاجمال خوانساری کسب علوم کرد. او منشی زبردستی بود، و انواع خطوط را نیکو می‌نوشت. سرانجام در اصفهان درگذشت و جنازه‌اش را به مشهد منتقل کردند. در «تاریخ اصفهان» تالیفات چندی از جمله «نجم الثاقب» بدو نسبت داده شده در حالی که در «الذریعه» این کتاب از جمله کتب پدر وی قلمداد شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۷۸/۳)، الذریعه (۶۹/۲۴).

خاتون‌آبادی، محمد صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، در ۲۲ ربیع‌الاول سال ۱۲۸۳ وفات یافته، قبرش مقابل تکیه‌ی مادر شاهزاده در تخت فولاد اصفهان است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خاتون‌آبادی، محمدصالح

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط. وی شاگرد میرعماد بود و میر او را به رشیدا، خواهرزاده‌ی خود، ترجیح می‌داده و به او توجه مخصوص داشته است. میرزا سنگلاخ در تذکره‌ی خود آورده که وی نزد شاه عباس معزز بوده و وفاتش در هشتاد سالگی در اصفهان اتفاق افتاده است. از خطوط وی: یک نسخه «دیوان» حافظ، به قلم کتابت خفی عالی، با رقم: «تمت الکتاب... سنه‌ی ۱۰۳۱، کتبه العبد محمدصالح بن میرزا علی خاتونابادی»؛ یک نسخه «دیوان» صائب، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «تمام شد کتاب... حرره]محمد[صالح خاتونابادی... سنه ۱۰۷۱». و قطعات مختلف دیگر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۷۵ -۷۷۴ /۳)، اطلس خط (۵۳۸ -۵۳۷)، تذکره الخطاطین (۲۳۵ -۲۲۳ /۲).

خاتون‌آبادی، محمدمحسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط. وی از کاتبان عصر خود بود. به خط او یک نسخه «شفا»ی ابن‌سینا، به قلم کتابت خفی متوسط موجود است که چنین تمام می‌شود. «تم فی... سنه‌ی ثلث و خمسین و الف هجری نبوی، بید العبد المذنب الخاطی محمدمحسن بن محمدحسین الخاتونابادی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۳۲/۳).

خاتون‌آبادی، مریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۸ ق)، شاعر، متخلص به بانو. پدر و همسر وی، مرتضی احمدآبادی، هر دو از علمای اصفهان به شمار می‌رفتند. مریم خانم در اصفهان متولد شد و در زادگاهش مسکن داشت. از دوازده سالگی به سرودن شعر پرداخت. او دارای حافظه‌ای قوی بود و همه‌ی اشعارش را تا سن پیری از حفظ می‌خواند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۷۹)، زنان سخنور (۶۰/۳)، فرهنگ سخنوران (۱۲۳)، مشاهیر زنان (۲۷).

خاتونی بجلی، ابوطاهر حسین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۵۳۲ ق)، شاعر، کاتب. ملقب به موفق الدین، موفق الدوله، معین الملک و معین الدین. وی از بزرگان دولت سلجوقی بود. سبب شهرت او به خاتونی، ظاهرا از آن رو است که چندی متصدی امور و مستوفی گوهر خاتون، همسر محمد بن ملکشاه سلجوقی بود. از دوران کودکی و نوجوانی او اطلاعی در دست نیست. بنابراین، می‌توان گفت که ابوطاهر از ابتدای کار خود تا پایان عمر در دربار سلجوقی خدمت کرد و به کار دبیری و خدمت دیوانی مشغول بود. در شهر ساوه کتابخانه‌ای بزرگ به ابوطاهر منسوب بود، وی کتابخانه‌ی ارزشمند خود را وقف جامع ساوه کرد. این کتابخانه‌ی معتبر احتمالا ـ در حمله‌ی مغول از میان رفت. ابوطاهر نزد بزرگانی چون ابومظفر، محمد ابیوردی و ناصح‌الدین ابوبکر احمد ارجانی تحصیل کرد. ادیبان و شاعران آن روزگار که، او را مدح گفته‌اند، از او با عنوان استاد الموفق یاد کرده که از وی «دیوانی» بر جای نمانده است، ولی در تذکره‌ها و برخی از کتابهای ادب، لغت و تاریخ، ابیاتی از او نقل شده و صاحب «الذریعه» به نقل از «آثار البلاد» قزوینی، «دیوانی» را به وی نسبت داده است. برخی از اشعار فارسی ابوطاهر خاتونی را عمادالدین کاتب به عربی ترجمه کرد. دولتشاه سمرقندی در «تذکرهٔ الشعراء» از دو کتاب او نام می‌برد. یکی کتاب «مناقب الشعراء»، که در احوال شاعران پارسی گو است؛ دیگری «تاریخ آل‌سلجوق» که به ذکر احوال سلاطین و امرای این سلسله اختصاص داشته و متضمن مشاهدات شخصی ابوطاهر بوده، و از آثار دیگر وی «شکارنامه‌ی ملکشاه» که مؤلف «راحهٔ الصدور» آن را به خط مؤلف دیده است. آنچه به نام ابوطاهر باقی است رساله کوتاهی است به زبان عربی با عنوان «تنزیر الوزیر الزیر الخنزیر»، در لعن و ذکر مثاب نصیرالملک وزیر سلطان محمد بن ملکشاه. در بعضی از تذکره‌ها و برخی تواریخ اسم او را اصم یا معین‌الدین اصم گفته‌اند، و چنین برمی‌آید که شهرت او به اصم به سبب سنگینی گوشش بود، و ظاهرا در دوره سلطنت سنجر یعنی در اواخر عمر به این نام معروف شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۸۹ -۸۷)، دایرهٔ المعارف فارسی (۳۲ /۱)، الذریعه (۲۷۷ /۹)، سخن و سخنوران (۵۱۷ -۵۱۵)،

کشف الظنون (۱۸۴۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوطاهر خاتونی)، مجمع الفصحا (۱۴۲ ،۱۴۱ /۱)، المعجم فی معاییر اشعار العجم (۲۸۶ – ۱۲۲)، یادگار (س ۴، ش ۵، ص ۱۸ –۷).

خاجویی اصفهانی، اسماعیل

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۷۳ ق)، فقیه امامی. اصل وی از مازندران بود و در محله‌ی خاجو از محلات اصفهان سکونت داشت. ملا اسماعیل عالمی جامع و حکیمی بارع، که به اخلاق حمیده موصوف بود. خاجویی با نادرشاه افشار معاصر و از شاگردان ملا مهدی نراقی، آقا محمد بیدآبادی و میرزا ابوالقاسم مدرس اصفهانی بود. در اصفهان درگذشت و در مقبره‌ی تخت فولاد دفن شد. از آثار وی: «ابطال الزمان الموهوم»؛ «الامامه»؛ «بشارات الشیعه»؛ «تحقیق الغناء و عظم اثمه»؛ «تحقیق ما لایتم فیه الصلوه»؛ «تعیین عیدالنوروز»؛ «جامع الشتات فی النوادر و المتفرقات»؛ «الجبرو التفویض»؛ حاشیه بر «آیات الاحکام» اردبیلی؛ حاشیه بر «اربعین» شیخ بهایی؛ «رد صوفیه»؛ «فوائد الرجالیه»؛ «هدایه الفواد الی احوال العباد».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۲۵/۱)، اعیان الشیعه (۴۰۳ –۴۰۲ /۳)، الذریعه (۱۸۶/۲۵ ،۶۰/۵ ،۱۱۲/۳ ،۷۰ –۶۹ /۱)، روضات الجنات (۱۲۸ –۱۲۳ /۱)، ریحانه (۱۰۵/۲)، الکنی و الالقاب (۲۰۰/۲)، لغت نامه (ذیل/ اسماعیل)، معجم المولفین (۳۹۱/۲)، هدیه العارفین (۲۲۱/۱).

خادم اصفهانی، قاسم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۵۶ ق)، شاعر. وی اهل اصفهان بود و از نزدیکان میرنجات. مدتی در مسجد جامع عباسی خادم‌باشی بود. صاحب «آتشکده‌ی آذر» گویا با وی مکرر دیدار داشته است و می‌گوید: «شعر بسیاری گفته و صاحب «دیوان» است. اگرچه شعر خوب نمی‌گفت اما در فن تاریخ مهارت تمام داشته و اواخر زمان نادری در اصفهان وفات یافت.»

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۳۳)، الذریعه (۲۷۸ –۲۷۷ /۹)، لغت نامه (ذیل/ خادم)، مجمع الفصحا (۲۴۷/۴).

خادم الذاکرین، اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اکبر خادم الذاکرین

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر در سال ۱۳۴۱ متولد شدم و در شش سالگی به دبستان و سپس راهنمایی و دبیرستان رفتم، در سال ۱۳۵۹ دیپلم تجربی گرفتم و وارد حوزه علمیه اصفهان شدم. در سال ۱۳۶۱ به قم آمدم و تا الان ۲۵ سال است که در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل و تدریس و تالیف و تحقیق هستم. بیش از ۲۰ سال است که در مدارس حوزه علمیه قم، مرکز جهانی و برخی دانشگاه‌ها به تدریس مشغول هستم و نیز در ایام تبلیغ در داخل و خارج از کشور مشغول فعالیت هستم. به عنوان استاد راهنما، مشاور و داور پایان‌نامه‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد در مرکز جهانی و شورای مدیریت حوزه علمیه قم مشغول هستم. هم‌اکنون مشغول تدریس سطوح عالی (کفایه و مکاسب) در حوزه علمیه قم و مرکز جهانی هستم.

خادم آذربایجانی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۰ ق)، شاعر. معروف به نوحه‌خوان. از شاعران آذربایجان بود. لعلی حکیم قطعات زیادی در هجو او و برادرش منظوم

ساخته بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۱۲۸)، الذریعه (۲۸۷/۹).

خادم برازجانی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۳۱ ق)، عالم و شاعر، متخلص به خادم. وی علوم دینی را در نجف تحصیل کرد. خادم دارای «دیوان» شعر است. از اوست:

دل تنگ و سینه تنگ و نفس تنگ و کار تنگ

از هر طرف گرفته به ما روزگار تنگ

با روزگار در زد و خوردیم و می‌زنیم

او سنگ را به شیشه و ما شیشه را به سنگ

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۰۱/۲).

خادم زنجانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۶۹ ق)، عالم و شاعر، متخلص به خادم. از بزرگان و دانشمندان بود و فقیهی بارع و محققی کامل. وی در ابهر زنجان متولد شد. تحصیلات خویش را در نجف به پایان رسانید و در کرمان رحل اقامت افکند. حدود چهل سال در آنجا ساکن و به افاده استفاده اشتغال داشت و مورد وثوق و احترام علماء و مردم بود. خادم در اواخر عمر به اصفهان منتقل و در محله دروازه حسین‌آباد ساکن شد. صبحها در مسجد شاه امامت می‌کرد و در مدرسه ناصریه تدریس می‌نمود تا اینکه در همان شهر درگذشت و در تخته فولاد دفن شد. از آثار او: «وجیزه در فرق بین سحر و معجزه»؛ «هدایت الانام»، در منظومه کلام.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۳۶ -۴۳۴)، الذریعه (۱۰۲۳/۹).

خادم شیرازی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، شاعر. معروف به میرزا بابا. وی کلیددار آستانه‌ی متبرکه‌ی شاهچراغ بود و سفری به زیارت عتبات رفت و با صاحب «تذکره‌ی مرآت الفصاحه» انس زیاد داشت. از اوست:

کس ندیدم که به زلف تو نگردید اسیر

چشم مست تو نموده دل خلقی نخجیر

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۲۸۰)، مرآت الفصاحه (۱۷۶).

خادم طباطبایی، صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به خادم. اصل وی از سادات و علمای معروف شیراز است که به کاظمین مهاجرت کرد و پس از آن در نجف اشرف اقامت گزید. وی مدتی در دارالخلافه تهران مشغول تدریس و مباحثه بود. خادم اشعاری در منقبت و مدحت امامان سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۵۰۴ -۵۰۳ /۱).

خادم علیزاده، امیر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیر خادم علیزاده

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۰ در یکی از محلات قدیمی مرکز شهر دزفول چشم بدنیا گشودم. دوره ابتدایی را در مدرسه سپه دزفول سپری کردم.با آغاز دوره تحصیلی راهنمایی در دبیرستان جندی شاپور (۵۱ ـ ۱۳۵۰) دوره جدیدی از مطالعه کتب دینی را آغاز کردم.از سال ۱۳۵۲ با قبول سرپرستی جلسه قرائت قرآن مسجد امام جعفر صادق (ع) دزفول دوره جدیدی از زندگی علمی و اجتماعی خویش را آغاز نمودم.مطالعات دینی معمول آن روزگار روح تشنه مرا سیراب نمی کرد لذا از سال ۱۳۵۴ با هدف شناخت اسلام ناب محمدی (ص) آهنگ حوزه علمیه قم را نمودم که میسر نشد چون اشتغالات علمی و فعالیت های فرهنگی ـ مبارزاتی به شدت اوج گرفته بود و... بهار سال ۱۳۵۷ در اوج مبارزات متنوع بر علیه رژیم ستم شاهی گرفتار ساواک و سپس به زندان محکوم شدم در آنجا نیز بطور مخفیانه و ... جلساتی را با دوستان مذهبی ام داشتم .پس از آزادی از زندان در پاییز ۵۷ مرکز فعالیت دینی ام را به مسجد امام حسن عسکری (ع) منتقل کردم و به انتشار روزنامه کوثر (به طور مخفیانه) به کمک برخی از دوستان فداکار پرداختم .این روزنامه بطور مخفی در محافل فرهنگی، مساجد و دانشگاه ها منتشر می شد و از شهادت و جهاد و ... می گفت.پس از اخذ دیپلم ریاضی فیزیک درسال ۵۸ و بعدا "فرهنگ و ادب در خرداد ۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم.از سال ۶۱ رسما تدریس دروس حوزوی همچون جامع المقدمات، سیوطی، مبادی العربیه، حاشیه ملا عبدالله، منطق مظفر، مغنی اللبیب، معالم، اصول مظفر، و... خدمت عزیزان طلاب آغاز کردم که تا سال ۶۹ با تدریس کتاب های شرح لمعه، رسائل و مکاسب ادامه یافت.سال ۶۸ دروس سطح حوزه را به پایان رساندم و سال ۶۹ خارج فقه و اصول را آغاز کردم.در دوره سطح از اساتید بزرگواری همچون آقایان، وجدانی فخر، اعتمادی، پایانی، ستوده و اشتهاردی و در مقطع خارج فقه و اصول از اساتید عالی مقامی همچون آیات عظام فاضل لنکرانی، وحید خراسانی، میرزا جواد تبریزی و مکارم شیرازی و ... تا کنون بهره برده ام.از آبان ۶۵ تا اسفند ۶۹ در کنار تحصیل و تدریس در حوزه علمیه قم، برای مطالعه و تحقیق در واحد پژوهشی علوم قرآن وابسته به مکتب امیرالمومنین علیه السلام دعوت شدم.پس از تهیه و تدوین طرح جامع وحی از سال ۷۲ تا ۷۹ مدیریت واحد پژوهشی علوم قرآن را در دانشگاه مفید عهده دار بودم که علاوه بر مسئولیت ساماندهی فیش های انبوه علوم قرآنی و «برنامه نرم افزاری علوم قرآنی کاوش» مقالاتی در این زمینه به رشته تحریر در آوردم.در سال ۶۹ مقطع کارشناسی اقتصاد نظری و سپس کارشناسی ارشد (۱۳۷۵) که درسال ۱۳۷۸ درمقطع کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی از دانشگاه مفید فارغ التحصیل شدم. از سال ۷۰ تا ۷۹ به تدریس دروس معارف در دانشگاه های تهران مشغول بودم. از سال ۱۳۷۴ تا کنون به تدریس دروس تفسیر آیات اقتصادی در قرآن، مبانی علم اقتصاد، مبانی فقهی اقتصاد اسلام، روش تحقیق، پول و بانکداری، نظام اقتصادی صدر اسلام، مالیه عمومی، اقتصاد خرد، اقتصاد کلان و ... مشغول بوده ام.از مهر ۱۳۸۵ مشغول تحصیل در مقطع دکتری علوم اقتصادی در دانشگاه علامه طباطبائی شده ام.

خادم قیری

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۷۰ ق)، شاعر، متخلص به خادم. وی از اهالی قیر و کارزین، که دو بلوکند از قشلاقات فارس، بود. در اثر جذبه که بدو دست داد به شاعری روی‌آورد و اشعاری سرود که در تذکره‌ها نقل است. در اغلب تذکره‌ها داستان شیفتگی وی را ذکر کرده‌اند. صاحب «حدیقه الشعراء» نام او را حسین نوشته است. وی دارای «دیوان» شعر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۵۰۵ -۵۰۴ /۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۰۳ -۴۰۱ /۲)، الذریعه (۲۸۷/۹)، سفینه المحمود (۵۶۵ -۵۶۴ /۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۴۲۸/۲)، فرهنگ سخنوران (۲۹۰)، مجمع الفصحا (۲۴۷ -۲۴۶ /۴)، مرآت الفصاحه (۱۷۸ -۱۷۷)، مصطبه‌ی خراب (۵۳)، نگارستان دارا (۱۸۵).

خادم، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

برترین کشتی گیر ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۵۰ در مشهد مقدس متولد شد. رسول و امیررضا (برادر بزرگترش) از نوجوانی به کشتی علاقمند بودند و زیر نظر پدرشان، محمد خادم (نایب قهرمان جهان در سال ۱۹۶۳) تمرینات خود را آغاز نمودند. خادم خیلی زود مراحل پیشرفت را پیمود و در سال ۱۹۹۰ در نوزده سالگی برنده مدال نقره بازی های آسیایی در

وزن ۶۸ کیلوگرم شد. او تنها کشتی گیری است که در پنج وزن مختلف (۶۸، ۸۲، ۹۰، ۱۰۰، ۱۳۰ کیلوگرم) پیراهن تیم ملی را در رقابت های بین المللی بر تن کرده است.

در سال ۱۹۹۱ در رقابت های قهرمانی آسیا در دهلی نو به مدال طلای وزن ۸۲ کیلوگرم رسید و در همین سال در مسابقه های جهانی وارنا حضور یافت که با قبول دو باخت، حذف شد. پس از تجربه وارنا، رسول در المپیک ۱۹۹۲ موفق شد به مرحله نیمه پایانی راه یابد و پس از قبول شکست مقابل کوین جکسون از ایالات متحده، با پیروزی ۶-صفر مقابل گشتونر از آلمان به مدال برنز المپیک دست یابد. در جهانی ۱۹۹۳، در وزن ۱۰۰ کیلوگرم به روی تشک رفت که موفقیتی به دست نیاورد.

از سال ۱۹۹۴ تا المپیک ۱۹۹۶، او بر تمامی حریفان خود غلبه کرد و با پیروزی بر مخاربک خادارتسف از روسیه (برنده هفت مدال طلای جهان و المپیک) در سه فینال پی در پی، صاحب دو مدال طلای جهان (۱۹۹۴، ۱۹۹۵) و یک مدال طلای المپیک ۱۹۹۶ شد. مدال طلای خادم در بازیهای المپیک ۹۶ به ۲۸ سال انتظار ورزش ایران برای کسب مدال طلا در بازی های المپیک پایان داد.

چهره استثنایی کشتی ایران به علت آسیب دیدگی از کشتی قهرمانی دوری کرد ولی با اصرار جامعه کشتی در وزن ۱۳۰ کیلوگرم مسابقه جهانی ۱۹۹۸ تهران حضور یافت. در این رقابت ها هرچند وزن وی از ۱۰۵ کیلوگرم ***** نمی کرد ولی با هوش سرشار خود تا دیدار پایانی پیش رفت و در این مرحله به الکسیس رودریگوئز از کوبا باخت و با مدال نقره جهان از صحنه قهرمانی خداحافظی نمود.

در سال ۲۰۰۲ که ایران بار دیگر میزبان مسابقه های قهرمانی جهان بود، رسول به عنوان مدیر تیم ملی یکی از ارکان قهرمانی ایران شد ولی پس از کناره گیری امیررضا خادم از ریاست فدارسیون کشتی، رسول هم از کشتی کناره گیری کرد و در سال ۱۳۸۱ در انتخابات شورای شهر تهران شرکت نمود و با رای مردم تهران به شورای شهر راه یافت.

●مهمترین افتخارات رسول خادم

▪بازیهای المپیک

– ۱۹۹۲ (بارسلونا) – مدال برنز در ۸۲ کیلوگرم

– ۱۹۹۶ (آتلانتا) – مدال طلا در ۹۰ کیلوگرم

▪مسابقه های قهرمانی جهان

– ۱۹۹۴ (استانبول) – مدال طلا در ۹۰ کیلوگرم

– ۱۹۹۵ (آتلانتا) – مدال طلا در ۹۰ کیلوگرم

– ۱۹۹۸ (تهران) – مدال نقره در ۱۳۰ کیلوگرم

▪بازیهای آسیایی

– ۱۹۹۰ (پکن) – مدال نقره در ۶۸ کیلوگرم

– ۱۹۹۴ (هیروشیما) – مدال طلا در ۹۰ کیلوگرم

▪مسابقه های قهرمانی آسیا

– ۱۹۹۱ (دهلی نو) – مدال طلا در ۸۲ کیلوگرم

– ۱۹۹۲ (تهران) – مدال طلا در ۸۲ کیلوگرم

– ۱۹۹۳ (اولاباتور) – مدال طلا در ۹۰ کیلوگرم

– ۱۹۹۵ (مانیل) – مدال طلا در ۹۰ کیلوگرم

– ۱۹۹۶ (شیائوشین) – مدال طلا در ۹۰ کیلوگرم

خادم‌الشریعه دزفولی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدحسین دزفولی از علماء اعلام و دانشمندان کرام حوزه علمیه عالمی عادل و زاهدی فاضل و از قدماء حوزه علمیه است که در حدود سال ۱۳۲۵ قمری در دزفول مسقط الراس شیخنا الانصاری تولد یافته و پس از رشد و طی مقدمات و پایان سطوح چندی از محضر مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدرضای معزی دزفولی استفاده نموده و در زمان مرحوم آیت‌الله حایری به قم مهاجرت و به درس آن مرحوم حاضر شده و پس از فوت وی به حوزه درس مرحوم آیت‌الله حجت رحمه‌الله شرکت نموده.

و اعتقاد مخصوصی مانند مولف به مقام علمی و تحقیقات معظم‌له دارد که غالبا وی را به عظمت یاد می‌کند و از محاضر آیات دیگر چون آیت‌الله خونساری و آیت‌الله صدر هم کسب فیض نموده و بالغ بر ۱۸ سال هم از محضر آیت‌الله بروجردی استفاده کرده و اکنون به مباحثات و مطالعات و توسل به اهل‌بیت علیهم‌السلام و دوام ذکر اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

خادمی حسینی، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدابوالقاسم خادمی حسینی

محل تولد : --

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه کاشان شدم و مدّت نه سال در حوزه علمیّه آیهٔ الله مدنی (ره) و آیهٔ الله یثربی (ره) مشغول تحصیل بودم. بعد از آن درسال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و در درسهای آیات عظام اعتمادی، پایانی،آیهٔ الله تبریزی ،آیهٔ الله وحید خراسانی ،آیهٔ الله سبحانی وآیهٔ الله جوادی آملی شرکت نمودم. درسال ۱۳۷۶ در دوره چهار ساله تخصّصی تفسیر شرکت و در سال ۷۹فارغ التحصیل شدم. مدت ۱۲سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت نموده و انشاءالله تصمیم دارم پایان نامه تفسیر را بنویسم به خاطر مشکلاتی تا بحال نتوانستم موضوع پایان نامه را بگیرم.

خادمی شیرازی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد خادمی دارابی شیرازی فرزند مرحوم حاج شیخ عبداللّٰه دارابی از افاضل دانشمندان و ائمه جماعت معاصر شیراز و مبلغین اسلام و مروجین معارف تشیع و بالاخص حضرت بقیه‌اللّٰه اعظم حجه بن الحسن المهدی ارواحنا فداه می‌باشد و در مسجد فلکه اطلس شیراز اقامه جماعت نموده و به خدمات دینی و روحی اشتغال دارند. ایشان در سال ۱۳۴۶ قمری برابر ۱۳۰۶ شمسی در داراب به نام قریه الخیر علیا به دنیا آمده.

در نوجوانی وارد مدرسه علمیه داراب که در تحت تصدی و سرپرستی مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ علی‌اصغر نجفی رضوان‌اللّٰه علیه قرار گرفته و بعد از مدتی عزیمت به شیراز نموده و در حوزه علمیه شیراز مقدمات را شروع و بعد از مدتی هجرت به قم نموده و در قم از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه مرعشی نجفی قدس‌اللّٰه سره مکاسب و کفایه را استفاده نموده و نیز از محضر آیت‌اللّٰه مرعشی نجفی قدس اللّٰه سره مکاسب و کفایه را استفاده نموده ونیز از محضر آیت‌اللّٰه سلطانی کسب فیض کرده سپس مهاجرت به نجف اشرف کرده و حدود سه سال اقامت و از محضر آیات عظام. حوزه علمیه هزار ساله نجف بهره‌مند شده آنگاه مراجعت به قم نموده و مورد عنایت و لطف مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی رضوان‌اللّٰه علیه قرار گرفته و بنابر دعوت عده‌ای از مردم شیراز از طرف آن مرحوم اعزام به شیراز شده و بیش از بیست سالست که در آنجا از برکات حضرت ولی اللّٰه اعظم عجل‌اللّٰه فرجه الشریف به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغات خالصه اشتغال دارند. دارای تألیفات سودمندی هستند که ذیلا می‌نگارم.

آثار علمی و تألیفات آقای خادمی

۱- نشانه‌های ظهور حضرت ولی عصر عجل‌اللّٰه فرجه الشریف

۲- خورشیدی که از مکه طلوع می‌کند

۳- خورشید ناپیدای فاطمه سلام‌اللّٰه علیها (چهل حدیث)

۴- حجت منتظر و دعاء

۵- غیبت امام عصر (ع) یا پنهانی خورشید عدالت

۶- مکتب مهدی و تکامل جهانی

۷- خورشید هشتم امامت

۸- کتاب رجعت- که در نیمه شعبان ۱۴۱۱ قمری منتشر گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

خادمی قزوینی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. معروف به خادمی سرتراش. وی اهل قزوین بود و به خدمتکاری و سرتراشی روزگار می‌گذرانید. با معشوقی گورکن اوغلی و مولانا کسبی معاصر بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۷۹/۹)، لغت نامه (ذیل/ خادمی)، مجمع الخواص (۲۶۷ -۲۶۶)، مینو در (۴۳۶/۲).

خادمی کوشا، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی خادمی کوشا

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۶/۱۵

زندگینامه علمی

کلیه تحصیلات قرآنی (پیش از دبستان) و ابتدائی و ... در شهر قم بود که با تشویق پدر که خود از صنف روحانیت می باشد به حوزه وارد شد . آغاز ورود به حوزه ۱۳۶۵ بود که از سال دوم آغاز به تدریس در موضوعات نحو و منطق نمود و در موضوعات متفرقه به مطالعه پرداخت.در ایام تابستان به همراه دوستان برخی از موضوعات درسی را آموزش دیده و از سال ۶۸ در درس لمعه استاد وجدانی فخر شرکت نمود و در کنار دروس حوزه اقدام به تحصیلات نیمه کاره مانده فرهنگی نموده و دیپلم را گرفت.از سال ۱۳۷۴ در درس خارج اساتید بزرگی چون استاد آیت الله تبریزی، سبحانی، شبیری زنجانی، مکارم، فاضل شرکت نمود که بیشتر مدت را از درس استاد تبریزی استفاده نمود.

در سال ۷۳ و ۷۴ به صورت رسمی در برخی مراکز حوزه شروع به تدریس نموده و از سال ۷۶ تا کنون مشغول تدریس فقه و اصول در مدارس شهید صدوقی، معصومیه، آیت الله گلپایگانی، مدرسه خان، که از سال ۷۹ به تدریس سطوح عالی(رسائل، مکاسب و کفایه) مشغول گردید.همزمان با درس و تدریس در حوزه مدتی نیز در مراکز آموزش عالی به تدریس مشغول گردید و در سال ۷۹ نیز برای آموزش زبان عربی در مرکز آموزش دفتر تبلیغات شرکت نمود و پس از این ایام در موضوعات علوم قرآنی به مطالعه و تحقیق گذرانـد و در برخی مراکز قرآنی ماننـد مرکز تخصصی تفسیر، مدرسه عالی بنت الهدی، موسسه امام خمینی(ره) در رشته علوم قرآنی به تدریس پرداخت ولی همچنان در رشته فقه و اصول در حوزه علمیه به درس و تحقیق و تدریس ادامه داده و هم اکنون نیز به این مهم اشتغال دارد.با توجه به علاقه زیاد به خدمت در نشر فرهنگ اهل بیت(ع) در سال ۱۳۷۸ اقدام به نوشتن کتاب جوان در پرتو اهل بیت(ع) نمود که عمدتا برای روشنگری و جلوگیری از سودجویی برخی سیاست مداران از توانایی جوانان بود این کتاب به نام مشکلات ... تا سال ۱۳۸۰ چاپ نشد و پس از تحویل آن به بوستان کتاب با هزینه ناشر در سال ۸۲ از چاپ خارج گردید البته به غیر از این نوشتار برخی نوشتار دیگر همچنان چاپ نشده باقی است.

خادمی هروی، جمال‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اصلا از مردم هرات بود که در بلخ نشو و نما یافت. وی از مریدان مولانا محمد امین زاهد و داماد وی بود و همچنین از خویشاوندان جامی و خادمی. خادمی علاوه بر اینکه در سرودن غزل توانا بود شاهنامه‌ای نیز به نام «عبداللّه‌نامه»، درباره‌ی فتوحات عبداللّه‌خان سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۸۹)، دایرةالمعارف فارسی (۱۴۶۵/۲).

خادمی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه.

تولد: ۱۳۱۹ ق.، اصفهان.

درگذشت: ۱۳۶۳، اصفهان.

آیت‌الله سید حسین خادمی پس از فراگیری مقدمات، برای تکمیل تحصیلات به نجف رهسپار و سالی چند در حوزه‌ی علمیه‌ی آنجا به تحصیل پرداخت و بعدا به اصفهان مراجعت نمود. ایشان رئیس حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان بود. از آثار اوست: رهبر سعادت یا دین محمد (ص) (تهران، ۱۳۱۸).

حاج آقا حسین خادمی یکی از مراجع بزرگ علمی اصفهانست که در روز جمعه سوم شعبان ۱۳۱۹ قمری متولد شده و تا ۱۳ سالگی دوره ابتدائی را فرا گرفته و سپس بتحصیل علوم دینی پرداخته و کتب مقدمات را نزد مرحوم حاج شیخ علی یزدی و آقا میرزا اردستانی و آقا میرزا احمد اصفهانی و رسائل محقق انصاری را نزد مرحوم آخوند ملا عبدالکریم جزی و حاج میرزا سید علی نجف آبادی و سطح کفایه را خدمت مرحوم آیه‌الله سید محمد نجف‌آبادی خوانده و دروس عالی و رشته خارج فقه و اصول را از

مرحوم آیه‌الله حاج میرزا محمد صادق یزدآبادی استفاده کرده آنگاه بنجف اشرف مهاجرت نموده و از محضر درس مرحوم آیه‌الله آقا میرزا حسین نائینی و آیه‌الله العظمی اصفهانی و آیه‌الله آقا ضیاءالدین عراقی بهره‌برداری کافی نموده و در فن کلام و بحث مذاهب از آیه‌الله آقا شیخ جواد بلاغی استفاده کرده و رجال و درایه را از مرحوم آیه‌الله آقا سید ابوتراب خونساری بهره‌مند شده و بمراتب عالیه علمی ارتقاء یافته و بوطن خود مراجعت و تا حال حاضر بافاده و افاضه تدریس خارج فقه و اصول در مدرسه صدر اصفهان و اقامه جماعت پرداخته است.

آثار قلمی ایشان از این قرار است:

۱- بحث خاتمه برائت و استصحاب و تعادل و تراجیح و از اول مباحث الفاظ تا مقدمه واجب در اصول.

۲- لباس مشکوک تا قواطع صلوه.

۳- رساله در عدم ارث زوجه مطلقا از غیرمنقول.

۴- حواشی متفرقه در فقه کتاب طهاره و صلوه و زکوه مرحوم محقق همدانی و نیز حواشی بر کتب اصول.

۵- رهبر سعادت (جلد اول).

۶- رهبر سعادت جلد دوم.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

خادمی، شمس‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید شمس‌الدین خادمی اصفهانی ملقب به ابوالمعالی برادر ارجمند آیت‌اللّه عالم ربانی آقای حاج آقا حسین خادمی رئیس حوزه علمیه اصفهان و یکی از علماء و ائمه جماعت معاصر اصفهان می‌باشند والد این دو بزرگوار مرحوم آیت‌اللّه آقا سید ابوجعفر خادم الشریعه از علماء طراز اول عصر خود فرزند آیت‌اللّه آقا سید صدرالدین موسوی است که در منتهی‌الآمال محدث قمی مذکور و با ۳۴ واسطه به حضرت موسی بن جعفر علیهاالسلام منتهی می‌شود.

مترجم ما در سال ۱۳۱۶ قمری متولد شده و در هفت سالگی پدر را از دست داده و در حمایت و کفایت والده ماجده‌اش پرورش یافته و دروس فارسی و مقدماتی عربی را در مدرسه علمیه اصفهان تحصیل نموده و به مدرسه صدر وارد گردیده و شرح لعمه و قوانین را نزد مرحوم آقا شیخ علی یزدی و مرحوم آقا سید احمد اصفهانی در مدرسه نیم‌آور تحصیل نموده فرائد و جواهر را از مرحوم آیت‌اللّه حاج میر محمدصادق میرعمادی استفاده نموده و کفایه را نزد مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمد نجف‌آبادی تلمذ نموده و قسمتی از حکمت را نزد مرحوم آق سید محمدعلی تویسرکانی خوانده و هم از مرحوم آیت‌اللّه آق شیخ عبدالکریم جزی و آیت‌اللّه ملاحسین فشارکی بهره‌مند شده سپس مهاجرت به نجف و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه میرزا حسین نائینی استفاده نموده و بعد مراجعت به اصفهان و به واسطه عارضه کسالت درد چشم از ادامه تحصیل مانده و به اقامه جماعت و خدمات دینی تا کنون اشتغال دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

خادمی، عین الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عین الله خادمی

محل تولد : مازندران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱۰/۱۹

زندگینامه علمی

اینجانب عین الله خادمی در روستای شیر محله از توابع شهر فریدون کنار استان مازندران در یک خانواده متوسط روستایی دیده به جهان گشودم. دیپلم علوم تجربی را در سال ۱۳۵۹ در یکی از دبیرستان‌های شهرستان بابل و لیسانس الهیات و معارف اسلامی را در سال ۱۳۶۶ در دانشکده الهیات معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد و کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی را در سال ۱۳۶۹ از دانشکده الهیات دانشگاه تهران و دکترای فلسفه و حکمت اسلامی را از دوره عالی تحقیقات تهران کسب کردم. هم اکنون عضو هیئت علمی تمام وقت دانشگاه شهید رجایی می‌باشم و استاد راهنمای بیش از ۸۰ پایان‌نامه در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و ناظر چندین طرح پژوهشی بوده ام. اینجانب علاوه بر تدریس در مراکز علمی به فعالیت‌های پژوهشی نیز اشتغال دارم.

خادمیان، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس خادمیان

محل تولد : زرین شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عباس خادمیان متولد سال ۱۳۴۷ شهرستان زرین شهر اصفهان در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه امام خمینی زرین شهر شده و بعد از طی دوران مقدمات و بخشی از سطح عازم حوزه علمیه مقدسه قم شدم که بعد از اتمام سطح حدود ۵ سال در درس خارج اصول و فقه آیات عظام سبحانی و مکارم حفظهما الله شرکت داشته و همراه آن موفق به گذراندن دوره تخصصی کلام موسسه امام صادق (ع) گشته و بعد از آن دوره تخصصی مهدویت بنیاد مهدی موعود (عج) را طی کردم. و به دنبال آن موفق به دریافت پایان نامه سطح چهار حوزه در موضوع جهانی شدن و مهدویت گردیده ام و به همین جهت اکثر پژوهشها و مقالات در همین راستا چینش شده است. و در کنار پژوهش و تحصیل در سال ۱۳۸۱ موفق به گرفتن مجوز تدریس در گرایش معارف و تاریخ اسلام از نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها شده ام که به دنبال آن مشغول خدمت در امر تدریس در دانشگاههای مختلف از جمله آزاد اراک و آشتیان و تحصیلات تکمیلی جامعه الزهراء قم شده ام و فعلا در کنار تحصیل و پژوهش، عضو هیئت علمی موسسه آینده روشن(در موضوع مهدویت) می باشم. در ضمن سابقه تبلیغ بیش از ۲۰ سال در طرح هجرت و دانشگاه و شهرهای گوناگون را دارم. ضمناً دوره تخصصی مذاهب اسلامی را هم در سال ۱۳۷۸-۸۱ گذرانده ام و همین طور دوره تربیت کودکان را، به همین جهت اکثر ارتباط تبلیغی در سطوح جوانان انجام پذیرفته است.

خارزنجی نیشابوری، یوسف

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۴۴۵ ق)، فقیه شافعی. وی اهل خارزنج از روستاهای نیشابور بود. در نیشابور کلام و اصول فقه را از اصحاب ابوعبداللّه حاکم نیشابوری آموخت سپس به درس جوینی رفت و آمد کرد. پس از آن از زادگاهش به مرو سفر کرد و در آنجا نزد ابوالمظفر سمعانی و ابومحمد عبداللّه بن علی صفار دانش آموخت، سپس به نیشابور بازگشت و کتابی در بیست قسم از علوم تالیف کرد، خارزنجی به بغداد نیز رفت و در آنجا از ابواسحاق شیرازی حدیث شنید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :معجم البلدان (۳۸۵/۲)، معجم المولفین (۲۹۳/۱۳)، هدیه العارفین (۵۵۱/۲).

خارکن اصفهانی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر. وی در اداره‌ی راه اصفهان کار می‌کرد. طبع شعر متوسطی داشت و گاهی شعر می‌سرود. از اوست:

میان عارف و عامی همین سخن سمر است

که سرنوشت بشر بسته با قضا و قدر است

چه سرنوشت، چه تقدیر زانکه عیش مدام

نصیب مردم سرمایه‌دار گنجور است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۶۸)، فرهنگ سخنوران (۲۹۱).

خازن اصفهانی، ابومحمد عبداللّه

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، شاعر و منشی. در نوجوانی کتابدار صاحب بن عباد بود. به عللی چند ترک خدمت صاحب کرد و به سفر در بلاد عراق، شام و حجاز پرداخت تا به اصفهان بازگشت و با وساطت استاد ابوالعباس، بار دیگر به خدمت صاحب رسید. وی با ابوبکر

خوارزمی مراسله داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۲۵۷/۷)، لغت نامه (ذیل/ ابومحمد خازن).

خازن تبریزی، شریف

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به خازن. از تبریزیهای ساکن عباس‌آباد اصفهان بود و معاصر با شاه سلیمان صفوی. وی مدتی مستوفی موقوفات مسجد جامع جدید عباسی بود و پس از آن، وزیر یوسف خان جامع جدید عباسی بود و پس از آن، وزیر یوسف خان بختیار شد. خازن خط شکسته را خوب می‌نوشته و طبعش خالی از لطف نبود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۳۴ -۲۳۳)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۹۷ -۱۹۶ /۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۹۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۲۹)، الذریعه (۲۷۹/۹)، سخنوران آذربایجان (۳۳۱)، فرهنگ سخنوران (۲۹۱).

خازن تبریزی، محمدامین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. متخلص به خازن. ملقب به آقاسی. وی از تبریزیهای ساکن عباس‌آباد اصفهان بود. از اصفهان به شیراز رفت و مدتی آنجا اقامت گزید تا درگذشت. از اوست:

چشم گیرنده‌تر از چنگل شاهین قضاست

مژه برگشته‌تر از بخت من بی سر و پاست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۹۲ -۱۹۱ /۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۰۶)، دانشمندان آذربایجان (۱۰ -۹)، الذریعه (۲۷۹/۹)، سخنوران آذربایجان (۳۳۱ -۳۳۰)، فرهنگ سخنوران (۲۹۱).

خازن خراسانی، کمال‌الدین، ابوجعفر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۶۰ -۳۴۹ ق)، منجم و ریاضیدان. در خراسان متولد شد و در ری به عنوان منجم نزد ابن عمید، وزیر رکن‌الدوله‌ی دیلمی، خدمت می‌کرد. وی از شمار بزرگترین منجمان مسلمان است که معادله‌های ماهانی را به وسیله‌ی قطوع مخروطی حل کرد. او صاحب آثاری چند در نجوم و کیهان‌شناسی بود، از جمله «الالات العجیبه الرصدیه»؛ «زیج الصفائح»؛ «المدخل الکبیر فی علم النجوم»؛ «سر العالمین»؛ «المسائل العددیه» و تفسیر مقاله‌ی دهم از کتاب «اصول اقلیدس».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۲۹/۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۳۵/۱)، تاریخ الحکماء قفطی (۵۳۴)، خیامی نامه (۵۷)، دایرةالمعارف الاسلامیه (۱۸۸ -۱۸۷ /۸)، دایرةالمعارف فارسی (۸۷۶/۱)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۶۸ -۶۳)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۵۰۵ ، ۴۷۹)، کشف الظنون (۱۳۹۶)، لغت نامه (ذیل/ ابوجعفر خازن)، معجم المولفین (۲۳۹، ۱۸۹ /۹)، نام‌آوران فرهنگ (۱۶۸).

خازنی، ابوالفتح، عبدالرحمان منصور

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۵۲۵ ق)، منجم و ریاضیدان. معروف به زاهد. غلام یونانی علی خازن مروزی بود. وی در مرو پرورش یافت و در آنجا ریاضی و فلسفه را آموخت. گرچه نزد سلطان سنجر و بزرگان دربار وی احترام بسیار داشت ولی، با این همه ساده زیسته بود. در سال ۵۱۳ ق با توجه به ترازوی ارشمیدس، ترازویی ساخت و آن را «میزان الحکمه» نامید و ساعتی آبی نیز به نام «میزان الساعه» ساخت. از آثار وی: «زیج معتبر سنجری»؛ «میزان الحکمه» که از جالبترین کتابهای قرون وسطی در مکانیک و فیزیک است.[۱]

(منسوب به خازن) ابوالفتح عبدالرحمن منصور خازنی، غلام رومی، مملوک ابوجعفر خازن، دانشمند و ریاضی‌دان مشهور قرن ششم (ف. پس از ۵۲۵ ه.ق). مهمترین کتابهای او زیح السنجری (ه.م.) و «میزان الحکمه» (ه.م.) است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۷۷/۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۰ /۲) تاریخ نجوم اسلامی (۲۲۳)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (۹۵ -۹۴)، دائرةالمعارف الاسلامیه (۹۰ -۱۸۸ /۸)، دایرةالمعارف فارسی (۸۷۶/۱)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۲۳۰ -۲۲۸)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۴۲)، لغت نامه (ذیل/ خازنی)، معجم المولفین (۱۳۷ -۱۳۶ /۵)، نام‌آوران فرهنگ (۱۶۸ -۱۶۹).

خاصی هروی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اصلا از مردم هرات بود اما، در تاشکند نشو و نما یافت. وی از فنون شعر آگاهی بسیار داشت و غزل را نیکو می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۸۹).

خاضع، اردشیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۸۰، قریه‌ی الله‌آباد رستاق یزد

درگذشت: ۱۳۶۶.

از آثار وی است: دیوان شعر (بمبئی، ۱۳۴۸ق.، بمبئی، جلد دوم، ۱۳۳۵)؛ یزدگردنامه (شعر، بمبئی، ۱۳۳۱).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

خاطر اشرفی مازندرانی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی پدر اسداللّه و سید شکراللّه است و از سادات اشرف مازندران. خاطر از علوم مختلف بهره داشت و در سرودن شعر توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۳۴)، الذریعه (۲۸۰/۹)، سفینه المحمود (۶۵۴ -۶۵۳ /۲)، لغت نامه (ذیل/ خاطر اشرفی).

خاطری کاشانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، صوفی و شاعر. وی از عارفان کاشان و از متصوفه آن شهر بود. پس از سیر و سیاحتهای بسیار در هندوستان درگذشت. این رباعی از اوست:

ماییم که نوحه مایه‌ی شادی ماست

در عشق اسیر بودن آزادی ماست

هر غمزه که خون ما خورد مرهم دل

هر عشوه که راه ما زند هادی ماست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۰۷)، ریاض العارفین (۷۳)، شام غریبان (۹۴)، فرهنگ سخنوران (۲۹۲)، کاروان هند (۳۶۸ -۳۶۷ /۱)، لغت نامه (ذیل/ خاطری کاشانی).

خاقانی خلخالی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی اهل خلخال بود و از شاعران قرن سیزدهم آذربایجان. خاقانی دارای «دیوان» شعر است. از اوست:

خیاط روزگار به بالای هیچکس

پیراهنی ندوخت که او را قبا نکرد

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۱۲۹)، الذریعه (۲۸۰/۹) فرهنگ سخنوران (۲۹۲)، مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات تبریز (س ۱۸، ص ۴۰۱ -۴۰۰).

خاقانی شروانی، افضل‌الدین ابراهیم

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۹۵ -۵۲۰ ق)، شاعر، متخلص به خاقانی. ملقب به حسان العجم. در شهر شروان، از مادری نسطوری تازه مسلمان به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت. پدرش نجار بود. افضل‌الدین از کودکی نزد عموی خود، کافی‌الدین عمر بن عثمان که مردی حکیم و طبیب و فیلسوف بود، به تحصیل دانش پرداخت و همواره در سایه تربیت و حمایت او با شوق فراوان در کسب دانش می‌کوشید، دیری نگذشت که در علوم و فنون زمان خود به کمال رسید و در شعر صاحب نیروی خلاقه‌ای شد و این نیرو منجر به آفرینش و خلق آثار شعری و هنری گردید و از عموی خود لقب حسان العجم گرفت. وی بعد از درگذشت کافی‌الدین عمر به خدمت ابوالعلاء گنجوی رسید، او خاقانی را به خاقان اکبر، منوچهر شروانشاه، معرفی کرد و دختر خویش را به او داد و تخلص خاقانی را به جای حقایقی برای وی برگزید. چندی نگذشت که میان استاد و شاگرد کدورتی پیدا شد و این امر باعث شد که خاقانی استاد خود را هجو کند. خاقانی مسافرتهای بسیاری کرد، از جمله دوبار به زیارت خانه‌ی خدا نایل شد که ره‌آورد این سفرها قصاید غرا است و در طی یکی از همین سفرها بود که از ایوان مداین دیدار کرد و قصیده مشهور خود را سرود. وی به دلایل مختلفی مدتی به زندان افتاد و مدت هشت ماه در ری زندانی بود و این به سال ۵۶۹ یا ۵۷۰ ق اتفاق افتاده است. ره‌آورد زندان وی قصاید حبسیه‌ای بسیار رقت‌بار است. رشیدالدین و طواط، جمال‌الدین اصفهانی، مجیرالدین بیلقانی، فلکی شروانی، اثیرالدین اخسیکثی و نظامی گنجوی از شاعران هم عهد وی بودند که با او مکاتبه و مشاعره نیز داشته‌اند. وی در تبریز درگذشت و در مقبره‌الشعرا مدفون است. آثار وی: «دیوان» اشعار؛ «تحفه العراقین»؛ «منشآت»؛ مثنوی «ختم الغرائب».[۱]

(منسوب به خاقان) افضل‌الدین بدیل. (ابراهیم) بن نجیب‌الدین علی شروانی ملقب به حسان‌النجم شاعر مشهور (و. حدود ۵۲۰- ف. ۵۸۲ یا ۵۹۵ ه.ق.). وی تا ۲۵ سالگی در کنف حمایت و تربیت عم خود کافی‌الدین عمر طبیب و فیلسوف بود، و چندی در خدمت ابوالعلاء گنجوی کسب فنون شعر کرد. تخلص او در آغاز حقایقی بود، ولی پس از معرفی به خدمت خاقان منوچهر به توسط ابوالعلاء، استاد اخیر او را «خاقانی» نامید، و از آن پس وی به دربار اختصاص یافت. خاقانی سفری به ری رفت و به شروان بازگشت و سفری به اصفهان کرد و دوبار به حج رفت. در پایان عمر میل به عزلت یافت و در تبریز ساکن شد و در همان شهر درگذشت. دیوان وی که شامل قصاید و غزلیات و قطعات و رباعیات است و همچنین منظومه تحفهٔ العراقین او مکرر به طبع رسیده خاقانی مخصوصا در قصیده سرایی صاحب سبک است. قوت اندیشه ومهارت او در ترکیب الفاظ و ابداع معانی و ابتکار مضامین تازه و وصف و تشبیه کم نظیر است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۱۹۴ -۱۴۹ /۱)، از سنایی تا سعدی (۸۵ -۸۴)، اعیان الشیعه (۱۹۷ -۱۹۶ /۲)، کاروان حله (۱۹۴ -۱۸۷)، بهارستان جامی (۱۱۱ -۱۰۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۹۴ -۷۷۶ /۲)، تاریخ گزیده (۷۳۰ -۷۲۸)، تاریخ نظم و نثر (۱۰۴ -۱۰۳)، تذکره الشعراء (۹۴ -۸۸)، چشمه‌ی روشن (۱۶۸ -۱۵۶)، حبسیه در ادب فارسی (۸۷ -۷۴)، دانشمندان آذربایجان (۱۳۲ -۱۲۹)، دایرهٔالمعارف الاسلامیه (۱۹۴ -۱۹۳ /۸)، دایرهٔالمعارف فارسی (۸۷۶/۱)، الذریعه (۲۸۱ -۲۸۰ /۹، ۴۵۳/۳)، ریاض العارفین (۱۹۱ -۱۸۸)، ریحانه (۱۱۵ -۱۰۹ /۲)، سخن و سخنوران (۶۸۴ -۶۱۲)، سیری در شعر فارسی (۶۲ -۶۰)، فرهنگ سخنوران (۲۹۴ -۲۹۲)، کشف الظنون (۳۷۰ -۳۶۹)، الکنی و الالقاب (۲۰۳ -۲۰۲ /۲)، کوی سرخاب (۳۲۵ -۲۹۱)، لباب الالباب (۲۲۴ -۲۲۱ /۲)، لغت نامه (ذیل/ خاقانی)، مولفین کتب چاپی (۵۲ -۴۹ /۱)، مجالس المومنین (۶۲۲ -۶۱۶ /۲)، مجمع الفصحا (۶۳۸ -۶۰۸ /۲)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۵۸۲)، مرآت الخیال (۳۱ -۲۹)، نتایج الافکار (۲۱۰ -۲۰۸)، نفحات الانس (۶۰۶ -۶۰۵)، هدیه العارفین (۱۰/۱)، هفت اقلیم (۲۸۷ -۲۶۹ /۳)، یادداشتهای قزوینی (۱۸۶/۴)، یادگار (س ۳، ش ۷ ،۶، ص ۸۸ -۶۷، س ۴، ش ۱۰ ،۹، ص ۹۴)، یغما (س ۶، ص ۱۰۱ -۹۷).

خاقانی محلاتی، حبیب‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به حبیب و خاقانی. اصلا شیرازی و از هنرمندان عصر ناصری و برادر کوچک میرزا فرج‌اللّه منشی خازن الاشعار بود. در کودکی با پدرش از موطن خود به محلات رفت و در آنجا مقیم شد. پس از تحصیلات و مهارت در خوشنویسی شاعری را پیشه‌ی خود ساخت. ابتدا حبیب تخلص می‌کرد و پس از اینکه به تهران آمد و به دربار راه یافت، در زمره‌ی مداحان شاه درآمد و شاه به وی تخلص خاقانی داد. از وی «دیوان» اشعاری بر جای مانده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۵۲۱ -۵۱۸ /۱)، الذریعه (۲۸۱/۹)، شرح حال رجال (۷۵/۶)، گنج شایگان (۱۸۲ -۱۷۴)، لغت نامه (ذیل/ خاقانی محلاتی)، المآثر و الآثار (۲۰۵)، مجمع الفصحا (۲۴۰/۴).

خاقانی، سلمان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب، محقق.

تولد: ۱۳۳۲ ق، سوق الشیوخ (از شهرهای ناصریه عراق).

درگذشت: ۲۴ بهمن ۱۳۶۶، قم.

آیت‌الله شیخ سلمان خاقانی، فرزند شیخ عبدالحسین آل خاقانی، پس از طی دوران کودکی در زادگاه خود در سال ۱۳۴۵ ق. جهت تحصیل به نجف اشرف هجرت نمود و در حوزه‌ی آن شهر تحصیلات خود را شروع کرد. نخست درسهای مقدماتی نظیر صرف و نحو منطق، معانی و بیان و سطوح اصول را نزد برادر بزرگ خود شیخ عبدالمنعم خاقانی فراگرفت. سپس مراحل عالیه‌ی تحصیلات خود را آغاز نمود و از محضر اساتیدی چون آیت‌الله محمدحسین اصفهانی، آیت‌الله محمدجواد بلاغی، آیت‌الله محمدعلی کاظمینی، آیت‌الله باقر زنجانی و آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی استفاده نمود.

آیت‌الله خاقانی فعالیت‌های فرهنگی- ادبی خود را از سنین جوانی آغاز کرد. در آغاز این فعالیت‌ها از حرکت‌هایی مانند تأسیس انجمن «منتدی النشر» و انجمن «رابطهٔ الادبیه» و بالاخره «کلیه الفقه» و تأسیس مجله‌های اجتماعی، سیاسی و ادبی مانند «البیان» «النجف» و غیره بود که توسط افرادی مانند سید هبهٔالدین شهرستانی و شیخ محمدرضا مظفر و دیگر نویسندگان و متفکران آن روز نجف تشکیل شده بود. آیت‌الله خاقانی در بسیاری از این امور شرکت می‌جست.

هنگامی که آیت‌الله امین عاملی حرکت اصلاح طلبانه خود را برای تنزیه عزاداری‌ها و مجالس سوگواری اباعبدالله الحسین (ع) از شوائب وارده و زوائد منافی با شرع و دین اعلان نمود، ایشان به همراه دوستان خود به دفاع از این حرکت پرداخت.

آیت‌الله خاقانی در سال ۱۳۷۵ ق. پس از درگذشت پدرش که از علما و ائمه‌ی جماعت خرمشهر بود در این شهر سکونت گزید و نزدیک به سی سال به ارشاد و هدایت مردم و دستگیری از مستمندان پرداخت. شهرت و آوازه او از ایران به عراق به شیخ‌نشین‌های خلیج فارس رسید و در آنجا نیز مریدانی داشت.

آیت‌الله خاقانی در طرفداری از وحدت اسلامی کوشا بود و فعالیت‌هایی در این زمینه از سخنرانی و پشتیبانی و فعالیت‌هایی در این زمینه از سخنرانی و پشتیبانی از دارالتقریب بین‌المذاهب الاسلامیه در قاهره انجام داد. لیکن در عین حال از مدافعان تشیع و مذهب اهل‌بیت (ع) بود و همواره با قلم خود از این مکتب دفاع نمود.

کتاب‌هایی که از ایشان بر جای مانده عبارتند از: طریق المعرفهٔ، در اعتقادات که مکررا در عراق و بیروت به چاپ رسیده است، مع الخطوط العریضهٔ لمحب الدین الخطیب؛ بین‌الحق و الباطل؛ السنهٔ و الشیعه فی المیزان کتابی در رد گفته‌های احسان ظهیرالهی؛ دیوان شعر (گفته می‌شود این کتاب در جریان دفاع مقدس از میان رفت).

خانه‌ی وی در این خرمشهر قرار داشت. در روزهایی که این شهر مورد تجاوز عراق قرار گرفت، خانه او پناهگاه آورگان بود. در آن روزها مردم را به مقاومت دعوت می‌نمود لیکن بعدها که خانه‌ی او هدف مستقیم توپ‌ها و خمپاره‌های عراق قرار گرفت مجبور به ترک دیار گشته و چندی در اهواز و سپس در قم مستقر شد. در گیراگیر جنگ نه تنها خانه‌ی او را غارت شد بلکه اموال مسجد او را نیز به تاراج بردند. قسمتی از کتابخانه‌ی نفیس او به یغما رفت و در بصره به حراج گذاشتند و قسمت دیگر آن، مدت‌ها در زیر خاک‌ها مدفون بود و پس از آزادی خرمشهر به قم منتقل گشت. در این جریان قسمتی از دست نوشته‌ی او از جمله دیوان اشعارش از میان رفت.

آیت‌الله خاقانی به عربی شعر می‌سرود، به ویژه در مدح پیامبر (ص) یا معصومین (ع).

آیت‌الله پس از هفتاد و شش سال زندگی، بالاخره در شب بیست و چهارم بهمن ۱۳۶۶ (برابر با بیست و پنجم رجب ۱۴۰۸ ق.) درگذشت و پس از مراسم تشییع، در یکی از حجره‌های صحن اتابکی حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

خاقانی، عیسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عیسی البصیر بن الشیخ صالح الجزایری الخاقانی عالمی پرهیزکار و فقیهی بزرگوار از علماء خرمشهر بودند. تولد آنجناب در جزایر در سال ۱۲۹۵ قمری واقع شد و در ماه رمضان ۱۳۵۲ ق وفات نمود تالیفی در احوال امیرالمؤمنین علیه‌السلام دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خاک قزوینی، صدر الاسلام، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عالم و شاعر. در قزوین به تحصیل علوم رسمی و مقدماتی مشغول شد. پس از آن به تحصیل فقه و اصول پرداخت. سپس در صدد تحصیل علوم غریبه و کشف مشکلات برآمد و سالها به مسافرت پرداخت. بالاخره، ترک دنیا کرد و مشغول ریاضت شد. وی کتاب «الاربعین»، «قانون الریاضیه فی سبیل الهدایه»، مفاد «چهل حدیث» را در سفر حج به نظم کشید. از دیگر آثار وی: «دیوان» شعر؛ «شرح الصدور فی حقایق الامور».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۲۹۴)، مولفین کتب چاپی (۴۴۸/۵)، مینو در (۴۳۷/۲).

خاکپور، نیمتاج

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۱۳۳۷ ش، از زنان شاعر. وی دختر یوسف یا مسعود دیوان سلمانی و از اهالی سلسماس و از خانواده لکستانی بود. در جوانی با پسر تاجرباشی خویی ازدواج کرد. به نوشته زنان سخنور در سال ۱۳۳۷ ق به مناسبت شورش آشوریان و کشتار و تاراج ارومیه، سلماس و رشت چکامه میهنی زیر را در انتقاد از اوضاع آشفته اجتماعی آن دیار و نیز روحیه تسلیم و بی‌ارادگی مردم آن سروده است.

این بانو به زبانهای انگلیسی و ترکی آشنا بود و در سالهای دهه سی در تهران به سر می‌برد و دارای دویست بیت شعر بود. از اشعار اوست:

ایرانیان که فر کیان آرزو کنند

باید نخست کاوه خود جستجو کنند

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

خاکزاد، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: معدن‌شناسی، دانشکده: علوم زمین، دانشگاه: شهید بهشتی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

خاکشیر اصفهانی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۵ -۱۳۰۰ ق)، شاعر، متخلص به خاکشیر. وی در اصفهان متولد شد. در جوانی در محله جلفا مغازه کلاهدوزی داشت. بعدها به بافندگی روی آورد. خاکشیر از کلیه فنون شاعری هزل را می‌پسندید در اوایل شاعری صراحی تخلص می‌کرد. «دیوانی» دارد و حدود هزار و پانصد بیت از غزل و رباعی و دیگر قالبهای شعری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۷۱ -۱۶۹)، فرهنگ سخنوران (۲۴۹).

خاکشیر، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید اسماعیل موسوی متخلص به «خاکشیر» شاعر و ادیب، در حدود ۱۳۰۰ متولد، و در ۲۶ ذی‌قعده ۱۳۷۵ فوت شده، دیوانش به طبع رسیده، و شاعر در آن هزل را بر دیگر فنون پسندیده.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خاکی بلخی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به خاکی و سروشی. حافظ قرآن و از معاصران نویدی بود و از مریدان مولانا محمدامین زاهد. روزگار بـه مکتب‌داری می‌گذرانـد و در اقسـام مختلـف شـعر دست داشت. آثـار وی: مثنویهـای: «آیینه و طـوطی»؛ «گـل و بلبـل»؛ «قاصـد و مقصود»؛ «اسکندر نامه»؛ «ذره و آفتاب»؛ و چهار «دیوان» قصاید، غزلیات، رباعیات و مقطعات.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۸۷)، منظومه‌های فارسی (۲۵۹ -۲۵۸، ۲۹).

خاکی خراسانی، امامقلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۷۷ ق)، شاعر. وی مردی عارف و از اهالی قریه دیزآباد بین مشـهد و نیشابور بود و از معاصران شاه عباس اول. از آثار وی: «دیوان» شعر، مثنوی «طلوع الشمس» یا «طوالع الشمس».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۸۱/۹)، لغت نامه (ذیل/ خاکی)، مولفین کتب چاپی (۶۵۸/۱).

خاکی خراسانی، لطفعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۳۶ -۱۲۳۴ ق)، عـارف و شاعر. پـدرش اهل بروجرد بود اما، او در مشـهد به دنیا آمـد. خاکی از علوم رسـمی و فنون ادبی بهره‌منـد شـد و خراسان، پیشاور و کابل را سـیاحت کرد و به خدمت مسـکین‌شاه هندی رسـید. از ایشان تربیتها دید، آنگاه به جانب عراقین و فارس شـتافت و سـعادت خـدمت سـید قطب‌الـدین محمـد نیریزی و آقا محمد هاشم را یافت و بنابر اخلاص به خدمت آقا محمـد هـاشم، فرزنـد سـعادتمند خود را محمـد هاشم نهاد. مولانا خاکی اغلب اوقات صائم و مشـغول ذکر بود و بیشتر اوقات را در خـدمت و صـحبت حـاج میرزا ابوالقـاسم شـیرازی می‌گذرانیـد. وی در حافظیه شـیراز دفن است. خاکی دارای «دیوان» شـعر است و مثنوی مختصری در وصیت فرزندش محمدهاشم دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۵۲۲ -۵۲۱ /۱)، الذریعه (۲۸۲ -۲۸۱ /۹)، ریاض العارفین (۲۵۷ -۲۵۶)، طرائق الحقائق (۲۵۴ -۲۵۳ /۳)، لغت نامه (ذیل/ خاکی خراسانی)، مجمع الفصحا (۲۴۳ -۲۴۲ /۴).

خاکی شیرازی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی در عهد شاه طهماسب اول در شـیراز می‌زیست. و در سـرودن غزل توانا بود. بعضـی تذکره‌نویسان احوال و اشعار وی را تحت عنوان خالی هندی آورده‌اند. از اشعار اوست:

جان به حسرت می‌دهم پیش تو تیغ کین مکش

زانکه در محشر مبادا شرمسار من شوی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۵۶/۱)، تاریخ نظم و نثر (۶۵۰)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۰۵/۲)، الذریعه (۲۸۲/۹)، صبح گلشن (۱۴۹)، فرهنگ سخنوران (۲۹۵)، لغت نامه (ذیل/ خاکی شیرازی)، نشتر عش (۵۳۴ -۵۳۳ /۲).

خاکی شیرازی، محمد

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. صاحب منظومه‌ی «مراثی خاکی» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مولفین کتب چاپی (۴۴۹ -۴۴۸ /۵).

خاکی شیرازی، محمد ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۶ ق)، قاری و شاعر. وی مردی با تقوا و مطلع از علم قرائت و جفر بود. صاحب تذکره «مرآت الفصاحه» ملا محمد ابراهیم را مکرر می‌دید. خاکی در سرودن مرثیه استاد بود. وی در نجف اشرف دفن است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۵۲۳ -۵۲۲ /۱)، فرهنگ سخنوران (۲۹۵)، مرآت الفصاحه (۱۷۹ -۱۷۸) .

خاکی شیرازی، محمدامین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عارف و شاعر، متخلص به خاکی. ملقب به خاکیشاه. وی در اوایل عمر مشغول به کسب بود. ناگهان طالب صحبت اصحاب حال شد و به محب علیشاه چشتی سر سپرد و به تصفیه باطن و ریاضتهای شاق مشغول شد. چندی به سفر عراق عرب و عجم رفت و در طی سفر گروهی مرید وی شدند، سپس به شیراز بازگشت. فقهای عصر محب علیشاه را به کفر منصوب داشتند و از شیراز اخراج کردند. میرزا چندی در تکیه هفت‌تنان خارج شهر صومعه و خانقاه داشت. وی در اواخر عمر به تهران آمد و بعد از مدتی از دنیا رفت و خارج از شهر تهران دفن شد. خاکی گاهی شعر می‌سرود و دارای «دیوان» شعر، در مراثی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۵۴۵ -۵۲۴ /۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۰۵ -۴۰۴ /۲)، الذریعه (۲۸۳ -۲۸۲ /۹)، ریاض العارفین (۲۵۸)، طرائق الحقائق (۳۳۶ -۳۳۵ /۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۶۶ -۱۱۶۵ /۲)، فرهنگ سخنوران (۲۹۵)، لغت نامه (ذیل/ خاکی شیرازی)، مجمع الفصحا (۲۴۲ -۲۴۱ /۴)، مرآت الفصاحه (۱۸۰).

خاکی کاشغری

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. وی دارای مسلک عرفانی بود. از آثار وی کتابی است به نام «مناقب العرافین» در شرح حال بهاءالدین نقشبندی و برهان‌الدین و جلال‌الدین.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :لغت نامه (ذیل/ خاکی کاشغری).

خاکی کوسویی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۰۲ ق)، شاعر. وی اصلا جغتایی بود و از خدام خواجه کوسویی. خاکی با امیرعلیشیر نوایی همعصر بود و شعر را نیکو می‌سرود. از اوست:

نیازمند توییم ای به ناز پرورده

تو را زمانه عجب دلنواز پرورده

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۸۳، ۲۷۷ /۹)، فرهنگ سخنوران (۲۹۵)، لغت نامه (ذیل/ خاکی)، مجالس النفائس (۲۲۳، ۴۹).

خاکی، بیگ

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی با ملاصوفی به تالیف «بت خانه»، تذکره‌ی بزرگ در دو جلد به سال ۱۰۱۰ ق پرداخت و عبداللطیف بن عبداللّه العباسی در سال ۱۰۲۱ ق بر آن ضمیمه‌ای نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :لغت نامه (ذیل/ خاکی).

خاکی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا خاکی قراملکی

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا خاکی قراملکی با ورود به حوزه علمیه قم مطالعات و تحصیلات خود را در دروس حوزوی و مباحث آزاد آغاز کردم. پس از طی مـدتی از تحصیلات و مطالعات اولین بار در سال ۱۳۷۴ دست به قلم شـدم هر چند آنها را به چاپ نرساندم اما با ادامه مطـالعه و تحقیق همراه بـا دروس حوزوی اولین مقـاله علمی خود در سـال ۱۳۸۱ بـا عنوان تحلیل مفهومی ایـدئولوژی به چاپ رساندم. بنده از سال ۱۳۷۳ به مطالعه مباحث اجتماعی به ویژه مباحث سنت و تجدد و غرب شناسی علاقمند شدم مطالعه و تحقیقات قابل توجهی در این حوزه انجام دادم که توانستم در این حوزه به ارائه مقالات و تدوین کتاب نائل آیم.

از سوی دیگر بنـده در کنـار مطالعـات آزاد در رشـته تخصصـی کلاـم در سـال ۱۳۷۹ وارد مؤسـسه تخصصـی کلام شده در سـطح کارشناسـی ارشد سه سال به طور مرتب مشـغول تحصیل در آن نهاد شدم. و در سال ۱۳۸۱ فارغ التحصـیل شده و پایان نامه آن را با عنوان تحلیل هویت علم دین و علم مدرن در حال تکمیل است.

در کنار اشـتغال به تحصـیل در مؤسـسه مذکور توانسـتم در نهاد علمی یعنی دفتر فرهنگستان علوم با برخی از مباحث جدید این نهاد آشنایی پیدا کنم.اینک مشغول تحقیق و پژوهش در حوزه دین شناسی ، غرب شناسی و مباحث علم و دین و معرفت شناسی و فلسفه و مبحث علم دین هستم.

خاکیای اصفهانی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۳ ق)، شـاعر. پس از آنکه شـیدا به علت سـالت انجمن ادبی را تعطیـل کرد خاکیـا همت نمـود و چنـدین سـال انجمن ادبی اصـفهان را در منزل خود دایر کرد و خود شیدا نیز در آن انجمن شرکت می‌کرد. وی از استادان فن شعر و ادب در اصفهان به شمار می‌رفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۷۳ -۱۷۱).

خالد حصاری

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر، متخلص به خالدی. ملقب به سیف‌اللّه مسلول. وی که نسبش با چند واسطه به خالد بن ولید می‌رسید، در حصار شادمان متولد شد. خالدی برای تحصیل دانش به شهر هرات سفر کرد و در آنجا ماندگار شد. او در سرودن شعر توانا بود و اشعاری از وی در تذکره‌ها نقل است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۸۳/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۹۶)، لغت نامه (ذیل/ خالدی)، مجالس النفائس (۲۹۸، ۱۲۰).

خالد کرد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۲ ق)، عارف و شاعر. اصل وی از اکراد سلیمانیه و در بغداد صاحب خانقاهی بود. شیخ خالد سالها در تحصیل و طلب در خدمت عرفا و مشایخ ریاضـتها کشید تا از سرآمدان مشایخ نقشبندیه شد. شیخ عبدالکریم که خلیفه‌ی او بود در بغداد تکیه‌ای به نام خالـدیه بنا کرد و کتابخانه‌ای نیز برای آن آماده کرد. وی مریـدان بسـیاری داشت به طوری که خلیفه‌ی بغداد هراسان شد و شـیخ به روم مسافرت کرد. خالد طبع خوشـی داشت و شـعر می‌سـرود. بعضـی از تذکره‌ها محل مرگ او را در شهرزور نوشته‌اند. وی دارای «دیوان» شعر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۵۲۶ -۵۲۵ /۱)، الذریعه (۲۳۸/۹)، ریاض العارفین (۲۵۷)، سفینه المحمود (۴۹۵ -۴۹۴ /۲)، طرائق الحقائق (۲۵۲ -۲۵۱ /۳)، لغت نامه (ذیل/ خالد سلیمانیه)، مجمع الفصحا (۲۴۷/۴)، مصطبه‌ی خراب (۵۴ -۵۳)، مکارم الاثار (۱۱۷۸/۴).

خالد، فخرالدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر، متخلص به خالد. ملقب به تاج الافاضل. از اعیان خراسان بود. با انوری دوستی و مکاتبه و مشاعره داشت و بیشتر به خدمت ملك الجبال، علاءالدین جانسوز مخصوص بود. وی سلطان سنجر و علاءالدین جهانسوز را نیز مدح گفته است. خالد از جمله امرا و از رجال نظامی و به قول خود مرد لشکری بود. اگرچه پیشه او شاعری نبود، لیك از اشعار باقی مانده‌اش معلوم می‌شود که در این فن میان اقران مرتبه‌ای بلند داشته است. غزلهای او بیسار لطیف و زیباست. تنها قصیده‌ای که از وی نقل شده مقرون به قید التزام است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۰۷ -۶۰۴ /۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۹۱)، لباب الالباب (۱۴۵ -۱۳۸ /۲).

خالدی قزوینی، سعدالدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۲۸ ق)، عالم دینی. معروف به خواجه خالدی. از عالمان فاضلی بود که غازان خان و امراء لشکر او به دست او مسلمان شدند. وی در قزوین درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۲۲۰/۳)، لغت نامه دهخدا (ذیل/ سعدالدین).

خالدی نقشبندی، فاطمه

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

۱۲۸۶ -۱۲۴۱ ق، از زنان فقیه، ادیب و شاعر. وی دختر مولانا خالد ذوالجناحین شهر زوری است و در هوش و استعداد کم‌نظیر بوده است. او با ادبیات فارسی، عربی و کردی آشنا و دارای طبع شعر و فن نویسندگی و متمایل به طریقت نقشبندی بود. بسیای از زنان در دمشق از محضر او استفاده شریعت و طریقت کردند. فاطمه در سال ۱۲۸۰ ق به ازدواج یکی از بزرگان دمشق که از مریدان پدرش بود درآمد. در سال ۱۲۸۶ ق به سفر حج رفت و در همان سفر بود که در منی درگذشت جنازه‌اش را به مکه حمل کردند و در معلاه به خاك سپردند.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: تاریخ مشاهیر کرد، ۴۳۲ / ۱.

خالدی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم اسلامی.

درگذشت: ۶ شهریور ۱۳۶۳.

ملا سید علی خادلی، فرزند سید بابا شیخ آلمانه، در اواخر قرن سیزدهم شمسی در قریه آلمانه از توابع مریوان به دنیا آمد. وی در پانزده سالگی علوم عقلیه و نقلیه را به پایان رسانید و از دست پدرش اجازه گرفت. او از همان آغاز جوانی شروع به تدریس کرد. ابتدا در کنار پدر و بعدها مستقل در ایران و عراق تدریس کرد. بسیاری از دانشمندان دینی را تا حد اجازه رسانید و آنان را مجاز فرمود. از ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۹ همراه با خانواده در شهر پنجوین عراق ساکن شد و در ارشاد مردم و تدریس طلاب و پیشرفت فرهنگ و دانش اسالمی و مسائل دینی و اجتماعی کوشید. بعدها به واسطه اغتشاشات عراق در نتیجه تغییر حکومت‌ها و بر اثر سختی زندگی از سکونت در عراق منصرف شد و به ایران بازگشت و در قریه نی واقع بر ساحل دریاچه زریبار مریوان رحل اقامت افکند و به تدریس و راهنمایی دینی مردم اشتغال جست. در سال ۱۳۵۸ به شهر مریوان نقل مکان نمود و در مسجد چهارباغ امام جماعت و

مدرس و خطیب گردید. همچنین در همان قریه به کار زراعت می‌پرداخت.
ملا سید علی خالدی در ششم شهریور ۱۳۶۳ درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

خالص اصفهانی، حسین

قرن:۱۱
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ۱۱۲۱ -۱۱۱۹ ق)، شاعر. در مشهد به دنیا آمد و به هندوستان رفت. در هندوستان مورد توجه عالمگیر قرار گرفت و والی گجرات شد. در عهد شاه عالم به ایران آمد. خالص در بلده‌ی بهکر با علامه عبدالجلیل بلگرامی صحبتها داشت. وی پس از راهی شدن از آن شهر به قتل رسید. از او «دیوان» شعری به جای مانده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای کشمیر (۵۹۸، ۶۵ -۶۰)، الذریعه (۲۸۴/۹)، سرو آزاد (۱۴۱ -۱۳۹)، شام غریبان (۹۵)، صبح گلشن (۱۴۹)، فرهنگ سخنوران (۲۹۶)، کاروان هند (۳۷۰ -۳۶۸ /۱)، کلمات الشعراء (۵۷)، لغت نامه (ذیل/ خالص)، مخزن الغرائب (۱۱۴ ،۱۱۲، ۱۰۸ /۲)، مطلع الشمس (۴۳۰/۲)، نتایج الافکار (۲۲۲ -۲۲۰).

خالص یزدی

قرن:۱۲
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دوازدهم ق)، شاعر. تخلص وی در ابتدا طوغری بود، سپس به خالص تغییر تخلص داد. در زمان شاه سلطان حسین صفوی به خواسته میرزا محمدعلی وزیر، مشرف و متصدی خالصجات یزد شد ولی، پس از چندی استعفاء داد و به قریه خورمیز رفت و به زراعت پرداخت. چون با مردم آنجا درگیری پیدا کرد، منزوی و معتزل شد تا از جهان رفت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۱۲۱ -۱۲۰)، الذریعه (۲۸۴/۹).

خالصه، بهرام

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: فردوسی مشهد
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

خالصی، محمدباقر

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدباقر فرزند عالم جلیل حاج شیخ عباس خالصی از فضلاء و نویسندگان حاضر حوزه علمیه قم می‌باشند که در شب جمعه ۲۱ محرم‌الحرام ۱۳۶۱ قمری برابر هشتم آبانماه ۱۳۲۱ شمسی در یکی از قراء قائنات خراسان به دنیا آمده و همواره از دوستداران روحانیت بوده و از سن ۶ سالگی مشغول به تعلم و فراگرفتن علوم اسلامی شده و مقدمات را در همان قریه خدمت پدرش خوانده و در سن ۱۳ سالگی به مشهد آمده و در مدرسه ابدالخان ساکن و حدود هشت سال در آنجا اشتغال به درس و تحصیل ادبیات و اصول و فقه ابتدائی داشته و از محضر مرحوم ادیب نیشابوری استفاده کامل نموده و پس از شش ماه از رحلت مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی در سال ۱۳۴۱ شمسی به قم مهاجرت نموده، و در مدرسه فیضیه سکونت و به خواندن رسائل و مکاسب با تحقیق کامل و دقت بسیار پرداخته و پس از وقایع فیضیه و حوادث دیگر عزیمت به نجف اشرف نموده و در آنجا شروع به خواندن کفایه نموده و پس از اتمام آن به درس خارج فقه و اصول آیات عظام و بالاخص علامه محقق و استاد بزرگ آیت‌اللّه خوئی شرکت و چندین سال از درس اصول ایشان و سایرین استفاده نموده تا پس از فشار دولت عراق به ایرانیان مقیم که خارج شوند با اصرار وارد ماجدش به قم آمده و اقامت در این شهر علمی و مذهبی را اختیار و به کار تحقیق و تألیف اشتغال دارند.
تألیفات ایشان مطبوعا و مخطوطا به قرار زیر است:
۱- نقش ادیان در مبارزه با استعمار
۲- پیامبر باسواد
۳- اصول علمی انقلاب

۴- شعار انقلاب

۵- اسلام‌شناسی رد بر نوشته یک فرد مارکسیست

۶- ده انتقاد و پاسخ به ترجمه رساله الفصول العشره فی الغیبه شیخ مفید (ره)

۷- همگام با معارف اسلام ترجمه رساله سعدیه علامه حلی

اما مخطوطات:

۱- شرح استدلالی لمعه ناتمام.

۲- حاشیه بر اجود التقریرات.

۳- رساله در تحقیق و بررسی ولایت فقیه در عصر غیبت.

۴- جزوه‌ای درباره آزادی و جزواتی متعددی در فقه و اصول و غیره.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

خالصی، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر خالصی

محل تولد : قائن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۱/۱/۱

زندگینامه علمی

نام من، محمد باقر، شهرتم خالصی، پدرم مرحوم آیه الله حاج شیخ عباس، در شب جمعه ۱۹ شوال سال ۱۳۶۱ مطابق با آبان سال ۱۳۲۱ در روستای بیهود از توابع شهرستان قائن که در جنوب خراسان قرار دارد، بدنیا آمدم. روستای نامبرده کوهستانی و از نظر آب و هوا معتدل ولی کم درآمد و مردم آن بزحمت می‌توانند مؤونه یعنی خرجی سال خود را بدست آورند پدرم پس از اتمام مقدمات ادبی و سطوح عالیه حوزوی در شهر قائن و سپس در مشهد چند سالی بقصد ادامه تحصیل در نجف سکونت کرد و از محضر علمای بزرگ آن زمان همچون آیه الله اصفهانی و آیه الله عراقی و آیه الله خوانساری و آیه الله غروی به تلمذ پرداخت و پس از اینکه مریض شد به دستور آیه الله اصفهانی بقصد معالجه به ایران مسافرت کرد و مدتی در تهران ماند و سپس به روستای بیهود آمد.

پدرم پس از ازدواج با مادرم به مشهد مهاجرت کرد و چند سالی در مشهد ساکن شد و در مسجدی در محله نوغان به امامت جماعت پرداخت. یادم هست که در سن ۶ سالگی مرا وادار کرد که نصاب الصبیان را بخوانم و به من دستور داد که قطعاتی از آن راحفظ کنم ولی در همان روز اول شروع بنصاب بخاطر اینکه مقدار معینی درس را خوب حفظ نکرده بودم مرا کتک زد پدرم بخاطر اموری که شرح آن طولانی است دو مرتبه بروستای بیهود برگشت و در این زمان بود که مرا به مدرسه دولتی فرستاد که دروس جدیده را فرا گیرم. من در یکسال چهار کلاس به فاصله چند ماه سپری کردم که شرح آن طولانی است. هنگامی که پدرم این مطلب را دید گفت: حیف است که بمدرسه دولتی بروی، در نزد خودم دروس حوزوی بخوان و مرا وادار کرد که امثله و شرح آن را نزد وی شروع کنم و پس از شروع به جامع المقدمات در سن هشت سالگی در همان روستا مرا معمم کرد. و پر واضح است که بچه‌ای در سن من با عمامه و قبا در بین مردم روستا چقدر مورد مسخره قرار می‌گرفت خصوصا که با همان عمامه و قبا با بچه‌ها بازی هم بکند. در هر حال در سن ۱۳ چهارده سالگی مرا به خوره مشهد برد. و در مدرسه ابدالخان اسکان داده در سال‌های اول تحصیل بخاطر استعداد ذاتی و ساده انگاشتن مطالب علمی چندان در بحث و مطالعه که لازمه درک عمیق علم است اهمیت نمی دادم ولی آنچه که مرا از این روش باز گرداند و بطرف جدیت و زحمت سوق داد درس استاد علامه مرحوم ادیب نیشابوری قدس سره بود. ادیب شخصی موقر و مسلط بر مطالب علمی بویژه مطالب ادبی بود.

خلاصه تدریس استادانه و شیرین جلوه دادن علم و دانش و علاوه بر آن تحقیق و توضیح و تبیین مطالب علمی، مرا دگرگون کرد. در سال ۱۳۴۰ پدرم مرا به قم آورد و در مدرسه فیضیه اسکان داد من در قم رسائل و مکاسب را خواندم و پس از خواندن مقداری از کفایه به همراهی یکی از دوستان که از قبل در نجف ساکن بود به نجف رفتم که این قصه بسیار جالب و تفصیل شنیدنی دارد که این مختصر جای بیان آن نیست در نجف پس از اتمام کفایه پا به درس خارج فقه و اصول گذاشتم و توفیق حضور درس محقق و علامه بزرگ استاد الفقها آیه الله سید ابوالقاسم خوئی را پیدا کردم و علاوه بر]آن[درسهای دیگری را شروع کردم که دارای تفصیل است. در نجف که بودم بخصوص قبل از تاهل بسیار موفق و اوقات مستغرقی داشتم و شبانه روز پا در درس و یا تدریس و یا نوشتن و یا مطالعه می‌گذشت و می‌توانم بگویم بهترین اوقات عمرم زمان سکونتم در نجف بود افکارم یا در تحصیل و تحقیق و یا در عبادت سپری می‌شد ولی این شادی و توفیق با اصرار پدرم به مهاجرت به ایران به آخر رسید زیرا مهاجرتم به ایران و در آخر سکونتم در قم مسیر زندگی و برنامه اشتغالات مرا در حدی تغییر داد که این نیز خود جریان مفصلی دارد. مطلبی که در زمان سکونتم در نجف پیش آمد ورود مرحوم امام خمینی رحمه الله علیه به نجف بود. شنیدم که ایشان با مرحوم آقا مصطفی وارد بغداد شده‌اند و از آنجا بکاظمین رفته‌اند و من سعی و کوشش کردم که همراه یکی از دوستان اولین ماشین از طلاب ایرانی را راه

انداختیم و به دیدار ایشان به کاظمین رفتیم و این امر نیز جریان مفصل و شنیدنی دارد.

گفتم پدرم اصرار ورزید که من از نجف به ایران و به محل سکونت ایشان یعنی سرایان بروم ولی من از این امر جدا "اکراه داشتم ولی بر اثر اصرار و ابرام ایشان پذیرفتم که به ایران بیایم ولی سکونت در سرایان را نپذیرفتم و از ایشان خواهش کردم که محل سکونتم در ایران را به خودم واگذارد باز اصرار کرد که در مشهد ساکن شوم ولی من به جهاتی که جای ذکر آن نیست قم را اختیار کردم و از سال ۱۳۵۰ در قم ساکن شدم و در قم علاوه بر اشتغالات علمی برنامه تبلیغ و منبر و سخنرانی نیز پیش آمد که آنهم به برنامه‌هایم افزوده شد که این نیز شرح مفصلی دارد. در ابتدای امر تصمیم گرفتم که بدرس دو نفر که آن زمان در قم شاخص و مورد قبول بودند مدتی حاضر شوم تا اگر حضور در درس آنها بیشتر از تحقیق و بررسی خودم استفاده داشته باشد ازآن استفاده کنم و آن دو نفرآیه الله گلپایگانی و شریعتمدای بودند. البته اولی خارج حج و دومی خارج مکاسب تدریس می‌کردند. ولی پس از یکسال درس‌های آند ورا ترک کردم و بتحقیق و بررسی فقهی و اصولی شخصی ادامه دادم و در ضمن به تدریس مکاسب و رسائل و برهه‌ای هم کفایه و برهه‌ای هم خارج اصول در منزل پرداختم که حاصل تدریس اخیر قاعده لا ـ ضرر و استصحاب و تعادل و تراجیح و اجتهاد و تقلید شد که قاعده لاضرر بنام رفیع الغرر عن قاعده لا ضرر به چاپ رسید ولی سایر مباحث تا بحال با اینکه آماده چاپ است چاپ نشده ولی تدرس بخاطر پیش آمدن مریضی پدرم و سپس فوت ایشان و پی‌آمدهای رنج آور و بی حد ناگوار آن به تعویق افتاد و سپس تعطیل شد. امیدوارم خداوند توفیق عنایت فرماید تا دوباره شروع شود.

خالصی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم مغفور آیت‌اللّه حاج شیخ مهدی خالصی بن الشیخ حسن خالصی اصلا کاظمی مسکنا والخراسانی مدفناً از اکابر علماء و مجتهدین و افضال فقهاء بارعین و ناصرین دین مبین بود.

در ایام حکومت عثمانیه با جمعی از علماء مجتهدین مجاهده و از بین امثال و اقران به وظائف اسلامیه و شئون دینیه قیام و نهضت‌ها با حکومت عراقیه نمود و بدین‌واسطه کدورت شدیده بین آنان واقع و در شب سه‌شنبه دهم ذی‌القعده الحرام ۱۳۴۱ وی را گرفته و تبعید به حجاز نمودند و بعد از حج و زیارت حضرت رسول و ائمه بقیع علیهم‌السلام والصلوات بنابر دعوت دولت ایران به طرف بندر بوشهر متوجه و اهالی آن سامان باصنافهم استقبال و پذیرائی شایسته نموده و پس از ایامی به اصفهان و بعد به دارالعلم قم وارد و به علامتین اصفهانی و نائینی ملحق گردیده و پس از چندی از قم به خراسان عزیمت و در همه جا مورد استقبال و تجلیل دولت و ملت قرار گرفته و پس از ورود به مشهد قصد توطن نموده و به وظائف دینیه از اقامه جماعت و تدریس و افتاء و سایر شئون مرجعیت تا آخر عمر اشتغال داشت.

تولدش در پانزدهم ذی‌الحجهٔ الحرام ۱۲۷۷ در کاظمیه واقع شده و در آنجا و نجف و سامری نزد اکابر فقهاء مانند میرزا حبیب‌اللّه رشتی و شیخ محمدحسین کاظمی تلمذ نموده زندگانی را بر خود حقیر و دنیا را موهون و در آن زهد اختیار فرمود حتی وجوهی که خدمتش می‌آوردند قبول نمی‌کرد اذن می‌داد که ببرید به مستحقین برسانید بالجمله مجسمه اخلاق فاضله قلیل‌الکلام و در اغلب اوقات متبسم «بشره فی وجهه و حزنه فی قلبه» بود.

مؤلفات ارزنده‌ای دارد که بعضی از آن مطبوع و برخی هم مخطوط مانده است فوت ایشان در روز دوازدهم شهر رمضان ۱۳۴۳ قمری در مشهد مقدس واقع گردید و بعد از تشییع عظیمی در جوار حضرت ثامن‌الحجج علیه‌السلام مدفون گردید.

پسری داشت برخلاف آن پدر بزرگوار به نام شیخ محمد خالصی‌زاده که عاق آن مرحوم و ائمه مرحوم علیهم‌السلام بود به توسلات و امور معنوی و معجزات ایمان نداشت نسبت به بسیاری از بزرگان فقهاء شیعه و مراجع و کسانی که با عقاید و مبانی وی توافق نداشتند اهانت می‌کرد نماز جمع را واجب عینی می‌دانست و تکفیر می‌کرد مخالفین آنرا.

نگارنده در کاشان با او مناظراتی داشتم و صریحاً به وی گفتم که وهابی مسلکی نفی نکرد گفت من شفاعت را قبول دارم ولی این توسلات را شرک می‌دانم گفتم وهابی معتزلی هستی، خلاصه نه شیعه شیعه نه سنی سنی، در کاظمین و ایران مرام مخصوصی در میان عده‌ای گذارد و بعضی را از اهل‌بیت پیغمبر صلی اللّه علیهم اجمعین منحرف نمود و ائمه معصومین علیهم‌السلام را در نظر آنان کوچک کرد و جداً نسبت به ذوات مقدسه آن اوصیاء کرام و امامان واجب الاحترام علیهم صلوات الملک العلام مقصر بوده از مصادیق این مأثوره بود که (والمقصر فی حقکم زاهق) محمد بن ادریس شافعی که از ائمه ضلال است درباره این خاندان گوید:

یا اهل‌بیت رسول‌اللّه حبکم

فرض من اللّه فی القرآن انزله

یکفیکم فی عظیم القدر انکم

من لم یصل علیکم لا صلوهٔ له

و نگارنده بدین ابیات متمثل گشته و می‌گویم یا اهل‌بیت النبوه صلی اللّه علیه و آله و سلم

الذ حیوتی وصلکم و لقاکم

و لست الذ العیش حتی اراکم

و ما استحسنت عینی من الناس غیرکم

و لا لذ قلبی یا حبیب سواکم

علی الراس والعینین جملهٔ سعیکم

و من ذاالذی من فعلکم قد عصاکم

و ما انا مجنون علیکم باجمعی

و روحی و مالی یا حبیب فداکم

و ما غیر کم فی الحب یسکن مهجتی

و ان شئتم تفتیش قلبی فهاکم

مهدی بن العالم الجلیل شیخ حسن خالصی از اکابر مراجع تقلید و اعاظم فقهاء و مجتهدین مجاهد عصر خویش بوده.

وی در پانزدهم ذی الحجهٔالحرام ۱۲۷۷ در کاظمین متولد شده و در ذی‌قعده ۱۳۴۱ در مشهد وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

خالصی‌زاده، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: ماشین محاسبه، دانشکده: مهندسی صنایع، دانشگاه: صنعتی شریف

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

خالق پور، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید خالق پور

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مجید خالق پور در سال ۱۳۵۶ تحصیلات خود را در حوزه علمیه مشهد آغاز نمودم. با راهنمائی یکی از نوادگان مرحوم آخوند خراسانی صاحب کفایه ، سال اول دروس حوزوی را شروع نمودم و در ادامه تا لمعتین در یکی از مدارس مشهور و معتبر مشهد معروف به مدرسه موسوی نژاد تحصیلات خود را ادامه دادم . دوره تحصیل ما همزمان بود با انقلاب اسلامی و حقیر نیز همچون سایر طلاب با موج خروشان مردمی چون قطره ای ناچیز همراهی داشتم ؛ با پیروزی انقلاب و اوصافی که از تفسیر مقام معظم رهبری شنیده بودم و امتیازات ویژه ای که در قم برای ادامه تحصیل وجود داشت به قصد قم درسال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شدم. دروس سطح را نزد حضرات آیت الله ستوده ، مرحوم آیت الله صالحی مازندرانی و بخشی از کفایه آیت الله اعتمادی، آیت الله علوی گرگانی (مکاسب) آیت الله انصاری شیرازی و آیت الله حسن زاده آملی و آیت الله جوادی آملی جهت درس فلسفه و تفسیر؛ پس از آن وارد دروس خارج حوزه شدم که یک دوره کامل اصول نزد آیت الله میرزا جواد آقای تبریزی و بخشی از فقه نزد آیات عظام تبریزی و آیت الله وحید خراسانی و علوی گرگانی داشتم.

همزمان با تحصیلات خارج فقه و اصول، بخاطر اشتیاقی که به تفسیر داشتم وارد دوره سوم رشته تخصصی تفسیر شدم که این دوره را با موفقیت طی چهار سال سپری نمودم و فارغ التحصیل گشتم اکنون نیز علاوه بر تحصیل و تحقیق با طلاب غیر ایرانی مرکز جهانی علوم اسلامی مباحثی تحت عنوان تدریس دارم.

خالقی مقدم، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: استاد، رشته، شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای شیمی با تخصص در شیمی رادیاسیون و هسته‌ای.

مرتبه علمی:

تدریس در دانشگاههای مختلف کشور، استاد دانشکده علوم دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شیمی رادیاسیون، شیمی هسته‌ای، تدریس دروس شیمی فیزیک در دوره کارشناسی و شیمی فیزیک پیشرفته و شیمی کوانتومی در دوره کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

۵ جزوه درسی با عنوان ترمودینامیک در شیمی، الکتروشیمی، سینتیک شیمیائی، شیمی فیزیک III و شیمی کوانتومی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

واکنشهای یون مولکول در طیف نگار جرمی و اثر بار فضائی در یونهائی نظیر +He و HEH+، استخراج توریوم، اندازه‌گیری توریوم در آبهای معدنی، تهیه چشمه‌های رادیواکتیویته از راه الکترولیز.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

خالقی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۰۸، یکی از روستاهای زنجان.

درگذشت: ۱۳۵۹.

محمد خالقی متخلص به «سروش» تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زنجان به پایان رساند. وی همچنین از محضر پدر خود شیخ محمد علی استفاده نمود. از اوان جوانی در آموزش و پرورش در زنجان و تهران خدمت کرد و تا پایان عمر خود به این سمت اشتغال داشت.

محمد خالقی انواع خط به خصوص نستعلیق را استادانه می‌نوشت و شعر نیز می‌سرود.

محمد خالقی به سبب ابتلا به سرطان حنجره درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

خالقی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود خالقی

محل تولد : زرند کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

درس های حوزه را به طور معمول خوانده و به خاطر علاقه مندی به مباحث تفسیری در مهرماه سال ۷۶ تهیه و پخش برنامه ای قرآنی تحت عنوان (مائده آسمانی) را به صدای مرکز کرمان پیشنهاد دادم که بحمدالله تعالی مورد موافقت مسئولین وقت سازمان مذکور قرار گرفت و از آن زمان روزانه تاکنون در حال پخش است که به اواسط سوره انفال رسیده ایم.

حدود نیمی از این برنامه ۲۵ دقیقه ای به بیان مباحث تفسیر ترتیبی قرآن کریم اختصاص دارد و توسط بنده اجرا می شود.پس از گذشت دو سه سال از اجرای این برنامه با تقاضای شنوندگان مباحث پخش شده جزء سوم قرآن کریم به صورت کتاب چاپ و در اختیار علاقه مندان قرار گرفت. آیات ۹۳ تا پایان سوره آل عمران نیز جلد بعدی کتاب را به خود اختصاص داد و جلد سوم نیز مشتمل بر آیات اول تا ۷۰ سوره نساء طی سال های ۷۹ تا ۸۱ منتشر شده است.

متاسفانه به خاطر کثرت اشتغالات اینجانب به امور اجرایی معاونت آموزش مرکز ، فرصت تهیه و نگارش مباحث بعدی به دست نیامده است.امیدواریم تا پایان تابستان سال جاری ۲ جلد دیگر این مباحث آماده شود و در نهایت به حول و قوه الهی به انتشار یک دوره تفسیر قرآن کریم برگرفته از تفاسیر موجود با تکیه بر مباحث اجتماعی و اخلاقی و به صورت ساده و روان که قابل استفاده برای عموم مردم باشد موفق شویم. انشاءالله

خالو، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی سازه، دانشکده: مهندسی عمران، دانشگاه: صنعتی شریف

خلاصه شرح حال تخصصی

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده مهندسی عمران دانشگاه صنعتی شریف.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تکنولوژی بتن، مصالح ساختمانی و مکانیک، متخصص در رفتار سازه‌های بتنی شامل بارهای استاتیکی و دینامیکی، مکانیسم شکست سازه و مصالح، رفتار بتن از زوایای مختلف، مدلهای آزمایشی، روش‌های مختلف در محصور نمودگی بتن، مقاوم‌نمایی سازه‌های بتنی، ارزیابی و تعیین مقاومت سازه‌های بتنی موجود، مهندسی زلزله، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۱ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

روش‌های تجربی در تحلیل سازه‌ها جهت آزمایشگاه سازه مکانیک جامدات.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۰

زمینه علمی مقالات:

سازه‌های بتنی، تکنولوژی بتنی، مهندسی زلزله، مکانیسم شکست، پژوهشهای تجربی در مهندسی سازه.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

خامنه ای، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی فرزند برومند عالم ربانی و آیت سبحانی حاج سید جواد خامنه‌ای و سبط عالم زاهد و مفسر عابد آیت‌اللَّه حاج سیدهاشم میردامادی نجف‌آبادی و رهبر انقلاب اسلامی پس از رحلت امام راحل آیت‌اللَّه العظمی خمینی.

از افاضل دانشمندان حوزه علمیه مشهد مقدس و حوزه علمیه قم می‌باشند. معظم‌له در حدود سال ۱۳۵۰ قمری هجری در مشهد مقدس رضوی به دنیا آمده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و دروس جدید را ابتداء خوانده آنگاه به تحصیل علوم دینی پرداخته و ادبیات را نزد مرحوم ادیب نیشابوری مدرس بزرگ مشهد آموخته و سطوح وسطی و نهائی را از اساتید حوزه علمیه مشهد فراگرفته و پس از پایان کفایه و مکاسب به درس خارج آیت‌اللَّه العظمی میلانی شرکت نموده و پس از آن به قم آمده و چندی از محضر آیت‌اللَّه العظمی خمینی و آقای آیت‌اللَّه محقق داماد و علامه طباطبائی استفاده نموده و در واقعه ۱۵ خرداد چهل و دو در مشهد مقدس در اثر سخنرانیها بر علیه رژیم منفور طاغوتی دستگیر و زندانی شد و بعد از آن تبعید به زهدان و زابل گردید و مکرر گرفتار ساواک رژیم گذشته بوده است. معظم‌له در انقلاب جمهوری اسلامی به اتفاق دو هم سنگرش ۱- مرحوم حاج سید عبدالکریم هاشمی نژاد شهید (باجناق نگارنده) ۲- حاج شیخ عباس واعظ طبسی تولیت آستان قدس رضوی نقش موثری در انقلاب استان خراسان بالاخص مشهد مقدس داشته است.

از مهرماه ۱۳۶۰ شمسی که به ریاست جمهوری اسلامی از طرف ملت غیور و انقلابی ایران انتخاب گردید تا بعد از رحلت امام (ره) در مدت هشت سال به خوبی از عهده این مسئولیت برآمده و خدماتی به انقلاب نمود.

در خاطر دارم یک هفته قبل از ارتحال امام با یکی از دانشمندان که سالها در هندوستان اشتغال به خدمات دینی و فرهنگ اسلامی و نشر معارف اهل البیت علیهم‌السلام می‌نمود و از مرتاضین هند خاطراتی داشت که حوادث و رویدادهای کشور عزیز ما را پیشگوئی کرده بود من جمله گفته بود که پس از درگذشت و رحلت رهبر کبیر انقلاب (سید علی) نامی از خراسان به جای ایشان خواهد نشست و رهبری انقلاب را پس از ایشان متعهد خواهد بود و شد آنچه پیش گوئی کرده بود.

جناب آقای خامنه‌ای بیانی شیوا و حاد و انقلابی دارد و مجموعه سخنرانیهای و خطابات ایشان چه در دوران ریاست جمهوری و چه در دوران رهبری جمع و تدوین گردیده و در روزنامه‌های کثیرالانتشار جمهوری اسلامی و اطلاعات و کیهان و رسالت و غیره منتشر شده و می‌شود.

آثار و تألیفاتی دارند که در اینجا یادآور می‌شوم:

۱- نقش مسلمانان در آزادی هندوستان.

۲- صلح امام حسن (ترجمه صلح امام حسن آل‌یاسین).

۳- آینده در قلمرو اسلام (ترجمه المستقبل لهذا الدین سید قطب).

۴- ادعاء نامه علیه تمدن غرب.

۵- طرح کلی اندیشه اسلامی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

خامنه‌ای، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۶۶ ش)، شاعر. در تبریز متولد شد. علوم ادبی و عربی را در همان شهر نزد استادان بزرگ عصر خود فراگرفت و ضمن آموزش زبان فرانسه، به ادبیات نیز آشنایی پیدا کرد. خامنه‌ای در شمار آزادیخواهان بنام مشروطیت بود و اشعار پر شور و مهیج او در جراید وزین آن زمان، چون: «حبل المتین»؛ «چهره‌نما»؛ «عصر جدید»؛ «شمس» و «دانشکده» به چاپ می‌رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات نوین ایران (۳۳۹، ۴۴)، از صبا تا نیما (۴۵۵ -۴۵۳ /۱)، تاریخ مشروطه (۲۰۸/۳، ۱۱/۲، ۵۴/۱)، چون سبوی تشنه (۸۳ -۸۲)، سخنوران نامی معاصر (۱۲۴۷ -۱۲۴۳ /۲).

خامنه‌ای، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جواد خامنه‌ای از علماء و ائمه جماعت محترم معاصر مشهد مقدسند. وی در حدود ۱۳۱۵ ق به دنیا آمده و پس از پرورش و خواندن اولیات و سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و مدتها از آیات عظام آنجا استفاده و پس از آن به ایران مراجعت و در مشهد مقدس توطن نموده و با مرحوم آیت‌اللّه حاج سید هاشم میردامادی نجفی وصلت و صبیه کریمه ایشان را به همسری خواسته و در حوزه مشهد به تدریس و مباحثات فقه و اصول و در مسجد صدیقی‌های بازار سرشور به اقامه جماعت و خدمات دینی تا حال تحریر اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آیت‌اللّه خامنه‌ای از علماء متقی و بارع و دارای مقام فضل و ورع و مورد توجه و احترام همگان می‌باشند.

معظم‌له دارای سه فرزند برومند و دانشمند و روشنفکر بنام

۱- استاد آقای حاج سید محمد خامنه‌ای مقیم تهران

۲- خطیب و واعظ و استاد عالی مقام آقای حاج سید علی خامنه‌ای که از گویندگان و نویسنده نامی معاصر و جوان مشهد مقدسند و در این سن گوی سبقت از اقران و همگنان ربوده و مورد توجه عموم و بالاخص نسل جوان و روشنفکران می‌باشند.

از آثار مطبوع اوست کتب زیر.

۱- نقش مسلمانان در آزادی هندوستان

۲- صلح امام حسن (ترجمه صلح الحسن مرحوم آل یاسین)

۳- آینده در قلمرو اسلام (ترجمه المستقبل لهذا الدین سید قطب)

۴- ادعاء نامه علیه تمدن غرب (ترجمه الاسلام و مشکلات سید قطب با همکاری برادرش سید هادی خامنه‌ای

۵- طرح کلی اندیشه اسلامی (بنام سید علی حسینی)

۳- جناب ثقةالاسلام آقای سید هادی خامنه‌ای که نیز از فضلاء جوان مشهد و دارای آثار و تألیفاتی می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

خاموش اصفهانی، زین‌العابدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۲ -۱۲۸۶ ق)، شاعر، متخلص به خموش. در اصفهان متولد شد. از اعضاء قدیمی و از موسسان اولیه انجمن شیدا بود. خاموش غزل را به سبک قدما می‌سرود. وی «دیوان» شعری دارد. از اوست:

هر که را اندر حریم خان قریب جانان راه نیست

خاک بر فرقش که او لایق در این درگاه نیست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۷۵ -۱۷۳).

خاموش بلخی، جلال‌الدین محمد

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر، متخلص به خاموش. وی گاهی ملای رومی نیز تخلص می‌کرد و تعدادی از غزلیات خود را به این تخلص سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۸۵/۹)، لغت نامه (ذیل/ خاموش بلخی).

خاموش شیرازی، ابوالقاسم

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. اصلش از کاشان بود ولی در شیراز درگذشت. شعر می‌سروده و صاحب «دیوان» بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۸۵/۹)، لغت نامه (ذیل/ خاموش شیرازی).

خاموش یزدی، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر متخلص به حیران. او با کمال و دانا بود و در سرودن شعر توانا. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۱۲۴ -۱۲۳)، حدیقه الشعراء (۵۲۷/۱)، الذریعه (۲۸۶/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۹۷)، لغت نامه (ذیل/ خاموش یزدی).

خاموش یزدی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۲۹۵ ق)، شاعر، متخلص به خاموش. در یزد متولد شد. در کودکی به همراه پدرش به کربلا رفت و در آنجا نشو و نما یافت. در آن سامان به طلب علم و روزی پرداخت و حدود چهل سال عضو کنسولگری ایران در نجف اشرف بود. وی در سرودن عشر توانا بود. «دیوان» شعری در سه مجلد مدایح معصومان، غزلیات و رباعیات دارد که قریب شصت هزار بیت است. از دیگر آثار وی: «تقلید و طهارت»، به نظم فارسی، مسایل «تقلید و احکام طهارت»؛ «شاهنشاهنامه‌ی حسینی»؛ «خلافت نامه‌ی حیدری».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۸۶ ،۲۸۵/۹، ۲۳۸/۷، ۳۹۰ -۳۸۹ /۴)، فرهنگ سخنوران (۲۹۷)، لغت نامه (ذیل/ خاموش یزدی).

خاموش، نظام‌الدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۶۰)، عارف. از بزرگان عرفا و شاگرد علاءالدین محمد بن بخاری عطار بود و صاحب کراماتی چند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۳۵۱، ۷۶ /۴)، ریحانه (۲۰۳/۶)، نفحات الانس (۴۰۷ -۴۰۴).

خاموشی هاشمی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر، متخلص به خاموشی. وی مردی باهوش بود و از این جهت این تخلص را برای خود انتخاب کرده بود. از اوست:

عالم فانی که در وی شادمانی کمتر است

حاصلش گر گنج قارون است، خاکش بر سر است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۸۶/۹)، لغت نامه (ذیل/ خاموشی)، مجالس النفائس (۳۹۴).

خان ادیب برومند، عبدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از دیگر رجال برجسته و نام‌آور گزبرخوار استاد دانشمند ادیب نویسنده و شاعر بزرگوار و گرامی جناب آقای عبدالعلی خان ادیب برومند فرزند مرحوم مصطفی قلیخان (متولد ۱۲۷۲ و متوفی به ۱۳۵۳ ه.ش) در گز و نواده مرحوم محمدحسین خان و نبیره مرحوم سرتیپ محمدرضا خان معروف به سرتیپ گزی و از مادری فرزند رباب سلطان غفار دخت دختر مرحوم عبدالغفارخان گزی معروف به حاج نایب که متولد سال ۱۲۸۳ ه . ش و متوفی ۱۳۶۱ در سن ۷۸ سالگی وفات که در تخت فولاد در تکیه امام جمعه در مقبره خانوادگی مدفون گردیده‌اند می‌باشند.

ایشان در سال ۱۳۰۰ یا ۱۳۰۳ ه. ش در خانواده متعین و مرفه به دنیا آمد و با طی آوان کودکی و طفولیت با توصیه و هدایت پدر و مادر توانای خویش تحصیلات ابتدائی و خواندن و نوشتن رادر گز و نزد معلم سرخانه نزد معلمی بنام ملا قنبر آموخته و بعداً در مدرسه و دبستان انوری گزبرخوار به مدیریت روانشاد محمدانواری و سپس از سال‌های ۱۳۱۰ ه. ش در اصفهان در مدرسه قدسیه به مدیریت میرزا عبدالحسین قدسی معروف به خوش نویس قدسی و سپس در مدرسه فرهنگ به مدیریت مرحوم مجید امیراحمدی از پیشکسوتان فرهنگ آن زمان مشغول و پس از پایان تحصیلات سوم متوسطه به دبیرستان صارمیه به مدیریت شادروان منصور منصوری و مرحوم عجمی در رشته ادبی به تحصیل خویش ادامه داده و در آموزش زبان فرانسه به علت اطلاع و علاقه پدرشان سعی بلیغ و وافر داشته و در طی سالهای آخر دبیرستان وششم ادبی در حدود سالهای ۱۳۲۰ و جنگ بین الملل دوم با همت و علاقه خویش از اشعار استادان پیشین فردوسی- سعدی- مولوی- مشتاق اصفهانی بهره برده و از آثار معاصران زمان خویش نظیر ادیب الممالک فراهانی- ملک الشعرای بهار- ایرج میرزا- عارف قزوینی- فرخی یزدی و میرزاده عشقی که موردعلاقه ایشان بوده استفاده و در سال ۱۳۲۱ ه. ش با پذیرفته شدن در کنکور دانشکده حقوق تهران در سال ۱۳۲۴ موفق به گرفتن پروانه لیسانس در رشته قضائی گردیده و ضمن ادامه مطالعات ادبی زبان فرانسه به سرودن اشعار میهنی و انتقادی و سیاسی در روزنامه‌های اصفهان و تهران اقدام و با ادامه در شغل آزاد و وکالت دادگستری با احتراز از مشاغل دولتی و به فعالیت سیاسی و ادبی خویش ادامه و از آثار ایشان تا حال حاضر موارد زیر را می‌توان نام برد:

۱- ناله‌های وطن مشتمل بر نظم و نثر از سنین ۱۸ تا ۲۰ سالگی‌تا سالهای ۱۳۲۰ ه.ش.

۲- پیام آزادی در هواداری از صلح و حمایت از حقوق بشر در کشورهای محروم آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین در سال ۱۳۵۷ ه. ش.

۳- درد آشنا- گزیده‌ای از غزلهای سروده خود بصورت عارفانه- عاشقانه و گاهی سیاسی در سال ۱۳۶۲.

۴- سرود رهائی مشتمل براشعار تاریخی- ادبی و سیاسی در حمایت از نهضت ملی نفت در زمان نخست وزیری دکتر محمد مصدق در سالهای ۱۳۵۶ ،۱۳۲۸.

۵- راز پرواز مشتمل بر اشعار مذهبی و حماسی درباره پیشوایان مذهبی دین اسلام

۶- مثنوی اصفهان- توصیفی از زیبائیهای طبیعی و عمارات تاریخی و مساجد دارای جنبه هنری، عرفانی و آثار تاریخی اصفهان در سالهای ۱۳۷۸ ه . ش

۷- حاصل هستی مجموعه دیوان اشعار میهنی و سیاسی- گرامیداشت اساتید علم و ادب- قصاید- رباعیات و مثنوی و موضوعات مختلف قطعه‌ها- غزل‌ها- اشعار و سوگ یادهای خانوادگی چاپ ۱۳۸۰ ه. ش.

از سایر فعالیتهای ادبی استاد ارجمند افزون بر شعر و نثر شامل اقدامات فرهنگی دیگر نظیر

۱- تصحیح دیوان خواجه حافظ شیرازی

۲- تصحیح خردنامه ابوالفضل یوسف بن علی مستوفی

۳- کتاب هنر قلمدان

۴- تصحیح داستان سیاوش و رفتن گیو به ترکستان شاهنامه فردوسی

۵- مقدمه نگاری و اقدام برای چاپ تاریخ جهانگشای نادری

۶- مجموعه سخنرانیها و اشعار ایشان تحت عنوان به پیشگاه فردوسی درباره شاعر نامدار و حماسی ایران

۷- تصحیح و تذکره خلاصه الاشعار تقی الدین کاشانی.

۸- تصحیح داستان رستم و اسفندیار و هفت خوان اسفندیار در شرف انتشار

۹- اقدام به مقدمه نگاری و چاپ اُفسِت بر دیوان خواجه حافظ

۱۰- اقدام به تنظیم و چاپ مجموعه مقالات و نگارش سبک شعر نئوکلاسیک

جناب ادیب برومند یکی از درهای شاهوار نثر سیاسی و اجتماعی وتحقیقی و ادبی دانشوران عصر حاضر در ۶۰ سال اخیر و از حافظان و نگهبانان شعر اصیل ایرانی و میراث ملی و از پاسداران کاخ کیوان شکوه ادب فارسی و پناهگاه ملیت و افتخارات فرهنگی قومی ایرانی است که بعنوان افتخارآمیز شاعر ملی، مفتخر و اخیراً گزارش گردیده که با یک اقدام فرهنگی و ماندگار که با استفاده از یک میراث فرهنگی قدیمی که از یادگارهای عهد سلاطین قاجار و ساخته شده توسط مرحوم حاج محمدعلیخان حاج کلانتر فرزند مرحوم علی اکبر بیگ والی منطقه از عهد فتحعلی شاه قاجار یعنی در سالهای ۱۲۱۲ تا ۱۲۵۰ ه . ق که با قدمت حدود یکصد و بیست سال و به مساحت ۳۰۰۰ متر مربع که جزء میراث اجداد مادری ایشان نیز محسوب می‌شده و در اختیار مرحوم حیدر علی خان برومند بوده است خریداری و تعمیر و به نام فرهنگسرای ادیب برومند گزی تکمیل و با اهداء ۳۰۰۰ جلد کتاب از کتابخانه

شخصی خویش نسبت به ایجاد و تأسیس یک کتابخانه ملی در آن محل اقدام و با این حرکت فرهنگی و خداپسندانه قدم خیر دیگری توسط ایشان در این منطقه برداشته شده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

خان بختیاری

قرن:۱۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

از زنان شاعر. شعر زیر از اوست:

اگر در علم لقمانی اگر در شعر حسانی

اگر در ملک دارایی اگر در جود قاآنی

تو در آخر فنا داری به زیر خاک جا داری

تاریخ تولد، وفات و یا زندگی او معلوم نیست.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره ۴۰.

خان برومند، حیدر علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از افراد صاحب نام دیگر این خاندان در گز و منطقه اصفهان دانشمند محترم مرحوم حاج حیدر علی خان برومند المفتقر الی الله متولد به سال ۱۲۹۳ و متوفی به ۱۳۷۹ ه. ش است که نامبرده کوچکترین فرزند مرحوم حاج عبدالغفار خان برومند جزی معروف به حاج نایب و نواده پسری مرحوم حاج محمدحسین خان برومند معروف به حاج سلطان جزی و نواده دختری مرحوم محمدرضاخان برومند (سرتیپ گزی) بوده که تحصیلات اولیه خود را در سن ۶-۸ سالگی در محل ودر مکتب مرحوم ملامهدی بکائی جزی و سایرین در حدود سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۵ هجری شمسی و در محل مسجد جامع گز برخوار آموخته و بعداً جهت ادامه تحصیلات به اصفهان مدرسه قدسیه وارد شده و مقدمات حساب وهندسه و ریاضیات را نزد مرحوم میرزا عبدالحسین قدسی مدیر مدرسه مزبور فرا گرفته و جهت ادامه تحصیلات حوزوی در مدارس صدر بازار و نیم آورد که در آنزمان از مراکز علمی حوزوی و علوم قدیمی بوده وارد و مشغول فراگیری بطوریکه دروس صرف و نحو- انموزج و صمدیه- سیوطی و شرح نظام را در محضر میرزا حسن قدسی و ادامه سیوطی را در کلاس درس مرحوم آخوند ملامحمد علی حبیب آبادی و بعدها مغنی و مُطَول و شرح لمعه را نزد مرحوم آقا شیخ علی مدرس یزدی و معالم و قوانین از تقریرات شیخ مرتضی انصاری را نزد حاج ملا حسن دولت آبادی و متاجر را نزد مرحوم سید مهدی درچه‌ای و تشریح الاصول را نزد سید مرتضی خوانساری و کفایهٔ‌الاصول و قسمتی از متاجر را نزد سید محمد نجف‌آبادی و فلسفه و معقول و قسمتهائی از درس خارج فقه را نزد حاج سید علی نجف‌آبادی و شیخ محمدرضا نجفی غروی و اصول فقه را نزد محمد صادق یزدآبادی و فلسفه را نزد مرحوم شیخ محمد حکیم خراسانی که همگی از جمله فقیهان و مدرسان مبرز علوم و معارف اسلامی عصر خویش بوده‌اند آموخته و خود معلم و مدرسی گرانقدر گردیده است.

و از تالیفات ایشان تبیین و شرح فارسی کتاب طریق‌الرشاد فی شرح تجریدالاعتقاد خواجه نصیرالدین طوسی قدس سره که در فن کلام تحریر گردیده و هم چنین شرح کتاب کشف‌المراد العلامه حلی فی شرح‌التجرید که توأمان توسط کتابفروشی دین و دانش اصفهان در زمان حیات ایشان چاپ و در اختیار طلاب و علم پژوهان مشتاق قرار گرفته بوده است و بدین ترتیب آن مرحوم خوداز مدرسین و دانشمندان و معاریف فقهای مقبول القول و معتمد و در زمره محققان و مدرسان و مؤلفان اخیر حوزه‌های علمیه اصفهان در مدرسه صدر بازار و مدرسه سلطانی چهارباغ بوده و در گسترش مبانی علوم و معارف اسلامی سعی و جهد بلیغ می‌فرموده و از اکابر علمای معاصر محسوب می‌شود.

آن مرحوم در سال ۱۳۷۹ در سن ۸۶ سالگی بعلت کسالت و کهولت سن و استراحت در بستر دار فانی را وداع و به جوار رحمت حق پیوسته که امید است خداوند تعالی ایشان را مورد لطف و رحمت واسعه خویش قرار داده و در زمره خدمتگزاران دین حنیف و جامعه اسلامی اصفهان و ایران بپذیرد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

خان صنمی، شعبانعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شعبانعلی خان صنمی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

تقریبا هفده ساله بودم که با ترک دبیرستان وارد حوزه علمیه قم شدم دروس مقدماتی را ابتدا در مدرسه آیه الله گلپایگانی و سپس در مدرسه حقانی و بالاخره در مدرسه رسالت تا پایان لمعتین فرا گرفتم رسایل را نزد آقای اعتمادی و کفایه و مکاسب را نزد آقای ستوده و مقداری نیز آقای دوز دوزانی به پایان بردم.حلقات اصول الفقه، شهید صدر، به اضافه بخشهایی از شرح نهج البلاغه (جلد اول ۱۳ و ۱۴) و بحار الانوار(کتاب العشره) را به عنوان متون عربی نزد شاگرد آن مرحوم، استاد سید مهدی نبوی- دام ظله- آموختم.از دروس خارج، قسمتهایی از فقه و اصول را در محضر حضرات آیات، فاضل، وحید و روحانی، میرزا جواد آقا تبریزی...حاضر شدم اما بیشترین استفاده را که سالها به طول انجامید از درس فقه و اصول آیه الله کوکبی داشته ام، شاید یک دوره کامل از درس اصول ایشان را درک کرده باشم.

آثار علمی :

کتاب علمی مشاهدات امیر مؤمنان (ع) در ۲ جلد توسط نشر الهادی در سال ۷۳ به چاپ رسید، کتاب علمی خاطرات امیر مؤمنان(ع) در واقع همان کتاب قبلی است که با اضافات و تغییراتی در یک مجلد توسط دفتر تبلیغات (بوستان کتاب) چاپ شد که امسال پنجمین چاپ آن منتشر شد.

کتاب علمی خاطرات امام صادق(ع) که در آستانه چاپ است.کتاب دیگر که در واقع رساله دکترا با عنوان، پدیدهٔ حصر مذاهب اربعه ی زیر نظر دانشگاه فردوسی مشهد، واحد فقه و حقوق در حال تکمیل و آماده دفاع می باشد.در سال ۷۸ به فعالیت در بخش های آموزشی پژوهشی دانشگاه دعوت شدم اما به دلیل این که ملبّس نبودم نتوانستم از مدارک رسمی حوزه که منوط به پوشیدن لباس بود، استفاده کنم. از این رو برای تهیه مدارک لازم از طریق خبرگان بدون مدرک وزارت علوم، ابتدا در سطح مربی شرکت کرده پذیرفته شدم و با این مدرک عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی قم شدم. و پس از گذشت ۳ سال مجددا در امتحانات تخصصی خبرگان، در مرتبه استاد یاری قبول شدم. و در حال حاضر بیش از یکسال است که در حال نوشتن پایان نامه فوق الذکر هستم.

خان محمدی، کریم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کریم خان محمدی

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب کریم خان محمدی در سال ۶۱ پس از اخذ پنجم ابتدایی وارد حوزه علمیه زنجان شدم .در سال ۶۷ پس از اتمام پایه ۶ (لمعتین) به حوزه علمیه قم منتقل شدم . تا سال ۷۰ ضمن اتمام رسائل و مکاسب شیخ انصاری (ره) به صورت متفرقه شبانه و دبیرستان رزمندگان دیپلم گرفتم . از سال ۷۰ به صورت مخفیانه به دانشگاه رفتم و در سال ۷۰ در کنکور سراسری قبول و در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به رشته جامعه شناسی مشغول گشتم و در سال ۷۸ در مقطع کارشناسی ارشد از همان دانشکده فارغ التحصیل و به همراه دروس حوزه شروع به تحقیق و پژوهش و همگام با آن تدریس نمودم . در درس آیات عظام مکارم و سبحانی شرکت می کردم . دروس آیت الله جوادی مفسر بزرگ که هنوز هم غیر حضوری اشتغال دارم .

از سال ۷۸ پژوهش را شروع نمودم و اکنون بیش از ۲۰ مقاله در مجلات علمی به چاپ رسانده ام . در مقطع دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه السلام نیز در زمینه اصول و هنجارهای ارتباطی قرآن مشغول پژوهش هستم . طرح پژوهشی (مفهوم شناسی جامعه شناسی اسلامی) توسط نگارنده با کارفرمایی موسسه آموزش عالی باقر العلوم علیه السلام (حمید پارسانیا) در دست اجرا است .علاقه پژوهشی اینجانب ارائه آموزه های دینی به زبان روز و تلفیق علوم دینی با دست آوردهای جدید علمی است . کلیه مقالات منشر شده به جز چند مورد از متون دینی بهره گرفته است .

خان نیشابوری

قرن:۱۲

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۱۱۹۵ ق، معروف به مؤمنه نیشابوری از زنان فاضل و شاعر. وی دو اثر دارد: اول، ضیاءالمؤمنین که در پایان آن از خود چنین یاد می‌کند:

خان بی‌کس که مانده است حیران

یارب او را عطا نما ایمان

دومین کتاب نورنامه است از آفرینش پیامبر اکرم (ص) تا تولد و سپس زندگی ایشان و نیز زندگینامه حضرت فاطمه (س) و ظهور امام زمان (ع). در پایان از حیاةالقلوب مجلسی چنان یاد می‌کند که گویا منظومه‌اش را از آن گرفته است:

چون حیاتالقلوب را دیدم

چند روایت از آن پسندیدم

آغاز آن نیز چنین است:

ابتدا می‌کنم به بسم‌الله

بعد ان لا اله الا الله

حی و قیوم ذوالجلال و کریم

قادر و صانع و غفور و رحیم

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج بخش، ۱۶۶۷ / ۳.

خانجانی، قاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قاسم خانجانی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از گذراندن دوره متوسطه در شهر تهران در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه چیذر تهران شده و تحصیل علوم دینی را در این حوزه آغاز نمودم و تا سال ۱۳۷۱ در این حوزه اشتغال داشتم و پس از آن برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۷۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از گذراندن امتحانات و مراحل قانونی در سال ۱۳۷۲ درس خارج را با درس آیت الله مکارم شیرازی و مدتی درس آیت الله سبحانی آغاز نمودم. در سال ۱۳۷۲ همراه با درس خارج در دوره کارشناسی ارشد تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در رشته تاریخ شرکت کردم و در سال ۱۳۷۹ از این دوره فارغ التحصیل و از پایان نامه خود دفاع نمودم. در طول این سال از محضر مبارک برخی اساتید حوزه چون حضرات آیات میرزا جواد آقا تبریزی و آیت الله وحید نیز بهره بردم و درس خارج آیت الله وحید و آیت الله مکارم را همچنان ادامه می دهم.

خانجانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد خانجانی در سال ۱۳۴۱ در همدان متولد شد و آخرین مدرک تحصیلی خود را در سال ۱۳۷۵ از دانشگاه تربیت مدرس اخذ کرده اند. وی در حال حاضر دارای مرتبه استادی و مؤلف ۸ عنوان کتاب در زمینه های آفات گیاهان زراعی و آفات سبزی صیفی، سم شناسی و کنه شناسی؛ ۳۲ مقاله در مجلات معتبر داخلی و خارجی و ۶۲ مقاله چاپ شده در کنفرانسهای بین المللی و داخلی هستند. در بین کتابهای چاپ شده، مجموعه اطلس کامل آفات گیاهی ایران وجود دارد و به لحاظ اینکه اولین مجموعه کامل آفات ایران می باشد به عنوان مرجعی برای علاقمندان به آفات ایران در داخل و خارج از کشور می باشد. وی تا کنون بیش از ۴۰ گونه جدید جانوری را برای اولین بار برای فون جانوری جهان به عنوان گونه جدید کشف، توصیف و نامگذاری کرده است و همچنین تا کنون ۱۳ طرح پژوهشی مختلف در زمینه کشاورزی را انجام داده و بعضاً آنهایی که کاربردی بودند، راهگشای مسائل بخش کشاورزی بوده است.گروه : کشاورزیرشته : حشره شناسیوالدین و انساب : پدرمحمد خانجانی کشاورز بودند و در سن ۵۷ سالگی در سال ۱۳۶۷ این جهان را بدرود گفتند. وی سواد خوبی داشتند و تا چهارم ابتدایی زمان قدیم خوانده بودند. اینجانب آموزش قرآن کریم را نزد ایشان فرا گرفتم و در سن ۹ سالگی بطور کامل آن را فرا گرفتم. ایشان از بنیان گذاران هیأت مذهبی روستا بودند. مادرم نیز مسئولیت خانواده را به عهده داشتند و در امور کشاورزی به ویژه در برداشت محصول پدر را یاری می کردند.خاطرات کودکی : محمد خانجانی خاطرات کودکی خود را به زبان خودش اینجور نقل می کند: اولین روزی که به مدرسه

رفتم، بعد که عصر برگشتم از عموی بزرگم که کدخدا بودند پرسیدم عمو من چه کاره شدم؟ ایشان برگشتند و گفتند شما لیسانس شدی. من آن موقع معنی و مفهوم پاسخ وی را نمی دانستم. بعد که مدارج دانشگاهی را به تدریج دریافتم متوجه شدم که عمو به تحصیل یک روزه من مدرک لیسانس داده است. در سال دوم ابتدایی دو نفر سپاهی دانش در روستای ما بودند تصادفاً معلم ما آقای مهندس رحیم مقدس زاده از تبریز بودند در کنار تابلو حروف الفبا زده بودند من کلماتی که نمی دانستم با آن حروف جور می کردم و می نوشتم.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمد خانجانی در یک خانواده کشاورز مذهبی متولد شد امرار معاش خانواده وی از طریق کشاورزی تأمین می شد. تمام دوران کودکی را در روستای سرخ آباد همدان سپری کرد. همیشه محیط آرام و با نشاطی داشت. همه اعضای خانواده در پیشبرد امور زندگی خانواده نقش داشتند بطوریکه امور زندگی به خوبی پیش می رفت. کار کشاورزی که کار دقیقی است و هر کاری باید در زمان خودش انجام شود به خوبی صورت می گرفت.تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد خانجانی پس از دوران متوسطه خود موفق به قبولی در دانشگاه تهران در رشته مهندسی کشاورزی- گیاه پزشکی شد. ایشان مدرک لیسانس خود را در سال ۱۳۶۷ از دانشگاه تهران کسب نمود. وی درسال ۱۳۶۹ موفق به کسب درجه کارشناسی ارشد از دانشگاه تربیت مدرس در رشته حشره شناسی- کشاورزی گردید. درسال ۱۳۷۵ از دانشگاه تهران در رشته حشره شناسی- کشاورزی موفق به درجه دکترای گردید. خاطرات و وقایع تحصیل : محمد خانجانی همیشه دروس روز بعد را قبل مطالعه و با حضور ذهن در کلاس ظاهر می شد. در دوره ابتدایی معلم کلاس دوم سپاه دانش داشتند به نام مهندس رحیم مقدس زاده، ایشان اهل تبریز و مهندس الکترونیک بودند. با علاقه تدریس آنها را در دوزه ابتدایی انجام دادند با آنکه لیسانس بودند ولی بسیار به کار خود عشق می ورزیدند. وی او را بسیار به تحصیل علاقمند نمودند به گونه ای که موقعی که دوم ابتدایی بودم توانایی نوشتن و خواندن کلیه کلمات فارسی را فرا گرفته بود. وی بعد از ۱۸ سال برای تعویض گواهینامه خود به همدان آمده بود و به روستای محمد خانجانی و به خانه آنها آمد. محمد به وی گفت که در دوره دکتری تحصیل می کند و عضو هیات علمی دانشگاه شده است. وی بسیار خوشحال شد. این موضوع همچنین موجب شادی خانواده وی نیز گردید.فعالیتهای ضمن تحصیل : محمد خانجانی در دوره تحصیلی راهنمایی و دبیرستان به پدر و مادر در امور کشاورزی کمک می کرد و در دوره لیسانس که در دانشگاه تهران بود در کارهای فوق برنامه دانشجویی، کمیته رفاهی دانشکده مشغول فعالیت بود. در دوره فوق لیسانس نیز علاوه بر تحصیل، در جاد سازندگی استان همدان مسئول واحد حفظ نباتات جهاد استان بود. تفکیک وظایف وزارت جهاد سازندگی و وزارت کشاورزی که در سال ۱۳۶۹ انجام شد باعث شد امور زراعت در وزارت کشاورزی وقت متمرکز شود و اینجانب باید از جهاد کشاورزی می رفت. تصمیم گرفت به دانشگاه برود. در اسفند ۱۳۶۹ به دانشگاه رفته و تقاضای استخدام نمود و پذیرفته شد.استادان و مربیان : محمد خانجانی۲ سال دوره ابتدایی را نزد مهندس رحیم مقدس زاده گذراند. یکی از معلمین راهنمایی آقای محمد علی جعفری بودند. بعد از گذشت ۲۵ سال هنوز ارتباط معلم ـ شاگردی را حفظ کرده است. از دبیرستان نیز با آقای جواد صدیق که معلم معارف اسلامی و همچنین آقای رضایی معلم ادبیات وی بودند روابط خود را حفظ کرد. با تمام اساتید دوره لیسانس خود در دانشگاه تهران آقایان دکتر باقری زنوز، دکتر رسولیان، دکتر خیری و مرحوم دکتر اسماعیلی که هم استاد دوره لیسانی و فوق لیسانس بودند، دوره دکتری نیز آقای دکتر کریم کمالی که به حق تأثیر بسیار شگرفی در پیشرفت علمی و زندگی وی داشتند.هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره ایهای محمدخانجانی می توان به موارد زیر اشاره نمود: دکتر علی اصغر طالبی، دکتر غلامحسین طهماسبی، دکتر سید ابراهیم صادقی، دکتر جلیل حاجی زاده، دکتر سید حسین گلدانسازهمسر و فرزندان : محمد خانجانی در ۱۶ اسفند ۱۳۶۹ با سرکار خانم نسرین درویشی ازدواج کرد. این ازدواج در دوره دانشجویی دوره دکتری انجام شد. حاصل این ازدواج یک دختر به نام مریم که هم اکنون سال اول دبیرستان هستند و یک پسر بنام علی که هم اکنون دانش آموز مقطع ابتدایی (سوم) هستند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : از مشاغل و مسئولیتهای محمد خانجانی می توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- استاد گروه گیاه پزشکی از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۸۱ و از سال ۱۳۸۵ تا حال حاضر در دانشگاه بوعلی سینا در شهر همدان ۲- دانشیار گروه گیاه پزشکی از سال ۱۳۸۱ تا سال ۱۳۸۵ در دانشگاه بوعلی سینا در شهر همدان ۳- مدیر کل امور پژوهشی از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۸۰ در دانشگاه بوعلی سینا در شهر همدان ۴-عضو کمیته تخصصی آفات و بیماریهای جنگل و مرتع کشور از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۷۹ وزارت جهاد سازندگی ۵- عضو شورای پژوهشی محیط زیست از سال ۱۳۷۷ تا سال ۱۳۸۰ سازمان محیط زیست در شهر همدان ۶- سرپرست و مسئول را ه اندازی آزمایشگاه کنه شناسی از سال ۱۳۷۰ تا حال حاضر در دانشکده کشاورزی شهر همدان ۷- سرپرست و مسئول را ه اندازی کلکسیون حشرات از سال ۱۳۶۷ تا حال حاضر دردانشکده کشاورزی درشهر همدان ۸- عضو شورای دانشگاه از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰ در دانشگاه بوعلی سینا شهر همدان ۹- عضو شورای پژوهشی سازمان کشاورزی از سال۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰در سازمان کشاورزی در شهر همدان ۱۰- مسوول واحد حفظ نباتات از سال ۱۳۶۷ تا سال ۱۳۶۹ در جهادسازندگی در شهر همدانفعالیتهای آموزشی : محمد خانجانی در حال حاضر در دانشگاه پیام نور، مرکز آموزش شهید مدنی، در دوره آموزش ضمن خدمت وزارت جهاد کشاورزی (میاندوآب، بندرعباس، همدان) همکاری داشته است. همچنین با دانشگاههای تهران (دانشکده کشاورزی)، دانشکده علوم دانشگاه تهران، دانشگاه تربیت مدرس تبریز، اهواز همکاری داشته و از تاریخ ۲۷/۱۱/۱۳۶۹ نیز با دانشگاه بوعلی سینا به عنوان عضو رسمی هیأت علمی مشغول به کار شد و هم اکنون با درجه علمی استاد در آموزش دانشجویان رشته های مختلف کشاورزی به ویژه گیاهپزشکی همکاری دارد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : محمد خانجانی در شکل گیری دوره دکتری حشره شناسی کشاورزی دانشگاه ارومیه نقش داشته، همچنین در دوره لیسانی گیاهپزشکی و فوق لیسانس حشره شناسی کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا نقش داشته است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد خانجانی علاوه بر فعالیت آموزشی و پژوهشی دانشگاهی، با مراکز تحقیقاتی سازمان محیط زیست و وزارت جهاد کشاورزی همکاری مستمر دارد و تحقیقات متعددی را برای دستگاههای اجرایی کشور داشته است.همفکران فرد : همیشه دوستان و همکلاسی های محمد خانجانی فردی با پشتکار و جدی توصیف می نمودند به گونه ای که این وضعیت زبان زد تک تک آنها بود. به قول آنها روحیه همکاری جمعی خوبی داشت. به دانشگاه که آمده بود یکی از اساتید به اوگفت: شما محقق خوبی هستی،

اگر دنبال تحقیق را بگیری موقعیت شما بهتر از هر امر دیگری خواهد بود.جوائز و نشانها : از تقدیرهای محمد خانجانی موارد زیر است که به آن اشاره شده است: ۱- پژوهشگر برتر استان در سال ۱۳۷۹ ۲- پژوهشگر سال ۱۳۷۹ دانشکده کشاورزی ـ اولین سال انتخاب پژوهشگر برتر در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ۳- پژوهشگر برتر سال ۱۳۸۱ دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا (سومین هفته پژوهش استان) ۴- پژوهشگر برتر سال ۱۳۸۱-۱۳۸۲ دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا (چهارمین هفته پژوهش استان) ۵- پژوهشگر نمونه گروه گیاهپزشکی دانشکده کشاورزی در سال ۱۳۸۱-۱۳۸۲ (هفته پژوهش چهارم) ۶- پژوهشگر برتر در سطح کل دانشگاه بوعلی سینا در سال ۱۳۸۲ ۷- پژوهشگر برتر انجام بهترین طرح کاربردی دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا در سال ۱۳۸۲ ۸- پژوهشگر برتر سال ۱۳۸۲ دانشکده کشاورزی ۹- تقدیر به خاطر کشف گونه جدید جانوری در سطح جهان در سال ۱۳۸۲ ۱۰- مقاله برتر اولین همایش تخصصی گردوی کشور در سال ۱۳۸۲ ۱۱- تقدیر معاون پژوهشی دانشگاه رازی به خاطر ویرایش علمی کتاب حشره شناسی کشاورزی ۱۲- تألیف و چاپ بیشترین عنوان کتاب در سطح دانشگاه بوعلی سینا در سال ۱۳۸۳-۱۳۸۴ ۱۳- پژوهشگر برتر دانشگاه و استان در ششمین مراسم هفته پژوهش استان در سال ۱۳۸۴ ۱۴- تقدیر معاون پژوهشی دانشگاه بوعلی سینا در سال ۱۳۸۴ از کتاب آفات گیاهان زراعی ایران ۱۵- تقدیر معاون پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فنآوری و رئیس ستاد برگزاری ششمین هفته پژوهش و فنآوری کشور ۱۶- تقدیر و تشویش طرح پژوهشی مطالعه کنه های درختان میوه غرب ایران و دشمنان طبیعی آنها (به عنوان طرح برتر) ۱۷- تقدیر معاون پژوهشی دانشگاه بوعلی سینا به خاطر چاپ مقاله در مجلات بین المللی با نمایه ISI ۱۸- تقدیر استاندار به عنوان پژوهشگر برتر استان در سال ۱۳۸۴ ۱۹- چاپ مقاله ISI در مجلات بین المللی در سال ۲۰۰۳ ۲۰- پژوهشگر برتر دانشکده کشاورزی در سال ۱۳۸۵ در هفتمین مراسم هفته پژوهش استان ۲۱- تألیف و چاپ بیشترین عنوان کتاب در سطح دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا در سال ۱۳۸۵ ۲۲- دریافت لوح تقدیر جشنواره ملی کلزا در اردیبهشت ۱۳۸۵ ۲۳- لوح تقدیر به خاطر ارائه مقاله روشهای کنترل تلفیقی آفات یونجه در سال ۱۳۸۵ ۲۴- انتخاب عضو افتخاری موسسه بیوگرافی آمریکا، Research Board of Advisors ۲۵- Leading Scientists of world در سال ۲۰۰۵ میلادی ۲۶- انتخاب ۲۰۰۰ دانشمند برجسته بین المللی قرن ۲۱ در سال ۲۰۰۵ ۲۷- عضو کمیته علمی ـ بین المللی کنفرانس بین المللی رهیافتهای بیوتکنولوژی در مدیریت منابع زیستی در سال ۲۰۰۷ در کشور هندوستان ۲۸- انتخاب شدن بهترین مقاله کنفرانس بین المللی رهیافت بیوتکنولوژی در مدیریت منابع زیستی در سال ۲۰۰۷ در کشور هندوستان ۲۹- شهروند برگزیده سال ۱۳۸۵ شهر همدان. چگونگی عرضه آثار : حدود ۱۶ عنوان طرح پژوهشی از محمد خانجانی در شهر همدان و در سازمانهای مختلف آن ارائه داده است. که از سال ۱۳۷۳تا سال ۱۳۸۵ ادامه داشته است. حدود ۷۸ مقاله در زمینه های مختلف علمی وی از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶ در کشورهای مختلف ارائه داده است. آثار : آفات سبزی و صیفی ایران ویژگی اثر : دانشگاه بوعلی سینا، همدان ، ۱۳۸۴-۱۳۸۶، در سه جلد۲ آفات گیاهان زراعی ایران ویژگی اثر : دانشگاه بوعلی سینا، همدان ، ۱۳۸۳-۱۳۸۴، در سه جلد۳ اصول کنترل آفات (حشرات و کنه ها) ویژگی اثر : دانشگاه بوعلی سینا، همدان ، ۱۳۸۵۴ انگور (کاشت، داشت و برداشت) ویژگی اثر : وزارت جهاد کشاورزی، معاونت نیروی تجهیز و نیروی انسانی، تهران - کرج ، ۱۳۸۵۵ حشره شناسی کشاورزی ویژگی اثر : ویراستار ، انتشارات دانشگاه رازی ، کرمانشاه، ۱۳۸۳۶ راهنمای تشریح آزمایشگاه جانوری ویژگی اثر : ویراستار ، انتشارات دانشگاه رازی ، کرمانشاه، ۱۳۸۶۷ راهنمای رنگی مهار زیستی آفات در نگهداری گیاهان ویژگی اثر : ویراستار ، انتشارات دانشگاه مازندران ، ساری، ۱۳۸۵۸ سم شناسی ویژگی اثر : دانشگاه بوعلی سینا، همدان ، ۱۳۸۴۹ کنه های زیان آور محصولات کشاورزی ایران ویژگی اثر : دانشگاه بوعلی سینا، همدان ، ۱۳۸۵۱۰ گردو (کاشت، داشت و برداشت) ویژگی اثر : وزارت جهاد کشاورزی، معاونت نیروی تجهیز و نیروی انسانی، تهران - کرج ، ۱۳۸۴۱۱ مدیریت کنترل تلفیقی آفات، بیماریها و علفهای هرز یونجه در ایران ویژگی اثر : وزارت جهاد کشاورزی، معاونت نیروی تجهیز و نیروی انسانی، تهران - کرج ، ۱۳۸۴ منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

خانزاده تربتی

قرن:۱۰

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۹۶۲ / ۹۵۸ ق، از زنان شاعر. پدرش امیر یادگار، از امیرزادگان تیموری و از سادات خراسان و خواهرش فخرالنساء نسایی بودند که طبع شعر داشتند. وی معاصر فخری هروی مؤلف تذکره جواهرالعجایب است. تذکره‌های مرآت‌الخیال و پرده‌نشینان سخنگوی تخلص او را جمالی ذکر کرده‌اند. بیت زیر از اوست:

شبی در منزل ما میهمان خواهی شدن یا نه

انیس خاطر این ناتوان خواهی شدن یا نه

عرفات‌العاشقین نیز بیت زیر را به او نسبت داده است:

به عالم هر که را بینم به دل درد و غمی دارد

ز دست غم منال ای دل که غم هم عالمی دارد

بیت فوق با تفاوت‌هایی به شاعره‌های دیگر نیز نسبت داده شده است.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره نهم، ۵۵، از رابعه تا پروین، ۹۱؛ جواهرالعجایب، ۲۹۵ ،۱۳۶-۱۳۵؛ حدیقه عشرت، ۲۰؛ خیرات حسان، ۱۶۳ / ۱؛ دانشمندان آذربایجان، ۹۹ -۹۸ الذریعه ۲۰۴ / ۸ روز روشن، ۲۳۶؛

ریاض‌العارفین، ۲۲۰؛ زنان سخنور، ۱۵۱ / ۱؛ شعرای آذربایجان، ۱۴۸ / ۲؛ عرفات‌العاشقین، گ ۱۹۰؛ مرآت‌الخیال، ۳۳۹ –۳۳۸.

خانزاده سوران

قرن:۱۱

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن دهم و یازدهم هجری، از زنان مدیر و شاعر، وی همسر امیر سلیمان بیگ، حاکم سوران (۹۹۹ ق) زنی باتدبیر و باشهامت بود و برای آبادانی منطقه سوران و آسایش مردم آنجا به خصوص حریر (مرکز سوران) به همراه همسرش سعی و تلاش فراوان کرد. همسرش در اداره امور حکومت با او مشورت می‌کرد. مردم نیز برای او احترام خاصی قایل بودند. شعرای کرد برای دریافت صله و انعام از اطراف و اکناف به دربارش روی آورده و با قصاید و سروده‌های خود از او و خدمات ارزنده‌اش ستایش می‌کردند.

خانزاده زنی خیر و بخشنده بود. در حریر و سایر نقاط سوران راه‌ها، کاروانسراها، مساجد و مدارس متعددی ساخت. او مردم را به فراگرفتن سواد و درس خواندن تشویق می‌کرد و وسایل تحصیل را برای آنها فراهم می‌آورد. برخی او را از خواهر سلیمان بیگ دانسته‌اند.[۱]

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر، بانوی نیکوکار. وی همسر امیر سلیمان بیگ، حاکم سوران (۹۹۹ ق)، و زنی با تدبیر و با شهامت بود. او برای آبادانی منطقه سوران و آسایش مردم آنجا بخصوص حریر مرکز سوران به همراه همسرش سعی و تلاش فراوان کرد. مردم برای او احترام خاصی قایل بودند و شعرای کرد از اطراف برای دریافت صله و انعام به دربارش روی می‌آوردند. با قصاید و سروده‌هایشان از خدمات ارزنده‌اش ستایش می‌کردند. خانزاد خاتون زنی خیر و بخشنده بود و در حریر و سایر نقاط رویان، راهها، کاروانسراها، مساجد و مدارس متعددی ساخت. وی مردم را به فراگرفتن علم تشویق می‌کرد. برخی او را خواهر سلیمان بیگ دانسته‌اند.[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] منبع: تاریخ مشاهیر کرد، ۳۹۴ / ۳.

[۲] تاریخ مشاهیر کرد (۳۹۴/ ۳)، مشاهیر زنان (۸۳).

خانقلی همدانی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله خانقلی همدانی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای عبدالله خانقلی همدانی در سال ۱۳۴۰هجری شمسی در خانواده ای متدین ، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در تهران دیده به جهان گشود. پس از فراغت از تحصیل در دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در زادگاه خویش، در پی تشویق خانواده و علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۳وارد مدرسه علمیه مرحوم آیت الله مجتهدی در تهران گردید از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از محضر اساتید آن دیار خصوصا حضرت آیت الله مجتهدی(ره) بهره های علمی و اخلاقی فراوان برد. پس از مدتی تحصیل در تهران به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه علی بن موسی الرضا(ع) راهی مشهد مقدس و وارد حوزه علمیه آنجا شد. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیارحاضر شد و از محضر ستارگان آن دیار بهره ها برد. پس از مدتی تحصیل در مشهد جهت ادامه تحصیلات رهسپار قم گردید و در جوار ملکوتی بارگاه کریمه اهل بیت(ع) رحل اقامت افکند.پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۸ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی همچون مرحوم آیت الله فاضل، آیت الله مکارم، آیت الله وجدانی، آیت الله پایآنی، استاد اعتمادی و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد. وی علاوه بر پژوهش به تدریس در دانشگاه آزاد تهران، دانشگاه آزاد ساوه و دانشگاه کرج مشغول می باشد

خانلربندپیی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۵۰ ق)، منشی و خطاط. وی منشی الممالک شاه قاجار بود و نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۷۴/۱).

خانلرخان زند

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۸ ق)، خطاط. از اعیان و امرای دولت قاجار بود و نستعلیق را خوش می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۷۴/۱).

خانم

قرن:۹

جنسیت:زن

ملیت:ایران

۸۷۹ ق، مشهور به زین‌النساء از زنان شاعر فارسی‌گوی عثمانی. وی دختر قره‌بلایی محمد چلبی و همسر قاضی‌الحق فهمی چلبی بود و در آماسیه به دنیا آمد؛ با شاعره‌ی مشهور دوره‌ی سلطان محمد فاتح، مهری هروی معاصر بود، و اشعارش با شعرهای فطنت خانم، شاعره‌ی قرن دوازدهم ق عثمانی، برابری می‌کند. زین‌النساء با تقدیم دیوان اشعار ملمع ترکی– فارسی خود به سلطان محمد فاتح، که نسخه‌ای از آن در کتابخانه‌ی ایاصوفیه موجود است، توان شاعری خویش را اثبات و پاداش دریافت کرده است.

زینب خانم به سال ۸۷۹ ق در زادگاهش آماسیه درگذشت و در جوار مزار سلامت خاتون به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: عثمانلی مولفلری، ۴۰۸، ۲۱۹ / ۲.

خانم کوچک

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن سیزدهم هجری، خانم کوچک از زنان شاعر. وی دختر محمد بیگ پسر محب علی بیگ ترکمان و ساکن اصفهان بود. محمد زمان خان قاجار که از سوی فتحعلی شاه (۱۲۵۰ –۱۲۱۲ ق) با خدم و حشم به اصفهان تبعید گردیده بود وقتی آوازه جمال و کمال خانم کوچک را شنید از او خواستگاری کرد. اما وی و برادرانش با این ازدواج مخالفت کردند. عاقبت کار به زد و خورد کشید و فشارها و محدودیت‌هایی به پدرش وارد کردند. ناچار خانم کوچک به همسری محمد زمان خان تن داد و به خانه او رفت و مورد علاقه و احترام تمام واقع شد و ملقب به تاج‌الدوله گردید. وی دارای ذوقی سرشار و طبعی لطیف بود. دیوان شعری نیز داشته است شعر وی در مدح حضرت علی (ع) چنین است:

در عرش برین است مقام اسداللّٰه

خوانده است نبی خطبه بنام اسداللّٰه

شاهان جهانند غلام اسداللّٰه

قرآن مجید است کلام اسداللّٰه

ایجاد جهان شد ز برای اسداللّٰه

بادا سرو جانم به فدای اسداللّٰه

بودی بر پیغمبر ما نیک و خردمند

می‌داد به خویشش ز خوشی نسبت پیوند

با شیر خدا نیست کسی همسر و مانند

مصحوبی روح‌القدس از نزد خداوند

والشمس بیاید به ضحای اسداللّٰه

بادا سر و جانم به فدای اسداللّٰه

در عوج ببط رازق در موج به ماهی

یکتای به یکتایی او داده گواهی

حق داده ورا در دو جهان منصب شاهی

سر تا به قدم مظهر اوصاف الهی

پس چون بود اوصاف خدای اسداللّٰه

بادا سر و جانم به فدای اسداللّه
از روضه فردوس چو آدم شده مهجور
از ترس الهی شده آزرده و رنجور
در عرش خدا نام علی دید چو مسطور
بنمود شفیع خویش زآن نام پر از نور
پیش از همه بوده است بقای اسداللّه
بادا سر و جانم به فدای اسداللّه
چون نوح به کشتی ماند از شدت طوفان
می‌جست نجات و ز بلا بود هراسان
از حرمت نام شه دین منبع احسان
کشتیش به جودی نجات آمده آسان
پس خواند به تکرار ثنای اسداللّه
بادا سر و جانم به فدای اسداللّه
آن خضر که ره برد به سرچشمه حیوان
شاگردی او کرد ز جان موسی عمران
مشهور بود قصه‌اش از معنی قرآن
دایم به ادب بود به خدمت ز دل و جان
در حلقه خدام سرای اسداللّه
بادا سر و جانم به فدای اسداللّه
ای شاه به غیر از تو به کس نیست امیدم
هر راه بجز راه تو زان پای کشیدم
با مهر تو پیوستم و از جمله بریدم
سود دو جهان دادم و مهر تو خریدم
محسوب شوم تا به ولای اسداللّه
بادا سرو جانم به فدای اسداللّه
هرچند که داری به غریبی جگر ریش
ببریده امید تو ز بیگانه و از خویش
داری به جگر درد و الم بیشتر از پیش
ای «خان» تو بگو مدح علی هیچ میندیش
چون یار نداریم سوای اسداللّه
بادا سر و جانم به فدای اسداللّه[۱]

(س سیزدهم ق)، شاعر. ملقب به تاج‌الدوله. در اصفهان مسکن داشت و معاصر فتحعلی‌شاه و همسر محمد زمان قاجار بود. خانم کوچک دارای ذوقی سرشار و طبیعی لطیف بود. آثار وی: «دیوان» شعر.[۲]

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :[۱] منابع: از رابعه تا پروین، ۱۱۹ -۱۱۵؛ زنان سخنور، ۱۹۱ -۱۸۹ / ۱.

[۲] از رابعه تا پروین (۱۱۹ -۱۱۵)، زنان سخنور (۱۹۱ -۱۸۹/ ۱)، مشاهیر زنان (۸۳ -۸۱).

خان‌محمدی، سهراب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی اتوماتیک، دانشکده: فنی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی صنایع از دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۵۹، کارشناسی ارشد اتوماتیک از دانشگاه پل ساباتیه فرانسه، کارشناسی ارشد تخصصی در اتوماتیک پیشرفته و سیستم از دانشگاه علوم فضایی فرانسه، دکترای اتوماتیک از دانشگاه علوم فضایی کشور فرانسه.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده فنی دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مهندسی برق.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اصول سیستم‌های خطی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

هوش مصنوعی، شبکه‌های عصبی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

خانی پور ماچیانی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد خانی پور ماچیانی

محل تولد : چالوس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد خانی پور ماچیانی مشهور به خانی پور در سال ۱۳۲۰هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در ماچیان از توابع شهرستان چالوس دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و شوق ادامه تحصیل در قم، زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها وی را رهسپار قم و در سال ۱۳۴۰ وارد حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت(ع) با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۴۶ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله دوزدوزانی،آیت الله ستوده ،آیت الله صلواتی، آیت الله نوری و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته معارف اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۴۹ از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید .

وی پس از سالها تلاش و علم اندوزی در قم، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون علاوه بر مدیریت گروه معارف دانشگاه آزاد واحد رشت، در این دانشگاه و دانشگاه گیلان به تدریس دروس معارف اسلامی مشغول می باشد. وی در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و آثاری از قبیل " جهاد از دیدگاه قرآن و سنت "و "امامت استمرار راه نبوت "و غیره را به رشته تحریر در آورده است.

خانی نرسی‌آبادی، مهربان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۰ ش)، شاعر، متخلص به خانی. جد مادریش استاد بهرام بود که در مکتب خانه تدریس می‌کرد و شعر هم می‌سرود. خانی در یزد متولد شد. وی به تشویق پدر «شاهنامه»، «گلستان»، «بوستان» و «دیوان» حافظ را خواند و به شعر علاقه پیدا کرد. در ده سالگی به دستور پدر به هند رفت و چند سال به تحصیل زبان انگلیسی پرداخت. سپس به ایران بازگشت و در سمت دبیری خدمت کرد. سپس در بانک ملی مشغول به کار شد و به تهران منتقل گردید. وی پیرو آیین زرتشت بود. تیمسار کاظم شیبانی و آقا سید محمد هاشم مدیر زورنامه‌ی رسمی کشور از مشوقان وی در شاعری بودند. هنگام اقامت در یزد عضو انجمن شاعران یزد بود. خانی سه هزار بیت شعر سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۵۱۶-۵۱۰)، فرهنگ سخنوران (۲۹۹).

خاور

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

بانو خاور حائری بروجنی اصفهانی، شاعره فاضله، در ۲۱ شوال ۱۳۳۴ در بروجن متولّد، و در سال ۱۳۸۶ در اصفهان وفات یافته، در تکیه ملک مدفون گردید.

از اشعار اوست:

ای خوشا با عقل بازوی توانا داشتن

الفت و همصحبتی با شخص دانا داشتن

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خاور آذربایجانی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۰ ق)، شاعر. وی نبیره شهبازخان دنبلی و از استادان علم و ادب و طالب هنر بود بعد از فراگیری مقدمات علمی به تحصیل حکمت و طب و تاریخ و شعر پرداخت. محمودخان چندی در خوی و سلماس به طریق اسلاف خویش حکمران بود و بعد در دربار ایشک آقاسی باشی شد. وی به قصیده سرایی مایل بود. از آثار وی «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۱۳۳ -۱۳۲)، الذریعه (۲۸۷/۹)، سفینه المحمود (۶۹۳ -۶۸۴ /۲)، فرهنگ سخنوران (۲۹۹)، مجمع الفصحا (۲۸۲ -۲۷۹ /۴)، مصطبه‌ی خراب (۵۷)، نگارستان دارا (۷۸ -۷۶).

خاور قاجار

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. پدر وی عموی فتحعلی‌شاه قاجار بود و خود از زنان سخنور عصر خویش. در جوانی علوم متداول را آموخت. با شاهزاده حیدرقلی میرزا، پسر فتحعلی‌شاه، ازدواج کرد و به دستور شاه در گلپایگان و اراک به سر برد ولی، بعد از فوت شاه در تهران اقامت گزید. خاور دارای «دیوان» شعر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زنان سخنور (۱۴۲ -۱۴۱ /۳).

خاور قاجار، حیدر قلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۱۴ ق)، شاعر. مدتها حکومت گلپایگان و آن حدود را داشت. وی به اندازه‌ی لازم تحصیل کمال کرده است. خاور دارای «دیوان» شعر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۵۳۱ -۵۳۰ /۱)، الذریعه (۲۸۷/۹)، سفینه المحمود (۳۸ -۳۶ /۱)، فرهنگ سخنوران (۳۰۰)، مصطبه‌ی خراب (۵۳-۵۲).

خاور کردشتی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۲۰ ق)، طبیب و شاعر. ملقب به معلم کل. وی در لغت عربی و دانستن معانی و الفاظ مشکل بصیرت کامل داشت و مانند پدر، او نیز طبیب بود. از آثار وی: کتاب «در افشان»، در تقلید گلستان؛ «دیوان» اشعار، مشتمل بر قصاید و غزلیات.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۱۳۴ -۱۳۳)، الذریعه (۲۸۷/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۰۰).

خاور کرمانشاهی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به خاور. وی در اوایل عمر مشغول کلاهدوزی بود. در اواخر عمر دست از کسب کشید و از طریق اظهار رمل، جفر و طلسمات زندگی می‌کرد. خاور شعر نیز می‌سرود و اشعاری از وی در تذکره‌ی «حدیقه الشعراء» نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۵۳۳ -۵۳۲ /۱)، فرهنگ سخنوران (۳۰۰).

خاوری ابیوردی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر، متخلص به خاوری و سودایی. یکی از شاعران ابیورد است. بیشتر غزل می‌سرود و مضامین اشعار وی بیشتر هزل بود. در هشتاد سالگی درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۱۸/۴) لغت نامه (ذیل/ خاوری ابیوردی)، مجالس النفائس (۴۷).

خاوری تونی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از شاعران تون (فردوس) بود. اگرچه بسیار شعر می‌سرود ولی به قول تذکره‌نویسان شعرش مقام بلندی نداشته است. از اوست:

آنها که چاشنی محبت چشیده‌اند

خون در پیاله کرده و دم در کشیده‌اند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۳۲۳)، الذریعه (۲۸۸/۹)، لغت نامه (ذیل/ خاوری تونی).

خاوری خراسانی، هوشنگ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زیست‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

خاوری سمرقندی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. معاصر امیرعلیشیر نوایی و از ملازمان دستگاه عادلشاه شیبانی بود، و با وزرای آن زمان مباحثه و مجادله داشت و آنان را هجو می‌کرد. پیشه‌ی اصلی وی خیاطی بود، اما به سبب طبع روانی که داشت شعر نیز می‌سرود. اثر وی: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۲۶)، الذریعه (۲۸۸/۹)، صبح گلشن (۱۵۱)، فرهنگ سخنوران (۳۰۰)، لغت نامه (ذیل/ خاوری سمرقندی)، مجالس النفائس (۴۷).

خاوری شیرازی، فضل‌الله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به خاوری. در شیراز به دنیا آمد. بعد از کسب کمالات ندیم فرمانروای فارس شد. پس از چندی به تهران آمد و به دربار فتحعلی‌شاه راه یافت و عهده‌دار مشاغلی چند شد. خاوری طبعی روان داشت و انواع شعر بخصوص قصیده و غزل را نیکو می‌سرود. آثار وی: «دیوان» اشعار؛ «ذوالقرنین یا تاریخ صاحبقرانی»، در تاریخ قاجار؛ منظومه «یوسف و زلیخا».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۵۴۳ -۵۳۵ /۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۲۰ -۴۱۴ /۲)، الذریعه (۴۵ -۴۴ /۱۰ ،۲۸۸/۹)، روضه الصفا (۱۲۹ -۱۲۸ /۱۰)، سفینه المحمود (۵۶۳ -۵۵۷ /۲)، شرح حال رجال (۱۷۸/۶)، طرائق الحقائق (۳۳۱ -۳۳۰ /۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۲۴۶ -۹۴۵ /۲)، مجمع الفصحا (۲۸۹ -۲۸۵ /۴)، مصطبه‌ی خراب (۵۵)، نشریه‌ی دانشکده‌ی تبریز (س ۱۶، ص ۲۶۰ -۲۵۷)، نگارستان دارا (۸۰ -۷۸).

خاوری طارمی، رستم

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر، معروف به خاوری. صاحب «رساله‌ای» است در عروض در دو ورق و هفت فصل.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۸۷۷)، لغت نامه (ذیل/ خاوری طارمی).

خاوری کاشانی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۳ ق)، روزنامه‌نگار و شاعر. معروف به فخرالواعظین. وی در سال ۱۳۲۹ ق روزنامه کاریکاتوری و انتقادی تند را با نام «میزان» در تهران تاسیس کرد. سید احمد پس از انحلال مجلس، خاوری به گوشه‌ی انزوا پناه جست و با وجود شکستگی جسمی و افسردگی روحی در برابر مخالفان مردانه ایستادگی کرد. روزنامه «ثریا» که ابتدا در قاهره چاپ می‌شد، بعدها به سردبیری خاوری در کاشان منتشر گردید. با وجود آنکه خاوری در دوران زندگی اشعار فراوانی سروده، چون شخصا علاقه به نگاهداری و تدوین آنها نداشته لذا، دفتر و دیوان مدونی هم فراهم نکرده است. خاوری در ایام عزلت و گوشه‌گیری آخر عمر شاهکار ادبی خود را به نام مثنوی «زشت و زیبا» در یکهزار و پانصد بیت به رشته نظم درآورد. از دیگر آثار وی: مثنوی «محمود در مذمت تریاک».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بیداری ایرانیان (۲۳۰/۲)، جراید (۲۴۴/۴ ،۱۵۶ -۱۵۵ /۲)، الذریعه (۸۱۲/۹)، مولفین کتب چاپی (۳۸۴/۱)، یغما (س ۱۳- ص ۱۴۹ -۱۴۷).

خاوری کوزه‌کنانی، معصوم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. اصل وی از قریه‌ی کوزه‌کنان تبریز بود. نسبش به شمس تبریزی می‌رسد. خاوری در اوایل عمر به تحصیل مقدمات عربی پرداخت. از آذربایجان به عراق عجم رفت و چندی در کاشان اقامت کرد. ملک‌الشعرا فتحعلی‌خان کاشی، یکی از برادرزادگان خود را به عقد خاوری درآورد. وی به زیارت حضرت رضا (ع) رفت و در اواسط عمر توفیق طواف کعبه‌ی معظمه را یافت. خاوری در طول سفر کتابی به نام «تحفه الحرمین» در مقابل «قران السعدین» خسرو دهلوی به رشته‌ی نظم کشید و به فتحعلی‌شاه تقدیم کرد و جوایز ارزنده دریافت نمود وی از اشتغال به امور دیوانی احتراز داشت و از طریق تجارت و وزراعت امرار معاش می‌کرد. از آثار او: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۹۸/۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۳۴)، الذریعه (۲۸۷/۹)، ریاض العارفین (۲۵۸ - ۲۵۷)، سفینه المحمود (۶۹۸ -۶۹۴ /۲)، طرائق الحقائق (۲۵۸ -۲۵۵ /۳)، سفینه المحمود (۶۹۸ -۶۹۴ /۲)، طرائق الحقائق (۲۵۶ -۲۵۵ /۳)، فرهنگ سخنوران (۳۰۱)، لغت نامه (ذیل/ خاور تبریزی کوزه‌کنانی)، مجمع الفصحا (۲۸۵ -۲۸۳ /۴)، مصطبه‌ی خراب (۵۴)، مینو در (۴۳۸/۲)، نگارستان دارا (۱۹۱ -۱۹۰).

خاوری مازندرانی، محمداسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به خاوری. وی از شاعران مازندرانی بود که اشعاری در مدح میرزا آقاخان نوری سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۵۴۴ -۵۴۳ /۱)، فرهنگ سخنوران (۳۰۱).

خاوری هروی، محمدباقر

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. پس از فتح هرات به تهران آمد و در تهران ساکن شد. در کتاب «مدایح المعتمدی» فضل او ستوده شده و قصاید چندی نیز از او آمده است. سبک اشعار وی، سبک خراسانی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۸۸/۹)، لغت نامه (ذیل/ خاوری هروی).

خاوری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: خاک‌شناسی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

خاوری‌نژاد، رمضانعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زیست‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زیست‌شناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد زیست‌شناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵، کارشناسی ارشد گیاه‌شناسی از امپریال کالج دانشگاه لندن در سال ۱۳۴۷، دکترا گیاه‌شناسی از امپریال کالج دانشگاه لندن در سال ۱۳۵۰، برنده جایزه دانشجوئی گیاه‌شناسی از کالج سلطنتی لندن.

مرتبه علمی:

استاد نمونه سال ۱۳۷۱ دانشگاه تربیت معلم، دانشیار دانشکده علوم دانشگاه تربیت معلم.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فیزیولوژی گیاهی، فیزیولوژی و بیوشیمی گیاهی، فتوسنتز، رشد و نمو گیاهی و آنالیز رشد گیاهی، فیزیولوژی گیاهی و نرم‌افزار کامپیوتر (برنامه‌نویسی)، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

فیزیولوژی گیاهی و برنامه‌نویسی کامپیوتر.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۰

زمینه علمی مقالات:

فیزیولوژی گیاهی، فتوسنتز، رشد و نمو گیاهی و آنالیز رشد گیاهی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

خاوند شاه بلخی، برهان‌الدین محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، عالم دین و شاعر. پدر میرخواند است و نسبت وی به چهار واسطه به خاوند سید اجل بخاری از سادات بزرگ ماوراءالنهر می‌رسد. سید برهان‌الدین در کودکی پدرش را از دست داد و برای تحصیل علم به بلخ رفت و در اندک زمانی به مقام والایی رسید. از آنجا به هرات رفت و از صحبت مشایخ و علمای بزرگ آن شهر چون شیخ بهاءالدین عمر بهره‌مند شد، و پس از آن به هندوستان رفت. وی در پایان عمر از هندوستان به بلخ بازگشت و همان جا درگذشت. خاوندشاه شعر نیز می‌سرود. از وی «دیوان» شعری به جای مانده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریـخ نظم و نثر (۲۳۹)، حبیب السیر (۱۰۵/۴)، الذریعه (۲۸۸/۹)، روضه الصفا (۱/ مقدمه)، ریحانه (۵۵/۶)، لغت نامه (ذیل/ خاوندشاه).

خایف شیرازی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۲ -۱۲۷۸ ش)، عـالم، مـدرس و شاعر، متخلص به خایف. در شـیراز به دنیا آمـد و در هفت سالگی به سـبب آبله از چشم نابینا شد. او در بیست سالگی حافظ قرآن بود. خایف ابتدا ادبیات و مقدمات را فراگرفت و سپس به آموختن اصول و فقه و حکمت الهی و ریاضی و طبیعی روی‌آورد و با علوم جدید چون فیزیک و شیمی آشنا شد و زبانهای عربی و فرانسه را یاد گرفت. وی در خانه‌اش به تـدریس می‌پرداخت و هفته‌ای یـک بـار در شاهچراغ به منبر می‌رفت و موعظه می‌کرد. خایف در شـیراز درگـذشت و در بقعه‌ی شاهزاده محمد واقع در دروازه‌ی کازرون دفن شد. «دیوان» اشعار او چاپ شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انجمنهای ادبی شیراز (۲۷۳ -۲۷۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۰۱ -۳۹۸ /۲)، الذریعه (۲۷۷/۹)، روشندلان جاوید (۳۳۶ -۲۹۷)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۳۵/۳)، شاعر کور (۳۴۴ -۲۹۷)، فرهنگ سخنوران (۳۰۱)، مولفین کتب چاپی (۵۸۸ -۵۸۷ /۱)، مرآت الفصاحه (۱۸۶ -۱۸۴).

خائفی، پرویز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پرویز خائفی در سال ۱۳۱۵ ه.ش در شیراز از مادر زاده شد . تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان رسانید و برای ادامهٔ تحصیـل وارد دانشـکده ی ادبیات همان شـهر گردید . و به دریافت لیسانس در رشـته زبان و ادبیات فارسـی، و به تدریس در دبیرسـتان های شـیراز اشـتغال ورزیـد . سـپس عازم تهران گردیـد و دوره ی فوق لیسانس را در علوم اجتماعی گذرانیـد و به سـمت مسئول تبلیغـات و انتشـارات کمیتـه ی پیکـار بـا بی سـوادی منصـوب شـد . خـائفی از آن پس در وزارت فرهنـگ و هنربه خـدمت پرداخت و یک چند ریاست کتابخانه ی ملی فارس را عهده دار بود و اکنون ضمن تدریس در دانشگاه های آزاد و پیام نور شیراز و چند شـهر اسـتان فارس ، سرپرست مرکز حافظ شناسی در آرامگاه حافظ نیز می باشد . پرویز خائفی کار شعر و شاعری را از دوران دبیرسـتان آغاز کرد و از سال ۱۳۲۹ ه.ش بـا مطبوعـات نیز همکاری نمود .گروه : علوم انسانیرشـته : علوم اجتماعیوالـدین و انساب : پرویز خـائفی نوه میرزا اسـماعیل خـائف ،شاعر معروف و عالم متبحر شـیراز ،که فلسـفه ملاصـدرا را تـدریس می کرد و هم صاحب دیوان شـعر بود.وی با شوریده شـیرازی معاصر بود ه و هر دو از نعمت بینایی محروم بوده اند .تحصـیلات رسمی و حرفه ای : پرویز خائفی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان رسانید و برای ادامه تحصیل وارد دانشکده ادبیات همان شهر گردید و پس ازدریافت لیسانس در رشـته زبان و ادبیات فارسـی توفیق یافت ، به تـدریس در دبیرسـتانها شـیراز اشـتغال ورزید ،آنگاه عازم تهران گردیـد و دوره فوق لیسـانس را در علوم اجتماعی گذرانیـد.فعالیتهای ضـمن تحصـیل : پرویز خائفی کار شـعر و شاعری را از دوران دبیرسـتان آغاز کرد .مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : پرویز خائفی پس از اخذ مدرک کارشناسـی ارشد ، مسئول تبلیغات و انتشارات کمیته پیکار با بی سوادی گردیـد . خائفی از آن پس در وزارت فرهنگ وهنر انتقال یافت و یک چند نیز ریاست کتابخانه ملی فارس را عهده دار بود واکنون سرپرست مرکز حافظ شناسـی در آرامگاه حافظ نیزمی باشد .فعالیتهای آموزشـی : پرویز خائفی پس از اخذ لیسانس ادبیات فارسـی ، به تدریس در دبیرسـتان های شیراز به تدریس پرداخت .بعدها وی در دانشگاه های آزاد ، پیام نور شیراز و چند شهرسـتان اسـتان فارس پرداخت .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پرویز خائفی از سال ۱۳۲۹ ه.ش با مطبوعات نیز همکـاری نمود و آثـار منظوم و مقالاـتش همواره در روزنـامه و مجله هـای کشور به چـاپ رسـیده است .آثـار : از لحظه تا یقین (شـعر) ، این خاک طربناک (شـعر) ، باز آسـمان آبی است (شـعر) ، بازگشت یادنامه میرزا ی کاظمی ، پند سعدی ، حافظ در اوج ، حصار(شعر) ، مقا له ها و مقابله ها ، نگاهی به غزل حافظ

خائفی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله خائفی

محل تولد : بندرانزلی

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۹/۱۱/۱۴

زندگینامه علمی

معظم له در یک خانواده مذهبی و متدین و زاهد که با گذشت چند دهه هنوز زبانزد خاص و عام می باشد در ۱۴ بهمن سال ۱۳۰۹ شمسی در شهرستان بندر انزلی دیده به جهان گشود. دوران طفولیت و کودکی را تحت تعلیم و تربیت پدر و مادری والامقام و وارسته و پرهیزگار سپری نموده و با فرا رسیدن به سن مدرسه تحصیلات ابتدائی و مقداری از دوره متوسطه را در همان شهر سپری نموده بود که بخاطر علاقه فراوان به تحصیل علوم اسلامی و تشویق پدر بزرگوارشان در سن ۱۵ سالگی وارد حوزه علمیه شهرستان رشت شد و پس از پایان رساندن دوره مقدماتی علوم حوزوی برای کسب مقامات بالاتر عازم حوزه مقدسه قم شده و با تمام کردن دوره سطح از محضر اساتید بنام وقت در درس خارج فقه و اصول مرجع عالیقدر حضرت آیهٔ الله العظمی بروجردی (رحمهٔالله علیه) حاضر شده و بهره های فراوان برده ولی عطش درونی ایشان معظم له را در سال ۱۳۴۳ همراه با تبعید پیر و مرادش امام خمینی (ره) به نجف اشرف کشاند که از جمله اولین کسانی بود که برای استقبال امام از نجف به کاظمین آمده بودند. در نجف اشرف از محضر اساتید والامقامی همچون آیهٔ الله العظمی خوئی (ره) به مدت ۲۷ سال، مگر یک روز که آن هم علتی داشت. و به صورت مکاتبه ائی از حضرت آیهٔالله العظمی سید عبدالاعلی سبزواری(قدس الله اسرارهم) بهره های فراوان نموده که در همان دوران اول به مقام اجتهاد نائل گشتند که در آذر ماه سال ۱۳۷۰ شمسی به وطن عزیز و اسلامی ایران برگشتند و در شهر مقدس قم رحل اقامت افکندند و در طول این سالها طلاب و فضلای زیادی از کشورهای مختلف عربی از درس خارج فقه و اصول عربی ایشان و همچنین دوستان زیادی نیز از بحث خارج فقه فارسی ایشان که هنوز هم بحث خارج بیع ایشان در مدرس امام فیضیه و بحث اجتهاد و تقلید معظم له که در دفتر ایشان ادامه دارد و مخصوصا از سیره زاهدانه عملی ایشان بهره مند هستند. لازم به ذکر است که حضرت ایشان در تمامی دوران زندگی و طول عمر شریفشان در حال تحصیل و تدریس بوده و هستند که نتیجه آن تحقیقات گسترده ایشان خصوصا در فقه و اصول بصورت متن و حاشیه و تقریرات موجود می باشد که بخشی از آن به زیور طبع آراسته شده و بخش دیگر آماده چاپ و بسیاری بصورت دست نوشته و جزوات موجود است. کتابهای راهنمای ارث و سیستم قضائی اسلام در سال های ۴۳ و ۴۲ چاپ شده و کتاب ارزشمند "بحوث فی ولایهٔ الفقیه "در سال ۱۳۷۸ در اختیار اهل علم قرار گرفته است. همچنین خاطراتی از استاد خود مرحوم امام (ره) به زبان عربی توسط انتشارات کوثر به زیور طبع آراسته گردیده است. جواب با ذکر ادله بر استفتا ئات مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه ایشان آماده برای چاپ گردید". الربا و تحلیله با لحیل اشرعیه "و شرح بر رسائل ثلاث و حاشیه بر رساله مناسک حج و ... موجود است که انشاءالله جامعه علمی از آن بهره مند خواهند شد. فعالیتهای تدریسی استاد در طول تحصیل تاکنون ادامه داشته که در طی سپری شدن هر مرحله ای از درس مراحل پائین را تدریس می نمودند که از جمله آنها تدریس کتابهای سیوطی، معالم، شرح لمعه و مکاسب و کفایتین و الان درس خارج می باشد که الحمدلله طلاب و فضلائی اکنون از سفره علمی ایشان متنعم هستند.

خباز شیرازی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۰۵ ق)، شاعر. پیشه‌ی وی نانوایی بود و به هزل‌گویی علاقه‌ای وافر داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۲۱ -۴۲۰ /۲)، فرهنگ سخنوران (۳۰۲).

خباز کاشانی، حبیب‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۶ ش)، شاعر و نویسنده. در شهر کاشان به دنیا آمد. از کودکی تا بیست سالگی در نانوایی مشغول کار بود، تا اینکه به فکر سوادآموزی افتاد و به کلاسهای اکابر در مدرسه‌ی سعدی رفت و خواند و نوشتن آموخت. از همان زمان به سرودن شعر پرداخت و در انجمنهای ادبی شرکت جست. آثار وی: «دیوان» اشعار؛ «ارمغان کاشان»، درباره‌ی شعرای کاشان؛ «گل افشان»، شامل مصایب و مراثی؛ «سروده‌های انقلابی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۱۲۶۶ -۱۲۶۳ /۲).

خبازی نیشابوری

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۴۲ ق)، شاعر. وی از شاعرای است که به تصریح عروضی سمرقندی و عوفی و هدایت در شمار شعرای آل‌سامان بود و از معاصران کسایی، دقیقی، شهید بلخی و ابوالموید بلخی. از اوست:

می‌بینی آن دو زلف که بادش همی برد

گویی که عاشق است که هیچش قرار نیست

یا نی که دست حاجب سالار لشکر است

از دور می‌نماید که امروز بار نیست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۷۴/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۳۸/۱)، تاریخ نظم و نثر (۲۱)، الذریعه (۲۸۹/۹)، ریحانه (۱۲۰/۲)، شاعران بی دیوان (۱۲۴ -۱۲۳)، شعر العجم (۳۴/۱)، فرهنگ سخنوران (۳۰۲)، لباب الالباب (۲۷/۲)، لغت نامه (ذیل/ خبازی)، مجمع الفصحا (۶۰۱ -۶۰۰ /۲)، مطلع الشمس (۱۷۶/۳)، هفت اقلیم (۲۵۹/۲).

خبوشانی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۳۸ ق)، عارف و شاعر، متخلص به حاجی. از بزرگان مشایخ ماوراءالنهر و پیشوای طریقه کبرویه و فرقه‌ی ذهبیه در روزگار خود بود و نسبت ارادتش به چهار واسطه به میر سید علی همدانی می‌رسید. وی معاصر با شاه اسماعیل صفوی و از منقبت‌گویان حضرت امیر (ع) بود و مرید شیخ محمد لاهیجی و سید محمد نوربخش. خبوشانی در خوارزم درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۱۱ -۶۱۰)، لغت نامه (ذیل/ خبوشانی)، هفت اقلیم (۳۰۷ -۳۰۶ /۲).

ختایی، یوسف

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به یوسف. معروف به ایو اوغلی. اصل وی از جغتای بود و ساکن ماوراءالنهر. مولانا یوسف معاصر شاه طهماسب بود و منصب توشمالی داشت. علاوه بر اینکه خطوط مختلف را خوش می‌نوشت، در سرودن شعر به دو زبان پارسی و ترکی، بویژه در قالب غزل توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۳۹)، تحفه سامی (۳۵۱)، الذریعه (۱۳۱۸/۹).

ختلانی، برهان‌الدین عبداللّه

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۹۳ ق)، شاعر و نویسنده. در تصوف تالیفاتی چند دارد، از آن جمله: «کشف الحجاب»؛ «شرح لمعات» عراقی. وی در سرودن شعر به زبان فارسی نیز توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۳۵۸/۲)، تاریخ نظم و نثر (۳۲۹)، رشحات عین الحیات (۶۱۴ -۶۱۰ /۲).

خجسته اصفهانی، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۹۰ ق)، شاعر. مدفن او صحن امامزاده احمد، جنب مسجد شاه اصفهان است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۹۰/۹)، لغت نامه (ذیل/ خجسته اصفهانی).

خجسته‌ی کاشانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به خجسته. معروف به ندیم‌باشی. وی دبیری نیکو خط و خوش اخلاق بود. نزد عموی خویش، ابوالقاسم‌خان، فروع قواعد و قوانین ادبی و عربی را فراگرفت. خجسته در سرودن شعر مایل به شیوه‌ی منوچهری بود و اغلب قصاید و مسمط او را به نیکویی پاسخ گفته است. از آثار وی: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۱۸۰ ،۲۹۰ /۹)، شرح حال رجال (۱۸۹ -۱۸۸ /۶)، لغت نامه (ذیل/ خجسته‌ی کاشانی)، المآثر و الآثار (۲۰۲)، مجمع الفصحا (۲۷۹ -۲۴۸ /۴).

خجندی اصفهانی، صاین الدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صاین الدین خجندی اصفهانی مشهورترین شخص آل خجند بود . صاین الدین از عرفا و دانشمندان مشهور قرون ۸و۹هجری قمری به شمارمی آید . یو نواده صدرالدین ترکه خجندی است وتقریبا دردهه پنج ازسده ۸هجری قمری در شهر اصفهان می زیست .گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : صاین الدین خجندی از خاندان آل خجند بود. آل خجند درقرن پنجم هجری قمری درخاک ایران تعلیم معارف کردند تاریخ اصفهان گواه این است که چه قدر این خاندان درکارسیاست و دولتداری دور اندیش و باریک بین بودند ونیز ماهر درسیاست و حکمت وعرفان ،حامی فضل ودانش پاسدار زراعت و امارت بودند . همچنین خصلت های نجیب آل خجند باعث شده است . که آنها دررونق حمایت میهن دوم خویش یعنی اصفهان جد و جهد تمام به خرج داده وبا اعمال فضیلت دوستی و سیاست رعیت پروری نام نیک خودرا در تاریخ ایران جاودانه کردند .اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : صاین الدین خجندی و خانواده اش به «ترکه » نیز معروف بودند . صاین الدین دراین باره آورده است «حال آنست که قوم این فقیر درعراق به علم وتقوا ممتاز بودند . وی به گوشه نشینی و ملاح مخصوص چون امیر بزرگ .... سایه چتر تسخیر بدان دیار انداخت . وجوه اعیان آن را فرمود کوچانیدن برادر انم درحیات بودند ،ایشان رابه تربیت مخصوص گردانید به واسطه قدمت نسبی که معلوم فرموده بودند که اجداد بندگان از خجند بوده اند و لقب ترکه از آنجاست .تحصیلات رسمی و حرفه ای : صاین الدین خجندی سالیان دراز نزد برادرش خواجه نصیر الدین محمد ترکه خجندی اصفهانی ،درس خوانده و دررشته های مختلفی همانند فقه ،علوم غریبه ،حروف ، تصوف ، فلسفه و منطق مهارت خوبی پیدا کرده است .وقایع میانسالی : یکی ازوقایع مهم دوران میانسالی صاین الدین خجندی، فتح اصفهانی توسط سپاهیان امیر تیمور گورکانی است . دراین بین صاین الدین به همراه برادر انش به عنوان غنایم به شهر سمر قند آورده شده اند و زندگی تاز ه ای را از سرگرفتند .زمان و علت فوت : صاین الدین خجندی درسال ۸۳۵ هجری قمری درهرات فو ت کرد . هر چند ک سالهای ۸۳۰ و ۸۳۶ ازنیز درمورد وفات او آورده اندلیکن ۸۳۵ دقیقتر می نماید .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : صاین الدین خجندی درسال ۸۰۹ هجری قمری توسط شاهرخ گورکانی به عنوان قاضی یزد برگزیده شد . صاین الدین خجندی مدتی هم برمسند قضای شهرنشینی بور نشسته است .فعالیتهای آموزشی : صاین الدین خجندی درزمینه تصوف ، عرفان ، فقه ،کلام ،اخلاق ،منطق ،حروف ،شعر و ادب تالیفات گرانبهایی به میراث گذاشته است . برخی از محققان که آثار فلسفی صاین الدین را معرفی و تا حدودی بررسی کرده اند او را به عنوان « اسپینوزای ایران » گفته اند . در حقیقت افکار فلسفی و عرفانی صاین الدین درمقایسه با همزمانان خود در سطح بالایی قرار دارد و شایسته ستایش است .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شعر وشاعری از جمله فعالیتها وبرنامه ریزی های روزمره صاین الدین خجندی بود . غزل صاین الدین خجندی از اندیشه های بلند عرفانی برخوردار است و لطافت شعرو موسیقی آن هم کم نیست .همفکران فرد : قاضی زاده رومی ، شرف الدین علی یزدی ، سید شریف حسین اخلاطی و علاء الدین گیلانی از جمله همفکران صاین الدین خجندی بودند .آرا و گرایشهای خاص : صاین الدین خجندی سبک و سلوک نگارش بسیار جذابی داشت . صاین الدین درنوشتن مطالب عرفانی و فلسفی موفق بوده و درگفتن شعر فارسی و عربی نیز هنر نمایی کرده است .آثار : ۱ نفثه المصدور اول ویژگی اثر : صاین الدین این کتاب را تقریبا ۸۲۹ هجری قمری ، خطاب به پادشاه گورکانی نوشته است .

منابع زندگینامه :بایمت اف ، لقمان ،درباره احوال و آثار صاین الدین خجندی ،کیهان فرهنگی ، سال هیجدهم ،شهریورماه ۱۳۸۰ ، پیاپی ۱۷۹ ، صص۴۸-۴۹

خجندی، ابوبکر، محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۸۳ ق)، فقیه شافعی. وی از خاندان مشهور خجندیان بود که در مرو مسکن داشت. خواجه نظام‌الملک او را به خاطر فضل و بلاغتش جهت تدریس در نظامیه‌ی اصفهان بدان شهر برد و خاندانش در آنجا شهرت و ریاست یافتند. خجندی در اصفهان جاه و مکنت عظیمی یافت. از آثار وی: «روضه المناظر و زواهر الدر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دایرةالمعارف فارسی (۲۸/۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۷۶/۱)، کشف الظنون (۹۳۲)، لباب الالباب (۳۵۴)، لغت نامه

(ذیل/ خجندی).

خجندی، ابومحمود حامد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۳۹۰ ق)، ریاضیدان. از معاصران ابوالوفاء جوزجانی و فخرالدوله دیلمی بود و نزد فخرالدوله دیلمی تقرب داشت و کارهای علمی خود را به نـام وی انجـام می‌داد. از جمله برای رصـد کواکب و یـافتن طول فلکی آنـان اسـبابی به نام «سـدس فخری» ساخت. ابوریحـان بیرونی در شـهر ری بـا خجنـدی ملاقات کرده و کتابی از وی دیـده که در آغاز آن کتاب خجنـدی «شـکل مغنی» را بیان کرده و همه‌ی مطالب کتـاب را بر آن شـکل بنا کرده و آن شـکل را «قانون الهیه» نامیـده است. در هر صورت وی با بیرونی مباحثه علمی داشته و چند بار در کتابهای «قانون مسعودی» و تجدید الاماکن» از خجندی نام برده است. از وی چند کتاب درباره‌ی نجوم و ابزارهای نجومی در دست است اما، تنها اثر ریاضـی که از وی باقی مانده، رساله‌ای است مختصر متعلق به یک مجموعه در کتابخانه خدیویه‌ی مصر موسوم به «مسائل متفرقه هندسیه لبعض العلماء» که دارای دوازده مساله است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریـخ نجوم اسـلامی (۳۰۵)، دایرةالمعـارف فارسـی (۸۸۴/۱)، زنـدگینامه‌ی ریاضـیدانان (۲۳۶ -۲۳۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۳۳/۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۴۵).

خجندی، صدرالدین، عبداللطیف

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۲۳ ق)، شـاعر و ادیب. وی از خـانواده‌ی خجنـدیان اصـفهان است که در آن شـهر صـاحب ریـاست بوده‌انـد. صدرالـدین از بزرگان زمان خویش بود که علاوه بر منصب صدارت او را شـعری بود مطبوع و در تازی و پارسـی و نظم و نثر قدرت او کامل. وی به دست اسماعیلیه کشته شد و اشعاری از او در تذکره «لباب الالباب» نقل شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :لباب الالباب (۴۰۴، ۳۱۶-۳۱۵ /۱)، لغت نامه (ذیل/ خجندی).

خدابخش یزدی، اردشیر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۶۵)، شـاعر و نویسـنده. وی از زرتشتیانی بود که مباحثات و مناظرات زیادی با بزرگان و علمای اسـلام کرده است. خـدابخش مباحثات مذکور را در مجموعه‌ای به نام «تیغ» جمع‌آوری کرده است. اردشیر شعر نیز می‌سرود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۱۲۹ -۱۲۸)، فرهنگ سخنوران (۳۰۳).

خدابخش، رسول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته، فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: ارومیه

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسـی ارشـد در گرایش فیزیـک و تکنولوژی نیروگاههای هسـته‌ای از دانشـگاه بیرمنگام انگلسـتان، دکترا در بررسـی تئوری و عملی پراکندگی نوترونهای کند از دانشگاه بیرمنگام انگلستان در سال ۱۳۶۰.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه ارومیه.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فرصت مطالعاتی در استرالیا در زمینه جوش و گداخت هسته‌ای، محاسبات شرایط جوش و گداخت هسته‌ای برای سوختهای هسته‌ای دوتریـم- دوتریم، دو تریم- ترتییـوم، دو تریم- هلیـوم III و برخی از هسته‌های سبک که امکـان اسـتفاده تولیـد انرژی در مقیاس بزرگ باشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

Laser Interaction and Related Plasma Phenomeno

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۱

زمینه علمی مقالات:

در خصوص پراکندگی نوترونهای کند از آلیاژها و تعیین خواص آنها، محاسبات تئوریک شرایط جوش و گداخت هسته‌ای ساچمه‌های سوختی برای نیروگاههای جوش هسته‌ای.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

خداینده آشتیانی، ناصر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زراعت و اصلاح نباتات، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

خداپناهی، محمدکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمدکریم خداپناهی، در سال ۱۳۲۳ ش. در قزوین به دنیا آمد.وی پس از اتمام دورهٔ دبیرستان در سال ۱۳۴۳ جهت تحصیل به کشور آلمان مسافرت کرد.تا مقطع کارشناسی ارشد رشته روانشناسی به تحصیل پرداخت .دوره دکترا را با اوج‌گیری مبارزات مردم مسلمان ایران در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ رها کرد و به کشور بازگشت . او از تحصیل باز پس ننشست و در اولین دورهٔ امتحان دکترای روان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۶۹ شرکت کرد و پس از قبولی و گذراندن دورهٔ دکترای روان‌شناسی در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ مدرک دکترا شد.ایشان هم اکنون در دانشگاه شهید بهشتی مشغول تدریس مس باشد. کتاب" روان‌شناسی فیزیولوژیک " تالیف محمد کریم خدا پناهی، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : روان شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد کریم خدا پناهی پس از اتمام دورهٔ دبیرستان در سال ۱۳۴۳ جهت تحصیل به کشور آلمان مسافرت کرد. در آلمان پس از فراگیری زبان آلمانی و طی دورهٔ کالج دانشگاهی مونیخ و پس از موفقیت در امتحانات نهایی کالج وارد دانشگاه شهر کنستانس آلمان شد و در رشتهٔ روان‌شناسی فیزیولوژیک، به عنوان رشتهٔ اصلی و رشتهٔ بیولوژی به عنوان رشتهٔ فرعی، مشغول به تحصیل شد. در سال ۱۳۵۴ موفق به اخذ درجهٔ فوق‌لیسانس روان‌شناسی فیزیولوژیک شد و در دورهٔ دکترای همین رشته به تحصیل ادامه داد. با اوج‌گیری مبارزات مردم مسلمان ایران در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ به کشور بازگشت و تحصیل در دورهٔ دکترا را ناتمام گذاشت. ایشان در اولین دورهٔ امتحان دکترای روان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۶۹ شرکت کرد و پس از قبولی و گذراندن دورهٔ دکترای روان‌شناسی در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ مدرک دکترا شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد کریم خدا پناهی پس از انقلاب در سازمان صدا و سیما، وزارت امورخارجه و نخست‌وزیری مشغول به کار شد و از سال ۱۳۶۳ به دانشگاه انتقال یافت و به عنوان عضو هیأت علمی در دانشکدهٔ علوم تربیتی و روان‌شناسی استخدام شد. خلاصه ای از سوابق کاری و اجرایی دکتر محمد کریم خدا پناهی به قرار یزر است: معاون صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران ۱۳۵۸-۱۳۵۹ معاون و سرپرست وزارت امور خارجه ۱۳۵۹-۱۳۶۰ مشاور نخست وزیری ۱۳۶۰-۱۳۶۳ عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۶۳ ریاست دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی ۱۳۶۳-۱۳۷۱ معاون آموزشی دانشگاه ۱۳۶۷-۱۳۶۸ ریاست مرکز خدمات مشاوره ای دانشگاه ۱۳۷۳-۱۳۷۷ عضویت در مراکز علمی و پژوهشی : گروه روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی، گروه تخصصی روانشناسی دانشگاه تربیت مدرس، شورای پژوهشی مرکز علوم رفتاری بقیه ا...، کمیته تحصیلات تکمیلی حوزه و دانشگاه، انجمن ایرانی روانشناسی، شورای علمی مجله روانشناسی، شورای علمی فصلنامه روانشناسان ایرانی، شورای علمی مجله معرفت فعالیتهای آموزشی : محمد کریم خدا پناهی مدت هیجده سال است که در دانشگاه شهید بهشتی به انجام وظایف آموزشی و پژوهشی اشتغال دارند.آرا و گرایشهای خاص : علایق پژوهشی : روان شناسی فیزیولوژیک ، نورو سایکولژی، انگیزش و هیجان زمینه تخصصی : - مجری طرح تحقیق روانشناسی اجتماعی با نگرشی به منابع اسلامی ۱۳۷۷ حوزهدانشگاه - مجری طرح تحقیق روانشناسی اجتماعی با نگرشی بهمنابع اسلامی ۱۳۷۸حوزه دانشگاه - مجری طرح بررسی نقش راهبردهای شناختی و انگیزشی درپیشرفت تحصیلی و کاهش مشکلات روان شناختی دانشجویان رشته های علوم انسانی دانشگاهشهید بهشتی ۱۳۷۹ جوائز و نشانها : کتاب" روان‌شناسی فیزیولوژیک " تالیف محمد کریم خدا پناهی، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان

کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : تعداد مقاله های چاپ شدهٔ دکتر خداپناهی در مجلات مختلف : بیش از ۲۳ مورد برخی از مقالات نشر یافته: ۱. «روی آوری به روش های تحقیق در نور و سایکولوژی» پژوهشنامهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شمارهٔ ۱۹، سال ۱۳۷۵. ۲. «بررسی نقش تهییج طلبی در تحکیم روابط زناشویی» پژوهشنامهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شمارهٔ ۲۳، سال ۱۳۷۷. ۳. «روی آورد زیست شیمیایی تخدیرطلبی» مجلهٔ روان شناسی، شمارهٔ ۶، سال ۱۳۷۷. ۴. «بررسی رابطهٔ تهییج طلبی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی با فعالیت ورزشی، سرعت رانندگی و شرکت در مراسم مذهبی» مجلهٔ روان شناسی، شمارهٔ ۹، سال ۱۳۷۸. ۵. «بررسی رابطهٔ تحقق شرح وظایف مدیران مدارس بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان» مجلهٔ روان‌شناسی شمارهٔ ۱۱، سال ۱۳۷۸. ۶. «بررسی نقش ساخت شخصیت در جهت¬گیری مذهبی دانشجویان» مجلهٔ روان شناسی، شمارهٔ ۱۴، سال ۱۳۷۹. ۷. «بررسی نقش راهبردهای شناختی و انگیزشی در پیشرفت تحصیلی و کاهش مشکلات روان‌شناختی دانشجویان» مجلهٔ روان‌شناسی، شمارهٔ ۱۶، سال ۱۳۷۹. آثار : ۱ روان شناسی احساس و ادراک ویژگی اثر : چاپ ششم، سازمان سمت، ۱۳۸۰.۲ روان‌شناسی انگیزش و هیجان ویژگی اثر : چاپ سوم، سازمان سمت، ۱۳۸۱.۳ روان‌شناسی فیزیولوژیک ویژگی اثر : تالیف،چاپ اول، سازمان سمت، ۱۳۸۰.این کتاب ، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «روان‌شناسی فیزیولوژیک» روان‌شناسی فیزیولوژیک/ محمدکریم خداپناهی؛ ویراستهٔ بتول اخوی راد. ـ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) ، ۱۳۸۰.دوازده، ۳۹۸ص.:مصور(بخش رنگی)، جدول، نمودار.واژه‌نامه.کتابنامه: ص. ۳۹۳ـ۳۹۸. روان‌شناسی فیزیولوژیک به عنوان علم میان‌رشته‌ای به بررسی رابطه بین مغز و رفتار می‌پردازد و در آن، رشته¬های مختلف علوم از قبیل زیست‌شناسی، داروشناسی، فیزیولوژی اعصاب، روان شناسی اعصاب، کالبد شناسی اعصاب و شیمی اعصاب مشارکت دارند.با توجه به اهمیت موضوع و قلّت منابع در این¬باره به زبان فارسی، این اثر از جمله کوشش‌های ارجمندی است که برای یکی از دروس پایهٔ روان‌شناسی صورت پذیرفته است.کتاب حاضر در چهار بخش و چهارده فصل سامان یافته است. در ابتدا، مبانی روان‌شناسی فیزیولوژیک، شامل تعریف و روش‌های تحقیق آن، ساختار و کنش سلول‌های دستگاه عصبی، سیناپس‌ها و ناقل‌های عصبی و ساخت و وظایف دستگاه عصبی ارائه شده و سپس، چگونگی سازوکار نظام‌های ادراک حسی و دستگاه حرکتی در ابعاد فیزیولوژیک و روان‌شناختی بر اساس یافته‌های پژوهشی مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش سوم، در بیان رفتارهای انگیزشی، روان‌شناسی بیداری و انواع هشیاری، چرخه‌های زیستی، سازوکار خواب و رؤیا، مفاهیم اساسی انگیزش، رفتار جنسی، انگیزه‌های اکتسابی و تخدیرطلبی و پسیکوفیزیولوژی هیجان بحث شده و در خاتمه مبحث یادگیری و حافظه و فرایند شناختی (تفکر) مطرح شده است.گستردگی و جامعیت مباحث و همبستگی مطالب، استناد به منابع و مآخذ معتبر و دست اوّل، تحلیل عمیق موضوعات، استفاده از تصاویر مناسب و به ویژه تصاویر رنگی برای توضیح مطالب، با توجه به ضرورت تدوین کتاب درسی جامعی دراین باره، از امتیازات اثر حاضر است ۴ فیزیولوژی عمومی (اعصاب و غدد داخلی) ویژگی اثر : چاپ اول، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰.

خدادادیان، اردشیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تاریخ از ایران.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تاریخ تمدن و فرهنگ ایران باستان، استاد کلیه دروس در این زمینه در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد، استاد خطوط و زبانهای ایران باستان، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

تاریخ ایران و جهان، کرونولوژی تاریخ جهان.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

تاریخ، تمدن و فرهنگ ایران باستان، زبانهای ایران باستان، کرونولوژی تاریخ جهان.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

خدامی، اسدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسدالله خدامی

محل تولد : امام زاده قاسم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۸/۱

زندگینامه علمی

اینجانب دوره ابتدایی را در روستای خودمان که امام زاده قاسم از توابع رزن میباشد گذراندم .آن هم در یک کلاسی که پنج پایه ابتدایی درآن تدریس می‌شد. البته باید به این مطلب اشاره کنم که وقتی پایه ای بالاتر می رفتیم معلم را در دیکته گفتن ومشق دیدن کمک می کردیم .دوره راهنمایی را در روستای همجوارخودمان یعنی نیر گذراندم که آیت الله نیری که در دفتر آیت الله العظمی گلپایگانی می‌باشد اهل روستای نیر می‌باشد. دوره دبیرستان رادرشهرستان کردهٔ درجزین گذراندم و سال ۱۳۷۲ دیپلم گرفتم و با عشق وعلاقه ای که به حوزه داشتم با اینکه درس خوبی دردبیرستان داشتم آمدن به حوزه را بردانشگاه ترجیح دادم واز داشتن این توفیق خدای را شاکرم. تا پایان پایه ششم درحوزه ای بنام نبی اکرم(صلی الله علیه وآله وسلّم) تهران گذراندم در شرایط پذیرش این حوزه فقط داشتن دیپلم بود که در آن زمان این شرایط کمتر در حوزه رعایت می‌شد . سال ۱۳۷۷وارد حوزه علمیه قم شدم و یک سال بعد از ورودم به حوزهٔعلمیه قم وارد تخصصی تبلیغ شدم. درطی سه سال و نیم موفق به اخذ سطح ۲ تبلیغ شدم و بعد از کارشناسی ارشد مشغول شدم که امسال سال آخر کارشناسی ارشد تبلیغ را می گذرانم که البته سال دیگر هم باید مکالمه یاد بگیریم چون گرایش تبلیغی من در کارشناسی ارشد خارج کشور می‌باشد . البته باید به نکته ای اشاره کنم از همان سال های ابتدائی که نوشتن انشاء شروع شد بهترین انشاء را می نوشتم حتی در راهنمایی و دبیرستان هم در نوشتن انشاء رقیبی نداشتم و تمام معلم های انشاء که داشتم دردوران ابتدائی وراهنمایی ودبیرستان هر جلسه مرا می بردند پای تخته تا ببینند این دفعه چه نوشته ام و در کار شعر هم از همان کودکی با نوشتن شعر علیه مضرات سیگار شروع کردم چون معلم درباره سیگار موضوع داده بود من هم بعد از نوشتن موضوع انشاء آنرا به شعر درآوردم . درحوزه هم این استعداد خدادای را رها نکردم . بیشترین اوقات من به نوشتن است .حتی تمام دروس را دسته بندی می‌کنم و یا کتابی که خوب باشد خلاصه نویسی می کنم . وظیفه اصلی خود را درحوزه خواندن درس و مشغول بودن به تبلیغ می دانم چون رسالت اول و آخر ما طلبه ها باید تبلیغ دین باشد .

خداوردی، امیر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیر خداوردی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۹/۱/۱

زندگینامه علمی

طبق رویه معمول در سن ۷ سالگی به مدرسه ابتدایی رفته و در سال ۱۳۷۷ از دبیرستان چمران اسلامشهر،تهران،در رشته علوم انسانی فارغ التحصیل شدم سپس به مدرسه علمیه قائم(عج)چیذر رفته و تحصیلات حوزوی را شروع نمودم،طی ۳ سال با ادبیات عرب(نحو و صرف) در حد مطلوبی آشنا شدم و بعد از آن ازدواج نمودم طی ۲ سال فقه و اصول مقدماتی(لمعه و اصول فقه)را گذراندم و در همین ایام بود که با جنجال یکی از حضرات دانشگاهی به نام آقای آغاجری به پژوهش در زمینه تقلید دست زدم که بعد از قریب به ۳ سال با نام،اصلاح اصطلاح، به عنوان کتاب به چاپ رسید در این میان مدتی به دانشگاه رضوی مشهد رفته... رشته حقوق،اما به دلایلی انصراف داده و به قم آمدم و به فقه و اصول مشغول شدم.

نام برخی از اساتید:

۱. استاد فخار طوسی/فقه(مکاسب)/۱۳۸۲

۲. استاد فاطمی/اصول فقه/رسائل/۱۳۸۲

۳. استاد نکونام/فقه/مکاسب/۱۳۸۲

۴. آیهٔ ا... یوسف صانعی/فقه/خارج مکاسب/۱۳۸۳

خدایار

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطاط. از خوشنویسان گمنام بود. به خط وی مرقعی است به قلم دو دانگ و کتابت خوش، با رقم: «کتبه اضعف العباد خدایار سنه‌ی ۱۱۶۳».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۷۵/۱).

خدایاری فرد، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد خدایاری فرد در سال ۱۳۲۹ در شهر همدان به دنیا آمده است.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی والدین و انساب : نام پدر محمد خدایاری فرد علی پاشا و نام مادر سکینه می باشد. خاطرات کودکی : محمد خدایاری فرد از دوران کودکی خود چنین یاد می کند: دوران کودکی خود را در شهر همدان سپری نمودهام. بیشترین خاطرات بر میگردد به عباس آباد و گنج نامه و کوه الوند و میدان میشان. چون آخرین فرزند خانواده بودهام به اندازه کافی مورد محبت و توجه پدر و مادر و سایرین قرار داشتم.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر محمد خدایاری فرد کارمند اداره دارائی و شرایط خانوادگی از نظر اقتصادی در حد متوسطی بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد خدایاری فرد تحصیلات ابتدایی خود را از کلاس اول تا پایان دوران دبیرستان در شهر همدان بود و دیپلم خود را از دبیرستان رضا شاه (سابق) اخذ نمود. تحصیلات تکمیلی خود را در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد از دانشگاه علامه طباطبایی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۶ آغاز و در سال ۱۳۶۰ به پایان رسانید. مدرك دکترای خود را در رشته رواشناسی از کشور استرالیا از دانشگاه ولنگنگ به پایان رسانید.خاطرات و وقایع تحصیل : بیشترین خاطرات محمد خدیاری فرد در دوران دبیرستان بود که هم فعالیتهای مذهبی و هم فعالیتهای سیاسی داشته است.فعالیتهای ضمن تحصیل : محمد خدایاری فرد در دوران دبیرستان علاوه بر فعالیتهای مذهبی و سیاسی در تابستانهای هر سال برای کسب درآمد مشغول به کار میشد در دوران ابتدایی در تابستانها مشغول نجاری بود و ضمنا "در دندان سازی شوهر خواهرش نیز کار می کرد.استادان و مربیان : محمد خدایاری فرد در دوران دبیرستان در کلاسهای آقای دکتر اکرمی (وزیر اسبق آموزش و پرورش) و در جلسات خصوصی شهید مدنی شرکت می کرد.هم دوره ای ها و همکاران : آقای علی آقا محمدی عضو شورای تشخیص مصلحت نظام، آقای مصطفی رحماندوست شاعر و از چهرههای ماندگار ، آقای مجتبی رحماندوست مشاور رئیس جمهور در امور جانبازان از همدورهایهای جلسات مذهبی محمد خدایاری فرد در دوران دبیرستان هستند. همسر و فرزندان : همسر محمد خدایاری فرد اکرم علوی نیز روانشناس است که در مدرسه عالی پارس هر دو دانشجو بود و ازدواج کرد و ایشان نیز از فعالان مذهبی و سیاسی در آن دوران بودند. دو تا دختر بنام صبا و سارا دارد که اولی کارشناس ارشد روانشناسی بالینی و دومی کارشناس ارشد رشته کامپیوتر است. وقایع میانسالی : محمد خدایاری فرد از وقایعی که برایش اتفاق افتاده است اینطور یاد می کند: در سال ۱۳۵۰ به اتهام اقدام علیه امنیت کشور توسط ساواک دستگیر شدم و در زندان اوین به مدت ۴ ماه زندانی بودم که دو ماه آن انفرادی بود و در سال ۱۳۵۱ آزاد شدم. به مدت یکسال نیز در جنگ تحمیلی همراه با شهید چمران بودم که عدهای از دوستان نزدیک دوران کودکیم شهید شدند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد خدایاری فرد پست های اجرایی خود را از مدیریت گروه روانشناسی تربیتی و مشاوره و عضو هیأت علمی و معاون آموزشی دانشکده روانشناسی وعلوم تربیتی دانشگاه تهران آغاز نمود. و به عنوان عضو هیأت مدیره و معاون اداری و آموزشی در کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران و شرکت ملی نفتکش ایران ادامه داد. از دیگر فعالیتهای وی به شرح زیر می باشد: عضو انجمن بینالمللی روانشناسی بالینی (ISCP) عضو انجمن روانشناسان استرالیا (APS) عضو انجمن علوم شناختی ایران عضو انجمن روانشناسی ایران عضو سازمان نظام روانشناسی و مشاوره ایران عضو کمیتهٔ تخصصی مبانی روانی آموزش و پرورش عضو شورای برنامهریزی و سیاستگذاری عضو هیأت داوران و دبیر گروه علوم تربیتی و روانشناسی نهمین و دهمین دورهٔ انتخاب و معرفی پژوهش فرهنگی سال عضو کمیسیون علمی ـ پژوهشی «انسان و سلامت» همایش کشوری «گفتگوی علم و دین: مفهوم حیات، انسان و مباحث کاربردی» عضو هیأت داوران پژوهشهای روانشناسی و علوم تربیتی پنجمین، ششمین و هشتمین دورهٔ انتخاب و معرفی پژوهش فرهنگی سال عضو هیأت داوران بررسی کتابهای روانشناسی عضو هیأت داوران پژوهشهای علوم انسانی، چهاردهمین جشنواره بین المللی خوارزمی عضو گروه پژوهشی مرکز مشاوره دانشجویی دانشگاه تهران عضو هیات تحریریه مجله روانشناسی و علوم تربیتی عضو هیات علمی مجله علوم روانشناختی عضو هیات داوران مجلهٔ علوم اجتماعی و انسانی عضو هیات داوران مجله مطالعات روانشناختی عضو هیات داوران مجلهٔ پژوهشهای روانشناختی عضو هیات داوران مجلهٔ روانشناسی و علوم تربیتی فعالیتهای آموزشی : محمد خدایاری فرد فعالیت آموزشی خود را در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد از دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی, دانشگاه تهران در رشته روانشناسی در گرایش های مختلف آغاز کرد. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : محمد خدایاری فرد در تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، همراه با دکتر ابراهیم یزدی، بهزاد نبوی، ابوشریف، محسن رفیق دوست و سایرین نقش داشته و هسته های نظامی را تشکیل داد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : بیشترین فعالیتهای روزمرهٔ آموزش و پژوهش در دانشگاه تهران و انجام فعالیتهای روان درمانی در مطب خصوصی است. محمد خدایاری فرد به عنوان مشاوره و کارشناس روانشناسی بالینی و روان درمانگری بالینی در مراکز مشاوره خصوصی و مرکز مشاوره دانشگاه تهران آغاز نمود. وی شرکت در دورههای مختلف (آموزشی، پژوهشی و اجرایی) را به عهده داشته است. او بعنوان مجری

اصلی و همکاری پژوهشی در پروژه‌های تحقیقاتی تصویب شده شرکت داشته است و همچنین در پایاننامه های سرپرستی شده یا مشاوره شده به عنوان استاد راهنما شرکت داشته است.شاگردان : محمد خدایاری فرد در این باره چنین می گوید: دانشجویان زیادی را آموزش داده ام که عده‌ای از آنها اکنون خود، محقق و عضو هیات علمی دانشگاه می باشند.همفکران فرد : از همفکران محمد خدایاری فرد می توان به موارد زیر نام برد: ۱ – دکتر غلامعلی افروز ۲ – دکتر خسرو باقری نوعپرست ۳ – دکتر مجتبی رحماندوست ۴ – دکتر محسن شکوهی یکتا ۵ – دکتر جعفر بوالهری ۶ – دکتر باقر غباری بناب آرا و گرایشهای خاص : محمد خدایاری فرد آرا و گرایشهای خاص بیشتر در زمینه روان درمانگری و بخصوص خانواده درمانی شناختی – رفتاری است و همچنین در زمینه روانشناسی دین از جمله ساخت مقیاسهای دینی است.جوائز و نشانها : محمد خدایاری فرد موفق به جوائز : یازدهمین دوره انتخاب پژوهش فصل فرهنگی سال ۱۳۸۵ توسط وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی و اولین همایش بین المللی نقش دین در بهداشت روان سال ۱۳۸۰ توسط ریاست محترم مجلس شورای اسلامی و چهارمین دورهٔ انتخاب و معرفی پژوهش فرهنگی سال ۱۳۷۸ توسط وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی شده است. چگونگی عرضه آثار : محمد خدایاری فرد ۴۴ مقاله درزمینه های مختلف روان شناسی و همچنین ۳۹ مقالات در همایش، کنفرانس و غیره ارائه داده است.آثار : ۱ Student's and their parents, attribution style, trait anxiety, and socio- demographic factors as teachers, perceptions of academic performance in late childhood. ویژگی اثر : پایان نامه دوره دکترای در سال ۱۹۹۹۲ ارزیابی و شناخت ـ رفتار درمانی نوجوانان ویژگی اثر : ۱۳۸۳ تهران / ایران انتشارات رشد ترجمه: خدایاریفرد، محمد۳ استرس و روشهای مقابله با آن استرس، علائم و تأثیرات آن ویژگی اثر : ۱۳۸۶(زیرچاپ) تهران / ایران انتشارات دانشگاه تهران تالیف۴ تشخیص و درمان اختلالات روانشناختی کودک و نوجوان ویژگی اثر : ۱۳۸۵ تهران / ایران انتشارات یسطرون تدوین۵ چگونه آرام باشیم و فشار روانی را کاهش دهیم؟ ویژگی اثر : ۱۳۷۸ تهران / ایران دفتر مرکزی مشاورهٔ دانشجویی وزارت فرهنگ و آموزش عالی و مرکز مشاورهٔ دانشجویی دانشگاه تهران تالیف۶ خانواده درمانی اختلالات کودکان و نوجوانان: با تأکید بر فنون شناختی ـ رفتاری ویژگی اثر : ۱۳۸۶(زیرچاپ) تهران / ایران انتشارات دانشگاه تهران تالیف۷ روان درمانی چیست؟ ویژه دوره نوجوانی و جوانی ویژگی اثر : ۱۳۸۲ تهران / ایران انتشارات انجمن اولیاء و مربیان ترجمه:خدایاریفرد، محمد (چاپ دوم)۸ روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان ویژگی اثر : ۱۳۸۶(زیر چاپ) تهران / ایران انتشارات دانشگاه تهران تالیف۹ روانشناسی مرضی کودک و نوجوان ویژگی اثر : ۱۳۸۵ تهران / ایران انتشارات دانشگاه تهران تالیف۱۰ طبقه‌بندی و تشخیص اختلالات روانشناختی ویژگی اثر : ۱۳۸۶(زیرچاپ) تهران / ایران انتشارات دانشگاه تهران ترجمه۱۱ فنون ارزیابی روانی– تربیتی (کاربرد آزمون‌های تشخیصی و شخصیت) ویژگی اثر : ۱۳۸۶(زیرچاپ) تهران / ایران انتشارات دانشگاه تهران تالیف۱۲ مبارزه با افسردگی ویژگی اثر : ۱۳۷۸ تهران / ایران دفتر مرکزی مشاورهٔ دانشجویی وزارت فرهنگ و آموزش عالی و مرکز مشاورهٔ دانشجویی دانشگاه تهران تالیف۱۳ مسائل دوران کودکی و نوجوانی ویژگی اثر : ۱۳۸۲ تهران / ایران انتشارات یسطرون تالیف۱۴ مسائل نوجوانان و جوانان ویژگی اثر : ۱۳۸۵ تهران / ایران انتشارات انجمن اولیاء و مربیان تالیف(چاپ دهم با تجدیدنظر)۱۵ مشاوره شناختی ـ رفتاری ویژگی اثر : ۱۳۸۵ تهران / ایران انتشارات دانشگاه تهران ترجمه: خدایاریفرد، محمد۱۶ مشاوره: مبانی روان شناختی ویژگی اثر : ۱۳۸۱ تهران / ایران انتشارات یسطرون تالیف۱۷ مشکلات سلامتی نوجوانان و جوانان ویژگی اثر : ۱۳۸۶(زیرچاپ) تهران / ایران انتشارات دانشگاه تهران تالیف۱۸ مصاحبه های بالینی با کودکان و نوجوانان ویژگی اثر : ۱۳۸۲ تهران / ایران انتشارات دانشگاه تهران ترجمه: خدایاریفرد، محمد(چاپ دوم)۱۹ مقایسه ارزشهای مذهبی, سیاسی, اجتماعی, اقتصادی, زیبایی و نظری دانشآموزان سال چهارم دبیرستانها در مناطق چهارگانه تهران ویژگی اثر : پایان نامه دوره کارشناسی ارشد درسال ۱۳۶۰

خدایی اصفهانی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۹ ق)، شاعر، متخلص به خدایی. وی از سادات درب امامی بود. مدتی مقدمات علوم ادبی را در مدارس قدیم آموخت و بعد در بازار به کسب و کار اشتغال ورزید. گاهی بر حسب اقتضای حال اشعاری می‌سرود. وی در انجمن ادبی شیدا شرکت می‌کرد خدایی دارای « دیوانی» قریب سه هزار بیت است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ شعرای معاصر اصفهان (۴۲۲ –۴۲۱).

خدایی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا خدائی

محل تولد : پلدختر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا خدائی به سال ۱۳۵۱ در شهر پلدختر که اینک شهرستان شده به دنیا آمدم، بخش عمده تحصیلات ابتدائی و راهنمائی و دبیرستان را در همان جا سپری نمودم. پس از مراجعت از جبهه با مطالعه آثار و اندیشه های فیلسوف و متفکر گران .... مرحوم استاد مطهری رضوان الله علیه عطش طلب علوم دینی در جانم شعله ور گردید تا آنجا که علی رغم قبولی در دانشگاه شهید چمران اهواز رشته دبیری زبان انگلیسی آن را رها نموده و در سال ۱۳۷۱ راهی حوزه علمیه ولی عصر عج الله شهرستان آشتیان شدم.

پیشرفت علمی و معنوی حقیر در مدرسه صاحب الامر آشتیان به گونه ای بود که خیلی سریع مورد رضایت خاصی حضرت آیت الله آشتیانی (میرزا ابوالقاسم) قرار گرفتم. به طوری که وی پس از استماع نخستین منبر بنده فرمودند اگر می دانستم در بین طلاب مدرسه چنین استعدادهایی وجود دارد دیگر از قم روحانی دعوت نمی کردم.

دلبستگی ام به علوم عقلی و برهانی آنچنان بود که با وجود تحصیل در پایه دوم در درس بدایهٔالحکمه شرکت می کردم و در این بحث گوی سبقت را با فیض باری از سایر دوستان می ربودم. به طوری که روزی استاد درس بدایهٔ الحکمه آیت الله باغبانی به حقیر فرمودند شما از این به بعد نیازی به حضور در کلاس من ندارید و می توانید فلسفه درس بدهید.در سن ۲۴ سالگی موفق به تدریس کتاب معالم الاصول برای حوزه علمیه بروجرد شدم . هم چنین مواد گوناگون ادبیات عرب ، منطق ، فلسفه و اصول را در حوزه تدریس نموده ام.با مطالعه سیره بزرگانی هم چون مرحوم مفتح و استاد مطهری از همان ابتدا ارتباطم را با دانشگاه برقرار ساختم و اینک مدت شش سال است که در دانشگاه مشغول تدریس می باشم..

اما بیشترین استفاده علم ام را از جشمه جوشان و زلال حکمت و تفسیر آیت الله جوادی آملی برده ام.

همان طور که در جدول مربوط آورده ام تحقیقات بدیهی در زمینه علم و موجود در قران انجام داده ام که انشاء الله برخی از انها به زیور طبع آراسته خواهند شد.هم چنین می افزایم که مراحل گوناگون علمی کسب مجوز تدریسی در مواد اندیشه اسلامی ۱ و ۲ و نیز متون اسلامی را در معاونت امور اساتید نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری طی نموده ام و هم چنین مدارج علمی عضویت در هیات علمی دانشگاه را طی نموده ام.

خدائی جوپاری، ارسطو

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای شیمی با تخصص در شیمی فیزیک و شیمی هسته‌ای.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده علوم دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شیمی هسته‌ای، شیمی فیزیک بویژه سطح مقطع‌ها و سدهای شکافت هسته‌ای برای هسته‌های سبکتر از رادیوم واکنشهای با یونهای سنگین، آشکارسازهای رد یونهای سنگین، جداسازی انتخابی گازها، ایزوتوپها، جوش سرد ساخت فیلترهای با منافذ ریز برای جداسازی انتخابی و کاربرد آنها.

ابداع:

جداسازی انتخابی گازها، ایزوتوپها و مایعات بوسیله غشاء.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

جزوات درسی در مورد شیمی عمومی، شیمی معدنی، شیمی هسته‌ای و شیمی فیزیک.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۵

زمینه علمی مقالات:

شکافت هسته‌ای و سدهای شکافت، خواص شکافت چند عنصر سبکتر از رادیوم، واکنشهای یونهای سنگین، تلسکوپ ذرات سبک حساس نسبت به موقعیت برخورد ذره، جداسازی انتخابی گازها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

خدمت بروجردی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. از سخن‌سرایان بروجرد بود و از معاصران صاحب «مصطبه‌ی خراب».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۳۰۳)، مصطبه‌ی خراب (۵۳).

خدمتی، ابوطالب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوطالب خدمتی

محل تولد : تکاب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابوطالب خدمتی فرزند یحیی درسال ۱۳۵۰ در یک خانواده مذهبی در حومه شهرستان تکاب به دنیا آمدم . پس از طی دوران ابتدایی و راهنمایی ، با تشویق و راهنمایی پدر بزرگوارم وارد حوزه علمیه شدم . درسال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه حضرت ولی عصر (عج) شهرستان بناب شدم و در مدت چهار سال دروس مقدمات حوزه را به اتمام رسانده و آماده هجرت به حوزه علمیه مبارکه قم شدم . لیکن به دلیل نیاز حوزه و با صلاحدید استاد بزرگوارم حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ عبدالمجید بنابی ، مدت یک سال برای تدریس در حوزه و کمک به ایشان در اداره حوزه ، در شهرستان بناب ماندگار شدم .

سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شده و درس رسائل و مکاسب و کفایه را محضر اساتید گرامی حضرات آیات و حجج اسلام : سید احمد خاتمی ، مرحوم محامی ، اعتمادی و... فرا گرفتم . همزمان در درس تفسیر حضرت استاد آیت الله جوادی آملی (مد ظله) نیز شرکت می کردم . از سال ۱۳۷۱ نیز در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات : مکارم شیرازی ، جعفر سبحانی ، جوادی آملی ، شیخ جواد تبریزی ، وحید خراسانی و... شرکت کرده و از محضر آنان مستفیض شدم . همزمان با تحصیل در دوره خارج فقه و اصول ، دروس دانشگاهی را نیز در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته مدیریت دولتی گذرانده و در سال ۱۳۷۹ موفق به اخذ درجه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی شدم .

همزمان با تحصیلات حوزوی و دانشگاهی ، فعالیت های پژوهشی و آموزشی خود را نیز آغاز کردم ، (تدریس را از سال ۱۳۶۹ و پژوهش را از سال ۱۳۷۱) که به لطف الهی ادامه دارد . در زمینه تدریس علاوه بر تدریس ادبیات عرب ، منطق و اصول فقه در مقاطع مختلف حوزوی ، در مدیریت به ویژه مدیریت اسلامی ، مدیریت تبلیغ و مدیریت مساجد نیز فعالیت داشته ام . در زمینه پژوهش نیز ، علاوه بر تحقیق در موضوعات مختلف دینی ، تحقیق در مورد مدیریت اسلامی و مسائل و موضوعات مرتبط با آن ، موضوع اصلی پژوهش هایم بوده است .

خدیجه کاشی

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. اهل کاشان و از مشاهیر عرفا و فقرا و همسر میرزا نصراللّه کاشی بود. وی از اول عمر به تحصیل علوم متفرقه پرداخت. خدیجه علاوه بر اینکه در خط و انشاء توانا بود، شعر نیز می‌گفت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۲۵۱ -۲۱۴۸ /۳).

خدیو گیلانی، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۹ ق)، شاعر، متخلص به خدیو. وی خط تحریر و نسخ را بد نمی‌نوشت و از قواعد اعداد و حروف بی‌اطلاع نبود. چند سالی در نجف اشرف با میرزا زین‌العابدین، برادر کوچکتر حاج میرزا ابراهیم شریعتمدار سبزواری، هم حجره بود. خدیو در بازگشت به ایران در کاظمین به غلامعلی خان هندی دست ارادت داد. بعد از فوت غلامعلی خان به مشهد رفت و اصحابی

گردآوری کـه آنهـا را اهـل سـراچه می‌نامیدنـد. در پایـان عمر زنـدگی را در کمـال فلاـکت و عسـرت می‌گذرانـد. وی در مشـهد درگذشت و همان جا دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طرائق الحقائق (۵۵۳ -۵۵۰ /۳).

خدیوی زند، محمدمهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روانشناسی، دانشکده: علوم تربیتی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسـی روان‌شناسـی علوم تربیتی و فلسـفه از دانشسـرای عالی تهران در سال ۱۳۳۸، کارشناسـی ارشد فلسـفه اسلامی از دانشگاه تهران در سالهـای ۱۳۴۶ تا ۱۳۴۸، دکـترای روان‌شناسـی اجتمـاعی- تربیتی از دانشـگاه بردو فرانسه در سـال ۱۳۵۰، دکترای دتـا در روان‌شناسـی بالینی از دانشگاه پاریس از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۸، دوره فوق تخصصـی روانکاوی تعلیمی برای روانکاو شـدن، ۱۰ دوره تخصصی در شیوه‌های روان درمانی فردی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آسیب‌شناسـی روانی، انحرافات و اختلالات جنسی، بزهکاریها، رؤیاها، روان نژنـدیها و روان‌پریشـی‌ها، ناهنجاریها، شـیوه‌های روان درمانی انفرادی و گروهی، جنگ، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۹

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی تألیفات:

آموزش و پرورش، روان‌شناسی تربیتی و کودک، روان درمانی، روان‌شناسی بالینی، روان‌سنجی، روانکاوی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

آموزش و پرورش، فلسفه، روان‌شناسی، روان درمانی و روانکاوی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

خراتی، رضا

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، ترانه‌ساز. از اهالی کجور مازندران بود. ترانه‌های وی در گرگان و مازندران شـهرت داشـته است. پیش از آن که آقا محمـد خان قاجار به سـلطنت برسـد، رضا در مازنـدران و گرگان از ندیمان خان قاجار و انیس مجلس بزم او بوده و با ترانه‌های خود او را سرگرم می‌داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (۴۹۸/۲).

خرازی پاکدل، عزیز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زیست‌شناسی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

خرازی تهرانی، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محسن خرازی تهرانی فرزند مرحوم حاج سید مهدی خرازی، از فضلاء حوزه علمیه قم و مدرسین و مروجین معارف اسلامی و مؤسس مؤسسه راه حق حوزه علمیه قم می‌باشند.

در سال ۱۳۱۶ شمسی برابر سال ۱۳۵۷ قمری (سال هجرت نویسنده این کتاب از تهران به قم) در تهران به دنیا آمده و در بیت سیادت و شرافت و فضیلت پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید در سال ۱۳۷۵ قمری برابر ۱۳۳۴ شمسی به تحصیل علوم دینی پرداخته و مقدمات و ادبیات و دروس اخلاقی را در تهران از مرحوم حاج میرزا عبدالعلی تهرانی و حاج شیخ احمد مجتهدی و آقا میردامادی و حاج میرزا علی آقای فلسفی خوانده سپس مهاجرت به قم نموده و سطوح وسطی و نهائی را از مدرسین حوزه چون حاج شیخ رحمت‌اللّه فشارکی و حاج شیخ مصطفی اعتمادی و حاج شیخ محمدتقی ستوده و حاج شیخ محمدشاه آبادی و حاج میرزا علی مشکینی و حاج شیخ علی‌اصغر فقیهی و حاج شیخ محمد کاظم معزی و حاج سید محمدباقر سلطانی به پایان رسانیده و دروس خارج فقه و اصول را از محضر آیات عظام مرحوم محقق داماد و حاج آقاحسن فرید محسنی و حاج سیدمحمدرضا گلپایگانی و حاج شیخ محمدعلی اراکی مخصوصا استفاده نموده و مورد توجه خاص معظم‌له گردیده است.

آثار علمی آقای خرازی

الف:

۱- کتاب احیاء الموات فی شرح شرایع الاسلام که در سال ۱۳۹۶ قمری به طبع رسیده است.

۲- حکمه حول نقض حکم الحاکم که در سال ۱۳۶۶ شمسی که در سه شماره نور علم چاپ شده.

۳- حکمه حول العرف نیز در مجله التوحید شماره ۳۴ چاپ شده است.

۴- ولایت فقیه در زمان غیبت که در مجله کنگره آستان قدس به طبع رسیده است.

۵- حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری از اول بیع تا خیارات.

۶- حاشیه بر دو جلد کفایه الاصول.

۷- تعلیقه بر نکاح مستمسک العروه.

۸- تعلیقه کتاب الهادی فی شرح شرایع الاسلام.

۹- کتاب الربا فی شرح ملحقات العروه الوثقی.

۱۰- کتاب الخمس فی شرح خمس العروه الوثقی.

۱۱- کتاب الضمان فی شرح ضمان العروه الوثقی.

۱۲- انواع و اشکال که خلاصه از آن در کتاب بازشناسی خبرهای تجاوز و دفاع به چاپ رسیده است.

۱۳- انواع تشریح و احکام آن.

۱۴- کتاب الاجتهاد و التقلید.

۱۵- تعلیقه بر تعلیقه حاج شیخ محمدحسین اصفهانی بر مکاسب و کفایه.

۱۶- تعلیقه بر چند جلد از جامع المدارک.

۱۷- شرکت در تدوین کتاب الحکومه الاسلامیه که توسط مؤسسه راه حق با همکاری گروهی از حجج و آیات جمع‌آوری و تألیف شده است.

۱۸- پذیرش و تولی از ولی فقیه.

ب: اصول عقاید

۹۱- بدایه المعارف الالهیه فی شرح عقاید الامامیه تألیف شیخ محمدرضا مظفر در دو جلد که توسط شوراء مدیریت حوزه به چاپ رسیده است.

۲۰- نمونه‌ای از اصول حکمی عقلی- اعتقادی مستفاد از روایات امام کاظم علیه‌السلام

۲۱- معاد این رساله فارسی برای دبیران استان مرکزی تهیه و تدوین شده و در سال ۱۳۶۲ شمسی به چاپ رسیده است.

۲۲- تعلیقه بر شرح تجرید الاعتقاد قسمت الالهیات بالمعنی الاخص.

۲۳- تعلیقه بر شرح باب الحادی عشر.

۲۴- شرکت در تدوین و تنظیم کتاب اصول دین که توسط مؤسسه در راه حق با همکاری چند نفر از اساتید و فضلاء به چند زبان فارسی عربی- اردو- انگلیسی و غیره به چاپ رسیده است.

۲۵- شرکت در تدوین کتاب بیان عقیدتی اسلامی که توسط جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با همکاری جمعی از اعضاء جامعه برای تدریس در دانشگاههای کشور جمهوری اسلامی ایران تألیف گردید و توسط مرکز نشر دانشگاهی چند بار به چاپ رسیده است.

۲۶- تعلیقه بر الهیات بمعنی الاخص منظومه حاجی سبزواری.

۲۷- حاشیه بر قسمتی از درر الفوائد مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی آملی.

د: اخلاق

۲۸- چند مقاله درباره موضوع علم اخلاق که توسط مجله نور علم به چاپ رسیده است.

۲۹- شرح خطبه المتقین به زبان عربی.

۳۰- شرح رساله الحقوق امام سجاد علیه‌السلام.

ه: اقتصاد

۳۱– اقتصاد، حاشیه بر جلد دوم کتاب اقتصادنا مرحوم آیت‌اللّه شهید صدر.

۳۲– شرکت در بحث و جمع‌آوری کتاب التوازن فی الاقتصاد الاسلامیه که توسط مؤسسه راه حق و همکاری گروهی از حجج و آیات جمع‌آوری و تألیف شده است.

۳۳– تأسیس مؤسسه در راه حق در سال ۱۳۴۴ –۴۵ با همکاری عده‌ای از اساتید و فضلاء حوزه علمیه قم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

خرازی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محسن خرازی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۶/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت‌الله سید محسن خرازی در سال ۱۳۱۶ هجری شمسی در تهران در خانواده‌ای مذهبی و مورد علاقه مردم متدیّن و علمای بزرگ تهران به دنیا آمد، پدرش حاج سید مهدی خرازی نام داشت و اصل و نسب آنها اصفهانی است که به تهران مهاجرت کرده‌اند و از سادات گرامی اصفهان و تهران بوده‌اند و نسب آنها به امام سجاد(ع) و امام حسن مجتبی(ع) می‌رسیده است. آیت‌الله سید محسن خرازی دروس دوران ابتدایی را در تهران در مجتمع فرهنگی برهان فرا گرفت و سپس تحت تربیت و آموزش آقا شیخ محمد حسین زاهد قرار گرفت. او که در مسجد امین الدوله تهران ونیز در مسجد جامع تهران نماز می‌گزارد، به تربیت نوجوانان می‌پرداخت و تأثیر عمیقی در دل آنان می‌نهاد. با درگذشت او، استاد خرازی به بازار تهران رفت و مدتی به کسب و کار پرداخت، امّا به زودی بازار را رها کرد و به حوزهٔ درسی آیت‌الله مجتهدی پای نهاد و بسیار مورد عنایت و علاقه او قرار گرفت. با فراگیری دروس مقدماتی، عزم سفر به حوزه علمیه قم کرد تا در محضر استادان مبرّز و برجسته آن حوزه، تحصیلات خود را تکمیل کند؛ البته در این باره نباید نقش سفارشهای آیت‌الله رفیعی(ره) را نادیده انگاشت. این گونه بود که به همراه آیت‌الله رضا استادی در سال ۱۳۳۶ به قم آمد و با او در یک جا سکونت گزید و به تحصیل پرداخت. در قم باقیماندهٔ دروس ادبیات را به پایان رسانید و سپس به فراگیری دروس دورهٔ سطح در زمینه‌های فقه و اصول، فلسفه و کلام پرداخت و از سال ۱۳۴۱ به بعد، به درس خارج بزرگان و آیات عظام مشرف شد. در طی این سالها از دروس اخلاق استادان مهذّب و باتقوای حوزه نیز بهره‌های فراوان می‌برد. آیت‌الله خرازی در سالیان تحصیل خود، محضر استادان و علمای فراوانی را درک کرد او که در تهران تحت عنایت آقا شیخ محمدحسین زاهد قرار داشت، پس از ارتحال او به نزد آیت‌الله مجتهدی رفت و همواره مورد محبت او قرار می‌گرفت. در قم نیز باقیمانده دروس مقدمات را نزد آیت‌الله فشارکی آموخت و در درس شرح لمعه آیت‌الله شیخ محمد تقی ستوده شرکت می‌کرد. رسائل را نزد آیت‌الله شیخ مصطفی اعتمادی و آیت الله حاج شیخ محمد شاه آبادی و مکاسب را نزد آیت الله میرزا علی مشکینی و کفایة الاصول را نزد آقایان آیت‌الله حاج سید محمد باقر سلطانی و حاج شیخ محمد شاه‌آبادی و حاج شیخ علی تنکابنی فلسفی فرا گرفت. همچنین برای آموختن فلسفه، کلام و عقاید به نزد آیت‌الله شیخ محمد شاه‌آبادی می‌رفت و استفاده فراوانی برد. او از سال ۱۳۴۱ به بعد در درس خارج عالمانی چون آیت‌الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی(ره)، آیت‌الله العظمی سید محمد محقق داماد(ره)، آیت‌الله العظمی سید حسن فرید اراکی(ره) شرکت کرد و در درس خارج آیت‌الله العظمی شیخ محمد علی اراکی(ره) تا اواخر عمر ایشان حضور داشت. آیت‌الله خرازی در سالهای فراگیری سطوح با حضرات آیات و حجج اسلام محمد حسن ممدوحی، غلامحسین حقانی، سید مجتبی زنجانی، سید جمال الدین دین پرور مصاحبت و مباحثه داشت و در حال فراگیری دروس خارج با حضرات آیات آقایان استادی و مصلحی و غلامرضا سلطانی مباحثه می‌نمود و با حضرات آیات مظاهری، مصباح و سید محمد خامنه‌ای رابطه دوستی داشت، امّا دوستی که از آغاز تاکنون در کنار او بوده آیت‌الله رضا استادی است. آیت‌الله محسن خرازی در عرصه‌های علمی و فرهنگی، خدمات بسیاری را به انجام رسانده است. از مهم‌ترین خدمات او در این عرصه، تأسیس «مؤسسه در راه حق» بود. در آن روزگار مسیحیت توانسته بود با ابزارهای موجود با محصلان دبیرستانی مسلمان ارتباط برقرار کند و آنان را به مسیر گمراهی و ضلالت بکشاند. رژیم پهلوی نیز خود به گونه‌ای از تشکیلات مسیحیت حمایت می‌کرد و نسبت به موضع‌گیریهای حوزه علمیه، حساسیت خاصی نشان می‌داد. در سال ۱۳۴۳ هجری شمسی آیت‌الله خرازی با توجه به اهمیت مبارزه با افکار انحرافی مسیحی و نیز نظر به ضرورت ایجاد تشکیلات منسجمی برای مبارزهٔ همیشگی با افکار التقاطی مؤسسه در راه حق را بنیان نهاد. این مؤسسه ضمن برقراری ارتباط با جوانان، به حل شبهات و مشکلات آنان می‌پرداخت و اصول اعتقادی را با سبک نوین مطرح کرده آنان را با مبانی و مبادی علوم اسلامی و اصول تشیع آشنا می‌ساخت. در ثمردهی این مؤسسه تلاش با اخلاص و بی چشمداشتِ مادیِ بزرگانی همچون آیت‌الله استادی، آیت‌الله مصباح یزدی، آیت‌الله مظاهری و آیت‌الله سلطانی را نباید از یاد برد. این مؤسسه بعدها در چند قالب مشغول به کار شد که مسؤولیت بخش آموزش به عهده آیت‌الله مصباح یزدی، مسؤولیت بخش پژوهش به عهدهٔ حضرات آیات مظاهری، استادی، مصلحی و سلطانی و نیز مسؤولیت بخش معارف به عهده برخی از فضلا و استادان حوزه نهاده شد. این موسسه در آن زمان مورد علاقه و عنایت امام خمینی(ره) و دیگر مراجع و هم اکنون نیز مورد عنایت و حمایت مقام

معظم رهبری و دیگر مراجع تقلید است و با جدّیت تمام به راه خود که شناساندن اسلام واقعی به جوانان و مبارزه با تحریف و التقاط و انحراف است می‌پردازد. از دیگر فعالیتهای آیت‌الله خرازی در این عرصه، همکاری با مجمع فقهی اهل بیت، دربارهٔ مسائل جدید فقهی است که این همکاری تا هم اکنون نیز ادامه دارد. آیت‌الله خرازی از سالهای تحصیل دورهٔ سطح به تدریس نیز می‌پرداخته و از حدود ۲۰ سال پیش تاکنون به تدریس خارج فقه و اصول برای طلاب نیز اشتغال داشته است. آیت‌الله خرازی تاکنون کتابها و رساله‌های گوناگونی نگاشته است. آیت‌الله سید محسن خرازی در پیش و پس از انقلاب اسلامی حامی انقلاب بوده و همواره بر رهبری امام خمینی(ره) و پس از او مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید دارد. شرکت در پاره‌ای از تظاهرات و تماس با برخی از مراجع تقلید آن زمان برای آزادی گروهی از زندانیان که جانشان در خطر بود از فعالیتهای مهم ایشان در سالهای پیش از انقلاب است. او در سال ۱۳۵۹ به دعوت اعضاء جامعهٔ مدرسین حوزه علمیه قم به عضویت آن نهاد درآمد و تاکنون در پیشرفت حوزه علمیه، نقش بسزایی را ایفا کرده است. همچنین با پیشنهاد جامعه مدرسین به نمایندگی مجلس خبرگان رهبری در دورهٔ دوم و سوم از استان تهران درآمد. آیت‌الله سید محسن خرازی هم اکنون در قم حضور دارد و به تدریس و تربیت طلاب مستعد و جوان می‌پردازد.

خراس هروی، حسین‌علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از فرهیختگان فصیح زبان و ملیح بود و از جمله شاعران هرات. این رباعی از اوست:

تا آتش عشقت به دل افروخته‌ام
چون شمع همه سوختن آموخته‌ام
ای آنکه دل چو سنگ و آهن داری
می‌کن حذر از دود دل سوخته‌ام

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۱۶۳)، الذریعه (۷۵۵/۹).

خراسانی خان لاری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از اعیان لار و شاگرد جلال‌الدین دوانی بود. او در اکثر علوم تبحر داشت. خراسانی خان مدت طولانی در هندوستان و سایر بلاد به سیاحت پرداخت. وی که با سام‌میرزا معاصر بوده، شعر را نیک می‌سروده و «شعرش خالی از نمک» نبوده است. از اوست:

دلا هرگز منه از کوی دلبر یک قدم بیرون
که باشد کشتنی مرغی که آید از حرم بیرون

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۱۱۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۲۵/۲)، الذریعه (۲۹۰/۹)، کاروان هند (۳۷۱/۱).

خراسانی کوکب

قرن:۱۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

از زنان شاعر. وی از اهالی خراسان بود. رباعیات و شعر زیر از اوست:

گل صبحدم از شاخ برآشفت و بریخت
با باد صبا حکایتی گفت و بریخت
بد عهدی عمر بین که یک هفته ز شاخ
گل سر زد و غنچه کرد و بشکفت و بریخت
چشم بد روزگار دیدی که چه کرد
بی‌مهری آن نگار دیدی که چه کرد
از حرف رقیب عاقبت خونم ریخت
دیدی که چه کرد یار دیدی که چه کرد
به من چشم عنایت دارد آن ماه

اگر بر هم گذارد آسمان چشم
تاریخ تولد، وفات و یا زندگی او معلوم نیست.
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :منبع: زنان سخنور، ۱۰۷ / ۲.

خراسانی، ابراهیم

قرن:۱۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

ابن شیخ اسماعیل. اصلاً از اهالی اصفهان است که در مشهد سکونت نموده و هم در آنجا وفات یافته.
عالمی جلیل، و فاضلی بی بدیل بوده، در سال ۱۲۹۰ در اصفهان متولّد گردیده، و در مشهد خدمت آقا سید علی حائری یزدی و شیخ اسماعیل ترشیزی تلمّذ می‌نموده، و در نجف و سامرا به درس اساتید حاضر شده، سپس به کرمانشاه و بعداً به مشهد مقدس مراجعت نموده و در آنجا در سال ۱۳۳۹ وفات یافته و مدفون گردیده است.
پدرش نیز از صلحا و اخیار بوده، و در سال ۱۳۳۰ در کاظمین وفات یافته است.
کتب زیر از تألیفات اوست:
۱- احکام النجاسات ۲- رساله در شک در رکعات نماز ۳- منجرات المریض ۴- المواقیت؛ و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خراسانی، ابوالفضل

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

وی در تهران متولد و پس از خواندن اولیات و سطوح نزد والد ماجد و دیگران از اعلام تهران به قم مهاجرت کرده و چندین سال از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حایری و دیگران کسب فیض نموده آنگاه به تهران مراجعت و در مسجد مرحوم حاج شیخ عبدالحسین (مسجد آذربایجانیها) به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن و گفتن درس اخلاق پرداخته تا در سال ۱۳۹۱ ق که از دنیا رفته است.
از تألیفات ارزنده و آموزنده آن جناب است کتاب (سفینه النجاه) فی المهلکات و المنجیات در چندین مجلد که در سال ۱۳۶۹ قمری بطبع رسیده است.
از باقیات الصالحات آن مرحوم است: فرزند ارجمندش حجهٔالاسلام حاج شیخ محسن خراسانی که سال‌ها در قم کسب علم و فضلیت نموده و پس از فوت مرحوم والدش بجای ایشان در مسجد مزبور بامامت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارد.
نگارنده گوید: جناب آقای حاج شیخ محسن خراسانی از فضلاء معاصری است که بعلم و تقوا و متانت و اخلاق حمیده موصوف و بهترین یادگار و خلف صدق و صالح آن پدر بزرگوار است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خراسانی، ابوالفضل

قرن:۱۵
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالفضل خراسانی
محل تولد : دامغان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱
زندگینامه علمی

ابوالفضل خراسانی دارای تحصیلات سطح ۴ رشته تخصصی کلام اسلامی از حوزه علمیه قم وکارشناسی ارشد فلسفه وکلام اسلامی از دانشگاه باقرالعلوم قم .حدود ۸ سال سابقه تدریس درحوزه ودانشگاه و۸ سال سابقه پژوهشی در مرکز فرهنگ ومعارف قرآن کریم ودائرهٔالمعارف علوم عقلی اسلامی ، دارای مقاله دردائرهٔ المعارف قرآن کریم وتألیف بهداشت زندگی در پرتو قرآن ،احادیث وعلم روز و همکاری با نشریه معارف عقلی وکارشناس برنامه پارسایان رادیو معارف وکارشناس گفتمان دینی در سازمان تبلیغات اسلامی وسابقه تبلیغ وارشاد ۱۵سال .

خراسانی، ابوغانم بشر

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوم و سوم ق)، فقیه. در خراسان متولد شد. از تألیفات وی کتاب «المدوّنة» است که قدیمی‌ترین کتاب فقه عمومی اباضی بنا بر مذهب ابوعبیده مسلم تمیمی است که توسط شاگرد وی نقل شده است. نسخه‌ی «مدونه» که عمروس بن فتح استنساخ کرد مشتمل بر دوازده جزء بود. عناوین آنها در فهرست کتب اباضی تألیف ابوالقاسم برّادی آمده است. نسخه‌های این کتاب بسیار نادر است. نسخه‌ی منحصر به فردی از آن در تصرف شیخی اباضی در گزاره بود. در فهرست کتب اباضی تصرف شیخی اباضی در گزاره بود. در فهرست کتب اباضی برادی نام کتاب فقهی دیگری نیز از ابوغانم آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۸۵ -۱۰۸۴ /۸).

خراسانی، امیر محمدتقی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر و صوفی. از سادات صحیح النسب و مردی مهذب و درویش مسلک بود. شعر نیز می‌سرود و تنها اندکی از رباعیات او باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۸۲).

خراسانی، حسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از نزدیکان شیخ جعفر سروقد بود که در زمان شاه عباس اول از خادمان حرم امام رضا (ع) بود. حسن بعد از مدتی به اصفهان رفت و از آنجا به هندوستان سفر کرد و گویا در آن سامان درگذشت. از اوست:

چون شمع از حجاب برافروختی چرا

خود را گداختی و مرا سوختی چرا

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۳۰ -۱۲۹)، الذریعه (۲۴۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۵۷)، کاروان هند (۳۲۴/۱)، لغت نامه (ذیل/ حسن خراسانی).

خراسانی، خلیل

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۰۶۰ ق)، شاعر. وی در خراسان متولد شد و در هندوستان نشو و نما یافت. وی در زمان نگارش «مرآت الخیال» در عظیم‌آباد پتنه سکونت داشت. میرزا محمد خلیل در نظم و نثر استاد بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۰۲/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۱۶)، کاروان هند (۳۸۶ -۳۸۵ /۱)، مخزن الغرائب (۱۰۵/۲)، مرآت الخیال (۲۵۵ -۲۵۰)، نتایج الافکار (۲۲۰ -۲۱۹).

خراسانی، رستم علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. وی خواهرزاده‌ی بهزاد، نقاش معروف، بود. خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و در کتابت خفی و جلی مهارت داشت. به قولی در هرات نشو و نما یافته و در دربار سلطان حسین بایقرا به کتابت مشغول بوده و پس از زوال سلطنت او به فارس سفر کرده است. در اوایل حال از کاتبان کتابخانه‌ی بهرام میرزای صفوی و سپس در نزد فرزند او، سلطان ابراهیم میرزا، در مشهد به کار کتابت اشتغال داشته و از شاگردان سلطان علی مشهدی و از نزدیکان شاه محمود نیشابوری بوده است. از شاگردان لایق او می‌توان به فرزند هنرمندش، محبعلی نایی، اشاره کرد. اختلافاتی در مکان و زمان وفات وی وجود دارد: عده‌ای معتقدند در هرات

در جوار قبر کمال‌الدین بهزاد در سال ۹۴۲ ق دفن شده، و عده‌ای دیگر مدفن وی را در هرات و در حدود سال ۹۳۵ تا ۹۴۲ ق ذکر کرده‌اند، اما مولف «گلستان هنر» مرقد وی را در جنب مزار سلطانعلی مشهدی دانسته و سال وفات وی را ۹۷۰ ق در مشهد ذکر کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۰۸ -۲۰۷ /۱)، خوشنویسان و هنرمندان (۱۷)، عالم آرای عباسی (۱۷۰/۱)، گلستان هنر (۱۰۰)، مناقب هنروران (۷۲، ۶۶).

خراسانی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسین فرزند عالم ربانی و خطیب سبحانی حاج شیخ محمدعلی خراسانی نجفی از افضال وعاظ و گویندگان حوزه علمیه نجف اشرف می‌باشند. وی در روز سوم جمادی‌الثانی سال ۱۳۴۵ قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و در حجر تربیت پدر بزرگوارش پرورش یافته قرآن را در مدت شش ماه نزد خواهرش آموخته و مقدمات و ادبیات را از اساتید آنجا فراگرفته است.

و از همان اوان کودکی ابیاتی را که والده‌اش صبیه مرحوم حاج شیخ مهدی کاشانی مقسم شهریه مرحوم آقا سید محمدکاظم یزدی به او آموخته بود در منابر قرائت کرده و مورد تشویق و تحریص ایشان به منبر رفتن می‌گردید تا در سن ۱۴ سالگی اشتغال به این امر داشت و والد مرحومش ایشان را ترغیب به تحصیل علم می‌نمود.

پس مقدمات و سطوح را خدمت مرحوم حاج شیخ علی‌اکبر شیرازی و برادر گرامیش حاج شیخ محمدتقی واعظ زاده و آقای شیخ علی‌اکبر کرمانی و آقا شیخ علی میامه‌ای و حاج شیخ ذبیح‌اللّه قوچانی و حاج سید احمد اشکوری داماد آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی بروجردی و حاج سید علی قوچانی و حاج شیخ محمد حسین دهاقانی و حاج شیخ فاضل استرآبادی و حاج سید محمد حسن شیرازی نوه میرزا بزرگ شیرازی و حاج سید سجاد علوی گرگانی و آقاسید محمدباقر محلاتی خوانده و پس از آن به درس خارج فقه و اصول و تفسیر آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله المعارف شرکت و استفاده نموده و بسیاری از دروس ایشان را در فروع علم اجمالی و بسیاری از کتاب صلوه وصوم و زکوه و حج و غیر آنها را به رشته تحریر درآورده و نیز یکدوره کامل اصول ایشان را نوشته و یک دوره دیگر به صورت حاشیه بر دوره اول مرقوم داشته و همینطور از اساتید دیگری که از آنها استفاده نموده آیات یاد شده زیرند:

۱- آیت‌اللّه حاج شیخ هاشم آملی

۲- آیت‌اللّه حاج سید محمود شاهرودی

۳- آیت‌اللّه حاج میرزا عبدالهادی شیرازی

۴- آیت‌اللّه حاج میرزا باقر زنجانی

۵- آیت‌اللّه حاج سید محسن حکیم

۶- آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم شیرازی

۷- آیت‌اللّه حاج سید محمد هادی میلانی

۸- آیت‌اللّه حاج سید نصراللّه مستنبط

داماد بزرگ آیت‌اللّه الظمی خوئی که غالب تعطیلی‌های ماه رمضان و ایام عاشوراء و غیره از ایشان استفاده نموده است. و ایشان در ضمن تدریس سطوح در ایام عاشوراء و غیره در منازل آیات عظام منبر رفته و تبلیغ دین و ترویج احکام و نشر معارف و مصائب اهل‌البیت علیهم‌السلام نموده و ایفاء وظیفه می‌نمایند.

برادر بزرگوارشان جناب حجهٔالاسلام حاج شیخ محمدتقی واعظ زاده که حدود بیست سال از ایشان بزرگتر و اکنون حدود هشتاد و هفت سال از سن مبارکشان می‌گذرد در نجف اشرف اقامت و به وظایف دینی و روحی اشتغال دارند و آن جناب از شاگردان مرحوم آیت العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللّه حاج میرزا باقر زنجانی و بالاخص آیت‌اللّه العظمی خوئی می‌باشد.

و ایشان نیز مانند والدشان از طریق منبر ایفاء وظیفه نمودند و مردم را متوجه به خاندان رسالت علیهم‌السلام می‌نمایند و ایشان دارای سه فرزند روحانی می‌باشند.

۱- میرزا احمد که در قم اشتغال به تحصیل دارند.

۲- آقا شیخ قاسم و آقا شیخ علی که این دو در نجف اشرف اشتغال به تحصیل علم و کمال دارند.

مترجم محترم پس از تسفیر به ایران از طرف بعث شوم عراق چندی در قم اقامت و چندین سال است که رسما در مشهد مقدس اقامت نموده و به خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

خراسانی، عبدالعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از خوشنویسان دوره‌ی فتحعلی‌شاه قاجار است. از آثار وی: سور و ادعیه‌ی وزیری جلد روغنی، به خط نسخ و رقاع کتابت عالی و با رقم: «... سنه ۱۲۳۳ ثلث و ثلثون و مأتین بعد الالف من الهجره... عبدالعلی الخراسانی بمحروسه دارالسلطنه طهران»؛ قطعات متعدد نسخ کتابت و رقاع خوش، با رقم: «کتبه العبد الاقل عبدالعلی، ۱۲۲۶».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۰۴ -۱۱۰۳ / ۴).

خراسانی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۸۹۶ ق)، شاعر و خطاط. از مشاهیر فضلای خراسان بود و انواع خطوط را نیکو می‌نوشت و طبع شعری نیز داشت. به هنگام تالیف تذکره «مجالس النفائس» هنوز می‌زیست. بیت زیر از اوست:

سویم گذری شبی عجب نیست

یک شب مه هزار شب نیست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۵۵ -۴۵۴ / ۲)، مجالس النفائس (۱۴۹).

خراسانی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی خراسانی

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال تحصیلی ۶۸-۶۹ پایه دهم حوزه را به پایان رساندم و سپس در دروس خارج شرکت کردم همزمان با اشتغال به دروس پایانی دوره سطح در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی دامت برکاته شرکت می‌کردم . در همین سالها دوره عالی زبان انگلیسی موسسه باقرالعلوم دفتر تبلیغات را به پایان رساندم.در سال ۷۰ به دعوت نماینده مقام معظم رهبری در امور اهل سنت بلوچستان به زاهدان رفتم و به مدت ۵ سال مدیریت مدارس دینی اهل سنت بلوچستان را عهده دار بودم در این سالها به اقتضای مسوولیت با متون درسی اهل سنت آشنائی اجمالی پیدا کردم .

همچنین چند متن آموزشی از جمله «آشنائی با انقلاب اسلامی» و «آشنائی با اخلاق اسلامی» و «آشنائی با مذاهب اسلامی»را به عنوان درسهای جنبی مدارس اهل سنت تدوین و تنظیم کردم . در این سالها برخی از اشتغالات دیگر علمی همچون حضور در همایش‌های وحدت نیز وجود داشت.در اسفند ۷۶ به قصد ادامه تحصیل و پژوهش به قم مراجعت کردم و از همان تاریخ فعالیت پژوهشی خود را با مسئولیت گزینش مدخل‌های دائره المعارف آغاز کردم و پس از مدتی در سال ۷۷ مسئولیت بخش تدوین مقالات دائره المعارف و جانشین ریاست دائره المعارف را عهده دار شدم .

در این سالها که طرح دائره‌المعارف قرآن کریم در مرکز مطرح شده بود ، آن را سازماندهی کردم و ضمن کار مسئولیت علمی هیأت‌های تحریریه را به مدت ۳ سال مستقیما عهده دار بودم از سال ۸۰ مدیریت دائره‌المعارف قرآن کریم را عهده دار شدم قابل ذکر است که دائره‌المعارف قرآن کریم بزرگترین دائره‌المعارف قرآنی و اولین دائره‌المعارف در جهان اسلام است که پیش‌بینی می‌شود در ۲۵ جلد منتشر شود.در سال ۸۳ مدیریت مرکز فرهنگ و معارف قرآن که بزرگترین مرکز قرآن پژوهی در کشور است را عهده دار شدم و همزمان مسئولیت گروه دائرالمعارف‌ها و نیز گروه تفسیر موضوعی را به عهده دارم. این مسئولیت‌ها همچنان ادامه دارد.

خراسانی، عماد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

به گفته شاعر و نویسنده خوش‌ذوق معاصر مهدی اخوان ثالث: «صحبت از عماد و شعر او که امروز از مشاهیر غزل‌سرایان است و

اجلی و اعرف از این گفتگوها خلاف قاعده معروف، تعریف خواهدبود.»

«او سعی داشته است تا احساس و نازک خیالی‌های یک شاعر، ظرافت هنرمندی وارسته، صلابت مردی واقعلی، استغناء طبع عارفی به دنیا پشت پا زده و بالاخره مردی و مردمی را با هم داشته باشد، از وزش نسیم و دیدار لاله و لاله‌رویی، خندان شده، طبع سحارش به جنب و جوش و تکاپو می‌افتد، گه‌گاه که حالی و حالتی دارد، با صدای گرم و شورانگیز نغمه سر می‌دهد، بر آهنگهای موزون دوستان موسیقیدان خود شعر می‌گذارد، سپس ترانه و آهنگ را با ودیعتی که طبیعت در حنجره او نهاده همراه می‌کند و بر حالتی که تا اعماق وجود شنونده اثر می‌گذارد، ناله و نغمه را به دست امواج سپرده، به گفته هم‌شهریش «بهار» داد دل مردم خردپیشه و هنرمند را از زمانه می‌گیرد.

عماد خود گه‌گاه در اشعارش اشاراتی به صدای خویش دارد از آن جمله غزلی که مطلعش این است:

گاه اگر می‌خواست دل ترکد صدایی داشتم

باز خون‌آلود و اشک‌افشان نوائی داشتم

خلاصه زندگیش را که بررسی می‌کنی و روحش را که در ترازوی معیارها و ضوابط این ایام قرار می‌دهی، به روحانی بودائی یا ارتدکس کشیشی می‌ماند که نه تنها از بهشت رانده شده بلکه اقامت در میان جنگل آدمیان را بر صومعه سقف فروریخته حصار آب برده ترجیح داده است. عماد همانند تنی چند از همشهریان و پیش‌کسوتان خود، آثار زیبایی به لهجه خراسانی دارد که از لطافت و شیرینی خاصی برخوردار است از آن جمله است «یره‌گه»– «بهارمو»– «سفر»– «خان داداش» که یکی دو قطعه آن به وسیله خوانندگان معروف خوانده شده، نقل از مقدمه دیوان– شکوه‌الدین محلاتی

«مش عماد حالش اگه خوب باشه شعر بد نمیگه»

«نه که شعر بد نمیگه، خوب چیه، محشر میکنه»

هر چند غزل‌های عماد عموماً از شور و حال و تازگی محتوا و مضمون مایه‌ور است و این خود تعیین‌کننده‌ی سبک اختصاصی او در بین سایر غزلسرایان است، لیکن تعدادی از این غزل‌ها آنچنان در بین مردم شعردوست، شهرت یافته که کمتر کسی است که آن را نشنیده و یا ابیاتی از آن را به خاطر نداشته باشد. از آن جمله غزل‌هایی با مطلع:

دوستت دارم و دانم که تویی دشمن جانم

از چه با دشمن جانم شده‌ام دوست ندانم

گرچه مستیم و خرابیم چو شبهای دگر

باز کن ساقی مجلس سر مینای دگر

هیچکس نیست در این دشت مگر کوه که آنهم

انعکاس غم ما هست گرش هست صدایی

ای آسمان مگر دل دیوانه منی

کاین گونه شعله می‌کشی و نعره می‌زنی

من مستم و تو نعره‌زن امشب حکایتی است

میخانه‌ات کجاست که سرخوش‌تر از منی

عماد خراسانی در سرودن انواع مثنوی نیز دارای استعداد شگرف و منظومه‌های مشهور و پراحساسی است که در عین حال که از سادگی و روانی ویژه‌ای برخوردار است از فصاحت و شورحال نیز خالی نیست مثنوی مشهور «بر مزار خیام» با مطلع: «خیام بوی عشق، دهد خاک کوی تو» نیز یکی از شاهکارهای شعر معاصر است که در تاریخ فرهنگ این سرزمین جاودان خواهد ماند.

در مجموعه سخن اهل دل این‌گونه از عماد خراسانی یاد شده «شاعر شوریده و سوخته‌دل معاصر عماد خراسانی با صفایی در وجود او سراغ داریم و با شور و حالی که سروده‌هایش دارند مشهورتر از آن است که در این مختصر به معرفی او بپردازیم او به سال ۱۳۰۰ شمسی در مشهد متولد شد و چند سالی است که در تهران مقیم شده است بخشی از اشعار او (در دو مجموعه) به چاپ رسیده و می‌توان گفت که بیشتر غزلیات وی نقشبند دل و جان صاحبدلان است».

ما عاشقیم و خوش‌تر از این کار، کار نیست.

یعنی به کارهای دگر اعتبار نیست

دانی بهشت چیست که داریم انتظار

جز ماهتاب و باده و آغوش یار نیست

فصل بهار فصل جنون است واین سه ماه

هر کس که مست نیست یقین هوشیار نیست

سنجیده‌ام، ما به جز از موی و روی یار

حاصل ز رفت و آمد لیل و نهار نیست

خندید صبح بر من و بر انتظار من

زین بیشتر ز خوی توام انتظار نیست

دیشب لبش چو غنچه تبسم به من نمود

اما چه زود زانکه به یک گل بهار نیست

بر ما گذشت نیک و بد اما تو روزگار

فکری به حال خویش کن این روزگار نیست

بگذر ز صید و این دو سه مه با عماد باش

صیاد من، بهار که فصل شکار نیست

«ساز شکسته»

دوستت دارم و دانم که تویی دشمن جانم

از چه با دشمن جانم شده‌ام دوست ندانم

غم اینست که چون ماه تو انگشت نمایی

ورنه غم نیست که در عشق تو رسوای جهانم

دمبدم حلقه‌ی این دام شود تنگتر و من

دست و پایی نزنم خود ز کمندت نرهانم

سر پرشور مرا نه، شبی ای دوست بدامان

تا شوی فتنه ساز دلم و سوز نهانم

ساز بشکسته‌ام و طایر پر بسته نگارا

عجبی نیست که اینگونه غم‌افزاست فغانم

نکته‌ی عشق ز من پرس به یک بوسه که دانی

پیر این دیر جهان مست کنم گرچه جوانم

سرو بودم سر زلف تو پیچید سرم را

یاد باد آن همه آزادگی و تاب و توانم

آن، لئیم است که چیزی دهد و باز ستاند

جان اگر نیز ستانی ز من، این دل نستانم

گر ببینی تو هم آن چهره بروزم بنشینی

نیم شب مست چو بر تخت خیالت بنشانم

که تو را دید که در حسرت دیدار دگر نیست

«آری آنجا که عیانست چه حاجت به بیانم»

بار ده بار دگر ای شه خوبان که بترسم

تا قیامت بغم و حسرت دیدار بمانم

مرغکان چمنی راست بهاری و خزانی

من که در دام اسیرم چه بهارم، چه خزانم

گریه از مردم هوشیار خلایق نپسندند

شده‌ام مست که تا قطره اشکی بفشانم

ترسم اندر بر اغیار برم نام عزیزت

چه کنم بی‌تو چه سازم شده‌ای ورد زبانم

آید آن روز عمادا؟ که ببینیم تو گویی:

شادمان از دل و دلدارم و راضی ز جهانم

«شمع و پروانه»

چون نکو می‌نگرم شمع تو، پروانه تویی

راز شیرینی این عالم افسانه، تویی

حرم دیر تویی، کعبه و میخانه تویی

لب دلدار تویی، طره‌ی جانانه، تویی

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

خراسانی، فاطمه

قرن:۷

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۶۴۴ ق، از زنـان متنفـذ و شـاعر. وی از اهـالی خراسـان بود. به نوشـته جهانگشـای جوینی، پس از آنکه مغولان مشـهد را تسـخیر کردند. فاطمه را جزو اسیران به قراقروم آوردند. وی در بازار آن شـهر شاگرد زن دلالی بود و با تورکیناخاتون، همسر اوگتای قاآن آمد و رفت داشت و بتدریج نفوذ فراوانی کسب کرد و محرم اسرار اندرون گردید. بزرگان دست نیاز به سوی او دراز می‌کردند و گروهی از سادات مشهد به نزد وی رفتند و از همراهانش گردیدند پس از اینکه گیوک خان (۶۴۹ -۶۴۷ ق) به سلطنت رسید یکی از اهـالی سـمرقند علیه او نزد گیوک خـان سـخن‌چینی کرد و اظهار داشت که کوتان، برادر خان را سـحر کرده است. بعـد از مرگ کوتـان، گیوک خـان فـاطمه را احضـار کرد امـا تورکینـا خـاتون مانع می‌شـد. سـرانجام او را دسـتگیر کردنـد و پس از مقابله با مرد سمرقنـدی چنـد شـبانه‌روز وی را آزار و شـکنجه دادند و منافذش را دوختند و در آب انداختند و همه خویشاوندان و همراهانش را دستگیر کرده و شکنجه نمودند. دو رباعی زیر از اوست:

آراسته باغ و عندلیبان سرمست

یاران همه از نشاط گل باده‌پرست

اسباب فراغت همه درهم زده است

بشتاب که جز تو هر چه می‌باید هست

ای از تو وفا و مهربانی نایاب

بی‌عیش تو لذت جوانی نایاب

وصل تو حیات جاودانی لیکن

یابنده آب زندگانی نایاب

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره دهم، ۳۸ –۳۷؛ تذکره حسینی، ۲۵۳ –۲۵۲، الذریعه، ۸۰۲ / ۹؛ ریاض‌الشعراء (عکسی)، ۳۳۲؛ زنان سخنور، ۱۷ / ۲؛ زن در ایران عصر مغول، ۱۲۰ –۱۸، شمع انجمن، ۳۶۹؛ صحف ابراهیم، ش ۱۹۲؛ کارنامه زنان مشهور ایران، ۷۵؛ مخزن‌الغرایب، ۲۹۲ / ۳.

خراسانی، قاسم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، خطاط و شاعر. وی وزیر دیوان بدیع‌الزمان میرزا گورکانی بود و بعدها به ملازمت درومیش‌خان شاملو درآمد. وی نستعلیق و تعلیق را خوش می‌نوشت و شعر فارسی و ترکی نیز می‌سرود و معمایی و منشی بود. از آثار وی: «دیوان» شعر؛ یک نسخه «دیوان» هلالی، در کتابخانه‌ی دانشگاه استانبول، به قلم کتابت جلی خوش، با رقم: «مشقه قاسم الفقیر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۷۹ –۵۷۸ / ۲)، الذریعه (۸۶۵ / ۹)، لغت‌نامه (ذیل/ قاسم)، مجالس النفائس (۱۷۰).

خراسانی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد حسین بن العالم العلام الشیخ محمد علی خراسانی در اوائل جوانی از خراسان مهاجرت به تهران نموده و پس از خواندن اولیات و سطوح عالیه از محضر علامه آشتیانی بزرگ و اعلام دیگر استفاده کرده تا بمدارج عالیه علم و کمال رسیده و مورد توجه دانشمندان و مردم تهران گردیده و در مدرسه مروی حوزه تدریس سطوح و متون فقه و اصول داشته و کثیری مانند مرحوم علامه حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه و دیگران از وی استفاده نمودند و در مسجد حاج سید عزیزاللّه بازار اقامه جماعت و ترویج دین و نشر معارف جعفری در منبر می‌کردند تا در سال ۱۳۴۷ ق که مشرف به مکه برای مناسک حج گردیده و بعد از فراغ از اعمال و مناسک حج در ۱۷ ذی‌الحجه دعوت حق را لبیک گفته و در جوار خانه خدا در مقبره حضرت ابیطالب علیه‌السلام بخاک رفته است هنیئا له و طوبی له.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خراسانی، محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج سید یوسف بن محمد حسینی. عالم جلیل و فاضل صالح زاهد از شاگردان و مخصوصین شیخ انصاری و از دوستان میرزای بزرگ شیرازی و میرزای رشتی بوده، چشمانش ضعیف و نابینا شده، لکن در اثر معجزه حضرت رضا علیه السلام شفا یافته.

در ۲۲ ذی قعده الحرام ۱۳۰۲ در نجف وفات یافته، در وادی السلام مدفون گردیده.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خراسانی، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر خراسانی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۳ در شهرستان دامغان در خانواده‌ای مذهبی و زحمتکش به دنیا آمدم. پدرم از فعالان قبل از انقلاب که بعد از انقلاب هم در فعالیت‌های جمعی حضوری فعال داشت. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در دامغان گذراندم که البته غالباً در مقاطع تحصیلی از شاگردان ممتاز محسوب می‌شدم. سال ۶۷ وارد حوزه علمیه که ۶ سال در حوزه علمیه دامغان مشغول به تحصیل بودم و از سال ۱۳۷۳ وارد حوزه علمیه قم شدم. که پایه‌های تحصیلی به اتمام رسید و قریب ده سال در درس خارج حضرات آقایان مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی(ره)، نوری همدانی، سبحانی و لاریجانی حاضر و استفاده بردم. سال ۷۹ در رشته علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم(ع) مشغول به تحصیل شدم که از همان ابتداء انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه را به اتفاق جمعی از دوستان راه‌اندازی نمودیم. که بعد از مدتی با فعال شدن سایر انجمن‌های علمی به عنوان دبیر انجمن‌های علمی دانشگاه انتخاب که در همین راستا طرح برگزاری همایش نهضت نرم‌افزاری و تولید علم و دبیرخانه طلبه دانشجویی نهضت نرم‌افزاری پایه‌گذاری گردید. چندین سال به عنوان مسئول دبیرخانه و طرح و برنامه ستاد کنگره شهدای روحانی سراسر کشور مشغول به فعالیت بودم که در کنار این فعالیت‌ها از تبلیغ و تدریس در مناطق مختلف نیز غافل نبودم. در حال حاضر از محققین مرکز فرهنگ و معارف قرآن دفتر تبلیغات اسلامی هستم که با فعال شدن مجمع عالی حکمت اسلامی به عنوان مدیر اجرایی مجمع انتخاب شدم. در حین فعالیت در دانشگاه دو ماهنامه علمی دانشجویی نسل بعد را راه‌اندازی نمودیم و در خلال برگزاری یادواره‌ها، نشریه خبری اجتماعی دیگری نیز راه اندازی گردید. در حال حاضر مجوز تدریس درس انقلاب اسلامی و ریشه‌ها از سوی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه صادر که به علت دور بودن مراکز آموزشی مورد پذیرش اینجانب تاکنون واقع نشده است. در حال حاضر علاوه بر فعالیت‌های اجرایی به امور پژوهش و تحقیق به ویژه در حوزه علوم قرآنی مشغول می‌باشم.

خراسانی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدجواد بن المرحوم حجهٔالاسلام و العالم العلام الشیخ محسن بن العالم الجلیل الشیخ (محولاتی) خراسانی از علماء ابرار معاصر تهران است.

وی در سال ۲۵ ماه ربیع‌الاول ۱۳۳۱ ق در مشهد مقدس متولد شده و در بیت علم و حجر مادر علویه‌اش صبیه مرحوم سید المحدثین آقا سید محمد محولاتی واعظ مشهد مقدس پرورش یافته و دوران تحصیل را تا سطوح در مشهد مقدس نزد ادباء و فقهاء آنجا خوانده و در سال ۱۳۵۱ قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه بزرگ آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه آقا میرزا آقا اصطبهاناتی و مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمد حسین بروجنی اصفهانی و آیت‌اللّه حاج سید محمود شاهرودی و مقداری آیت‌اللّه حاج آقا حسین قمی استفاده نموده و در سال ۱۳۶۱ ق به ایران مراجعت و قریب یکسال و نیم در مشهد و محولات توقف و در سال ۱۳۶۳ ق منتقل به تهران و تاکنون که سال ۱۳۹۴ قمریست در خیابان جوادیه (سر آسیاب دولاب) اقامت و در مسجد (حوادیه) آن به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تألیف کتت مفیده اشتغال دارند.

تألیفات و آثار علمی معظم له از این قرار است:

۱- تفسیر مبسوطی از قرآن مجید ۲- کشف الایات ۳- کشف اللغات و تفسیر لغات قرآن ببعض دیگر ۴- کشف مطالب الایات ۶- کشف مطالب القرآن ۶- ظواهر الاثار در اخلاق ۷- نخبه القضاء ۸- ترجمه حدیث اهلیلجه ۹- مقتل الحسین علیه‌السلام ۱۰- تاریخچه احوال حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله و سلم ۱۱- اربعینیات ۱۲- خلاصه وقایع و علائم ظهور ۱۳- منظومه در اصول عربی ۱۴- شرح منظومه مذکور ۱۵- تقریرات اصول ۱۶- رساله در بحث از تقلید اعلم ۱۷- رساله‌ای در طلب و اراده و دفع شبهه جبر ۱۸- منظومه عربی در رجال موافق خلاصه علامه مطبوع ۱۹- دیوان عربی در مدایح و مراثی اهلبیت عصمت علیهم‌السلام ۲۰- دیوان فارسی در تظلم بحضرت ولی عصر (عجل) و پندیات ۲۱- البدعه و التحرف یا آئین تصوف مطبوع ۲۲- رضوان اللّه اکبر در نقض خرابات و خانقاه مطبوع ۲۳- حجت قوی در ابطال مثنوی ۲۴- مهدی منتظر مطبوع ۲۵- معارف الشیعه که از بهترین تألیفات معظم له و جامعه تشیع است نظما و شرحا چاپ افست و دهها رساله دیگر عربی و فارسی.

سنت سنیه آن جناب

از سنن سنیه ایشان تشرف به مشهد مقدس است پیاده که چند سال است با عده‌ای از مؤمنین و علاقمندان اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام از تهران حرکت و حدود چهل شبانه روز در راه و ترویج عملی و لسانی نموده و در تمام منازل اقامه جماعت و تبلیغ احکام فرموده تا به مشهد مقدس و بدون تظاهرات دو سه روزی توقف و مراجعت می‌کنند.

نگارنده گوید: گرچه مادیون و اهل دنیا و یا مردم قشری این روش را نمی‌پسندند و می‌گویند عصر فضا و جت و کیهانست و باید هر کاری را برقی انجام داد ولی غافلند از این که سیر الی اللّه و هجرت بسوی حق هرچه رنج و تعبش بیشتر باشد ثواب و اجرش زیادتر است.

در حالات حضرات ائمه معصومین علیهم‌السلام مخصوصا حضرت امام حسین مجتبی و حضرت سیدالشهداء علیهماالسلام مسطور و ماثور است که بیش از بیست مرتبه به حج مشرف شدند و با داشتن همه گونه وسیله آن روز خود پیاده می‌رفتند، تا جائیکه قدم‌های مبارکشان در اثر پیاده‌روی و تصادف با خار مغیلان و غیره مجروح می‌شد و وقتی اصحاب علت تحمل این مشقت را می‌پرسیدند پاسخ (افضل‌الاعمال احمزها) می‌شنیدند و چه خوب گفت حافظ شیرازی.

در بیان گر بشوق کعبه خواهی زد قدم

سرزنش‌ها گر کند خار مغیلان غم مخور

اوتاد و ابدال و رجال الغیب مسافرتهای مشاهد مشرفه را ماشیا حافیا انجام می‌دهند. حقیر در ماه رمضان سال ۱۳۶۸ ق که در دامغان بودم مرد نابیناء حافظ قرآنی را دیدم که پیاده به مشهد مشرف میشد و از آذربایجان پیاده آمده بود وقتی به او گفتم که تو نابینائی این کوهها و دره‌ها و فراز و نشیب‌ها و راه پر خطر را چگونه پیموده و میروی در جوابم گفت: (الذی خلقنی فهو یهدین) انشاءاللّٰه داستان او را در ذکر دامغان در جلد چهارم خواهم نگاشت.

مرگ زائر مشهد و عنایت حضرت رضا علیه السلام

مناسب دیدم در اینجا حکایتی را که آیت‌اللّٰه و عالم ربانی آقای حاج میرزا حسن لواسانی سلمه‌اللّٰه در کتاب کشکول خود ذکر کرده خلاصه آن را نقل نمایم. گوید: مرد موثقی حکایت کرد که سه نفر از جوانان ثروتمند نجف اشرف خدمت یکی از علماء مبرز که در همسایگی وی بودند رفته و گفتند پدر ما حدود چهل سال است که تنها با یک الاغ به مشهد مقدس می‌رود و پنج ماه سفرش طول میکشد و حالا ـ دیگر پیر و ناتوان و نیروی او کاسته شده ولی باز امسال هم عازم حرکت است هر چه ما او را منع می‌کنیم که از این مسافرت با این کیفیت باز داریم قبول نمیکند خواهش داریم شما بمنزل ما آمده و نصیحت فرمائید که از مسافرت خودداری کند زیرا می‌ترسیم در راه تلف شود پس آن عالم بمنزل آن شخص آمده و اظهار می‌کند فلانی شنیده‌ام عازم مشهد مقدس هستید می‌گوید آری انشاءاللّٰه، آقا شروع بسخن کرده مطالبی را ذکر میکند که آن مرد را منصرف نماید پس آن شخص عرض میکند فرمایش شما درست و صحیح است لکن اصرار من بر این سفر جهت دارد من عرض می‌کنم و غرض خود را میگویم و با این هدف اگر منعم می‌فرمائید نمی‌روم. فرمودند بگو پس گفت آقا جان سی سال قبل رفیقی داشتم که با او این مسافرت را انجام میدادم پس در یکی از سفرها آن مرد مریض شد و در راه فوت نمود و من متحیر بودم که او را چکنم نه آب داشتم او را غسل دهم و نه کفنی که او را کفن کنم و نه برایم به تنهائی میسور بود که او را تجهیز نمایم و ترسیدم که اگر او را همانطور بگذارم و بده و آبادی نزدیک روم و مردم را خبر کنم، درنده‌ای او را بخورد پس وی را در زیر سنگ پنهان کرده و به آبادی که سر راه بود رفتم و اهل آنجا را خبر داده و از آنها کمک خواستم گفتند حالا که شب است صبر کن صبح با تو می‌آئیم و او را تجهیز می‌کنیم.

پس شب را در آن محل مانده و صبح باتفاق چند نفر از جوانهای آن ده آمدیم تا محل فوت او و هرچه تفحص کردیم اثری از وی نبود خیال کردم درندگان او را از زیر سنگ درآورده و برده‌اند شروع بگردش در آن بیابان کردیم و من متحیر بودم چه شده که ناگاه دیدم شخص بزرگواری در کنارم ایستاده و نفهمیدم آیا از آسمان آمد و یا از زمین و فرمود فلانی (و اسم مرا برد) برای چه ناراحت و سرگردانی. جریان را گفتم فرمود راحت باش که من دیشب او را تجهیز نموده و دفن کردم و اینهم قبر اوست و اشاره کرد به نقطه‌ای و دیدم صورت قبر است و بعد فرمود تو هم به هدف رسیدی گفتم چگونه من بمقصدم رسیدم و حال آن که هدفم مشهد و زیارت حضرت رضا علیه‌السلام است فرمود اگر صاحب قبر را میخواهی که نائل شدی و اگر قبر را میخواهی برو گفتم آقا جان شما کیستید فرمود من ابوالحسن علی بن موسی الرضا هستم به شیعیان ما خبر بده که هر کدام در مسیر و طریق زیارت ما از دنیا بروند ما می‌آئیم و او را تجهیز می‌کنیم و اگر تو می‌خواهی برگرد بوطنت و اگر میخواهی برو به مشهد پس خودم را بقدم مبارکش انداختم که ببوسم پس کسی را ندیدم شروع کردم بگریه و افسوس از این که چگونه این دولت مستعجل و فیض بزرگ از دستم رفت و حالا از آن تاریخ من هر سال مشرف می‌شوم که شاید در راه اجلم برسد و به فیضی که رفیقم نائل شد منهم نائل شوم.

حالا با این کیفیت اگر شما مرا منع می‌کنید می‌پذیرم. آن عالم جلیل فرمودند خیر منعت نمی‌کنم بلکه من هم رفیق سفر شما هستم و بسیار گریست و با آن شخص مسافرت نمود چند سالی تا هر دو در راه سفر مشهد از دنیا رفته و بفیض و هدف مقدسشان رسیدند. هنیئا لهم رزقنا اللّٰه زیارتهم و شفاعتهم آمین یا رب العالمین.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خراسانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیه‌الله حاج سید محمدرضا خراسانی از مشاهیر علماء و معاریف مراجع و مدرسین معاصر اصفهانست. وی در حدود سال ۱۳۰۲ قمری بدنیا آمده و پس از خواندن مقدمات و سطوح از محضر مدرسین بزرگ چون مرحوم آیه‌الله حاج سیدابوالقاسم ده کردی و آیه‌الله حاج میرزا محمد صادق یزدآبادی و آیات دیگر اصفهان استفاده نموده تا بمدارج عالیه فقاهت و اجتهاد ارتقاء یافته و از مدرسین و مراجع بنام اصفهان گردیده و همه روزه قبل از ظهر در مدرسه صدر و بعدازظهرها در مدرسه چهارباغ تدریس خارج فقه و اصول مینمایند.

و در مسجد فلکه شاه عباس اقامه جماعت نموده و وظائف دینی را انجام میدهند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

خراسانی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن وزیری جلد روغنی- دو صفحه‌ی اول افتتاح متن و حاشیه مرصع نسخ کتابت خفی عالی با رقم: «حرره فی یوم‌الخمیس فی شهر رمضان‌المبارک ۱۲۷۹ و انا العبد الاقل الداعی لابود الدولهٔ القاهرهٔ الباهرهٔ السلطانیهٔ المذنب الوصی المحتاج الی رحمهٔ ربه الغنی، ابن محمد، محمدعلی الخراسانی». در کتابخانه‌ی سلطنتی.

(س سیزدهم ق)، خطاط. از آثار او: قرآن وزیری جلد روغنی که دو صفحه اول افتتاح متن و حاشیه مرصع است، به خط نسخ کتابت خفی عالی، با رقم: «حرره فی یوم الخمیس فی شهر رمضان المبارک ۱۲۷۹ و انا العبد الاقل الداعی... ابن محمد، محمد علی الخراسانی».[۱]

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۹۱/ ۴).

خراسانی، محمدهادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمدهادی بن العالم الجلیل السید علی بن العلامه السید محمد البجستانی الخراسانی النجفی الحایری از علماء مبرز و جلیل کربلاء بوده‌اند.

وی در شب جمعه اول ذی‌الحجه ۱۲۹۷ ق در کربلا متولد شده و با مرحوم والدش به مشهد مقدس آمده و قرآن را قبل از ده سالگی ختم نموده و به دروس مقدمات و ادبیات خدمت مرحوم والدش و دیگران پرداخته و پس از آن در سال ۱۳۱۵ ق مهاجرت به نجف اشرف نموده و پس از تکمیل سطوح به درس خارج محقق خراسانی مرحوم آخوند ملا محمدکاظم صاحب کفایه و محقق یزدی آقا سید محمدکاظم صاحب عروه و مرحوم علامه شریعت اصفهانی حاضر و استفاده سرشار نموده آنگاه در سال ۱۳۲۰ ق به سامرا منتقل و به درس آیت‌اللّٰه العظمی میرزا محمدتقی شیرازی شرکت نموده و در سال ۱۳۳۶ در خدمت استاد مذکورش به کربلا آمده و به امر آن مرحوم در (ثوره) عراق بر علیه انگلیسها شرکت نموده و پس از فوت مرحوم میرزاء به تدریس و اقامه جماعت و تألیف و تصنیف پرداخته تا در دوازدهم ربیع‌الاول ۱۳۶۸ ق که در کربلا به رحمت حق پیوسته و در مقبره میرزاء موسی وزیر در صحن مقدس حسینی (ع) مدفون گردیده و در ماده تاریخ وفاتش گفته شد.

اروع فی تاریخه (ماجد

هادی البرایا قر فی الخلد)

اما آثار و تألیفات ارزنده آن مرحوم از اینقرار است.

۱- الفتن فی دین المصطفین ۲- اصول الشیعه و فروع الشیعه ۳- الباقیات الصالحات ۴- سراج‌الحاج ۵- ذخیرهٔ‌المعاد ۶- دعوهٔ الحق الی ائمهٔ الخلق ۷- رسالهٔ فی الشعائر الحسینیه ۸- السبع الثانی ۹- المسائل النفیسه ۱۰- المعجزهٔ والاسلام ۱۱- کراسهٔ فی صلوهٔ الجمعه ۱۲- لله الحجهٔ البالغه ۱۳- معجزات و کرامات ۱۴- المغرقهٔ فی المعرفه ۱۵- القول السدید بشأن الحر الشهید تمام کتب و رسالات مذکوره مطبوع و منتشر می‌باشد.

نگارنده گوید: آن مرحوم در سال ۱۳۶۵ قمری به قصد زیارت حضرت رضا علیه‌الصلوهٔ والسلام به ایران مسافرت نموده و در شهر ری به عیادت مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی آقای سید محمد حجت قدس سره و زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) آمده و توفیق زیارت و ملاقاتشان را پیدا نمودم و فرمودند رفتم به زیارت قبر امامزاده داود تهران و واقعاً اگر نباشد کرامتی برای آن امامزاده مگر همین که این راه سخت و دشوار خطرناک را هزارها نفر پیر و جوان، کوچک و بزرگ شب و روز می‌روند و به سلامت به مقصود نائل شده و برمی‌گردند هر آینه کافی می‌باشد برای کرامت و بزرگواری آن.

و گذشته از آثار خالده مذکوره آن مرحوم از باقیات الصالحات است فرزند دانشمند جناب مستطاب رکن‌الاسلام و عمادالاعلام آقای حاج سید مهدی خراسانی حایری که سالها از طرف مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حکیم و آیات دیگر نجف در لندن رهبری جمعی از شیعیان مقیم آنجا را داشتند و اکنون نزدیک یک سال است که به امریکا مهاجرت و به خدمات روحی و هدایت جوانان و محصلین ایرانی و غیره امریکا اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

خراسانی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم ثقه‌ی جلیل، و فقیه مجتهد عادل عامل، از اجله‌ی علما و فقها و مدرسین و ائمه‌ی جماعت اصفهان بوده، عمری به زهد و عبادت گذرانیده، در ۱۳۵۷ وفات یافته، در بقعه‌ی تکیه‌ی کازرونی مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خراسانی، نعمت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جنگل‌داری، دانشکده: منابع طبیعی، دانشگاه: تهران

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

خراسانی، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مؤلف.

تولد: ۱۲۸۷، مشهد.

درگذشت: ۲۹ خرداد ۱۳۶۴.

هادی خراسانی، فرزند محمد حاج میرزا حبیب‌الله خراسانی، پس از انجام تحصیلات مقدماتی در مشهد در چهارده سالگی عازم بیروت گردید و در کالج آمریکایی آنجا مدت پنج سال به ادامه‌ی تحصیل پرداخت و در نوزده سالگی به فرانسه مسافرت نمود. وارد دانشگاه پاریس گردید و دوره‌ی لیسانس و سپس دوره‌ی دکترای حقوق و اقتصاد و علوم سیاسی را طی نمود. در سال ۱۳۱۶ به ایران مراجعت و پس از انجام خدمت نظام وظیفه در سال ۱۳۱۸ در وزارت دارایی مشغول به کار شد. در سال ۱۳۲۷ به سازمان برنامه منتقل و بعدها به سمت رییس اقتصادی بانک اعتبارات صنعتی سازمان برنامه انجام وظیفه نمود.

آثار وی به این شرح است: پرسش و پاسخ از کتاب دانش (ترجمه از انگلیسی با همکاری احمد بیرشک، تهران، ۱۳۳۵)؛ پیدایش و تحول دمکراسی در آمریکا (تهران، ۱۳۲۷ با مقدمه‌ی دکتر قاسم‌زاده)؛ من خیانت را انتخاب کردم (تهران، ۱۳۲۸).

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

خراشادی زاده، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا خراشادی زاده

محل تولد : بیرجند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای علیرضا خراشادی زاده در سال ۱۳۴۱هجری شمسی در خانواده ای پاک، باصفا، متدین و کاملا آگاه به مسائل مذهبی در بیرجند دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۰و به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه ملکوتی حضرت معصومه سلام الله علیها از یک سو و ادامه تحصیلات از سوی دیگر وی راهی قم گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه قم با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس ستارگان آن دیار همچون آیت الله اشرفی شاهرودی ، آیت الله راستی کاشانی، آیت الله نوری و دیگر اساتید بهره های علمی فراوان برد.

وی در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در مقطع کارشناسی ارشد در رشته معارف اسلامی از دانشگاه آزاد فارغ التحصیل شد و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "بررسی اثرات آموزش های سیاسی در بسیج "دفاع کرد. وی سالهای متمادی است که در دانشگاه امام حسین علیه السلام ، و دیگر دانشگاههای تهران به تدریس مشغول می باشد. ایشان درطول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و آثاری متعددی از جمله " آموزه های تربیتی و اخلاقی در مدیریت درس هایی از سیره مدیریتی پیامبر(ص ")و... را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

خرامی تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۹۵۷ ق)، از زنان شاعر. وی اهل تبریز بود. به نوشته سام میرزا در تحفه سامی وی «به صباحت و ملاحت شهره‌ی شهر است و به حسن رفتار و شیرینی گفتار آشوب دهر. حافظ کلام‌اللّه مجید نیز هست.» در این کتاب اشاره‌ای به جنسیت او نشده اما توصیفاتی که از وی شده سبب گردیده تا تذکره‌های متاخر او را جزو زنان شاعر بدانند. بیت زیر از اوست:

می‌روم از کوی جانان با دل افکار خویش

زانکه پر شد دامنم از دیده‌ی خونبار خویش[۱]

(ز ۵۹۷ ق)، شاعر. از زنان شاعر اهل تبریز بود که قرآن را از حفظ می‌خوانـد و خوش اخلاق و شیرین بیان نیز بود. نام او در تذکره زنان شاعر آمده اما، در هیچ تذکره یا منابع دیگری به جنسیت او اشاره نشده است. از وی دیوان اشعاری به جای مانده. بیت زیر از اوست:

می‌روم از کوی جانان با دل افگار خویش

زان که پر شد دامنم از دیده‌ی خونبار خویش[۲]

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :[۱] منابع: تحفه سامی، ۲۶۰، تذکره شعرای آذربایجان، ۲۰۰ -۱۹۹ / ۲؛ دانشمندان/ آذربایجان، ۱۳۴؛ الذریعه، ۲۹۰ / ۹؛ زنان سخنور، ۱۹۱ / ۱؛ سخنوران آذربایجان، ۳۳۲.

[۲] تاریخ نظم و نثر (۶۹۷)، تحفه سامی (۲۶۱ -۲۶۰)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۲۰۰ -۱۹۹/ ۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۳۴)، الذریعه (۲۹۰/ ۹)، زنان سخنور (۱۹۱/ ۱)، سخنوران آذربایجان (۳۳۲)، گلزار جاویدان (۴۴۲/ ۲)، مشاهیر زنان (۸۷).

خرد شیرازی، اسداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۰ -۱۱۹۶ ق)، شاعر. در اصفهان متولـد شـد. پدرش صدراعظم فتحعلی‌شاه بود. وی در شانزده سالگی به حکومت قم منصوب شد و در هجده سالگی به حکومت بروجرد، لرستان و خوزستان رسید بعد از عزل شدن پدرش از صدارت به امر فتحعلی‌شاه، خرد را از هر دو چشم نابینا کردند و مدت یازده سال در اصفهان توقیف بود. بعد از آن مدت بیست و یک سال در بروجرد زندگی کرد و پس از آن به شیراز رفت و تـا پایـان عمر همـان جـا زنـدگی کرد. خرد گاهی شـعر می‌سرود. در سال ۱۲۳۹ ق تاریخ مختصری مشتمل بر چهار باب در ذکر نسبش که به حاجی قوام‌الدین شیرازی از اعیان شیراز می‌رسد نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۱۱۴ -۱۱۳ /۱)، مرآت الفصاحه. (۱۸۹ -۱۸۷).

خرد شیرازی، اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ق)، نویسـنده و شـاعر، متخلص بـه خرد. معروف بـه عرب. وی از اوان کـودکی شـعر می‌گفت و از اول عمر به کـار آزاد اشـتغال داشت. وی مـدتی بـا مـدیر روزنـامه «شـفق» و روزنامه «همه» همکاری می‌کرد و مـدیر روزنامه «مرد بازار» بود. از آثار وی: «زلزله»، مجموعه اشـعاری که در روزنامه‌هـا چـاپ شـده؛ «گلزار عشق»، مراثی ائمه اطهار. همچنین اشـعار و سـرودهای مهیـج فراوان دارد و ادبیات انقلابی «غوغای رستاخیز» او مشهور است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۳۱ -۴۲۶ /۲) مولفین کتب چاپی (۶۲۷ -۶۲۶ /۱).

خرد مازندرانی، علیمردان

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۹۸ ق)، شـاعر. وی اهل نور مازنـدران بود. از زادگاهش به اصـفهان رفت و در آنجا به تحصـیل پرداخت. خرد در سـرودن شعر توانـا بود امـا، بیشتر اشـعار هزل‌آمیز می‌سـرود. گوینـد در آخر عمر پشـیمان شـد و توبه کرد. وی در نخجوان درگـذشت. سال مرگ او در «مجمع الفصـحا» و «سـفینه المحمود» سـال ۱۰۹۸ ق ذکر شـده است که به تحقیق بایـد سـال ۱۱۹۸ ق باشـد. چه تاریخ مذکور با معاصر بودن شاعر با رضاقلی خان هدایت منافی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۹۱/۹)، سفینه المحمود (۶۵۳ -۶۵۲ /۲)، شعرای مازندران و گرگان (۱۰۱)، مجمع الفصحا (۲۴۸/۴)، نگارستان دارا (۱۸۹ -۱۸۶).

خرده فروش کاشانی، مقصود، مولانا مقصود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۹۸۷ / ۹۸۳ ق)، شاعر و ادیب. اهل کاشان بود و به شغل خرده فروشی اشتغال داشت. اما در «تاریخ نظم و نثر» و تذکره‌ی «روز روشن» وی به قریه خرده کاشان نسبت داده شده است. او برادر باقر خرده فروش غزلسرا است. در علم سیاق دست داشت و شاگرد میر حیدر معمایی و میر غیاث‌الدین منصور دشتکی بود. به آورده‌ی صاحب تذکره‌ی «روز روشن» با میر غیاث‌الدین منصور به حج و زیارت مشرف شد. مقصود کاشانی با ملا محتشم کاشانی همعصر بود و این دو قصایدی در هجو یکدیگر سروده‌اند. او سرانجام در خانه‌اش در یزد به دست دزدان به قتل رسید. صاحب «الذریعه» مقصود کاشانی خرده فروش و مقصود کاشانی متبحر در علم سیاق را یکی نمی‌داند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۱۶)، تحفه سامی (۲۶۸ -۲۶۷)، تذکره‌ی روز روشن (۷۵۹ -۷۵۸)، الذریعه (۱۰۹۰/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۷۰ -۸۶۹)، لغت نامه (ذیل/ مقصود کاشانی)، مجمع الخواص (۲۱۴ -۲۱۳)، هفت اقلیم (۴۷۸ -۴۷۷/ ۲).

خرده کاشانی، باقر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۳۸ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به باقر. وی اهل خرده از توابع کاشان و مردی شیدا مسلک بود. باقر خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و در شعر شاگرد محتشم کاشانی بود. از ایران به هندوستان سفر کرد و در بیجاپور مسکن گزید و نزد عادل شاه، والی دکن، تقرب یافت و بعد از آن به بنگاله رفت. باقر از آنجا به زیارت بیت الله مشرف شد و در برهانپور درگذشت. وی در سرودن شعر توانا بود. از آثار وی: «دیوان» اشعار؛ «ساقی‌نامه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۵۸ -۶۵۷ /۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۱۷، ۴۷۴ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۵۱۶)، تذکره‌ی روز روشن (۹۸ -۹۷)، تذکره‌ی میخانه (۶۱۴)، الذریعه (۱۰۵/۱۲، ۱۲۲ -۱۲۱ /۹)، شام غریبان (۴۹)، فرهنگ سخنوران (۱۲۰ -۱۱۹)، کاروان هند (۱۴۹ -۱۴۳ /۱)، گلستان هنر (۱۲۲)، لغت‌نامه (ذیل/ باقر)، مخزن العرائب (۳۲۶ -۳۲۴ /۱)، نشتر عشق (۲۳۶ -۲۳۵ /۱).

خرسند شیرازی، علی‌محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۶ -۱۲۶۹ ق)، شاعر. معروف به شعله و ملقب به امین خاقان و ابوالمله. وی خطوط هفتگانه را خوش می‌نوشت. در اوایل عمر در تهران منشی مرحوم میرزا علی‌اصغر خان، صدر اعظم ناصرالدین‌شاه قاجار، بود از تهران به هندوستان رفت و پس از چندی به شیراز مراجعت کرد و به کمک حاج علی آقا ذوالریاستین که از اقطاب سلسله نعمت‌اللهی بود، مدرسه‌ای به اصول جدید به نام مسعودیه تاسیس کرد و خود مدیر شد و این اولین دبستانی بود که در شیراز به سبک جدید تاسیس شد. وی در اواخر عمر چند سال ریاست دبیرستان شفاعیه را داشت. چند روز قبل از فوتش وزارت معارف وی را معزول کرد که خرسند نیز شکوائیه‌ای به نظم درآورد و در روزنامه؛ «پازارگاد» به چاپ رساند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۳۵ -۴۳۱ /۲)، فرهنگ سخنوران (۳۰۴).

خرسندی شیرازی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، مورخ و شاعر، متخلص به خرسندی. اصل وی از کازرون بود اما، در شهر شیراز متولد شد. در سال ۱۲۵۹ ق به قصد زیارت مشهد وارد تهران شد و در خدمت محمد شاه قاجار به شاهنامه‌خوانی شاه و پیشخدمتی عباس میرزا منصوب گشت. در آغاز سلطنت ناصرالدین‌شاه به امر میرزا محمدتقی‌خان فراهانی به وقایع‌نگاری کرمان مامور شد. چندی در این خدمت باقی بود،

بعد وی را وکیل وظایف اهل اصفهان کردند. وی در پایان عمر کور شد. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۳۸ -۴۳۵ /۲)، الذریعه (۲۹۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۰۴)، مجمع الفصحا (۲۴۵ -۲۴۳ /۴)، مرآت الفصاحه (۱۹۰ -۱۸۹).

خرقی آرانی، حسن آقا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن آقا خرقی آرانی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

ـ اخذ دیپلم تجربی سال ۱۳۶۰ آران و بیدگل. -ورود به حوزه ۱۳۶۰ اتمام سطح ۱۳۶۸ کاشان. ـ ورود به سطح ۱۳۶۸ و شروع درس خارج فقه آیت الله مکارم شیرازی اصول آیت الله وحید خراسانی. ـ ورود به دانشگاه دولتی رشته فلسفه ۱۳۷۳ اتمام ۱۳۷۷. ـ ورود به دانشگاه رشته فلسفه غرب ۱۳۷۷ اتمام ۱۳۸۰ـ سیزده سال سابقه و حضور در درس خارج فقه و اصول در قم. ـ سابقه ۱۲ سال تدریس در دانشگاه‌های متعدد. ـ سابقه پنج سال تدریس در حوزه در مقاطع متعدد. ـ دارای دو اثر چاپ شده. ـ دارای سه اثر چاپ نشده. ـ صاحب ده‌ها مقاله علمی. ـ صاحب امتیاز و مدیرمسئول نشریه دو هفته‌نامه ظهور. ـ دارای دو مجوز اخلاق اسلامی و اندیشه اسلامی (معارف) از نهاد رهبری. ـ صاحب مقالاتی چند در نشریات معتبر کشور.

ـ دفاع از پایان‌نامه علمی فلسفی ۱۳۸۰ با ترجمه کتاب انگلیسی پوتنام جنبه‌ها و جمله‌هایی چند از رئالیسم با تفسیر و شرح. ـ جلسات تفسیر قرآن به طور مرتب. ـ حضور در جلسات فرهنگی و ادبی و ارائه مقاله و سخنرانی و غیره... .

خرقی مروزی، بهاءالدین، ابوبکر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۵۳۶ ق)، ریاضیدان. از مردم خرق، از توابع مرو، و از دانشمندان علم ریاضی و مولفان مشهور در تاریخ و جغرافیا و ریاضی بود. خرقی در دربار خوارزمشاهیان مقامی بلند داشت و از معدود دانشمندان عصر انحطاط علوم در تمدن اسلامی است. آثار وی: «منتهی الادراک»؛ «التبصره فی علم الهیئه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۰ -۳۰۹ /۲)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۶۰).

خرم اصفهانی، نادعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر. وی از اهالی قریه خروشان سده مابین اصفهان است. خرم در سال ۱۳۵۱ ق کتابی در مصیبت حاوی هفتصد بیت به نام «مصیبت نامه» به طبع رسانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۷۸ -۱۷۷)، مولفین کتب چاپی (۴۹۵ -۴۹۴ /۶).

خرم اصفهانی، هاشم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی اهل اصفهان بود و دارای «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سفینه المحمود (۴۹۴/۲)، فرهنگ سخنوران (۳۰۵)، مجمع الفصحا (۲۴۵/۴)، مصطبه‌ی خراب (۵۷).

خرم سنندجی، فتح‌الله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۳۹ ق)، شاعر، متخلص به خرم. وی از خانواده وزارت کردستان سنندج بود. وی زادگاه خود را ترک کرد و به دربار آقا محمدخان قاجار پیوست و مورد توجه او قرار گرفت. بعد از آن که لطفعلی‌خان زند بر شیراز دست یافت نزد او رفت و از ملازمان او شد اما بعد از برچیده شدن بساط فرمانروایی‌خان زند به دستور محمد شاه خرم را گرفتند و از دو چشم کور کردند. وی بعد از واقعه به سنندج برگشت و سی سال بعد از آن زندگی کرد. در این مدت بیشتر در دستگاه والی اردلان به سر می برد و اوقات خود را به شعر و شاعری سپری می‌کرد. «دیوان» شعر وی بالغ بر پنج هزار بیت بوده و در فن ماده تاریخ مهارت داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۲۹۲ -۲۹۰ /۱)، حدیقه‌ی امان‌اللهی (۳۱۹)، حدیقه الشعراء (۵۵۲،۵۵۱ /۱)، فرهنگ سخنوران (۳۰۵)، مجمع الفصحا (۲۴۱ -۲۴۰ /۴).

خرم شیرازی، ابوالحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۵ ق)، شاعر، متخلص به خرم و شغل ری مسگری بود. از شیراز به هند مهاجرت کرد و در بمبئی به کار ساختن ظروف مسینه پرداخت و از این راه ثروتی به دست آورد. خرم به عراق رفت و پس از زیارت عتبات، قصیده‌ای در مدح حضرت موسی ابن جعفر (ع) سرود که از طرف آیت‌اللّه صدر به صدرالشعراء ملقب شد. پس از آن به بمبئی برگشت. وی در بمبئی درگذشت و در آنجا دفن شد. از آثار وی «دیوان» خرم، موسوم به «شجاعت الحسینی»، «مولودنامه»؛ «مناقب الائمه»؛ «مطلع الانوار»؛ «بهار خرم نثر»، در عروض و قافیه؛ «اشعار خرم»؛ «حدیقه دانش» در علم عروض و قافیه و رساله هجویه به خط خود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۴۸ -۴۴۶ /۱)، الذریعه (۲۹۱/۹)، مولفین کتب چاپی (۱۵۱ -۱۵۰ /۱).

خرم شیرازی، علیرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۳ ق)، شاعر. وی همیشه در حال ذکر و به یاد حق مشغول بود. با صاحب «حدیقه الشعراء» الفتی داشت. او در اثر وبا در شیراز درگذشت. خرم در سرودن شعر توانا بود و اشعار او در تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۵۵۴ -۵۵۲ /۱)، مرآت الفصاحه (۱۹۴ -۱۹۳)، مصطبه‌ی خراب (۵۱).

خرم شیرازی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۷ ق)، شاعر، متخلص به خرم. ملقب به مجدالایاله. شغل وی کلاهدوزی بود. در جوانی درگذشت و در جوان‌آباد شیراز دفن شد.

این رمز عیانست به ارباب خرد

کز بهر چه شد نام محمد احمد

فرمود احد ز حکمتش میم اضاف

تا حک کند آن میم و شود باز احد[۱]

(وف ح ۱۲۵۰ ق)، شاعر، متخلص به خرم. جوانی عام و بی‌سواد بود که در شیراز به کلاهدوزی اشتغال داشت. خرم گاهی شعر می‌سرود.[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۴۶ -۴۴۵ /۲).

[۲] حدیقه الشعراء (۵۶۰/۱)، مرآت الفصاحه (۱۹۷ -۱۹۶).

خرم شیرازی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۶ ق)، شاعر، متخلص به خرم. وی از سادات حمزوی شیراز بود و در انشاء و دبیری مهارت داشت. چند سالی منشی حاج میرزا حسنعلی خان نصیرالملک بود اما پس از چندی از وی رنجیده خاطر شد و او را ترک گفت و هجوش کرد. خرم خط شکسته را بخوبی می‌نوشت. وی در شاهچراغ دفن است. صاحب «حدیقه الشعراء» سال فوت خرم را ۱۲۹۷ ق ذکر کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۵۶ -۵۵۵)، حدیقه الشعراء (۵۵۷ -۵۵۴ /۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۴۵ -۴۳۹ /۲)، الذریعه (۲۹۱/۹)، ریحانه (۱۲۶/۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۲۵/۲)، فرهنگ سخنوران (۳۰۵)، مرآت الفصاحه (۱۹۲ -۱۹۰).

خرم شیرازی، نجفقلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به خرم. اصلش از شیراز بود. هدایت می‌نویسد. در خدمت صاحبقران میرزا بوده و در غزلسرایی طبعی روان داشته و هر هفته غزلی به حضور شاه می‌برده و جایزه می‌گرفته. «دیوان» او قریب سه هزار بیت است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۴۹ -۴۴۸ /۲)، سفینه المحمود (۵۶۶ -۵۶۵ /۲)، فرهنگ سخنوران (۳۰۶ -۳۰۵)، مجمع الفصحا (۲۴۶ -۲۴۵ /۲)، مصطبه‌ی خراب (۵۹).

خرم قراچه‌داغی، خرم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۱ ق)، طبیب و شاعر، متخلص به خرم. وی در زمان فترت، بین سلسله‌ی صفویه و نادرشاه افشار، در کردشت ساکن و جزو غلامزادگان کاظم‌خان قرچه‌داغی بود. میرزا خرم در فن طبابت مهارت تمام داشت. وقتی یکی از دشمنان مخدوم او مریض شد و میرزا خرم را برای معالجه خواست، کاظم‌خان خرم را برای کشن مریض روانه کرد ولی او به مقتضای وظیفه طبابت به معالجه‌ی مریض پرداخت و بعد از بهبودی وی برگشت. در نتیجه وی به قصبه‌ی اهر تبعید و همان جا درگذشت. وی دارای «دیوان» حسینی، محمدحسن، فرزند فیروزبخت. (س دهم ق)، خطاط. از کاتبان زبردست گمنام بود. به خط او نسخه‌ای از «دیوان» حافظ به قلم کتابت خوش و به شیوه‌ی میرعلی هروی، در کتابخانه‌ی دانشگاه استانبول است، با رقم: «کاتبها الفقیر الحقیر محمدحسن بن فیروزبخت الحسینی غفر ذنوبهما و ستر عیوبهما. تحریرا فی اواسط رمضان المبارک سنه‌ی احدی و سبعین و تسعمائه فی قریه‌ی رزه من قراء باخرز».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۷۶/۳).

خرم مشهدی، عبدالحمید، عبدالمجید

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. اصلش از خراسان بود. وی از مشهد به یزد رفت و در آنجا به تحصیل علوم پرداخت و در مدت زمان کوتاهی از علوم متداول فارغ‌التحصیل شد. صاحب «مصطبه‌ی خراب» شغل وی را مذهب ذکر کرده است. وی دارای «دیوان» شعر است. از اوست:

نه با جاهش جهان گردد مقابل

نه با قدرش فلک گردد برابر

بود جاه اینهمه سبحان و الملک

بود قدر اینهمه اللّه‌اکبر

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۵۶۴ -۵۶۳ /۱)، الذریعه (۲۹۲/۹)، سفینه المحمود (۶۱۵/۲)، فرهنگ سخنوران (۳۰۶)، گنج شایگان (۱۷۴ -۱۷۱)، مجمع الفصحا (۲۴۸ -۲۴۷ /۴)، مصطبه‌ی خراب (۵۱).

خرمشاهی خرقانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، خطاط و شاعر، متخلص به خرم. در ساوه به دنیا آمد. از همان اوان کودکی به تهران آمد و تحصیلات خود را در این شهر به پایان رسانید. از سال ۱۳۱۶ ش همکاری با مطبوعات را آغاز کرد و با نوشتن مقالات انتقادی و اشعار طنزآمیز به جرگه‌ی نویسندگان پیوست و اشعارش را بیشتر با نامهای مستعار: گل مولا، درویش، شیخ شنگول و چندین نام دیگر انتشار داد. او از خوشنویسی نیز بهره‌ی کافی داشت و خط نستعلیق را نیکو می‌نوشت. آثار منظوم وی: «شیخ شنگول»؛ «دنیای شادیها»؛ «نامه‌های عشق».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معار (۱۲۷۳ -۱۲۶۷ /۲)، فرهنگ سخنوران (۳۰۷).

خرمشاهی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد خرمشاهی دارای دکترای رشته دفع آفات و عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز با درجه دانشیاری تمام وقت می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیگرایش : دفع آفاتوقایع میانسالی : احمد خرمشاهی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاه پزشکی به عضویت هیئت علمی گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز در آمد وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد خرمشاهی عضوهیئت علمی و دانشیار گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز است.چگونگی عرضه آثار : احمد خرمشاهی استاد راهنمای پایان نامه : بررسی ترجیحات غذائی شپشهء دندانهدار Oryzaephilus(col./silvanidae) Surinamensis L. روی بذور گندم - جو - برنج و ذرت آثار : دفع آفات نباتی شناختی بر مدیریت تلفیقی آفات ویژگی اثر : نویسنده:مری لؤیزفلینت -رابرت ون دن بوش مترجمان: پرویز طالبی چایچی— احمد خرمشاهی -انتشارات عمیدی — ۱۳۷۳۳ علفهای نوز

خرمی تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از سخنوران معروف سلطان یعقوب بود. خرمی در زمان شاه اسماعیل صفوی به زیارت حج نایل شد و در راه اندوخته‌های وی را غارت کردند. از تالیفات او: «روضه العشاق» که به نام ابوالغازی عبدالعزیز بهادرخان، پادشاه بخاراست که به پیروی از «گلستان» سعدی در یک مقدمه و هشت باب نگاشته است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران آذربایجان (۳۳۴ -۳۳۳)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۲۰۱ -۲۰۰ /۲)، مجالس النفائس (۴۰۱)، الذریعه (۲۹۲/۹).

خروش، کیخسرو

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کیخسرو خروش درسال ۱۳۲۰ در تهران دیده به جهان گشود.ایشان برای ادامه تحصیل وارد دانشکده هنرهای زیبا شد و از همان سالهای اول دانشکده ۱۳۴۱شمسی از استاد سید حسین میرخانی کمال استفاده را برد. وی در همان دوران دانشگاه در زمینه نقاشی از استاد علیمحمد حیدریان بهره های زیادی برد. ایشان در سال ۱۳۵۳ مسئولیت مرکز کتاب انجمن خوشنویسان را به عهده گرفت. کیخسرو خروش علاوه بر کتابت، قطعه نویسیهایی بصورت نمایشگاه چه در داخل و چه در خارج بر پا کرد .گروه : هنررشته : خوشنویسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : خروش نقاشی را نزد استاد حیدریان آموخته و حیدریان از پروردگان مکتب کمال الملک است از این رو آثار این چهره ماندگار هنر، اهمیت و منزلتی خاص دارد.استادان و مربیان : از استادان کیخسرو خروش می توان به سید حسین میرخانی در زمینه خط و علیمحمد حیدریان در زمینه نقاشی اشاره کرد.

آثار : پرتره امام خمینی(ره) ویژگی اثر : یخسرو خروش پرتره جدیدی از بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران را برای نگهداری و نمایش در موزه حرم مطهر بر " بوم " ماندگار کرد۲ ترجمه نامهٔ حضرت امیر المومنین ترجمه نهج البلاغه ترکیب بندیهای واقعه کربلا چهارمقاله عروضی سمرقندی رباعیات خیام سفرنامهٔ ناصر خسرو کلیات دیوان حافظ مثنوی پیرو جوان مثنوی زهره و منوچهر

منثوی یوسف و زلیخا وصیت نامه امام منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

خروشی تبریزی، حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. از مردم تبریز بود که همراه برادر خویش در ملازمت شاه عباس به مرتبه امارت رسید و از جانب وی به سمت ایلچی‌گری نزد جهانگیر، پادشاه هندوستان رفت و پس از چندی به ایران مراجعت کرد. خروش بیشتر به سرودن قصیده می‌پرداخت. از اوست:

هرگز ز بد زمان خروشی نزنیم

داریم به دل دوزخ و جوشی نزنیم

گر آتش فاقه‌مان کند خاکستر

ما حلقه‌ی لب بر در گوشی نزنیم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۲۰۳ -۲۰۱ /۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۷۵)، دانشمندان آذربایجان (۱۳۶ -۱۳۵)، الذریعه (۲۹۲/۹)، سخنوران آذربایجان (۳۳۵ -۳۳۴)، صبح گلشن (۱۵۱)، فرهنگ سخنوران (۳۰۷)، کاروان هند (۳۷۲ -۳۷۱ /۱)، مخزن الغرائب (۹۴/۲).

خزاز قمی، علی بن محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یکی از دانشوران فرزانه و محدّثان و فقیهان قم، علیّ بن محمد خزّاز قمی است. این دانشمند نامدار، در حدود نیمه دوّم سده چهارم و اوائل سده پنجم هجری می‌زیست. به هنگام تولّد، نامش را علی نهادند. تاریخ دقیق طلوع این ستاره تابناک شیعه، در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.امّا با نظر به دوران حیات استادان وی، همانند شیخ صدوق متوفای ۳۸۱ قمری، و ابن عیّاش جوهری متوفی ۴۰۱ قمری و ابوالمفضّل شیبانی متوفای ۳۸۷ قمری، می‌توان گفت که این محدّث فرزانه، تقریباً در نیمه دوم سده چهارم هجری قمری پا به عرصه وجود نهاده است.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : یکی از محکمترین باورهای شیعه، در مبحث امامت و رهبری معصومین، بعد از رحلت رسول اکرم (ص) این اندیشه ژرف است که از جانب رسول اکرم (ص)، حضرت امیرالمؤمنین (ع) و یازده فرزند او، به عنوان رهبران و امامان امّت تعیین شدند. پیامبر اکرم (ص) در مکه و مدینه، به دستور خداوند متعال، بارها و بارها مسئله جانشینی علی و فرزندان او را با امّت مطرح فرمود، به ویژه در حادثه شکوهمند غدیرخم، که رسماً در حضور جمعیّت انبوهی علی را به عنوان خلیفه و امام بعد از خود به مردم معرفی کرد ؛ ولی با کمال تأسف این توصیه‌ها و دستورات رسول اکرم، نه تنها مقبول کوردلان ریاست طلب و تشنگان قدرت قرار نگرفت، بلکه آنها به خاندان علی (ع) نیز پشت کردند و زمام خلافت را به نا اهلان سپردند. با گذشت زمان آن دلائل روشنی را که شیعه بر حقانیت رهبری حضرت علی (ع) مطرح می‌کرد، مورد بی مهری قرار دادند.یکی از گروه‌های اهل سنّت بنام معتزله ضمن اینکه به ظاهر بر این باور است که: حضرت علی (ع) از تمام صحابه پیامبر (ص) با فضیلت‌تر است، فضل هیچ یک از آنها به پایه شأن و منزلت حضرت علی (ع) نمی‌رسد ؛ اما دلائل و نصوصی که از رسول‌اللّه (ص) بر خلافت علی (ع) نقل شده بود را نیز پذیرفت و آنها را تفسیر و توجیه کرد که معنای این نصوص این نیست که خلافت و امامت جامعه اسلامی بعد از رسول‌اکرم (ص) مختص علی (ع) و حق مسلم اوست ؛ بلکه به این معنا است که علی بن ابی‌طالب از دیگران برای بر عهده گرفتن رهبری جامعه، شایسته‌تر است .اینان با طرح مسئله «افضل و مفضول» گفتند: آری ما هم قبول داریم علی (ع) افضل و بهتر از تمام صحابی است؛ ولی برای مصحلتی غیر افضل - ابوبکر - رهبری را به دست گرفت.طرح این مسائل از یک سو و از سوی دیگر چون حکومت‌ها در دست مخالفین شیعه بود، و آنان تبلیغات گسترده‌ای را علیه باورهای شیعه راه انداخته بودند. های و هوی تبلیغات آنها به حدّی شد که جمعی از معتقدان به امامت را که اطلاع درستی از تاریخ اسلام نداشتند، دچار لغزش کرد.در این موقعیّت خزّازقمی به عنوان یک عالم روشن ضمیر، متعهّد و پاسدار مرز عقاید شیعه، دست به سلاح قلم زد و با تألیف کفایهٔ الاثر از باورهای شیعه به دفاع برخاست او در این کتاب به نقل از جمع زیادی از صحابه رسول اللّه، حقانیت حضرت علی و امامان بعد از او را به زیبایی اثبات کرد، و راه را بر توجیه و تفسیرهای خود خواهانه ارباب اعتزال فرو بست.او با این کتاب جلو انحرافات و شبهات مخالفین را سدّ کرد.استادان و مربیان : علی بن محمّد خرازقمی، توفیق زیستن در روزگاری را داشت که در جای جای جهان اسلام، دانشوران برجسته‌ای را در دامن خود پرورده بود، و پایه‌های دین به وجود آنان ثبات و استقرار می‌یافت. عطش حکمت و دانش، دل و جان این بزرگوار را گداخته بود، و او برای این که جان خویش را از جام آن زلال معرفت سیراب کند، در نزد استادان برجسته حدیث و فقه حاضر شد و از خرمن انبوه دانش آنان توشه‌ها برگرفت. آن طور که از بررسی اثر گرانسنگ او به دست می‌آید، وی از استادان زیادی کسب فیض کرده است. در اینجا به شاخص‌ترین و برجسته‌ترین اساتید ایشان اشاره می‌کنیم.۱ - مشهورترین استادش، محمّد بن علی بن بابویه قمی، ۲ - محمّد بن عبداللّه، معروف به ابوالمفضّل شیبانی،۳ - احمد بن محمد بن حسن جوهری، مشهور به «ابن عیّاش» ،۴ - محمد بن

وهبان بصری،۵ – حسین بن محمد بن سعید خزاعی،۶ – علی بن حسین بن مندهزمان و علت فوت : علی بن محمّد خزّاز قمی بعد از تلاش مستمر، در راه استوار ساختن باورهای عمیق ولایتی خویش، و به جای نهادن میراث مکتوبی ارزشمند، در نهایت جان به پیک جان آفرین پاک تسلیم کرد و به دیار اولیاء دین بال در کشید.سال رحلت این شخصیّت سترگ، اطلاع دقیقی در دست نیست. شاید بتوان حدس زد که این بزرگوار در نیمه اول سده پنجم هجری قمری چشم از جهان فرو بسته باشد،مبنای این سخن این است که استاد او، ابن عیاش جوهری در سال ۴۰۱ قمری از دنیا رفت. و نیز علامه تهرانی در اثر ارزشمند خویش، خزّاز قمی را از بزرگان سده پنجم قمری بشمار آورده است، به لحاظ اینکه وی بیشتر حیات علمی خود را در این سده سپری کرد. او در شهر ری وفات یافت و شاید هم در همین شهر سر بر بالین خاک نهاده باشد.شاگردان : با این که علی بن محمد خزاز قمی از نخبگان عالمان شیعه است، و طبعاً باید گروه زیادی از سرچشمه دانش او بهره برده باشند ؛ ولی در کتاب‌های تراجم تنها به نام اندکی از شاگردان حدیثی وی اشاره شده است: ابوالبرکات علی بن حسین جوزی ؛ محمد بن حسین بن سعید قمی که در شهر بغداد می‌زیست؛ و محمد بن ابی الحسن بن عبدالصمد القمی.آثار : ۱ الاحکام الشرعیهٔ علی مذهب الامامیهٔ ویژگی اثر : در مسائل فقهی.گویا این کتاب نیز همانند الایضاح – همچون بسیاری از کتاب‌های دیگری که عالمان شیعه تألیف کردند – در کشاکش مبارزات سیاسی علیه مذهب اهل‌بیت (ع) از بین رفته است و اثری از آنها در دست نیست.۲ الایضاح فی اصول الدی ویژگی اثر : البته امروزه ما، از سرنوشت این کتاب اطلاعی در دست نداریم.در دانش استدلالی حکام۳ کفایهٔ الاثر فی النص علی ائمهٔ الاثنی عشر ویژگی اثر : کتاب کفایهٔ الاثر از او، کتابی است که مانند آن در زمینه امامت تألیف نشده، و این اثر بهترین نشانه برفضل و کمال و وثاقت و دیانت مؤلف اوست.این اثر از بهترین و مهمترین تألیفات خزاز قمی است، کتابی که به مدرک و مأخذ عمده دو کتاب معروف شیعه تبدیل شده است:بحارالانوار و وسائل الشیعه .(۲۹) پیش از این سخن علامه مجلسی را در این باره آوردیم که: «همانند این کتاب درزمینه امامت تا کنون تألیف نشده است.»(۳۰)وی در این کتاب تلاش می‌کند تا با دلائل روشن و غیر قابل انکار حقانیت امامت امامان شیعه از بعد از رحلت رسول اکرم (ص) را اثبات کند و البته در این هدف والای خویش نیز نردبان توفیق را تا اوج پیموده است. او در مطلع کتابش، راز و رمز این تلاش مقّدس را چنین می‌نگارد: آنچه انگیزه شد تا من در جهت نوشتن این کتاب گام بردارم، این بود که مشاهده کردم گروهی از عوامّ بلکه خواصّ شیعه، در مسئله نصّ و دلیل قطعی بر امامت امامان معصوم، دچار نوعی تحیّرند و شبهه افکنی‌های گروه معتزله از اهل سنّت، آنها را سر در گم کرده است و کار به جائی رسیده که بعضی از علاقه‌مندان به خاندان پیامبر اکرم (ص) می‌گویند از صحابه پیامبر، و حتی از خود امامان (ع) نیز دلیلی بر این باور شیعه نداریم. چون چنین انحراف و کتمان حقیقت را دیدیم، دامن همت به کمر بستم تا حقایق را روشن و شک و شبهه مخالفین را بر طرف کنم. این اقدام را فقط برای خشنودی پروردگار عالم و تقرّب به رسول‌اللّه (ص) و امامان (ع) انجام دادم.در مبحث مهم رهبری معصوم (ع) در جامعه دینی.

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱k – /www.hawzah.net

خزانی یزدی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر و مدرس. وی پدر میرزا ابوالقاسم بهار و مردی باسواد بود و در یزد امامت و تدریس می‌کرد. خزانی گاهی شعر می‌سرود و بیشتر مقصودش اظهار تولا بوده است. از اوست:

کسی دیده که مهر و مه برآید توام
از یک افق و نور دهد بر عالم
جز مهر نبی و ماه رخسار علی
کز روز ازل جلوه‌گر آید با هم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۵۶۴/۱).

خزائلی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی خزائلی

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حاج شیخ محمد علی خزائلی فرزند عبد الله در ۲۶ دی ماه ۱۳۳۴ هجری شمسی در خانواده ای زحمتکش و کشاورز و مذهبی وابسته به روحانیت در شهرستان شهید پرور و مهد علم و ایثار ، نجف آباد چشم به جهان گشود و در دامن مادری پاکدامن و علاقمند به روحانیت و عاشق و دلباخته اهل بیت (ع) بنام حاجیه معصومه مصطفایی ، تربیت و پروش یافت و ازآغاز نوجوانی علاقه وافری به روحانیت اصیل و متعهد و مراکز دین و مساجد و حوزه های علمیه داشت و در ضمن فراگیری علوم جدید ، در کار کشاورزی همراه با پدر بزرگوارش شرکت داشت. پس از اتمام دوره راهنمایی (سال ۱۳۴۹) در سن شانزده سالگی ، تشنگی و شوق زاید الوصف به معارف دینی و نامساعد بودن اوضاع اجتماعی آن زمان و کافی نبودن محیط مدارس دولتی برای تامین خواسته های معنوی و روحانی، ایشان را به حوزه مقدسه علمیه کشاند و با شوق و اشتیاق شروع به تحصیل علوم دین کرد و دروس اخلاق ، عقاید ، صرف ، نحو ، ادبیات ، منطق ، معالم الاصول و معانی و بیان را در محضر اساتید بزرگواری نظیر : مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس ایزدی (پدر خانم خود) امام جمعه فقید نجف آباد اصفهان ، حاج دایی خود حجه الاسلام و المسلمین حاج شیخ ابوطالب مصطفایی ، مرحوم سید محمد باقر حسنی ، حاج سید حسین اسماعیلیان و حاج شیخ محمود واحد فرا گرفت ، و برای ادامه تحصیلات دینی و بهره گیری از اساتید بلند مرتبه در علوم بلند پایه در سال ۱۳۵۵ راهی حوزه علمیه قم شد و دوره سطح را خدمت اساتید گرانقدر ، آیات : فاضل هرندی ، ستوده ، سید علی محقق داماد و سید حسن طاهری خرم آبادی فرا گرفت و همراه دروس حوزوی تحصیلات متوسطه را به انجام رسانید و موفق به اخذ دیپلم گردید . پس از گذراندن سطح عالی علوم حوزوی شروع به فراگیری خارج فقه و اصول نمود و فلسفه ، اخلاق ، عرفان (کتاب های منظومه ، منطق و حکمت ، اسفار ، فصوص الحکم و مصباح الانس ، علم هیئت) را از محضر حضرات آیات : مرحوم ایزدی ، انصاری شیرازی ، گرامی ، جوادی آملی ، محمدی گیلانی و حسن زاده آملی به طور کامل در سالیان متمادی فرا گرفت و علم رجال و درایه را خدمت اساتید بزرگوار ، آیات : آقا موسی شبیری زنجانی ، جعفر سبحانی، و تجلیل تبریزی کسب فیض نمود و تفسیرقرآن کریم را خوشه چین خرمن پرفیض مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس ایزدی ، و حضرات آیات : خزعلی ، مشکینی و جوادی آملی بود .

خارج فقه و اصول را مدت قریب ۲۵ سال خدمت حضرات آیات عظام : گلپایگانی ، حاج شیخ جواد تبریزی ، حاج شیخ حسینعلی منتظری ، حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی ، وحید خراسانی و مکارم شیرازی بود و سرانجام به یاری خداوند منان و عنایات خاصه امام زمان (عج) با تلاش و کوشش پیگیر و جدیت تمام به درجه اجتهاد نایل آمد . مبارزات و فعالیت های سیاسی : ایشان در دوران جوانی علاقمند به مسایل سیاسی و اجتماعی و مبارزاتی بود . در مسایل دینی و سیاسی از حضرت امام خمینی (ره) تقلید می کرد و با هدایت و ارشاد و الگوگیری از علمای بزرگ و مبارز در دوران رژیم ستم شاهی از مبارزان و مخالفان سرسخت نظام شاهنشاهی بود و در این رابطه با یورش ماموران ساواک به حوزه ها چندین بار تحت تعقیب و به زندان افتاد و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با الهام گیری از علمای بزرگ و مبارز که در داخل و خارج از کشور فعالیت داشتند و در زندان و تبعید به سر می بردند به نشر و تکثیر رساله های عملیه حضرت امام خمینی (ره) و اعلامیه های افشاگرانه و روشنی بخش می پرداخت . هم زمان با تحصیل در حوزه علمیه قم ، شب و روز در فرصت های مناسب سعی می کرد با هدایت حجه الاسلام حاج شیخ محمود واحد اعلامیه های حضرت امام را که از نجف اشرف صادر و به ایران می رسید به درب منازل علما و مدرسان قم برساند و مخفیانه داخل خانه ها آنها بیاندازد .

در شهرستان های مختلف کشور به خصوص مناطق محروم به تشکیل کلاس های روشنگرانه و آگاهی بخش برای نوجوانان و جوانان عزیز میپرداخت و با عشق و علاقه و ایمانی که به تبلیغ و ارشاد داشت در مناطق دزفول و شهر کرد و اصفهان به تبلیغ و ارشاد جوانان می پرداخت . طلاب زیادی با راهنمایی ایشان از شهرستان دزفول و شهرکهای اطراف به حوزه علمیه قم آمدند و بعدا تعدادی از آنها به شهادت رسیدند و تعدادی هم اکنون بحمد الله از فضلای آن محل شده اند و در حوزه علمیه قم به تدریس و تحقیق مشغولند .

نامبرده با عشق و ایمانی که به تبلیغ و ارشاد داشت جوانان زیادی را با مبانی و احکام اسلامی و قرآن و مقدمات انقلاب و افکار عالی علمای بزرگ و راستین آشنا نمود . بارها از طرف ماموران ساواک و چماقداران رژیم ستم شاهی در هجوم به مساجد شهرستان های محروم مثل شهرستان بن شهر کرد ، به علت جلوگیری از سخنرانی های آتشین و افشاگرانه مورد ضرب و شتم قرار گرفت و شبانه از آن محل در شب تاسوعا با لباس مبدل فراری داده شد . اما استاد در این راستا به خاطر اعتقاد و ایمانی که به برپایی نظام عادلانه الهی و استقرار آزادی قلم و بیان و اندیشه در چارچوب حکومت اسلامی داشت از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نکرد ، و با استقلال و اراده قوی شب و روز در کنار تحصیل و تدریس در حوزه و دانشگاه ، مراکز علمی ، محافل و مساجد و مراکز تبلیغی به مبارزه خود علیه رژیم طاغوت ادامه داد تا بحمد الله انقلاب اسلامی به پیروزی رسید . با شروع جنگ تحمیلی در جبهه های مختلف غرب و جنوب چند نوبت به یاری رزمندگان عزیز- که بسیاری از آنان هم اکنون متنعم به نعم الهی در بهشت برین اند شتافت و انجام وظیفه نمود . بعد از پیروزی انقلاب نیز در سنگر قضاوت و تدریس و تحقیقات و ارشاد و تبلیغ قرار گرفت .

تدریس : سابقه تدریس و شاگرد پروی استاد از اوایل دوران طلبگی شروع شد و هر چه ر ا فرا گرفت تدریس نمود و زمانی که رژیم پهلوی درب حوزه علمیه نجف آباد را بست در مساجد اطراف شهر به تحصیل و تدریس مشغول بود و شاگردان زیادی را در دوره ادبیات ، فلسفه ، اخلاق و تفسیر تا سطح عالی فقه و اصول تربیت نمود و نزدیک به ۳۰ سال است در حوزه علمیه قم و بعضی حوزه های شهرستان ها و مراکز علمی و دانشگاهی اشتغال به تدریس در علوم مختلف داشته و دارند . ایشان چندین مرتبه رسائل و مکاسب و فلسفه و کفایه را تدریس نموده است و الان ۹ سال است مشغول تدریس خارج اصول و مکاسب مرحوم شیخ و فلسفه هستند . همچنین نزدیک ۱۶ سال است در مرکز امتحانات شفاهی از اعضاء هیئت ممتحنه می باشند .

خزعلی، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم خزعلی

محل تولد : بروجرد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۴/۱/۱

آیهٔ الله ابوالقاسم خزعلی، در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی در بروجرد، از توابع استان لرستان چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم غلامرضا، به شغل ندافی روزگار می‌گذراند و بسیار شیفته خاندان پیامبر (ص) بود؛ به گونه‌ای که شبها فرزند خود را به روضه‌های مخفی و منبرهای استادان با سواد آن روزگار می‌برد تا بذر عشق و محبت به قرآن و اهل بیت : در دل و جان فرزندش شکوفه بزند. اوضاع اقتصادی خانوادهٔ آیهٔ الله خزعلی نابسامان بود تا آنجا که مادرش، مرحوم ربابه، مجبور بود محصولات غذایی خانگی، از قبیل ترشی تهیه کند و آن را بفروشد تا کمکی برای مخارج خانواده باشد. آقای خزعلی ده ساله بود که به همراه خانواده و برخی از بستگان به مشهد مقدس مهاجرت کرد و در آنجا روزگار گذرانید. دوران تحصیل آیهٔ الله خزعلی، در ۶ یا ۷ سالگی به مکتب خانهٔ محلهٔ «سرسوزنی» در بروجرد رفت. معلّم او فردی بود به نام «سید جعفر شیرازی» که در مسجد محلّه درس می‌گفت. با هجرت به مشهد به دبستان رفت و پس از قبولی در امتحان، در کلاس چهارم ابتدایی مشغول به تحصیل شد و همواره از شاگردان نمونهٔ کلاس بود. پس از پایان رساندن کلاس ششم ابتدایی، به دبیرستان رفت. در آن زمان در مدارس، زبان فرانسوی تدریس می‌شد؛ وی نیز به فراگیری زبان فرانسه مشغول بود که بعدها آن را رها کرد. در سن ۱۷ سالگی ـ هم زمان با سقوط حکومت رضاشاه و اشغال ایران از سوی متفقین ـ به کار نوشتن دخل و خرج مغازه‌ای و توزیع جنسها بین کسبه سرگرم بود تا از این راه، به امرار معاش خانواده کمک کند که ناگهان، بارقه‌های اشتیاق به علوم حوزوی و تحصیل حوزهٔ علمیهٔ مشهد دل و جانش را شعله ور ساخت؛ به گونه‌ای که کار و کسب را وانهاد، به تحصیل علوم دینی روی آورد. مقدمات را در حوزه مشهد فرا گرفت و برای تحصیل سطوح به سراغ استادان ممتاز آن دیار رفت. دو سال قبل از ازدواج راهی قم شد تا از محضر بزرگان آن شهر مقدس نیز بهره گیرد و برای نخستین بار در درس خارج فقه آیهٔالله بروجردی (ره) و خارج اصول امام خمینی (ره) حاضر شد که این مسأله تا سالها ادامه داشت. همچنین وی در زمینهٔ فلسفه و تفسیر نیز از استادان بسیاری در حوزه علمیه قم بهره برد. استادان و دوستان آیهٔ الله خزعلی در طول دوران تحصیل خود از محضر استادان ممتاز و وارستهٔ بسیاری بهره برده است. نخستین استاد وی، مرحوم سید جعفر شیرازی بود که در مکتب خانه به ایشان قرآن و مسائل مذهبی را آموخت. وی از اینکه نخستین استادش یکی از فرزندان پاک حضرت زهرا ۳ بوده اظهار خرسندی می‌کند و آن را به فال نیک می‌گیرد. با شروع به تحصیل در حوزهٔ مشهد، صرف و نحو را نزد شیخ علی اکبر دامغانی فرا گرفت و کتاب مغنی اللبیب را نزد محقق قوچانی خواند. معالم و لمعه و قوانین را نزد سید احمد یزدی آموخت. رسائل، مکاسب و کفایه را نزد مرحوم شیخ هاشم قزوینی و بخشی از کفایه را نزد شیخ مجتبی قزوینی فراگرفت. این دو، از استادان ممتاز حوزه علمیه مشهد در علم و عمل بودند که آثار علمی و معنوی ایشان، هنوز در میان شاگردانشان و در رشد و تعالی حوزه علمیه مشهد باقی است. آیهٔ الله خزعلی در قم، در درس خارج فقه آیهٔ الله بروجردی (ره) و درس خارج فقه حضرت امام خمینی (ره) شرکت کرد. وی همچنین مدتی در درس آیهٔ الله بهجت حاضر شد و از محضر این مرد بزرگ نیز کسب فیض کرد. در بخش فلسفه، اشارات را نزد مرحوم حاج شیخ جواد خندق‌آبادی تهرانی خواند و در درس منظومه و اسفار علامه طباطبایی حاضر شد. آیهٔ الله خزعلی در دوران تحصیل و مبارزه با طلاب و فضلای بسیاری همراه بود که از میان آنان می‌توان به شهید آیهٔ الله مطهری، شهید آیهٔ الله بهشتی و آیهٔ الله ربانی شیرازی اشاره کرد.فعالیتهای علمی و فرهنگی آیهٔ الله خزعلی در سالهای تحصیل و مبارزه خدمات فرهنگی و علمی شایانی به جامعه اسلامی ارزانی داشته است. مهم‌ترین خدمت فرهنگی ایشان در دورهٔ طاغوت، تنویر افکار عمومی و آگاه کردن جوانان مستعدّ و انقلابی از خطرهای موجود، همچون جریانهای التقاطی و تز اسلام منهای روحانیت و مبارزه با جریان روشنفکری غیر متعهّد بود. وی در سخنرانیهای خود همواره بر اسلام ناب و اصیل پای می‌فشرد و جوانان را به اُنس با علما روحانیّت شیعه و پرهیز از فراگیری اسلام از دست دیگران دعوت می‌کرد. در زمینهٔ فعالیتهای علمی، تنها اثری که از وی به چاپ رسیده، تفسیر سورهٔ فاتحهٔ الکتاب است. همچنین او بر شعرهای عینیّه ابن ابی الحدید دربارهٔ امیرمؤمنان ۷ شرحی نگاشته است و در زمینه‌های قرآنی نیز تلاشهایی انجام داده است. بیشتر مطالعات و فعالیتهای ایشان دربارهٔ قرآن و نهج البلاغه است. بخش زیادی از زندگی آیهٔ الله خزعلی به مبارزه با رژیم طاغوت مصروف شده است. او در فاجعه مسجد گوهرشاد در مشهد، نوجوانی ده ساله بود که فردای حادثه، با پدرش در محل حاضر شده بود و خود می‌گوید فجایع رژیم پهلوی چنان بود که بر من تأثیر گذاشت و آن شب، تب کردم! از آغازین حرکتهای ایشان در مبارزه بر ضد رژیم شاه، تبلیغ در رفسنجان و افشای ماهیت شاه بر سر منبر بود که به دستگیری ایشان و تبعید به گناباد انجامید. در ماجرای انجمنهای ایالتی و ولایتی، آیهٔ الله خزعلی همواره در کنار امام (ره) بود و از جمله، حامل پیام ایشان برای علمای نجف آباد شد. همچنین وی در هیجدهم فروردین ماه ۱۳۴۳ به دیدار امام رفت. امام (ره) به تازگی آزاد شده بود و روزنامه اطلاعات در آن زمان مطلبی نوشته بود مبنی بر اینکه امام با دستگاه شاه کنار آمده و آزاد شد. این مطلب باعث تأثر امام شده بود در جلسه‌ای که چند روز بعد در فیضیه تشکیل شده بود، آیهٔ الله خزعلی به دستور امام بر سر منبر رفت و ماهیّت کذب مطلب روزنامه اطلاعات را افشا کرد. این سخنرانی، در آن روزگار، به دلیل حماسی و مستحکم بودن، مشهور شد. آیهٔ الله خزعلی در طول دوران رژیم شاه، یک بار در زندان قزل قلعه زندانی شد و سه بار تبعید شد. تبعید نخست ایشان به

گناوه و دامغان بود که سه سال به طول انجامید. تبعید دوم به زابل بود و در تبعید سوم پنهان شد و روی نشان نداد. در این زمان بود که حضرت آیت الله خامنه‌ای در مخفیگاه به دیدار ایشان رفته و با هم از نزدیک آشنا شدند. آیهٔ الله خزعلی در گزارشهای ساواک، روحانی افراطی، اخلال گر طرفدار خمینی نامیده شده بود. در تبعید سوم وی پنهان شده بود تا ساواک نتواند او را دستگیر کند. در این هنگام خبر شهادت فرزندش در قم به دست او می‌رسد. آیهٔ الله خزعلی در تشییع جنازهٔ فرزندش شرکت می‌کند. او هرگز در تشییع فرزندش، اشک نریخت و خدا را در آن مصیبت سپاس می‌گفت. امضای آیهٔ الله خزعلی در بسیاری از بیانیه‌ها در مرجعیت امام (ره) و لزوم مبارزه با رژیم شاه به چشم می‌خورد. همچنین وی در دوره طاغوت، همکاری نزدیکی با جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیه قم و اعضای آن داشته است و در مبارزات آن مرکز با رژیم شاه به طور جدی شرکت می‌کرده است. از دیگر فعالیتهای او در پیش از انقلاب اسلامی، حمل پیامهای امام (ره) به آیهٔ الله سید کاظم شریعتمداری و همچنین دریافت پاسخ آیهٔ الله شریعتمداری به امام(ره) بوده است. حضرت آیهٔ الله خزعلی پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز فعالیتهای گسترده‌ای برای پیشبرد انقلاب انجام داده است. وی در این سالها، همواره یار صدیق امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیهٔ الله خامنه‌ای بوده و همواره مردم را به پیروی از ولایت مطلقهٔ فقیه، و شناخت هوشمندانهٔ توطئه‌های دشمن و نیز مبارزه با خط نفاق تشویق می‌کرده است. آیهٔ الله در طول دوران جنگ تحمیلی بارها در جبهه‌ها حضور یافت و همواره مایهٔ دلگرمی رزمندگان اسلام بوده است.

خستو، بهمن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶ مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: مهندسی مکانیک، دانشگاه: صنعتی امیرکبیر.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد مهندسی مکانیک از دانشگاه امیرکبیر، کارشناسی ارشد مهندسی تأسیسات ساختمانی از دانشگاه استراسبورگ فرانسه و دکترا در رشته حرارت و سیالات از دانشگاه پاریس.

مرتبه علمی:

تدریس در دانشگاههای مختلف ایران به مدت ۲۵ سال، دانشیار دانشگاه صنعتی امیرکبیر.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام طرح‌های پژوهشی در زمینه‌های طراحی کولر، تهویه صنعتی، تأسیسات مکانیکی ساختمان، طراحی یخچال، طراحی سردخانه، سرپرستی مکانیک شورای عالی برنامه‌ریزی، استاد راهنمای ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

حرارت مرکزی، تهویه مطبوع و تبرید.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

تورم خاکها در اثر یخزدگی، افت فشار در کانالهای هوا و انتقال حرارت و جرم در اثر یخزدگی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

خسرو تهرانی، خسرو

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: استاد، رشته: زمین‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زمین‌شناسی از دانشکده علوم دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۱، کارشناسی ارشد و D.E.A از دانشگاه پاریس در رشته تخصصی چینه‌شناسی میکروفسیل در سال ۱۳۴۴، دکترای تخصصی در رشته چینه‌شناسی و میکروپالئونتولوژی از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۴۷، دکترای دولتی در رشته چینه‌شناسی از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده علوم دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

چینه‌شناسی مزوزوئیک در نواحی بجنورد، فیروزکوه و ایران مرکزی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳ پایان‌نامه کارشناسی و ۱۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

چینه‌شناسی ایران، زمین‌شناسی ایران، میکروفاسیس، میکروپالئونتولوژی کاربردی، دورانهای زمین‌شناسی (پرکامبرین و پالئوزوئیک)، رخدادهای دورانهای زمین‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۲

زمینه علمی مقالات:

چینه‌شناسی، میکروپالئونتولوژی، پالئوزئوگرافی و .Chemical Stratigraphy

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

خسرو سنندجی، خسرو

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۹/۱۲۵۰ ق)، شاعر، متخلص به خسرو. مردی باسواد و کمال بود. وی داماد فتحعلی‌شاه بود. در سن بیست و دو سالگی به حکومت کردستان منصوب شد. خسرو پس از نه سال حکومت، درگذشت. از اوست:

سرو آزاد که پیرایه‌ی طرف چمن است

نتوان گفت که زیباتر از آن سیمتن است

بیکی عمر توان شد ز شکنجی بیرون

چه توان با سر زلف که شکن در شکن است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه‌ی امان‌اللهی (۳۰۹ -۲۸۶)، حدیقه الشعراء (۵۶۶ -۵۶۵ /۱)، فرهنگ سخنوران (۳۰۸)، مصطبه‌ی خراب (۵۶).

خسروان، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمد حسین خسروان در سال ۱۳۱۸ در سبزوار بدنیا آمد.از آنجایی که برای ورود به مدرسه سنش به حد نساب نمی رسید پدرش سن او را چند سال بزرگتر یعنی ۱۳۱۳ گرفته بود.او پس از اخذ دیپلم تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه فردوسی مشهد شروع کرد و موفق به اخذ مدارک به ترتیب کارشناسی،کارشناسی ارشد و دکترای رشته زبان و ادبیات فارسی شد.ایشان تا کنون حدود نیم قرن است که در آموزش و پرورش (تربیت معلم) ودانشگاهها به تدریس مشغول است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : پدر و مادر محمد حسین خسروان دار فانی را وداع گفتند. وی جمعا چهار برادر و سه خواهر به نامهای علی رضا،علی اکبر،محمد حسین و محمد حسن و فاطمه زهرا،فاطمه صغری ،فرخ هستند.

خاطرات کودکی : محمد حسین خسروان کودکی را در سبزوار گذراند او به خواندن قران و مطالعه برخی کتابهای موجود ،مانند گلستان ،عاق والدین و غیره می پرداخت.دکتر خسروان به همراه برادران و خواهران خود در منزل به بازیهای کودکانه مشغول بودند که وی از این دوران خاطرات خوبی را بیاد دارد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمد حسین خسروان در خانواده ای مذهبی که به ائمه اطهار دلبسته بودند بدنیا آمد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد حسین خسروان از سن چهار سالگی به مکتب رفته و قرآن و آموزه های دینی و همچین چندین کتاب از جمله عاق والدین،گلستان و غیره را خوانده است.او دوران ابتدایی و متوسطه را را در سبزوار طی کرد.ایشان پس از اخذ دیپلم در آموزش و پرورش سبزوار به امر تدریس مشغول شد.دکتر خسروان کارشناسی ،کارشناسی ارشد و دکترای رشته زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه فردوسی مشهد گذراند.

خاطرات و وقایع تحصیل : محمد حسین خسروان از دوران تحصیل چنین خاطره ای را بیاد دارد: دوران متوسطه دوران عجیبی بود.عده ای با چاقو و پنجه بوکس به کلاس می آمدند.می بایست موی سر کوتاه باشد،سال آخری ها زیر بار نمی رفتند.بیاد دارم که آخرین جلسه امتحان بود که رئیس فرهنگ یک سلمانی آورده بود،که در هنگام نوشتن ورقه ،سر ما را به صورت چهار راه در آوردند.

فعالیتهای ضمن تحصیل : تمام فعالیت های محمد حسین سروان در راستای تحصیل و ورزش بوده است.

همسر و فرزندان : دکتر محمد سین خسروان متاهل است.وی درباره همسرش چنین متذکر میشود:همسر من خردمند و خانه دار است. تام هم و غمش این بوده و هست که مایه آرامش باشد ،به بهداشت و غذا اهمیت زیادی قائل است. ایشان دارای دو پسر و دو دختر دارد که همگی آنها دارا تحصیلات دانشگاهی می باشد.

فعالیتهای آموزشی : محمد حسین خسروان حدود نیم قرن است که در کسوت معلمی و استادی به تدریس می پردازد. او تا کنون بیش از ۲۰۰ رساله کارشناسی ارشد و دکترای را راهنمایی کرده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد حسین خسروان در کنار تدریس به تحقیق و مطالعه در زمینه های ادبی و غیره می پردازد.

همفکران فرد : دکتر خسروان خود را با همکاران دانشگاهی خود همفکر می داند.

چگونگی عرضه آثار : محمد حسین خسروان بیش از ۳۰ جلد کتاب و مقاله متشر کرده است. -------------------------- --

آثار :

۱ افسانه خیر و شر

ویژگی اثر : تالیف

۲ اوج و انحطاط سبک هندی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: محمدحسین خسروان ناشر: سخن گستر - ۱۳۸۳.این کتاب چکیده رساله دکتری دکتر خسروان است

۳ تو نیکی می کنی و در دجله انداز

ویژگی اثر : تالیف

۴ خزان و بهار

ویژگی اثر : این اثر مثنوی گرانقدر را نیز با تهیه چند نسخه خطی به بازار عرضه شد.مطالب و حکایت بسیار نغز و ارزنده دارد.نثر شیوا و روان است.

۵ داستانهای باستان

ویژگی اثر : تالیف

۶ گلشن توحید

ویژگی اثر : نسخه خطی بود که بر اثر تلاش فراون چند نسخه خطی از کتابخانه های اینجا و آنجا فراهم آورده و به زیور چاپ آراسته شده.منظوم است بیتی از مثنوی مولوی است. و شاهدی" دده "در پنج بیت آن را شرح کرده است.

۷ مضمار دانش

ویژگی اثر : تالیف

خسروانی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوطاهر طیب بن محمد از شاعران عهد سامانی است. وی پیش از اواخر نیمه دوم قرن چهارم می‌زیسته است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

خسروانی اصفهانی، نعمت‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۸ ق)، شاعر. وی در محلات متولد شد. در زادگاهش و اصفهان تحصیل کرد. از آن پس وارد کارهای دولتی شد. خسروی از اعضای انجمن ادبی شیدا بود که گاهی بر حسب اقتضای حال اشعاری می‌سرود. برخی اشعارش در مجله‌ی «ارمغان» به چاپ رسیده است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۷۹ -۱۷۸).

خسروانی خراسانی، ابوطاهر طیب

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، شاعر. یکی از شاعران بنام آل‌سامان و معاصر رودکی بوده است. فردوسی یا به قولی محمد عبده از او بیتی را در قطعه‌یی تضمین کرده است.

به یاد جوانی کنون مویه دارم

بر آن بیت بوطاهر خسروانی

جوانی به بیهودگی یاد دارم

دریغا جوانی دریغا جوانی

ابیات معدودی که از خسروانی باقی مانده نشانگر قوت طبع و لطف ذوق او در اندیشه‌های غنایی است. دکتر صفا معتقد است که شاعر، پیش از اواخر نیمه‌ی دوم قرن چهارم می‌زیسته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۳۹۹ -۳۹۸ /۱)، تاریخ ادبی ایران (۶۷۸/۱)، ترجمان البلاغه (۱۰۴)، الذریعه (۲۹۳/۹)، سخن و سخنوران (۲۷ -۲۶)، شاعران بی‌دیوان (۱۲۲ -۱۱۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۹۴)، فرهنگ سخنوران (۳۰۹)، لباب الالباب (۲۰/۲)، لغت نامه (ذیل/ ابوطاهر)، مجمع الفصحا (۶۰۳ -۶۰۱ /۲).

خسروپناه، عبدالحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسین خسروپناه

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

عبدالحسین خسروپناه دزفولی در سال ۱۳۴۵ در شهرستان دزفول دیده به جهان گشود وی در کنار دروس متوسطه (رشته تجربی) از سال ۱۳۶۲ تحصیلات حوزوی خود را آغاز کرد و در سال ۱۳۶۸ در مقطع سطح سوم فارغ التحصیل شد دروس حوزوی، را در مقطع سطح سوم از محضر اساتید مجرب در حوزه علمیه دزفول از جمله آیات مکرم آقای قاضی دزفولی، تدین نژاد، مدرسیان، سبط شیخ انصاری بهره برد، از ویژگیهای حوزه علمیه دزفول این بود که علاوه بر دروس رسمی حوزه علمیه به تدریس کتب دیگر ادبی و فقهی و اصولی از جمله شرایع الاسلام، حلقات شهید صدر، قوانین و شرح مطول پرداخته می‌شد وی در سال ۱۳۶۸ دروس خارج فقه و اصول را درحوزه علمیه قم آغاز کرد و از محضر اساتیدی چون حضرات آیات عظام وحید خراسانی، فاضل لنکرانی در حوزهٔ علمیه قم حدود ۱۲ سال بهره برد. وی در کنار دروس خارج به دروس تخصصی کلام اسلامی نیز اشتغال داشت و در سال ۱۳۷۴ در مقطع دکترای کلام اسلامی با رتبه اول از مؤسسه امام صادق علیه السلام فارغ التحصیل شد و پایان نامه خود را با عنوان انتظارات بشر از دین به اتمام رساند تحصیل فلسفه و تفسیر از دیگر ویژگیهای تحصیلی وی است که از سال ۱۳۶۴ تاکنون ادامه داشته و از محضر اساتیدی چون آیت الله تدین‌نژاد ، آیت الله حسن‌زاده آملی، آیت الله جوادی آملی، آیت الله مصباح یزدی، آیت الله سبحانی و آیت الله انصاری شیرازی استفاده های فراوان برده است. وی از سال۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷ در کنار تحصیلات حوزوی و کلاسیک در سالهای دفاع مقدس به فعالیتهای نظامی پرداخت و در عملیاتهای مختلف به عنوان دیده بان و... شرکت جست ، از دیگر فعالیتهای ایشان می توان برگزاری جلسات قران در مساجد دزفول برای جوانان و نوجوانان را نام برد ایشان ازسال ۱۳۷۰ در کنار تحصیل به فعالیت پژوهشی اشتغال ورزید و فعالیت‌های فردی و جمعی را دنبال کرد از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ مدیریت پژوهشی اصطلاح نامه فلسفه مرکز مطالعات تحقیقات دفتر تبلیغات حوزه علمیه و از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸ مدیریت اداره پژوهشی نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها و از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۲ مدیریت اصطلاح نامه عرفان دایرهٔ المعارف علوم عقلی و از سال ۱۳۷۹ مدیریت گروه فلسفه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و از سال ۱۳۷۹ جانشین مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه علمیه قم را به عهده داشت، وی از سال ۱۳۶۲ در کنار تحصیل به تدریس دروس حوزه اشتغال داشته و تا کنون در مدارس علمیه دزفول و قم و مؤسسه امام صادق و مؤسسه امام خمینی جامعهٔ الزهراء به تدریس ادبیات، فقه ، اصول ، فلسفه و کلام مشغول بوده و هست و نیز از سال ۱۳۶۵ در دانشگاه تربیت معلم دزفول و دانشگاههای شهید چمران اهواز، شهید بهشتی تهران، علامه طباطبایی، تربیت مدرس، دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد و دانشگاه مذاهب به تدریس دروس فلسفی و کلامی اشتغال داشته و از سال ۱۳۷۱ در کنگره‌ها و همایش‌های علمی داخلی وخارجی شرکت جسته و مقالات دارای امتیاز خود را قرائت کرده است

خسروشاهی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد بن العلامه الورع آیه الله حاج سید مرتضی خسروشاهی از علماء اعلام معاصر تبریز است.

وی در بیست و دوم ربیع الثانی ۱۳۳۰ ق در تبریز متولد شده و در مهد علم و شرف تربیت یافته و سطوح را در تبریز نزد والد خود و

مرحوم آیه الله انگجی به پایان رسانیده و برای تکمیل مبانی علمی به قم مهاجرت نموده و در درس مرحوم آیه الله حایری یزدی و آیه الله حجت و بالاخص مرحوم آیه الله حاج سید محمد تقی خونساری حاضر شده تا به مدارج علم و کمال ارتقا یافته و ضمنا سالها در حوزه علمیه تدریس فقه و اصول و کلام اخلاق نموده تا بعد از فوت مرحوم والدش به تبریز مراجعت و تا هم اکنون به اقامه جماعت در مسجد والدش و به تدریس فقه و اصول در حوزه تبریز اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

خسروشاهی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مرتضی بن العالم الجلیل السید احمد بن العلم العلام و الحجه الاسلام محمد بن العلامه السید علی ابن آیه الله السید ابوالحسن خسروشاهی از علماء اعلام و مجتهدین عظام آذربایجان و تبریز بوده‌اند، معظم له در تاریخ ۱۴ شوال ۱۲۹۹ قمری در نجف الاشرف متولد شده و سپس باتفاق والد ماجدش به تبریز آمده و مشغول تحصیل گردیده و مقدمات و قسمتی از فقه و اصول را در تبریز فراگرفته و در سن بیست سالگی برای ادامه تحصیلات عزیمت به نجف نموده و پس از تکمیل تحصیل و نیل به مقام عالی اجتهاد دوباره به تبریز برگشته و دهها سال مشغول انجام وظائف علمی و معنوی از قبیل تدریس طلاب و وعظ و ارشاد در مسجد خود و امر به معروف و نهی از منکر شدند.

در سال ۱۳۱۳ شمسی آن جناب به اتفاق جمعی دیگر از علماء تبریز به علت مخالفت با بعضی از بدعتها به سمنان تبعید و زندانی شده و بعد از چندی آزاد و به همراهی جمعی از علماء که با وی بودند به مشهد مقدس مشرف و عده‌ای از آنها اقامت و معظم له پس از چندین ماه اقامت بنابر تقاضا و اصرار مردم آذربایجان به تبریز مراجعت نموده و در مسجد بزرگ خود به مبارزه با دشمنان اسلام پرداخته مخصوصا در زمان فتنه پیشه‌وری‌ها بدون ترس و واهمه با خطابه‌های آتشین خود وظیفه خود را در برابر خائنان و دشمنان بدین مقدس انجام دادند و این مبارزات ایشان تا اندازه‌ای توده‌ای‌ها را عصبانی و ناراحت نمود که تصمیم قتل ایشان را گرفتند که در روز (عید خون) که بنا داشتند عده‌ای از علماء و رجال آذربایجان را بکشند ایشان را هم بقتل آورند که شب معهود بلطف پروردگار پیشه‌وری و یارانش فرار و آن فرقه مضمحل گردیده و آقایان مذکور از خطر آزاد شدند.

سید مرتضی متولد ۱۲۹۹ ق بن العالم الجلیل حاج سید احمد آقا از علماء طراز اول و فقهاء طبقه اولای تبریز عالمی تقی نقی و فاضل و فقیهی بارع و جامع و در امر بمعروف و نهی از منکر متصلب و در حفظ قوانین دینیه و نوامیس شرعیه و حرمات الهیه متعصب و خشن بوده‌اند، آن جناب در ششم ماه رجب ۱۳۷۲ ق بدرود حیات گفت و از خود آثار چندی از تألیفات و پسران دانشمندی بجای گذارد.

تألیفات آن جناب

۱- فوائد الافهام فی شرح قواعد الاحکام که جلد طهارتش تمام شد.

۲- نثارات الکواکب علی خیارات المکاسب.

۳- اهداء الحقیر معنی حدیث الغدیر که به طبع رسیده است و چندین رساله دیگر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

خسروی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر میرزا کرمانی بن محمد رحیم میرزا بن دولتشاه شاعر (و. ۱۲۶۶- ف. ۱۳۳۸ ه.ق.). وی در غالب علوم متداول از صرف و نحو و منطق و حکمت و فقه و اصول و تاریخ و بدیع و عروض و معانی و بیان بهره کافی داشت و در شاعری تابع قدما بود. آثار او عبارتند از: دیبای خسروی، در تاریخ ادبیات عرب شامل قریب ۳۰۰۰۰ بیت، شمس و طغرا، و ماری و نیسی، و طغرل و همای که به سبک رمانهای اروپایی نوشته شده، تشریح العلل در عروض، تذکره اقبال‌نامه، در ترجمه شاعران کرمانشاه، ترجمه الهیئهٔ والاسلام تألیف سید محمدعلی شهرستانی. دیوانش مشتمل بر قصاید و غزلیات به طبع رسیده.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

خسروی بخارایی، جمال‌الدین، ابوبکر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر، متخلص به خسروی. وی مقام بلندی در ادب و دانش داشت و در زمان خسرو ملک بن خسروشاه، که از آخرین سلاطین غزنوی بود، نزد آن شاه بسیار معزز می‌زیست. از اوست:

تا چند پیش تیر غمت دل سپر کنم

در عشق نام خویش به گیتی سمر کنم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۴۰)، تذکره‌ی شعرای پنجاب (۱۴۲)، الذریعه (۲۹۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۰۹)، لباب الالباب (۴۱۱ -۴۰۷ /۲)، مجمع الفصحا (۶۰۵ -۶۰۴ /۲)، هفت اقلیم (۳۳۳ -۳۳۲ /۱).

خسروی خراسانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر و خطاط. از مردم بیرجند و از ملازمان شاهزاده سلیم بود، که اکثر خطوط را خوش می‌نوشت و در تیراندازی و سرودن شعر نیز مهارت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۷۵/۱)، هفت اقلیم (۳۳۱/۲).

خسروی سرخسی، ابوبکر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، شاعر. ملقب به حکیم. وی از شاعرانی بود که اصطلاحات حکمی را در اشعار خود به کار می‌برد و از سروده‌های وی چنین برمی‌آید که از علوم اوایل آگاهی داشته است. خسروی، شمس‌المعالی قابوس و صاحب بن عباد، امیر ناصرالدوله و محمد بن ابراهیم سیمجور را مدح می‌گفت و از شمس‌المعالی و صاحب بن عباد، امیر ناصرالدوله و محمد بن ابراهیم سیمجور را مدح می‌گفت و از شمس‌المعالی و صاحب بن عباد وظیفه و حقوق می‌گرفت. وی به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌سرود.[۱]

سرخسی، ابوبکر محمد بن علی، شاعر دانشمند قرن چهارم وی را به عنوان حکیم یاد کرده‌اند و او اصطلاحات حکمی را در اشعار خود به کار برده است. خسروی قابوس وشمگیر و صاحب بن عباد و ناصرالدوله ابوالحسن محمد سیمجور را مدح می‌گفته و از قابوس و صاحب بن عباد وظیفه سالیانه می‌گرفته است. وی به فارسی و عربی شعر می‌سروده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۴۳۵ -۴۳۳ /۱)، تاریخ ادبی ایران (۶۷۸/۱)، الذریعه (۲۹۵ -۲۹۴ /۹)، سخن و سخنوران (۳۸ -۳۷)، شاعران بی‌دیوان (۱۸۲ -۱۷۱)، لباب الالباب (۱۹ -۱۸ /۲)، لغت نامه (ذیل/ خسروی سرخسی).

خسروی قاجار، محمدقلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۹ -۱۲۰۳ ق)، شاعر، متخلص به خسروی. ملقب به ملک‌آرا. وی پسر سوم فتحعلی‌شاه بود. که در نوای دماوند متولد شد. در سن دوازده سالگی به حکومت مازندران منصوب شد. سپس به حکومت استرآباد رسید. بعد از فوت فتحعلی‌شاه چون محمدشاه به حکومت رسید، محمدقلی میرزا را به علت اینکه به وی احترام نمی‌گذاشت به همدان تبعید کرد. وی در پایان عمر به تهران آمد و در همان شهر درگذشت. خسروی دارای «دیوان» شعر است. در تذکره‌ها تاریخ فوت محمدقلی را ۱۲۶۰ ق و ۱۲۶۵ نیز آورده‌اند. همچنین محل فوت او را همدان ذکر کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ عضدی (۲۲۱ -۱۶۰)، حدیقه الشعراء (۵۶۹ -۵۶۸ /۱)، الذریعه (۲۹۵/۹)، سفینه المحمود (۲۹ -۲۷ /۱)، شرح حال رجال (۴۷۳ -۴۷۱ /۳)، فرهنگ سخنوران (۳۱۰ -۳۰۹)، مجمع الفصحا (۴۵ -۴۴ /۱)، مصطبه‌ی خراب (۵۱ -۵۰)، مکارم الآثار (۱۴۵ -۱۴۳ /۱)، نگارستان دارا (۲۶ -۲۵).

خسروی قاینی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی به قولی در قریه‌ی شیرخواند، از بلوک شاخن قهستان و به قولی در درجح قهستان متولد شد. بعضی تذکره‌نویسان او را از خویشان میرزا قاسم گنابادی و برخی خواهرزاده‌ی وی دانسته‌اند. در جوانی به شیراز رفت و از آنجا رهسپار هندوستان شد و در دربار اکبرشاه تقرب یافت. خسروی سرانجام در یکی از جنگها شهید شد. آثار وی: مثنوی؛ «ماه و شاه»؛ «دیوان» اشعار.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بهارستان آیتی (۲۲۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۵۷/۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۲۵)، الذریعه (۲۹۵/۹)، شام غریبان (۹۳ -۹۲)، فرهنگ سخنوران (۳۱۰)، کاروان هند (۳۷۷ -۳۷۲ /۱)، هفت اقلیم (۳۳۱/۲).

خسروی کرمانشاهی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ -۱۲۶۶ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به خسروی. در کرمانشاه به دنیا آمد. در اکثر علوم عقول و منقول بهره‌ی کافی داشت. در شاعری تابع قدما بود. چون در اوایل عمر متوجه خدمت عرفا شد اکثر اوقاتش را به خلوت می‌گذراند. خسروی و نهضت مشروطیت به آزادیخواهان پیوست و چندی نیز در همدان در زندان به سر برد و از آنجا به تهران تبعید شد و سر انجام در تهران درگذشت. اهمیت خسروی در ادبیات معاصر ایران از آن جهت است که اغلب او را اولین نویسنده رمان تاریخی می‌شناسند. از جمله آثارش: «دیوان» اشعار؛ «دیبای خسروی»؛ «شمس و طغرا»؛ «رساله‌ی تشریح العلل»، در عروض؛ «تذکره‌ی اقبال نامه»؛ ترجمه‌ی «عذراء قریش»؛ «رمانی در شرح احوال حسینقلی خان جهانسوز»؛ ترجمه‌ی «الهیئه و الاسلام»؛ ترجمه «حال شاعران کرمانشاه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (۴۸ -۴۴)، از صبا تا نیما (۲۵۲ -۲۴۰ /۲)، حدیقه الشعراء (۵۶۸ -۵۶۷ /۱)، الذریعه (۲۹۵/۹ ، ۲۸۹/۸)، سخنوران نامی معاصر (۱۲۸۵ -۱۲۸۲ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۲۸/۱)، شرح حال رجال (۲۰۸/۶)، فرهنگ سخنوران (۳۰۹)، مولفین کتب چاپی (۵۱ -۵۰ /۲).

خسروی کرمانشاهی، محمدصادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۴ ق)، شاعر. وی مقدمات صرف و نحو و نقاشی را بخوبی می‌دانست. وی در تتبع اشعار شاعران و تشخیص نیک و بد آنها توانا بود و اغلب لغات فارسی باستانی را هم در حافظه داشت. محمدصادق خان در علم شعر و شاعری شاگرد میرزا حاجی بیدل بود. وی در سن کمتر از سی سال فوت کرد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۵۷۲ -۵۶۹ /۱).

خسروی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد خسروی همدانی فرزند مرحوم علی حسین از فضلاء مبلغین و دانشمندان بنام حوزه علمیه قم می‌باشند که به زیور علم و دانش و ولایت و بینش آراسته و موصوفند.

ایشان در سال ۱۳۴۱ قمری در سایان در جزین همدان متولد شده و در محل خود پس از خواندن دروس فارسی اشتغال به علوم عربیت نموده و بعد عزیمت به همدان کرده و در حوزه همدان مدت ۱۸ سال از اساتید و آیات عظام شهرستان استفاده نموده و در چهلمین روز درگذشت آیت‌اللَّه العظمی بروجردی اعلی اللَّه مقفامه به قم آمده و با تشویق و تاکید بعضی از آیات گذشته رضوان‌اللَّه تعالی علیه وآیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی مدظله و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ راضی نجفی تبریزی استفاده نموده و از راه منبر و تبلیغ احکام اسلام و معارف فقه اهل بیت علیهم‌السلام خدمات بسیاری در قم و یزد و همدان و سایر نقاط نموده و می‌نماید.

نگارنده گوید: جناب حاج آقای خسروی واعظی متعظ و خطیبی بلیغ و ادیبی اریب و عالمی عامل و اهل ولایت و اخلاص به خاندان رسالت است منبری آموزنده و سازنده دارد که مستمعین و شنوندگان را تحت‌تاثیر حال و قال خود قرار می‌دهد خود می‌گرید و دیگران را می‌گریاند یا در منزل آیات عظام قم و مجالس و محافل مذهبی ایام محرم و صفر و فاطمیه و زینبیه و ماه رمضان که ماه عبادت و دعا و تبلیغ است با سخنان دلنشین خود همه را مجذوب می‌نماید مخصوص در موقع خواندن مصائب اهل‌البیت علیهم‌السلام.

چند سالی در ایام شهادت صدیقه صغراء نایبه الزهراء زینب کبری علیهاالسلام در منزل بنده سخنرانی نموده و عموم مردم خصوص دانشمندان حاضر را مستفیض می‌فرمودند.

تألیفاتی درباره چهارده معصوم علیهم‌السلام دارد که می‌فرمودند به هیچ از نوشته آثارم دلبستگی ندارم چون عمل خالص کساد است مگر اسامی شهداء کربلا روحی لهم الفداء که در مدتی که اشتغال به تشویق مؤمنین برای تکمیل کاشیکاری مسجد اعظم داشتم به خواهش حقیر از آیت‌اللَّه زاده بروجردی حشره‌اللَّه مع اجداده سلام‌اللَّه علیهم اجمعین دستور فرمودند در دیوار مسجد به یادگار ماند که در قم سابقه نداشته که امید دارم قبل از رسیدن اجلم به فریادم برسند.

آقای خسروی دارای فرزندانی می‌باشند که یکی از آنها به نام آقا شیخ علی خسروی از طلاب و محصلین حوزه علمیه‌اند و دو نفر دیگر آنان به نام آقا شیخ مرتضی خسروی شهید جنگ تحمیلی و دیگر به نام آقا شیخ مهدی خسروی شهید و مفقود الجسد از قربانیان حوزه علمیه‌اند جزاه اللّٰه اجر الصابرین.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

خسروی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: شیمی، دانشکده:، دانشگاه: آزاد اسلامی تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشکده علوم دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۵، کارشناسی دبیری در علوم شیمی از دانشسرای عالی در سال ۱۳۳۵، کارشناسی ارشد در سال ۱۳۴۰، دکترا از دانشکده علوم دانشگاه پاریس فرانسه در سال ۱۳۴۴.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۶، دانشیار دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۸، استاد دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۴، استاد دانشگاه آزاد اسلامی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آلکیلاسیون آروماتیک ۲ بوسیله سیکلو پروپان، سنتز و کریستالیزاسیون ۱ و ۳ پروپان دی ال ۲ و ۲ بیس (نیتروکسی) متیل دی نیترات، استریفیکاسیون پنتا اریتریتول با حلقه‌های بنزنی حاوی گروه نیترو، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۱ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شیمی نفت، پتروشیمی.

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸ تعداد مقالات بزبان خارجی: ۹

زمینه علمی مقالات:

ساختمان مولکولی اسیدهای دیمر حاصله از پلی مریزاسیون حرارتی روغن کتان و سنتز پلی سل‌های مربوطه، الکیلاسیون آروماتیک‌ها بوسیله سیکلو پروپان، اهمیت فتودگراداسیون پلی‌مرها در صنعت، بی‌نظمی‌ها در واکنش کلروبنزیل منیزیم بوسیله انیدریداستیک.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

خشتی، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی از طایفه خشتی بود و صاحب طبع روان. جعفرخان اقسام شعر را نیکو می‌سرود. موضوع اشعار وی بیشتر مراثی و مدایح است. وی معاصر صاحب «مجمع الفصحا» بود و صاحب «دیوان» اشعار که اکنون در دست نیست. از اوست:

چرخ نهمین گفت به خورشید منیر

در رفعت و نور ما دو بودیم شهیر

انور ز تو، ارفع ز خودی بینم چیست

خور گفت بود قبه و خرگاه سفیر

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۳۶۹ -۳۶۸ /۱)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۸۸/۲)، فرهنگ سخنوران (۲۱۱)، مجمع الفصحا (۲۰۶/۴)، مرآت الفصاحه (۱۳۰ -۱۲۹).

خشنودی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی شیمی، دانشکده: مهندسی، دانشگاه: سیستان و بلوچستان.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی گاز از دانشکده نفت آبادان در سال ۱۳۵۰، کارشناسی ارشد شیمی از کالج سلطنتی علوم و تکنولوژی دانشگاه لندن در سال ۱۳۵۳ و دکترای شیمی با تخصص احتراق از دانشگاه لندن در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان زاهدان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح احتراق در بسترهای شارانیده و فواره‌ای، ترموشیمی و مدل‌سازی شعله‌ها، تدریس در دانشگاه سیستان و بلوچستان، استفاده از فرصت‌های مطالعاتی در دانشگاه توکیو و دانشگاه صنعتی مالزیا، نظارت بر ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مهندسی شیمی، مهندسی احتراق، انتقال حرارت، ترمودینامیک و فیزیک حرارت، و ترجمه کتاب شعله و احتراق (کتاب برگزیده سال ۱۳۶۹).

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

مهندسی شیمی، احتراق، آلودگی محیط زیست، کوره‌ها، بسترهای شارانیده و فواره‌ای، توسعه صنعتی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

خصالی کاشانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از شاعران عهد شاه طهماسب صفوی بود و شاگرد محتشم کاشانی. از وی «دیوان» شعری به جای مانده است. از اوست:

مکن منع من بیدل، ز بسیار آمدن سویت

که گر صدبار دارم آرزو، یک بار می‌آیم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۵۰)، الذریعه (۲۹۶/۹)، صبح گلشن (۱۵۲)، ریحانه (۱۳۷/۲)، فرهنگ سخنوران (۳۱۰)، لغت نامه (ذیل/ خصالی).

خصالی هروی، حیدر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر و خطاط. وی در تون خراسان و به قولی در هرات متولد شد. در سنین کودکی از زادگاهش به سمرقند رفت و در آنجا نزد مظفر حسین میرزای صفوی نشو و نما یافت. بعد از استیلای ازبکان بر خراسان، به هند رفت و پس از چندی سیر و سیاحت به خدمت زمانه بیگ مهابت رسید. صاحب «ریحانه الادب» نام وی را براساس «قاموس» ترکی «حسن بیگ» آورده است. خصالی نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۵۷-۵۶/ ۱)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۷۲/۱)، تذکره‌ی شعرای کشمیر (۶۶۶-۶۰۴)، تذکره‌ی میخانه (۸۴۷-۸۴۵)، الذریعه (۲۹۶/۹)، ریحانه (۱۳۷/۲)، کاروان هند (۳۸۱-۳۷۸/۱)، مآثر رحیمی (۱۲۹۱-۱۲۸۹/ ۴).

خصمی اصفهانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی از معاصران صاحب «تذکره‌ی نصرآبادی» بود که به هند سفر کرد. پس از چندی به اصفهان بازگشت و

در آن شهر درگذشت. از اوست:

ترا بیند چو بیند خویشتن را

از آن خصمی همیشه خودپسندست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۲۸۹ -۲۸۸)، الذریعه (۲۹۶/۶)، فرهنگ سخنوران (۳۱۰)، کاروان هند (۳۸۱/۱).

خضر شاه استرآبادی، حسین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۹۶ ق)، شاعر و خطاط. انسانی خوش طبع ولی پر مجادله بود. خط نستعلیق را به شیوه‌ی جعفر، نیکو می‌نوشت و در طریق جعفر کسی بهتر از او نستعلق ننوشته است. وی همچنین شعر را نیکو می‌سرود و به تقلید از «لیلی و مجنون» یک مثنوی به عنوان «زید و زینب» به نظم درآورده است. خضر شاه در استرآباد درگذشت و در همان جا دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۷۶ -۱۷۵ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۲/۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۴۴)، تذکره‌ی روز روشن (۲۴۱)، الذریعه (۲۹۶/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۱۱)، مجالس النفائس (۲۱۲ -۲۱۱ ،۳۸).

خضر یزدی، شرف‌الدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۶۰ ق)، شاعر. از مشایخ نامی یزد بود و پادشاهان آل‌مظفر وی را گرامی می‌داشتند. وی شاعری زبردست به شمار می‌رفته و به سال ۷۵۵ ق، خانقاهی در یزد ساخته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۶۸)، جامع مفیدی (۶۲۸ -۶۲۷ /۳)، یادگارهای یزد (۶۷۳، ۴۱۵، ۲۱۰ /۲).

خضری استرآبادی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از اهالی استرآباد بود و اشعاری در هزل و جد و تعریف اطعمه دارد. از وی «دیوان» اشعاری نیز بجای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۲۷۸ -۲۷۷)، الذریعه (۹۷/۹)، صبح گلشن (۱۵۲)، فرهنگ سخنوران (۳۱۱).

خضری خوانساری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. وی معاصر حکیم زلالی بود و با او معاشرت داشت. خضری مثنوی «شیرین و فرهاد» داشته که پس از مرگ نابهنگامش در جوانی، خواهر و مادرش آن را از فرط اندوه و تاثر پاره کرده و چون گل نثار جسد بیروحش کردند. از اوست:

بر هم نزنم اگر بمیرم

چشمی که در انتظار باز است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۰۵۱ -۱۰۵۰ /۳)، تذکره‌ی شعرای خوانسار (۵۰ -۴۹)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۸۳)، الذریعه (۲۹۷/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۱۱)، مخزن الغرائب (۱۱۶/۲).

خضری شیرازی، عبداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبداللّه بن سید جعفر بن اسماعیل موسوی خضری شیرازی عالمی فاضل و کامل و متقی از شاگردان میرزا حبیب‌اللّه رشتی و میرزا حسین خلیلی و شیخ عبداللّه مازندرانی بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خضری قزوینی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. وی مردی صوفی و زاهد بود و طبع لطیفی داشت. از اوست:

همتی کز سر کویت رفتم

همه جا دیده حسرت به قفا

آفتی همچو تمنا در پی

دشمنی همچو محبت همتا

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۵۹ -۱۱۵۸ /۳)، تذکره‌ی روز روشن (۲۴۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۸۳)، الذریعه (۲۹۷/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۱۱)، مجمع الخواص (۳۱۰ -۳۰۹)، مخزن الغرائب (۹۰ -۸۸ /۲)، مینو در (۴۴۳/۲).

خضری لاری

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۴۰ ق)، شاعر. وی از شاعران امامقلی خان والی فارس بود، و از اهالی لارستان. از اوست:

درون خلوت دل از نزول درد تو سوری است

سرشک را به عبث پای در نگار ندارم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۲۸۳ -۲۸۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۵۳ -۴۵۰ /۲)، الذریعه (۲۹۷/۹)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۵۱۵/۲)، فرهنگ سخنوران (۳۱۱)، مخزن الغرائب (۹۱ -۹۰ /۲)، مرآت الفصحاه (۱۹۸).

خضوعی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین خضوعی- میرزا حسین مشهور به ساعت‌ساز، استاد آواز و موسیقی‌شناس دوره‌ی ناصری، فرزند میرزا محمدحسن‌خان قاری خوش‌صدای قرآن، به سال ۱۲۵۳ شمسی در خانواده‌ای متقی دیده به جهان گشود. رساله‌ی خطی که از استاد به جا مانده، نشان می‌دهد که به موسیقی علمی و عملی زمان خود کاملاً مسلط بوده و با نواختن تار نیز آشنائی داشته است. هنگامی که از سه تن از اساتید برگزیده‌ی آواز در دوره‌ی قاجار سخن به میان آید، بی‌تردید نام میرزا حسین‌خان ساعت‌ساز، یکی از آن اسامی خواهد بود. میراز حسین‌خان، موسیقی را نزد میرزا عبدالوهاب، خواننده و موسیقی‌دان قدیمی اصفهانی آموخت، وی در سنین نوجوانی به تهران آمد و حدود بیست و پنج سال در دربار ناصرالدین شاه رفت و آمد داشت و با هنرمندان نامدار انجمن اخوت دمساز بوده، و طبق نوشته‌ی شادروان خالقی در سرگذشت موسیقی، در کنسرت‌های آن انجمن به عنوان خواننده با هنرمندان چون سید حسین طاهرزاده و ناصر سیف، شرکت فعال داشته است. سپس به اصفهان بازگشته و ضمن تشکیل خانواده، که حاصل آن یک پسر و یک دختر بود، به علت دارا بودن سواد و خط خوش، در اداره‌ی دخانیات به امور دفتری مشغول می‌گردد، و کار ساعت‌سازی و در واقع تعمیر آن را به صورت تفریحی در منزل انجام می‌داده است.

از هنرمندان هم‌دوره‌ی استاد که مجالست دائم بین آنها برقرار بوده می‌توان از آقا سید رحیم، میرزا حبیب اصفهانی، سلیمان امیرقاسمی، و طاهرزاده اساتید نامدار آواز در اصفهان، و بنان‌الدوله، سید صادق شهاب اصفهانی- که گوشه‌ی شهابی در آواز بیات ترک منسوب به وی می‌باشد، و فیض‌اللّه‌خان اخگر را نام برد، همچنین نایب‌اسداللّه مواقعی که در اصفهان به سر می‌برد به این جمع می‌پیوست.

از شاگردان نامداری که از محضر استاد میرزا حسین‌خان بهره بردند می‌توان از تاج اصفهانی، ادیب خوانساری، و دردشتی را نام برد و شاگردان فراوان دیگری که ردیف موسیقی ایران را چه با آواز و چه بر روی ساز تعلیم می‌گرفتند. بیشتر جلسات درس و اجتماع هنرمندان موسیقی، در منزل حاج آقا ملک اصفهانی برپا می‌گردید و حمایت زنده‌یاد، حاج آقا در بهره‌دهی و برپائی و دلگرمی هنرمندان بسیار مؤثر بوده است.

میرزا حسین‌خان، به علم عروض کاملاً مسلط بوده و شناخت فنون ادبی و آشنائی با عروض را بر اهل موسیقی واجب می‌دانسته، وی دارای طبعی روان و لطیف در شعر بوده و به سرورالشعرا تخلص می‌نموده است. در رساله‌ای که به خط خود استاد، در دو دفتر (بیاض) از ایشان به جای مانده، به سبک کتاب بحورالالحان، اشعاری گنجانیده شد. و تناسب معنی و بحر آنها در مقامات موسیقی معین گردیده، همچنین تقسیمات قدیم موسیقی بر پایه‌ی آوازها و شعبات و نغمات و فواصل موسیقی به عدد و حروف ابجدی در حد اولی منظم ذکر گردیده و نیز تقسیمات جدی بر پایه‌ی دستگاهها و آوازها و گوشه‌های معمول امروز و جای نت‌ها بر روی پرده‌های تار تعیین گردیده است، و اظهار تأسف نموده‌اند که بسیاری از نغمات فراموش شده و هنرمندان امروز آنها را اجرا نمی‌کنند و اظهار امیدواری کرده‌اند که روزی این علم از سطح مدارس به بالا آموزش داده شود.

از امتیازات مثبت استاد آنکه در آموزش به دیگران همانند میرزا عبداللّه و نایب‌اسداللّه بسیار سخی و دارای طبعی بلند و خلقی خوش بوده، و محفوظات خود را بی‌دریغ و سخاوتمندانه در اختیار طالبین قرار می‌داده است.

استاد میرزا حسین خضوعی، در سن هفتاد سالگی، در آبان ماه ۱۳۲۳ ش. از عوارض بیماری دیابت جهان را وداع گفت. آرامگاه وی، در تخت فولاد اصفهان، تکیه شهدا می‌باشد. روانش شاد.

(۱۳۲۳ -۱۲۵۳ ش)، موسیقیدان، خواننده و شاعر، متخلص به سرورالشعراء. چون شغل اصلی او ساعت‌سازی بود، به ساعت‌ساز مشهور و به علت تبحرش در موسیقی سمت معین البکایی (تعزیه گردانی) داشت. وی موسیقی را نزد میرزا عبدالوهاب اصفهانی آموخت و در نوجوانی به تهران آمد و در دربار ناصرالدین‌شاه رفت و آمد می‌کرد. بعد از مراجعت به اصفهان، در اداره‌ی دخانیات مشغول به کار شد و کار تعمیر و ساعت‌سازی را در منزل خود انجام می‌داد. میرزا حسین به علم عروض کاملا مسلط بود و در شعر طبعی روان داشت. در رساله‌ای که به خط خود وی در دفتری بر جای مانده، به سبک کتاب «بحور الالحان» اشعاری گنجانده و تناسب معنی و بحر آنها را در مقامات موسیقی معین کرده است. او همچنین تقسیمات قدیم موسیقی را بر پایه آوازها و شعبات و نغمات و فواصل موسیقی به عدد و حروف ابجدی در جداولی ذکر کرده است. آرامگاه وی، در تخت فولاد اصفهان، تکیه شهدا است.[۱]

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ تحول ضبط موسیقی (۲۴۳)، تاریخ موسیقی (۶۷۶/ ۲)، سرگذشت موسیقی (۳۶۹ ،۸۷/ ۱)، مردان موسیقی (۱۵۶ -۱۵۳/ ۲).

خطاط اصفهانی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نویسنده قسمتی از کتیبه‌های مدرسه‌ی سپهسالار جدید در طهران در فن کتیبه نویسی و ترکیب کلمات بی‌نظیر بوده، و امضای او «یا علی مدد» می‌باشد.

در نوشتن خط شکسته نیز مهارت داشته، ضمنا شعر نیز می‌گفته.

از آثارش تابلوی بزرگ و زیبایی است به طول و عرض ۱/۵ ضرب در ۲/۵ متر که حدیث «ناد علیا مظهر العجایب» را تا آخر با طلای ناب جهت دوست محمد خان معیرالممالک نوشته است. فوتش در ۱۳۰۷ بوده، در صفائیه‌ی ابن‌بابویه مدفون گردید. [نام وی قبلا شد.]

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خطاط ساوجی، عزیزالدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن رحلی عظیم، به خط ثلث و ریحان چهار دانگ جلی و نسخ کتابت خوش، با رقم: «عزالدین الخطاط الساوجی ۷۲۷»، در بقعه‌ی مولوی، قونیه.[۱]

از اوست: قرآن رحلی عظیم، ثلث و ریحان چهار دانگ جلی، نسخ کتابت خوش با رقم: «عزالدین الخطاط الساوجی ۷۲۷» در بقعه‌ی مولوی در قونیه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۱۲/۴).

خطاط، ابوتراب

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به رئیس الخطّاطین، از شاگردان مبرزّ میر عماد خطّاط معروف است.

وی اوّلین کسی است که پس از کشته شدن استادش خود را بر سر نعش او رسانیده، و جهت او نوحه سرایی کرده، و جنازه استاد را با کمال احترام دفن نموده است.

او را طبعی روان بوده، و در مرثیه استادش اشعاری سروده که اوّل آن این است:

دهر پر فتنه و پر مشغله و پر غوغاست

شرح این ماتم و این سوگ که را خود یار است

صاحب عنوان پس از وفات استاد خود دارالمشق داشته، و شاه عباس گاهی به دارالمشق او می‌رفته. در سنّ ۸۳ سالگی در سال ۱۰۷۲ وفات یافته؛ قبرش در جوار مزار خواجه صاین الدین ترکه می‌باشد.

فرزندش: امیر نظام الدین عبدالحی منشی اصفهانی نیز از خطّاطین معروف است که نزد پدر تعلیم خط نموده، و پس از وفات، جنب پدر مدفون گردیده است.

فرزند دیگرش: میرزا نورالدین معروف به جواهر نگار بوده، او نیز از خوشنویسان معروف است.

و او غیر از: میرزا نورا فرزند صدر الشریعه اصفهانی خطّاط است که از نمونه‌های خطّ او، کتیبه‌ای است در داخل ایوان شرقی مسجد آقا نور، به خطّ نستعلیق، مؤرخ به سال ۱۰۳۴ «مسجد نور کعبه عجم است».

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خطاط، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از خوشنویسان معروف است که خط نستعلیق جلی را خصوصا بسیار عالی و درست می‌نوشته، و در فن کتیبه نویسی و ترکیب کلمات بی‌نظیر بوده، شکسته را نیز خوب می‌نوشته. طبع شعری نیز داشته، پاره‌ای از کتیبه‌های مدرسه‌ی عالی سپهسالار در طهران به خط اوست.

فوت او در حدود سال ۱۳۰۷ روی داده، و در صفائیه جنب ابن‌بابویه در شهر ری مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خطاط، محمد هاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شکسته‌نویس، از اساتید بزرگ خط، در اواسط عمر آنچه نوشته است با قطعات درویش عبدالمجید خبره‌ی فن تمیز نتوانستند گذاشت.

در خدمت آقا صابرعلی و جمعی دیگر از عرفا فضائل و آداب عرفان کسب نموده، مدت هشت سال در شیراز در خدمت رحمت علی شاه بوده. از گفته‌های عرفانی اوست: «تا کسی انسان کامل را ندیده هیچ ندیده».

بیشتر از هفتاد سال عمر کرده، در ماه صفر ۱۳۰۶ وفات یافته، در بقعه‌ی فیض مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خطاط، نسرین دخت

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

دکتر نسرین دخت خطاط ،مترجم و محقق زبان فرانسه ،در سال ۱۳۲۳ در تهران بدنیا آمد. وی پس از طی دورهای ابتدایی و متوسطه ، در دانشگاه تهران در رشته زبان و ادبیات فرانسه ادامه تحصیل داد. او در سال ۱۳۴۷ درجه کارشناسی اش را از همین دانشگاه دریافت کرد و در فاصله سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۴ در دانشگاه سوربن پاریس در رشته زبان و ادبیات فرانسه، در مقطع فوق لیسانس (کارشناسی ارشد) ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۶۲ تحصیل در مقطع دکترا را در همان دانشگاه در رشته زبان و ادبیات فارسی آغاز کرد و درسال ۱۳۶۶ از دانشگاه سوربن فرانسه دکترای زبان و ادبیات فارسی اش را دریافت کرد.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه زبان و ادبیات فرانسه, دانشکده ادبیات و علوم انسانی شهید بهشتی می باشد. گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات فرانسهوالدین و انساب : نسرین دخت خطاط فرزند عزت الله خطاط است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : نسرین دخت خیاط دوران متوسطه اش را در دبیرستان آزرم تهران در رشته طبیعی و در فاصله سالهای ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۲ سپری کرده و سپس در دانشگاه تهران در رشته زبان و ادبیات فرانسه ادامه تحصیل داد. او در سال ۱۳۴۷ درجه کارشناسی اش را از همین دانشگاه دریافت کرد و در فاصله سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۴ در دانشگاه سوربن پاریس در رشته زبان و ادبیات فرانسه، در مقطع فوق لیسانس (کارشناسی ارشد) ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۶۲ تحصیل در مقطع دکترا را در همان دانشگاه در رشته زبان و ادبیات فارسی آغاز کرد و درسال ۱۳۶۶ از دانشگاه سوربن فرانسه دکترای زبان و ادبیات فارسی اش را دریافت کرد. موضوع پایان نامه او، بررسی

یکی از رمان های گوستاو فلوبر نویسنده مشهور قرن ۱۹ فرانسه است که در ایران او را بیشتر به واسطه کتاب «مادام بوآری» می شناسندهم دوره ای ها و همکاران : نام نسرین دخت خطاط همچنین نام مهوش قدیمی، همکار و یار قدیمی اش را به یاد می اندازد. این دو توانسته اند با همکاری و همیاری یکدیگر آثار بسیارخوب و وزینی را در عرصه ادبیات پژوهش تدوین و ترجمه نمایند که «تاریخ ادبیات فرانسه» (جلد پنجم: قرن بیستم) پیدایش رمان فارسی نوشته کریستف بالایی از آن جمله استمشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری و مدیریتی نسرین دخت خطاط به قرار زیر است: استاد و مدیر گروه زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه شهید بهشتی نائب رییس انجمن ایرانی زبان و ادبیات فرانسه سردبیر نشریه PLUME (قلم) عضو هیات تحریریه مجله پژوهشی دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه تهران عضو کمیته تخصصی سمت فعالیتهای آموزشی : نسرین دخت خطاط» از سال ۱۳۵۴ در دانشگاه شهید بهشتی یا همان دانشگاه ملی به تدریس واحدهای درسی رشته زبان و ادبیات فرانسه و درس های ذیل پرداخت: – تاریخ ادبیات، – نقد ادبی ، – امثال و تعبیرات، – مکالمه متون نظم و نثر، و نویسندگان بزرگ معاصر پرداخته است که این همکاری همچنان ادامه دارد و بسیاری از شاگردان او حالا از مترجمان و محققان به نام هستند. او هم اکنون با سمت استادیار در دانشگاه شهید بهشتی مشغول تدریس است و در نهمین کنگره جهانی استادان زبان فرانسه در کشور ژاپن که در سال ۱۳۷۵ برگزار شد، با ارائه مقاله ای در باره این زبان شرکت داشت و عضو هیأت برگزارکننده این کنفرانس بود. معروفترین مقالاتی که تاکنون از او به چاپ رسیده اند عبارتند از: – آموزش ادبیات فرانسه، تألیف لقمان، ۱۳۷۱ – تألیف روش سمعی و بصری، تألیف لقمان ، ۱۳۷۱ – روش آموزشی متون ادبی ، رشد ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه شهید بهشتی می باشد که در در مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد (تاریخ ادبیات، نقد ادبی، تحلیلی ادبی، ترجمه ادبی) به تدریس می پردازد. وی همچنین استاد راهنما در پروژه های مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد(ادبیات فرانسه و تطبیقی در زمینه نقد مضمونی ، تخیل و زبانشناسی) می باشد. آرا و گرایشهای خاص : علایق پژوهشی زبان و ادبیات فرانسه و تطبیقی: تاریخ ادبیات، نقد ادبی، تحلیلی ادبی، ترجمه ادبی جوائز و نشانها : – مؤلف برجسته و نمونه سال ۱۳۷۱ منتخب از سوی دانشگاه الزهرا – تقدیر از طرف دانشگاه شهید بهشتی بخاطر کتاب نقد ادبی در سال ۱۳۷۴چگونگی عرضه آثار : تعداد مقالات منتشر شده در مجلات و ژورنالهای علمی : بیش از ۲۱ مقاله نسرین دخت خطاط» تاکنون کتابهای متعددی را نیز در زمینه ادبیات و ادبیات پژوهشی منتشر نموده که معروفترین آنهاعبارتند از: «فرانسه نیمه تخصصی جلد یک و دو (با همکاری) این دو کتاب را مرکز نشر دانشگاهی در سالهای ۱۳۶۳ منتشر کرد که در سال ۱۳۷۶ مجدداً چاپ شد. از دیگر کتابهای او می توان به کتاب «امثال و تعبیرات» اشاره کرد که با همکاری دیگر نویسندگان توسط مرکز نشر دانشگاهی در سال ۱۳۶۵ چاپ شد و درسال ۱۳۷۶ مجدداً چاپ گردید. نقد ادبی ، آموزش سمعی و بصری، ترجمه تاریخ ادبیات قرن بیستم ، پیدایش رمان معاصر از دیگر کتابهای مشهور اوست. از دیگر کتابهای مهمی که درچندساله اخیر در عرصه ادبیات پژوهشی منتشر شده است و نسرین دخت خطاط نقشی کلیدی در پدیدآمدن آن ایفا نموده کتاب و یا به عبارت بهتر فرهنگ توصیفی نقد ادبی است که فرانسه به فارسی است و نسرین دخت خطاط آن را به همراه ژاله کهنمویی پور گردآوری کرده است و کتاب را مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران در قطع وزیری به چاپ رسانده و روانه بازار کرده استآثار : ۱ آموزش زبان فرانسه به روش سمعی و بصری ویژگی اثر : مرکز نشر دانشگاهی ۲ امثال و تعبیرات، ترجمه تاریخ ادبیات قرن بیستم (ترجمه) ، پیدایش رمان فارسی (ترجمه) ویژگی اثر : مرکز نشر دانشگاهی، چاپ هفتم –کتاب «پیدایش رمان» فارسی ازجمله کتاب های اثرگذار در سالهای اخیر در عرصه ادبیات پژوهشی است. کتابی که در سه بخش تدوین شده است و این بخش ها عبارتند از: «پیدایش رمان فارسی»، «رمان در اواخر قرن نوزدهم» و «رمان در قرن بیستم» در این کتاب کریستف بالایی تلاش می کند تا با مطالعه ای تطبیقی ادبیات فارسی را با ادبیات ترک، عرب و ادبیات پنجاب مقایسه نموده وجوه مشترک آنها را بررسی کند. او نحوه پیدایش رمان های تاریخی را ملهم از رمان های اروپایی می داند و بحران های سیاسی، اجتماعی و روشنفکری ادبیات نوین ایرانی را از ابتدای قرن نوزدهم میلادی ارزیابی می کند. او در بخشی از کتاب می نویسد: «خسروی حقیقتاً تحت تأثیر آثار الکساندر دوما ـ کنت دو مونت کریستو و سه تفنگدار، که به فارسی ترجمه شده بودند قرار دارد... جالب آن است که بسیاری از مشروطه طلبان این دوره همچون نویسنده [خسروی] فوق از خاندان مستبد قاجاری، شاهزادگان و اشراف زادگان هستند. او به همین دلیل مجبور به اختفا و سپس تبعید می شود.»۴ پیدایش رمان معاصر (ترجمه) ، تاریخ ادبیات فرانسه ویژگی اثر : (جلد پنجم: قرن بیستم) نوشته پیربرونل و ایوه بلانژه، وانیل کوتی، فیلیپ سلیه و میشل تروفه، از زبان شناسان و محققان برجسته فرانسه است که نسرین دخت خطاط چنانکه پیش از این آمد آن را به همراه دکتر مهوش قویمی یار دیرینه و همکار آشنای خود ترجمه کرده است. کتاب مذکور که کتابی درسی نیز محسوب می شود توسط سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) در پاییز به چاپ رسید. کتاب فوق ترجمه پنجمین و آخرین بخش از یک دوره کامل «تاریخ ادبیات فرانسه» اثر پیر برونل و همکاران او محسوب می شود که بخش های پیشین آن را مترجمان و محققان دیگری ترجمه کرده بودند.۶ فرهنگ توصیفی نقد ادبی ویژگی اثر : این کتاب که از فرانسه به فارسی است و نسرین دخت خطاط آن را به همراه ژاله کهنمویی پور گردآوری کرده است و کتاب را مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران در قطع وزیری به چاپ رسانده است.۷ نقد ادبی ویژگی اثر : سمت، چاپ پنجم۸ نقد ادبی ، فرانسه نیمه تخصصی

خطاط، یحیی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محی‌الدین، به انواع کمالات و فضایل آراسته بود، در حسن خط، فرید دهر و وحید عصر به شمار می‌رفته، از شاگردان میرعماد

بوده.

گویند: وقتی شاه عباس از میرعماد کسی را خواست که در حسن کتابت و صحت املاء و انشا و بلاغت کامل باشد، میرعماد، میریحیی را معرفی نموده، از طرف پادشاه نام برده به میرثانی ملقب شده، در ۱۰۴۰ وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خطای شوشتری، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۱۶ ق)، شاعر. وی در زمان وزیرالممالک، نواب آصف‌الدوله بهادر به لکهنو هندوستان رفت و در آنجا در سلک کتابخوانان درآمد و تا زمان علی خان بهادر زندگی کرد. از آثار او. «بحر البکا»؛ «واقعات کربلا»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۴۲ -۲۴۱)، الذریعه (۲۹۷/۹)، مولفین کتب چاپی (۲۱ -۲۰ /۳).

خطایی گجراتی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. وی از شاعران ایرانی است که به هند رفته و سالیان درازی در گجرات زیسته است. از وی «دیوان» شعری باقی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای پنجاب (۱۴۳ -۱۴۲) الذریعه (۲۹۸/۹)، ریحانه (۱۳۹/۲)، صبح گلشن (۱۵۲)، فرهنگ سخنوران (۳۱۲).

خطایی یزدی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. اصل وی از عقدای یزد بود، در جوانی به اصفهان رفت و به خدمت امین‌الدوله عبداللّٰه خان، وزیر فتحعلی‌شاه، درآمد. چندی در گیلان به سر برد و بعد به یزد بازگشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۱۲۶ -۱۲۵)، حدیقه الشعراء (۵۷۳/۱)، الذریعه (۲۹۹ -۲۸۹ /۹)، مجمع الفصحا (۲۴۱/۴).

خطی بحرانی، ابوالبحر جعفر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۸ ق)، ادیب و شاعر. در قطیف متولد شد، به بحرین رفت و از آنجا به اصفهان سفر کرد و نزد شیخ‌بهایی تحصیل کرد. ابوالبحر در شیراز درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۲۴/۲)، اعیان الشیعه (۱۵۸/۴)، الذریعه (۲۹۹/۹)، ریحانه (۱۴۳ -۱۴۲ /۲)، لغت نامه (ذیل/ جعفر)، معجم المولفین (۱۴۶/۳).

خطیب اسکافی، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۱/۴۲۰ ق)، فقیه، ادیب و لغوی. در اصفهان متولد شد. وی نزد ابوبکر قفال مروزی فقه آموخت و در این فن سرآمد و همچنین در نحو و لغت و ادب نیز مشتهر. به گفته سمعانی، ابتدا از اصحاب رای بود و پس از آن اصحاب حدیث شد. خطیب از ابوبکر قفال و ابونصر محمودی حدیث شنید و ابومنصور سمعانی از وی روایت می‌کرد. از آثارش: «مبادی اللغه العربیه»؛ «نقد الشعر»؛ «لطف التدبیر فی سیاسه الملوک»؛ «دره التنزیل و غره التاویل فی الایات المتشابهه»؛ «شواهد سیبویه»؛ «غلط کتاب العین»؛ «العزه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۰۲/۷)، ریحانه (۱۴۴ -۱۴۳ /۲)، کشف الظنون (۱۹۷۳ ،۱۵۷۹ ،۱۵۵۵ ،۱۴۲۸ -۶۹۱)، لغت نامه (ذیل/ خطیب)، معجم الادباء (۲۱۵ -۲۱۴ /۱۸)، معجم المولفین (۲۱۱/۱۰)، الوافی بالوفیات (۳۳۷/۳)، هدیه العارفین (۶۴/۲).

خطیب تبریزی، ابوزکریا یحیی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۰۲ -۴۲۱ ق)، ادیب لغوی و شاعر. معروف به خطیب. در تبریز متولد شد و در بغداد ساکن. ابوالعلاء معری، ابوالقاسم الرقی، ابومنصور جوالیقی و ابوبکر احمد بن علی، صاحب تاریخ بغداد، از استادان او بودند. در جوانی سفری به مصر کرد و پس از چندی به بغداد بازگشت و به تدریس و تولیت کتابخانه و ریاست علوم ادبی نظامیه آن شهر مشغول شد. در بغداد درگذشت. از آثار وی: شرح «حماسه‌ی» ابی‌تمام؛ شرح «دیوان» متنبی؛ «شرح سقط الزند»؛ «تهذیب غریب الحدیث»؛ «الکافی فی علم العروض و القوافی»؛ «الملخص»؛ «تفسیر القرآن و الاعراب».[۱]

تبریزی، ابوزکریا یحیی بن علی بن محمد شیبانی از بزرگان لغت و ادب عرب (و ۴۲۱- ف. ۵۰۲ ه.ق.). اصل وی از تبریز است ولی در بغداد نشو و نما یافت و به مصر رفت و سپس به بغداد بازگشت و بدانجا درگذشت. از کتب او شرح دیوان الحماسهٔ لابی تمام در ۴ جزو بزرگ، تهذیب اصلاح المنطق لابن السکیت، شرح سقط الزند للمعزی، اعراب القرآن و غیره است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۹۷/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۳۸/۲)، دانشمندان آذربایجان (۳۹ -۳۷)، دایرهٔالمعارف فارسی (۹۰۶/۱)، ریحانه (۱۴۶/۲)، سیرالنبلاء (۲۷۱ -۲۹۶ /۱۹)، الکامل (۲۵۸/۸)، کشف الظنون (۱۹۹۱ ،۱۸۰۸ ،۱۷۴۱ -۱۷۴۰ ،۱۵۶۳ ، ۱۳۷۷ ، ۱۳۳۰ ،۹۹۲ ،۸۱۲ ، ۷۷۰ ،۶۹۲ ،۴۴۶ ،۱۰۸)، الکنی و الالقاب (۲۱۵ -۲۱۴ /۲)، وفیات الاعیان (۱۹۶ -۱۹۱ /۶)، هدیه العارفین (۵۱۹/۲).

خطیب قزوینی، جلال‌الدین، ابوالمعالی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۳۹ -۶۶۶ ق)، ادیب و فقیه شافعی. معروف به خطیب دمشقی. اصل او از قزوین است. وی به روم و مصر و شام سفر کرد. مدتها قاضی‌القضاه آناتولی، قاضی بلاد مصر و قاضی خطیب دمشق بود. وی اقوال اوقاف را صرف نیازمندان و درویشان می‌کرد. خطیب قزوینی شیرین‌سخن بود و به ادبیات عربی و ترکی و فارسی کاملا مسلط بود. در دمشق درگذشت و در مقابر صوفیه دفن شد. از آثار وی: «الایضاح»، در شرح «التلخیص»، در معانی و بیان؛ تلخیص «مفتاح العلوم» سکاکی؛ «السور/ الشذر المرجانی من شعر الارجانی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۶۶/۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۹۵ -۲۹۳ /۳)، روضات الجنات (۸۱ -۸۰ /۸)، ریحانه (۱۴۸/۲)، کشف الظنون (۲۱۰)، الکنی و الالقاب (۲۱۶ -۲۱۵ /۲)، معجم المولفین (۱۴۶ -۱۴۵ /۱۰)، مینو در (۲۴۳ ،۱۲۰ /۲)، الوافی بالوفیات (۲۴۳ - ۲۴۲ /۳)، هدیه الاحباب (۱۳۲).

خطیب کرمانشاهی، زکی، محمد زکی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۱۱۵۹ ق)، عالم امامی، واعظ و ادیب. پدر و مادرش اهل سنت بودند. وی در هشت سالگی از نزد ایشان رفت و به اسماعیل خان حاکم همدان پناهنده شد و تحت نظر وی تربیت شد. وی پس از طی مراتب علمی شیخ‌الاسلام و امام جمعه کرمانشاه شد و جمع بسیاری در اثر مواعظ او هدایت یافتند. در اواخر عمرش به امر نادرشاه، قاضی لشکر بود و پس از مدتی در اثر بدگویی اطرافیان به امر وی کشته شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۶۶/۷)، ریحانه (۱۵۰/۲).

خطیب گنجه‌ای

قرن:۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن ششم هجری، از زنان شاعر. وی دختر خطیب گنجه و خواهر امیر احمد– همسر و یا عاشق مهستی گنجوی بود.

رباعی زیر از اوست:

در عالم جان خطبه به نام خط اوست
صبح دل عشاق ز شام خط اوست
تشبیه خطش به مشک می‌کردم، عقل
گفتا: غلطی مشک غلام خط اوست

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: سرایندگان شعر فارسی در قفقاز، ۲۳۱؛ «زنان سخنور آربایجان در سده هفتم»، مجله دانشکده ادبیات تبریز، سال چهاردهم، شماره چهاردهم، ۴۵۰ –۴۴۹؛ نزهةالمجالس، ۳۱۷.

خطیبی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین خطیبی در سال ۱۲۹۵ در تهران متولد گردید. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در دبیرستان ثریا و مدرسه دارالفنون ، شعبه ادبی به پایان رسانید. سپس دوره های مختلف عالی دانشکده ادبیات و علوم انسانی را با موفقیت گذراند و در سال ۱۳۲۴ موفق به اخذ دکترای زبان و ادبیات فارسی شد. خطیبی مشاغل مختلفی چون: دبیردبیرستان ، رییس کتابخانه دانشکده حقوق ؤ استاد دانشکده ادبیات تهران ، معاون و ریاست رونامه رسمی کشور ، عضو هیات مدیره جمعیت هلال احمر مرکز و... را به عهده داشته است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین خطیبی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در دبیرستان ثریا و مدرسه دارالفنون ، شعبه ادبی به پایان رسانید. سپس دوره های مختلف عالی دانشکده ادبیات و علوم انسانی را با موفقیت گذراند و در سال ۱۳۲۴ موفق به اخذ دکترای زبان و ادبیات فارسی شد.

استادان و مربیان : ملک الشعرای بهار ، فروزانفر ، پورداوود و علی اصغر حکمت از جمله استادان حسین خطیبی بودند.

هم دوره ای ها و همکاران : حسین خطیبی از جمله نخستین کسانی بود که به همراه دکتر معین ، دکتر خانلری و دکتر ذبیح الله صفا در دوره دکترای ادبیات فارسی پذیرفته شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسین خطیبی به مدت تقریباً سه سال (از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۳) رئیس کتابخانه دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران را به عهده داشت. پس از آن گذشته از وظایف دانشگاهی معاونت و سپس ریاست اداره روزنامه رسمی کشور در مجلس شورای ملی به او محول شد. استاد دکتر خطیبی از ششم شهریور ماه ۱۳۲۶ به سمت افتخاری مدیر عاملی شیر و خورشید سرخ سابق و هلال احمر فعلی منصوب شد و این سمت را به مدت سی و دو سال ـ تا بهمن ۱۳۵۷ ـ بدون دریافت هیچ گونه حقوق و پاداشی عهده دار بود که نتیجه آن احداث صدها بیمارستان و درمانگاه و زایشگاه و آموزشگاههای پرستاری و بهیاری و پرورشگاه ایتام و دیگر موسسات خیریه و امدادی بود.

فعالیتهای آموزشی : حسین خطیبی پس از اخذ لیسانس به پیشنهاد استاد ملک الشعرای بهار ساعتی چند از درس استاد به واگذار شد. او همچنین پس از دریافت درجه دکترا به دانشیاری کرسی سبک شناسی دانشگاه تهران برگزیده شد و در سال ۱۳۳۰ که استاد ملک الشعرای بهار صاحب کرسی درگذشت ، این سمت رسماً به او واگذار گردید که آن را تا اواخر سال ۱۳۵۷ برعهده داشت و به این ترتیب با احتساب دورهٔ دبیری دانشگاه که از سال ۱۳۱۷ آغاز شد ، جمعاً چهل سال در سمت تدریس انجام وظیفه کرد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حسین خطیبی ادیب ، روزنامه نگار و شاعر می باشد ، با آنکه در شاعری توانا و در کار نظم تبحر دارد ، هیچگاه به شعر و شاعری متظاهر نبوده است. وی دارای آثار و تالیفاتی نیز می باشد. ------------------------
----

آثار :

۱ فن نثر در ادبیات فارسی

ویژگی اثر : جلد اول این کتاب چاپ و در دانشگاه های کشور تدریس می شود.

۲ منظومه ای در چندهزار بیت در مورد زبان پر ارج فارسی

منابع :

۱اثر آفرینان (زندگی نامه نام آوران فرهنگی ایران) ، زیر نظر: دکتر سیدکمال حاج سیدجوادی ، با همکاری: دکتر عبدالحسین نوایی ، ج ۲ ، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی فرهنگی ایران ، ص ۳۵۱۲سخنوران نامی معاصر ایران ، تالیف: سیدمحمدباقر برقعی ، ج ۲ ، قم: نشرخرم ، ص ۱۲۹۲۳شاعران تهران از آغاز تا امروز ، تالیف: مجید شفق ، ج اول ، تهران: انتشارت سنایی ، ص ۳۲۶

خطیر جرجانی، خطیرالدین محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف قبل از ۶۱۸/۶۱۷ ق)، شاعر و دانشمند. وی از مشایخ لاهور بود. صاحب «لباب الالباب» درباره‌ی وی می گوید: امروز خطه‌ی لاهور به مکان فضل و بزرگی وی که ثمر آن شجر و قرةالعین آن بصرست معمورست و تصانیف او در انواع علوم از معقول و منقول مشهور است». در همین تذکره نه بیت از اشعار وی نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای پنجاب (۱۴۳)، الذریعه (۲۹۹/۹)، لباب الالباب (۲۳۲/۱)، مجمع الفصحا (۶۰۷ -۶۰۶ /۲).

خفافزاده، حسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطاط. از خطوط وی: مرقع ثلث دو دانگ جلی و نسخ کتابت خفی خوش، با رقم: «کتبه اضعف الضعفا حسین الشهیر بخفاف‌زاده، سنه ۱۱۵۰»؛ مرقع ثلث سه دانگ و نسخ کتابت خفی خوش، با رقم: «کتبه الفقیر حسین المعروف بخفاف‌زاده غفر له».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۶۰/۴).

خفری جهرمی شیرازی، شمس‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۲ ق)، که فیلسوف، متکلم و شاعر معتزلی. از مردم خفر فارس و ساکن کاشان بود، مدتی نیز در هرات نزد سلطان بایقرا به سر برد و از آنجا به عربستان رفت. پس از چندی به کاشان بازگشت و همان جا درگذشت. وی شاگرد صدرالدین دشتکی شیرازی و استاد سید شاه طاهر بن رضی‌الدین اسماعیل حسینی و معاصر علی بن عبدالعالی بود. خفری در کسب دانش دارای همت عالی بود و شعر نیز می‌سرود. آثار وی: «رساله در اثبات واجب»؛ «منتهی الادراک» در هیات؛ «رساله‌ای در علم رمل»؛ «رساله‌ی الهیات».[۱]

شمس‌الدین محمد بن احمد شیرازی، دانشمند و فیلسوف (ف. حدود ۹۶۰ ه.ق.) از شاگردان صدرالدین محمد دشتکی و ساکن کاشان بود. از آثار وی تذکره خواجه به نام تکمله‌ی رساله‌ی اثبات الواجب و حواشی بر شرح هدایهٔ الحکمهٔ است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۱۱۹/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۷، ۳۰۴ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۸۴۱)، حبیب السیر (۶۱۱/۴)، الذریعه (۲۴۰/۱۲، ۳۳۱/۴، ۱۰۶/۱)، ریحانه (۱۵۴/۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۳۳ -۳۲۹ /۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۸/۱۰)، طرائق الحقائق (۱۳۳/۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۹۷)، الکنی و الالقاب (۲۱۸/۲)، لغت نامه (ذیل/ خفری)، مجالس المومنین (۲۳۴ -۲۳۳ /۲)، معجم المولفین (۲۵۴/۸).

خفری، علاءالدین احمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از آثار او: «احیاء علوم‌الدین» نیم ورقی جلد ضربی، سرلوح مذهب عالی، به خط نسخ کتابت خفی متوسط، با رقم «قد وقع الفراغ من تحریره... علی ید اضعف العبد و احقر اهل الزمان علاءالدین احمد بن جمال محمد خفری غفراللّٰه لهم... فی سنه ۹۶۴».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۱۳/۴).

خفری، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از کاتبان گمنام بود. به خط وی یک نسخه «جوگ» در کتابخانه سلطنتی است، به قلم کتابت خفی متوسط و با رقم: «تمت الکتاب... فی بیست و دوم شهر جمادی‌الثانی سنه‌ی ۱۲۵۷، بجهت پیشکش... السلطان محمدشاه غازی... سمت اتمام پذیرفت. اقل الکاتبین محمدمحسن الخفری غفراللّه...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۳۲/۳).

خلاصی کاشانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از شاعران غزلسرایی است که معاصر و مصاحب محتشم کاشانی بود. او «دیوان» شعری نزدیک به هزار بیت داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۴۴)، الذریعه (۲۹۹/۹)، صبح گلشن (۱۵۳)، فرهنگ سخنوران (۳۱۳).

خلج اسعدی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

تولد: ۱۰ خرداد ۱۳۳۱، تهران.

درگذشت: ۱۲ مهر ۱۳۷۵، تهران.

مرتضی خلج اسعدی، فرزند حسین، پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در تهران به سال ۱۳۴۹ در رشته‌ی ریاضی موفق به اخذ دیپلم شد. در مهر همان سال در رشته‌ی اقتصاد بین‌الملل مدرسه‌ی عالی بزرگانی تهران پذیرفته شد. پس از اخذ کارشناسی در رشته‌ی روابط بین‌الملل مرکز عالی مطالعات بین‌الملل دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران نیز موفق به اخذ کارشناسی ارشد شد. رساله‌ی فارغ‌التحصیلی وی تحت عنوان «بررسی روابط بازرگانی ایران با کشورهای عرب خاورمیانه در دهه ۱۳۴۴ الی ۱۳۵۴» بعدها به صورت کتاب به چاپ رسید.

وی در سال‌های تحصیل دوره‌ی کارشناسی ارشد خود با گروه سیاست و حکومت در خاورمیانه همکاری داشت، کتاب مجموعه‌ها (۱۳۵۵) نخستین کتابی بود که از وی منتشر شد. فعالیت‌های وی در زمینه‌ی تحقیق و ترجمه در سال‌های پس از انقلاب اسلامی نیز ادامه داشت. از سال ۱۳۵۹ همکاری خود را با کمیته‌ی تألیف و ترجمه‌ی ستاد انقلاب فرهنگی (که بعدها به مرکز نشر دانشگاهی تبدیل شد) برای تألیف و تدوین دائرةالمعارفی در معرفی کشورهای مسلمان آغاز کرد. این همکاری از سال ۱۳۶۲ به صورت مختلف دائرةالمعارف جهان اسلام در بسیاری از زمینه‌های دیگر، همچون مقاله نویسی و ویرایش در «نشر دانش» نیز فعالیت داشت. علاوه بر «نشر دانش»، ایشان مقاله‌هایی در «کیهان فرهنگی»، «نامه‌ی فرهنگ»، «حکمت»، «جانب غربی»، «معارف اسلامی»، «نگاه نو» و «کلک» نیز داشته است. وی از همان ابتدای تأسیس دائرةالمعارف تشیع و دانشنامه‌ی جهان اسلام از نزدیک و فعالانه به تألیف و ترجمه بسیاری برای این دو دائرةالمعارف اشتغال داشت.

در سال ۱۳۷۰ یک سال به صورت حضوری با سمت ویراستار نشریه‌ی دانشنامه‌ی جهان اسلام تحت عنوان «تحقیقات اسلامی» همکاری کرد. پس از پذیرفته شدن در دوره‌ی دکتری در رشته‌ی تاریخ و تمدن ملل مسلمان دانشکده‌ی الهیات و معارف دانشگاه تهران از مهر ۱۳۶۸ تدریس در دانشگاه تهران را نیز آغاز کرد. در سال ۱۳۹۶ موفق به عضویت در هیئت علمی دانشگاه تهران شد و دو سال بعد در سال ۱۳۷۱ دکترای خود را در رشته‌ی تاریخ تمدن ملل اسلامی از این دانشگاه دریافت کرد. از آثار اوست: گذر به سوسیالیسم (پل سوئیزی و شارل بتلهایم، تهران)؛ رودزیا (مارتین لونی، ۱۳۵۶)؛ دولت حاکم، آی. تی. تی. (آنتونی سمپسون، ۱۳۵۸)؛ سوسیالیسم در شیلی (رژی دبره، ۱۳۵۸)؛ انقلاب اسلامی در ایران (حامد الگار، با همکاری حسن چیذری، ۱۳۶۰)؛ تروریسم مقدس اسرائیل (لیویا روکاچ، ۱۳۵۶)؛ دایرةالمعارف جهان اسلام (جلد اول، ۱۳۶۶، جلد دوم، ۱۳۶۹)؛ بیت المقدس (۱۳۶۷)؛ افغانستان (ماری کلیفورد، ۱۳۶۸)؛ آرمان‌ها و واقعیت‌ها (عبدالسلام، با همکاری دکتر نفری، ۱۳۶۹)؛ فلسفه‌ی سیاسی (آنتونی کوئینتن، ۱۳۷۱)؛ ایران شناسی در اروپا و ژاپن (رودکی متی، نیکی کدی، ۱۳۷۱)؛ جوان مسلمان و دنیای متجدد (دکتر سید حسین نصر، ۱۳۷۴)؛ ایران، اسلام، تجدد (مجموعه مقالات تحقیقی)؛ جنگ‌های صلیبی و آغاز مطالعات اسلام شناسی (رساله‌ی دکتری)؛ اتم‌ها و مولکول‌ها (ترجمه) پیروزی بر سرطان (اثر گرک اندرسن). دایرةالمعارف جهان اسلام یک بار در سال ۱۳۷۰ و بار دیگر در سال ۱۳۷۳ به ترتیب به عنوان کتاب سال دانشگاهی و کتاب برگزیده‌ی سیاسی از سوی شورای عالی انتشارات دانشگاه تهران در بخش ترجمه، تحت عنوان کتاب ممتاز برگزیده شد. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی نیز در مرداد ۱۳۷۵ مراسمی به پاس قدردانی از فعالیت‌های فرهنگی وی برگزار کرده است.

دکتر مرتضی خلج اسعدی پس از تحمل بیش از یک سال بیماری سرطان معده در بیمارستان سجاد درگذشت. پیکر وی در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (ویژه‌ی هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شد.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

خلخالی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید ابراهیم بن المرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمد کاظم موسوی خلخالی از علماء محترم معاصر تهران است.

وی با دو برادر ارجمندش جنابان حجهٔالاسلام آقای حاج سید جواد و حجهٔالاسلام حاج سید علی کاظمی موسوی، در تهران به خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

والد معظم ایشان مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید محمد کاظم بن سید الجلیل آقا سید زین‌العابدین در حدود سال ۱۲۷۰ قمری هجری در قریه (کیوی) از قراء خلخال متولد گردیده و مرحوم والدش که از اجله سادات و اهل تقوا و شخص متهجد و مورد احترام مردم بوده در خدمت والد خود از تبریز مهاجرت به خلخال نموده و دارای هفت فرزند ذکور که پنج نفر از آنان از علماء مبرز و روحانیین بزرگوار با اسامی زیر بوده‌اند:

۱- مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمد کاظم موسوی خلخالی مترجم معظم ما.

۲- مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمد موسوی خلخالی مقیم و متوفی نجف (ترجمه وی در اعلام نجف خواهد آمد)

۳- مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید حسن موسوی خلخالی مقیم تبریز.

۴- مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید فاضل موسوی خلخالی مقیم رشت (ترجمه ایشان در ضمن ترجمه فرزند برومندش حاج سید محمد مهدی خواهد آمد)

۵- مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید حسین موسوی خلخالی مقیم رشت و متوفی تهران ۱۳۹۳ مدفون قم.

و نامبردگان فوق هر یک در دوره حیات خود شخصیت بارز علمی و تقوائی و اجتماعی بوده‌اند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خلخالی، باقر، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۶ ق)، عالم، قاضی و شاعر. در خلخال متولد شد و در همان جا نشو و نما یافت. از شاگردان ملاعلی زنجانی صاحب «معدن‌الاسرار» فارسی بود و مدتی در خلخال قضاوت نمود. طبع شعری روانی داشت و به دو زبان فارسی و ترکی شعر نغز می‌سرود. از آثارش: «کتاب الثعلبیه» به زبان ترکی که بارها در تبریز و استانبول چاپ شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۷/۵)، ریحانه (۱۵۶، ۱۵۵ /۲).

خلخالی، بسیج

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

درگذشت: دی ۱۳۷۳.

بسیج خلخالی اهل شعر و شاعری بود و داستان هم می‌نوشت. از جمله کتاب‌هایش حماسه‌ی هیزم شکن است. از آثار دیگر وی: آئین پرستار (۱۳۳۰)؛ در چنگ اژدها (تهران، ۱۳۲۲)؛ منتخب اشعار بسیج (تهران، ۱۳۲۲).

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

خلخالی، حمدالله

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. بعضی معتقدند وی شاگرد میر علی هروی است و بعضی گویند میر را درک نکرده و فقط از روی قطعاتش مشق کرده است. از خطوط وی، قطعه‌ای از یک مرقع در کتابخانه‌ی خزینه‌ی اوقاف استانبول است، به قلم سه دانگ جلی خوش و با رقم: «... الفقیر المذنب حمداللّه خلخالی».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۷۰/۱)، مناقب هنروران (۷۷).

خلخالی، خلیل

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. مشهور به خلیل تیرگیر. وی در پرداختن مضامین باریک توانا بود. از او ابیاتی در تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۴۴)، دانشمندان آذربایجان (۱۴۲)، الذریعه (۳۰۲/۹)، مخزن الغرائب (۱۲۵/۲).

خلخالی، شریف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌سید عباس. عالم جلیل، از شاگردان حاج سید محمد باقر حجهٔ الاسلام بوده، و بر کتاب «مطالع الانوار» استاد خود حواشی نوشته، و تا سال ۱۲۴۳ زنده بوده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خلخالی، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام و مدرس گرامی آقای حاج صادق خلخالی از فضلاء و اساتید بنام حوزه علمیه قم می‌باشند ولادتش در خلخال واقع شده و پس از نشو و نما و طی دوران ابتدائی و مقدمات به قم مهاجرت نموده و سطوح را نزد مدرسین بزرگ خوانده و سالها از محضر آیت‌الله العظمی امام خمینی و آیت‌الله العظمی شریعتمداری و مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و بعض دیگر استفاده کامل نموده و در میان اقران مشار بالبنان گردیده و اکنون به تدریس فقه و اصول اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

خلخالی، فضل

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۴ ق)، شاعر. برادر مولانا شیخ احمد بود. وی معاصر میرزا شرف‌جهان بود و سالها در مصاحبت او به سر می‌برد. در علوم معقول نیز دست داشت. پیکرش را بعد از درگذشت به قزوین انتقال دادند و در کنار مرقد جدش بایزید خلخالی به خاک سپردند.

از اوست:

به رغم من نماید مهر با اغیار یار من

خوشم باری که یادش می‌دهد از اعتبار من

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۰۲)، دانشمندان آذربایجان (۲۹۸)، الذریعه (۸۳۶ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۱۱)، هفت اقلیم(۲۶۰ -۲۵۹ / ۳).

خلخالی، محمد کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید محمد کاظم در سن شانزده سالگی از خلخال برای تحصیل علوم دینی مهاجرت به شهرستان رشت و سپس به قزوین آمده و در مدرسه علمی قزوین دو سالی توقف نموده و شخص تاجری ماهی سه تومان جهت مخارج ایشان مقرر داشت تا بعد از دو سال عزیمت به نجف اشرف نموده و پس از تکمیل متون فقه و اصول از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی میرزا حبیب‌اللَّه رشتی استفاده نموده و تقریرات و دراسات فقه و اصول آن مرحوم را بـا نظریات دقیق علمی خود برشته تحریر در آورده (که آماده برای طبع می‌باشد)

آن مرحوم در مدت اقامت نجفش چند مسافرت به ایران نموده و از رشت و خلخال و اردبیل دیدن کرده و در همه جا مورد استقبال و احترام علماء و مردم شهرستانها بودند مخصوصا در شهرستان رشت مرحوم آیت‌اللَّه حاج مجتهد که از علماء بزرگ رشت بودند مسجد خود را که اکنون در کنار خیابان دائر و به مسجد حاج مجتهد معروف است بمعظم له تفویض نمودند که تا مدت اقامتشان در رشت مردم را از نماز جماعت و منبر خود بهره‌مند فرمایند.

در سال ۱۳۱۹ ق بر حسب تقاضای جمعی مخصوصا فرزند مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا جواد آقای مجتهدی برای اقامه جماعت و غیره به تبریز آمده و تا سال ۱۳۳۲ قمری مرجع عالی روحانی بوده و بامامت و تدریس و حل و فصل امور قضائی و شرعی اهالی آذربایجان مشغول بودند. و در ابتداء مشروطه و انقلاب داخلی ایران در تبریز بودند و برای اصلاح امور مسلمین به طهران و شهر ری آمده و با مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ فضل اللّه شهید نوری ملاقات نموده سپس به نجف اشرف برای مذاکره با مراجع عالیقدر شیعه بالاخص مرحوم آیت‌اللّه طباطبائی یزدی و آیت‌اللّه آخوند خراسانی مسافرت نموده آنگاه به تبریز مراجعت و در سال ۱۳۳۲ ق مجددا با عائله خود از تبریز به نجف اشرف هجرت نموده بتدریس و مباحثات علمی پرداخته و منزلش مجمع فضلاء نجف گردیده و از کثرت علاقه‌اش بمذاکرات علمی در هر مجلسی که شرکت می‌کردند مباحثه علمی در میان آورده و فروعی را مطرح و بتحقیق آن می‌پرداختند تا در سال ۱۳۳۶ ق در سن شصت و هفت سالگی وفات نموده و در صحن مقدس علوی مدفون گردیدند.

مخفی نباشد که آن مرحوم بزرگترین خاندان خلخالی بودند که در ایران و عراق شهرت علمی و تقوائی داشتند و یکی از علماء موفق و متهجد و دائم الذکر بودند که از اوائل بلوغ و تکلیف شرعی باین فیض و توفیق نائل و فائز بودند.

برادران آن مرحوم از آیات عظام و علماء اعلام نجف اشرف و تبریز و گیلان بودند که ترجمه هر یک در محل خود خواهد آمد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خلخالی، محمد مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمد مهدی بن المرحوم آیت‌اللّه آقای آقا سید فاضل موسوی خلخالی (متوفی سال ۱۳۴۶ ق در تبریز) از علماء محترم معاصر تهران است وی پس از فوت مرحوم والدش در سن چهار سالگی باتفاق والده ماجده‌اش از رشت مهاجرت به نجف اشرف نموده و در بیت علم و فضیلت مرحوم عم گرامش آیت‌اللّه آقای آقا سید محمد خلخالی «قده» پرورش یافته و علوم مقدماتی را فراگرفته و سطوح را از محضر مدرسین بزرگ چون مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسن یزدی و آیت‌اللّه حاج شیخ مجتبی لنکرانی فراگرفته و دروس خارج را چندی از محضر استاد بزرگ آیت‌اللّه حاج شیخ حسین حلی و مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شید محسن حکیم فراگرفته و سپس از محضر آیت‌اللّه العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی فقها و اصولا استفاده نموده و تمحض بدروس ایشان یافته و مورد عنایت مخصوص آیت‌اللّه خوئی مد ظله العالی از جهت فراگرفتن دقائق علمی و مبانی رشیقه معظم له قرار گرفته و مدت چهارده سال تمام از سال ۱۳۷۰ ق تا سال ۱۳۸۴ ق از بحثهای عمومی و خصوصی آن جناب برخوردار شده و در سال مزبور به تهران مسافرت نموده و بنا به تقاضای جمعی از اهالی تهران در مرکز کشور عاصمه جهان تشیع توقف نموده و اقامت ایشان در تهران موجب تاثر عمیق استاد معظم آیت‌اللّه خوئی دام ظله گردید و در ضمن نامه تأثرات خود را بمعظم له ابلاغ داشتند زیرا وجود ایشان را در حوزه علمیه نجف اشرف لازم می‌دانستند و اکنون در تهران نیز به بحثهای علمی اشتغال داشته و در مسجد صدریه واقع در خیابان رسام میدان خراسان اشتغال به اقامه نماز جماعت و انجام خدمات دینی دارند.

دارای آثار و تألیفات ارزنده‌ای بشرح زیر می‌باشند.

۱- یک دوره حاشیه کفایه در اصول غیر مطبوع.

۲- تقریرات درس آیت‌اللّه العظمی خوئی در مکاسب.

۳- تقریرات دوره کامل اصول معظم له.

۴- تقریرات درس طهارت شرح بر عروةالوثقی بنام فقه‌الشیعه که دو جلد آن بطبع رسیده و بقیه اجزاء آن آماده طبع است.

۵- شرح عروةالوثقی کتاب الحج.

۶- رساله‌ای در رضاع و تقیه تقریرات آیت‌اللّه خوئی.

و اما والد معظم ایشان حضرت آیت‌اللّه آقای آقا سید فاضل موسوی خلخالی از اجله علماء و مشهور بتقوی و از شاگردان مبرز مرحوم آیت‌اللّه طباطبائی یزدی و شریعت اصفهانی بودند و در سال ۱۳۳۷ ق پس از نیل بدرجه رفیعه اجتهاد از نجف اشرف به شهرستان رشت عزیمت نموده و مورد علاقه و توجه عموم گیلانیها واقع گردیده و در مسجد معروف حاج سمیع بامامت جماعت و تدریس اشتغال داشتند و پس از چند سال اقامت در رشت اخیراً کسالتی عارض شد و برای معالجه به تهران و سپس برای تغییر هوا به تبریز حرکت نموده و در آنجا دار فانی را در سال ۱۳۴۶ ق وداع گفته و مدفن معظم له در شهر تبریز در امامزاده معروف به سید ابراهیم قرار دارد.

و آثاری از فقه و اصول تقریر اساتید بزرگ و یا تألیف خود ایشان غیر مطبوع باقی گذارده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خلخالی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدباقر خلخالی فاضلی جلیل و خطیبی بارع بود و در سال (۱۳۳۳) قمری در مشهد مقدس رضوی وفات نموده و در آن آستان به خاک رفته است

تألیفاتی دارد که از آنهاست (النجات الثمان) در تواریخ مشاهد ثمانیه علی مشرفیهاالسلام.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خلخالی، محمدصادق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۱۲ ق)، خطاط. از آثار وی: «مفاتیح الاعجاز» و شرح «گلشن راز» به خط نسخ کتابت تحریر متوسط، با رقم: «تمت الکتاب بید اقل العباد محمدصادق الخلخالی، فی سنه ۱۱۱۲».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۸۰/۴).

خلخالی، نصراللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ نصراللّه ابن المرحوم حاج حسن الخلخالی النجفی مقیم نجف اشرف از ثقات و دانشمندان موجهین معاصر است در عراق. وی در نجف متولد شده و مانند والد ماجدش که با اهل علم و روحانیون اتصال و ارتباط داشت ایشان هم مورد توجه مراجع بزرگ نجف چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی حکیم و آیت‌اللّه العظمی حاج سید احمد خوانساری می‌باشد وجوهی که از ایران برای حوزه علمیه نجف می‌رفته به وسیله ایشان بوده و می‌باشد.

نگارنده گوید آقای خلخالی مردی شریف و بزرگوار و خدمتگذار خدمات بسیاری به حوزه علمیه نجف اشرف نموده و حقوق زیادی بر روحانیت دارد و معظم له مضافاً بر این فضائل عالمی دانشمند و ادیبی ارجمند می‌باشد

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خلدبرین، بهمن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: زیست‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی کشاورزی از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۴۱، کارشناسی ارشد علوم گیاهی از دانشگاه کالیفرنیای آمریکا در سال ۱۳۴۴ و دکترای علوم گیاهی از دانشگاه کالیفرنیای آمریکا در سال ۱۳۴۸.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تنفس در گیاه جو، اثر بعضی از تنظیم کننده‌های رشد گیاهی بر روی ایجاد مقاومت در برابر شوری، تدریس زیست‌شناسی عمومی، گیاه‌شناسی، فیزیولوژی گیاهی، فتوسنتز و تغذیه گیاهی در دانشگاه شیراز و استاد راهنمای ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

فیزیولوژی گیاهی ۱ و ۲.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۱

زمینه علمی مقالات:

فیزیولوژی گیاهی.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

خلعتبری، الهیار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ اسلامی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فلسفه اسلامی معقول از دانشکده الهیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷، کارشناسی ارشد تاریخ فلسفه اسلامی از دانشگاه سوربن فرانسه در سال ۱۳۵۱ و دکترای تاریخ اسلامی از دانشگاه سوربن فرانسه در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه و پژوهش در زمینه تاریخ ایران بعد از اسلام و تاریخ ایلخانان مغول.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

بررسی تاریخ سربداران، بررسی کتاب جوامع‌الحکایات (نقد)، اوضاع اقتصادی و اجتماعی غزنویان و سلجوقیان، اسماعیلیان قهستان، تاریخ اسماعیلیان نزاری در ایران و بررسی و نقد کتاب حسن صباح چهره شگفت‌انگیز تاریخ.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

خلعتبری، حسام الدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسام الدین خلعتبری لیماکی

محل تولد : تنکابن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ بعد از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه قم شدم و بیش از ۲۰ سال به درس و تحقیق و تدریس مشغول شدم .طی ۱۰ سال نخست سطح را به پایان رساندم و از پایان نامه سطح ۳ دفاع کردم و حدود ۱۰ سال در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات مکارم و سبحانی شرکت کردم.در سال ۱۳۷۰ در مرکز آموزش های علمی و فرهنگی موسسه امام خمینی(ره) در مقطع کارشناسی ارشد پیوسته پذیرفته شدم و در مدت ۵ سال این دوره را به اتمام رساندم.

در سال ۱۳۷۳ در اولین دوره امتحانات دروس معارف اسلامی که توسط معاونت امور اساتید معارف برگزار شد شرکت کردم و در دو گرایش تدریس اخلاق و تربیت اسلامی و معارف اسلامی موفق شدم.از سال ۱۳۷۱ تاکنون در دانشگاههای مختلف مانند تهران، علوم پزشکی تهران، شهید بهشتی، بین الملل و آزاد اسلامی تدریس کردم و اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی می باشم.در ضمن در دوره دکترای phd در دانشگاه باقرالعلوم قم در رشته مبانی نظری اسلام پذیرفته شدم و الان مشغول تحصیل هستم.

خلف آشتیانی، عبداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۵۴ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به خلف. مشهور به مستوفی الممالک. وی در شعر و هنر خوشنویسی توانا بود و جد اعلای خانواده میکده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۲۹۲/۲).

خلف شیرازی، سلیمان خان

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۱ -۱۲۵۴ ق)، خطاط، نویسنده و شاعر، متخلص به خلف. ملقب به رکن‌الملک. از بزرگان سلسله‌ی خلف بیگی شیرازی بود که در شیراز به دنیا آمد. وی در ابتدای عمر به کسب علوم ادبی پرداخت و در خط نستعلیق و شکسته و سایر خطوط سرآمد شد. در سال ۱۲۷۷ ق کارگزار دولت بحرین شد و به سال ۱۲۸۱ ق منشی مخصوص مسعود میرزای ظل‌السلطان، فرمانفرمای فارس. پس از آنکه ظل‌السلطان به حکومت اصفهان منصوب شد، رکن‌الملک نیز همراه او بود و در سال ۱۲۹۶ ق از طرف وی به نیابت حکومت اصفهان معین شد. میرزا سلیمان علاوه بر شاعری در فن انشاء نیز مهارتی بسزا داشته است. او در اصفهان درگذشت و در نزدیکی مسجدی که خود در تخت فولاد بنا کرده بود به خاک سپرده شد. کارهای نیک و آثار خیری که رکن‌الملک در دوران حیات ساخته بدین قرار است: تا ساختن مسجد و مدرسه در ابتدای تخت فولاد اصفهان؛ تاسیس شرکت اسلامیه؛ تاسیس اداره‌ی دعوت اسلامی؛ بنای بقعه‌ی آقا محمد بیدآبادی، حکیم و فیلسوف معروف، و بقعه‌ی حاج محمد جعفر آباده‌ای، از فقهای مشهور؛ تعمیر و مرمت تکیه‌ی میر فندرسکی و مسجد خلف بیگ، معروف به مسجد سرخی؛ آینه‌کاری ایوان سامراء؛ چاپ کتابهای اسلامی مانند: قرآن کریم؛ «صحیفه‌ی سجادیه»؛ «زادالمعاد» مجلسی؛ «جامع عباسی» شیخ‌بهایی؛ و کتابهای دیگر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۰۳)، آثار ملی اصفهان (۶۳۹ -۶۳۵، ۶۳۰ -۶۲۹، ۶۲۰)، احوال و آثار خوشنویسان (۲۸۵/۱)، حدیقه الشعراء (۵۷۹ -۵۷۳ /۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۵۹ -۴۵۴ /۲)،شرح حال رجال (۱۱۶ -۱۱۵ /۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۱۷ -۹۱۶ /۲)، فرهنگ سخنوران (۳۱۳)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۸۲۱ -۸۰۵، ۷۸۸)، مرآت الفصاحه (۲۰۱ -۱۹۹)، مکارم الآثار (۱۴۷۷ -۱۴۷۵ /۵)، یادگار (س ۳، ش ۹، ص ۴۶ -۳۳).

خلفی، جبار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی آلی، دانشکده: علوم، دانشگاه: ارومیه

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشکده علوم دانشگاه تبریز در سال ۱۳۵۴، کارشناسی ارشد در رشته شیمی آلی در دپارتمان شیمی دانشگاه منچستر انگلستان، دکترای شیمی از دانشگاه منچستر در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه ارومیه.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

سنتز مواد اولیه داروئی طبی و دامی (آلدومت، آموباربیتال، سکوباربیتال، راناید، دایزوفنل و نتروکسینیل)، سنتز سموم دفع آفات، سنتز مشتقات جدید آنترالین، انجام طرح تجهیز و راه‌اندازی آزمایشگاههای شیمی مدارس توام با دوره‌های بازآموزی برای دبیران و تکنسین‌ها.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شیمی هتروسیکل‌ها و اصول بنیادی شیمی آلی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

شیمی کینونها، سنتز مشتقات جدید بنزوکینون، مطالعات واکنشهای دیلز- آلدرآنها، مطالعه مهاجرت گروههای آسیل در محصولات افزایشی دیلز- آلدر، سنتز فضا ویژه نفتاکینونها و آنتراکینونها، شیمی آنترالین، سنتز مشتقات جدید آنترالین با اثرات ضد پسوریازیسی و حاوی گروههای عاملی مناسب با اثر کاهش دهندگی سوزش و رنگین ساختن پوست.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

خلفی، مسلم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسلم خلفی

محل تولد : الیگودرز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۷/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدائی و راهنمایی را در زادگاه خود (روستای خمر سفلی از توابع الیگودرز) به پایان رسانده و برای ادامه تحصیل در مقطع متوسطه به شهرستان ازنا رفت. در سال ۱۳۶۲ به حوزه علمیه امام صادق (ع) شهرستان ازنا وارد و همزمان چهارسال دوره متوسطه را به صورت متفرقه و غیر حضوری در رشته ادبیات گذرانده و در سال ۱۳۶۸ موفق به اخذ دیپلم گردیده. در این مدت دروس مقدماتی حوزه علمیه مانند جامع المقدمات، سیوطی، معالم، مغنی، مختصر، حاشیه، منطق، مظفر، و نیز لمعه جلد اول را در محضر استاد مرحوم حجهٔ الاسلام والمسلمین وحیدی میان آبادی (ره) به اتمام رساند و پس از آن برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم عزیمت نمودم.

همزمان با عزیمت به قم در دانشگاه علامه طباطبایی در رشته ادبیات عرب پذیرفته شده ولی از تحصیل در آن دانشگاه انصراف دادم. طی سالهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۷۰ باقی کتب دوره سطح را به اتمام رسانده و در سال ۱۳۷۰ شروع به درس خارج فقه و اصول نمودم. همزمان در درس تفسیر قرآن آیهٔالله جوادی آملی شرکت می نمودم. در درس خارج از محضر اساتیدی چون موسوی اردبیلی (۲سال)، فاضل لنکرانی (۵سال)، جوادی آملی (۶ سال)، یوسف صانعی (یک سال)، بهجت (یک سال)، وحید خراسانی (یک سال)، ابواب متعددی از فقه و اصول را به اتمام رسانده و پس از حضور مستمر حدود ۱۵ سال در درس خارج فقه و اصول به تحقیقات فردی پرداخته که این پژوهش همچنان ادامه دارد.

همزمان با ادامه تحصیل در درس خارج فقه و اصول حوزه در سال ۱۳۷۱ از طریق کنکور سراسری سازمان سنجش و آموزش کل کشور در رشته حقوق پذیرفته و وارد دانشگاه مفید شدم. ازسال ۱۳۸۲ به عنوان معاون پژوهشی دفتر تحقیقاتی یاسین فعالیت نمود که حاصل آن تولید نرم افزارهایی چون: ضحی، نبأ، دایرهٔالمعارف احکام (طوبی)، صبا (آموزش قرآن برای کودکان)، طاها (زندگی چهارده معصوم علیهم السلام)، کریمه (زندگی حضرت معصومه سلام الله علیها) دبستان قرآن و ....بود. در سال ۱۳۸۲ با دانشگاه مفید به عنوان پزوهشگر حقوق همکاری نمودم که حاصل آن طرح (شبیه سازی انسان در پرتو فقه وحقوق) بود. در حال حاضر در رشته حقوق بین الملل در مقطع دکتری به تحصیل خود ادامه می دهد.

خلقی تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. در تبریز متولد شد و به هرات سفر کرد و در آنجا به کسب دانش پرداخت. وی از شیخ زادگان آل النجق بود که شعر می‌سرود و گویا «دیوانی» هم داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۹۷)، تذکره‌ی روز روشن (۲۴۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۴۱)، الذریعه (۳۰۰ -۲۹۹ /۹)، مجالس النفائس (۲۳۸ ،۶۲).

خلقی رازی، غیاث‌الدین محمدیوسف

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۲۷ ق)، شاعر. اصلا از سادات شکراب ری بود. پدرش در روزگار سلطان میرزا حسین به هرات رفت و غیاث‌الدین در آنجا متولد شد و نشو و نما یافت و در مشهد به کسب دانش پرداخت و به مدارج علمی والایی رسید خلقی به روزگار شاه‌اسماعیل مقام صدارت خراسان یافت اما دولت او دیر نپایید و به سعایت مفسدان کشته شد. وی علاوه بر نسبت رازی به تهرانی، هروی، خراسانی و مشهدی نیز معروف است. خلقی شاعری توانا بود و غزل را خوب می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۰۷۹ -۱۰۷۸ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۵۳۴)، تحفه سامی (۳۵ -۳۴)، الذریعه (۳۰۱ -۳۰۰ /۹)، مجالس النفائس (۲۵۷ ،۸۲)، مجمع الخواص (۲۹۹).

خلقی شوشتری

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۴۷ ق)، شاعر. از شاعران دوره‌ی اکبرشاه و مردی منقح، خوش طبیعت، پر تتبع، طالب علم، خوش فهم و متین بود. شعر بعضی از استادان بخصوص استاد ابوالفرج را درست تتبع می‌کرد. وی مدتی در شیراز بود و زمانی را نیز در هند به سر برد، مجددا به شیراز مراجعت کرد. از اوست:

چند نالم از جگر وز دیده بارم خون دل

نیست دل دریای خون، من ابر نیسان نیستم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۰۰/۹)، شام غریبان (۹۳)، فرهنگ سخنوران (۳۱۴)، کاروان هند (۳۸۳-۳۸۱ /۱).

خلوتی تبریزی، خواجه عبدالرحیم

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۵۹ ق)، خطاط، عارف، نویسنده و شاعر، متخلص به خلوتی. وی مرید مولانا محمد مغربی بود و تربیت از او یافت. پس از چندی به خدمت جمعی دیگر از بزرگان مثل سلطان خواجه علی صفوی و شیخ زین‌الدین خوافی و شیخ کال خجندی نیز رسید. خلوتی در خوشنویسی از سرآمدان روزگار خود به شمار می‌رفت و سند خط استادان آذربایجان و خراسان بدو می‌پیوندد. خواجه عبدالرحیم و برادر مهترش، خواجه عبدالحی، هر دو در خوشنویسی شاگرد پدر خود بودند. وی در حظیره بابا مزید مدفون است. از تالیفات او: «مفاتیح الغیب»، در تصوف؛ «حاشیه بر شرح اصطلاحات شیخ عبدالرزاق کاشی»؛ «شرح بر رباعی حوراییه‌ی» ابوسعید ابوالخیر؛ «تعلیقات بر بعضی ابیات مشکله گلشن راز» و چند اثر دیگر: از خطوط وی: یک قطعه از مرقع مالک، به خط ثلث دو دانگ جلی و رقاع و نسخ و توقیع کتابت جلی ممتاز، با رقم: «کتبه اضعف عباداللّٰه تعالی... عبدالرحیم الخلوتی ابن شمس التبریزی المشرقی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۰۰/۴)، تاریخ نظم و نثر (۷۹۵، ۷۴۲)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۲۰۵ -۲۰۴ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۴۲ -۱۴۱)، الذریعه (۳۰۵/۲۱ -۳۰۱ /۹)، روضات الجنات (۸۸، ۸۳، ۷۵ /۱)، سخنوران آذربایجان (۳۳۸ -۳۳۶)، گلستان هنر (۲۸، ۲۵).

خلوتی محلاتی، محمدابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۵۲ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به خلوتی. ملقب به صدیق خلوت و معروف به چرتی. در روزگار ناصرالدین‌شاه در معیت پدر به هندوستان رفت پس از چندی با هدیه‌های بسیار به نزد شاه بازگشت و پیوسته در دربار می‌زیست. آثار وی: «آداب ناصری»، در اخلاق؛ «مجموعه البلاغه»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۲۹۷ -۲۹۶ /۳)، مولفین کتب چاپی (۸۹/۱).

خلوصی، سید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، خطاط. از خطوط وی: دو لوحه بر مزار مولوی، به خط ثلث شش دانگ عالی، با رقم: «کتبه خلوصی ۱۳۲۲» و «۱۳۲۶»؛ لوحه‌ای دیگر در همان جا به خط ثلث سه دانگ جلی عالی و نسخ کتابت جلی خوش، با رقم: «خاکپای اولیا سید خلوصی پر خطا ۱۳۲۷».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۶۵/۴).

خلیع، ابوعلی حسین

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۵۰ -۱۶۲ ق)، شاعر. وی اصلا خراسانی است. در بصره متولد شد و همان جا نشو و نما یافت و مدتی در بغداد سکنی گزید. او از

ندیمان و مداحان حاکمان عباسی بود. ابوعلی با ابونواس معاصر بود و با وی مباحثاتی نیز داشت. از آثارش: «دیوان» شعر.
بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زنـدگینامه :الاعلام (۲۵۹ -۲۵۸ /۲)، اعیان الشیعه (۵۰ -۴۱ /۶)، تاریخ بغداد (۵۵ -۵۴ /۸)، الذریعه (۳۰۱/۹)، الکنی الالقاب (۲۲۰/۲)، لغت نامه (ذیل/ حسین)، معجم الادباء (۲۳ -۵ /۱۰)، وفیات الاعیان (۱۶۸ -۱۶۲ /۲).

خلیفه الخلفایی، محمد

قرن:۱۰
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، شاعر و خطاط. معروف به خلیفه سـلطان. جـد وی از وزرای شاه عباس بود. محمدبیگ انسانی متواضع و فروتن، و در نقاشی، مصوری، خط نستعلیق و در نواختن طنبور و پنج تار استاد بود. وی شعر را نیکو می‌سرود و چندین رباعی از او بر جای مانده است.
بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۱۲/۳)، تاریخ موسیقی (۵۵۸/۲، ۳۳۱/۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۲)، الذریعه (۳۰۲، ۳۰۱ /۹)، فرهنگ سخنوران (۳۱۵)، مجمع الخواص (۷۳).

خلیفه سلطان، علاءالدین حسین

قرن:۱۱
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(۱۰۶۶/۱۰۶۴ -۱۰۰۱ ق)، فقیه، محقق و دانشـمند. ملقب به سلطان العلماء. وی از دانشمندان محقق و فقهای موجه بود. وی علاوه بر تقدم در علم به سمت وزارت و صدارت شاه عباس اول در اصفهان منصوب شد و پس از مرگ شاه عباس اول در اصفهان منصوب شد و پس از مرگ شاه به قم رفت و به امور علمی و تحقیق و مطالعه پرداخت. سـپس در عهد شاه عباس ثانی به صدارت رسید و تا پایان عمر در آن منصب باقی ماند. وی در هنگام مراجعت از فتح قندهار در آستانه‌ی اشرفیه درگذشت. پیکرش را به نجف بردند و در آنجا به خاک سپردنـد. از اساتیـد وی می توان به پـدرش سـید رفیع‌الـدین محمد و مولی حاج محمود رنانی و شـیخ بهایی اشاره کرد. از جمله آثـار وی: حاشـیه بر «شـرح لمعه»؛ حاشـیه بر «معـالم الاـصول» در اصول فقه؛ حواشـی بر بعضـی ابواب «من لا یحضـره الفقیه»؛ حاشیه بر «الکافی» در حدیث؛ حاشیه بر «کشاف» در تفسیر.
بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۶۶/۶)، فوائد الرضویه (۱۵۹)، معجم رجال الحدیث (۱۲۳/۶)، معجم المولفین (۵۸ -۵۷ /۴).

خلیفه سلطانی، ابراهیم

قرن:۱۱
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند سید علاء الدین حسین خلیفه سلطان است. مادرش دختر شاه عباس صفوی است. در سال ۱۰۳۸ متولّد، و در ۱۰۹۸ وفات یافته است.
مشارالیه در سنّ سه سالگی (سال سوّم سـلطنت شاه صـفی) به دستور شاه صفی کور شد، و با وجود این، تحصیل علم و دانش نموده و در جمیع علوم و فضائل بر امثال و اقران خویش فائق گردیده است.
در کتاب مقتبس الاثر(۲۹۹:۲) گوید: به ابن الخلیفه مشهور است.
در هر صورت، عالم فاضل و فقیه محدّث اصولی بوده، کتب زیر از تألیفات اوست:
۱- حاشیه بر کتاب روضه [البهیّهٔ] تا مبحث تیمم ۲- حاشیه‌ای بر مدارک - حاشیه بر شرح لمعه تا آخر طهارت
در کتاب الذریعه(۶:۹۰ و ۱۹۶) پس از آن که نام تألیفات او را ذکر می‌کنـد از قول قزوینی در تتیمم امل الآمل فرماید: یظهر منه قوهٔ فکره و دقهٔ نظره
صاحب عنوان هفت فرزنـد پسر داشـته که عبارتند از: ۱- میرزا جمال الـدین محمّد ۲- میرزا معین الـدین محمّد ۳- میرزا معزالدین محمّد ۴- میرزا سیّد محمد ۵- میرزا کمال الدین حسین ۶- میرزا محمّد حسین ۷- میرزا فضل اللَّه.
بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خلیفه سلطانی، مصطفی

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۰۸، اصفهان.

درگذشت: ۱۹ مرداد ۱۳۶۰، تهران.

مصطفی خلیفه سلطانی مشهور به «خلیل سامانی» متخلص به «موج»، فرزند شکرالله، پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه (با گرفتن دیپلم ادبی) در اصفهان به کارهایی چاپی و مطبوعات پرداخت.

آثار وی از سال ۱۳۲۴ در جراید اصفهان از قبیل «نقش جهان»، «پرخاش»، «آژنگ »، «حیات اصفهان» و همچنین در مجله «چهره‌نما» چاپ مصور انتشار یافت. از سال ۱۳۲۵ در انجمن ادبی اصفهان که به ریاست میرزا عباس شیدا تشکیل می‌شد شرکت می‌کرد و در سال‌های بعد عضو انجمن ادبی کمال‌الدین اصفهانی بود، از آن پس به تهران عزیمت کرد و رحل اقامت افکند.

«موج» از سال ۱۳۲۷ به سرودن اشعار اجتماعی پرداخت و آثارش در نشریه‌های «به سوی آینده» ،«مصلحت»، «انتقاد»، «چلنگر»، «شب چراغ»، «جوانان دموکرات»، «فردای پیروز» و نظایر آن منتشر گردید و در سال‌های بعد با مجله‌ی «امید ایران» همکاری می‌کرد و آثار خود را با امضاهای مستعار (م- خ)، (ح و میم)، (میم ح)، (خ سین)، (خ- سام)، (مغ)، (مصطفی)، (میمخا)، (م- ن)، (مخ)، (جان هرو) و خلیل سامانی در مطبوعات انتشار داد.

وی در بهمن ۱۳۲۷ به زندان افتاد و تا پایان سال ۱۳۳۰ در زندان بود. مصطفی خلیفه سلطانی پس از رهایی از زندان اصفهان به تهران آمد.

در سال ۱۳۳۰ همراه با قیام سی تیر که مجسمه‌ی شاه را در پارک شهر سرنگون کردند، سامانی شعری با ردیف «ای مجسه» سرود و در روزنامه‌ی «افراشته» چاپ کرد. از این زمان تا مرداد ۱۳۳۲ همچنان فعالیت مطبوعاتی خود را ادامه داد. وی ستون‌های اختصاصی داشت: «ناخنک از آثار دیگران»، ستونی بود که هر هفته «موج» در آن اثر معروفی از شاعری معروف را تضمین می‌کرد و مسایل سیاسی روز را با زبان طنز مطرح می‌ساخت. «کوچه باغ سیاسی» نیز ستون دیگری بود که هر هفته مسایل روز را در آن طرح می‌کرد.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، به تدریج فعالیت مطبوعاتی خود را دوباره شروع کرد. در این دوران گاهی با نام «برج» مطالب خود را امضا می‌نمود. طی این مدت با نشریه‌هایی از جمله «امید ایران»، «خواندنیها»، «یغما»، «ارمغان» همکاری داشت. در مجله‌ی «امید ایران» در سال‌های ۱۳۳۵ یا ۱۳۳۶ کار تنظیم ضمیمه از شعرهای شاعران جوان را بر عهده داشت. در همین خلال در اداره‌ی برق تهران استخدام شد و در سال‌های آخر خدمت رییس کتابخانه‌ی شرکت برق منطقه‌ای تهران بود. کار انتشار نشریه‌ی «باغ صائب» مدت ۲۲ سال یعنی تا سال مرگ وی در ۲۶۹ شماره با در برداشتن آثار بیش از پانصد شاعر ادامه یافت. مدت‌ها نیز مسئولیت قسمت ادبی هفته‌نامه‌ی «نقش جهان» را که به مدیریت محمد میرصادقی در تهران انتشار می‌یافت به عهده داشت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با همکاری چند تن از دوستان شاعرش به انتشار روزنامه‌ی فکاهی «دوره گرد» پرداخت. این روزنامه بیش از شش شماره منتشر نشد.

«موج» در قالب‌های متنوع کار کرده است. اما در طنز نیز سال‌ها کار کرده است. «موج» در غزل پیرو شیوه صائب تبریزی است.

کتاب‌های زیر را تألیف و چاپ کرد: گویندگان، آثار ۲۸ شاعر، اقتراح مطروحه‌ی انجمن ادبی صائب، دویست شاعر (در سه جلد و آثار ششصد شاعر)؛ داستان منظوم رنگ‌ها (تقدیم به چهارمین فستیوال جهانی جوانان، تیر ۱۳۳۲)؛ داستان منظوم بیژن و منیژه (مهر ۱۳۳۳)؛ داستان ملا- نصرالدین در انگلستان (منظوم، تیر ۱۳۳۴)؛ یتیم (مجموعه‌ی قطعات)؛ عید (منتخب اشعار عاشقانه، اسفند ۱۳۳۵)، شب شاعر (مجموعه‌ی شعر، مهر ۱۳۳۶)؛ فریاد زندگی (مجموعه‌ی شعر، مهر ۱۳۳۶)؛ پنجاه و سه مثنوی (خرداد ۱۳۵۵)؛ در زیر تیغ دژخیم (مجموعه‌ی شعر، بهمن ۱۳۵۸)؛ شعرنامه‌ی دوره گرد (با همکاری گروهی از شعرا: ۱۳۵۸ -۱۳۵۷).

ضمنا مجموعه اشعار «موج» به خط تاجیکی از سوی انتشارات «عرفان» در تاجیکستان با ویرایش شاعر تاجیک، میر سعید شکر، به چاپ رسیده است.

مصطفی خلیفه سلطانی سرانجام در نوزدهم مرداد سال ۱۳۶۰ به سبب حمله‌ی قلبی در تهران زندگی را بدرود گفت. آرامگاه وی در امامزاده عبدالله واقع است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

خلیفه شوشتری، نظرعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نظرعلی خلیفه شوشتری

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب نظرعلی خلیفه شوشتری معروف به محمد علی انصاری در سال ۱۳۳۰ هـ. ش مصادف با ۱۳۷۱ هـق در نجف اشرف بدنیا آمدم.جد أعلی مرحوم ملا نظر علی شوشتری، خلیفه شیخ انصاری (قدس) اقامه جماعت بوده. بنابراین حداقل ۲۰۰ سال است که

آباء و اجداد من أهل علم بوده اند دوران ابتدائی تا دبیرستان را در نجف گذراندم. در سال ۱۳۵۱ هـ.ش با دیگر اعضای خانواده (بر اثر کوچ اجباری نظام حاکم بر عراق) به ایران آمدیم و با اینکه در دانشگاه مشهد قبول شده بودم آنرا رها کردم و برای ادامه تحصیل به حوزه قم آمدم چون بنده از سال ۱۳۴۷ هـ.ش مشغول تحصیل در حوزه و دبیرستان بودم.

در حدود سالهای ۱۳۵۴–۱۳۵۵ در بحث های خارج اساتید بزرگوارم آقایان: مرحوم شیخ کاظم تبریزی، شیخ حسین وحید خراسانی، شیخ جواد تبریزی حفظهم الله تعالی شرکت نمودم.همزمان با درس و تدریس در کار تحقیق و تألیف به جهت علاقه شدیدی که داشتم مشغول بودم.

خلیقی پور، محمد مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌سید عبدالوهاب طالقانی معروف به خلیقی پور. ادیب فاضل خطاط، انواع خط به خصوص نستعلیق را در کمال استادی می‌نوشت. در ۳ شنبه ۵ رجب ۱۳۷۱ وفات یافته، در قسمت شمالی بقعه مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خلیقی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: باغبانی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی از دانشکده کشاورزی کرج دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۹، کارشناسی ارشد علوم باغبانی از دانشگاه آمریکائی بیروت در سال ۱۳۴۳، دکترای علوم باغبانی از دانشگاه مونپلیه فرانسه در سال ۱۳۴۸.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

کشاورزی، علوم باغبانی، به زراعی و به نژادی مهمترین گیاهان باغی ایران، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر بیش از ۱۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

علوم باغبانی و گلکاری.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

علوم باغبانی و مواد تنظیم‌کننده رشد گیاهی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

خلیقی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

تولد: ۱۳۲۶ ق.، قریه‌ی ماسان (از توابع کامیاران).

درگذشت: ۱۷ اردیبهشت ۱۳۶۲، سنندج.

ملا حسن خلیقی، فرزند عبدالخالق کوله ساره‌ای، پس از رسیدن به سن تمیز قرآن و مقدمات فارسی و عربی را در محضر پدرش آغاز کرد و پس از مدتی برای کسب دانش بیشتر به قریه آفریان سفلی رفت و در حضور ملا فیض‌الله زردویی تلمذ نمود. چندی بعد مجددا به زادگاهش ماسان بازگشت و نزد پدر به تکمیل معلومات پرداخت. به موازات تحصیل، به مطالعه و تحقیق در منثوی مولانا جلال‌الدین رومی مشغول گردید. در این مورد از عبدالقادر مولانایی که استاد مثنوی‌دان بود استفاده و به ویژه اشعاری را از از

مثنوی حفظ کرد، علاوه بر اشعار مولوی آثار سعدی و حافظ و متونی از کلیله و دمنه و تاریخ معجم و کتب ادبی دیگر را به خاطر سپرد، تا اینکه به کمک و راهنمایی‌های پدرش در ادبیات فارسی پیشرفت نمود و برای تکمیل تحصیلات راهی سنندج شد و با سید عنایت‌الله هویه‌ای ملاقات کرد. همراه با ایشا ن به قریه‌ی هویه رفت و مدتی در محضر او علوم پایه (صرف و نحو و منطق و غیره...) را فراگرفت. بعد به ماسان مراجعت و در بین راه گذارش به قریه‌ی دولاب ژاورود افتاد و در آنجا نیز چند ماهی در خدمت ملا غفور دولابی استفاده نمود. آنگاه به ماسان بازگشت و نزد پدرش کتاب جمع الجوامع را در اصول به اتمام رسانید و به منظور ادامه و تکمیل علوم و اخذ اجازه‌ی افتاء و تدریس به سنندج رفت و چندی نزد ملا حبیب‌الله کاشتری و ملا عبدالمجید اصولی کسب فیض نمود و عاقبهٔالامر در مدرسه‌ی مسجد ملا جلال سنندج از محضر حاج ملا محمد مدرس گرجی اجازه گرفت و ملا عبدالعظیم مجتهد و ملا محمد مفتی و شیخ کاشتری و سایر استادان اجازه او را تصدیق و مهر تایید زدند. آنگاه به ماسان بازگشت و پس از توقف کوتاهی به سمت مدرس و امام قریه نجف‌آباد منصوب و مشغول تدریس گردید. چند سال بعد در قریتین سرچی و دیرمولی (یکی پس از دیگری) مدرس شد و با جدیت به حل مسائل شرعی رفع اختلافات مسلمانان می‌پرداخت. بعدها نیز یازده سال در قریه کوله ساوه ورمشت (ناحیه گاورود) در خدمت مردم بود و عاقبت به زادگاهش ماسان رفته اداره‌ی مدرسه و قضاوت حوزه‌ی علمیه‌ی ماسان را بر عهده گرفت. در اواخر عمر به علت کهولت سن به سنندج نقل مکان نمود و در آنجا سکونت گزید.

ملا‌ـ‌حسن خلیقی سال‌ها به کار تدریس مشغول بود به ویژه تحفه شیخ ابن حجر و صحیحین بخاری و مسلم (فقه و حدیث) را تدریس می‌کرد و تعلیقاتی بر آنها دارد.

ملا حسن خلیقی در هفدهم اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ دار فانی را وداع و پیکرش در بهشت محمدی سنندج دفن گردید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

خلیل بیات

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی از موزون طبعان و خوش کلامان ایل بیات بود که به هند سفر کرد. از اوست:

یک دل برون نیامد، از فکر دین و دنیا

این رشته بگسلد زود، از هر دو سر کشیدن

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۰۰)، الذریعه (۳۰۲/۹)، شام غریبان (۹۵ –۹۴)، صبح گلشن (۱۵۳)، فرهنگ سخنوران (۳۱۵)، کاروان هند (۳۸۵ –۳۸۴/ ۱).

خلیل کاشانی، باقر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به خلیل. وی در کاشان متولد شد و در مشهد مقدس مسکن گزید و همان جا درگذشت. از آثار وی «دیوان» شعری است که قریب چهار هزار بیت بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۳۲)، الذریعه (۳۰۳/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۱۶)، مخزن الغرائب (۱۲۱ –۱۲۰ /۲)، مطلع الشمس (۴۲۶/۲).

خلیل گورکان، خلیل

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۱۴ ق)، شاعر. وی از شاهزادگان تیموری بود که پس از شکست دادن میرزا جهانگیر، به سمرقند تسلط یافت. خلیل سلطان تا چهار سال بر مسند سلطنت سمرقند بود و همیشه در مجلس او خوش طبعان حاضر بودند و خود نیز پخته شعر می‌گفت. ولی به علت اخلاق ناپسندیده و کارهای ناشایست از پادشاهی عزل شد. وی در ری به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (۳۵۲ –۵۳۱)، تذکره الشعراء (۳۹۵ –۳۹۳)، حبیب السیر (۵۴۰ –۵۳۷ /۳)، دائرةالمعارف الاسلامیه (۴۴۴ –۴۴۳ /۸)، الذریعه (۳۰۳ –۳۰۲ /۹)، روضه السلاطین (۳۰ –۲۹)، صبح گلشن (۱۵۴ –۱۵۳)، فرهنگ سخنوران (۳۱۷ –۳۱۶)، مجالس النفائس (۱۲۵)، لغت نامه (ذیل/ خلیل سلطان).

خلیلی اصفهانی، غیاث‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از خطاطین معروف عهـد شاه طهماسب صـفوی است. از آثارش قرآنی نفیس و مذهب است، مورخ به سال ۹۸۳ که شاه نامبرده آن را به سلطان مراد خان سوم هدیه نموده، و اکنون بر سر قبر ابوایوب انصاری می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خلیلی تبریزی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن رحلی مذهب با جلد سوخت ممتاز، به خط ریحان نیم دودانگ جلی و ثلث و رقاع عالی، با رقم: «هو المصـحف... علی یـد العبـد الفانی خادم کلام اللّٰه [العلی] محمد بن احمد الخلیلی التبریزی غفر له... فی سنه ۹۶۳» احتمال می‌رود که صاحب عنوان با غیاث‌الدین محمد بن احمد خلیلی، یکی باشد.[۱]

اثر اوست: قرآن رحلی مـذهب جلـد سوخت ممتـاز ریحـان نیم دو دانـگ جلی. ثلث و رقاع عالی با رقم: «... هو المصـحف الثانی و الاربعون من المصاحف المرقومـهٔ المختومـهٔ علی یدالعبـد الفانی خادم کلام‌اللّٰه... (العلی) محمـد بن احمد الخلیلی التبریزی غفر له و لوالدیه بحرمهٔ محمد و آله الطاهرین فی سنهٔ ۹۶۳» در موزه‌ی اسلامی ترک.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۴۰/۴).

خلیلی، عبدالامیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: اقتصاد کشاورزی، دانشکده: اقتصاد، دانشگاه: شهید بهشتی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

خلیلی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی خلیلی دارای دکترای رشـته هوا شناسـی وعضویت هیئت علمی دانشگاه تهران با درجه استادی است.گروه : کشاورزیرشته : هوا و اقلیم شناسیگرایش : هوا شناسیوقایع میانسالی : علی خلیلی پس از اخـذ مـدرک دکـتری در رشـته هوا شناسـی به عضویت هیئت علمی گروه آبیاری وآبادانی دانشـکده کشاورزی دانشگاه تهران درآمد. وی هم اکنون با سمت استادی در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغـل و سـمتهای مورد تصـدی : علی خلیلی عضوهیئت علمی و اسـتاد گروه آبیاری وآبادانی دانشـکده کشاورزی دانشگاه تهران است.فعالیتهـای آموزشـی : تـدریس در دوره های کارشناسـی ،کارشناسـی ارشـد و دکتری در دانشـکده کشاورزی دانشگاه تهران. عنـاوین دروس آموزشـی ارائـه شـده توسط علی خلیلی بـه شـرح زیر اسـت: کارشناســی • ارزیـابی طرحهـای اقتصـادی• اقتصادکارونیروی انسانی • تبخیروتعرق • هواواقلیم شناسی کارشناسی ارشد • اقتصادکلان۲ • اقلیم شناسی درکشاورزی • اقلیم شناسی مناطق خشک • اقلیم شناسی درکشاورزی • اقلیم شناسی مناط قخشک • اقلیم مناطق خشک (• بیومیکروکلی)خرداقلیم شناسی زیستی • مبانی هواشناسی • هیـدرومتئورولوژی دکتری • میکروکلیماتولوژی • هیدرومتئورولوژی چگونگی عرضه آثار : علی خلیلی در کنـار تـدریس به مطالعه و تحقیق درباره تـدوین یک سامانه جدیـد پهنه بنـدی اقلیمی از دیـدگاه نیازهای گرمایش-سرمایش محیط و اعمال آن بر گستره ایران ، تحلیل روند تغییرات بارندگیهای سالانه و فصلی و ماهانه پنج ایستگاه قدیمی ایران در یکصدو شانزده سال گذشته، تغییرات سه بعدی میانگین های سالانه دراز مدت دمای هوا در گستره ایران و پهنه بندی اقلیمی پارک ملی کویر و غیره می پردازد. آثار : ارزیابی کارایی چند نمایه خشکسالی هواشناسی در نمونه های اقلیمی مختلف ایران ویژگی اثر : نیوار- دوره : ، شماره : ۴۸-۴۹، بهار و تابستان ۱۳۸۲، ص. ۷۹ تـا ۹۳.۲ پهنه بندی اقلیمی پارک ملی کویر ویژگی اثر : ۳۲, ۱۳۷۸۳, پیشنهاد روش برای پهنه بندی اقلیمی در محیط GIS مطالعه موردی شمال غرب ایران در سیستم سلیانینوف ویژگی اثر : بیابان,نهم-شماره۲,۲۲۷-۲۳۷ ,۱۳۸۳۴ تحلیل رونـد تغییرات بارندگیهای سالانه و فصلی و ماهانه پنج ایسـتگاه قدیمی ایران در یکصدو شانزده سال گذشـته ویژگی اثر : بیابان,جلـد نهم-شـماره ۱,۲۵-۳۴ ,۱۳۸۳ بیابان,جلد نهم-شـماره ۱,۲۵-۳۴ ,۱۳۸۳ ۵ تـدوین یک سامانه جدیـد پهنه بنـدی اقلیمی از دیـدگاه نیازهـای گرمایش-سـرمایش محیط و اعمال آن بر گستره ایران ویژگی اثر : فصـلنامه تحقیقات جغرافیایی,شماره ۴,۵-۱۴ ,۱۳۸۳۶ تغییرات سه بعـدی میـانگین هـای سالانـه دراز مـدت دمای هوا در گستره ایران ویژگی اثر : ۳۲, ۱۳۷۸۷, خاکهـای ایران ویژگی اثر : تالیف,موسسه تحقیقات خاک و آب ۱۳۸۳۸, شـناخت اقلیمی ویژگی اثر : ج۱,ترجمه,وزارت

نیرو ,۱۳۷۸ ۹ مطالعه بیوکلیماتولوژیک موریانه های ایران ویژگی اثر : آفات وبیماریهای گیاهی,۷۱-۱۲۱,۲-۱۳۹ ,۱۳۸۲

خلیلی، غیاث‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قرآن وزیری بزرگ، جلد سوخت تحریر، جلد پوش عالی. دو صفحه‌ی اولی و دو صفحه‌ی آخر مذهب. دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع عالی- تمامی نسخه مزین ثلث کتابت خوش با رقم: «... حاجی غیاث‌الدین محمد بن احمد الخلیلی...» سال ۹۹۲ در آستانه‌ی حضرت معصومه‌ی قم.

(س دهم ق)، خطاط. از آثار او: قرآن وزیری بزرگ با جلد سوخت تحریر و جلدپوش عالی، دو صفحه اول و دو صفحه آخر مذهب، دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع عالی، تمامی نسخه مزین و به خط ثلث کتابت خوش، با رقم «... حاجی غیاث‌الدین محمد بن احمد الخلیلی... سال ۹۹۲».[۱]

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۲۸/ ۴).

خلیلی، محبوب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۰۸.

درگذشت: ۱۳۶۵.

محبوب خلیلی به ترکی شعر می‌گفت. از آثار اوست: حدیقهٔ‌البکاء (در احوالات چهارده معصوم علیهم‌السلام از مدایح و مصائب اسلام شهر، ۱۳۶۳).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

خلیلی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نام : محسن نام خانوادگی : خلیلی تاریخ تولد : ۲۵ بهمن سال ۱۳۵۹ محل تولد : تهران (منطقه نازی آباد) باشگاه های قبلی : پاس - جوانان شریعتی - بانک ملی - سایپا شماره پیراهن : ۹

پُست : حمله او یک خواهر و یک برادر دارد که خودش فرزند وسط خانواده است . محسن در دوران طفولیت نیز عاشق فوتبال بوده وفوتبال خودرا در زمین های خاکی نازی آباد آغاز کرد. سطح تحصیلاتش دیپلم است و مجرد است و به زودی قصد ازدواج نیز دارد . محسن آدم پول دوستی نیست اما معتقد است پول تا جایی که باعث زندگی خوش و بدون دغدغه باشد خوب است . محسن خلیلی در یک خانواده تماما استقلالی متولد شده است و به گفته ی خودش تنها او بوده که از دوران بچگی علاقه زیادی به پرسپولیس داشته و تمامی بازی های این تیم بزرگ را نگاه می کرده و حتی برای بازی های حساس این تیم نیز به استادیوم می رفته . تمام کسانی که محسن را ازنزدیک دیده اند معتقدند خیلی آدم خوش اخلاق و شوخ طبعی است و معمولا خودش را برای کسی نمی گیرد و معتقد است از همین مردم است که به این محبوبیت رسیده است . محسن سقف آرزوهایش بازی در تیم های رئال مادرید و بارسلونا است . از بین مهاجمان زمان خود از فرشاد پیوس الگو برداری می کند و خیلی ها نیز معتقدند محسن فرشاد جدید پرسپولیس است . استیل این بازیکن سبک بازی اش تکنیکش و حتی نوع زدن ضربات آخرش و از همه مهمتر شم گلزنی بالایش باعث شده خیلی ها اورا آقای گل تازه پرسپولیس بمانند . حتی اگر بخواهیم خرافاتی نگاه کنیم این دو بازیکن در یک منطقه زندگی می کردند و از همان جا نیز فوتبالیست شدند و به احتمال زیاد باید منتظر پوشیدن پیراهن شماره ۱۷ از سوی این بازیکن به یاد فرشاد آقای گل باشیم . محسن خلیلی سابقه ی آقای گلی را نیز دارد . چند سال پیش او به همراه جواد کاظمیان در یک تیم بازی می کرد و آنجا آقای گل مسابقات شد . شباهت بزرگ دیگر محسن خلیلی با فرشاد پیوس گلزنی به تیم استقلال است . فرشاد پیوس نیز معمولا در دربی ها و با پیراهن پرسپولیس به استقلال گل میزد . همچنین در تیم های دیگر و حتی تیم های عربی نیز سابقه باز کردن دروازه استقلال را دارد .

خلیلی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین خلیلی

محل تولد : بهشهر

شهرت : خلیلی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۶/۱

زندگینامه علمی

در سن ۶ سالگی وارد دبستان زادگاه خود شدم و در سن ۱۸سالگی موفق به اخذ دیپلم تجربی شدم. در سن ۱۹ سالگی(۱۳۶۵ شمسی) با قبولی در امتحان ورودی حوزه علمیه قم، وارد حوزه شده و در مدرسه علمیّه منتظریه (حقانی) سطح ۱ و مقدمات را سپری نمودم. سپس مشغول فراگیری دروس سطح ۲ شده و در سال ۱۳۷۵-۱۳۷۶ همه امتحانات کتبی و شفاهی، اصلی و جنبی حوزه تا پایان سطح ۳ را به پایان بردم. در همین حال در فوق لیسانس مدرسی الهیات و معارف اسلامی(گرایش کلام و فلسفه) مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شده و آنگاه در سال ۱۳۷۹ در امتحان ورودی کتبی دکترای تخصصّی کلام در دانشگاه مذکور با حیازت رتبه ششم، حدّ نصاب بورسیه تحصیلی کسب نمودم که بنابه دلائلی ادامه تحصیل در دکترا را واگذار نمودم. در همین زمان تدریس سطوح مختلف دروس حوزوی از مقدمات شروع نموده و به طور خصوصی و سپس بطور رسمی در مدارس حوزه ادامه دادم. از سال ۱۳۷۲ هم تبلیغ و سخنرانی را در استانهای مختلف کشور در ایام تبلیغی آغاز نموده و هم اکنون نیز ادامه دارد.

تألیف چند کتاب و ترجمه و تحریر برخی کتب دیگر نیز از جمله توفیقات حقیر بوده است. مدرک سطح ۳ و سطح ۴ حوزه را نیز دریافت نموده و هم اکنون به عنوان عضو هیئت علمی مدرسه امام خمینی(ره) در مرکز جهانی علوم اسلامی مشغول تدریس هستم.

خلیلیان، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۷۸(۱۳۱۷ ق.)، اصفهان.

درگذشت: ۱۳۷۱، اصفهان.

علی خلیلیان متخلص به «رجاء» یا «رجاء اصفهانی»، فرزند عبدالمحمود، در کودکی به مکتب رفت و خواندن و نوشتن و تعلیم قرآن را فراگرفت. آنگاه به کار بافندگی پارچه و خرید و فروش ریسمان اشتغال ورزید و از این رهگذر معیشت کرد.

خلیلیان از سی سالگی به شعر و شاعری پرداخت و در انجمن‌های ادبی شهر مانند: انجمن ادبی شیدا، انجمن ادبی کمال، انجمن ادبی سعدی و انجمن ادبی شرکت جست و از محضر اساتید شعر و ادب چون «شیدا»، «صغیر اصفهانی»، «گلزار»، «غمگین»، «شکیب» و «فایض» کسب فیض کرد.

«رجاء» شاعری مذهبی بود و اشعارش بیشتر اندرزگونه و در مدح ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام است. از آثار اوست: مناقب الائمه، مثنوی‌نامه، دیوان اشعار، گلچین رجاء زفره.

«رجاء» در سال ۱۳۷۱ چشم از جهان فروبست و در باغ رضوان در قطعه مقبرةالشعرای اصفهان به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

خلیلیان، محمدجمال

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جمال خلیلیان اشکذری

محل تولد : اشکذر یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۶/۲۰

زندگینامه علمی

اینجانب محمد جمال خلیلیان اشکذری تحصیلات حوزوی را در تابستان سال ۱۳۵۶ در یزد شروع نموده و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی(از اول سال ۱۳۵۸) به حوزه علمیه قم آمدم و تا سال ۱۳۶۴ دوره سطح را به پایان رسانده و به همراه آن از سال ۱۳۵۹ دوره سطح معارف و فلسفه موسسه در راه حق را نیز گذراندم از سال ۱۳۶۸ در کنار درس خارج فقه و اصول دوره کارشناسی و سپس کارشناسی ارشد رشته اقتصاد را گذرانده و در سال ۱۳۷۵ از پایان نامه خود دفاع نمودم از سال ۱۳۷۶ در کنار دروس حوزوی مقطع دکترای اقتصاد را شروع نموده و در اوائل سال ۱۳۸۳ از رساله خود در زمینه شاخص های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام

دفاع نموده و در حال حاضر به تدریس و تحقیق در رشته اقتصاد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) مشغول بوده و در درس خارج فقه حضرت آیت الله وحید خراسانی نیز شرکت می نمایم.

خلیلیان، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی خلیلیان

محل تولد : تنکابن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۳/۶

زندگینامه علمی

به سال ۱۳۶۰ به حوزه علمیه مسجد سلیمان، راه یافتم و از محضر زنده یاد استاد محمد دشتی(ره)، استاد محمود مهدی پور، محمدی مهریزی، ربانی و .... در زمینه های ادبیات عرب، منطق، اخلاق و.... بهره بردم، به ویژه به صورت خصوصی در پرتو تعالیم استاد دشتی(ره) با نگارش و تحقیق، آشنا شدم. سال بعد، در قم بودم و همزمان با بنای مدرسه شهابیه، نخستین حجره (شماره ۱۲) را همراه دو تن از طلاب گرفتیم و در مدرسه امام خمینی (ره) در باجک، مشغول مشغول تحصیل شدیم. پس از اتمام دوران ادبیات عرب، اندکی فقه و اصول آموختیم. سپس به استان زنجان رفتم؛ البته بیشتر برای تبلیغ و یک سال و اندی، دروس حوزه و برخی کتاب ها را در حوزه، دبیرستان ها و ... تدریس کردم و همچنان دروس حوزه را پیگیری کردم. در سال ۱۳۶۸ به استخدام رسمی سپاه پاسداران (نمایندگی ولی فقیه- امور روحانیون) درآمدم. آن هنگام مدرک اشتغال به رسائل و مکاسب را ارائه دادم که آنان معادل فوق دیپلم (اتمام لمعتین) محسوب کردند. در درس های خارج برخی حضرت آیات عظام در تهران، حاضر می شدم. و نخستین کتابم به نام (شرح عشق) با راهنمایی استاد جوادی آملی در پاییز ۱۳۶۹ چاپ شد. تا سال ۱۳۸۰ در سپاه ماندم. در تهران و قم(مرکز تحقیقات اسلامی سپاه). سپس دیگر ادامه ندادم. احساس می کردم کارهای اجرایی، مانع مطالعه، پژوهش، تدریس و تألیف است. هنوز هم همین احساس را دارم. با جنگ و دعوا، و غیبت از محل کار ... سرانجام بازخرید شدم. حال، افسوس آن سال ها را می خورم، که اوقاتم تباه شد، مسئول شورای نویسندگان دارالقرآن نیروی مقاومت بسیج کشور بودم؛ مسئول امور مربیان، جانشین نماینده ولی فقیه در قرارگاه و پشتیبانی نیرو، مدیر طرح ها و برنامه ها، مدرس دانشکده علوم و فنون، امام جماعت حسینیه شهدا، هیأت امنا و موسسان کتابخانه سرباز (فرماندهی نمسا) و ویراستار مرکز تحقیقات سپاه قم. دروس حوزه را- به شکل آزاد- بی آن که شهریه بگیرم، دنبال می کردم و می خواندم و می نوشتم.هزارها مقاله، گزارش، خبر، ترجمه، شعر، داستان کوتاه، نقد اد بی و ... در نشریات گوناگون از ۱۳۵۹ تا کنون. حدود ۲۰۰ ویراسته در قالب کتاب؛ از جمله: دادگستر جهان (حضرت آیت الله ابراهیم امینی – دیوان زنده یاد استاد محمد دشتی (به صورت مشترک با استاد محمد علی مجاهدی) و ویرایش صدها اثر مطبوعاتی. ۱۳ جلد کتاب برای ستاد مرکزی اقامه نماز در تهران، تألیف و ویرایش کردم. جوانه های جوان(۴ جلد)، در باغ سبز(۵جلد)، آبگینه نور(۴ جلد) و کتابهای دیگری منتشر کردم. آثاری نیز که امسال (۱۳۸۵) طبق قراردادهای مکتوب و معتبر باید به یاری خدا، چاپ شود. ۱۲ جلد برای ستاد مرکزی اقامه نماز – یک مجموعه شعر مذهبی برای مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیمای استان قم و.... برای سال ۱۳۸۶ نیز چند کتاب به من سپرده اند؛ اگر زنده باشم. در طول زندگی آموخته ام که باید بیاموزم و دین و دانش بیندوزم. نه در پی نام و نان بوده ام و نه (بله قربان گویی) از ما بهتران. هرچه دارم، از فضل خداست و لطف آقا و مولا – روحی فداه- هرچند، هیچم! حالا خودتان پیدا کنید پرتقال فروش را!

خماری، محمود

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۸۵۴ ق)، خطاط. ظاهرا از خوشنویسان دربار پیر بوداق قراقوینلو بود و در بغداد می‌زیسته است. از آثار وی: کتابت بعضی ترجیعات، جزو مجموعه‌ی «بیست و یک ترجیع‌بند از شانزده شاعر»- که ظاهرا خوشنویسان دربار پیر بوداق بن جهانشاه قراقوینلو کتابت کرده و در یک مجلد گردآورده‌اند- به قلم کتابت جلی متوسط، با رقم: «تم الترجیعات... کتبه العبد الضعیف المحتاج الی رحمهٔاللّه الملک الباری محمود بن محمد خماری عفا اللّه عنهم»؛ یک نسخه «لمعات» عراقی و «گلشن راز» شبستری، به قلم کتابت خفی متوسط، با رقم: «تمت... علی ید اقل عباداللّه الملک الباری، محمود بن محمد بن محمود بن خماری، فی سنه‌ی ۸۵۴».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۷۴ -۸۷۳/ ۳).

خمامی زاده، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر خمـامی زاده یکی از دانشـمندان معاصـر گیلاـن است . اوبه مشاغل همچون معلمی ودبیری اشـتغال داشـته است . وی در حال حاضر کتابدار کتابخانه ملی گیلان است .گروه : علوم انسانیرشته : کتابداریتحصیلات رسمی و حرفه ای : جعفر خمامی زاده درسال ۱۳۰۸ شمسـی پادرمدرسه گذاشت . وقتی که او کلاس ششم ابتدایی بود ، امتحانات به صورت استانی برگزار شد .خاطرات و وقایع تحصـیل : جعفر خمـامی زاده نقـل می کنـد که درامتحـان شـفاهی جغرافیا ،نقشه ای که روی تابلو بود ،نقشه گنگ (نامفهوم) بود . یعنی قاره ها سیاه و رودخانه ها سـفید بوده و چیزی روی آن نوشـته نشده بود و خودمان باید درهمان نقشه ، کشورها و یا رودخانه هـا و یـا شـهرها را مشـخص می کردیم .اسـتادان و مربیـان : یکی از معلمـان جعفر خمـامی زاده دردوران ابتـدایی ، سـید آقا بزرگ شوشتری است که با عبا و عمامه سرکلاس می آمدند . یکی دیگراز دبیران او دردوران دبیرستان ، سید محمد تائب بود که تعلیمات دینی و عربی تدریس می نمودند .مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : جعفر خمامی زاده روزگاری دردبیرستان شهید بهشتی (شاهپور سابق) تدریس می کرد .مراکزی که فرد از بانیان آن به شـمار می آید : دبیرسـتان فرهنگیان یکی از مراکزی است که جعفر خمامی زاده درتاسیس آن شـرکت داشـته و از بانیان آن به شـمار می آید . این دبیرسـتان به همت فرهنگی ها ی رشت و با هزینه شخصـی کسانی هماننـد جعفر خمامی زاده بنا شـده است .آرا و گرایشـهای خاص : جعفر خمامی زاده بر این باوراست که درگذشـته شاگرد اول هـای دانشـگاه ها غالبا از گیلان بودنـد . امروزه متاسـفانه این طور نیست تا یکی دوسال قبل ما از این نظر درتبه های نزدیک به آخر اسـتان ها بودیم . الان درزمانی که دانش آموزان کشور ما درالمپیاد ها شـرکت می کننـد و مقام می آورنـد ، من ندیـده ام که کسـی از گیلان دراین المپیاد ها شـرکت کرده باشـد . ا وامیدوارست که گیلان بازهم درردہ های بالای علمی مقامش را حفظ کند .آثار : ترجمه برنج گیلان ویژگی اثر : این کتاب تالیف رابینواست۲ ترجمه دریای خزر ویژگی اثر : این کتاب پایان نامه آقای دکتر مفتخم پایان است که خمامی زاده به هنگام برگرداندن به فارسـی چیزهایی به آن افزوده است۳ ترجمه فهرست روزنامه های فارسی ویژگی اثر : این کتاب تالیف رابینو است۴ ترجمه کتاب ولایات دارالمرز ایران ـگیلان ویژگی اثر : وجه تسـمیه این کتاب آن است که اعراب پس ازشـکست ایرانیان و فتـح بقیه سـرزمین های ایران تا قزوین آمدند اما نتوانسـتند وارد گیلان شوند و آنجا را تصـرف کنند .۵ ترجمه گویش گیلکی ویژگی اثر : این کتاب تالیف آرتور کریسـتن سن است۶ ترجمه وضعیت نوغان درایران ویژگی اثر : این کتاب تالیف را بینواست

خمامی زاده، فرزاد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر فرزاد خمامی زاده تحصـیلات دانشـگاهی خود رادر رشـته مهندس مواد در دانشگاه صنعتی شریف اغاز و در سال ۱۳۶۷ بپایان رسانید. او تحصـیلات تکمیلی خود را به ترتیب کارشناسـی ارشد مهندسی مواد را در دانشـگاه تهران و دکتری مهندسـی مواد را از دانشگاه انسا لیون فرانسه در سال ۱۳۷۶ اخذ کرده است. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشـگاه صنعتی شریف می باشد.

گروه : فنی و مهندسی

رشته : مهندسی مواد

تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : فرزاد خمامی زاده تحصـیلات دانشـگاهی خود رادر رشـته مهندس مواد در دانشـگاه صنعتی شریف اغاز و در سال ۱۳۶۷ پایان رسانید. او تحصـیلات تکمیلی خود را به ترتیب کارشناسـی ارشد مهندسی مواد را در دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۹ و دکتری مهندسی مواد را از دانشگاه انسا لیون فرانسه در سال ۱۳۷۶ اخذ کرده است.

هم دوره ای ها و همکاران : دکتر فرزاد خمامی زاده با همکاری مهندس محمد رجبی، پانته آسـپهربند، الناز تمجید شبستری و ناهید یزدانی مقالاتی را در زمینه تخصصی خود به رشته تحریر در آورده است.

مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : عضو هیئت علمی و دانشـیار دانشـکده فنی مهندسـی دانشگاه صـنعتی شـریف عضو انجمن علمی ریخته گران ایران

فعالیتهای آموزشی : تدریس در دانشگاه صنعتی شریف و نیز آموزش در دوره آموزشی ،متالوگرافی پیشرفته در انجمن ریخته گری ایران

آرا و گرایشــهای خــاص : زمینـه هـای مطالعـاتی و تحقیقـاتی فرزاد خمـامی زاده بـه قرار زیر اسـت: علـوم مـواد ،اسـکن الکـترون میکروسـکوپی ،پردازش پـایه ای ،مطـالعه ساختمـان بافتها و محکم سازی ،مواد نرم مغناطیس ،مهندسـی ارزش(دارای گواهینامه بین المللی SAVE)

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

خموش تهرانی، محمد شریف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۷۴ ق)، شاعر. اصل وی از شیراز بود، در تهران متولد شد. از شاعرانی بود که درس نخوانده بود و پیشه‌ی خیاطی داشت. اشعار خود را بر کاتبی می‌خواند و او می‌نوشت. مضمون اغلب اشعار وی امور دینی و مدح ائمه (ع) است. از آثار وی: «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۵۸۳ -۵۸۲ /۱)، الذریعه (۳۰۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۱۷)، لغت نامه (ذیل/ خموش تهرانی)، مجمع الفصحا (۲۳۹ -۲۳۴ /۴).

خمینی، روح‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، فقیه، عارف.

تولد: ۳۰ شهریور ۱۲۸۱(۲۰ جمادی‌الثانی ۱۳۲۰ ق. ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۲)، خمین.

درگذشت: ۱۴ خرداد ۱۳۶۸، تهران، بیمارستان قلب.

روح‌الله مصطفوی مشهور به موسوی خمینی، فرزند سید مصطفی موسوی از علمای آن زمان، در پنج ماهگی پدرش را از دست داد. خوانین تحت حمایت عمال حکومت وقت پدرش را در مسیر خمین به اراک به شهادت رساندند. بستگان وی برای اجرای حکم الهی قصاص به تهران (دارالحکومه وقت) رهسپار شدند و بر اجرای عدالت اصرار ورزیدند تا قاتل قصاص گردید.

دوران کودکی را تحت سرپرستی مادرش (بانو هاجر) از نوادگان آیت‌الله خوانساری (صاحب زبدة التصانیف)، و نزد عمه‌اش (صاحبه خانم) سپری کرد، ولی در پانزده سالگی هم مادر و همه عمه‌اش را از دست داد.

از نوجوانی به تحصیل معارف روز و علوم مقدماتی و سطح حوزه‌های دینیه و از جمله ادبیات عرب، منطق و فقه و اصول پرداخت و نزد معلمین و علمای منطقه (نظیر میرزا محمود افتخارالعلماء حاج میرزا نجفی خمینی، آیت‌الله شیخ علی‌محمد بروجردی، آیت‌الله شیخ محمد گلپایگانی و آیت‌الله عباس اراکی و بیش از همه نزد برادر بزرگترش آیت‌الله سید مرتضی پسندیده) فراگرفت و در سال ۱۲۹۸ عازم حوزه‌ی علمیه‌ی اراک شد. پس از تحصیلات بسیاری از دروس در اراک، عازم حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد. در قم در علوم فلسفه و اخلاق استادان او آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی و آقا سید ابوالحسن حکیم قزوینی و حاج میرزا جواد آقای ملکی تبریزی بودند و علم منقول و فقه و اصول را از محضر آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی و آقا میر سید علی کاشانی فراگرفت. ایشان در همان اوان در دروس فقه و اصول آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی و آیت‌الله یثربی حضور و به مراتب فقه و اصول احاطه یافت و به اجتهاد رسید.

در سال ۱۳۳۹ ق. که آیت‌الله عبدالکریم حائی یزدی درگذشت، آیت‌الله العظمی خمینی دیگر خود یکی از فضلای و مدرسین حوزه علمیه قم به ویژه در رشته فلسفه، تهذیب نفس و اخلاق گردیده بود که بعدها در تدریس فقه و اصول فقه نیز نام‌آور شد. ایشان که در همان زمان با محافل و شخصیت‌های ضد درباری ارتباط کامل داشت، در مبارزه علیه حکومت رضاخان در حد اقتضای سن خود کوشش نمود. ایشان علیه رژیم فرزند رضاخان نیز مبارزه و افشاگری می‌کرد و بعد از رحلت آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، آیت‌الله حسن بروجردی را در حد امور و مسائل یاری رساند. بعد از درگذشت آیت‌الله بروجردی حوزه علمیه قم و محافل روحانی دیگر او را به عنوان «آیت‌الله خمینی» شناختند.

درسال ۱۳۴۰ با تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی و طرح لوایح شش گانه شاه، امام خمینی مخالفت قاطع خود را علیه رژیم آغاز کرد. با پیش آمدن واقعه خونین ۱۵ خرداد ایشان به دنبال نطقی که علیه رژیم ایراد نمود، دستگیر و به پادگان عشرت آباد تهران منتقل شد. یک سال پس از آزادی، مجددا در مخالفت با «کاپیتولاسیون» سخنرانی ایراد کرد که منجر به تبعید ایشان در سیزده آبان سال ۱۳۴۴ به ترکیه شد. پانزده سال به حالت تبعید در نجف اشرف به سر برد. سرانجام پس از شهادت پسرشان- آیت‌الله سید مصطفی خمینی- به دست رژیم و پس از آن که از عراق به پاریس رفت و با فرار شاه، در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ با ورودشان به خاک میهن، استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی را برای مردم ایران به ارمغان آوردند و در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ با حمایت توده‌های میلیونی مردم رژیم شاهنشاهی در ایران را سرنگون ساخت و برای نخستین بار در ایران حکومت جمهوری اسلامی را برقرار ساخت و به عنوان «امام» همه مسلمانان جهان به رسمیت شناخته شد. امام خمینی ده سال پس از تأسیس جمهوری اسلامی در ایران و هدایت انقلاب اسلامی در این مدت در چهاردهم خرداد سال ۱۳۶۸ در تهران درگذشت.

از آثار ایشان میتوان به این عنوان‌ها اشاره نمود: شرح دعای سحر (به عربی، ترجمه سید احمد فهری)، شرح حدیث رأس الجالوت (تأليف ۱۳۴۸)، حاشیه امام بر شرح حدیث رأس الجالوت، حاشیه بر شرح فوائد الرضویه، شرح حدیث جنود عقل و جهل، مصباح‌الهدایهٔ الی الخلافهٔ والولایهٔ، حاشیه بر شرح فصوص الحکم، حاشیه بر مصباح‌الانس، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، سر الصلوهٔ (صلاهٔ العارفین و معراج السالکین)، آداب نماز (یا آداب الصلوهٔ)، رسالهٔ لقاءالله، حاشیه بر اسفار، کشف الاسرار (در اسرار هزار ساله حکمی‌زاده، چاپ سوم ۱۳۶۳ ق.)، انوار الهدایهٔ فی التعلیقهٔ علی الکفایهٔ، بدایع الدرر فی قاعدهٔ نفی الضرر، رسالهٔ الاستصحاب، رسالهٔ فی التعادل و التراجیع، رسالهٔ الاجتهاد و التقلید، مناهج الوصول الی علم الاصول (دو جلد)، رسالهٔ فی الطلب و الارادهٔ، رسالهٔ فی التقیهٔ، رسالهٔ فی قاعدهٔ من ملک، رسالهٔ فی تعیین الفجر فی الیالی المقمره، کتاب الطهارهٔ (چهار جلد)، تعلیقه علی العروهٔ الوثقی، مکاسب محرمه (دو جلد) تعلیقهٔ علی وسیلهٔ النجاهٔ، رسالهٔ نجاهٔالعباد)، حاشیه بر رساله ارث، تقریرات درس اصول

آیت‌الله العظمی بروجردی، توضیح المسائل (رساله عملیهٔ)، مناسک حج، تحریر الوسیله (دو جلد)، کتاب البیع (پنج جلد)، تقریرات دروس امام خمینی، کتاب الخلل فی الصلوهٔ، حکومت اسلامی یا ولایت فقیه، جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، تفسیر سوره حمد، استفتائات، دیوان شعر، نامه‌های عرفانی، پیامها، سخنرانیها، مصاحبه‌ها و احکام و نامه‌ها (بیست و دو جلد)، وصیت‌نامه‌ی سیاسی الهی، المکاسب المحرمهٔ (عربی، ۱۳۸۱ ق.)، تهذیب الاصول (عربی، دو جلد تقریر امام و تحریر جعفر سبحانی، ۱۳۸۰ –۱۳۷۵ ق.).

حضرت آیهٔاللّٰه العظمی امام سید روح‌اللّٰه موسوی خمینی ۲۰ جمادی الثانی ۱۳۲۰ (ه.ق.) در خمین در یک خانواده روحانی به دنیا آمد. والدایشان– آیهٔاللّٰه سید مصطفی خمینی– در اواخر ۱۳۲۰ در سن ۴۷ سالگی به وسیله فئودالها شهید شد.

امام، تحت تربیت عمه و مادر دلسوز و مراقبت‌های برادر بزرگوارش آیهٔاللّٰه پسندیده رشد کرد. و پس از تحصیلات مقدماتی در خمین در ۱۳۳۹ عازم حوزه علمیه اراک شد و سپس در ۱۳۴۰ در محضر آیهٔاللّٰه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائی به قم عزیمت کرد. او در ۱۳۴۵ ه.ق. سطوح عالیه را طی کرده و در محضر درس مؤسس حوزه– آیهٔاللّٰه حائری حضور یافت. پس از رحلت مرحوم حائری در ۱۳۵۵، به عنوان استادی گرانقدر و مجتهدی عالم در حوزه درخشید. وی در کنار فقه و اصول به تحصیل پرداخت و از محضر آیهٔاللّٰه شیخ محمد علی شاه‌آبادی عارف کامل، بهره‌های روحی فراوانی برد. آوازه شهرت وی به عنوان یک استاد مسلم و صاحب شیوه تدریس و تعلیم، طلاب بیشماری را گرد او جمع کرد. درس اخلاق و روش تدریس و تعلیم وی که موجد روح فداکاری و شجاعت و تعهد و تقوی در طلاب میشد، موجب تحول عظیمی در حوزه و منجر به تعطیلی درسش از طرف دیکتاتور وقت– رضاخان– گردید. پس از سقوط رضاخان، این درس مجددا در فیضیه آغاز گشت.

در سال ۱۳۶۴ ه.ق. همزمان با ورود آیت‌اللّٰه بروجردی، بزرگترین کرسی تدریس حوزه علمیه به وی اختصاص یافت. مسجد سلماسی و مدرسه فیضیه شاهد حضور انبوهی از مشتاقان معرفت و دهها مجتهد اصولی، ادیب و مفسر در محضرش گشت. او در مسند اجتهاد و فتوی نشست و میلیونها تن به عنوان مقلد و پیرو، سر به فرمانش نهادند و در انتظار صدور حکم و فتوایش نشستند.

در سال ۱۳۴۰ ه.ش. با تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و طرح لوایح ششگانه شاه– که خود وسیله‌ای برای تثبیت حکومت امریکا در ایران بود– مخالفت جدی و قاطع نمود. حادثه ۱۵ خرداد ۱۳۴۱ پیش آمد که هزاران نفر از مسلمانان انقلابی آماج گلوله‌های سفاکان پهلوی گشتند و خود ایشان به دنبال نطقی کوبنده در مدرسه فیضیه به پادگان عشرت‌آباد منتقل و زندانی شد. ولی پس از یک سال آزاد و هنگام بازگشت به قم در مخالفت با کاپیتولاسیون سخنرانی رسوا کننده‌ای در مسجد اعظم ایراد کرد که منجر به تبعیدش در ۱۳ آبان ۱۳۴۲ به ترکیه گردید. پس از مدتی به نجف منتقل و قریب ۱۵ سال اجبارا در حوزه نجف اقامت گزید. و از همانجا عهده‌دار رهبری فکری و ارشادی مردم بود و در فرصتهای مناسب اعلامیه‌های لازم را صادر می‌کرد. در ۱۳۵۶ ه.ش. به مناسبت شهادت فرزند برومندش آیهٔاللّٰه مصطفی خمینی مجالس ترحیم باشکوه و خونینی برپا گشت که شخصیت امام را بیشتر مطرح و موجب انتقال ایشان به پاریس گردید. و این در حالی بود که احساسات مذهبی مردم به اوج خود رسیده و کنترل از دست رژیم خارج گشته بود و شاه از ایران خارج شده و اساس حکومت اسلامی به رهبری امام و فداکاری مردم مسلمان در ایران پایه‌ریزی شده بود.

آثار و تألیفات گرانبهایی از معظم له در اختیار محافل علمی است که از آن میان می‌توان از «تحریر الوسیله کتاب الصلوهٔ، کتاب المکاسب، کتاب الطهاره، کتاب الخلل، کتاب البیع (در ۵ جلد)، مصباح الهدایهٔ (شرح دعای سحر)، چهل حدیث برگزیده در اخلاق و عرفان و...» را نام برد و اکنون دعای میلیونها تن از مسلمانان و مستضعفین جهان این است:

خدایا! خدایا! تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار!

(۱۴۱۰ –۱۳۲۰ ق)، عالم، فقیه، مرجع تقلید، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، عارف و شاعر. در خانواده‌ای روحانی در شهر خمین متولد شد. پدرش در چهل و هفت سالگی به دست مالکین محلی کشته شد و امام تحت سرپرستی و حضانت عمه و مادر و برادرش آیت‌اللّٰه پسندیده قرار گرفت. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش آموخت و در سال ۱۳۳۹ ق برای ادامه تحصیل رهسپار اراک شد. پنج سال در آنجا اقامت کرد و تا سطوح عالیه را خواند. با عزیمت آیت‌اللّٰه حائری یزدی در سال ۱۳۴۰ ق به قم و بنا نهادن حوزه‌ی علمیه، در ساذل ۱۳۴۵ ق به قم رفت و به تحصیل فلسفه و حکمت مشغول شد. فلسفه را از آیت اللّٰه شیخ محمدعلی شاه‌آبادی فراگفت. سپس به تحصیل دروس خارج از سطح پرداخت و از محضر آیت‌اللّٰه حائری کسب فیض کرد و به درجه‌ی اجتهاد رسید. وی از محضر می‌رسید علی یثربی و حاج میرزا جواد ملکی تبریزی و آقا میرزا علی‌اکبر حکمی‌یزدی و حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و حاج شیخ محمدرضا نجفی مسجد شاهی و آقامیرزا محمدعلی ادیب تهرانی و حاجی سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللّٰه بروجردی و حاج سید محسن امین و حاج شیخ عباس محدث قمی و سید ابوالقاسم دهکردی اصفهانی و حاج شیخ محمدتقی بافقی بهره‌مند گشت و اینان از مشایخ وی بودند. امام خمینی از سال ۱۳۶۸ ق به تدریس «کفایه» و «منظومه» و «اسفار» و فقه و اصول پرداخت. وی علاوه بر علوم عقلی و نقلی، تحصیل علم اخلاق را جزو دروس تحصیلی طلاب خود قرار داده بود، و از دیرباز به تدریس اخلاق مشغول بود. در دوره‌ی رضاخان درس اخلاق ایشان مدتی تعطیل شد و پس از سقوط رضاخان، این درس مجدداً در مدرسه‌ی فیضیه دایر گشت. وی علاوه بر مدرسه‌ی فیضیه، در مسجد سلماسی نیز تدریس می‌نمود. در سال ۱۳۴۰ ش که تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و لوایح ششگانه شاه مطرح شد، با مخالفت جدی امام روبه‌رو گردید و در نتیجه حادثه‌ی پانزده خرداد ۱۳۴۲ ش پیش آمد. امام به پادگان عشرت‌آباد منتقل و زندانی شد و پس از چندی آزاد گردید و به قم مراجعت کرد. مخالفت ایشان با مسئله کاپیتولاسیون و سخنرانی وی در مسجد اعظم سبب شد که معظم‌له به ترکیه تبعید شود. پس از مدتی به نجف منتقل گشت و قریب پانزده سال در نجف اقامت گزید. از همین زمان عهده‌دار رهبری مبارزات سیاسی شد و در هر فرصتی با صدور اعلامیه‌هایی مردم را به مبارزه‌ی تهییج می‌کرد. با درگذشت ناگهانی فرزند ایشان حاج سید مصطفی خمینی در سال ۱۳۵۶ ش و برگزاری مراسم سوگواری، تبلیغات علیه دستگاه هیئت حاکمه را دنبال کرد. به تدریج دامنه‌ی تظاهرات به خیابانها کشیده شد. در این زمان امام از نجف به پاریس رفت و مبارزات علیه شاه اوج گرفت و شاه مجبور به ترک کشور شد و امام به ایران بازگشت و جمهوری اسلامی را بنا نهاد و رهبری حکومت اسلامی ایران را تا ۱۴ خرداد ماه سال ۱۳۶۸ ش که جان به جان

آفرین تسلیم کرد، خردمندانه عهده‌دار بود. پیکر پاک وی با مراسم با شکوهی در محلی که اکنون به نام مرقد مطهر معروف است دفن گردید. امام خمینی از آغاز جوانی به شعر و شاعری پرداخت. از آثار وی: «کشف الاسرار»؛ «تحریر الوسیله»؛ «کتاب الصلوهٔ»؛ «کتاب المکاسب»؛ «تهذیب الاصول»؛ «کتاب الطهارهٔ»؛ «کتاب الخلل»؛ «کتاب البیع»، در پنج مجلد؛ «مصباح الهدایهٔ»؛ «چهل حدیث برگزیده در اخلاق»؛ «آداب نماز»؛ «مجموعه‌ی اشعار»، که پس از رحلت ایشان در دسترس عموم قرار گرفت.[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۱۸۷ –۱۸۵)، الذریعه (۵۲ / ۲۲ ،۱۲۳ / ۲۱ ،۱۳ / ۱۸ ،۶۹ / ۱۳)، سخنوران نامی معاصر (۳۴۷ – ۳۴۰ / ۱)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۳، ص ۱۵ –۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۹ –۱۲ / ۸)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۲ –۲۳۱ / ۳).

خمینی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجت‌الاسلام والمسلمین آیت‌اللّه حاج آقا مصطفی خمینی فرزند ارجمند زعیم‌الشیعه آیت‌اللّه العظمی نایب‌الامام خمینی مدظله العالی یکی از افاضل بنام و مدرسین والامقام حوزه علمیه نجف اشرف و حوزه قم بوده‌اند که در سن جوانی به مرگ مشکوک و اجل غیر غیر طبیعی از دنیا رفت و جهان علم و فضل را در سوگ خود نشانید معظم له در دوازدهم ماه رجب‌المرجب ۱۳۴۹ قمری در شهرستان علمی و مذهبی قم به دنیا آمد و در بیت علم و تقوی پرورش یافته و پس از دوران کودکی و خواندن دروس ابتدائی به خواندن مقدمات و ادبیات پرداخته و دروس سطوح را از محضر آیات و مدرسین بزرگواری چون آیت‌اللّه حائری و آیت‌اللّه صدوقی و آیت‌اللّه سلطانی و آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی استفاده نمود و با آن قریحه سرشار و هوش و استعداد فطری که مخصوص بیت جلیل اوست در مدت کوتاهی از سطوح فارغ شده و در سن بیست و یک سالگی به درس خارج فقه آیت‌اللّه العظمی بروجردی و درس اصول والد ماجدش و مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد شرکت و از خرمن علوم آنان بهره‌های وافی برده و کم کم مشاربالبنان گردیده و خود حوزه درس مستقلی تشکیل و عده چشمگیری به حوزه درس معقول و منقولش حاظر و از بیانات ایشان استفاده نموده تا در روز سیزدهم آبانماه ۱۳۴۳ برابر سوم ماه رجب ۱۳۸۴ قمری ایشان را عمال سفاک رژیم منحوس پهلوی و عوامل سازمان امنیت (به قول خودشان) در منزل حضرت آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی مدظله غفلتا دستگیر و به شهربانی برده و از آنجا به تهران و به زندان (قزل قلعه) منتقل نمودند.

اما داستان دستگیری ایشان برخلاف تفسیر بعضی از مغرضین از این قرار است. چون در نیمه شب مزبور نایب‌الامام والد معظم ایشان را از قم مأمورین ساواک به امر مستقیم دربار و اربابانشان به تهران و یکسره به ترکیه تبعید نمودند فرزند برومند مذکورش صبح آنروز برای مذاکره و مشاوره به منزل حضرت آیت‌اللّه مرعشی نجفی مدظله آمدند و چون منزل نایب‌الامام در محاصره مأمورین ساواک بود و آن مرحوم هم تحت مراقبت شدید آنها بودند به مجرد ورودشان به منزل آقای مرعشی منزل در محاصره عمال دولت از پلیس و سازمانیها و غیره قرار گرفت و آیت‌اللّه مرعشی میهمان عزیز خود را به اندرون برده و هنوز چند لحظه‌ای نگذشته و مذاکره‌ای نشده که دژخیمان و جلادان بدتر از لشکر چنگیز بدون در زدن از دیوار و بام منزل هجوم آورده که آقازاده را دستگیر کنند آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی روحی فداه پیش آمده و فریاد زدند چه می‌خواهید گفتند فلانی پسر فلانی را فرمودند ایشان میهمان من است و من نمی‌گذارم میهمان مرا ببرید گفتند دستور بردن شما را نداریم وگرنه می‌بردیم. پس خواستند به اطاق مخصوص آقا وارد شوند. آقا جلوی آنها را گرفت پس آن بیشرفها از خدا و پیامبر (ص) شرم نکرده و از آن پیرمرد نورانی و مرجع بزرگواری که مبتلا- به چندین کسالت قلب و فشار خون و قند و اعصاب بودند و هنوز هستند (عافاه‌اللّه) از پله‌های اطاق به میان حیات منزل انداخته و آقازاده عزیز را در حالی که میزبانش بیهوش افتاده بود جلب نموده و به شهربانی برده و از آنجا به تهران و زندان قزل قلعه برده و مدت پنجاه و هفت روز در آنجا بازداشت و سپس در روز سه‌شنبه ۲۴ ماه شعبان مطابق هشتم دی ماه ۱۳۳۲ شمسی آزاد و به قم آمده و پس از یک روز مجددا جلب و تبعید به ترکیه خدمت والد بزرگوارشان شدند.

اما از آن طرف میزبان گرامی ایشان آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی که چند ساعتی بیهوش بودند چندین روز به واسطه این حادثه فشار خونشان بالا رفته و به خطر افتاده و از طرف پزشکان ممنوع‌الملاقات شدند و ایشان پس از اندکی بهبودی کرارا می‌فرمودند دوست داشتم مرا ببرند و میهمان مرا نبرند.

آیت‌اللّه زاده خمینی حدود ده ماه در خدمت والدشان در تبعیدگاه ترکیه بسر برده و از ابحاث خصوصی علمی والدش استفاده می‌نموده تا در تاریخ نهم جمادی‌الثانی ۱۳۸۵ قمری از ترکیه به عراق تبعید و با استقبال گرم حوزه علمیه نجف اشرف وارد به حرم امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام باب مدینه علم گردیده و رحل اقامت افکند و به تدریس فقه و اصول پرداخته و جمع کثیری از فضلاء نجف اشرف از محضرش استفاده نموده تا در هفتم ذی‌قعده ۱۳۹۷ به مرگ مشکوکی از دنیا رفته و جهان فضل را غرق ماتم نموده و در حوزه‌های علمی نجف و قم را در سوک خود نشانید. نویسنده که از قدیم افتخار دوستی و ارادت و علاقه به آن شهید بزرگوار را داشتم و در محرم و صفر ۱۳۹۰ قمری که از راه قطر به سوریه و از آنجا به عراق و نجف مشرف شدم مکرر توفیق دیدارشان را یافته و از ضیافت گرم ایشان برخوردار شدم بعد از نماز مغرب و عشاء شب هشتم ذی‌قعده که عازم منزل بودم از جائی خبر نداشتم درب صحن مطهر به یکی از دوستانم برخورد کرده خبر ناگهانی این ضایعه اسفناک را داد پایم لغزیده و حال شوکی دست داد و هرگز باور نمی‌کردم که نخل شکوفای علم و فضل و صداقت و اخلاق و محاسن آدابی چون آیت‌اللّه حاج آقا مصطفی خمینی عزیز در بهار زندگی به زمین افتاد و ستاره درخشان و چراغ فروزانی مانند او به این زودی غروب و یک جهان فضل و دانش را با خود به گور برد.

یا کوکباً ما کان اقصر عمره

و کذا تکون کواکب الاسحار

در مرگ و شهادت این بزرگوار موج عجیبی سراسر ایران و بالخصوص در نجف و قم و تهران برخاست و طلیعه انقلاب ایران گردید و در واقع شهادت ناگهانی ایشان موجب حیات و نجات ایران و ملت محروم و مستضعف ایران از زیر بار استعمار و رژیم شاهنشاهی و دربدر و آواره شدن پهلوی گردید.

به مجرد شیوع این فاجعه بازارها و کلیه دکاکین قم و تهران و سایر بلاد بسته و حوزه‌های علمی تعطیل و مجالس سوگواری و فاتحه تشکیل و عموم مردم با دل سوزان و دیدگان اشک‌آلود شرکت و صدای گریه و ناله مردم به خصوص علماء و فضلا و محصلین علوم دینیه بلند و همه می‌گفتند خدا به داد دل نایب‌الامام رسیده و صبر جزیل و اجر جمیل مرحمت فرماید.

شرح اثر این حادثه بسیار و در کتاب (شهیدی دیگر از روحانیت) منعکس و ثبت می‌باشد خلاصه در تمام ایران مجالس عدیده منعقد و به یاد آن بزرگوار اشک می‌ریختند. در آن هنگام سیل تلگرافات تسلیت از همه طبقات حتی از یاسر عرفات رهبر انقلابی فلسطینی محضر امام مخابره شده مراتب همدردی و تاثر عمیق خود را ابلاغ نمودند.

آثار علمی آنجناب:

۱- یکدوره کامل بیع در ده مجلد

۲- کتابی در مبحث اجاره- این کتاب در یورش مأمورین شاه به منزل نایب‌الامام (خمینی) در قم به ضمیمه صدها کتاب خطی دیگر از تالیفات امام و غیره به یغما برده شد.

۳- کتابی در مبحث نکاح

۴- حاشیه بر عروه‌الوثقی مرحوم علامه طباطبائی سید محمدکاظم یزدی

۵- کتاب اصول از اول تا مبحث استصحاب

۶- تفسیر قرآن در حدود چهار هزار صفحه ناتمام

۷- حاشیه‌ای بر اسفار

مبارزات فقید سعید و قربانیهای آن

مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا مصطفی رحمه‌اللّه. در مبارزات ایران از سال ۱۳۴۱ شمسی یکی از افراد فعال و پرکار و متحرک روحانیون یود و در به حرکت درآوردن نیروهای اصیل و فعالیت و کوششهای طاقت‌فرسائی داشت.

در سال ۱۳۴۲ شمسی بعد از دستگیری والد بزرگوارش در اثر هجوم وحشیانه جلادان شاه یکی از فرزندانش را از دست داد و نیز در حمله دیگری که دژخیمان دربار در سیزدهم آبانماه ۱۳۴۳ به منزل ایشان نمودند فرزند خردسال دیگرش کشته شد.

آن مرحوم بارها می‌فرمود که در راه آزادی کشته‌های بسیار خواهیم داد و بالاخره پیروزی ثمره پایداری است.

مزار آن شهید مجاهد

چون آن فقید دانشمند به مرگ غیر مترقبه ناگهانی مشکوکی از دنیا رفت و جنازه‌اش با یک دنیا تاثر از نجف برای تغسیل و تجدید عهد با جدش حضرت ابی‌عبداللّه الحسین علیه‌السلام حمل به کربلا و پس از غسل با آب فرات و طواف در حرمین شریفین حضرت حسین و حضرت عباس علیهماالسلام با بیش از هفتاد اتوبوس تشیع و به نجف اشرف برگردانیده و با تجلیل کم سابقه‌ای از عموم طبقات و تعطیل بازار کلیه دکاکین نجف در معیت حضرت آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله و تمام مراجع و آیات عظام نجف جز والد ماجدش که اندکی تشیع نمودند (به اندازه تشیع‌هایی که از دیگران می‌کرد) به حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین (ع) آورده و پس از نماز خواندن آیت‌اللّه خوئی و طواف حرم مطهر در میان انبوه اشک و ناله در ایوان مطهر در مقبره علامه مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی (کمپانی) در جنب مقبره علامه حلی به خاک رفت عاش سعیدا و مات سعیدا حشره‌اللّه مع السعداء والصالحین

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

خندان، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط و شاعر. وی از نستعلیق نویسان مقرر خراسان و از جمله شاگردان طراز اول سلطانعلی مشهدی است. گویند تمام مدت عمر را در هرات و از اوان جوانی در خدمت امیرعلیشیر نوایی گذرانیده است. از فرط انبساط وی را خندان لقب داده بودند. خندان کتابت را خوش می‌نوشت ولی در قطعه‌نویسی مسلطتر بود و از آثار رنگه‌ی او معدودی موجود است. او همچنین از شعر و معما و موسیقی بهره داشت و نی را خوش می‌نواخت. بعضی گویند که سلطان محمد خود را به دیوانگی منسوب می‌داشته است. در تاریخ وفات وی اختلاف است و سال مرگ او را ۹۵، ۹۳۲، ۹۱۵ق تعیین کرده‌اند که هیچ یک درست نیست، زیرا آثاری وی تا سال ۹۵۷ ق موجود است. خندان پس از مرگ در هرات، در محل حسین باخرزی و محمد قاسم شادیشاه را ذکر کرده‌اند که هر یک استادی بوده‌اند. از آثار او: یک نسخه «یوسف و زلیخا»ی جامی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «تمت الکتاب.. سنه‌ی ۹۱۵، کتبه سلطان محمد خندان...»؛ یک نسخه «بوستان» سعدی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «کتبه سلطان محمد خندان... فی سنه ۹۲۰»؛ یک نسخه «دیوان» حافظ، به قلم کتابت خوش، با رقم: «کتبه العبد... سلطان محمد خندان... سنه‌ی ست و عشرین و تسعمائه»؛ یک قطعه از مرقع، به قلم نیم دو دانگ عالی، با رقم: «تمت... سنه ۹۵۷ سبع و خمسین و تسعمائه، کتبه سلطان محمد خندان». چهارده اثر

دیگر او در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۷۱ -۲۶۸ /۱)، اطلس خط (۴۷۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۲/۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۴۵)، تاریخ هنرهای ملی (۸۲۲ -۸۲۱ /۲)، تذکره‌ی روز روشن (۳۶۳)، حبیب السیر (۳۶۳/۴)، خوشنویسان و هنرمندان (۱۳۵، ۳۵-۳۴، ۹)، الذریعه (۹۹۶، ۴۶۰ /۹)، ریحانه (۶۲/۳)، طرائق الحقائق (۲۱۰/۳)، فرهنگ سخنوران (۳۱۷)، گلستان هنر (۸۹، ۸۷ -۸۶، ۶۲)، مجالس النفائس (۱۴۸)، مناقب هنروران (۱۱۴، ۷۱، ۷۰، ۹۲)، هنر عهد تیموریان (۶۹۱، ۶۴۷، ۵۷۶، ۴۳۶، ۳۴۲).

خواجکی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط. از کاتبان خوشنویس گمنام بود. به خط وی، یک نسخه «صد پند لقمان» و یک «رساله» موجود است، به قلم کتابت جلی و کتابت خوش، با رقم: «تمت هذه الرساله الشریفه فی شهور سنه ۱۰۷۴، العبد خواجکی عفی عنه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۸۱/۱).

خواجکی رازی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی برادر خواجه محمد شریف بوده و در شیرین بیانی و مطایبه و معاوله سرآمد زمانه بوده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۴۷)، فرهنگ سخنوران (۳۱۸)، مخزن الغرائب (۸۸/۲)، هفت اقلیم (۷۳ -۷۲ /۳).

خواجکی شیرازی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به خواجگی. وی به مکارم اخلاقی و محاسن آداب موصوف بود. از محرمان و ندیمان اکبرشاه به شمار می‌رفت. «دیوان» شعر حدود دو هزار بیت است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۵۱ -۲۵۰ /۳)، الذریعه (۳۰۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۱۸)، کاروان هند (۳۸۷ -۳۸۶ /۱)، هفت اقلیم (۲۳۷/۱).

خواجوی کرمانی، کمال‌الدین، ابوالعطا محمود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۵۰ -۶۸۹ ق)، شاعر، متخلص به خواجو. معروف به نخلبند شعرا. علوم متداول زمان را در زادگاه خود آموخت. بعد از آن به سیر و سیاحت در شهرهای تبریز، اصفهان، شیراز، بغداد، مکه و مصر پرداخت، در ضمن این سفرها با بسیاری از بزرگان ادبا، فرهیختگان و صوفیه، از جمله علاءالدوله سمنانی ملاقات کرد. وی از معاصران سلطان ابوسعید بهادر بود و آن پادشاه و وزیر او، غیاث‌الدین محمد، و بعضی از سلاطین آل‌مظفر را در قصاید خود مدح گفته است. در مدت اقامتش در شیراز با حافظ ملاقات کرد و از شاه شیخ ابواسحاق اینجو عنایتها دید. خواجه اشعار عرفانی نیز می‌سرود و در غزلسرایی مورد پسند حافظ بود. گذشته از «دیوان» شعر، آثار دیگری نیز از وی به جای مانده، از جمله: «همای و همایون»؛ «گل و نوروز»؛ «کمال نامه»؛ «روضه الانوار»؛ «گوهر نامه»؛ «بدایع الجمال»؛ «سام نامه»؛ «رساله البلادیه»؛ «رساله سبع المثانی».[۱]

کرمانی، کمال‌الدین ابوالعطاء محمود بن علی بن محمود شاعر معروف (و. ۶۸۹- ف. شیراز ۷۵۳ ه.ق.). وی پس از کسب علم و فضایل در کرمان، به سفر پرداخت و از محضر شیخ در کرمان، به سفر پرداخت و از محضر شیخ امین‌الدین محمد کازرونی بهره برد. خواجو معاصر ابوسعید بهادر بود و در غزل تتبع سعدی می‌کرد علاوه بر دیوان، خمسه‌ای به سبک نظامی پرداخته شامل: همای و همایون، گل و نوروز، روضهٔالانوار، کمال‌نامه، گوهرنامه.

آرامگاه وی در تنگ اللّه‌اکبر شیراز است.قسمتی از قصاید خواجو در مدح امرای عصر و قسمت دیگر عرفانی و حاکی از مشرب تصوف شاعر است. خواجو غزلیات شیوا دارد و در این طرز مقلد سنائی، عطار، مولوی و سعدی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از سعدی تا جامی (۳۱۲ -۳۰۱)، بهارستان جامی (۱۲۰ -۱۱۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۱۵ -۸۸۶، ۸۰۹ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۰۰ -۱۹۹)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۲۳۹ -۲۲۲)، تذکره الشعراء (۲۸۲ -۲۷۷)، تذکره‌ی میخانه (۸۳ -۷۵)، حبیب السیر (۲۹۲ -۲۹۱ /۳)، حماسه‌سرایی در ایران (۳۳۸ -۳۳۷)، دویست سخنور (۹۴ -۹۱)، الذریعه (۲۴۰، ۲۳۹ /۲۵، ۲۵۲ -۲۵۱ ،۲۳۳، ۱۳۸، ۱۸/ ۱۲۳/۱۲، ۲۸۹/۱۱، ۳۰۵، ۳۰۴ /۹)، ریاض العارفین (۷۳ -۷۲)، ستارگان کرمان (۱۸۸ -۱۶۱)، ریحانه (۱۰۵ - ۱۰۲/۲)، سیری در شعر فارسی (۸۶)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۰۰ -۱۹۹)، کشف الظنون (۹۴۲)، گنج و گنجینه (۶۵۱ -۶۴۸)، لغت نامه (ذیل/ خواجوی کرمانی)، مولفین کتب چاپی (۶۳ -۶۱ /۶)، مجالس المومنین (۶۵۲ -۶۴۲ /۲)، مجمع الفصحا (۳۳ -۲۷ /۴)، هفت اقلیم (۲۷۴ -۲۷۳ /۱).

خواجوی، ملا محمد اسماعیل

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملا محمد اسماعیل خواجوئی، یکی از بزرگترین دانشوران قرن دوازدهم هجری است. وی مازندرانی بود اما در اصفهان به تحصیل پرداخت. از اساتید او اطلاع دقیقی در دست نیست او ظاهراً نزد بهاء الدین محمد اصفهانی مشهور به " فاضل هندی "و ملا محمد تنکابنی مشهور به " فاضل سراب "تحصیل می‌کرده است. اواسط زندگی خواجوئی مقارن با حمله افغانها و محاصره اصفهان است. دراین سالها (۱۱۳۴–۱۱۳۷) هـ ق بسیاری از مردم در اثر قحطی جان سپردند و عده دیگری به دست مهاجمان افغان کشته شدند. سقوط سلسله صفویه و بروز قحطی و هرج و مرج و آشفتگی اوضاع و نابسامانی وضع معیشتی مردم موجب از هم گسیختگی حوزه بزرگ علمی، ادبی و هنری اصفهان شد. پس از فرار افغانها از ایران و فروکش کردن آتش فتنه ، آنچه باقی ماند خرابی و ویرانی شهر و از دست رفتن هزاران دانشمند و نابودی صدها کتابخانه و مرکز علمی بود. ملا اسماعیل خواجوئی از معدود کسانی بود که با همت والای خود کمر به احیای حوزه علمی اصفهان زد و با رونق بخشیدن به مدارس علمیه و برپایی جلسات درس و تالیفات بسیار، بار دیگر از نابودی حتمی حوزه علمی اصفهان جلوگیری کرد. خواجوئی در فقه ، اصول، کلام، حکمت، ریاضی ، هیات و ادبیات ، مهارت به سزایی داشت و از کسانی بود که فلسفه صدرایی (حکمت متعالیه) را به نسل های بعد انتقال داد.از او آثار علمی بسیاری به جای مانده است که از همه مهمتر "مفتاح الفلاح "در شرح دعای صباح"، جامع الشتات " ، " ابطال الزمان الموهوم "و" حاشیه بر اربعین "شیخ بهائی را می توان نام برد". ملا محمد مهدی نراقی"، "آقا محمد بید آبادی"، "میرزا ابوالقاسم مدرس "و "ملا محراب گیلانی "مشهورترین شاگردان خواجوئی به شمار می روند. سرانجام این دانشمند عالیقدر به سال ۱۱۷۳ هـ ق به دیار باقی شتافت و در تخت فولاد اصفهان نزدیک قبرستان فاضلان به خاک سپرده شد.در سالهای اخیر مجموعه تاریخی فرهنگی و مذهبی تخت فولاد بقعه ای بر سرمزار او بنیاد نهاده است.

خواجویان، محمدکاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مطالعات اسلامی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

مدرس.

تولد: ۱۳۱۷، مشهد.

درگذشت: ۱۳ آبان ۱۳۷۲، مشهد.

محمدکاظم خواجویان پس از گذراندن دوره‌های ابتدایی و متوسطه تحصیل، به دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی مشهد راه یافت و در سال ۱۳۴۱ به دریافت دانشنامه‌ی لیسانس تاریخ از آن دانشکده نایل آمد. پس از آن، با سمت دبیری به کار در وزارت آموزش و پرورش پرداخت و مدتی در آباده‌ی فارس تدریس کرد و چندی بعد برای ادامه‌ی تحصیل به فرانسه رفت و طی سال‌های ۱۳۵۶ - ۱۳۵۴ دوره‌های فوق لیسانس و دکترای رشته‌ی مطالعات اسلامی را به پایان برد.

دکتر خواجویان از سال تحصیلی ۱۳۵۷ -۱۳۵۶ به تدریس در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد پرداخت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد منتقل شد و چندی پس از آن ریاست دانشکده‌ی ادبیات این دانشگاه را پذیرفت. دکتر خواجویان نزدیک به نه سال در این سمت باقی بود و پس از آن نیز تا درگذشت، در سمت معاون دانشجوایی دانشگاه مشهد انجام وظیفه کرد. همزمان با آن، عضویت هیئت امنای دانشگاه‌های شمال شرق کشور را داشت و به ویژه سرپرستی شورای برنامه ریزی گروه تاریخ وزارت فرهنگ و آموزش عالی را نیز عهده‌دار بود. این شورا اقداماتی برای بهبود کیفیت وضع مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری انجام داد.

دکتر محمدکاظم خواجویان درس‌های تاریخ صدر اسلام، تاریخ تشیع و تاریخ ائمه را در بخش تاریخ دانشکده‌ی مشهد تدریس می‌کرد و ضمنا به امور اجرایی- اداری دانشگاه فرودسی نیز می‌رسید. وی همچنین از نخستین سال‌های فعالیت کانون نشر حقایق اسالم در مشهد زیر نظر استاد محمدتقی شریعتی به فعالیت‌های مذهبی در این کانون پرداخت. عضویت در هیئت مدیریه «انصار الحجه» (مؤسسه‌ی خیریه‌ای که برای رسیدگی به وضع یتیمان فالیت داشت)؛ فعالیت در انجمن حمایت از زندانیان مشهد؛ عضویت

در هیئت امنای اداره‌ی اوقاف مشهد از دیگر فعالیت‌های اجتماعی دکتر خواجویان بود.
دکتر خواجویان در زمان ریاست خویش در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، کوشش بسیار کرد تا فضای علمی- پژوهشی دانشکده را سرزنده نگاه دارد. بسیاری از پژوهشگران به تشویق و یاری وی به کارهای پژوهشی پرداختند. وی همچنین نشریه‌ای تخصصی در زمینه‌ی پژوهش‌های تاریخی بنیاد گذارد که از سال ۱۳۶۸ با نام «فصلنامه‌ی مطالعات تاریخی» منتشر شد. مقالات پژوهشی وی در این فصلنامه و نیز مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی» مشهد به چاپ رسیده است.
دکتر خواجویان درباره‌ی تشیع پژوهشی انجام داد که بنا بود در سلسله انتشارات سازمان «سمت» (سازمان مطالعه و تدوین کتاب علوم انسانی دانشگاه‌ها) چاپ گردد.
دکتر محمدکاظم خواجویان در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۷۲ در مشهد به علت سکته‌ی قلبی درگذشت.
سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: خاورشناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

خواجوئی، اسماعیل

قرن:۱۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند ملا محمّد جعفر بن ملا اسماعیل. از علما و محقّقین و مدّرسین حکمت، و از شاگردان پدر خود و آخوند ملّا علی نوری و دیگران بوده، و روزگار به تدریس فقه و اصول و حکمت می‌گذرانیده.
در ۲۵ ربیع الاول سال ۱۲۸۲ وفات یافته، در تخت فولاد در جنب قبر جدّ خویش مدفون گردید،
کفّاش شاعر اصفهانی در مرثیه و مادّه تاریخ وفات او گوید:
زین جهان چون که به فرمان خداوند جلیل
کرد منزل به گلستان بقا اسماعیل
حال کفّاش به تاریخ وفاتش تو بگو
شد ز دنیا سوی بستان جنان اسماعیل
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خواجوئی، محمد باقر

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ادیب و واعظ، شاعر متخلص به «بهاء» از اعقاب اوست.
فوتش در ۱۳۱۶ روی داده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خواجه بمی، محمدحسین

قرن:۱۵
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسین خواجه بمی
محل تولد : بم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۹/۱
زندگینامه علمی
آقای محمد حسین خواجه بمی در سال ۱۳۴۷هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان بم دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه بم گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. از سوی دیگر به شوق زیارت، هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها و ادمه تحصیل در قم رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۰ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون مرحوم آیت الله فاضل، مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فقه و حقوق در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۱از

دانشگاه آزاد جیرفت فارغ التحصیل گردید . و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان"احکام مربوط به گناه "دفاع کرد.
وی پس از سالها تلاش و علم اندوزی در قم، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون به تدریس دروس معارف اسلامی در دانشگاه علوم پزشکی کرمان مشغول می باشد. وی در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و آثاری از قبیل" چگونگی ظهور الهی "و "ایمان عملی " را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

خواجه نوری، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۹ ش)، روزنامه‌نگار و حقوقدان. تحصیلات مقدماتی خویش را در تهران و مدرسه‌ی سن‌لویی فراگرفت. در فرانسه و بلژیک در رشته‌های پست و تلگراف و اقتصاد و حقوق اداری تحصیل کرد و به ایران بازگشت و عهده‌دار مشاغل مختلف دولتی شد. وی مدیر روزنامه‌ی «جوانان» بود که بیش از یک ماه انتشار نیافت. او همچنین مدیریت روزنامه‌ی «ندای عدالت» را نیز بر عهده داشت. خواجه نوری از نخستین کسانی است که برای شناساندن روانشناسی جدید و روانکاوی به فارسی زبانان کوشید. آثار وی: «روانکاوی یا طریقه سهل برای شناختن احساسات مخفی خود و دیگران»، که نخستین اثر در این زمینه است؛ «سیمای شجاعان»؛ «اهمیت و ضرورت رهبر و مدیر برای آینده‌ی ایران»، فارسی و انگلیسی؛ «بازیگران عصر طلایی»؛ «چهره‌های درخشان تاریخ»؛ «محمد علی فروغی مشهودات گفتنی»؛ «عقاید لله آقا یا مکاتیب هفتگی».[۱]
نویسنده و روانشناس، روزنامه‌نگار و رجل سیاسی، در ۱۲۷۵ در تهران متولد شد. پدرش حبیب‌اللّه لشکرنویس و برادرش میرزا ابوتراب خان نظام‌الدوله بود. پس از انجام تحصیلات ابتدائی وارد مدرسه‌ی سن‌لوئی شد و دوره‌ی مدرسه‌ی مزبور را پایان داد و زبان فرانسه را یاد گرفت و به استخدام در وزارت پست و تلگراف درآمد. ضمناً با مطبوعات همکاری نزدیک داشت. در ۱۳۰۱ امتیاز نشریه‌ی نامه‌ی جوانان را گرفت و یک شماره آن را انتشار داد ولی انتشار همان شماره سر و صدای زیادی بلند کرد و مردم از وی به دادگستری شکایت بردند زیرا در آن روزنامه از کشف حجاب و آزادی زنان مطالب و اشعاری مندرج شده بود. دادگستری، خواجه نوری را به شش ماه حبس محکوم نمود و از ادامه‌ی انتشار روزنامه جلوگیری کرد. در ۱۳۰۲ از طرف وزارت پست و تلگراف برای تحصیل به اروپا اعزام شد و چند سالی در رشته‌ی تلگراف تحصیل نمود. پس از بازگشت به ایران، مدیر دایره‌ی کارآموزی و نشریات وزارت پست و تلگراف شد و چندی در آن سمت باقی ماند. مجدداً برای ادامه‌ی تحصیل به اروپا رفت و در دانشگاه بروکسل جامعه‌شناسی و حقوق خواند. پس از بازگشت، حرفه‌ی وکالت دادگستری پیشه گرفت و ضمناً به عضویت انجمن شهر تهران برگزیده شد و مرتباً در مطبوعات تهران مقالاتی در زمینه‌های اجتماعی می‌نوشت.
پس از شهریور ۱۳۲۰ امتیاز روزنامه‌ی عدالت را گرفت و چندی آن را انتشار می‌داد تا اینکه با کمک عده‌ای از دوستان، مبادرت به تشکیل حزب عدالت نمودند. علی دشتی، جمال امامی و خواجه نوری از مؤسسین حزب مزبور بودند. خواجه نوری روزنامه‌ی عدالت را تبدیل به ندای عدالت نمود و روزنامه‌ی مزبور ارگان حزب ملی‌گرای عدالت شد و سردبیران آن دکتر جعفر جهان و دکتر احمد هومن بودند.
حزب عدالت در صحنه‌ی سیاسی آن روز به علت عضویت عده‌ی زیادی از نمایندگان مجلس، قدرت فوق‌العاده‌ای پیدا کرد و مرتباً پشت سر هم چند کابینه را سر کار آورد. در تبلیغات منصوب شد، سپس معاونت نخست‌وزیری هم ضمیمه‌ی کار او گردید. در کابینه‌های ساعد، بیات، و صدر نیز همان سمت را داشت. در ۱۳۲۵ مجدداً در کابینه‌ی احمد قوام، به معاونت نخست‌وزیری و ریاست اداره کل تبلیغات منصوب شد. در ۱۳۲۷ برای بار سوم در نخست‌وزیری ساعد، آن سمت را احراز نمود. در انتخابات مجلس سنا که در سال ۱۳۲۸ در ایران برای اولین بار انجام گرفت کاندیدای سناتوری شد. در انتخابات دور اول جزء ۷۵ نفر بود و در دوره‌ی دوم در زمره‌ی ۱۵ سناتور انتخابی تهران قرار گرفت و پس از افتتاح مجلس از سناتورهای پرکار و پرنطق بود و تقریباً جزء چند سناتوری بود که مجلس را می‌گردانیدند.
در دوران نخست‌وزیری مصدق، از مخالفین بود. پس از وقایع ۳۰ تیر نیز به دولت رأی نداد و در مسئله‌ی نفت و راه‌حل آن در مجلس سنا نطق‌های مفصلی ایراد نمود. پس از انحلال مجلس سنا، از طرف مصدق به اروپا رفت و پس از بازگشت با سرلشکر زاهدی فعالیت سیاسی خود را آغاز کرد تا اینکه در نیمه‌ی دوم ۱۳۳۲ در دوره‌ی دوم مجلس سنا مجدداً به سناتوری رسید. و در مجلس پیرامون تمام لوایح دولت به بحث و انتقاد می‌پرداخت و از ابراز عقیده خودداری نمی‌نمود. در حکومت اقبال، به هنگام طرح لایحه‌ی ساواک، محکم ایستاد و چندین جلسه در مضار این سازمان سخن گفت و دولت را از تشکیل چنین سازمانی برحذر داشت ولی همین نطق باعث شد او را کنار بگذارند و دیگر کاری به او واگذار نشود.
خواجه نوری نویسنده‌ای توانا و محققی پرتوان بود. در کنار مشاغل سیاسی خود، دست از تألیفات و ترجمه برنداشت. بیشتر شهرت و معروفیت او بر اساس انتشار جزوات بازیگران عصر طلائی شد. او مدعی گردیده بود کلیه‌ی کسانی که در دوران رضاشاه مصدر شغلی بوده‌اند، شرح حالشان انتشار خواهد یافت. او توانست چند نفری را که عبارت بودند از آیرم، تیمورتاش، امیر خسروی، طهماسبی، دبیراعظم بهرامی، مدرس، داور، سپهبد امیراحمدی، علی سهیلی، علی دشتی، علی وکیلی را انتشار دهد و بقیه متوقف شد. ولی مهمتر از همه شرح حال سربازیگر عصر طلائی بود که در آن تاریخ همه تشنه‌ی خواندن آن سرگذشت بودند. آگهی‌های مکرر در این زمینه انتشار می‌یافت ولی هیچ موقع به چاپ نرسید. یکی از نزدیکان خواجه نوری که به قول او اعتماد کامل دارم،

برای نگارنده حکایت کرد که روزی محمدرضا شاه، خواجه نوری را احضار می‌کند و می‌گوید چون نوشته‌های شما بسیار جالب است، قبل از انتشار سربازیگر عصر طلائی نوشته‌ی خودتان را بدهید من بخوانم. خواجه نوری هم امتثال امر می‌کند و نوشته را به شاه می‌دهد. پس از مدتی برای او پیغام می‌فرستد فعلاً موقع انتشار این مطالب نیست. این نوشته نزد من امانت خواهد بود تا در موقع لازم برای چاپ در اختیار بگذارم.

غیر از جزوات بازیگران عصر طلائی که هنوز تجدید چاپ می‌شود، آثار دیگری دارد مانند محبوس باغ فردوس، مشهودات گفتنی در دو جلد، اولین برخورد، روانکاوی و کتاب سیمای شجاعان نوشته‌ی کندی رئیس‌جمهور پیشین آمریکا از ترجمه‌های اوست. در کار نمایشنامه‌نویسی هم دستی داشت. نمایشنامه‌ی عظمت ایران و نمایشنامه‌ی یک ایرانی در مقابل زن به زبان فرانسه از کارهای خواجه نوری می‌باشد. هزار سؤال بجا و هزار سؤال بیجا و یادداشت‌های للهآقا از دیگر آثار اوست. گاهی بر حسب تفنن شعر هم می‌سرود. وی در روانشناسی و روانکاوی هم دستی داشت. در ۱۳۷۰ درگذشت.

محقق.

تولد: اسفند ۱۲۷۹، شیراز.

درگذشت: فروردین ۱۳۷۰.

ابراهیم خواجه‌نوری چون پدرش را در یک سالگی از دست داد زیر نظر برادر بزرگش ابوتراب نظم‌الدوله تربیت شد. تحصیلات مقدماتی را در تهران آموخت. در روزگار جوانی روزنامه‌ی «نامه جوان» را منتشر کرد ولی پس از چاپ اولین شماره به زندان افتاد و چهار ماه زندانی بود و اتفاقا همان وقت بود که میرزاده‌ی عشقی هم محبوس بود.

پس از آن به اروپا رفت ومدت هشت سال در بروکسل درس خواند و در حقوق و علوم اداری دیپلم گرفت و پس از بازگشت به ایران ابتدا مدیر مدرسه‌ی عالی پست و تلگراف شد و سپس به وکالت دعاوی مشغول گردید.

پس از شهریور ۱۳۲۰ وارد سیاست شد. یکی از تأسیس کنندگان حزب عدالت بود. روزنامه‌ی این حزب نامش «ندای عدالت» بود و خواجه نوری صاحب امتیاز و یکی از نویسندگان آن بود. این روزنامه به مدت یک سال و نیم منتشر شد. (۴۰۸ شماره در تهران، پنج بار در هفته، ۱۳۲۴ -۱۳۲۳). در همین دوران نگارش بازیگران عصر طلایی را شروع کرد. جزوه‌هایی بود در شرح حال معروف‌ترین رجال سیاسی دوره احمدشاه قاجار و رضاخان. وی چندی معاون نخست وزیر (در چهار دولت) بود و سپس سناتور شد. ظاهرا چون با لایحه‌ی تشکیل سازمان امنیت مخالفت کرده بود، پس از دوره‌ی اول دیگر انتخاب نشد. به رشته‌ی روان شناسی و مباحث اجتماعی مخصوصا روانکاری دل بستگی داشت. وی چندین کمیته و شورا عضویت داشت.

از تألیفات اوست: اولین برخورد (۱۳۳۹)؛ بازیگران طلایی (۱۳۲۲)؛ چرا انگلستان خفته بود (ترجمه از کتاب جان اف. کندی، ۱۳۴۵)؛ رموز روانی مدیریت (۱۳۴۷)، روانکاوی (۱۳۳۶)؛ سیمای شجاعان (ترجمه از جان اف. کندی، ۱۳۴۰)؛ شگفتی‌های جهان درون (۱۳۴۶)؛ عقاید للهآقا؛ مردان خود ساخته؛ مکتوب (۱۳۳۴)؛ زندانی باغ فردوس.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات نوین ایران (۳۱۷)، شخصیتهای نامی (۱۸۵ -۱۸۴)، مولفین کتب چاپی (۵۶ -۵۴ /۱).

خواجه نوری، عباسعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : عباسعلی خواجه نوری در ۴ تیر ۱۲۹۴ در تهران متولد گردید . وی پس از گذراندن دوره ی ابتدایی و متوسطه وارد دانشکده کشاورزی شد، تحصیلات خود را تا مقطع دکترای و کار در دانشگاه پاریس ادامه داد . وی پس از مدتی تدریس علم آمار دردانشگاه های یوگسلاوی به ایران بازگشت و در دانشگاه های ایران فعالیت خود را ادامه داد ، چنانکه در دوران بازنشستگی نیز دست از فعالیت آموزشی نکشید . خواجه نوری در سال ۱۳۷۳ دار فانی را وداع گفت .

گروه : علوم پایه

رشته : آمار

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عباسقلی خواجه نوری پس از گذراندن دوره ابتدایی و متوسطه وارد دانشکده کشاورزی شد، این دانشکده که در آن زمان تاریخ زیر نظر وزارت کشاورزی بود ،شد و در سال ۱۳۱۶ دوره مهندسی کشاورزی را به پایان رسانید . سپس برای ادامه تحصیل به خارج از کشور سفر کرد و در سال ۱۳۲۲ از دانشگاه کارولینای شمالی فوق لیسانس آمار گرفت ودرسال ۱۳۳۵ موفق به اخذ درجه دکترای آمار از دانشکده علوم دانشگاه پاریس گردید.

زمان و علت فوت : عباسعلی خواجه نوری در فروردین ماه سال ۱۳۷۳ در بیمارستان پارس تهران درگذشت .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عباسعلی خواجه نوری پس از پایان دوره سربازی در سال ۱۳۱۸ مشغول به کارشد و به ترتیب مشاغل زیررا عهده دار شد :همکار و معاون مهندس عطایی در موسسه اصلاح و ازدیاد بذر ،نهال و گل ،معلم زراعت دانشسرای کشاورزی ،(بعدا تبدیل به وزارت کشاورزی شد)،رییس اداره آمار جیره بندی وزارت دارایی ،رییس اداره آمار کشاورزی و اجتماعی سازمان برنامه ،رییس اداره آمار شناسی اداره آمار عمومی . او همچنین پس از تحصیلات تکمیلی در خارج از کشور سالها در مشاغلی چون :مشاور شرکت سهامی بیمه ایران ،مشاور سازمان بیمه های اجتماعی ،مشاور وزارت کار و امور اجتماعی ،مشاور آمار عمومی ،عضو شورای عالی آمار ،عضو هیئت اجرایی آزمون شناسی ،رییس و استاد موسسه آموزش عالی آمار عهده دارمسئولیت بود .

فعالیتهای آموزشی : تدریس علم آمار یوگسلاوی ،جزء اولین فعالیت های عباسعلی خواجه نوری پس از فارغ التحصیل شدن از دانشگاه پاریس بود . سپس در سال ۱۳۳۶ بنا به دعوت مهندس عطایی برای دانشیاری آمار و تحقیق در دانشکده کشاورزی کرج به ایران آمد .پس از پنج سا ل به مقام استادی ارتقا یافت و در سال ۱۳۵۸ نیز بازنشسته شد . دکتر خواجه نوری در دوران بازنشستگی خود در دانشگاه تهران و دانشگاه تربیت مدرس به تدریس دروسی چون روش تحقیق ،روشهای مقدماتی آمار،آمارگیری نمونه ای ،نظریه آمارگیری نمونه ای ،آمار پیشرفته ،بیومتری ،طرح آزمایشات ،آمار ریاضی،منطق ،جبر ماتریس ،اقتصاد سنجی ،جامعه شناسی ،اقتصاد ،مکانیزاسیون کشاورزی و زراعت مشغول شد____ .

آثار :

۱ آمار پیشرفته و بیومتری

۲ آمار ریاضی

۳ آمارگیری نمونه از دهات تهران و دماوند

ویژگی اثر : سا ل۱۳۲۸ ،سازمان برنامه

۴ آمارگیری نمونه ای مقدماتی

۵ احتمالات مقدماتی

۶ جبر ماتریس

۷ رمز نفوذ در دیگران

ویژگی اثر : اثر دیل کارنگی ،ترجمه ،۱۳۲۷

۸ روش تحقیق

۹ روشهای مقدماتی آمار

۱۰ سعادت

۱۱ منطق

۱۲ نکاتی چند درباره روشهای تحقیق

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

خواجه نوری، عباسقلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۲ -۱۲۹۴ ش)، استاد و محقق. مشهور به پدر علم آمار. در تهران متولد شد و در سال ۱۳۱۶ ش از دانشکده‌ی کشاورزی فارغ‌التحصیل، به سال ۱۳۳۵ ش از دانشکده‌ی علوم پاریس به درجه‌ی دکتری در رشته‌ی آمار نایل شد. خواجه نوری در سال ۱۳۴۵ ش موسسه‌ی آموزش عالی آمار را بنیان نهاد و روش نمونه‌گیری مبتنی بر نظریه‌ی احتمال و استنباط آماری را در ایران پایه‌ریزی کرد. وی در هفتاد و هشت سالگی درگذشت. از جمله تالیفات او: «آمارگیری نمونه‌ای از دهات تهران و دماوند»؛ «رمز نفوذ در دیگران»؛ «سعادت»؛ «روش مقدماتی آمار»، با همکاری چند تن از آمارشناسان؛ «آمار ریاضی»؛ «آمار پیشرفته».[۱]

مدرس، محقق.

تولد: ۴ تیر ۱۲۹۴، تهران.

درگذشت: فروردین ۱۳۷۳، تهران، بیمارستان پارس.

عباسقلی خواجه‌نوری پس از گذراندن دوره‌ی ابتدایی و متوسطه وارد دانشکده‌ی کشاورزی که در آن تاریخ زیر نظر وزارت کشاورزی اداره می‌شد، شد و در سال ۱۳۱۶ دوره‌ی مهندسی کشاورزی را به پایان رسانید. وی پس از پایان دوره‌ی سربازی در سال ۱۳۱۸ مشغول به کار شد و به ترتیب زیر مشاغل مختلفی را عهده‌دار شد: همکار و معاون مهندس عطایی در مؤسسه‌ی اصلاح و ازدیار بذر؛ نهال و گل؛ معلم زراعت دانشسرای کشاورزی؛ کارشناس اداره‌ی اصلاح نباتات اداره‌ی کل کشاورزی (بعدا تبدیل به وزارت کشاورزی شد)؛ رییس اداره‌ی آمار جیره‌بندی وزارت دارایی؛ رییس اداره‌ی آمار کشاورزی و اجتماعی سازمان برنامه؛ رییس اداره‌ی آمار شناسی اداره‌ی آمار عمومی.

سپس برای ادامه‌ی تحصیل به خارج از کشور سفر کرد و در سال ۱۳۳۲ از دانشگاه کارولینای شمالی فوق لیسانس آمار گرفت و در سال ۱۳۳۵ موفق به اخذ دکترای آمار از دانشکده علوم دانشگاه پاریس گردید. وی سپس در یوگسلاوی مشغول تدریس علم آمار شد. سپس در سال ۱۳۳۶ بنا به دعوت مهندس عطایی برای دانشیاری آمار و تحقیق در دانشکده‌ی کشاورزی کرج به ایران آمد. پس از پنج سال به مقام استادی ارتقا یافت و در سال ۱۳۵۸ نیز بازنشسته شد.

دکتر خواجه‌نوری، علاوه بر تدریس در دانشگاه مشاغل زیر را نیز عهده‌دار گردید: مشاور شرکت سهامی بیمه ایران؛ مشاور سازمان بیمه‌های اجتماعی؛ مشاور وزارت کار و امور اجتماعی؛ مشار آمار عمومی؛ عضو شورای عالی آمار؛ عضو هئیت اجرایی آزمون شناسی؛ رییس و استاد مؤسسه‌ی آموزش عالی آمار.

دکتر خواجه‌نوری در دوران بازنشستگی خود در دانشگاه تهران و دانشگاه تربیت مدرس تدریس می‌کرد. دروسی که وی تدریس می‌کرد عبارت بودند از: روش‌های تحقیق، روش‌های مقدماتی آمار، آمارگیری نمونه‌ای، نظریه‌ی آمارگیری نمونه‌ای، آمار پیشرفته، بیومتری، طرح آزمایشات، آمار ریاضی، منطق، جبر ماتریس، اقتصاد سنجی، جامعه شناسی، اقتصاد مکانیزاسیون کشاورزی

و زراعت.
از دکتر خواجه‌نوری تعدادی کتاب دانشگاهی، چند کتاب غیر دانشگاهی و مقاله‌هایی چند به جا مانده است که کتاب‌های دانشگاهی ایشان عبارتند از: نکاتی چند درباره‌ی روش‌های تحقیق؛ روش تحقیق؛ روش‌های مقدماتی آمار؛ احتمالات مقدماتی؛ جبر ماتریس؛ منطق؛ آمار ریاضی (دو جلد)؛ آمارگیری نمونه‌ای مقدماتی (دو جلد)؛ آمار پیشرفته و بیومتری. از جمله آثار دیگر وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: رمز نفوذ در دیگران (اثر دیل کانگی، ترجمه، ۱۳۲۷)؛ سعادت؛ آمارگیری نمونه از دهات تهران و دماوند (۱۳۲۸، سازمان برنامه).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۱۰، ش ۲، ص ۵۲)، مولفین کتب چاپی (۶۹۷/۳).

خواجه‌زاده، محمد

قرن:۱۱
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز ۱۰۹۸ ق)، خطاط. از خطوط وی: قرآنی به خط نسخ کتابت جلی عالی، با رقم: «... خواجه‌زاده محمد سنه ۱۰۸۰»؛ دو مرقع ثلث دو دانگ جلی و نسخ کتابت خوش، با رقم: «حرره محمد الشهیر بخواجه‌زاده»؛ مرقع نسخ نیم دو دانگ جلی خوش و رقاع، با رقم: «نمقه المذنب محمد خواجه‌زاده»؛ یک مرقع «آیةالکرسی»، ثلث پنج دانگ و رقاع سه دانگ عالی، با رقم: «خدمه العبد الضعیف محمد خواجه‌زاده سنه ۱۰۹۸».[۱]
اثر اوست: یک مرقع آیةالکرسی، ثلث پنج دانگ و رقاع سه دانگ عالی با رقم: «خدمه العبد الضعیف محمد خواجه‌زاده سنهٔ ۱۰۹۸» در موزه‌ی اسلامی ترک.
برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی
منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۶۵ -۱۱۶۴ /۴).

خوارزمشاه، محمد

قرن:۶
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ۶۱۷ ق)، شاعر. لقب او قبل از سلطنت قطب‌الدین بود و بعد از جلوس ملقب به علاءالدین (لقب پدرش) گردید. به آورده‌ی «مجمع الفصحا» به او سنجر ثانی و اسکندر ثانی نیز لقب داده بودند. وی هفتمین سلطان خوارزمشاهی (۶۱۷ -۵۹۶ ق) و پسر کوچک سلطان تکش بود. پس از چند جنگ متوالی، غوریان را برانداخت و سپس، به هواخواهی از شیعیان، مصمم به برانداخته خلفای عباسی گردید. از مشایخ طریقت، احمد الخیوقی معروف به کبری و از علما و ائمه، امام فخرالدین محمد بن عمر رازی و از شعرای بزرگ، جمال‌الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی و پسر او کمال‌الدین اسماعیل و سید قوام‌الدین حسین صدرالدین علی ذوالفقار شیروانی همعصر او بودند. او عاقبت در یکی از جزایر دریای مازندران به نام جزیره آبسکون درگذشت. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۲ و ۳/ صفحات متعدد)، تاریخ جهانگشای جوینی (۲ / صفحات متعدد)، تاریخ گزیده (۴۰۶)، تاریخ مغول (۱۳ -۸)، تذکره‌ی روز روشن (۲۴۸ -۲۴۷)، تذکرهٔ الشعراء (۱۵۱ -۱۴۷)، حبیب السیر (۶۵۴ -۶۵۲/ ۲)، دایرةالمعارف فارسی (۲۶۹۳/ ۲)، الذریعه (۸۸۴/ ۹)، ری باستان (۳۷۹، ۲۱۲ -۲۰۸/ ۲)، طبقات سلاطین اسلام (۱۶۲، ۱۶۱، ۱۶۰)، فرهنگ سخنوران (۸۱۳)، لغت نامه (ذیل/ علاءالدین خوارزمشاهی)، مجمع الفصحا (۱۰۷ -۱۰۶/ ۱).

خوارزمی

قرن:۹
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم و دهم ق)، شاعر. در خاک عثمانی می‌زیست و به شام نیز سفر کرد. وی در سرودن غزل و مثنوی توانا بود. از آثار او: مثنوی پانصد بیتی «محبت نامه» بر وزن «شیرین و فرهاد» وحشی به ترکی و فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۰۸).

خوارزمی ادیبی، ابوسعید احمد

قرن:۷
جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۲۶ ق)، ادیب، شاعر و خطاط. از اهالی خوارزم بود و در فصاحت و بلاغت و نگارش مهارت داشت از خوشنویسان طراز اول به شمار می‌رفت و پیش از زمان یاقوت حموی می‌زیست.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۱۰۰ /۱)، معجم الادباء (۱۳۵ –۱۳۱ /۲).

خوارزمی، ابوالوفای

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۳۵ ق)، عارف، شاعر، نویسنده و موسیقیدان. معروف به پیر فرشته. خواجه در خوارزم می‌زیست، و در علوم ظاهری و باطنی و حتی در علوم غریبه و موسیقی هم دست داشت، از آغاز جوانی در طریقه‌ی تصوف سیر کرد وسرانجام در خوارزم درگذشت و همان جا دفن شد. وی چند رساله در تصوف و رساله‌ای در موسیقی تألیف کرد. برخی از رباعیات و ترجیعات او موجود است. مردم خوارزم به سبب حسن خلق او را «پیر فرشته» لقب داده بودند. او را جناب شیخ ابوالفتح که به چند واسطه از مریدان حضرت شیخ نجم‌الدین کبری بود تربیت کرد. مولانا حسین بن حسن کاشی، صاحب شرح مثنوی موسوم به «جواهر الاسرار» از مریدان او بود. «رساله‌ی کنز الجواهر» از تصنیفات است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (۲۳۵ –۲۳۴ ،۲۲۹ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۲۱)، حبیب السیر (۸ /۴)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۹۸ –۹۹۷ /۷)، الذریعه (۵۲ /۹)، روضات الجنان (۶۰۰ ،۳۲۸ /۲)، ریاض العارفین (۳۳)، ریحانه (۱۸۳ –۱۸۲ /۲)، طرائق الحقائق (۳۳۸ ، ۳۳۷ /۲)، فرهنگ سخنوران (۳۷)، لغت‌نامه (ذیل/ پیر فرشته)، مجالس النفائس (۱۸۵ /۹)، مجمع الفصحا (۸ /۴)، نفحات الانس (۴۳۶)، هفت اقلیم (۳۲۹ /۳).

خوارزمی، ابوبکر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۸۳ ق)، شاعر و ادیب. مشهور به طبرخزی. نسبت وی بدان سبب است که پدرش از خوارزم بود و مادرش از طبرستان. وی که خواهرزاده‌ی محمد بن جریر طبری است در خوارزم متولد شد، از زادگاهش به شام رفت و مدتی در حلب ساکن شد. در راه بازگشت در ارجان (بهبهان)، به دیدار صاحب بن عباد رفت و داستان این ملاقات مشهور است و پس از آن به نیشابور آمد و در آن شهر مسکن گزید و همان جا درگذشت. ابوبکر در حفظ اشعار و ایام و اخبار عرب و لغت عرب یگانه روزگار خود بود. از آثار وی: «دیوان» اشعار؛ مجموعه‌ی «رسایل» خوارزمی که به داشتن محاسن بدیعی ممتاز است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۵۲/۷)، اعیان الشیعه (۳۷۹ –۳۷۷ /۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۰ –۶۳۹ /۱)، تاریخ اسلام (حوادث ۶۹ – ۶۸ / ۴۰۰ –۳۸۱)، تاریخ نیشابور (۱۸۵)، الذریعه (۲۴۵ ،۲۴۱ / ۱۰ ،۹۸۵ ،۳۷ /۹)، روضات الجنات (۱۹۳/۷)، ریحانه (۱۸۵ –۱۸۳ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۹۸/۱)، سیرالنبلاء (۵۲۶/۱۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۴/۴)، الکامل (۱۶۱/۷)، کشف الظنون (۹۰۲ ، ۷۷۰)، الکنی و الالقاب (۲۲/۱)، لغت نامه (ذیل/ ابوبکر)، معجم المولفین (۱۲۰ –۱۱۹ /۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۹۶ –۱۹۱ /۳)، وفیات الاعیان (۴۰۳ –۴۰۰ /۴)، هدیه العارفین (۵۷/۲).

خوارزمی، ابوعلی حسن

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۴۲ ق)، فقیه، ادیب و شاعر شیعی. ملقب به ضریر. پدرش از مردم نیشابور بود که به خوارزم مهاجرت کرد. حسن در این شهر نشو و نما یافت. از جمله آثار وی: «تهذیب دیوان الادب»؛ «تهذیب اصلاح المنطق»؛ «زیادات اخبار خوارزم»؛ «محاسن من اسمه الحسن»؛ «دیوان» شعر، دو مجلد؛ «دیوان رسائل».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۱۳ –۳۱۲ /۵)، الغدیر (۳۰/۴)، کشف الظنون (۱۰۸)، معجم الادباء (۱۹۱/۹)، معجم المولفین (۲۹۶/۳)، الوافی بالوفیات (۲۷۲ –۲۷۱ /۱۲)، هدیه العارفین (۲۷۵/۱).

خوارزمی، حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از کاتبان گمنام بود. به خط وی، یک نسخه «دیوان» ابن یمین، در کتابخانه‌ی سلطنتی است، به قلم کتابت متوسط و با رقم: «تمت الکتاب بعون الملک الوهاب علی ید الضعیف حسین الخوارزمی غفر ذنبه سنه‌ی ۹۴۹».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۵۲/۱).

خوارزمی، سلطانعلی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۱۹ ق)، خطاط. از سلسله‌ی نقشبندیه بود. وی در زمان سلطان سلیم اول به استانبول رفت و در جوار مزار ابوایوب انصاری مسکن گزید و وظیفه‌خوار سلطان شد. سلطانعلی از شاگردان عبدالرحیم انیسی بود. از آثار وی: قطعه‌ای به قلم نیم دو دانگ و کتابت خفی خوش، با رقم: «کتبه العبد المذنب سلطانعلی الکاتب غفراللّٰه ذنوبه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۳۵ -۲۳۴ /۱).

خوارزمی، ضیاءالدین نوراللّٰه

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۳۸ ق)، خطیب و عالم دینی. مردی فاضل و روشن‌ضمیر بود و سالهای بسیار در مسجد جامع شهر هرات به امر پیش‌نمازی و خطابت مشغول بود. بلاغت وی بدان حد بود که هر جمعه در مسجد جامع خطبه‌ای غیر مکرر انشاء می‌کرد و بر مردم تقریر می‌نمود. در هرات درگذشت و در گازرگاه پایین قبر خواجه عبداللّٰه انصاری دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۱۳/۴).

خوارزمی، عبدالرحمان

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط. از استادان قدیم نستعلیق و معاصر اظهر تبریزی و سلطانعلی مشهدی و به قولی، شاگرد میر عبیدالله بن میر علی تبریزی بود. ابتدا وی و بعد دو فرزندش، عبدالرحیم انیسی و عبدالکریم پادشاه، در شیوه‌ی خط نستعلیق و روش سلطانعلی مشهدی تغییراتی ایجاد کردند که مدتها در جنوب و غرب ایران رایج شد، اما بعدها متروک گردید. او در دربار جهانشاه بن یوسف قراقوینلو و فرزند وی، پیر بوداق می‌زیست. سپس در ۸۸۶ ق به دربار سلطان یعقوب آق قویلنو پیوست و اعتبار یافت. از آثار وی: یک نسخه شش دفتر «مثنوی» مولانا جلال‌الدین، به قلم کتابت متوسط و با رقم: «عبدالرحمن کاتب، سنه‌ی ۸۳۹»؛ یک نسخه «خمسه‌ی» نظامی، به قلم کتابت خفی و رقاع کتابت خوش، با رقم: «تمام شد خمسه... کتبه العبد عبدالرحمن الکاتب... سنه تسع و ثلثین و ثمانمائه»؛ یک «ترجیع‌بند»، جزو مجموعه‌ی بیست و یک ترجیع‌بند، از شانزده شاعر، به قلم کتابت جلی متوسط، با رقم: «تم الترجیع... سنه ست و ستین و ثمانمائه، کتبه العبد عبدالرحمن الخوارزمی... فی دارالسلام بغداد»؛ یک نسخه «دیوان» کاتبی، به قلم کتابت خفی متوسط، با رقم: «تمت الکتاب... سنه ستین و ثمانمائه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۸۰ -۳۷۸ / ۲)، اطلس خط (۴۶۰)، مناقب هنروران (۱۱۴ ،۸۹ -۸۸)، هنر عهد تیموریان (۴۹۷- ۴۹۸).

خوارزمی، عبدالکریم پادشاه

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط و شاعر. معروف به پادشاه و عبدالکریم پادشاه. وی برادر عبدالرحیم انیسی و از خوشنویسان دربار سلطان یعقوب آق قوینلو بود و یعقوبی هم رقم می‌کرد. عبدالکریم به شیوه‌ی پدر و برادر خود که به شیوه‌ی انیسی شهرت دارد، می‌نوشت و جز نستعلیق، همه‌ی اقلام را استادانه می‌نوشت. او در اواخر عمر به پریشانی حواس مبتلا شد و رد قطعاتش «کتبه خدا» یا «کتبه

زرافه» و «کتبه پادشاه»، رقم می‌کرد و به همین مناسبت معروف به عبدالکریم پادشاه بود. از آثار وی: «دیوان» شعر؛ یک نسخه «حال نامه‌ی» عارفی و «روشنایی نامه»، به قلم کتابت جلی متوسط، با رقم: «تمت الکتاب... عبدالکریم بن عبدالرحمن الخوارزمی... سنه ثلاث و ثمانین و ثمان مائه الهجریه»؛ یک صفحه از مرقع شاه طهماسب، به قلم نستعلیق چهار دانگ جلی خوش و نسخ کتابت عالی، با رقم: «کتبه عبدالکریم الخوارزمی» و چندین قطعه‌ی مختلف که در «احوال و آثار خوشنویسان» به آنها اشاره شده است. لازم به ذکر است که وفات صاحب عنوان را سپهر ۹۸۲ ق و صاحب «هنر عهد تیموریان» ۹۹۶ ق آورده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۱۱ -۴۰۹ / ۲)، اطلس خط (۴۶۱ -۴۶۰)، تحفه سامی (۱۳۵)، الذریعه (۶۹۲ / ۹)، خوشنویسان و هنرمندان (۴۳)، صبح گلشن (۲۷۶)، فرهنگ سخنوران (۶۱۹)، گلستان هنر (۵۸)، مناقب هنروران (۱۱۴، ۸۹، ۸۸)، هنر عهد تیموریان (۶۲۸، ۵۹۵، ۵۷۷، ۴۹۸، ۳۱۴).

خوارزمی، کمال‌الدین حسین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۴۰ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به حسین. در روزگار شاهرخ میرزا، به خاطر سرودن یک بیت شعر مورد تکفیر حنفیان هرات واقع شد اما، چیزی بر او ثابت نشد. وی در خوارزم به زخم تیغ طایفه‌ای سپاه ازبک کشته شد و در کنار قبر استادش، خواجه ابوالوفا دفن شد. از آثار وی: «جواهر الاسرار و ظواهر الانوار»، شرحی بر «مثنوی» مولوی؛ «شرح قصیده برده»، به ترکی خوارزمی؛ «کنز الحقایق»؛ «دیوان» اشعار، در بر گیرنده غزلیات و قصایدی در مدح ائمه (ع).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۹/۴)، دایرةالمعارف فارسی (۷۶۹/۱)، الذریعه (۲۵۱/۹)، سبک شناسی (۲۲۷/۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۱۵)، فرهنگ سخنوران (۷۶۸)، لغت نامه (ذیل/ حسین خوارزمی)، مجالس النفائس (۱۸۵ ،۹)، هدیه العارفین (۳۱۵/۱).

خواری تبریز

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۴ ق)، شاعر و خطاط. در هرات متولد شد و در تبریز می‌زیست. از شاگردان لسانی و از شاعران دوره‌ی شاه طهماسب بود. وی مردی خوش‌گذران و عیارپیشه بود که خط نستعلیق خفی را بسیار خوب می‌نوشت. در میان غزلسرایان به استادش اعتقاد داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۵/۱)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۸۲/۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۱۶)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۲۱۱ -۲۰۶ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۲۹ -۱۲۸)، دویست سخنور (۹۵ -۹۴)، الذریعه (۳۰۷ -۳۰۶ /۹)، سخنوران آذربایجان (۳۴۳ -۳۳۸)، صبح گلشن (۱۴۸)، فرهنگ سخنوران (۱۹۸)، مجمع الخواص (۲۱۶)، مکتب وقوع (۱۰۳ -۹۸)، نتایج الافکار (۱۲۹).

خواری، جلال‌الدین فضل‌اللّه

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. از شاعرن عهد سلطان علاءالدین تکش خوارزمشاه بود و شعر را نیکو می‌سرود. وی با صدرالدین وزان به دیدار سلطان تکش که از عراق حرکت کرده و نزدیک ری لشکرگاه ساخته بود، رفت و شعاری بالبداهه سرود و همه حاضران در عجب ماندند و سلطان را از آن خوش آمد و دستور داد تا دست تعرّض لشکریان را از مزارع کوتاه سازند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :لغت‌نامه (ذیل/ جلال‌الدین)، لباب الالباب (۲۷۸ -۲۷۶ /۱)، هفت اقلیم (۳۳ -۳۲ /۳)، یادگار (س ۴، ش ۱۰ ،۹، ص ۸۴ -۸۳).

خواص، امیر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیر خواص

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب امیر خواص دوران تحصیلات ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خود یعنی تهران سپری کردم .سال چهارم دبیرستان دررشته علوم تجربی ، همزمان با آغاز تحصیلات حوزوی بود از سال ۶۲ تحصیلات حوزوی را بطور جدی در قم آغاز نمودم و در سال ۷۲ دروس سطح را با موفقیت سپری کردم. از سال ۷۳ تا سال ۸۰ به مدت ۷ سال در درس خارج فقه آیت الله جوادی آملی شرکت نمودم.

از سال ۱۳۷۱ که مشغول درس کفایه الاصول بودم وارد موسسه در راه حق شدم و درسال ۱۳۷۴ به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) منتقل شدم و در سال ۱۳۷۵ در رشته الهیات و معارف اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۱ با دفاع از رساله خود با عنوان بررسی تطبیقی سعادت از دیدگاه افلاطون ، ارسطو غزالی با رتبه ممتاز دفاع نموده و فارغ التحصیل شدم. از سال ۱۳۸۲ به عضویت هیئت علمی موسسه و آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) درآمدم. در سال ۱۳۸۳ در رشته فلسفه دین در مقطع دکترا شرکت نموده و پذیرفته شدم و هم اکنون در ترم اول مشغول تحصیل هستم.

کارهای پژوهشی را از سال ۱۳۷۶ آغاز نمودم و حدود ۳ سال در زمینه فلسفه اخلاق به پژوهش و مطالعه پرداختم که محصول آن ترجمه مقالاتی از دایره المعارف فلسفه اخلاق بکر بود که دفتر اول آن در سال ۸۰ از سوی موسسه امام خمینی(ره) منتشر شده است در سال ۷۷ به همراه جناب آقای اکبر حسینی کتاب دین و اخلاق را تالیف نمودیم که این اثر برای چاپ آماده شد اما متاسفانه در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به مدت دو سه سالی مفقود شد و پس از مدت ها که پیدا شد منتظر فرصتی برای به روز کردن آن و چاپ هستیم.

هم چنین کتاب منشأ دین را به همراه آقای سید اکبر حسینی تالیف نموده ام که بزودی منتشر خواهد شد.

مقالات جلد دوم فلسفه اخلاق هم در حال آماده شدن است که به همراه مقالات برخی دوستان چاپ خواهد شد.

کتابها و مقالات دیگری هم تالیف شده است که برخی چاپ شده اند و برخی هنوز منتشر نشده اند. موضوعات و زمینه های تدریس این جانب عبارتند از: فلسفه اسلامی ، کلام اسلامی، فلسفه دین، کلام تطبیقی ادیان ابراهیمی و شرقی.

خوافی، رکن‌الدین محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۳۴ ق)، عالم و مدرس. ابتدا در هرات به تدریس مشغول بود و مرجع خواص و عوام خراسان. سپس به عراق و فارس رفت و در شیراز به خدمت شاه شجاع رسید و مدتی در آن شهر سکونت گزید و از آنجا به سفر حج رفت و سرانجام به هرات بازگشت و در همان جا درگذشت. او در تصوف شاگرد مجدالدین اسماعیل سیسی بود. از دیگر معاصران وی عصار تبریزی، محمد مغربی و قاسم انوار می‌باشند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۲۴/۳)، تاریخ نظم و نثر (۷۸۰)، حبیب السیر (۸/۴)، مزارات هرات (۸۶).

خوافی، عصام‌الدین داوود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، عالم و مدرس. در خواف خراسان متولد شد و در هرات مسکن گزید و در آن شهر مجالس می‌گفت. وی استاد سلطان محمود میرزا فرزند ابوسعید گورکانی، بود. در ولایت حصار شادمان درگذشت. خوافی از دانشمندان یگانه روزگار خود بود و صاحب حاشیه‌ای بر «شرح شمسیه» مشهور است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۱۰۷ -۱۰۶ /۴).

خوافی، نظام‌الدین عبدالرحیم

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، عالم دینی. مشهور به پیر تسلیم. وی در دوره‌ی ملک معزالدین حسین کرت در هرات اقامت داشت. چون ایمان را بر خلاف متقدمان و متاخران به تسلیم تعبیر کرد به پیر تسلیم مشهور شد. وی پس از صدور فتوای کفر غزها، توسط همین طایفه در هرات به قتل رسید.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۳۸۵ -۳۸۴ /۳).

خوانساری مهدویانی، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، داماد حاج آقا منیرالدین [بروجردی] و شاگرد او بوده، و در زمان حیات استاد [در سال ۱۳۱۹ ق] فوت شده.

وی را کتابی است به نام «سراج اللیل در شرح دعای کمیل».

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خوانساری نجفی، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ موسی خوانساری از مشاهیر مراجع و اکابر دانشمندان این شهرستان بودند و در نجف اشرف. وی در حدود ۱۲۹۳ قمری در خوانسار متولد شده و پس از بلوغ به اصفهان مسافرت و چند سالی در آنجا تحصیل نموده سپس به نجف مهاجرت و چندی از محضر مرحوم آخوند خراسانی و علامه یزدی و مرحوم آیت‌اللّٰه شریعت اصفهانی و بالاخص آیت‌اللّٰه محقق نائینی استفاده نموده و ضمناً خود به تدریس فقه و اصول استدلالی پرداخته تا در ۲۶ ذی‌الحجه ۱۳۶۳ قمری در سن هفتاد سالگی در نجف اشرف وفات و در مقبره مرحوم استادش مدفون گردیده است.

از آثار علمی او کتب زیر است که بطبع رسیده است:

۱- حاشیه بر مکاسب

۲- تقریرات اصول مرحوم آیت‌اللّٰه نائینی

۳- کتاب صلوهٔ.

آنجناب داماد مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدعلی خوانساری و عدیل حضرت آیت‌اللّٰه حاج سید احمد خوانساری مدظله مقیم معاصر تهران بوده‌اند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خوانساری، ابوتراب عبدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۶ -۱۲۷۱ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی و رجالی. وی عالم در علوم عقلی و نقلی بود. در خوانسار متولد شد و در اصفهان تحصیل کرد. در علوم شرعیه و حساب و جغرافیا و ریاضیات و هندسه به مقام بلندی رسید. او از شاگردان سید حسین کوه کمری بود که بعد از وفات او مشغول به تدریس شد و در احکام و فتاوی مرجع خاص و عام گردید. محمدمهدی اصفهانی درباره‌ی وی رساله‌ای به نام «مواهب الباری فی ترجمه العلامه الخوانساری» نگاشته است. پیکر وی را پس از مرگ در وادی السلام نجف دفن کردند. از آثار وی: «الاحکام الوضیعه»؛ «اصاله العدم»؛ «اصول الفقه»؛ «البیان»، در تفسیر قرآن؛ «الصراح فی الاحادیث الحسان و الصحاح»؛ «سبیل الرشاد فی شرح نجاه العباد»، در ده مجلد؛ «النجوم الزاهرات»، در اثبات امامت ائمه (ع).

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۶/۴)، الذریعه (۲۳۸/۲۳، ۱۷۲/۳، ۱۱۷/۲، ۳۰۳/۱)، ریحانه (۱۸۹ -۱۸۷ /۲)، علماء معاصرین (۱۴۳ - ۱۳۹)، معجم المولفین (۹۰/۳).

خوانساری، جمال، جمال‌الدین محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۲۵/۱۱۲۱ ق)، فقیه، اصولی، حکیم، محقق، محدث و متکلم. معروف به جمال المحققین. معاصر ملامیرزا شیروانی و علامه مجلسی بود. به همراه برادرش، آقا رضی، نزد پدرش، محقق خوانساری، و دایی‌اش ملا محمدباقر محقق سبزواری در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان تحصیل کرد و همانند پدرش صاحب تالیفات بسیاری شد، با این تفاوت که تالیفات وی بیشتر نقلی و تالیفات پدرش بیشتر عقلی است. از پدرش محقق خوانساری و سید ابرهیم بن میر معصوم حسینی قزوینی روایت می‌کرد و از ملا محمدتقی مجلسی اجازه‌ی نقل حدیث داشت. علمای بسیاری از وی اجازه روایت داشتند که از آن جمله: محمد اکمل بهبهانی و محمد رفیع

گیلانی. وی صاحب طبعی ظریف و نکته‌سنجی دقیق و باهوش، بخصوص در فهم ظواهر حدیث کم‌نظیر بود. چنانکه تیزهوشی وی را از روی ترجمه‌ی «مفتاح الفلاح» و تعلیقاتی که بر آن نگاشته است و کتاب مزاری که برای شاه سلطان حسین هنگام زیارت امام رضا (ع) و توضیحاتی که برای الفاظ زیارات آورده است، می‌توان فهمید. وی که عالمی متکلم بود، مذاهب چهار گانه‌ی اهل سنت را نقد کرد. او در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید. اغلب منابع تاریخ وفات وی را سال ۱۱۲۵ ق نقل کرده‌اند و آقا بزرگ تهرانی با استناد به ماده تاریخ زیر تاریخ وفات وی را سال ۱۱۲۱ ق می‌دانند: «فوتش را بفاتح هاتفی از غیب گفت: کرد ایزد با حسین بن علی حشر جمال یعنی ۱۱۲۱». از آثار وی: ترجمه‌ی «قرآن مجید»؛ ترجمه‌ی «صحیفه‌ی سجادیه»؛ شرح فارسی «غرر و درر»؛ شرح فارسی «مفتاح الفلاح»؛ حاشیه بر «شرح عضدی»؛ حاشیه بر «تهذیب الاحکام»؛ حاشیه بر «بر من لا یحضره الفقیه»؛ «شرح اللمعه ش الشرائع»؛ شرح «الشفاء»؛ شرح «اشارات»؛ «شرح حدیث البساط»؛ «النیه»؛ «اختیارات الایام»؛ «اصول‌الدین»، در امامت؛ حاشیه بر «شرح مختصر الاصول»؛ «جبر و اختیار»؛ شرح بر «حدیث الطینه»؛ در جبر؛ «کلثوم ننه» یا «عقائد النساء» که در آن رسوم و پندارهای معمول میان زنان آن روزگار ایران به نقد کشیده. از دیگر آثار او ترجمه «الفصول المختاره من العیون و المحاسن» معروف به «مجالس» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۳۱/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۶/۵)، تذکره القبور (۲۳۸)، الذریعه (۴۴۰/۲۴، ۱۹۲/۱۳، ۸۲/۱۴، ۵۳/۶، ۵۰۶، ۱۲۲ /۴، ۳۶۷/۱)، روضات الجنات (۲۱۰ -۲۰۸ /۲)، ریاض العلماء (۱۱/۷، ۱۱۴/۱)، ریحانه (۵۴/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۸ -۱۴۶ /۱۲)، فوائد الرضویه (۸۴ -۸۳)، لغت نامه (ذیل/ جمال)، مولفین کتب چاپی (۳۸۳ -۳۸۱ /۲)، معجم المولفین (۲۵۵/۹، ۱۵۴/۳)، هدیه الاحباب (۱۲۰)، هدیه العارفین (۳۲۱/۲).

خوانساری، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از آثار او: یک قطعه نسخ و رقاع کتابت خوش، با رقم: «حرره العبد الاقل حسن الخوانساری فی زمان القحط و الغلا ۱۲۳۲ و نزول انواع البلا»؛ قرآن وزیری کوچک جلد روغنی، نسخه خوش، با رقم: «... حسن الخوانساری فی شهر ربیع‌الاول من سنه ۱۲۰۹ تسع و ماتین و الف من الهجره المبارکه...»؛ «زاد المعاد» وزیری کوچک جلد روغنی عالی، سرلوح مذهب عالی، نسخه و رقاع کتابت جلی متوسط، با رقم: «... العبد المحتاج الی تعالی اللّٰه الحسن الخوانساری... سنه ۱۲۴۵». سه اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۵۸/۴).

خوانساری، رضی‌الدین محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۱۳ ق)، عالم، فقیه، متکلم و شاعر. برادر کهتر آقا جمال خوانساری است و هر دو به نام محمد نامیده شده‌اند و هر دو در اصفهان نشو و نما یافتند، و هر دو محضر پدر بزرگوارشان، محقق خوانساری و دایی دانشمندشان، ملا محمدباقر سبزواری، علم آموختند. وی قبل از برادرش در جوانی درگذشت. او از کسانی است که حکم شاه سلطان حسین را در نهی از منکرات امضاء کرد. آقا خلیل اصفهانی قاینی از شاگردان اوست. از آثار وی: «المائده السماویه» یا «الاطعمه و الاشربه» که برای شاه سلیمان صفوی به زبان فارسی تالیف کرد، این کتاب متمم «مشارق الشموس فی شرح الدورس» پدرش آقا حسین خوانساری است؛ «شرح حدیث البیضه»، که در «کافی» آمده است، در احوال سفرا و کیفیت غیبت به زبان فارسی، که آن را به نام شاه سلطان حسین صفوی نوشت؛ «شرح کتاب الصوم و الاعتکاف» از «شرح الدورس».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۶/۲۱، ۱۹۳/۱۳، ۲۱۸/۲)، ریحانه (۲۳۰/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۴ -۲۷۳ /۱۲)، فوائد الرضویه (۱۸۳ -۱۸۲)، لغت نامه (ذیل/ رضی‌الدین).

خوانساری، زین العابدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌سعید، از علمای اخیار، و فضلای ابرار بوده، در ذی قعده سال ۱۲۸۸ وفات یافته، جنب فاضلان مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خوانساری، شعیب

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۸۳ ق)، شاعر. وی از شاگردان ملا حسین خوانساری بود، که در مدرسه جده اصفهان سکونت داشت. وی مردی خاموش و آرام بود آقا حسین خوانساری نسبت به او توجه زیادی مبذول می‌داشت وی از شعرای معروف عصر صفویه است. او در اصفهان درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۲۵)، تذکره‌ی شعرای خوانسار (۱۳۵ -۱۳۴)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۹۵ -۱۹۴)، الذریعه (۵۲۹/۹)، فرهنگ سخنوران (۵۰۶)، مخزن الغرائب (۱۰۳۴/۲).

خوانساری، علی اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مولی علی اکبر، عالم جلیل، از شاگردان و خواص اصحاب سید حجهٔ الاسلام، و مورد اعتماد و وثوق ایشان بوده، به طوری که آن بزرگوار پس از ساختن مسجد سید، مشارالیه را به امامت مسجد میرزا باقر منصوب نموده است.

پس از وفات او، جنازه به نجف اشرف منتقل شده، در وادی السلام مدفون گردید.

وی از شاگردان و مجازین از سید صدرالدین عاملی بوده (و در شب جمعه ۱۴ محرم ۱۲۶۳ وفات یافته است).

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خوانساری، فخرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمدرضا تقوی. عالم فاضل، از شاگردان: آقا سید محمد باقر درچه‌ای، و حاج میرزا بدیع درب امامی، و حاج شیخ محمدعلی مسجد شاهی، و آقا نجفی، و جهانگیرخان، و آخوند کاشی بوده، و پس از فوت مرحوم خان در مدرسه‌ی صدر تدریس و امامت می‌نموده.

در ۲۳ محرم سال ۱۳۴۸ وفات یافته، در اول تخت فولاد در تکیه‌ی جهانگیرخان مدفون شد.

ماده تاریخ وفاتش این است:

آه همائی کشید از د و با صد فسوس

از پی تاریخ گفت: شد به جنان فخر دین

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خوانساری، کمال الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند صاحب عنوان: مرحوم آقا کمال الدین خوانساری، عالم عادل جلیل، و زاهد معمر ادیب و شاعر، از علمای کاملین، جامع معقول و منقول بود، در مسجد میرزا باقر امامت می‌نمود، و در آنجا سطوح تدریس می‌کرد. در حدود سال ۱۲۸۰ متولد، و در ظهر چهارشنبه ۱۷ صفر سال ۱۳۶۱ وفات یافته، در مقبره‌ی زینبیه در اطاق آقا سید ابوالقاسم دهکردی مدفون شد.

کتب زیر از اوست:

۱- ایرادات بر کتاب هزار مسأله، در فقه ۲ - دیوان اشعار (جمع نشده است) ۳ - کتابی در رد بابیه ۴ - محاسن الذکر؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خوانساری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمّد خوانساری (۱۳۰۰ ـ اصفهان) دارای مدرک دکتری منطق و فلسفه است .وی هم اکنون عضویت پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و استاد بازنشستهٔ دانشکدهٔ ادبیات دانش‌سرای عالی است. کتاب " ایساغوجی فر فوریوس و مقولات ارسطو" ترجمه محمد خوانساری ، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به

عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد خوانساری تحصیلات مقدماتی را در مکتبخانه آغاز کرد. خواندن و نوشتن قرآن کریم را آموخت و برخی از سوره‌های کوتاه را به حافظه سپرد. پس از درگذشت پدر به مدرسهٔ ابتدایی ایران رفت. در سال ۱۳۱۹ از دانشسرا دیپلم گرفت. برای ادامهٔ تحصیل به تهران آمد و در دانشسرای عالی از محضر اساتیدی چون: دکتر رضازاده شفق، جلال‌الدین همایی و مدرس رضوی بهره برد. در سال ۱۳۲۳ پس از نگارش پایان‌نامه زیر نظر دکتر یحیی مهدوی موفق به اخذ مدرک کارشناسی در رشتهٔ فلسفه و علوم تربیتی گردید. در سال ۱۳۲۹ لیسانس رشتهٔ ادبیات فارسی را گرفت و در سال ۱۳۳۲ موفق به اخذ مدرک دکترای ادبیات گردید. در سال ۱۳۳۷ به عنوان فرصت مطالعاتی به فرانسه رفت. سه سال به تحصیل اشتغال داشت و سرانجام در سال ۱۳۴۰ به اخذ درجهٔ دکتری از دانشگاه پاریس در منطق و فلسفه نایل آمد. تحصیلات علوم قدیم و معارف اسلامی را هم از همان سال اول دبیرستان آغاز کرد. جلد دوم مبادی العربیهٔ و مدارج القرأهٔ را از میرزا عباس نحوی و جامع‌المقدمات و مقداری از سیوطی را نزد دیگر اساتید فراگرفت. حاج سیدعبدالحسین طیب استاد عقاید و تفسیر وی بود. از فاضل تونی دنبالهٔ سیوطی، مغنی، حاشیهٔ ملاعبدالله و شرح هدایهٔ ملاصدرا را آموخت و در جلسات دکتر محمود راهیار نیز شرکت داشت

استادان و مربیان : مرحوم جلال الدین همایی ، مرحوم رضازاده شفق ،جلال‌الدین همایی،مرحوم مدرس رضوی ،مرحوم دکتر یحیی مهدوی ، علی اکبر سیاسی،میرزا عباس نحوی ،حاج سیدعبدالحسین طیب،دکتر محمود راهیار، مرحوم فاضل تونی و مرحوم ملک الشعرای بهار از اساتید محمد خوانساری بوده اند.وی از یکی از اساتید خود چنین یاد می کند: من منطق را خدمت استاد دانشمند محمدحسین فاضل تونی فرا گرفتم. ایشان بسیار دقیق تدریس می کردند و من مطالب ارزشمندی از محضر ایشان دریافت کردم. خاطره ای هم که از ایشان دارم این است که برای مرحوم فاضل نوشتن خیلی سخت بود و در نوشتن کند بودند ، همیشه مطلبی را می گفتند و دیگران برایشان می نوشتند . روزی از ایشان پرسیدم که چرا اینقدر نوشتن برایتان سخت است. ایشان گفتند: همه ، خط را در مکتب فرا می گیرند . من چون حافظه خیلی قوی ای داشتم ، همیشه مطالب استادم را در ذهن جای می دادم و نیازی نمی دیدم یادداشت کنم ، به همین دلیل دستم در نوشتن کند شده است. به هر حال یاد دارم مرحوم فاضل نسخه خطی مغلوطی (پرغلط) از شفای ابن سینا داشتند که می خواستند تصحیح کنند. یک نسخه شفای مرحوم مشکاهٔ را امانت گرفتند تا با آن مقابله کنند. ایشان می گفتند و من می نوشتم . گاهی هم دکتر بحرالعلومی کار نوشتن را به عهده می گرفتند . به هر حال کار تصحیح تمام شد و چاپ شد. بعدها عده ای از دانشمندان بزرگ مصری با هزینه ی گزاف نسخه ای از شفا را تصحیح کردند. به گفته بعضی از بزرگان ، از جمله استاد شهید مطهری که قولشان حجت است، تصحیح مرحوم فاضل از تصحیح دانشمندان مصری ، بسیار بهتر و ارزشمندتر است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد خوانساری پس از سه سال تدریس در آموزش و پرورش ، در سن ۲۶ سالگی با عنایت دکتر علی‌اکبر سیاسی وارد دانشگاه تهران شد و مشغول تدریس گردید.در آغاز انتقال به دانشگاه چند سالی روان‌شناسی تدریس کرد. سپس با معرفی فاضل تونی به تدریس منطق مشغول شد و تا سال بازنشستگی هماره تدریس منطق در دانشکدهٔ ادبیات بر عهدهٔ وی بود. در سال ۱۳۶۱ پس از سی و هفت سال تدریس مداوم به درخواست خود بازنشسته شد. از بدو تأسیس فرهنگستان سوم از سوی شورای انقلاب فرهنگی به عضویت پیوستهٔ فرهنگستان زبان و ادب فارسی مفتخر شد.

جوائز و نشانها : کتاب " ایساغوجی فر فوریوس و مقولات ارسطو" ترجمه محمد خوانساری ، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد. -----------------

---

آثار :

۱ ایقاظ النائمین صدرالمتألهین

ویژگی اثر : تصحیح و ترجمه،در دست چاپ

۲ ترجمهٔ ایساغوجی فر فوریوس و مقولات ارسطو

ویژگی اثر : تألیف فرغوریوس،این کتاب ، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد.

۳ صرف و نحو و اصول تجزیه و ترکیب

۴ صرف و نحو و اصول تجزیه و ترکیب

۵ فرهنگ اصطلاحات منطقی

ویژگی اثر : (به‌انضمام واژه‌نام ?فرانسه و انگلیسی)، ۱۳۷۶

۶ مختارات من الادب الحدیث

ویژگی اثر : ۱۳۴۳

۷ منطق صوری

ویژگی اثر : جلد دوم، ۱۳۵۲

۸ منطق صوری

ویژگی اثر : جلد اول، ۱۳۳۸

۹ منطق برای دبیرستانها

خوانساری، محمد ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۴۶ ق)، خطاط. از آثار وی: دو قطعه رقاع نیم دو دانگ خوش و غبار، با رقم: «حرره الداعی... محمد ابراهیم الخوانساری فی شهر شعبان المعظم سنهٔ ۱۲۴۶».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۳۷/ ۴).

خوانساری، محمد تقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در یکی از روزهای اردیبهشت سال ۱۲۶۷ ق . که بهار با ماه رمضان تواءمان گشته بود و غنچه های یاد در آن می شکفتند، در خوانسار شهری که جای جایش چشمه ای سر به بیرون آورده و چون نگینی سبز و بلند با دستهایی گشوده سخاوت را به تمام معنا به رخ می کشد، در خانه سید اسدالله ، عالم بزرگ شهر، نورسیده ای پای در حیات نهاد که نام او را محمد تقی گزاردند.

سید محمد تقی جوانه ای بود روییده بر شاخه سار تباری که در عرصه علم و زندگی درخت تناوری را شکل داده بودند و این طلیعه نیکویی برای او به شمار می آمد. سلسله نسب او چنین بود سید محمد تقی خوانساری فرزند علامه سید اسدالله و او فرزند دانشمند محقق سید حسین و او فرزند عالم بزرگوار سید ابوالقاسم ، فرزند دانشمند گرانمایه علامه سید حسین و او فرزند عالم فرزانه حاج میرزاابوالقاسم ، فرزند دانشمند گرانمایه علامه سید حسین و او فرزند عالم فرزانه حاج میرزاابوالقاسم ... .

و در پایان سلسله نیز سرچشمه دانش و عصمت امام موسی بن جعفر علیه السلام قرار داشت .

ایام مکتب آمد، سید محمد تقی در تیزهوشی گوی سبقت از همگنان ربود. او در این سنین کم هم جذبه های معنوی را در خود احساس می کرد. او که در مکتب خط را بخوبی آموخت و قرآنی را به خط خود نشوت و آن را وقف مسجد کرد.

حوزه خوانسار که در آن زمان به برکت پدران سید محمد تقی و دیگر فرزانه های علمی اش رونقی داشت ، دومین جایی بود که سید محمد تقی در دامنش استواری یافت و قامت راست کرد. سرعت فراگیری سید محمد تقی چنان بود که به هفده سالگی نرسیده ، ادبیات عرب و دیگر پایه های مقدماتی علوم اسلامی را فراگرفت . او در همین مدت قسمتهایی هم از فقه و اصول دوره سطح را خواند.

پای درس بزرگان

خوانساری جوان پس از مشورتهایی که با پدر کرد برای تکمیل اندوخته ها رهسپار حوزه دیرپای نجف شد. هجرت به نجف بر شتاب حرکت او افزود .او در نجف پس از تکمیل درسهای ناتمام ، در درس محققان بزرگ این رشته ها حاضر شد تا جوانه های اجتهاد که از توانایی در تحقیق ریشه می گیرد در او برویند. خوانساری جوان چهار سال در درس فقه و محقق بزرگ اصولی آیهٔ الله آخوند خراسانی شرکت کرد. در کنار این آدرس به درس فقیه برجسته آیهٔ الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی هم حاضر گشت . بعد از ارتحال این دو او از درسهای اصول آیهٔ الله نائینی ، آیهٔ اللله آقا ضیاء عراقی و از درس فقه آیهٔ الله در گرفتن اجتهادنامه خود از اساتیدش کوشش نکرد. اما آقا ضیاء عراقی - که بارها مقام این شاگردش را ارج نهاده و گفته بود ((و حفظ مقام و نگهداری شؤ ونات آقای خوانساری را مانند علمای متاءخر بر خود فرض می دانم)) هنگامی که او بعدها به ایران بازگشته بود، اجتهادنامه وی را از نجف برایش فرستاد. افزون بر این آقای خوانساری از این استاد خود اجازه روایی نیز یافته بود.

بر بلندای حماسه

با شروع جنگ جهانی اول که حکومت عثمانی به نفع آلمان درگیر این جنگ شد و در صف متحدین قرار گرفت ، قمرو عثمانیها در حیطه جنگ واقع گردید. در ۲۸ آبان ۱۲۹۳ ق . بصره و حوالی آن به تصرف قوای انگلیس درآمد. موقعیتی حساس بود، دولت عثمانی از روحانیون کمک طلبید علمای شیعه با آنکه استبداد گسترده از طرف آن دولت بر جامعه اکثریت شیعی عراق روبرو بودند، نتوانستند در چنین هنگامه ای ناظر پایمال شدن سرزمین مقدس عراق شوند. این بود که جمع بسیاری از مراجع فتوای جهاد دادند و چون خود در سنین پیری بودند فرزندانشان را به نیابت خویش رهسپار نبرد کردند و گروه دیگری از مجتهدان نیز خود راهی صحنه جهاد گشتند. در ایام محرم فتواهای شورانگیز جهاد شراره حماسه را بویژه در جان طلایه داران دانش برانگیخت و در این میان آقای خوانساری نیز کرسی درس و تحقیق را رها کرد و در صف رهسپاران جهاد قرار گرفت . او به گروه مجاهدانی که به همراه آیهٔ الله سید مصطفی کاشانی عازم نبرد بودند، پیوست . این گروه سوار بر کشتی در رود دجله و فرات پیش تاختند و خود را به صفوف مقدم جبهه در حوالی بصره رسانیدند.

آقای خوانساری در سنگرهای جلو جبهه همراه با همدرسان خود آقای سید ابوالقاسم کاشانی و آقای بختیاری زاده مستقر گشت . او در نبرد با هزار تیری که داشت و با مهارتی که در تیراندازی یافته بود سینه سپاهیان دشمن را آماج خشم ساخت و آنگاه که دشمن برای درهم شکستن مقاومت جنوب هجومی سخت را آغاز کرد او پر نشاط برود و خنده های بلندش تعجب دوستان را برمی انگیخت و وقتی هم که سایه رخوت بر گروهی از جنگاوران افتاد باز فریاد او که حرام بودن عقب نشینی در برابر دشمن را اعلام می کرد، پرطنین بود، و شگفت تر زمانی بود که با تنگ تر شدن حلقه محاصره دشمن مجاهدان مهیای مرگ می شدند و او شور

نماز داشت و همگان را به آن می خواند. گویی نماز عاشورایی حسین علیه السلام در ذهنش زندگی یافته بود.

قوای دشـمن پیروزیهـای شایانی در جبهه فرات به دست آورد. ولی شـکست در کوت العماره پای رفتن را از آنان گرفت و به ناچار جبهه جنگ از جنوب به شرق تغییر یافت .

بـا اشـغال بغـداد که مقـارن بـا پیروزیهـای دیگر متفقین بود، پایان جهاد فرارسـید. از آن سو اشـغالگران در تعقیب نیروهای مقاومت برآمدند. دسـتگیریهای وسـیعی آغاز گشت و سـرانجام خوانساری جوان هم که در نبرد از قسـمت پا مجروح شده بود، دستگیر شد. مجاهـدان عرب تنهـا بـا سپردن تعهـدی آزاد گشـتند اما برخورد با مجاهـدان دیگر متفاوت بود. انگلیسـی ها از آزادی آنان اجتناب ورزیدنـد. در این میان وساطتهایی نیز برای آزادی آقای خوانساری صورت گرفت ولی بی ثمر بود. اشـغالگران اسـرای جنگی را در بندر بصـره جمع نموده ، آنجا با کشتی هایی به اسـرارتگاههای خود در مستعمراتشان فرستادند و آقای خوانساری و قریب چهارصد تن دیگر از اسـراء به جزیره سـنگاپور برده شدند. چهار ماه طول کشید تا کشتی آنان در آن سرزمین پهلو گرفت . در سنگاپور، اسرا در زنـدانی صـحرایی قرار داده شدنـد. در این زنـدان گروهی از مردمان وحشـی جزیره نیز به نام کوکا به چشم می خوردند. آنها به آدمخواری معروف بودند از آن رو هر روز صـبح که شـیفت زندانبان عوض می شد اسـرا سرشـماری می شدند. در آن محیط خش آقـای خوانسـاری به تلاش علمی روی آورد. او علاـوه بر تـدریس منطق و حکمت ، خود نیز به آموختن پرداخت و توانست زبـان انگلیسـی را از یک راجه هندی بیاموزد. رئیس زندان که متوجه مقام علمی او شده بود با توجه به آشـنایی او به زبان انگلیسـی از او خواست کتـابی گمراه سـاز را ترجمه کنـد. او بـا آنکه روزهای سـختی را پیش روی خود داشت با این درخواست مخالفت نمود. و شاید هم برای انتقام از این سرسختی بود که زندانبانان قصد جان او را کردند. او خود در این باره گفته است :

((روزی همه به بیرون رفته بودند و من تنها بودم . زندانبانان حیوانی وحشی را از آن دم در بر درون زندان ول کردند. حیوان جستی زد و بسرعت به طرف من آمد. خیلی نزدیک شد اما کاری به من نداشت . به دم در رفت و دو مرتبه برگشت . چند دفعه این کار را انجام داد ولی کاری با من نکرد.))

بعـدها که راجه هنـدی آزاد شد در آزادی آقای خوانساری کوشـید. در نتیجه آقای خوانساری نیز پس از گذشت چهار سال تحمل رنج اسارت ، آزاد گشت .

مرجعیت

آیـهٔ الله خوانساری بعد از رهایی از اسارت به زادگاهش خوانسار بازگشت . پس از آن ، آوازه حوزه نوبنیاد سـلطان آباد اراک ، در او شـیفتگی نخستین را زنده ساخت و از همین رو در حوزه سـلطان آباد به احترام آیهٔ الله حائری در درسـشان شـرکت جست و خود نیز جـداگانه به تـدریس فقه ، اصـول و حکمت پرداخت . دیری نگـذشت که او توجه آیـهٔ الله حـائری را به خود برانگیخت . آقـای خوانساری در سـلک یاران نزدیک و مشاوران برجسته (هیاءت استفتایی) آیهٔ الله حائری قرار گرفت . وی در پی این نزدیکیها نقش برجسـته ای در شـکل گیری حوزه علمیه قم ایفا کرد و مشوقی در هجرت آیهٔ الله حائری به قم بود. در سال ۱۳۱۵ ش . حوزه قم در ماتم از دست دادن بنیانگـذارش به سوگ نشـست . در آن موقعیت خطیر آیهٔ الله صدر و آیهٔ الله حجت و همچنین آیهٔ الله خوانساری که سه تن از شاگردان و یاران برجسته آیـهٔ الله حائری بودنـد، برای تصـدی مسؤ ولیت حوزه و عهده داری رهبری دینی مردم مورد توجه قرار گرفتنـد. در این میـان آیـهٔ الله خوانسـاری بـا شایسـتگی های فراوان اخلاقی و علمی که داشت پیشـگام نگشت ، اما شـیخ محمـد صدوقی و شـیخ مجتبی عراقی و تنی چند از دوسـتانشان در پاگیری مرجعیت ایشان تلاش ورزیدند. درس خارج برای ایشان تدارک گردید و قرار شد ادامه درس استادش حائری را بگوید. رفته رفته این شخصیت برجسته مورد اقبال جامعه ایرانی قرار گرفت و بـا طرح جواز رجوع در مسائل احتیاطی به ایشان از طرف آیهٔ الله سـید ابوالحسن اصـفهانی دامنه مرجعیت او گسترش یافت . اما با این همه او آیهٔ الله صدر و آیهٔ الله حجت برای حاکم نمودن وحدت رهبری دینی مردم و زدودن شائبه های تفرقه ، آیهٔ الله بروجردی را به قم خواندند و با اصرار زیاد او را بر این سمند نشاندند.

سالهـای طولاـنی تـدریس آیـهٔ الله خانساری که از حوزه نجف آغاز گشت ، جمع زیادی از آموختگان فضل او را همراه داشت . در سالهای آخر تـدریس هم درس خارج او چنان با عمق و دقت طرح می شـد که تنها شایسـتگانی چنـد یارای حضور در آن را یافتند. آثـار علمی ایشـان غیر از آن رسـاله هـای فتـوایی کـه نظریـات فقهی ایشـان را در بر داشـت ، تقریرات درسـهای خـارجی بـود که شاگردانش جمع آوری کرده بودند. از آن جمله درس طهارت ایشان بود که به همت شاگرد برجسته اش آیهٔ الله محمد علی اراکی و درس صلوهٔ که از سوی شاگرد فرزانه دیگرشان آقا مجتبی عراقی نگارش یافت .

نماز

نماز آیهٔ الله خوانساری حـدیث شـگفتی داشت . در او چنان باور خدا تجلی کرده بود که در نماز حجاب برمی کشـید و روحش به بهشت یـاد درمی آمـد. او خود در این باره چنین گفته بود: در نماز که می ایسـتم مثل این که است که با خـدا شـفاهی صـحبت می کنم و انگـار رخ به رخ هسـتم . در پی نمایانـدن این چهره معنوی او بود که بـا درخواست جمعی از دل باوران ، آیـهٔ الله سـید احمد خوانساری ، برقراری نماز جماعت فیضـیه را به او واگـذاشت . در این نماز پرشـکوه حتی مقـدسانی که تردیدشان در عدالت امامان جمـاعت بسـیار بـود و بـه هر کس اقتـدا نمی کردنـد، بی هیـچ واهمـه ای بـا او به نمـاز می ایسـتادند. بعضـی از شـبها هم که آقـای خوانساری نمی آمـد آیـهٔ الله (امام) خمینی که از اساتید بنام حوزه بود اقامه نماز می کرد. از آن رو که نماز جمعه در نظرگاه فقهی آیـهٔ الله خوانسـاری واجب احتیاطی بود در حوالی سال ۱۳۲۰ بعـد از سالیـان سال این نماز متروک و مهجور مانـده بود، از سوی آن فقیه بزرگ در مـدرسه فیضـیه بپا شد. بعدها فیضـیه هم گنجایش خیل آن همه مشـتاقان نداشت . برای همین ، مکان نماز به مسجد امام حسن عسـکری علیه السـلام انتقال یافت . برگزاری این نماز چنان پرتاءثیر شد که به دنبال آن در بیشتر شهرها نماز جمعه جانی تازه گرفت .

نماز باران

یکی از حوادث مهم که از آثار شهودی آقای خوانساری از نگاه دینی ، نماز بارانی است که او آن را اقامه نمود تا تجلی دعا و نماز

را در زندگی به گونه ای ملموس آشکار کند. در شهریور ۱۳۲۰ که متفقین در ایران به طور انبوه حضور یافتند. در آن موقع موجی از قحطی و نابسامانی در کشور به راه افتاد. قسمتی از سپاه متفقین در منطقه خاکفرج قم استقرار یافت و بعد از مدتی کنترل شهر در دست آنان قرار گرفت . اشغال هنوز ادامه داشت که زمینهای مساعد و وسیع شهر قم – که به صورت دیم کشت می شد – با گذشت دو ماه بهاری از سال ۱۳۲۳ هنوز تشنه بودند. با بروز این خشکسالی موقعیت غذایی مردم بحرانی شد. اهالی قم ، چاره در خواندن نماز باران دیدند. آنان به جستجوی امامی برآمدند تا آنها را به ساحل اجابت رساند و با خلوص و صفایش خواستن را معنی بخشید. مردم راهی خانه های آقایان صدر، حجت و خوانساری شدند. آقایان صدر و حجت در پاسخ مردم گفتند اگر شما وظیفه های شرعی خود را بجا آورید، آسمان و زمین دستهایشان بر شما گشوده خواهد بود. اما آقای خوانساری نتوانست جواب نه بگوید و مردم هم گمان بردند او موافق با خواندن نماز باران است . به همین علت اطلاعیه هایی در سطح شهر نصب گردید که آقای خوانساری در روز جمعه نماز استسقا خواهد خواند. گروهی ایشان را از پایان بد کار بیم دادند اما او گفت حالا که چنین شده ، خواندن این نماز بر من تکلیفی است و هر چه صلاح باشد همان واقع خواهد شد. با نزدیک شدن لحظه موعود بهائیان شهر، متفقین را به انگیزه های این حرکت بدبین نمودند تا جایی که این نیروها در پوششی دفاعی رفتند. در روز موعود، جمعیت از گوشه و کنار شهر روانه شدند تا به صحرای خاکفرج که در نیم کیلومتری شهر قرار داشت و مصلای آن محسوب می شد بروند. آیهٔ الله خوانساری هم با طماءنینه و آرامش مخصوص و در حالی که پاها را برهنه کرده و تحت الحنک انداخته بود با عده ای از همراهان به سمت آن نقطه حرکت نمودند. جمعیت افزون بر بیست هزار نفر بود و ۳/۲ ساکنان شهر را در بر می گرفت . با عبور آرام مردم از کنار پادگان ، شائبه های تردید زدوده شد و توطئه بهائیان بی اثر ماند. آن روز نماز خوانده شد اما اثری از اجابت دیده نشد. آیهٔ الله خوانساری که بارها عطوفت و مهربانی پایان ناپذیر خدا را با همه وجود خود درک کرده بود، بخوبی می دانست که خواستن را با اصرار معنا بخشد. چه آنکه اگر خواهش باشد اجابت حتمی است . او بعد از پایان درس و بحث از شاگردانش خواست که تا همپای او باز به کوی خواهش روند و نماز بارانی دیگر بخوانند. این بار نماز در باغهای پشت قبرستان نوبیاگشت . غروب یکشنبه فرا رسید و آسمان بی تکه ابری سرخ گونگی خورشید را به نظاره نشست . گزارش هواشناسان غربی که در پادگان خاکفرج بودند گویای این بود که بارشی روی نخواهد داد.

دین ناباوران زبان تمسخر گشودند. استاد رسولی در خاطره خود می گوید: ((آن روز گذشت و ما مطابق معمول به نماز جماعت آیهٔ الله خوانساری در مدرسه فیضیه رفتیم . اکنون یادم نیست که به چه مناسبتی شبها در مدرسه فیضیه بعد از نماز جلسه روضه خوانی و سخنرانی بود. مرحوم حاج محمد تقی اشرافی به منبر رفت و هنوز اوایل سخنرانی ایشان بود که باران شروع شد... آن شب باران مفصلی آمد.))

این باران چنان گسترده و بی امان بود که تا آن وقت چنین بارشی را کسی سراغ نداشت . بی سیم های پادگان خاکفرج به کار افتاد و خبر این حادثه شگفت به جهان مخابره شد و در مدتی کوتاه پس از تاءیید آن از طرف مقامهای رسمی لندن و آمریکا، از طریق رادیو انعکاس جهانی یافت .

حج نمونه

تا شهریور ۱۳۲۸ ش هفت سال می گذشت که ایران از حج محروم بود. در آن سال حضور روحانیان که تشنه تر از همه می نمودند در این حج ، حضوری پرجلوه بود. حضوری آنچنان که حج آن سال را حجهٔ العلما نامیدند. روحانیان بزرگی چون آیهٔ الله میرزا محمد فیض و تنی چند از علمای برجسته در این حرکت به چشم می خوردند. آیهٔ الله خوانساری هم به دعوت یکی از بازاریان تهران به این کاروان پیوست . در همان روزهای نخست ورود ایشان به مکه او وحدت آفرین گشت و با اعلام ثبوت رؤ یت ماه از طرف ایشان اختلاف رخت بربست و وقتی هم که جمعی از شیعیان از او تقاضای برپایی جماعت نمودند، او بی اعتنا به درخواست ایشان ، به نمازجماعت برادران اهل سنت رفت . چه آنکه این حج برای همبستگی بود و دلبستگی و دمیدن روح برادری ، تا در سایه وحدتی ظاهری روحها به وحدت رسند در مدینه نحل اقامت آیهٔ الله خوانساری جای آمد و شد هیاءت ها و کاروانهای مذاهب مختلف بود. از جمله آنها هیاءت علمای مصر به سرپرستی شیخ حسن البناء، مرشد عام جمعیت اخوان المسلمین بود. گفتگوهای دوستانه اش آغاز گشت و تلاش آیهٔ الله خوانساری در نزدیکی و ایجاد تفاهم هر چه بیشتر بود. در پاسخ به این خبر اخوان وحدت ، خطبای مصری هم با او، همصدا گردیدند.

فتواهای شورآفرین

آیهٔ الله خوانساری همگام با آیهٔ الله حاج آقا حسین قمی ، پیشگام مبارزه علیه کشف حجاب ، در این مبارزه شرکت نمود. او در آن جو پراختناق در فتوای روشنگرانه بر زروری بودن حجاب پای فشرد.

با شروع شکل گیری توطئه اشغال فلسطین ، آیهٔ الله خوانساری با فریاد آیهٔ الله کاشانی همنوا بود. او در فتوایی فداکاری و کمک مسلمانان را در قضیه فلسطین و جنگ صهیونیسم واجب شمرد سرانجام فریادها کارساز شد و هزاران فدایی اسلام آماده عزیمت به فلسطین گردیدند اما با سنگ اندازی های دولت وقت این اعزام چشمگیر انجام نپذیرفت .

همگامی آیهٔ الله خوانساری با آیهٔ الله کاشانی مرزهای فراتری پیموده است . او با فتوایی سرنوشت ساز ملی شدن نفت را اعلام کرد و قطع دست غارتگران را از این سرمایه خداداد خواهان گردید. در هنگام برگزاری انتخابات مجلس هفدهم که پس از پیروزی نهضت ملی انجام گرفت ، ایشان بار دیگر به یاری رهبری نهضت آیهٔ الله کاشانی شتافت و در فتوایی مهم شرکت در انتخابات را ادای وظیفه شرعی دانست و سستی در این راه را عملی مسؤ ولیت آفرین در پیشگاه خدا قلمداد نمود. انتشار این فتوا، تاءثیر بسزایی در انتخابات مزبور گذاشت . و در تهران تاءثیر آن شگفت آورتر بود.

پاییز حزن

سال ۱۳۳۱ ش علما و مردم شهر همدان که از حال نامساعد آیهٔ الله خوانساری با خبر بودند، از او خواستند تابستان را در هوای ییلاقی همدان سپری کند. با قبول این درخواست ، آیهٔ الله خوانساری با همراهانش آیهٔ الله اراکی ، آیهٔ الله آخوند ملاعلی همدانی ،

آیهٔ الله خمینی و فرزند بزرگشان سید محمد باقر، مؤ لف محترم آقای مجتبی عراقی راهی آنجا گردید.
آیـهٔ الله خوانسـاری در اسـتقبالی پرشور وارد شـهر شـد. در پی اغتنام از انفاس قدسـی او مردم شـهر از وی تقاضای اقامه جماعت در مسجد جامع کردند. در یکی از آن روزها که او برای برپایی نماز به مسجد می رفت ، در بین راه دچار حمله قلبی گشت و سرانجام نزدیکیهـای ظهر هفتم ذیحجه ۱۳۷۱ ق به احرام جانان در آمـد و لبیک گویان به سرای او شـتافت که حـج چهره ای از زنـدگی هر روز است . و چنین شـد که رؤ یـای آیـهٔ الله بروجردی نیز تعبیر گشت . او در رؤ یـای در همان شـبهای قبل از وفات آن فقیه نامـدار دیـده بود که سـید مرتضـی رحلت کرده و او را به شـهر قم می آوردند. قبر او اینک در مسـجد بالاسـر حرم مطهر حضـرت معصومه علیهاالسلام هم آغوش استادش آیهٔ الله حائری قرار دارد.

خوانساری، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۶۷ ق)، خطاط. از آثار وی: شـش دفتر «مثنوی»، مجـدول مـذهب، جلد روغنی، نسخ کتابت خفی متوسط، با رقم: «قد فرغ من تسوید هذا الکلام... ابن محمد هاشم، محمدباقر الخوانساری سنهٔ سبع و ستین و مأتین بعد الالف...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۰۵/ ۴).

خوانساری، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از آثار اوست: قرآن رحلی جلد روغنی عالی دو صـفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع عالی نسخ کتابت جلی خوش با رقم: «برحسب امر... فتحعلیشاه قاجار... العبـد الاقل الاثم الجانی کاتب السـلطانی محمدعلی بن عبدالرحیم الخوانساری» «فی شـهر شـعبان‌المعظم من شهور سنهٔ ۱۲۴۹...» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

- قرآن رحلی جلـد روغنی عالی چهار صـفحه‌ی اول و چهار صـفحه‌ی آخر مذهب دو صـفحه‌ی افتتاح متن و حاشـیه مرصع. نسخ و رقاع کتابت جلی خوش با رقم: «برحسب امر... اسـلطان فتحعلی شاه قاجار... محمدعلی کاتب السـلطانی ابن عبدالرحیم الخوانساری» سمت اختتام یافت فی... سنهٔ ۱۲۴۰» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

- دعوات نیم‌ربعی، جلـد روغنی عـالی. سـرلوح مـذهب نسـخ و رقـاع کتـابت جلی خوش بـا رقم: «چون طبع نواب... عصـمت‌الدین والـدین والـده ماجـده‌ی نایب‌السـلطنه... مراقبـت تلاوت ادعیه و اذکـار است لهـذا داعلی دوام دولت شـهریاری الجـانی محمـدعلی خوانساری به تحریر ادعیه پرداخت و مدینه‌ی محفل... ساخت» «فی شهر شوال المکرم من شهور سنهٔ ۱۲۶۳» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

- سور و ادعیه وزیری کوچـک، جلـد روغنی، سـرلوح مـذهب نسـخ کتابت خوش با رقم: «چون طبع اقـدس... فتحعلیشاه قاجار... به مواظبت اذکار مایل است لهذا داعلی دوام دولت شـهریاری محمدعلی به تحریر این ادعیه پرداخت و هدیه... ساخت» «فیه شهور سنهٔ ۱۲۴۸» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

(س سیزدهم ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن رحلی با جلد روغنی عالی، چهار صـفحه‌ی اول و آخر مذهب و دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع، به خط نسـخ و رقاع کتابت جلی خوش، با رقم: «... محمـدعلی کاتب السلطانی ابن عبدالرحیم الخوانساری، سـمت اختتام یافت فی.. سنه ۱۲۴۰»؛ دعوات نیم ربعی با جلد روغنی عالی، سرلوح مذهب، به خط نسخ و رقاع کتابت جلی خوش، با رقم: «چون طبع نواب... محمدعلی خوانساری بتحریر این ادعیه پرداخت... سـنه ۱۲۶۳»؛ ادعیه‌ی وزیری، جلد روغنی عالی، سرلوح مرصع مذهب، نسخ و رقاع کتابت جلی خوش، با رقم: «... محمدعلی الخوانساری... فی شهر ذی الحجه‌الحرام من شهور سنه ۱۲۳۸»؛ سور و ادعیه وزیری کوچک جلد روغنی، سرلوح مذهب و نسخ کتاب خوش، با رقم: «... محمدعلی بتحریر این ادعیه پرداخت... فی شهور سنه ۱۲۴۸»؛ قرآن رحلی جلد روغنی عالی، نسخ کتابت جلی خوش، با رقم: «... العبد الاقل الاثم الجانی کاتب السـلطانی محمد علی بن عبدالرحیم الخوانساری... سنه ۱۲۴۹».[۱]

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۹۰/ ۴).

خوانساری، مراد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، موسـیقیدان و شاعر، متخلص به مراد. از تصـنیف سازهای معروف زمان شاه عباس و در علم ادوار و فن موسـیقی و ترکیب تصـنیف اسـتاد بود. وی به خـاطر تصـنیفی که در مقـام دو گاه و نوروز صـبا ساخته بود، مورد تشویق شاه عباس قرار گرفت. مطلع آن تصنیف، بیت زیر است:

صد داغ به دل دارم ز آن دلبر شیدایی

آزرده دلی دارم من دانم و رسوایی

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ اصفهان (۲۶۹ -۲۶۸)، تاریخ موسیقی (۳۲۸/۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۱۹ -۳۱۸)، فرهنگ سخنوران (۴۹۱).

خواوند سالک

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «کلیات» کامل عبدالرحمان جامی، به قلم کتابت متوسط که در پایان بعضی از کتابها چنین رقم دارد: «در بلده‌ی محفوظه‌ی سمرقند، در تاریخ نهصد و نود و چهار، در موضع باغ میدان، باتمام رسید. کتبه العبد الفقیر خواجه خواوند بن میرک غفر ذنوبه» و «تمت الکتاب تحریرا سنه‌ی ۹۹۹» و «در بلده‌ی محفوظه‌ی سمرقند در موضع باغ میدان در تاریخ نهصد و نود و پنج، باتمام رسید. کتبه... خواجه خواوند بن میرک»؛ نسخه‌ای از «تحفه الاحرار» جامی با تاریخ ۹۹۰ و رقم: «خواوند سالک بن میرک».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۸۲/۱)، خوشنویسان و هنرمندان (۴۷)، هنر عهد تیموریان (۵۱۰).

خواهر مولی رحیم

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

دختر مولی اصفهانی و خواهر مولی عبدالرحیم اصفهانی، ساکن در محلّه کران بوده، و در اعیان الشیعه(۸۵:۶) فرماید: مؤلّف ریاض العلماء گوید: الآن در اصفهان ساکن، و از علماء معدود است، و در نزد پدر و برادرش درس خوانده. من خطّش را دیده‌ام، و برخی از فوائد او را بر شرح لمعه مشاهده کرده‌ام. خطّش در نهایت خوبی است، و خطّ نسخ و نستعلیق را خوب می‌نویسد.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خوراسکانی اصفهانی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن محمد حسن، فاضل ادیب شاعر، معروف به وثوق العلماء، و مشهور به ملک النجاة، ساکن مدرسه‌ی عبدالله خان در طهران بوده، از فضلای معروف زمان خود به شمار می‌رفته، و مجلس او مجمع فضلا و دانشمندان بوده است.

کتب زیر از اوست:

۱ - عقاید المؤمنین، در اصول دین.

۲ - منظومهٔ العقاید، هر دو در سال ۱۳۲۴ به طبع رسیده است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خوراسکانی حسنی طباطبایی، محمد نصیر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۱۳ ق)، خطاط. از آثار وی: «صحیفه‌ی سجادیه‌ی» رحلی، سرلوح مرصع مذهب، به خط نسخ سه دانگ جلی و رقاع و ترجمه نستعلیق کتابت خفی متوسط، با رقم: «اقل عبادالله ابن میر محمدسعید الحسنی الطباطبایی، میر محمدنصیر الخوارسکانی، فی غره شهر ربیع‌الاول من شهور سنه‌ی ثلث عشر و مائه بعد الالف سنه ۱۱۱۳».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۰۰/۴).

خوراسگانی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن رحلی، جلد ساغری مشکی ضربی مطلا. دو صفحه‌ی اول و دو صفحه‌ی آخر مذهب- دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع مذهب عالی، نسخ کتابت جلی متوسط با رقم: «این قرآن مجید... حسب‌الفرمان... ابوالفتح والنصر... السلطان فتحعلیشاه قاجار... سمت تحریر یافت کاتب ارقام خسروانی محمدباقر الخوراسگانی» «سنهٔ ۱۲۳۵» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

(س سیزدهم ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن رحلی با جلد ساغری مشکی ضربی مطلا، دو صفحه اول و دو صفحه آخر مذهب، دو صفحه افتتاح متن و حاشیه مرصع و مذهب عالی، به خط نسخ کتابت جلی متوسط، با رقم: «این قرآن مجید... حسب الفرمان فتحعلی‌شاه قاجار... سمت تحریر یافت، کاتب ارقام خسروانی محمدباقر الخوارسکانی، سنه ۱۲۳۵».[۱]

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۵۰/ ۴).

خورشید کلاه

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۱۳۰۷ ق، از زنان خوشنویس، از او قرآنی نیم‌ورقی با خط نسخ کتابت خفی متوسط با رقم «... خورشید کلاه بنت خانه‌زاد بن خانه‌زاده علینقی بن حاج اسماعیل، الملقب بحکیم الممالک...» موجود است. وی این قرآن را به دستور ناصرالدین شاه در سال ۱۳۰۷ ق نوشت.[۱]

(ز ۱۳۰۷ ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن نیم ورقی جلد روغنی عالی، دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مذهب، به خط نسخ کتابت خفی متوسط و با رقم: «برحسب امر... ناصرالدین خسرو والامقام...کتبه خانه‌زاد خورشیدکلاه بنت خانه‌زاد بن علینقی ابن حاج اسمعیل الملقب بحکیم الممالک» (سال ۱۳۰۷).[۲]

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :[۱] منبع: احوال و آثار خوشنویسان، ۱۰۶۵ / ۴، ۳.

[۲]احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۶۵/ ۴).

خورگامی، محمدهادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد شیمی از ایالت سارلاند آلمان غربی در سال ۱۳۳۷، دکترای شیمی از انستیتو نفت دانشگاه فنی هانور آلمان غربی در سال ۱۳۴۱.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده علوم دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۲، طی مرحله دانشیاری و ارتقاء به درجه استادی دانشکده علوم دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شیمی تجزیه آلی (تعیین جزئی ستونها به روش اسپکتروفتومتری)، در زمینه چربی‌ها و مواد امولسیفایر در مواد غذائی، تهیه آلکیل هیدروکیل آمین از آلکیل هیدروکسامات‌ها، تدریس در زمینه شیمی آلی، شناسائی مواد آلی، شیمی و تکنولوژی رنگ. استاد راهنمای ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شیمی آلی و کاربرد طیف سنجی در شیمی آلی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۲

زمینه علمی مقالات:

شیمی آلی، مواد غذائی، آلودگی هوا.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

خوریانی، حسام‌الدین، نظام‌الدین رستم

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۳۴ ق)، شاعر. در خوریان بسطام متولد شد. وی از ملازمان نوادگان تیمور، عمر بن میرانشاه و مغیث‌الدین الغ بیگ، در ماوراءالنهر بود و در مدح آنان شعر می‌سرود. او در بطام درگذشت. حسام‌الدین با فنون ادب و اشعار شاعران پیش خود آشنایی کامل داشت و در غزلیات خود به استقبال مولوی و سعدی و حافظ رفته است. صاحب «دیوان» اشعاری بوده که اکنون در دسترس نیست. البته در تذکره «خلاصه الاشعار» متجاوز از ۸۰۰ بیت از اشعاری وی نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۲۲۸ -۲۱۸ /۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۹۷)، تذکره الشعراء (۴۲۴ -۴۲۱)، الذریعه (۳۵۸/۹)، صبح گلشن (۱۷۴)، فرهنگ سخنوران (۳۷۴)، مرآت الخیال (۶۶).

خوزانی، محمد ابراهیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن غیاث الدین از علمای قرن دوازده هجری در اصفهان است. عالم فاضل کامل، متبحّر در فقه و اصول و حکمت بوده، اوایل قاضی اصفهان بوده، و سپس قاضی عسکر نادر شاه گردید.

از شاگردان و مجازین از امیر محمّد حسین خاتون آبادی و میر محمّد باقر خلیفه سلطانی است، و جمعی کثیر از او اجازه روایت یافته‌اند.

در سال ۱۱۶۰ در اصفهان وفات یافته، در مقبره آب بخشان مدفون گردید.

در فوائد الرضویهٔ(۹:۱) درباره او گوید: متمهّر در اصول فقه، و حاذق در حکمت و معقول، دقیق الذهن، عمیق الفکر، کامل العلم، شیرین کلام و عذب البیان.

کتب زیر از تألیفات اوست:

- امان الحثیث فی درایهٔ الحدیث ۱- تفسیر آیه و اذا قریء القرآن ۲- تفسیر قرآن ۳- حواشی بر کتب اربعه ۴- رساله در تحریم غنا ۵- رساله در این که درهم و دینار مانند هم است یا قیمت در آنها معتبر می‌باشد؛ ۶- رساله در مشروعیّت تلقین میّت جهت اطفال؛ و غیره.

در کتاب روضات الجنات(:۶۵۲) در ضمن شرح حال حاج شیخ محمد [بن محمد زمان] کاشانی از او نامی برده شده است.

در کتاب راهنمای دانشوران(۲۵۹:۱) گوید: خوزانی (با ضمّ و سکون) منسوب است به خوزان، و آن نام چندین موضع است، و از جمله قریه خوزان ماربین اصفهان است، و از منسوبین بدانجاست: قاضی محمّد ابراهیم خوزانی... و احمد بن محمد خوزانی اصفهانی، در طبقه شعرا.

از اشعار اوست:

خذفی الشباب من الهوی بنصیب

إنّ المشیب إلیه غیر حبیب

ودع اغترارک بالخضاب و عاره

فالشیب احسن من سواد خضیب

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خوزی، ابوحفص

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۷۲ ق)، شاعر و عارف. وی از خاندان معروف آل‌بنجیر از سادات حسینی فارس بود و از صوفیان بزرگ عصر خود بوده و کراماتی نیز به او نسبت می‌دهند. ابوحفص سفرهای بسیار کرده و با شیخ ابوسعید ابوالخیر و باباکوهی شیرازی دیدار داشته است. و کتابی به نام «کنوزالقلوب و رموزالغیوب»، در علوم غریبه نیز داشته است. از اشعار وی تنها رباعی زیر در دست است:

از بس که بدیدم از وصاف تو فراق

جویای فراق گشتم اندر آفاق

اکنون که فراق تو به من کرده

وفا خواهی تو به شام باش خواهی به عراق

البته در «اسرارالتوحید» به ملاقات و دیدار صاحب ترجمه با ابوسعید اشاره‌ای نشده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۶)، الذریعه (۱۴۲ ،۴۰ /۹)، ریاض العارفین (۴۳)، ریحانه (۶۴/۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوحفص)، مجمع الفصحا (۱۴۴/۱)، یادگار (س ۱۸، ش ۵، ص ۲۶۰ -۲۵۷).

خوشایند، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین خوشایند

محل تولد : مرند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ علوم حوزوی را از شهرستان مرند شروع کرده علم صرف و نحو را در آنجا و الباقی نحو و منطق و اصول مظفر و معالم الدینی را در شهر تبریز به پایان رساندم. در سال ۱۳۵۵ جهت ادامه تحصیل وارد شهر مقدس قم شدم. سطح فقه و اصول را نزد اساتید آقایان اعتمادی و شیخ احمد پایانی و شیخ وجدانی و موسوی گرگانی به پایان رساندم و پس از حضور به مدت دو سال در جبهه های حق علیه باطل به مدت هفت سال در جلسات خارج فقه و اصول از اساتید محترم و آیات عظام آقایان مکارم شیرازی و شیخ جعفر سبحانی و سید یوسف مدنی مستفیض شدم و درس تفسیر قرآن را از محضر استاد صدر بلاغی و درس فلسفه (بدایهٔ الحکمه و نهایهٔ الحکمهٔ) را از محضر استاد حسینی استفاده نموده‌ام و همچنین درس‌های تاریخ اسلام و کلام اسلامی در زمان دارالتبلیغ از آقای سبحانی و اقتصاد اسلامی را از آقای دکتر احمد بهشتی فیض برده‌ام. از سال ۱۳۶۸ جهت تدریس وارد دانشگاه تهران شدم که هم اکنون در گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران به تدریس دروس معارف اسلامی ـ متون اسلامی ـ تاریخ اسلام در رتبه استادیاری به تدریس اشتغال دارم. در تاریخ ۱۳۷۰ کارشناسی زبان و ادبیات را نیز از دانشگاه شهید بهشتی دریافت نمودم.

خوشباف، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زیست‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تبریز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

خوشخوی زهتاب، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: باغبانی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی و دکترا در رشته کشاورزی با گرایش گیاهان زینتی.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بکارگیری کشت بافت روی گیاهان زینتی و در چند مورد روی میوه‌ها و سبزی‌ها، کاربرد هورمون‌های گیاهی، افزایش گیاهان زینتی و داروئی و ادویه‌ای، بررسی ژنتیکی به نژادی گیاهان، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۱ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

ازدیاد نباتات، باغبانی عمومی، کشت بافت.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳۳

زمینه علمی مقالات:

کشت بافت، بررسی ژنتیکی توارث صفات، کاربرد هورمون‌ها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

خوشدل تهرانی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۹ تیر ۱۲۹۳ (۸ شوال ۱۳۳۲)، تهران.

درگذشت: ۲ مهر ۱۳۶۵، تهران.

علی‌اکبر خوشدل، فرزند حاج رحیم صلح‌خواه، تحصیلات متوسطه را در مدرسه ثروت (ایرانشهر) به پایان آورد و علوم قدیمه را از صرف و نحو و فقه و اصول و معانی بیان و بدیع را در مدرسه‌ی مروی به انجام رسانید. یک دوره کتاب مطول تفتازانی و مغنی ابن هشام را در محضر آقا شیخ علی رشتی به انجام آورد و همچنین روزگاری را در اصفهان و شیراز به تحصیل حکمت و منطق پرداخت.

علی‌اکبر خوشدل در غزل و قصیده و قطعه و مثنوی شعر می‌سرود و در غزل به شیوه‌ی طائب معتقد بود. دیوان کامل وی، چند روزی پیش از وفاتش در ۸۲۰ صفحه منتشر شد. از آثار دیگر اوست: دیوان غزلیات (جزء اول: ۱۳۵۶ ق.)؛ دیوان منتخبات (۱۳۳۲)؛ عمدة الاسرار (مجموعه شعر، ۱۳۵۶ ق.)؛ گلشن خوشدل (مجوعه شعر، ۱۳۶۵ ق.).

پیکر علی‌اکبر خوشدل در آستانه‌ی شیخ صدوق (ابن‌بابویه) به خاک سپرده شد.

(تو ۱۲۹۳ ش)، شاعر. در تهران متولد شد. در مدرسه‌ی تدین و ایرانشهر تحصیلات ابتدایی و متوسط را فراگرفت، سپس به سیر و سیاحت پرداخت. خوشدل در سرودن غزل مهارت داشت. از آثار وی: «دیوان» غزلیات؛ «دیوان» منتخبات؛ «عمده الاسرار»، شعر؛ «گلشن خوشدل»، شعر.[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] فرهنگ سخنوران (۳۲۰)، مولفین کتب چاپی (۵۰۶ -۵۰۵/ ۴).

خوشدل کرمانشاهی، میرزا مبین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۸۵ ق)، شاعر. پدر وی از عالمان کرمان بود که به کرمانشاه مهاجرت کرده بود، خوشدل در کرمانشاه به دنیا آمد و در آن شهر به تحصیل علوم دینی پرداخت و مدتی هم در کسوت عالمان دین بود. پس از آن تغییر لباس داد و به کارهای دیوانی مشغول شد. میرزا مبین در سرودن شعر بویژه قصیده استاد بود. از اوست:

زاهد چه وصف طوبی و فردوس می‌کنی

کار زد به صد بهشت تو یک شاخ تاک ما

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۵۸۷ -۵۸۶ /۱).

خوشروان آذر، محمد اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمي: استاد، رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: فني، دانشگاه: تبريز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی در رشته مهندسی مکانیک.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده فنی دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

استفاده از انرژی آفتاب، استفاده از انرژی زمین گرمائی، تئوریهای انتقال حرارت و جرم (خشک کردن سبزیجات و میوه‌جات)، شیرین کردن آب شور، توزیع دما در بدنه موتورهای احتراق آدیاباتیک، طرح مبادله کنهای گرمای دو لوله‌ای، تدریس مباحث برگزیده در انرژی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

محاسبات مهندسی در انتقال حرارت با تشعشع، مبادله کنهای فشرده گرما، انتقال گرما (کتاب برگزیده سال)، طراحی مبادله کنهای گرما و اصول تبرید.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

راه‌حلهای تغییر جزئی برای مسئله تغییر حالت تحت اثر کنوکسیون و تشعشع،

Heat Transfer in a Column packed with Spheres, Flow and pressure Distribution in short Heat.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

خوشمردان سبزواری، باباعلی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، عارف و شاعر. مردی با تقوا و درویش مسلک، و شهره‌ی عصر خود بود. در آن هنگام که میرزا ابوالقاسم بابر، در مشهد قشلاق می‌کرد، از سبزوار به خدمت شاه رسید و مورد عنایت او قرار گرفت. خوشمردان در فن عروض و صنایع شعری شاگرد مولا یحیی سبیک بود و در علم تصوف به طریقه‌ی حافظ علی جامی. از آثار وی: «دو رساله در علم عروض»؛ و «قصیده‌ای در جواب قصیده‌ی خواجه سلمان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۲۳)، حبیب السیر (۶۲/۴)، فرهنگ سخنوران (۶۴۷)، لغت نامه (ذیل/ باباعلی خوشمردان)، مجالس النفائس (۱۰۳).

خوشمردان، بابا

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط. از آثار او: یک قطعه از مرقع بایقرا- طهماسب، به خط ثلث چهار دانگ جلی عالی و نسخ کتابت خفی عالی، با رقم: «مشقه العبد سید بابا الخوشمردان» (قرن نهم).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۵۰/۴).

خوشمردان، علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از آثار او: یک قطعه ثلث سه دانگ جلی عالی و نسخ کتابت و شکسته رقاع نیم دودانگ خوش، با رقم: «مشقه العبد المذنب الراجی... علی بن الحسن الخوشمردان... سنه ست و عشرین و تسعمائه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۱۶/۴).

خوشنام دولت‌آبادی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۷ ق)، شاعر. وی در دولت‌آباد متولد شد و در شهر ری مسکن گزید. از آثار او: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مولفین کتب چاپی (۲۷۷/۴).

خوشنویس نطنزی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۷۵ ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن نیم ربعی جلد روغنی، شش صفحه‌ی اول تمام مذهب، نسخ کتابت خفی عالی به شیوه‌ی آقا غلامعلی، با رقم: «حسب الفرمایش... آقا محمد امین ابن مرحوم... حاج محمدرضا التاجر الشیرازی صورت اختتام یافت از ید کاتب الحروف آقا محمد خوشنویس الشهیر بنطنزی سنه‌ی ۱۲۷۵».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۳۶/ ۴).

خوشنویس، محمدجعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جعفر خوشنویس

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۵/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد جعفر خوشنویس (معروف به جعفر الهادی) سال ۱۳۲۵ در شهر مقدس کربلا به دنیا آمد و به علت انتساب و ارتباط وی به خاندان دینی و علمی و تمایل شدیدی که به تحصیل و کسب علوم اسلامی داشت پس از طی چند سال در مکتبخانه و در مدارس رسمی به حوزه علمیه پیوست و دروسی را در سطح مقدمات (نحو و صرف و بلاغت) و مراحلی از علم کلام و تفسیر و فقه ، باب حادی عشر و مجمع البیان و تبصره علامه و عروه و شرایع الاسلام و لمعه و معالم و اصول و فن نگارش عربی به سبک معاصر را نزد اساتید معروف و مبرز حوزه گذراند.پس از ورود حضرت امام (قدس سره) به عراق و به دلایل سیاسی به لبنان رفته و حدود ۵ سال در بیروت به کارهای فرهنگی و تبلیغی از قبیل سخنرانی نگاشتن و نشر مقالات مذهبی در مجلات و روزنامه های اسلامی و شیعی از قبیل : العرفان و الحیاه (بین سالهای ۱۳۴۹-۱۳۵۳ هجری شمسی) پرداخت .

سپس بـه بحرین هجرت کرده و پس از مکث ۹ ماه در آن کشور که همراه با امامت جماعت و سخنرانی به عربی و فارسی در مجالس مذهبی و اجتماعی و نوشتن و نشر مقاله ، و ایراد سخنرانی هایی از طریق رادیوی منامه در مناسبتهای دینی شیعی بود به ایران آمد و در اواخر سال ۵۴ به حوزه علمیه قم وارد شد و در درس کفایه حضرت آیت الله سبحانی در مسجد فاطمی شرکت کرد و به مدت ۱۵ سال به فراگیری علوم مختلف در زمینه فقه ، اصول ، رجال ، درایه ، فلسفه ، علوم قرآنی و کلام تطبیقی و تلمذ نزد دانشمندان عالیقدر : فقید سعید ستوده (قدس سره) و موسوی تبریزی ، دوزدوزانی ، و فقید سعید حقی تبریزی پرداخت.درس خارج فقه و اصول را از محضر حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) آیت الله العظمی تبریزی ، آیت الله العظمی وحید خراسانی ، آیت الله العظمی مکارم شیرازی ، آیت الله کوکبی ، آیت الله سبحانی استفاده نمود.

از اوائل ورود به حوزه شریف قم به تدریس پرداخت و به تعلیم زبان عربی ، فن نویسندگی معاصر ، خطابه در کنار فقه ، اصول ، عقائد و تاریخ اسلامی مشغول شد.ایشان به خاطر رغبت و علاقه ای که به نشر فرهنگ اسلامی علی الخصوص بین جوانان داشت به خطابه و ایراد سخنرانی در محافل و مجالس به زبان عربی و فارسی پرداخت و به مرور زمان یکی از فعالیتهای عمده وی تبلیغ از طریق منبر قرار گرفت.در همین راستا بر اثر دعوتهای مختلف به مناطق گوناگون در خود ایران و در دیگر کشورهایی مانند لبنان ، سوریه ، بحرین ، دبی ، شارجه ، چین ، مالزی ، سنگاپور ، سریلانکا ، تایلند ، ساحل العاج ، کرواسی ، مکررا سفر کرده و در میان مردم مختلف به سخنرانی پرداخت .به علت تسلط ایشان در دو زبان عربی و فارسی هم در عراق (پیش از حکومت منفور بعث) و قبل از هجرت از عراق و پیش از سالهای (۱۳۴۹-۱۳۵۴ ه.ش) از رادیوی سراسری عراق و همچنین در ایران (پس از انقلاب مبارک اسلامی) در کانال رادیویی ۱، ۲، ۳ فارسی و عربی سراسری و رادیوی قرآن و رادیوی محلی قم و اهواز و کیش و کردستان و سیستان و بلوچستان سخنرانی ، میزگرد و مصاحبه های متعددی در مسائل گوناگون اسلامی و اجتماعی داشته ، همچنین نظیر این برنامه ها از تلویزیون المنار حزب الله لبنان از وی پخش شده است.تدریس در دانشکده شهید محلاتی سپاه قم به مدت چهار سال و مدتی در دانشگاه شریف صنعتی تهران و جامعهٔ الزهراء قم و موسسه مذاهب اسلامی نیز داشته اند. از همان آغاز جوانی بر اساس علاقه به نویسندگی به نوشتن و نشر کتاب و مقاله هایی به دو زبان عربی و فارسی در مجلات گوناگون داخلی و خارجی همچون : القرآن یهدی ، ذکریات المعصومین ، نداء الاسلام ، منابع الثقافه الاسلامیه (عراق) و المواقف (بحرین) رساله القرآن ، پیام قرآن ، پرسمان (قم) و البصائر و رساله الحسین و میقات الحج (ایران) و الشهید (لندن) و دعوهٔ الحق (مغرب) المرشد (سوریه و لبنان) پرداخت. وی عضو هیئت علمی مقام معظم رهبری و جامعه اهل البیت العالمیهٔ و دبیر کمیته تبلیغ و معارف مدارج علمی حوزه است و اینک مدیر مرکز تخصصی آموزشی علوم حدیث (درخیابان معلم) وابسته به حوزه علمیه قم می باشد.

خوشنویسان تهرانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل دانشمند و زاهد خردمند و عابد ناسک ارجمند مرحوم حاج میرزا محمود بن حاج حسام‌الدوله خوشنویسان تهرانی از زهاد و عباد حقیقی عصر خود (و برادر خوانده نگارنده) بودند و جدا از نوادر عصر خود بود که به کلی ترک دنیا کرده و رو به عقبی نهاده و غالب روزها روزه‌دار و شبها یا نمی‌خوابید و یا کم می‌خوابید.

او در حدود ۱۳۲۲ قمری در تهران متولد شده و با مرحوم والدش که از اشراف تهران بود مهاجرت به ارض اقدس نموده و به تحصیل علم و کمال پرداخته و از ابحاث اخلاق و عرفان مرحوم آیت‌اللّٰه میرزا مهدی غروی اصفهانی استفاده نموده و از شرکت در اجتماعات و رفت و آمد با مردم اجتناب و به تهذیب نفس و اخلاق اشتغال جسته و سفری با شتر به مکه مشرف شده بودند.

و پس از فوت مرحوم والدش به عتبات عالیات مهاجرت و چندین سال در کربلا و نجف و در اواخر به سامرا هجرت نموده و در مدرسه کوچک میرزاء شیرازی که در زاویه مدرسه بزرگ قرار دارد سکونت نموده و مجرداً زندگی زاهدانه کرده تا در ماه صفر ۱۳۹۲ قمری که از دنیا رفته و جنازه‌اش را عده‌ای از سادات و فضلاء حمل به نجف اشرف و در وادی‌السلام به خاک سپردند.

نگارنده گوید: آن مرحوم دارای مقامات و منامات عجیبه و مکاشفات غریبه بود و اغلب مردم و اهل علم از او بی‌خبر بوده و او را نمی‌شناختند که چه مرد شریفی بود. بستگانش از برادران و بنی‌اعمام و دامادهایش تمامی از رجال نامی دولت و ثروت و افسران ارشد بودند ولی وی از همه آنان اعراض و به زهد و قناعت و مناعت طبع و اقبال به عبادت و بندگی خدا عمر خود را گذرانیده تا دعوت حق را لبیک گفت و حقاً صاحب نظر و مصداق این بیت بود.

نظر آنان که نکردند بدین مشتی خاک

الحق انصاف توان داد که صاحب نظرند

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خوشنویس‌باشی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۰/۱۳۰۳ ق)، خطاط. معروف به خوشنویس‌باشی. وی اهل تهران بود ولی، بیشتر ایام عمر را در تبریز سپری کرد و در آنجا سمت معلمی خط شاهزادگان قاجار را داشت. او در خط نستعلیق استاد مسلم بود. سید حسین شاگردان خوبی تربیت کرده که از جمله‌ی آنان میرزا یوسف، میرزا علی‌محمد تبریزی، میرزا مهدی خان، اسماعیل امیر خیزی و یوسف میرزا قاجار می‌باشند. قطعات مختلف از آثار وی، از قم شش دانگ تا نیم دو دانگ عالی و ممتاز است که تاریخ کتابت آنها بین سالهای ۱۲۷۱ و ۱۲۹۵ و با رقم «میر حسین» است. روی سنگ قبر محمدشاه قاجار در قم، در اطراف تمثال او کتیبه‌ای است از اشعار سروش اصفهانی، که ظاهرا به خط همین میر سید حسین است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۵۲ -۱۵۱ /۱)، اطلس خط (۵۹۱ -۵۹۰)، شرح حال رجال (۷۶/۵)، المآثر و الاثار (۲۱۲).

خوفی همدانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی معاصر صادقی کتابدار بود و در همدان شغل شمشیرسازی داشت و روزگار به فقر و تنگدستی می گذرانید. از اشعار اوست:

انتظار از بیم نومدیدی دلم را پاک سوخت

همچنان امیدوار از وعده‌ی یارم هنوز

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۴۸/۱)، الذریعه (۳۰۸/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۲۱)، لغت نامه (ذیل/ خوفی همدانی)، مجمع الخواص (۳۰۶).

خونساری، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر خونساری فرزند برومند آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید احمد خونساری قدس اللّٰه و داماد معظم آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی مدظله العالی از فضلاء آقازادگان معاصر می‌باشند. ایشان که یگانه فرزند روحانی آن مرحوم در سال ۱۳۵۶

قمری در قم به دنیا آمده و در بیت علم و ورع پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید به تحصیل علوم دینیه پرداخته و پس از خواندن مقدمات سطوح را در تهران از مرحوم حاج شیخ حسین زاهد و مرحوم حاج شیخ محمدباقر شریف‌زاده خوانده و سطوح عالی را از مدرسین مدرسه حاج ابوالفتح و مدرسه مروی و غیره استفاده نموده و خارج فقه را از آیت‌اللّه العظمی حاج سید احمد خونساری که از نوادر فقهاء و آیات عظام و مراجع تقلید بزرگ زمان بودند استفاده نموده و متصدی برخی از امور و مراجعات به والد ماجدش بوده تا بیست و هفتم ربیع‌الثانی سال ۱۴۰۵ ق که ماده تاریخ رحلت آیت اللّه خونساری است آن مرحوم با اعلان قبلی (یعنی یک هفته قبل از وفاتش) درگذشت. ایشان درب خانه پدر را مانند زمان آن مرحوم بازداشته و شبهای جمعه تمام سال و ایام عاشورا و ایام فاطمیه و مضافا شبهای قدر و احیاء (نوزدهم و بیست و یکم و سوم) ماه رمضان مجلس دعاء و احیاء و تبلیغ برقرار و علاقمندان و ارادتمندان به روحانیت و بالاخص آیت‌اللّه خونساری اجتماع نموده و گویندگان خالص ایفاء وظیفه نموده و روح پرفتوح معظم‌له را برخوردار می‌کنند و آن مرحوم به این مجلس توجه و عنایت خاصی دارند چنانچه خود نگارنده در عالم خواب دیدم آقای حاج آقا جعفر که تربیت شده مکتب آن عالم ربانی و فقیه سبحانی و مرجع بصیر می‌باشند روشنفکر و دارای بصیرت و بینش عجیبی هستند جدا وارث اخلاق حمیده پدر بزرگوارش می‌باشند. دارای فرزند برومندی به نام آقای حاج سید مصطفی که داماد آیت‌اللّه حاج شیخ محمدرضای مهدوی دامغانی از علماء و مدرسین و مفسرین بزرگ مشهد مقدسند.

دامادهای روحانی عزیزی دارند که از فضلاء و آقازادگان محترم به نامهای زیر می‌باشند.

۱- آقا سید محسن موسوی فرزند حجهٔ‌الاسلام حاج سید علی‌اکبر موسوی یزدی.

۲- آقا سید محسن محقق فرزند حجهٔ‌الاسلام حاج سید علی محقق داماد.

۳- آقا سید محمد مرتضوی فرزند حجهٔ‌الاسلام حاج سید محمدحسن مرتضوی لنگرودی.

۴- مهندس محمود دیبائی فرزند حاج دیبائی قمی داماد مرحوم آیت‌اللّه خونساری قدس‌اللّه سره.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

خونساری، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جواد بن العالم الجلیل و الفقیه النبیل حاج سید حسن خونساری از علماء و ائمه جماعت معاصر همدان است.

وی در سال ۱۲۹۵ شمسی در همدان متولد شده و پس از پرورش در بیت علم و تقوا و خواندن فارسی با معیت برادر ارجمندش جناب حجهٔ‌الاسلام والمسلمین آقای حاج آقا موسی آنف‌الذکر به قم مهاجرت نموده و سطوح را از مرحوم حجهٔ‌الاسلام آقامیرزا محمد همدانی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ ابوالقاسم قمی و تفسیر را از مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر قزوینی استفاده نموده و بعد به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حجت و آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی حایری قمی شرکت و از محضر دراسات آنان و دیگران بهره‌مند شده و پس از آن به همدان مراجعت و تا حال حاضر به اقامه جماعت در مسجد جامع و مسجد دیگری و ترویج دین و تبلیغ احکام اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

خونساری، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن موسوی خونساری رحمهٔ‌اللّه از علماء بنام همدان بوده‌اند.

وی از اصحاب و خصصیین و شاگردان مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای سید محمدکاظم یزدی بوده و مدت یازده سال تمام در نجف اشرف مشغول تحصیل و از اساتید وقت مثل مرحوم حاج آقا رضای همدانی و آیت‌اللّه العظمی حاج میرزا محمدتقی شیرازی استفاده نموده و چند سالی هم اواخر مرحوم میرزای بزرگ «آیت‌اللّه مجدد شیرازی» را درک نموده و کراماتی هم نقل کرده‌اند تا آنکه اهالی همدان مسجدی مخصوص او بنا کردند پس در زمان مرحوم آیت‌اللّه طباطبایی یزدی صاحب عروهٔ‌الوثقی از نجف اشرف حرکت با تجلیل زیادی وارد همدان و مورد توجه قاطبه مردم همدان به طبقات مختلف گردیده و در زمان خود معروف به زهد و تقوی و در اقامه جماعت اول روحانی محسوب بودند و پس از شصت سال خدمت و ترویج شرع در سن نود و دوسالگی در اول ماه شعبان ۱۳۳۷ شمسی به رحمت ایزدی پیوسته و با تجلیل فوق‌العاده جناره آن مرحوم حمل به نجف اشرف گردیده و در جوار مولی الموحدین امیرالمومنین علیه صلوات المصلین مدفون گردیده است دارای پنج پسر می‌باشد که ترجمه دو نفر از آنها را می‌نگارم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

خونساری، ضیاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام سید ضیاءالدین خونساری از علماء اعلام و افاضل کرام حوزه علمیه و مبرزین شاگردان مرحوم آیت‌الله حایری بودند که از اراک به قم هجرت نموده و تا آخر عمر مرحوم حایری از دروس فقه و اصول وی استفاده کرده‌اند.

تولد او در سال ۱۳۱۲ ق- در خونسار واقع شده و پس از طی مقدمات و سطوح به اراک رفته و بعد با انتقال حوزه به قم آمده تا سال ۱۳۵۸ قمری که از دنیا رفته و در جوار امامزاده معروف به شاه محمدقاسم مدفون شده است.

در تقوا و علم و فضیلت و جودت ذهن مشار بالبنان بوده و مرحوم آیت‌الله حایری توجه مخصوصی به ایشان داشت در عید فطر ۱۳۵۲ قمری مرحوم آیت‌الله نماز عید را به وی واگذار نموده که در صحن به جماعت انجام دادند.

نفوذی در خونسار و حومه آن داشت و در تابستانها که آنجا می‌رفتند فصل دعاوی و خصومات با ایشان بود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

خونساری، فضل‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید فضل‌اللّه بن العالم الجلیل آقا سید علی‌اکبر خونساری خواهر زاده و داماد آیت‌اللّه العظمی حاج سید احمد موسوی خونساری مد ظله از علماء بزرگوار معاصر تهران است.

وی در خونسار متولد شده و در مهد علم و کمال پرورش یافته و اولیات را در آنجا خوانده و به اصفهان مسافرت و یکسال در آنجا درس خوانده و در سال ۱۳۴۷ قمری مهاجرت به قم نموده و سطوح را نزد اساتید حوزه به اتمام رسانیده و حدود دو سال در حوزه درس آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی حاضر و استفاده نموده و بعد از فوت آن مرحوم یک دوره اصول مرحوم آیت‌اللّه حجت را دیده و از محضر آیت‌اللّه خونساری بهره‌مند شده و حدود نوزده سال فقه و اصول و علوم عقلیه و فلسفه و فلکیات را از آیت‌اللّه العظمی حاج سید احمد خونساری مد ظله دائی بزرگوار خود بهره‌مند شده و هم از ابحاث عرفان و فلسفه مرحوم آیت‌اللّه شاه آبادی استفاده نموده تا سال ۱۳۶۵ قمری که بر حسب تقاضا و اصرار جمعی از اهل تهران ساکن (خیابان شاه) برای اقامه جماعت در مسجد سجاد آن خیابان و ترویج دین مبین و ادامه بوظائف روحانیت مهاجرت به تهران نموده و تاکنون در آن محیط اشتغال به خدمات دینی و تدریس فقه و اصول دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خونساری، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آخوند ملا- محمدعلی خونساری قدس‌اللّه سره متوفی ۱۳۳۲ قمری از علماء برجسته و مجتهدین حوزه علمیه نجف اشرف از شاگردان بزرگ مرحوم آیت‌اللّه العظمی آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و اکابر مراجع و آیات عظام نجف اشرف و مدرسین به نام آن سامان و دارای دامادهای بزرگواری مانند مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ موسی خونساری متولد ۱۲۹۳ متوفی ۱۳۶۳.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

خونساری، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدباقر بن العلامه التقی آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری از علماء معاصر تهرانست وی در قم متولد و اولیات و سطوح را از مدرسین قم فراگرفته و چندی از محضر مرحوم والد و آیت‌اللّه اراکی و آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده نموده آنگاه مهاجرت به نجف و از مراجع آن سامان مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم و آیت‌اللّه العظمی خوئی و آیت‌اللّه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و دیگران استفاده و چند سالی است مراجعت به ایران و در خیابان گرگان تهران رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت در مسجد شمال خیابان مزبور و ترویجات و نشر معارف اسلام اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خونساری، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم مبرور سیدالفقهاء والمجتهدین و سند العلماء والمتقین الورع الزکی والمجاهد الصفی والتقی النقی الحاج السید محمدتقی بن

سید الاعلام السید اسداللّه الموسوی الخونساری قدس اللّه نفسه الزکیه ابن العلامهٔ الاوحد السید محمد بن المحقق السید حسین بن العلامهٔ الافضل السید ابوالقاسم بن الامام الاکبر العلامهٔ الاجل الحاج السید حسن بن مولا العلامهٔ الحاج میرزا ابوالقاسم (جعفر) ابن السید حسین بن السید قاسم ابن السید محب‌اللّه بن السید قاسم ابن السید مهدی بن السید زین‌العابدین بن السید ابراهیم ابن السید کریم‌الدین بن السید رکن‌الدین بن السید زین‌العابدین ابن السید صالح (العالم الجلیل الشهیر بالقصیر) ابن السید محمد بن السید محمود بن السید حسین بن السید حسن بن السید احمد بن السید ابراهیم بن السید المجاهد السید عیسی بن السید حسن بن السید یحیی ابن السید ابراهیم بن السید حسن بن السید عبداللّه ابن الامام الهمام موسی بن جعفر علیهماالسلام

ساروا و قد بعدت عنا منازلهم

هذه المنازل والاثار والطلل

مخبرات بان القوم قد رحلوا

فالان لا عوض عنهم و لا بدل

فسرت شرقا و غربا فی تطلبهم

و کلما جئت ربعاً قیل لی رحلوا

ولادت این بزرگوار در سال ۱۳۰۵ قمری در قصبه خونسار واقع و وفاتش در هفتم ذی‌الحجه ۱۳۷۱ قمری در همدان اتفاق افتاد و از آنجا با تشییع کم‌نظیری حمل به تهران و از آنجا به قم و در مسجد بالاسر کنار در قبله و قبر مرحوم آیت‌اللّه حایری مدفون گردید.

نگارنده ترجمه معظم له را درج اول آثار الحجه از ص ۱۴۲ تا ص ۱۶۱ نگاشته و نیز در ص ۳۸۴ ج ۴ کتاب مشاهیر دانشمندان اسلام متذکر شده در اینجا به طور متوسط می‌نگارم. آن جناب پس از طی مقدمات در خونسار در سال ۱۳۲۲ قمری مشرف به عتبات عالیات شده و در درس مرحوم آخوند خراسانی و علامه یزدی شرکت نموده و پس از فوت آنان در درس بزرگانی مانند مرحوم شریعت اصفهانی و آقای آقا ضیاءالدین عراقی و آقا شیخ علی قوچانی حضور یافته و در هنگام ثوره عراق با مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمدتقی شیرازی و مرحوم آیت‌اللّه کاشانی به جنگ انگلیس و استعمارگران رفته تا در سال ۱۳۳۳ تبعید به هندوستان شده و بعد از چهار سال گرفتاری به ایران و وطن خود خونسار مراجعت و بعد از اندکی توقف به اراک رفته و در درس مرحوم آیت‌اللّه حایری حاضر و با معیت آن مرحوم به قم مهاجرت نموده و در تشکیل حوزه قم و حفظ آن تشریک مساعی داشته و بعد از فوت آن مرحوم به اتفاق دو قرین عزیز خود مرحومین آیتین حجت و صدر تا آمدن مرحوم آیت‌اللّه بروجردی از نگهداری حوزه و سرپرستی و تربیت طلاب و محصلین لحظه‌ای مسامحه ننمودند و چه بسیار از افاضل بلکه مراجعی که از حوزه آن مرحوم بیرون آمده‌اند.

نیاکان و اسلاف آیت‌اللّه خونساری

در میان آن سلسله جلیله ستارگان درخشانی در آسمان علم و دانش و چراغهای فروزانی در طریق هدایت و خداپرستی و گلهای زینت‌بخشی در مجالس زهد و تقوا یافت شده که هر یک به نوبه خود علم اسلام و پرچم دین را به دوش کشیده و هزاران نفر را از گمراهی جهل و نادانی به شاهراه مستقیم دیانت هدایت نموده و نامهای نیک و یادگارهای ارزنده‌ای از خود به جای گذارده‌اند و جامعه علم و روحانیت را مرهون زحمات و مشقتهای طاقت‌فرسای خویش ساخته‌اند یکی از آن رجال برجسته دانشمند متقی آقا سید ابوالقاسم فرزند آیت‌اللّه حاج سید حسین است که در سال ۱۱۶۱ در قصبه خونسار متولد شده و در اعلا درجه زهد و تقوا و علم و دانش بوده و به علت شدت احتیاط در دین و اجتناب از پیروی هوا و دنیا سراسر زندگی از اقامه جماعت و ریاست و حکم و فتوا کناره‌گیری نموده و به تمام قوا کوشش در انجام مهمات و قضاء حوائج اخوان می‌فرمود دارای نفسی عجیب و دعائی مجرب که در زمره کراماتش شمرده می‌شد چنانچه مشهور است که به مجرد خواندن یا نوشتن دعاء بیماران شفا می‌یافتند.

در اواسط ماه مبارک رمضان در سال ۱۲۴۰ در قصبه خونسار به رحمت حق واصل شده (از روضات‌الجنات ص ۱۲۶- الکنی والالقاب ج ۱ ص ۱۳۵).

دیگر از اعاظم این خانواده آیت‌اللّه العلام الحاج سید حسین است که از اکابر محققین اعلام و عظام علماء اسلام دارای اخلاق نیکو و در اعلاـ درجه زهد و تقوا و دین در زمان خود بوده زاویه خونسار را به جهت خود اختیار و کمتر از آن قصبه بیرون آمده از مسافرت خودداری می‌فرمود و از این رو نامش بر بسیاری از علماء و دانشمندان مخفی و پوشیده گشته در روز یکشنبه هشتم رجب سال ۱۲۹۱ در قصبه نامبرده رحلت و در جوار منزلش مدفون و قرش مزار مردم خونسار است.

و دیگر ابوالقاسم جعفر بن الحسین است که در ماه صفر روز اربعین سال ۱۰۹۰ در اصفهان متولد مقدمات و سطح را در نزد علماء و دانشمندان اصفهانی تحصیل و در قسمت دروس نهائی خدمت علامه مجلسی تلمذ نموده است و لذا از ایشان در کتب و مصنفاتش تعبیر می‌نماید (شیخی الاعظم و استادی الافخم).

دارای تالیفات و تصنیفات چندیست در کلام و فقه و ادعیه و غیر ذلک و یکی از شاهکارهای ادبی ایشان منظومه عربی میمی که خالی از همزه و الف و متجاوز از سه هزار بیت که در حکم و آداب شرعیه نوشته است.

در حدود سال ۱۱۳۰ به واسطه فتنه افاغنه در اصفهان حرکت نموده و به موجب تقاضای اهالی خونسار را محل اقامت خود قرار داده و در آنجا قیام و اقدام به امورات شرعیه نمود تا در سیزدهم ذی‌القعده سال ۱۱۵۷ در قریه قودجان که از قراء خونسار است رحلت و به رحمت حق واصل و در همان قریه مدفون و قبرش مزار هر خاص و عام است و در رحلتش اشعاری سرودند که از آن جمله است.

میر ابوالقاسم اعلم ز جهان رحلت کرد

از میان نسخه آداب مسلمانی رفت

سال تاریخ وفاتش ز خرد پرسیدم

گفت دانای ادب عالم ربانی رفت

و در شرح نوابغ و بزرگان این سلسله به تراجم رجال و مشجرات آل الرسول مراجعه شود زیرا که این کتاب را گنجایش آن نیست.

یکی از آثار و کرامات باهرات مترجم معظم ما نماز استسقاء اوست که در آثار الحجه مشروحاً ذکر کردم و در جرائد و مجلات آن روز هم مسطور گردیده و حتی به کشورهای دیگر هم مخابره شده است و آن در سال ۱۳۶۳ قمری بود همان سالی که متفقین ایران را اشغال کرده بودند و در قم باران نباریده و باغات و مزارع خشکیده و خطر قحطی و خشکسالی مردم قم را تهدید می کرد آن مرحوم دو روز متوالیا برای نماز باران به صحرا رفتند و در روز دوم چنان باران آمد که سیلها روان و جویبارها به راه افتاد و این از انفاس قدسیه آن مجسمه تقوا و پیکره فضیلت بود.

اشعار دانشمندان درباره نماز باران آن مرحوم

ادباء و فضلاء قم و سایر بلاد در فوت و مدح آن مرحوم بسیار داد سخن داده که برای اختصار چند قصیده آن را می‌نگارم. آقای نبوی قمی که از فضلاء و خطباء به نام حوزه علمیه قم است گوید:

مخزن علم و کمالی مصدر زهد و ورع

زهره افلاک زهدی بهتر از هر اختری

یاور دین را تو یاری خصم او را دشمنی

بی نوایان را نوائی بی‌کسان را یاوری

قهرمان عرصه میدان علم و دانشی

علم و تقوا را سراسر کشور پهناوری

از محمد وز تقی شد نا امیت تمام

زین دو نور حق عیان گردیده اینک انوری

ای مجاهد کز سر صدق و صفا کردی قیام

الحق الحق در زمانه مظهر یا قاهری

باید اینسان معدن علم و هنر آید برون

از دبستانی که او آموخت علم و سروری

مایه فخر و مباهاتی تو بر اسلامیان

دشمنان دین و آئین را فروزان آذری

بر سر اسلامیان جاوید بادا سایه‌ات

بخت خصمت تیره‌گون گردد جهان کافری

عقل عاجز گردد از وصف تو ای یکتاپرست

یکه‌خواه و یکه‌جوی و یک‌نوای یک‌سری

علامه ادیب آقای کرمی اهوازی گوید

لهفی علی رجل الحقیقهٔ والتقی

الایهٔ العظمی محمد التقی

بطل اقام عماد دین المصطفی

بجهاده و تعلیمه المتدفق

القت له الدنیا مقالید الوری

فهو الزعیم بمغرب و بمشرق

خونسار مولده و فی النجف استقی

من فیض حیدرهٔ السعادهٔ والرقی

کمعاهد الکفار حتی حل من

کید العدی بمحیط اسر ضیق

مازال منتصبا تؤم جماعهٔ

و یشید فی الجمعات احسن منطق

شحت بوابلها السماء فما انثنی

من ورده و صلوته حتی سقی

ارخه ماظلت بنوحک امه (۱۳۷۱)

لهوی التقی الا لانک متقی

مرحوم حجهٔالاسلام حاج سید هادی روحانی رودسری گوید

بهر بهار گل از گل شکفته مالامال

گل شریعت ایمان شده است محوالحال

گلی فروشده در گل که تا به یوم قیام

گلاب اوست که هر دم ز دیدگان سیال

برفت آیت عظمای عصر خونساری

فقیه آل محمد همان ستوده خصال

جهاد کرد و اسارت برفت و حبس نشست

که تا ستون دیانت بیابد استقلال

بحفظ حوزه و در تربیت نموده قیام
در آن زمان که شدی بدر حوزه همچو هلال
نماز جمعه بپا کرد نفس قدسی او
به تشنگان حقیقت چشاند آب زلال
هزار و سیصد و هفتاد و یک پس از هجرت
بروز هفتم ذی‌الحجه با شکوه و جلال
برفت آن تقی متقی و زاهد دهر
به نزد جد گرامش کشیده رخت وصال
نمود ختم بگفتار خویش روحانی
که پیش از این ز تأسف نداشت حال مقام

در شب فوت آن مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی در خواب می‌بیند که سید بزرگوار علم‌الهدی سید مرتضی موسوی شاگرد مبرز شیخ مفید رحمه‌اللَّه از دنیا رفته و جنازه او را به قم می‌آورند بسیار متأثر شده و با وحشت از خواب بیدار و انتظار وقوع حادثه‌ای را می‌برد که از همدان تلفوناً اطلاع ضایعه فوت معظم له را می‌دهند پس تعبیر خواب خود را یافته و عموم علماء و محصلین حوزه و مردم متدین قم را برای استقبال از جنازه و تشییع آن اعزام می‌فرمایند نگارنده هم در مشهد مقدس بودم که آنشب خواب عجیبی دیدم که در حرم مطهر ایستاده‌ام ولی ضریح و صندوق قبر شریف نیست بسیار نگران بودم از خواب بیدار شده و با یکی از علماء و مراجع مشهد خواب را گفته و گفتم گمانم اینست که یکی از علماء بزرگ از دنیا رفته است تا دو ساعت بعد رادیو خبر این حادثه را داد. فرزندان برومندی دارد که در میان آنان جنابان حجت‌الاسلام آقای حاج سید محمدباقر و آقای حاج سید محمدعلی به فضل و دانش موصوف و ترجمه آنان در ج ۳ مذکور خواهد گردید.

(۱۳۷۱ -۱۳۰۵ ق)، مجتهد، مدرس حوزه و مرجع. در خوانسار متولد شد. پس از تحصیل مقدمات در خوانسار به عتبات رفت و از محضر آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و علامه یزدی بهره جست. سپس در حوزه‌ی درس بزرگانی چون شریعت اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی و آقا شیخ علی قوچانی حضور یافت. وی هنگام انقلاب عراق همراه با آیت‌اللَّه محمد تقی شیرازی و آیت‌اللَّه کاشانی، با انگلیس و استعمارگران به مبارزه پرداخت و در پی آن به هندوستان تبعید شد. آیت‌اللَّه خوانساری بعد از چهار سال گرفتاری به ایران بازگشت و پس از مدت کوتاهی توقف در خوانسار، به اراک رفت و از حوزه‌ی درسی آیت‌اللَّه حایری بهره‌مند شد. پس از مدتی همراه وی به قم مهاجرت کرد و در تشکیل حوزه‌ی قم سعی بسیار کرد. بعد از فوت آیت‌اللَّه میرزا عبدالکریم حایری به اتفاق آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه صدر، تا آمدن آیت‌اللَّه بروجردی، به نگهداری از حوزه و سرپرستی و تربیت طلاب مشغول شد. نماز باران وی در سال ۱۳۶۳ ق در قم بسیار مشهور است. وی سرانجام در همدان درگذشت و در مسجد بالا سر قم دفن شد.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

منابع زندگینامه :[۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۵۷/ ۳)، الکنی و الالقاب، ترجمه (۳۸۵ -۳۸۴/ ۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۲۲ - ۳۲۱/ ۱).

خونساری، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید محمد علی بن العلامه الورع آیت‌اللَّه حاج سید محمد تقی موسوی خونساری از علماء فعال و مروج معاصر تهران است. وی نیز مانند برادرش در قم متولد و در مهد علم و تقوا پرورش یافته و اولیات و سطوح را از مدرسین حوزه آموخته و چندی از محضر مرحوم والد و آیت‌اللَّه اراکی و آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی شریعتمداری و دیگران استفاده نموده آنگاه بنابر دعوت عده‌ای از مؤمنین تهران رحل اقامت به آن سامان انداخته و در مسجد حضرت ولی عصر عجل اللَّه فرجه خیابان فرودگاه نزد کارخانه پپسی کولا به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تنویر افکار اشتغال دارد و در فن منبر نیز مهارت و استادی کامل دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خونساری، محمدکاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدکاظم بن العلامه آیت‌اللَّه حاج شیخ علی اکبر خونساری (متولد ۱۳۰۰ قمری و متوفی ۱۸ جمادی‌الثانی ۱۳۵۹ قمری) از افاضل دانشمندان معاصر و اصحاب خاص آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی می‌باشند.

در سال ۱۳۴۷ قمری در نجف اشرف متولد شده و پس از پرورش در بیت علم و تقوا در سن دوازده سالگی پدر را از دست داده و اولیات را در خدمت مرحوم آقا میرزا عبداللَّه تبریزی خسروشاهی و مرحوم والدش خوانده سپس سفری به هندوستان نموده و چند سالی در آنجا اقامت و پس از آن به ایران مراجعت و یک سال در قم اقامت و سطوح لمعه و قوانین را از آیت‌اللَّه صدوقی یزدی و

آیت‌اللَّه حاج سید حسین بدلا آموخته آنگاه به نجف اشرف عزیمت و منطق را نزد شمس تبریزی و قسمتی از سطوح را از آیت‌اللَّه علامه فانی اصفهانی و مکاسب و کفایه را از مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا حسن یزدی فراگرفته و دو دوره از اصول آیت‌اللَّه العظمی خوئی و خارج فقه را از معظم‌له و غیر ایشان استفاده نموده و مدت هشت سال متصدی بررسی نامه‌های وارده برای ایشان ونیز آیت‌اللَّه آقا میرزا عبدالهادی شیرازی از جهان تشیع و پاسخ آنان بوده تا سال ۱۳۹۵ قمری که به حکم تقدیر و اراده خداوند متعال مهاجرت به ایران و رحل اقامت در شهر مذهبی و علمی قم افکنده و بنابر دعوت رسمی آیت‌اللَّه العظمی آقای گلپایگانی تصدی رسیدگی به نامه‌های معظم‌له محول به ایشان گردیده و تا حال حاضر اشتغال به این پست بزرگ دارند.

از آثار ایشان است ۱- تقریرات درس آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظله.

۲- زندگینامه مفصل آیت‌اللَّه خوئی و آثار خالده ایشان که در نوع خود بی‌نظیر است.

۳- شرح احوال رجال علمی خونسار.

والد ماجدشان از علماء بزرگ نجف اشرف بوده و مرحوم علامه رازی حاج شیخ بزرگ تهرانی قدس‌اللَّه سره وی را در نقباءالبشر کتاب رجالی خود یاد نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

خونساری، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌الله حاج سید مصطفی بن العلامه حاج سید احمد موسوی خونساری از علماء اعلام و آیات عظام حوزه علمیه قم است دارای مقامات علمی و کمالات نفسانی حسبی و نسبی است.

تولدش در ربیع‌المولود سال ۱۳۲۱ قمری در خونسار واقع شده و پس از رشد و تمیز مقدمات را از مرحوم آقا سید علی خونساری دائی خویش خوانده و سطوح را از والد ماجدش فراگرفته و در سال ۱۳۴۰ هجری به قم مشرف و از اول ورود به قم به حوزه درس مرحوم آیت‌الله حایری حاضر و چندین دوره فقه و اصول را نزد آن جناب استفاده نموده تا حائز مقام اجتهاد و استنباط و مورد تصدیق معظم‌له واقع شده و حدود ده ماه هم از مرحومین علمین اصفهانی و نائینی در قم بهره‌مند گردیده و هم مدت کوتاهی از مرحوم آیت‌الله قمی و آقازاده خراسانی و آیت‌الله میرزا محمدصادق اصفهانی و آقا رضای مسجد شاهی اصفهانی استفاده کرده‌اند و از هر خرمنی از علوم آنها خوشه‌ها چیده و بهره‌ها برده تا ورود آیت‌الله العظمی بروجردی رحمه‌الله که به ایشان پیوسته و از اصحاب استفتاء و خواص حواریین معظم‌له گردیده و هم تدریس فقه و اصول داشته و دارد.

تالیفات چندی دارد که فهرست آنها را می‌نگارم ۱- الدیانه الاسلامیه در اصول اعتقادات می‌باشد ۲- تقریرات درس مرحوم آیت‌الله حایری در اصول و صلوه و نکاح و مکاسب.

۳- الجواهر المودعه که کتاب نفیسی است ولی هیچکدام آنها تاکنون به طبع نرسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

خونساری، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید موسی خونساری بن العلامهٔ الورع الحجهٔ الایهٔ السید حسن الموسوی الخونساری از علماء معاصر همدان است.

در سال ۱۳۲۹ قمری در همدان متولد شده و مقدمات را نزد والد معظم و سطوح را در قم نزد اساتید وقت فراگرفته و پس از رحلت مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری به همدان آمده و مشغول به ترویج و خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام نموده و در زمان مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی مشرف به نجف گردید و مدت دو سال توقف و از ابحاث آیات عظام آنجا استفاده نموده تا اهالی همدان به وسیله حضرت آیت‌اللَّه العظمی بروجردی تقاضای معاودت ایشان را نموده و حسب‌الامر آن مرحوم به همدان مراجعت و با اکنون به انجام وظیفه دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

خویی، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۴۷- شهادت ۱۳۲۵ ق)، عالم و فقیه امامی. مشهور به علامه خویی. وی از طایفه دنبلی بود که در شهر خوی متولد شد و در همان جا ساکن بود. او در بیشتر علوم دینی اعلم از فقه، اصول و حدیث تبحر داشت و از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و سید حسین کوه‌کمری به شمار می‌رفت، و از شیخ محمد حسین کاظمی و شیخ مهدی نجفی کاشف الغطاء روایت می‌کرد. عمر وی به بخشش و داد و دهش و تحکیم اساس دین گذاشت. حاج میرزا ابراهیم در طی حوادث مشروطه در منزل خود در خوی شهید شد و

جنازه‌اش مدتی بعد به نجف انتقال یافت. از آثار وی: حاشیه بر «فرائد الاصول» شیخ انصاری؛ «ملخص المقال فی تحقیق احوال الرجال»؛ «شرح چهل حدیث»؛ «الدره النجفیه»؛ شرح «نهج‌البلاغه»؛ «الدعوات»؛ «رساله‌ای در اصول».[1]

مرحوم اوردبادی رحمه‌اللَّه گوید العلامهٔ الاکبر حاج میرزا ابراهیم خوئی شهید الانقلاب خوی سال ۱۳۲۵ قمری از تلامیذ شیخ الطائفه حجهٔ الحق شیخ انصاری و آیت‌اللَّه العظمی حاج سید حسین کوه‌کمریست.

از تألیفات او ۱- حاشیه بر رسائل شیخ مخطوط که نسخه آن در کتابخانه رضویه موجود است ۲- شرح نهج‌البلاغه ۳- کتاب الاربعین حدیث ۴- کتاب الرجال ۵- کتاب فی الدعوات و این چهار کتاب مطبوع است.

مرحوم آیت‌اللَّه امینی در ص ۳۴۲ شهداء الفضیلهٔ گوید مرحوم حاج میرزا ابراهیم خوئی متولد ۱۲۴۷ قمری از طراز اول راسخین در علم و منضلعین مشارکین در فنون فقه و اصول و کلام و حدیث و حکمت و عرفان و رجال بود و اما اخلاق: پس او قدوه ارباب اخلاق بوده و مردم باید به وی اقتدا و تبعیت بنمایند دارای جود و کرم و علو طبع و مناعت نفس و انفاق فی سبیل‌اللَّه مقامات و مواقفی بود که تاریخ ناطق و تشکر بر آنها ابدیست چنانچه فوائد علمیش مدی الدهر باقی و سرمدیست او را ثروتی مهم بود و در محلی که خدا راضی و دوست می‌داشت صرف می‌کرد.

کسی بر چشمه احسانش وارد نمی‌شد مگر آنکه سیراب برمی‌گشت واحدی به امیدی حضرتش را قصد نمی‌نمود الا آنکه روضه آرزویش با ابر جودش سبز و خرم می‌گشت و از عایدات خود با کثرت آن صرف نمی‌کرد بر نفس خود مگر نصف عشر آن را و همین طور بذل و عطا می‌کرد و اقامه عمود دین و تعظیم شعائر اللَّه می‌نمود. تا اینکه در صبح ششم ماه شعبان ۱۳۲۵ در سن هفتاد و هشت سالگی در صحن خانه خود بضرب گلوله در راه دین با رشد و عقل و مجد و شرف طاهر از دنس به درجه شهادت فایض گشت و فقدا و طامه کبری گشت که چشمه‌ها خون گریست و دلها از عظم خطب فادح و کرب شدید متفطر گردید سوگند با خدای که آن مصیبتی بود که خسارت بر اسلام وارد آورد که به هیچ چیز جبران آن نمی‌شود و بر اساس دین ثلمه‌ای رسید که سد و التیام نمی‌پذیرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] الاعلام (۳۰/۱)، اعیان الشیعه (۱۳۵/۲)، ایضاح المکنون (۵۵۳/۲)، الذریعه (۲۱۴/۲۲، ۱۱۳/۱۴، ۲۰۰، ۱۹۹/۸، ۱۵۲/۶، ۴۲۸/۴، ۴۰۹/۱)، لغت نامه (ذیل/ دنبلی).

خویی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۷ ق- ۱۳۷۱ ش)، مجتهد، فقیه، اصولی، مفسر، مدرس و مرجع بزرگ شیعه. آیت‌اللَّه خویی در خوی متولد شد. در سال ۱۳۳۰ به نجف رفت و پس از تحصیل علوم ادبی و منطق و اصول فقه و کلام و فلسفه، بحث عالی خارج را نزد مجتهدان بزرگی چون آیت‌اللَّه شیخ الشریعه‌ی اصفهانی، شیخ مهدی مازندرانی، شیخ ضیاءالدین عراقی، شیخ محمد حسین غروی، شیخ محمد حسین نایینی، شیخ محمد جواد بلاغی و آیت‌اللَّه سید حسن بادکوبه‌ای، فراگرفت و به درجه‌ی اجتهاد رسید. آیت‌اللَّه خویی مدتی در مسجد الخضراء نزدیک حرم امیرالمومنین (ع) به تدریس بحث خارج «مکاسب» شیخ انصاری، کتاب «صلاه» و بحث خارج «عروه»، و همچنین تفسیر قرآن پرداخت. در حوزه‌ی درس ایشان هزاران شاگرد تربیت یافتند که هر یک به عنوان مرجعی در سراسر بلاد اسلامی منتشرند. در عراق درگذشت و در نجف دفن شد. او تالیفات متعددی دارد که برخی از آنها عبارت است از: «اجود التقریرات»؛ «الامر بین الامرین»؛ «البیان فی تفسیر القرآن»؛ «التنبیه علی حکم اللباس المشکوک علیه»؛ «التنقیح فی شرح العروه الوثقی»؛ «مدارک العروه»؛ «الدراسات فی الاصول»؛ «مصباح الفقاهه»؛ «تکمله منهاج الصالحین»؛ «مبانی تکمله‌ی منهاج الصالحین»؛ «تهذیب و تتمیم منهاج الصالحین»؛ «مستحدثات المسائل»؛ «منتخب الرسائل»؛ «مناسک الحج»؛ «المسائل المنتخبه»؛ «فقه القرآن علی المذاهب الخمس»؛ «المحاضرات فی الفقه الجعفری»؛ «معجم رجال الحدیث» در بیست و سه جلد و برخی کتب دیگر که هنوز طبع نشده.[1]

فقیه مرجع مدرس.

تولد: ۱۵(۱۲۷۸ رجب ۱۳۱۷ ق.)، خوی.

درگذشت: ۱۷ مرداد ۱۳۷۱، کوفه.

آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی، فرزند علی‌اکبر فرزند هاشم موسوی خویی نجفی، در شهر خوی به تحصیل برخی مقدمات پرداخت. در سال ۱۳۳۰ ق. به نجف اشرف رفت و در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف به فراگرفتن علوم ادبی و منطق پرداخت. پس از فراگیری کتاب‌های درسی اصولی و فقهی و از جمله نزد پدرش، به تحصیل خارج نزد استادان مختلف و از جمله آیت‌الله شیخ فتح‌الله معروف به شیخ الشریعه اصفهانی، آیت‌الله شیخ مهدی مازندرانی، آیت‌الله شیخ ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله محمدحسین اصفهانی، آیت‌الله محمدحسین نایینی، آیت‌الله شیخ محمدجواد بلاغی، آیت‌الله سید محمدحسین بادکوبی پرداخت. بعد با اجازه آیت‌الله محمدحسین نایینی به تدریس کتب امامیه و غیر امامیه، کتب اربعه (کافی، فقه، تهذیب، استبصار) و جوامع (وسایل بحار، وافی) پرداخت.

در سال ۱۳۵۲ ق. بسیاری از علما مانند آیت‌الله نایینی، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیت‌الله عراقی و آیت‌الله بلاغی به مقام علمی و اجتهاد ایشان شهادت دادند. در این زمان بود که آیت‌الله العظمی خویی مجلس بحث خارج خود را در مسجدالخضراء نزدیک حرم حضرت امیر (ع) تشکیل داد و سال‌ها به تدریس بحث خارج مکاسب آیت‌الله شیخ مرتضی انصاری، کتاب صلاهٔ و بحث خارج عروهٔ از سید محمدکاظم یزدی از کتاب طهارت وبعدها نیز به تفسیر قرآن کریم پرداخت.

از جمله آیار ایشان می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: البیان فی تفسیر القرآن؛ اجود التقریرات (دو جلد)؛ تکمله منهاج الصالحین؛ مبانی تکمله منهاج الصالحین (دو جلد) المسائل منتخبه، مستحدثات المسائل؛ تعلیقه علی العروهٔ الوثقی؛ رسالهٔ فی اللباس المشکوک؛ نفحات الاعجاز فی الرد علی حسن الایجاز؛ منتخب الرسائل؛ تعلیقه علی المسائل الفقیه؛ منتخب توضیح المسائل؛ تلخیص المنتخب؛ مناسک الحج (به عربی و نیز به فارسی)؛ تعلیقه المنهج الاحکام الحج؛ معجم رجال الحدیث (بیست و سه جلد).

تقریرات آیت‌الله العظمی خویی به شرح زیر هستند: تنقیح العروهٔ الوثقی، شش جلد در علم و فقه، دروس فی فقه الشیعه چهار جلد در علم فقه، مستند العروهٔ سه جلد در علم فقه، فقه العترهٔ، دو جلد در علم فقه، تحریر العروهٔ یک جلد در علم فقه، مصباح الفقاهه، سه جلد در علم فقه، محاضرات فی الفقه الجعفری، دو جلد در علم فقه، الدر الغوالی فی فروع العلم الاجمالی، یک جلد در علم فقه، محاضرات فی اصول الفقه، پنج جلد در علم اصول، مصباح الاصول، دو جلد در علم اصول؛ مبانی الاستنباط، دو جلد در علم اصول؛ دراسات فی الاصول، مصابیح الاصول یک جلد در علم اصول، جواهر الاصول، یک جلد در علم اصول؛ الامر بین الامرین، یک جلد در علم اصول؛ الرأی السدید فی الاجتهاد و التقلید، یک جلد در علم فقه؛ رسالهٔ فی التحقیق الکر، یک جلد در علم فقه؛ رسالهٔ فی حکم اوانی الذهب، یک جلد در علم فقه.

از کتاب‌های طبع نشده وی میتوان به عنوان‌های زیر اشاره کرد: اضاءالقلوب؛ فقه القرآن علی المذاهب الخمس؛ فهرست جامع الشتات؛ ازالهٔ المحاده عن ملک المنافع المتضادهٔ؛ آثارهٔ العقول؛ قاعدهٔ التحاوز؛ تعارض.

آیت‌الله العظمی خویی در پی یک بیماری قلبی در بیمارستان ابن‌النفیس بغداد بستری و پس از یک هفته به نجف اشرف بازگشت و پس از گذشت چند روز به علت کهولت سن در ساعت سه بعدازظهر به وقت بغداد در روز هفدهم مرداد ۱۳۷۱ (مطابق با هشتم صفر ۱۴۱۳ ق.) در کوفه چشم از جهان فروبست. پیکر ایشان صبح یک شنبه در نجف اشرف تشییع شد و در مسجد الخضراء (صحن مطهر علوی) به خاک سپرده شد.

منابع: معجم رجال الحدیث، جلد ۲۲، ص. ۱۷. آیت‌الله العظمی خویی به رحمت ایزدی پیوست»، کیهان فرهنگی س. ۹ ش. ۶ (شهریور ۱۳۷۱)، ص. ۵۵. «چهره درخشان علوم مختلف اسلامی، حاج سید ابوالقاسم خویی (ره)»، کیهان، ش. ۱۴۵۷۵(۲۵ شهریور ۱۳۷۱)، ص. ۱۸ ص. گنجینه دانشمندان، جلد پنجم/ شیخ محمد شریف رازی، ص. ۶۵ -۶۴ مجلس نشین قدس، یادوراه پیشگام شهدای محراب، آیت‌الله قاضی طباطبائی/ شعر دوست، با مقدمه‌ای از حجت‌الاسلام سدی حسین موسوی تبریزی گنجینه دانشمندان، جلد دوم/ شیخ محمد شریف رازی، ص. ۹ -۳.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۹، ش ۶، ص ۵۵)، مولفین کتب چاپی (۲۴۲ -۲۴۰ /۱).

خویی، ابوعبداللّٰه، شهاب‌الدین محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۹۳ -۶۲۶ ق)، فقیه شافعی و قاضی. وی در دمشق به دنیا آمد و در آنجا نشو و نما یافت. وی متولی قضاوت در قدس، سپس در حلب و مصر بود. از جمله آثار وی: «اقالیم التعالیم»؛ «الجبرو المقابله»؛ «البیان»؛ «العروض».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۹/۶)، روضات الجنات (۷۸ -۷۷ /۸)، لغت نامه (ذیل/ ابن‌خویی)، معجم المولفین (۲۵۸/۸).

خویی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهادرهم ق)، خطاط. از کاتبان تبریز بود. به خط وی چند کتاب موجود است، از جمله: یک نسخه «منشات» امیر نظام، به قلم کتابت و دودانگ خوش؛ یک نسخه «منشآت» محسن میرزای دارا، با رقم: «کتبه اقل الاحقر حسین خویی الاصل تبریزی المسکن... سال ۱۳۲۸».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۵۳ -۱۵۲ /۱).

خویی، شمس‌الدین، ابوالعباس احمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۳۹/۶۳۷ -۵۸۳ ق)، قاضی و فقیه شافعی. معروف به قاضی‌القضاه خویی. از مشاهیر حکما و فقهای شافعی مذهب بود که در آذربایجان تولد یافت. علوم عقلی را نزد فخرالدین رازی فراگرفت و دیگر استادانش علی طوسی، ابن الزبیدی و ابن الصلاح بودند. در زمان الملک معظم عیسی به شام سفر کرد و در دمشق اقامت گزید و به منصب قاضی‌القضاتی آنجا رسید. وی در علوم شرعی و

حکمی دست داشت و به اصول طب و علوم دیگر نیز آشنا بود و در مدرسه‌ی عادلیه، مجلس درس فقه داشت. در دمشق درگذشت. از آثار وی: تکمیل تفسیر کبیر «مفاتیح الغیب» استادش فخر رازی که موفق نشده بود آنرا به پایان رساند؛ «ینابیع العلوم»؛ شرح «الارشاد» محمد عمیدی، در علم خلاف و جدل؛ مختصر «النفائس» محمد عمیدی، در جدول به نام «عرائس النفائس»؛ کتابی در «نحو»؛ کتابی در «عروض». خویی منظوماتی نیز داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۵۸۸/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۳۶/۳)، ریحانه (۱۹۵/۲)، سیرالنبلاء (۶۵ -۶۴ /۲۳)، کشف الظنون (۲۰۵۱ ،۱۹۶۶ ،۱۱۱۳ ،۹۱۸ ،۶۹)، الکنی و الالقاب (۲۲۲ -۲۲۱ /۲)، لغت نامه (ذیل/احمد)، معجم المولفین (۲۱۶/۱)، الوافی بالوفیات (۳۷۶ -۳۷۵ /۶)، هدیه الاحباب (۱۳۳)، هدیه العارفین (۹۳ -۹۲ /۱).

خویی، عبداللّه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۱ ق)، شاعر، نویسنده و خطاط. در آغاز از منشیان سلطان محمد خدابنده بود. پدرش قاضی خوی و سلماس بود و در سرودن شعر ترکی و فارسی توانا. وی در خط تعلیق استاد بود و نسخ را هم ماهرانه می‌نوشت. قاضی عبداللّه علاوه بر متون فارسی، در متون عربی و ترکی نیز مهارت داشت و «رساله‌ای در واجبات»، به زبان ترکی دارد. وی هنگام مراجعت از مشهد در حوالی سبزوار درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۰۱)، دانشمندان آذربایجان (۲۶۶)، الذریعه (۶۹۶/۹)، فرهنگ سخنوران (۶۲۰)، گلستان هنر (۵۲ -۵۱).

خویی، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۷۴ ق)، صوفی، منشی و شاعر. در خوی به دنیا آمد. مدتی برای تحصیل علم ظاهر و باطن به مسافرت و سیاحت پرداخت و در اصفهان از محضر شیخ محمدحسین و شیخ زین‌العابدین حسن علیشاه، و رییس سلسله‌ی نعمت الهی کسب فیض کرد. نزد آخوند ملاعلی نوری، که حکیم عصر بود حکمت آموخت و بعد از چندی سیر و سلوک و تحصیل، به خدمت محمدشاه رسید و منشی خاصه و کاتب اسرار و محرم او شد. در اواخر عمر، از کار دنیا ملول شد و انزوا گزید. سرانجام در تهران درگذشت. میرزا مهدی در نظم و نثر توانا بود و از اشعارش مقداری قصاید و غزلیات و مثنویات بر جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۷۵۹ -۱۷۵۵ /۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۶۵ -۳۶۴)، گنج شایگان (۴۳۷ -۴۳۶)، مجمع الفصحا (۹۱۹/۵- ۹۲۷).

خویی، مؤمن محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۶۲۲ ق)، نقاش و خطاط. اهل خوی آذربایجان بود. مصور، و احیانا کاتب، نسخه‌ی ارزنده و نفیسی به نام «ورقه و گلشاه» عیوقی است. این نسخه کهن‌ترین نسخه‌ی خطی مصور موجود در سده‌های ششم و هفتم قمری است. اصل نسخه قدیمی در قرن پنجم قمری توسط عیوقی شارع به سلطان محمود غزنوی هدیه شده که عشق قبیله‌ای را در متن کتاب به رشته‌ی نظم درآورده است. شیوه‌ی تصاویر در مکتب تبریز نقش بسته و هفتاد و یک تصویر در هفتاد صفحه کتابت شده است. تاریخ اجرای مینیاتورها و کتابت آن در حدود ۶۲۲ ق انجام پذیرفته و جمله‌ی تصاویر، کتیبه‌ای نقش بسته یعنی از کنار صفحه به کنار دیگر صفحه امتداد یافته و اندازه‌ی مینیاتورها نیز کوچک است. شیوه‌ی اسلیمی و تذهیب نقاش بخصوص در روی چادرها ابتکاری و زیبا است و خط نسخی و تحریری و رقاعی موضوعات، استادانه است و اثر دست خود نقاش می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۲۴۲ -۱۲۳۶/ ۳).

خویینی قزوینی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۷ -۱۲۴۷ ق)، فقیه، محقق و محدث شیعی. معروف به حاج ملا آقا. وی در خویین متولد شد. پس از تحصیل علوم اولیه به قزوین رفت و چندی در آنجا تحصیل کرد، آنگاه به اصفهان رفت و در نزد مشایخ آن شهر درس خواند سپس به عتبات عالیه رفت و پس از بازگشت در قزوین مسکن گزید و به امر تدریس و فتوی اشتغال یافت. از آثار وی: «الارث»؛ «مرآت المراد»، در رجال؛ «منظومه دیات»؛ «معراج الوصول الی علم الاصول»؛ در دو جلد؛ «اللوامع»، در فقه، در سه مجلد؛ رساله‌ی «الجبر و التفویض»؛ حاشیه بر «تفسیر الصافی»، تا پایان سوره‌ی بقره؛ حاشیه بر «صیغ العقود» زنجانی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۷۵/۳)، الذریعه (۲۸۶ -۲۸۵/۲۰، ۸۴ -۸۳ /۵، ۴۴۱/۱)، ریحانه (۱۹۶ -۱۹۵، ۸ /۲)، المآثر و الآثار (۱۴۳)، معجم المولفین (۱۷۶/۲)، مکارم الآثار (۱۲۹۷ -۱۲۹۶ /۴).

خویینی قزوینی، عبدالکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۷۲ -۱۲۸۹ ق)، مجتهد، فقیه و نویسنده. در خویین متولد شد. مقدمات را در قزوین فراگرفت، سپس به عراق رفت و نزد علمای آنجا تلمذ کرد. شیخ عبدالکریم پس از پایان تحصیلات به ایران بازگشت و تا سال ۱۳۲۰ ش سمت ریاست حوزه‌ی علمیه‌ی زنجان را بر عهده داشت. در سال ۱۳۲۵ ش به قم رفت و در همان جا درگذشت. و در قبرستان شیخان قم دفن شد. آثار وی: «خودآموز کفایه یا تقریرات آخوند خراسانی»، در دو جلد؛ «رساله‌ی عملیه»؛ «حاشیه بر عروه الوثقی»، ناتمام؛ «کتاب الفوائد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار الحجه (۲۲۶/۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۶۱/۳)، مولفین کتب چاپی (۹۱۰/۳).

خوئی زنجانی، اسحاق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسحق بن المولی ابراهیم الخوئی الزنجانی متوفی حدود ۱۳۲۴ ق عالمی فاضل بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خوئی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولدش در نیمه ماه رجب سنه هزار و سیصد و هفده در شهر خوی واقع شده و والد ماجدش مرحوم حجه‌الاسلام حاج سید علی‌اکبر موسوی خوئی در سال ۱۳۶۴ قمری در مشهد مقدس برای نگارنده گفت قبل از ولادتش یکی از فضلاء خوی از شاگردان من که طلبه باتقوا و متدینی بود نزد من آمد و گفت حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام را در خواب دیدم و چند پیام برای شما داده و گفت فرمودند به سید علی‌اکبر بگو نماز و روزه استیجاری را بده و آن خانه را هم مال ایتام نیست مال مدعی است به صاحبش بگذار و حملی که همسرت دارد پسر است نامش را ابوالقاسم بگذار.

آن بزرگوار پس از تولد و نشو و نما در خاندان علم و دانش در سال ۱۳۳۰ با مرحوم والدش به نجف مشرف شده و به ادامه تحصیل پرداخته تا در مدت کوتاهی حاضر درس مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله عراقی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی گردیده و گوی سبقت از همگنان ربوده و تقریرات استادش مرحوم نائینی را به نام (اجود التقریرات) به رشته تحریر و طبع آورده و شهرت علمیش مخصوص در علم اصول زبانزد همه گردیده و حوزه درس مستقلی تشکیل و فضلاء بلاد از همه جا به درسش حاضر و کسب افتخار می‌نمودند.

از مزایای درس معظم‌له عربی تدریس کردن بود زیرا با اینکه ایرانی و آذربایجانی بود درس فقه و اصول خود را در مسجد الخضراء عربی سلیس و کتابی و فصیح بدون هیچ وقفه و لکنتی بیان می‌کرد که عرب و عجم از او استفاده و کامیاب می‌شدند.

مرحوم والدش حجه‌الاسلام حاج سید علی‌اکبر موسوی خوئی که از علماء مشهد و ائمه جماعت مسجد جامع گوهرشاد بودند سیدی بسیار جلیل و بزرگوار و به خود می‌بالید و افتخار می‌کرد با داشتن چنین فرزند برومندی که از مبرزین علماء و مراجع و مجتهدین شیعه می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

خوئی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن خوئی بن آیه الله حاج سید ابوالقاسم بن آیه الله حاج سید مهدی بن حجه الاسلام سید صادق حسینی خوئی قدس سره دائی معظم آیه الله العظمی فقیه اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام فی عصره و جامع العلوم و الفنون فی دهره العلامه الکبری ابوالمعالی سید شهاب الدین النجفی مرعشی مدظله العالی از علماء بنام تبریز بوده‌اند.

سلسله نسب آن بزرگوار با نسب مرحوم آیه الله حاج سید حسین کوهکمری و آیه الله حجت کوهکمری یکی می‌شوند و منتهی می‌شوند بسید حسن که در زنوز نزدیک شهر مرند قبرش مزار مؤمنین می‌باشد و نسب سید حسن هم منتهی به حضرت علی اصغر فرزند حضرت امام زین العابدین علیه‌السلام منتهی می‌گردد. و آیه الله سید مهدی جد آقا سید حسن از اعاظم تلامذه شیخنا الانصاری بوده و آیه الله آقا سید ابوالقاسم والدشان از تلامذه فاضل شربیانی و آیه الله حاج شیخ محمد حسن مامقانی بوده است.

مترجم معظم در سال ۱۲۸۹ در شهر تبریز متولد شده والده ایشان مخدره صالحه بانو حاجیه همای خانم صبیه مرحوم حاج منجم بانی پل معروف به پل منجم در شهر مذکور می‌باشد.

اساتید ایشان والدشان و عموی مکرمشان آیه الله آقای حاج سید رضا خوئی و سایر علماء تبریز بوده و بعد به نجف اشرف مهاجرت و سالهای متمادی در درس مرحوم آیه الله حاج سید کاظم یزدی صاحب عروه و آیه الله شریعت تلمذ نموده و پس از وفات آن دو بزرگوار به تبریز آمده و به تدریس و اقامه جماعت و بیان عقاید و احکام دینیه پرداخته.

اجتهاد و روایتی

دارای اجازات عدیده از آیه الله یزدی و آیه الله شریعت و آیه الله فیروزآبادی و آیه الله آقا شیخ زین العابدین مرندی و آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی می‌باشد:

آثار قلمی ایشان از این قرار است:

۱- مجالس المواعظ کتابی است به نحو مجلس مجلس ۲- شرح زیارت عاشورا ۳- شرح صحیفه سجادیه ۴- شرح دعاء سمات ۵- حاشیه بر عروه الوثقی ۶- غایه القصوی.

در سال ۱۳۷۹ قمری وفات نموده و پس از مدتی که در مزار سید ابراهیم امانت سپرده شده بود حمل به نجف اشرف و در وادی السلام در قبرستان خانوادگی مدفون گردید. دارای دو پسر به نام آقا سید باقر که از تجار و ساکن مشهد مقدس است ۲- آقا سید عبدالکریم ساکن تبریز و داماد مرحوم آیه الله حاج میرزا مهدی انگجی می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

خوئی، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صادق بن المرحوم کربلائی علی خوئی از علماء معروف معاصر شهرستان خوی می‌باشد.

وی در سال هزار دویست و هفتاد و هشت شمسی در خوی متولد شده و پس از رشد و خواندن دروس جدید و تدریس در مدارس جدید موفق به تحصیل علوم دینیه گردیده و مقدمات و سطوح وسطی را در مدت سه سال در خوی خوانده و پس از آن مهاجرت به قم نموده و سطوح نهائی را از مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمد همدانی رحمهٔ‌اللّه فراگرفته و خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حجت رضوان اللّه تعالی علیه در مدت بیست و سه سال استفاده کامل نموده تا به مدارج علم کمال رسید و به تدریس فقه و اصول پرداخته اما جمع کثیری از اهالی خوی از حضرت آیت‌اللّه حجت ره تقاضا نمودند که ایشان را برای هدایت و ارشاد مردم اعزام به خوی فرمایند پس به امر معظم له به وطن برگشته و تاکنون به اقامه جماعت و ترویج دین و نشر احکام مبین و تدریس علوم دینی فقهاً و اصولا اشتغال دارند. آثار علمی ایشان از اینقرار است:

۱- دوره اصول من اول الی آخره از تقریرات و دراسات آیت‌اللّه حجهٔ ره

۲- کتاب طهارهٔ من اول الی آخره از تقریرات و دراسات آیت‌اللّه حجهٔ ره

۳- کتاب صلوهٔ من اول الی آخره از تقریرات و دراسات آیت‌اللّه حجهٔ ره

۴- لباس مشکوک من اول الی آخره از تقریرات و دراسات آیت‌اللّه حجهٔ ره

۵- کتاب صوم من اول الی آخره از تقریرات و دراسات آیت‌اللّه حجهٔ ره

۶- کتاب خمس من اول الی آخره از تقریرات و دراسات آیت‌اللّه حجهٔ ره

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خوئی، عبدالصمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ عبدالصمد ابن المرحوم آقا میرزا مجتبی ادیب خوئی طاب ثراه (معروف به اولاد ملا محمدباقر خوئی) در سال ۱۳۲۷ ه. ق در شهر تهران متولد و در پنج سالگی در خدمت والدین خود عازم خوی شده و در آنجا تحصیلات ابتدائی و مقدمات عربی را نزد

والد ماجدش خوانده و سطوح وسطی را نزد علمای بزرگ شهر خوی فراگرفته و در سن ۲۱ سالگی در مدرسه نمازی شهر خوی بتدریس طلاب مشغول و بواسطه پیش آمد بعضی از حوادث بقصبه شبستر عزیمت و مدت یکسال و نیم از محضر آیت‌اللّه شبستری استفاده نموده و آنگاه به تبریز آمده و در مدرسه طالبیه مشغول تدریس طلاب علوم دینیه شده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید مرتضی خسرو شاهی رسائل و مکاسب را فراگرفته و در سال ۱۳۵۰ ه.ق مهاجرت به قم نموده و مدت چهارده سال و نیم در حوزه مقدسه قم از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه حاج سید محمد تقی خونساری و اندکی هم از محضر آیت‌اللّه بروجردی استفاده کرده و مقداری از حکمت و فلسفه را هم نزد مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مهدی مازندرانی خوانده و در مدرسه دارالشفا و فیضیه به تدریس متون فقه و اصول پرداخته و عده‌ای بسیار از طلاب و محصلین در حوزه دروسش شرکت و بامور مدرسه دارالشفا هم رسیدگی می‌کردند تا در سال ۱۳۶۳ ق. ه که از طرف حضرت آیت‌اللّه العظمی میلانی مد ظله انتخاب و با تصویب و موافقت آیات عظام قم اعزام به منطقه اسکرومیلان گردیده و سالهای متمادی در آن ناحیه که در تحت تسلط و نفوذ حزب منحله و منفوره توده‌ای‌های آذربایجان بود خدمات شایسته‌ای انجام داده و در مقابل حملات و تهمتها و اهانت‌های آن فرقه ضاله مقاومت و با عنایت حق جلت قدرته و الطاف حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف تحمل شداید نموده و انجام وظائف محوله دینیه را از قبیل: تشکیل مدرسه علمیه دینیه و جمع‌آوری طلاب از اطراف و قراء آن صفحات در قصبه میلان و اعزام منبریهای طلاب را بدهات و قراء برای ترویجات دینی نموده‌اند.

نگارنده گوید: مترجم معظم ما از دانشمندان بسیار جدی و ساعی در امور دینی و از مروجین و خدمتگزاران بلیغ می‌باشد در مدت اقامتشان در میلان آثار بسیاری از قبیل ساختن حمامها و مفروش کردن مساجد دهات و قراء آن سامان و تربیت طلاب و اعزام آنان به قم و غیره انجام داده‌اند تا در سال ۱۳۷۹ ق که جناب آقای حاج سید حسین مدنی (ابن عم مکرم حضرت آیت‌اللّه المیلانی دام ظله) متولی مسجد حضرت ابوالفضل علیه‌السلام جوادیه تهران از حضرت آیت‌اللّه العظمی بروجردی اعلی اللّه مقامه کسب اجازه نموده و ایشان را به تهران دعوت و امامت مسجد مزبور را بعهده ایشان گذارده و تا حال حاضر حدود پانزده سال است در منطقه بزرگ و حساس جوادیه راه آهن بوظائف دینی و روحی اشتغال دارند و خدمات شایسته‌ای انجام داده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خوئی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علماء طراز اول و از شاگردان مبرز شیخنا الانصاری کاتب تقریرات او بود که برخی احتمال می‌دادند که بعد از شیخ جانشین او گردد در سال ۱۳۰۹ قمری از دنیا رفت از تألیفات او حاشیه بر رسائل می‌باشد اعیان‌الشیعه جزء ۴۱ ص ۲۵۳ درباره وی گوید الشیخ علی الخوئی النجفی توفی فی النجف اول المحرم ۱۳۰۹ و دفن به وادی‌السلام من کبار تلامیذ الشیخ مرتضی الانصاری کان محققا مدققا عمیق النظر فی علم الاصول والفقه کان یدرس بعد استاده الرسائل و یحضر درسه افاضل طلبهٔ العرب و کان و رعاً تقیا موثوقاً به عند اهل العلم و قوراً قلیل الکلام حسن التقریر له رسائل فی حجیهٔ الظن.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خوئی، علی رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضای الخوئی خاکمردانی در حدود ۱۲۹۲ متولد و در نهم ماه رمضان ۱۳۵۰ در قریه شرفخانه واقع در ساحل دریاچه رضائیه بعالم بقارفت تألیفات و آثار ارزنده‌ای از خود گذاشت که از آنهاست تشریح الصدور فی وقایع الایام والدهور در ۶ جلد ۲- حل الاعضال ۳- وسیلهٔ القربه فی شرح دعاء الندبه ۴- لسان التکلمه فی جواب الاسئله ۵- شرح القصیدهٔ العینیه ۶- الرسالهٔ الطیبه ۷- تذکرهٔ العارفین ۸ و ۹- دو وجیزه عربی و فارسی رد بر وهابیه ۱۰- عقدالفرائد در شرح القصائد ۱۱- شرح دعاء الصباح ۱۲- تعدیل الاوج و الحضیض فی نقی الجبر والتفویض و چندین کتاب دیگر آن مرحوم از شاگردان مرحوم محقق خراسانی صاحب کفایه و حاج شیخ هادی تهرانی در نجف اشرف بوده است از قصائد ادبی او تخمیس شعر صاحب بن عباد است در مدح حضرت رضا علیه‌السلام که نمونه‌ای از افکار بلند و ذوق سلیم اوست.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خوئی، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید علی‌اصغر بن المرحوم العالم الجلیل السید مجتبی بن العلامه آیت‌اللّه آقا سید صادق حسینی صادقی خوئی از علماء محترم و معروف معاصر تهران می‌باشند.

وی در تاریخ ۱۳ محرم‌الحرام ۱۳۱۲ ق در خوی متولد شده و پس از پرورش در حجر والد ماجد و خواندن مقدمات و ادبیات از مرحوم آخوند حاج ملا علی مدد بدل آبادی (یکی از مضافات شهرستان خوی) و مقداری از سطوح فقه و اصول را از مرحوم حاج شیخ محمد خوئی معروف به ساکن کوچه (درق) و مقداری از پسر عم گرام خود آیت‌اللَّه آقا سید باقر مرحوم استفاده کرده و در تاریخ ۱۳۴۱ ق-ه مهاجرت به نجف اشرف نموده و مدت یکسال رسائل و خیارات مکاسب را از مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالحسین رشتی خوانده و بعد از درس خارج (صلوه) مرحوم آیت‌اللَّه حجت کوهکمری و مدتی از ابحاث متاجر مرحوم آیت‌اللَّه ایروانی و ضمنا از محضر و دراسات مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمد حسین اصفهانی (کمپانی) و مرحوم آیت‌اللَّه محقق آقا میرزا حسین نائینی رحمهم اللَّه فقها و اصولا و مرحوم آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی بهره‌مند گردیده آنگاه در سال ۱۳۵۰ ق به ایران مراجعت و بواسطه دعوت رسمی اهالی محترم شهرستان خوی و امریه مرحوم آیت‌اللَّه اصفهانی به شهرستان خوی عزیمت نموده و قریب پنجسال در آن سامان بوظائف روحی و دینی از اقامه جماعت و غیره پرداخته و پس از آن بواسطه عدم امنیت به نجف بازگشت و حدود سه سال و اندی بتدریس اشتغال داشته و در سال ۱۳۵۸ ق باز بخوی آمده و مدرسه مخروبه (نمازی) خوی را تعمیر اساسی و بجمع و تربیت طلاب و محصلین از شهر و حومه آن مبادرت نموده و عده کثیری که اکنون در خوی و حومه آن بوظائف مقرره روحانیت اشتغال دارند و از علماء مبرز بشمار می‌روند از محصلین دوره اول (مدرسه نمازی) معظم له (پس از تعمیر آن) می‌باشند و معاریف آنها عبارتند از:

۱- حجهٔالاسلام آقای حاج سید جعفر مرقانی (داماد معظم له)

۲- حجهٔالاسلام حاج شیخ ابوطالب فاضلی مقیم تهران.

۳- حجهٔالاسلام آقای حاج میرزا خلیل قبله‌ای مقیم فعلی تهران.

۴- حجهٔالاسلام حاج شیخ حسن بصیری ساکن خوی.

۵- حجهٔالاسلام آقای حاج سید محمد مصری ساکن خوی.

۶- حجهٔالاسلام میرزا محمدعلی دیلمقانی ساکن تبریز.

۷- حجهٔالاسلام آقای میرزا حسین رائی ساکن تهران.

۸- حجهٔالاسلام میرزا محمود صمیمی ساکن (مکان خوی) و غیر آنها

و در سال ۱۳۶۱ ق به جهت پاره‌ای از محذورات و ناامنی محل به تهران مهاجرت و تاکنون به اقامه جماعت و تدریس و سایر وظائف روحی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آیت‌اللَّه خوئی مذکور که در حال حاضر هشتاد و دو سال از سن مبارکش می‌گذرد از آیات عظام و علماء اعلام آذربایجان مقیم تهرانند عالمی متین و موصوف بفضل و تقوا و با مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حجت (استاد معظم ما) صداقت تام و ارادت تمام داشتند و مورد توجه مخصوص آن مرحوم بودند.

از آثار ایشان است:

۱- تعمیر و بنیان اساسی مدرسه نمازی خوی که خود مخارج اولیه آن را مرحوم مبرور حاج یحیی سلماسی مقیم قم دادند و مابقی را مردم متدین دیگر مساعدت نمودند. ۲- تأسیس کتابخانه مدرسه نمازی. ۳- اهداء مقداری از کتب به آن کتابخانه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خوئی، محمد شفیع

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد. در خوی از شهرهای آذربایجان متولد گردیده، و در تبریز و خوی تحصیل نموده تا به درجه‌ی اجتهاد رسیده، پس از جنگ ایران و روس جزو علمای مجاهد وارد شده، و به میدان جنگ شتافته، پس از آن مجبورا ترک آن حدود نموده، و به جهت اشتهار و قدرت سید حجهٔ الاسلام به اصفهان آمده، نزد ایشان در کمال احترام می‌زیسته، و پس از آن که مسجد سید ساخته می‌شود مرحوم حجهٔ الاسلام امامت یک وقت مسجد میرزا باقر را به ایشان واگذار نموده، و در کمال زهد و قناعت زندگی نموده، در سال ۱۲۶۵ وفات یافته، در مقبره‌ی کوچک مسجد سید مدفون می‌شود. ظاهرا وی را تألیفاتی بوده که از بین رفته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خوئی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدتقی موسوی خوئی نجفی فرزند برومند زعیم الشیعه و مدار الشریعه فقیه اهل البیت بشاره فرج ولی‌اللَّه اعظم حجه بن الحسن المهدی ارواحنا فداء آیت‌اللَّه العظمی حاج سیدابوالقاسم الخوئی روحی فداه و متع اللَّه الاسلام والمسلمین بطول بقاء می‌باشند.

معظم‌له در حدود ۱۳۶۷ قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و در بیت مرجعیت و حجر علم و ورع پرورش یافته و مقدمات و ادبیات و پس از آن سطوح متوسط و عالی مکاسب و فرائد و کفایه را از مدرسین بزرگ حوزه علمیه نجف مانند مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید

نصراللّه مستنبط و والـد ماجـدش به کمال رسانیـده سپس به درس خارج فقه و اصول پدر بزرگوارش حاضـر و اسـتفاده سـرشار و تقریرات درس معظم‌له را بـه رشـته تحریر و خـود نیز تـدریس سـطوح عـالی فرمـوده و پس از رحلت برادر عزیزش حجهٔالاسـلام والمسلمین حاج سیدجمال خوئی متوفی تهران و مدفون قم متصدی به امور و کارهای مربوط به مقام زعامت و مرجعیت تشیع پدر عزیزش گردیـده و مورد علاقه شدیـد آن جنـاب شـده که در موقع بردن ایشـان را از نجف با تمام اهل‌بیت و اصـحابش به بغـداد و خواسـتند آقا را به نجف برگردانند و نور چشم عزیزش مترجم محترم را نگهدارند آقا فرمودند من بدون سید محمدتقی نمی‌توانم یا مرا هـم بـا ایشـان نگهداریـد و یـا ایشـان را بـا مـن بفرستیـد کـه دولـت شـوم بعـث صـدامی ایشـان را در خـدمت والـدش بـه نجف برگردانیدند.

ایشان دارای استعداد زیادی می‌باشند و عمده کارهای حوزه علمیه را انجام داده و برای مقام زعامت عامه والدش بازوی توانا بوده و هستند.

تألیفات ایشان به قرار زیر است

تقریرات درس فقه والد ماجدش که چهار مجلد زیر است:

۱- مضاربه

۲- مساقاه

۳- کتاب النکاح

۴- کتاب النکاح وصیت

۵- تقریرات درس اصول والد ماجدش.

۶- تقریرات تفسیر والدش.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

خوئی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدحسین بن العالم الجلیل آقا سید کبیر خوئی از علماء محترم معاصر تهران است.

وی پس از تولـد و پرورش در بیت علم و کمـال و خوانـدن مقـدمات و سـطوح متوسـط به قم مهـاجرت نموده و سـطوح نهائی را از مدرسـین حـوزه بپایـان رسانیـده آنگـاه از محضـر مرحـوم آیـت‌اللّه العظمی آقـا سـید محمـد حجـت کـوهکمری و آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیـات دیگر اسـتفاده نموده و بمـدارج عالیه رسیـده و بعـد بنابر درخواست عـده‌ای از دوسـتان و مومنین تهران منتقل به تهران گردیده و در مسجد سلمان واقع در خیابان شهباز تهران به اقامه جماعت و ترویجات دینی و تبلیغات مذهبی اشتغال دارند.

نگارنـده گویـد: آقای خوئی مزبور از بنی اعمام مرحوم علامه متتبع میرزا حبیب‌اللّه هاشـمی خودی صاحب شـرح نهج‌البلاغه مطبوع می‌باشد، عالمی متین و دانشمندی باتقوا و متانت و دارای تالیفاتی می‌باشد.

مرحوم والدش حجهٔالاسـلام آقا سید کبیر خوئی نیز از علماء محترم شهرستان خوی دارای تألیفات بوده که از آنها رساله‌ای بنام مثل و اندرز بسعی آن جناب بطبع رسیده است.

آن مرحـوم در سـال ۱۲۹۳ ق در شهرسـتان خـوی محلـه شاهـانه متولـد و در سـوم ذی القعـده ۱۳۶۸ قمری در اثر تصـادم از اسـب همسایه‌اش بدرود حیات گفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خوئی، مهرعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از دانشمندان خوی و ادبای این شهرستان و مخلصین پاکدل اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام است که در خوی نشو و نما یافته و بعد به خراسـان و اصـفهان و عراق مسـافرت نموده و از محضـر علماء کسب فیض کرده آنگاه به تبریز مراجعت و در سال ۱۲۶۳ به رحمت حق پیوسته است. تخلص وی فدوی می‌باشد.

فـدوی مرد فاضل و کامل و عارف و مداح خاندان رسالت بوده و در مدح حضـرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السـلام اشـعار زیادی گفته که از آنها قصیده رآئیه او معروف می‌باشد و این چند بیت زیر آن است:

ها علی بشر کیف بشر

ربه فیه تجلی و ظهر

هو والمبدء شمس و ضیاء

هو والواجب نور و قمر

فلک فی فلک فیه نجوم

صدف فی صدف فیه درر

جنس الاجناس علی و بنوه

نوع الانوع الی حادی عشر

کل من مات و لم یعرفه

موته موت حمار و بقر

ما رمی رمیهٔ الا و کفی

ما غزا غزوهٔ الا و ظفر

اغمد السیف متی قایله

کل من جر دسیفا و شهر

اذ اتی احمد فی خم غدیر

بعلی و علی الرحل نبر

قبل تعیین وصی و وزیر

هل تری مات نبی و هجر

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خوئینی، عبدالکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم بن العلامه حاج ملا ابراهیم خوئینی زنجانی عالمی با ورع و مجتهدی باکمال بوده که از مسقط الراس خود به زنجان آمده و پس از پایان سطوح به نجف مشرف و از محضر مرحوم آیت‌الله کفائی استفاده نموده و از اجلاء تلامذه آن بزرگوار گردیده و هم از آیات دیگر آنجا بهره‌مند شده و پس از مراجعت به زنجان و خوئین در سال ۱۳۶۶ ق مهاجرت به قم نموده و به تدریس خارج فقه و اصول پرداخته تا سال ۱۳۷۲ که داعی حق را اجابت نموده و در زمین پاک قم به خاک رفته است.

تالیفات و آثاری دارد از جمله: ۱- رساله عملیه ۲- حاشیه بر عروه الوثقی.

۳- شرح بر کفایه الاصول فارسی به نام خودآموز کفایه در دو مجلد که به طبع رسیده است ۴- کتاب الفوائد در مطالب متفرقه.

فرزندان فاضل و صالح و برومندی دارد مانند ۱- جناب آقا شیخ عبدالرحیم خوئینی که از فضلاء حوزه علمیه و شاگردان مبرز آیت‌الله العظمی آقای مرعشی نجفی و آیات حاضر دیگر می‌باشند و دارای مقام علم و عمل و تقوایند.

۲- آقای آقاشیخ احمد ۳- آقای آقاشیخ محمد ۴- آقای آقاشیخ محمود ۵- آقای آقاشیخ هادی ۶- آقای آقاشیخ اسمعیل ۷- آقای آقاشیخ علی ۸- آقای آقاشیخ علی‌اصغر که تمامی از علماء و فضلاء معاصر قم و نجف و تهرانند و تفصیل ترجمه ایشان و مرحوم والدشان را جناب حجه‌الاسلام آقای حاج سید ابراهیم موسوی زنجانی در تاریخ علماء زنجان از ص ۳۵۸ تا ۳۶۶ نوشته و به طبع رسانیده است بدانجا مراجعه شود...

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

خیابانی سبحانی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۲ -۱۲۹۹ ق)، عالم، مجتهد و محدث. محمدحسین در تبریز متولد شد. مادرش شهربانو نوه‌ی فتحعلی‌شاه بود. پس از فراگیری مقدمات، نجوم و حساب استدلالی را نزد میرزا علی منجم و سطوح عالی فقه و اصول را نزد آیت‌اللَّه انگجی و شرح «اشارات» را نزد شیخ حسین قراچه‌داغی فراگرفت. در سال ۱۳۲۷ ق به نجف رفت و حدود یازده سال از محضر آیت‌اللَّه سید محمدکاظم یزدی، آیت‌اللَّه شریعت اصفهانی و آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی بهره‌مند شد، و با کسب اجازه‌ی اجتهاد و روایت در سال ۱۳۳۹ ق به تبریز بازگشت و به تدریس علوم دینی پرداخت. پس از فوت در جوار حضرت معصومه (ع) در قم دفن شد. از آثار وی: حاشیه بر «کفایه الاصول»؛ یک دوره «صلاه استدلالی»؛ «خیارات»؛ حایه بر «رسائل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۶۲/۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۱۵ -۳/ ۳۱۴).

خیابانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ -۱۲۹۷ ق)، عالم دینی و روزنامه‌نگار. در تبریز متولد شد. در کودکی به روسیه رفت و پس از بازگشت به تحصیل مقدمات

و علوم متداول زمان چون هیات و حکمت و طبیعیات پرداخت و بعد از چندی به سلک روحانیت درآمد و امام جماعت مسجد کریم خان محله خیابانی تبریز شد. پس از اوج گیری جنبش مشروطه به این جنبش پیوست و نماینده‌ی انجمن ایالتی آن شهر شد. در دوره دوم مجلس به نمایندگی مردم تبریز انتخاب شد و در مدت نمایندگی خود با اولتیماتوم روسیه علیه ایران و قرار داد ۱۹۱۹ م وثوق‌الدوله مخالفت کرد. خیابانی در تبریز روزنامه‌ی «تجدد» را بنیان گذاشت و با نوشتن مقالاتی موفق به ساقط کردن دولت وثوق‌الدوله شد. وی در آذربایجان قیام و جنبشی راه انداخت که بوسیله مخبرالسلطنه سرکوب شد و خود نیز در این کشمکش کشته شد.[۱]

از آزادیخواهان معروف آذربایجان در عهد مشروطیت است. وی در ۱۲۹۷ ه.ق در تبریز متولد شد. تحصیلات خود را در رشته‌ی علوم معقول و منقول ادامه داد و به کسوت روحانیت درآمد. پدرش پیشه‌ی تجارت داشت و بیشتر تجارت او با روس‌ها بود. قریب سی سال تجارتخانه‌ای در روسیه دائر کرده بود. شیخ محمد چندی نزد پدرش در روسیه باقی ماند. زبان روسی را فراگرفت و به تبریز بازگشت و امام مسجد کریم‌خان تبریز شد. هفته‌ای چند بار در مسجد منبر می‌رفت و سخنان تندی بر زبان می‌راند و از مشروطه و آزادی دفاع می‌نمود. در بین مردم تبریز خیلی زود وجهه خوبی پیدا کرد. در دوره‌ی دوم که جوانی سی‌ساله بود، به وکالت مجلس انتخاب گردید. در تهران به تبعیت از تقی‌زاده، وارد حزب دموکرات شد. وقتی مجلس دوم تعطیل شد، او به تبریز و سپس به روسیه رفت و چند سالی دیگر در روسیه باقی ماند. در آن ایام حکومت تزار در حال احتضار بود و مردم روسیه علیه خانواده‌ی سلطنتی قیام کرده بودند ولی هنوز انقلاب به ثمر نرسیده بود. خیابانی تحت تأثیر جنبش‌های سیاسی در روسیه قرار گرفت و به تبریز بازگشت و حزب دموکرات را در آنجا تأسیس کرد و روزنامه‌ای به نام تجدد انتشار داد. در انتخابات دوره‌ی چهارم که در دوران حکومت وثوق‌الدوله آغاز شد، شیخ به نمایندگی برگزیده شد. خیابانی منتظر فرصت بود تا اینکه قرارداد ۱۹۱۹ منتشر شد. وی قرارداد را بهانه قرار داده، علیه حکومت مرکزی قیام کرد و تمام تبریز را به تصرف خود درآورد و مخبرالسلطنه والی و سران حکومت را در تبریز به اسارت کشید. در همین ایام مشیرالدوله به جای وثوق‌الدوله رئیس‌الوزراء شد و برای جلوگیری از بحران به مخبرالسلطنه اختیارات نظامی داد. بین شیخ و قوای دولتی جنگ مسلحانه شروع شد و سرانجام شیخ در همان موقع به قتل رسید و طومار زندگی‌اش در سن ۴۲ سالگی پیچیده شد.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۲۱۴، ۲۱۱ –۲۰۸ /۲)، تاریخ جراید (۱۰۶ –۱۰۵ /۲)، شرح حال رجال (۱۹۸ –۱۹۶ /۶).

خیارجی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد از مجتهدین مبرز زمان خود و به زهد و ورع و تقوا موصوف و معروف و در سال ۱۳۴۳ وفات نموده مرحوم والدش آقا شیخ علینقی از اجلاء شاگردان شیخنا الانصاری و صاحب رساله عملیه بوده و در قزوین در عصر خود مرجعیت مطلقه داشته و قریب سیصد نفر از فضلاء به درسش حاضر می‌شدند تا در سال ۱۳۰۲ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

خیارجی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

وی فرزند شیخ محمد است وی در قزوین در بیت علم و تقوا در سال ۱۲۸۹ شمسی متولد شد و در حجر فضیلت و دانش پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و سطوح وسطی مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح را از مدرسین بزرگ آنجا تکمیل آنگاه از محضر و دراسات خارج آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّٰه حاج سید محسن حکیم و آیت‌اللّٰه شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌اللّٰه حاج میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌اللّٰه العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی استفاده نموده و به دریافت اجازات از آنان نائل شده آنگاه به وطن خود مراجعت و به اقامه جماعت و خدمات دینی پرداخته و تا هم‌اکنون اشتغال دارند.

دارای تألیفات عدیده در رشته‌های مختلف مانند رد بر صوفیه و غیره می‌باشد که هنوز به طبع نرسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

خیاط، محمدکاظم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۴ ق)، خطاط. وی تعلیق را بسی نیکو می‌نوشت. از آو آثاری مشاهده نشده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۷۳/۴).

خیال اصفهانی، غیاث‌الدین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۳۴ ق)، شاعر، متخلص به خیال. وی از نوادگان میر محمدباقر داماد و شاگرد و داماد آقا جمال خوانساری بود که در نزد آن عالم علوم معقول و منقول را کسب کرد. میرزا غیاث‌الدین به هنگام فتنه‌ی افغانها در اصفهان درگذشت. از آثار وی: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره المعاصرین (۲۸۲ -۱۵۲)، الذریعه (۳۰۹، ۳۰۸ /۹)، ریاض العارفین (۱۹۳)، فرهنگ سخنوران (۳۲۲)، مخزن الغرائب (۱۲۱/۲).

خیالی بخارایی، احمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۸۵۰ ق)، شاعر. در بخارا متولد شد. وی شاگرد و معاشر خواجه عصمت بخارایی بود و چون مدتی در هرات زیست برخی او را هراتی دانسته‌اند. خیالی معار با الغ‌بیگ بود و در بخارا درگذشت. او مردی مستعد و خوش طبع بود و دیوان اشعارش در ماوراءالنهر و بدخشان و خراسان و ترکستان شهرتی عجیب داشت. از وی «دیوان» شعری به جای مانده است. شهرت خیالی بیشتر از رهگذر غزل معروف وی با مطلع زیر است که شیخ بهایی ان را در مخمسی تضمین کرده است.

ای تیر غمت را دل عشاق نشانه

خلقی به تو مشغول و تو غایب ز میانه

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (۷۳۲ -۷۳۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۵۷ -۴۵۶ /۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۰۰)، تذکره‌ی روز روشن (۲۵۱)، تذکره الشعراء (۴۷۴)، حبیب السیر (۳۸/۴)، الذریعه (۳۰۹/۹)، ریاض العارفین (۷۳)، ریحانه (۱۹۸/۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۵۰ -۳۴۸ /۱)، صبح گلشن (۱۵۷)، فرهنگ سخنوران (۳۲۲)، لغت نامه (ذیل/ خیالی)، مجالس النفائس (۱۳ -۱۲)، یادگار (س ۲، ش ۲، ص ۵۶ -۵۱).

خیام، ابوالفتح، عمر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۴۴۰/۴۱۷- وف ۵۲۵ -۵۱۵ ق)، فیلسوف، ریاضیدان، منجم، نویسنده و شاعر. در نیشابور متولد شد. با میمون بن نجیب واسطی، امام ابوالمظفر اسفزاری، حکیم ابوالعباس لوکری عبدالرحمن خازنی و امام محمد غزالی همعصر بود. وی منجم دربار ملکشاه سلجوقی بود. سفرهایی به بلخ، اصفهان، بغداد و مکه داشت اما، بیشتر عمر خود را در نیشابور گذرانید و در همان شهر درگذشت و در جوار امامزاده محمد محروق دفن شد. خیام از شخصیتهای تاریخی است که در باب او داستانهای مجعول بسیاری ساخته‌اند و همین افسانه‌سازی سبب شده که در باب احوال و اقوال او اتفاق نظری بین پژوهندگان وی نباشد. خیام علاوه بر اینکه در فنون و علوم مختلف، ریاضی، نجوم، هندسه و فلسفه صاحب نظر بود، در شاعری نیز توانا بود و رباعیات او نه تنها در ایران، که در جهان نیز مشهور است و ترجمه‌ی جرالد فیتز از این رباعیات به زبان انگلیسی، باعث شهرت خیام در جهان شد. از آثار وی: «کتابی در جبر و مقابله به زبان عربی»؛ «رساله‌ای در شرح مشکلات اقلیدس»، به عربی؛ «رساله‌ای در طبیعیات»؛ «رساله‌ی فارسی در کلیات وجود»؛ «رساله‌ای در کون و تکلیف»، به عربی؛ «رساله‌ای در تعیین مقدار بیان زیج ملکشاهی»؛ «ترجمه‌ی فارسی خطبه‌ی ابن سینا در توحید»؛ «رساله‌ای در حل بعضی از مسایل جبر و مقابله»، به عربی؛ «رساله‌ی وجود»، به عربی؛ «رساله‌ای در جواب سه سوالی که در حکمت از او شده است»، به عربی؛ «رساله‌ی ضیاء العقلی در حکمت»، به عربی؛ «نوروز نامه»، به فارسی؛ «رباعیات»؛ «سلسله الترتیب»؛ و «قطعه‌هایی به عربی».[۱]

خواجه امام، حجهٔ الحق، حکیم ابوالفتح (یا ابوحفص) عمر بن ابراهیم مشهور به خیام (یا خیامی) نیشابوری، فیلسوف و ریاضی‌دان و منجم و شاعر ایرانی در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم ه. است مولد و منشأ و اصل او نیشابور بود. ملکشاه بدو احترام می گذاشت ولی رابطه سنجر با او خوب نبود، زیرا سنجر در کودکی مبتلی به آبله شده بود و خیام نزد او رفت و بیرون آمد. وزیر مجیرالدوله از خیام پرسید: او را چگونه یافتی و به چه چیز علاجش کردی؟ امام گفت: این کودک مخوف است! خادم حبشی این سخن بشنید و به سنجر رسانید. چون وی از آبله برست بغض امام در دل گرفت. وی در ترتیب رصد ملکشاهی و اصلاح تقویم همکاری داشت. وفات او بین ۵۰۶ و ۵۳۰ ه.ق. اتفاق افتاده (آرامگاه خیام) خیام اشعاری به پارسی و تازی و کتابهایی به هر دو زبان

دارد، از جمله رباعیات (ه.م.) او مشهور جهان است. از آثار او در ریاضی و جبر و مقابله (ه.م.)، رسالهٔ فی شرح ما اشکال من مصادرات کتاب اقلیدس، رسالهٔ فی الاحتیال لمعرفهٔ مقداری الذهب والفظهٔ فی جسم مرکب منهما (به طبع رسیده) لوازم الامکنهٔ را باید نام برد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۶۸۵ -۶۷۴ /۲)، الاعلام (۱۹۵ -۱۹۴)، با کاروان حله (۱۴۲ -۱۲۷)، بهشت سخن (۸۷ -۷۶ /۲)، تاریخ ادبی ایران (۵۶۵، ۳۳۲، ۱۲۵ /۱)، تاریخ ادبیات ایران (۴۴۳ -۴۴۱، ۸۹، ۶۲، ۳۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۳۵ -۵۲۳ /۲)، تاریخ برگزیدگان (۴۳۵ -۴۳۲)، تاریخ الحکماء قفطی (۳۳۸ -۳۳۶)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۳۵۰ -۳۰۳)، تاریخ نظم و نثر (۶۱ -۶۰)، تحلیل شخصیت خیام، ترانه‌های خیام (مقدمه)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (۷۳ -۷۱)، چهار مقاله (مقدمه مصحح، ۱۰۱ -۱۰۰)، چشمه‌ی روشن (۱۲۷ -۱۰۷)، خیامی نامه، دایرهٔالمعارف فارسی (۹۲۹/۱)، دستور الوزراء (۱۷۱ -۱۶۹)، دویست سخنور (۹۸ -۹۶)، الذریعه (۳۸۰/۲۴ -۳۱۵/۹)، رباعی و رباعی‌سرایان (۱۱۰ -۱۰۷)، ریاض العارفین (۱۹۲ -۱۹۱)، ریحانه (۲۰۱ -۱۹۸ /۲)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۳۳۵ -۳۲۵)، سیری در شعر فارسی (۲۶۸)، شخصیتهای نامی (۱۸۸ -۱۸۶)، شعر العجم (۱۷۸/۱)، صبح گلشن (۱۵۹ -۱۵۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۱/۶)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۰۳ -۲۰۱)، فرهنگ سخنوران (۳۲۴ -۳۲۳)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۶۳ -۱۶۲)، کشف الظنون (۹۷۲)، الکنی و الالقاب (۲۲۳ -۲۲۲ /۲)، گنج سخن (۲۸۹ -۲۸۱)، گنجینه‌ی سخن (۱۳۶ -۱۳۱)، لغت نامه (ذیل/ خیام)، مولفین کتب چاپی (۶۲۹ -۶۲۱ /۴)، مجمع الفصحا (۶۰۸ -۶۰۷ /۲)، مخزن الغرائب (۷۸ -۶۴ /۲)، مرصاد العباد (۳۱)، مطلع الشمس (۱۷۳/۳)، معجم المولفین (۲۷۰ -۲۶۹ /۷)، مواد التواریخ (۵۹۶ -۵۹۵)، نتایج الافکار (۴۶۵ -۴۶۱)، نشتر عشق (۴۹۷ -۴۹۵ /۲)، هدیه الاحباب (۱۳۳)، هدیه العارفین (۷۸۷، ۷۸۵ /۲)، هفت اقلیم (۲۵۹ -۲۵۶ /۲)، یادگار (س ۴، ش ۹ و ۱۰، ص ۹۰)، یغما (س ۶، ص ۷۱ -۶۸، س ۷، ص ۳۲۰ -۳۱۷).

خیام، محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم و نهم ق)، نقاش و خطاط. از شیوه‌ی عبدالحی هروی پیروی می‌کرد و دنباله‌رو مکتب چینی نیز بود و در این زمینه از استاد سیاه قلم و استاد شیخی و فضل‌اللّٰه دیوانه درس می‌گرفت و در شیوه مخلوط ایران و چینی نقش می‌آفرید. استاد محمد در ارائه مجالس رزمی و چهره‌پردازی و پرنده‌سازی قدرت قلم داشت و در خط تعلیق و توقیع نیز ماهر بود. از آثار وی: تصویر سوارکار رزم‌آوری که خود و اسبش مسلح به زره فولادی بوده و با سوارکار دیگری به رزم و ستیز مشغول هستند، با رقم: «نقل از استاد عبدالحی نقاش کمترین بندگان محمد بن محمود الخیام»؛ تصویر قوی زیبایی که یک پای خود را بلند کرده است و به خط تعلیق رقم «محمد بن محمد الخیام» دارد؛ تصویر پهلوانی که سوار بر اسب شده و به اژدهای قوی هیکلی حمله می‌کند، با رقم: «محمد خیام». شش اثر دیگر وی در «احوال و آثار نقاشان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۶۳۰ -۶۲۸/ ۲).

خیام‌پور، عبدالرسول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب.

تولد: ۱۳۱۶(۱۲۷۷ ق.) تبریز.

درگذشت: ۱۲ فروردین ۱۳۵۸، تهران.

عبدالرسول خیام‌پور، فرزند محمد تاهباز، پس از تحصیلات مقدماتی به تهران عازم و در سال ۱۳۰۶ به اخذ گواهینامه از دوره ادبی مدرسه دارالفنون نایل آمد. پس از سه سال خدمت دبیری در دبیرستان شاهپور اهواز در تهران وارد دانشسرای عالی شد و در فلسفه و ادبیات لیسانس گرفت چون در امتحانات رشته‌ی مزبور درجه‌ی اول را حائز شد، به دریافت یک قطعه نشان علمی درجه‌ی اول نایل گردید. پس از آن به سمت دبیری منصوب گردید. بعدا عهده‌دار مشاغل زیر شد: متصدی و مدیر دفتر دانشکده‌ی معقول و منقول، مدیر دبستان ایرانیان در استانبول از سال ۱۳۱۶ الی ۱۳۲۵ (در این مسافرت پس از چهار سال تحصیل در دانشکده‌ی ادبیات از شعبه‌ی ترمولوژی استانبول لیسانسیه شد و در تیر ۱۳۲۵ به ایران بازگشت)، معلم دستور ادبی و فلسفه در رشت؛ استاد رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات تبریز از مهر ۱۳۲۶؛ وی همچنین به معاونت دانشکده‌ی ادبیات رسید. وی در خرداد ۱۳۲۹ نیز به ریاست کتابخانه‌ی دانشکده نیز منصوب شد . در پانزدهم تیر ۱۳۴۸ بازنشسته شد و با توجه به موقعیت علمی ایشان، به پیشنهاد دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی و تصویب دانشگاه تبریز از تاریخ دهم دی ۱۳۴۸ به مقام استادی ممتاز نایل آمد.

دکتر عبدالرسول خیام‌پور در شهریور ۱۳۴۹ به تهران نقل مکان کرد و از آن پس به جز یک سالی که در یکی از مدارس عالی تهران به تدریس اشتغال داشت، تمام وقت خود را صرف تکمیل کتاب فرهنگ سخنوران (تبریز، ۱۳۴۰، تهران، ۱۳۷۲، ۱۳۶۸) کرد و در سال‌های آخر عمر به علت بیماری از هر گونه فعالیت فرهنگی نیز محروم شد.

فهرست آثار چاپ شده‌ی وی به شرح زیر است: مجمع الخواص (به قلم صادق افشار، ترجمه از ترکی جغتایی به فارسی، ۱۳۲۷)؛ رساله‌ی عربی برای فارسی (اقتباس و ترجمه از المنجد ۱۳۳۶)؛ دستور زبان فارسی (۱۳۳۳ این کتاب به کرات به چاپ رسیده است)؛ یوسف و زلیخا (۱۳۳۹)؛ فرهنگ سخنوران (۱۳۴۰)؛ نگارستان دارا (تألیف عبدالرزاق دنبلی، ۱۳۴۲)؛ ریاض الوفاق (تألیف ذوالفقار علی، ۱۳۴۳)؛ تذکره اختر (تألیف احمد گرجی، ۱۳۴۳)؛ مصطبه خراب (به قلم احمد قاجار، ۱۳۴۴)؛ حدیقه امان‌اللهی (نوشته میرزا عبدالله سنندجی، ۱۳۴۴)؛ تذکره‌ی روضهٔ السلاطین (به قلم محمد بن امیری فخری هروی، ۱۳۴۵)؛ سفینهٔ المحمود (نوشته‌ی محمود میرزا قاجار، ۱۳۴۶) جزوه‌ای تحت نام شیوه انتقاد در مجله راهنمای کتاب (آذر ۱۳۳۹)؛ حالات اسم در فارسی امروزی (۱۳۳۲)؛ خاقانی شروانی (۱۳۲۷). وی همچنین سلسله مقالاتی تحت عنوان «غلط مشهور» تحریر کرده است که در سیزده شماره از شماره‌های سال اول و دوم نشریه «دانشکده‌ی ادبیات تبریز» به چاپ رسیده است.

(۱۳۵۸ -۱۲۷۷ ش)، محقق، مصحح، استاد دانشگاه و نویسنده. در تبریز متولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی به تهران آمد و با گرفتن دیپلم ادبی از دارالفنون به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و پس از سه سال تدریس در اهواز برای ادامه‌ی تحصیل به تهران بازگشت و موفق به دریافت لیسانس فلسفه و ادبیات فارسی از دانشسرای عالی شد، سپس در دارالفنون و دیگر دبیرستانها به تدریس پرداخت. از سال ۱۳۱۶ ش به مدت نه سال سمت مدیری دبستان ایرانیان را در استانبول بر عهده داشت و در ضمن خدمت، موفق به اخذ لیسانس و دکتری از دانشگاه استانبول شد. پس از مدتی تدریس در دانشکده‌ی ادبیات تبریز، به سمت ریاست کتابخانه و سپس معاونت دانشکده انتخاب شد. در سال ۱۳۴۸ ش بازنشسته شد و به دلیل خدمات علمی و پژوهشی به مقام استادی ممتاز نایل آمد. از آثار وی: تالیف «فرهنگ سخنوران»؛ «دستور زبان فارسی»؛ «رساله‌ی یوسف و زلخیا»؛ ترجمه و تصحیح و تحشیه‌ی «نگارستان دارا» و «مصطبه‌ی خراب» و «تذکره‌ی روضه السلاطین» و «سفینه المحمود» و «ریاض الوفاق».[۱]

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۷، ش ۳، ص ۲۴۵ -۲۴۳)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۴۸ -۲۴۷ / ۲)، فرهنگ سخنوران (مقدمه)، مولفین کتب چاپی (۸۴۹ -۸۴۷/ ۳).

خیر حبیب‌الهی، عیسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی برق، دانشکده: مهندسی مکانیک، دانشگاه: صنعتی شریف

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد الکترومکانیک، کارشناسی ارشد کنترل سیستم‌ها و دکترا در رشته مهندسی برق و کنترل.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه صنعتی شریف.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تجزیه و تحلیل و بررسی سیستمها، کنترل سیستمهای خودکار صنعتی، کاربرد روباتها در پزشکی، کاربرد لیزر در عملیات حرارتی روی فلزات، تهیه فرهنگ لغات اپتیموم و تهیه متن چاپی از صوت گفتاری.

ابداع:

قفل و شماره‌گیر الکترومکانیکی و مطالعه ارگونومتری توزیع نیروهای فشاری بر دست و تهیه دستگیره اپتیموم.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۹

زمینه علمی مقالات:

ارائه مدل ریاضی، بهینه‌سازی ابزاری، حافظه‌های چاپ مغناطیسی، بررسی فیزیک مغناطیسی فعل و انفعال حافظه تئوری و تجربی، محاسبه و تجزیه و تحلیل نیروهای مغناطیسی در سلول حافظه.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

خیرابی، جمشید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: کشاورزی، دانشکده:، دانشگاه: آزاد اسلامی شهر ری

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد در رشته آبیاری و آبادانی از دانشگاه تهران، دکترا از دانشگاه سوربن پاریس.

مرتبه علمی:

دانشیار رشته کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی شهر ری.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آبیاری، رابطه آب و خاک، طبقه‌بندی اراضی برای آبیاری، ۳۹ سال سابقه تدیس، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۷ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

علوم آبیاری.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۹

زمینه علمی مقالات:

علوم آبیاری، رابطه آب و خاک و گیاه، رابطه آب و خاک و فیزیک خاک.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

خیرالدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۱ ق)، خطاط. وی شاگرد میرعلی هروی بود و با اجازه‌ی استاد، یک نسخه «شاهنامه» فردوسی را که میر به کتابت آغاز کرده بود، به پایان رسانید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۸۴/۱)،

خیراللهی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد خیراللهی حسین آبادی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۲

زندگینامه علمی

در تاریخ ۲۶/۴/۱۳۳۱ در خانواده ای ساده بدنیا آمده ام تحصیلات ابتدائی و دبیرستان در اصفهان دروس حوزوی را در قم آغاز کردم. در زمان جنگ ۳۰ ماه در جبهه ها حضور داشتم پس از آن به منطقه سیستان و بلوچستان رفتم دروس دانشگاهی را تا فوق لیسانس خواندم دارای همسر و چهار فرزند می باشم عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان و علوم پزشکی زاهدان بودم . هم اکنون معاونت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد اسلامی استان اصفهان مشغول تدریس می باشم. و در مراکز دانشگاهی علوم پزشکی اصفهان ، دانشگاه هنر اصفهان، دانشگاه سپهر ، دانشگاه آزاد اسلامی دانشگاه علمی کاربردی مشغول هستم . صبحها و شبها در مسجد حضرت صاحب الامر اقامه جماعت و منبر و درس تفسیر و درس نهج البلاغه را با همکاری با نیروی قضائی در بخش حفاظت اجتماعی دارم که امید است همه این فعالیتهای مرضی پروردگار قرار گیرد.

خیرالنساء

قرن:۱۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

متخلص به عفت از زنان شاعر فارسی‌گوی. وی دختر کوچک ترک علی شاه ترکی قلندر نورمحلی (مولف تذکره سخنوران چشم

دیده) و همسر نواب خواجه حسین اثر بود. وی مانند خواهرش بسم‌اللّه بیگم طبع شعر داشت. ابیات زیر از نعتیه اوست:

نشستم بر سر کوی محمد

که شاید بنگرم روی محمد

دماغ من معطر کن خدا را

صبا از بوی گیسوی محمد

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: سخنوران چشم دیده، ۸۳ –۸۲.

خیرخواه علوی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی خیر خواه علوی

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۱ در خانواده روحانی در شهر رشت متولد شدم. پس از گذراندن دوره ابتدائی و راهنمایی در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه شهرستان رشت شدم و در مدرسه علمیه جامع رشت شروع به تحصیل نمودم. از سال ۱۳۶۶ نیز در کنار تحصیلات حوزه، تحصیلات کلاسیک خود را– بصورت متفرقه– ادامه دادم و پس از ۴ سال دیپلم متوسطه خود را دریافت نمودم. پس از ۴ سال تحصیل در مدرسه علمیه جامع رشت برای ادامه تحصیل علوم دینی در سال ۶۹ وارد حوزه علمیه مشهد شدم و لمعه و اصول را در مشهد به پایان رساندم و قسمت اول از کتاب رسائل نیز از آنجا فراگرفتم. در سال ۷۲ با ورود به حوزه علمیه قم به مدت یکسال نیز در موسسه در راه حق مشغول به تحصیل بودم تا آنکه در سال ۷۴ در رشته تاریخ دانشگاه باقرالعلوم(ع) از طریق کنکور سراسری قبول شدم– این دانشگاه در سال ۷۴ با عنوان موسسه آموزش عالی باقرالعلوم(ع) خوانده می شد– پس از تکمیل دوره کارشناسی تاریخ با مرکز فرهنگ و معارف قرآن آشنا شدم و در بخش تاریخ و اعلام این مرکز مشغول به تحقیق و مطالعه و پس از چندی نگارش مقالات تاریخی شدم.

همچنین در سال ۸۰ با مرکز مطالعات و پژوهش های حوزه آشنا شدم و در گروه تاریخ اسلام این مرکز بعنوان معاون و همکار گروه آغاز به فعالیت نمودم و پس از چند ماه با تشکیل گروه تاریخ معاصر بعنوان مسئول گروه تاریخ معاصر به فعالیت خود در این مرکز ادامه دادم و با عضویت در شورای نویسندگان مجله صباح که از انتشارات مرکز مطالعات بود به ارزیابی و نظارت مقالات تاریخ معاصر و گاه تاریخ اسلام می پرداختم و پس از مدتی اولین مقاله بنده در حوزه تاریخ معاصر و با موضوع نقش کشورهای استعماری در کودتای ۲۸ مرداد در مجله صباح چاپ گردید. پس از آنکه در اواسط سال ۸۳ از سوی بخش تاریخ مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم در خصوص تصدی امور اجرایی این بخش دعوت به همکاری شدم – ضمن آنکه قبل از آن در نگارش مقالات با این بخش همکاری داشتم – فعالیت و حضور در این مرکز را بیشتر نمودم و تاکنون نیز این همکاری بصورت مداوم در زمینه های اجرائی و تحقیقاتی ادامه دارد. از حدود سال ۸۲ نیز به عنوان استاد مدعو گروه دروس معارف اسلامی دانشگاه آزاد نیز به تدریس تاریخ اسلام در این واحد دانشگاهی مشغول هستم.

خیرخواه، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد خیر خواه

محل تولد : روستای طوسکلاء

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب احمد خیرخواه دوره تحصیلات ابتدایی را در روستای زادگاهم طوسکلا از توابع شهرستان نکاء گذرانده ام و تحصیل در مقطع راهنمایی را درشهرستان های ساری(مرکز استان مازندران) و گرگان (مرکز استان گلستان) انجام دادم و در سال ۱۳۵۷ همزمان با انقلاب اسلامی به جهت علاقه زیادی که به تحصیل علوم دینی داشتم وارد حوزه علمیه رستمکلاء (حومه بهشهر) شدم

که زیر نظر عارف کامل و عالم عامل حضرت آیت الله شیخ ابوالحسن ایازی (رضوان الله تعالی علیه) تاسیس و اداره می شد و دروس آغازین صرف و نحو (ادبیات عرب) را در آن حوزه نورانی فراگرفتم. لازم به ذکر می دانم که فضای تحصیلی در آن حوزه با دو ویژگی تعلیم و تزکیه ممتاز بود و مرحوم آیت الله ایازی با تعلیم و تربیت هزاران تن از طلاب فاضل و روحانیون ارجمند که بسیاری از آنان خود از اساتید شایسته و از محققان و پژوهشگران پرتلاش هستند در توسعه علم و فرهنگ دینی نقش بسیار مفید و ماندگاری را ایفا نمودند.اینجانب در سال ۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و کتاب مغنی اللبیب (در ادبیات) را نزد مرحوم استاد مدرس افغانی(ره) و کتاب مطول (در معانی وبیان و بدیع) را محضر آیت الله فشارکی و کتاب رسائل (در علم اصول) را نزد آیت الله اعتمادی و کتاب مکاسب (در فقه) را محضر آیت الله بنی فضل و مرحوم آیت الله پایانی و کتاب کفایهٔ الاصول آخوند خراسانی را محضر مرحوم آیت الله ستوده تلمذ نمودم و دروس خارج اصول و فقه را محضر حضرات آیات فاضل لنکرانی(ره)، صالحی مازندرانی(ره)، ناصر مکارم شیرازی، و جوادی آملی افتخار حضور یافتم. به جهت علاقه خاصی که به مطالعه و پژوهش در علوم قرآن و تفسیر داشتم و نیز به جهت اهمیت ویژه ای که خود این دانش در مقایسه با دیگر علوم دارد، وارد این رشته تخصصی شدم که با شرکت کنندگان در آن با شرایط ویژه ای و با دو مرحله امتحان گزینش می شوند در این دوره که به مدت چهار سال به طول انجامید از محضر اساتید بزرگوار و حضرت آیت الله معرفت استفاده کردم و موضوع پایان نامه اینجانب (بررسی مترادف در قرآن کریم) است. و همزمان و به موازات حضور در دوره تخصصی تفسیر جهت عینیت بخشیدن به مطالعات و پژوهشهای قرآنی وارد مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم در قم شدم و این مرکز که از مهمترین مراکز مطالعات تحقیقی و کاربردی در محور موضوعات قرآنی است متشکل از بخش ها و واحدهای مختلفی از جمله دائرۀالمعارف قرآن کریم، پاسخ به پرسش ها و شبهات قرآنی، تفسیر راهنما، قرآن و علم، واحد فرهنگ قرآن و... می باشد و اینجانب به اتفاق جمعی از همکاران گرامی در واحد فرهنگ قرآن قریب به ده سال است که به تحقیق و پژوهش در مفاهیم قرآنی مشغول هستیم که با منطق نظم الفبایی تدوین می شود و برای این منظور بیش از دو هزار مدخل که با بیشتر از صد هزار نمایه توسعه می یابد بر مبنای معارف برگرفته از قرآن کریم و تفاسیر در قالب برداشت های قرآنی و با راهکارهای کاملا ـ تعریف شده و ضابطه مند مورد تحقیق قرار می گیرد. این پژوهش که با نام (فرهنگ قرآن) آغاز شده و ادامه دارد در حقیقت پروژه ای عظیم و در عین حال بی سابقه در حوزه علوم قرآن و تفسیر است که از سوی حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی ارائه شده است و به وسیله تلاش های مستمر و دلسوزانه جمعی از همکاران همدل و همراه این مرکز انجام می گیرد و به سامان می رسد که بنده نیز به عنوان عضوی کوچک از آن مجموعه بزرگوار محسوب می شوم. تحقیق مذکور که به مثابه یک موسوعه بزرگ از مفاهیم قرآنی است در حدود ۲۵ جلد خواهد بود که ۱۰ جلد آن تا کنون از چاپ خارج شده است و در دسترس علاقمندان مطالعات قرآنی قرار گرفته است و بقیه مجلدات آن نیز در شرف نهایی شدن قرار دارد. اینجانب جدای از تحقیق جمعی فوق مقالاتی را در موضوعات علوم قرآنی، کلامی، معارف دینی و اجتماعی برای دایرۀالمعارف قرآن کریم و مرکز مطالعات حوزه علمیه قم و برخی از نشریات نوشته ام.

خیری

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۱۱ ق)، خطاط. از خطوط وی: دو لوحه ثلث یک دانگ کتیبه‌ی عالی، با رقم: «اثر خیری ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۶۶/۴).

خیری تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از شاعران نه چندان معروف تبریز بود که طبع لطیفی داشت. از اوست:

بگشاید آن نگار چو زلف دوتای خویش

سازد هزار دلشده را مبتلای خویش

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۲۶۳)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۲۱۲ –۲۱۱ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۴۳)، الذریعه (۳۱۱/۹)، سخنوران آذربایجان (۳۴۳)، فرهنگ سخنوران (۳۲۵).

خیری، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن خیری

محل تولد : وزوان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۵ در شهر وزوان از توابع اصفهان در خانواده ای کشاورز و متدین به دنیا آمدم. دوره ابتدایی ، راهنمایی و متوسطه را در زادگاهم گذراندم. علاقه وافر به مذهب و روحانیت موجب شد که به همراه شهید احمد خوش کثیر به عنوان اولین طلبه های شهرمان در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شوم. دوره سطح را در ظرف شش سال به پایان رسانده و برای تحصیل دروس خارج فقه واصول در درس آیات عظام مرحوم فاضل لنکرانی ، میرزا جواد آقا تبریزی، سبحانی، مکارم حضور یافتم.

به علاوه از سال ۶۴ در موسسه در راه حق به تحصیل پرداخته و پس از اتمام دروس عمومی از سال ۶۹ تا ۷۶ کارشناسی ارشد جامعه شناسی را گذراندم و نیز موفق به گذراندن دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد شدم. دوره تحصیلات را با ورود به دوره دکتری جامعه شناسی در سال ۱۳۸۲ ادامه داده و موفق به اخذ مدرک دکتری PH.D جامعه شناسی در سال ۱۳۸۶ شدم.هم اکنون نیز به عنوان مدیر مرکز مطالعات فرهنگی اجتماعی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی توفیق همکاری را دارم.

خیری، یارعلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، حکیم، طبیب و شاعر. در تهران متولد شد. میرزا یارعلی طبیب مخصوص شاه طهماسب صفوی بود. چون اداره‌ی امور اوقاف و خیرات به او محول شده بود به حکیم خیری شهرت یافت. وی در کربلا وفات یافت. از آثار او «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۲۴۷)، الذریعه (۱۳۰۵/۹)، ریاض العلماء (۳۳۲/۵) ریحانه (۵۷/۲).

خیری، یوسف

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یوسف خیری

محل تولد : میاندوآب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۶۹ وارد حوزه بناب شدم در سال ۷۳ شش پایه ابتدایی را تمام و فارغ التصیل شدم و تا سال ۷۵ سطوح را تمام کرده مشغول دروس خارج فقه و اصول شدم . همزمان با اینها وارد موسسه امام خمینی شدم و امسال (سال ۸۶) از رشته جامعه شناسی با مدرک فوق لیسانس فارغ التحصیل شدم.

ضمنا از سال ۸۷ وارد موسسه ادیان و مذاهب در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان وارد شدم و بمدت دو سال دروس آن را به اتمام رساندم البته پایان نامه ننوشتم.درسال ۸۴ پایان نامه سطح سه حوزه را با موضوع موارد پرداخت دیه از بیت المال دفاع کردم. و الان مشغول تدوین رساله سطح چهار حوزه هستم.ضمنا فعلا در دانشگاه باقرالعلوم در رشته اندیشه معاصر مسلمین مشغول تحصیل دوره دکتری هستم. والسلام.

داداش زاده، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا داداش زاده

محل تولد : قائم شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر پس از اخذ دیپلم در رشته علوم انسانی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیّه شده و از آنجا که با ادبیات عرب تا حد زیادی آشنایی داشته ، از این رو در مدّت کوتاهی ادبیات عرب در حوزه را به پایان رسانده و تا سال ۱۳۷۰ دوره سطح را پشت سر گذاشتم، با وجود جلسه های مذهبی و فرهنگی در منزلمان در پیش از پیروزی انقلاب اسلامی این جانب با بسیاری از مسایل مذهبی و روز با مربّیگری ابوی خود آشنایی داشته، از این رو از سال ۱۳۶۸ رسماً برنامه تبلیغی خود را در قالب سخنرانی در مساجد شهرستان قائم آغاز نمودم و از سال ۱۳۷۰ در مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) نیز به همکاری مشغول شدم که پس از مدّت هفت سال کار تحقیقاتی خود را شروع کرده و دستاوردهای چند ساله سخنرانی خود را در قالب چهار کتاب اخلاقی به نامهای راه رستگاری (۲ جلدی) ، نعمت زبان، توبه به رشته تحریر در آورده تا مستمعین ایام تبلیغی نیز با مطالب گفته شده در سالهای قبل آشنا شوند.

ناگفته نماند که حقیر از سال ۶۹ تا به حال بی وقفه در دروس خارج فقه و اصول حضرات مکارم شیرازی، میرزا جواد تبریزی، صالحی مازندرانی ، وحید خراسانی، شبیری زنجانی حاضر شدم.

در ضمن با وجود پیشنهاد مشاغلی چون امامت جمعه و دیگر ارگانهای انقلاب ، از آنجا که این جانب علاقه وافری به تحقیقات و تألیف کتابهای اخلاقی دارم همواره در صدد تهیه کتابهای دیگری در راستای کمک به فرهنگ جامعه می باشم و یکی از آنها که در حال گرد آوری است کتابی در راستای اخلاق شهروندی از نگاه اسلام می باشد که در حال حاضر بخاطر نبودن بودجه برای تألیف متوقف شده است.

داداش زاده، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی داداش زاده

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

درسال ۷۱ وارد حوزه علمیه شهرستان بابل – استان مازندران – شدم .بعداز مدتی وارد حوزه علمیه قم جهت ادامه تحصیل شدم ودرهمین میان به تدریس ادبیات عرب ومنطق پرداختم . ودرسالهای ۷۵- ۷۶ به عنوان شاگرد ممتاز،شناخته شدم و مورد تقدیر نماینده ولی فقیه قرار گرفتم . درسال ۷۸ رتبه سوم درپایه هشتم را کسب نمودم وسرانجام درپایه دهم رتبه اول رابدست آوردم و مورد تقدیر قرار گرفتم . همزمان باورود به درس خارج حضرات آیات، به تدریس پرداخته ، وکتاب بدایهٔ الحکمهٔ، نهایهٔالحکمهٔ، رسائل، را تدریس نمودم وبعد ازمدتی وارد تخصصی تربیت مدرس شده وبه ادامه تحصیل درگرایش فقه واصول پرداختم واز آن مرکز نیز رتبه اول رابدست آوردم.درمیان تحصیل دررشته فقه واصول وفلسفه وتفسیر،ازآنجایی که احساس نمودم حملاتی برعقاید شیعه میشود و لکن کتابهای فارسی که به این شبهات بپردازد چندان نبود دست به ترجمه برخی ازکتب دردفاع ازکیان تشیع زدم که مورد استقبال بالا-قرارگرفت وبا تیراژ فراوان چاپ و منتشرگردید که دوعنوان ازاین کتب ،رویکردعقلانی برباورهای وهابیّت ،وسلفی گری درگذرتاریخ بود .ودرادامه تحصیلات هم اکنون دررشته علوم حدیث باگرایش کلام وعقاید دردانشکده علوم حدیث قم درکارشناسی ارشد مشغول به تحصیل می باشم .

دادبان، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حقوق خصوصی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دادجو، یدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یدالله دادجو

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب یدالله دادجو در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم در هنگام ورود به حوزه علمیه تلاش کردم در عین پیشرفت علمی و فقهی با علوم جدید نیز آشنایی داشته باشم لذا در آن زمان توفیق اخذ دیپلم علوم تجربی را پیدا کردم.سپس در راستای ارتقای علوم دینی پس از پایان سطح به درس خارج بزرگان دین شرکت کرده و بیش از ۱۲ سال موفق شرکت در دروس خارج فقه و اصول شدم ضمنا در رشته تخصصی کلام اسلامی به تحصیل پرداخته و سرانجام پایان نامه ام را با عنوان تحلیل و بررسی پدیده وحی به پایان برده و دفاع نمودم و موفق به کسب مدرک سطح چهار دکتری شدم از سال ۱۳۸۲ مشغول به تدریس در دانشگاهها هستم و مقالاتی نیز از حقیر به چاپ رسیده و اکنون در حال تألیف کتابی هستم. البته در برخی از حوزه های علمی حوزه علمیه و به طور آزاد نیز توفیق تدریس داشته ام.از جهت تبلیغی نیز تاکنون به لطف خدا موفق به تبلیغ بوده ام.

دادستان، پریرخ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پریرخ دادستان در ۱۳۱۲ درتهران بدنیا آمد. وی پس از اخذ دیپلم ادبی در سال ۱۳۳۰ برای ادامه تحصیل به سوئیس اعزام شد.ایشان دکتری رشته روانشناسی را زیر نظر پروفسور ژان پیاژه در سال ۱۳۳۹(۱۹۶۰م) از دانشگاه ژنو دریافت کرد. پریرخ دادستان از سال ۱۳۵۴عضو هیئت علمی دانشگاه تهران شد و تا مقام استادی(۱۳۶۵) ارتقا یافت نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه شهید بهشتی می باشد. وی عضو بسیاری انجمن های مربوطه به رشتۀ خود است و در سال ۱۳۸۱ به عنوان چهره های ماندگار در رشته روانشناسی معرفی شد. کتاب"روانشناسی مرضی تحوّل از کودکی تا نوجوانی" تالیف وی ، در دوره دهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : روان شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی پریرخ دادستان به قرار زیر است : – تحصیلات ابتدایی در دبستان «خورشید» تهران و اخذ دو دیپلم علمی و ادبی به ترتیب از دبیرستان های «ناموس» و «شاهدخت» – دریافت دیپلم متوسطه از دبیرستان ناموس ۱۳۲۸ ـ قبولی در کنکور سراسری و دریافت بورس از وزارت فرهنگ و آموزش عالی و اعزام به کشور سوئیس (به عنوان تنها زن پذیرفته شده) ۱۳۳۰ ـ دریافت گواهینامه علوم تربیتی در رشته روانشناسی از دانشگاه ژنو ۱۳۳۱ ـ دریافت دانشنامه تخصصی روانشناسی بالینی کودک ، ژنو۱۳۳۲ ـ دریافت دانشنامه عمومی روانشناسی کاربردی ، ژنو ۱۳۳۲ ـ دریافت دانشنامه لیسانس روانشناسی ،ژنو ۱۳۳۳ ـ دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد روانشناسی ، ژنو۱۳۳۵ ـ دریافت دکتری روانشناسی ، ژنو۱۳۳۹خاطرات و وقایع تحصیل : بیشتر دوران تحصیل پریرخ دادستان به تحصیل در رشته روانشناسی در کشور سوئیس (دانشگاه ژنو) گذشته که در زندگی علمی وی مرحلۀ مهمی به شمار می رود.فعالیتهای ضمن تحصیل : پریرخ دادستان در کنار رشته و گرایش تخصصی خود همواره به گرایشهای دیگر یا رشته های دیگر نیز توجه داشت چنانکه در ۱۳۲۹علاوه بر دیپلم علمی، دیپلم ادبی و نیزدر ۱۹۵۳، علاوه بر دانشنامه تخصصی روانشناسی بالینی، دانشنامۀ عمومی روانشناسی کاربردی را دریافت کرد.استادان و مربیان : مهمترین استاد، پریرخ دادستان به ویژه در هنگام تحصیل در مرحله دکتری، استاد ژان پیاژه ، استاد روانشناسی دانشگاه ژنو در پاریس بوده است.وقایع میانسالی : پریرخ دادستان پس از بازگشت از سوئیس در سال ۱۳۲۹، مدتی به عنوان کارشناس فرهنگی تربیتی اداره کال تربیت معلم وزارت آموزش و پرورش فعال بود. وی از سال ۱۳۵۴عضو هیئت علمی دانشگاه تهران شد و تا مرحله استادی نیز ارتقا یافت. وی در بسیاری از مراکز مهم علمی در زمینه روانشناسی عضویت یا مسئولیت دارد. وی درسال ۱۳۸۱ به عنوان چهره ماندگار در عرصۀ روانشناسی معرفی شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : برخی مسئولیت های پریرخ دادستان عبارت بوده اند از : – کارشناس فرهنگی تربیتی اداره کل تربیت معلم وزارت آموزش و پرورش – عضو هیئت علمی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۴ – مدیر دفتر مطالعات وتحقیقات روانشناسی و تحقیقات و علوم انسانی – عضویت شورای راهبری سند ملی آموزش و پرورش ۱۳۸۳ تا کنون ـ مدیر مسئول و سردبیر فصلنامه روانشناسان ایرانی ۱۳۸۲ تا کنون ـ استاد گروه روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۱ تاکنون ـ مدیر گروه روانشناسی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت) ۱۳۷۵ تاکنون ـ مدیر دفتر مطالعات و تحقیقات علوم انسانی معاونت پژوهشی و برنامه ریزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب ۱۳۷۲ تا کنون ـ استاد ۱۳۷۹– ۱۳۶۵ گروه روانشناسی دانشگاه تهران –دانشیار ۱۳۶۵– ۱۳۵۹ گروه روانشناسی دانشگاه تهران – مدیر گروه ۱۳۶۲– ۱۳۵۴ – استادیار ۱۳۵۹– ۱۳۴۴ گروه روانشناسی دانشگاه تهران – استاد گروه روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی ــ ۱۳۸۱ تاکنون – صاحب امتیاز و مدیرمسؤول مجتمع آموزشی رؤیا (وزارت آموزش و پرورش) طی سال های ۱۳۴۴ تا ۵۴ – ریاست مرکز تحقیقات روانشناسی پلی تکنیک تهران (وزارت آموزش و پرورش) از ۱۳۴۱ تا ۴۴ – مدیر گروه روانشناسی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت ــ) ۱۳۷۵ تاکنون – مدیر دفتر مطالعات و تحقیقات علوم انسانی معاونت پژوهشی و برنامه ریزی دانشگاه آزاد اسلامی ــ واحد تهران جنوب ــ ۱۳۷۲ تاکنون –عضویت در گروه علمی ــ تخصصی رشته روانشناسی منطقه هشت دانشگاه آزاد اسلامی ــ ۱۳۸۴ –عضویت در شورای مرکزی انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی ــ ۱۳۸۴ فعالیتهای آموزشی : پریرخ دادستان از سال ۱۳۵۴

عضو هئیت علمی دانشگاه تهران شد. وی در سال ۱۳۵۹ به مرتبه دانشیاری و مدتی بعد به مرحلهٔ استادی نایل آمد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پریرخ دادستان علاوه بر تدریس و مسئولیت های اجرایی و به تحقیق مطالعه و تالیف آثار دررشتهٔ روانشناسی مشغول بوده و هست.آرا و گرایشهای خاص : پریرخ دادستان عمدتا به روانشناسی بالینی و درمانگری توجه دارد. آثار وی نیز عمدتاً دراین حیطه نگاشته شده است.جوائز و نشانها : منتخب در همایش چهره های ماندگار به عنوان اولین روانشناس در این همایش – ۱۳۸۱ منتخب اولین دوره معرفی پژوهشگران قابل تقدیر دانشگاه تهران ــ ۱۳۸۳ برنده جایزه بخش تحقیقات بنیادی علوم انسانی در پانزدهمین جشنواره بین المللی خوارزمی ــ ۱۳۸۰ برنده لوح تقدیر سازمان «سمت» به عنوان مدیر گروه پژوهشی روانشناسی برنده لوح تقدیر ریاست تشخیص مصلحت نظام به عنوان مدیر گروه پژوهشی روانشناسی سمت برنده لوح تقدیر وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان مدیر گروه پژوهشی روانشناسی سمت پژوهشگر برگزیده جامعه اسلامی پژوهشگران ــ ۱۳۸۰ برنده لوح تقدیر همایش علل و عوامل تقدم مسائل جمعی بر منافع فردی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت لوح تقدیر به مناسبت انتخاب کتاب" روانشناسی مرضی تحوّل از کودکی تا نوجوانی " تالیف پریرخ دادستان به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوه دهم کتاب سال از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. چگونگی عرضه آثار : سوابق پژوهشی و آموزشی پریرخ دادستان به قرا زیر است: سوابق پژوهشی : مجری ۱۶ مورد طرح پژوهشی و هنجار گزینی تست‌های متفاوت در دانشگاه تهران ، دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب و سازمان پژوهش و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش که در این میان برخی از طرح‌های ایشان برنده جوایز ارزنده‌ای نیز شده‌اند . از آن جمله روش‌های تشویق و تنبیه در مدارس راهنمایی از دیدگاه معلمان و دانش آموزان (برنده طرح برگزیده سال ۱۳۷۷) ، بررسی توان ذهنی دانش آموزان دوره ابتدایی به منظورتعیین استانداردهای آموزشی (برنده پانزدهمین جشنواره بین‌اللملی خوارزمی) ۱۳۷۶ ،بررسی توانایی‌های کودکان غیر فارسی زبان در زبان فارسی در بدو ورود به نظام آموزشی (برنده طرح برگزیده ۱۳۷۹) و میزان اضطراب دانش آموزان در جلسات امتحانی و راه‌های کاهش آن (برنده طرح برگزیده سال ۱۳۷۵) سوابق فعالیت‌های آموزشی : ۱۷ مورد پایان‌نامه دکترا و ۱۰۱ مورد پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی مختلف استان تهران. و ارائه ۲۹ مقاله (۱۳۸۳ـ۱۳۵۵) که در مجلات مختلف روانشناسی .

آثار : ۱ اختلال های زبان و روش های تشخیص و بازپروری (روانشناسی مرضی تحولی ۳ ــ کتاب برگزیده دانشگاه تهران ۱۳۸۰ – کتاب تشویقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۷۹) ۲ اختلالهای زبان ۳ ارزشیابی شخصیت کودکان براساس آزمون های ترسیمی ۴ بیماری جدید تمدن ۵ بیماریهای روانی ویژگی اثر : ۱۳۶۸۶ تربیت به کجاره می سپرد ویژگی اثر : ۱۳۶۹۷ تنیدگی یا استرس ۸ دیدگاه پیاژه در گستره تحول روانی ۹ روانشناسی بالینی ویژگی اثر : ۱۳۷۱۱۰ روانشناسی ژنتیک ۲ ویژگی اثر : ۱۳۷۲۱۱ روانشناسی مرضی تحولی از کودکی تا نوجوانی ویژگی اثر : ۱۳۷۱–(برنده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۱ از طرف در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی).آشنایی با کتاب:« روانشناسی مرضی تحول »: روانشناسی مرضی تحوًل / تألیف پریرخ دادستان –. تهران : ژرف، ۱۳۷۰.– ۴۸۱ص . در این اثر، چرخهٔ اختلالات روانی دوران تحوّل یعنی دوره های شیر خوارگی، کودکی و نوجوانی در حدّ پیشرفته ترین مرزهای دانش روانشناسی مرضی تحوّل ترسیم شده است، و برای آماده سازی علمی همهٔ دانشجویان علوم انسانی و مخصوصاً دانشجویان رشته های روانشناسی بالینی تحوّلی و رشتهٔ روانپزشکی کودک ، ابزاری مفید و ضروری است. این کتاب ، نخستین اثری است که به صورت روانشناسی مرضی تحولی به زبان فارسی انتشار یافته و گستردگی ، ظرافت و دقت و صحت مطالب آن بی سابقه است ۱۲ روانشناسی مرضی تحولی، از کودک تا بزرگسال ویژگی اثر : (جلد دوم کتاب تشویقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۷۹ – جلد اول کتاب برگزیده دانشگاه آزاد اسلامی ۱۳۷۶)۱۳ روشهای تشخیصی و بازپروری ۱۴ گفت وگوهای آزاد با ژان پیاژه ویژگی اثر : (با همکاری دکتر محمود منصور)۱۵ لغت نامه روانشناسی ویژگی اثر : ۱۳۶۵–(مشترک با دکتر منصور و دکتر میناراد)۱۶ نقاشی کودکان ، کاربرد تست ترسیم خانواده در کلینک ویژگی اثر : ۱۳۷۱۱۷ کار کودکان، کاربُرد تست ترسیم خانواده در کلینیک برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دادمرزی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی دادمرزی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۴ در رشته ریاضی فیزیک از دبیرستان خوارزمی (شهید مفتح) تهران دیپلم گرفتم . همان سال به طوررسمی وارد حوزه علمیه مجتهدی شدم . همزمان در همان سال در رشته علوم انسانی در کنکور سراسری شرکت کردم و در مقطع کارشناسی رشته حقوق دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شدم . در سال ۱۳۶۸ فارغ التحصیل شدم و در همان سال در رشته حقوق خصوصی دانشگاه تهران در مقطع ارشد قبول شدم ؛ در سال ۷۰ با دفاع از پایان نامه خود تحت عنوان حکمیت در دعاوی خانوادگی مدرک ارشد

خود را اخذ نمودم . در همان سال در کنکور اعزام به خارج برای مقطع دکتری قبول شدم . در سال ۶۹ جهت تکمیل دروس حوزوی به قم مهاجرت کردم و در حوزه مشغول اتمام دوره سطح شدم و عمدتا این مقطع را در محضر دروس مرحوم آیت الله شمس شاگردی نمودم .

از سال ۱۳۷۲ وارد درس خارج فقه و اصول شدم که به لطف حق همچنان در این مقطع به تحصیل اشتغال دارم . همکاری خود را با دانشگاه قم از سال ۷۰ – ۶۹ شروع نمودم و در هر حال حاضر عضو هیات علمی رسمی قطعی آن دانشگاه و مامور به تحصیل در مقطع دکتری رشته حقوق خصوصی هستم. پیش از این نیز مدیر گروه حقوق خصوصی دانشگاه قم بوده ام. در طول اقامت در قم با جامعهٔ الزهراء (س) ، دفتر تبلیغات واحد خواهران ، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان ، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) ، مرکز جهانی علوم اسلامی ، مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه ، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و دانشگاه آزاد نراق همکاری و عمدتا تدریس داشته ام . در حال حاضر تنها در دانشگاه قم تدریس می نمایم و با واحد خواهران حوزه علمیه قم جهت نگارش چند جلد کتاب و نیز با پژوهشگاه حوزه و دانشگاه برای نگارش کتاب همکاری دارم. درسال ۱۳۷۲ نیز دوره کار آموزی وکالت دادگستری خود را در تهران به هدف آشنایی با دانش حقوق در عرصه محاکم به پایان رساندم و لذا با پایان یافتن دوره کار آموزی و علی رغم این که محل دفتر وکالت اینجانب از سوی کانون وکلای مرکز، شهر تهران معین شده بود عملاً به جهت تحصیلات حوزوی از اشتغال به این حرفه منصرف شدم .

حوزه پژوهش های اینجانب فقه ، اصول ، حقوق قراردادها و حقوق خانواده می باشد . به زبان های عربی و انگلیسی نیز تسلط و آشنایی دارم . موضوع رساله سطح چهار این جانب شروط خلاف کتاب و سنت درعقد نکاح دائم است .عنوان رساله دکتری من نیز نظریه ریاست بر خانواده در روابط زوجین می باشد.

دادمهر، کریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(و ۱۲۹۷ ش)، شاعر. در تبریز متولد شد و خواندن و نوشتن را در یکی از مکتبهای شهر خود فراگرفت و به تحصیل علوم قدیمی در مدرسه‌ی طالبیه پرداخت در سال ۱۳۵۷ ش به تهران آمد و در ضمن کار در بازار در یکی از انجمن‌های ادبی شهر که به ریاست محمدعلی ناصح تشکیل می‌شد شرکت جست و به امر شاعری به طور جدی پرداخت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۲۹۲ –۲۸۸ /۳)، سخنوران نامی معاصر (۱۳۲۳ –۱۳۲۰ /۲).

دارا بکلایی، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل دارابکلائی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۱برای شروع تحصیل علوم حوزوی وارد حوزه علمیه قم شدم تا ۱۳۵۰ مقدمات، سطوح متوسط و سطوح عالی را با موفقیت به اتمام رساندم از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۲ در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام: مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری(ره) و مرحوم حاج میرزا هاشم اصلی(ره) و آیت الله العظمی وحید خراسانی دامت برکاته شرکت داشتم. به موازات ادامه تحصیل هر کتابی را که به اتمام می رساندم به تدریس آن به صورت خصوصی و عمومی در حوزه علمیه می پرداختم. در سال ۱۳۵۲ همزمان با ادامه دروس خارج فقه و اصول در نخستین برنامه هفت ساله آموزشی- پژوهشی موسسه در راه حق- که اینک به موسسه آموزشی- پژوهشی امام خمینی تغییر نام یافت- زیر نظر آیات: مصباح یزدی، مظاهری، خرازی، استادی و دکتر احمدی دامت برکاتهم، شرکت کردم از سال ۱۳۶۱ همزمان با بازگشایی دانشگاههای کشور برای تدریس دروس معارف، توسط آیت الله مصباح و دکتر احمدی به دانشگاهها معرفی شدم و در نخستین ترم در دانشگاه اصفهان و از آن به بعد در دانشگاه شهید بهشتی به تدریس دروس اشتغال داشتم که هنوز هم ادامه دارد از سال ۱۳۶۵ با دعوت آیت الله میرمحمدی، ریاست وقت دانشکده الهیات- به دانشکده الهیات راه یافتم و تا سال ۱۳۷۸ دروس مختلف: فقه، اصول، کلام، تفسیر، منطق، فقه الحدیث، احادیث فقهی، تاریخ حدیث، درایه، حقوق خانواده، مبادی فقه و اصول، متون فقهی، تفسیری و ... تدریس کردم. در تابستان سالهای ۷۵ الی۸۳ برای تدریس دروس فلسفه حقوق، فلسفه سیاست و ... از سوی استاد مصباح به " طرح ولایت "دعوت شدم و دروس یاد شده و غیر آنها را تدریس کردم. چند ترم نیز در موسسه در راه حق و موسسه آموزشی- پژوهشی امام خمینی و دانشکده سپاه قم- به تدریس فلسفه

حقوق، مبانی حقوقی، فلسفه سیاست، حقوق و سیاست در قرآن و ... اشتغال داشتم. از سال ۱۳۷۸ تا کنون در دانشگاه شاهد نیز به تدریس دروس معارف، متون، تفسیر، منطق و ... اشتغال دارم. از سال ۱۳۶۱ همزمان با تدریس در دانشگاه در دفترهمکاری حوزه و دانشگاه– که اخیرا به پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تغییر نام یافت– به مدت ۲۰ سال به کارهای تحقیقاتی اشتغال داشتم، حاصل آن تالیف تعدادی کتاب و تعدادی مقالات و جزوات سمیناری و تحقیقاتی می باشد که در بخش سوابق پژوهشی آمده است. در سال ۱۳۷۵ با گذراندن امتحانات عمومی و تخصصی و مصاحبه علمی و دفاع از رساله به اخذ مدرک دکتری در حد استادیاری از وزارت علوم واحد خبرگان بدون مدرک موفق شدم و از سال ۱۳۷۷ عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه شهید بهشتی شدم. اوائل انقلاب، اوج فعالیتهای منافقین در لاهیجان و سیاهکل با دعوت حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای قربانی– امام جمعه وقت لاهیجان– به لاهیجان رفتم و حدود ۶ ماه در مدارس مختلف منطقه برای پاسخگوئی به سوالات: اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و ... حضور داشتم در این برنامه بسیاری از گروهکها و منافقین شرکت می کردند که با موفقیت خوبی به پایان رسید. در سال ۶۱–۶۰ در آموزش ضمن خدمت به تدریس عقائد، ولایت فقیه، اقتصاد و... اشتغال داشتم. بطور کلی حقیر در حدود نیم قرن به تحصیل، تدریس، تحقیق، تالیف و پژوهشی، تبلیغ و ارشاد اشتغال داشتم. آخرین عنوان علمی حقیر عبارت است از : اجتهاد حوزوی و دکترای دانشگاهی در فقه و اصول و مبانی حقوق.

دارا، جلیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلیل دارا

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۷/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای جلیل دارا در سال ۱۳۵۷هجری شمسی در خانواده ای متدین وکاملا- آگاه به مسائل مذهبی در یزد دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۷۶ وارد دانشگاه امام صادق(ع) تهران گردید تا در کنار دروس دانشگاهی به تحصیل در دروس حوزوی هم بپردازد. از نخستین روزهای ورود به دانشگاه امام صادق علیه السلام با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت واز محضر درس اساتیدی همچون آیت الله مصباحی مقدم، آیت الله زنجانی، آیت الله علیدوست و دیگر اساتید آن دانشگاه بهره ها برد.

وی در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه امام صادق علیه السلام و در مقطع دکترا رشته علوم سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس فارغ التحصیل شد، با موفقیت از پایان نامه خویش دفاع کرد و سالهای متمادی است که در دانشگاه آزاد واحد مرکزی تهران، دانشگاه شهید بهشتی و وزارت کشور به تدریس مشغول می باشد.وی درطول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و مقالاتی از قبیل" دمکراسی جدید "و "مشارکت سیاسی در اسلام " را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

داراب پور، مهراب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر مهراب داراب پور در سال ۱۳۳۸ در دستجه استان فارس متولد شد. دکتر مهراب داراب پور دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی است.او مدرک دکترای رشته حقوق تجارت بین الملل را از دانشگاه ردینگ انگلستان اخذ کرده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

گرایش : حقوق تجارت بین الملل

تحصیلات رسمی و حرفه ای : مهراب داراب پور دوره دبستان را در دبستان محمدی (ره) گذراند. دوران دبیرستان را در مدرسه فردوسی و حکمت و سپس ذوالقدر با اخذ دیپلم تجربی (طبیعی) طی کرد. در سال ۱۳۵۶، با انتخاب رشته حقوق برای ادامه تحصیل به تهران آمد. دروس دانشگاهی و حوزوی را همزمان خواند. در کلاس درس حقوق حق و ناحق بر استادان ایراد می‌گرفت. هیچ چیز را قطعی و مسلم نمی‌دانست و برای هر مشکلی راه فراری می‌دید. استادان بزرگ معمولاً- بالاترین نمره را به شجاعت در اظهارنظرهای غلط و مخالف او می‌دادند و همین اقدام استادان، وی را در اظهار نظر و عرض اندام جسور کرده بود. در دو سال آخر تحصیل حقوق هیچ نمره ای کمتر از عالی (الف) نداشت. پس از پایان تحصیل دوره کارشناسی، به تحصیلات حوزوی خود ادامه داد و در عین حال در دادگستری نیز به عنوان قاضی مشغول به کار گردید و پس از چندین سال دریافت که جای وی، آنجا نیست. علیرغم پذیرش برای تحصیل کارشناسی ارشد در دو دانشگاه معتبر تهران به صلاحدید حضرت آیت الله

العظمی صانعی و مساعدت استادان خیراندیش و بزرگ خود جهت ادامه تحصیل عازم خارج از کشور شد. او برای کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه منچستر در انگلستان را انتخاب کرد.رساله فوق لیسانس خود را در مورد «حقوق حقیقی فروشنده بدون مراجعه به دادگاه» در ۳۰۰ صفحه به رشته تحریر درآورد که مورد تحسین استادان قرار گرفت. سپس به دوران دکترای خود به راهنمایی پرفسور تونی انتونی دونز بدواً در دورهام (Durham) و سپس در ردینگ (Reading) انگلستان ادامه داد و تحقیقات دامنه داری در مورد حقوق تجارت بین الملل و قراردادها و بیع بین الملل انجام داد و یک سال زودتر از حد معمول از رساله خود در مقابل استادان بزرگ حقوق انگلستان نظیر پروفسور Guest دفاع کرد. نوشته ها، دفاعیات، سرعت در تحقیق، ثمربخش بودن مطالعات و نحوه موفقیت وی در تحصیل، موجب پیشنهاد تدریس و همکاری در امور وکالتی در انگلستان با مزایای فراوان به وی شد که از نظر مادی چشمگیر بود. با وجود این، او با رد این پیشنهادات، با شتاب به ایران آمد. ریاست محترم دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی مجدداً جهت تکمیل زبان فرانسه وی را به شهرهای ویشی و تور فرانسه فرستاد که مدتی در آنجا تحصیل نمود. خلاصه ای از تحصیلات زبان های خارجی ایشان به قرار زیر است: ۱- زبان عربی از سال ۱۳۵۷ در ایران ۲- زبان انگلیسی از سال ۱۳۵۹ در ایران – انگلستان ۳- زبان فرانسه از سال ۱۳۶۸ در انگلستان – فرانسه

خاطرات و وقایع تحصیل : هفته ای نبود که در دبستان به خاطر دسته گلهای آب داده شده به پای میز مواخذه اش نکشانند ولی کمتر تن به مجازات در می‌داد و راه فراری را می‌جست. محبوبیت او در میان دوستانی که به جای وی مجازات می‌شدند هنوز به قوت خود باقی است و بر آن افزوده می‌شود.

وقایع میانسالی : مهراب داراب پور پس از بازگشت به ایران به عنوان استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی مشغول تدریس شد. ایشان به موازات تدریس، ارائه مشاوره حقوقی به صورت محدود به نهادهای دولتی را نیز در سوابق خود دارد. در دعاوی بین المللی به عنوان وکیل به تهیه لوایح و دفاع از حقوق ایران پرداخت که در همه موارد ارجاعی، با لطف حق، موفقیت کامل کسب نمود. عضویت وی در کانون وکلای دادگستری مرکز باعث شد تا در امور وکالتی نیز فعالیت کند و وکالتهای معاضدتی و تسخیری، بدون ارجاع، قابل توجهی را نیز انجام داده ومی دهد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عضویت در مجامع علمی و مؤسسات مهراب داراب پور به ترتیب زیر است: ۱۳۵۹ – ۱۳۶۴ قاضی دادگستری جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۴ تا کنون : مشاور حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین المللی ریاست جمهوری ۱۳۷۲ تا کنون : عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۷۲- ۱۳۷۵ : مشاور حقوقی بنیاد مستضعفان ۱۳۷۲- ۱۳۷۵ : وکیل پرونده های خارجی بنیاد مستضعفان ۱۳۷۲ تا کنون : عضویت در انجمن داوری ایران – عضو مؤسس ۱۳۷۳- ۱۳۷۶ : مشاور حقوقی وزارت دفاع ۱۳۷۴ : شروع عضویت در کانون وکلای دادگستری ۱۳۷۴ : وکیل پرونده های وزارت دفاع در هلیوپولیس و کیوبیک و موفقیت در هر دو پرونده و کسب جایزه به علت موفقیت ۱۳۷۴ : بنیانگذاری کانون بین المللی حقوقدانان مسلمان ۱۳۷۴ : مشاور حقوقی شرکت های وابسته به وزارت نیرو ۱۳۷۵ : عضویت در انجمن دفاع از حقوق بشر ۱۳۷۶ – ۱۳۷۹ : مشاور حقوقی صدا و سیما

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : هرچند دکتر داراب پور شاعر نمی‌باشد ولی علاقه او به شعر و ادبیات را نباید نادیده گرفت. دیوان شعر او «سرمه بر مژگان زیبایی» با مقدمه دکتر جعفر حمیدی، استاد بزرگ ادبیات ایران، مزین شده است. کند بی خرد چون خردمند کار پس از آنکه رسوایی آرد به بار

آرا و گرایشهای خاص : دکتر مهراب داراب پور معتقد است که اگر دادگستری سالم باشد و تابع سیاست مقامات فوق و هوای نفس قضات غیر عادل نباشد، هیچ قدرتی مردم را تهدید نمی‌کند. ممکن است ظلم و اجحاف وجود داشته باشد ولی قابل رفع و دفع است. اگر آرائ قضات در مجلات علمی کشور تجزیه و تحلیل شود، کمتر قاضیی بی‌محابا رای خواهد داد. قاضیی که احتمال می‌دهد رأی او به مجلات علمی کشیده شود بی تامل در حق مردم انشاء رأی نمی‌کند و برای حفظ آبروی خویش هم که باشد مجبور به اجرای عدالت خواهد شد. ایشان معتقد است وضعیت دادگستری در حال حاضر مطابق با شأن مردم ایران نیست. در برخی موارد بجای عدالت هوای نفس و حفظ عزت و شأن قضات حاکم است و از هیچ اقدام ناروایی نیز خودداری نمی‌شود. وضع قانون باید بر اساس نیاز و ایجاد عدالت و امنیت بین مردم باشد نه بر اساس کشف قواعد و مقررات اصولی ولی عرف شکن و مردم آزار. قانون برای حفظ منافع مردم است نه مردم برای حفظ قواعد و مقررات اصولی. دکتر داراب پور معتقد است با فقه می‌توان پیشرفت کرد ولی با با طرز تفکر فقهای فعلی هیچ امیدی به عدالت و انصاف و حفظ جامعه و حقوق مردم وجود ندارد، زیرا اولاً آنها در جامعه نیستند و درد مردم را نمی‌دانند، ثانیاً اگر درد مردم را هم بدانند به آن کاری ندارند و آنها با اصول و مقررات قاعده ای را کشف می‌کنند که همه مردم باید از آن تبعیت کنند، اعم از اینکه به عدل و داد منتهی شود یا خیر. قانونگذاری در حال حاضر مثل قدیم نیست، باید آثار و عواقب آن بر جامعه و به ویژه بر اقتصاد مردم سنجیده شود. ترجمه کتابهای فقهی یا مواد قانونی کتاب‌های غربی دردی را ضرورتاً از جامعه ایرانی حل نخواهد کرد بلکه خود گاهی درد مضاعف ایجاد می‌کنند. باید اصول اولیه مورد پذیرش، عادلانه باشد تا نظم ناشی از آن نیز عادلانه جلوه کند و مقبول طبع مردم قرار گیرد. آثار و عواقب اقتصادی و هزینه‌های اجرای قانون، با زور یا با رغبت، یکی از ملاک‌های عمده عادلانه بودن یا نبودن یک اصل یا قاعده است. این قاعده اصولی یا در واقع هدفی که قانون باید به آن برسد ملاک وضع قانون و تفسیر آن است. برای مثال، آرامش، آسایش، امنیت و آرایش جامعه و رفع ظلم و زندگی راحت تر و بی دغدغه تر برای همه اقشار جامعه که یک مسأله انسانی است باید یک قاعده حقوقی نیز باشد. از دعوی بر سر اینکه ماهیت حقوق فلان مسأله چیست باید دست برداشت بلکه باید دید چه چیز منجر به آرامش و رفع نگرانی مردم و آسایش دنیوی و اخروی آنها می‌شود. باید این را ملاک قرارداد و سپس مسأله‌های حقوقی را بر اساس آن تجزیه و تحلیل نمود. مثلاً وضعیت کسی که در نتیجه یک واقعه حقوقی صدمه دیده باید با رعایت سیاست‌های قضائی تا حد امکان به جایی برگردانده شود که گویا کسی به وی ضرری وارد نکرده است پس دیه را، بر این اساس صرف نظر از ماهیت حقوقی و کیفری آن، می‌توان پایه و حداقل خسارت بدون احراز و اثبات ضرر به حساب آورد تا به اصل جبران خسارت عرفی و منطقی و قابل پیش‌بینی برسیم و چنانچه مازاد بر دیه هم خسارتی وارد شده باشد باید آن مقدار را نیز، پس از احراز، برای زیاندیده قائل شویم. هر کس در جامعه

بایـد با ضـررهایی که احتمال دارد به وی وارد شود مقابله کند، پس اگر مقابله با خسارت ممکن باشد ولی انجام نشود حتی دیه هم تعلق نخواهـد گرفت تا چه رسـد که وی را در وضـعیتی قرار دهنـد که دیگری به وی صدمه نزده باشد. اگر آرامش مردم و آسایش آنهـا در این است که پس از مرور یک دوره زمانی، دعاوی کهنه و پوسیده و تخریبگر جامعه پـذیرفته نشود تا حق مردم بر اموال و دارایی در یـد آنها اسـتقرار پیدا کند باید بلادرنگ، بدون اینکه منتظر کشف قوانین موهوم باشـیم، آن‌ها را بپذیریم. اگر برابری دیه زن و مرد و مسـلمان و غیر مسـلمان و برابری انسان‌ها به عنوان یک اصل حقوقی پذیرفته شود دیگر نباید پس از اوج قتل و کشتار و زنـدان و شکنجه مردم و احیاناً تغییر نظام حقوقی، انتظار تغییر قوانین موجود را داشت. در هر حال، نبایـد به سبک بی خردان عمل کرد.

چگـونگی عرضـه آثـار : مهراب داراب پـور دارای آثـار علمی متعـدد چـه بـه صـورت ترجمه و چه به صـورت تـألیف می‌باشـد که مهمترین آنها سه جلد کتاب «بیع بین الملل» و «قاعده مقابله با خسارت» است --

آثار :

۱ بیع بین الملل

ویژگی اثر : تالیف

۲ سرمه بر مژگان زیبایی دیوان شعر

ویژگی اثر : تالیف: مهراب داراب پوراین کتاب با مقدمه دکتر جعفر حمیدی، استاد بزرگ ادبیات ایران، مزین شده است.

۳ قاعده مقابله با خسارت

ویژگی اثر : تالیف

۴ مسئولیت های خارج از قرارداد: پرداخت خسارت، استرداد عین و امتیازات

ویژگی اثر : تالیف: مهراب داراب پور ناشر: مجد – ۰۸ خرداد، ۱۳۸۷

داراب خوانساری

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سـیزدهم ق)، شاعر، متخلص به داراب. وی معاصـر مـدهوش و همایون بود و در خـدمت شاهزاده حیـدرقلی میرزا قاجار، حاکم گلپایگان و خوانسار، به سر می‌برد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای خوانسار (۵۲ –۵۱).

دارابی، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر بن ابی اسحاق العلوی الموسوی الدارابی المعروف به کشفی از بزرگان علماء امامیه در قرن سیزدهم و عالمی محقق و متبحر و دانشـمندی جامع و مصـنفی بزرگوار بوده است. تولد وی در سال ۱۱۸۹ قمری واقع شـده و بر حب علم و دانش پرورش یـافته و در دریای علوم و فنون شناور گردیده تا جمع نمود بین علم و ارتعان و ذوق و عرفان را و در عصر خود ممتاز و ریاست عامه و مرجعیت تامه پیـدا نمود و او یکی از اعاجیب روزگار و نوابغ دوران و یگانه در فنون تفسیر و عرفان بود و آثار ارزنـده و آموزنده که از آنها کتاب شـریف (تحفهٔالملوک) است در سـیر و سلوک و عقل و جهل و تعدیل قوای عقلانی و جهلانی به فارسی نوشت که مانند آن تـألیف نگردیـده است علامه رازی در کتاب (الـذریعه) ج ۳ ص ۴۷۱ آن را یـاد و تعریف بسـیار نموده است و دیگر کتـاب (اجـابهٔ المضـطرین) به فارسی در اصول دین که نیز در ج ۲ کتاب الذریعه ص ۱۲۰ مذکور شده است و دیگر کتاب (البلدالامین) در اصول دیـن منظـوم بیش از هزار بیت که در ج ۳ ص ۱۴۴ کتاب مـذکور یاد شده و دیگر کتاب (میزان‌الملوک) در عدالت سـلطان در بین رعیت و دیگر منظومه در علم کلام و کتاب (کفایهٔالایتام) سه جلد در فقه و کتاب (برق و شرق) در شرح بعضی از احادیث و کتاب (سـنابرق) در شـرح دعاء ماه رجب دعاء ناحیه مقـدسه (اللهم انی اسـئلک بمعانی جمیع ما یدعوک) که در آن نسب خویش را ذکر کرده است.

آن بزرگوار در سال ۱۲۶۷ قمری در بروجرد وفات نمود.

ترجمه او را فاضل مراغی در (المآثر والاثار) و میرزا فرصت شیرازی در آثار العجم و دیگران ذکر کرده‌انـد وی دارای اولاد عدیده بوده که نوعاً از علماء و دانشمندان فارس و بروجرد و تهران بوده‌اند بدین شرح:

۱- سید اسحق ۲- سید صبغهٔاللَّه ۳- سید یعقوب از یک مادر نجفیه ۴- سید مصطفی که مادرش اهل اصطهبانات بوده ۵- سید سینا ۶- سید عیسی مادرشان اهل اصفهان بوده ۷- سید حسن ۸- سید علی ۹- سید یحیی مادرشان یزدی بوده ۱۰- سید موسی ۱۱- سید روح ۱۲- آیت‌اللَّه سـید ریحان اللَّه که مادرشان بروجردی بوده و آیت‌اللَّه سـید ریحان‌اللَّه پدر مرحوم حجهٔ‌الاسلام حاج سید مهدی کشفی در عصر خود یکی از رؤساء روحانی و علمی تهران بوده است.

مرحوم حجهْالاسلام آسید یحیی کشفی دارابی یکی از فرزندان آن بزرگوار در سال ۱۲۶۶ قمری در موقع ریاست آنجناب در فتنه بابیه به شهادت رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دارابی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، فقیه، اصولی، عالم و فیلسوف. وی از عالمان بزرگ و فیلسوفان برجسته بود. در معقول و منقول سرآمد و در فقه و اصول نابغه بود. وی در اکثر علوم به مرتبه‌ی بلنـدی رسیده بود. حکمت را از ملا هادی سبزواری صاحب «منظومه» فراگرفت. وی کتاب «الاسفار» را به خط خود نوشت و حواشی بر آن نگاشت. این حواشی بر تبحر و تحقیق او دلالت می‌کند. از شاگردانش شیخ احمد شیرازی نجفی معروف به شانه‌ساز و میرزا ابراهیم نیریزی می‌باشند. از دیگر آثارش: شرح «دعاء کمیل»، به شیوه‌ی استادش در شرح «دعاء الصباح» و «دعاء جوشن»؛ شرح «قصیده‌ی میرفندرسکی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۵/۱۴، ۲۵۹/۱۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۸۴ -۹۸۳ /۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۰۶/۵).

دارابی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، تـذکره‌نویس، نویسنده و شاعر. وی گاهی عارف و گاهی شاه تخلص می‌کرد. وی از نویسندگان و شاعرانی بوده که تا اوایل سده‌ی دوازدهم هجری می‌زیسته است. تحصیلات خود را در ایران انجام داد و مدتی در خدمت شیخ بهاءالدین عاملی شاگردی کرد و بعد از آن سفرهایی به مکه و عتبات و هندوستان نمود و در بازگشت از هند مدتی نزد سید نورالدین مرعشی به مقابله کتابهای حدیث پرداخت. مدتی نیز در اصفهان زیست. از آثار او: تذکره‌ی «لطایف الخیال»؛ «لطیفه‌ی غیبیه»؛ «معراج الکمال».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریـخ ادبیات در ایران (۱۷۹۳ -۱۷۹۱ /۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۹۹ -۸۷ /۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۸۶)، ریاض العلماء (۲۷۵ -۲۷۴ /۵)، صبح گلشن (۲۲۰)، فرهنگ سخنوران (۴۹۱)، کاروان هند (۸۵۴ -۸۵۰ /۲).

دارابی، محمدصادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۴ ق)، عالم، ادیب، عارف و شاعر، متخلص به عنـدلیب. معروف به حاج آخوند. در مدینه از دنیا رفت و در بقیع به خاک سپرده شد. از آثارش: شرح «زیاره المفجعه»؛ «دیوان» اشعار؛ «بیت‌الاحزان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منـابع زنـدگینامه :آثار عجم (۱۰۳)، الذریعه (۷۷۲/۹)، طبقـات اعلام الشـیعه (قرن ۸۵۳/۱۴)، گنجینه‌ی دانشـمندان (۱۰۶/۵)، مرآت الفصاحه (۴۲۸).

دارابی، نصیر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۲۶ ق)، شاعر و عارف. از داراب بود و در اصفهان تحصیل حکمت می‌کرد. به تصوف روی آورد و به ارشاد حسین علیشاه به خدمت سید شهید و نور علیشاه رسید و مامور ارشاد شد و به داراب بازگشت و در آن سامان به امر ارشاد همچنان مشغول بود تا درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۰۴۴/۲).

دارای قاجار، عبدالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۳۲ -۱۱۷۵ ش)، شـاعر، متخلص بـه دارا. وی در ۱۳ سـالگی به حکومت زنجـان رسـید و میرزا محمـدتقی علی‌آبادی ملقب به صاحب دیوان که از منشیان خاص فتحعلی‌شاه بود به وزارت این نوجوان حاکم در زنجان منصوب شد. عبداللّه میرزا در جنگ دوم روس و ایران شـرکت کرد و از خود لیـاقت نشان داد. در زمان سـلطنت ناصـرالدین شاه به وزارت میرزا شـفیع تویسـرکانی دوباره به حکـومت زنجـان منصوب گردیـد. از جمله آثـار خیریه‌ی او بنـای مـدرسه‌ای است در زنجـان دارای حجرات متعـدد برای طلاب و محصلین. وی در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۵۹۳ -۵۹۱ /۱)، الذریعه (۳۱۲/۹)، سفینه المحمود (۳۵ -۳۳ /۱)، شرح حال رجال (۲۹۳/۲)، لغت نامه (ذیل/ دارای قاجار)، مجمع الفصحا (۵۳ -۵۰ /۱)، مصطبه‌ی خراب (۶۲)، نگارستان دارا (۳۱ -۳۰).

دارای کازرونی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهـاردهم ق)، شاعر، متخلص به دارا. وی در عراق عرب تحصـیل کرد و از آنجا به هنـد رفت و مـدتی را به گردش و سـیاحت گذرانـد. از دارا دو رسـاله به نامهـای «دریـای دانش» و «کوه بینش» به جای مانـده است که حاوی شـرح اولین غزل خواجه شـیراز و پاره‌ای نکات عرفانی و قسمتی از اشعار اوست. اثر دیگر وی «گلزار دارا» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۷۴ -۴۶۹ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳۸۷/۱).

دارایی رازی، محمدباقر

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟) شاعر، متخلص به دارایی. صاحب «طرفه در مدایح» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۱۲/۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵۰/۲).

داربوقی بارفروشی، محمد شفیع

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعـد از ۱۲۷۲ ق)، عـالم دینی. معروف به آخونـد آقـا. وی از اهـالی دابوق بـارفروش (بابـل) بود. به کربلا رفت. از معاصـران، مقلدان و شاگردان شریف العلماء بود. از آثارش: «مرصاد العباد»، در امامت، و ترجمه آن به فارسی؛ رساله‌ای در صلح حق رجوع.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۰۹/۲۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۲۶/۱۳).

دارکی اصفهانی، ابوالقاسم عبدالعزیز

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۷۵ ق)، فقیه شافعی. دارک از روستاهای اصفهان است. پدرش در زمان خود محدث برجسته‌ی اصفهان بود. دارکی در ۳۵۳ ق به نیشابور، و پس از چنـدی به بغـداد رفت و تا پایان عمر در آنجا ساکن شـد. وی فقه را از ابواسحاق مروزی و حدیث را از جد مـادری خود، حسن بن محمـد دارکی، فرا گرفت. او در مسجد دعلج بغـداد درس می‌گفت و در جـامع بغـداد حلقه‌ی فتوی و نظر داشت. وی در مـذهب شـافعی سـرآمد بود. گرچه متهم به اعـتزال بود، امـا او را در حـدیث ثقه‌ای امین می‌دانسـتند. بیشتر اوقـات به اسـتناد حدیث نبوی، برخلاف دو مذهب شافعی و حنفی، فتوی می‌داد و در پاسخ اعتراض می‌گفت: «حدیث شـریف مقدم بر فتوای آن دو اما است» و ذهبی در «سیر» گوید که این کلام صحیح است اما به شرط صحت سند. شیخ ابوحامد اسفراینی و جمعی دیگر از شیوخ بغـداد و دیگر شـهرها همچون ابوطالب فقیه، ابوالقاسم تنوخی از شاگردان وی بودند. ابوحامد اسـفراینی او را سـتوده و گوید که فقیه‌تر از او ندیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ الاسلام (حوادث ۵۷۶ -۵۷۵/ ۳۸۰ -۳۵۱)، تاریخ بغداد (۴۶۵ -۴۶۳ /۱۰)، ریحانه (۲۰۵/۲)، سیر النبلاء (۴۰۶

-۴۰۴ /۱۶)، الکنی و الالقاب (۴۸۳/۲)، وفیات الاعیان (۱۸۹ -۱۸۸ /۳).

دارمی سرخسی، ابوجعفر احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۵۳ ق)، محدث و فقیه اهل سنت. در سرخس متولد شد. و در نیشابور نشو و نما یافت. اکثر اوقات زندگی وی در طلب حدیث گذشت. جهت استماع حدیث به بغداد رفت. وی مدتی در سرخس متولی امور قضا بود. پس از چندی به نیشابور بازگشت و در همان جا زیست تا درگذشت. از نضر بن شمیل و علی بن حسین بن واقد و جعفر بن عون و ابوعاصم نبیل حدیث شنید. وی در حدیث ثقه بود و بخاری و مسلم در «صحیح»های خود و عمرو بن علی فلاس و محمد بن المثنی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. احمد حنبل او را زبده‌ترین فقیه خراسانی می‌داند که دیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (۱۶۹ -۱۶۶/۴)، تهذیب التهذیب (۳۱ -۳۰/۱)، ریحانه (۲۰۵/۲)، الکنی و الالقاب (۲۲۵/۲)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، الوافی بالوفیات (۳۹۰/۶).

دارمی سمرقندی، ابومحمد عبداللّٰه

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۵۵ -۱۸۱ ق)، مفسر، فقیه و محدث. در سمرقند به دنیا آمد و در همان شهر ساکن بود. به اصرار سلطان، منصب قضاوت سمرقند را پذیرفت، اما پس از اولین مرافعه استعفا داد. در طلب حدیث سفرهای بسیاری کرد و در حجاز و شام و مصر و عراق و خراسان استماع حدیث نمود. از یحیی بن حسان و ابوعلی عبیداللّٰه بن عبدالمجید و یزید بن هارون و یعلی بن عبید و جعفر بن عون و وهب بن جریر و نضر بن شمیل و بشر زهرانی حدیث شنید. مسلم و ابوداود و ترمذی، سه تن از صاحبان «صحاح» ششگانه، و نیز ابوزرعه و ابوحاتم رازی و محمد بن بشار بندار و عیسی بن عمر سمرقندی و دیگران از او استماع حدیث کرده‌اند و همگان به فضل و کمال او اقرار داشتند. در شهر مرو درگذشت و در همان جا دفن شد. از آثار وی: «مسند»، در حدیث؛ «التفسر»؛ «الجامع الصحیح».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۳۰/۴)، تاریخ بغداد (۳۲ -۲۹/۱۰)، تهذیب التهذیب (۲۶۲ -۲۶۱/۵)، الجرح و التعدیل (ج ۲ ق ۹۹/۲)، ریحانه (۲۰۶/۲)، سیر النبلاء (۲۳۲ -۲۲۴/۱۲)، الکنی و الالقاب (۲۲۵/۲)، لغت نامه (ذیل/ ابومحمد)، معجم المولفین (۷۱/۶).

دارمی، عبدالرحمان

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، طبی و ریاضی‌دان. وی نزد ابن البغونش کسب علم نمود و اکثر کتب جالینوس را نزد وی خواند. او را از بزرگان طب و هندسه می‌دانند که در بعضی صناعات دقیقه و اعمال لطیفه نیز مهارتی داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۲۰۶/۲)، لغت نامه (ذیل/ دارمی).

دارینی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد دارینی

محل تولد : دارین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد دارینی در سال ۱۳۴۵هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان دارین از توابع سبزوار دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۷ همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی وارد

حوزه علمیه سبزوار گردید از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد اما شوق زیارت و هم جواری با بارگاه ثامن الحجج علیه السلام او را راهی حوزه علمیه مشهد گردانید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیارحاضر شد و پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۴ به حلقه دروس خارج راه یافت. و از درس بزرگان آن دیار همچون مرحوم آیت الله فلسفی، مرحوم آیت الله معرفت، آیت الله حجتی، آیت الله واعظی خراسانی و... بهره ها برد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته علوم قرآن در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۹ از دانشگاه علوم اسلامی رضوی فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان"هدایت و مبانی آن در قرآن "دفاع کرد. ایشان ضمن تبلیغ به تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی، مشغول است. و در زندگی سراسر علمی خود جز به امر تبلیغ، تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که مقالات متعددی به رشته تحریر در آورده است.

داستانی بیرکی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی داستانی بیرکی

محل تولد : قوچان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای علی داستانی بیرکی در سال ۱۳۴۶هجری شمسی در خانواده ای متدین وکاملا آگاه به مسائل مذهبی در قوچان دیده به جهان گشود.نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۷۶ با موفقیت در آزمون ورودی دانشگاه امام صادق(ع) تهران وارد این دانشگاه گردید تا در کنار دروس دانشگاهی به تحصیل در دروس حوزوی هم بپردازد. ازنخستین روزهای ورود به دانشگاه امام صادق علیه السلام با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت واز محضر درس اساتیدی همچون آیت الله علم الهدی، استاد غفاری، استاد فاکر و دیگر اساتید آن دانشگاه بهره ها برد. وی در مقطع کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی از دانشگاه امام صادق علیه السلام و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "سیر تشکل و توقف فعالیت های حزب جمهوری "دفاع کرد و سالهای متمادی است که در دانشگاه آزاد تهران، دانشگاه علوم پزشکی، دانشگاه شهید رجائی و... به تدریس مشغول می باشد. وی درطول حیات علمی خویش از امرنگارش و پژوهش غافل نمانده است و در موسسه نشر و تنظیم آثار امام به پژوهش مشغول می باشد وآثاری از جمله" امام خمینی از نگاه نخبگان جهان "،" سیری در اندیشه ای امام در وصیت نامه سیاسی- الهی "، " رنج فراق شوق وصال "، "هکذا قالوا الامام الخمینی "، "تشکیلات و نهادهای سیاسی و توسعه "، "توسعه چرا و چگونه "و... را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

داعی اصفهانی، محمد داوود

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۳۱ ق)، شاعر، متخلص به عشق و داوود. از آثار وی: چند مثنوی به نامهای «نمکدان دین»؛ «زبور العاشقین»؛ «مسافرت نامه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :منظومه‌های فارسی (۲۴۶ -۲۶۲).

داعی اصفهانی، میرک

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به داعی. در بدو امر به کتابت اشعار پدر مشغول بود و سرانجام به شاعری روی آورد و غزلیاتی چند سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۴۱/۳)، تذکره‌ی روز روشن (۲۵۳ -۲۵۲)، الذریعه (۳۱۳/۹)، لغت نامه (ذیل/ داعی)، مجمع

الخواص (۲۷۷)، هفت اقلیم (۴۳۵/۲).

داعی الاسلام، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۰ -۱۲۵۶ ش)، روزنامه‌نگـار، زبانشـناس، فرهنگ‌نویس و شـاعر، متخلص به داعی. وی از سـادات نیـاکی بود که در لاریجان متولد شد. در آمل و تهران و اصـفهان صـرف و نحو عربی و فارسـی و سایر علوم را فراگرفت و در همان سالها مجله‌ی «الاسـلام» را جهت منـاظره بـا عیسویـان در اصـفهان دایر کرد. داعی پس از آموختن زبـان انگلیسـی به بمبئی رفت و ضـمن فراگیری زبـان اردو مجله‌ی «دعوت الاسـلام» را به دو زبان اردو و فارسـی منتشـر ساخت و در سـمت استادی در دانشکده حیدرآباد دکن نیز به تدریس ادبیات فارسـی پرداخت. وی با زانهای پهلوی، اوسـتا، گجراتی و سانسـکریت آشـنا بود. برای مـدتی اندک به ایران آمد و مجددا به هندوسـتان مراجعت کرد و همـان جـا وفات یافت. وی طبع شـعر نیز داشت و در شاعری پیرو سـبک هنـدی بود. از آثار او: ترجمه‌ی کتاب «نادر شاه»، از انگلیسـی به فارسـی؛ ترجمه «و ندیداد»، به فارسـی؛ «فرهنگ نظام»؛ «دیوان» شـعر؛ «شـعر و شاعری عصـر جدید ایران»؛ «فرهنگ نویسی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریخ جراید (۲۴۱ -۲۳۳/۱)، تذکره‌ی شـعرای معاصر اصفهان (۱۸۷ -۱۸۵)، ریحانه (۲۰۹ -۲۰۸/۲)، زندگینامه‌ی رجـال و مشـاهیر (۱۷۴ -۱۷۲/۳)، شـرح حـال رجـال (۲۵۶ -۲۵۵/۵)، گلزار معـانی (۲۳۹ -۲۳۱)، فهرسـتواره ی کتابهـای فارسـی (۹۱۰/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۰ -۲۲۷/۴).

داعی انجدانی، عبدالغفور

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۱ ق)، شاعر اسـماعیلی. مشهور به مومن مشهدی. وی برادر ملک طیفور انجدانی بود. مردی قانع و درویش مشرب که زمانی در کاشان می‌زیست. داعی شاعری توانا بود. و از وی قصاید و غزلیاتی چند به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منـابع زنـدگینامه :تاریـخ نظم و نثر (۴۵۹)، الـذریعه (۳۱۳/۹)، صـبح گلشن (۱۵۹)، عـالم آرای عباسـی (۱۸۳ -۱۸۲/۱)، هفـت اقلیم (۴۷۰/۲).

داعی دزفولی، عبداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۵۶ -۱۱۵۸ ق)، عـالم، ادیب و شـاعر، متخلص به داعی. اصـل وی از شوشـتر و از طوایـف سـادات مرعش بود. از فرزنـدزادگان خواجه علی سـیاهپوش است. وی از شاگردان سـید محمـدباقر حجهٔالاسـلام و آقا محمـد بیـدآبادی بود. قسـمتی از اشـعارش توسـط خودش تدوین یافت و قسمتی از آن شیخ میرزا جعفر انصاری در دو مجلد، شامل غزلیات و توسط قصاید و رباعیات گردآوری شد. از دیگر آثـارش: «تخمیس الفرزدیقیه»؛ «مجمع الاخبـار و تـذکره الابرار»، در تعیین قبور اولاد ائمه (ع) در دزفول؛ «دیوان» شـعر. آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی گوید که به نظر من رساله‌ی «آب حیات» از تالیفات اوست. از اوست:

جوانی چه آورد و پیری چه برد

بت خردسال و می سالخورد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۱۴ -۳۱۳/۹، ۱/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۷۱ -۷۷۰/۱۳)، فرهنگ سخنوران (۳۲۸)، لغت نامه (ذیل/ داعی دزفولی)، مجمع الفصحا (۲۹۲/۴)، مصطبه‌ی خراب (۶۱ -۶۰).

داعی سرخسی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، شاعر و صوفی. در سـرخس در مزار شـیخ لقمان سرخسی می‌زیست و گاهی با مردم اندک سودایی و معامله‌ای جهت معاش می‌کرد. وی معاصـر شاه اسـماعیل صـفوی و امیرعلیشـیر نوایی بود. داعی شـعر نیز می‌سـروده است و صاحب «الذریعه» دیوانی به او نسبت می‌دهد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۵۱)، الذریعه (۳۱۴/۹)، صبح گلشن (۱۵۹)، لغت نامه (ذیل/ داعی)، مجالس النفائس (۲۴۹، ۷۴ -۷۳).

داعی شیرازی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. وی دارای آثار و مثنویهای متعدد است. شش مثنوی او در مجموعه‌ای مشهور به «سته داعی» فراهم آمده است که عبارتند از: «مشاهد»؛ «گنج روان»؛ «چهل صباح»؛ «چهار چمن»؛ «چشمه‌ی زندگانی»؛ «عشق نامه»؛ «تاج نامه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۴۳/۱۲)، منظومه‌های فارسی (۳۲۹ -۳۲۲).

داعی شیرازی، نظام‌الدین، محمود

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۷۰ -۸۱۰ ق)، عارف و شاعر، متخلص به داعی. معروف به داعی الی‌اللّه و شاه داعی. از سادات علوی شیراز است که در همان شهر تولد یافت. وی پس از کسب فنون ادبی و علوم متداول، در جوانی قدم به سیر و سلوک گذاشت و به خدمت شیخ مرشدالدین، ابواسحاق بهرانی که از مریدان شاه نعمت‌اللّه ولی و پیشوای صوفیان نمت‌اللهی در شیراز بود، رسید و به تشویق او به دیدار شاه نعمت‌اللّه ولی به ماهان رفت و از دست وی خرقه گرفت. شاه دایی پس از مرگ شیخ مرشدالدین جانشین وی شد و تا آخر عمر در این مقام باقی ماند. در شیراز درگذشت. از آثار وی: «اسوه الکسوه»؛ «بیان عیان در حقایق»؛ «تحریر الوجود المطلق»؛ رساله‌ی «تاج نامه»؛ «مشاهد»؛ «رضائیه»؛ «سلوه القلوب»؛ «مراه الوجود»؛ «تحفه المشتاق»؛ «ترجمه الاخبار العلویه»؛ «التلویحات الحرمیه»؛ «ثمره الجیب»؛ «جواهر الکنوز»؛ «چشمه‌ی زندگانی»؛ «چهار چمن»؛ «عشق نامه»؛ «چهل صباح»؛ «گنج روان»؛ «نسائم گلشن» یا شرح «گلشن راز».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۴۸۹ -۴۸۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۲ -۳۳۳/۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۱۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۶۹ -۴۶۴/۲)، دایرۀالمعارف فارسی (۹۴۳/۱)، الذریعه (۲۳۷/۱۸، ۳۱۴/۹، ۳۰۷/۵)، ریاض العارفین (۷۷ -۷۳)، ریحانه (۲۱۰ -۲۰۹/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۴/۹)، طرائق الحقائق (۵۱ -۴۹/۳)، فارسنامه ناصری (۱۱۶۶/۲)، فرهنگ سخنوران (۳۲۹)، لغت نامه (ذیل/ داعی)، مجمع الفصحا (۳۵ -۳۳/۴)، مرآت الفصاحه (۲۰۵ -۲۰۲)، هفت اقلیم (۲۵۴/۱).

داعی نژاد، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدعلی داعی نژاد

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمدعلی داعی نژاد سال ۱۳۴۲ درشهرستان دزفول متولد گردید. او پس از اخذ دیپلم فنی درسال ۱۳۶۱، در حوزه علمیه دزفول برخی دروس مقدماتی را گذرانده و در حوزه علمیه شیراز و سپس اراک و در نهایت قم به تحصیلات حوزوی ادامه داد. در دروس خارج اصول و فقه آیات عظام وحید خراسانی و فاضل لنکرانی شرکت کرده و فلسفه را (بدایه الحکمه، نهایه الحکمه، شرح منظومه، شرح اشارات، شفا و اسفار) از دروس اساتیدی همچون آیت الله جوادی آملی، مصباح یزدی، انصاری شیرازی، و فیاضی استفاده نموده و عرفان را (تمهید القواعد، فصوص الحکم و مصباح الانس) از دروس آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن زاده آملی بهره مند گردید. مباحث کلامی همچون الهیات و شرح تجرید را از دروس آیت الله سبحانی و آیت الله مکارم شیرازی فرا گرفته و به مطالعه گسترده در زمینه فلسفه غرب، کلام جدید و اندیشه سیاسی پرداخت. از سال ۱۳۷۲ تاکنون به مدت ۱۴ سال در دانشگاه های شهید بهشتی، دانشگاه تهران، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و در طرح ولایت به تدریس معارف پرداخته و چندین سال در حوزه علمیه قم (موسسه امام خمینی(ره) ، مدرسه الهادی و مرکز جهانی) به عنوان مدرس، استاد راهنما، استاد مشاور و استاد داور فعالیت دارد. از سال ۱۳۷۰ تاکنون به مدت ۱۴ سال به پژوهش و مدیریت پژوهشی در مراکز

متعددی اشـتغال داشـته است مراکزی چون موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) (عضو هیأت علمی و مسئول بخش مدخل یابی دائره المعارف علوم عقلی)، دفتر تبلیغات اسلامی (عضو گروه اصطلاح نامه فلسفی)، دفتر مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه علمیه (معاونت پژوهشی) موسسه طه (مدیر نمایه سازی مجلات و روزنامه ها) مرکز جهانی (عضو گروه کلام)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (عضو و مدیر گروه حلقه نقد و حکمت و دین پژوهی)، نهاد اساتید در دانشگاه ها (ارزیاب و داور پایان نامه های اساتید معارف اسلامی)، نهاد رهبری در دانشگاه ها (مسئول گروه کلام) پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (مدیر مرکز پاسخگوئی تلفنی به سوالات دینی) و سردبیری مجله صباح، سردبیر مجله بازتاب اندیشه و سردبیری کتاب اندیشه. از ایشان تا کنون مقالات متعددی در مجلاتی مانند معرفت، حکومت اسلامی، صباح، بازتاب اندیشه، دانشگاه اسلامی، حکومت اسلامی، برگ سبز، آفتاب و در روزنامه هایی مانند جمهوری اسلامی، کیهان و رسالت منتشر شده است.

داعی، حسن

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، عارف و شاعر. ملقب به شاه تاج‌الدین. از اصحاب شاه نعمه‌اللّه ولی بوده و شعر فارسی را نیکو می‌سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۲۶).

داغستانی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۷۰ ق)، نقاش و شاعر. وی به سیاق علیقلی جبادار و محمد زمان نقش می‌آفرید و در صنعت چهره‌سازی قوی دست بود. صاحب «تذکره‌ی نصرآبادی» درباره‌ی وی آورده: از نجبای داغستانست. والد مشارالیه رستم بیک نام و در زمان شاه عباس ماضی کمال اعتبار داشت بعد از فوت او محمد خان بیک در خدمت شاه عباس ثانی نهایت قرب داشت... داغستانی در شعر نیز دست داشت و اشعاری از وی در تذکره‌ها باقی مانده است. از آثار نقاشی وی: تصویر علیقلی خان، یکی از رجال عهد صفوی، با رقم: «نمود معنی صورت بنطق خامه بیان- کمینه چاکر عباس شه محمد خان سنه ۱۰۷۰».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۷۱۲ -۷۱۱/ ۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۳۵ -۵۳۴ ،۴۲)، الذریعه (۹۹۷/ ۹)، صبح گلشن (۳۷۶)، فرهنگ سخنوران (۸۱۱۳).

داغی شیرازی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. وی جزوه‌کشی می‌کرد، دارای هوش و ذکاوت بالایی بود و به غایت رند و می‌کش و لاابالی واقع شده بود. در فن سخن استاد بود، ذوقی بسیار و فطرتی هموار داشت. وی به دکن نیز مسافرت کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کاروان هند (۳۹۱/۱).

داغی مشهدی، محمدرضا

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از شاعران بنام روزگار خود و معاصر تقی‌الدین کاشی بود که در سرودن رباعی توانایی داشت. این رباعی از او است:

ما را جانی که جز طلب داند نیست

یا فرق میان روز و شب داند نیست

دور از تو نفس نمی‌زنم ز آن که مرا

در دل نفسی که راه لب داند نیست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۷۵)، تذکره‌ی روز روشن (۲۵۴)، فرهنگ سخنوران (۳۲۹)، مطلع الشمس (۴۳۰/۲).

دافع لاهیجی، محمدصالح

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به دافع. از ایران به هندوستان مهاجرت کرد و در آن سامان از سپهداران خان احمد شد. پس از چندی به ایران بازگشت و ملازم شاهزاده سلطان، فرزند شاه عباس دوم شد. دافع در سرودن شعر مهارت داشت و در بدو امر صالح تخلص می‌کرد؛ اشعاری چند از او در تذکره‌ها نقل است که بیشتر در قالب مثنوی سروده شده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره ی نصر آبادی (۳۷۸ -۳۷۷)، الذریعه (۳۱۴/۹)، نامها و نامدارهای گیلان (۱۹۷).

داماد یزدی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم مبرور آیت‌الله حاج سید محمد داماد معروف به محقق یزدی که به واسطه مصاهرت با مرحوم آیت‌الله العظمی حایری موسس حوزه مشهور به داماد گردیده از آیات عظام و مدرسین کرام حوزه علمیه قم بوده است تولدش در سال ۱۳۲۱ در احمدآباد یزد واقع شده و از مسقط الراس خود به بلده یزد آمده و در نزد مرحوم سید احمد مدرس و حاج سید یحیی واعظ و آقاسید حسین باغ گندمی و آقا سید محمدرضا حایری درس خوانده و در سال ۱۳۴۱ به قم مهاجرت نموده و در خدمت آیات عظام یثربی کاشانی و مرحوم حاج سید محمدتقی خونساری و میرزا محمد همدانی و حاج شیخ محمود اردکانی و آقا سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و آیت‌الله حجت و بالاخص مرحوم آیت‌الله العظمی حایری تلمذ نموده و معقول و منقول را از نامبردگان فراگرفته و آنگاه به تدریس فقه و اصول سطحا و خارجا پرداخته و بعد از ورود مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی نیز شرکت در درس و بحث آن مرحوم نموده و ضمنا عده‌ای از فضلاء برجسته را تربیت و در مسجد بازار مسکرها هم به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال داشته تا در ماه ذی‌الحجه ۱۳۸۸ قمری که به کسالت سکته قلبی در سن ۶۷ سالگی بدرود حیات نموده و با تشییع بسیار مجللی در صحن مطهر فاطمیه علیهاسلام در مقبره‌ای از مقابر شرقی صحن مقابل ایوان آئینه مدفون گردید.

فرزندان برومند و فاضل و بسیار متین به نام حاج‌آقا علی و آقاسید مصطفی دارد که از اسباط مرحوم آیت‌الله حایرای و باقیات الصالحات معظم‌له و چشم و چراغ حوزه علمیه می‌باشند.

جناب حجه‌الاسلام آقای حاج آقا علی داماد آیت‌الله آقا میرزا هاشم آملی می‌باشند و بسیار آراسته‌اند و در مسجد بازار به جای مرحوم والد اقامه جماعت می‌نمایند ادام‌الله توفیقاتهما و جعلهماالله و ایانا من العلماء العاملین الصالحین الذین لاخوف علیهم و لاهم یحزنون آمین یا رب العالمین.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

داماد، محمد باقر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن شمس الدین محمّد حسینی استر آبادی.

عالم فاضل حکیم فیلسوف ادیب شاعر متخلّص به «اشراق».

چون پدرش داماد محقّق کرکی بوده به داماد شهرت یافته، و این لقب در صاحب عنوان و احفادش تاکنون باقی مانده است.

در جمیع علوم از معقول و منقول و فقه و حدیث و رجال و بالاخص حکمت، از اساتید مسلّم به شمار می‌رفته.

کتب زیادی تألیف فرموده که از آن جمله است ۱- اربعهٔ الایام ۲- الافق المبین ۳- امانت الهی، در تفسیر آیه امانت ۴- انموزج العلوم ۵- ایقاظات ۶- تفسیر سوره اخلاص ۷- حبل المتین، در حکمت ۸- خلق الاعمال ۹- دیوان اشعار ۱۰- الرواشح السماویّه ۱۱- الصراط المستقیم، در حکمت ۱۲- قبسات، در حکمت، و ۳۸ مجلّد دیگر.

وفاتش در سال ۱۰۴۰ مابین کربلا-و نجف در راه واقع شده، قبرش در نجف، و مادّه تاریخ وفاتش: «عروس علم و دین را مرده داماد» می‌باشد، و تاریخ‌های: «الرضی» و «الراضی»، که به ترتیب ۱۰۴۱ و ۱۰۴۲ می‌شود اشتباه است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دامغانی، ابوعبداللّه محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۷۸ –۳۹۸ ق)، فقیه و قاضی حنفی. وی در دامغان به دنیا آمد. در دامغان و نیشابور و بغداد فقه آموخت. و از ابوحسین قدوری بهره گرفت. وی از قاضی ابوعبداللّه صیمری و محمد بن علی صوری حدیث شنید. عبدالوهاب انماطی و علی بن طراد زینبی و حسین مقدسی از وی روایت کرده‌اند. اصحاب وی که در شهرها پراکنده شدند، عبارت‌اند از: ابوسعد ابن بابشاذ مصری و نور الهدی حسین زینبی و ابوطاهر الیاس دیلمی و ابن‌سمنانی. وی مدت سی سال پس از ابن‌ماکولا عهده‌دار امر قضاوت بغداد بود، و مانند قاضی ابویوسف حشمت و جاه و آقایی داشت. دامغانی در بغداد درگذشت. و در جنب ابوحنیفه دفن شد. از جمله آثار وی: «مختصر الحاکم»، در فروع فقه؛ «مسائل الحیطان و الطریق»؛ «الزوائد و النضائر فی غریب القرآن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۶۳/۷)، تاریخ بغداد (۱۰۹/۳)، سیر النبلاء (۴۸۶ –۴۸۵ /۱۸)، الکامل (۱۲۹/۸)، معجم البلدان (۲۷/۴)، معجم المولفین (۴۹ –۴۸ /۱۱)، الوافی بالوفیات (۱۳۹/۴)، هدیه العارفین (۷۴/۲).

دامغانی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عالم. وی از علمای عصر فتحعلی شاه قاجار و از معاصران ملا حسن یزدی مولف «مهیج الاحزان» است. او در بلوک چناران سکنی کرد و در آنجا به انجام امور شرعی پرداخت. از آثارش: «تحفه المومن»؛ «مخوف المومنین»، در معاصی کبیره و تبعات آن، به فارسی؛ «تحفه المحققین»، به سبک «کشکول» با عناوین «تحقیق».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۷۱/۲۶، ۴۶۷/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۱/۱۳).

دامغانی، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۰۰ ق)، عالم، ادیب و شاعر. وی از شاگردان برجسته‌ی آقا سید ابراهیم قزوینی، صاحب «ضوابط»، و هم دوره‌ی حاج ملا علی کنی بوده و با ملاـ آقای دربندی مکالماتی داشته است. او پس از تکمیل تحصیلات خود در کربلا به ایران بازگشت و در دامغان و مشهد به انجام وظائف دینی پرداخت. در «المآثر و الآثار» از وی به عنوان مجتهد و عالم ربانی عصر ناصری نام برده شده است. وی از خود اشعاری به جای نهاده و کتاب «منتهی المقال فی علم الرجال» را به خط خویش نگاشته است.[۱]

محمدرضا بن حبیب‌اللّه دامغانی عالمی ادیب و فاضلی اریب بوده است. وی در کربلا نزد بزرگان علم تلمذ نموده و بعد به ایران برگشته و در دامغان و مشهد در سال ۱۲۸۸ قمری به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال داشته است. اشعاری دارد که از آنهاست:

ستبقی خطوطی فی القراطیس برههٔ

و ایدی کتاب الخطوط تراب

و ما الدهر الا عیشهٔ بعد عیشهٔ

و ما العیش الا قیعهٔ و سراب

و لا خیر فی الدنیا فان حلالها

علیه حساب و الحرام عقاب

آن بزرگوار بعد از سال ۱۲۹۰ قمری از دنیا رفته است رحمهٔ‌اللّه‌علیه.

جناب آقای شاهچراغی در کتکاب ارمغان دامغان (مخطوط) خود گوید: مرحوم حاج میرزا رضا مشهور به شریعتمدار از علماء بزرگ و مقتدر و باکفایت و معاصر دوره ناصری و از شاگردان مبرز آقا سید ابراهیم صاحب ضوابط و هم‌دوره مرحوم حاج ملا علی کنی معروف بوده است و با مرحوم ملا آقا دربندی مکالماتی داشته‌اند الی آخره.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۵۱ –۵۵۰، ۵۴۲ –۵۴۱ /۱۳، قرن ۷۲۸/۱۴)، قصص العلماء (۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۴/۵)، المآثر و الآثار (۱۷۰).

دامغانی، نعمت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نعمت‌اللّه دامغانی از علماء اعلام و مدرسین عظام نجف اشرف بوده‌اند وی در حدود سال ۱۲۹۱ قمری در دامغان متولد گردیده و پس از فراگرفتن مقدمات به مشهد مقدس مشرف و مدت بیست و یک سال توقف و سطوح عالی فقه و اصول و حکمت و دروس

خارج را از آیات بزرگ حوزه مشهد چون مرحوم آیت‌اللّه‌زاده کفائی و مرحوم حاج فاضل (حدود بیست سال) استفاده نموده تا به مدارج عالیه علم و کمال رسیده و هم در دروس اخلاق و سلوک و عرفان از محضر عالم ربانی و آیت‌اللّه سبحانی مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی کامیاب گردیده و در سال ۱۳۳۵ قمری مجتهداً مستغنیاً مهاجرت به نجف اشرف نموده و در حوزه‌ی درس آیت‌اللّه میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه عراقی شرکت و در عداد خواص اصحاب و معاونین مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی درآمده و مورد توجه و اعتماد و وثوق کامل معظم له گشته که قسمتی از کارهای مهمه را محول به ایشان فرمودند.

حوزه تدریس فقه و اصول و فلسفه داشتند و جماعتی از علماء و فضلاء معاصر نجف و ایران از محضرش استفاده و تلمذ نموده‌اند تا در سال ۱۳۶۱ قمری که در نجف اشرف بدرود حیات گفته و در ارض مقدس غری در جوار مولی الموحدین مدفون گردیده‌اند.

(۱۳۶۱ -۱۲۹۱ ق)، عالم و مدرس. در دامغان متولد شد. پس از فراگرفتن مقدمات به مشهد رفت و مدت بیست و یک سال سطوح عالی فقه و اصول و حکمت و خارج را از آیات بزرگ حوزه‌ی مشهد همچون آیت‌اللّه‌زاده کفائی و حاج فاضل آموخت تا به مدارج عالیه علوم دینی رسید. اخلاق سلوک و عرفان را نیز در محضر حاج شیخ حسنعلی اصفهانی آموخت. در ۱۳۳۵ ق در حالی که مجتهد بود به نجف رفت و در حوزه‌ی درس آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه عراقی شرکت کرد و به زودی یکی از اصحاب و از معاونان آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی شد. وی در نجف حوزه‌ی تدریس فقه و اصول و فلسفه دایر کرد. به تعلیم علوم دینی همت گماشت. او در نجف در گذشت و در جوار امیرالمومنین (ع) به خاک سپرده شد.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۷۵/ ۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۷/ ۵).

دامغانی‌زاده، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی بن العالم الجلیل حاج شیخ علی دامغانی از علماء مبرز و معروف معاصر همدان است.

وی در روز بیست و یکم شهر ذیقعده الحرام ۱۳۲۴ ق در شهر همدان متولد و در حجر تربیت پدر بزرگوار خود مرحوم (حجهْالاسلام والمسلمین) حاج شیخ علی دامغانی قدس سره که از تلامذه مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسین تهرانی و به آیت‌اللّه آخوند ملا محمدکاظم خراسانی بوده و به امر حاجی مزبور به همدان مهاجرت نموده و مدت چهل و دو سال تقریبا در آن حدود به ترویج و تدریس اشتغال و غالب فضلاء فعلی همدان از آن مرحوم استفاده نموده‌اند قریب بیست سال بوده و ده سال را در زنگنه معروف به مدرسه بزرگ اشتغال به ادبیات و سطوح داشته و مقداری از سطوح را خدمت حجهْالاسلام آقا میرزا ابراهیم خلیلی و مرحوم آقا شیخ حسین شورمینی خوانده و در سال ۱۳۴۸ ق مهاجرت به قم نموده و بقیه سطوح فقه را از محضر مرحوم آیت‌اللّه صدر و اصول را از محضر آیت‌اللّه آقا میرزا محمد همدانی استفاده نموده است.

و پس از آن در درس فقه مرحوم آیت‌اللّه حائری حاضر گردید و در فقه خصوصی و اصول عمومی مرحوم آیت‌اللّه آقا شیخ محمدعلی قمی شرکت کرده و مورد عنایت و توجه مخصوص آن مرحوم قرار گرفته و از فقه مرحوم آیت‌اللّه فیض هم استفاده نموده.

و پس از فوت مرحوم آقا شیخ محمدعلی قمی درس مرحوم علمین آیتین حجت و خونساری حاضر و استفاده نموده و قریب ده سال در حوزه مقدسه اقامت و همه سال در موقع تعطیل برای زیارت والد ماجد به همدان آمده و در سفر اخیر آن مرحوم فرمودند دیگر به قم نروید.

اجازه خواستند که چندی برای ادامه تحصیل به مراکز علم نجف و کربلا بروند فرمودند مقصود از درس خواندن ترویج است.

وقت آن شده که به ترویج و خدمات دینی بپردازد.

پس بنابر امر مرحوم والدش در همدان توقف و در مسجد حاج کلبعلی که جنبه مدرسه هم دارد به تدریس فقه و اصول پرداخته تا در سال ۱۳۶۲ ق که والدش به رحمت ایزدی پیوستند.

پس از یکسال از فوت آن مرحوم با کمک جمعی از اهل خیر اطراف مقبره آن مرحوم را خریداری نموده و به نام مدرسه دامغانی بنا که فعلا از مدارس معروف علمی شهر همدان و بیش از پنجاه طلبه در آن اشتغال به تحصیل دارند.

و چون نماز جمعه را افضل‌الافراد واجب تخییری می‌دانند در همان مسجد حاج کلبعلی اقامه جمعه می‌نماید.

آثار قلمی ایشان مختصری از درس اصول آیت‌اللّه شیخ محمدعلی حایری قمی می‌باشد. و ضمنا ناگفته نماند که معظم‌له در استخاره ید طولائی دارند و استخاره بسیار عجیب و در این موضوع مبتلا به الناس و حتی از خارج همدان، تهران و غیره در حوائج مهمه به ایشان مراجعه می‌شود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

دامی همدانی، عبدالواسع

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۷۳ ق)، شاعر. در اصفهان دیده به جهان گشود و در آن سامان فنون مختلف از جمله علم ریاضی را فراگرفت و به امر تدریس اشتغال یافت. در جوانی، در سن بیست و هفت سالگی در اصفهان درگذشت. دامی در شاعری نیز مهارت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۵۰ -۲۴۹ /۱)، تذکره‌ی روز روشن (۲۵۴)، الذریعه (۳۱۵/۹)، سفینه المحمود (۱۹۳ -۱۹۱ /۱)، لغت نامه (ذیل/ دامی).

دانا سرشت، اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۲۹۰، تهران.

درگذشت: ۲۵ فروردین ۱۳۶۸.

علی‌اکبر داناسرشت (صیوفی)، فرزند حاج علینقی و نوه‌ی حاج علیقلی صرافباشی زنجانی بود. سال‌های کودکی و دوران تحصیل اولیه‌ی علی‌اکبر داناسرشت مقارن با جنگ با جنگ اول جهانی بود. پس چندی خانواده‌اش به شهر زنجان کوچید. در آنجا به مدرسه ابتدایی- معروف به اسعدیه به سرپرستی مترجمن همایون- رفت تا وقتی که دوباره به تهران آمد. در این سال‌ها همچنین به یادگیری قرآن کریم و زبان عربی پرداخت. سپس با احساس نیاز به فراگیری علم جدید به علوم ریاضی روی آورد و نزد اساتیدی چون سید حسن مشکان طبسی و سید جلال تهران به تحصیل این علوم پرداخت و از آن زمان تا پایان عمر به تحقیق در این زمینه‌ها اشتغال داشت.

علی‌اکبر داناسرشت در طی عمر خود آثاری را ترجمه کرد که از میان آنها می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: روان شناسی یا علم النفس شفاء (ترجمه جلد ششم شفاء، چاپ دوم، ۱۳۳۰)؛ رسالهٔ الغفران یا بهشت و دوزخ معری (ابوالعلاء معری، ۱۳۲۴)؛ تحقیق ماللهند، قسمت فلسفه (ابوریحان بیرونی، ۱۳۳۴)؛ بر سنگ سفید (آناتول فرانس، ۱۳۲۶)؛ آثار الباقیه (ابوریحان بیرونی، ۱۳۲۱). از آثار دیگر اوست: تاریخ فلاسفه‌ی اسلام (۱۳۱۵)؛ افکار سهروردی و ملاصدرا یا خلاصه‌ای از حکمهٔ الاشراق و اسفار.

داناسرشت بر اثر سکته‌ی مغزی درگذشت.

(۱۳۶۸ -۱۲۹۰ ش)، ریاضی‌دان و مترجم. وی نوه‌ی حاج علی قلی صرافباشی زنجانی بود که در تهران متولد شد و ایام کودکی خود را در زنجان سپری کرد. از اوان کودکی زبان عربی را فراگرفت و به تحصیل علوم ریاضی نزد استادانی چون سید حسن مشکان طبسی، سید جلال تهرانی و بغایری پرداخت و فقه را نزد محمدرضا تنکابنی فراگرفت. وی معاصر با احمد بیرشک و غلامحسین مصاحب بود و به گفته دکتر نجم‌آبادی وی اولین بیرونی شناس بود. بر اثر سکته مغزی در تهران در گذشت. آثار به جای مانده از وی: ترجمه‌ی «خلاصه حمکه الاشراق و اسفار»؛ «آثار الباقیه»؛ «روانشناسی یا علم النفس شفاء»؛ «تاریخ فلسفه اسلام».[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۱، ص ۱۷)، مؤلفین کتب چاپی (۶۴۵ -۶۴۴ /۱).

دانای شیرازی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. از زمره سخن‌سرایان فارس بوده. از زندگی و احوال او اطلاعی در دست نیست، تنها ابیاتی چند از او در تذکره‌ی روز روشن نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۵۵ -۲۵۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۷۴/۲).

دانش

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(میرزا) حسین (خان) اصفهانی دانشمند و شاعر ایرانی (و. ۱۲۸۶- ف. آنکارا ۱۳۶۲ ه.ق.) وی در کشور عثمانی (اغلب در استانبول و گاه در آنکارا) اقامت داشت. دانش تألیفات بسیار دارد که غالب آنها به ترکی عثمانی است از جمله «سرآمدان سخن» در ترجمه احوال ۱۵ تن از شاعران بزرگ ایران از رودکی تا حافظ (ترکی) با منتخبی از اشعار آنان، رباعیات خیام شامل ۳۹۶ رباعی منسوب به خیام با ترجمه آنها به ترکی، ترجمه ۱۵ قصه از لافوتن.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

دانش اصفهانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۳۶۲ -۱۲۹۰ ق). نویسنده. مترجم و شاعر، متخلص به دانش. در خانواده بازرگان پیشه در شهر استانبول متولد شد. در آنجا زبان فارسی، ترکی و فرانسه را در مکتب رشدیه، دبستان ایرانیان و مدرسه فرانسویان آموخت و مدتی عضو هیات تحریریه روزنامه ترکی «اقدام» بود و مدت مدیدی استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه استانبول بود. وی در استانبول یا آنکارا درگذشت و در اسکودار دفن شد. از وی چندین تالیف به زبان فارسی و ترکی باقی مانده است. از جمله: «ترجمه رباعیات عمر خیام»؛ «دستور زبان فارسی»؛ «تعلیم لسان»، ترکی و فارسی؛ «خرابه‌ی مداین»؛ «زرتشت نامه»؛ «سوهان»؛ «نوای صریر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۱۷/۹)، ریحانه (۲۱۱ -۲۱۰ /۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۸۰ -۱۷۹ /۳)، شرح حال رجال (۷۹/۵)، لغت نامه (ذیل/ دانش)، مؤلفین کتب چاپی (۷۳۷ -۷۳۶ /۲)، یادگار (س ۳، ش ۶ و ۷، ص ۵۳ -۵۰).

دانش آشتیانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم بن العالم الجلیل المتقی الشیخ محمدتقی بن العالم الورع آخوند ملا احمد آشتیانی از علماء اخیار و فضلاء ابرار حوزه علمیه قم است که علم خود را مقرون به عمل و توام با حلم و وقار نموده است.

تولد آن جناب در سال ۱۳۲۹ قمری در آشتیان واقع شده و در مهد تربیت پدر متقی خود که از علماء آن سامان بود پرورش یافته و در سن ۱۴ سالگی تحصیلات مقدماتی را فراگرفته و در سال ۱۳۴۴ قمری به قم آمده و به واسطه سوابق دوستی والدش با مرحوم آیت‌الله میرزا محمد فیض در تحت تربیت علمی و اخلاقی ایشان قرار گرفته و چند سالی را در منزل آن بزرگوار به سر برده و با راهنمائی آن مرحوم از روز اول در محضر فضلاء و دانشمندان راه یافته و تکمیل مقدمات را نزد بعضی از فضلاء عصر نموده و ادبیات را از مرحوم ادیب تهرانی و منطق را از آیت‌الله آقا سید مهدی کشفی تهرانی فراگرفته و سطوح را از آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی و قسمتی از سطح را از مرحوم آیت‌الله حجت و عمده آن را با تمام سطح مکاسب از مرحوم آیت‌الله خونساری بهره‌مند گردیده و قسمتی از کفایه را از آیت‌الله فیض و آیت‌الله حاج سید احمد خونساری خوانده و چند سالی هم در درس مرحوم آیت‌الله حایری حاضر شده و پس از فوت آن مرحوم از محضر بزرگان حوزه چون آیت‌الله حجت و آیت‌الله فیض و آیت‌الله خونساری استفاده نموده و در سال ۱۳۵۸ قمری به اصرار مردم آشتیان به آنجا مسافرت و اقامت نموده و به ترویج دین پرداخته و چند ماهی را هم در سال به قم به سر برده تا در ورود آیت‌الله العظمی بروجردی که رسما برای تکمیل مبانی علمی و استفاده از محضر علمی آن نابغه زمان و علامه دوران به قم مهاجرت و به درس آن مرحوم شرکت و مورد توجه مخصوص معظم‌له قرار گرفته و تولیت کتابخانه مسجد اعظم را به ایشان محول و تا هم‌اکنون به این سمت باقی و خدمات شایانی به این کتابخانه نموده و رقم کتب را به حدود شصت هزار رسانید.

آثار مرقومه ایشان علاوه بر جزوات درسی به قرار ذیل است:

۱- مقالات علمی و اجتماعی و اخلاقی که در پاره‌ای از مجلات و جرائد منتشر گردیده است.

۲- رساله‌ای به نام دو سرمایه نفیس در ترجمه (الثقلان) که شرح حدیث مشهور به ثقلین است که با حواشی نوشته و طبع شده.

۳- رساله‌ای به نام سقیفه در ترجمه کتاب (السقیفه).

۴- نشریه کتابخانه مسجد اعظم در دو مجلد به طبع رسیده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

دانش آشتیانی، عبدالوهاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به دانش. در آشتیان متولد شد. اجداد وی همه از علمای آنجا بودند. وی در جوانی در آشتیان و آذربایجان تحصیل کرد و در تفسیر و احادیث و اخبار مهارت یافت. سپس به تهران آمد و جزء وزراء آنجا گردید. دانش در سرودن شعر توانا بود؛ اشعاری چند از وی به جای مانده است. از اوست:

دست قدرت گوهر آدم چو کرد از گل عجیم

بودش اندر آستین دست امیرالمومنین

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۴۹۷ -۴۹۶).

دانش آشتیانی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمدحسین دانش آشتیانی (برادرزاده آیت‌اللَّه حاج میرزا ابوالقاسم دانش) از علماء و ائمه جماعت معاصر تهرانست.

وی در حدود سال ۱۳۴۷ قمری در آشتیان متولد شده و در بیت تقوا و دیانت و عنایت عم گرامش پرورش یافته و پس از رشد و خواندن دروس فارسی و قسمتی از مقدمات در سال ۱۳۶۳ ق به قم مهاجرت و به تحصیل ادبیات و سطوح پرداخته و متون فقه و اصول را از مدرسین بزرگ حوزه به پایان رسانیده.

آنگاه به درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی خونساری حاضر شده و سالها از محضر و درس آنان فقهاً و اصولا استفاده نموده و در سال ۱۳۷۸ ق به امر مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی به محلات قم مسافرت و حدود ده سالی در آنجا به اقامه جماعت و خدمات دینی پرداخته تا سال ۱۳۹۰ قمری که به تهران منتقل و در خیابان ژاله سکونت و در مسجد آنجا در نزدیکی میدان ژاله به امامت و تبلیغ دین و ترویج مذهب اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب آقای دانش از فضلاء بارع و مهذب حوزه علمیه قم است و بیش از سی سال است که با ایشان رفاقت و دوستی داشته و دارم فاضلی متین و عالمی مبرز و دارای محاسن اخلاق و محامد آداب می‌باشد. و آثار و خدمات ایشان بناء مسجد بزرگ و باشکوه و غسالخانه‌ای در محلات می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

دانش بخارایی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از شاعران پیشه‌ور است که ضمن مشک فروشی، غزل نیز می‌سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۳۵).

دانش پژوه زنجانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد دانش پژوه زنجانی از دانشمندان معاصر زنجانست که تحصیلات خود را تا حدودی در حوزه علمیه قم به پایان رسانیده و به خدمات دینی و روحی اشتغال دارند. ایشان در تاریخ ربیع‌الاول ۱۳۵۴ قمری در زنجان مشغول به تحصیل شده و مقدمات و ادبیات را از اساتید عظام میرزا یحیی مدرس و حاج میرزا علینقی و حاج میرزا فتحعلی فراگرفته و دو جلد شرح لمعه را در خدمت حاج میرزا یعقوب علی داماد مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ فیاض زنجانی و حاج میرزا عبدالرحیم واسعی خوانده و اول ذیقعده ۱۳۵۹ قمری به قم مهاجرت و مکاسب را نزد آیت‌اللَّه حاج سید احمد شبیری زنجانی و آیت‌اللَّه حاج میرزا محمد مجاهد تبریزی خوانده و کفایه و رسائل رااز مرحوم آقای مجاهدی فراگرفته سپس به درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه العظمی بروجردی شرکت و استفاده و چندی هم از ابحاث رهبر و انقلاب امام راحل در مسجد سلماسی استفاده نموده است و اکنون به انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.

مقداری از تقریرات اساتید خود را به رشته تحریر آورده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

دانش پژوه، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی دانش پژوه در ۳۰ فروردین سال ۱۲۹۰ ، در شهر آمل متولد گردید. پس از سپری کردن دوران کودکی ، تحصیلات مقدماتی را نزد پدر آغاز کرد.ودر سن هجده سالگی با فوت پدر برای ادامه تحصیل راهی شهر مقدس قم گردید تا از جلسات درس و بحث علمای حوزه علمیه آن مرکز علمی کسب فیض کند. بعد از دو سال رحل اقامت ، به سبب گرفتاری های زندگی نتوانست در قم بماند و به شهر آمل برگشت ودر نزد علمای این شهر کسب فیض نمود. دانش پژوه در سال ۱۳۱۶ بار سفر بست و راهی تهران شد. چهار سالی در مردسه سپهسالار قدیم به تحصیل پرداخت ، سپس دوره دانشکده معقول و منقول را در مدرسه سپهسالار جدید (مدرسه عالی شهید مطهری) و دانشسرای عالی را طی کرد تا اینکه سر از دانشکده الهیات دانشگاه تهران درآورد و در سال ۱۳۲۰ به اخذ درجه لیسانس از این دانشکده نائل آمد. پس از فارغ التحصیل شدن به عنوان کمک کتابدار در کتابخانه

دانشکده حقوق دانشگاه تهران مشغول به کار شد. لیسانس حقوق دانش پژوه به او اجازه داد تا به عنوان رئیس کتابخانه دانشکده ادبیات موقعیت خود را تحکیم بخشد. در سال ۱۳۳۲ به ریاست کتابخانه مرکزی آن دانشگاه منصوب گردید و در سال ۱۳۴۳ مشاور فنی کتابخانه مرکزی و در سال ۱۳۲۶ عضو کمیته علمی آن شد. استادمحمدتقی دانش پژوه از سال ۱۳۳۴ در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. وی سرانجام در روز ۲۷ آذر سال ۱۳۷۵ ، در تهران درگذشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والـدین و انساب : محمد تقی دانش پژوه، فرزند میرزا احمد درکایی لاریجانی ، که ار مجتهدان و فقهای به نام آمل و لاریجان بوده است.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمدتقی دانش پژوه روزگار کودکی و جوانیش را در رفت و آمد میان روستای ناندال و شهر آمـل گذرانـد ، بین خـانه پـدری و شـهری که در آن به مـدرسه می رفت. خوشنویسـی از دیر باز یک حرفه فامیلی برای محمـدتقی محسوب می شد که طی نسلها در خانواده او ادامه یافته بود . نیاکان او به همین شغل در دربار شاهان قاجاریه اشتغال داشته اند ، و لذا از این راه خانواده او از همان زمان آشنا به علم و معرفت و با نوشتن و کتابت مانوس بوده اند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدتقی دانش پژوه پس از سپری کردن دوران کودکی تحصیل آغاز کرد و مقدمات ادبی را پس از خواندن « عم جزء » ، « قرآن کریم » ، « دیوان حافظ » و « نصاب الصبیان » را فراگرفت و در این راه از محضر پدر و دیگر عالمان آن بهره فراوان برد. در سن هجـده سالگی با فوت پـدر برای ادامه تحصیل راهی شـهر مقدس قم گردید تا از جلسات درس و بحث علمـای حوزه علمیه آن مرکز علمی کسب فیض کنـد. بعـد از دو سال رحل اقامت ، به سبب گرفتاری های زنـدگی نتوانست در قم بماند و به شـهر آمل برگشت ودر نزد علمای این شهر کسب فیض نمود. دانش پژوه در سال ۱۳۱۶ بار سفر بست و راهی تهران شد. چهار سالی در مردسه سپهسالار قدیم به تحصیل پرداخت ، سپس دوره دانشکده معقول و منقول را در مدرسه سپهسالار جدید (مدرسه عالی شـهید مطهری) و دانشسرای عالی را طی کرد تا اینکه سـر از دانشکده الهیات دانشگاه تهران درآورد و در سال ۱۳۲۰ به اخذ درجه لیسانس از این دانشکده نائل آمد.

خـاطرات و وقـایع تحصـیل : یک روز حاجی میرزا احمـد درکایی (پـدر محمـدتقی دانش پژوه) دست پسـرش را گرفت و او را به مدرسه جدیدالتاسیسـی در شـهر آمل برد تا نامش را در آنجا بنویسد. اما شـرط نام نویسـی او را آموختن «« شـرح الفیه سیوطی »» به محمـد تقی قرار داد. مـدرسه نپذیرفت و میرزا احمد هم فرزند جوانش را مجدداً به خانه آورد و همان دروس حوزه های قدیم را به او توصیه نمود. در همین احوال و در شهر آمل بود که محمدتقی شروع به آموختن زبان فرانسه کرد.

اسـتادان و مربیان : محمدتقی دانش پژوه تحصـیلات مقدماتی را نزد پدرش حاج میرزا احمد فراگرفت. او در همین دوران از محضر درس بزرگانی چون میرزا عبدالله طبرسـی حضور یافت که موضوع درسش آثار فلسفی سبزواری بود. دانش پژوه در حوزه علمیه قم از محضر استادانی همچون میرزا ابوالفضل گلپایگانی در درس « القوانین المحکمه » میرزای قمی و حضرت آخوند ملا علی همدانی و آیت الله مرعشـی نجفی در درس « شـرح لمعه » اسـتفاده کرد. استاد در باره محضر درس آیت الله مرعشی نجفی زنجانی چنین می گویـد: « هنوز لـذات نوادر االادبی را که از آیت الله مرعشـی می شـنیدم در کام ذهنم هست . او بعـد از دوسال اقامت در قم ، به آمل برگشت و در نزد ابوالقـاسم فرسیوی و آقا محمـد عروی دینه ای « مکاسب » و « رسائل » شـیخ مرتضـی انصاری را فراگرفت. چهار سالی در مدرسه سپهسالار قدیم از محضرمیرزامهدی آشتیانی در درس فلسفه بهره برد .

همسر و فرزندان : محمد تقی دانش پژوه در سال ۱۳۰۷ ازدواج نمود.

زمان و علت فوت : محمدتقی دانش پژوه در ۲۷ آذر سال ۱۳۷۵ ، در تهران درگذشت.

مشاغل و سـمتهای مورد تصـدی : محمدتقی دانش پژوه پس از فارغ التحصـیل شدن به عنوان کمک کتابدار در کتابخانه دانشـکده حقوق دانشگاه تهران مشغول به کـار شـد. لیسـانس حقوق دانش پژوه به او اجـازه داد تا به عنوان رئیس کتابخانه دانشکده ادبیات موقعیت خود را تحکیم بخشـد. در سال ۱۳۳۲ به ریاست کتابخانه مرکزی آن دانشـگاه منصوب گردیـد و در سال ۱۳۴۳ مشاور فنی کتابخانه مرکزی و در سال ۱۳۲۶ عضو کمیته علمی آن شد.

فعالیتهای آموزشـی : محمـدتقی دانش پژوه از سال ۱۳۳۴ در دانشـکده الهیات و معارف اسـلامی دانشـگاه تهران به تدریس منطق و تاریـخ فلسـفه اسـلامی و تاریـخ خاورشـناسان و روش تحقیق در دوره لیسانس و فوق لیسانس پرداخت و در دوره دکترا نیز تدریس عرفان اسلامی را آغاز کرد.

سـایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ورود محمـدتقی دانش پژوه به دانشگاه سـرآغاز ورود او به عرصه تحقیق و پژوهش بود. او در همین راسـتا و به منظور کسب اطلاعات کتاب شناسـی و نسـخه شناسـی به دستور دانشگاه تهران به شهرهای بغداد ، نجف ، کربلا و کاظمین در کشور عراق و شـهرهای مدینه و مکه در عربسـتان سعودی در سال ۱۳۴۵ و به شـهرهای مسکو ، لینگراد سابق ، تفلیس ، دوشنبه ، تاشکند ، بخارا ، سمرقند و باکو در شوروی سابق و شهرهای پاریس و مونیخ ، لین ، اترخت و استانبول در اروپا و شهرهای کمبریج ، بوسـتون ، پرنیسول ، آن آربرمیشـیگان، شیکاگو و نیویورک در آمریکا سفر کرد. یادداشتهایی که در این سفرها برداشت آنچه مربوط به کشورهـای عربی بود در نشـریه کتابخـانه مرکزی چـاپ شـده است و یـادداشت هایش درباره نزدیک به شـش هزار کتاب در مجلد هشتم نشریه کتابخانه مرکزی چاپ شده است.

آرا و گرایشـهای خـاص : در زمینه فهرست نگـاری کار محمـدتقی دانش پژوه فقط منحصـر به این نبوده است که به معرفی ظاهری نسخه ها بپردازد بلکه سـعی کرده با توجه همه جانبه به آنچه در یک صـد سال اخیر در غرب انجام شده و نیز عنایت و تجسـس در ضوابـط و شواهـدی که در خودمـان و از میـان اصـل نسـخه هـا بر می آیـد ، قواعـد و فنون فهرست نگاری را تنظیم و حتی اسـلوبی روشـمند و متناسب را عرضه کنـد . او با توجه به مبانی فهرست نویسـی از میان چهل پنجاه هزار نسـخه متفاوت الشـکل دقایقی را به دست آورده که برخی از آنها بع نظر فهرست نگاران نیامـده بود. --

---

آثار :

۱ « النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی » شیخ طوسی

۲ « معتقد الامامیه » صدرالدین شیرازی

۳ «تاریخ الوزراء» قمی

۴ «جامع الحکمه » کاشانی

۵ «رساله امامت» خواجه طوسی

۶ «کسراصنام الجاهلیه» صدرالدین شیرازی

۷ آثار درویش طبسی

۸ آثار علوی

۹ اخلاق محتشمی

۱۰ اسرار شهریاری

۱۱ الاقطاب القطبیه

۱۲ المنطقیات الفارابی(جلد سوم)

۱۳ النجاه ابن سینا

۱۴ بحرالفوائد

۱۵ تاریخ اسماعیلیه کاشانی

۱۶ تاریخ نگاری فلسفه

۱۷ تبصره مساوی

۱۸ تحفه

۱۹ ترجمه « ادب الوجیز و تولی و تبری »از خواجه نصیر طوسی

۲۰ ترجمه « مختصر نافع » محقق حلی

۲۱ ترجمه «النکت الاعتقادیه» شیخ مفید

۲۲ ترجمه شرایع

۲۳ تصحیح التواریخ رشیدی

۲۴ تصحیح زبده التوارخ کاشانی

۲۵ جام جهان نما

۲۶ جامع التواریخ

۲۷ جاویدان خرد

۲۸ چند نسخه خصوصی دیگر

۲۹ حل مشکلات رساله معینیه

۳۰ دفتر ۱۱ و ۱۲ نشریه دانشگاه تهران

۳۱ ذخیره شهاب الاخبار

۳۲ رساله المعینیه

۳۳ روزبهان نامه

۳۴ سه گفتار خواجه طوسی

۳۵ سوانح الافکار رشیدی

۳۶ شرح شهاب الاخبار

۳۷ شرح فارسی شهاب الاخبار

۳۸ شرح فصوص

۳۹ طب ابن هندو

۴۰ فرمان مالک اشتر

۴۱ فرهنگ ایران زمین

ویژگی اثر : با مشارکت منوچهر ستوده ، مصطفی مقربی ، عباس زریاب خویی ، ایرج افشار

۴۲ فصول خواجه نصیر طوسی

۴۳ فلسفه اشراق (حیات النفوس)

۴۴ فهرست کتاب های خطی کتابخانه مجلس سنا

۴۵ فهرست کتاب های خطی کتابخانه ملی ملک وابسته به آستا قدس رضوی

ویژگی اثر : با همکاری محمد باقر حجتی ؛ احمد منزوی ، تهران ۱۳۵۲-۱۳۵۴ دوجلد ، دو جلد

۴۶ فهرست کتب اهدایی مشکوه به دانشگاه

۴۷ فهرست ملی ملل (جلد نهم)

۴۸ فهرست موسیقی

۴۹ فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم

۵۰ فهرست نسخه های خطی کتابخانه آستانه امامزاده عبدالعظیم

منابع :

۱آینه میراث ، سال اول ، شماره دوم ، پاییز ۱۳۷۷ ، ص ۷۵۲روزنامه همشهری ، شماره ۲۰۵۸ ، ۲ اسفند ۱۳۷۸۳گلزار مشاهیر ، زندگی نامه درگذشتگان مشاهیر ایران ۱۳۵۸-۱۳۷۶ ، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، ص۲۷۴

دانش پژوه، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی دانش پژوه

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۵در شاهرود و در خانواده ای روحانی به دنیا آمدم. پدرم مرحوم آیت الله حاج شیخ علی اصغر دانش پژوه از شاگردان برجسته مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمود شاهرودی از علمای بزرگ ساکن شاهرود بودند. در سال ۱۳۴۱ در دبستان ملی و اسلامی جعفری شروع به تحصیل کردم. دوران دبیرستان را در دو دبیرستان شاهپور(شریعتی فعلی) و فردوسی گذراندم و در سال ۱۳۵۳ موفق به اخذ دیپلم شدم. پس از گرفتن دیپلم بر اساس احساس وظیفه شرعی و به رغم مخالفت تقریبا همه معلمان و همکلاسیها، به جای شرکت در کنکور و حضور در دانشگاه ، راهی حوزه علمیه قم شدم. اکثر دروس مقدمات و سطح را بیشتر به صورت خصوصی درس گرفتم. با پیروزی انقلاب اسلامی و سرنگونی رژیم شاهنشاهی و بیشتر با انگیزه حضور تبلیغی در دانشگاه و کار فکری با دانشجویان، در اولین کنکور انقلاب(۱۳۵۸) شرکت کردم و در رشته حقوق دانشگاه تهران(مجتمع آموزشی عالی قم) نیز، در کنار تحصیلات حوزوی، مشغول به تحصیل شدم.

در خلال انقلاب فرهنگی(۵۸-۶۲) برحسب وظیفه سه سال در شاهرود، مسئولیت عقیدتی سیاسی ارتش را پذیرفته و در کنار آن به تدریس در دبیرستان ها و همکاری با سپاه و جهاد و کلاسهای عقیدتی و امثال آن مشغول گردیدم. در سال۶۲ مجددا جهت ادامه تحصیلات حوزوی و دانشگاهی به قم باز گشتم. در سال تحصیلی ۶۳-۶۲ باقیمانده سطح را به پایان رساندم و در مهر ماه ۶۳ به درس خارج اشتغال یافتم و در کنار آن در سال ۶۵ موفق به اخذ لیسانس شدم، و چون زمینه هدف اصلی(تبلیغ و کار با دانشجویان) در دوره های کارشناسی چندان مهیا نمی دیدم، انگیزه ای برای ادامه تحصیل دانشگاهی نداشتم. اما در عین حال از مطالعات و پژوهشهای حقوقی هم غافل نبودم.

از سال ۱۳۷۰ با پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که آن موقع با نام دفتر همکاری حوزه و دانشگاه شناخته می شد، همکاری علمی ام آغاز شد و با گرایش حقوق بین الملل اسلامی مطالعات و تحقیقاتم را ادامه دادم و در کنار آن مدتی هم مسئولیت واحد آموزشی این پژوهشگاه را عهده دار شدم. کتاب «اسلام وحقوق بین الملل خصوصی» که از طرف چهارمین کنگره دین پژوهان و پنجمین سمینار کتاب سال حوزه برگزیده شد، نتیجه همین دوره است. کتاب « فلسفه حقوق» که به سفارش موسسه امام خمینی(ره) نوشته شد نتیجه دیگری از پژوهشهای حقوقی این حقیر است. پایان نامه سطح ۴ حوزه- که هم اکنون آماده چاپ است- باعنوان" الجنسیه فی الفقه الاسلامی " اثر دیگر این جانب است. حقوق شناسی عمومی در دو جلد نیز در مرحله ویرایش و آماده چاپ است مقالات و جزوه های درسی دیگری نیز از حقیر چاپ و منتشر شده است. به انگیزه همان کار تبلیغی، از سال ۷۰، در کنار ادامه تحصیلات حوزوی و پژوهشهای حقوقی، به تدریس در دانشگاه نیز پرداختم که هم اکنون نیز ادامه دارد. و نیز در موسسه امام خمینی(ره)، مرکز تخصصی قضا و مرکز جهانی علوم اسلامی (مدرسه فقه و اصول).

دانش تبریزی، لطفعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۰ -۱۲۳۰ ش)، عالم، محقق امامی و شاعر، متخلص به دانش. ملقب به صدرالافاضل. وی در شیراز متولد شد اصل وی از تبریز بود نزد مولانا قاسم قندهاری و محمد مومن و میرزا حسن مجتهد آشتیانی و چند تن دیگر کسب علم کرد. وی در ابن‌بابویه به

خاک سپرده شد. از جمله آثارش: «اخگر»، در شرح معماها؛ «الاعلام فی ترجمه بعض الاعلام»؛ «اکسیر اللغه»؛ «دیوان» شعر؛ «کلم و حکم»؛ «ملخص»، که تذکره‌الشعراء است؛ «جواهر البلاغه»؛ «هزار دستان»، در محاضرات؛ «اندرز نامه»؛ «دستور البلاغه»؛ «اساطیر»؛ «الدمعه»، در محاضرات و خطب.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۲۸۵/۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۴۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۸۸ -۴۷۴ /۲)، الذریعه (۳۲۸/۲۱، ۳۱۷ -۳۱۶ /۹، ۲۶۴/۸)، ریحانه (۱۹۱/۶)، سخنوران آذربایجان (۳۵۶، ۳۴۶)، شرح حال رجال (۱۸۱/۳)، لغت نامه (ذیل/ نصیری)، معجم المؤلفین (۱۵۳/۸)، مکارم الاثار (۱۹۱۱/۶).

دانش تبریزی، نجفعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۹ ق)، عالم، ادیب و روزنامه‌نگار. وی در فقه و اصول و احادیث و اخبار و علوم ادبی اطلاع کامل داشت. دانش معاصر با ناصرالدین شاه قاجار بود و در ۱۲۷۳ ق از آذربایجان به استانبول رفت و با میرزای سنگلاخ همنشین شده و اشعاری را که شعرای آن عهد در مدح سنگلاخ گفته بودند جمع‌آوری و به عنوان «مجمع الاوصاف» چاپ کرد. در آن جا تا ۱۳۰۳ ق کنسول ایران بود. وی در این مدت از ۱۲۹۲ ق اقدام به تاسیس روزنامه‌ی هفتگی «اختر» کرده و مدت بیست و یک سال آن را انتشار داد، تا اینکه پس از کشته شدن ناصرالدین شاه، روزنامه‌ی مزبور از طرف دولت عثمانی توقیف شد. در ۱۳۰۳ ق منصب سرتیپی گرفت و نایب و مترجم اول گردید و یک سال بعد سمت سر کنسولی ایران در مصر را عهده‌دار شد تا این که در ۱۳۰۸ ق به تهران آمد و جزو صاحب منصبان وزارت خارجه گردید و تا پایان عمر در همین سمت باقی ماند تا درگذشت. آثار وی: «مجمع الاوصاف»؛ «مشکوه الحیات فی تفسیر الایات»، «تفسیر آیه ذوالقرنین»؛ «میزان الموازین فی امر الدین»، در رد «میزان لحق» هانری مارتن.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۱۴۴ -۱۴۳)، الذریعه (۳۲۸ -۳۲۷/۲۳، ۲۰/۲۰، ۳۱۵/۹)، شرح حال رجال (۳۳۰/۴)، المآثر الآثار (۱۹۸ -۱۹۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۴۳ -۵۴۲ /۶).

دانش تفرشی، تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۶ -۱۲۵۰ ش)، خطاط:، منشی و شاعر، متخلص به دانش. ملقب به ضیاء لشکر و مستشار اعظم. معروف به بلور. در تفرش به دنیا آمد. از کودکی نزد ملا عبدالحمد یزدی و میرزا علی محمد به تحصیل زبان عربی و ادبیات فارسی پرداخت و تعلیم خط گرفت. در یازده سالگی قصیده‌ای در هفتاد بیت به رشته‌ی نظم کشید که سبب شهرتش شد. از آن پس به دبیری میرزا یوسف خان مستوفی الممالک منصوب شد، آنگاه سالها در همین سمت در شهرهای مختلف، در دستگاه ظل‌السلطان و ناصرالملک و میرزا علی‌اصغر خان اتابک به خدمت اشتغال ورزید. در سال ۱۳۱۵ ق «تذکره‌ی صدر اعظمی» را در شرح شاعران معاصر اتابک نگاشت و در سال ۱۳۱۹ ق فکاهیات خود را به نام «دیوان حکیم سوری» به چاپ رسانید. در سال ۱۳۲۷ ق به شیراز رفت و چندی ریاست عدلیه و دفتر ایالتی آن شهر را به عهده داشت. تقی خان در نوشتن اقسام خط توانا بود و نمونه‌هایی که از خط او به جا مانده، بیانگر استادی وی است. وی مدعی بود که قانون اساسی ایران را به دستور مظفرالدین شاه یک شب تا صبح نگاشته است. دانش در تهران درگذشت. او در مجموع بیست و دو جلد کتاب نگاشته که همه‌ی آنها به خط اوست و این آثار غیر از «تذکره‌ی نون والقلم»- که در شرح حال خطاطان ایران است- همگی منظومانـد و صد هزار بیت شعر را شامل می‌شود. مهمترین آنها عبارت‌انـد از: «دیوان» اشعار، مشتمل بر غزلیات، قصاید، قطعات، رباعیات و پهلویات؛ «نوشین روان»؛ «مثنوی اکسیر اعظم»؛ «فردوس برین» و چند اثر دیگر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (۵۰ -۴۸)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۸۰۱ -۸۰۰ /۲ -۳۰۹ -۳۰۶ /۱)، الذریعه (۳۱۵، ۲۶۲ /۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۷۸ -۱۷۶ /۳)، سخنوران نامی معاصر (۱۳۳۸ -۱۳۳۳ /۲)، شرح حال رجال (۴۶ -۴۵ /۵)، فرهنگ سخنوران (۳۳۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۷ -۲۱۶ /۲).

دانش جعفری، زین‌العابدین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به جعفر. از جمله آثارش «دیوان» شعر. از اوست:

ما و مجنون گرچه از یک وادییم ای دل چه سود

عشق فرزندان بسی دارد ولی قابل یکی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۵۶)، الذریعه (۳۱۶/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۳۱).

دانش شوشتری، حسنعلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۷۵ ق)، فقیه و شاعر. از دانشمند بنام روزگار خود بود که در هر دو عرصه علوم عقلی و نقلی یگانه گوهر و مثل خورشید مشهور و معروف بود. وی در اصفهان می‌زیست و علاوه بر کارهای علمی و دینی چون از جودت طبع و حدت ذهن و طلاقت لسان و حاضر جوابی بهره‌مند بود و همچنین به تتبع اشعار قدما رغبت تمام داشت به سرودن اشعار نیز می‌پرداخت. ابیاتی چند از او در تذکره‌ها نقل شده است. از آثار وی: «التبیان فی الفقه» و «حواشی بر قواعد شهید».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۵۶)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۵ -۱۵۴)، الذریعه (۳۱۶، ۲۴۳ /۹)، صبح گلشن (۱۳۲).

دانش شیرازی، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی از سادات دشتکی شیراز بود. در غزلسرایی از سبک خواجه حافظ شیرازی پیروی می‌کرد. از سروده‌های مشهور وی قطعه‌ای است که در تاریخ وفات میرزا صدرالدین ابن النواب حاجی اکبر، متخلص به بسمل گفته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۳۳۱)، مرآت الفصاحه (۲۰۷ -۲۰۶).

دانش مشهدی، رضی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۷۶ -۱۰۷۵ ق)، شاعر، متخلص به دانش. اهل مشهد بود. به هندوستان رفت و در آن سامان مدح و ستایش حاکمان آنجا را گفت. ابتدای شهرت دانش از سال ۱۰۶۵ ق است. چه در شعبان این سال قصیده‌ای در مدح شاه جهان سرود و پادشاه را خوش‌آمد و او را در دو هزار روپیه بصله داد. پس از این به خدمت داراشکوه ولیعهد دانشمند و با ذوق و عارف پیشه و ناکام پیوست و در حضرت او پایگاهی بلند یافت. او مدتی هم در بنگاله به محمد شجاع پسر دیگر شاه جهان تعلقی پیدا کرد و از آنجا به حیدرآباد دکن رفت و عبداللّه قطب شاه را ستود. یکبار به زیارت خانه خدا رفت و سرانجام در مشهد درگذشت. وی شاعری شیرین زبان و فصیح بیان بود. از آثار او: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۴۶۸ -۴۶۶ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۶۱، ۵۵۷، ۵۴۳، ۴۶۱، ۴۴۰ /۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۵۳ -۲۵۲)، الذریعه (۳۱۷/۹)، سفینه المحمود (۵۸۳/۲)، فرهنگ سخنوران (۳۳۲)، کاروان هند (۴۰۲ -۳۹۱ /۱)، لغت نامه (ذیل/ دانش).

دانش مشهدی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۷ -۱۲۸۱ ش)، شاعر، متخلص به دانش، در مشهد ولادت یافت. و در همان شهر پس از تصحیل مقدمات در فراگیری علوم ادبی نزد استادانی چون ادیب نیشابوری و شیخ محمدحسن شیرازی پرداخت. پیشه‌ی اصلی دانش، تجارت بود و در دوره‌ی چهارم مجلس شورای ملی از طرف مردم خراسان به سمت نمایندگی انتخاب گردید. بزرگ‌نیا شاعری توانا و دارای لطف کلام و ذوق سرشار بود و در سرودن قصیده به سبک استادان کهن مهارت داشت. «دیوان» وی به نام «راز دانش» به چاپ رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۱۳۴۳ -۱۳۳۹ /۲)، صد سال شعر خرسان (۲۴۳ -۲۳۷)، فرهنگ سخنوران (۳۳۲).

دانش یزدی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۷ ق)، شاعر، متخلص به دانش. وی در یزد به دنیا آمد و تحصیلات قدیم را در آنجا گذراند. از اوست:

ز بی دانشی دانش آموختم

گشودم پر و بال و پر سوختم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۸۱۵ -۸۱۳).

دانش، تاجالزمان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای حقوق جزا و تخصص روش تربیت مجرمین از سوئیس در سال ۱۳۴۵ و جرم‌شناسی از فرانسه.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس بزهکاری اطفال در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و دانشگاه پلیس، تهیه اولین طرح علمی آئین‌نامه زندانها در سال ۱۳۴۷، دریافت لوح تقدیر برای تألیف کتاب حقوق زندانیان و علم زندانها، تحقیق ۷۰۰ پرونده در مورد علل طلاق، استاد راهنمای تعداد زیادی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

جرم‌شناسی، علم زندانها، بزهکاری اطفال و جوانان، کیفرشناسی، دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

بزهکاری اطفال و جوانان و طرز دادرسی و انواع روشهایی که در مورد آنان اجرا می‌شود، طرز اجرای مجازاتها و اقدامات تأمینی، انواع کیفرها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دانش، داریوش

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته، زیست‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: اصفهان

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

دانش، عصمت

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

دکتر عصمت دانش ، پس از اخذ دیپلم متوسطه ،تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته لیسانس روانشناسی بالینی در دانشگاه علامه طباطبایی آغاز و به پایان رسانید.وی مدرک کارشناسی ارشد رشته روانشناسی بالینی را از دانشگاه علوم پزشکی ایران-انستیتو روانپزشکی تهران و دکترای روانشناسی را از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۶ اخذ کرده است.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه روانشناسی, دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی می باشد. گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی عصمت دانش به ترتیب زیر است: · دیپلم تجربی بامعدل ۲/۱۹. · لیسانس روانشناسی بالینی از دانشگاه علامه طباطبایی با معدل ۹۹/۱۹ سال ۱۳۶۵ تهران- ایران. پایان نامه کارشناسی: بررسی میزان

افسردگی در بیماران مبتلا به نوروز وسواس. ٠فوق لیسانس روانشناسی بالینی از دانشگاه علوم پزشکی ایران– انستیتو روانپزشکی تهران با معدل۸/۱۸ سال ۱۳۶۸ تهران– ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد:مقایسه تاثیرمیزان محرک های نامربوط و دشواری مسئله در تفکر بیماران مبتلا به اسکیزوفرنی پارانوییـد، مانیک– دیپرسیو و افراد عادی. ٠دکترای روانشناسی از دانشگاه تربیت مدرس بامعدل ۱/۱۸ سال ۱۳۷۶ تهران– ایران. رساله دکتری: بررسی علل وپیامدهای اضطراب سخنرانی در دانشجویان دانشگاه وتاثیر روش خودآموزش دهی(S.I.T) بر کاهش آن. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری و اجرایی عصمت دانش به قرار زیر است: ٠دبیر ریاضی دبیرستان مکتب الاحرار. ٠روانشناس بالینی و رواندرمانگر هسته مشاوره ناحیه ۱۰ آموزش و پرورش. ٠روانشناس بالینی و رواندرمانگر مرکز خدمات روانشناسی بنیاد شهید کرج. ٠روانشناس بالینی و رواندرمانگر مرکز خدمات مشاوره دانشگاه آزاد واحد شمال. ٠رئیس هیات رئیسه گروه تخصصی روانشناسی بالینی انجمن روانشناسی ایران. فعالیت های کنونی دکتر دانش : ٠دانشیار گروه روانشناسی, دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی ٠استادیار گروه روانشناسی و عضو کمیته تخصصی روانشناسی بالینی دانشگاه شهید بهشتی. ٠روانشناس بالینی و رواندرمانگرمرکز خدمات مشاوره دانشگاه شهید بهشتی. ٠استادیار گروه مستقل روانشناسی دانشگاه آزاد کرج. ٠روانشناس بالینی و رواندرمانگر مرکز خدمات مشاوره دانشگاه آزاد واحد کرج. ٠روانشناس بالینی و رواندرمانگرمرکز خدمات مشاوره صدا وسیما. ٠عضو هیات امناء ستاد ازدواج مرکز خدمات مشاوره صدا وسیما. ٠کارشناس برنامه های روانشناسی شبکه های مختلف صدا وسیما. ٠مدرس کلاس های آموزش خانواده مدارس شاهد کرج. ٠استاد راهنمای مشاوران مدارس شاهد کرج. ٠مدرس کلاس های آموزش خانواده مدارس تهران. ٠مؤسس، رئیس،روانشناس بالینی و رواندرمانگر مرکز خدمات مشاورهٔ پرتو دانش. ٠مسئول انتشارات گلشن اندیشه. عضویت در مراکز علمی و پژوهشی : ٠عضو پیوسته انجمن ایرانی روانشناسی. ٠عضو پیوسته انجمن مشاورهٔ ایران. ٠عضو پیوسته و عضو هیات رئیسه گروه تخصصی روانشناسی ایران. ٠عضو نظام روانشناسی و مشاورهٔ ایران. ٠عضو هیات داوران فصلنامه علمی – پژوهشی تازه ها و پژوهش های مشاوره انجمن روانشناسی ایران. ٠عضو هیات داوران فصلنامه علمی – پژوهشی دانشور رفتار، دانشگاه شاهد. ٠عضو هیات داوران طرح های پژوهشی وزارت علوم تحقیقات و فناوری. ٠مسئول و عضو گروه تخصصی روانشناسی بالینی اولین همایش کشوری بازنگری تخصصی دروس روانشناسی وعلوم تربیتی شورای برنامه ریزی آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی. فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریسی و آموزشی عصمت دانش به قرار زیر است: ٠کاربرد مقدماتی روش های تشخیص، کاربرد مقدماتی روش های درمان، مقدمات نوروپسیکولوژی، آسیب شناسی روانی، کاربرد آزمون های روانی(هوش، شخصیت، و..)، روانشناسی کودکان ناسازگار، روشهای تغییر واصلاح رفتار، روانشناسی یادگیری، روانشناسی کودکان اشتثنایی، اختلالات یادگیری، سمینار در روانشناسی بالینی، کاربرد آزمون های تشخیصی در کودکان ونوجوانان، بررسی تفصیلی نظریه ها و مکاتب شخصیت، و... ٠استاد راهنما و یا استاد مشاور ده ها پایان نامهٔ دانشجویان کارشناسی، کارشناسی ارشد. ٠استاد داور پایان نامه های مقطع کارشناسی ارشد و رساله های مقطع دکتری. چگونگی عرضه آثار : – تعداد مجری و همکار طرح تحقیقاتی و پژوهشی : ۶ مورد – تعداد مقالات علمی منتشر شده: ۲۵ مورد – تعداد سخنرانی های علمی در کنفرانسها و همایشهای علمی : ۱۵ مورد

دانش، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی نفت، دانشکده: فنی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

دانش، محمدکاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه.

تولد: ۱۳۱۸، دزفول.

شهادت: ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

حجت‌الاسلام سید محمدکاظم دانش، فرزند سید محمود، تا مقطع خارج فقه و اصول به تحصیل حوزوی پرداخت. پیش از انقلاب اسلامی، به معلمی اشتغال داشت و عضو هیئت تحریریه‌ی «مکتب اسلام» بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، امام جمعه و مسئول کمیته انقلاب اسلامی شوش شد. در اولین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، نماینده‌ی مردم شوش و اندیمشک بود.

از آثار اوست: سیمای فداکاران (در دو جلد)، قورباغه‌ها و غازهای مهاجر. مقالاتی از وی نیز در «مکتب اسلام» به چاپ رسیده است.

حجت‌الاسلام دانش در بمب‌گذاری هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید و پیکرش دربهشت زهرا به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

دانش، ملا علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۷۰ ق)، قاضـی و شاعر، متخلص به دانش و جاوید. مشهور به حبش. به جهت انتساب به جلال حبشی موذن پیامبر (ص). از ولایت ساری بود و در اوایل جوانی به مشـهد رفت و به تحصـیل در آن سامان پرداخت. مـدتی منصب قضاوت در نواحی مازنـدران داشت. ملا علی که ابتدای امر دانش تخلص می‌کرد، ولی در آخر جاوید تخلص داشت. دانش در اصفهان درگذشت و در مزار بابا رکن‌الدین به خاک سپرده شد. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :آتشـکده‌ی آذر (۸۷۰ -۸۶۹ /۲)، تذکره‌ی نصـرآبادی (۳۷۵ -۳۷۴)، الذریعه (۱۹۱ -۱۹۰ /۹)، ریحانه (۲۱۱/۲)، فرهنگ سخنوران (۲۰۷).

دانش‌آشتیانی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه.

تولد: ۱۳۰۹، آشتیان.

شهادت ۷ تیر ۱۶۳۰، تهران.

حجت‌الاسـلام غلامرضـا دانش‌آشتیـانی، فرزنـد ابوالفضـل، تا مقطع خارج فقه و اصول به تحصـیل حوزوی پرداخت. ایشان همچنین دارای دکترای حقوق اسلامی بود. پیش از انقلاب اسلامی، به تدریس در دبیرستان‌ها می‌پرداخت. وی همچنین مسئولیت یک گروه فرهنگی را داشـت. بعـد از پیروزی انقلاب اسـلامی، بـازرس ویژه‌ی وزارت آمـوزش و پرورش و در اولیـن‌ی دوره مجلس شـورای اسلامی، نماینده مردم تفرش و آشتیان شد.

از آثار ایشان است: سـنت در زمینه فقه و اصول. حجت‌الاسـلام آشتیانی در بمب‌گذاری هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. پیکر وی در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

دانش‌پژوه، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد، محقق.

تولد: ۳۰ فروردین ۱۲۹۰، آمل.

درگذشت: ۲۷ آذر ۱۳۷۵، تهران.

محمـدتقی دانش‌پژوه، فرزنـد میرزا احمـد، مـدرک لیسـانس خود را از دانشکده‌ی معقول و منقول دریـافت کرد. در سال ۱۳۳۲ به ریـاست کتابخـانه‌ی مرکزی آن دانشـگاه منصوب گردیـد و در سـال ۱۳۴۳ مشـاور فنی کتابخـانه‌ی مرکزی و در سـال ۱۳۲۶ عضو کمیته‌ی علمی آن شد.

استاد در سال ۱۳۴۸ به مقام دانشـیاری نیمه وقت دانشکده‌ی الهیات و در سال ۱۳۴۹ به مقام دانشیاری تمام وقت دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران ارتقا یافت.

اسـتاد برای کسب اطلاعات کتابشناسـی و نسخه‌شناسـی به کشورهای عراق، عربسـتان سعودی، شوروری، ترکیه، انگلستان، فرانسه و آمریکا سـفر کرد و در کنگره‌های عملی در سـطح ملی و بین‌المللی فعالانه شرکت جست و نتایج تحقیقت علمی خود را به اهل علم عرضه داشت و سرانجام در سال ۱۳۵۵ بازنشسته شد. وی عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود.

دکـتر دانش‌پژوه علاـوه بر فعالیت‌هـای علمی و فرهنگی، سال‌هـا در مقـام اسـتادی، در دوره‌هـای کارشناسـی و کارشناسـی ارشـد و دکتری، به تـدریس می‌پرداخت. حاصـل یک عمر تلاش وی حـدود ۳۴۰ مقـاله تـألیف تحقیقی است که در مجله‌هـای مختلف و از جمله «هنر و مردم» و «یغمـا» و «سـخن» و «وحیـد»، «راهنمـای کتـاب» نشریه «دانشـکده‌ی ادبیـات و علـوم انسـانی تـبریز» و «معـارف اسلامی») به چاپ رسیده‌اند.

از آثـار اوست: آثـار درویش طبسـی؛ آثـار علوی؛ اخلاق محتشـمی؛ ترجمه‌ی ادب الوجیز و تولی و تبری از خواجه طوسـی؛ اسـرار شهریاری؛ الاقطاب القطبیه؛ تصـحیح التواریخ رشـیدی؛ المنطقیات الفارابی (جلد سوم)؛ تصـحیح النهایهٔ و ترجمه‌ی آن؛ بحر الفوائد؛ تاریـخ اسـماعیلیه کاشـانی؛ تاریـخ الوزراء قمی؛ تاریـخ‌نگاری فلسـفه؛ تبصـره مساوی؛ تحفه؛ جامع التواریـخ؛ جامع الحکمه کاشانی؛ جاویدان خرد؛ چند نسـخه خصوصـی دیگر؛ حل مشـکلات رساله‌ی معینیه (نشریه‌ی ۳۰۴ دانشگاه)؛ دفتر ۱۱ و ۱۲ نشریه‌ی دانشگاه تهران؛ ذخیره شـهاب الاخبـار؛ رسـاله المعینیـهٔ (عربی، نشـریه‌ی ۳۰۰ دانشـگاه)؛ رسـاله‌ی امـامت خواجه طوسـی (عربی، نشـریه ۳۰۲ دانشـگاه)؛ روزبهان نامه تصـحیح زبـدهٔ التواریـخ کاشانی؛ سوانـح الافکار رشـیدی (رشـیدالدین فضل‌الله، ۱۳۳۷)؛ سه گفتـار خواجه

طوسی (نشریه‌ی ۲۹۶ دانشگاه)؛ ترجمه شرایع (جلد چهارم)؛ شرح شهاب الاخبار؛ طب ابن هندو؛ فرمان مالك اشتر؛ فرهنگ ایران زمین (با مشارکت منوچهر ستوده، مصطفی مقربی، عباس زریاب‌خویی، ایرج افشار)؛ فصول خواجه‌ی طوسی (نشریه‌ی ۲۹۸ دانشگاه به اهتمام وی)؛ شرح فصوص؛ فلسفه‌ی اشراق (حیات النفوس)؛ فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه‌ی مجلس سنا (۱۳۵۶، جلد یکم)؛ فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه‌ی ملی ملك وابسته به آستان قدس رضوی (با همکاری محمدباقر حجتی، احمد منزوی، تهران، ۱۳۵۴ -۱۳۵۲، دو جلد)؛ فهرست کتب اهدایی مشکوة به دانشگاه (در نشریه‌های مختلف)؛ فهرست ملی ملل (جلد نهم)؛ فهرست موسیقی؛ فهرست نسخ خطی کتابخانه‌ی آستانه‌ی مقدسه‌ی قم(۱۳۵۵)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی آستانه‌ی امامزاده عبدالعظیم (۱۳۴۶، جلد پنجم)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشکده‌ی ادبیات (مجموعه امام جمعه کرمان، اهدایی احمد جوادی، ۱۳۴۴، به جای شماره‌ی اول سال سیزدهم مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات) ؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشکده‌ی ادبیات (مجموعه وقفی اصغر مهدوی، ۱۳۴۱)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده‌ی ادبیات (مجموعه وقفی علی اصغر حکمت، ۱۳۴۱، ضمیمه سال دهم مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران محمدباقر حجتی با تحقیق و نظارت دانش‌پژوه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸ -۱۳۴۵)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران (۱۳۴۰)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشکده‌ی هنرهای زیبای کشور (با همکاری یحیی ذکاء ۱۳۴۲، جلد سوم)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی سازمان لغت‌نامه دهخدا (۱۳۴۲)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی مجلس سنا (۱۳۴۱، مستخرج از دفتر دوم نشریه‌ی کتابخانه‌ی دانشگاه تهران)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی مدرسه سپهسالار (تهران، ۱۳۴۶ -۱۳۱۵، پنج جلد)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی ملی تبریز (۱۳۴۸ و ۱۳۵۰، جلد چهارم)؛ کسر اصنام الجاهلیه صدرای شیرازی، مجموعه فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های شهرستان‌های ایران (۱۳۵۳ -۱۳۵۱، سه جلد)؛ مرقع سازی و جنگ سازی (مشهد، ۱۳۶۰)، ترجمه مصادقه الاخوان ابن بابویه (۱۳۲۵)؛ معتقد الامامیه، منطق ابن مقنع، میکروفیلم دانشگاه تهران (جلد یکم)؛ نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی ملی رشت (۱۳۴۶، جلد پنجم)؛ نسخه‌های خطی نشریه‌ی کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران (۱۰ ،۱۳۵۸ -۱۳۳۹ جلد، گاهنامه)؛ ترجمه‌ی نکت اعتقادیه شیخ مفید؛ نکت الاعتقادیه (شیخ مفید، ۱۳۲۴)؛ نوادر التبادر؛ وزارت در عهد سلاجقه از عباس اقبال؛ یك پرده از زندگی شاه تهماسب؛ یواقیت العلوم.

وی در تهران درگذشت و کالبد وی در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (قطعه‌ی خاص هنرمندان و نویسندگان) به خاك سپرده شد. (۱۳۷۵ -۱۲۹۰ ش)، نسخه شناس، محقق و مصحح. وی مقدمات ادبی را پس از خواندن نزد میرزا علی بارفروش در مدرسه‌ی حاج علی‌اکبر کوچك در آمل و نزد پدرش فراگرفت. از دیگر استادان وی در آمل شیخ ابوالحسن آملی واعظ، میرزا ابوالحسن پیشنماز آملی و آقا میرزا عزیزاللّه طبرسی بودند. در هجده سالگی بعد از فوت پدر، به تهران آمد. وی از محضر استادانی چون میرزا ابوالفضل گلپایگانی، میرزای قمی، آخوند ملا علی همدانی و آیت‌اللّه مرعشی بهره برد. دانش‌پژوه در مدرسه‌ی سپهسالار از مضحر میرزا مهدی آشتیانی «شفاء»، «اسفار» و «مکاسب» را آموخت. در ۱۳۲۰ ش موفق به دریافت لیسانس شد. از ۱۳۱۹ ش در کتابخانه دانشکده حقوق مشغول به کار شد. از ۱۳۲۱ ش به دبیری دبیرستانهای تهران اشتغال ورزید و سپس به دبیری دانشگاه پرداخت. از سمتهای دیگر وی معاونت کتابخانه‌ی دانشکده‌ی حقوق، ریاست کتابخانه‌ی کتب خطی دانشگاه، ریاست کتابخانه‌ی مرکزی، مشاورت فنی کتابخانه مرکزی، عضویت کمیته‌ی کتابخانه‌ی مرکزی بود. در سال ۱۳۴۸ ش دانشیار نیمه‌وقت دانشکده‌ی الهیات و در تاریخ ۱۳۴۹ ش دانشیار تمام وقت دانشکده‌ی ادبیات شد. در سال ۱۳۳۴ ش شورای دانشگاه تهران وی را برای تدریس درسهای درایه الحدیث و فرهنگ ایرانیان دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی شایسته دانست. در دوره‌های لیسانس و فوق لیسانس به تدریس منطق، تاریخ فلسفه اسلامی و تاریخ خاورشناسان و روش تحقیق و در دوره‌ی دکتری به تدریس عرفان اسلامی پرداخت. در تهران درگذشت. از آثار وی: فهرستهای مختلف کتابخانه‌ی دانشگاه تهران و مجلس سنا؛ ترجمه‌ها: «النکت الاعتقادیه»؛ ترجمه «مصادقه الاخوان»؛ «رساله المعینیه»؛ تصحیح: «ذخیره‌ی خوارزمشاهی» و تصحیح متون متعدد و مقالات مختلف در مجلات وزین.[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] راهنمای کتاب (س ۱۸، ش ۹ -۸ -۷، ص ۶۸۸ -۶۵۹)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۹ -۲۱۷/ ۲).

دانشمند ابیوردی، ابوالحسن علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۶۶/۹۶۹ ق)، ریاضیدان، حکیم و شاعر شیعی. در کاشان دیده به جهان گشود.از چنان هوش و ذکاوتی بهره‌مند بود که در چهارده سالگی شرح «تجرید» را با حواشی آن که از متون مشکل حکمت است و کتاب «مجسطی» را در بیست و پنج سالگی درس می‌گفت و حافظه‌ای چنان نیرومند داشت که هر کتاب را یك بار می‌خواند و عبارت آن را هرگز فراموش نمی‌کرد. وی در علوم مختلف بویژه ریاضیات مهارت بسیار داشت چنان که گویند از زمان قدیم هیجده نکته در علم ریاضی مانده بود که تنها شش نکته‌ی آن توسط خواجه نصیرالدین طوسی حل شده بود و بقیه را وی حل کرد. ملا ابوالحسن در شعر فارسی نیز استاد بود و غزل را نیکو می‌سرود. فضل خلخالی و شیخ احمد خلخالی از شاگردان وی بودند. در کاشان درگذشت و جنازه‌ی وی به اردبیل منتقل شد و در آن جا دفن گردید. وی در اکثر رشته‌ها تالیفاتی دارد؛ از جمله: «الشوارق فی کلام»؛ «حل ما لاینحل» در حل دوازده مسأله ریاضی؛ «حسنا» در حکمت طبیعی؛ «مشارق» و «مرآت الافلاك»، در حکمت ریاضی؛ «حاشیه بر شمسیه»؛ «حاشیه بر تهذیب»، در منطق؛ «رساله اثبات واجب» به فارسی و «اثبات واجب» به عربی؛ «روضه الجنان» در حکمت؛ شرح «فرایض»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۵۹ /۲ ،۵۹۴ ،۲۴ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۸۵ ،۶۸۳ ،۳۴۸ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۴۳ -۴۴۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۴/۱۰)، فرهنگ سخنوران (۳۳۳)، کشف الظنون (۸۴۳)، معجم المؤلفین (۱۰/۷)، هدیه العارفین (۷۴۶/۱)، هفت اقلیم (۳۲ -۳۱ /۲).

دانشور بختیاری، ابوالفتح

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۳۰۰ ق)، شاعر، متخلص به دانشور. وی در مکتبهای قدیم درس خواند و ساکن قهفرخ بود. دانشور به انمور زراعی اشتغال داشت، گاهی شعر نیز می‌سرود. از اوست:

دانشور از رفیقان هرگز وفا ندیده

یا رب بده وفایی یاران بی‌وفا را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۹۳).

دانشور بختیاری، حسینقلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۰ ق)، شاعر. تحصیلات ابتدایی را در قهفرخ به اتمام رسانید و به کسب و کار پدری که مباشرت در املاک بود، مشغول گردید. دانشور در سرودن شعر توانا بود. اشعاری چند از وی در «تذکره شعرای معاصر اصفهان» نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۹۴ -۱۹۳).

دانشور علوی، فضل‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۸۸.

درگذشت: ۱۳۷۱.

فضل‌الله دانشور علوی متخلص به «فضل» بود. از آثار اوست: تألیفات گلچین گلزار شعر و ادب (گردآورنده شهدآفرین دانشور علوی نعمتی، آلمان، ۱۳۷۳).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

دانشور علوی، هدایت الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا مسیح خان. فاضل ادیب شاعر عارف کامل، از فقرای سلسله‌ی خاکساریه، مردی خلیق و مهربان و با جود و سخا بود، در اشعار «نوح» تخلص می‌نمود.

نسخه‌ای از دیوان خطی او نزد نگارنده موجود است.

در ۱۳۶۷ در طهران وفات یافته، در صحن امامزاده قاسم مدفون شد.

این خاندان از سیصد سال قبل تاکنون به علم و فضل و طب شهرت دارند، و از اعقاب میر سید محمد حسین بن هادی بن محمد عقیلی علوی خراسانی شیرازی اصفهانی، وزیر آستانه‌ی رضویه می‌باشند که مردی عالم فاضل، و طبیب ماهر، و مؤلف: ۱- ذخائر الترکیب ۲- قرابادین (در ۱۱۸۵ تألیف شده) ۳- مخزن الادویه و غیره می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

دانشور، تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۹ -۱۲۵۸ ش)، موسیقی‌دان، شاعر و نویسنده. در تهران متولد شد. او توسط مزین‌الدوله نقاش‌باشی که از بستگان نزدیکش بود، به مدرسه دارالفنون وارد شد تا زیر نظر لومر فرانسوی تحصیل موسیقی کند. تقی خان پس از فراگرفتن قواعد نت خوانی، به زدن آلات‌بادی مشغول شد. بعد نزد دووال نواختن ویولن را آغاز کرد. تا اینجا تقی خان فقط به موسیقی اروپایی آشنا بود، سپس برای اینکه موسیقی اروپایی آشنا بود، سپس برای این که موسیقی ایرانی را فراگیرد، مدتی در کلاس حسین خان اسماعیل‌زاده و چندی در خدمت میرزا عبداللّه ردیفها را فراگرفت و نزد حسام‌السلطنه به تلعیم ویولن پرداخت و توسط او به دربار راه یافت و ملقب به اعلم السلطان شد و چند بار در حضور مظفرالدین‌شاه ساز زد. وی اولین ایرانی است که به ویولن آشنا شد. این ساز را نواخت. خاطرات دربار قاجاریه که از مشاهدات عینی وی بوده قریب دو سال در مجله هفتگی «روشنفکر» منتشر می‌شد. موسیقی از کارهای تفننی دانشور بود، زیرا خدمات و مشاغل اداری به او فرصت نمی‌داد که در این قمست کار فوق‌العاده‌ای کند. کارهای هنری وی منحصر بوده به تدریس موسیقی آن هم فقط چند سالی در جوانی در مدرسه دارالفنون و آموزش موسیقی به چند نفر از علاقه‌مندان از قبیل: محمدعلی شاه قاجار، محمدحسن میرزا، شاهزاده جهانگیر میرزای حسام و رکن‌الدین مختاری. او در علم پزشکی هم مدتی تحصیل کرده و در بیمارستان دولتی آن زمان (سینای فعلی) مدت زمانی کارآموزی داشته است. دانشور در سن هشتاد سالگی در تهران در گذشت. وی آهنگی در چهارگاه ساخته که اشعار آن را خود سروده است.[۱]

مرحوم تقی دانشور (اعلم‌السلطان) در سال ۱۲۵۸ هجری شمسی در تهران متولد شده، پدرش مرحوم نور محمدخان از حکام دوره‌ی قاجاریه در ایالات مختلف آن زمان بوده است. نامبرده تا قبل از نائل شدن به لقب اعلم‌السلطلان از طرف مظفرالدین شاه قاجار به نام میرزا تقی‌خان شهرت داشته است.

میرزا تقی‌خان در دوران کودکی به اتفاق سه نفر از بستگان نزدیکش به توسط مرحوم میرزا علی‌اکبرخان مزین‌الدوله نقاشباشی که با آنها خویشی داشت به مدرسه دارالفنون وارد و پس از تکمیل علوم و فنون آن زمان که عبارت بود از ادبیات زبان‌های فارسی، عربی، فرانسه و فن نظام، وارد رشته موزیک دارالفنون شده و علم موسیقی غربی را علماً و عملاً ـ نزد ژنرال لومر فرانسوی موزیکانچی‌باشی دربار قاجار و معلم موسیقی دارالفنون فراگرفته است و پس از فراغت از تحصیل و هنگام ورود موسیو دوال معلم سازهای زهی که از کشور فرانسه آمده بود به معاونت وی منصوب گردید و ضمن انجام خدمت و تدریس موسیقی به محصلین، نواختن ساز ویولن را از موسیو دوال فراگرفته و در این فن استاد شده است و در تاریخ رجب سال ۱۳۱۱ هجری قمری به موجب فرمان صادره با درجه یاور اولی (سرگردی) و یک قطعه نشان مطلا از مدرسه مبارکه دارالفنون فارغ‌التحصیل و مشغول خدمات دولتی گردیده، در تاریخ ربیع‌الاول ۱۳۱۹ هجری قمری به موجب فرمان صادره با مهر و امضای مظفرالدین شاه قاجار از درجه سرهنگی به منصب سرتیپی از درجه سیم و دریافت یک قطعه نشان و یک رشته حمایل از همان درجه ارتقا یافته و در تاریخ شهر ذیحجهٔ‌الحرام سنه ۱۳۲۶ هجری قمری به موجب فرمان صادره با مهر و امضای محمدعلی شاه قاجار، به منصب سرتیپی از درجه دوم و لقب اعلم‌السلطان مفتخر گردید.

میرزا تقی‌خان چون به موسیقی ایرانی علاقه مفرط داشت و از طرفی دوست و همسایه حسین‌خان اسماعیل‌زاده استاد کمانچه و میرزا عبداللّه استاد سه‌تار بوده، لذا از این دو نفر ردیف‌های ایرانی را از راه گوش فراگرفته و آنها را با نت فرنگی تنظیم و می‌نواخته است بدین ترتیب نامبرده اولین کسی است که ردیف‌های ایرانی را با نت غربی و با ساز ویولن اجرا نموده و در زمان خود شهرت بسزایی یافته است.

مرحوم تقی دانشور چون همواره شاغل مشاغل نسبتاً مهمی بوده، لذا موسیقی را به عنوان یک هنر برای خود می‌دانسته و در مجامع عمومی که در آن زمان شهرت چندان خوبی هم نداشته از موسیقی استفاده نمی‌کرده، فعالیت هنری وی منحصر بوده به تدریس موسیقی آن هم فقط چند سالی در جوانی در مدرسه دارالفنون و آموزش موسیقی به چند نفر از علاقمندان از قبیل: محمدعلی شاه قاجار، احمدشاه قاجار، محمدحسن میراز ولیعهد احمدشاه، شاهزاده جهانگیر میرزای حسام (نوه‌ی حسام‌السلطنه فاتح هرات) و رکن‌الدین مختاری و غیره.

وی چند بار، در کنسرت انجمن اخوت به صورت افتخاری شرکت داشته و چند سالی هم در مدرسه سن‌لوئی تهران تدریس می‌کرده و عده‌ای از ادبا و شخصیت‌هایی معروف در مدرسه مذکور شاگرد وی بوده‌اند.

مرحوم تقی دانشور مدتی در گمرک در زمان ریاست موسیو نوز بلژیکی با سمت مترجمی زبان فرانسه و مدتی در وزارت تجارت مشغول خدمت بوده سپس با تأسیس وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به آن وزارت منتقل و تا سال ۱۳۱۲ در مشاغل مهم آن وزارت مانند ریاست دارالانشاء، ریاست تعلیمات متوسطه، ریاست محاسبات، ریاست پرسنل (کارگزینی) و با عنوان مدیرکلی اصفهان و یزد و کاشان و توابع آنها انجام وظیفه کرده و در سال ۱۳۱۲ با درخواست خودش به افتخار بازنشستگی نائل گردیده و در اردیبهشت ماه ۱۳۳۹ شمسی دار فانی را بدرود گفته است. مشارالیه مردی ادیب شاعر و نویسنده زبردستی بوده، در علم پزشکی هم مدتی تحصیل کرده و در بیمارستان دولتی آن زمان (بیمارستان سینای فعلی) مدت زمانی کارآموزی داشته است.

خاطرات دربار قاجاریه که از مشاهدات عینی وی بوده قریب دو سال در مجله هفتگی روشنفکر منتشر شده است بقیه تصنیفات و تألیفات وی به علت گوشه‌گیری در دوران بازنشستگی چاپ نشده باقی‌مانده و مقداری از آنها هم از بین رفته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ موسیقی (۵۸۲ -۵۸۱ /۲)، سرگذشت موسیقی (۲۵۶ -۲۵۳ /۱)، مردان موسیقی (۶۰ -۵۷ /۲).

دانشور، سیمین

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، داستان‌نویس، مترجم، محقق، مدرس دانشگاه و روزنامه‌نگار. در شیراز دیده به جهان گشود و تا پایان دوره‌ی متوسطه در مدرسه‌ی مهرآیین شیراز تحصیل کرد. پس از آن وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۲۸ ش با نگارش رساله‌ی «علم الجمال در ادبیات فارسی» موفق به دریافت درجه‌ی دکتری ادبیات فارسی در این رشته‌ی تحصیلی شد. سپس به آمریکا رفت و از دانشگاه استنفرد کالیفرنیا درجه‌ی فوق دکتری تخصصی در رشته‌ی زیبایی شناسی اخذ کرد. پس از بازگشت به ایران تدریس در رشته‌های باستان شناسی و تاریخ و هنر دانشگاه تهران و زیبایی شناسی در هنرستان عالی موسیقی و هنرهای زیبا پرداخت. وی همچنین عضو هیات نویسندگان مجله‌ی «علم و زندگی» و «کتاب ماه» و مدیر مجله‌ی «نقش و نگار» نیز بود. سیمین با جلال آل‌احمد ازدواج کرد و همپای او به فعالیتهای فکری و فرهنگی پرداخت. از آثار وی: تحقیقات: «شناخت و تحسین هنر»؛ داستانها: «سووشون»؛ «آتش خاموش»؛ «شهری چون بهشت»؛ «به کی سلام کنم»؛ «غروب جلال»؛ «جزیره سرگردانی»؛ ترجمه‌ها: «سرباز شکلاتی»؛ «دشمنان»؛ «بئاتریس»؛ «داغ ننگ»؛ «بنال وطن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :چون سبوی تشنه (۲۱۰ -۲۰۹)، کیان (س ۶، ش ۴۴، ص ۶۷ -۶۶)، کیهان فرهنگی (س ۴، ش ۶، ص ۱۱ -۳)، مؤلفین کتب چاپی (۳۸۷ -۳۸۶/ ۳).

دانشور، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۷ ش)، دبیر و نویسنده. وی در بروجرد متولد شد. تحصیلات مقدماتی و دوره‌ی اول متوسطه را در موطن خود انجام داد، سپس به اهواز رفت و دوره‌ی دوم را در آن شهر به پایان برد و به تهران آمد و به تحصیل در دوره‌ی عالی مشغول شد و در ۱۳۱۷ ش موفق به دریافت لیسانس در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی شد. پس از آن به دعوت شورای فرهنگی بریتانیا و تصویب وزارت فرهنگ، رهسپار انگلستان شد و مدت دو سال در آنجا به تحصیل پرداخت. از دانشگاه ناتینگهام گواهی مهارت کامل در زبان انگلیسی را دریافت کرد و در ۱۳۱۹ ش به تهران بازگشت و در دبیرستانهای تهران به تدریس زبان انگلیسی مشغول شد و در ۱۳۲۸ ش با سمت معلم زبان و تاریخ ادبیات انگلیسی به دانشکده‌ی ادبیات تبریز منتقل شد. از آثار وی: «روانشناسی کودک»؛ «سنجش هوش در آموزش و پرورش».[۱]

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم تربیتی، دانشکده:-، دانشگاه: آزاد اسلامی اراک

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی و دکترای روان‌شناسی و تعلیم و تربیت از ایران.

مرتبه علمی:

دانشیار روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی اراک.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تعلیمات و آموزش و پرورش، علوم انسانی، روان‌شناسی، اجتماعی، فلسفی، سیاسی و مذهبی، تربیتی، ادبی و تاریخ، راهنمایی تعداد ۵۰۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

سنجش هوش، روان‌شناسی کودک، روان‌شناسی تربیتی، کتب درسی و تحقیق در مورد آنها.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

آموزش و پرورش، روان‌شناسی، مذهبی و اجتماعی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۷۵۱/۱)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۹۰۲/۲).

دانشی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: مهندسی متالورژی، دانشگاه: صنعتی شریف

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی پیوسته مهندسی مکانیک از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵، کارشناسی مهندسی مکانیک عملی از دانشگاه منچستر انگلستان در سال ۱۳۴۸ و دکترای مکانیک عملی از دانشگاه منچستر انگلستان در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

دانشیار و استاد دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۵۱.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی تغییر شکلهای سطحی در آزمایش فشار مقاطع فلزی، بررسی اثر فرآیند عملیات حرارتی مکانیکی در درجه حرارت پائین آسفرمنیگ بر روی خواص مکانیکی فولادهای کم آلیاژ، بررسی فرآیند تولید سیمهای پیش تنیده، تدریس دروس علم مواد و شکل دادن فلزات، مکانیک محیطهای پیوسته، طراحی اجزاء، طراحی قالب، شکل دادن پیشرفته فلزات صنعتی، نورد، خط در اندازه‌گیری و شکست در دانشگاه صنعتی شریف.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شکل دادن فلزات، علم مواد، شناخت فلزات صنعتی، طراحی قالب و فرهنگ لغات.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۴

زمینه علمی مقالات:

مکانیک عملی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

دانه‌یی نیشابوری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. صاحب «تذکره‌ی روز روشن» گوید که: «شاعری بود که از خاک دانه که دیهی است در اطراف نیشابور سر کشیده و مدتی به قناعت ملازم خانه خودش بوده پس جذبه آب و دانه او را به هندوستان کشید و در همان جا زیر خاک خوابید».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۵۶)، الذریعه (۳۱۷/۹)، کاروان هند (۴۰۳ -۴۰۲ /۱)، هفت اقلیم (۲۸۳ -۲۸۲ /۲).

داودی لیمونی، سعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید داودی لیمونی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سعید داودی لیمونی در سال ۱۳۵۳ شمسی وارد حوزه علمیه شهر رستم کلا (بهشهر) شدم و تا قسمتی از رسائل را در محضر مرحوم آیت الله ایازی خواندم و در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و رسائل را از محضر آیت الله اعتمادی و مکاسب را از محضر حضرات آیات دوزدوزانی ، مرحوم پایانی و مرحوم ستوده بهره گرفتم. کفایتین را نیز نزد مرحوم آیت الله ستوده خواندم و در درسهای خارج حضرات آیات مکارم شیرازی، شیخ جواد تبریزی، وحید خراسانی، جوادی آملی و لنگرودی شرکت کردم و مدت ده سال (به طورمتناوب) از این آقایان بهره گرفتم. هر چند بیشترین بهره اینجانب از محضر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (۸ سال) بوده است.

بدایهٔ الحکمه را از محضر استاد فیاضی و نهایهٔ الحکمه را از محضر آیت الله مصباح یزدی بهره گرفتم و مدت دو سال در درس اسفار آیت الله جوادی آملی شرکت کردم و در درسهای تفسیر آیت الله جوادی آملی به مدت ۳ سال شرکت کردم دوره تخصصی تفسیر و علوم قرآنی را در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی به مدت چهار سال گذارندم و در این دوره از اساتید گرامی ،

حضرات آیات : مکارم شیرازی، خزعلی، معرفت، مرحوم طاهر شمس، محقق داماد، شب زنده دار و توفیقی بهره مند شدم.درسال ۱۳۸۱ پایان نامه سطح چهار را در رشته تفسیر با عنوان «جایگاه زن در قرآن کریم» دفاع کردم و مدرک سطح چهار را گرفتم.از سال ۱۳۷۱ در محضر حضرت آیت الله مکارم شیرازی به اتفاق جمعی از محققان به تدوین شرح نهج البلاغه پرداختیم که تا کنون (اردیبهشت ۱۳۸۵) هفت جلد ازآن به چاپ رسیده و همچنان ادامه دارد (به نام پیام امام امیرالمومنین علیه اسلام)در این مدت بیش از ده مقاله برای روزنامه ها، مجلات، سمینارها و ... تدوین کردم که به چاپ رسیده است.

علاوه بر تدریس ادبیات و فقه و اصول که چند سال بدان پرداختم، سه سال در دانشگاه آزاد اسلامی اراک در رشته تفسیر و نهج البلاغه تدریس می کردم و اکنون به مدت چهار سال است که در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی به تدریس اشتغال دارم همچنین به مدت چهار سال است که در تدوین موسوعه فقهی مقارن زیر نظر آیت الله العظمی مکارم شیرازی به اتفاق جمعی از محققان به تدوین مقالات می پردازیم که جلد اول آن به پایان رسیده است و چند سالی است که در مرکز مدیریت حوزه علمیه بخش مدارج علمی، راهنمایی و داوری پایان نامه های سطح ۳ و ۴ را به عهده دارم.علاوه بر آن در تدوین کتب و مقالات دیگر به فعالیت مشغول هستم.

داودی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمود داودی نژاد اراکی در سال ۱۳۲۰ شمسی در داودآباد اراک متولد شده و پس از رشد به اراک آمده و در مدرسه مرحوم آقا ضیاءالدین مقدمات را از مرحوم حاج شیخ قنبر رفیعی خوانده و در سال ۱۳۳۸ شمسی به قم آمده و سطوح را از حجهٔالاسلام آقای ستوده و آقای صلوتی و آقای مشکینی و آیت‌اللّٰه سلطانی بپایان رسانیده و دروس خارج را از محضر استاد مشکینی و حجهٔالاسلام منتظری و آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی استفاده نموده آنگاه در سال ۱۳۵۱ شمسی حسب الامر آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی بکرشته شهریار که در جنب علیشاه عوض واقع است عزیمت نموده و تاکنون در مسجد آنجا به اقامه جماعت و تبلیغ احکام اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

داور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌اکبر، از رجال دوره رضاشاه پهلوی (ف. ۱۳۱۵ ه.ش.). وی به وکالت مجلس شورای ملی، وزارت عدلیه و وزارت مالیه رسید و در بهمن ۱۳۱۵ ه.ش.خودکشی کرد. از آثار او «حقوق جزائی» است که توسط آقای ساسان نماینده سابق مجلس شورای و وکیل دادگستری تدوین شده و به چاپ رسیده است.

نماینده متنفذ مجلس شورای ملی، رهبر حزب سیاسی، روزنامه‌نگار، وزیر فوائد عامه، وزیر دادگستری، وزیر دارائی.

علی‌اکبر داور فرزند کلبعلی خازن‌خلوت در ۱۲۶۴ ش (۱۸۸۵ م) در تهران تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی با سعی و کوشش پدرش وارد مدرسه دارالفنون شد و به تحصیل در حرفه‌ی پزشکی پرداخت ولی پس از مدتی از رشته‌ی مزبور انصراف حاصل نموده ادبیات و فلسفه و تاریخ و سایر رشته‌های علوم انسانی را تحصیل نموده و در ۱۲۸۸ ش (۱۹۰۹ م) فارغ‌التحصیل شد و فعالیت سیاسی خود را در حزب دموکرات که حزبی تندرو و انقلابی بود آغاز کرد و در همان سال با کمک حزب دموکرات وارد وزارت دادگستری شد و اولین شغلی که به او ارجاع شد عضویت شعبه چهارم دادگاه شهرستان بود. داور در این سمت جدیت زیادی به کار برد و خود را کارمندی لایق و جدی و پرکار معرفی کرد و در نتیجه وزیر دادگستری او را به ریاست اجرا که از دشوارترین و پرمسئولیت‌ترین مقامات آن زمان بود، با ماهیانه ۷۵ تومان حقوق تعیین کرد. داور در این سمت احکام دادگستری را علیه زورمند و توانگر و اشراف و مالکین اجرا کرد و همین مسئله سر و صدای زیادی بلند نمود و وزیر دادگستری ناچار شد تا شغل او را تغییر دهد و سرانجام داور دادستان تهران شد در حالیکه ۲۵ سال بیشتر نداشت. او اکتفا به کار دادستانی نکرد و برای اینکه از پشتوانه‌ای هم برخوردار باشد عضو هیئت تحریریه روزنامه تندروی شرق که مدیر آن سیدضیاءالدین طباطبائی بود گردید.

داور قریب یک سال دادستان تهران بود که از شغل خود استعفا داد و در ازاء سرپرستی فرزندان حاج ابراهیم پناهی بازرگان روشنفکر تبریز عازم سویس شد تا تحصیلات خود را تکمیل نماید. مدت توقف داور در اروپا یازده سال طول کشید و در این مدت علاوه بر دوره‌ی متوسطه، در رشته‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی به اخذ درجه‌ی لیسانس نائل گردید و دوره‌ی دکترای حقوق را نیز پایان داد ولی قبل از تصویب رساله‌ی دکترا به ایران بازگشت. داور در اروپا علاوه بر تحصیل به یک سلسله فعالیتهای سیاسی به نفع کشور خویش دست زد و حزبی به نام حزب ملی ایرانی تاسیس نمود و هنگام انعقاد قرارداد اوت ۱۹۱۹ بین ایران و انگلیس که منظور نظارت دولت انگلستان بر امور مالی و نظایم ایران بود، در مقام مبارزه با قرارداد برآمد و با نشر سلسله مقالات و مصاحبه با روزنامه‌های سویس، مخالفت شدید خود را با قرارداد ابراز می‌کرد.

پس از کودتای ۱۲۹۹ (ژانویه ۱۹۲۱) داور به علت آشنائی و همکاری سابق با سیدضیاءالدین عامل سیاسی کودتا، عازم ایران شد تا

سهمی از تغییرات و تحولات نیز نصیب او شود. ولی وقتی وارد ایران شد سیدضیاءالدین برکنار و از ایران تبعید شده بود. ناچار برای پیشرفت کـار خود برنامه‌ریزی کرد و به وکالت دادگستری پرداخت. در آبانماه ۱۳۰۰ ش (نوامبر ۱۹۲۱) داور وارد وزارت فرهنگ شـد و اولین سـمت وی ریـاست تعلیمـات عمومی بود و بعـد رئیس کل معارف شـد. در همین هنگام خود را کاندیـدای نماینـدگی مجلس نمود و سرانجام در تیرماه ۱۳۰۱ ش (ژوئیه ۱۹۲۲) از ورامین تهران به وکالت مجلس شورای ملی انتخاب گردید و در همان ایام امتیاز روزنامه‌ای به نام مرد آزاد را از وزارت فرهنگ اخـذ نمود و به انتشار آن مبادرت کرد و تنی چند از جوانان تحصـیل‌کرده و اروپادیده را به یاری طلبید. روزنامه‌ی «مرد آزاد» در آن روز از بهترین روزنامه‌های تهران بود. علاوه بر سر مقاله‌های تند و آتشین که توسط داور نوشـته می‌شـد، غیر از اخبار کامل داخلی و خارجی و مـذاکرات مجلس، چنـد رمان شـیرین هم پاورقی روزنامه قرار داشت و این روزنامه در مـدت کمی اسم و شـهرت خوبی پیـدا کرد به طوری که تمام متجـددین آن زمان، روزنامه را می‌خواندنـد. تقریبا تمام نویسندگان عبارات ساده و کوتاه و روشن یادداشتهای روزنامه‌ی داور را تقلید می‌کردند.

داور پس از رسـیدن به مقام نمایندگی مجلس و دائر نمودن روزنامه معتبر، برای پیشبرد مقاصد خود به اقدام دیگری دست زد و آن را تشـکیل یک حزب سیاسـی تنـدرو بود. داور برای تشکیل حزب خود متجاوز از پانصـد نفر از جوانان پرشور و تحصـیلکرده را به دور خود جمع کرد. مرامنامه و اساسـنامه حزب را نوشت و نام رادیکال بر آن نهاد و منظور از این کلمه، اصـلاح کلیه امور و شـئون کشـور از بن و ریشه بـود. حزب رادیکـال مـدیر روزنـامه هم بـود مورد توجه قرار گرفت. داور در مجلس غیر از همکـاری بـا گروه اصـلاح‌طلبان با عده‌ای از دوستان خود هسته‌ی مستقلی برای کمک و مساعدت به رضاخان سردار سپه وزیر جنگ تشکیل داد و در حقیقت باید گفت تخم ترقی سریع را در مغز سردار سپه، داور کاشت.

داور در انتخابـات دوره‌ی پنجم مجلس شـورای ملی از دو منطقه کاندیـدا شـد. یکی ورامین و دیگری شهرسـتان لار بود. سـرانجام وکالت لار را پـذیرفت در حالیکه پنج نفر هم از اعضاء حزب رادیکال به نمایندگی مجلس انتخاب شده بودند. در این مجلس داور با عبدالحسین تیمورتاش (سردار معظم خراسانی) و فیروز فیروز (نصرت‌الدوله) نزدیک شد و این نزدیکی به قدری زیاد بود که آن سه نفر نام مثلث سیاسی گرفتند.

در نخسـتین روزهـای مجلس پنجم، قبـل از آنکه اعتبارنامه‌هـا به تصویب برسـد، یکمرتبه در سرتاسـر ایران طوفـانی بلنـد شـد. سـیل تلگراف و نامه به سوی مجلس سـرازیر گردیـد و همه‌ی مردم خواسـتار رژیم جمهوری شدند. چند روزی طرفداران رژیم جمهوری در تهران و شـهرها تظـاهرات کردنـد ولی یکمرتبـه تظـاهرات تغییر جهت داد. سـید حسن مـدرس و روحـانیت در مقـام مخـالفت با جمهوری برآمدند و در نتیجه سـردار سپه از آن فکر عدول نمود. داور در آغاز سال ۱۳۰۳ (مارس ۱۹۲۴) جزو آن عده‌ای بود که با جمهوری موافقت نکردند و در سفر جنگی سردار سپه به خوزستان نیز از مخالفین بود و در مجلس نطقی که پایه‌ی آن مخالفت بود ایراد کرد و از جمله گفت سـردار سپه باید کلیه عملیات خود را از صلح و جنگ در خوزستان به تصویب مجلس برساند. نطق داور به اندازه‌ای تند و علیه سـردار سپه بود که سرتیپ مرتضی یزدان‌پناه حاکم نظامی تهران طی مخابره تلگراف رمز تقاضا کرد اجازه‌ی اعدام داور و دوستان او داده شود.

وقتی سـردار سپه موفقـانه از سـفر خوزسـتان بازگشت، داور به تلاش افتاد تا موجبات رضایت خاطر او را فراهم آورد و در نتیجه به فکر افزایش قـدرت او افتاد. سـرانجام طرح فرمانـدهی کل قوا را تهیه و زمینه را برای تصویـب آن فراهم ساخت و در بهمن‌ماه ۱۳۰۳ ش (فوریه ۱۹۲۵) فرماندهی کل قوا از سـلطان احمدشاه منتزع و به سـردار سپه رضاخان نخست‌وزیر داده شد. داور یکی از طراحان خلع سـلطان احمـدشاه و پادشـاهی رضاشاه پهلوی بود. او طرحی به عنوان ماده واحـده تهیه کرد و به امضاء اکثر نماینـدگان مجلس رسانیـد. طرح مزبـور خلـع سـلطان احمـدشاه و واگـذاری حکـومت مـوقت بـه رضاخـان پهلـوی و تشـکیل مجلس موسـسان برای تصـمیم‌گیری نهائی درباره‌ی سلطنت دائمی بود. طرح مزبور در ۹ آبان ۱۳۰۴ ش (اول نوامبر ۱۹۲۵) در جلسه‌ی علنی مجلس مطرح گردیـد. مدرس لیدر اقلیت در مقام مخالفت برآمد و داور پاسخ او را داد به طوری که مدرس از جلسه خارج شد. مخالفین طرح هر کدام که صـحبت کردند یکی از نمایندگان پاسخ می‌داد تا نوبت به دکتر محمدمصدق رسید. وی نطقی مفصل و مستدل ایراد کرد و بـا پادشـاهی رضاخـان پهلوی مخـالفت نمود. داور به نطق مفصل مصـدق پاسخ داد و ایرادات او را پاسـخ گفت و سـرانجام طرح انقراض قاجـاریه به تصویب رسـید. پس از تصویب طرح، داور مسـئول تشـکیل مجلس موسـسان شـد تـا مجلس مزبور چنـد اصل از اصول قانون متمم اساسـی را تغییر دهـد و سـلطنت ایران را به رضاشاه و اعقاب او تفویض نمایـد. مجلس موسـسان در آذرماه ۱۳۰۴ (دسامبر ۱۹۲۵) تشکیل شد و داور مخبر کمیسیون رسیدگی به موضوع اصلاح قانون اساسی شد و این وظیفه‌ی دشوار را انجام داد و این مسئله بر نفوذ و شهرت او افزود.

وقتی رضاشاه به سـلطنت رسید، محمدعلی فروغی را نخست‌وزیر کرد و علی‌اکبر داور در آن کابینه وزیر فوائد عامه و تجارت شد و در همان روزهای نخست، مقدمات راه‌آهن را در ایران فراهم کرد و مدرسه‌ای به نام مدرسه‌ی تجارت تاسیس نمود.

در انتخابـات دوره‌ی شـشم مجلس، داور مجـددا از لار بـه وکـالت تعیین شـد و همزمـان بـا افتتـاح مجلس، محمـدعلی فروغی از نخست‌وزیری کنـار رفت و حسن مسـتوفی جای او را گرفت و وزارت داور هم منتفی شـد. داور چنـد ماهی در مجلس باقی مانـد تا اینکه در بهمن‌مـاه ۱۳۰۵ ش (فـوریه ۱۹۲۷) حسـن مسـتوفی نخست‌وزیر، کـابینه‌ی خـود را ترمیم کرد و در ترمیم، علی‌اکـبر داور به سمت وزیر دادگستری تعیین شد.

داور وزیر جدید عدلیه، روز بیسـتم بهمن‌ماه ۱۳۰۵ ش کلیه تشـکیلات قضائی را در تهران منحل کرد و یک هفته بعد نیز تشـکیلات قضائی را در شـهرها تعطیل نمود. روز ۲۷ بهمن‌ماه ۱۳۰۵ ش (۱۸ فوریه ۱۹۲۷) لایحه امتیازات خود را طی یک ماده واحـده و یک تبصره به قید دوفوریت به مجلس شورای ملی تقدیم نمود و پس از یک بحث طولانی در همان جلسه تصویب شد. اختیارات حاصله شامـل قـانونگزاری، اصـول تشـکیلات و اسـتخدام بـود. روز پنجم اردیبهشت ۱۳۰۶، دادگسـتری جدیـد در کـاخ برلیـان در حضور رضاشـاه افتتـاح شـد. شـاه طی نطق کوتـاهی اهمیت دادگستری را بیان کرد و فرامین عـده‌ای از قضات جدیـد را توزیع نمود. آنگاه فرمـانی خطـاب به حسن مسـتوفی نخست‌وزیر صـادر نمود و فرمـان مزبور حـاکی از الغـاء کاپیتولاسـیون برای حفظ شـئون و اخلاق

مملکت بود.

داور وزیر جدید دادگستری برای گردش کارهای قضائی به سه ابزار کار احتیاج داشت. اصول تشکیلات قضائی بود، بعد به قضات مطلع و پاکدامن و تحصیلکرده نیاز داشت، دیگر آنکه بایستی به سرعت قوانینی تهیه و به مرحله‌ی اجرا بگذارد.

داور کمیسیون‌هائی برای تدوین قوانین جدید از افراد مطلع و برجسته که تحصیلات عالی داشتند تشکیل داد و به سرعت قوانین مورد لزوم را تهیه و به موجب اختیارات داور به تصویب کمیسیون دادگستری مجلس رسانید و مورد عمل قرار می‌دادند. داور مجموعا در دادگستری ۱۲۰ قانون به تصویب رسانید. اولین اقدام وی قبل از افتتاح دادگستری نوین، تهیه و تصویب قانون استخدام قضات و صاحب‌منصبان پارکه (دادسراها) و مباشرین ثبت اسناد بود که در اسفند ۱۳۰۶ ش (مارس ۱۹۲۸) در ۵ ماده آماده و تصویب شد و به موجب همین قانون به استخدام قضات و دادسراها و ثبت اسناد پرداخت.

داور، قضات را به چند طریق انتخاب نمود: ۱- عده‌ای از قضات سابق دادگستری را که صلاحیت برای خدمت داشتند با رتبه‌های جدید به خدمت دعوت نمود. ۲- عده‌ی زیادی از کارمندان تحصیلکرده دولت را که تحصیلات عالی داخلی و خارجی داشتند به وزارت دادگستری انتقال داد و در این انتقال سهم وزارت امور خارجه و سپس وزارت دارائی بیش از سایر وزارتخانه‌ها بود. ۳- عده‌ای از نمایندگان ادوار مختلف مجلس را به خدمت دعوت کرد. ۴- از میان روحانیون و مدرسین حوزه‌ی علمیه، جمعی را به خدمت پذیرفت مشروط بر اینکه از لباس روحانیت خارج شوند و بعد برای تربیت قاضی و مامور ثبت اسناد کلاسهائی تشکیل داد که حقوق مختلف در آن تدریس می‌شد.

داور در نخستین روزهای افتتاح دادگستری، ویژگیهای دادگستری نوین را چنین توجیه کرد:

۱- تشکیلات جدید دادگستری روی اصلی بنا شد که حتی‌الامکان تمام کارکنان آن از اشخاص پاکدامن و آشنا به علوم جدید باشند ولی ممکن است بعضی از آنها صددرصد کمال مطلوب نباشد بنابراین میزی در آن منتفی نیست.

۲- انحصار قوه قضائیه و حکومت به دست دولت و تمرکز آن در تشکیلات مملکت است تا تامین حقوق مختلفه عمومی بلامانع امکان‌پذیر شود. برای اجرای این منظور حق حکومت از محاضر شرع خارج از دادگستری سلب شده و به جای آن محاکم رسمی شرعی مرکب از حکام شرعی که مستخدم دولت و موظف به رعایت نظامات دولتی هستند تشکیل گردیده است.

۳- در قوانین جدید وسائل جلوگیری از ایجاد دعاوی و نیز تهیه موجبات تسهیل کار محاکم که بتوانند به موجب اسناد صحیح حق را از باطل تمیز دهند پیش‌بینی شده و به موجب قانون ثبت املاک ثبت اجباری است. با این ترتیب از طرفی معاملات غیرمنقول در نتیجه ثبت اسناد، چنان اعتباری خواهد یافت که تاکنون در ایران سابقه نداشته است. همینکه سندی به ثبت رسید هیچ ادعائی از هیچکس نسبت به آن سند پذیرفته نیست. از طرفی به واسطه‌ی ایجاد دفاتر (ثبت اسناد رسمی) استیفای حقوق انواع قراردادها و معاملات ثبت شده در این دفترها بدون مراجعه به دادگاه به عمل می‌آید.

۴- برای اعتبار دعاوی مدت و زمان قائل شده و قانون مرور زمان که از اهم قوانین قضائی است مورد اجرا واقع خواهد شد.

۵- چون تامین آسایش افراد منوط به مجازات مجرمین است، این منظور مهم نیز به وسیله دادگاههای جزا و دیوانهای جنائی دادگستری عمل می‌شود.

۶- عدلیه قوانین جامع و مفیدی تهیه کرده که هر قاضی موظف است بر مبنای آن حکم صادر کند. قضات نمی‌توانند عقاید فقهی را ملاک صدور حکم قرار دهند.

داور هنگامی که به وزارت دادگستری تعیین شد، اختیاراتی از مجلس برای مدت چهارماه گرفت ولی در مدت مزبور نتوانست محاکم دادگستری را در سطح کشور دائر کند، لذا در خرداد ماه ۱۳۰۶ از مجلس تقاضای تمدید اختیارات نمود و برای مدت چهار ماه دیگر اختیارات او تمدید شد.

از قوانین مهمی که داور به تصویب رسانید، جلد اول قانون مدنی بود که در ۹۵۵ ماده تهیه و پس از تصویب مورد اجرا واقع شد. از دیگر قوانین، قانون اصول تشکیلات، قانون محاکمات نظامی، قانون محاکمه وزراء، قانون تشکیل دیوان کیفر، قانون تشکیل دادگاه انتظامی قضات، قانون تشکیل دفاتر اسناد رسمی، قانون ثبت اسناد و املاک، قانون مجازات عمومی، قانون تجارت و قانون محاکم شرع را باید نام برد. مهمترین اقدام داور در دادگستری، لغو کاپیتولاسیون بود که در روز ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۷(۱۱ مه ۱۹۲۸) ملاک عمل قرار گرفت.

داور مجموعا در کابینه‌های حسن مستوفی و مهدیقلی هدایت نزدیک به هفت سال وزیر دادگستری بود و غیر از تاسیس دادگاه‌ها و دادسراها در سطح کشور، سازمان ثبت اسناد و املاک را به وجود آورد؛ دفاتر رسمی ازدواج و طلاق و دفاتر اسناد رسمی تشکیل داد؛ مدرسه عالی حقوق و کلاس قضائی تاسیس نمود ؛ وکالت دادگستری را در چهارچوب قانون تعیین نمود و مبادرت به این شغل موکول به اخذ پروانه از وزارت دادگستری گردید ؛ برای قضات لباس متحدالشکل و نشان تعیین کرد ؛ هیئت بازرسی برای رسیدگی به کار وزارتخانه‌ها و شهرداریها تعیین نمود ؛ عده‌ی زیادی از قضات را برای تکمیل تحصیلات به اروپا فرستاد؛ تمام کسانی که جزو محصلین دولتی به اروپا اعزام شده و علم حقوق تحصیل نموده بودند به خدمات قضائی منصوب نمود.

داور در بهمن‌ماه ۱۳۱۱ در راس یک هیئت عازم اروپا شد تا به شکایت دولت انگلستان به جامعه ملل پاسخ دهد. توضیح آنکه دولت ایران قرارداد خود را با شرکت نفت ایران و انگلیس به طور یکطرفه لغو نمود و دولت انگلستان از این اقدام ایران به جامعه ملل شکایت برد. داور در جامعه ملل در مقابل سر جان سیمون وزیر امور خارجه انگلیس قرار گرفت و ضمن نطق مفصلی حقانیت ایران را در لغو قرارداد توجیه کرد و سرانجام جامعه ملل بدون رسیدگی از لحاظ ماهوی قراری صادر نمود که طرفین قرارداد موضوع را دوستانه و خارج از جامعه ملل حل و فصل نمایند. داور در این ماموریت قدرت بیان و استدلال خود را ثابت کرد و سرانجام پس از مذاکرات مکرر و متوالی بین شرکت نفت ایران و انگلیس و نمایندگان ایران، قرارداد ۱۹۳۳ برای مدت شصت سال جانشین قرارداد دارسی شد. داور در این مذاکرات نقشی برجسته داشت.

کابینه‌ی مهدی‌قلی هدایت در شهریور ۱۳۱۲ ش (۱۲ سپتامبر ۱۹۳۳) سقوط کرد و محمدعلی فروغی به ریاست دولت تعیین گردید.

در کابینه‌ی جدید شغل داور تغییر کرد و از وزارت دادگستری بـه وزارت دارائی تعیین و معرفی گردیـد. نخستین اقـدام داور در وزارت دارائی، انتقال عـده‌ای از قضات دادگستری به وزارت دارائی و انتصاب آنها به مشاغل حساس و کلیـدی بود و از این طریق شریان وزارت دارائی را به دست گرفت و مشغول مطالعه در سازمان و رویه دارائی کشور شـد. داور پس از مطالعه به این نـتیجه رسید که برای متعادل کردن بودجه و درآمد بیشتر رویه بازرگانی دولتی را اعمال نماید و انحصارات را توسعه دهد. لذا شروع به ایجاد سازمانهائی به سبک شرکتهای سهامی کرد و یک قسمت از فعالیت اقتصادی کشور را که معمولا بایستی بخش خصوصی انجام دهد توسط همین شرکتها به دست گرفت. وقتی این شرکتها قوام گرفت، به فکر معاملات پایاپای افتاد و برای این منظور دو کشور را انتخاب کرد و آن دو کشور عبارت بودند از شوروی و آلمان. در نتیجه با آن دو کشور قراردادهای تهاتری منعقـد نمود و قرار شد شوروی به ایران قند و شکر، قماش، آهن‌آلات، سیمان و ماشینهای کشاورزی بدهد و متقابلا ایران به آن کشور پنبه، پشم، پوست، برنج، کتیرا و خشکبار صادر نماید. در مورد معاملات با آلمان به علت استقرار حکومت هیتلر، مشکلاتی به وجود آمد که بعدها حل شد.

داور برای انجام صحیح معاملات پایاپای، یک شرکت مرکزی تاسیس کرد تا صادرات ایران را استاندارد نموده و واردات را نیز به نحو صحیح توزیع نماید.

داور در سال دوم وزارت دارائی خود، به خدمت مستشاران بلژیکی در گمرک ایران خاتمه داد و امور آن را به دست ایرانیان سپرد.
داور در دوران وزارت دارائی دست به یک سلسله اقدامات اصلاحی زد مانند افزایش سرمایه بانک ملی ایران، ایجاد سیلو در تهران و شهرستانها، توسعه‌ی صادرات تریاک، تشکیل شرکت بیمه و بالاخره امضای امتیاز نفت خاور و شمال خاوری ایران به یک شرکت آمریکائی بود.

در آذرماه سال ۱۳۱۴ ش (دسامبر ۱۹۳۵) حوادثی در مشهد به وقوع پیوست که ناشی از تغییر کلاه بود و در نتیجه اسدی نایب‌التولیه آستان قدس رضوی مسبب حوادث شناخته شـد و به اعدام محکوم گردیـد و محمدعلی فروغی نخست‌وزیر هم به علت قرابت و وساطت از اسدی، مغضوب و خانه‌نشین شـد. در این هنگام داور تنها بازمانده بازیگران خلع قاجاریه و سلطنت رضاشاه پهلوی که ارشد وزیران کابینه بود، علی‌القاعده بـا توجه به سوابقی که داشت می‌بایستی از طرف شاه به نخست‌وزیری منصوب شود ولی شاه محمود جم را به داور ترجیح داده و مقام نخست‌وزیری را به او تفویض نمود و داور کماکان در کابینه‌ی جدیـد متصدی وزارت دارائی شـد. این موضوع در روحیه‌ی داور اثر نامطلوبی گذاشت و احساس کرد شاه با او میانه‌ای ندارد و قریبا به سرنوشت دوستان سابق خود مانند تیمورتاش، فیروز فیروز و جعفر قلی اسعد دچار خواهد شد. این فکر از یک طرف و فشار شاه برای برنامه‌های تازه اقتصادی که داور مبتکر آن بود، او را از پای درآورد و سرانجام تصمیم به خودکشی گرفت و فکر خود را در شب ۲۱ بهمن‌ماه ۱۳۱۵(۱۰ فوریه ۱۹۳۷) به مرحله‌ی اجرا درآورد و با خوردن مقداری تریاک به زندگی خود خاتمه داد.

(ح ۱۳۱۵ -۱۲۶۷ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در تهران متولـد شـد. در مـدرسه‌ی دارالفنون به تحصیل پرداخت و پس از گرفتن دیپلم به خدمت عـدلیه درآمـد و به جهت اینکه در شغل خود به مقاطع بالاتری دست یابد برای ادامه‌ی تحصیل (به همت حاج ابراهیم پناهی) به سویس رفت و در رشته‌ی حقوق، موفق به دریافت دکتری شـد. وی حـدود ده سال در اروپا تحصیل کرد و در ضمن آن به فعالیتهای سیاسی نیز مشغول بود. وی با رضا شاه پهلوی معاصر بود. داور در اروپا اعلامیه‌هایی را که به نام حزب ملی ایرانی در مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ م منتشر می‌شد با تیتر عین- لام- بر امضاء می‌کرد. او در ۱۳۰۰ ش به ایران بازگشت و به سمت رییس وزارت عـدلیه و مالیه منصوب شـد و پس از آن حزب رادیکال را پایه‌گذاری کرد و بـا انتشار روزنامه‌ی «مرد آزاد» به طور جـدی وارد معرکه‌ی سیاست شـد. او در دوره‌های چهارم تا ششم نماینـده‌ی مجلس شـد. در مجلس پنجم یکی از تهیه کننـدگان ماده‌ی واحده‌ی خلع قاجاریه از سلطنت بود و از جمله کسانی بود که تلاش بسیاری برای به سلطنت رساندن سردار سپه کرد. داور با خوردن مقـدار زیـادی تریـاک خودکشی کرد، در حـالی که روزنامه‌هـا علت مرگ او را سکته اعلام کردنـد. وی دو روز قبل از خودکشی مورد عتاب و تهدیـد رضاشاه واقع شده بود. جنازه‌ی وی را در صفاییه‌ی تهران دفن کردند. آثار وی: «اصول محاکمات اصلاح شده به موجب ماده‌ی واحده»؛ «حقوق جزایی»؛ «قانون جزا».[۱]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زنـدگینامه :[۱] تاریخ بیست ساله‌ی ایران (۳۳۴ -۳۱۴/ ۶)، تاریخ جراید (۲۰۲ -۲۰۱/ ۴)، دایرةالمعارف فارسی (۹۵۵/ ۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۹۶ -۱۸۲/ ۳)، سرآمدان فرهنگ (۳۵۱ -۳۵۰/ ۱)، شخصیتهای نامی (۱۹۴ -۱۹۲)، شرح حال رجال (۴۲۹ -۴۲۷/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵۰۸ -۵۰۷/ ۴).

داور حسینی، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۱ -۱۳۰۰ ش)، شاعر، متخلص به داور. معروف به روح‌الامین. در همدان به دنیا آمد، پس از تحصیلات ابتدایی، از دانشسرای مقدماتی همدان فارغ‌التحصیل شد و در همان شهر به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. داور فنون شعر را از آزاد همدانی و مفتون کبریایی آموخت و از اعضای انجمن ادبی آن شهر بود. او شاعری پرشور و از حافظه‌ای قوی بهره‌مند بود. متجاوز از سی هزار بیت شعر دارد که قسمتی از آن به نام «روان الوند» در سال ۱۳۲۵ ش و اثر دیگری از وی به نام «روی پل تجریش» در سال ۱۳۳۷ ش چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همـدان (۲۹۷ -۲۹۴ /۲)، الـذریعه (۳۱۹/۹)، سـخنوران نامی معاصـر (۱۳۵۱ -۱۳۴۸ /۲)، فرهنگ سخنوران (۳۳۴).

داور شیرازی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۵ -۱۲۵۱ ق)، فقیه، عـارف، حکیم، تـذکره‌نویس، شـاعر، متخلص به داور. در شـیراز متولـد شـد. در زادگـاهش علـوم ادبی و عربی، فقه و اصول و ریاضیات را فراگرفت و در عین حال مشغول ریاضت نیز بود. به کرمان رفت و در آنجا هم چله‌نشـینی کرد و هم ریاضیات را تکمیل کرد و در شیراز مدتی به تدریس فقه و اصول و تفسـیر کلام پرداخت. داور مدتی امام جماعت شاهچراغ بود و در شـاعری اسـتاد فرصت شـیرازی و قدسـی مشـهدی. از آثـار وی: «اصـلاح الفـاظ»؛ «حاشـیه‌ی تفسیر صافی»؛ شـرح «زیارت عاشورا»؛ «ضـیاء القلوب»؛ «نور الیقین فی شـرح الاربعین»؛ «دیوان» اشـعار؛ «مرآت الفصاحه»؛ «اساس الکمال»؛ «گنج گوهر»؛ «العشـره الکامله»؛ «الاربعین»، در شرح چهل حدیث.[۱]

(شیخ) محمد مفید بن محمد نبی بن محمد کاظم بن عبدالنبی شـیرازی، امام جماعت شاه چراغ در شیراز و مردی فاضل (و. ۱۲۵۱- ف. شیراز ۱۳۲۵ ه.ق.). وی استاد فرصت بود افادات او در بـاب اشـعار حافظ در حواشـی دیوان حافظ چاپ قدسـی منـدرج است. قبرش در قبرستان «درسلم» در جنوب شیراز است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار العجم (۳۳ -۲۶)، ایضاح المکنون (۶۸۸، ۴۶۱، ۲۶۵، ۱۰۱ /۲، ۹۰ /۱)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۲۶۳ - ۲۴۷ /۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۱۷ -۴۹۳/ ۲)، الذریعه (۲۶۸ -۲۶۷، ۱۲۷/ ۱۵ ،۱۰۸۸ -۱۰۸۷، ۳۱۹/ ۹)، ریحانه (۳۶۰ - ۳۵۹ /۵)، مرآت الفصاحه (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (۲۷۱ -۲۷۰ /۶)، هدیه العارفین (۴۶۹/۲).

داور قاجار

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۱۱ ق)، شاعر، متخلص به داور. وی پسـر دوازدهم فتحعلی‌شاه بود که به سـر کشـیکچی باشـی ایلخانی شهرت داشت. پس از مرگ شـاه، وی بـا محمـدشاه برادرزاده‌ی خـود به مخـالفت برخـاست و بـا همراهی برادرش علینقی میرزای رکن‌الـدوله کوشـید که سلطنت علیشاه ظل‌السـلطان را مسـتقر و مسـتحکم سازد، ولی به جایی نرسید و با شاهزادگان دیگر در زندان اردبیل محبوس شد. اما چندی بعد به همراهی ظل‌السلطان و رکن‌الدوله و نصرالله میرزا از زندان فرار کرد و به خاک روسیه گریخت. چون دولت روسیه به آنـان روی خوش نشـان نـداد، به بغـداد رفتنـد و دولت عثمانی ماهیانه‌ای برای آنان معین نمود و در غربت ماننـد دیگر برادران خود چندان ماند که عمرش به سر رسید و هرگز روی وطن خویش را ندید. وی دارای «دیوان» شعری است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریـخ عضـدی (متن و تعلیقات)، حدیقه الشـعراء (۶۰۴ -۶۰۳ /۱)، الذریعه (۳۱۹/۹)، شـرح حال رجال (۱۶۲/۱)، مجمع الفصحا (۵۰/۱)، مکارم الاثار (۴۰۰/۲).

داورزنی، ولی‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۸۲.

درگذشت: ۱۳۶۲.

ولی‌الله داورزنی متخلص بـه «صـابر» بـود. وی صـاحب کتـاب زیر در شـعر فارسـی اسـت. داورزنی در پیشـگاه داور (بـه کوشـش محمدرضا داورزنی «داورکیا» و محمدتقی داورزنی «کیا»).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

داوری اردکانی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر رضا داوری اردکانی متولـد ۱۳۱۲، اردکـان و دارای دکترای تخصّصـی فلسـفه از دانشگاه تهران است. داوری در سـال ۱۳۴۶ اسـتادیار دانشگاه تهران شد و در سال‌های ۱۳۵۰ به مقام دانشـیاری نائل آمد و درنهایت در سال ۱۳۶۲ استاد تمام دانشگاه در رشته

فلسفه شد.وی هم اکنون عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه ای : رضا داوری اردکانی اردکان یزد بدنیا آمد و تا پایان دوره اول متوسطه در آنجا به مدرسه رفت.در سال ۱۳۳۰ از دانشسرای مقدماتی اصفهان دیپلم گرفت و در مهرماه همان سال به استخدام وزارت فرهنگ (وزارت آموزش و پرورش فعلی) درآمد و چندین سال در مدارس شهرهای اردکان، اراک، قم و تهران تدریس کرد.در سال ۱۳۳۴ برای تحصیل به دانشگاه تهران وارد شد و در رشته فلسفه به‌تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۴۶ به اخذ درجه دکتری نائل آمد.

وقایع میانسالی : داوری در سال ۱۳۴۶ استادیار دانشگاه تهران شد و در سال‌های ۱۳۵۰ به مقام دانشیاری نائل آمد و درنهایت در سال ۱۳۶۲ استاد تمام دانشگاه در رشته فلسفه شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فعالیت های اجرایی رضا داوری اردکانی: سرپرست کمیسیون ملی یونسکو در ایران عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی سردبیر مجله نامه فرهنگ سردبیر مجله فرهنگ مدیر عامل انتشارات علمی و فرهنگی عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران رییس فرهنگستان علوم دبیر سرویس هنری مجله سوره نوجوانان سردبیری مجله ادبیات داستانی دبیر سرویس ادب و هنر کیهان همکاری با چندین نشریه فعالیت های فرهنگی — اجتماعی : عضو هیأت مؤسس انجمن قلم ایران عضو هیأت مدیره و بازرسی انجمن قلم ایران در چندین دوره عضو انجمن صنفی روزنامه نگاران عضو انجمن صنفی روزنامه نگاران مسلمان عضو سازمان بسیج مهندسین

فعالیتهای آموزشی : فعالیت های آموزشی رضا داوری اردکانی : استادیار دانشگاه تهران (گروه آموزش فلسفه) دانشیار دانشگاه تهران (گروه آموزش فلسفه) استاد دانشگاه تهران (گروه آموزش فلسفه) رییس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران مدیر گروه آموزشی فلسفه دانشگاه تهران فعالیت های علمی – پژوهشی : تهیه استاندارد برای دسته سیم خودرو در آزمایشگاه کنترل کیفی مؤسسه عترت

چگونگی عرضه آثار : سایر تخصص ها براساس اولویت رضا داوری اردکانی : داستان نویسی – نقد و بررسی ادبی -----------
----

آثار :

۱ اندیشه و تمدن غربی

ویژگی اثر : ساقی ۸۰

۲ انسان و فلسفه معاصر

ویژگی اثر : موسسه توسعه دانش و پژوهش ، تهران ۸۳

۳ اوتوپی و عصر تجدد

۴ تفکر پست مدرن

۵ چند نامه به دوست آلمانی، آلبرکامو (ترجمه)

۶ درباره علم (ویراست دوم)

ویژگی اثر : هرمس ۸۰

۷ درباره علم

۸ درباره غرب (ویراست دوم)

۹ درباره غرب

ویژگی اثر : هرمس ۷۹

۱۰ دفاع از فلسفه

۱۱ رساله در باب سنت و تجدد

ویژگی اثر : ساقی ۸۴

۱۲ سنت و تجدد

۱۳ سیری انتقادی در فلسفه کارل پوپر

ویژگی اثر : موسسه اندیشه اسلامی ۷۹

۱۴ شاعران در زمانه عسرت

۱۵ فارابی مؤسس فلسفه اسلامی

۱۶ فارابی، فیلسوف فرهنگ

ویژگی اثر : ساقی ۸۲

۱۷ فرهنگ، خرد و آزادی

۱۸ فلسفه تطبیقی

ویژگی اثر : ساقی ۸۳

۱۹ فلسفه چیست؟

۲۰ فلسفه در بحران

۲۱ فلسفه در دام ایدئولوژی

۲۲ فلسفه در قرن بیستم، ژان لاکوست (ترجمه)

۲۳ فلسفه کارل پوپر (تجدید چاپ)

۲۴ فلسفه مدنی فارابی

۲۵ فلسفه معاصر ایران

ویژگی اثر : ساقی ۸۴

۲۶ فلسفه و انسان معاصر

۲۷ فلسفه، سیاست و خشونت

۲۸ ما و راه دشوار تجدد

ویژگی اثر : ساقی ۸۴

۲۹ مبانی نظری تمدن غربی

۳۰ مقام فلسفه در تاریخ دوره اسلامی

۳۱ ناسیونالیسم و انقلاب

۳۲ ناسیونالیسم و حاکمیت ملی

۳۳ وضع کنونی تفکر در ایران

منابع زندگینامه :

فصلنامه هنر ،ج ۳ ، بهار و تابستان ۱۳۶۲

داوری آرانی کاشی، ابراهیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. در قریه آران کاشان متولد شد و پس از تحصیل کمالات عهده‌دار منصب قضای کاشان شد. داوری به خراسان سفری داشته است. وی با میرحیدر کاشی معاصر بود و با او مشاعره داشت. در سرودن اشعار هجوآمیز تبحر داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۵۶)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۰۸)، الذریعه (۸۶۹ –۸۶۸، ۳۱۹ /۹).

داوری شیرازی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۳/۱۲۸۲ –۱۲۳۸ ق)، خطاط، نقاش، ادیب و شاعر، متخلص به داوری. در شیراز به دنیا آمد. علوم ادبی و عربی و آداب سخنوری و خوشنویسی را در محضر پدر و برادر مهتر خود وقار، آموخت و فنون نقاشی و چهره‌نگاری و نیز زبان و ادبیات ترکی را از شخصی به نام حاجی اسداللّه فراگرفت. داوری در سرودن انواع مختلف شعری بویژه قصیده مهارت داشت. خطوط هفت گانه را خوش می‌نوشت و در نستعلیق قوی‌دست بود. صاحب «طرائق الحقائق» مدت دو ماه نزد وی تعلیم خط گرفته است. او همچنین در هنر نقاشی بخصوص آبرنگ، شیرین قلم و صاحب ابتکار بود و تذهیب و آرایش تصاویر را نیکو می‌دانست. دیوان بیگی، مولف «حدیقه الشعراء»، وی را «شمس القلاده‌ی» خاندان وصال دانسته است. از کارهای هنری این استاد، تذهیب و نقاشی «شاهنامه‌ی» فردوسی است که بعدها توسط لطفعلی خان شیرازی و میرزا آقای نقاش تکمیل شد. داوری در زادگاه خود درگذشت و در کنار میرزای سکوت، در حرم شاهچراغ به خاک سپرده شد. «دیوان» اشعار وی در حدود پانزده هزار بیت دانسته‌اند. در بعضی منابع «رساله‌ای در عروض» و کتابی در «معانی و بدیع» و «فرهنگ» بزرگی به زبان ترکی به وی نسبت داده‌اند. از آثار چهره‌پردازی وی: چهار قطعه تصاویر آبرنگی از قیافه رجال برجسته‌ی دوره‌ی ناصری که در مرقعی با خطوط متنوع ترتیب یافته است؛ تصویر محمد شفیع وصال که بر روی تشکی نشسته است. از خطوط او: یک نسخه شش دفتر «مثنوی» مولانا، به قلم کتابت خفی عالی، با رقم:«... و انا العبد... محمد المتخلص بداوری ابن المرحوم وصال... سنه‌ی ۱۲۶۷»؛ یک نسخه «لوایح» جامی، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «... فی سنه‌ی ۱۲۷۶... و انا العبد داوری بن وصال»؛ یک نسخه «چهار مقاله‌ی» نظامی عروض، به قلم کتابت خوش، با رقم: «... حرره داوری بن وصال غفر له، سنه‌ی ۱۲۷۹»؛ یک نسخه «سحر حلال»، به قلم کتابت خوش، با رقم: «... داوری بن وصال ۱۲۸۲». چهار اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.[۱]

محمد متلخص به داوری سومین پسر وصال از شاعر از قرن سیزدهم (و. ۱۲۳۸– ف. ۱۲۸۲ ه.ق.). وی در ۱۲۷۹ در تهران بود و در شیراز به بیماری دق درگذشت و در بقعه شاه چراغ شیراز مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۳۶۰ –۳۵۹)، احوال و آثار خوشنویسان (۷۱۶ –۷۱۲ /۳)، احوال و آثار نقاشان (۷۱۵ –۷۱۳ /۲)، اطلس خط (۵۶۶ –۵۶۵)، بزرگان شیراز (۳۶۳)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۰۷ –۲۰۵ /۴)، تاریخ هنرهای ملی (۹۸۷/۲)، تذکره‌ی روز روشن (۲۵۷ –۲۵۶)، حدیقه الشعراء (۶۱۳ –۶۰۴ /۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۱۷ –۵۰۶ /۲)، الذریعه (۳۲۰ –۳۱۹ /۹)، ریحانه (۳۲۷ –۳۲۶ /۶، ۲۱۲ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۵۲ –۳۵۱ /۱)، شرح حال رجال (۱۸۸ –۱۸۶ /۶)، طرائق الحقائق (۳۷۹ –

۳۷۶ /۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۱۱ -۱۰۰۸ /۲)، فرهنگ سخنوران (۳۳۴)، لغت نامه (ذیل/ داوری شیرازی)، المآثر و الآثار (۲۰۵)، مؤلفین کتب چاپی (۷۸۲ -۷۸۱ /۵)، مجمع الفصحا (۲۹۹ -۲۹۳ /۴)، مرآت الفصاحه (۲۱۱ -۲۰۸)، مکارم الآثار (۱۰۷۰ -۱۰۶۹ /۴).

داوری، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد داوری

محل تولد : رودان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۲ در شهرستان رودان متولد شدم . دوران ابتدایی و راهنمایی و قسمتی از متوسطه را در زادگاه خود به اتمام رساندم . در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و همزمان ۲ سال آخر دبیرستان را در دبیرستان دین و دانش قم سپری کردم . ادبیات را در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی خواندم و سپس به تحصیل در دروس سطح عالی حوزه و خارج فقه و اصول مشغول شدم . همزمان با تحصیل در حوزه از سال ۱۳۷۱ وارد «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه- پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» شدم و تحصیل در رشته جامعه شناسی را شروع کردم و پس از چهارسال در این پژوهشگاه مشغول به تحقیق و پژوهش شدم . علاوه بر آن به مدت سه سال با مرکز تحقیقات اسلامی جانبازان در خصوص شناسایی جانبازان صدر اسلام و تنظیم زندگینامه برای آنان همکاری داشتم . همچنین به صورت پاره وقت از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱ با نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی ایران همکاری داشته ام و در این دانشگاه دروس معارف را تدریس کرده ام .

داوود پور، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی داود پور

محل تولد : بیجار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال دوم دبیرستان، رشته ریاضی فیزیک در دبیرستان طالقانی شهرستان بیجار را تمام کرده بودم و یکی دوماه سال تحصیلی سال سوم را سپری کردم که شیفته حوزه شده بودم و درس را رها کرده و به حوزه امام صادق(ع) شهرستان بیجار وارد شدم، یک سال و چند ماهی را در آنجا به تحصیل مشغول بودم که احساس کردم اینجا جوابگوی نیازهای معنوی و علمیم نمی تواند باشد، لذا در سال ۱۳۶۹-۷۰ وارد مدرسه جانبازان قم شدم و از ابتدا دوباره دروس حوزوی را با جدیت بیشتر ادامه دادم و مقدمات را در این مدرسه به اتمام رساندم.

در سالهایی که مشغول دروس مقدمات در مدرسه جانبازان بودم، در مدرسه شهید زین الدین قم دیپلم ریاضی را گرفتم. دروس سطح را نیز در مدرسه مرحوم گلپایگانی در خدمت اساتید: موسوی تهرانی، خسروشاهی، سرافراز، عالی و... گذراندم که در این میان بیشتر از محضر حجهٔ الاسلام خسروشاهی و سرافراز بهره مند شدم. در سال۱۳۷۷ بنابر احساس وظیفه در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی در رشته معارف و جامعه شناسی مشغول تحصیل شدم و بعد از ۴ سال مرحله کارشناسی را تمام کردم.

در سال ۱۳۸۰ دروس خارج فقه و اصول حوزه را شرکت کردم و در ابتدا حدود یک سال در درس اصول حاج آقا سبحانی شرکت کرده و در درس فقه آیهٔ الله مکارم شیرازی شرکت کردم و در سالهای بعد نیز دروس فقه آیهٔ الله مکارم را تا کنون که قریب ۵ سال است ادامه دادم و حدود ۴سال هم در محضر آیهٔ الله وحید خراسانی در دروس خارج اصول ایشان توفیق حضور داشته ام و حدود سه سال هم در درس تفسیر آیهٔ الله جوادی آملی زانوی تلمذ بر زمین نهاده ام. در سال ۱۳۸۲ نیز در کنار دروس عمومی حوزه در رشته تخصصی کلام اسلامی در موسسه امام صادق(ع) تحت اشراف حضرت آیهٔ الله سبحانی در سطح ۳ حوزه حضور یافته و در سال جاری نیز آن را تمام کرده و اکنون مشغول پایان نامه آن می باشم.

حدود یک سال است که با مؤسسه آینده روشن(پژوهشکده مهدویت) در گروه جامعه شناسی همکاری داشته ام که آخرین مقاله به نام«نقش انتظار فرج در کاهش نا هنجاریهای اجتماعی»در کنفرانس همایش بین المللی مهدویت در تهران در جلد اول مجلدات

آن چاپ شد. در ضمن مقالات دیگری نیز در گروه از حقیر موجود است.

داوودی تبار، محمدامین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد امین داوودی تبار

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۲/۵

زندگینامه علمی

اینجانب محمد امین داوودی تبار در ۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۱ در شهر مقدس نجف اشرف به دنیا آمدم که پس از اندکی در همان اوان طفولیت به همراه خانواده به اجبار راهی سفر به ایران و در شهر مقدس قم سکونت گزیدیم . پدرم روحانی است و برای تحصیل عولم دینیه نیز در عتبات عالیات اقامت گزیده بود.

تحصیلات ابتدائی ، راهنمائی و اول دبیرستان را در شهر مقدس قم گذرانده ام دیپلم را به صورت متفرقه و در کنار تحصیلات حوزوی گرفته ام در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه قم جهت تحصیلات علوم دینیه در مدرسه شهدین شدم. در آنجا دروس مقدمات و مقداری از سطح را نزد اساتید آن مدرسه تلمذ نمودم و سطوح عالیه را نزد اساتیدی چون مرحوم آیت الله احمدی میانجی و حضرت آیت الله صلواتی و جناب حجهٔ الاسلام بیگدلی و ... بهره مند شدم و در خارج فقه و اصول از محضر آیات : صانعی ، آقا موسی شبیری زنجانی ، فاضل لنکرانی و سبحانی در حد توان و بضاعت خویش بهره هایی برده و می برم. البته در زمان اشتغال به تحصیل سطوح عالیه به علت بعضی از مسائل غیر مترقبه و به ناچار مشغول به بعضی از امور اجرایی شده در طی سالیانی چند بیشتر وقت خود را صرف امور اجرائی در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور مینمودم که در این سالها مدتی مسئول دفتر معاونت اطلاع رسانی و مسئول بازاریابی محصولات و تولیدان نرم افزاری این مرکز و پس از آن نیز سالیانی چند مدیر فروش نرم افزارهای مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور در موسسه خدمات کامپیوتری نور وابسته به همین مرکز انجام وظیفه نموده ام .

به حمد الله هم اکنون توفیق انجام کارهای علمی تحقیقاتی و اشتغال به تحصیل و تحقیق پیدا کرده ام و مدیریت موسسه فقه الثقلین نیز به عهده اینجانب میباشد که درآنجا کارهای تحقیق و تصحیح کتاب ارزشمند مصابیح الاحکام مرحوم بحرالعلوم که از منابع فقهی بسیار گران سنگ و نادر می باشد در حال انجام بوده و در حال حاضرچاپ اول آن به اتمام رسیده است و به زودی سایر مجلدات آن نیزبه زیور طبع آراسته خواهد شد.

همچنین کتاب مجمع الفائده و البرهان مرحوم مقدس اردبیلی درحال تحقیق و تصحیح بوده و جلد اول آن نیز به چاپ رسیده و سایر مجلدات نیز در زمانی نزدیک پس از مراحل تحقیق و تصحیح مزین به حواشی حضرت آیت الله صانعی به چاپ خواهد رسید.

درکنار کارهای فوق الذکر در بخش تحقیقات پرسش و پاسخ شبکه جهانی نور مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور نیز در حال انجام وظیفه میباشم . شایان ذکر است با توجه به تجربه مفیدی که طی سالیان زیادی حضور در موسسه خدمات کامپیوتری نور نسبت به نیاز کاربران رایانه ای به محصولات فرهنگی پیدا کرده بودم به سفارش برخی از دوستان اقدام به تولید نرم افزار قرآنی با رویکرد عامه مردم با عنوان «سلام» نمودم که به لطف پروردگار مورد استقبال قرار گرفت . این نرم افزار شامل بخشهای مختلف ازجمله تفسیر، ترجمه ، آموزش و .. میباشد.

داوودی کهکی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا داوودی کهکی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا داوودی، در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم که به مقدمات و سطح پرداختم. در سال ۱۳۷۲ وارد موسسه در راه حق-دروس عمومی- شدم. که پس از دو سال به موسسه امام خمینی(ره) منتقل شد، این دروس آشنایی با مبانی علوم انسانی

بود که تا ۱۳۷۷ به طول انجامید. از سال ۱۳۷۷ کارشناسی ارشد رشته تخصصی علوم قرآنی و تفسیر در موسسه امام خمینی(ره) را آغاز کردم. همزمان با گذراندن این رشته، در دوره کارورزی تحقیق که زیر نظر یکی از اساتید برگزار می‌شد شرکت کردم که در موضوع تفسیر موضوعی به مطالعه و تشکیل پرونده می‌پرداختیم. پس از پایان دوره نوبت به نگارش پایان‌نامه رسید، که موضوع پایان نامه اینجانب «شادابی و نشاط از دیدگاه آیات و روایات تفسیری» بود و به مدت یک سال از خرداد ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۲ به طول انجامید. پس از دفاع پایان‌نامه که با امتیاز عالی و نمره ۱۸ پذیرفته شد در سال ۱۳۸۳ در دوره تربیت مربی اخلاق زیرنظر حجت الاسلام دکتر آقاتهرانی شرکت کردم و در پایان دوره یکسال، تحقیقی پایانی با عنوان «نگاهی به آثار تربیتی بینش در منابع اسلامی» به نگارش درآوردم. در سال ۱۳۸۴ هفته‌ای یک روز تدریس در دانشگاه آزاد گرمسار را آغاز کردم که درس‌های متون اسلامی، تفسیر موضوعی قرآن و تاریخ صدر اسلام و اخلاق اسلامی را در آنجا تدریس کردم. به جهت نبود کتاب درسی مناسب برای تفسیر قرآن جزوه‌ای را خودم تهیه کردم و تفسیر سوره حمد و آیاتی از سوره بقره و اسراء را در آن جای دادم. همزمان با آن و داشتن کار اجرایی کتابخانه علوم قرآنی، چند مقاله نیز به نگارش درآوردم که در لیست مقالات آمده است.

داوودی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد داوودی

محل تولد : خمین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد داوودی فرزند شهید محمد عیسی داوودی در سال ۱۳۴۵ درروستای جوادیه از توابع شهرستان خمین در خانواده ای مذهبی متولد شدم. تحصیلات خود را از سن ۵ سالگی در مکتب خانه ای در همان روستا شروع کردم. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را نیز در همان روستا به پایان رساندم و برای ادامه تحصیل به شهرستان خمین رفتم. سال اول دبیرستان را در هنرستان شهید چمران در رشته برق به پایان رساندم. لازم به ذکر است که درطول تحصیل همیشه شاگرد اول بوده ام و در امتحانات نهایی راهنمایی، در کل شهرستان شاگرد اول شدم.در سال ۶۲ – ۶۳ تحصیلات حوزوی را در شهرستان محلات شروع کردم و سال بعد برای ادامه تحصل وارد حوزه علمیه قم شدم. در سال۶۵ همزمان با ادامه تحصیلات حوزوی، وارد موسسه در راه حق شدم و بعد از پایان دوره تحصیلات پنج ساله در این موسسه، وارد دفتر همکاری حوزه و دانشگاه شدم و تحصیلات خود را دررشته علوم تربیتی در این دفتر شروع کردم. در سال ۷۹، فوق لیسانس را از این دفتر دریافت کردم و در همان سال تحصیلات خودم را در دوره دکتری فلسفه و تاریخ تعلیم و تربیت در دانشگاه تربیت معلم شروع کردم. تحصیلات حوزوی خود را در دوره خارج نیز در محضر اساتید بزرگوار آیات عظام فاضل لنکرانی و آقا سید علی محقق(دام ظلهم) ادامه دادم.طرح سیره تربیتی معصومین (ع) را در سال ۷۶ در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، زیر نظر حجت الاسلام علی رضا اعرافی به همراه چند تن دیگر از دوستان شروع کردیم که بخشی از ثمره آن ،کتاب(سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام: تربیت دینی است) میباشد. همچنین در ادامه کار،کتاب(نقش معلم در تربیت دینی) را تدوین کرده ام که در سال ۱۳۸۴ به چاپ رسید.در کنار این کار، بنده در دانشگاه نیز به تدریس معارف اسلامی و اخلاق اسلامی مشغول شده و در حوزه نیز برخی موضوعات تربیتی مانند مدیریت آموزشی، تعلیم و تربیت اسلامی وسیره تربیتی معصومین (ع) را تدریس می کنم.

دایمی آهنگر سبزواری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. در هرات می‌زیست و در آنجا پیشه آهنگری داشت. در «تحفه سامی» از او با عنوان مولانا زایلی یاد شده. از او است:

آن که دو لعل لبش روح روان من است

حقه یاقوت او جوهر جان من است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۲۷۴)، الذریعه (۳۱۲/۹).

دایمی، ابراهیم

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، خطاط. از آثار وی: مرقع ثلث سه دانگ جلی و نسخ کتابت عالی، با رقم: «سوده ابراهیم المعروف بدائمی» در موزه‌ی اسلامی ترک.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۱۳/۴).

دایه رازی، نجم‌الدین، ابوبکر عبدالله

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۵۴ -۵۷۳ ق)، نویسنده، صوفی و شاعر، متخلص به نجم. معروف به دایه و نجم رازی. در ری به دنیا آمد و در آنجا نشو و نما یافت. وی از اصحاب نجم‌الدین کبری بود و از جوانی به مسافرت پرداخت. بعد از ادای فریضه‌ی حج و مسافرت در شام و مصر در حدود ۶۰۰ ق به صحبت شیخ مجدالدین بغدادی (مقتول ۶۱۶ / ۶۰۷ ق) رسید و شیخ مجدالدین، به اشارت نجم‌الدین کبری، به تربیت و ارشاد او پرداخت. بعد از کشته شدن مراد و شیخ خود، مجدالدین بغدادی، به خراسان بازگشت. در هنگام فتنه‌ی مغول به عراق عجم گریخت. بعد از مدتی به همدان رفت و در آنجا ساکن شد. به قول محمد امین ریاحی در مقدمه‌ی «مرصادالعباد» پس از آن به اربیل مسافرت کرد و از آنجا به بلاد روم و درگاه سلاجقه آنجا رفت و از راه دیار بکر به شهر قیصریه رسید و در شهر ملاطیه یا ملطیه با شیخ شهاب‌الدین عمر به محمد سهروردی ملاقات کرد. نجم‌الدین به سفارش سهروردی به خدمت علاءالدین کیقباد سلجوقی (۶۳۴ -۶۱۶ ق) رسید و کتاب «مرصادالعباد» را به وی تقدیم کرد و مقبول نظر سلطان قرار گرفت. بعد از این نجم‌الدین در بلاد مختلف روم و شام و بخصوص در بغداد سکونت کرد. در ارزنجان به خدمت علاءالدین داوود بن بهرامشاه رسید و کتاب «مرموزات اسدی در مزمورات داودی» را به نام وی نوشت. اقامت و مسافرت او در این بلاد حدود چهار یا پنج سال به طول انجامید. در ۶۲۲ ق نزد سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه رفت، سپس به آسیای صغیر بازگشت و به سیر و سیاحت در آن بلاد پرداخت. وی مدتی در قونیه با صدرالدین قونیوی و مولانا جلال‌الدین بلخی معاشر بود. نجم‌الدین در این مسافرت‌ها، در روم یا بغداد با اوحدالدین کرمانی نیز ملاقات کرد. عاقبت به بغداد رفت و در آنجا درگذشت. گویند قبر وی در شونیزیه‌ی بغداد، بیرون مقبره‌ی شیخ سری سقطی و شیخ جنید بغدادی است. استاد سادات ناصری در حاشیه «آتشکده‌ی آذر» آورده است که نجم‌الدین دایه به سبک سنایی شعر می‌گفت. از آثار وی «مرصادالعباد من المبدأ الی المعاد»، تألیف شده بین ۶۱۸ و ۶۲۰ ق؛ «معیار الصدق فی مصداق العشق» معروف به رساله «عشق و عقل»؛ «رسالهٔ الطیر» یا «رسالهٔ الطیور»، به فارسی؛ «رسالهٔ العاشق الی المعشوق»، که در شرح عبارت" الصوفی غیر مخلوق "شیخ ابوالحسن خرقانی می‌باشد؛ «منارات السائرین» یا «منارات السائرین الی حضرت اللّه و مقامات الطائرین باللّه»، به عربی، در ۶۵۴ ق؛ «بحر الحقایق والمعانی فی تفسیر السبع المثانی»، در تفسیر؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۱۹ -۱۱۱۳/ ۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۹۶ -۱۱۸۹/ ۳)، تاریخ گزیده (۶۷۱)، تاریخ مغول (۵۰۰ -۴۹۹)، دایرةالمعارف فارسی (۳۰۱۲/ ۲)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (۱۰۸ -۱۰۵)، الذریعه (۲۸۰/ ۲۱ ،۳۰۹ -۳۰۸/ ۲۰ ، ۱۱۷۴ ،۹۶۰/ ۹)، رساله عشق و عقل (مقدمه/ ۳۴ -۲۱)، ریاض‌العارفین (۱۴۹ -۱۴۸)، ری باستان (۳۹۶ / ۲)، ریحانه (۱۳۹ -۱۳۸/ ۶)، سبک‌شناسی (۲۷ -۲۰/ ۳)، شذرات الذهب (۲۶۵/ ۵)، صبح گلشن (۵۰۷)، طرائق‌الحقائق (۳۴۲ -۳۴۱/ ۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۰۱)، فرهنگ سخنوران (۹۳۳)، کشف‌الظنون (۱۸۲۳ ،۱۷۴۴ ،۱۶۵۵ ،۲۲۴)، لغت‌نامه (ذیل/ نجم‌الدین)، مبانی عرفان و احوال و آثار عارفان (۴۶۵ -۴۶۰)، مجالس‌النفائس (۳۲۰)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۶۴۱ ،۵۷۳)، مرصادالعباد (مقدمه)، معجم‌المؤلفین (۱۲۲/ ۶)، مؤلفین کتب چاپی (۹۸۶ -۹۸۵/ ۳)، نفحات‌الانس (۴۳۷)، الوافی بالوفیات (۵۷۹/ ۱۷)، هدیهٔ‌العارفین (۴۶۱/ ۱)، هفت اقلیم (۱۱ -۱۰ / ۳).

دایی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی دایی متولد ۱ فروردین سال ۱۳۴۸، بازیکن ایرانی و از مشهورترین بازیکنان تاریخ تیم ملی فوتبال ایران است. تا پایان جام جهانی ۲۰۰۶ بازیکن اصلی و کاپیتان تیم ملی ایران بود. دایی ۱۰۹ گل ملی در کارنامه خود دارد و با فاصله زیادی بهترین گلزن بازی‌های ملی در تاریخ فوتبال جهان است.

دایی سابقه بازی در تیم‌های آلمانی همچون بایرن مونیخ را دارد و به همراه این تیم به نایب قهرمانی جام باشگاه‌های اروپا دست یافته‌است.

●باشگاهی

دایی، فوتبال را از باشگاه‌های کوچک شهر اردبیل همچون استقلال اردبیل و شهرداری اردبیل آغاز کرد . اوپس از قبولی در

دانشگاه صنعتی شریف و اقامت در تهران به تیم تاکسیرانی تهران پیوست. او سپس به بانک تجارت پیوست و در این تیم بود که او مورد توجه بیشتری قرار گرفت و برای اولین بار به تیم ملی دعوت شد.

دایی بعدها به پرسپولیس تهران و سپس السد قطر پیوست و از این این تیم راهی اروپا شد و همراه با کریم باقری به آرمینیا بیله‌فلد باشگاه آلمانی و خداداد عزیزی به اف سی کلن پیوست. مقصد بعدی او بایرن مونیخ آلمان بود. فرانس بکن‌بائر رییس باشگاه بایرن مونیخ علی دائی را برای این باشگاه انتخاب کرد و وی را مهاجمی در سطح جهانی قلمداد کرد. حضور دایی در بایرن مونیخ آلمان نقطه اوج فوتبال او بود، زیرا پیش از آن حضور بازیکنی ایرانی در یک باشگاه معتبر نظیر بایرن مونیخ سابقه نداشت. دایی به همراه بایرن مونیخ تا فینال جام باشگاه‌های اروپا رفت و در نهایت مدال نقره آن بازی‌ها را به دست آورد. گرچه دایی در بازی فینال به میدان نیامد.

او سپس به هرتا برلین آلمان پیوست و با پوشیدن پیراهن ۹ از اصلی‌ترین بازیکنان این تیم بود. دایی با هرتا برلین هم در جام باشگاه‌های اروپا بازی کرد و دو بار دروازهٔ چلسی و یکبار دروازهٔ آث میلان را گشود. حضور موفق علی دائی در باشگاه‌های اروپایی راه را برای بسیاری از بازیکنان آسیایی از جمله هیده توشی ناکاتا و مهدی مهدوی کیا گشود.

علی دایی با باشگاه سایپا به عنوان بازیکن و سرمربی تیم سایپا فعالیت خود را آغاز کرد. این تیم توانست در خرداد ماه ۸۶ قهرمانی ششمین لیگ برتر را به دست آورد. او همزمان با قهرمانی سایپا در روز ۲۸ می ۲۰۰۷(۷ خرداد ۱۳۸۶) بازدن گل قهرمانی سایپا که آخرین گل اقای گل جهان بود از بازی کردن فوتبال برای همیشه خداحافظی کرد.

علی دایی در سال‌های اخیر همواره بازیکن اصلی ایران و کاپیتان این تیم بوده‌است. او بیشترین بازی ملی و بیشترین گل زده تاریخ تیم ملی را دارد (گل‌های زده او در میان تمام تیم‌های جهان نیز اول است.)

او در جام ملت‌های آسیا ۱۹۹۶ امارات به همراه باقری و عزیزی از بهترین ستارگان ایران بود.

او در بازی معروف ایران و استرالیا در بازی پلی اف مقدماتی جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه پاس گل دوم ایران را برای خداداد عزیزی ارسال کرد و این گل باعث راهیابی ایران به جام جهانی شد.

او به همراه ایران در دو جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه و ۲۰۰۶ آلمان به میدان آمد و تا به حال در۵ بازی ایران در این بازی‌ها شرکت کرده‌است. این پاس دایی بود که زمینه‌گذار گل مهدوی‌کیا به آمریکا در جام جهانی ۹۸ شد.

از نقاط اوج دوران ورزشی دایی را می‌توان روز ۱۴ نوامبر ۲۰۰۴ دانست. او در این روز و در مسابقات مقدماتی راهیابی به جام جهانی ۴ بار دروازه لائوس را گشود تا نام خود را به عنوان اولین فوتبالیست تاریخ جهان که ۱۰۰ گل در بازی‌های ملی به ثمر رسانده ثبت کند.علی دایی در لیگ برتر ایران در سال ۱۳۸۶ به عنوان سرمربی و بازیکن توانست تیم سایپا را به قهرمانی برساندو توانایی های خود را به رخ منتقدان بکشد و بر افتخارات خود بیافزاید.

●تیم‌های باشگاهی

▪سلمان آباد اردبیل، تاکسی‌رانی، بانک تجارت، پرسپولیس (ایران)

▪آرمینیا بیله‌فلد، بایرن مونیخ، هرتابرلین (آلمان)

▪السد (قطر)

▪پرسپولیس، صبا باتری (ایران)

▪سایپا تهران

●بهترین گلزن در بازی‌های بین‌المللی

وی یکی از بهترین گلزنان تاریخ فوتبال و نفر اول در لیست گلزنان بین‌المللی است. او هم‌چنین بهترین گلزن در تاریخ بازی‌های آسیایی است. در دور مقدماتی جام جهانی سال ۱۹۹۸ هم، او با به ثمر رساندن ۳۸ گل در ۵۶ بازی در رتبه‌ی اول قرار داشت.

در سال ۱۹۹۶ با به ثمر رساندن ۲۰ گل، دایی به عنوان بهترین گلزن در بازی‌های بین‌المللی توسط فدراسیون تاریخ و آمار فوتبال (IFFHS) معرفی گردید. در ضمن دایی اولین گلزن آسیایی جام باشگاههای اوروپا است ازجمله گلهای بیادماندنی او دوگل اوبه چلسی وتک گل او به میلان ACدر لیگ قهرمانان اروپا که باعث صعودتیم هرتابرلین به مرحله بعد لیگ قهرمانان شد

●زندگی شخصی

علی دایی در اردبیل متولد شد. او بعدها به دانشگاه صنعتی شریف راه یافت و لیسانس خود را در رشته متالورژی دریافت کرد. همچنین وی به تازگی ازدواج کرده‌است. علی دائی علاوه بر فوتبال در تجارت نیز مردی موفق بوده‌است. وی گرداننده چندین شرکت بزرگ و رستوران‌های متعدد است. این فوتبالیست ایرانی طی سالهای اوج فوتبال خود بارها در مسابقات فوتبال به میدان رفته‌است، از جمله در دیدار ستارگان فوتبال جهان و تیم منتخب بوسنی با همراهی روبرتو باجو و دیگر ستاره‌های افسانه‌ای فوتبال.

او همچنین همراه بامادلین آلبرایت و دیوید بکام باسازمان یونیسف همکاری داشته‌است.

دایی همچنین دارای تابعیت دوگانه ایرانی و آمریکایی است.

●عضویت درفیفا

علی دائی توانست برای اولین بار یک بازیکن ایرانی باشدکه عضوکمیته بین المللی فوتبال فیفا گردد و فوتبال ایران را درعرصه بین‌المللی مطرح کند

او در سال ۱۳۸۷ به عنوان سرمربی تیم ملی ایران انتخاب شد .

دبوسی، ابوالقاسم علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۸۲ ق)، ادیب، فقیه و مدرس و عالم شافعی. دبوسیه شهری بین سمرقند و بخارا است. وی از شاگردان محمد بن عبدالعزیز قنطری و ابوسهل ابیوردی و ابومسعود بجلی است. در ۴۷۹ ق برای تدریس در نظامیه وارد بغداد گشت و مجلس آراست و عهده‌دار تعلیم شد. از او تعبیر به امام و شیخ شافعیه کرده‌اند. گذشته از قرائت و فقه و حدیث و اصول و لغت، در کلام و مناظره نیز پیشگام بود. هبه‌اللّه سقطی و ابوالعز قلانسی و عبدالوهاب انماطی از شاگردان وی بودند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۹۳ -۹۱ /۱۹)، الکامل (۱۵۲/۸)، لغت نامه (ذیل/ دبوسی)، مدارس نظامیه (۱۴۱ ،۱۲۹)، معجم البلدان (۴۹۹/۲).

دبوسی، ابوزید عبداللّه، عبیداللّه

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۴۳۰ -۳۶۷)، فقیه، اصولی و قاضی حنفی. اصل وی از دبوسیه، بین بخارا و سمرقند، است. وی از مشایخ و بزرگان فقه حنفی است که در فقاهت ضرب‌المثل بود. او پایه‌گذار علم خلاف است. دبوسی قاضی سمرقند بود و در بخارا درگذشت. در «معجم البلدان» سال مرگ وی ۴۳۲ ق ذکر شده است. از آثار وی: «الاسرار»، در اصول و فروع حنفیه؛ «الامد الاقصی»؛ «تاسیس النظر»، در جدل و اختلاف بین ابوحنیفه و دو پیشوای دیگر: مالک و شافعی؛ «تقویم الادله»، در اصول؛ «الانوار»، در اصول فقه؛ «خزانه الهدی»، در فتاوی؛ «شرح جامع الکبیر» شیبانی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۴۸/۴)، ریحانه (۲۱۳/۲)، سیر النبلاء (۵۲۱/۱۷)، کشف الظنون (۷۰۳، ۵۶۸، ۴۶۷، ۳۵۲، ۳۳۴، ۱۹۶، ۱۶۸، ۸۴)، الکنی و الالقاب (۲۲۸/۲) لغت نامه (ذیل/ عبداللّه)، معجم المؤلفین (۹۶/۶)، معجم البلدان (۴۹۹/۲)، وفیات الاعیان (۴۸/۳)، هدیه العارفین (۶۴۸/۱).

دبیر الملک، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «مفتاح الفلاح» و «دعای کمیل»، به خط نستعلیق کتابت خوش، با رقم: «... محمدحسین الحسینی الملقب بدبیر الملک، فی شهر ربیع المولود سنه ۱۲۸۶».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۸۴/۳).

دبیر الممالک، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۲۰ ق)، خطاط و مترجم. سمت ژنرال آجودانی و مترجمی صدر اعظم را داشت و چون به زبان فرانسه و آلمانی آشنا بود، چند کتاب را به فارسی ترجمه کرد و در وزارت امور خارجه هم سمتی داشت. اسماعیل خان خط نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت. وی تا تاریخ تالیف «تذکره‌ی خوشنویسان» سپهر هنوز در قید حیات بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۶/۱).

دبیر تفرشی، عنایت‌اللّه، عنایت

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به دبیر. در جوانی در دفترخانه شاهی به امر انشاء مشغول بود و پس از مدتی به خدمت یکی از شاهزادگان قاجار درآمد. عنایت‌اللّه، تخلص خویش را از صاحب «سفینه المحمود» گرفته و در سرودن شعر توانا بود و اشعاری از وی در تذکره‌های دوره قاجاریه نقل شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سفینه المحمود (۲۰۰ -۱۹۹ /۱)، مصطبه‌ی خراب (۶۴ -۶۳).

دبیر سیاقی قزوینی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۸ ش)، شاعر، نویسنده و مدرس. در گلبنای قزوین متولد شد. تحصیلات ابتدایی و دوره‌ی اول متوسطه را در دبیرستان شاهپور (امید) قزوینی گذراند و در سال ۱۳۱۸ ش دوره‌ی دوم متوسطه را پایان برده و دیپلم گرفت. سپس وارد دانشگاه تهران شده و در رشته‌ی ادبیات فارسی فارغ‌التحصیل و موفق به دریافت دکتری شد. وی از ۱۳۲۰ ش به استخدام وزارت دارایی درآمد و در ۱۳۵۳ ش بازنشسته شد و مدت ۳۴ سال به مشاغل مختلف دولتی مشغول بود. و از ۱۳۲۶ ش به همکاری دهخدا در مورد لغتنامه پرداخت و پس از مرگ وی هم همین کار را ادامه داد و در ضمن آن از تدریس غافل نماند. دبیر سیاقی به دعوت دانشگاه عین‌الشمس قاهره دو سفر به مصر رفته و به تدریس و سخنرانی پرداخت. او نخستین استاد فارسی در دانشگاه پکن است که تاکنون دو سفر به آن کشور رفته و به تدریس پرداخته است. وی از محققان نامی کشور است که بیشتر اوقات عمرش را صرف تحقیق در متون فارسی کرده است. او شعر نیز می‌سراید. از آثار او: مجموعه‌ای از اشعارش به نام «رگرگی از آب شیرین و آب شور»؛ «حدود پنجاه مقاله علمی و تحقیقی»؛ تصحیح «دیوان» منوچهری، «دیوان» فرخی «شاهنامه» فردوسی، «دیوان»، دهخدا «جوامع التواریخ» رشیدی، «لغت نامه‌ی فارسی»، «تذکره الملوک»، «دستور زبان فارسی» و چندین اثر ادبی و تحقیقی دیگر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۱۳۶۰ -۱۳۵۲ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۷۰ -۴۶۸ /۵).

دبیر شیرازی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۵ -۱۲۸۶ ق)، شاعر، خطاط. وی خطوط شکسته، نسخ و تعلیق را خوش می‌نوشت. به نیابت کارگزاری بوشهر مامور بندر مزبور شد و مدتی در آنجا به سر برد و به شیراز بازگشت و در اداره‌ی ایالتی منشی شد. دبیر به هند سفر کرد و سپس به بوشهر بازگشت و از آنجا به چابهار رفت و در اثر گرمی هوا به جنون مبتلا شد. برادرش، شعاع الملک، در شیراز به معالجه وی پرداخت و موثر واقع شد و رو به بهبودی گذاشت و به نوشتن دواوین شعرای گذشته خود مشغول داشت. در شیراز در گذشت و در قرب تکیه خواجه حافظ دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۲۰ -۵۱۷ /۲).

دبیر فارسی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۹/۱۲۸۸ ق)، شاعر. وی از اهالی لار فارس بود. به تهران آمد و از نزدیکان شاهزاده محسن میرزا، متخلص به سلطانی شد. پس از چندی به اصفهان رفت و در زمره‌ی منشیان حسام‌السلطنه قرار گرفت و به فارس رفت. وی از معاصران صاحب «حدیقه الشعراء» بود که با هم همشنین و جلیس بودند. وی در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۶۱۷ -۶۱۵ /۱)، فرهنگ سخنوران (۳۳۵)، مرآت الفصاحه (۲۱۳ -۲۱۲).

دبیر قهفرخی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۳۱۰ ق)، شاعر. دبیر در قهفرخ متولد شد و در همان جا به امر زراعت مشغول بود و تصدی املاک خوانین را نیز داشت مردی خوش ذوق و خوش مشرب و بدیهه‌گو بود و نخست فرهنگ تخلص می‌کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۹۴).

دبیر همدانی، ابوالمکارم علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۵ -۱۲۷۰ ق)، شاعر. ملقب به صدرالاسلام. وی اهل کربلا بود. در مشهد مقدس زندگی کرد و از شاگردان حاج میرزا حسین نوری صاحب «مستدرک الوسائل» بود. در همدان فوت کرد. جنازه‌اش را به نجف منتقل کردند. از آثار وی «آب حیات»، شعر؛ «دعوه الحسنی فی ادعیه الحسنا».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۳۵/۱۹، ۲۰۷/۸، ۲/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۰۸/۴).

دبیر، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۶ ش)، خطاط. در رضاییه به دنیا آمد. پدرش مردی تحصیل کرده بود و به همین جهت، فرزند خود را به تحصیل دانش و کسب کمال و نوشتن مشق خط واداشت. دبیر در ابتدای کار وارد خدمت فرهنگ شد، سپس به وزارت دارایی منتقل گردید و در سال ۱۳۳۷ ش بازنشست شد. او خط نستعلیق و شکسته را عالی می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره خوشنویسان معاصر (۱۴۸ -۱۴۷).

دبیرالدوله، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۱۶ ق)، خطاط. او وزیر دار الشورای ناصرالدین شاه قاجار بود که اجدادش از علماء و مجتهدان بودند و سلسله‌ی نسبش به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. در جوانی تحصیل حسابداری و دفترداری و مقدمات علوم ادبی و عربی کرد. وی خطوط نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت. دبیرالدوله به منصب لشکرنویسی نیز رسیده است. پس از فوت، جسد وی را به کربلا منتقل کردند و در رواق حرم امام حسین (ع) به خاک سپردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۶۶/۳)، شرح حال رجال (۲۲۰/۵).

دبیرالسلطان، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «گلستان» سعدی، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «برای تقدیم... مظفرالدین شاه، این غلام جان نثار علی‌اکبر الملقب بدبیر السلطان، تحریر نمود، روز یکشنبه دویم شهر جمادی‌الثانی، سنه‌ی ایت ئیل ۱۳۱۶...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۳۶/۲).

دبیرالملک شیرازی، نصرالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۹ -۱۲۵۲ ق)، خطاط. ملقب به دبیرالملک. در شیراز به دنیا آمد. پس از تحصیل علوم و کسب کمالات به اتفاق پدرش به تهران آمد و پس از فوت پدر، به جای وی جادارباشی شد. هنگامی که مشیرالدوله به صدارت رسید، میرزا نصرالله خان را مورد توجه کامل خود قرار داد و او را به تولیت آستان قدس رضوی برگزید. دبیرالملک خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و به این جهت به کمک پسر عمویش، میرزا عبدالوهاب خان که عهده‌دار نیابت وزارت خارجه بود، منشی این وزارتخانه شد. وی در ۱۳۰۱ ق ملقب به دبیرالملک گردید و بعد در همین سال نایب اول و سپس مدیر کل وزارت امور خارجه شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۳۹/ ۳)، شرح حال رجال (۳۴۳ -۳۴۱/ ۴)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۶۰/ ۲).

دبیران، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر. از آثار وی «دعای کمیل»، ترجمه به شعر و «منظومه توسل» به شعر است که هر دو در تهران به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۶۹۵ -۶۹۴ /۴).

دبیرمخصوص، علینقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خطاط، ادیب.

تولد: ۱۲۶۶(۱۳۰۶ ق.)، سنندج.

درگذشت: ۱۳۵۸.

علینقی دبیرمخصوص، متخلص به «هشیار» و مشهور به هشیار سنندجی، فرزند میرزا کاظم آقا محمدرحیم معمارباشی کردستانی، به فراگیری مقدمات علوم پرداخت. پس از آن در مدارس دینی با زبان عربی آشنا شده و صرف و نحو و مبانی دینی کسب نمود. مدتی هم در آموزشگاه آلیانس سنندج به تحصیل زبان فرانسه پرداخت و ضمنا از استادان فن خط نسخ و نستعلیق به مشق و تمرین حسن خط مشغول شده است. پس از آن مدتی در دستگاه یکی از خوانین سنندج به شغل دبیری و نویسندگی استخدام شده و به سال ۱۳۳۳ ق. به تهران آمد و وارد خدمت دولتی شد. مدت هیجده سال در دفتر نخست وزیری منشی مخصوص وکفیل دفتر بوده و چند سالی هم در دادگستری سمت نویسندگی و دفترداری داشته است. در سال ۱۳۱۴ به وزارت کشور منتقل شد و در آنجا مشاغلی از قبیل ریاست کارگزینی وزارتی و فرمانداری شهرستان بود که عمرش یزد، مراغه، خوی، سمنان و دامغان را دارا بود. پس از آن به تهران بازگشت و پس از مدتی در سمت بازرس وزارت کشور، در سال ۱۳۲۸ بازنشسته شد. هشیار به ادبیات فارسی عشق می ورزید و خود نیز شعر می‌گفت و از ذوق و قریحه‌ی خوبی برخوردار بود.

علینقی دبیرمخصوص سرانجام در سال ۱۳۵۸ درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

دخانی، شهرام

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: صنایع غذائی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: صنعتی اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای علوم مواد غذائی.

مرتبه علمی:

تدریس در دانشگاههای شیراز، علوم پزشکی اصفهان، دانشگاه صنعتی اصفهان به مدت ۱۵ سال، دانشیار دانشگاه صنعتی اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شیمی مواد غذائی، صنایع کنسروسازی، صنایع شیمی و فرآورده‌های آن، نگهداری و ذخیره‌سازی مواد غذائی با روشهای مختلف، آنالیز مواد غذائی با دستگاههای پیشرفته نظیر کروماتوگراف مایع یا گازی، آشنائی با High Performance liquid chromatography، طرح بررسی تولید و خصوصیات فیزیکی و شیمیائی محصولات خشک سیب‌زمینی نظیر پودر خشک از سیب‌زمینی منطقه‌داران و فریدن اصفهان، طرح آنالیز اسیدهای آلی در پنیرهای ایرانی تخمیری از شیر بازسازی شده، طرح تولید روغن شبه استرالیائی برای کاهش زمان خشک شدن انگور در منطقه لوانات فارس، طرح تخمیر سبزیجات نظیر تخمیر لاکتیکی کلم و خیار سبز و آنالیز اسیدهای آلی آنها با روش HPLC.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

صنایع و تکنولوژی شیر و فرآورده‌های آن، مروری بر خصوصیات فیزیکی و شیمیائی شیر و فرآورده‌های مختلف آن، صنایع و تکنولوژی خشکبار، خشک کردن مواد غذائی، شیمی مواد غذائی، اصول نگهداری و تبدیل مواد غذائی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

خصوصیات فیزیکی و شیمیائی محصولات خشک سیب‌زمینی، نظیر پودر و چیپس، تکنولوژی و نگهداری پودر سیب‌زمینی و چیپس، تکنولوژی خشک کردن انگور و کاهش زمان خشک کردن با روغن شبه استرالیائی، تولید پنیرهای تخمیری و بررسی خصوصیات فیزیکی و شیمیائی آنها، آنالیز قندهای سیب‌زمینی و اسیدهای آلی پنیر و لبنیات با روش کروماتوگرافی پیشرفته یا HPLC.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

دختر سالار

قرن:۷

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، شاعر. در موصل می‌زیست. قصیده ترکیب‌بندی در هفتاد و دو بیت در مدح عزالدین کیکاوس اول از پادشاهان سلجوقی آسیای صغیر سرود و نزد او به قونیه فرستاد. به نوشته ابن بی‌بی عزالدین دستور داد تا هفت هزار و دویست دینار سرخ برای او بفرستند. تذکره‌ها از او با عنوان بنت اصفهانیه نیز یاد کرده‌اند و او را معاصر شاه عباس اول دانسته‌اند که درست نیست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۲۱۳۶/۳)، الذریعه (۱۴۲/۹)، صبح گلشن (۶۹ -۶۸)، مخزن الغرائب (۳۴۳/۱)، مشاهیر زنان (۹۳ - ۹۲).

دختر شیخ مسعود

قرن:۵

جنسیت:زن

ملیت:ایران

پس از ۴۶۰ ق، از زنان دانشمند شیعه. وی فنون ادب و علوم اسلامی، مخصوصا حدیث را از محضر پدرش شیخ مسعود بن ورام فراگرفت. او همسر شیخ طوسی (۴۶۰ -۳۸۵ ق) بود و از همسر خود اجازه داشت و دارای سه فرزند بود: پسر او شیخ ابوعلی (پس از ۵۱۵ ق) از علمای شیعه است. یکی از دخترهایش، دختران شیخ طوسی، همسر ابوعبداللّه محمد بن احمد بن شهریار خازن نجفی است و شیخ ابوطالب حمزهٔ بن ابوعبداللّه محمد آل شهریار از بطن وی می‌باشد که نوه‌ی دختری شیخ طوسی است. از ذریه‌ی دختر دومش ابن ادریس حلی و سید بن طاووس به دنیا آمده‌اند.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: اعیان‌الشیعه، ۲۷۵ / ۲؛ دایرهٔ‌المعارف تشیع، ۴۲۳ / ۳؛ النساء المومنات، ۲۷۰.

دختر غزالی

قرن:۱۰

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۹۶۲ / ۹۵۸ ق، از زنان شاعر. به نوشته جواهرالعجایب وی به «حسن صورت و سیرت» آراسته بود و طبع پرشوری داشت. ابیات زیر از اوست:

کوه کن بیهوده شوری در جهان افکنده است

کنده سنگی چند و پندارد که کوهی کنده است

دم به دم، همچو صبا گرد سرایت گردم

تا برون آیی و خاک کف پایت گردم

پر شد از خون جگر دیده‌ی نمناک مرا

ساخت رسوای جهان سینه‌ی صد چاک مرا

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: جواهرالعجایب، ۱۳۷.

دخلی اصفهانی، احمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۵ ق)، شاعر. از قریه ویرکوپای اصفهان بود، در اصفهان نزد دایی خود، شیخ ابوالقاسم امری که به اتهام نقطوی بودن در

۹۹۰ ق کشته شد، درس خواند و به سال ۹۹۷ ق به هندوستان رفت و در دربار اکبر شاه و جانشین وی مقام یافت. از وی رباعاتی به جای مانده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۴۵۸/۵)، تاریخ نظم و نثر (۵۳۹)، الذریعه (۳۲۰/۹)، صبح گلشن (۱۶۴)، فرهنگ سخنوران (۳۳۶)، کاروان هند (۴۰۶ -۴۰۴ /۱)، ماثر رحیمی (۱۵۰۸ -۱۴۹۷ /۴)، هفت اقلیم (۴۳۵ -۴۳۴ /۲).

دخلی گیلانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، مورخ، شاعر. در گیلان متولـد شد و همان جا دانش آموخت و سـپس به هند رفت و در دربار جلال‌الدین محمد اکبر تقرب یافت مدتی نیز در لاهور به سر برد. وی مردی بسیار خوش خوی و شیرین سخن بود و غزل را نیکو می‌سرود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۰۰).

دخیل مراغه‌ای، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شـاعر ترک زبـان، متخلص به دخیـل. از مردم آذربایجـان بـود که به زبـان ترکی شـعر می‌گفت. اثر وی: «دیوان» اشعار مشتمل بر وقایع روز عاشورا که در شش مجلد در تبریز طبع یافته است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۱۴۶)، الذریعه (۳۲۰/۹)، ریحانه (۲۱۵/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۷۳۷/۲).

دخیلی گیلانی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۳ -۱۲۵۳ ق)، شاعر. معروف به شـمس. در قریه گراب سر متولد شد و در همان سامان به تحصیل دانش پرداخت. وی در قریه آقادو برادران از نواحی رشت درگذشت. دخیلی در سرودن شعر مهارت داشت. صاحب «الذریعه»، «دیوان» خطی او را دیده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۲۱/۹).

دده ی عراقی، شمس

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. در اصـفهان متولـد شـد و از مشاهیر نـدما و ظرفا و بـذله‌گویان بود، مدتها در احمدنگر و گلکنده و بیجاپور در حدمت مرتضـی نظامشاه و محمد قلی قطب شاه و ابراهیم عادلشاه ثانی به سر برد و سپس به ملازمت جلال‌الدین اکبر شاه شتافت، و در آگره و لاهور برای خان خان خوش طبعیها کرد و ثروتی انـدوخت، یکبار نیز به اصـفهان رفت و دوباره به هند بازگشت و همان جا درگذشت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کاروان هند (۶۵۴ -۶۵۳ /۱)، مآثر رحیمی (۱۲۵۹ -۱۲۵۵ /۴).

درافشان، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین درافشان

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب دوره ابتدایی را در مدرسه اسلامی سعادت در قزوین سپری کردم سپس دوره راهنمایی را در مدرسه نمونه شهر (امیرکبیر) گذراندم و دوره دبیرستان را در هنرستان رشته مکانیک عمومی به پایان رساندم.در اوج انقلاب موفق به کسب دیپلم شدم آنگاه یکسال و نیم در کمیته انقلاب اسلامی مشغول به خدمت بودم.در سال ۵۹–۶۰ به قم هجرت نمودم و در مدرسه علمیه منتظریه (حقانی) مشغول به دروس حوزوی شدم.با انتقال مدیریت و دروس مدرسه حقانی به مدرسه شهیدین هما در سال ۱۳۶۳ در مدرسه شهیدین هما ادامه تحصیل دادم و در سال ۱۳۶۷ شروع به درس خارج کردم و از محضر اساتیدی همچون حضرت آیت الله سید کاظم حائری- حضرت آیت الله وحید خراسانی – حضرت آیت الله خرازی - حضرت آیت الله جوادی آملی – حضرت آیت الله شیخ جواد تبریزی – حضرت آیت الله استادی و هم اکنون در درس خصوصی حجت الاسلام و المسلمین سروش محلاتی کسب فیض می نمایم تقریباً یک دوره درس خارج اصول در درس آیت الله سید کاظم حائری شرکت کرده ام.

امتحانات کتبی و شفاهی تمام پایه ها را تا سال ۱۳۷۰ در شورای مدیریت و مدرسه شهیدین داده ام از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۶ در پژوهشکده حوزه و دانشگاه در رشته علوم تربیتی مشغول به تحصیل و تحقیق بوده ام و زبان انگلیسی و تخصصی را دراین پژوهشکده گذرانده ام ضمناً در دوره های تابستانی دردانشگاه امام صادق(ع) زبان انگلیسی (مکالمه) و زبان عربی (مکالمه) شرکت کرده و جوایزی کسب کرده ام. از سال ۱۳۷۶ با راه اندازی و تأسیس شبکه معارف به همراه دوستان وارد خانواده صدا و سیما شدم آنگاه در سال ۱۳۷۸ در مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما به کار نظارتی و ارزیابی و تحقیقاتی پرداختم از جمله ارزیابی ها کتابهای مرکز و پایان نامه هایی در موضوعات گوناگون بوده و مشاور علمی ماهنامه گنجینه و فرهنگ اخلاقی معصومین(ع)(۵ جلد – ادامه دارد) بوده ام هم اکنون مشاور و کارشناس برنامه زلال احکام شبکه ۳ سیما هستم و مدّتی است مشاور و راهنما در حرم حضرت معصومه(س) را افتخار دارم. ضمنا مدّتی استاد راهنما و ارزیاب پایان نامه های جامعه الزهرا(س) بوده ام. هم اکنون در جامعه الزهرا(س) درس حکومت اسلامی و ولایت فقیه – ادیان و مذاهب تدریس دارم.

درایتی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین درایتی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۵– ۵۶ وارد حوزه علمیه مشهد شدم و به مدت ۴ سال در مدرسه علمیه حجهٔ الاسلام جناب آقای موسوی نژاد ادبیات عرب، منطق، بیان و... اصول فقه و همچنین عقائد و احکام را به پایان بردم و سپس لمعتین را در محضر استاد جناب آقای صالحی فراگرفتم و رسائل و اکثر مکاسب و مقداری از کفایتین را در محضر استاد آیهٔ الله مرتضوی به پایان بردم و همزمان به تدریس حوزه اشتغال داشته و این امر را در سالهای بعد نیز ادامه دادم.

در سال ۱۳۶۲ به حوزه علمییه قم منتقل شده و ادامه مکاسب وکفایتین را در محضر استاد محقق داماد حاضر شده و در سال ۶۴ دروس سطح حوزه را به پایان بردم. از سال ۶۳ به مدت سه سال به درس خارج اصول آیهٔ الله وحید خراسانی حاضر شدم و از سال ۷۶ تا ۷۴ به درس خارج اصول مرحوم آیهٔ الله تبریزی و از سال ۶۶ تا ۷۹ در درس خارج فقه آن فقید به صورت مستمر حاضر شدم. و همچنین در درس خارج فقه آیهٔ الله منتظری به مدت ۳ سال و همچنین در درس خارج اصول فاضل به مدت یک سال حاضر شدم.

درسال های فوق الذکر نیز به تحصیل فلسفه نیز اشتغال داشته و از محضر اساتیدی مانند: حجج اسلام عبدالهیان، فیاض، شیرازی.... در تحصیل کتابهای درایه، نهایه، منظومه و بخشی از اسفار استفاده ها بردم. همچنین به مدت ۵ سال در درس تفسیر آیهٔ الله جوادی آملی و مشکینی حضور مستمر داشته و بهره ها گرفتم.

از سال ۶۳ با معجم بحار با کار تحقیق آشنا شده و در سال ۶۵ به تصنیف غررالحکم مشغول شدم و در سال ۶۶ کار آن را به انجام رساندم و همزمان، کار معجم غرر را نیز شروع کردم و از سال ۶۶ تا ۷۸ به صورت مستمر در مرکز تحقیقات وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی و در واحد احیاء آثار مشغول انجام کارهای تحقیقی مختلفی شدم که محصول آن همکاری در مختلف الشیعه، تصحیح آصفی، تصحیح سعدالسعود، راه اندازی واحد بزرگ احیاء تک نگاریهای تفسیری و.... می باشند.

همزمان با موسسه نشر آثار امام خمینی(ره) در بازنویسی و تنظیم و ویرایش درسهای حضرت امام در شرح منظومه و اشعار، اشتغال داشته و در ادامه با بنیاد معارف اسلامی امام رضا علیه السلام در راه اندازی طرح احیاء آثار قرآنی به مدت ۲ سال همکاری داشته و کار احیاء دو جلد از آن آثار را به انجام رساندم.

از سال ۷۸ در مرکز تحقیقات دارالحدیث و با طرح احیاء مجموعه رساله های رجالی و درایه ابوالمعالی کلباسی، کار خود را آغاز نمودم و آن آثار را در ۴ جلد به نام (الرسائل الرجالیه) به انجام رسانده و از سال ۸۰ به عنوان مسئول واحد احیاء، طرح بزرگ تحقیق وتصحیح کافی را با همکاری جمعی از محققان شروع کرده و همزمان به احیاء شروح و حواشی کافی که تاکنون چاپ نشده، دست زده و تا کنون چندین عنوان از آن شروح چاپ شده و چندین برابر آن در حال کار می باشد. و هم چنین طی سالهای جاری حدود ۱۵ عنوان کتاب دیگر در زمینه های رجال، درایه، حدیث و شرح حدیث احیاء و چاپ شده است.

درایتی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی درایتی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حضرت آیت الله مصطفی درایتی در سال ۱۳۳۴ در خانواده‌ای مذهبی و متدین از شهرستان مشهد به دنیا آمد، دوران تحصیل خویش را با موفقیت پشت سرگذاشت و در سال ۱۳۴۹ به تحصیل علوم دینی پرداخت. دروس مقدماتی را از محضر آیت الله ادیب خراسانی بهره جست. وی پس از مدتی تحصیل در مشهد برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم هجرت کرد و از محضر اساتید بزرگی همچون آیت الله العظمی وحید خراسانی، آیت الله اعتمادی، آیت الله سلطانی، آیت الله منتظری کسب فیض کرد پس ازآن به زادگاه خویش بازگشت و در خدمت به طلاب علوم دینی و مردم دیار خویش از هیچ کوششی دریغ نفرمود.

درب امامی اصفهانی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۲۸۱ ق)، عالم امامی. مشهور به درب امامی. چون اغلب افراد دانشمند، فاضل، ادیب و خطیب این خانواده در محله درب امام اصفهان زندگی می‌کردند به درب امامی شهرت دارند. سید حسین پس از فراگیری مقدمات مدتی در نجف در محضر علمایی همچون شیخ انصاری تلمذ کرد. از آثارش کتابت «القضاء و الشهادات» شیخ انصاری اسن که در تاریخ ۱۲۸۱ ق از آن فراغت یافته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۴۱/۱۷)، طبقات اعلام الشیعه قرن (۳۸۴/۱۳).

درب امامی، بدیع

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید مصطفی بن میر عبدالحمید بن میر سید محمّد موسوی.

عالم جلیل، و فاضل ادیب مجتهد فقیه، از مشاهیر علما و مدّرسین اصفهان.

به مناسبت سکونت در محّه درب امام بدین لقب مشهور گردید. پدرانش عموماً از فضلا و دانشمندان اصفهان بوده و قبر آنها (پدر و جدّش) در صحن درب امام می‌باشد.

مرحوم حاج میزا بدیع که [به گفته آخوند گزی:] واقعاً بدیع الزمان بوده در مدرسه نیم آورد، تدریس و در مسجد جنب بازارچه وزیر، املامت می نمود، و عمری، به زهد و تقوی و فقر و استغنا گذرانید، و علاوه بر کمالات مذکوره، در حسن خطّ و ادب شعر نیز شهرت داشته.

در نزد حاج ملا حسین علی تویسرکانی، و میر سید محمّد شهشهانی، و آقا میرزا محمّد باقر چهار سوقی، و حاج شیخ محمّد باقر نجفی درس خوانده و از هر سه نفر اجازه داشته.

کتب زیر از اوست:

۱- حاشیه بر ریاض المسائل ۲- حاشیه بر قوانین ۳- دیوان اشعار ۴- رساله در حجّیّت استصحاب به اخبار ۵- رسال در خراج و مقاسمه؛ و غیره.

مشارالیه در عصر روز جمعه ۲۱ شعبان سال ۱۳۱۸ به سنّ شصت و هفت سالگی وفات یافته، در تکیه میر سید محمّد شهشهانی در

بقعه مدفون گردید.

مرحوم حاج میرزا حبیب اللّه نیّر در تاریخ وفاتش گوید:

فیا نیّر اکتب لتاریخ فوته

بفردوس خلّد رواح البدیع

و مرحوم سید عبدالوّهاب مستشار دفتر، در تاریخ وفاتش گوید:

«بدیع هم به مکان رفیع جای گرفت»

از اشعار اوست:

جام و جانان، شمع و من جمعیم در یک انجمن

جام خندان است و جانان، شمع گریان است و من

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

درب امامی، فتح الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج میرزا فتح الله عالم زاهد، از علمای اخیار، و فضلای ابرار، در چهارشنبه ۱۷ ربیع الاول سال ۱۳۰۱ متولّد، و در صبح شنبه ۱۱ رجب سال سال ۱۳۷۷ وفات یافته، و در بقعه تکیه شهشهانی مدفون شد.

در نزد پـدر خود، و مرحوم جهانگیر خان، و میر محمّـد تقی مدّرس، و آخوند کاشـی، و حاج ملّا جواد آدینه‌ای، و آخوند گزی، و آقـا سـید محمّـد بـاقر درچه‌ای، و آقـا میرزا احمـد مـدّرس در فقه و اصول و حکمت و ادبیّات تحصـیل نموده، و از مرحوم فشارکی اجازه روایت داشت.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دربندی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۶/۱۲۸۵ ق)، فقیه اصولی و رجالی امامی. مشـهور به فاضل دربنـدی. متولـد و بزرگ شـده‌ی دربند ایران. مدتی در کربلا زیست. دربندی از شاگردان شـریف العلمای مازندرانی بود و از معاصـران شیخ مرتضی انصاری. در بلاغت و فصاحت عرب و عجم و علوم عربی و رجالی و کلام و حکمت بی‌نظیر بود. میرزا محمد تنکابنی، صاحب «قصص العلماء»، و میرزا سید محمدرضا موسوی هنـدی، ملقب به میرزا علی جاه بهادرخان، از شاگردان وی بودنـد. در تهران درگذشت و در کربلا به خاک سپرده شد. از آثار وی: «اسـرار الشهاده» یا «اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات»، و ترجمه قسمتی از آن به نام «سعادات ناصری»؛ «جواهر الایقان»؛ «الجوهره» یـا «جـوهر الصـناعه»، در اسـطرلاب؛ «خزائن الاحکـام»؛ «خزائن الاـصول»؛ «قوامیس القواعـد»، در رجـال؛ «قوامیس الصـناعه فی فنون الاخبار»، در اخبار و تراجم.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الاعلام (۱۸ -۱۷ /۱)، اعیان الشیعه (۸۸ -۸۷ /۲)، الذریعه (۱۵۳ ،۱۵۲ /۷ ،۲۹۱ ،۲۸۹ /۵ ،۲۷۹ ،۴۶ /۲)، ریحانه (۲۱۶/۲)، شرح حال رجال (۱۳۸ -۱۳۷ /۴)، قصص العلماء (۱۱۳ -۱۰۷)، الکنی و الالقاب (۲۲۹ -۲۲۸ /۲)، لغت نامه (ذیل/ فاضل)، المآثر و الآثار (۱۳۹)، معجم المؤلفین (۳۰۹ ،۳۰۴ /۲)، هدیه الاحباب (۱۳۵ -۱۳۴).

دربندی، مسعود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر مسـعود دربنـدی دارای مـدرک دکترای رشـته محاسـبات دینامیک سـیال از دانشـگاه واترلو ،کانادا در سال ۱۳۷۵ است.ایشان عضـو هیئت علمی و اسـتاد دانشگاه صـنعتی شـریف می باشـد.گروه : فنی و مهندسیرشـته : مهندسـی هوا- فضـاگرایش : محاسـبات دینامیک سیالتحصـیلات رسـمی و حرفه ای : مسـعود دربندی مدرک دکترای رشـته محاسـبات دینامیک سـیال را از دانشگاه واترلو کانـادا را در سال ۱۳۷۵ دریـافت داشـته است.هم دوره ای هـا و همکاران : مسـعود دربنـدی،به همراه علیرضا نادری - محمـد طیبی رهنی مقالاـتی در زمینه" کنترل آشـفتگی در پائین دست یک انبساط ناگهانی با اسـتفاده از تاکتیک چنـد بلوکی و روش هیبریـدی المان حجم محدود" و غیره به رشـته تحریر درآورده اند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مسعود دربندی عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه دانشکده فنی مهندسی دناشگاه صنعتی شریف می باشد.فعالیتهای آموزشی : عنوان دروس ارائه شده توسط مسعود دربندی به قرار زیر است: علوم فضـایی پـایه ای،دینامیـک گـاز،انتقـال حرارت،معرفی CFD،ترمودینامیک ۱و۲،روش عددی پیشرفته،توربو ماشـینهای پیشرفته، CFD۱,۲، اجزاء محـدود در سـیالات،روش اجزاء محـدود،آشـفتگی(توربولنس)آرا و گرایشـهای خاص : زمینه

های تحقیقاتی و پژوهشی دکتر مسعود دربندی به قرار زیر است: الگوریتم سرعت،محاسبات دینامیک سیال و انتقال حرارت،حجم محدود بر پایه الگوریتم اجزاء محدود وتوسعه،بهینه سازی توربین گاز در کارایی و بازدهی،مدلسازی کامپیوتری و ریاضی ددر سیستمهای مهندسی،دستگاه و جریان مایکر نانو،حرکت ناهنگن و غیر ساختاری توسعه در هم (آشفته)،بهینه سازی الگوریتم ها،بهینه سازی ذخیره سوخت(انرژی)،محاسبات موازی(هم زمان)،شبیه سازی عکس العمل جریان،فعل و انفعالات سیال–جامد،مدل سازی اشفتگیچگونگی عرضه آثار : مسعود دربندی تا کنون در بیش از ۳۹ کنفرانس شرکت کرده و مقالاتی را ارائه نموده است از آن جمله می توان به کشورهایی همچون چک،فنلاند و امارت متحده عربی اشاره کرد..وی همچنین بیش از ۲۳ مقاله رادر ژورنالهای تخصصی به چاپ رسانیده است.

درةالمعالی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۴/۱۳۰۳ –۱۲۵۶ ش)، مدرس. از خدمتگزاران فرهنگ ایران و بنیان‌گذار دبیرستانهای درةالمدارس و مخدرات. چند ماه قبل از فوت ایرج میرزا جلال‌الممالک درگذشت و ایرج در رثاء او گفته است:

مرا ز مرگ تو قامت هلال و ارجمند

برآر سر بنگر قامت هلالی را

وی مقدمات علوم را نزد پدر و علوم جدید را نزد استادان وقت فراگرفت و در شعر و ادب فارسی و عربی تبحر یافت. وی در آن سالها که از جمعیتهای خیریه و پرورشگاهها خبری نبود عده‌ای از یتیمان و کودکان بدون سرپرست را به خرج خود نگهداری می‌کرد. کمکهای مادی و معنوی بسیار می‌نمود و مجلس تلاوت قرآن در ماه رمضان برپا می‌کرد. وی در تهران بر اثر سکته قلبی درگذشت و در خانه شخصی خود به خاک سپرده شد.[۱]

۱۳۰۳ ش، نخستین بنیانگذار دبیرستان دخترانه ایران و از زنان نیکوکار. وی دختر سید علی شمس‌المعالی و ربابه مرعشی بود. پدرش در زمان ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳ –۱۲۶۳ ق) از شخصیت‌های وجیه و محترم بود و چندین باب مدرسه پسرانه‌ی تأسیس نمود. درةالمعالی مقدمات علوم را نزد پدر و علوم جدید را نزد استادان وقت فراگرفت و در شعر و ادب فارسی و عربی دست یافت.

در سال ۱۳۲۲ ق مدرسه مخدرات را در محله عربها تأسیس کرد که بعداً به سبب افزایش تعداد شاگردان به پامنار منتقل گردید. ابتدا معلمان آن را از میان بستگان و خویشان– که اغلب جزو زنان متجدد بودند. انتخاب کرد، از اینرو از سوی مردم تحت فشار قرار گرفت. در سال ۱۳۲۷ ق به عنوان اعتراض به قرارداد ۱۹۰۷ م– که کشور را رسماً تحت نفوذ انگلستان و روسیه قرار داده بود– اجتماعی از زنان تهران را تشکیل داد و در مجلس شورای ملی حضور یافتند و نمایندگان را در صورت امضای قرارداد تهدید کردند و آنان را به تحریم کالاهای خارجی تشویق نمودند. او اغلب با صدیقه دولت‌آبادی و سایر زنان همفکر خود به قهوه‌خانه‌هایی که از قند خارجی استفاده می‌کردند می‌رفت و آنانرا از مصرف قند خارجی برحذر می‌داشت و در اغلب مدارس استفاده از پارچه‌های یزدی و کرمانی را معمول می‌داشت. وی در مدرسه مخدرات– که بعد به دبیرستان شد و در سال ۱۳۰۶ ش فارغ‌التحصیل دیپلمه داد– از استادانی مانند مسیو احمد خان برای زبان فرانسه، مسیو علی خان برای ریاضیات و فاضل اعمی برای فقه و عربی استفاده می‌کرد. همیشه حقوق گزاف دبیران را از ثروت شخصی خود می‌پرداخت و به دانش‌آموزان تحمیل نمی‌کرد.

در سال ۱۳۰۲ ش مدرسه دیگری به نام درةالمدارس– واقع در کوچه ناظم‌الدوله پشت مسجد سپهسالار– تأسیس نمود. در آن سالها که از جمعیت‌های خیریه و پرورشگاه‌ها خبری نبود وی عده‌ای از یتیمان و کودکان بدون سرپرست را به خرج خود نگهداری می‌کرد و خوراک، نظافت و بهداشت آنان را شخصاً رسیدگی می‌نمود. در ایام ماه رمضان به بستگان و خویشان خود سرکشی می‌کرد و کمک‌های مادی و معنوی می‌نمود و مجلس تلاوت قرآن و دعا برپا می‌کرد. او از زنان متجدد بود و حجاب زنان را مانع پیشرفت آنها می‌دانست. وی در تهران بر اثر سکته قلبی درگذشت و برحسب وصیت خودش در خانه شخصی خود در خیابان سقاباشی اول کوچه شمس‌المعالی به خاک سپرده شد.[۲]

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۳۸۸/۲)، کارنامه زنان (۱۳۱ –۱۲۸)، مشاهیر زنان (۹۷ –۹۶).

[۲] منبع: کارنامه زنان مشهور ایران، ۱۳۱ –۱۲۹.

درچه‌ای اصفهانی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۲ –۱۲۶۴ ق)، عالم دین و فقیه. در اصفهان ولادت یافت. وی در نجف در محضر استادانی چون شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، و حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی تلمذ کرد. پس از بازگشت به اصفهان به امر تدریس اشتغال یافت، و در آنجا مدرس منحصر به فرد فقه و اصول به حساب می‌آمد. آیت‌اللّه حاج آقا حسین بروجردی، مرجع بزرگ شیعه، از شاگردان وی بود. او پس از فوت آیت‌اللّه سید اسماعیل صدر مرجعیت یافت و جزء مراجع تقلید شد. درچه‌ای روحانی متقی و وارسته‌ای بود. در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد دفن شد. از آثا وی: حاشیه بر «مکاسب»؛ حاشیه بر «رسائل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۰۳/۳)، شرح حال رجال (۲۱۸/۵، ۳۰۲/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۲۵ -۲۲۴ /۱۴)، معجم المؤلفین (۹۶/۹).

درچه‌ای، ابوالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، امام مسجد قطبیّه، متوفّی در ۸ جمادی الاولی سال ۱۳۸۰ در راه مشهد مقدّس، جنازه به مشهد منتقل شده و در آنجا مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

درچه‌ای، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از مشاهیر علما و مجتهدین، و اکابر فقها و مدّرسین، در اصفهان و نجف نزد علما تحصیل نموده و پس از وصول به مقامات عالیه علم و دانش به اصفهان مراجعت نموده، در مسجد نو بازار و مدرسه نیم آورد خارج فقه و اصول تدریس می‌نمود، و عدّه‌ای کثیر از فضلای طلّاب به درس او حاضر می‌شدند. در این اواخر، مجتهد اعلم و جامع الشرایط در اصفهان منحصر به او بود.

در صبح جمعه دهم ربیع المولود سال ۱۳۶۴ به سنّ متجاوز از نود وفات یافته، جنازه با تجلیل مناسب مقام او، در تخت فولاد در تکیه کازرونی جنب برادر مدفون گردید.

در ایّام تحصیل در نجف اشرف با مرحوم شیخ محمّد علی اوحدی سدهی (که او نیز از فضلا به شمار می‌رفت و چندین دوره به عنوان نماینده مردم اصفهان در مجلس شورای ملّی شرکت نمود و در شب ۲ شبه ۱۱ جمادی الثانیه ۱۳۸۱ در طهران وفات یافت) معاشر و هم حجره بوده، و او از زهد و تقوای مرحوم آقا سید مهدی حکایت ها نقل می‌نمود که مقام، مناسب ذکر آنها نیست.

مرحوم حاج میرزا حبیب اللّه نیّر در مرثیه و مادّه تاریخ وفات او گوید:

لهفنا من فقد کهف الناس دَّریَ النسب

حجّةُ الاسلام کنز العلم اغلی من ذهب

قد اجاد النیّر التاریخ فیما قد کتب

(سیّد المهدیّ فی قدس الجنان قد ذهب)

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

درخشان، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۲ -۱۲۹۷ ش)، نویسنده و شاعر. وی اصلا همدانی بود. تحصیلات خود را در رشته‌ی ادبیات فارسی به پایان برد. سپس در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران و مدتی نیز در دانشگاه آنکارا به تدریس پرداخت. وی تا پایان عمر به تحقیق و مطالعه در زمینه‌ی زبان و ادبیات فارسی و معارف اسلامی پرداخت. برخی از آثار وی: «بزرگان و سخن‌سرایان همدان»؛ «سبک نثر فارسی از قرن چهار تا چهارده»؛ تصحیح «دیوان ناصر بخاری»؛ «ینبوع الاسرار فی نصایح الابرار»؛ «المستخلص یا جواهر قرآن»؛ «تفسیر جزء سی‌ام قرآن مجید یا عم جزو»؛ «دیوان اشعار کسایی مروزی»؛ «مرآت الحیاه»؛ و تالیف «مقامات رضا (ع)» و «تاثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی».[۱]

سال تولد: ۱۲۹۷، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

زندگینامه

دکتر شادروان مهدی درخشان در سال ۱۲۹۷ هجری شمسی دیده به جهان گشود. بعد از اتمام تحصیلات متوسطه، و اخذ مدارک کارشناسی و کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سالهای ۱۳۲۸ و ۱۳۳۲، موفق به اخذ مدرک دکترا در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۴ گردید. وی پس از گذراندن رتبه‌های استادیاری و دانشیاری دانشگاه تهران، در سال ۱۳۴۹ به مرتبه‌ی استادی دانشگاه تهران ارتقاء یافت.

مرحوم دکتر درخشان در تمام دوران خدمت خود به تحقیق و تدریس در دانشگاههای تهران و آنکارا با جدیت و تلاش تمام به تحقیق و تدریس پرداخت و شاگردان فراوانی را تربیت نمود. از وی ۱۱ جلد کتاب در زمینه‌های زبان فارسی، بزرگان و سخن‌سرایان و معارف اسلامی به یادگار مانده است. همچنین از ایشان حدود ۳۰ مقاله به زبانهای فارسی و انگلیسی در مجلات معتبر داخلی و خارجی در زمینه‌های زبان و ادبیات فارسی به چاپ رسیده است.

سال تولد: ۱۲۹۷، مرتبه علمی: استاد: رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۸، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۲ و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۴.

مرتبه علمی:

تدریس در دبیرستانهای دامغان، تهران، دانشگاههای تهران و آنکارا، استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۹ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان و ادبیات فارسی، تصحیح و شرح دیوان ذوالفقار شروانی، تصحیح انتقادی تحفه‌الملوک، ترکیب‌سازی در مخزن‌الاسرار نظامی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بزرگان و سخن‌سرایان همدان، سبک نثر فارسی، کسائی مروزی (تحقیق در احوال و اشعار)، درباره زبان فارسی، فن بدیع، تأثیر معارف اسلامی در ادبیات، تصحیح دیوان ناصر بخارائی، تصحیح ینبوع‌الاسرار فی نصائح‌الابرار، المستخلص یا جواهرالقرآن (عربی- فارسی)، تفسیر جزء سی‌ام قرآن کریم، مقام رض (در شرح حال امام رضا (ع))، مرآت حیات در عرفان.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

پیرامون کلمه شیخ و سید، خالص استرآبادی، دیوان منصور حلاج از کیست؟، تسمیه پسر بنام پدر، رساله ذهبیه، دو اثر نویافته از صائب تبریزی، ایران‌شناسی، مقلدان بوستان، تکرار قافیه در شعرهای حافظ، سبک نثر بلعمی و غیره.

مدرس.

تولد: ۱۲۹۷، همدان.

درگذشت: ۱۳۷۲، تهران.

مهدی درخشان بعد از اتمام تحصیلات متوسطه و اخذ مدارک کارشناسی و کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سالهای ۱۳۲۸ و ۱۳۳۲، موفق به اخذ مدرک دکتری در رشته‌ی زبان ادبیات فارسی از دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۴ گردید. وی پس از گذراندن رتبه‌های استادیاری و دانشیاری دانشگاه تهران، در سال ۱۳۴۹ به مرتبه استادی به دانشگاه تهران ارتقا یافت. دکتر درخشان در تمام دوران خدمت خود به تحقیق و تدریس در دانشگاه‌های تهران و آنکارا پرداخت و دانشجویانی را تربیت نمود. از وی یازده جلد کتاب در زمینه‌های زبان فارسی، بزرگان و سخن سرایان و معارف اسلامی به یاگار مانده است. همچنین از ایشان حدود سی مقاله به زبان‌های فارسی و انگلیسی در مجلات داخلی (ماهنامه‌های «آموزش و پرورش» و «کیهان فرهنگی»، نشریه‌ی «دانشکده ادبیات و علوم انسانی»، روزنامه‌های «کیهان» و «اطلاعات») و خارجی در زمینه‌های زبان و ادبیات فارسی به چاپ رسیده است. از جمله کتاب‌های او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: تصحیح دیوان ناصر بخارایی؛ دیوان اشعار کسایی مروزی؛ درباره‌ی زبان فارسی؛ بزرگان و سخنسرایان همدان (جلد اول، ۱۳۴۱، این کتاب به صورت دو جلد در سال ۱۳۷۴ چاپ شده است).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۱۴ -۱۲ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۹۷/۶).

دردزد استرآبادی، علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۸۴۰ ق)، شاعر. از شاعران مشهور خطه‌ی مازندران و گیلان در روزگار خود بود و از اقران مولانا کاتبی. وی شاعری ساده‌گوی بو د. این رباعی را در مرگ همسرش سروده است:

زین واقعه چون دل به دو نیم است مرا
از مردن خویشتن چه بیم است مرا
گم شد صدفی چنین به دردزدی من
دری دو سه در خانه یتیم است مرا

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۹۷)، تذکره الشعراء (۴۲۹ -۴۲۸).

دردی افشار

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به دردی. از طایفه افشار بود و در عهد شاه عباس می‌زیست و غزل را استادانه می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۵۸/۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۷)، دانشمندان آذربایجان (۱۴۶)، الذریعه (۳۲۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۳۶)، مجمع الخواص (۱۲۸).

دردی تویسرکانی، ابراهیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به دردی. از مردمان تویسرکان که با صادقی افشار، کتابدار شاه عباس معاصر بود. برای تحصیل دانش به همدان رفت و در فن نقاشی و شعر مهارت یافت و سپس به کرمان مهاجرت کرد. و در بقعه‌ی شاه نعمت‌اللّٰه ولی عزلت گزید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۰۴)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۴/۲ ،۲۵۰/۱)، الذریعه (۳۲۱/۹)، مجمع الخواص (۹۲).

دردی، ابراهیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر و نقاش. از قصبه موسوم به «سرکان» از توابع همدان بود. در عنفوان جوانی برای تحصیل به همدان رفت و با صادق بیک افشار ارتباط یافت و به آموختن شعر و نقاشی پرداخت. در اندک زمانی تحصیل زیادی کرد و نقاشی خوب و شاعری مقبول شد. در کرمان در آستانه شاه‌ولی گوشه‌نشین شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۵ /۱)، مجمع الخواص (۹۲).

درزی عزیزی، محمداسحاق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمداسحق درزی عزیزی فرزند حجهٔالاسلام آقا شیخ محمدمهدی بن العالم الجلیل آقا شیخ محمداسماعیل درزی (که از تلامذه سیعد العلماء بوده است) از دانشمندان معاصر و مقیم قریه (بهنمیر) مازندران می‌باشد.

وی در سال ۱۳۵۰ قمری متولد شده و مقدمات را از مرحوم والدش که از شاگردان آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدحسن مازندرانی معروف به شیخ کبیر صاحب حاشیه (فرائدالاصول) آموخته و پس از فوت آن مرحوم در سال ۱۳۲۲ شمسی در مدرسه مولانا و مدرسه صدر بابل تحصیلات مقدماتی خدمت حاج شیخ علی موحد نموده و در سال ۱۳۲۷ شمسی به قم مهاجرت و چندی از آقای اعتماد تبریزی و پسرعموی خود آقا شیخ محمدحسین شریف‌زاده استفاده نموده.

ولی به واسطه کسالت شدید و امریه مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی برای معالجه به بیمارستان فیروزآبادی ری رفته و پس از بهبودی به حوزه درس عالم ربانی و آیت سبحانی مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمد کوهستانی پیوسته و مقداری از فقه و اصول و تفسیر را در آنجا خوانده و مورد لطف مخصوص آنجناب قرار گرفته.

و بعد در سال ۱۳۳۴ شمسی مجدداً به امر آن مرحوم به قم آمده و به درس استاد علی مشکینی و آیت‌اللّٰه حاج سید محمدباقر سلطانی و علامه طباطبائی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ ابوالفضل زاهدی و درس هیئت مرحوم حاج شیخ محمد اردبیلی و رجال و فقه مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ عبدالنبی عراقی و درس خارج آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی شرکت و استفاده نموده و در سال ۱۳۳۸ شمسی بنابر دعوت اهالی بابلسر و زادگاهش قریه (عزیزک) که از مضافات بابلست به آنجا آمده و به امر مرحوم آیت‌اللّٰه کوهستانی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدباقر آیت‌اللّٰه‌زاده مازندرانی به قصبه (بهنمیر) اقامت و در مسجد جامع آنجا به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند

قصبه (بهنمیر) زادگاه جد مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ ولی‌اللّٰه مدرس مازندرانی بوده ولی حدود یکصد و پنجاه سال از روحانی خالی بوده (با اینکه محیط آن حدود چهل هزار نفر جمعیت داشته است) از این جهت فرقه ضاله بهائیه در آنجا رخنه کرده و فعالیت زیادی نموده و در غالب شئون زندگی مردم خلط و آمیزش پیدا کرده بودند.

ایشان وظیفه خود دانسته که امریه آقایان را اطاعت و در آنجا ایفاء وظیفه نمایند و به حمداللّٰه موفق شدند در طول ۱۵ سال اقامتشان

در آنجا جلوی نفوذ و پیشرفت آن حزب منفوره مردوده را گرفته و تعداد ۱۷ خانوار را که عددشان ۶۷ نفر می‌شود از زن و مرد ارشاد و هدایت نموده و برگردانند.

و خلاصه مبلغین ضال و مضل آنها را مجاب و محکوم نموده و شر رفت و آمدشان را از آن منطقه دور نمایند در سال ۱۳۴۲ شمسی مشرف به مکه معظمه و وراد در بیت‌اللّه الحرام شده و با یکی از وزراء کشور سودان مباحثه در خلافت نموده و او را ملزم ساخته و نیز در سال ۱۳۴۷ شمسی با یکی از دانشمندان مصری گفتگو و او را مجاب ساخته‌اند.

آقای عزیزی دارای آثار خیر چندی می‌باشند که از آنهاست.

۱- کتابخانه حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف در (بهنمیر).

۲- بناء پل آهنی جهت رابطه چند قریه و مسجد و تکایا و غیره.

دارای اجازات عدیده‌ای در امور حسبیه و روایتی از آیات عظام قم مانند آیت‌اللّه العظمی مرعشی و آیت‌اللّه العظمی آمیرزا هاشم آملی و مرحوم آیت‌اللّه العظمی عراقی و آیت‌اللّه العظمی میلانی مشهد مقدس می‌باشند.

از آثار قلمی ایشانست کتاب کشف‌الحقایق رد بر بهائیت و بابیت و ازلیت که مخطوط می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

درزی، ابوعبداللّه محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۱۱/۴۱۰ ق)، عالم مذهب اسماعیلیه. معروف به نشتکین. وی از موسسان مذهب دروزیه است و نام این گروه ماخوذ از شهرت اوست. درزی نیز مثل حمزه بن علی زوزنی، که یکی از دیگر از موسسین این مذهب بود، ایرانی نژاد و اهل بخارا بود. در اواخر سال ۴۰۷ ق به مصر رفت و به خدمت حاکم فاطمی رسید. گویند حاکم او را برای نشر دعوت خویش به شام فرستاد و وی در شام کشته شد. ولی به موجب روایات دروزیه، وی در اواخر عمر از حاکم برگشت و با او به دشمنی برخاست و در نتیجه، حمزه به عنوان یگانه فرستاده و داعی حاکم مورد متابعت دروزیه واقع شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ و عقاید اسماعیلیه (۲۲۹ -۲۲۷) دایرۀالمعارف فارسی (۹۶۸/۱).

درکانی، جلال

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. وی در درکان، روستایی از جوشقان اصفهان، متولد شد. خواجه جلال فن نظم را از ظهیرالدین فاریابی آموخت و مداح سلاطین اتابکیه شد. وی از شاعران مقرب قزل ارسلان و در شعرشناسی و خوش صحبتی مشهور زمان خود بود. همچنین در صنعت انشاء و تحریر عبارات نیز استاد بود. مدتی در تبریز ساکن شد و از آنجا به خراسان رفت و در آنجا از مریدان شیخ نجم‌الدین اکبری شد و در وادی سیر و سلوک قدم نهاد. وی بعد از مراجعت به عراق در آن سامان درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۲۹ -۹۲۸ /۳)، تذکره‌ی روز روشن (۱۷۴)، الذریعه (۱۹۹/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۱۵)، لغت‌نامه (ذیل/ جلال درکانی).

درکه‌ای، عزیزاللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید عزیزاللّه حسینی درکه‌ای ابن السید حسین تهرانی عالمی متقی و زاهدی پارسا بود.

وی در درکه دو فرسخی تهران متولد شده و در اوائل در مدرسه پامنار بتحصیل پرداخته و در حدود سال ۱۳۱۶ ق مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مرحوم علامه خراسانی و علامه حاج سید محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی و میرزا محمد تقی شیرازی استفاده نموده و بدرجه سامیه علم رسیده و در نزد اساتید گرامش به مقامی عالی ارتقاء یافته و بامر مرحوم آیت‌اللّه مجاهد میرزا محمد تقی شیرازی در سال ۱۳۳۶ ق به تهران مراجعت و قیام بوظائف دینی از اقامه جماعت و خدمات دیگر روحی نموده و یکی از زعماء روحانیت تهران گردیده و در مسجد (چهارسوق بزرگ) بازار بوظائف شرعی از اقامه جماعت و غیره پرداخته تا در روز بیست و پنجم محرم الحرام ۱۳۷۰ ق که روز شهادت حضرت سجاد علیه‌السلام است وفات نموده و با تشییع کم‌نظیری حمل به نجف اشرف گردیده و در آنجا با احترامات عجیب در یکی از حجرات صحن شریف علوی بخاک رفته است.

علامه تهرانی صاحب الذریعه درباره وی گوید: (صار رئیسا مبجلا و زعیما مطاعا له نفوذه و کان من رجال اللّه الابدال و الاتقیاء الصالحین البرره منذ شبابه و اوائل عمره و نمت ملکاته النفیسه فی النجف علی ید الاوتادین من عمد الشریعه و ارکان الدین و الخلق

والورع.

دارای دو فرزند روحانی بودند که ذیلاً یاد می گردند:

۱- حجهٔالاسلام والمسلمین مرحوم حاج سید حسین درکه‌ای از علماء ابرار معاصر ما بودند در تهران و در مسجد چهارسوق بجای مرحوم والدش به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال داشتند. عالمی بود متین و مانند والدش متقی و عابد و دارای مقام فضل و تقوا و موصوف بورع و قدس و مورد توجه مردم تهران بخصوص تجار و اصناف بازار بودند.

وی از سال ۱۳۷۰ ق که والدش رحلت نمود بجای ایشان بوظائف دینی پرداخته تا سال ۱۳۹۵ ق که بدرود حیات گفته و به آباء گرامش ملحق گردید.

۲- ثقهالاسلام آقای حاج سید حسن درکه‌ای که سالها در رشته تبلیغات دینی اشتغال و از طریق منبر ترویج می‌نمودند و بعد از فوت مرحوم برادرش به اصرار مردم متدین بجای آن مرحوم اقامه جماعت می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

درکی قمی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۶۳ ق)، شاعر. در قم متولد شد پس از فرگیری علوم رسمی، در آغاز به هندوستان رفت و مدتی در حیدرآباد تحت تربیت امیر محمد مومن استرآبادی قرار گرفت و پس از مدتی به قم مراجعت کرد و دوباره به هندوستان رفت. در زمان تالیف «تذکره‌ی خیر البیان» در بیجاپور به سر می‌برده است. درکی در بازگشت از دکن چندی در هرات به سر برد و در آنجا مدتی شاگرد حسنخان شاملو بیگلر بیگی خراسان بود. سرانجا به زادگاهش بازگشت و همان جا درگذشت از آثار وی: «دیوان» اشعار، قریب بیست هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۲۵۰ -۱۲۴۸ /۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۶۷)، الذریعه (۳۲۲ -۳۲۱ /۹)، کاروان هند (۴۱۲ -۴۰۶ /۱).

درگاهی نوبری، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آمار، دانشکده: علوم، دانشگاه: علم و صنعت ایران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

درگاهی، میثم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میثم درگاهی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۳/۱/۱

زندگینامه علمی

این حقیر در سال ۱۳۷۷ وارد حوزه علمیه واقع در خ شهید رجایی(جامعه علمیه امیر المومنین) شدم. دروس مقدمات را در همان مدرسه با اساتید مجربی همچون محمد حسین کبیریان، شیخ محمد رضا کرباسی به پایان رساندم.در سال ۱۳۸۰ به علت علاقه وافر و زیادی که به قرآن داشتم مشغول به حفظ قرآن کریم شدم و یک سال درس های حوزه را رها کرده و فقط مشغول حفظ قرآن و مفاهیم و مفردات قرآن شدم و به حول و قوه الهی در سال ۱۳۸۱ قرآن را به پایان رساندم. درسال ۱۳۸۲ به توفیق تلبس لباس مقدس روحانیت شدم و از آن سال تا به حال مشغول به تبلیغ در سازمانهای راه آهن، آتش نشانی، ایران خودرو و در مساجد شدم، در سال ۱۳۸۴ به قم آمدم و ادامه تحصیل را در قم مشغول هستم.

درگزی، صید علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۲ -۱۲۷۲ ق)، ادیب و شاعر. از طایفه‌ی چاپشلو از خوانین و از فضلاء و ادباء و از نسابه‌های معروف خراسان بود. وی مدتها نزد میراز مهدی گیلانی متخلص به خدیو تلمذ کرد و فنون ادب را از وی آموخت. از شاگردان خان مزبور عبدالجواد معروف به ادیب نیشابوری بوده و تا زمانی که صید علی‌خان زنده بود نامبرده فوق‌العاده مورد تکریم و احترام ادیب می‌بود. وی از معاصران ملک‌الشعراء بهار، صدرالاطباء و سلطان العلماء بوده است و تنها کسی است که بوسیله‌ی ادیب نیشابوری سبک فصحای قدیم را احیا نمود و از این حیث از شخصیتهای بزرگ ادب معاصر ایران است. وی حافظه‌ای نیرومند داشت بطوری که پنجاه هزار بیت اشعار فارسی و عربی و ترکی در حفظ داشت و بهتر از هر کس به سبک خراسانی آشنا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۱۲۳ / ۶)، صد سال شعر خراسان (۳۶۸ -۳۶۵).

درگزینی، باقر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از کدخدایان روستاهای درجزین بود. وی از همدان به اصفهان رفت و مدتی در آن دیار به سر برد. محمد باقر نجابت و حسن سلوک و شرمی به کمال داشت، ولی زندگانی به عسرت می‌گذرانید. لاجرم بار سفر به هندوستان بست و در آن کشور وضع زندگیش بهبود یافت و از فقر و فاقه رهایی یافت. باقر طبعی روان داشت و اشعاری نیک می‌سرود. از اوست:

در ریختن خون، مژه‌ات سخت دلیر است

آهوی سیه مست ترا، پنجه‌ی شیر است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۳۳ -۲۳۲ /۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۲۶ -۳۲۵)، الذریعه (۱۲۰/۹)، شام غریبان (۵۰)، صبح گلشن (۵۱)، کاروان هند (۱۴۱/۱)، مخزن الغرائب (۳۶۸ -۳۶۷ /۱).

دروازه‌ای تبریزی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابراهیم تبریزی مشهور به (دروازه‌ای) ابن المرحوم آیت‌اللّه العلامه السید مهدی قدس سرهما از مشاهیر و بزرگان علماء تبریز بوده که در زهد و جلالت شان و مکارم اخلاق و کرم اعراق نادره دوران و از لحاظ علم و قدرت و حلاوت بیان و تربیت صدها تن افراد فاضل و دانشمند مشار الیه بالبنان و در حسن اخلاق و معاشرت و سلوک و رفتار فایق بر اقران.

معظم له در ۱۳۱۳ ق در یکی از بیوتات سیادت و علم و روحانیت متولد و بعد از فراگرفتن مقدمات علمی در جلسات درس مشاهیر علماء تبریز از جمله مرحوم والدش آیت‌اللّه حاج سید محمد مولانا شرکت نموده سپس مدتها در حوزه درس بزرگان فقهاء و دانشمندان اسلامی تبریز از جمله مرحوم علامه بزرگوار و فقیه عالیقدر آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالحسن انگجی حاضر و به دریافت مدرک کتبی اجتهاد از معظم له نائل بعدا مجتهدا به نجف اشرف عزیمت نموده و در حوزه‌های علمی و درسی بزرگان فقهاء از جمله مرحوم آیت‌اللّه علامه کمپانی اصفهانی و علامه آقا ضیاءالدین عراقی شرکت نموده ولی به جهت فوت والدش و استدعا اهالی تبریز نتوانسته زیاد در نجف بماند لذا به وطن مراجعت و مشغول خدمات دینی و تدریس در قسمتهای مختلفه علمی مانند ادبیات و تفسیر و کلام و فقه و اصول بوده است.

مرحوم دروازه‌ای علاوه بر مهارت در رشته‌های فقه و اصول در ادبیات عربی نیز ید طولائی داشته و تدریس کتابهای معروف ادبی مانند مغنی و مطول و مقامات حریری را از حفظ می‌خواند و از اشعار و کلمات بزرگان این فن به قدری استادانه استشهاد می‌کرد و تمثل می‌جست که شنونده را به اعجاب و تحیر وامی‌داشت.

وی در حلاوت بیان و قدرت و شیوائی منطق اعجوبه دهر بود در جلسه تفسیر افاضل و اهل علم شرکت می‌کردند و هم افراد عامی و تحصیل نکرده و عجب است که مطالب متنوع تفسیر را طوری القا می‌نمود که همه استفاده می‌کردند و از خرمن علمش خوشه‌چینی می‌نمودند.

از آن مرحوم نوشته‌جات زیادی در رشته‌های مختلف علمی به یادگار مانده که متأسفانه تا حال اقدام به طبع و نشر آن نشده از جمله حواشی بر لمعتین مرحوم شهید و حاشیه مکاسب و حواشی بر مغنی و مطول والتفسیر الوجیز و اللطائف الادبیه و تحفهٔ الاخیار فی علائم آخر الاعصار و رساله فی الصلوهٔ (که کتابی است عربی علمی و استدلالی) و دیوان شعر عربی.

آن مرحوم در اواخر عمر به جهت کسالت مزاج و ابتلاء به مرض قلب و اعصاب به قصد معالجه به تهران مهاجرت نمود ولکن معالجه‌ها مؤثر واقع نگردید بالاخره نهم ماه رجب ۱۳۸۱ ق با یک سکته قلبی دعوت حق را لبیک گفته و جنازه‌اش را با تشییع و تجلیل کم‌نظیر حمل به قم و در مقبره اتفاق در قبرستان نو به خاک سپردند و مجالس عدیده در قم و تهران و تبریز از طرف مراجع و علماء برای بزرگداشت ایشان برقرار شده و شعراء اشعار نغز و جالبی در سوکش سرودند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

درود آبادی همدانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۳ –۱۲۸۰ ق)، عالم دینی. وی پس از تحصیلات مقدماتی به نجف اشرف مهاجرت نموده و درس ملا حسینقلی همدانی را در آنجا درک نمود. سپس به موطن خود بازگشت. از آثارش: «در المنضود فی اجوبه مسائل الیهود»؛ «شرح اسماء الحسنی»، عربی؛ «الشموس الطالعه فی مشارق زیارت الجامعه»، عربی.[۱]

سید حسین بن سید محمدتقی درودآبادی همدانی متوفی ۱۳۴۴ عالمی جلیل و فقیهی فاضل و اخلاقی کامل از شاگردان میرزا بزرگ شیرازی در سامره و میرزا حبیب‌اللّه رشتی و آخوند ملا حسینقلی همدانی و میرزا حسین خلیلی در نجف اشرف و داماد عالمه سید محمدشاه عبدالعظیمی و دارای مقامات معنوی و سیر و سلوکم و حسن باطن و تقوا و صلاح بوده و در حدود ۱۳۱۹ ق به همدان مراجعت و به خدمات دینی و وظائف شرعی پرداخته تا در سال ۱۳۴۴ ق وفات و در مقبره شخصی مدفون شده است.

آثار و تألیفات او از این قرار است ۱– تنبیه الراقدین و جمال الوافدین در اخلاق ۲– ملخص الاصول ۳– الشموس الطالعه در شرح زیاره الجامعه ۴– القسطاس المستقیم ۵– الرد علی التثلیث ۶– الدر المنضود ۷– التحفه الرضویه ۸– تفسیر القرآن ناتمام ۸– شرح اسماء الحسنی وی دارای دو فرزند دانشمندان به نام آقا سید فخرالدین و آقا سید ابوالفضل عارفی بوده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۸۹/۱۳، ۷۸/۸)، مؤلفین کتب چاپی (۷۱۳/۲).

درودی سبزواری، محمدابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدابراهیم بن میرزا معصوم بن ابراهیم بن معصوم العلوی درودی سبزواری عالمی جلیل و متقی در ۸ ماه رجب ۱۲۸۲ ق متولد و مهاجرت به نجف و از علامتین خراسانی و یزدی و خلیلی تهرانی و شیخ محمدتقی کاظمینی (آل اسداللّه) استفاده کرده و به سبزوار مراجعت و در سن ۷۴ سالگی در سال ۱۳۶۶ ق وفات و در نزدیکی قبر امامزاده یحیی سبزوار مدفون شده است.

فرزند فاضلش آقا سید محمد مهدی در اوان شباب در سال ۱۳۵۰ قمری وفات نموده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

درودی، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجتبی درودی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب دوران تحصیلات دبستان ، متوسطه و دبیرستان (در نظام قدیم آموزش و پرورش) را در طول یازده سال در تهران گذراندم و در سال ۱۳۵۶ در رشته ریاضی از دبیرستان جاویدان فارغ التحصیل شدم ، سپس به جهت علاقه به رشته نقشه کشی در دوره شبانه دانشکده هنرهای زیبا به طور آزاد ، دوره مقدّماتی نقشه کشی را پشت سر گذاشته و به خاطر جو فرهنگی نامساعد دانشکده از گذراندن دوره پیشرفته آن منصرف گردیدم و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ به حوزه علمیّه مقدّسه قم برای فراگیری علوم دینی آمدم و پس از فرا گرفتن برخی از دروس مقدّماتی مانند جامع المقدّمات و ... پس از چند ماه به حوزه ملا جعفر معروف به مجتهدی تهران بازگشتم و پس از اتمام برخی از دروس از قبیل کتاب سیوطی، مجددا با شکل گیری شورای مدیریت حوزه علمیّه قم در سال ۶۱ ـ ۶۰ به مدرسه رضویه قم برای ادامه تحصیل رفتم و بقیه دروس دوره ادبیّات عرب را که شامل کتاب منطق ، حاشیه و کتاب مختصر با استاد موسوی گرگانی و کتاب مغنی را با استاد طالقانی به پایان رساندم و کتاب معالم را با استاد سیّد احمد خاتمی در آن مدرسه خواندم سپس در حوزه عمومی قم، کتاب قوانین و بخشی از کتاب لمعه را با آیت الله راستی کاشانی و الباقی لمعه را با مرحوم استاد محامی و آیت الله اشتهاردی و نیز کتاب اصول فقه ۱ و ۲ را با استاد سید احمد خاتمی و کتاب رسائل را با استاد اعتمادی و کتاب های مکاسب محرمه و بیع و خیارات را با اساتید محترم صلواتی و مرحوم پایانی و کتاب کفایتین را با اساتید مرحوم ملا صالح مازندرانی و پایانی خواندم. سپس از سال ۷۰ ـ ۶۹ به درس خارج برخی از آیات مانند مرحوم

مصطفی نوراللهی، مکارم شیرازی ، فاضل لنکرانی ، شیخ جواد تبریزی ، جوادی آملی و استاد گنجی رفتم. در همین سال دروس عمومی مؤسسه در راه حق را آغاز کردم و در سال دوم آن همزمان به عنوان محقق به مرکز تحقیقاتی اسلامی در سپاه راه یافتم. سپس در مدیریت کمک آموزشی آن هم به عنوان دبیر هیات تحریریه سرویس عقیدتی برخی از مجلات سپاه (امید انقلاب ، پیام انقلاب و آشنا) که حدودا "تا سال ۷۲ ـ ۷۱ همکاری کردم. و مقالات گوناگونی در زمینه های فرهنگی اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی نوشتم. در سال ۷۱ـ ۷۰ با آغاز رشته آموزشی گروه مدیریت در بنیاد تخصصی باقر العلوم زیر نظر آیت الله مصباح یزدی حفظه الله پس از آزمون کتبی و مصاحبه مشغول به تحصیل گردیده و در سال ۷۷ با نگارش پایان نامه علمی، دوره کارشناسی ارشد پیوسته رشته معارف و مدیریت دولتی را به اتمام رساندم.

درویش احمد

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، خطاط. از آثار وی: یک لوحه ریحان و ثلث شش دانگ و نسخ و رقاع دو دانگ عالی، با رقم: «کتبه الفقیر السید درویش احمد غفر ذنوبه و ستر عیوبه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۲۴/۴).

درویش اراکی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر. اثر وی «نصایح درویش» به شعر است که در تهران به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۲۲/۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵۶/۱).

درویش اصفهانی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، شاعر، متخلص به درویش. وی از اهالی چهارمحال بود. با عمان و دهقان سامانی معاشر و مانوس بود. اشعار وی عموما از بین رفته است. از اوست:

ندانم آن بت عابد فریب زاهد کیش

ز خون کیست که رنگین نموده پنجه‌ی خویش

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۹۵ -۱۹۴).

درویش برهان، علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، عالم امامی. از دانشمندان بزرگ دین در قرن دهم هجری است و از آثار اوست: «بحر المناقب»، در فضایل امیرالمومنین (ع)، به عربی و مختصر آن «در بحر المناقب»، به فارسی، که بعد از ۹۱۱ ق و قبل از ۹۷۱ ق تالیف و اختصار شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۲۱۸/۲)، الذریعه (۴۹ -۴۸ /۳)، ریاض العلماء (۳۲۵/۳).

درویش بیگ، علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. در «مجالس النفایس» آمده که: «جوانی است به حسب و نسب آراسته و طبعش به حلیه نظم و خوبی

پیراسته».این مطلع از اوست:

ببین به قبر فقیری که کشته‌ی ستم است

کز آتش دل و از ناوک تواش علم است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۲۲/۹)، مجالس النفائس (۵۴).

درویش تربتی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. سام میرزا می‌نویسد که «از تربت خراسان است، تخلص به اطوارش مناسب؛ در طلب علم اندکی سعی کرده و گاهی مثل این ابیات در سبک نظم می‌آورد.

تا از رخ چو ماه گشودی نقاب را

تابی نماند پیش رخت آفتاب را،...»

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه‌ی سامی (۲۵۶)، الذریعه (۳۲۲/۹).

درویش چاچی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از آثار وی: منظومه «مذاهب» است که در شناخت ملل و نحل است که به سال ۹۲۷ ق سروده است. منظومه «مذاهب» دیباچه‌ای به نثر دارد که نام سراینده و کتاب و تاریخ سرودن در آن ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :منظومه‌های فارسی (۲۶۵).

درویش خراسانی، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، نقاش و شاعر. در «تذکره‌ی مجالس النفائس» آمده: «از خراسان است و برادر محمد مومن میرزا، اول رنگ و روغن‌کاری می‌کرد، چون به ملازمت استاد بهزاد رسید، عشق تصویر و نقاشی پیدا کرد. و استاد نیز به تربیت او مشغول شد، و در اندک فرصتی کامل شد، طبع نیک دارد.» از اوست:

کجا مجنون چو من در عشق درد و محنتی دارد

که او از عاشقی چیزی که دارد، شهرتی دارد

تنها اثر رقم‌دار وی، تصویر دو رزم‌آور جنگی در کمال استواری و استادی است که به خط نستعلیق رقم نهاده: «عمل استاد درویش محمد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۴۵۰ -۱۴۴۹ /۳ ،۱۷۲ -۱۷۱ /۱)، تذکره‌ی روز روشن (۲۶۰ -۲۵۹)، الذریعه (۳۲۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۳۷)، مجالس النفائس (۱۵۴).

درویش خلیلی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. از آثار وی: «تحفه العشاق» که یک مثنوی عرفانی در وزن «مثنوی معنوی» است که به الهام مولانا جلال‌الدین سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :منظومه‌های فارسی (۲۶۶ -۲۶۵).

درویش خوانساری، احمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از شعرای عصر صفویه بود و با آقا حسینی خوانساری هم عصر و مردی بغایت وارسته و بتمام معنی زاهد بود. وی بیشتر عمر خود را در سیاحت و مسافرت بود و بیشتر ایام در اصفهان اقامت داشت. از او است:

عارف که به حق شد آشنا، می‌ترسد

بیگانه‌ی جاهل از کجا می‌ترسد

هرکس که به پادشاه نزدیکتر است

البته که بیشتر زما می‌ترسد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای خوانسار (۳۸۱) ،(۵۲)، الذریعه (۳۲۲/۹)، صبح گلشن (۱۶۴).

درویش دهکی قزوینی، عزیزاللّه

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۸۶۱ ق)، شاعر. اصل وی از محله‌ی دهک قزوین بود. در روزگار سلطان میرزا حسین بایقرا به هرات رفت و در آن شهر با امیرعلیشیر و جامی محشور بود. عزیزاللّه مردی وارسته و به دور از تعلقات دینوی و از راه جولاهگی و خشت مالی روزگار می‌گذرانید و در سرودن غزل توانا بود. از وی «دیوان» اشعاری به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۶۶ -۱۱۵۹ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۴۴۰)، تحفه‌ی سامی(۱۸۷ -۱۸۶)، حبیب السیر (۶۱۱ -۶۱۰ /۴)، الذریعه (۳۲۳/۹)، طرائق الحقائق (۱۳۳ -۱۳۲ /۳)، فرهنگ سخنوران (۳۳۸)، مجالس النفائس (۲۹۳ -۲۹۰)، مینودر (۵۲۲ -۵۲۰ /۲، ۴۴۹)، هفت اقلیم (۱۶۹ -۱۶۸ /۳).

درویش زاده، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر علی درویش زاده درسال ۱۳۱۴ درانزلی متولد شد. وی پس از دریافت دیپلم طبیعی در بندر انزلی درسال ۱۳۳۴، وی درسال ۱۳۳۷لیسانس، و در ۱۳۴۰ فوق لیسانس زمین شناسی از دانشگاه تهران و درسال ۱۳۵۰ دکتری تخصصی پترولوژی را از دانشگاه کلرومون فرانسه گرفت و پس از بازگشت عضو هیئت علمی دانشگاه تهران شد. درسالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۴ به مدارج دانشیاری و استادی دست یافت. و عضو پیوسته فرهنگستان علوم و چهره ماندگار درعرصه زمین شناسی است.کتابهای" اصول آتشفشان شناسی "و" پترولوژی تجربی و کاربردهای آن"دکتر درویش زاده در دورهای اول و هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شده اند.گروه : علوم پایهرشته : زمین شناسیگرایش : پترولوژی تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی درویش زاده پس از اخذ دیپلم طبیعی در زادگاه خود بندر انزلی درسال ۱۳۳۴، وارد دانشگاه تهران شد. و درسال ۱۳۳۷ پس از اخذ لیسانس زمین شناسی، تا اخذ مدرک فوق لیسانس در ۱۳۴۰ه.ش ادامه تحصیل داد .وی سپس به فرانسه رفت و درسال ۱۳۵۰ با مدرک دکتری تخصصی پترولوژی به ایران بازگشت.خاطرات و وقایع تحصیل : اقامت و تحصیل علی درویش زاده درکشور فرانسه بین سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ ، و اخذ مدرک دکترای زمین شناسی از وقایع مهم زندگی علمی علی درویش زاده به شمار است.فعالیتهای ضمن تحصیل : علی درویش زاده پس از اخذ لیسانس زمین شناسی از دانشگاه تهران درسال ۱۳۳۷، در آزمایشگاه زمین شناسی دانشکده علوم دانشگاه تهرا شروع به اشتغال کرد و به مطالعه و تحقیق پیرامون موضوعاتی چون زمین شناسی، پترولوژی پرداخت.وقایع میانسالی : علی درویش زاده پس از فراغت از تحصیل و بازگشت از فرانسه درسال ۱۳۵۰، به عضویت هئیت علمی گروه زمین شناسی دانشگاه تهران در آمد. وی درسالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۴ به مقام دانشیاری و استادی دانشگاه تهران رسیدو علاوه بر تصدی مسئولیتهای اجرایی و علمی، عضو پیوسته فرهنگستان و استاد نمونه سال۱۳۷۲ نیز شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عضو هئیت علمی گروه زمین شناسی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۰ دانشیار گروه زمین شناسی دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۵ استاد گروه زمین شناسی دانشگاه تهران درسال ۱۳۶۴با نظارت بر ۲۵ پایان نامه دکترا و کارشناسی ارشد پذیرش مسئولیتهای علمی و اجرایی در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی فعالیتهای آموزشی : علی درویش زاده از سال ۱۳۵۰ پس از بازگشت از فرانسه، عضو هئیت علمی گروه زمین شناسی دانشگاه تهران شد. وی درسالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۴ به مقام دانشیاری و استادی رسید.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علی درویش زاده علاوه برتدریس و رسیدگی به امور اجرایی مربوط به مسئولیتهای خویش، به تحقیق و تالیف آثار قابل توجهی دررشته زمین شناسی می پردازد.آرا و گرایشهای خاص : علی درویش زاده بیشتر به شناخت انواع جنس سنگها متمایل است و تحقیقاتی و آثاری دراین زمینه در حوزه زمین شناسی تالیف نموده است.جوائز و نشانها : علی درویش زاده علاوه بر مقام استاد نمونه دانشگاههای کشور در سال ۱۳۷۲، درسال ۱۳۸۰ در نخستین

همایش چهره های ماندگار به عنوان چهره ماندگار در عرصه علم زمین شناسی معرفی و برگزیده شده اند.کتابهای" اصول آتشفشان شناسی " و" پترولوژی تجربی و کاربردهای آن"دکتر درویش زاده در دورهای اول و هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شده اند.چگونگی عرضه آثار : علی درویش زاده تاکنون ۱۶ مقاله از ایشان در مجلات داخلی و خارجی چاپ شده و علاوه بر کتاب اصول آتشفشان شناسی که جزء بهترین کتاب های سال تشخیص داده شد ۵ کتاب تألیف و یا ترجمه به تنهائی یا با همکاری دیگران تدوین نموده است.

آثار : ۱ اصول آتشفشان شناسی ویژگی اثر : برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دوره اول-امروز در حدود ۴۰۰ آتشفشان در سطح زمین به فعالیت مشغولند. شناسائی ترکیب مواد مذاب و طرز تشکیل آنها، نحوه فعالیت آتشفشانها، موادی که از آتشفشان ها خارج میشود و رابط بین آتشفشانها و ساختمان زمین شناسی منطقه، بالاخره نحوه پراکندگی وعلل آتشفشانی بحث اصلی این کتاب را شامل می باشد که مؤلف با ذکر دلیل، سعی در بیان چگونگی پدیده ها داشته نه توصیف محض حوادث. در فصول آخر کتاب نیز از خطرات آتشفشانها و پیشگیری از حوادث احتمالی آنها و رده بندی سنگهای آتشفشانی در ایران بحث گردیده است. در جلد دوم این کتاب راجع به مورفولوژی آتشفشانها، «منشاء مواد مذاب آتشفشانها»، «نحوه فعالیت آتشفشانهای مختلف»، خلاصه اجمالی درباره سری سنگهای آتشفشانی و انواع مواد آتشفشانی (گاز، مایع، جامد)، «رابطه آتشفشانی ها با کوهزائی ها» چگونگی و علل آتشفشانی ها در رابطه با پلیت تکتونیک مطالب جدید و ارزنده ای ارائه گردیده است و در همین فصل از نقش آتشفشانها در ساختمان پوسته زمین به نکاتی اشاره می شود که بنظر کافی نمی آید. بالاخره فصل آخر کتاب درباره آتشفشانی در ایران است. مآخذ و منابع کتاب د ر۷ صفحه تنظیم شده است. خواننده به آسانی در می یابد که بسیاری از منابع مذکور جدید و بعبارتی در زمان چاپ کتاب از آخرین منابع موجود بوده و در کتاب هم بنحو مطلوبی از آنها استفاده شده است ۲ بلور شناسی هندی ۳ پترولوژی آذرین ۴ پترولوژی تجربی و کاربردهای آن ویژگی اثر : این کتاب در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «پترولوژی تجربی و کاربردهای آن»: این کتاب در هفت فصل تدوین یافته که سه فصل اول آن به مقدمات پترولوژی تجربی، ساتفاده از قوانین ترمودینامیک و فاز دیاگرامها و سیستمهای شیمیایی مختلف «کانی» اختصاص دارد، در سایر فصلها از کاربردهای پترولوژی تجربی در ساختمان زمین، ژنزماگما، فرایندهای دگرگونی و تشکیل کانسارها بحث شده است. ۵ تالیف کتب درسی برای دبیرستانها و مقالات علمی فراوان وحضور در سمینار های علمی و تخصصی بین المللی ۶ زمین شناسی ۷ سنگ شناسی دگرگونی ۸ کانی شناسی ۹ کانی ها و سنگ ها ۱۰ ماگما ها و سنگ های ماگمایی ۱۱ مبانی زمین شناسی ۱۲ مبانی شناسی ۱۳ ناآرامی های زمین

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

درویش سرخسی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر، متخلص به درویش. از اهالی سرخس بود و با این که مردی عامی و بی‌سواد بود، ولی طبعی موزن داشت و اشعار مطبوعی می‌سرود. از او است:

کشم به دیده و دل نقش ابروان ترا

ببین به چشم که چون می‌کشم کمان ترا

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۵۹)، الذریعه (۳۲۳/۹)، مجالس النفایس (۱۶۸).

درویش سمرقندی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، خطاط. از خوشنویسان گمنام بود. از آثار وی قطعه‌ای در کتابخانه‌ی سلطنتی موجود است، به قلم سه دانگ خوش و با رقم: «فقیر محمد درویش السمرقندی غفر ذنوبه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۱۶/۳).

درویش شمس کاتب

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک قطعه ثلث دو دانگ جلی عالی و نسخ و رقاع کتابت جلی خوش، با رقم: «مشقه درویش شمس الکاتب فی حجه ۱۰۲۸ من هجریه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۸۵/۴).

درویش صفت، علی اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اصغر درویش‌صفت سال ۱۳۳۲ در چالوس به دنیا آمد.ایشان دارای دکتری رشته «سنجش از دور» از انستیتو جغرافیا دانشگاه زوریخ سویس (در سال ۱۳۷۳) می باشد.دکتر درویش صفت از سال ۱۳۶۴ از اعضای فعال هیات‌های علمی دانشگاهی بوده است. وی از سال ۱۳۸۰ به عنوان دانشیار دانشگاه تهران فعالیت های خود را ادامه داده است. کتاب"اطلس مناطق حفاظت شده ایران" تالیف علی اصغر درویش صفت ، در سال ۱۳۸۶به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد برگزیده شد. گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاگرایش : سنجش از دورتحصیلات رسمی و حرفه ای : علی اصغر درویش صفت دیپلمش را سال ۱۳۵۰ در چالوس گرفت و در سال ۱۳۵۵ کارشناسی خود را در رشته منابع طبیعی از دانشگاه تهران و کارشناسی ارشد را در سال ۱۳۶۴ در رشته جنگل‌داری از همان دانشگاه اخذ کرد. وی در سال ۱۳۷۳ موفق به اخذ دکتری در رشته «سنجش از دور» از انستیتو جغرافیا دانشگاه زوریخ سویس شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر درویش صفت از سال ۱۳۶۴ از اعضای فعال هیات‌های علمی دانشگاهی بوده است. وی مسوولیت‌هایی را در زمینه فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی خود برعهده داشته که برخی از آن‌ها عبارتند از: کارشناس: ۱۳۶۴-۱۳۵۷، کارشناس جنگل در «جنگل آموزشی و پژوهشی دانشگاه تهران» عضویت در هیات علمی: از سال ۱۳۶۴ به عنوان مربی آموزشی، از سال ۱۳۷۳ به عنوان استادیار و از سال ۱۳۸۰ به عنوان دانشیار دانشگاه تهران زمینه‌های تخصصی آموزشی و پژوهشی: سنجش از دور و سامانه اطلاعات جغرافیایی فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی و پژوهشی علی اصغر درویش زاده به قرار زیر است: تدریس: دروس مرتبط با سنجش از دور و سامانه اطلاعات جغرافیایی برای رشته‌های منابع طبیعی، محیط زیست و کشاورزی پژوهش: اجرای شش طرح تحقیقاتی مصوب دانشگاه تهران و چهار طرح پژوهشی کاربردی در ارتباط با سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور فرصت مطالعاتی: طی دوره شش ماهه در سال ۱۳۷۸ در شاخه نوین سنجش از دور به نام سنجش از دور ابر طیفی در دانشگاه زوریخ کشور سوییس سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علی اصغر درویش صفت در کنار مطالعه کتب تخصصی به اشعار شاعران ایرانی مثل حافظ، سعدی و... علاقه دارد. جوائز و نشانها : دکتر درویش صفت جوایزی را برای فعالیت‌های خود دریافت کرده است. جوایز: - دریافت لوح تقدیر برای ارایه مقاله برتر در بخش فنی کنفرانس بین‌المللی سنجش از دور در کشور مالزی در سال ۲۰۰۵ - دریافت لوح تقدیر به مناسبت انتخاب اطلس مناطق حفاظت شده ایران به عنوان دومین اطلس برتر جهان در سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۶ از سوی انجمن بین‌المللی کارتوگرافی از بین تمامی کشورهای عضو (۸۶ کشور) و برای اولین بار در خاورمیانه - دریافت لوح تقدیر به مناسبت انتخاب اطلس مناطق حفاظت شده ایران به عنوان کتاب برتر دانشگاهی در جشنواره پژوهشی دانشگاه تهران، ۱۳۸۶ - دریافت پایه تشویقی در دانشگاه تهران به دلیل میزان فعالیت‌های پژوهشی در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۳ - اطلس مناطق حفاظت شده ایران در بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی نقشه و اطلس (۴-۱۰ August, ۲۰۰۷, Moseow) که از سوی انجمن بین‌المللی کارتوگرافی برگزار شد، به عنوان دومین اطلس برتر جهان انتخاب شد. -چگونگی عرضه آثار : راهنمایی رساله: راهنمایی سه رساله دکتری و نوزده رساله کارشناسی ارشد مقاله: ارایه بیش از پانزده مقاله در مجلات علمی و پژوهشی بین‌المللی و همچنین بیش از سی مقاله در کنفرانس‌های داخلی و خارجی آثار : ۱ اطلس مناطق حفاظت شده ایران ویژگی اثر : از انتشارات دانشگاه تهران با همکاری سازمان حفاظت محیط زیست ایران .این کتاب در سال ۱۳۸۶ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.۲ کتاب ارزیابی و برنامه‌ریزی محیط زیست با سامانه اطلاعات جغرافیایی ویژگی اثر : از انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۰ (به اتفاق آقای دکتر مجید مخدوم)

درویش عبدالمجید

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۸۵ -۱۱۵۰ ق)، خطاط و شاعر. متخلص به مجید و خموش. وی از مردم طالقان قزوین بود. در آغاز جوانی به اصفهان آمد و معلومات خود را در آنجا تکمیل کرد و سرآمد هنرمندان فن خط شد. او از معاصران لطفعلی آذر بیگدلی بود. عبدالمجید برجسته‌ترین استاد خط شکسته نستعلیق است، همانطور که خط نستعلیق به دست میرعماد کمال یافت، خط شکسته را نیز درویش به حد اعلی رسانید. چنان که شش دانگ جلی را چون کتابت خفی و غبار، استوار و شیرین می‌نوشت. وی علاوه بر شکسته نستعلیق، خط نستعلیق و شکسته تعلیق را نیز خوش می‌نوشت. او در سرودن شعر نیز توانا بود و «دیوان» غزلیاتش در حدود هزار و پانصد بیت است. مهمترین شاگردان بی‌واسطه‌ی او میرزا کوچک اصفهانی، فضلعلی بیک دنبلی و خواجه ابوالحسن فسایی می‌باشند. درویش عبدالمجید در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد، روبروی تکیه میرفندرسکی دفن شد. از آثار وی: مرقع (۴۰ رقعه) شکسته‌ی نیم

دو دانگ و کتابت خفی و غبار ممتاز، با رقمهای: «... سنه‌ی ۱۱۷۹ و در دارالسلطنه‌ی اصفهان... بنده‌ی باخلاص عبدالمجید» و «... تحریر شد العبد المجید ۱۱۸۲» و «... حرره العبد الاقل عبدالمجید فقیر تاریخ ۱۱۸۴ در دارالسلطنه‌ی اصفهان» و «نقل از خط استادی شفیعا نمود بنده‌ی کمترین عبدالمجید درویش سنه ۱۱۷۳». «... بتاریخ ۱۱۸۴ مسوده نموده عبدالمجید فقیر» و... از گرانبهاترین آثار وی، جز مقطعات و مرقعات متعدد، نسخه‌ی «کلیات» سعدی است که در کتابخانه‌ی سلطنتی مضبوط می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۴۵)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۶۴ -۱۲۶۲ /۴، ۴۱۴ /۲)، اطلس خط (۶۲۱ -۶۱۸)، پیدایش خط و خطاطان (۱۲۷ -۱۲۶)، تاریخ اصفهان (۱۳۴ -۱۳۱)، تاریخ هنرهای ملی (۹۳۰ -۹۲۷ /۲)، تذکره‌ی روز روشن (۷۱۷ -۷۱۶، ۲۵۹)، تذکره القبور (۳۱۹)، الذریعه (۶۹۸، ۳۲۴، ۳۲۳ /۹)، ریحانه (۲۱۹ -۲۱۸ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۵۴/۱)، سفینه المحمود (۳۰۳ - ۳۰۱ /۱)، شرح حال رجال (۳۰۱/۲)، صبح گلشن (۳۶۷)، طرائق الحقائق (۱۶۵/۳)، فرهنگ سخنوران (۳۳۹ -۳۳۸)، قزوین در گذرگاه هنر (۲۲۹)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۷۷ -۲۷۶)، لغت نامه (ذیل/ (درویش)، مجمع الفصحا (۹۳۲ -۹۳۱ /۵)، نتایج الافکار (۶۷۰ -۶۶۹)، نگارستان دارا (۲۵۱ -۲۵۰)، یغما (س ۳، ص ۴۸).

درویش عبدی بخارایی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۵۷ ق)، خطاط. در اصفهان به خدمت میرعماد رسید و از وی تعلیم خط گرفت. به مسافرت و سیاحت پرداخت و در دولت سلطان مراد خان چهارم، به خاک عثمانی رفت و در استانبول به خدمت او رسید و مدتها معزز می‌زیست. وی به خواهش محمد پاشا صدراعظم، شاهنامه‌ای نوشت و در سفر عثمانی به سلک مشایخ طریقه‌ی مولویه درآمد. درویش عبدی اولین خوشنویسی است که خط نستعلیق ایرانی را در دولت عثمانی آورد. وی معاصر عبدالجبار اصفهانی بود و در استانبول درگذشت. از آثار وی: یک صفحه کتابت خوش، که چنین تمام می‌شود: «قد وقع الفراغ من کتابه کتاب المثنوی الشریف... درویش عبدی المولوی... سنه سته و عشرین و الف من الهجره النبویه»؛ هشت قطعه از دو مرقع، به قلمهای پنج دانگ تا کتابت خوش، با رقمهای: «فقیر درویش عبدی غفرله» و «للعبد الفقیر المذنب عبدی» و «المذنب عبدی غفرله» و «مشق فقیر عبدی» و «العبد الحقیر.. درویش عبدی غفرله سنه‌ی ۱۰۴۱»؛ یک مکتوب ترکی به سلطانم برهان‌الدین افندی، به قلم نستعلیق تحریر کتابت متوسط، با رقم: «من المخلص الداعی عبدی الخطاط»؛ یک مرقع یازده رقعه‌ای، به قلم دو دانگ متوسط، با رقم: «العبد المذنب الفقیر درویش عبدی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۲۴ -۴۲۳ /۲)، اطلس خط (۵۴۰ -۵۳۹)، پیدایش خط و خطان (۱۴۲ -۱۴۱)، تاریخ هنرهای ملی (۹۴۱ -۹۴۰ /۲)، تذکره الخطاطین (۵۰۹/۱)، تذکره القبور (۳۱۹)، خوشنویسان و هنرمندان (۴۳).

درویش عمر

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، خطاط. از آثار وی: مرقع ثلث سه دانگ و نسخ کتابت خفی عالی، با رقم: «مشقه اضعف لضعفا درویش عمر الجودی...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۶۷/۴).

درویش غیاث

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی برادر خواجه امیر بیک مهردار، گاهی در سرزمین عراق عرب بود به سر می‌برد و به امر وزارت اشتغال داشت. یک قطعه شعر از وی که در جواب شاعری که هجوی بود گفته است در تذکره تحفه‌ی سامی نقل شده است. وی برادر خواجه مظفر و نوه‌ی خواجه فخرالدین بتکچی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۹۳)، الذریعه (۳۲۳/۹).

درویش قاینی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، شاعر. از مردم قاین بوده که در اصفهان تحصیل علوم کرد. از اوست:

من و رقیب نشستیم هر دو بر سر راهت

به جانب که فند تا ز راه لطف نگاهت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۲۴/۹)، سفینه المحمود (۵۸۳ -۵۸۲ /۲)، مجمع الفصحا (۲۹۰/۴)، مصطبه خراب (۶۳).

درویش قربانعلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۱۶ ق)، خطاط. از آثار وی: یک قطعه از مرقع ثلث سه دانگ جلی خوش و نسخ کتابت جلی خوش و رقاع کتابت خفی متوسط، با رقم: «الاقل الداعی درویش قربان علی کوه‌سره... سنه ۱۲۱۶».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۶۷/۴).

درویش کاهن تبریزی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. در «تذکره‌ی نصرآبادی» آمده که «درویش کاهن تبریزی است اما در قزوین و شیراز بسیار بوده در لباس درویشی سیر عالم کرده مشربش وسیع». این شعر از او است:

در هر نفس که از دل آگاه می‌زنی

صیقل به روی آینه از آه می‌زنی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۲۳۴ -۲۳۳ /۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۰۹)، دانشمندان آذربایجان (۱۵۰ -۱۴۹)، سخنوران آذربایجان (۳۶۱).

درویش محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قرآن میشن عنابی مذهب ترکی- تزیینات ترکی، نسخ کتابت ترکی متوسط با رقم: «قد وقع الفراغ... فی شهر ذالقعده سوده لفقیر الحقیر درویش محمد بن یوسف من تلامیذ فضل اللّه افندی الامام جامع والده‌ی سلطان غفرله...» «سنهٔ ۱۰۹۶» در مجموعه‌ی مهدوی.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

درویش محمد کاتب

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از کاتبان گمنام بود. به خط وی یک نسخه «گلستان» سعدی در کتابخانه‌ی سلطنتی موجود است، به قلم نیم دو دانگ متوسط، با رقم: «تمام شد کتاب گلستان... سنه‌ی ۹۳۵ علی ید العبد الضعیف درویش محمد الکاتب غفراللّه ذنوبه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۸۷/۱).

درویش مشهدی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر وی از شاعران هجوگویی است که در اقسام شعر توانایی داشته و با مولف «مجالس النفائس» هم عصر بود است. از اوست:

الهی شیوه‌ی روزی کن این نفس سگ آسا را
که از درهای دونان بهر نان فارغ کند ما را
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (۳۲۴/۹)، مجالس النفائس (۶۳).

درویش مقصود تبریزی

قرن:۱۱
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم و یازدهم ق)، خطاط. از وی دو اثر مشاهده شده که فاصله‌ی بین تاریخ کتابت آنها بسیار است و احتمالا یکی از دو تاریخ تحریف شده است. این دو اثر بدین شرح است: دو قطعه مذهب ثلث نیم دو دانگ کتیبه‌ی عالی و نسخ و رقاع نیم دو دانگ جلی خوش، با رقم: «حسب الفرموده‌ی جناب سیادت مآب امیر زین‌الدین علی الصفوی سلمه‌اللّه تعالی فی الدارین نوشته شد. نمقه مقصود التبریزی فی شهور سنه ۹۸۰...»؛ یک قطعه مذهب ثلث چهار دانگ کتیبه عالی و نسخ کتابت جلی متوسط و رقاع نیم دو دانگ خوش، با رقم: «الفقیر درویش مقصود فی محروسه الفارس جهت توفیق آثاری نورالدین محمد نوشته شد تحریر فی ۱۰۹۸».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۶۷/۴).

درویش منصور سبزواری

قرن:۹
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، شاعر و صوفی. از شاعرن نامی هرات بود در تصوف شاگرد حافظ علی جامی. درویش منصور در علم عروض شاگرد مولانا یحیی سیبک فتاحی نیشابوری بود و امیرعلیشیر نوایی عروض را از وی فراگرفت قصیده مصنوع سلمان ساوجی را تتبع کرد با مطلع:
بس دویدم در هوای وصل یار
کس ندیدم آشنای اصل کار
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۳۵ -۳۳۴)، مجالس النفایس (۲۰۶).

درویش، جمشید

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم جانوری، دانشکده: علوم، دانشگاه: فردوسی مشهد
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

درویش، شماع، علی

قرن:۹
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، پزشک و شاعر، متخلص به درویش. وی از پزشکان ماهر و مسلم روزگار خود بود که علاوه بر طبابت شعر نیز می‌سرود و بیشتر در فن معما هنرنمایی می‌کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (۳۲۳/۹)، مجالس النفایس (۲۵۸ -۲۵۷، ۸۳).

درویش، محمد رئوف

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: استاد، رشته: شیمی آلی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد شیمی آلی از ایران، دکترای سیکل سوم و دکترای دولتی در رشته شیمی آلی از فرانسه.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده علوم دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شیمی آلی (سنتز و استرئوشیمی). ئیدروژناسیون ستونهای-

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

منابع زندگینامه :اتیلنی در مجاورت کاتالیزور نیکل به بنحوی که فقط اتصال اتیلنی هیدروژنه شده و عامل کربونیل بدون تغییر بماند، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شیمی آلی، استرئوشیمی، شیمی ترکیبات هتروسیکل، کاربرد طیف سنجی در شیمی آلی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۰

زمینه علمی مقالات:

شیمی آلی (سنتز و استرئوشیمی)

دره ای، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از کاتبان خوشنویس گمنام است. از آثار وی: یک نسخه «تیمور نامه‌ی» هاتفی، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «تمت الکتاب... سنه‌ی ست و سبعین و تسعمائه، در بلده‌ی قندهار صورت یافت، کتبه العبد المذنب شاه محمد دره‌یی...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۹۲/۲).

دری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند رجب علی اصلاً از اهالی جوشقان است، پدرش به قصبه در منتقل گردیده و صاحب عنوان در آنجا متولّد گردیده.

عالم فاضل، و فقیه جامع و حکیم زاهد بوده، در اصفهان تحصیل نموده تا به مقام اجتهاد رسیده، عمری به عزّت و قناعت و زهد گذرانیده، و تا اواخر عمر، لباس دهاتی خود را عوض ننموده و با کلاه بوده است، لکن در سالهای آخر عمر به اصرار جمعی از علما معمّم شده است.

در مدرسه نیم آورد تدریس و در مسجد نو بازار حجره داشته.

کتاب‌های چندی تألیف نموده است که از آن جمله است: ۱- یک دوره فقه استدلالی فارسی ۲- مناسک حج، عربی استدلالی و مفصّل.

در ربیع الاول سال ۱۳۳۶ وفات یافته، در تکیه ملک مدفون گردید.

مرحوم انصاری در تاریخ وفاتش گوید:

فقیه در حسن آن درّ یکتا

که زندی گفت بر ابر و به مرّیخ

صدف بشکست و جست و جابری گفت

(غیاب الکوکب الدرّی) به تاریخ

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دری، شیخ ضیاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۵ -۱۲۹۳ ق)، نویسنده و مدرس. در قریه در، واقع در شمال اصفهان، متولد شد. پس از اتمام دوره‌ی ابتدایی در سال ۱۳۰۹ ق جهت ادامه‌ی تحصیل به اصفهان مسافرت کرد؛ علوم متوسطه و مقدمات فنون عالیه و ریاضی را در آن جا به اتمام رساند. چون در میان علوم بیشتر به علوم عقلیه علاقه داشت در سال ۱۳۱۹ ق به تهران مسافرت کرد و نزد میرزا محمدحسن کرمانشاهانی تلمذ کرد. در تهران در گذشت جنازه‌اش را به عتبات منتقل کردند. از آثار وی: «اصول‌الدین استدلالی»؛ «اصول عقاید دین یا لمعات المسترشدین»؛ «تاریخ انبیاء اولوالعزم»؛ «تاریخ مختصر رجال عالم»؛ «تاریخ وهابیه»؛ «جبر و اختیار»؛ «نصاب مهذب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۱۴ -۲۱۳ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۰ -۵۶۶ /۳).

دری، فرج الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند شیخ عباس (عالم و فاضل و مجتهد بوده، و انواع خطوط را نیکو می‌نوشته) فرزند آقا صبور (شاعر و ادیب بوده، دیوان اشعاری دارد) فرزند محمد سعیدبن محمد زکی.

عالم فاضل محقق زاهد، از شاگردان آقا سید محمدباقر درچه‌ای و آخوند کاشی، و از مخصوصین و اصحاب سر ایشان بوده، ضمنا خدمت جانگیرخان قشقائی و جمعی دیگر از علمای اصفهان تحصیل نموده، سال‌ها در مدرسه‌ی عربها ساکن، و جمعی کثیر از طلاب در خدمت او مستفیض می‌شدند.

سرانجام در ۲۹ ربیع الاول سال ۱۳۸۲ به سن قریب نود سال وفات یافته، در تکیه‌ی حاج آقا باقر قزوینی که به تکیه‌ی خلیلیان معروف است مدفون گردید.

استاد جلال‌الدین همایی در تایخ وفات او قطعه‌ای سروده، از آن جمله است:

واحسرتا که کوکب دری افول کرد

در حالتی که نادره‌ی بی‌مثال بود

شیخ جلیل مافرج الله دری آنک

اندر زمانه قدوه‌ی ارباب حال بود

فرزانه طبع، شیخ پسندیده روزگار

آزاده خوی، مرد ستوده خصال بود

رفت از جهان و داشت به وقت فراق مرگ

حالی چنان که گفتی عید وصال بود

تاریخ را سنا به میان پا نهاد و گفت

دری ز مخزن علم و کمال بود

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

دریاب، باقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

باقر دریاب

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

ابتدای تحصیل اینجانب در نجف اشرف بود مرحوم والد ما حاج شیخ حسن اصفهانی رحمهٔ الله علیه که از شاگردان مرحوم آقا ضیاء عراقی و مرحوم آقای نائینی رحمه الله و در نجف از اوان مبارزات سکونت داشت. از۱۲ سالگی در سلک روحانیت در آمدم یعنی مشرف به پوشیدن لباس مقدس روحانیت شدم. مقدمات را نزد ابوی محترم و برخی دیگر از دروس را همانند حاشیه ملا عبد الله و سیوطی و مغنی را نزد اساتید دیگر خواندم. بخشی از مغنی و بخشی از مطول را نزد مرحوم مدرس افغانی رحمهٔ الله علیه خواندم. بخش مهم لمعتین را نزد مرحوم حجهٔ الاسلام روشنی که یکی از ممتحنین حوزه علمیه قم بودند و آن زمان در نجف بودند خواندم.

لمعه جلد دوم(رحلی) و مکاسب هم مکاسب المحرمه و هم کتاب البیع را نزد آیت الله شیخ مسلم داوری حفظه الله که فعلا یکی از علمای قم هستند و درس خارج می دهند خواندم اصول الفقه مرحوم مظفر را نزد سید جعفر علم الهدی که یکی از علمای قم هستند خواندم. رسائل را نزد آیت الله شیخ حسن قدیری اصفهانی که فعلا یکی از علمای قم هستند در نجف خواندم. کفایتین را نزد آیت

الله انواری که یکی از شاگردان خوب حضرت آیت الله العظمی خوئی(ره) بودند خواندم. شرح تجرید را نزد آقای حسین پاکستانی که فعلاـ یکی از علمای قم و نجف هستند خواندم در سن ۱۸ سالگی سطح را تمام کردم. لازم به ذکر است در نجف اشرف و همچنین در قم پس از آن که طلبه به رتبه بالاتری ارتقاء می یابد، رتبه قبل را تدریس می کند که ما هم از این قاعده مستثنا نبودیم و دروس قبلی را تدریس می کردیم. مثلا وقتی رسائل می خواندیم اصول فقه تدریس می کردیم یا دروس قبلی آن را و همچنین هر درس بالاتری را که می خواندیم درس قبلی را تدریس می کردیم در ضمن دروس اخلاق از قبیل تدریس کتاب شریف منیهٔ المرید، معراج السعاده و .... تدریس می شد در آنها هم شرکت می کردیم. در نجف درس اخلاق آیت الله مرحوم شیخ مجتبی لنکرانی(ره) شرکت می کردیم. و نیز درس اخلاق شهید محراب حضرت آیت الله مدنی قدس الله نفسه الزکیه شرکت می کردیم. ضمناً در دروس جنبی همچون درس تفسیر توسط حجهٔ الاسلام سید علی مؤمنی حفظه الله و حجهٔ الاسلام سید کاظم سراجی— بعضاً درآیه و تجوید نیز شرکت کردم در نزد مرحوم حاج محمد دریوان (طلای نجف اشرف)، تمرین منبر و خطابه و نویسندگی را نیز در نجف آموختم که اساتیدی مجرب همچون حجج اسلام نعمتی، برقعی، و دیگران ما را با این فنون آشنا ساختند. بحمد الله تا سن ۱۸ سالگی موفق شدیم در اکثر زمینه ها تحصیلات خود را به پایان برسانیم ،از سن ۱۸ سالگی به بحث خارج رسیدیم. ابتداء از محضر آیت الله سید میرزا حسن بجنوردی رحمه الله بهره مند شدیم و سپس در درس آیت الله العظمی سیستانی حضور بهم رسانیدیم. حدوداً در سالهای ۵۲–۵۳ می شد.

سپس جوان ترین درس که در نجف شروع شد درس شهید آیت الله سید عبد الصاحب حکیم(ره) بود که توسط صدام به شهادت رسید. حدود یکسال در آن درس شرکت کردم. سپس به درس حضرت آیت الله شهید سید محمد باقر صدر رضوان الله تعالی علیه حضور بهم رساندم و بهره‌های فروانی بردم. الحق و الانصاف که این انسان هم از نظر علمی و هم از نظر عملی خود را ساخته بود/ – چون بیان فوق العاده خوبی داشت و از ابتکارات جدیدی در درسش برخودار بود– در فقه و اصول ایشان هر دو شرکت می کردم. تواضع، محبت، بزرگواری، تقوی، کیاست و... از وجود این انسان می بارید و اواخر روزهای چهارشنبه را اختصاص داده بودند به درس موضوعی که تفسیر موضوعی بود و می گفتند البته چند جلسه بیش نبود که از طرف هیئت حاکم وقت ممنوع شد. به هر حال درس عالی بود. این انسان عالی مقام آن قدر عاشق امام خمینی رضوان الله تعالی علیه بود. که شب ۲۳ بهمن ۵۷ که ما در نجف دردرس ایشان حاضربودیم تقریباً بیش از نیم ساعت سخنرانی کردند.

تنها درس ایشان تعطیل شد و بجای درس سخنرانی کردند و فرمودند امروز کفر بر اسلام پیروز گردید احدی ها در جنگ احد و بدری ها در جنگ بدر و .... امروز برکفر و شرک پیروز گردیدند. و خلاصه مقداری از انقلاب و امام گفتند. (لازم به ذکر است در نجف آن زمان در مسائل سیاسی جز امام خمینی رضوان الله تعالی علیه و مقداری شهید صدر کسی جرات نداشت وارد مسائل سیاسی بشود، سال ۵۷–۵۸ پس از پیروزی انقلاب وارد قم شدم ادامه بحث خارج را در محضر آیت الله العظمی وحید خراسانی فقه و اصول رابه پایان رساندم بیش از پانزده سال درس ایشان حاضر شدم– منظومه سبزواری نزد آیت الله انصاری شیرازی و اسفار را نزد آیت الله جوادی آملی– خواندم ونیز تدریس دروس حوزوی از قبیل اصول فقه و رسائل و مکاسب وکفایتین و... داشتم.

دریای اصفهانی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۵ ق)، شاعر، متخلص به شکر و دریا. در اصفهان متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در رشته‌ی هنرهای زیبا در این شهر به پایان رسانید و از آن پس به خدمت فرهنگ وارد شد. از دبیران مبرز و کار آزموده اصفهان بود. وی دارای ذوقی سرشار بود. «دیوانی» دارد حاوی دو هزار بیت. در اغلب جراید و مجلات اصفهان اشعاری از او به طبع رسیده است. از آثار وی: «استالین»، شعر؛ «حکمت خدا»؛ «همسفر من».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۹۷ –۱۹۵)، مؤلفین کتب چاپی (۱۴۲ –۱۴۱ /۳).

دریای چهارمحالی اصفهانی، لطف‌اللَّه، نصراللَّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۴۰ ق)، شاعر. از جوانی شروع به سرودن شعر نمود و زبان به مداحی گشود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۶۲۰/۱)، الذریعه (۳۲۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۳۹)، مجمع الفصحا (۲۹۰/۴)، مکارم الآثار (۱۱۲۹ –۱۱۲۸ /۴).

دریایی، تورج

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر تورج دریایی، دانشیار تاریخ دانشگاه کالیفرنیا در فولرتن و متخصص تاریخ ایران باستان، در سال ۱۳۴۶ در تهران بدنیا آمد. ایشان دارای دکترای تاریخ از دانشگاه لوس آنجلس UCLA در سال ۱۳۷۶ می‌باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای : – ابتدایی و متوسطه در تهران و آتن – کارشناسی رشته تاریخ و علوم سیاسی در دانشگاه لوس آنجلس CSUF در سال ۱۳۷۲ – کارشناسی ارشد تاریخ از دانشگاه لوس آنجلس UCLA در سال ۱۳۷۴ – دکترای تاریخ از دانشگاه لوس آنجلس UCLA در سال ۱۳۷۶

همسر و فرزندان : تورج دریایی مجرد است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : – دانشیار و رئیس بخش تاریخ باستان، دانشگاه ایالتی کالیفرنیا- آمریکا از سال ۱۳۸۳ تا کنون – استادیار بخش تاریخ جهان و باستان، دانشگاه ایالتی کالیفرنیا- آمریکا از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ – مربی تاریخی ایرانیان- تاریخ خاور نزدیک- تمدن غرب و تاریخ جهان ادیان UCLA آمریکا از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵ – پژوهشگر مرکز مطالعات خاور نزدیک گوستاو ون گرونباون از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۴ – مطالعه گر بخش فارسی ابتدایی و متوسطه در بخش زبان و فرهنگ خاور نزدیک UCLA از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۳ – مطالعه گر تاریخ عثمانی و جامعه شناسی در خاورمیانه UCLA بخش تاریخ و جامعه شناسی از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۲ – سردبیر مجله تمدن ساسانی – سردبیر مجله ایرانی فارسی قدیم باستانی عضویت در انجمن ها و موسسات: – موسسه مطالعاتی ایرانیها در آمریکا – انجمن ایرانشناسان اروپایی – انجمن تاریخ دانان آمریکایی – انجمن مطالعات خاورمیانه – انجمن سکه شناسان شرقی – انجمن محققان زرتشت شناسی – انجمن خاورشناسان امریکایی – خاورمیانه قرون وسطایی – انجمن مطالعاتی ایرانیان – انجمن تاریخدانان باستان – هیئت مشاوره: کتابخانه ایرانیکا سری رسوم روشنفکری – هیئت مشاوره: دایره المعارف بزرگ در اسلام

فعالیتهای آموزشی : تورج دریایی، استاد دانشگاه فولرتن کالیفرنیا در کرسی تاریخ باستان، علاوه بر تدریس و نویسندگی، سردبیر فصلنامه «نامه ایران باستان» مرکز نشر دانشگاهی نیز هست و به تازگی در دانشگاه یو.سی.آی کالیفرنیا به تدریس در کرسی تاریخ ایران باستان مشغول شده که توسط یک ایرانی پایه‌گذاری شده است و به نام «هوارد باسکرویل» ، معلم تاریخ آمریکایی نامگذاری شده است که در انقلاب مشروطه در تبریز کشته شد. عنوان دروسی که ایشان تدریس می کنند به قرار زیر است: فارسی قدیم (باستانی)، خاور نزدیک در قدیم، زرتشت شناسی، آئین پرستش و تمدن جهان قدیم و قرون وسطایی، تفکر تاریخی، یونان، امپراطوری رومانی، تاریخ قرون وسطایی، تاریخ غذا، سمینار در تاریخ جهان قدیم.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر تورج دریایی به زبانهای سانسکریت، زبان باستان ایران، اوستایی، فارسی میانه و زبانهای پارتی مسلط است.

جوائز و نشانها : – جایزه بین المللی FDCCSUF در سالهای ۱۳۷۹،۸۰،۸۲،۸۴ – بورس تحصیلی موسسه مطالعاتی ایران در آمریکا سال‌های ۸۴– ۱۳۸۳ – جایزه پژوهشی دانشجویی دانشکده در سالهای ۸۳– ۱۳۸۲ – بورس تحصیلی مرکز مطالعاتی خاور نزدیک گوستاوون گروبنام سالهای ۷۴– ۱۳۷۲ – بورس تحقیقاتی انجمن سکه شناسی آمریکا- نیویورک ۱۳۷۴ – تقدیرنامه جامعه تاریخی فی آلفا تتا ۱۳۷۱ – اهدا برنامه های مسافرتی و سرپرستی بین المللی در سالهای ۷۵– ۱۳۷۴ – هدیه تحقیقاتی تابستانی، بخش تاریخ ۱۳۷۷ – بورس پیش دفاع پایان نامه UCLA سال‌های ۷۷– ۱۳۷۶ – بورس دفاع پایان نامه UCLA سال‌های ۷۸– ۱۳۷۷ – گواهی مطالعات قرون وسطا از مرکز مطالعات قرون وسطا و رنسانس ۱۳۷۸

چگونگی عرضه آثار : تورج دریایی یکی از نویسندگان کتاب «تاریخ جهان» است که به تازگی توسط انتشارات «هارلن دیویدسن» منتشر شده است. خواندن تاریخ جهان حتماً خیلی وقت شما را می‌گیرد اما این روزها در دنیا تاریخ جهان را با دید دیگری می‌نویسند که در آن دیگر خبری از حفظ کردن ترتیب حکومت پادشاهان یک سلسله نیست! دکتر تورج دریایی که او را با کتاب «سقوط ساسانیان» می‌شناسیم، یکی از ۶ نویسنده کتاب «تاریخ جهان» است که جلد نخست آن از دنیای باستان تا قرون وسطی را دربرمی‌گیرد. او می‌گوید: «الان در آمریکا مرسوم شده است که تمام دانشجوهای سال اول و دوم یکسری کلاس‌های عمومی را بردارند که «تاریخ جهان» هم از آن جمله است. ۲۰ یا ۳۰ سال پیش در جهان غرب فقط تاریخ تمدن غرب تدریس می‌شد، اما امروزه خیلی روی تاریخ جهان تأکید می‌شود.» جلد اول تاریخ جهان در ۱۷ بخش منتشر شده است. دریایی درباره تقسیم‌بندی نوشته شدن بخش های این کتاب می گوید: «من به خاطر حوزه تخصصی خود، بیشتر بخش‌هایی را که به تاریخ رم، یونان، هند و ایران مربوط بوده است نوشته‌ام. یکی از همکاران بخش مربوط به مصر، بین‌النهرین و دنیای اسلام را نوشته، یک تاریخدان دیگر بخش مربوط به چین و آسیا را نوشته است و دو نویسنده بخش‌های مربوط به تمدن آمریکای مرکزی و اروپا را نوشته‌اند.» دکتر دریایی تا کنون ۶۶ مقاله، ۲۳ مورد بررسی کتاب و ۵۰ سخنرانی به رشته تحریر درآورده‌اند. --

آثار :

۱ تاریخ جهان

ویژگی اثر : تالیف

۲ تاریخ و فرهنگ ساسانی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: تورج دریایی، مهرداد قدرت دیزجی (مترجم) ناشر: ققنوس – ۲۱ خرداد، ۱۳۸۴

۳ سقوط ساسانیان، فاتحان خارجی، مقاومت داخلی و تصویر پایان جهان

ویژگی اثر : پدیدآورنده: روزبه زرین کوب، منصوره (نظام مافی) اتحادیه، فرحناز امیرخانی (مترجم)، تورج دریایی (مترجم) ناشر: تاریخ ایران – ۱۳۸۳

۴ شاهنشاهی ساسانی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: تورج دریایی، مرتضی ثاقب فر (مترجم) ناشر: ققنوس – ۱۸ تیر، ۱۳۸۶

۵ شهرستان‌های ایرانشهر

ویژگی اثر : انتشارات فردا– ۱۳۸۱

۶ طلوع و غروب یک امپراطوری (ساسانی)

ویژگی اثر : لندن ۱۳۸۶

۷ مطالعات ایرانی در مکاتبات حروف S.H ,W.B

ویژگی اثر : تهران– ۱۳۸۵

۸ معرفت روح (مقاله ای بر خاطرات احمد تفظیلی دریایی و م.امید سالار)

ویژگی اثر : انتشارات فردا ۱۳۸۳

دزفولی شوشتری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۷ –۱۲۶۰ ق)، عالم، خطیب، ادیب و شاعر، متخلص به حقیر. ملقب به خلیفه. در دزفول به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت. پس از فراگیری مقدمات مدتی در محضر علمای زادگاهش تلمذ کرد تا به درجه کمال رسید. او را برای خطابه تشویق کردند و وی در این سنگر تا پایان حیاتش باقی ماند. از آثار وی: «تحفه الابرار»، در مدایح و مراثی و خطب؛ «احسن المقال»، در قصص و حکایات؛ «مخزن الدرر»، شعر، که در ۱۳۰۴ ق در بمبئی به چاپ رسید؛ «دفینه الاحباب»، در حوادث و اتفاقات دوران حیاتش؛ «دیوان» شعر به نام «دیوان حقیر دزفولی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۲۶ –۲۲۵ /۲۰ ،۲۵۸/۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۱۹/۱۴)، فرهنگ سخنوران (۲۷۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹۱ –۶۹۰ /۲).

دزفولی کاظمی، اسداللّه

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۲۳۴ –۱۱۸۶ ق)، عالم دینی و فقیه محقق. در نوجوانی در محضر پدر مقامات علوم را فراگرفت سپس به جزوه درس استاد وحید بهبهانی و علامه سید مهدی بحرالعلوم و شیخ جعفر کاشف الغطاء و سید علی طباطبائی، صاحب «ریاض»، و سید میرزا مهدی شهرستانی راه یافت و بهره‌ها گرفت و از تمامی ایشان به دریافت اجازه اجتهاد نایل آمد. آنگاه که استاد و پدر همسرش، شیخ جعفر کاشف الغطاء، از دنیا رفت مردم بر گرد وی جمع شدند و او در کنار قیام به وظائف مرجعیت به تدریس و تصنیف پرداخت و شاگردانی همچون سید عبداللّه شبر و شیخ موسی بن جعفر کاشف الغطاء و برادرش شیخ علی کاشف الغطاء تربیت کرد. وی از پیشروان نظریه حجیت اجماع است. در نجف از دنیا رفت و در کنار مقبره‌ی استادش کاشف الغطاء دفن شد. از آثار وی: «مقابس الانوار و نفائس الابرار فی احکام النبی المختار و عترته الاطهار»؛ «کشف القناع عن وجوه حجیه الاجماع»؛ «منهج التحقیق»؛ «مستطرفات من الکلام»؛ «اللولو المسجور فی معنی الطهور».[۱]

اسداللّه بن العلامهٔ الشیخ اسماعیل دزفولی کاظمی از مجتهدین و محققین طراز اول شیعه و از بزرگان فقهاء معروف امامیه در عصر خویش بوده.

وی در حدود ۱۱۸۶ قمری در دزفول تولد یافته و مقدمات علوم را نزد پدرش فراگرفته آنگاه مهاجرت به عراق نموده و از محضر علامه بزرگ وحید بهبهانی استفاده کرده و بعد از وفات آن بزرگوار از درس علامه بحرالعلوم و علامه شیخ جعفر کاشف‌الغطاء و صاحب ریاض و آیت‌اللّه میرزا مهدی شهرستانی تکمیل نموده و شاگردان بزرگی چون علامه سید عبداللّه شبر و علامه شیخ موسی کاشف‌الغطاء و برادرش شیخ علی و نظایر اینان از حوزه‌اش برخاسته است.

شیخ اسداللّه دارای ذهنی وقاد و فهمی سرشار و دقت نظر و تحقیقاتش بین علماء مشهور و در تأسیس قواعد فقهی و اصولی تقدمش بر سایرین متفق علیه همه اعلام است.

مرحوم شیخ انصاری ره در اواخر اجماع رسائل قبل از نقل کلامش از (کشف القناع) او را ستوده است از وی نقل شده که ۱۲ سال لذت خواب را نبرد و تمام اوقاتش مستغرق تألیف بوده آری این زحمات و مشقتها و رنجها در راه کسب علوم و فضائل سبب شد که علماء و نویسندگان او را در ردیف بزرگترین علماء این مذهب بشمار آرند.

وی بعد از فوت پدر همسرش (علامه شیخ جعفر کاشف‌الغطا) به مرجعیت رسید و تألیفات سودمندی از خود گذاشت که معروفترین آنها کتاب مقابس‌الانوار و منهج‌التحقیق و مناهج‌الاعمال در اصول و کشف‌القناع و البحر المسجور و نظم زبدهٔ‌الاصول شیخ‌بهائی و

حاشیه بر نخبهٔ الطالب شیخ جعفر کاشف‌الغطاء می‌باشد

وی در سال ۱۲۳۴ قمری در نجف اشرف رحلت نموده و در مقبره خویش نزدیک مقبره شیخ جعفر مدفون گردید و از آن بزرگوار شش فرزند دانشمند و فقیه بنامهای زیر ماند که تمام از اجله و بزرگان بوده‌اند و آل اسداللّه که فامیل معروفی در کاظمین می‌باشند از احفاد وی هستند.

اما فرزندان او از اینقرارند:

۱- حجهٔالاسلام شیخ مهدی ۲- حجهٔالاسلام شیخ اسماعیل ۳- حجهٔالاسلام شیخ باقر ۴- حجهٔالاسلام شیخ تقی ۵- حجهٔالاسلام شیخ حسن ۶- حجهٔالاسلام شیخ کاظم.

اسداللّه بن شیخ اسماعیل دزفولی کاظمینی صاحب (مقابس‌الانوار) متولد ۱۱۸۶ و متوفی ۱۲۲۴ از مشاهیر علماء عصر و اکابر فقهاء زمان خود بوده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان ا لشیعه (۲۸۵ -۲۸۳ /۳)، تاریخ بروجرد (۲۰۱ -۲۰۰ /۲)، الذریعه (۱۸۴/۲۳ ،۳۷۵/۲۱ ،۵۴/۱۸)، روضات الجنات (۹۹/۱)، ریحانه (۳۹۸ -۳۹۷ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۵ -۱۳۴ ،۱۲۴ -۱۲۲ /۱۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۴۱ -۴۱۰ /۵)، لغت نامه (ذیل/ اسداللّه)، معجم المؤلفین (۲۴۱/۲)، مکارم الاثار (۹۷۸/۳).

دزفولی کاظمی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۷/۱۲۴۶ ق)، عالم دینی و فقیه. در محض پدر نشو و نما یافت و مقدمات علوم را فراگرفت. وی از شاگردان سید عبداللّه شبر بود. اجتهاد وی مورد تصدیق اغلب علمای زمانش قرار گرفت. او بسیار مراقب حال بینوایان و فقرا بود. وی بر اثر طاعون در حدود سی سالگی از دنیا رفت. از آثارش: «المنهاج»، در اصول فقه؛ رساله‌ای در «اصول‌الدین»؛ «رساله‌ی علمیه»، برای مقلدین؛ «مناسک الحج».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۱۳/۳)، ریحانه (۳۹۸/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۸/۱۳).

دزفولی کاظمی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۸ ق)، عالم دینی، فقیه و نویسنده. فرزند شیخ اسداللّه دزفولی صاحب «مقابس» و پدر شیخ محدتقی دزفولی فقیه معروف است. وی در محضر پدر و سپس در نزد علمایی چون دائی خود، شیخ حسن کاشف الغطاء، صاحب «انوار الفقاهه»، و شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، و شیخ مرتضی انصاری به تکمیل تحصیلات خویش پرداخت. ظاهرا وی به سبب طاعون درگذشت. از آثارش: «انوار مشارق الاقمار من احکام النبی المختار»، فقه مبسوط، در چند مجلد، که بر اولین آنها استادش، شیخ انصاری، تقریظی مشتمل بر تصدیق اجتهاد وی با خط خویش نگاشته و بر پایان آن مهر نهاده است؛ «مسلک النجاه»، در زکات استدلالی، که در صفحه پشت این کتاب نیز تقریظی لطیف مشتمل بر تصدیق اجتهاد وی به خط علامه انصاری و مهر او به چشم می‌خورد؛ «کتاب النکاح» شرحی بر «الشرایع». از دیگر آثار فقهی او «کتاب الوقف» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۰/۵)،الذریعه (۲۹۸/۲۴ ،۲۴/۲۱ ،۳۱۹/۱۳ ،۴۴۰/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۰۷ -۳۰۶ /۱۳).

دزفولی کاظمی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۹ ق)، عالم دینی. جدش برادر شیخ اسداللّه دزفولی کاظمی، صاحب «مقابس» است. فرزندش شیخ محمدعلی معزی شرح حال او را نگاشته و یادآورد شده است که کتاب «شرح التبصره»، ناتمام، و شرح «خطبه همام» به فارسی و منظوم، از آثار وی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۴۶/۱۴).

دزفولی کاظمی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۷ -۱۲۵۵ ق)، عالم دینی، فقیه، ادیب و شاعر. وی در نجف از محضر میرزای شیرازی (قبل از هجرتش به سامراء) و شیخ محمدحسن کاظمی بهره برد و اجازه روایت گرفت. آنگاه به کاظمین بازگشت و در راس امور قضاء و حکم و تدریس قرار گرفت. از آثارش: «منتهی الامل»، در شرح «القواعد» حلی، در لفقه؛ «وسیله النجاه»؛ رساله‌ی عملیه برای مقلدین؛ شرح «الکافیه» ابن حاجب، در نحو، به نام «شقائق المطالب»؛ «اشعار»ی در مواعظ و اخلاق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۹۵ -۱۹۴ /۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۵۰/۱۴)، علماء معاصرین (۹۶ -۹۵)، فوائد الرضویه (۴۳۱)، معجم المؤلفین (۱۲۸/۹)، هدیه العارفین (۳۹۰/۲).

دزفولی معزالدینی، محسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۹/۱۲۴۵ ق)، فقیه اصولی. وی از شاگردان حجهٔالاسلام شفتی و داماد سید صدرالدین عاملی بود. در شهرهای خوزستان فقیه و مرجع دینی بود و از کرباسی و بحرالعلوم و صاحب «ریاض» و صاحب «کشف الغطاء» روایت می‌کرد. در دزفول بدرود جهان گفت و در سرداب مسجدی که در آن امامت می‌کرد دفن شد. از آثارش: «حاشیه المعالم»؛ «شرح الارشاد»؛ رساله فارسی در «اصول دین»؛ و رساله در «طهاره» و «صلاه»؛ چند رساله دیگر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۶/۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۴۶ -۱۴۵ /۵).

دزفولی موسوی، عبداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۵۶ -۱۱۵۸ ق)، مورخ و شاعر، متخلص به داعی. از فرزندزادگان خواجه علی سیاهپوش بود. او در محضر سید محمدباقر حجهٔالاسلام اصفهانی و آقا محمد بیدآبادی تلمذ کرد. از جمله آثار وی: «تاریخ مظهرالدوله»، در رویدادهای خوزستان و بقاع دزفولی و احوالاتی از آن سامان؛ «مجمع الابرار و تذکره الاخیار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۷۱ -۷۷۰ /۱۳)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۹۰۴ -۹۰۳ /۲).

دزفولی، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۲۶۵ ق)، عالم دینی و فقیه. اصل وی از دزفول بود، در کرمانشاه متولد شد و در کربلا مسکن گزید. به گفته‌ی شیخ حسن گوهر، وی از شاگردان شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی بود. و از سید کاظم رشتی اجازه داشته است. وی گویا پدر سید احمد بن ابراهیم دزفولی موسوی حائری، صاحب «قسطاس الاوزان»، است. از آثارش: تعلیقه بر «الحدائق»؛ رساله‌ای در «عقاید»؛ تقریراتی فراوان از مباحث فقهی که اکثر آنها ناقص مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۲۴/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۲/۱۳).

دزفولی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، عالم دینی. وی از شاگردان فاضل اردکانی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی بود. از آثارش: «قسطاس الاوزان فی تعیین موازین البلدان»؛ حاشیه بر «متاجر» شیخ مرتضی انصاری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۱۹/۳)، الذریعه (۷۹/۱۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۷/۱۴).

دزفولی، بشیر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۷۰ ق)، فقیه. وی گویا از شاگردان شیخ انصاری بوده و از فتاوی شیخ خود گزینشی کرده و آن را «المنتخب المسائل» نام نهاده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۳۴/۲۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۹۹/۱۳)، معجم المؤلفین (۴۷/۳).

دزفولی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۲ ق)، عالم دینی. وی در خوزستان متولد شد و بعد از تحصیل مقدمات به نجف رفت و در آنجا در حوزه درس علامه انصاری و دیگر بزرگان دین شرکت جست و بعد از مدتی به کسب درجه اجتهاد نایل شد. آنگاه به سرزمین خود بازگشت و در آنجا به ترویج دین مبادرت کرد. شیخ مهدی بیگدلی دزفولی، صاحب «ذخیره العباد» و ترجمه آن «طریق النجاه»، از شاگردان برجسته او بود. وی در دزفول درگذشت و همان جا دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۷۰/۱۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۹۸/۱۴).

دزفولی، عبدالرسول

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۳ ق)، عالم دینی. از دانشمندان دینی متورع روزگار خود بود که در نجف نزد میرزا حسین خلیلی شاگردی کرد. وی سالیانی ملازم حلقه‌های دروس بود تا اینکه به درجه کمال رسید. پس از آن به دستور استادش، خلیلی، مدتی در بنادر به ترویج دین پرداخت. وی از شماری از عالمان چون میرزا حسین خلیلی و میرزا محمدباقر اصطهباناتی شهید و ملا محمدعلی خوانساری و سید اسداللّٰه رشتی اشکوری و شیخ عباس کاشف الغطاء و سید ابوتراب خوانساری اجازه روایت دریافت کرد. وی صاحب تقریراتی در «مساله النهی»، در عبادت، و «فضولی در ایقاعات» و «حجیت قطع» و «قاعده‌ی ید» و... است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۱۹ -۱۱۱۸ /۱۴).

دزفولی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۰ ق)، عالم دینی. وی در نجف از شاگردان میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی و ملا محم شرابیانی بود و تقریرات دروس این دو را گردآوری کرده و از هر دو استاد اجازه دریافت کرد. در نجف درگذشت و در وادی‌السلام دفن شد. از دیگر آثارش شرح «الکفایه» استادش ملا محمدکاظم خراسانی، از اول مباحث الالفاظ تا آخر النسخ، است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۵۱/۱۴).

دزفولی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، فقیه امامی. معروف به قاضی. از آثارش «فاروق الحق»، در موارد فرق بین مجتهدین و اخباریون، که در آن هشتاد و شش مساله از مسائل دینی مورد خلاف طرفین آورده شده است، و در ۱۲۸۰ ق در نجف درگذشت از تالیف آن فراغت یافته است. این کتاب یک بار در حاشیه «الحق المبین فی تصویب المجتهدین» شیخ جعفر جناجی نجفی، در تهران، در ۱۳۱۶ ق، به چاپ رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۶/۱۰)، الذریعه (۹۵/۱۶، ۳۸-۳۷ /۷).

دزفولی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعـد از ۱۲۹۱ ق)، عـالم دینی. معرف بـه ملاـ باشـی. او عـالمی مـاهر در معقـول و حـدیث بـود. در تهران سـکونت داشت. ناصـرالدین‌شاه از وی خواست تا «غایه المرام» سید هاشم بحرانی را ترجمه کند و او این کار را انجام داد و ترجمه را که دارای یک مقـدمه و پانصد و شـصت باب و خاتمه بود «کفایه الخصام فی فضائل الامام» نامید. از دیگر آثار وی: «السهابه»، در غزوات صـحابه که ترجمه «تاریخ الواقدی» است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۹۱/۱۸، ۲۶۰/۱۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۲۲/۱۳).

دزفولی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۵۲ -۱۲۷۳ ق)، عالم دینی، فقیه، ادیب و شاعر. در محضر عمویش شیخ محمـد طاهر، شاگرد شیخ انصاری، و دیگر علمای بزرگ چون آخوند خراسانی شاگردی کرد تا به درجه والائی دست یافت. آیت‌اللّه شـهاب‌الدین نجفی مرعشی از وی روایت کرده است. در بروجرد درگـذشت و در جوار امامزاده ابوالحسن دفن شد. از آثارش: «جهد المقل»، در پاسخ سوالها، فقه اسـتدلالی ملمع؛ «فیض الباری» شـرح «مکاسب» محقق انصاری؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ حاشیه «فصول» در علم اصول؛ «کلمه التقوی»، رساله فتوائیه؛ رساله‌ی عملیه ای فارسـی که منتخب «منهج الرشاد» است؛ قسمتی از «اشعار» وی به همراه «مخزن الدرر» در بمبئی چاپ شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۸۰/۹)، تاریخ بروجرد (۵۵۱ -۵۴۹ /۲)، الذریعه (۱۲۴/۱۸، ۴۰۶/۱۶، ۱۵۷ -۱۵۶ /۶، ۳۰۲/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۴۴/۱۴).

دزفولی، محمدطاهر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدطاهر بن العلامه آشیخ محسن بن الفقیه شیخ اسماعیل از بزرگان حمله دین و اکابر فقهاء و از مراجع معروف خوزستان و در قدس و زهد و صلاح و تقوی یگانه عصر خود بوده است.

وی به سـال ۱۲۳۰ قمری در دزفول تولـد یافت و پس از فراغ از مقـدمات در اصـفهان از محضـر حجهٔالاسـلام حاج سـید محمـدباقر شفتی و حجهٔالاسـلام حاج ملا محمد ابراهیم کلباسـی تلمذ نموده و در نجف اشرف از صاحب جواهر و شیخنا الانصاری نیز استفاده نموده تـا به درجه اجتهاد رسـیده آنگاه به دزفول مراجعت و بنای تـدریس گذاشـته و مورد توجه عموم طبقات گردیـده و شاگردان مبرزی تربیت نموده و ریاست و مرجعیت تقلید در خوزستان بدو منتهی شده است.

در تکمله. گوید: محمدطاهر بن محسن بن اسماعیل دزفولی از اجله علماء عصر ما در خوزستان و در آن نواحی مرجعیت عامه دارد و آوازه زهـد و پارسـائی و پرهیزکـاری و قـدس و فقاهت او در تمام ایران و عراق رفته و مردم عربستان و خوزسـتان در تقلیـد به او رجوع کرده‌اند و از برجستگان شیعه از خاندان علمی قدیمی است

عموی او شیخ اسداللّه صاحب مقابیس و پدر او شیخ فقیه و نوادگانی اهل فضل و علم دارند و او در فقه و اصول تألیفاتی دارد

وی در اوائـل سال ۱۳۱۵ قمری در دزفول داعی حق را اجابت نمود و در مقبره اختصاصـی خود مـدفون گردیـد فرزنـد ارجمنـدش آشیخ عبدالحسین در تاریخ فوتش سرود.

سال فوت او ز قرآن مبین

آمدان العاقبهٔ للمتقین

عاقبت را تا عدد دان چارصد

برخلاف رای اصحاب عدد

از آثار علمی اوست. گذشته از رساله عملیه ۱- شرحی بر شرایع محقق بنام (مشارع الاحکام)

پدر بزرگوارش آقا شیخ محسن هم از بزرگان علماء امامیه و داماد علامه سید صدرالدین عاملی فقیه اصولی و متکلم و از شاگردان حجهٔالاسـلام شـفتی اصـفهانی بوده و به سال ۱۲۴۵ قمری در دزفـول بـدرود جهـان گفت و در سـرداب مسـجدی که در آن امـامت می‌نمود مدفون شد

تألیفـات او عبارت است از: ۱- حاشـیه مفصلی بر معالم ۲- رساله فارسـی در اصول دین ۳- رساله در طهارهٔ و صـلوهٔ ۴- رساله در صحت عبادت تارک طریق تقلید و اجتهاد ۵- رساله در جواز بقاء تقلید میت و غیره.

در بیت این بزرگوار مردان فضیلت و رجال علم بسیار بوده و تا حال هم می‌باشد و اکنون شخصیت علمی این سلسله در عصر حاضر

آیت‌اللّه میرزا محمدعلی معزی بن آیت‌اللّه آشیخ عبدالحسین است که یکی از فقهاء و مراجع دزفول می‌باشد
(۱۳۱۵ -۱۲۳۰ ق)، فقیه اصولی. وی از بزرگان دینی روزگار خود است که در ایران و عراق به فقاهت شهره بود. شیخ محمدطاهر از شاگردان حاج محمد ابراهیم کلباسی، و شیخ مرتضی انصاری اجازه روایت داشت. وی یکی از مشایخ حدیث سید عبدالصمد شوشتری بوده است. صاحب عنوان در خوزستان به ارشاد و هدایت مردم مشغول بود تا به جوار رحمت حق شتافت. از آثار وی: «مشارع الاحکام»، در شرح «الشرایع» محقق؛ « رساله‌ی عملیه».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۳۷۶/ ۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۷۶ -۹۷۴/ ۱۴)، المآثر الآثار (۱۵۲ -۱۵۱).

دستجردی، بدرالدین حسن

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، عالم دینی. از اهالی دستجرد از بلوك جهرود قم بود. در زادگاهش برآمد آنگاه به قم مهاجرت کرد و در آنجا توطن نمود. شیخ منتجب‌الدین در «فهرست» خود وی را صالح توصیف کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۷۴/۵)، ریاض العارفین (۲۳۵/۱)، فهرست منتخب‌الدین (۶۰).

دستجردی، شرف‌الدین محمد

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، عالم دینی. مقیم قریه زیناباد بود، منتجب‌الدین در «فهرست» خود وی را فقیه فاضل توصیف کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریاض العلماء (۱۱۸/۵)، فهرست منتجب‌الدین (۱۷۹).

دستجردی، عبدالکریم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب الشریعهٔ، عالم فاضل، و ادیب شاعر متخلص به «سودایی» معروف به حاج آخوند فرزند ملا عبدالرزاق بن اسماعیل.

از شعرای معروف و فضلای مشهور اصفهان است. در غره‌ی محرم ۱۲۸۱ در قریه‌ی دستگرد خیار متولد گردیده، و نزد آقا میرزا محمدباقر [چهارسوقی] و جمعی دیگر از علما (آقا نجفی مسجد شاهی، میرزا محمد حسن نجفی) تحصیل نموده، و از استاد نامبرده به کسب اجازه مفتخر گردیده.

کتب و رسائل زیر از اوست:

۱ - اجمالی در احوالات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ۲ - ترجمهٔ الدرر، ترجمه‌ی کلمات قصار حضرت علی علیه‌السلام ۳ - خمسه‌ی طیبه، مجموعه‌ی اشعار خود در مناقب و مرائی ۴ - دیوان قصاید و غزلیات ۵ - دیوان غزلیات و رباعیات ۶ - شمس و قهقهه، به بحر خسرو و شیرین نظامی ۷ - ضیاء الابصار فی احوال الاطهار ۸ - گلزار، نام قسمتی از اشعار اوست، و به طبع رسیده ۹ - ملتقط اللغهٔ، و در آن ۱۵ هزار لغت عربی به فارسی ترجمه شده است ۱۰ - منظومه‌ی انوار سهیلی، معروف‌ترین اثر اوست، و به همین جهت به ناظم السهیلی معروف بود، و نام فامیلی خود را «انواری» نهاد.

در ۱۳۵۲ وفات یافته، در قریه‌ی دستگرد مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

دستغیب شیرازی، ابوالحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۲۶۰ ق)، حکیم، مجتهد و شاعر، متخلص به دستغیب. در شیراز به دنیا آمد و در آنجا علوم فقه و اصول و منطق و حکمت را فراگرفت. تولیت بقعه‌ی امامزاده‌ی سید میرمحمد بن امام موسی بن جعفر (ع)، با او بود و مدتی تولیت مسجد نصیرالملک را نیز بر عهده داشت نصیرالدین فرصت از شاگردان وی می‌باشد که در محضرش حکمت الهی را فراگرفته است. از آثار وی: حواشی بر «اسفار اربعه» صدرالمتالهین؛ شرحی بر «کلمات قصار» امیرالمومنین (ع)؛ اشعار و خطب عربی و فارسی.[۱]

میرزا ابوالحسن دستغیب مجتهد و حکیم شیرازی بن میرزا احمد بن میرزا مهدی متولد حدود ۱۲۶۰ ق.

سید ابوالحسن دستغیب شیرازی از افاضل علماء و در علوم معقول و ریاضیات مهارت بسزائی داشته و بعد از ۱۳۰۰ وفات نموده
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۴۵۰)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۲۹/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۲/۱۴)، طرائق الحقائق (۳۳۲/۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۱۵ –۹۱۴ /۲)، فرهنگ سخنوران (۳۴۰)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴۳/۵).

دستغیب شیرازی، صادق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر و خطاط. وی قاضی‌القضاه شیراز بود. در زمان شاه صفی به علت حسن خط، مدتی در کتابخانه‌ی دولتی مشغول کتابت شد، عاقبت به جهت شهامت و علو همت آنجا را ترک کرد و به شیراز رفت و بعد از مدتی در لار فوت کرد. روز فوت او غزلی را که در همان ایام گفته بوده، در پیش جنازه‌اش می‌خوانده‌اند و شوری برپا بود که خارج از بیان است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۲۷۳ –۲۷۲)، الذریعه (۵۷۹ –۵۷۸ /۹)، ریحانه (۲۲۰/۲)، فرهنگ سخنوران (۳۴۰).

دستغیب شیرازی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم، خطیب.

تولد: ۱۲۹۰ (عاشوارى ۱۳۲۲ ق.) شیراز.

شهادت: ۲۰ آذر ۱۳۶۰، شیراز.

آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب شیرازی تحصیلات مقدماتی خود را در شیراز به پایان برد و تحصیلات عالی و خارج را نزد اساتید آن زمان در نجف اشرف مانند آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله شیخ محمدکاظم اصفهانی و نیز آیت‌الله میرزا آقا اصفهانی گذراند. پس از گرفتن گواهی‌های متعدد اجتهاد از مراجع نجف اشرف به شیراز مراجعت نمود و به فعالیت در امور دینی و اجتماعی پرداخت.

آیت‌الله دستغیب مسجد جامع عتیق شیراز را که مخروبه شده بود با همکاری مردم تجدید بنا کرد و آنگاه اسباب تجدید حیات حوزه‌ی علمیه‌ی شیراز را مهیا نمود.

سابقه مبارزاتی آیت‌الله دستغیب به زمان حاکمیت رضاشاه برمی‌گردد. همچنین ایشان در قیام خونین و تاریخی پانزده مرداد ۱۳۴۲، در انسجام مردم و حوزه‌ی علمیه‌ی شیراز نقش به سزایی بر عهده داشت. ایشان در مسیر این مبارزات چندین بار دستگیر و محبوس یا تبعید شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آیت‌الله دستغیب به عنوان نماینده‌ی اول استان فارس، به عضویت مجلس خبرگان درآمد و در تدوین قانون اساسی نقش مؤثری داشت. آنگاه به درخواست مردم فارس طی حکمی از سوی حضرت امام خمینی (ره)، به عنوان امام جمعه شیراز منصوب شد. وی همچنین ریاست حوزه علمیه‌ی فارس و نمایندگی امام خمینی (ره) را در آن استان به عهده داشت.

آیت‌الله دستغیب خطیب و نویسنده‌ای توانا بود. شیوه بیان او بسیار روان و بی‌تکلف بود. در همه آثار آیت‌الله دستغیب آیات و روایات بسیار دیده می‌شود. فهرست آثار ایشان به این شرح است: قلب سلیم (متمم گناهان کبیره، ۱۳۵۱)؛ حقایقی از قرآن (در تفسیر سوره شریفه قمر، ۱۳۵۴)؛ معراج؛ ماه خدا؛ صدیقه کبری؛ داستان‌های شگفت؛ هشتاد و دو پرسش (۱۳۳۷)؛ گناهان کبیره (دو جلد، ۱۳۶۰)؛ تفسیر سوره شریفه نجم؛ سید الشهداء (ع)؛ معاد؛ قلب قرآن؛ صلوة الخاشعین؛ گناهان کبیره (دو جلد ۱۳۶۰)؛ استعاذه؛ شرح حاشیه بر رسائل شیخ مرتضی مخطوط؛ ازدواج اسلامی و تعداد زیادی از کتب تفسیر و در علوم اسلامی. و آثاری که برخی از آنها چاپ نشده، از جمله شرح و حاشیه بر کفایه و رسائل و مکاسب و تفسیر سوره‌های متعددی از قرآن مجید.

آیت‌الله دستغیب در بیستم آذر ۱۳۶۰ بر اثر توطئه منافقین در شیراز به شهادت رسید.

حاج سید عبدالحسین بن آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی مجتهد بن آیت‌اللّه العظمی هدایةاللّه دستغیب شیرازی از دانشمندان و آیات بنام معاصر شیراز است.

وی در حدود سال ۱۳۲۸ قمری متولد شده و پس از پرورش صحیح و خواندن ادبیات و سطوح به نجف اشرف مهاجرت نموده و در آنجا از محضر آیات عظام چون مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه العظمی حاج سیدمیرزا آقا اصطهباناتی استفاده کامل نموده و با دریافت اجازات عدیده اجتهاد و غیره به شیراز مراجعت و در مسجد جامع (عتیق) به اقامه جماعت و تبلیغ دین و تنویر افکار پرداخته و خدمات شایان ارزنده‌ای نموده است.

نگارنده گوید آیت‌اللّه دستغیب از علماء با معنویت و خدمتگذار عصر حاضر است زهد و تقوای معظم له زبانزد خاص و عام و مورد علاقه همگانند از آثار و خدمات اجتماعی ایشان ساختمان و تعمیر اساسی مسجد جامع شیراز که از بناهای عمرو لیث صفار و بیش از هزار سال از تاریخ بنیاد آن می‌گذرد و به واسطه مرور و دهور سال رو به ویرانی گذارده و مسکن مار و مور و حشرات

گردیده که معظم له اقدام به تعمیر آن نموده و به طور اساسی آن را مرمت نموده که گویا تازه بنا شده است.

۱- کتاب قلب سلیم که کتاب قطور و بزرگی است در رشته اخلاق و بسیار نفیس و ارزنده می‌باشد و در قم بطبع رسیده است.

۲- حقایقی از قرآن ۳- معراج ۴- ماه خدا ۵- صدیقه کبرا علیهاالسلام ۶- کتاب داستانهای شگفت ۷- هشتاد و دو پرسش ۸- گناهان کبیره (مطبوع) ۹- سوره نجم ۱۰- سیدالشهداء ۱۱- معاد ۱۲- صلوهٔ الخاشعین مطبوع ۱۳- شرح و حاشیه بر کفایهٔالاصول ۱۴- حاشیه بر رسائل شیخ مخطوط می‌باشد.

نگارنده گوید: آیت‌اللّه دستغیب از روحانیون فعال و همواره وجودشان موجب ترویج احکام بوده و علاوه بر تدریس فقه و اصول بحث تفسیرش سالهاست که ادامه داشته و گروه کثیری هر شب از فرمایشاتشان بهره‌مند می‌گردند.

(ح ۱۳۲۸ ق- شهادت ۱۳۶۰ ش)، عالم دینی و مجتهد. در شیراز نشو و نما یافت و پس از فراگیری ادبیات و سطوح به نجف رفت و از محضر آیات عظام حاج شیخ کاظم شیرازی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حاح سید میرزا آقا اصطهباناتی استفاده کامل برد و به دریافت اجازات اجتهاد نایل شد. سپس به شیراز بازگشت و مسجد جامع عتیق را که از بناهای عمرو لیث صفاری است مرمت کامل کرد و در آنجا به اقامت جماعت و تبلیغ دین و خدمات مذهبی پرداخت. از آثار وی: «قلب سلیم»؛ «حقایقی از قرآن»؛ «هشتاد و دو پرسش»؛ «گناهان کبیره»؛ «معاد».[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۳۳/ ۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴۴ -۴۴۳/ ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۷۲۹/ ۳).

دستغیب شیرازی، محسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۹ ق)، عالم دینی. سید محسن دستغیب مقیم بندرعباس بود و از علمای روزگار خود. وی صاحب آثاری از جمله «اصول الدین» است که به فارسی نگاشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۹۲/۲)، ریحانه (۲۲۰/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۲/۵).

دستغیب شیرازی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۶ -۱۲۶۲ ش)، مجتهد و واعظ شیعی. در شیراز متولد شد و همان جا نشو و نما یافت. پدرش روحانی بود و او نیز بعد از اتمام تحصیلات به وعظ و منبر پرداخت. وی در دوره‌های چهارم و پنجم از طرف مردم بندرعباس به مجلس راه یافت. و به مبارزه با استبداد و ظلم پرداخت. در اواخر عمر به شیراز بازگشت و در همان شهر درگذشت و در امامزاده سید میرمحمد دفن شد. از وی کتابخانه‌ای مشتمل بر یک هزار جلد کتاب در جوار مزارش به جای مانده است. از آثار قلمی وی «التوسل الحسینی» است که نظیر «اللهوف» است.[۱]

حاج سید محمدباقر بن میرزا هدایت‌اللّه مجتهد دستغیب متوفی ۱۳۳۶ شمسی هجری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۳۱ -۵۲۹ /۲)، الذریعه (۴۸۸/۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۱۷/۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴۳/۵)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴/۲).

دستغیب شیرازی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۹ -۱۲۹۴ ق)، فقیه و مجتهد. در نجف به دنیا آمد. پس از تحصیل مقدمات در خدمت پدر به شیراز رفت و مدتی در محضر علمای شیراز به تحصیل علوم گوناگون مشغول شد تا اینکه سرانجام به درجه‌ی اجتهاد رسید و در مسجد حاج علی به امامت و ارشاد مردم مشغول شد. وی دو سال تولیت موقوفات شاهچراغ را بر عهده داشت. در شیراز از دنیا رفت و پیکرش در نجف دفن شد.[۱]

سید محمدرضا بن میرزا هدایهٔ‌اللّه مجتهد دستغیب متولد ۱۲۹۴ و متوفی ۱۳۶۹ ق.

آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی مجتهد دستغیب.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۳۳ -۵۳۲ /۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴۳/۵).

دستغیب شیرازی، هدایت‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۲۴۰- ح ۱۳۲۰ ق)، فقیه، مجتهد و مدرس. معروف به مجتهد شیرازی. در شیراز به دنیا آمد. پس از تحصیل مراتب علمی در خدمت علمای شیراز به عراق رفت و فقه و اصول را در محضر علمای آنجا به تکمیل رساند. سپس به شیراز بازگشت و عهده‌دار مرجعیت امور مذهبی مردم گشت و در مسجد نصیرالملک در محله اسحاق بیگ شیراز امامت نمود و به نشر علوم دینی پرداخت.[۱]

هدایت‌اللّه بن میرزا اسماعیل بن میرزا مهدی دستغیب مجتهد شیرازی در حدود ۱۲۴۰ به دنیا آمده و در حدود ۱۳۲۰ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۴۳۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۲۸/۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۱۴/۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴۵/۵).

دستغیب، عبدالعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالعلی دستغیب محقق و پژوهشگر معاصراست . اودرزمینه فلسفه و نقد ادبی فعالیت می نماید . از او تالیفات وترجمه های گران سنگی موجود است . وی که سالها به تدریس پرداخته بود پس از بازنشستگی امرتحقیق تفحص درزمینه های فوق رابه طرز جدی پی گرفته است .

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : عبدالعلی دستغیب درخانواده ای فرهنگی به دنیا آمده است

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عبدالعلی دستغیب تحصیلات ابتدایی ومتوسطه را درشهرهای فیروز آباد و جهرم به پایان برد و درسال ۱۳۲۷ وارد دانشسرای مقدمااتی شیراز شد . او در سال ۱۳۳۷ برای تحصیل دانشگاهی به تهران آمد و دردانشسرای عالی و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دررشته فلسفه مشغول به تحصیل شد .

وقایع میانسالی : مهمترین واقعه بوقوع پیوسته دردوران میانسالی عبد العلی دستغیب ، این بود که پس از کودتای مرداد ماه ۱۳۳۲ به واسطه فعالیت اجتماعی منتظر خدمت شده است .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عبد العلی دستغیب ابتدابه معلمی دردبستان ها و دبیرستانها کازرون به جهرم و شیراز پرداخت .او درضمن تدریس به مطالعه فرهنگ عامه (فولکور) و جمع آوری ترانه ها وقصه های عامیانه نیز اشتغال داشت . مدتی نیز یکی از دفاتر اسناد رسمی شیراز دفتر نویس شد و سپس به خدمت اداره بهداشت درآمد و برای انجام خدمات درمانی به تمام نقاط استان فارس سفر کرد . او از سال ۱۳۵۹ که بازنشسته شد درمدارس تربیت معلم و دانشکده هابه تدریس فلسفه و ادبیات فارسی مشغول شد .

فعالیتهای آموزشی : مهمترین فعالیت آموزشی عبد العلی دستغیب ، نقد ادبی است که ازسال ۱۳۳۷ وارد این حیطه ادبی شده است . او در این زمینه آثار متعددی به چاپ رسانیده است .

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مهمترین فعالیت و برنامه روزمره عبد العلی دستغیب، تحقیق و تفحص است . او مقالات بسیاری درزمینه ادبیات و فلسفه در مجلات گوناگونی همچون سخن ، راهنمای کتاب ، نگین ،فردوسی ،نامه فلسفه ، آدینه ، دنیای سخن و کیهان فرهنگی منتشر کرده است .

همفکران فرد : یکی از همفکران عبدالعلی دستغیب ، جلال آل احمد بود . آن دو اکثر درمحافل ادبی یکدیگر را می دیدند .

آرا و گرایشهای خاص : عبدالعلی دستغیب معتقد است که هیچ اثر هنری و ادبی درخلاء به وجود نمی آید .بلکه نویسنده درارتباط با مردم است که دریافت های بدست می آورد و آن را می نگارد . یعنی آنها را از فیلتر احساسات و عواطف خویش عبور می دهد . ---

آثار :

۱ به سوی داستان نویسی بومی درزمینه نقد ادب و هنر

۲ تحلیلی از شعر نو فارسی

۳ ترجمه «چرا مسیحی نیستم ؟»

۴ ترجمه دجال

ویژگی اثر : این کتاب تالیف فرید ریش نیچه است .

۵ ترجمه شامگاه بت ها

۶ ترجمه طوفان

ویژگی اثر : این کتاب تالیف شکسپیر بوده و با همکاری دکتر دولتشاهی ترجمه شده است .

۷ چهار سوار سرنوشت

۸ حافظ شناخت

۹ سایه روشن شعر نو فارسی

۱۰ فلسفه تاریخ هگل

۱۱ فلسفه شعر پهناور

۱۲ فلسفه مارکس

۱۳ فلسفه نیچه

۱۴ هنروواقعیت درآئینه نقد

۱۵ هیدگر و شاعران

منابع زندگینامه :

۱جلال ،مرد امروز ، کیهان فرهنگی ، سال هیجدهم ،مهرماه ۱۳۸۰، شماره ۱۸ ، ص ۱۰

دستغیب، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمود بن سید هدایهٔاللّه دستغیب متولد ۱۳۲۲ و متوفی ۱۳۸۲ ق.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دستگردی اصفهانی، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۵ ش)، شاعر، متخلص به مهندس. در دستگرد می‌زیست و از دسترنج زراعت خود زندگی می‌کرد. شاعری صفوی منش بود. در دستگرد وفات یافت. اثر وی: «فجایع بشر»، شعر؛ «آیینه مشروطه»؛ «دو صد داستان مهندس»؛ «بحث در چگونگی آفرینش»؛ «شرح جشن هزار ساله‌ی فردوسی»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۸۱)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۸۰۸/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۳/۵).

دستگردی، حسن وحید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند قاسم. فاضل محقّق، و ادیب اریب، و شاعر گران مایه، از محقّقین و متتبّعین در ادبیّات فارسی است. در سال ۱۲۹۸ در قریه دستگرد خیار متولّد، و در شب ۲۱ ذی حجهٔ الحرام سال ۱۳۶۱ در طهران وفات یافته، در مقبره امام زاده عبداللّه مدفون گردید.

در اصفهان خدمت جمعی از علما و ادبا همچون: آخوند ملّا محمّد کاشی، و آخوند گزی، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و مرحوم جهانگیر خان قشقائی، و میرزا یحیی مدّرس بید آبادی تحصیل نموده، و در اوایل مشروطیت در زمره آزادی خواهان وارد شده، و در این راه کوشش ها نموده، سپس به طهران منتقل شده، و از سال ۱۳۳۸ مجلّه ادبی «ارمغان» را انتشار داده که تا حین الفوت مرتّباً انتشار یافته، و پس از مرگ ایشان به همّت فرزند دانشمندش آقای محمود وحید زاده متخلّص به «نسیم» که از دبیران و صاحب منصبان عالی رتبه وزارت آموزش و پرورش است تاکنون منتشر می‌شود.

در اوایل «لمعه» و سپس «وحید» تخلّص می‌نمود، و در روزنامه‌ها به طور مستعار، «ناظر اصفهانی» می‌نوشته. کتب زیر از اوست:

۱- انقلاب ادبی ۲- دیوان قصاید و غزلیّات ۳- ره آورد وحید، دو مجلد ۴- سرگذشت اردشیر ۵- سفینه بهترین اشعار ۶- مجلّه ارمغان ۷- هزار اندرز نظامی، جمع آوری از اشعار نظامی گنجوی ۶- یخچالیه، جلد دوم؛ و غیره.

مشارالیه در طیّ بیست و سه سال انتشار مجلّه ارمغان چندین مجلّد کتاب ادبی نیز به طبع رسانید که از آن جمله است:

۱- تذکره نصر آبادی ۲- تحفه سامی ۳- دیوان ادیب الممالک فراهانی ۴- تصحیح و تحشیه و طبع خمسه نظامی، و افزودن دو مجلّد بر آن (سبعه نظامی). ۵- دیوان جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دستگردی، وحید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

وحید دستگردی درسال ۱۲۵۸ ه.ش و ۱۲۹۸ ه.ش دردستگرد واقع در جنوب غربی اصفهان درخانواده کشاورز چشم به جهان گشود .گروه : علوم انسانی رشته : شعروالدین و انساب : پدر وحید دستگردی قاسم و مادرش جهان خاتون نام داشت . که حسن اولین فرزند خانواده و سه برادر داشت به نامهای محمد حسین و محمد باقر و عباس که درنعمت سواد بهره تمام داشتند و دو خواهر به نامهای ربابه و فاطمه . تحصیلات رسمی و حرفه ای : وحید دستگردی تحصیلات ابتدایی رااز هفت سالگی آغاز و تادوازده سالگی نزد روحانی ده مرحوم ملاعبد الکریم سودایی به آموختن فارسی و عربی پرداخت و پس از دو سال ترک تحصیل در چهارده سالگی ، رهسپار اصفهان گشت و درمدرسه میرزا حسین «واقع درمحله بید آبی »تحصیلات خودرا دنبال کرد . خاطرات و وقایع تحصیل : وحید دستگردی بعلت سرودن اشعار آتشینی علیه طرفداران استبدادی آلمان و برضد دودولت روس و انگلیس و انتشارآنها درروزنامه باعث که زندگی او همیشه بصورت پنهانی باشد یا درگوشه و کناری متواری . وی پساز ۲ سال متواری زیستن در چهارمحال و بختیاری با پاین گرفتن جنگ درسال ۱۲۹۶ ه.ش به اصفهان بازگشت و علی رغم میل باطنی به تهران آمد و با کناره گیری از مبارزات و درگیریهای اجتماعی سیاسی درانجمنهای ادبی ایران و حکیم نظامی اوقات خودرا صرف فعالیتهای ادبی می کنداستادان و مربیان : ازاستادان بنام حسن وحید دستگردی میتوان مرحومان میرزا یحیی مدرس اصفهانی وآخوند ملا عبد الکریم گزی ، سید محمد باقر درچه ای ، میرزا جهانگیر خان قشقایی و آخوند ملا محمد کاشی اشاره کرد.هم دوره ای ها و همکاران : شعرا ونویسندگانی بزرگ چون رهی معیری ،پژمان بختیاری ،حسن سرور ، امیری فیروز کوهی ،عبرت نایینی ،سید محمد طباطبایی از همدوره ایهای وحید دستگردی می باشند .وقایع میانسالی : زندگی وفعالیتهای وحید دستگردی درطول اقامت در تهران ،با آنچه در اصفهان بود متفاوت است ، زیرا اوضاع و احوال کلی کشور نیز رنگی دیگر به خود گرفته است . آن شور و هیجانی که از پیدایش جنبش مشروطه خواهی تا پایان جنگ جهانی اول سراسر کشور را فرا گرفته بود ، فروکش کرده و استقرار سلطه رضا شاهی نیز عرصه را بربیان و قلم ساخته است . بعد از فوت وحید دستگردی انتشار مجله به فرزندش سپرده شد تاسال ۱۳۵۷ ادامه داشتزمان و علت فوت : وحید دستگردی دردی ماه ۱۳۲۱ هجری شمسی دارفانی را وداع گفت .مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : وحید دستگردی درسال ۱۲۹۹ ه.ش درتهران انجمن ادبی ایران را تاسیس کرد و بعد از دوسال ازعضویت و فعالیت وی دراین انجمن ، در سال ۱۳۱۱ ه.ش انجمن ادبی حکیم نظامی را تاسیس نمود که جلسات آن در خانه شخصی او تشکیل می شد و تاپایان عمرش ادامه داشت .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : وحید دستگردی بعد از تشکیل انجمن ادبی ایران و انجمن حکیم نظامی در جلسات این انجمن نیز شرکت داشته است و جلسات این انجمن را تنها به خواندن شعرو اصلاح سرودهای اعضا اختصاص نداشته ، بلکه قرائت و مقابله و تصحیح آثار منظوم استادان قدیم نیز مورد توجهی خاص بوده است .چگونگی عرضه آثار : ازجمله آثار وحید دستگردی درزمینه ها تصحیح و چاپ میتوان به آثار خمسه نظامی گنجوی که شامل قصاید ،غزلیات حکیم نظامی و دیوان جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی و دیوان ادیب الممالک فراهانی است . آثار وحید به دوبخش تقسیم می شود : یکی آثاری که در مدت اقامت وی دراصفهان پدید آورد که مضمون آن ویژگیهای اجتماعی سیاسی حاکم برآن دوره بوده و دیگری آثاری که از انقلاب مشروطیت درسال ۱۲۹۶ شروع و تا پایان جنگ جهانی اول ادامه داشت که سرشارازمضامین سیاسی و اجتماعی است و ازنوع اشعاری است که به آن اشعار کاربردی می گویند . وحید با دست کشیدن از درگیری با مسائل اجتماعی سیاسی دوره خود بیشتر درتصحیح و انتشار متون قدیمی و تحقیقات درفعالیتهای ادبی شرکت می کرد . و ی در قصیده سرایی طبعی توانا داشته است بخشیاز دیوان وی به چاپ قصاید اختصاص یافته است . تعداد ابیات قصاید وحید بالغ بر چهارهزار می باشد که از میان حدود یک هزار بیت درموضوعات اجتماعی سیاسی است .آثار : پروانه ویژگی اثر : اثر وی درپاسخگویی اهالی شهرهای مختلف ایلات و عشایر می باشد .که در ۲۵ ذیعقده چاپ ونشر شده است .۲ چکامه نارنجک ویژگی اثر : این شعر وحید دستگردی در ۵۵ بند است که در موضوع جنگ جهانی اول که به شرح پروزیهای آلمان پرداخته است .۳ چکاهندبزگ ویژگی اثر : ازدیگر اشعار معروف وحید دراین زمینه قصیده ای است با ۱۸۹ بیت . وحید در این قصیده بلند، ضمن ستایش ازآلمان و عثمانی و حملاتی سخت بادولتهای فرانسه ، انگلیس ، بلژیک ، ایالات متحده آمریکا و ایتالیا یادآوری افتخارات گذشته ایران وانتقادات شدید از اوضاع و احوال اجتماعی سیاسی آن عده پرداخته است .۴ درویش یورشی ویژگی اثر : از جمله مشهورترین اشعار وحید دستگردی درزمینه ترجیع بندی است۵ مجله ارمغان ویژگی اثر : این مجله که دربیست و دودوره که شامل ۲۳۶ شماره و ۱۴۷۵۶صفحه به چاپ رسیده است .۶ ناله وطن ویژگی اثر : این اثر وی درترکیب بندیهای با مضامین و محتوای وطنی است که تعداد این ترکیب بندها ۹ و درمجموع ۱۳۴ بند است .

دستور قزوینی، میررفیع

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۱۴ ق)، شاعر. در قزوین متولد شد و به تحصیل علم حکمت پرداخت و به اتفاق شیخ محمد خاتون، شاگرد شیخ‌بهایی به هند رفت و ملازم آصف خان شد و در همان جا درگذشت. وی در سرودن رباعی توانا بود. در برخی منابع نام او میرمحمد رفیع آمده.

رباعیاتی چند از او نقل شده است:

گر دیوی اگر فرشته، سر رشته یکی است

صد جای اگر گره زنی رشته یکی است

با وحدت ذات، کثرت خلق چه باک

دهقان و بهار و مزرع و کشته یکی است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۶۰)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۷۱ -۲۷۰)، الذریعه (۳۷۸/۹)، کاروان هند (۴۱۳ -۴۱۲ /۱)، مینودر (۴۵۰ -۴۴۹ /۲).

دستیاری، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید دستیاری

محل تولد : اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در اواخر سال ۱۳۵۸ هجری شمسی به حوزه علمیه قم وارد شدم و در مدرسه علمیه رسالت و سال بعد در مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی و سپس در مدرسه رسالت دروس مقدماتی و ادبیات را فرا گرفتم. شرح لمعتمین را خدمت حضرات آیات شب زنده دار، مرحوم آیت الله محامی و حجهٔ الاسلام سیداحمد خاتمی فرا گرفتم. رسائل را از محضر حضرات آیات استادی و اعتمادی بهره برده و مکاسب را در نزد حضرات آیات، پایانی و طاهر شمس(رحمت الله علیه) استفاده کردم. کفایه را نیز در نزد حجهٔ الاسلام گنجی خوانده ام. به علت شوق فراوان به فلسفه وکلام همزمان با رسائل به درس شرح منظومه حضرت آیت الله ممدوحی ایده الله تعالی حاضر شدم و بعد از شرح منظومه، نهایهٔ الحکمه علامه طباطبایی و همچنین مجلدات اسفار را در نزد ایشان تلمذ نمودم. دوره تخصصی کلام را نیز در این موسسه به پایان بردم و از آنجا که از مدرک گرایی در حوزه به شدت نگرانم علاقه ای به نوشتن پایان نامه از خود نشان ندادم و اخیراً به سفارش اساتید محترم اقدام به ارئه مدارک نموده تا با طی مراحل اداری، موضوع پایان نامه را اخذ نمایم. به تدریس علاقه فراوانی دارم و از سال دوم طلبگی به تدریس روی آوردم و سالهای متمادی کتب ادبیات را تدریس نمودم و همچنین منطق، شرح لمعتین، تفسیر، فلسفه و کلام را نیز متوالیاً تدریس کردم. در طول زندگی طلبگی به غیر از تحصیل، تدریس و تبلیغ به هیچ کار دیگری اشتغال نداشتم. با پایان دوره سطح، در درس خارج فقه آیت الله تبریزی (ره)، خارج اصول حضرت آیت الله فاضل لنکرانی(ره) و سپس حضرت آیت الله سبحانی شرکت نمودم.

دشتکی شیرازی هروی، جمال‌الدین امیر عطاءاللّه

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۹۲۶ -۹۱۷ ق)، محدث، مورخ و شاعر. ملقب به جمال حسینی و معروف به امیر جمال‌الدین محدث اصیلی به جهت شاگردی امیر اصیل. وی پسر عم امیر غیاث‌الدین منصور و از بزرگان حدیث روزگار خود بود و در دیگر علوم دینی دستی توانا داشت. در مدرسه سلطانیه هرات تدریس می‌کرد، و بر منبر خطبه می‌خواند و آشکارا تبعیت خود را از ائمه اطهار (ع) اعلام می‌داشت. وی چندی در نیشابور زیست. از آثار وی: «احوال اولاد امیرالمومنین (ع)»؛ «الاربعون حدیثا من حادیث سید المرسلین فی مناقب امیرالمومنین (ع)»؛ «تحفه الاحباء»؛ «روضه الاحباب فی سیره النبی و الال و الاصحاب»، که به خواست امیرعلیشیر نگاشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۴۵/۸)، الذریعه (۲۸۶ -۲۸۵ /۱۱، ۱۲۴/۶، ۴۰۹/۳، ۴۸۰/۲، ۴۲۱/۱)، روضات الجنات (۱۸۹/۵)، ریاض العلماء (۳۱۶ -۳۱۵ /۳)، ریحانه (۳۶۹ -۳۶۷ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۰/۱۰)، فارسنا مه‌ی ناصری (۱۱۳۸، ۱۰۵۷ /۲)، فوائد الرضویه (۲۶۳/۱)، الکنی و الالقاب (۱۵۴/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۷۴/۴)، معجم المؤلفین (۲۸۵/۶)، هدیه الاحباب (۱۲۰).

دشتکی شیرازی، صدرالدین، ابوالمعالی محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۲۸- شهادت ۹۰۳ ق)، حکیم و فقیه امامی. معروف به صدرالدین کبیر و ملقب به صدرالعلماء، صدر الحکماء، صدر الحقیقه و سید الحکماء. نسب وی به زید شهید فرزند حضرت سجاد (ع) می‌رسد. او پدر امیر غیاث‌الدین منصور دشتکی است. در شیراز به دنیا آمد. علوم دینی را نزد پدر و و امیر نظام‌الدین احمد بن اسحاق فراگرفت و علوم ادبی را از پسر عمه‌اش امیر حبیب‌اللّه آموخت

و علوم عقلی را نزد سید دانشمند مسلم فارسی یاد گرفت. با قوام‌الدین کرمانی که از شاگردان برجسته‌ی شریف جرجانی است مباحثات و مناظراتی داشت. وی در فن مناظره یگاه عصر خویش بود و مناظرات او با علامه دوانی مشهور است. از شاگردان وی می‌توان به حاج محمود نیریزی و شیخ تقی‌الدین ابوالخیر اشاره کرد. در عهد شاه طهماسب صفوی مدتی منصب صدارت داشت و سرانجام به دست ترکمانان در شیراز شهید شد و در مدرسه منصوریه به خاک سپرده شد. از آثار وی: «اثبات الواجب تعالی»؛ «الحقایق المحمدیه»؛ «الجذر الاصم»، در تحقیق مغالطه معروف به جذر اصم؛ حاشیه بر «تیسیر الوصول الی جامع الاصول»، در فقه شافعی؛ حاشیه بر «شرح تجرید» قوشچی؛ حاشیه «شرح مختصر الاصول» عضدی؛ حاشیه «شرح مطالع»؛ حاشیه «کشاف» زمخشری؛ حاشیه «مطول»؛ رساله‌ای در علم کشاورزی و چندین رساله دیگر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹۲/۶)، اعیان الشیعه (۶۰/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۹، ۸۳ /۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۸۵)، الذریعه (۳۷/۲۵، ۳۶ -۳۵ /۷، ۱۳۵/۶، ۹۲/۵، ۱۰۸/۱)، ریحانه (۴۲۶/۳)، شهیدان راه فضیلت (۱۸۸ -۱۸۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۹ - ۲۱۸ /۱۰)، الکنی و الالقاب (۴۱۱/۲)، لغت نامه (ذیل/ صدرالدین)، معجم المؤلفین (۲۱۵/۸)، هدیه الاحباب (۱۸۶)، یادداشتهای قزوینی (۲۵۱/۵).

دشتکی شیرازی، نظام‌الدین احمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۵ ق)، حیکم، ادیب و شاعر. ملقب به سلطان الحکماء و سید العلماء. وی پدر بزرگ سید علی خان مدنی شیرازی بود. از تالیفات وی: «اثبات الواجب الصغیر»؛ «اثبات الواجب الکبیر»؛ «اثبات الواجب الوسیط».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۳/۱)، ریحاه (۲۰۱ -۲۰۰ /۶).

دشتکی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، از شاگردان حاج میرزا بدیع درب امامی، و آخوند محمّد حسین کرمانی، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای بوده. در مدرسه جدّه، ساکن و سطوح فقه و ادبیّات تدریس می‌نمود.

در سال ۱۳۴۴ وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دشتکی، صدرالدین، ابونصر محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۶۱ ق)، عالم امامی. معروف به صدرالدین ثانی یا امیر صدرالدین ثانی و یا صدرالدین واعظ. شهرت وی بیشتر به سبب توبه‌ی حقیقی او است. صاحب «روضات الجنات» گوید که نظیر توبه صدرالدین از کسی معهود نبوده و هیچ کدام از اهل توبه به آثاری مانند آثار توبه‌ی وی موفق نیامده‌اند. وی از مشایخ روایت و اجازه بوه و برای یکی از علمای امامیه سید علی بن قاسم حسینی عریضی یزدی اجازه فاخری نوشته است. از آثار وی: رساله «الذکری» یا «الخمریه»، در تحریم خمر که در رشته‌ی خود بی‌نظیر است. لفظ «الذکری» برابر با ۹۶۱ ق سال تالیف رساله می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۸/۱۰، ۲۵۳/۷)، روضات الجنات (۱۷۱ -۱۷۰ /۷)، ریحانه (۴۲۷ -۴۲۶ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۲۰ -۲۱۹ /۱۰)، الکنی و الالقاب (۴۱۱/۲)، مجالس المومنین (۲۳۳/۲)، هدیه الاحباب (۱۸۷ -۱۸۶).

دشتی فارسی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۹/۱۲۹۸ -۱۲۴۶ ق)، ادیب، حکیم و شاعر، متخلص به دشتی. وی اهل دشتستان بود از طایفه حاجیان. در محضر پدرش و دیگر فاضلان شره علوم ادبی و تازی را آموخت پس از فوت ضابط دشتی به حکومت آن نواحی رسید، در دوره‌ی حکومتش به دستگیری از مستمندان و فقیران پرداخت. از جلمه آثارش: «دیوان» شعر؛ «نمکدان»؛ «طریق السلوک»؛ «کلام الملوک».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۶۲۲ -۶۲۱ /۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۴۶ -۵۳۸ /۲)، الذریعه (۳۱۳/۲۴، ۱۱۱/۱۸، ۳۲۶/۹)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۳۳۶/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۷۱ -۴۷۰ /۵)، مرآت الفصاحه (۲۱۵ -۲۱۴)، مکارم الاثار (۱۲۸۹ - ۱۲۸۸ /۴).

دشتی کردستانی، عبداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۲ -۱۲۷۳ ق)، عالم و شاعر. ملقب به مفتی. در قریه دشه از توابع اورامان متولد شد. در کودکی به علت نداشتن پدر به امر تحصیل التفات نکرد، تا اینکه که در پانزده سالگی تحت تربیت محمد بهاءالدین عثمانی نقش‌بندی که از شاگردان پدرش بود قرار گرفت. ابتدا در سنندج تحصیل کرد و پس از آن در نودشه نزد ملا احمد نودشی و مدتی نیز در اربل نزد حاج عمر افندی تلمذ کرد، تا سرانجام در سال ۱۳۰۰ ق موفق به دریافت اجازه شد. از آن پس مدتی در قریه گلپ عراق و روستای زادگاهش تدریس کرد و سپس در سنندج در مسجد امامزاده پیر عمر و در مدرسه‌ی دارالاحسان به این مهم پرداخت. ملا عبداللّه شعر را نیز نیکو می‌سرود. در سنندج درگذشت و در بالاـ تپه شیخ محمد صادق دفن شد. از آثار وی: کتابی «در فرایض و موارث»، به فارسی؛ «ابکریه»، در نحو به فارسی؛ «رساله‌ای در اثبات نبوت حضرت محمد (ص)»، با دلایل عقلی به عربی؛ «رساله‌ای در علم کلام و عقاید»؛ «عقیده»، به گویش کردی اورامی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۱۶۳ -۱۶۱ /۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۲۶ -۲۲۴ /۳).

دشتی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا احمد بن العلامه آیت‌الله آخوند ملاحسن الدشتی النجفی از علماء اعلام و فقهاء عظام و مجتهدین کرام نجف اشرفند که در حادثه شوم دولت بعثی عراق اخراج به ایران و سرانجام رحل اقامت به قم انداخته‌اند.

تولد معظم‌له در یکی از محال فارس دشتی از نواحی شیراز واقع شده و در مهد تربیت والد مجاهدش (که یکی از مراجع عالی‌مقام فارس و از مجاهدین تاریخ ۱۳۳۵ قمری تقریبا بوده که با مساعدت و همکاری جمعی از آقایان آیات مخصوصا آیت‌الله حاج شیخ جعفر محلاتی قیام نموده و در مقام دفاع با اردوی انگلیس که در بندر بوشهر پیاده شده بودند جنگیده و با کشته شدن جماعتی از مسلمین و مهاجمین و اسارت بعضی دشمن را خارج کردند) تربیت یافته و مقدمات را نزد والد ماجد و بعضی دیگر از علماء تلمذ نموده و بعد از فوت والدین در تاریخ ۱۳۵۰ قمری به نجف اشرف مهاجرت و بعد از فراغت از سطوح در محضر آیات عظام و اساتید والامقام میرزا ابوالحسن مشکینی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله ضیاءالدین اراکی و آیت‌الله حاج شیخ کاظم شیرازی و بالاخص آیت‌الله میرزا عبدالهادی شیرازی استفاده کرده تا به مدارج عالیه اجتهاد و فقاهت نائل و آیات نامبرده مقام علم و کمال و اجتهاد ایشان را گواهی کرده و اجازاتی مرقوم نمودند که نگارنده آنها را دیده‌ام و آثار علمی آن جناب در اسات و تقریرات ابحاث اساتید مذکور است که مخطوط مانده فقط شرح شرح لمعه دمشقیه ایشان به همت حجه‌الاسلام حاج سید محمد کلانتر به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

دشتی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد فرهیخته، حجت الاسلام و المسلمین شیخ محمد دشتی در سال ۱۳۳۰ ش (۱۳۷۰ ق) در مازندران به دنیا آمد و پس از فراگیری تحصیلات ابتدایی به آموختن علوم دینی روی آورد. وی پس از تلاش و پشتکار فراوان، در بیست سالگی به درس خارج فقه و اصول حضرات آیات: میرزا هاشم آملی، ناصر مکارم شیرازی، علی مشکینی اردبیلی و عبداللّه جوادی آملی راه یافت و مبانی حکمت و فلسفه را از استادان فن آموخت. حجت‌الاسلام دشتی پس از آن به تالیف و تدریس و تحقیق روی آورد تا اینکه در سال ۱۳۶۷، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمومنین(ع) را بنیان نهاد و با کمک گروهی از محققان، کتاب‌های ذیل را فراهم نمود: فرهنگ سخنان معصومین در ۱۵ جلد، تحلیل تاریخی سیاسی معصومین در ۱۴ جلد و سیره امام علی(ع) در ۱۵ جلد، ترجمه نهج البلاغه، فرهنگ واژه‌ها، موضوعات کلی و معارف نهج‌البلاغه در ۴ جلد، اسناد و مدارک نهج‌البلاغه و ده‌ها اثر دیگر. ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکسره به تلاش و کوشش در راه احیای شعائر دینی می‌پرداخت و هماره به تبلیغ دین در شهرهای مختلف کشور و تدریس در نهادهای انقلابی و دانشگاه‌ها و سخنرانی همت گماشت تا این که در بازگشت از سفر تبلیغی خویش از کاشان در ۵ اردیبهشت

۱۳۸۰ دچار سانحه تصادف شـد و پس از گذشت ده روز، در نیمه همان ماه برابر با ۱۱ صفر ۱۴۲۲ق در پنجاه سالگی بدرود حیات گفت و در حرم مطهر حضرت معصومه(س) به خاک سپرده شد.

دشتی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد دشتی

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

سال اول راهنمایی را در خرداد ماه ۱۳۵۶ در شرایطی در شهر نیشابور به پایان رساندم که از طرف مدرسه راهنمایی ناصری جهت شرکت در اردوی تابستانی رامسر با هزینه دولت دعوت شدم. این دعوت که نوعی پاداش محسوب می‌شد و از هر مدرسه تنها یک نفر به این اردو دعوت میشد برای بنده به عنوان یک نوجوان روستایی بسیار مطلوب و مسرت بخش بود ولی منوط به اجازه پدرم بود لیکن پدرم به رغم اینکه جهت امضای رضایت نامه به شهر آمد به جهت مسائلی که پیش آمد و در واقع از الطاف خفیه الهی بود به من اجازه شرکت در این اردو را نداد گمان میکنم اگر در آن اردو که گفته می‌شد با حضور ولیعهد طاغوت برگزار می‌شود شرکت کرده بودم طلبه نمی‌شدم. به هرحال با آغاز سال تحصیلی ۵۶ – ۵۷ بنده به والدینم عرض کردم دیگر به مدرسه نمی روم و اگر بناست درس بخوانم می‌خواهم به حوزه علمیه بروم که این تقاضای بنده با استقبال پدر و مادرم مواجه شد و از مهرماه ۱۳۵۶ در حالی که در شهرهای مثل نیشابور و حتی شهرهای بزرگتر کمترین نفسی علیه حکومت به گوش می‌رسید و جو خفقان و پلیسی بر همه جا حاکم بود ، وارد حوزه علمیه کهنسال نیشابور یعنی مدرسه گلشن شدم طولی نکشید که در پی درگذشت مشکوک مرحوم حاج آقا مصطفی و برگزاری مجالس ختم آن مرحوم و در همان حال دست به دست گشتن عکسها و نوارهای سخنرانی حضرت امام ره فضای سیاسی کشور ملتهب و رفته رفته راهپیماییهای خیابانی و سخنرانی های اعتراض آمیز علیه طاغوت آغاز گردید که بنده نیز همچون دیگر طلاب و دانشجویان و دیگر اقشار جامعه در این برنامه شرکت می‌کردم تا اینکه انقلاب اسلامی به صورتی غیر مترقبه و تنها در سایه الطاف الهی و به گونه ای معجزه آسا به پیروزی رسید لحظاتی آنچنان شیرین و معنوی و به یاد ماندنی که قلم و زبان از بیان آن قاصر است. مهرماه ۱۳۵۷ در حالی که انقلاب به اوج خود نزدیک می‌شد وارد حوزه علمیه جدید التاسیس فضل بن شاذان شدم که از نظم و فعالیت علمی بهتری برخوردار بود و تا سال ۱۳۶۰ در این مدرسه به تحصیل مشغول بودم و در همان حال با شروع جنگ تحمیلی آموزشهای نظامی را به طور محدود توسط برادران سپاهی فرا گرفتم. سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه مشهد شدم ولی شلوغی مشهد و عوامل مزاحم تحصیل آزارم می‌داد لذا از سال ۱۳۶۱ با راهنمایی برخی دوستان و اساتید وارد حوزه علمیه مهدیه خوانسار شدم که از نظم و شرایط تحصیلی بسیار مطلوبی برخوردار بود گرچه به دلیل ناهمخوانی دروس ناچار به تکرار برخی دروس شدم که البته خالی از فایده هم نبود در همان سال ۶۱ معمم شدم و برای نخستین بار جهت تبلیغ به جبهه رفتم واز آن پس تا پایان جنگ در ایام تبلیغ و در طی فرصت هایی که پیش می‌آمد جهت ادای وظیفه شرعی خود به جبهه اعزام می‌شدم. در سال ۱۳۶۴ در حالی که بخشی از رسائل و مکاسب را خوانده بودم وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه فیضیه حجره گرفتم و در کنار دروس عمومی حوزه در موسسه در راه حق شرکت کردم و در همان حال در رشته ادبیات و علوم انسانی از آموزش و پرورش دیپلم گرفتم دوره لیسانس الهیات و معارف اسلامی و فوق لیسانس رشته تاریخ را در موسسه در راه حق و موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) گذراندم و از سال ۱۳۸۰ پس از طی مراحل کنکور و گزینش در همان موسسه به گذراندن دوره دکتری رشته تاریخ اسلام مشغول شدم که اینک رو به پایان است. در طی این سنوات از سال ۱۳۶۸ به طور مرتب در درس خارج اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی و به مدت یک سال در درس خارج فقه مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی ره و یک سال درس خارج فقه حضرت آیت الله مکارم شیرازی شرکت کردم. از سال ۱۳۷۸ به جهت کثرت اشتغالات درسی و پژوهشی در رشته تاریخ دروس خارج حوزه را ترک کردم. درطی دوران طلبگی چه نیشابور و چه در مشهد و چه در خوانسار کم و بیش در زمینه دروس حوزوی (صرف و نحو و منطق) تدریس داشتم پس از گذراندن دوره کارشناسی ارشد تاریخ در نهادهای مختلف حوزه علمیه قم نیز به کار تدریس و پژوهش و راهنمائی پایان نامه های طلاب و دانش پژوهان اشتغال داشته و دارم .

دعاءنویس، عزیزاللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید عزیزاللّه تهرانی علی بن السید نصراللّه بن السید ابی‌القاسم ابن السید علی نقی الخراسانی تهرانی معروف بدعاء نویس، عالمی بزرگ و پارسائی بزرگوار بودند.

وی از شاگردان مرحوم علامه حاج شیخ تهرانی بودند و سالها در نجف اشرف ملازم ابحاث مشاهیر فقهاء آن سامان بودند و در ضمن اشتغال مواظب وظائف شرعیه و زیارات مخصوصه و نوافل و ریاضات شرعیه و ملتزم غالب مستحبات بودند و در مشاهد مشرفه حالاتی داشتند و بسیار در آن اماکن مقدسه توقف می‌نمودند و برای ایشان منامات و مکاشفات و مشاهدات عجیبه بوده است که یکی از آنها را در اینجا می‌نگارم:

تشرف آن مرحوم بمکه معظمه بطی الارض بملازمت حضرت ولی عصر عجل اللّٰه فرجه

در ایامی که اشتغال بتحصیل داشتند در نجف مشرف می‌شوند بکربلا برای زیارت حضرت حسین علیه‌السلام و شبکه ضریح مطهر را گرفته و دعا می‌کند برای توفیق تشرف به مکه معظمه و قسم می‌دهد خدای متعال را بحق پیغمبر و آل طاهرینش علهیم‌السلام اینکه حاجتش را رد نکند. پس از حرم بیرون آمده شخصی را ملاقات میکند و میگوید آیا مایل هستید پیاده بمکه برویم میگوید آری پس با هم توافق کرده وقت معین و مکان مخصوصی را تعیین می‌نماید برای مسافرت و امر می‌کند که توشه کمی بردارد و در آن وقت و آن مکان حاضر شده و باتفاق از کربلا بیرون می‌روند و چون کمی راه می‌روند بیک چشمه آب صاف رسیده و آن شخص قبله را برای او تعیین و می‌گوید همینجا باش تا عصر که من می‌آیم و می‌رود آنگاه وقت موعد آمده و کمی راه می‌روند بچشمه آب دیگر رسیده و باز قبله را نشان او داده و می‌فرماید شب را در اینجا باش تا صبح که نزد تو می آیم و می‌رود و صبح حاضر شده و می‌روند تا به چشمه سوم رسیده و قبله را برای او مشخص و می‌گوید اینجا بیتوته کن تا صبح که بیایم و در موقع وعده آمده تا هفت روز بهمین کیفیت که هیچ آبادی نمی‌بینند و در روز هفتم خانه‌ها و آبادی می‌بیند پس آن شخص میفرماید برو تا باین شهر برسی وقتی به آن آبادی میرسد می‌بیند که مکه مکرمه است و دیگر رفیق سفرش را نمی‌بنید و بعد از مدت طولانی حجاج می‌رسند که در میان آنها جمعی از اهل تهران که از آنها پسر عمویش حاج سید خلیل اللّٰه تهرانی بوده و همگی تعجب می‌کنند و ایشان قضیه را نقل می‌نماید و بعد از اداء مناسک مراجعت می‌کنند و تمام حجاج ویرا بی نهایت احترام می نمایند.

و سفر دیگر به مکه مشرف شده و به تهران مراجعت و بریاضات شرعیه اشتغال می‌ورزد و خوراک و خواب خود را کم و به عبادات از صیام نهار و قیام لیل پرداخته و شبهای جمعه در حرم سیدنا عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام تا صبح بیتوته نموده و یک ختم قرآن تلاوت می‌نمود. مشهور به مستجب الدعوه شده و دعایش مجرب بود. برای هر کس مینوشت و دعا میکرد مستجاب میشد و از این جهت معروف بدعانویس شد و عوام تصور می‌کردند تسخیر جن دارد زیرا مصروعین و غشی‌ها را نزد او آورده و ایشان دعا نموده و یا دعا می‌دادند فورا خوب میشد، بسیاری از بیماران را عافیت بخشیده و رفع ابتلاها بدعاء وی می‌شد تا در سال ۱۳۲۲ ق در تهران رحلت نموده و در رواق مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام مدفون گردید.

از باقیات الصالحات ایشان است دو فرزند عالم و متقی ایشان بنام حجهٔالاسلام آقا سید میرزا حسن تهرانی متوفی سال ۱۳۲۸ ق در نجف و حجهٔالاسلام آقا سید محمدتقی تهرانی که شب‌های جمعه مانند مرحوم پدرش در جوار حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام احیاء داشت و در سال ۱۳۴۹ ق وفات نمود.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دعوتی، ابوالفتح

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای میر ابوالفتح دعوتی از افاضل دانشمندان و مدرسین و نویسندگان خدمتگذار و پارسای حوزه علمیه است در مهرماه ۱۳۱۶ شمسی در خرم‌آباد متولد شده و پس از پایان تحصیلات متوسطه به تحصیلات علوم قدیمه پرداخته و بعد از پایان سطوح نهائی از درس خارج آیت‌الله العظمی شریعتمداری و گلپایگانی و امام‌خمینی و مرحوم محقق یزدی استفاده نموده و در رشته الهیات و معارف اسلامی دارای گواهی لیسانسیه می‌باشند و اکنون اشتغال به تدریس و تربیت محصلین و دانش‌آموزان جوان و تالیف کتب در فنون مختلفه دارند، آثار عدیده‌ئی دارند که قسمتی از آن مطبوع می‌باشد و آنها از این قرار است: ۱– کتاب آفرینش جهان در اثبات خدا و مسائل مربوط به توحید و بحثهائی پیرامون تکامل ۲– سرودهای جاودان در پاره داستانها و پندها و نصایح ۳– پاسخ کسرویان در رد مرام کسروی و پیروانش ۴– کتاب شق القمر ۵– پیدایش موجودات زنده ۶– کشتی نوح ۷– خانه بلبلان ۸– عیسی مصلوب در مورد اشتباه داستان صلیب و مصلوب ۹– شیعیان لبنان ۱۰– سلسله داستانهای مصور قرآن کریم ۱۱– مقالاتی در مجله وزین مکتب اسلام از آغاز انتشار ۱۲– مجله کودک ۱۳– همکاری در مجله پیام شادی.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

دعویدار قمی، رکن‌الدین محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم و هفتم ق)، فقیه و شاعر، متخلص به دعوی. معروف به ملک‌الشعراء، نسب وی به سه پشت به دعویدار قمی می‌رسد. در قم متولد شد و در بدایت حال تصدی مقام شرعی در همان شهر داشت وی از مفتیان زمان خود بوده و به شاعری و ستایشگری بزرگان زمان خود مشغول بود. وی علاوه بر مدح آخرین پادشاه باوندی در تبریز مدتی مدح اتابکان آن سامان گفت. رکن‌الدین با کمال‌الدین اسماعیل رابطه ادبی داشته و قصیده لامیه را در سی و شش بیت در مدح او سروده و بدو فرستاده، کمال نیز پاسخ گفته،

همچنین نوشته‌اند که بـا اثیرالـدین اومـانی نیز مکـاتبه و مشـاعره داشـته است. دعوی شاعری ذو لسانین بود که در نظم و نثر عربی و فارسی قدرتی تمام داشت. آثار وی: «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۲۵۳ -۱۲۵۰ /۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۵۲ -۳۴۶ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۷۲)، تذکره‌ی روز روشن (۲۶۱)، دیوان رکن‌الـدین دعویدار قمی (مقدمه/ ۳۹ -۷)، الذریعه (۳۸۳ -۳۸۲، ۳۲۷ /۹)، ریاض العلماء (۱۰۶/۵)، سرآمدان فرهنگ (۴۰۰ -۳۹۹ /۱)، فرهنگ سخنوران (۳۹۴)، فهرست منتجب‌الدین (۱۸۵)، مجمع الفصحا (۶۸۰/۲).

دغولی سرخسی، ابوالعباس محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۲۵ ق)، لغوی، فقیه و محـدث. از پیشوایان فقه و لغت و روایت در سـرزمین خراسان بود. مـدتی در نیشابور اقامت گزید و از محمد بن یحیی ذهلی و عبدالرحمان بن بشر و اقران آنها بهره‌ها برد و در عراق و حجاز از محمد بن اسماعیل احمسی خدیث نوشت و از زعفرانی و سعدان بن نصـر و احمد بن سیار و محمد بن عبداللّه قهزاد و محمد بن مشکان و محمد بن مهلب سرخسی و عبداللّه بن‌هاشم طوسـی و ابوزرعه رازی حـدیث روایت کرد. ابوحاتم بن حبان و ابواحمد بن عدی و یحیی بن عمرو بستی و ابوبکر جوزقی وابوعلی نیشابوری و دیگران از وی حـدیث روایت کرده‌انـد. ابن‌خزیمه گوید که چون ابوالعباس دغولی دانشـمندی ندیده است. از آثار وی: کتاب «الاداب»؛ «فضائل الصحابه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۵۶۲ -۵۵۷ /۱۴)، الوافی بالوفیات (۲۲۶/۳).

دقاق نیشابوری، ابوعلی حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۱۲/۴۰۵ ق)، عـالم، عـارف، مفسـر، واعـظ و شـاعر. در نیشابور به دنیا آمـد و همان جا نشو و نما یافت. از اکابر عرفا و جامع اصول شـریعت و فنون طریقت به شـمار می‌رفت. در بیـان احـادیث و اخبار دستی توانا داشت و در تفسـیر و تاویل آیات بصـیر و بینا بود. از کثرت شوق و ذوق و درد و گریه که داشـته او را شیخ نوحه‌گر می‌گفتند. کلمات معروفه‌ای نیز از وی به یادگار مانده است. گوینـد خواجه عبداللّه انصاری مناجات مشـهور خود را از کلمات این عارف ربانی اقتباس نموده است. ابوالقاسم عبدالکریم قشـیری داماد و شاگرد وی بود. دقاق در نیشابور وفات یافت و او در مـدسه‌ی خو در سـمت قبله‌ی کهن دز دفن کردنـد. از آثار وی: «تاویل بعضی از آیات قرآنیه»؛ «خلافت»؛ «زهد»؛ «مواعظ»، که بر سیصد و شصت مجلس مشتمل می‌باشد؛ «کتاب الضحایا».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۴)، تاریخ نیشابور (۲۲۶، ۲۲۵)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (مقدمه، ۲۹)، ریحانه (۲۲۳ -۲۲۲ /۲)، طبقـات الصوفیه هروی (۶۳۱ -۶۳۰)، کشـف الظنون (۱۴۳۴)، الکنی و الالقـاب (۲۲۹/۲)، مجمل فصـیحی (ذیل/ سال ۴۰۶)، معجم المؤلفین (۲۶۱/۳)، نفحات الانس (۲۹۹ -۲۹۷)، وفیات الاعیان (۲۰۸، ۲۰۷، ۲۰۶ /۳)، هدیه الاحباب (۱۳۵)، هفت اقلیم (۲۲۵/۲).

دقاقی بلیانی، معین‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۹ ق)، صوفی و شاعر، متخلص به معین. وی پـدر تقی‌الـدین اوحـدی مولف تـذکره «عرفات العاشـقین» است. در قزوین در خـدمت شـاه طهمـاسب صـفوی بـود. از آنجـا بـه شـیراز رفـت و پس از چنـدی به هندوسـتان مهـاجرت کرد و در دکن مقیم شـد تا درگذشت. وی از غزلسرایان توانمند روزگار خود بود. از آثار وی: «دیوان» اشعار.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منـابع زنـدگینامه :تاریـخ نظم و نثر (۶۶۰)، دانشـمندان و سخن‌سـرایان فارس (۴۹۱/۴)، الـذریعه (۱۰۷۶/۹)، ریحـانه (۳۴۹/۵)، صبح گلشن (۴۳۳)، فرهنگ سخنوران (۸۶۳ -۸۶۲).

دقایقی مروزی، شمس‌الدین محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س شـشم ق)، شاعر، ادیب. گویند در موعظه و تذکیر حقایق و دقایق بی‌نظیر و مداح خواجه عمید فخرالدین حمید بود و طبع عالی

داشته و لوای فصاحت و بلاغت می‌افراشته. از جمله آثارش: «حنین الاوطان»؛ «بختیار نامه» را به او نسبت می‌دهند؛ «سندباد نامه» نیز که دو تهذیب دارد یکی از وی است دیگری از ظهیری سمرقندی.[۱]

مروزی، شمس‌الدین محمد بن علی، عالم و واعظ و شاعر اواخر قرن ششم ه. وی تا پایان قرن مذکور زنده بود. و هم اوست که سندباد نامه را به نثری مصنوع و مزین تحریر کرده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۰۲/۲)، الذریعه (۳۲۷/۹)، لباب الالباب (۲۱۵ -۲۱۲ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۷۲/۵)، مجمع الفصحا (۶۴۷/۲)، هفت اقلیم (۱۳/۲).

دقیقی شاهرودی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه علمی

مهدی دقیقی شاهرودی از سن ۱۴ سالگی مطالعات دینی خود را آغاز نمود و در سن ۱۶ سالگی در حالی که در دبیرستان مشغول به تحصیل بود تحصیلات خود را رها نمود وپس از قبولی در آزمون ورودی حوزه علمیه قم به صورت طلبه رسمی وارد حوزه علمیه قم گردیدو تحصیلات خودرا در محضر مدرسان بزرگ علوم دین آغاز نمود.وی صرف ونحو،معانی وبیان،منطق و معقولات،عقاید و ادیان،ادبیات فارسی،فقه واصول وعلوم حدیث و علوم مختلف دینی را از محضر مدرسان فرهیخته حوزه فرا گرفت .دغدغه همیشگی او عدم استفاده از علوم فراگرفته توسط علما وطلاب و جاری نشدن علوم دینی در سطح جامعه بود ،او معتقد است اگر فردی علوم را کسب نماید اما آن را به دیگران نیاموزد ودیگران نیز از علوم او استفاده نکنند آن فرد عالم نیست و با جهال تفاوتی ندارد.و از سوی دیگر عدم حضور دانش آموختگان حوزه در جامعه زمینه ورود دزدان اعتقادات را فراهم می آورد. از این رو در خلال تحصیل از قم به مناطق مختلف از جمله زادگاه خودتهران سفر می نمود و در حلقه های مختلف درس و گفتگوی دینی با جوانان، نوجوانان و دانشجویان به انتقال یافته های خود می پرداخت .او پس از چندسال کسب فیض از علما وفحول حوزه خود به تحقیق و تحصیل پیرامون معارف دین پرداخت و برای موفقیت هرچه بیشتر برای یافتن راه صحیح سلوک دینی تحقیقات خود را آغاز نمود و گوهر گمشده وجود خود را در" حوزه نجف" و سرآمدان آن حوزه کهن یافت و از این رو برای شناخت" ریشه های علم "و"عالمان آن سامان "به مسافرتهای مکربه آن دیار پاک و تحقیقات گسترده درباره آن حوزه کهن دست یازید.نتیجه تحصیلات و تحقیقات دینی و تلاشهای علمی وی در حوزه معارف دین ارتباط تنگاتنگ با مجتهدین و عالمان فرهیخته حوزه و کسب اجازات مختلف از آن بزرگواران بود. او در خلال مطالعات دینی تحصیلات کلاسیک خود را نیز ادامه داد و مدرک دیپلم و پیش دانشگاهی خود را نیز دریافت نمود و در مقاطع ورشته ای مختلف دانشگاه نیز پذیرفته شد اما محصور شدن در نظام آموزشی حوزه و دانشگاه مطلوب او نبود و تحقیقات آزادانه و همراه با حریت در حوزه مسائل دین را برای خود برگزید که حاصل آن چندین سال تدریس،تحقیق و تبلیغ در حیطه مباحث دینی می باشد. وی نشر فضایل و علوم اهل بیت علیهم السلام،پاسخگویی به مسائل شرعی،شرکت در مناظرات دینی،مسافرتهای تبلیغی ،اداره سایتهای اینترنتی دینی،تدریس در دانشگاه وحوزه،نوشتن و تهیه مقالات مورد نیاز جامعه،رفع اختلافات عموم طبقات جامعه،سخنرانی وبرگزاری مراسمات و بزرگداشتهای دینی،مقابله جدی با منحرفان و شبهه افکنان دینی و ...وظایفی است که به عنوان یک طلبه برای خود مقرر نموده است.

دقیقی مروزی، ابومنصور محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۳۲۰، وف ۳۷۰ -۳۶۷ ق)، شاعر. در مولد او اختلاف است. عوفی او را طوسی و برخی بلخی و گروهی سمرقندی می‌خوانند. او از شاعران عصر سامانی است و مدتی در خدمت امیر ابوالمظفر چغانی زیست و او را مدح می‌گفت. دقیقی پیش از فردوسی شروع به نظم شاهنامه کرده بود. اما هنوز هزار بیت از شاهنامه را نسروده بود که به دست غلامی کشته شد. برخی به اشتباه سال قتل وی را ۳۴۱ ق دانسته‌اند. وی در سرون انواع شعر بویژه مدیحه و حماسه استاد بود. آثار وی: «گشتاسب نامه» قسمتی از شاهنامه که در شرح سلطنت گشتاسب و ظهور زرتشت و جنگ مذهبی میان گشتاسب و ارجاسب تورانی است و «دیوان» اشعار.[۱]

ابومنصور محمد بن احمد از شاعران عهد سامانی (مق. حدود ۳۶۹ -۳۶۷ ه.ق.) و دومین گوینده‌ای است که به نظم شاهنامه قیام کرده. وی در اواسط نیمه اول قرن چهارم متولد شده. دقیقی بر دین زردتشتی بود، و در جوانی به دست غلام خود به قتل رسید. او شاهان سامانی و امرای چغانی را مدح می‌گفته. از وی قصاید و غزلها و قطعات و ابیات پراکنده‌ای در تذکره‌ها نقل شده. قصاید و غزلیاتش دال بر استادی و مهارت اوست اما مهمترین اثر او گشتاسپ‌نامه (ه.م.) است یعنی قسمتی از شاهنامه در شرح سلطنت گشتاسپ و ظهور زردشت و جنگ دینی میان گشتاسپ و ارجاسپ. ورود دقیقی در انواع مختلف شعر و قدرتی که در همه ابواب نشان داده دلیل آشکاری است بر فصاحت کلام و روانی طبع و قوت بیان و ذهن او. تغزلات بدیع و غزلهای لطیف و مدایح عالی و اوصاف رایع او با معانی باریک و مضامین تازه و دل‌انگیزی که در همه آنها به کار برده به شعر او دلاویزی و رونق و جلای خاص می‌بخشد و بیهوده نیست که فردوسی او را به «گشادگی زبان» و «سخن گفتن خوب» و «روانی طبع» وصف می‌کند. وی مخصوصا

قصاید مدحی را کمال بخشید. بعضی از قصاید او بعدها چند بار مورد استقبال شعرای استاد قرار گرفته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] با کاروان حله (۳۴ -۱۹)، پیشاهنگان شعر فارسی (۱۱۷ -۹۹)، تاریخ ادبی ایران، براون (۶۷۳ -۶۶۹ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۱۹ -۴۰۸ /۱)، تاریخ گزیده (۷۳۱ -۷۳۰)، تذکره‌ی روز روشن (۲۶۱)، دایرةالمعارف فارسی (۹۸۳/۱)، الذریعه (۳۲۷/۹)، ریحانه (۲۲۵ -۲۲۴ /۲)، سخن و سخنوران (۳۵ -۲۸)، شخصیتهای نامی (۱۹۶ -۱۹۵)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۱۲ - ۲۱۱)، لغت نامه (ذیل/ دقیقی)، مؤلفین کتب چاپی (۲۸۴ -۲۸۳ /۵)، مجالس النفائس (۳۳۵ -۳۳۴)، مجمع الفصحا (۶۴۶ -۶۴۱ /۲)، هفت اقلیم (۴۰۲ -۴۰۱ /۳).

دکنی انجدانی، شاه طاهر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۶ -۹۵۲ ق)، متکلم، دانشمند، شاعر. وی در همدان متولد شد. در محلی به نام خند (خواند) نزدیک قزوین روزگار می‌گذراند، با گذشت زمان به خاطر علم و تقوایی که داشت محبوبیت زیادی یافت. تا حدی که معروفترین امام سلسله نزاری شاخه‌ی محمدشاهی شد. وی وارد دربار شاه اسماعیل صفوی شد در حالی که شاه صفوی از نفوذ او بیمناک بود، چند بار توسط میرزا حسین اصفهانی که از درباریان بانفوذ و حامی شاه طاهر بود، حمایت شد. شاه طاهر پس از آن به کاشان به عنوان مدرس علوم دینی راهی شد، در کاشان علمای اثنی عشری، اخباری از شاه طاهر به دربار فرستادند که باعث شد فرمان قتل وی صادر شود. ولی وی به هند گریخت و به دربار اسماعیل عادلشاه حاکم بیجاپور راه یافت. ولی چون توجهی ندید قصد خانه خدا کرد در راه به پیر محمد شیروانی برخورد و تاثیری در وی گذاشت که باعث خوانده شدنش به احمدنگر دربار نظامشاه شد وی پس از مدتی از معتمدترین یاران نظامشاه شد، در عین حال در آن شهر به ایراد درس در موضوعات مختلف مذهبی می‌پرداخت. وی گویا به خاطر شفا دادن معجزه‌آسای پسر نظامشاه مرتبه‌ای بلند یافت و نظامشاه به تشیع گروید. در بادی امر تبلیغ مذهب اثنی عشری توسط یک امام نزاری شگفت جلوه می‌کند اما باید به خاطر داشت که شاه طاهر و دیگر پیشوایان نزاری آن عهد ناچار به مراعات تقیه به صورت شدید بودند. نظامشاه پس از این تغییر تشیع را مذهب رسمی مملکت خود کرد. وی از دانشمندان و ادیبان و عارفان معروف عهد خود بود. در تفسیر و حدیث و فقه و اصول و حکمت و ریاضی مهارت داشت. دانشهای عقلی را نزد شمس‌الدین محمد خضری فراگرفت و در مجموعه‌ی «منشآتش» نامه‌یی به همین استاد می‌بینیم. وی در احمدنگر درگذشت. استخوان او را بعدها به کربلا بردند و در جوار امام حسین (ع) به خاک سپردند. از آثارش: «منشآت شاه طاهر» یا «انشاء روح‌افزا»؛ حاشیه بر «الهیات شفا»؛ شرح بر «تهذیب الاصول»؛ «شرح باب حادی عشر» در کلام، شرح «رساله‌ی جعفریه»، در فقه؛ حاشیه بر «تفسیر» قاضی بیضاوی؛ رساله‌ی «النموزج العلوم» و رساله فارسی در احوال معاد. «دیوان» شعری هم دارد که اشعاری لطیف را شامل است از آن جمله قصایدی که در مدح علی (ع) و نبی اکرم (ص) دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۲۷۲ -۱۲۶۶ /۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۳۳ -۱۶۲۹، ۶۷۰ -۶۶۲ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۶۷)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه (۵۶۰ -۵۵۴)، تحفه‌ی سامی (۴۴ -۴۳)، دایرةالمعارف فارسی (۱۴۴۴/۲)، الذریعه (۶۴۱، ۵۰۰ -۴۹۹ /۹، ۱۴۲/۶، ۴۰۶/۲)، ریاض العارفین (۱۰۴ -۱۰۳)، ریحانه (۱۷۳/۳)، فرهنگ سخنوران (۵۸۳ -۵۸۲)، کاروان هند (۸۰۲ -۷۹۱ /۱)، لغت نامه (ذیل/ طاهر)، هفت اقلیم (۲۰۷ -۲۰۳ /۳).

دل آرتیمانی، میرقاسم، هاشم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر، متخلص به دل. وی از سادات آرتیمان اطراف همدان است که در محاصره اصفهان بوسیله افاغنه کشته شد. وی شاگرد شیخ محمدعلی حزین لاهیجی بود در «تذکره‌ی روز روشن» اسم او محمدهاشم آمده و گفته شد که فرزند رضی آرتیمانی نوه ابراهیم ادهم است. از او است:

قفس در هم شکن تا خویش را در لامکان بینی

برآ از دام تا خود را همای پر فشان بینی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۶۲ -۲۶۱)، تذکره المعاصرین (۱۹۹)، الذریعه (۱۲۸۷، ۳۲۸ /۹)، صبح گلشن (۱۶۴).

دلسوز تبریزی، محمد امین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. ملقب به استاد. در تبریز متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت. میرزا سروش و میرزا مظهر از شاگردان وی بودند. محمد امین به دو زبان فارسی و ترکی شعر می‌سرود. از آثار وی «دیوان» مشتمل بر اشعار ترکی و فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۱۵۱)، الذریعه (۹۹۲، ۳۲۸/ ۹)، ریحانه (۲۲۷ -۲۲۶ /۲)، فرهنگ سخنوران (۳۴۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۸/۱).

دلگیر آذربایجانی، محمد عطار

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۲ ق)، شاعر. از اهالی آذربایجان است در ناخوشی وبا از دنیا رفت. در قله اخی سعدالدین دفن است. وی دارای «دیوان» شعر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۲۸/۹)، دانشمندان آذربایجان (۱۵۱).

دلوی استوایی، ابوحامد احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۳۴ -۳۵۸ ق)، ادیب و فقیه شافعی اشعری. اصل وی از استواء، از نواحی نیشابور، است. از ابواحمد حاکم نیشابوری و ابوالعباس احمد انماطی و ابوسعید عبدالله بن محمد رازی حدیث شنید، سپس وارد بغداد شد و از دارقطنی و همطبقه‌ی او حدیث روایت کرد و در آن شهر مسکن گزید. دلوی از جانب قاضی ابوبکر باقلانی، مدتی در عکبرا قضاوت کرد. در فقه شافعی مذهب، و در اصول اشعری مذهب بود. به گفته‌ی خطیب بغدادی، وی ادب شناس بود و از ادبیت و رعبیت حظی تمام داشت، اما حدیث اندکی روایت کرده است. یاقوت حموی گوید که بسیاری از کتابهای ادبی موجود، به خط اوست. در بغداد درگذشت و در قبرستان شونیزیه دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (۳۷۸ -۳۷۷ /۴)، ریحانه (۲۲۷/۲)، سیر النبلاء (۵۸۲/۱۷)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (۳۹ - ۳۸ /۵)، الوافی بالوفیات (۳۵۱/۷).

دلیر، بهرام

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بهرام دلیر

محل تولد : نقده

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال در ۱۳۶۰ در جبهه های حق علیه باطل که بطور خدا خواهی با یک روحانی رزمنده هم سنگر شدیم و او در سال ۱۳۶۱ اولین انگیزه را برایم ایجاد نمود که وارد حوزه علمیه شوم سال تحصیلی ۱۳۶۱-۶۲ بود که وارد حوزه علمیه ارومیه شدم در آنجا شاید سه ماه بودم که عازم مدرسه ولیعصرعج تبریز شدم سال تحصیلی ۶۲ را به پایان بردم در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم و درسها را دوباره از اول شروع کردم در ادبیات و قسمتی از معالم الاصول را نزد مرحوم مغفور استاد و ادیب مدرس افغانی خواندم در این ایام تابستان زمستان تحصیلی و تعطیلی اشتغال به درس داشتم مگر در فرصتی که عازم جبهه می شدم . لمعتین را با آیه الله اشتهاردی و آیت الله وجدانی فخر و آیت الله استادی به پایان بردم اصول فقه را با محمدی خراسانی. اما رسایل را با آیت الله اعتمادی و مکاسب را با اساتید متعدد ازجمله آیت الله ستوده موسوی تبریزی، کفایه الاصول را با آیت الله اعتماد و آیت الله محفوظی خواندم .

در کنار تحصیلات ادبیات و بعضی از درسها ی دیگر را تدریس می کردم تا اینکه در سال ۱۳۶۷ در درس خارج اصول آیت الله مفتی الشیعه و در فقه درس خمس آیت الله مکارم شیرازی شرکت نمودم و در سال ۱۳۶۸ در درس خارج فقه و اصول المقارن آیت الله خبارن که بمدت شاید ۱۲ سال زحمت ما را کشید و ذره پروری نمود در درس آیت الله فاضل لنکرانی و موسوی اردبیلی کم و بیش شرکت می کردم. تمام امتحانات شورای مدیریت را دادم و مصاحبه ۶ سال درس خارج فقه و نیز اصول را هم به پایان

رساندم .

درسال ۱۳۷۲-۱۳۷۳ درحوزه علمیه امام خمینی سنقر کلیانی تدریس کردم و در سال ۱۳۷۳ در حوزه علمیه قم تدریس جدی سطح را آ غازکردم که هنوزهم ادامه دارد. درسهایی که طی این مدت تدریس شد درموضوعات مختلف بوده است. لازم بذکر است که در کنارتدریس ، درس خارج را با آیت الله جناتی ادامه دادم و بطوری تفصیلی و تحقیقی شروع به تحصیل معقول نمودم با اساتیدی همچون آیت الله حسن زاده آملی و جوادی آملی و قبلا با آیت الله گرامی و بطور مستمرو پی گیر با حکیم دست پرورده علامه طباطبایی یعنی آیت الله عسگری گیلانی که تا سال ۱۳۸۲ ادامه داشت که دراین مدت کل اسفارملاصدرا بجز (ج ۵و۴) و کل اسفار الهیات و تمام اشارات بوعلی و در عرفان کتاب تمهیدالقواعد، فصوص الحکم ومصباح الانس را به پایان بردم .

اما چگونگی تحصیل این دروس بخصوص با استاد عسگری بدین صورت بود که یک درس در ایام تحصیل بود و یکی هم شبهای تعطیلی به طور مثال ج ۱ اسفار در ایام تحصیلی خوانده می‌شد و ج ۸ در ایام و شبهای تعطیل در پایان سال هر دو جلد به پایان می‌رسید و جدیتی که بود و زحمات طاقت فرسایی که استادم می‌کشید باعث شد که یک دوره معقول را به خوبی به پایان برسانم.

در سال شاید ۱۳۷۳ بود که پایان نامه سطح چهار را نوشتم و برای دفاع رفتم اما اتفاق تلخی که در آن جلسه رخ داد، بنده را به طور عجیبی دگرگون نمود که طوری شد که بعد از جلسه تصمیم به ادامه درسهای کلاسیک را گرفتم و به طور متفرقه دیپلم را گرفتم و سپس در کنکور سراسری شرکت کردم و با رتبه‌ای خوب در رشته فلسفه غرب دانشگاه تهران قبول شدم وبه مجتمع آموزش عالی قم آمدم و مشغول به تحصیل شدم مدتی خواندم با اینکه در این زمان به طور سخت بحثهای حوزوی خود اعم از تحصیل و تدریس را داشتم ولی بعد دیدم که چیزی از آن رشته عایدم نمی‌شود لذا تغییر رشته داده و در علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم(ع) ادامه داده تا اینکه در کارشناسی ارشد علوم سیاسی هم قبول شدم و به پایان رساندم با معدل نزدیک به ۱۹ تمام شد.

و در مدت تحصیل دانشگاه چند واحدی هم در طی پنج سال در همان دانشگاه تدریس می‌کردم و در این مدت با هر مشکلی درافتادم و خداوندهم سرافراز از آن مشکل بیرونم می‌آورد. درسهای که تدریس کردم در مدرسه فیضیه بیشتر بوده عبارتند از: رسائل، مکاسب، کفایهٔ الاصول، بدایهٔ الحکمه، نهایهٔ الحکمه، شرح منظومه، اشارات بوعلی سینا و در منزل حکمت عملی مدینه فاضله فارابی، نهج البلاغه، تفسیر و در ایام تعطیل در مدرسه فیضیه، رجال، درایه، کلام و غیره و به صورت آزاد با بعضی از فرهنگیان گلشن راز شیخ محمود شبستری و منازل السائرین که هنوز هم ادامه دارد.

دلیل ایروانی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۳۸ ق)، شاعر. وی از معاصران فتحعلی‌شاه بود. قصیده‌ای در مدح او ساخته و در آخر آن به تعمیر مسجد ایروان اشاره نموده است. وی دارای «دیوان» شعر است. از اوست:

دلیل از بحر تاریخش رقم زد

از ایشان مسجد نیکوست برپا

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۲۹ -۳۲۸ /۹)، دانشمندان آذربایجان (۱۵۱).

دلیل‌التجاری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد دانشگاه.

درگذشت: آذر ۱۳۷۰.

حسن دلیل‌التجاری دارای درجه‌ی علمی دکتری و استادی دانشگاه اصفهان بوده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

دماوندی زواری، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد بن محمدحسن بن مهدی بن ابی‌القاسم ملقب به آقا بزرگ ابن سید زین‌العابدین طباطبائی زواری از علماء گذشته دماوند بوده است.

وی در سال ۱۲۷۳ قمری در قریه لومان که در دو فرسخی دماوند است متولد شده و در دوران کودکی مادر را از دست داد و عمه‌اش در تهران وی را پرورش نموده تا سن ۱۸ سالگی که پدرش در دماوند وفات و ناچار به دماوند برگشته و به انجام وظائف

دینی پرداخته و مصائب بسیاری بر وی وارد شده تا در سال ۱۳۱۶ قمری مهاجرت به عتبات عالیات نموده و چندین سال از ابحاث آیت‌اللّه حاج میرزا حسین خلیلی و علامه یزدی استفاده نموده و مدتی هم هجرت به سامراء نموده در سال ۱۳۲۴ قمری به اتفاق مهاجرین به کاظمین برگشته در سال ۱۳۳۵ و در ماه رجب ۱۳۳۸ قمری مشرف به کربلای معلی شده و در شب نیمه شعبان آن وفات و در صحن شریف حضرت عباس مدفون گردیده است. و این بزرگوار پدر همسر مرحوم علامه بزرگوار حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب (الذریعه الی تصانیف الشیعه) می‌باشد که در سال ۱۳۳۶ قمری با معظم له وصلت نموده است

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دماوندی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملا ابوالقاسم بن نجف قلی دماوندی عالمی جلیل بوده است وی در خاندان تقوا تولد و پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات به نجف مهاجرت و از مرحوم علامه میرزا حبیب‌اللّه رشتی استفاده فقه و اصول و از مرحوم زاهد سالک عالم ربانی آخوند ملا حسینقلی همدانی کسب اخلاق و سلوک نموده و هم از ملا لطف‌اللّه اسکی و میرزا حسین خلیلی تهرانی بهره‌مند شده و اول به افتخار مصاهرت آیت‌اللّه سید میرزا حسین اصفهانی و بعد از آن با ملا علی‌محمد کتبی بن علامه ملا باقر بهبهانی نجفی صاحب (دمعهٔ الساکبه) وصلت نموده و در حدود ۱۳۲۰ قمری در نجف بدرود حیات گفته و بعد از مدت کمی پدر و برادرش حاج محمد رحیم و حاج حبیب‌اللّه که از تجار و اخیار دماوند بوده‌اند وفات نموده‌اند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دماوندی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد بن اسماعیل بن محمدتقی بن عبدالغفور کته میری مرعشی دماوندی دانشمندی بزرگوار بوده است

وی در دماوند متولد و پرورش یافته و بعد مهاجرت به نجف و در درس شیخنا الانصاری شرکت نموده و بعد به علامه سید حسین کوه‌کمری پیوسته و با مرحوم علامه ملا قربانعلی زنجانی صداقت تام داشته و در تهران پس از عمر طولانی در سال ۱۳۴۱ قمری وفات و در سر قبر (آغا) مدفون گردیده است

دارای دو فرزند عالم بنام آقا سید محمدباقر معروف به بحرالعلوم و آسید جعفر واعظ که در سال ۱۳۳۶ قمری در جوانی در زمان پدرش وفات نمودند بوده است

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دماوندی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملا علی دماوندی از بزرگان علماء و فقهاء معاصر ناصری بوده است وی در عصر شیخ انصاری مشرف به نجف اشرف گردیده و از محضر علامه کوه‌کمری استفاده نموده و تقریرات درس او را نوشته آنگاه مهاجرت به سامره نموده و از محضر میرزاء بزرگ شیرازی بهره‌مند گردیده تا یکی از رجال فضل و مبرزین تلامذه سید گشته است و آنجناب گذشته از مقام علم از اجلاء علماء اخلاق و مشاهیر اهل سلوک و عرفان و بسیار متقی و پارسا و زاهد بوده است در سامره حوزه تدریس داشته و جمع زیادی مانند عالم ربانی حاج شیخ حسنعلی تهرانی و آسید عزیزاللّه تهرانی از محضر و درسش استفاده می‌نمودند و همواره شاگردان خود را توصیه به تهذیب اخلاق و تزکیه نفس می‌نمود و اکثر از شاگردان او از اتقیا و پرهیزکاران بوده‌اند و در جماعت بسیاری از صلحاء و ابرار شرکت می‌کردند تا در ۲۵ ذی‌قعده سال ۱۳۰۴ قمری در کاظمین از دنیا رفته و در یکی از حجرات صحن شریف مدفون گردیده است.

(وف ۱۳۰۴ ق)، فقیه و عالم دینی. از علما و فقهای بزرگ عصر ناصری است که در زمان شیخ انصاری به نجف رفت و از محضر علامه کوهکمری استفاده‌ی بسیار برد و «تقریرات» درس وی را نگاشت، آنگاه به سامراء رفت و از محضر میرزای بزرگ شیرازی نیز بهره‌مند شد تا به حدی که او را از شاگردان برجسته‌ی سید شمردند. وی گذشته از مقام علم در زمینه‌ی اخلاق و تقوی نیز مبرز بود. سرانجام در سامراء حوزه‌ی تدریس برقرار کرد و جمع زیادی، مانند حاج شیخ حسن علی تهرانی و آقا سید عزیزاللّه تهرانی، از محضرش استفاده نمودند. او همواره شاگردان خود را به تهذیب اخلاق و تزکیه‌ی نفس توصیه می‌کرد؛ لذا اکثر شاگردانش از پرهیزکاران بنام زمان خود بودند. وی در کاظمین از دنیا رفت و در یکی از مقابر صحن شریف دفن شد.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۰۲ –۱۳۰۱/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۵۸ –۱۵۷/ ۵).

دماوندی، غلامرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا دماوندی عالمی جلیل و فقیهی متقی و ملقب (به مقتدی) و از روساء روحانی و مراجع دینی دماوند و مورد وثوق عموم مردم و بسیار ساعی در قضاء حوائج ایشان بوده و از اتصال و ارتباط به دولت موقت احتراز و اجتناب می‌نمود تا در سال ۱۳۰۷ قمری وفات نموده و برادرش مرحوم آقا شیخ حسین مقتدی بجای او قرار گرفت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دماوندی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۷ ق)، عالم دینی، فقیه، حکیم، ریاضی‌دان و زاهد. او در نجف در محضر شیخ انصاری و سید حسین کوهکمری به مقامات عالیه‌ی علمی رسید، تا جایی که علامه‌ی کوهکمری وی را بر میرزای بزرگ شیرازی برتری می‌داده است. گذشته از فقه و اصول، دماوندی در علم طب و حکمت و ریاضیات ماهر بود و بر تاریخ و سیر احاطه‌ی بسیاری داشت، و از حافظه‌ی قوی و عجیبی نیز برخوردار بود به طوری که بیشتر متون ادبی و فقهی را در حافظه داشت. در عصر علامه کوهکمری به دماوند بازگشت و در آن نواحی مرجع امور دینی مردم شد. او از مکارم والای اخلاقی برخوردار بود.[۱]

محمدباقر بن حسن سارانی عالمی بزرگ و دانشمندی متقی و پارسا بوده است وی از دماوند هجرت به نجف اشرف نموده و از محضر علامتین شیخ مرتضی انصاری و سید حسین کوه‌کمری استفاده نموده و در عصر علامه کوه‌کمری به دماوند برگشته و به وظائف دینی پرداخته است دارای کمالات و مقامات عالیه علم و عمل بوده تا جائی که علامه کوه‌کمری وی را بر میرزاء بزرگ مجدد شیرازی تفضیل می‌داده است مخصوص در علم طب و حکمت و ریاضیات ید طولائی داشته و به تواریخ و حکایات اطلاع زیاد و حافظه‌اش نیز عجیب و بیشتر متون ادبیه و فقهیه را محفوظ بوده و در دماوند و حومه آن ریاست تامه داشته و حتی در بعضی از قضایا علامه کنی ره با وی معارضه می‌نموده است و آن مرحوم عالمی ثروتمند و میهمان‌دوست و کریم‌النفس و منیع‌الطبع و بخشنده بوده است در سال ۱۳۰۷ قمری وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۰۶ -۲۰۵ /۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۵۷ -۱۵۶ /۵).

دماوندی، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا دماوندی از علماء فاضل معاصر دولت ناصری بوده که پس از فراگرفتن مقدمات و سطوح به سامره مشرف و به درس آیت‌اللّه العظمی میرزاء بزرگ (مجدد) شیرازی شرکت نموده و بیشتر از محضر مرحوم عالم ربانی آیت‌اللّه حاج شیخ حسنعلی تهرانی (جد آیت‌اللّه مروارید معاصر) و علامه فشارکی سید محمد (سید استاد) و آیت‌اللّه میرزا محمدتقی شیرازی استفاده نموده و پس از یکسال از فوت میرزاء بزرگ شیرازی سال ۱۳۱۳ قمری به تهران برگشته و در مدرسه مروی به تدریس پرداخته تا به اجل محتوم از دنیا رفته است.

(وف بعد از ۱۳۱۳ ق)، عالم دینی و مدرس. پس از فراگیری مقدمات و سطوح به سامراء رفت و در محضر درس میرزای بزرگ شیرازی شرکت کرد اما بیشترین بهره‌گیری وی از حوزه‌ی درس حاج شیخ حسنعلی تهرانی و سید محد فشارکی اصفهانی و میرزا محمدتقی شیرازی بود. در ۱۳۱۳ ق به تهران بازگشت و در مدرسه مروی، تا پایان عمر، به تدریس اشتغال داشت.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۲۹/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۵۷/ ۵).

دنیای خراسانی، طاهره

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(۱۳۸۸ -۱۳۲۴ ق)، شاعر، متخلص به دنیا. در شهر مشهد به دنیا آمد و در همان شهر به فراگرفتن دانش پرداخت. در تاریخ و ادبیات فارسی و تازی کار کرد و بیشتر روزگار خود را به بررسی نوشته‌ی بزرگان گذراند. وی در آغاز جوانی ازدواج کرد. دو هزار بیت شعر سروده ولی «دیوان» وی به چاپ نرسیده است. در شعر از شیوه‌ی عراقی پیروی می‌کرد. شعرهایش بیشتر در قالب قصیده، چامه‌سرایی و مثنوی بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زنان سخنور (۱۹۷ -۱۹۵ /۱)، صد سال شعر خراسان (۲۴۳ -۲۴۲).

دوامی، پرویز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پرویز دوامی درسال ۱۳۲۰ در تهران متولد شد. وی دارای دکترای متالوژی از دانشگاه صنعتی شریف، استاد همان رشته در همان جا و رئیس دانشکده علوم مهندسی مواد تاسال ۱۳۵۷ بوده است. وی از سال ۱۳۶۳ه.ش رئیس مرکز پژوهشی متالوژی رازی است. وی در دومین همایش چهره های ماندگار در سال ۱۳۸۱ به عنوان چهره ماندگار معرفی و برگزیده شد.از دوامی در سال ۱۳۸۶ به عنوان برگزیده فرهنگستان علوم تجلیل به عمل آمد و نشان درجه یک دانش به ایشان اهدا شد.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی موادتحصیلات رسمی و حرفه ای : پرویز دوامی در سال ۱۳۴۴ با درجه لیسانس مهندسی متالورژی از دانشسرای عالی صنعتی تهران فارغ التحصیل شد . در سال ۱۳۵۱ دکترای خود را از دانشگاه لیدز انگلستان دریافت کرد .خاطرات و وقایع تحصیل : از وقایع مهم زمان تحصیل پرویز دوامی، کسب مدرک دکتری رشته مهندسی مواد بود که از نخستین کسانی بود که در این رشته در ایران فارغ التحصیل می شدند.فعالیتهای ضمن تحصیل : پرویز دوامی در کنار تحصیل به مطالعه، تحقیق و ترجمه ژورنالهای خارجی در زمینه تخصصی خود(مهندسی مواد) می پرداخت و دراین زمینه آثاری را منتشر کرده است.وقایع میانسالی : پرویز دوامی پس از فراغت از تحصیل در مقطع دکتری دانشگاه صنعتی شریف، در همان دانشگاه به عنوان عضو هئیت علمی استخدام شد. وی تا سال ۱۳۵۷ رئیس دانشکده علم و مهندسی مواد دانشگاه و از سال ۱۳۶۳ تا کنون رئیس مرکز پژوهشی متالوژی رازی است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : پرویز دوامی در کنار فعالیت های آموزشی و پژوهشی خود در دانشگاه و صنایع ، مسئولیت های مدیریتی ، اجرایی و فرهنگی بسیاری را در کشور بر عهده داشته است . ریاست دانشکده مهندسی و علم مواد دانشگاه صنعتی شریف ، عضویت در هیئت تحریریه نشریه جامعه ریخته گران آمریکا ، از جمله موسسان و رئیس شورای جامعه ریخته گران این و انجمن مهندسی متالورژی ایران ، استاد مدعو انستیتو تکنولوژی ماساچوست آمریکا ، مدیر مسئول نشریه های ریخته گری و مهندسی متالورژی ، سردبیر نشریه های Iranian journal material science & engineering از انتشارات مشترک دانشگاه عمل و صنعت ایران ، انجمن مهندسین متالورژی ایران و انجمن سرامیک ایران و مجله آموزشی مهندسی ایران ، نشریه فرهنگستان علوم ایران و عضویت در هیئت تحریریه بسیاری از مجله های مهندسی در ایران در کارنامه فعالیت حرفه ای ایشان دیده می شود . وی از سال ۱۳۶۳ رئیس مرکز پژوهشهای متالوژی رازی بوده است.فعالیتهای آموزشی : پرویز دوامی پس از فراغت از تحصیل در حدود سال ۱۳۵۰ه.ش به استخدام گروه مهندسی مواد (متالوژی) در دانشگاه صنعتی شریف به عنوان عضو هیئت علمی استخدام شد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : پرویز دوامی موسس جامعه ریخته گران ایران است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پرویز دوامی علاوه بر تدریس و رسیدگی به کارهای اجرایی دانشگاه و نشریه های مذکور، عضو پیوسته فرهنگستان علوم نیز می باشد. و علاوه بر آن به تحقیق و مطالعه و انتشار آثاری در رشته مهندسی مواد می پردازد.آرا و گرایشهای خاص : پرویز دوامی علاوه بر مطالعه و تحقیق، به جنبه های نو آورانه و اختراعات در زمینه رشته مهندسی متالوژی علاقمند است و دراین مورد فعالیت مهمی داشته است.جوائز و نشانها : پرویز دوامی علاوه بر دریافت چندین لوح سپاس و تقدیر بابت اختراعات و ابداعات در زمینهٔ علم مهندسی متالوژی دریافت کرده است. .از جمله نشان های عملی ایشان می توان به نشان درجه اول علمی وزارت فرهنگ ، محقق ممتاز دانشگاه صنعتی شریف ، برنده جایزه طراحی جهان QIT کانادا ، مدال طلای سازمان جهانی مالکیت معنوی سازمان ملل متحد WIPO ، جایزه دوم ابتکار در دو سال در جشنواره خوارزمی ، انتخاب و تقدیر از ایشان به عنوان چهره ماندگار ایران ، رتبه اول توسعه علمی ، دریافت لوح سپاس و تقدیر بابت اختراعات و ابداعات در زمینه علم مهندسی متالورژی ، دریافت لوح ثبت اختراع تولید نمونه های استاندارد اشاره کرد .چگونگی عرضه آثار : پرویز دوامی تاکنون ۹ مقاله در سمینارهای جهانی ۵۱ مقاله در مجلات معتبر بین المللی و بیش از ۱۶۰ مقاله علمی و صنعتی در کنفرانس ها و نشریات داخلی ارائه کرده است . وی مولف ۹ جلد کتاب و ویراستاری بسیاری از کتابهای مهندسی و استاد راهنمای بسیاری از پروژه های کارشناسی ارشد و دکترا بوده است .

آثار : ۱ چندین ابداع و اختراع در زمینهٔ مهندسی متالوژی (مهندسی مواد) برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

دوانی، جلال‌الدین محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۳۰- ح ۹۱۸/۹۰۸ ق)، حیکم، فیلسوف، فقیه، متکلم، مفسر، قاضی و شاعر، متخلص به جلال و دوانی نیز فانی. معروف به علامه دوانی و مشهور به محقق دوانی. نسبش به محمد بن ابی‌بکر می‌رسد. در دوان از قرای کازرون فارس متولد شد. ابدا نزد پدر دانش آموخت و سپس برای تکمیل معلومات خود به شیراز رفت و در خدمت ملا محی‌الدین انصاری (از اولاد سعد بن عباده صحابی) درآمد. دوانی مسافرتهایی به گیلان، کاشان، تبریز، عراق، مدینه و مکه داشت. در شیراز اقامت گزید و سالها در مدرسه‌ی بیگم به

تدریس مشغول بود.بین او و امیر صدرالدین دشتکی شیرازی مناظرات و مباحثات حضوری و غیابی بسیار، در زمینه‌ی حکمت و کلام، جریان داشت و شاگردان وی بیشتر از شاگردان امیر صدرالدین دشتکی بودند. در دوران آق قویونلوها منصب قاضی القضاتی فارس را بر عهده داشت. علامه‌ی دوانی در همه‌ی علوم زمان خود تبحر داشت و شعر فارسی را نیز به خوبی می‌سرود. وی ابتدا شافعی مذهب بود و بعد مذهب شیعه را برگزید، و سپس رساله‌ای به نام «نور الهدایه» نگاشت که بر تشیع او تصریح دارد، و نیز حاشیه‌ی او بر «تجرید»، در جواب میر صدرالدین شیرازی در تفضیل ابوبکر بر علی (ع)، موید تشیع اوست. او در این رباطه اشعاری نیز سروده است. دوانی صاحب بیش از صد تالیف به زبان عربی و فارسی در علوم مختلف بود که برخی از آنها عبارتند از: «انموذج العلوم»، محتوی مسایلی از هر علم؛ «اثبات الواجب القدیم»؛ «اثبات الواجب الجدید»؛ رساله در «افعال العباد»؛ شرح بر متن «تهذیب المنطق» تفتازانی؛ شرح بر «العقائد العضدیه»؛ حاشیه‌ی قدیمه و جدیده و اجد بر «شرح التجرید» فاضل قوشچی یا «طبقات الجلالیه»؛ «لوامع الاشراق فی مکارم الاخلاق» یا «اخلاق جلالی»؛ «التوحید»؛ تعلیقه بر «الانوار لعمل الابرار» اردبیلی، در فقه شافعی؛ «الجبر و الاختیار» یا «خلق الاعمال»؛ «التصوف و العرفان»؛ «تحفه‌ی روحانی»؛ تفسیر چندین آیه و سوره‌ی قرآن از جمله سوره‌ی «اخلاق» و «کافرون».[۱]

(منسوب به دوان) جلال‌الدین محمد بن سعد (یا سعدالدین) اسعد کازرونی، دانشمند و قاضی معروف. (و. دوان ۸۳۰ ف. ۹۰۸ ه.ق.). پدرش قاضی کازرون بود و دوانی بخش اول عمر خود را در آن شهر گذرانید و در مدرسه دارالایتام به تعلیم پرداخت. وی حکیمی متکلم و محقق است. از آثار اوست: اخلاق جلالی (علم اخلاق) اثبات الواجب الجدید، اثبات الواجب القدیم، افعال اللّٰه تعالی انموذج علوم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۳۲۵ -۳۰۹)، احقاق الحق (۱۲۴ -۱۲۲ /۳)، الاعلام (۲۵۷/۶)، اعیان الشعیه (۱۲/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۰ -۹۹ /۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۶۷ -۲۶۵)، تذکره‌ی روز روشن (۱۷۵ -۱۶۷)، الذریعه (۵۷/۲۵، ۱۴۷/۱۵، ۱۹۹/۹، ۸۲/۵، ۲۰۶/۲)، روضات الجنات (۵۴۸ -۵۴۱ /۲)، ریحانه (۲۳۶ -۲۳۲ /۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۲۲ -۲۲۰ /۱۰)، کشف الظنون (۲۰۴۸، ۱۸۹۳، ۱۵۶۷، ۱۱۴۴، ۱۰۹۶، ۸۶۳، ۸۴۷، ۸۴۲، ۵۱۶، ۴۵۷، ۴۴۹، ۳۴۹، ۱۹۵، ۱۸۴)، لغت نامه (ذیل/ دوانی)، مجالس المومنین (۲۲۹ -۲۲۱ /۲)، معجم المؤلفین (۴۷/۹)، هدیه الاحباب (۱۳۶).

دوایی سبزواری

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(قرن نهم ق)، شاعر. از شاعران تیموری است که صاحب «دیوان» غزلها و مقطعات و رباعیات و معمیات و مخمسات داشته. در «مجمع الخواص» آمده است که از اهالی سبزوار و شخصی افتاده و خلیق است. از او است:

مرغ دلم که از همه خوبان رمیده بود

صید تو گشته بود نگاهش نداشتی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۴۵۷/۴)، الذریعه (۳۲۹/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۴۴)، مجمع الخواص (۲۹۵).

دوایی شیرازی گیلانی، شمس‌الدین علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۴/۱۰۰۳ ق)، حکیم، پزشک، کحال و شاعر، متخلص به دوایی. معروف به عین‌الملک. ظاهرا مولد وی شیراز بود؛ ولی در گیلان نشو و نما یافت. دوایی با جلال‌الدین اکبرشاه و بیرم خان سپهسالار معاصر بود. در عصر اکبرشاه به هندوستان رفت و با معرفی خان اعظم، کوکلتاش به دربار راه یافت. وی سفری نیز به کاشان داشت و مدتی از عمر خود را در مکه به سر برد. مدتی حکومت دهلی و چندی صدارت صوبه‌ی بنگاله را بر عهده داشت. از مقربان اکبرشاه و از ملازمان اعظم خان کوکلتاش بود. از آثار وی: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۴۶۰/۵)، تاریخ نظم و نثر (۶۷۶)، تذکره‌ی روز روشن (۲۶۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۵۱ -۵۴۹ /۲)، الذریعه (۳۲۹/۹)، ریاض العارفین (۱۹۴)، فرهنگ سخنوران (۳۴۵ -۳۴۴)، کاروان هند (۴۱۷ -۴۱۴ /۱)، هفت اقلیم (۱۴۹/۳).

دوایی لاهیجی، ابوالفتح

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. از آثار وی: «مظهر الاسرار» که در بحر «مخزن الاسرار» است که اسرار خفیه در آن نوشته شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :منظومه‌های فارسی (۲۶۷).

دوران، بهزاد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بهزاد دوران تحصیلات ابتدایی خود را در شهرستان کرج آغاز نمود و با قبولی در رشته پالایشگاه شیمی وارد دانشگاه شیراز شد. ایشان با تغییر رشته خود به جامعه شناسی کارشناسی ارشد و دکترای خود را در رشته جامعه شناسی کسب نمود. وی با تدریس در دانشگاههای آزاد و دولتی فعالیت آموزشی خود را آغاز کرد و به عنوان رئیس پژوهشکده علم سنجی و تحلیل اطلاعات و مدیر گروه پژوهشی جامعه اطلاعاتی به فعالیت خود ادامه می دهد. ایشان مقالات زیادی در سمینارها و مجلات و میزگرد ها به چاپ رسانیده است و مولف ۲ کتاب درسی می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : بهزاد دوران دوره ابتدایی خود را در مدرسه خندان در کرج به سال ۱۳۵۷ دوره راهنمایی را در مجتمع آموزشی قلم در سال ۱۳۶۰ در کرج کارشناسی مهندسی شیمی (صنایع پایشگاه نفت) در دانشگاه شیراز در سال ۱۳۶۹ کارشناسی ارشد در رشته جامعه شناسی دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۷۵ مقطع دکترا در رشته جامعه شناسی دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۸۱ مشاغل و سمتهای مورد تصدی : بهزاد دوران در گروه پژوهشی جامعه اطلاعاتی فعالیت می کند. – مدیر گروه پژوهشی تحلیل اطلاعات – دبیر شورای پژوهش –عضو شورای نظارت و ارزیابی – عضو شورای برنامه ریزی استراتژیک فعالیتهای آموزشی : بهزاد دوران در دانشگاه های دولتی و آزاد تهران و شهرستانها به تدریس دروس مختلف فعالیت داشته است. همچنین: – به عنوان مدیر گروه پژوهشی فناوری اطلاعات با رویکرد اجتماعی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) ،۱۳۸۲-۸۴ – عضو گروه پژوهشی کالاهای فرهنگی غیر مجاز پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی).۱۳۸۳ – عضو گروه پژوهشی رسانه های دیداری – شنیداری پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)،۱۳۸۲ – کارشناسی ارزیابی طرح های پژوهشی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، ۸۱-۱۳۷۶ – عضو شورای برنامه ریزی گروه علوم اجتماعی دفتر برنامه ریزی و تالیف کتب درسی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی _وزارت آموزش و پرورش)، از خرداد ۸۲ عضو شورای برنامه‌ریزی گروه علوم اجتماعی دفتر برنامه‌ریزی و تالیف کتب درسیِ سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (وزارت آموزش و پرورش). از خرداد ۱۳۸۲. – عضو گروه علوم انسانی پژوهشکدهٔ برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی (وزارت آموزش و پرورش). از خرداد ۱۳۸۳. – عضو شورای سردبیری کتاب ماه علوم اجتماعی. از دی ماه ۱۳۸۱. – عضو انجمن انسان‌شناسی ایران. از آبان ماه ۱۳۸۳. – عضو انجمن جامعه‌شناسی ایران. از آذر ماه ۱۳۸۱. – عضو انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران. از اردی‌بهشت ماه ۱۳۸۰. – دبیر هم‌اندیشی «رسانه‌ها، فناوری اطلاعات و جهانی شدن». موسسه فناوری اطلاعات آموزشی مدارس هوشمند (سازمان ملی جوانان). دی ماه ۱۳۸۲. – مشاور علمی ویژه نامهٔ جامعه اطلاعاتی، نمایه پژوهش، سال چهارم، شماره ۱۵، ۱۳۷۹. – مشاور کمیتهٔ حقوقی صدا و سیما ج.ا.ا. ۱۳۷۸. – کارشناس پژوهش اجتماعی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ۷۵-۱۳۷۴. – مشاور کمیتهٔ اجتماعی، معاونت آب وزارت نیرو. ۱۳۷۵. – منشی کمیسیون اطلاع رسانی شورای تحقیقات علمی کشور. ۱۳۷۴. – دبیرنامه (خبرنامه دبیرخانه شورای پژوهش). مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران. ۷۹-۱۳۷۸. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : بهزاد دوران به عنوان داور و ناظر پایان نامه های دوره (کارشناسی ارشد و کارشناسی و دکترا) می باشد و با طرحهای تحقیقی و پژوهشی سازمانها و پژوهشگاهها فعالیت دارد.جوائز و نشانها : ۱- لوح تقدیر از رئیس جمهوری آقای محمد خاتمی برای برگزیده شدن رساله دکترا به عنوان پژوهش برگزیده در هشتمین دوره پژوهش فرهنگی سال ۸۲-۱۳۸۱. آذر ۱۳۸۲. ۲- لوح تقدیر از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی آقای احمد مسجد جامعی به عنوان پژوهشگر برگزیده. بهمن ۱۳۸۲. ۳- لوح سپاس از رئیس سازمان ملی جوانان آقای رحیم عبادی به عنوان برگزیدهٔ نخستین فراخوان آثار پژوهشی. اسفند ۱۳۸۲.چگونگی عرضه آثار : از آثار بهزاد دوران انتشار ۲۴ مقاله در مجلات، ۱۰ مقاله در سمینارهای داخلی و خارجی و همچنین انتشار مقاله در ۲ میزگرد تخصصی می باشد.آثار : پالایش نفت ویژگی اثر : تهران: انتشارات کاوش قلم ، ۱۳۸۰۲ علوم اجتماعی ویژگی اثر : در مورد جامعه شناسی نظام جهانی، دوره پیش دانشگاهی رشته علوم انسانی، با همکاری احمد رجب زاده ، تهران: شرکت چاپ ونشر کتابهای درسی ایران ، وزارت آموزش و پرورش ۱۳۸۴

دوری هروری، بایزید

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۶ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به دوری. از مردم هرات بود و به میردوری مشهور. چون خود را از ابناء ملوک می‌دانست، پیش از نام خود سلطان می‌نهاد. وی یکی از شاگردان طراز اول میرعلی هروی و مورد توجه استاد بود و میرعلی او را «فرزند» خطاب می‌کرد. ملا قاسم شادیشاه نیز استاد وی بود. سفری به هندوستان رفت و در سلک ملازمان اکبر پادشاه درآمد و از این پادشاه لقب کاتب‌الملک یافت. گویند که تا ورود میردوری به هندوستان، خوشنویسی به مهارت او در خط نستعلیق نیامده بود. آخر

عمر به قصد گزاردن حج، عازم مکه گردید و در آب غرق شد. وی از غزلسرایان روزگار خود بود و صاحب مجموعه‌ی اشعاری به نام «مجمع الشعراء» که آن را به حمیده بانو، مادر اکبرشاه، تقدیم کرد. نسخه‌ای از این مجموعه اشعار به خط خود شاعر در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. از آثار وی: یک نسخه «مثنوی خضر خانی و دولرانی» امیر خسرو از کتابخانه ریاست کپور هند، به قلم کتابت جلی خوش که چنین تمام می‌شود: «الفقیر الحقیر المذنب سلطان بایزید به میرنظام مشهور بدوری بتاریخ شهر محرم‌الحرام سنه‌ی ۹۷۶»؛ یک قطعه از مرقع، به قلم دو دانگ و کتاب خوش؛ با رقم: «الفقیر المذنب سلطان بایزید دوری غفر ذنوبه...»؛ یک قطعه به قلم نیم دو دانگ و کتابت جلی خوش، بار قم: «العبد کاتب الملک، المشتهر بدوری غفر ذنوبه. فی تاریخ شهر شوال سنه‌ی ۹۸۵ ق...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۶ -۹۵ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۴۱۹)، تاریخ هنرهای ملی (۸۳۳ -۸۳۲ /۲)، خوشنویسان و هنرمندان (۹۳)، الذریعه (۳۳۰/۹)، شام غریبان (۹۹)، فرهنگ سخنوران (۳۴۵)، کاروان هند (۴۱۹ -۴۱۷ /۱)، مناقب هنروران (۷۷)، هفت اقلیم (۱۶۰ -۱۵۹ /۲).

دوریستی، نجم‌الدین، ابومحمد عبداللّه

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۶۰۰ ق)، فقیه امامی. اهل ری بود و نسب خود را به حذیفه بن یمان منتسب می‌داشت. از جدش روایت می‌کرد. در سال ۵۶۶ ق به بغداد رفت و به نشر احادیث امامیه پرداخت و از شیخ صدوق به سه واسطه و نیز از شیخ مفید و سید رضی و سید مرتضی و شیخ طوسی و از جدش، محمد بن موسی دوریستی، روایت کرد. وی سرانجام به شهر خود بازگشت و در همان جا وفات یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۹/۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۳ -۹۲ /۷)، ریاض العلماء (۱۹۰ -۱۸۷ /۳)، ری باستان (۵۴۵/۲)، ریحانه (۲۳۸/۲)، الکنی و الالقاب (۲۳۴/۲)، معجم البلدن (۵۵۱ -۵۵۰ /۲).

دوز دوزانی، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محسن به العلامه آیت‌الله العظمی آقای حاج میرزا محمود بن العلامه الحجه آقا میرزامحمد حسن مشهور به (حاج فخرالعلماء) دوزدوزانی از فضلاء مدرسین حوزه علمیه قم است.

در بیست و پنجم ماه رمضان ۱۳۴۷ قمری در تبریز متولد شده و بعد از پایان تحصیلات جدید به علوم قدیمه پرداخته و مقدمات و سطوح اولیه را در تبریز از مرحوم والدش فراگرفته و در ۱۶ ذی‌الحجه ۱۳۶۸ ق که والدش رحلت نمود برای تکمیل مبانی علمیه مهاجرت به قم و بعد از اتمام سطوح عالی مکاسب و کفایه در جلسات بحث خارج فقه و اصول آیت‌الله العظمی شریعتمداری و آیت‌الله العظمی امام خمینی شرکت نموده و دروس اصول معظم‌له را در ۶۰۰ صفحه به عنوان تقریرات به رشته تحریر آورده و ضمنا به تدریس متون عالیه فقه و اصول پرداخته است.

بالغ بر یکصد نفر از محصلین و طلاب علوم دینی آذربایجانی و غیره در درسش حاضر می‌شوند بیانی شیرین و فصیح دارند که شاگردان خود را کاملا روشن و بهره‌مند می‌نمایند. دارای تالیفات هستند که از نظر طالبین می‌گذرانم.

۱- اجود الشروح در شرح کتاب معالم الاصول که با تقریظ آیت‌الله العظمی شریعتمداری در سال ۱۳۷۶ به طبع رسیده است.

۲- حاشیه‌ای بر رسائل شیخنا الانصاری ۳- حاشیه بر تقریرات مرحوم علامه نائینی.

۴- تلخیص امالی سید مرتضی رحمه‌الله ۵- شرح بر کفایه الاصول.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

دوزدوزانی تبریزی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۲ ق)، فقیه اصولی. در دوزدوزان از توابع سراب به دنیا آمد و در تبریز از محضر آقا میرزا محمدصادق آقا استفاده برد و سپس به نجف رفت و مدت دوازده سال در خدمت شیخ احمد کاشف الغطاء و شیخ علی‌اصغر ختائی و شیخ مهدی مازندرانی به تکمیل تحصیلات خویش پرداخت، و از آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالکریم حایری و آیت‌اللّه آقا شیخ احمد کاشف الغطاء اجازه اجتهاد گرفت و به موطن خویش بازگشت و به انجام وظایف دینی پرداخت. از آثار وی: «لب الاصول»، در مباحث الفاظ و اصول علمیه؛ «کتاب الطهاره»؛ «منجزات المریض»؛ حاشیه بر «العروه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :علماء معاصرین (۲۸۴).

دوست اسفزاری، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر. وی از شاعران و سخن سنجان بنام ولایت اسفزار بود که از «ابیات و اشعار استادان بسیار به خاطر داشته و در وادی قصیده انوری زمان بوده». از ملا دوست محمد اشعاری چند در تذکره نقل شده است. از او است:

وقت گل آمد و اسباب طرب نیست مرا

باده نایاب و ز کس روی طلب نیست مرا

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۶۷)، الذریعه (۳۳۰/۹)، تذکره‌ی مجالس النفایس (۱۵۶).

دوست حسینی، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: چوب‌شناسی، دانشکده: منابع طبیعی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

دوست گیلانی، عبدالسلام

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوم ق)، عالم و زاهد. در بغداد می‌زیست و از خاندان تصوف و زهد بود. در روزگار الناصر لدین‌اللّٰه عباسی به جهت حسادت عده‌ای و علاقه وافری که به علوم علقلی داشت او را به الحاد متهم کردند و کتابخانه عظیمی را که در این زمینه فراهم کرده بود بیشتر کتابهای آن را در حضور مردم سوزانیدند و خودش را به زندان افکندند پس از چندی آزاد شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کارنامه بزرگان (۳۳).

دوست محمد بن نظام‌الملک

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از آثار وی: قطعه‌ای در مرقع بهرام میرزا، به قلم نیم دو دانگ و کتابت خوش، با رقم: «الفقیر دوست محمد بن نظام‌الملک». می‌توان پنداشت که این دوست محمد، همان دوست محمد گواشانی، جامع مرقع باشد که پدرش سلیمان، ملقب به نظام‌الملک بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۰۳/۱).

دوست محمدی، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ هادی دوست محمدی خوانساری از افاضل حوزه علمیه و اعضاء محترم مجله وزین مکتب اسلام است که بیوگرافی خود را بنابر درخواست نگارنده به شرح زیر مرقوم داشته‌اند.

در فروردین سال ۱۳۲۱ شمسی در فریدن چهارمحال بختیار متولد شده و از شش سالگی ضمن خواندن دروس ابتدایی ادبیات را در محضر والدش حجةالاسلام شیخ محمد علی دوست محمدی و عموهایش حجج اسلام آقایان مروجی قرار گرفته و در دوازده سالگی در خوانسار به محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حاج آقا حسین علوی رضوان‌اللّٰه تعالی مشرف شده و در حوزه درس ایشان و محضر آیت‌اللّٰه حاج سید محمدعلی ابن الرضا کسب فیض نموده، و در ۱۶ سالگی مهاجرت به قم نموده و مورد توجه و راهنماییهای

مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمود روحانی و حاج میرزا ابوالحسن روحانی قرار گرفته و به تکمیل دروس ادبیات و معانی بیان و منطق پرداخته و از محضر اساتید حوزه چون آقا حاج شیخ رحمت‌اللّه فشارکی و حاج شیخ مصطفی اعتمادی و حاج شیخ رضا آدینه‌وند (نحوی) استفاده نموده سپس به تحصیل شرح لمعه و مکاسب بعد از خواندن معالم الاصول اشتغال و از آقایان امینیان و مشکینی بهره‌مند شده و کفایه را از محضر آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر سلطانی طباطبایی استفاده کرده و دروس عقاید و بررسی ادیان و فن نویسندگی و قسمتی از اخلاق را از محضر استاد محقق ناصر مکارم آموخته و تاریخ تحلیلی اسلام و رجال و قسمتی از رسائل را از درس استاد حاج شیخ جعفر سبحانی فراگرفته و علم درایه و حدیث شناسی را از محضر استاد حاج آقاموسی شبیری زنجانی بهره‌مند شده و در درس تفسیر را از بیانات حج شیخ ابوالقاسم خزعلی و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید مرتضی شبستری استفاده نموده و پس از آن چندی هم از محضر و ابحاث مرحوم علامه طباطبائی صاحب تفسیر المیزان مستفیض گشته و هم از ابحاث و دراسات الهیات مرحوم شهید استاد مطهری و فلسفه تطبیقی را از محضر آقامهدی حایری استفاده نموده و زبان انگلیسی را هم مدت کوتاهی از تدریس استاد سید محمد بهشتی فیض برده است و در ضمن تمام این دروس شدیدا تحت تاثیر روحیات و اخلاقیات استاد علامه طباطبائی و شهید مرتضی مطهری و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عباس تهرانی و مرحوم آیت‌اللّه حاج آقاحسین فاطمی رحمه‌اللّه علیهم قرار گرفته و همواره در محضرشان شرکت و از انفاس قدسیه و ملکوتی آنان بهره‌مند شده است.

درس خارج فقه را از محضر آیت‌اللّه العظمی بروجردی و نیز امام راحل استفاده کرده و پس از رحلت آیت‌اللّه بروجردی و تبعید امام راحل به ترکیه از محضر آیت‌اللّه گلپایگانی و آیت اللّه شریعتمداری و آیت‌اللّه حاج میرزا هاشم آملی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مرتضی حائری و نیز آیت‌اللّه حاج سید مصطفی خوانساری استفاده نموده و از هر کدام از این آیات بهره‌های بسیاری برده است.

آثار و تألیفات ایشان

در سال ۱۳۵۰ شمسی به عضویت هیئت تحریریه مکتب اسلام انتخاب و برای داشتن ذوق و استعداد فوق‌العاده آشنا به انواع و سبک قلم فرساء و نگارشهای گوناگون شده و علاوه بر تبلیغ از راه منبر در سراسر کشور موفق به نگارش و از طریق مطبوعات پاسخگوئی سئوالات مردم که از داخل و خارج به دفتر مجله می‌رسید قدرت پاسخگوئی و توان بیشتری در بیان مطالب و تدریس نیز به دست آورده و با الطاف غیبیه و عنایات الهی موفقیتهای چشمگیری نصیبش گردیده است.

پس از انتشار مقالات مختلفه پیرامون موضوعات گوناگون اسلامی نخستین اثر مدون کتابی به نام (راه نفوذ در دلها) در اخلاق و روانشناسی به چاپ رسانید سپس کتابهائی دیگر که ذیلا یاد می‌شود منتشر نمودند.

۱- راه نفوذ در دلها.

۲- مسئولیت و نظارت مردم در حکومت اسلامی (تحلیل مباحث فقهی و اجتماعی).

۳- نامه عصائی به یک دختر (تحلیلی از دیدگاه اسلام نسبت به یک زن رماتیک).

۴- ریشه‌یابی انحرافات جوانان.

۵- آئین اعتدال، نه افراط و تفریط.

۶- ایمان و عمل.

۷- رسالت شیعه.

۸- چرا استعمار از ایدئولوژی اسلام می‌ترسد؟

۹- رسالت انقلابیون.

۱۰- شخصیت زن از دیدگاه قرآن.

۱۱- حج باشکوهترین تجلی وحدت (ابعاد عبادی اخلاقی اجتماعی سیاسی حج).

۱۲- رساله‌ای در لوث و قسام (فقهی، استدلالی، تحقیقی).

۱۳- مقدمه‌ای بر تاریخ تحلیلی اسلام.

۱۴- روانشناسی و تربیت و اخلاقی اسلامی (که در دانشگاه تدریس می‌شود).

۱۵- چهار کتاب مصور در ادبیات کودکان و دهها مقاله در مطبوعات کشور.

آقای دوست محمدی اکنون با تحقیق و تدریس و نگارش در حوزه علمیه قم عضو هیئت علمی دانشگاه تهران می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

دوست هروی، علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. از اهالی محله مرغنی شهر هرات بود که در سرودن شعر و فن معما استادی و مهارت داشت. از او است:

بلا است از تو بدل هر زمان جفای دگر

جفا که بر دگری می‌کنی بلای دگر

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۳۱/۹)، تذکره‌ی مجالس النفایس (۷۲ -۷۱).

دوست هروی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۹ ق)، شاعر. وی از سخن‌سرایان هرات بود که در دوره‌ی شاه طهماسب به دربار وی پیوست. پس از چندی به سفر حج رفت و به قولی در راه بازگشت از حج درگذشت؛ و به قول دیگر در هرات وفات یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تحفه‌ی سامی (۱۴۰ –۱۳۹)، الذریعه (۳۳۱/۹).

دوستی سمرقندی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۸ ق)، شاعر. در سمرقند متولد شد و در هندوستان از محضر عبداللّه خان فیروز جنگ کسب علم کرد و در شعر و شاعری از شاگردان مشفقی نجاری بود. علاوه بر مسافرت هندوستان در سال ۱۰۱۰ ق به حج رفت. وی مردی دانشمند و درویش مشرب بود و غزل و رباعی را نیکو می‌سرود. از آثار وی: «دیوان» اشعار حدود هشت هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۴۷۴/۵)، تاریخ نظم و نثر (۵۹۶)، تذکره‌ی میخانه (۶۶۸ –۶۶۱)، فرهنگ سخنوران (۳۴۶).

دولت آبادی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند عبّاس (دولت آباد از بلوک برخوار، و در دو فرسنگی اصفهان است) عالم فاضل زاهد، در اصفهان خدمت آقا میرزا احمد مدّرس، و آقا سید ابوالقاسم دهکردی، و ملّا عبدالکریم گزی، و حاج میر محمّد صادق (خاتون آبادی) و غیره تلمّذ فرموده، و در نجف اشرف از محضر آخوند خراسانی، و شیخ الشریعه ی اصفهانی، و میرزا محمّد حسین نائینی و دیگران استفاده نموده تا خود فقیهی جامع، و مجتهدی کامل گردید، و در سال ۱۳۳۷ به ایران مراجعت فرموده، گاهی در شهر، و زمانی در ده ساکن بود، و به تدریس و ترویج اشتغال داشته.

بالاخره در ۲۶ ذی حجّهٔ الحرام سال ۱۳۶۶ به سنّ متجاوز از هفتاد سال وفات یافته در امامزاده شاهزاده محمود، قریه ی دولت آباد مدفون گردید.

کتب و رسائلی در فقه و اصول نوشته، و پس از فوت مرحوم آیهٔ اللّه اصفهانی رساله ذخیره العباد ایشان را حاشیه نوشته و به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دولت آبادی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از رؤسای علمای اصفهان. در قبل از طلوع آفتاب روز چهارشنبه ۱۱ ذی‌قعده ۱۲۷۷ متولد، و در ۱۳۴۶ وفات یافته، در تکیه‌ی آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی مدفون گردید.

مشارالیه در حسن معاشرت و اخلاق، ممتاز بوده و در اواخر عمر به مرض جنون مبتلا شده، در حال مرض فوت کرد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

دولت آبادی، پروین

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

پروین دولت آبادی در سال ۱۳۰۳ در اصفهان چشم به جهان گشود.او تحصیلاتش را در همان شهر شروع کرد و در تهران به پایان رساند. بعد از اتمام دوره دبیرستان نوربخش مدتی به کار در یک کودکستان پرداخت و حاصل تماسش با کودکان خردسال مجموعه سروده های ارزشمند او در زمینه ادبیات کودکان است که نسل های متعددی از کودکان ایرانی آن ها را می شناسند و از مفهوم آن ها درس زندگی آموخته اند . پروین دولت آبادی برای ادامه تحصیل وارد دانشکدهٔ هنرهای زیبای دانشگاه تهران شد . اما بازدیدی اتفاقی از شیرخوارگاه شهرداری تهران مسیر زندگی او را تغییر داد و تصمیم گرفت نیرویش را برای نگاهداری از

کودکـان بی سرپرست به کـار بگیرد . به همین منظور در پرورشگاه شـهرداری تهران مشـغول به کار شـد و سال ها در آنجا مانـد. مرحلـهٔ بعـدی فعالیت شـغلی او در بخش آموزش کارگران شـرکت نفت بود که در آنجا به با سوادکردن کارگران همت گماشت . پروین دولت آبـادی بعـد یـک مـدرسه ابتـدایی به نـام (شـیوا) تأسیس کرد و پس از یـک دوره پنـج ساله دوباره به شـرکت نفت بازگشت و تا رسیدن به سن بازنشستگی در اداره تعاون سازمان پخش به کار ادامه داد. طی سال ها سروده های او در زمینه ادبیات کودکان در مجله پیک انتشار یافت و علاوه بر آن آثار و تألیفات او در ده جلـد به چاپ رسانـده است. او در سال ۱۳۸۷ دار فانی را وداع گفت.گروه : علوم انسانی رشـته : شـعر تحصـیلات رسمی و حرفه ای : پروین دولت آبادی تحصیلات خود را در شهر اصفهان آغاز نمودو در شـهر تهران به اتمام رسانیـد.او شاگرد مدرسه آمریکایی بود. وی برای ادامه تحصـیلات خود وارد دانشـکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شد.زمان و علت فوت : پروین دولت آبادی در ۲۷ فروردین ماه سال ۱۳۸۷ دیده از جهان فرو بست.مشاغل و سمتهـای مورد تصـدی : پروین دولت آبـادی بعـد از اتمـام دوره دبیرسـتان نوربخش مـدتی به کـار در یـک کودکسـتان پرداخت و حاصـل تماسـش بـا کودکـان خردسـال مجموعه سـروده هـای ارزشـمند او در زمینه ادبیات کودکان است که نسل های متعـددی از کودکان ایرانی آنها را می شـناسد و از مفهوم آن ها درس زنـدگی آموخته انـد. وی در بازدیدی اتفاقی از شیرخوارگاه شـهرداری تهران مسیر زنـدگی او را تغییر داد و تصـمیم گرفـت نیرویش را برای نگاهـداری از کودکـان بی سرپرست به کـار بگیرد. به همین منظور در پرورشگاه شـهرداری تهران مشغول به کـار شـد و سالهـا در آنجـا مانـد. مرحله بعـدی فعالیت شـغلی اودر بخش آموزش کارگران شـرکت نفت بود که درآنجا با سواد کارگران همت گماشت . تا رسیدن به سن بازنشستگی در اداره تعاون سازمان پخش به کار ادامه داد.فعالیتهای آموزشـی : پروین دولت آبادی هجده‌ساله بود که معلم شد و در کنار شغل معلمی به کارهای فرهنگی نیز پرداخت و به ویژه در زمینه شـعر کودک تلاش کرد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شـمار می آیـد : پروین دولت آبادی با تاسیس یک مـدرسه ابتـدایی به نام شـیوا به مدت ۵ سـال در آنجـا فعـالیت داشـته است. همینطور وی از بنیانگـذاران شورای کتاب کودک بود.سـایر فعالیتهـا و برنـامه هـای روزمره : پروین دولت آبـادی بـا همکـاری لیلی ایمن‌آهی به گردآوری گنجینه‌ی ادبیـات کودکان پرداخت و از ویراسـتاران بخش کتاب‌هـای کودکـان انتشـارات فرانکلین بود.چگونگی عرضه آثار : از جمله شـعرهای پروین دولت آبـادی در زمینه کودکـان در مجله پیـک انتشـار یافت.آثار : آتش و آب ، باز می‌آیـد پرسـتو نغمه‌خوان ، بر قایق ابرها ویژگی اثر : مجموعه چهار صـد شـعر برای کودکان ، انتشارات رهگشـا۴ جمجمـک برگ خزان ، در بلـورین جامـهٔ انگـور ویژگی اثر : مثنوی، انتشارات ایران۶ شهر سنگی ویژگی اثر : شعر نیمایی، انتشارات ایران۷ شورآب ، گذری در ادبیات کودکان ، گل بادام ویژگی اثر : برنده جایزه کتاب کودک۱۰ گنجشـک و وزغ ، مجموعه آثـار پروین دولت آبـادی ویژگی اثر : شامل بر هزار قطعه غزل، مثنوی و رباعی۱۲ منظور خردمنـد ویژگی اثر : زنـدگی و آثار جهان ملک خاتون شاعر سده هشـتم هجری قمری ، انتشارا صدا۱۳ مهرتاب ، هلال نقره ای ویژگی اثر : مجموعه غزل، انتشارات ایران

دولت آبادی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عـالم فاضـل محقّق، از شاگردان مرحوم آقا میرزا احمـد اصـفهانی، و شـیخ الشـریعه، و آخونـد خراسانی، و بالاخصّ آقا سید محمّد کـاظم یزدی، قبل از سال ۱۳۶۰ وفات یافته، در یکی از اطاق های صحن امامزاده نرمی مدفون گریدد. امامزاده نرمی معروف است که: ابراهیم بن حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است و در قریه ی زمان آباد معروف به نرمی نزدیک دولت آباد قرار دارد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دولت آبادی، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل ادیب، شاعر، مابین اکفاء و اقرانش به جودت فهم، و وفور عقل، و سـماحت طبع، و حسن ذوق، و نیک محضری شناخته می‌شد.

در خدمت: آقا میرمحمد تقی مدرس، و آخوند کاشـی، و جهانگیرخان تلمذ نموده خط شکسـته را در نهایت خوش می‌نوشته، و در اشعار «مهدی» تخلص می‌نموده، و امام جماعت مسجد قراول خانه بوده است.

در ذی‌قعده ۱۲۸۸ متولد، و در یکشـنبه ۱۴ رمضان المبارک ۱۳۳۴ به مرض حصـبه وفـات یـافته، در تخت فولاد در تکیه‌ی صاحب روضات مدفون گردید.

از آثارش جنگی است در متفرقات ادبی و تاریخ که به خط شیوای خود نگاشته، و در نزد اولادش محفوظ است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

دولت‌آبادی اصفهانی، محمد اکبر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. منظومه‌ی «اصفهانیه» قصیده‌ای است به زبان فارسی در توصیف اصفهان و شرح اشتیاق سراینده‌ی آن نسبت به آن شهر، هنگام اقامتش در هندوستان.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۷۷/۲۳)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۱۷۰/۱).

دولت‌آبادی، میرزا یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۸ -۱۲۴۱ ش)، روزنامه‌نگار، نویسنده، مورخ، شاعر. در دولت‌آباد اصفهان متولد شد و در همان جا نشو و نما یافت. در پنج سالگی به تحصیل خط و سواد مشغول شد از سال ۱۲۵۱ ش که یازده ساله بود به اتفاق خانواده‌اش چندین سفر به عراق عرب، خراسان و تهران کرد و در سال ۱۲۶۰ ش به اصفهان بازگشت و در همین شهر با میرزا آقای کرمانی و شیخ احمد روحی ملاقات کرد. مجددا به عراق رفت و در حوزه درس میرزای شیرازی و محمدتقی شیرازی شرکت کرد و بعد از بازگشت به ایران در اصفهان و تهران نیز در محضر میرزا ابوالحسن زواره‌ی اردستانی، معروف به میرزای جلوه به تحصیل پرداخت. در سال ۱۲۷۶ ش به استانبول رفت و در آنجا با میرزا حسن خان دانش اصفهانی و حاجی زین‌العابدین مراغه‌ای آسنا شد و در همین شهر به همکاری دهخدا روزنامه فارسی «سروش» را دایر کرد. دولت‌آبادی در سال ۱۲۸۷ ش به تهران آمد و در چند دوره به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد، وی مسافرتهایی نیز به کشورهای اروپایی داشت. در تهران به سکته‌ی قلبی درگذشت. دولت‌آبادی از پیشروان معارف جدید ایران است که هم شعر می‌گفت و هم رمان و داستان می‌نوشت. از آثار وی: داستن «شهرناز»؛ «شجره طیبه»؛ «دوره زندگانی یا غصب حق اطفال»؛ «تاریخ معاصر یا حیات یحیی»؛ «حقیقت راجع به قرارداد مجلس»؛ «نهال ادب»؛ «ارمغان یحیی»؛ «شرح حال میرزا تقی خان امیرکبیر».[۱]

سال تولد: ۱۲۴۱

فوت: ۱۳۱۸

آثار: کتاب شجره طیبه؛ کتاب علی؛ دوره زندگانی یا غضب حق اطفال؛ ارمغان یحیی؛ نهال ادب ایران (شعر)؛ راهنمای انتخاب حقایق؛ تذکر حقیقت؛ داستان شهر ناز؛ سرگذشت درویش چنته؛ لبخند فردوسی؛ کنگره نژادی؛ کتاب اردیبهشت- دو جلد (شعر)؛ شرح احوال قائم‌مقام فراهانی؛ اصفهان و بیگانگان؛ مکتوب به آکادمی تربیت (ترجمه)؛ اراده (ترجمه)؛ آئین در ایران؛ زندگانی علی بن ابی‌طالب؛ حیات یحیی، ۴ جلد؛ لاوره پرس (کنفرانس)؛ حقایق؛ حقیقت راجع به قرارداد مجلس

مناصب: کارمند دولت- نماینده مجلس شورای ملی- رئیس نشریات وزارت معارف- سرپرست محصلین ایرانی در بلژیک- نماینده ایران در کنگره بین‌المللی نژادی در لندن

میرزا یحیی بن حاج سید هادی دولت‌آبادی در سال ۱۲۴۱ هجری شمسی در قریه دولت‌آباد متولد شده و بعد از تحصیلات مقدماتی به عراق، مصر و حجاز رفته و در انقلاب مشروطه از پیش‌قدمان تغییر رژیم بود. در ظهور استبداد صغیر به استانبول تبعید شد بعداً به تهران آمد و در دوره دوم مجلس شورای ملی به وکالت نامزد شد. وی نماینده ایران در کنگره بین‌المللی نژادی در لندن بود و در مدت توقف سه ساله در اروپا به تحصیل زبان فرانسه پرداخت و در مراجعت به ایران به عضویت وزارت معارف منصوب گردید. وی در تأسیس مدارس جدید خدماتی کرده و از پیشروان معارف جدید شمرده می‌شود، ایشان در سال ۱۳۱۸ در تهران وفات یافت.

یحیی (حاج میرزا)، از رجال دوره اخیر(ف. ۱۳۱۸ ه.ش.). وی از پیشقدمان آزادی و مروج فرهنگ جدید بود و چند دوره در مجلس شورای ملی سمت نمایندگی داشت. از آثار اوست: کتاب «علی» برای کودکان، «حیات یحیی» در تاریخ معاصر.

برگرفته از کتاب :موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۲۷۴ -۲۷۱ /۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۴۲ -۲۳۲ /۳)، سرآمدان فرهنگ (۲۹۴ -۲۹۳ /۱)، سخنوران نامی ایران (۵۳۲ -۵۲۴ /۲)، سخنوران نامی معاصر (۳۹۶۶ -۳۹۶۲ /۶)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۱۰۰۶، ۹۵۴، ۹۰۴ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۰ -۸۲۸ /۶).

دولت‌آبادی، ناصر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۹ ش)، شاعر، متخلص به ناصر. در اصفهان متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان به پایان برد و در ۱۳۱۵ ش وارد دانشکده‌ی حقوق تهران شد و در ۱۳۲۷ ش موفق به اخذ لیسانس شد. پس از دریافت لیسانس در همان سال به خدمات قضایی اشتغال ورزید و به اصفهان ماموریت یافت، پس از چند ماه به تهران منتقل شد و در سمتهای مستشار دادگاه استیناف و ریاست شعبه به دیوان کشور به خدمت مشغول شد. انواع مختلف شعر را نیکو می‌سرود و روانی و شیوایی و مضمون خوب از خصوصیات شعرهای او است. در سال ۱۳۱۸ ش مجموعه‌ای از اشعار خود را با نام «آرمان مادر» منتشر

ساخت و نیز کتاب «حیات یحیی»، تالیف حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی را در ۴ مجلد به چاپ رسانید. از او «دیوان» شعری هم منتشر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۹۶)، سخنوران نامی معاصر (۳۵۷۵-۳۵۷۰ /۶)، مؤلفین کتب چاپی (۵۰۹-۵۰۸ /۶).

دولتشاه، محمد علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی میرزا متخلص به دولت (و. ۱۲۰۳- ف. ۱۲۳۷ ه.ق.)پسر اول فتحعلی شاه. وی حکمران کرمانشاه و سرحد دار عراقین بود و در ۱۲۳۶ مأمور حمله بـه خـاک عراق شـد و در ۱۲۳۷ بیـن سـرحد و کرمانشـاه مرد. وی پـدر محمدحسـین میرزا حشـمةالدوله طهماسب میرزا مؤیدالدوله و امامقلی میرزا عمادالدوله است وی شعر نیز می‌سرود.

(۱۲۳۷-۱۲۰۳ ق)، شـاعر، متخلص به دولت. ملقب به دولتشـاه. وی پسـر بزرگ فتحعلی شـاه از زن گرجی او بـود. در سن نه یـا ده سالگی از طرف پدر با وزرات میرزا نصراللّه علی آبادی مازندرانی به حکومت فارس رسید و بعد از مدتی حاکم قزوین شد. در سن نوزده سالگی به سمت حکومت خوزستان، لرستان و کرمانشاه منصوب شد. در حمله‌ی عثمانیها به ایران، وی آنان را شکستی سخت داد که بالاخره منتهی به عقـد معاهـده‌ی صـلح ارزنةالروم شـد. وی بر سـر راه تسـخیر بغداد به مرض وبا درگذشت. و در کربلا دفن شد. دولت دارای «دیوان» شعر است.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ عضدی (متن و تعلیقات) حدیقه الشعراء (۶۲۷-۶۲۴/ ۱)، الذریعه (۳۳۲-۳۳۱/ ۹)، سفینه المحمود (۲۷-۲۴/ ۱)، شـرح حال رجال (۴۳۰/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۳۴۶)، مؤلفین کتب چـاپی (۲۴۰-۲۳۹/ ۴)، مجمع الفصحا (۵۰-۴۶/ ۱)، مصطبه‌ی خراب (۶۰-۵۹)، نگارستان دارا (۲۵-۲۳).

دولتشاهی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یحیی دولتشـاهی در سال ۱۲۷۸ ، در تهران تولـد یـافت. از سن هفت سـالگی در مـدرسه ی قاجاریه تحصـیلات خود را آغاز کرد و پس از آن در مـدرسه ی سن لویی ادامه تحصیل داد و موفق به دریـافت تصـدیق نامه ی فراغت از تحصـیل شـد. او همچنین ضـمن تحصـیل در مـدرسه سن لویی ، روزهـای یکشـنبه به مـدرسه ی صـنایع مسـتظرفه که موسـس آن اسـتاد کمـال الملک بود رفته و به فراگیری هنر نقاشی پرداخت. استاد پس از فراغت از تحصیل ماموریت یافت که مدرسه ی مستظرفه را در قزوین تاسیس نموده و شاگردان آن مدرسه را آماده ی استفاده از آن سازد. با وقوع کودتای ۱۲۹۹ فعالیت خود را در مدرسه ی صنایع مستظرفه در قزوین ناتمام نهاده و به تهران بازگشت و به انجام امور اداری در مدرسه کمال الملک پرداخت. استاد در سال ۱۳۰۶ که استادکمال الملک به نیشابور مسافرت کرد ، به حسابـداری وزارت فرهنگ منتقل شـد ، تا کارهای مـدرسه را در آنجا انجام دهد. بعد از حسابداری به اوقاف رفته و آنگاه در آموزش عالی مشغول کار گردیـد. اسـتاد دولتشاهی در مدرسه کمال الملک علاوه بر انجام امور اداری ، به تعلیم شاگردان نیز اشتغال ورزید. او همچنین در دبیرستان های فیروزکوهی ، پهلوی ، خرد و البرز نیز تدریس کرده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : یحیی دولتشاهی از سن هفت سالگی در مدرسه ی قاجاریه تحصیلات خود را آغاز کرد و پس از آن در مدرسه ی سن لویی ادامه تحصیل داد و موفق به دریافت تصدیق نامه ی فراغت از تحصیل شد.

فعالیتهای ضـمن تحصـیل : یحیی دولتشاهی ضـمن تحصـیل در مدرسه سن لویی ، روزهای یکشـنبه به مدرسه ی صنایع مستظرفه که موسس آن استاد کمال الملک بود رفته و به فراگیری هنر نقاشی پرداخت.

استادان و مربیان : یحیی دولتشاهی هنر نقاشـی را نزد اسـتاد کمال الملک فرا گرفت و چنانکه استائ محمد علی ناصح می گوید: « وی شـیوه نقاشـی مکتب اسـتاد کمـال الملـک را بـا ابتکار های دلپـذیر که خود در این زمینه دارد ، جاودانه تر ساخته است.» استاد خرمشتهی در شعر و شاعری نیز از محضر استاد محمدعلی ناصح استفاده نمود.

وقـایع میانسـالی : از مهمترین رویـدادهای زنـدگی یحیی دولتشاهی ، وقوع کودتای ۱۲۹۹ بود که وی در این زمـان مـدرسه صـنایع مستظرفه را در قزوین اداره می نمود و همین امر باعث گردید به تهران بازگردد.

مشاغـل و سـمتهای مورد تصـدی : یحیی دولتشاهی با وقوع کودتای ۱۲۹۹ فعالیت خود را در مـدرسه ی صـنایع مسـتظرفه در قزوین ناتمام نهاده و به تهران بازگشت و به انجام امور اداری در مدرسه کمال الملک پرداخت. استاد در سال ۱۳۰۶ که استادکمال الملک به نیشابور مسافرت کرد ، به حسابـداری وزارت فرهنگ منتقل شـد ، تا کارهای مـدرسه را در آنجا انجام دهد. بعد از حسابداری به اوقاف رفته و آنگاه در آموزش عالی مشغول کار گردید.

فعالیتهای آموزشی : یحیی دولتشاهی در مدرسه کمال الملک علاوه بر انجام امور اداری ، به تعلیم شاگردان نیز اشتغال ورزید. او همچنین در دبیرستان های فیروزکوهی ، پهلوی ، خرد و البرز نیز تدریس نموده است.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : یحیی دولتشاهی پس از فراغت از تحصیل ماموریت یافت که مدرسه ی مستظرفه را در قزوین تاسیس نموده و شاگردان آن مدرسه را آماده ی استفاده از آن سازد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : یحیی دولتشاهی در کار شعر و شاعری دستی قوی داشته و در این زمینه آثاری نیز به یادگار نهاده است.

آرا و گرایشهای خاص : استاد محمدعلی ناصح در مورد یحیی دولتشاهی چنین می گوید: « در سرایش سخن منظوم نیز از لطف ذوق بهره مند است و غزل های شیوا می سراید و مضامین بکر که نمودار فکر هنر آفرین اوست در گفتارش دیده می شود...» اشعار استاد بیشتر در غالب غزل سروده شده است. -- ------------------

منابع :

۱شاعران تهران از آغاز تا امروز ، تالیف: مجید شفق ، ج۱ ، تهران: سنایی ، ص ۳۶۵

دولتیار بخارایی، سعدالدین مسعود

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. وی گرچه در خانواده‌ای زرتشتی متولد شد؛ اما زود اسلام آورد. سعدالدین از موالی خاندان آل‌برهان بود و در بخارا می‌زیست و بزرگان آن سامان با وی معاشرت داشتند. دلتیار در سرودن اشعار لطیف و خوب مهارت داشت. از او است:

بر کس ز وفا چو می رقم نتوان زد

زین پس بره مهر قدم نتوان زد

جز آینه روی همدمی نتوان دید

زان نیز چه فایده که دم نتوان زد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :لباب الالباب (۳۸۸ -۲/ ۳۸۷)، هفت اقلیم (۴۲۴/۳).

ده بزرگی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا ده بزرگی در سال ۱۳۴۹ در شیراز بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک کارشناسی ارشد رشته مخابرات سیستم و برگزیده نوزدهمین جشنواره بین‌المللی خوارزمی در سال ۱۳۸۴ است.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی برقگرایش : مخابرات سیستموالدین و انساب : نام پدر محمدرضا ده بزرگی، امرالله ده بزرگی، بازنشسته و عضو انجمن خیرین مدرسه ساز کشور است و نام مادر محترمشان خانم فاطمه غزاله، خانه‌دار و عضو انجمن خیرین مدرسه ساز است. ایشان دارای سه خواهر بنامهای زهرا، فاطمه و مریم ده بزرگی و یک برادر بنام علی ده بزرگی می باشد.خاطرات کودکی : محمدرضا ده بزرگی از تحصیل در مقاطع ابتدایی و متوسطه خاطراتی بیاد دارد و از آقای عزیز الله روزبه و آقای زیارتی به عنوان تاثیرگذارترین افراد در زندگی علمی خود یاد می‌کند.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمدرضا ده بزرگی در خانواده‌ای متوسط و پرجمعیت در شهر شیراز بدنیا آمد. پدرش راننده کامیون بود و از این راه به امرار و معاش خود و خانواده می‌پرداخت.تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدرضا ده بزرگی تحصیلات رسمی خود را در مدرسه جهان تربیت در سال ۱۳۶۰ به پایان رساند. وی در سال ۱۳۶۳ تحصیلات راهنمایی را در مدرسه عدالت و در سال ۱۳۶۷ تحصیلات متوسطه را در دبیرستان نمازی به اتمام رساند و توانست در سال ۱۳۷۲ مدرک کارشناسی و در سال ۱۳۷۶ مدرک کارشناسی ارشد رشته مخابرات سیستم را دریافت کند. ایشان همچنین دوره آموزشی رادیولوژی را در کشور ایتالیا و دوره آموزشی مدیریت شبکه‌های کامپیوتری را در داخل کشور گذرانده است. وی همچنین دارای مدرک CPE زبان انگلیسی از دانشگاه علامه قطب راوندی و CAE از موسسه کیش است.خاطرات و وقایع تحصیل : بهترین خاطره محمدرضا ده بزرگی موفقیت در کنکور است. از وقایع تلخ رخداده برای وی نیز شهادت نزدیکترین دوست و همکلاسی‌اش بنام شهید غلامرضا نامور می‌باشد.فعالیتهای ضمن تحصیل : محمدرضا ده بزرگی در کنار تحصیل به فعالیت‌هایی همچون تعمیر وسایل صوتی و تصویری، آشنایی با سیستم طراحی و سیم‌کشی ساختمانهای مسکونی و ورزش (در زمینه شنا و بدنسازی) می‌پرداخت.استادان و مربیان : مربیان و اساتید محمدرضا ده بزرگی در طول تحصیل به قرار زیر است: تحصیلات ابتدایی: خانم رشت کیان ،خانم جمالی ، خانم جوادی ، آقای زیارتی ، خانم فروزان. تحصیلات راهنمایی: آقایان اسکندری ، معینی ، کامگار ، گودرزی ، مرحوم عطاران ، مرحوم صفری ، انجوی شیرازی ، احمدی ، دهقانیان ، ایوب‌زاده ، مضطری ، اوستاخ و غیره. متوسطه:

آقایان پورشهید ، دهقان ، دهقانیان ، سلطانی مقدم ، سلطانی ، قائدیان. دانشگاه: آقایان دکتر حجت کاشانی ، وحید طاطبا وکیلی ، همایون مقدم و دکتر محمد سلیمانی.هم دوره ای ها و همکاران : آقایان مهدی حسین‌پور ، هوشنگ رازبانی ، دکتر آرش عظیمی‌نژاد، مسیح مصلایی ، مهندس علی طوبایی و غیره از هم‌دوره ای‌های مهندس ده بزرگی به شمار می‌روند.همسر و فرزندان : محمدرضا ده بزرگی در سال ۱۳۷۲ با سرکار خانم مریم ده بزرگی (دارای مدرک کارشناسی زبان انگلیسی) ازدواج کرد که ماحصل این ازدواج یک فرزند دختر بنام تهمینه ده بزگی دانش آموز کلاس چهارم ابتدایی است.وقایع میانسالی : از بزرگترین وقایع زندگی محمدرضا ده بزرگی تولد فرزندش است. او برگزیده شدنش در جشنواره بین‌المللی خوارزمی را هم بعنوان برآورده شدن بزرگترین آرزویش یاد می‌کند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : – مسئول طراحی شبکه و مهندسی و بهره برداری صنعت مخابرات غیر نظامی صنایع الکترونیک شیراز – مدیر پروژه های تحقیقاتی پژوهشگاه الکترونیک ایران – کارشناس ارشد طراحی شبکه های مخابراتی صنعت ارتباطات شرکت صنایع الکترونیک ایران – کارشناس دایره طراحی شبکه های مخابراتی صنعت ارتباطات شرکت صنایع الکترونیک ایران – مدیر تحقیق و توسعه صنعت ارتباطات شرکت صنایع الکترونیک ایران – معاونت فنی و مهندسی صنعت ارتباطات شرکت صنایع الکترونیک ایران – مشاور معاونت وزارت راه و ترابری سازمان هواپیمایی کشوری و مجری طراحی شبکه راداری سراسر کشور پروژه سینا – مشاور مرکز تحقیقات نیرو در طراحی شبکه مخابراتی رادیوترانک برق تهران – مدیر پروژه طراحی شبکه رادیویی رادیوترانک نیروی انتظامی تهران – مدیر پروژه طراحی شبکه راه آهن سراسری کشور و مشاور معاونت راه آهن وزارت راه – مدیر پروژه طراحی شبکه رادیویی محیط زیست کل کشور – مجری بهینه‌سازی شبکه موبایل GSM تهران – مدیر پروژه خطوط فرعی گاز کل کشور – مدیر طراحی شبکه پیجر سراسر کشور – عضو انجمن نخبگان کشور – عضو انجمن بنیاد خوارزمی فعالیتهای آموزشی : – مدرس انتشار امواج رادیویی و طراحی شبکه‌های مخابراتی دانشگاه نیروی انتظامی دانشکده فنی – مدرس انتشار امواج رادیویی و طراحی شبکه‌های مخابراتی دانشگاه علم و صنعت – مدرس انتشار امواج رادیویی و طراحی مرکز آموزش شرکت صنایع مخابرات صاایران مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : مراکزی که محمدرضا ده بزرگی از بانیان آن می‌باشد به قرار زیر است: – راه اندازی مرکز تحقیق و توسعه (R&D) صنعت ارتباطات صاایران – راه اندازی مرکز معاونت فنی و مهندسی صنعت ارتباط صاایران – راه اندازی خط تولید سیستمهای رادیویی صنعت ارتباطات صاایران – راه اندازی خط تولید بی‌سیم‌های P۱۵ صنعت ارتباطات صاایرانسایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمدرضا ده بزرگی در کنار کارهای تحقیقاتی به ورزش‌هایی همچون کوهنوردی، شنا و بدنسازی به صورت حرفه‌ای می‌پردازد.جوائز و نشانها : – دریافت لوح تقدیر و برگزیده از نوزدهمین جشنواره بین‌المللی خوارزمی از رئیس محترم جمهور – دریافت لوح تقدیر نوزدهمین کنفرانس بین‌المللی برق از وزیر محترم نیرو – دریافت لوح تقدیر بیستمین کنفرانس بین‌المللی برق از معاونت وزارت نیرو – دریافت لوح تقدیر بمناسبت برگزیده شدن به عنوان مدرس برتر از مدیر عامل شرکت صنایع الکترونیک – دریافت لوح تقدیر بمناسبت برگزیده شدن در جشنواره خوارزمی از مدیر عامل شرکت صنایع الکترونیک ایران – دریافت لوح تقدیر از معاونت سازمان هواپیمایی کشور بمناسبت حسن انجام کار طراحی شبکه راداری کل کشور – دریافت لوح تقدیر از ستاد مشترک ارتش به مناسبت انتشار امواج رادیویی و طراحی شبکه‌هایی رادیویی چگونگی عرضه آثار : – ارائه ۶ مقاله بین‌المللی در کنفرانس‌های ۲۰۰۰ IWTD مالزی دانشگاه مارا – تألیف کتاب با عنوان شبکه‌های رادیوترانک تترا – در مرحله چاپ

آثار : انتشار امواج رادیویی ویژگی اثر : ترجمه– این کتاب بعنوان مرجع در زمینه انتشار امواج رادیویی که در سال ۱۹۷۱ به روسی نوشته شده است و بعد به انگلیسی ترجمه شده است. لذا به علت مرجع بودن در مرحله پروژه دانشجویی ترجمه گردیده است.۲ شبکه های رادیویی رادیوترانک (طراحی، نصب و راه اندازی) ویژگی اثر : کتاب جامعی شامل کلیه مراحل شناسایی سیستم طراحی شبکه ، نصب و راه اندازی و نگهداری که در مرحله انتشار می باشد.۳ نرم افزار جامع پیش بینی فرآیند انتشار امواج رادیویی در محیط های شهری و غیر شهری ویژگی اثر : این نرم افزار برگرفته از کلیه آثار و مقالات تئوری منتشر شده در زمینه انتشار امواج رادیویی برای انجام شبیه سازی محیط طراحی شبکه مخابراتی با دقت بسیار بالا اجرا شده است. محمدرضا ده بزرگی فوق لیسانس مخابرات دانشگاه علم و صنعت ایران امروز گفت: با توجه به اینکه تاکنون طراحی شبکه‌های مخابراتی در کلیه سازمان‌های متولی و یا کاربران مخابراتی که از لحاظ عملیاتی لینک‌های نقطه به نقطه بوده و یا دارای شبکه‌های متحرک سنتی هستند به روش‌های دستی و قدیمی طراحی و بهره‌برداری می‌شده است. وی افزود: این روش‌ها از لحاظ دقت و سرعت در سطح بسیار پایینی بوده و در بیشتر مواقع مستلزم صرف هزینه‌های کلان در اجرای شبیه‌های علمی در منطقه هستند که با استفاده از این نرم افزار طراحی شده سرعت و وقت کار بالاـ می‌رود و در کمتر زمان به بهترین نتیجه دست می‌یابیم. ده بزرگی بیان کرد: با پیشرفت فن‌آوری سیستم‌های مخابراتی و تولید تجهیزات شبکه‌های سلولار نظیر GSM ، ترانک، WLL، رادارهای کنترل ترافیک که شبکه‌های سلولی هوایی را تداعی می‌کنند اجرای پروژه‌های فوق عملا به روش طراحی شبکه سنتی و دستی امکان‌پذیر نیست. وی افزود: بنابراین برای رفع این نیاز و رسیدن به خودکفایی در زمینه طراحی شبکه، مطالعات گسترده میدانی صورت گرفت که منجر به تهیه بانک اطلاعاتی لایه توپوگرافیک و ژئومورفولوژی و همچنین شرایط آب و هوایی در مرحله اول برای شهر تهران و در مرحله دوم برای کل سطح ایران با دقت بالایی شد. این مبتکر بیان کرد: با توجه به اینکه اجرای پروژه‌های کلان ملی بدون استفاده از ابزار فوق عملاًـ امکان‌پذیر نبوده و هزینه طراحی آن بسیار بالاتر از هزینه تجهیزات و اجرای پروژه است این نرم افزار طراحی و تولید شد. وی گفت: در طراحی آن در ابتدای کار به دلیل آنکه سخت افزارهای آن زمان جوابگوی محاسبات نبود ما مشکل سخت افزاری داشتیم اما با پیشرفت‌های فن‌آوری مشکلات ما هم کمتر شد. وی افزود: این نرم افزار در مسیر اجرای پروژه‌های کلانی نظیر طراحی شبکه دارای کنترل ترافیک فضای کشور، طراحی شبکه رادیو ترانک سلولی راه‌آهن سراسری کشور، طراحی شبکه سلولی رادیو ترانک برق تهران حدود ۲۷ پروژه ملی در سطح کشور تست شده و صحت و دقت آن مورد تایید قرار گرفت.

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

دهاقانی، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از مجتهـدین گمنـامی است که در دسـتگاه آقایـان مسـجد شـاهی بوده، و نزد: حاج ملا حسین علی تویسرکانی، و آقا سید محمد شهشهانی، و حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی تحصیل نموده، و پس از وصول به مقام اجتهاد در خدمت حاج شیخ محمد باقر، و سپس در نزد آقا نجفی وارد بوده، و به فصل دعاوی و خصومات می‌پرداخته، و در حدود سال ۱۳۲۰ در اصفهان وفات یافته است.

مرحوم نورالله نور شرق در حدود سال ۱۳۰۰ متولد، و تحصیلات قدیمه‌ی خویش را از صرف و نحو و فقه و اصول و حکمت نزد اساتید این شهر همچون: آقا شیخ هادی فرزانه قمیشه‌ای، و آقا شیخ محمد رضا نجفی، و آقا نجفی، و حاج آقا نورالله، و حاج میرزا عبدالحسین نجفی و دیگران به پایـان رسانیـده، و در زمره‌ی آزادی خواهان و روشن فکران وارد شـده، و از سال ۱۳۴۴ به مدت دو سال روزنامه‌ی «نور شرق» را به مساعدت مادی حاج آقا نورالله در اصفهان منتشر نموده، و پس از فوت مشارالیه انتشار روزنامه نیز متوقف گردید.

وی مردی دیب و دانشمند و خلیق و مهربـان و متقی و پرهیزکـار و وارسته بود، با فساد و بی‌دینی مبارزه می‌کرد، و در عقایـد خود ثابت و پایدار بود.

در خدمت فرهنگ وارد شـده، و از دبیران طراز اول ادبیات به شمار می‌رفت. مورد احترام عموم فرهنگیـان و به خصوص دانش آموزان بود.

در روزنامه‌های اصفهان مقالاتی مختلفه می‌نوشت.

سرانجام در شب دوشنبه ۲۴ ذی‌حجه‌ی سال ۱۳۷۱ وفات یافته، در تخت فولاد [تکیه‌ی جهانگیرخان قشقایی] مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش را ادیب فرزانه و دانشمند محترم جناب آقای آقا سید علی خان نوربخش متخلص به «آزاد» فرماید:

نور شرق آن به نام نورالله

ناگهان شد ز دور دوران حیف

حیف از آن فکر پاک و رأی رزین

هم از آن پرتو فروزان حیف

گفت آزاد بهر تاریخش

که (شده نور شرق پنهان حیف)

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

دهاقانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمدحسین از دانشمندان بنام و بزرگوار حوزه علمیه نجف و معاودین محترم آن سامان است که در ذی‌الحجه ۱۳۹۱ ق مانند دیگران به حکم اجبار به ایران و به قم اقامت نموده است.

وی پس از نشو و نمای در محل خود به اصفهان آمده و به تحصیل علوم دینی پرداخته و بعد از خواندن سطوح مهاجرت به نجف نموده و از محضر آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیات دیگر استفاده و به تدریس فقه و اصول پرداخته تا در سال مزبور که معاودت به ایران و در قم المحمیه اقامت فرموده و اشتغال به تدریس فقه و اصول دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

دهاقانی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقـای حاج شیخ محمـدباقر معروف به شریعت دهاقانی از علماء مبرز حوزه علمیه نجف است که در سال ۱۳۰۱ قمری برحسب ایذاء و اجبار دولت بعث عراق به قم مهاجرت نموده است.

تولد ایشان در حومه‌ی اصفهان واقع شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات و سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیـات عظـام آن سامـان چـون مرحوم آیت‌الله حـاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی و آیت‌الله آقـا ضیـاءالدین عراقی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و دیگران اسـتفاده نمـوده تـا به مـدارج عـالیه علم و کمـال رسـیده و به تـدریس فقه و اصول پرداخته تـا در اوائل ذی‌الحجه سال مزبور که اخراج به ایران و رحل اقامت به قم انداخته است.

نگارنده گوید آقای دهاقانی عالمی ظریف و خوش مجلس و اخلاقی می‌باشد،

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

دهخدا، ابوالمعالی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۴۱ ق)، شاعر. وی شاعری است جامع علوم معقول و منقول و شیعه مذهب و از فضلای عراق که معاصر با نادرشاه و حکیم سنایی و مختاری غزنوی بود. نظامی عروضی و عوفی وی رادر ردیف شاعران سلجوقی ذکر کرده‌اند. و صاحب «مجمع الفصحا» او را مداح غیاث‌الدین مسعود بن ملکشاه دانسته است. وی از استادان معروف عهد خویش بود و بعد از خود میان ناقدان بزرگ شهرت داشته است. مرحوم اقبال آشتیانی وی را همان ابوالمعالی نحاس اصفهانی (وف ۵۱۲)، معاصر الب‌ارسلان و ملکشاه دانسته است، با توجه به اینکه در تذکره‌ها ابیاتی را به هر دو نسبت داده‌اند و شیوه‌ی شاعری هر دو را یکی دانسته‌اند این گمان می‌رود که وی همان دهخدا رازی باشد. ولی اکثر منابع این دو را جدای از هم آورده‌اند و بعید به نظر می رسد که این دو یکی باشند. از وی «دیوان» اشعاری بر جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۰۴ -۶۰۰ /۲)، الذریعه (۳۳۳ -۳۳۲ /۵۰ -۴۹/۹)، لباب الالباب (۲۲۸/۲)، لغت نامه (ذیل/ ابوالمعالی)، مجمع الفصحا (۱۹۹ -۱۹۵ /۱)، هفت اقلیم (۴۲ -۳۹ /۳).

دهخدا، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۴ -۱۲۵۸ ش)، روزنامه‌نگار، شاعر، محقق، مترجم، مصحح و فرهنگ‌نویس. معروف به دخو. در خانواده‌ی قزوینی‌الاصل در تهران دیده به جهان گشود. تحصیلات قدیمی را نزد شیخ غلامحسین بروجردی آموخت و پس از آن وارد مدرسه‌ی عالی علوم سیاسی تهران شد و مبانی علوم جدید و زبان فرانسه را در آن جا فراگرفت و ضمنا از محضر درس شیخ هادی نجم‌آبادی نیز بهره برد. در ۱۲۸۲ ش به همراه معاون‌الدوله‌ی غفاری، وزیر مختار ایران در کشورهای بالکان، به اروپا رفت و طی دو سال اقامت در وین ضمن تحصیل دانشهای جدید، زبان فرانسه‌ی خود را تکمیل کرد و در همان روزهای آغازین جنبش مشروطه به ایران بازگشت و در انتشار روزنامه «صور اسرافیل» را با میرزا جهانگیر خان شیرازی همکاری کرد و مقالات خودرا تحت عنوان «چرند و پرند» با نامهای مستعار؛ دخو، خرمگس، سگ حسن دله غلام گدا چاپ می‌کرد. دهخدا پس از واقعه به توپ بستن مجلس به استانبول گریخت و از آنجا به اروپا رفت و در سویس با کمک میرزا ابوالحسن خان پیرنیا، معاضدالسلطنه، روزنامه‌ی «صور اسرافیل» را از نو در شهر ایوردون دایر کرد که پس از سه شماره تعطیل شد و وی به ترکیه رفت و در استانبول به انجمن سعادت ایرانیان پیوست و در شمار نویسندگان مجله «سروش» درآمد. دهخدا پس از فتح تهران و اعاده‌ی اصول مشروطه، از تهران و کرمان به نمایندگی مجلس در دوره‌ی دوم انتخاب شد. وی در دوران جنگ جهانی اول حدود بیست و هشت ماه در یکی از قرای چهارمحال بختیاری منزوی بود و پس از پایان جنگ به تهران آمد و از آن پس از کارهای سیاسی دست شست و مشاغل مختلفی چون ریاست دفتر وزارت فرهنگ، ریاست مدرسه‌ی علوم سیاسی تهران، ریاست تفتیش وزارت دادگستری را عهده‌دار شد. دهخدا پس از قضایای شهریور ۱۳۲۰ ش و برکناری رضاشاه، تا پایان عمر به مطالعه و تحقیق و تالیف مشغول شد و از کارهای سیاسی کناره گرفت. وی در تهران درگذشت و جنازه‌اش به شهر ری منتقل شد و در ابن‌بابویه دفن گردید. مهمترین آثار او عبارتند از: مقالات «چرند و پرند»؛ «امثال و حکم»؛ «جریده‌ی سروش»؛ «لغت نامه»؛ «دیوان»، شعر؛ تصحیح «دیوان» سیدحسن غزنوی؛ «شرح حال و آثار ابوریحان بیرونی»؛ «روح القوانین»؛ ترجمه؛ «عظمت و انحطاط رومیان»، ترجمه.[۱]

(بخش ۱) علی‌اکبر ابن خانبابا (خان)، دانشمند و لغوی و نویسنده معروف (و. تهران حدود ۱۲۹۷ ه.ق.- ف. ۱۳۵۷ ه.ق./ ۱۳۳۴ ه.ش.) وی نزد شیخ غلامحسین بروجردی به آموختن علوم ادبی پرداخت، وسپس در مدرسه سیاسی مشغول تحصیل شد. چون منزل او در جوار منزل آیهًاللّه حاج شیخ هادی نجم‌آبادی بود، دهخدا از این حسن جوار استفاده کامل میبرد و با وجود حداثت سن از محضر آن بزرگوار بهره‌مند می‌گشت. وی در همین ایام به فراگرفتن زبان فرانسوی اشتغال ورزید. بعدها معاون‌الدوله غفاری او را با خود به اروپا برد، و وی دو سال در اروپا و بیشتر در وینه پایتخت اتریش اقامت داشت. در این مدت زبان فرانسوی و معلومات جدید را تکمیل کرد. مراجعت دهخدا به ایران مقارن با آغاز مشروطیت بود.او با همکاری «جهانگیرخان» و «قاسم خان» روزنامه «صور اسرافیل» را منتشر کرد. جذاب‌ترین قسمت آن روزنامه ستون فکاهی بود که به عنوان «چرند و پرند» به قلم استاد و با امضای «دخو» نوشته می‌شد، و سبک نگارش آن در ادب فارسی بی‌سابقه بود، و مکتبی جدید را در عالم روزنامه‌نگاری ایران و نثر فارسی پدید آورد.

دهخدا مطالب انتقادی و سیاسی را با روش فکاهی در طی آن مقالات منتشر می‌کرد. پس از تعطیل مجلس شورای ملی در دوره محمدعلی شاه، دهخدا را با جمعی از آزادیخواهان به اروپا تبعید کردند. دهخدا درپاریس با علامه محمد قزوینی معاشر بود. سپس به سوئیس رفت و در «ایوردون» سوئیس نیز سه شماره از صور اسرافیل را منتشر ساخت، و از آنجا به استانبول رفت و با مساعدت تنی چند از ایرانیان که در ترکیه بودند روزنامه‌ای به نام «سروش» به زبان فارسی انتشار داد که حدود ۱۵ شماره منتشر شد. پس از آنکه مجاهدان تهران را فتح نمودند و محمدعلی شاه خلع گردید، دهخدا از تهران و کرمان به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و با استدعای احرار و سران مشروطیت از عثمانی به ایران باز آمد و به مجلس شورای ملی رفت. در دوران جنگ

بین‌المللی اول دهخدا در یکی از قرای «چهار محال» بختیاری منزوی بود و پس از جنگ به تهران بازگشته از کارهای سیاسی کناره گرفت و به خدمات علمی و فرهنگی مشغول شد و بالاخره تا پایان حیات بیشتر به مطالعه و تحقیق و تحریر مصنفات خویش اشتغال داشت. وی در تهران درگذشت و مدفن او ابن بابویه است از آثار اوست: ترجمه عظمت و انحطاط رومیان، ترجمه روح القوانین، فرهنگ فرانسه به فارسی، تصحیح یوسف و زلیخا، تصحیح دیوان حافظ، تصحیح دیوان منوچهری، پندها و کلمات قصار (هیچیک از این کتب منتشر نشده). امثال و حکم (۴ جلد، سه بار چاپ شده)، مجموعه اشعار دهخدا، لغت‌نامه دهخدا (دائرةالمعارف فارسی) (لغت‌نامه).

دانشمند و محقق و نویسنده و روزنامه‌نگار، فرزند خانباباخان از ملاکین قزوین است. در ۱۲۵۸ ش در تهران متولد شد. تحصیلات خود را از پنج سالگی شروع کرد و به علوم ادبی و ادبیات عربی و فقه و اصول و ریاضیات قدیم و حکمت تا حدی بصیرت یافت، سپس وارد مدرسه‌ی علوم سیاسی شد و آن مدرسه را به اتمام رسانید و مدتی نیز نزد آشیخ هادی نجم‌آبادی مجتهد معروف درس خواند. دهخدا قبل از مشروطیت به اتفاق معاون‌الدوله غفاری به اروپا رفت و چند سال در وین اقامت گزید. در این مدت به آموختن زبانهای خارجی و تکمیل معلومات خود پرداخت. در اوایل مشروطیت به ایران آمد و با کمک دو تن از دوستان خود به نام قاسم تبریزی و جهانگیرخان شیرازی، روزنامه‌ی معروف صوراسرافیل را انتشار داد و مقالات دهخدا در آن روزنامه تحت عنوان «چرند و پرند» و با امضای «دخو» سر و صدای زیادی ایجاد کرد و سبک جدیدی در ادبیات فارسی ایجاد شد. دهخدا مطالب سیاسی و جدی را غالبا با عنوان فکاهی در روزنامه انتشار می‌داد. بعد از تعطیل مجلس اول، دهخدا و جمعی از آزادیخواهان به اروپا تبعید شدند. در اروپا با کمک عده‌ای از آزادیخواهان چند شماره روزنامه‌ی صوراسرافیل را انتشار داد. بعد به ترکیه رفت و در آنجا روزنامه‌ی سروش را منتشر نمود. بعد از فتح تهران و سقوط محمدعلی شاه، به تهران آمد و در دوره‌ی دوم مجلس از طرف مردم تهران و کرمان به وکالت مجلس انتخاب گردید. بعد از خاتمه‌ی مجلس، سیاست را رها کرد. و به ریاست مدرسه‌ی عالی علوم سیاسی منصوب شد و سالها ریاست آن مدرسه را عهده‌دار بود. در سال ۱۳۱۳ که دانشگاه تهران تشکیل یافت، دهخدا به ریاست دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی برگزیده شد و تا شهریور ۱۳۲۰ در آن سمت مستقر بود. خیلی از رجال و سیاستمداران ایران از شاگردان دهخدا بودند.

دهخدا تالیفات متعددی دارد که برخی انتشار یافته است. از جمله تالیفات انتشار یافته‌ی او امثال و حکم در چهار مجلد است. دیگر از کارهای علمی و ادبی او تصحیح دیوان منوچهری و تصحیح دیوان حافظ و فرهنگ فرانسه به فارسی است. ولی شاهکار خدمات فرهنگی او لغتنامه است که تا ابد نام او را جاویدان خواهد ساخت.

لغتنامه فرهنگ جامعی است از لغات فارسی و عربی و اروپائی مستعمل در فارسی و اعلام که نتیجه‌ی کوشش و تلاش پنجاه ساله‌ی علامه دهخدا است. قریب سه میلیون لغت از روی متون معتبر اساتید نظم و نثر فارسی و عربی در رشته‌های تاریخ، جغرافیا، طب، هیئت، نجوم، ریاضی، حکمت و کلام و غیره فراهم گردیده است.

مجلس شورای ملی در سال ۱۳۲۴ ماده‌ی واحده‌ای به تصویب رسانید و نام لغتنامه را به نام دهخدا تصویب نمود و چاپ آن را مجلس شورای ملی عهده‌دار گردید. در این مجلدات، علاوه بر معانی لغات از نظم و نثر متقدمان شواهدی نیز عرضه شده است. در لغتنامه یک دوره مفصل از دستور زبان فارسی آمده است.

علامه دهخدا گاهی شعر می‌سرود و دیوانی از اشعار وی منتشر شده است. وفات او در اسل ۱۳۳۴ ش اتفاق افتاد و برای اتمام کارهای علمی او سازمانی به نام سازمان لغتنامه‌ی دهخدا تاسیس شد. کوشش و تلاش او تاکنون بی‌سابقه بوده است.

علامه دهخدا با وجودی که سالها دور از سیاست به کار عظیم تحقیقی خود اشتغال داشت، مع‌الوصف در دوران نخست‌وزیری دکتر مصدق و جریان ملی شدن نفت او را یاری و معاونت نمود و قدما و قلما نهضت ملی را تقویت می‌کرد. در همان ایام در بین مردم این مسئله قوت گرفته بود که اگر رژیم ایران به جمهوریت تبدیل شود هیچ‌کس بهتر و شایسته‌تر برای ریاست جمهوری از دهخدا نیست. بعد از کودتای ۲۸ مرداد، دهخدا مورد بغض و کینه قرار گرفت. به هنگام مرگ دستور داده شده بود از او تجلیل نشود. خدمات دهخدا چه به مشروطیت و چه به ادبیات فارسی قابل ستایش بسیار است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از نیما تا روزگار ما (۱۳۷ -۱۲۹)، با کاروان حله (۴۰۳ -۳۸۵)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۵۲ -۵۰ /۴)، تاریخ ادبیات ایران، دوره‌ی بازگشت (۲۶۷ -۲۶۴ /۱)، تاریخ جراید (۱۴۷ -۱۴۶ /۳)، چشمه‌ی روشن (۴۶۷ -۴۶۰)، چون سبوی تشنه (۵۴ -۴۷)، دایرةالمعارف فارسی (۲۴۹۷/۲)، دهخدای شاعر، الذریعه (۳۳۳/۹)، ریحانه (۲۴۲ -۲۴۰ /۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۵۳ -۲۴۴ /۳)، سرآمدان فرهنگ (۳۵۸ -۳۵۶ /۱)، سخنوران نامی معاصر (۱۳۸۳ -۱۳۷۹ /۲)، شرح حال رجال (۴۳۰ -۴۲۹ /۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۹۱ -۱۵۸۹ /۱۴)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۱۶ -۲۱۵)، گلزار معانی (۲۷۱ -۲۶۴)، لغت نامه (مقدمه/ ۴۱۸ -۳۷۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵۱۵ -۵۰۸ /۴)، مستدرکات اعیان (۱۱۵ -۱۱۳ /۱).

دهدار شیرازی، احمد فانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۶/۱۰۱۰ ق) ادیب، صوفی و شاعر. در شیراز ولادت یافت و نزد شاه فتح‌اللّه شیرازی تحصیل کرد. وی پس از چندی به هندوستان رفت و در دکن و در دربار احمد نگر نزد حاکمان آنجا تقرب یافت و در آنجا از مریدان شیخ حسن نجفی شد و در تصوف به درجه‌ی کمال رسید. مدتی نیز در آن سامان حکومت یافت و سرانجام در سورات درگذشت. از آثار وی: «شرح گلشن

راز»؛ «شرح فصل الخطاب»؛ حواشی بر «نفات الانس» و «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۵۶ -۶۵۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۱۲ -۲۱۱/۱)، الذریعه (۳۵۹/۹).

دهدار شیرازی، معین‌الدین، ابومحمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۶ ق)، ریاضی‌دان، نویسنده و شاعر حروفی، متخلص به عیانی. ملقب به دهدار. وی از دانشمندان روزگار خود بود که تالیفات بسیار در فنون مختلف به زبان عربی و فارسی داشت. وی در حافظیه به خاک سپرده شد. از آن جمله: «مفاتیح الاستخراج»؛ «زیده الالواح»، در جفر؛ «ایجاز مفاتیح الاعجاز»، در شرح گلشن راز؛ «رساله‌ای در بیان شرف و فضیلت انسان»؛ «اسرار الحروف»؛ «جواهر الاسرار»؛ «دیوان» شعر؛ نفایس الارقام»؛ «کواکب الثواقب»؛ «کنز الرموز»؛ «مفاتیح المخالیق»؛ «خلاصه الترجمان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۴۶۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۹۷)، الذریعه (۷۷۷/۹، ۲۶۲، ۶۸ -۶۷ /۵)، ریحانه (۲۴۲/۲)، طبقات اعلام الشیعه (س ۲۳۸/۱۰)، لغت نامه (ذیل/ دهدار)، مؤلفین کتب چاپی (۷۹۲ -۷۹۱ /۵).

دهدشتی، محمد کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید محمد کاظم دهدشتی از علماء معاصر آبادانست. که پس از خواندن مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح مهاجرت بنجف اشرف نموده و مدت پانزده سال در جوار مولی الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام اقامت و سطوح نهائی را از مدرسین بزرگ فرا گرفته آنگاه بدرس خارج فقه آیه‌الله العظمی حکیم و آیه‌الله آقا میرزا باقر زنجانی سلمه‌الله حاضر و مبانی فقه را از این دو اسطوانه علمی فرا گرفته و مبانی اصول را از محضر زعیم اعظم معاصر حضرت آیه‌الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله العالی فرا گرفته و به مباحثات اشتغال داشته تا سال ۱۳۸۱ قمری که عده‌ی از اهالی آبادان طوماری بمحضر مقدس آیه‌الله العظمی شاهرودی و آیه‌الله العظمی آقا سید عبدالهادی شیرازی قدس‌الله سره مرقوم داشته که مترجم معظم ما را برای ارشاد و هدایت بآبادان اعزام فرمایند. پس حسب‌الامر آقایان مذکور بآبادان آمده و مسجد بزرگی بنام بهبهانیهای مقیم آبادان تأسیس و باقامه جماعت و تنویر افکار و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام پرداخته است.

از آثار ایشانست کتابخانه‌ای بنام حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه در جنب مسجد مزبور که تاکنون حدود پنجهزار جلد کتاب دارد و هر روزه حدود پنجاه نفر برای مطالعه مراجعه مینمایند و وسائل آسایش از هر جهت آماده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

دهرفردیاری، ایرج

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید بهشتی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ده‌سرخی اصفهانی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید محمود بن العلامه السید مهدی بن سید اسدالله موسوی ده‌سرخی نجفی از علماء فاضل و فضلاء کامل معاودین حوزه نجف اشرف است که در قم رحل اقامت انداخته است.

اصلا از شهرک سه کیلومتری شهرکرد اصفهان بوده و مرحوم جدشان بده سرخ لنجان که شش فرسخی اصفهانست هجرت نموده و ایشان در سال ۱۳۴۵ قمری در آنجا به دنیا آمده و والدش در روز شنبه دهم رجب ۱۳۵۴ قمری در اصفهان فوت نموده و در تخت فولاد مدفون شده است.

وی در سال ۱۳۶۶ ق به تحصیل علوم دینی پرداخته و در سال ۱۳۶۸ قمری هجرت به قم و بعد از چند ماهی عزیمت به نجف نموده و سطوح عالی را به پایان رسانیده و دروس عالی را از آیت‌الله آقا سید علی فانی اصفهانی و مرحوم آیت‌الله حاج میرزا حسن یزدی و مرحوم آیت‌الله العظمی آقا سید عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حکیم و بیشتر آیت‌الله العظمی خوئی مدظله آموخته تا به مدارج

عـالیه علم رسـیده و مفتخر به دریافت اجازات از اساتیـد و آیات عظام نجف شـده و پس از ۲۴ سـال اقامت در نجف به حکم اجبار دولت شوم بعث عراق به ایران مراجعت و در قم رحل اقامت انداخته است آثار ارزنده‌ای دارد که ذیلا می‌نگارم.

۱- سراج المبتدئین در شرح منیه المرید شهید ثانی که در سال ۱۳۷۶ در اصفهان به طبع رسیده.

۲- کتاب هدایه‌الطالبین شرح آداب المتعلمین در سال ۱۳۷۶ در نجف چاپ شده.

۳- کتاب مفاتیح الصحه فی طب النبی و الائمه علیهم‌السلام فارسی در سال ۱۳۷۹ در نجف چاپ شده.

۴- کتاب رمز الصحه عربی در سال ۱۳۸۱ در نجف طبع شده.

۵- کتاب الجمان الحسان فی احکام القران در سال ۱۳۸۲ در تهران چاپ افست شده است.

۶- مفتاح الکتب الاربعه فهرست کافی و تهـذیب و استبصار و من لایحضـره الفقیه درسـی مجلـد که تاکنون پنـج جلد آن طبع شده است.

۷- حظ الشباب در خلاصه و ترجمه خصال مرحوم شیخ صدوق که به طبع نرسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

دهشت، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا دهشت

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۶/۱/۱

زندگینامه علمی

حضرت آیت الله غلامرضا دهشت در سال ۱۳۱۶ هجری شمسی در خانواده‌ای عالم، زاهد و متقی دیده به جهان گشود. امروز ایشان در بیان معارف حقه الهیه اسـتادی کم مانند هسـتند و در این روزگار، از افتخارات حوزه‌ای علمیه بویژه حوزه علمیه خراسان هستند. ایشان ادبیات عرب نزد مرحوم دهشت و شـرح لمعه را نزد برجسـته‌ـرین استاد آن زمان حضرت آیت الله سیداحمد مدرس آموختند. سپس کفایه و مکاسب را نزد حضـرت آیت الله حاج شـیخ هاشم قزوینی تلمـذ کردنـد. پس از اتمام سـطح مـدت مدیـدی در درس خارج فقه و اصول حضـرت آیت الله العظمی میلانی شرکت کردند ایشان از صدرنشینان اخلاق و منبر و خطابه هستند و واجدعلم و عمـل و گفتـار و کردار ایشـان هـم اکنون یکی از اساتیـد برتر در تـدریس دروس حـوزوی و دانشـگاهی در حـوزه‌ی علمیـه و دانشگاههای مشهد هستند.

دهشت، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی دهشت

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۷/۱

زندگینامه علمی

اسـتاد گرانقدر آقای مرتضـی دهشت در سال ۱۳۴۹هجری شمسـی در خانواده ای متـدین، دوسـتدار اهل بیت علیهم السـلام وکاملا مذهبی در شـهر مقدس مشهد دیده به جهان گشود.نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش سپری کرد. در پی تشویق خـانواده و اطرافیـان و علاقه خود به فراگیری علوم دینی به و برای ادامه تحصـیل در سال ۱۳۷۴ شمسی وارد حوزه علمیه مشـهد گردید و از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشـهد با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه حاضر شد پس از اتمام دوران سطوح عالی در سال ۱۳۸۳ به حلقه درس خارج راه یافت و از محضر بزرگانی همچون آیت الله بجنوردی،آیت الله مرعشی و آیت الله فلسفی مشغول کسب فیض شد و از دامن ستارگان پر فروغ حوزه علمیه مشهد مشغول خوشه چینی گشت و تا کنون در این زمینه از هیچ کوششی دریغ نکره است

دهشیری، ضیاء الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدضیاءالدین دهشیری فرزند استاد سید یحیی ، در سال ۱۳۰۲ دیده به جهان گشود. وی تحصیلات مقدماتی خود را در یزد به پایان برد و در سال ۱۳۳۴ به دریافت دیپلم ادبی نائل آمد. او برای ادامه تحصیل وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۳۷ ، در رشته زبان و ادبیات فرانسه فارغ التحصیل گردید. بلافاصله به عضویت هیات علمی دانشگاه تهران درآمد و به تدریس در همان دانشگاه اشتغال یافت. استاد در طول فعالیت های علمی خود موفق به تالیف و تدوین کتب و مقالات زیادی شد و نیز هم زمان آثار ارزشمندی از دانشمندان بزرگ فرانسه را ترجمه کرد.گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات فرانسه والدین و انساب : سید یحیی دهشیری پدر سیدضیاء الدین دهشیری ، فردی روحانی و قاضی و از چهره های فرهنگی زمان خود بود.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : بیشتر افراد خانواده سیدضیاءالدین دهشیری اهل علم و ادب و عرفان و آگاه به علوم دینی بودند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیدضیاءالدین دهشیری پس از فوت پدر ، نزد دایی خود محمدعلی عالمی (صمصام) تربیت یافت و از طریق وی که از شیوخ طریقت نعمت اللهی در یزد بودبه علوم ادبی و عرفانی و تصوف علاقه پیدا کرد. وی تحصیلات ابتدایی را در دبستان علمیه دهشیری یزد به پایان برد. استاد دهشیری در سال ۱۳۳۴ به دریافت دیپلم ادبی نایل آمد، و در همان سال وارد دانشگاه تهران شد و در رشته زبان و ادبیات فرانسه این دانشگاه ادامه تحصیل داد، تا اینکه در سال ۱۳۳۷ فارغ التحصیل گردید.فعالیتهای ضمن تحصیل : سیدضیاءالدین دهشیری با اشتیاقی بسیار در محافل ادبی که باحضور مرحوم آزاد همدانی و بیضایی کاشانی، شیوای قمی و صمصام یزدی در منزل پدر دانشمندش در کاشان برگزار می شد، حضور می یافت.او همچنین از سال ۱۳۲۰ در جلسات انجمن ادبی یزد که به سرپرستی شیخ محمود فرساد از چهره های سرشناس ادب و عرفان اداره می شد، حضور یافته و اشعار زیبایی در موضوعات مختلف می سرود. دهشیری از سال ۱۳۲۳ فعالیت مطبوعاتی خود را آغاز و مقالات و یادداشت های علمی و ادبی بسیاری را منتشر کرد.فعالیتهای آموزشی : سیدضیاءالدین دهشیری پس از فارغ التحصیل شدن بلافاصله به عضویت هیات علمی دانشگاه تهران در آمد و به تدریس در همان دانشگاه اشتغال یافت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیدضیاءالدین دهشیری در طول فعالیت های علمی خود موفق به تالیف و تدوین کتب و مقالات زیادی شد و نیز همزمان آثار ارزشمندی از دانشمندان بزرگ فرانسه را ترجمه کرد. استاد دهشیری علاوه بر نوشتارها و مقالات متعدد و متنوع ، بیشتر از پنجاه مقاله منتشره و مستند علمی، در زمینه های گوناگون ترجمه، عرفان، روانشناسی، تاریخ، زبانشناسی را در نشریاتی همچون : یغما ، مجله دانشکده ادبیات ، سپیده فردا و جراید و مجلات دیگر چاپ و نشر گردید. که برخی از آنها عبارتند از: خویشاوندی زبانها، ترجمه حکمت الهی شیعه در عصر صفویه (اثر هانری کربن)، ترجمه کاخ آپادانای شوش(اثر گیرشمن)، ترجمه سلسله مرعشیه مازندران (اثر رابینو)، ترجمه برگزیده داستانها جمالزاده (اثر رودلف گلپکه)، یادبود ماسینیون.جوائز و نشانها : سیدضیاءالدین دهشیری در سال ۱۳۳۷ به اخذ مدرک لیسانس نایل گردید ، و مدال درجه اول این مقطع تحصیلی را دریافت نمود.آثار : ، ابوسعید و ابن سینا ، ادبیات جدید یونان ، ارض ملکوت (ترجمه) ویژگی اثر : اثرهانری کربن۴ اسلام در ایران ، انقلابات ایران ، بحران دنیای متجدد ، تاریخ ادبیات فرانسه (قرن نوزدهم) ، تاریخ ادبیات فرانسه (قرن نوزدهم) ، تاریخ اقتصادی ، تاریخ ایران باستان منابع : سخنوران نامی معاصر ایران ، تالیف سید محمد باقر برقعی ، ج۳ ، قم: نشر خرم ، ص۱۸۲۱۲ نشریه مدت ، ماهنامه دانشگاه تهران ، شماره ۱۷،فروردین ۱۳۸۰ تفسیر آثار برشت ، توحید در شعر فارسی ، سفر اروپاییان به ایران ، سیاست اروپا در ایران ، شناخت اسلام ، طبیعت در شعر فارسی ، عرفان حلاج ، فرهنگ اصطلاحات فرانسه–فارسی ، فلسفه سن توماداکن ، قرآن در اسلام ویژگی اثر : (ترجمه به فرانسه)۲۱ قرآن مجید (ترجمه) ویژگی اثر : (به زبان فرانسه)۲۲ کارمندان ، کلمبا ، مصائب حلاج ، معنی و ارج زندگی

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر ایران ، تالیف سید محمد باقر برقعی ، ج۳ ، قم: نشر خرم ، ص۱۸۲۱۲نشریه مدت ، ماهنامه دانشگاه تهران ، شماره ۱۷،فروردین ۱۳۸۰

دهقان چاچکامی، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید دهقان چاچکامی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۵۲ (پس از طی مقطع ابتدایی) وارد حوزه علمیه شهرستان ساری شدم و در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه قم شدم و از محضر اساتیدی همچون مدرس افغانی، مرحوم اسحاقی، مرحوم عبایی خراسانی تا پایه ششم را تلمّذ کردم. رسائل را در خدمت آیهٔ الله اعتمادی و مکاسب را از محضر مرحوم آقای ستوده و کفایتین را در حضور آیهٔ الله صالحی مازندرانی کسب فیض کردم. خارج اصول را در محضر آیهٔ الله فاضل لنکرانی و ادامه آن را پس از تعطیلی درس اصول آیهٔ الله فاضل از محضر آیهٔ الله مکارم و صالحی و مازندرانی بهره گرفتم. در تفسیر قرآن از محضر آیهٔ الله مشکینی، آیهٔ الله جوادی آملی، آیهٔ الله معرفت (علوم

قرآنی) و آیهٔ الله خزعلی(علوم قرآنی) بهره مند شدم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی دروس کلاسیک را به صورت آزاد ادامه دادم و در سال ۱۳۶۶پس از اخذ دیپلم در کنکور سراسری در رشته حقوق پذیرفته شدم. لیسانس و فوق لیسانس را در دانشگاه تهران گرفتم و اکنون در رشته حقوق کیفری و جرم شناسی در مقطع دکتری در حال تهیه رساله در دانشگاه تربیت مدرس هستم.از سال ۱۳۷۲ در رشته تخصصی حقوق و فقه جزایی و قواعد فقهیه در دانشگاه های مختلف تهران، بین المللی امام خمینی(ره) و آزاد قم تدریس داشته ام. و در دروس معارف هم به تدریس رشته های انقلاب اسلامی و تاریخ اسلام و اخلاق اسلامی پرداخته ام.

از سال ۱۳۷۰ وارد عرصه نویسندگی شدم. ابتدا با مرکز تحقیقات شهید محلاتی همکاری داشتم که حاصل آن چاپ دو جلد کتاب درسی با عنوان دانش اجتماعی که در سپاه تدریس می‌شود. دو جلد کتاب هم با موضوع انقلاب اسلامی تدوین و تالیف نمودم که با استقبال گسترده روبرو شده و در دانشگاه تدریس می شود.

از سال ۱۳۷۶ با پژوهشکده حوزه و دانشگاه در زمینه حقوق کیفری همکاری داشتم که حاصل آن چاپ جلد اول کتاب بررسی تطبیق حقوق جزای عملی اسلام و حقوق معوقه است که به عنوان کتاب سال دانشگاهیان در سال ۸۱ و کتاب سال حوزویان در سال ۸۴ انتخاب شده است.پس از طرح گفتمان عدالت و عدالت خواهی در سال های آخر کتابی تحت عنوان تحلیل مفهوم عدالت و شاخه در عدالت اجتماعی تألیف نمودم که طی کمتر از شش ماه چاپ اول آن تمام شد و برای چاپ بعدی به دلیل مسائل مالی اقدامی صورت نگرفته است.در حال حاضر نیز چندین پروژه و طرح تحقیقاتی دردست تکمیل دارم از قبیل بررسی مبانی فقهی و حقوقی آزادی بیان و مطبوعات و قلمرو آن، عدالت جنسیتی در نظام کشوری اسلام، و در آمدی بر مدیریت فرهنگی رسول خدا(ص) و منشأ خانواده در اسلام و غرب.

دهقان رشتی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۵ -۱۲۶۵ ش)، شاعر. در رشت متولد شد تحصیلات مقدماتی را در همان شهر انجام داد. در جوانی با پدر خود به عتبات رفته و مدت پنج سال در بغداد ماند و در طی این مدتب به زبان انگلیسی آشنا شد. پس از آن به ایران بازگشت و به بهار علیشاه گروید و تا پایان عمر به طریقه‌ی او باقی ماند. از وی «دیوان» شعری به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۳۳/۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۱/۱).

دهقان سامانی، ابوالفتح

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۶ -۱۲۴۰/۱۲۶۵ ق)، شاعر. ملقب به سیف‌الشعراء. در قریه‌ی سامان از توابع شمال غربی جهارمحال و بختیاری متولد شد و در اصفهان در مدرسه‌ی صدر نزد ملا محمد کاشی و شیخ حسن شیرازی تحصیل علوم ادبی و دینی کرد. از آثار وی: «هزار دستان» ترجمه منظوم؛ «الف اللیله و لیله» که آن را به تشویق سلیمان خان شیرازی و شیخ محمدحسین خوانساری به نظم درآورد. «شکرستان» که همان «دیوان» اشعار اوست مشتمل بر انواع شعر فارسی؛ «بستان نامه» در بحر متقارب و احوال حضرت داوود و سلیمان.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۶۳۲ -۶۲۷ /۱)، الذریعه (۲۱۸/۲۱۵ -۲۱۴/۱۴ ،۳۳۳/۹)، ریحانه (۲۴۳/۲)، فرهنگ سخنوران (۳۴۴ -۳۴۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۸ -۱۹۷ /۱)، مکارم الآثار (۱۶۵۵ -۱۶۵۲ /۵)، یادگار (س ۳، ش ۶ و ۷، ص ۵۶).

دهقان، اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اکبر دهقان

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب اکبر دهقان در سال ۱۳۴۳ در مشهد مقدس به دنیا آمدم بعد از کلاس پنجم ابتدایی در سال ۱۳۵۷ وارد حوزه علمیه مشهد شـدم و به مدت پنج سال دروس ادبیات معالم معانی بیان منطق و قسـمتی از لمعتین را در نزد اساتید محترم آقایان رضوانی، واعظی، صالحی، حجت هاشمی خواندم و در سال ۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدت چهار سال قسـمتی از لمعتین و رسائل و مکاسب و کفایتین را در نزد اساتید بزرگوار آیات عظام آقایان اشتهاردی، اعتمادی، ستوده خواندم. از سال ۶۷ تا ۸۱ در دروس خارج آیات عظام آقایان شیخ جواد تبریزی، شـیخ جعفر سبحانی، شیخ عبدالله جوادی آملی شرکت کرده و در کنار درس خارج به مدت هشت سال از درس تفسـیر اسـتاد گرانقـدر آیت الله جوادی آملی بهره منـد شـدم و حـدود یک سال و نیم توفیق حاصل شد در جبهه های جنگ در کنـار رزمنـدگان دلاور اسـلام بودم. در سال ۶۹ ـ ۷۰ در دوره تربیـت مـدرس شـرکت کرده و به مـدت سه سـال دروس دانشـگاهی را خوانده و موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس شده و بعد از آن به مدت دو سال در دانشگاه شهید باهنر کرمان تدریس کردم.

از سال ۷۵ تا کنون ۸۴ همکار اسـتاد بزرگوار جناب آقای محسن قرائتی هسـتم به مدت ۵ سال است که مسـئول ستاد التفسیر حوزه علمیه قم از طرف معظم له می باشم بحمـد الله در پرتو مطالعات تفسـیری و قرآنی برکاتی برای اینجانب حاصل شـده است. از جمله تـدریس تفسیر به مـدت سه سال در حوزه علمیه قم که هم اکنون ادامه دارد.بیش از ۲۰۰ جلسه مباحث قرآنی و تفسـیری در رادیو معارف و رادیو قرآن و رادیو جوان داشـته ام که بحمد الله پخش شده است. حدود ۲۰ کتاب در مدت ۱۰ سال است که نوشته ام و ۱۶ تای آن چاپ رسیده و مابقی آن در آستانه چاپ است

دهقان، ایرج

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر ایرج دهقان به سال ۱۳۰۴ خورشیدی در ملایر متولد شد و در سال ۱۳۲۸ خورشیدی از دانشکده ادبیات موفق به اخذ لیسانس گردیـد. وی دوره دکترای ادبیات فارسـی را به پایان برد و در خدمت وزارت آموزش و پرورش درآمد و دبیر ادبیات دبیرسـتان‌های تهران گردید، که نگارنده خود یکی از شاگردان این شاعر و معلم خوب در سال‌های ۱۳۳۱ –۱۳۳۲ در دبیرستان مروی بوده‌ام.

«گذشت»

شکست عهد من و گفت: هرچه بود گذشت
بگریه گفتمش: آری، ولی چه زود گذشت
بهار بود و تو بودی و عشق بود و امید
بهار رفت و تو رفتی و هرچه بود گذشت
شبی بعمرم گرم خوش گذشت، آن شب بود
که در کنارم تو با نغمه و سرود گذشت
چه خاطرات خوشی در دلم بجای گذاشت
شبی که با تو مرا در کنار رود گذاشت
گشود بس گره آن شب، ز کار بسته‌ی ما
صبا، چو از بر آن زلف مشگ سود گذشت
غمین مباش و میندیش از این سفر که تو را
اگر چه بر دل نازک غمی فزوده، گذشت

«آهنگ یاد گذشته»

بند اول:

یاد گذشته زند چو به جان شررم
دل طپد از غم و حسرت آن ببرم
در غم تو تو نبود ز جهان خبرم
در غم تو نبود ز جهان خبرم
ای یار زیبا، بشنو سخن‌ها، از لب بسته من
از راه یاری، خبر چه داری، از دل خسته من
آه از تو صیاد– کی آیدت یاد– بال شکسته من
مهرم گسستی– آخر نبستی– مهر گسسته من
از نگاهی تازه کن روان من
از نو افکن آتشی به جان من
ای نازنین نمی‌روی از نظرم ز همه بگسستم دل بر تو بستم
دل بر تو بستم
دل بر تو بستم

ای نازنین نمی‌روی از نظرم
ز همه گسستم دل بر تو بستم
دل بر تو بستم
دل بر تو بستم
یار
بند دوم:
یا بدلت ز وفا نبود اثری
یا که ز حال منت نبود خبری
از غم تو همه شب من و چشم تری
از غم تو همه شب من و چشم تری
صبرم ربودی
دردم فزودی
ای گل باغ جنان
آرام جانم
سوز دارانم
جدا تو سرو روان
دارم همه شب
جان بی‌تو بر لب
ای بفدای تو جان
تا کی نگارا
قهر تو با ما
مهر تو باد گران
تا تو رفتی ز پیش دو دیده‌ام
روی خوشی ز جهان ندیده‌ام
ای نازنین
به حال زارم نظری
ز همه بگسستم
دل بر تو بستم
دل بر تو بستم
دل بر تو بستم
ای نازنین
به حال زارم نظری
ز همه بگسستم
دل بر تو بستم
دل بر تو بستم
دل بر تو بستم
یار
«گل پامچال»
بند اول:
برجو کناران- برجو کناران- بهار آمد- بهار آمد گل ببار آمد- گل ببار آمد
بخوان بلبل- بخوان بلبل در کنار گل- در کنار گل خوش بیاد یاران خوش بیاد یاران
خوشا فصل بهاران کنار جویباران دمی با گلعذاران میان لاله‌رویان
چه خوش بارد از هوا- روی سبزه‌ها- دانه دانه باران
چه خوش بارد از هوا- روی سبزه‌ها- دانه دانه باران
بند دوم:
نگار من- نگار من نوبهار من- نوبهار من بنشین کنارم بنشین کنارم
بیا چون گل- بیا چون گل در کنار من- در کنار من- ای درخت بهارم- ای درخت بهارم
بیا زیبا نگارم- بیا ای نوبهارم- چو گل بنشین کنارم- که خندد گل ز خارم
چو خوش بارد از هوا- روی سبزه‌ها- دانه دانه باران
چو خوش بارد از هوا- روی سبزه‌ها- دانه دانه باران
«گل پامچال»
به زبان محلی:

بند اول:
گل پامچال- گل پامچال- بیرون بیا- بیرون بیا
فصل بهار آی- فصل بهار آی
شوکوفان- شوکوفان- غنچه واکودن- غنچه واکودن
بلبل سر دار آی- بلبل سر دار آی
عزیز فصل بهار آی- الان موقع کار آی
تی چشمان گوشه‌دار آی
تی ره خال مزه‌دار آی
بدین می حال و زار آی
وریز کاول او سانیم- دانه واشانیم- امی تو بیجار آی
وریز کاول اوسانیم- دانه واشانیم
امی تو بیجار آی
بند دوم:
مهتاب شبان- متهاب شبان آیمه آئیم- آیمه آئیم
آئیم تی کوتی‌ور- می جان دلبر
ترا قربون- ترا قربون تی چم حیران- تی چم حیران
تی بلایمه سر- تی بلایمه سر
بشم قربان دلبر- بلا گردان دلبر- می هم پیمان دلبر- می‌دیل می جان دلبر
می عزیز جان می یار آی
وریز کاول اوسانیم- دانه واشانیم- امی توم بیجار آی
وریز کاول اوسانیم- دانه واشانیم
امی توم بیجار آی
برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

دهقان، محمدحسین

قرن:۱۵
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسین دهقان اشکذری
محل تولد : اشکذر یزد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۲
زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۶ پس از قبولی در امتحانات سال اول راهنمایی وارد حوزه علمیه یزد شدم. با شروع انقلاب اسلامی و حادثه نوزدهم دیماه همان سال حوزه های علمیه با تعطیلات مکرر و طولانی مدت مواجه گردید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اسلامی آغاز گردید.لذا دروس مقدمات حوزه را همزمان با مبارزات دوران انقلاب و حضور در جبهه ها ادامه دادم و همراه با دروس حوزوی سال دوم و سوم راهنمایی را به صورت شبانه به پایان رساندم و وارد دبیرستان گردیدم ولی به علل مختلف تحصیلات دبیرستان را ادامه ندادم.در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و بخش اعظم لمعه، رسائل، مکاسب، کفایه و دروس عمومی حوزه را در محضر اساتید بزرگی مانند وجدانی فخر، اعتمادی، محفوظی، محامد، خاتمی و ... فرا گرفته و سپس در محضر اساتید و آیات عظام به خارج فقه و اصول مشغول شده و در سال ۱۳۷۰ در اولین دوره رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن، که مشروط به اتمام سطح ۳ و دو سال درس خارج بود پذیرفته شدم و چهار سال همزمان با شرکت در درس خارج فقه و اصول در محضر اساتید گرانقدری چون حضرات آیات مکارم شیرازی، خزعلی، معرفت، احمدی میانجی، شب زنده دار، طاهر شمس و ... به فراگیری تفسیر و علوم قرآن پرداختم در سال ۱۳۷۳ موضوع «آیات دال بر حجیت خبر واحد» را که یک موضوع اصولی قرآنی بود به واحد مدارج علمی حوزه ارائه دادم و موفق به اخذ گواهینامه سطح ۳ گردیدم.پس از پایان دروس تخصصی تفسیر و علوم قرآن موضوع امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن را به عنوان پایان نامه سطح ۴ انتخاب نموده و طرح تفصیلی آن را پس از فیش برداری و مطالعات مقدماتی به واحد مدارج علمی تحویل دادم ولی پس از تایید طرح با توجه به وجود مشکلات خاص از ادامه آن منصرف گردیدم.از سال ۱۳۷۴ تا کنون ضمن پذیرش برخی از مسئولیت ها در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن و مرکز جهانی علوم اسلامی به فعالیت های علمی از قبیل تدریس، ویراستاری و نگارش مقاله و ... مشغول می باشم.در طول تحصیل نیز سعی بر این بود که تقریرات دروس سطح و خارج را بنویسم و بیشتر دروس سطح را به صورت پرسش و پاسخ در آورده ام.

دهقانپور، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا دهقانپور

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱۱/۳

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۹ در تهران دیپلم ریاضی فیزیک گرفتم. در همان سال وارد حوزه علمیه ملاجعفر (حاج آقا مجتهدی) شدم. در مدت چهار سال با اتمام لمعتین از پایه هفت در سال ۱۳۷۳ وارد حوزه علمیه قم شدم. در سال ۱۳۷۷ با پایان پایه دهم وارد درس خارج آیت الله وحید خراسانی و دیگر مراجع مانند آیت الله تبریزی(ره)، آیت الله فاضل(ره) و آیت الله مکارم شدم. همزمان با دروس حوزوی، دروس دانشگاهی را ادامه دادم. در سال ۱۳۷۵ در دانشگاه مفید رشته فلسفه را تحصیل نمودم پس از آن در سال ۱۳۸۰ رشته فلسفه و کلام اسلامی را در دانشگاه باقرالعلوم شروع نمودم. در سال ۱۳۸۵ در رشته مدرسی معارف اسلامی، گرایش مبانی نظری اسلام در مقطع دکتری مشغول به تحصیل شدم، از اول دبستان تا کنکور مقطع دکتری به فضل و لطف الهی ممتاز شناخته شده‌ام. هذا من فضل ربی. اکنون ضمن تحصیل، مشغول تدریس دروس عمومی در دانشگاه هستم.

دهقانی تفتی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۴۱ ق)، شاعر، متخلص به دهقان. وی در قصبه تفت یزد متولد شد. در یازده سالگی به هند رفت و در بمبئی در دبستان ایرانیان مشغول تحصیل شد. پس از اتمام تحصلات ابتدایی به تحصیل انگلیسی تا درجه‌ی دیپلم ادامه داد و در ساعات فراغت به تصحیل علوم عربی، حدیث، تفسیر، منطق و بیان نزد علمای ایرانی، عراقی و هندی پرداخت. از استادان وی، حجةالاسلام حاج سید حسن اصفهانی نجفی و حاج شیخ مصطفی الهی یزدی‌اند. وی طبع شعر داشته و اشعار زیادی در مناقب اهل‌بیت و بزرگان دین سروده است. وی در سال ۱۳۷۴ ق به حج مشرف شد. همچنین موسسه‌ای به نام دربار حسینی تاسیس نمود. دهقانی عضو انجمن فتوت و تحویلدار آن بود. در علم طب هم دستی داشت و بعضی اوقات بیماران را دوا و درمان می‌کرد و چند گواهینامه‌ی معتبر در این فن دریافت داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۵۳۳ -۵۲۵).

دهقانی، علی محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی محمد دهقانی

محل تولد : اشکذر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۳۴ متولد شده و بعد از گذراندن دوران ابتدایی در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه یزد شدم و بعد از چند سال تحصیل در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه قم شدم. در سال ۱۳۵۹سطح را به پایان رسانده و رتبه سوم را امتحان داده و در ضمن به تحصیل دانشگاهی نیز مشغول و در همان سال از مدرسه عالی تربیتی قضایی قم موفق به گرفتن لیسانس امور تربیتی و قضایی شدم و به مدت ۱۲ سال در درس خارج فقه و اصول شرکت نموده و از سال ۱۳۶۷ هفته ای یک روز یا بیشتر در مراکز تربیت معلم و دانشگاههای مختلف و علوم قضایی مشغول تدریس بوده ام.

دهقانی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن دهقانی ساری

محل تولد : کاشان

شهرت : دهقانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه کاشان شدم سطح را تا اوائل مکاسب در کاشان گذراندم. سپس عازم قم گشتم ورود این جانب به قم هم آغاز اوج فعالیتهای انقلاب بود لذا پس از چند هفته درسها به این مناسبت تعطیل گشت. پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی دروس حوزه بازگشایی شد این جانب به درس مکاسب و کفایه ج ۲ حضرت آیهٔ الله ستوده حاضر شدم و جلد اول کفایه را نزد آقای قدیری خواندم. همزمان با شروع درس خارج فقه درسهای فلسفه و عرفان را نزد اساتید حوزه مانند آیهٔ الله جوادی آملی و آیهٔ الله حسن زاده و آیهٔ الله شیخ یحیی انصاری گذراندم کتاب فصوص الحکمه بالغ بر چهار سال در خدمت آیهٔ الله حسن زاده و مصباح الانس را بخشی نزد آیهٔ الله حسن زاده و بخشی را نزد آیهٔ الله انصاری سپری کردم. منظومه حکیم سبزواری و اشارات بوعلی سینا را نزد اساتید گذراندم پس از آنکه از اساتید درس خارج بمدت سیزده سال استفاده کردم (نزد آیات عظام فاضل، مکارم، وحیدخراسانی و آقای تبریزی) تدریس خود را آغاز کردم ابتدا یک دوره مکاسب و سپس ۷ دوره تدریس نهایهٔ الحکمه – شرح اشارات جلد سوم– رسائل بحث استصحاب کشف المراد منطق و طبیعیات منظومه یک دوره و حکمت آن دو دوره– المنطق مظفر و جزء سی‌ام تفسیر قرآن کریم – اسفار ملا صدرا از جلد اول تا ششم که امسال یازدهمین سال تدریس آن هست. (در فیضیه مدرس ۲۲) اقدام به ترجمه و شرح نهایهٔ الحکمه نمودم که تقریبا هشت سال طول کشید و محصول آن سه جلد کتاب فروغ حکمت شد و آن در سال ۷۷ تا ۸۲ منتشر شد.

دهقانی، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محسن دهقانی در سال ۱۳۴۷ در شهرستان اراک بدنیا امد.ایشان دارای مدرک دکترای تخصصی رشتهٔ روان‌شناسی بالینی از استرالیا می باشد.ایشان استادیار بالینی و عضو اصلی پژوهشگده خانواده وابسته به دانشگاه شهید بهشتی می باشد. کتاب"روانشناسی درد؛ رویکردهای کنترل و درمان "ترجمه محسن دهقانی، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : روان شناسیگرایش : روان‌شناسی بالینیتحصیلات رسمی و حرفه ای : محسن دهقانی دورهٔ متوسطه را در اراک گذراند. لیسانس خود را در رشتهٔ روان‌شناسی بالینی از دانشگاه اهواز دریافت کرد. سپس دورهٔ کارشناسی ارشد خود را در دانشگاه اصفهان سپری کرد و پس از آن موفق به اخذ بورس تحصیلی از دولت استرالیا جهت گذراندن دورهٔ دکترای تخصصی در رشتهٔ روان‌شناسی بالینی شد. موضوع رسالهٔ دکترای وی، بررسی مدل‌های روان‌شناختی در بروز و استمرار دردهای مزمن مفصلی و عضلانی است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محسن دهقان استادیار بالینی و عضو اصلی پژوهشگده خانواده وابسته به دانشگاه شهید بهشتی می باشد.جوائز و نشانها : کتاب"روانشناسی درد؛ رویکردهای کنترل و درمان "ترجمه محسن دهقانی، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : دکتر دهقانی مقالاتی در نشریات داخلی و بین‌المللی دارد و شش کتاب دیگر نیز ترجمه کرده است.آثار : روانشناسی درد؛ رویکردهای کنترل و درمان ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «روانشناسی درد؛ رویکردهای کنترل و درمان رابرت ج. گچل،دنیس سی. ترک؛ ترجمهٔ محمّد علی اصغری مقدم، بهمن نجاریان، محسن محمّدی، محسن دهقانی،تهران: رشد، ۱۳۸۱. درد، شاید عمومی‌ترین فشار روانی باشد که با آن مواجه می‌شویم، هیچ یک از علایم جسمانی دیگر به فراگیری درد نیستند. از ابتدای مدون بشر، تلاش برای کنترل درد از اهداف اصلی آدمی بوده است. در پاپیروس‌های مصری مربوط به ۴۰۰۰ سال ق.م اشاراتی در مورد درمان درد یافت شده است. اما علی‌رغم تاریخ طولانی و پیشرفت بشر، رهایی از درد همچنان برای بسیاری از بیماران، امری دور از دسترس باقی‌مانده است. تاکنون کتاب‌های بسیاری در مورد درد انتشار یافته است، اما در تعداد اندکی از آن‌ها به مباحث روان‌شناختی و جنبه‌های عملی کنترل روان‌شناختی درد پرداخته شده و مطالب ارائه شده در آن کتاب‌های اندک هم قدیمی است؛ اما امروزه پژوهش‌های بسیاری در این زمینه انجام گرفته است. کمبود منابع مربوط به درد و فقدان کتابی که شامل اطلاعات لازم دقیق و فراگیر در مورد درمان‌های مخصوص باشد، بسیار محسوس است. در راستای پاسخ به چنین نیازی و به منظور فراهم‌سازی روزآمدترین مطالب دربارهٔ بسیاری از راهبردهای درمانی رایج، کتاب حاضر نگاشته و ترجمه شده است.

دهکردی اصفهانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۳ -۱۲۷۲ ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. در دهکرد (شهرکرد) متولد شد. پدرش و پدر مادرش هر دو از علمای دهکرد بودند. چند سال در اصفهان نزد آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی و حاج شیخ محمدباقر مسجد شاهی و دیگران تحصیل نمود، سپس در عراق خدمت چند نفر از اجله‌ی علما و فقها تحصیلات خود را تکمیل کرد. وی از شاگردان میرزا محمدحسن شیرزای و میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی و حاج میرزا حسین نوری و از مشایخ روایت آقا سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی بود. پس از بازگشت، در اصفهان به تدریس و تالیف و تبلیغ مشغول شد. متجاوز از سیصد تن از فضلا در مجلس درس او، در مدرسه‌ی صدر، حاضر می‌شدند. وی مرکز فتوی و مراجع مردم بود. در اصفهان درگذشت و همان جا دفن شد. از آثار وی: «الوسیله» یا «وسیه النجاه» یا «وسیله المنابر» یا «منبر الوسیله» یا «وسیله المعاد»، در دو قسمت: بخش اول در توحید و عدل و بخش دوم در نبوت و امامت، حاشیه بر «تفسیر صافی»؛ حاشیه بر «وافی» فیض کاشانی؛ حاشیه بر «متاجر» شیخ مرتضی انصاری؛ رساله‌ای در «قبض»؛ شرح بر «شرایع»، در دو مجلد؛ شرح فارسی بر «من لا یحضره الفیه» صدوق.[۱]

سید ابوالقاسم بن سید محمدباقر دهکردی اصفهانی دانشمندی بزرگوار و خطیبی عالیقدر از شاگردان علامه میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی و معاصرین وی بوده که پس از تکمیل مبانی علمی به اصفهان برگشته و به انجام وظائف دینی از تدریس و وعظ و ارشاد و اقامه جماعت پرداخته و در مدرسه صدر اصفهان عده زیادی به درسش حاضر شده و استفاده می‌نمودند و در ماه رمضان جمعیت زیادی برای درک فیض پای منبرش حاضر می‌شدند بسیاری از اعلام معاصر اصفهان از تلامذه و شاگردان ایشانند.

وی در یکشنبه هفتم شوال ۱۳۵۳ ه در سن ۸۱ سالگی وفات نموده تاریخ ولادتش ۱۲۷۲ هجری بوده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۴۱۷/۲)، تذکره القبور (۹۴ -۹۳)، الذریعه (۸۵ ،۸۴ /۲۵ ،۳۵۶/۲۲)، ریحانه (۲۴۴/۲)، علماء معاصرین (۱۶۹ -۱۶۸)، مؤلفین کتب چاپی (۲۴۶ -۲۴۵ /۱)، معجم المؤلفین (۱۱۵/۸)، مکارم الاثار (۲۰۱۱ -۲۰۰۷ /۶).

دهکردی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمّد باقر. عالم عارف، معروف به رحمتعلیشاه حقّانی، از اقطاب سلسله خاکساریّه، ادیب و شاعر و مفسّر. در اصفهان در خدمت آخوند ملا محمّد حسین دهکردی - دایی خود - و آخوند کاشی، و میرزا محمّد حسن نجفی، و برادر خود سید ابوالقاسم و دیگران تحصیل نموده، به نجف اشرف رفته، نزد آخوند خراسانی و جمعی تلمّذ نموده، در علوم شریعت و طریقت صاحب نظر شده.

در حدود سال ۱۲۸۵ در شهر کرد متولّد، و در شب ۱۲ جمادی الاولی سال ۱۳۳۹ در اصفهان وفات یافته، در محّله ی در کوشک در کوچه ی باغ حرم (خانه‌های حرم سلاطین آق قویونلو) در بقعه‌ای مخصوص مدفون گردید.

کتب زیر از اوست:

۱- آغاز حقیقت ۲- برهان حقیقت نامه ۳- رشحات رحمت ۴- دیوان فنائی ۵- مثنوی در شرح آیه نور ۶- مثنوی در شرح سؤال کمیل بن زیاد از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در معنی حقیقت ۷- منطق الطیر منظوم، در شرح هفت وادی؛ و غیره.

از اشعار اوست:

سلطنت خواهی اگر خدمت درویشان کن

حکم بر خشک و تر از همّت درویشان کن

خواهی از عارف باللّٰه شوی بی شبهه

طلب معرفت از صحبت درویشان کن

به جهان خواهی اگر قبله حاجات شوی

خویش را وقف ره حاجت درویشان کن

صاحب عنوان در محلّه در کوشک، خانقاه داشته، و جمعی را هدایت و ارشاد نموده [!] و قبول از وفات، مریدان را به خواهر زاده خود حاج آقا رحیم دهکردی منوّر علیشاه سپرده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دهکردی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدباقر دهکردی والد مترجم مذکور از علماء منسوب شهرکرد و از شاگردان مرحوم علامه کلباسی و حجهٔ‌الاسلام سید محمدباقر کشفی بوده تألیفاتی دارد که از آنهاست.

۱- منبر الوسیله.
۲- اللمعات فی شرح دعاء سمات.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دهلوی، امیرخسرو، ناصرالدین ابوالحسن

قرن:۸
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

(۷۲۵ -۶۵۱ ق)، عارف، شاعر و موسیقیدان. از امرای قبیله‌ی لاچین از ترکان ختایی ماوراءالنهر ساکن کش بود. پدرش در روزگار حمله و استیلای مغول به هندوستان رفت، و به خدمت شمس‌الدین التتمش رسید و در سلک امرای او درآمد و مدتی سمت امیرالامرائی یافت. در قصبه‌ی پیتالی ساکن شد و با دختر عمادالملک ازدواج نمود. در کودکی امیر خسرو به شرف دستبوس نظام‌الدین محمد دهلوی معروف به «نظام اولیاء» از کبار مشایخ چشتیه رفت و از آن پس تا پایان حیات ارادت خود را نسبت به آن پیر حفظ کرد و خود در شمار بزرگان سلسله‌ی عرفای چشتیه در آمد. امیرخسرو در خدمت سلطان المشایخ با خواجه حسن دهلوی شاعر معروف و ضیاءالدین بن رجب برنی مؤلف تاریخ «فیروز شاهی» آشنایی یافت. در همان حال به تعلّم علوم ظاهری نیز سرگرم بود، و با بسیاری از علوم متداول زمان آشنا گشت. چون به حد رشد رسید به دربار غیاث‌الدین بلبن راه یافت و بعضی از امراء او مانند ملک چهجو را مدح گفت. سپس به خدمت پسر بزرگ غیاث‌الدین بلبن درآمد. وی بعد از فوت غیاث‌الدین بلبن در سال ۶۸۶ ق ملازم درگاه معزالدین کیقباد و سپس مقرب درگاه جلال‌الدین فیروزشاه خلجی شد و مانند پدر و برادر خود در زمره‌ی امرا درآمد و عنوان «امیر» گرفت و به «امیرخسرو» اشتهار یافت. در دستگاه سلاطین دهلی یعنی رکن‌الدین ابراهیم، علاءالدین محمد، شهاب‌الدین عمر، قطب‌الدین مبارکشاه و تغلق شاه مغزز و محترم بود. در سفر تغلق شاه به بنگاله همراه او بود و در بازگشت پس از آن که شنید شیخ نظام‌الدین اولیاء درگذشته. ترک خدمت گفت و به دهلی رفت در جوار قبر مرشد خود مقیم شد. هرچه داشت به بینوایان بخشید و بعد از شش ماه درگذشت. و در جوار نظام‌اولیاء به خاک سپرده شد. امیر از بزرگترین شاعران ایرانی هندوستان بود و به همین جهت به او لقب سعدی هندوستان داده‌اند. وی علاوه بر اطلاعات وسیع از زبانهای فارسی و ترکی و عربی به زبان هندی آشنایی داشت و در موسیقی هندی و یارانی نیز ماهر و توانا بود. آثار وی: «دیوان» امیرخسرو شامل انواع مختلف شعِر مثنوی‌های. «پنج گنج» «ثمانیه‌ی خسرویه» مثنوی هشت‌گانه؛ «اعجاز خسروی» در فن انشاء؛ «خزاین الفتوح»، معروف به «تاریخ علایی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۲۰/۶)، با کاروان حله (۲۶۷ -۲۶۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۹۷ -۷۷۱ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۷۰)، تذکرهٔ الشعراء (۲۷۵ -۲۶۵)، حبیب السیر (۵۵۰/۳)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (۲۱۹ -۲۱۸)، الذریعه (۲۷/۲۳، ۱۰۷/۱۹، ۲۱۸/۱۲، ۲۹۳/۹، ۲۸۷/۸، ۲۵۹/۷)، ریاض العارفین (۷۱ -۷۰)، ریحانه (۱۷۹/۱)، طرائق الحقائق (۶۶ -۶۵ /۲)، طریقه چشتیه (۱۴۲ - ۱۳۸)، لغت‌نامه (ذیل/ امیر خسرو دهلوی)، مجمع الفصحا (۶۴۱ -۶۳۸ /۲)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۶۸۴)، نفحات الانس (۶۰۸ - ۶۰۷)، هفت اقلیم (۳۶۶ -۳۵۸ /۱).

دهلوی، شاه ولی الله

قرن:۱۲
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

ابوالفیاض قطب الدین احمد بن عبدالرحیم معروف به « شاه ولی الله دهلوی » و « محدث دهلوی » (۱۱۱۴ ـ ۱۱۷۶ ق / ۱۷۵۳ ـ ۱۷۶۲ م) دانشمند مسلمان (قرآن شناس ، حدیث پژوه ، فقه پژوه و متکلم) و اسلام شناس و احیاگر / اصلاحگری عرفانی مشرب بزرگ اندیشه دینی / اخلاقی و اجتماعی / سیاسی در قرن دوازدهم هجری / هجدهم میلادی در شبه قاره ی هند ، (متولد و متوفی و مدفون در دهلی) .

وی دارای آثار عدیده ، در حدود یکصد اثر به دو زبان فارسی و عربی است که از آن میان در حدود سی و پنج اثر چاپ و به انگلیسی و زبانهای دیگر ترجمه شده است . اولین معلم او پدرش شاه [کلمه ی شاه ، لقب طریقتی / عرفانی است] عبدالرحیم عمری (م ۱۱۳۱ / ۱۷۱۹ م) ، موسس و مدیر مدرسه ی علمیه ی رحیمیه در دهلی بود . معروف است که در هفت سالگی قرآن کریم را حفظ کرد . در پانزده سالگی به توصیه ی پدر به طریقت صوفیانه ی نقشبندیه وارد شد . سپس استاد و مدیر مدرسه ی پدر گردید .

در سال ۱۱۴۳ به حج رفت و این فریضه ی دینی واجب را به جای آورد ؛ و چهارده ماه در حرمین شریفین ، به ویژه مدینه رحل اقامت افکند و نزد علمای بزرگ آنجا به تجدید و توسعه ی آموخته های خود ، به ویژه در زمینه ی حدیث پرداخت .

در سال ۱۱۴۵ ق / ۱۷۳۲ م به هند بازگشت و از آن پس عمر خود را یکسره وقف تعلیم و تالیف و ارشاد یاران طریقت خود کرد . یک دهه ی بعد ، اثر گران سنگ علمی ـ اجتماعی خود حجت الله البالغه را به عربی نوشت (چاپ قاهره ، ۲ جلد ، ۱۹۵۲ ـ ۱۹۵۳) . در این کتاب صلای احیاگری و بازگشت به خلوص اولیه ی فرهنگ و علوم اسلامی ، با تاکید بر قرآن و حدیث ، و نیز چاره اندیشی های اجتماعی برای حل معضلات مسلمانان در داده است . نگرش و اندیشه ی صوفیانه ی او ته رنگی در آثارش دارد و

هدفش به بار آوردن تهذیب نفس و وسعت مشرب است ، و در هر حال برجسته و موکد نیست .
تجددگرایان مسلمان نظیر علامه محمد اقبال لاهوری (م ۹۳۸) و فضل الرحمن (م ۱۹۸۸) در او شخصیت وحدت بخش تفرقه ها و تحزب ها و فرقه گرایی های فقهی / حقوقی و ایدئولوژیک می دیدند که دعوتگر به اجتهادی نوین است و روی آوردن به باطن کتاب و سنت .
او دارای زندگینامه ی خودنوشت کوتاهی به نام الجزء اللطیف فی ترجمه ی العبد الضعیف (به فارسی) است و در کتاب انفاس العارفین هم اشارات زندگینامه ای دارد . نهضت فرهنگی و اجتماعی ـ سیاسی ای که او ، فرزندان (به ویژه عبدالعزیز از میان پنج پسرش) و شاگردانش به بار آورند ، به تعبیر عبیدالله سندی (م ۱۹۴۴) « نهضت ولی الله » نام گرفت . پس از تاسیس پاکستان و استقلال آن ، شاه ولی الله به صورت قهرمان ملی و متفکر سیاسی ـ اجتماعی تلقی شد ؛ و به او همان شأنی را دادند که به عارف مسلمان هندی و مصلح دینی ـ اجتماعی قرن هفدهم میلادی یعنی شیخ احمد سرهندی داده بودند . امروزه ، چنان که اشاره شد ، نهضتهای بزرگ دینی اسلامی در گستره ی جنوب آسیا ، به ویژه گروهی به نام دیوبندی Deobandis ـ که تکثرگرایی و روحیه و پیش زمینه ی عرفانی دارند ـ خود را ملهم از آراء و آثار شاه ولی الله و فرزندش شاه عبدالعزیز می دانند . جنبش هایی که کما بیش صوفی / تصوف ستیزند ، نظیر اهل حدیث ، حتی پیروان مولانا مودودی ، در زندگی و آثار شاه ولی الله ، بازگشت به مبانی اصلی شریعت ، طرد سیاسی تاثیرات و نفوذ فرهنگی / استعماری بیگانه ، و در یک کلام ، سرچشمه ی اعتقادات اصلاح طلبانه ی خود را می یابند . در زمان حیات شاه ولی الله ، مخالفتهای فرقه های نژادی غیرمسلمان هندی نظیر « جات » و « مراتهه » ، و قهراً پس از وفاتش اشغال و استعمار انگلستان در کار بود . نواده ی او شاه اسماعیل شهید با وجود تلاش برای برانداختن رسوم خرافه آمیز محلی بعضی از توده های مسلمانان ، و نیز اعتقاد به لزوم جهاد با نیروهای غیرمسلمان و اشغالگر هند ، در عین حال ـ مانند جدش شاه ولی الله ـ دارای آثار عرفانی بر وفق مکتب ابن عربی است . دسته ی دیگری از پیروان او که برجسته ترین آنها شاگرد و خویشاوند نزدیک او محمد عاشق (م ۱۷۷۳) بود ، در عمل ، پیگیر گرایشهای عرفانی شاه ولی الله شدند .
شاه ولی الله مردی کوشا و کثیرالتالیف بود . آثار او را تا یکصد کتاب و رساله هم برشمرده اند که در حدود سی اثر از آنها به چاپ رسیده (و بقیه یا به صورت نسخه ی خطی است یا از بین رفته است) . آثار او به دو زبان عربی ـ زبان رسمی و علمی سراسر جهان اسلام از آغاز تا امروز ـ و فارسی ـ زبان رسمی و ادبی هشتصد ساله ی هندوستان از عهد غزنویان تا استعمار بریتانیا ـ نوشته شده است .
بعضی از آثار فارسی او (که در آن زمان ، زبان ادبی و رسمی / اداری هند بود) عبارتند از :
۱ ـ الطاف القدس فی معرفه لطائف النفس (چاپ هند ، ۱۹۶۴ م)
۲ ـ الانتباه فی سلاسل اولیاء الله
۳ ـ اتحاف النبیه فی ما یحتاج الیه المحدث و الفقیه (لاهور ، ۱۹۶۹ م) .
و مهمتر از نظر بحث و تحقیق ، آثار قرآن پژوهی اوست که برجسته ترین آنها عبارتند از :
۴ ـ فتح الرحمن فی ترجمه ی القرآن که پایان ترجمه و پاکنویس آن به تصریح خود شاه ولی الله در ۱۱۵۱ ق / ۱۷۳۸ م بوده و در کراچی و بعضی شهرهای هند کراراً چاپ شده و بحث درباره ی آن موضوع اصلی این مقاله است .
۵ ـ الفوز الکبیر فی اصول التفسیر که رساله ای کم حجم و پر مغز درباره ی اصول و مبانی تفسیر قرآن است که هم به مسائل زبانی / ادبی و بلاغی و هم عناصر و ارکان و اصول تفسیر نگاری در پنج مبحث و بخش اصلی پرداخته است . (کراچی ، ۱۹۶۴ م) ترجمه ی عربی این کتاب در جهان اسلام (عرب زبان) اشتهار و به حق اعتبار دارد و تحت عنوان ترجمه ی الفوز الکبیر ... بارها در کراچی و کشورهای عربی به طبع رسیده است . ترجمه ی انگلیسی اش به کوشش گ . هـ . جلبنی (G.H.Jalbani) با عنوان The Principle of Quran Commentary انتشار یافته است (اسلام آباد ، ۱۹۸۵ م)
۶ ـ المقدمه فی قوانین الترجمه رساله ای کوتاه و چاپ نشده در باب اصول و روشهای درست ترجمه ی قرآن است .
۷ ـ نامه های فارسی او در چندین کتابخانه از کتابخانه های هند نگهداری می شود که گزینه هایی از آنها به اردو ترجمه و چاپ شده است . برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

دهمرده، حبیب‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۳۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: سیستان و بلوچستان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ریاضی از دانشگاه اصفهان، کارشناسی ارشد در آنالیز عددی (ریاضیات کاربردی) از دانشگاه آکسفورد انگلستان، دکترا در آنالیز عددی (ریاضیات کاربردی) از دانشگاه آکسفورد انگلستان.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه سیستان و بلوچستان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ریاضیات کاربردی، حل عددی انتگرال‌ها، کاربرد ریاضیات در مهندسی، کاربرد ریاضیات در فیزیک، استاد راهنمای ۵ پایان‌نامه

کارشناسی ارشد و یک پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ریاضیات عمومی ۲، برنامه‌نویسی کامپیوتر به زبان فرترن و ریاضیات پیش‌دانشگاهی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

ریاضیات کاربردی، حل عددی انتگرال‌ها، کاربرد ریاضیات در فنی و مهندسی، کاربرد ریاضیات در فیزیک.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

دهنوی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا دهنوی در سال ۱۳۵۲ در شهر مشهد بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک کارشناسی ارشد مهندسی برق و قدرت، گرایش تخصصی الکترونیک قدرت از دانشگاه علم و صنعت ایران می‌باشد. ایشان برگزیده رتبه سوم پژوهشهای کاربردی نوزدهمین جشنواره بین المللی خوارزمی می‌باشد.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی برقگرایش : الکترونیک قدرتوالدین و انساب : پدر غلامرضا دهنوی، غلامحسین دهنوی، بازنشسته نیروی انتظامی و مادر محترمشان آسیه سلطان شریعتی نسب، خانه‌دار است. ایشان دارای دو خواهر و یک برادر می‌باشد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : غلامرضا دهنوی در خانواده‌ای از نظر اقتصادی متوسط بدنیا آمد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامرضا دهنوی تحصیلات خود را در دبستان امیرکبیر و مدرسه راهنمایی باباطاهر و متوسطه را در دبیرستان شهید محولاتی مشهد گذراند. وی دارای کارشناسی مهندسی برق و قدرت از دانشگاه تهران و کارشناسی ارشد مهندسی برق و قدرت از دانشگاه علم و صنعت ایران می‌باشد.خاطرات و وقایع تحصیل : غلامرضا دهنوی از بازدیدهای علمی از نیروگاه شهید محمد منتظری و کارخانه فولاد مبارکه (به همراه دکتر محسنی و دکتر جمالی) و شرکت ترانزیستور در زنجان خاطرات زیادی به یاد دارد و همچنین در دانشگاه تهران در دوران تحصیل شاهد اعتراضات دانشجویی و سخنرانی دکتر سروش در سال ۱۳۷۴ و غیره بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : غلامرضا دهنوی در ضمن تحصیل در فعالیتهای ورزشی و هنری همچون اردوهای کوهنوردی، دوره‌های آموزشی شنا و کلاس خطاطی و غیره شرکت می‌کردند.استادان و مربیان : دکتر نوابی و دکتر محسنی (از استادان دوره کارشناسی) و دکتر واحدی، مهندس کاظمی و غیره (استادان دوره کارشناسی ارشد) از استادان غلامرضا دهنوی می‌باشند.همسر و فرزندان : غلامرضا دهنوی در خرداد ماه سال ۱۳۸۱ با همسر خود ازدواج نمودند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : غلامرضا دهنوی در مقام مدیر پروژه در پژوهشگاه نیرو اشتغال به کار دارند.فعالیتهای آموزشی : غلامرضا دهنوی به مدت چهار ترم در دانشگاه آزاد اسلامی تدریس کرده‌اند. وی همچنین دوره‌های آموزشی کوتاه مدتی را در پژوهشگاه نیرو برگزار کرده است.جوائز و نشانها : - برگزیده نوزدهمین جشنواره بین المللی خوارزمی با کسب رتبه سوم پژوهشهای کاربردی - دریافت لوح تقدیر و جایزه بعنوان محقق نمونه در پژوهشگاه نیرو توسط معاون امور برق وزیر نیرو در سال ۱۳۸۵چگونگی عرضه آثار : غلامرضا دهنوی دارای سه طرح می‌باشد : - نمونه آزمایشگاهی جبران کننده توان راکتیو استاتیک SVC از نوع TCR - شبیه سازی آنالوگ قدرت - جبران کننده توان راکتیو استاتیک TCR برای شبکه های توزیع ۶/۶ کیلو وات بر مثبت منفی یک MVAR

منابع : تکمیل شده فرهیختگان توسط مهندس غلامرضا دهنوی بنا به درخواست بنیاد ایران شناسی - بهار ۱۳۸۶ منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

دیاری بیگدلی، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی دیاری بیدگلی

محل تولد : بیدگل کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد تقی دیاری بیدگلی فرزند غلامرضا در سال ۱۳۳۸ هجری شمسی در حومه کاشان (بیدگل) چشم به جهان گشودم، تحصیلات ابتدایی و دوره راهنمایی و متوسطه را نخست در زادگاه خود و سپس در کاشان سپری نمودم، در سال ۱۳۵۴ قبل از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، افتخار حضور در حوزه مقدسه علمیه را پیدا نمودم، دروس مقدمات و سطوح عالی حوزه را نزد استادان گرانقدر حوزه علمیه کاشان و قم از جمله حضرات آیات عظام اعتمادی، خراسانی، وجدانی فخر، ستوده و محقق داماد فرا گرفتم، آنگاه از سال ۱۳۶۶ به بعد از محضر استادان معظم و عالیقدر حضرات آیات عظام مکارم شیرازی مظاهری، فاضل لنکرانی، منتظری ، صانعی، جوادی آملی و سبحانی در زمینه های دروس خارج فقه، اصول و تفسیر قرآن کریم کسب فیض نمودم. هم زمان با تحصیلات حوزوی دوره کارشناسی ارشد را در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم و دوره دکترای تخصصی را در دانشکده الهیات دانشگاه تهران به پایان رساندم و در سال ۱۳۷۷ از پایان نامه خود تحت عنوان نقد و بررسی اندیشه های وارداتی یهود (اسرائیلیات) در تفاسیر قرآن دفاع کردم.

از سال ۱۳۷۱ تاکنون به عنوان عضو هیأت علمی گروه آموزشی علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم، اشتغال به فعالیتهای آموزشی و پژوهشی دارم .از همان زمان به مدت ۶ سال با گروههای معارف اسلامی دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران همکاری علمی داشتم و از آن پس نیز برخی از مراکز آموزش عالی از جمله دانشکده علوم قرآنی قم، دانشکده شهید محلاتی قم و مرکز جهانی علوم اسلامی در مدرسه امام خمینی ره مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره و مرکز تخصصی تفسیر حوزه علمیه قم همکاری آموزشی علمی داشته و دارم. علاوه بر تدریس و انجام خدمت موظف خود در دانشگاه و نیز اهتمام به فعالیتهای پژوهشی و نگارش و نشر آثار علمی، تا به حال راهنمایی و مشاوره بیش از چهل پایان نامه را در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری بر عهده داشته ام.

دیانت نژاد، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زیست‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زیست‌شناسی از دانشکده علوم دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد تربیت دبیر از دانشسرای عالی تهران، کارشناسی ارشد زیست‌شناسی از دانشکده علوم دانشگاه تهران، دوره D.E.A از دانشگاه پاریس، دکترای سیکل سوم و دولتی در رشته زیست‌شناسی گیاهی شاخه ارگانوژنز و مورفوژنز از دانشگاه پاریس.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ریاضیات دانشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

هر باریوم، مطالعات فیتوسوسیولوژی، تدریس دروس اکولوژی، سیستماتیک گیاهان، ارگانوژنزومورفوژنز در سطح کارشناسی و دروس سیستماتیک مدرن اکولوژی پوششهای گیاهی، مطالعه فلوروتکامل گیاهان در سطح کارشناسی ارشد، استاد راهنمای ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

ابداع:

تغییر سیستم ریشه‌بندی گیاهان.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

زیست‌شناسی گیاهان، واژه‌نامه زیست‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

زیست‌شناسی گیاهی (ارگانوژنزومورفوژنز)، مبارزه بیولوژیکی، واژه‌های زیست‌شناسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

دیانی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد دیانی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۶/۹

زندگینامه علمی

شهریور سال ۱۳۴۱ در روستای سعید آباد از توابع شهرستان ساری متولد شدم و تا پنجم ابتدائی در آن روستا تحصیل کردم بعلت نبود مدرسه راهنمائی در آن روستا، جهت تحصیلات راهنمائی با خانواده ساکن شهرستان ساری شدم و دوره راهنمائی را در مدرسه«دهه انقلاب» گذراندم، در دوره ابتدائی راهنمائی معمولا شاگرد ممتاز مدرسه بودم، برای ادامه تحصیل بعلت فهم خوب و علاقه شدید و با تشویق راهنمای مدرسه رشته ریاضی را انتخاب کردم و سه سال دبیرستان را با موفقیت طی کردم، در این دوران بعلت شرکت در فعالیتهای انقلابی و مقابله با منافقین و چپی ها که در شمال خیلی فعال بودند، دیگر از ممتازین بحساب نمی آمدم سال تحصیلی ۶۰–۵۹ که سال چهارم ریاضی مشغول بودم با شروع جنگ به جبهه رفتم(آذر ۵۹) و خرداد ۶۰ برای شرکت در امتحانات برگشتم که موفق به قبولی در تمام دروس نشدم، دوباره به جبهه رفتم و با تصمیم قبلی به حوزه علمیه آمدم(با تشویق عمو، دائی، اخوی و خانواده و با احساس نیاز به آموختن علوم دینی برای مقابله بهتر با منافقین و گروههای چپ به حوزه آمدم).

با ارشاد مرحوم شهید بهشتی و آیت الله حائری شیرازی مدرسه حقانی قم را انتخاب نمودم و در آنجا قبول شدم، بدین ترتیب از سال تحصیلی ۶۱–۶۰ وارد حوزه علمیه قم شدم، البته قبل از ورود به حوزه در جلسات مذهبی، آموزش قرآن، احکام، عقائد دینی و تفسیر قرآن شهرستان ساری شرکت می کردم و از اطلاعات دینی خوبی برخوردار بودم و حتی برای دانش آموزان کلاسهایی برپا می کردم. در مدرسه حقانی طبق برنامه مدون مدرسه تحصیل کردم با انتقال این برنامه به مدرسه شهیدین، من نیز به مدرسه شهیدین منتقل شدم و همه مباحث را به دقت و علاقه دنبال می کردم و مخصوصاً به علوم معقول(عقائد، منطق، اصول و فلسفه) علاقه بیشتری داشتم، تا سال ۶۸ فقط به تحصیل دروس حوزوی و گاهی تدریس آن مشغول بودم و در این مدت حدود ۱۶ ماه در جبهه ها حضور داشتم.

در این مدت از اساتید وارسته و عالمی همچون آقایان محمد شبیری زنجانی، نیازی ، محمد رضا طباطبائی ، مسجد جامعی، حسین کاشانی علوی، جواد محدثی ،حسن آقا تهرانی ره،مدرس زاده،محسن اراکی،موسوی هوائی،اسلامی آیت الله خز علی و آقای فیاضی و ... و درس مکاسب و کفایه را از محضر حضرات آیات احمدی میانجی ره ،مصلحی ره و استادی زید عزه استفاده کردم. بنده حدود یازده سال در درس خارج شرکت کردم، درس فقه و اصول آیات محترم زید عزهم،سید کاظمی حائری سید محمود شاهرودی،میرزا جواد آقا تبریزی ره، آیت الله وحید،و آیت الله جوادی آملی.

اینجانب سال ۶۸ در کنار دروس حوزوی در دوره دوم کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی مرکز تربیت مدرس قم شرکت کردم و با گذارندان۷۲ واحد و دفاع از پایان نامه فارغ التحصیل شدم، و مجددا بعد از حدود ۱۰ سال کار اجرائی از بهمن ۸۴ به تحصیل دکترای کلام اسلامی در همین مرکز مشغول می باشم.

بمدت دو سال و نیم در گروه کلام جدید یا دین شناسی بنیاد فرهنگی باقر العلوم یعنی نطفه های اولیه موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی تحصیل کردم.از بچگی به تدریس علاقه داشتم لذا از سال سوم ابتدائی برای همکلاسی های ضعیف تر درسها را مجددا تدریس می کردم در دوران تحصیل دبستان، راهنمائی و دبیرستان چنین مسؤلیتهایی را بعهده گرفتم، گاهی کلاس خصوصی ریاضی در منزل داشتم (قبل از انقلاب)، در مدرسه و مسجد و حسینه های ساری کلاسهای احکام و عقائد تدریس می کردم از سال دوم نیز چنین نقشهایی را در مدرسه ایفاء می کردم، از سال ۶۵ رسما به تدریس در حوزه مشغول شدم و از آن وقت همیشه بی وقفه حداقل هفته ای ۵ ساعت تدریس داشتم، اینجانب در مدرسه شهیدین، جامعهٔ الزهراء، مدرسه صدوق و اخیرا در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره و نیز در مرکز ادیان قم تدریس داشتم، و در این مدت بیشتر موضوعات زیر را تدریس نمودم، نحو، معانی بیان، عقائد،منطق، فلسفه، اصول و فقه و بعضی دروس علوم سیاسی، کتابهای سیوطی، مغنی، مبادی ۴ و۲ ، مختصر المعانی، تهذیب البلاغه، جواهر البلاغه، تحریر الوسیله لمعه، مکاسب محرمه، معالم، اصول فقه، حلقه ثانیه شهید صدر، رسائل شیخ انصاری، آموزش عقائد، عقائد الامامیه، شیعه در اسلام، معارف اسلامی دانشگاهها و شرح تجرید، باب حادیعشر ، منطق شهید مطهری، منطق هادی فضلی، منطق مظفر بخشهایی از حاشیه، بدایهٔ الحکمه، نهایهٔ الحکمه، آموزش فلسفه و... را تدریس کردم.

از سال تحصیلی ۷۸–۷۷ دروس معارف اسلامی را در دانشگاه پزشکی تهران و یکسال در دانشگاه پزشکی بابل تدریس می کنم(هفته ای ۶ ساعت) از نظر مسئولیتها علمی اجرائی، بعد از انقلاب و قبل از ورود به حوزه مسئولیت فرهنگی تبلیغی در انجمنهای اسلامی مدرسه، محله و شهر ساری را عهده دار بودم از آذر ۷۴ وارد جامعهٔ الزهرا شدم، و بمدت ۸ سال با عنوان قائم مقام معاونت آموزش عملاً عهده دار معاونت آموزش جامعهٔ الزهرا بودم،در این مدت چند سالی بعضی از مسئولیتهای پذیرش نیز بر عهده بنده بود. در معاونت آموزش کارهای برنامه نویسی،آئین نامه نویسی، تعیین متون درسی و اجرای ضوابط را عهده دار بودم و از سال ۸۲ مسئول برنامه ریزی درس جامعهٔ الزهرا و از ۸۳ تا ۸۵ مسئول طرح و برنامه هیات امنای جامعهٔ الزهرا بودم که در این مدت در تدوین برنامه سطح ۲ و برنامه رشته های سطح ۳ حوزه های خواهران مشارکت داشتم و عضو کمیته برنامه ریزی حوزه های علمیه خواهران در دبیر خانه شورای عالی و عضو بعضی از شوراهای مرکز مدیریت خواهران(شورای برنامه ریزی و شورای پژوهش) بود ه و هستم. ازمرداد ۸۵ عضو هیات علمی مرکز ادیان هستم و مسئولیت دفتر سازمان سمت در قم را از دی ماه ۸۴ عهده دار هستم. یاد آوری شود اینجانب سال تحصیلی ۸۸– ۷۷ عضو هیات علمی و مدیر گروه معارف اسلامی بابل بودم(با حفظ مسئولیت در جامعهٔ الزهرا) که بدلیل سختی کار و پیدا نشدن جایگزین در قم، استعفا دادم. از جمله دوران شیرین زندگی اینجانب در سال اول درس خارج

بود که در مدرسه شهیدین تحت اشراف حضرات آیات خرازی، مصلحی و استادی به تحقیق فقهی یا اصول مشغول بودم که ثمره آن برای خود، تحقیق در ۴ یا پنج موضوع بود که آموزشهای فراوانی را برای اینجانب به همراه داشت ،که متاسفانه ادامه ندادم.

دیانی، امین‌اللَّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: محیط زیست، دانشکده: منابع طبیعی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

دیانی، خلیل‌اللَّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ خلیل‌اللَّه دیانی از فضلاء اراکی حوزه علمیه قم می‌باشند که ترجمه خود را در این اواخر ارسال داشتند و ما در اینجا استدراک نمودیم ایشان در سال ۱۳۱۲ ق در (عنبرته) متولد شده و در سال ۱۳۲۲ شمسی به شهرستان اراک آمده و به تحصیل مقدمات و فقه و اصول پرداخته و در سال ۱۳۲۶ ش مسافرت به تهران نموده و در مدرسه مروی سطوح را در خدمت آیت‌اللَّه حاج میرزا باقر آشتیانی و آیت‌اللَّه حاج شیخ زین‌العابدین سرخه‌ای و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدتقی آملی تکمیل نموده و به درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدرضا تنکابنی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید ابوطالب مدرسی یزدی حاضر شده و در سال ۱۳۴۰ شمسی مهاجرت به شهرستان علمی و دینی قم نموده و تا هم‌اکنون از محضر آیات عظام و مراجع مستفید و در اوقات فراغت به مطالعه کتب علمی اشتغال دارند دارای تألیفات و آثار عدیده‌ای می‌باشند که بعضی از آنها به طبع رسیده و آن از این قرار است.

۱- کتاب مرگ سرخ (در فداکاری سالار شهیدان حضرت حسین (ع)).

۲- کتاب عبرت‌انگیز که محتوی مطالب متنوع و به صورت کشکول می‌باشد.

۳- کتاب چهل داستان که محتوی پندهای تاریخی است.

۴- کتاب تاریخ شیعه از منابع اهل سنت در چند جلد.

۵- کتاب تقریرات دروس اساتید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

دیباجی سمرقندی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، شاعر. در آذربایجان می‌زیست و مداح سلسله‌ی وهسودانیان بود، خصوصا بیشتر به مدح فضلون بن ابی السوار حکمران گنجه- که به سال ۴۵۶ به سلطنت نشست و در ۴۸۴ در بغداد درگذشت- پرداخت. دیباجی با اسدی طوسی و قطران تبریزی معاصر بود. و غیر از خاندان مذکور سایر ملوك زمان خود را نیز مدح می‌گفت. وی مردی شوخ طبع و ظریف و مزاح‌گوی بود. از شعر او تنها ۱۲ بیت به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۸)، الذریعه (۳۳۴/۹)، شاعران بی‌دیوان (۵۷۹)، مجمع الفصحا (۶۴۸/۲).

دیباجی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید احمد دیباجی حسینی بن السید الجلیل ثقةالاسلام و مروج الاحکام دین المبین حاج سید نصراللَّه الدیباجی اصفهانی سدهی (همایونشهری) که منسوب بحضرت سید محمد دیباج فرزند بلافصل حضرت صادق آل‌محمد علیهم‌السلام می‌باشد.

از علماء محترم و ائمه جماعت معاصر است در رستم‌آباد شمیران تهران. وی در سال ۱۳۵۲ ق- ه متولد شده و پس از دوران کودکی و خواندن دروس جدید و مقدمات در عصر زعیم اعظم آیت‌اللَّه العظمی آقای بروجردی طاب ثراه به قم آمده و سطوح را از اساتید برجسته حوزه فراگرفته و در سال ۱۳۷۸ قمری مهاجرت به نجف اشرف و بتحصیل پرداخته و پس از تکمیل سطوح از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محسن طباطبائی حکیم و آیت‌اللَّه العظمی آقای حاج سید محمود شاهرودی و زعیم بزرگوار آیت‌اللَّه العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی مد ظله استفاده‌های شایانی نموده و علوم مختلفه را نزد اساتید عالیقدر

تعلم نموده و در علم حدیث و درایه و فن رجال از خریت این فن مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد محسن آقا بزرگ تهرانی (صاحب الذریعه الی تصانیف الشیعه) بهره‌های کافی و وافی برده است اجازات چند از آیات عظام و مراجع تقلید روایتی و علمی و غیره دارد.
ایشان در ماه رجب (۱۳۸۵) از نجف اشرف بقصد مشهد مقدس رضوی هجرت نموده و از آنجا به تهران تشریف آوردند و در رستم‌آباد شمیران توقف و بنا بدعوت عده‌ای از موجهین و محترمین در مسجد مهدیه رستم‌آباد به اقامه جماعت و خدمات دینی شایانی اشتغال دارد و ضمناً از درس فقه حضرت آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید احمد خوانساری دامت برکاته استفاده می‌نمایند.
بعضی از آثار علمی و تألیفات ایشان کتب زیر است:
۱- تقریرات فقه.
۲- تقریرات اصول فقه.
۳- زبده المعانی درباره علم بدیع و عروض.
۴- مختصر المنطق.
۵- تفسیر القرآن العظیم.
۶- کشکول در علوم مختلفه در دو جلد
۷- الاجازات الی طرق الاحادیث و الروایات.
۸- تبویب الذریعه در شش مجلد که جلد اول آن چاپ و منتشر شده.
معظم له داماد حجهٔالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ حسین زمردی ذاکر تهرانی داماد معظم علامه کبیر تهرانی قده صاحب الذریعه، و برادر ایشان ثقه المحدثین عماد الاعلام صاحب مقالاتی در نامه دانشوران، آقای حاج سید رضا دیباجی واعظ محترم در اهواز. و برادر دیگر ثقهٔالاسلام آقای سید ابوالقاسم دیباجی داماد آیت‌اللّه آقا حاج سید اسماعیل مرعشی از محصلین بارع و گویندگان ماهر حوزه علمیه قم و آثار چاپ شده ایشان کتاب در «آغوش هماهنگی» و پاورقی به کتاب «سیمای بلال حبشی» می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دیجوریان، مهدی

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شاعر.
تولد: دی ۱۳۰۳، همدان.
درگذشت: ۶ بهمن ۱۳۶۹.
مهدی دیجوریان متخلص به «دیجور»، فرزند حسین، از پنج سالگی چند ماهی به مکتبخانه رفت و پس از فراگیری مقدمات به دبستان محمودیه و پس از آن به دبستان شرافت رفت و تا سوم متوسطه را در دبیرستان زنگنه طی کرد. از آن سال از ادامه‌ی تحصیل باز ماند و به کار در بازار پرداخت ولی همواره به ادبیات فارسی به خصوص به شعر علاقه داشت و به مطالعه‌ی دیوان‌های شاعران اهتمام ورزید.
از سال ۱۳۳۰ به نظم شعر پرداخت و در محافل ادبی شرکت جست و از مصاحبت شخصیت‌های ادبی و استادان شعر و ادب شهر خود کسب فیض کرد، به ویژه از محضر سید حسن مدنی صفاءالحق (صفای همدانی) بهره‌ها اندوخت. وی از فعالان انجمن ادبی میلاد همدان بود. دیجور بیشتر غزل می‌گفت و در شعر سبک هندی را برگزید و شعر صائب را بیشتر از اساتید دیگر می‌پسندید.
از جمله آثار وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: تدوین غزلیات مرحوم سید حسن مدنی، صفا الحق (غزلیاتی در سبک هندی)؛ تدوین و نگارش چند مقاله درباره حافظ.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

دیده‌ور، فریدون

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: گیاه‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

دیده‌ی تبریزی، نصراللّه

قرن:۱۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۷ ق)، شاعر. در شهر تبریز تحصیل کرد و در شهر شماخی درگذشت. «دیوانش» مرکب از اشعار پارسی و ترکی است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۳۴/۹)، دانشمندان آذربایجان (۱۵۱).

دیرباز، عسکر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عسکر دیرباز

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

تـا هفت سـالگی مثـل بقیه بچه های آن دوران روزگار گذرانیـده، پس از ابتـدایی و راهنمایی که دومین سالی بود که نظام سه ساله راهنمایی برقرار شده بود وارد دبیرستان شدم. پس از اخذ دیپلم تجربی در دبیرستان صدر اوحدی وارد حوزه علمیه قم شدم. در این مورد یکی از اهـالی مسـجدی که در دوران دبیرسـتان (دوم وسوم) به آنجـا رفت و آمـد داشـتم خیلی موثر بود مرا بـا افکار انقلابی متخـذ از تعالیم اسـلامی قیام روحانیت در ۱۵خرداد و مبـارزات پس از آن ، مبـارزات مردم ویتنام و الجزایر و فلسـطین آشـنا ساخت بطوری که از سال دوم دبیرسـتان ضـمن مطالعه کتب درسـی کتاب های دینی و اجتماعی مطالعه می کردم. بـدین ترتیب وارد حوزه علمیه قم شدم. از سال سوم تحصـیل شـروع به تدریس کردم و تمام کتاب های درسـی ادبیات عرب را تدریس کردم. پس از آن به تـدریس لمعه و مکاسب و کفایه مشـغول شـدم، البته پس از گذرانـدن تحصـیل نزد اساتیـد عالیقـدری همچون آیت الله اشـتهاردی، وجـدانی فخر (ره) ، اعتمـادی، سـتوده(ره)، آیت الله العظمی فاضل (حـدود و قصاص) و آیت الله العظمی تبریزی (اواسط مکاسب و طهارت) و آیت الله العظمی وحید خراسانی (اصول و فقه) شـرکت کردم. ضمنا دروس اشارات و اسفار حضرت آیت الله حسن زاده آملی و جوادی آملی هم توفیق شـرکت را به مـدت ۳ سال داشـته ام . ضـمن تدریس در دانشـگاه تا حدی دروس خارج و تدریس مکاسب و کفایه را ادامه دادم تا آنکه اخیرا عمدتا مطالعات فلسفی دارم . همچنین در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با دوستان عالیقدر در زمینه اقتصاد و فلسفه اقتصاد تحیقاتی داشته ام که منتشر شده است.

دیری قمی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی در عهد شاه عباس اول می‌زیست و شعر نیکو می‌سرود. از او است:

از بس شدم ضعیف تنم را شمیم گل

بی‌جنبش صبا به سوی گلستان کشد

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۶۸)، تذکره‌ی میخانه (۸۶۵)، الذریعه (۳۳۴/۹).

دیری کاشانی، ضیاءالدین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۷۶ ق)، شاعر، متخلص به دیری. وی برادر حکیم رکنای کاشانی متخلص به شیخ و داماد بزرگ طالب آملی بود. دیری در زمـان شـاه جهـان به دعوت ستی خانم و اجازه شاه به هندوسـتان رفت و در ۱۰۵۰ ق داروغه‌ی کرکیراق خـانه شـد و از وی خطاب رحمت خان یافت د ر مقام دیوانی بود تا در آن سامان درگذشت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۵۵)، الذریعه (۳۳۴/۹)، کاروان هند (۴۲۰ -۴۱۹ /۱)، مآثر الامرا (۲۸۶ -۴۸۳ /۲).

دیزجی زنجانی، فیاض

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فیاض بن العالم الجلیل ملا محمد مدرس دیزجی زنجانی متولد ۱۲۸۵ ق و متوفی ۱۳۶۰ ق از اکابر فقهاء امامیه و مراجع تقلید گذشته و جامع معقول و منقول بوده است.

وی پس از تولد و پرورش در بیت علم و تقوا و خواندن متون فقه و اصول به تهران مهاجرت نموده و معقول را از سید الفلاسفهٔ المتالهین میرزا ابوالحسن جلوه اصفهانی فراگرفته و فقه و اصول را از محضر آیت‌اللّه والعلامهٔ الکبری میرزا محمدحسن آشتیانی و دیگران استفاده نموده تا به رتبه اجتهاد رسیده و عزیمت به عراق نموده و در نجف اشرف علی من تشرفها آلاف التحیهٔ والثناء به حوزه درس علامه تهرانی حاج شیخ هادی پیوسته و از بحث آن نابغه علمی استفاده نموده و بعد از فوت آن مرحوم در سال ۱۳۲۶ قمری به زنجان مراجعت کرده و مورد استقبال و توجه مردم قرار گرفته و عده‌ای از مردم آن استان به وی تقلید نموده تا در روز جمعه ۱۸ ذی‌الحجه (عید سعید غدیر) ۱۳۶۰ قمری وفات و نزدیک مقبره آخوند ملا علی قارپوزآبادی مدفون گردیده است.

آثار علمی و باقیات الصالحات آن مرحوم.

۱- کتاب الخمس

۲- ذخایر الامه

۳- کتاب الاجاره

۴- کتاب الزکاهٔ

۵- رساله در ماهیهٔ وجود (تقریر بحث استادش علامه تهرانی)

۶- رساله حجائیه.

و اما باقیات الصالحات ایشان فرزند ارجمندش.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دیلمقانی، سعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی عمران، دانشکده فنی، دانشگاه: تبریز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

دیلمی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از امور دیوانی آگاهی داشت و در سرودن شعر توانا بود. از اشعار اوست:

درمان کسی درد مرا سود ندارد

درد دل من روی به بهبود ندارد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفهٔ سامی (۱۰۰)، الذریعه (۵۰۰/۹).

دیلمی طبرستانی، سلار، سالار، ابویعلی حمزه عبدالعزیز

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۶۳ ق)، فقیه، اصولی، ادیب و محدث امامی. ملقب به سلار یا سالار. در فقه و ادب پیشگام بود. سیوطی در «طبقات» خود او را از جمله‌ی ادیبان بنام برشمرده است. ساکن بغداد بود و مورد اعتماد و احترام. شیخ مفید و سید مرتضی از مشایخ او می‌باشند. شیخ ابوعلی طوسی، فرزند شیخ الطائفه، و شیخ منتجب‌الدین و ابوالمکرم مبارک بن فاخر نحوی و ابوالفتح عثمان نحوی و ابوالصلاح حلبی و ابوالفتح کراجکی از شاگردان وی بودند. سلار گاهی به جانشینی سید مرتضی درس می گفت. وی در قریه خسرو شاه تبریز درگذشت. سیوطی به نقل از صفدی سال مرگ وی را ۴۴۸ ق می‌داند. از آثارش: «المقنع فی المذهب»؛ «التقریب»، در اصول فقه؛ «المراسم العلویه»، در احکام نبویه، در فقه؛ «الرد علی ابی‌الحسین البصری فی نقض الشافعی»؛ «التذکره فی حقیقه الجوهره»؛ «الابواب و الفصول»، در فقه؛ «المسائل السلاریه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۹/۲)، اعیان الشیعه (۱۷۲ -۱۷۰ /۷)، ایضاح المکنون (۵۵۳، ۲۷۵ /۱)، الذریعه (۱۲۴/۲۲، ۳۵۲، ۲۹۸/۲۰، ۱۸۰، -۱۷۹ /۱۰، ۳۶۵، ۲۴/۴)، ریاض العلماء (۴۴۴ -۴۳۸ /۲)، ریحانه (۵۱ -۵۰ /۳)، فهرست منتجب‌الدین (۸۴)، الکنی و الالقاب (۲۳۸/۲)، لغت نامه (ذیل/ سلار الدیلمی)، معجم المؤلفین (۲۳۵، ۷۹ /۴)، هدیه العارفین (۳۸۰/۱).

دیلمی قزوینی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۶۹ ق)، شاعر شیعی، متخلص به دیلمی. وی از شاعران ذو لسانین مداح آل‌بویه بود. در «مجمل فصیحی» خوافی سال وفات او ۴۶۹ ق ذکر شده و نامش چنین ضبط گردیده: «ابومنصور اسپهدوست بن محمد بن الحسن بن اسفار بن الشیرویه الدیلمی». فصیحی در «مجمل» و ثعالبی در «تتمه الیتیمه» نام او را در ردیف شاعران تازی گوی معروف آورده‌اند. چند بیت از ابیات تازیش را نقل کرده‌اند. از شعر فارسی او، جز یک غزل هفت بیتی باقی نمانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۶۶/۳)، تذکره‌ی روز روشن (۲۶۹)، الذریعه (۳۳۴/۹)، شاعران بی‌دیوان (۱۹۸ -۱۹۷)، مجمع الفصحا (۶۴۸/۲)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۴۶۹).

دیلمی، بهرام

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی برادر شاه قاضی و شاه عنایت‌اللّٰه و جمشیدبیگ بود. از اوست:

بت صراف کافکنده است طرح دلبری با من

دمادم می‌کند از ناز چنگ زرگری با من

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۱۰۰)، مینودر (۴۰۷/۲).

دیلمی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۱ -۱۲۲۹ ق)، عالم دینی، حکیم و فقیه زیدی. وی در اکثر علوم دست داشت. در شهر ذمار یمن به دنیا آمد و در همان شهر نشو و نما یافت. در مکه از دنیا رفت. از آثارش: «تحفه الحبیب بنظم مسائل التهذیب»، در منطق؛ «نزهه الطرف فی احکام الصرف»؛ «الابریز المذاب فی قواعد الاعراب»؛ «الطراز المذهب فی المختار لاهل المذهب»، در فقه؛ «مختصر الاتقان فی علوم القرآن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۳/۲)، معجم المؤلفین (۲۴۳/۳).

دیلمی، حسن بن الحسن

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مولی حسن بن الحسن الدیلمی عالم فاضل، و حکیم بارع و فقیه. به اتّفاق پدر خود از گیلان به اصفهان مهاجرت نموده، و از معاشرین و مصاحبین و همدرسان افندی مؤلف ریاض العلماء می‌باشد. تألیفاتی دارد از آن جمله شرح صحیفه سجّادیّه است. در ۲۶ رمضان المبارک سال ۱۱۱۹ وفات یافته است.

مؤلّف تاریخ علما و شعرای گیلان را در نام صاحب عنوان اشتباهی روی داده، زیرا که مؤلّف شرح صحیفه سجادیه نامش: مولی حسین بن حسن است. گویند: شرح صحیفه او انتحال از شرح سید علی خان مدنی است. علاّمه جلیل القدر مؤلّف الذریعه (۱۳:۳۵۰) فرماید: من شرح سیّد علی خان را دیدم که به خط خود در حواشی آن، مواضع انتحال را تعیین نموده بود.

مولی حسین گیلانی دایی سید ابوالقاسم بن حسین موسوی خوانساری جدّ صاحب روضات است، و قبرش در بقعه مشارالیه قرار دارد، و آقا میرزا محمّد باقر به مناسبت بودن قبر او در این محل وصیّت به دفن در اینجا نموده است. در اسامی حسین مجدّداً از او نامی برده خواهد شد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دیلمی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین دیلمی

محل تولد : علی آباد کتول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در روستای ماهیان از توابع شهرستان علی آباد کتول (استان گلستان) متولد شدم ، دوران کودکی را در روستای محمد آباد کتول گذراندم ، تقریبا ۵ ساله بودم که به مکتب (کلاس آموزش قرآن به روش قدیم) رفتم ، اولین معلمم پیرمردی بود به نام ملا محمد (از استان خراسان) که در روستای ما زندگی می کرد .

دوران تحصیلات ابتدایی را در روستای محمد آباد سپری کردم . تقریبا ۱۳ ساله بودم که با اشتیاق فراوان در سال ۱۳۵۱ در حوزه علمیه گرگان (مدرسه صالحیه) در محضر آیت الله سید علی رئیسی (ره) و استادان آن مدرسه به تحصیلات حوزوی مشغول شدم . پس از ۴ سال که مقداری از کتاب های معالم و مختصر المعانی را در آنجا خوانده بودم ، در سال ۱۳۵۵ برای ادامه تحصیلات وارد حوزه علمیه قم شدم . درشهر مقدس قم در مدرسه علمیه حضرت آیت الله گلپایگانی (ره) پس از قبولی در امتحان ورودی به ادامه تحصیل پرداختم و بقیه کتاب های معالم و مختصر المعانی را نزد استاد عالمی و استاد نکونام خواندم .شرح لمعه را در محضر آیت الله استادی و آیت الله وجدانی فخر (ره) فرا گرفتم ؛ درس های اصول عقاید و کتابهای اصول فقه مظفر، رسائل و مکاسب را به ترتیب در محضر استاد شوشتری ، آیت الله بنی فضل و آیت الله ستوده (ره) خواندم .

در تفسیر قرآن از محضر آیت الله مشکینی و آیت الله جوادی آملی بهره مند شدم . در روش تبلیغ و کلاس داری و درس هایی از قرآن از محضر استاد قرائتی استفاده های فراوان بردم .

در محضر حضرت آیت الله فاضل لنکرانی و حضرت آیت الله مکارم شیرازی به فرا گرفتن درس های خارج فقه و اصول پرداختم .درس ها و موضوعات مختلف دیگری در حوزه علمیه قم تدریس می شد که بنده در آنها شرکت می کردم و از محضر استادان ارجمند بهره مند می شدم ، از جمله : درس اخلاق توسط آیت الله مشکینی و آیت الله مظاهری ، درس اقتصاد اسلامی آیت الله حسین نوری ، درس فن خطابه استاد فلسفی (ره) ، درس اصول عقاید آیت الله خرازی ، درس تحلیل سیاسی دکتر حسین ابوترابیان و آیین نگارش و ویرایش استادان : جواد محدثی ، ژرفا (سید ابوالقاسم حسینی) ، شهدادی (احمد) .

در کنار تحصیل و مطالعه و تالیف از سال ۱۳۵۷ تا کنون (۱۳۸۴) حدود ۲۵ سال به تبلیغ معارف دینی (منبر و کلاس داری) مشغول بودم و به همین منظور به شهرها و روستاهای مختلفی سفر کردم . در ایام جنگ تحمیلی در جبهه های جنوب و غرب و در کنار رزمندگان اسلام بودم و با بیان احکام و معارف دینی ، وظیفه کوچکی را در خدمتگزاری به آنان انجام می دادم .هم اکنون (۱۳۸۴) بیشتر به کار تدوین و تالیف مشغول هستم .

دیلمی، شاه صدر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۵ ق)، شاعر. وی از اعیان زمان خود بوده و غزل را نیکو می‌سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۷۸)، تحفه‌ی سامی (۹۶)، تذکره‌ی روز روشن (۴۰۴)، الذریعه (۴۹۹/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۹۰).

دیلمی، محمود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از طایفه‌ی دیالمه و از بزرگان قزوین بود. این قوم خود را از نسل مالک اشتر می‌دانستند. وی شعر می‌سرود و اشعاری از او در تذکره‌ها آمده است. صاحب تذکره‌ی «تحفه سامی» محمود دیلمی را با شاه محمود یکی دانسته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۹۱)، الذریعه (۱۰۰۹/ ۹).

دیلمی، وهسودان

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، عالم. معروف به امیر زاهد سیف‌الدوله یا سیف‌الدین امیر زاهد. شیخ منتجب‌الدین از او به عنوان صالح فاضل نام می‌برد. بعضی از مراجع نام صاحب عنوان را وهشوذان ذکر کرده‌اند. برخی تحت وهودان بن دشمن و نان بن مردافکن آورده‌اند. از آثار وی: کااب «الواریخ»؛ کتاب «النجوم»؛ «معرفه الجهات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۸۰/۲۴، ۲۵۶/۲۱، ۴۷۳/۴)، روضات النات (۱۶۶ -۱۶۵ /۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶/ ۳۳۰)، فوائد الرضویه (۷۰۲)، فهرست منتجب‌الدین (۱۹۶)، معجم المؤلفین (۱۷۵/۱۳).

دین پرور، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین دین پرور

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۷/۱/۱

زندگینامه علمی

حضرت آیت الله سید حسین دین پرور مشهور جمال الدین دین پرور در سال ۱۳۱۷ در خانواده ای مذهبی و متدین در تهران به دنیا آمد. نامبرده پس از مدتی عشق وافر او به علوم دینی او را به سوی حوزه علمیه رهسپار کرد و پس از سالها تلاش و مجاهدت در راه علم و تحصیل به درجه اجتهاد نایل گردید. در دوران تحصیل خویش از محضر اساتید بزرگی چون مرحوم علامه طباطبائی، مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی ، مرحوم آیت الله بروجردی، مرحوم آیت الله العظمی امام خمینی و ... بهره ها برد.

نامبرده در دوران حیات علمی خویش تألیفات فراوانی به رشته تحریر درآورده است که وی هم اکنون در حوزه های علمیه تهران و دانشگاههای تهران به تدریس علوم ناب اسلامی مشغول است و در این راستا شاگردان فراوانی تربیت و تقدیم انقلاب اسلامی کرده است.

دین‌پرور دربندی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید جعفر بن العالم الجلیل آیت‌اللّه السید ابوتراب بن العلامه الورع سید مهدی دربندی تهرانی از علماء ابرار و دانشمندان اخیار تهران بوده و در سال ۱۲۶۳ شمسی در نجف اشرف متولد گردیده و در تحت مراقبت و تربیت والد معظمش پرورش یافته و پس از انقلاب عراق علیه انگلیسها و اخراج آنان باتفاق والدش به ایران آمده و مورد استقبال و اقبال مردم تهران و شمیرانات قرار گرفته و بخدمات دینی و علمی پرداخته والد ماجدشان آیت‌اللّه دربندی علاوه بر داشتن حوزه درس، در مجالس معمولی و مهمانیها به نشر حقایق اسلام و اخبار ائمه اطهار اهتمامی بلیغ داشت و در مجالسش غیر از اخبار و احادیث اهلبیت علیهم‌السلام سخن دیگری نمی‌فرمود.

مترجم ما پس از مراجعت از عراق تحصیلات خود را در نزد والد خود ادامه داده و علاوه بر استفاده‌های علمی تقوا و فضائل و ملکات نفسانی را از آن بزرگوار فراگرفته و با لباس کرباس وطنی و کمال زهد و قناعت و مناعت طبع بخدمات دینی پرداخته و نشر حقایق و معارف اسلام مینمود. نماز جماعتش در شمیرانات و دربند بسیار باشکوه و مخصوصا ماه رمضان پر جمعیت بود و مردم از اطراف برای درک فیض از نماز و محضرش بدربند می‌شتافتند تا هشتم ماه رجب سال ۱۳۴۳ شمسی وفات نموده و با تجلیل زیاد جنازه‌اش حمل بشهر ری و در ابن بابویه مقبره شخصی خانوادگیش مدفون گردید.

نگارنده گوید: آن مرحوم ارادت مخصوصی بمرحوم آیت‌اللّه العظمی و مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی داشت خودم ناظر بودم که با آن کهولت و کبر سن با پای برهنه از تهران تا بشهر ری در تشییع جنازه آن مرحوم شرکت داشته و اظهار تأثر و تأسف از فقدان آن مرحوم می‌نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دینوری کسار، ابونصر احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۳۳ ق)، قاری. او از علمای قرن پنجم است که در قرآآت صاحب تصنیف می‌باشد. اثر او به نام «المنیه فی القراآت» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۱۸۸۶)، معجم المؤلفین (۲۰۵/۱)، هدیه العارفین (۷۵/۱).

دینوری، ابوالقاسم یوسف

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۰۵ ق)، فقیه و قاضی شافعی. معروف به ابن کج. وی از شاگردان ابوالحسین بن قطان بود، و در مجلس درس دارکی حاضر می‌شد. عده‌ای او را بر شیخ ابوحامد اسفراینی مقدم می‌دانند بطوری که یکی از شاگردانش روزی به وی گفت: ای استاد، گرچه ابوحامد صاحب نام است، اما علم نزد توست. دینوری مردی محتشم بود و مردم از اطراف به سویش می‌آمدند. وی در ماه رمضان به دست حرامیان کشته شد. دینروی داری تصانیف بسیاری است از که از آن جمله کتاب «التجرید» را می‌توان نام برد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۱۸۴ -۱۸۳/ ۱۷)، معجم المؤلفین (۲۷۳/۱۳).

دینوری، ابوبکر احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۳۳ ق)، قاضی، محدث و فقیه مالکی. ابتدا عهده‌دار منصب قضای قلزم و سپس چندین سال در اسوان مصر اقامت گزید و مدتی مقام قضاوت آنجا را بر عهده گرفت. از کسانی مثل ابوبکر بن ابی الدنیا و ابوقلابه الرقاشی و ابن‌قتیبه دینوری و محمد بن یونس کدیمی و عباس بن محمد دوری و محمد بن عبدالعزیز دینوری روایت کرده است و از راویان کتب ابن قتیبه به شمار می‌آید. قاضی ابوبکر ابهری و ابوبکر ابن‌شاذان و ابوبکر ابن‌مهندس و ابراهیم بن علی تمار مصری و حسن بن اسماعیل ضراب از وی روایت کرده‌اند دارقطنی او را از محدثان مورد اعتماد نمی‌داند و در «غرائب مالک» او را به وضع حدیث متهم کرده است. دینوری در مذهب مالک صاحب نظر بود. کتابی در «مناقب مالک» و کتابی در «رد شافعی» تالیف کرده است. وی همچنین صاحب کتاب «المجالسه» است که بوصیری از آن روایت کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۴۱/۱)، سیر النبلاء (۴۲۸ -۴۲۷/ ۱۵)، کشف الظنون (۱۸۴۱، ۱۵۹۱)، لسان المیزان (۴۶۹ -۴۶۸/ ۱)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (۱۷۵ -۱۷۴/ ۲).

دینوری، ابوبکر مکی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۶۸ ق)، حافظ، محدث و فقیه. وی مذهب سفیانی داشت. از عبدالغنی بن سعید و خلف بن محمد واسطی و صدقه بن دلم حدیث شنید. عبدالعزیز کتانی و ابوطاهر حنایی و غیث ارمنازی از او روایت کرده‌اند. گویند به معرفت رجال توجه خاصی داشت و حدیث کم می‌گفت و ابوبکر خطیب در پی آن بود که از وی حدیث بشنود. و دینوری رغبت چندانی نشان نمی‌داد. او مدتی منصب قضاوت دمیره را عهده‌دار بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۴۱۳ -۴۱۲/ ۱۸).

دینوری، ابوحنیفه احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۲۸۲ ق)، نحوی، لغوی، ادیب و ریاضی‌دان. از مردم دینور بود که در بصره و کوفه علم آموخت و از محضر پدر خود و پس از او از ابن سکیت بیشترین بهره را برد. وی در علوم بسیاری همچون، نحو، لغت، هندسه، حساب و هیئت دست داشت، و صاحب تالیف بود. او را ذفنون و از نوادر روزگار می‌دانند. روایاتش را صحه گذاشته‌اند و وی را مورد اعتماد خوانده‌اند. او از بزرگان مذهب حنفی بود. از آثارش: «الاخبار الطوال»؛ «النبات»؛ در شش مجلد بزرگ؛ «الجبر و المقابله»؛ «الجمع و التفریق»؛ «البلدان»؛ «البحث فی حساب الهند»؛ «اصلاح المنطق»؛ «نوادر الجبر»؛ «القبله و الزوال»؛ «الکسوف»؛ «تفسر الدینوری»؛ «الانواء»؛ «ما یلحن فیه العامه» یا «لحن العامه»؛ «الشعر و الشعراء».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۱۹/۱)، ایضاح المکنون (۶۸۰، ۴۲۱، ۳۲۱، ۲۷۹، ۲۷۷/ ۲، ۳۶۸، ۴۳/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۸۸ -

۱۸۷ /۱)، دایرةالمعارف فارسی (۱۰۲۹/۱)، الذریعه (۲۳۶/۳، ۱۷۲/۲، ۳۳۸/۱)، روضات الجنات (۱۰۳ –۱۰۲ /۵)، ریحانه (۷۲/۷)، سیر النبلاء (۴۲۲/۱۳)، کظف الظنون (۱۵۴۸، ۱۴۴۶، ۱۴۰۷، ۱۳۹۹، ۹۰۷، ۶۶۴، ۶۱۴، ۴۴۷، ۲۸۰، ۱۰۸)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۳۲)، لغت نامه (ذیل/ ابوحنیفه)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۲۸۲)، معجم الادباء (۳۲ –۲۶ /۳)، معجم المؤلفین (۲۱۹ –۲۱۸ /۱)، الوافی بالوفیات (۳۷۹ –۳۷۷ /۶)، هدیه الاحباب (۱۲)، هدیه العارفین (۵۲/۱).

دینوری، ابوسعد، نصر

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۴۱۱ ق)، ادیب، کاتب، معبر و شاعر. وی از کاتبان بزرگ بود و عهده‌دار مناصب نیشابور. زمانی که سلطان محمود برای پاسخگویی به خلیفه‌القادر باللّه، احتیاج به معتمدی داشت، وی را برگزید. از آثار وی: «روائع التوجیهات من بدائع التشبیهات»؛ «ثمار الانس فی تشبیهات الفرس»؛ «التعبیر القادری» یا «القادری فی التعبیر»، در احکام، که برای خلیفه القادر باللّه در ۳۹۷ ق تالیف کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۵۲/۸)، کشف الظنون (۱۳۰۵، ۹۱۴، ۵۲۳، ۴۱۷)، معجم المؤلفین (۹۴/۱۳)، هدیه العارفین (۴۹۰/۲).

دینوری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا احمد آقا مجتهد شخصی فقیه و اصولی و دارای علوم غریبه و مردی با ورع و متقی و اغلب اشتغال بتحریر مطالب علمی و عملی داشت و منزوی از مردم و عابد و شب زنده‌دار و اوضاع و عوالم عجیب و غریبی داشت رضوان اللّه علیه. کتابی موسوم به (نظام العالم) دارد بسیار نفیس و عالی ولی بطبع نرسیده و تألیفاتی در علوم غریبه دارد و اشعاری شیوا گفته و در تاریخ ۱۳۴۷ در اثر مبارزه با بدع با برادر کوچکش مرحوم آقای حاج میرزا عبدالعلی آقا مجتهد به سمنان تبعید و مدتی در آنجا حبس نظری بودند بعد بارض اقدس رضوی برده و در تحت مراقبت بودند پس از طی مدت یکسال و نیم دوره‌ی نفی به تبریز مراجعت بعد از فوت برادر بزرگش آیت‌اللّه آقا میرزا صادق آقا مرحوم در مسجد آن مرحوم اقامه نماز جماعت کرده مقتدای مردم بود در سال ۱۲۸۳ در تبریز متولد شب دوشنبه ۲۳ شهر ذی‌القعده ۱۳۵۹ بدار بقاء رحلت و در وادی‌السلام نجف اشرف در مقبره مخصوص خودشان مدفون است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دینوری، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم آیت‌اللّه میرزا صادق آقا مرجع تقلید اهالی آذربایجان بود و مردم فریفته تقوی و عمل و علمیت این مرد برجسته بودند طوری که با تحریر و تقریر پایان نیابد شاگر آخوند ایروانی و آیت‌اللّه فاضل شربیانی و آیت‌اللّه آقا شیخ هادی تهرانی بود در فقه و اصول متبحر و شخصی دارای دقت نظر و تحقیق و صاحب تألیفات زیاد در فقه و اصول بود منجمله (مقالات غرویه) مربوط به مباحث الفاظ در تبریز بطبع رسیده و کتاب (مشتقات) اینهم در تبریز بچاپ رسیده و (کتاب فوائد) در مطالب مختلف از فقه و اصول و تفسیر مطبوع تهران که دوره تبعید خود در قم نوشته شده و کتابهای مفصله استدلالی در طهارت و صلوه و غیره دارد که بطبع نرسیده این شخص قریب سی سال در نجف مشغول تحصیل و تدریس بوده نزدیک پنجاه سال ریاست روحانیت آذربایجان را در دست داشت در اثر مبارزه با بدع سال ۱۳۴۷ به قم تبعید و در سال ۱۳۵۱ شانزدهم شهر ذی القعده الحرام شب جمعه برحمت ایزدی رفته و در رواق حضرت معصومه سلام‌اللّه‌علیها در مقبره مخصوص مدفون است اشعار عالی عربی در مدائح و مراثی زیر دارد رضوان اللّه علیه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دینوری، عبدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا عبدالعلی آقا مجتهد است مرد فقیه و اصولی و شخصی اجتماعی و خلیق بود که مردم فریفته حسن خلق و رفتار نیک او بودند مشغول قضاوت و تدریس طلاب بود شاگردهای برجسته تحویل داده و فرزندانی برای آینده تربیت نموده و از اساتید متن نگارنده بوده استفاده‌های فراوانی از ایشان نموده‌ام کتابی مرکب از اصول و فروع جمع و حواشی نوشته و مجموعه‌ای مانند

کشکول شیخ بهاء دارد در دویم ماه محرم وفات نموده و در وادی السلام نجف اشرف در مقبره مخصوصه خودشان مدفون است رضوان اللّه علیه.

این پنج برادر هر کدام عالم و عامل و فاضل و با ورع و متقی و محبوب عند العامه و دارای کمالات سرشار بودند و اکنون هم اهالی تبریز اسامی اینها را به خیر و خوبی یاد می‌کننـد و از فقدان این راد مردان عالم دیانت اظهار تأسف و تأثر می‌نمایند قریب پنجاه سال مبارزاتی با معاندین دین و مخالفین قوانین حقه اسلامی نموده و متحمل هر گونه شدائد و با هموار یها شده و مکرر خانه‌شان به یغما و غارت رفته و به مدلول آیه شریفه ان تنصروا اللّه ینصرکم و یثبت اقدامکم خداوند نجات داده و عزت شأن را حفظ نموده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دینوری، علاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا علاءالـدین دینوری بن آیت‌اللّه العظمی حاج میرزا احمد مجتهد از علماء محترم معاصـر تهرانست. معظم له شـمه‌ای از ترجمه و بیوگرافی بیت جلیل و خاندان اصیل خویش را بشرح زیر مرقوم داشته‌اند:

راقم علاءالدین دینوری پسـر مرحوم آقای حاج میرزا احمد آقا مجتهد دینوری از اولاد محمد دینوری که از اصـحاب حضـرت علی ابن موسـی الرضا علیه‌السـلام بوده وی را بجهت تبلیغ مـذهب حق به آذربایجان اعزام نموده‌اند در قریه (پیر کندی) از قراء حسن‌آباد از محـال قراجه داغ وفـات نموده و در همـان قریه بخـاک سپرده میشود او را مزاری است که اهـالی بزیـارتش میرونـد و نـذوراتی به مرقدش میبرند. والد مرحوم پنج برادر بودند بزرگترین این پنج برادر مرحوم آقای حاج میرزا محسن آقا مجتهد صاحب کتاب (تبیین المحجه الی تعیین الحجه) در تبریز بطبع رسـیده توان گفت یگـانه تـألیفی است در اثبات حجه در سال ۱۲۶۷ هجری این شخص در تبریز متولد و در سال ۱۲۸۸ برای تکمیل معارف دینی به نجف اشرف مشرف و بعد به تبریز مراجعت و به حج بیت‌اللّه‌الحرام موفق و در سال ۱۳۴۴ مبتلا بدرد چشم بود در اثر شدت مرض چهارم محرم‌الحرام ۱۳۵۲ دار فانی را وداع و جنازه‌اش به نجف اشرف حمل و جنب قبر والد ماجدش در وادی السـلام دفن میشود. این شخصـیت بزرگ فقیه و اصولی و درستکار و عاقل و مسیس و مورد شور رجال و عقلاء بوده ریاست روحانیت شهر تبریز را داشت.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دینوری، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کاظم بن العلامه العلام آیه الله حاج میرزا احمد مجتهد بن العالمه الحجه المیرزا محمد مجتهد قراچه داغی تبریزی برادر زاده مرحوم مبرور آیه الله حاج میرزا صادق آقای تبریزی از علماء مبرز معاصـر تبریز و از بیوتات اصـیله و علمیه آذربایجان می‌باشـند که تا هفت پشت تمامی از مراجع اعلام و آیات عظام آذربایجان بوده‌انـد. وی در تبریز متولد شده و در بیت علم و کمال پرورش یافته و پس از خواندن اولیات و مبادی علوم سطوح فقه و اصول را خدمت مرحوم والد و دیگران فراگرفته آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضـر آیـات عظـام مرحـوم آیـه الله العظمی اصـفهانی و آیه الله ضـیاء الـدین عراقی و آیه الله نـائینی و آیه الله غروی اصـفهانی و دیگران اسـتفاده نمـوده سـپس به وطن مراجعت و به انجـام وظـائف دینی و روحی از قبیـل اقـامه جمـاعت و تـدریس و ترویـج دین پرداخته و تاکنون باین سمت اشتغال دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

دینی، سعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید دینی

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای سـعید دینی در سال ۱۳۵۳هجری شمسـی در خانواده ای متدین ، مذهبی و دوسـتدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در همدان دیده به جهان گشود. پس از فراغت از تحصیل در دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در زادگاه خویش، در پی تشویق خانواده و علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۷۰وارد حوزه علمیه قم گردید و در جوار ملکوتی بارگاه کریمه اهل

بیت(ع) رحل اقامت افکند. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۸۱ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی همچون مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی، آیت الله سبحانی، آیت الله وحید، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد. در کارنامه علمی وی علاوه بر پژوهش در موسسه امام صادق علیه السلام، تدریس در دانشگاه پیام نور همدان، دانشگاه آزاد اسلامی همدان و حوزه علمیه المهدی قم وجود دارد.

دیوانه، حسین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. فی‌الواقع مردی ابدال وش بود و رندی و نامرادی هم داشت و خالی از لطافت طبع نمود. وی در قره‌باغ کشته شد. این مطلع از اوست:

طوبی مثال سروی و شمشاد قامتی

من وصف قامت تو چگویم قیامتی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۳۵/۹)، مجالس النفایس (۵۲).

دیوانه‌ی اصفهانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۷/۱۲۷۲ ش)، شاعر. پدرش خباز بود. در سال ۱۳۱۵ ش از شغل پدر دست کشید و وارد کلاس اکابر شد و نوشتن را تا اندازه‌ای آموخت که بتواند بخواند و اشعارش را بنویسد. از وی «دیوان» شعری باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۹۹ -۱۹۸)، الذریعه (۳۳۵/۹)، مؤلفین کتب چاپی (۲۴۱/۴).

دیوانه‌ی بلخی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، خطاط و شاعر. وی هفت قلم را خوش می‌نوشت و شعر را نیز نیکو می‌سرود. از اوست:

می‌خواستم نظاره کنم نقش او در آب

ناگه نسیم آمد و نقش بر آب زد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۰۴/۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۴۴)، الذریعه (۳۳۵/۹)، مجالس النفائس (۳۸۶).

دیوانه‌ی قمشه ای، اسدالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۴ -۱۲۹۸ ق)، شاعر. مقدمات عربی را نزد استادان زمان خود آموخت؛ سپس به تحصیل فقه اصول و حکمت پرداخت. پس از آن به اصفهان رفت و در مدرسه‌ی چهارباغ به سر برد. وی ریاضی قدیم و جدید را نیز فراگرفت و زبان فرانسوی را هم در اندک مدتی آموخت. وی گاهی غزل می‌سرود. در همان شهر درگذشت و در تخت فولاد در اصفهان دفن شد. از آثار وی: «دیوان غزلیات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ارمغان (س ۲، ش ۸ و ۹، ص ۳۱۹ -۳۱۷)، الذریعه (۳۳۵/۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵۴۶/۱).

دیوانه‌ی نیشابوری

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. از شعرای قدیمی است طبعی نیک دارد این دو بیت از او است:
ای لب لعلت ز آب زندگانی پاکتر
زندگانی بی لب لعلت نمی‌خواهم دگر
ابروان دلکشت زاغان مشکین بنگرید
در تلاش افتاده با هم بر سر بادام تر
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۷۱)، الذریعه (۳۳۶/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۴۸)، مجالس النفایس (۱۶۱).

دیهیم قزوینی، اسماعیل

قرن:۱۲
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دوازدهم ق)، شاعر. در سخنوری توانا بود و کلامش دلنشین. از او است:
سرکشان بی‌خبر از عالم افتادگی‌اند
هست در دامن این کوه عجب صحرائی
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۷۱)، الذریعه (۳۳۶/۹).

دیهیم لاهیجی، علی‌اکبر

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ۱۳۷۴ ق)، شاعر و نقاش. معروف بـه خـان دیهیم محصص. در شـهر لاهیجـان دیـده به جهـان گشـود او پس از طی دوره‌ی تحصیل ابتدایی در زادگاه خود و در دوره‌ی متوسطه در شهر رشت به تهران عزیمت کرد. در کالج آمریکایی نام نوشت، سپس در دانشسرای عالی و بعد در دانشکده حقوق به تکمیل تحصیلات پرداخت، پس در رشت اداره دارالانشاء انجمن شهر بر عهده‌اش گذاشته شد. در طی اقامت در تهران در دبیرستان نظام و دانشکده‌ی افسری و دانشگاه جنگ به کار و تدریس مشغول شد. وی در نقاشی و مینیاتور دست داشت و چند تابلو و مینیاتور بر عاج از او دیده شده است. از آثار وی: «دیوان» شعر؛ «چکامه‌ی آذربایجان»؛ «کعبه‌ی عشاق».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (۳۳۶/۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵۱۵/۴)، نامها و نامدارهای گیلان (۳۴۶ -۳۴۵).

ذاتی شیرازی، محمدحسین

قرن:۱۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح س سیزدهم ق)، شاعر. وی از سادات دشتکی شیراز بود که به مشاغل دیوانی و ضبط بعضی از نواحی اشتغال داشت. این رباعی به وی منتسب است.
یاد تو مرا از دل پر خون نرود
و اندیشه‌ات از خاطر محزون نرود
ویران شده خاک چه دامنگیر است
هر غم که در آن نشست بیرون نرود
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :مرآت الفصاحه (۲۱۸ -۲۱۷).

ذاتی کبابی قمی

قرن:۱۰
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، شاعر. از شاعران شـهر قم بود که از صـنایع شـعری اطلاع بسیار داشت و از اقسام شـعر به قصـیده‌گویی و غزل متمایل بود. این بیت از اوست:
به کنه ذات تو هرگز نمی‌رسد ذاتی

یکی ز ذات تو می گوید، از صفات یکی
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تحفه سامی (۳۲۴)، الذریعه (۳۳۷/۹).

ذاتی هروی

قرن:۹
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، شاعر. وی فردی خوش طبع و خوش قریحه بود و مورد التفات و توجه امیرعلیشیر نوای قرار داشت. بیت زیر از اوست:
ای دل که زخم خنجر او آرزوی توست
خوش لقمه‌ایست لیک زیاد از گلوی توست
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۷۲)، الذریعه (۳۳۷/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۵۱)، مجالس النفائس (۸۸).

ذاتی یزدی

قرن:۱۶
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(؟)، شاعر. از بزرگان و شاعران خوش قریحه یزد بود. وی در فنون قافیه و عروض مهارت داشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۷۲)، تذکره سخنوران یزد (۱۳۴)، فرهنگ سخنوران (۳۵۱).

ذاتی، سلیمان

قرن:۱۲
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ۱۱۵۱ ق)، شاعر و صوفی. وی از شاعران و مشایخ طریقه‌ی خلوتیه و از مردم کاشان بود. از جانشینان شیخ حقی افندی بروسه بود و پس از وی به دستگیری و ارشاد اشتغال داشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :لغت نامه (ذیل/ ذاتی).

ذاکر قمی، غلامرضا

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، شاعر. از شاعران قم بوده که از وی کتابی به نام «ریاض الحسینی»، به نظم برجای مانده است. ذاکر صاحب «دیوان» اشعاری نیز بوده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (۷۹۱/۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹۵/۴).

ذاکر گورتانی اصفهانی، عباسعلی

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(۱۳۶۰ -۱۲۸۷ ق)، شاعر و نویسنده. معروف به معین‌الواعظین. وی از وعاظ معروف بود که پیوسته مستمعین خویش را با نقل احادیث صحیحه سرگرم می‌نمود و مورد وثوق عموم طبقات بود. ذاکر در اصفهان وفات یافت. از آثار وی: «تسلیه الفقراء و تذکره الاغنیاء»؛ «زاد العاصبین»؛ «فوائد الصلوات»؛ «مجازات النسوان»؛ «وقایع الظهور»، در علایم ظهور حضرت بقیهًا... (ع) در دو مجلد؛ «دیوان» اشعار.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۰۰)، فهرست کتابهای چاپی (۸۹۷/۱).

ذاکر، محمد

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، نویسنده.از جمله آثار وی: «فرهنگ» که روزنامه‌ی سفر ناصرالدین شاه بود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۱۴۵/۱).

ذاکری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: مؤسسه ریاضیات مصاحب، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی و دکترای ریاضی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده مهندسی کامپیوتر دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

کار کردن بر روی پروسس تصاویر دیجیتال و الگوشناسی بخصوص در زمینه تصاویر پزشکی، چندین الگوریتم جدید، مدولهای کوهمولوژی موضعی، کسرهای تعمیم یافته، هم بافت هیوز، استاد راهنمای ۱۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

جبر خطی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۳

زمینه علمی مقالات:

مدولهای کسرهای تعمیم یافته (جبر) و کاربردهای آن، کوهمولوژی موضعی، مدولهای Bauchbam، مدولهای تعمیم یافته C.M مدولهای CO.C.M، پوشش انژکتیو یک مدول.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ذاکری، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر ذاکرخمی

محل تولد : بردسکن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

این جانب علی اکبر ذاکری در سال ۱۳۳۸ در خانواده ای روحانی در روستای خمی (خمین) در یازده کیلو متری شهرستان بردسکن (و کاشمر) متولد شدم . جدم حاج محمد علی معروف به حاج شیخ از روحانیون مشهور و خوشنام منطقه بود . پدرم نیز روحانی است . تحصیلات را تا ششم ابتدایی در روستا گذراندم و پس از آن در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه کاشمر شدم . در مدرسه دانش یا عتیق حجره گرفتم . مدیریت این مدرسه به عهده آیت الله محمد صادق سعیدی بود . در آن زمان حوزه علمیه کاشمر از رونق خوبی برخوردار بود . ادبیات و بخشی از اصول و منطق را در کاشمر گذراندم . اساتیدم عبارت بودند از : حجج اسلام :۱. حاج شیخ موذنی ؛ بخشی از جامع المقدمات ۲. مرحوم علومی ؛ نصاب ، بخشی از جامع المقدمات ،شرح نظام و عروه الوثقی ۳. حاج شیخ علی اصغر بلاغی ؛ صمدیه و سیوطی ۴. حاج شیخ فضل الله شریعتی محولاتی ؛ مغنی باب اول و رابع و مختصر المعانی ۵. محمد کاظم سعیدی (برادر بزرگتر ایت الله سعیدی) منطق کبری و اندکی از حاشیه ۶. آقای فرقانی ؛ معالم ۷. حاج شیخ جواد مدرسی ؛ تحریر المعالم که اخیرا چاپ شده بود ، بخش بدیع مختصر . طلاب موظف بودند افزون بر درس های معمول ، مسائل

رساله عملیه را حفظ کنند و از روی گلستان سعدی و کتاب کلیله و دمنه مشق نوشته و لغات آن را یاد بگیرند تا هم با ادبیات آشنا شوند و هم تمرین خط داشته باشند .

آیت الله مشکینی پس از تبعید به کاشمر ، در مدرسه حاج شیخ درس تفسیر و نهج البلاغه برگزار می کردند که در آن درسها شرکت می کردم و آشنائیم با نهج البلاغه از اینجا آغاز شد .پس از بازگشت آیت الله مشکینی به قم زمینه ای فراهم شد که گروهی از طلاب کاشمر به قم بیایند و من در سال ۱۳۵۵ به قم آمدم و در منزلی که ایشان در اختیار طلاب گذاشتند ساکن شدم . سپس در امتحان ورودی مدرسه امام صادق (ع) شرکت کردم و تا پیروزی انقلاب اسلامی در آنجا بودم . در مدرسه حجتیه حجره گرفتم . در قم در درس اخلاق و تفسیر آیت الله مشکینی شرکت می کردم که بیشترین تاثیر را در شخصیت من و دیگر طلاب کاشمر داشت . دفتر تبلیغات هم کلاسهایی تشکیل میداد که در آنها اساتیدی مانند : آیت الله شهید بهشتی ، شهید باهنر و رهبر معظم انقلاب اسلامی تدریس میکردند . در سال ۱۳۶۰ در بخش فرهنگی مدرسه عالی تربیتی و قضایی قم شرکت کردم و مدرک لیسانس دریافت نمودم . دوره عالی زبان انگلیسی دفتر تبلیغات را نیز به پایان رساندم . در سال ۱۳۶۲ سطح را امتحان دادم . در سال ۱۳۶۸ با بخش احیاء آثار دفتر تبلیغات اسلامی همکاری کرده و در استخراج رجال کتاب مختلف الشیعه به تحقیق پرداختم . در سال های ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۹ با همکاری دوستان به استخراج آیات اخلاقی قرآن پرداختیم که محصول آن در مجله حوزه منتشر شد . ازسال ۱۳۶۸ عضو مجله حوزه شدم که تا کنون ۳۵ مقاله در این مجله و ۸ مقاله در مجله فقه و همین مقدار در دیگر مجلات و به مناسبت نشست ها و کنگره ها نگاشتم که برخی از آنها لوح افتخار جشنواره مطبوعات را به همراه داشت . افزون بر استفاده از اساتید در فقه ، اصول و فلسفه در دانشکده شهید محلاتی چند ترم نهج البلاغه تدریس کردم ودر مرکز تربیت نویسنده و محقق دفتر تبلیغات اسلامی به تدریس تاریخ اسلام پرداختم . با برخی ارگان ها برای داوری کتاب و مقالات پژوهشی مانند دین پژوهان و کتاب سال جمهوری اسلامی و برخی کنگره ها همکاری دارم . جهت تبلیغ به مناطق مختلف سفر کردم و به همین منظور به جبهه های جنوب ، غرب و کردستان رفتم .

اساتید قم : تفسیر : آیات : مشکینی ، خزعلی ، معرفت ، اشراقی سطح : آیات و حجج اسلام : باکوئی ، وجدانی ،علی اصغر باغانی ، مدرس افغانی ، مصطفی نورانی ، صلواتی ، دوزدوزانی ،شیخ علی پناه اشتهاردی ، ستوده . خارج : آیات عظام : فاضل لنکرانی ، مکارم شیرازی ، منتظری ، تبریزی ، صانعی ، وحید خراسانی و هاشمی شاهرودی . فلسفه : آیات و حجج اسلام : انصاری شیرازی ، فیاض ، محمد علی گرامی .

ذاکری، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی ذاکری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی وراهنمایی ودبیرستان رادر شهرقم گذاراندم، و درسال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه قم شدم . همزمان با تحصیل در حوزه درسال ۱۳۷۲ مشغول به تحصیل دررشته فلسفه غرب دانشگاه مفید شدم.در سال ۱۳۷۶وارد دوره کارشناسی ارشد فلسفه غرب همان دانشگاه شدم و بلافاصله درسال ۱۳۷۹ پس از فراغت از تحصیل در کارشناسی ارشد، دردوره دکترای فلسفه غرب دانشگاه تهران پذیرفته شدم و این دوره را تا سال ۱۳۸۵به اتمام رساندم. در تمام این مدت تحصیل در حوزه علمیه قم را تادرس خارج ادامه دادم.در سال ۱۳۸۰کارشناس پژوهش معاونت پژوهشی دانشگاه مفید بودم و ازسال ۱۳۷۹ محقق و از سال ۱۳۸۱ به عضویت هیئت علمی پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در آمدم وتا سال ۱۳۸۴ مدیر گروه کلام و فلسفه این پژوهشکده بودم . از سال ۱۳۸۰به تدریس دروس معارف اسلامی و نیز دروس تخصصی فلسفه در دانشگاه های تهران و قم اشتغال دارم .

ذبیح اصفهانی، اسماعیل

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۰۴ ق)، شاعر، متخلص به ذبیحی. مردی درویش مسلک بود که در سرزمین ایران می‌زیست و از عزلت و گوشه‌نشینی گریزان بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۰۰ -۲۹۹)، الذریعه (۳۳۸/۹)، صبح گلشن (۱۶۶)، فرهنگ سخنوران (۳۵۲).

ذبیح زاده روشن، علی نقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی نقی ذبیح زاده روشن

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در رژیم طاغوت قبل از نظام جدید راهنمائی پس از سیکل، سال اول تجربی را گذراندم و تحت تاثیر جلسات مذهبی در سال تحصیلی ۵۵ – ۵۴ دو سال قبل از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه قم گردیدم و با جمعی از دوستان در مدرسه ای واقع در گذر خان تحت نظر مرحوم آیت الله مرتضی حائری دروس مقدمات را گذراندیم و در سال دوم یعنی سال تحصیلی ۵۶ – ۵۵ وارد مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی بنام الونديه واقع در چهار مردان درس سیوطی و سایر دروس جنبی را خواندیم. و ضمنا از دورس جامعه شناسی و روانشناسی تربیتی آقای دکترعلی قائمی که در بعضی از مراکز وابسته به حوزه برگزار می شد شرکت می کردم. در سال سوم تحصیلی ۵۷ – ۵۶ وارد مدرسه دیگر آیت الله العظمی گلپایگانی واقع در صفائیه گشته و درس مغنی و سایر دروس جنبی را در آن مدرسه از محضر استاد طالقانی و سایر اساتید معظم تلمذ می نمودم که ناگهان به همراه سایرین با حادثه ارتحال مرحوم حاج آقا مصطفی فرزند برومند امام خمینی (رض) مواجه گردیدیم. این واقعه که به تعبیر امام خمینی (رض) از الطاف خفیه حضرت حق بود موجب اوج گیری مبارزات مردم رشید ایران به رهبری امام گردید و بصورت زنجیره ای حوادث جریانات و خاطرات مردم مختلف ایران را بدنبال داشت و از آن تاریخ دروس حوزوی و درس های

مدارس بخاطر شرکت طلاب در روند مبارزات به کندی پیش می رفت. در سال چهارم تحصیلی یعنی ۵۸ – ۵۷ درس ها به صورت رسمی برگزار نمی شد و افراد متعهد حوزه و از جمله امثال حقیر بخاطر تکالیف و وظایف مبارزاتی به انجام وظیفه مشغول بوده و در همان ایام مختصرا قسمتهائی از معالم، اصول فقه، مختصر المعانی را به صورت آزاد نزد اساتید به صورت خصوصی درس می گرفتیم و شور انقلاب همه مناطق ایران را فرا گرفته بود. در همان سال مردم ایران شاهد قیامهای ۱۷ شهریور تهران، و جابجائی مهره های رژیم فاسد پهلوی نخست وزیران جمشید آموزگار، شریف امامی، ازهاری و بختیار و در ادامه انتقال امام خمینی (رض) از عراق به پاریس و سرانجام خروج مفتضحانه شاه و ورود شکوهمندانه امام خمینی (رض) به ایران و آغاز دهه مبارکه فجر تا پیروزی انقلاب اسلامی ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ و انتخاب و برقراری جمهوری اسلامی بودند. در سال تحصیلی ۵۹ – ۵۸ پس از تاهل به تحصیل لمعه و اصول فقه به صورت آزاد از محضر اساتید بزرگواری چون آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی و دیگران اشتغال داشتم و در همان ایام از دروس ضروری و جنبی مربوط به شرائط اول پیروزی انقلاب که توسط دفتر تبلیغات بوسیله آیات عظام آقایان مکارم شیرازی، سبحانی، مرحوم شهید باهنر، تمرین خطابه از مرحوم آقای فلسفی و تفسیر آیت الله خزعلی و طاهری خرم آبادی و درس شناخت شناسی آیت الله مصباح یزدی در مهدیه واقع در خیابان چهار مردان و اساتید دیگری ارائه می شد، استفاده می کردیم که بسیاری از آن جزوات هنوز نزد اینجانب موجود است. در ادامه همین سال های نخست پس از پیروزی انقلاب ضمن آنکه تحت فرمان امام خمینی (رض) طبق وظیفه در اوضاع سیاسی و اجتماعی شرکت داشته و دروس متعدد اصلی و جنبی را می خواندیم و در راستای نیازهای جامعه آن روز در مقابله با تفکر مارکسیستی، ماتریالیستی و لیبرالیستی فعالیت می نمودیم. ما در سال تحصیلی ۶۰ – ۵۹ پس از آغاز جنگ تحمیلی از طرفی وظیفه داشتیم تا در مقابل شبهات الحادی کمونیستی، امثال لیبرالی و ضد انقلابی منافقین و دیگران خود را مسلح علمی نمائیم و از طرفی به دروس حوزوی که نظام مند می گردید برسیم و از جهتی دیگر راهی جبهه های حق علیه باطل باشیم. پس از اتمام شرح لمعه در همان سال و یا سال های تحصیلی بعد دروس مکاسب محرمه و رسائل را از محضر اساتیدی چون آیت الله بنی فضل و آیت الله اعتمادی استفاده کرده در سال تحصیلی ۶۲ – ۶۱ بخاطر نیاز جوامع علمی وارد موسسه در راه حق قم گردیدم و درس های مختلف معارف قرآن و فلسفه اسلامی و دروس بدایه و نهایه و زبان انگلیسی ریاضی و مکالمه عربی و دروس مبانی رشته های مختلف علوم انسانی از قبیل جامعه شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد، روانشناسی و ... را نزد اساتید بزرگواری چون آیت الله مصباح یزدی استاد فیاضی، دکتر صدیق، استاد مصباحی، دکتر قائمی و دیگران گذراندیم. پس ازآن دوره چهار ساله، طبق برنامه آن موسسه با تعیین گرایش در دوره چهار ساله دوم در بنیاد باقر العلوم(ع) موسسه فعلی امام خمینی (رض)، در زمینه اختصاصی تاریخ، دورس تاریخ محض و اسلامی را به صورت پیوسته کارشناسی و کارشناسی ارشد گذراندیم و در سال ۷۴ پس از اتمام این دوره، رساله پایان نامه تحت عنوان (ریشه های روابط علمای تشیع با صفویان) تحت نظر استاد راهنما جناب آقای دکتررضا شعبانی و استاد ناظر آقای دکتر صادق آیینه وند دفاع نمودم و پس از گذراندن دوران طولانی که البته حدود دو سال بخاطر تحولاتی در موسسه رشته ما به انعطال انجامید توانستیم در این سال مدرک کارشناسی ارشد تاریخ را دریافت نمائیم. در همین دوره طولانی طبق ضرورت برنامه موسسه و بعدا دوره اختصاص آن در بنیاد باقر العلوم موسسه فعلی امام خمینی (رض)، در دروس حوزوی شرکت می نمودیم و دروس مکاسب بیع و خیارات و کفایه الاصول را نزد استاد بزرگوار مرحوم آیت الله ستوده گذرانده و ضمنا در امتحانات حوزه نیز شرکت می نمودیم. از آن پس در دروس خارج اساتید بزرگوار آیات عظام تبریزی، سبحانی، فاضل لنکرانی، جوادی آملی و مرحوم آیت الله خاتم یزدی جمعا چیزی حدود ۱۲ سال شرکت داشتم و درس ها را یادداشت می نمودیم. در مدارج علمی حوزه ثبت نام نمودم که طبق برگه ای که در

دست دارم برای سطح ۴ موضوع خراج در اسلام را تعیین کردند که هنوز وقت نکرده ام تدوین نمایم شاید کتاب ۴ جلدی مرجعیت و سیاست در عصر غیبت بجای آن پذیرفته شود.از سال تحصیلی ۷۴ – ۷۳ در دانشگاه آزاد قم، مدرسه غیر ایرانی مرکز جهانی و امام خمینی (رض)، مدرسه شهیدین، جامعهٔ الزهراء موسسه امام خمینی (رض) و دانشگاه باقر العلوم و بعضی از دانشگاه خارج قم دروس مختلف تاریخ اسلام ۱، ۲، ۳، ۴ تاریخ اروپایی ۱، ۲، ۳، ۴ و تاریخ معاصر ایران، تاریخ تشیع، تاریخ تحول دولت و خلافت، دیپلماسی در اسلام، دروس معارف، (معارف، ریشه های انقلاب، اخلاق، متون، تاریخ اسلام)، تاریخ عصر غیبت، تاریخ تشیع از عصر صفویه تا هم اکنون، جریان شناسی مشروطیت، تاریخ مرجعیت شیعه و دروسی چون روش تحقیق، نحو، تفسیر قرآن و متن اختصاصی تاریخ عربی را تدریس نموده ام و در مرکز پژوهشی موسسه امام خمینی(ره) پروژه تحقیقی مرجعیت و سیاست در عصر غیبت را در ۴ جلد به اتمام رسانده و اینک عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی قم و همکار پژوهشی موسسه امام خمینی (رض) می باشم.

ذبیح شیرازی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۷۰ ق)، شاعر. وی جوانی عاشق پیشه و از سادات شیراز بود که چندی به هندوستان مسافرت کرد و بعد به شیراز مراجعت نمود. پس از آن به زیارت عتبات عالیه رفت و در آنجا مجاور شد. دیوان بیگی در «حدیقه الشعراء» درباره‌ی او نوشته که وی در عصر خود از فقرای حقه بود اوایل عمر شعر خیلی می‌گفته و در اواخر عمر ترک شعر گفته است. ذبیح در عراق درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۶۳۴ -۶۳۳ /۱)، فرهنگ سخنوران (۳۵۲)، مرآت الفصاحه (۲۲۰ -۲۱۸)، مصطبه‌ی خراب (۶۷).

ذبیح گنجوی، اسماعیل

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. وی اهل گنجه بود. و از شاعرانی که به دو زبان ترکی و فارسی شعر می‌سرود. از آثار وی: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۱۵۲)، الذریعه (۳۳۷/۹).

ذبیح نهاوندی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به ذبیح. اصل وی از نهاوند و ملازم صاحب «سفینه المحمود» بود و چنانچه خود می گوید معلم و استاد وی بوه و تخلص خود را نیز از او دریافت کرده و قواعد نثر را از وی فراگرفته است. ذبیح که مردی عارف مسلک بوده، گاهی شعر می‌سروده؛ مضامین اشعار وی بیشتر نصایح و مواعظ بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سفینه المحمود (۴۹۸ -۴۹۶ /۲).

ذبیح‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۸۶ ق)، خطاط. ظاهرا از کاتبان دربار ناصرالدین شاه بود. از آثار وی: قطعه‌ای به قلم سه دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم: «خانه‌زاد دولت قاهره، ذبیح‌اللّه ۱۲۸۶»؛

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۰۵/۱).

ذبیحی یزدی، اسماعیل

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۶۰ ق)، شاعر، متخلص به ذبیحی یا ذبیح. وی معاصر با صاحب «تذکره‌ی نصرآبادی» بود و دانشمندی بزرگ که علاوه بر علوم متداول در بعضی از علوم غریبه مهارت داشت. ملا اسماعیل با شاه سلطان حسین صفوی معاصر بود و در جلوس او مثنوی‌یی سرود که هر مصراع آن ماده تاریخ بود، به همین سبب نزد شاه تقرب یافت. در یزد درگذشت و در صفه‌ی قبلی میدان شاه قدیم جنب عباسیه دفن شد. از آثار وی: مثنوی «نرگسدان»، مثنوی «هدیه الاحباب»؛ «ده بند مرثیه» به سبک محتشم کاشانی؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۵۵ -۱۲۵۲ /۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۰۰ -۲۹۹)، الذریعه (۳۳۸/۹)، ریحانه (۲۵۷ -۲۵۶ /۲)، فرهنگ سخنوران (لغت نامه (ذیل/ ذبیح)، منظومه‌های فارسی (۲۶۹ -۲۶۷).

ذره‌ی اصفهانی، عبدالله

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۳۷ ق)، مجتهد امامیه و شاعر، متخلص به ذره. در ابتدا توجهی به علم نداشت ولی در اندک مدتی علاقه‌مند گردید. شروع به فراگیری آن کرد. در محاصره‌ی اصفهان توسط افغانها به خرم‌آباد مهاجرت کرد و در آنجا درگذشت. این رباعی از اوست:

آرایشی به هر خس و خاک از بهار ماند

نخل حیات ماست که بی‌برگ و بار ماند

چون شاخ خشک دستم از آغوش گل جداست

داغی بدل ز لاله رخی یادگار ماند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۳۸/۹)، ریحانه (۲۵۷/۲)، صبح گلشن (۱۶۶)، فرهنگ سخنوران (۳۵۲).

ذره‌ی تفرشی، عبدالغنی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۷۴ ق)، شاعر. از بزرگان تفرش بود و از شاگردان ملک‌الشعراء. سفری به آذربایجان کرد و سپس به تفرش بازگشت. ذره قصیده و غزل را نیکو می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۳۵۳)، مصطبه‌ی خراب (۶۶)، نگارستان دارا (۱۹۳).

ذره‌ی شیرازی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۹۰ ق)، شاعر، متخلص به ذره. از مردم شیراز و شغلش قنادی بود، بعد ترک آن شغل کرد و به شاعری و مداحی پرداخت. فرصت‌الدوله در «آثار عجم» نوشته آقا بزرگ با اینکه دارای سواد فارسی نبود، شعر را بی‌غلط می‌سرود. از آثار وی: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۶۷ -۵۶۶)، حدیقه الشعراء (۶۳۹ -۶۳۷ /۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۵۴ -۵۵۱ /۲)، الذریعه (۳۳۹/۹)، ریحانه (۲۵۷/۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۲۰/۲)، فرهنگ سخنوران (۳۵۳)، مرآت الفصاحه (۲۲۱ -۲۲۰).

ذره‌ی کشفی اصطهباناتی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۸۰ ق)، شاعر، متخلص به ذره. از روحانیون روشنفکر و باذوق بود که شعر هم می‌سرود. از اوست:

رنگ می نیست که بر لعل لب شیرین است

خورده خون دل فرهاد و لبش رنگین است

گل و سنبل به بهار است، ولیکن ما را

روز و شب از رخ و زلفت همه فروردین است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۴۰ -۲۳۸ /۴).

ذره‌ی گرگابی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۲ -۱۲۹۶ ق)، شاعر. در قریه‌ی گرگاب از بلوک برخوار اصفهان متولد شد. در مولد خویش و شهر اصفهان مدت زمانی به کسب علوم و فضایل پرداخت. وی در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد دفن شد. از اوست:

نقاش هنر در رخ زیبایی تو ماتست

حیران که چسان نقطه موهوم کشد تنگ

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۰۱ -۲۰۰).

ذکایی آشتیانی، هدایت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۹ مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تحقیق در عملیات، دانشکده: مهندسی عمران، دانشگاه: صنعتی شریف

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته ریاضی از دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۵۲، کارشناسی ارشد و دکترا در رشته تحقیق در عملیات از دانشگاه T.I.M آمریکا.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۶۶.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

حمل و نقل کالاهای کشور، حمل و نقل درون شهری اصفهان، حمل و نقل درون شهری شیراز، افزایش ظرفیت تاسیسات و ذخیره‌سازی گندم، مطالعات جامع حمل و نقل مشهد، استاد راهنمای ۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تحقیق در عملیات و حمل و نقل.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

تحقیق در عملیات، حمل و نقل، طراحی شبکه‌های برق و برنامه‌ریزی آب.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ذکایی بیضایی، نعمت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۵ ،۱۲۸۲ ش)، شاعر، متخلص به ذکایی. فرزند میرزا محمدرضا متخلص به ابن‌روح و برادر ادیب بیضایی است. در آران از توابع کاشان زاده شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش و تهران گذرانید. در خلال خدمت در اداره‌ی ثبت اسناد و املاک کشور، در رشته حقوق موق به اخذ درجه‌ی لیسانس شد و تا سال ۱۳۴۲ ش در اداره ثبت خدمت کرد. وی که شاعری خوش ذوق و نکته‌سنج و شعرشناس بود، در سال ۱۳۲۲ ش انجمن ادبی تهران را تاسیس کرد و این انجمن تا سال ۱۳۵۷ ش هفته‌ای یک بار در منزلش تشکیل می‌شد. از آثار او: «تذکره‌ی خوان نعمت»؛ «نقد الشعراء»؛ «طلیعه‌ی آثار انجمن ادبی تهران»؛ «ید بیضاء»؛ «علم بدیع»؛ «حقوق بین‌الملل»؛ «عروض و قافیه»؛ «قصص الشعراء»، که دو کتاب اخیر هنوز به طبع نرسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۱۴۰۶ -۱۴۰۲ /۲)، فرهنگ سخنوران (۳۵۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۷ -۶۲۶ /۶).

ذکری کاشانی، تقی‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۲۴/۱۰۲۲ -۹۴۶ ق)، تذکره‌نویس و شاعر، متخلص به ذکری و معروف به میر تذکره. در کاشان متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت. وی پیش محتشم کاشانی شاگردی کرد و به تتبع دیوانها و جمع‌آوری شرح حال شاعران پیش از خود و معاصر خویش پرداخت و مشروح‌ترین تذکره‌ی شاعران فارسی، «خلاصه الاشعار و زبده‌الافکار» را فراهم آورد. از دیگر آثار وی: «مجمع القصاید»، مشتمل بر قصیده‌هایی که مولف از متقدمان برای تذکره‌ی خود برگزیده در پنج مجلد؛ تدوین «دیوان» محتشم؛ «ماثر الخضریه»، در شرح حال و آثار خضرای نهاوندی، حاکم کاشان و روزگار شاعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران (۱۷۱۵ -۱۷۱۳ /۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۵۶۳ -۵۲۴ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۷۹)، دایره المعارف فارسی (۹۰۷/۱)، الذریعه (۳۳۹، ۱۷۴ /۹، ۲۱۲/۷، ۳۱، ۳۰ /۴)، فرهنگ سخنوران (۱۹۰)، مکتب وقوع (۵۱۸ -۴۹۴).

ذلیل آذربایجانی، محمدجعفر

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. از شاعران آذربایجان بود که کتب زیادی تصنیف کرد. یکی از آنها موسوم به «مخزن المصائب» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۱۵۲)، الذریعه (۳۳۹/۹).

ذوالرمه

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالحارس یا ابوالحارث غیلان یا عبیدالله بن عقبه، از مشاهیر شعرای عرب، مردی ادیب و فصیح، لکن زشت صورت و قبیح منظر بوده، در سال ۱۱۷ در اصفهان وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ذوالریاستین، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالحسین ذوالریاستین از علماء سامرا و مدیر و سرپرست مدرسه میرزاء و سرپرست حوزه سامره بودند و مورد فشار و ایذاء دولت بعث و بالاخره در سال ۱۳۹۱ ق اخراج به ایران و اکنون در تهران اقامت دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ذوالفقار شیروانی، قوام‌الدین حسین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۸۹/۶۷۹/۶۲۹ ق)، شاعر، متخلص به ذوالفقار. در اوایل عمر در آذربایجان می‌زیست. از شاعران نامی قرن هفتم هجری است که به غلط او را معاصر خاقانی و فلکی و جمال‌الدین اصفهانی از شاعران قرن ششم به شمار آورده‌اند. ظهور وی در شاعری همزمان با سلطنت سلطان محمد بن تکش بوده و سپس جزو مداحان اتابک یوسف شاه، اتابک لرستان، شد. وی معاصر قراختائیان کرمان نیز بود. در تبریز درگذشت و در مقبره الشعراء دفن شد. شهرت وی بیشتر در شعر مصنوع است و به حدی در این شیوه شهرت یافته که غالبا او را مخترع و مبدع مصنوع مخصوصا شعری که دارای صنعت توشیح است دانسته‌اند و در صنایع شعری او را بر قوامی گنجه‌ای و رشید وطواط و نظامی عروضی و روحانی سمرقندی و اهلی شیرازی مقدم دانسته‌اند. سید قصیده‌ی مصنوعی به نام «مفاتیح الکلام فی مدایح الکرام» داشته که موجب شهرت او گشته؛ علاوه بر این قصیده «دیوان» او در دست است و ابیاتش بالغ بر نه هزار بیت می‌شود.[۱]

شروانی، سید قوام‌الدین حسین بن صدرالدین علی، شاعر معاصر خوارزمشاهیان و هم عصر خاقانی شروانی و فلکی شروانی و جمال‌الدین اصفهانی (ف. ۶۷۹ ه.ق.). وی مدحی یوسف شاه لر می‌کرد و در قواعد صنایع و بدایع شعری استاد و مخترع بود. و اهلی و سلمان از او پیروی کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۱۹۸/۱۹۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۲۳ -۵۱۸ /۳)، تذکره الشعراء (۱۵۱ -۱۴۶)، دایرةالمعارف فارسی (۱۰۴۰/۱)، الذریعه (۸۹۱ ،۳۴۰ -۳۳۹ /۹)، ریحانه (۲۶۸ -۲۶۷ /۲)، کوی سرخاب (۳۷۲ -۳۶۳)، لغت نامه (ذیل/ ذوالفقار شیروانی)، مؤلفین کتب چاپی (۸۰۹/۲)، مجمع الفصحا (۶۵۰ -۶۴۹ /۲)، هفت اقلیم (۲۹۴ -۲۹۲ /۳).

ذوالفقار، محمدرضا

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. وی مثنوی‌یی در تاریخ محمدشاه دارد به نام «شرفنامه‌ی محمدشاه» که درباره‌ی ناصرالدین محمدشاه گورکانی و چند تن از نیاکانش از اعظم شاه- به بعد- سروده است که نسخه‌ای از آن در کتابخانه‌ی موزه‌ی بریتانیا موجود است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۵۸۳/۵)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۱۲۸۸/۲).

ذوالفقاری، شهاب الدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شهاب الدین ذوفقاری

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب شهاب الدین ذوالفقاری در سال ۱۳۴۰ شمسی در اصفهان تولد یافته و از دوران کودکی ضمن قرار گرفتن تحت تربیت دینی والدین گرامی ام (حفظهما الله تعالی) با ورود به مدرسه و طی نمودن دوران دبستان و راهنمائی از جانب آنان جهت ورود به حوزه علمیه بسیار تشویق می‌شدم. با مشورت با علمای اعلام قرار شد پس از اخذ دیپلم متوسطه وارد حوزه گردم تا سرعت بیشتری در فراگیری علوم دینی داشته باشم. دوران دبیرستان را در فاصله سالهای ۵۴ تا ۵۸ در رشته ریاضی فیزیک در یکی از بهترین دبیرستانهای اصفهان به نام دبیرستان حکیم سنائی سپری نمودم در حالیکه از فعالان انجمن اسلامی مدرسه در آن سالها بودم. مطالعه کتب دینی را از سال دوم راهنمائی آغاز نمودم و به زودی با وضعیت اسلام و مسلمانان در سراسر جهان آشنا شدم . همچنین با پدیده استعمار و نقش آن در عقب ماندن مدل جهان از همان سنین آشنا بودم. با پایان گرفتن دوره دبیرستان در اولین کنکور سراسری پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۸۵ شرکت نموده و با رتبه خوب در رشته مهندسی برق دانشگاه صنعتی اصفهان پذیرفته شدم. حلاوت تحقیقات قرآنی را با نوشتن مقاله ای در دوره دبیرستان تحت عنوان حب در قرآن چشیدم ضمن آنکه در آن دوران مطالعات گسترده ای در زمینه مکتب مارکسیسم داشتم. با ورود به د انشگاه دروس مقدمات حوزه را به طور پراکنده آغاز نمودم و با شروع انقلاب فرهنگی از سال ۵۹ رسما وارد حوزه علمیه اصفهان شدم . دروس مقدمات را نزد مرحوم حجت الاسلام فخرالدین کلباسی و آقایان حجج اسلام رحیمی و باقری و حکیم الهی و داوری و کلاهدوزان طی نمودم. اینجانب به طور آزاد و تحت نظارت مرحوم آیت الله شیخ حسن صافی اصفهانی (قدس سره) درس می‌خواندم. فقه و اصول سطوح را نزد حجج اسلام سید محمد فقیه ، حکیم الهی ، سید رضا کلاهدوزان و ... و منطق و کلام و فلسفه را نزد مرحوم حجت الا سلام شیخ باقر صدیقین (ره) و حجج اسلام شیخ حسین عشاقی و سید رضا کلاهدوزان و حجت الاسلام محزون و تفسیر قرآن را نزد مرحوم آیت الله سید محمد باقر ابطحی (ره) تلمذ می‌کردم. با بازگشائی دانشگاه ها (پس از انقلاب فرهنگی) در سال ۶۱ به طور همزمان در همان رشته مهندسی برق شاخه مخابرات ادامه تحصیل داده و در سال ۶۶ از دانشگاه فارغ التحصیل شدم و در همان سال با پایان گرفتن دروس سطوح در درس خارج فقه واصول مرحوم آیت الله سید محمد صادقی (ره) به مدت دو سال و آنگاه در درس خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله شیخ حسن صافی اصفهانی به مدت چهار سال شرکت نموده تقریرات دروس این دو بزرگوار را به زبان عربی نوشته ام. اینجانب از سال ۵۹ تدریس رادر آموزش و پرورش نواحی یک و دو اصفهان در سطح راهنمائی و دبیرستان با تدریس دروس دینی و عربی آغاز نمودم از سال ۶۸ تا ۷۰ در صنایع دفاع هسا برای کادر رسمی دروس عقیدتی سیاسی تدریس می‌نمودم. مدت دو سال ۷۱ تا ۷۳ در نیروی مقاومت بسیج ناحیه اصفهان برای فرماندهان این نیرو دروس عقیدتی (کد ۲۴۱) را تدریس می‌کردم و از سال ۷۰ تا کنون (۸۶) در موسسه آموزش عالی دارالقرآن الکریم اصفهان که اکنون دانشکده معارف قرآن اصفهان نامیده می‌شود مشغول به تدریس انواع دروس کلام و تفسیر و علوم قرآن و تعلیم و تربیت بوده ام. در طول سالهای گذشته از سال

۷۲ تا کنون درحوزه علمیه اصـفهان، دارالحکمه حضرت باقرالعلوم (ع)، دفتر تبلیغات اسلامی و مرکز تخصصی حوزه علمیه اصفهان شرح لمعه و اصول الفقه و رسائل و بدایـهٔ الحکمه و نهایـهٔ الحکمه و بدایـهٔ المعـارف و کلام جدیـد و شـرح نهـج البلاغه و تفسـیر تدریس می‌نموده ام. در دانشـکده معارف قرآنی اصفهان بیش از ۱۲ سال مـدیر گروه های کلام و تفسیر و فقه بوده ام که به حمد الله در این دانشکده تا کنون هزاران مربی قرآن و احکام و عقاید تربیت شده اند. از سال ۷۳ تا ۷۶ در رشته کارشناسی ارشد ، فلسفه و کلام اسـلامی در دانشـکده الهیات دانشـگاه تهران تحصـیل و پایان نامه خود را تحت راهنمائی جناب حجت الا سـلام آقای دکتر احمـد بهشتی به نـام" عقـل در کتـاب و سنّت "بـا نمره عـالی دفاع نمودم و اکنون دانشـجوی دوره دکترای کلام در تربیت مـدرس دانشگاه قم هستم. اینجانب از سال ۸۴ به عضویت رسـمی هیئت علمی وزارت علوم پذیرفته شده و در حال حاضر معاون تحصیلات تکمیلی دانشکده معارف قرآن اصفهان می‌باشم .

ذوالفقاری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی برق، دانشکده: مهندسی برق، دانشگاه: علم و صنعت ایران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ذوالفنون عراقی، حبیب‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۷ -۱۲۸۱/۱۲۷۸ ق)، منجم و شاعر. در سلطان‌آباد اراک متولد شد. مدت بیست سال به تصـحیل علوم مختلف پرداخت، بدون آنکه اسـتاد معینی داشـته باشـد. سـپس به نجـف رفت و مت ده سـال به فراگیری زبـان عربی و علـوم دینی به خصوص تفسـیر قرآن پرداخت. پس از مراجعت، مدتی را در شـهرهای بوشـهر و شیراز گذراند. بعد مقیم تهران شد. مدتی در دارالمعلمین مرکزی مثلثات کروی تـدریس می‌کرد و همچنین در مـدرسه‌ی عـالی سـپهسالار. وی به عربی نیز شـعر می‌گفت. از آثـار او «حرکت قمر» و «تقویم استخراجی ذوالفنون» است که تا چندین سال در سالنامه‌ی پارس چاپ و منتشر می‌شد.[۱]

(ع. صاحب فنها) حبیب‌اللّه سلطان‌آبادی عراقی (و. ۱۲۷۸ ه.ق.- ف. ۱۳۶۷ ه.ق./ ۱۳۲۶ ه.ش.). منجم فاضل و مستخرج تقویم بود و در ادبیـات و ریاضـیات و تفسـیر نیز دسـت داشـت. مـدتی در دارالمعلمیـن مرکزی مثلثـات کروی و نیز در مـدرسه عـالی سـپهسالار تدریس می‌کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۶۸ -۲۶۷ /۳)، سرآمدان فرهنگ (۳۶۸ -۳۶۷ /۱).

ذوالقدر اصلی، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا ذوالقدر اصلی سال ۱۳۳۳ در شـهر فسا بدنیا آمد. وی دارای دکترای رشـته الکترونیک گرایش پردازش سیگنال و تصویر از دانشگاه پلی تنیک فرانسه در سال ۱۳۶۴ است و هم اکنون عضو هیئت علمی رسـمی در بخش برق دانشگا شیراز با مرتبه دانشیاری است.

گروه : فنی و مهندسی

رشته : مهندسی الکترونیک

گرایش : پردازش سیگنال و تصویر (مخابرات)

تحصیلات رسمی و حرفه ای : دیپلم ریاضی خرداد ۱۳۵۲ با رتبه اول، فارغ التحصیل ممتاز کارشناسی مهندسی برق و الکترونیک از دانشـگاه شیراز ۱۳۵۷ ، کارشناسـی ارشـد الکترونیـک از دانشگاه پلی تکنیکگرونبـل فرانسـه ۱۹۸۰، کارشناسـی ارشـد در پردازش سیگنال و داده از دانشگاه پلی تکنیک گرونبل فرانسه ۱۹۸۱، دکترای در زمینه پردازش سـیگنال و تصویر مخابرات از دانشگاه پلی تکنیک فرانسه آوریل ۱۹۸۵

مشاغـل و سـمتهای مـورد تصـدی : رئیش بخش برق و الکترونیـک دانشـگاه شـیراز در سالهـای ۷۶-۱۳۷۵، رئیس بخش مهندسـی الکترونیک و کاردانی کامپیوتر در دانشگاه آزاد فسا ۷۵-۱۳۷۰، عضو ارشد انجمن مهندسین برق و الکترونیک ایران و عضو هیئت موسـس و هیئت مـدیره انجمن شاخه فارس از ۱۳۷۵ تـا کنون، مشـاور عالی علمی و فی یثت مـدیره کارخانجات مخابراتی ایران در سالهای ۷۹ و ۱۳۷۸، عضو کمیته مطالعـات و تحقیقات شـرکت توزی برق فارس از سال ۱۳۸۱ تـا کنون، عضو هیئت علمی سازمان پژوهشـهای علمی و صنعتی ایران مرکز فارس ۸۲-۱۳۷۲ف عضو عیئت علمی شورای مرکزی رشـد فناوری اطلاعات و پارک علم و

فناوری استان فارس از سال ۱۳۸۲ تا کنون، مشاور عالی علمی- آموزشی ریاست دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا از سال ۱۳۸۲ تا کنون، عضو کمیته پژوهش و تحقیقات مخابرات استان فارس از خرداد ۱۳۸۵، عضو کمیته پزوهش و تحقیقات مرکز آموزش فنی و حرفه ای استان فارس از بهمن ۸۴، عضو هیئت تحریریه و مسئول مقالات ICT مجله علمی انگلیسیزبان IJIST از خرداد ۱۳۸۵، عضو کمیته پژوهش مخابرات استان کهکیلویه از آذر ماه ۱۳۸۵، از مسئولیت های دکتر ذوالقدر اصلی میباشد.

فعالیتهای آموزشی : محقق و استادیار قراردادی در بخش فیزیک دانشگاه شامبری فرانسه از ۸۷-۱۹۸۵، تدریس و تحقیق در دانشگاه علوم گرونبل فرانسه (انستیتوی فنی) بعنوان دانشیار قراردادی ۸۹-۱۹۸۸، تدریس یک درس کارشناسی ارشد در بخش فیزیک دانشگاه شامبری فرانسه ۸۹-۱۹۸۸ و نیز از مرداد۱۳۶۹ عضو هیئت علمی رسمی دانشگاه شیراز دانشکده فنی و مهندسی و تدریس دروس مخابراتی در مقاطع مختلف و مشاوره و راهنمای پایاننامه های دوره های مختلف تحصیلی از فعالیت های آموزشی علیرضا ذوالقدر اصلی است.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : علیرضا ذوالقدر اصلی بنیانگذار و رئیس بخش مهندسی الکترونیک و کاردانی کامپیوتر در دانشگاه آزاد فسا در سال ۷۵-۱۳۷۰،مسئول راه اندازی بخش های برق و الکترونیک و کامپیوتر موسسه آموزش عالی غیر انتفاعی پاسارگاد در شیراز و نیز عضو هیئت موسس مجتمع آموزش عالی علمی - کاربردی در رشته های مخابرات و الکترونیک وابسته به کرخانجات مخابراتی ایران - شیراز مهرماه ۱۳۸۵ بوده است.

جوائز و نشانها : تقدیر نامه از وزیر آموزش و پرورش وقت در سال ۱۳۴۹ بخاطر نوشتن کتاب در مورد تاریخ ایران و احراز رتبه اول در سطح استان فارس در دوره دبیرستان ، پژوهشگر نمونه انتخابی رشته برق و الکترونیک دانشگاه شیراز در سال ۱۳۸۴، ۱۳۸۲، دانشجوی ممتاز سالهای ۵۴، ۵۵، ۱۳۵۶ و اخذ تقدیر نامه از نخست وزیر وقت ، اخذ بورس ادامه تحصیل تا پایان دکترا از دولت فرانسه

چگونگی عرضه آثار : علیرضا ذوالقدر اصلی مولف بیش از ۶۱ مقاله علمی و تحقیقاتی به زبانهای انگلیسی وفارسی در زمینه مخابرات، موبایل، پردازش تصویر برق و الکترونیک در مجلات علمی داخل و خارج و کنفرانسهاس بین المللی برق و کامپیوتر و چاپ چلد جلد کتاب است.

آثار :

۱ انتقال EHV

ویژگی اثر : (null)ترجه جلد K(جلد ۲۸) از مجموعه ۳۲ جلدی Modern Power Station Practice-3rd Editionانتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۰-علیضا ذئالقدر اصلی، سید محمد شهرتاش، فریدون وارث

۲ سیستم و تجهیزات الکتریکی

ویژگی اثر : ترجمه جلد ۱۰ از مجموع ۳۲ جلدی Modern Power Station Practice-3rd Editionانتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۰-علیضا ذئالقدر اصلی، احد کاظمی، محسن کلانتر

۳ ویراستاری و تصحیح علمی کتاب االکترومغناطیس

ویژگی اثر : از انتشارات دانشگاه دانشگاه شیراز ۱۳۷۶

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

ذوالقدر شجاعی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۹ -۱۲۸۴ ش)، مدرس و نویسنده. در تهران متولد شد دوره‌ی ابتدایی را در مدرسه‌ی تمدن دوره‌ی متوسطه را در مدرسه‌ی سلطانی به پایان رساند. در سال ۱۳۰۵ ش وارد وزارت فرهنگ شد و مدت سه سال در آبادان بود. بعد از آن به سمت آموزگاری در مدارس ایرانیان در بصره و کاظمین و کربلا و نجف مشغول به تدریس شد. در سال ۱۳۱۱ ش وارد وزارت دارایی شد و بعدها در سمت ممیز مستقل حسابهای اداره‌ی پیشکاری دارای تهران اشتغال یافت. از آثار وی: «راهنمای زایرین عتبات عالیات»؛ «سفرنامه و راهنمای حاج».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۷۳۹ -۷۳۸ /۲).

ذوالقدر، حبیب‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۸۹، استهبان.

درگذشت: ۵ دی ۱۳۶۷، تهران.

حبیب‌اله ذوالقدر متخلص به «تابناک» پس از گذراندن دوران ابتدایی و متوسطه به معلمی در شیراز پرداخت و سال‌ها در اداره‌ی

فرهنگ خدمت کرد و همچنین مدتی معاون محمدرضا حقیقی در امور اوقاف بود.

ذوالقدر دارای شعر بود و بیشتر به «اخوانیات» و سرودن شعرهای وطنی و ملی علاقه‌مند بود. بعد از شهریور ۱۳۲۰ به روزنامه‌نگاری پرداخت. ابتدا سردبیری روزنامه‌ی «جهان نما» را به عهده داشت. در سال ۱۳۲۸ امتیاز روزنامه‌ی «شبیخون» را گرفت و مدتی آن را انتشار داد. مدتی نیز در کار انتشار روزنامه‌ی «هنگامه‌ی امروز» بود.با اینکه بارها دستگیر شد ولی به فعالیت خود در جریان ملی شدن صنعت نفت ادامه داد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از طرف فرمانداری نظامی مورد تعقیب بود و پس از مدتی دستگیر شد و به زندان افتاد. با آزاد شدن از زندان، به تهران آمد. بار دیگر در سال ۱۳۴۱ با عده‌ای از هم فکرانش دستگیر شد و به زندان افتاد.

حبیب‌الله ذوالقدر در جلسات شب‌های شیراز شرکت می‌کرد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ذوالقدر، قربانعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قربانعلی فرزند آقا لطفعلی ذوالقدر از فضلاء محترم و مدرسین گرامی زنجانی حوزه علمیه قم می‌باشند. ایشان در طلیعه فجر روز جمعه عید نوروز سال ۱۳۱۴ شمسی برابر شانزدهم ذی‌حجه ۱۳۵۳ قمری در قریه‌خان احمد حصاری (هشت فرسنگی زنجان) از مادری با ایمان و تقوی به دنیا آمده.

در سن شش سالگی به مکتب رفته و علوم اولیه آن زمان را خوانده و در سال ۱۳۳۲ شمسی در سن ۱۸ سالگی به زنجان آمده و پس از دو سال در آنجا در سن بیست سالگی در سال ۱۳۳۴ شمسی در عصر زعامت آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی قدس‌اللّٰه سره مهاجرت به قم نموده و به تکمیل سطوح عالیه پرداخته و کفایه الاصول را از محضر آیت‌اللّٰه سلطانی بروجردی استفاده کرده و پس از اتمام سطح به درس خارج آیت‌اللّٰه محقق داماد و پس از فوت ایشان به درس خارج فقه آیت‌اللّٰه حاج شیخ مرتضی حایری و اصول آیت‌اللّٰه حاج میرزا هاشم آملی شرکت نموده است.

و نیز مدت سه سال از خارج فقه آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی مدظله بهره‌مند گردیده و نیز از ابحاث فقه و اصول آیات عظام دیگر هم مستفیض شده و پس از خواندن علوم عقلی چون منظومه سبزواری مدت دو سال هم در درس اسفار علامه طباطبائی رضوان‌اللّٰه علیه شرکت نموده و هم در جلسات تدریس اسفار مرحوم شهید مطهری حاضر و استفاده کرده تا در عداد فضلاء زنجانی حوزه علمیه قم محسوب و از همان اوان تحصیلش به تدریس دروس خوانده‌اش مشغول بوده و مرتب به تدریس ادامه داده تا الان که به تدریس سطوح عالیه فقه و اصول اشتغال دارند و جلسات درسشان مورد توجه محصلین و فضلاء می‌باشد.

و ایشان در انقلاب اسلامی ملت مسلمان ایران شرکت داشته و قلما و لسانا بر علیه نظام رژیم منفور ستمشاهی تبلیغات نموده و متحمل مشاق و صدماتی نیز شده است جزاه اللّٰه خیر الجزاء.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

ذوالنور، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اقتصاد، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته اقتصاد از دانشگاه منچستر انگلستان، دکترا از دانشگاه پرینستون آمریکا.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پول و بانکداری، اقتصاد خرد، اقتصاد ریاضی، اقتصاد سنجی، برنامه‌ریزی اقتصادی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اقتصاد ریاضی، برنامه‌ریزی اقتصادی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

اقتصاد سنجی، اقتصاد ریاضی، برنامه‌ریزی اقتصادی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ذوالنون خیارجی قزوینی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، پزشک و شاعر. شیخ ذوالنون خیارجی از مردم خیارج از توابع قزوین بود. وی برادرزاده مولانا ادهم منشی و در طب از شاگردان مولانا علاءالدین احمد بود. ذوالنون پزشک حاذقی به شمار می‌رفت و در اقسام شعر نیز توانا بود. وی مدت ده سال از ملازمان سام میرزا صفوی بود. او در منازعات طوایف قزلباش و سرکوب شدن طایفه تکلو که به «آفت تکلو» تاریخ یافت، ناپدید شد و کسی خبری از او نیافت. نامبرده صاحب سه رساله است: «حفظ صحه»؛ «بحران»؛ «معما» که به نام سام میرزا است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۵۱)، الذریعه (۳۴۲/۹)، ریحانه (۲۷۲/۲)، فرهنگ سخنوران (۳۵۷)، لغت نامه (ذیل/ ذوالنون شاعر)، مینودر (۴۵۲ -۴۵۱ /۲).

ذوعلم فشارکی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد باقر. عالم عامل، و فاضل بزرگوار، از شاگردان آخوند محمد حسین فشارکی و داماد ایشان، و امام مسجد یزدآباد. از موثقین علمای اصفهانی، و محبوب القلوب عند الخواص و العوام بود.

تألیفاتی دارد، از ان جمله است: نور الآفاق، در شرح دعای مکارم الاخلاق که بسیار خوب و محققانه نوشته شده، و تاکنون چندین مرتبه به طبع رسیده است، در دو مجلد.

مشاراليه در ۷ ماه صفر سال ۱۳۷۳ در مسافرت در رامسر وفات یافته، جنازه به قم منتقل گردیده، در مقبره‌ی شیخان مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ذوقی اردستانی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۴۵ ق)، شاعر، متخلص به ذوقی و مشهور به علیشاه. اصلا از اهالی اردستان بود. در اصفهان اقامت گزید و گیوه‌دوزی را پیشه خود کرد، علی‌رغم آنکه تحصیلاتی نداشت، اما ذوق سرشاری داشت. بین او و حکیم شفاهی مهاجاتی بوده است. وی در اصفهان درگذشت. از آثار او، «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۴۲/۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۷۵)، الذریعه (۳۴۱/۹)، ریاض العارفین (۷۷)، ریحانه (۲۷۰ -۲۶۹ /۲)، فرهنگ سخنوران (۳۵۵)، لغت نامه (ذیل/ ذوقی).

ذوقی اصفهانی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۶ -۱۲۷۳ ق)، شاعر و خطاط. در اصفهان متولد شد. تحت سرپرستی عمویش علوم متداول را فراگرفت و در حسابداری و دفترداری و نگارش منشات تجاری مهارت پیدا کرد. وی در اکثر مجامع ادبی اصفهان و شیراز شرکت می‌جست، از جمله مصاحبان او در انجمنهای ادبی میرزا محمد سها و میرزا ابوالقاسم طرب و میرزا حسن آتش و ابوالفتح خان دهقان بودند. وی در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد نزدیک تکیه‌ی میرزا ابوالمعالی دفن شد. از آثار وی: «دیوان» اشعار، متشمل بر پنج هزار بیت که در اصفهان به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۴۱/۹)، سخنوران نامی معاصر (۱۴۱۰ -۱۴۰۷ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲۴۷ -۲۴۶ /۱).

ذوقی بسطامی، فتح‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۸۸/۱۲۷۴ ق)، خطاط، ریاضیدان، ادیب و شاعر، متخلص به ذوقی. اصلا از طایفه‌ی عرب بنی‌عامر و ساکن بسطام بود. در اوایل دوره‌ی محمد شاه قاجار، برای دیدار دایی خود، حبیب‌اللّٰه خان عرب، به فارس رفت و در شیراز به تکمیل تحصیلات پرداخت و صاحب دیوان رسائل شد. در ادبیات فارسی و عربی و ریاضیات سرآمد بود. میرزا طاهر، صاحب کتاب «گنج شایگان»، او را آگاه به علم ریاضی، هیئت و حکمت و تاریخ می‌داند. ذوقی تمام خطوط را خوش می‌نوشت. هنگامی که جعفر قلی خان شادلو به ایالت بجنورد و جوین و جاجرم و استرآباد مامور شد، حکیم فتح‌اللّٰه را به عنوان رییس دفتر رسائل خود به همراه برد. با هدایت صاحب «مجمع الفصحا» چه در شیراز، چه در تهران معاشرت داشت. هنگام تالیف «گنج شایگان» میرزا طاهر (۱۲۷۲ ق) در قید حیات بود و هنگام تالیف «مجمع الفصحا» سال ۱۲۸۸ ق، فوت کرده بود. ذوقی تنها یک دختر داشت که صاحب کمال بود و بسیاری از اشعار شاعران عرب را از بر داشت و با ادبیات عرب آشنا بود و شعر می‌گفت و سلطانی تخلص می‌کرد و خط نسخ را خوش می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۶۳ -۵۶۲ /۲)، تذکره‌ی طلعت (۸۲)، حدیقه الشعراء (۶۴۴ -۶۴۰ /۱)، الذریعه (۳۴۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۵۵)، گنج شایگان (۱۸۸ -۱۸۲)، لغت نامه (ذیل/ ذوقی بسطامی)، مجمع الفصحا (۳۰۳ -۲۹۹ /۴)، مصطبه‌ی خراب (۶۶ -۶۵).

ذوقی تنکابنی، ضیاءالدین محمدمهدی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر، متخلص به ذوقی. وی در نظم و نثر توانا بود و آثار چندی نیز خلق کرد. از آثارش: «بحر اللالی»، که کشکول ملمعی است و به چاپ رسیده؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۵/۳، ۳۴۱/۹)، فهرست کتابهای چاپی (۲۶۱/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۹۷ -۳۹۶ /۶).

ذوقی تونی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۵ ق)، شاعر. شاعری باذوق بود و شعر را در غایت روانی و شیوایی می‌سرود. این بیت از اوست:

همنشینم به خیال تو و آسوده دلم

کین وصالی، است که اندر پی او هجران نیست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۷۶)، الذریعه (۳۴۱/۹)، هفت اقلیم (۳۲۰/۲).

ذوقی جامی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. از شاعران جام بود که گاهی از سر تفنن شعر می‌سرود. این رباعی از اوست:

آیینه مهر روشن از یاد علی است

او را و ملک در آسمان نادعلی است

گر سلطنت دوکون خواهی ذوقی

در بندگی علی و اولاد علی است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۷۷)، هفت اقلیم (۱۸۸/۲).

ذوقی سمرقندی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. وی در روزگار قل احمدخان می‌زیست و ملک‌الشعرای دربار بود برای ممدوحش منظومه‌ای به نام «ناز و نیاز» بر وزن خسرو و شیرین سرود. دیگر اثر وی: «دیوان» شعر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۴۲ -۹/ ۳۴۱)، فرهنگ سخنوران (۳۵۶).

ذوقی شیرازی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر و خطاط. وی در دستگاه دیوانیان مشغول خدمت بود. طبعی موزون داشت و اشعاری از او به جای مانده است. از اوست:

بهر نثار یا نداریم غیر جان

آن هم محقر است و مزید خجالت است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۶۴۵ -۶۴۴ /۱)، فرهنگ سخنوران (۳۵۶)، مرآت الفصاحه (۲۲۲ -۲۲۱).

ذوقی کاشانی، محمد امین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۶۹ ق)، شاعر. اصلا از طایفه‌ی ترکمان و ساکن کاشان بود و از شاعران دوران شاه طهماسب صفوی. در کاشان کسب دانش کرد. در حکمت از شاگردان ملا میرزا جان شیرزای بود. مدتی در عراق و فارس و خراسان سیاحت کرد. اما پس از مدتی سیاحت منزوی شد و در لاهیجان درگذشت. اثر وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۵۸/۱)، تاریخ نظم و نثر (۷۰۹)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۷۶)، الذریعه (۳۴۲/۹)، ریحانه (۲۷۰/۲)، لغت نامه (ذیل/ ذوقی کاشانی)، هفت اقلیم (۱۱۹/۳).

ذوقی هروی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. دارای ذوق و شوق بسیار بود و سیر و سفر زیاد می‌کرد. در اواخر عمر به هند رفت و مداحی اکبر پادشاه بسیار کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کاروان هند (۴۲۱/۱).

ذوقی، آقابزرگ

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(اوایل س سیزدهم ق)، خطاط و شاعر. خط شکسته را بد نمی‌نوشت و گاهی شعر می‌گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۵۸ /۴).

ذوقی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۲ ش)، شاعر، متخلص به ذوقی. در همدان متولد شد. ذوقی با آنکه از خواندن و نوشتن بی‌بهره بود، اما قریحه‌ی سرشار و استعداد ذاتیش او را در سرودن شعر رهنمون بود. وی برای رونق بخشیدن و شکوفایی شعرش به انجمن ادبی همدان راه یافت و از این رهگذر توانست از محضر اساتید شعر و ادب بهره کافی برگیرد و به بهبود شعرش کمک نماید. بعد از جنگ جهانی دوم

خانه‌اش طعمه‌ی حریق شد و از آن پس زندگی به سختی و عسرت گذراند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۳۷۵/۲)، سخنوران نامی معاصر (۱۴۱۴ -۱۴۱۱ /۲).

ذوقی، محمد ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر. اثر وی «گلزار ذوقی» به شعر است که در تبریز در سال ۱۳۳۳ ش به چاپ رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۵۷/۱).

ذهنی تبریزی، علی‌اصغر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از شاعران تبریز بود. ذهنی مولف دیوانی در مراثی است به نام «حسینیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۹۸)، تحفه‌ی سامی (۳۱۸ -۳۱۷)، دانشمندان آذربایجان (۱۵۲ -۱۵۳)، الذریعه (۳۴۲/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۵۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴۶۲ -۴۶۱ /۴).

ذهنی کابلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر. وی از شاعران کابل بود که از علوم سررشته داشت در فن خط نیز توانا بود. این مطلع از اوست:

من که همچون زلف مشکینت پریشان مانده‌ام

گردنی کج کرده در روی تو حیران مانده‌ام

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۴۴)، الذریعه (۳۴۲/۹)، مجالس النفائس (۱۶۰).

ذهنی یزدی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، نقاش و شاعر. در «تحفه سامی» آمده که: «از جمله‌ی خوش طبعان یزد است و سر حلقه ارباب سوز و درد، ذهنی صافی و سلیقه‌ای وافی داشت چنان که از این مطلع می‌توانست دانست:

بعد از وفات هر قلم استخوان ما

سربسته نامه‌ای است ز درد نهان ما».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۷۹/۱)، تحفه‌ی سامی (۲۴۵)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۱۳۳)، جامع مفیدی (۴۶۴/۳)، الذریعه (۳۴۳/۹).

رابط اردبیلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. مشهور به شاه کاظم. از اردبیل بود، و به هند سفر کرد. طبعش خالی از لطف نبود. این بیت از اوست:

آنم که در سرم هوس تخت و تاج نیست

محتاجم و به هیچ کسم احتیاج نیست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۷۸)، تذکره‌ی نصر آبادی (۳۸۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۵۵)، الذریعه (۳۴۴/۹)، کاروان هند (۴۲۹/۱)، لغت نامه (ذیل/ رابط اردبیلی).

رابط اصفهانی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به رابط. وی نواده آقا ملک معروف بود و خود به پیشه صحافی در اصفهان اشتغال داشت، تتبع شعر قدما خصوصا شیخ نظامی بسیار می‌کرد. این بیت از اوست:

حسن تو به گلبرگ تر آمیخت جهان را

ابروی تو بر طاق مه آویخت کمان را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۲۳)، الذریعه (۳۴۴/۹)، صبح گلشن (۱۶۸).

رابط کردستانی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. اصل وی از قریه‌ی بست سنندج بود. رابط با شیخ زین‌العابدین نسبت خویشی داشت. از تاثیر صحبت او طبع شعری یافت و گاهی شعر می‌سرود. در عالم سیر و سلوک و حال قدمی زده بود. از اوست:

دلیران را پس از مردن دلیری بیشتر گردد

که چرم گرگ بعد از خود به پیل افکن سپر گردد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه امان‌اللّهی (۳۷۳ -۳۷۲).

رابعه

قرن:۱۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

از زنان زمان سلاطین سامانی بوده و طبعی موزون داشته این دو بیت از اوست:

دعوتم این است یا رب کایزدت عاشق کناد

بر بت سنگین دل نامهربان خویشتن

تا بدانی درد عشق و داغ مهر و غم خوری

چون به هجر اندر بپیچی پس بدانی قدر من

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

راجی اصفهانی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر. در اصفهان به دنیا آمد و تحصیلات خود را در این شهر به پایان رسانید، سپس به خدمت در فرهنگ مشغول شد. وی از اعضاء موثر انجمن تبلیغات اسلامی به شمار می‌رفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۰۴ -۲۰۳)، فرهنگ سخنوران (۳۶۰).

راجی تبریزی، ابوالحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۳ -۱۲۴۷ ق)، شاعر، متخلص به راجی. وی به دو زبان فارسی و ترکی شعر خوب می‌سرود. پسر وی عبدالمجید راجی، متخلص به ناجی بود. او در بازگشت از سفر حج در دریای قلزم غرق شد. «دیوان» راجی، شامل اشعار فارسی و ترکی در تبریز

چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۱۵۵)، الذریعه (۳۴۵/۹)، ریحانه (۲۸۳ –۲۸۲ /۲)، سخنوران آذربایجان (۳۶۵ –۳۶۳)، فرهنگ سخنوران (۲۱۹)، لغت نامه (ذیل/ راجی)، مؤلفین کتب چاپی (۱۵۱/۱)، مکارم الآثار (۱۳۰۸ –۱۳۰۷ /۴).

راجی سنندجی، عبداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به راجی. وی از نسل خواجه شاه ویس عنبی (سوزی) و فردی باهوش و منشی باشی و الی وقت بود که در انشاء و سرودن شعر توانایی داشت. در جنگ بین محمد پاشا بابان و خسرو خان والی اردلان کشته شد. وی «دیوان» شعری داشته که از بین رفته و تنها قطعاتی از آن در «جنگها» و «حدیقه‌ی امان‌اللّهی» باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۲۵۱ –۲۴۹ /۱)، حدیقه‌ی امان‌اللّهی (۳۷۲ –۳۷۰)، فرهنگ سخنوران (۳۶۰).

راجی کرمانی، بمانعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۴۰ ق)، شاعر. اصلش از زرتشتیان کرمان بود. در آغاز به شال بافی اشتغال داشت. در جوانی از صوری صدق اسلام اختیار کرد و به تحصیل علوم دینی مشغول شد. بعد از چندی از کرمان به یزد رفت و در تفت ساکن شد. مجددا به یزد رفت و سرودن «حمله حیدری» را آغاز کرد. سپس به کرمان رفت و «حمله» را در آنجا به اتمام رسانید. «حمله» کتابی است در کمال بلاغت در شرح غزوات حضرت محمد (ص) و حضرت امیر (ع) در بیش از بیست هزار بیت و آن را به نام ظهیرالدوله ابراهیم خان کرد و از وی لطفها دید. راجی در کرمان درگذشت. پس از وی میرزا مظهر کرمنی به تشویق صاحب «مجمع الفصحا» اشعار او را مرتب ساخت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شاعران کرمان (۲۵۳ –۲۴۹)، حدیقه الشعراء (۶۴۷ –۶۴۶ /۱)، حماسه‌سرایی در ایران (۳۸۱ –۳۸۰)، الذریعه (۳۴۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۶۰)، لغت نامه (ذیل/ راجی کرمانی)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱۵/۲)، مجمع الفصحا (۳۳۸ – ۳۳۳ /۴)، مصطبه‌ی خراب (۳۰).

راحت فسوی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۶۷ ق)، اشعر. در فسا متولد شد. پدرش قاضی آنجا بود. از شیراز به هوای تحصیل علم و مال به تهران آمد و در همین شهر وفات یافت. وی اشعار بسیاری سروده است. از اوست:

زلفین عنبرین به رخت سایبان شده

یا مه به زیر میغ مستر نهان شده

یاقوت خوانم ار لب لعل تو بس خطاست

یاقوت کی چو لعل تو گوهر فشان شده

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۶۵۰ –۶۴۹ /۱)، فرهنگ سخنوران (۳۶۰).

راد، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد راد ملقب بصیر دیوان ، فرزند حاج میرزا مصطفی بود . او تحصیلات خود را در مدرسه علمیه در باغ نگارستان سپس در مدرسه آلیانس فرانسه طی نمود . به هنگام تحصیل در این مدرسه و تکمیل تحصیلات به شغل معلمی نیز پرداخت و در مدارس ملی به کار تدریس مشغول شد ، پس از مدتی به خدمات وزارت معارف درآمد . در ضمن ماموریت به رشت بود که تصمیم گرفت به جنگل کسما برود . در آنجا به سراغ میرزا کوچک خان جنگلی رفت .میرزا او را مامور دریافت گمرک انزلی کرد . پس از آن

مجددا به معلمی پرداخت .و به عنوان معاون و سپس رییس فرهنگ شهرستان ها ، بازرس عالی وزارتی ، رییس آموزش ابتداییرا به عهده گرفت . از سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۵۸ که به علت ناتوانی جسمی از مشاغل رسمی کناره گیری کرد مستوفی مدرسه شهید مطهری (سپهسالار سابق)فعالیت نمود . احمد راد مقاله های بسیاری از فرانسه ترجمه کرده است که بیشتر آنها در مجله «یغما » به چاپ رسیده است . از او بیش از سی اثر به یادگار مانده است . وی در ۱۳ مرداد ۱۳۶۳ در تهران دار فانی را وداع گفت و به دیار باقی شتافت .گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات فرانسهوالدین و انساب : احمد راد ملقب به بصیر دیوان ،فرزند حاج میرزا مصطفی بود .اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : احمد راد چهارده ساله بود که پدرش درگذشت وسرپرستی خواهر و برادر و مادررا به عهده او گرفت .تحصیلات رسمی و حرفه ای : احمد راد تحصیلات خود رادر مدرسه علمیه در باغ نگارستان سپس در مدرسه آلیانس فرانسه طی نمود.وقایع میانسالی : احمد راد در ضمن ماموریت رشت بود که تصمیم گرفت به جنگل کسما برود .در آنجا به سراغ میزار کوچک خان جنگلی رفت و میرزا او را مامور دریافت گمرگ انزلی کرد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد راد مدتی تصدی وزارت معارف را به عهده داشت و در این مدت به وی واگذار شد . پس از مدتی به خدمت وزارت معارف درآمد و ماموریتهایی را به شهرهای رشت ،شیراز و مشهد عهده دار شد. درزمان تصدی گمرک انزلی نیزبدون چشم داشت به درآمد گمرك وظایف خود را انجام داد . او همچنین مدتی به عنوان معاون و سپس رییس فرهنگ شهرستانها ،بازرس عالی وزارتی ،رییس آموزش ابتدایی خدمت نمود . از سال ۱۳۱۷ تا سال ۱۳۵۸ که علت ناتوانی خود کناره گیری کرد مستوفی مدرسه شهید مطهری (سپهسالار سابق) فعالیت نمود .فعالیتهای آموزشی : احمد راد به هنگام تحصیل در مدرسه آلیانس فرانسه وتکمیل تحصیلات به شغل معلمی درمدارس ملی هم پرداخت و این شغل را پس از اتمام تحصیلات ادامه داد .چگونگی عرضه آثار : احمد راد مقاله های بسیاری را از فرانسه ترجمه کرده است که بیشتر آنها در مجله (یغما) به چاپ رسیده است .آثار : آگهی دل از آینده ، آیا رمز وراثت کشف شده است ، آیا عمر آدمی به ۱۵۰ سال خواهد رسید ، از اتم چه می دانیم ، از حیوانات هواشناسی بیاموزیم ، از سنجاب تقلید نکنید ، از هر خرمنی خوشه ای ، انسان برتر از انسانها، پیدایش حیات بر روی زمین ، پیروزی بزرگی در زیست شناسی، پیروزیهای تازه در کشف اسرار مغز ، ترقی معجزه آسای ژاپن ، تعیین ارزش اصول اخلاقی هرنسل ، تولد عیسی ، جهانی که در آن زندگی می کنیم ، چرا با بینی نفس می کشید ، چرا جان کلن به خدا ایمان آورد ، حدود قوه ادراک آدمی ، خطرات فرود آمدن بر روی ماه ، خواب دیدن از نظر علمی ، درسی که آموختیم ، دستورهایی برای صد سال عمر کردن ، زخم چگونه التیام می پذیرد ، زندگی شگفت انگیز موریانه ،ساعت چنداست، صد سال عمرکنیدبا نشاط جوانی ،کشف زبان حیوانات ، گردباد حیرت انگیز جهان ، ممکن است شما جوانتر از آن باشید، نسخه ای برای گوارا کردن زندگی ، نیوتن ، یک ماشین الکترونیک درمغز بشر

منابع زندگینامه : گلزار مشاهیر ، زندگی نامه درگذشتگان مشاهیر ایران ۱۳۵۸ - ۱۳۷۶ ، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، ص ۳۵۳

راد، منوچهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: مهندسی مکانیک، دانشگاه: صنعتی شریف

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

رادفر یزدی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، پزشک و شاعر، متخلص به رادفر. وی در یزد به دنیا آمد. از اوست:

تو جفا می‌کنی و مهر تمنا داری

این روش درخور اندیشه‌ی نیکوی تو نیست

نقد جان را به بها داده‌ام ای دوست ولی

یک گرم سنگ محبت به ترازوی تو نیست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۵۳۸ -۵۳۷)، فرهنگ سخنوران (۳۶۱ -۳۶۰).

راز شیرازی ذهبی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۶ -۱۲۰۲ ق)، فقیه، عارف و شاعر، متخلص به راز. مشهور به میرزا بابا. وی در شیراز متولد شد و به اقتضای حال خانوادگی و محیط زندگی به تصحیل علوم زمان خود همت گماشت و در امور مذهبی به درجه‌ی اجتهاد رسید. او از مریدان پدر خود، که

قطب سلسله‌ی ذهبیه بود، شد و پس از مرگ او، به ارشاد آن سلسله پرداخت و تولیت آستانه‌ی شاهچراغ شیراز بدو محول گردید. وی به قصد زیارت مشهدالرضا به مشهد رفت و در مراجعت سه سال در تهران مانـد از جانب ناصرالدین‌شاه لقب مجدالاشراقی یافت. در سال ۱۲۸۶ ق، به هنگام مراجعت از تهران در مورچه خورت اصفهان وفات یفات. پیکرش را به مشهد منتقل کردند و در ایوان طلا به خاک سپردند. وی دارای تالیفات و تصانیف بسیار است از آن جمله: «آیات الولایه»؛ «اسرار التوحید و النبوه و الولایه و المعاد»؛ «اسرار الولایه»؛ «انوار الشموس المطالعه»، در عقاید ذهبیه؛ «اقطاب سلسله‌ی ذهبیه»؛ «براهین الامامه»؛ «تنبیه المرید»؛ «تباشیر الحکمه» و «مجموعه‌ی اشعار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۱۶/۲)، حدیقه الشعراء (۶۵۲ -۶۵۰ /۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۶۵ -۵۵۹ /۲)، الذریعه (۳۴۶/۹، ۴۹/۱)، ریاض العارفین (۲۵۹ -۲۵۸)، ریحانه (۲۸۴ -۲۸۳ /۲)، طرائق الحقائق (۴۵۶/۳)، فارس نامه‌ی ناصری (۹۴۸ -۹۴۶ /۲)، فرهنگ سخنوران (۳۶۱)، لغت نامه (ذیل/ راز شیرازی)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۰ -۲۴۷ /۱)، مرآت الفصاحه (۲۲۶ -۲۲۳).

رازانی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی عمران، دانشکده: مهندسی، دانشگاه: شیراز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

رازانی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدحسین رازانی بروجردی از فضلاء و دانشمندان معاصر تهران می‌باشند. وی در سال ۱۳۲۲ ق در بروجرد چشم بجهان گشوده و تحصیلات مقدماتی را در بروجرد بانجام رسانیده و برای تکمیل و خاتمه‌ی تحصیل در ابتداء تاسیس حوزه علمیه قم در زمان مرحوم آیت‌اللّه حایری به آن دیار مهاجرت نموده در سلک شاگردان آن مرحوم قرار گرفتند. پس از فوت آن مرحوم به بروجرد مراجعت نموده اشتغال بتحصیل و مباحثات علمی داشتند.

این مرد علمی مجددا در زمان مرحوم آیت‌اللّه بروجردی به قم معاودت کرده و در ضمن اشتغال بتدریس به پاره‌ای از اصلاحات و انتظامات حوزه علمیه حسب‌الامر مرحوم آیت‌اللّه بروجردی توفیق یافت.

چند سال قبل مشارالیه مسافرتی به آمریکا کرده و در ضمن تحقیق و بررسی اوضاع مسلمانان و انجام پاره‌ای مراسم دینی و مذهبی حضرات مراجع قم مخصوصا حضرت آیت‌اللّه العظمی آقای گلپایگانی را بگرفتاری مسلمانان آن منطقه و احتیاج مبرم آنها به رهبران مذهبی متذکر نمود که خوشبختانه از طرف معظم له در این قسمت اقداماتی شده و میشود.

حجهٔ‌الاسلام رازانی پس از مراجعت از آمریکا در طهران ساکن و به اشتغالات علمی و تدریس سطوح عالیه در پاره‌ای از مدارس می‌پردازند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

رازی اصفهانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. در زمان شاه طهماسب به وزرات اصفهان رسیده است. از اوست:

نه آن بد مهر را با خویش همدم می‌توانم کرد
نه از دل آرزوی دیدنش کم می‌توانم کرد
نمی‌خواهم که مردم بشنوند آوازه‌ی حسنش
وگرنه آنچه مجنون کرد من هم می‌توانم کرد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۴۶/۹)، صبح گلشن (۱۶۹)، لغت نامه (ذیل/ رازی اصفهانی).

رازی اصفهانی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۱ ق)، عـالم و فقیه. معروف به حـاج شیخ محمـدباقر نجفی مسـجد شـاهی. پـدرش صاحب «هـدایه المسترشـدین» و پـدر مادرش، شـیخ جعفر کاشف الغطاء است. در زمان وفات پدرش خردسال بود اما به کوشش مادرش به درجات عالی رسید. وی پس از بهره‌گیری از محضـر شاگردان برگزیده‌ی پدرش و ازدواج با دختر خاله‌اش که از نوادگان سید صدرالدین موسوی عاملی بود، به نجف رفت و در آنجا در سلک شاگردان شـیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، و شـیخ مرتضـی انصاری و دائی خویش، شیخ حسن کـاشف الغطـاء، درآمـد تـا خود عـالمی جلیـل گشت. آنگـاه به وطن خویش بازگشت و به ترویـج دین و تالیف و تصـنیف و دادرسـی مظلومین پرداخت. در اواخر عمر ریـاست شـرعیات اصـفهان به او اختصاص یافت. در پایان عمر مجـددا به نجف رفت. در آنجا بیمار شـد و از دنیا رفت و در مقبره‌ی جـدش، کاشف الغطاء دفن شـد. فرزند وی آقا نجفی اصـفهانی است. از آثار وی: شـرح رساله «حجیت مظنه» پدرش؛ «لب الاصول»؛ «لب الفقه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۱۶۰)، روضات الجنات (۱۲۳/۲)، ریحانه (۴۰۴/۳)، المآثر و الآثار (۱۴۲)، هدیه الاحباب (۱۸۵).

رازی اصفهانی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۸ ق)، عـالم امـامی، فقیـه اصـولی و مجتهـد. اصـلا تهرانی و ایـوان کیفی بـود. به همراه پـدر به عراق مهـاجرت کرد و در کـاظمین از محسن اعرجی کسب علم کرد و به کربلا-رفت و از محقق بهبهـانی اسـتفاده برد. در نجف نزد سـید مهـدی بحرالعلوم و سید علی طباطبائی صاحب «ریاض»، و سـید محسن کاظمینی و پدر زن خود، شیخ جعفر کاشف الغطاء، تلمذ کرد. از کاشف الغطاء اجازه روایت و فتوا داشت. در فتنه وهابیه به ایران بازگشت و در اصـفهان سـکنی گزیـد و مجلس درس برقرار کرد و حدود سیصـد عـالم و فاضـل بر او اجتماع کردنـد که از جمله‌ی آنها، سـید محمـدباقر خوانساری، صاحب «روضات الجنات» بود. وی در اصـفهان درگذشت و حاج سـید محمدباقر حجهٔالاسلام بر او نماز گزارد و در تحت فولاد نزدیک قبر محقق خوانساری دفن شد. از آثار وی: «حاشـیه المعالم» به نام «هـدایه المسترشـدین»، در شـرح اصول «معالمالـدین»؛ شـرح «طهاره الوافی» یا «تقریرات» اسـتادش بحرالعلوم؛ «الفقه استدلالی»؛ «حجیه المظنه»؛ «شرح الاسماء الحسنی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۸۷/۶)، اعیان الشیعه (۱۹۸/۹)، ایضاح المکنون (۷۲۳/۲)، تذکره القبور (۲۱۵ -۲۱۲)، الذریعه (۱۹۵/۲۵ ، ۲۸۴ -۲۸۳ /۱۶ ،۱۶۵/۱۴ ،۳۶۶/۱۳ ،۲۰۵/۶)، روضات الجنات (۱۲۳ -۱۱۹ /۲)، ریحانه (۴۰۴ -۴۰۳ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۷ -۲۱۵ /۱۳)، فواید الرضویه (۴۳۵ -۴۳۴)، لغت نامه (ذیل/ محمدتقی)، معجم المؤلفین (۱۳۱ -۱۳۰ /۹)، هدیه الاحباب (۱۸۵)، هدیه العارفین (۳۶۴/۲).

رازی اصفهانی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۶۱ ق)، فقیه، اصولی و عـالم امـامی. اصـلا تهرانی بود که در ایوان کیف متولـد شـد و همـان جا برآمـد. وی مشـهور به صـاحب «الفصـول فی علـم الاـصول»، و برادر شـیخ محمـدتقی رازی اصـفهانی، صـاحب «هـدایه المسترشـدین» اسـت. از برادرش و همچنین شـیخ علی بن جعفر، کسب علم کرد. کتـاب وی در اصول فقه، حـاکی از نقطه نظرات تحقیقی و فکر عمیق او می‌باشـد. در کربلا اقامت گزید و به تدریس فقه و اصول مشـغول شد و جماعتی از علما در محضرش تلمذ کردند. از شاگردان وی می‌توان حاج میرزا علینقی و میرزا زین‌العابـدین طباطبـایی را نـام برد. او آشـکارا و شدیـدا از عقایـد فرقه‌ی شـیخیه اظهـار تبری می‌کرد. در کربلا درگذشت و در صحن صغیر در بقعه‌ی سید مهدی طباطبائی دفن شد. سال وفات وی را ۱۲۵۴ ق نیز نوشته‌اند. از آثار وی: «الفصول الغرویـه فی الاـصول الفقهیـه»، معروف بـه «فصـول»، در اصـول فقه؛ رسـاله‌ای در طهـارت و نمـاز و روزه‌داری؛ «رسـاله‌ی عملیه»، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۷/۶)، ایضاح المکنون (۳۱۹/۲)، تذکره القبور (۲۱۴)، الذریعه (۲۴۲ -۲۴۱ /۱۶)، روضات الجنات (۱۲۳ -۱۲۲ /۲)، ریحانه (۳۸۰/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۹۱ -۳۹۰ /۱۳)، فوائد الرضویه (۵۹۱)، لغت نامه (ذیل/ محمدحسین)، معجم المؤلفین (۲۵۶ ،۲۴۲/۹/۱۶/۴)، مکارم الآثار (۱۴۸۵ -۱۴۸۴ /۵)، هدیه الاحباب (۱۷۷)، هدیه العارفین (۳۷۱/۲).

رازی بغدادی، عمر

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۲۸ ق)، عـالم شـافعی. وی نویسـنده‌ای فاضـل و شافعی مـذهب بود. از آثار: «مسامره النـدمان و موانسه الاخوان فی الاخبار و

الاشعار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۴۷۳/۲)، ری باستان (۳۳۸/۲)، معجم المؤلفین (۳۱۲/۷)، هدیه العارفین (۷۸۹/۱).

رازی تهرانی، عزالدین یوسف

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۷۳ ق)، فقیه حنفی. وی از طبقه‌ی فقها بود. از آثارش کتاب «شرح کنز الدقائق فی فروع الفقه الحنفی»، که به سال ۷۷۳ ق در قاهره تالیف آن را به پایان رسانید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ری باستان (۴۰۶/۲)، کشف الظنون (۱۵۱۶)، معجم المؤلفین (۳۳۵ -۳۳۴ /۱۲)، هدیه العارفین (۵۵۸/۲).

رازی رومی، عبداللطیف

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۴۶ ق)، عالم، محدث و قاضی حنفی. وی مدتی منصب قضاوت را در شهر استانبول بر عهده داشت. از آثارش: «الدر المکنون فی فلک المشحون»، در حکایات ترکی و نوادر که آن را به نام وزیر ابراهیم پاشا مقتول تالیف کرد؛ «اصل الخبر من کلام سید البشر»، در حدیث.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۴۴۸، ۹۱ /۱)، معجم المؤلفین (۱۲/۶)، هدیه العارفین (۶۱۸/۱).

رازی سبزواری

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر. گویا از سبزوار بوده است و شاعر عاشق‌پیشه و خوش طبع که در شیراز از محنت این سرای پنج آسوده. از اوست:

ز آتش عشق نه تنها جگرم می‌سوزد

بس که بگریسته‌ام چشم ترم می‌سوزد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه‌ی سامی (۲۹۹)، تذکره‌ی روز روشن (۲۸۱)، الذریعه (۳۴۶/۹).

رازی شیرازی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۳۸ ق)، شاعر. نخست در شوشتر می‌زیست و سپس به شیراز رفت و در آنجا چون توهینی به او کردند به آذربایجان رفت و مدتی هم در عراق به سر برد و سرانجام به قولی در اصفهان و به قول دیگر در شیراز وفات یافت. وی از شاعران سده‌ی دهم بوده و در سرودن غزل مهارت داشته است. از جمله آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۶۷)، تحفه سامی (۲۳۴ -۲۳۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۶۵/۲)، الذریعه (۳۴۶/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۶۱)، لغت نامه (ذیل/ رازی شوشتری)، مرآت الفصاحه (۲۲۷ -۲۲۶)، هفت اقلیم (۲۶۳ -۲۶۲ /۱).

رازی کردری، احمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۴۲ ق)، فقیه حنفی. ملقب به شمس الائمه. از آثارش: «کتاب فی مشکلات مختصر القدوری»، در فروع فقه حنفی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۱۷۹۰، ۱۶۳۲)، معجم المؤلفین (۱۸۰/۲).

رازی، ابوالحسن علی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۴۰۰ ق)، فقیه شافعی. او را پیشگام شافعیان خوانده‌انـد. وی از ابن ابی‌حاتم و از احمـد کاغـدی و احمد بن خاله حزوری و ابن‌سـماک روایت کرده است. خلیلی که از شاگردان بنام وی به شـمار می‌آید، درباره‌ی اسـتادش گفته: او عالمی بزرگ بود که از هر رشته‌ی علمی حظی وافر داشت و در حدود یک قرن در فقه امام بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۶۲ -۶۱ /۱۷).

رازی، ابوالحسن محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۳۸ ق)، فقیه، شـافعی، حافـظ، محـدث و قاضـی. معروف به ابن‌حیکـویه. پـدرش، حیکـویه، محـدثی مورد اعتمـاد بود که از شاگردان یحیی بن عبدک به شـمار می‌آمد. قاضـی ابوالحسن رازی از سـهل بن سعد و علی بن ابی‌طاهر و ابوشعیب حرانی و محمد بن یبحی مروزی و ابوخلیفه و ابویعلی فقه و حـدیث آموخت. او تـا پایـان عمر ملازم ابن‌سـریج بود. چهار سال در قزوین و همچنین مدتی در همدان عهده‌دار امور قضاوت بود. به گفته‌ی ذهبی او سنی متعصبی بود. وی دارای تصانیفی در اصول و فروع فقه است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۳۷۹/۱۵)، معجم المؤلفین (۱۰۲/۱۲).

رازی، ابوالفتح سلیم

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۴۷ ق)، فقیه، اصولی، مفسـر، ادیب شـافعی و محـدث. وی در آغـاز فنون ادب را به کمال آموخت و پس از چهل سالگی به تـدریس پرداخت. او در فقه شاگرد ابوحامـد اسـفراینی بود و از احمد بن محمد بن بصـیر و احمد بن فارس لغوی و محمد بن جعفر تمیمی و ابی‌حامد اسـفراینی و احمد بن محمد بن صـلت مجبر و ابواحمد فرضی روایت می‌کرد. وی به بغداد رفت و به فقه پرداخت و به نشـر علم در سواحل شام و صور همت گماشت. ابوبکر خطبی و ابومحمد کتانی و سهل بن بشر اسفراینی و فقیه نصر بن ابراهیم مقدسـی و ابوالقاسم نسیب از وی روایت کردند. گویند: وقتی که در بغداد بود نامه‌هایی را که برایش می‌آمد باز نمی‌کرد و همه را جمع می‌کرد، تا موقعی که از تحصـیل علم فراغ حاصل کرد، سپس همه‌ی نامه‌ها را گشود و خوانـد و به اخبار دردناک منـدرج در آنها- که اگر قبلا خوانده بود از کار علم باز می‌ماند همانند مرگ کسان و خویشان- وقوف یافت. سـلیم در سـفر مکه پس از انجام اعمـال حـج در ساحـل جـده در دریای قلزم غرق شـد. از آثارش: «التقریب» در فروع؛ «روح المسائل»، در فروع؛ «ضـیاء القلوب»، در تفسیر قرآن؛ «غریب الحدیث»؛ «الکافی»، در فروع؛ «المجرد»، در فروع؛ «الاشاره»، در فروع.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۱۶۳۰، ۱۵۹۳، ۱۳۷۸، ۱۲۰۵، ۱۰۹۱، ۹۱۵، ۴۶۶، ۹۸)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۱۲۸ -۱۲۷)، معجم المؤلفین (۲۴۳/۴)، الوافی بالوفیات (۳۳۴/۱۵)، وفیات الاعیان (۳۹۹ -۳۹۷ /۲)، هدیه العارفین (۴۰۹/۱).

رازی، ابوالقاسم عبداللّه

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۸۷ ق)، محـدث و فقیه شـافعی. ملقب به دود. در ری از عبـدالرحمان بن ابی‌حـاتم رازی و در دمشـق از احمـد بن ابراهیم بن عبادل و محمـد بن یوسف هروی حـدیث شـنید. وی در مصر سـکنی گزید. عبدالکریم بن عبدالواحد حسن‌آبادی و عبدالوهاب بن محمد مصری و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ الاسلام (حوادث ۱۴۰/ ۴۰۰ -۳۸۱)، الوافی بالوفیات (۴۹۶/۱۷).

رازی، ابوالمفاخر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. از شعرای عهد سلجوقی است و به روزگار سلطان غیاث‌الدین محمد بن ملکشاه می‌زیست. وی دانشمندی کامل، شاعر و ادیبی فاضل بود. اشعار او بیشتر لغز است و در مناقب امام رضا (ع) چند قصیده‌ی مصنوع و متین سروده است. ابوالمفاخر معاصر خاقانی بود و با وی مراسلات داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۰۶ -۱۱۰۱ /۳)، تذکرةالشعراء (۸۸ -۸۶)، الذریعه (۸۶۷ ، ۵۰ /۹)، صبح گلشن (۱۳)، فرهنگ سخنوران (۳۵)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالمفاخر)،مجالس المومنین (۶۱۶ -۶۱۴ /۲)، مجمع الفصحا (۹۳۶ /۲)، هفت اقلیم (۳۴ -۳۳ /۳).

رازی، ابوثابت

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سوم ق)، صوفی و دانشمند. از مشاهیر علما و قُرّاء و فقرا بود. او معاصر با یوسف بن حسین متوفی به سال ۳۰۴ ق است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ری باستان (۲۷۳ /۲)، نفحات الانس (۱۰۰ ،۹۹).

رازی، ابوجعفر محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۱۵ ق)، فقیه و اصولی. وی شیخ حنفیان و مدرس ایشان در موصل بوده و به اربل نیز ترددی داشته است. در موصل درگذشت. از آثارش: «الفرائض» یا «فرائض الرازی»؛ «النوری فی مختصر القدوری»، کتابی در فروع فقه حنفی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۱۸۵/۲)، ری باستان (۳۴۵/۲)، کشف الظنون (۱۶۳۲ -۱۶۳۱)، معجم المؤلفین (۲۱۸/۸)، هدیه العارفین (۱۰۹/۲).

رازی، ابوسهل موسی

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۸۸ ق)، فقیه و محدث حنفی. وی از اصحاب محمد بن حسن شیبانی و از راویان جریر بن عبدالحمید رازی (م ۱۸۸ ق) است. او را از عقلای اهل ری از محدثان مورد اعتماد شمرده‌اند. ذهبی در «تاریخ الاسلام» و ابن‌حجر در «لسان المیزان» سال مرگ وی را پس از ۲۶۰ ق ذکر کرده‌اند. از آثارش: «کتاب الشفعه»؛ «کتاب المخارج»؛ «کتاب الخراج»؛ «مختصر»ی در فروع.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ری باستان (۳۹۵/۲)، کشف الظنون (۱۴۵۶ ، ۱۴۳۰)، لسان المیزان (۱۳۷/۷)، معجم المؤلفین (۴۹/۱۳)، هدیه العارفین (۴۷۷/۲).

رازی، ابویعلی معلی

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۱۱ ق)، حافظ، محدث و فقیه حنفی. وی در بغداد ساکن بود و در آنجا از مالک بن انس ولیث بن سعد و ابویوسف قاضی و دیگران حدیث روایت می‌کرد. علی بن مدینی و ابوبکر بن ابی‌شیبه و ابوخیثمه و احمد رمادی و عباس دوری و محمد جوهری و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند و از اصحاب ابویوسف قاضی و محمد بن حسن شیبانی، دو شاگرد ابوحنیفه، به شمار می‌رفت و از فقهای اصحاب رای شمرده می‌شد. چند بار از او خواستند که عهده‌دار امور قضاوت شود اما نپذیرفت. ابن‌حبان او را از محدثان مورد اعتماد می‌داند. او از کسانی بود که مجموعه‌هایی از شنیده‌هایی خود تصنیف کرد. از آثارش: «کتاب الصلاه»؛ «النوادر»؛ «الامالی»، در فقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۸۹/۸)، تاریخ بغداد (۱۸۸/۱۳)، ری باستان (۳۹۲/۲)، کشف الظنون (۱۴۳۳)، معجم المؤلفین (۳۰۹/۱۲)، هدیه العارفین (۴۶۶/۲).

رازی، جعفر

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۰۴ ق)، شاعر. برادر شاه قاسم نوربخش بود و طبع خوب داشت. در زمان ابوالغازی سلطان حسین میرزا به هرات رفت و مورد احترام آن پادشاه قرار گرفت و امرای آن دیار جهت مدد معاش مقرری برای وی در نظر گرفتند. اما وی قبول نکرد و به عربستان عزیمت کرد و در آو ولایت به مثوبات اخروی شتافت. سید جعفر در سرودن شعر توانا بوده و اشعاری چند از وی به جای مانده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :جامع سفیدی (۱۰۴/۳)، حبیب السیر (۶۱۱/۴)، الذریعه (۱۹۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۱۱)، مجالس النفائس (۹۶)، هفت اقلیم (۴۲/۳).

رازی، جمال‌الدین مرتضی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، عالم دینی. از آثارش کتاب «نزهه الکرام و بستان العوام» است که رضی‌الدین علی بن طاووس در «فرج المهموم» از وی نقل کرده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۲۴ -۱۲۳ /۲۴)، ری باستان (۳۵۲/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۳/۵)، معجم المؤلفین (۲۳۸/۹).

رازی، حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط و شاعر. اهل ری بود و خط نستعلیق را خوش می‌نوشت. او شعر نیز می‌سرود. از اوست:

به حال من نظری کن که عاشق زارم

غریب و خسته دل و ناتوان و بیمارم

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۵۳/۱)، تحفه سامی (۳۳۰)، الذریعه (۲۵۱/۹).

رازی، زین‌الدین، ابوعبدالله محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۶۶۶ ق)، فقیه، مفسر، لغوی، ادیب و صوفی حنفی. اصل وی از ری است. طی سفری از مصر و شام دیدار کرد و در پایان عمر، در سال ۶۶۶ ق، در قونیه بود. او در تفسیر قرآن مشهور است. صاحب «ریحانه الادب» و به تبع آن دهخدا در «لغت نامه» رازی را از علمای قرن هشتم و متوفای بعد از سال ۷۶۸ ق دانسته‌اند. از آثار وی: «انموذج جلیل فی اسئله و اجوبه من غرائب آی التنزیل»؛ «الذهب الابریز فی تفسیر الکتاب العزیز»؛ «روضه الفصاحه»، در علم بیان؛ «کنوز البراعه فی شرح المقامات الحریریه»؛ «مختار الصحاح»، در لغت که تلخیص «صحاح» جوهری است و در ۶۶۰ ق خاتمه یافته؛ «حدائق الحقائق»، در مواعظ؛ «دقائق الحقایق»، در تصوف.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۷۹/۶)، ایضاح المکنون (۳۸۹/۲، ۴۷۵/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۸۷ -۲۸۶ /۳)، ری باستان (۳۴۶/۲)، ریحانه (۴۰۵، ۲۸۸ /۲)، کشف الظنون (۱۰۷۳ -۱۰۷۲، ۶۳۳، ۹۲)، لغت نامه (ذیل/ رازی، زین‌الدین)، معجم المؤلفین (۱۱۲/۹)، هدیه العارفین (۱۲۷/۲).

رازی، سراج‌الدین عمر

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۱۷ -۶۴۵ ق)، فقیه حنفی. از آثار وی: «جزء فی منع الاستبدال».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ری باستان (۳۳۸/۲)، معجم المؤلفین (۳۱۹/۷).

رازی، صابر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از شاعران و خطیبان شهر ری است، که با سام میرزای صفوی (م ۹۷۴ ق) معاصر بوده و در سرودن غزل مهارت داشته است. این مطلع از اوست:

گهی که تیر تو را از دل رمیده کشم

بدین بهانه که پاکش کنم به دیده کشم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۰۸۷ / ۳)، تحفه‌ی سامی (۳۲۹ -۳۲۸)، تذکره‌ی روز روشن (۴۵۴)، الذریعه (۵۷۳ -۵۷۲ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۳۳)، لغت‌نامه (ذیل/ صابر).

رازی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۶ -۱۲۹۴ ق)، طبیب، ادیب و شاعر. در نجف متولد شد و در همان جا متولد شد و در همان جا نشو و نما یافت و به تحصیل پرداخت و در حله درگذشت. از آثارش: «تعالیق علی شرح ابن نفیس»، در طب؛ «ارجوزه فی النبض»؛ «حواش علی القانون»؛ و اشعار زیادی از او باقیست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :معجم المؤلفین (۸۹ -۸۸ /۵).

رازی، عمر

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۰۷ ق)، فقیه شافعی. از آثارش کتاب «جامع الفتاوی فی اقوال الائمه الاربعه» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ری باستان (۳۳۶/۲)، معجم المؤلفین (۲۷۳/۷).

رازی، قاسم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اهل ری بود. در زمان اکبرشاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به هند رفت و مدتی در خدمت میرزا قوام‌الدین جعفر آصف‌خان قزوینی به سر برد و سپس به زادگاهش بازگشت. صاحب «الذریعه» گوید: شاید قاسم رازی همان قاسم طهرانی فرزند خطیب تهرانی باشد. از اوست:

هیچ جا خاطر شوریده‌ام آرام نیافت

همه آفاق مگر بهر دل من قفس است؟

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۸۶۳ / ۹)، صبح گلشن (۳۲۸ -۳۲۷)، فرهنگ سخنوران (۷۳۱)، کاروان هند (۱۰۸۳ -۱۰۸۲ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ قاسم رازی)، هفت اقلیم (۵۴ -۵۳ / ۳).

رازی، مجدالدین اسماعیل

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۵۰ ق)، ففیه و قاضی. وی از فقهای عصر خویش بود که سمت قضاوت را نیز برعهده داشت. از آثار وی: «القرائن الرکنیه»، در فروع فقه شافعی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ری باستان (۲۸۸/۲)، کشف الظنون (۱۳۲۴)، معجم المؤلفین (۲۶۲/۲).

رازی، محمد شریف

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجت‌الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد شریف رازی، در سال ۱۳۰۰ش (۱۳۴۰ق) در خاندانی متدین در شهر ری به دنیا آمد. در سیزده سالگی پدر را از دست داد و پس از آن به کار و کسب و تحصیل علوم جدید و مقدمات علوم دینی پرداخت. وی در هفده سالگی با صلاحدید آیت‌اللّه شیخ محمدتقی بافقی که دوران تبعیدش را در شهر ری می‌گذارند، به قم رفت و به تکمیل سطوح عالی حوزه همت گماشت. حجت‌الاسلام شریف رازی پس از آن رهسپار حوزه علمیه نجف اشرف گردید و مدتی از درس سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ غلامحسین اردبیلی بهره برد. ایشان همچنین پس از چند ماهی که از دروس آیت‌اللّه میرزا مهدی اصفهانی در مشهد مقدس استفاده نمود، در قم رحل اقامت افکند و یکسره به درس فقه و اصول حضرات آیات: سید محمد حجت کوه کمره‌ای و سیدحسین بروجردی حاضر شد و مبانی علمی خویش را استوار ساخت. حجت‌الاسلام شریف رازی در سال ۱۳۳۳ش به شهر ری رفت و در مدت اقامت پنج ساله در آنجا، در تاسیس، مدیریت و تدریسِ مدرسه بُرهانیه نقش مهمی ایفا نمود. از آن پس به قم بازگشت و به تالیف و تحقیق و تبلیغ دین در داخل و خارج کشور اشتغال ورزید. وی از بسیاری از بزرگان شیعه اجازات امور حسبیه و روایتی دریافت داشت که از جمله آنها، اجازات روایی حضرات آیات: شیخ آقابزرگ تهرانی، شیخ علی‌اکبر نهاوندی و سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی بود. حجت‌الاسلام شریف رازی در ضبط تاریخ حوزه‌های علمیه و بزرگان شیعه اهتمامی خاص داشت و با تالیف و نگارش کتاب‌های آثارُالحُجّه یا دایرةالمعارف حوزه علمیه قم در ۲ جلد و نیز گنجینه دانشمندان درباره شرح حال زندگی علمای معاصر شیعه در ایران و عراق، در ۹ جلد، در احیا و بزرگداشت نام و یاد علمای شیعه قدمی بلند و گامی ارجمند برداشت. علاوه بر این از شریف رازی آثار با ارزش دیگری بر جای مانده که اختران فروزان ری و تهران، کرامات صالحین، چرا شیعه شدم، مشاهیر دانشمند اسلام، تعلیقه بر وسایل الشیعه در ۵ جلد و تعلیه بر بحارالانوار در ۶ جلد و... از آن جمله‌اند. معظمٌله سرانجام پس از عمری تحقیق و نگارش، در بیست و پنجم فروردین ۱۳۷۹ش برابر با هفتم محرم ۱۴۲۰ق در هفتاد و نه سالگی بدرود حیات گفت و در قبرستان شیخان قم مدفون گردید.

رازی، محمد قاسم

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، نویسنده و شاعر. از آثار وی: «طرب القلوب» یا «مختارنامه» در داستان مختار و کینه‌جویی از خاندان اموی، در یک مقدمه و دوازده مجلس.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶۰ -۱۵۹ /۱۵)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۴۷۱، ۴۳۷ /۱).

رازی، مهدی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از سادات و فضلای عصر خود بود. به سیر و سلوک پرداخت و دست از علایق دنیوی شسته و به تزکیه‌ی نفس و تصفیه باطن مشغول شد. او از «مثنوی» مولوی پیروی می‌کرد و به معانی آن توجه بسیار داشت. مدتی در شیراز به تحصیل پرداخت و بعد به اصفهان رفت. وی سفری به عتبات عالیات داشت و دوباره به اصفهان مراجعت کرد. نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) در تذکره‌اش آورده که سید مهدی اکثر اوقات به مسجد لنبان می‌رفته و در آنجا با وی مصاحبت داشته است. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

از کاروان هستی جز نیستی نشان نیست

با آنکه هر دو عالم بانگ درا گرفته

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۶۴ -۱۶۳)، الذریعه (۱۱۳۴/ ۹)، صبح گلشن (۴۷۸)، فرهنگ سخنوران (۸۸۸).

رازی، نوراللّه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از بزرگ‌زادگان ری بود که در زمان شاه طهماسب می‌زیست و متولی بقعه‌ی شاه عبدالعظیم بود و در سرودن غزل مهارت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۶۲)، تحفه سامی (۶۵)، ری باستان (۳۹۹/۲).

رازینی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام و قدوه الاعلام آقای میرزا حسن بن حاج رجبعلی رازینی همدانی از علماء اعلام و حجج اسلام حوزه علمیه قم می‌باشد در تاریخ ۱۳۱۶ قمری در قریه رازین همدان متولد شده و در خانواده اصیل و پدر سخاوتمندی تربیت یافته و مقدمات را در آن حدود خوانده و با شوقی فراوان برای ادامه تحصیل به همدان آمده و با فشار و سختی فراوان در همدان توقف نموده و مقدمات و ادبیات را خوانده و به اتفاق برادر خود آقاشیخ علی مهدوی به قم مهاجرت نموده و از محضر اساتید حوزه و بالاخص مرحوم آیت‌الله حایری بهره‌مند شده و در شدت و عسرت طاقت‌فرسائی در آن زمان به تحصیل پرداخته و در سال ۱۳۵۱ ق با مرحوم آیت‌الله حایری به عنوان تبلیغ و تدریس به همدان مراجعت نموده و در اطراف همدان به اقامه جماعت و ارشاد عوام اشتغال یافته تا در سال ۱۳۹۰ هجری که مهاجرت به قم نموده و رحل اقامت افکنده است دارای پنج فرزند ذکور به نامهای ذیل است که همه اهل فضل و کمال و در حوزه به تدریس و درس و بحث اشتغال دارند.

۱– میرزا محمد ۲– میرزا ابوالقاسم ۳– میرزا محمود ۴– میرزا اسماعیل ۵– میرزا علی رضای رازینی ادام‌الله توفیقاتهم و برکاتهم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

راستگو علی آبادی، نادر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نادر راستگو علی آبادی

محل تولد : جیرفت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱۰/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ به علت علاقه به دروس حوزوی وارد حوزه علمیه یزد شدم بعد از دو سال تحصیل آمدنم به قم المقدسه فراهم شده و تحصیلات خویش را در حوزه مقدسه قم ادامه دادم.همراه با دروس حوزوی در سال ۶۸ در رشته اقتصاد بازرگانی دانشگاه مازندران (بابلسر) قبول شدم، دو ترم خواندم که متأسفانه با بحران اقتصادی مواجه شده و ترک تحصیل کردم.تا اینکه بار دیگر در سال ۷۳ در رشته علوم سیاسی شرکت کرده و در دانشگاه باقرالعلوم(ع) قم قبول شدم. سال ۷۶ لیسانس گرفتم، (که متأسفانه به علت مشکلات اقتصادی توفیق ادامه تحصیلات دانشگاه را تاکنون پیدا نکردم) و در دفتر تحقیقاتی یاسین مشغول به کار شدم تا اینکه در سال ۱۳۷۸ برای تدریس در مدرسه عالی امام خمینی(ره) دعوت شدم و از همان سال تاکنون مشغول به تدریس شدم.همچنین همراه با مدرسه امام(ره) در مراکز حوزوی (تخصصی قضاء و تربیت راهنما و همچنین هوا ـ فضا تهران) مشغول به تدریس هستم.در ضمن در دروس: زبان انگلیسی، اندیشه‌های سیاسی امام(ره) انقلاب اسلامی، دانش سیاسی و اخلاق توفیق تدریس دارم. ناگفته نماند اولین سال ورودم به مدرسه الهادی رفتم و در این مدرسه واقع در خاکفرج به دروس حوزوی خویش ادامه دادم.

راستگو، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن راستگو

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد حسن راستگو در سال ۱۳۳۲ هجری شمسی در شهر مشهد به دنیا آمد ، او در سال دوم دبیرستان به حوزه علمیه مشهد وارد و سطح را در مشهد و تتمه سطح و دروس خارج حوزه را در قم گذراند او مبتکر برنامه ویژه تعلیم و تربیت کودکان ونوجوانان به صورت کلاس ، اردو ، دروس کلاسیک برای مربیان پرورشی ، مراکز تربیت معلم ،حوزه های علمیه و صدا وسیمای جمهوری اسلامی است (برنامه های بازی با کلمات ، راز دایره ها و عیره) تحقیقات او در زمینه های عقاید ، تعلیم و تربیت ، روانشناسی ، اخلاق ، احکام ، تاریخ ، قصص قرآن، قصص کودکان ونوجوانان ، مشاوره و راهنمایی ، تفسیر قرآن ، مسائل اجتماعی ، ادبیات عرب ، ادبیات فارسی، شعر و برنامه ریزی درسی است.

در زمینه شعر هم آثاری از ایشان می توان دید، ۲ جلد کوچک آی بچه ها آی بچه ها ، گرد آوری کتاب شعر و سرود (سردودهای اسلامی) با همکاری آقای سالاری از آن جمله می باشد. در زمینه قصه هم آثار متعددی را میتوان از ایشان یافت از آن جمله می توان : الیاس پیغمبر خدا ، مهاجرت به حبشه ، با شهامت می پرم و . . .را نام برد. از دیگر فعالیت های ایشان • :همکاری چند ساله با مجله کودک مسلمان در اواخر انقلاب و چاپ دهها شعر و قصه و غیره • مدیریت مرکز تربیت مربی که در این مرکز فعالیت های ذیل قابل توجه است • :تدریس ۲۵ دوره تربیت مربی مقدماتی کلاسداری ، امور اردو داری ، قصه گویی ، روش های برخورد با کودکان ونوجوانان ، مسابقات ، دروس عمومی مبانی تعلیم و تربیت ، مهارتهای تدریس برای طلاب حوزه علمیه قم و ۱۰ دوره در شعبه دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان و ۱۳ دوره در دفتر تبلیغات اسلامی مشهد ، که بیش از ۴۰۰۰ نفر از این اردوها فارغ التحصیل و دهها شاعر کودک ، نویسنده کودک ، برنامه ریز کودک ، طراح برنامه های تلوزیونی ، کارشناس و محقق تحویل جامعه اسلامی ایران داده شده است .

•کتابهای ره توسه راهیان نور در مقطع ابتدایی و راهنمایی کتاب های مختلف وجزوات گوناگون و صدها مقاله و شعر و قصه و تحلیل در نشریات کودک و نوجوان و غیرآنها ثمره این مدیریت بوده است.

•ارتباط با ۱۵۰ سایت کودکان و نوجوانان و بهره گیری از تجارب دیگران مرتبط با سایت های اسلامی دراینترنت • سفرهای تبلیغی و تحقیقی به عربستان سعودی ، ۱۷ سفر حج و عمره و عتبات ، سوریه ، لبنان ، ترکیه ، پاکستان ، قطر ، امارت متحده عربی ، مراکش ، اسپانیا ، عراق و ....

•همکاری بااکثر نهادهای انقلاب اسلامی و شرکت در برنامه ریزی بسیاری از تشکیلات فرهنگی و غیره • ... تدریس موارد زیر در دانشگاههای آزاد اسلامی قم ، دانشکده اصول دینی ، دانشکده ارشاد در قم:

•قصه گویی و نمایش خلاق • مشاوره و راهنمایی امور عمومی کودکان ونوجوانان • بررسی تحلیلی قصه های قرآن و تنزیه الانبیا

•نقش ریتم و سرود در تربیت

•نقش مسابقات در پیشبرد مسائل تربیتی • بررسی سیستم ها • سخنرانیها فراوان در نماز جمعه های کشور (قبل از خطبه ها)، دانشگاه ها، مراکز تربیت معلم، سمینارهای کشوری و غیره • جلسات فراوان پرسش و پاسخ تربیتی ، آموزشی ، اجتماعی و غیره را می توان نام برد

راستگوی شیرازی، منصور

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، عالم و فقیه امامی. در شیراز اقامت داشت. با غیاث‌الدین منصور بن امیر صدرالدین معاصر بود. وی همطبقه‌ی شهید ثانی (م ۹۶۶ ق) است. شیخ تاج‌الدین حسین بن شمس‌الدین صاعدی از شاگردان اوست. از آثار وی: حاشیه بر «شرح مختصر الاصول ابن‌حاجب» سید شریف جرجانی؛ شرح «تهذیب الاصول» علامه‌ی حلی به نام «الفصول» یا «الفوائد المنصوریه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۶۰، ۲۴۳/ ۱۶، ۱۲۹ -۱۲۸ /۶، ۵۱۴/۴)، ریحانه (۲۹۰/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۵۷/۱۰)، لغت نامه (ذیل/ راستگو).

راستی تبریزی، امیر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از سادات تبریز بود که در خراسان نشو و نما یافت. در سخن فصیح و بلیغ بود و معاصر شاه طهماسب. از اوست:

شوق تو ز تن برون نخواهد رفتن

تا جان ز بدن برون نخواهد رفتن

گفتی که برون کن از دلت مهر مرا

این از دل من برون نخواهد رفتن

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۵/۱)، تحفه‌ی سامی (۵۰)، الذریعه (۳۴۷/۹)، صبح گلشن (۱۶۹)، فرهنگ سخنوران (۳۶۲)، مجمع الخواص (۴۳).

راستی کردار، صمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک هسته‌ای، دانشکده: علوم، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فیزیک از دانشگاه شیراز، کارشناسی ارشد فیزیک از دانشگاه شیراز، دکترا در رشته فیزیک هسته‌ای از دانشگاه منچستر انگلستان، اخذ درجه chphys از مؤسسه فیزیک انگلستان و طی دوره پژوهش بعد از دکترا در آزمایشگاه تحقیقاتی زبری انگلستان.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فیزیک هسته‌ای، بررسی ساخت RMN در ایران، راه‌اندازی ویزوفلاکس نوترونی، بررسی ساختار. هسته ns۱۰۲، ساخت و طراحی ابزار هسته‌ای، بررسی ساختار هسته‌های با سطح مقطع تولید کم، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

فیزیک بهداشت، آزمایش‌های هسته‌ای.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۵

زمینه علمی مقالات:

کشف هسته‌های جدید برای اولین بار، کشف ترازهای جدید هسته‌ای برای اولین بار، ساختار رادیو ایزوتوپ‌های متعدد، ساخت و طراحی ابزار هسته‌ای.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

راستی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین راستی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۶/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔ الله حاج شیخ حسین راستی کاشانی در سال ۱۳۰۶ در شهرستان کاشان در محلّه سلطان امیر احمد (از فرزندان موسی بن جعفر (ع)) به دنیا آمد. مادرش، ربابه بود و پدر وی، علی نام داشت که از راه ابریشم بافی، روزگار می‌گذرانید و مدتی نیز کارمند دولت بود. زندگی آیهٔ الله راستی کاشانی در خانواده‌ای ساده، امّا متدیّن و دوستدار خاندان پیامبر (ص) آغاز شد؛ شیفتگی پدر او به روحانیّت به حدّی بود که اگر در کوچه خیابان، فرد معمّمی را از دور می‌دید، صلوات می‌فرستاد و در پیشگاهش ادای احترام می‌کرد. آیهٔ الله راستی کاشانی، تحصیلات ابتدایی را تا پایهٔ ششم در شهر کاشان به پایان رسانید. پس از آن، به دلیل نارضایتی پدر از وضعیت دبیرستانهای آن روزگار، به دبیرستان نرفت و در بعضی از تجارت خانه‌ها و مغازه‌ها به کار مشغول شد.

پس از مدتی به سراغ نقاشی طرحها و نقشه‌های قالی رفت و آن حرفه را نزد استادان معروف و مجرّب فرا گرفت؛ امّا به سبب شوق فراوان به کسب معارف اسلامی و علوم دینی، راهی حوزه علمیه کاشان شد. دروس دورهٔ ادبیات و بخشی از دروس سطح را نزد استادان مشهور آن دیار آموخت و سپس، عازم حوزه علمیه قم شد. در قم، نیز رسائل، مکاسب و کفایه را به پایان رساند و در کنار آن به تحصیل فلسفه، کلام و تفسیر مشغول بود. پس از آن، عازم نجف اشرف شد تا ضمن باریابی به درگاه مولای متقیان، علی

(ع) از محضـر اسـتادان آن دیـار نیز بهره ببرد که این سـفر بیش از بیست و پنـج سال به طول انجامیـد. علت مهاجرت ایشان به نجف اشـرف، علاقه فراوان ایشان به تفسـیر قرآن کریم واطلاع از جلسات درس تفسیر حضـرت آیت‌الله العظمی آقای خویی بود. آیـهٔ الله راستی کاشانی، در طی این سالها، به تدریس درسـهای آموخته نیز می‌پرداخت و شاگردان بسیاری را تربیت می‌نمود؛ امّا با شرفیابی حضـرت امام(ره) به شهر امیرمؤمنان علی (ع) ، آیهٔ الله راستی درس خود را که طلاب بسیاری در آن شرکت می‌جستند، تعطیل کرد و همراه با شاگردان، در درس امام خمینی(ره) شـرکت کرد. آیهٔ الله راستی کاشانی، در طول دوران تحصـیل خود از محضر استادان برجسته‌ای بهره‌مند بود.

وی در کاشـان، دروس دورهٔ ادبیـات و بخشـی از دروس دورهٔ سـطح را نزد اسـتادانی همچـون آیـهٔ الله العظمی سـید محمـد حسـین رضوی، آیهٔ الله میرزا حسـین فاضل نراقی، آیهٔ الله غروی کاشانی، آیهٔ الله شـیخ علی اکبر صـمدی و آیهٔ الله حاج شیخ جعفر صبوری قمی فرا گرفت. با ورود به قم، رسائل و مکاسب و کفایه را نزد آیـهٔ‌الله العظمی حاج شـیخ مرتضـی حائری یزدی، آیهٔ الله حاج شـیخ عبدالجواد اصـفهانی، آیهٔ‌الله العظمی حاج سـید شـهاب الدین مرعشی نجفی و حضرت آیهٔ الله العظمی حاج سید محمدباقر طباطبایی بروجردی (سـلطانی) آموخت و برای آموختن تفسیر، هیئت، فلسـفه نزد مرحوم علامه طباطبایی رفت.در دورهٔ تحصیل در نجف نیز، به درس خارج اصول و فقه و تفسیر آیهٔ الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خویی و آیهٔ الله العظمی میرزا باقر زنجانی رفت. همچنین در درس حضـرات آیات حاج سید محسن حکیم و حاج سید محمود شاهرودی، حاج سید عبدالهادی شیرازی، میرزا حسن یزدی، شیخ حسن حلّی، حاج میرزا حسن بجنوردی و حاج سـید حسـین حمّامی نیز به تناوب شرکت می‌جست. وی برای فراگیری علم حدیث و درایه و بخشی از حکمت و فلسفه به نزد آیهٔ الله العظمی حاج سید عبدالاعلی سبزواری رفت.

از دیگر اسـتادان او در فلسـفه و کلام، آیـهٔ الله حاج شـیخ صدرا می‌باشد. همچنین وی تفسـیر را نزد عالم ربانی، آیهٔ الله شـیخ محمد علی سـرابی و آیـهٔ‌الله العظمی آقای خویی آموخت در این مـدت ایشان از جلسات خصوصـی اخلاق حضـرت آیت‌الله العظمی حاج سیـد جمال گلپایگانی بهره برد. با حضور امام (ره) در حوزه علمیه نجف اشـرف، آیهٔ الله راستی به درس ایشان شـتافت و از محضـر وی بهره‌های بسـیار برد. آیهٔ الله راستی مدتی در جلسات فقهی شورای اسـتفتای آیهٔ الله خویی شرکت داشت. آیهٔ الله راستی کاشانی در دوران تحصـیل در قم با آیهٔ‌الله مرحوم حاج شـیخ علی حیدری، آیهٔ‌الله حاج سـید جلال فقیه ایمانی، آیهٔ الله حاج شیخ محمدرضا مهدوی کنی، انس فراوان داشت و در جلسات مباحثه درسـی آنان شـرکت می‌کرد. در نجف نیز با مرحوم آیهٔ الله حاج سید نصر الله مسـتنبط، آیـهٔ‌الله حاج سـید حسن قزوینی، آیـهٔ الله حاج سـید مرتضـی نجومی و آیهٔ الله حاج سـید محمد نوری جلسات مباحثه علمی برقرار می‌کرد که این جلسات سالیان متمادی ادامه داشت. از دیگر دوسـتان نزدیک وی، آیهٔ الله حاج سید اسدالله مدنی، مرحوم آیهٔ الله شـیخ محمـد فکوریزدی و مرحوم آیـهٔ‌الله حـاج سـید مرتضـی خلخالی است. آیـهٔ الله راستی کاشانی با مرحوم آیـهٔ الله حاج سـید عبدالکریم کشمیری، انس فراوانی داشته است.

آیـهٔ الله راستی کاشانی در طول عمر خود، تا کنون فعالیتهای علمی و فرهنگی بسـیاری را به انجام رسانده است که ذکر همهٔ آنها در این مختصـر نمی‌گنجد. وی حدود پنجاه سال است که به تدریس در حوزه‌های علمیه کاشان، نجف اشـرف و قم می‌پردازد و از این رهگذر، شاگردان بسـیاری را پرورش داده است که برخی از آنان خود، از استادان و فضلایی هستند که در حوزه‌های علمیه ایران و دیگر کشورها به خـدمت به جامعـهٔ تشیع می‌پردازنـد. برخی نیز در پسـتهای مهم و حساس نظام اسـلامی، خدمت می‌نمایند. آیهٔ الله راستی، در زمان حیات امام(ره) به نماینـدگی ایشان برای سامانـدهی امور حوزه و ایجاد تشـکیلات شورای مـدیریت حوزهٔ علمیه قم منصوب شد و مُجاز به تصـرف در امور شـرعیه شد. در این زمینه، وی خدمات شایانی را به سرانجام رسانده است که آثار و برکات آن تـا هـم اکنـون نیز بر جـای مانـده است. آیـهٔ الله راسـتی به پژوهش در زمینه‌هـای گونـاگون دینی، پرداخته که برخی از آنـان در نشـریات کشور به چاپ رسـیده است. وی همچنین تقریرات دروس برخی از اساتید خود را نگاشـته و حواشـی و دستنوشـته‌هایی در زمینه فقه و اصول دارد. اشتغال به درس و علوم دینی، آیهٔ الله راستی را از مبارزه بر ضد طاغوت بازنداشت.

وی از نخستین روزهـای نهضت، به جمع مبـارزان پیوست و همواره بـا اطـاعت از رهنمودهـای امـام خمینی (ره) به افشاگری ماهیت شوم خاندان پهلوی و تلاش برای استقرار نظامی اسلامی با بهره‌گیری از معارف اهل بیت (ع) می‌پرداخت. از جمله فعالیتهای سیاسی وی کـه پیش‌تر، ذکر آن آمـد، تعطیـل کردن درس خـود در نجـف و حضـور در درس امـام(ره) به منظور مطرح نمـودن و تقـویت نهضت امـام خمینی(ره) بـود. دیگر اینکه وی در سـال ۱۳۴۳، مسـأله تقلیـد از امام خمینی(ره) را به طور جـدی مطرح کرد. آیـهٔ الله راسـتی، بـا عضویت در جـامعه مدرسـین حوزه علمیه قم، جزء فعالاـن این مجموعه شـد و امضـای او در زیر بسـیاری از اعلامیه‌هـا و بیانیه‌هایی که بر ضد شاه منتشـر می‌شد، به چشم می‌خورد. از دیگر فعالیتهای وی در زمان رژیم شاه، سفر به آبادان، به نمایندگی از طرف امـام خمینی (ره)، برای حمـایت و پشتیبـانی از اعتصاب کارکنان صـنعت نفت بود. وی از کسانی بود که در مسـجد دانشـگاه تهران متحصن شـد. بـا پیروزی انقلاب اسـلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷، فعالیتهـای سیاسـی معظم له پایـان نیافت. و تاکنون به نیز ادامه دارد.

راسخ، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکـتر محمـد راسـخ ،دارای دکـتری حقـوق عمـومی و فلسـفه حقوق است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشـیار گروه حقوق عمومی و بین الملل, دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی : دکتری حقوق عمومی و فلسفه حقوق

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد راسخ عضو هیئت علمی و دانشیار گروه حقوق عمومی و بین الملل, دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی است.

فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریسی و اموزشی محمد راسخ در دانشگاه شهید بهشتی به قرار زیر است: – فلسفه حقوق – حقوق اساسی – حقوق مالی – نظام های انتخاباتب – حقوق اساسی تطبیقی – حقوق بشر – مکاتب کلامی و فلسفی در حقوق عمومی – فلسفه حق

آرا و گرایشهای خاص : زمینه های پژوهشی دکتر محمد راسخ به قرار زیر است: – مطالعه نظام قانونگذاری ایران – تاریخ تئوری حقوقی اسلامی – نظام نظارت و کنترل: مطالعه نظری و تطبیقی – حقوق بیوتکنولوژی و اخلاق زیستی – «علم» در «دادرسی» – منطق حقوق – مبانی قواعد فقه – اصول و فلسفه حقوق اساسی – نظریه مشروطه خواهی – مبانی و فلسفه حقوق عمومی – حقوق اساسی تطبیقی – حقوق تطبیقی بودجه و مالیات – حقوق تطبیقی منابع طبیعی

چگونگی عرضه آثار : مقاله ها: – تئوری حق و حقوق بشر بین الملل– مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی – جدال حیات: بررسی اجمالی نظریه های سقط جنین–مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی – بیوتکنولوژی و انسان – مجلس و پژوهش – مفهوم عدالت – مجلس و پژوهش (۲۰۰۳) Philosophy of the Iranian constifution ?The problem of Abortion: Juris prudential or philosophical (۲۰۰۵) --

آثار :

۱ بنیاد نظری اصلاح نظام قانونگذاری

ویژگی اثر : مرکز پژوهشهای مجلس

۲ تاریخ مختصر تئوری حقوقی در غرب

ویژگی اثر : طرح نو

۳ حق و مصلحت

ویژگی اثر : طرح نو

۴ قانون، آزادی و اخلاق

ویژگی اثر : طرح نو

راسم

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قرآن نیم ربعی نسخ کتابت خفی خوش با رقم: «راسم اغرگاپی لی ۱۴۴۰» در موزه‌ی اسلامی ترک.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

راشد محصل، جلیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۳۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی برق، دانشکده: مهندسی، دانشگاه: سیستان و بلوچستان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد در رشته مهندسی برق و الکترونیک از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۴، دکترا در رشته آنتن و نظریه الکترومغناطیس از دانشگاه میشیگان آمریکا در سال ۱۳۶۱.

مرتبه علمی:

عضویت در هیأت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان زاهدان از سال ۱۳۵۵ تاکنون، دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

میکرپرسسور، المانهای محدود، آنتن‌ها، آرایش آنتن‌ها، تحلیل کامپیوتری مدارها، توابع گرین، بررسی همگرایی روش‌های احتمالی معادله لاپلاس، شرکت در سمینارهای تخصصی داخلی و خارجی، استاد راهنمای یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

فن انتقال الکترونیکی (مخابرات)، مبانی مهندسی برق.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۱

زمینه علمی مقالات:

آنتن‌ها، نظریه الکترومغناطیس، روش‌های ماتریسی در مهندسی و تارهای نوری و رادار.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

راشد محصل، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: گیاه‌پزشکی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته علوم طبیعی از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد علوم گیاهی (تاکونومی) از دانشگاه نبراسکالینکلن آمریکا، دکترای زراعت با تخصص فیزیولوژی و کنترل علفهای هرز از دانشگاه نبراسکالینکلن آمریکا.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

گیاه‌شناسی، زراعت، کنترل و فیزیولوژی علفهای هرز، گیاهان داروئی، مطالعات فیتوشیمیائی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

گیاه‌شناسی، زراعت، کنترل علفهای هرز، فیزیولوژی علفهای هرز.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۹، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

زراعت، کنترل علفهای هرز، فیزیولوژی و مورفولوژی گیاه.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

راشد، کاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کاظم راشد

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۶/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت الله کاظم راشد ملقب به راشد یزدی در یزد در خانواده‌ای به دنیا آمد پدرش مرحوم حاج علی‌اکبر مردی متدین و اهل خیر بود که همواره فرزندانش را در مسائل معنوی کمک می‌کرد. آیت الله کاظم راشد یزدی پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در سال ۱۳۳۴ وارد حوزه علمیه یزد شد و به تحصیل علوم اهل بیت(ع) همت گماشت. آیت الله راشد یزدی در طول سالهای تحصیل خود، محضر استادان بسیار بزرگی را درک کرد. از محضر آقایان علاقه‌بند مدرسی مقدمات و سطح اول را بهره برد. سپس به قم هجرت کرد و در چند سالی که در قم دروس سطح را می‌خواند به درس آیت الله صدوقی، آیت الله مصباح و آیت الله مشکینی رفت و از محضر آنان بهره برد. با پایان یافتن دروس سطح به دروس خارج آیات عاملی و آیت الله انصاری محلاتی در شیراز رفت و از محضرت آنان کسب فیض کرد. نامبرده تا به امروز فعالیت‌های فرهنگی بسیاری به عالم اسلام تقدیم داشته است، به او تبلیغ اهتمام داشته و به نقاط مختلف دنیا مسافرت کرده و مردم آنجام را ارشاد نموده است.

راشدی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب ایرانی قرن پنجم ه.، ازمخصوصان دربار ابراهیم بن مسعود بن محمود (۴۹۲ –۴۵۰ ه.ق.)، و از معاصران مسعود سعد بود و با او مناظره ادبی داشت. ضح– راشدی را با رشیدی سمرقندی نباید اشتباه کرد.

(س پنجم ق)، شاعر. در غزنین می‌زیست و از شاعران دربار ابراهیم بن مسعود بن محمود و از معاصران مسعود سعد سلمان بود که با او مشاعره داشت و شغل نقابت سلطان را عهده‌دار بود.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۴۸۶ –۴۸۵/ ۲)، تاریخ نظم و نثر (۴۳)، دیوان مسعود سعد (مقدمه/ یط)، سرآمدان فرهنگ (۳۷۰/ ۱).

راشدی نیا، اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اکبر راشدی نیا

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

حقیر اکبر راشدی نیا تحصیلات حوزوی خود را در تبریز شروع نموده و در سال ۷۲ وارد حوزه علمیه قم شدم . در این میان بخشی از دروس سطح فقه و اصول و همچنین کتب حکمت و عرفان را در تبریز از محضر حضرت آیت الله سید ابوالحسن مولانا و آیت الله میرزا محسن کوچه باغی تلمذ نمودم و در قم از خدمت آقایان پایانی و اشتهاردی استفاده نمودم . از سال ۱۳۷۵در درس خارج حضرات آیات وحید خراسانی ، شیخ جواد تبریزی ، شبیری زنجانی و بهجت شرکت نمودم و علاوه بر دروس فقه و اصول در درس های معارف و تفسیرو حکمت حضرات آیات جوادی آملی ، حسن زاده آملی و انصاری شیرازی شرکت نمودم . تابه به حال برخی از کتب اصول، حکمت و عرفان همچون اصول فقه مظفر، بدایهٔ الحمهٔ، المظاهر الالهیهٔ ، تمهید القواعد، شرح فصوص الحکم را تدریس نموده ام . حقیر از سال ۱۳۷۸ بعنوان محقق در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی مشغول به کار شدم و روی آثار آخوند ملا صدرا همچون مفاتیح الغیب ، شرح الهدایهٔ الاثیریهٔ ، رسائل اجوبهٔ المسائل ، المظاهر الالهیهٔ ، رسالهٔ اتحاد االعاقل و المعقول ، زاد المسافر و ... کارنمودم که قرار است بصورت لوح فشرده مجموعه آثار صدر المتالهین منتشر بیابد و همچنین از سال۱۳۸۳ بعنوان همکار علمی در مرکز دائرهٔ المعارف علوم عقلی بر روی آثار عرفانی و حکمت فعالیت می کنم.

راشدی، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی راشدی

محل تولد : خوانسار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۷/۱

زندگینامه علمی

با اتمام دوره راهنمایی در سال ۱۳۵۸ دروس حوزوی را در مدرسه علمیه ولی عصر (عج) شهرستان خوانسار از توابع استان اصفهان شروع نموده و پس از گذراندن دوره سطح دو سال درس خارج در همان مدرسه در محضر حضرت آیت الله مرحوم تقدیری شرکت کردم و سپس در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و مدت ده سال از دروس خارج فقه و اصول آیات عظام وحید خراسانی و ناصر مکارم شیرازی بهره جستم. در این میان در دروس تفسیر و فلسفه در حد نیاز شرکت نمودم.

در زمینه تدریس نیز مدت پنج سال دروس مقدماتی را چند بار در مدرسه علمیه خوانسار و معالم الدین و شرح لمعه و مکاسب شیخ انصاری را در حوزه علمیه قم تدیس نمودم. در کنار اشتغال به تحصیل و تدریس در موسسه مجمع الفکر الاسلامی با جمعی از دوستان به کارهای تحقیقاتی پرداختم که آثار شیخ اعظم انصاری در ۲۸ مجلد و شرح لمعه در ۴ مجلد و مطارح الانظار در دو مجلد منتشر شده است. و برخی از آنها به نام کتاب سال برگزیده شده است.در کنار کار تحقیقاتی در کنگره شیخ انصاری و

کنگره نقش زمـان و مکان در اجتهاد حضـرت امام خمینی (ره) در تصـحیح مقالات از نظر کیفی و ادبی و برگزاری کمیسـیون های بررسـی مقالات همکاری داشـتم و مـدتی نیز به عنوان عضو هیئت علمی با کنگره شـهید آیت الله صـدر فعالیت نمودم.از سال ۱۳۷۶ وارد موسـسه دائره المعارف فقه اسـلامی بر طبق مذهب اهل البیت علیهم السـلام که به فرمان حضـرت آیت الله خامنه ای (زید عزه) تاسـیس گردیـده است شـدم و در بخش معـاونت تحقیقـات دائره المعارف همکاری نمودم و اکنون نیز عضو شورای سـرگروه های علمی آن موسسه می باشم که سرپرستی تدوین جلدهای ۱۵ و ۱۸ دائره المعارف به عهده اینجانب می باشد

راضی اردستانی اصفهانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۱۲ ق)، نقـاش و شـاعر، متخلص به راضـی. به قولی از خطه اصـفهان و به قول دیگر از اردسـتان بود که علاـوه بر شاعری، در نقاشـی نیز ماهر و به زمانای نقاش معروف بود. وی ابتدای امر انور تخلص می‌کرد و آخرالامر راضی تخلص می‌کرد. «دیوان» شعر و یک «مثنوی» دارد و از اوست:

گر وحشیانه از روش خلق می‌رمم

عذرم بسی به جاست که آدم ندیده‌ام

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منـابع زنـدگینامه :آتشکـده‌ی آذر (۹۴۲/۳)، احـوال و آثـار نقاشـان (۲۱۳ -۲۱۲ /۱)، تـذکره‌ی نصرآبادی (۲۹۷ -۲۹۶)، الذریعه (۳۴۷/۹)، ریحانه (۲۹۱/۲)، صبح گلشن (۱۷۰)، لغت نامه (ذیل/ راضی اصفهانی).

راضی تبریزی، محمدرضا زرگر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یـازدهم ق)، شـاعر، متخلص به راضـی. وی از تبریزیـان ساکن عباس‌آباد اصـفهان بود که به شـغل زرگری و میناکاری اشـتغال داشت. وی سـفری نیز به هنـد داشت و در آنجـا مورد توجه اعیـان آن دیار قرار گرفت. در «صـبح گلشن» تحت عنوان رازی تبریزی آمده است. از جمله آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصـرآبادی (۳۹۳)، دانشـمندان آذربایجان (۱۵۶)، الذریعه (۳۴۶/۹)، سـخنوران آذربایجان (۳۶۷ -۳۶۶)، صبح گلشن (۱۶۹)، کاروان هند (۴۳۰ -۴۲۹ /۱).

راضی تهرانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۵ -۱۲۹۶/۱۲۸۳ ش)، شاعر، متخلص به راضی و دستور. وی در سیستان و به قولی در تهران متولد شد و تحصیلات مقدماتی را در تهران فراگرفت، سپس به تحصیل علوم ادبی در تهران و بیرجند پرداخت و پس از اخذ لیسانس به خدمات دولتی مشغول شد. او در شـعر بیشتر به جنبه‌هـای اجتمـاعی و اخلاـقی و انتقادی می‌پرداخت. اثر چاپ شـده از او «دسـتور رضایت» نام دارد که به شـیوه‌ی «بوستان» سعدی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۱۴۶۹ -۱۴۶۴ /۳)، فرهنگ سخنوران (۳۶۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۱/۱).

راغب اردبیلی، یوسف

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. سیدی عاشق پیشه بود که در سرودن شعر مهارت داشت. این بیت از اوست.

ای دل قرار گیر، نه وقت طپیدن است

ای دیده خون مبار که هنگام دیدن است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکـده‌ی آذر (۱۰۲/۱)، تـذکره‌ی روز روشن (۲۸۲)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۵۹/۱)، دانشمندان آذربایجان

(۱۵۷)، الذریعه (۳۴۸/۹)، ریحانه (۲۹۱/۲)، سخنوران آذربایجان (۳۰)، لغت نامه (ذیل/ راغب اردبیلی).

راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۵۰۲ ق)، ادیب، لغوی، شاعر، مفسر، محدث، متکلم، حکیم و فقیه شافعی/ معتزلی. اهل اصفهان و ساکن بغداد بود. وی را همتا و قرین امام محمد غزالی می‌دانند. به گفته‌ی کاتب چلبی، غزالی کتاب «الذریعه» او را از خود جدا نمی‌کرد و آن را به خاطر نفاستش می‌ستود. بعضی از علما به استناد اینکه او از اهل‌بیت (ع) بسیار روایت کرده و از امیرالمومنین علی بن ابیطالب (ع) فقط با عبارت امیرالمومنین (ع) تعبیر می‌کند، او را شیعه خوانده‌اند، ولی فخر رازی در «تاسیس التقدیس» او را از ائمه اهل سنت می‌شمارد. صاحب «روضات الجنات» به نقل از «تاریخ اخبار البشر» سال وفات وی را ۵۶۵ ق ذکر کرده است. از آثار وی: «تحقیق البیان فی تاویل القرآن»؛ «تفسیر القرآن»، معروف به «جامع التفاسیر» یا «جامع التفسیر» که بیضاوی تفسیر خویش را از آن اخذ کرده؛ «الذریعه الی مکارم الشریعه»، در علوم اخلاق و پندهای نیکو؛ «المفردات فی غریب القرآن» یا «مفردات الفاظ القرآن»؛ «افانین البلاغه»؛ «اخلاق الراغب»؛ «رساله فی فوائد القرآن»؛ «المعانی الاکبر»؛ «الایمان و الکفر»؛ «تفصیل النشأتین و تحصیل السعادتین»، در معرفت نفس؛ «درهٔ التاویل فی متشابه التنزیل»؛ «محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلغاء» در نوادر حکم و حکایات که محمدصالح قزوینی آن را با عنوان «النوادر» به فارسی ترجمه کرده است.[۱]

(بخش ۱) اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (ف. ۵۰۲ ه.ق.) از ادبا و علمای بزرگ اصفهان و او را است: مفردات الفاظ القرآن، محاضرات الادباء، تفصیل التشأتین، الذریعهٔ الی مکارم الشریعهٔ (ه.م.)، تفسیر القرآن، حل متشابهات القرآن.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۷۹/۲)، اعیان الشیعه (۱۶۲ -۱۶۰ /۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۶۶/۲)، تاریخ گزیده (۶۹۳)، دایرهٔالمعارف فارسی (۱۰۶۱/۱)، الذریعه (۳۶۴/۲۱ -۱۲۸/۲۰ ،۲۸/۱۰ ،۴۶ -۴۵ /۵)، روضات الجنات (۲۱۶ -۱۸۶ /۳)، ریاض العلماء (۱۰۱/۷ ،۱۷۲/۲)، ریحانه (۲۹۳ -۲۹۲ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۷۱ -۳۷۰ /۱)، سیر النبلاء (۱۲۱ -۱۲۰ /۱۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۲ -۸۱ /۶)، فرهنگ سخنوران (۳۶۳)، کشف الظنون (۱۷۷۳ ،۱۷۲۹ ،۱۶۰۹ ،۸۸۱ ،۸۲۷ ،۷۳۹ ،۴۶۲ ،۴۴۷ ،۳۷۷ ،۱۳۱ ،۳۶)، الکنی و الالقاب (۲۶۹ -۲۶۸ /۲)، لغت نامه (ذیل/ راغب اصفهانی)، مؤلفین کتب چاپی (۸۶۲/۲)، معجم المؤلفین (۵۹/۴)، هدیه الاحباب (۱۴۰ -۱۳۹)، هدیه العارفین (۳۱۱/۱).

راغب تبریزی، کلب حسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. وی در شاعری توانا بود و از او «دیوان» شعری به جای مانده است. از اوست:

به جنگ کوش که دشنام روبرو بر من

هزار بار به از بوسه‌ی به پیغام است

و این بیت نیز منسوب به اوست:

صد نامه نوشتیم و جوابی ننوشتی

این هم که جوابی ننویسند جوابی است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۵/۱)، تذکره‌ی روز روشن (۲۸۳)، دانشمندان آذربایجان (۱۵۷)، الذریعه (۳۴۸/۹)، سخنوران آذربایجان (۳۶۷)، فرهنگ سخنوران (۳۶۳)، لغت نامه (ذیل/ راغب تبریزی).

راغب تبریزی، کلب علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۲ ق)، شاعر، متخلص به راغب. از دانشمندان نامی تبریز بود که به ترکی و فارسی شعر را بسیار خوب می‌گفت و بعد از قتل عام تبریز به وسیله عثمانیان به نزد خان احمدخان در گیلان رفت و چون انتظاری که از او داشت برآورده نشد، قصیده‌ای در هجو او گفت و ترک آن دیار کرد. راغب در عتبات درگذشت. این بیت از اوست:

گیلکان نعمت گیلان به شما ارزانی

دولت دوری از این ملک به ما ارزانی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۲۰ -۵۱۹)، دانشمندان آذربایجان (۱۵۷)، الذریعه (۳۴۸/۹).

راغب شیرازی، غلامحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۳ ق)، شاعر، متخلص به راغب. در شیراز متولد شد، در جوانی پیشه تجارت داشت و سپس به استخدام دولت درآمد و به امر انشاء و تحریر احکام پرداخت. وی با صاحب «تذکره‌ی مرآت الفصاحه» آشنایی داشت. در جهرم وفات یافت. از اوست:

گفتم احوال دل زار برت عرضه کنم

تا مرا در غم هجران نگذارد کرمت

بی‌خبر بودم از آن کز سر مغروری حسن

شرح درماندگی حال کند محتشمت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۵۷)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۶۷ -۵۶۶ /۲)، الذریعه (۳۴۸/۹)، ریحانه (۲۹۳/۲)، لغت نامه (ذیل/ راغب شیرازی)، مرآت الفصاحه (۲۲۸ -۲۲۷).

راغب قمی، عبداللّه

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۱۰ ق)، حکیم، فیلسوف، خطاط و شاعر، متخلص به راغب و وحدت. اصل وی از کاشان بود. چون بیشتر در قم می‌زیست به قمی مشهور بود. وی معاصر با شاه سلیمان صفوی بود و در سرودن شعر توانا. در آغاز وحدت تخلص می‌کرد. حکیم عبداللّه خط را نیز نیکو می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۵۹ -۳۵۸ /۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۷۸، ۳۶۵ -۳۶۴)، الذریعه (۱۲۶۲، ۶۹۷، ۳۴۹ - ۳۴۸ /۹)، ریحانه (۲۹۴ -۲۹۳ /۲)، فرهنگ سخنوران (۹۷۷)، لغت نامه (ذیل/ راغب قمی).

راغب مالمیری یزدی، محمد سعید

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. در اوایل جوانی به هند سفر کرد بعد از مدتی اقامت در دکن به گلکنده رفت و در حیدرآباد اقامت گزید، و با صاحب طبعان آن ملک به مصاحبت و مجالست پرداخت و همان جا درگذشت. وی بیشتر اوقات به سرودن شعر مشغول بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۱۳۶ -۱۳۴)، جامع مفیدی (۴۶۶ -۴۶۵ /۳)، الذریعه (۳۴۹/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۶۳)، کاروان هند (۴۳۰/۱)، لغت نامه (ذیل/ راغب یزدی).

راغلب بلخی، مبارک‌اللّه

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۰۳ ق)، شاعر. در مدرس متولد شد. نیاکان وی از قصبه‌ی امام از نواحی بلخ بودند که ابتدا در دکن و سپس در مدرس اقامت کردند. وی علاوه بر «دیوان» شعر، دو مثنوی به نام «ساقی نامه» و «فراقنامه» دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۴۹/۹)، ریحانه (۲۹۴/۲)، صبح گلشن (۱۷۱ -۱۷۰)، فرهنگ سخنوران (۳۶۳)، لغت نامه (ذیل/ راغب هندی)، نتایج الافکار (۲۹۷ -۲۸۹).

رأفت الملک اصفهانی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر، متخلص به رافت. معروف به فرمان آراء. وی مقیم اصفهان و از اعضاء قدیم انجمن ادبی شیدا است. اشعار او در دوره‌ی اول «مجله‌ی دانشکده» به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۰۴)، فرهنگ سخنوران (۳۶۳).

رأفت شوشتری، قاسم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. برادر آقا جواد وزیر و معاصر فقیر شوشتر بود و در جنگ بین کریم‌خان زند و علی‌مردان خان در کرمانشاه کشته شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۴۹/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۶۴).

رافع بروجردی، فتحعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. اصل وی از بروجرد و شغلش نانوایی بود. از اوست:

همچون جرس مدام به دنبال محملت

ما را تمام عمر به آه و فغان گذشت

در گل فتاده بارم و در پا خلیده خار

وامانده‌ایم و زمان کاروان گذشت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سفینه المحمود (۴۷۱-۴۷۰/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۳۶۴)، مصطبه‌ی خراب (۷۲-۷۱)، نگارستان دارا (۱۹۳).

رافع یزدی، محمد رفیع

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر، متخلص به رافع. وی از یزد به دهلی رفت و سپس در کشمیر سکنی گزید. رافع دارای «دیوان» اشعار بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۸۳)، تذکره سخنوران یزد (۱۴۰)، الذریعه (۳۴۹/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۶۴).

رافعی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم عبدالکریم بن محمد قزوینی شافعی فقیه و محدث و مورخ اسلامی (ف. قزوین ۶۲۳ ه.ق./ ۱۲۲۶ م.). از مؤلفات او «فتح العزیز فی شرح الوجیز» تألیف غزالی در فقه، «التدوین فی علماء قزوین»، «شرح مسند الشافعی»، «الامالی اشارحهٔ لمفردات الفاتحهٔ» و «المحرر» در فقه است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

رافعی قزوینی، امام‌الدین، ابوالقاسم عبدالکریم

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۵۵۷-۵۵۵ وف ح ۶۲۳ ق)، عالم، شاعر، محدث و فقیه شافعی. وی از شاگردان شیخ منتجب‌الدین قمی بود. در جامع قزوین حزوه تفسیر و حدیث داشت. او از حامد بن محمد خطیب رازی و ابوالخیر طالقانی و ابوالکرم همدانی و علی بن عبیداللّٰه رازی و ابوسلیمان حسنویه و عبدالعزیز خلیلی روایت کرده است. حافظ عبدالعظیم از وی روایت کرده و ابوالثنا محمود طاووسی از وی اجازه روایت گرفته است. ابن‌صلاح گوید که در بلاد عجم ذوفنونی یگانه بود و او را از علمای عاملین شمرده‌اند. رافعی قریحه‌ی شعری نیز داشت و اشعاری از او بر جای مانده است. در قزوین درگذشت و در همان جا دفن شد. صاحب «ریاض العارفین» وی را

تحت عنوان رافعی قزوینی آورده و سال مرگش را ۶۳۳ ق ذکر کرده است. از آثار وی: شرحی وسیع بر کتاب «الوجیز» غزالی، به نام «الفتح العزیز»، در فروع، در ۱۶ مجلد، و جزئی از آن به نام «التذنیب»، که فوائدی بر «الوجیز» است؛ «المحرور»، در فروع فقه شافعی؛ «شرح مسند شافعی»، در دو جلد؛ «التدوین فی ذکر اخبار قزوین» یا «فی ترجمه علماء قزوین»؛ «الامالی الشارحه علی مفردات الفاتحه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۶۹ -۱۱۶۷ /۳)، الاعلام (۱۷۹/۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۲۵/۳)، دایرةالمعارف فارسی (۲۳۴/۱)، الذریعه (۳۵۰/۹)، روضات الجنات (۳۰۵/۴)، ریاض العارفین (۱۹۵ ،۷۸)، ریحانه (۲۹۵/۲)، سیر النبلاء (۲۵۵ -۲۵۲ /۲۲)، فرهنگ سخنوران (۳۶۵ -۳۶۴)، کشف الظنون (۲۰۰۲ ،۱۶۸۳ ،۱۶۱۳ ،۱۶۱۲ ،۹۳۰ ،۳۹۴ ،۳۸۳ ،۳۸۲ ،۲۰۵ ،۱۶۴)، الکنی و الالقاب (۲۶۹/۲)، لغت نامه (ذیل/ عبدالکریم)، مجمع الفصحا (۶۵۴/۲)، معجم المؤلفین (۳/۶)، مینودر (۱۸۳ -۱۸۲ /۲)، هدیه الاحباب (۱۴۰)، هدیه العارفین (۶۱۰ -۶۰۹ /۱).

راقم قادری، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۲۳ ق)، شاعر، متخلص به راقم. در ابتدا علوم اولیه را نزد عموهای خود، شایق علی خان و مولوی میران محیی‌الدین واقف فراگرفت، سپس علوم عربی را درخدمت مفتی بدرالدوله بهادر آموخت و چندی نیز نزد سید ابوطبیب خان فنون شعر فراگرفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۳۶۵)، نتایج الافکار (۳۰۰ -۲۹۸).

راقم کرمانی، امین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. از سلسله‌ی منشیان کرمان بود که در اواخر زندگانی به یزد آمد و به تحریر احکام حکام یزد مشغول شد و در همان شهر وفات یافت. وی با وامق معاصر بود. از اوست:

چشم نرگس که فتنه‌انگیز است

فتنه از نرگس تو وام گرفت

زاهد شد چشم مست تو دید

سبجه از دست داد و جام گرفت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۶۵۳ -۶۵۲ /۱)، فرهنگ سخنوران (۳۶۵).

راقم مشهدی، سعدالدین، سعیدالدین محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۰۰ ق)، شاعر، متخلص به راقم. از شاعران و رجال معروف بود. پدرش خواجه غیاثا از بازرگانان خراسان بود که به هندوستان سفر می‌کرد و میرزا سعدالدین به عهد پادشاهی شاهجهان به همراه پدر بدان دیار رفت و در ملازمت اسلام خان مشهدی شاهجهانی مغزز و محترم به سر می‌برد ولی پس از جنید به ایران بازگشت و به فرمان شاه سلیمان وارد خدمت دولتی شد و نخست وزارت هرات و سپس وزارت کل خراسان به او تفویض شد. گروهی از شاعران مانند احسان مشهدی، شوکت بخاری در کنف حمایت وی به سر می‌برده و او را می‌ستوده‌اند. از آثار وی: «دیوان» اشعار شامل پنج هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۳۰ -۱۳۲۶ /۵)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۱۳۶)، تذکره‌ی نصرآبادی (۸۶ -۸۵)، الذریعه (۳۵۱/۹)، سرو آزاد (۱۱۹)، شام غریبان (۹۲)، فرهنگ سخنوران (۳۶۵)، کاروان هند (۴۳۷ -۴۳۱ /۱)، لغت نامه (ذیل/ راقم مشهدی)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰۶/۳)، مطلع الشمس (۴۳۱/۲)، نتایج الافکار (۲۶۹ -۲۶۸).

راقم مشهدی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به راقم. ملقب به امین‌الشعراء. او برادر اختر طوسی بود که در صحن جدید مکتب خانه داشت و به تدریس مشغول بود. وی خط خوشی داشت و کتیبه‌هایی در دو صحن و مساجد به خط اوست. راقم زبان فرانسه می‌دانست و بیشتر اشعارش به گویش مشهدی است. از آثار وی: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۵۱/۹)، صد سال شعر خراسان (۲۵۰ -۲۴۹)، فرهنگ سخنوران (۳۶۵).

رامتین، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۷ ش)، نویسنده، روزنامه‌نگار، مدرس. درتهران متولد شد. تحصیلات عالی خود را در کالج البرز و دانشسرای عالی به پایان رساند. از هنگام تحصیل در کالج در روزنامه‌ی «جوانان» مقالاتی منتشر می‌نمود از شهریور ۱۳۲۰ ش فعالیت مطبوعاتی خود را در مقام سردبیری و نویسندگی ثابت نمود. همچنین داستانها و مقالات فراوانی در روزنامه‌های «آزادگان»؛ «نجات ایران»؛ «مهر ایران»؛ «اختر»؛ «اقدام»؛ «پست طهران»؛ و چند مجله‌ی دیگر منتشر کرد. رامتین علاوه بر نویسندگی مدتی نیز مشغول تدریس در رشته‌ی ادبیات و تاریخ و جغرافیا در دبیرستانهای تهران بود. در وزارت فرهنگ مشاغل مختلفی را عهده‌دار بود. از آثار وی: «چرا تبه‌کار شدم»؛ «خاطرات مریم»؛ «خانه‌های سیاه یا دادگاه استان»؛ «فرمان آتش بس در کوهستان باختر»؛ «مرده باد عشق».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۷۴۱ -۷۳۹/ ۲).

رامش بورنجانی کازرونی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۵۰ ق)، شاعر. مشهور به شیرازی. اصلش از بورنجان کازرون بوده که در شیراز توطن اختیار کرده است. سیدی کریم‌الاخلاق و صاحب طبعی بلند بوده و در قصیده‌سرایی مهارت داشته است. از اوست:

مرد سخن‌سنج را زمانه به کین است

هرکه چنان است ناگزیر چنین است

تیر حوادث سپهر را به کمان است

درگذر جان من همین به کمین است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۶۵۴ -۶۵۳/ ۱)، الذریعه (۳۵۲ -۳۵۱/ ۹)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۴۴۶/۲)، فرهنگ سخنوران (۳۶۶)، مجمع الفصحا (۳۱۹ -۳۰۳/ ۴)، مرآت الفصاحه (۲۲۹ -۲۲۸)، مکارم الآثار (۱۳۶۴ -۱۳۶۳/ ۴).

رامشت، محمدحسین

قرن:۲۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمد حسین رامشت متولد سال ۱۳۳۴و دارای مدرک دکتری رشته جغرافی شناسی از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۱ است. ایشان هم اکنون دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاتحصیلات رسمی و حرفه ای : کارشناسی جغرافیا - ۱۳۵۷ - دانشگاه اصفهان - ایران کارشناسی ارشد جغرافیا - ۱۳۶۴ - دانشگاه شهید بهشتی تهران - ایران دکترای جغرافیا ژئومرفولوژی - ۱۳۷۱ - دانشگاه تربیت مدرس تهران - ایران همسر و فرزندان : محمد حسین رامشت متاهل و دارای دو فرزند می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد حسین رامشت عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه اصفهان می باشد. از دیگر سمتهای ایشان می توان به چند مورد زیر اشاره کرد: - رئیس دانشگاه اصفهان - رئیس دنشکده جغرافیا از سال ۱۳۷۱-۱۳۷۷ - ویرایشگر و استاد دانشکده علوم انسانی (پژوهشگر) از سال ۱۳۷۸فعالیتهای آموزشی : عنوان دروسی که توسط محمد حسین رامشت ارائه می شود به قرار زیر است: جغرافی شناسی ایران- جغرافی شناسی کاربردی - روشها و تکنیکهایی در جغرافی شناسی- جغرافی شناسی در مدیریت محیط- رساله شناسی در جغرافیا- جغرافیا شناسی پویا- جغرافیای خاکآرا و گرایشهای خاص : زمینه های مورد علاقه محمد حسین رامشت به قرار زیر است: ژئومرفولوژی و دیدگاه فلسفی در جغرافیا چگونگی عرضه آثار : - تعداد مقالات منتشر شده در مجلات بزبان فارسی:۵۶ مورد - تعداد مقالات منتشر در مجلات بزبان انگلیسی:۳ مورد - طرح های پژوهشی محمد حسین رامشت : ۱. اقلیم و معدن بازفت، جهادسازندگی، ۱۳۷۳ ۲. مطالعات خاک و معدن دورکی باب، جهادسازندگی، ۱۳۷۴ ۳. مطالعات خاک دو معدن بوشکان، جهادسازندگی، ۱۳۷۴ ۴. مولفه های جغرافیایی کیش، منطقه آزاد کیش، ۱۳۷۷ ۵. آثار یخچالی در زفره اصفهان،دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۱ ۶. رسوبات پاراکلیشیال و کیاس تئوری ،

۱۳۸۰ ۷. اندیشه های نظری در ژئومرفولوژی، آثار : ۱ جغرافیای خاکها ویژگی اثر : دانشگاه اصفهان، ۱۳۶۹ و ۱۳۷۹ ۲ جغرافیای طبیعی خلیج فارس ویژگی اثر : دانشگاه اصفهان، ۱۳۶۷ ۳ جغرافیای طبیعی هورالعظیم ویژگی اثر : دانشگاه اصفهان، ۱۳۶۶ ۴ ژئومرفولوژی کاربردی ویژگی اثر : دانشگاه اصفهان ، ۱۳۸۴ ۵ کاربرد ژئومرفولوژی در برنامه ریزی ویژگی اثر : دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۵ ۶ نقشه های ژئومرفولوژی ویژگی اثر : انتشارات سمت، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵ چاپ دوم

رامشی نیشابوری، ابونصر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۹۰/۴۸۹ -۴۰۴ ق)، لغوی، نحوی، شاعر، قاری و محدث، ادبیات را از ابوالعلاء معری آموخت و به طلب قراآت و حدیث سفرها کرد و از اصحاب اصم و دیگران حدیث شنید. او در قراآت و علوم حدیث مبرز شد و در لغت و فنون عربیت حظی وافر یافت. وی در نیشابور املای حدیث می‌کرد و بسیاری از وی حدیث روایت کرده‌اند. شعر را نیکو می‌سرود، نمونه‌ای از اشعار وی در «معجم الادباء» آمده است. از اوست:

و اذا لقیت صعوبه فی حاجه

فاحمل صعوبتها علی الدینار

و ابعثه فی ما تشتهیه فانه

حجر یلین سائر الاحجار

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۲۹۷ -۲۹۶ /۲)، لغت نامه (ذیل/ محمد)، معجم الادباء (۴۵/۱۹)، الوافی بالوفیات (۱۲۵ -۱۲۴ /۱).

رامهرمزی، ابومحمد حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۳۶۰ ق)، حافظ، محدث، قاضی، ادیب و شاعر. معروف به ابن‌خلاد رامهرمزی. وی سبک جاحظ را دنبال می‌کرد. از پدرش محمد حضرمی و محمد مازنی و حسن عنبری و جعفر فریانی و عبدان اهوازی و ابوالقاسم بغوی حدیث شنید. و به آورده‌ی «تاریخ فارس» از جماعتی از بزرگان شیراز استفاده کرد و جزوه‌ها نگاشت. ابوالحسین صیداوی و حسن شیرازی و محمد بن موسی بن مردویه و قاضی احمد نهاوندی از وی حدیث روایت کرده‌اند. او را از پیشگامان علم اصول الحدیث می‌دانند، که در این زمینه در کتاب معروف خود «الحمدث الفاصل بین الراوی و الواعی» ابواب بسیاری را مطرح کرد. شریف ابومحمد حسن محمدی که از مشایخ طوسی و نجاشی است از شاگردان وی به حساب می‌آید. سالیانی در شهرهای خوزستان عهده‌دار منصب قضاوت بود. او تا سال ۳۶۰ ق در رامهرمز باقی ماند و در همان جا درگذشت. از آثارش: کتاب «الریحانتین الحسن والحسین (ع)»؛ «امام التنزیل فی علم القرآن»؛ «النوادر و الشوادر»؛ «ادب الناطق»؛ «رساله السفر»؛ «الرثاء یا المراثی و التعازی»؛ «الفلک فی مختار الاخبار و الاشعار»؛ «ربیع المتیم فی اخبار العشاق»؛ «کتاب امثال النبی (ص)»؛ «المناهل و الاعطان والحنین الی الاوطان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۳۳ -۱۲۹ /۵)، ایضاح المکنون (۵۶۵، ۴۴۲، ۳۴۷، ۳۱۵، ۳۰۷، ۲۹۷ /۲ ،۵۶۴، ۵۴۸، ۱۲۵، ۱۲۴)، سیر النبلاء (۷۵ -۷۳ /۱۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۸/۴)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۵۵)، کشف الظنون (۱۶۱۲، ۱۱۲۲)، معجم الادباء (۱۷ -۵ /۹)، معجم المؤلفین (۲۳۵/۳)، مقدمه ابن‌الصلاح (۴)، الوافی بالوفیات (۶۵ -۶۴ /۱۲)، هدیه العارفین (۲۷۱ -۲۷۰ /۱).

رامی اردوبادی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از شاعران معاصر وحشی بافقی و شاگرد وی بود. رامی بسیار خوش طبع و خوش فهم بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۱۵۷)، الذریعه (۳۵۲/۹)، مجمع الخواص (۲۳۳ -۲۳۲).

رامی تبریزی، شرف‌الدین حسن

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۹۵/۷۷۰ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به شرف. معروف به شرف تبریزی. از شاعران صاحب فضل عراق و آذربایجان بود و

شاگرد حسن بن محمود کاشی و معاصر سلمان ساوجی و از شاعران دربار سلطان اویس جلایر بود. وی در نظم و نثر تواناو استاد مسلم بوده و صاحب تالیفاتی چند، از جمله: «انیس العشاق»؛ «حدایق الحقایق»؛ «حقائق الدائق» در مقابل کتاب «حدایق السحر» رشید وطواط؛ «بدایع الصنایع»؛ مثنوی‌های: «ده فصل» و «باباکوهی و دختر ملک».[۱]

شرف‌الدین حسن ابن محمد تبریزی نویسنده و شاعر ایرانی (قر. ۸ ه.) وی از شاعران دربار سلطان اویس جلایری بود. او راست: «انیس‌العشاق» که در آن اسمای اعضای بدن با تشبیهات و کنایات آنها آمده، «حدائق‌الحقائق» در صنایع شعری و این هر دو کتاب به نام سلطان اویس اتحاف شده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۲۹۷/۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۸۷)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۳۱۴ -۳۰۷ /۲)، تذکره الشعراء (۳۴۵ -۳۴۴)، دانشمندان آذربایجان (۱۹۱ -۱۸۹)، الذریعه (۵۱۱/۹، ۲۸۴/۶، ۵۱۱/۲)، ریحانه (۱۹۲ -۱۹۱ /۳)، سخنوران آذربایجان (۴۲۷ -۴۱۵)، سرآمدان فرهنگ (۳۷۲/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۷/۸)، کشف الظنون (۶۷۲، ۱۹۸)، لغت نامه (ذیل/ رامی)، مؤلفین کتب چاپی (۶۳۲ -۶۳۱ /۲)، منظومه‌های فارسی (۳۳۴ -۳۳۳)، هدیه العارفین (۲۸۶/۱).

رامی یزدی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. وی از خطه یزد بود و از راه سر تراشی روزگار می‌گذرانید. رامی شعر را نیکو می‌سرود. از اوست:

شنیدم که دوشینه در بزم غیر
می ناب از جام زر خورده‌ای
ندانم در آن بزم پر شور و شر
دو پیمانه یا بیشتر خورده‌ای

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۳۳۰)، لغت نامه (ذیل/ رامی).

رامیار، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نویسنده، استاد.

تولد: ۱۳۰۱، مشهد.

درگذشت: ۲۰ شهریور ۱۳۶۳، انگلستان.

محمود رامیار تحصیلات خود را تا پایان دوره‌ی متوسطه در مشهد به پایان رسانید و سپس برای ادامه‌ی تحصیل به تهران عزیمت کرد و در مدرسه‌ی سپهسالار قدیم تحصیلات خود را در فقه و اصول ادامه داد. در مدت اقامت در تهران موفق به اخذ دکترای حقوق از دانشگاه تهران شد. وی مدتی نیز در فرانسه به تحقیق و تحصیل مشغول بود. آخرین مرحله از تحقیقات ایشان نزد پروفسور مونتگمری وات در دانشگاه ادینبورگ بود که این دوره را نیز با درجه‌ی دکتری به پایان رسانید. پس از فراغت از تحصیل در سال ۱۳۴۹ به مشهد بازگشت و به عنوان استاد و رییس دانشکده‌ی الهیات دانشگاه مشهد به تحصیل و تحقق پرداخت. از جمله خدمات وی تأسیس چاپخانه‌ی دانشگاه مشهد بود. وی در سال ۱۳۵۹ بازنشسته شد.

آثار دکتر محمود رامیار عبارتند از: تاریخ قرآن، کشف الآیات قرآن مجید، در آستانه سالزاد پیامبر (ص)؛ ترجمه‌ی کتاب در آستانه‌ی قرآن (ترجمه از کتاب بالشر فرانسوی، ۱۳۵۸)؛ آخرین اثر استاد تفسیری از قرآن بود که به انجام نرسید.

کتاب تاریخ قرآن وی در دومین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

رامیثنی، علی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۲۱ ق)، شاعر و عارف. معروف به خواجه‌ی عزیزان. از مردم قصبه‌ی رامیثن در دو فرسنگی بخارا بود و از بزرگان مشایخ طریقه‌ی نقشبندی به شمار می‌رفت. وی در زادگاهش به بافندگی روزگار می‌گذرانید و در پایان عمر به خوارزم رفت و در آنجا وفات یافت. خواجه با شیخ رکن‌الدین علاءالدوله سمنانی و شیخ بدرالدین میدانی معاصر بود و شعر فارسی را نیکو می‌سرود. از آثار وی: «رباعیات عارفانه»؛ «رساله‌ای در تصوف» و «محبوب العارفین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۲۰)، رشحات عین‌الحیاه (۷۲ –۶۲ /۱)، نفحات الانفس (۳۸۵).

رامین تهرانی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۰ ش)، شاعر، متخلص به رامین. تا سال ۱۳۰۵ ش در تهران به تحصیل علوم ادبی و عربی اشتغال داشته است. از وی کتابی به نظم و به نام «دوشیزه‌ی سیه روز» در تهران چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۵۲/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۶۶)، مؤلفین کتب چاپی (۴۵۰/۶).

رامین، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی رامین، متولد ۱۳۲۱ تهران، بعد از پایان تحصیلات دبیرستانی، در دانشگاه تهران، در رشته علوم سیاسی و اقتصاد تحصیل کرد. این رشته ها در آن زمان، راهگشای جوانان مستعد به سوی احراز پست های هم سازمانی و گرفتن کرسی های مدیریت در نظام گذشته بود اما دغدغه های علی رامین، از همان اول، در حوزه فرهنگ بود و نه چیز دیگر. مدرک فوق لیسانس او در رشته مدیریت از دانشگاه مشهور هاروارد و مدرک دکترای او از دانشگاه لنکستر انگلستان در رشته اقتصاد بین الملل، برای آن اهداف، راهگشاتر بود. اما علی رامین، دانشگاه را برگزیده بود. پایان نامه او در دانشگاه لنکستر، به «تحقیق در اقتصاد کشورهای در حال توسعه» اختصاص داشت. شهرت دکتر علی رامین از چند سال پیش، با ترجمه کتاب های قطور و معتبر «تاریخ هنر» اثر ارنست گامبریچ و «هنر مدرن» نوشته نوربرت لینتون از حد دانشگاهی گذشت و به سطحی فراگیر رسید. دکتر علی رامین، محقق و مؤلف و مترجمی است که در سطوح مختلف جامعه دانشگاهی و اهل کتاب با صدها نفر از مشتاقان رشته های جامعه شناسی هنر و فلسفه تحلیلی هنر سروکار دارد. کتاب های او به چاپ های متعدد رسیده اند او هم اکنون نیز در مقطع فوق لیسانس و دکترا، رشته های جامعه شناسی هنر وفلسفه هنر را تدریس می کند.گروه : علوم انسانی رشته : علوم سیاسی گرایش : علوم سیاسی و اقتصاد

راود راد، اعظم

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

دکتر اعظم راود راد دانشیار گروه علوم ارتباطات و معاون پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی دانشگاه تهران(۱۳۶۵)، مدرک کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران(۱۳۶۹) و مدرک دکترا را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه وسترن سیدنی استرالیا(۱۳۷۵) اخذ نمودند. گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر اعظم راود راد مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی دانشگاه تهران(۱۳۶۵)، مدرک کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران(۱۳۶۹) و مدرک دکترا را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه وسترن سیدنی استرالیا(۱۳۷۵) اخذ نمودند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در خصوص خدمات علمی اجرایی دکتر راود راد می توان به مواردی همچون معاون پژوهشی,دانشکده علوم اجتماعی در سال ۱۳۸۶،نماینده تام الاختیار دانشگاه در کمیسیون بانوان استان تهران,کمیسیون بانوان استان تهران (۱۳۷۹,۱۳۸۱)،عضو کمیسیون علوم اجتماعی پژوهش های کاربردی,دانشگاه تهران ، سرپرست بخش تحقیقات زنان موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ، سرپرست تحصیلات تکمیلی دانشکده ، سرپرست تحصیلات تکمیلی ، مدیر گروه ارتباطات ، مدیرگروه ارتباطات ، نماینده تام الاختیار دانشگاه در کمیسیون بانوان استان تهران ، عضو هیئت تحریریه فصلنامه پژوهش زنان ، معاون تحصیلات تکمیلی انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات,عضو هیأت مؤسس,۱۳۸۰ ،عضو انجمن جامعه شناسی ایران,۱۳۷۵ و سردبیر فصلنامه پژوهش زنان اشاره نمود. فعالیتهای آموزشی : موارد تدریس وی «ارتباطات تصویری »، « ارتباطات جمعی»، « تجزیه وتحلیل برنامه های رادیو و تلویزیون»، «جامعه شناسی ارتباطات اجتماعی»، «جامعه شناسی هنر»، «جامعه شناسی هنروادبیات»، «مبانی ارتباطات جمعی»، «مطالعات رادیویی»(در مقطع کارشناسی)، «جامعه شناسی هنر »، «جامعهشناسیهنر»، «روش تحقیق درهنر»، «زبان تخصصی ۱»، «زبان تخصصی ۲»، «جامعه شناسی سینما»، «سینما و مطالعات فرهنگی»(در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا) است. وی مولف کتاب های «نظریه های جامعه شناسی هنر وادبیات»(۱۳۸۳)، « دین و رسانه»(۱۳۸۶) و مقالات «تبیین فیلم و جامعه»، «تحلیلی بر نقش زن در توسعه با تاکید بر اشتغال»، «جامعه شناسی هنر و جایگاه آن در حوزه جامعه شناسی معاصر»، «نقد کتاب رسانه ها و نمادها»، «نقدی بر دیدگاه کارل مانهم در جامعه شناسی هنر»، «ارتباط کلی سینما وجامعه شناسی با جامعه شناسی سینما»، «نقدی بر جبریت اجتماعی هنر»، «تحلیل جامعه شناسی فیلمهای قرمز و دو زن»، «تحلیل برنامه های فرهنگی رادیو و تلویزیون»، «سینمای سیاسی ایران و زنان کارگردان»، «تخیل و نقش آن در رادیو»، «مشارت زنان در رادیو و تلویزیون»، «سینما رسانه فراموش شده»، «تخیل و نقش آن در رادیو»، «مقایسه

نقش شغلی زنان و مردان متخصص»، «جامعه هنرمند و هنرمند جامعه: تحلیل جامعه شناختی آثار سینمایی بهرام بیضایی»، «جایگاه اقتصاد در جامعه شناسی هنر»، «مسائل اجتماعی زنان در اینترنت»، «نقدی بر نظریه انتقادی و سینمای آلمان»، «تصویر زن در آثار سینمایی رخشان بنی اعتماد»، «عوامل اجتماعی موثر بر شکل گیری سینمای زن در ایران»، «توصیف وضعیت پژوهش های فرهنگی-اجتماعی کشور بعد از انقلاب اسلامی»، «تغییرات نقش زن در سینمای ایران»، «جامعه شناسی اثر هنری»، «تحلیل جنسیتی نقش های مورد انتظار و کار بسته زنان در خانواده»، «Sustainable Development: Role of Art in Local and Global Society» است.آرا و گرایشهای خاص : زمینه های پژوهشی مورد علاقه : جامعه شناسی سینما،جامعه شناسی هنر ،دین و رسانه ،رسانه های سمعی و بصری: رادیو- تلویزیون- سینما،زنان و رسانه هاچگونگی عرضه آثار : دکتر راودراد همچنین مقالاتی را همچون اموزش جامعه شناسی هنر در دانشگاه، گزارش تحقیقی" تحلیل و تفسیر فعالیتهای فرهنگی کشور، "معرفی جامعه شناسی هنر، آزار و تعقیب زنان در اینترنت، تعریف هنر از دیدگاه جامعه شناسی، سینما و انقلاب دیجیتال، عوامل موثر بر مصرف رسانه ای زنان، تعامل دین و رسانه، نقد جامعه شناسانه هنر، سینما و ارتباطات دینی، تعامل دین و رسانه، نقد جامعه شناسانه هنر، نقاشی ایرانی در دوران سنت و تجدد، جامعه شناسی اثر هنری، A study of social factors influencing people to become artists در سمینارها و همایشهای مختلف ارائه داده اند. تعداد پایان نامه های کارشناسی ارشد:۱۳ مورد تعداد طرحهای تحقیقاتی:۵ مورد تعداد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی:۲۹ مورد تعدادهمایشها داخلی :۱۶ مورد تعداد همایشها خارجی : ۳ مورد آثار :دین و رسانه ویژگی اثر : تالیف و تصنیف،دفتر پژوهش های رادیو،۲ مطالعات فرهنگی، مصرف فرهنگی و زندگی روزمره در ایران ویژگی اثر : تالیف و تصنیف،جهاد دانشگاهی واحد تهران،۳ نظریه های جامعه شناسی هنر وادبیات ویژگی اثر : تالیف و تصنیف،انتشارات دانشگاه تهران

راوندی کاشانی، ضیاءالدین، ابوالرضا فضل‌اللّه

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۵۷۰ ق)، عالم، محدث، ادیب و شاعر. دارای علو نسب بود و کمال فضل و حسب را نیز به دست آورد. وی شاگرد ابوالمحاسن رویانی و ابوالبرکات حسینی مشهدی و ابوعلی، فرزند شیخ طوسی و ابوالصمصام ذوالفقار بن محمد حسنی است و به واسطه‌ی این دو نفر اخیر از شیخ طوسی روایت می‌کند. شیخ منتجب‌الدین و ابن شهر آشوب و پدر خواجه نصیر، شیخ محمد طوسی، از شاگردان وی بوده‌اند و از او روایت کرده‌اند. سمعانی در «الانساب» گوید: «به کاشان که رسیدم به عزم زیارت سید ابوالرضا ضیاءالدین راوندی به خانه‌اش رفتم، بر سر در خانه‌ی او «آیه‌ی تطهیر» را با گچ نوشته بودند، بعد از ملاقات بیش از آنچه شنیده بودم دیدم و احادیث بسیاری از خودش شنیده و نوشتم و چند قطعه از اشعارش را نگاشتم و چند بیتی خودش برایم نوشت». فرزندان و نوادگان او همگی از اهل علم بودند. از آثار وی: «ضوء الشهاب»، شرحی بر «شهاب» قاضی قضاعی؛ «ادعیه السر»؛ «کتاب النوادر»؛ «مقاربه الطیه الی مقارفه النیه»؛ «قصص الانبیاء»؛ «تفسیر الراوندی» به نام «الکافی»، در تفسیر قرآن مجید؛ «ترجمه العلوی للطب الرضوی»، در شرح «طب الرضا (ع)»؛ «الاربعین»، در احادیث؛ «الحماسه»؛ شرح «النهج‌البلاغه»؛ «الموجز الکافی فی علم العروض و القوافی»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۱۰ -۴۰۸ /۸)، ایضاح المکنون (۶۵۹ ،۵۳۱، ۳۴۶، ۲۵۹، ۷۴ /۲، ۳۰۵، ۲۸۱، ۵۳، ۵۲ /۱)، الذریعه (۳۳۷/۲۴، ۳۷۸/۲۱، ۲۴۷، ۲۴۵، ۱۷/ ۱۲۱، ۱۲۰- ۱۵/ ۱۴۳/۱۴، ۳۵۲/۹، ۴۲۳/۱)، روضات الجنات (۳۵۲ -۳۵۰ /۵)، ریاض العلماء (۳۷۴ -۳۶۳ /۴)، ریحانه (۱۱ -۹ /۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۸ -۲۱۷ /۶)، فوائد الرضویه (۳۵۵ -۳۵۴)، فهرست منتجب‌الدین (۱۴۴ -۱۴۳)، الکنی و الالقاب (۴۳۶ -۴۳۵ /۲)، لغت نامه (ذیل/ ابوالرضا)، معجم المؤلفین (۷۵/۸)، هدیه الاحباب (۱۴۱ -۱۴۰)، هدیه العارفین (۸۲۱/۱).

راوندی کاشانی، عزالدین، ابوالحسن علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، عالم، فقیه، ادیب و شاعر. معاصر با شیخ منتجب‌الدین بود. سید علی خان در «الدرجات الرفیعه» وی را ستوده و گوید: «مدرسه‌ای بی‌نظیر در کاشان بنا نهاد که علماء و فضلا و زهاد و حجاج و خلق بسیاری در آن ساکن بودند. از آثار وی: «تفسر القرآن»، که به «تفسیر عزالدین» معروف است و ناتمام؛ «الطراز المذهب فی ابراز المذهب»؛ «مجمع الطائف و منبع الطرائف»؛ کتاب «غمام الغموم»؛ کتاب «مزن الحزن»؛ کتاب «نثر اللآلی لفخر المعالی»؛ کتاب «الحسیب النسیب»؛ «غنیه المتغنی یا المستغنی یا المستفتی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۰۱/۸)، الذریعه (۵۵/۲۴ ،۳۲۸/۲۰، ۶۹، ۶۰ /۱۶، ۱۵۹/۱۵، ۲۱/۷، ۲۸۲/۴)، ریاض العماء (۱۷۸/۴ ، ۳۱۳ -۳۱۲ /۳)، ریحانه (۱۱/۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۰۰ -۱۹۸ /۶)، فوائد الرضویه (۳۵۵ -۳۵۴)، الکنی و الالقاب (۴۳۶ - ۴۳۵ /۲)، هدیه الاحباب (۱۴۱ -۱۴۰).

راوندی، ابوالرضا، فضل الله

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(منسوب به راوند) ابوالرضا فضل‌اللّه بن علی حسنی، ضیاءالدین، از فضلای شیعه (ف. ۵۸۰ ه.ق.) از آثار اوست: ضوء الشهاب، ادعیهٔ السر، شرح الرسالهٔ الذهبیه.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

راوندی، قطب‌الدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

متوفی ۵۷۳ هجری

و اوست شیخ و امام فاضل متبحر و فقیه محدث شاعر ادیب جامع الفضائل والمناقب قطب‌الدین ابوالحسین سعید بن هبهٔ‌اللّه بن الحسن بن عیسی الراوندی ره که قبر شریفش در صحن بزرگ فاطمیه در محل نماز تابستان آیهٔ‌اللّه نجفی مرعشی مدظله سنگ بزرگی دارد و مورد توجه عموم و بالاخص دانشمندان و اهل معرفت است.

ترجمه او را علماء رجال در کتب خویش ذکر کرده و وی را به تمام معنی ستوده و تمجید کرده‌اند، شیخ منتجب‌الدین در تاریخ گوید: وی فاضلی در جمیع علوم بوده مصنفات بسیاری در هر نوع دارد و بر مذهب شیعه هم بوده است.

سید بن طاوس در ص ۲۰ کشف‌المحجهٔ گوید: الشیخ العالم فی علوم کثیره قطب‌الدین الراوندی و اسمه سعید بن هبهٔ‌اللّه- رحمه‌اللّه. سماهیجی در اجازه‌اش گفته عالمی فاضل و متبحر و کامل و فقیهی محدث و ثقه‌ای معین و علامه و بعض افاضل گفته‌اند که او از بزرگترین محدثین شیعه بوده است.

و شیخ اسداللّه کاظمی در مقابس ص ۱۴ گفته وی فقیهی محدث و فاضلی متبحر و علامه‌ای کامل و کم‌نظیر بوده است.

و ابن شهر آشوب هم در معالم العلماء او را بسیار تعظیم و تمجید و تعریف نموده و شیخ منتجب‌الدین در فهرست و صاحب لسان‌المیزان در ج ۳ ص ۴۸ و میرزا عبداللّه در ریاض العلماء و شیخ یوسف در لؤلؤهٔ البحرین و محدث نوری در ج ۳ مستدرک الوسائل ص ۴۸۹ و صاحب روضات در ص ۳۰۰ روضات و مامقانی در ج ۲ ص ۲۲ تنقیح‌المقال و هم ص ۱۴۸ منتهی‌المقال ذکر کرده است صاحب کرامت بوده و از کرامات وی که کرارا از سید استادم علامه نجفی مرعشی شنیدم می‌فرمود از چند نفر از پیرمردهای موثق شنیدم که می‌گفتند در موقع ساختن صحن شریف قبر مطهرش خراب و بدن شریفش نمایان شد که بعد از هفتصد سال تازه کمترین عیبی نکرده که گویا الان در اینجا خوابیده است.

تالیفات راوندی

تالیفات و تصنیفات ارزنده آن بزرگوار به قرار زیر است.

۱- الخرائج والجرائح مطبوع ۲- قصص الانبیاء ۳- فقه القرآن ۴- منهاج البراعه فی شرح نهج‌البلاغه در دو جلد ۵- اللباب ۶- اسباب النزول ۷- المغنی فی شرح النهایه ده مجلد ۸- سلوهٔ الحزین ۹- المعارج فی شرح خطبه من نهج‌البلاغه ۱۰- احکام الاحکام ۱۱- خلاصه التقاسیر ده جلد ۱۲- المستقصی شرح الذریعهٔ سید مرتضی در سه جلد ۱۳- ضیاء الشهاب فی شرح الشهاب ۱۴- حل العقود فی الجمل والعقود ۱۵- الانجاز فی شرح الایجاز ۱۶- نهیهٔ النهایه ۱۷- بیان الانفرادات ۱۸- التغریب فی التعریب ۱۹- الاغراب فی الاعراب ۲۰- زهر المباحثه ۲۱- تهافت الفلاسفه ۲۲- جواهر الکلام فی شرح مقدمه الکلام ۲۳- رسالهٔ الفقهاء و غیر اینها که موجب اطناب است اساتید و مشایخ اجازه و شاگردان بزرگوار وی بسیاراند که از ذکر آنان خودداری نمودم وفاتش در روز چهارشنبه چهاردهم شوال المکرم ۵۷۳ قمری اتفاق افتاده و در مکان مذکور مدفون گردید علامه معاصر ما آیهٔ‌اللّه مرعشی سنگ و لوح قبر شریفش را تجدید و مرمت نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

راوندی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی راوندی در سال ۱۲۹۲ ، در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه ایمان و دوره دبیرستان را در دارالفنون به پایان برد ، سپس وارد دانشکده افسری شد و در همانجا دوره سربازی را انجام داد. آنگاه جهت ادامه تحصیل وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و در رشته قضایی با درجه لیسانس فارغ التحصیل شد. استاد روندی پس از تحصیلات عالی ، مشاغل مختلفی را عهده دار شد ، وی ابتدا در راه آهن تهران به کار پرداخت ، سپس از سال ۱۳۱۸ ش . وارد دادگستری شد و به خدمت قضایی اشتغال ورزید. راوندی همچنین سمت هایی همچون ریاست ثبت کل کشور و دادیاری دیوان عالی کشور را نیز پذیرفت ، تا آنکه در سال ۱۳۴۴ ش ، بازنشسته شد. وی پس از بازنشستگی به پژوهش درباره تاریخ ایران و نقش سیاسی و اجتماعی مردم پرداخت و آثار نیز به چاپ رساند. استاد مرتضی راوندی سرانجام در روز چهارشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۷۸ در پی عارضه مغزی دیده از جهان

فروبست.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

تحصیلات رسمی و حرفه ای : مرتضی راوندی تحصیلات دوره ی ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رساند. در سال ۱۳۲۲ به اخذ لیسانس در رشته ی ادبیات فارسی از دانشسرای عالی توفیق پیداکرد و به سال ۱۳۲۴ برای فراگرفتن علوم دینی و معارف اسلامی رهسپار شهر مذهبی قم گردید. در سال ۱۳۲۹ برای تکمیل تحصیلات به تهران بازگشت و در سال ۱۳۳۵ به اخذ درجه ی دکترا در رشته ی زبان و ادبیات فارسی نائل آمد. وی برای تز دکترای خود و به راهنمایی استادش شیخ محمد سرابی ، « تفسیر مجمع البیان » را که تفسیری جامع در علوم قرآنی است برگزید.

خاطرات و وقایع تحصیل : مرتضی راوندی از سختگیری های نابجا و نظام آموزشی غلط دوران تحصیل خود چنین یاد می کند: « محیط اجتماعی ایران طوری بود که خانواده ها و دولت وقت ، توجهی به حیات جسمی و روحی کودکان نداشتند . تحرک ، بازی ، دویدن و جست و خیز اگر امروز نوعی تربیت و آموزش حساب می شود ، در قدیم نه تنها مورد تایید خانواده و مسئولین فرهنگی نبود ، بلکه نوعی شیطنت و بازی گوشی بی ادبانه تلقی می شد. هیچ فراموش نمی کنم موقعی که در مدرسه مبارکه ایمان دوره ابتدایی را می گذراندم ، مدیر مدرسه مرحوم « میرزا ابوالقاسم خان تفرشی » نه تنها در دویدن و بازی کردن را تایید نمی کرد ، بلکه در طبقه سوم ساختمان مدرسه و در ایوان می نشست و دست هایش را مقابل چشم ها می گذاشت و چنین وانمود می کرد که نمی بیند. اگر کودکی به حکم غریزه کودکی جست و خیز می کرد و با دیگر اطفال به بازی مشغول می شد ، آقای میرزا با ترکه حاضر می شد و به یکی از فراش ها می گفت: « بیارش. » و بعد بساط ترکه و فلک و تنبیه بود.

وقایع میانسالی : روی کار آمدن محمدرضا شاه پهلوی و باز شدن فضای سیاسی از سال ۱۳۲۰ ، روشنفکران و سیاستمداران را یکبار دیگر وارد عرصه سیاست نمود ، مرتضی راوندی نیز از جمله این افراد بود که در مسیر جریانات سیاسی کشور قرار گرفت و مدتی را نیز در زندان شاه به سر برد.

زمان و علت فوت : مرتضی راوندی در روز چهارشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۷۸ در پی عارضه مغزی دیده از جهان فروبست.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مرتضی روندی پس از تحصیلات عالی ، مشاغل مختلفی را عهده دار شد ، وی ابتدا در راه آهن تهران به کار پرداخت ، سپس از سال ۱۳۱۸ ش . وارد دادگستری شد و به خدمت قضایی اشتغال ورزید. راوندی همچنین سمت هایی همچون ریاست ثبت کل کشور و دادیاری دیوان عالی کشور را نیز پذیرفت ، تا آنکه در سال ۱۳۴۴ ش ، بازنشسته شد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مرتضی راوندی پس از بازنشستگی به پژوهش درباره تاریخ ایران و نقش سیاسی و اجتماعی مردم پرداخت. علاوه بر آن سفر به فرانسه و دیدن کتاب هایی درباره زندگی روزمره توده مردم پاریس در سده های گذشته ، ایشان را مصمم به پژوهش درباره زندگانی مردم و آداب و رسوم عادی و سایر طبقات مختلف کشور از لابه لای تواریخ کهن نمود.

راوندی، نجم الدین ابوبکر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نجم الدین ابوبکر عمر بن علی بن سلیمان بن محمدبن احمدبن حسین بن همت راوندی در اوایل نیمه دوم قرن ششم در راوند کاشان متولد شد. پدران وی از علما و خاندان عراقی الاصل بودند. وی در کودکی پدر را از دست داد اما در کنف حمایت دایی های فرهنگ دوست خود زین الدین و تاج الدین، علوم شرعی و ادبی و خوشنویسی را آموخت. راوندی پس از بروز قحطی سال ۵۷۰ در اصفهان، برای تحصیل به مسافرت در شهرهای ایران و عراق پرداخت و از سال ۵۷۷ به دربار شاهان سلجوقی راه یافت . راوندی پس از انقراض سلجوقیان بزرگ، از همدان راهی آسیای صغیر شد و در دربار سلطان غیاث الدین ابوالفتح کیخسرو بن قلیج ارسلان مورد استقبال قرار گرفت و کتاب خود «راحه الصدور و آیه السرور فی تاریخ آل سلجوق» را در سال ۵۹۹ به وی تقدیم کرد و اندکی بعد درگذشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

گرایش : ایران دوره اسلامی

والدین و انساب : خاندان نجم الدین ابوبکر راوندی از خانواده های علمای عراق بودند اما وی در راوند کاشان ولادت یافت. تاج الدین راوندی و زین الدین راوندی دایی های او ازشاعران عهد سلجوقی به شمار می روند.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : نجم الدین ابوبکر راوندی در کودکی پدر را از دست داد و خاندان او به سبب قحطی سال ۵۷۰ تهیدست شدند . چنانکه محمد راوندی به مدت ۱۰ سال تحت حمایت دایی خود تاج الدین احمد بن محمد بن علی راوندی ،که از فاضلان بزرگ روزگار و در انواع علوم شرعی و ادبی سرآمد بود، رشد کرد و به شهرهای مهم عراق سفر کرد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : نجم الدین ابوبکر راوندی که در کودکی به زبان عربی تسلط داشت علوم شرعی و ادبی و هم چنین خوش نویسی را نزد دایی های خود آموخت تا آنجا که در هفتاد نوع خط مهارت یافت . تسلط وی به خوش نویسی مو جب شد تا علومی را نیز از طریق نسخه نویسی کتابها کسب کند . از سال ۵۷۰ محمد راوندی سفرهای خود را به شهر های مختلف ایران و عراق برای تحصیل علم آغاز کرد . او در مدارس عراق به صورت پراکنده و موقت به تحصیل پرداخت.

خاطرات و وقایع تحصیل : پدر نجم الدین ابوبکر راوندی در حین تحصیل وی درگذشت و اوضاع مالی خانواده راوندی رو به نزول رفت این اوضاع با وقوع قحطی سال ۵۰۷ در اصفهان به وخامت گرایید .

فعالیتهای ضمن تحصیل : نجم الدین ابوبکر راوندی به خطاطی تذهیب و جلد سازی نیز می پرداخت و در حین تحصیل از طریق نسخه نویسی کتابها امرار معاش می کرد. نجم الدین ابوبکر راوندی به نثر و شعر مسلط بود همواره در این باره به ممارست مشغول بود . و در دربار سلاطین پذیرفته می شد . و اشعار خود را از جمله قصایدش در کتاب راحه الصدور و آیه السرور آورده است

استادان و مربیان : نجم الدین ابوبکر راوندی نزد دایی های خود زین الدین و تاج الدین احمد بن محمد بن علی راوندی مقدمات علوم شرعی و ادبی را آموخت . تاج الدین در همدان در مدرسه محله سابق آباد درس می گفت.

هم دوره ای ها و همکاران : شهاب الدین احمد از دوستان دوران تحصیل نجم الدین ابوبکر راوندی بوده است که راوندی گاهی بدلیل فروتنی بعنوان استاد خود از وی یاد می کند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : نجم الدین ابوبکر راوندی پس از قحطی سال ۵۷۰ در اصفهان برای تحصیل در شهرهای ایران و عراق به مسافرت پرداخت و از سال ۵۷۷ به دربار طغرل بن ارسلان سلجوقی راه یافت و پس از آن به خدمت سلیمان شاه بن قلج ارسلان سلجوقی درآمد. در این سالها راوندی در همدان اقامت داشت ، اما پس از انقراض سلجوقیان ایران، به روم رفت و در دربار سلطان غیاث الدین ابوالفتح کیخسرو بن قلج ارسلان پذیرفته شد. در آن زمان گروهی از بزرگان ایران از دست مغولان به دربار امن پادشاهان سلاجقه روم پناه می بردند . از آن جمله می توان به شمس الدین تبریزی، مولانا جلال الدین بلخی [مولوی]و نجم الدین رازی از عارفان مشهور آن زمان نام برد . راوندی کتب خود را به دلیل احساس دین به سلاطین سلجوقی و در قدردانی از تاسیس مدارس عراق که وی در آنها تحصیل کرده بود و برای به یادگار گزاردن اثرجادوانی از خود و همچنین برای تجلیل از فتح عظیم انطاکیه توسط کیخسرو بن قلج ارسلان در سال ۵۹۹ کتاب راحه الصدور را به وی تقدیم کرد. [صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج۲، صص ۱۰–۱۰۰۹] وی از سال ۵۸۰ به فکر تالیف چنین اثری افتاد. و در سال ۶۰۲ به طور کامل اتمام یافت.

فعالیتهای آموزشی : نجم الدین ابوبکر راوندی بعنوان معلم پسران سلیمان شاه بن قلج ارسلان سلجوق در دربار حضور داشت.

شاگردان : فرزندان سلیمان شاه بن قلج ارسلان سلجوقی در کودکی تحت تعلیم نجم الدین ابوبکر راوندی قرار داشته اند.

همفکران فرد : افضل الدین کرمانی، اتابیک منتجب الدین بدیع کاتب جوینی همانند محمد بن علی راوندی از شاعران و مورخین ومنشیان دربار سلجوقی به شمار می رفتند کاشانی (مولف زبده التواریخ)در عهد سلجوقی همانند نجم الدین ابوبکر راوندی کتاب خود را بر اساس سلجوقنامه ظهیر الدین نیشابوری نگاشت.

چگونگی عرضه آثار : نجم الدین ابوبکر راوندی کتاب راحه الصدور را به نام سلطان غیاث الدین ابوالفتح کیخسرو بن قلج ارسلان سلجوقی به پایان برد و به وی تقدیم نمود. --

آثار :

۰۱

ویژگی اثر : ۰

۲ اعلام الملوک معروف به راحه الصدور و آیه السرور

ویژگی اثر : راوندی دراین کتاب پر ارزش خود پس از ذکر دیباچه و سبب تالیف کتاب و ستایش عدل و انصاف که پر است از فواید ادبی و تاریخی، وارد تحقیق و بحث در دولت سلجوقیان شده و کار آنان را از ابتدا شرح داده و وقایع عهد سلاجقه بزرگ را تا پایان کار سنجر به تفصیل آورده و آنگاه به ذکر سلاجقه عراق تا پایان کار طغرل بن ارسلان و استیلای خوارزمشاهیان بر عراق پرداخته و در عین حال درباره اتابکان عراق و آذربایجان به تفصیل سخن گفته است. در پایان کتاب راوندی فصولی در ذکر آداب شطرنج، شراب، مسابقت و تیرانداختن، شکار کردن، اصول خط ، فی الغالب و المغلوب و فصلی در خاتمت کتاب آورده و کتاب را به نام و مدح غیاث الدین کیخسرو خاتمه داده است. [صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج۳، ص ۱۰۱۰] کتاب راحه الصدور آیه السرور در سال ۵۹۹ تالیف شده و یکی از بهترین کتب نثر فارسی و در نهایت فصاحت و روانی نوشته شده است و در ضمن اشعاری به فارسی از مولف و نیز از بزرگان ادب فارسی در آن ثبت شده است، [نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ج۱، ص ۱۴۵] راحه الصدور از کتب مهم قرن ششم و اوایل قرن هفتم است که خواه از باب سلامت انشا آن و ابراز فضل های مولف و خواه از نظر در بر گرفتن اطلاعات فراوان تاریخی و اجتمای در شمار معتبرترین و سودمند ترین کتب فارسی پیش از حمله مغول در ایران به شمار می رود. [صفا،تاریخ ادبیات در ایران، ج۲، ص ۱۰۰۸] راحه الصدور از بهترین کتب نثر پارسی است که قسمتی از آن به شیوه مصنوع و مزین و قسمتی دیگر ساده و بی پیرایه است. در قسمتهای مصنوع راحه الصدور دراز گویی و آوردن امثال و اشعار عربی و فارسی بویژه اشعار شاهنامه فراوان و سخن راوندی در برخی موارد به لطافت شعر و دارای همان شرایط و موضوعات می شود. از امتیازات ادبی راحه الصدور ایراد قصائدی تمام از شاعران استاد و بزرگ قرن ششم منوچهری دامغانی ،شمس الدین احمد بن منوچهر شصت کله، امیر عمادی اثیر اخسیکتی و سید حسن غزنوی است. [صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج۲، صص ۳و۷۴و۱۵۲و۱۰۱۱وص۷۰۸و۵۸۷و۵۲۰] که مدتها پیش بطور داوطلبانه آغاز به تالیف کرده بود.

منابع زندگینامه :

۱راوندی، راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق، ص۴۰۲سعید، نفیسی. تاریخ نظم و نثر ر ایران و در زبان فارسی، ج۱، تهران: کتابفروشی فروغی، ۱۳۴۴، ص ۱۴۵ و ۸۸۷۳صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج۲، ص ۱۰۰۹۴محمد بن عی بن سلیمان، «راوندی»، راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ آن سلجوق، به اهتمام محمد اقبال و تصحیح مجتبی مینوی، چاپ دوم، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۴، ص ۴۹

راووسی، یوسف

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن خشتی بزرگ، نسخ کتابت جلی ترکی و ثلث دو دانگ عالی با رقم «یوسف بن محمد الراووسی ۱۰۶۸» در موزه‌ی اسلامی ترک.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

راوی الشعراء کاشی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. ملقب به راوی‌الشعراء. وی نوه‌ی فتحعلی‌خان صبا بود و از همان اوان جوانی به سرودن شعر پرداخت و بیشتر در قالب قصیده طبع‌آزمایی می‌کرد. از قصیده‌ی اوست:

پیغام داد دوش مرا یار غمگسار

کای بینوای سوخته و ز رنج بی‌قرار

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۵۶۳ -۱۵۶۲ /۳).

راوی گروسی، محمد فاضل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۵۹/۱۲۵۲/۱۲۴۳ -۱۱۹۸ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به راوی. ملقب به فاضل خان. اصل وی از طایفه بایندری ترکمان بود در گروس همدان متولد شد. پدرش در تربیت وی اهتمام بسیار کرد اما زمانی که محمد شانزده ساله بود، پدرش درگذشت. بعد از مرگ پدر، او در شهرهای مختلف ایران سیاحت کرد و به هنگام سلطنت فتحعلی‌شاه به تهران آمد و بوسیله‌ی فتحعلی خان صبا، که نفوذی در دربار داشت و آثار استعداد و قریحه را در او دید، به فتحعلی شاه معرفی و پس از چندی از نزدیکان سلطان شد و اشعار مدح خاقانی را روایت می‌کرد و به همین جهت ملقب به راوی گشت و در سلک غلامان دربار درآمد. او به نگارش «انجمن خاقانی» که تذکره‌ای دربار درآمد. او به نگارش «انجمن خاقانی» که تذکره‌ای کامل و دارای یک مقدمه و چهار بخش (انجمن (در شرح حال فتحعلی شاه و یگر افراد این خانواده است، مامور شد. او در سال ۱۲۴۵ ق به همراه خسرو میرزا، نوه‌ی فتحعلی شاه، از طریق تفلیس به روسیه سفر کرد. فاضل خان علاوه بر معلومات ادبی و عربی، خطی بسیار عالی انشایی قابل توجه داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۵۳ -۳۵۲ /۹)، ریحانه (۲۹۸/۲)، سفینه المحمود (۴۶۵ -۴۶۳ /۲)، شرح حال رجال (۵۰/۳)، فرهنگ سخنوران (۳۶۷)، لغت نامه (ذیل/ راوی گروسی)، مجمع الفصحا (۳۲۰ -۳۱۹ /۴)، مطبه‌ی خراب (۶۸ -۶۷)، نگارستان دارا (۸۴ - ۸۰)، یغما (س ۱۱، ش ۱۱، ص ۴۹۸ -۴۹۴).

راهب اصفهانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی مولدش قریه‌ی رنان، از اعمال اصفهان است. او به هند رفت و مدتی در آن دیار زیست و سرانجام به موطن خود بازگشت. وی بسیار شعر می‌سروده است. از آثار او: «دیوان» شعر. از اوست:

چنان مکن که ز خاکم غبار برخیزد

مباد پرده‌ام از روی کار برخیزد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۱۴)، الذریعه (۳۵۳/۹)، صبح گلشن (۱۷۲)، فرهنگ سخنوران (۳۶۶)، کاروان هند (۴۳۷/۱).

راهب طباطبایی اصفهانی، محمد جعفر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۶۶ ق)، شاعر. وی از سادات طباطبایی است و اصلش از نایین اصفهان است. از جانب مادر، نسبش به سلطان العلما خلیفه سلطان می‌رسد. وی از جمله کسانی بود که به هند سفر کرد؛ ولی بعد از مدتی به اصفهان بازگشت. اگر مجموع اشعار او فراهم می‌آمد چهل پنجاه هزار بیت می‌شد، اقسام سخنی دارد از غزل و قصیده و رباعی و غیره. نادرشاه نامه را نیز به نظم آورده است. «دیوان» او دارای پنج شش هزار بیت نزد میرزا علی‌رضا دیده شده است. وی در اصفهان درگذشت و در گورستان آب بخشان از حومه‌ی بیدآباد به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۱۴۲)، تذکره المعاصرین (۲۲۰ -۲۱۹، ۳۸۲ -۳۷۵)، الذریعه (۳۵۳/۹)، روضه الصفا (۵۸۶/۸)، سفینه المحمود (۴۷۳ -۴۷۲ /۲)، فرهنگ سخنوران (۳۶۶)، نگارستان دارا (۱۹۵ -۱۹۴).

راهب مالمیری، حسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به راهب. پدران وی از بزرگان مالمیر بودند. وی در اصفهان توطن داشت. راهب مدتی استیفا یزد را عهده‌دار بود و در همین شهر درگذشت. رباعیات سته میرزا محتشم را در جلوس شاه صفی جواب گفته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۰۹ -۱۰۸)، الذریعه (۳۵۳/۹).

راهب هروی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر و تذکره‌نویس. اصل وی از هرات بود. کتابی موسوم به «دیر راهب» به نظم درآورد و «تذکره‌ای» به نام علیرضا پاشا، والی بغداد، تنظیم کرد که ناتمام ماند. از اوست:

آنان که شب و روز مرا مونس و یارند

یکروزه چو گل، یک شبه چون شمع مزارند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تایخ تذکره‌های فارسی (۲۴۰ -۲۳۹ /۱)، فرهنگ سخنوران (۳۶۷)، مصطبه‌ی خراب (۷۰ -۶۹).

رایض زنجانی، رایض‌الدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، عارف، نویسنده و شاعر. از آثار او است: «ده بند مراثی»، به ضمیمه‌ی وصیت‌نامه‌ی مجدالاشراف؛ «کنوز الاسرار»؛ «کرائم الکریمه»؛ «اسؤله‌ی پرویزیه»، موسوم به «رساله الغیبیه»، «قصاید و غزلیات» که به سال ۱۳۰۶ ق در تبریز چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۳۶۸)، مولفین کتب چاپی (۹۲۰ -۹۱۹ /۳).

رایض، کربلایی محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۷/۱۲۸۲/۱۲۸۱ ق)، شاعر، متخلص به رایض. «دیوان» اشعار وی به سال ۱۳۲۲ ق چاپ سنگی شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۳۶۸)، مولفین کتب چاپی (۸۴۲/۲).

رایگانی، عبدالحمید

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم و هشتم ق)، شاعر. وی از مردم روستایی به نام رایگان در منطقه‌ی قزوین بود. در زمان اباقاخان (۶۸۰ -۶۶۳ ق) می‌زیست و از ویژگان ملک افتخارالدین قزوینی به شمار می‌رفت. از وی به گویش پهلوی قزوینی اشعاری به جای مانده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۲۲ -۲۲۱).

ربابه

قرن:۱۳
جنسیت:زن
ملیت:ایران
حدود ۱۲۹۷ ق، از زنان فاضل، سخنور، محدث و متکلم. وی دختر ملا محمدصالح برغانی (۱۲۷۵ / ۱۲۷۰ ق) و آمنه خانم قزوینی و خواهر فاطمه ملقب به قرةالعین بود. او از خاندان علم و دانش بود که بسیاری از مردان و زنان آن از علما و فضلای مبرز زمان خود به شمار می‌رفتند.
وی مقدمات زبان عربی و ادبیات را نزد مردان خانواده و خواهرش قرةالعین فراگرفت و فقه و اصول و تفسیر و حدیث را از پدرش و عمویش ملا محمدتقی برغانی (۱۲۶۴ ق)، معروف به شهید ثالث، آموخت. یک دوره حکمت و فلسفه را نزد آخوند شیخ ملا آغا حکمی گذراند و در عرفان نزد عمویش ملا علی برغانی و برادرش میرزا عبدالوهاب برغانی قزوینی تلمذ کرد. هنگامی که به سن رشد رسید با میرزا هبةاللّه رفیعی قزوینی ازدواج نمود.
او در جایگاه درس و وعظ و ارشاد قرار گرفت و به استنباط احکام شرعی می‌پرداخت و با علما مباحثه و مجادله می‌کرد و در مسائل فقهی و علمی فتوا می‌داد و به نظر و احکامش عمل می‌کرد، تا جائی که امید و پناهگاه مستمندان و درماندگان بود. در سخنرانیها و مجالسش فراوان از ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳ -۱۲۶۴ ق) و درباریان و نزدیکانش انتقاد و بدگویی می‌کرد و هیچگاه ناصرالدین شاه متعرض او نگردید.
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :منبع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات)، ۱۰۵ -۱۰۴ / ۴.

رباعی مشهدی

قرن:۱۰
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، شاعر و صوفی. معروف به شیخ رباعی. وی مردی درویش مسلک و ریاضت‌کش و بسیار مورد توجه سلطان ابراهیم میرزای صفوی بود. ظاهرا در زمان جلال‌الدین محمداکبر سفری به هند داشت. چون همیشه رباعی می‌سرود، به شیخ رباعی معروف شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۲۷)، تحفه‌ی سامی (۲۳۹)، الذریعه (۳۵۴/۹)، ریحانه (۳۰۰/۲)، صبح گلشن (۱۷۲)، فرهنگ سخنوران (۳۶۸)، لغت نامه (ذیل/ رباعی)، مجمع الخواص (۲۶۶ -۲۶۵)، هفت اقلیم (۲۱۶ -۲۱۵ /۲).

ربانی املشی، محمدمهدی

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم.
درگذشت: ۱۷ تیر ۱۳۶۴، تهران.
آیت‌الله محمدمهدی ربانی املشی در سمت‌هایی چون نمایندگی مجلس خبرگان قانون اساسی، ریاست شعبه اول دادگاه عالی، عضویت در ستاد انقلاب فرهنگی، عضویت در شورای عالی قضائی، دادستانی کل کشور، عضویت در شورای نگهبان، عضویت در مجلس خبرگان رهبری و نیابت ریاست مجلس شورای اسلامی (نماینده مردم تهران) خدمت کرده است.
آیت‌الله ربانی املشی از شاگردان حضرت امام خمینی (ره) در حوزه‌ی علمیه‌ی قم بود. ایشان با تأسیس جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، به عنوان یکی از اعضای فعال این جامعه سال‌ها زندان و شکنجه و تبعید را تحمل کرد. با این همه از پای ننشست و در راه به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی، بی‌وقفه تلاش کرد.
آیت‌الله ربانی املشی در تاریخ هفدهم تیرماه ۱۳۶۴ در تهران درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ربانی چادگانی، عذرا

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیوشیمی، دانشکده: مرکز تحقیقات بیوشیمی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی بیولوژی از دانشکده علوم دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰، کارشناسی ارشد بیولوژی (بیوفیزیک) از دانشکده علوم دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۴، دکترای بیوشیمی از دانشگاه لندن (مرکز تحقیقات سرطان) در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۱، ارتقاء به درجه دانشیاری مرکز تحقیقات بیوشیمی بیوفیزیک.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیوشیمی، بیوفیزیک، بیومولکولی، زیست مولکولی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۹ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مبانی بیوشیمی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴۰

زمینه علمی مقالات:

بیوشیمی، بیوفیزیک، بیولوژی مولکولی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ربانی خواه، هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی ربانی خواه

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۷/۱

زندگینامه علمی

به سال ۱۳۴۲ در خانواده ای روحانی در شهر قم متولد شدم. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در شهر قم گذراندم. درسال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه شدم. مقدمات را در مدرسه رضویه گذراندم. در دوره سطح از محضر مرحوم آیت الله طاهر شمس و پایانی، و حجج اسلام موسوی تهرانی، پایانی، نکونام، خسروشاهی، هادوی و کدیور بهره بردم.و از دروس خارج آیات عظام شبیری زنجانی (فقه)، وحید (اصول) کسب فیض نمودم . در کنار دروس حوزه به امور پژوهشی و تالیف نیز اشتغال داشته ام. همچنین با برخی از مراکز پژوهشی همکاری داشته و دارم. در حوزه های کتابداری، کتابشناسی، ویرایش و اطلاع رسانی نیز فعالیت داشته ام. در زمینه های یاد شده تدریس نیز کرده ام. در راه اندازی چندین موسسه پژوهشی و کتابخانه تخصصی نیز همکاری داشته ام. همچنین در حوزه های یاد شده خدمات مشاوره ای بسیاری به موسسات پژوهشی داده ام.

ربانی خوراسگانی، محمدصادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صادق ربانی خوراسگانی

محل تولد : اصفهان

شهرت : ربانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در مهر ماه سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و سطوح مقدمات را در سال ۷۶ به پایان رساندم و همراه با آن دیپلم را اخذ کردم و وارد حوزه علمیه قم شدم و در کنار دروس حوزوی رسائل و مکاسب و کفایه در مؤسسه امام خمینی(ره) قم مشغول به تحصیل در رشته جامعه شناسی شده و الان مشغول پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی هستم و در حدود ۵ سال است که در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام آیهٔ الله فاضل لنکرانی ، مرحوم تبریزی ، وحید خراسانی و استاد محمد جواد فاضل لنکرانی مشغول به تحصیل علوم حوزوی هستم.

ربانی شیرازی، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای آقا میرزا عبدالرحیم شیرازی از علماء و فضلاء به نام حوزه علمیه است. وی در شیراز متولد شده و پس از طی مقدماتی برای تکمیل مبانی علمی و تحصیل کمالات به قم مهاجرت نموده و سطوح و متون فقهی و اصولی را از مدرسین بزرگ چون مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد محقق داماد یزدی و دیگران فراگرفته و دروس فقه و اصول استدلالی و تحلیلی را از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی امام خمینی. و نیز بعضی دیگر استفاده نموده و به تالیف و مباحثات خصوصی پرداخته است.

از آثار اوست تعلیقات بر وسائل الشیعه از اول طهارت تا آخر دیات که ۱۶ مجلد آن به طبع رسیده و نیز آثار دیگری از تعلیقات بر بحارالانوار و غیره دارد که بعضی مطبوع و برخی هم مخطوط مانده است.

عالم.

تولد: ۱۳۰۳، دارالفضیله شیراز.

درگذشت: ۱۷ اسفند ۱۳۶۰، بین راه دلیجان– محلات.

آیت‌الله عبدالرحیم ربانی شیرازی، فرزند حاج مهدی، ایام کودکی را در مکتبخانه‌ها و جوانی را در مداس علمیه‌ی شیراز به سر آورد. هنوز به بیست سالگی نرسیده بود که از پدر مستقل شد و حجره‌ای برای خود دست و پا کرد. در جوانی به حزب «برادران» پیوست که به رهبری آیت‌الله آقا سید نورالدین حسینی برای مقابله با تجاوزات استعمارگران خارجی و عمال داخلی آنها به حریم اسلام و روحانیت تأسیس شده بود و رسما به فعالیت‌های حزبی و سیاسی پرداخت. همزمان با آن برای تکمیل اطلاعات دینی خود به مدرسه‌ی علمیه‌ی آقا باباخان رفت. سپس در زمان مرجعیت آیت‌الله سید حسین بروجردی به قم مشرف شد. در قم، چند سالی در مدرسه‌ی حجتیه سکنی گزید تا آن که ازدواج کرد و به منزلی که در یکی از محله‌های قدیمی قم اجاره کرده بود، نقل مکان نمود. ایشان برای امرار معاش به خرید و فروش می‌پرداخت.

شروع مبارزات آیت‌الله ربانی شیرازی با رضاشاه، ایستادگی در مقابل برنامه کشف حجاب بود. ایشان تصمیم گرفت آیات و روایاتی را که دلالت بر لزوم پوشش برای زن دارد، استخراج نموده و آنها را به صورت اعلامیه‌ای نوشته و بر معابر عمومی نصب نماید. برای کسب اجازه به نزد آیت‌الله آقا سید نورالدین رفت که به وی اجازه داده شد. از دیگر فعالیت‌های او در زمان اقامت در حوزه‌ی علمیه‌ی شیراز، مبارزه با فرقه‌های مذهبی و سیاسی نظیر بهاییان و صوفیان دراویش و نیز تبلیغات حزب توده در سال‌های ۱۳۲۰ بود.

آیت‌الله ربانی در مدت اقامت خود در شیراز به مرتبه‌ای از دانش رسید که دیگر ادامه تحصیلش در آن شهر امکان نداشت. از همین روی علیرغم مساعد نبودن شرایط و آماده نبودن زمینه مهاجرت، سرانجام در سال ۱۳۲۷ راهی شهر مقدس قم گردید و بلافاصله در حوزه‌ی درس آیت‌الله بروجردی حاضر شد.

از جمله آثار ایشان به این شرح هستند: تصحیح و تعلیق وسائل الشیعه؛ تصحیح و تعلیق بحارالانوار؛ قضاءالحقوق فی ترجمهٔ الصدوق؛ حرکت طبیعی از دو دیدگاه؛ رساله در عدم تحریف قرآن مجید؛ کتاب صلاهٔ و ادعیه و قرآن و ملابس که به سبک جدیدی نوشته شده است؛ مقدمه بر بحارالانوار و وسایل الشیعه؛ مقدمه‌ی مبانی الاخبار (در ۹۴ صفحه، در ترجمه صدوق علیه‌الرحمه)؛ رساله‌ها و جزوه‌های پراکنده و چاپ نشده.

آیت‌الله ربانی شیرازی برای شرکت در جلسات شورای نگهبان از شیراز عازم تهران بود در بین راه دلیجان محلات، اتومبیل حامل ایشان پس از ترکیدن لاستیک آن توسط گلوله از جاده منحرف و واژگون شد. کمی پس از واژگون شدن اتومبیل حامل ایشان مینی‌بوسی از راه رسید و تنها ایشان را که حتی به مقدار کمتری از بقیه‌ی همراهان خود، دچار آسیب دیدگی و جراحت شده بودند با خود به یکی از درمانگاه‌های شهرستان محلات بردند و مصببین بدون آنکه هیچ گونه رد پایی از خود به جا بگذارند، محل را ترک کرده و متواری شدند. هنوز ساعاتی چند از انتقال به درمانگاه نگذشته بود که درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ربانی قریب گرکانی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۵ -۱۲۶۲ ق)، محقق، نویسنده و شاعر، متخلص به ربانی. ملقب به شمس‌العلماء و مشهور به جناب. وی درقریه‌ی گرکان از توابع اراک متولد شد، علوم مقدماتی را در زادگاهش فراگرفت و برای ادامه‌ی تحصیل به قم رفت و پس از آموختن فقه و اصول و تفسیر، به عتبات رفت و در محضر درس میرزا محمدحسن شیرازی و حاج میرزا حسین و حاج میرزا خلیل به تحصیل فقه و اصول پرداخت. آنگاه به هندوستان رفت و مدت ده سال در آن کشور به تدریس اشتغال داشت. پس از سفری چند به قفقاز و استانبول، به تهران بازگشت و در این شهر مقیم شد. مدتی ریاست مدرسه‌ی علمیه و سپس ریاست مدرسه‌ی قاجاریه را عهده‌دار بود و بعد به وزارت دادگستری منتقل شد و به مستشاری دیوان تمیز منصوب گردید. سرانجام در تهران وفات یافت و در قبرستان ابن‌بابویه دفن گردید. از آثار وی: «رساله‌ی مقصد الطالب فی احوال اجداد النبی و عمه البیطاب»؛ «رساله‌ی منظوم در اصول»؛ «نور الحدیقه»؛ «حواشی روضه»؛ «حواشی معالم»؛ «تاریخ خطاطان»؛ «ابداع البدایع»؛ «تاریخ شعراء»؛ «رساله در معانی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ارمغان (س ۷، ش ۹ و ۱۰، ص ۵۴۵ -۵۳۷)، الذریعه (۸۸۱، ۳۵۴ /۹)، ریحانه (۲۸۱/۱)، سخنوران نامی معاصر (۱۴۸۰ -۱۴۷۷ /۲)، طرئق الحقائق (۷۴۹/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۸۲۶ -۸۲۵ /۲)، یادگار (س ۵، ش ۳، ص ۵۷ -۵۶).

ربانی، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جعفر ربانی

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شدم. ادبیات را نزد مدرس افغانی فرا گرفتم و طی دو سال به پایان رساندم. آن گاه مختصر المعانی و معالم الاصول و اصول الفقه و لمعتین را نزد استاتیدی همچون استاد وجدانی فخر و استاد سبحانی و بعضی اساتید خصوصی می آموختم و در درس اخلاق بعضی آیات عظام شرکت می کردم. از ابتدا علاقه زیادی به تدریس و نوشتن داشتم و در پی فرصتی برای پی ریزی این دو برنامه بودم و جسته و گریخته فعّالیتهای اندکی در این دو زمینه داشتم. کلاسداری یکی دیگر از برنامه های من بود کلاسهای قرآن و عقاید و تاریخ در شهرستان تربت حیدریه و سایر شهرستانهای دیگر از جنبه های زندگیم را سفرهای تبلیغی تشکیل می داد سفرهای مختلف به شهرها و روستاهای کشور اسلامی و عزیزم که با فرهنگ های گوناگون آشنا می شدم . ولی سطح عالی مانند مکاسب و رسائل و کفایه را نزد اساتیدی همچون استاد اعتمادی، دوزدوزانی، ستوده، پایانی، صالحی مازندرانی آموختم.

در سال ۱۳۷۱ رسماً مشغول تدریس دروس دینی در یکی از مدارس حوزه علمیه قم گردیدم و در سال ۱۳۷۵ در مرکز جهانی علوم اسلامی برای طلاب غیر ایرانی شروع به تدریس نمودم. و اینک نیز به لطف خدای مهربان اشتغال به تدریس دارم و برکاتی از این طریق نصیبم گردیده. نوشتاری را تقریباً از سال ۱۳۷۴ شروع کردم.مشوق اصلی من در این رشته جناب حجهٔ الاسلام مهدی مهدوی پور بودند که سرپرستی پژوهشکده باقرالعلوم (ع) را در سازمان تبلیغات اسلامی بر عهده داشتند به تشویق ایشان اوّلین کتاب خود را نوشتم(کتاب معلی بن خنیس معلم استقامت)

بی انصافی است اگر از تشویقات همسرم در این زمینه نامی نبرده باشم به هر حال، روز به روز علاقه مندی به نوشتن و تحقیق در من بیشتر می شد و پس از مدّتی دومین کتابم را جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به چاپ رسانید(کتاب خلیل بن احد) و در این بین مقالاتم به لطف خدای مهربان یکی پس از دیگری چاپ می شد ولی اینک نزدیک به بیست مقاله در موضوعات مختلف نوشتم.

در سال ۱۳۸۴ پایان نامه سطح ۳ را با موضوع عدالت خداوند به رشته تحریر در آوردم و با عنایت الهی رساله ای جالب و تحقیقی به مرحله دفاع رسید و آقایان داور با اعطای نمره ۱۹ اینجانب را بسیار تشویق نمودند و با توفیقی الابالله. اینک به لطف ایزد پاک خود را برای نوشتن پایان نامه سطح چهار(دکترا) آماده می کنم و امیدوارم هم یاریم نماید.

باورم بر این است که طلاب علوم دینی علاوه بر تقوا ورزی طلبگی و سایر شؤن دینی و سیاسی و اجتماعی ناگزیر از چهار نکته می باشد: تدریس، تحقیق، تبلیغ، تحصیل. باور دیگر من در زندگی علمی طلاب آنست که از پایه ۶ باید رشته تخصصی انتخاب نمایند و علاوه بر رشته عمومی دوره تخصصی را نیز بگذرانند تا پس از مدّتی در جهتی خاص، صاحب نظر گردند.

از دیگر مراحل علمی زندگیم، شرکت در دروس خارج است که به مدّت ۱۳ سال دروس حضرات آیات وحید خراسانی و مرحوم شیخ جواد تبریزی شرکت نمودم و بهره ها گرفتم. دیگر از باورهای علمی من این است که طلاب ناگزیر از تسلط یکی از زبانهای خارجی و زبان اینترنت و کامپیوتر هستند تا با اطلاع رسانی سریع تر برای همه مخاطبان خود مفید و نافع باشند در پایان امیدوارم خداوند عمر ما را سرتاسر نور و در جهت نشر معارف اهل بیت (ع) بندگی خودش بنماید.

ربانی، حبیب‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روانشناسی، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: آزاد اسلامی رودهن

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان‌های خارجی و ادبیات از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۵، کارشناسی روان‌شناسی و علوم تربیتی از دانشسرای عالی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۴، کارشناسی ارشد روان‌شناسی و علوم تربیتی از دانشگاه سوربن فرانسه در سال ۱۳۴۲ –۴۳، کارشناسی ارشد روان‌پزشکی از دانشگاه سوربن فرانسه در سال ۱۳۴۳ –۴۴، دکترای روانشناسی بالینی و بهداشت روانی از دانشگاه ایلینویز آمریکا.

مرتبه علمی:

تدریس در دانشگاههای مختلف ایران، تدریس در دانشگاههای کشورهای اروپائی و کانادا به صورت استاد مدعو، دانشیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی رودهن.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

روانشناسی، بهداشت روانی، علوم تربیتی، روانپزشکی، علل شکست تحصیلی دانش‌آموزان، نیازهای سالمندان، مسائل روانی و اجتماعی مربوط به بازنشستگی زودرس، اختلالات شخصیتی در بزرگسالان و سالمندان، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی تألیفات:

روانشناسی، بهداشت روانی، علوم تربیتی، روان‌پزشکی، پسیکوژریاتری، بررسی تطبیقی مراکز تربیت معلم و دانشسراها در کشورهای جهان.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۰

زمینه علمی مقالات:

روان‌شناسی، بهداشت روانی، علوم تربیتی، روان‌پزشکی، روان‌شناسی پزشکی، روان‌شناسی کودک، روان‌شناسی و روان‌پزشکی سالمندان.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ربن

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(عبر. ربان) طبری از تربیت یافتگان حوزه علمی مرو، و بردین نصرانی– و به قولی بردین یهودی– بوده است (قر. ۲ و اوایل قر ۳ ه.) وی در طب و نجوم و ریاضیات ماهر و از مترجمان معروف عهد خود به شمار می‌رود. از جمله منقولات او نسخه‌ای از «المجسطی» بود از یونانی به عربی که کاملتر از نسخ منقول دیگر بود. وی پدر علی ابن ربن طبری (ه.م.) است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ربنجنی ابوالعباس، فضل

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۳۳۱ ق)، شاعر. محل تولد وی ربنجن (ربنجان) از مضافت سمرقند بود. از شاعران استاد عهد سامانی و بنا بر قول عوفی شعر او در غایت دقت و نهایت رقت بود. چون عوفی قطعه‌ای از وی در مرثیت نصربن احمد نقل کرده، معلوم می‌شود که از معاصران آن پادشاه و جانشین او نوح بوده و مسلما در سال ۳۳۱ ق که سال فوت نصر بن احمد است، حیات داشته است. از قصیده‌ی مشهوری که در رثاء نصر بن احمد گفته چند جا یاد شده است، از جمله در قصیده فرّخی در تهنیت جلوس امیر محمد. از اشعار وی حدود ۹۵ بیت باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۳۹۶ –۳۹۵ / ۱)، تاریخ ادبی ایران (۶۶۸ / ۱)، تذکره‌ی روز روشن (۲۲)، دایرهٔ المعارف فارسی (۲۵ / ۱)، الذریعه (۸۳۵، ۱۴۴ / ۹)، سخن و سخنوران (۲۷)، لباب الالباب (۹ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالعباس)، المعجم فی

معاییر اشعار العجم (۳۰۶)، مجمع الفصحا (۹۴۵ / ۲).

ربیع انصاری اصفهانی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۸ ق)، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر. وی در اصفهان به دنیا آمد و تحصیلات خود را در این شهر انجام داد. سپس به ارومیه رفت و در آن شهر «روزنامه‌ی کیوان» را منتشر ساخت. از آثار او: «افشای حقایق پاسخ به اعلامیه‌ی ۲۹ آذر سید ضیاءالدین»؛ «جنایات بشر یا آدم‌فروشان قرن بیستم»؛ «سیزده عید وضع اجتماعی زن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۳۶۸)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۳ -۱۰۲ /۳).

ربیع نیا، ابوطالب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوطالب ربیع نیا قمی

محل تولد : نوشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابوطالب ربیع نیا درسال ۱۳۵۵ برای تحصیل درعلوم دینی و حوزوی وارد حوزهٔعلمیه شهرستان چالوس شدم و دروس مقدماتی حوزه را در آن جا گذراندم. در سال۱۳۷۵ ،هم زمان با اوج گیری نهضت اسلامی برای ادامه تحصیل عازم قم شدم. دروس حوزه را در مقطع سطح و سطوح عالی در محضر اساتید بزرگ حوزه علمیه قم خواندم و سالهاست که در مقطع خارج به تحصیل اشتغال دارم . در کنار دروس اصلی حوزه ،درسها ی فلسفی، کلام و تفسیر را نیز به طور جدی پی گیری کردم. حقیر در کنار اشتغال به تحصیل، ازسال۱۳۶۲تا به امروز همواره به کار تحقیقی و پژوهش در موضوعات مختلف علمی و فرهنگی پرداخته و با مؤسسات علمی وفرهنگی همکاری داشته و دارم. برخی از مهمترین مراکز علمی و فرهنگی که حقیر به عنوان محقق و نویسنده با آنها همکاری داشته ، از این قرار است : ۱.همکاری با گروه محققان معجم بحارالانوار به عنوان محقق. ۲.بنیاد نهج البلاغه ،محقق. ۳.همکاری با ماهنامه بنیان وابسته به مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور به عنوان نویسندهٔ مقالات . ۴.همکاری با گروه فلسفه و کلام دائرهٔالمعارف قرآن کریم ،وابسته به مرکزفرهنگ قرآن دفتر تبلیغات اسلامی به عنوان نویسندهٔ برخی از مدخل های قرآنی. ۵.همکاری با پایگاه اطلاع رسانی سراسری اسلامی(پارسا)به عنوان چکیده نویس. ۶.همکاری با مؤسسه تنظیم و نشرآثارامام خمینی (ره)دفترقم ،دربخش دانشنا مهٔ امام خمینی وعضویت درگروه فلسفه و کلام ،اخلاق و عرفان دانشنامه و تهیه مدخل های فلسفی ،کلامی ،عرفانی ،و اخلاقی دانشنامه . ۷.همکاری با گروه محققان مؤسسهٔ فرهنگی وعلمی رواق حکمت.

ربیعی فوشنجی، صدرالدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۴۰/۷۰۲ -۶۷۱ ق)، شاعر، متخلص به ربیعی. معروف به ابن‌خطیب. در هرات می‌زیست و مشهورترین شاعر آل‌کرت بود؛ ولی به علل مختلف چند بار به زندان افتاد و سرانجام در قلعه‌ی خیسار فوت کرد. وی معاصر با سیفی هروی بود. از آثار وی: «کارنامه» که آن را در زندان برای آزادی خود سرود، «کرت نامه» را به سبک شاهنامه فردوسی در تاریخ آل‌کرت سرود که اکنون ۲۵۰ بیت آن به‌جاست.[۱]

بوشنجی (پوشنگی) شاعر و مداح فخرالدین از آل کرت (ف. ۷۰۲ ه.ق./ ۱۳۰۲ م.). گویند ربیعی بسیار باده نوش بود و بدین سبب به زندان افتاد و مثنویی به نظم درآورد موسوم به «کارنامه» تا بدین وسیله شفقت سلطان را به سوی خود منعطف سازد، ولی حاصلی نبخشید. وی مثنویی دیگر دارد به نام «کرت‌نامه»، به سبک شاهنامه فردوسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ارمغان (س ۶، ش ۱، ص ۴۰ -۲۵)، از سعدی تا جامی (۱۹۶ -۱۹۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۸۱ -۶۷۱ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۰۸ -۲۰۶)، حبیب السیر (۳۷۸ -۳۷۶ /۳)، حماسه‌سرای در ایران (۳۵۶ -۳۵۵)، سرآمدان فرهنگ (۳۷۵ -۳۷۴ /۱)، فرهنگ سخنوران (۳۶۹ -۳۶۸)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۷۰۲).

ربیعی، حمیدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر حمیـد رضا ربیعی در سال ۱۳۴۰ در تهران بدنیا آمد.وی مدرک دکتری رشـته مهندسـی برق و کامپیوتر را از دانشگاه پوردو امریکـا اخـذ کرده است.ایشـان هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشـکده مهندسـی کامپیوتر و رئیس مرکز تحقیقاتی فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشرفته دانشگاه صنعتی شریف می باشد.

گروه : فنی و مهندسی

رشته : مهندسی کامپیوتر

تحصیلات رسـمی و حرفه ای : حمیدرضا ربیعی مدرک کارشناسـی و کارشناسـی ارشد خود را در رشته برق (مخابرات و پردازش سیگنال) از دانشگاه ایالتی کالیفرنیا (CSULB)، مدرک کارشناسـی ارشد را در رشته برق و کامپیوتر از دانشگاه کالیفرنیای جنوبی (USC) و مدرک دکترای خود را در رشته برق و کامپیوتر از دانشگاه Purdue در آمریکا اخذ نموده اند

مشاغـل و سـمتهای مـورد تصـدی : مشاغـل و سـمتهای اداری و مـدیریتی حمیـدرضا ربیعی بـه قرار زیر اسـت •: دانشیار دانشـکده مهندسـی کامپیوتر دانشگاه صنعتی شریف • استاد معین علوم کامپیوتر دانشگاه UNB کانادا • اسـتاد معین برق و کامپیوتر دانشگاه های OSU، PSU و OGI آمریکا • موسس و رئیس مرکز تحقیقاتی فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشرفته دانشگاه صنعتی شریف •موسـس و مـدیر آزمایشـگاه رسـانه هـای دیجیتال (DML) دانشـگاه صـنعتی شـریف • کارشـناس ارشد شـرکت Intel آمریکا (سیسـتمهای چند رسانه ای تحت شـبکه •) محقق ارشد شرکت (AT&T Bell Labs Lucent) آمریکا (سرویسهای چند رسانه ای پهن باند تحت شـبکه •) موسـس و رئیس سابق مرکز رشد فناوریهای پیشـرفته دانشـگاه صنعتی شریف • معاون توسعه ارتباطات علمی مرکز تحقیقـات مخـابرات ایران • عضو هیئت علمی موسـسه علمی آزاد مهر البرز معاونت توسـعه ارتباطات علمی در ITRC سه سـال کـار در شـرکت بزرگ اینتـل، به عنوان مهنـدس ارشـد نرم‌افزار، و طراحی معروف‌ترین CODECهای Indeo و Real عضو پرسنل فنی شرکت جهانی AT&T.

فعالیتهای آموزشـی : سابقه تدریس در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی و پژوهشی دکتر حمیدرضا ربیعی: – نام دانشگاه : دانشگاه صنعتی شـریف –دروس ارائه شده : فرآیندهای تصادفی، الگوشناسـی آماری، سیگنالها و سیستمها، سیستمهای چند رسانه ای، شبکه های پیشرفته کامپیوتری، پردازش تصویر، سیستمهای ویدیویی دیجیتال، فشرده سازی اطلاعات

مراکزی که فرد از بانیان آن به شـمار می آیـد : طراح و مؤسـس مرکز تحقیقاتی فنّاوری اطلاعات و ارتباطات پیشـرفته شـریف دکتر حمید رضا ربیعی می‌باشد.

چگونگی عرضه آثـار : بیش از ۸ سال فعالیت در شـرکت‌هایی نظیرLucent(AT&T Bell Labs) ، American Telecom و Intel و تـألیف بیش از پنجاه مقاله علمی در نشریات بین المللی معتبری همچون IEEE و دو ثبت اختراع (US-Patent) در سوابق کاری حمیدرضا ربیعی دیده می‌شود.

ربیعی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد بن العالم الجلیل ملا ربیع شاه عبدالعظیمی از علماء محترم زاویه مقدسه بوده که پس از خواندن مقدمات و سـطوح اولیه مسافرت به مشـهد مقـدس نموده و از علماء حوزه مشـهد اسـتفاده کامل نموده آنگاه مراجعت بوطن و بتـدریس و خدمات روحی و دینی پرداخته و در مدرسه مروی تهران بمباحثات علمی پرداخته و از محضر مراجع بزرگ علمی تهران معقولا و منقولا بهره‌مند شده تـا در ۱۳۴۹ قمری در سن هفتـاد سالگی بـدرود حیات گفته و در مقبره دربانی آسـتانه صحن مقـدس حضـرت عبـدالعظیم مـدفون گردیده است و ایشان شوهر عمه مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا حسین اثنی عشری رحمه‌اللّه بوده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

ربیعی، یدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یدالله ربیعی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب یدالله ربیعی در سال تحصیلی ۵۲–۵۳ وارد حوزه علمیه قم و در مدرسه رسالت مشغول به تحصیل شدم. تقریباً در اوائل سطوح عالی بودم که انقلاب پیروز شد و بعد جنگ تحمیلی آغاز گشت و در سال ۶۱ هر دو پای اینجانب قطع گردید. درسها را ادامه دادم. در سال ۱۳۷۲ در آموزش و پرورش آغاز به کار کردم که بیشتر در امور تربیتی بود، مشغول به کار شدم. در سال ۷۸ در معاونت امور اساتید مشغول به امتحان شدم تا اینکه در رشته (تاریخ و ادیان) و نیز (معارف اسلامی) به نصاب قبولی رسیدم و در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود و شهرستان ساوه مشغول تدریس شدم و هم‌اکنون فقط در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود مشغول تدریس هستم. در ضمن در عقیدتی و سیاسی سپاه، ارتش و بسیج و نیز اردودهای آموزشی زیاد تدریس داشته‌ام و نیز در آموزش قرآن و عقاید فعالیت داشته‌ام. همچنین دروس حوزه را به صورت انفرادی و گروهی تدریس داشته‌ام و فلسفه را نیز مقداری از اسفار خوانده‌ام.

رجالی اصفهانی، اسدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۷۲ ق)، خطاط. پدر وی نقاش و خطاط بود. اسداللّه از شاگردان افسر و جلالی بود و انواع نستعلیق را از خفی تا قلم پارویی بسیار جلّی خوب می‌نوشت. در عین حال سریع‌القلم بود و تا آخر پیری نشاط روح و نیروی قلم را از دست نداد. از آثار وی: کتیبه‌ی داخل ایوان شمالی مسجد سید اصفهان، به خط نستعلیق و با رقم: «کتبه اسداللّه شهیر برجالی» (۱۳۱۸)؛ کتیبه‌ی ایوان کوچک، در مغرب ایوان شمالی مسجد سید، به خط نستعلیق، با رقم: «عبده العاصی اسداللّه رجالی غفر ذنوبه» (۱۳۱۸)؛ کتیبه نمای خارجی سر در جنوب شرقی مسجد سید، به خط نستعلیق، با رقم «کتبه اسداللّه شهیر برجالی ۱۳۱۱».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آثار ملی اصفهان (۶۵۴ –۶۵۳)، تاریخ اصفهان (۱۱۰ –۱۰۹)، تذکرهٔ القبور (۱۳۰ –۱۲۹)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۷۷۶ –۷۷۵، ۷۷۱، ۷۷۰).

رجالی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : علی رجالی متولدسال ۱۳۳۰ه.ش دارای مدرک دکترای آمار از دانشگاه استانفورد آمریکا درسال۱۳۵۷ ه.ش و عضو هئیت علمی دانشکده ی علوم ریاضی دانشگاه صنعتی اصفهان دارای مرتبه علمی دانشیاری می باشد.

گروه : علوم پایه

رشته : آمار

گرایش : نظریه احتمالی اعداد

تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی رجالی دارای مدرک کارشناسی ریاضی از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۱ه.ش کارشناسی ارشد ریاضی از دانشگاه شیراز درسال۱۳۵۳ و دکترای آمار از دانشگاه استانفورد آمریکا درسال۱۳۵۷ ه.ش می باشد.

خاطرات و وقایع تحصیل : اتمام دره ۶ساله کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز به مدت ۵سال، کسب رتبه اولی در این دوره و دریافت بورس تحصیلی برای ادامه تحصیل و اخذ دکتری از دانشگاه استانفورد و نهایتا اخذ مدرک دکتری آمار از دانشگاه استانفورد آمریکا از مهمترین وقایع تحصیل علی رجالی بوده است.

فعالیتهای ضمن تحصیل : تدریس در دانشگاه شیراز حین تحصیل و انجام کارهای برنامه نویسی کامپیوتری برای سیستم آموزش بخش ریاضی دانشگاه شیراز و همکاری در انجام تحقیقات درزمینه های آمار و فرایندهای تصادفی درشیراز و مطالعه همزمان آمار و نظریه اعداد(با شرکت در سمینار ۴ نفره نظریه اعداد با حضور پروفسور پاول اردیش« پدر و بنیانگذار نظریه احتمالی اعداد» ، پروفسور چارلز استین« پدرو بنیانگذار نظریه تصمیم» ، پروفسور پرسی دیاکونس « متخصص و محقق نظریه احتمالی اعداد و آنالیز داده ها » از فعالیتهای موفق حین تحصیل علی رجالی بوده است. تدریس در حین تحصیل در دانشگاههای شیراز و استانفورد نیز مطالعه پیرامون مسایل اجتماعی از دیگر فعالیتهای حین تحصیل وی بوده است.

استادان و مربیان : بهره گیری از معلمان توانا و لایق ریاضی اصفهان، اساتید بخش ریاضی و آمار و دانشکده مهندسی دانشگاه شیراز و اساتید رشته آمار دانشگاه استانفورد آمریکا از افتخارات دوران تحصیل علی رجالی بوده است.

وقایع میانسالی : علی رجالی پس از اخذ مدرک دکتری آمار از دانشگاه استانفورد آمریکا در سال ۱۳۵۷ه.ش و بازگشت به ایران به عنوان عضو هئیت علمی ابتدا در دانشگاه شیراز و سپس با ماموریت یک ساله در دانشگاه اصفهان، سرانجام در سال ۱۳۵۹ در دانشگاه صنعتی اصفهان (ابتدا دانشکده علوم و با تلاش در جهت راه اندازی دانشکده های علوم ریاضی، فیزیک و شیمی دراین دانشگاه) به خدمات علمی مشغول بوده است. حضور یک ساله در دانشگاه هاروارد آمریکا در سال ۶۴–۱۳۶۳تحصیلی و ۶ماهه در دانشگاه ملی استرالیا و بنیاد ریاضیات استرالیا در سال ۱۳۷۱ و مجددا ۶ماه در سال ۱۳۷۲ در دانشگاه استانفورد آمریکا از وقایع میانسالی او است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی رجالی در موارد زیر فعالیتهایی داشته است: استادیاری دانشگاههای شیراز و صنعتی اصفهان ارتقا به درجه دانشیاری در دانشگاه صنعتی اصفهان ریاست دانشکده علوم دانشگاه صنعتی اصفهان و فراهم آوردن زمینه برای راه اندازی ۳ دانشکده علوم در این دانشگاه مسئولیت راه اندازی مرکز محاسبات دانشگاه صنعتی اصفهان انجام تحقیقات در زمینه های آموزشی مخصوصا در دوره های ابتدایی ،راهنمایی و دبیرستان اداره کارگاههای مختلف آموزشی برای معلمان در رده های مختلف تحصیلی مسئولیت برگزاری همایش هایی همانند سمینار بررسی روش ها و مسایل آزمونهای ورودی دانشگاه ها که منجر به ارائه طرح پذیرش دانشجو در دانشگاهها به مجلس شورای اسلامی شد. مسئولیت برنامه ریزی دو مطالعه برای کنگره های بین المللی فدراسیون جهانی مسابقات ملی ریاضی WFNMC در چین و استرالیا عضویت در کمیته برنامه ریزی شانزدهمین مطالعه کمیسیون بین المللی آموزش ریاضی ICMI تحت عنوان چالش های آموزش ریاضی

فعالیتهای آموزشی : علی رجالی عضو هئیت علمی دانشکده ی علوم دانشگاه صنعتی اصفهان به تدریس دروس مختلف ریاضی (نظریه ی اعدد، آنالیز، حساب دیفرانسیل و انتگرال)و راهنمایی ۸ دانشجوی کارشناسی ارشد ریاضی و آمار و حداقل ۱۰ پروژه دانشجویی کارشناسی آمار را عهده دار بوده است.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : از کارهایی که علی رجالی در آن مشارکت داشته و یا مسئولیت راه اندازی آن مراکز را بر عهده داشته است به قرار زیر است: مسئول راه اندازی شورا و مرکز اطلاع رسانی دانشگاه صنعتی اصفهان مشارکت در بنیانگزاری مسابقات ریاضی ایران مشارکت در بنیانگزاری مرکز تحقیقات معلمان اصفهان بنیانگزاری خانه ریاضیات اصفهان مشارکت در بنیانگزاری کنفرانس آمار و انجمن آمارایران مشارکت در بنیانگزاری کنفرانس آموزش ریاضی و اتحادیه انجمن های علمی آموزشی معلمان ریاضی ایران مشارکت در بنیانگزاری شورای خانه های ریاضیات ایران

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علی رجالی در کنار تدریس به مطالعه و تحقیق و تالیف آثاری پیرامون موضوعات مختلف ریاضی ،آمار و احتمالات پرداخته است و همچنین همکاری با معلمان جهت رفع مشکلات آموزش ریاضی از دیگر فعالیتهای او بوده است.

آرا و گرایشهای خاص : علی رجالی با تلاش فراوان، دلسوزی و اندیشیدن به مسایل اموزشی و کوشش در جهت حل آنها یکی از ویژگیهای رفتاری او بوده است. همچنین با شکسته شدن دیوار بین دانشگاهها و آموزش و پرورش، توجه به کیفیت بیشتر از کمیت، خود اتکاء بارآوردن دانشجویان، عشق به ریاضیات و تدریس جزء آرا و ویژگی های دیگر او بوده است.

چگونگی عرضه آثار : علی رجالی اهل ترجمه نیست و مقالات و کتابهای او بیشتر جنبه یادگیری عام را داراست . او اعتقاد دارد که دانشجو در دانشگاه باید کتاب به زبان اصلی را مطالعه نماید تا همواره بهنگام باشد. غیر از مقالاتی که در زمینه نظریه احتمالی اعداد، گزارش های تحقیقات آموزشی، مسابقات ریاضی ، فعالیتهای تحقیقاتی در زمینه به کارگیری آمار در صنعت و چالش های ریاضی عمده آثار او را تشکیل می دهد_______________________________________.

آثار :

۱ آمار و احتمالات

۲ موضوعات مختلف ریاضی منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

رجای نایینی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. در سرودن اشعار بی‌نقطه و بی‌الف و لغز و معما کم‌نظیر بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۶۵۹ -۱/ ۶۵۸).

رجایی اصفهانی، سیف‌الدین محمود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۶۲ ق)، شاعر. اصل وی از اصفهان و سلسله نسبش به کمال‌الدین اسماعیل می‌رسد. سیف‌الدین از کاتبان دفترخانه شاه طهماسب بود و علاوه بر شاعری در علم حساب هندسه و رقوم نیز مهارت داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۴۳/۳)، تحفه‌ی سامی (۹۵ -۹۴)، صبح گلشن (۱۷۳)، مجمع الخواص (۵۹)، هفت اقلیم (۴۰۴ - ۲/ ۴۰۳).

رجایی اصفهانی، محمدجعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۵ -۱۲۹۲ ق)، شاعر، متخلص به رجایی. وی در اصفهان به دنیا آمد. در فن صحافی و جلدسازی به سبک قدیم مهارت و استادی داشت. از اعضاء محترم و قدیمی انجمن ادبی شیدا بود و مردی شوخ و بذله‌گو. در ساختن انواع شعر مهارت داشت و «دیوان» وی حاوی غزل و قصیده و رباعی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۱۰ -۲۰۹)، الذریعه (۳۵۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۶۹).

رجایی بخارایی، احمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۷ -۱۲۹۵ ش)، محقق، نویسنده و شاعر. وی در مشهد به دنیا آمد، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر به اتمام رساند. از دانشکده‌ی کشاورزی کرج فارغ‌التحصیل شد و به استخدام دولت درآمد. به ایلام رفت، سپس به مشهد مراجعت کرد و از محضر ادیب نیشابوری کسب فیض کرد. بار دیگر به تهران آمد و تحصیلات عالی خود را ابتدا در رشته‌ی حقوق تا مرحله‌ی لیسانس و سپس در ادبیات فارسی تا اخذ درجه‌ی دکترا ادامه داد و به تدریس در دانشگاه تبریز پرداخت. در سال ۱۳۴۲ ش رییس دانشکده‌ی ادبیات مشهد شد. بر اثر بیماری سرطان درگذشت. او دارای آثار تحقیقی بسیار است از جمله: «فرهنگ اشعار حافظ»؛ «خلاصه‌ی شرح تعرف»؛ «پلی میان شعر هجایی و عروض فارسی»؛ «یادداشتی درباره‌ی لهجه‌ی بخارایی»؛ تصحیح «رونق المجالس» و «بستان العارفین» و مقالات متعدد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۱۴۸۹ -۱۴۸۵ /۳)، صد سال شعر خراسان (۲۵۹ -۲۵۴)، فرهنگ سخنوران (۳۶۹)، یغما (س ۳۱، ش ۶، ص ۳۸۱ -۳۸۰).

رجایی پور، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین رجایی پور

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت الله محمدحسین رجایی پور مشهور به رجائی خراسانی در سال ۱۳۲۲ هجری شمسی در نیشابور به دنیا آمد، در خانواده‌ای متدین و با اخلاق رشد و نمو یافت و پس از سپری مقداری از دروس کلاسیک با تشویق و راهنمایی پدر خویش وارد حوزه علمیه نیشابور شد. مقدمات را در زادگاهشان نزد مرحوم ادیب نیشابوری فرا گرفت. پس از آن برای تکمیل دروس حوزه به قم عزیمت نمود و در کلاس درس بزرگانی چون آیت الله ملکوتی حاضر گشت. زندگی ایشان همواره با دغدغه و تلاشهای علمی همراه بوده است به گونه‌آی که در سال ۱۳۴۳ برای کسب فیض از محضر مرحوم آیت الله خوئی و مرحوم شیخ حسین حلی به نجف اشرف هجرت کرد و ۴ سال در آنجا رحل اقامت افکند پس از آن به ایران بازگشت و در سالهای خفقان در راه سازماندهی مبارزات مردم علیه رژیم ستم شاهی پهلوی تلاشهای بسیاری انجام داد و وقت زیادی صرف روشنگری جوانان و نوجوانان کرد و سهم به سزایی در پیروزی انقلاب اسلامی برعهده داشت.

رجایی پور، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی رجائی پور

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای مصطفی رجائی پور در سال ۱۳۴۶هجری شمسی در خانواده ای متدین وکاملا آگاه به مسائل مذهبی در شهرمشهد مقدس دیده به جهان گشود.نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۸ و درست یک سال پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی وارد حوزه علمیه مشهد مقدس، مدرسه مرحوم آیت الله میلانی گردید از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) از درس بزرگان آن دیار همچون آیت الله مرتضوی،آیت الله رضا زاده آیت الله صالحی، مرحوم فقیه سبزواری وحجت الاسلام و المسلمین حجت هاشمی بهره ها برد.استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فقه و مبانی حقوق در مقطع دکترا در سال ۱۳۸۵از دانشگاه علوم تحقیقات تهران فارغ التحصیل گردید .ایشان ضمن تبلیغ به تدریس در دانشگاه آزاد مشهد، دانشگاه فردوسی،و....ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که کتاب های" پیام آور حجت "و" مجموعه قوانین مربوط به ازدواج و طلاق "و... از جمله آثار ایشان است.

رجایی رامشه، محمدکاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد کاظم رجایی رامشه

محل تولد : سمیرم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد کاظم رجائی رامشه در شهریور ماه ۱۳۳۹ در شهر حناء «استان اصفهان » به دنیا آمدم . پس از گذراندن دوران راهنمایی به حوزه علمیه شهرضا و در سال ۱۳۵۵ به شهر مقدس قم عزیمت و وارد حوزه علمیه قم شدم .موقعیت زمانی و شور انقلاب در بین طلاب آن زمان تقریباً تمامی طلاب را به صحنه های پر شور انقلاب و پس از آن به جاذبه های دفاع مقدس می کشاند و طبیعی بود که بنده در این مجموعه قرار داشتم .

حدود سالهای ۶۳ وارد مؤسسه درراه حق شدم از گذراندن دروس معارف اسلامی به رشته اقتصاد گرایش پیدا کردم. سال ۶۷ وارد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی شده و دوره کارشناسی ارشد پیوسته اقتصاد نظری را شروع و در سال ۱۳۷۵ از پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان:« قیمت گذاری در اقتصاد اسلامی » با راهنمایی استاد بزرگوار جناب آقای دکتر حسین نمازی و مشاوره استاد گرانقدر دکتر سید کاظم صدر دفاع کردم و همان سال وارد مقطع دکتری شدم و سر انجام در خرداد ماه سال ۱۳۸۴ از پایان نامه خود با عنوان « ماهیت بهره و کارآیی اقتصادی آن » به راهنمایی استاد بزرگوار دکتر پرویز داودی و مشاوره اساتید محترم حجهٔ الاسلام حسن آقا نظری و دکتر عباس شاکری دفاع کردم . در ایام تحصیل افزون بر تدریس دروی اقتصاد، تا حدودی به مطالعه و تحقیق پرداختم که حاصل آن انتشار چندین مقاله ، طرح و دو مجلد کتاب با عنوان های « معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن » و « ماهیت بهره و کارایی آن » می باشد.

رجایی زفره‌یی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۱ –۱۲۸۱ ق)، نویسنده، فیقه اصولی، ادیب و شاعر، متخلص به رجا. در زفره به دنیا آمد در اثر سعی و کوشش بسیار در اغلب علوم از قبیل صرف و نحو و رمل و جفر و اعداد سرآمد گردید. وی در قریه‌ی زفره به تدریس و وعظ و تحریرات شرعی روزگار می‌گذرانید. سرانجام در زفره وفات یافت و در همان جا دفن شد. از او آثار فراوان به جای مانده است. از جمله: «اسهل اللغات یا منتخب اللغات»؛ «کتاب الارث»؛ «تجوید و ترتیل قرآن»؛ «دبستان الشعراء»، در عروض و قافیه؛ «قواعد الرمل»؛ «سپهر اللغه»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۰۹ –۲۰۷)، تذکره القبور (۱۰۲ –۱۰۱)، الذریعه (۷۴۱، ۳۵۵ /۹)، فرهنگ سخنوران (۳۶۹).

رجایی فر، محمد حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین رجایی فر

محل تولد : رامیان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه امام صادق(ع) درسهای حوزوی را شروع کردم. همزمان در رشته فلسفه در دانشگاه پذیرش شدم. ولی سعی کردم با جدیت درسهای حوزه را ادامه دهم . در سال ۱۳۷۶و پس از اتمام سطح وارد دانشکده صدا و سیما قم شدم و در رشته ارتباطات در مقطع ارشد ادامه تحصیل دادم. در این مقطع زمانی ، همواره تبلیغ و تدریس را مد نظر داشتم و بطور پراکنده کلاسهایی را در جاهای مختلف برگزار کردم.

استفاده از دروس جنبی حوزه و از جمله فن خطابه، کلاسداری کودک و نوجوان ، مکالمه عربی در سطح تخصصی و روانشناسی کودک و نوجوان و آئین کلاس داری جزء برنامه های اینجانب بود . هم اکنون نیز همکاری با دانشکده صدا و سیما و در کنار آن کارهای تبلیغی در تهران و قم و مطالعات جنبی جزء مهمترین اولویت های فردی اینجانب به حساب می آید .

رجایی، محمد خلیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، استاد دانشگاه و مولف. در شیراز متولد شد. دوره‌ی ابتدایی را در مدرسه‌ی تربیت به پایان رسانید؛ سپس در مدرسه‌ی هاشمیه که از مدارس قدیمی شیراز است، سالهای درازی در خدمت استادان وقت به تحصیل علوم ادبی و عربی، فقه و اصول و تفسیر و حدیث و منطق و کلام و حکمت الهی و نکات عرفانی مشغول بود و ضمن تحصیل در مدرسه‌ی قوام در رشته‌های مزبور درس می‌داد. در سال ۱۳۱۰ ش در دبیرستان سلطانی دبیر ادبیات فارسی و عربی و منطق و فلسفه بود در سال ۱۳۱۳ ش به طور رسمی وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و سمت دبیری دبیرستانهای شیراز را یافت. رجایی همچنین عضو انجمن ادب شیراز و استاد دانشکده ادبیات نیز بود. از آثار وی: «معالم البلاغه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۷۲ -۵۷۱ /۲).

رجایی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا رجایی

محل تولد : اسفاد زرین کوه قاین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد رضا رجایی فرزند مرحوم حاج محمد رحیم در سال ۱۳۳۱ ه.ش در یک خانواده مذهبی در روستای اسفاد از توابع زرین کوه قاین خراسان جنوبی متولد شدم. البته به صورت دقیق تر تولدم در سفری که والدینم بعد از سفری طولانی زیارتی که از عتبات عالیات عراق به موطن خود بر می گشتند در حوالی گرگان اتفاق افتاد. والدین این فرزند را یادگار این سفر و موهبتی از جانب خداوند متعال توسط ائمه عراق می دانستند. از طرف پدر به مرحوم مصطفی قلی از افراد معروف آن منطقه و والده ام مرحومه بی بی صدیقه فرزند مرحوم کربلایی سیّد اسماعیل اسماعیلی از سادات مورد احترام آن حدود میباشد. دارای همسری از سادات خویشاوند و پنج فرزند«۲ پسر و ۳ دختر» می باشم. در سن ۶ سالگی وارد مکتب استاد مرحوم ملا وهاب آخوندی شدم و در مدت حدود ۲ سال به فرا گیری قرآن و کتابهای فارسی متداول مکتب آنروز مانند صد کلمه و کتابهای اشعار مراثی اهل بیت(ع) اشتغال داشتم و در این فاصله ۴ مرتبه قرآن را نزد استاد، قرائت کردم . در سن ۹ سالگی وارد دبستان شدم ولی چون در اسفاد مدرسه نبود به مدت ۶ سال مسیر ۶ کیلومتری اسفاد و آبیز روستای مجاور را با تمام مشکلات پیاده پیمودم. عشق و علاقه به کتاب در کودکی آنگونه بود که هر وقت والدین میخواستند تشویقم کنند برایم کتاب دینی و قرآن می خریدند که هنوز هم نمونه آن

موجود است. در سال ۴۷ وارد مدرسه علوم دینی و جعفریه قاین شدم و تا سال ۱۳۵۰ کتابهای مقدمات و صرف و نحو و منطق و بخشی از معانی بیان را نزد اساتید حوزه حضرات آیات سید علی آیتی ، سید محمد علی فقیه ، سید محمد رضا سادات رحمهم الله و استاد سید علی رضا منتظری فرا گرفتم و در نهایت کتابهای مقدماتی را تدریس میکردم . در سال ۱۳۵۰ ه.ش وارد حوزه علمیه مشهد شدم و حدود ۳ سال اقامت در مدرسه های خیراتخان و سلیمانخان سابق از محضر علمای حوزه اساتید معظم سید حسن صالحی، واعظ طبسی ، محمد رضا محامی ، رضازاده ، محمد باقر واعظی و در درس تفسیر آیت الله خامنه ای که در روزهای تعطیل در مدرسه میرزا جعفر برگزار میشد بهره بردم. در سال ۱۳۵۳ ش وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال ۶۲ در آن حوزه مقدسه به فراگیری علوم اسلامی فقه ، اصول ، تفسیر ، عقاید و بخشی از فلسفه را از محضر اساتید بزرگوار حضرات آیات عظام سید محمد رضا گلپایگانی ، فاضل لنکرانی ، وحید خراسانی ، مکارم شیرازی ، شیخ جواد تبریزی ، نوری همدانی و کوکبی پرداختم و از اساتید اخلاق ، تفسیر ، عقاید و فلسفه از آیت الله مشکینی ، نوری همدانی ، انصاری شیرازی و استاد شهید مرتضی مطهری می توانم یاد کنم . البته فراز و نشیبها در روند آموزش و تحصیل به تبع تحولات حوزه مقدسه قم و جریانات انقلاب و بعد از پیروزی در فاصله این مدت ده ساله (۵۳ تا ۶۲)و در این فاصله دروس پایه را برای بعضی تدریس نیز میکردم . در سال ۶۲ ش پس از حدود ده سال اقامت در قم به حوزه علمیه مشهد مراجعت کرده و در درس خارج فقه و اصول اساتید بزرگوار حضرات آیات حاج میرزا علی فلسفی ، استاد مرتضوی و علم الهدی شرکت کرده و بهره بردم و تدریس دروس پایه را نیز رها نکردم . به مدت سیزده سال در بخش تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی شاخه خراسان همکاری مستمر داشتم بلکه از بنیانگذاران این موسسه تحقیقاتی میباشم و هم اکنون در بخش تبلیغات آستان قدس رضوی علیه آلاف التحیه و الثناء به بیان احکام و مسائل شرعی و اقامه جماعت اشتغال دارم که این ارتباط از سال ۷۴ ش آغاز شده و ادامه دارد و قبلا به مدت ۴ سال مسئول پاسخگویی شرعی مکاتبه ای این آستان مقدس بودم و خطابه و تبلیغ را از سالهای آغازین تحصیل شروع کرده و به مناطق مختلف مملکت شهر و روستا در این رابطه مسافرت کردم. تاکنون بیش از بیست مرتبه به عنوان روحانی کاروان به زیارت حرمین شریفین مکه و مدینه مشرف شدم (در قالب کاروانهای حج و عمره)که پانزده سفر با زوار منطقه قاینات بوده است .

رجایی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا رجایی متولد ۱۳۱۸ ش تهران دارای دکترای رشته گیاه پزشکی عضویت هیئت علمی دانشگاه کلیپرتون انگلستان با درجه استاد باشد. وی دارای تحقیقات وآثار پیرامون آفت مارمادیای رونده در حبوبات میباشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد رضا رجایی دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه تهران دکترای رشته گیاه پزشکی از دانشگاه اوهایو میباشدخاطرات و وقایع تحصیل : تحصیل در رشته گیاه پزشکی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی محمد رضا رجایی بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : محمد رضا رجایی د ر کنار تحصیل مشغول به مطالعه ،تحقیق و تالیف آثاری در زمینه تخصصی مورد علاقه خود بوده است.وقایع میانسالی : محمد رضا رجایی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاه پزشکی به عضویت هیئت علمی گروه گیاه پزشکی در دانشکده علوم پایه دردانشگاه اوهایو در آمد وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد رضا رجایی عضوهیئت علمی و دانشیار گروه گیاه پزشکی در دانشکده علوم پایه در دانشگاه اوهایو است.فعالیتهای آموزشی : محمد رضا رجایی سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه زیست شناسی در دانشگاه اوهایو به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشکی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد رضا رجایی در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری تخصصی ،پژوهشی و عمیق می پرداز د.آرا و گرایشهای خاص : محمد رضا رجایی از جمله گیاه شناسان و گیاه شناسانی است که تحقیقات علمی و عمیق وسیعی درباره گیاه پزشکی و بیماریهای گیاهان دارد. آثار : آفت مار ماریای رونده در حیویات گیاه پزشکی منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

رجائی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند آقا سید محمود بن محمد جواد موسوی.

عالم جلیل، معروف به بلند، از اجله‌ی شاگردان آقا سید محمد باقر درچه‌ای و آقا نجفی و شیخ محمدعلی نجفی و از ائمه‌ی جماعت و موثقین بود. در سال ۱۳۴۸ در مسافرت عتبات در کرمانشاه وفات یافت.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

رجائی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید محمد باقر بن عماد الاعلام مرحوم حاج سید محمود رجائی موسوی از علماء و مدرسین معاصر اصفهانست. در سال ۱۳۱۹ قمری در اصفهان متولد و در خدمت برادرش مرحوم حجهالاسلام والمسلمین آقای آقا حسین رجائی به تعلم و تربیت پرداخته و ادبیات و علوم و مقدمات و سطوح را در اصفهان خوانده و بدرس خارج مرحوم آیهالله حاج سید محمد صادق مدرس حاضر شده و از خواص اصحاب ایشان گردیده و پس از فوت آن مرحوم در سال ۱۳۵۹ قمری بنجف اشرف مهاجرت و از دروس مرحوم آیهالله العظمی آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیهالله حاج شیخ کاظم شیرازی و مقداری هم مرحوم آیهالله آقا ضیاءالدین عراقی و بعد آیهالله آقا سید عبدالهادی شیرازی و پس از فوت آنان از محضر و حوزه درس حضرت آیهالله العظمی خوئی مدظله استفاده نموده آنگاه از طرف آیات مذکور باصفهان آمده و بانجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارند. معظم‌له در تأسیس حسینیه اصفهانیها در مشهد با علماء دیگر همکاری داشته و جزء امناء آن میباشند. از باقیات الصالحات ایشان فرزند فاضل و برومند ایشان آقای آقا سید محمود رجائی که اکنون در تهران سکونت دارند و جناب دانشمند گرامی آقای آقا سید محمد رجائی که از فضلاء اصفهان میباشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

رجب زاده، هاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هاشم رجب زاده در سال ۱۳۲۰ در شهر تهران به دنیا آمد. رجب زاده بعد از طی مدارج رسمی تحصیلی در دوره متوسطه در تهران، با گرایش تاریخ به دانشگاه می رود و تحصیلات دانشگاهی اش را تا دریافت درجه دکترا با گرایش تاریخ ایلخانان و تاریخ ایران ادامه می دهد. پایان نامه دکترای او درباره سیاست و کشورداری رشیدالدین فضل الله بوده است. رجب زاده بعد از تحصیلات دانشگاهی به عنوان وابسته فرهنگی ایران به ژاپن سفر می کند.این آغاز یک ارتباط پیوسته با تاریخ وفرهنگ ژاپن می شود. بار اول در سال ۱۳۵۲ بود که به ژاپن رفت و مدت چهار سال در مأموریت بود. به عنوان وابسته سفارت و نماینده فرهنگی ایران فعالیت داشت. بعد از آن ،دو سال را در ایران گذراند . بعد از انقلاب هم از طرف وزارت امورخارجه به مأموریت استرالیا رفت و حدود دو سال در کانبرا بود. در همین هنگام تدریس در دانشگاه ژاپن را پذیرفت و دوباره به آن کشور بازگشت. وی در مجموع ۲۴ سال در ژاپن زندگی کرد. رجب زاده سال هاست که در دانشگاه اوساکای ژاپن ادبیات فارسی و ایرانشناسی درس می دهد. در این سال ها او از مهمترین منابع شناخت فرهنگ و تمدن ژاپن بوده و تألیفات و ترجمه هایش نیز در راستای این مرجعیت شکل گرفته است.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

گرایش : فرهنگ و تمدن ژاپن

تحصیلات رسمی و حرفه ای : پایان تحصیلات متوسطه در تهران – تحصیلات عالیه در رشته تاریخ – دریافت دکترای تاریخ باگرایش تاریخ ایلخانان و تاریخ ایران

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : هاشم رجب زاده بعد از تحصیلات دانشگاهی به عنوان وابسته فرهنگی ایران به ژاپن سفر می کند. بار اول در سال ۱۳۵۲ بود که به ژاپن رفت و مدت چهار سال در مأموریت بود. به عنوان وابسته سفارت و نماینده فرهنگی ایران فعالیت داشت. بعد از آن ،دو سال را در ایران گذراند . بعد از انقلاب هم از طرف وزارت امورخارجه به مأموریت استرالیا رفت و حدود دو سال در کانبرا بود.

فعالیتهای آموزشی : – تدریس در دانشگاه ژاپن از اوایل دهه ۶۰ – استاد ایران شناسی ادبیات فارسی دردانشگاه اوساکای ژاپن

چگونگی عرضه آثار : هاشم رجب زاده همچنین در معرفی ادبیات و فرهنگ ایران در ژاپن نیز نقش مهمی دارد.او آثاری از ادبیات ایران به زبان ژاپنی ترجمه و منتشرکرده است، وی دراین باره می گوید: «ادبیات کلاسیک ایران چون در سال های گذشته در ژاپن شناخته شده و مطرح بود، همچنان مطرح است. اما من ابتدا به رباعیات خیام پرداختم. سابقه صدساله ادبیات معاصرایران را در مقالاتی درآنجا معرفی کردم. به غیر از این موارد مطالبی درباره خیام شناسی، سعدی شناسی و فردوسی شناسی نوشته ام. در ژاپن بیش از همه خیام محبوب است که تاکنون ۱۴ ترجمه از رباعیات او درآنجا منتشرشده و بعد ازخیام، حکیم نظامی بیشترین محبوبیت را دارد. به دلیل گیرایی منظومه های عاشقانه اش، علاقه عجیبی به آثارش دیده می شود.» هاشم رجب زاده درباره ترجمه آثار ادبیات معاصر ایران در ژاپن می گوید:«درآنجا بیش از همه روی آثار صادق هدایت تمرکزکرده اند. هدایت را به این دلیل می شناسند که ابتدا او را ازطریق ترجمه آثارش درزبان اروپایی شناختند. در دهه اخیر توجه بیشتری به ادبیات معاصرایران شده است. برای نمونه یکی از آنها جلال آل احمد است که ترجمه آثارش قابل مقایسه با ترجمه آثاردیگران نیست. سفرنامه و خاطرات ایران نیز اثر دیگری از ترجمه های هاشم رجب زاده است. هاشم رجب زاده از نسل مردان سختکوش عرصه تاریخ نگاری، ترجمه و تألیف است. او نمونه والایی از روحیه جست وجوگری ایرانی برای شناخت و آموختن برای نسل جدید ایرانیان است. در این سال ها او از مهمترین منابع شناخت فرهنگ و تمدن ژاپن بوده و تألیفات و ترجمه هایش نیز در راستای این مرجعیت شکل گرفته است.بسیاری از ایرانیان در سال های اخیر اگر شناختی از فرهنگ و تاریخ ژاپن به دست آورده اند، یا به ادبیات ژاپنی و نیز شعر آن دیار دلبستگی یافته اند،این شناخت و دلبستگی را مدیون آثار رجب زاده نیز هستند. همچنین در سالها اقامت رجب زاده در ژاپن

ارتبـاط نشـریات داخلی بـا او هرگز گسسـته نشـده و در بسـیاری از مجلات و نشـریات تخصصـی ایران شناسـی یـا تاریـخ و فرهنگ،مقالات پرباری را در حوزه های کاری اش به چاپ رسانده است. از آن جمله است سلسله یادداشت های او در مجله بخارا با نام یادداشت هایی از ژاپن که چندین سال در هر شماره به چاپ می رسید.علاوه بر این رجب زاده حوزه تألیف و ترجمه کتاب را نیز با جدیت دنبال کرده و آثار ویژه ای از زبان ژاپنی به فارسی برگردانده است.«اندیشه و احساس در شعر معاصرژاپن»، « قصه های ژاپنی» ،«گل صـدبرگ» ،«چنین گفت بودا» و ...بخشـی از آثاری است که در کارنامه او به ثبت رسیده انـد.به غیر از گل صدبرگ که مجموعه شـعراست، دردیگر حوزه هـا هم کارکرده ام و می کنم. درباره تاریـخ دوران میانه، و به طور اختصاصـی پیرامون تاریخ ایلخانیـان کـارکرده ام. درمورد فضـل الله تحقیقـات و مطالعـات گسترده ای دارم که انتشـارات طرح نو یکی از این کتـاب هـا را که پیرامون زندگی و آثارش بود، منتشـرکرد. --

----

آثار :

۱ آیین کشورداری در عهد وزارت رشیدالدین فضل الله همدانی

ویژگی اثر : .«آیین کشورداری» نخستین کتاب دکتر هاشم رجب زاده بود که در باب وزارت رشـیدالدین فضل الله نوشته شد.رجب زاده دربـاره یکی از آثـار او می گویـد: «بیـان الحقـایق از جمله آثـار رشـیدالدین فضل الله همـدانی است.بنا به آنچه مؤلف خود در مقدمه کتاب دیگرش لطایف الحقایق اشاره کرده، این اثر در بردارنده هفده رساله است.این رساله ها کلامی و بیشتر در تفسیر قرآن کریم نگارش یافته و منظور مؤلف از نگارش آنها آشتی دادن میان فلسـفه و کلام است.نسـخه ای ناقص از بیان الحقایق در کتابخانه مجلس شورای اسـلامی محفوظ است که در سـده هشـتم هجری کتـابت شـده و در بردارنـده ده رسـاله از هفـده رساله بیان الحقایق است.در برخی از منـابع، رسـاله هـای بیـان الحقـایق در بیست عنـوان فهرست شـده است.در این گفتـار، به معرفی نسـخه خطی بیـان الحقایق (محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی) پرداخته شده است.»

۲ اندیشه و احساس در شعر معاصر ژاپن

ویژگی اثر : ۱۳۵۸

۳ ایران و ماوراء النهر

ویژگی اثر : «ایران و مـاوراءالنهر» نیز کتـابی است که از امیلی برتشـنایدر که رجب زاده ترجمه کرده و بنیـاد موقوفات افشار به بازار عرضه کرده است.سیاحان و جهانگردان چینی در سده های هفتم و هشتم هجری (سیزدهم و چهاردهم میلادی) در عهد مغول از راه های سـخت وبیابانی گذشـته به ماوراءالنهر رفته، سرزمین هایی را که دیده اند و شـرح سـفر خود را در روزنامه های چینی نوشـته و توصـیف کرده بودنـد. این خاطرات که مشـحون از جسـتارهای باارزش تاریخی و جغرافیایی است و اطلاعات مفیـدی را در بر دارد اساس کار دکتر امیلی برتشنایدرطبیب و جغرافیدان و گیاه شناس معروف آلمانی روسی الاصل قرار گرفت که به این اسناد دسترسی یـافت و کتـاب مفصـلی فراهـم آورد کـه بخش ایران آن را محقـق توانـا دکـتر هـاشم رجـب زاده ترجمه و چـاپ کرده است. دکـتر برتشـنایدر مؤلف این گنجینه معتبر – که از آثـار مکتوب چینی گرد آمـده – در سـال ???? به عنوان طبیب در سـفارت روسـیه در تهران اشـتغال داشت و چهار سال در ایران بود، بعـد در سال ???? به پکن منتقل شـد و نزدیک به ?? سال در آنجا مانـد و این اثر علمی نفیس و معتبر حاصـل بهره گیری او از منابع چینی محفوظ در کتابخانه های پکن بوده که دو بار در سال های ???? و???? در انگلیس به چاپ رسـیده بود. مترجم فاضل این مجموعه را از نسخه چاپ لندن ترجمه و عرضه کرده است رجب زاده درباره این کتاب می گوید: « برتشـنایدر اعتقاد دارد که کتاب «جوامع التواریخ» رشـیدالدین فضل الله بزرگترین تاریخ عالم است. این حرف را البتـه اروپاییـان دیگری به مناسبت هـای مختلـف مطرح کرده انـد. پس این حرف که می گوینـد، ایرانیـان عـادت به نوشـتن تـاریخ نداشـتند، درست نیست. چون اگر به شرق دور برویم می بینیم چینی ها از دوهزار وپانصد سال پیش تاریخ مکتوب دارند و ژاپنی ها ازهزاروپانصـد سال پیش «یادداشت روزانه» یا تاریخ نامه به صورت روزنگار می نوشـتند و از میان ایرانیان هم رشـید الدین فضل الله بزرگترین مورخ عصر خود و قرون بعد بود.»

۴ بیان الحقایق

۵ پروشییا کیکوء

ویژگی اثر : نوبویوشـی فوروکاوا نفر دوم این هیأت سـفارت، سرهنگ و نماینده ستاد ارتش ژاپن، جدا از گزارشی که از دیده ها و شنیده ها ویافته هایش به دولت و دسـتگاه متبوع خود داد، سـفرنامه ای هم نگاشت که در سال ???? م.در توکیو با عنوان «پروشـییا کیکوء»(یـادداشت هـای سـفر ایران) چـاپ شـد. رجب زاده همچنین ردپای حضور ایرانیان در ژاپن را نیز دنبال می کنـد و بویژه در شناسـایی قبیله ای تـاریخی از ژاپن که به نظر می رسـد از دربـار ساسانیان به آن دیار عزیمت کرده انـد،نقش مهمی داشـته است. از بازماندگان این قبیله ژاپنی خانمی است به نام هیروکو نیشـی زاوا که اکنون بیشتر از هفتاد سال دارد. او به گواهی اسـناد خانوادگی، خود را نسـل پنجـاه و سوم ازتبار شاهزادگان ساسانی که در سـده هفتم میلادی و در پی ویران شـدن تیسـفون به خاور دور آمدنـد، میداند و کتابی هم، داستان گونه، با نام«از تبار ایرانی» منتشر کرد که جلد یکم از چند دفتری است که درباره خاندان خود در دست نگـارش دارد.خـانواده او از دیربـاز درناگانو، ایالت کوهسـتانی در میانه جزیره اصـلی ژاپن، هونشو ، مقیم بوده انـد، اما او اکنون در شهر توکیو زنـدگی میکنـد. او گفته است: « از نشان خانوادگی ام و آثاری که بازمانـده، می توانم تاریـخ خانـدانم را تا سال???? پیش از میلاد یـا بیشـتر از آن دنبـال کنم». رجب زاده ، حکـایت می کنـد که روزی در بهـار ?? ،تلفنی به او گفته انـد یـک خـانم ساسانی قصد دیدار او را دارد تا پاره ای از مشکلات تحقیقاتی خود را حل کند! هاشم رجب زاده در نوشته ای سوابقی را می آورد که نشان می دهـد بنا به مـدارک تاریخی در ژاپن در نیمه قرن هفتم میلادی ایرانیانی به آن کشور رفته و در آنجا ساکن شـده اند.از جمله به نقل از «نیهون شـهوکی» تاریخ نامه باستانی ژاپن در ضبط رویدادهای سال ??? میلادی آورده: تابستان.ماه چهار (آوریل) دو مرد و دو زن از سـرزمین تخارا (ایران) و یک زن از سـراواستی را توفان به هیو گو آورد ???.میلادی برابر با سال ?? هـ.است.با

توجه به اینکه اعراب در سال ?? ه ???ـم.به ایران یورش کردند، می توان حدس زد که سفر نیاکان خانم نیشی زاوا، یعنی آن شاهزادگان ساسانی که توفان آنها را به سواحل ژاپن رسانده، از ایران به ژاپن چند سالی طول کشیده است.معلوم نیست که آن توفان زدگان، اجداد خانم نیشی زاوا بوده باشند اما گویا اجداد این زن ساسانی هم سرنوشتی مشابه آنان داشته اند.

۶ ترجمه سفرنامه فوروکاوا

۷ ترجمه سفرنامه های ژاپنی بوتجان

۸ ترجمه سفرنامه و خاطرات آشی کاگا

۹ جستارها

ویژگی اثر : گزیده مقالات ایرانشناسان و شرق شناسان ژاپن

۱۰ چنین گفت بودا

۱۱ زندگی و آثار رشید الدین فضل الله همدانی

ویژگی اثر : رساله هایی که رشیدالدین فضل الله نوشته، در مجموع پنج کتاب است که یکی مجمل الرشیدی مرکب از چهار کتاب است و یکی هم بیان الحایق که کتاب جداگانه ای است. رجب زاده درسال ?? درباره زندگی و آثار رشیدالدین فضل الله کتابی نوشت که انتشارات طرح نو آن را به بازار عرضه کرد

۱۲ سفرنامه فوکوشیما یا سوماسا

۱۳ سفرنامه ماساجی

۱۴ سفرنامه یوشیدا ماساهارو

ویژگی اثر : نخستین کتاب از این مجموعه «سفرنامه یوشیدا ماساهارو» بود که ?? سال پیش انتشارات آستان قدس رضوی منتشر کرد. هیأتی که به ریاست ماساهارو یوشیدا در سال ???? میلادی ???? ، ه.ق، دوازده سال پس از آغاز تجدّد ژاپن (نهضتِ میجی)به دربار ناصرالدین شاه آمد، پس از گذراندن مأموریت خود در ایران، از راه روسیه و دریای سیاه و بندر باتوُمی (اکنون در خاک گرجستان)به استانبول رفت تا از دربار عثمانی نیز دیدن کند.ورود این هیأت به خاک عثمانی چند سالی پس از جنگ روسیه و عثمانی و شکست و ادبار کار آل عثمان بود .

۱۵ قصه های ژاپنی

۱۶ قصه های ژاپنی

ویژگی اثر : ۱۳۶۳

۱۷ گل صدبرگ (گزینه ای از اشعار کهن ژاپنی)

ویژگی اثر : در ژاپن من در مورد تاریخ وفرهنگ ایران تدریس می کنم. ادبیات فارسی را یک خانم ژاپنی تدریس می کند به اسم فوجی موتو. این استاد، زبان فارسی را خوب می داند و کتاب «گل صدبرگ» را با همکاری او به فارسی برگردانده ام. این کتاب در واقع گزیده ای از ? هزار و پانصد قطعه شعر قدیم ژاپنی است که بیش ازهزارسال پیش سروده شده بود

۱۸ مفتاح التفاسیر

ویژگی اثر : هاشم رجب زاده در حال حاضر «بیان الحقایق» مجموعه ?? رساله کلامی، فلسفی و دینی از رشیدالدین فضل الله همدانی را گردآوری، تصحیح و مقدمه نویسی کرده است، که آن را به همراه «مفتاح التفاسیر» – از دیگر رساله های رشید الدین – به ترتیب مرکز نشر میراث مکتوب و مرکز بزرگ دایرهٔ المعارف اسلامی منتشر می کنند.

۱۹ نگاهی به تاریخ اسلام در ژاپن

رجب نیا، مسعود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۸ ش)، نویسنده، مترجم و مدرس. در تهران متولد شد و تحصیلات خود را در دبیرستان البرز و دانشسرای عالی به پایان برد. در سال ۱۳۲۲ ش به خدمت فرهنگ درآمد. و مدتی به کار تدریس در دبیرستانهای تهران پرداخت. از آثار وی: ترجمه‌های «ابراهام لینکن»، «داوید کاپرفیلد»، «دین برای دیر باوران»، «سازمان اداری حکومت صفوی» و «طب اسلامی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۱۷۶ –۱۷۴ /۶).

رجب‌زاده مقدم، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: استاد، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ریاضی با رتبه اول در سال ۱۳۴۹، کارشناسی ارشد و دکترای ریاضی از دانشگاه لندن (کالج کوئین مری) در سالهای ۱۳۵۱ و ۱۳۵۴.

مرتبه علمی:

تدریس در دانشگاههای مختلف اروپا با درجه پروفسور میهمان و استاد مدعو، استاد دانشکده علوم دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

نظریه گروههای نامتناهی، گروههای موضعا متناهی، بحث و بررسی ضربگر شور در حالت واریته گروههای پوچ توان، ضربگر شور تعمیم یافته، جبر همولوژیک، راهنمائی مشاوره و نظارت بر ۱۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

جبر، جبر خطی، نظریه گالوا.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۷

زمینه علمی مقالات:

نظریه گروهها در حالت کلی، خاصیت شور، خودریختی گروهها، حاصلضرب گروههای موضعا متناهی، ضربگر شور و ضربگر شور تعمیم یافته.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

رجبعلی پور، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی رجبعلی پور در سال ۱۳۲۴ در کرمان متولد شد. وی در سالهای ۱۳۴۵،۱۳۴۷،۱۳۵۲ لیسانس از دانشگاه تهران، فوق لیسانس از دانشگاه شیراز و دکتری رشته ریاضی را از دانشگاه تورنتوی کانادا دریافت کرد. وی تا سال ۱۳۵۵ به ادامه تحصیل در دانشگاه دالهوسی کانادا پرداخت. سپس به ایران آمد و به تدریس در دانشگاه مازندران پرداخت. و سپس از انتقال به کرمان تا مرتبه استادی ارتقا یافت. وی عضو بسیاری مجامع و تحریریه های مجلات علمی بین المللی و داخلی و چهره ماندگار دررشتهٔ ریاضی است.گروه : علوم پایهرشته : ریاضیاتتحصیلات رسمی و حرفه ای : مهدی رجبعلی پور پس از اخذ دیپلم از زادگاه خود کرمان، لیسانس ریاضی را از دانشگاه تهران (۱۳۴۵)، مدرك فوق لیسانس را از دانشگاه شیراز (۱۳۴۷)و دکتری را ازدانشگاه تورنتوی کانادا دریافت کرد(۱۳۵۲). وی در دانشگاه کرمان تا مقام استادی ارتقا یافت.خاطرات و وقایع تحصیل : اقامت و تحصیل مهدی رجبعلی پور در کانادا از وقایع مهم زندگی علمی وی بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : مهدی رجبعلی پور پس از اخذ فوق لیسانس دررشتهٔ ریاضیات از دانشگاه شیراز درسال۱۳۴۷، تا سال ۱۳۴۹ به تدریس در آن دانشگاه مشغول بود.وقایع میانسالی : مهدی رجبعلی پور پس از بازگشت از کانادا در سال ۱۳۵۵ شروع به تدریس در دانشگاه مازندران (بابلسر) کرد. سپس به دانشگاه کرمان منتقل شد و در آنجا تا درجهٔ استادی ارتقا کرد وی از فرصتهای مطالعاتی در کانادا استفاده کرد و عضو بسیاری از مجامع بین المللی درزمینهٔ ریاضی و فیزیك نظری است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مهدی رجبعلی پور بین سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۴۹ مدرس ریاضیات در دانشگاه شیراز، از سال ۱۳۵۵ استاد همان رشته در دانشگاه مازندران، سپس در دانشگاه کرمان بوده و هست. از دیگر سمت های مورد تصدی ایشان می توان به چند مورد زیر اشاره کرد: معاون پژوهشی مرکز بین المللی علوم و تنکنولوژِ پیشرفته و علوم محیطی رئیس بخش ریاضی دانشگاه کرمان رئیس مرکز پژوهشی ریاضی ماهانی رئیس مرکز تحقیقات جنوب شرق ایران عضو پیوسته فرهنگستان علوم ایرانفعالیتهای آموزشی : مدرس رشتهٔ ریاضی در دانشگاه شیراز(۱۳۴۹-۱۳۴۷ه.ش) استاد رشتهٔ ریاضی در دانشگاه مازندران (بابلسر) از سال ۱۳۵۵، استاد رشتهٔ ریاضی در دانشگاه کرمان و ارتقا به درجهٔ استادی در همان دانشگاه . مهدی رجبعلی پور به تدریس دروس مربوط به رشته تخصصی خود در برخی از دانشگاههای ایران می پردازد که به شرح زیر است: ریاضیات عمومی ،آمار،معادلات دیفرنسیل در دانشگاه شیراز نظریه اندازه و انتیگرال و ریاضی عمومی و معدلات دیفرانسیل با مشتقات جزئی ،ریاضی عمومی ریاضیات مهندسی در دانشگاه دالهوسی کانادا توپولوژی ،توابع مختلط،آنالیز ریاضی ،آنالیز تابعی ،آنالیز حقیقی ،آنالیز مختلط در دانشگاههای مازندران – صنعتی شریف و شهید بهشتی نظریه اعداد ،آنالیز ریاضی ،جبر خطی ،تاریخ ریاضی ،نظریه اعداد ،بررسی کتب درسی (کارشناسی) ،آنالیز تابعی ،آنالیز تابعی کاربدی،آنالیز حقیقی ،مباحثی در نظریه اندازه و انتیگرال ،نظریه عملگرها ،عملگرهای دیفرانسیلی ،آنالیز هارمونیك ،آنالیز ختیط ،منطق کوانتمی (کارشناسی ارشد) در دانشگاه کرمان.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مهدی رجبعلی پور در بسیاری از مجلات معتبر بین المللی مقالاتی به چاپ رسانیده است که حاکی از تحقیقات وسیع وی در رشتهٔ ریاضی دارد.شاگردان : .آرا و گرایشهای خاص : مهدی رجبعلی پور علاوه بر ریاضیات به فیزیك نظری نیز علاقمند است و وی در ریاضی به تدریس آنالیز خطی، آنالیز ریاضی ، نظریه اندازه و انتگرال، جبرخطی، نظریه کنترل و .... می پردازد.جوائز و نشانها : استاد نمونهٔ دانشگاه کرمان در ۱۳۶۷ و استاد نمونهٔ کشور درسال ۱۳۶۹و چهره ماندگار درعرصهٔ ادبیات درنخستین همایش چهره های ماندگار در سال ۱۳۸۰ از افتخارات مهدی رجبعلی پور

است.چگونگی عرضه آثار : مهدی رجبعلی پور در کنار تدریس و تحقیق تعدادی پایان نامه کارشناسی ارشد و دکتری را راهنمایی ،نظارت و مشاوره کرده است که به چند مورد از عناوین آنها اشاره می شود: نظریه موجکها و کابردی از آن ،کارشناسی ارشد ۱۳۷۲ مقادیر ویژه چند جمله ایهای ماتریسی درجه دوم اختلال یافته ،دکتری ۱۳۷۳ شعاعهای طیفی خانواده های ماتریسی ،دکتری ۱۳۷۳ آنالیز چند مقیاسی ،کارشناسی ارشد ۱۳۷۴ تبدیلهای موجکی و حل معادله اتساع ،کارشناسی ارشد۱۳۷۴ دکتر مهدی رجبعلی پور بسیاری ازمقالات خو درا در مجلات علمی بین المللی به چاپ رسانیده است که برخی از آنها عبارتند از : procedings of the american match .soc. transactions of the american match .soc. indiana unir. journal of match. linear algebraof. applications. journal of differential equatious and .integrl operators

---

آثار : ۱ indiana unir. journal of match. ۲ journal of differential equatious and integrl operators. ۳ linear algebraof. applications. ۴ procedings of the american match .soc. ۵ transactions of the american match .soc. ۶ اتحادهای نمایی در گروهها و نیمگروهها ویژگی اثر : تالیف-فرهنگ و اندیشه ریاضی شماره سوم – فارسی ۱۳۶۲۷ پیشینه علوم ریاضی در خطه کرمان ویژگی اثر : نشریه دانشکده ادبیات علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان۸ جبرهای فراونده ای ویژگی اثر : گزارش یازدهمین کنفرانس ریاضی کشور_ فارسی ۱۳۵۹۹ چند مسئله خاص ریاضی ویژگی اثر : ترجمه و تخلص -فرهنگ و اندیشه ریاضی شماره دوم -فارسی ۱۳۶۱۱۰ مثلثی کردن همزمان عملگر ها (۲) ویژگی اثر : سومین گزارش سمینار آنالیز ریاضی -دانشگاه شیراز ۱۳۶۷۱۱ مسئله اصل توازی ویژگی اثر : گزارش دوازدهمین کنفرانس ریاضی کشور دانشگاه صنعتی اصفهان – فارسی ۱۳۶۰۱۲ مفهوم بینهایت در آنالیز و تاریخچه مختصر آن (۱) ویژگی اثر : تالیف و گرد آوری -رشدآموزش ریاضی شماره ۵ و ۶ – ۱۳۶۴۱۳ یادنامه مهندس علیزاده پور بنیانگذار دانشگاه در کرمان ویژگی اثر : ضمیمه جلد اول – دوره پنجم فارسی برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

رجبی طرخورانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، مترجم.

تولد: ۱۳۳۱، تفرش.

درگذشت: اسفند ۱۳۷۲.

محمد رجبی طرخورانی تحصیلات مقدماتی را در تفرش به پایان رسانید و در سال ۱۳۵۰ وارد دانشگاه شد و در سال ۱۳۵۶ در مقطع کارشناسی ارشد رشته‌ی ریاضی از دانشکده‌ی علوم دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل گردید و سپس به عنون مربی در همان دانشگاه شروع به خدمت نمود. با آغاز دوره‌ی دکترای ریاضی در کشور در سال ۱۳۶۷ در این دوره در دانشگاه تهران پذیرفته شد و ضمن انجام خدمات آموزشی در سال ۱۳۷۲ موفق به اخذ درجه دکتری گردید.

برخی از آثار وی به این شرح هستند: آشنایی با ریاضیات جدید، جبر و آنالیز، حدود و پیوستگی، ترجمه کتاب جبر خطی (کتاب برگزیده‌ی دوازدهین دوره‌ی کتاب سال ۱۳۷۳ در موضوع علوم خالص، در قسمت ریاضیات، کتاب‌های ترجمه شده).

دکتر محمد طرخورانی در اسفند ۱۳۷۲ بر اثر ابتلا به نوعی بیماری خونی درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

رجبی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین رجبی

محل تولد : خواف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ وارد حوزه علمیه تربت حیدریه و در سال ۱۳۵۴ به حوزه علمیه مشهد وارد شد ودرس های سطح را به پایان رساند .در سال ۱۳۶۰ به حوزه علمیه قم وارد شده و درس های گوناگون حوزوی را تا کنون ادامه می دهد ؛ درس های فقه و اصول را نزد آیت الله فاضل لنکرانی ، آیت الله شیخ جواد تبریزی و آیت الله وحید خراسانی در مدت ۲۰ سال فرا گرفت ؛ در این فرصت بیشترین بهره برداری را از محضر استاد وحید خراسانی داشته است درس های فلسفه و عرفان را بمدت ۸ سال در محضر استاد حسن

زاده آملی و استاد انصاری شیرازی بود .

همزمان با اشتغال به تحصیل دو کار مهم دیگر را مورد توجه و عنایت قرار داده است : ۱. حضور در صحنه تبلیغات بویژه در مناطق محروم مرزی ؛۲. پرداختن به فعالیت های پژوهشی کاربردی که مورد نیاز مناطق مختلف کشور بود ؛ از این رو نیاز ها و پرسش ها ی مذهبی که در مناطق مختلف کشور بویژه مناطق محروم و مرزی کشور به چشم می خورد ، ایشان را به فعالیتهای پژوهشی وادار نمود . در این راستا کتاب ها و مقالات گوناگونی را تالیف و ارائه داده است که مورد بهره برداری تمامی مبلغان ، فرهنگیان و حوزویان قرار گرفته است . البته این تالیفات از دو قسمت تشکیل می شود : ۱. کتاب هایی که به طور مستقل و جداگانه بوسیله خود ایشان تدوین شده است ،۲. نوشته هایی که با طرح ، نظارت و در نهایت تکمیل انجام شده است .

ایشان از سال ۱۳۶۱ به فعالیت های فرهنگی ، تبلیغی در سپاه پاسداران و جهاد سازندگی مشغول بوده است و در سال ۱۳۷۰ نهاد رهبری در امور اهل سنت را با همکاری دوستان پایه گذاری نمودند. در سال ۱۳۸۳ با همکاری گروهی از فضلای حوزه ، موسسه فرهنگی نجم الهدی را تاسیس کردند که در مسائل فرهنگی ، دینی و مذهبی فعالیت می نمایند و در این راستا از سال ۱۳۷۴ تا کنون با اعزام گروهی از فضلای حوزه به مناطق محروم و مرزی ، به فعالیت تبلیغی و فرهنگی مشغول می با شند .

رجبی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس رجبی

محل تولد : محلات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عباس رجبی در سال ۱۳۵۳ تحصیلات ابتدایی خود را در شهر نیمور از توابع شهرستان محلات آغاز کردم و تا پایان دوره راهنمایی در همانجا گذراندم. در سال ۱۳۶۱ به خاطر حضور در جبهه ترک تحصیل کردم و در سال ۱۳۶۲ در حوزه علمیه القائم محلات دروس حوزوی را آغاز نمودم و پس از گذشت یک سال به قم مهاجرت کردم و در مدرسه امام باقر(ع) (جنب پل نیروگاه) مشغول به درس شدم. با اتمام لمعتین معمم شدم و به سال ۶۷ به مدرسه فیضیه آمدم و تا سال ۱۳۶۹ حجره داشتم. سال ۷۱ در موسسه در راه حق که بعداً به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی تغییر نام داد مشغول به تحصیل علوم قرآنی و فلسفه شدم و همزمان در دروس حوزوی شرکت می‌کردم. سال ۷۲ سطح را با انجام آخرین آزمون آن به پایان رساندم در حالی که از دو سال قبل آن در دروس خارج فقه و اصول شرکت می‌کردم. اساتیدی که در درس خارج از آنها بهره بردم عبارتند از: استاد جوادی آملی و در فقه و تفسیر، استاد جعفر سبحانی در اصول، استاد فاضل لنکرانی در فقه، مرحوم استاد تبریزی در فقه و استاد کعبی در فقه، در سال ۷۳ با یک سال مرخصی از موسسه راهی سفر تبلیغ به کرند غرب در استان کرمانشاه شدم و مدیر و استاد حوزه علمیه خواهران آنجا شدم. در سال ۷۶ با پایان رساندن دوره دروس معارف موسسه، در دوره تخصصی روان‌شناسی شرکت کردم و تا سال ۸۱ به تحصیل ادامه دادم. سال ۱۳۸۲ با نوشتن پایان‌نامه و دفاع از آن با اخذ نمره ۱۹ موفق به کسب مدرک کارشناسی ارشد روان‌شناسی شدم. در سال ۸۰ در بخش مشاوره تربیتی مرکز نهاد رهبری در دانشگاهها مشغول به فعالیت شدم که تاکنون ادامه دارد. در طول تحصیل مقالات زیادی برای مراکز مختلف و مجله‌های علمی نوشتم که عبارتند از: مجله معرفت از موسسه آموزش امام خمینی، مجله پرسمان از نهاد رهبری در دانشگاه و موسسه انتظار نور وابسته به دفتر تبلیغات، مجله شمیم یاس از حوزه علمیه خواهران و مجله صبح از صدا و سیما. همچنین در برخی همایش‌های علمی و تربیتی در سطح دانشگاهها شرکت کردم و به ارائه مقاله و سخنرانی پرداختم. در سال ۸۴ به عضویت مشاوران مرکز مشاوره و راهنمایی بلاغ و وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی درآمدم که از آن زمان تاکنون در دو مدرسه عالی فقه و معارف و مدرسه تخصصی فقه و اصول به سمت مشاوره مشغول به خدمت هستم.در سال ۸۵ به اداره ارشاد قم بخش بررسی کتاب برای نقد و بررسی کتاب دعوت شدم که تاکنون ادامه دارد.فعالیتهای تبلیغی بنده از سال ۶۵ برای اولین بار به عنوان مبلغ در جبهه‌های نبرد با استکبار حاضر شدم و در سال ۶۶ رسماً معمم شدم و در ایام تبلیغی به شهرها و روستاها مهاجرت کردم. در سال ۷۴ به عنوان روحانی کاروان‌های حج و عمره و عتبات پذیرفته شدم که از آن زمان تاکنون ۱۵ سفر تبلیغی همراه با کاروان‌ها داشته‌ام که به ترتیب سه مرتبه حج تمتع ۹ مرتبه عمره، دو مرتبه کربلا و یک مرتبه سوریه.

رجبی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود رجبی

محل تولد : جاسب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔالاسلام والمسلمین محمود رجبی در سال ۱۳۳۰ هجری شمسی در شهیدیه جاسب در میان خانواده‌ای متدین و پاک طینت به دنیا آمد. پدرش مرحوم غلامحسین رجبی به شغل کشاورزی و آهنگری روزگار می‌گذراند و به روحانیت شیعه و راه مقدس آن علاقه وافری داشت. او دو سال پس از تولد فرزندش به همراه خانواده به قم آمد. حجهٔالاسلام والمسلمین محمود رجبی تحصیلات خود را از دبستان آغاز کرد و با به پایان بردن آن، در سال ۱۳۴۳ به حوزه علمیه قم وارد شد. مشوق اصلی وی در این امر پدرش بود. پدرش از علاقه‌مندان به اهل بیت(ع) بود و همواره در شهادتها و ولادتها به برگزاری مراسم اهتمام جدی داشت. او همواره به روحانیت شیعه عشق می‌ورزید و از این رو فرزند خود را بسیار تشویق می‌کرد تا در این راه پرافتخار گام بردارد.او تحصیلات علوم دینی را در مدرسه علمیه آیهٔالله العظمی گلپایگانی(ره) آغاز کرد و کتب دوره مقدمات و سطح را نزد استادان برجستهٔ آن روزگار به پایان برد. سپس در سال ۱۳۵۰ به درس خارج فقه و اصول استادان برجستهٔ حوزه علمیه قم راه یافت و سالها از محضر آنان بهره برد. او در طی این سالها از تحصیل تفسیر، علوم عقلی و شرکت در دروس اخلاق نیز بازنماند و در اولین دوره آموزشی ویژه مؤسسه در راه حق که تحت اشراف علمی حضرت آیهٔالله مصباح یزدی اداره می‌شد شرکت نمود. وی همچنین با تأسیس دفتر همکاری حوزه و دانشگاه نیز در گروه علوم اجتماعی این دفتر به تحقیق، ارائه کنفرانس و بازسازی علوم انسانی در قلمرو جامعه‌شناسی پرداخت. حجهٔالاسلام والمسلمین محمود رجبی به محضر استادان فراوانی راه یافت. او بخشی از مقدمات و سیوطی را نزد آقایان فلاح زاده و شایسته(ره)، منطق مظفر و اصول فقه مظفر را نزد آیهٔالله امینیان و حجهٔالاسلام و المسلمین فیاضی، معالم الاصول را نزد آیهٔالله مقتدایی و معانی و بیان را نزد آیهٔالله حاج شیخ حسن آقا تهرانی فرا گرفت. شرح لمعه را نزد حضرات آیات آقایان محمد مؤمن، حسین شب‌زنده‌دار، شیخ حسن تهرانی، فاضلی و امراللهی فرا گرفت و در درس رسائل آیهٔالله طاهری خرم آبادی و آیهٔالله مؤمن و در درس مکاسب آیهٔالله ستوده، آیهٔالله مصلحی اراکی و آیهٔالله مؤمن شرکت کرد. برای آموختن کفایهٔالاصول نیز به درس آیهٔالله سلطانی طباطبایی(ره) و آیهٔالله مؤمن رفت. وی با پایان یافتن دورهٔ سطح، به درس خارج آیهٔالله حاج شیخ کاظم تبریزی(ره)، آیهٔالله حاج شیخ مرتضی حائری(ره)، آیهٔالله العظمی وحید خراسانی، آیهٔالله شاه آبادی آملی رفت و سالها از محضر ایشان بهره برد. ضمناً او در درس تفسیر آیهٔالله شب‌زنده‌دار نیز حاضر می‌شد و باب حادی عشر رانزد آیهٔالله صلواتی و شرح تجرید را نزد آیهٔالله حسینی کاشانی آموخت. او در طی این سالها از درس اخلاق حضرات آیات مشکینی و مصباح یزدی بهره برد. حجهٔالاسلام والمسلمین محمود رجبی در سالهای تحصیل خود با استادان و فضلای بسیاری رابطهٔ دوستی داشت که از آن جمله، حجج اسلام آقایان سید محمد غروی، علی مؤمن، مهدی شب‌زنده‌دار و محمود محمدی عراقی را می‌توان نام برد. حجهٔالاسلام والمسلمین محمود رجبی در سالهای زندگانی خود تا به امروز، خدمات علمی و فرهنگی بسیاری از خود برجای نهاده است. او بسیاری از کتب دوره سطح را بارها تدریس کرده و از این رهگذر شاگردان فراوانی را تربیت کرده است. بخشی از تدریس او مربوط به مؤسسه در راه حق و مؤسسه امام خمینی(ره) است. او با توجه به رشته تحصیلی خود در مؤسسه در راه حق (جامعه‌شناسی) و مطالعات و تحقیقات فراوان در علوم قرآنی و تفسیر، سالها به تدریس در آن دو مؤسسه و نیز دانشگاه‌ها و مراکز آموزش ضمن خدمت آموزش و پرورش در رشته‌های جامعه‌شناسی، علوم قرآنی و تفسیر اشتغال داشته است. بخشی از فعالیتهای علمی و فرهنگی وی تهیه متون و منابع درسی در دو رشته «تفسیر و علوم قرآن» و «جامعه‌شناسی» است او از این رهگذر کتابهای متعددی را تألیف کرده که از آن جمله می‌توان به کتابهای «روش تفسیر قرآن»، «شناخت قرآن»، «اعجاز قرآن»، «انسان‌شناسی» و «قرآن‌شناسی» ـ که حاصل تلاش ایشان در تحقیق و تدوین درسهای استاد مصباح یزدی می‌باشد ـ را نام برد او همچنین کتابهای «درآمدی به جامعه‌شناسی اسلامی»، «تاریخچه جامعه‌شناسی»، «مبانی جامعه‌شناسی» و «تاریخ تفکرات اجتماعی» را در قلمرو علوم اجتماعی به رشته تحریر درآورده است. ایشان در زمینه ترجمه نیز کتاب «عوامل ضعف المسلمین» نوشته عاطف الزین را به فارسی ترجمه کرده است. حجهٔالاسلام والمسلمین محمود رجبی از مؤسسان دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و مسؤول گروه علوم اجتماعی این دفتر است، وی همچنین ضمن عضویت در شورای عالی بررسی متون درسی دانشگاه‌ها، معاونت پژوهشی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) را نیز بر عهده دارد.او از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و هم اکنون در قم به تدریس می پردازد.

رجوی دیلمگانی، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۱/۱۲۹۶ ش)، محقق و شاعر، متخلص به ایزد. در دیلمگان سلماس از توابع آذربایجان غربی به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تبریز به پایان رساند. سپس به تهران آمد و به اخذ لیسانس ادبیات و فلسفه و علوم تربیتی توفیق یافت. به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. وی دارای آثار و تالیفاتی است، از جمله: «قواعد لگاریتم»؛ «خرد پژوهی»؛ «زندگی و فلسفه‌ی فارابی»؛ «وراثت روحانی»؛ «نامه‌ی پیروز» مجموعه‌ی اشعار او در سال ۱۳۴۴ ش به نام «باده‌ی کهن» چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :چهارصد شاعر برگزیده پارسی‌گوی (۸۰۲)، الذریعه (۹۰۰، ۳۵۶ /۹)، سخنوران نامی معاصر (۴۳۴ -۴۲۸ /۱)، فرهنگ سخنوران (۳۷۰)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹ -۱۸ /۵).

رحمان ستایش، محمدکاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد کاظم رحمان ستایش

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

درسال ۱۳۶۰ شروع به تحصیل دروس حوزوی نمودم. در شیراز از درس حضرت آیت الله سید علی اصغر دستغیب و استاد شیخ علی موحد تا اتمام لمعتین و اصول فقه استفاده کردم. در سال تحصیلی ۶۳ تا ۶۴ به قم مهاجرت کردم و یک سال در مدرسه امام مهدی (عج) زیر نظر آیت الله العظمی گلپایگانی تحصیل کردم. دروس سطح عالی را نزد اساتید برجسته حوزه آقایان شیخ علی پناه اشتهاردی، وجدانی فخر، اعتمادی، پایانی، ستوده، روشنی، تا سال ۱۳۶۶ گذراندم. فلسفه را از دروس آقایان روشنی، انصاری شیرازی، حسن زاده آملی استفاده کردم. از سال ۱۳۶۶ در درس اساتید خارج فقه و اصول شرکت کردم که شرح آن چنین است :۲ سال کتاب القصاص آیت الله مشکینی، ۵ سال ولایت فقیه و کتاب الزکات آیت الله منتظری، ۷ سال کتاب الطهارهٔو صلاهٔ و حدود آیت الله تبریزی، ۴ سال خارج اصول آیت الله تبریزی، ۲ سال خارج اصول آیت الله فاضل لنکرانی، ۳ سال خارج بیع آیت الله وحید خراسانی،۱۵ سال خارج اصول آیت الله وحید خراسانی، ۲ سال خارج اجاره آیت الله شبیری زنجانی،۳ سال خارج خلل صلاهٔ و کتاب الحج آیت الله سید محمد روحانی،۳ سال تعطیلات درس رجال استاد سید محمد جواد شبیری، ۵ سال تفسیر آیت الله جوادی آملی، تقریر همه دروس و اکثرا به عربی تدوین شده است. در سال ۱۳۷۱ فعالیت پژوهشی رسمی را با همکاری با معاونت اندیشه اسلامی مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری (درآن زمان) آغاز کردم.

درسال ۱۳۷۴ در راه اندازی پژوهشکده فقه و حقوق دفتر تبلیغات مشارکت داشته و تا سال ۱۳۸۰ به صورت مستمر با این پژوهشکده همکاری داشته ام. مدیریت گروه پژوهشی، تاسیس و مدیریت کتابخانه تخصصی فقه وحقوق را نیز بر عهده داشته ام. از سال ۱۳۷۷ به مرکز تحقیقات دار الحدیث دعوت شدم و به عنوان مدیر گروه رجال فعالیت نمودم از سال ۱۳۷۸ معاونت پژوهشی و آموزشی این مرکز را نیز پذیرفتم و تا کنون در این سمت بوده ام. در طول سال های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ با موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی همکاری داشته ام و ضمن فعالیت پژوهشی، مدیریت و راه اندازی واحد پژوهش های گفتاری را بر عهده داشته ام. در تمام این مدت در ضمن مسئولیت و مدیریت پژوهشی، فعالیت پژوهشی مستمر و تدریس هم داشته ام. برخی از آثار پژوهشی هم به عنوان آثار برگزیده یا تشویقی معرفی شده اند. گذشته از این آثار، محصولات مختلفی نیز با نظارت یا راهنمایی یا مشاوره اینجانب تدوین شده است که شرح آن به قرار زیر است. ۱. راهنمایی یا مشاوره حدود ۲۰ پایان نامه کارشناسی ارشد در مراکز مختلف آموزشی۲. اشراف/ معجم مصطلحات الرجال و الدرایهٔ / دار الحدیث ۳. نظارت/ دانش رجال از دیدگاه اهل سنت/ دار الحدیث ۴. نظارت/ مأخذ شناسی رجال شیعه/ دار الحدیث ۵. جهود الشیخ المفید و مصادره الفقهیه/ بازنویسی دو فصل آن/ دفتر تبلیغات ۶. گفتگوهای فلسفه فقه/ شرکت در گفتگوها/ دفتر تبلیغات .

رحماندوست، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای مصطفی رحماندوست در سال ۱۳۲۹ در همدان متولد گردید. پس از پایان تحصیل دوران ابتدائی و متوسطه، تحصیلات عالی خود را در رشت ?زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران به پایان رساند، و از سال ۱۳۴۹ تحقیق و نوشتن در مورد ادبیات کودکان را شروع نمود. رحماندوست تابحال مسئولیتهای مختلفی را در برنامه کودک صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و نشریه پویه بعهده داشته و هم اکنون نیز مدیر مسئول مشریات رشد (آموزش و پرورش) است.ترجمه کتاب" نگهبان چشمه " مصطفی رحماندوست بعنوان کتاب سال در دوره اول انتخاب شده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : مصطفی رحماندوست پس از پایان تحصیل دوران ابتدائی و متوسطه، تحصیلات عالی خود را در رشت ?زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران به پایان رساند، و از سال ۱۳۴۹ تحقیق و نوشتن در مورد ادبیات کودکان را شروع

نمود.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مصطفی رحماندوست تابحال مسئولیتهای مختلفی را در برنامه کودک صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و نشریه پویه بعهده داشته و هم اکنون نیز مدیر مسئول مشریات رشد (آموزش و پرورش) است.

جوائز و نشانها : ترجمه کتاب" نگهبان چشمه " مصطفی رحماندوست بعنوان کتاب سال در دوره اول انتخاب شده است. -------
----

آثار :

۱ اسم من علی اصغر است

ویژگی اثر : قصه برای نوجوانان

۲ انتظار را د رکوه، درخت و چشمه می بینم گرد آوری سرودهای بچه ها در بار ?امام زمان علیه السلام می بینیم

۳ بازگشت قصه تاریخی برای کودکان

۴ بسوی خانه

۵ بلبل خوش آواز

۶ جوانه های امید گرد آوری سرودها دربار ?انقلاب و جنگ

۷ چشمه نور مجموعه شعرهای سال ۵۵ تا ۶۱ برای کودکان

۸ خاله خودپسند دو قصه برای کودکان

۹ درسی برای گنجشک

ویژگی اثر : قصه منظومه برای کودکان

۱۰ سربداران نمایشنامه

۱۱ علی کوتوله بالای کمد

ویژگی اثر : قصه منظومه برای خردسالان

۱۲ نگهبان چشمه

ویژگی اثر : ترجمه یک قصه فلسطینی-برگزیده کتاب سال-این کتاب قصه ای فلسطینی است. داستان کتاب، فداکاری دختری است بنام سماء که پاهایش قدرت حرکت نداشته و برای خدمت به مردم نگهبانی چشمه ای را که آب ده را تأمین می کند بعهده می گیرد و سرانجام برای آگاه ساختن مردم به از حمله دزدان (بوسیله بصدا در آوردن زنگی که نزدیک چشمه آویخته شده)، جان خود را از دست می دهد و مردم نیز پاس این فداکاری پرچمی چهار رنگ (پرچم فلسطینی) به یاد او تهیه می نمایند که بر بالای خانه ها نصب می شود و نشانی از مبارزه با بیگانگان است. ---
----

منابع :

۱www.ketabesal.ir

رحمان‌سرشت، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مدیریت، دانشکده: حسابداری و مدیریت، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، دکترا در رشته سیستم‌های مدیریت از کشور انگلستان.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مدیریت نوآوری و تکنولوژی از دیدگاه استراتژیک، ارتباطات سازمانی، سنجش انگیزه با استفاده از یک مدل ریاضی، تراز نیروی انسانی، محاصره اقتصادی، روابط اقتصادی با کشورهای مسلمان، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مدیریت، تمرکز و عدم تمرکز، مدیریت استراتژیک، انگیزش.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۴، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

مبانی مدیریت، تصمیم‌گیری، مدیریت استراتژیک.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رحمانی خلیلی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم.

تولد: ۱۳۰۲ خلیل محله‌ی بهشهر.

درگذشت: ۲۷ اسفند ۱۳۷۴.

آیت‌الله ابوالقاسم رحمانی خلیلی مازندرانی در حدود هشت یا نه سالگی کسب علم و دانش را آغاز نمود و آموزش را از مکتبخانه‌های قدیمی آن روزگاران آغاز کرد و سپس به تحصیل علوم الهی و حوزوی حوزه‌ی علمیه‌ی کوهستان تحت نظر و آموزش آیت‌الله شیخ محمد کوهستانی پرداخت. ایشان دوره مقدمات و دوره سطوح را در حوزه‌ی علمیه‌ی کوهستان فراگرفت و سپس برای تکمیل مدارج علمی در سال ۱۳۲۵ در بیست و سه سالگی به حورزه علمیه نجف اشرف رفت و از محضر عالمانی همچون حضرات آیات عظام حاج سید محمود شاهرودی، حاج سید محسن کریم، سید ابوالقاسم خویی، حاج میرزا هاشم آملی، میرزا حسن یزدی و شیخ صدر بهره‌های فراوان برد. در همان حوزه‌ی علمیه‌ی نجف به تدریس نیز اشتغال ورزید.

آیت‌الله رحمانی خلیلی مازندرانی بعد از چهارده سال اقامت در حوزه‌ی نجف اشرف به زادگاه خود مراجعت نمود. بعد از مراجعت وی، و پس از یک هفته اقامت نزد آیت‌الله کوهستانی، ایشان اعلام فرمودند که «شیخ ابوالقاسم فقیه است، ملاست، عالم است، باید از ایشان استفاده بشود».

پس از مدتی در سال ۱۳۳۹ حوزه‌ی علمیه‌ی «خلیل محله» را تأسیس نمود و به این ترتیب به آموزش طلاب منطقه پرداخت. از جمله فعالیت‌های دیگر ایشان تأسیس مسجد و حسینیه‌ای با کمک مردم محله بود.

مدتی بعد به تهران رفت و حدود چهارده سال در آن شهر اقامت گزید، در سال ۱۳۶۴ به قم مهاجرت نمود.

از جمله فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی ایشان باید به درستی کمیته‌ی انقلاب اسلامی مسجد شفا اشاره نمود.

تألیفات و آثار قلمی آیت‌الله رحمانی به این شرح است: شرحی بر تبصره علامه حلی (ره)؛ شرحی بر عروهٔ الوثقی (رساله فی الاجتهاد والتقلید)؛ تفسیری بر سوره شریفه حمد؛ رساله در مشتق؛ رساله در طلب و اراده؛ نامه‌ها و مکتوبات عرفانی و اسرار و اذکار؛ کتابی در نحو.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

رحمانی فرد، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین رحمانی فرد

محل تولد : سبزوار

شهرت : رحمانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

از آنجا که در آبادی ما مدرسه نبود و بعد هم که آمد خانواده ما چندان اعتقادی به مدرسه علوم جدیده نداشتند. لذا از سنین کودکی به مکتب خانه رفتم و قرآن و کتاب گلستان سعدی و دیوان حافظ شیرازی را در مکتب خانه خواندم و بعد وارد حوزه علمیه سبزوار شدم و در مدرسه فصیحیه مشغول به تحصیل علوم قدیمه شدم و در همان ایام شبانه تحصیلات کلاسیک را تا سیکل خواندم و در اوایل سال ۱۳۵۳ به قم عزیمت کردم و در دروس اساتید سطح (پایه ۶و ۷) شرکت کردم و همزمان با وارد شدن به حوزه علمیه قم و شرکت در محافل سیاسی و پخش بیانیه ها و نوارها و کتابهای حضرت امام خمینی ره همواره تحت تعقیب ساواک رژیم بودم و در جریان یورش بیرحمانه ماموران شاه به مدرسه فیضیه در سال ۱۳۵۴ دستگیر و پس از ضرب و شتم به زندان اوین منتقل شدم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به کارهای تحقیقی و تبلیغی و فرهنگی مشغول میباشم.

رحمانی همدانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد فرزند مالک رحمانی همدانی از افاضل گویندگان و نویسندگان معاصر تهرانست که در تاریخ ۱۳۱۴ شمسی برابر ۱۳۵۵ قمری در جوقیات همدان که دو فرسخ شهر فاصله دارد، متولد شده و پس از گذرانیدن دوران کودکی و خواندن دروس فارسی مقدمات و ادبیات و سطوح اولیه را در مدرسه مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدعلی عالمی دامغانی خوانده و سطوح وسطی نهائی را در خدمت مرحوم حاج شیخ اسداله حجت همدانی و مرحوم حاج سیدمصطفی هاشمی و حاج شیخ علی انصاری به پایان رسانیده و کفایه‌الاصول را متنا و خارجا و نیز معارج عروه‌الوثقی علامه یزدی و تفسیر را از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه آخوند ملاعلی همدانی بهره‌مند گردیده و استفاده کامل نموده است.

و از معنویات و اخلاقیات آن عالم ربانی حظ وافر برده و در سال ۱۳۴۴ شمسی برابر ۱۳۸۵ قمری به تهران مهاجرت و رحل اقامت افکنده و از راه و طریق منبر رفتن به تبلیغ اسلام و ترویج دین و نشر معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام پرداخته و تا حال تحریر این کتاب سال ۱۴۱۱ قمری مفتخر به این خدمت می‌باشد و جدا منبری ولایتی و آموزنده و سازنده دارد. دارای تألیفات مفید و ارزنده است که از آنها کتب زیر است:

۱- الامام علی بن ابی‌طاب علیه‌السلام که به طبع رسیده و مطبوع همگان بالاخص اهل فضل می‌باشد.

۲- فاطمه الزهراء علیهاسلام که جامع و مفیدترین کتاب در فضائل و زندگانی آن حضرت است. و با بهترین کاغذ و جلد منتشر شد.

۳- مقاله تکامل در سایه اهل‌بیت که در گفتار وعاظ به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

رحمانی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن رحمانی

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۳/۱۰

زندگینامه علمی

در شهر شیراز متولد شدم. دوران ابتدائی را در روستای عاصمی و راهنمائی را در شهر بوانات(سوریان) به پایان رساندم در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه ولی‌عصر (عج‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف)شهر سوریان شدم. دروس مقدماتی از جمله صرف و نحو و ... از محضر اساتید معزز، حجج‌الاسلام: حسین جوان آراسته، عبدالرحیم سلیمانی‌اردستانی، رضا الهی‌منش و ... بهره بردم. در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه قم مدرسه شهیدین شدم. بقیه دروس مقدماتی را از محضر اساتید گران‌قدر، حجج‌الاسلام: سید محمدرضا طباطبائی"،(تاریخ اسلام، گلستان سعدی، اخلاق) "احمد دیانی، احمد شیخ‌بهائی، حمید شهریاری و ... استفاده نمودم. شرح لمعه(فقه) و اصول فقه را نزد شیخ ابراهیم اسلامی، مسعودی خمینی تلمذ نمودم.رسائل و مکاسب را نزداساتید معظم؛ سید محمد سعیدی، حسن نظری، عراقچی همدانی، حسینی خراسانی؛ کفایه‌الاصول و بخشی از مکاسب را نزد اساتید معزز؛ موسوی تهرانی، میلانی، دوزدوزانی، رضا استادی گذراندم.فلسفه (بدایهٔ الحکمه، نهایه‌الحکمه و منظومه) را نزد اساتید گرانقدر: حاج آقای لطیفی و حاج آقای شمالی تلمذ نمودم. دروس خارج فقه و اصول آیات عظام: جعفر سبحانی، مکارم شیرازی، جوادی آملی، شب‌زنده‌دار و غیره شرکت جستم. ضمنا در طول دوران تحصیل از مباحث تفسیر ایت‌الله جوادی آملی، اخلاق از مباحث اساتید گرانقدر، حضرات آیات: مشکینی، مظاهری، احمدی میانجی، اشتهاردی، سید محمد رضا طباطبائی بهره‌ها بردم. از مباحث روان‌شناسی عمومی و تخصصی به دور نبوده و از محضر اساتید حوزه و دانشگاه (استاد مهاجرانی) بهره بردم. در سال ۱۳۸۱ فارغ‌التحصیل سطح۳ مرکز تخصصی تفسیر وعلوم قرآن شدم. دو ترم در موسسه تنظیم نشر آثار حضرت امام شرکت جستم. تا اینکه در آزمون ورودی پژوهشکده مهدویت (سطح۴) پذیرفته شدم. در سال ۱۳۸۵ در کنار دروس حوزوی در دانشگاه ادیان و مذاهب کارشناسی ارشد رشته ادیان غیر ابراهیمی (گرایش ادیان شرق) پذیرفته، هم‌اکنون در حال تدوین پایان‌نامه می‌باشم. همزمان با تحصیل در حوزه تدریس را به لطف الهی آغاز کردم و این برنامه همواره تا حال حاضر، تداوم داشته است. در مراکز مختلف علمی حوزه، همچون مدرسه شهیدین، جامعه الزهرا، مرکز تحقیقات کامپیوتری نور، پژوهشکده مهدویت، مرکز ملی پاسخ‌گوئی به سوالات دینی، دانشگاه و ... در آموزش، پژوهش، واحد تحقیقات، واحد تدوین پایان‌نامه و... توفیق خدمت‌گذاری علمی، تحقیقی و پژوهشی را داشته و دارم که حاصل آن ارائه چندین مقاله بوده است. اکنون افتخار مدیر گروه ادیان و مذاهب در پژوهشکده مهدویت، تدریس در جامعه‌الزهراء و همکاری با واحد پایان‌نامه‌های جامعه‌الزهراء به عنوان استاد راهنما و مشاوره را دارا می‌باشم.

رحمانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ حسین رحمانی از علماء محترم و ائمه جماعت این شهرستانست.

دارای مقام علم و تقوا میباشد، نگارنده در کوهستان در منزل مرحوم آیه‌الله کوهستانی بدیدارشان نایل گردیدم ایشان برادر ارجمند حجه‌الاسلام آقای آقا شیخ ابوالقاسم رحمانی مقیم تهرانست که سالها در محله خلیل محله بهشهر سکونت و حوزه علمیه داشته ولکن چند سالیست که بواسطه بعضی از جهات منتقل بتهران و در خیابان ژاله اقامت و بخدمات دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

رحمانی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی رحمانی

محل تولد : روستای جمال آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سن ۵ سالگی در مکتب خانه ابوی که تنها مرکز تعلیم و تعلم بود قرآن را فرا گرفتم روستای جمال آباد از توابع جوین سبزوار در چند فرسخی سبزوار قرار دارد که اهالی آن از طریق کشاورزی کسب معاش می‌کنند و ساده زیستن و قناعت و تدین و قرآن دوستی و محبت به اهل بیت علیهم السلام از جمله ویژگیهای برجسته آنها بوده و هست و بحکم این فضای حاکم بر آنجا و خانواده مذهبی ما با علاقه شدید تعلم قرآن و کتب فارسی را دنبال نمودم بطوریکه وقتی دبستان شروع شد اینجانب را از کلاس اول معاف داشتند و لذا سال اول دبستان وارد کلاس دوم شدم. دوم و سوم را در یک سال و چهارم و پنجم را نیز در سال بعد خواندم و این بدان جهت بود که در سالهای تشکیل سپاه دانش در رژیم طاغوت سالی دو کلاس خوانده می‌شد. با اخذ مدرک کلاس پنجم در سن یازده سالگی به مدرسه علمیه آمدم و تصدیق ششم را در سال اول ورود به مدرسه علمیه از طریق امتحانات متفرقه از اداره فرهنگ اخذ کردم تا پایان دوره راهنمایی همین شیوه را ادامه دادم. وقتی وارد مدرسه فصیحیه سبزوار شدم تقریباً اواخر سال ۴۴ بود زمانی که این حقیر ۱۱ سال بیشتر نداشتم و عشق به طلبگی مرا به این وادی کشانده بود، و قسمتی از این امر را مرهون فضای حاکم بر روستا و بخش مهم آن را در گرو عشق شدید خانواده خودمان به اهل بیت علیهم السلام می‌دانم. هیچگاه قبل از ورود به مدرسه شهر را ندیده بودم، اما موضوع مهم در آن زمان خوابی بود که دیدم. و آن این بود که در خواب، اتاق، محل اتراق، محل مدرسه، پنجره مشرف بر خیابان و خیابان در ذهنم آمده بود و وقتی به مدرسه علمیه فصیحیه سبزوار وارد شدم، تمام آن صحنه‌های خواب در جلو چشمم هویدا شد و انگار که دوباره آن را می‌دیدم. مدرسه از وجوه موقوفات مربوط به آقای فصیحی اداره می‌شد که خود در مدرسه مدیریت می‌کرد و مدیر علمی و تحصیلی آنجا حضرت آقای فاضلی بود البته ائمه جماعات مساجد شهر هم آن جا بودند و تدریس هم داشتند. اما من نزد همین آقای فاضلی صرف، نحو، سیوطی، جامع المقدمات را آموختم. موضوع مهم در آن زمان این که به خاطر تلاش و استعداد و هوشم یک ماه بیشتر نگذشت که صرف میر و تصریف را با تمام ابوابش حفظ کردم و همه را خوب می‌خواندم، آقائی بود به نام آقای علی محمدی؛ ایشان از علمای نجف دیده بودند که مدیریت یکی از مدرسه‌ها را عهده دار بودند و به طلاب و اساتید حوزه کمک می‌نمودند و از طرف چند نفر از آیات عظام تقلید شهریه به طلاب می‌دادند. ایشان در یک جلسه امتحان عمومی وقتی مرا دید گفت کوچولو شما آمدید امتحان بدهید گفتم فلفل نبین چه ریزه... ۱۰ سؤال مشکل از من پرسید که همه را خوب پاسخ دادم، بسیار خوشحال شد و گفت: شما بایستی ممتحن صرف بشوید. در همان ابتدا و در همان مدرسه در حالی که ملامحسن و فی النحو را می‌خواندم برای طلبه‌های تازه وارد صرف را تدریس می‌کردم و به خاطر این که تقریباً با دوستان خودمانی بودم و به آسانی سؤالاتشان را مطرح می‌کردند درس این حقیر بسیار شلوغ بود و این روند در آنجا که ۳ سال بودم ادامه داشت.

اواخر سال ۴۷ برای ادامه تحصیل علوم دینی به شهر مقدس مشهد رفتم و در مدرسه جعفریه به مدیریت حاج آقا شیخ غلام حسین ترک در کوچه میرعلم خان حجره ای گرفتم و مدت ۳ سال در آنجا اقامت کردم، اساتید زیادی را گذراندم و نزدشان تلمذ نمودم. نزد استاد ادیب نیشابوری که آن زمانی پیرمردی بود مقداری از ادبیات را فرا گرفتم، اما به خاطر پیری استاد فهم مطالب برایم سخت بود از این رو نزد آقای سید حجت هاشمی ادبیات را ادامه دادم و با این که بعضی از کتب ادبیات را در سبزوار خوانده بودم جهت آشنایی بیشتر، دوباره آنها را نزد استاد سید حجت هاشمی خواندم. سیوطی، مغنی، بلاغت، مطول، مختصر المعانی را نزد نامبرده خواندم و نزد اقای رضازاده در مدرسه آیت الله میلانی و نزد آقای محقق اصول فقه و لمعه را خواندم و نزد آیت الله طبسی در مسجد ملاـ هاشم، معالم و قوانین را تملذ نمودم. در همان زمان هم حاشیه ملاعبدالله، منطق و منظومه را هم نزد آقایان واعظی و دهشت گذراندم.

سه سالی که در مشهد و در مدرسه جعفریه بودم از پربرکت ترین و بهترین زمان عمرم بود توشه های خوبی از این سه سال برگرفتم و فواید زیادی داشت که تا پایان زندگی از آن استفاده می‌کنم چرا که بسیار از دروس مقدمات و سطح را در آن سالها به خوبی خوانده و بر آنها تسلط کافی یافتم. از اواخر سال ۴۹ با یکی از دوستان جهت تکمیل و بهره گیری بیشتر از علوم دینی به سوی قم

آمـدیم در حالی که نه جایی را می‌شـناختیم و نه کسـی را، فقط به امیـد خـدا آمدیم. وسایلمان را به گاراژ دایر در کنار پل آهنچی سـپردیم و پس از مـدتی بحمـدالله توانسـتیم حجره ای در مـدرسه مهـدیه باجـک تهیه کنیم و بصـورت آزاد در درس متفـاوت علما حضور پیدا کنیم و دروس را نزد اساتید و فضلای ذیل خواندیم:

لمعه ج ۲ آیت الله شب زنده دار و باغانی سبزواری

مکاسب نزد آیت الله ستوده در طول سه الی چهار سال

کفایتین نزد آیت الله سید کاظم حائری، رسائل را نزد موسوی تبریزی و موسوی تهرانی

فلسفه را نزد آقای محمدی گیلانی و دکتر احمدی و مدتی هم نزد شهید مفتح

قمستی از اسـفار را نزد شـهید مطهری (جلد سوم) و برای تکرار درس قوانین مدتی محضر آیت الله دوزدوزانی قوانین را تلمذ نمودم (قبلاً نزد آقای طبسی در مشهد خوانده بودم)

سال ۱۳۵۵ دروس خـارج را شـروع کردم که دروس روزمره ام در موضوع خارج فقه، خارج اصول و فلسـفه خلاصه می‌شـد. خارج فقه ۳ سـال نزد آیت الله گلپایگانی، ۳ سال نزد آیت الله نوری همـدانی و مـدتی هم به صورت آزاد از دروس خارج علمای دیگر به جهت آشنایی با شیوه علمی آنان بهره بردم.

خـارج اصول را از سال ۱۳۵۵ تا ۷۸ یعنی بیشـتر از ۲۰ سـال نزدیـک دو دوره کامل نزد آیت الله وحیـد خراسانی تلمـذ نمودم و در مدت ۷ سال هم دروس فقه ایشان هم می‌رفتم.

اشارات بوعلی (فلسفه) شفای بوعلی و فصوص الحکم، مصباح الانس و هیئت را نزد علامه حسن زاده آملی فرا گرفتم.

اسـفار را نیز نزد آیت الله صـدر و جوادی آملی تلمذ نمودم. در درسـهای اخلاق آقای تجلیل تبریزی و آقای مشـکینی در قم حضور می‌یافتم.

مسئله عمـده زنـدگی علمی این حقیر در کنار تلمذ تدریس بوده و هست. و هیچ چیز را بیشتر از تدریس و تدرس دوست ندارم. از ابتدای طلبگی تدریس را شروع کردم.

از سال شـروع به تحصـیل در مدرسه فصیحیه، جعفریه در سبزوار و مشهد تدریس داشته‌ام، صرف و جامع المقدمات و سیوطی را در سـبزوار و مشـهد برای دوسـتان تـدریس کردم و از وقتی که وارد قم شـدم نیز در مـدرسه مهـدیه مسـجد امـام عسـگری و فیضـیه قم تـدریس آزاد داشـتم در حجره ای واقع در صـحن حرم حضـرت معصومه سـلام الله علیها هم بصورت آزاد از سال ۶۶ تا ۷۳ رسائل، مکـاسب و منظومه را تـدریس کرده ام. تـدریس‌های متفـاوتی داشـته‌ام و در نهـایت به صورت آزاد در منزل مسـکونی هم تـدریس داشـته ام. موارد تـدریس شامـل تـدریس منطق، حاشـیه ملاعبـدالله، منطق مظفر، صـرف و نحو و ادبیـات می‌شـد که در طول ۷ سال تابسـتان و پنـج شـنبه و جمعه‌ها در منزل خودم هم دروس منطق، منظومه درایه و رجال را تـدریس می کردم. تـدریس در حوزه‌ها و مـدارس علمیه بصورت تک درسـی نیز داشـته‌ام مثلاً لمعه را قبل از انقلاب در مـدرسه امام صادق علیه السـلام در نیروگاه تـدریس می‌کردم.

از سال ۵۵ تـدریس لمعه در مدرسه امام صادق علیه السـلام و بعد از انقلاب تدریس نهایهٔ الحکمه وبدایهٔ الحکمه، ختصـر المعانی، شرح لمعه، مکاسب، رسائل و منظومه را به صورت آزاد در مراکز مختلف از جمله حجره‌های صـحن حرم حضـرت معصومه سلام‌الله علیها را داشته ام. پس از انقلاب در مدرسه فیضیه حاشیه ملاعبدالله و منطق مظفر را نیز تدریس کردم.

در مدرسه باقرالعلوم دفتر تبلیغات اسلامی نهایهٔ الحمکه و بدایهٔ الحکمه و طهارت الاعراق را به مدت ۴ سال تدریس می‌نمودم.

در مـدرسه آیت الله گلپایگانی از سال ۷۴ دروس رسائـل مکاسب کفایه و از ۵ سـال اخیر فقه خـارج و اصول خارج را هم در آنجا تدریس دارم که تقریرات، کلا مکتوب گردیده است.

دروس درایهٔ الحدیث و قواعد العلم الرجال به مدت ۲ سال در مدرسه امیرالمؤمنین علیه السلام، ۲ سال هم کلام جدید و نهج البلاغه در دارالشفاء، حجتیه و مدرسه آیت الله گلپایگانی تدریس داشته‌ام.

سال ۶۱ به مرکز جهـانی علوم اسـلامی دعوت شـدم که تازه، تأسـیس شـده بود از آن زمان به تـدریس مختصـر المعانی،حاشـیه ملا عبدالله، باب حادی عشـر،شـرح تجرید، اصول فقه،لمعه،تفسـیر مشغول شدم که تا سال ۶۶ ادامـه داشت و از ۶۶ تا ۷۳ به عنوان عضو هیـأت ممتحنه مرکز همکـاری می‌کردم و سپس از سال ۷۲ مضافاً بر همکـاری در هیئت ممتحنه دوبـاره تـدریس در مرکز را آغاز نمودم که در حقیقت همکاری با مرکز بیشتر شد چرا که طرح سوالات امتحانی «لمعه و مکاسب، رسائل، حلقات ،رجال، درایه و...» نیز بعهـده این حقیر و چنـد نفر از دوسـتان دیگر بـود و این امر تـا سـال ۸۲ ادامه داشت ضـمناً از سـال ۱۳۷۸ یا ۷۹ تـاکنون در کنار تدریس در مرکز، ممتحن خارج فقه و اصول بوده ام.

حدود ۵ ترم هم در دانشـگاه قم تـدریس داشـتم که با تقاضای دانشگاه و طی مراتب از وزارت علوم دکتری خود را دریافت کردم چندین ترم در تخصصـی تفسـیر حوزه علمیه و دو ترم هم در تخصصـی تربیت مبلغ حوزه و یک ترم هم در تخصصی قضاء تدریس نمودم.

به صورت منسجم و متفاوت در مراکز علمی گوناگون خصوصاً در حوزه‌های علمیه تدریس داشته‌ام از این رو تدریس در دانشگاه را در حالی که پیشنهادهایی داشته‌ام نپذیرفتم و تدریس در حوزه را اکنون قریب به ۲۵ سال است که بطور مستمر ادامه می دهم.

رحمانی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رحمانی

محل تولد : بن چنار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه آشتیان شدم. لمعه و اصول فقه را در آنجا تحصیل کردم. در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و در دروس عمومی فقه و اصول، تفسیر و اخلاق که توسط اساتید مجرب از قبیل حضرات آیات و حجج اسلام جوادی، مکارم ، سبحانی ، ستوده ،اعتمادی و ...برگزار می شد شرکت کردم و در سال ۶۲ حدود ۲ سال در موسسه در راه حق که زیر نظر آقای مصباح بود حضور یافتم و از سال ۶۷ به درس خارج مشغول شدم و در سالهای ۶۹ تا ۷۴ به دروس تخصصی کلام در مقطع دکترا (سطح ۴) مشغول بودم و نیز در سال ۶۹ تا ۷۰ دوره کار آموزی قضایی در مقطع محاکم را به پایان رساندم و از سال ۱۳۷۴ تا کنون با مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی گاهی به عنوان محقق و گاهی به عنوان مسئول گروه مشغول تحقیق در مورد علوم اسلامی بوده ام در امور تبلیغی از سال ۵۸ تاکنون در شهرها و روستا ها و مراکز سپاه و نیز از سال ۷۴ تا کنون در دانشگا هها در ایام تبلیغی مشغول تبلیغ بوده ام و به عنوان روحانی حج و عمره نیز انجام وظیفه می کنم. از اول جنگ تا آخر جنگ تحصیلی حدود ۲۳ نوبت در جبهه ها حضور یافتم که در عملیات والفجر ۸ در نزدیکی فاو مجروح شیمیایی شدم.

رحمت اصفهانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به رحمت. اصل وی از کوزه‌کنان تبریز است و موطنش اصفهان. به توسط ابوالمعالی معتمدالدوله‌ی نشاط به حضور فتحعلی‌شاه رسید و در دیوان انشا منصب گرفت و به دستور آن پادشاه کتابی حاوی قصص راستان و حکایات صحیح به نام «زینت الحکایات» قریب به پنجاه هزار بیت در بحر مثنوی به قلم نیم دو دانگ خوش نوشته است. جز این تالیفات و تصانیف دیگر نیز داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۲۶/۳)، دانشمندان آذربایجان (۱۵۸، ۱۱۷)، الذریعه (۳۵۶/۹)، ریاض العارفین (۲۵۹)، ریحانه (۳۰۵/۲)، سفینه المحمود (۶۷۲ -۶۷۰ /۲)، فرهنگ سخنوران (۳۷۰)، لغت نامه (ذیل/ رحمت کوزه‌کنانی)، مجمع الفصحا (۹۴۵/۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۸۱)، نگارستان دارا (۷۶ -۷۵).

رحمت شیرازی، عبداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۴ -۱۲۷۲/۱۲۷۰ ق)، طبیب، خطاط و شاعر، متخلص به رحمت. وی نوه وصال شیرازی بود که در شیراز متولد شد. ریاضیات و ادبیات را از عمویش میرزا وقار، علم طب را از پدرش و حاج میرزا حسن فسایی و دبیری و شاعری را از میرزا داوری فراگرفت. نسخ و خفی‌نویس را از دیگر عمویش میرزا توحید آموخت. وی در سال ۱۳۲۵ ق به هندوستان رفت و پس از یک سال اقامت در بمبئی به شیراز بازگشت و به طبابت مشغول شد. او نخست ریاست انجمن حفظ الحصه و بعد ریاست اداره‌ی معارف فارس را عهده‌دار بود. رحمت به حسن خلق و مدارا با خلق و مراعات حال تهیدستان معروف بود. در شیراز وفات یافت و او را در نزدیکی بقعه‌ی شیخ ابوالوفا، که از عرفای متقدم است دفن کردند. از آثار وی: «زینه المساجد، ادعیه‌ی المنتخب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۳۶۲)، حدیقه الشعراء (۶۶۱ -۶۵۹ /۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۷۸ -۵۷۲ /۲)، الذریعه (۳۵۶/۹)، ریحانه (۳۰۵ -۳۰۴ /۲)، طرائق الحقائق (۳۷۶ -۳۷۵ /۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۲۲ -۱۰۲۱ /۲)، فرهنگ سخنوران (۳۷۰)، مرآت الفصاحه (۲۳۱ -۲۳۰)، مکارم الآثار (۲۰۲۴ -۲۰۲۳ /۶)، مؤلفین کتب چاپی (۹۹۴ -۹۹۳ /۳).

رحمت کازرونی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۳ -۱۲۷۸/۱۲۷۷ ق)، مجتهد، عالم، عارف و شاعر، متخلص به رحمت. معروف به مجتهد یا حاج مجتهد. وی در شیراز به دنیا آمد و مقدمات علوم را در آن شهر فراگرفت. به نجف هجرت کرد و در مجلس درس میرزا حبیب‌اللّه رشتی و شیخ محمدکاظم

خراسانی و دیگران حضور یافت. آنگاه به ایران بازگشت و در کازرون و سپس در شیراز امام جمعه و مدرس شد. وی در شیراز درگذشت و در حافظیه به خاک سپرده شد. از آثارش: «تقریرات اصول»؛ «تقریرات» بحث استادانش در «صلاه» و «بیع»؛ «فوائد مشروطیت»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۹۴ -۵۷۸ /۲)، الذریعه (۷۲۳، ۳۵۶ /۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۶۰/۱۴)، فرهنگ سخنوران (۳۷۰)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰۶/۴)، مرآت الفصاحه (۲۳۴ -۲۳۱).

رحمت‌خواه تبریزی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جناب مستطاب حجه‌الاسلام و فخر الفضلاء الکرام آقای حاج میرزا اسمعیل رحمت‌خواه تبریزی از افاضل برجسته حوزه علمیه قم است وی در تبریز متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح اولیه به قم آمده و سطوح عالی را نزد مدرسین بزرگ به پایان رسانیده و چندی از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌الله حجت به حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی پیوسته و در لجنه احقاق الحق آن جناب شرکت نموده و خدماتی انجام داده و تا حال حاضر از ابحاث فقه معظم‌له استفاده نموده است.

و با جناب مستطاب حجه‌الاسلام والمسلمین آقای فقیه و حجه‌الاسلام والمسلمین آقای مستقیم و حجه‌الاسلام آقای حاج میرزا حسن غفاری‌نژاد و حجه‌الاسلام والمسلمین آقای نصیری مباحثه داشتند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

رحمتعلی اصفهانی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۳۹ -۱۲۸۵ ق)، شاعر و عارف. در نوجوانی از زادگاه خود به اصفهان مهاجرت کرد و قریب چهارده سال به تحصیل علوم رسمی مشغول بود و ضمنا به علوم غریبه و معاشرت با عرفا و متصوفه وارد شد. در سال ۱۳۲۳ ق به عتبات رفت و راه سلوک در پیش گرفت و در عصر خویش ریاست سلسله سالکان خود داشت. در اصفهان وفات یافت و در محله درب کوشک اصفهان دفن شد. از آثار وی: روزنامه‌ی «نامه حقیقت» ؛ «برهان نامه‌ی حقیقت»، شعر؛ «ترجیع‌بند»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲۷۱ -۲۶۸ /۴)، فرهنگ سخنوران (۳۷۰)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۹/۱).

رحمتعلی شاه شیرازی، زین‌العابدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۷۸ -۱۲۰۸ ق)، عارف و شاعر در کاظمین متولد شد و تا بیست سالگی در آن شهر به تحصیل مشغول بود، سپس به شیراز رفت و نزد جدش به تکمیل علوم معقول و منقول پرداخت. وی از محضر مست علیشاه شیروانی که از مشایخ طرقه نعمت‌اللهی بود و همچنین از مجذوب علیشاه استفاده کرد. از طرف محمدشاه قاجار به نایب‌الصدری مقلب شد. وی در شیراز وفات یافت و بنا بر وصیت خود در قبرستان باب‌السلم، صفه‌ی تربت مدفون گردید. از آثار او رساله‌ای است در جواب از سوال وحدت وجود و بعضی حواشی بر کتب عربی و فقهی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۰۶۳ -۱۰۵۹ /۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۰۵ -۵۹۵ /۲)، طرائق الحقائق (۳۴۰ -۳۳۹ /۳)، فرهنگ سخنوران (۳۷۰).

رحمتی تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۵ ق)، خطاط و شاعر. وی خط نسخ و ثلث را خوب می‌نوشت. دیوانی قریب به هفت هشت هزار بیت از او باقی مانده است. رحمتی مدتی در شیراز می‌زیست و سپس از آنجا به هند رفت و در شهر آگره درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۹۸)، دانشمندان آذربایجان (۱۵۸)، الذریعه (۳۵۶/۹)، سخنوران آذربایجان (۳۶۸)، کاروان هند (۱/ ۴۳۷– ۴۳۸).

رحمتی شهرضا، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رحمتی شهرضا

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۲/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب محمـد رحمتی شـهرضا بعد از گذراندن تحصیلات ابتدایی، راهنمایی در رشـته علوم تجربی مقطع دبیرسـتان در دبیرستان مبعث ادامه تحصیل داده و پس از اخذ مدرک دیپلم به حوزه مقدسه علمیه قم مدرسه علمیه معصومیه رفته و مشغول تحصیل علوم حوزوی شدم و پس از گذراندن مقدمات تحت برنامه آن مرکز مشغول سطح شده و فعلا مشغول درس خارج حوزه هستم. در کنار تحصیل علوم حوزوی نیز با تحصیل در رشته علوم کامپیوتر دانشگاه آزاد اصفهان فارغ التحصیل لیسانس نرم افزار و علوم کامپیوتر شدم. در کنار درسهای عمومی حوزوی علاقه وافری به مطالعه و تحقیق در زمینه های مختلف علوم اسلامی داشته و مطالعات خود را بـا آثار شـهید مطهری ره شروع نموده و آثار مختلف علمی را مطالعه نمودم. قبل از شروع تحصیلات حوزوی نیز در دوره های مختلف آموزش روخوانی و روانخوانی قرآن کریم در سازمان تبلیغات اسلامی به تدریس مشغول بودم . حدود ۶ سال مستمر نیز در زمینه تحصیل علوم قرآنی مثل روخوانی و روانخوانی، تجوید، اختلاف قرائات و دیگر علوم نیز کار نموده و تحصیل نمودم. از سال چهارم طلبگی نیز مشغول به تبلیغ و منبر بوده و در ماههای مبارک رمضان و محرم نیز هر ساله برنامه ی منبر و سفرهای تبلیغی داشته ام و برای اهالی ، کلاسهای مختلف تشکیل داده ایم.

رحمتی، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکـتر علیرضـا رحمـتی انزابی متولـد ۱۳۱۸ هـش تهران دارای دکـترای رشــته گیـاه پزشـکی عضـو هیئت علمی دانشگاه لانکـاستر انگلستان درجه دانشیار می باشد وی دارای تحقیقات و آثاری پیرامون تاثیر حشرات انگلی در ایجاد غده در چوبهای صنعتی می باشـد.گروه : کشاورزیرشــته : گیـاه پزشکیتحصــیلات رســمی و حرفه ای : دکـتر علیرضـا رحمـتی انزابی دارای کارشناسـی رشـته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه تهران و دکتری رشته گشاه پزشکی از دانشگاه لانکستر می باشد.خاطرات و وقایع تحصـیل : تحصـیل در رشته گیاه پزشکی و اخذ مدرک دکتری در آن رشته از مقاطع مهم زندگی علمی دکتر علیرضـا رحمتی انزابی بوده است.فعالیتهـای ضـمن تحصـیل : دکتر علیرضـا رجمتی انزابی در کنار تحصیل مشغول به مطالعه، تحقیق و تـالیف آثـاری در زمینه تخصصـی مورد علاقه خود بوده است.وقـایع میانسـالی : دکـتر علیرضـا رحمـتی انزابی پس از اخذ مـدرک دکتری در رشـته گیاه پزشـکی، به عضویت هیئت علمی گروه ریست شناسـی در دانشـکده علوم پایه دانشگاه لانکاستر در آمـد. وی هم اکنون با سـمت دانشـیاز در آنجا مشـغول به خدمت است.مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : دکتر علیرضا انزابی عضـو هیئت علمی و دانشیار گروه زیست شناسـی در دانشکده علوم پایه در دانشگاه لانکاستر انگلسـتان است.فعالیتهای آموزشـی : دکتر علیرضـا رحمتی انزابی سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه زیست شناسـی دانشگاه لانکاستر انگلیس به تـدریس دروس تخصصـی رشته گیاه پزشکی می پرازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر علیرضا رحمتی انزابی در کنار تـدریس به مطالعه، تحقیق و تـالیف آثـاری تخصصـی، پژوهشـی و عمیق می پردازد.آرا و گرایشـهای خاص : دکتر علیرضا رحمتی انزابی از جمله گیاه پزشکان و گیاه شناسانی است که تحقیقات مفصل و عمیقی درباره تاثیر جشرات انگلی در ایجاد غده در چوبهای صنعتی دارد. آثار : تاثیر حشرات در ایجاد غده در چوبهای صنعتی منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

رحمتی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رحمتی سیرجانی از افاضل علماء معاصر سیرجان می‌باشند.

وی در سن ۱۵ سالگی به مقدمات پرداخته و دو سال در حوزه علمیه کرمان در محضـر اساتید آیت‌اللّه حاج شیخ علی‌اصغر صالحی

و مرحوم آیت‌اللّه حـاج میرزا علی آقا محرابی در فقه و اصول مراحل عالیه را طی کرده آنگاه برای تکمیل تحصیلات خود در سال ۱۳۶۸ ق مهاجرت به نجف نموده و از محضـر اساتید بزرگ چون مرحوم آیت‌اللّه حاج سید یحیی یزدی مدرسی و آیت‌اللّه العظمی حـاج سـید محمود شـاهرودی و آیت‌اللّه العظمی حکیم و آیت‌اللّه حـاج میرزا حسن بجنوردی کسب فیض نموده و از چنـد نفر آنان موفق به دریافت اجازه اجتهاد گردیده است.

در سال ۱۳۹۱ ق برای انجـام وظائف مـذهبی و نشـر فضائل اهل‌بیت به سیرجان مراجعت و در آنجا مـدرسه علمیه مفیـدیه را تعمیر نموده و سرپرستی امور طلاب آنجا را به عهده گرفته‌اند. از آثار دیگر ایشان تجدید بناء مسجد حاج سبزعلی که به صورت مخروبه درآمده بود ترمیم نموده و به صورت سبک جدیدی درآوردند.

و دیگر کتابخانه آنجا که اکنون حـدود هزار و پانصـد جلـد کتاب دارد و دیگر بناء مساجد در حومه شـهر و نقاط دوردست از قبیل خبر و منطقه شاه‌ماران که قبلا فاقد مسـجد بودند و دیگر مبارزه با مذاهب مختلفه بهائی‌گری و شـیخی‌گری و آقاخانی و غیره نموده و موفقیتهای شایانی هم به دست آورده‌اند از آثار علمی مخطوطه ایشان کتابی در حج مشروح و مفصل که در شرف طبع می‌باشد و دیگر حاشیه بر منهاج المناسکین آیت‌اللّه حکیم و دیگر حاشیه بر عروهٔ‌الوثقی.

و از معاصر بن علماء دیگر سیرجان جناب حاج حسن خان کرانی از دانشمندان محترم شهر می‌باشد.

و دیگر مرحوم حاج آقا محمد ابوجعفری که در سنین پیری درگذشت.

و دیگر مرحوم حاج شـیخ حبیب‌اللّه اسـلامی که بعد از فراغ از تحصیلات در حوزه علمیه نجف اشرف در سن چهل و هفت سالگی فوت گردید.

و دیگر جناب آقا شـیخ حبیب فهیمی سیرجانی که تحصیل کرده حوزه علمیه قم می‌باشند به زهد و تقوا معروف می‌باشند و فعلا در گوشه انزوا قرار گرفته و به وظائف بندگی اشتغال دارند.

و دیگر جنـاب آقـای حـاج میرزا محمدحسـین برهـان دیانی که از قم در عصـر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری به سیرجان مهاجرت نموده و تا آخر عمر به وظائف روحی و دینی و ترویجی اشـتغال داشـتند و ترجمه ایشان با برادر ارجمنـدش حجهٔ‌الاسـلام حاج میرزا محمدرضا برهان در ضمن علماء و دانشمندان رامسر و تنکابن گذشت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رحمتیان، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۱ ش)، پزشـک، نویسـنده و اسـتاد دانشـگاه. وی فارغ‌التحصـیل دانشـکده‌ی پزشـکی تهران در سال ۱۳۱۸ ش بـود. پس از خدمت نظام وظیفه به سمت دستیاری رسمی آسیب شناسی انتخاب شد در مسابقه دانشیاری کرسی آسیب شناسی، توفیق یافت و در سال ۱۳۲۷ ش برای مطـالعه مـدت یکسـال به فرانسه و انگلسـتان مسـافرت نمود؛ ولی در اواسـط اقـامت به علت قطع اعتبارات ارزی مطالعات را ناتمام گذاشت و به ایران مراجعت نمود. و دانشـیار آسـیب شناسی دانشکده‌ی پزشکی تهران و به استادی کرسی سرطان دانشکده انتخاب شد. از آثار وی: «آسیب شناسی علمی»؛ «بیماریهای خون و لنف»؛ «سرطان را بشناسید»؛ «معمای سرطان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۷۴۲ -۷۴۱ /۲).

رحمدل، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا رحمدل در سال ۱۳۳۰ در لاهیجان بدنیا آمد. وی دارای دکتری رشـته زبان و ادبیات فارسـی از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۱ و عضو هیئت علمی و استاد پایه ۲۸ دانشگاه گیلان است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : زبان و ادبیات فارسی

والـدین و انساب : نام پـدر غلامرضا رحمـدل مرتضـی رحمدل و نام مادرشان خانم بزرگ موسـی پور است که هردو به دار فانی را وداع گفتند.

خاطرات کودکی : غلامرضا رحمدل قبل از دوره دبسـتان بمدت ۲ سال به یادگیری قران در مکتب خانه پرداخته است.دوره دبستان را در روستا گذراند.مدرسه ایشان توسط یک معلم در شش پایه اداره می شد که این معلم از سواد بیشتری برخوردار نبود.

اوضاع اجتماعی و شـرایط زندگی : غلامرضا رحمدل در خانواده ای از نظر اقتصادی ضعیف بدنیا آمد.پدرو مادر وی سواد خواندن و نوشـتن نداشـتند.وی قبل از دوران سـربازی کار می کرد و بعد از سـربازی در سال ۱۳۵۳ یکسال به آموزگار پرداخت و شـبانه به تحصیل خود در دانشگاه تربیت معلم ادامه دادند.

تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : غلامرضا رحمـدل تحصـیلات ابتدایی را در روسـتای محل زادگاهش گذراند .مقطع متوسـطه را در

دبیرستان مهدویه لنگرود ،کارشناسی زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه تربیت معلم (بسال ۱۳۵۷) ،کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه تهران (در سال ۱۳۶۴) و دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۱ گذراند.

خاطرات و وقایع تحصیل : غلامرضا رحمدل از این دورا چنین می گوید: دبستان روستای ما با بخاری هیزومی گرم می شد و دانش آموزان موظف بودند در اولین روز هر هفته یک پشته هیزم و یک بطری نفت با خود به مدرسه بیاورند.

فعالیتهای ضمن تحصیل : غلامرضا رحمدل در حین تحصیل به شغلی معلمی در روستای چوشل لاهیجان و دبیرستان های منطقه ۱۳ تهران می پرداخت

استادان و مربیان : معلمان و استادان غلامرضا رحمدل در مقاطع مختلف تحصیل به شرح زیر است: مکتب خانه : طالقانی دبستان : دکتر شفیعی کد کنی ،کیانی ، انصاری دبیرستان : حاج محمدی ،حاج تقوای دانشگاه : دکتر زرین کوب ، دکتر شعار ، دکتر ضیا الدین سجادی ، دکتر آموزگار ،دکتر حاکمی ،دکتر رنجبر ،دکتر احمدی بهنام ،دکتر احمدی ، دکتر حریرچی ،دکتر تجلیل ،دکتر سادات ناصری و دکتر بحرالعلومی

هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره ایهای غلامرضا رحمدل در دوره کارشناسی ،خانم اعظم طالقانی (دختر مرحوم آیه الله طالقانی) و در مقطع دکتری ،دکتر منوچهر اکبری و دکتر کی منش بوده است.

همسر و فرزندان : غلامرضا رحمدل متاهل و دارای همسر بنام دکتر آذرکوشا (پزشک)و ۴ فرزند بنامهای سمانه ،دانشجوی معماری –ساره دانشجوی شیمی – صادق محصل مقطع پیش دانشگاهی و علی محصل کلاس سوم ابتدایی است.

وقایع میانسالی : از وقایع بوقوع پیوسته در این دوران از زندگی غلامرضا رحمدل فوت پدر ، مادر و خواهرش و همچنین به شهادت رسیدن چند نفر از دوستانش می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فعالیتهای اجرائی: رییس آموزش و پرورش لنگرود ۱۳۶۰–۱۳۶۳ معاون اداری و مالی دانشگاه آزاد واحد رشت ۱۳۶۴–۱۳۶۶ رییس آموزش وپرورش بندر انزلی ۱۳۶۳–۱۳۶۵ معاون جنگ دانشگاه گیلان ۱۳۶۵–۱۳۶۶ رییس دانشکده ادبیات وعلوم انسانی ۱۳۷۰–۱۳۷۶ معاون دانشجوئی و فرهنگی دانشگاه گیلان ۱۳۷۴–۱۳۷۵ مسئول بسیج اساتید استان گیلان از ۱۳۸۰ تا کنون عضو شورای فرهنگی عمومی استان گیلان عضو شورای فرماندهی سپاه لنگرود در سال ۱۳۵۹ عضو مسئول حزب جمهوری اسلامی لنگرود ۱۳۶۱–۱۳۶۳ مربی دانشگاه گیلاـن ۱۳۶۵–۱۳۷۱ استادیار دانشگاه گیلان ۱۳۷۱–۱۳۸۰ دانشیار دانشگاه گیلان ۱۳۸۰ استاد دانشگاه گیلان از سال ۱۳۸۵ تا کنون

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : غلامرضا رحمدل مرکز پژوهشی گیلان شناسی دانشگاه گیلان را راه اندازی کرده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : غلامرضا رحمدل در کنار تدریس به سرودن شعر و تحقیق می پردازد.ایشان رسیدگی به امورات زندگی و خانواده را در اولویت کاری خود قرار می دهد.

شاگردان : اساتید فعلی گروه ادبیات دانشگاه های گیلان و آزاد رشت از شاگردان غلامرضا رحمدل هستند.

آرا و گرایشهای خاص : زمینه های مورد علاقه: نقد ادبی – ادبیات معاصر – تاریخ اسلام

جوائز و نشانها : کسب مقامهای علمی ۱– برنده مسابقه شعر جنگ و دریافت نامه افتخار از وزیر وقت فرهنگ وارشاد اسلامی مهر ماه ۱۳۶۰ ۲ – دریافت دیپلم افتخار ۸ سال دفاع مقدس از معاونت فرهنگی ستاد فرماندهی کل قوا ۱۳۶۸ ۳ – احراز مقام نخست در دومین جشنواره سراسری دانشگاهیان ایران ویژه عزت وافتخار حسینی بهمن ماه ۱۳۸۱ ۴ – احراز مقام سوم در مسابقه سراسری عباس(ع) باب الحوائج در بخش مقاله خرداد ماه۱۳۸۳ بر گزار کنندگان: صدا وسیما – نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها ۵– برگزیده کتاب سال دفاع مقدس در سال ۱۳۸۶ کتاب گذاره های چاه و آه ۶– برگزیده مسابقه نقد کتاب سال در ۱۳۸۶ با نام نگاهی به نقد ادبی – از سوی سرای اهل قلم

چگونگی عرضه آثار : غلامرضا رحمدل دارای ۵ کتاب در زمینه تاریخ اسلام و ۵ کتاب در زمینه ادبیات فارسی است.وی دارای ۲۸ مقاله چاپ شده دارد.ایشان دارای سه طرح پژوهشی می باشند. --

آثار :

۱ از زمزمه تا فریاد (مجموعه شعر)

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان

۲ از کربلا تا حره (سه سال بعد از عاشورا)

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان

۳ بال بال ثانیه ها

ویژگی اثر : مجموعه شعر–انتشارات دهسرا – رشت ۱۳۸۶

۴ تذکره شهدای کربلا (شهدای انصار)

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان

۵ تذکره شهدای کربلا (شهدای بنی هاشم)

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان

۶ تذکره شهدای کربلا۱و۲

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان (چاپ دوم –۱۳۸۵)–۱۳۸۶

۷ چشیدن دریا ۵۰ مقاله پیرامون تاریخ اسلام

ویژگی اثر : انتشارات حرف نو رشت ۱۳۸۴ چاپ دوم

۸ حماسه آب

ویژگی اثر : در دست چاپ- عاشورا شناسی

۹ حماسه عطش

ویژگی اثر : عاشورا شناسی-پژوهشاهی موضعی پیرامون عاشورا شناسی-انتشارات دهه رشت سال ۱۳۸۶

۱۰ دیدگاههای حکومتی سعدی

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان

۱۱ رجزهای یورشی در کلام حماسه آفرینان کربلا چاپ اول و دوم

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان

۱۲ رنگ و درنگ اب

ویژگی اثر : پژوهشهای قرانی سال ۱۳۸۵-زیر چاپ

۱۳ سی دی شعر گیلکی بجار کار

ویژگی اثر : تکثیر بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس رشت

۱۴ شکفتن توفان

ویژگی اثر : (مجموعه شعر) چاپ اول -انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی-تهران ۱۳۸۶

۱۵ صخره در گلوگاه آب

ویژگی اثر : در دست چاپ - مجموعه شعر

۱۶ عروض

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان چاپ سوم ۱۳۸۵

۱۷ گدازه های چاه و آه

ویژگی اثر : ادبیات انقلاب - مجموعه شعر-انتشارات بنیاد شهید گیلان -۱۳۸۵.کتاب سال دفاع مقدس در کشور -یازدهمین همایش معرفی کتاب سال دفاع مقدس ۱۳۸۶

۱۸ گزیده ادبیات معاصر (مجموعه شعر)

ویژگی اثر : انتشارات نیستان

۱۹ ما ایستاده ایم

ویژگی اثر : مجموعه اشعار دوران دفاع مقدس-انتشارات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس -رشت ۱۳۸۶

۲۰ مجموعه مقالات گیلان شناسی

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان ---

منابع :

http://staff.guilan.ac.ir/ViewFInfo.asp?vID=۳۱۰E۰C۰۸۱۷۰۴۰۱۲۱پرسشنامه تکمیل شده فرهیختگان توسط دکتر غلامرضا رحمدل بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی - زمستان ۱۳۸۵

رحمی زرکش لاهیجی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. در لاهیجان می‌زیست و به زرکشی روزگار می‌گذرانید. وی غزل را نیکو می‌سرود. از اوست:

درون سینه‌ی رحمی چه می‌طپی ای دل

قرار گیر زمانی که یار می‌گذرد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۱۹)، الذریعه (۳۵۷/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۷۱)، مجمع الخواص (۲۳۴).

رحیم اصفهانی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۷۳ ق)، خطاط. در کتابت نستعلیق دست وقی داشت و روزی یک هزار بیت می‌نوشت. به نقل از سپهر، او در هجده روز سی هزار بیت نستعلیق خوش کتابت کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۰۶/۱).

رحیم بهارلو، عبدالرحیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۳۶/۱۰۳۲ –۹۶۴ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به رحیمی. در لاهور هندوستان متولد شد. وی معاصر شاه طهماسب بود و جلال‌الدین اکبرشاه او را تحت حمایت خود قرار داد. و پس از رشد، خطاب میرزاجانی را به او داد. وی مدارج مختلفی را طی کرد و بالاخره به خان خانان ملقب گردید. در جنگهای فراوانی شرکت کرد، از جمله در فتح سند و گجرات. وی در جهت ترغیب و یاری شاعران و رشد ادب تاثیر بسزایی داشت. وی بالاخره در لاهور درگذشت. از جمله آثارش: ترجمه‌ی «واقعات بابری» از ترکی به فارسی؛ «دیوان» شعر؛ وی در احمدآباد کتابخانه بزرگی تاسیس کرد و از هرگونه کتاب در آنجا جمع کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۱ –۵۹ /۱)، از سعدی تا جامی (۵۴۹،۳۸۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۷۵ –۴۷۱ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۶۲ –۳۶۱)، تذکره‌ی شعرای پنجاب (۱۵۹)، تذکره‌ی میخانه (۳۰۴ –۳۰۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۶ –۵۵)، الذریعه (۳۵۷ ، ۲۸۶ /۹)، فرهنگ سخنوران (۳۷۱)، لغت نامه (ذیل/ خان خانان)، مؤلفین کتب چاپی (۸۲۲/۳)، مجمع الفصحا (۵۶/۱)، هفت اقلیم (۴۶۱ –۴۶۴ /۱).

رحیمای قاری

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۸۲ ق)، خطاط. در کتاب «جامع مفیدی» ضمن خوشنویسان یزد چنین آمده: «رحیما در خط نستعلیق رایت بی‌مثلی می‌افرازد و با وجود حسن خط و خلق، انواع فنون و اصناف کمالات حاصل نموده اکثر اوقات همت بر تعلیم قواعد آن می‌گمارد و قطعات خطش روح‌افزا است. در فنون شعر و معما سرآمد است. به سال ۱۰۸۰ ق به اصفهان به اردوی شاه صفی رفت و خطوطش مورد پسند شاه واقع شد و پس از مدتی توقف در اصفهان و معاشرت با ارباب دانش و سخن، به یزد بازگشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۰۶/۱)، جامع مفیدی (۴۰۳ –۴۰۲ /۳).

رحیم‌زاده خوئی، فرخ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زراعت و اصلاح نباتات، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای کشاورزی از دانشگاه بن آلمان در سال ۱۳۴۵.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس زراعت عمومی و خصوصی در دوره‌های کارشناسی ارشد و کارشناسی، طرح اصلاح حبوبات کشور، به زراعی و به نژادی گیاهان زراعی مهم، استاد راهنمای ۹ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

زراعت.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی:–

زمینه علمی مقالات:

زراعت و خواص زراعی گیاهان مهم زراعی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

رحیمی ایمانی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رحیمی ایمانی

محل تولد : مسجد سلیمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۶/۵

زندگینامه علمی

اینجانب محمد رحیمی ایمانی حدودا در سال ۱۳۵۵ وارد مدرسه آیهٔ الله سیّد اسد الله نبوی واقع در دزفول شدم از اوّل جامع المقدمات شروع به خواندن درسهای حوزوی نمودم. یک سال بعد وارد مدرسه حاج شیخ مصطفی عاملی از اولاد شیخ بهایی معروف شدم در آنجا حجره ای به من دادند. در آنجا سکونت کردم.علاوه بر جامع المقدمات از کتاب معالم نیز خواندم روزها به مدرسه مرحوم آیت الله آقا شیخ محمّد علی معزّی می رفتم ونزد مرحوم آقا شیخ محمّد جواد مدرّسیان نیز درس می خواندم. به دلیل آنکه در دزفول شهریه وجود نداشت ناچار روزها کار می کردم و شبها درس می خواندم. در سال ۱۳۵۸ با یک دنیا آمال و آرزو وارد حوزه علمیّه قم شدم قبل از سال ۱۳۶۳ امتحان رتبه اوّل دادم بعد از قبولی شهریه امام راحل را اخذ نمودم و تاکنون که سال ۱۳۸۵ می باشد ادامه تحصیل داده ام. اساتیدی که در حوزه علمیه قم در حضورشان کسب فیض نموده ام:آقای شجاعی،آقای موسوی تبریزی،مرحوم مدرس افغانی،مرحوم وجدانی فخر،آیت الله اشتهاردی،آیت الله گلپایگانی، آیت الله نجفی مرعشی،آیت الله مکارم شیرازی،آیت الله وحید خراسانی،آیت الله جعفر سبحانی، آیت الله آقا شیخ جواد تبریزی،آیت الله آقا سید مهدی مرعشی (معروف به اخوان مرعشی) ،آیت الله نوری همدانی و آیت الله آقا شیخ طیبی انصاری هستند.از بسیاری از آقایان اجازه تخمیس و روایتی و بخصوص از آیت الله نوری همدانی درجه علمی و فضل و از آیت الله اخوان مرعشی اجازه اجتهاد متجزّی اخذ نموده ام که هر دو در اوّل کتاب نسیمی از بوستان دوست به چاپ رسیده اند.در این مدّت چند مرتبه به زادگاه اصلی خود برای تبلیغ رفته ام. احداث مسجد واقامه نماز جماعت و سخنرانیهای مفصل داشته ام جهت تبلیغ به شهرستانهای متعّددی رفته ام که از همه جا بیشتر نیاز مبرم محّل زادگاه حقیر به امر تبلیغ و ارشاد دارد، بارها در جبهه حضور یافته ام (با عنوان رزمی – تبلیغی) تا جایی که یکی از فرزندانم در اثر بمباران بعثی ها در دزفول شهادت یافته اند که مقسمین دفتر مقام رهبری کم و بیش از این مسئله اطلاع دارند.

رحیمی تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به رحیمی. سام میرزا او را مردی لاابالی خوانده اما از آنجا که بخشش الهی از لغزش او زیاده است، اظهار امیدواری کرده که او را بدین رباعی ببخشند. این بیت از او است:

چون نامه جرم ما به هم پیچیدند

بردند به میزان عمل سنجیدند

بیش از همه کس گناه ما بود ولی

ما را به محبت علی بخشیدند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه‌ی سامی (۳۱۶)، تذکره‌ی روز روشن (۲۹۰)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۲۴۹ -۲۴۸ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۵۸)، سخنوران آذربایجان (۳۶۸).

رحیمی منصور، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: سیستان و بلوچستان

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

رحیمی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی عمران، دانشکده: فنی، دانشگاه: تهران.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

رحیمی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس رحیمی

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۶/۷/۱

زندگینامه علمی

عباس رحیمی فرزند غلامعلی متولد ۱۳۲۶ نجف آباد . تحصیلات خود را در حوزه علمیه نجف اشرف و قم تا حد اجتهاد و ده سال درس خارج ادامه دادم و از محضر اساتید بزرگوار ، آیات عظام مرحومین حضرات امام خمینی (ره) و سید ابوالقاسم خوئی و سید محمود شاهرودی در نجف اشرف و سید محمد رضا گلپایگانی (ره) و هاشم آملی و آیات عظام مکارم شیرازی و وحید خراسانی در حوزه علمیه قم بهره جستم .

در طول سال های ۱۳۴۲ تا امروز در جهت حرکت امام (ره) و مردم و در خدمت به انقلاب اسلامی و ترویج و تقویت آن و حضور در جبهه های جنگ تحمیلی و کمک های پشت جبهه و حضور در صحنه های مختلف به طور جدی حضور داشته ام و پیش از انقلاب مدتی در زندان شهربانی قم به علت شرکت در راهپیمایی زندانی بودم .

بیش از ۳۵ سال است که به تدریس علوم اسلامی شامل تفسیر، اخلاق ، ادبیات ، فقه ، اصول ، منطق و در حوزه نجف اشرف و قم و شهرستان ها و دانشگاه مشغول هستم و نزدیک به چهل سال است که به تبلیغات اسلامی مشغولم .

پس از انقلاب توقف در قم را صلاح ندانستم و هر جا نیاز بود حضور یافتم از طرف شورای انقلاب به سیستان و بلوچستان و پس از آن به کرمان و پس از آن به امامت جمعه شهرستان دشتستان بوشهر از طرف حضرت امام (ره) منصوب شدم و پس از آن یک دوره (دوره دوم) به مجلس شورای اسلامی راه یافتم و پس از آن به امامت جمعه شهرستان استهبان فارس به مدت هشت سال از طرف حضرت امام (ره) منصوب شدم و اکنون مدت ده سال است که در سمت امام جمعه شهرستان مبارکه مشغول انجام وظیفه هستم که از عمر انقلاب تا کنون در سمت های گوناگون انجام وظیفه می نمایم .

در این مدت بیش از چهل جزوه و مقاله نوشته ام و یازده جلد کتاب مطبوع و ۵ جلد آماده چاپ می باشد .

رحیمی، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا رحیمی

محل تولد : فریدون اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۷/۱۰

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۶۴ فعالیت‌های علمی خودم را آغاز کردم. بعد از آن‌که از طریق جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در دانشگاه مشغول تدریس شدم، کم‌کم در تدریس موفق شدم، جزوه‌های درس بنویسم. در کنار دانشگاه به مدت ۵ سال در حوزه علمیه جعفریه تهران (پاکدشت) مشغول به تدریس دروس حوزوی شدم در سال ۱۳۷۱ در دانشگاه آزاد اسلامی اراک برای فوق لیسانس قبول شدم و لذا در آنجا هم تدریس می‌کردم، و هم تحصیل بالاخره در سال ۱۳۷۴ با معدل ۱۸.۴۶ فارغ التحصیل شدم و رساله علمی خودم که به نام تقیه در سیره عملی امامان معصوم(ع) بود با نمره ۱۹ دفاع کردم. سپس در دانشکده فنی دکتر شریعتی (تهران) عضو هیئت علمی شدم و هم‌اکنون در پایه ۱۴ مربی هیئت علمی هستم به دنبال هیئت علمی شدن موفق شدم کتب و مقالاتی را بنوسیم. الحمدلله زمینه علمی و تحقیقی به خاطر هیئت علمی بودن برایم فراهم است. ان شاءالله کتابهایی که نوشته‌ام به زودی چاپ خواهند شوند.در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی مشغول به تحصیل شدم. در سال ۱۳۶۱ توانستم،

پایه۱۰ را به پایـان برسـانم و در درس خارج آیات عظام فاضل لنکرانی(ره)، سـبحانی، مکارم شـرکت کنم. فعلاً هم در درس خارج فقه مقام معظم رهبری حضـرت آیت الله العظمی خامنه‌ای شـرکت می‌کنم. بحث کنونی اسـتاد مکاسب محرمه است. ضـمناً در کنار درس حوزه توانسـتم دیپلم بگیرم و در دانشـگاه هم حضور پیـدا کنم و مدارک فوق لیسانس در رشـته الهیات ـ فقه و مبانی اسـلامی بگیریم. هم اکنون از اعضای هیئت علمی دانشـکده فنی شـریعتی (تهران) می‌باشم و بنا دارم به زودی مـدرک سـطح چهار را هم از حوزه علمیه قم بگیرم.

رحیمی، محمدفرهاد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسـی ریاضـی فیزیک از دانشگاه فردوسی در سال ۱۳۴۶، کارشناسـی ارشد فیزیک هسـته‌ای از دانشگاه تولوز فرانسه در سال ۱۳۴۹ موضوع رساله حافظت در مقابل اشـعه در معادن اورانیوم فرانسه، دکترای فیزیک هسـته‌ای از دانشگاه استراسبورگ فرانسه در سال ۱۳۵۲ موضوع رساله کاربرد آشکار سازهای پلاستیکی در مطالعه شـکاف هسته‌های سنگین در انرژیهای زیاد، دکترای دولتی در ذرات بنیادی از دانشگاه استراسـبورگ فرانسه موضوع رساله مطالعه جریانهای خنثی و باردار القائی توسط نوترینوهای مسـتخرج از شتاب دهنده بزرگ SPS در CERN با آشکارساز گارگامل (بابل چمبر GGM).

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی تجربی جریانهای خنثی در مدل واینبرگ– سلام، ایجاد موزه علوم و فیزیک سرا در مشهد، ایجاد مرکز ید درمانی در مشهد، مؤسس فیزیک سرا برای اولین بار در ایران، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۶ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۹

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

فیزیک هسته‌ای، مکانیک کوانتومی، نسبیت خاص مصور، ایده‌هایی در ذرات بنیادی و انرژی هسته‌ای.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۱

زمینه علمی مقالات:

شکاف هسـته‌های سنگین توسط ذرات سبک با انرژیهای زیاد، مطالعه اندرکنش نوترینو با ماده توسط پروتونهای SPS در CERN جسـتجوی گامـای کیهـانی به کمـک امولسـیون هسـته‌ای، برش نگـاری کـامپیوتری با پزیترون (PET)، دیـداکتیک فیزیـک، برای حفاظت در مقابل اشعه در معادن اورانیوم.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

رحیمی، منصور

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

منصور رحیمی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۹/۱

زندگینامه علمی

آقـای منصـور رحیمی در سـال ۱۳۳۹هجری شمسـی در خـانواده ای پـاک، متـدین، بـا اخلاـص وکاملاـ مـذهبی دیـده بـه جهـان گشود.نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در شـهر مقدس مشـهد سپری کرد و در پی تشویق خانواده و اطرافیان و علاقه خود به فراگیری علوم دینی به وارد حوزه علمیه مشهد شد از نخستین‌روزهای ورود به حوزه علمیه مشـهد با تلاش و کوشش فراوان به تحصـیل پرداخت و از درس‌بزرگان‌آن‌دیار همچون مرحوم آیت الله علی فلسفی،آیت الله صالحی و آیت الله شیخ مصطفی اشرفی

بهره ها برد.استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته تاریخ در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۱از دانشگاه فردوسی فارغ التحصیل گردید و پایان نامه خود را با عنوان" دیپلماسی پیامبر اکرم(ص ")به اتمام رسانید. ایشان ضمن تدریس به تحقیق و پژوهش مشغول می باشد و در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که مقالات" هجرت "و" جهاد "و... از جمله آثار ایشان است

رحیمیان مشهدی، حمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زراعت، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

رحیمیان، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین رحیمیان

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین رحیمیان در سال ۱۳۵۹ مشغول به تحصیل در علوم حوزوی شدم . پس از اتمام مقدمات ، سطوح عالی را در خدمت حضرات آقایان محقق داماد ، آیت الله خزعلی و کفایه را نزد حضرت آیت الله فاضل لنکرانی خواندم . خارج فقه و اصول را خدمت تعدادی از اساتید بزرگ و مراجع بوده ام به خصوص حضرت آیت الله تبریزی که متجاوز از بیست سال در فقه و اصول در خدمت ایشان بود ه ام فلسفه را نیز در خدمت اساتید بزرگوار بویژه حضرت آیت الله مصباح استفاده کرده ام.بجز تقریرات فقه و اصول مقالاتی در مباحث اسلامی مثل تقیه، و یا آزادی در اسلام نوشته ام و علاوه بر تدریس در حوزه و دانشگاه مسئولیت برخی از مراکز علمی و فرهنگی را داشته ام. در دوره اولین شورای نمایندگان مقام معظم رهبری دردانشگاهها مسئولیت نهاد رهبری در دانشگاههای کشور را به مدت سه سال عهده دار بودم.

ایجاد تشکیلات اساسی نهاد مثل تصویب اساسنامه توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی و تاسیس بخش گزینش اساتید معارف مربوط به آن دوره است مسئولیت دفتر تدوین متون درسی مرکز جهانی علوم اسلامی را نیز مدتی عهده دار بوده ام برخی از کتابهایی که در این دوره تدوین شد بحمد الله امروز در حوزه های داخل و خارج ایران متن درسی طلاب است برخی از آنها با تایید و تقریظ بعضی از فقها و مراجع جایگزین کتابهایی شده است که سالها در حوزه ها تدریس می شده است.همچنین از سوی مدیریت حوزه علمیه قم مسئولیت تاسیس و ایجاد رشته تخصصی تاریخ اسلام را داشته ام که هم اکنون این رشته با تعدادی از طلاب علاقه مند به این رشته به کارخود ادامه میدهد.

رحیمیان، حشمت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: گیاه‌پزشکی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: مازندران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی حفاظت گیاهان از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۴۸، کارشناسی ارشد در رشته بیماریهای گیاهی (بیماریهای ویروسی گیاهان) از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۴، دکترا در بیماریهای گیاهی (تشخیص میکوپلاسماهای بیماریزا) از دانشگاه کالیفرنیا- ریورساید در سال ۱۳۵۹، دوره فشرده روشها و مسائل تکثیر و پرورش مرکبات و عاری‌سازی آنها از بیماریهای ویروسی.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۶۱ و استادیار دانشکده کشاورزی دانشگاه مازندران از سال ۱۳۶۱ و ارتقاء به دانشیاری دانشکده کشاورزی دانشگاه مازندران در سال ۱۳۶۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تشخیص و مبارزه با بیماریهای مایکوپلاسمائی گیاهان، تشخیص و مبارزه با بیماریهای باکتریائی گیاهان، تشخیص بیماریهای ویروسی مرکبات، تشخیص و مبارزه با بیماریهای قارچی گیاهان، تشخیص قارچهای مخرب چوب و طرح بررسی ویروس تریپتزای مرکبات، استاد راهنما و مشاور ۱۹ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی تألیفات:

تشخیص و مبارزه با بیماریهای گیاهان.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: متعدد، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

بیماریهای مایکوپلاسمائی گیاهان، میکوپلاسماهای جانوری و گیاهی، باکتریهای بیماری‌زا در گیاهان، ویروس‌های مرکبات.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

رحیمیان، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمـد رحیمیـان در سال ۱۳۳۱ در شـهرضا بـدنیا آمد.در سال ۱۳۵۶، به اخـذ درجـهٔ فوق لیسانس مهندسـی راه و ساختمان از دانشـکدهٔ فنی دانشگاه تهران نائل آمد. پس از آن به کشور فرانسه عزیمت کرد. در سال ۱۳۵۷ موفق به اخذ درجهٔ DEA از مدرسهٔ پل و راه فرانسه گردید. در سال ۱۳۶۰ درجهٔ دکتری خود را در مهندسی راه و ساختمان با گرایش مکانیک ساختمان از مدرسه پل و راه فرانسه دریـافت کرد.نـامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و اسـتاد دانشـکده فنی تهران می باشـد.گروه : فنی و مهندسیرشـته : مهندسی راه و ساختمانگرایش : مکانیک ساختمانتحصـیلات رسمی و حرفه ای : محمد رحیمیان در سال ۱۳۵۶، به اخذ درجهٔ فوق لیسانس مهندسی راه و ساختمان از دانشکدهٔ فنی دانشـگاه تهران نائل آمد. پس از آن به کشور فرانسه عزیمت کرد. در سال ۱۳۵۷ موفق به اخـذ درجهٔ DEA از مدرسـهٔ پـل و راه فرانسه گردیـد. در سال ۱۳۶۰ درجـهٔ دکتری خود را در مهندسـی راه و ساختمـان با گرایش مکانیک ساختمان از مدرسه پل و راه فرانسه دریافت کردمشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر محمد رحیمیان عضو هیئت علمی و اسـتاد دانشـکده فنی تهران می باشـد.از سوابق اجرایی دکتر رحیمیان در دانشگاه تهران می توان ریاست دانشگاه، ریاسـت دانشـکدهٔ فنی، معاونت پژوهشـی دانشگاه و مدیری گروه مهندسـی عمران را نام برد. وی هم اکنون معاون پژوهشـی دانشگاه تهران میباشـد.فعالیتهای آموزشـی : محمد رحیمیان پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۶۴ به دانشگاه تهران وارد شد و در دانشکدهٔ فنی مشغول به تدریس گردید. وی تاکنون دروسی همچون تحلیل سازه ها (۱) و (۲) ، محاسبات ماتریس ساختمانها و تئوری ارتجاعی را تـدریس نموده اسـتچگونگی عرضه آثار : دکتر رحیمیان ۵ کتـاب با همکاری دیگران تألیف و ترجمه نموده است. نیز مسـئولیت هـدایت بیش از ۲۰ پایان نامـهٔ دانشـجویی را به عهـده داشـته و دارد. وی تاکنون ۲۴ مقـاله و گزارش علمی در نشـریات خـارجی و داخلی ارائه داده است. آثار : تحلیل سازه ها ویژگی اثر : پدیدآورنده: محمد رحیمیان، امیرکیوان قربانی تنها ناشـر: سـنجش (وابسته به موسسه فرهنگی هنری سنجش) - ۱۳۸۲۲ مکانیک محیط های بسته ویژگی اثر : پدیدآورنده: محمد رحیمیان، مرتضی اسکندری قادی ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - ۰۴ اردیبهشت، ۱۳۸۵ منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

رحیمی‌زاده، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: شیمی آلی، دانشکده: علوم، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۵۲، کارشناسی ارشـد و دکترا از کالج سـلطنتی لندن در سال ۱۳۰۶، فوق دکترا از دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا آمریکا در سال ۱۳۶۴ و دانشگاه دلور آمریکا در سال ۱۳۷۰.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده علوم دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تهیه ترکیبات داروئی، تهیه ترکیبات هتروسیکل، تهیه صـنعتی بنزوئیک اسـید، تهیه الکیـد رزین‌ها، جـداسازی و شـناسائی ترکیبات طبیعی گوناگون از موجودات زنده، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۹ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

ابداع:

تهیه برخی از ترکیبات داروئی مانند راینیتیدین، تهیه بنزوئیک اسید، تهیه اتیلن دی آمین از دی کلرواتان در محیط خشک.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
شیمی آلی، اساس مکانیسمی واکنشهای آلی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۸
زمینه علمی مقالات:
بررسی مکانیسمی واکنشهای آلی، جداسازی و شناسائی ترکیبات طبیعی، سنتز ترکیبات شیمیائی داروئی و طبیعی مختلف.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

رخشان تهرانی، مهرتاج بدرالدجی

قرن:۱۴
جنسیت:زن
ملیت:ایران
(تو ۱۲۶۸ ش)، شاعر، متخلص به رخشان. در تهران متولد شد. در مدرسه‌ی امریکایی اصفهان تحصیل کرد. با کمک پدرش مدرسه‌ای ام‌المدارس را تاسیس کرد. سپس به خدمت فرهنگ درآمد و به سمت دبیری و مدیری در گلپایگان و مشهد و شاهرود و ملایر مشغول شد. در سال ۱۳۱۱ ش در دماوند پرورشگاهی جهت نگاهداری کودکان یتیم و بی‌بضاعت تاسیس کرد و مدیریت آن را خود عهده‌دار شد. وی به زبانهای انگلیسی و فرانسوی و عربی آشنایی کامل داشت در نقاشی و موسیقی هم سررشته داشت. از او حدود هزار بیت شعر بر جای مانده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۳۷۲)، کارنامه‌ی زنان (۱۱۳ -۱۱۱).

رخشان، فریدون

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فریدون رخشان در سال ۱۳۲۵ شمسی در شهر مراغه متولد گردید.او در حین اشتغال در آموزش و پرورش موفق به دریافت درجه لیسانس و متعاقب آن فوق لیسانس علوم تربیتی در سالهای ۱۳۵۱ و ۱۳۵۳ از دانشگاه ابوریحان بیرونی و دانشگاه تربیت معلم گردید. نامبرده از سال ۱۳۵۷ تاکنون در دانشگاه علامه طباطبایی (ابوریحان بیرونی سابق) با سمت مربی به تدریس و تحقیق اشتغال دارد. ترجمه و نگارش کتاب" ناتوانی های یادگیری "وی ، در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : علوم تربیتیتحصیلات رسمی و حرفه ای : فریدون رخشان تحصیلات دورهٔ ابتدایی و دبیرستان خود را در آن شهر به پایان رساند و سپس وارد خدمت مقدس سربازی شده و پس از اتمام آن در سال ۱۳۴۵ به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمد. لیکن به مدد اشتیاقی که به کسب علم داشت وارد دانشگاه شد و موفق به دریافت درجه لیسانس و متعاقب آن فوق لیسانس علوم تربیتی در سالهای ۱۳۵۱ و ۱۳۵۳ از دانشگاه ابوریحان بیرونی و دانشگاه تربیت معلم گردیدمشاغل و سمتهای مورد تصدی : فریدون رخشان از سال ۱۳۵۷ تاکنون در دانشگاه علامه طباطبایی (ابوریحان بیرونی سابق) با سمت مربی به تدریس و تحقیق اشتغال دارد.جوائز و نشانها : ترجمه و نگارش کتاب" ناتوانی های یادگیری "فریدون رخشان ، در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.آثار : جزوه روانشناسی آموزش خواندن ویژگی اثر : تالیف۲ جزوه روانشناسی بازی ویژگی اثر : تالیف۳ طراحی و تحلیل نظام های آموزشی ویژگی اثر : ترجمه و نگارش -آماده چاپ۴ فصل هفتم کتاب فنون راهنمایی ویژگی اثر : ترجمه-اثر نورث و تراکسلر ۱۳۵۳۵ کتاب زبان آموزی برای عشایر آذربایجان ویژگی اثر : تالیف-۱۳۶۰۶ کتابهای نهضت سوادآموزی ویژگی اثر : مشارکت در تألیف۷ مقال ?جنبه های بیوشیمیک یادگیری و حافظه ویژگی اثر : ترجمه مقاله-اثر پروفسور هولگار هایدن۸ ناتوانی های یادگیری ویژگی اثر : ترجمه و نگارش -با همکاری اکبر فریار ۱۳۶۴-این کتاب در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است-آشنایی با کتاب ناتوانی های یادگیری: در این کتاب به شرح تئوریها، تشخیص و درمان مشکلات و ناتوانی های یادگیری کودکان عادی و نه استثنایی پرداخته شده و مطالب کتاب بصورتی تنظیم یافته که در حد یک کتاب دانشگاهی و نیز به عنوان کتاب راهنما برای سوادآموزان، معلمان، دبیران و خصوصاً مربیان علوم تربیتی قابل استفاده می باشد. ۹ واقعیت درمانی ویژگی اثر : ترجمه-اثر پروفسور ویلیام گلاسر ۱۳۵۳

رخصت سبزواری، خداوردی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. اهل سبزوار بود. در خدمت برادرش ارغون میرزا به سر می‌برد. گاهی شعر می‌سرود. از اوست:

رخصت از گردش ایام چه عشت جویی

عشرت آن بود که در عهد جهانبانی بود

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۳۷۳)، مصطبه‌ی خراب (۷۰).

رخصت شیرازی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۳ ق)، شاعر، متخلص به رخصت. وی برادر کوچکتر صاحب «آثار عجم» است. شغلش بزازی بود. گاه گاهی شعر می‌سرود. در شیراز درگذشت و در دارالسلم دفن است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۵۷)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۰۷ –۶۰۵ /۲)، فرهنگ سخنوران (۳۷۳)، مرآت الفصاحه (۲۳۴).

ردایی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین ردایی

محل تولد : تنکابن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

حاج حسین ردائی فرزند جمال متولد سال ۱۳۴۶ اهل شهرستان چالوس شهر مرزن آباد روستای پردنگون می باشد ودرمحله نعمت آباد تنکابن متولد شد. ایشان تحصیلات غیر حوزوی را در روستای مربوطه و شهر مرزن آباد گذرانده و در سال ۱۳۶۲ با ورود به مدرسه علمیه شهید بهشتی نوشهر تحصیلات حوزوی خود را آغاز کرد ودرهمان سال اول طلبگی دروس فرا گرفته رابرای برخی از پاسداران وافسران نیروی دریائی تدریس می نمود. درسال ۱۳۶۳یعنی کمتر از یک سال به دلیل اشتیاق فراوان ولزوم تعمیق معلومات پس ازکسب موفقیت در آزمون ورودی تحصیلاتشان رادرحوزه علمیه قم ادامه داد و چون حضور درمیدانهای دفاع مقدس به فرموده امام راحل(ره)از اهم واجبات بود همزمان با تحصیل به دفعات عازم مناطق عملیاتی شده وعلاوه بر ارشاد درعملیاتهای کربلای۴ ،والفجر۸ و بیت المقدس ۲درخطوط مقدم عملیاتی حضور داشته ودر عملیات والفجر۸درمنطقه ام القصر از ناحیه دست راست و سر مجروح گردیده که ازتاریخ ۱۰/۱۲/۸۴ تا ۹/۱/۶۵رادر بیمارستان آیهٔ الله کاشانی اصفهان درحال مداوا بودند .و آنگاه برای جبران اوقات حضور درجبهه تمامی ایام سال رابه تحصیل می پرداختند. بااستفاده ازمحضر حضرات آیات استادی، قدیری، اعتمادی و پایانی (رحمهٔ الله علیه) توانستند تا سال تحصیلی ۶۸–۶۹ تمامی کتابهای درسی حوزه رابا موفقیت به پایان برسانند. ایشان درسال تحصیلی ۶۹–۷۰همزمان با شرکت دردروس خارج فقه واصول تدریس راآغاز نموده وهم اکنون بیش از۱۵ سال است که دروس مقدمات وسطوح مختلف را درمدارس علمیه قم ومدارس مرکز جهانی علوم اسلامی ومدرسه مبارکه فیضیه ودارالشفاء ومانند آن اشتغال دارند . ایشان دروس فقه واصول راازمحضر حضرات آیات عظام، مرحوم صالحی مازندرانی، نوری همدانی، فاضل لنکرانی(ره) ،وحید خراسانی وتبریزی(رحمهٔ الله علیه)بهره برده ودروس معقول راازمحضر حضرات آیات جوادی آملی ،انصاری شیرازی،وبخشی ازهیئت را ازمحضرحضرت آیهٔ الله حسن زاده آملی فراگرفتند. قابل ذکر است که سالیان متمادی از درس تفسیر وسایر دروس حضرت علامه آیهٔ الله جوادی آملی بهره برده وخود رامرهون فیوضات معظم له میدانند وهمچنین علاوه بر تدریس درحوزه علمیه قم ودانشگاه به تحقیق وتالیف نیز اشتغال داشته که ازجمله آثار وتالیفات ایشان عبارتند از: ۱.چکیده وحاشیه بربدایهٔ الحکمه مرحوم علامه طباطبائی، ۲.راهکارهای اصلاحات اجتماعی درحکومت دینی، ۳.تصحیح و ترجمه وحاشیه بر نهج الفصاحه، ۴.رساله فقهی ،استنباطی با موضوع خرید وفروش خون با فروعات آن. ضمناً به لطف خداوند علاوه برآنچه ذکر شد توفیق تدریس وتبلیغ درخارج از کشور و دانشگاههای داخل کشور وارگانهای مختلف به خصوص سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ازجمله سوابق تبلیغی ایشان بوده است. امید است با لطف خداوندوهمت مردم شریف استان بتوانند درسنگر جلس خبرگان رهبری که تقویت آن موجب تقویت رهبری واستمرارنظام مقدس اسلامی است ،خدمتگذاری موفق رادر راستای اهداف انقلاب اسلامی ومنویات امام راحل ومقام عظمای ولایت داشته باشند.

رزاق پور، محمدجعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جعفر رزاق پور

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد جعفر رزاق پور در سال ۱۳۶۳ نائل به دیپلم رشته علوم انسانی از دبیرستان آیت الله غفاری بابل شدم. در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه فیضیه مازندران که در شهرستان بابل مستقر است شدم. مدیریت این حوزه را حضرت آیت الله محمد فاضل بعهده داشت بنده از سال ۶۴ تا سال ۶۹ تمام دروس مرسوم حوزوی از مقدمات تا مکاسب محرمه را نزد این استاد بزرگ و دیگر اساتیدی که در این مدرسه تدریس می نمودند بهره بردم. از سال ۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مرکز مدیریت حوزه علمیه قم با شماره پرونده ۲۰۸۹۹ ادامه تحصیل دادم.

مکاسب محرمه، رسائل و کفایه را به ترتیب نزد استاد حجهٔ الاسلام محمدی ، حجهٔ الاسلام تهرانی، و آیت الله استادی تلمذ نمودم. کلاسهای اخلاق را از آیت الله حسین مظاهری و آیت الله علی مشکینی (ره) بهره می جستم. در کلاس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت می کردم و دروس خارج فقه و اصول را به ترتیب از آیات عظام محمد فاضل لنکرانی (ره) و حاج شیخ جعفر سبحانی بهره می گرفتم. حضرت آیت الله مکارم نیز استاد خارج فقه بنده است. در سال ۱۳۷۴ در کنار دروس حوزوی در کنکور سراسری سازمان سنجش و آموزش کل کشور شرکت نمودم و در دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم در رشته علوم سیاسی مقطع کارشناسی قبول شدم پس از اتمام این دوره ناچار شدم طبق آیین نامه دانشگاه پایان نامه بنویسم و در جلسه دفاعیه از آن دفاع کنم طی مراحل اجرای پایان نامه از سوی بعضی از شخصیتهای علمی حوزه و دانشگاه مورد تشویق قرار گرفتم و این تشویقها مرا به جدیت بیشتر و دقت روز افزون واداشت و سرانجام توانستم پایان نامه ام را با نمره ۶۶/۱۹ و امتیاز عالی دفاع نمایم.

پس از اتمام مقطع کارشناسی بار دیگر در کنکور سراسری شرکت نمودم و در همان دانشگاه در مقطع کارشناسی ارشد علوم سیاسی پذیرفته شدم و به تحصیل ادامه دادم. فعلا تمام واحدهای این مقطع را پاس نمودم و پایان نامه کارشناسی ارشد را نیز نوشتم و تا مدتی دیگر دفاع خواهم نمود. اکثر تحقیقات بنده در مورد احزاب و گروههای سیاسی ایران از ۱۳۲۴ تا ۱۳۵۷ می باشد. گروههای فدائیان اسلام، نهضت آزادی، حزب ملل اسلامی، و هیئتهای مؤتلفه اسلامی را بطور کامل کار کردم و هر یک از این احزاب را از جهت تاریخچه تأسیس معرفی عناصر اصلی ، اندیشه های سیاسی، مواضع و عملکردها مورد بررسی قرار دادم.

رزاقی قمی، تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۹ -۱۲۹۶ ش)، شاعر. در قم متولد شد، تحصیلات ابتدایی را در آن شهر و متوسطه را در خراسان به پایان رسانید. زبان انگلیسی را نزد پرفسور مولوی هندی فراگرفت. پس از بازگشت به قم با تنی چند از بستگان چاپ خانه‌ی قم را دایر نمود و خود مدیریت آن را پذیرفت. وی با همکاری تنی چند از شعرای جوان، انجمن ادبی قم را به ریاست محمود تندری، متخلص به شیوا تشکیل داد. «دیوان» تندری به سعی و کوشش وی چاپ و نشر شد. رزاقی شعر خوب می‌سرود به ویژه در سرودن ماده‌ی تاریخ توانا بود. ترجیع‌بند هاتف اصفهانی را تخمیس کرد و به نام «یکتا نامه یا ترجیع‌بند هاتف اصفهانی» منتشر ساخت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۱۵۲۲ -۱۵۱۸ /۳)، فرهنگ سخنوران (۳۷۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۰ -۲۱۹ /۲).

رزاقی کاشانی، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: ریاضی، دانشکده: ریاضی، دانشگاه: صنعتی امیرکبیر

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

رزاقی، تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۹۶، قم.

درگذشت: ۱۳۶۹، تهران.

تقی رزاقی، فرزند حاج مهدی کاشانی، تحیلات ابتدایی را در دبستان رضاییه قم آغاز کرد و در سال ۱۳۰۹ پایان‌نامه دوره‌ی ابتدایی را گرفت و تحصیلات متوسطه را در خراسان به انجام رسانید و زبان انگلیسی را نزد پرفسور مولوی هندی فراگرفت.

رزاقی از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۴ کارمند شرکت چاپخانه خراسان بود. از آن پس به زادگاه خود بازگشت و دفتریار دفتر رسمی شماره یک رقم شد و در سال ۱۳۱۶ که شرکت چاپخانه‌ی قم را به سرمایه دائی و پسر عموی خود و سه نفر دیگر دایر کرد، خود مدیریت آن را به عهده گرفت. در سال ۱۳۱۷ به خدمت نظام وظیف رفت و در تیرماه ۱۳۱۹ در بانک کارگشایی استخدام شد و از آنجا به بانک ملی ایران منتقل گردید و در شعبه‌ی تجریش مشغول به کار شد.

رزاقی از شعرایی است که با تنی از شعرای جوان، انجمن ادبی قم را به ریاست محمود تندی، متخلص به «شیوا» تشکیل دادند و این انجمن تا زمان حیات تندی همچنان پابرجا بود و دیوان تندری به سعی و کوشش وی چاپ و نشر شد.

رزاقی شاعری توانا بود و در ساختن انواع شعر فعالیت می‌کرد، به خصوص در سرودن ماده تاریخ توانایی نشان داده است. در سال ۱۳۱۶ ترجیع‌بند هاتف اصفهانی را تخمیس کرد و به نام یکتانامه طبع و نشر شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

رزاقی، نصرالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نصرالله رزاقی

محل تولد : طالقان

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۲ در طالقان روستای ناریان به دنیا آمدم و تحصیلات ابتدایی را در همان روستا به پایان رساندم و تحصیلات مقطع راهنمایی را در تهران و مقطع دبیرستان را در قم به پایان رسانیدم. در سال ۱۳۶۱ به جبهه‌های جنگ در منطقه کردستان در قالب یک گروه فرهنگی اعزام شدم و حدود ۱۱ ماه در منطقه دیواندره همراه رزمندگان اسلام بودم بعد از اخذ دیپلم در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و مقطع مقدمات را در مدرسه مبارکه رضویه به پایان رسانیدم و سپس دروس بعدی را به صورت آزاد در حوزه علمیه قم آغاز کردم و در دروس اساتید چون محمدی خراسانی، طالقاتی، محقق داماد، اعتمادی، طاهری خرم آبادی، بیگدلی و آیات عظام وحید خراسانی، مکارم شیرازی، جوادی آملی ،مرحوم جوادآقا تبریزی و سبحانی شرکت کردم. سپس در موسسه آموزش تخصصی مذاهب اسلامی شرکت کرم و حدود سه سال دروس تخصصی مذاهب اسلامی را در نزد اساتیدی چون نجم الدین طبسی،بهجت پور، غیب غلامی، دکتر خدادادی و... گذراندم و در این مدت تحقیقاتی در رابطه با حیات ابوبکر، انسان و تکنولوژی، معرفت شناسی انجام دادم و همزمان در دانشگاه آزاد و مرکز تربیت مربی و موسسه تخصصی مذاهب اسلامی تدریس داشته و هم‌اکنون نیز تدریس ادامه دارد.

رزبانی، نامدار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۸۰(۱۳۲۱ ق.)؛ جاجرم.

درگذشت: ۱۳۵۹.

نامدار زربانی از معلمان برجسته‌ی بجنورد، علوم قدیمه را در نزد پدرش «احمد» که منشی سردار مفخم بود، فراگرفت و علوم جدید را از معلمان خصوصی فرزندان سردار آموخت. و از دوازده سالگی معلمی را آغاز کرد و قریب ۵۰ سال به تدریس ریاضیات، تاریخ، جغرافیا و قرآن در شهرستان بجنورد پرداخت. او مدرسه‌ای را در جاجرم بنیان گذاشت و مدت‌ها معلم دبستان همت بود و تا سال ۱۳۴۱ به عنوان «نمایندگی فرهنگ» در بخش‌های مختلف بجنورد خدمت کرد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

رزم دوست، فریبا

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

فریبا رزم دوست متولد ۱۳۱۸ ش تهران دارای دکترای رشته گیاه پزشکی عضویت هیئت علمی دانشگاه هاروارد (انستیتوی مندل) با درجه دانشیاری باشد. وی دارای تحقیقات وآثار پیرامون بررسی ویروسهای قارچ زدگی سیب زمینی میباشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیتحصیلات رسمی و حرفه ای : فریبا رزم دوست دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه تهران دکترای رشته گیاه پزشکی از دانشگاه هاروارد میباشدخاطرات و وقایع تحصیل : تحصیل در رشته گیاه پزشکی و اخذ مدرك دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی فریبا رزم دوست بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : فریبا رزم دوست د ر کنار تحصیل مشغول به مطالعه ،تحقیق و تالیف آثاری در زمینه تخصصی مورد علاقه خود بوده است.وقایع میانسالی : فریبا رزم دوست پس از اخذ مدرك دکتری در رشته گیاه پزشکی به عضویت هیئت علمی گروه زیست شناسی در دانشکده علوم پایه دردانشگاه هاروارد (انستیتوی مندل) در آمد وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فریبا رزم دوست عضوهیئت علمی و دانشیار گروه زیست شناسی در دانشکده علوم پایه در دانشگاه هاروارد (انستیتوی مندل) است.فعالیتهای آموزشی : فریبا رزم دوست سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه زیست شناسی در دانشگاه هاروارد (انستیتوی مندل) به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشکی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : فریبا رزم دوست در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری تخصصی ،پژوهشی و عمیق می پردازد.آرا و گرایشهای خاص : فریبا رزم دوست از جمله گیاه پزشکانی و گیاه شناسانی است که تحقیقات مفصل و عمیق درباره بررسی ویروسهای قارچ زدگی در سیب زمینی دارد. آثار : بررسی ویروسهای قارچ زدگی در سیب زمینی منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

رزمپوش، بهرام

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بهرام رزمپوش متولد ۱۳۳۰ه.ش در شیراز، دارای دکتری مخابرات میدان و الکترونیك می باشد. وی عضو هیئت علمی دانشکده صدا و سیما و نویسنده کتاب آشنایی با میکروویو کتاب سال۱۳۶۸ می باشد.

گروه : فنی و مهندسی

رشته : مهندسی هسته ای

تحصیلات رسمی و حرفه ای : بهرام رزمپوش بعد از گذراندن دوره ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه شد و در رشته مهندسی الکترونیک درجه لیسانس و مقاطع فوق لیسانس و دکتری مخابرات تحصیل کرد.

خاطرات و وقایع تحصیل : اخذ دکتری در رشته مخابرات توسط دکتر بهرام رزمپوش از مقاطع مهم زندگی علمی بهرام رزمپوش بوده است.

فعالیتهای ضمن تحصیل : بهرام رزمپوش در کنار تحصیل در رشته مخابرات ، به تحقیق، مطالعه و تالیف آثاری در این باره مشغول بود.

وقایع میانسالی : بهرام رزمپوش پس از اخذ دکتری مخابرات، به عنوان عضو هیئت علمی دانشکده صدا و سیما استخدام شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : بهرام رزمپوش عضو هیئت علمی دانشکده صدا وسیما و مسئول آزمایشگاه میکروویو بوده و هستند.

فعالیتهای آموزشی : بهرام رزمپوش از سال۱۳۶۰ به عنوان عضو هیئت علمی دانشکده صدا و سیما به تدریس دروس الکترونیک و مخابرات می پردازد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : بهرام رزمپوش در کنار تدریس و رسیدگی به امور آزمایشگاه میکرویو در آنجا به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری در زمینه اصول اندازه گیری شبکه های میکرویو و ...می پردازد.

شاگردان : بهرام رزمپوش شاگردان بسیاری را از سال ۱۳۶۰ در دانشکده صدا و سیما پرورش داده است.

آرا و گرایشهای خاص : بهرام رزمپوش از جمله مهندسین مخابرات و الکترونیك است که توجه تخصصی به مباحث میکرویوو می باشد. آثار :

۱ آشنایی با میکروویو

۲ اصول اندازه گیری شبکه های میکروویو

۳ روش معادن و کاربرد آن در حل کامپیوتری میدانها

۴ مقالاتی به زبان فارسی و انگلیسی در نشریات علمی

رزمخواه، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد رزمخواه

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

آقای احمد رزمخواه در سال۱۳۴۵هجری شمسی در خانواده‌ای متدین ومذهبی در شهرستان نیشابور دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد، برای ادامه تحصیل در آزمون دانشگاه علوم اسلامی رضوی شرکت کرد. پس از پذیرش در رشته فلسفه و کلام در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۲ فارغ التحصیل شد.

نامبرده ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) در طی دوران تحصیل رسائل و مکاسب را نزد آیت الله مروی، کفایه و خارج اصول را نزد آیت الله رضا زاده و مرحوم آیت الله فلسفی و خارج فقه را نزد آیت‌الله مرتضوی آموخت. استاد رزمخواه پس از اتمام تحصیلات بر کرسیِ تدریس تکیه زد و در این مدت طلاب بسیاری درحوزه علمیه مشهد و دانشجویان بی شماری در دانشگاه های مشهد ازمحضر این استاد بزرگ بهره های فراوان علمی برده اند که حاصل این زحمات پرورش استعدادهای فراوان در زمینه علوم اسلامی می باشد.

رزه‌ای باخرزی، محمدحسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط و شاعر. از خوشنویسان قزوین بود. متقدمان تذکره‌نویسان وی را از رزه‌ی باخرز و متاخران اسفراینی دانسته‌اند. میر محمدحسین شاگرد محمدقاسم شادیشاه بود و از تعلیم شاه محمود نیشابوری و سلطان محمد خندان نیز بهره‌مند شد. کتابت او را پخته و حتی بعضی در نهایت امتیاز یافته‌اند. وی در قزوین با اکثر اعیان دربار شاه طهماسب مصاحب بود و پس از مرگ شاه به خراسان رفت و به کشاورزی پرداخت. صاحب «خلاصه التواریخ» با او دیدار کرده و او را آراسته به کمالات و شعرش را نیکو دانسته است. در اوان ترکتازی ترکمانان و انقلابات خراسان، پریشان و بی‌سامان شده و در همان اوان و درگذشته است. از آثار وی: یک نسخه «دیوان» امیر شاهی که به احتمال قوی به خط اوست. و به قلم کتابت خوش چنین رقم دارد: «کاتبها الفقیر [محمدحسین] الحسینی غفر ذنوبه و ستر عیوبه. تحریرا فی شهر رجب المرجب سنه‌ی ۹۷۶ بمقام رزه من اعمال باخرز».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۸۵ -۶۸۴ /۳)، خوشنویسان و هنرمندان (۴۸، ۴۲)، گلستان هنر (۱۰۲)، مناقب هنروران (۸۲، ۷۱).

رسا تهرانی، اسداللّٰه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۲۸۰ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس ادب و ثروت تهران به پایان رساند و فقه و حقوق اسلامی را نزد مرحوم میرزا محمود قمی، مدرس مدرسه‌ی صدر و علامه حکمی آموخت. سپس روزنامه‌ی «قانون» را منتشر کرد که بارها توقیف شد و مدیر آن به زندان افتاد. و پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش دیگر منتشر نشد. رسا گاهی شعر هم می‌گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۱۰۵ -۱۰۲ /۴)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۳۰۸ -۳۰۵ /۳).

رسا، قاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۶ -۱۲۹۰/۱۲۸۸ ش)، پزشک و شاعر، متخلص به رسا. وی در مشهد متولد شد. تحصیلات خود را تا اخذ دکترای طب در دانشگاه تهران ادامه داد و در این رشته به دریافت نشان درجه اول علمی نایل گشت. او پزشکی حاذق و شاعری با استعداد بود و طبعی رسا داشت و ملک‌الشعرای آستان قدس رضوی و رییس بیمارستانی در مشهد بود. «دیوان» شعرش حدود شش هزار بیت، به چاپ رسیده است و اثر دیگر او: «مرآتی و مناقب اباعبداللّٰه الحسین»، به نظم، چاپ مشهد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :صد سال شعر خراسان (۲۶۶ -۲۶۳)، فرهنگ سخنوران (۳۷۳)، مؤلفین کتب چاپی (۸۹۵ -۸۹۴ /۴).

رسام ارژنگی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نقاش و شاعر. وی در آبرنگ و رنگ روغن مهارت داشت و در تصویر آفرینی گل ومرغ و مجالس بزمی و رزمی خلاق بود و اغلب در شیوه‌ی قاجاری تصویر می‌آفرید. او همچنین در ادبیات نیز دست داشت و شعر را نیکو می‌سرود. از آثار وی: تابلوی با شکوه نادرشاه افشار که در کمال قدرت تصویر شده و یکی از بهترین آثار وی به شمار می‌آید؛ تصویر دختر ایرانی که با حلاوت تمام بین گلهای سرخ جای گرفته و بهترین نمونه ذوقی و قدرت ابتکار نقاش می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۸۵ -۱۸۴ /۱).

رسایی، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید رسایی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۷/۱

زندگینامه علمی

حمید رسایی در اولین روز مرداد ماه سال ۱۳۴۷ در یکی از محله های جنوب تهران بدنیا آمد. دوره دبستان و متوسطه را در خیابان ایران که یکی از محلات مذهبی تهران بود به پایان رساند و وارد هنرستان شد. رفت و آمدها در پایگاه بسیج او را به جبهه های جنگ تحمیلی کشاند. همنشینی با دوست طلبه ای در آن دانشگاه انسان سازی، پس از مدتی او را در کلاس درس سال اول حوزه قم نشاند.مهر ماه سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شد اما به دلیل مشارکت در دفاع مقدس، درس را به طور جدی از سال ۱۳۶۷ آغاز کرد. دروس مقدمات حوزه را در مدرسه کرمانیها و نزد اساتید محترم حجج اسلام عالی، موسی گرگانی و ... آغاز کرد و سپس دروس فقه و اصول را در مدرسه معصومیه ادامه داد. دوره سطح را نزد اساتید معظم آیت الله استادی، سید احمد خاتمی، موسوی تهرانی، مسعودی و محمدی به پایان رساند. با آغاز دوره درس خارج از آیات عظام مکارم شیرازی، تبریزی، فاضل لنکرانی و علیدوست بهره برد. در همین ایام با تدریس دورس دوره مقدمات در مدرسه کرمانیها به تکمیل اندوخته های خود پرداخت.در طول این مدت با استفاده از فرصت تابستان و تعطیلی دروس حوزه به تعلیم زبان عربی همت گماشت و در کنار تحصیل و تدریس، در ایام تبلیغی به شهرها و مناطق مختلف کشور هجرت کرد. به دلیل آشنایی با زبان عربی به مدت دو سال برای تدریس از طرف سازمان مدارس و حوزه های خارج از کشور در قاره آفریقا و کشور اوگاندا حضور داشت. از سال ۱۳۷۱ با حضور در کنار محققین موسوعه میزان الحکمه با کار علمی در مورد حدیث آشنا شد که این همکاری تا کنون نیز ادامه داشته است. در طول این مدت به عنوان کمک محقق، محقق، مدیر ویرایش و نشر مرکز سیاسی ـ اجتماعی خود را وسعت داد و از سال ۱۳۸۰ دفتر جریان شناسی تاریخ معاصر را بنیان نهاد. این دفتر تا کنون بیش از ۱۶ عنوان تحقیق در موضوعات مختلف مهم سیاسی ـ فرهنگی منتشر کرده است. اولین تالیف خود را در سال ۱۳۷۴ توسط انتشارات دفتر تبلیغات به چاپ رساند و تا کنون ۱۵ عنوان کتاب از وی به چاپ رسیده است که اکثر آنها چندین بار به چاپ رسیده است.

رستار، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر رستار

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات جدیدم را در شهرستان قائمشهر (شاهی سابق) شروع و تا ششم ابتدائی واول متوسطه نظام قدیم را در آن شهرستان و تا

سوم متوسطه را در امیرکلا ودوره دبیرستان را تا اخذ دیپلم در شهرستان بابل گذرانده ودر سال تحصیلی ۴۹–۵۰ موفق به اخذ دیپلم در رشته طبیعی گردیدم .در همان سال با ارشادات و راهنمائی های مرحوم آیت الله روحانی نماینده حضرت امام (ره) وامام جمعه شهرستان بابل و یکی از

اساتید محترم جناب حجه الاسلام و المسلمین شیخ محمد قائمی جهت تحصیل علوم دینی وفقهی وارد حوزه علمیه قم شده و تحصیلات مقدماتی و ادبیات عرب را نزد اساتید مختلف از جمله حجج اسلام شیخ جعفر ابدی و شیخ سلمان طهماسبی وشهید شیخ حجت توحیدی و مرحوم شیخ سعدی حیدری از فضلاء مازندرانی مقیم حوزه علمیه قم و مقداری را نیز در مدرسه مرحوم حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) فرا گرفتم و در سطوح بالاتر کتاب مطول در معانی و بیان را نزد استاد فشارکی ولمعتین را نزداستاد باکوئی وحاشیه د رمنطق را نزد استاد طالقانی ورسائل ومکاسب و کفایتین را نزد مرحوم استاد ستوده ومرحوم استاد ذهنی تهرانی و اساتید دیگر حوزه خوانده و سطوح عالیه فقه و اصول ومقداری از فلسفه را نیز از اساتید و مراجع بزرگوار حوزه علمیه قم استفاده نموده و از درس خارج حضرات آیات فاضل ، مکارم ، بهجت ،لنگرودی و سید جعفر کریمی بهره برده وبیشترین استفاده فقهی و اصولی را از جلسات درس حضرت آیت الله العظمی شیخ حسین مظاهری اصفهانی داشته و ازشاگردان نزدیک و مورد عنایت آن بزرگوار و بیش از ده سال از خارج فقه واصول وی بهره وافر برده و درتدوین رساله عملیه آن استاد گرانمایه نقش موثر و مستقیم داشته ام . در زمینه تدریس نیز توفیق تدریس کلیه کتب حوزوی در سطوح مقدماتی و متوسطه داشته ام . مقدمات ، سیوطی ، مغنی ، معالم ، حاشیه و لمعه تا کفایه را به طور خصوصی و مدتی نیز در مدارس علمیه حقانی و شهید صدوقی تدریس کرده ام .

تخصص نسبی اینجانب که بیشترین تدریس مرا شامل می شود ادبیات عرب و تجزیه و ترکیب می باشد. درزمینه تدوین با توجه به کثرت کتب موجوده در زمینه ها وموضوعات مختلف ضرورتی به اقدام در این کار ندیدم لیکن ذر موسسه دائره المعارف فقه اهل بیت علیه السلام همکاری داشته مقالات متعددی به صورت گروهی یا شخصی تدوین نموده که علاوه بر آنچه که قبلا گفته شده و در پرونده آن مرکز موجود است مقالات ارتفاق ، اراقه ، ارتماس ، ارتزاق ، اراده و مایکره فی حال الاحرام می باشد که بعضی ازآنها در بازنگری و بازنویسی و تمام آنها در موسسه دائره المعارف فقه اهل بیت علیهم السلام بوده است . مدرک کارشناسی حوزه را دریافت نموده ام وبرای اخذ مدرک کارشناسی ارشد حوزه ، موضوع ((ذبح ماشینی)) را انتخاب نموده ام که باید بنویسم واز جهت مدرک دانشگاهی در کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران– مرکز قبول شده لیکن به خاطر مشکلات رفت و آمد در واحد قم تحصیل نموده و هم اکنون در حال تدوین پایان نامه با عنوان ((شرط ضماندر عقود امانی)) می باشم.

رستق القطنی، جمال‌الدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، شاعر، متخلص به رشید. از مردم محله‌ی رستق القطن قزوین بود و به مناسبتی که در محله پنبه‌ریسان سکونت داشته به این نام معروف شد. اشعاری زیبا می‌سرود. در زمان اباقاخان مغول درگذشت. در «تذکره‌ی روز روشن» تلخص وی رشید ذکر شده است. این بیت از او است:

ای زر تویی آنکه جامع لذاتی

محبوب خلایق به همه اوقاتی

بی‌شک تو خدا نئی ولیکن به خدا

ستار عیوب و قاضی الحاجاتی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ گزیده (۷۲۵)، حبیب السیر (۱۱۷/۳)، فرهنگ سخنوران (۲۲۱)، مجالس النفائس (۳۲۹)، مینودر (۴۱۹ –۴۱۸ /۲)، هفت اقلیم (۱۶۰/۳).

رستگار فر، عطاءالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عطاءالله رستگارفر

محل تولد : خوانسار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱۰/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه قم شدم و در سال ۱۳۷۱ کانون مهر قرآن کریم را در شهرستان خوانسار را افتتاح کرده و حدود دو

سال و اندی مسئولیت افراد را به عهده گرفتم. در این مدت حدود ۱۲۰۰ نسفر قرآن پژوه را در سطح شهرستان و روستاهای اطراف تحت پوشش قرار داده که حاصل آن پرورش حافظان قرآن از یک جزء تا ۲۰ جزء بود که این روند ادامه یافت.

بعد از آن علاوه بر ادامه بر دروس حوزوی در مقطع سطح و درس خارج، به همکاری با دفتر فرهنگ و معارف قرآن وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی به عنوان محقق در بخش پاسخ به پرسش‌های قرآنی مشغول شده و حدود ده سال نیز در آن مرکز فعالیت داشتم و در همان زمان نیز به تدریس دروس عمومی (معارف اسلامی) در دانشگاه مشغول شدم، در سال ۱۳۸۲ در رشته تخصصی کلام جدید در سطح کارشناسی ارشد در موسسه نشر آثار امام خمینی(ره) مشغول شدم و این دوره را نیز به پایان رسانده و بعد از آن در مرکز تخصصی مهدویت مشغول گردیدم که هم‌اکنون نیز در این مرکز مشغول می‌باشم.

از سال ۱۳۷۰ در زمینه امر تبلیغ به فعالیت پرداخته و تاکنون مرتباً و هر ساله در مناسبت‌های مختلف از جمله ماه مبارک رمضان، محرم و صفر به مناطق مختلف و استان‌های متعددی در کشور سفر کرده و انجام وظیفه نمودم که به نظر خودم در این زمینه هم موفق و در حد مطلوبی به این امر خطیر مبادرت نمودم.

رستگار، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۸)، استاد دانشگاه و نویسنده. وی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در اصفهان و دارالفنون تهران در سال ۱۳۰۵ ش به فرانسه عزیمت نمود. پس از خاتمه تحصیلات در تولوز پاریس و آفریقای شمالی و به دست آوردن تخصص در میکرب شناسی و بیماری واگیر دام و درجه دکترای دامپزشکی دانشگاه تهران منسوب شد. از اثار وی: «بیماریهای واگیر دام»؛ «میکروب شناسی و زینهار شناسی عمومی»، به مشارکت دکتر مرتضی کاوه و دکتر احمد شیمی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۱۵۹ -۱۵۸ /۳).

رستگار، محمدابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۰۶، کازرون.

درگذشت: ۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۹، آمریکا.

محمدابراهیم رستگار، فرزند محمد، دوره‌های ابتدایی و متوسطه را در کازرون و شیراز و تحصیلات عالیه را در انگلستان در رشته‌ی نفت گذرانید و پس از بازگشت به ایران چند سال در شرکت نفت آبادان کار کرد و سپس سال‌ها تا زمان بازنشستگی عضو عالی رتبه‌ی آن شرکت در کارخانه‌ی کود شیمیایی فارس بود.

محمدابراهیم رستگار از بنیانگذاران و دبیر انجمن ادبی هدایت بود و مدت سی سال انجمن را اداره می‌کرد. وی در اواخر فروردین ۱۳۹۶ برای دیدار فرزندان خود به آمریکا رفت و در ۳۰ اردیبهشت همان سال درگذشت.

کالبد وی به شیراز منتقل و در دارالرحمه به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

رستگار، یعسوب‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابومحمد یعسوب‌الدین فرزند حاج میرزا احمد فرزند محمدصادق فرزند محمد مشهور به رستگار از افاضل دانشمندان و اکابر مفسرین معاصر حوزه علمیه قم می‌باشند.

ایشان اصلا اهل کلا (کوزه‌گر) محله از محلات شهرستان جویبار مازندران می‌باشند که در سال ۱۳۱۹ شمسی متولد شده و پس از تحصیل کلاس ششم ابتدائی و کتابت یک جلد کلام‌اللّٰه مجید با ترجمه با خط خود جهت تحصیل علوم دینیه عازم مشهد مقدس شده و ادبیات را از محضر استاد کل ادیب نیشابوری و تمام دروس سطح را با تدریس در مدت پنجسال در مدرسه خیرات خان و استفاده تفسیر و روایت و اخلاق از زاهد زمان آیت‌اللّٰه حاج میرزا حبیب‌اللّٰه گلپایگانی و شرکت درس خارج آیت‌اللّٰه العظمی میلانی قدس‌اللّٰه سرهما عزیمت به قم نموده و از محضر آیات عظام قم بالاخص مرحوم شریعتمداری تبریزی و آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی و مرحوم آیت‌اللّٰه محقق داماد یزدی و آیت‌اللّٰه حاج میرزا هاشم آملی تا سال ۱۳۵۵ شمسی استفاده نموده و در تمام دوران تحصیلات سطح و خارج و تعطیلات تابستانی و اعیاد و وفیات و تعطیلی‌های دیگر به کار نوشتن تفسیر وزین و جامع البصائر و کتب دیگر که یادآور می‌شوم اشتغال داشته است پس تفسیر را در چهل جلد مسوده و به صورت شصت جلد مبیضه درآورده که

در سال ۱۳۵۶ شمسی شروع به طبع آن نموده و تا سال ۱۳۶۴ شمسی بیست و یک جلد آن به طبع رسیده است. و چند سالی به علل عدم امکانات ادامه طبع آن متوقف ولی در سال ۱۳۶۹ شمسی جلد پنجاه و هشتم آن نیز از طبع خارج و به طبع مجلدات دیگر اشتغال دارند و انشاءاللّه به زودی تمام آن به طبع خواهد رسید.

آثار علمی مفسر بزرگوار آقای رستگار

۱- تفسیر البصائر

۲- مفتاح البصائر

۳- تبصره البصائر

۴- حماسه‌ای از تفسیر البصائر

۵- حبل‌المتین من فقه آل یاسین

۶- خلاصه الاصول

۷- تبویب عناوین نهج‌البلاغه

۸- روحانیت و روحانی

۹- اصول پنجگانه دین مبین اسلام

۱۰- فروع ده‌گانه دین مبین اسلام

۱۱- ابوالفضل العباس حامی ولایت و مظهر شهامت و استقامت

۱۲- خاطرات هزار و یکصد و شصت روزه

۱۳- مازندران پس از طوفان نوح تاکنون

آقای رستگار دانشمندی غیور و ولایتی و دارای محاسن اخلاق و محامد آداب و گذشته از آثار علمی دارای فرزندان فاضل و برومندیست که در حوزه علمیه به تحصیل دروس استدلالی فقه و اصول و تدریس متون و سطوح متوسط و عالی اشتغال دارند و از فضلاء جوانان حوزه محسوب و انشاءاللّه در آینده نزدیک مانند والدشان از علماء خدوم بدین و ملت خواهند بود.

روزهای جمعه دوره سال را به یاد ولی‌اللّه اعظم حضرت بقیه‌اللّه عجل‌اللّه فرجه الشریف در منزلشان مجلس باشکوهی که مجتمع افاضل حوزه علمیه قم می‌باشد برقرار است.

نگارنده گوید: تفسیر وزین البصائر معظم‌له را مطالعه کرده‌ام انصافا زحمات بسیاری را متحمل شده و به اعتقاد قاصرم تفسیری جامع‌تر از آن نوشته نشده زیرا انسان را از بسیاری از تفاسیر عامه و خاصه (سنی و شیعه) مستغنی و بی‌نیاز می‌دارد جزاه اللّه عن الاسلام والقرآن و عدیله خیر الجزاه و افضل الجزاء و اکثر الجزاء.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

رستم نژاد، غضنفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غضنفر رستم نژاد

محل تولد : قائم شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۹/۲۱

زندگینامه علمی

اینجانب غضنفر(مهدی) رستم نژاد در یک روز پاییزی (۲۴، آذر ۱۳۴۱) در یک خانواده مذهبی دیده به جهان گشودم. برکاتی که از الطاف الهی نصیبم شده است همه از شیر طیب و دامان پاك مادر بزرگوار و روزی حلال و اخلاص پدر گرامی‌ام بوده است.در سال ۱۳۵۳ پس از اتمام کلاس پنجم ابتدایی وارد حوزه علمیه رستمکلا از توابع بهشهر مازندران شدم. آن حوزه که به ریاست و تدبیر حضرت آیهٔ‌الله حاج شیخ ابوالحسن ابازی –رضوان الله تعالی علیه- اداره می‌شد گرم ترین حوزه علمیه در خطّه روحانی پرور شمال بوده است.از لحظه ورود به آن حوزه (۱۳۵۳/۸/۸) تا هفت سال تمام با شوق وافر و علاقه کامل به خواندن دوره‌ی ادبیات و قسمتی از سطح (تا مبحث استصاب رسائل) اشتغال داشتم.

پس از آن در تاریخ ۱۳۶۱/۷/۱۱، وارد حوزه علمیه قم شدم و از محضر انور آیات معظّم، جناب حاج شیخ مصطفی اعتمادی در رسائل، جناب حاج شیخ احمد پایانی (رحمهٔ‌الله علیه) در مکاسب(بیع) ،جناب حاج شیخ محمدتقی ستوده(رحمهٔ‌الله علیه) در رسائل و مکاسب (خیارات) و کفایه استفاده کردم. و از تاریخ ۱۳۶۴/۷/۲۲ در محضر حضرت آیهٔ‌الله حاج شیخ ناصر مکارم شیرازی (دامت برکاته) به مدت شش سال تمام یک دوره خارج اصول را گذراندم و در کنار آن در درس خارج فقه (کتاب خمس، صلاهٔ المسافر و کتاب البیع) نیز اشتغال داشتم و همچنین در دروس خارج فقه حضرات آیات جوادی آملی، وحید خراسانی و هاشمی شاهرودی (دامت برکاتهم) جمعاً به مدت ۱۰ سال اشتغال داشتم.به موازات این دروس، کتب فلسفه از منظومه سبزواری و بدایهٔ‌الحکمه و نهایهٔ الحکمه و اسفار را نزد بزرگوارانی چون حضرات آیات جناب آقای انصاری شیرازی، مصباح یزدی و جوادی آملی(دامت برکاتهم) گذراندم.

کنار تحصیل علوم حوزوی، از گذراندن دروس دولتی غافل نبوده و در سال ۱۳۷۵ به صورت متفرقه موفق به اخذ مدرک دیپلم در رشته ادبیات شدم.در سال ۱۳۷۰ در اولین دوره رشته تخصصی تفسیر قرآن شرکت کردم و چهار سال در این رشته در محضر اساتید تفسیر چون حضرات آیات حاج شیخ ناصر مکارم شیرازی، جناب حاج شیخ علی خزعلی، جناب حاج شیخ محمد هادی معرفت، جناب حاج شیخ علی احمدی میانجی(ره)، جناب حاج شیخ شب زنده‌دار، جناب حاج شیخ طاهر شمس(ره) و جناب حاج شیخ محقق داماد، بهره‌های فراوان بردم. علاوه بر این سال‌ها در محضر تفسیر حضرت آیهٔالله جوادی آملی شرکت کردم.پس از پایان دوره با تدوین رساله‌ای با عنوان «التوسل فی الکتاب و السنّهٔ» به عربی در ۲۲۰ صفحه (در تاریخ ۲۷/۷/۱۳۸۱) موفق به اخذ مدرک سطح چهار حوزه شدم.

رستمداری، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، حکیم، عالم و شاعر. از علمای شهر رستمدار مازندران است. وی در حکمت و منطق مهارت داشت و سالها در مشهد تدریس می‌کرد. عمده شهرتش در زمان شاه طهماسب صفوی (۹۸۴ -۹۳۰ ق) بود. از او رساله‌ای به نام «رسالهٔ فی الاجزاء المحمولـهٔ علی الماهیهٔ» باقی مانده که آن را به شاه عباس اول (۱۰۳۸ -۹۹۶ ق) هدیه کرده است. نسخه‌ای از این رساله به خط سید حسین بن حیدر کرکی، که در ۱۰۱۰ ق کتابت شده، موجود می‌باشد. همچنین اشعاری نیز از وی در تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۵۸)، الذریعه (۳۱/ ۱۱)، صبح گلشن (۳۸۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۱۸ -۵۱۷/ ۱۱)، فرهنگ سخنوران (۸۱۴ -۸۱۳)، هفت اقلیم (۱۳۳/ ۳).

رستمی، پروین

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زیست‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

درجه DEA و دکترا در فیزیولوژی جانوری از دانشگاه مونپلیه فرانسه، موضوع رساله: بررسی فعالیت غده تیروئید به کمک سنجش ترکیبات ید نشاندار در پلاسمای موش نر به روشهای مختلف، گذراندن یک دوره دو ماهه علوم تربیتی در دانشگاه UCLA.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

هورمون‌های جنسی و تولید مثل، فیزیولوژی تولید مثل و ویژگی عضلات Sternoradialis و Carpiradilalis در مورد تولیدمثل قورباغه نر، طرح اثر مواد شیمیائی و داروئی در فیزیولوژی تولیدمثل و فعالیت جنسی در دوزیستان و پستانداران، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

فیزیولوژی جانوری و پرسش و پاسخ‌های زیستی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

هورمون‌ها، تولیدمثل و فعالیت‌های جنسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

رستمی، عباسعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: مازندران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشگاه تربیت معلم در سال ۱۳۴۹، کارشناسی ارشد شیمی از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۳، دکترای شیمی (الکتروشیمی) از دانشگاه مموریال کانادا در سال ۱۳۵۸ و فوق تخصص شیمی از دانشگاه اوکلاهمای آمریکا در سال ۱۳۶۵.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه مازندران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اکسیداسیون الکتروشیمیایی آدنین، جداسازی و شناسایی هیدروکربن‌های آروماتیک چند حلقه‌ای در برش ۲۰۰ –۴۰۰ درجه سانتی گراد شرکت نفت، اکسیداسیون الکتروشیمیایی اسیداوریک، بررسی و تحقیق خوردگی لوله‌های گاز در ایران، تدریس دروس شیمی عمومی و شیمی فیزیک ۱ و ۲ و ۳ در دانشگاههای کرمان و مازندران، شیمی فیزیک پیشرفته، الکتروشیمی پیشرفته و الکتروشیمی تجزیه‌ای در دانشگاه مازندران و استاد راهنمای ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

دستور کار آزمایشگاه الکتروشیمی تجزیه‌ای، شیمی فیزیک پلیمرها و الکتروشیمی صنعتی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

جذب سطحی ئیدروژن بر روی کاتود، و

Cathodic Disintegration of lead in Acid Solutions Dioxypurine,

Hydrogen Adsorption on Silver lectrochemical Oxidation Of Cathodes ۶,۸.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

رستمی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی رستمی

محل تولد : اسد آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

ـ تاریخ تولد:۲۰ دی ماه ۱۳۵۱ (در شناسنامه ۸ شهریور ۱۳۵۱) روستای پیر شمس‌الدین اسدآباد

ـ ورود به دبستان :مهر ۱۳۵۷

ـ ورود به حوزه علمیه قم:مهر ۱۳۶۵ مدرسه امام صادق(ع) نیروگاه (خلخالی سابق) استفاده در دروس مقدماتی از آن اساتید، حجج اسلام حیدرعلی ایوبی، امین دین، مظلومی، موحدی کاشانی، یزدی، و لمعه نزد آقایان آل‌غفور و یزدی و اصول معالم و اصول فقه نزد استاد ایوبی.

ـ عزیمت به مدرسه امام محمد باقر(ع): مهر ۱۳۶۹ و ادامه دروس مقدمات و سطح نزد آقایان آل غفور، مهدوی راد، رسائل و مکاسب نزد آقایان حسینی بوشهری، موسوی تهرانی، بیگدلی، عندلیب‌زاده همدانی، کفایه نزد آقایان دوزدوزانی و موسوی تهرانی. آغاز تحصیلات خارج: ۱۳۷۵ در محضر آقایان حضرات آیات سبحانی اصول و شیخ جواد تبریزی فقه و نوری همدانی و فاضل (ارمقاطعی)

ـ همکاری با پژوهشگاه دفتر مطالعات و تحقیقات مهم اسلامی دفتر تبلیغات در واحد نمایه‌سازی سپس اصطلاح‌نامه علوم اسلامی در بخش کنترل و نظارت و سپس آموزش و نظارت گروه‌های اصلاح‌نامه اخلاق اسلامی ـ علوم حدیث ـ کلام اسلامی مهر ۱۳۷۵

ـ همکاری با واحد پرسش و پاسخ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری از سال ۱۳۸۰ (مرکز مشاوره و پاسخ دانشجویی ـ معاونت آموزشی و تبلیغ نهاد قم)

ـ آغاز تحصیل رشته حقوق در دانشگاه مفید: ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۷

ـ آغاز تحصیل کارشناسی حقوق بین‌الملل مفید: ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰

ـ تدریس در دانشگاه‌ها در دروس معارف ۱۳۸۱ به بعد در دانشگاه‌های آزاد اسلامی اراک ـ دانشگاه اراک ـ بوعلی سینا همدان ـ

علوم پزشکی همدان.

ـ تدریس حقوق (حقوق بین‌الملل عموم ـ خصوصی ـ سازمان‌های بین‌المللی و حقوق فقه) در دانشگاه‌های آزاد اسلامی اراک، پیام نور همدان، امام حسین(ع)

ـ اشتغال به خارج اصول نزد استاد عندلیب‌زاده در همدان حوزه علمیه مرحوم آخوند ۱۳۸۵.

رستمی، منصور

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

منصور رستمی

محل تولد : اسلام آبادغرب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای منصور رستمی در سال ۱۳۴۵هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان کرمانشاه دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه کرمانشاه گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. از سوی دیگر به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیه رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین‌روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۴ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل حورزوی در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله جوادی آملی، آیت الله صالحی مازندرانی، آیت الله اعتمادی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه و کلام اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۶از دانشگاه رازی کرمانشاه فارغ التحصیل گردید . و با موفقیت از پایان نامه خویش دفاع کرد

استاد پس از مدتها تحصیل برای تدریس عازم دانشگاه قشم گردید. وی درطول حیات علمی خود نگارش و پژوهش پرداخته است و آثاری از قبیل" باقیات و صالحات"و"فلسفه نهضت امام حسین علیه السلام"را به رشته تحریر در آورده است.

رستمیان، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی رستمیان

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد علی رستمیان در سال ۱۳۴۴ در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم. همزمان با شروع قیام مردم در سال‌های قبل از انقلاب با اینکه نوجوان بودم در راه‌پیمایی‌ها و فعالیت‌های بر ضد رژیم شاهنشاهی، از جمله تعطیلی کلاس‌های درس، شرکت می‌کردم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در فعالیت‌های بسیج مدارس و مسجد، و راهپیمایی‌ها، در راستای پاسداری از انقلاب شرکت می‌کردم. در همین ایام، در کنار کارهای بسیج و به خاطر حضور بعضی از روحانیون محل در بسیج، در کنار درس‌های دبیرستان به درس‌های حوزوی نیز مشغول شدم و بعد از دیپلم به طور رسمی وارد حوزه علمیه اصفهان شدم. با توجه به حضور در بسیج توفیق داشتم که مدتی را در کنار رزمندگان اسلام در جبهه‌های نبرد شرکت کنم. در سال ۱۳۶۶ به قم آمدم و به ادامه تحصیل پرداختم و تا سطوح عالی حوزه را خواندم و به مدت ده سال نیز در درس خارج شرکت کردم. علاقه به فلسفه و بحث‌های کلامی موجب شد که در این مدت در کنار فقه و اصول، در درس‌های فلسفه نیز شرکت و به مطالعه کتاب‌های فلسفی و کلامی نیز بپردازم. با توجه به احساس نیازهای دانشگاهی جهت تدریس برای دانشجویان و آگاهی از روش‌های نوین تعلیم و تربیت، در سال ۱۳۷۰ در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم به تحصیل مشغول شدم و بعد از فارغ التحصیلی در مراکز مختلف حوزی و دانشگاهی به تدریس اشتغال داشتم. همزمان برای اینکه علوم فراگرفته را در زمینه کاربردی نیز استفاده نمایم با مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در کار تدوین نرم‌افزارهای علوم اسلامی در رشته فلسفه و کلام همکاری داشته و چند سالی نیز مسوولیت بخش علوم عقلی را بر عهده داشتم. با توجه به علاقه‌ای که به شناخت آرا و نظرات دیگران داشتم، با توجه به شکل‌گیری مرکز مطالعات ادیان و مذاهب در حوزه علمیه قم، از سال ۱۳۷۵ با این مرکز در راه شناخت ادیان و مذاهب مختلف همکاری داشته‌ام و اکنون نیز که چند

سالی است که دانشگاه ادیان و مذاهب تشکیل شده است، با این دانشگاه همکاری دارم. با توجه به نیازهای علمی و کاری، دوره دکترا را در رشته کلام با گرایش فلسفه دین در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم گذراندم، که اینک در آستانه دفاع از پایان‌نامه دکتری هستم. در طول سالیان گذشته در کنار درس، به کار تبلیغ دینی در میان مردم و رزمندگان نیز اشتغال داشته‌ام. همچنین در هر جا که احساس کردم که حضور من برای انقلاب و جامعه موثر است، سعی کردم که در آنجا حضور جدی داشته باشم.

رسمی سمرقندی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از شعرای سمرقند، اما ساکن تبریز بود. از اشعار اوست:

دلا یک بار اگر با یار برخیزی و بنشینی

میان خون چو من بسیار برخیزی و بنشینی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۲۶۴)، تذکره‌ی روز روشن (۲۹۱)، الذریعه (۳۵۸/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۷۴).

رسمی یزدی، عبدالرزاق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اهل یزد بود. طلب علم کرد و در طرز و روش تصوف و تجرید کوشید و همیشه خرقه‌پوش و جرعه نوش و سیار بود و با درویشان هر طبقه و طایفه صحبت داشت با ملا شوکتی استاجلو دوست بود. به هندوستان مسافرت کرد و به کشمیر رفت و در آن ولایت از لباس فقر به لباس سپاهیان درآمد و ملازمت اختیار کرد، از آنجا به لاهور رفت و ملازمت خان خانان مشرف گردید، و در سلک ملازمان و مداحانش درآمد و از هدایا و انعامات زیاد برخوردار گردید. در شاعری و سخن سنجی خالی از طبع و فهم نبود و اشعار عارفانه می‌گفت. در سال ۱۰۲۴ ق در گلکنده‌ی دکن بود، و در ایام بندگی ایشان قصاید مداحانه در مدح ایشان می‌گفت و خود را به وسیله‌ی ثناگویی آن جناب در سلک شعرای نامی درآورد و به انعامات سرافراز گردید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۹۱)، فرهنگ سخنوران (۳۷۴)، کاروان هند (۴۴۰ -۴۳۸ /۱)، ماثر رحیمی (۱۳۰۵ -۱۲۹۷ /۴).

رسوای شیرازی، احمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به رسوا. طالب علم بود. در آخر عمر توبه کرد و به عبادت پرداخت. وی به کتابت احادیث اوقات می‌گذراند شرع نیز می‌گفت. از اشعار اوست:

رقیب، طعنه‌ی بی‌خان و مانیم چه زنی

سیاه خیمه چون زیر آسمان دارم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۹۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۰۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۰۷/۲)، الذریعه (۳۵۹/۹)، مرآت الفصاحه (۲۳۵ -۲۳۴).

رسول

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطاط. از خوشنویسان گمنام بود. یک قطعه به خط وی در موزه‌ی کابل است، به قلم سه دانگ و نیم دو دانگ خوش و با رقم: «مشقه رسول سنه‌ی ۱۱۷۰». ظاهرا او همان عبدالرسول است که در همان موزه، قطعه‌ای به همان قلم و با این رقم دارد: «عبد الرسول سنه‌ی ۱۱۶۹».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۰۹/۱).

رسولی محلاتی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین بن السید عباس محلاتی از علماء و فضلاء حوزه علمیه قم بوده‌اند.

وی در محلات که در ۱۸ فرسخی قم است متولد شده و پس از خواندن مقدمات به قم مهاجرت و از محضر مرحوم آقا شیخ محمد گلپایگانی و آیت‌اللَّه حاج میرزا ابوالفضل زاهدی قمی سطوح را فراگرفته و چندی از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حایری یزدی و آیت‌اللَّه خونساری و آیت‌اللَّه العظمی بروجردی استفاده نموده و آنگاه بنا بر دعوت مردم امامزاده قاسم شمیران و امریه حضرت آیت‌اللَّه بروجردی عزیمت به آنجا و بوظایف دینی پرداخته تا در ۲۵ جمادی‌الثانی سال ۱۳۸۶ قمری که در سن ۵۹ سالگی بدرود حیات گفته و فرزند صالح و دانشمندی چون مترجم معظم را بجای گذارده که تا هم اکنون در مسجد آن محل بجای مرحوم والدش به اقامه جماعت و وظائف دیگر اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

رسولی محلاتی، هاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید هاشم بن مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید حسین رسولی محلاتی از افاضل دانشمندان و نویسنده‌گان معاصر شمیران و مقیم امامزاده قاسم شمیران میباشند.

وی در ۲۸ ماه رمضان سال ۱۳۴۸ قمری در محلات متولد شده و در بیت علم و سیادت پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات سطوح عالی را از مدرسین قم چون آیت‌اللَّه صدوقی و حاج شیخ اسداللَّه اصفهانی و حاج شیخ حسینعلی منتظری و آیت‌اللَّه سلطانی و دیگران فراگرفته و از دروس و محضر آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی موسوی و غیر هم استفاده نموده و چندی هم در نجف از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حکیم و خوئی و شاهرودی بهره‌مند تا بمدارج عالیه علم ارتقاء یافته است.

آثار ارزنده از تألیفات و ترجمه کتب مفیده علمی و حدیثی دارد که از آنها کتب زیر است:

۱- تصحیح اثبات الهداه شیخ عاملی (صاحب وسائل الشیعه) در هفت جلد بطبع رسیده است.

۲- ترجمه مقاتل الطالبین که بسعی مکتبه صدوق بطبع رسیده است.

۳- ترجمه مفاتیح الجنان محدث قمی که بسعی مطبوعات فراهانی طبع شده.

۴- ترجمه قسمت آخر اصول کافی طبع اسلامیه.

۵- ترجمه روضه کافی در ۲ جلد طبع اسلامیه.

۶- تحقیق و بررسی مولفات شیخ طوسی و شروح و تعلیقات آنها.

۷- ترجمه ارشاد مفید در ۲ مجلد طبع اسلامیه.

۸- ترجمه سیره ابن هشام در ۲ جلد طبع اسلامیه.

۹- ترجمه الانصاف مرحوم بحرانی طبع قم در یک مجلد.

۱۰- ترجمه صحیفه علویه.

۱۱- کیفر گناه بطبع رسیده است.

۱۲- آداب معاشرت در اسلام.

۱۳- راه مبارزه با گناه.

۱۴- تاریخ انبیاء در ۲ مجلد که علمیه اسلامیه بطبع رسانیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

رسولی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا حسن رسولی گاوگانی فرزند مرحوم یوسف از دانشمندان باتقوا و فضیلت آذرشهر است در سال ۱۳۹۲ خورشیدی در قصبه گاوگان از توابع آذرشهر متولد شده و در آنجا نشو و نما یافته و تحصیل مقدمات فارسی و صرف و نحو را انجام داده و از سن چهارده سالگی در شهرستان تبریز در مدرسه صادقیه نزد دانشمندان، فقه و اصول و منطق و سایر علوم متنوع را تحصیل نموده و از طریق فرهنگ نائل باخذ مدرك لیسانس دانشكده معقول و منقول گردیده است.

در سال ۱۳۱۶ شمسی بقم مشرف و از بزرگان اساتید حوزه چون حضرت آیه‌الله العظمی نجفی مرعشی و مرحوم آیه‌الله خمینی و آیه‌الله العظمی حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله صدر و آیت‌الله فیض و سایر علماء حکمت و فلسفه علوم عقلی و نقلی را تکمیل نموده و در سال ۱۳۱۷ تصدیق مدرسی گرفته و در دروس خارج آیات مذکور شرکت کرده تا بمدارج عالیه علم و کمال و دریافت اجازات کامل از آیات عظام نجف چون آیه‌الله العظمی خوئی و آیه‌الله آقا سید عبدالهادی شیرازی و آیه‌الله اصطهباناتی و

هم از آیات عظام قم آیه‌الله حجت و آیه‌الله نجفی مرعشی و آیه‌الله خونساری و آیه‌الله صدر و آیه‌الله میلانی و غیر هم نموده است. در سال ۱۳۲۵ شمسی بنابر تقاضای اهالی محل بقصد گاوگان وارد گردید و نزدیک دو سال در آنجا باقامه جماعت و تبلیغات و سایر وظائف دینی و روحانی پرداخته و در عرض آنمدت کم یک نهضت دینی ایجاد نمود و تمام مساجد را از نو آباد و یا تعمیر و نوجوانان را اصلاح و جامعه را بسوی تکامل سوق داد و چون اهالی آذرشهر از نزدیک فعالیت مشارالیه را مشاهده کردند با اشتیاق تمام معظم‌له را بآذرشهر دعوت نموده و در روز دوم ماه صفر ۱۳۲۷ شمسی رحل اقامت بآذرشهر افکندند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

رسولی، محمد جلیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جلیل رسولی در سال ۱۳۲۶ ه. ش در همدان متولد شد. از همان کودکی به خوشنویسی علاقه داشت. برای همین وقتی به تهران مهاجرت کرد به صورت نیمه حرفه ای به این کار پرداخت و تاکنون نزدیک به ۴۳ سال است که خوشنویسی می کند. تا به حال حدود ۳۲ نمایشگاه انفرادی در تهران داشته و در کشورهایی همچون انگلیس، ایتالیا، آلمان، چین، ژاپن و... هم نمایشگاه هایی برپاکرده است. هم کار کلاسیک انجام می دهدو هم کارِ مدرنِ نقاشی ـ خط. استاد ایشان در زمینه خوشنویسی، سید حسن میرخانی بودند که در سال ۱۳۶۷مدرک استادی را به وی ارائه دادند. به دلیل این که از همان کودکی عاشق رنگ بود و آثار نقاشی را به دقت بررسی می کرد . او در زمینه خوشنویسی از سرآمدان نقاشی ـ خط نیز محسوب می شود. نقاشی ـ خط یکی از شاخه های هنر ایرانی است که سابقه چندان طولانی ندارد و نگاهی نو به عنصر خط درآثار نقاشی ـ خط داشته است. گروه : هنررشته : خوشنویسیگرایش : نقاشی – خطتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد جلیل رسولی پس از مدتی تحصیل در زادگاه خودهمدان، به تهران آمد و ضمن ادامه تحصیل، به هنر خوشنویسی و نقاشیخط علاقمند شد و به پیروی از سبک استادانی چون میرعماد قزوینی، میرخانی و عبد المجید طالقانی پرداخت. تا آنجا که درسال ۱۳۶۸ مدرک استادی درخط را از استاد سید حسن میرخانی دریافت کرد.خاطرات و وقایع تحصیل : محمد جلیل رسولی اولین نمایشگاه خوشنویسی خود را درسال ۱۳۵۲ برگزار کرد و پس از آن درنمایشگاههای انفرادی و جمعی در داخل و خارج از کشور شرکت کرد.فعالیتهای ضمن تحصیل : محمد جلیل رسولی درحین هنر آموزی، در نمایشگاههای انفرادی و جمعی هنری داخل و خارج از کشور شرکت نموده و شرکت می نماید.استادان و مربیان : محمد جلیل رسولی گرچه از سبک میرعماد قزوینی و عبدالمجید طالقانی پیروی می کند، اما مهمترین استاد وی سید حسن امیرخانی به شمار می رود.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد جلیل رسولی به عنوان خوشنویس، چند اثر ادبی از جمله ترجمهٔ فارسی نهج البلاغه، دیوان امام(ره) و شاهنامه فردوسی را کتاب کرده است. وی عضو فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایرامن نیز می باشد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد جلیل رسولی به تمرین طولانی و ابداع در زمینهٔ خوشنویسی و نقاشیخط می پردازد. و آثاری را در این زمینه خلق کرده است.آرا و گرایشهای خاص : محمد جلیلی رسولی در مورد نقاشی–خط میگوید: «نقاشی ـ خط یکی از شاخه های هنر ایرانی است که سابقه چندان طولانی ندارد و نگاهی نو به عنصر خط درآثار نقاشی ـ خط داشته است. در این شیوه، هنرمند از انواع خطوط ایرانی مانند نستعلیق و شکسته نستعلیق، ثلث، نسخ و... استفاده می کند و حتی در این شیوه بسیاری از هنرمندان، از فرم های جدید و مدرن و ابتکاری در نقاشی ـ خط خود استفاده می کنند و با استفاده از رنگ ها و ساختارهای گوناگون و مواد مختلف به خلق اثر می پردازند: «حقیقت این است که بزرگانی چون میرعماد، کلهر، درویش و... هنر خوشنویسی کلاسیک را به حد اعلا رسانده اند و در واقع حرف اول و آخر را در این هنر آنها زده اند و جا برای کسی نگذاشته اند که بگوید من می توانم چنین تغییری در قالب خط یا اندازه حروف و... بدهم. البته، هنرمند خطاط می تواند صاحب سبک باشد و تقلید نکند. برای نمونه سوره حمد را به طریق دیگری غیر از آنچه کلهر نوشته، بنویسد. به هر حال این کار هم سخت است، چون ارزش و بهایی که خوشنویسی در زمان گذشته داشت، اکنون ندارد و آن توجه ها و علاقه هایی که پیش از این وجود داشت، کمتر هست. علت این که من به نقاشی ـ خط روی آوردم، یکی به همین دلیل بود که حرف های نهایی را در خط کلاسیک، بزرگان ما زده اند. از طرف دیگر هنر خوشنویسی با توجه به این نکته ها، به بن بست نرسیده؛ چون خودم به عنوان یک خطاط به بن بست نرسیده ام و این راه را بسیار وسیع و باز می بینم، فقط باید زحمت کشید و در این راه وقت صرف کرد... همیشه بر این اعتقاد بوده ام که تمام هنرها به هم پیوسته هستند و یک هنرمند زمانی پیشرفت خواهد کرد که به تمام هنرها توجه داشته باشد؛ زیرا تک بعدی نگاه کردن، فکر و ذهن انسان را محدود می کند. از طرف دیگر به نظر من اصل هنر، نوآوری است و با نوآوری است که هنر یک هنرمند جاودانه می شود. جوائز و نشانها : محمد جلیل رسولی در سال ۱۳۵۷ در جشنوارهٔ خوشنویسی جهان اسلام در تهران برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : آثار ارزشمند و ماندگار محمد جلیل رسولی در زمینه خوشنویسی و نقاشیخط که در قالب ۳کتاب تحت عنوانهای : جان جانان، یادگار عشق و مرقع برگ سبز، و چهار فصل منتشر شده است. سرمشقی برای هنرجویان این هنر می باشد. گالری سیحون، ۱۳۵۲، نمایشگاه انفرادی. گالری سیحون، ۱۳۵۳، نمایشگاه انفرادی. لندن، ۱۳۵۵، نمایشگاه گروهی. تهران، ۱۳۵۶، نمایشگاه انفرادی. نگارخانه شیخ، ۱۳۵۷، نمایشگاه انفرادی. فرهنگسرای نیاوران، ۱۳۵۸، نمایشگاه انفرادی. موزه نگارستان، ۱۳۵۸، نمایشگاه انفرادی. انجمن فرهنگی فرانسه در تهران، ۱۳۵۹، نمایشگاه انفرادی. موزه هنرهای معاصر، ۱۳۶۰، نمایشگاه انفرادی. پاکستان، ۱۳۶۰، نمایشگاه انفرادی. برپایی نمایشگاه های متعددی در کشورهای ایتالیا، انگلستان، قطر، کویت، لبنان، سوریه، ترکیه، ژاپن و چین از ۱۳۶۲ اشاره کرد

آثار : ۱ جان جانان ۲ چهار فصل ۳ کتابت ترجمهٔ فارسی نهج البلاغه ۴ کتابت دیوان امام(ره) ۵ کتابت شاهنامه فردوسی ۶ یادگار عشق و مرقع برگ سبز

رسولی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ محمدعلی رسولی اراکی از فضلاء باتقوا و فعال حوزه علمیه قم است که به زیور علم و حلم و حسن اخلاق آراسته است.

وی در سال ۱۳۰۸ شمسی در کرم‌رود اراک متولد شده و پس از تحصیل ابتدائی با شوق فراوان به مدرسه حاج محمد ابراهیم اراک وارد و به تحصیل علوم دینی پرداخته و پس از خواندن ادبیات خدمت آقا شیخ قنبر رفیعی به قم مشرف و سطوح را از مرحوم آیت‌الله امام خمینی و آیت‌الله سلطانی و آیت‌الله فکور یزدی فراگرفته و در حوزه خارج آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر مدت ۱۸ سال از آن نابغه علم و فقاهت استفاده نموده و در ضمن آن نیز به درس آیت‌الله العظمی شریعتمداری و آیت‌الله العظمی گلپایگانی و بعضی دیگر حاضر و از خرمن علم و فیضشان بهره‌ها برده است.

آقای رسولی در خلال تحصیل و تدریس در اوقات تعطیل ماه رمضان و محرم و صفر برای تبلیغ دین و ترویج مذهب مسافرتهائی به اطراف نموده و آثار و باقیات الصالحاتی از خود گذارده است که به بعضی از آن اشاره می‌شود.

۱- مسجد آبرومند و مجللی در سه بند خوزستان نزدیکی بندر ماه‌شهر و بندر شاه‌پور با تمام وسائل آن از خانه‌ای برای امام جماعت آن و غیره.

۲- مسجدی در قریه آجین و دوجین

۳- مسجدی در اطراف ساوه.

۴- مسجد بزرگ کوچه حاج زینل قم که رو به ویرانی نهاده بود ولی اکنون با وضع جالبی تعمیر و بنا و مورد استفاده عموم است.

۵- مسجدی در قریه ثامن ملایر

۶- حسینیه‌ای در هندیجان.

۷- کمک مستقیم و غیرمستقیم در ساختمان چند مسجد در اراک.

۸- رساله‌ئی در لزوم وفا به عهد دارند. و اکنون جلساتی در هیآت مذهبی دارند که برای مردم تفسیر و بیان احکام و اخلاق و معارف می‌نمایند زادالله فی توفیقاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

رشاد، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد علی اکبر رشاد در رمضان المبارک ۱۳۷۷ هجری قمری، برابر با اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۵ هجری شمسی متولد گردید. وی تحصیل مراحل عالی فقه و فلسفه اسلامی را در نظر استادان برجسته حوزه‌های علمی اسلامی تهران و قم سپری کرد، و اکنون سالهاست به تحقیق و تدریس در زمینه فلسفه، منطق فهم دین، و فقه و اصول اشتغال دارد. علی اکبر رشاد سرپرست تدوین کتاب"دانشنامهٔ امام علی علیه‌السّلام " است.کتاب مذکور، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

والدین و انساب : پدر علی اکبر رشاد محرم نام دارد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی اکبر رشاد تحصیل مراحل عالی فقه و فلسفهٔ اسلامی را نزد اساتید برجستهٔ حوزه‌های علمی تهران و قم سپری کرد .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی اکبر رشاد بیش از دو دهه است که در زمینهٔ فلسفه، فلسفه دین، فقه و اصول به تحقیق و تدریس مشغول است. حجهٔ الاسلام رشاد و در حال حاضر سمت‌های زیر را عهده‌دار می‌باشد: عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، عضو هیأت علمی مرکز گفت و گوی ادیان، رئیس انجمن دوستی ایران و یونان، موسس و رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

جوائز و نشانها : علی اکبر رشاد سرپرست تدوین کتاب"دانشنامهٔ امام علی علیه‌السّلام " است.کتاب مذکور، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار : علی اکبر رشاد جهت حضور و ارائهٔ مقاله در کنفرانس‌های علمی و مجامع فرهنگی به کشورهای متعددی از جمله آلمان، اتریش، آمریکا، اسپانیا، ایتالیا، انگلستان، پاکستان، روسیه، عربستان، عراق، لبنان، هند، یونان، سوئیس و... سفر کرده است و اکنون نیز اجرا یا نظارت علمی چند تحقیق را بر عهده دارد از جمله، منطق فهم دین ـ تحقیق مبانی و موانع نوفهمی و

نظریه‌پردازی دینی ـ سرپرستی تألیف دانشنامه قرآن‌شناسی، ۷ جلد ـ سرپرستی تألیف دانشنامهٔ فرهنگ فاطمی، ۶ جلد ـ نظارت بر تحقیق فقه و حقوق خانواده و فلسفه آن، ۳ جلد ---

آثار :

۱ از گفتمان امروز

ویژگی اثر : (در دست ویرایش)

۲ تحقیق معرفت‌شناسی در کلام علوی(ع)

۳ دانشنامهٔ امام علی علیه‌السّلام

ویژگی اثر : سرپرست تدوین کتاب فوق،این کتاب ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: دانشنامهٔ امام علی علیه‌السّلام زیر نظر علی اکبر رشاد؛ به اهتمام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی.ـتهران: مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی؛۱۲ ج + ۱ ج درآمد،۱۳۸۰]توزیع: ۱۳۸۱[.یکی از آثاری که به همّت شماری از مؤلفان و محققان به مناسبت سال ولایت (۱۳۷۹ ـ ۱۳۸۰ ش) به زیور طبع آراسته شد، دانشنامهٔ امام علی (ع) است. این دانشنامه مجموعه‌ای است موضوعی دربارهٔ شخصیّت، سیره و اندیشه‌های امیرالمؤمنین علی‌بن‌ابی طالب و حوادث عصر آن حضرت و پس از آن، که در ۶۰۰۰ صفحه و ۱۲ مجلّد سامان یافته و شامل ۱۳۰ مدخل اصلی و حدود ۳۰۰۰ مدخل فرعی است. این مجموعه، زیر نظر آقای علی اکبر رشاد در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی و با همکاری بیش از یکصد و پنجاه تن از استادان و دانشوران حوزه و دانشگاه تألیف گردیده و به عنوان پژوهش برتر حوزهٔ دین‌پژوهی ایران در سال ۱۳۸۰ شناخته شده است. دانشنامهٔ امام علی (ع) ویژگی‌هایی متنوع دارد که مجموع آن‌ها را در آثار مشابه نمی‌توان سراغ گرفت، از جمله: اهتمام ویژه به تجزیه و تحلیل و تبیین مباحث فکری معاصر و قضایای نوپدید با استناد به کلمات و سیرهٔ امام علی(ع)، بررسی مقایسه‌ای پاره‌ای از نظریات معاصر مرتبط با معارف دینی؛ تنوّع موضوعات و جامعیت نسبی مجموعه در بررسی زوایای گوناگون و ابعاد مختلف شخصیّت و اندیشهٔ امام علی؛ همسویی موضوعات مطرح شده در مقالات ضمن رعایت ساختار یکسان؛ تفصیل در تحقیق موضوعات و اجتناب از کلّی گویی، دوری از تقلید و عدم اتّکا به مشهورات و تحلیل‌های شایع و نهراسیدن از نتایج نوپدید، با رعایت احتیاط علمی در تألیف مقالات؛ استقصا و تتبع جامع مضامین خطبه‌ها و رسائل و روایات وارده از حضرت علی در قلمرو و مدخل‌های مورد تحقیق؛ همسانی و یکدستی مجموعه از لحاظ رعایت قواعد علمی پژوهش و نگارش؛ استناد به منابع دست اوّل در موضوعات تاریخی و سیره؛ استفاده از زبان علمی و نثر معیار و پرهیز از شعارپردازی؛ اشتمال بر شبکهٔ معنایی جامع و نمایه‌ها و فهارس موضوعی

۴ دموکراسی قدسی

۵ سرپرستی و هدایت دانشنامه فرهنگ فاطمی(س)

ویژگی اثر : ۶ جلد

۶ سرپرستی و هدایت دانشنامه قرآن‌شناسی

ویژگی اثر : ۴جلد

۷ سنن حاکم بر تاریخ از منظر قرآن

۸ شهود و شیدایی

ویژگی اثر : تأملاتی در فلسفه هنر

۹ شور اشراق (مجموعه مقالات در زمینه شعر و ادب)

۱۰ علم‌النفس اسفار صدرالمتألهین

ویژگی اثر : تصحیح و تحقیق

۱۱ گزیده غزل‌های حکیم فیاض لاهیجی

ویژگی اثر : گزینش، مقدمه و تصحیح

۱۲ نظارت علمی بر تحقیق «فقه و حقوق خانواده و فلسفه آن

ویژگی اثر : ۳ جلد

رشاد، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدباقر رشاد زنجانی از علماء ابرار و دانشمندان اخیار و پرهیزکار معاصر تهران است. وی که حدود هشتاد سال از عمرش می‌گذرد عالمی متقی و فاضلی منزوی و از مدافعین جدی ولایت و مقیم خیابان عباسی (خیابان شیر و خورشید) تهران میباشد.

معظم له بیش از سی سالست از طون خود مهاجرت و رحل اقامت بمرکز کشور و عاصمه تشیع (تهران) انداخته و از شرکت در اجتماعات و مجالس و محافل عمومی و خصوصی خودداری و در مسجد (صاحب الزمان عجل اللّٰه فرجه) به اقامه جماعت و ترویجات دینی و تبلیغات مذهبی و مبارزه با مخالفین ولایت وهابی مسلکیها و سنی مآب‌ها اشتغال دارد.

رساله‌های بسیاری در رد منکرین دعـاء نـدبه و مخالفین ولایت تکوینی اهلبیت رسالت حضـرت مولی الموحـدین امیرالمؤمنین امام الکـل فی الکـل علی علیه‌السـلام و ائمه علیهم‌السـلام بنـام حقیقت ولایـت و غیره تـألیف و بطبـع رسانیـده و بسـهم خود جواب یـاوه سرائیهای بوالفضول‌ها را داده است.

نگارنـده یـک مرتبه موفق بزیـارت این عالم ربانی شـده و از سیمایش نور خـدا و محبت اهل‌بیت عصـمت علیهم‌السـلام و بالاخص مولای متقیان علیه صلوات اللَّه المنان را مشاهده کرده و درک فیض نموده‌ام.

محمدباقر بن آیت‌اللَّه آقا شیخ کاظم بن حاج محمدعلی از علماء زنجانی معاصر تهرانست. وی در در سال ۱۳۱۲ ق در زنجان متولد شـده و پس از پرورش در بیت علم و خوانـدن مقدمات و ادبیات مهاجرت به نجف اشـرف نموده و از محضـر و درس مرحوم علامه یزدی حاج سـید محمدکاظم (صاحب عروهٔ) و بالاخص علامه کوه‌کمری مرحوم آسید محسن شاگرد مخصوص علامه تهرانی حاج شیـخ هـادی ره اسـتفاده سـرشار نموده و پس از آن مراجعت به زنجـان و به خـدمات دینی از قبیـل اقـامه جماعت و تـدریس و غیره اشتغال داشته تا در سال ۱۳۲۱ شمسـی و فتنه (پیشروری) عزیمت به تهران نموده و در خیابان عباسی رحل اقامت افکنده و در مسجد حضـرت (صاحب‌الزمان عجل اللَّه فرجه الشـریف) آنجا به امامت و ترویـج مذهـب و دفاع از حریم ولایت پرداخته و غالباً در انزوا در منزل خویش به مطالعات کتب علمی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: آیت‌اللَّه رشاد عالمی بارع و مهذب و متقی می‌باشد.

آثاری که از آنجناب منتشر شده کتب و رسالات زیر است.

۱- وسیله راجع به شعائر مذهبی مربوط به حضرت سیدالشهداء اروحنا له الفداء (سینه‌زنی و غیره)

۲- اکمال الوسیله نظما و نثرا در همان موضوع.

۳- حقیقت ولایت راجع به ولایت تکوینی.

۴- دفع‌الاوهام شرح چند جمله از فرمایش مولای متقیان علی (ع).

۵- برهان قاطع جواب شبهات طباطبائی علیه ما علیه همکار بوالفضول برقعی

۶- ذخیره راجع به استخاره و مشروعیت مهر نماز

۷- نشریه راجع به مأثور بودن و مستحب بودن دعا شریف ندبه

۸- حاشیه به رباب نکاح ریاض (شرح کبیر) مخطوط کتب و حواشی و رساله‌های دیگر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

رشتی اصفهانی، محمدمهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۳ ق)، شاعر. اصل خانـدان وی از رشت بود که به اصـفهان مهاجرت کردند و از خاندان علمی این شـهر شدند. از دیر زمان این خانواده مشهور بودند و مورد وثوق و اعتماد و احترام عموم. وی در اصفهان تولد یافت و تحصیلات قدیم و جدید خویش را در این شـهر گذرانـد. او قـدرت حـافظه و حـدت ذهن داشت و مردی حاضـرجواب و دقیـق بود. در سومین انجمن ادبی شـیدا شـرکت می‌کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۱۳ -۲۱۲).

رشتی امیرسلطان، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از شاهزادگان گیلان و در عهد شاه طهماسب مدتی فرمانروای رشت بوده و غزل را استادانه می‌سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۸۴۱).

رشتی حایری، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی رشتی حایری عالمی فاضل و متقی از شاگردان میرزاء رشتی بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی نجفی کاظمی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۸ ق)، فقیه، اصولی، متکم و محدث. او در نجف نزد علامه طباطبائی یزدی فقه، و در نزد محقق خراسانی اصول فراگرفت و بعد از استادان خود مدرس بزرگی شد. به خاطر مشکلات، نجف را به قصد کاظمین ترک کرد و در آنجا مجلس درس تشکیل داد و در کنار آن به انجام دیگر وظائف شرعی می‌پرداخت تا اینکه در همان جا درگذشت و در صحن دفن شد. سید محمدمهدی خوانساری اصفهانی کاظمی صاحب «احسن الودیعه»، در فقه و اصول، از شاگردان او بود. از آثار وی: «خلاصه الفقه» که کتاب بزرگی در فقه استدلالی است؛ حاشیه بر «الکفایه»؛ حواشی فتواییه بر بسیاری از رساله‌های عملیه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۳۱/۷)، علماء معاصرین (۱۴۶ -۱۴۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۹۹ -۵۹۸ /۱۴).

رشتی نجفی، شعبان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۸ -۱۲۷۵ ق)، فقیه اصولی و مرجع تقلید. جدش، عبدالوهاب، از خراسان به گیلان مهاجرت کرد و در آنجا ساکن شد. در نزدیک رشت به دنیا آمد و برای تحصیل مقدمات و عربیت به لاهیجان رفت و در محضر میرزا حسین مدرس تصحیل کرد. در ۱۲۹۲ ق برای فراگیری سطوح به قزوین رفت و در حوزه‌ی درس سید علی، صاحب حاشیه بر «قوانین»، و حاج میرزا عبدالوهاب بهشتی حضور یافت. در ۱۳۰۲ ق به نجف رفت و حاضر بحث حاج میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی و فاضل ایروانی شد و پس از وفات علامه رشتی نزد علمایی چون ملا محمد شرابیانی و شیخ محمدحسن مامقانی و حاج شیخ عبداللّٰه مازندرانی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت تا آنجا که مجتهد مطلق شد و حلقه درس تشکیل داد و بسیاری بر گردش جمع شدند. او در نجف از دنیا رفت و در وادی‌السلام دفن شد. از آثار وی: کتاب «صلاله المسافر»؛ «کتاب القضاء»؛ «کتاب فی احکام الخلل»؛ «کتاب المتاجر»؛ مجلدی در «مباحث الالفاظ»؛ مجلدی در «القطع» و «الظن» و «البرائه» و «الاستصحاب» و «التعادل» و «التراجیح»؛ رساله‌ای در «عدم وجوب الترتیب فی فوائت المیت»؛ رساله‌ای در «الانعزال و عزل الولاه المنصوبین من الائمه (ع)»؛ رساله‌ای در «انتقال الترکه الی الوارث مع‌الدین المستغرق للترکه»؛ حواشی بر «العروه الوثقی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :علماء معاصرین (۱۴۵ -۱۴۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۳۹ -۸۳۸ /۱۴).

رشتی، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۲۰ ق)، فقیه اصولی. وی از علمای بزرگ و زهاد نجف بود. در محضر علامه میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی تحصیل علم نمود و بسیاری از «تقریرات» استادش را در فقه و اصول نگاشت، و «تقریرات» اصولی او در مجلدی باقی است. وی در نجف درگذشت.[۱] ابراهیم از شاگردان آیت‌اللّٰه العظمی میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی بوده و در حدود ۱۳۲۰ قمری وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳/۱۴)، معجم المؤلفین (۳۱/۱).

رشتی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالحسن (شریعتمدار) بن میرزا مهدی بن ملا رفیع رشتی متوفی ۱۳۶۸ ق از شاگردان علمین خراسانی و یزدی و شریعت اصفهانی بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، ابوالفضل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالفضل رشتی از اجلاء علماء عصر ناصری و متوفی ۱۳۱۶ قمری بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، ابوطالب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عالم دینی. وی از علمای کاظمین و از شاگردان شیخ محمدعلی بن شیخ مقصود مازندرانی کاظمی بود. او در محضر درس شیخ محمد حسن آل‌یاسین نیز حاضر می‌شد. از آثارش کتابت نسخه‌ای از «المدارک» است. وی بر آن حاشیه‌هایی نگاشته که بر فضل و فقاهت او دلالت دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۹ -۳۸ /۱۳).

رشتی، اسحاق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسحاق بن العلامه میرزا حبیب‌اللّه رشتی عالمی فاضل و مرجعی جلیل در تهران و داماد علامه خراسانی صاحب (کفایهٔالاصول) بوده و در ۳ جمادی‌الثانی سال ۱۳۵۷ ق در تهران وفات و حمل به نجف و در مقبره والدش مدفون گردیده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، اسداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. در اصفهان ساکن بود و همان جا درگذشت. از آثار وی: قطعه‌ای، به خط نستعلیق چهاردانگ خوش، بدون رقم کتیبه‌ی دور مقبره‌ی پدرش سید محمدباقر در محله‌ی بیدآباد اصفهان.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۰ -۵۹ /۱).

رشتی، اسداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسداللّه رشتی عالمی جلیل از شاگردان میرزای رشتی بوده و در رشت در حدود ۱۳۲۱ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اکبر بن ملا طاهر رشتی از شاگردان میرزای رشتی بوده است

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

باقر رشتی از شاگردان میرزاء رشتی بوده و در رشت اقامه جماعت داشت تا درگذشت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر بن ملاـ محمدعلی رشتی عالمی فاضل و جلیل و اهل قریه خشگبیجار رشت بوده و بعد از ۱۳۳۰ وفات نموده و فرزندش آقا شیخ مهدی بجای او قرار و به خدمات دینی پرداخت تا وی نیز وفات نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، جواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۹ ق)، عالم، فقیه، اصولی، متکلم، نحوی و ادیب. وی از دیارش به نجف سفر کرد و به تحصیل فقه و اصول و حدیث و کلام پرداخت. مدت دو سال درک محضر شیخ انصاری نمود و پس از او به شاگردی شیخ راضی نجفی و میرزای شیرازی و سید حسین کوه‌کمری درآمد. کسانی چون سید کاظم یزدی و میرزا محمدعلی مدرس رشتی چهاردهی از شاگردان وی بودند. وی از مدرسان اصول و فقه و کلام بود که به حسن تعبیر و فصاحت و روشنی بیان شهره بود. او پس از مدتها به رشت بازگشت و عهده‌دار مرجعیت امور مذهبی مردم شد. وی در امر به معروف و نهی از منکر جدی بود، بحدی که یک بار توسط ناصرالدین شاه به تهران احضار شد و سرانجام آزاد گشت و به رشت بازگشت. او در رشت درگذشت و پیکرش به نجف حمل و در وادی‌السلام دفن شد. از جمله آثار وی: «کتاب فی الصرف»؛ «کتب ثلاثه فی الکلام و الفقه و الاصول».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۷۷/۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۳۳ -۳۳۲/ ۱۴)، معجم المؤلفین (۱۶۶/۳).

رشتی، حبیب الله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی از فقها و علمای نامی زمان خود و در فقه و اصول یگانه بود. از جمله تألیفاتش: ۱- الاجاره ۲- اجتماع الامر والنهی در اصول فقه. ۳- الامامه ۴- بدایع‌الافکار و چند کتاب دیگر است. در سال ۱۳۱۲ ه.ق. در نجف اشرف وفات یافت.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

رشتی، رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا بن العلامه میرزا حسن رشتی عالمی بزرگ و رئیسی بزرگوار از شاگردان میرزاء رشتی بوده و در حدود سال ۱۳۲۳ قمری در رشت وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، رمضانعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رمضانعلی رشتی عالمی بزرگوار و فاضلی جلیل و صالح از شاگردان میرزاء رشتی بوده و در حدود ۱۳۲۵ درگذشته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، زمان

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زمان رشتی از مشاهیر ادباء و نوابغ شعراء رشت بوده و در حدود ۱۳۰۷ ق وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید صادق رشتی از اجلاء علماء رشت و شاگردان میرزاء رشتی و مراجع بزرگ عصر خود در گیلان بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، صالح

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صالح بن شیخ باقر بن شیخ عبدالعلی رشتی عالمی بارع و فاضلی جلیل و صاحب تألیفات علمی بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، صفی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. پدر وی در رشت منصب شیخ‌الاسلامی داشت. میرصفی بعد از کسب دانشهای روزگار خود، به اصفهان رفت و مدتها در آن سامان به سر برد. وی از معاصران صاحب تذکره‌ی «نصرآبادی» (ز ۱۰۸۳ ق) است و با او مصاحبت و معاشرت نیز داشته است. صی در سرودن شعر توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۹۹)، الذریعه (۶۱۵ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۶۱)، لغت‌نامه (ذیل/ صفی).

رشتی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عباس بن آقا سید حسین لشنه نشائی رشتی از شاگردان شیخ انصاری و عالمی متقی بوده و در سال ۱۳۰۵ ق درگذشته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسین بن الشیخ عیسی بن یوسف بن علی بن عبدالغنی رشتی عالمی بزرگ و فقیهی جلیل و فیلسوفی ماهر بوده و در سال ۱۲۹۲ قمری در کربلا متولد شده و در سن چهار سالگی با مرحوم والدش به رشت آمده و پس از پرورش در مهد علم مقدمات و سطوح را در رشت خوانده و در سال ۱۳۱۲ قمری به تهران آمده و از محضر علامه آشتیانی فقها و اصولا بهره‌مند شده و بعد از ده سال تحصیل و تدریس در مدرسه صدر تهران مهاجرت به نجف نموده و از محضر علامتین خراسانی و یزدی و مرحوم شریعت اصفهانی در هر رشته استفاده نموده تا به مقام استادی رسیده و حوزه تدریس تشکیل داده و بسیاری از افاضل از محضرش کسب فیض نموده تا در روز سه‌شنبه ۱۲ جمادی‌الثانیه ۱۳۷۳ ق به رحمت ایزدی پیوسته و در وادی‌السلام در مقبره شخصی مدفون گردیده است. آثار علمی آن بزرگوار بسیار است و از آنهاست شرح (کفایهٔالاصول) که در سال ۱۳۷۰ ق بطبع رسیده و حاشیه بر (طهارت علامه انصاری) و تعلیقه بر بحث الموضوع (شرح المطالع) و (الثمرات) و حاشیه (اسفار) و دهها رساله و حواشی دیگر بر کتب علمیه.

فرزند ارجمندش مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ محمد رشتی از خواص اصحاب مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم بودند که در حادثه حکومت بعث عراق به ایران اخراج و در سال ۱۳۹۴ ق در مشهدالرضا علیه‌السلام بدرود حیات گفتند.

(۱۳۷۳ -۱۲۹۲ ق)، عالم دینی، فقیه و فیلسوف. پدرش از علمای بزرگ بود که اصل وی از قریه‌ی بجاربند رشت است. شیخ عبدالحسین در کربلا متولد شد و در سن چهار سالگی به همراه پدر به رشت آمد و مقدمات و سطوح را در این شهر خواند. در ۱۳۱۲ ق به تهران آمد و از محضر شیخ محمدحسن آشتیانی در اصول و فقه بهره گرفت. حکمت و کلام را نیز نزد شیخ علی نوری و سید شهاب‌الدین تبریزی شیرازی فراگرفت. وی همزمان در مدرسه‌ی صدر تهران به تدریس ادبیات و سطوح ادبی مشغول بود. پس از ده سال به نجف مهاجرت کرد و در محضر علامه‌ی خراسانی و علامه‌ی یزدی و شریعت اصفهانی فقه و اصول و حدیث و رجال و فلسفه و اخلاق را به نهایت رسانید و به دریافت اجازه اجتهاد از استادان خود نائل آمد. آنگاه حوزه‌ی تدریس تشکیل داد و

بسیاری از افاضل را از محضر خویش بهره‌مند ساخت. او در نجف درگذشت و در وادی‌السلام در مقبره‌ی شخصی دفن شد. فرزندش، حاج شیخ محمد رشتی، از شاگردان وی به حساب می‌آید. از آثار علمی او: شرح «کفایه الاصول»؛ حاشیه بر «طهارت» علامه انصاری؛ تعلیقه بر بحث «الموضوع من شرح المطالع»؛ «الثمرات»، در تحدید موضوع علوم؛ حاشیه‌ی «الاسفار» رساله‌ی «اصول‌الدین»؛ «الاطوار»، در مباحث مختلف تنفسر آیات؛ رساله‌ای در «صرف و نحو»؛ رساله در «منطق»؛ تعلقات بر «جواهر الکلام» و «الرسائل» و «المکاسب».[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۴/ ۱۴ ،۱۴۸/ ۶ ،۱۲/ ۵ ،۲۱۹ -۲۱۸/ ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۶۷ -۱۰۶۴/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۷۸/ ۵).

رشتی، عبدالرسول

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرسول رشتی از فضلاء دانشمندان رشت و شاگردان مبرز میرزاء رشتی بوده و در حدود ۱۳۳۰ قمری وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، علیرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا بن محمدحسن بن محمد سمیع بن محمد طالشی رشتی عالمی باتقوا و جلیل‌القدر بوده و در کربلاء از محضر فاضل اردکانی و آیت‌اللّه آسید علی نقی طباطبائی استفاده و از ایشان اجازه‌ی اجتهاد داشته و در کاظمین در سال ۱۳۸۱ ق وفات نموده و در رواق شریف نزدیک قبر خواجه نصیرالدین طوسی مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، عیسی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عیسی رشتی دانشمندی متبحر و عالمی ماهر از شاگردان علامه شیخ زین‌العابدین مازندرانی و از وی اجازه‌ی اجتهاد داشته و در حدود ۱۲۹۶ ق به رشت برگشته و به وظائف شرعی پرداخته تا حدود سال ۱۳۲۵ قمری وفات نموده است و ایشان والد ماجد آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالحسین رشتی بودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، غلامحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلام‌حسن رشتی عالمی باورع و فاضلی بزرگوار از شاگردان آخوند ملا حسینقلی همدانی متوفی ۱۳۱۱ ق در رشته اخلاق و تلامذه علامه خراسانی صاحب (کفایه) و شریعت اصفهانی و دارای ملکات فاضله اخلاقی و محاسن آداب و اعمال بوده و در عصر استادش آخوند خراسانی به رشت آمده و به وظائف شرعی پرداخته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، قوام الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج میرزا عبدالرزاق. عالم زاهد متقی، در سال ۱۳۱۵ متولد، و در ۷ صفر ۱۳۶۵ در طهران وفات یافته، در قم مدفون گردید. مشارالیه در اصفهان مقدمات علوم را آموخته، و از بدو تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی قم بدان شهر مهاجرت نموده، و در خدمت علمای آن سامان بالاخص مرحوم حاج شیخ عبدالکریم یزدی تحصیلات خویش را به پایان رسانیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

رشتی، کاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۵۹ -۱۲۱۲ ق)، فقیه و ادیب. در رشت متولد شد و در کربلا مسکن گزید. نزد علمای عصر خویش درس خواند و از شاگردان برجسته و از نزدیکان شیخ احمد احسائی بود و تا او به مجلس حاضر نمی‌شد، شیخ درس را شروع نمی‌کرد. وی پس از استادش نایب او و پیشوای فرقه‌ی شیخیه شد و در ترویج مرام احسائی سعی بسیار کرد. سید کلمات شیخ را در مجلس درس بیان و آنها را تایید و کلمات مخالفان را رد می‌کرد. او از شیخ احمد احسائی و سید عبداللّه شبر و ملا علی رشتی و شیخ موسی نجفی اجازه‌ی روایت داشته است. میرزا ابراهیم شیرازی و میرزا حسن بن امان‌اللّه دهلوی عظیم‌آبادی در نزد سید کاظم رشتی درس خوانده‌اند. از آثار وی: «رسائل الرشتی» یا «الرسائل و جوابات المسائل»؛ شرح «قصیده لامیه‌ی» عبدالباقی عمری، در مدح حضرت موسی بن جعفر (ع)؛ «شرح قصیده البائیه»؛ «اسرار الشهاده»؛ «اسرار الحج»؛ «اسرار العباده»؛ «الحجه البالغه»، در رد ملل باطله؛ «دلیل المتحرین و ارشاد المسترشدین»؛ «المحجه الدامغه»؛ «اللوامع الحسینیه»؛ «مقامات العارفین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۶۷/۶)، ایضاح المکنون (۵۳۶، ۴۵۷، ۴۴۲، ۴۶ /۲، ۴۷۹، ۳۹۲، ۷۵ /۱)، دایرةالمعارف فارسی (۲۱۴۳/۲)، الذریعه (۱۲/۲۲، ۲۶۰/۱۰، ۳۶۰/۸، ۲۵۹/۶، ۱۸۱/۵، ۱۹۲، ۵۲، ۴۶ /۲)، روضات الجنات (۱۰۱ -۱۰۰ /۱)، لغت نامه (ذیل/ کاظم)، معجم المؤلفین (۱۵۷/ ۱۱ ،۱۳۹ -۱۳۸ /۸)، مکارم الآثار (۲۲۰ -۲۰۹ /۱)، هدیه العارفین (۸۳۷ -۸۳۶ /۱)، یادگار (س ۵، ش ۴ و ۵، ص ۱۱۴ -۱۱۱).

رشتی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر بن شیخ مهدی رشتی عالمی فقیه معاصر اوائل دولت ناصرالدین شاه بوده و در حدود ۱۲۷۰ ق درگذشته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، فقیه. آقا بزرگ تهرانی در «طبقات اعلام الشیعه» گوید: مجلد اول «جواهر» را در کتابخانه‌ی شیخ مشکور در نجف دیدم که صاحب عنوان آن را تصحیح و مقابله‌ی دقیق و به غایت محققانه کرده بود و در حواشی آن تقریبا حدود هزار بیت از افتادگیهای کاتب را نگاشته بود. حواشی و تحقیقاتش دلالت بر فضل و برتری و پیشگامی وی در فقه می‌کند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۱ -۲۱۰ /۱۳).

رشتی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین بن شیخ اسداللّه رشتی از شاگردان آخوند خراسانی متولد ۱۳۰۵ و متوفی حدود ۱۳۵۶ بوده است

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا بن میرزا کاظم رشتی عالمی فقیه از شاگردان میرزاء رشتی و رأساء دینی رشت بوده و در حدود ۱۳۴۰ ق وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی رودباری رشتی متوفی ۲۸ ماه صفر ۱۳۶۵ قمری از شاگردان علامه کفائی و یزدی بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، میرزا حبیب الله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا حبیب الله رشتی فرزنـد میرزا محمد علی خان فرزند جهانگیر خان قوچانی گیلانی ، دانشـمند و محقق ژرف نگر، از بزرگترین فقهای جهان تشیع و یگانه ی دوران خود بود.

پدرانش در اصل اهل قوچان بودند که در سالهای آغازین قرن یازده به گیلان کوچانده شده و از آن پس در گیلان ساکن شدند. میرزا حبیب الله سـال ۱۲۳۴ ق . در املش چشم به جهـان گشود و پـدر خود را که مـدتها در انتظـار بود شـاد کرد. آری میرزا محمد علی خان که از نیک مردان روزگار و حاکم منطقه بود خوابهایی دیـده بود که این فرزنـد را از طلایه داران قرن نشان می داد.او در سالهـای نخستین زنـدگی حبیب الله در تکـاپوی یـافتن معلمی مومن و دانـا بود تا فرزنـدش گامهای اول ترقی را در زادگاه بپیمایـد. چنین بود که حبیب الله در خانه ، نخستین کلمات را از قرآن آموخت .

دوازده ساله بود که از املش به لنگرود و سپس به رشت عزیمت نمود تا بر اندوخته اش افزوده و پاسخی درخور پرسشهایش بیابد. هیجـده بهـار را دیـده بود که به خواست پـدر در میهمـانی یکی از خوانین (امین دیوان لاهیجی) منطقه حضور یافت . خان حاکم با اسـتفاده از قـدرت و نفوذش تصـمیم به پایمالی حق رعیتی داشت که با مخالفت سـر سـخت شـیخ حبیب الله جوان روبرو شـد. چون نصایح روحانی جوان کارگر نیفتاد به نشانی اعتراض مجلس مهمانی را ترک کرد و از همان روز تصمیم به ترک دیار گرفت .

در حوزه قزوین

شیـخ حبیب الله در پی آرمانی بلنـد راه هجرت پیش گرفت و عازم حوزه ی عملیه ی قزوین شـد. پدرش که او را به دلیل شـهامت و اراده ی شگفتش می ستود برای تهیه لوازم زندگی ، او را تا قزوین همراهی نمود.

او در قزوین اسـتادی عالیمقام یافت که ((شیخ عبدالکریم ایروانی)) نام داشت . استادی که در فقه و اصول نامور و ممتاز بود. شیخ حبیب الله هفت سال پیاپی از محضر ایشان بهره گرفت . و در همان شهر به خواست پدر، با خانواده ی ارباب وصلت نمود.

مشـی زاهدانه ی اسـتاد تاثیر شـگرفی در او نهاد به گونه ای که از آن پس خود به زندگی زاهدانه روی کرد و تا پایان عمر بر روش پسندیده ی استاد وفادار ماند.

در ۲۵ سالگی ، سـیراب از سرچشـمه ی معارف دینی به مقام عالی اجتهاد نائل آمـد و با نظر شـیخ عبدالکریم ایروانی خود را مهیای سفر به املش نمود.

سال ۱۲۵۹ ق . از قزوین به املش بـازگشت و چهـار سـال مرجع امور دینی مردم بود. برپایی نماز جماعت ، هـدایت و ارشاد مردم ، پاسـخگویی به پرسشـهای اعتقـادی و قضاوت عادلانه او موجب شـده بود مردم ارادتی عاشـقانه به مجتهـد جوان داشـته باشـند اما او دوست داشت سـفری به دیار اهل بیت علیهم السـلام نماید و از اساتید آن سامان بهره جوید. آری او تصـمیم گرفت به نجف اشرف رفته و از حوزه ی علمیه ی آن شهر مقدس جرعه جرعه شراب معرفت نوشد.

مردم که از حضورش غرق محبت بودنـد، او را با عواطفی وصف ناپذیر بدرقه نمودند و او، همسـر و فرزندش محمد را به خدای بی همتا سپردند.

شهر آسمانی

شیخ حبیب الله مجتهد املشـی در سال ۱۲۶۳ ق . وارد نجف شد و در حلقه ی شاگردان فقیه کبیر شـیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر) به کامجویی نشـست . او تا سال ۱۲۶۶ ق . که سـال وفات صاحب جواهر بود از کلاسـش بهره برد و از آن فقیه نامور اجازه ی اجتهاد دریافت داشت .

پس از آن به درس شـیخ اعظم انصـاری دل بست و تـا پایـان زنـدگی پر افتخـار شـیخ اعظم از شـاگردان ممتاز درس وی بود. شـیخ حبیب الله فرموده بود: ((با آنکه هفت سال پیش از فوت شیخ از درس او مستغنی بودم ولی از هنگام ورود در جلسه ی شیخ تا موقع تشییع جنازه اش بحثی از ابحاث او از من فوت نشد.))

اسرار عشق

ویژگیهای اخلاقی میرزا حبیب الله رشتی او را به شخصـیتی وارسـته تبـدیل کرد که زهـدش زبانزد خاص و عام بود. در این مختصـر تنها به اشاره ای اکتفا کرده تا دوستداران بخوانند و بدانند شخصیتهای روحانی تاریخ شیعه چگونه زیستند.

۱. میرزا حبیب الله پس از مرگ پـدرش که حـاکم منطقه بود برای پاسـداشت مقـامش به گیلاـن سـفر نمود امـا اختلاـف برادران بر میراث پدری موجب بازگشت او به نجف اشـرف شد. او با اینکه زندگی بسـیار فقیرانه ای داشت از سـهم ارث چشم پوشید. میرزای رشتی پس از رسیدن به نجف ، برای تامین معاش ، بتدریج لوازم زندگی را یکی پس از دیگری فروخت به گونه ای که در گرمای طاقت فرسای تابستان از خرید آب نیز عاجز بود.

۲. یاد خـدا در جان او چنان عجین شـده بود که از هر فرصتی برای ذکر و تسبیح و قرائت قرآن کریم بهره می جست . حتی هنگامی که برای تـدریس به سوی حرم مطهر می رفت وضو می گرفت و سوره ی مبـارکه ی ((یس)) را در راه از حفظ می خوانـد تا به در

قبله ی صحن امیرالمومنین علیه السلام می رسید، خواندن سوره را در کنار آرامگاه استاد خود شیخ انصاری (ره) به پایان می رسانید.

۳. در دقت و احتیاط ضرب المثل بود. همین امر وی را از پاسخگویی سریع و بدون تحقیق باز می داشت .

از دیگر سو مردم را تشویق می نمود تا استفتائات خود را به میرزای شیرازی ارجاع دهند. نوشته اند پس از پایان ماه رمضان برای اثبات اولین روز شوال بیش از ۴۰ نفر شهادت دادند و او فرمود ((نزدیک قطع شده است)) کنایه از اینکه هنوز برایم قطعی و یقین نشده است .

۴. او در ادب عشق نیز ممتاز بود. آنگاه که جان به حضرت عزرائیل می سپرد، هر چه پایش را رو به قبله دراز می کردند او پای خود را جمع می کرد و چیزی نمی گفت . چون چند بار این کار تکرار شد، از او علت را پرسیدند، به زحمت فرمود: ((چون وضو ندارم پایم را رو به قبله دراز نمی کنم)).

۵. هرگز وجوه شرعی را نمی پذیرفت ، با آنکه امری مرسوم و رایج بود. نقل می کنند: مردی ثروتمند از هند برای پرداخت وجوه شرعی به زیارت میرزای رشتی شتافت ، اما او چندان عصبانی شد که اطرافیان از حالتش متعجب شدند و چون از عصبانیتش پرسیدند فرمود: ((چاره ای جز عصبانیت نبود)). نیز نوشته اند علاءالدوله برای پرداخت پولی به عنوان وجوه شرعی به نجف اشرف مسافرت کرده بود ولی با بی اعتنایی میرزای رشتی مواجه شد و محقق رشتی با این رفتار به آیندگان نشان داد که مردان بزرگ خدا برای مال دنیا ارزشی قائل نیستند.

۶. نوشته اند: چهار نفر از شاگردان شیخ انصاری ارکان پایدار اعلمیت و ریاست بودند ولی مقام علمی و تدریس منحصر به میرزا حبیب الله رشتی بود. او جز تدریس منظوری نداشت . ریاست نمی خواست ، از روی عمد تجاهل می ورزید و شاگردان خود را نمی شناخت برای اینکه از او اجازه ی اجتهاد نخواهند و تنها درس بخواهند... در خط مرجعیت هم نبود. کسی از مجتهدین به خوش نیتی و سلامت نفس میرزای رشتی نبود. از پرتگاه های ریاست خود را نجات داد. قناعت پیشه نمود...))

۷. محقق رشتی دیانت و سیاست را به هم سرشته بود. پس از رحلت شیخ انصاری بسیاری از دانشمندان مردم را برای تقلید به میرزای رشتی ارجاع داده بودند. اما او با پیشنهادها مخالفت می کرد و نیک می دانست که دنیای اسلام به مرجعی سیاستمدار نیازمند است . او میرزای شیرازی را مجتهدی آگاه به مسائل سیاسی و چهره های سرشناس و محبوب یافته بود.

محقق رشتی بر آن بود تا مرجعیت میرزای شیرازی را به علمای نجف پیشنهاد کرده از آن حمایت کند. این امر موجب شد تا توطئه ی دشمن برای لطمه زدن به وحدت شیعیان نقش بر آب شود.

ژرف اندیشی سیاسی میرزای رشتی را در گفتارش می جوییم . وقتی پرسیدند از چه کسی تقلید کنیم ؟ در پاسخ گفت : ((از مرجعی تقلید کنید که تقلیدش جایز باشد. امروز پرچم بر دوش عالم جلیل سید محمد حسین (شیرازی) است و همه پیرامون اویند که پرچم ساقط نشود.))

۸. نظم از دیگر ویژگیهای محقق رشتی بود. او پس از ادای نماز مغرب و عشا و انجام مستحبات مربوط به آن و پس از صرف مقدار کمی شام ، آنگاه که آسمان چادر سیه شب را بروی خود می کشید و ستاره ها چشمک زنان نمایان می شدند، اندکی می خفت تا جان را آماده ی خدمت روح کند و جان خود را در چشمه ی نور بشوید و عاشقانه تر با خدای خویش راز و نیاز کند.

۹. تواضع و فروتنی (از دستورات عالی اسلامی) در جای جای رفتار محقق رشتی نمایان است . او دانشمندان را به دیده ی احترام می نگریست و با بهره گیری از نظر نیک ، برترین روش را بر می گزید. در پی سفر محقق رشتی به ایران ، حوزه ی درس ایشان تعطیل شد و دانشوران از خورشید وجودش محروم شدند. آنگاه که به سفری دیگر بار بست ، دانشمندان نجف بر آن شدند تا او را از سفر باز دارند. وی به وساطت شیخ حسن مامقانی برنامه ی سفر را لغو کرد و به او فرمود: ((چون شما مجتهد عادل هستید، حکمتان را واجب الاطاعه می دانم)) این در حالی است که شیخ حسن مامقانی در ردیف شاگردان محقق رشتی بود و نسبت میان آن دو مثل استاد و شاگرد بود.

۱۰. اعزام شاگردان برجسته برای تبلیغ ، از دیگر ویژگیهای این محقق بود. از جمله ی آنان آیت الله سید علی اکبر فال اسیری از شاگردانی بود که در پرتو اندیشه ی والای آن استاد پرورش یافت . او به تشویق محقق رشتی و میرزای شیرازی به شیراز بازگشت و با کوششی در خور به تبلیغ و هدایتگری پرداخت . همچنین در نهضت توتون و تنباکو نیز عهده دار نقشی سترگ در تثبیت فتوای میرزای شیرازی بود.

۱۱. سپاسگزاری او در حق پدر و مادر آموختنی و بی نظیر است و نشانه ی بالندگی او در مراحل عالی شکر به درگاه حضرت ربوبی است . درخشندگی معنوی او مدیوین دعاهای پدر و مادر در روزگاران دور بود. نوشته اند او نمازهای پدر و مادر خود را سه بار خواند. یک بار به تقلید از مراجع آنان و دو بار به اجتهاد خودش و این مطلب درباره ی هیچیک از علمای تاریخ ذکر نشده است .

۱۲. او را باید به حق از حافظان حریم روحانیت در عصر خویش خواند. شخصی در نجف بود که به هنگام سخن حرمت علما را پاس نمی داشت و بارها از او پرخاشگری و اهانت نسبت به علمای سابق و معاصر شنیده می شد.

محقق رشتی در جمعی که وی نیز حضور داشت دستور داد استکانش را آب بکشند، به گونه ای که مردم گمان بر تکفیر وی برده و او را راندند. پس از آن هرگز نتوانست جایگاه از دست رفته خود را بازیابد.

باری رفتار شدید میرزای رشتی و شیوه نهی از منکر او موجب شد تا آنانکه در پی چنین خیالی بودند از گمان خویش بازگردند.

گنج نامه

آثار میرزاحبیب الله جلوه گاه تلاش های شبانه روزی اوست . وی کاوشگری گنج یاب بود که هرگاه معدنی نوین می یافت از جواهر آن استخراج می کرد و بر دانش طلبان ارزانی می داشت .

آثار او در علم اصول عبارتند از:

رساله فی الضـد و اقتضاء الامر بشـی ء النهی عنه و عدمه ، التعادل و التراجیح ، بدایع الافکار، اجتماع الامر و النهی ، رساله فی مقدمه الواجب ، رساله فی المشتق ، التقریرات .

در علم فقه :

کتـاب الطهـاره ، الحاشـیه علی المکـاسب ، کتـاب الزکـاه ، کتـاب الاجـاره ، الالتقـاط، کتـاب العضب ، کتاب القضاء و الشـهادات ، الوقوف و الصدقات ، رساله فی اللباس المشکوک ، حاشیه علی منهج الرشاد، حاشیه علی نجاه العباد، حاشیه علی النخبه .

در علم تفسیر:

حواشی بر تفسیر جلالین ، و علم کلام : الامامه ، کاشف الظلام فی حل معضلات الکلام است .

نسـخه هـای خطی از آثار محقق رشتی که می رفت در غبار زمان به فراموشـی سپرده شود اخیرا به کتابخانه آیت الله مرعشـی سپرده شد و اکنون در کاروان نسخه های خطی آن کتابخانه ماندگار است .

تقریرات

از انبوه شاگردان کوشا و دانشـمند محقق رشتی ، بسیاری تقریرات درس ایشان را نوشته اند که در گرامی داشت مقامشان نام برخی از آنان می آید:

سید حاج میرزا حسن همدانی ، سید صادق قمی ، میرزا باقر فرزند میرزا محمد علی ، شیخ حسن تویسرکانی ، شیخ محمد باقر فرزند محمد جعفر بهاری همدانی ، سید ابوالقاسم فرزند معصوم حسینی اشکوری ...

اجازات

محقق رشتی از صـدور اجازه ی اجتهاد به شـدت پرهیز داشت و تنها برای اندکی از شاگردان برگزیده اجازه ی اجتهاد نگاشت . نام برخی شـاگردان ارجمنـد وی که مفتخر به اجـازه ی نقـل روایت و اجتهادنـد ذکر می شود. حـاج آقـا مجتهـد رشت (اجتهاد)، سـید عبـدالکریم فرزنـد سـید حسـن اعرجی (روایت)، حـاج میرزا احمـد دیلارسـتاقی لاریجـانی (اجتهـاد)، سـید علی آقـا میری دزفـولی (اجتهاد)،...

با کاروان دانش

نظر گاه همه ی اندیشـمندان حوزه بر شـیوه ی نقادانه ی محقق رشتی در تـدریس و دیگر پهنه های علمی ، پدیدآور محفل علمی ، پدیـدآور محفل علمی شـکوهمندی بود که دلدادگان آن ، پس از کامجویی هر یک چون سـتاره ای درخشان ، روشـنگر جامعه ی خـویش شدنـد. برخی مرجـع دینی شدنـد و عـده ای رهبر حرکتهـای سیاسـی و اجتمـاعی دیـار خویش و دسـته ای نیز در عرصه ی تدریس و تحقیق طلایه دار حوزه بودند.

نام مسافران این کاروان به اختصار می آید و شـرح حال هر یک در کتب تاریخ آمده است که دوستداران را بدان حوالت می دهیم .

آیت الله العظمی سـید محمد کاظم یزدی ، آیت الله العظمی آقا ضیاء الدین عراقی ، آیت الله العظمی حاج میرزا حسین نائینی ، آیت الله شـیخ شـعبان دیوشـلی (لنگرودی)، آیت الله شـیخ عبدالله مازاندرانی (لنگرودی)، آیت الله شـهید شیخ فضل الله نوری ، آیت الله شهید حاج آقا میر بحرالعلوم رشتی ، آیت الله شـهید شـیخ علی رشتی ، آیت الله شـهید شـیخ عبدالغنی بادکوبه ای ، آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی ، آیت الله سید ابوالقاسم اشکوری .

پرواز تا آسمانها

مردم نجف به چهره نورانی پیرمردی که سـحرگاهان در بارگاه ملکوتی امیر المومنین (ع) به زیارت ، نماز و تضرع می نشست انس گرفته بودنـد. چهره ای که هیبت و شوکتش یـادآور پیـامبران و لطف و صـفا در صورتش نمایـان بود. اما شب پنـج شـنبه چهاردهم جمادی الثانی ۱۳۱۲ ق . فرا رسـید. خبر کسالت محقق رشتی مردم را در نگرانی فرو برده بود و آنگاه که صدای ناله و فغان از منزل وی برخاست همگان یافتند که دوست خدا، پیش خدا رفته است . او آسوده در بستر خفته بود. تو گویی به خوابی نازنین آسوده که چنین چهره اش متین است . شـهر را گویا با پارچه ای سـیاه پوشانـده بودنـد و همه جا صـدای گریه به گوش می رسـید. در تهران و مشهد و دیگر شهرها نیز مجالس عزا و سوگواری بپا شد. مردم نوحه کنان می خواندند:

باز خاکستر غم ریخت فلک بر سر ما

رفت از دار فنا نائب پیغمبر ما

و نجف آماده ی تشییع پیکر مطهر آن فرزانه پارسا بود. جنازه ی پاک او را مشایعت کردنـد و به بارگاه امام متقین انتقال داده و در یکی از حجره های صحن مطهر علوی دفن کردند.

بازماندگان

۱. آیت الله محمـد رشتی ، فرزنـد ارشـد، که از معصومه اربـاب همسـر اول میرزای رشـتی بود. او در علم و فضـل به مراتبی درخور دست یافت و در سال ۱۳۱۶ ق . به دیار باقی شتافت . آرامگاهش در مقبره ی پدر ارجمندش می باشد.

۲. آیت الله شـیخ اسـماعیل رشتی ، که از همسـر دوم میرزای رشتی ولادت یافت . او در کسب دانش سخت کوشید و پله های ترقی را پیمود و در ۱۳۴۳ ق . به دیدار دوست شتافت .

۳. آیت الله شـیخ اسـحاق رشتی ، او در نجف ولادت یافت . مادرش کلثوم همسـر دوم میرزای رشتی بود ابتدا نزد پدرش به تحصیل پرداخت و پس از عمری تحقیق ، تالیف و تدریس در سال ۱۳۵۷ ق . دیده از جهان فرو بسته ، رخ در نقاب خاک کشید.

آثار:

رساله فی الضد و اقتضاء الامر بشی ء النهی عنه و عدمه

التعادل و التراجیح

بدایع الافکار

اجتماع الامر و النهی

رساله فی مقدمه الواجب

رساله فی المشتق

کتاب الطهاره

الحاشیه علی المکاسب

کتاب الزکاه

کتاب الاجاره

الالتقاط، کتاب العضب

کتاب القضاء و الشهادات

الوقوف و الصدقات

حاشیه علی منهج الرشاد

رساله فی اللباس المشکوک

حاشیه علی نجاه العباد

حاشیه علی النخبه

حاشیه بر تفسیر جلالین

الامامه

کاشف الظلام فی حل معضلات الکلام

رشتی، نظام‌الدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۶ -۱۲۷۷ ق)، عالم دینی. ساکن رشت بود. در محضر میرزا حبیب‌اللّه رشتی و شیخ هادی تهرانی تلمذ نمود. سید محمود تبریزی، پدر سید شهاب‌الدین تبریزی، از وی روایت کرده است. از آثارش: «ارشاد الصبیان»؛ «تشریح الحساب»، در شرح «خلاصهٔ الحساب» شیخ‌بهائی؛ «حجیهٔ القطع والظن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۷۵/ ۶ ،۱۸۸ -۱۸۷/ ۴)، ریحانه (۲۰۷ -۲۰۶/ ۶).

رشتی، واثق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اهل رشت بود و به شغل خیاطی روزگار می‌گذراند. با نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) معاصر بود. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

طالب دردم و در دل هوسی نیست مرا

بینوا مرغم و کنج قفسی نیست مرا

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصر آبادی (۳۷۹)، الذریعه (۱۲۴۵/ ۹).

رشحه

قرن:۱۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

بیگم دختر سید احمد هاتف اصفهانی، چون مدّتی ساکن کاشان بوده و در آن شهر به خانه شوهر رفته، بیشتر مؤلّفین وی را کاشانی نوشته‌اند، از آن جمله مؤلّف خیران حسان(۱۴۱:۱) گوید:

رشحه کاشانی، اسمش بیگم، و دختر هاتف کاشانی، و زوجه میرزا علی اکبر متخلّص به «نظیری» است، و پسری از او بوجود آمده موسوم به میرزا احمد، متخلّص به «کشته». این زن سیّده و صاحب طبع بوده، و بعضی از بنین و بنات خاقان خلد آشیان فتحعلیشاه

طاب ثراه را مدح نموده.دیوانی دارد که تقریباً محتوی بر سه هزار شعر.

از او است:

آن بت گلچهره یا رب بسته از سنبل نقاب

یا به افسون کرد پنهان در دل شب آفتاب

در تذکرهٔ الخواتین(:۱۳۲) عیناً مطالب خیرات حسان بدون کلمه‌ای تحریف نقل شده است.

در اصفهانی بودن هاتف و پسر و دخترش سخنی نیست، و ظاهراً رشحه در بیشتر مسافرت‌های پدر همراه بوده است، و در اصفهان جهت برخی از خاندان خود و دیگران مرثیه گفته، در تخت فولاد بعضی از آنها بر قبور منقور است.

از اشعار اوست:

پی وصل تو ما را زور و زر نیست

نگاه حسرتی داریم و آهی

بمقصد پی برم کی؟ رشحه چون نیست

به غیر از بخت گمره خضر راهی

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

رشحه‌ی اصفهانی

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(ز ۱۲۴۱ ق)، شاعر. وی از سادات اصفهان بود و مادر میرزا احمد، متخلص به کشته. مدتی در کاشان زیست و در همین شهر ازدواج کرد و به این سبب است که عده‌ای از او با نسبت کاشانی یاد کرده‌اند. وی صاحب طبع و کمال بوده و سه هزار بیت از اقسام شعر گفته است و برخی از پسران و دختران فتحعلی‌شاه را مدح کرده است.[۱]

ز ۱۲۴۱ ق، بیگم از شعرای نامدار. وی دختر هاتف اصفهانی (۱۱۹۸ ق) و همسر میرزا علی‌اکبر نطنزی (نظیری) بود. پسرش میرزا احمد، متخلص به کشته، نیز شاعر بوده است. رشحه از سادات بود و طبعی موزون داشت و برخی از پسران و دختران فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) را مدح می‌کرد. محمود میرزا، مؤلف تذکره نقل مجلس که معاصر اوست درباره وی می‌نویسد: «به اعتقاد من طبعش از عفتی و لاله خاتون و مهری هروی و مهستی که مهتر و بهتر شعرای نسوان می‌باشند و در این طایفه داد سخن داده‌اند خوبتر است و در ادای مضمون قادر و ماهر است» (ص ۳۶). رشحه دیوانی مشتمل بر سه هزار بیت شعر دارد که به پیوست دیوان هاتف چاپ شده است (۱۳۳۲ ش).

از اشعار اوست:

غم نه گر خاکم به باد از تندی خوی تو رفت

غم از آن دارم که محروم از سر کوی تو رفت

گلشن خلدش شود گر جان نیاساید دگر

«رشحه» مسکین که محروم از سر کوی تو رفت

فلک کینه گرا دوش به آهنگ جفا

نیم شب پای فرو هشت به کاشانه ما

گفتم از بهر چه کار آمده‌ای گفت که جور

گفتم از بهر چه تقصیر بود گفت وفا

هر کجا نام ز دانش همه آفاق حجاب

هر کجا ذکر بنامش همه افلاک حیا

در تذکره‌ی مصطبه‌ی خراب نیز دو بیت زیر به او منسوب است:

جان و دل بیرون کس از دست تو مشکل می‌برد

عشوه‌ات جان می‌ستاند غمزه‌ات دل می‌برد

سخن می‌گفتی و می‌بردیم دل

نگه می‌کردم و می‌رفتم از هوش[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از رابعه تا پروین (۱۳۹ -۱۲۹)، تذکره القبور (۳۲ -۳۱)، حدیقه الشعراء (۲۱۵۵ -۲۱۵۴ /۳)، الذریعه (۳۵۹/۹)، ریاحین الشریعه (۲۵۴/۴)، زنان سخنور (۲۱۵ -۲۰۹ /۱)، لغت نامه (ذیل/ رشحه اصفهانی)، مشاهیر زنان (۱۰۵ -۱۰۴)، مصطبه‌ی خراب (۶۹).

[۲] منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره پنجم، ۵۶؛ از رابعه تا پروین، ۱۳۹ -۱۲۹؛ تذکرهٔ‌القبور، ۳۱؛ تذکرهٔ‌الخواتین، ۱۳۳ -۱۳۲؛ حدیقهٔ‌الشعراء، ۲۱۵۵ -۲۱۵۴ /۳؛ خیرات حسان، ۱۴۵ -۱۴۴ /۱؛ دیوان هاتف؛ الذریعه، ۳۵۹ /۹؛ ریاحین‌الشریعه، ۲۵۴ /۴؛ زنان سخنور، ۲۱۵ -۲۰۹ /۱؛ مشاهیر کاشان، ۶۰؛ مجمع‌الفصحاء، ۳۳۱ -۳۳۰ /۴؛ مصطبه‌ی خراب، ۶۹؛ نقل مجلس، گ ۴۲ -۳۶.

رشحه‌ی اصفهانی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۵۰ ق)، شاعر. وی معاصر با هدایت، صاحب «ریاض العارفین» و شاگرد محمدکاظم واله بود، در اصفهان به دنیا آمده و نشو و نما یافته بود. از آثارش مثنوی «نوروز و خورشید» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۶۶۹ -۶۶۸ /۱)، الذریعه (۳۵۹/۹)، مجمع الفصحا (۳۳۱ -۳۳۰ /۴)، مکارم الآثار (۱۸۴۷/۵).

رشدی بافقی، قاضی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به رشدی. ملا قاضی خلف ملا یعقوب خوشنویس است. وی بعد از مرگ برادرش ملا افضل همتی بافقی، به منصب استیفای کل موقوفات یزد که بیش از آن با برادرش بود، رسید و بعد از ترک آن منصب به تصدی موقوفات و میرابی یزد اشتغال یافت. رشدی در سرون شعر توانا بود. از آثار وی: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۲۰/۲)، تذکره‌ی روز روشن (۲۹۲)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۱۳۹)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۰۸ - ۳۰۷)، الذریعه (۸۶۹، ۳۵۹ /۹)، فرهنگ سخنوران (۳۷۵).

رشدی رستمداری

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی از شاعران خوش خیال و یگانگان روزگار در علم عروض و قافیه بود، وی از رستمدار به هندوستان سفر کرد و در دکن رحل اقامت افکند و در آنجا مرتبه‌ی امارت یافت. رشدی علاه بر آگاهی و استادی در علم و عروض و قافیه و اعداد در فنمعما نیز توانا بود. از آثار وی: «دیوان» اشعار حدود سی هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۷۹)، الذریعه (۳۵۹/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۷۵)، کاروان هند (۴۴۱ -۴۴۰ /۱)، هفت اقلیم (۱۳۳/۳).

رشدیه، شمس‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، مدرس و نویسنده. وی در مدارس صاحب منصبان ژاندارمری به تدریس زبان فارسی و تاریخ و جغرافیا پرداخت. و استاد دانشکده‌ی افسری و آموزشگاههای ژاندارمری و دیرستان نظام بود. از آثار وی: «دعای کمیل، دعای ندبه، دعای سمات، دعای عدیله»، ترجمه؛ «سخنان سجاد»، حضرت زین‌العابدین؛ «موضوع تغییر خط اسلامی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۴۴۴/۳).

رشکی سبزواری، شرف‌الدین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح س دوازدهم ق)، شاعر. اهل سبزوار بود. مدتی در کاشان زیست، آخرالامر به گیلان رفت و در آن سامان درگذشت. اشعاری به او نسبت داده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۴۰۰/۱)، الذریعه (۳۶۰/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۷۶).

رشکی همدانی، محسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر و موسیقیدان. وی از بزرگ‌زادگان همدان و برادر کوچک شراری همدانی بود و زکی همدانی. رشکی از رجال عهد شاه طهماسب است که شاه شحنگی تبریز را به او داد و در همان مقام کشته شد. وی در غزل‌سرایی توانا بود و در موسیقی نیز مهارت داشت. از آثار او «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۵۳/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۳۲/۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۶۷)، تذکره‌ی میخانه (۸۴۴ -۸۴۱)، الذریعه (۳۶۰/۹)، مجمع الخواص (۱۹۸ -۱۹۷)، هفت اقلیم (۵۶۷ -۵۶۶ /۲).

رشید اسفراینی، رشیدالدین محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر و صوفی. وی مثنوی خوبی دارد به بحر رمل مسدس موسوم به «المصباح» در شرح مسائل عرفانی که آن را چنانکه خو گفته در شرح سه اصل: محبت، فنا، نیاز ترتیب داده و آن را به سال ۸۵۲ ق به پایان برده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۴۵۷/۴)، منظومه‌های فارسی (۲۷۱).

رشید اسفزاری، رشیدالدین محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. از فاضلان و فرارویان خراسان بود و پیشوای عشیره خود. وی در سرودن شعر استادی تمام بود. از او اشعاری در مدح شاهان باقی مانده است. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۶۱/۹)، لباب الالباب (۲۶۵ -۲۶۳ /۱)، مجمع الفصحا (۶۷۲ -۶۷۱ /۲)، هفت اقلیم (۱۳۲ -۱۳۱ /۲).

رشید بیدآوازی، رشیدالدین محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، عارف و شاعر، متخلص به رشید. وی از خلفای شهاب‌الدین عبداللّه برزش‌آبادی مشهدی و از مشایخ سلسله ذهبی بود. از آثار وی: «دیوان» اشعار است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۲۰).

رشید تبریزی، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۳۵ ق)، نقاش و خطاط. اهل تبریز بود و در گل و مرغ و چهره‌پردازی، قلمی پرمهارت داشت. وی خط شکسته را نیز خوش می‌نوشت. از آثار او: تصویر آبرنگی بنفشه‌ی کوهی و گل لاله، با رقم‌های: «محمد رشید خان تبریزی ۱۱۲۹» و «محمد رشید تبریزی ۱۱۲۹»؛ تصویر ملا محمدباقر مجلسی، با رقم: «محتاج التفات محمد رشید خان تبریزی ۱۱۳۰»؛ تصویر سه شاخه زنبق گل درشتی که پروانه‌ای را نیز به حالت پرواز در بالای گلها ارائه داده است، با رقم: «هو محتاج التفات محمد رشید خان تبریزی ۱۱۳۳»؛ تصویر گل سیب، با ساقه و بوته‌های زیبا که در سیاه قلم عمل آمده، با رقم: «هو در تبریز... محمد رشید خان تبریزی ۱۱۳۵».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۷۲۰ -۷۱۹/ ۲).

رشید تبریزی، یار احمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۸۳/۱۰۸۱ ق)، شارع. وی از تبریزان ساکن عباس‌آباد اصفهان بود که در فن زرگری و میناکاری نظیری نداشته است. صاحب «سخنوران آذربایجان» این فرد را با رشیدای عباسی صاحب مثنویهای «حسن گلسوز» و غیره یکی می‌داند ولی صاحب «الذریعه» این دو را با اینکه سال مرگ و اتفاقات زندگیشان بسیار شبیه است ذیل دو نام می‌آورد. صاحب «تاریخ نظم و نثر» کتاب «طربخانه» را از آثار وی می‌دانند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۹۷)، تذکره‌ی روز روشن (۲۹۳ -۲۹۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۸۹ -۳۸۸)، دانشمندان آذربایجان (۱۵۹)، الذریعه (۳۶۲، ۳۶۰/ ۹)، سخنوران آذربایجان (۳۷۳ -۳۶۹)، کاروان هند (۴۴۴ -۴۴۲/ ۱).

رشید کازرونی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۲۰ ق)، شاعر. اهل کازرون و برادر ارشد کازرونی است. جامع انواع فضل و کمال و صحبت او بسیار لذتبخش بود. رشید طبع سلیم داشت و شعر او نیکو بود. وی از معاصران ملا عبدالرحمان جامی بود و شرحی فارسی بر کتاب «فصوص الحکم» نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۹۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۱۰ -۶۰۸/ ۲)، الذریعه (۳۶۲ -۳۶۱/ ۹)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۴۴۶/۲)، فرهنگ سخنوران (۳۷۷)، مجالس النفائس (۳۸۹).

رشید کاشانی، رشید

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. عمر زیادی کرد، چنان که با طالب آملی همعصر است. مدتی به هند رفت و در آنجا به شاعری پرداخت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۷۳ -۳۷۲)، الذریعه (۳۶۲/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۷۷)، کاروان هند (۴۴۱/۱).

رشید یاسمی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۰ -۱۲۷۵ ش)، نویسنده، مورخ، ادیب، مترجم و شاعر. در قصبه‌ی گهواره از توابع کرمانشاه متولد شد. پدر او شاعر و نقاش و خوشنویس بود. جد مادری او، شاهزاده محمدباقر میرزای خسروی، نویسنده‌ی داستان «شمس و طغرا» است که دیوان شعرش به همت رشید چاپ شده است. رشید یاسمی تحصیلات مقدماتی را در کرمانشاه به پایان برد، سپس به تهران آمد و دوره‌ی متوسطه را در دبیرستان سن‌لوئی گذراند. از همان هنگام به تشویق نظام وفا که معلم ادبیات او بود، به سرودن شعر پرداخت. پس از تحصیلات، در وزارت معارف، مالیه و دربار به کار مشغول شد. در همین اوان جرگه دانشوری را تاسیس کرد که بعدها با همت ملک‌الشعرای بهار به انجمن دانشکده تبدیل شد. رشید ضمن همکاری با مجله‌ی «دانشکده» با نویسندگان و شعرای آن دوره آشنا شد و با انجمن ادبی ایران همکاری داشت. یک سال پس از کودتا، رشید یاسمی مقالات خود را در روزنامه‌ی «شفق سرخ» به سردبیری علی دشتی منتشر ساخت که همین مقالات موجب شهرت ادبی او گردید. در این مدت زبان‌های عربی و انگلیسی را آموخت و زبان فرانسه را تکمیل کرد. زبان پهلوی را از حوزه‌ی درس استاد هر تسفلد نیک فراگرفت. در سال ۱۳۱۲ ش که دانشگاه تهران تاسیس شد، او در دانشکده‌ی ادبیات و دانشسرای عالی با سمت استادی تاریخ اسلام را تدریس می‌کرد. بعدها به عضویت فرهنگستان ایران درآمد. در سال ۱۳۲۲ ش به همراه هیاتی از استادان ایرانی به هند رفت و در سال ۱۳۲۴ ش به منظور مطالعه به فرانسه رفت و پس از دو سال به ایران بازگشت رشید یاسمی تا پایان عمر به عنوان استاد در دانشگاه تهران تدریس کرد. روز یازدهم اسفندماه ۱۳۲۷ ش به هنگام سخنرانی در دانشکده‌ی ادبیات دچار سکته شد و پس از سفری کوتاه به فرانسه و بازگشت به ایران، سرانجام روز چهار شنبه ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ ش در تهران درگذشت و در قبرستان ظهیرالدوله به خاک سپرده شد. جز از مقالاتی ادبی و تاریخی و فلسفی و انتقادی که از او در مجلات «نوبهار»، «آینده»، «ارمغان»، «تعلیم و تربیت»، «یغما»، «مهر»،... چاپ شده است دارای تالیفات و تحقیقات و تتبعات و ترجمه‌های بسیاری است که از آن جمله: «ادبیات معاصر»؛ «تتبع و انتقاد در احوال و آثار سلمان ساوجی»؛ «احوال ابن‌یمین»؛ «تاریخ مختصر ایران»؛ «تاریخ ملل نحل»؛ «ایران در زمان ساسانیان»، ترجمه؛ «تاریخچه نادرشاه»، ترجمه؛ «جلد چهارم تاریخ ادبیات ایران تالیف براون»؛ «آیین دوست یابی»، ترجمه؛ «دیوان» اشعار.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :از نیما تا روزگار ما (۱۴۵ –۱۳۸)، تاریخ مشاهیر کرد (۳۱۶ –۳۱۰ /۲)، چشمه‌ی روشن (۴۴۸ –۴۴۱)، چهار صد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۳۶۹ –۳۶۸)، الذریعه (۱۳۰۷، ۳۶۲ /۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۳۲ –۳۲۸ /۳)، سخنوران نامی معاصر (۱۵۳۴ –۱۵۲۸ /۳)، سرآمدان فرهنگ (۳۸۲ –۳۷۹ /۱)، فرهنگ سخنوران (۳۷۸)، گنج سخن (۳۲۶ –۳۰۹ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۰۰ –۶۹۶ /۴)، یغما (س ۲۶، ش ۸، ص ۴۹۰ –۴۸۷).

رشیدا

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرشید دیلمی استاد خط نستعلیق (ف. آگره ۱۰۸۱ ه.ق.) خواهرزاده و شاگرد میرعماد بود و در اصفهان می‌زیست. وی از خوشنویسان دربار شاه عباس اول صفوی بود، و پس از قتل میرعماد از ایران به هند مهاجرت و ملازمت شاه جهان را اختیار کرد و مقرب شاه گردید و به تعلیم خط شاهزاده داراشکوه پرداخت. هنردوستان هند او را «آقا» لقب دادند. از نوشته های وی مقدار زیادی در ایران و هند موجود است.

بر گرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

رشیدای ثانی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از کاتبان گمنام بوده که خود را رشیدای ثانی خوانده است. وی خط نستعلیق و نسخ، هر دو را خوش می‌نوشته است. از آثار او: یک نسخه «جوشن کبیر»، به نسخ کتابت خوش و نستعلیق متوسط و با رقم: «... انا العبد محمدتقی کاتب السلطانی، رشیدای ثانی».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۶۹/۳).

رشیدای عباسی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۸۳ ق)، شاعر. اهل عباس‌آباد اصفهان بود. در فن زرگری و میناکاری مانند نداشت، و در فن شعر هم به اعتقاد خودش بی‌قرینه بود، بعد از مدتی به هند رفت و پس از بازگشت به یاران نزد شاه تقرب یافت. وی دارای مثنوی‌های است که عبارتند از: مثنوی در «تتبع مخزن الاسرار»؛ مثنوی «حسن گلو سوز»؛ مثنوی «نقش ارژنگ یا سبعه‌ی سیاره»؛ مثنوی «قضا و قدر»؛ «ساقی‌نامه» مرسوم به «میکده‌ی شرق»؛ مثنوی «جواهر الاسرار»؛ مقطعات ترجیعات و رباعیات زیاد دارد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :کاروان هند (۴۴۴ –۴۴۲ /۱)، منظومه‌های فارسی (۲۷۶ –۲۷۱).

رشیدای قزوینی، عبدالرشید

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۸۱ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به رشیدا. خواهرزاده و شاگرد میرعماد قزوینی و از معاصران جواهر رقم بود. وی پس از قتل میر، چندی در اصفهان به سر برد و سرانجام رخت به هندوستان کشید و به دربار شاه جهان راه یافت و جزو ملازمان خاص شد. او را در ایران به نام عبدالرشید و رشیدا و در هندوستان به عنوان آقا رشید و آقا می‌شناختند. روش رشیدا در خط نستعلیق کاملا مشابه شیوه‌ی میرعماد است و روش میرعلی هروی را نیز به پایه اعلی رسانید. با آمدن او به هندوستان و اشاعه‌ی آثار خطوط او، شیوه‌اش در سراسر هندوستان شایع شد و هندیان شیوه‌ی او را اخذ کردند. از شاگردان او و غیر از شاهزادگان، داراشکوه و زیب‌النساء، محمد اشرف خواجه‌سرا، سعیدای اشرف، عبدالرحمان فرمان نویس و میرحاجی درخور ذکرند. رشیدا سرانجام در اکبرآباد (آگره) وفات یافت. دهخدا به نقل از «قاموس اعلام ترکی» محل وفات وی را کشمیر دانسته است. در تاریخ وفات وی اخلاف است. سعیدای اشرف که در شاعری هم شاگرد صائب تبریزی بود، قطعه شعری به درخواست زیب‌السناء، دختر هنرمند شاه جهان، در رثاء و تاریخ وفات رشیدا و صائب سروده است و مطالب تاریخی چندی در آن است که در ترجمه‌ی احوال آن دو بکار رفته است:

... گفتم از ارشاد پیر عقل، در تاریخ آن

(بود با هم مردن آقا رشید و صایبا)

از آثار او: یک نسخه «شرح گلشن راز»، با رقم: «بنده‌ی شاه جهان عبدالرشید دیلمی ۱۰۴۰»؛ یک نسخه شش دفتر «مثنوی» مولانا، به قلم کتابت خوش و با رقم: «کتبه العبد... عبدالرشید الدیلمی...»، قطعه‌ای از بهترین خطوط او که سوره‌ی فاتحه را به قلم دو دانگ نوشته است، با رقم: «کتبه العبد... عبدالرشید الدیلمی... فی شهور سنه خمسین و الف»؛ قطعات مختلف و مرقعات که در تاریخ بین سالهای ۱۰۳۰ و ۱۰۷۱ نوشته شده است. پنج اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۰۰ -۳۹۳ /۲)، اطلس خط (۵۳۶ -۵۳۳)، پیدایش خط و خطاطان (۱۰۹)، تاریخ اصفهان (۱۸۵ -۱۸۳)، تاریخ هنرهای ملی (۹۲۰ -۹۱۸ /۲)، تذکره الخطاطین (۲۹۵ -۲۸۶ /۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۱۲)، خوشنویسان و هنرمندان (۵۵)، ریحانه (۲۵۰ -۲۴۹ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۷۸ -۳۷۷ /۱)، قزوین در گذرگاه هنر (۲۳۵ -۲۳۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۳۷ -۲۳۶)، گلستان هنر (نوزده، ۱۲۲)، لغت نامه (ذیل/ شیدا).

رشیدی اصفهانی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. معاصر شاه طهماسب صفوی بود و کلامی دلجو و نیکو داشت. از اشعار اوست:

شود از دیگران در خشم و بر من دامن افشاند

غباری در دل از هرکس که دارد بر من افشاند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۶۲/۹)، صبح گلشن (۱۷۴)، فرهنگ سخنوران (۳۷۹).

رشیدی زاده، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن رشیدی زاده

محل تولد : اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد گرانقدر آقای حسن رشیدی زاده در سال ۱۳۴۰هجری شمسی در خانواده ای متدین و کاملا مذهبی در اراک دیده به جهان گشود.نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت هرچه تمامتر به پایان رسانید. در پی تشویق خانواده و اطرافیان و علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۲وارد حوزه علمیه تهران گردید.پس ازمدتی تحصیل در حوزه علمیه تهران برای کسب فیض از محضر ستارگان مشهد رهسپار آن دیار شد و ضمن انس با بارگاه ملکوتی ثامن الحجج به تحصیل بیشتر پرداخت. پس از مدتی دوباره راه غربت به دیار قم را در پیش گرفت، از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه قم به جد و جهد، در درس بزرگان حوزه علمیه قم حاضر شد. نامبر ده در طی دوران تحصیل از محضر ستارگان فراوانی خوشه علم و ادب چیده است که برخی از آنان را می توان همچون آیت الله وحید خراسانی، مرحوم آیت الله شیخ جوادتبریزی، استاد اعتمادی و ... نام برد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از امر تبلیغ غافل نماند و برای تبلیغ مذهب انسان ساز تشیع به کشوورهای متعددی از جمله لبنان، مالزی و... سفر کرده است، سال های متمادی است که به تدریس و شاگرد پروری در دانشگاه خواجه نصیر الدین طوسی مشغول است.وی در زندگی سراسر علمی خویش از نگارش و تألیف غافل نبوده است و آثار متعددی از جمله " حیاط برتر در عالم برزخ"، "حیاط برزخی "و....را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

رشیدی سمرقندی، ابومحمد عبداللّه

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۶۲ ق)، شاعر. ملقب به سیدالشعراء و تاج‌الشعراء. وی از معاصران آل‌افراسیاب است و از شعراء دربار خضر بن ابراهیم خان بود و معاصر مسعود سعد سلمان و عمعق بخاری بوده و با ایشان مراوده‌ی شعری داشته است. منظومه‌های «زینت نامه» و «مهر وفا» را

به او نسبت داده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۵۵۱ -۵۴۷ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۹۷)، چهار مقاله (۴۷ -۴۶)، الذریعه (۳۶۲/۹)، سرآمدان فرهنگ (۳۸۲/۱)، فرهنگ سخنوران (۳۷۹)، لباب الالباب (۱۸۱ -۱۷۶ /۲)، لغت نامه (ذیل/ رشیدی سمرقندی)، هفت اقلیم (۳۵۲ - ۳۴۵ /۳).

رشیدی، امین‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امین‌اللّه رشیدی، شاعر، ترانه‌سرا و تصنیف‌ساز، خواننده که قسمتی از شرح حال وی در جلد اول «کتاب مردان موسیقی سنتی و نوین ایران آمد، در اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۴ در یکی از روستاهای مصفای کاشان (راوند) متولد شد.

رشیدی از جمله خوانندگانی است که برای خود تصنیف و آهنگ ساخته و آن را اجرا کرده است و نیز ساخته‌های وی توسط دیگران به اجرا درآمده است. او با تمام ردیف‌ها و گوشه‌های موسیقی ایرانی آشنا و از هنرمندان بافرهنگ و دانش می‌باشد و با تمام سجایایی که دارد ولی ذره‌ای از تکبر و تفرعن در وجودش دیده نمی‌شود و در برخورد با مردم بسیار فروتن و خوش‌برخورد است، اینک در اینجا چند نمونه از آثار وی را به نظر خوانندگان عزیز که در روزنامه اطلاعات شماره ۱۹۲۷۶ مورخ سه‌شنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۶۹، از وی چنین آمده:

«در پایان جنگ جهانی دوم، بعد از بمباران اتمی هیروشیما، که فاتحین جنگ و ابرقدرت‌های آن روز (و همچنین امروز) بر سر تقسیم غنایم و عیین منطقه نفوذ، در مناطقی، از جهان، مستقیم و غیرمستقیم به جان یکدیگر افتاده و کشتار بی‌رحمانه‌ای به راه انداخته بودند به طوری که هر آن بیم شعله‌ور شدن نائره جنگ سوم و نابودی دنیا می‌رفت، اینجانب متأثر از آن رویدادهای غم‌انگیز، چکامه‌ای مختصر سرودم و اینک که سال‌ها از آن می‌گذرد و دیگر بار در خلیج‌فارس این دومین نقطه بحرانی جهان (نقطه اول آلمان بود که با اتحاد دو آلمان و کل خانواده اروپا بحمدالله برطرف شد) با قدرت طلبی آمریکا و نقش مرموز و محیلانه شوری «که باید گفت همیشه همین‌طور بوده است» (بنگرید به زمان دولت دکتر محمد مصدق و ملی شدن نفت و تحریم اقتصادی جهان غرب و عدم فروش نفت ایران و احتیاج ایران در تنگنای مضیقه مادی به شمش‌های طلای امانی در شوروی که به مصدق نداد و بلافاصله بعد از کودتای سپهبد زاهدی به ایران تسلیم کرد و نیز جنگ ۸ ساله تحمیلی...) آتش جنگ شعله‌ور شد با عنایت به این‌که در این جهان مست و دیوانه و دنیای زور و زر، از دست صاحبان عقول تسلیم و وجدان بشری کاری ساخته نیست، این چکامه را تقدیم و قبل از آن، توجه شما را به فاجعه‌ای دیگر از این قبیل، یعنی حمله ویرانگر قوم مغول به ایران در هفت قرن پیش و انعکاس تأثربار آن فاجعه در روح بزرگ و انسانی خواجه شیراز در متن یک غزل با این اشعار جلب می‌کنم»:

«فغان اهل زمین»

ز تندباد حوادث نمی‌توان دیدن
در این چمن که گلی بوده است یاسمنی
ببین در آینه‌ی جام نقشبندی غیب
که کس به‌یاد ندارد چنین عجب فتنی
از این سموم که برطرف بوستان بگذشت
عجب که رنگ گلی ماند و بوی یاسمنی
مراج دهرتبه در این بلا حافظ
کجاست فکر حکیمی و رای برهمنی
فغان که بار دگر منقلب جهان بینیم
ز انقلاب جهان، خلق در فغان بینیم
من آنچه عالم فردا عیان کند، امروز
به پشت پرده استمگری نهان بینیم
ز جنگ اول و دوم بسی نرفته که باز
ز دود جنگ سوم تیره آسمان بینیم
بهار صلح ملل را ز حرص و آز دول
بسی نمانده که بار دگر خزان بینیم
دو چشم مادر گیتی و قلب محزونش
ز داغ تازه عزیزانش خونفشان بینیم
چهان خراب و سیه روزگار و آدم را
به پرتگاه فنا دم به دم روان بینیم
هنوز مرغ صفا را ز یأس و نومیدی
چو جغد در غم و ویرانه آشیان بینیم

هنوز خون جوانان نگشته خشک که باز
روانه به جانب پیکار بس جوان بینیم
هنوز جسم دلیران به صحنه پیکار
هنوز دربدر و زار کودکان بینیم
پی تصرف خاکی که خاک بر سر آن
هزار تازه جوان را به خون تپان بینیم
دوباره ز آتش بیداد دسته‌ی خونخوار
فغان اهل زمین را بر آسمان بینیم
ز بحر ژرف سیاست چه موجها خیزد
خطر زیاد در این بر بی‌کران بینیم
چه مایه گوهر جانها که اندر این دریا
ز جور و کین بشر رفته رایگان بینیم
عجب که طایر فکرم کجاست پروازش
که هر طرف نگرم آنچه گفتم آن بینیم
الهی ای که شوی موجب نزاع دگر
میان خار تو را جای گلستان بینیم
برای سروری افروزی ای که آتش جنگ
الهی آن که به خاکسترت مکان بینیم
من از خدای دو عالم امید می‌دارم
هماره صلح و صفا در جهانیان بینیم
میان نوع بشر رأفت و داد بود
قلوب خلق به هم یار و مهربان بینیم
ز جنگ‌های پیاپی چه سود برد بشر؟
جز آن که نفع و را سر به سر زبان بینیم
همی ز باده شوق و شعف شوم سرمست
به سر همای محبت چو سایبان بینیم
چنین که داد بشر دوستی (رشیدی) زد
نشاط و وجد بخیل فرشتگان بینیم

«بهار و جوانی»

نگر بر طرف چمن گل‌ها را
شنو نوای مرغک شیدا را
هر کجا باشد گل زیبایی
در کنارش بلبل شیدایی
فرصت دان یک زمان در جهان این بهار و جوانی
بستان از ساقی مه جبین باده ارغوانی
مکن رنجه خاطر همی از جفا و غم دوران
ز حسرت به دامن مبار اشک درد و غم از مژگان
گیتی را با کس و مهر و وفا نیست
ما را آگاهی زین ماجرا نیست
غم مخورد گر باده بنوش از کف ساقی آتش رویی
با نوای نی ساغر می خوش بود با گلی طرف جویی
بهره‌ای از لب میگونش
وز رخ مهوش و گلگونش
بر گیر ای جان
وصل یاران حل مشکل‌ها
راحت جان آرام دل‌ها
آرام دل‌ها
آشنا با غمش- در جهان غم ندارد- غیر او را نخواهد- جز ره کوی جانان راه دیگر نداند
در صحن بستان- از نای بلبل- بشنو راز نهان- فرصت دان وصل گل را- چون باشد بهارش خزان در دوران

«شرار عشق»

بنالم از غم دل چون نی
که عمرم در غم تو شد طی

دمی کن درد مرا درمان
پریشان حال دلم تا کی
بتا از فراقت دیده‌ی من پرخون است
چه گویم دل من از غم عشقت چون است
چون به دام افتادم در رهت سر و جان دادم شد سیه همه روزم
تا که شمع رویت دیدم از شرار عشقت ای مه سر به سر همی سوزم
بیا بیا که از غمت می‌رود خون دل از دیده‌ام ای قرار جان
مرو مرو که می‌رود طاقت و صبر من با رفتنت راحت روان
جانا دل مرا از غم مشکن
یارا مکن تو بی‌مهری با من
تو آن غنچه‌ی گلستان امید منی
وفای مرا بین مکن تو پیمان‌شکنی

امین‌اللّه رشیدی در طلوع یکی از روزهای اردیبهشت ماه ۱۳۰۴ شمسی در روستای زیبا و مصفای راوند کاشان از پدری کشاورز و مادر شاعرزاده و شاعرمنش (دختر ادیب بیضائی کاشانی) متولد شد. در چهار ماهگی او را به کاشان آوردند و تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در آنجا به پایان رساند و بلافاصله پس از پایان تحصیل در یکی از دفاتر اسناد رسمی کاشان مشغول کار شد. او در ضمن تحصیل، نقاشی قالی ایرانی را نزد استادان آن زمان، آقایان: محمد دبیرالصنایع و حسن نقشپور اراکی فراگرفت و در زمانی کوتاه تا مرحله‌ی طراحی و ابتکار پیش رفت و در حین نقاشی نیز با مقدمات نوازندگی تار نزد نقشپور نامبرده که تار را در نهایت شیرینی می‌نواخت، آشنا شد و در سال ۱۳۲۵ به تهران نقل مکان یافت.

رشیدی با موسیقی به اصطلاح کلاسیک (ردیف آواز ایرانی) از راه شنیدن صفحات قدیم گرامافون و خوانندگان دهه ۱۳۲۰ رادیو ایران آشنا گردید و در اوائل ورود به تهران چندگاهی در کلاسهای شبانه هنرستان موسیقی (تالار وحدت کنونی) اصول نت‌خوانی را نزد آقای موسی معروفی و یکی دو ماه نیز در کلاس موسیقی مسعود معارفی و تئوری آواز را نزد دکتر مهدی فروغ در هنرستان نامبرده آموخت و با یادگیری نت، تار را رها کرد و از آن پس نت آهنگهایی را که می‌ساخت بدون استفاده از ساز بر روی کاغذ می‌آورد.

در سال ۱۳۲۸ رشیدی از طریق استاد گرانقدر موسی معروفی به آقای علی‌محمد میثاق رهبر یکی از ارکسترهای رادیو ایران معرفی شد و از همان سال به عنوان خواننده و آهنگساز فعالیت خود را در رادیو آغاز نمود و اولین بار ترانه (رنج جدایی) از ساخته‌های زنده‌یاد موسی معروفی را در مایه افشاری با ارکستر نامبرده در رادیو اجرا کرد و همزمان، مدتی نیز در برنامه‌های موسیقی ارتش (که شبهای جمعه ساعت هفت و نیم بعد از ظهر از رادیو ایران پخش می‌شد) در ارکستر به سرپرستی هنرمند گرامی علی تجویدی می‌خواند و در چند برنامه رادیویی محمد بهارلو نیز شرکت نمود. در سال ۱۳۳۶ شمسی با دختری از کاشان ازدواج نمود که حاصل آن دو فرزند دختر و پسر (افسانه و صبا) است که آنان نیز از ذوق موسیقی بهره‌ای بسزا دارند. در سال ۱۳۴۴ بنا به مقتضیات شغلی از رادیو استعفا داد و این داستان تأثرانگیزی دارد که در اینجا مجال گفتن آن نیست.

رشیدی در مدت فعالیت در رادیو ایران در حدود ۱۰۰ آهنگ ساخت که شعر بعضی از آنها را نیز خود می‌سرود (برای نمونه شعر ترانه‌ی دریا) اما بیشترین شعر آن آهنگها را شاعران گرانمایه، آقایان: تورج نگهبان، بیژن ترقی، مهرداد اوستا، فریدون مشیری، رضا ثابتی، نظام فاطمی، ابوالقاسم حالت، نواب صفا، عبداللّه الفت، پرویز وکیلی و غیره سروده‌اند و اکثراً به وسیله ارکسترهای شماره‌ی ۱ و ۲ رادیو ایران با نوازندگی و همکاری هنرمندان ارجمند آقایان: حبیب‌اللّه بدیعی، پرویز یاحقی، مهندس همایون خرم، عباس شاپوری، محمد میرنقیبی، انوشیروان روحانی، ولی‌اللّه البرز، یاوری، حدادی و دیگر عزیزان و با نظارت و سرپرستی استادان: مشیر همایون شهردار و حسینعلی ملاح ضبط و پخش شده است.

شیوه‌ی رشیدی در خوانندگی و آهنگسازی، مرز میان سنت و نوگرایی می‌باشد و به قول خودش حد وسط را انتخاب کرده است او می‌گوید: «اگر این میانه‌روی و اعتدال در تمام امور دنیا جاری بود چهره‌ی جهان و زندگی خیلی زیباتر و مطبوع‌تر از آن چه تاکنون هست می‌بود».

رشیدی در شاعری و نویسندگی و نقد نیز دستی دارد و مقالاتی از او در مطبوعات سالهای قبل به چاپ رسیده که آخرین آنها نقدی است بر کتاب (شعر نو از آغاز تا امروز، تألیف محمد حقوقی از انتشارات مؤسسه فرانکلین) که در شماره ۱۰ سال ۵۲ مجله وحید چاپ شده و اکنون نیز سفرنامه‌ای به نام (از کاشان تا کاناری) آماده برای انتشار دارد. رشیدی درباره‌ی موسیقی کلاسیک و ردیف آواز که سینه به سینه به ما رسیده و تا این زمان حفظ شده و خوشبختانه کاملترین آن به وسیله شادروان استاد موسی معروفی به صورت نت درآمده است، نظریاتی دارد، منجمله معتقد است که در اجرای آوازها، به شرط حفظ اصالت ایرانی و به خصوص تلفیق آن با شعر پارسی باید شیوه‌ای نو ایجاد کرد و از تکرار مکررات آن هم به طور گسترده امساک نمود و همچنین او، نسبت به کلمات والا-و ارزشمند (هنر) و (هنرمند) که دست‌اندرکاران و به تبع ایشان مردم عادی بدون ضابطه و بی‌محابا، به هر چیز و هرکس اطلاق می‌کنند و دست و دلبازانه می‌بخشند، وسواس و حساسیتی خاص دارد. او به اعتبار قول بزرگان و هنرشناسان می‌گوید: «هنر یعنی خلاقیت و هنرمند یعنی خلاق و آفریننده. بنابراین اگر در یک اثر هنری (اعم از شعر و موسیقی و نقاشی و غیره) ابتکار و نوآوری به چشم نخورد، به این معنی که اگر در قطعه شعری یک مضمون نو و در آهنگی حتی یک ملودی جدید و زیبا نتوان پیدا کرد، این دیگر هنر نیست و صاحب چنین آثاری مستحق لفظ (هنرمند) نه. و بر همین منوال برچسب کلمه (هنرمند) به خواننده و یا نوازنده یا صاحب اثر دیگری که فاقد شیوه‌ای نو و ابتکاری و مستقل در کارشان باشند، جایز نیست. باید به این مجریان ماهر و مسلط و چیره‌دست هنرآفرین گفت و با اطلاق کلمه‌ی (استاد) از آنان تقدیر کرد و ارجشان را پاس داشت!» این هم

نمونه‌ای از اشعار رشیدی با نام هنری (آشنا).

«افسانه وجود»

آوخ که شام تیره‌ی محنت سحر نداشت

نخل امید و شاخه‌ی هستی ثمر نداشت

بر ما همای فر و سعادت گذر نکرد

از حال دل بجز من و دل کس خبر نداشت

رفتیم گر زدست، کسی را خبر نشد

مردیم گر ز درد، به قلبی اثر نداشت

جز اشک و چشم و خون دلم در میان نبود

گویی که خوان هستی از این بیشتر نداشت

کی می‌نهاد بار مصائب به دوش ما

گردون بناتوانی ما گر نظر نداشت

این یافت زیب هستی و آن شد سوی عدم

افسانه‌ی وجود حدیثی دگر نداشت

از زندگی چو مرگ سیه می‌گریختم

بر چهره گر نشان و صفای هنر نداشت

دیدی که آخر این دل دیر (آشنا)ی من

در دامی اوفتاد که راه مفر نداشت؟

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد اول)

رشیدی، علیقلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی قلی رشیدی

محل تولد : خرم آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۲/۲۳

زندگینامه علمی

در روستای بادامک تابع شهرستان پلدختر متولد شدم . در شش سالگی در روستای چم قلعه به دبستان رفتم و پس از گذشت مقطع ابتدایی وارد مقطع راهنمایی در شهرستان پلدختر شدم. دبیرستان راهم در همان شهر همراه با انقلاب در رشته علوم تجربی گذراندم. در دوران دبیرستان که مصادف با انقلاب بود به همراه یکی از سادات جلیل القدر مظلوم و محلی به نام سید علی نقی موسوی (ره) تمام اعلامیه های امام را دست نویس کرده و در بین مردم پخش کردم از سال ۵۶ وارد حوزه شدم و تا سال ۱۳۷۱ دوره سطوح عالیه را تمام کردم و همراه با دروس حوزه دروس دانشگاهی لیسانس در رشته فلسفه و کلام و فوق لیسانس در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی را تا سال ۱۳۷۶ به اتمام رساندم در دوران جنگ تحمیلی چندین بار به جبهه رفتم و دو بار مجروح شدم و در سال ۱۷/۶/۱۳۶۵ به درجه جانبازی شیمیایی نایل گردیدم و الان هم مشغول به تدریس در دانشگاههای لرستان و حوزه علمیه پلدختر هستم.

رشیدی، منوچهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: مهندسی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی مکانیک از دانشگاه لندن در سال ۱۳۴۴، کارشناسی ارشد مهندسی حرارت از امپریال کالج لندن در سال ۱۳۴۶ و دکترای احتراق از امپریال کالج لندن در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۹، دانشیار دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۱ و دانشیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۶۱.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مکانیک و ترمودینامیک، تدریس دروس دینامیک، نیروگاه بخار، موتور احتراق داخلی، توربو ماشین، آزمایشگاه ترمودینامیک، تحلیل عددی، احتراق اصول مهندسی احتراق، طراحی کلی نیروگاه، آزمایشگاه انتقال حرارت و آزمایشگاه سیالات در دانشگاه شیراز و دانشگاه صنعتی شریف.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۷

زمینه علمی مقالات:

فیزیک، مکانیک، ترمودینامیک، انتقال حرارت و اصول مهندسی احتراق و غیره.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

رشیدی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۳۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۵۳، دکترای شیمی معدنی از دانشگاه لیورپول انگلستان در سال ۱۳۵۶ و جایزه بهترین سخنرانی علمی دوره دکترا از دانشگاه لیورپول.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۵۶ تا سال ۱۳۶۷ و دانشیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۶۷ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ترکیبات متالوسیکلیک، نستز و بررسی پاره‌ای از کمپلکس‌های پلاتین (II) استیلاید، ترکیبات فسفین دار پلاتین حاوی چهار پیوند فلز کربن، تدریس دروس شیمی معدنی پیشرفته، عناوین ویژه شیمی معدنی، طیف سنجی در شیمی معدنی، شیمی آلی فلزی فلزات واسطه، آزمایشگاه شیمی معدنی ۱ در دانشگاه شیراز و استاد راهنمای بیش از هشت پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شیمی معدنی اصول ساختمان و فعالیت شیمیایی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۶

زمینه علمی مقالات:

شیمی معدنی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

رضا نیا معلم، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا رضانیا معلم

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا رضانیا معلم فرزند جمشید در روستای معلم کلا از توابع شهرستان بابل متولد شدم. دوره ابتدایی را در آن روستا و دوره راهنمایی را در شهرستان بابل گذراندم. دایی ام به نام حسین علی نژاد معلم به جهت شاغل بودن در آموزش و

پرورش ایلام در دهه ۶۰ و آشنایی با آقای شیخ محسن تفویضی از فضلای متقی حوزه علمیه قم و مسئول سازمان تبلیغات وقت استان ایلام، مشوق اینجانب جهت حضور در حوزه علمیه شده است.

من بعد با ارتباط بسیار تنگاتنگ با حاج آقا تفویضی به سال ۱۳۶۲ در حوزه علمیه آشتیان مستقر و از سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم. سال ۶۷ ازدواج نمودم. از همان سال به دلایل علمی ، اجتماعی و ... در کنار دروس حوزه ، تابستان ها دوره دبیرستان و دیپلم را اخذ و سال ۷۱ با رتبه ۱۸ وارد رشته حقوق قضایی دانشگاه تهران شدم.

تا پایان تحصیلات تکمیلی «ارشد حقوق خصوصی» دروس سطح حوره علمیه قم را (به رغم حضور متناوب درمناطق جنگی و شرکت در عملیات های جبهه و مجروحیت چند باره) نزد اساتیدی مانند آیت الله اعتمادی، آیت الله دوزدوزانی، آیت الله پایانی به پایان بردم. سپس دروس خارج را نزد اساتیدی مانند آیت الله مکارم «دو سال فقه واصول»، آیت الله سبحانی «سه سال اصول» و آیت الله وحید خراسانی «چهار سال فقه» گذراندم.

رضا، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، خطاط. از آثار او: دو لوحه بر مزار مولوی، ثلث شش دانگ عالی و نسخ دو دانگ خوش، با رقم: «حرره الحاج السید حسن رضا غفرالله ذنوبه سنه ۱۳۲۹»، در قونیه؛ یک لوحه‌ی مذهب عالی ریحان و ثلث شش دانگ جلی و نسخه دو دان جلی عالی، با رقم: «بنده‌ی آل‌عبا سید حسن رضا ۱۳۲۳»، در دانشگاه استانبول.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۵۹/۴).

رضا، عنایت الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر عنایت‌الله رضا در سال ۱۲۹۹ش در شهرستان رشت به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود و تهران به پایان رساند و سپس تحصیلات عالی را در رشتهٔ فلسفه ادامه داد و موفق به دریافت درجهٔ دکترا گردید. نامبرده به جهت علاقهٔ فراوان به مطالعات ایران‌شناسی، به تحقیق و پژوهش در این زمینه پرداخت. و در حال حاضر عضو هیأت علمی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی است. کتابهای" شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان"و " اعراب حدود مرزهای روم شرقی و ایران در سده های چهارم – ششم میلادی "ترجمه ،عنایت الله رضا به ترتیب ، در دوره‌های هفتم و دوزادهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شدند.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

والدین و انساب : اجداد عنایت الله رضا همه از روحانیون و برخی از مراجع بزرگ زمان خود بوده اند. پدر ایشان از شاگردان آخوند خراسانی بوده و نزد آن روحانی بزرگ به تحصیل اشتغال داشته است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عنایت الله رضا پس از گذراندن دوران کودکی در رشت به تهران منتقل شد و دوران تحصیل متوسطه را در این شهر پایان رساند. در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ ، پس از شکست به اصطلاح جنبش آذربایجان به شوروی پناهنده و در آنجا مشغول به تحصیل می شود. پس از اتمام رشته علوم حزبی در دانشکده حزبی به ادامه تحصیل در شته فلسفه پرداخته و به اخذ درجه دکترا در این رشته نایل می آید و در کنار آن به سبب علاقه به مطالعه در زمینه ایران شناسی مطالعه و تحقیق در این زمینه را پی می گیرد.

استادان و مربیان : عنایت الله رضا در دوران تحصیل از دانش و توجه پدر و برادر بزرگتر خود آقای پرفسور فضل الله رضا بهره مند بود

وقایع میانسالی : عنایت الله رضا پس از شهریور ۱۳۲۰، در آن ایام پر التهاب و پر تب و تاب سیاسی، اجتماعی کشور ،به حزب توده پیوست. در همین ارتباط در سال ۱۳۲۴ بازداشت و سپس به کرمان تبعید و زندانی شد. در اوایل سال ۱۳۲۵ پس از آزادی از زندان به دستور کمیته مرکزی حزب عازم آذربایجان شده و در آنجا به عنوان فرمانده نیروی هوایی حکومت آذربایجان مشغول گردید. از آن پس به سبب بروز اختلاف با سران فرقه دموکرات آذربایجان در مورد تاسیس فرقه در ایران و اعلام رسمی ایشان در کنفرانس باکو مبنی بر انجام این امر به مثابه یک خیانت، از سوی سران دستگاه حاکمه آذربایجان شوروی از جمله رئیس جمهوری وقت و همچنین دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان به اتفاق چند نفر دیگر از فرقه اخراج و از کار نیز برکنار می شوند. کمیته مرکزی حزب نیز ماموریت ایشان را پایان یافته تلقی کرده، در نتیجه مجبور به عزیمت از شوروی به کشور چین شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عنایت الله رضا پس از پایان تحصیلات مدتی در نیروی هوایی ارتش به سمت افسر خلبان و دیده بان خدمت نمود . با شکست جنبش آذربایجان در ۲۱ آذر سال ۱۳۲۵ به شوروی پناهنده شد . او بعد از آن بر سر برخی اختلافات

سیاسی به چین رفت و به اتفاق چند تن دیگر بخش فارسی رادیو پکن را تاسیس نمود. بعد از دو سال به دلیل برخی تعبیرات در شوروی و برکناری سران حکومت آذربایجان به سبب دشواری تحصیل فرزندانشان در چین و آشنایی آنها به زبان روسی دعوت به بازگشت شوروی را پذیرفته و در اواخر ۱۹۵۹ به مسکو بازگشته و در بخش فارسی رادیو مسکو تا سال ۱۹۶۷ به فعالیت خود ادامه می دهد. پس از ورود به ایران ابتدا به سمت متصدی کتابهای روسی در کتابخانه (پهلوی سابق، بخش کنگره جهانی ایرانشناسی) و بعد به عنوان معاون علمی و پژوهشی آن کتابخانه مشغول شدند. پس از انقلاب اسلامی ایران نیز مسئولیت کتابخانه به عهده ایشان واگذار شد اما به سبب بیماری و عزیمت شش ماهه به خارج از کشور به منظور معالجه ادامه کار میسرنگردید. وی از سال ۱۳۶۵ تا حال حاضر نیز در مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی به عنوان عضو هیات علمی مشغول به کار شدند.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : عنایت الله رضادر پکن به اتفاق چند تن دیگر بخش فارسی رادیو پکن را تاسیس نمودند.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عنایت الله رضا بعد از انقلاب به سبب بیماری برای معالجه به خارج از کشور رفته و پس از بازگشت به تحقیق و ترجمه و تالیف همت گماشت.

جوائز و نشانها : کتابهای" شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان"و " اعراب حدود مرزهای روم شرقی و ایران در سده های چهارم – ششم میلادی "ترجمه ،عنایت الله رضا به ترتیب ، در دورهای هفتم و دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شدند. ---------------------------------------

----

آثار :

۱ آذربایجان و اران

ویژگی اثر : تالیف

۲ اعراب حدود مرزهای روم شرقی و ایران در سده های چهارم – ششم میلادی

ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب:اعراب حدود مرزهای روم شرقی و ایران در سده های چهارم – ششم میلادی: اعراب حدود مرزهای روم شرقی و ایران در سده های چهارم – ششم میلادی ؛ ن. و.پیگولوسکایا؛ ترجم ?عنایت الله رضا؛ تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲. در مورد تاریخ ایران در روزگار ساسانیان، تحقیقات متعددی صورت گرفته است که کتاب مذکور از جمله آثار معتبر در این زمینه است. مؤلف کتاب، خانم نینا ویکتور ناپیگولوسکایا، یکی از متخصصان برجست ?روسیه، در رشت ?تاریخ کشورهای خاور نزدیک و میانه به ویژه ایران و بیزانس، در اوایل سده های میانه و دوران پیش از اسلام بوده است. او طی سی سال پژوهش در زمین ?تاریخ ایران، آثار متعددی از خود به یادگار گذاشته که در محافل ایران شناسان جهان، مورد ستایش قرار گرفته است. کتاب حاضر ترجم ?فارسی آخرین اثر مؤلف است که در آن رابط ?وسیع اعراب ساکن مرزهای ایران بویژه دولت حیره را با استفاده از اکتشافات جدید به شرح آورده و مرزهای مسلمانان و اعراب و امپراتوری روم شرقی در سده های نخستین قرون اسلامی را تشریح کرده است. مسائل مربوط به مرزها در روند تاریخ همواره اهمیت زیادی داشته است زیرا حوادث و رویدادهای تاریخی است که تعیین مرزها را به دنبال دارد. علاوه بر آن، مهاجرت اقوام و قبایل مختلف، حوادث سیاسی را صبغ ?دیگری می بخشد و در نهایت حدود سرزمینها را معین می کند. تألیف حاضراین نکات را به خوبی روشن می کند. جدید بودن مراجع و منابع و ارائ ?اسناد به زبانهای مختلف از امتیازات این کتاب محسوب می شود. نثر ترجم ?بسیار روان وقابل فهم است. و مترجم کوشش فراوانی برای ارائ ?توضیحات علمی به کار برده است و علاوه بر یادداشتهای مؤلف، موارد متعدد و قابل توجهی را بر متن اصلی افزوده است. او ضمناً به ترجم ?عربی کتاب نیز توجه داشته است.

۳ ایران و ترکان در زمان ساسانیان

ویژگی اثر : تالیف

۴ تاریخچه سری جنایات استالین

۵ ترجمه کتاب اسرار مرگ استالین

ویژگی اثر : نوشته آوتور خانوف

۶ ترجمه کتاب انقلاب مجارستان

ویژگی اثر : نوشته تیبور مرای

۷ ترجمه کتاب تمدن ایران ساسانی

۸ ترجمه کتاب زمامداران شوروی

ویژگی اثر : نوشته الکساندر سولژنیستین

۹ ترجمه کتاب شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان

ویژگی اثر : این کتاب در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان»: کتاب از برجسته‌ترین آثاری است که تا کنون توسط ایرانشناسان شوروی، پیرامون وضع شهرهای غرب ایران نوشته شده است. نگارنده، که به زبانهای پهلوی و سریانی نیز احاطه داشته، شیوهٔ زندگی، آداب و سنّتهای ساکنان غرب ایران و پیوند آن با آداب و سنن دیگر نواحی از جمله خراسان و «ورارود» (ماوراءالنهر)، چگونگی معاملات و مبادلات در ایران عهد ساسانی و مقایسهٔ اوضاع اقتصادی و اجتماعی عصر ملوک‌الطوایفی پارتیان در روزگار ساسانیان را مورد پژوهش قرار داده است. این کتاب، اسناد و مدارک بسیار ارزنده‌ای را برای مطالعه و تحقیق در اختیار خوانندگان و پژوهشگران قرار می‌دهد. البته باید یادآور شد که مؤلف کتاب به نتیجه‌گیریهایی پرداخته است که با ویژگیهای

اقلیمی، اجتماعی و اقتصادی سرزمین ما سازگار به نظر نمی‌رسد. ترجمه براساس متن روسی و با مقابله با متن فرانسوی به شکلی شایسته صورت گرفته است

۱۰ ترجمه کتاب طبقه جدید

ویژگی اثر : نوشته میلوان جیلاس

۱۱ ترجمه کتاب گفتگو با استالین

ویژگی اثر : نوشته میلوان جیلاس

۱۲ ترجمه کتاب منابع کمونیسم روسی و مفهوم آن

ویژگی اثر : نوشته نیکلای بردیایف

۱۳ ترجمه کتاب نیکیتا خروشچف ، سال های حاکمیت

ویژگی اثر : نوشته روی مدودف و ژورس مدودف

۱۴ جزوه کمونیسم اروپایی

۱۵ خاطرات بوریس باژانف رییس دبیرخانه دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

۱۶ خاطرات پرنس یوسف اف قاتل راسپوتین

۱۷ کمونیسم و دموکراسی

ویژگی اثر : تالیف

۱۸ مارکسیسم و ماجرای بیگانگی انسان

منابع زندگینامه :

۱www.ketabesal.ir۲کیهان فرهنگی سال هفتم-شماره ۱-فروردین ۱۳۶۹

رضاالهی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم تربیتی، دانشکده:-، دانشگاه: آزاد اسلامی رودهن

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی و دکترا در رشته فلسفه.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی رودهن.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فلسفه، علوم تربیتی، هنر، استاد راهنمای یک پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

فلسفه، علوم تربیتی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

فلسفه، علوم تربیتی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رضاپور، عبدالرحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرحیم رضاپور

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ پس از اخذ دیپلم در اواخر تیرماه وارد حوزه علیمه فیضیه مازندران شهر بابل با مدیریت حاج آقا فاضل استرآبادی شدم. تمام دروس تا لمعه و باب صوم را خدمت ایشان گذراندم و در سال تحصیلی ۶۶-۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم. ادامه دروس سطح را خدمت اساتید بزرگواری مثل حجج اسلام وجدانی فخر ، دوستی زنجانی ، حسینی بوشهری ، محلاتی ، پایانی و سیفی گذراندم. در سال ۶۸ همزمان با دروس حوزه وارد دانشگاه تهران شدم و در رشته ادیان و عرفان تحصیل کردم و در دوره عربی تا دوره تکمیلی را در کلاسهای آموزشی و دفتر تبلیغات گذراندم ، پس از ۶ سال یعنی در سالهای تحصیلی ۶۹-۷۰ شروع به آموختن دروس خارج کردم و از محضر اساتید بزرگوار حوزه آیات عظام مکارم شیرازی ، دوستی زنجانی، وحید خراسانی ، سید جعفر کریمی و ... بهره بردم و در سال ۱۳۸۶ در آزمون ورودی دانشگاه ادیان و مذاهب شرکت کردم و الان آخرین ترم را گذراندم ان شاء الله بتوانیم با بار علمی بیشتر به مکتب تشیع اثنی عشری و مردم خدمت نمائیم و مورد رضای خداوند قرار گیرید.

رضازاده شفق، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۰ -۱۲۷۴/۱۲۷۱ ش)، شاعر، نویسنده، روزنامه‌نگار و مترجم. در تبریز متولد شد و زبان فرانسوی و انگلیسی را در مدرسه‌ی کاتولیک و امریکایی تبریز فراگرفت. مدتی مدیریت مدرسه‌ی حیات تبریز را به عهده داشت و در سال ۱۳۲۸ ق روزنامه‌ی «شفق» را در تبریز منتشر کرد، و در سال ۱۳۳۰ ف بر اثر سخنرانیهایی که بر علیه استیلای دولت روس می‌کرد از طرف آن دولت به اعدام محکوم شد و به استانبول گریخت. و از کالج رابرت آنجا به دریافت لیسانس نائل گردید، در سال ۱۳۴۰ ق به ایران بازگشت و بعد از مدت کوتاهی به برلن رفت و در آنجا موفق به دریافت دکترای فلسفه شد. سپس به ایران آمد و در دارالمعلمین عالی به تدریس فلسفه و ادبیات فارسی قبل از اسلام پرداخت او زبانهای روسی، فرانسوی، ترکی، آلمانی و انگلیسی را به خوبی می‌دانست و در دانشگاه تهران ادبیات فارسی و فلسفه تدریس می‌کرد. در اولین دوره‌ی مجلس سنا و دوره‌های چهاردهم و پانزدهم مجلس شورای ملی نماینده بود. وی در تهران درگذشت و در گورستان بهشت زهرا به خاک سپرده شد. از آثار اوست: «تاریخ ادبیات ایران»؛ «ایران از نظر خاورشناسان»؛ «ستارخان»؛ تدوین «دیوان عارف»؛ «فرهنگ شاهنامه و ملاحظاتی درباره‌ی فردوسی» و ترجمه‌های: «اسکندر مقدونی»؛ «تاریخ مختصر ایران»؛ «زندگانی داریوش».[۱]

محقق، خطیب، نماینده‌ی مجلس، سناتور، مولف و مترجم، فرزند آقارضا بازرگان، در ۱۲۷۳ در تبریز تولد یافت. پس از رسیدن به سن رشد، تحصیلات معمول زمان را آغاز کرد و مقدمات را نزد معلمین خصوصی فراگرفت و وارد مدرسه‌ی آمریکائی در تبریز شد و چند سالی در آن مدرسه تحصیل کرد و زبان انگلیسی را به طور کامل فراگرفت و در همان مدرسه به معلمی پرداخت. در جوانی سری پرشور داشت و آزادی‌طلب بود. چندی هم روزنامه‌ی شفق را انتشار داد. روزنامه‌ی شفق در آن ایام روزنامه‌ای تندرو و آزادی‌طلب بود. چندی غنی‌زاده سردبیری آن را عهده‌دار بود. سال اول این روزنامه ۴۸ شماره منتشر شد. دارای مطالب گوناگون و انتقادی و اجتماعی بود. سال دوم روزنامه از رجب ۱۳۲۹ ه.ق آغاز شد و مجموعا ۴۳ شماره از آن انتشار یافت و از آن پس با پیشامد عاشورای ۱۳۳۰ ه.ق و قتل عده‌ی زیادی از آزادیخواهان آذربایجان به دست روسها، شفق تعطیل شد و مدیر آن به عثمانی رفت و در استانبول در مدرسه‌ی ایرانیان معلم فارسی و تاریخ ادبیات شد و سپس وارد یکی از مدارس استانبول گردید و دیپلم دریافت نمود. رضازاده سپس برای انجام تحصیلات عالی به آلمان مسافرت نمود و قریب شش سال در آن کشور به تحصیل فلسفه پرداخت و درجه‌ی علمی گرفت و ضمنا در مجلات ایرانشهر، مهر، آرمان، شرق و غیره مقالاتی انتشار می‌داد و علاوه بر آن، کتب و رسالاتی نیز در زمینه‌های تاریخی، ادبی، فلسفی و اجتماعی تالیف یا ترجمه نموده است.

رضازاده شفق چندی در مدارس جدیدالتاسیس تهران به تدریس پرداخت و در سال ۱۳۱۳ که دانشگاه تهران تاسیس گردید، دعوت به کار شد. در آنجا فلسفه و علوم تربیتی تدریس می‌نمود. در ۱۳۱۴ شورای عالی فرهنگ، تحصیلات او را معادل دکترا شناخت و رسما به استادی دانشگاه در دانشکده‌ی ادبیات پذیرفته شد و در همان سال فرهنگستان ایران به منظور اشاعه‌ی لغات فارسی سره به جای لغات بیگانه تاسیس گردید و دکتر شفق عضو پیوسته‌ی فرهنگستان شد. در سال ۱۳۱۷ سازمانی به نام پرورش افکار تاسیس گردید تا پیشرفتهای ایران در زمان گذشته و حاضر با ایراد سخنرانی اساتید به سمع مردم برسد. دکتر شفق در آن سازمان سهمی بسزا داشت. پس از شهریور ۱۳۲۰ و آغاز دموکراسی، شفق از تهران کاندیدای مجلس شورای ملی شد. انتخابات تهران در آن دوره به معنای واقعی آزاد بود و رای مردم سرنوشت آن را تایید می‌کرد. در آن دوره دکتر محمدمصدق، سید محمدصادق طباطبائی، موتمن‌الملک پیرنیا و آیت‌الله کاشانی در زمره منتخبین تهران بودند. دکتر رضازاده شفق نیز از تهران به پارلمان راه یافت و رویه‌ای معتدل پیش گرفت. نطقهای ضروری و فصیح و به موقع او توجه مردم را جلب کرد. در جریان جدائی آذربایجان از ایران، چند نطق مهم ایراد نمود و سرانجام عضو میسیونی شد که به ریاست قوام‌السلطنه برای مذاکره درباره‌ی تخلیه‌ی ایران و عدم حمایت از فرقه دموکرات به مسکو سفر کردند. وجود شفق در آن هیئت بسیار سودمند بود. پس از پایان جنگ بین‌المللی دوم، یک هیئت از ایران عازم آمریکا شد تا در کنفرانس سانفرانسیسکو شرکت نماید از مجلس آقایان دکتر شفق، دکتر عبده و دکتر اعتبار عضو این هیئت بودند.

پس از پایان مجلس چهاردهم، قریب ۱۶ ماه فترت ایجاد شد تا سرانجام انتخابات ایران آغاز گردید. حزب دولتی دموکرات ایران

که خالق آن احمد قوام بود، کاندیدای خود را رسما معرفی نمود. دکتر رضازاده شفق کاندیدار نمایندگی مجلس از تهران گردید و سرانجام به مجلس پانزدهم راه یافت. در سال ۱۳۲۸ مجلس سنا در ایران تشکیل شد و دکتر شفق سناتور انتصابی تهران بود. شفق مجموعا پنج دوره نماینده‌ی مجلس سنا بود و عنداللزوم از کابینه‌های دولتی حمایت می‌کرد.

محمدرضا پهلوی نسبت به شفق علاقه‌ای خاص داشت و از او خواست لقبی برای او و فرح پهلوی پیشنهاد کند و سرانجام لقب «آریامهر» برای محمدرضاشاه و «شهبانو» برای فرح انتخاب و مورد قبول شاه واقع شد.

دکتر رضازاده شفق در سال ۱۳۵۱ بیمار و در بیمارستان بستری شد. عمل جراحی او لازم تشخیص داده شد. پروفسور انوشیروان پویان عمل او را انجام داد ولی بهبودی حاصل نشد و پس از چند روز درگذشت و در گورستان بهشت زهرا مدفون گردید.

دکتر قاسم غنی در صفحه‌ی ۲۸ جلد چهارم یادداشتهای خود که اخیرا انتشارات زوار آن را چاپ و توزیع نموده، داوری غیرمنصفانه‌ای درباره‌ی شفق نموده است، می‌نویسد:«دکتر شفق آرام بسیار سمج، پررو و دریده‌ئی است. تمام خصوصیات یک نفر آدم احمق در او جمع است. بسیار خودپسند، مغرور و بی‌حیا است و از جامعه نالاںن است. بسیار مزاح‌گو و دروغگو و حقه‌باز و متملق و بی‌حیا و پررو است. حیوانی است بس. بسیار بسیار هم بی‌سواد است»

دکتر شفق در آخر سالهای آخر عمر خود در طالقان باغچه‌ای بنیاد نهاد و بیشتر وقت خود را در آنجا می‌گذراند و همسری نیز در آنجا انتخاب کرد و صاحب دختری شد که نامش را گیتی نهاد و اشعار زیادی در وصف این دختر سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات معاصر (۶۱ -۵۹)، تاریخ جراید (۷۵ -۷۲ /۳)، سخنوران نامی (۳۲۱ -۳۱۴ /۲)، شرح حال رجال (۱۰۶ - ۱۰۵ /۶)، فرهنگ سخنوران (۵۰۷)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۹ -۴۸۵ /۳).

رضازاده لنگرودی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا رضا زاده لنگرودی سال ۱۳۲۹ در لنگرود به دنیا آمد،تحصیلات متوسطه خود رادر زادگاه خویش به پایان برد و برای ادامه تحصیل راهی تهران می شود. علاقه او به تاریخ از دوران نوجوانی شکل گرفت و بر مبنای این علاقه نیز، راه تحصیلات عالیه اش را پی گرفته است.لنگرودی تحصیلات آکادمیک خویش را تا مقطع دکترای تاریخ از دانشگاه پاریس پیش برد و درطی این دوران نیز از تحقق و پژوهش در آن نیز غافل نمانده است.رضا زاده لنگرودی از چهره های شاخص تاریخ نگاری بخصوص در حوزه دانشنامه نویسی در ایران است.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

گرایش : ترکمانان

تحصیلات رسمی و حرفه ای : پایان دوره متوسطه در زادگاهش و اخذ دکترای تاریخ از دانشگاه پاریس. تخصص ویژه او پژوهش در دوره ایلخانیان و متخصص تاریخ نگاری ترکمانان است

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : رضا رضا زاده لنگرودی مدیریت گروه تاریخ در بنیاد دایرهٔ المعارف اسلامی را برعهده دارد. بنیاد دایرهٔ المعارف اسلامی از سال ۱۳۶۲ همزمان با تأسیس مرکز دایرهٔ المعارف بزرگ اسلامی تأسیس شد. این بنیاد دارای ۱۲ گروه علمی در زمینه های زبان و ادبیات، اسلام معاصر، جغرافیا، فرهنگ و تمدن، فلسفه و عرفان، تاریخ علم، تاریخ، کلام و خرد، فقه و اصول، قرآن و حدیث است. اغلب فعالیت های این بنیاد، تألیف دایرهٔ المعارف الفبایی به نام دانشنامه جهان اسلام است که تاکنون ۱۰جلد از آن به وسیله مؤسسه کتاب مرجع ، منتشر شده است.

آرا و گرایشهای خاص : رضا رضا زاده لنگرودی رضا زاده لنگرودی درباره دایرهٔ المعارف نویسی در ایران نظریات ارزنده ای دارد:«دایرهٔ المعارف به شکل امروزی، ویژگی های خاص خود را دارد و یکی از مهم ترین آنها ویرایش است بخصوص در «دایرهٔ المعارف بزرگ اسلامی» به دلیل آن که مقاله ها از همان آغاز تألیفی بودند و نه ترجمه، ویرایش اهمیت خاصی داشت اما در «دایرهٔ المعارف جهان اسلام» از آنجا که از همان ابتدا مقاله ها ترجمه بودند بیش تر مقابله ومقایسه مطرح بود تا ویرایش، اگر چه هم اکنون در این دایرهٔ المعارف ها نیز ویرایش اهمیت خاصی یافته و مقالات یکدست شده اند. امروزه دایرهٔ المعارف هایی که در ایران نوشته می شوند از نظر مستندات از دایرهٔ المعارف های قدیم اروپا بهتر هستند زیرا در قدیم ویراستاران معتقد بودند که حق با نویسنده است و وقتی افراد بزرگ و برجسته ای مثل «نیکلسون» یا «بارتول» مقاله ای می نوشتند، کسی نمی توانست به آنها بگوید که مأخذتان را بیاورید تا استناد آنها را ببینیم، در حالی که در دایرهٔ المعارف های ما، ویراستاران از نویسندگان مقالات در هر مقام و مرتبه ای که باشند، مستندات را می خواهند البته ویرایش، گاه مشکلاتی را برای مقالات نویسندگان به وجود می آورد و این به دلیل آن است که اغلب مقاله ها با هر موضوعی که باشند از سوی ویراستارانی که اغلب ادبیات خوانده اند همان طور که مقالات ادبی را با ویژگی خاصی ویرایش می کنند، ویرایش می شود. همین امر باعث می شود که ما در اغلب دایرهٔ المعارف ها با تشابه واژه، تعابیر و مفاهیم روبه رو می شویم، این از مشکلاتی است که در حال حاضر در همه دایرهٔ المعارفها و بویژه در «دایرهٔ المعارف جهان اسلام» وجود دارد و ما نمی دانیم چه زمانی می توانیم این مشکلات را از بین ببریم.» رضازاده درباره مسیری که دانشنامه نویسی در ایران طی کرده است ،می گوید: «از آنجایی که در آن دوران زبان دیپلماسی اروپا فرانسه بود، اصحاب دایرهٔ المعارف به سرپرستی «دیدرو »می خواستند که با یک مجموعه ای که بیانگر اندیشه هایشان باشد حاکمیت خود را در اروپا (که در دوران

عصر روشنگری بود) به تحقق رسانند. ما دایرهٔ المعارف نویسی را از آنها گرفتیم و در واقع بخشی از اصول آنها را هم وارد کار خود کردیم. یکی از مشخصه های حائز اهمیت دایرهٔ المعارف استناد است. ما نمی توانیم به دور از استناد مقاله بنویسیم. به همین دلیل هم چون اغلب نویسندگان مقاله های ما، ایرانی هستند، در حقیقتً تخصص ما بیش از هر چیزی، نزدیک به خود ما و مسائل پیرامون ماست. برای مثال ما کسی را نداریم که درباره عرفان و تصوف در چین آن چنان دقیق و جامع و علمی بنویسد که مثلاً در مورد عرفان و تصوف ایران می نویسد. به این اعتبار، دایرهٔ المعارف هایی که در ایران نوشته می شوند فقط ۵ یا ۶درصد مقاله های آن در مورد مالزی، اندونزی، آلبانی و... است. بنابراین بیش تر مقاله های ما همان طور که آقای بجنوردی فرمودند، تاریخی است چون زمینه فرهنگی ما غنی است و ما در دایرهٔ المعارف می خواهیم همین ها را عرضه کنیم. برای مثال اساس تألیف دایرهٔ المعارف تشیع به دلیل اشتباهاتی بود که در دایرهٔ المعارف تشیع انگلیسی وجود داشت به عنوان نمونه مقاله ای را که درباره امام رضا(ع) نوشته شده بود براساس یکسری کج فهمی ها بود که بعدها خود آنها به آن اعتراف کردند. بنابراین همان طور سجادی و استاد فانی اشاره کردند، ما در یک فضای ذهنی تربیت شده ایم و با همان فضای ذهنی هم می نویسیم به همین دلیل مقاله ما درباره ابوالعلای معری با مقاله ای که یک عرب درباره او می نویسد فرق می کند و باید هم چنین باشد یا مقاله حافظ که یک نویسنده عرب می نویسد، با مقاله ای که در دانشنامه ادب فارسی یا دانشنامه ایرانیکا درباره حافظ نوشته می شود بی شک باید فرق کند؛ چرا که در این دایرهٔ المعارف ها با ذهنیت ایرانی نوشته می شود. من می خواهم بگویم که دایرهٔ المعارف های ما تأثیر خوبی در خارج از ایران داشته اند.

چگونگی عرضه آثار : تخصص ویژه رضا رضا زاده لنگرودی پژوهش در دوره ایلخانیان و متخصص تاریخ نگاری ترکمانان است و در این باره با دو گرایش تاریخ روایی و تاریخ تحلیلی تألیف کرده است.در کنار این گرایش، لنگرودی سال هاست که بر جنبش های اجتماعی در ایران پس از اسلام تمرکز کرده و اثر مهمی نیز با همین عنوان نوشته است.اثری در۲ جلد، که جلد نخست آن از سوی انتشارات طهوری چاپ و منتشر شده است. کتاب «جنبش های اجتماعی در ایران پس از اسلام» است. لنگرودی در مقام ریاست بخش تاریخ بنیاد دایره المعارف اسلامی و دانشنامه جهان اسلام،علاوه بر نظارت بر سفارش و نگارش مدخل های این حوزه،خود نیز به کار نگارش مقالات ارزنده ای در آن پرداخته و تحقیقات خود را در قالب مدخل های دایرهٔ المعارف دنبال کرده است. از آن جمله، نگارش مدخل های آتسز،آزاد، بلگرامی،آسین پالاسیوس،آق قویونلو،آل اخشید،آماری،ابن اثیر، ابوالحسن، ابوبکر طهرانی، استادسیس و ... وی در طنز نیز دستی توانا داشت. طنز او در طعنه بر نابه سامانی ها بود و هجو او در افشای نابرابری های اجتماعی. رضازاده لنگرودی اکنون مدتی است که بر روی «جنبش های دینی ـ اجتماعی خراسان در قرن دوم» مطالعات وسیعی را آغاز کرده و اثری با همین عنوان هم به نگارش در آورده است. رضا رضازاده لنگرودی در میان تاریخ نویسان هم نسل خویش با نگاه دانشنامه نویسی و در نتیجه تکیه بر منابع موثق و پرهیز از دیدگاه های شخصی و فراهم آوردن منابعی برای نگرش های تطبیقی در تاریخ، از دیگران تفکیک می شود. بویژه در دوره ای که تاریخ نگاری جولانگاه تاریخ نگاران غیر متعهد شده است. رضا رضازاده لنگرودی، با دانشنامه های دیگری از جمله دانشنامه های مرتبط با یک منطقه نیز همکاری می کند و مدخل هایی برای آنان نیز می نویسد.از جمله مدخل کاشان برای دانشنامه کاشان ---

آثار :

۱ جنبش های اجتماعی در ایران پس از اسلام

ویژگی اثر : تالیف، ۲ جلد. لنگرودی سال هاست که بر جنبش های اجتماعی در ایران پس از اسلام تمرکز کرده و اثر مهمی نیز با همین عنوان نوشته است.اثری در ?جلد، که جلد نخست آن از سوی انتشارات فرهنگ نشر نو چاپ و منتشر شده است. کتاب «جنبش های اجتماعی در ایران پس از اسلام» گرچه در قالب مجموعه مقالات لنگرودی انتشار یافته، اما وحدت ذهنی او در پیگیری گرایش تاریخی اش، اتحاد و وحدت اثرش را به خوبی حفظ کرده و از کتاب جنبش های اجتماعی در ایران پس از اسلام اثری قابل ارجاع ساخته است.اما این کتاب خیلی زود در محافل فرهنگی و حوزه نقد کتاب به عنوان اثری مهم و اثرگذار شناخته شد و لنگرودی را ترغیب به نگارش جلد بعدی این مجموعه کرد: «جلد دوم این کتاب هم ادامه جنبش هایی است که در تاریخ ایران شکل گرفته اند، یعنی جنبش نومزدکیان و بردگان زنج است، بعد جنبش زندیه است، جنبش برده داران و جنبش نقطویه...»

۲ جنبش های دینی ـ اجتماعی خراسان در قرن دوم

۳ مدخل کاشان برای دانشنامه کاشان

ویژگی اثر : او این مقاله را با تشریح وضعیت کاشان در دوره پیش از تاریخ آغاز می کند. آگاهی های ما از روزگاران پیش از تاریخ کاشان، مبتنی بر کاوش های باستانشناسی تپه سیلک است که نیز نخستین بار در طول سالهای ۷-۱۹۳۳ به دست رومن گیرشمن فرانسوی انجام گرفت. نگارنده براساس آثار یافت شده در حفاری ها صورت گرفته به بررسی ویژگی های تمدن کهن سیلک و پیوندهای سیلک با خارج و تأثیرهای خارجی بر آن می پردازد و با توجه به یافته های باستانشناسان در گورستان های سیلک، گونه های انسان شناختی سیلک را بررسی می کند. در فاصله زمانی پس از تمدن سیلک تا دوران ساسانی، بویژه در صدر اسلام، اطلاعی از مردم سیلک و دیگر آبادی های کاشان در منابع موجود در دست نیست. ولی در پژوهش های پراکنده نشان داده شده است که جوامع گوناگونی در دوره های مختلف تاریخی در دشت کاشان، و بویژه در نواحی کوهستانی غرب و جنوب، سکونت داشته اند. بقایای آتشکده های نیاسر، نطنز، خرمدشت و... گویای وجود مراکز زیستی در دوران ساسانی در این منطقه است. رضازاده لنگرودی در ادامه به وضع کاشان در دوره پس از اسلام می پردازد و از جمله، فرضیه های مختلف درباره نامگذاری کاشان را عنوان می کند.

۴ یاد پاینده

ویژگی اثر : شامل مجموعه ?? گفتار پژوهشی در قالب یادنامه محمود پاینده و... لنگرودی به زنده نگاه داشتن نام نیکان نیز اعتقاد

ویژه دارد و بر مبنای همین اعتقاد است که مجموعه یادنامه پاینده را تدوین کرده و درباره او می گوید:«پاینده از شاعران خوش قریحه گیلکی و فارسی بود. شعر کهن و نو را خوب می شناخت و در قصیده و غزل و رباعی و دوبیتی اشعاری سروده است. اما شیوه نیمایی را بیشتر می پسندید. به اعتقاد او «شعر باید نکاتی به خواننده بیاموزد و شاعر پیش از مردم همراه و همگام آنان باشد تا هنر شعرش در زمینه مردم مؤثر باشد. » اشعار فارسی پاینده که بیش تر مضمون اجتماعی دارند، در عین زیبایی، عامه پسند و عاری از تعقیدات لفظی است. اشعار گیلکی او شیوا، سلیس و آکنده از مضامین دلنشین مردم پسند است. افزون بر زبان تعرض به بی عدالتی های زمانه، در زبان وصف نیز توانا بود، اما نه در وصف هلال ماه و تشبیه آن به ابروی دلدار بلکه وصف پریشانی های فرزندان تیره بخت روزگار.

۵ یادگارنامه فخرایی

ویژگی اثر : ترانه هایی از اشکور بالا-عنوان مقاله کاظم السادات اشکوری در کتاب یادگارنامه فخرایی است که زیر نظر دکتر رضازاده انتشار یافته است.

منابع زندگینامه :

http://www.iran-newspaper.com/۱۳۸۵/۸۵۱۱۲۸/html/mehr.htm۱، روزنامه مهرگان صفحه مهرگان ۲۸-۱۱-۱۳۸۵

رضاعی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۳ ش)، نویسنده، پزشک و استاد دانشگاه. پس از تحصیلات متوسطه در دارالفنون و تحصیلات عالی در مدرسه‌ی طب در سال ۱۳۰۸ ش با دانشجویان اعزامی به اروپا رهسپار و در دانشکده‌ی تولوز به تحصیل اشتغال ورزید. در سال ۱۳۱۲ ش به عنوان کارورز افتخاری در بیمارستانهای براکویل به کارآموزی مشغول شد و رساله‌ی خود را در باب ضعف نیروی حیاتی و افکار هذیانی تهیه کرد و از تصویب هیات قضاوت گذراند. بعد در کلاسهای روانشناسی بخش بیماریهای اعصاب کارآموزی کرد. و کلاس مالاریا را دیده به ایران بازگشت. و مشاغل مختلفی را عهده‌دار بود؛ از جمله پزشک تیمارستان، معاون فنی تیمارستان و استاد کرسی بیماریهای روانی. از آثار وی: «بیماریهای مغز و روان»؛ «خط معمول و میزان تکامل خط فارسی»؛ «سر نوشتهای جنون‌زا».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۷۴۷ -۷۴۶ /۲).

رضانژاد، عزالدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عزالدین رضانژاد امیردهی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

عزالدین رضا نژاد امیر دهی در سال ۱۳۳۹ در شهر بابل به دنیا آمد. او پس از اتمام تحصیلات ابتدائی به تحصیل علوم حوزوی پرداخت،ابتدا در حوزه علمیه حاج سیف الله امیری در پادشاه امیر در بخش بند پی شرقی (روستای سید نظام الدین و حوزه شهید محمدحسن امیری فعلی) و سپس در سال تحصیلی ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه صدر بابل (حوزه ی خاتم الانبیاء - فعلی) شد، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ رهسپار حوزه علمیه قم گردیدو با موفقیت در امتحانات کلیه پایه های دروه های سطح، در سال ۱۳۶۴ دروس خارج فقه و اصول را آغاز کرده، پس از اتمام شش سال درس خارج فقه و اصول و سه بار شرکت در مصاحبه دروس خارج، در سال ۱۳۷۲ از رساله علمی و تحقیقی سطح چهار حوزه در موضوع (صلاه الجمعه دراسه فقهیه و تاریخیه) دفاع کرد. وی علاوه بر گذراندن دروس رایج حوزه های علمیه عالی قم به آموزش های کاربردی و تحقیقی دیگر روی آورد از همین رو، با گذراندن دوره مکالمه، خطابه و انشاء عربی در واحد آموزش عربی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم زیر نظر اساتید متخصص به اخذ پایان نامه اتمام دوره آموزش زبان عربی در تاریخ ۲۵/۱۱/۱۳۶۳ نایل گردید. در ادامه فعالیت آموزش زبانی ، زبان انگلیسی را زیر نظر مرکز زبانهای خارجی دانشگاه تهران و نیروی هوایی جمهوری اسلامی و مرکز زبانهای خارجی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم با موفقیت به پایان رسانید و در تاریخ ۲۹/۱/۱۳۶۶ گواهینامه اتمام دوره عالی زبان انگلیسی را از سوی مراکز مذکور دریافت کرد از سال ۱۳۶۶ با همکاری مرکز تحقیقات شهید محلاتی (دانشکده سپاه قم) آثاری به صورت

تالیف کتب درسی منتشر کرد ،از سال تحصیلی ۱۳۷۱ ـ ۱۳۷۰ با شرکت در رشته تخصصی کلام اسلامی و پایان بردن دوره چهارساله آن جهت اخذ مدرک دکتری در کلام اسلامی و با عنایت به مصوبه ۳۶۸ تاریخ ۳/۱۱/۱۳۷۴ به تدوین پایان نامه در موضع" برهان وجودی برای اثبات وجود خدا "پرداخت و بعد از فارغ التحصیل شدن در این رشته به تدریس و تحقیق و تالیف مباحث کلام اسلامی و فرقه های مذهبی و شرکت در نشست های علمی پرداخت. هم اینک، عضو هیأت علمی مرکز جهانی علوم اسلامی با سمت استاد یاری ، مدیر کل « برنامه ریزی و تدوین متون درسی» مرکز مذکور ، به تدریس و پژوهش می پردازد. وی تاکنون بیش از چهل رساله علمی در سطح سه (کارشناسی ارشد) و چهار (دکتری) را راهنمایی ، مشاوره و داوری کرده است.

رضانیا، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید رضانیا

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی سال ۱۳۴۴شمسی در یک خانواده معمولی در شیراز متولد شدم. مادرم از نوادگان مجاهد نستوه آیت الله سید علی اکبر فال اسیری اعلی الله مقامه – از پیشگامان نهضت تنباکو در فارس و از همرزمان مرحوم میرزای شیرازی بزرگ رحمت الله علیه – بود، همچنین پدرم انسانی روشن بین و از نوادگان ملا واعظ شیرازی که او نیز از نیاکان زمان خود به شمار می رفت، بود، مرحوم پدرم در مسیر زندگی خود مبارزه با ظلم دستگاه طاغوت و تلاش در گسترش عدالت را سیره عملی خود قرار داده بود و در این راه سالیانی از زندگانی خود را در بند دژخیمان ستم شاهی سپری کرد و به همین سبب کانون خانواده ام همواره برخوردار از روشنگری و کاوش در مسیر کشف حقیقت بوده است.شروع دوران تحصیلات متوسطه ام مصادف بود با آغاز نهضت بزرگ اسلام مردم ایران، که در کنار دیگر دوستانم در اتحادیه انجمن های اسلامی مدارس شیراز که امروزه بسیاری از ایشان مدال پر افتخار شهادت را به گردن آویخته اند به فعالیت های فرهنگی و اعتقادی روی آوردم، دقیقا پس از اولین تجربه ام در جبهه های جنگ که مصادف با سوم خرداد ۱۳۶۱ و آزاد سازی خرمشهر بود که علاقه وافر و آرزوی بزرگم یعنی فراگیری علوم اسلامی تحقق عملی پیدا کرد و در حوزه شیراز و در مدرسه قوام به تحصیل مشغول شدم ولی چون با فوت پدرم مصادف شد پس از اتمام دوره دبیرستان با انصراف از قبولی در دانشگاه، به حوزه مشهد و مدرسه استاد آیت الله موسوی نژاد عزیمت کردم که در آنجا ضمن خوشه چینی از خرمن اساتید آن دیار در جوار ملکوتی آستان قدس رضوی علیه السلام بهره مند شدم که از این میان اساتید بزرگواری چون آیت الله مروارید، آیت الله میرزا جواد تهرانی، آیت الله فلسفی ، عارف بزرگ استاد مولوی افغانی و نیز برخی از شاگردان مرحوم رجبعلی خیاط را می توان یاد کرد.همچنین سطوح عالیه و دروس خارج را در قم در محضر آیات عظام و اساتید بزرگواری چون وحید خراسانی، تبریزی ، فاضل لنکرانی، نوری همدانی، مکارم شیرازی، سبحانی، خاتم یزدی، جوادی آملی، لاریجانی، پایانی، اعتمادی و وجدانی فرا گرفتم. در بخش دانشگاهی؛ در رشته علوم تربیتی مدیریت آموزش تا مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد پیوسته رشته الهیات و معارف اسلامی از موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی با اشراف استاد فرزانه آیت الله مصباح یزدی، کارشناسی ارشد ناپیوسته فلسفه و کلام را از دانشگاه باقر العلوم (ع) و تحصیل در مقطع دکترا رشته فلسفه که ادامه دارد. الان در خارج مشغول به تحصیل در مقطع دکتری هستم و در چند سمینار نیز شرکت داشته ام .

رضانیا، ذبیح الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ذبیح الله رضانیا

محل تولد : آباده

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ذبیح الله رضانیا درتاریخ ۱۳۳۲متولد شده و پس ازگذراندن تحصیلات کلاسیک وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از اتمام مقدمات وارد دروس خارج شده و از محضر اساتید وحضرات آیات عظام آیت الله مکارم شیرازی ،سبحانی، ربانی گلپایگانی،مومن ....کسب فیض نمودم. همچنین در رشته تخصصی کلام درحال نوشتن پایان نامه می باشم. علاوه بر تحصیل به تألیف نیز پرداخته ام که درقسمت آثار آمده است.

رضای اصفهانی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. از سادات اصفهان و معروف به نمک خوان اصفهان بود. اما در تذکره‌ها اشعار اصحاب مدخل را با اشعار میرزا سید رضای اصفهانی خلط شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۹۹ -۲۹۸)، الذریعه (۳۶۴/۹)، صبح گلشن (۱۷۶)، فرهنگ سخنوران (۳۷۹).

رضای اصفهانی، ابوالمجد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر. وی از نوادگان محمدباقر اصفهانی صاحب کتاب «الایراد و الاصدار» بود که در اصفهان متولد شد و بنا به قول صاحب «الذریعه» از وی «دیوان» شعری با اشعار عربی و فارسی به جای مانده که خود شاعر تدوین کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۶۳/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۷۹).

رضای الهی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فضل الله رضای الهی در سال ۱۳۰۲ در شهر اصفهان بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته جامعه شناسی از کشور فرانسه است. استاد هم اکنون پس از تدریس در دانشگاههای مختلف ایران و بازنشستگی مدت ۱۴ سال است که با دانشگاه آزاد اسلامی همکاری دارند .گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : فضل الله رضای الهی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را تا اخذ دیپلم ادبی در اصفهان سپری نمودند در سال ۱۳۳۳ موفق به اخذ درجه کارشناسی رشته ادبیات از دانشگاه تهران شد. ایشان چندین سال در کسوت معلمی به دبیری دبیرستانهای تهران اشتغال داشتند. شوق تحصیل دسترسی بمدارج بالا تر موجب شد که در کنکور کارشناسی ارشد شرکت نمودند و در سال ۱۳۴۲ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی گردید.دکتر رضای الهی مدرک دکتری رشته جامعه شناسی را از کشور فرانسه دریافت کرده است.همسر و فرزندان : فضل الله رضای الهی متاهل و دارای سه فرزند می باشد.وقایع میانسالی : فضل الله رضا الهی پس از دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی در دانشگاه شهید چمران (جندی شاپور) مشغول به تدریس و تحقیق شدند.و پس از اخذ درجه دکتری رشته فوق از کشور فرانسه به ایران بازگشتند و همچنان در دانشگاههای مختلف به تدریس و تحقیق مشغول می باشند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فضل الله رضای الهی عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه آزاد واحد تهران شمال می باشد.

رضای تبریزی، محمدرضا

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۳۴ ق)، شاعر. اهل تبریز بود و از پسرعموهای مرحوم محمدحسین چلبی است که در عباس‌آباد اصفهان سکنی داشت. محمدرضا در اوایل جوانی همراه پدر خود به روم رفت و به حسب قابلیت و قسمت پاشای مصر شد و بعد از آن پاشای حبشه شد و از آنجا به مکه رفت و در آنجا ماند تا فوت کرد. وی در سرودن شعر توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۴۴/۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۶۹)، دانشمندان آذربایجان (۳۳۱)، الذریعه (۳۶۴/۹)، صبح گلشن (۱۷۴، ۳۷۸)، فرهنگ سخنوران (۳۸۰).

رضای جوینی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. در زمان سلطنت شاه عباس دوم می‌زیست. معروف به سارو خواجه، در جوین از اعمال قزوین متولد شد. وی وزیر ذوالفقار خان حاکم آذربایجان بود و بعد از کشته شدن ذوالفقار خان، محمدرضا به وزارت کل آذربایجان منصوب شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۹۷)، الذریعه (۳۶۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۸۰).

رضای حسینی اصفهانی، رضا

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. از سادات حسینی اصفهان و معاصر شاه سلطان حسین صفوی بود. در کمال زهد و تقوی و بسیار خوش صحبت بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۴۴ -۹۴۳ /۳)، الذریعه (۳۶۴ -۳۶۳ /۹)، فرهنگ سخنوران (۳۸۰ -۳۷۹).

رضای خوانساری، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از مردم خوانسار و مردی درویش و درویشی خاموش بود در نهایت بیچارگی قریب هشتاد سال عمر کرد. با شعرای قدیم صحبت بسیار داشت از کارگری امرار معاش می‌کرد طبعش خالی از کیفیت نبود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای خوانسار (۱۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۸۱)، الذریعه (۳۶۵/۹)، صبح گلشن (۱۷۵ -۱۷۴)، فرهنگ سخنوران (۳۸۰).

رضای فارسی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از فضلا و حکما عصر خود بود. در زمان اکبرشاه به هند مسافرت کرد و همان جا فوت شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۷۶)، تذکره‌ی روز روشن (۲۹۶)، الذریعه (۳۶۶/۹)، ریاض العارفین (۱۹۵)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۶۷/۲)، فرهنگ سخنوران (۳۸۱)، کاروان هند (۴۴۵ -۴۴۴ /۱)، مرآت الفصاحه (۲۳۸ -۲۳۷).

رضای قزوینی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اهل قزوین و در زمان شاه عباس اول می‌زیست و از مقربان وی بود. از اشعار اوست:

آنم که ضعیف و خسته تن می‌آیم

جان بسته به تار پیرهن می‌آیم

مانند غباری که به پیچد بر باد

پیچیده به آه خویشتن می‌آیم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۶۶/۹)، صبح گلشن (۱۷۶)، فرهنگ سخنوران (۳۸۲).

رضای قمشه‌ای، احمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۸۱ ق)، شاعر. وی از نجبای آن ولایت است و وکیل و همه کاره عالی حضرت میرزا حسن بن خلیفه سلطان بود. در فن معما و شعر و انشاء بهره کافی داشت. به دلیل داشتن اخلاق حسنه در میان مردم دور و نزدیک و ترک و تاجیک محبوبیت زیادی

پیدا کرد. دو سال قبل از تالیف «تذکره‌ی نصرآبادی» درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۲۹)، الذریعه (۳۶۷/۹)، صبح گلشن (۱۷۶)، فرهنگ سخنوران (۳۸۲).

رضای کازرونی، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. ملقب به صدرالسادات. نسب وی با هیجده واسطه به امام جعفر صادق (ع) می‌رسد. اهل کازرون بود. چندی در عتبات عالیات زندگی کرد. مدت دو سال در تهران قرین عنایت محمدعلی شاه قاجار بود و یک سال در اصفهان توقف کرد. و چندی در حجاز و هندوستان و خراسان به سر برد و بیشتر زندگی خود را در شیراز گذراند. صاحب «تذکره مرآت الفصاحه» مکرر او را ملاقات نموده. از آثار وی: «آثار الرضا»؛ «دیوان»، شعری که از آن اطلاعی در دست نیست که به قول خود صدرالسادات موجود بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۳۸۲)، مرآت الفصاحه (۲۴۳ -۲۳۹).

رضای لاهیجانی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. اهل لاهیجان و شکرشکن و شیرین بیان بود. در زمان استیلای افاغنه بر اصفهان فوت کرد. از اشعار اوست:

بیابان بلا خاری ندارد

که از دامان من تاری ندارد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۹۸)، الذریعه (۳۶۷/۹)، صبح گلشن (۱۷۵)، فرهنگ سخنوران (۳۸۲).

رضای مشهدی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. از احوال وی اطلاع زیدی در دست نیست. وی شعر می‌گفت اشعار او را سوختی دارد مثل ملا وحشی که بسیار گرم گفته. به هند مسافرت کرد و بعضی از غزلهای ناصر علی را جواب گفته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شام غریبان (۹۶)، کاروان هند (۴۴۵/۱).

رضای ملایری، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر، متخلص به رضا. در ملایر متولد شد. مدت عمر خویش را به مشاغل دولتی در اغلب شهرستانهای ایران بخصوص تهران و اصفهان به سر برد. در شعر دارای طبع متوسطی است و گاهی از سر ذوق شعر می‌سراید. از اوست:

شد هوا چون نافه چین عنبرین آمد بهار

ماه فروردین چه نوروز برین آمد بهار

خوش هوای دلکش است و باد نوروزی وزد

با صفای اصفهان خلد برین آمد بهار

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۸۶ -۴۸۵).

رضای نوربخش، رضا

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. خوش صحبت و نیکو قریحه بود. نسبت او به سلسله‌ی نور بخشیه می‌رسد. به وفور کمالات آراسته بود و در بازی شطرنج مهارت زیادی داشت. امیر شاه گاهی شعری نیز می‌گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۶۵/۹)، صبح گلشن (۱۷۷)، فرهنگ سخنوران (۳۸۳ -۳۸۲)، هفت اقلیم (۴۸/۳).

رضایی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۳۸ ق)، شاعر. وی مثنوی در داستان دخمه‌ی انوشیروان و الواح زرین دارد به نام «ابوشیروان نامه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۸۲۶/۲)، منظومه‌های فارسی (۲۷۷).

رضایی آدریانی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی رضایی آدریانی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۵وارد حوزه علمیه قم شدم و از سال ۱۳۷۲در کلاس های مرکز تربیت کودک و نوجوان دفتر تبلیغات شرکت کردم. در سال ۷۴وارد گروه نقد کتاب کودک گردیدم و یکسال در این گروه فعالیت کردم و در ضمن آن در کلاس استاد حسین فتاحی شرکت کردم.

در سال ۱۳۷۵۱۳۷۶هم یکسال کلاس داستان نویسی نادر ابراهیمی شرکت کردم واز سال ۱۳۷۵تا سال ۱۳۷۷در برنامه آموزشی نقد فیلم زیر نظر حوزه هنری تهران در قم شرکت کردم که زمینه علاقمندی به مباحث سینما را فراهم کرد و در هم اندیشی سینما از نگاه دین یک مقاله ارائه کردم.

از سال ۱۳۷۸وارد کلاسهای نقد و فیلمنامه نویسی خانه هنر دوره اول شدم و از سال ۱۳۸۱مسئول اجرائی گروه های فیلمنامه نویسی اداره کل خدمات رسانه ای گردیدم .سال ۱۳۸۴ وارد دانشکده صدا وسیما گردیدم و در رشته تهیه کنندگی مشغول تحصیل هستم.در ضمن از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۵به صورت موردی همکاری مشاوره ای طرح و فیلمنامه با موسسه راویان فتح وابسته به لشگر هفده علی بن ابیطالب داشتم

رضایی آدریانی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضایی آدریانی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۵۰ در نجف اشرف، از سال ۱۳۵۸ ساکن در قم علمی/حوزوی : از سال ۱۳۶۵ پس از پایان سیکل وارد حوزه علمیه قم شده در مدرسه المهدی(عج) وابسته به حضرت آیت الله گلپایگانی تا اواسط سطح در این مدرسه بوده و از آن پس سطح را در مدرسه آیت الله گلپایگانی(روبروی شهرداری سابق) در محضر اساتیدی همچون عندلیب همدانی(فقه) موسوی تهرانی، حسینی خراسانی، علوی بروجردی، نظری منفرد (اصول) را گذرانده و از سال ۷۹ در درس خارج آیات عظام مرحوم آقای تبریزی(فقه) و آیت الله العظمی وحید خراسانی(اصول) شرکت نموده و یکسال هم(۸۴) در مدرسه فقهی آیت الله وحید خراسانی (مدرسه امام باقر در کوچه سپاه) به مباحث تخصصی اصول پرداخته....

از سال ۷۰ به موازات شروع تبلیغ و احساس آشنایی تخصصی با تبلیغ برای نونهالان وارد مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان شده و ۲–۳ سالی را به تحصیل، تحقیق و تألیف های داخلی آن مرکز پرداختم به گونه ای که یکی از چهره های علمی آن مرکز بودم.

پس از آن به موازات راه اندازی سمینارهای هم اندیشی سینما و دین از سوی حوزه هنری سازمان تبلیغات به مدّت ۲ سال به آشنایی و پژوهش در حوزه فیلم و هنر و هنر دینی پرداخته و وارد عرصه فعّالیّت های هنری و رسانه ای گردیده، به طوری که پس از حوزه هنری و پایان سمینارهای هم اندیشی، به همکاری با مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما در قم پرداخته و در دو حوزه آثار تاریخی تلویزیونی و آثار مذهبی و دینی تلوزیونی به پژوهش / نقد و یا مشاوره پرداختم که اهم فعّالیّت های این دوران چنین است:

پژوهش های گسترده درباره عاشورا و امام حسین(ع) ، جهت سریال امام حسین(ع) نقد و بررسی سریال ولایت عشق نقد و بررسی سریال مختار پژوهشگر سیره نبوی جهت مجموعه تلوزیونی آیینه(۱۸۰ قسمتی جهت معرفی سیره نبوی در شبکه ۱ سیما) طراح مستندهای عاشورایی حضور و میزگردهای بازشناسی حرکت امام حسین(ویژه دهه محرم ۸۵ از شبکه ۱ سیما) کارشناسی علمی و همراه کاروان عاشورائی شبکه ۱(ویژه محرم ۸۵ که فرهنگ های عزاداری ۱۰ شهر را به تصویر کشید.)

از سال ۸۰ به مناسبت مطالعه و پژوهش درباره فرقه ماتریدیه از فرق کلامی اهل سنت و در خواست مرکز جهانی یک دوره کلام اهل سنت را به صورت مقارن برای طلاب اهل سنت مدرسه امام خمینی(ره) تدریس نموده و از آن پس ۲ سال هم کلام شیعی را تدریس نموده ام.

از سال ۸۰ با ورود به مرکز تخصصی مهدویت و تحصیل در آنجا و سپس در پژوهشکده مهدویت(مؤسسه آینده روشن) به فعالیت های گوناگون علمی پژوهشی و رسانه ای پرداخته ام که شرح مهمترین آنها چنین است:

معاونت هنری مرکز تخصصی مهدویت(در زمان کوتاه – نیم سال)

سردبیری نشریه انتظار نوجوان

کارشناس و مشاور هنری موسسه آینده روشن، کارشناس مستند تلوزیونی: ساحل بیکران،

کارشناس و مشاور بخش هنری: دومین همایش بین المللی دکترین مهدویت

طراح و مدیریت پروژه کتابهای ۶ جلدی به دنیای قشنگتر ویژه کودکان

رضایی تبریزی، علیرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۸ ق)، شاعر، متخلص به رضایی. چون لقب پدرش وقایع‌نگار بود، رضایی را وقایعی لقب دادند. گفته‌اند وی «دیوان» شعری داشته شامل قصاید عربی و فارسی و رباعیات و غزلیات و معما و تواریخ و دیگر انواع شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۶۹/۹).

رضایی تته‌ای، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به رضایی. از آثار وی: منوظمه «زیبا و نگار» که در ۵۵۰۰ بیت به بحر هزج مسدس به سال ۱۰۵۳ ق سروده است. این منظومه در واقع تحریر و روایتی دیگر از افسانه معروف هندی «سسی و پنون» می‌باشد. نام دیگر منظومه «زیبا و نگار»، «گل باغ» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :مجله‌ی سخن (دوره ۶، ص ۳۸ –۳۴)، منظومه‌های فارسی (۲۷۹ –۲۷۷).

رضایی راد، محمدابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدابراهیم رضایی راد

محل تولد : لنگرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۴/۷/۷

زندگینامه علمی

اینجانب محمد ابراهیم رضائی راد فرزند صفرعلی در تاریخ هفتم مهر سال ۱۳۰۴ شمسی در روستایی فتیده از قراء شهرستان لنگرود دیده به جهان گشودم پس از گذشت دوران طفولیت در مکتب خانه های آن روز قرآن مجید و برخی کتب فارسی از جمله نصاب الصبیان را فرا گرفتم. نظر به علاقه ای که به علوم دینی داشتم پس از گذشت چند سالی همراه آقای امینیان و شیخ رضا محمدی درس امثله را نزد مرحوم سید محمد باقر بنی سعید قاضی محله آغاز کردم و بدلیل عدم وجود حوزه علمیه در گیلان جهت تکمیل دروس دینی به قم عزیمت نمودم. درست در روز چهاردهم فروردین ۱۳۲۳ شمسی در حالی که هجده بهار از عمرم گذشته بود بار سفر را به قم بستم. در آن زمان حوزه توسط چهارتن از آیات عظام ، آیت الله سید محمد تقی خوانساری ، آیت الله صدر، آیت الله حجت ، و آیت الله فیض قمی اداره می شد .از آنجا که مصمم بودم که به لباس روحانیت درآیم لذا پس از گذشت چندماه به اتفاق چند تن از دوستان در منزل یکی از روحانیون گیلان مقیم قم با شرکت چند تن از فضلاء از جمله آیت الله سید موسی صدر مراسم ملبس شدن به لباس روحانیت را بر گزار کردیم. پس از طی مقدمات شرح لمعه نزد آیهٔ الله صدوقی شهید محراب رسائل را نزد آیهٔ الله مشکینی (ره)، مکاسب را نزد آیهٔ الله العظمی نجفی مرعشی ، کفایه را نزد آیهٔ الله منتظری ، آیهٔ الله فکور و آیهٔ الله زاهدی قمی فرا گرفتم. سپس به درس خارج فقه و اصول ارتقاء یافتم درس فلسفه و اسفار و تفسیر رانزد آیهٔ الله طباطبایی ، منظومه را نزد آیهٔ الله رضا صدر، خارج اصول و مباحث الفاظ را از محضر آیت الله خمینی(ره) و امارات را از محضر آیهٔ الله العظمی بروجردی(ره) و فقه را از محضر معظم له و آیت الله شیخ عباسعلی شاهرودی استفاده نمودم و ضمن آن به تدریس دروس مقدمات ، حاشیه ، سیوطی ، مطول ، معانی و بیان اشتغال داشتم و برخی از مباحث در سال را به طور خصوصی برای بعضی از طلبه ها تدریس می کردم .

رضایی رشتی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اهل رشت و دارای طبع شوخی بود. شعر بسیار دارد به هجو تمایل داشت. از اشعار اوست:

گه از بنفشه خرابم کند گه از سنبل

ندانم این چمن‌آرا چه مدعا دارد

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۷۸)، الذریعه (۳۶۹/۹).

رضایی کاشانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۵ ق)، شاعر، کاتب، معروف به قاری روزمره. وی از کاشان بود با عرفی و غیرتی شیرازی و عارف لاهیجی و اوحدی بلیانی معاصر بود. وی را چون حروف را از مخرج ادا می‌کرده، قاری می‌خوانده‌اند. وی گویا روزگار به کتابت می‌گذرانیده و مردی نکته‌سنج بوده از وطن خود به خراسان سفر کرد در فتنه ازبکان به قتل رسید.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۸۰۱، ۵۱۵/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۵۳۷ -۵۳۶)، الذریعه (۳۷۰ -۳۶۹ /۹)، ریحانه (۳۱۳/۲)، صبح گلشن (۱۷۷)، فرهنگ سخنوران (۳۸۴)، مجمع الخواص (۳۱۰)، مکتب وقوع (۱۵۴ -۱۳۸)، هفت اقلیم (۴۷۶ -۴۷۴ /۲).

رضایی مشهدی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به رضایی. در زمان سلطنت علی عادلشاه بیجاپوری از جمله‌ی ملازمان وی بود. بعد از کشته شدن عادلشاه، رضایی مرثیه و تاریخ شهادت آن شاه را در سلک نظم کشیده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کاروان هند (۴۴۶/۱).

رضایی موسوی، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جعفر رضایی موسوی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید جعفر رضائی موسوی در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه مشهد مقدس شدم . بعد از گذراندن مباحث مقدماتی (ادبیات ، منطق ، معانی بیان و ...) در مدرسه الحجه و در خدمت اساتید حوزه علمیه مشهد تلمذ نمودم.از جمله اساتید بنده ، آیت الله فلسفی ، مرتضوی و مهدی مروارید می باشند . در سال ۱۳۷۲ برای ادامه تحصیلات به حوزه علمیه قم آمدم و در بحث خارج آیت الله وحید خراسانی حضور داشتم .

رضایی نوری مازندرانی، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. اجدادش از اوایل عهد صفویه حکام مازندران بودند و پدرش وزیر خراسان بود. وی معتمدالدوله را مدح می گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۷۰/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۸۴).

رضایی، باسمه

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

باسمهٔ رضایی در سال ۱۳۳۵ در بغداد به دنیا آمد.ایشان دارای مدرک کارشناسی ارشد رشته کتابداری می باشد. نامبرده هم اکنون در دانشگاههای تهران و آزاد اسلامی به تدریس مشغول است. کتاب " ردهٔ PJA ادبیات فارسی "تالیف باسمه رضایی ، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانی رشته : کتابداری تحصیلات رسمی و حرفه ای : باسمه رضایی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه المستنصریه بغداد شد و در رشتهٔ کتابداری و اطلاع رسانی به اخذ درجه فوق دیپلم نایل گردید. از آن پس در ایران و در رشتهٔ فوق ادامه تحصیل داد و کارشناسی ارشد خود را با رتبهٔ ممتاز از دانشگاه تهران دریافت داشت.فعالیتهای آموزشی : باسمه رضایی از سال ۱۳۶۳ در کتابخانه دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی مشغول به کار است و از سال ۱۳۷۳ سرپرستی همان کتابخانه را به عهده دارد. همچنین چند سال در دانشگاه آزاد تدریس کرد و در حال حاضر در دانشگاه تهران مشغول به تدریس است.جوائز و نشانها : کتاب " ردهٔ PJA ادبیات فارسی "تالیف باسمه رضایی ، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.آثار : رده PJA ادبیات فارسی ویژگی اثر : تالیف،این کتاب در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب «رده PJA ادبیات فارسی»: رده PJA ادبیات فارسی، تنظیم و تدوین باسمه رضایی، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۴. قرنهاست که در ایران، زبان عربی گذشته از پیوند هزار و چهارصد ساله اش با فارسی، زبان دوم ما محسوب می شود، زیرا زبان قرآن و نماز و دین ماست. بنابراین زبان و ادبیات عربی اختصاص به شبه جزیره عربستان ندارد. دانشمندان ایرانی در جهت پرورش و رشد این زبان بسیار کوشیده اند. وجود مجموعه های غنی ادبیات عربی در ایران و سازماندهی این مجموعه ها، تهیه گسترش ادبیات عربی را ضروری می نمود. هدف از این گسترش، ایجاد طرح نوینی بوده است که با رعایت اصول ضوابط رده بندی کنگره، به نیازهای موجود در کشور و کشورهای عربی پاسخ گوید. کتاب، موضوعی و الفبایی است و شیوه تنظیم آن بسیار منسجم و هماهنگ است. نمایه الفبایی دقیق و جامعی دارد که با ارجاع به مدخلهای متن، بازیابی اطلاعات تسهیل می شود. از امتیازات خاص این کتاب آن که، این رده پس از کاربرد آن در کتابخانه ملی صورت گرفته و براساس نمونه های علمی، توسعه یافته و تکمیل شده است .

رضایی، حسن رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن رضا رضایی زرندینی

محل تولد : زرندین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه امام صادق نکاء (مازندران) شدم و زیر نظر حضرت آیهٔ الله صادقی گلدوردی مشغول تحصیل شدم و از سال ۱۳۷۱ وارد حوزه علمیه قم و در مدرسه مرعشیه ساکن شدم همزمان درس های کلاسیک را شروع نمودم. در سال ۱۳۷۶ وارد تربیت محقق و نویسندگی علوم قرآن شدم و کارشناسی ارشد آن را با پایان نامه قرآن و فرهنگ زمانه به اتمام رساندم و در سال ۱۳۷۹ وارد تخصصی تفسیر شدم و در سال ۱۳۸۲ با پایان نامه نیازهای متعالی انسان در قرآن تمام نمودم. و بیش از ۵ سال در درس خارج مکام ، سبحانی و عابدی شرکت جستم.

رضایی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین رضایی معروف به بلال رضا ، در سال ۱۲۸۸ ، در تهران به دنیا آمد. در سن شش سالگی وارد مکتبخانه شد و به فراگرفتن قرآن صرف و نحو ، فارسی ، انشاء ، خط و... پرداخت. او قواعد خط را در همان زمان تعلیم گرفت و در سال ۱۲۹۸ شمسی به همراه پدر و برادر بزرگترش به تهران رفته و هنر خوشنویسی را از محضر استادان آن خطه فراگرفت. استادرضایی هرجا قطعه خط خوش می یافت ، بی درنگ به مشق کردن از روی آن می پرداخت و می کوشید اصل و قواعد و رموز زیبایی خط را دریابد. وی پس از آنکه رهسپار تهران گردید ، در دبیرستان های دارالفنون ، شرف ، فرخی بهکار تعلیم خط مشغول شد. او در سال ۱۳۱۷ رسماً به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و از این زمان در دبیرستان های هدف شماره ای ۱و۳و۴ به تعلیم خط پرداخت. پس از آنکه رهسپار تهران گردید ، در دبیرستان های دارالفنون ، شرف ، فرخی بهکار تعلیم خط مشغول شد. او در سال ۱۳۱۷ رسماً به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و از این زمان در دبیرستان های هدف شماره ای ۱و۳و۴ به تعلیم خط پرداخت.گروه : هنررشته : خوشنویسیوالدین و انساب : حسین رضایی معروف به بلال رضا فرزند جعفرقلی به سال ۱۲۸۸ خورشیدی ، در قریه بارزجان از توابع شهرستان تفرش به دنیا آمد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین رضایی در سن شش سالگی وارد مکتبخانه شد و به فراگرفتن قرآن صرف و نحو ، فارسی ، انشاء ، خط و... پرداخت. او قواعد خط را در همان زمان تعلیم گرفت و در سال ۱۲۹۸ شمسی به همراه پدر و برادر بزرگترش به تهران رفته و هنر خوشنویسی را از محضر استادان آن خطه فراگرفت.فعالیتهای ضمن تحصیل : حسین رضایی هرجا قطعه خط خوش می یافت ، بی درنگ به مشق کردن از روی آن می پرداخت و می کوشید اصل و قواعد و رموز زیبایی خط را دریابد.استادان و مربیان : حسین رضایی در تهران از محضر استاد امیر الکتاب معروف به ملک الکلامی مختصری خط نستعلیق فراگرفت ، او در مورد این استاد چنین می گوید: « مشق خط را روی ذوق و علاقه بدون استاد تمرین نموده فقط مختصری از امیر الکتاب معروف به ملک الکلامی تعلیم گرفته و هرچه توانسته از هنر ظریفه خط بدست آورده فقط در اثر استعداد ذاتی بوده نه مشوقی داشته و نه تعلیم زیادی گرفته ام ... »مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسین رضایی در وزارت کشور با سمت فرمان نگار و در وزارت دادگستری با عنوان کارشناس امضا و خط فارسی سابقه خدمت دارد.فعالیتهای آموزشی : حسین رضایی پس از آنکه رهسپار تهران گردید ، در دبیرستان های دارالفنون ، شرف ، فرخی بهکار تعلیم خط مشغول شد. او در سال ۱۳۱۷ رسماً به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و از این زمان در دبیرستان های هدف شماره ای ۱و۳و۴ به تعلیم خط پرداخت.

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

رضایی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس رضایی استخروییه

محل تولد : استخروئیه کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اوایل انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت آیت الله العظمی امام خمینی(ره)، وارد حوزه علمیه کرمان شدم. در ابتدا شروع به فراگیری جامع المقدمات و کلاس‌های جنبی کلاسیک آن زمان که کتاب‌های مقطع دبیرستان بود کردم و با توجه به کمبود استاد

و نبودن نظم و تربیت صحیح در حوزه کرمان دوره تحصیل مقدمات طول کشید تا اینکه ظرف چهار سال جامع المقدمات، سیوطی و مغنی باب اول و چهارم را طی کردیم و در کنار آن نیز منطق کبری و منطق مظفر و رساله علمیه با حواشی علمای اعلام و تبصره علامه حلی و بخشهایی از شرایع مرحوم محقق حلی به پایان رسید. بعد از طی مقدمات یک سال به قم مهاجرت کردم و در مدرسه کرمانیها حوالی بازار قم مشغول به تحصیل شدم. در آنجا شرح لمعه را در خدمت استاد محترم جناب آقای مسروی و مرحوم آقای سلطانی می‌خواندیم و نیز اصول مظفر را در خدمت مرحوم شهید حجت الاسلام حسین حقانی به پایان بردم. سال بعد به دلیل نیاز حوزه علمیه کرمان و مشکلات فردی خودم به حوزه علمیه کرمان برگشتم و در آنجا علاوه بر مدیریت داخلی حوزه به تدریس صرف و نحو و تحصیل رسائل و مکاسب مرحوم شیخ انصاری زیر نظر اساتید محترم مرحوم آیت الله شیخ محمد روحانی و حضرت آیت الله حاج شیخ عباس حقیقی به تحصیل پرداختم.

در سال ۶۶ که حدود دو سال از تشکیل خانواده و زندگی مشترک بنده نیز می‌گذشت در دانشگاه فردوسی مشهد دانشکده الهیات قبول شده و در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی به مدت چهار سال به تحصیل پرداختم تا اینکه درسال ۷۱–۷۰ مدرک کارشناسی را از آن دانشکده گرفتم. پس از آن وارد حوزه علمیه قم شدم و به ادامه دروس حوزه که مکاسب مرحوم شیخ و کفایه آخوند بود، پرداختم و در سال ۷۲–۷۱ همزمان با تحصیل در حوزه در رشته کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق دانشگاه قم مشغول به تحصیل شدم. همزمان با پایان یافتن دروس دانشگاه و فارغ التحصیلی، دروس سطح حوزه نیز تمام شده بود و من مشغول درس خارج فقه و اصول شدم. از آن تاریخ تا الان نیز در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل در مقطع درس خارج فقه و اصول می‌باشم و در این مدت نیز در امتحانات مدرسی دانشگاه‌های نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه شرکت کردم و قبول شدم و مدرک تدریس متون عربی از آنجا دریافت کردم و حدود یکی دو سال البته با ساعاتی کم که در حوزه کلاس نداشتم مثل روزهای پنجشنبه یا دوشنبه‌ها به تدریس ادبیات عربی (متون) در دانشگاه تربیت معلم پرداختم.بنده اثر علمی نوشته شده چاپ شده، یا به چاپ نرسیده‌ای به جز همان رساله پایان‌نامه فارغ التحصیلی کارشناسی ارشد دانشگاه قم ندارم و آن هم به تعداد معدود تایپ شد و ماشین گردید و در اختیار استاد راهنما و مشاور و کتابخانه دانشگاه و یک عدد نیز نزد اینجانب می‌باشد.

رضایی، عبدالعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالعلی رضائی

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

دوران تحصیل در مقاطع ابتدائی، راهنمایی و هنرستان صنعتی (مکانیک عمومی) را در شهرستان کرمانشاه گذراندم. از سال ۶۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و تا کنون مشغول به تحصیل و تحقیق هستم و مدت ۱۰ سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت دارم. اساتیدی که از آنان بهره علمی برده ام عبارتند از: آقایان طالقانی، هادوی، میرباقری، موسوی تبریزی، آیت الله راستی کاشانی، علامه سید منیر الدین حسینی الهاشمی(ره)، آیت الله جوادی آملی.در ادامه فعالیت های علمی همزمان با ورود به حوزه علمیه قم با دفتر فرهنگستان علوم اسلامی آشنا شدم و طی یک دوره ۱۲ ساله آموزشی، پژوهشی موفق به اخذ دکتری در مدیریت تحقیقات شدم و از سال ۷۳ تا۸۱ مدرس رشته مدیریت تحقیقات در دانشگاه بقیه الله (عج) بوده ام و طی دو دوره دکتری PH.D دانشجویان در مقطع فوق لیسانس را پذیرش و تربیت نمودیم و هدایت دو پایان نامه در مقطع PH.D در موضوعات مدیریت شبکه ای تحقیقات، مبانی روش های تحقیق موجود در علوم تغذیه و طرح مبانی جدید با رویکرد مبتنی بر منطق الهی نظام گرا را به عهده داشته ام. از سال ۷۶ تا سال ۸۲ به عنوان کارشناس و مشاور علمی در سازمان مدیریت صنعتی مشغول به فعالیت های علمی در زمینه مدیریت شبکه ای تحقیقات شدم و با فعالیت های علمی مستمر و فشرده و ارتباط های علمی با مجامع بین المللی و دانشگاه های خارج از کشور موفق به انجام کارهای علمی در راستای طرح دیدگاه های جدید و نو شدیم از جمله ارئه طرح و مدل اقتصادی از نگاه اسلام به دانشگاه برانشویک آلمان، طراحی کلیات مدل خصوصی سازی در ایران ۲۰۲۰، و درسال ۲۰۰۰ — ۲۰۰۱ با گرفتن پذیرش از دانشگاه ST.Regis امریکا و همکاری بصورت پروژه علمی درسال ۲۰۰۳ موفق به اخذ دکتری در رشته تحقیق در مدیریت فرهنگی و فوق دکتری دررشته مشاوره در امور توسعه اجتماعی شدم. دانشگاههای امام صادق و شیخ طوسی اصفهان، نیروی انتظامی مشغول به تدریس بوده ام. مسئول گروه بنیادی پژوهشکده توسعه و تکنولوژی جهاد دانشگاهی صنعتی شریف می باشم و مسئول گروه" روش "و عضو هیئت علمی در فرهنگستان علوم اسلامی قم هستم. در ضمن عضو واحد نخبگان و فرهیختگان حوزه علمیه قم می باشم.

رضایی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله رضایی انالوجه

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده عبدالله رضایی فرزند حجهٔ الاسلام شیخ علی رضایی در سال ۱۳۵۵ در خانواده ای روحانی و متدین در شهر مقدس قم متولد شدم. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی ودبیرستان را در مدارس قم طی نمودم و در سال ۷۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و تحصیلات سطوح حوزوی را نزد اساتیدی همچون حجج اسلام موسوی خوئی، موسوی تهرانی، وحیدی، شبیری زنجانی .... ادامه دادم. همزمان با قبولی در آزمون ورودی دانشگاه باقرالعلوم رشته تاریخ را درمقطع کارشناسی به اتمام رساندم و مقطع کارشناسی ارشد را در رشته ارتباطات با گرایش تولید سیما در دانشکده صدا و سیما ادامه داده و رساله علمی خویش را در قسمت عملی با موضوع طرح مسئله شفاء در رسانه تلویزیون و در قسمت نظری با عنوان بررسی تطبیقی مسابقات سرگرمی تلویزیون با توجه به انگاره های اسلامی ارائه دادم. در این میان همکاری تحقیقاتی و اجرایی در پروژه های مختلف تلویزیونی و تولید این آثار و همچنین تاسیس کار گروه های علمی در حوزه رسانه و دین از جمله فعالیت های اینجانب می باشد. بنده هم اکنون به عنوان معاونت فرهنگی هنری موسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) که تولید آثار پژوهشی، فرهنگی و هنری در زمینه تخصصی مهدویت را در دستور کار خود دارد را عهده دار می باشم.

رضایی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی رضایی

محل تولد : بیرجند

شهرت : رضایی بیرجندی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۳

زندگینامه علمی

در سوم فروردین سال ۱۳۳۹ شمسی در روستای شاخن بیرجند در خانوادهای مذ هبی چشم به جهان گشود و پس از سپری کردن دوره ابتدایی تحصیلی ، در سال ۱۳۵۰به حوزه علمیه شهرستان بیرجند وارد شد. سپس با گذارندن دوره مقدماتی در سال ۱۳۵۶وارد حوزه علمیه قم شد پس از اتمام دوره سطح توفیق شرکت در دروس خارج نصیبش شد آن گاه دوره های تخصصی فقه اصول را به مدت ده سال از محضر استادان بزرگ حوزه نظیر آیات عظام : جعفر سبحانی . فاضل لنکرانی . وحید خراسانی و شیخ جواد تبریزی فرا گرفت و با سپری ساختن آزمون های حوزوی به تدریس در حوزه علمیه مشغول شد . ضمناً به علت داشتن علاقه وافر به تفسیر و معارف بی بدیل قرآن . مدت هفت سال در درس تفسیر آیت الله جوادی آملی دامت برکاته شرکت کرد و با توصیه معظم له به تدریس تفسیر قرآن پرداخت. همچنین از بحث های فلسفی و عرفانی معظم له و سایر دانشمندان هم بهره وافر برد و ی در سال ۱۳۷۳ با گذراندن دوره تخصصی الهیات و معارف اسلامی در مرکز تربیت مدرس حوزه علمیه قم به اخذ کار شناسی ارشد در رشته الهیات و معار ف اسلامی نایل آمد و هم اکنون در حال تدوین تز دکترای خویش در مورد (تناسخ) می باشد . شایان ذکر است که با عنایت به پیش آمد معجزه قرن حاضر یعنی انقلاب شکوهمند اسلامی و سپس تهاجم دشمنان به کیان جمهور یاسلامی و وقوع جنگ تحمیلی که مصادف با آغاز جوانی ایشان بود و سرمستی از خم خمخانه خمینی کبیر . علاوه بر حضور در صحنه های گوناگون انقلاب به مدب دو سال از عمر خویش را نیز به صورت مستمر و بعد هم به صورت متفرقه در جبهه های دفاع مقدس و ناطق جنگی گذراند.

رضایی، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید رضایی

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از اخذ دیپلم در سال ۵۸ به دانشگاه رفتم. با شروع انقلاب فرهنگی با حضور در کردستان و فعالیت در جهاد سازندگی به مردم منطقه، کمک های متعددی انجام شد. در زمستان ۵۹ به حوزه آمدم. دروس سطح را تا سال ۶۶ به اتمام رساندم نزد اساتید مختلف از جمله حجج اسلام: آل غفور ومیبدی (لمعه و اصول فقه) طالقانی (مغنی) فتوحی (مختصر المعانی) میری (مبادی العربیه) اعتمادی و ضرابی (رسائل) ستوده (مکاسب) احمدی فقیه و مدرسی (کفایه) منظومه را از محضر آیت الله انصاری شیرازی با استماع نوار، منطق (نیازی) اشارات خدمت آیت الله حسن زاده، اسفار خدمت آیت الله جوادی آملی شرکت در درس و استماع نوار، تفسیر محضر آیت الله جوادی آملی، شرح تجرید استماع نوارهای آیت الله مکارم شیرازی، دروس خارج فقه محضر آیات عظام (منتظری، تبریزی، قدیری، موسوی اردبیلی، وحیدی خراسانی) و اصول محضر آیات عظام (صانعی، تبریزی، وحیدی خراسانی، موسوی اردبیلی، و قدیری) تمهید القواعد استماع نوارهای درسی آیت الله جوادی آملی در کنار تعلم، دروس حوزوی مختلف را در مدارس وبه طورخصوصی تدریس کردم، ادبیات (جامع المقدمات، سیوطی، مبادی العربیه، مغنی) اصول (معانی و اصول فقه و رسائل) فقه (لمعه، مکاسب) فلسفه (بدایه، نهایه، منظومه، شواهد الربوبیه) حدیث (نهج البلاغه و بحار) قرآن تفسیر برخی سوره ها.

در دانشگاه مفید در اولین دوره اقتصاد نظری شرکت کردم و در سال ۷۳ لیسانس و ۷۷ فوق لیسانس اقتصاد را دریافت کردم. از سال ۷۶ به عنوان هیات علمی گروه اقتصاد علاوه بر انجام مسوولیت های اجرایی مثل مسئول دفتر نظارت و ارزیابی، مسوول دفتر تحصیلات تکمیلی و معاون پژوهشی تا سال ۸۴ به تدریس دروس مختلف اقتصاد پرداختم. فقه اقتصادی، مالیه عمومی در اسلام، مالیه عمومی، کلیات علم اقتصاد، اقتصاد در بخش عمومی، تجارت بین الملل، نظام های اقتصادی، تاریخ عقاید اقتصادی، بانکداری بدون ربا و ...

در دانشگاه علوم پزشکی تهران، رازی کرمانشاه و مفید دروس عمومی مثل معارف اسلامی، تاریخ اسلام، ریشه های انقلاب اسلامی، اخلاق اسلامی را تدریس کردم (از سال ۷۵ ـ ۸۰)

با همکاری دوستان در بخش فرهنگی جامعه مدرسین قم کتاب ربا تدوین شد و با همکاری آقای رهایی کتاب فقه القضاء آیت الله العظمی موسوی اردبیلی بازنویسی شد و تحت اشراف ایشان تجدید چاپ شد.

رضایی، محمدامین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدامین رضایی

محل تولد : افغانستان

شهرت

تابعیت : افغانستان

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۷ بعد از آموختن روخوانی و روان خوانی قرآن مجید در محضر مادر مؤمنه‌ام، با تأسیس مدرسه امام حسین(ع) عازم مکتب‌خانه و مدرسه شدم که با شروع از کلاس دوم دبستان با مضامین کتب دبستانی جمهوری اسلامی ایران به مدت چهار سال دوره‌ی ابتدایی را به پایان رساندم اما به خاطر نبود معلم با کتب درسی و علاقه خاصی که به درس حوزه داشتم ضمن تحصیل کتب حوزوی در فصل زمستان از سال ۱۳۷۱ تمام سال و تمام وقت مشغول آموختن دروس حوزوی شدم که به مدت سه سال ادبیات، منطق در محضر اساتید آقای حاج فضلیت‌های استاد به پایان رساندم و در سال ۱۳۷۴ به درس اصول با معالم‌الدین به محضر استاد موفق که از طلاب حوزه علمیه قم بود پرداختم که تا سال ۱۳۷۸ کتاب معالم الدین و جلد اول اصول فقه و جلد اول شرح لمعه را به طور کامل به اتمام رساندم.

در اوایل سال ۱۳۷۸ عازم جمهوری اسلامی ایران شدم که با شروع سال درسی جلد دوم شرح لمعه و جلد دوم اصول فقه را در محضر اساتید جناب آقای شفیعی دارابی و استاد قاضی‌زاده و کمک گرفتن از نوار درسی استاد مرحوم وحدانی فخر و استاد صالحی در کتب مذکور خواندم و در سال ۱۳۷۹در امتحان پذیرش مرکز جهانی علوم اسلامی شرکت کردم و مورد پذیرش قرار گرفتم از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۴ طبق برنامه مرکز جهانی ضمن کتب متن رسایل و مکاسب، کفایه و برنامه‌های جنبی مکالمه عربی و مضامین دگر با گرایش فقه و اصول و ارائه پایان‌نامه دوره‌ی کارشناسی ارشد به اتمام رساندم. و اخذ دیپلم از دبیرستان بزرگسالان ابن‌سینا مدت دو سال است که علاوه بر تحصیل در مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) به درس خارج فقه و اصول در محضر اساتید بزرگوار حضرت آیةالله العظمی مکارم شیرازی «حفظه‌الله» و استاد محبوب حضرت حجةالسلام والمسلمین استاد شیخ جواد فاضل لنکرانی مشغول هستم.

علاوه بر تحصیل کتب حوزوی و اهمیت به برنامه‌های مدرسه، مدت دو سال است که شروع به تحقیق و پژوهش بخش‌های معارف اسلامی نمودم که حاصل آن بعضی مقالاتی است که اشاره شده است و از خداوند توفیق وحضرتش با توسل به ائمه اطهار علیهم

السلام

رضایی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی رضایی

محل تولد : رهنان اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۲/۱

زندگینامه علمی

محمدعلی رضایی اصفهانی در سال۱۳۴۱شمسی درخانواده ای مذهبی در رهنان اصفهان متولد شد. دوره دبستان وراهنمایی را در محل تولد ودوره متوسطه را در شهر اصفهان در دبیرستان شهید صدیقی(خوارزمی) گذراند، درسال۱۳۶۱وارد حوزه علمیه(مدرسه ذوالفقار) اصفهان گردید وتا یک سال درس خارج را در آن حوزه گذراند.

در سال ۱۳۶۹وارد حوزه علمیه قم گردید وبه مدت ده سال در درس خارج اساتیدی همچون آیات عظام فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، معرفت، صالحی مازندرانی و وحید خراسانی حاضر شد وموفق به گذراندن پایان نامه سطح چهارم (دکتری فقه) شد و همزمان سطح چهارم (دکتری) رشته تخصصی تفسیر حوزه علمیه قم ودکتری علوم قرآن و حدیث واحد تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی را به پایان رساندند.

رضایی، محمدمهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی رضایی

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده محمد مهدی رضایی در سال ۱۳۶۴ پس از اتمام سوم راهنمائی، با شوق و علاقه درونی خود و نه با اجبار اطرافیان و محیط، وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه علمیه کرمانی ها تحصیلات پایه خود را آغاز نمودم و از استادان نه چندان معروفی که عموما از دانش آموختگان همان مدرسه بودند، استفاده کردم و تا لمعه را در آنجا خواندم و آن گاه در مدرسه علمیه امام باقر(ع) لمعه و اصول استنباط و غیره را درس گرفتم. مکاسب و رسائل را در بیرون، پای درس استادانی چون محمدی خراسانی و استاد اعتمادی، تا حدودی آموختم و باقیمانده را با نوارهای درسی و مباحثه گذراندم. همچنین کفایه الاصول را با مباحثه به پایان بردم و پس از آن چند سالی حدود سه – چهار سال در درس خارج فقه آیت الله جوادی آملی و اصول آیت الله مرحوم صالحی مازندرانی حاضر شدم و ... . هم اکنون در موسسه امام صادق(ع) مشغول سپری کردن سال سوم از دوره فوق لیسانس کلام اسلامی هستم.آغاز کار قلمی بنده با گفتن شعر و نوشتن نقد داستان و مقالاتی به صورت تالیف و ترجمه در مجلات بود و ترجمه کتاب درباره حفظ قرآن کریم به نام" کیف نحفظ القرآن "و آنگاه ترجمه ای دیگر گون از" صحیفه سجادیه "که طی دو سال به چاپ ششم رسیده است. بخش هایی از کتاب گرانقدر "مصابیح الجنان "تالیف علامه کبیر آیت الله سید عباس حسینی کاشانی را نیز بنده انجام داده ام که چاپ شده است. در طول این سال ها با مجلات گوناگونی در ارتباط بوده ام، به خصوص مجله " پرسمان "و از همین رهگذروبه پیشنهاد و همکاری نشر معارف، اخیرا ترجمه مناجات امیر مومنان و مناجات خمس عشره از بنده چاپ و منتشر شده است.

رضایی، نعمت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نعمت الله رضایی گورجی

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱۰/۱

زندگینامه علمی

نعمت الله رضایی گورجی

/نام پدر: علیرضا/تاریخ تولد: ۱۳۴۵

محل تولد ایران-گیلان-رودسر/ شهرستان رودسر/ ش شناسنامه ۷۵۶۳

تحصیلات حوزوی

سال ورود به حوزه ۱۳۶۶ در حوزه گیلان/شهر آستانه اشرفیه

بنده از خانواده کشاوزی روستای ازدهستانهای گیلان به دنیا آمده و با تلاش و زحمات و سختی های فراوان در آن روستاوعدم دسترسی به علم و مدرسه ولی اشتیاق فراوان به درس و بحث و عقیده عالی برای قدم برداشتن به سوی کار نیک و باقیات و صالحات داشتم و با سختی فراوان کیلومترها پیاده روی از روستا تا به مدرسه که این این کار هرروز بوده و زجر فراوان و تشویق دوستان و اولیا و بستگان پیشنهاد درس وادامه تحصیل در حوزه علمیّه آستانه اشرفیه توفیق حاصل شد ثبت نام نمائیم و دروضع آن زمان و بی نظم بودن حوزه در آن زمان یعنی سال ۶۶ الی ۷۳ آنجا مشغول به تحصیل شدیم و بعداز سال ۷۳ الی ۷۵ و ۷۶ در حوزه علمیّه رودسر مشغول تحصیل علوم دینی شدیم و از آنجا توفیق یار ما شداگر ارباب ما قبول کند به قم آمدیم والحمداله مشغول تحصیل و امروزه مشغول تحصیل دروس خارج هستم و چند تا از امتحانات پایه ۱۰ هم مانده است و این عقیده سالم بنده که خدا می داند چون از خانواده مذهبی بودم لذابه سال پیش تصمیم گرفتیم کتابی را به عنوان کتاب درباره چهارده معصوم قسمتی مدایح و قسمتی تحقیقی با زندگینامه مختصر همه ائمه جمع آوری تاشایدقدمی برای ائمه برداشته وماهم قطره ای ازقطره های ژرفای دریای عمیق باشیم کتاب رابه نام گلچین نغمه های ولائی درمدح چهارده معصوم قسمتی تحقیقی بازندگینامه مختصر همه ائمه جمع آوری شده و الحمداله فروش آن هم خوب بوده حدود ۳۰۰۰ جلد به چاپ رساندیم و امیدواریم که ائمه و فاطمه زهرا (س) امام زمان قبول نماید و از خدای تشکر و ممنونم که حبّ اهّل بیت را در دل ما شیعه ها جای داد و از او می خواهم ما با حب اهل بیت زنده نگهدارد و با حّب اهل بیت بمیراند

رضائی پژند، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی سازه، دانشکده: مهندسی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی راه و ساختمان از دانشکده فنی دانشگاه تهران، دکترای سازه از کشور آمریکا.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده مهندسی دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

روش اجزاء محدود، تحلیل کشسان و مومسان، فنون عددی در تحلیل سازه‌ها، بهینه‌سازی سازه‌ها، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

تحلیل ماتریسی سازه‌ها و روش اجزاء محدود.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۹، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

روش اجزاء محدود، تحلیل کشسان و مومسان، فنون عددی در تحلیل سازه‌ها، بهینه‌سازی سازه‌ها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

رضائی، عبدالحمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اصلاح نباتات، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: صنعتی اصفهان

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

رضوان اصفهانی، محمدحسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. در زمان شاهجهان پادشاه به هند رفت و در لاهور متوطن شد. در شاهجهان‌آباد با محمد افضل سرخوش لاهوری هم‌صحبت شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای پنجاب (۳۲۱)، الذریعه (۳۷۰/۹)، صبح گلشن (۱۷۸ -۱۷۷)، فرهنگ سخنوران (۳۸۵)، کاروان هند (۴۴۷/۱).

رضوان قاجار، سام

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. ملقب به ملک‌الشعراء و شمس ثانی. وی نوه‌ی فتحعلی‌شاه بود. پدرش حکمران مازندران بو که در بدو جلوس محمدشاه به تهران آمد. رضوان از کودکی به تحصیل ادب پرداخت و در شعر تسلطی خاص پیدا کرد بخصوص در بدیهه‌گویی و وصف حال که به این واسطه نزد محمدشاه معزز و محترم گردید همچنین در زمان حکومت ناصرالدین‌شاه نیز محترم و ملتزم رکاب بود. در سال ۱۲۷۰ ق منصب ملک‌الشعرایی یافت بعد از فوت علی محمد خان سروش اصفهانی شمس‌الشعراء لقب او را هم گرفت و او را شمس ثانی خطاب کردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :المآثر و الآثار (۱۹۰)، حدیقه الشعراء (۶۷۸ -۶۷۴ /۱)، الذریعه (۳۷۰/۹)، گنج شایگان (۵۷ -۴۰)، فرهنگ سخنوران (۳۸۴)، مجمع الفصحا (۵۵ -۵۳ /۱).

رضوان همدانی، عبدالوهاب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۹/۱۲۷۰ ش)، شاعر. در همدان متولد شد. مدتها مدیریت دبستان ملی رضوان را که خود بنیان‌گذار آن بود به عهده داشت. «دیوان» اشعارش بالغ بر هزار بیت به طبع رسیده است. ابتدا بخشی از اشعار او به نام «گلچینی از دیوان رضوان» در سال ۱۳۲۴ ش در همدان به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۳۷۶/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳۱ -۳۰ /۴).

رضوان، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: تبریز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

رضوانشاه، رضی‌الدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم و نهم ق)، موسیقیدان، خواننده و تصنیف‌ساز. وی در دوره‌ی ایلکانیان و تیموریان می‌زیست. او از ملازمان دربار پادشاه ایلکانی بود که در دستگاه سلطان اویس و فرزندانش، سلطان حسین و سلطان احمد، که هر دو موسیقیدان و هنرمند و هنرپرور بودند، مقامی ارجمند داشت. وی ظاهرا پس از برافتادن ایلخانیان و غلبه‌ی تیمور بر قلمرو حکومت آنان به دربار هرات روی آورد و در کنف حمایت شاهرخ میرزای تیموری و جانشیان او قرار گرفت. رضوانشاه در علم و عمل موسیقی و ساختن تصانیف و الحان بر دیگران امتیاز داشت و به سبب شاهکارش در موسیقی شهرت تمام یافته بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (۲۲۵/۱)، دانشمندان آذربایجان (۱۶۰).

رضوانی راد، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین رضوانی راد

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۴/۱

زندگینامه علمی

به فضل الهی سال ۱۳۴۹ شمسی در خرداد ماه وارد حوزه علمیه شدم رسماً و دروس مقدماتی ادبیات و منطق و سطوح اولیه را گذراندم و سطوح متوسط و عالیه را گذراندم و در سال ۱۳۵۵ وارد درس خارج شدم، در همان سال امتحانات سطوح عالیه را گذراندم در امتحان شفاهی کفایه الاصول که در مدرسه حجتیه انجام شد جناب استاد محسن دوزدوزانی نمره ۲۰ را دادند و چند بار تشویق کردند با جمله احسنت و در همان جلسه امتحان مکاسب مرحوم شیخ انصاری را در خدمت مرحوم استاد و آیت الله حاج شیخ احمد پایانی انجام شد ایشان شماره و نمره ۱۹ را دادند که بنده به ایشان عرض کردم از من اشکالی گرفتید چرا یک نمره کم کردید ایشان با شوخی و مزاح از کنار مساله گذشتند. در همین سال در درس مرحوم استاد آیت الله مرتضی حائری تا هفت سال درس خارج فقه شرکت نمودم تحت صلاهٔ مسافر و خمس و خیارات مکاسب را و در مباحث اصولی ایشان از عام و خاص تا برابری شرکت کردم و ۱۴ سال درس اصول آیت الله وحید خراسانی، هفت سال فقه درس آیت الله حاج میرزاجواد آقا تبریزی ۵ سال فقه درس آیت الله سید کاظم حائری اصول مدت دو سال تقریباً شرکت نمودم.

البته برخی از کتب سطوح عالیه را مکرر خواندم. مثل کفایه الاصول ج ۲ را نزد ۲ استاد خواندم آیت الله سیدعلی محقق داماد و آیت الله جعفر سبحانی مکاسب را نیز دو دور خواندم. اسفار الاربعه صدر المتالهین را تقریباً شش‌ماه خواندم آیت الله جوادی آملی و حاج شیخ حسین انصاری شرح فصوص قیصری و تمهید القواعد ابن ترکه را نزد آیت الله جوادی آملی خواندم برهان شفا در منطق را نزد آیت الله جوادی آملی الهیات را نزد آیت الله حسن‌زاده آملی خواندم و در همان سالهای اولیه مشغول تدریس بودم از سال ۱۳۵۱ شمسی تاکنون تا عالی‌ترین سطوح را تدریس کرده‌ام. خداوند متعال از همه قبول کند درس تفسیر را نزد آیت الله خزعلی آیت الله جوادی آملی تلمذ کردم. البته در این خلل کارهای علمی از قبیل یادداشت برداری در موضوعات مختلف از قبیل تراجم شرح حال علی و امامت ـ معاد ـ حج و امثال ذلک داشته‌ایم و کتابهایی را از شهید مطهری آیت الله جوادی آملی ـ امام خمینی ـ شهید بهشتی ـ آیت الله مکارم شیرازی تنظیم نموده و پاورقی زدیم و چاپ شده است. از باب نمونه چهار کتاب از کتابهای شهید مطهری ـ انسان کامل ـ عنصر امر به معروف ـ فلسفه اخلاق ـ و یکی دیگر از کتابهای ایشان را شخصاً تنظیم کردیم و جامعه مدرسین در سال‌های ۱۳۶۱ ـ ۱۳۶۲ چاپ کردند. از آیت الله جوادی آملی اسرار عبارات ـ حماسه و عرفان ـ عرفان حج و دیگر کتابها را تنظیم کردیم و چاپ شد و نیز از دیگران خداوند از همه قبول فرماید.

رضوانی فسائی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد ملقب (به فصیح‌الزمان) و متخلص به رضوانی فرزند سید ابوالقاسم فسائی از خطباء و وعاظ و شعراء عصر قاجار و بعد از آن بوده است. وی در سال ۱۲۴۰ شمسی در شهر فسا متولد و در ۱۶ سالگی به اصفهان رفته و دو سال در آن شهر به تحصیل مقدمات پرداخت سپس به قم آمده و ده سال در این شهر مذهبی و علمی تکمیل علوم عقلیه و نقلیه نموده و در بیست و هشت سالگی به تهران مهاجرت و به وعظ و خطابه پرداخت و در دربار ناصرالدین شاه راه یافت و از او لقب (فصیح‌الزمان) گرفت.

برای نگارنده حکایت کرد که وقتی ناصرالدین شاه در حرم حضرت عبدالعظیم (ع) هدف تیر میرزا رضای کرمانی قرار گرفت و مقتول شد من از ملازمین رکاب بودم و صدر اعظم وی مرده او را به سینه چسبانیده و با او صحبت می‌کرد که مردم ندانند شاه کشته شده تا اغتشاش و بلوا کنند.

و پس از قتل شاه در سال ۱۳۱۳ قمری برای تسلیت ولیعهد مظفرالدین میرزا بـه تبریز رفت و بـا وی به تهران برگشت و ملقب به (سلطان الواعظین) شد.

مرحوم فصیح‌الزمان سالهای متمادی در تهران منبر می‌رفت و شور و نشوری برپا می‌کرد و همواره خاص و عام برای استماع اشعار نغز و گفتار سراپا مغزش بر یکدیگر سبقت جسته و استفاده می‌کردند. وی در سال ۱۳۲۴ شمسی در تهران وفات نمود و باسلاف پاک خویش پیوست.

(۱۳۲۴ -۱۲۵۵/ ۱۲۴۰ ش)، شاعر. ملقب به فصیح‌الزمان. در فسا به دنیا آمد. در شانزده سالگی برای تحصیل علم به اصفهان رفت و مدت دو سال در آن شهر به کسب دانش پرداخت و از آنجا به قم رهسپار گردید و قریب ده سال نیز در این شهر به تکمیل علوم عقلی و نقلی اشتغال ورزید. در سی سالگی به تهران آمد و در سلک وعاظ درآمد و چون مردی ادیب بود به دربار ناصرالدین شاه

راه یافت و به فصیح‌الزمان ملقب شد. پس از قتل ناصرالدین شاه به تبریز رفت و با مظفرالدین‌شاه آشنایی یافت و از آن جا به اتفاق او به تهران عزیمت کرد و لقب سلطان الواعظین یافت. در تهران درگذشت و در ابن‌بابویه دفن است. اثر وی «کلیات» اشعار است که منتخبی از آن به نام «گلهای فصیح‌الزمان رضوانی» به کوشش سید هادی حایری در شیراز به چاپ رسیده است.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۷۱ –۳۷۰/ ۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۲۱ –۶۱۴/ ۲)، سخنوران نامی معاصر (۱۵۵۶ – ۱۵۵۱/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۳۸۵)، گلزار معانی (۲۹۵ –۲۸۶)، مؤلفین کتب چاپی (۲۷۴/ ۵)

رضوانی یزدی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۴ ش)، روزنامه‌نگار و شعر. ملقب به امیر رضوانی. وی از مردم یزد بود و ساکن تهران. او موسس و مدیر روزنامه‌ی «گلشن» بود که در تهران چاپ می‌شد از او است:

ما را به جان چو از بهشت آوردند

نه ویژه به مسجد و کنشت آوردند

دنیا به مثل مزرع و ما دهقانیم

ما را اینجا برای کشت آوردند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۱۶۵ –۱۶۳/ ۴)، تذکره سخنوران یزد (۵۴۵)، الذریعه (۳۷۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۸۵).

رضوانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد رضوانی نجفی فرزند مرحوم مبرور ثقه‌الاسلام والتجار حاج محمد اسمعیل رضوانی از افاضل معاودین نجف و مدرسین بزرگوار معاصر حوزه علمیه قم می‌باشند.والد ماجدش از اخیار شهر زنجان بودند که مدتی از عمر خود را صرف تحصیل نموده و بعد مشغول به تجارت گریده روزها اشتغال به کسب و تحصیل روزی حلال و شبها به مطالعه اخبار و تفاسیر می‌گذارانیدند تا دعوت حق را لبیک اجابت گفتند مترجم در سال ۱۳۰۲ شمسی در زنجان متولد شده و در تحت پرورش چنین پدر با تقوائی تربیت یافته و مقدمات را در آنجا تمام و به شهر قم در سن ۱۷ سالگی مهاجرت و مدت ۹ سال اقامت و سطوح و مقداری از دروس خارج را خدمت بزرگان حوزه علمیه مانند مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالکریم خوئینی و آیت‌اللّه العظمی آقا سید محمد حجت و آیت‌اللّه العظمی بروجردی رضوان‌اللّه تعالی علیهما فقها و اصولا استفاده نموده آنگاه در سال ۱۳۶۹ ق مهاجرت به نجف اشرف و مدت بیست و شش سال سکونت و از محاضر آیات عظام آن سامان چون مرحوم آیت‌اللّه حکیم و شاهرودی و یک دوره اصول آیت‌اللّه خوئی و بالاخص محضر و ابحاث شیخ‌الفقهاء و المجتهدین آیت‌اللّه حاج میرزا محمدباقر مجتهد زنجانی (تغمده‌اللّه بغفرانه) استفاده نموده تا در سال ۱۳۹۴ ق که بنابر فشار دولت بعث عراق مجبور به معاودت ایران و رحل اقامت در حرم اهل بیت علیهم‌السلام و جوار حضرت فاطمه معصومه سلام‌اللّه علیها افکنده و به تدریس پرداخته‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

رضوانی، سلمان

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سلمان رضوانی

محل تولد : خیرآباد – قوچان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۵۵ در روستای خیرآباد غربی از توابع شهرستان قوچان استان خراسان به دنیا آمدم در سال ۱۳۶۶ پس از گذراندن مقطع ابتدائی وارد حوزه علمیه آیت الله حکیم(ره) شهرستان شیروان شدم و در محضر اساتید محترم تا اتمام لمعه ج ۱ در آن حوزه تلمذ نمودم. در سال ۱۳۷۰ و با عنایات حضرت ولی عصر(عج) به صورت آزاد وارد حوزه مقدس قم شدم و در خوابگاه مدرسه فاطمیه واقع در آذر، میدان کهنه، کوچه شاه حمزه(ع) مستقر شده و به صورت آزاد در دروس مدرسه علمیه رضویه شرکت نمودم.

از سال ۱۳۷۲ در امتحانات شورای مدیریت حوزه علمیه قم شرکت نموده و تا اتمام سطح را به صورت کتبی در آن شورا امتحان داده و قبول شده ام.

از سال ۱۳۷۶ خداوند توفیق به تن کردن لباس شاگردی مکتب امام جعفر صادق(ع) را به حقیر عنایت فرمود و از همان سال به تبلیغ معارف دینی در ایام محرم الحرام و رمضان المبارک در استانهای مختلف پرداختم.

در سال ۱۳۷۹ وارد دانشکده صدا و سیما در قم شدم و در مقطع کارشناسی ارشد رشته تهیه کنندگی مشغول به تحصیل گشتم. لازم به ذکر است از سال ۱۳۷۹ همزمان دردرس خارج اصول آیت الله سبحانی(زیدعزه) و خارج فقه آیت الله مکارم شیرازی(زیدعزه) تلمذ نمودم.

در سال ۱۳۸۴ با پایان نامه «بررسی جلوه هائی از فمینیسم در برنامه های تلویزیونی» از دانشکده صدا و سیما فارغ التحصیل شده که این پایان نامه مورد توجه مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما قرار گرفت. و در حال حاضر در دست چاپ از طرف اداره کل پژوهش مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما می باشد.

و در تولید برنامه های تلوزیونی با مضامین دینی با عنوان تهیه کننده نیز فعالیت دارم که در حال حاضر مشغول به تهیه یک مجموعه برنامه ۲۶ قسمتی ار موضوع «مسائل متحدثه» هستم.

رضوانی، محمداسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۴ –۱۳۰۰ ش)، محقق، مورخ و استاد دانشگاه. وی در قریه‌ی خراشاد بیرجند متولد شد و در همان جا به مکتب رفت. هشت ساله بود که خواندن قرآن را تمام کرد. سپس به بیرجند رفت و در مدرسه‌ی طلاب و سپس در مدرسه‌ی دولتی تدین به تحصیل پرداخت. پس از اخذ دیپلم بلافاصله در وزارت فرهنگ استخدام شد و سه سال در بیرجند خدمت کرد. سپس به تهران آمد و ضمن تدریس در دبیرستان فرخی، موفق به اخذ لیسانس و فوق‌لیسانس و دکترا در رشته‌ی تاریخ و جغرافی شد. او در رشته‌ی امور تربیتی نیز دارای مدرک لیسانس بود. رضوانی در دانشگاه تهران به تدریس تاریخ و رشته‌های مربوط به آن پرداخت. سرانجام در تهران وفات یافت. از آثار به جای مانده از او می‌توان از: رساله‌ای برای نوسوادان به نام «زمینی که روی آن زندگی می‌کنیم»؛ تصحیح متن «نامه‌ی تنسر» با همکاری مجتبی مینوی؛ «منتظم ناصری»، در سه مجلد؛ «اعلانها و اعلامیه‌های دوره‌ی قاجار»، با همکاری جهانگیر قائم مقامی؛ «انقلاب مشروطیت ایران» نام برد. و مقالات متعددی که در مجلات «یغما»، «بررسیهای تاریخی»، «آموزش و پرورش»، «آینده»، «راهنمای کتاب» چاپ شده است.[۱]

مورخ، محقق، مدرس.

تولد: ۱۰ اردیبهشت ۱۳۰۰، قریه‌ی خراشاد (۲۴ کیلومتری شال شرقی بیرجند).

درگذشت: ۵ فروردین ۱۳۷۵، تهران.

محمداسماعیل رضوانی، فرزند جعفر، تحصیلات خود را از مکتبخانه خراشاد آغاز نمود. سپس در مدرسه‌ی طلاب در بیرجند و پس از آن در مدرسه‌ی تدین به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۲۲ از دبیرستان فارغ‌التحصیل شد و به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در سمت مدیر دبستان دقیقی خراشاد به خدمت پرداخت. بعد از ده سال در دبیرستان شوکتی بیرجند به تدریس مشغول شد. پس از آن به تهران آمد و ضمن تدریس در دبیرستان فرخی، توانست دوره‌ی لیسانس (۱۳۳۲ –۱۳۲۸)؛ و فوق لیسانس و دکتری (۱۳۴۱ –۱۳۳۶) را طی کند. وی مدت‌ها در دانشگاه ملی و دانشگاه تهران به تدریس مشغول بود. در سال ۱۳۵۸ بازنشسته شد و تا پایان عمر به تحقیق و پژوهشی در زمینه تاریخ ایران پرداخت. وی در سال‌های آخر عمر در چند واحد از واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه الزهراء، تربیت مدرس تدریس می‌کرد. از جمله مسئولیت‌های علمی او، مشاورت عالی پژوهشکده‌ی اسناد سازمان ملی ایران، مشاورت مؤسسه‌ی پژوهش و مطالعات فرهنگی، مدیریت گروه تاریخ بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، عضویت در شوراها و هیئت‌های مختلف از جمله شورای احیای میراث مکتوب کتابخانه‌ی ملی ایران و هیئت داوران جشنواره‌ی مطبوعات (دوره‌ی اول و دوم) بود.

از جمله آثار دکتر محمداسماعیل رضوانی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: زمینی که در روی آن زندگی می‌کنیم (۱۳۴۲)؛ انقلاب مشروطیت ایران (۱۳۴۵)؛ زندگی امام هشتم حضرت رضا (ع) (۱۳۴۹)؛ اعلان‌ها و اعلامیه‌های دوره‌ی قاجار (۱۳۴۹)؛ تعلیقات نامه تنسر (با همکاری مجتبی مینوی، ۱۳۵۴)؛ تصحیح تاریخ منتظم ناصری (سه جلد، ۱۳۶۷ –۱۳۶۲)؛ سفرنامه‌ی ظهیرالدوله همراه مظفرالدین شاه به فرهنگستان (۱۳۷۱)؛ روزنامه‌ی خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرهنگستان (با همکاری فاطمه قاضیها، سه جلد، ۱۳۷۳ –۱۳۷۱)؛ عالم آرای عباسی؛ یادداشت‌های امین‌الدوله؛ وی همچنین چند جلد کتاب درسی نیز تألیف نموده است، از آن جمله یک دوره تاریخ و جغرافیا و تعلیمات اجتماعی دبیرستان و یک دوره‌ی کامل تاریخ و جغرافیا برای دانشسرای مقدماتی و کلاس‌های تربیتی آموزش و پرورش و نیز کتاب درسی تاریخ سیاسی ایران برای دانشجویان دانشکده‌ی افسری. ایشان همچنین برای روزنامه‌هایی که تجدید چاپ شده‌اند، مقدمه نوشته است، از جمله برای دوره‌ی روزنامه‌ی «وقایع اتفاقیه»، «ایران»، «دانش»، «مدرسه‌ی دارالفنون تبریز»، «ملت سنیه ایران»، (روزنامه‌ی ملتی)». مقاله‌هایی از ایشان نیز در موضوع‌های تاریخ و جغرافیا در مجله‌ها و روزنامه‌های مختلف نظیر «یغما»، «راهنمای کتاب»، «کیهان»، «سالنامه‌ی کشور ایران»، «دانشکده‌ی ادبیات»، «بررسی‌های تاریخی»، «تاریخ و فرهنگ ایران»، «تحقیقات روزنامه نگاری»، «جامعه‌ی نوین»، «تاریخ»، «آینده»، «خواندنی‌های قرن»، «کلک»، «پیام

کتابخانه»، «گنجینه‌ی اسناد»، «تحصیل»، «تاریخ معاصر ایران»، «کیهان فرهنگی» و «تحقیقات اسلامی» به چاپ رسیده است.
پیکر وی در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۱۰، ص ۷ -۱).

رضوی برقعی، حسین

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

سید حسین رضوی برقعی بن السید الجلیل آسید جعفر بن سید محمدتقی بن سید رضی‌الدین از علماء و ائمه جماعت معاصر قم می‌باشد

وی در شب عاشورای سال ۱۳۴۶ قمری برابر ۱۳۰۵ شمسی از مادر علویه متولد شده و از هفت سالگی شروع بتحصیل نموده و پس از خواندن دوره‌ی ابتدائی به خواندن علوم عربیه و دینی پرداخته و مقدمات و ادبیات و سطوح وسطی را در قم نزد فضلاء حوزه علمیه قم تکمیل نموده و در سن ۱۷ سالگی به نجف اشرف مهاجرت نموده و سطوح عالی فرائد و مکاسب و کفایه را از مدرسین بزرگ نجف چون آیت‌اللّه حاج سید اسداللّه مدنی و آیت‌اللّه حاج سید عبدالاعلی سبزواری و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی بروجردی و مرحوم حاج میرزا حسن یزدی و آقای حاج شیخ محمدحسین دهاقانی و آقای آشیخ احمد فیاض فراگرفته و قسمتی از منظومه را از مرحوم حکیم ربانی آشیخ صدراء بادکوبه‌ای و هیئت و تشریح الافلاک را خدمت مرحوم آقا شیخ جمیل عرب و مرحوم آقا میرزا محمد اردبیلی آموخته و بعد از فراغت از سطوح به درس خارج سیدالفقهاء والمجتهدین زعیم حوزه علمیه نجف آقای خوئی مدظله و مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید محسن حکیم و مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی حاضر شده و پس از هفت سال استفاده از محاضر و دراسات آیات عظام نجف به قم مراجعت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و پس از ایشان شیخ‌الفقهاء والمجتهدین آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی اراکی و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد داماد بهره‌مند گردیده و بعد از آن اشتغال به تدریس متون فقه و اصول و ترویج دین و اقامه جماعت در مسجد سنگ‌بند و مسجد گذرسیدان تا حال حاضر دارند. از آثار قلمی ایشانست تقریرات فقه مرحوم آیت‌اللّه حکیم و تقریرات فقه و اصول آیت‌اللّه خوئی مدظله

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

رضوی خوانساری، بهاء الدین

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

سید بهاء الدین رضوی در ۱۳۲۸ متولد، و در ۱۳۶۳ در اصفهان وفات یافته، جنب جد خویش مدفون گردید.
فاضل و ادیب و شاعر بود. در اصفهان و قم و نجف تحصیل نموده، و در این اواخر جزو آزادیخواهان وارد شده، و موجبات نارضایتی پدر را فراهم نموده، شعر می‌گفت، و در آن «جهدی» تخلص می‌نمود. دیوان اشعاری دارد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

رضوی خوانساری، زین العابدین

قرن:۱۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

فرزند سید محمد حسن بن محمد بن میر علی اکبر نقوی در حدود سال ۱۲۲۵ متولد، و در ۱۳ ربیع المولود سال ۱۳۰۷ وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید.
در اصفهان خدمت جمعی از اعاظم علما همچون: میر سید حسن مدرس، و ملا حسین علی تویسرکانی، و آقا سید محمد شهشهانی تلمذ فرموده، و به آقایان مسجد شاه اختصاص یافته، در محله‌ی مسجد حکیم سکونت، و در مسجد علی اکبر امامت می‌نموده.
وی از جمله کسانی است که به شرف ملاقات حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - نایل گردیده، و از او کرامات و استجابت دعوات منقول است.
تألیفاتی دارد، از آن جمله است: ۱- ترجمه‌ی کتاب انوار نعمانی تألیف سید نعمت الله جزائری که به نام آقا نجفی به طبع رسیده است. ۲- حسام الشیعهٔ که به نام [بعضی از علمای اعلام و فضلای کرام حاضرین مجلس شریف و محفل منیف سرکار شریعتمدار] آقا نجفی به طبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

رضوی دولت‌آبادی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۸ ق)، عالم شیعی. وی به رضوی نجفی و غروی نیز مشهور بود. از آثار وی: «الوجیزه فی اعتقاد الامامیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :معجم المؤلفین (۱۱/۱۱).

رضوی رشتی‌پور، اسداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید باهنر کرمان

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

رضوی روحانی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: صنایع غذائی، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: ارومیه

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دامپزشکی از دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، اخذ تخصص و درجه M.S.C از گروه مواد غذائی دانشگاه ردینگ انگلستان در رشته مواد غذائی، اخذ گواهی‌نامه تخصصی در رشته بهداشت مواد غذائی (شیر و فرآوردهای آن).

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده دامپزشکی دانشگاه ارومیه.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مدرس دروس: بهداشت و صنایع شیر، کنترل کیفی مواد غذائی، تحقیق و پژوهش در زمینه‌های میکروبیولوژی، بهداشت مواد غذائی، صنایع شیر، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۷ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

میکروبیولوژی و بهداشت و مواد غذائی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

رضوی شیرازی، ابوطالب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۵۱ ق)، خطاط. وی تحصیل کمالات علمی کرد و خط شکسته را درست آموخت. سالها در خدمت حجهٔالاسلام حاج شیخ مهدی مجتهد کجوری کسب علوم شرعی کرد. به سال ۱۲۹۸ ق به موجب درستی رفتار و راستی کردار محل وثوق گشت و به منصب صدارت دیوانخانه‌ی عدلیه‌ی شیراز منصوب شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۴۱ /۴)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۱۸ /۲).

رضوی قمی، ابراهیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۶۸ ق)، شاعر، عالم، حکیم، مفسر، محدث و فقیه اصولی. اصل وی از قم است، ولی در همدان متولد شد.

در همان جا نشو و نما یافت. او برادر صدرالـدین رضوی قمی، شارح «الوافیه»، است ک از وی روایت کرده است. سید ابراهیم بعد از وفات برادرش به کرمانشاه رفت. وی یکی از مشایخ دوازده‌گانه سید شبر حویزی است. حاج محمدجعفر مجذوب (مجذوب علیشاه) نیز از شاگردان وی به حساب می‌آید. سال درگذشت و محل دفنش نامعلوم است. او خطی نیکو داشت. از آثار وی: «شرح مفاتیح الشرایع»؛ «شرح الوافی» فیض کاشانی.[۱]

سید صدرالدین بن سید محمدباقر الرضوی القمی مجاور نجف اشرف از علماء اواخر دولت صفویه به بعد و از بزرگان محققین این طایفه علیه می‌باشد صاحب روضات در کتابش گوید: در مرحله فضیلت و تدقیق وجودت تصرف و تحقیق فردیست بلاثانی و تلمذش در بدو امر نزد آقا جمال‌الدین خونساری و شیخ جعفر قاضی و مدقق شیروانی و سایر علماء اصفهان بود و پس از فراغ از تحصیل بوطن مألوف معاودت نموده و در آن ارض شریف مشغول تدریس و ارشاد عباد گردیده.

تا زمانی که در آن جایگاه فتنه افاغنه رخ نمود بناچار به موطن برادر خود سید ابراهیم رضوی به همدان هجرت فرمود و از آنجا به نجف اشرف علی مشرفها آلاف التحیهٔ والثناء رفت و در آن ارض مقدس نیز نزد شریف ابوالحسن عاملی و شیخ احمد جزایری مشغول تحصیل شد تا فارغ‌التحصیل گردید سپس در آنجا مشغول تدریس شد.

و از شاگردان اوست سید عبداللّه بن سید نورالدین بن سید نعمت‌اللّه جزایری صاحب اجازه کبیره و از جمله چیزی که سید مذکور در آن اجازه در حق استادش گفته اینست که او اعلم علمائی است که من آنها را در عراق عرب دیده‌ام و اجمع آنها در معقول و منقول نزد اهل عراق و عظیم‌القدر بوده و زوار از هر ناحیه به ملاقات او می‌آمدند و به زیارتش تبرک می‌جستند و از وی استفاده می‌نمودند و از جمله تلامذه اوست وحید بهبهانی آقا باقر معروف رحمهٔاللّه علیه دارای تألیفاتی می‌باشد که از آنهاست «کتاب طهارت» و کتاب «شرح وافیه ملا عبداللّه تونی» در سال ۱۱۶۰ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۲۰۴/۲)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۸۶/۲)، الذریعه (۱۶۵، ۱۴/ ۷۴، ۱۴۴، ۱۴۳– ۱۱/ ، ۲۲۹/۶)، ریاض العارفین (۳۰۲)، ریحانه (۴۳۱/۳)، الکنی و الالقاب (۴۱۵/۲)، طرائق الحقائق (۲۵۸/۳)، معجم المؤلفین (۸۷/۱)، مکارم الآثار (۶۴۲/۳).

رضوی قمی، جواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جواد بن سید علیرضا رضوی قمی عالمی کبیر و فقیهی متبحر و رجالی ماهر و در اصل آقا سید محمدتقی ملقب به آقا جواد ولی لقب بر اسمش غلبه کرده و معروف به سید جواد شده وی از شاگردان علامه شیخ محمدتقی اصفهانی صاحب (حاشیه معالم) و دارای تألیفاتی بنام (مقالید الاحکام) (و ینابیع الحکم) بوده و در سال ۱۳۰۳ وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

رضوی قمی، زین‌العابدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجهٔالاسلام آقا سید زین‌العابدین بن سید جواد حسینی رضوی قمی عالمی بزرگ و فقیهی صالح از شاگردان حاج میرزا حسین خلیلی و شیخ محمد طاها و شیخ هادی تهرانی و آخوند خراسانی و علامه یزدی بوده و بعد از ۱۳۲۷ وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

رضوی قمی، صدرالدین محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۱۶۰ ق)، عالم، محدث، فقیه اصولی و مرجع تقلید. اصل وی از قم است و نسبش به امام محمدتقی (ع) می‌رسد. در اصفهان نزد آقا جمال خوانساری و شیخ جعفر قاضی و محقق شیروانی تلمذ کرد. سپس به قم رفت و به تدریس و ارشاد مشغول شد. در فتنه‌ی افغان به موطن برادرش، همدان و از آنجا به نجف رفت و مراتب علمی خود را به کمال رساند و از ملاـ شریف ابوالحسن عاملی و شیخ احمد جزائری بهره گرفت استاد اکبر، محقق بهبهانی، شاگرد اوست و در نوشته‌هایش از رضوی قمی به سید سند استاد تعبیر می‌کند. سید عبداللّه جزائری نیز از وی روایت کرده است. از آثار وی: شرح «الوافیه» ملا عبداللّه تونی، در اصول فقه، در پانزده هزار سطر؛ «کتاب الطهاره»؛ حاشیه بر «المختلف» علامه حلی؛ «المعراج»؛ رساله‌ای در «حدیث ثقلین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۰۶/۹، ۳۸۶/۷)، الذریعه (۲۲۶/۲۱، ۱۸۵/۱۵، ۱۶۶/۱۴، ۱۲۱/۱۳، ۱۹۴/۶، ۳۲۵/۴)، روضات الجنات

(۱۲۲ -۱۱۹ /۴)، ریحانه (۴۳۰/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۸۴ -۳۸۲ /۱۲)، فوائد الرضویه (۲۱۳)، الکنی و الالقاب (۴۱۵ -۴۱۴ /۲)، لغت نامه (ذیل/ صدرالدین)، معجم المؤلفین (۱۹۷ -۱۹۶ /۱۱ ،۸۷/۹، ۱۸/۵)، مکارم الآثار (۶۴۲/۳)، هدیه الاحباب (۱۸۷).

رضوی قمی، محمدباقر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۱۸ ق)، عالم، متکلم، اصولی و شاعر. اصل وی از قم است، اما متولد و ساکن همدان بود. نسبش به موسی مبرقع، فرزند امام جواد (ع)، می‌رسد. وی برادرزاده‌ی سید صدرالدین قمی، شارح «وافیه» است. او را از بزرگان علمای قرن سیزدهم شمرده‌اند. وی شعر را نیکو می‌سرود. در همدان درگذشت و جنازه‌اش به قم منتقل و در دارالحفاظ دفن شد. از آثار وی: «شرح اصول کافی»؛ رساله‌ای در «معاد جسمانی ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۸۸/۹)، الذریعه (۱۷۲/۲۱ ،۹۶/۱۳)، روضات الجنات (۱۲۲/۴)، ریحانه (۳۱۴/۲)، لغت نامه (ذیل/ رضوی)، معجم المؤلفین (۸۵/۹)، مکارم الآثار (۶۴۲ -۶۴۱ /۳).

رضوی مشهدی، ابوالحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۱ ق)، فقیه، زاهد و شاعر. وی در نجف نزد علامه‌های بزرگ شیخ مهدی آل کاشف‌الغطاء و شیخ مرتضی انصاری تلمذ کرد و به دریافت اجازه اجتهاد نایل آمد. در اواخر عمر به بیماری عصبی دچار شده بود و به همین بیماری از دنیا رفت و در مشهد در دارالضیافه به خاک سپرده شد. صاحب «شجره الطیبه» در شرح حال وی گوید که وی حواشی بر کتب متفرقه داشته و اشعاری به عربی و فارسی از وی ذکر کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۳۱/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۴/۱۴)، معجم المؤلفین (۲۸۱/۳).

رضوی نیشابوری، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۴۱ -۱۲۶۱ ق)، فقیه اصولی. پدرش، سید ابوتراب (م ۱۲۸۵ ق)، از افاضل و بزرگان مجتهدین بود که از شیخ انصاری اجازه داشت. سید محمدحسن در نجف نزد شیخ میرزا حبیب‌اللّه رشتی به تحصیل پرداخت و «تقریرات» بحثهای درس او را نگاشت. آنگاه به سامراء رفت و در مجلس درس میرزای شیرازی حاضر شد. پس از چند سال به همدان بازگشت و مرجعیت امور شرعی را بر عهده گرفت. آقابزرگ تهرانی گوید: فرزندش آقا سید علی کبیر برایم گفت که پدرش کتابی بزرگ در «اصول» داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۷۹/۱۴)، معجم المؤلفین (۱۸۵/۹).

رضوی یزدی، محمدصادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۴۸ ق)، مذهب، نقاش و خطاط. هنرمند ذوفنون بود که خطوط نسخ و رقاع را استادانه می‌نوشت و در جلدسازی نیز تبحر داشت. وی جمله فنون کتابت را از قبیل خط و تذهیب و جدول‌سازی و حل کاری و حتی جلد روغنی و آرایش آن را خود انجام می‌داد و تمام رشته‌ها را پرمایه عمل می‌آورد. از آثار او: ادعیه‌ای به خط نسخ و جلد روغنی مذهب که حواشی آن به خط رقاع است، با رقم: «محمدصادق الرضوی سنه ۱۲۴۶»؛ جلد استادانه ادعیه‌ی نفیسی از «دعای کمیل» که تمام صفحات آن به شیوایی تمام تذهیب و حل کاری شده و به نسخ ممتاز کتابت گشته است، با رقم: «... ابن عبدالحی الرضوی، محمدصادق به محروسهٔ الیزد... سنه ۱۲۴۸».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۹۰۰/ ۲).

رضوی، ابوصالح

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۰۹۰ ق)، عالم امامی. نسبش با هیجده واسطه به جناب موسی مبرقع، فرزند امام جواد (ع) می‌رسد. گفته‌اند که مادرش، فخرالسناء بیگم، دختر شاه عباس اول بود. وی از علمای دوره‌ی شاه عباس دوم بود. در مشهد، نقیب‌الاشراف سادات رضویه تقویه بود. وی مدرسه‌ی صالحیه را- که امروزه به نام مدرسه‌ی نواب مشهور است- در ۱۰۸۶ ق بنا نهاد و املاک بسیاری بر آن مدرسه و طلاب علوم دینی وقف کرد و کتابهای بسیاری را نیز بر طلاب وقف کرد. او همچنین ایوان حرم مطهر رضوی را تعمیر کرد. صاحب «الذریعه» وی را سید صالح خراسانی یا میرزا محمدصالح رضوی خوانده و کتاب؛ دقایق الحقایق» را- که مجموعه‌ی رباعیات جمعی از شعرای متقدم و متاخر ایران به ترتیب حروف هجا است- از آثار وی می‌داند. در «اعیان الشیعه» و «ریحانه الادب» نام کتاب، «دقایق الخیال» ذکر شده است. در «طبقات اعلام الشیعه» براساس آورده‌ی «الشجره الطیبه» صاحب عنوان تحت نام میر محمدصالح نواب، فرزند میرزا محسن نواب نیز آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۶۲/۲)، ریحانه (۱۵۷ -۱۵۶ /۷)، الذریعه (۲۳۵ -۲۳۴ /۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۹۰ ،۲۸۳ /۱۱).

رضوی، جلیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی شیمی، دانشکده: مهندسی شیمی، دانشگاه: صنعتی شریف

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترا در رشته مهندسی شیمی از انگلستان در سال ۱۳۴۸.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده مهندسی شیمی دانشگاه صنعتی شریف.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انتقال حرارت و مکانیک سیالات، انرژی خورشیدی، جذب گاز مایع همراه با واکنش شیمیائی، استاد راهنمای ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مکانیک سیالات، انتقال حرارت و پدیده‌های انتقال.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

انتقال حرارت و مکانیک سیالات.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

رضوی، رسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رسول رضوی

محل تولد : نقده

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

دوره دبستان و راهنمایی را در مدرسه آذرآبادگان تبریز به اتمام رساندم. یک سال در مدرسه علمیه ولیعصر تبریز مشغول تحصیل بودم و در سال ۱۳۶۷ به قم منتقل شدم. مقدمات را در مدرسه امام صادق(ع) مشغول به تحصیل شدم. دوره سطح را نزد اساتیدی چون استاد دوزدوزانی، استاد پایانی و ... به اتمام رساندم و در دروس خارج آیات عظام لنکرانی(ره)، مکارم شیرازی، سبحانی و ...

شرکت کردم. در سال ۱۳۷۸ شروع به تحصیل در دوره نهم رشته تخصصی کلام اسلامی سطح چهار کردم و در سال ۱۳۸۲ این دوره را به اتمام رساندم. در مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه به عنوان مدیر گروه ادیان و مذاهب مشغول به تحقیق شدم . در موسسه آینده روشن مدیر گروه تاریخ بوده و تاریخ غیبت کبری تدریس می‌کردم و در موسسه امام صادق(ع) یعنی تخصصی کلام اسلامی به تدریس تاریخ ادیان و مذاهب اسلامی و کلام استدلالی مشغول هستم و عضو هیات تحریریه مجله صباح و مشرق موعود می باشم.

رضوی، سیدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین رضوی

محل تولد : خوانسار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۴۳ متولد شدم. خانواده ما از سابق روحانی بودند. گرچه پدرم روحانی نبوده است، در خانواده متدین و اصیل رشد و نمو داشتم، دروس ابتدایی و راهنمایی و متوسطه را با موفقیت و درجه عالی گذراندم و در همین مراتب و دوره‌ها به عنوان نفر اول شهر انتخاب و شناخته شدم. بعد از اتمام دروس کلاسیک با توجه به اصالت خانوادگی روحانی بودن، قدم در عرصه حوزه و روحانیت گذاشتم و در حوزه علمیه حضرت ولی عصر(عج) شهرستان خوانسار در سال ۱۳۵۹ درس حوزه را شروع کردم و در مدت خیلی کم دروس ادبیات عرب را تمام کردم و درس فقه و اصول را آغاز کردم به طوری که پس از مدت ۸ سال در درس خارج فقه و اصول که در شهرستان مذکور برقرار شده بود شرکت نمودم و از استاد بزرگ و گرانقدر جناب حاج آقای تقدیری سبزواری بهره بردم.در مدت مذکور در کنار درس به تدریس نیز مشغول شدم. و از آن زمان تا حال این تدریس ادامه دارد و تا بحال کتب لمعتین،رسائل و مکاسب تدریس رسمی و خصوصی داشتم.در کنار تدریس امور مربوطه، مدیریت مدرسه نیز برعهده اینجانب بود که وقت زیادی را صرف آن نمودم در روزهای جمعه و پنجشنبه در دانشگاه پیام نور شهرستان مشغول تدریس کتب اخلاقی،تاریخی،مدیریت اسلامی،انقلاب اسلامی، ادبیات عرب بودم و این تدریس در سالهای ۶۵ تا سال ۷۵ ادامه داشت که مجوز تدریس از دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه را نیز داشتم.

در مدت تدریس، در حوزه نیز رتبه اول و جزء نفرات برتر حوزه بودم.در سال ۱۳۷۳ وارد قم مقدس جهت ادامه تحصیل و استفاده از محضر شریف اساتید شدم و بعد از مدت کمی اساتید دلخواه خودم را یعنی حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی جهت درس اصول و حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ جواد تبریزی جهت درس فقه شناسایی و در کلاس درس آنها به تلمذ پرداختم. در کنار بهره مندی از اساتید خارج فقه و اصول به کارهای اجرایی در مرکز مدیریت حوزه علمیه قم و مرکز جهانی علوم اسلامی و تدریس در حوزه جامعهٔ الزهرا و مدارس تحت پوشش مرکز جهانی و تدریس در دانشگاههای محلات و همچنین خوانسار پرداختم و در سالهای اشتغال به تحصیل در حوزه علمیه خوانسار و قم در سالهای اوج مبارزه با طاغوت و سالهای جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز فعالیت اجرایی و جبهه‌ای داشتم که انشاء الله خداوند قبول نماید.

رضوی، شمس‌الدین محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۰۹۰- ز ۱۱۳۵ ق)، عالم و نویسنده شیعی. وی از عالمان و سرکشیکان خدام مشهد رضوی بود. در ابتدای کتابش، «وسیله الرضوان»، نسب خویش را به امام جواد (ع) رسانیده است وی خود گوید که شیخ حر عاملی را در کودکی درک کرده و عده‌ای دیگر از علمای اعلام و نصرالله مدرس حائری و لطف‌الله و محمد گیلانی و احمد عاملی نجفی و مقصود و محمدقاسم و محمدهادی اصفهانی و موسی بن علی نجفی و حسین بن حسن طالقانی و میر علینقی اردبیلی و محمد معصوم یزدی و عبدالرزاق مشهدی و بسیاری دیگر را نیز درک کرده و در اکثر آثارش از آنها روایت کرده است. از آثارش: «وسیله الرضوان»، در کرامات سلطان خراسان، که در ۱۱۳۵ ق تالیف شده «حبل المتین»، در معجزات امیرالمومنین علی (ع)؛ «تزیین المجالس».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۱۲/۹)، الذریعه (۷۸ -۷۷/ ۲۵، ۲۴۰ -۲۳۹ /۶، ۱۷۳ -۱۷۲ /۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۷۰ -۶۶۹ /۱۲)، معجم المؤلفین (۱۹۷/۱۱).

رضوی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علیرضا رضوی

محل تولد : استهبان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیّد علیرضا رضوی در سال ۱۳۶۷ پس از اتمام سیکل وارد حوزه علمیّه شدم و در سال ۱۳۷۳ از شیراز به قم مهاجرت نموده و ادامه دروس سطوح حوزه را در این شهر مقدس مشغول شدم در سال ۱۳۷۵با شرکت در آزمون ورودی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی در دوره عمومی به دروس الهیّات و معارف اسلامی شرکت نمودم ودر سال ۸۰ با اتمام دوره مذکور و دفاع از پایان نامه موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد الهیات گردیدم . هم اکنون نیز با شرکت در دورهها دین شناسی مشغول گذراندن دروس این دوره در مؤسسه فوق هستم .

رضوی، قمی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۲ -۱۲۸۳ ق)، عالم، فقیه و ادیب امامی. در ۱۳۱۳ ق در تهران در بحث و درس علامه سید عبدالکریم لاهیجی شرکت کرد. سپس به نجف مهاجرت و در محضر شیخ الشریعه اصفهانی تلمذ نمود و از ملا محمد کاظم خراسانی بهره گرفت. او در حدود ۱۳۲۶ ق به قم رفت و در ۱۳۳۱ ق به حج مشرف شد و در بازگشت ساکن تهران گردید و به انجام وظائف شرعی مشغول گشت. از آثارش: «تقریرات» دروس استادانش در فقه و اصول با تصرفات و تحقیقات؛ کتاب «نهایه المأمول»، در شرح «کفایه الاصول» که شرح مزجی است بر «کفایه» آخوند خراسانی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۰۵ / ۲۴، ۳۴ / ۱۴، ۸۷۷ / ۹)، ریحانه (۴۸۷ -۴۸۶ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۱۳ -۴۱۲ / ۱۴).

رضوی، محمد امیر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۷۴ ق)، خطاط، نقاش و مذهب. از معاصران و مصاحبان غلام محمد هفت قلمی بود. وی جوانی خوش اخلاق و خوش طبع و شیرین زبان بود که در هنر نقاشی، تذهیب، جدول‌کشی، صحافی، علاقه‌بندی و سنگ تراشی مهارت داشت. او نستعلیق را به شیوه‌ی قدما می‌نوشت و در خوشنویسی از روش رشیدا پیروی می‌کرد و خود مجموعه‌ی نفیسی از آثار رشید را جمع آورد و بیشتر آنها را تذهیب و تزیین کرد و کم‌کم شباهت خط او به رشیدا به آنجا رسید که بر خط خود رقم رشیدا می‌نهاد. وی در ماه محرم مجلسی از خوشنویسان تشکیل می‌داد و در باب خط و خطاطان مباحثات و مذاکرات می‌کرد. رضوی در بلوای هندوستان هدف گلوله واقع شد و درگذشت. از آثار وی: یک قطعه در موزه‌ی باستان‌شناسی دهلی، به قلم دو دانگ و کتابت متوسط، با رقم: «مسوده محمد امیر، در سنه‌ی یکهزار و دوصد و پنجاه و هفت هجره النبویه تحریر یافت»؛ تصویر پر زیب و زینت که برای سلطان عالم تهیه کرده و مجموعه‌ی پرحلاوتی از هنر تذهیب و تشعیر است وی در آخر کتاب خود را عبداللطیف خوانده و رقم نهاده: «به تاریخ غره محرم‌الحرام سنه ۱۲۷۶ هجری»؛ از دیگر آثار این هنرمند کتابی زیبا که مینیاتور نیز دارد و یکی از آنها تصویر خود سلطان عالم بوده که در بالای تصویر نوشته شده: «شبیه دست در دست گرفته، فهمانیدن سلطان عالم نواب سرفراز مخلص صاحبه را سنه ۱۲۶۲».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۴۵ -۶۴۴ /۳)، احوال و آثار نقاشان (۶۵۲ -۶۵۱ /۲).

رضوی، محمد شفیع

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، نقاش و خطاط. وی سیاه قلم را خوش می‌ساخت و پرداز را استادانه می‌زد. در جانورسازی صاحب ابتکار بود و نستعلیق را خوش می‌نوشت. از آثار این هنرمند، تصویر گاوی است در سیاه قلم که کوهان برآمده داشته و تصویر مرد چوپانی نیز،

همراه آن دیده می‌شود و به خط نستعلیق رقم «محمد شفیع رضوی» دارد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۸۹۷/ ۲).

رضوی، محمدامین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدامین رضوی از علماء مبرز رضائیه مقیم تهران می‌باشند ترجمه خویش را چنین نگاشته‌اند:

در حدود ۱۲ کیلومتری شهر نقده، دهکده‌ای به نام «راهدهنه» هست که سابقاً بزرگ بوده و حاکم‌نشین سلدوز بوده است و نگارنده‌ی سطور در ۱۳۴۴ ه.ق ۲ شعبان تقریباً ۳ ساعت از شب دوشنبه گذشته در همین محل متولد شده‌ام و شش کلاس دبستان و مقداری هم از صرف و نحو را در خدمت پدرم در همانجا خوانده‌ام و تا قریب به ۱۶ سالگی در آنجا به سر برده‌ام.

شیخ رضاقلی اینجانب در ارومیه و تبریز و نجف اشرف به تحصیل علوم پرداخته و در کاظمین عموزاده‌هایش را یافته است و آنها خواسته‌اند که ایشان را در کاظمین نگاه دارند ولی او ایران را ترجیح داده و به ارومیه برگشته است، شیخ رضاقلی در فقه و اصول و ریاضیات و طب قدیم و هیأت و تقویم‌نویسی و زیج‌شناسی آن روزگار مطلع بوده و در ادبیات مهارت داشته و استاد کم‌نظیری بوده است.

و مدتی در ایام جوانی معلم شاهزاده ملك قاسم میرزا و یا فرزندان او بوده، یکی از اساتید ایشان حاجی میرزا احمد آقا تبریزی است که تعلیقات ایشان در حواشی شرح لمعه به خط عبدالرحیم چاپ شده است و یکی دیگر از اساتید ایشان شیخ محمد حسن مجتهد ارموی بوده که از شاگردان بنام شیخ مرتضی انصاری مشهور بوده و شیخ محمدصادق فخرالاسلام ارموی صاحب انیس‌الاعلام هم دین مبین اسلام را از او یاد گرفته و شیخ انصاری می‌فرموده که شیخ محمدحسن برای همه‌ی آذربایجان کافی است، رحمهم‌اللّه‌اجمعین.

شیخ رضاقلی از ارومیه به سلدوز منتقل می‌شود و در آنجا در سنه‌ی ۱۲۹۷ ه.ق از زوجه‌ی افشاریه‌ی ایشان، والد بزرگوارم آقای حاجی شیخ عباسقلی رضوی که اکنون در سن ۹۶ می‌باشند متولد شدند، و در سال تولد ایشان شیخ عبیداللّه گیلانی از عراق به ایران حمله آورده و گروه بسیار زیادی از شیعیان ایران را که پیرمردان رضائیه در حدود یکصد و پنجاه هزار نفر می‌گفتند کشته است و همو بود که عسکرآباد را قتل‌عام کرده بود.

ایشان اول در خدمت پدرشان و بعد در نجف اشرف به تحصیل پرداخته‌اند و زوجه‌ی اخیرشان؛ مادر مکرمه‌ی نگارنده از طایفه‌ی «قره پایاق» هستند و بنابراین: حقیر از امهات اربعه: عرب و کرد و افشار و قره پایاق متولد شده‌ام، و نسب پدران ما هم به عرب می‌رسد و شاید که از ایران به عراق رفته بوده‌اند.

حقیر در ۱۱ محرم‌الحرام سنه‌ی ۱۳۵۹ ه.ق در نزد پدرم به خواندن صرف میر شروع کرده‌ام و در ۱۳۲۰/۳/۱۲ ش برای تحصیل از سلدوز خارج و بعد از ۱۱ روز سفر پرمشقت به قم رسیدم و تا رجب ۱۳۶۴ ه.ق در قسمت فوقانی ناحیه‌ی غربی نیمه‌ی شمالی مدرسه‌ی فیضیه سکونت گزیدم و بعد تا ۱۲ شوال ۱۳۷۱ در خارج از فیضیه منزل داشتم.

شرح منظومه‌ی سبزواری و اسفار ملاصدرا را در درس آقای حاجی سید محمدحسن طباطبائی مؤلف المیزان فی تفسیر القرآن بالقرآن استماع کردم و از بدو ورود آیت‌اللّه حاجی آقا حسین بروجردی به شهر قم به هر دو درس ایشان می‌رفتم، و در قم در حین تحصیل از صرف میر گرفته تا کفایه و مکاسب و رسائل درس گفته‌ام.

در ۱۵ صفرالخیر ۱۳۷۲ ه.ق در رضائیه سکونت گزیدم و الحمدللّه در آن شهر به تبلیغات عالی و پرثمر موفق شدم و به مطالعه‌ی در آیات کریمه و احادیث شریفه پرداختم و همه‌ی کتابهای علمیم را در آنجا به رشته‌ی تحریر کشیدم و یا یادداشت کردم و از ۱۵ شعبان ۱۳۹۰ ه.ق برابر ۱۳۴۹/۶/۲۵ ش در تهران رحل اقامت افکنده‌ام تا خدا چه خواهد.

نوشته‌های حقیر، همه از قرآن کریم و احادیث شریفه‌ی مرویه از معصومین علیهم‌السلام سرچشمه گرفته و عبارتند از:

۱- تجسم عمل یا تبدل نیرو به ماده، در تبریز در ۱۳۸۵ ه.ق و بعد در تهران ۱۳۵۰ ش چاپ شده است.

۲- آغاز و انجام جهان، در رضائیه در ۱۳۴۸/۸/۲۰ ش چاپ شده است.

۳- ساختمان آینده‌ی انسان، هنوز چاپ نشده است.

۴- کتابی در حل شبهه‌ی آکل و مأکول، چاپ نشده.

۵- پیدایش انسان، چاپ نشده.

۶- احادیث منتخبه از روضه‌ی کافی که در تهران تلخیص و ترجمه کرده‌ام و در ۱۳۵۱/۷/۲۰ چاپ شده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رضوی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علماء متقی فرزند مرحوم حاج سید اسحاق و در مسجد امام اقامه نماز جماعت می‌نمود. شرحی بر خطبه حضرت صدیقه

سلام‌اللّه‌علیها به عربی نگاشته که در تهران به طبع رسیده و در سال ۱۳۳۴ ق فوت نمود و در شیخان مدفون شد.
(۱۳۴۴ –۱۲۸۷ ق)، عالم دینی. از علمای متقی بود. در قم درگذشت و در قبرستان شیخان دفن شد. از اثر معروف وی «الدره البیضاء فی شرح خطبه فاطمه الزهراء (ع)» که دارای عناوین: متن و شرح و لغت و اعراب و معنی است. هر یک از قطعات خطبه تا پایان تحت این عناوین آورده شده است. این کتاب به همت برادرش آقا حسین بن اسحاق رضوی در ۱۳۵۴ ق به طبع رسید.[۱]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)
منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۹۳/ ۸)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۳۳/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۵/ ۲).

رضوی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدحسین ملقب (به علم الهدی) بن سید هبهٔاللّه بن سید محمد بن سید عبدالحی بن محمد بن عبدالغفار ابن عبدالرزاق بن ابراهیم رضوی کاشانی عالمی جلیل و متقی بوده است.

وی در کاشان متولد و پس از فراگرفتن مقدمات و ادبیات و سطوح از مرحوم آخوند ملا حبیب‌اللّه و دیگران در کاشان به نجف مهاجرت و از محضر مرحوم آخوند خراسانی و سید محمدکاظم یزدی و غیر آنان از اعاظم علماء و اکابر مدرسین استفاده نموده و در سال ۱۳۵۲ قمری به کاشان مراجعت و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تدریس و ترویج پرداخته تا سال ۱۳۸۶ قمری که بدرود حیات گفته است.

دارای تألیفات عدیده مانند بهجهٔالتنزیل در تفسیر و تأویل و (العندبیل) در تمیز بین صحیح و علیل و (المائدهٔ العرشیه) و غیر ذلک بوده است.

نگارنده در سال ۱۳۶۴ قمری که با جنابان فاضلان باذلان آیتین علامتین آقای حاج سید کاظم و آقای حاج سید مهدی اخوان مرعشی و دانشمند گرامی حاج شیخ مرتضی مطهری به کاشان مسافرت کردم از نزدیک آن مرحوم را ملاقات کرده‌ام. آن مرحوم در کاشان مخصوص محله خود بسیار متنفذ و مورد توجه بود و مردم به او علاقه بسیاری داشتند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

رضوی، محمدصادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدصادق رضوی امام جمعه لاهیجان سید بزرگوار و جلیل‌القدر بودند و در شهرستان لاهیجان سمت امام جمعه‌ای داشتند و گویا این منصب در خاندان آن مرحوم موروثی بود. وی دارای محاسن اخلاق و ملکات فاضله و بسیار متین و منیع‌الطبع بود چند سفری در عصر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی به قم مشرف شدند و توفیق زیارتشان را یافتم در حدود ۱۳۸۰ ق به رحمت حق پیوسته و به اجداد گرامش ملحق گردیدند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

رضوی، محمدمهدی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن السید محسن الرضوی المذکور و از علماء مبرز قم بوده و محقق ثانی شیخ علی کرکی در سنه ۹۳۶ هنگام رفتن به کاشان در قم به ایشان اجازه داد و قبر شریفش علی‌الظاهر در جنب تکیه کوچه حرم که اکنون به صورت مسجد زیبائی درآمده در مقبره کوچکی که معروف به محمدیه است می‌باشد املاک بسیاری وقف بر مزار کثیرالانوارش بوده که حالیه از بین رفته است و از احفاد اوست میرزا محمدباقر ابن میرزا محمد ابراهیم بن میر محمدعلی بن میر محمدمهدی بن السید محسن الرضوی القمی که از جمله علماء بوده است.

صاحب روضات الجنات گوید: میرزا محمد نیشابوری در رجالش آورده که آن سید جلیل شرحی بر اصول کافی نوشته و ساکن همدان بوده و در هیجدهم ماه صفر ۱۲۱۸ در همدان وفات نموده و جنازه او را به قم آورده و در دارالحفاظ دفن نمودند. والد ماجدش میرمحمد ابراهیم نیز از جمله علماء بوده و او جد سادات همدانست و او راست کتاب «نجات المسلمین» در اصول دین.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

رضوی، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگی نامه آیت الله حاج شیخ مرتضی رضوی .

آیت الله حاج شیخ مرتضی رضوی فرزند ارشد شیخ محمد حسین رضوی در ۲۶ دی‌ماه سال ۱۳۲۶ شمسی در خانواده‌ای فرهنگی، مذهبی و روحانی چشم به جهان گشود. فشرده‌ای از آثار و زندگی پدرو اجداد ایشان و انگیزه انتقال شیخ محمد علی کاظمینی خوئی از عراق به آذربایجان در سایت بینش نو در لینک «دربارهٔ ما» بیان گردیده است.

استاد مرتضی رضوی در اواخر سال ۱۳۴۰ پس ازتحصیل دوره ابتدایی و علوم مقدماتی به شهر مقدس قم عزیمت نمودند و در محضر اساتید بزرگ به تحصیل علوم و معارف اسلامی پرداختند: دروس فلسفه و منطق را نزد بزرگانی چون انصاری شیرازی، شهید دکتر مفتح و استاد شهید مرتضی مطهری گذراندند.

فقه و مکاسب رادر محضر آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله جعفر سبحانی و درس «خارج» را مدتی نزد آیت الله داماد، و آنگاه از کلاس درس خارج مرحوم آیت الله گلپایگانی، آیت الله شر یعتمداری و آیت الله ملکوتی بهره‌مند شدند.

استاد که در یک خانواده و خاندان بزرگ فرهنگی رشد یافته‌اند، از همان اوان کودکی با محافل نقد و بحث علمی، مذهبی مأنوس و آشنا بوده‌اند، همچنانکه خود بیان می‌دارند در کلام و اعتقادات و اسلام شناسی شاگرد پدر بزرگوارشان شیخ محمد حسین رضوی، و مرهون راهنماییهای مستمر ایشان بوده‌اند.

استاد مرتضی رضوی پس از بازگشت از قم تا پیروزی انقلاب اسلامی ضمن فعالیتهای سیاسی، به تبلیغ معارف اسلامی و تدریس و تفسیر قرآن و نهج البلاغه در آذربایجان می‌پردازند و با قلم صریح و رسای خود به نشر و گسترش مبانی علمی، اعتقادی دین اسلام در میان جوانان و اقشار تحصیل کرده مبادرت می‌ورزند.

در سن ۱۹ سالگی کتاب «خلقت آدم و بحثی در تکامل» را با مقدمه شهید دکتر مفتح تحریر و به چاپ می‌رسانند.

استاد مرتضی رضوی در اوایل سنین جوانی با امام خمینی (ره) و اهداف عدالت‌گستر ایشان آشنا شده و در ماجرای فیضیه و سخنرانی پرشور و تاریخی حضرت امام در سال ۱۳۴۲ حضور داشتند و تا سال ۱۳۵۶و خیزش نهضت اسلامی ۱۸ بار توسط رژیم ستمشاهی دستگیر و در زندان انفرادی توأم با شکنجه حبس گردیدند. ایشان در اسفند ماه سال ۱۳۵۶ مجدداً دستگیر و به عنوان اولین تبعیدی آذربایجان به شهر لار تبعید شدند.

استاد مرضی رضوی پس از چند سال تبلیغ و تدریس و تفسیر قرآن در آذربایجان و انجام فعالیتهای گسترده و مؤثر در تبریز در سال ۱۳۶۳ از سوی مردم فهیم تبریز در دوره دوم مجلس شورای اسلامی به نمایندگی مجلس برگزیده شدند.

استاد مرتضی رضوی در سال ۱۳۶۶ در دوره سوم نمایندگی مجلس شواری اسلامی از تهران کاندیدا شدند. حضور چشم‌گیر ایشان در مرحلهٔ دوم انتخابات مجلس سوم تهران، باعث چالش و رخدادی بزرگ در عرصه فعالیتهای سیاسی گردید. سرانجام استاد مرتضی رضوی بنابر فرمایش تاریخی، مصلحانه حضرت امام (ره) به وزیر کشور وقت ، مبنی براینکه «سلام من را به آقای رضوی برسانید و از قول من به ایشان بگویید: این حق شماست که همچنان در مرحلهٔ دوم کاندیدا باشید، ولی برای رفع تشنج و حفظ آرامش از حق خود صرف نظر کنید»، فی‌المجلس ضمن یادداشتی به وزیر کشور وقت از نمایندگانی تهران انصراف داد.

رضوی‌زاده، حکمت

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: مواد، دانشگاه: علم و صنعت ایران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی در زمینه متالورژی و مهندسی مکانیک.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده مواد دانشگاه علم و صنعت ایران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تولید آهن و فولاد شامل انجام کارهای تحقیقاتی در زمینه‌های گندله‌سازی با بهبود قابلیت حرارتی و احیائی کربن (کک)، کوره بلند فولادسازی (اکسیژن، فسفر و گوگردزدائی فولاد، روش احیاء مستقیم)، تولید فلزات غیر آهنی شامل مشاوره و انجام کارهای تحقیقاتی در زمینه تولید فلزات غیر آهنی در زمینه ئیدرومتالورژی در طرز تهیه فلزات مس، سرب، روی، مولیبدن، تنگستن و فلزات قیمتی نظیر طلا، نقره و رنیم و فلزات سبک نظیر تیتانیم، آلومینیم و منیزیم. طرز تهیه فلزات از طریق روش ئیدرومتالورژی، بازیابی مس و نقره از تهیه فلز رنیم استاد راهنمای ۵ پایان‌نامه ... مس سرچشمه، بازیابی فلزات از Tailing ... دکترا و کارشناسی

ارشد.

ابداع:

اکسیژن‌زدائی مس بوسیله ماده جدیدی بنام کلسیم هگزابورید به فرمول CBa_6، تصفیه مس کاتدیک و تولید مس کاملا خالص با هدایت الکتریکی و خواص مکانیکی بسیار بالا (به ثبت رسیده است).

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بررسی خواص فیزیکی، مکانیکی، شیمیائی و آلیاژهای مهم مس، مراحل تغلیظ، تولید مات، الکترولیز در روش پیرومتالورژی و روش ئیدرومتالورژی تولید مس.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

فنی و مهندسی، متالورژی فیزیکی، فلزات، معدن و فلزات غیرآهنی، متالورژی و مواد، متالورژی مس.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

رضوی‌زاده، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر. از آثار او: «نصاب واژه‌های نو»، به نظم؛ «گمشده‌ی کنعان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۳۸۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲۴۹/۴).

رضویه، اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم تربیتی، دانشکده: علوم تربیتی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فلسفه و علوم تربیتی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۹، کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی از دانشگاه ایندیانای آمریکا در سال ۱۳۴۳، دکترای روانشناسی تربیتی از دانشگاه ایندیانای آمریکا در سال ۱۳۴۶.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه ایندیانا از سال ۱۳۴۶ تا سال ۱۳۴۷، استادیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۴۷ تا سال ۱۳۵۱، دانشیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۵۱ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ترجمه و هنجاریابی آزمون ITPA جهت کودکان شیرازی، هنجاریابی آزمون هوشی اوتیس ویژه دوره ابتدایی و راهنمایی در استان فارس، تعداد منابع حافظه در ارتباط با تکلم دو زبان، تاثیر روش ارائه و تکرار بر روی حافظه کوتاه‌مدت و درازمدت، اثر یادداشت‌برداری بر یادگیری و رابطه آن با توانائی کلامی، اثر هدف‌های آموزشی بر یادگیری و یادآوری و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی، تأثیر آموزش اخلاق بر تقلب و رابطه آن با اهمیت امتحان، تأثیر در شیوه کشف و توضیح در تدریس گرامر انگلیسی و تعامل آن با پیشرفت تحصیلی، بررسی میزان شیوع منابع و علائم استرس در میان معلمان ایرانی، بررسی تأثیر رفتار معلم در پیشرفت دانش‌آموزان در مقطع ابتدائی، تأثیر آموزش پیش‌دبستانی بر مشکلات رفتاری دانش‌آموزان، هنجاریابی آزمون بندر- گشتالت برای کودکان ۶ تا ۱۱ ساله در مدارس ابتدائی شیراز، مقایسه بین دو روش انتخاب دانشجو: معدل کتبی ششم متوسطه و امتحانات ورودی دانشگاهها، تأثیر کار کردن مادران شاغل در خارج از منزل در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان کلاس پنجم ابتدائی مدارس دولتی شیراز.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

اصول تحقیق در علوم تربیتی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

تحقیق در مسابقات ورودی دانشگاه و رابطه آن با امتحانات ششم متوسطه و موفقیت دانشگاهی، سنجش هوش گروهی از

دانش‌آموزان دبیرستان‌های شیراز با استفاده از آزمون هوشی اوتیس، روش‌های مختلف ارزشیابی و مشخصات هر یک از قواعد و اصول سنجش و اندازه‌گیری روانی- تربیتی و بررسی چگونگی اعمال آن در ایران، پژوهشهای علمی مقایسه‌ای و کاربرد آن در علوم رفتاری، انطباق و هنجاریابی مقیاس هوشی برای دوره پیش‌دبستانی شیراز.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رضی اصفهانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۴ ق)، شاعر. از سادات اصفهان بود که در روزگار شاه عباس صفوی به هندوستان سفر کرد. و پس از چندی به اصفهان بازگشت. و در همان جا درگذشت وی علاوه بر استادی در شعر، در فن سخن‌سنجی نیز توانا بود. از آثار وی: «دیوان» شعر است. از او است:

به جان آمد دلم از ناصبوری

نصیب جان دوری باد دوری

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۴۳/۳)، تاریخ نظم و نثر (۴۱۳)، ریحانه (۵۵/۱)، الذریعه (۳۷۱/۹)، سرو آزاد (۳۱)، صبح گلشن (۱۷۸)، کاروان هند (۴۵۱ -۴۴۹ /۱)، لغت نامه (ذیل/ رضی).

رضی خراسانی، رضی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. ابتدا در دفاتر مخصوص مشغول بود، سپس مستوفی مازندران شد. مدتی نیز در خدمت نواب شیخ علی خان اعتمادالدوله به امر وزارت مشغول بود. از جمله آثارش: «دیوان» شعر. از اوست:

به مجلس آمدی خون در دل مینا به جوش آمد

قدح بر کف گرفتی نشئه صهبا به جوش آمد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۸۱ -۸۰)، الذریعه (۳۷۲/۹)، صبح گلشن (۱۷۸)، فرهنگ سخنوران (۳۸۶).

رضی سمرقندی، رضی‌الدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. به فارسی و ترکی شعر می‌گفته مداح سلطان بابر بود برادر دولتشاه سمرقندی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره الشعراء (۵۱۴)، فرهنگ سخنوران (۳۸۶)، لغت نامه (ذیل/ رضی سمرقندی).

رضی شیرازی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۱۳ ق) خطاط و شاعر، متخلص به رضی. وی در علوم ادبی و لغت عربی و خطوط، بخصوص نستعلیق دست داشت. در سال ۱۲۷۸ ق از شیراز به تهران آمد و در وزارت امور خارجه به خدمت مشغول شد و به مقامات عالی رسید. میرزا رضی گاهی نیز شعر می‌سرود. صاحب «تذکره‌ی مرآت الفصاحه» او را دیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۲۷)، احوال و آثار خوشنویسان (۲۱۹/۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۲۵ -۶۲۴ /۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۰۰ -۱۰۹۹ /۲)، مرآت الفصاحه (۲۴۵ -۲۴۴).

رضی شیرازی، مرتضی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به رضی. از سادات شریف شیراز و مدتی قاضی‌القضات آن شهر بود. در شیراز درگذشت.

هرچه ما بیداد می‌پنداشتیم آن داد بود

خصمی افلاک با ما سیلی استاد بود

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۹۹)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۷۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۲۶ -۶۲۵ /۲)، الذریعه (۳۷۳/۹)، صبح گلشن (۱۷۹)، مرآت الفصاحه (۲۴۴ -۲۴۳).

رضی قزوینی، رضی‌الدین بابا

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، شاعر. وی از نوادگان افتخارالدین بکری بود و در روزگار آباقاخا در دیار بکر امارت داشت. رضی پس از آن که از حکومت معزول شد، رباعی مشهوری سرود و به نزد خواجه شمس‌الدین محمد جوینی فرستاد ملک رضی از فضیلت و دانش بهره‌مند بود و در سرودن شعر طبعی موزون و قریحه‌ای نیکو داشت. از آثار وی: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ گزیده (۷۳۳)، حبیب السیر (۱۱۷/۳)، الذریعه (۳۷۳، ۳۷۲، ۱۱۷ /۹)، فرهنگ سخنوران (۳۸۷)، هفت اقلیم (۱۶۰ -۱۵۹ /۳)، مینودر (۴۵۵ -۴۵۴ /۲)، یادگار (س ۲، ش ۳، ص ۲۰ -۱۳).

رضی قمی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. مشهور به آقا رضی. پدران وی شیخ‌الاسلام قم بودند. وی در سرودن شعر توانایی داشته است. این بیت از او است:

هر که چون تیغ مدارش کجی و خونریزی است

خلق عالم همه گویند که جوهر دارد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۱۵)، الذریعه (۳۷۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۸۶).

رضی لالای غزنوی، رضی‌الدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۴۳/۶۴۲ ق)، صوفی و شاعر. وی در شهر غزنه متولد شد و به شهرهای مختلف خراسان و هند سفر کرد و سرانجام در غزنه درگذشت. شیخ رضی‌الدین از بزرگان و نجم‌الدین کبری بود و صحبت شیخ کبری را نیز دریافته بود، گفته‌اند که مصاحبت شیخ احمد یسوی و خواجه یوسف همدانی و بسیاری از مشایخ دیگر را دریافته و از ۱۲۴ شیخ خرقه گرفت و بر علوم ظاهر و باطن چیره بوده است. در شعر فارسی نیز استاد بوده است. رضی سفری نیز به هند داشته و به خدمت مشایخ هند رسیده است. رضی‌الدین علی لالا بنابر مشهور در قریه‌ی جوین در اسفراین وفات یافت و همان جا دفن شد و ظاهرا به سبب طول اقامت در این نواحی است که در «مجمل فصیحی» از وی به جوینی تعبیر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۱۳/۲)، تاریخ گزیده (۶۷۲)، تاریخ نظم و نثر (۷۴۶)، تذکره الشعراء (۲۴۶ -۲۴۵)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (۱۰۵ -۱۰۳)، الذریعه (۳۷۴/۹)، ریحانه (۳۱۸ -۳۱۷ /۲)، صبح گلشن (۱۷۸)، فرهنگ سخنوران (۳۸۶)، لغت نامه (ذیل/ رضی)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۶۴۲)، نفحات الانس (۴۳۷)، هفت اقلیم (۳۱۸ -۳۱۷ /۱).

رضیه‌ی گنجه‌ای

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، شاعر. از شاعران رباعی سرای بوده که پیش از نیمه دوم سده هفتم هجری می‌زیسته است. از اوست:

آن زلف نگر سر به سمن آورده

برگرد سمن مشک ختن آورده
گویند خطی است آنکه گرد رخ اوست
خطی است ولی به خون من آورده
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات تبریز (س ۱۴ ش ۴، ص ۵۴۲ -۴۵۱)، مشاهیر زنان (۱۰۷).

رعدی

قرن:۱۱
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س یازدهم ق)، شاعر. از او یک مثنوی عشقی باقی مانده است. به نام «خموش خاتون».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :منظومه‌های فارسی (۲۸۰).

رعدی آذرخشی، غلامعلی

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو ۱۲۸۸ ش)، روزنامه‌نگار، استاد دانشگاه و شاعر، متخلص به رعدی. در تبریز متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تبریز به پایان برد، سپس به تهران آمد و از دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی به اخذ لیسانس نایل گشت. در سال ۱۳۱۲ ش به خدمت دولت درآمد و مشاغلی چون مدیر کتابخانه‌ی فنی وزارت فرهنگ، ریاست اداره‌ی کل نگارش، سرپرستی مجله‌ی آموزش و پرورش و ریاست هیات تحریریه‌ی روزنامه‌ی «ایران» را عهده‌دار بوده است. در تاسیس فرهنگستان ایران همکاری داشته و مدتی دبیرخانه آن را اداره می‌کرده است. در سال ۱۳۱۵ ش به مظور تکمیل معلومات به پاریس رفت و در رشته یا ادبیات درجه‌ی دکترا گرفت. وی به زبانهای فرانسوی، انگلیسی، عربی و ترکی رایج در ترکیه تسلط داشت. سپس به ایران مراجعت کرد و در وزارت فرهنگ به خدمت مشغول شد. بعدها به نمایندگی ایران در یونسکو انتخاب شد و به نیابت ریاست آن سازمان رسید. پس از مراجعت به ایران، سناتور انتخابی تهران شد و ریاست دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه ملی را عهده‌دار بود. دکتر رعدی در سرودن شعر توانا بود. قصیده‌ی «نگاه» او مشهورترین و شیواترین قصاید زبان فارسی است که آن را در سال ۱۳۱۴ ش و برای برادر لالل خود سرود. از آثار او: رساله‌ی «رستاخیز ادبی ایران»؛ رساله‌ی «جهان‌بینی فردوسی»؛ «تاریخچه‌ی تحول دانشگاه‌ها در ایران»، به زبان انگلیسی؛ «تحقیق در آموزش عالی در زمینه‌ی حقوق عمومی تطبیقی»، به زبان فرانسوی؛ «پنج آینه»، شامل مثنویهایی سیاسی. مجموعه‌ی اشعار او تحت عنوان «نگاه» چاپ و منتشر شده است.[۱]

شاعر و ادیب و محقق و سیاستمدار، در ۱۲۸۸ در شهر تبریز پا به عرصه‌ی وجود نهاد. نیاکانش تفرشی بودند. تحصیلات خود را در تبریز آغاز کرد و در ۱۳۰۶ ش دیپلم گرفت و برای ادامه‌ی تحصیل عازم تهران شد و در مدرسه‌ی عالی حقوق و علوم سیاسی ثبت نام کرد و سرانجام در ۱۳۰۹ درجه‌ی لیسانس در علم حقوق گرفت و به آذربایجان بازگشت و شغل دبیری را پیشه‌ی خود ساخت. چند سالی در تبریز به تدریس ادبیات و تاریخ و جغرافیا مشغول بود تا اینکه به تهران انتقال یافت و ریاست اداره انطباعات وزارت فرهنگ و مدیریت مجله‌ی تعلیم و تربیت به او محول گردید. در ۱۳۱۴ که فرهنگستان ایران تاسیس یافت، رعدی با حفظ سمت به ریاست دبیرخانه‌ی فرهنگستان انتخاب شد. در ۱۳۱۵ علی‌اصغر حکمت وزیر فرهنگ وقت، او را برای ادامه‌ی تحصیل به اروپا فرستاد و در کشور سویس دوره‌ی دکترای حقوق را به اتمام رسانید و در ۱۳۲۱ به ایران بازگشت و به عضویت فرهنگستان و مدیر کلی وزارت فرهنگ و استادی دانشگاه دعوت شد.

دکتر رعدی چندی به کارهای فرهنگی و ادبی اشتغال داشت. مجددا برای مطالعات زبان‌شناسی با سمت وابسته‌ی فرهنگی به انگلستان عزیمت نمود و چند سالی نیز در این زمینه به تحقیق و تتبع پرداخت و به ایران بازگشت. مدتی بازرسی فنی و مشاور عالی بود و بعد به ریاست اداره کل تعلیمات عالیه رسید و سرانجام نماینده و سفیر ایران در یونسکو شد و سالها بدون معارض در آن سمت انجام وظیفه می‌کرد تا اینکه جای خود را به دکتر منوچهر اقبال داد و به تهران احضار شد.

در انتخابات سال ۱۳۴۲ به سمت سناتور انتصابی تعیین گردید و مدت چهار سال سناتور بود. رویه‌ی وی در مجلس سنا و ایراد سخنرانی‌های بی‌جا و بجا و حمله به وزارت فرهنگ و انتقاد از برنامه‌های دولت موجب گردید که پس از اختتام دوره‌ی چهارم مجلس سنا، به وی کار فرهنگی داده شود. از این‌رو به ریاست دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه ملی (شهید بهشتی) منصوب گردید و تا پایان ۱۳۵۷ در آن شغل مستقر بود و سپس بازنشسته شد.

رعدی مردی فاضل و شاعری توانا بود و در ادبیات فارسی، عربی، انگلیسی و فرانسه صاحب‌نظر بود. از نوجوانی شعر می‌سرود و چون اشعارش از مضامین بدیع و سادگی و روانی برخوردار بود، مورد توجه بزرگان علم و ادب قرار گرفت و دانشمندانی چون ادیب‌السلطنه سمیعی، دبیراعظم بهرامی و علی‌اصغر حکمت به او ارج می‌نهادندو در انجام خواسته‌هایش مساعدت فراوان کرده‌اند. اشعار او اعم از قصیده و عزل و چکامه، بالغ بر چهل هزاربیت می‌باشد و تاکنون دو جلد از اشعار او به چاپ رسیده است. دکتر غلامعلی رعدی در عین فضیلت، مردی جاه‌طلب، خودخواه و تندخو بود و خود را بالاتر از همه می‌دانست. در اشعارش بسیاری از

فضلا و ادبا را مورد انتقاد قرار داده است. با هیچ‌کس روح سازش نداشت.

وفات وی در سال ۱۳۷۸ در تهران اتفاق افتاد و سالیانی چند در بستری بیماری بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات معاصر (۵۴ -۵۲)، از صبا تا نیما (۵۶۵ -۵۵۱ /۲)، چشمه‌ی روشن (۶۶۵ -۶۵۵)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (۳۷۸ -۳۷۳)، الذریعه (۳۷۵/۹)، سخنوران نامی معاصر (۱۵۶۵ -۱۵۵۷ /۳)، فرهنگ سخنوران (۳۸۸)، گوهر (س ۱، ش ۸ ص ۷۰۲ -۶۹۹)، مؤلفین کتب چاپی (۷۲۲ -۷۲۱ /۴).

رغمی هروی، قاسم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از اقوام علی قلی خان بیگر بیگی در هرات بود و در «تذکره‌ی روز روشن» از او با نسبت استرآبادی یاد شده است.

در آتش غم سوختم و یار ندانست

حاشا که محبت اثری داشته باشد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۰۰)، الذریعه (۳۷۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۸۸)، مجمع الخواص (۱۲۲).

رفاهی، حسین‌قلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: استاد، رشته: خاک‌شناسی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی زراعی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۹، کارشناسی ارشد خاک‌شناسی از دانشگاه تولوز فرانسه در سال ۱۳۴۶ و دکترای خاک‌شناسی از دانشگاه تولوز در سال ۱۳۴۸.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۵۶، دانشیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۶ تا سال ۱۳۶۴ و استاد دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۴.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

خاک‌شناسی و طبقه‌بندی اراضی مزرعه ۱۳۹ هکتاری دانشکده کشاورزی، بررسی چگونگی حرکت تپه‌های شنی در استان سیستان و بلوچستان با استفاده از عکسهای هوایی، رده‌بندی خاکهای الیگودرز و تهیه نقشه نیمه تفصیلی خاک‌شناسی، بررسی فرسایش‌پذیری خاکهای شمال خوزستان، طبقه‌بندی و میرالوژی گروههای عمده خاکهای استان کرمانشاه، بررسی فاکتورهای مؤثر در فرسایش خاک، شناسایی خاک و طبقه‌بندی اراضی تفصیلی و تهیه نقشه‌های خاک و طبقه‌بندی ۶۰۰ هکتار از اراضی گرمسار.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

خاک‌شناسی و حاصلخیزی خاک و کلیات خاک‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

بررسی خاکهای مزروعی دانشکده کشاورزی، بررسی کان‌های رسی خاکهای آبرفتی برخی از نقاط ایران، بررسی تثبیت پتاسیم در خاکهای منطقه کرج، تهیه نقشه فیزیوگرافیک خاک با استفاده از تفسیر تصاویر ماهواره‌ای لندست با روش بصری، تهیه نقشه منابع زمینی از اطلاعات ماهواره‌ای لندست یک با روش کمی، بررسی مقدماتی مشخصات خاکهای جزیره ابوموسی، مطالعه تثبیت پتاسیم در برخی از خاکهای آهکی و امیدی ایران، خصوصیات فیزیکی، شیمیایی و مینرالوژیکی خاکهای قهوه‌ای آهکی ایران، خصوصیات فیزیکی شیمیایی و مینرالوژیکی خاکهای جنگلهای بلوط غرب ایران.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

رفعا

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی از دوستان شیخ ابوالفضل عمر بود و مردی آگاه. چندی در هندوستان به سر برده و سپس به ایران بازگشت و از آثار بخاری نقل کرد. داستان بریده شدن گوش وی در تذکره‌ها مشهور است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۰۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۳۴ -۴۳۳)، الذریعه (۳۷۶/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۸۸).

رفعت اصفهانی، رفیع‌الدین محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به رفعت. وی نواده‌ی حاج باقر، معروف به مسگر است. رفعت شاعری با کمال و صلاح و مقبول عامه بود و از علوم مختلف سررشته داشت. خط نستعلیق را خوش می‌نوشت. از او است:

بزم مرا خیال خطت یاسمن کند

سرو قد تو کلبه‌ی ما را چمن کند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۱۹/۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۹۰ -۱۸۹)، الذریعه (۳۷۶/۹).

رفعت انصاری همدانی، عباس، محمدعباس

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۷ ق)، مورخ و ادیب و شاعر، متخلص به رفعت. مدتی پیش از تولد وی در لکنهو، پدرش مقیم هندوستان شده بود. رفعت به اکثر سرزمینهای هند مسافرت کرد و در «بهوپال» اقامت گزید، و کتابهای بسیاری تصنیف کرد. از وی با نسبتهای شیروانی، انصاری، یمنی یا هندی یاد شده است از آثار وی: «آثار العجم» که با «آثار عجم» فرصت شیرازی تفاوت دارد؛ «تاریخ ائمه»؛ «تاریخ افاغنه» فارسی؛ «تاریخ البواهر»، در عقاید اسماعیلیه که نام اصلی این کتاب «قلائد الجواهر فی تاریخ البواهر» می‌باشد که «تاریخ نکو» نیز می‌گویند؛ «تاریخ بهوپال»؛ «تاریخ دکن» که همان «چار چمن» است؛ «تاریخ سرندیب»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۷۷/۹، ۲۱۶/۳، ۲۳۴، ۲۹۱، ۲/)، ریحانه (۳۲۵ -۳۲۴ /۲)، صبح گلشن (۱۸۲ -۱۸۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۸۸ -۹۸۷ /۱۴)، لغت نامه (ذیل/ رفعت)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۳ -۶۵۲ /۳).

رفعت فیروزآبادی، محمود

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق) شاعر، متخلص به رفعت. وی مردی درویش سیرت و پاک نهاد بوده. از او است:

درآ به عالم حیرت که فیضها دارد

بهشت و دوزخ تصویر یک هوا دارد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۱۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۲۷/۲)، الذریعه (۱۰۱۱، ۳۷۶ /۹).

رفعت قاجار

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۵۵/۱۲۵۰ ق)، شاعر و خطاط. فتحعلی‌شاه حکومت کرمانشاه را به وی داد. وی خط نسخ را نیکو می‌نوشت. در «مدایح معتمدیه» اشعاری از وی ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۶۸۴ -۶۸۱ /۱)، الذریعه (۳۷۶/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۸۹).

رفعت نهاوندی، مصطفی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عارف و شاعر، متخلص به رفعت. وی اهل نهاوند بود. در زمان سیف‌الدوله سلطان محمد میرزا به مقام سرکردگی یکصد و پنجاه سوار رسید و در این مقام باقی ماند تا سالک طریقت شد و بعد از آن چندان به مشاغل و امور دنیایی اعتنایی نداشت. رفعت در اواخر عمر نابینا شد و چون اشعاری برخلاف طریقه متشرعین می‌گفت در زمان صدارت میرزا محمدخان سپهسالار قاجار او نیز به همراه عده‌ای دیگر متهم به زندقه و محکوم به مرگ شد؛ اما به علت نابینایی بخشوده و به قم تبعید شد. بعد از عزل سپهسالار به رشت رفت و در آنجا بود تا وفات یافت و در صحن بقعه خواهر امام دفن شد. رفعت معاصر محمد اصفهانی بود. طبعش به سرودن غزل، بیشتر از قصیده مایل بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی طلعت (۸۷ -۸۶)، حدیقه الشعراء (۶۸۸ -۶۸۴ /۱)، گنج شایگان (۱۹۰ -۱۸۹)، فرهنگ سخنوران (۳۸۹)، مجمع الفصحا (۳۰۳/۴).

رفعتی آق حصاری، حسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اوست: قرآن وزیری کوچک نسخ کتابت خفی و رقاع خوش با رقم: «سنه‌ی ۱۲۱۸ (یا ۱۳۱۸) فی اوایل شهر الشریف الشعبان کتبه الفقیر الذلیل السید حافظ حسین الرفعتی الاق حصاری» در موزه‌ی اسلامی ترک.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

رفعتی تبریزی، ابراهیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به رفعتی. در تبریز متولد شد و در همان جا نشو و نما کرد. خط شکسته را نیز نیکو می‌نوشت. به هندوستان سفر کرد. پس از بازگشت از هند مدتی در خدمت عرب خان، حاکم شروان بود و در همان جا نیز فوت کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۳۹/۴)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۲۵۸ -۲۵۷ /۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۹۹)، دانشمندان آذربایجان (۱۶۰)، الذریعه (۳۷۷/۹)، سخنوران آذربایجان (۳۷۶)، صبح گلشن (۱۸۲)، فرهنگ سخنوران (۲۸۹)، کاروان هند (۴۵۲ -۴۵۱ /۱).

رفیع بخاری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط، موسیقیدان، پزشک و شاعر. وی در بیشتر علوم دست داشت و پزشک حاذقی بود. در خط نستعلیق شاگرد سلطانعلی مشهدی و از خوشنویسان معروف زمان خود بود. رفیع قانون را خوب می‌نواخت و در فن موسیقی مهارت داشت. وی را در این فن پس از خواجه عبداللّه مروارید از همه برتر می‌دانستند. او در سن هفتاد سالگی درگذشت و در جوار پدرش، در بخارا، دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۲۴)، تاریخ هنرهای ملی (۸۷۰/۲).

رفیع پور، فرامرز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: علوم اجتماعی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

گذراندن دوره کامل زبان انگلیسی در انجمن ایران و آمریکا در سال ۱۳۴۰، گذراندن دوره زبان آلمانی در مؤسسه گوته شهر مونیخ آلمان در سال ۱۳۴۱، کارشناسی ارشد کشاورزی از دانشگاه هوهن‌هایم آلمان در سال ۱۳۴۲، دکترای علوم اجتماعی از دانشگاه هوهن‌هایم آلمان در سال ۱۳۵۲، دوره Postdoctorate در روش تدریس از دانشگاه کاسل آلمان در سال ۱۳۵۲، دریافت درجه پروفسوری از دانشگاه هوهن‌هایم آلمان در سال ۱۳۶۵.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تغییرات اجتماعی روستایی، نیازسنجی، سنجش گرایش، پیدایش و آینده انقلاب، تأثیر تلویزیون و انتقال ارزشها، ویدئو و تغییر ارزشها، استاد راهنمای ۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

روش تحقیق، جامعه‌شناسی روستایی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

روش تحقیق، نیازسنجی.

وقایع میانسالی : دکتر فرامرز رفیع پور در سال ۱۳۵۳ به ایران بازگشت و به عضویت هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی (ملّی سابق) در آمد. وی جهت طی دوره تحقیقاتی علمی بار دیگر به کشور آلمان سفر کرد و در نتیجه تلاش روزافزون در سال ۱۳۶۵ به درجهٔ پروفسوری از دانشگاه هوهن هایم مفتخر شد. از دیگر وقایع رخداده برای دکتر رفیع پور می توان به موارد زیر اشاره کرد: – ۱۳۵۹ (۱۹۸۰) تحقیق درباره سنجش نیازهای روستائیان یزدی – ۶۳ ـ ۱۳۶۱ (۸۴ ـ ۱۹۸۲) دعوت به دانشگاه هوهن هایم به هزینه مرکز تحقیقات آلمان ۱۹۸۶) ۱۳۶۵ – DFG) اخذ Habilitation (رساله پروفسوری) و venia legendi (اجازه تدریس در دانشگاههای آلمان به عنوان پروفسور از دانشگاه هوهن هایم ـ اشتوتگارت بر اساس رساله ارائه شده درباره" پویائی نیاز در برنامه ریزی رشد. – " ۱۳۶۸ (۱۹۸۹) چاپ رساله Habilitation در آلمان. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : – ۱۳۵۳(۱۹۷۴) استادیار گروه جامعه شناسی در دانشگاه ملی ایران (دانشگاه شهید بهشتی) – رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی – رئیس گروه جامعه شناسی دانشگاه شهید بهشتی – ۶۸ ـ ۱۳۶۷(۸۹ ـ ۱۹۸۸) استاد مدعو دانشگاه ویسکانزین ـ مدیسون عضویت ها • استاد دانشگاه هوهن هایم ـ اشتوتگارت، آلمان تا سال ۲۰۰۵ • عضو پیوسته فرهنگستان علوم ایران • عضو شورای پژوهشی فرهنگستان علوم ایران • عضو شورای پژوهشی فرهنگستان علوم پزشکی ایران • عضو شورای دانشگاه شهید بهشتی تا ۱۳۸۴ • عضو هیات ممیزه دانشگاه شهید بهشتی تا ۱۳۸۲ • عضو هیات ممیزه مرکزی علوم انسانی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری •عضو هیات امناء پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی • سرپرست کمیته علوم اجتماعی شورایعالی برنامه ریزی تا سال ۱۳۸۶ • عضو کمیسیون علوم انسانی شورای پژوهش های کشور تا ۱۳۷۹ • رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲ تا خرداد ۱۳۸۵ سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : رفیع پور در کنار مسئولیت های آموزشی و پژوهشی در ایران، در دانشگاه هوهن هایم به عنوان پروفسوری به کار تحقیق و تدریس اشتغال دارد.جوائز و نشانها : – استاد برتر کشور در سال ۱۳۷۵ – برنده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۵ به خاطر تالیف کتاب «جامعه روستایی و نیازهای آن» –استاد نمونه دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۷۱ – دانشجوی بورسیه DAAD در طی سالهای ۱۹۶۵–۶۸ چگونگی عرضه آثار : «جامعه روستایی و نیازهای آن» عنوان پژوهشی است که فرامرز رفیع پور در ۳۲ روستای استان یزد انجام داده است و آن را به صورت کتاب روانه بازار نشر کرده است. مطالعه حاضر که می تواند به عنوان سرمشقی برای مطالعات روستایی بعدی تلقی شود، برای یافتن نیازهای عینی و ذهنی روستاییان استان یزد، یافتن ترتیب ارجحیت این نیازها، طبقه بندی روستاها به ترتیب عقب افتادگی و نیاز آنها طراحی گردیده است و نه تنها کتاب برگزیده سال ۱۳۶۵ شناخته شده، بلکه روشهای ساخته و پرداخته این پژوهش مورد استقبال محافل علمی آلمان نیز قرار گرفته است. کتاب مذکور از مهمترین کتابهای پژوهشی است که در دوره معاصر در عرصه جامعه شناسی روستایی نوشته شده است و از محبوب ترین کتابهای رفیع پور در سالیان اخیر محسوب می شود. فعالیت های پژوهشی دکتر رفیع پور به قرار زیر است: – تعداد مقالات :۱۲ مورد – تعداد گزارش های علمی :۳ مورد – تعداد سخنرانی ها: المان : ۴ مورد ،در آکادمی علوم اتریش:یک مورد،در امریکا :دو مورد ،در ایران:۱۳ مورد – راهنمایی پایان نامه های دکتری: ۲ مورد – راهنمایی پایان نامه های کارشناسی ارشد : ۲۸ مورد آثار : ۱ Rafipoor, Faramarz ۱۹۷۴: Das " Extension and Development Corps " im Iran. Eine empirische Untersuchung zur Feststellung effizienzrelevanter Faktoren und Beziehungen. Saarbruecken: SSIP,۱۹۷۴ ۲ ـ Rafipoor, ۲ Faramarz ۱۹۸۹ Beduerfnisse und Beduerfnisdynamik in der Entwicklungsplanung : Eine empirische Analyse zur Erarbeitung praxisrelevanter Ermittlungsmethoden in der Provinz Yasd/Iran. Frankfurt a.M: Campus, ۱۹۸۹ آناتومی جامعه ویژگی اثر : تالیف–مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربردی. تهران: شرکت سهامی انتشار. ۱۳۷۸ چاپ چهارم ۱۳۸۵.۴ آنومی یا آشفتگی های اجتماعی ویژگی اثر : پژوهشی درباره پتانسیل آنومی در تهران. شرکت سروش ۱۳۷۸.۵ تکنیک های خاص در علوم اجتماعی ویژگی اثر : تهران: شرکت سهامی انتشار ۱۳۸۲

چاپ چهارم ۱۳۸۵۶ توسعه و تضاد ویژگی اثر : رفیع پور، در کتاب توسعه و تضاد خود که حاصل سالها تحقیق و زحمت مداوم وی است در جایگاه نقاد سیاست های توسعه، آن را موجب به هم زدن تعادل اجتماعی، افزایش نابرابری، تغییر ارزشها و پیدایش انواع مسائل و معضلات اجتماعی می داند. به عقیده وی این نابرابری باعث تغییر سریع ارزشهای معنوی به سوی ارزشهای مادی و بسط سودجویی و فردگرایی شده و نهایتاً رضایت اجتماعی و وحدت ملی را مورد تهدید جدی قرار داده است-: کوششی در جهت تحلیل علل پیدایش انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران. دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶. چاپ ششم شرکت سهامی انتشار ۱۳۸۴.۷ جامعه روستایی و نیازهای آن ۱۳۶۴ ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره چهارم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب جامعه روستایی و نیازهای آن در این کتاب اهمیّت بررسی نیازها در رابطه با اهداف و انگیزه های گوناگون و سپس چارچوب تئوریکی پیدایش و پرورش نیازها در جوامع مختلف مطرح گردیده و آنگاه پس از ارائه اطلاعاتی کوتاه درباره منطقه مورد بررسی (استان یزد) و تشریح مراحل مقدماتی پژوهش، روش های گوناگونی که جهت بررسی نیازها می توانند به کارآیند، مورد بحث قرار گرفته و در پی آن روش های بکارگرفته شده در این پژوهش تشریح شده اند. با ارائه نتایج این پژوهش یکایک عوامل و متغیرها، اهمیّت، کیفیّت و کمیت آنها توصیف و روابط بین آن عوامل با هم و با سایر متغیرهای بررسی شده تحلیل شده است. در خاتمه پس از ارائه خلاصه ای کوتاه از مسئله، اهداف و اصول جامعه در رابطه با موضوع مورد بررسی و شرایط لازم برای دستیابی به آنها – چگونگی تشخیص نیازهای واقعی از یکسو و نحوه برانگیختن مردم به مشارکت از سوی دیگر بیان گردیده و به طور انتقادی یکایک اقدامات مورد بررسی قرار گرفته است. -. تهران : شرکت سهامی انتشار چاپ سوم ۱۳۷۰، (۱۳۶۴).۸ جامعه، احساس، موسیقی ویژگی اثر : تالیف۹ سرطان اجتماعی فساد ویژگی اثر : تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۶ برگزیده جشنواره فارابی به عنوان کتاب سال ۱۳۸۶۱۰ سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی و عوامل موثر بر آن ویژگی اثر : پژوهشی در سه استان: اصفهان، فارس و خراسان. تهران : مرکز تحقیقات روستائی، وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۲۱۱ علوم انسانی در ایران نگاهی از بیرون و درون ویژگی اثر : ناشر دانشگاه شهید بهشتی انتشار ۱۳۸۳۱۲ کارائی بیمارستانها ویژگی اثر : مقایسه ای در سه بیمارستان دولتی، خصوصی و آموزشی. تهران : بشیر ۱۳۷۸.۱۳ کندوکاوها و پنداشته ها ویژگی اثر : «کندوکاوها و پنداشته ها»، مقدمه ای بر روشهای شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی کتاب دیگری است رفیع پور نوشته است و از ویژگی های بارز این کتاب تجدید چاپ های پی در پی آن است. این کتاب نیز در قطع وزیری به چاپ رسیده است که از پرطرفدارترین کتابهای رفیع پور در میان دانشجویان و نخبگان جامعه شناسی محسوب می شود. آنچه که رفیع پور در این کتاب مطرح می سازد همان «روشهای قابل اطمینان» دستیابی به شناخت به عنوان عنصر اساسی «دانش» می باشد که می بایست در مورد جامعه شناسی پیاده شود. -تهران: شرکت سهامی انتشار چاپ شانزدهم ۱۳۸۶، (۱۳۶۰).۱۴ موانع رشد علمی در ایران ویژگی اثر : تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱ چاپ دوم ۱۳۸۳.۱۵ وسائل ارتباط جمعی و تغییر ارزشهای اجتماعی ویژگی اثر : پژوهشی درباره تاثیر فیلمهای سینمائی، سریالها تلویزیونی، ویدئو، روزنامه و تبلیغات. چاپ اول تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد ۱۳۷۵ و چاپ دوم تهران: نشرفر ۱۳۷۸.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رفیع خراسانی، رفیع‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۹۴۲ ق)، شاعر، متخلص به رفیع. در خراسان ولادت یافت و پس از کسب کمال نخست به عراق و از آنجا به هند رفت و به سال ۹۸۲ ق به خدمت جلال‌الدین اکبر پادشاه پذیرفته شد و در ماموریتهای مختلف دیوانی و لشکری در هندوستان روزگار می‌گذاشت و در جنگهای دکن شرکت داشت، وی شاعری بسیار متوسط است و «دیوانش» بیشتر اهمیت تاریخی دارد تا ادبی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۸۷۳ -۸۷۰ /۵)، کاروان هند (۴۵۳ -۴۵۲ /۱).

رفیع رشتی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۲ -۱۲۱۱ ق)، عالم دینی و فقیه امامی. معروف به ملا رفیع و مشهور به شریعتمدار. نسب وی به عمار یاسر صحابی مشهور پیامبر (ص) می‌رسد. در نزد شریف‌العلماء مازندرانی و سید محمدباقر حجهٔ‌الاسلام رشتی اصفهانی تحصیل کرد، تا اینکه در فقه و اصول و رجال به درجه‌ی والایی رسید و به کسب دو اجازه از استادش حجهٔ‌الاسلام رشتی نایل شد. علامه شیخ ابوالحسین تهرانی، مشهور به شیخ‌العراقین، از شاگردان و راویان وی می‌باشد. فرزندان او نیز حاج آقا مجتهد و حاج میرزا مهدی بحرالعلوم (شریعتمدار) و فرزندزادگانش میرزا ابوالحسن شریعتمدار و میرزا علی بحرالعلوم و حاج آقا رفیع و حاج آقا نورالدین رفیع، همگی از علمای مشهور زمان خود بودند. از آثار ملا رفیع احداث پل سیاه‌رود و پل سابق منجیل و راههای ارتباطی دیگر بوده است. از آثار علمی وی: شرح «اصول کافی» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۸۱ –۵۸۰ /۱۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۷۱ –۴۶۸ /۴)، المآثر و الآثار (۱۵۱).

رفیع شیرازی، رفیع‌الدین

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم و پنجم ق)، شاعر. از معاصران حنظله بادغیسی و ابوسلیک گرگانی بود و برخی او را از شعرای آل‌سلجوق دانسته‌اند در نظم و نثر توانا بود و ارسلان را مدح می‌گفت. از او است:

گل در رخ می چنان بخندید

کش مغز در استخوان بخندید

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۳۲ –۶۲۷ /۲)، الذریعه (۱۰۲۹، ۳۷۹ /۹)، صبح گلشن (۱۸۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۷۹/۲)، لباب الالباب (۴۰۰ –۳۹۸ /۲)، مجمع الفصحا (۱۱۷۰ –۱۱۶۸ /۳)، مرآت الفصاحه (۵۸۲ –۵۸۱)، هفت اقلیم (۱۹۶ –۱۹۴ /۱).

رفیع فر، جلال الدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر جلال الدین رفیع فر در سال ۱۳۳۰ در تهران متولد شد.وی تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه تهران و در رشته باستان شناسی شروع کرد و جهت ادامه تحصیلات در زمینه انسان شناسی به فرانسه رفت. در سال ۱۹۸۸ موفق به اخذ دکترای انسان شناسی–مردم شناسی از دانشگاه سوربن شد .وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه آموزشی انسان شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است.گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی گرایش : انسان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : جلال الدین رفیع فر دکتر جلال الدین رفیع فر، استاد گروه آموزشی انسان شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی دارای دو مدرک کارشناسی باستان شناسی و مردم‌شناسی از دانشگاه نانترپاریس است. کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی خود را در رشته‌های مردم‌شناسی و انسان‌شناسی از دانشگاه سوربن فرانسه دریافت کرده است.(در سال ۱۹۸۸ موفق به اخذ دکترای انسان شناسی–مردم شناسی از دانشگاه سوربن شد .) عنوان رساله دکتری‌اش «مطالعه انسان‌شناختی فرهنگ و تکنولوژی» در عصر نئولتیک در ایران می‌باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مسئولیتها و مشاغل اداری و مدیریتی جلال الدین رفیع فر به قرار زیر است: ۱– رئیس انجمن انسان شناسی ایرانی (۱۳۸۷–۱۳۸۰) ۲– مدیر گروه آموزشی انسانشناسی دانشگاه تهران (۱۳۸۳–۱۳۷۸) ۳– معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم اجتماعی (۱۳۸۷–۱۳۸۴) ۴– مدیر مسئول و سردبیر مجله علمی – پژوهشی «نامه انسان شناسی» ۵– عضو پیوسته مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه (C.N.R.S) از سال ۱۹۹۲ فعالیتهای آموزشی : دروسی که تدریس کرده‌اند عبارت‌اند از : کارشناسی • انسان شناسی شناخت عشایر ایران • اصول ومبانی انسان شناسی • باستان شناسی انسان شناختی • بررسی اثارپیش ازتاریخ ایران • جامعه شناسی ایلات عشایرایران • مبانی باستانشناسی • مردم شناسی ماقبل تاریخ •مقدمات انسان شناسی • مقدمات مردم شناسی عشایری کارشناسی ارشد • باستان شناسی فرهنگی • روش تحقیق ۱ • فرهنگ وتکنولوژی • پایان نامه • باستان شناسی فرهنگی • روش تحقیق درمردم شناسی • طرح تحقیق • فرهنگ وتکنولوژی مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : از جمله فعالیت‌های جلال الدین رفیع فر بنیان گذاری انجمن انسان شناسی ایران در سال ۱۳۷۹ و به ثبت رساندن آن در سال ۱۳۸۰ است.آرا و گرایشهای خاص : حوزه های مطالعاتی جلال الدین رفیع فر: تمایل و علاقه ایشان قبل از هر چیز به مطالعه خاستگاه پدیده‌های مهم فرهنگی– اجتماعی و سیر تحول آنهاست که در این راستا بخش مهمی از انتشارات ایشان به این موضوعات اختصاص یافته است. از جمله: انسان، جامعه، هنر، زبان، تکنولوژی، دین و سایر پدیده‌های فرهنگی. در همین راستامطالعه انسان‌شناسی جوامع پیش از تاریخ و انسان‌شناسی و جامعه شناسی جوامع عشایری، انسان شناسی هنر و ... در درجه اول الویت بوده‌اند. چگونگی عرضه آثار : انجام ده‌ها طرح پژوهشی، ارائه ده‌ها مقاله علمیو ایراد سخنرانی در سمینارها و کنفرانس‌های داخلی و خارجی و تألیف و ترجمه چهار جلد کتاب ثمره ۱۶ سال کار او در دانشگاه است. – سخنرانی و شرکت در مجامع علمی بین المللی: دکتر رفیع فر تا کنون و در نزدیک به ۲۰کنفرانس بین المللی با ارائه مقاله و سخنرانی شرکت داشته است.(فرانسه – المان– لهستان– روسیه– ایتالیا– اسلونی– گرجستان– پاکستان و ...) – تعداد پایان نامه های کارشناسی ارشد:۲۰ مورد – تعداد طرحهای تحقیقاتی : بیش از ۴ مورد – تعداد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی:۳۲ مورد – تعداد مقالات چاپ شده در مجلات خارجی:۶ مورد آثار : ۱) Remarques Sur L' Industrie Lithioue Neolithique De Liran(۶۰۰۰–۱۰۰۰ av j.c ویژگی اثر : Gebel. In : Neolithic chipped Stone Indaustries of the Fertile Creslent. And Their Contemporaries In Ad jacent Regions. Edited by: Stefan Karol Kozlowski and Hans Goorge,k. Studies In Early Near Eastern Production , Subsistence , and Enwronment ۳ .pp.۴۰۵–۴۲۱.۱۹۹۶۲ Le Probleme De L' Obsidienne et sa Circulation En Iran Prehistorique ویژگی اثر : In: Proceeding of ۱۲ th Congres National Des Societ Historiques Et

Prehstorques Francais . France. Nice.۱۹۹۷۳ The Anthpopological Approaches In Neolithic Studies In Iran ویژگی اثر : ۷th Neolithic Seminar. The Processes of Neolithisation In Eurasia Ljobljana.May ۲۰۰۰,Slovenia۴ The Obcidian Route in Ancient Iran ویژگی اثر : In : Man And Flint Edited By: Romuafd Schild And Zofia Solgostowska Institute Of Archeologyand Ethnology Polish Academy of Sciences Warszawa. PP ۲۹۵– ۲۹۷۵ انتروپی اجتماعی و نقش آن در توسعه فرهنگی ویژگی اثر : مقاله ای است که که در نشریه نامه پژوهش معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۷۵ در تهران انتشار یافت.۶ انسان شناسی هنر ۷ اهمیت بررسی نحوه اشاعه تکنولوژی در مطالعات انسان شناسی ویژگی اثر : ترجمه ای است از اثر دیدیه گرینیدو که در شماره ۷، نامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۳ منتشر شد.۸ باستان شناسی ویژگی اثر : مقاله ای است که برای دانشنامه جهان اسلام تهیه گردید و توسط دائره المعارف بزرگ اسلامی در تهران در سال ۱۳۷۳ منتشر شد.۹ برداباِلکا ویژگی اثر : مقاله ای است که در جلد دوم دانشنامه جهان اسلام توسط دائره المعارف بزرگ اسلامی در سال ۱۳۷۶ منتشر شد.۱۰ بررسی پدیده فرهنگی نئولتیک در ایلام ویژگی اثر : عنوان مقاله ای است که در فصلنامه ایلام در سال ۱۳۷۹ منتشر شد.۱۱ بررسی مجموعه نقوش دست در غار کرکس ویژگی اثر : ترجمه ای است از اثر آندره لورواگون، که در شماره ۱۶ نشریه میراث فرهنگی در سال ۱۳۷۵ منتشر شد.۱۲ پال انتروپولوژی– کوارترنر– ایران ویژگی اثر : در مجموعه مقالات اولین سمپوزیوم بین المللی کواترنر ، توسط دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۴ منتشر شد.۱۳ تاملی بر خاستگاه جامعه روستایی ویژگی اثر : عنوان مقاله ای است که در نشریه باستان شناسی و تاریخ، با شماره پیاپی ۱۹ منتشر شد.۱۴ تاملی بر هنر غارها ویژگی اثر : ترجمه ای است از اثر آندره لورواگوران که در شماره ۵، نامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۰ منتشر شد.۱۵ تاملی دوباره بر صنایع دهلران ویژگی اثر : عنوان مقاله ای است که در نشریه باستان شناسی و تاریخ ، سال ۱۳۷۲ در شماره پیاپی ۱۳و۱۴ منتشر شد.۱۶ ترجمه کتاب عشایر فارس ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه تهران این اثر را در سال ۱۳۷۵ منتشر کرد.۱۷ ترجمه کتاب منشاء– عالم‌انسان و زبان ویژگی اثر : پدیدآورنده: هوبرت ریوز، جلال الدین رفیع فر (مترجم) ناشر: آگه – ۱۵ دی، ۱۳۸۶ ۱۸ تشکل های سنتی در عشایر بویر احمد ویژگی اثر : طرح پژوهشی که در سال ۱۳۷۴ در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران صورت گرفت.۱۹ تکنولوژی : علم انسان ویژگی اثر : ترجمه اثر آندره هودری کور که در شماره ۱۳ و ۱۴ فصلنامه نمایه پژوهش منتشر شد.۲۰ تل بکون ویژگی اثر : مقاله ای است که در جلد سوم دانشنامه جهان اسلام توسط دائره المعارف بزرگ اسلامی در سال ۱۳۷۷ منتشر شد.۲۱ رواج ابسیدین و کهنترین تبادلات فرهنگی– تکنولوژیکی آن در ایران ویژگی اثر : عنوان مقاله ای است که در نشریه باستان شناسی و تاریخ، در سال ۱۳۷۱ در شماره پیاپی ۱۰ منتشر شد.۲۲ روستای هوفل ویژگی اثر : این مقاله در مجله علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران شماره۳ سال ۱۳۶۸ منتشر شد.۲۳ زنان ایل بهمئی: جامعه شناسی و مردم شناسی خویشاوندی در عشایر ویژگی اثر : پدیدآورنده: الویا رسترپو، جلال الدین رفیع فر (مترجم) ناشر: خجسته – ۰۵ مرداد، ۱۳۸۷ ۲۴ سنگ نگاره های ارسباران: پژوهش در مردم شناسی و باستان شناسی هنر ویژگی اثر : پژوهشی که در سال ۱۳۷۹ در دانشگاه تهران انجام شد.پدیدآورنده: جلال الدین رفیع فر ناشر: سازمان میراث فرهنگی کشور – ۲۹ آذر، ۱۳۸۵ ۲۵ علوم انسانی گستره شناخت ها ویژگی اثر : پدیدآورنده: ژان فرانسوا دورتیه، ناصر فکوهی (مترجم)، مرتضی کتبی (مترجم)، جلال الدین رفیع فر (مترجم) ناشر: نشر نی – ۲۰ آذر، ۱۳۸۶ ۲۶ فرهنگ برادوستی ویژگی اثر : مقاله ای است که در جلد دوم دانشنامه جهان اسلام توسط دائره المعارف بزرگ اسلامی در سال ۱۳۷۵ منتشر شد.۲۷ کوهنبان پیش از تاریخ ویژگی اثر : مقاله ای است که در نشریه مجله دانشکده ادبیات دانشگاه کرمان که در سال ۱۳۷۲ در شماره ۲ آن منتشر شد.۲۸ مطالعه صنایع ابسیدین اهر نجان ویژگی اثر : پژوهشی است که در سال ۱۳۷۷ در دانشگاه تهران صورت گرفت.۲۹ من و او سعی کردیم کار مشابهی انجام دهیم ویژگی اثر : ترجمه ای است از اثر کلودلوی استروس که در شماره ۵، نامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۰ منتشر شد.۳۰ نظری بر کتاب موزه هایی در باد ویژگی اثر : نقدی است که در شماره ۱۵ نشریه نامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۹ منتشر شد.۳۱ نظری بر کتاب دوره پارینه سنگی در ایران ویژگی اثر : نقدی است که در شماره پیاپی ۶ نشریه باستان شناسی و تاریخ در سال ۱۳۶۸ منتشر شد.

رفیع کاشانی، رفیع‌الدین حسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی مردی نیکو رفتار بوده که طبع شعری داشته. از اوست:

عیدی چنین گذشت و کسی یاد ما نکرد

یک آفریده رو به غم‌آباد ما نکرد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۳۹۰)، هفت اقلیم (۴۷۰/۲).

رفیع لنبانی اصفهانی، رفیع‌الدین مسعود

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۳۹ ق)، شاعر. مولد وی لنبان از قرای اصفهان بود. او از اقران جمال‌الدین محمد بن عبدالرزاق و معاصران شرف‌الدین شفره و کمال‌الدین اسماعیل بود. چند تن از رجال مشهور اصفهان و ری را مدح گفت. وفات وی در جوانی اتفاق افتاد. اثر وی: «دیوان» اشعار. در «سرآمدان فرهنگ و تاریخ» و «آتشکده‌ی آذر» آمده است که او در سال ۶۰۳ ق وفات یافت. «آتشکده‌ی آذر» او را عبدالعزیز مسعود و هدایت عبدالعزیز بن مسعود نوشته است.[۱]

لنبانی، رفیع‌الدین مسعود لنبانی اصفهانی، شاعر معروف ایرانی در اواخر قرن ششم ه. است. مولد او لنبان (ه.م) اصفهان است. وی فخرالدین زید بن حسن حسینی از خاندان نقبای ری و قم و رکن‌الدین مسعود بن صاعد از آل صاعد (اصفهان) و عمیدالدین اسعد بن نصر وزیر اتابک سعد زنگی را مدح گفته. دیوان او را شامل ۱۰۰۰۰ بیت نوشته‌اند ولی آنچه موجود است کمتر از این شمار است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۹۴۵ -۹۴۴ /۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۴۹ -۸۴۶ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۶۵)، تذکره‌ی روز روشن (۳۰۶ -۳۰۵)، تذکره الشعراء (۱۷۴ -۱۷۲)، دایرةالمعارف فارسی (۱۰۹۲/۱)، الذریعه (۳۷۹ -۳۷۸ /۹)، سرآمدان فرهنگ (۳۹۷ -۳۹۶ /۱)، فرهنگ سخنوران (۳۹۰)، لباب الالباب (۴۰۱ -۴۰۰ /۲)، مجمع الفصحا (۶۸۰ -۶۷۸ /۲)، یادگار (س ۴، ش ۹، ص ۸۹ -۸۸)، هفت اقلیم (۳۸۵ -۳۸۳ /۲).

رفیع مروزی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. وی از شاعران عهد سلجوقیان بود و از ابیاتی که از او تذکره‌ها نقل شده کمال ذوق و لطف سخن و باریک‌اندیشی او در غزل پدیدار است. از او است:

ای روی خوب تو سبب زندگانیم

یک روزه وصل تو طرب جاودانیم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۳۹ -۶۳۸ /۲)، لباب الالباب (۱۶۲ -۱۶۱ /۲).

رفیع مشهدی، حسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۰۰/۱۰۷۷ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به رفیع. از مردم قزوین بود اما چون در مشهد بسیار بود به مشهدی شهرت یافت. در اوایل حال به بلخ رفت و در خدمت محمدخان به کتابداری مشغول شد، چون در فن انشاء توانا بود، شاه جهان او را به التماس به هندوستان دعوت کرد. او نیز قبول دعوت کرد و در سلک منشیان وی درآمد. از آثار وی: «دیوان» اشعار و مثنوی در «تعریف شاه جهان‌آباد» و مثنوی به نامهای: «تعریف برج»؛ «تعریف قصر»؛ «تعریف مسجد» دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۲۶۹ -۲۶۸)، الذریعه (۳۸۰ -۳۷۹ /۹)، سرو آزاد (۱۰۸ -۱۰۷)، کاروان هند (۴۶۰ -۴۵۳ /۱)، منظومه‌های فارسی (۲۸۱)، مینودر (۴۵۷ -۴۵۶ /۲).

رفیع، رفیع

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا رفیع رفیع بن المرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا رفیع ابن العلامه الکبری آیت‌اللّه حاج ملا رفیع گیلانی رحمهم‌اللّه می‌باشد.

وی در سال ۱۳۱۷ ق در شهر رشت تولد یافته‌اند، سطوح و مقدمات را در رشت و تهران گذرانیده. و برای استفاده از محاضر درس آیات عظام نجف اشرف آیهٔ‌العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه محقق حاج میرزا حسین نائینی به نجف اشرف عزیمت نموده و پس از کسب درجه اجتهاد برشت بازگشت نموده و چندین سال در آن شهر بامور علمی و شخصی پرداخته سپس به تهران مهاجرت و رحل اقامت افکنده و در مسجد عالی سپهسالار به اقامه جماعت و تدریس پرداخته تا سال ۱۳۱۸ قمری که در تهران بدرود حیات گفته و جنازه‌اش را با تجلیل حمل به نجف و در صحن مطهر در مقبره خانوادگی مدفون شده‌اند.

دارای تألیفاتی می‌باشند که محفوظ مانده است.

نگارنده گوید: بیت رفیع از بیوتات رفیعه و اصیله روحانیت گیلان و تهران است و بزرگ این خاندان آیت‌اللّه العظمی حاج ملا رفیع گیلانی صاحب شرح اصول کافی است که ترجمه‌اش در کتاب (مآثر و آثار) مبسوطا ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

رفیع، نورالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج آقا نورالدین شریعتمدار رفیع بن آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالحسن شریعتمدار مذکور است وی در سال ۱۳۱۸ ق در شهر رشت تولد یافته و مقدمات را در مدرسه مستوفی آن شهر خوانده آنگاه به تهران آمده و سطوح را از محضر اساتید فن فراگرفته و حکمت و شرح منظومه را از مرحوم حاج آخوند هیدجی آموخته سپس برای تکمیل معلومات مهاجرت به نجف و قریب پانزده سال توقف و از محاضر آیات عظام اصفهانی و نائینی و آقا ضیاءالدین عراقی استفاده کرده و تقریرات آنان را برشته تحریر درآورده پس از آن به تهران مراجعت و در خیابان صفی‌علی شاه سکونت و به خدمات روحی و دینی پرداخته تا در سال ۱۳۸۶ ق رحلت و جنازه‌اش حمل به نجف و در مقبره خانوادگی در صحن مطهر دفن گردیده است.

دارای آثار و تألیفاتی در فقه و اخلاق می‌باشد که فرزندان ارجمندش به طبع خواهند رسانید.

نگارنده گوید: آن مرحوم دارای اخلاقی حمیده و خصالی پسندیده بود و منزلش محل رفت و آمد و نزول آیات عظام معاصر بوده و خود حقیر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید یونس اردبیلی و آیت‌اللّه العظمی حاج سید علی مدد قائینی را در بیت معظم له دیدن نمودم.

از باقیات الصالحات آن مرحوم فرزند برومند ایشان جناب حجهٔالاسلام حاج شیخ مرتضی رفیع می‌باشد که در خانه پدر را بازداشته و مانند نیاکان و اسلاف خود بوظائف روحی و دینی اشتغال دارد.

(۱۳۸۶ -۱۳۱۸ ق)، عالم دینی. در رشت به دنیا آمد. مقدمات را در مدرسه‌ی مستوفی رشت خواند و سطوح را نزد استادان تهران آموخت. حکمت و «شرح منظومه» را نزد حاج آخوند هیدجی فراگرفت. سپس برای تکمیل تحصیلات به نجف رفت و پانزده سال از محضر آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه نایینی و آقا ضیاءالدین عراقی استفاده برد و تقریرات آن را تحریر کرد. با دریافت اجازه‌ی اجتهاد به تهران بازگشت و به تدریس و تبلیغ پرداخت. در تهران درگذشت و جنازه‌اش به نجف حمل و در صحن علوی دفن شد. وی آثار و تالیفاتی در فقه و اخلاق دارد.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۳۷/ ۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۷۱ -۴۷۰/ ۴).

رفیعا نایینی، رفیع‌الدین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۰۰۰- وف ۱۰۸۲ -۱۰۸۰ ق)، حکیم، متکلم و فقیه امامی. وی اصلا نائینی بود ولی در اصفهان اقامت داشت. او از شاگردان میرفندرسکی، میرداماد و شیخ‌بهایی بود و از ملا عبداللّه شوشتری و شیخ‌بهایی روایت کرده است. علامه محمدباقر مجلسی و شیخ حر عاملی از شاگردان وی می‌باشند. به او رفیعا، آقا رفیعا، میرزا و رفیع‌الدین نیز گفته‌اند. میرزای جلوه از نوادگان او است. وی در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد دفن شد. بر مزار وی گنبدی ساخته‌اند که اکنون جزء آثار باستانی اصفهان به شمار می‌آید. در «الفیض القدسی» تاریخ وفات او ۱۰۹۹ ق ذکر شده که صحیح نمی‌باشد، زیرا شاگرد ملا خلیل قزوینی که در ۱۰۸۹ ق از دنیا رفته در کتاب «منهاج الیقین» خود سال مرگ او را ذکر کرد است. از آثار وی: «اقسام التشکیک و حقیقه»؛ «الثمره»، در تلخیص «الشجره»؛ «شجره الهیه»، به فارسی، در اصول دین که برای شاه صفی در ۱۰۴۷ ق نوشته شده است؛ «حاشیه اصولی کافی»؛ حاشیه «شرح ارشاد» مقدس اردبیلی؛ حاشیه «شرح اشارات» خواجه نصیر؛ حاشیه «شرح حکمه العین» میرک بخاری؛ حاشیه «مختصر الاصول» عضدی؛ حاشیه «صحیفه سجادیه»؛ حاشیه «مختلف الشیعه» علامه حلی؛ «حاشیه‌ی مدارک الاحکام».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۳۴۴ -۳۴۳)، الذریعه (۲۹ -۲۸ /۱۳، ۱۹۵/۶، ۱۳/۵)، روضات الجنات (۸۲ -۸۱ /۷)، ریاض العلماء (۱۰۶/۷)، ریحانه (۱۲۸/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۲۶/۱۱)، فوائد الرضویه (۵۳۲ -۵۳۱)، الکنی و الالقاب (۲۷۹/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴۷ -۴۴۶ /۵)، هدیه الاحباب (۱۴۳ -۱۴۲)، هدیه العارفین (۲۹۳/۲).

رفیعای نایینی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، عارف و شاعر. در نایین متولد شد و در یزد نشو و نما یافت. گاهی به اصفهان سفر می‌کرد پس از چندی به ایروان مهاجرت کرد و در خدمت نجف قلی خان بن قزاق خان بود پس از درگذشت وی به مشهد رفت و بعد از دو سال اقامت، به اصفهان بازگشت. از آثار وی: «دیوان» شعر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۱۳۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۲۹ -۱۲۸)، الذریعه (۳۷۸ -۳۷۷ /۹)، ریاض العارفین (۸۱)، ریحانه (۳۲۵/۲)، صبح گلشن (۱۸۲).

رفیعی پور، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عباس رفیعی پور

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای عباس رفیعی پور علوی علویجه در سال۱۳۳۵ بدنیا آمد . وی در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه نجف آباد اصفهان شد و مقدمات را در آن حوزه از محضر آیت الله مرحوم شیخ عباس ایزدی (امام جمعه سابق نجف اباد) فرا گرفت . سپس برای تکمیل تحصیلات در سال ۱۳۵۵ به حوزه علمیه قم هجرت کرد و در دروس آیات عظام فاضل لنکرانی و مشکینی شرکت نمود . در سال ۱۳۷۳ موفق به اخذ مدرک تحصیلی سطح ۲ (معادل کارشناسی) از مرکز مدیریت حوزه علمیه قم شد و در سال ۱۳۷۹ با کسب مجوز از معاونت امور اساتید نهاد رهبری در دانشگاهها ، تدریس برای دانشجویان دانشگاه علمی - کاربردی علویجه اصفهان را بعهده داشته است ؛ سپس بنا به دعوت صدا و سیمای قم (مرکز پژوهش های اسلامی) از سال ۱۳۸۱ تا کنون با این نهاد بعنوان کارشناس همکاری داشته است .

رفیعی تفرشی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به رفیعی. وی از سادات طباطبایی تفرش بود. سالها در اصفهان تحصیل نمود و در ریاضی مهارتی داشت. گاهی شعر می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۸۱/۹)، سفینه المحمود (۴۷۰/۲)، فرهنگ سخنوران (۳۹۳)، مجمع الفصحا (۳۲۱/۲)، مصطبه‌ی خراب (۶۹ -۶۸).

رفیعی سکاکی، رفیع‌الدین محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. وی از مداحان قلیج تمغاج خان است در وصف شمشیرش گفته:

حبذا گوهری که همواره

آسمانی‌ست پر ز سیاره

باشدش سال و ماه و لیل و نهار

خانه‌ی دشمنان گرفتن کار

هست هند و نژاد و رومی زنگ

همه چیزی گرفته الا زنگ

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۰۶).

رفیعی قزوینی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی مد ظله از مراجع عصر حاضر و اعاظم مجتهدین معاصر است در تهران. وی در حدود سال ۱۳۱۲

ق در قزوین متولـد و مقـدمات و سـطوح اولیه و متوسـط را تـا اوائل فرائـد در آنجا خوانـده و پس از آن به تهران آمـده و از مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمد تنکابنی و آیت‌اللّه حاج شیخ مسیح طالقانی و آیت‌اللّه آقا شیخ محمد رضا نوری استفاده نموده و حکمت و کلام را نزد حکیم ربـانی مرحـوم میرزا حسن کرمانشـاهی و مرحـوم حـاج فاضـل و مرحـوم میرزا محمـود قمی قـدس اللّه اسـرارهم تحصـیل نموده و فنون ریاضـی را از مرحوم میرزا ابراهیم ریاضـی زنجـانی و آقا شـیخ علی رشتی (از هیئت و هنـدسه و اسـطرلاب و بعضـی دیگر از ریاضـیات را) فراگرفته تا سال ۱۳۳۸ ق که به قزوین مراجعت و بعـد از یکسـال معـاودت به تهران نمـوده و فقـط به تدریس شرح لمعه و قوانین و شرح منظومه و اشارات در مدرسه عبداللّه‌خان پرداخته و طلاب آن عصر تهران را که از مدارس دیگر بمحضرش می‌شتافتند افاده نموده تا سال ۱۳۴۰ ق که مرحوم رئیس‌الشیعه آیت‌اللّه العظمی علامه استاد حاج شیخ عبدالکریم حایری به قم رحل اقامت افکندند، به قم مهاجرت و منحصرا از درس و بحث فقه و اصول معظم له اسـتفاده و خود بتدریس کفایه و رسائل و مکاسب شـیخ و اسـفار اربعه و شـرح منظومه اشتغال تا در ماه رمضان ۱۳۴۴ ق به امر مرحوم آیت‌اللّه حایری در مسـجد بالا سـر به منبر تدریس بالا رفته و قریب دویست و پنجاه نفر از فضـلاء و طلاب را که حاضـر می‌شدند مسـتفید فرموده و در همان اوان حواشی مفصلی بر شرح منظومه سبزواری که معروفست نوشته و هم تعلیقات بر رسائل شیخ مرقوم نمودند تا سال ۱۳۴۹ ق با اجازه صریح در اجتهـاد و حرمت تقلیـد مراجعت به قزوین نموده و تـا سـال ۱۳۸۰ قمری در آنجـا بتـدریس خـارج کفایه و اسـفار و فقه و اقامه نماز جمـاعت و تفسـیر کلام‌اللّه مجیـد اشـتغال داشـته آنگـاه به تهران آمـده و تاکنون در مسـجد جمعه به تـدریس خارج فقه و اصول و خدمات دینی و روحی اشتغال دارد.

از تألیفات معظم له است: ۱- رساله در رجعت بقواعد عقلیه ۲- شرح بر دعاء سحر. ۳- حاشیه بر وسیله مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی. ۴- رساله عملیه ۵- حواشی متفرقه.

سید ابوالحسن رفیعی قزوینی از اکابر فقهاء و مجتهدین و اعاظم حکماء متألهین و مراجع تقلید معاصر بوده‌اند وی حدود دوازده سال بود که از قزوین زادگاه خویش به تهران منتقل و در مسـجد جمعه اقامه جماعت و هم تدریس می‌نمودند تا درروز اول محرم ۱۳۹۵ قمری بعد از کسالت ممتدی از دنیا رفته و جنازه‌اش حمل به قم و در مسجد بالا سـر نزدیک قبر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شـیخ عبدالکریم حایری یزدی مدفون گردیدند. نگارنده. گوید آیت‌اللّه رفیعی که بعضـی از مراجع معاصر از تلامذه و شاگردان ممتاز او می‌باشـند از اسـطوانه‌های علمی و اساتیـد بزرگ و فلاسـفه سـترک معاصـر بودنـد و شایسـته بـود که در حوزه‌هـای علمیه بزرگ به تدریس و رهبری و اداره آن پرداخته و فضلاء بیشتری تربیت نمایند ولی گویا تقدیر آن مرحوم غیر از این بود و المقدر کائن.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

رفیعی قهفرخی اصفهانی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۰ ق)، شاعر، متخلص به رفیعی. اهل قهفرخ بود. به شغل زراعت اشتغال داشت. مخمسی در ذکر نام شعرای قهفرخ گفته که حاوی اسامی سی و دو نفر از شعرای قدیم و جدید این محل است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۱۸ -۲۱۶)، الذریعه (۳۸۰/۹).

رفیعی کاشانی، رفیع‌الدین حیدر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۵ ق)، شـاعر، متخلص به رفیعی. مشـهور به معمـایی. از بزرگـان خطه‌ی کاشان و سادات طباطبایی آن سامان و ملازم شاه عبـاس بود، ولی به اتهـام هجو وی به حبس افتـاد، از زنـدان به هنـد گریخت و توسـط میرزا جعفر آصف خـان به دربار اکبرشاه راه یافت. و به رتبه‌ی ملک‌الشـعرای و آصف جامی رسـید. پس از چندی سفری به حجاز داشت و در میان سفر اموالش به غارت رفت، در پایـان عمر به کاشـان آمـد و در این شـهر درگـذشت. رفیعی در سـاختن معمـا مهـارتی خاص داشت و به همین سـبب به معمایی شهرت یافت. از آثار وی: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۹۳۱ -۹۲۸ /۵)، تذکره‌ی میخانه (۳۲۲ -۳۲۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۷۷ -۴۷۵)، الذریعه (۳۸۱ -۳۸۰، ۲۷۰ /۹)، عالم آرای عباسی (۱۸۲/۱)، کاروان هند (۴۶۷ -۴۶۰ /۱)، لغت نامه (ذیل/ کاشـی)، هفت اقلیم (۴۶۸ -۴۶۷ /۲).

رفیعی محمدی، ناصر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصر رفیعی محمدی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ناصررفیعی محمدی در سال ۱۳۴۴ در شهر مقدس قم درخانواده ای مذهبی متولد شدم. تحصیلات ابتدایی راهنمایی و متوسطه را در این شهر گذرانده ودر سال ۱۳۶۲ موفق به اخذ دیپلم در رشته علوم تجربی از دبیرستان صدوق شدم .

در سالهای انقلاب شکوهمند اسلامی در جنبش دانش آموزی وجلسات مذهبی سیاسی با پخش اعلامیه وشرکت در تظاهرات در حد وسع واقتضای سن نوجوانی شرکت داشتم . بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز با حزب جمهوری اسلامی شاخه دانش آموزی همکاری می نمودم . درسال ۱۳۶۲ با اخذ دیپلم وارد حوزه مقدسه قم شدم. طی ۵ سال دوره سطح را تا پایان کفایه به اتمام رسانده کلیه امتحانات ان را با موفقیت گذراندم و در پایه پنجم از امتحانات با کسب رتبه اول در آزمون شورای مدیریت حوزه یک دوره بحارالانوار از حضرت امام خمینی (ره) به عنوان جایزه دریافت نمودم.

دروس سطح را نزد اساتیدی چون آیات عظام وجدانی فخر اعتمادی پایانی دوزدوزانی صلواتی راستی کاشانی و ستوده تلمذ نمودم. از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳ در دروس خارج آیات عظام فاضل لنکرانی مظاهری وصانعی شرکت داشتم.

همچنین ضمن گذراندن دروس اصلی حوزه دروس جنبی را نیز نزد اساتید متعددی خواندم به عنوان مثال فلسفه (نهایه الحکمه) نزد استاد آیت الله صالحی مازندرانی (ره) علوم قرآن نزد آیت الله معرفت شرح تجرید نزد آیت الله استادی تفسیر نزد آیت الله جوادی رجال نزد آیت الله سبحانی تلمذ گردید.

درسالهایی که به دروس حوزه مشغول بودم موفق به اخذ لیسانس الهیات از دانشکده باقر العلوم وفوق لیسانس از دانشگاه قم گردیده ودر سال ۱۳۷۳ با قبولی در آزمون دکتری در رشته علوم قرآن وحدیث در تهران مشغول تحصیل در این دوره شدم .سال ۱۳۷۷ بادفاع از رساله موفق به اخذ دکتری با رتبه عالی گردیدم.

رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، محقق.

تولد: ۱۲۸۴.

درگذشت: مهر ۱۳۶۶، تهران.

ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی متخلص به «نزهت» بود. از تألیفات اوست: آتشکده‌ی اردستان (سه جلد، تهران، ۱۳۵۲ –۱۳۳۶)؛ تاریخ خط و خطاطان (۱۳۴۵)؛ آثار ملی اصفهان (۱۳۵۲). از آثار دیگر او که به چاپ نرسیده‌اند عبارتند از: فرهنگ اصفهان؛ زبان‌ها و لهجه‌های اصفهان؛ تذکره هجوسرایان؛ ره‌آورد طبس؛ تصحیح دیوان وفا.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

رفیعی، بهروز

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بهروز رفیعی

محل تولد : فریدن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۷/۱

زندگینامه علمی

پیش از پیروزی انقلاب چند ماهی در حوزه علمیه تهران طلبگی کردم . پس از پیروزی انقلاب کارهای اجرایی را واگذاشتم و در سال ۶۳ به اتفاق همسر و فرزندم به قم مهاجرت کردم و مشغول تحصیل شدم .

سال ۷۲ در رشته حقوق دانشگاه تهران پذیرفته شدم پس از گذراندن حدود ۱۰۰ واحد درسی به دلایلی کار تحصیل در دانشگاه را رها کردم و به تحقیق و تالیف و ترجمه روی آوردم .به سال ۷۸ اولین اثر بنده با عنوان کتاب شناسی توصیفی و موضوعی اخلاق ، عرفان و تصوف اسلامی از سوی انتشارات الهدی به چاپ رسید .فعالیت تحقیقی و تالیفی بنده بیشتر بر تربیت اسلامی ، اخلاق اسلامی ، و منبع شناسی و ترجمه از عربی (روز) به فارسی متمرکز شده است . اندکی نیز با فلسفه و علوم قرآنی و ادبیات فارسی سر و کار داشته ام .کتابی با عنوان آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن (جلد ۳ – امام محمد غزالی) در سال ۸۱ از

بنده به چاپ رسیده و در سال ۸۲ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی برگزیده شد .
کتاب دیگر با عنوان کتاب شناسی توصیفی ـ تحلیلی تعلیم و تربیت در اسلام گزیده منابع عربی ـ در سال ۸۱ از بنده به چاپ رسیده که در سال ۸۲ عنوان سوم کتاب سال حوزه را کسب کرد .بنده از سال ۷۱ تا کنون با پژوهشگاه حوزه و دانشگاه همکاری دارم.

رفیعی، حمیدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید الله رفیعی

محل تولد : زابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

درسهای ابتدائی وراهنمائی را در محل تولد استان زابی افغانستان به پایان رساندم وتحصیلات دبیرستانی را در مدرسه ابن سینای کابل به اتمام رسانده و سپس در سال ۱۳۵۵بعد از امتحان کنکور دردانشکده پزشکی دانشگاه کابل در رشته طب عمومی تحصیلاتم را ادامه دادم که متأسفانه بعد از اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ شوروی و پیدایش هرج و مرج درکشور مجبور به ترک کشور گردیده و د رسال ۱۳۵۹وارد خاک ایران شدم. برای مدّت سه سال با یکی از گروههای جهادی همکاری فرهنگی داشته و بعد از آن در سال ۱۳۶۳درس حوزوی را از ابتدای جامع المقدمات در مدرسه حاج ابراهیم اراک آغاز نمودم .هرچند در ابتدا با این نوع درسها و محیط نامأنوس بودم ولی بعد از تحمل فشارهای روحی و روانی زیاد خودم را با این محیط و درس منطبق داده که الحمد الله تا حدودی نتیجه داد .و در سال ۱۳۶۷وارد حوزه علمیه قم گردیده ،بعد از اتمام سطوح درسال ۱۳۷۲درس خارج را در کلاسهای آیت الله وحید خراسانی ،آیت الله فاضل لنکرانی آغاز نمودم و یک سال هم در درس خارج آیت الله مکارم شرکت کردم .در سال۱۳۷۳درس تخصصی کلام را درمؤسسه امام صادق (ع) در سطح دکترا آغاز نمودم و در سال ۱۳۷۶از این مرکز فارغ التحصیل شدم که متأسفانه هنوز هم بنا به دلائلی موفق به اخذ موضوع پایان نامه نشده ام ودر حال حاضر با مرکز مطالعات حوزه و ستاد پاسخگوئی به شبهات دفتر تبلیغات و معاونت تبلیغ و دانشنامه کلام همکاری دارم.

رفیعی، رمضانعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رمضانعلی رفیعی

محل تولد : قوچان

شهرت : علی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۳

زندگینامه علمی

اینجانب رمضانعلی رفیعی (معروف به علی) با مدرک تحصیلی ششم ابتدایی نظام قدیم در سال ۱۳۴۴ شمسی به قصد تحصیل علوم دینی وارد مدرسه علمیه فاروج از توابع شهرستان قوچان شدم و طی سه سال جامع المقدمات، سیوطی و حاشیه منطق را گذراندم.
در سال ۱۳۴۷ برای ادامه تحصیل راهی حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی (مدرسه تولیت) که برنامه ای منظم داشت به تحصیل ادامه دادم. برخی از اساتید حقیر در این دوره عبارتند از: (عروه الوثقی) حجت الاسلام افتخاری،(تاریخ اسلام) حجت الاسلام مرحوم حسن نوری (برادر بزرگ آیت الله حسین نوری)،(مغنی) حجت الاسلام طالقانی، (منطق) حجت الاسلام امینیان، (معالم الاصول) حجت الاسلام مقتدایی و ...
سپس به مدرسه سعادت تحت اشراف آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن زاده منتقل شدم و کتب و دروس ذیل را تحت نظر و اشراف و خدمت اساتید حوزه گذراندم: لمعتین حجج اسلام سید ابوالفضل موسوی، باکویی، آیت الله فاضل لنکرانی، معانی بیان: امینی شیرازی، اصول فقه: حجت الاسلام باکویی، باب حادی عشر: حجت الاسلام عبد القائم شوشتری، تفسیر و اخلاق: آیت الله مشکینی، نهج البلاغه: آیت الله حسین نوری، عقاید: آیت الله مکارم شیرازی، شرح منظومه: دکتر احمد بهشتی و آیت الله انصاری شیرازی، رسائل: آیت الله اعتمادی، مکاسب: آیت الله صانعی، مرحوم ستوده و موسوی تبریزی، کفایتین: مرحوم آیت الله سلطانی، رساله تصور و تصدیق ملاصدرا و اسفار اربعه: آیت الله جوادی آملی .
در سال ۱۳۵۶ در درس خارج فقه و اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت کردم، لیکن در سال ۱۳۵۹ برای کارهای تبلیغاتی به قوچان (زادگاهم) رفتم و پس از عهده داری مسئولیت دفتر تبلیغات آن شهر در سال ۱۳۶۰ به سمت فرماندهی سپاه قوچان برگزیده شدم و حدود چهار سال که عهده دار این سمت بودم از تحصیل علوم حوزوی محروم شدم.در سال ۱۳۶۳ مجددا به قم بازگشتم و

به تحصیل و حضور در درس خارج معظم له (فقها و اصولا)را ادامه دادم، ضمن آنکه با مرکز تحقیقات اسلامی سپاه نیز همکاری پاره وقت داشتم.با راه اندازی طرح مدارج علمی در حوزه علمیه قم و عهده داری دفتر تبلیغات اسلامی برای این کار در سال ۱۳۷۱ موفق به اخذ مدارج علمی دوره اول خارج (سطح ۳ حوزه معادل فوق لیسانس) شدم و پس از واگذاری این امر به شورای مدیریت حوزه علمیه قم موفق شدم مدرک مدارج علمی سطح چهار (شش سال درس خارج فقه واصول) معادل دکترا را در مورخ ۸/۲/۷۳ اخذ کنم.

تالیفات: حقیر از سال ۱۳۶۴ که همکاری علمی و پژوهشی خود را با مرکز تحقیقات اسلامی سپاه آغاز کردم ضمن انجام دادن کار پژوهشگری در موضوع تاریخ اسلام و عهده داری مسئولیت های: گروه تاریخ، مدیریت تاریخ و علوم سیاسی، جانشینی معاونت متون آموزشی و کمک آموزشی و مسئولیت معاونت متون آموزشی و کمک آموزشی، در طول مدت بیش از ۱۸ سال کار تالیف متون آموزشی در موضوع تاریخ اسلام را شروع کردم که متجاوز از پانزده کتاب در سطوح مختلف علمی و آموزشی است که نمونه هایی از آن به پیوست می باشد. ضمنا از سال ۱۳۷۸ با بخش فرهنگ فقه موسسه دایره المعارف فقه اسلامی زیر نظر آیت الله هاشمی شاهرودی نیزبه عنوان مسئول بخش بازنویسی و ویرایش همکاری دارم و حاصل آن تا کنون چاپ دو جلد (۱ و ۲) آن بوده است. مدتی نیز با بخش تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی قسمت احیاء آثار همکاری داشتم که حاصل آن تحقیق در تفسیر شریف الاصفی مرحوم فیض کاشانی (ج اول) می باشد .

به جز مواردی که یاد شد با فصلنامه های پژوهشکده تحقیقات اسلامی همچون حصون و مربیان و دیگر نشریات آن نیز همکاری دارم و ضمن عضویت در هیئت تحریریه بعضی از آنها هر از چندگاه، مقالاتی برای این نشریات می نویسم. ضمن آنکه برای پاره ای فراخوانیهای همایش ها نیز مقالاتی نوشته ام.

رفیعی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی رفیعی علامرودشتی

محل تولد : علامرودشت لامرد فارس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۲/۲

زندگینامه علمی

اینجانب علی رفیعی علامرو دشتی در دوم اردیبهشت ۱۳۳۰ شمسی، در روستای چاه عینی مرکز شهر علامرودشت لامرد فارس درمیان خانواده ای روحانی زاده شدم. تحصیلات ابتدائی را در مکتب خانه و سپس دبستان زادگاهم گذرانده و مدتی نزد حجج اسلام آقای حاج شیخ حسین رفیعی و حاج شیخ اسدالله رفیعی مقدمات ادبیات عرب را آموختم و در سال ۱۳۴۲ شمسی جهت ادامه تحصیل عازم شیراز شدم و در مدرسه علمیه امامزاده ابراهیم بن موسی بن جعفر ـ علیه السلام ـ و مدرسه آبابا خان از محضر آقایان آیت الله حاج عالم آیت اللهی، حاج سید محمد کاظم آیت اللهی، حاج سید احمد و حاج سید محمود آیت اللهی و دیگر علمای شیراز کسب فیض نموده و در سال ۱۳۴۵ شمسی به قصد مسافرت به عراق به خرمشهر رفتم و پس از یک سال که در مدرسه علمیه رضویه آن شهر و نزد حجج اسلام حاج شیخ عبدالله محمدی، محسنی اقلیدی و دیگر اساتید تلمذ و استفاده کردم، به عراق سفر نموده و وارد جامعهٔ النجف الدینیهٔ به ریاست حجهٔ الاسلام و المسلمین سید محمد کلانتر شدم. در آنجا از محضر حجج اسلام آقایان حاج شیخ محمد هادی معرفت، شیخ مجتبی لنکرانی و دیگر اساتید ، علوم فقه، اصول، تفسیر و کلام را آموختم. درسال ۱۳۵۰ شمسی به ایران بازگشتم. مدتی در شیراز و سپس در قم اقامت نمودم.

در حوزه علمیه قم از محضر فضلای جلیل القدری چون حجه الاسلام فاضل اصفهانی، حجه الاسلام ستوده، حجه الاسلام حجتی زاده نیشابوری، حجه الاسلام دکتر احمد بهشتی، آیت الله حاج شیخ محمد هادی معرفت، حجه الاسلام دوزدوزانی و آیت الله علوی گرگانی دروس فقه، اصول ، تفسیر و فلسفه را گذرانده و مدت کمی در حوزه های دروس خارج فقه و اصول آیات عظام گلپایگانی، مرعشی نجفی و وحید خراسانی شرکت نموده و در سال ۱۳۵۳ شمسی از طرف دفتر آیت الله العظمی گلپایگانی و تایید دفتر آیت الله پسندیده به عنوان نماینده ایشان عازم کردستان شدم و پس از چند سال تبلیغ و ارشاد در آن خطه، در اواخر سال ۱۳۵۵ شمسی علیه رژیم پهلوی وارد مبارزات سیاسی شدم و از طرف حوزه علمیه قم به مراکز شهرستانها جهت سخنرانی و بسیج جوانان اعزام شده و چند بار توسط دستگاه ساواک و عوامل رژیم پهلوی بازداشت شدم. در اواخر سال ۱۳۵۶ شمسی یکسره در منطقه فارس و زادگاهم به فعالیت پرداخته و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) سرپرستی کمیته های آن منطقه را به عهده داشتم.

در سال ۱۳۵۷ شمسی به خرمشهر اعزام شده و مسئولیت امور فرهنگی ستاد انقلاب اسلامی اعراب زیر نظر حجه الاسلام شیخ عیسی طرفی را به عهده گرفتم، و پس ازآن به قم بازگشته و به کار تحقیق و پژوهش و تالیف پرداختم. در سال ۱۳۶۰ شمسی در تهران سکونت نموده و در دبیرستان ها و مراکز دانشگاهی و تربیت معلم به تدریس پرداختم. در سال ۱۳۶۱ شمسی در شورای عالی آموزش و پرورش به عنوان کارشناس تحصیلات غیر رسمی کشور به کار مشغول شدم و از سال ۱۳۶۲ شمسی به بعد وارد کارهای

علمی ـ فرهنگی و پژوهشی بـه شـرح ذیل شـده ام : ۱. در سال ۱۳۶۲ شمسـی به دعوت آقـای دکتر مهـدی محقق وارد بنیاد دائرهٔ المعارف اسلامی که توسط حضرت آیت الله خامنه ای تاسیس گردیده بود، شدم و به تحقیق پرداختم که این همکاری تا مدتی ادامه یافت ۲. درسال ۱۳۶۲ شمسی با مرکز دایرهٔ المعارف بزرگ اسلامی زیر نظر آقای سید محمد کاظم بجنوردی همکاری به صورت تحقیق و پژوهش و تالیف مقاله آغاز کردم که تا سال ۱۳۶۸ شمسی به صورت تمام وقت بود و اکنون این همکاری به صورت نیمه وقت و تالیف مقاله و معاونت بین المللی کتابخانه مرکز دائره المعارف ادامه دارد. ۳. درسال ۱۳۶۶ شمسی با دائرهٔ المعارف تشیع همکاری آغاز کردم که تاکنون نیز ادامه دارد. ۴. در سال ۱۳۷۰ مسی به دعوت حجه الاسلام و المسلمین آقای دکتر سید محمود مرعشی نجفی سرپرستی دائرهٔ المعارف کتابخانه های جهان وابسته به کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) را در قم به عهده گرفتم که این مسئولیت هم اکنون نیز ادامه دارد. ۵. از سال ۱۳۷۰ شمسی همکاری به صورت تالیف مقالاتی راجع به تاریخ، رجال و جغرافیای ایران با مرکز دائرهٔ المعارف اسلام ترکیه شروع نمودم که ادامه نیافت. ۶. از سال ۱۳۷۱ شمسی با دائرهٔ المعارف فلسطین که در مرکز دائرهٔ المعارف بزرگ اسلامی تدوین می شود، شروع به همکاری نموده ام که این بخش اکنون متوقف شده است. ۷. درسال ۱۳۷۲ شمسی پس از تأسیس دائرهٔ المعارف ادب فارسی به سرپرستی آقای حسن انوشه با این دائرهٔ المعارف نیزبه صورت تالیف مقاله همکاری دارم. ۸. از ۱۳۸۲ شمسی همکاری علمی با مرکز دارالحدیث شروع کردم که هم اکنون ادامه دارد. ۹. از سال ۱۳۸۰ شمسی با مرکز دائرهٔ المعارف امام خمینی(ره) شروع کردم که تا سه سال ادامه داشت. ۱۰. از سال ۱۳۷۷ شمسی تا کنون با مرکز ترجمه قرآن همکاری داشته و دارم.

رفیعی، قزوینی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۹۵ -۱۳۱۰ ق)، حکیم، فیلسوف، فقیه و مدرس. در قزوین به دنیا آمد. مقدمات و سطوح اولیه و متوسط را تا اوایل فرائد در قزوین خواند و پس از آن به تهران آمد و از محضر آیت‌الله آقا سید محمد تنکابنی و آیت‌الله حاج شیخ مسیح طالقانی و آیت‌الله آقا شیخ محمدرضا نوری استفاده نمود. حکمت و کلام را نزد میرزا حسن کرمانشاهی و میرزاهاشم اشکوری و حاج فاضل رازی و میرزا محمود قمی، و فنون ریاضی را از میرزا ابراهیم ریاضی زنجانی و آقا شیخ علی رشتی فراگرفت. در ۱۳۳۸ ق به قزوین رفت و پس از یکسال به تهران آمد و به تدریس «شرح لمعه» و «قوانین» و «شرح منظومه» و «اشارات» در مدرسه‌ی عبدالله‌خان پرداخت. در ۱۳۴۰ ق که آیت‌الله حایری یزدی به قم رفت، وی نیز به قم مهاجرت کرد و از درس و بحث و فقه و اصول ایشان استفاده نمود و خود به تدریس «کفایه»و «رسائل» و «مکاسب» شیخ انصاری و «اسفار اربعه» و «شرح منظومه»، پرداخت. در ۱۳۴۹ ق به دریافت اجازه نایل شد. سپس به قزوین رفت و به تدریس خارج «کفایه» و «اسفار» و فقه، و نیز اقامه جماعت و تفسیر قرآن پرداخت. در ۱۳۸۰ ق به تهران آمد و در مسجد جامع به تدریس خارج فقه و اصول و خدمات دینی مشغول شد. امام خمینی قسمتی از «اسفار» و «شرح منظومه» را در نزد وی خواندند. وی در تهران درگذشت و جنازه‌اش به قم منتقل و در مسجد بالاسر در جوار قبر آیت‌الله شیخ عبدالکریم حایری یزدی دفن شد. از آثار وی: تعلیقه بر «شرح منظومه سبزواری»؛ رساله در «مراتب وجود»؛ رساله در «مبدأ و معاد»؛ رساله در «رجعت به قواعد عقلیه»؛ «شرح دعاء سحر»؛ حاشیه بر «وسیله» آیت‌الله اصفهانی؛ «رساله عملیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (۱۸۴ -۱۸۲)، خدمات متقابل اسلام و ایران (۶۲۰ -۶۱۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۵۶ / ۶ ،۴۶۷ - ۴۶۶ / ۴)، نشر دانش (س ۳، ش ۱، ص ۱۸ -۱۷).

رفیعی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن رفیعی

محل تولد : شهرکرد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محسن رفیعی در خانواده‌ای مذهبی و علاقمند به قرآن کریم و اهل‌بیت(ع) متولد و رشد نموده‌ام. از نوجوانی به آموزش قرآن مجید در حوزه علمیه و مساجد روی آوردم.

همزمان با ایام دفاع مقدس، درس‌های دبیرستان و حوزه را به صورت آزاد و یا استماع نوار خواندم. در دوران دفاع مقدس، توفیق سه بار مجروحیت را داشته‌ام. سپس در کنکور سراسری شرکت کرده و در رشته الهیات و معارف اسلامی موفق به اخذ مدرک لیسانس شدم. آنگاه به دلیل علاقه فراوان به مطالعات و پژوهش‌های قرآنی و حدیثی، در مقطع کارشناسی ارشد به اتفاق همسرم در

رشته علوم قرآن و حدیث تحصیل نمودم که هر دو پایان نامه خویش را با رتبه عالی دفاع نمودیم.
اکنون نیز به اتفاق همسرم دانشجوی مقطع دکتری در رشته علوم قرآن و حدیث در دانشکده اصول دین قم مشغول به تحصیل هستیم و به لطف خداوند متعال موفق به تالیف چند کتاب و مقالات علمی شده‌ایم. تاکنون درس‌های زیر را در مراکز تربیت معلم، حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها تدریس نموده‌ام: علوم قرآنی، علوم الحدیث، فقه الحدیث، تاریخ حدیث، تفسیر، تاریخ قرآن، اخلاق اسلامی، مبادی العربیه (صرف و نحو)، ترجمه متون عربی، المنهج القویم، نهج‌البلاغه.

رفیعی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای آقاشیخ محمدباقر بن مرحوم حاج میرزا علی‌اکبر رفیعی از علماء و خدمتگذاران دینی حوزه علمیه است.
وی در بیستم ماه شعبان ۱۳۳۲ قمری در کرم‌رود اراک متولد شده و مقدمات و سطح را در مدرسه حاج محمد ابراهیم خوانساری اراک خوانده و رسائل و مکاسب را از مرحوم آیت‌الله آقا شیخ محمد سلطان و کفایه را از مرحوم آیت‌الله آقا سید محسن غروی استفاده کرده و منظومه سبزواری را از آیت‌الله آقا سید کاظم گلپایگانی فراگرفته و در سال ۱۳۵۵ قمری به قم مهاجرت نموده و حدود ۹ ماه به درس مرحوم آیت‌الله حایری و پس از فوت آن مرحوم به درس آیت‌الله العظمی آقای حجت حاضر شده و مدت ۱۸ سال هم از محضر و ابحاث آیت‌الله العظمی بروجردی بهره‌مند گردیده و هم اسفار را از علامه حکمت آیت‌الله العظمی امام خمینی استفاده نموده است.
مولف گوید آقای رفیعی عالمی پرهیزکار و دانشمندی عالی مقدار است که به سهم خود در راه ترویج دین و تبلیغ احکام سعی بلیغ داشته و چند سالی در مسجد سلیمان و خوزستان و مناطق گرم سیری اقامت نموده و چندی هم در شهر ما (زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام) رحل اقامت افکنده و چندی هم در آشتیان به منظور خدمت دینی و روحی توقف نموده است.
از نوشته‌های ایشانست تقریرات اصول و فقه مرحوم آیت‌الله حجت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

رفیعی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی رفیعی به سال ۱۳۳۳ در شهر یزد بدنیا آمد.وی مترجم، زبانشناس، ادیب، نویسنده و منتقد و شاعر بود. گروه : علوم انسانی رشته : زبان شناسی عمومی والدین و انساب : محمد علی رفیعی به سال ۱۳۳۳ در شهر یزد بدنیا آمد. پدرش دکتر عبدالعلی رفیعی از پزشکان خوشنام یزد و از خانواده ای اصیل بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد علی رفیعی تحصیلات ابتدایی را در شهر یزد و تحصیلات دانشگاهی خود را تا پایان اخذ دکترای ادبیات انگلیسی در تهران به انجام رساند. همسر و فرزندان : از محمد علی رفیعی صاحب دو فرزند به یادگارمانده است . وقایع میانسالی : محمد علی رفیعی در فن ترجمه، توانا بود و به دلیل احاطه اش به واژگان و فن و ترجمه، بسیاری از دوستان مترجم و زبان شناس که برخی مطالب و مباحث برایشان گنگ و نارسا بود از او بهره می بردند. دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی در سفر به یزد و آشنایی با دکتر رفیعی و تبحرش در علوم ادبی از جمله زبانشناسی، لب به تحسین وی گشود. زمانی هم دکتر فتح الله مجتبایی پس از مقابله ترجمه جباریت در تاریخ اثر ادوارد براون، با اصل آن قدرت مترجم و دقت کار وی را مورد ستایش قرار داد. زمان و علت فوت : محمد علی رفیعی در روز نهم اردیبهشت ۱۳۷۹ به سرای باقی شتافت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد علی رفیعی به غیر از عضویت در کمیته علمی کنگره بزرگداشت ابوالفضل رشید الدین میبدی در سال ۱۳۷۴، مشارکتی فعال در برپایی آن داشت. همکاری او با مراکز فرهنگ کشور، از جمله فرهنگستان زبان و ادب فارسی، مرکز نشر دانشگاهی، دفتر پژوهش های فرهنگی از دیگر فعالیتهای بشمار می رود .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد علی رفیعی علاوه بر فعالیت های اجتماعی، در عرصه تعلیم و تدریس نیز در دانشگاه های کشور از جمله دانشگاه آزاد اسلامی میبد، دانشکده معماری دانشگاه یزد، دانشگاه جامع تکنولوژی یزد و چندین مرکز آموزش عالی تهران حضوری موثر داشت. از جمله در مرکز نشر دانشگاهی به تدریس آیین ویراستاری پرداخت. دکتر رفیعی زمینه کار پژوهشی و تحقیقاتی بسیاری داشت که از آن جمله می توان به مقاله های او در نشر یاتی چون مقاله های ارزشمندی در مجله های وزین و علمی کشور، مانند: آدینه، جامعه سالم، جهان کتاب، آینده، نشر دانش، گتفگو، نگاه نو، نامه فلسفه، دنیای سخن، معیار و کیهان فرهنگی از خود به یادگار نهاد که عمده آنها در زمینه زبان شناسی و نقد عالمانه کتاب ها بوداشاره کرد . دکتر رفیعی به غیر از دانش ترجمه، شاعر نوگرایی بود که گهگاه در جمله دوستان به قرائت اشعاری می پرداخت. وی در سالهای آخر حیات عمر خویش، در چندین دانشگاه و مجمع دانشگاهی به ایراد سخنرانی پرداخت که مهمترین آن «نقد شعر فروغ»در سال ۱۳۷۸ در دانشگاه تهران بود. دکتر رفیعی همچنین موفق شد در سالهای ۶۴-۱۳۶۳ شش شماره پیک کتاب را چاپ و منتشر کند.آثار : انس شپریر ویژگی اثر : مصاحبه و سخنرانی مانس اشپر بر که توسط انتشارات تندیس ۱۳۶۸ منتشر شد.۲ تالیف پیک کتاب ویژگی اثر : این اثر توسط انتشارات بهجت در سال ۶۴-۱۳۶۳ در ۶ جلد منتشر شد.۳ ترجمه برخورد تمدن ها و بازسازی نظم جهانی ویژگی اثر : اثر ساموئل ها

نتینگتون که توسط دفتر پژوهشهای فرهنگی در سال ۱۳۷۸ منتشر شد.۴ ترجمه پایان جهان اثر فوکویاما ، ترجمه پژوهش ترکیبی ویژگی اثر : اثر هریس ام کوپر، که توسط دفتر پژوهشهای فرهنگی در سال ۱۳۷۹ منتشر شد.۶ ترجمه پژوهش عملی مشارکتی ویژگی اثر : اثر ویلیام فوت وایت که توسط دفتر پژوهش های فرهنگی در سال ۱۳۷۸ منتشر شد.۷ ترجمه پنج سال در یک شهر ایرانی ویژگی اثر : چاپ نشده۸ ترجمه جباریت در تاریخ ویژگی اثر : این ترجمه توسط انتشارات مروارید رد سال ۱۳۷۹ انتشار یافت.۹ ترجمه سالار مگس ها ویژگی اثر : اثر ویلیام گلدنیگ که توسط انتشارات بهجت در سال ۱۳۶۳ منتشر شد.۱۰ ترجمه فلسفه های هنر ویژگی اثر : اثر پیتر کیوی که توسط دفتر پژوهشه های فرهنگی در سال ۱۳۷۹ منتشر شد.۱۱ ترجمه لبخند یوزپلنگ ویژگی اثر : اثر س. ر که چاپ نشده است۱۲ چین ۱۹۸۰ ویژگی اثر : اثر دیوید بوناویا که انتشارات تندیس وسکر در سال ۳۶۴ منتشر کرد.۱۳ دسته گلی برای الجرفون ویژگی اثر : اثر دنیل کیز که توسط انتشارات تجربه در سال ۱۳۷۸ منتشر شد.۱۴ شناخت اثر هنری ادبی ویژگی اثر : اثر انیگاردن که توسط دفتر پژوهش های فرهنگی در سال ۱۳۷۹ منتشر شد.۱۵ فراسوی آزادی ونزلت ویژگی اثر : اثر ب.اف. اسکینر، که توسط انتشارات سکه و تندیس در سال ۱۳۶۴ منتشر شد.۱۶ فیمنیسم در شعر فروغ ویژگی اثر : چاپ نشده۱۷ قبضه قدرت ویژگی اثر : اثر چسلا و میلوش که توسط انتشارات پانوس در سال ۱۳۶۷ منتشر شد.۱۸ مبانی مدیریت ویژگی اثر : استیفن پی را بینمز که با همکاری محمد اعرابی توسط دفتر پژوهشهای فرهنگی در سال ۱۳۷۹ منتشر شد.۱۹ مدیریت بدون کاغذ ویژگی اثر : ویژگی ترجمه این اثر با همکاری محمد اعرابی و قصر الله مستوفی صورت گرفت و توسط دفتر پژوهش های فرهنگی در سال ۱۳۷۹ منتشر شد.۲۰ هنر پژوهش موردی ویژگی اثر : اثر رابرت ای استمیک است که توسط دفتر پژوهشهای فرهنگی در سال ۱۳۷۹ منتشر شد.۲۱ هنرشادمانگی ویژگی اثر : دالایی لاـ ما است که انتشارات تندیس در سال ۱۳۷۸ منتشر نمود.منابع : انتشارات نو اندیش ، کتاب ماه ادبیات و فلسفه ،تیر ماه ۱۳۷۹

رفیق اصفهانی، حسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۱۲ -۱۱۵۰ ق)، شاعر. معروف به رفیق سبزی فروش. اصلش از اصفهان بود. در اواسط حال تحصیلی کرده، به غزلسرایی پرداخت. او با هاتف و آذر معاصر بود. در اصفهان وفات یافت و در نجف به خاک سپرده شد. اثر وی «دیوان» اشعار شامل هشت هزار بیت است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۰۸ -۳۰۶)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (۳۶۰ -۳۵۹)، الذریعه (۳۸۱/۹)، ریحانه (۳۲۶/۲)، سفینه المحمود (۴۷۰ -۴۶۵ /۲)، فرهنگ سخنوران (۳۹۲)، مجمع الفصحا (۳۲۱ -۳۲۰ /۴)، نگارستان دارا (۱۹۷ -۱۹۶ /۱).

رفیق شیرازی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از فضلا و شعرا بوده، روز یکشنبه ۲۰ رجب سال ۱۳۵۱ وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

رفیقی اصفهانی، مرتضی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۰ ق)، شاعر. از شاعران توانمند و خوش قریحه اصفهان بود. از اوست:

بعد عمری گر شبی آیی به خوابم ناگهان

می‌کنی قصدم، به قصد آنکه بیدارم کنی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۰۸)، الذریعه (۳۸۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۹۳ -۳۹۲).

رفیقی آملی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از وطن خود به حجاز سفر کرد و از آنجا به دکن رفت و چندی در حیدرآباد و بیجاپور در نزد سلاطین آنجا به

سر برد و سپس به دربار جلال‌الدین اکبرشاه روی نهاد و در سلک ملازمان وی درآمد. وی در فن معما و ماده تاریخ ماهر و استاد بود. از اوست:

بست به رخت پرده‌ی چشم نگران را

تا چشم به روی تو نیفتد دگران را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۸۱/۹)، شام غریبان (۸۸)، صبح گلشن (۱۸۲ -۱۸۱)، کاروان هند (۴۶۷/۱)، هفت اقلیم (۱۳۳/۳).

رفیقی تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر و موسیقیدان. وی به بدخویی شهرت داشته و از راه خوانندگی امرار معاش می‌کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (۳۲۳/۱)، تحفه سامی (۲۶۲)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۲۵۸/۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۶۰)، الذریعه (۳۸۱/۹)، سخنوران آذربایجان (۳۷۷ -۳۷۶).

رفیقی گزی، حسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

متولد ۱۱۵۰ هجری قمری در قریه باستانی گز و وفات در سال ۱۲۱۲ هجری قمری در نجف اشرف و مدفون در همان محل. تحصیلات اولیه را در مکتب خانه‌های گز و بعد در مدارس قدیمی اصفهان و گذران عمر را با شغل سبزی فروشی و از دوستان و اعضاء انجمن شعرای آذر اصفهان و در عداد نویسندگان و شعرای انجمن مزبور چون مشتاق، صباحی و هاتف اصفهانی بوده است. قابل ذکر است که انجمن یاد شده به همت حاج لطفعلی بیگ بیگدلی آذر فرزند مرحوم آقا جان بیگدلی آذر از اعیان و حکام مورد اعتماد اواخر حکومت صفوی و از نجبا و نویسندگان ایل شاملو بوده که بعدها در دستگاه‌های افشاریه و زندیه از مصادر امور محسوب و آثار رفیقی گزی دیوان شعری محتوی هشت هزار بیت موجود می‌باشد که این شعر از اوست:

تا کی خبر ز روز سفر می‌دهی مرا

از روز مرگ من چه خبر می‌دهی مرا

این حرف تلخ از آن لب شیرین چه می‌زنی

زهر از چه در میان شکر می‌دهی مرا

تو سرو سرکشی و من آن ساده باغبان

کاندیشه می‌کنم که ثمر می‌دهی مرا

از نکات دیگر اینکه جنتی جزی نیز در نقد دون همتی و در مثنوی شاپور و شهناز خود در مواردی به استقبال اشعار آذر بیگدلی رفته است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

رفیقی هروی، کمال‌الدین محمود

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به رفیقی. از مردم خراسان و پدر مجنون چپ‌نویس بود و نستعلیق را خوش می‌نوشت. از آثار وی: یک نسخه «خمسه‌ی» جامی، به قلم کتابت خفی متوسط، که عباراتی به قلم رقاع و شکسته تعلیق کتابت خوش نیز دارد و چنین تمام می‌شود: «تمت هذه الفیض الحقیقی بخط العبد محمود الرفیقی، فی سنه‌ی ۸۹۳» و «تمت... فی شهر شعبان‌المعظم سنه‌ی تسعین و ثمانمائه»؛ یک نسخه «ذخیره الملوک» سید علی همدانی، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «و تم ذلک الفیض الحقیقی بخط العبد محمود الرفیقی فی شهور سنه‌ی ۸۹۳».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۷۵ -۸۷۴ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۳۳۳)، گلستان هنر (۸۵).

رفیقی همدانی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. وی معاصر سلطان یعقوب بود و از شاعران وی به شمار می‌رفت رفیقی مصاحب مولانا طوسی بود و عمر دراز داشت. این بیت از اوست:

نیارم از کسی جستن نشان ماه سیمایی

که ترسم میرم از غیرت چو گوید دیدمش جایی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۸۲/۹)، مجالس النفایس (۳۰۵-۳۰۴).

رفیقی یزدی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی شاگرد ملا حیرتی بود و در سرودن شعر توانا. از اوست:

در هر گذر که دید رفیقی ترا، ز شوق

استاد و انتظار رفیقان بهانه ساخت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۰۹)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۱۳۸)، مجمع الخواص (۲۹۸-۲۹۷).

رقابی، حیدر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد، شاعر.

تولد: ۲۴ آذر ۱۳۱۰، تهران.

درگذشت: تولد: آذر ۱۳۶۶، تهران.

حیدر رقابی متخلص به «هاله» پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه در تهران از دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران لیسانس گرفت در دوران تحصیل دبیرستانی به شاعری روی آورد. در جوانی به جوانان جبهه‌ی ملی پیوست و در جریان نهضت ملی شدن نفت از سرایندگان پر شور بود. سپس بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ راهی خارج از کشور شد و در آلمان و آمریکا به تحصیل فلسفه پرداخت و به اخذ درجه‌ی دکتری نایل شد. در دانشگاه‌های آمریکا، از جمله کلمبیا، سن خوزه و برکلی چهارده سال در سمت استادی به تدریس مشغول بود و هم چنین سال‌ها در تأسیس و ایجاد دانشگاه دیویس سرخ پوستان کوشید و مدیریت برنامه‌ریزی آن را بر عهده داشت و درآمد یکی از تألیفات خود به نام فلسفه‌ی دنیای سوم را به آن دانشگاه اختصاص داد. دکتر حیدر رقابی به زبان‌های آلمانی و انگلیسی تسلط کامل داشت و نزدیک به سی جلد کتاب به سه زبان در زمینه‌های علمی و ادبی منتشر ساخت. چندین جلد کتاب دانشگاهی نیز از او باقی مانده است که تا هنگام فوتش چاپ نشدند. او علاوه بر درجات علمی و فرهنگی در زمینه‌های ورزشی نیز فعال بود و در جوانی به کسب عنوان قهرمانی در رشته‌های کشتی، شنا و شمشیربازی نایل آمد.

دکتر حیدر رقابی پس از پیروزی انقلاب اسلامی راهی ایران شد و مدت هشت سال در دانشگاه تهران در مقام استادی فلسفه به تدریس پرداخت. او که شعر در «هاله» تخلص می‌کرد، چندین مجموعه شعر به نام‌های آسمان اشک (۱۳۲۹)؛ خاطرات میگون، شاعر شهر شما (۱۳۴۸)؛ شهرزاد (۱۳۳۲) از خود به یادگار گذاشت و شقایق‌ها آخرین آنها به شمار می‌رود. از آثار دیگر اوست: پرچم رنگ، دومین بخش اشعار ملی (۱۳۲۰)؛ یادی از پدرم (۱۳۳۸).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

رقتی اصفهانی، یحیی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۱ ق)، شاعر. مدتی در دکن ساکن بوده و رد سرودن شعر توانا و گاهی یحیی و گاهی رقتی تخلص می‌کرده است. از اوست:

سرم در عشق، سامان می‌فروشد

دلم در کوی غم، جان می‌فروشد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کاروان هند (۴۶۸-۴۶۷/ ۱).

رکعی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌الله شیخ محمد رکعی جوادی فرزند مرحوم عباسعلی از علماء اعلام و آیات باهرات سبحانی بودند که در قم رحل اقامت افکنده و به عبادت و بندگی خدای تعالی شب و روز خود را می‌گذرانید وی در سال ۱۳۴۳ قمری از رضائیه به قم آمده و از محضر و درس و بحث مرحوم آیت‌الله حایری استفاده نموده آنگاه به تدریس متون فقه و اصول و تربیت عده‌ای از محصلین پرداخته تا روز جمعه ۲۳ ذی‌الحجه ۱۳۹۲ که بنابر پیش‌بینی قبلی خود دعوت حق را لبیک اجابت گفته و به سرای جاودان خرامیده است.

آن مرحوم بنابر گفته آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی مدظله سلمان عصرش بود در زهد و تقوا و تا آخر عمرش در یک منزل مخروبه اجاره‌ای سکونت داشت کتب نفیس خطی داشت که بنا بر وصیتش اهداء و وقف کتابخانه آیت‌الله العظمی نجفی نموده و نگارنده آنها را دیدم که متعلق به چهارصد سال قبل بود فرزندان برومندی دارد که در سلک روحانیت و از سربازان ولی عصر ارواحنا فداه می‌باشند که به اسامی زیراند ۱- شیخ محمدتقی ۲- شیخ محمدحسین ۳- آقاشیخ علی رکعی جوادی ۴- میرزا عبدالحسین رکعی که از اخیارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

رکن

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بخش ۱) (سید) آملی ابن مشرف‌الدین حسینی، از منجمان قر. ۸ ه. (و. ۸۰۰ ه.ق.) وی کتابی درباره اسطرلاب بنام «پنجاه باب سلطانی» و کتابی در باب تقویم بنام «زیج جامع سعیدی» دارد که در آن تاریخ مختصر زیجهای معروف درج شده.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

رکن الملک (سلیمان)

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج میرزا سلیمان بن محمد کاظم شیرازی اصفهانی، نایب الحکومه‌ی اصفهان. فاضل ادیب شاعر متخلص به «خلف» مردی خلیق و مهربان و خوش رفتار بوده، و نسبت به علما احترام زیاد می‌کرده، و در دستگیری از ضعفا و فقرا اهتمام داشته، و نسبت به سایر حکام، در رفع حوایج زیر دستان کوشا بوده.

در ۱۲۵۴ در شیراز متولد شده، و در ۳ شنبه ۷ جمادی الاولی سال ۱۳۳۱ وفات یافته، در اطاق مخصوص در دالان مسجد خود در تخت فولاد مدفون گردیده.

از آثارش چاپ و انتشار قرآن مجید، و صحیفه‌ی سجادیه، و کتاب زاد المعاد، و ساختمان مسجد عالی، و ساختمان تکیه‌ی حاجی آباده‌ای در اول تخت فولاد است.

مسجد مزبور به سال ۱۳۲۱ بنا شده، و ماده تاریخ بنای آن را طغرل شاعر اصفهانی می‌گوید:

«بنای مسجد اقصا مبارک شد سلیمان را».

و ماده تاریخ آب انبار آنجا را، عبدالجواد خطیب گوید:

«این صرح ممرد نیز بنیان ز سلیمان شد»

یکی از ماده تاریخ‌های بنای مسجد از مرحوم ثقهٔ الاسلام حاج آقا نور الله نجفی مسجد شاهی است، و آن این است:

چون ز رکن الملک و الدین آن سلیمان دوم

شد بنای مسجد الاقصی هدی للمتقین

سر برون آورد نور و بهر تاریخش سرود

از سلیمان شد بنای مسجد اقصی متین

مرحوم رکن الملک از طرف پدر از اعقاب خلف بیک، سفره‌چی شاه عباس اول، و بانی مسجد سفره چی (که در بین مردم از کثرت استعمال به مسجد سرخی معروف گردیده) می‌باشد.

این مسجد در سال ۱۰۱۴ به سعی و همت خلف بیک سفره‌چی ساخته شده، و کتیبه‌ی سر در آن به خط صحیفی خطاط است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

رکن رازی، رکن‌الدین

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. وی مردی سخن سنج و تیز فهم بوده است. صاحب «الذریعه» می‌گوید: شاید با رکن سمنانی یکی باشند. از او است:

جان را از خواهش دل دیوانه سوختیم

نقد خرد به نسیه‌ی میخانه سوختیم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۸۲/۹)، صبح گلشن (۱۸۴)، هفت اقلیم (۵۳ -۵۲ /۳).

رکن شیرازی، رکن‌الدین مسعود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۶ ق)، شاعر و پزشک. از پزشکان و ادبیان بزرگ شیرازی است وی از جمله‌ی شاگردان مولانا صدرالدین علی طبیب بود و از شیراز به کاشان رفت و در آنجا متوطن شد. از اوست:

گل نورسته‌ی من آن چنان نازک بود خویش

که می‌ترسم شود آزرده چون چشم افکنم سویش

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه‌ی سامی (۸۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۳۵/۲).

رکن صاین هروی، رکن‌الدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۶۴ ق)، شاعر. وی در اشعار غالبا رکن و گاهی رکن صاین تخلص می‌کند. وی در اوایل سده‌ی هشتم هجری در هرات متولد شد و پیش از سال ۷۳۶ ق به خدمت خواجه غیاث‌الدین محمد بن خواجه رشیدالدین فضل‌اللّٰه وزیر درآمد و از تنگدستی نجات یافت و به مرتبه‌ای بزرگ رسید و مقبول خدمت و برکشیده‌ی حضرت او شد. قصاید فراوانی در مدح و ستایش او سرود. تقی‌الدین کاشی وی را از اقران جمال‌الدین سلمان ساوجی و رکن‌الدین ابهری و ابن‌نصوح شیرازی دانسته. وی پس از مرگ خواجه غیاث‌الدین محمد از آذربایجان گریخته به خراسان و استرآباد رفت و به طغا تیمورخان پیوست سپس به فارس آمد و امیر جلال‌الدین مسعود شاه اینجو و سپس امیر پیر حسین چوپانی را ستود، پیش از استقرار امیر شیخ ابواسحاق روی به کرمان نهاد و به خدمت امیر مبارزالدین پیوست و امیر شیخ را هجو کرد و از آن پس تا پایان عمر در درگاه مظفریان بود. از آثارش: «دیوان» شعر؛ مثنوی «ده نامه» موسوم به «تحفه العشاق».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۴۰۹ -۴۰۷ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۵۰ -۹۳۶ /۳)، تذکره الشعراء (۲۶۵ -۲۶۲)، حبیب السیر (۲۹۴/۳)، الذریعه (۵۷۲ -۵۷۱، ۳۸۳ /۹)، سرآمدان فرهنگ (۴۰۱ -۴۰۰ /۱)، فرهنگ سخنوران (۵۴۶).

رکن کرمانی، رکن‌الدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، عالم و شاعر، متخلص به رکن. خانواده‌ی وی از ابهر بودند. اما رفیع‌الدین در کرمان ساکن شد و به همین جهت به کرمانی مشهور شد. در «تذکره‌ی روز روشن» از وی با نسبت مکرانی یاد شده و آقابزرگ تهرانی رکن‌الدین بکرانی و مکرانی را یکی می‌داند. رکن‌الدین معاصر غازان خان و حمداللّٰه مستوفی بود. وی صاحب «دیوان» اشعار است که در آن به مدح ملوک آل‌مظفر مبارزالدین محمد المظفر، جلال‌الدین شاه شجاع و قطب‌الدین شاه محمود پرداخته است و در آن از شاه ابواسحاق که در نبرد با امیر مبارزالدین بود، یاد کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ گزیده (۷۳۱)، تاریخ نظم و نثر (۲۲۲)، تذکره‌ی روز روشن (۳۰۹)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۲۵۹ -۲۵۸)، حبیب السیر (۱۹۱/۳)، الذریعه (۳۸۴ -۳۸۳ /۹)، ریاض العارفین (۱۹۵)، ستارگان کرمان (۲۰۷ -۲۰۶)، فرهنگ سخنوران (۳۹۴).

رکن‌الدوله قاجار، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۱۸ -۱۲۶۲ ق)، خطاط. از شاهزادگان هنرمند و با کفایت قاجار بود و به کارهای خطیر مانند ایالت خراسان اشتغال داشت.

مجموعه‌ی کتابهای خطی وی از نفایس است. او خط نستعلیق را استادانه می‌نوشت و از شاگردان میرزا کاظم خطاط بود. از آثار او: قطعه‌ای به قلم سه دانگ خوش، با رقم: «بنده‌ی درگاه محمدتقی قاجار ۱۲۷۵»؛ دو قطعه به قلم دو دانگ خوش، با رقم: «رکن‌الدوله» و «مشقه محمدتقی قاجار سنه‌ی ۱۲۸۴»؛ یک قطعه به قلم دو دانگ خوش، با رقم: «رکن‌الدوله».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۷۰/۳)، شرح حال رجال (۳۱۹ -۳۱۲/ ۳).

رکن‌زاده‌ی آدمیت، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۷ ق)، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به سالک. در شیراز به دنیا آمد، پس از تحصیلات ابتدایی و آشنایی با زبانهای فرانسوی و انگلیسی، در اهواز به تدریس پرداخت و بعد به بوشهر رفت و ضمن تکمیل تحصیلات خود در رشته‌ی ادبیات فارسی و عربی، در تجارتخانه‌ای به کار دفترداری و انشاء و داد و ستد تجارتی پرداخت. سفری به عراق رفت و بعد از بازگشت در شیراز قرائت‌خانه‌ی آدمیت را تاسیس کرد و به کار خرید و فروش کتاب پرداخت. در سال ۱۳۰۵ ش روزنامه‌ی ادبی و سیاسی «آدمیت» را در شیراز منتشر کرد، پس از دو سال انتشار آن و تعطیلی روزنامه، به هندوستان رفت و سپس به تهران آمد و مدتی مدیر روزنامه‌ی «ایران آزاد» شد و کتابخانه آدمیت را تاسیس کرد، و بعد از انتقال به کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی، به نوشتن فهرست کتب خطی آن کتابخانه پرداخت و به عضویت پیوسته‌ی انجمن ادبی فرهنگستان ایران درآمد. آدمیت ضمن سرودن شعر، تالیفاتی نیز از خود به جای گذاشته است که برخی از آنها عبارتند از: «رساله‌ی اغلاط مشهوره»؛ «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس»، در پنج مجلد؛ «دلیران تنگستانی»؛ «فارس و جنگ بین‌الملل»؛ «رساله‌ی کلمات و اصطلاحات جدیده»؛ «منتخبات ایران شهر یا اصول آدمیت»؛ «منتخب برهان قاطع»؛ «منشآت آدمیت»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۱۰۵ -۱۰۴/ ۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۰ -۲۴/ ۳)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۴۳ -۳۴۱/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۴۳۰)، مؤلفین کتب چاپی (۷۴۹ -۷۴۸/ ۲).

رکنی دزفولی، عبدالصالح

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدعبدالصالح رکنی دزفولی

محل تولد : لارستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۵/۱/۱

زندگینامه علمی

مهرماه سال ۱۳۴۱ وارد قم شدم. (یعنی شش ماه پس از رحلت آیت الله العظمی آقای بروجردی) در حالیکه مقداری از جامع المقدمات را نزد برادرم آیت الله سید مجتبی موسوی لاری خوانده بودم. قسمتی از سیوطی و مغنی را در حوزه و بقیه آن را نزد آیت الله حاج شیخ احمد جنتی،معالم را نزد آیت الله جنتی،مختصر المعانی را نزد آیت الله حاج شیخ حسن تهرانی،رسائل را نزد آیت الله حاج شیخ احمد آذری قمی وآیت الله محمد محمدی گیلانی،مکاسب را نزد آیت الله حاج شیخ ابوالقاسم خزعلی وآیت الله احمدی میانجی وآیت الله محمدی گیلانی، کفایه را نزد آیت الله حاج شیخ یوسف صانعی و آیت الله آذری قمی و آیت الله وحید خراسانی و آیت الله حاج میرزا جواد تبریزی(ره) و آیت الله فاضل لنکرانی(ره)، خارج فقه را نزد آیت الله حاج شیخ کاظم تبریزی و آیت الله حاج شیخ حسینعلی منتظری و آیت الله حاج سیدموسی شبیری زنجانی.تفسیر را نزد آیت الله ابوالقاسم خزعلی و آیت الله محمدتقی مصباح یزدی، معارف اسلامی را نزد آیت الله محمدتقی مصباح یزدی خواندم.بدایهٔ الحکمهٔ و اسفار اربعه را نزد آیت الله حاج شیخ عبدالله جوادی آملی، نهایهٔ الحکمه را نزد آیت الله محمدتقی مصباح یزدی، فصوص الحکم را نزد آیت الله حسن‌زاده آملی و نیز کتاب کلیله و دمنه را نزد آیت الله حسن‌زاده آملی خواندم.ادبیات فارسی املاء و انشاء و مقاله‌نویسی نزد حجهٔ الاسلام والمسلمین آقای علی حجتی کرمانی و آیت الله مومن العابدین قربانی و آیت الله دکتر حاج شیخ احمد بهشتی فسائی.زبان انگلیسی را پس از دوران دبیرستان نزد آقای امجدی و آقای رخشانفر که هر دو دبیر دبیرستان بودند و سپس نزد حجهٔ الاسلام آقای خلیلیان که تحصیل کرده انگلستان بود آموختم.اخلاق را نزد آیت الله حاج شیخ علی قدوسی، آیت الله حاج شیخ علی مشکینی اردبیلی(ره) و آیت الله دکتر محمد حسینی بهشتی و آیت الله احمدی میانجی.از بدو شروع به خواندن معالم درس کلاسیک هم شروع کردم و سالی یک کلاس خواندم و پس از ۴ سال موفق به اخذ دیپلم ادبی از دبیرستان شبانه حکیم نظامی شدم.از سال ۴۵ به تدریج مواجه با کسالت‌های مختلف و عمل‌های متعدد جراحی در اعضاء بدنم انجام شد که سیر مطالعه و فعالیت‌های تحصیلی و تدریسی مرا کُند نمود و در همه حال شاکر درگاه خداوند هستم.

رکنی دزفولی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد رضا رکنی دزفولی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمدرضا رکنی دزفولی فرزند سید صالح هستم متولد ۲۹ آبان ۱۳۵۴ در ایام ولادت امام رضا علیه السلام (۱۵ ذیقعده) در خانواده ای مذهبی و مقدس به دنیا آمدم از طرف پدر و مادر سید هستم «و کفانی العز أنی فاطمی».پدرم سید صالح رکنی از علمای فاضل و متدین خطه فارس هستند و شاید بتوان گفت قدیمی ترین اصول گرای حقیقی منطقه که در قید حیات هستند ایشان می باشند پدر و عمویم و سایر وابستگان ایشان سعی شان همیشه تبلیغ دین و خدمت به مردم بوده است و به تعبیر بسیاری از بزرگان اینها به تنهایی یک وزارت ارشاد هستند آن هم ارشاد واقعی و حقیقی به دین و فرامین آن.

پدر پدرم (جد پدری) جناب آیت الله سید علی اصغر موسوی لاری (ره) هستند که سالها به تبلیغ دین و خدمت به مردم در آن خطه (لارستان) پرداختند و قبر شریف ایشان و پدر بزرگوارشان در جهرم می باشد پدر ایشان جد پدری پدرم حضرت آیت الله العظمی سید عبدالحسین موسوی لاری (ره) از مبارزین نامدار علیه استعمار انگلستان می باشد.

ایشان اولین حکومت اسلامی را پس از ائمه علیهم السلام؛ در آن منطقه؛ ایجاد کرد و پس از حکم جهاد علیه آن کفار خود نیز لباس رزم بر تن می کردند و با هر دو لباس از ولایت پاسداری می کردند. مادرم که خانمی فاضله می باشند صبیه حضرت آیت الله سید موسی شبیری زنجانی دام ظله هستند.و ایشان نیز فرزند حضرت آیت الله العظمی سید احمد زنجانی (ره) هستند و علم و تقوای هر دوی آنها زبانزد خاص و عام است.و اما خودم پس از اتمام دوره دبیرستان به حوزه آمدم ۳ سال را در مدرسه علمیه شهیدین (ره) و ۳ سال را در مدرسه علمیه حقانی (ره) گذراندم پس از ۱ سال که در درس های رسائل و مکاسب اساتید شرکت کرده بودم بریا فراگیری دروس عالی در کنکور مؤسسه امام خمینی (ره) مؤسسه آقای مصباح شرکت کردم و در همان سال اول پذیرفته شدم در ایام تحصیل از پژوهش غافل نبودم و در زمینه رشته تحصیلی ام تحقیقات و پژوهشهای فراوانی انجام داده ام.در آنجا از اساتید بزرگی بهره برده ام که همه به نوعی از شاگردان جناب آقای مصباح یزدی دام ظله بوده اند و مدرک کارشناسی ام را خرداد ۸۶ از آنجا اخذ کردم.

رکنی کاشانی، رکن‌الدین مسعود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به رکنی. از سادات لازم‌الاحترام در کاشان بود. در اوایل حال در طلب علم بود و در بعضی علوم پیشرفت کرد، اما هیچ کدام را چنان از پیش نبرد که بتوان از آن استفاده کرد و همواره مستعدان شعرای کاشان با مشارالیه و پدرش در مقام خدمت بودند و هرچه می‌گفتند سخنان ایشان را به سمع رضا و اطاعت می‌شنیدند، چه سالها منصب نقابت و پیشوایی کاشان به آبا و اجداد ایشان تعلق داشت و از خاندان ایشان به دیگری منتقل نشد. رکنی در سال ۹۸۵ ق به هند رفت و در آنجا اقامت کرد. وی شعر نیز می‌گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۳۹۴)، کاروان هند (۴۷۰–۴۶۸ /۱).

رکنی، نوردهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بازرسی بهداشت گوشت، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دامپزشکی از دانشکده دامپزشکی دانشگاه هانور آلمان در سال ۱۳۴۹، درجه متریز (.MSC) تخصصی در زمینه بهداشت و

صنایع گوشت از دانشگاه لیون فرانسه در سال ۱۳۵۶، کارشناسی ارشد (DEA) در رشته اکولوژی میکروبی از دانشگاه کلودبرنارد شهر لیون فرانسه در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۱، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آلودگی میکروبی مواد غذائی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۴۰ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بهداشت و صنایع مواد غذائی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

بهداشت، علوم و صنایع غذائی به ویژه بهداشت و صنایع گوشت.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

رمزی اصفهانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۸ ق)، شاعر. از سادات اصفهان بود و در زمان شاه طهماسب می‌زیست و در قم درگذشت. وی در سرودن غزل توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۷۶)، تذکره‌ی روز روشن (۳۱۲-۳۱۱)، الذریعه (۳۸۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۹۴).

رمزی تبریزی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۲ ق)، شاعر. از شاعران آذربایجان بود که در استانبول زندگی می‌کرد. روزی در هنگام عبور سلطان مجید خان عثمانی یک رباعی فی‌البداهه سرود و سلطان پس از شنیدن شعر وی جایزه‌ای مطلوب به وی داد. رمزی با لعلی، آهی، راجی و شکوهی معاصر بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۱۶۱)، الذریعه (۳۸۴/۹).

رمزی سبزواری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از امرای سبزوار. وی از مردم سبزوار است که شعر نیز می‌سروده است. و مشرب حکیمانه نیز داشته است. در «تذکره‌ی روز روشن» احوال او با احوالی که برای امیر ابوالفتح جنابدی در «تحفه سامی» ذکر شده است یکی است. از اوست:

مرا به زلف بتی شد دل شکسته اسیر

که در جفا سر موئی نمی‌کند تقصیر

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه‌ی سامی (۵۷)، تذکره‌ی روز روشن (۳۱۲).

رمزی کاشانی، محمدهادی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۰۴۰ ق)، نقاش و شاعر، متلخص به رمزی. از مردم کاشان بود. نسب او به ابن‌بابویه قمی می‌رسد. در جوانی شاعری مشهور

و صاحب «دیوان» و مدتی در دربار شاه عباس بود، ترک ملازمت سلطان گفت و در اصفهان زندگی پر آرامشی داشت. رمزی از معصاران داود قلی بیگ، مولف «قصص الخاقانی» و صاحب «تذکره‌ی نصرآبادی» بوده است. وی علاوه بر شاعری در فن نقاشی و چوب تراشی هم مهارت داشت. آثار وی: «دیوان» اشعار؛ مثنوی‌های: «رمز الحقایق»؛ «رمز الریاحین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۰۹ -۱۳۰۶ /۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۷۳)، الذریعه (۳۸۵ -۳۸۴ /۹)، ریحانه (۳۳۲ - ۳۳۱ /۲)، لغت نامه (ذیل/ رمزی)، منظومه‌های فارسی (۲۸۳ -۲۸۱).

رمزی همدانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از شعرای عهد صفویه و معاصر سام میرزا صفوی است. این بیت از اوست:

کاکل مشک فشان بر قد نخل آسایش

همچو زاغی است که بر سرو بود ماوایش

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن سرایان همدان (۲۵۹/۱)، تحفه‌ی سامی (۲۷۱)، الذریعه (۳۸۵/۹).

رمزی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۹ -۱۲۴۷ ش)، شاعر، متخلص به رمزی. وی از فضل و کمال بهره‌ی بسزایی داشته است و از بزرگان زمان خود به شمار می‌رفته است. از جمله ارادتمندان مرحوم لنکرانی و کارمندان انجمن صفا بود است. از آثار وی: «رنگارنگ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۵۳۰ -۵۲۹ /۴).

رمضان پور، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رمضان پور

محل تولد : کاشمر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد رمضان پور در سال ۱۳۴۱هجری شمسی در خانواده ای متدین و کاملا مذهبی در شهرستان کاشمر دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی تشویق خانواده و اطرافیان و علاقه فراوان خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۵ وارد دانشگاه امام صادق(ع) گردید تا در کنار دروس دانشگاهی به تحصیل در دروس حوزوی هم بپردازد. از نخستین روزهای ورود به دانشگاه امام صادق علیه السلام با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از محضر درس اساتیدی همچون آیت الله علم الهدی، آیت الله سید حسن مصطفوی، آیت الله مهدوی کنی و دیگر اساتید برجسته دانشگاه بهره ها برد. استاد پس از فارغ التحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه امام صادق علیه السلام در سال ۱۳۸۵ در مقطع دکترای الهیات از دانشگاه آزاد مشهد فارغ التحصیل گردید و از رساله دکترای خویش با عنوان" تاریخ و تمدن ملل اسلامی "دفاع کرد. ایشان ضمن تبلیغ سالهای متمادی است که به تدریس در دانشگاه آزاد کاشمر، دانشگاه پیام نور کاشمر، دانشگاه علمی کاربری کاشمر است و هم اکنون مسئول دانشگاه پیام نور کاشمر می باشد. نامبرده در زندگی سراسر علمی خود جز به تدریس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است. که برخی از آثار آن را با عنوان"اندلس مظهر اسلام در اروپا "و" چگونه خوشبخت شویم"را نام برد..

رمضان نرگسی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا رمضان نرگسی

محل تولد : نرگستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۷/۴

زندگینامه علمی

بنده رضا رمضان نرگسی در پاییز سال ۱۳۴۷ در روستای نرگستان (۱۱ کیلومتری شهرستان صومعه سرا و ۲۲ کیلومتری شهرستان رشت) واقع در حاشیه مرداب انزلی متولد شدم. ده ساله بودم که انقلاب شد و ما تحت تاثیر جو انقلابی وارد بسیج شدیم و به دنبال آن در انجمن اسلامی مدرسه حضور فعال داشتیم. در سال ۱۳۶۲ (دوازدهم شهریور) وارد حوزه علمیه شهرستان صومعه سرا شدم(البته دو نفر از همکلاسی هایم را نیز تشویق کردم که با من به حوزه بیاید) و با توجه به هوش نسبتا خوبی که داشتم علاوه بر فراگیری بسیارخوب دروس حوزوی دروس دبیرستان را نیز به صورت داوطلب آزاد امتحان می دادم و همگی آنها را در خرداد قبول می شدم. در سال ۶۶ در رشته فرهنگ و ادب دیپلم گرفتم و همزمان معالم و لمعه می خواندم. در سال ۶۷ در شهرستان با مشکل استاد مواجه شدیم و برای ادامه تحصیل به مدرسه مروی تهران (ابتدا مدرسه معمار و سپس مروی) آمدم و لمعتین و اصول مظفر را در تهران نزد اساتید گرانقدری همچون استاد بهاری و نمازی خواندم. لازم به ذکر است که در شهرستان صومعه سرا نیز اساتید از قم اعزام می شوند و اساتید ما در آنجا استاد برهانی، استاد رضوانی(اسم سابق ایشان قیصری بود) که الان مدیر یکی از مدارس قم می باشند واستاد ایوب باغبانی بودند. در سال ۶۷ همزمان با ورود به تهران ازدواج کردم و با کمال قناعت زندگی را می گذراندیم. در سال ۶۹ به قم آمدم (بعد از آنکه شهریه ما در قم درست شد) و همزمان با آن به موسسه در راه حق وارد شدم. همزمان با تحصیل دروس حوزوی دروس موسسه در راه حق را نیز با موفقیت پشت سر می گذاشتم. در سال ۷۲ سطح را تمام کردم و امتحانات شفاهی را نیز در سال ۷۳ با موفقیت به اتمام رساندم و شهریه رتبه ۳ من وصل شد و اساتید دوره سطح من عبارت بودند از استاد تهرانی، استاد عراقچی، استاد محمد علی و... . از سال ۷۲ در درس خارج استاد فاضل شرکت کردم که با مریض شدن ایشان در سال بعد به درس استاد شبیری رفتم. از سال ۷۵ در دروس خارج مکارم و سبحانی شرکت می کردم. همچنین در سال۷۵ با فارغ التحصیل شدن در رشته الهیات و معارف اسلامی از موسسه در راه حق دوره تخصصی کارشناسی ارشد جامعه شناسی را شروع کردم و درسال ۸۰ فارغ التحصیل شدم. از سال ۸۱ زندگی پژوهشی خود را شروع کردم و تا کنون ۳۷ مقاله و ۳ کتاب از من منتشر شده یا در دست چاپ است. در سال جاری در رشته مسائل ایران دوره دکتری قبول شدم و الان مشغول گذراندن آن می باشم.

رمضان نژاد لری، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا رمضان نژاد لری

محل تولد : سیرجان

شهرت : رضا

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد رضا رمضان نژاد در سال ۱۳۵۵ در اطراف شهرستان سیرجان در خانواده ای عشایر متولد شد و با شروع دروس ابتدایی پدر و مادرم برای تحصیلات فرزندانشان وارد شهر شدند و من نیز تحصیلاتم را در شهرستان سیرجان آغاز نمودم . تحصیلات ابتدایی را در مدرسه اسدالله ستاری گذراندم و بعد تحصیلات راهنمایی ام را در مدرسه راهنمایی امیر کبیر سپری کردم و بعد از آن در هنرستان منتظری همان شهر ثبت نام نمودم و در رشته برق شروع به تحصیل کردم اما متاسفانه به دلیل یک سری مشکلات ترک تحصیل نمودم و در جایی مشغول به کار شدم. در سال ۱۳۷۴ عازم حدمت مقدس سربازی شدم و سپس در سال ۱۳۷۶ کارت پایان خدمت ۲۴ ماهه را دریافت نمودم و بعد از آن به صورت متفرقه شروع به ادامه تحصیل دادم و مشغول کار در کارخانه پلی اتیلن تک سیرجان نیز بودم . در سال ۱۳۷۸ یا ۱۳۷۷ بود که وارد بسیج اداری شدم و هم اکنون نیز جزء نیروهای فعال بسیج حوزه مقاومت شهید نصیری نجف شهر سیرجان نیز می باشم و جزء مربیان آن نیرو نیز هستم.در اواخر سال ۱۳۷۹ طالب تحصیل علوم دینی و اسلامی شدم و از کار در کارخانه استعفا دادم و در سال ۱۳۸۰ شروع به تحصیل علوم دینی و اسلامی در شهر مقدس قم نمودم چونکه من اضافه سن داشتم در آن زمان ما را پذیرش نکردند و هم اکنون هم با هزینه شخصی و به صورت متفرقه خودم ادامه تحصیل می دهم و بحمد لله تا امروز شش جلد کتاب تالیف نموده ام که چهار تای از آنها چاپ شده و یکی از آنها در دست چاپ نیز می باشد و دیگری را قصد چاپ آن را ندارم.

رمضانی پور، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین رمضانی پور

محل تولد : رفسنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای حسین رمضانی‌پور در سال ۱۳۴۹ دررفسنجان در خانواده ای مذهبی، متدین ودوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به دنیا آمد پس از آنکه دوران تحصیلات ابتدائی را با موفقیت به انجام رسانید به خاطر عشق فراوان به تحصیلات علوم دینی از یک سو و تشویق خانواده از سوی دیگر در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم گردید. وی در سفرهای نخستین خود به قم ضمن انس با بارگاه ملکوتی کریمه اهل بیت حضرت معصومه علیها سلام با تلاش فراوان به تحصیلات دینی خود ادامه داد و پس از اتمام دروس سطح در سال ۱۳۷۲ به حلقه دروس خارج پیوست. نامبرده در مدت تحصیل از محضر بزرگانی چون آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله سبحانی بهره ها برد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در سال ۱۳۸۱ در مقطع کارشناسی ارشد ازدانشگاه آزاد تهران واحد مرکز رشته علوم سیاسی فارغ شد. و با موفقیت از پایان نامه خویش دفاع کرد.

ایشان هیچ وقت ازامر تدریس غافل نبود و در دانشگاههایی چون دانشگاه تهران و شهید بهشتی به امر تدریس مشغول می‌باشد. در کنار تدریس از امر پژوهش هم غافل نبوده و آثاری را به قلم و زیور طبع آراسته است که آثار «بررسی وضعیت زنان در افغانستان» و «بررسی اقوام اهل تسنن منطقه بلوچستان ایران و پاکستان» از جمله آثار ایشان است.

رمضانی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد رمضانی

محل تولد : بجنورد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ در حالی که کلاس دوم راهنمای به پایان برده بودم، به همراه گروهی از دوستان با راهنمایی حضرت حجهٔ الاسلام والمسلمین ایوبی وارد حوزه علمیه قم شدم. با استفاده از تعطیلات تابستان حوزه به صورت داوطلب آزاد توانستم مدرک سیکل و سپس دوران دبیرستان را با مدرک دیپلم فرهنگ و ادب به پایان ببرم. در سال ۱۳۶۲ بنا به دلایلی در مشهد مقدس به ادامه تحصیل دروس حوزوی در مدرسه موسی بن جعفر(ع) و مدرسه امام حسن عسکری(ع) پرداختم. در سال ۶۲ و عوامل فی النجو برای طلاب جدید الورود تدوین نمودم. پس از یک سال مجدداً به حوزه علیمه قم برگشتم و در مدرسه علمیه خاتم الانبیاء و مدرسه مهدی موعود(عج) به ادامه تحصیل دروس حوزوی پرداختم. در سال ۶۴ دروس مقدماتی حوزه (ادبیات عرب- منطق) را به پایان بردم و در این دوره از محضر اساتیدی به نام هاشمی، بزمی، غلامی، آئینه وند،ایوبی ... بهره مند شدم.

در سال‌های ۶۴ تا ۷۹ دروس سطح حوزه نظیر شرح لمعه، اصول فقه، رسائل، مکاسب و کفایه را در محضر اساتیدی نظیر وجدانی فخر، صالحی افغانی، دوزدوزانی، پایانی، موسوی تهرانی، گنجی، استادی، صلواتی، هادوی تهرانی، بهره‌مند شدم. در سال ۱۳۷۰ شروع به درس خارج فقه و اصول نمودم و این دوره نیز به صورت پیوسته و مداوم تا سال ۱۳۷۹ ادامه داشت و از محضر حضرات آیات عظام ۱- فاضل لنکرانی، شیخ جواد تبریزی، مکارم شیرازی، وحید خراسانی، جعفر سبحانی، یوسف صانعی و... مستفیض شدم. در سال ۷۲ تصمیم گرفتم تا در کنار دروس حوزوی در یکی از رشته‌های دانشگاهی که ارتباط نزدیکی به دروس حوزوی داشته باشد مشغول به تحصیل شدم لذا پس از شرکت در کنکور سراسر وارد دانشگاه مفید شدم. در سال ۷۵ موفق به اخذ مدرک کارشناسی حقوق شدم و در همین سال در کنکور کارشناسی ارشد همین دانشگاه پذیرفته شدم و در تابستان سال ۱۳۷۸ در گرایش حقوق جزا و جرم شناسی فارغ التحصیل شدم.

در سال ۱۳۷۶ با مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضائیه شروع به همکاری نمودم و تا سال ۱۳۷۸ ادامه داشت و پس از آن توفیق همکاری با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی حاصل شد و این همکاری به صورت هیأت علمی تا سال ۱۳۸۰ ادامه داشت. در سال ۱۳۷۹ به عضو هیأت علمی دانشگاه علم و فرهنگ درآمدم.

رمضانی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن رمضانی

محل تولد : قدمگاه(نیشابور)

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسن رمضانی سال ۱۳۳۶ در روستای قدمگاه نیشابور به دنیا آمدم . پس از گذراندن دوران کودکی تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان صابری که ملّی بود شروع کردم . سال های چهارم و پنجم ابتدایی را در دبستان نوید و سال ششم را در دبستان منوچهری با موفّقیت پشت سر گذاردم . آنگاه وارد دبیرستان شدم و تحصیلات خود را در دبیرستان طوسی پی گرفتم و تا سال سوّم درهمان دبیرستان بودم .

به خاطر علاقه و دلبستگی به حوزه ، پس از مدّتی به مدرسه آیت الله العظمی میلانی (قدس سره) رفته و ثبت نام کردم . تحصیلات حوزوی بنده پس از اندکی توقف ـ که خیلی دوران سختی بود ـ در مدرسه آقای مصباح ادامه پیدا کرد . ما در این مدرسه کتاب های جامع المقدّمات ، سیوطی و مغنی را طی سه سال در محضر اساتید مربوطه خواندیم . این مدرسه به خاطر مسائلی منحل شد. لذا ما به مدرسه بعثت تحت اشراف آیت الله میرزا حسنعلی مروارید (قدس سره) مراجعه کردیم و در آن مدرسه کتاب های معالم ، لمعه ، رسائل ، مکاسب و اصول فقه را در محضر اساتیدی همچون عبد الجواد غرویان ـ امام جمعه فعلی نیشابور ـ مرتضی مروارید و ... دامت براکاتهم تلمّذ نمودیم . این زمان مصادف بود با اوج گرفتن مسائل انقلاب ؛ من هم مثل بقیه در فعّالیّت های انقلابی شرکت می کردم .

پس از انقلاب و استقرار نظام مقدّس جمهوری اسلامی ما هم در کنار درس و بحث مناسب با زمان و نیازهای موجود فعّالیّت های انقلابی را که شامل سخنرانی ، اجرای کلاس های فرهنگی در مساجد و شرکت در اردوهای آموزشی و به عهده گرفتن امام جماعت فرودگاه مشهد و عضویت غیر رسمی در انجمن اسلامی فرودگاه و غیره بود شدت بخشیدیم و بعدها نیز مسولیت هیئت بدوی باز سازی نیروهای انسانی در اداره کل راه و ترابری استان خراسان را تقبل کردم که مدت اشتغال ما در این سمت ۲ ماه بیشتر طول نکشید چرا که علاقه به تحصیل در حوزه علمیّه قم در دلم افتاده بود و قصد کرده بودم برای ادامه تحصیل به قم هجرت کنم . لذا پس از سر و سامان دادن به کارها استعفای خود را نوشتم و در سال ۱۳۶۱ به قم مهاجرت کردم .

پس از ورود به قم ابتدا نزد اساتیدی چون آقا سیّد علی محقق داماد و آیت الله علوی گرگانی (دامت براکاتهما) تتمه درس سطح را که شامل بخشی از مکاسب و کفایه بود خواندم. آنگاه خود را برای شرکت در درس خارج آماده کردم.

اساتید خارج عبارتند از : آیت الله فاضل لنکرانی در فقه و اصول ، آیت الله مکارم شیرازی در اصول ، آیت الله جناتی شاهرودی و میرزا هاشم آملی در فقه . امّا در زمینه فلسفه و عرفان و هیئت استاد عمده ما حضرت آیت الله علّامه استاد حسن زاده آملی دامت برکات وجوده الشریف بوده است .

از دیگر اساتید ما در فلسفه حضرت آیت الله عزالدین زنجانی (دام ظله) است که در مشهد قبل از انتقال به قم قسمت هایی از بدایه الحکمه و نهایه الحکمه و منظومه را در محضر ایشان خواندیم . ما تدریس را در مشهد ، مدرسه آقای مصباح در حالی که خودمان سیوطی می خواندیم آغاز کردیم . اولین کتابی را که تدریس کردیم کتاب صرف میر بود . این درس را به پیشنهاد و تشویق آقای صراف زاده که مدیر مدرسه بود و ایشان را بر گردن حقیر حق بسیاری است شروع کردیم . پس از آن در مدرسه آیت الله مروارید دروسی را چون سیوطی ، منطق و مختصر المعانی ، به مدت ۵ سال تدریس نمودم .

دروسی را که تا کنون در حوزه علمیّه قم تدریس کرده ام و برخی نیز هنوز ادامه دارد عبارتند از :

مغنی اللبیب ، المنطق ، بدایه الحکمه ، نهایه الحکمه ، الاشارات و التنبیهات ، الهیات شفاء ، برهان شفاء ، الشواهد الربوبیه ، اسفار ، تهمید القواعد ، شرح فصوص قیصری ، تشریح الافلاک ، شرح چغمینی و مقاله اولای اصول اقلیدس .

اینجانب علاوه بر تبلیغ به همان صورت سنّتی (منبر رفتن) در شهرهای مشهد ، ساری ، لاهیجان ، تهران ، قم ، شهر کرد ، بروجن و ... به مناسبت های ماه محرم و ماه رمضان از سال ۷۳ از طریق دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها به عنوان مبلغ به دانشگاه های علوم پزشکی سمنان ، قزوین ، مشهد ، شهید بهشتی و دانشگاه های هنر و تربیت معلّم کرج و دانشگاه نفت رفته ام .

حقیر مدّتی را هم در کنار تدریس در حوزه به تدریس در دانشگاه شهید محلاتی قم در زمینه های منطق ، فلسفه ، کلام ، اخلاق و امور تربیتی از سال ۷۵ تا ۸۰ مشغول بودم .یکی از فعّالیّت هایی که در حال حاضر به آن خیلی اهمیّت می دهم و برایش ارزش خاصی قائلم عضویت در هیئت تحریریه فلسفه و کلام مرکز فرهنگ و معارف قرآن قسمت دایره المعارف قرآن کریم است که تا این زمان مدّت قریب ۳ سال است ادامه دارد و انشاء الله امیدوارم توفیق پی گرفتن آن را از این پس نیز داشته باشم که در خدمت قرآن بودن و کار قرآنی کردن توفیق بزرگی است و نمی توان دیگر فعّالیّت های علمی را با آن مقایسه کرد .

رمضانی، محمدرسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرسول رمضانی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمدرسول رمضانی در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی در خانواده ای متدین و ارادتمند به خاندان پاک پیامبراعظم صلی الله علیه و آله بـدنیا آمـد. علاقه فروان ایشـان به طلبگی و دروس دینی سـبب شـد تا در سال ۱۳۵۹هجری شمسی پس از پشت سرگذاشتن موفقیت آمیز دوران متوسـطه وارد حوزه علمیه مشهد شود. ایشان در بدو ورود به حوزه علمیه مقدمات و سطح را از محضر بزرگانی چـون شیخ بـاقر واعظی، صـالحی نیشـابوری و آیت الله مرتضوی کسب فیض نمود. دوره خـارج فقه و اصول را نزد آیـات مرتضوی، فلسفی و رضازاده تلمذ کرد. در کنار تحصیل به تدریس در حوزه علمیه مشهد و مراکز دانشگاهی مشغول شد و هم اکنون در مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان رضوی مشغول خدمت به طلاب علوم دینی می‌باشد.

رمضانیان‌پور، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۳۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی عمران، دانشکده: مهندسی عمران، دانشگاه: صنعتی امیرکبیر

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد راه و ساختمان از دانشکده فنی تهران، دکترا در رشته راه و ساختمان و تخصص بتن از دانشگاه لیدز انگلستان.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده مهندسی عمران دانشگاه صنعتی امیرکبیر.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

دوام و نقش سیمانهای پوزولانی طبیعی و مصنوعی ایران و نقش آن در دوام بتن، بررسی علل خرابی سازه‌های مهم بتنی در سواحل جنوبی ایران، دوام بتن در خلیج‌فارس، بررسـی علل کاهش عمر مفید سازه‌ها، بتن با مقاومت بالا، بتن گوگردی، اسـتاد راهنمای ۲۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

تکنولوژی بتن، نقش مواد افزودنی در بتن، اجرای بتن، توصـیه پایـائی بتن در منـاطق جنوبی کشور، حفـاظت کاتـدی، بتن در هوای سرد، بررسی پوزولانهای ایران و بتن با خاکستر بادی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۲

زمینه علمی مقالات:

سیمانهای پوزولانی، نقش افزودنیها در خواص بتن، بتن در خلیج‌فارس، دوام بتن، خرابیهای بتن و کربناتاسیون بتن.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

رموزی سمرقندی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۹۴ ق)، شـاعر، دانشـمند. وی از دانشـمندان سـمرقند بود. در علم رموز بسـیار مـاهر بود و در معمـا و موشـح و تاریـخ و قـافیه و عروض دست داشت. میراشرف در پایان زندگی اختلال حواس یافت. از آثار وی: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۹۶).

رموزی نشلجی کاشی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۲ ق)، شاعر. به گفته «خلاصه الاشعار» مثنویهای فراوان دارد یکی از آنها در جواب گلشن راز شیخ محمود شبستری است به نام «گلشن رموزی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :منظومه‌های فارسی (۲۸۳).

رنجبر، علیمحمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی برق، دانشکده: مهندسی برق، دانشگاه: صنعتی شریف

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

رنجبر، علیمحمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیمحمد رنجبر دارای دکترای مهندسی برق (Ph.D , D.I.C) از امپریال کالج دانشگاه لندن ۱۳۵۴ و عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف , دانشکده مهندسی برق با درجه استادی می باشد.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی برقتحصیلات رسمی و حرفه ای : کارشناسی ارشد مهندسی برق از دانشکده فنی دانشگاه تهران ۱۳۴۶ □ دکترای مهندسی برق (Ph.D , D.I.C) از امپریال کالج دانشگاه لندن ۱۳۵۴ وقایع میانسالی : علیحمد رنجبر پس از اخذ مدرک دکتری در رشته مهندسی برق به عضویت هیئت علمی گروه مهندسی برق دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه صنعتی شریف درآمد. وی هم اکنون با سمت استادی در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق اجرایی: □ عضو هیأت علمی دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف: - استادیار از ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۹ - دانشیار از ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۹ - استاد از ۱۳۶۹ تا کنون □ ریاست دانشگاه صنعتی شریف از ۱۳۵۸ تا ۱۳۵۹ □ معاون وزیر نیرو در امور برق از ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۵ □ معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی از ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳ □ ریاست پژوهشگاه نیرو از ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵ □ ریاست مجتمع تحقیقات و توسعهٔ دانشگاه صنعتی شریف □ عضو کمیسیون انرژی شورای پژوهشهای علمی کشور □ عضو هیأت مدیره مشانیر از ۱۳۷۲ تاکنون □ عضو هیأت مدیرهٔ شرکت آب و نیرو از ابتدای تأسیس تا ۱۳۸۲ عضو انجمن علمی Cigre عضو فرهنگستان علوم ایران آرا و گرایشهای خاص : علیمحمد رنجبر از جمله مهندسینی است که تحقیقات مفصل و عمیقی درباره فن انتقال الکترونیک(مخابرات)، مبانی برق انجام داده است.جوائز و نشانها : جوایز و نشانهای دریافتی علیمحمد رنجبر به قرار زیر است: □ چهره ماندگار کشور در سال ۱۳۸۳ □ عضو هیأت علمی نمونهٔ آموزش عالی کشور در سال تحصیلی ۷۴-۱۳۷۳ □ استاد برجستهٔ دانشگاه صنعتی شریف در سال تحصیلی ۷۶-۱۳۷۵ □ استاد ممتاز دانشکدهٔ مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف ۱۳۷۷ چگونگی عرضه آثار : مقالات منتشرشده در مجلات علمی و پژوهشی بین المللی: ۱۹ مقاله مقالات ارائه شده در کنفرانسهای بین المللی: ۵۴ مقاله مقالات منتشرشده در مجلات علمی و پژوهشی داخلی: ۵۸ مقاله مقالات ارائه شده در کنفرانسهای داخلی: ۳۱ مقاله تعداد پایان‌نامه‌های دکتری: ۷ پایان نامه تعداد پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد: ۳۱ پایان نامه طرح‌های پژوهشی و گزارشات فنی: [۱] سودابه سلیمانی، علی محمد رنجبر، "تعیین استراتژی بهینه تولیدکنندگان انرژی جهت شرکت در بازارهای انرژی "دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۸۵ [۲] محمد عبدالملکی، علی محمد رنجبر "، تنظیم بهینه پارامترهای گاورنر نیروگاه آبی با ساختار دروپ موقت "دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۸۵ [۳] ابوالفضل جعفری ، علی محمد رنجبر "، شبیه‌سازی بازار انرژی برای اندازه‌گیری رقابت‌گریزی در بازار " دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۸۵ [۴] رضا کیوانیان ، علی محمد رنجبر "، هماهنگی بین عملکرد پایدارساز سیستم قدرت و محدود کننده زیر تحریک " دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۸۵ [۵] علی محمد رنجبر"، طرح پژوهشی: تخمین حالت شبکه‌های توزیع با درنظر گرفتن اثر تولیدات پراکنده، "دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۸۳. [۶] علی‌محمد رنجبر"، طرح پژوهشی: بررسی مطالعه تأثیر تولیدات پراکنده بر سیستمهای قدرت، "دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۸۲ [۷] علی‌محمد رنجبر"، طرح پژوهشی: فاصله‌یاب خطا برای خطوط انتقال انرژی با در نظر گرفتن پارامترهای وابسته به فرکانس، "دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۷۸. [۸] علی‌محمد رنجبر"، طرح پژوهشی: مدار معادل شبکه‌های قدرت در بررسی رژیمهای گذرای سریع، "دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۷۵. [۹] علی‌محمد رنجبر"، گزارش فنی: برج‌های انتقال استاندارد برای مدار دوبل ۶۳ کیلوولت ایران، "مرکز تحقیقات نیرو، ۱۳۶۷. [۱۰] علی‌محمد رنجبر"، مطالعه پایداری دینامیک و به‌کارگیری پایدارکننده قدرت در نیروگاه بندرعباس. ["۱۱] علی‌محمد رنجبر، "معادل‌سازی دینامیکی شبکه با روش تخمین ["۱۲] علی‌محمد رنجبر"، نوسانات زیرسنکرون ناشی از خازن سری در شبکه‌های قدرت چندماشینه. ["۱۳] علی‌محمد رنجبر"، برنامه‌ریزی ترتیب اقتصادی ورود و خروج واحدهای حرارتی در مدار. ["۱۴]

علی‌محمد رنجبر"، کاربرد منطق فازی در طراحی پایدارکننده سیستم قدرت (PSS)". [۱۵] علی‌محمد رنجبر"، معادل‌سازی شبکه‌های قدرت در بررسی حالت‌های گذرای الکترومغناطیسی. [۱۶"] علی‌محمد رنجبر"، بررسی روش‌های محدودسازی جریان‌های اتصال کوتاه. [۱۷"] علی‌محمد رنجبر"، بررسی نوسان توان و اثر آن بر روی رله‌های دیستانس. [۱۸"] علی‌محمد رنجبر، "بررسی بازبست خطوط انتقال نیرو. "

آثار" : طراحی خطوط انتقال نیرو 'ویژگی اثر : تالیف–انتشارات نیرو چاپ۲ مدل ریاضی ماشین سنکرون در مطالعات پایداری و کنترل سیستم قدرت، 'ویژگی اثر : تالیف–انتشارات نیرو چاپ منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

رنجبر، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن رنجبر

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۷/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۶۳ (آذر ماه) وارد حوزه علمیه شدم وبه مدت یک سال در حوزه علمیه تربت حیدریه مشغول به تحصیل شدم سپس به قم آمدم و ۲ ماه در این شهر ساکن بودم و در اواخر سال ۱۳۶۴ وارد مدرسه علمیه مروی تهران شدم و تا نیمه اول سال ۱۳۶۹ در آنجا مشغول به تحصیل بودم

با موفقیت در آزمون مؤسسه در راه حق از مهرماه سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و دوره عمومی این مرکز را چهار ساله گذراندم و در سال ۱۳۷۳ وارد گروه تخصصی تاریخ شدم و ضمن ادامه و تکمیل دروس حوزه علمیه تا مقطع خارج و گذراندن پایه دهم (شفاها و کتبا) در اردیبهشت سال ۱۳۷۴ دوره سطح را به اتمام رساندم و از آن پس در درس خارج شرکت میکردم در سال ۷۸ با دفاع از پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد موفق به اخذ کارشناسی ارشد شدم و از آن پس تا پایان سال ۸۰ به صورت ساعتی با بخش پژوهشی همکاری پژوهشی داشتم از ابتدای سال ۸۱ تا پایان سال ۱۳۸۳ عضو هیئت علمی گروه تاریخ بودم و در نگارش مقتل جامع امام حسین علیه السلام به سر پرستی استاد مهدی پیشوایی بیشترین فعالیت را داشتم

با پذیرش در مقطع دکتری در نیمه دوم سال ۸۳ وارد تحصیل در این مقطع شدم و هم اکنون دومین ترم این مقطع را بناست بگذرانیم.

افزون بر این همکاری پژوهشی بنده با بخش پژوهش مؤسسه ادامه دارد هم چنین بنده هم کاری هایی با بخش تاریخ معاصر و اندیشه سیاسی داشته ام و حاصل آن نگارش مقالاتی بوده است .

رنجبری سلطان احمدی، ایوب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ایوب رنجبری سلطان احمدی

محل تولد : سلماس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۵۱ در شهر سلماس متولد شدم. دوران ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را در مدارس آن شهر خواندم. در سال ۶۷ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه رضویه دوره مقدمات را با ممتازی به پایان رساندم و در دروس سطح عالی کفایه و رسائل و مکاسب را در محضر اساتید بزرگوار خواندم. از سال ۷۶ وارد دروس خارج حضرات آیات عظام تبریزی، وحید خراسانی، جوادی آملی، سبحانی، بهجت ، عابدی، فاضل گلپایگانی شدم.

به مدت ۲ سال در کشور آذربایجان شوروی به عنوان مدرس اعزام به آن کشور شدم و در تخصصی تبلیغ سطح چهار با رتبه ممتازی به پایان رساندم.در مرکز تربیت محقق و نویسنده علوم قرآنی در حد کارشناسی ارشد حدود ۵/۲ سال مشغول تحصیل کردم و در مرکز تربیت مربی کودک و نوجوان با رتبه ممتازی دوره را به اتمام رساندم.

مدت ۱۵ سال از محضر حضرت آیت الله جوادی آملی در درس تفسیر استفاده کردم و چندین سال است که به عنوان روحانی حج تمتع و عمره مفرده در خدمت زائران بیت اللهی و عاشقان اهل بیت هستم.از سال ۷۲ به صورت رسمی در وقفه های رمضان و محرم

و صـفر و دهه فجر و ... .به عنـوان مبلـغ نمـونه در خـدمت قشـرهای مختلف نظـامی ، انتظـامی، اطلاعـاتی و دانشـگاهی و حوزوی و روسـتایی و شهری و ..... برده ام.از محضر ۱۲ مجتهـد و مرجع تقلیـد اجازه نامه کتبی در ...... امور حسبیه که بنده به اذن فقیه جامع الشرائط می باشد و موارد دیگر دارم.

رنجور

قرن:۱۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

از زنان شاعر. وی دیوان غزلی به ترتیب تهجی، ترکیب بند، رباعی و ترجیع دارد. آغاز و انجام دیوان او چنین است:

ای نام تو داروی روانها

سر دفتر جمله داستانها

گر نام مرا پرسند گویید پس از مرگم

بگذشت از این عالم رنجوری و بدنامی

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۱۸۹ / ۱۶.

رنجور قاجار، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ح ۱۲۸۷ ق)، شاعر. مشـهور به محمـد خان عمو. وی برادرزاده و داماد فتحعلی شاه بود. صاحب «حـدیقه الشـعراء» وی را در سال ۱۲۸۷ ق در تهران ملاقات کرد. اندک زمانی بعد از این ملاقات از دنیا رفت. از اوست:

این شگفت است که در عین پریشانی باز

دل من در سر زلف تو قراری دارد

بجز از خوردن خون از غم هجرت دیگر

مگر این خون شده دل فکری و کاری دارد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ عضدی (متن و تعلیقات)، حدیقه الشعراء (۶۹۰/۱).

رنجی تهرانی، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۹ -۱۲۸۶ ش)، شـاعر، متخلص به رنجی. وی در تهران متولـد شـد، پیشه‌ی قفل‌سازی داشت و بـدین حرفه عشق می‌ورزیـد. از کودکی به سرودن شـعر پرداخت. او در غزل‌سرایی مهارت داشت و به شیوه‌ی صائب متمایل بود. رنجی در تهران وفات یافت و در ابن‌بابویه به خاک سپرده شد. از وی دیوان اشعاری در حدود سه هزار بیت به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دویست سخنور (۱۲۰ -۱۱۸)، سخنوران نامی معاصر (۱۵۸۳ -۱۵۷۶ /۳)، فرهنگ سخنوران (۳۹۵).

رواس اصفهانی، فرج‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۴ ق)، شاعر، متخلص به رواس. در شـهر اصـفهان متولد شد. مدتی کوتاه تحصیل کرد، بعد به کسب و کار اشـتغال ورزید. شغل وی کله‌پزی بود. مدتی در انجمن ادبی خاکیا شرکت می‌کرد. پس از آن در جلسه‌ی مداحان که تحت نظر استاد صغیر تشکیل می‌شد شرکت می‌جست. بیشتر اشعارش در مدح و منقبت و ذکر مصائب است. از اوست:

آن را که سر تسلیم در کوی قضا افتد

در کار قضا باید از چون و چرا افتد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۱۹ -۲۱۸).

رواسانی، شاپور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاپور رواسانی متولد ۱۳۱۰ه.ش در رشت دارای دکتری علوم سیاسی از دانشگاه الدنبورگ آلمان در ۱۳۵۱، استاد علوم سیاسی دانشگاه اوزنابروک ۱۳۵۲، استاد دانشگاه الدنبورگ در رشته اقتصاد اجتماعی ۱۳۵۴ تا ۱۳۷۸، مشاور دانشگاه گیلان در زمینهٔ گیلان شناسی از سال ۱۳۸۲تا کنون و مدیر بنیاد پژوهشی میرزا کوچک خان جنگلی از سال۱۳۸۱ تا کنون می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : علوم سیاسیگرایش : اقتصاد اجتماعیاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : شاپور رواسانی در سالهای اولیه زندگی با فوت پدر مواجه شد و مادر خود را نیز چند سال بودو پس از مدتها بیماری از دست داد. بنابراین تحت تکفل برادر بزرگتر خود پرورش یافت.تحصیلات رسمی و حرفه ای : شاپور رواسانی دبستان و دبیرستان را در زادگاه خود رشت گذراند. از سال ۱۳۲۸در رشته علوم طبیعی وارد دانشگاه تهران شد. و در ۱۳۲۲ لیسانس گرفت وی درسال ۱۳۴۰به آلمان رفت و پس از اخذ لیسانس علوم سیاسی در سال۱۳۴۵ از دانشگاه آزاد برلن غربی در دوره فوق لیسانس و دکتری این رشته را در دانشگاه هانور آلمان غربی به پایان برد. ۱۳۴۹خاطرات و وقایع تحصیل : شاپور رواسانی در آذر ماه ۱۳۲۴ اولین سخنرانی عمر خود را در مراسمی در مدرسه درباره زندگانی پیامبر اسلام انجام داد. و سید حسن موسوی غروی، دبیر انجمن مدرسه کتاب « زندگانی میرزا تقی خان امیرکبیر» را به عنوان جایزه به وی تقدیم کرد.فعالیتهای ضمن تحصیل : شاپور رواسانی در دوره تحصیل دررشته عضو حزب ایران بود و در زمان تحصیل در دانشگاه تهران و تدریس در مدارس آبادان در مبارزات ملی شدن صنعت نفت شرکت داشت.استادان و مربیان : شاپور رواسانی تحصیلات دکتری علوم سیاسی خود در دانشگاه هانوور را در سال ۱۳۴۹ با درجه ممتاز زیرنظر پروفسور ارتزن به پایان برد.وقایع میانسالی : شاپور رواسانی پس از مسافرت به آلمان درسال ۱۳۴۰، مدتی در مقطع دکتری رشته ژنتیک در دانشگاه برلن غربی زیر نظر پروفسور لورس تحصیل کرد. اما به سبب علاقه وی به تحصیل در رشته علوم سیاسی از دوره سیاسی تا دریافت دکتری پرداخت وی در این مدت با انجام انواع مشاغل روزگار می گذراند پس از اخذ و دکتری علوم سیاسی درسال۱۳۴۹، به عنوان استاد در دانشگاههای اوزنابروک و الدنبورک آلمان به تدریس مشغول و درسال ۱۳۷۸بازنشسته شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عضو هئیت علمی دانشگاه الدنبورگ آلمان۱۳۵۱ استاد علوم سیاسی دانشگاه اوزنابروگ آلمان از ۱۳۵۲استاد اقتصاد اجتماعی دانشگاه الدنبورگ ۱۳۷۸-۱۳۵۴ مشاور دانشگاه گیلان در زمینه گیلان شناسی از سال۱۳۸۲ تا کنون مدیر بنیاد پژوهشی میرزا کوچک خان جنگلی ازسال۱۳۸۱ تا کنون.فعالیتهای آموزشی : شاپور رواسانی درسال۱۳۳۳ به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و تاسال ۱۳۳۵ در آبادان دبیر مدرسه و مشغول به تدریس بود. علوم سیاسی دانشگاه اوزنابروک از سال۱۳۵۲، و استاد رشته اقتصاد اجتماعی دانشگاه الدنبورگ از سال۱۳۵۴ تا ۱۳۷۸ به تدریس دروس مربوطه مشغول بوده است.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : شاپور رواسانی به تناسب تزدکتری ایشان تحت عنوان« اولین جمهوری شورایی در گیلان» از سال ۱۳۸۱ تا کنون به عنوان بنیانگذار و رئیس بنیاد پژوهشی میرزا کوچک خان جنگلی مشغول به فعالیت پژوهشی است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شاپور رواسانی در کنار رسیدگی به مسئولیت های خود، به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری پیرامون نهضت جنگل، اقتصاد اجتماعی و علوم سیاسی می پردازد.آرا و گرایشهای خاص : شاپور رواسانی از جمله دانشمندان علوم سیاسی و اقتصاد اجتماعی ضد استعمار است بنابه نظر او تحولات کشورهای اروپایی یا آمریکای شمالی دارای تاریخ اجتماعی خاصی است در این کشورها، قدرت خارجی بر آنجا تاثیر نداشته و نیروهای داخلی آن کشورها در توسعه شان سهیم بوده اند. اما در سرنوشت اقتصادی و سیاسی کشورهای آفریقایی، آمریکای لاتین و آسیا از ۲۰۰سال گذشته عامل خارجی همواره نقش و تاثیر داشته است و ما نمی توانیم در بررسی تحولات این نوع کشورها تاثیر عامل خارجی را در نظر بگیریم.جوائز و نشانها : شاپور رواسانی دارای درجهٔ ممتاز در دفاع از تز دکتری خود تحت عنوان اولین جمهوری شورایی در گیلان است. در سال ۱۳۶۲در نشریه who is whoنامش در کنار نام مشاهیر و معاریف چاپ شد. و درسال ۱۳۶۴ نام او را در تقویم دانشمندان در میان نامها دانشمندان آلمان به چاپ رسید.آثار : آیا دوره جدیدی در تاریخ شروع شد (به زبان آلمان) ، اسلامیت و ایرانیت ، ایران در راه جمهوری اسلامی شدن (به زبان آلمان) ، جامعه بزرگ شرق ، چپاول ، چه شیوه تولیدی در مستعمرات مسلط است(به زبان آلمان) ، فرضیه های تکامل ، نادرستی فرضیه های نژادی ، نظریه دو دنیا ، نهضت جنگل

رواسی، صدرالدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۷۱ ق)، صوفی و عالم. وی از خلفای شیخ زین‌الدین خوافی و از علوم ظاهری و باطنی بهره‌مند بود. در اوایل چندی در مدینه اقامت داشت و سپس به وطنش اسفراین بازگشت و در آنجا به ارشاد پرداخت. وی در شهر هرات درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۱۰۳/۴)، لغت نامه (ذیل/ صدرالدین)، مجالس النفائس (۲۰۲، ۲۸).

رواقی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی رواقی در سال ۱۳۲۰ ، در شهر مشهد متولد شد.در سال ۱۳۳۹ تحصیلات دوره ی کارشناسی خود را در دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد آغاز نمود. آنگاه در سال ۱۳۴۴ به تهران مهاجرت نمود و تحصیلات کارشناسی ارشد و دکترا را تا سال ۱۳۵۳ در دانشگاه تهران گذراند. دکتر رواقی ، از سال ۱۳۴۹ تدریس متون زبان فارسی شامل شاهنامه ، تاریخ بیهقی و آثار ناصرخسرو را در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران آغاز کرد. سپس در سال ۱۳۵۴ با استفاده از یک فرصت مطالعاتی به فرانسه رفت و در زمینه ی فرهنگ نویسی به تحقیق پرداخت و سال ۱۳۵۶ در دانشگاه پل والری مون پلیه ، زبان فارسی را تدریس کرد. دکتر رواقی ، مؤسسه ای فرهنگی به نام برادر شهیدش محمد رواقی بنیاد نهاده است که در طبع و نشر آثار مختلف فعالیت دارد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی رواقی، در سال ۱۳۳۹ تحصیلات دوره ی کارشناسی خود را در دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد آغاز نمود. آنگاه در سال ۱۳۴۴ به تهران مهاجرت نمود و تحصیلات کارشناسی ارشد و دکترا را تا سال ۱۳۵۳ در دانشگاه تهران گذراند.

استادان و مربیان : علی رواقی تحت تعلیم استادانی چون : دکتر احمدعلی رجایی بخارایی ، دکتر غلامحسین یوسفی ، بدیع الزمان فروزانفر ، همایی ، خانلری ، معین ، مجتبی مینوی ، دکتر علی اکبر فیاض و محمد پروین گنابادی قرار داشت.

فعالیتهای آموزشی : علی رواقی، از سال ۱۳۴۹ تدریس متون زبان فارسی شامل شاهنامه ، تاریخ بیهقی و آثار ناصرخسرو را در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران آغاز کرد. سپس در سال ۱۳۵۴ با استفاده از یک فرصت مطالعاتی به فرانسه رفت و در زمینه ی فرهنگ نویسی به تحقیق پرداخت و سال ۱۳۵۶ در دانشگاه پل والری مون پلیه ، زبان فارسی را تدریس کرد.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : علی رواقی، مؤسسه ای فرهنگی به نام برادر شهیدش محمد رواقی بنیاد نهاده است که در طبع و نشر آثار مختلف فعالیت دارد. --

آثار :

۱ پژوهش و ویرایش قرآن مترجم قدس

۲ تصحیح ترجمه ی مقامات حریری

۳ تصحیح تفسیر قرآن پاک

ویژگی اثر : با مقدمه ی استاد مجتبی مینوی.

۴ تصحیح جلد اول بصایر یمینی

۵ تصحیح فرهنگ تکمله الاصناف

۶ تصحیح مقاصد اللغه و تفسیر ۶ جلدی بصائر یمینی

۷ ذیلی بر فرهنگ های فارسی

۸ زبان فارسی در ماوراءالنهر

ویژگی اثر : در ۲ مجلد.

۹ سبک شناسی یا گونه شناسی ترجمه های قرآن

ویژگی اثر : بر پایه ی بیش از پانزده ترجمه ی قرآن که به حوزه های زبانی گوناگون پیوند دارند.

۱۰ فراهم کردن گزیده ی شاهنامه

۱۱ فرهنگ فارسی تاجیکی

۱۲ فرهنگ مصدر در زبان فارسی

ویژگی اثر : در ۲ مجلد.

۱۳ فرهنگواره ی واژگان قرآنی – فارسی

ویژگی اثر : در ۴ مجلد.

۱۴ همکاری در چاپ دیوان ناصرخسرو

۱۵ ویرایش ترجمه ی قرآن موزه پارس شیراز

ویژگی اثر : دربردارنده ی ترجمه ای از نیمه ی دوم قرآن از سوره ی مریم تا پایان قرآن. --

منابع :

۱آینه ی میراث ، سال اول ، شماره ی اول ، دی ۱۳۷۶

روانبخش، قاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قاسم روانبخش

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۷/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی (ره) دروس مقدماتی را گذراندم سپس در حوزه علمیه به صورت آزاد دروس فقه و اصول را نزد اساتیدی مانند آیت الله رزاقی ، آیت الله ستوده ، آیت الله سید علی محقق داماد و سید مصطفی محقق داماد ، شرح لمعه ، اصول فقه ، مکاسب و رسائل و کفایه را فرا گرفتم . دو جلد لمعه را نزد آیت الله رزاقی ، اصول فقه را در محضرمصطفی محقق ، مکاسب و رسائل را نزد آیت الله ستوده و آیت الله رزاقی ، کفایتین را نزد آیت الله سید علی محقق فرا گرفتم.

دروس خارج فقه و اصول را نیز از محضر آیات عظام وحید خراسانی و تبریزی ، مکارم شیرازی به مدت ۷ سال بهره جستم .

در سال ۱۳۶۱ وارد موسسه در راه حق شدم و با مجوز آیت الله مصباح سه سال درس موسسه را به کمک نوار در دو ماه و نیم تابستان فرا گرفتم و در آغاز سال تحصیلی در امتحانات شرکت کردم و در سال چهارم گروه «هـ» موسسه وارد شدم . دوره گروه «هـ» را که یک دوره هفت ساله بود ۴ سال دیگر در کنار دوستان در موسسه ادامه دادیم و درسهای اسفار جلد هشت و نهم بحث نفس را در محضر استاد مصباح فرا گرفتیم و سپس وارد بنیاد باقر العلوم (ع) شدیم و در رشته تخصصی فلسفه وارد شدیم و در این دوره که تا سال ۱۳۷۵ ، سال دفاع از پایان نامه طول کشید کتاب های برهان ، شفا ، الهیات شفا ، اسفار جلد سوم را از محضر استاد مصباح و اسفار جلد اول را از محضر استاد جوادی آملی تلمذ کردم .

تاریخ فلسفه یوسف کرم دو جلد در نزد استاد فیاضی و جلد اول و دوم اشارات را نیز نزد ایشان فرا گرفتم و دروس معرفت شناسی را با استاد مصطفی ملکیان خواندم . پایان نامه اینجانب نیز با عنوان «کیفیت پیدایش معقولات اولی و ثانیه» با استاد راهنما استادغلامرضا فیاضی و استاد مشاور آقای عبد الرسول عبودیت و استاد داوری آقای مصطفی ملکیان که با نمره ۱۸/۵ از آن دفاع شد .در این مدت علاوه بر تدریس دروس طرح ولایت مثل کتاب هستی شناسی، معرفت دینی ، غرب شناسی ، فلسفه اخلاق سالانه ۴ واحد آموزش فلسفه در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) تدریس کرده و ادامه خواهم داد.

درسال ۱۳۷۶ به دلیل رشد فزاینده مطبوعات مدعی اصلاح طلبی وارد عرصه مطبوعات شده و با تاسیس هفته نامه پرتو به مقابله با اندیشه های باطل طرفداران غرب پرداختم که تا کنون بیش از صدها مقاله از اینجانب در هفته نامه پرتو ، کیهان ، رسالت ، سیاست روز ، اطلاعات ، شرق و ... به چاپ رسیده است .

روجی، شمس‌الدین محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۰۴ ق)، عارف و شاعر. وی از مردم قریه‌ی روج هرات بو و از مشایخ و عرفای معاصر امیرعلیشیر نوایی بود که قریب هفتاد سال به ارشاد و سلوک پرداخت از مریدان وی می‌توان مولانا کمال‌الدین فیضی خیابانی را نام برد. او در هرات درگذشت و در کنار قبر مولانا سعدالدین کاشغری قرار دفن شد، ولی پس از چند روزی قبر وی را به کنار قبر خواجه عبداللّه انصاری تغییر مکان دادند. روجی در سرودن غزل توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۱۴ -۶۱۳)، حبیب السیر (۳۴۲/۴)، مزارات هرات (۱۱۹).

روح الامینی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود روح الامینی در ۵ مهر ماه ۱۳۰۷ در کوهبنان از توابع کرمان چشم به جهان گشود .وی در همین روستا تحصیلات ابتدایی خود را آغاز کرد و برای ادامه تحصیل خود به مدرسه دارالفنون تهران آمد . او لیسانس ادبیات فارسی را در سال ۱۳۳۴ از دانشکده ادبیات تهران گرفت .روح الامینی برای اخذ مدرک فوق لیسانس به موسسه تازه تاسیس علوم اجتماعی آمد وبعد از آن جهت دریافت مدرک دکتری در رشته علوم اجتماعی به فرانسه عازم شد .از وی آثار زیادی همچون نمودهای فرهنگی و اجتماعی در ادبیا ت فارسی و آیین ها و جشن های کهن درایران امروز به جا مانده است .گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی گرایش : مردم شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمود روح الامینی دوران دبستان را در کوهبنان و متوسطه را در کرمان گذرانید. سپس راهی تهران شد و در دارالفنون ثبت نام کرد. پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۳۱ در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت. استاد در سال ۱۳۳۸ در رشته فوق لیسانس علوم اجتماعی ، در موسسه تحقیقات اجتماعی ثبت نام نمود. پس از آن جهت ادامه تحصیل عازم فرانسه شد و با نگرش خاصی که به مسائل اجتماعی داشت ، به سوی مطالعات مردم شناسی کشیده شد و با گذراندن رساله دکتری خود تحت عنوان « تمدن سنتی گوسفند در میان عشایر فارس» با اشراف آندره لوروا گوران به درجه

دکتری نائل آمد.استادان و مربیان : محمود روح الامینی در دانشکده ادبیات از محضر استادانی چون ابراهیم پورداود ، پرویز ناتل خانلری ، احسان یارشاطر ، عبدالعظیم قریب ، لطفعلی صورتگر ، محمد معین و دیگران کسب فیض نمود. وی پس از آنکه عازم فرانسه شد نزد افراد صاحب نامی چون ژرژ گورویچ ، کلود لوی استروس ، آندره لوروا گوران و دیگران بهره برد.فعالیتهای آموزشی : محمود روح الامینی پس از پایان تحصیلات چندی به تدریس در موزه مردم شناسی فرانسه مشغول شد. پس از آن به ایران بازگشت و از سال ۱۳۴۸ در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و بعد از سالها فعالیت آموزشی در سال ۱۳۷۹ بازنشسته شد.آثار : آیین ها و جشن های کهن در ایران امروز ، به شاخ نباتت قسم ، زمینه فرهنگ شناسی ، گرد شهر به چراغ ،نمودهای اجتماعی و فرهنگی در ادبیات فارسی

روح عطار

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، شاعر شیعی. محل سکونت و شاید مولد و منشا وی شیراز بود، چه در «دیوانش» اشاراتی بدین انتساب یافته می‌شود. وی با حافظ و سلمان ساوجی و خواجوی کرمانی معاصر بوده و در سلک شعرای آل‌مظفر به شمار می‌رفته است. در شاعری گاه روح و گاهی روح عطار و گاهی هم روحی عطار تخلص می‌کرده است. از جمله آثارش: «دیوان» شعر حدود دو هزار بیت.[1]

شاعری است از مردم شیراز. وی مداح اتابک افراسیاب دوم از اتابکان لرستان (۷۵۶ –۷۴۰ ه.ق.) بود و قصیده‌ای نیز در مدح خواجه قوام‌الدین صاحب عیار وزیر شاه شجاع مظفری (۷۸۶ –۷۵۹ ه.ق.) دارد. غزلیات او مشتمل بر مطالب عرفانی و حکم و مواعظ است و در آنها گاه «روح» و گاه «روحی» تخلص کرده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[1] از سعدی تا جامی (۳۲۰ –۳۱۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۰۸ –۱۱۰۵ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۰۳)، الذریعه (۳۸۷/۹).

روح‌الامین اصفهانی، محمد امین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۴۷ ق)، شاعر، متخلص به روح‌الامین. ملقب به میر جمله‌ی اصفهانی. اصل وی از سادات شهرستان اصفهان بود. اوایل عمر را در اصفهان سپری کرد. در بیست و نه سالگی به هندوستان رفت و در خدمت سلطان محمد قلی قطب مقام میر جملگی (وزارت) یافت. پس از مرگ قطب شاه به ایران بازگشت و به خدمت شاه عباس رسید، ولی پس از مدتی مجددا به هند رفت و نزد جهانگیر پادشاه به درجه‌ی میر سامانی و پس از آن به مرتبه‌ی میر بخشی‌گری رسید. در دهلی درگذشت. روح‌الامین از شاعران پرکار عهد خود بود که در مثنوی و دیگر انواع شعر دست داشته و اثرهای متعددی پدید آورده است. از جمله: «لیلی و مجنون»؛ «شیرین و خسرو»؛ «آسمان هشتم» یا «فلک البروج» بر وزن «حدیقه» سنایی؛ «بهرامنامه»؛ «جواهرنامه»؛ «دیوان» اشعار به نام «گلستان ناز».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :ارمغان (س ۱۶، ص ۵۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۲۶ –۱۱۱۷ /۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۷ –۵۶)، الذریعه (۳۸۶/۹)، سرآمدان فرهنگ (۴۰۳/۱)، عالم آرای عباسی (۸۸۳/۲)، کاروان هند (۴۸۱ –۴۷۱ /۱)، لغت نامه (ذیل/ روح شهرستانی)، منظومه‌های فارسی (۲۹۰ –۲۸۳).

روحانی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای حاج سید محمدعلی بن العلامه الحاج میرزا ابوالقاسم بن العلامه السید صادق الحسینی الروحانی از علماء اخیار و ائمه جماعت مسجد امام دارای مقام علم و کمال و قدس و تقوا می‌باشد. عالمی است موفق و سالکی است موید، در غالب زیارات مخصوصه حضرت رضا علیه‌السلام با شوقی وافر به مشهد رضوی مشرف و افاضاتی از حضرتش دریافت نموده و می‌نمایند. نگارنده در بسیاری از اوقات وی را با توجهی مخصوص در آن روضه منوره دیده و التماس دعا گفته‌ام. تحصیلات مقدمات و ادبیات و متون فقه و اصول را از اساتید بزرگ حوزه مرحوم والد خوانده و از آیت‌الله امام خمینی و آیت‌الله العظمی بروجردی و پس از فوت ایشان آیت‌الله العظمی شریعتمداری و دیگران استفاده نموده و ضمنا مباحثات اصولی و فقهی داشته و در ظهر و شب هم در مسجد امام علیه‌السلام به جای والد مرحوم اقامه جماعت می‌نمایند زادالله فی توفیقاته.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

روحانی بخارایی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۶۲۳ ق)، شاعر. وی از مردم بخارا بوده و در فتنه‌ی مغول از آنجا بیرون آمده به دهلی رفت و روحانی در سرون قصیده توانا بود و ابیاتی از او باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۳۹۹)، لغت نامه (ذیل/ روحانی بخارایی).

روحانی تبریزی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر و حکیم. از سخنوران عهد سلطان حسین بایقرا بود. این بیت از اوست:

گفتم روم ز کویش بگرفت اجل ره من

بنگر چه‌هاست در ره بیچاره آدمی را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۱۵)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۲۵۹ -۲۵۸ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۶۱)، الذریعه (۳۸۶/۹)، سخنوران آذربایجان (۳۷۷)، فرهنگ سخنوران (۳۹۹)، لغت نامه (ذیل/ روحانی تبریزی).

روحانی تفرشی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۰ -۱۲۷۵ ش)، شاعر. در مشهد به دنیا آمد پس از فراگرفتن علوم متداول به خدمت دولت درآمد. روحانی چندی در شهرداری تهران به خدمت پرداخت و مدتی نیز در اداره‌ی غله و نان تبریز به خدمت اشتغال داشت؛ سپس به وزارت دارایی منتقل شد و در مشاغل متعدد شهرستانها و تهران انجام وظیفه کرد. از دوازده سالگی به سرون شعر پرداخت و در شعر به جنبه‌ی فکاهی آن بیشتر توجه کرد و در انتقاد از نقایص امور اجتماعی سهم بسزایی ایفا نمود و با سرودن اشعار طنزآمیز به بیداری مردم کمک شایانی کرد. بیشتر اشعارش را با امضای اجنه انتشار داد و در آغاز در روزنامه‌ی فکاهی «امید» و بعد در روزنامه و مجلات آثار وی به چاپ رسید. کلیات اشعارش به نام «اجنه» مکرر به چاپ رسید. در تهران درگذشت. از آثار وی: «سرودهای روحانی»، شعر؛ «فکاهیات معاصر»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (۵۵ -۵۴)، الذریعه (۳۸۵/۹)، سخنوران نامی معاصر (۱۵۹۷ -۱۵۹۳ /۳)، فرهنگ سخنوران (۳۹۹)، لغت نامه (ذیل/ روحانی تفرشی)، گلزار معانی (۳۱۳ -۳۰۵)، مؤلفین کتب چاپی (۷۰۱ -۷۰۰ /۴).

روحانی رانکوهی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکترمحمد تقی روحانی رانکوهی در اردیبهشت ماه ۱۳۲۶ در رودسر، به دنیا آمد. وی کارشناسی رشته ریاضیات را از دانشگاه تهران اخذ کرد.او برای ادامه تحصیلات دانشگاهی به فرانسه رفت و موفق شد مدرک تخصصی در تله انفورماتیک «D.E.S.S» رااز دانشگاه پیروماری کوری (پاریس۶) اخذ نماید.وی هم اکنون استادیار دانشکدهٔ مهندسی برق و کامپیوتر دانشگاه شهید بهشتی است. کتاب"مفاهیم بنیادی پایگاه داده‌ها" تالیف وی، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : فنی و مهندسی

رشته : مهندسی کامپیوتر

گرایش : تله انفورماتیک

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمد تقی روحانی رانکوهی در یک خانوادهٔ روحانی به دنیا آمد .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد تقی روحانی رانکوهی تا کلاس نهم در رود سر تحصیل کرد. در سال ۱۳۴۴ از دبیرستان هدف شماره ۳ (تهران) دیپلم ریاضی گرفت. در سال ۱۳۴۸ از دانشکدهٔ علوم دانشگاه تهران با اخذ مدرک لیسانس ریاضی فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۳۵۱ به فرانسه رفت و مدارک تحصیلی لیسانس انفرماتیک، فوق‌لیسانس انفرماتیک و فوق‌دیپلم مطالعات عالی تخصصی در تله افنورماتیک: «D.E.S.S» از دانشگاه پیروماری کوری (پاریس۶) را اخذ کرد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد تقی روحانی پس از اخذ مدرک تخصصی تله افنورماتیک در اواخر سال ۱۳۵۷ به ایران بازگشت. در مهرماه ۱۳۵۸ عضو هیأت علمی دانشگاه شد. در حال حاضر، استادیار دانشکدهٔ مهندسی برق و کامپیوتر دانشگاه شهید بهشتی است. ایشان در طیٔ این سال‌ها به مشاغل اجرایی زیر مدیر سرپرست مؤسسهٔ آموزش عالی آمار و انفرماتیک ۱۳۵۸ـ۱۳۵۹ اشتغال داشته‌اند: معاون آموزشی دانشکدهٔ کامپیوتر (گروه کامپیوتر، در دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۶۲ـ۱۳۶۳ عضو « کمیتهٔ و سپس مهندسی برق و کامپیوتر) در دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۶۵ ـ ۱۳۷۳. عضو «کمیتهٔ برنامه¬ریزی کامپیوتر» در وزارت علوم و آموزش عالی (۱۳۶۲–۱۳۷۳) واژه‌گزینی کامپیوتر» در فرهنگستان از چند سال پیش تاکنون

جوائز و نشانها : کتاب" مفاهیم بنیادی پایگاه داده‌ها " برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره بیستم و همچنین کتاب بر گزیده در «یازدهمین دورهٔ کتاب سال دانشگاهی» (دانشگاه تهران ، ۱۳۸۱) می باشد.

چگونگی عرضه آثار : محمد تقی روحانی رانکوهی چند پژوهش در زمینه‌های مهندسی فایل‌ها، پایگاه داده‌ها، داده کاوی و کشف دانش و چند مقاله (داخلی) در مقولهٔ پایگاه داده‌ها دارند. آثار :

۱ زبان ماشین و اسمبلی

ویژگی اثر : ترجمه،(کتاب تشویقی در دانشگاه تهران، ۱۳۷۱)

۲ ساخت نرم‌افزار شیئی‌گرا

ویژگی اثر : ترجمه،(با همکاری یک مترجم دیگر)

۳ سیستم مدیریت پایگاه داده‌ها؛ مفاهیم و تکنیک‌ها

ویژگی اثر : زیر چاپ

۴ سیستم و ساختار فایل‌ها

ویژگی اثر : تالیف،(چاپ دوازدهم در ۱۳۸۱)

۵ سیستم‌های عامل

ویژگی اثر : ترجمه

۶ شیوهٔ ارائهٔ مطالب علمی ـ فنی

ویژگی اثر : تالیف،(چاپ هفتم در ۱۳۸۱)

۷ شیوهٔ ارائهٔ مطالب گفتاری ـ نوشتاری

ویژگی اثر : تالیف،(به درخواست وزارت آموزش و پرورش)

۸ مفاهیم بنیادی پایگاه داده‌ها

ویژگی اثر : تالیف،چاپ اول، ۱۳۸۰، چاپ دوم۱۳۸۱)؛ کتاب برگزیده در «یازدهمین دورهٔ کتاب سال دانشگاهی» (دانشگاه تهران ، ۱۳۸۱)همچنین این کتاب ، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب :مفاهیم بنیادی پایگاه‌داده‌ها/ تألیف محمّدتقی روحانیرانکوهی. ـ تهران: جلوه، ۱۳۸۰. X، بیست، ۷۳۱ص.: جدول، نمودار.واژه‌نامه. کتابنامه: ص. ۷۲۷ـ۷۳۱. موضوع پایگاه داده‌ها، با توجه به نقش آن در سیستم‌های کامپیوتری، همیشه موضوعی درخور اهمیت بوده است. نظر به تحولات سریع و روزافزون در حوزهٔ علوم کامپیوتر، ضرورت تدوین اثری روزآمد برای درس پایگاه داده‌ها در دوره¬های کارشناسی مهندسی و علوم کامپیوتر احساس می‌شد. مؤلف ارجمند، ضمن بهره‌گیری از منابع جدید و معتبر خارجی و نیز تجارب سالیان متمادی تدریس، اثری بدیع حاوی بخشی از مفاهیم بنیادی دانش و تکنولوژی پایگاه داده‌ها و اصول مدل‌سازی و طراحی پدیدآورده است. این کتاب، مشتمل بر پانزده گفتار (۳۷ درس) است. در نُه گفتار (۱۴ درس) آغازین به مفاهیم بنیادی دانش و تکنولوژی پایگاه داده‌ها می‌پردازد و در طی شش گفتار بعدی (شامل ۲۳ درس) مفاهیم اساسی، طرح‌ها و تکنیک‌های مربوط به پایگاه داده‌های رابطه‌ای را، که در حال حاضر رایج‌ترند، مورد بحث و بررسی قرار می¬دهد. از ویژگی‌های مهم این اثر، ساختار بدیع و شیو ?ارائهٔ مطالب است. در هر گفتار، ابتدا به طرح موضوع می‌پردازد، نکات مهم‌تر ناظر به موضوع را با عنوان «نکته» ذکر می‌کند و سپس تحت عنوان «کنجکاوی» پرسش‌هایی ظریف که لازمهٔ پاسخ دادن به آن‌ها درک صحیح موضوع و نکته‌های آن است مطرح می‌کند و آن‌گاه «تمرین درون گفتاری» و در بعضی مباحث، موضوع یا موضوعاتی را با عنوان «موضوع مطالعهٔ بیشتر» به منظور کار تکمیلی پیشنهاد می‌کند. به علاوه، در پایان هر گفتار «تمرینات دیگر» دربارهٔ مطالب مهم گفتار ذکر می‌شود. پیوست‌های کتاب، شامل خلاصه راهنمای آزمایشگاه پایگاه داده‌ها، گرامر SQL، فهرست منابع پایگاه داده‌ها و واژه‌نامه‌های فارسی ـ انگلیسی و انگلیسی ـ فارسی و نیز نمایه، بر مزایای اثر حاضر افزوده است

۹ مقدمه‌ای بر پایگاه داده‌ها

ویژگی اثر : تالیف،(چاپ چهارم: ۱۳۷۹، کتاب تشویقی در مراسم کتاب سال ۱۳۷۳)

روحانی سمرقندی، ابوبکر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. وی در ماوراءالنهر– فرارودان– نشو و نما یافت و در غزنین به پیشهٔ کتابت و مداحی بهرام شاه غزنوی روزگار می‌گذرانید. ابیاتی که از او به دست آمده بر مهارت وی در تغزل و غزل و توصیف دلیل است. از آثار وی: «دیوان» شعر.

این بیت از اشعار اوست در تشبیه و توصیف قلم:

چیست آن مرغی که چون منقار او تر می‌شود

چشم و گوش اهل معنی درج گوهر می‌شود...

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۱۴ -۶۱۰ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۷۸)، تذکره‌ی روز روشن (۳۱۶ -۳۱۵)، تذکره الشعراء (۱۲۲)، الذریعه (۳۸۶/۹)، ریاض العارفین (۱۹۵)، فرهنگ سخنوران (۳۹۹)، لباب الالباب (۲۸۶ -۲۸۲ /۲)، لغت نامه (ذیل/ روحانی سمرقندی)، مجمع الفصحا (۶۸۹ -۶۸۸ /۲).

روحانی قمی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۸ -۱۳۲۲ ق)، عالم دینی، فقیه و واعظ. در قم متولـد شـد، تا پانزده سالگی در خـدمت پـدرش به تحصـیل مقـدمات پرداخت. سطوح معقـول را نزد حـاج میرزا ابـوالحسن رفیعی قزوینی و فقـه و اصـول را در محضـر آیت‌اللَّه میرزا سید علی یـثربی کاشـانی و آیت‌اللَّه حائری یزدی و آیت‌اللَّه سید محمدتقی خوانساری فراگرفت. در ۱۳۴۴ ق به عزم تکمیل تحصیلات به نجف رهسپار شد و در حـوزه‌ی درس و بحث آیت‌اللَّه قمی شـرکت کرد و بهره‌هـا برد. سـپس به تهران و قزوین رفت. احتیـاج شدیـد جـامعه آن روز به امرتبلیغ وی را بر آن داشت که به وعظ و خطابه روی آورد. او بارها به هندوسـتان، برای ترویج دین سفر نمود. در تهران درگذشت و در شیخان قم دفن شد. از آثارش: «سر السعاده»، به عربی؛ کتاب «خاطرات»؛ کتاب «تسلیه المریض»؛ کتاب «کفایه النحو».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سرالسعاده (مقدمه)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۳۹/۱).

روحانی قمی، صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ -۱۲۵۵ ق)، فقیه، اصولی و مرجع. در قم به دنیا آمد تا هجده سالگی تحت نظر پدر مشغول به تحصیل مقدمات بود. سـپس دو سـال در اصـفهان اقـامت کرد و چنـدی هم در تهران نزد حکیم معروف آقـا علی مـدرس به تصـحیل حکمت اشـتغال داشت. در حدود ۱۲۷۹ ق به نجف رهسپار شد و از محضر درس شیخ مرتضی انصاری دو یا سه سال استفاده کرد. پس از وفات شیخ به درس حاج میرزا حبیب‌اللَّه رشتی حاضـر شد. او پس از سالها بهره‌گیری از محضر علمای نجف به سامراء مهاجرت کرد و از حوزه‌ی درس آیت‌اللَّه میرزا محمدحسن شـیرازی استفاده کرد. در ۱۲۹۸ ق به قم بـازگشت و مرجع امور شـرعی مردم گشت. آیـات عظامی چون حاج شـیخ حسن فاضل و میرزا فخرالـدین سیدی و حاج آقا محمـد کبیر و حاج سـید ابوالقاسم مرتضوی و شـیخ ابوالقاسم صـغیر و آخونـد ملا علی‌اکبر از شـاگردان وی می‌باشـند. او در قم درگـذشت و در شیخان به خـاک سپرده شـد. از اثـار وی بنای مسـجد و مدرسه‌ای در شـهر قم است. آثار علمی‌اش عبارت‌اند از: «تقریرات» فقه و اصول استادانش؛ مجلدی در «مباحث الالفاظ»؛ مجلدی در «الادله العقلیه»؛ قسمتی از «زکات»، از اول زکات تا اصناف مستحقین، که شرح مبسوطی بر این بخش از «شرایع» است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سرالسعاده (مقدمه)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۵۶ -۸۵۵ /۱۴).

روحانی قمی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، عالم و فقیه. در قم در خانواده جلیل روحانی به دنیا آمـد و خـدمت آقا شـیخ حسین علامه به تحصـیل مقـدمات پرداخت و نیز در محضـر حاج شـیخ حسن فاضل و حاج ملا غلامرضا صاحب «حاشـیه بر رسائل» و آیت‌اللَّه حاج آقا احمد طباطبائی درس خواند و در سال ۱۳۳۰ ق به نجف مشـرف و از حوزه‌ی درس آیت‌اللَّه اصـفهانی بهره گرفت. وی مدتی هم در مشهد رضوی از آیت‌اللَّه حاج آقا حسـین قمی اسـتفاده کرد. او در معقول شاگرد میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی بود. با سـعی و کوشش وی مقدمات ورود آیت‌اللَّه حایری به قم فراهم شد. او تا پایان عمر به انجام وظائف دینی در زمینه تدریس و ارشاد مشغول بود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار الحجه (۷۳ -۷۲ /۲)، آینه‌ی دانشوران (۲۰۵ -۲۰۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۳۹ -۳۳۷ /۱).

روحانی نژاد، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین روحانی نژاد

محل تولد : موسویه بیرجند

شهرت : روحانی

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اینجانب حسین روحانی نژاد در سال ۱۳۵۲ هجری شمسی وارد حوزه علمیّه بیرجند شدم. حدود دو سال در آن حوزه به تحصیل ادبیات عرب و فقه نزد مرحوم آیت الله عارفی پرداختم. در سال ۱۳۵۳ – ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیّه قم شدم و در مدرسه رسالت – که شبیه مدرسه حقّانی و تحت برنامه خاصی بود – به تحصیل ادامه مقدّمات، اصول، منطق، فلسفه، فقه و دروس جدید پرداختم . بخشی از سطح را در آن مدرسه و برخی را در حوزه آزاد خواندم. شرح لمعه را عمدتاً نزد استادان ارجمند آقایان باکوئی و وجدانی فخر رسائل را نزد استاد ارجمند حاج آقا مصطفی اعتمادی، مکاسب شیخ انصاری را نزد حضرات آیات: دوزدوزانی، مرحوم پایانی ، مرحوم ستوده، کفایه را نیز نزد مرحوم آیت الله ستوده و آیت الله فاضل خواندم . در فلسفه از دروس استادان ارجمند فیاضی (بدایه) ، مصباح (نهایه) ، حسن زاده آملی و جوادی آملی (قسمتی از اسفار)، گرامی (قسمتی از نهایه) ممدوحی (قسمتی از بدایه) بهره برده ام. فلسفتنا را در مدرسه رسالت نزد دکتر احمدی خواندم.

چند سالی در تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی دامت برکاته ، حدود ۱۰ سال در درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی وحید ، مدّتی در درس فقه آیت الله منتظری و نیز مدّتی در خارج فقه آیت الله مکارم شیرازی شرکت کرده ام. مدّتی هم در درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی بهجت دامت برکاته حضور یافته ام.

از سال ۱۳۶۳ با مرکز تحقیقات عقیدتی- سیاسی سپاه در قم که اکنون پژوهشکده شده است به صورت پاره وقت همکاری علمی داشتم و این همکاری تا حدود سال ۱۳۷۱ ادامه داشت و برخی جزوات درسی سپاه در زمینه تاریخ اسلام را تدوین کردم؛ از جمله: زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم از آغاز تا هجرت، زندگی سیاسی امام حسن مجتبی علیه السلام ، و برخی دیگر از ائمه علیهم السلام، معارفی از قرآن ، مقالاتی در مجله مکتب جبهه تحت عنوان اسوه های صدر اسلام، تعلیم و تربیت اسلامی و ...

سال ۱۳۶۰ مدّتی در سازمان تبلیغات تهران در واحد آموزش به تدوین جزواتی اشتغال داشتم. در زمان دفاع مقدس نیز برای سازمان تبلیغات سنندج، کتابی را درباره فرهنگ و آداب و سنن اقوام آن منطقه – به صورت مشترک با یکی از دوستان – تدوین کردم. سال ۱۳۶۱ در سازمان حج تهران، مسئولیت واحد آموزش دفتر تبلیغات و آموزش حج را بر عهده داشتم و جزواتی را در مورد اسرار حج و تذکراتی به مدیران کاروانها و حجاج ایرانی تنظیم کردم.در اواخر دهه شصت، مدّت یک سال و نیم با بنیاد معارف اسلامی بعثت در طرح تدوین معجم احادیث امام مهدی علیه السلام شرکت داشتم.

سال ۶۸ در نخستین دوره تربیت مدرس دار الشفاء وابسته به دانشگاه قم – شرکت کردم و رساله فوق لیسانس خود را در سال ۷۰– ۷۱ در زمینه اخلاق از نظر نراقی و مقایسه آن با اخلاق خواجه نگاشتم و در سال ۷۱ از آن دفاع کردم.از سال ۷۱ تا ۷۶ به دعوت دانشگاه تربیت معلم تبریز به تبریز رفتم و ۵ سال عضو هیأت علمی دانشکده الهیات بودم، که یک سال آن مدیر کلی دانشجویان شاهد و ایثارگر و سه سال هم ریاست دانشکده الهیات را بر عهده داشتم. در دانشگاه تبریز به تدریس متون فلسفی به زبان عربی، در دانشگاه الهیات را مشغول بوده ام. در دانشگاه تبریز به تدریس متون فلسفی به زبان عربی، در دانشگاه تربیت معلّم به تدریس فقه و اصول و اخلاق و فلسفه اخلاق و دروس عمومی، و در دانشگاه آزاد –واحد تبریز به تدریس تفسیر، فقه، انسانشناسی و تاریخ فقه و ... اشتغال داشتم.

سال ۷۶ به دانشگاه قم منتقل شدم. مدّتی معاون آموزشی دانشگاه بودم و به تدریس فقه و قواعد فقه نیز پرداخته ام در. سال ۷۷ به پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتقل شدم. مدّتی دبیری گروه فلسفه، مدتی مدیریت اجرایی دفتر قم، مدّتی مدیریت پژوهش را بر عهده داشتم. حدود ۴ – ۵ سال است که عضو گروه اخلاق و عرفان پژوهشگاه هستم و تا کنون چند کتاب و مقالاتی به رشته تحریر کشیده ام.

روحانی وصال شیرازی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۲ –۱۲۵۷ ش)، خطاط، نقاش و شاعر. وی نواده‌ی وصال شیرازی است که در شیراز به دنیا آمد و در همان جا به کسب علوم قدیمی پرداخت و در فنون ادب مهارت پیدا کرد. او غیر از شاعری در نوشتن خطوط شکسته و نسخ و نستعلیق استاد، و در فن نقاشی از مهارت کافی برخوردار بود. دوبار در سالهای ۱۲۸۸ و ۱۲۹۷ ش به هندوستان سفر کرد و در آنجا کتابی به نام «سفرنامه» نوشت و سرانجام در سن هفتاد و پنج سالگی در شیراز درگذشت. دیگر از آثار وی: نظم «داستان بینوایان ویکتور هوگو»؛ «گلشن وصال»، در شرح حال و آثار دودمان وصال.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۳۶۴)، احوال و آثار خوشنویسان (۴۶۷/۲)، اطلس خط (۵۶۷)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۴۷ –

۶۴۰ /۲)، الذریعه (۲۲۹/۱۸، ۳۸۶/۹)، ریحانه (۳۳۷/۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۴۶/۳)، سخنوران نامی معاصر (۱۵۹۲ –۱۵۸۸ /۳)، شرح حال رجال (۱۶۴ –۱۶۳ /۶)، طرائق الحقائق (۳۸۴/۳)، لغت نامه (ذیل/ روحانی شیرازی)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۰/۴)، مرآت الفصاحه (۷۲۳).

روحانی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد روحانی

محل تولد : نوشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ه.ش وارد حوزه علمیه قم شدم . پس از طی مراحل مقدمات وسطح به درس خارج پرداختم ود رسال ۱۳۷۱ه.ش دررشته تفسیر تخصصی مشغول به تحصیل شدم ومدّت ۴سال زیر نظرآیت الله مکارم شیرازی دردرس های تفسیری مشغول بودم .وحدود پنج سال است که به کارهای پژوهش مشغولم وکتابهائی را هم ترجمه کردم اگر خداوند توفیق عنایت فرماید دوست دارم کارهای تحقیقی وپژوهشی وترجمه های دیگری را هم انجام دهیم .

روحانی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، محقق، عالم.

تولد: ۱۲۹۹، قریه‌ی کاشتر سنندج.

درگذشت: ۲۷ دی ۱۳۶۷، تهران.

شیخ اسماعیل روحانی مشهور به بابا مردوخ متخلص به «شیوا» فرزند شیخ حبیب‌الله بود که نزد پدرش به تحصیل علم پرداخت. سپس برای تحصیل راه سفر در پیش گرفت و در محضر ملا محمد مدرس گرجی و بدیع‌الزمان مهی سنندجی به شاگردی پرداخت. شیخ اسماعیل روحانی پس از اتمام تحصیل علوم قدیم در جوانی به خدمت آموزش و پرورش درآمد و به تعلیم و تدریس در بیرستان‌های سنندج پرداخت تا به اخذ لیسانس از دانشکده‌ی الهیات دانشگاه تهران توفیق یافت و نزد اساتیدی چون بدیع الزمان فروزانفر و محمد شهابی تحصیل علوم جدید را به پایان برد. استاد بابا مردوخ پس از اتمام تحصیلات خود به کردستان بازگشت و به تدریس در مدارس این استان پرداخت و سرانجام در سال ۱۳۵۸ بازنشسته شد.

استاد مردوخ سال‌های آخر عمر را در تهران گذراند. وی در ادبیات فارسی و عربی تبحر داشت. و در شعر «به هر دو زبان» دارای طبعی روان بود.

از وی شانزده اثر در زمینه‌های مختلف فقه، تفسیر، ریاضی، منطق، عروض، قافیه و... به جا مانده است که از مهمترین آنها می‌توان به تاریخ مشاهیر کرد اشاره کرد. از جمله آثار وی می‌توان به شیوه مسلمانی و شرح حال مشاهیر کرد اشاره کرد، دیوان اشعارش نیز که شامل مجموعه سروده‌های اوست در زمان حیات جمع‌آوری شد ولی تا هنگام چاپ نگردید. قابل ذکر است که وی دوره‌ی کامل تعلیمات دینی مخصوص اهل تسنن را برای تمام کلاس‌های دبستان‌ها و دبیرستان‌ها با نثری ساده تألیف و تحریر نموده است که مدت‌ها در مناطق سنی‌نشین ایران تدریس می شود.

استاد مردوخ مبتلا به سرطان شد و پس از دو سال سرانجام در تاریخ بیست و هفتم دی ۱۳۶۷ در تهران درگذشت. پیکر او در سنندج به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

روحانی، حمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: کشاورزی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: بوعلی همدان

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

روحانی، سعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید سعید روحانی

محل تولد : قائمشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۶/۲۰

زندگینامه علمی

اینجانب سید سعید روحانی در مورخه ۲۰/۶/۴۸ در یکی از روستاهای قائمشهر(اوجابندان) در خانواده مذهبی چشم به جهان گشودم. تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود به پایان رساندم و در یکی از روستاهای مجاور،تحصیلات دوره راهنمایئ را گذرانده وبرای دوره دبیرستان در رشته علوم تجربی رهسپار شهرستان قائمشهر شدم.

در سال ۱۳۶۷ که همزمان با پایان دوره دبیرستان بود به پیشنهاد حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای قرائتی در امتحانات ورودی حوزه علمیّه قم شرکت کرده و پس از قبولی در آزمون ورودی در مدرسه علمیّه حضرت رسول الکرم(ص) مشغول به تحصیل شدم. دروس مقدّماتی را نزد استاتیدی چون حجج اسلام آقایان غلامعلی صفایی،فلاح زاده،نوبهار،سیّد عبّاس موسوی و آهنگران به پایان رساندم پس از اساتیدی چون حجج اسلام ایّوبی،غرویان،معصومی،نجفی مازندارنی،فقیهی،طاهری مازندارانی،حسینی بوشهری،احدی و موسوی تهرانی بهره مند شدم.

از سال ۱۳۷۷ دروس خارج فقه و اصول را شروع کرده و از محضر اساتید چون حجج اسلام و المسلمین حسینی خراسانی،سید احمد خاتمی،آیت الله سبحانی و صانعی و شیخ احمد عابدی شاهرودی و نکونام بهره مند گردیم. در سال ۱۳۷۷ به پیشنهاد مسئول گروه تاریخ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاههای جناب حجّت الاسلام والمسلمین محمّد خردمند مبنی بر تدوین و گرد آوری تاریخ اسلام در آثار شهید مطهری بر اساس سر فصل نهاد مشغول به تدوین شدم که نتیجه این تلاش پس از ۱۵۰۰ ساعت صرف وقت دو جلد کتاب بود که در ۷۱۰ صفحه در پائیز ۷۸ به چاپ رسیده است.

بنابر در خواست برخی از اساتید دانشگاهها و پراست جدید آن در سال ۷۹ در ۲۳۲ صفحه به چاپ رسید که تاکنون بارها تجدید چاپ شد. در اواخر سال ۱۳۸۰ به پیشنهاد مسئول جدید گروه تاریخ نهاد جناب آقای محمّد نصیری فصل پنجم کتاب تاریخ اسلام،تألیف جمعی از نویسندگان که زیر نظر دکتر صادق آئینه وند در زمستان ۸۱ به چاپ رسید،به بنده واگذار شده بود.

پس از تدریس دو ترم از این کتاب ویراست دوم آن نیز در زمستان ۸۲ از چاپ خارج شد. از آنجایی که کتاب دو جلدی تاریخ اسلام و آثار شهید مطهری چند ترمی متن درس گروه الهیات دانشگاه های پیام نور قرار گرفته بود(و به سبک متن درسی تدریس نشده بود)به پیشنهاد سرپرست محترم گروه الهیات دانشگاه پیام نور مرکز اقدام به تألیف کتاب تاریخ اسلام نمودم که جلد اول آن در بهمن ۸۲ به چاپ رسیده و جلد دوم آن در دست آماده سازی است.

علاوه بر این از سال ۱۳۸۲ تاکنون در دانشگاه پیام نور قم به تدریس دروس چون«مبادی اصول»،«اصول فقه ۲»،«فقه مقارن ۱»،«فقه مقدماتی۱»،«احادیث فقهی»و«اعراب قرآن»مشغول هستم. حدود ۲ سال نیز(البته از زمان تأسیس)عضو انجمن تاریخ پژوهان حوزه علمیّه هستم. از سال ۱۳۷۹ نیز به در خواست سردبیر محترم فرهنگ کوثر جناب حجت الاسلام والمسلمین محمود مهدی پور اقلام به ارائه مقالات در زمینه های مختلف تاریخی نمودم که بیش از ۱۰ مقاله از اینجانب به چاپ رسیده است. به امید آن روزی که قدمهای کوچک وناقص ما راهگشا باشد.

روحانی، سید شمس الدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید شمس الدین روحانی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیدشمس الدین روحانی پس از تحصیل در دبیرستان علوی ایرانیان در نجف اشرف ، وارد حوزه علمیه نجف اشرف شدم . سطوح عالیه را در محضر اساتیدی همچون آیت الله مرحوم آقای شیخ محمد علی مدرس افغانی و مرحوم آیت الله آقای شیخ مجتبی لنکرانی و آیت الله شهید میرزا علی غروی و شهید محراب آیت الله مدنی و آیت الله مرتضوی" حفظه الله "که هم اکنون در مشهد مقدس افاضه می فرمایند و ... گذراندم . در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم .

از آنجا که با برخی از مولفات حضرت آیت الله مکارم شیرازی " دامت برکاته " آشنا بودم و شیفته قلم روان و بیان شیوا و مقام

علمی ایشان شده بودم ، توسط یکی از دوستان با معظم له آشنا شدم . حدود ۲۵ سال در محضرایشان و در برنامه های مختلف مدرسه علمیه امام امیر المومنین (ع) همکاری داشته ام .

روحانی، شکراللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۸ -۱۲۴۵ ش)، شاعر، متخلص به آزادی. وی در تفرش متولد شد، از کودکی به تهران آمد و تحصیلاتش را در این شهر به اتمام رسانید. ابتدا نزد شاهزاده سلطان اویس میرزا معتمدالدوله و سپس نزد کامران میرزا نایب‌السلطنه به کار پرداخت و از اوایل مشروطیت در وزارت مالیه اشتغال جست. او طبعی نیرومند داشت و غالبا فی‌البداهه شعر می‌سرود و مخصوصا در ساختن ماده تاریخ و اشعار فکاهی مهارت داشت. شعرهای او در مجله‌ی ادبی «ارمغان» و مجله‌ی فکاهی «امید» به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۴۵ -۳۴۴ /۳).

روحانی، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۴۰ ق)، فقیه، اصولی، مجتهد و مرجع تقلید. وی در خاندانی که قرنها در شهر قم ریاست علمی و دینی داشتند متولد شد. پس از تحصیلات مقدمات در نزد پدر بزرگوارش در سال ۱۳۵۷ ق به اتفاق برادر بزرگش آیت‌اللّه حاج سید محمد روحانی برای ادامه‌ی تحصیل به نجف رفت و نزد آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه غروی و آیت‌اللّه شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌اللّه خوئی به تکمیل تحصیل پرداخت و در عنفوان جوانی حایز مقام اجتهاد گشت. وی در سال ۱۳۶۸ ق به قم بازگشت و به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت. او را به داشتن صفاتی چون همت عالی و قلب وسیع و فکر بلند و رای متین و نظر دقیق و خلق حسن ستوده‌اند. وی تالیفاتی ارزنده‌ای در فقه و اصول دارد که از جمله آثارش: «فقه الصادق»، شرح «تبصره‌ی» علامه، در بیست و شش مجلد؛ «منهاج الفقاهه»، شرح «مکاسب» شیخ انصاری، در چهار مجلد؛ «مسائل مستحدثه»؛ شرح «کفایه الاصول»؛ رساله‌ای در «جبر و اختیار»؛ «القواعد الثلاث»؛ رساله «اجتهاد و تقلید»؛ حاشیه «عروه الوثقی»؛ حاشیه‌ی «رسائل» شیخ انصاری؛ «توضیح المسائل».[۱]

آیت‌الله حاج آقا محمد بن العلامه الحاج میرزا محمود بن الاـیه السید صادق الروحانی الحسینی برادر ارجمند و بزرگ آیت‌الله روحانی معاصر از علماء اعلام و فضلاء بنام حوزه علمیه نجف اشرف است.

تولدش در سال ۱۳۳۶ قمری در قم واقع شده و پس از تحصیل مقدمات و ادبیات و سطوح در سن بیست سالگی به اتفاق برادر بزرگوارش آیت‌الله آقا سید صادق در سال ۱۳۵۵ قمری سال فوت مرحوم آیت‌الله حایری به نجف مهاجرت نموده و از آیات عظام حاج شیخ محمدحسین غروی کمپانی و آیت‌الله اصفهانی و کاظمینی و اکثرا آیت‌الله العظمی خوئی مدظله العالی استفاده نموده تا در حوزه هزار ساله نجف مشار با لبنان گردیده است. برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۹۵/۲)، آینه‌ی دانشوران (۲۰۷ -۲۰۶)، الذریعه (۱۳۵/۱۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۶۲ -۱۶۰ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۰ -۴۸۹ /۳).

روحانی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ عبدالحسین روحانی بن العالم الجلیل حاج شیخ اسماعیل مذکور از علماء محترم معاصر محلات می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

روحانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فیزیک از دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۱، کارشناسی ارشد نقشه‌برداری از مدرسه عالی نقشه‌برداری تهران در سال ۱۳۳۴ و دکترای فیزیک جو از دانشگاه سوربن فرانسه در سال ۱۳۴۰.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۳ تا سال ۱۳۴۸، دانشیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۸.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه ارتفاع تروپوپوز و تغییرات آن در تهران، اندازه‌گیری آلودگی هوای تهران و ساخت تجزیه‌کننده، تدریس دروس اپتیک، نقشه‌برداری و فیزیک جو در دانشگاه تهران.

ابداع:

دستگاه اندازه‌گیری ضخامت لایه ازن و وسیله اندازه‌گیری فشار، دما، ارتفاع در ازن اتمسفر.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

فیزیک جو، مطالعه تغییرات ازن در قطب جنوب، کشف ماکزیمم دوم در تغییرات سالیانه ازن و پیشنهاد یک مدل کامل برای اتمسفر.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

روحانی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا روحانی

محل تولد : غزنین

شهرت

تابعیت : افغانستان

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه قم شده و در مرکز جهانی علوم اسلامی از پایه ششم به فراگیری دروس حوزوی مشغول شدم و در سال ۱۳۷۴ با اتمام پایه دهم دروس سطح را به پایان رساندم.در سال ۷۵ - ۷۴ در مرکز آموزش زبانهای خارجی دانشگاه باقرالعلوم به فراگیری زبان عربی پرداخته تا دوره عالی ترجمه و مکالمه زبان عربی آن را ادامه دادم. از سال ۱۳۷۵ دروس حوزوی را در مقطع درس خارج با شرکت در درسهای آقای فاضل گلپایگانی شروع نموده و در طول این مدت از محضر آیات و اساتید بزرگوار مرحوم آقای صالحی مازندرانی، جعفر سبحانی، مکارم شیرازی و جوادی آملی بهره برده ام.در کنار دروس حوزوی در سال ۱۳۷۹ در آزمون موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی شرکت نموده و در مقطع کارشناسی رشته معارف اسلامی و حقوق قبول شده و مشغول به تحصیل شدم. در سال ۸۱ -۸۰ همزمان با فارغ التحصیلی از موسسه امام خمینی با شرکت در کنکور سراسری در دانشگاه مفید در رشته حقوق بشر قبول شدم.اینک (تا یک هفته دیگر) از این دانشگاه نیز فارغ التحصیل می شوم (تاریخ دفاع پایان نامه ۶ /۲ / ۸۶) در چند سال اخیر ضمن تحصیل حوزوی و دانشگاهی علاوه بر نگارش پایان نامه ای با عنوان " نقش نهادهای ملی در ارتقاء و حمایت از حقوق بشر "با چند فصلنامه و ماهنامه افغانستانی همکاری قلمی دارم.این همکاری با نگارش مقالات با موضوعات حقوقی، سیاسی و مذهبی در مجلات حقوق بشر، توسعه، گفتمان نو، مطالعات حقوقی و فصلنامه کلکین ادامه دارد ضمن آنکه عضو هیات تحریریه فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات حقوقی و فصلنامه کلکین نیز می باشم.از سال ۱۳۸۴ دبیر بخش حقوقی مجله پامیر(نشریه دانشجویان افغانستانی در ایران) را به عهده داشته و علاوه برآن سردبیر فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات حقوقی ازشماره دوم نیز می باشم.

روحانی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۲۱ اردیبهشت ۱۲۷۶(۱۰ ذیحجه ۱۳۱۴ ق.)، مشهد.

درگذشت: ۱۳۶۰، تهران.

سید غلامرضا روحانی متخلص به «روحانی» فرزند سید شکرالله متخلص به «آزادی»، پس از فراگرفتن علوم متداوله عصر به خدمت

دولت درآمد. چندی در شـهرداری تهران به خدمت پرداخت و مدتی نیز در اداره‌ی غله و نان تبریز به خدمت اشـتغال داشت، سپس به وزارت دارایی منتقل شد و در مشاغل مختلف در شهرستان‌ها و تهران انجام وظیفه کرد تا اینکه در سال ۱۳۳۳ بازنشسته شد.

روحـانی از دوازده سالگی به سـرودن شـعر پرداخت و در شـعر به جنبه فکاهی آن بیشتر توجه کرد به انتقاد از نقایص امور اجتماعی پرداخت و با سرودن اشعار طنزآمیز در مسیر بیداری مردم حرکت نمود و بیشتر اشعارش را با امضای مستعار «اجنه» یا «اجنه‌زاده» و یا اسامی دیگری از این قبیل انتشار داد. اشـعارش در آغاز در روزنامه‌ی فکاهی «امید» که به مدیریت کاظم اتحاد اداره می‌شد به چاپ می رسـید، آنگاه آثارش به طور گسترده در روزنامه‌ها و مجله‌ها طبع گردیـد و کلیات اشـعارش به نام اجنه مکرر به چاپ رسـید. از آثار دیگر اوست: سروده‌های روحانی (مجموعه شعر، ۱۳۱۰)؛ فکاهیات معاصر (مجموعه شعر، ۱۳۱۳).

کلیات اشـعار وی در چهار قسمت و بالغ بر نه هزار بیت است. قسمت اول، غزلیات عشقی و قطعات اجتماعی به طور جدی و فکاهی است که در مجله «ارمغـان» اغلب درج گردیـده است، قسـمت دوم، فکاهیات وی است که به سـبکی خاص و اسـلوبی ساده سـروده شده است، از آن جمله کتابی است موسوم به اداره‌نامه که به وضـعیت اداره‌ها می‌پردازد، قسمت سوم فکاهیات مطابق با فهم عامه با طرز و اسـلوبی خـاص مخلوط بـا اصـطلاحات محلی و زبـان شکسـته بازاری که مجموعه‌ی آن موسوم است به اراجیف الاجنه و در صفحـات جرایـد فکـاهی تهران از قبیـل «امیـد» و «گـل رزد» و غیره منـدرج است، قسـمت چهارم ترانه‌هاست که اغلب در صـفحات گرامافون ضبط است و قطعاتی دیگر که برای اپرت‌ها ساخته شده و در تماشاخانه‌ها به معرض نمایش گذارده شده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

روحانی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد روحانی علی آبادی

محل تولد : ارومیه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد روحانی علی آبادی در سال ۱۳۴۲ در شهرسـتان ارومیه و در خانواده ای متعهد، مومن و انقلابی دیده به جهان گشوده ایشان با تشویق خانواده علی الخصوص پدر خویش به تحصیل علوم دینی روی آورد و در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه ارومیه شد.

پس از مقداری تحصـیل و شور و شوق ایشان به فراگیری تحصـیلات عالی از محضـر خانواده کسب اجازه کرد و به سـمت عش آل محمـد(ص) قم هجرت کرد. در دیـار قم در درس مکـاسب آیت الله عباسـعلی کـاظمی، کفایه آیت الله صالحی زنجانی حاضـر و از محضـر پرفیض آنان بهره مند شد. پس از گذراندن مرحله سطح به حلقه درس خارج اساتید برجسته آن زمان وارد گشت در محضر اساتیـدی هماننـد آیت الله جعفری اراکی، آقـا مجتبی تهرانی زانوی تلمـذ بغـل کرد. نـامبرده سـفرهای تبلیغی فراوانی به کشورهـای خارج از جمله آذربایجان و هند داشته است که این حاکی از عزم ایشان در تبلیغ دین مبین اسلام و نشر مذهب نجات بخش بشریت شیعه اثنی عشری می باشد.

روحانی، محمدصادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌الله السید محمـدصادق الحسـینی الروحـانی ابن العلم الحـاج میرزا محمود بن العلامه الحجه السـید صـادق القمی (صـاحب فقه الصادق) مدظله از آیات عظام و اساتید کرام و مدرسـین عالی مقام حوزه علمیه شهرستان مذهبی قم می‌باشند، و از علماء بزرگواری که در اثر مجاهدات نام گرامیش به تمام کشور و حتی خارج از ایران رسیده و در راه مبارزه شدائدی را تحمل نموده ایشان است.

ترجمه معظم‌له و معالی امور و خاندان جلیل روحانی وی که قرنها در شهر

مـذهبی قم ریاست علمی و دینی داشـتند و خـدمات و آثار و متن بیانیه‌های ایشان در خور رساله و کتاب مسـتقلی است که نگارنده اجمالی از آن را از نظر خوانندگان محترم می‌گذرانم.

در سال ۱۳۴۰ در قم متولد گردیده و در حجر تربیت والد معظم پرورش یافته و از اوائل صباوت دروس مقدمات و ادبیات را خوانده تا سال ۱۳۵۵ قمری که به اتفاق برادر ارجمندش آیت‌الله آقای حاج آقا محمد روحانی مقیم نجف مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضـر آیات عظام و مدرسین و مراجع والامقام نجف استفاده کامل نموده تا بذروه علیای علم ارتقاء یافته و از غالب آنها نائل به اخذ اجازه اجتهاد گردیده و در سال ۱۳۶۸ قمری مراجعت به وطن خود نموده و از همان اوان ورود به تدریس خارج فقه و اصول و افاده پرداخته است.

دارای کمالات نفسانی و ملکات فاضله روحانی و همتی عالی و قلبی وسیع و فکری بلند و رایی متین و نظری دقیق و چهره‌ای گشاده

و خلقی حسن می‌باشد.

اگر وسائل و اسباب برایش میسور باشد خدمات بزرگ و اساسی خواهد نمود در میان حوزه و شهرستان قم و غالب ایران محبوبیت و شهرتی یافته و از مجاهدین شناخته شده است مسافرتهائی قهرا و اختیارا در بلاد شرق کشور چون زایل و زاهدان و یزد و شهرستانهای غربی چون تبریز و خوی و زنجان نموده که مورد استقبال و تجلیل غالب مردم آن سامان قرار گرفته که در موقع خود کم‌نظیر بوده است. تالیفات ارزنده‌ای در فقه و اصول دارد که ذیلا توضیح داده می‌شود:

۱- فقه الصادق در بیست مجلد که ۱۶ جلد آن به طبع رسید و باقی آماده طبع است .

۲- منهاج الفقاهه در ۴ مجلد شرح بر مکاسب شیخنا الانصاری که چاپ شده است.

۳- مسائل مستحدثه جلد که مکرر چاپ شده و مسائل روز را در آن تشریح کرده و روشن نموده است.

۴- شرح بر کفایه الاصول در دو جلد کامل آماده طبع است.

۵- رساله‌ای در جبر و اختیار مکرر به طبع رسیده است.

۶- القواعد الثلاث مطبوع می‌باشد.

۷- رساله اجتهاد و تقلید مطبوع می‌باشد.

۸- فروع علم اجمالی که تقریرات درس معظم‌له است و طبع شده است.

۹- القواعد السبعه مخطوط.

۱۰- حاشیه عروه‌الوثقی مطبوع.

۱۱- حاشیه‌ای بر رسائل شیخنا الانصاری.

۱۲- توضیح المسائل مکرر به طبع رسیده.

۱۳- توضیح المناسک نیز مکرر به طبع شده.

۱۴- تقریرات و دراسات اساتید نجف فقها و اصولا که مخطوط می‌باشد.

آثار دیگری از قبیل مساجد در قم و اطراف دارد و نیز بنا دارند مدرسه بزرگی برای طلاب تهیه نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

روحانی، محمدهادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدهادی روحانی که از بیت علم و روحانیت بوده و والد ماجد و اجداد گرامش از علماء عصر خود بوده‌اند در سال ۱۳۲۴ ق متولد شده و تا سن ۱۷ سالگی در تنکابن ادبیات و قسمتی از فقه و اصول را فراگرفته و بعد در تهران چند سالی به تحصیل معقول و منقول ادامه داده و در سال ۱۳۴۳ قمری در حوزه علمیه قم وارد و از محاضر دروس آیات عظام استفادات کامل نموده و در حوزه درس مرحوم آیت‌اللَّه حایری از معاریف فضلاء بشمار رفته و مورد توجه مخصوص آن مرحوم قرار گرفته و در سنه ۱۳۵۳ قمری با دریافت اجازه اجتهاد به گیلان مراجعت و برای امر معاش خود به فلاحت و کشاورزی و با تأمین امور مادی به ترویج دین در هر حال پرداخته و برای داشتن بیان و منطق شیوا در موعظه و تبلیغ مورد اطمینان و اعتماد مردم گیلان واقع شده و خدمات ارزنده‌ای نموده است از آثار اوست مدرسه روحانیه رودسر که مسکن طلاب و واردین اهل علم به رودسر است و این نگارنده هم در ماه صفر ۱۳۸۲ قمری شبی را در در آن بیتوته نموده‌ام

آن مرحوم دارای طبع شعر بوده و اشعار زیادی سروده است که از آنهاست رثائیه‌ای که در فقدان مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمدتقی خونساری طاب ثراه گفته

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

روحانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌اللَّه حاج میرزا محمود روحانی بن العارمهٔ السید صادق المذکور از مشاهیر علماء و اکابر دانشمندان حوزه علمیه و شهرستان مذهبی قم و دومین فرزند مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید صادق می‌باشد در سال ۱۳۰۷ قمری در قم متولد شده و خدمت مرحوم شیخ حسین علامه به تحصیل پرداخته و هم خدمت مرحوم حاج شیخ حسن فاضل و آیت‌اللَّه حاج ملا غلامرضا صاحب حاشیه و مرحوم آیت‌اللَّه حاج آقا احمد طباطبائی درس خوانده و در سال ۱۳۳۰ قمری به نجف مشرف و از محضر آیت‌اللَّه اصفهانی بهره‌مند شده و مدتی هم در مشهد رضوی از آیت‌اللَّه حاج آقا حسین قمی استفاده نموده و معقول را هم از مرحوم میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی به دست آورده و عمده فقه و اصول را از مرحوم آیت‌اللَّه حایری یزدی استفاده نموده و نسبت به وی اعتقاد مخصوصی داشت و از آن جماعتی بود که برای آوردن آیت‌اللَّه حایری به اراک رفته و حدود ۹ ماه توقف و با مرحوم حاج شیخ حسین قمی معروف به نجار استقامت ورزیده و جدیت نموده تا بالاخره به مقصود نائل شده و آن مرحوم را به قم منتقل نمودند.

مؤلف گوید: آیت‌اللَّه حاج میرزا محمود روحانی عالمی ناسک و فقیهی ورع و متعبد بود فرزندانی برومند به یادگار گذارد که

موجب افتخار روحانیت در ایران و عراق و اروپایند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

روحانی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای حاج سید مهدی بن العلامه الحاج میرزا ابوالحسن بن العلامه السید صادق الحسینی روحانی از افاضل دانشمندان و فضلاء نامی حوزه علمیه و شاگردان برجسته آیات عظام مرحوم محقق داماد و آیت‌الله العظمی امام خمینی و آیت‌الله العظمی مرحوم بروجردی و اساتید دیگر می‌باشند، در میان اقران خود به فضل و کمال موصوف و به متانت و فطانت مشهور است و اکنون که سن شریفش از چهل گذشته و عشره پنجم را می‌گذراند به تدریس فقه و اصول و مباحثات کمپانی با چند تن از فضلاء برجسته مشغول و ضمنا اقامه جماعت هم دارند آثار ایشان دراسات و تقریرات اساتیدشان می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

روحی اصفهانی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۷۲ -۱۳۲۸ ق)، شاعر. در اصفهان متولد شد. ضمن شغل روزانه‌اش که نقاشی بود به تحصیل علوم قدیم اشتغال جست و در فراگیری مقدمات و سطح تلاش فراوان کرد. ادبیات عرب را بخوبی آموخت. چند سال آخر عمر خویش را در تهران ساکن بوده و در مدرسه‌ی مروی به تدریس «مغنی» و «مطول» و «شرح نظام» و غیره مشغول بود. در تهران درگذشت و در قم دفن شد. وی در سرودن شعر نیز توانا بود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۲۵ -۴۲۴)، الذریعه (۱۰۰۱/۹).

روحی انارجانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۹۴ ق)، شاعر و نویسنده. وی از مردم قریه انارجان اسکوی بود که در تبریز اقامت داشت و معصار با سلطان محمد خدابنده و شاه عباس اول بود. وی مولف رساله‌ای است در عقاید و رسوم مردم تبریز که به «رساله روحی انارجانی» معروف است. روحی در آن کتاب نمونه‌هایی از زبان پهلوی مردم تبریز را در آن دوره ضبط کرد و برخی از اشعار خود را آورد و ظاهرا آن رساله را در طی سالهای ۹۹۲ ق تا ۹۹۳ ق به پایان رسانده است. وی پیشه حکاکی داشته و شعر نیز می‌سروده است. در برخی منابع صاحب عنوان یک بار تحت نام فوق آورده‌اند و یک بار نیز ذیل روحی تبریزی. از اشعار اوست:

از نگاه غضب‌آلود تو شد معلومم

که ز من گفته حدیث به تو صاحب غرضی

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۴۳۰ -۴۲۹ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۵۲۹)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۲۶۳ -۲۵۹ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۶۱)، الذریعه (۳۸۷/۹)، سخنوران آذربایجان (۳۸۰ -۳۷۷)، لغت نامه (ذیل/ روحی انارجانی)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۴ -۲۳۳ /۳)، مجمع الخواص (۲۷۷ -۲۷۶)، یادگار (س ۲، ش ۳، ص ۵۰ -۴۳).

روحی بارزی خراسانی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. وی شاگرد ملا جامی بود و مناظره‌ی «گل و بلبل» و «شمع و پروانه» را به اسلوب مرغوب در رشته‌ی نظم کشیده است.

نمی‌خواهم کسی یابد ز سر حالم آگاهی

وگرنه عالمی سوزم به یک آه سحرگاهی

از دانشمندان خراسان بود و بیشتر شاعران سرخس و سمرقند از شاگردان وی بودند .

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۱۶)، الذریعه (۳۸۸/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۰۱)، مجالس النفایس (۱۵).

روحی بخاری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر. از ملازمان شیبک خان و میرزا حسین بایقرا، این ابیات از اوست:

شبی همچون مرکب بود تاریک

رهی در وی چو شق خامه باریک

شده طاس سپهر از مشک سوده

سواد اندوده همچون دیگ دوده

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۱۶)، الذریعه (۳۸۷/۹)، مجالس النفایس (۱۵۹).

روحی رازی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی برادر نیستی شاعر و از شاعران دوره‌ی صفوی در ری است. در سرون شعر توانا است. از اوست:

نشان دهند رقیبان مرا وفا از تو

ندیده‌ام من بیدل به جز جفا از تو

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه‌ی سامی (۲۹۵)، الذریعه (۳۸۸/۹)، ری باستان (۳۰۵/۲).

روحی ساوجی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از شاعران پیشه‌ور و تاجر بود که در کنار امر بازرگانی به شاعری نیز می‌پرداخت و اشعاری چند از وی در تذکره‌ها موجود است. از اوست:

من کیستم؟ به کوی بلا خانه ساخته

با نامرادی دل دیوانه ساخته

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۱۶)، تحفه‌ی سامی (۲۷۹)، الذریعه (۳۸۸/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۰۰).

روحی سمرقندی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، شاعر. به قطعه‌گویی مشهور است و در زمان حکومت ازبکان کار او رونقی تمام یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه‌ی سامی (۲۷۶)، الذریعه (۳۸۸/۹).

روحی شارستانی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. وی از بزرگان شعرا و اکابر فضلا بوده و ابوالمظفر طمغاج خان حاکم ماوراءالنهر را مداحی می‌نموده و در تذکره تقی‌الدین اوحدی بعضی ابیات از او آورده شده است. صاحب «صبح گلشن» نام وی را روحی سیوستانی ذکر کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۸۹ -۳۸۸/ ۹)، صبح گلشن (۱۸۴)، مجمع الفصحا (۶۸۹/۲)، لغت نامه (ذیل/ روحی شارستانی).

روحی شیرازی، عنایت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۷ ش)، روزنامه‌نگار، نویسنده و شاعر، متخلص به روحی. ملقب به اعتماد التولیه روحی. وی روزنامه «دارالمعلم» را در سال ۱۳۲۷ ق تاسیس کرد و مدتی نشر داد و بعد مجله ادبی «آرین» را به همراه حسین پرتو منتشر کرد و چندی هم روزنامه «وطن» را می‌نوشت. روحی گاهی شعر نیز می‌سرود. وی زبان انگلیسی را خوب می‌دانست و علم عروض را از صاحب «آثار عجم» آموخته است. از آثار وی: «ادبیات پهلوی»؛ «اعتدالی و دمکرات»؛ «زنگ تفریح»؛ «سردار نامه، داروین و حکمای مشرق زمین»؛ «فال حافظ»؛ «علم ارواح»؛ «تاریخ سلطنت»؛ «فتوحات مسلمین در فرنگ»؛ «تاریخ تعلیم».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۶۳)، تاریخ جراید (۲۶۳ -۲۶۲ /۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۵۳ -۶۴۷ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۴۰ -۶۳۹ /۴).

روحی طبیب بخارایی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر و پزشک. مردی دانشمند و از پزشکان حاذق قرن دهم هجری بوده و غزل را نیکو می‌سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۰۹).

روحی کرمانی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۴ -۱۲۷۲/۱۲۶۳ ق)، مترجم، نویسنده و شاعر، متخلص به روحی. در کرمان متولد شد، تحصیلات اولیه و علوم عربی و فقه و اصول و حدیث را در همان شهر نزد پدر خود فراگرفت. در سال ۱۳۰۲ ق با میرزا آقا خان کرمانی که از مشاهیر زمان خود بود، به اصفهان و تهران و رشت و استانبول سفر کرد و در این شهر به تدریس زبانهای شرقی و تکمیل زبانهای انگلیسی و فرانسوی و ترکی عثمانی مشغول شد. چندی بعد به سفر حج رفت و در مراجعت مدتی در حلب اقامت گزید و مجددا به استانبول برگشت. روحی در مدت اقامت در استانبول با میرزا رضا کرمانی و سید جمال‌الدین اسدآبادی ارتباط داشت و همین رابطه موجب شد بعد از کشته شدن ناصرالدین شاه به دست میرزا رضای کرمانی، دولت ایران استرداد شیخ احمد و دوستانش را از دولت عثمانی درخواست کند. بعد از تحویل به مقامات ایرانی، هر سه به دستور محمدعلی میرزا، در خانه و در حضور او سر بریده شدند و اجساد آنان را بعدا در قبرستان ششکلان دفن کردند. روحی دارای تالیفات و ترجمه‌هایی است که از آن جمله ترجمه‌های «هشت بهشت»؛ «حاجی بابا اصفهانی» است.[۱]

(شیخ) احمد کرمانی (و. ۱۲۶۳- مقت. ۱۳۱۴ ه.ق.) از تعلیم یافتگان مکتب سید جمال‌الدین اسدآبادی و از پیشوایان نهضت مشروطه است. وی به همراهی میرزا آقاخان کرمانی با ایادی حکومت مطلقه قاجاریه و استبداد شاهزادگان به مبارزه پرداخت و عاقبت در این راه شهید شد. وی نویسنده و شاعر بود و در شعر روحی تخلص می‌کرد. ترجمه ژیل بلاس از فرانسوی به فارسی به قلم او صورت گرفته و کتاب هشت بهشت از تألیفات اوست و نیز ترجمه حاجی بابا را از انگلیسی به فارسی بدو نسبت دهند.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۳۹۵ -۳۹۴ /۱)، دایرۀالمعارف فارسی (۶۴/۱)، الذریعه (۳۸۹/۹)، سرآمدان فرهنگ (۲۷۳/۱)، شخصیتهای نامی (۲۱۷ -۲۱۶)، شرح حال رجال (۸۴ -۸۰ /۱)، فرهنگ سخنوران (۴۰۰)، لغت نامه (ذیل/روحی)، مؤلفین کتب چاپی (۳۹۷ -۳۹۵ /۱)، یادگار (س ۳، ش ۱۰، ص ۲۱ -۱۷).

روحی مازندرانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به روحی. میرزا محمدصادق مینا به سال ۱۰۳۷ ق وی را در اکبرآباد دیده و نوشته است: در آن شهر صحبت مولانا روح‌اللّه مازندرانی متخلص به روحی را دریافتم، و از محاسن روزگار بود، در طلب علوم مخصوصا ریاضی سفر کرد و از هر گوشه‌ای توشه‌ای به دست آورد، با هم مودتی عظیم داشتیم، همم در آن اوان به بهرائچ رفت آنجا نیز او را دیدم، سپس از آن در عهد اعظم خان (میر محمدباقر ساوجی) به بنگاله آمد باز به خدمتش رسیدم.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :کاروان هند (۴۸۲ –۴۸۱ /۱).

روحی ولواجی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. از مردم ولواج ماوراءالنهر بود و گویا در شهرهای خراسان و فرارودان سرگردان بود و پس از قطران و مسعود سعد می‌زیست چه در شعر خود از آنها یاد می‌کند. طبع وی بیشتر به هزل گرایش داشت و در آوردن تشبیهات نیز توانا بود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۳ –۶۳۹ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۱۲/۱)، فرهنگ سخنوران (۴۰۱)، لباب الالباب (۱۷۴ –۱۶۵ /۲)، لغت نامه (ذیل/ روحی ولواجی).

روحی همدانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی شاعر بذله‌گوی و لطیفه‌پرداز و معاصر شاه عباس اول بود. زبان وی را به سبب هزل و هجوی که سرود، به دستور شاه عباس بریدند. از اوست:

در کوی تو سرهای شهیدان محبت

بی‌ضربت جلاد جدا گشته ز تنها

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۵۹/۱)، الذریعه (۳۸۹/۹)، صبح گلشن (۱۸۴).

روحی، عبدالوهاب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ عبدالوهاب روحی یزدی از علماء و قدماء حوزه علمیه و مبرزین شاگردان مرحوم آیت‌الله حجت موصوف به فضل و دیانت و تقوا و متانت می‌باشد. تولد ایشان در یزد واقع شده و در زمان مرحوم آیت‌الله حایری به قم مهاجرت نموده و پس از پایان سطوح چندی از دروس آیت‌الله حایری استفاده و پس از ایشان از محضر آیات عظام حجت و خونساری و صدر و بالاخص آیت‌الله العظمی بروجردی رضوان‌الله علیهم استفاده نموده و تا هم اکنون به تدریس فقه و اصول اشتغال دارند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

رودباری رانکوهی اشکوری، اسداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۳ –۱۲۷۶ ق)، عالم، فقیه و نویسنده. از اولاد میر بزرگ مدفون در آمل است. جد بزرگ وی ابتدا در رودبار سکنی گزید، سپس به رانکوه و بعد از آن به اشکور رفت. سید اسداللّه در قزوین نزد سید علی، صاحب حاشیه بر «قوانین»، تلمذ کرد. وی در ۱۳۰۳ ق به عتبات هجرت کرد و نزد علامه میرزا حبیب‌اللّه رشتی به تصحیل پرداخت و «تقریرات» بحث استاد را در یازده مجلد نوشت که پنج جلد در «اصول» و شش جلد در «فقه» بود. وی در نجف درگذشت. از دیگر آثارش «کتاب الاوانی من الذهب و الفضه» است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۸۶/۳)، الذریعه (۴۷۱ –۴۷۰ /۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴ /۱۳۸)، معجم المؤلفین (۲۴۱/۲).

رودباری، ابوعلی احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۳۲۲ ق)، صوفی، ادیب و فقیه. در رودبار متولد شد. و در بغداد ساکن گردید. او از وزیرزادگان سلاله‌ی کسری بود و

نسبش را به انوشیروان می‌رساند. روزی با مریدان جنید بغدادی صحبت کرد و چون کلماتی از او شنید در دل وی محبت اهل طریقت جای گرفت و ترک مال و منال کرد و در سلک مریدان جنید درآمد. از مسعود رملی حدیث روایت کرد. با ابن‌جلاء و ابوالحسین نوری و ابوحمزه بغدادی صحبت داشت و همنشین بود. فقه را نزد ابوالعباس بن سریج و ادبیات را نزد ثلعب و حدیث را از ابراهیم بن سریج و ادبیات را نزد ثلعب و حدیث را از ابراهیم حربی آموخت. عاقبت به مصر رفت و خود مرجع استفاده علما شد. سرانجام در همان جا درگذشت. بعضی او را جامع سه علم شریعت و طریقت و حقیقت می‌دانند. فرزند خواهرش، احمد بن عطا رودباری، محمد بن عبداللّه رازی، احمد بن علی وجیهی و معروف زنجانی از شاگردان وی می‌باشند. وی تصانیفی نیکو در تصوف دارد. اشعاری نیز از وی به جای مانده است. از کلمات او است: «برترین یقین آن است که حق را در چشمان تو عظمت بخشد و هرچه جز اوست کوچک گرداند، و امید و ترس را در دلت تثبیت کند».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (۳۳۳ –۳۲۹ /۱)، تاریخ گزیده (۶۵۱)، تاریخ نظم و نثر (۷۵۳)، تذکره الاولیاء (۲۸۸ –۲۸۵ /۲)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (۷۳ –۷۲)، حلیه‌الاولیاء (۳۵۷ –۳۵۶ /۱۰)، ریاض العارفین (۴۰)، سیر النبلاء (۵۳۶ –۵۳۵ /۱۴)، طبقات الصوفیه سلمی (۳۶۰ –۳۵۴)، کشف المحجوب (۱۹۸ –۱۹۷)، الکنی و الالقاب (۱۲۵/۱)، لغت نامه (ذیل/ابوعلی)، معجم البلدن (۸۹/۳)، نفحات الانس (۲۰۷ –۲۰۵).

رودباری، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن رودباری از شاگردان علامه میرزا حبیب‌اللّه رشتی بوده و در رشت ریاست تامه و مرجعیت عامه داشته تا بعد از ۱۳۲۰ قمری وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رودباری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین رودباری که اکنون در رشت اقامت و به وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رودباری، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی رودباری که در رشت ریاست و مرجعیت دینی و علمی و روحی داشتند و در مسجد (کاسه‌فروشان) اقامه جماعت می‌نمودند و در ۲۸ ماه صفر ۱۳۶۵ فوت نموده و در جنب مسجد مزبور مدفون گردیده‌اند. از آثار ایشانست مدرسه علمی جنب مسجد مذکور.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رودسرابی، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن رودسرابی

محل تولد : سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در پانزدهم شهریور سال ۱۳۳۳ شمسی در روستای رودسراب از توابع شهرستان سبزوار در یک خانواده روحانی به دنیا آمدم. در سن هفت سالگی به مکتب خانه روستا رفته و با قرآن آشنا شدم. بعداز آشنایی ابتدایی با قرآن در سال ۴۳ ـ ۴۲ با راهنمایی مرحوم پدرم که مدرس ادبیات عرب در حوزه علمیه سبزوار بود به آن حوزه وارد شدم. در حوزه علمیه سبزوار ابتدا کتابهای مقدماتی

آموزش خواندن و نوشتن و کتاب نصاب الصبیان به منظور آشنایی با لغات عربی در رأس آموزشها قرار گرفت. پس از آن کتاب جامع المقدمات که صرف و نحو ابتدایی است و کتاب سیوطی و مغنی را به عنوان آشنایی با ادبیات عرب از محضر اساتید آن حوزه در مدت تقریباً چهال سال تدریس نمودم. در سال ۱۳۴۸ برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه مشهد مقدس هجرت نموده و در مدرسه آیت الله العظمی میلانی(ره) در ادامه آشنایی با ادبیات عرب به تحصیل معانی بیان، بدیع، کتاب مختصر المعانی تفتازانی و برای آشنایی با فقه و اصول ابتدایی کتاب مختصر النافع و اصول الفقه مظفر و برای آشنایی با عقاید امامیه کتاب اعتقادات صدوق را از محضر اساتید آن مدرسه حجت هاشمی خراسانی، آقای رجائی بیرجندی و آقای نقیبی تربیتی تعلیم گرفتم.

در این دوره که تقریباً سه سال طول کشید هم زمان کارهای فرهنگی تبلیغی را شروع نموده و در ایام تبلیغ به روستاها و شهرستانها اعزام می‌شدم. در سال ۱۳۵۰ برای ادامه تحصیل به قم هجرت نمودم. درابتدا در مدرسه مهدیه تحت اشراف آیت الله العظمی مرعشی نجفی ساکن شدم و بقیه دوران را در مدرسه خان تحت اشراف آیت الله العظمی بروجردی سپری نمودم. در این دوره کتابهای سطح عالی فقه و اصول مکاسب و کفایتین، فلسفه و کلام شرح منظومه و اسفار و شرح تجدید در محضر اساتید بزرگواری همچون آیت الله صلواتی، ستوده، تقدیری، سید کاظم حائری، جوادی آملی، محمدی گیلانی، امین نجف آبادی، گذراندم. در سال ۱۳۵۷ در درس‌های خارج حوزه شرکت نموده و در بین درسها در محضر درس آیت الله وحید خراسانی مستقر شده و تا الان ادامه دارد و تقریرات درس اصول ایشان را تقریباً نوشته‌ام.

رودسری، باقر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی علاوه بر استعداد شاعری، در نویسندگی مهارت داشت و به همین جهت در سمت منشی در وزارت لاهیجان خدمت می‌کرد. این بیت از اوست:

رفاقت با درشتان باعث همواری مرد است

ز قرب آسیا، گندم از آن هموار می‌آید

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۸۳)، الذریعه (۱۲۰/۹).

رودکی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱ رودک) ابوعبداللّه جعفر بن محمد بن حکیم بن عبدالرحمن بن آدم، استاد شاعران آغاز قرن چهارم ه. (و. قریه بنج از قرای رودک سمرقند اواسط قر. سوم ه.- ف. بنج ۳۲۹ ه.ق.) وی از کودکی نابینا بود و به قولی بعدها او را کور کردند. رودکی به سبب تقرب به امیر نصر سامانی و صلات و جوایز او و وزیران و رجال دربارش ثروت و مکنت فراوان تحصیل کرد. از ابیات و قطعات و قصاید و غزلهای معدودی که از رودکی باقی مانده به نیکی می‌توان دریافت که این شاعر در فنون مختلف شعر استاد و ماهر بود و سخنان وی در قوت تشبیه و نزدیکی معانی به طبیعت و وصف کم نظیر است و متانت و انسجام خاص در سخن او مشهود است. روح طرب و شادی از اشعار او آشکار است. مهمترین اثر رودکی کلیله و دمنه (ه.م.) منظوم است، دیگر یک مثنوی به بحر متقارب (فعولن فعولن فعولن فعول.) و یک مثنوی به بحر خفیف (فاعلاتن مفاعلن فعلن) و یک مثنوی به بحر هزج مسدس (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل.) و یک مثنوی دیگر به بحر سریع (مفتعلن مفتعلن فاعلات) است، و به جز این مثنویها انواع شعر از قبیل قصیده و قطعه و غزل و رباعی در موضوعات دیگر داشته که از آنها اندکی به ما رسیده است.

(وف ۳۲۹ ق)، شاعر. مشهور به سلطان شاعران، استاد شاعران و آدم‌الشعراء. در قریه بنج از توابع رودک سمرقند متولد شد. بیشتر مورخان معتقدند که کور مادرزاد بود و در هشت سالگی قرآن را حفظ کرد و قرآآت مختلف را آموخت. ابوعبداللّه در موسیقی ماهر بود و از صدای خوش بهره‌مند. وی نخستین بار به شعر فارسی ضبط و قاعده‌ی معین داد و آن را در موضوعات مختلفی از قبیل داستان و غزل و مدح و وعظ و رثاء و جز آن به کار برد. رودکی شاعر دربار سامانیان بود و اختصاص او به دربار نصر بن احمد بود و دیگر درباریان را نیز مدح گفت. وی در زادگاه خود درگذشت. آثار وی: «دیوان» اشعار؛ «کلیله و دمنه» منظوم و مثنوی‌های دیگر. امروز از اشعار رودکی که بالغ بر صد هزار بیت بوده است بیش از هزار و اندی بیت بیشتر در دست نیست.[۱]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] با کاروان حله (۱۸ -۱۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۸۹ -۳۷۱/ ۱)، تاریخ ادبی ایران (۶۶۸ -۶۶۴، ۵۲۲ -۵۲۱، ۲۹ -۲۷/ ۱)، تاریخ برگزیدگان (۴۲۱ -۴۲۰)، تاریخ سیستان (۳۲۳ -۳۱۶)، تاریخ گزیده (۷۳۲)، تاریخ موسیقی (۱۵۸ -۱۵۶/ ۱)، تاریخ هنرهای ملی (۷۳۰ -۷۲۹/ ۲)، تذکره الشعراء (۳۹ -۳۶)، چشمه‌ی روشن (۲۶ -۱۷)، چهار مقاله (۵۴ -۵۲)، دائرةالمعارف الاسلامیه (۲۲۱ -۲۱۸/ ۱۰)، دایرةالمعارف فارسی (۱۱۱۵ -۱۱۱۴/ ۱)، الذریعه (۳۹۰ -۳۸۹/ ۹، ۲۰۷/ ۳)، رباعی و رباعی‌سرایان (۹۹)، ریحانه (۳۴۲ -۳۳۸/ ۲)، سخن و سخنوران (۲۵ -۱۸)، سرآمدان فرهنگ (۴۰۶ -۴۰۵/ ۱)، سیری در شعر فارسی (۲۱۹ -۲۱۴)،

فرهنگ ادبیات فارسی (۲۳۹ -۲۳۸)، فرهنگ سخنوران (۴۰۲ -۴۰۱)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۴۶۱/ ۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۱۰ -۳۰۹)، الکنی و الالقاب (۲۸۴/ ۲)، گنج سخن (۱۴ -۱/ ۱)، گنج و گنجینه (۵۰۹ -۵۰۳)، لباب الالباب (۹ -۶/ ۲)، لغت نامه (ذیل/ رودکی)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۸ -۳۳۷/ ۲)، مجمع الفصحا (۶۸۸ -۶۸۱/ ۲)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۴۰۷)، معجم البلدان (۵۹۰/ ۱)، هفت اقلیم (۳۴۳ -۳۳۵/ ۳).

روزبه شیرازی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از احوال و آثار وی اطلاع چندانی در دست نیست جز اینکه از شاعران سده‌ی یازدهم بوده و در جنگها اشعاری به نام او آورده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۵۴/۲)، فرهنگ سخنوران (۴۰۲).

روزبه نکتی لاهوری

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، شاعر، متخلص به نکتی یا نکهتی. از شاعران پارسی‌گو در سده‌ی پنجم قمری بوده و اشعاری در مدح سلطان مسعود غزنوی سروده است و تا روزگار سلطان ابراهیم در قید حیات بوده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۰۱ -۶۰۰ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۴۲)، شاعران بی‌دیوان (۵۶۵ -۵۶۴)، فرهنگ سخنوران (۴۰۲)، لباب الالباب (۵۸ -۵۷ /۲)، لغت نامه (ذیل/ روزبه)، هفت اقلیم (۳۴۴/۱).

روزبه، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۲ -۱۳۰۰ ش)، استاد، فیزیکدان، ریاضیدان، ادیب، فیلسوف، فقیه و زاهد. در زنجان به دنیا آمد و تحت تعلیمات عالیه پدرش و عمویش که هر دو عالم و زاهد بودند قرار گرفت. در دبستان و دبیرستان هم از نظر درس و هم از جنبه فضایل اخلاقی دانش‌آموزی برجسته بود. با پایان گرفتن تحصیلات دبیرستانی به کار تعلیم و تربیت در دبستان توفیق زنجان پرداخت. استعداد عالی و روزش کار بی‌نظیرش در زمینه‌ی تعلیم و تربیت او را در این امر بسیار موفق ساخت. در ۱۳۳۰ ش وارد دانشکده‌ی علوم دانشگاه تهران شد. در تصحیلات عالیه هم دانشجویی ممتاز و بی‌رقیب بود. پس از فراغت از تحصیل در رشته‌ی فیزیک تحقیقات خود را در این زمینه‌ی پی‌گیر شد و به عنوان محقق فیزیک شناخته شد. رساله‌ی پایان‌نامه‌ی تحصیلی‌اش در زمینه‌ی «مطالعه در آثار میدان الکتریکی و رادیاسیون و گاز ازن روی موجودات زنده» بود، و در پایان رساله طرح جدیدی برای استفاده از گاز ازن را در پزشکی ارائه داد. با وجود پیشنهادات مکرر برای احراز کرسی تدریس دانشگاه به سمت دانشیاری دکتر هوشیار، و همچنین عضویت در مجامع تحقیقی غرب همراه مزایای کلان مادی، وی پایه‌گذاری دبیرستان علوی و تدریس در آن را ترجیح داد و تمام عمرش را صرف انسان‌سازی کرد و شاگردانی تربیت کرد که به گفته‌ی خودش هر کدام یک مدرسه‌ی علوی بودند. در کنار تحقیقات گسترده در زمنیه فیزیک استاد روزبه در مساله تعلیم و تربیت نیز نظری صائب و متقن داشت. تسلط کامل وی بر معارف اسلامی و تفسیر قرآن و فقه و اصول چشمگیر بود. «رسائل» و «مکاسب» را به خوبی می‌دانست. با ادبیات عرب و زبان فرانسه کاملا آشنا بود. در بعد اخلاق نیز شخصی نمونه و کم‌نظیر بود. پاکی و صفا و زهد بی‌ریای او، حاکی از شاخص بودنش در این زمینه بود. او انسانی بود که همه‌ی مصلحان جهان آرزوی یافتن مثل او را داشتند. استاد روزبه تالیفات و تحقیقات متعددی در زمینه‌ی علوم مثبته و نیز فقه دارد. حتی در آخرین شب حیاتش به تجدید نظر در این تالیفات مشغول بود. او همگی این آثار را در پایان عمر به یکی از شاگردان فاضلش سپرد تا به چاپ برساند. سرانجام به بیماری سرطان از دنیا رفت و در قم در گورستان نو به خاک سپرده شد. از آثار وی: «خداشناسی»، که توسط جامعه مدرسین منتشر شده است؛ «عربی آسان»، که محصول کار اواخر عمر استاد با همکاری استاد شهید سید کاظم موسوی می‌باشد؛ رسائل بسیاری در علوم و فقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بیادبود استاد روزبه، کیهان فرهنگی (س ۴، ش ۸، ص ۵۳ -۵۲).

روزبه، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن روزبه

محل تولد : بروجرد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۲

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و در سال ۷۱ همزمان تحصیلات کلاسیک را از مقطع سوم راهنمایی شروع نموده تا سال ۱۳۸۰ کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی از دانشگاه علامه طباطبایی اخذ نمودم. اکنون دانشجوی دکترای مدرس معارف اسلامی گرایش انقلاب دانشگاه باقرالعلوم هستم. از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۴ مدت شش سال درس خارج شرکت کردم از سال ۱۳۸۰ تاکنون مشغول مطالعه و تحقیق در موضوعات مختلف سیاسی مذهبی می باشم که خاصل آن تألیف چند مقاله و کتاب بوده است.

روزبهان صبری اصفهانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از سادات اردستانی اسکن اصفهان بود و معاصر شاه طهماسب صفوی. مدتی در قزوین به سر برد و در آنجا به شاعری پرداخت در ابتدای شاعری فارس تخلص می‌کرد و سپس به صبری تغییر داد. وی بیشتر در قالب غزل طبع‌آزمایی می‌کرد.

بیت زیر از او است:

آن کیست که از شرم و حیا پرده‌نشین است

و زدیدن گستاخ منش چین به جبین است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۵۸ -۹۵۶ /۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۳۸/۵)، عالم آرای عباسی (۱۸۵/۱)، کاروان هند (۴۸۲/۱)، هفت اقلیم (۴۲۴ -۴۲۲ /۲).

روزبهانی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا روزبهانی

محل تولد : بروجرد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۷ وارد حوزه علمیه شدم که تا سال ۱۳۷۶در شهرستان بروجرد و از آن پس در حوزه علمیه قم سپری شد.

تخصص این جانب کندو کاو پیرامون ادیان و بالاخص فرقه بهائیت است، که از سالهای تحصیل در بروجرد آغاز شد . تا کنون علاوه بر تدریس دوره های مختلف عمومی و تخصصی مبانی و تاریخ فرقه بهائی تعداد ۲ جلد کتاب و تعدادی مقاله تالیف نموده ام که تماماً درباره موضوع بهائیت بوده است.

هم اکنون نیز آماده همکاری با نهاد های پژوهشی در زمینه فرق و خصوصاً فرقه ضاله بهائیت هستم

روزگار، طالب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید طالب روزگار متولد ۱۳۲۲ ش دارای دکترای رشته باغبانی عضویت هیئت علمی دانشگاه تورنتوی کانادا با درجه دانشیار باشد. وی دارای تحقیقات وآثار پیرامون کشت مرکبات مدیترانه ای در نواحی سردسیر می باشد.گروه : کشاورزیرشته : باغبانیتحصیلات رسمی و حرفه ای : سید طالب روزگار دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه شیراز کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از

دانشگاه شیراز دکترای رشته باغبانی ازدانشگاه واشنگتن میباشد.خاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته باغبانی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی سید طالب روزگار بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : سید طالب روزگار در کنار تحصیل به مطالعه ،پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : سید طالب روزگار پس از اخذ مدرک دکتری در رشته باغبانی به عضویت هیئت علمی گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی دردانشگاه تورنتوی کانادا در آمد وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید طالب روزگار عضو هیئت علمی و دانشیار گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه تورنتوی کانادا است.فعالیتهای آموزشی : سید طالب روزگار سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی تورنتوی کانادا به تدریس دروس تخصصی رشته باغبانی و پرورش میوه می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سید طالب روزگار در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : سید طالب روزگار از جمله دانشمندان علم باغبانی است که تحقیقات و پژوهشهای و تلاشهای علمی عمیق و وسیعی درباره کشت مرکبات مدیترانه ای در نواحی سردسیر انجام داده است.آثار : کشت مرکبات مدیترانه ای در نواحی سردسیر کانادا

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

روستایی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن روستایی در سال ۱۳۴۲. ش در شهر درود - لرستان به دنیا آمد.وی بیش از ۱۲ سال است که از پژوهشگران و کارشناسان ارشد اسناد تاریخی سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی ایران می‌باشد. کتاب" تاریخ طب و طبابت در ایران " تالیف وی ، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محسن روستایی بیش از ۱۲ سال است که از پژوهشگران و کارشناسان ارشد اسناد تاریخی سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی ایران می‌باشد

جوائز و نشانها : محسن روستایی در سال ۱۳۸۰ از سوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور به عنوان پژوهشگر نمونهٔ سال برگزیده شد.از دیگر افتخارات ایشان انتخاب کتاب" تاریخ طب و طبابت در ایران " تالیف وی ، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال می باشد.

چگونگی عرضه آثار : محسن روستایی حدود ۶۰ مقالهٔ تحقیقی و مبتنی بر سند در مجلات معتبر کشور به چاپ رسانده است. آخرین پژوهش‌های ایشان کتاب دوجلدی در تاریخ نخستین فرهنگستان ایران به روایت اسناد است که پس از ده سال تفحص و ۳تحقیق برای چاپ آماده شده است. --

آثار :

۱ اسناد مطبوعات ایران (۱۳۲۰ - ۱۳۳۲ ش.)

ویژگی اثر : ۴ جلد

۲ اعتضاد فرهنگ

۳ تاریخ طب و طبابت در ایران

ویژگی اثر : ۲ جلد،تالیف،این کتاب ، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب :تاریخ طب و طبابت در ایران (از عهد قاجار تا پایان عصر رضا شاه) تاریخ طب و طبابت در ایران (از عهد قاجار تا پایان عصر رضا شاه) به روایت اسناد / محسن روستایی. - تهران: سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲. ۲ ج.: مصور. کتابنامه. مندرجات: ج ۱. قوانین و نظامنامه‌های طبی، گزارشات صحی و بهداشتی، ایجاد مدارس عالی طب و مراکز صحی و درمانی و... ج ۲. شرح حال طبیبان نامدار و ناشناخته ایران. شناخت تاریخ و تحولات هریک از علوم و دانش‌ها، در شناخت هویت آن علوم از یک سو و شناخت هویت فرهنگی و تاریخی ملت‌ها از سوی دیگر نقشی به سزا دارد؛ و از این میان تاریخ طب و طبابت به دلیل گستردگی آن و آثاری که دانش طب در دو حوزهٔ تخصصی و عمومی دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بررسی تحولات طب و طبابت در ایران، نیاز به تحقیقات گسترده و دامنه‌داری دارد که با توجه به شرایط تاریخی خاص هر دوره، می‌بایست پژوهش و نگرش متناسبی را طرح‌ریزی کرد و سپس به ثمر نشاند. نویسندهٔ کتاب با مراجعه به حدود ۲۰۰۰ فهرست با انتخاب اسنادی مشتمل بر اعلانات، گزارش‌های صحی و طبی، استشهادنامه‌های محلی راجع به اطبا، تصدیقنامه‌ها و پرونده‌های دیوانی طبیبان و اسناد مدرسهٔ طب دارالفنون... و خلاصهٔ هر سندی که از دیدگاه یک پژوهش اسنادی و تاریخی می‌توانسته است گرهی از تاریخ طب و طبابت را باز کند، طرح جامع تاریخ طب ایران را پی‌ریزی نموده است. نویسنده در جلد اول کتاب کوشیده است خوانندگان را با سیر تحول و روند تاریخی طب و طبابت در ایران (عهد قاجار و پهلوی) آشنا سازد و این مقوله از تاریخ را تبیین و بررسی نماید و با استناد به فصول کتاب، رابطه‌ای منطقی میان

اسناد نو یافته، با منابع موجود و قابل اعتنا ایجاد نماید. فصول و اسناد مربوط به قوانین طبابت، اعلانات و گزارشات صحی، انعقاد قرارداد میان دولت ایران با اطبای فرنگی و اسناد مربوط به اوضاع بهداشتی و شیوع بیماری‌های مسری نسبت به سایر بخش‌های کتاب از تنوع و نوآوری بیشتری برخوردار است. جلد دوم کتاب هم منحصراً اختصاص دارد به شرح حال رجال طبیبان عهد قاجار و اوایل عهد پهلوی که به تناسب، نقش علمی و تاریخی که ایفا نموده‌اند، تنظیم و نوشته شده‌اند. این جلد از دو قسمت مجزا تشکیل شده است، بخش اول شامل شرح حال ۱۹۱ نفر از رجال طبیبان و با محوریت سند تألیف و تنظیم شده است. قسمت دوم نیز شامل کتابچهٔ مستندی است از ۲۱۳ نفر از طبیبان عهد قاجار و پهلوی که فهرست‌وار اطلاعات مربوط به آنان در این کتابچه تقدیر شده است

روستائیان، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترا در رشته شیمی آلی.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده علوم دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق در آزمایشگاه شیمی گیاهی دانشگاه شهید بهشتی، بررسی مواد طبیعی موجود در گیاهان و تعیین ساختمان مولکولی آنها، اثرات بیولوژیکی مواد طبیعی استخراج شده، ترپنوئیدهای شناخته شده از گیاهان بومی ایران، شیمی تجزیه در مورد اصول انواع کروماتوگرافی، کاربرد اسپکتروسکوپی به منظور تعیین ساختار مولکولی مواد طبیعی خالص شده، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۱۲ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶۸

زمینه علمی مقالات:

استخراج و تعیین ساختار مولکولی مواد طبیعی (ترپنوئیدها) در گیاهان بومی ایران.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

روشن اصفهانی، محمدصادق صحاف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۵ ق)، عارف و شاعر، متخلص به روشن. وی در اصفهان متولد شد و پیشه‌ی صحافی داشت. در اثر مهارت و شهرت به این کار، عهده‌دار مجلدگری و شیرازه‌بندی کتابهای نفیس در دارالطباعه‌ی تهران گردید. سرانجام در تهران وفات یافت و جنازه‌اش را جهت دفن به عتبات بردند. «دیوان» اشعارش به نام «بستان السعاده» در تهران به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۳۸۳)، حدیقه الشعراء (۶۹۴ -۶۹۱ /۱)، الذریعه (۹۹۸/۹)، طرائق الحقائق (۱۶۶ -۱۶۵ /۳)، فرهنگ سخنوران (۴۰۳)، مجمع الفصحا (۳۳۰ -۳۲۲ /۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۱ -۴۹۰ /۳).

روشن اصفهانی، هاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر، متخلص به روشن. از اعضای قدیمی انجمن ادبی شیدا بود و در شهر یزد سکونت داشت. اشعارش در مجله «دانشکده» دوره اول به طبع رسید. در علوم قدیمی صاحب اطلاع بود و در علوم جدید نیز مطالعه زیادی داشت. «دیوان» شعر وی به نام «بستان السعاده» به چاپ رسیده است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۲۲)، الذریعه (۳۹۱/۹).

روشن تن، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل روشن تن

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۸-۶۹وارد حوزه علمیه تبریز شدم و بعد از دو سال تحصیل در آنجا، سال ۷۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه حقانی و مدرسه معصومیّه مقدمات را به اتمام رساندم. در سال ۷۷ موفق به اتمام سطح شدم و اتمام سطح هم بخاطر شرکت در آزمون به صورت ارتقایی بود سرانجام در سال ۷۹-۷۸ وارد رشته تخصصی سطح ۴ حوزه شدم و سال ۲-۸۱ فارغ التحصیل گشته و هم اینک موضوع رساله سطح ۴ خود را در ردّ آرای یکی از دین پژوهان مهاجر عرب آقای نصرحامد ابوزید در دست طرح و تدوین دارم و انجام می‌دهم لازم به ذکر است که مقالات متعددی را اینجانب تألیف کرده‌ام که بعضی از آنها به چاپ رسیده و برخی به زیور طبع آراسته نشده است و در خلال کارهای علمی دو رساله تصور و تصدیق از صدر المتألهین و قطب شیرازی را ترجمه کرده‌ام که چاپ نشده‌است و هم چنین رساله بحوث فی التوحید و الشرک حضرت استاد آیت الله سبحانی را به عنوان تحقیق درسی ترجمه نموده ام هم زمان با اشتغال به روش سطح در خارج فقه (بیع) حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی و فقیه مرحوم حضرت آیت الله میرزا جواد آقای تبریزی و اصول حضرت آیت الله سبحانی و حجت الاسلام و المسلمین صادق لاریجانی شرکت کردم و حاصل آن حضور، تقریراتی است که نگاشته شده است و هم اینک علاوه بر کارهای تحقیقاتی و پژوهشی ضمن تدریس دروس حوزه به کارهای فقهی و تحقیقات فروع فقهی با تنی چند از دوستان مشغول هستم با این امید که مرضی رضای حق تعالی قرار بگیرد. انشاءالله

روشن جهرمی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۳۰ -۱۲۸۰ ق)، شاعر. ملقب به روشنعلی. اهل جهرم فارس و از طایفه خاکسار بود. روشن، مرید پیر جلال‌الدین حسین بود. او بسیاری از شهرهای ایران را سیاحت کرد. در قریه‌ی شمس‌آباد درگذشت و در آنجا دفن است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۴۰۳)، مرآت الفصاحه (۲۵۲ -۲۴۹).

روشن شیرازی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۱ -۱۲۱۵ ق)، شاعر، متخلص به روشن. در شیراز به دنیا آمد و در همان جا تحصیل کرد. مدتی متولی آستانه‌ی سید میر احمد شاهچراغ بود. وی در سرودن شعر توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی طلعت (۹۷)، حدیقه الشعراء (۶۹۵/۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۵۵ -۶۵۴ /۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۴۵ -۹۴۴ /۲)، فرهنگ سخنوران (۴۰۳)، مرآت الفصاحه (۲۴۸ -۲۴۷)، مکارم الآثار (۵۵۰/۲).

روشن ضمیر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۷۷ ق)، شاعر. از شاعرانی است که در دوره‌ی صفویه به هند رفت و در بندر سورت می‌زیست. از او در مثنوی باقی مانده است به نامهای: «گدای باخرزی» و مثنوی دیگر که عنوان ندارد و شاید بتوان آن را مثنوی «روشن ضمیر» خواند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۶۰)، منظومه‌های فارسی (۲۹۲ -۲۹۱).

روشن نوری، هدایت‌اللّه

قرن:۱۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز ح ۱۲۵۲ ق)، شاعر. وی از وزیران و مستوفیان بنام دوره قاجار بود و در روزگار حکومت خانلر میرزای احتشام‌الدوله به یزد رفت و منصب استیفای آنجا را بر عهده داشت. از اوست:
کنم از خوف دل رخساره گلگون
که در محشر رخ خونین پسندند
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۶۹۶ -۱/ ۶۹۵).

روشن یزدی، رضا

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو ۱۳۰۰ ش)، شاعر، متخلص به روشن. از اهالی یزد بود. تحصیلات قدیم داشت و به شغل بازرگانی مشغول بود. از اوست:
مستان باده حلقه به هر در نمی‌زنند
می جز زجام ساقی کوثر نمی‌زنند
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره سخنوران یزد (۸۱۷ -۸۱۶).

روشن، امانت‌اللّه

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو ۱۲۸۶ ش)، مدرس و نویسنده. وی در تهران متولد شده و در سال ۱۳۰۷ ش به اروپا عزیمت کرد و یک سال در لیسه شهرانسی و سپس در دانشکده‌ی علوم بزانسون و پاریس به تحصیل در رشته‌ی فیزیک و ریاضی مشغول شده و به مدرک لیسانس نایل شد. سپس در لابراتورهای دانشگاه پاریس به مطالعه و تحقیق در موضوع تولید و پخش حرارتهای شدید مبادرت کرد به وضع قانون و طریق جدیدی برای محاسبه حرارت شعله‌ها نایل شد و در قسمت تجربی به ساختن دو فقره اسبابهای علمی موفق گردید. وی پس از اخذ دیپلم دکتری در علوم به ایران مراجعت کرد. و از سال ۱۳۲۴ ش در دانشسرای عالی به سمت دانشیار فیزیک اشتغال ورزید. از آثار وی: «فیزیک گرما»؛ «تئوری سنتیک گازها»؛ «فیزیک، ترمودینامیک»؛ «فیزیک عمومی، الکتریسیته»؛ «فیزیک عمومی، ماده و انرژی»؛ «فیزیک نجومی خورشید».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۶۶۵ -۱/ ۶۶۲).

روشندل شهرکردی، حسین اعمی

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو ح ۱۳۲۰ ق)، شاعر، متخلص به ذاکر و روشندل. در سه سالگی به علت ابتلاء به مرض آبله از هر دو چشم نابینا شد. دارای ذهن و هوش سرشاری بود به طوری که در سن دوازده سالگی قرآن را از حفظ داشت با این که نابینا بود اندکی تحصیل کرد و خط را خوب می‌نوشت و از وعاظ شهرکرد بود. از آثار وی: «مصیبت نامه»، که دو هزار بیت منظوم است؛ «مناجات نامه»؛ «دیوان» اشعار.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۲۳)، الذریعه (۳۹۱/۹).

روشنی همدانی

قرن:۱۰
جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از همدان بود و در آن ولایت نشو و نما یافت و در حدود سال ۱۰۱۰ ق به ابرقوه رفت در روزگار اکبرشاه به هندوستان رفته و در آن سامان زیسته و شعر سروده است و در آنجا ازدواج کرد و تتبع مثنوی «فرهاد و شیرین» کرده است. از او است:

بر من نسیم وصل او مشکل وزد کز بخت بد

باد سموم از خاک من برچیده دامان می‌شود

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۶۰/۱)، تذکره‌ی روز روشن (۳۱۹ -۳۱۸)، الذریعه (۳۹۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۰۴)، کاروان هند (۴۸۳ -۴۸۲ /۱).

روشنی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ حسین روشنی از علماء و ائمه جماعت معاصر تهران و داماد مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ هدایت‌اللَّه وحید گلپایگانی می‌باشد.

وی در حدود سال ۱۳۴۵ ق در (گوگد) که یکی از مضافات گلپایگان است متولد و پس از خواندن مقدمات به قم مهاجرت (چندی در مدرسه دارالشفاء هم حجره نگارنده بودند) و در حوزه علمیه سطوح را از مدرسین عالی حوزه خوانده و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و بعضی آیات دیگر استفاده نموده و در سال ۱۳۷۴ ق به تهران منتقل و تاکنون در مسجد خیابان ایرانمهر به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: جناب آقای روشن از دانشمندان متقی و با متانت و موصوف بورع و محامد اخلاق و آداب می‌باشد و هرگز از وی مکروهی ندیده و نشنیده‌ام ادام اللَّه توفیقه و کثر اللَّه آثاره.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

روضاتی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میر سید احمد روضاتی اصفهانی بن مرحوم حجهٔالاسلام و المسلمین حاج سید محمد باقر بن مرحوم علامه فقیه آیت‌اللَّه آقا میرزا جلال‌الدین روضاتی ابن مرحوم علامه کبیر شهیر آیت‌اللَّه اقا سید محمد مسیح بن مرحوم علامه مشهور در آفاق آیت‌اللَّه العظمی آقا سید محمد باقر خونساری صاحب کتاب معروف (روضات‌الجنات) از علماء معاصر تهران است. وی در هفتم ماه رجب سال ۱۳۴۷ ق در اصفهان بدنیا آمده و پس از تحصیلات علوم جدید بتحصیل علوم دینی پرداخته و مقدمات و سطوح عالی را در اصفهان خوانده آنگاه به قم آمده و کفایه را از محضر آیت‌اللَّه العظمی مرعشی نجفی مد ظله و آیت‌اللَّه حاج شیخ مرتضی حایری فراگرفته و بدرس خارج مرحومین آیتین خونساری و حجت شرکت نموده و در خلال آن شرح تجرید و شرح شوارق لاهیجی را از حضرت آیت‌اللَّه العظمی حاج احمد خونساری مد ظله استفاده نموده و از محضر و درس فقه و مقداری اصول آیت‌اللَّه العظمی بروجردی اعلی اللَّه مقامه بهرەمند گردیده و تقریرات دروس ایشان را برشته تحریر درآورده خصوصا مسئله لباس مشکوک را بصورت رساله جداگانهای بنام (السبیل المسلوک فی اللباس المشکوک) نوشته و پس از ده سال اقامت در قم باصفهان مراجعت و بتدریس معالم و شرح لمعه در مدرسه صدر و اقامه جماعت در مساجد اجداد خود مانند (مسجد البادران هنگام ظهر و مسجد خیابان هنگام شب و مسجد شیخ بهائی هنگام صبح) و بیان درس تفسیر قرآن کریم برای مؤمنین اشتغال داشته سپس بر حسب تصادف به تهران آمده و جمعی از مومنین و نماز گزاران (مسجد الرحمن) واقع در شمال تهران از معظم له برای اقامه جماعت در آن مسجد تقاضا نموده و ایشان هم اجابت و تا این تاریخ بانجام وظیفه اشتغال دارد.

نگارنده گوید: علامه روضاتی معاصر را از اولی که در حوزه علمیه قم دیده و آشنا شده اهل مطالعه و تألیف و تصنیف یافتم همواره موفق بوده و میباشد و از تالیفاتی که از آن جناب بطبع رسیده کتب زیر می‌باشد:

۱- کتاب (المستدرکات علی روضات الجنات) که مدت ۱۲ سال در تألیف آن رنج برده و هر چه از قلم جدش در اصل کتاب ساقط شده از تراجم دانشمندان شیعه و سنی همه را با مدارک متقن تا عصر حاضر استدراک نموده که با اصل روضات طبع میشود.

۲- کتاب (مناهج المعارف یا فرهنگ عقاید شیعه) که اصل کتاب از تألیفات جد اعلای وی مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج میرزا ابوالقاسم خونساری معروف به میر کبیر است که از شاگردان علامه مجلسی صاحب بحارالانوار بوده و یکدوره اصول دین را بفارسی در کمال تحقیق تألیف فرموده و این کتاب در (۳۰۰ صفحه) بطبع رسیده و نصف از کتاب پاورقی‌های مبوسط ایشانست و مقدمه مبسوطی مشتمل بر شرح حال مؤلف و خاندان و فرزندان او نوشته است و کتاب بسیار نفیسی میباشد.

۳- (سلسله المخطوطات) و آن عبارت از چاپ کتابهای دانشمندان قدیم است که چاپ نشده بضمیمه مقدمه و پاورقیها که دو نمونه آن بطبع رسیده است:

۱- کتاب (النهریه) که چهار رساله فقهی است با مقدمه و پاورقی ایشان که در سال ۱۳۷۷ ق بطبع رسیده.

۲- کتاب (زواهر الجواهر) که با مقدمه و تذییل ایشان در سال ۱۳۷۹ چاپ شده است.

۳- کتاب (گفتگوی شیعه و سنی) که تاکنون دو مرتبه چاپ شده است.

۴- کتاب (فلسفه روزه) که نیز دو مرتبه بطبع رسیده است.

۵- کتاب (میزان‌الانساب) که اصلش از تألیفات جد وی مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا محمد هاشمی چهار سوقی صاحب (کتاب مبانی الاصول) با مقدمه و تذییل زیادی از ایشان در سال ۱۳۷۳ ق چاپ شده است.

۶- کتاب (فوائد منطقی) با شرح کبرای منطق که اصل آن تألیف اسفرائینی با مقدمه و پاورقی در سال ۱۳۸۵ در اصفهان چاپ شده است.

۷- مقدمه مبسوطی بر کتاب سفینه البحار مرحوم محدث قمی.

۸- مقدمه بر کتاب رسائل شیخ انصاری.

۹- مقدمه بر کتاب حاشیه جواد بر قوانین که بطبع رسیده است.

۱۰- ندای شیعه از انتشارات (مسجد الرحمن) که تاکنون چندین شماره آن بنامهای زیر چاپ شده: ۱- چرا امام حسین علیه‌السلام قیام فرمود. ۲- چرا ما باید فقط مسلمان باشیم ۳- بررسی کوتاهی از شخصیت حضرت زهراء علیهاسلام. ۴- چرا ما باید فقط شیعه باشیم.

۱۱- کتاب (شیعه و ترقیات شگفت‌آور آنان) که در طی ۱۲ شماره از روزنامه چهل ستون از شماره ۱۴۲ تا (۱۵۵) سال هزار و سیصد و هفتاد و چهار قمری در اصفهان چاپ شده است.

اما تألیفات چاپ نشده آن جناب از این قرار است:

۱- السبیل المسلوک در لباس المشکوک.

۲- (مغانم الفصول فی شرح معالم الاصول) که شرح مزجی بر کتاب معالم الاصول است و مرحوم علامه رازی در (جلد ۱۴ کتاب الذریعه ص ۷۰) و در حرف میم هم در جلد ۲۱ ص ۲۹۳ آن را ذکر کرده است.

۳- رساله در عدالت.

۴- سیر علم الاصول فی مختلف العصور که تاریخچه‌ای است از علم اصول.

۵- موقظ الاعلام فی تراجم الاسره و الاقوام در سه مجلد تألیف نموده و شرح حال و تراجم سه خاندان بزرگ در آن ذکر شده و مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی هم در کتاب (مصفی المقال فی مصنفی علم الرجال در صفحه‌ی ۶۴ آنرا معرفی کرده است).

۶- کتاب (المشایخ و الاساتذه) که شرح حال اساتید و مشایخ اوست و مرحوم صاحب الذریعه در جلد ۲۱ ص ۳۹ آن را یاد کرده است.

۷- کتاب محاسن الاجازات فی سلسله الروایات که نیز آن مرحوم در جلد ۲۰ ص ۱۳۳ آنرا تعریف نموده.

۸- کتاب (سیره صاحب الروضات و حیاته العلمی)

۹- کتاب (علماء الاسره) که شرح حال علماء خاندان خود را نوشته است.

۱۰- کتاب مناظرات مذهبی در ۳ مجلد که جلد اول آن بنام (گفتگوی شیعه و سنی) چاپ شده است.

۱۱- صوفی بازی در ۲ جلد رد بر صوفیه.

۱۲- پاسخ پرسشها در سه مجلد که جلد اول آن (فلسفه روزه) بچاپ رسیده.

۱۳- فرهنگ منظوم یا شرح نصاب.

۱۴- فلسفه نماز.

۱۵- در پیرامون کتاب فلسفه روزه.

۱۶- کتاب ماحرای (ریش و سبیل) در اثبات حرمت ریش تراشی نوشته است.

۱۷- گمراهان باب و بهاء.

۱۸- کتاب (الفوائد النمینه) در دو مجلد که صاحب الذریعه در جلد ۱۶ صفحه‌ی ۳۲۹ یاد کرده است.

۱۹- قلائد العقیان ترجمه سوره حمد از تفسیر تبیان شیخ طوسی.

۲۰- ترجمه مسکن الفوائد شهید ثانی.

۲۱- کتاب (الوجوه الکشره فی ترجمه ابن العشه که شرح حال عجیب و غریب ابن العشره است و مختصر آنرا در مقدمه (زواهر الجواهر) بطبع رسیده است.

۲۲- حواشی بر کتب درسی.

۲۳- حواشی بر کتب رجالی.

علامه روضاتی معاصر دارای بیست و سه اجازه روایتی جامع و غیره از آیات عظام و مشایخ کرام اجازه گذشته و معاصرین میباشد که برای رعایت اختصار از ذکر آنان خودداری نمودم و شرح حال و مآثر و آثار آن جناب را اکثر نویسندگان رجالی حاضر در کتب خود ذکر کرده‌اند و ترجمه و شرح احوال خاندان و اسلاف جلیل ایشان زینت‌بخش کتب رجالی میباشد و ما بعضی از آنها را در باب اصفهان نگاشتیم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

روضاتی، جلال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیه‌الله آقا میرزا جلال‌الدین روضاتی بن آیه‌الله العظمی آقا میرزا مسیح روضاتی در ۲۱ ماه صفر ۱۲۸۳ در اصفهان متولد شده و در فقه و اصول بدرجه عالیه اجتهاد رسیده و از مشایخ خود اجازه اجتهاد داشت و تمام عمر خود را بمطالعه و تألیف و اقامه جماعت و نشر احکام صرف کرد و کتابخانه بسیار نفیسی داشت که همیشه در گوشه آن مشغول تألیف بود و در خدمت مرحوم حاج میرزا بدیع و جد خود صاحب روضات و عموی خود صاحب مبانی الاصول تلمذ نموده و از جدش صاحب روضات و عمو و پدرش خود اجازه داشت و در مدت حیاتش در مسجد خیابان اقامه جماعت نموده و نشر احکام میفرمود. از آثار و تألیفات ایشانست کتاب بزرگ (مکائد الشیطان) و نیز شش جلد بزرگ که هر جلدی بیش از پانصد صفحه است در جنگ متفرقات.

در ۱۶ ماه رمضان ۱۳۶۰ قمری وفات نموده و در مقبره جدش مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

روضاتی، مجتبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در دوشنبه ۲۳ شعبان ۱۳۰۲ متولّد، و در شب ۴ شنبه ۸ رجب ۱۳۸۳ وفات یافته، از شاگردان آقا سید محمّد باقر درچه‌ای و جمعی دیگر از فضلای اصفهان بود.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

روضاتی، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بیت روضاتی اصفهان از بیوتات اصیل و ریشه‌دار علمی استان اصفهانست.

سر سلسله این بیت مرحوم مبرور سیدالفقهاء والمجتهدین آیه‌الله حاج سید محمد باقر موسوی خونساری صاحب کتاب مستطاب (روضات الجنات) میباشد.

این بیت بیش از یکقرن است که در اصفهان و غیره خدمتگزار دین بوده و هستند.

از این بیت رجال علم و دانشمندان بزرگ برخاسته‌اند و اکنون مردان با فضیلتی از این بیت در اصفهان مانند حضرت حجه‌الاسلام والمسلمین حاج سید محمود روضاتی بخدمات دینی اشتغال دارند.

از معاریف معاصر این بیت جناب حجه‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد روضاتی مقیم تهرانست.

والد آنجناب مرحوم حجه‌الاسلام والمسلمین حاج سید محمد باقر روضاتی فرزند فقیه مجتهد آیه‌الله آقا میرزا جلال‌الدین روضاتی در ۱۲ ربیع المولود ۱۳۱۶ قمری در اصفهان متولد شده و تحصیلات خود را نزد علماء اصفهان مانند مرحوم آقای حاج شیخ علی یزدی و آقا میرزا احمد مدرس اصفهانی و حاج میرزا محمد رضا خونساری و آقا شیخ محمد خراسانی و آقا سید مهدی درچه‌ای و آقای حاج میرزا محمد صادق مدرس در فقه و اصول تلمذ نموده و از مرحوم آیه‌الله آقا شیخ محمد حسین فشارکی و آیه‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله صدر و آیه‌الله حاج سید محمد تقی خونساری اعلی‌الله مقامهم اجازه روایتی داشته و تا آخر عمر در مسجد خیابان و مسجد شیخ بهائی اقامه جماعت و ترویج دین و بیان احکام نموده تا در روز ۲۹ ماه رجب ۱۳۸۳ قمری در اصفهان وفات نموده و با تشییع کم نظیری در تکیه (مقبره) جد خود صاحب روضات مدفون و جمعی از ادباء و شعراء اصفهان در رثاء ایشان قصائدی گفته‌اند از جمله آقای برنا گوید:

باقر عالم فاضل ز جهان کرد عبور

شد پناهنده بدرگاه خداوند غفور

زد رقم از پی تاریخ وفاتش (برنا)

باقر عالم و زاهد بجنان شد مسرور

۱۳۸۳ قمری

از آثار اوست کتاب کوچکی در نحو فارسی که ظاهرا شرح و ترجمه (عوامل ملا محسن) است.

۲- کتابی در شرح لغات تاریخ معجم ۳- جنگی در متفرقات شبیه کشکول.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

روضاتی، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزندش میرزا محمّد حسن از علما و ائّمه جماعت در مسجد جوزدان بود. فقیهی منزوی، و دانشمندی وارسته بود.

در ۱۳ ماه صفر ۱۲۹۸ متولّد، و در ۱۷ شعبان ۱۳۸۰ وفات یافته، در جنب تکیه ی کازرونی در تکیه‌ای مخصوص مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفاتش را صغیر شاعر معاصر گوید:

سالکی سر کرد در جمع و پی تاریخ گفت

در جزا سید حسن محشور گردد با حسین

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

روضاتی، مسیح

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیه‌الله العظمی آقا میرزا مسیح ابن العلامه صاحب روضات در ۲۷ شوال ۱۲۵۵ قمری در اصفهان متولد شده و تحصیلات خود را نزد حاج ملا حسین علی تویسرکانی و حاج شیخ محمد باقر بن حاج شیخ محمد تقی صاحب حاشیه معالم و مرحوم والدش و عم گرامش بپایان رسانیده تا از مجتهدین بزرگ و بنام اصفهان گردیده و از والد و برادرش اجازه اجتهاد داشت و در اصفهان ملجاء عوام و خواص و پناهگاه مردم و مورد وثوق همگان بود تا در نهم ذی‌الحجه ۱۳۲۵ قمری در اصفهان وفات نموده و در مقبره والدش مدفون گردیده و شعراء در رثاء او قصائدی سروده‌اند از جمله طرب گوید:

طرب ز شور پی سال رحلتش گفتا

(در آسمان چهارم مسیح یافت مکان)

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

روغن‌گر هروی، حسنعلی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. وی در هرات ولادت یافت و از شاعران دربار سلطان حسین بایقرا و از مداحان امیر غیاث‌الدین محمد یوسف شکرابی رازی بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۲۶).

روغنی استرآبادی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۰ ق)، شاعر. از شاعران استرآباد بود که در دامغان متولد شد و در روزگار جلال‌الدین محمد اکبرشاه به هندوستان رفت و در آن سامان زیست تا در سال ۹۸۰ ق که با اردوی شاهی به گجرات می‌رفت در پای قلعه ابوگرهه وفات یافت و در همان جا دفن شد. وی شاعری هزال بود و با غزالی مشهدی و معاصران خود مشاعره و مباحثه داشت. از آثار وی: «دیوان» شعر در حدود سه هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۷۹/۲)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۳۷۹/۲)، تاریخ نظم و نثر (۸۲۰، ۴۲۲)، الذریعه (۳۹۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۰۴)، کاروان هند (۴۸۶ -۴۸۳ /۱)، لغت نامه (ذیل/ روغنی)، منتخب التواریخ (۲۳۴/۳)، هفت اقلیم (۱۲۱ -۱۲۰ /۳).

روغنی قزوینی، ام‌کلثوم

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

حدود ۱۳۲۰ -۱۲۴۳ ق، از زنان مجتهد، محدث و نیکوکار. وی دختر شیخ کریم روغنی از فضلا و مدرسین قزوین بود. او علوم اسلامی را از علمای مدرس قسمت زنانه مدرسه صالحیه قزوین فراگرفت و سپس در درس فقه و اصول شیخ محمدصالح برغانی (۱۲۷۵ / ۱۲۷۰ ق) و شهید ثالث، شیخ محمدتقی برغانی (۱۲۶۴ ق) و پدرش حضور یافت. وی به همراه خانواده‌اش به کربلا-و نجف مهاجرت کرد و در درس علمای بزرگ این شهر حاضر شد. در جوانی با شیخ ابراهیم زنجانی ازدواج کرد و دارای چهار

فرزند شد که همگی آنها از علما و فضلای عصر خود بودند.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات)، ۴۳ / ۳؛ تاریخ زنجان، ۳۵۸؛ دایرةالمعارف تشیع، ۵۰۸ / ۲.

روغنی، محمدصالح

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، عالم دینی. از علمای عهد صفوی و از شاگردان میرداماد است، صاحب «ریاض العلماء» وی را از شاگردان ملا خلیل قزوینی می‌داند. آثار وی که ظاهرا همه به فارسی است عبارت‌اند از: رساله در «اکل آدم من الشجره»؛ «برکات المشهد المقدس» یا «ترجمه‌ی عیون اخبار الرضا (ع)»، که در ۱۰۷۵ ق در مشهد رضوی تالیف شده؛ «ترجمه‌ی توحید مفضل»؛ «ترمه‌ی صحیفه‌ی سجادیه»؛ «ترجمه‌ی عهدنامه مالک اشتر»؛ «ترجمه‌ی محاضرات راغب»؛ «شرح نهج‌البلاغه»؛ «شرح اشعار مثنوی»؛ شرح فارسی «دعای سمات»؛ «مقامات»؛ «الامامه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۲۹، ۱۲۸ /۱۴، ۱۰۴/۱۱، ۱۱۲/۴، ۸۸/۳، ۳۲۷/۲)، ریاض العلماء (۲۶۳/۲)، ریحانه (۳۴۳/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۸۴ -۲۸۳ /۱۱)، فوائد الرضویه (۵۴۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۲۳/۳)، مینودر (۹۳۱، ۷۶۴، ۲۰۰، ۱۹۹، -۱۹۸ /۲).

رونق سنندجی، عبداللّٰه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۸۰ ق)، تذکره‌نویس و شاعر، متخلص به رونق. اصلش از همدان بود. جدش به سنندج آمد و متوقف شد. وی نیز در آنجا متولد گردید. در خدمت والیان سندج منشی بود. وی تذکره‌ای در احوال و اشعار شعرای کردستان نگاشت و به نام امان‌اللهی والی، آن مجموعه را «حدیقه امان‌اللهی» نام گذاشت، که در تذکره‌ها به نام «تذکره‌ی صغیر» نیز معروف است. ظاهرا تذکره‌ی دیگری هم به نام «تذکره‌ی کبیر» داشته است. رونق اندکی از اشعار خود نیز را در خاتمه‌ی آن نقل نموده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۳۸ -۴۳۶ /۱)، حدیقه امان‌اللهی (مقدمه)، حدیقه الشعراء (۶۹۸ -۶۹۷ /۱)، فرهنگ سخنوران (۴۰۵)، مجمع الفصحا (۳۳۹ -۳۳۸ /۴).

رونق شهرضایی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۷ ق)، شاعر، متخلص به رونق. در شهرضا متولد شد. در وطن خویش به کسب علم و دانش پرداخت و از خدمت آقا شیخ محمدعلی زاهد که از فضلای عصر خود بود، بسیار بهره برد. مدتی در اداره دارایی و از آن پس در اداره ارتش مشغول کار شد. گاهی شعر می‌سرود. از اوست:

از من سوخته جان گر نفسی یاد کنی

به خدا خاطر افسرده من شاد کنی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۲۴ -۲۲۳).

رونق شیرازی، حسنعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۲۲ ق)، شاعر. اهل شیراز بود و در سخنوری و سخندانی توانا. از سروده‌های اوست:

عقاب روز گسترد از شرافت شهپر زرین

غراب قیر فام شب شد اندر آشیان پنهان

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۳۴)، تذکره‌ی طلعت (۱۰۰ -۹۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۵۷ -۶۵۶ /۲)، فرهنگ سخنوران (۴۰۵)، مرآت الفصاحه (۲۵۲).

رونق کرمانی، محمدحسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۲۵/۱۲۳۰/۱۲۳۵ ق)، شاعر و عارف. مشهور به رونق علیشاه. وی از نوادگان خواجه نصیرالدین طوسی بود و در بم ولادت یافت و در کرمان مسکن گزید. او شاگرد و جانشینی نور علیشاه در شهر کرمان بود و بعد از رونق علیشاه، نظام علیشاه کرمانی شاگرد و جانشین وی شد. در کرمان وفات یافت. میرزا محمدحسین در سرودن شعر استاد بود؛ چنان که گفته‌اند که پروین اعتصامی اشعار او را در دیوانش به نام خود چاپ می‌کرده است که این قول درست نمی‌نماید، چه هیچ تشابهی بین اشعار هر دو دیده نمی‌شود. از آثار وی: «دیوان» اشعار؛ «مرآت المحققین»؛ «غرایب» در احوال مشتاق علیشاه و تتمه‌ی کتاب «جنات الوصال» نور علیشاه است که سه دفتر از کتاب «جنات الوصال» از وی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شاعران کرمان (۲۶۱ -۲۶۰)، حدیقه الشعراء (۱۰۴۵/۲)، الذریعه (۲۹۲/۱۹، ۳۹۲/۹)، ریاض العارفین (۲۶۰)، ریحانه (۳۴۴ -۳۴۳ /۲)، ستارگان کرمان (۲۰۹ -۲۰۷)، طرائق الحقائق (۲۰۵/۳)، فرهنگ سخنوران (۴۰۵)، لغت نامه (ذیل/ رونق کرمانی)، مجمع الفصحا (۳۳۰/۴).

رونقی بافقی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۳۱ ق)، شاعر. در بافق متولد شد و در زمان شاه عباس به یزد رفت و در آن شهر تحصیل کرد. پس از چندی در قریه مریاباد یا مریم‌آباد حومه‌ی یزد منزلی فراهم کرد و در آنجا زندگی کرد و همان جا وفات یافت. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۱۳۸ -۱۳۷)، جامع مفیدی (۴۳۲ -۴۳۱ /۳)، الذریعه (۳۹۳/۹)، ریحانه (۳۴۴/۲).

رونقی مشهدی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۹ ق)، شاعر. اصل وی از مشهد بود. در تاریخ و انشاء صاحب آگاهی بود و در شعر و معما نیز تبحر داشت، در ایام جوانی از مشهد مقدس به دیار هند سفر کرد و در شهر گلکنده به ملازمت حضرت قطبشاه (ابراهیم) رسید، و چون مردی خوش صحبت بود منظور نظر و مقبول صحبت پادشاه قرار گرفت. مدتی در آن دیار ماند سرانجام قصد مسافرت به مکه کرد و در راه مکه از دنیا رفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کاروان هند (۴۸۶/۱).

رونقی همدانی، روزبهان

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از معاصران اختری یزدی و نزدیکان کلیم کاشانی و شاگرد شراری بود. وی در سرودن ساقی‌نامه نیز دست داشته است. در عهد شاهجهان پادشاه به هندوستان رفته و در سال ۱۰۲۶ ق به عراق معاودت کرد و بار دیگر به هندوستان رفت و همان جا درگذشت وی علاوه بر استادی در شعر و در فن موسیقی نیز مهارت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۶۰/۱)، تذکره‌ی روز روشن (۳۲۱ -۳۲۰)، تذکره‌ی میخانه (۸۳۱ -۸۲۹)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۵۷)، الذریعه (۳۹۳/۹)، کاروان هند (۴۹۲ -۴۸۷ /۱).

رونقی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته شیمی از دانشگاه مشهد در سال ۱۳۴۹، کارشناسی ارشد در رشته شیمی از دانشگاه مشهد در سال ۱۳۵۲، دکترا و فوق دکترا در رشته آنالیز و شیمی از دانشگاه میشیگان آمریکا در سالهای ۱۳۵۹ و ۱۳۶۴، فوق دکترا در رشته شیمی از دانشگاه تورنتو کانادا در سال ۱۳۷۰.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه کمپلکس‌های تشکیل شده بین CryPtands Crown Ethers با کاتیونهای مختلف قلیائی و برخی از عناصر وابسته در محیطهای غیر مائی با استفاده از روش RMN-TF، بررسی جذب سطحی پروتئین مهم cona بر روی فیلمهای طلا و لایه‌های اسید بهنیک و تیولها با استفاده از روشهای اسپکتروسکوپی و میکروسکوپی تشدید پلاسمونهای سطحی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

روشهای الکتروشیمیائی تجزیه، روشهای طیف سنجی نوری و روشهای آنالیز دستگاهی (آزمایشگاه).

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۹

زمینه علمی مقالات:

شیمی تجزیه.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

رونی، ابوالفرج

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۴۹۲ ق)، شاعر. از استادان مسلم در شعر فارسی در دوره‌ی دوم غزنوی بود. در محل تولد وی اختلاف است علی الظاهر نسبت رونی وی به جهت انتساب او به رونه از قراء نیشابور است. بنابراین می‌توان گفت اصل او گرچه از رونه بوده اما منشأ و مولد او مانند مسعود سعد، لاهور بود. شهرت او در شاعری از هنگام ورود به دربار سلطان ابراهیم بن مسعود غزنوی آغاز شد. وی پسر ابراهیم، سلطان مسعود و عده‌ای از رجال آن دوره را نیز مدح گفت. مسعود سعد خود را شاگرد او می‌خواند ابوالفرج در میان معاصران و شاعران بعد از خود به استادی مشهور بود. وی خیلی زودتر از دیگر شاعران زمان خود متوجه نو کردن سبک سخن شد و در سبک دوره‌ی او غزنوی نوآوری کرد و شیوه‌ای نو پدید آورد. انوری از پیروان سبک اوست. از ویژگی‌های سبک شناختی وی بسامد بالای زیاد لغات عربی و استفاده از اصطلاحات و افکار علمی و ابداع ترکیبات و استعارات و تشبیهات بدیع خیالی و بکارگیری ردیف‌های متعدد و مشکل است. «دیوان» وی دو هزار و اندی بیت دارد و چند بار تصحیح و چاپ شده است.[۱]

رونی بن مسعود، از شاعران بنام (ف. بین ۵۰۸ -۴۹۲ ه.ق./ ۱۱۱۴ -۱۰۹۸ م.) اصل او از «رونه» از قرای نزدیک نیشابور و مولد و منشأ او لاهور بود، و زندگانیش در دربار سلطان ابراهیم بن مسعود و مسعود بن ابراهیم گذشت. دیوانش به طبع رسیده.وی از نخستین شاعرانی است که سبک دوره اول غزنوی را ترک گفته و سبکی نو پدید آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۶۷۱ -۶۶۷ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۷۶ -۴۷۰ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۴۲)، تذکره‌ی روز روشن (۲۴)، الذریعه (۴۷ /۹)، ریحانه (۲۳۵ -۲۳۴ /۷)، سخن و سخنوران (۳۳۳)، سیری در شعر فارسی (۲۸۳ -۲۸۲)، فرهنگ سخنوران (۳۱)، لباب الالباب (۲۳۸ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالفرج)، مجمع الفصحا (۱۹۴ -۱۵۱ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۰۱)، هفت اقلیم (۳۴۴ -۳۳۹ /۱).

رویانی طبری، فخرالاسلام، ابوالمحاسن عبدالواحد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۱۵- شهادت ۵۰۲ ق)، قاضی و فقیه. اصل وی از رویان مازندران است. از عبدالغافر بن محمد فارسی حدیث شنید و از محمد بن بیان کازرونی فقه آموخت. زاهر بن طاهر شحامی یکی از شاگردان او بود رویانی یکی از مشایخ سید ضیاءالدین فضل‌اللّٰه راوندی و قطب راوندی است. وی از نظر اخلاقی و مذهبی از بزرگان عصر خود به شمار می‌رفت، موجه بود و حرمت بسیار داشت و نظام‌الملک وزیر او را به خاطر فضلش بسیار احترام می‌کرد. او سفری به بخارا داشت و در این سفر از غزنه و نیشابور نیز دیدار کرد

و با فضـلا ملاقات نمود و در مجلس درس ناصر مروزی حاضر گشت. او در آمل مدرسه‌ای ساخت و در آنجا حدیث گفت، سپس به ری آمـده و به تدریس پرداخت. سـفری نیز به اصـفهان داشت و در جامع اصـفهان حدیث گفت. سـرانجام در روز جمعه یازدهم محرم در جامع آمل پس از املاء حدیث، چون به الحاد اسـماعیلیه (باطنیه) فتوا داده بود به دست آنها به شـهادت رسید. از آثار وی: «بحر المـذهب»، در فروع که از کتب مفصـل شافعی‌هـا است؛ «مناصـیص الامـام الشـافعی» یا «نصوص الشافعی»؛ «الکافی»، در فروع؛ «حلیه المومن»؛ «التهـذیب فی غریب الحـدیث»؛ «الفروق»؛ «التحبیر»؛ «العوالی»، در حـدیث؛ «المبتـدا»؛ «حقیقه القولین»؛ «الجعفریات»؛ «تکمله السـعادات فی تکمله العبادات المسنونات»، به فارسی؛ «جمع الجوامع»؛ «التخلیص». وی در اصول و خلاف نیز تصنیفاتی دارد. در «ریاض العلماء» وی را شیعه مذهب دانسته که به تقیه روزگار می‌گذرانیده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۲۴/۴)، ایضاح المکنون (۱۳۰/۲)، خاتمه مستدرک الوسائل (۱۰۹/۳، ۱۷۷، ۱۷۵- ۱/ ۱)، ریاض العلماء (۲۷۹ -۲۷۶ /۳)، ریحانه (۳۴۵ -۳۴۴ /۲)، شهیدان راه فضیلت (۷۷ -۷۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۸/۶)، کشف الظنون (۱۹۵۷، ۱۵۷۹، ۱۴۵۶، ۱۳۷۹، ۱۳۷۸- ۱۱۷۸، ۶۹۱، ۶۷۴، ۵۱۸، ۳۵۵، ۲۲۶)، الکنی و الالقاب (۱۵۲/۱)، لغت نامه (ذیل/ عبدالواحد)، وفیات الاعیان (۱۹۹ -۱۹۸ /۳)، معجم البلدان (۱۱۸/۳)، معجم المؤلفین (۲۰۷ -۲۰۶ /۶)، هدیه العارفین (۶۳۴/۱).

رویانی لاهیجی، نظام‌الدین، عبدالقادر

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۲۵ ق)، ریاضـیدان و دانشـمند. از شاگردان ملا علی قوشچی بود. نخست در گیلان می‌زیست؛ سپس به دربار سلطان حسین بـایقرا رفت و از آن پس در هرات مقیم مـدرسه‌ی شـاه بود تـا در آنجـا درگـذشت. از جمله آثارش: «تحفه نظامیه» در حساب به نام سلطان یحیی کیا؛ «زیج مخلص میرزایی» که به نام سلطان میرزا علی تالیف کرده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۷۰)، الذریعه (۴۷۸/۳).

رویانی، ابوبکر محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۰۷ ق)، حافـظ، محـدث، مسـند و فقیه. از ابی‌ربیـع زهرانی و اسـحاق بن شـاهین و محمـد بن حمیـد رازی و ابوزرعه رازی و ابن‌واره رازی و ابوکریب محمـد بن علاء و عمرو بن علی فلاس و عـده‌ای دیگر حـدیث روایت کرد. ابوبکر اسـماعیلی و ابراهیم بن احمد قرمیسینی (کرمانشاهی) و جعفر بن عبداللّه بن فناکی و عده‌ای دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. وی تصانیفی در فقه است. از دیگر آثارش «السمند»، در حدیث است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :ایضاح المکنون (۴۸۲/۲)، سیر النبلاء (۵۱۰ -۵۰۷ /۱۴)، کشف الظنون (۱۶۸۳)، معجم المؤلفین (۸۵/۱۲)، الوافی بالوفیات (۱۴۸/۵)، هدیه العارفین (۲۵/۲).

رویانی، ابونصر شریح

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۰۵ ق)، قاضـی، فقیه و اصولی شـافعی. وی سـمت قضـای آمل را بر عهـده داشت. از آثارش «روضه الحکام و زینه الاحکام» است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۵۹۲/۱)، کشف الظنون (۹۲۳)، معجم المؤلفین (۲۹۸/۴)، هدیه العارفین (۴۱۶/۱).

رویدشتی، حمیده

قرن:۱۱

جنسیت:زن

ملیت:ایران

دختر محمد شریف بن شمس الدین محمد رویدشتی اصفهانی. پدرش به ملّا شریفا معروف بوده و از شاگردان شیخ بهائی بوده و از مشایخ علامه مجلسی است.

امّا حمیـده از زنان عالمه و فاضـله اصـفهان است که در خـدمت پـدر درس خوانده، و حواشـی بر کتب حدیث و رجال نوشـته، و از

مطالعه کتب او مقام احاطه و تتّبع مشارالیها بر احوال رجال معلوم می‌شود.

گویند پدرش بطور مزاح می‌فرموده است: حمیده را با رجال، ربطی است و مرادش علم رجال بوده است.

تألیفات مشارالیها عبارت است از:

۱- حواشی بر استبصار شیخ طوسی. ۲- حواشی بر کتب اخبار که در الذریعه(۱۱۴:۱۰) به «رجال حمیده» تعبیر فرموده است. در ۱۰۸۷ وفات یافته.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

روئین تن لاهیجی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسین روئین‌تن لاهیجی متولد ۱۳۲۷ هـش دارای دکترای رشته مهندسی برق از دانشگاه میشیگان، آمریکا، در سال ۱۳۶۰ است.و عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت با درجه استادی می باشد.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی برقتحصیلات رسمی و حرفه ای : مهندسی برق، دانشگاه علم و صنعت ایران- کارشناسی مهندسی برق، دانشگاه میشیگان، آمریکا - کارشناسی ارشد مهندسی برق، دانشگاه میشیگان، آمریکا، ۱۳۶۰- دکترا وقایع میانسالی : غلامحسین روئین‌تن لاهیجی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته مهندسی برق به عضویت هیئت علمی گروه مهندسی برق در دانشکده فنی و مهندسی در دانشگاه علم و صنعت درآمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : غلامحسین روئین‌تن لاهیجی عضو هیئت علمی و استاد گروه مهندسی برق دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه علم و صنعت است.فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریس غلامحسین روئین‌تن لاهیجی به قرار زیر است: طراحی مدارات مجتمع آنالوگ طراحی مدارات مجتمع دیجیتال طراحی مدارت مجتمع آنالوگ CMOS فیزیک نیمه هادیهاآرا و گرایشهای خاص : مدارات الکترونیکی آنالوگ و دیجیتال طراحی و ساخت مدارات مجتمع سنسورهای نیمه هادی فیزیک الکترونیک جوائز و نشانها : تشویق نامه بعنوان مدرس برجسته دانشگاه میشیگان، دانشگاه میشیگان، سال ۶۰ تقدیر نامه از دانشگاه علم و صنعت ایران بعنوان محقق نمونه، دانشگاه علم و صنعت ایران، سال ۱۳۶۴ برنده جایزه اول تحقیقات، جشنواره خوارزمی، سال ۱۳۶۹ برنده جایزه اول ابتکار، جشنواره خوارزمی، سال ۱۳۷۰ استاد نمونه، دانشگاه علم و صنعت ایران، سال ۱۳۷۵ مترجم برجسته کتاب سال، دانشگاه تهران، سال ۱۳۷۷ چگونگی عرضه آثار : فعالیتهای صنعتی: طراحی کارت اعتباری بویژه کارت تلفن، مرکز تحقیقات و تولید نیمه هادی، سال ۱۳۶۵ طراحی و ساخت حسگر فشار نیمه هادی، وزارت نیرو، سال ۱۳۶۷ طراحی و ساخت سیستم های الکترونیکی، معاونت جهاد خودکفائی نیروی هوائی، سال ۱۳۶۸ طراحی و ساخت سیستم DLTS در دانشگاه علم و صنعت ایران، معاونت پژوهشی دانشگاه علم و صنعت ایران، سال ۱۳۶۹ طرحهای پژوهشی دانشگاهی: طراحی یک پردازشگر سیگنال مجتمع، از سال ۱۳۷۸ عنوان پایان نامه های کارشناسی ارشد راهنمایی شده توسط ایشان: طراحی مدار مبدل آنالوگ به دیجیتال، سال ۱۳۶۵ مدلسازی اتصال PN ، سال ۱۳۶۶ طیف نگاری حالت گذرای ترازهای عمیق محاسبات فیزیکی و تولید سیگنالهای کنترلی، سال ۱۳۷۰ طراحی و ساخت یک سیستم کنترل الکترونیکی کامپیوتری دمای DLTS ، سال ۱۳۷۰ طراحی و ساخت سیستم ظرفیت سنج سیستم DLTS ، سال ۱۳۷۰ شبیه سازی دو بعدی ادوات MOS در حالت Steady State، سال ۱۳۷۱ آثار : طراحی مدارات آنالوگ CMOS ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، سال ۱۳۷۳ ۲ فیزیک الکترونیک ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه علم وصنعت ایران، سال ۱۳۷۶۳ مقالات علمی " A monolithic thermopile detector fabricated using integrated circuit technology ، "در نشریه IEEE IEDM، آمریکا، سال ۱۳۵۹ " A batch fabricated silicon thermopile infrared detector ، "در نشریه IEEE Transaction on Electronic Devices, V.ED.۲۹, No.۱, pp.۱۴-۲۲، آمریکا، ۱۳۶۱ "Deep state associated with stacking faults in silicon، "در IEEE Electronics Letters، انگلستان، سال ۱۳۶۷ "Deep states associated with platinum decorated stacking faults in silicon، "در Int. Symp. on Struct. Prop. Disloc. semiconductor، انگلستان، سال ۶۸ "Electronic behavior of decorated stacking faults in silicon، "در Materials science and Eng. B۴ Manchester، انگلستان، سال ۶۹" تکمیل روابط تحلیلی برای آستانه نویز استاتیکی در سلول بار مقاومتی، "مجله بین المللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت ایران، ایران، سال ۷۰ " Minimization of base transmission time by optimizing the base profile، "مجله بین المللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت ایران، ایران، سال ۷۲ "A theoretical new structure for gm-Reduction، "مجله بین المللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت ایران، سال ۷۲ " استفاده از روش Simulated anealing در بازشناسی اجسام، "دومین کنفرانس مهندسی برق ایران، ایران، سال ۷۳" طراحی یک سیستم تقویت کننده جدید با بکارگیری تقویت کننده های قفل شونده، "دومین کنفرانس مهندسی برق ایران، ایران، سال ۷۳ " High-Speed current mode sense amplifier، "در نشریه IEE, EL. Vol.۳۰- No.۱۷، انگلستان، سال ۷۳" طراحی یک تقویت کننده عملیاتی ۵/۱ ولتی توان کم، "سومین کنفرانس مهندسی برق ایران، سال ۷۴" بهینه سازی ناخالصی بیس جهت افزایش سرعت ترانزیستورهای دوقطبی، "سومین کنفرانس مهندسی برق ایران، سال ۷۴ " یک مقایسه گر جریان جدید برای استفاده در مبدلهای A/D، "سومین کنفرانس مهندسی برق ایران، سال ۷۴ منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

رهایی خوافی، سعدالدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۸۲ ق)، شاعر. از بازماندگان شیخ زین‌الدین خوافی عارف مشهور و از شاعران قصبه خواف بود که از زادگاه خود به هند مسافرت کرد و در سلک شاعران دربار اکبرشاه هند در اگره می‌زیست. وی غزل را نیکو می‌سرود. از آثار وی: «دیوان» اشعار و دیگر تقلیدی از خمسه نظامی است به نام «منظور انظار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۳۹۱/۱)، تاریخ نظم و نثر (۴۱۹)، تذکره‌ی روز روشن (۳۲۱)، الذریعه (۳۹۴/۹)، ریحانه (۳۴۶ - ۳۴۵/ ۲)، کاروان هند (۴۹۳ -۴۹۲/ ۱)، لغت نامه (ذیل/ رهایی)، منظومه‌های فارسی (۲۹۲).

رهایی رازی، عبدالله

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی نبیره قاضی محمد رازی است. رهایی در عهد جهانگیر و شاهجهان در هند به سر می‌برد و بیشتر مثنوی می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۶۴۹)، شام غریبان (۹۰)، صبح گلشن (۳۲۸)، کاروان هند (۴۹۴ -۴۹۳/ ۱).

رهایی سبزواری

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از معاصران تقی اوحدی صاحب تذکره «عرفات العاشقین» است. از اوست:

دل که با داغ تو سرگرم است مرهم دوست نیست

سرکه فتراک ترا خواهد به گردن دشمن است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۲۱)، الذریعه (۳۹۴/۹).

رهایی ماوراءالنهری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر. وی در جامه‌ی قلندران از ماوراءالنهر به هرات و از آنجا به مکه سفر کرد. ملا رهایی در سرودن شعر مهارت داشت. صاحب «تذکره‌ی روز روشن» او را رهایی اردستانی نیز نامیده است. از او است:

غنچه را در سخن آورده دهن می گوید

می‌فشاند گهر از لعل و سخن می گوید

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۲۱)، الذریعه (۳۹۴/۹)، مجالس النفایس (۱۵۹).

رهائی، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی راه و ساختمان، دانشکده: عمران، دانشگاه: صنعتی امیرکبیر

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی راه و ساختمان از دانشگاه صنعتی امیرکبیر، کارشناسی ارشد از دانشگاه پاریس، دکترای مهندسی راه و ساختمان از دانشگاه پاریس.

مرتبه علمی:

طی مرحله استادیاری و ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده عمران دانشگاه صنعتی امیرکبیر.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعات دینامیکی و بررسی اثر زلزله بر پل‌ها، بارگذاری پل‌ها، دیوارهای جداکننده بتنی، پل‌های مدفون، بررسی روش‌های مختلف اصلاح خواص بتن و بتن سبک، استفاده از انواع الیافها در بتن سبک، سابقه تدریس ۱۱ سال، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۱۷ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

طرح پل، طرح و محاسبه پلهای بتن مسلح، بارگذاری و آنالیز انواع پلها، طرح و محاسبه اجزاء بتن مسلح بر اساس تئوری حالات حدسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۹، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

اثر زلزله بر پل‌ها، بارگذاری استاندارد پل‌ها، بارگذاری پل‌های مدفون، اصلاح خواص بتن سبک و بتن‌های جدید (بتن سبک آهکی)، بهینه‌سازی آنالیز شمع‌ها و پی روی تکیه‌گاه ارتجاعی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

رهبان اصفهانی، محمدعلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، طبیب و شاعر. از اهالی اصفهان بود. در خدمت برادر خود، محمد نصیرالدین، طبابت را آموخت. گاهی شعر نیز می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۲۱)، الذریعه (۳۹۴/۹)، سفینه المحمود (۴۷۴/۲)، فرهنگ سخنوران (۳۹۶).

رهبر اسلامی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی رهبر اسلامی

محل تولد : زرین شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۳/۸

زندگینامه علمی

در سال ۵۳ دبیرستان را رها کرده و برای تحقیق علوم اسلامی وارد حوزه علمیه قم (رسالت) شدم. تا سال ۵۶ و تا دروس لمعه و حلقات شهید صدر پیش آمدم اما پیروزی انقلاب اسلامی کار را متوقف کرد. بعد از فعالیت‌های سیاسی در اصفهان وارد سپاه پاسداران (مسئول آموزش) و تا ۱۳۶۲ مشغول تحقیق و تدوین و تدریس و امور اجرایی شدم.

تدریس در آموزش و پرورش و حوزه علمیه زرین شهر را از سال ۱۳۶۰ آغاز کردم.

در سال ۱۳۶۲ به عشق دروس حوزه با قم مرتبط شدم و تا سال ۱۳۷۳ با دفاع از پایان‌نامه با عنوان «الفاظ عموم» سطح ۳ حوزه را اخذ کردم و در سال ۱۳۷۸ با آزمون دانشگاهی مدرک اخذ نمودم. سال ۱۳۶۹ به قم بازگشته ولی به علت کسالت به زرین شهر بازگشتم. تدریس دوباره در حوزه و شروع به تدریس در دانشگاه‌ها را از سال ۷۰ آغاز کرده و از همان سال کارشناسی برنامه کلام نور قرآنی صدا و سیمای مرکز اصفهان را جرقه زدم.

در سال ۱۳۷۲ تدریس در دانشگاه صنعتی اصفهان را شروع و در حال حاضر مدیر گروه و عضو رسمی مقطعی هیئت علمی این دانشگاه هستم.

سخنرانی‌های تبلیغی، علمی، کلاسی و کارشناسی در دانشگاههای سراسر کشور و رسانه ملی ادامه دارد.

مقالات حقیر به ۵۰ مورد و کتاب‌های به ۵ و مصاحبه‌ها به ۱۰ مورد می‌رسد.

در حال حاضر در سن ۵۰ سالگی هستم و دارای ۳ فرزند و یک نوه می‌باشم.

رهبر اصفهانی، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۱ ش)، صوفی و شاعر، متخلص به رهبر. در اصفهان متولد شد و از لرهای بیرآباد بود. به آقا میرزا زین‌العابدین نعمت‌اللهی پاقلعه‌ای ارادت می‌ورزید. از سن ده سالگی چنان که خود گوید قدم در جاده‌ی سیر و سلوک نهاد و به خدمت جمعی از مشایخ و اقطاب رسید. رهبر شعر نیز می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۲۵ -۲۲۴).

رهبر، پرویز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۷ -۱۲۹۳ ش)، مدرس. وی در همدان متولد شده و پس از طی دوره تصحیلات متوسطه، دوره‌ی دانشسرای عالی را در رتشه‌ی فیزیک و شیمی به پایان برده و به اخذ مدرک لیسانس نایل گردید. وی متجاوز از بیست سال در دبیرستانهای دولتی و ملی تدریس و در سالهای پایانی در دانشکده‌ی فنی بتدریس مشغول شد. از آثار وی: «تاریخ یهود از اسارت بابل تا امروز»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۱۵۹/۲).

رهبری، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن رهبری

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسن رهبری فرزند بزرگ خانواده فقیر و بی سواد امّا متدین و متشرع از تبریز بودم. مرحوم پدرم حسین از سواد فقط خواندن قرآن را میدانست و از اعداد تا سه رقمی ها را امّا در عین حال به علّت رفت و آمد با اهل علم و علاقه مندی به حضور در مساجد و محافل مذهبی و پای منابر، به قدری با مسائل فقهی و شرعی آشنائی داشت که محل رجوع اهالی محل بود.

شش ساله بودم که قرآن را با همان سبک و سیاق و حجی کردن قدیمی، در مدّت یک سال تمام به من آموخت و چه نیکو آموخت. به ۷ سالگی که رسیدم مسئله ثبت نام من در کلاس اوّل ابتدائی مطرح شد، پدرم از رفتن من به مدارس دولتی سخت پرهیز داشت که مبادا با فرهنگ غربی رژیم شاهنشاهی تربیت شوم و به دنبال محیط آموزشی غیر دولتی و با مدیریت اسلامی برایم بود. مدرسه ای با این خصوصیات پیدا شد امّا عدم توانائی پدرم از پرداخت شهریه ۲۰۰ ریال آن، قضا را تغییر داد. درس نخواندنم بر درس خواندنم ترجیح داده شد تا مقداری بزرگ شده و در حرفه ای مشغول به کار شوم امّا با اصرار همسایگان، پدرم به شرطی با ورود من به مدرسه دولتی موافقت کرد که یکی از علمای بزرگ تبریز جواز آن را صادر کند. به یاد دارم که مرحوم آیت الله حاج میرزا علی اصغر چایچی اجازه دادند تا کلاس ششم ابتدائی تحصیل نمایم.

دوره ابتدائی را تمام کردم اما باز در ادامه تحصیل با مشکل شرعی مواجه شدم گریه و زاری ام برای ادامه تحصیل بی فایده بود مگر اینکه به فکرم رسید در خانه تحصن نموده و از رفتن به کارگاه خیاطی که تابستانها می رفتم خودداری کنم. کتک کاری های پدر را تحمل کرده و بست نشینی را چند روز ادامه دادم. مغازه خیاطی پدرم محل اطراق و رفت و آمد روحانیون محل بود او موضوع را با یکی از آنها در میان می گذارد و برای نصیحت من از او کمک می خواهد، او می گوید: آقا شیخ حسین! من خودم دیپلم مدارس دولتی هستم آیا بی دین شده ام ؟ مگر کارگران همه با دین هستند و درس خوانان همه بی دین؟ و ... این سخنان پدرم را آگاهی بخشیده و نرم کرده بود تا اینکه قرق شکست و من وارد دبیرستان شدم. در دوره دبیرستان با تشویق یکی از مداحان اهل بیت(ع) که شعر هم می سرود ابتدا به شعر گفتن و سپس برای خوب شعر گفتن به مطالعات خارج از کتب درسی کشیده شدم. مقاتل را می خواندم و به نظم می کشیدم اما چون استعداد شعر را در خود کمتر دیدم آن را رها نموده و مطالعه را سرعت بخشیدم. تدریس قرآنم در یک هیئت عزاداری جوانان، نا گزیر از یاد گیری دروس حوزوی ام کرد. در کنار دروس حوزوی به صورت متفرقه حضور در دوره های تفسیر قرآن و نهج البلاغه و فقه را نیز شروع کردم. در سال ۱۳۶۲ در رشته زبان و ادبیات فارسی وارد دانشگاه تبریز شدم. زمینه های قبلی و تحقیقات دانشگاهی، قلم به دستم کرد و زمینه های مذهبی، قلمم و درس و تحقیقم را به سوی مسائل دینی سوق داد. تا جایی که از اساتیدی که در دسترسم بود استفاده کردم و آنجا هم که استاد نیافتم متوسل به

تکنولوژی روز شدم. نوار اساتید،(سی دی) دروس فقه و اصول، برنامه های درسی رادیو قرآن، اینترنت و کتابها ، استادی مرا عهده دار شدند. از سال ۱۳۷۹ دوره کارشناسی ارشد را در رشته مدیریت دولتی ادامه دادم. تا به حال دو جلد کتاب و ۳۰ مقاله تحقیقی نوشته ام که ۱۸ مقاله چاپ گردیده و بقیه در نوبت چاپ مجلات تخصصی بوده و یا برای مجموعه مقالاتم آماده می شوند.

اکنون ۳ جلد کتاب «مقالات قرآنی»، «مقالات فقهی» و «علم امام » ر ا آماده چاپ دارم که در صورت مساعدت شرایط، اقدام خواهم کرد انشاءالله. در مقالاتم همواره دنبال مسائل جدید و کار نشده بوده ام تا مشکلی از مشکلات فقهی و قرآنی را طرح و راه کاری برای آن ارائه نموده باشم. تلاش کردم که دنبال مسائل تکراری و حل شده نباشم و تا جایی که تحقیق اجازه می دهد تک صدایی در موضوعی را بشکنم و زمان و مکان را دو عنصر تعیین کننده در اجتهاد معرفی کنم. تعدادی از مقالاتم را به کنگره های ملی و همایشهای بین المللی ارائه کردم که خوشبختانه مورد پذیرش و ارائه واقع شده و در مجموعه مقالات آن کنگره ها به چاپ رسیده است که در فهرست مقالات بدان اشاره کرده ام. فکر می کنم که زندگی علمی من یک پیام خاص خود دارد و آن اینکه کارایی و تولید فکر و اندیشه دینی در خارج از متن رسمی حوزه هم امکان تحقق دارد.

رهبری، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: انگل‌شناسی دام، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دامپزشکی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰، فارغ‌التحصیل انگل‌شناسی دامی از دانشگاه ولز شمالی انگلستان در سال ۱۳۵۶، فارغ‌التحصیل قارچ‌شناسی دامی از دانشگاه سلطنتی طب گرمسیری انگلستان و فارغ‌التحصیل ایمونولوژی انگلی از دانشگاه برلین آلمان غربی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شناسایی اجرام انگلی دام و انگلهای مشترک بین انسان و دام، اهمیت اقتصادی اجرام انگلی دام، درمان و پیشگیری بیماریهای دام، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۱ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

انگل‌شناسی دامپزشکی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

بیماری‌زائی انگل‌های دامی، اهمیت اقتصادی بیماریهای انگلی دام، شیمی درمانی و استفاده از واکسن‌ها در درمان پیشگیری بیماریهای انگلی دام.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

رهگذر یزدی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۷ ش)، شاعر، متخلص به رهگذر. وی تحصیلات ابتدایی داشت و کارمند دامپزشکی یزد بود. رهگذر در سرودن شعر توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخوران یزد (۵۴۹ -۵۴۸).

رهنما

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بخش ۱) غلامحسین بن علی محمد، دانشمند مشهور عصر حاضر و متخصص در فنون ریاضی (و. شیراز ۱۲۹۹ ه.ق.- ف. تهران ۱۳۶۵ ه.ق./ ۱۳۲۵ ه.ش./ ۱۹۴۶ م.) پدر غلامحسین، میرزا علی‌محمد از علمای روحانی عهد ناصرالدین شاه قاجار بود. وی پس از کسب تحصیلات مقدماتی در شیراز همراه پدر به تهران آمد و نزد نجم‌الدوله عبدالغفار علوم ریاضی را تکمیل کرد و در آن رشته متخصص گردید. وی از سال ۱۳۲۱ ه.ق. تا پایان عمر در مدارس مختلف تهران (علمیه، دارالفنون، مدرسه نظام، مدرسه ایران و آلمان، مدرسه علوم سیاسی، دارالمعلمین مرکزی، دانشکده فنی) به تدریس ریاضیات، هیئت، فیزیک و شیمی اشتغال داشت، و مدتی هم ریاست دانشکده فنی را به عهده داشت. در سال ۱۳۲۴ ه.ش. در سه کابینه سمت وزارت فرهنگ به عهده او بود.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

رهنما، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۵ -۱۲۹۹ ق)، استاد ریاضی و فیزیک. در شیراز متولد شد، در دارالفنون تحصیل کرد و مدتها نزد استاد عبدالغفار خان نجم‌الدوله به تکمیل معلومات خود پرداخت. در سال ۱۳۰۵ ش مجمع نجومی آکادمی علوم فرانسه او را به عضویت دائمی پذیرفت. رهنما حدود چهل و پنج سال در مدارس عالی و دانشگاه تهران به تدریس علوم ریاضی و هیات اشتغال داشت. وی در سال ۱۳۱۳ ش موفق به اخذ درجه‌ی دکترا از شورای عالی دانشگاه تهران گردید. رهنما در مشاغل استادی دانشگاه، ریاست دانشکده‌ی فنی، معاونت و وزارت فرهنگ خدمت کرد. وی در تهران وفات یافت و در جوار حضرت عبدالعظیم در باغ جیران دفن شد. از آثار او: «هیئت»؛ «هندسه‌ی مجسمات»؛ «هندسه‌ی فضایی چشم‌نمای هندسی»؛ «فیزیک»؛ «هندسه‌ی مسطحه» و رساله‌ی دکترایی در موضوع: «نسبت محیط به قطر دایره‌ی عدایی».[۱]

از فضلا و دانشمندان و ریاضی‌دانان معروف معاصر است. وی در ۱۲۹۹ ه.ق در شیراز متولد شد. پدرش میرزا علی‌محمد از فقها و دانشمندان عصر خود بود. تحصیلات ابتدائی و مقدماتی را در شیراز فراگرفت و به مدرسه‌ی دارالفنون تهران وارد شد و پس از آنکه دارالفنون را به اتمام رسانید، مدتها نزد مرحوم حاج نجم‌الدوله معلومات خود را در رشته‌ی ریاضی و نجوم تکمیل کرد و به معلمی ریاضیات در دارالمعلمین برگزیده شد و سالیان دراز در آنجا تدریس می‌کرد. بیشتر کتب ریاضیات و فیزیک و شیمی در آن تاریخ تالیف اوست و در مدرسه‌ی عالی حقوق و دارالمعلمین هم درس می‌داد. در ۱۳۰۷ از طرف اعتمادالدوله قره‌گوزلو به معاونت وزارت فرهنگ برگزیده شد و چند سالی سمت معاونت وزیر را داشت. در سال ۱۳۱۳ به هنگام تاسیس دانشگاه به استادی و ریاست دانشکده‌ی فنی انتخاب شد و دانشکده‌ی مزبور را به وجود آورد. پس از استقلال دانشگاه، معاونت آنجا هم ضمیمه کارش شد. در ۱۳۲۴ در سه کابینه متوالیا وزارت فرهنگ بر عهده‌ی او قرار گرفت تا اینکه در اردیبهشت ۱۳۲۵ در ۶۶ سالگی درگذشت و در شهر ری در ایوان مقبره ناصرالدین شاه به خاک سپرده شد. غلامحسین رهنما گذشته از تبحر در علوم ریاضی، به زبان و ادبیات فارس و عربی تسلط داشت و از زبان فرانسه هم بهره‌ی کافی برده بود. تالیفات او در رشته‌ی ریاضی از پنجاه جلد متجاوز است. بیشتر رجال و معاریف عصر مشروطیت از شاگردان او بوده‌اند. رهنما از اعضای پیوسته‌ی فرهنگستان هم بود و از سال ۱۳۱۸ تا حین‌الفوت ریاست هیئت نظار بانک ملی را برعهده داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] دایرۀالمعارف فارسی (۱۱۴۳/۱)، سرآمدان فرهنگ (۴۰۸ -۴۰۷ /۱)، شرح حال رجال (۱۷۴ -۱۷۳ /۶، ۳/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۷۴ -۶۷۲ /۴)، یادگار (س ۳، ش ۱۰، ص ۲۲ -۲۱).

رهنمایی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضا رهنمائی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۸/۱

زندگینامه علمی

در طلبه شدن بیشتر وامدار ابوی معظم رضوان الله علیه هستم به ویژه که اوج دوران ستم شاهی بود و موانع طلبه شدن در جامعه آن روزگار فراوان. پایان دوره ششم ابتدایی نظام اسبق آغاز طلبگی من به سال ۱۳۴۸ شمسی است. حوزه علمیه شهرضا و مدرسه شریف اقدمیه اولین سال و نیمی از سال دوم تحصیلات حوزوی مرا شامل است و آنگاه هجرت به حوزه مقدس قم و ادامه تحصیلات صرف و نحو و فقه و اصول که تا امروز به لطف الهی و بحمدالله و المنهٔ ادامه دارد.

آشنایی با دوستان فرهیخته و با استعداد نقطه عطفی در زندگی طلبگی بنده به حساب می آید که در فهم مطالب درسی و علوم اسلامی و رفع شبهات بسیار موثر بود. در کنار دروس معمول تقریبا از سال پنجم تحصیل حوزوی (۱۳۵۳) جلسات بحث اعتقادی ،

تفسیر قرآن مجید و مباحثه روایات شریف و دقت در فهم انها شروع و سال های فراوان ادامه یافت.

محصول این جلسات علمی آشنایی بهتر با مبانی دینی بود. پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و پدید آمدن تحولات ملموس حوزوی با پاگیری مرکز تحقیقات کامپیوتری بخشی با نام پژوهش شروع به کار کرد که گرچه زود پای و دولت مستعجل بود لیکن به همراه دوستان طرح جوان با ابتکاری زیبا شکل گرفت. این اولین تحقیق گروهی بود که بسیاری از بزرگان حوزه و دانشگاه آن را ستودند لیکن هنوز هم برای بنده روشن نیست که چرا در همان آغاز راه به کلی بخش پژوهش تعطیل شد وبالتبع طرح جوان حتی به نوجوان هم نرسید و در کودکی شهید شد.

با گذشت یکی دو سال از سوی مرکز جهانی اهل بیت علیهم السلام به گروه پیش نهاد پژوهش در آن مرکز شد و با پذیرش گروه و پس از بررسی فراوان موضوع زن در فرهنگ اسلامی شیعی انتخاب و با موافقت مسئول وقت مرکز تصویب شد. بخش اعظم چارچوب کار صورت گرفت که با آمدن مسئول جدید به مرکز باز هم بدون دلیل و روشنی –لااقل برای ما– کار متوقف شد. محصول مستور این تلاش مقدس تقریبا شامل سه جلد کتاب درباره آیات قرآنی و دوازده جلد روایات اهل بیت علیهم السلام پیرامون موضوع زن است که از سرنوشت آن در مرکز بی خبریم و هنوز هم بخش بسیاری از کار آن پژوهش به زمین مانده است.

تنها می توان اظهار تاسف کرد از اینکه ثمره تلاش عده ای از طلاب که تصمیم به فعالیت علمی پژوهشی دارند از بین برود. آن هم ثمره ای که به نظر بنده چه در طرح جوان و چه در موضوع زن در نوع خود و به این شکل کم نظیر است اگر نگوییم بی نظیر. طرح نیمه کاره جوان و موضوع ناتمام زن در فرهنگ اسلامی حتی به شکل ناقص خود جدا می تواند به عنوان ما در تحقیقاتی در این زمینه ها ممورد استفاده محققان و اندیشمندان قرار گیرد. این درد نوشته ای شد که در حوزه پژوهشی کشور بارها اتفاق افتاده است و متاسفانه هنوز هم می افتد با تشکر رهنمایی.

رهنورد، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۷، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی برق، دانشکده: مهندسی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی برق (الکترونیک) از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۱، کارشناسی ارشد برق (الکترونیک) از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۳ و دکترای برق (الکترونیک) از دانشگاه کالیفرنیای جنوبی آمریکا در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۵۶ تا سال ۱۳۶۵ و دانشیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۶۵، استاد مدعو در دانشگاه نیومکزیکو از سال ۱۳۶۶ تا سال ۱۳۶۷ و ارتقاء به درجه استادی دانشگاه شیراز از سال ۱۳۷۰ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پاسخ نیمه‌هادیهای جارو شده بوسیله نور، مبدل باکویل متغیر، تدریس دروس فیبرنوری، آنتن، میکروبو و لوانتم الکترونیک در دانشگاه شیراز و استاد راهنما در ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

آنتن و مخابرات.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:–، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳۴

زمینه علمی مقالات:

برق و الکترونیک.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

رهی اصفهانی، محمد ابراهیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۲۶ ق)، شاعر، متخلص به رهی. مشهور به قصاب. وی در اصفهان به دنیا آمد و ابتدا در آن شهر به قصابی اشتغال داشت. پس از چندی آن را ترک کرد و از ملا- حسین رفیق، که رهی ارادتی خاص به او داشت، قواعد شعری آموخت و از وی تخلص گرفت. وی با آقا محمدکاظم واله و مهدی بیک شقاقی معاصر بوده است وی به سرودن هجو تمایل داشت، در اصفهان وفات یافت

و در تخت فولاد دفن شد. از وی حدود شش هزار بیت شعر به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۷۰۱ –۶۹۹ /۱)، دویست سخنور (۱۲۷ –۱۲۵)، الذریعه (۳۹۴/۹)، ریحانه (۳۴۶/۲)، سفینه المحمود (۴۷۱/۲)، فرهنگ سخنوران (۳۹۷)، لغت نامه (ذیل/ رهی)، مجمع الفصحا (۳۲۲/۴)، مصطبه‌ی خراب (۷۰)، نگارستان دارا (۱۹۹ – ۱۹۸).

رهی اصفهانی، محمدعلی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. از موطن خویش به هندوستان مهاجر کرده و در آنجا به سرایش شعر پرداخته است. از او است:

تا کی بود به حسرت چشمم به راه ماهی

یا رب مبادا هرگز چشم کسی براهی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۲۲ –۳۲۱)، الذریعه (۳۹۴/۹)، سفینه المحمود (۴۷۳/۲)، نگارستان دارا (۱۹۶ –۱۹۵).

رهی شاملو، علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به رهی. از اهالی تبریز و معاصر شاه سلیمان صفوی بود. رهی مثنوی بر وزن و سبک «تحفه العرافین» خاقانی داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۱/۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۹ –۲۷)، الذریعه (۳۹۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۹۷)، لغت نامه (ذیل/ رهی).

رهی مشهدی، محمود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، نقاش و شاعر، متخلص به رهی. در مشهد مقدس اقامت داشت و شعر را به سبک قدما می‌سرود. رباعیاتی از او باقی مانده است. مولف «احوال و آثار نقاشان» وی را با شاه محمود نیشابوری، خطاط و شاعر معروف، اشتباه گرفته است. از او است:

تا عشق دو دیده بر تو سیمین بردوخت

بس دل که خدنگ آه بر اختر دوخت

بس رشته‌ی آه آتشین بافت دلم

تا وصل مرقع حیاتم بردوخت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۲۴۰/۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۲۶)، الذریعه (۳۹۵/۹)، مجمع الخواص (۲۶۴).

رهی معیری، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۷ –۱۲۸۸ ش)، شاعر، متخلص به رهی. وی نوه‌ی معیرالممالک (نظام‌الدوله) بود و در تهران به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه، وارد خدمات دولتی شد و مشاغل متعدد یافت و پس از بازنشستگی در کتابخانه‌ی سلطنتی خدمت می‌کرد. او از اعضای موثر و فعال انجمن ادبی حکیم نظامی بود که ریاست آن را وحید دستگردی به عهده داشت. وی عضو انجمن ادبی فرهنگستان و انجمن موسیقی ایران نیز بود. رهی، علاوه بر توانایی در سرودن انواع شعر، بویژه غزل، که در سرودن آن استادی داشت، در ساختن ترانه و اشعار فکاهی هم طبعی قوی داشت اشعار فکاهی او با امضاهای زاغچه و شاه پریون در هفته‌نامه‌ی «بابل شمل» و مجله‌ی «تهران مصور» چاپ می‌شد. او در ساختن تصنیف نیز مهارت کامل داشت و در سالهای آخر عمر در برنامه‌ی گلهای رنگارنگ رادیو با داوود پیرنیا همکاری می‌کرد و از اعضاء شورای شعر رادیو بود. رهی با موسیقی و نقاشی نیز آشنایی داشت. وی سفرهای متعددی به خارج از ایران از جمله ترکیه شوروی، ایتالیا، فرانسه و افغانستان داشت. رهی در تهران وفات یافت

و در گورستان ظهیرالدوله به خاک سپرده شد. وی متجاوز از سی هزار بیت شعر دارد که تنها دو هزار بیت آن در مجموعه‌ی «سایه‌ی عمر» چاپ شده است. اثر دیگر او «آزاده» نام دارد که مجموعه‌ی ترانه‌های اوست. «گلهای جاویدان»، شامل شرح حال و انتخاب بهترین نمونه‌ی شعر شعرای متقدم است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از بهار تا شهریار (۴۴۷ -۴۴۰)، چون سبوی تشنه (۱۷۸ -۱۷۶)، دویست سخنور (۱۲۹ -۱۲۸)، الذریعه (۳۹۵/۹)، سخنوران نامی معاصر (۱۶۲۴ -۱۶۱۶ /۳)، سواد و بیاض (۵۵۹/۲)، شخصیتهای نامی (۲۲۲ -۲۲۱)، صدف (۲۸۶ -۲۶۱)، فرهنگ سخنوران (۳۹۷)، گلزار معانی (۳۳۱ -۳۱۴)، مردان موسیقی (۵۳۵ -۵۳۳ /۳)، یغما (س ۲۱، ش ۹، ص ۵۲۸ -۵۱۸).

رهین، عظیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۱۷.

درگذشت: ۲۷ آبان ۱۳۷۴، تهران.

استاد دانشگاه علوم اجتماعی دانشگاه علامه‌ی طباطبایی و پژوهشگر علوم اجتماعی بود. دکترای جامعه‌شناسی خود را از دانشگاه اسکس (انگلستان) دریافت کرد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ری شهری، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ری شهری

محل تولد : شهر ری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۵/۸/۱

زندگینامه علمی

حجت الاسلام و المسلمین محمد محمدی نیک، مشهور به «ری‌شهری» در آبان سال ۱۳۲۵ در شهرری در خانوده‌ای متدین دیده به جهان گشود. وی پس از پایان تحصیلات ابتدایی، درسال ۱۳۳۹ وارد حوزه علمیه شهرری (مدرسه برهان) شد و در سال ۱۳۴۰ برای ادامه تحصیل به قم رفت و تا پیروزی انقلاب اسلامی، مدارج تحصیل را تا سطوح عالی در حوزه علمیه قم طی کرد. حجت الاسلام ری شهری، سطوح عالیه را نزد اساتید بزرگی چون حضرات آیات عظام حاج میرزا علی مشکینی، حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی و حاج سید محمد باقر طباطبایی تلمذ نمود و دروس خارج فقه و اصول را در سال ۱۳۴۷ در شرایطی آغاز کرد که حوزه علمیه قم از فیض حضور امام خمینی (ره) بی‌بهره بود، بنابراین خارج اصول را از محضر حضرات آیات عظام مرحوم حاج شیخ محمد علی اراکی و حاج شیخ حسین وحید خراسانی استفاده کرد و خارج فقه را از محضر حضرات آیات عظام حاج میرزا علی مشکینی، حاج شیخ جواد تبریزی، مرحوم حاج سید محمدرضا گلپایگانی و مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری بهره برد.

حجت الاسلام ری شهری از ابتدای نهضت اسلامی، بویژه تحت تأثیر جریان ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ با اهداف و دیدگاههای حضرت امام (ره) آشنا شد و در تاریخ ۲۰ تیر ماه ۱۳۴۴ توسط ساواک مشهد دستگیر و به زندان محکوم شد. وی در سال ۱۳۴۵ ضمن تمرد از شرکت در جلسه دادگاه تجدید نظر ساواک، به نجف اشرف رفت و پس از مدت یکسال به ایران بازگشت و حدود ۱۸ ماه در حوزه علمیه مشهد به تحصیل پرداخت. در همین زمان مجدداً تحت تعقیب ساواک قرار گرفت و در دادگاه تجدید نظر بار دیگر به زندان محکوم شد.حجت الاسلام ری شهری در سال ۱۳۵۶ به دلیل سخنرانی علیه رژیم شاه در حسینیه اصفهانی‌های آبادان، توسط ساواک ممنوع المنبر شد. وی به دلیل سخنرانی علیه رژیم در نهاوند آبادان، مشهد، هرمزگان و زابل مورد تعقیب ساواک بود و تظاهرات مردم هرمزگان و زابل در رابطه با قیام سراسری مردم ایران علیه رژیم، پس از سخنرانیهای او صورت گرفت.

حجت الاسلام ری شهری پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سمت حاکم شرع دادگاههای انقلاب اسلامی دزفول، بهبهان، گچساران، بروجرد، رشت و گنبدکاووس خدمت کرد و سپس به اهمیت حفظ و اصلاح نیروهای مسلح، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به منظور مقابله با توطئه های ضد انقلاب دراین رکن مهم، در اواسط سال ۱۳۵۸ به ریاست دادگاه انقلاب ارتش منصوب شد. وی با توجه به شرایطی که قانون اساسی برای تصدی وزارت اطلاعات معین کرده بود (بویژه شرط اجتهاد)، نخستین وزیراطلاعات در جمهوری اسلامی ایران بود که با کسب آراء اکثریت قاطع نمایندگان مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۳ به این سمت منصوب گردید.حجت الاسلام ری شهری در سال ۱۳۶۸ به دادستانی کل کشور منصوب شد و تا اوایل سال ۱۳۷۰ در این سمت خدمت کرد و همزمان در تاریخ ۱۳ دی ماه ۱۳۶۸ از سوی رهبر معظم انقلاب به عنوان دادستان ویژه روحانیت منصوب شد. حجت الاسلام ری شهری همچنین در سال ۱۳۶۹ به فرمان رهبر فرزانه انقلاب به تولیت آستان مقدس حضرت عبدالعظیم الحسنی

(علیه السلام) منصوب گردید. انتصاب وی دراین سمت، آغاز تحول اساسی درعمران و توسعه این مجموعه مهم مذهبی بوده است. وی در انتخابات دومین دوره مجلس خبرگان رهبری، به عنوان داوطلب منفرد شرکت کرد و از سوی مردم استان تهران برگزیده شد، همچنین در سومین دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری، کاندیداتوری او از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جامعه روحانیت مبارز و سایر گروههای سیاسی مورد حمایت قرار گرفت و با رأی قاطع مردم بار دیگر به نمایندگی این مجلس انتخاب گردید.

حجت الاسلام ری شهری در سال ۱۳۷۰ به سمت نماینده مقام معظم رهبری و سرپرست حجاج منصوب شد که این مسئولیت هنوز ادامه دارد. حجت الاسلام ری‌شهری بنیانگذار اولین و بزرگترین مجموعه فرهنگی در حدیث و علوم مربوط به آن است. وی در اواسط سال ۱۳۷۴ به همراه جمعی از شخصیتهای صاحب نام سیاسی و مذهبی، جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی را بنیان نهاد. این جمعیت پس از طی مراحل قانونی رسمیت یافت و هیئت مؤسس آن، به اتفاق آراء، حجت الاسلام ری‌شهری را به سمت دبیرکل جمعیت انتخاب کردند. این جمعیت پس از چند سال حضور مؤثر، خیلی زود عرصه سیاسی کشور را ترک کرد. اوج فعالیت جمعیت دفاع از ارزشها به هنگام نامزد کردن دبیر کل خود برای ریاست جمهوری هفتم بود. حجت الاسلام ری‌شهری هم‌اکنون، ضمن تحقیق و تدریس و تولیت آستان حضرت عبدالعظیم (ع)، عهده‌دار نمایندگی ولی فقیه و سرپرستی حجاج ایرانی است. از وی تاکنون بیش از ۳۰ کتاب پژوهشی در۵۹ جلد منتشر شده است.

ریاحی اصفهانی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۳ ق)، شاعر، متخلص به احمد. معروف به سالار مفخم. وی تحصیلات مقدماتی را در چالشتر به انجام رسانید، سپس به تهران آمد و دوره‌ی کالج را به پایان برد. ریاحی بیشتر ایام عمر را به کار زراعت پرداخت. از او است:

اگر که دل نگاری به مهر دوست خطاست

به جان دوست که جان دادن به دوست رواست

فروبند لب احمد که عارفان دانند

به یک کلام ز شعر تو صد هزار ایماست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۴)، فرهنگ سخنوران (۴۲).

ریاحی اصفهانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۷ -۱۲۸۸ ش)، شاعر، متخلص به فرید و دهبان. وی در قریه‌ی چالشتر متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان به انجام رسانید، سپس به تهران آمدن و وارد دارالفنون شد، و سرانجام دوره‌ی مهندسی دانشکده‌ی کشاورزی کرج را به پایان رساند. ریاحی در سرودن شعر توانا بود و ابتدا فرید تخلص می‌کرد و بعدا تخلص خود را دهبان قرار داد. قسمتی از دیوان وی در سال ۱۳۱۲ ش با تخلص فرید در تهران چاپ شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۳۵۵ -۳۵۴)، الذریعه (۸۳۱ -۸۳۰ /۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۵۳/۳)، فرهنگ سخنوران (۳۴۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۳ -۴۸۲ /۵).

ریاض رازی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۹۵ ق)، شاعر. اصلش از تهران بود. در مالیات و زراعت آگاهی بسیار داشت، به طوری که در تحصیل مالیات و اجاره به او رجوع می‌کردند و به تشخیص و تمیز او عمل می‌نمودند به همین دلیل به میرزا حسین ممیز مشهور شد. بعد از زیارت خانه خدا مقتلی مشتمل بر نظم و نثر به نام «وسیله النجات» نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۷۰۳ -۷۰۲ /۱).

ریاض همدانی، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۸ ق)، خطاط، شاعر و نویسنده. وی در همدان متولد شد. نزد ابوالقاسم ذوالریاستین تحصیل کرد و بعد از مرگ استادش به تهران سفر نمود بعد از مدتی در انزوا زیستن، امیرکبیر او را شناخت و برکشید. بعد از مرگ امیرکبیر مریض شد و در سن جوانی درگذشت. ریاض از شاعران و نثرنویسان عهد محمدشاه و ناصرالدین‌شاه بود. وی صاحب مقالاتی به سبک بدیع‌الزمان و مقامات حمیدالدین بلخی است و کتابی نیز به نام «گنج شایگان» دارد که در آن از «گلستان» سعدی و «پریشان» قاآنی تقلید کرده است. میرزا جعفر به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌گفته و در نجوم و هندسه و حساب نیز دست داشته است و به قولی رساله‌ای در موسیقی نیز داشته و در نگارش خطوط نسخ و شکسته توانا بوده است. از آثار چاپ شده‌ی وی: «غزلیات ریاض»؛ «الف لیله»؛ «دیوان شعر».[۱]

ابراهیم ریاضی از علماء بنام و دانشمندان گرامی نجف‌آباد بوده‌اند.

وی در سال ۱۲۷۷ شمسی در نجف‌آباد در یک خانواده زراعت پیشه‌ای متولد شده و چون در کودکی پدر خود را از دست داد تا سن ۱۸ سالگی تحت سرپرستی برادر بزرگش به زراعت اشتغال داشت.

ولی در این سنین علاقه‌ای که از مدتها پیش به تحصیل علم داشت او را به سوی حوزه علمیه اصفهان کشانیده و پس از فراگرفتن علوم مقدماتی و ادبیات و... در اصفهان عزیمت به قم نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری (مؤسس) حوزه استفاده نموده و به واسطه شدت علاقه‌اش به تحصیل و تقوای باطنی که داشت مورد توجه و اعتماد استاد واقع و کم‌کم جزو معاریف حوزه و نزدیکان آن مرحوم گردید.

خلاصه آن مرحوم مدت دوازده سال در اصفهان و قم تحصیل و کسب علم و کمال نمود و در سن سی‌سالگی به نجف‌آباد مراجعت و ازدواج نموده و در آنجا ملازمت فقیه زمانش مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ احمد حججی که عالمی بی‌آلایش و مروجی کم‌نظیر بود اختیار و مشغول به تبلیغ و ترویج گردید و در مدت کوتاهی به خدمتگذاری و خیراندیشی معروف و با همت بلند و کوشش صادقانه خود و کمک مردم یک مرکز علمی و دینی به نام (مدرسه الحجتیه) تأسیس که دارای سی حجره و مدرس و کتابخانه مجهز و مسجدی آبرومند می‌باشد.

مرحوم ریاضی برای تدریس و تربیت طلاب علوم دینی زحمات فراوانی متحمل شده و بر اثر کوشش معظم‌له در این مورد بالغ بر سیصد نفر دانشجوی علوم دینی در مقامات مختلف از این شهر و حومه آن برخاسته که هر کدام به نوبه خود مشغول انجام وظیفه هستند.

باری آن مرحوم بر اثر فعالیتهای خستگی‌ناپذیر و عشق و علاقه‌ای که به خاندان رسالت داشت چندین مسجد بنام آن بزرگواران و نیز برای رفاه مردم حمام و حسینیه بنا نموده است.

مرحوم ریاضی به واسطه کاردانی و معنویت و تقوائی که داشت در شهر نجف‌آباد چنان نفوذ کلام داشت که حتی دعاوی و اختلافات چندین ساله محاکم قضائی را در یک جلسه فیصل می‌داد و مردم شهر به دیده احترامی بیش از حد به وی می‌نگریستند که این توجه برای خدمت به خلق و بسندگی خالص خدا و پاکی نیتش بود بارها شده بود که برای تشویق مردم به امور خیر شخصا بیل و کلنگ به دست گرفته و به امور ساختمانی مدرسه و مسجد و... کمک می‌کرد.

خلاصه عمری کوتاه و بابرکت داشت به طوری که این همه خدمت و فعالیت در این مدت کوتاه جز به توفیقات الهی میسر نیست.

آن مرحوم در مهرماه ۱۳۳۳ شمسی در سن پنجاه و شش سالگی بر اثر سکته قلبی درگذشت و در حسینیه اعظم که از بناهائی است که به دست آن مرحوم پایه‌گذاری شد دفن گردید و فوت آن مرحوم انقلاب عظیمی در استان اصفهان به وجود آورد به طوری که از فرسخها راه عزاداران به صورت دسته‌های سینه‌زن و زنجیرزن حرکت و به نجف‌آباد آمده و مورد استقبال گرم مردم نجف‌آباد شده و این تظاهرات موجب شد که عده‌ای از جوانان علاقمند به تحصیل علوم دینی گردیدند.

آری مرحوم ریاضی حیات و مماتش برکت و تبلیغ بود. دارای چندین فرزند می‌باشد که از آنها فرزند ارشدش ثقه‌الاسلام آقا شیخ حیدرعلی ریاضی در لباس مقدس روحانیت اشتغال به انجام وظیفه دینی دارند و مورد احترام طبقات مختلف شهر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۹۶ -۳۹۵ /۹)، فرهنگ سخنوران (۴۰۷ -۴۰۶)، المآثر و الآثار (۲۰۵)، مؤلفین کتب چاپی (۳۱۸/۲)، مجمع الفصحا (۳۳۱/۴).

ریاضی خوانساری، ابوالقاسم جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۰ -۱۳۱۳ ق)، فقیه، حکیم، ادیب و ریاضیدان. وی در ۱۳۲۸ ق از اصفهان به نجف مهاجرت کرد و به تحصیل فقه و اصول و حدیث پرداخت و در ریاضیات سرآمد اقران شد وی به هندوستان سفر کرد و در آنجا به نشر احکام پرداخت. او در گلگیت نزدیک کشمیر از دنیا رفت. کتابخانه نسبتا غنی از وی باقی ماند. او تالیفاتی چند به نظم و نثر دارد. که از آن جمله می‌توان به «سفائن البحار»، به فارسی، منظوم؛ «بحر الحساب»، به فارسی؛ «اعجاز المهندسین»؛ رساله‌ی «الجبر و المقابله»؛ رساله «قابلیه التقسیم»، در اعداد؛ رد «ابطال الرمل»؛ و «تسهیل القسمه» اشاره کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۴/۱۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۵/۱).

ریاضی سمرقندی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۸۴ ق)، شاعر. از شاعران نامی ماوراءالنهر بوده و در جوانی در قرن نهم در سمرقند وفات یافته است. این بیت از اوست:

ستاره‌ای است در گوش آن هلال ابرو

ز روی حسن به خورشید می‌زند پهلو

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۴۵۷/۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۳۹)، الذریعه (۳۹۶/۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۵۸-۶۵۷ /۲)، صبح گلشن (۱۸۸ -۱۸۷)، مجالس النفائس (۴۸)، هفت اقلیم (۳۷۵ -۳۷۴ /۳).

ریاضی کرمانی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۷ -۱۲۸۶ ش)، نویسنده و استاد دانشگاه. در کرمان متولد شد و پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه، تحصیلات دانشگاهی را در دارالمعلمین عالی تهران و سوربن فرانسه ادامه داد و به دریافت دکترای نجوم نایل گشت. وی پس از مراجعت به ایران، از سال ۱۳۱۷ ش در دانشکده‌ی علوم و دانشسرای عالی و سایر موسسات آموزش عالی به تدریس پرداخت. او از سال ۱۳۲۵ ش اقدام به استخراج تقویم رسمی ایران کرد و تا سال ۱۳۶۹ ش روزشمار ایرانی را محاسبه می‌کرد. وی در تهران وفات یافت. از جمله تالیفات او: «هیئت و نجوم»؛ «مقدمه بر نجوم عالی و مثلثات کروی» و «سررسید نامه».[۱]

استاد.

تولد: ۱۲۶۸، کرمان.

درگذشت: ۱۸ اسفند ۱۳۶۷.

عباس ریاضی کرمانی پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه، تحصیلات دانشگاهی را در دارالمعلمین عالی تهران و سپس در فرانسه ادامه داد و پس از اخذ مدرک دکترای نجوم از دانشگاه سربن به کشور مراجعت نمود. دکتر عباس ریاضی کرمانی از سال ۱۳۱۷ در دانشکده‌ی علوم دانشگاه تهران و دانشسرای عالی به تدریس پرداخت و به مقام استادی کرسی نجوم در دانشگاه تهران نایل آود. وی از سال ۱۳۲۵ اقدام به استخراج تقویم رسمی ایران از جمله تألیفات او کتاب‌های هیئت و نجوم، مقدمه بر نجوم عالی و مثلثات کروی را می‌توان نام برد.

عباس ریاضی کرمانی به سبب کهولت سن در سال ۱۳۶۷ درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۱۲، ص ۵۸)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۴ -۶۵۳ /۳).

ریاضی مهولاتی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۲۱ ق)، شاعر. وی از مردم مهولات زاوه- تربت حیدریه بود، نخست منصب قضای موطن خود را داشت و سپس معزول شد و به شاعری پرداخت. مدتی نیز در ساوه زیست و به همین جهت به ساوجی هم معروف شد. ریاضی در هرات ساکن شد و از شعرای نامی دربار سلطان حسین بود و به اشاره‌ی وی فتوحات او را نظم کرد. چون شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۱۶ ق خراسان را متصرف شد، وی «امیرالمومنین حیدر علی بن ابی‌طالب» را ماده تاریخ آن واقعه یافت و بدین وسیله نزد شاه اسماعیل تقرب پیدا کرد و پس از آن فتوحات وی را نیز نظم کرد. از آثار وی: «وقایع‌الزمان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۱۳)، تحفه‌ی سامی (۱۹۵ -۱۹۴)، تذکره‌ی روز روشن (۱۳۱/۲۵، ۳۹۶/۹)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۱۱۰۴/۲)، کشف الظنون (۲۰۲۰)، لغت نامه (ذیل/ قاضی ریاضی)، مجالس النفائس (۷۷)، هفت اقلیم (۱۹۰ -۱۸۹ /۲).

ریاضی هروی، محمد یوسف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۵ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به ریاضی. در هرات متولد شد و در همان جا به مدرسه رفت. او در مشروطیت به مشهد مقدس آمد و سردسته مجاهدین شد. در سال ۱۳۳۰ ق در اعتراض به دخالت قوای شوروی در صحن مطهر به همراه مجاهدین بست نشست و بارگاه آستان قدس را پناهگاه خود قرار دادند و بعد از بمباران آنجا متفرق گردیدند. از آثار وی: «بحر الفوائد» مشتمل بر دوازده رساله؛ «دیوان ریاضی»، شعر؛ «فیض روحانی»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۹۷/۹)، مؤلفین کتب چاپی (۹۰۷ -۹۰۶/ ۶).

ریاضی یزدی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۹۲ ق)، شاعر، متخلص به ریاضی. اصلش ظاهرا از هرات یکی از روستاهای یزد بود. وی از اوان کودکی مشغول تحصیل شد و به سبب ذوقی که داشت به حکمت تمایل پیدا کرد و از فنون حکمت به ریاضی راغب‌تر بود. به همین جهت به تحصیل آن علم بیشتر کوشید تا به همان علم مشهور گردید. خط شکسته را هم خوش می‌نوشت. از یزد به تهران آمد و با رجال دولت مجالست و معاشرت داشت. به حج مشرف شد و اندکی پس از مراجعت در تهران درگذشت. از اوست:

از من چه خطا سر زد، کز ضربت چوگانها

خود بی سر و پا گردم، چون گوی به میدانها

خون شد دل و می‌جوشد، با غیر چه می‌نوشد

پیمانه و می‌پوشد، چشم از همه پیمانها

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۷۰۴/۱).

ریاضی یزدی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۹۰، یزد.

درگذشت: ۲۹ اسفند ۱۳۶۲، تهران.

سید محمدعلی ریاضی یزدی متخلص به «ریاضی»، فرزند سید ابراهیم یزدی، تحصیلات ابتدایی را در یزد به پایان رسانید. سپس به تحصیلات علوم دینیه پرداخت. در هفده سالگی به اصفهان سفر نمود و بعد از یک سال توقف در اصفهان در امتحانات سیکل اول موفق شده و پس از آن وارد خدمت نظام گردید. بعد از اتمام دوره خدمت نظامش به تهران مسافرت نمود و در امتحانات سیکل دوم شرکت کرد و وارد دانشکده‌ی معقول و منقول گردید. پس از اخذ لیسانس و گذراندن دوره‌ی علوم تربیتی صاحب جمع اموال دانشکده‌ی پزشکی می‌شود. وی در مدایح و مناقب آل عصمت و در سرودن انواع شعر از قصیده و غزل استاد بوده است، اما بیشتر به مثنوی تمایل داشت است. در محافل ادبی و مذهبی به «شاعر آل‌الله» معروف بوده است. در سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ در جلسات انجمن ادبی گوهر شرکت می‌جست و اشعار خود را می‌خواند که بیشتر آنها را مجله‌ی «گوهر» به چاپ رسیده است. نمونه اشعار وی در نگین سخن آمده است.

ریاضی یزدی در سن هفتاد و دو سالگی درگذشت و در ابن‌بابویه به خاک سپرده شد .

(۱۳۶۱ -۱۲۹۰/ ۱۲۸۵ ش)، شاعر، متخلص به ریاضی و قضایی. در یزد متولد شد، در ابتدا به تصحیل علوم دینی پرداخت، سپس برای ادامه‌ی تحصیلات به اصفهان رفت و در تهران از دانشکده‌ی الهیات و دانشسرای عالی فارغ‌التحصیل شد و به استخدام دانشکده‌ی پزشکی درآمد. در سرودن انواع شعر استاد و بیشتر اشعار او در مدح و منقبت خاندان نبوت بود. از اشعار وی در کتیبه‌ها و درهای بقعه‌های متبرکه و مساجد و کتابخانه‌ها استفاده شده است. حدود پنج هزار بیت از اشعار او جمع‌آوری شده است. وی در تهران وفات یافت و در ابن‌بابویه دفن شد.[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] تذکره‌ی سخنوران یزد (۶۸۹ -۶۸۷)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۵۶ -۳۵۵/ ۳)، سخنوران نامی معاصر (۱۶۳۷ -۱۶۳۳/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۴۰۷)، کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۱، ص ۴۳).

ریاضی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۳ -۱۲۷۷ ش)، مدرس و عالم دینی. چون در خانواده‌ای کشاورز در نجف‌آباد به دنیا آمد تا هیجده سالگی به زراعت مشغول بود. پس از آن بر اثر علاقه به تحصیل علوم دینی به سوی حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان کشیده شد و پس از فراگیری علوم مقدماتی و ادبیات از اصفهان به قم رفت و از محضر آیت‌اللّه حائری استفاده کرد. پس از دوازده سال تحصیل علم، در سی سالگی به نجف بازگشت و در آنجا در ملازمت آیت‌اللّه حججی به ترویج دین و تدریس علوم دینی پرداخت. او به کمک مردم یک مرکز علمی-دینی به نام مدرسه‌ی الحجتیه به همراه کتابخانه‌ی مجهز و مسجد تاسیس کرد. بر اثر کوشش او و از رهگذر این پایگاه در نجف‌آباد سیصد تحصیل کرده علوم دین برخاست. کارهای عام المنفعه دیگری همچون بنای چندین مسجد و حمام و حسینیه از وی بر جای مانده است. وی در ۵۶ سالگی بر اثر سکته درگذشت و در حسینیه‌ی اعظم که از بناهای ساخته شده‌ی خود وی است دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار الحجه (۳۷۲/۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۵۴/۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۰۲ -۳۰۰ /۷).

ریاضی، عبدالحمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۷، مرتبه علمی: استاد، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ریاضی با رتبه اول، دانشجوی ممتاز دوره کارشناسی ارشد و دکترا، استاد نمونه دانشگاه شیراز در سال ۱۳۷۰.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده علوم دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آنالیز تابعی، آنالیز هارمونیک، نظارت بر ۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

آنالیز ریاضی، آنالیز تابعی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

آنالیز تابعی، آنالیز هارمونیک و منطق.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ریاضی، غلامرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۲ ق)، مدرس و نویسنده. وی در مشهد متولد شد. پس از گذراندن دوره‌ی مکتب و معلم خانه به مدرسه‌ی رحیمیه سعادت وارد شد و پس از طی بالاترین کلاس در آن زمان به خدمت آموزگاری در مدرسه‌ی رحیمیه پذیرفته شد، سپس مدیریت مدرسه‌ی ادب در کوی عیدگاه در به عهده گرفت. وی در سال ۱۲۹۹ ش بخدمت دارایی مشهد منتقل شد و همزمان عهده‌دار مشاغل مختلف بود. از جمله عضو دارایی، نماینده‌ی معارف و اوقاف طبسی، کفیل بخشداری طبس، معاون کارخانه‌های دخانیات در تهران، رییس کارگزینی و بازرسی دارایی استان خراسان، معاون و رییس دارایی و کفالت اداره‌ی قند و شکر مشهد. از آثار وی: «دانشوران خراسان»؛ «راهنمای مشهد»؛ «زندگانی علی بن موسی الرضا (ع)».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۷۰۲ -۷۰۱ /۴).

ریاضی، مجتبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۷ ش)، نویسنده و استاد دانشگاه. وی در اصفهان متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان و تهران به پایان رسانید و در سال ۱۳۱۱ ش به هزینه دولت برای تحصیل به فرانسه رفت و در سال ۱۳۱۷ ش پس از کسب تخصص در ریاضیات و فیزیک به ایران مراجعت نمود و متصدی کرسی مکانیک عمومی دانشکده‌ی فنی دانشگاه تهران شد. از آثار وی: «مکانیک عمومی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۱۷۷ -۱۷۶ /۵).

ریاضی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی شیمی، دانشکده: مهندسی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترا در رشته مهندسی شیمی از دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

استاد سابق دانشگاههای پنسیلوانیا و صنعتی نروژ، دانشیار دانشکده مهندسی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ارائه روشهائی برای محاسبه خواص مواد نفتی و مهندسی مخازن نفت، ترمودینامیک هیدروکربن‌ها، مهندسی نفت، استاد راهنمای ۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۲ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۵

زمینه علمی مقالات:

خواص فیزیکی و ترمودینامیکی مواد نفتی، خواص نفت خام، انتقال جرم، مهندسی مخازن نفت و ترمودینامیک مواد نفتی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ریحان یزدی، علیرضا حسینی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۳ -۱۲۹۰ ش)، فقیه، مفسر، مورخ، رجالی، نویسنده و شاعر. در یزد متولد شد. پس از تصحیل مقدمات در بیست و یک سالگی برای تکمیل تحصیلات خود به قم مهاجرت کرد و از محضر آیت‌اللّٰه حائری و استادان دیگر استفاده برد. سپس به تهران آمد و به انجام وظائف مذهبی و ترویج دین مشغول شد. گاه گاهی شعر می‌سرود. و غزلیاتی دارد. از آثارش: «آینه‌ی دانشوران»، دائرةالمعارف گونه‌ای حاوی بیوگرافی علمای یزد و معاصران نویسنده در قم و تاریخ تاسیس حوزه؛ «درس انشاء یا علم بیان»؛ «تفسیر ریحان»؛ ترجمه‌ی فارسی سره «بلوهر»؛ «کتابهایی که خوانده‌ام».[۱]

سید علی‌رضا (ریحان) یزدی که سالهاست در تهران اقامت دارند و در آنجا در مسجد سجاد یزدیها در خیابان میرفندرسکی اقامه جماعت می‌نمایند و هم چند ماهی به هند مسافرت و در حیدرآباد و بمبئی تبلیغ دین و ضمنا تتبع در کتابخانه‌های آن سامان می‌نمایند.

آقای ریحان محرم ۱۳۳۰ قمری در یزد به دنیا آمده و در حال حاضر شصت و پنجسال از عمرش می‌گذرد.

وی ترجمه خود را در کتاب دانشمندان گمنام یا آئینه دانشوران خود به طور مفصل نوشته است طالبین به آنجا مراجعه نمایند.

آثار قلمی ریحان از این قرار است: ۱- آئینه دانشوران ۲- درس انشاء یا علم بیان ۳- بازرگانی محمد (ص) ۴- تفسیر ریحان ۵- بلوهر ترجمه فارسی سره از عربی ۶- کتابهائی که خوانده‌ام مشتمل بر دوازده جلد ۷- داماد کربلا.

آقای ریحان سفرهای عدیده به کشور پهناور هندوستان نموده و از بسیاری از شهرهای مهم آن دیدن و کتابخانه‌های عمومی و خصوصی آنجا را دیده و از هر باغ گلی چیده و از هر خرمن خوشه‌ای برداشته و به نام (آنچه من دیده و خوانده‌ام) تدوین نموده است.

نگارنده در دو سفری که در سال ۱۳۸۹ و سال ۱۳۹۰ قمری به هندوستان رفتم دو ماهی در مدینه هتل حیدرآباددکن با معظم‌له مصاحب و مجاور و ناظر سعی و کوشش ایشان بودم ادام‌اللّٰه توفیقه.

وی دارای ذوق سرشار و طبع روان و موزونی می‌باشد و اشعار بسیاری سروده که شایسته است جمع گردد به صورت دیوان ریحان درآید.

شاعر، عالم دینی.

تولد: ۱۳۳۰، ق.، یزد.

درگذشت: ۱۳۶۷.

سید علیرضا مدرس متخلص به «ریحان یزدی». فرزند سید محمد مدرس، از تربیت شدگان حوزه‌ی درس عبدالکریم مهرجردی یزدی و یکی از روحانیون یزد بوده است. وی صاحب تألیفاتی چون بازرگانی محمد (ص) و درس انشاء و آینه‌ی دانشوران است. وی شعر نیز سروده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۲۶۳ -۲۶۲ /۲)، آیینه‌ی دانشوران (مقدمه)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۸۲۲/۲)، تذکره سخنوران یزد (۵۴۵ -۵۴۱)، الذریعه (۱۹/۲۶)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۵۷، ۴۵۱ /۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۶۶ -۵۶۵ /۴).

ریحان، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۳ -۱۲۷۴ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به ریحان. در تهران به دنیا آمد، تحصیلات ابتدایی را در این شهر به پایان رساند. سپس به مشهد رفت و نخستین اشعار خود را در روزنامه‌ی «نوبهار» به چاپ رساند. سپس به تهران آمد و با انجمن و مجله‌ی «دانشکده» به همکاری پرداخت. وی در اوایل سال ۱۲۹۷ ق روزنامه‌ی ادبی و فکاهی «گل زرد» را منتشر کرد، سپس در سال ۱۳۳۹ ق روزنامه‌ی سیاسی «نوروز» را انتشار داد که چون مقاله‌ای بر ضد حکومت وقت در آن روزنامه نوشته بود، پس از انتشار دو شماره توقیف شد و ریحان را چند ساعتی در دارالمجانین بازداشت کردند. ریحان شرح این گرفتاری را به عنوان «یک شب در دارالمجانین» در مجله‌ی «نوبهار» و نیز در خاطرات خود آورده است. وی پس از این واقعه به مدت بیست و پنج سال به خارج از ایران سفر کرد. ریحان زبان فرانسوی را خوب می‌دانست و در سرودن انواع شعر مهارت داشت. وی در اواخر زندگانی به ایران بازگشت و در تهران سکونت گزید و در همین شهر وفات یافت. منتخبی از اشعار او به نام «باغچه‌ی ریحان» و «دیوان» اشعارش چاپ و منتشر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از نیما تا روزگار ما (۴۹۱ -۴۸۸)، تاریخ جراید (۱۶۰ -۱۵۷ /۴)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۲۷ -۲۲۶)، الذریعه (۳۹۷/۹)، سخنوران نامی (۲۵۸ -۲۴۴ /۲)، سخنوران نامی معاصر (۱۶۴۹ -۱۶۴۴ /۳)، فرهنگ سخنوران (۴۰۸)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۳ -۸۳۲ /۶)، یغما (س ۱۲، ش ۷، ص ۳۳۳ -۳۳۱).

ریحانی، محمدکریم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن بازوبندی جلد روغنی عالی، دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع عالی نسخ غبار خوش با رقم: «... سنهٔ ستون و ماءتان بعدالالف و انا العبد... ابن مولینا سلیم، محمد کریم ریحانی...» ۱۲۶۰ در کتابخانه‌ی سلطنتی.

(س سیزدهم ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن جلد روغنی عالی، دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع عالی، نسخ غبار خوش، با رقم: «... سنه ستون و ماتان بعد الالف و انا العبد... ابن مولینا سلیم، محمد کریم ریحانی... ۱۲۶۰».[۱]

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۹۵ -۱۱۹۴/ ۴).

ریزی لنجانی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند ملا عبدالوهاب بن شیخ علی. عالم فاضل جلیل زاهد، فقیه مجتهد اصولی، از اکابر علما و مدرسین اصفهان. در قریه‌ی ریز متولد، لنجان و در نزد پدر و جمعی دیگر از بزرگان در اصفهان تحصیل نموده، به نجف اشرف مهاجرت کرده، و مدت دو سال درس شیخ انصاری را درک نموده، و به درس آقا سید حسین ترک و جمعی دیگر نیز حاضر شده، و او اول کسی است که در اصفهان کتاب فرائد استادش را تدریس نمود.

به زهد و عبادت و استجابت دعا و اعراض از مردم دنیا معروف بوده، در مسجد ذکر الله تدریس و امامت می‌نموده، و شبهای جمعه در تخت فولاد به احیا و قرائت دعای کمیل مشغول بوده، و جمعیتی متجاوز از ده هزار نفر پای منبر حاضر می‌شده‌اند.

سرانجام در شب ۱۷ رمضان المبارک سال ۱۳۲۹ به سن حدود هشتاد وفات یافته، در تکیه‌ای مخصوص به نام خود مدفون گردید.
ماده تاریخ وفاتش را مرحوم حبیب‌الله نیر گوید:
«انهدمت ارکان زهد و الرشد»
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ریزی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل محقّق، از فضلای شاگردان میرزای شیرازی بوده، و پس از وفات ایشان مدّتی در نجف اشرف به درس آقا سید محمّد کاظم یزدی حاضر شده، و در مسافرتی که به قصد زیارت مشهد مقدّس به ایران آمد، در ماه صفر سال ۱۳۳۸ در اصفهان وفات یافته، در صحن تکیه حاج آقا مجلس مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ریزی، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علما و فقها در قرن سیزدهم بوده. دخترش مریم نیز فاضل و دانشمند بود، و کتابت «مطالب السؤوال» را در رمضان المبارک ۱۲۸۷ به انجام رسانیده. و از آن مقام علم و فضل دختر و پدر آشکار است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ریزی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از مبرّزین شاگردان حاجی آباده‌ای و ملّا حسین علی تویسرکانی، عالم فاضل بوده، در شب عاشورای سال ۱۲۹۹ وفات یافته، در بقعه تکیه آباده‌ای مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ریزی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از فضلا و مدرسین و ائمه‌ی جماعت اصفهان، در ۱۲۹۱ وفات یافته، قبرش در تخت فولاد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ریزی، عبدالوهاب

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم و فاضل و مجتهد جامع بوده، در اصفهان نزد سیّد حجّهٔ الاسلام، و در نجف تحصیل نموده، و پس از مراجعت در وطن خویش ساکن گردیده، و به ترویج دین و اجرای احکام پرداخته، و پس از وفات، در مسجد خویش، در اطاقی مخصوص مدفون گردید.
صاحب عنوان، عالم و فاضل محقّق جامع مجتهد فقیه اصولی، در اصفهان و نجف اشرف در نز اساتید آنجا تلمّذ نموده، و از اساتید خود به دریافت اجازه ی روایت و اجتهاد مفتخر گردیده، که عبارتست از اجازه از حاج میرزا حبیب اللّٰه رشتی، و آقا سید محمّد کاظم یزدی، و آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی.
پس از تکمیل تحصیلات به اصفهان مراجعت نموه، و گاهی در شهر، و اغلب در قصبه ی ریز ساکن بوده، و در همانجا وفات یافته، و جنازه ی او با تجلیل و تکریم به شهر منتقل گردیده، در تکیه ی آقا شیخ مرتضی ریزی (برادر نامبرده) مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ریزی، مرتضی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ مرتضی ریزی فرزند شیخ عبدالوهاب از اساتید مسلم فقه و اصول و از مدرسین جامع و عالی قدر حوزه علمی اصفهان بود. این عالم بزرگوار نزد پدر و جمعی از بزرگان اصفهان تحصیل نمود و به نجف اشرف مهاجرت کرده و مدت دو سال درس شیخ مرتضی انصاری را درک نموده و در مجالس درس آقا سید حسین ترک و جمعی دیگر نیز حاضر شده و به درجه اجتهاد رسید ایشان اولین عالم در اصفهان است که کتاب فرائد استادش را تدریس مینمود و در زهد پرهیزکاری، عبادت، استجابت دعا و کناره گیری و کم معاشرت نمودن با مردم معروف بود.

ایشان در مسجد ذکرالله تدریس و امامت می نمود و شبهای جمعه در تخت فولاد به احیاء و قرائت دعای کمیل مشغول بوده و جمعیتی متجاوز از ده هزار نفر پای منبر او حاضرمی شدند و چنان «الهی العفو» و یا « نور یا قدوس»می گفتند که صدایشان در اصفهان شنیده می شد. حتی نقل شده که آخوند کاشی نیز در مجالس دعای کمیل مرحوم ریزی شرکت می نموده و آن مجلس را با شور حال و وصف می کند.

سرانجام این عالم جلیل در شب هفدهم رمضان المبارک سال ۱۳۲۹ ق در اصفهان در گذشت و در محل محراب عبادت شب های جمعه خود در تخت فولاد مدفون گردید. حاج محمد حسین کازرونی از تجار خوش نام اصفهانی بر مزارش تکیه و بقعه ای را بنا نهاد.

ریشارخان، رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۸ -۱۲۳۱ ق)، نویسنده و معلم دارالفنون. وی در سال ۱۲۶۰ ق در زمان سلطنت محمدشاه و ناصرالدین‌شاه به ایران آمد، پس از قبول دین اسلام، نام خود را به رضا تغییر داد و میرزا رضاخان نامیده شد. وی ابتدا معلم زبان فرانسه دارالفنون و بعد کارمند وزارت انطباعات و دارالترجمه‌ی دولتی (مترجم زبان فرانسوی و انگلیسی) بود. در تهران وفات یافت. و در گورستان خارج از دروازه‌ی شهر ری در محلی که موسوم به آب‌انبار قاسم‌خان، به خاک سپرده شد. از وی یادداشتهای ارزنده‌ای راجع به اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران باقی مانده که قسمتی از آن را دکتر خلیل خان ثقفی اعلم‌الدوله در کتاب «مقدمات گوناگون» نقل کرده است. از آثار وی: «تاریخ سنت هلن تاریخ مختصر ناپلئون»؛ «گرامر فرانسه به فارسی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۱۰۴ -۱۰۳ /۶ ،۴۴/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۶۱ -۱۶۰ /۳)، یاد داشتهای قزوینی (۱۸۸/۸)، یادگار (س ۳، ش ۱۰، ص ۲۵ -۲۴).

ریشارخان، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۴ -۱۲۸۵ ق)، معلم دارالفنون. مشهور به مودب الملک. او پس از فوت پدرش در سال ۱۳۰۸ ق، مدتها معلم زبان فرانسه در دارالفنون بود. وی صاحب کلکسیون بسیار کاملی از مسکوکات ایران بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجل (۲۹۶/۶، ۴۵ -۴۴ /۲)، یادگار (س ۳، ش ۱۰، ص ۲۵).

رییس شیرازی، جلال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۳۰ ش)، فقیه و شاعر. ملقب به رئیس‌العلما. وی در شیراز متولد شد. علوم دینی را از پدر آموخت و سالها در آن شهر به رتق و فتق امور شرعی می‌پرداخت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۷۰ -۵۶۷ /۲)، فرهنگ سخنوران (۳۶۷).

رئیس زاده، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد حسین رئیس زاده

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از گذراندن مدرسه ابتدائی در سال ۱۳۵۳ وارد نظام طلبگی شده و ابتدا در شهرضا با شروع کتاب شرح امثله و صرف میر ادبیات را آغاز نمودم پس از یک سال گذرانـدن دروس طلبگی در این شـهر وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سـطح وحدود چهارده سال دروس خارج فقه و اصول را شـرکت نمودم. هم زمان با دروس خارج دروس سـنگرهای ایـدئولوژیک در رابطه با نقد مکتب مارکسـیسم که توسط آیـهٔ الله مصـباح یزدی ارائه شـده بود گذرانـدم و با قبولی در این دوره و امتحانات شـفاهی وارد دوره آموزشـی با هدایت و نظارت اسـتاد مصـباح یزدی شدم و موفق به گذراندن دوره عمومی معارف اسـلامی مشتمل بر معارف قرآن– فلسفه اسلامی–و آشنائی با علوم انسانی" اقتصاد– حقوق – سیاست و "...شدم و سپس وارد رشته تخصصی اقتصاد شده و یک سال این رشـته را گذراندم بعلت اشـتغال به کارهای اجرائی در تهران یک سال وقفه در تحصـیل افتاد و پس از بازگشت رشته تخصصی علوم سیاسـی را تا مقطع کارشناسی ارشد گذراندم ودر سال ۱۳۷۵ با ارائه پایان نامه با عنوان نقش مردم در مشـروعیت نظام سیاسی در اسلام و گذراندن امتحانات مربوطه موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس در این رشته شدم.

هم زمـان بـا تحصـیل در دروس فقه و اصول و رشـته هـای معـارف اسـلامی و علوم سیاسـی در مـدارس مختلف مرکز جهـانی علوم اسلامی و جامعهٔ الزهراء"س "به تدریس فقه – اصول – علوم سیاسی پرداختم که تدریس در امور مذکور تاکنون ادامه دارد.

رئیسی شیری، اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

رئیسی، عزت‌اللَّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زمین‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شیراز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

رئیسی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی رئیسـی بن السید الجلیل حاج سید مصطفی رئیس‌الذاکرین گرگانی از افاضل دانشمندان معاصر گرگانست وی در گرگان متولـد شـده و در حجره والـد ماجـدش پرورش یافته و مقدمات و ادبیات را در آنجا خوانده و پس از فراگرفتن سـطوح فقه و اصول برای تکمیل مبانی علمی مهاجرت به نجف اشـرف نموده و از دروس خارج و محضـر آیت‌اللَّه العظمی شاهرودی و آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظله و مراجع دیگر اسـتفاده نموده و پس از آن مراجعت به وطن و به خدمات دینی از قبیل امامت و تدریس و اداره عده‌ای از محصلین علوم دینیه گرگان پرداخته و تا حال تحریر اشتغال به انجام وظائف دینی و روحی دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

رئیسی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدتقی بن مرحوم آقا شیخ حسین (معروف به شیخ رئیس) از علماء معاصر قوچان است. وی در سال ۱۳۱۲ قمری در قوچان متولـد شـده و مقدمات فارسـی و عربی را در قوچان تحصـیل کرده و فقه را نزد مرحوم آقا شـیخ محمد کبیر آموخته آنگاه به نجف

اشـرف مشرق شده و سطح کفایه را خدمت مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و خارج را خدمت آن مرحوم و آقا ضیاءالـدین عراقی خوانـده و بعـد به قوچان مراجعت و به تـدریس فقه و اصول پرداخته و پس از چنـدی به مشـهد مقدس عزیمت و رحل اقامت افکنـده و تاکنون حدود سـی سالست که در ارض اقدس به تدریس مکاسب و رسائل و کفایه و امامت در مسـجد امین مشهد اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

رئیسی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود رئیسـی از علماء مبرز و به نام معاصر شهرستان قزوین است تولدش در سال ۱۳۰۰ قمری واقع شده و اکنون نود و پنج سال از عمر مبارکش می‌گذرد و در دارالمؤمنین قزوین به خدمات دینی و امامت در مسـجد جامع آنجا اشـتغال دارد و روزهای جمعه برای دعای سـمات به مزار کثیر البرکات جناب شاهزاده حسـین قزوین آمده و با صدها نفر مردم متدین آن شهرسـتان پس از دعای مزبور اقامه جماعت می‌نمایند.

معظم له پس از خواندن اولیات شـرح لمعه و قوانین را در خدمت مرحوم آیت‌اللّه آقا محمد تحصـیل کرده و رسائل و مکاسب را از مرحوم آیت‌اللّه حـاج ملاـ علی طـارمی خوانـده و خـارج فقه و اصول را از محضـر مرحوم آیت‌اللّه حـاج ملا علی‌اکبر قزوینی که از مجتهـدین بزرگ این شهرسـتان بودند استفاده نموده و فنون مختلف دیگر مانند خلاصهٔ الحساب شیخ‌بهائی و بیست باب ملا مظفر و هیئهٔ فارسـی را نزد مرحوم حـاج ملاـ علی و مارگوولیـک تور فرانسه فیزیک و شـیمی را نزد دکتر ابوالقاسم خان و قانونچه و شـرح نفیس و شـرح اسـباب را نزد مرحوم حاج میرزا احمد احسن الحکماء خوانده و ضمناً تدریس مطول و شرح لمعه و قوانین را نموده و در مسجد خویش بعد از اداء فرائض برای مردم مسائل اعتقادی و احکام شرعی و موعظه می‌نماید.

مرحوم میرزا فضل‌اللّه جـد معظم له رئیس جامع معقول و منقول بوده و اهل صـنعت در حق او عقیده بزرگی داشـتند و می‌گفتند که وی دارای علم کیمیا بوده و خودش در یکی از دو بیت اشعارش به این موضوع اشاره کرده و گفته:

چه فاضل از غم ایام می‌سوخت

خداوندش ز صنعت بهرور کرد

و در بیت دیگر گفته:

تو فاضلا نرسیدی به این مقام بلند

مگر بحب علی و مگر بلعن ع م ر

جناب آقای رئیسی در علم طب نیز زحماتی کشیده و اطلاعاتی در این فن بدست آورده و درباره چشم و اجزاء آن سروده است.

کرد آفریدگار تعالی بلطف خویش

چشمت به هفت پرده و سه آب منقسم

فلس مشیمه شبکه زجاجی و پس جلیه

پس عنکبوت بیض عنبسه قرن ملتئم

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

رئین‌تن لاهیجی، غلامحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی برق، دانشکده: مهندسی برق، دانشگاه: علم و صنعت ایران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

زابلی، ابوالثنا احمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، عالم. وی از علمای اهل سنت قرن دهم هجری می‌باشد که از آثارش کتاب «اعراب القرآن» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۳۵۱/۲)، لغت نامه (ذیل/ زابلی).

زابلی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید رضا بن مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین آقا سید محمد امین‌الرعایا زابلی از علماء معروف معاصر شهرستان کرج است، وی در سال ۱۳۲۲ ق در شهر زابل متولد شده و پس از خواندن مقدمات در سن ۱۸ سالگی با معیت برادر بزرگشان مرحوم حجهٔالاسلام آقا سید حسن زابلی جهه تحصیل به مشهد مقدس مشرف و در مدرسه باقریه ساکن و به تحصیل ادبیات و سطوح پرداخته و پس از چند سال برای تکمیل مبانی علمی مهاجرت به نجف اشرف نموده و در مدرسه قوام اقامت و از محضر آیات عظام مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و ضمناً مباحث اخلاقی و سلوکی جمال السالکین و سید العارفین آیت‌اللّه آقا سید علی آقای قاضی طباطبائی استفاده نموده آنگاه به امر مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی منتقل بسامرای و چندی سرپرستی مدرسه علمیه مرحوم میرزاء شیرازی را بعهده گرفته و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی به قم آمده و مورد لطف و محبت مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی قرار گرفته و به امر آن بزرگوار برای ارشاد و هدایت مردم کرج به این شهرستان عزیمت و رحل اقامت افکنده و تا اکنون در مسجد اعظم خیابان کشاورز آنجا به اقامه جماعت و تبلیغ احکام مشغول میباشند.

دارای فرزندان برومندی هستند که همگی در پستهای حساس روحانیت اشتغال بخدمات دینی دارند و آنها از این قرار می‌باشند:

۱- جناب حجهٔالاسلام آقا سید محمد زابلی که اکنون در مدرسه سپهسالار قدیم به تدریس و مباحثات اشتغال دارند.

۲- جناب حجهٔالاسلام آقای سید علی زابلی مقیم نجف که از تلامذه و مشترکین مباحث آیت‌اللّه العظمی خوئی هستند.

۳- جناب حجهٔالاسلام آقا سید ابوالحسن زابلی که در بروجرد سکونت و به اقامه جماعت و تبلیغات احکام دین اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

زاد، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر سید جواد زاد در سال ۱۳۱۹ در شهر قم دیده به جهان گشود. ایشان دکترای رشته گیاه پزشکی را در سال ۱۳۵۴ از دانشگاه نانسی فرانسه اخذ کرده است. وی عضو هیئت علمی دانشگاه تهران با درجه استادی می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیگرایش : قارچ شناسی و بیماری شناسی گیاهیوالدین و انساب : پدر سید جواد زاد، مرحوم حاج سید علی زاد، شاغل در بازار و نام مادر محترمشان مرحومه حاجیه خانم زهرا زاد (دارای مدرک تحصیلات ششم ابتدایی – خانه‌دار) بود و پدر بزرگش مرحوم حاج عباس زاد، تاجر در سرای حاجب الدوله تهران بود. دکتر زاد نیز دو برادر و یک خواهر دارد.خاطرات کودکی : سید جواد زاد از سن ۵ سالگی برای فراگیری قرآن به مکتب علوم دینی رفت.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : سید جواد زاد در خانواده ای مذهبی بدنیا آمد. خانواده اش از نظر مالی در وضعیت متوسطی قرار داشت.تحصیلات رسمی و حرفه ای : حرفه آموزی و تحصیلات رسمی سید جواد زاد به ترتیب زیر است: – سال ۱۳۳۲–۱۳۲۶ دوره تحصیلات ابتدایی در مدرسه نشاط تهران – سال ۱۳۳۹–۱۳۳۲ دوره تحصیلات متوسطه دردبیرستان رهنمای تهران – سال ۱۳۳۹–۱۳۴۳ دوره مهندسی کشاورزی در دانشگاه تهران – سال ۱۳۴۸–۱۳۵۲ دوره کارشناسی ارشد گیاه پزشکی دانشگاه تهران – سال ۱۳۵۰–۱۳۵۲ دوره کارشناسی ارشد D.E.A دانشگاه نانسی فرانسه – سال ۱۳۵۲–۱۳۵۴ دوره دکتری قارچ شناسی و بیماریهای گیاهی نانسی فرانسهخاطرات و وقایع تحصیل : سید جواد زاد از دوران تحصیل خود کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ملی شدن صنعت نفت و همچنین وقوع زلزله بوئین زهرای قزوین را به یاد دارد.فعالیتهای ضمن تحصیل : سید جواد زاد در حین تحصیل به یاد گیری زبان انگلیسی و همچنین فعالیت های ورزشی می پرداخت.استادان و مربیان : مربیان و استادان سید جواد زاد در دوران متوسطه و دانشگاه به قرار زیر است: – دبیرستان: مرحوم محمد علی دفتری ، مرحوم سید جوادی – دانشگاه: مرحوم دکتر محمد حسن مهدوی ، دکتر دواچی ، دکتر منوچهری ، دکتر خبیری ، دکتر شیبانی و دکتر شجاعیهم دوره ای ها و همکاران : دکتر حمید صاحب کشاف ، دکتر عباسعلی زالی (وزیر اسبق کشاورزی) ، دکتر حسین صدقی (استاد دانشگاه چمران اهواز) ، دکتر غلامرضا سلطانی (استاد دانشگاه شیراز) ، دکتر قربانعلی حجارود (استاد دانشگاه تهران) و دکتر محمود اخوت (استاد دانشگاه تهران) از هم‌دوره‌ای‌های سید جواد زاد می باشند. و از همکاران وی می توان به دکتر عباس شریفی ، دکتر یزدی صمدی ، دکتر علی خلیلی ، دکتر علی محمد برقعی ، دکتر حسن رحیمی اشاره کرد.همسر و فرزندان : سید جواد زاد متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم فرشته سوداگر (دارای مدرک کارشناسی زبان انگلیسی) می باشد. ایشان ۴ فرزند دارد: – دکتر محمد علی زاد دارای درجه دکتری پزشکی دانشگاه شهید بهشتی – خانم مهندس نازنین زاد دارای مدرک مهندس کامپیوتر دانشگاه آزاد اسلامی – مهندس امیر علی زاد دارای درجه کارشناسی ارشد از دانشگاه امیر کبیر تهران – خانم گلناز زاد دانشجوی رشته هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامیوقایع میانسالی : سید جواد زاد در سال ۱۳۴۳ به استخدام دانشگاه تهران در آمد ، در سال ۱۳۵۰ برای اخذ درجه دکتری به کشور فرانسه رفت و در سال ۱۳۵۲ ازدواج نمود. در سال ۱۳۶۸ به درجه استادی دانشگاه تهران مفتخر گردید و در سال ۱۳۸۳ برای استفاده از فرصت مطالعاتی به دانشگاه آدلاید استرالیا مسافرت نمود. در سال ۱۳۶۳ به ریاست دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران منصوب گردید و قریب به ۲۲–۲۳ سال در مدیریت دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران خدمت کرده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید جواد زاد عضو هیئت علمی و استاد گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران است. از دیگر سوابق اجرایی و مدیریتی ایشان: – رئیس بخش بیماریهای گیاهی – ۱۳۶۱–۱۳۶۳ و ۱۳۶۷ –۱۳۷۲ و ۱۳۷۴–۱۳۷۶ مدیر گروه ، کشاورزی و منابع طبیعی مرکز نشر دانشگاهی شورای عالی انقلاب فرهنگی – ۱۳۶۳–۱۳۶۷ رئیس دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران – ۱۳۷۶–۱۳۸۱ معاون تحصیلات تکمیلی دانشکده کشاورزی – ۱۳۸۱–۱۳۸۳

معاون آموزشی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران – ۱۳۸۳–۱۳۸۵ معاون پشتیبانی دانشکده علوم باغبانی – گیاه پزشکی دانشگاه تهرانفعالیتهای آموزشی : تدریس در دوره های کارشناسی ، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشکده کشاورزی/ گروه گیاه پزشکی دانشگاه تهران. عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط سید جواد زاد: کارشناسی: – بیماریهای گیاهی – بیماریهای مهم درختان میوه – میکو توکسین ها کارشناسی ارشد: – بیماری شناسی بذر – بیولوژی و شناسائی علفهای هرز و انگلی – سلامت بذر – فیزیولوژی پاراتیسم در بیماریها دکتری: – بیماریشناسی بذر وی همچنین تدریس دروس فیزیولوژی پارازیتیسم در دانشگاه تربیت مدرس تهران را بر عهده دارد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سید جواد زاد آزمایشگاه بیماری شناسی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران را تاسیس کرده است. وی در احداث آزمایشگاه بیماریهای گیاهی – احداث هرباریوم همکاری داشته است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : آرا و گرایشهای خاص : زمینه های پژوهشی مورد علاقه سید جواد زاد تحقیق در زمینه بیماری شناسی گیاهی است.جوائز و نشانها : دریافت چندین جایزه و لوح تقدیر و لوح افتخار از طرف ریاست دانشگاه تهران ، مدیریت دانشگاه تهران و مدیریت دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران ، وزارت کشاورزی ، وزارت ارشاد اسلامی و وزارت آموزش و پرورش .چگونگی عرضه آثار : سید جواد زاد در چند طرح تحقیقاتی به عنوان مجری طرح بوده یا در طرح همکاری داشته است که به چند عنوان از آنها اشاره می شود: – طرح بررسی بیماریهای گیاهی ایران – مجری طرح – طرح بررسی بیماریهای دانه های روغنی – مجری طرح – طرح بررسی سفیدک داخلی آفتاب گردان – مجری طرح – طرح بررسی بیماریهای بوته میری زیره سبز – مجری طرح – طرح تکمیلی کلکسیون آزمایشگاه بیماریهای گیاهی – همکار طرح دکتر سید جواد زاد بیش از ۱۰۰ پایان نامه کارشناسی ارشد را راهنمایی و مشاوره و نظارت کرده است. ایشان همچنین دارای بیش از ۲۶ مقاله منتشر شده در مجلات بین المللی خارجی به زبانهای فرانسه و انگلیسی ، بیش از ۳۲ مقاله به زبان فارسی چاپ رسیده در مجلات داخلی می باشد. مقالات چاپ شده در مجلات خارجی: ۴ مورد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی: ۵ مورد مقالات چاپ شده در همایشها : ۲۱ مورد مقالات ارائه شده در همایشها: ۱۶ مورد طرحهای تحقیقاتی به پایان رسیده: ۴ مورد آثار : بیماری شناسی بذر ویژگی اثر : دانشگاه تهران – فارسی – آماده چاپ۲ بیماری گیاهی ویژگی اثر : دانشگاه تهران – فارسی – آماده چاپ۳ بیماریهای درختان میوه ویژگی اثر : دانشگاه تهران – فارسی – زیر چاپ۴ طرحهای تحقیقاتی به پایان رسیده •: بررسی شدت بیماریهای پژمردگی فوزاریومی گوجه فرنگی در ارتباط با نماتد مولد ریشه –۱۳۸۱ • شناسایی عوامل قارچی و باکتریایی موثر در مبارزه بیولوژیک گل جالیز – ۱۳۷۹ • بیماریهای نباتات زراعی و باغی – ۱۳۷۶ • ۱۳۸۳، مقایسه اثر عصاره باقلا و گوجه فرنگی و چند آنالوگ استریو گول بر جوانه زنی بذر گل جالیز قارچ شناسی و بیماریهای قارچی گیاهی ویژگی اثر : تالیف، آبیژ، ۱۳۸۴ ۶ قارچ شناسی و بیماریهای گیاهی ویژگی اثر : تالیف– با همکاری دکتر اخوت منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

زارجی یزدی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌اکبر زارجی یزدی بنابر نقل نجوم السماء امام جمعه یزد از شاگردان سید علی طباطبائی صاحب ریاض است و در سال ۱۲۹۶ وفات نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

زارع نهندی، رحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای ریاضی از دانشگاه مینه سوتای آمریکا در سال ۱۳۶۱.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده علوم دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

هندسه جبری در زمینه seminormality and genevic Projections، خواص جبری نقاط تکین معمولی، استاد راهنمای ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

هندسه جبری.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۵

زمینه علمی مقالات:

هندسه جبری و جبر جابجائی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

زارع، عزیزالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عزیز الله زارع

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اینجانب عزیزالله زارع فرزند خلیل متولد ۱۳۴۰ از شهر آمل در سال تحصیلی ۳-۱۳۵۲ برای تحصیل علوم حوزوی وارد مدرسه علمیه مسجد جامع آمل شدم مقدمات دروس حوزوی مانند گلستان سعدی و نصاب الصبیان و برخی از کتاب‌های جامع المقدمات را در آن مدرسه فراگرفتم و چون مدرسه آن زمان از نظر مدیریت دچار مشکلاتی بود و برنامه مدونی برای طلاب وجود نداشت سال آینده به مدرسه مسجد هاشمی آمل رفتم عدم استاد و فضای مناسب آموزشی و مشورتی که با حضرت آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی(ره) داشتم سبب شد به حوزه جعفریه رستمکلای بهشهر که تحت اشراف حضرت آیت الله ایازی رضوان الله تعالی علیه اداره می‌شد بروم و در سال ۷ـ ۱۳۵۶ به حوزه مقدسه علمیه قم آمدم و چون در قم مواجه شدیم با تعطیلی حوزه به جهت قیام و انقلاب و تظاهرات خیابانی، غالباً درس‌ها را تا لمعه جلد اول نزد اساتید خصوصی می‌خواندم کتابهای که قبل از لمعه جلد اول خوانده شد عبارت‌اند از جامع المقدمات، سیوطی، حاشیه ملاعبدالله، منطق مظفر جلدین اصول فقه مغنی باب رابع، معالم الاصول و جلد دوم لمعه را در درس حضرت استاد وجدانی فخر(ره) شرکت کردم. رسائل شیخ انصاری را نیز در محضر معظم له خواندم. بیشتر مکاسب شیخ را در محضرت آیت الله پایانی بودم و بخشی را نیز از نوار مکاسب آیت الله ستوده استفاده کردم. کفایه الاصول را نزد آیت الله صالحی مازندانی و بخشی را نزد حضرت آیت الله پایانی خواندم.

همراه دروس سطح حوزه درس فلسفه را نیز از بدایهٔ الحکمهٔ شروع کردم و بعد از آن نهایهٔ الحکمهٔ را خواندم و سپس بخشی از کتاب منطق و فلسفه شرح منظومه حاجی سبزواری فراگرفتم مدتی در فلسفه شرح منظومه از درس حضرت استاد آیت الله انصاری شیرازی استفاده می‌کردم.

سپس به اسفار ملاصدرا پرداختم بعضی از مجلدات آن را در درس حضرت استاد آیت الله حسن‌زاده آملی و بعضی دیگر را از محضر حضرت استاد جوادی آملی فراگرفتم همزمان جلد سوم اشارات را در محضر حضرت استاد حسن‌زاده آملی می‌خواندم.

بعد از خواندن مجلداتی از اسفار به درس مصباح الانس ابن فناری حضرت استاد آیت الله حسن‌زاده آملی پرداختم که متأسفانه به سبب ایجاد مزاحمت بعضی جهالِ مخالفِ درس عرفان برای شاگردان شناخته شده کارت ورود به جلسه درس تهیه شده است و بعد از اینکه مدتی با کارت ورود به جلسه درس برقرار بود. استاد به جهت پایه این از مزاحمت‌ها درس را تعطیل نموده‌اند و شاگردان را از این نعمت عظمی محروم شده‌اند.

تمام کتاب تمهید القواعد ابن ترکه را در عرفان نظری را با نوارهای درسی حضرت استاد جوادی آملی خواندم و بخشی از شرح فصوص الحکم قیصری را نیز با نوارهای استاد جوادی آملی و استاد حسن‌زاده آملی خواندم و باقیمانده را نیز مترصد فرصتی هستم که بخوانم در درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله فاضل لنکرانی سالهای زیادی شرکت کردم و چون مباحث فقهی معظم له در ابواب عبادات بود چهار سال نیز در درس فقهی حضرت آیت الله وحید خراسانی که در معاملات (خارج (بیع مکاسب) بود شرکت نموده‌ام. با تشکیل مرکز تخصصی فقه ائمه اطهار تحت اشراف آیت الله فاضل لنکرانی بعد از قبولی امتحان شفاهی دوره تخصصی فقه را در حد اجتهاد متجزی در آن مرکز گذراندم و اکنون مشغول تحقیقات فقهی در برخی از موضوعات می‌باشم و تدریس تفسیر المیزان را نیز در مدرسه آیت الله بروجردی (خان) مشغولم و بحمدالله از جهت تبلیغ و منبر نیز چه در قم در بیوت و دفاتر علما و چه در خارج قم و چه در اوقات مخصوص تبلیغ مانند ماه مبارک و محرم الحرام و دهه آخر صفر و چه در غیر آن، وقتم بسیار مشغول است. چند سالی در صدای جمهوری اسلامی استان مازندران تحت عنوان درس‌های از نهج البلاغه یا تبیین اسمای ماه مبارک رمضان مباحثی از این کمترین پخش می‌شد.

در سال ۱۳۶۲ رساله این تحت عنوان اخلاقی در دوجهان بینی اسلام و کمونیسم نوشته‌ام که مدتی جزوه درسی سپاه پاسداران استان کردستان قرار گرفته است و نسخه آن نیز موجود است در سال ۱۳۷۶ نیز مقاله‌ای از این حقیر تحت عنوان حوزویان طائفان بیت الله انفسی در روزنامه جمهوری اسلامی به چاپ رسیده است.

زارع، کریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۹، مرتبه علمی: استاد، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشگاه تبریز با رتبه ممتاز در سال ۱۳۵۳، کارشناسی ارشد الکتروشیمی از دانشگاه لوئی پاستور در سال ۱۳۵۴، دکترای شیمی فیزیک با رتبه ممتاز از دانشگاه لوئی پاستور در سال ۱۳۵۷، فوق دکترا از دانشگاه لوئی پاستور در سال ۱۳۷۱.

مرتبه علمی:

استادیار در سال ۱۳۵۸، دانشیار در سال ۱۳۶۶ و ارتقاء به درجه استادی دانشکده علوم دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۷۱.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تعیین ثابتهای پایداری کمپلکسهای فلزات وانادیم مولیبدن و تنگستن با اسیدهای آمینه و مقایسه کمپلکسهای وانادیم (V) و وانادیم (VI)، تدریس دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا، استاد راهنمای ۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۲ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی تألیفات:

اصول شیمی فیزیک، اصول سینتیک و مکانیسم واکنشهای شیمیایی، سینتیک شیمیایی و مکانیسم واکنشها، مسائل سینتیک شیمیایی، سینتیک و ترمودینامیک کمپلکسهای فلزات واسطه با پلی آمینو کربوکسیلیکها و اسیدهای آمینه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۸

زمینه علمی مقالات:

مطالعه کمپلکسهای برخی از فلزات واسطه با لیگاندهای پلی آمین و کربوکسیلیک و آمینو کربوکسیلیکها از نظر تومودینامیکی و سینتیکی کاربرد سینتیک برای ارائه روشهای جدید در شیمی تجزیه.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

زارع، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد زارع قراملکی

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۹ در راستای استفاده از معارف اهل بیت(ع) و خدمت به مکتب شیعه و با انگیزه جهاد علمی در حفظ و حراست از دستاورد قرنها تلاش و کوشش ائمه اطهار و علما رساتین شیعه وارد حوزه علمیه مدرسه عالی حضرت ولی عصر (عج) تبریز شدم.

در مدت حدود چهار و نیم سال سطح یک اتمام لمعه را تمام کردم . در اوایل سال ۱۳۷۴ جهت ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه قم شدم و در جوار حضرت معصومه(ع) و در مدرسه دارالشفاء به ادامه دروس فقه و اصول در سطح عالی پرداختم. از همان ابتدا به مباحث اندیشه سیاسی اسلام علاقه وافر داشتم بنابراین حوزه مطالعاتم را به اندیشه سیاسی اسلام متمرکز کردم. البته در طول تحصیل در کنار مباحث فقه و اصول در دوره های تخصصی کوتاه مدت از قبیل ادیان و مذاهب مرکز تخصصی ادیان زیر نظر جناب حجهٔ الاسلام آقای نواب شرکت کردم و همچنین دوره های فلسفه علم، عرفان اسلامی، منطق فهم دین که توسط پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برگزار می شد استفاده نمودم.

زارعی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۳۶، مشهد.

درگذشت: ۱۹ دی ۱۳۷۲، تهران.

احمد زارعی دانشجوی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی بود. از جمله آثار وی می‌توان به چه عطر شگفتی و یادواره اشاره کرد. وی همچنین در راه اندازی مجلات فرهنگی و برگزاری کنگره‌های شعر جنگ فعالیت داشت.

احمد زارعی در دی ماه ۱۳۷۲ در تهران و بیماستان شریعتی جان سپرد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

زارعی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین زارعی متولد۱۳۱۸ ه.ش تهران دارای دکترای رشته گیاه پزشکی عضو هئیت علمی دانشگاه کلیپوتون انگلستان با درجهٔ استاد می باشـد. وی دارای تحقیقـات بر آثـاری پیرامـون گیـاه پزشـکی و ژنتیـک گیـاهی می باشـد.گروه : کشاورزیرشـته : گیـاه پزشکیتحصیلات رسـمی و حرفه ای : حسین زارعی دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشـد رشته کشاورزی از دانشگاه تهران و دکتری رشته گیاه پزشکی از دانشگاه اوهایو می باشد.خاطرات و وقایع تحصیل : تحصیل در رشته گیاه پزشکی و اخـذ مدرک دکتری در آن رشـته از مقاطع مهم زندگی علمی حسین زارعی بوده است.فعالیتهای ضـمن تحصـیل : حسـین زارعی در کنـار تحصـیل مشـغول به مطـالعه، تحقیـق وتـالیف آثـاری در زمینه تخصصـی مورد علاـقه خود بوده است.وقـایع میانسالی : حسین زارعی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاه پزشکی به عضویت هئیت علمی گروه گیاه پزشکی در دانشکده علوم پایه دانشگاه اوهایو درآمد. وی هم اکنون با سـمت دانشـیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسـین زارعی عضو هئیت علمی و دانشـیار گروه گیاه پزشـگی در دانشـکده علوم پایه در دانشگاه اوهایو است.فعالیتهای آموزشی : حسـین زارعی سالهاست که به عنوان عضو هئیت علمی گروه زیست شناسـی دانشگاه اوهایو به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشـگی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حسـین زارعی در کنار تـدریس به مطالعه، تحقیق وتالیف آثاری تخصصـی، پژوهشی و عمیق می پردازد.آرا و گرایشهای خاص : حسین زارعی از جمله گیاه پزشکان و گیاه شناسانی است که تحقیقات مفصل و عمیـق دربـاره گیـاه پزشـکی و بیماریهـای گیاهـان دارد. آثـار : بیماریهـای گیاهـان گیـاه پزشـکی منـابع زنـدگینامه :http://iranologyfo.com/

زارعی، عباسعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباسعلی زارعی

محل تولد : سبزه وار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عباسـعلی زارعی مشـهور به زارعی سبزه واری مطابق شناسـنامه در سال ۱۳۴۸ در روسـتای گاچ از توابع شهرسـتان سبزه وار متولّد شـدم. نام پـدرم محمـد و نام مادرم مانـدگار زهرائی می باشـد. وران کودکی را در آغوش پـدر و مادر سپری کرده و قبل از دبستان در سن پنج سالگی به مکتب قرآن رفته و مشغول فراگیری قرآن و بعضی کتابهای دینی شدم. درس ۱۳۵۶ در شهرستان سبزه وار به دبسـتان رفته و مشغول تحصیل شدم. ر سال ۱۳۶۲ به طور رسـمی وارد حوزه علمیه سبزه وار شده و مشغول تحصیل در حوزه شدم تا سال ۱۳۶۵ در سبزه وار از محضر اساتیدی همچون شیخ محمد علی ابراهیم نژاد، سید محمدشبیری، شیخ حسین طالبی درس سطح را از مقدمات تا اتمام لمعتین استفاده نمودم.

در سال ۱۳۶۵ در امتحان ورودی مشـهد مقدس شـرکت نموده و پذیرفته شدم.در مشـهد مقدس از محضـر حضـرات حجج الاسـلام آقـای جوهری، علامه زاهـدی،سـنا بادی، علمی و حضـرات آیات مرتضوی و فلسـفی و آشتیانی و خلخالی تتلمـذ نمودم. در مشـهد مقدس به تقاضای بعضـی از طلاب درسهای مقدمات تا لمعه را تدریس می نمودم و در سال ۱۳۶۸ اولین کتاب خودم به نام مسائل منطقی شـرح منظومه حکیم سبزه واری را تألیف نمودم. درطول مـدتی که در مشـهد بودم یعنی مـدت نزدیک به پنج سال با جدیت تمام به امر تحصـیل و تـدریس و تألیف مشـغول بودم و برکات فراوانی در طول این مدت نصیب بنده شد.در شبانه روز فقط ۵یا ۶ ساعت استراحت می کردم و ساعات دیگر را در راه تحقیق و تحصیل سپری کرده و بطور کامل استفاده می نمودم.در مدرسه موسی بن جعفر (ع) مشغول تحصیل و تدریس شدم و در امتحان کفایه ممتاز شناخته شدم.

و در اواخر سال ۱۳۶۹ به توصیه اساتید محترم عازم شهر قم شده و در حوزه علمیه قم پذیرفته شدم.
در حوزه علمیه قم از محضر اساتید بزرگوار آیات عظام فاضل لنکرانی، میرزا جواد تبریزی، وحید خراسانی، سید موسی شبیری زنجانی در فقه و اصول و از محضر حضرات آیات حسن زاده آملی و جوادی آملی در فلسفه استفاده بردم و از سال ۱۳۷۱ در مدرسه آیهٔ الله العظمی گلپایگانی و مدرسه دار الشفاء و فیضیه مشغول تدریس مکاسب،رسائل، بدایهٔ الحکمه، نهایه الحکمه، شرح منظومه،بودم، و در حال حاضر مشغول چهارمین دوره تدریس کفایه الاصول و مشغول به تدریس خارج فقه می باشم.تاکنون کتابهایی را تألیف نموده ام که گزارش آن خواهد آمد. در مراکزی مانند مدارس علمیه الهادی و حجتیه و مرکز فقهی ائمه اطهار و مرکز تخصصی تربیت مدرس نیز تدریس نموده و می نمایم .

زارعیان، سلیمان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ماشینهای کشاورزی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شیراز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

زاری شیرازی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. صاحب «صبح گلشن» می‌نویسد: از شیوا بیانان شیراز است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۵۹ -۶۵۸ /۲)، ریحانه (۳۵۱/۲)، صبح گلشن (۱۸۸).

زاری لکهنوی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به زاری. اجدادش از اصفهان بودند که به فرخ‌آباد هند رفتند. پدر وی در شهر لکهنو در خدمت نواب معتمدالدوله بود؛ زاری در این شهر پرورش یافت. از وی اشعاری به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۲۳ -۳۲۲).

زاری مشهدی، محمدقاسم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۹ ق)، مورخ و شاعر، متخلص به زاری. وی از شعرای مشهد مقدس رضوی بودکه در سیر و تاریخ نیز دست داشت. غزل را نیکو می‌سرود. وی در میدان اصفهان به دست دزدان کشته شد. از جمله آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۵۲ -۶۵۱)، الذریعه (۳۹۸/۹)، ریحانه (۳۵۱/۲)، صبح گلشن (۱۸۹ -۱۸۸)، فرهنگ سخنوران (۴۰۹)، لغت نامه (ذیل/ زاری).

زاز سرخسی مروزی، ابوالفرج عبدالرحمان

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۴۹۴ -۴۳۲ ق)، فقیه و محدث شافعی. معروف به زاز بود. نزد قاضی حسین فقه آموخت و از استاد ابوالقاسم قشیری و حسن بن علی مطوعی و ابومظفر محمد تمیمی و بسیاری دیگر حدیث شنید. احمد بن محمد نیشابوری و ابوطاهر سنجی و عمر بن ابی‌مطیع و عده‌ای دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. از آثار وی: کتاب «الاملاء»، در مذهب شافعی، که به گفته یاقوت حموی از «الشامل» ابن‌صباغ بزرگتر است. در «کشف الظنون» این کتاب تحت عنوان «الامالی»، در فقه، آمده است. از دیگر آثار وی «تعلیقه» است که

نووی در «تهذیب الاسماء و اللغات» از آن نام برده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۱۵۵ –۱۵۴ /۱۹)، کشف الظنون (۱۶۳)، معجم البلدان (۲۳۵/۳)، معجم المؤلفین (۱۲۲ –۱۲۱ /۵)، هدیه العارفین (۵۱۸/۱).

زاغولی مروزی، ابوعبداللّه محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۵۹ –۴۷۲ ق)، حافظ، محدث، مفسر، لغوی و فقیه شافعی. منتسب به زاغول از قرای پنج ده مرو رود بود در انجا به دنیا آمد و در مرو سکنی گزید و اشتهار یافت. نزد ابوبکر محمد سمعانی و موفق بن عبدالکریم هروی فقه آموخت و از ابوالفتح نصر بن ابراهیم حنفی و ابومحمد بغوی و عیسی بن شعیب سجزی حدیث شنید. وی تمام عمر خویش را در طلب و گردآوری حدیث و تالیف و تصنیف به سر آورد. او در لغت صاحب نظر بود. سفری به هرات کرد و در آنجا شاگردانی تربیت کرد. ابوسعد عبدالکریم سمعانی و پسرش ابوالمظفر عبدالرحیم سمعانی از شاگردان وی می‌باشند. زاغولی بیش از چهارصد مجلد مشتمل بر تفسیر و حدیث و فقه و لغت را گردآورد و آن را «قید الاوابد» نامید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۳/۶)، سیر النبلاء (۴۹۳ –۴۹۲ /۲۰)، کشف الظنون (۱۳۶۷)، معجم المؤلفین (۲۵۴/۹)، الوافی بالوفیات (۳۷۳/۲)، هدیه العارفین (۹۴/۲).

زال

قرن:۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پسر سام بود. از این پهلوان در اوستا نامی نیست. پدرش سام او را بر اثر سپیدی موی در شیرخوارگی از خود دور کرد و بر کوه البرز نهاد، تا در همانجا تباه گردد. اما سیمرغ که در اوستا نامش Merequ Saena مرغوسئن است، او را بدید و برداشت و به آشیان خود برد، و چون فرزندان خویش بپرورد، و سرانجام به پدر بازگرداند. این پهلوان در شاهنامه زال زوردستان نام دارد، و بنا به قول فردوسی زال افزون از هزار سال زندگی کرد! و رستم پسر او بود اما سیمرغ یا مرغوسئن به قول اوستا، مرغی فراخ بال است، چنانکه در پرواز خود پهنای کوه را فراگیرد و لانه‌ی او بر درختی در دریای Vurukasha (و روکشه) یا دریای فراخکرت که ظاهرا دریای خزر است قرار دارد. این درخت درمان بخش است، و تخم همه گیاهان در آن نهاده شده. نام سیمرغ به پهلوی سین مورو آمده است.

برگرفته از کتاب :ایران در عهد باستان

زال پور، خسرو

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خسرو زال پور

محل تولد : کازرون

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۵/۹

زندگینامه علمی

آقای خسرو زال پور در نهم مرداد سال ۱۳۴۵هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان کازرون دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و از سوی دیگر شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام الله علیه او را راهی حوزه علمیه قم گردانید. در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم گردید و در مدرسه رضویه مشغول تحصیل گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۹ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل حورزوی در قم از محضر بزرگانی چون مرحوم آیت الله فاضل، آیت الله محمدی خراسانی، آیت الله راستی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته روابط بین الملل در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۱از دانشگاه شهید بهشتی تهران فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "نظام بین الملل و امنیت

جمهوری اسلامی ایران "دفاع کرد.
استاد در ایام تحصیل در قم به امر تدریس در دانشگاهها پرداخت و در مراکزی چون دانشگاه رازی کرمانشاه و دانشگاه آزاد اراک و... به تدریس پرداخت، که حاصل زحمات ایشان پرورش دانشجویان فراونی می باشد. وی از امر تحقیق و نگارش و تألیف غافل نماند و آثاری از قبیل" پیرامون انقلاب و امام خمینی"و"پیرامون سازمان ملل و ساختار آن "مقالاتی را به رشته تحریر در آورده است.وی هم اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه رازی کرمانشاه می باشد.

زالی شیرازی، زال

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. متخلص به زالی. در شیراز می‌زیسته و از علم موسیقی بهره کلی داشته و طنبور را خوب می‌نواخته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۵۹/۲).

زالی، عباسعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زراعت و اصلاح نباتات، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی کشاورزی در رشته زراعت و اصلاح نباتات از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد در رشته اصلاح نباتات از آمریکا در سال ۱۳۴۷، دکترا در رشته ژنتیک از دانشگاه کالیفرنیا آمریکا در سال ۱۳۴۹.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی خصوصیات ژنتیکی در ارقام جو، گندم، آفتابگردان و گلرنگ، به نژادی جو، گندم و آفتابگردان، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۵ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مقدمه‌ای بر احتمالات و آمار.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: متعدد

زمینه علمی مقالات:

ژنتیک و اصلاح نباتات.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

زاهد تبریزی، قاسم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. از آثار وی: یک مثنوی عرفانی- اخلاقی به نام «سفینه النجات» که به سال ۱۱۰۲ ق در حاود ۱۲۰۰ بیت به بحر تقارب سروده است. نسخه‌ی این منظومه در کتابخانه‌ی آستان قدس و کتابخانه مرکزی نگهداری می‌شود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :منظومه‌های فارسی (۲۹۲).

زاهد تبریزی، معین‌الدین، محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۹۲ ق)، شاعر و عارف. مشهور به فقیه زاهد. وی از اولیایی بود و در تبریز می‌زیست و به علوم ظاهری و باطنی آراسته بود و پیران دی، خواجه محمد خوشنام و شیخ محمد سالم و پیر خرقه‌ی او، عبدالواحد تمیمی، از مریدان جنید بودند. زاهد، صاحب سلسله‌ای بود که بسیاری از مشایخ به آن منتسب بودند. او خانقاهی در تبریز داشت و در آنجا به ارشاد و دستگیری سالکان مشغول بود. وی با اتابک نصره‌الدین ابوبکر ایلدگز از اتابکان آذربایجان معاصر بود. در تبریز درگذشت و در مقبره گجیل آن شهر دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ گزیده (۶۶۶)، دانشمندان آذربایجان (۱۶۲)، الذریعه (۳۹۹/۹)، روضات الجنات (۳۹۴ -۳۹۱ /۱)، فرهنگ سخنوران (۴۱۰/۱).

زاهد علایی بخاری، ابوعبدالله، محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۴۶/۵۴۵ ق)، فقیه، اصولی، مفسر، واعظ و متکلم حنفی. معروف به علاء زاهد. در آخر عمرش املای حدیث می‌کرد. وی از مشایخ صاحب «الهدایه» بود. از آثارش «تفسیر القرآن» یا «تفسیر محمد بن عبدالرحمان» یا «تفسیر علائی» است که بیش از هزار جزء می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۴۵۸، ۴۵۴)، معجم المؤلفین (۱۳۳/۱۰)، الوافی بالوفیات (۲۳۲/۳)، هدیه العارفین (۹۱/۲).

زاهد قمی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی بن شیخ ابراهیم بن شیخ محمدعلی قمی نجفی از علماء نامی و زهاد سامی و معروف به (زاهد قمی) معاصر ما بوده است وی در ۲۷ رمضان در سال ۱۳۸۰ ق در تهران از دختر علامه شیخ مشکور نجفی متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات و سطوح اولیه را در تهران خوانده آنگاه به نجف اشرف مهاجرت نموده و از ابحاث میرزا حبیب‌الله رشتی و علامه آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و علامه حاج میرزا حسین خلیلی و علامه آسید محمدکاظم یزدی و آشیخ رضا همدانی صاحب (مصباح الفقیه) استفاده نموده و به مدارج علم و کمال رسیده و بیشتر به علم و عبادت و زهد و قناعت پرداخته و در مسجد هندی اقامه جماعت نموده و خود نگارنده مدتها ناظر و شاهد بودم که وجوه آیات عظام و علماء اعلام و مراجع کرام مانند آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و حاج شیخ محمدحسین کمپانی اصفهانی و حاج شیخ موسی خونساری و حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و حاج سید محسن حکیم و آقا میرزا عبدالهادی شیرازی و آسید محمود شاهرودی و آیت‌الله العظمی حاج ابوالقاسم خوئی و حاج شیخ کاظم شیرازی و آشیخ عبدالکریم جزایری و صدها نفر امثالهم به وی اقتدا نموده و درک جماعت او را فوز و فیض عظیم می‌شمردند

آن مرحوم در درس اخلاق ناسک و سالک بزرگ الی‌الله آخوند ملا حسینقلی همدانی متوفی (۱۳۱۱) شرکت و استفاده سرشار نموده و روش آن عالم ربانی را گرفته و علم حدیث و درایه را از مرحوم حاج میرزا حسین نوری بهره‌مند شده است دارای تألیفات عدیده می‌باشد که صاحب الذریعه آن را کتابش ذکر کرده است و از آنهاست کتب زیر:

۱- شرح التبصره در ده جلد بزرگ ۲- صلوهٔ المسافر بحث فقهی استدلالی. ۳- تقریرات استادش میرزا حبیب‌الله رشتی و حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی و آخوند خراسانی.

۴- الرجال- تراجم اسانید کافی ۵- الاجاره ۶- الکشکول در چندین جزء دارای فرزندان صالح و برومندیست که ذیلا می‌نگارم.

۱- علامه فاضل مرحوم آقا شیخ حسن قمی داماد شیخ مشکور صغیر که در راه کربلا بدست قطاع الطریق در حیاهٔ والدش مقتول گردید.

۲- شیخ شریف که به مرض سل در زندگی پدرش در تهران وفات و در مقبره‌ی ابن‌بابویه مدفون شده است.

۳- شیخ محمد نیز در زمان پدرش وفات نمود و او اهل فضل و تقوا بود.

۴- حجهٔالاسلام والعالم العلام حاج شیخ موسی که از معاودین و اعلام معاصرین قم می‌باشد.

۵- حاج محمدجعفر که از اخیار تجار و اصناف می‌باشد.

۶- یک دختر که همسر علامه شیخ محمد مؤمنی قوچانی نجفی بوده است.

آن مرحوم در سال ۱۳۶۶ ق مبتلا به کسالت شده و در بغداد و تهران معالجه نموده ولکن مفید نشده تا در شب چهارشنبه ۲۲ جمادی‌الاولی ۱۳۷۱ ق وفات نموده و در جوار مولی‌الموحدین مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

زاهد قمی، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ موسی فرزند علی زاهد قمی در سال ۱۳۲۷ قمری در نجف از صبیه مرحوم محمد تقی قائم‌مقام نوری که از اعیان دولت قاجاریه بوده متولد شده و در بیت علم و زهد پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و سطوح از دراسات فقه و اصول آیت‌اللَّه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللَّه میرزا محمود شیرازی سامرائی و شیخ محمدتقی آل‌راضی استفاده نموده است.

نگارنده گوید: مترجم معظم ما در قضاء حوائج اخوان و مساعدت به مستمندان سعی بلیغ و همت عالی دارد دارای سه فرزند ذکور است ۱- آقا عبدالصاحب خیاط ۲- آقا شیخ محمدرضا ۳- آقا شیخ عبدالرسول که از فضلاء و محصلین جدی هستند ادام اللَّه توفیقاتهم آمین یا رب العالمین.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

زاهد گیلانی ثانی، ابراهیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۱۹ ق)، عالم، ادیب، عارف، شاعر و خطاط. وی عموی محمدعلی حزین لاهیجی، صاحب «تذکره المعاصرین» بود. نسبش با چهارده واسطه به شیخ زاهد گیلانی می‌رسد. او مقدمات علوم را در لاهیجان نزد پدرش و ملا علی نوری فراگرفت و در شاعری و خوشنویسی و ترسل مهارت یافت. هفت قلم را نیکو می‌نوشت و خوشنویسان اصفهان از نمونه‌های خط او که به آنجا می‌رسید، بهره می‌بردند. هنگامی که با پدر خود به لاهیجان سفر کرده بود، مدت یک سال نزد عموی خود به تحصیل مشغول شد و «خلاصه الحساب» شیخ‌بهایی را نزد او فراگرفت. وی سپس به خدمت حسینعلی شاه رسید و به هدایت مردم مامور شد. شیخ ابراهیم از پیروان سلسله‌ی نعمت‌اللهیه بود. او در لاهیجان درگذشت. از آثار وی: حاشیه بر «المختلف» علامه، به نام «رافع الخلاف»؛ حاشیه بر «کشاف» به نام «کاشف الغواشی»؛ رساله‌ای در توضیح «کتاب اقلیدس»؛ «القصائد الغراء»، در مدح آل‌عباء (ع)؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹ -۸ /۱)، اعیان الشیعه (۱۸۱/۲)، تذکره المعاصرین (۲۴۶ -۲۴۵، ۱۱۶ -۱۱۳)، الذریعه (۲۳۹، ۸۶/۱۷، ۶۰/۱۰، ۳۹۹/۹)، ریاض العارفین (۲۶۱ -۲۶۰)، ریحانه (۳۵۷ -۳۵۶ /۲)، طرائق الحقائق (۲۲۳/۳)، لغت نامه (ذیل/ زاهد)، معجم المؤلفین (۵۳/۱)، مکارم الآثار (۷۵۰/۳)، نامها و نامدارهای گیلان (۸).

زاهد، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۳ ش)، شاعر، نویسنده و خطاط. در شیراز به دنیا آمد. در سال ۱۳۱۵ ش از دانشسرای مقدماتی شیراز دیپلم گرفت و مدتی به تدریس پرداخت و برای ادامه تحصیل به تهران آمد و از دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی به اخذ دانشنامه لیسانس در رشته‌ی زبان فرانسه نایل آمد. در سال ۱۳۴۲ ش به درخواست خود بازنشسته شد و به تأسیس دبستان نمونه راز همت گماشت. زاهد خط نستعلیق را بسیار خوش می‌نوشت و صاحب آوازی دلنشین بود و سالها در جلسات کانون دانش پاریس و انجمنهای ادبی هدایت و خواجو شرکت می‌کرد. اثر وی کتابی به نام «طرز تدریس در دبستان» است. او همچنین مقالاتی ادبی و اجتماعی را از زبان فرانسه به فارسی ترجمه و در روزنامه‌ی پارس و سایر روزنامه‌های شیراز منتشر کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انجمنهای ادبی شیراز (۴۴۲).

زاهد، قاسم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علما و زهاد زمان خود بوده، در سال ۱۱۴۵ وفات یافته، جنب فاضل هندی مدفون گردیده.

ماده تاریخ وفاتش این است:

از دهر چو شیخ قاسم زهد شعار

بگرفت ز امر حق به فردوس قرار

تاریخ وفات او رقم زد خادم

آسود ز عفو قاسم جنت و نار

برخی وی را ملا محمد قاسم بن حاج محمد حسن کلباسی می‌دانند، و اشتباه است. وی نیز از علمای راسخین، و زاهد و عابد بوده؛ و در قرن سیزدهم می‌زیسته، و ظاهرا در نجف از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

زاهدی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. وی معاصر بابا سودایی بود و مداح سلطان بایسنقر میرزا. زاهد قصیده‌ی «دریای ابرار» امیر خسرو را تتبع کرده و نظیره‌ی «تجنیسات» کاتبی را گفته است، از جمله آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۹۸/۹)، لغت نامه (ذیل/ زاهدی)، مجالس النفائس (۱۹۳، ۱۸).

زاهدی اصل، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمد زاهدی اصل در سال ۱۳۲۴ در روستای نیار اردبیل متولد شد. مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد را به ترتیب در رشته مددکاری اجتماعی و مدیریت امور فرهنگی در تهران گذرانـد و دکترای مدیریت اجتماعی را در سال ۱۳۶۷ در ترکیه اخذ کرد. وی یکی از مددکاران با تجربه‌ای است که اسلوب، دانش و تکنیک این حرفه را در کلاسهای درس آموزشگاه خدمات اجتماعی آموخته و پس از آن سالهای طولانی تلاش و تحقیق و تدریس و تالیف را پشت سر گذاشته است. در حال حاضر وی در دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه شاهد و امام حسین (ع) بـه تدریس خدمات اجتماعی، مددکاری جامعه‌ای و ... در مقاطع مختلف می‌پردازد. نامبرده عضو هیئت علمی و استاد پایه ۲۶ دانشگاه علامه طباطبایی می‌باشد.گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی گرایش : مدیریت اجتماعی خاطرات کودکی : محمد زاهدی اصل در روایت از آن سالهای دور و سخت روستای « نیار» از رنج و خاطره کودکی ۶ ساله می‌گوید که هر صبح و عصر با همراهی دوستان همکلاسی‌اش، صدای گام‌ها و اندوه غمها و اولین تلاشهای بی‌ادعای خود را، در فاصله نیار تا اردبیل، با پای پیاده بر راهها و خاک‌ها به یادگار می‌گذاشتند و در مبارزه و ستیز با سرمای استخوان‌سوز و زیر صفر درجه به بهانه کورسوی امیدی که در دل داشتند استواری و صبوری را سرمشق می‌کردند.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمد زاهدی اصل در آخرین روزهای سرد سال ۱۳۲۴ ه.ش در روستای « نیار» از توابع استان اردبیل متولد شد. شرایط خانوادگی وی با مشکلات خاص روستا مواجه بود. وی می‌گوید: «مشابه بسیاری از خانواده‌های آن زمان خانواده ما نیز کثیر الاولاد بود که در نهایت غیر از اولین فرزند فوت شده، شش خواهر و سه برادر بودیم. معمولاً دختران را در سنین پایین شوهر می‌دادند و من شاهد ازدواج دو خواهر بزرگترم بودم. در سایه تلاشهای پدر وضعیت اقتصادی خانواده بهتر شد و به تدریج به دنبال کشاورزی توام با کاسبی در مغازه وضعیت مطلوبتری حاصل شد و این تلاش پدر تا زمان فوت و سن ۸۰ سالگی ادامه داشت.»تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد زاهدی اصل پس از دریافت مدرک دیپلم تجربی در سال ۱۳۴۴، در اردبیل، مدرک کارشناسی خدمات اجتماعی یعنی «مددکاری اجتماعی» را درسال ۱۳۵۰ در تهران و مدرک کارشناسی ارشد در رشته مدیریت امور فرهنگی درسال ۱۳۵۰ را نیز در تهران و مدرک دکترای مدیریت اجتماعی را در سال ۱۳۶۷- با هزینه شخصی- از دانشگاه استانبول ترکیه اخذ کرد.خاطرات و وقایع تحصیل : از خاطرات دوران ابتدایی و متوسطه محمد زاهدی اصل جز سختی راه و سرمای زمستان و کتک خوردن از همشاگردیها در راه مدرسه و تشویق و تمجید معلم‌ها و نیز در دوران دانشجویی زندگی با هم‌دوره‌ای‌ها در یک اطاق اجاره‌ای چیز خاصی نبوده است. وی در سال ۱۳۵۰ به عنوان مسئول مؤسسات خدمات اجتماعی عازم ارومیه شد. پس از آن زاهدی اصل فراز و نشیب‌های زیادی را در زمینه تحصیل، تحقیق و خدمت پشت سر گذاشت، در حالی مدرک کارشناسی ارشد در تهران و دکتری خود را در رشته مدیریت اجتماعی در ترکیه اخذ کرد که با وجود همراهی همسر و پنج فرزند خردسال، و به عهده گرفتن هزینه تحصیل به علت مخالفت معاون وقت وزیر علوم با بورس تحصیلی رنج‌ها و مرارت‌های بسیاری بر خانواده زاهدی اصل تحمیل شد.فعالیتهای ضمن تحصیل : سال ۱۳۵۰ هجری شمسی محمد زاهدی اصل دیگر یک کارشناس مددکاری اجتماعی بود که به اصرار فرمانفرمائیان در آغازین سالهای خدمت، به عنوان مسئول مؤسسات خدمات اجتماعی عازم ارومیه شد.استادان و مربیان : از استادان محمد زاهدی اصل می‌توان به «ستاره فرمانفرمائیان» اشاره کرد که زاهدی اصل در کلاسهای درس ایشان در آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی در مقطع کارشناسی شرکت می‌کرد.هم دوره ای ها و همکاران : محمد زاهدی اصل از هم‌دوره‌ای‌های خود به صمیمی‌ترین دوستشان در دوره کارشناسی به شهید عباس ارشاد اشاره می‌کند که در هفتم تیر شهید شد.همسر و فرزندان : محمد زاهدی اصل در سال ۱۳۴۹ با دخترداییِ خود ازدواج نمود که حاصل آن پنج فرزند، سه پسر و دو دختر می‌باشد. پسرها بعد از فراغت از تحصیل مشغول کارند و دختر بزرگتر با اخذ مدک کارشناسی ارشد به تدریس زبان خارجه مشغول و دکتر کوچکترشان دانشجوی هنر دانشگاه الزهرا است.وقایع میانسالی : انفجار مواد منفجره در دوران خدمت و سوختگی چشم و صورت ناشی از آن، فوت دومین فرزندم در پنج ماهگی به علت نارسایی قلبی و غده تیروئید، شهادت نزدیک‌ترین دوست در حادثه ۷ تیر، جنگ تحمیلی و صحنه‌های پر مخاطره در خوزستان، و روزهای انقلاب از جمله جلسات مخفیانه انجمن اسلامی

مددکاران اجتماعی و عضویت در کمیته استقبال امام و گروه محافظان ایشان در بهشت زهرا و ... از وقایع آن دوران محمد زاهدی اصل است که به آن اشاره می‌کند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر محمد زاهدی اصل عضو هیئت علمی و استاد پایه ۲۶ دانشگاه علامه طباطبایی (۱۳۸۴) است. وی سمت‌ها و منصبهای متعددی را در اختیار داشته و دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود: – مددکاری اجتماعی و کارشناس امور دانشجویی در دانشگاه تهران ۵۷–۱۳۵۰، – ریاست دانشکده خدمات اجتماعی و سرپرستی آموزشگاه عالی آموزشیاری ۶۲–۱۳۶۰، – معاونت اداری و مالی و جانشین معاونت دانشجویی دانشگاه الزهراء ۶۳–۱۳۶۲، – مدیر گروه برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی ۶۹–۱۳۶۷، – سرپرست دانشگاه علامه طباطبایی ۱۳۶۸، – ریاست مؤسسه کار و تأمین اجتماعی ۶۹–۱۳۶۸، – مدیریت گروه علوم اجتماعی دانشگاه شاهد ۱۳۶۹، – مدیر گروه خدمات اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی ۷۵–۱۳۷۱ و ... – عضو شورای دانشگاه علامه طباطبایی ۸۲–۱۳۷۶، – رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی ۸۲–۱۳۷۸، – عضو شورای سیاستگذاری سازمان بهزیستی کشور، – ریاست انجمن مددکاری اجتماعی ایران، – مدیر گروه علوم اجتماعی دانشگاه شاهد، ۷۹–۱۳۷۲، – معاونت پژوهشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی ۱۳۷۶.فعالیتهای آموزشی : محمد زاهدی اصل فعالیتهای آموزشی خود را از سال ۱۳۵۴ بصورت حق التدریس با دانشگاه خدمات اجتماعی سابق شروع کرد و بعد از انقلاب به ریاست دانشکده مذکور در سال ۱۳۶۰ در آمد. وی استاد پایه ۲۶ دانشگاه علامه طباطبایی درسال ۱۳۸۴ بوده است. در حال حاضر محمد زاهدی اصل در دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه شاهد و دانشگاه امام حسین (ع)، به تدریس خدمات اجتماعی، مددکاری جامعهای در دوره کارشناسی و مدیریت منابع انسانی، سیستم‌های مدیریت، سمینار سازمان‌ها و مسائل رفاه اجتماعی، خدمات اجتماعی مدیریت سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی در دوره کارشناسی ارشد می‌پردازد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : محمد زاهدی اصل مسئول راه‌اندازی دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد در سال ۱۳۷۱ بوده است. از دیگر تلاشهای او در سالهای اخیر، طراحی، تهیه و تنظیم برنامه دوره رشته مددکاری اجتماعی بوده که در حال حاضر مراحل تصویب در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی را طی می‌کند. – دفتر آموزش سازمان بهزیستی کشور که بعدا تبدیل به دانشگاه علوم بهزیستی شد، – دانشگاه شاهد از بدو تاسیس و همچنین مسئول راه‌اندازی دانشکده علوم انسانی آن، – هیئت موسس انجمن مددکاری اجتماعی ایران و ریاست آن در حال حاضر.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علاوه بر اینکه محمد زاهدی اصل از چهره‌های شناخته شده در عرصه مددکاری اجتماعی است، مطالعات زیادی در مباحث تاریخی خصوصاً تاریخ معاصر دارد، به طوری که در این حوزه نیز نظرات کارشناسی و علمی او مورد توجه قرار می‌گیرد. از فعالیتهای علمی و پژوهشی زاهدی اصل می‌توان به برنامه‌ریزی امور فرهنگی، چگونگی گذران اوقات فراغت کارکنان دانشگاه تهران، اهمیت ضرورت سیاستگذاری در اوقات فراغت، بررسی وضعیت امور رفاهی کارکنان سازمان تامین اجتماعی، بازنشستگی، نیازها و مسائل بازماندگان سازمان تامین اجتماعی و ... اشاره کرد.آرا و گرایشهای خاص : محمد زاهدی اصل از ایمان، اخلاص، وفای به عهد، صداقت و صبر به عنوان اصول و شرایط خدمات اجتماعی نام می‌برد و می‌نویسد: «صبر در بعد اجتماعی نظیر تحمل دیگران، تلاش در خشنودی مسلمین، رعایت حقوق آنها، ایجاد روابط حسنه با امت اسلامی می‌تواند وحدت و انسجام جامعه اسلامی را عینیت ببخشد. مصداق بارز صبر در خدمات اجتماعی، گشاده‌رویی است که به عنوان یک صفت عالی انسانی مطرح می‌شود. در زمینه حمایت از نیازمندان جامعه، ملاطفت و خوش‌خلقی اهمیت بسزایی دارد و از مؤثرترین عواملی است که می‌تواند اعتماد و اطمینان مخدوم به خادم را فراهم آورد و موجب تحکیم روابط سازنده و ارزشمند متقابل شود.» یکی از مباحث عمده و مهم مددکاری اجتماعی، بحث اصول و ارزشهاست. اصول عمومی مددکاری اجتماعی عبارتند از: پذیرش، فردیت، رابطه حرفه‌ای، مشارکت، رازداری حرفه‌ای و خودآگاهی. زاهدی اصل در بین کلیه اصول مددکاری اجتماعی، اصل خودآگاهی مددکار را مهمترین اصل می‌داند. «به دلیل اینکه اگر مددکار اجتماعی در تحقق این اصل ناکام بماند قطعاً در تحقق و رعایت تمامی اصول و حتی ارزش‌های مددکاری اجتماعی ناموفق خواهد بود. در سایه خودآگاهی است که مددکار اجتماعی می‌تواند به دور از هرگونه تعصبات، لغزش‌های اخلاقی و حرفه‌ای، هر نوع پیشداوری، در خدمت مراجعان قرار گیرد و در زندگی و حل مشکلات آنها اثرگذار باشد. «چه نتوانی بدانی کیستی/ جهد کن چندانکه دانی کیستی» خودآگاهی مترادف با خودشناسی و خودشناسی مقدمه و لازمه خودسازی است. در واقع می‌توان گفت که در دنیا یک حقیقت وجود دارد و آن شناسایی خود است و حتی می‌توان خودسازی را شرط عدالت‌خواهی دانست. عمده‌ترین مسائلی که مددکاران اجتماعی با آن درگیر هستند را می‌توان در رابطه با مسائل مختلف مربوط به محیط جستجو کرد. «خانواده، مدرسه، محل کار ، خویشاوندان، دوستان و ... از عوامل محیطی تلقی می‌شوند. در بسیاری از اوقات، تلاش انسان برای ایجاد تغییر در برخی از شرایط محیط اطرافش به نتیجه مطلوب و دلخواه نمی‌رسد و به ناچار، او از بخشی از آرمان‌های خویش صرف‌نظر می‌کند و به طور نسبی وضعیت موجود را می‌پذیرد و با آن کنار می‌آید. پس می‌توان گفت که هم ایجاد تغییر در شرایط محیط انسانی امری نسبی است و هم تطابق و سازگاری با آن ، آنچه در مددکاری مهم است آنکه مددجو این شرایط را در حد درک و فهم خود و با راهنمایی مددکار بشناسد، امکانات اجتماعی موجود برای ایجاد تغییر در این شرایط را بشناسد و حداکثر مساعی خود را برای ایجاد تغییر به کار گیرد و نتیجه کار را به عنوان یک واقعیت بپذیرد.» یکی از نگرانی‌های محمد زاهدی اصل بروز آسیب در اجتماع و آثار و تبعات آن است. «آسیب‌های متعددی را می‌توان در جامعه مشاهده کرد ، مثلاً اکنون پدیده اعتیاد به مواد مخدر به عنوان یک آسیب جدی در کشور مطرح است. تکدی و فرار دختران از منزل هم نمونه‌های بارز دیگری از آسیب‌های اجتماعی هستند. البته موضوع فرار دختران از منزل، خود ممکن است پیامدهای دیگری را نیز به دنبال داشته باشد. بی‌شک آسیب به هر اندازه و در هر سطحی نگران‌کننده است. وقتی ما صحبت از جامعه اسلامی می‌کنیم انتظار نداریم که برخی آسیب‌ها بیش از حد معمول در جامعه مشاهده شوند.» از دیگر دغدغه‌های محمد زاهدی اصل موضوع رفاه اجتماعی است. «در جهان امروز، رفاه اجتماعی بخشی از زندگی و فرهنگ انسانی تلقی می‌شود و گسترش نظریه‌های انسان‌دوستی با تأکید بر مسئولیت همگان نسبت به یکدیگر و همچنین پیشرفت علوم اجتماعی و زیستی در پیدایش نگرش‌های جدید درخصوص رفاه اجتماعی مؤثر بوده است، نیازهای اساسی از مقوله معیشت فراتر رفته و

زمینه‌های غیرمادی را نیز شامل می‌شود، به طوری که در عصر حاضر پدیده «امنیت» به عنوان یکی از مهمترین مشخصه‌های رفاه اجتماعی تلقی می‌شود، به نحوی که محور اصلی توسعه در قرن حاضر را «امنیت انسانی» تشکیل می‌دهد.»جوائز و نشانها : پژوهشگر برتر دانشگاه علامه سال ۱۳۷۹، دو نوبت پژوهشگر نمونه دانشکده علوم اجتماعی، استاد نمونه دانشگاه علامه در سال ۱۳۷۶.آثار : مبانی رفاه اجتماعی ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۱۲ مبانی مددکاری اجتماعی ویژگی اثر : چاپ ۱۳۷۷و چاپ دوم ۱۳۸۲ انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی۳ مجموعه مقالات جایگاه مددکاری اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران ، مجموعه مقالات نقش مددکاری اجتماعی در کنترل آسیب های اجتماعی و ... مقدمه ای بر خدمات اجتماعی در اسلام ویژگی اثر : بنیان فلسفی خدمات اجتماعی پرداخته شد و درباره آثار و نتایج خدمات اجتماعی در بعد فردی و اجتماعی بحث شده است. «مقدمه ای بر خدمات اجتماعی در اسلام» عنوان کتابی است که تألیف کرد. در این کتاب به بنیان فلسفی خدمات اجتماعی پرداخته شده و درباره آثار و نتایج خدمات اجتماعی در بعد فردی و اجتماعی بحث شده است. محمد زاهدی اصل معتقد است خدمات اجتماعی موجب پاداش حقیقی و اجر اخروی شده، تزکیه نفس و آمرزش معصیت را درپی دارد. قوت قلب و اطمینان از آینده را باعث می شود، به افزایش روزی کمک می کند، روح اخوت و تفاهم میان امت اسلامی را ترویج می نماید و به تأمین عدالت اجتماعی و قسط در جامعه منجر می شود.

زاهدی غزمینی خوارزمی، نجم‌الدین، ابوالرجاء مختار

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۵۸ ق)، فقیه و اصولی حنفی. معروف به زاهدی. نسبت وی به غزمین از قصبات خوارزم می‌رسد. سفری به بغداد و روم کرد. وی از شاگردان سکاکی بود. از آثارش: «المجتبی» در شرح «المختصر القدوری»، در فقه حنفی، در سه مجلد؛ «الصفوه»، در اصول فقه؛ «فرائض زاهدی»؛ «الجامع فی الحیض»؛ «کتاب فضائل» یا «فضائل شهر رمضان»؛ «رساله الناصریه»، در نبوت و معجزات؛ «قنیه الفتاوی»؛ «قنیه المنیه لتتمیم الغنیه»؛ «الحاوی فی الفتاوی»؛ «تفسیر قرآن» یا «تفسیر زاهدی»؛ «زاد الائمه فی فضائل خصیصه الامه»؛ «فضل التراویح».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۷۲/۸)، ریحانه (۳۵۷/۲)، کشف الظنون (۱۹۲۱، ۱۶۳۱، ۱۵۹۲، ۱۴۴۷، ۱۴۴۶- ۱۳۵۷، ۱۲۷۸، ۱۲۴۷، ۱۰۸۰، ۹۴۵، ۸۹۷، ۸۹۵، ۸۹۳، ۸۶۶، ۶۲۸، ۵۷۷)، لغت نامه (ذیل/ مختار)، معجم المؤلفین (۲۱۱/۱۲)، هدیه العارفین (۴۲۳/۲).

زاهدی گیلانی، ابوطالب

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۲۷ -۱۰۵۸ ق)، مفسر، عالم دینی، ریاضیدان، شاعر و خطاط. در لاهیجان متولد شد. علوم عربی و سطح را در همان شهر نزد شیخ‌الاسلام ملا حسن لاهیجی خواند. در بیست سالگی به اصفهان رفت و ریاضی را نزد ملا رفیع یزدی و سایر علوم متداول را از اکابر علمای آن شهر همچون آقا حسین خوانساری فراگرفت و به مراتب عالیه‌ی علمی نایل گردید. چون از فقر قادر به خرید کتاب نبود کتابهای مورد احتیاج خود را استنساخ می‌کرد و تا روزی هزار بیت که هر بیت پنجاه حرف بود می‌نوشت. خوش خط و سریع‌القلم بود. وی کتابخانه‌ای با بیش از پنج هزار جلد کتاب گردآورد که بسیاری از آنها را به خط خود تصحیح کرده و بر بیشتر آنها شرح و حاشیه نوشته است. «تفسیر بیضاوی» و «قاموس» و «تهذیب» و «شرح لمعه» را به خط خوش نوشت. در اصفهان وفات یافت و در همان شهر دفن شد. از آثار وی: «رساله الحرکه»؛ رساله در «مساله العلم»؛ رساله در «عمل المسبع و المتسع و الدائره»؛ رساله در شرح آیه‌ی «قل الروح من امر ربی»؛ شرح قول ارسطو «لم صار ماء المطر خفیفا»؛ شرح حدیث «عرفت‌اللّٰه بفسخ العزائم» که برخی از این تالیفات را پسرش شیخ محمدعلی حزین لاهیجی به فارسی ترجمه و شرح کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۶۷/۲)، تذکره القبور (۷۹)، تذکره المعاصرین (۴۴ -۴۳)، الذریعه (۳۴۷، ۳۱۵/ ۱۵، ۲۴/۱۴، ۲۰۲/۱۳، ۳۹۴/۶، ۳۲۸/۴)، ریحانه (۱۶۶/۷، ۳۵۷ -۳۵۶ /۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۹۴ -۳۹۳ /۱۲)، الکنی و الالقاب (۱۰۸ -۱۰۷ /۱)، لغت نامه (ذیل/ زاهدی)، نامها و نامدارهای گیلان (۲۲).

زاهدی مازندرانی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمد جواد زاهدی مازندرانی در سال ۱۳۲۲ در ساری بدنیا آمد. ایاشن دارای مدرک دکترای رشته جامعه شناسی- توسعه از دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۷ می باشد. نامبرده عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه پیام نور می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : جامعه شناسی والدین و انساب : پدر محمد جواد زاهدی مازندرانی،هاشم نام دارد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی

محمد جواد زاهدی مازندرانی به قرار زیر است: کارشناسی رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۲ کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران ۱۳۶۰ دکتری تخصصی جامعه شناسی- توسعه از دانشگاه تهران ۱۳۷۷همسر و فرزندان : محمد جواد زاهدی مازندرانی متاهل و دارای دو فرند می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : - مدیرگروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور از سال ۱۳۷۹-۸۳ - مدیر آموزش و تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور از سال ۱۳۸۳ - عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه پیام نور - عضو سومین دوره هیات مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران - عضو فعال شورای علمی مجله جامعه‌شناسی ایران - عضو هیئت تحریریه نشریه تخصصی دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز فعالیتهای آموزشی : - عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور - تدریس در دانشگاههای الزهرا و علامه طباطباییچگونگی عرضه آثار : - ۳۵ مقاله چاپ شده که حدود ۱۲ مقاله در مجلات علمی- پژوهشی چاپ شده است. - تعداد ۶۰ طرح تحقیقاتی جامعه روستایی ایران آثار : توسعه و نابرابری ویژگی اثر : تالیف: محمدجواد زاهدی مازندرانی ناشر: مازیار - ۰۱ اسفند، ۱۳۸۶ ۲ فرهنگ علوم اجتماعی ویژگی اثر : ترجمه و سرویراستار-دیدآورنده: ویلیام کولب، جولیوس گولد، باقر پرهام (مترجم)، محمدجواد زاهدی مازندرانی (ویراستار) ناشر: مازیار - ۰۳ اسفند، ۱۳۸۴ ۳ قرن بیست و یکم ویژگی اثر : عضو گروه مترجمین۴ مجموعه مقالات فقر و آسیب پذیری روستایی ویژگی اثر : تالیف۵ مدخل های دایره المهارف و اندیشه های نو ویژگی اثر : مشارکت در ترجمه

زاهدی، ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۹ ق)، محدث، مفسر، فقیه و مدرس. وی در قم به دنیا آمد. پس از گذراندن مقدمات و سطوح نزد میرزا سید محمد برقعی حدود ده سال از محضر حاج شیخ ابوالقاسم کبیر استفاده نمود. مدت دو سال در اراک اقامت داشت، سپس به قم مراجعت کرد و در درس فقه و اصول آیت‌اللّه حایری، موسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، حاضر شد. علم حکمت و فلسفه را نزد میرزا علی‌اکبر حکمی یزدی فراگرفت. پس از فوت آیت‌اللّه حایری دو سال در تهران در مسجد جامع به گفتن تفسیر و احادیث و مواعظ پرداخت. در ۱۳۶۸ ق به قم بازگشت و به گفتن تفسیر قرآن در مدرسه‌ی فیضیه و تدریس فقه و اصول مشغول شد. از آثار عام‌المنفعه وی، بناء و تعمیر قسمت غربی مسجد امام که در دو طبقه که به بهترین اسلوب ساخته شده است. از آثار علمی‌اش: «رساله الشرط و آثاره»؛ «رساله الضرر»؛ «افعل و ما افعل»؛ «منطق الحسین (ع)»؛ «مقصد الحسین (ع)»؛ «تسهیل الامر فی بحث الامر»؛ «اثبات المعلوم فی نفی المفهوم»؛ «ارغام الکفره فی سوره البقره»، ناتمام؛ «اقسام‌الدین»، ناتمام؛ حواشی بر «جواهر».[۱]

آقای حاج میرزا ابوالفضل بن العلامه الناطق حاج ملا محمود الواعظ از آیات عظام و علماء اعلام و حجج اسلام شهرتسان قم و حوزه علمیه عالمی عامل و فاضلی کامل و محدثی خبیر و مفسری بصیر است و ایشان از طرف مادر منسوب به سادات رضوی و سبط مرحوم حاج سید عبدالباقی رضوی که از خدام ذوی الاحترام حضرت معصومه علیهاالسلام بوده می‌باشد.

تولدش در ۱۶ شعبان ۱۳۰۹ قمری در بلده طیبه قم واقع شده و پس از بلوغ و رشد مقدمات و سطوح را خدمت مرحوم علامه میرزا سید محمد برقعی بن العلامه حاج سید عبدالله قمی خوانده و حدود ده سال از محضر مرحوم آیت‌الله حاج شیخ ابوالقاسم کبیر استفاده نموده و دوبار در سال ۱۳۳۶ و ۱۳۳۹ به اراک مسافرت کرده و دو سالی در آنجا توقف و در سال ۱۳۴۰ قمری مراجعت به قم و حاضر به درس فقه و اصول مرحوم آیت‌الله موسس حایری گردیده و علم حکمت و فلسفه را نزد مرحوم میرزا علی‌اکبر یزدی خوانده و پس از فوت مرحوم حایری چند سال در تهران توقف نموده و به گفتن تفسیر و احادیث و مواعظ در منبر مسجد جامع ترویج دین نموده و هم در آنجا اقامه جماعت کرده تا سال ۱۳۶۸ قمری که مراجعت به قم و به گفتن تفسیر قرآن در مدرسه فیضیه و درس فقه و اصول برای طلاب و فضلاء حوزه اشتغال و از تاریخ مزبور تاکنون در مسجد امام علیه‌السلام قم اقامه جماعت دارند و شبها برای مردم تفسیر گفته و از این طریق خدمت به شرع انور می‌نمایند. آثار علمی و باقیات الصالحات معظم‌له از این قرار است:

۱- بناء و تعمیر قسمت غربی مسجد امام دو طبقه که به بهترین اسلوب ساخته و تکمیل نموده و برای این منظور در مقابل نادانان و حسودان ابناء نوع استقامتی عجیب کرده و در راه حق از ملامت ملامت‌کننده نهراسیده تا به مقصود که احیاء مسجد باشد رسیده است.

و اما آثار علمی از این قرار است:

۱- رساله الشرط و آثاره ۲- رساله الضرر ۳- افعل و ما افعل ۴- منطق الحسین علیه‌السلام ۵- مقصد الحسین علیه‌السلام ۶- تسهیل الامر فی بحث الامر ۷- اثبات المعلوم فی نفی المفهوم ۸- ارغام الکفره فی سوره البقره ناتمام ۹- اقسام الدین ناتمام ۱۰- بعضی حواشی بر جواهر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۶۶ -۱۶۵ /۲).

زاهدی، شمس‌السادات

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مدیریت دولتی، دانشکده: حسابداری و مدیریت، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی علوم اداری از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷، کارشناسی ارشد علوم اداری از دانشگاههای تهران در سال ۱۳۴۹، و کالیفرنیای جنوبی در سال ۱۳۵۱، کارشناسی ارشد مدیریت دولتی از دانشگاه کلرمانت آمریکا در سال ۱۳۵۳ و دکترای مدیریت دولتی از دانشگاه کلرمانت آمریکا در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی تهران از سال ۱۳۶۷ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی مسائل برنامه‌ریزی در سازمان حفاظت محیط زیست، بررسی کاربرد نظام تمرکز و عدم تمرکز در سازمان صدا و سیما، بررسی عوامل انگیزشی در روحیه کارکنان وزارت کشور، بررسی نقش دو در صادرات فرش ایران، بررسی علل انعقاد طرح انرژی هسته‌ای در ایران، تدریس دروس مدیریت رفتار سازمانی، مدیریت در سازمانهای دولتی ایران، روابط صنعتی، تجزیه و تحلیل سیستم در دانشگاههای علامه طباطبائی، تهران و شهید بهشتی و استاد راهنمای ۲۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

روابط صنعتی، تجزیه و تحلیل سیستم‌ها.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

مقدمه‌ای بر نظریه عمومی سیستم‌ها، نگرشی بر فساد و آثار آن، زمینه آینده‌نگری و آینده‌سازی، آموزش در ارتباط با توسعه، فساد در کشورهای در حال توسعه.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

زاهدی، عزیزاللّه

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به عزیز. وی در سال ۸۱۰ ق سفری به هرات رفت و در آنجا ده سال رنج تحصیل کشید و بعد به خدمت میرزا بایسنقر، پسر شاهرخ، راه یافت و «روضه العاشقین» را به نام او به سال ۸۲۰ ق به نظم درآورد، این مثنوی در هزار بیت و در شماره ده نامه‌هایی است که در قر هشتم و نهم بارها ساخته شد و تفاوتش با ده نامه‌های دیگر آن است که به بحر هزج مسدس نیست. «روضه العاشقین» به وزن فاعلاتن مفاعلن فعلن در بحر خفیف است که هر بیت آن هم دارای صنعت تجنیس است و هم ذو قافیتین. نسخه‌ای از این مثنوی در کتاب خانه‌ی موزه‌ی بریتانیا موجود می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۴۶۱ -۴۶۰ /۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۴۱).

زاهدی، مجید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید زاهدی در سال ۱۳۲۶ در شهر تبریز به دنیا آمد. دوره ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش گذراند و بعد از کسب دیپلم رشته طبیعی در رشته جغرفیا شروع به تحصیل کرد و مدرک کارشناسی ارشد و دکترای جغرافیا را در گرایش هیدرولوژی و کیلی تولوژی از کشور فرانسه اخذ کرد وی عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تبریز در گروه جغرافیا است.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاگرایش : هیدرولوژی و کیلی تولوژیوالدین و انساب : پدر مجید زاهدی حسین زاهدی است و جدشان محمد باقر زاهدی. نام مادر محترمشان حلیم خاتونخاطرات کودکی : مجید زاهدی آن دوران را اینگونه توصیف میکند: «دوران کودکی دوره معصومیت و سادگی بود ولی با درسهایی که به اجبار باید حفظ میکردیم و دلیل آنهمه زحمت را نیز نمی دانستیم از یک طرف و صادقانه بگویم بد اخلاقی و خشونت بعضی و یا بهتر بگویم بیشتر معلمان، دوره کودکی را که از هر نظر مهم و با ارزش بود، برایمان تلخ کردند.»اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : مجید زاهدی میگوید: «خانواده متوسطی داشتم و پدرم لباس و لوازم خانگی می فروخت و من و برادرانم در اوقات بیکاری و فراغت به او کمک میکردیم.»تحصیلات رسمی و حرفه ای : مجید زاهدی تحصیلات ابتدایی را در دبستان سعدی به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۴۸ازهنرستان کشاورزی اخذ کرده‌اند . ایشان مدرک کارشناسی در رشته جغرافیای طبیعی را از دانشگاه تبریز و کارشناسی ارشد جغرافیای طبیعی را در سال۱۳۵۵ از دانشگاه

گرنوبـل – فرانسه دریـافت نموده انـد و در سال ۱۳۵۸ مـدرک دکتری در رشـته جغرافیـای طبیعی را از دانشگاه گرنوبل – فرانسه با مـوفقیت اخـذ کرده‌انـد . عنـوان پایاننـامه : الـف – کارشناســی ارشـد : هیـدرولوژی حـوضه آبریزقزل اوزن (ایران) ب – دکـتری : مطالعـات کلیمـاتولوژیکی و هیـدرولوژی سلسـله جبال بلـدون وگرانـدروس (آلپ فرانسه) خاطرات و وقایع تحصـیل : از خاطرات دوران کارشناسـی مجیـد زاهـدی به حادثه ای اشاره میکنـد که در یک یک سـفر ۱۵ روزه و گردش علمی از طرف دانشــگاه، در هنگـام استراحت در مسیر برای شـنا وارد رودخـانه ای میشود و به علت سـرعت بالای آب و یـک بی احتیـاطی در داخـل رودخانه گرفتار میشود و چنیدین کیلومتر آب او را با خود میبرد و شناکرن وی نیز اثری نداشته، بعد از طی مسافت طولانی و رفتن به زیر آب و بیرون آمـدن و خسـتگی زیـاد به جریـان آرام آب میرسـد که بـا کمـک عـده ای محلی که کنـار رودخـانه بودنـد وی نجات پیـدا میکند.فعالیتهای ضـمن تحصـیل : در دوران تحصیل پیش دانشگاه مجید زاهدی کمک به پدر، کارهای مکانیکی اتومبیل و بالاخره به عنوان تکنسـین به کارهای دندانسازی و تهیه پروتز می پرداخته وی از دوران دانشـجویی میگوید: « دوره دانشـجویی در فرانسه به همکـاری دوسـتانم در کنـار دریـاچه ویزل قایق پارویی اجاره میـدادیم که کار مشـغول و پر درآمـدی بود.»اسـتادان و مربیان : دکتر حبیب زاهـدی،دکتر مقصود خیـام، دکتر عبدالحمیـد رجـایی، پروفسور ژان لو، پروفسور شارل فلیپ پگی از اسـتادان مجیـد زاهـدی میتوان نـام برد.هم دوره ای هـا و همکـاران : دکتر سـتار صـدر موسوی،دکتر سـعید جهانبخش، دکتر بهروز ساری صـراف، یوسـف مسـعودی فر، بهمن هـادیلی، دکـتر کریم چمن زاده دلیر، دکتر فیروز جمـالی، خـانم دکتر معصومه رجبی، خـانم دکتر ملکه عزیزی، دکتر حسـین شـکوئی، دکتر قائمی از همدوره ایهای مجید زاهدی هستند.همسر و فرزندان : همسر مجید زاهدی سرکار خانم فیروزه معینی یکی از ناشـران کتـاب کودک هسـتند. وی دارای دو فرزنـد پسـر به نامهـای پُلاد زاهـدی دانشـجوی کـامپیوتر، الیاد زاهـدی دانشـجوی مکانیـک است.مشاغـل و سـمتهای مورد تصـدی : مـدیر گروه جغرافیای طبیعی دانشگاه تبریز، معاون آموزش دانشـکده ادبیـات و علوم انسـانی دانشـگاه تبریز، معـاون پژوهشـی دانشـکده علوم انسـانی و اجتمـاعی دانگشاه تبریز، مـدیر مسـئول و سـر دبیر نیازمنـدیهای تـبریز و نیز عضـویت در کیمتـه سـدهای بزرگ ایران و مشـاور سازمـان آب منطقـه ای آذربایجـان شـرقی و اردبیـل از فعالیتهای مجیـد زاهـدی است.فعالیتهای آموزشـی : تـدریس مجیـد زاهدی در دانشگاه تبریز و دروس هیدرولوژی آبهای سـطحی، هیدرولوژی شـهری، آمار و احتمالات در جغرافیا و کارتوگرافی از فعالیتهای آموزشـی وی است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سایر فعالیتهای مجیـد زاهـدی : انتشار نشـریه نیازمندیهای تبریز– انتشار نقشه اتوبوس رانی تبریز و نقشه قدیم تبریز چگونگی عرضـه آثار : فعالیت های پژوهشی دکتر مجید زاهدی به قرار زیر است : تعداد مقاله های منتشرشده : ۹ مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها : ۴ مورد تعداد کتابهای تالیف شده : ۱ مورد تعداد کتابهای ترجمه شده : ۲ مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد : ۱۴ مورد تعـداد پایاننـامه های دکتری : ۳ مورد تعـداد طرحهـای تحقیقاتی مصوب : ۷ مورد آثـار : ۱ پیش بینی هوا به زبـان سـاده ویژگی اثر : ترجمه۲ کارتوگرافی ویژگی اثر : تالیف، انتشارات سمت، برای دانشجویان جغرافیاو نقشه برداری۳ هیدرولوژی ویژگی اثر : در دسـت چـاپ۴ هیـدرولوژی آبهـای سـطحی ویژگی اثر : ترجمـه نوشـته پروفسـور ژان لـو، برای دانشـجویان کارشناسـی و کارشناسی ارشد رشته های جغرافیایی طبیعی و هیدرو لوژی

زاهری، میرزا احسان

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا احسان زاهری

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۳

زندگینامه علمی

تحصـیلات ابتـدایی را در مـدارس کاشان گذراندم که در همان زمان از دبسـتان روحیه مبارزاتی و محو عکس‌های شاه را از کتاب داشـتم. دبیرسـتان را در دبیرسـتان محمودیه شـبانه گذرانـدم، مقـداری هم به ادبیات عرب و دروس حوزوی توجه داشـتم و کار هم می‌کردم. بـا پایـان دیپلـم در سـال ۱۳۵۳ بـا حضـور در کلاس‌هـای آقـای حجـهٔ الاسـلام والمسـلمین محسـن قرائتی و آشـنایی و مشورت‌هـای مکرر بـا علمـا که به دانشـگاهها و تربیت معلم بروم یـا حوزه، یکی از علمـای کاشـان حضـرت حجهٔالاسـلام حـاج آقا خراسـانی فرمود: ارزیـابی کن کـدامین راههـا حفـظ انسان را بیشتر تأمین می‌کنـد زیرا بیشتر من به فکر خـدمات به مردم بودم. اینجا پایان مشورت محقق شد. به دعوت حجهٔالاسلام قرائتی به قم و سپس به مدرسه رسالت معرفی شدم. اولین صبحانه را در منزل ایشان در قم صـرف نمودم. دروس کلاسیک حوزوی را در مدرسه رسالت قم گذراندم تا آغاز و شور انقلاب اسلامی ایران آنگاه تا سال ۱۳۵۸ در مـدرسه رسـالت سـطح اول ادبیـات را گذرانـدم. لمعه و اصـول را در حوزه آزاد آغـاز نمودم تـا سـال ۱۳۶۱ که رسائـل و مکـاسب می‌خوانـدم. بـا درخـواست حجهٔالاسـلام قرائـتی بـه اسـتان سیسـتان و بلوچسـتان هجرت جهـت تـدریس معلمـان نهضـت سوادآموزشی و مدیریت و راه‌اندازی آن.

در زاهـدان به درس کفایـهٔ الاصول حجهٔالاسـلام و المسـلمین حاج آقا مؤیـدی حضور و در کنار آن نوارهای کفایه حضـرت آیهٔالله فاضل لنکرانی و مکاسب مرحوم آیهٔالله ستوده و رسائل حجهٔالسلام اعتمادی را مرور و خلاصه‌نویسی در طول مدت بیش از دو سال تـا دی ماه ۱۳۶۳ نمودم. سـپس به حوزه برگشـتم درس خـارج حضور یـافتم. فقه و اصول در آن روزگار فقه آیـهٔالله منتظری، اصول

آیه‌الله حاج شیخ حسین مظاهری درس رسائل را مروری حضرت آیه‌الله راستی کاشانی و مجدداً به دو درس کفایهٔ الاصول جلد یک و دو مرحوم آیه‌الله ستوده حاضر شدم. و تا پایان دیماه ۱۳۶۶ مروری به کتاب‌های کفایه و رسایل و مکاسب داشتم. سال ۱۳۶۶ به استان سیستان و بلوچستان و تدریس در دانشگاههای آن دیار و تدریس در تربیت معلم و افسران ارتش و مسئولیت در سه نیروی ارتش کارهای جدیدی را آغاز نمودم. ادامه دروس حوزوی را در زاهدان همراه خود با مباحثات داشتم. با خلع آیه‌الله منتظری از قائم مقامی با ناراحتی شدید از برخورد ایشان با مواضع امام راحل و روشن شدن بسیاری از مسائل از پشت پرده ابهام دیگر دروس و مواضع ایشان را برای خود و دوستان طرد نمود. آنگاه از سال ۱۳۶۹ به حوزه بازگشتم. حداقل بیش از ۱۲ سال درس خارج حضور یافته‌ام. در این مدت ۶۹ تا ۸۳ که در حوزه حدود ۱۴ سال بوده ام. تدریس در مدارس علوم جهانی مرعشیه چند سال طلاب خارجی، تدریس اصول استنباط و اصول فقه چندین دوره در حرم مطهر ،تدریس لمعه در فیضیه و مدرسه آیه‌الله مرحوم نجفی مرعشی، تدریس بدایه و نهایه در فیضیه، تدریس رسایل و مکاسب و کفایه در مدرسه آیهٔ گلپایگانی و فیضیه، تدوین کتاب‌ها از سال ۱۳۸۰ آغاز و چاپ گردید که تاکنون ادامه دارد. از سال ۱۳۸۳ به دعوت کارهای تحقیقی و ستادی توسط حجهٔ‌الاسلام حاج محسن قرائتی به تهران دعوت و سپس امامت جمعه احمدآباد مستوفی را قبول نمودم که الان ادامه دارد.

زاهی، ابوالقاسم، ابوالحسن علی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۵۲ –۳۱۸ ق)، صوفی و شاعر شیعی. معروف به زاهی. اصل وی از قریه‌ی زاه نیشابور بود که در بغداد متولد شد و در همان شهر زیست. وی شاعری توانا در تشبیهات و استعارات و بخصوص در منقبت و مدح اهل‌بیت رسول (ص) بود. همچنین در مدح سیف‌الدوله نیز اشعاری سروده است. وی در کاظمین دفن شد. از آثارش: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۶۸/۵)، اعیان الشیعه (۱۶۳/۸)، تاریخ بغداد (۳۵۰/۱۱)، الذریعه (۴۰۰ –۳۹۹ /۹)، ریحانه (۳۵۷/۲)، الکنی و الالقاب (۲۸۸ –۲۸۷ /۲)، لغت نامه (ذیل/ علی زاهدی)، معجم المؤلفین (۳۴/۷)، هدیه العارفین (۶۸۰/۱).

زایر دامغانی، اسماعیل

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی گویا در دادگاهی مشغول به کار بوده است. از اوست:

ز لیلی، لیلی من دلربایی بیشتر دارد

ز مجنون اندکی دیوانه‌تر می‌خواستم خود را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۰۶)، الذریعه (۴۰۰/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۱۱ –۴۱۰).

زایر مشرقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۶۹ ش)، شاعر زرتشتی، متخلص به زایر مشرقی. وی در مریم‌آباد یزد به دنیا آمد. تحصلات مقدماتی را در زادگاهش به اتمام رسانید و در هیجده سالگی به بمبئی رفت و در آنجا به کار تجارت پرداخت. از اوست:

ز پندار نیکت سرانجام گیر

که پندار نیکت شود دستگیر

به گفتار نیک و به کردار نیک

چو پندار نیکت بود در ضمیر

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره سخنوران یزد (۵۵۷ –۵۵۵).

زایر همدانی، امید

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. شاعری همدانی و عاشق‌پیشه بوده است. به قدم سیاحت به هند سفر کرده و پس از مراجعت احتمالا در سال

۱۰۸۳ در خدمت بوداق سلطان کمره‌ای بوده است. از اوست:

از بس که رخت را عرق شرم حجاب است

عکس تو در آیینه چو گل در ته آب است

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۲۴)، الذریعه (۴۰۰/۹)، صبح گلشن (۱۸۹)، فرهنگ سخنوران (۴۱۱)، کاروان هند (۴۹۵/۱).

زایرای شوشتری، عبدالمحمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۲۶ ق)، شاعر. وی شاگرد ملا- کاسبی، معروف به محبعلی بوده و با مشاهیر شعرای زمان خود چون میرزا طاهر وحید، شفیعای اثر، میرنجات، نجیبای کاشی و میرزا هادی شرر شیرازی معاشر بوده است. زایرا در مدح واخشتوخان و حسین پاشای بصری و سایر معاریف آن عصر قصایدی دارد. وی دارای «دیوان» شعر بود. از اوست:

قرب حق با خودی از ترک تلعق نشود

نیست ممکن که ز یک نفی براید اثبات

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره المعاصرین (۳۵۹-۳۵۷، ۱۹۸)، الذریعه (۴۰۰/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۱۱).

زایری اصفهانی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر، متخلص به زایری/ زایر. در اغلب تذکره‌ها او را در شمار زنان شاعر اصفهان آورده‌اند، ولی مولف کتاب «از رابعه تا پروین» وی را اهل تبریز دانسته است. برخی در زن بودن وی تردید دارند و سال مرگ او روشن نیست. وی شعر را نیکو می‌سرود و از اشعار او ابیاتی چند بر جای مانده است. از اوست:

خوردن خون دل از چشم تو آموخته‌ام

خون دل خورده‌ام و این هنر آموخته‌ام[۱]

اغلب تذکره‌ها او را از زنان شاعر اصفهان معرفی کرده‌اند ولی مولف کتاب از رابعه تا پروین او را اهل تبریز دانسته است. تاریخ حیات او در تذکره‌ها نیامده و تنها مولف مشاهیر نسوان حیات او را در اوایل قرن نهم هجری نوشته است. غزل زیر از اوست:

خوردن خون دل از چشم تر آموخته‌ام

خون دل خورده‌ام و این هنر آموخته‌ام

کار من بی تو بجز خون جگر خوردن نیست

طرفه کاری که به خون جگر آموخته‌ام

شیوه عاشقی و رسم نظربازی را

همه از مردم صاحبنظر آموخته‌ام

ناصحا چند کنی منع من از عشق بتان

من زاستاد ازل اینقدر آموخته‌ام

«زایری» بهر طواف حرم کوی کسی

صبح خیزی زنسیم سحر آموخته‌ام

تذکره روز روشن با توجه به صورت و معنای شعر در زن بودن شاعر تردید کرده است. برخی تذکره‌ها از او به بی‌بی زایری یاد کرده‌اند.[۲]

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از رابعه تا پروین (۱۴۰-۱۳۹)، تذکره‌ی روز روشن (۳۲۵)، حدیقه الشعراء (۲۱۵۶-۲۱۵۵ /۳)، الذریعه (۴۰۰/۹)، زنان سخنور (۲۱۷/۱)، فرهنگ سخنوران (۴۱۱)، مشاهیر زنان (۱۱۰-۱۰۹).

[۲] منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره اول، ۵۶؛ از رابعه تا پروین، ۱۴۰-۱۳۹؛ تذکرةالقبور ۳۲؛ تذکره حسینی، ۱۳۹؛ حدیقةالشعرا، ۲۱۵۶-۲۱۵۵ /۳؛ حدیقه عشرت، ۲۴؛ خیرات حسان، ۷ /۲؛ دایرةالمعارف صنعت و ادبیات تاجیک، ۲۷۶ /۱؛ الذریعه، ۴۰۰ /۹؛ روز روشن، ۳۲۵؛ ریاض‌العارفین، ۲۸۲؛ زنان سخنور، ۲۱۷ /۱؛ شمع انجمن، ۱۸۶؛ صحف ابراهیم، حرف ز، ش ۴۳؛ مشاهیر نسوان، به نقل از «پرده‌نشینان سخنگوی»، همان؛ نتایج‌الافکار، ۳۰۷؛ النساءالمومنات، ۳۶۵؛ نشتر عشق، ۶۴۴-۶۴۳.

زایری مشهدی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. در «تذکره‌ی روز روشن» آمده است: «از زایران حظایر مضامین پاکیزه است». این بیت از اوست:

مرا سروی است در دل کرده جا در چشم روشن هم

چو گل پاکیزه رخ همچون صبا پاکیزه دامن هم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۲۵)، فرهنگ سخنوران (۴۱۱).

زائری

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعری است اصفهانی، دارای طبعی دقیق بوده است

از اوست:

خوردن خون دل از چشم تر آموخته‌ام

خون دل خورده‌ام و این هنر آموخته‌ام

کار من بی تو بجز خون جگر خوردن نیست

طرفه کاری که به خون جگر آموخته‌ام

شیوه عاشقی و رسم نظر بازی را

همه از مردم صاحب نظر آموخته‌ام

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

زبانی یزدی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی زبانی گویا و اشعاری شیوا داشته، ولی چندان مایل به شهرت نبوده از این رو گمنام مانده است. این قدر معلوم است که از سادات بوده و با سلاطین صفوی معاصر بوده است. از اوست:

دو ابروی تو که پیوسته سر به سر دارند

دو ماه پاره سر وصل یکدگر دارند[۱]

سیدالشعراء ابومحمد بن محمد سمرقندی، شاعر معروف ایرانی در قرن ششم، وی از مردم سمرقند بود. از آثار او «زینت‌نامه» در علم شهر و منظومه «مهر و وفا» را یاد کرده‌اند.

از خصایص اشعار وی اشتمال آن بر صنایع مختلف است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تذکره سخنوران یزد (۱۴۳ -۱۴۲)، الذریعه (۴۰۰/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۱۱)، لغت نامه (ذیل/ زبانی یزدی).

زبیری، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: جنگل‌داری، دانشکده: منابع طبیعی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

زجاجی چرندابی تبریزی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۶۰۸ ق)، شاعر و مورخ. از آثار وی: «تاریخ منظوم زجاجی»، در تاریخ.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۴۱۱)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۶۷۱، ۵۹۱/ ۱)، لغت نامه (ذیل/ زجاجی)، یغما (س ۵، ص ۵۶۰ -۵۵۴).

زجاجی طبری، ابوعلی حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۴۰۰ ق)، محدث و فقیه شافعی. وی متولی قضاوت بود. از آثارش «التهذیب»، در فروع فقه شافعی که مختصری مشتمل بر «فروع زائده علی المفتاح» است که به همین مناسبت به نام «زوائد المفتاح» نامیده شده است. از دیگر آثارش تصنیف کتابی در «علل الحدیث» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۱۷۶۹، ۱۱۶۰، ۵۱۷)، معجم المؤلفین (۲۸۴/۳).

زجاجی مجرد، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید زجاجی مجرد

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر به سال ۱۳۴۲ شهریور ماه در یک خانواده مذهبی در کاشان متولد گردیدم که پس از گذراندن دوران تحصیلی ابتدائی و راهنمایی (سال سوم) مصادف با انقلاب اسلامی شدم که نسبت به سن خود یکی از عاشقان امام خمینی(ره) مطرح بودم.در انقلاب شرکت نموده و پس از آن با فرمان امام(ره) مبنی بر تشکیل بسیج یکی از نیروهای اولیه بسیج بودم و به عنوان مربی آموزش نظامی و سپس به عنوان مسئول آموزش نظامی مطرح شدم و با شروع شرارت‌های دشمن در کردستان از طرف جهاد سازندگی به مدت سه ماه به کردستان و بانه رفتم و در عملیات جاده سردشت ـ مریوان شرکت داشتم. با شروع جنگ تحمیلی به عنوان رزمنده در جنگ شرکت کردم.(بسیجی) درجنگ ها و عملیات‌های فتح المبین،بیت‌المقدس،محرم،شلمچه،آبادان،ماهشهر که مجموعاً حدود ۲۰ ماه تا سال ۶۲ در جبهه حضور داشتم.سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه امام خمینی(ره) شدم و حدود ۲ سال در آن حوزه و سپس تاکنون در حوزه علمیه حضرت آیت الله یثربی به عنوان یک طلبه می‌باشم که بحمدالله دوران سطح ۱ و ۲ و ۳ را تمام نموده. (اتمام کفایتین)سپس یک دوره ۹ ساله درس خارج فقه حوزه کاشان را گذرانده و سپس تا به حال یک دوره درس خارج اصول را گذرانده‌ام و از چند نفر از علماء و مراجع موفق به کسب اجازه نیز شده‌ام. همزمان با حوزه و دروس آن موفق به تحصیل در دانشگاه شده‌ام. بحمدالله در عرض دروس حوزه و دانشگاه اقدام به نویسندگی نموده‌ام که تا به حال ادامه دارد.همچنین از سال ۱۳۷۵ تا به حال در کرسی خطابه بوده‌ام که تا به حال در سطح کشور و خارج انجام وظیفه نموده‌ام. همچنین در حوزه و دانشگاه اقدام به تدریس نموده‌ام. همچنین موفق به اخذ چندین تشویق‌نامه علمی شده و استاد رسمی تاریخ اسلام با گرایش صدر اسلام و امامت می‌باشم.

زجری اصفهانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از شاعران اصفهانی معاصر شاه طهماسب اول بود. از اوست:

قاصد بسی ز گفته‌ی خود انفعال برد

تا کی دروغ نقل کند از زبان تو

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۰۱/۹)، صبح گلشن (۱۸۹)، فرهنگ سخنوران (۴۱۲-۴۱۱).

زخم مشهدی، محمد

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. صاحب «تذکره‌ی روز روشن» درباره‌اش می‌نویسد: «دلش مستفیض از فیض سرمدی بود». این بیت از اوست:

ز شوخی آن چنان گرم از پی نخجیر برخیزد

که وحشت از غزالان چون رم از تصویر برخیزد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۲۶)، فرهنگ سخنوران (۴۱۲).

زرآبادی، جلیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جلیل حسینی فرزند عالم جلیل سید موسی فرزند سید علی فرزند سید مهدی فرزند میر بزرگ ابن میر بابا بن میر فاضل که منسوب و منتهی به جناب زید شهدید فرزند امام زین‌العابدین علیه‌السلام می‌شود. در یازدهم ذیقعده الحرام ۱۳۳۱ قمری در شهر قزوین سالروز میلاد مسعود حضرت رضا علیه‌السلام به دنیا آمده و در بیت علم و ورع پروش یافته و در حجر و دامن مادر موسویه با فضیلت دختر عالم متقی حاج سید احمد تنکابنی تربیت شده و مقدمات و ادبیات را در خدمت والد ماجدش خوانده و پس از رحلت آن بزرگوار در تحت سرپرستی و ارشاد مجسمه تقوا و ورع عالم زاهد مرحوم حاج شیخ علی‌اکبر الهیان که از نوادر عصر در محیط قزوین بودند و تربیت روحی و معنوی قرار گرفته و در همان ایام نیز از انفاس قدسیه و رهنمودهائی دائی بزرگش استاد اخلاقش مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی صاحب بیان لقرآن بهره‌مند گردیده و سطوح را در قزوین در خدمت آیات عظام حاج سید ابوالحسن رفیعی و حاج آقا سید هبه‌اللّه کلانتری و حاج سیدمحمد تنکابنی به پایان رسانیده و در سال ۱۳۶۷ قمری مهاجرت به قم نموده و از محضر و دروس اعلام قم چون مرحوم حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و آقا سید محمد حجت و حاج سید محمدتقی خونساری و حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی استفاده کرده و از درس و بحث اصول امام خمینی (ره) مدت ۸ سال حداکثر استفاده را نموده و همینطور مدت هفت سال از اسفار و تفسیر علامه طباطبائی صاحب تفسیر المیزان مستفیض شده تا سال ۱۳۷۷ قمری که با مرحوم آیت‌اللّه بروجردی مدت سه سال در آستانه اشرفیه لاهیجان اقامت و سرپرستی حوزه علمیه آن سامان و مراجعات حومه را به عهده داشته و در سال ۱۳۸۰ قمری به قزوین مراجعت و تاکنون به اقامه جماعت و تدریس و تبلیغ احکام اسلام اشتغال دارند. دارای اجازات عدیده اجتهاد و روایتی از آیات گذشته و حاضرین می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

زرآبادی، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید موسی حسینی زرآبادی که سبط عالم جلیل مولی کریم روغنی است فیلسوف متاله و حکیمی الهی و متکلمی توانا و فقیهی اصولی و مبین معارف ائمه معصومین علیهم‌السلام بود.

در سال ۱۳۱۱ قمری در بیت علم و تقوا به دنیا آمده و در دوران کودکی مقدمات و ادبیات را خوانده و از محضر اساتید بزرگ چون حاج مولی علی‌اکبر ایزدی متوفی ۱۳۳۰ فقها و اصولاـ استفاده نموده و تقریرات درس ایشان را مبسوطا نوشته و به تهران مسافرت کرده و در مدرسه سید نصرالدین مشغول تکمیل علوم عقلی و نقلی و ریاضی شده و از محضر میرزا ابوالحسن جلوه متوفی ۱۳۱۴ قمری و میرزا حسن کرمانشاهی متوفی ۱۳۳۶ قمری و میرزا شهاب شیرازی و شیخ علی نوری متوفی ۱۳۳۵ بهره برده و پس از تکمیل مراتب علمی به قزوین مراجعت و به تدریس علوم اسلامی از عرفان و فلسفه و کلام و فقه و اصول و تربیت و ارشاد مشغول و شاگردانی مبرز در علم و تقوی چون مرحوم حاج شیخ علی‌اکبر الهیان و حاج شیخ مجتبی قزوینی و حاج سیدعباس مدرسی و حاج سید جوادی تربیت نموده است. دارای تألیفاتی نافع در علوم مختلفه می‌باشند.

۱- اصول دین

۲- اعتقادات

۳- تعلیقه بر رسائل شیخ انصاری

۴- حاشیه بر منظومه سبزواری

۵- حاشیه بر الهیات اشارات

۶- حاشیه بر منطق اشارات

و رساله‌های دیگری در مواعظ و علوم فلسفه و غیر اینها.

معظم‌له در دوم ربیع‌الثانی ۱۳۵۳ هجری قمری از دنیا رفته و در جوار حضرت شاهزاده حسینی قزوین مدفون شده است.

(۱۳۵۳ -۱۲۹۴ ق)، فقیه. وی در قزوین و تهران بـه تحصیل علوم معقول و منقول پرداخت. حاج ملاـعلی‌اکبر ایزدی سیادهنی تاکستانی از استادن وی بود که سید موسی «تقریرات» درس فقه و اصول ایشان را نگاشته است. وی در تهران در محضر اساتیدی چون میرزا حسن کرمانشاهی و سید شهاب‌الدین شیرازی و شیخ علی نوری حکمی و شیخ فضل‌اللّه نوری کسب فیض کرد. شیخ علی الهیان تنکابنی و شیخ مجتبی قزوینی خراسانی و شیخ هاشم قزوینی و سید محمدتقی معصومی اشکوری و سید علی محمد حاج سید جوادی و بسیاری دیگر از شاگردان وی می‌باشند. از آثارش: تعلیقه بر بخشی از «رسائل»؛ حاشیه بر «مطول»، بخش علم

بیان؛ حاشیه بر «کفایه الاصول»؛ شرح «سامان و ابسال» ابن‌سینا؛ رساله‌ی «اعتقادات»، به عربی؛ حاشیه بر «منظومه» سبزواری؛ حاشیه بر «شرح اشارات»، بخش الهیات؛ «اصول‌الدین»، به فارسی؛ رساله‌ای درباره‌ی مشروطیت؛ حاشیه بر منطق «اشارات».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۹، ش ۱۲، ص ۲۷ -۲۶، ۵).

زرتشت بهرام پژدو

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، دانشمند، پزشک، نویسنده و شاعر. اهل خواف خراسان و به قولی اهل ری بوده است. در دوران حکومت ایلخانان زندگی می‌کرد. در جوانی بین دبیری و علوم شرعی زرتشتی و نجوم و هیات و حساب را فراگرفت و بعد از آن به شاعری پرداخت. آنچه که از آثار وی باقی است، چند منظومه‌ی فارسی است که به جهت اشتمال بر مقدار زیادی لغات پهلوی و روایات دینی زرتشتی اهمیت خاص دارد. این منظومه‌ها عبارتند از: «ارداویرافنامه»؛ «منظومه‌ای در باب زرتشت و هزاره‌های زرتشتی»؛ «داستان چنگر نگهاچه»؛ «داستان شاهزاده‌ی ایران زمین و عمر خطاب»؛ بعضی اثری بنام «زرتشت نامه» به وی نسبت می‌دهند و این بخاطر افزودن اشعاری توسط همین بهرام است حال آن که این اثر از آن کیکاووس رازی، پسر کیخسرو، از شاعران گمنام زرتشتی است.[۱]

زردشت بهرام پژدو (زردشت پسر بهرام پسر پژدو) شاعر زردشتی (قر. ۷ ه.)، نخستین گوینده مسلم زردشتی که از او آثار مهمی به ما رسیده. نوشته‌های وی- که موضوع آنها بخشهایی از ادبیات مزدیسنا و مخصوصا داستان زردشت پیامبر است بر همه آثار زردشتیان ایران و هند برتری دارد. احتمالا خاندان او از خواف و خود وی ساکن ری بود. از آثارش «زراتشت‌نامه» (ه.م.)، «ارداویر افنامه» (۲ اردوایر افنامه) داستان چنگرنگهاچه، داستان شاهزاده ایران زمین با عمر بن خطاب، خمسه زردشت است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۵۱۷ -۵۰۶، ۴۳۵، ۳۳۸ -۳۳۷ /۳)، تذکره شاعران کرمان (۲۷۲ -۲۶۵)، دایرةالمعارف فارسی (۱۱۷۱/۱)، ستارگان کرمان (۲۲۰ -۲۱۲).

زردشتی فارسی، فیروز

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۹ / ۱۲۴۲ ق)، نویسنده، شاعر، متخلص به فیروز. وی از پارسی‌نژادان متولد در هند بود که در ده سالگی به همراه پدرش به ایران آمد و قریب دوازده سال به تصحیل علوم و کمالات پرداخته و دوباره به هندوستان بازگشت. از آثارش:«ادله‌ی قویه»، در عدم جواز کبیسه در شریعت زردشت؛ «جارج‌نامه» یا «جرج‌نامه»، شعر، به طرز «شاهنامه»؛ «دساتیر آسمانی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۳۹۵ -۱۳۹۳ / ۲)، صبح گلشن (۳۲۴ -۳۲۳)، فرهنگ سخنوران (۷۲۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۹۸۳، ۱۴۷ / ۱)، مجمع الفصحا (۸۴۴ -۸۴۰ / ۵)، مکارم الآثار (۱۱۸۲ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۷۹ -۸۷۸ / ۴).

زردوز شیرازی، محمد ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۳ -۱۲۶۳ ق)، شاعر، متخلص به زردوز. وی شغل زردوزی داشته است. گاهی که شعر می‌سرود، به هزل و هجا تمایل بیشتری داشت. این رباعی از اوست:

زردوز! همیشه سرخوش و مستی تو
بر گور جهان چه طرف بربستی تو
گویند که مفلس به امان‌اللّه است
غفار ببخشد که تهی‌دستی تو

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۶۰/۲)، فرهنگ سخنوران (۴۱۲).

زرعیان، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: زمین‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زمین‌شناسی از دانشکده علوم تهران در سال ۱۳۳۵، کارشناسی علوم تربیتی از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۳۵، کارشناسی ارشد سرتیفیکای دومین سیکل سنگ‌شناسی و سرتیفیکای بلورشناسی و کانی‌شناسی و سرتیفیکای زمین‌شناسی عملی از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۳۷ و کارشناسی ارشد سرتیفیکای سومین سیکل سنگ‌شناسی از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۳۸، دکترای سنگ‌شناسی از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۳۹.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۳۸ تا سال ۱۳۴۲، استاد دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۳.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

یادداشت در مورد کشف ژیزمان نوریت در نزدیکی شاتو-لامبر فرانسه، سنگ‌شناسی پاتو لامبر (وژجنوبی) فرانسه، آتشفشانی در ایران و کانی‌شناسی پاره‌ای از سنگهای آذرین ایران، تحقیق سنگ‌شناسی آذرین جنوب شهرستان قروه، تحقیق سنگ‌شناسی سنگ‌های دگرگونی جنوب شهرستان قروه، تحقیق سنگهای آذرین و دگرگونی منطقه چاهک رباط، زمین‌شناسی منطقه عباس‌آباد و فرومد، بررسی سنگ‌شناسی توده آذرین بنیان سد کرج، بررسی زمین‌شناسی و سنگ‌شناسی شمال شرقی اسدآباد همدان، پتروگرافی و پترولوژی توده آذرین گرانودیوریتی منطقه سامن، پترولوژی فسفریت جیرود منطقه شمال تهران، رسوب‌شناسی وپترولوژی تشکیلات، تدریس دروس بلورشناسی و کانی‌شناسی، سنگ‌شناسی رسوبی، آذرین، دگرگونی، آتشفشان‌شناسی، پترولوژی در دانشگاههای تهران و شهید بهشتی و امیرکبیر، کشف ژیزمان نوریت در کوههای وژ فرانسه.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

سنگ‌شناسی سنگ‌های رسوبی، تحقیق کانی‌شناسی پاره‌ای از سنگ‌های آذرین ایران، سنگ‌شناسی آذرین و دگرگونی، کانی‌شناسی سیلیکاتها، کانی‌شناسی غیر سیلیکاتها، بلورشناسی، مطالعه آتشفشانها، رده‌بندی مودال سنگهای آذرین.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

زمین‌شناسی کشف ژیزمان نوریت، آتشفشانهای ایران، پترولوژی الوند.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

زرکش یزدی، محمدباقر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر، متخلص به زرکش. «طبعش سرکش، شعرش دلکش» بوده است. به عهد کریم خان زند می‌زیسته، شغلش زرکشی بوده که از صنایع ظریفه در ساخت پارچه‌های زربفت مخصوص یزد است. زرکش را «دیوان» اشعاری بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره سخنوران یزد (۱۴۴ -۱۴۳)، الذریعه (۴۰۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۱۲).

زرکش، آقاجان

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، استاد زرکش. وی از استادان زرکش جدول بند ماهر اواخر دوران صفوی بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱/ ۷).

زرکوب

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بخش ۱) شیرازی، شیخ‌الاسلام عزالدین مودود بن محمد بن محمود ذهبی (و. ۵۶۲- ف. ۶۶۳ ه.ق.). وی از اهل شیراز و جدش اصفهانی‌الاصل بود.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

زرکوب تبریزی، نجم‌الدین، ابوبکر محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۱۲ ق)، صوفی، شاعر، متخلص به زرکوب و مشهور به شیخ نجم‌الدین زرکوب. وی از اهالی تبریز بود که با تنگدستی و عسرت زندگی کرد. شیخ سعدالدین حموی (وف ۶۵۰ ق) او را در کودکی نظر کرده بود و فرموده بود که این کودک از ماست و مردم از وی بهره‌مند خواهند شد. زرکوب همیشه مرجع علما و فقرا و چنان مورد احترام مردم بود که خواجه رشیدالدین وزیر با وی در کمال ادب مکاتبه می‌کرد. نویسنده‌ی «تاریخ گزیده» نجم‌الدین زرکوب را معاصر با اباقاخان (۶۸۵ -۶۶۳ ق) می‌داند. نجم‌الدین زرکوب در تبریز وفات یافت و در گورستان گجیل دفن شد. از آثارش: رساله‌ی «فتوت نامه»؛ ترجیع‌بندی نزدیک به صد بیت در «مونس الاحرار»؛ «دیوان» شعر از وی نقل شده است.[۱]

(بخش ۱) تبریزی، نجم‌الدین. شاعر ایرانی (ف. ۷۱۲ یا ۷۲۲ ه.ق.). وی معاصر آباقا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ گزیده (۷۵۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۷۷ -۷۶)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۲۷۲ -۲۶۸ /۲)، حبیب السیر (۱۳۴/۳)، دانشمندان آذربایجان (۱۶۶ -۱۶۵)، الذریعه (۴۰۱/۹)، ریاض العارفین (۸۱)، ریحانه (۱۴۰ -۱۳۹ /۶)، سخنوران آذربایجان (۳۸۷ -۳۸۵)، فرهنگ سخنوران (۴۱۲)، لغت نامه (ذیل/ نجم‌الدین زرکوب).

زرگر اصفهانی تبریزی، نجیب‌الدین رضا

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۸۰ ق)، شاعر و عارف. از عارفان عامی و بی‌سواد بود. در اصل تبریزی بود، ولی در اصفهان اقامت داشت ارادت به شیخ محمدعلی موذن خراسانی از مشایخ سلسله‌ی ذهبیه داشته و خود نیز از مشایخ آن سلسله است. در بعضی مقاطع جوهری و رضا و نجیب‌الدین تخلص می‌نمود. وی در اصفهان وفات نمود و در تخت فولاد دفن شد. از جمله آثار وی: «خلاصه الحقایق»؛ مثنویهای «سبع المثانی»، «غزلیات زرگر»، «نور الهدایه» در عرفان.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۲۵/۷، ۴۰۲/۹)، ریاض العارفین (۸۲)، ریحانه (۳۷۵/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۶۲ -۱۶۱ /۳).

زرگر اصفهانی، محمدحسن، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۰/۱۲۷۰ ق)، شاعر، متخلص به زرگر. در اصفهان می‌زیسته، پیشه‌ی زرگری داشته و غزل را استادانه می‌سروده است. در «مدایح معتمدیه» منوچهر زرگر معتمدالدوله رامدح کرده است. «دیوان» اشعار و «غزلیات» او چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۱۰/۴)، حدیقه الشعراء (۷۰۷ -۷۰۶ /۱)، الذریعه (۴۰۲/۹)، سرآمدان فرهنگ (۴۱۳ - ۴۱۲ /۱)، فرهنگ سخنوران (۴۱۲)، المآثر و الآثار (۲۰۵)، مجمع الفصحا (۳۴۲ -۳۴۰ /۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۶۴ -۵۶۳ /۲).

زرگر اصفهانی، محمدهاشم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم و سیزدهم ق)، خطاط. معروف به زرگر. وی پدر میرزا محمدعلی محرم و جد میرزا عبدالوهاب محرم یزدی، شاعر دوره‌ی ناصری، است. زرگر از استادان مسلم خط نسخ است که در زمان خود، در سراسر کشورهای اسلامی شهرت داشت و حتی در خوشنویسی ممدوح شاعران عصر بود. او را در خط نسخ ردیف عبدالمجید درویش در خط شکسته نهاده‌اند. از آثار او: قرآن نیم ربعی جلد روغنی، دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع، به خط نسخ و رقاع کتابت خفی عالی، با رقم: «... و انا العبد... محمدهاشم الصائغ الاصفهانی، فی... سنه ۱۱۷۲»؛ یک قطعه نسخ کتابت جلی عالی و رقاع خوش، با رقم: «حرره العبد... محمدهاشم الاصفهانی، فی ۱۱۹۰»؛ یک نسخه «صحیفه‌ی سجادیه‌ی» جانمازی جلد روغنی، دو صفحه‌ی اول حاشیه و متن مرصع، سرلوح مرصع

رقاع و به خط نسخ کتابت خفی خوش، با رقم: «... ابن محمدصالح لؤلؤی محمدهاشم الاصفهانی... ۱۲۱۲»؛ یک قطعه به خط شکسته‌ی تعلیق و کتابت خوش، با رقم: «مشقه العبد الاقل ابن محمدصالح، محمدهاشم». یازده اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۷۷، ۱۲۰۴، ۱۲۰۲- ۴/ ۱۲۰۲).

زرگر رشتی، خلیل

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از اهالی رشت بود و در آن شهر صرافی می‌کرد. از شاعران دربار شاه جمشید خان اسحاقی، پادشاه گیلان بود و مثنوی «جمشیدنامه» را به فرمان وی سرود. اثر وی: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۲۱-۵۲۰)، الذریعه (۴۰۲/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۱۲)، مجمع الخواص (۲۳۶).

زرگر شوشتری، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی و کارشناسی ارشد در فیزیک از مدرسه عالی پارس تهران در سالهای ۱۳۵۲ و ۱۳۵۴، دکترای علوم مولکولی از دانشگاه ایلینویز جنوبی آمریکا در سال ۱۳۶۲.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز در سال ۱۳۶۲، دانشیار دانشکده علوم دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اتلاف جریان لایه نازک ابر شاره و نقش بخار، لایه‌گذاری به روش تبخیر، تکنیک خلاء، ساخت الکترومگنت با قدرت حدود ۱۰۴ گاوس، خواص فیزیکی ابر رساناهای گرم، ابر رسای YBCO، هلیوم مایع، استاد راهنمای یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

ابرشاره هلیوم، ابررساناها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

زرگر هراتی، کلبعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. از مردم هرات و زرگرباشی شاهزاده کامران میرزای افغان بود. از اوست:

خور کسب نور می‌کند از روی رامجی

من مشتری صفت شده هندوی رامجی

حاجی رود به کعبه، ندانم چه غفلت است

گویا نبرده ره به سر کوی رامجی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۴۱۳)، مصطبه‌ی خراب (۷۴-۷۳).

زرگر یزدی، باقر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. شغل وی زرگری بود. مؤلف «صبح گلشن» وی را از نسب سادات می‌داند و صاحب «تذکره‌ی مخزن الغرائب» وی را تحت نام محمد باقر زرگر اصفهانی آورده است. از اوست:

امشب که بلا به این ستم‌کش بارد

از دیده همه شراب بی‌غش بارد

من گریه ندیده‌ام بدین بوالعجبی

کز دیده به جای آب آتش بارد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۹۸)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۲۴)، جامع مفیدی (۴۶۳/۳)، الذریعه (۱۲۳/۹)، صبح گلشن (۵۴)، فرهنگ سخنوران (۱۲۰)، مخزن الغرائب (۳۸۳/۱)، هفت اقلیم (۱۶۱ -۱۶۰/۱).

زرگری نژاد، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر غلامحسین زرگری‌نژاد در سال ۱۳۲۹ در شهرستان بجنورد متولد شد.وی پس از طی مراحل تحصیل مقدماتی، راهنمایی، دبیرستان، در سال ۱۳۵۲ به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران را یافت. در سال ۱۳۵۷ دوره تحصیل لیسانس خود را به پایان برد و بلافاصله در آزمون ورودی کارشناسی ارشد تاریخ شرکت کرد و به ادامه تحصیل در این دوره پرداخت . پس از اتمام این دوره در آزمون دکتری دانشگاه تربیت مدرس قبول شد و در سال ۱۳۷۲ درجه دکترای تخصصی تاریخ را از این دانشگاه دریافت داشت.وی در سال ۱۳۷۳ به گروه تاریخ دانشگاه تهران پیوست و از آن زمان تاکنون به تدریس در گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران مشغول است.نامبرده هم اینک فعالیت خود را با رتبه علمی دانشیاری ادامه می دهد.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامحسین زرگری‌نژاد پس از طی مراحل تحصیل مقدماتی، راهنمایی، دبیرستان، در سال ۱۳۵۲ به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران را یافت. در سال ۱۳۵۷ دوره تحصیل لیسانس خود را به پایان برد و بلافاصله در آزمون ورودی کارشناسی ارشد تاریخ شرکت کرد و به ادامه تحصیل در این دوره پرداخت . پس از اتمام این دوره در آزمون دکتری دانشگاه تربیت مدرس قبول شد و در سال ۱۳۷۲ درجه دکترای تخصصی تاریخ را از این دانشگاه دریافت داشت

فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر زرگری‌نژاد همزمان با تحصیل در دوره کارشناسی ارشد در آموزش و پرورش زادگاهش به تدریس اشتغال داشت

فعالیتهای آموزشی : غلامحسین زرگری‌نژاد سپس از بجنورد به تهران انتقال یافت و به مدت سه سال مدیر گروه تاریخ در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی وزارت آموزش و پرورش بود. وی در سال ۱۳۶۴ به دانشکده روابط بین الملل وزارت خارجه منتقل شد و به مدت سه سال نیز در آن دانشکده به تدریس تاریخ دیپلماسی و تاریخ اسلام و اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران پرداخت. وی در سال ۱۳۷۳ به گروه تاریخ دانشگاه تهران پیوست و از آن زمان تاکنون به تدریس در گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران مشغول است.نامبرده فعالیت خود را با رتبه علمی دانشیاری ادامه می دهد. ------------------
----

آثار :

۱ تاریخ احمدشاهی (تاریخ تشکیل اولین حکومت افغانستان)

ویژگی اثر : پدیدآورنده: محمود حسینی جامی، غلامحسین زرگری نژاد (مصحح) ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - ۰۳ مهر، ۱۳۸۴

۲ تاریخ تحلیلی اسلام

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: آیت عشق - ۲۵ بهمن، ۱۳۸۵

۳ تاریخ تحلیلی اسلام: از بعثت تا غیبت

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۰۹ آبان، ۱۳۸۶

۴ تاریخ تمدن و فرهنگ

ویژگی اثر : کتاب درسی

۵ تاریخ سال سوم دبیرستان

ویژگی اثر : کتاب درسی

۶ تاریخ سیاسی اجتماعی ایران بعد از اسلام

ویژگی اثر : کتاب درسی

۷ تاریخ سیاسی اجتماعی ایران قبل از اسلام

ویژگی اثر : کتاب درسی

۸ تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) – ۰۸ اردیبهشت، ۱۳۸۶

۹ تاریخ معاصر ایران

ویژگی اثر : کتاب درسی

۱۰ تاملاتی در علم تاریخ و تاریخ نگاری اسلامی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد، عطاء الله حسنی، هاشم آقاجری (مترجم)، حسن حضرتی (مترجم) ناشر: نقش جهان – ۱۳۸۱

۱۱ خورشید: سال اول، شمارگان ۱ تا ۱۲۰

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد (مقدمه) ناشر: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی – ۲۸ آذر، ۱۳۸۴

۱۲ رسائل مشروطیت: مشروطه به روایت موافقان و مخالفان

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی – ۲۸ مرداد، ۱۳۸۷

۱۳ رساله احکام قانون اداره بلدیه

ویژگی اثر : پدیدآورنده: عبدالحسین لاری، غلامحسین زرگری نژاد (مصحح) ناشر: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی – ۲۹ دی، ۱۳۸۷

۱۴ روزشمار تحولات ایران درعصر قاجاریه

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران – ۰۶ خرداد، ۱۳۸۶

۱۵ روش تحقیق

ویژگی اثر : کتاب درسی

۱۶ سلمان فارسی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد، قربان ولیئی (ویراستار) ناشر: کتاب همراه – ۲۳ آبان، ۱۳۸۶

۱۷ سیاست نامه های قاجاری

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی – ۳۰ دی، ۱۳۸۶

۱۸ سیاست نامه های قاجاری: رسایل سیاسی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی – ۳۰ دی، ۱۳۸۶

۱۹ شرح آسیای مرکزی و انتشار سیویلیزاسیون روسی در آن با نقشه ممالک آسیای مرکزی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی – ۱۳۸۳

۲۰ عاشورا

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: کتاب همراه – ۰۳ خرداد، ۱۳۸۷

۲۱ ماثر سلطانیه، تاریخ جنگهای اول ایران و روس، به ضمیمه تاریخ جنگهای دوره دوم از تاریخ ذو القرنین

ویژگی اثر : پدیدآورنده: عبدالرزاق بن نجفقلی مفتون دنبلی، غلامحسین زرگری نژاد ناشر: روزنامه ایران – ۱۳۸۳

۲۲ نهضت آزادی‌بخش فلسطین

ویژگی اثر : کتاب درسی

۲۳ نهضت امام حسین (ع) و قیام کربلا

ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی – ۱۰ مرداد، ۱۳۸۶

زرندی، شمس‌الدین، جمال‌الدین محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۹۳– ح ۷۵۰ ق)، حافظ، محدث، قاضی و فقیه حنفی. وی در مدینه نبوی به دنیا آمد. پس از پدرش منصب تدریس در آن شهر را بر عهده داشت و محدث آنجا بود. بعد از ۷۴۲ ق به شیراز رفت و به نشر حدیث و تدریس پرداخت. زرندی منصب قضاوت را در آن شهر تا پایان عمر عهده‌دار بود. او در شیراز از دنیا رفت. از آثارش: «درر السمطین فی مناقب السبطین (ع)» یا «درر السمطین فی فضائل المصطفی و البتول و السبطین (ع)» یا «فی فضائل المصطفی و المرتضی و السبطین»؛ «بغیه المرتاح»، شامل «چهل حدیث» با شروح و اسانید؛ «مولد النبی (ص)»؛ «معارج الوصول الی معرفه آل الرسول (ع)».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۷ –۲۶ /۸)، ریحانه (۳۷۵/۲)، کشف الظنون (۷۴۷ ،۲۵۰)، الکنی و الالقاب (۲۹۷/۲)، معجم المؤلفین

(۱۲۵ -۱۲۴ /۱۲)، هدیه العارفین (۱۵۷/۲).

زرندی، محمدباقر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمـدباقر بن حسن زرندی دانشـمندی فاضل از اعلام قم بوده است و در سال ۱۲۲۴ قمری در مدرسه فیضـیه تدریس می‌نموده و از محضر مرحوم علامه محقق میرزا ابوالقاسم قمی صاحب قوانین استفاده نموده و در حدود سال ۱۲۳۰ در قم وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

زروانداد

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، عالم دین. پسـر مهرنارسه پسر ورازگ بود که نسبش به خانوادهٔ سپند یاد، یکی از هفت خاندان ممتاز اشکانی می‌رساند. وی از هیربـدان هیربـد بود که بعد از موبدان موبد، برترین مقام روحانی بود. در حاشـیه کتاب «تاریخ ادبیات ایران پیش از اسـلام» آمده که وی یکی از روحانیون مانوی است که نامه‌ای را خطاب به مارامو، رهبر مانویان در بخش‌های شرقی ایران می‌نویسد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام (۳۴۱)، تمدن ساسانی (۶۹/۱).

زروندنی رحمانی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد زروندی رحمانی

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۳۶ در روستای زروند از بخش طاغون کوه نیشابور در خانواده ای مذهبی متولد شدم . در طول سه سال تحصیلی موفق شدم تا کلاس پنجم ابتـدائی را با نمره های خوب به پایان برسانم . سال ۱۳۴۹ به مدرسه علمیه گلشن در نیشابور رفته ، امثله و شـرح آنرا ظرف مدت هفت- هشت روز تمام کردم . بعد از نه ماه وارد حوزه علمیه مشهد شدم و در مدرسه ای بنام مدرسه آقای موسوی نژاد که از بهترین مدارس دارای برنامه مشهد بود ، پذیرفته شدم . اولین استاد بنده در همان روستای خودمان جناب آقای شیخ قاسم شور گشتی بود .

دروس مقدماتی و بخشـی از دروس سطح را در مشهد خواندم از جمله بخش اول رسائل را خدمت استاد عزیز مرحوم شهید هاشمی نژاد تلمذ نمودم و مکاسب محرمه را خدمت مقام معظم رهبری خواندم .

سال ۱۳۵۴ به حوزه علمیه قم آمدم . سال ۵۶-۵۵ بود که در مدرسه خان مسـتقر شدم و از اساتید متعددی استفاده کردم ؛ بخشی از مکاسب را نزد آیت الله صانعی خواندم و بخش باقیمانده رسائل را خدمت آقای اعتمادی گذراندم . کفایه را نیز نزد حضرات آیات فاضل ، سـلطانی ، سـبحانی و مظاهری تلمذ نمودم . در تفسیر، درس آیت الله خزعلی و آیت الله مشکینی شرکت کردم .اما اساتیدی که درس خارج را خـدمتشان تلمذ کردم عبارتند از : آیات عظام وحید خراسانی (حدود بیست و دو- سه سال خارج فقه و اصول) ، شـیخ جواد تبریزی (هفت- هشت سال خارج فقه) ، میرزا هاشم لاریجانی (مدت کوتاهی خارج اصول) و آیت الله سـید محمود هاشـمی شـاهرودی .دروس فلسـفه (منظومه ، نهـایه الحکمه ، اسـفار ، فصوص الحکم و اشـارات) را نزد حضـرات آیـات محمـدی گیلانی ، حاج شیخ یحیی انصاری دارابی ، مصباح یزدی ، جوادی آملی و حسن زاده آملی خواندم .

از الطاف الهی این بوده که این توفیق را داشـته ام و از همان سالهای اولی که وارد حوزه علمیه مشهد شدم ، تدریس را شروع کردم و تا کنون علاوه بر دروس مقدمات ، دروس سطح از جمله رسائل ، مکاسب ، کفایه ، بدایه و نهایه را سالهای سال تدریس کرده ام . در حال حاضـر علاوه بر چنـدین جلـد کتاب (که در دست چاپ می باشـد) ، افزون بر نود و پنـج مقاله در مجله تخصصـی فقه و مجلات دیگر از بنده چاپ شده است .

زریاب خویی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۳ -۱۲۹۸ ش)، نویسنده، مترجم، محقق و استاد دانشگاه. در خوی متولد شد. پس از فراگیری تحصیلات ابتدایی و متوسطه به قم رفت و از محضر علمای آن دیار از جمله شیخ صادق فراحی، محقق داماد، سید احمد خسروشاهی، امام خمینی، سید صدرالدین صدر، سید محمدتقی خوانساری و سید محمد حجت کوه کمره‌ای بهره جست. سپس وارد دانشکده‌ی الهیات شد و پس از دریافت درجه‌ی لیسانس به آلمان رفت و از دانشگاه ماینس در رشته‌ی تاریخ دکترا گرفت. آنگاه به ایران بازگشت و در ۱۳۴۱ ش به دعوت پروفسور هنینگ به آمریکا رفت و در دانشگاه برکلی (کالیفرنیا) به تدریس پرداخت. پس از دو سال به ایران آمد و با سمت استادی در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت. دکتر زریاب مورخ، محقق و مترجمی جامع‌الاطراف بود و بویژه در معارف ایران و اسلام و فلسفه و تاریخ و ادبیات عرب و زبان شناسی صاحب نظری متبحر بود و به سبب تسلط به زبانهای عربی، آلمانی، انگلیسی و فرانسوی به منابع دست اول دسترسی داشت. زریاب در بسیاری از مجامع علمی ایرانی مثل: انجمن فلسفه، بنیاد فرهنگ، فرهنگستان تاریخ و بنیاد شاهنامه‌ی فردوسی عضو بوده و با بنیادهای دایرةالمعارف نویسی همکاری داشت و مقالات بسیاری برای آنها و مجلات ادبی گوناگون می‌نوشت. وی همچنین در مجامع بین‌المللی از جمله: انجمن بین‌المللی شرق شناسی در آلمان و انجمن بین‌المللی کتیبه‌های ایرانی در انگلستان عضو بود. در تهران درگذشت و در بهشت زهرا دفن شد. از آثار وی: «آیینه‌ی جام»؛ «تاریخ ساسانیان»؛ «بزم آوزد»؛ تحریر «روضه الصفا» و ترجمه‌های: «تاریخ فلسفه» ویل دورانت؛ «لذات فلسفه»، ویل دورانت؛ «تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان»؛ تئودور نولدکه؛ «ظهور تاریخ بنیادی»، نوشته‌ی فردریش مانیکه؛ «دریای جان» نوشته‌ی ریتر.[۱]

مترجم، استاد، نویسنده، محقق.

تولد: ۲۲ تیر ۱۲۹۸، خوی.

درگذشت: ۱۴ بهمن ۱۳۷۳.

عباس زریاب‌خویی، فرزند علی، تحصیلات مقدماتی علوم جدید و قدیم را در شهر خویی به پایان رساند و برای ادامه‌ی تحصیل در سال ۱۳۱۶ به شهر قم عزیمت نمود و سال‌ها از محضر اساتیدی چون حضرت امام خمینی (ره)، آیت‌الله سید محمد بهجت کوه‌کمره‌ای، آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی استفاده نمود.

دکتر زریاب‌خویی بعد از رسیدن به درجه‌ی اجتهاد برای تکمیل تحصیلات خویش وارد دانشگاه الهیات شد و پس از اخذ درجه‌ی لیسانس، به آلمان رفت و در رشته‌ی تاریخ و فلسفه از دانشگاه «ماینز» به اخذ درجه‌ی دکتری نایل آمد. همچنین به فراخوان دانشگاه «برکلی» آمریکا پاسخ مثبت داد و مدتی به همکاری با کارشناسان زبان‌های ایرانی و زبان فولکوریک پرداخت.

دکتر عباس زریاب‌خویی پیش از انقلاب استاد رشته‌ی تاریخ و رییس گروه تاریخ دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بود. وی به زبان‌های عربی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و ترکی عثمانی و اسلامبولی آگاه بود. وی سال‌های متمادی در دانشگاه‌های مختلف به تدریس اشتغال داشت و مدتی نیز با دائرةالمعارف بزرگ اسلامی و دائرةالمعارف مصاحب و بنیاد دائرةالمعارف همکاری داشت و مقالاتی را به رشته‌ی تحریر درآورد. آثار مهم ایشان عبارتند از: ترجمه‌ی فلسفه (ویل دورانت، ۱۳۳۵)؛ ترجمه‌ی لذات فلسفه (ویل دورانت)؛ ترجمه‌ی تاریخ ساسانیان (نولد که)؛ تألیف بزم آورد؛ تألیف آئینه جام؛ تحقیق و تصحیح کتاب الصیدنه فی الطب اثر ابوریحان بیرونی (این کتاب در سال ۱۳۷۱ به عنوان کتاب برگزیده‌ی سال انتخاب شد)؛ تألیف تاریخ بنیادی؛ آیینه جام (شرح مشکلات دیوان حافظ؛ این کتاب در سال ۱۳۶۹ عنوان کتاب برگزیده‌ی سال را از آن خود ساخت)؛ سیره‌ی رسول اکرم (ص)؛ تهذیب و تلخیص روضةالصفا. کتاب‌هایی که استاد در حال نشر داشت، عبارت بودند از ترجمه‌ی دریای جان اثر هلموت ریتر و ترجمه‌ی کتابی که قرار بود به مناسبت کنگره‌ی جهانی بزرگداشت عطار نیشابوری منشتر شود.

پیکر دکتر زریاب‌خویی در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (ویژه‌ی هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] کلک (ش ۵۸ و ۵۹، ص ۲۹۲ -۲۸۵)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۴/۳)، یکی قطره باران (۱۴ -۱).

زریاب، ابوالحسن علی

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۳۰ ق)، موسیقیدان، نوازنده، ادیب و شاعر. ملقب به زریاب و معروف به بصری. از موسیقیدانان بنام ایرانی بود که محل تولد وی را برخی شهر ری دانسته‌اند. او هنر موسیقی را در بغداد از اسحاق موصلی فراگرفت و در این هنر مهارت یافت. شهرتش تا بدانجا رسید که به دربار خلیفه هارون‌الرشید راه یافت و به واسطه‌ی وسعت اطلاعات علمی و ادبی و مهارت در فن موسیقی مورد توجه قرار گرفت و رقیب اسحاق موصلی شد. از این رو اسحاق او را وادار کرد که از بغداد رخت بربندد، زریاب هم ابتدا به سوریه و مصر و سپس به اندلس رفت و حکم بن هشام، امیر اندلس، از وی استقبال نمود. او مدرسه‌ی بزرگی برای تعلیم و توسعه‌ی فن موسیقی مشرق زمین در اندلس دایر کرد و دامنه‌ی فعالیت خود را گسترش داد. زریاب در نواختن عود و در سبک و شیوه‌ی آواز تصرفاتی کرد که باعث سهولت یادگیری شاگردان شد. وی در قرطبه درگذشت. همانطور که مکتب ابراهیم موصلی و فرزندش، اسحاق، و خاندان موصلی در بغداد مشهور بود، مکتب او نیز در اسپانیا شهرت فراوان یافت و منشا اثر در کشورهای ساحلی آفریقا و نیز در موسیقی اروپا شد. زریاب از ادب نیز بهره‌ی وافی داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۸۰/۵)، تاریخ ادبیات زبان عربی (۶۱۴، ۵۷۲)، تاریخ موسیقی (۱۲۶ -۱۲۳، ۱۱۶ /۱)، تاریخ هنرهای ملی (۷۱۹/۲)، لغت نامه (ذیل/ زریاب).

زرین چنگ، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: فنی و مهندسی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی کشاورزی از دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز در سال ۱۳۴۱، کارشناسی ارشد ماشینهای کشاورزی از دانشگاه هونهایم آلمان در سال ۱۳۴۵ و دکترای مهندسی مکانیک از دانشگاه ردینگ انگلستان در سال ۱۳۵۱ و نشان دومین مخترع سال ۱۳۶۵ از جشنواره خوارزمی در مورد مهندسی کشاورزی

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پمپ پیستونی مایع، آبگرم خورشیدی، ساخت دستگاه برداشت پنه، بررسی منابع تولید انرژی کامپیوتری نمودن طراحی موتور، ساخت کاربوراتر گازسوز موتوریک سیلندر، تدریس دروس ماشینهای کشاورزی مهندسی مکانیک در دانشگاههای شیراز، کار و صنعتی اصفهان، برنده نشان دومین مخترع سال ۱۳۶۵ از جشنواره خوارزمی در مورد مهندسی کشاورزی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

ترمودینامیک کاربردی، طراحی ماشینهای کشاورزی، طراحی شاسی، یاتاقان و روغن‌کاری، اصول مهندسی سوخت و احتراق و تاریخچه و مجموعه مقالات موتور استرلینگ.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

اصول طراحی موتور استرلیگ، انتقال حرارت در بازیاب متور استرلینگ، موتور پیستونی دورانی، خودروهای برقی، انتقال حرارت در سر سیلندر موتور استرلینگ و طراحی موتورهای کوچک فشار ضعیف استرلینگ، مقایسه افت فشار در بازیابها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

زرین خط، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۳ ش)، خطاط. از خطاطان معروف معاصر است. وی در مکتب خانه‌های زمان قدیم به تصحیل انشاء و خط و معلومان پرداخت و چون در خوشنویس مستعد بود، در همان مکتب خانه به تعلیم خط مشغول شد. به دلایل اختلافاتی که بین وی و استادش روی داد، تعلیم خط را رها کرد، تا این که پس از چند سال به نزد استاد عمادالکتاب می‌رود و هنر خود را ترقی می‌دهد و در وزارت فرهنگ به خدمت می‌شود. قطعات خط وی هم اکنون موجود است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره خوشنویسان معاصر (۱۲۵ -۱۲۲).

زرین قلم خوانساری، عبدالحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از خوشنویسان دوره‌ی ناصرالدین‌شاه قاجار بود. کتیبه‌ی سر در ورودی صحن و کتیبه‌ی پیشانی ایوان شمالی مزار حضرت عبدالعظیم در شهر ری، به خط وی است که به قلم پنج دانگ کتیبه‌ی خوش نوشته و رقم «... السلطان ناصرالدین‌شاه قاجار...کتبه عبدالحسین الخوانساری زرین قلم» دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۷۰/۲).

زرین قلم، حسام‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. به خط وی، یک قطعه از مرقع نسخ کتابت خفی خوش در موزه‌ی اسلامی ترک موجود است و رقم «نمقه الفقیر حسام‌الدین زرین قلم فی سنه ۹۹۵» دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۵۸/۴).

زرین قلم، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، خطاط، نقاش و شاعر. خوشنویس تصویرگر بود که به هفت قلم خط و کتابت طغراهای تزیینی تسلط کامل داشت. او در ابتکار و تلفیق خطوط مهارت داشت و در بطن آنها تصاویر مذهبی به وجود می‌آورد آثار نقاشیخط وی بین رجال و اعیان آن دوره بسیار دیده شده است. زرین قلم شعر نیز می‌سرود. از آثار او: مرقعی به قلمهای نستعلیق و نسخ و ثلث و تعلیق و توقیع و طغرایی و شکسته، از شش دانگ تا غبار خوش و متوسط، با رقمهای: «کتبه حسن زرین قلم، شهر صفر سنه‌ی ۱۳۰۱»، «حسن زرین قلم ۱۳۱۲، ۱۳۱۱، ۱۳۰۹، ۱۳۰۶»، «خانه‌زاد آستان همایون... حسن زرین قلم، مداح رکاب... ناصرالدین‌شاه»، «کتبه و مشقه... حسن زرین قلم... سنه‌ی ۱۳۰۷» و «... شهر رجب ۱۳۱۴ حسن زرین قلم... در عهد دولت... مظفرالدین‌شاه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۶۱/۴، ۱۴۲ -۱۴۱ /۱)، احوال و آثار نقاشان (۱۵۳/۱).

زرین قلم، مبارک شاه

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، خطاط. ملقب به زرین قلم. او از مردم تبریز و معاصر مبارک شاه دمشقی سیوفی و از شاگردان یاقوت مستعصمی بود. وقتی که سلطان اویس جلایر در نجف، بر مزار حضرت علی (ع) عمارتی بنا کرد، به جهت خوابی که از حضرت دید، به مبارک شاه زرین قلم سفارش فرمود کتابت کتیبه‌ی عمارت را به عهده بگیرد. از آثار او: چهار صفحه از مرقع بایقرا- طهماسب، به خط ثلث چهار دانگ جلی ممتاز و نسخ کتابت عالی، با رقم: «کتبه اضعف عبادالله و احوجهم مبارک شاه بن قطب... سنه اثنین و ثلاثین و سبعمائه (۷۳۲)، حامدا و مصلیا»؛ دو صفحه‌ی از مرقع بایقرا- طهماسب، به خط ثلث چهار دانگ جلی ممتاز و نسخ کتابت عالی، با رقم: «مشقه دون الادمان... مبارک شاه بن قطب...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۳۴/۴)، پیدایش خط و خطاطان (۱۵۱)، خوشنویسان و هنرمندان (۲۴، ۵)، دانشمندان آذربایجان (۳۲۴)، گلستان هنر (۲۲ -۲۱)، مناقب هنروران (۱۱۴، ۳۹).

زرینچه، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد زرینچه (زاده ۱۳۴۵ تهران) بازیکن سابق تیم ملی فوتبال ایران و باشگاه استقلال تهران است. جواد زرینچه مدافع ـ هافبک سرعتی و تکنیکی دههٔ هفتاد ایران بود.

او تاکنون در تیم‌های لکوموتیو، بوتان، ژاندرمری، کشاورز، استقلال، صباباتری بازی کرده و در تیم صنعت نفت آبادان و آلومینوم اراک مربی بوده‌است.زرینچه ۱۴ سال برای باشگاه فوتبال استقلال بازی کرد.

زرین‌خط، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خوشنویس.

تولد: ۱۲۸۷، سیرجان.

درگذشت: ۲۷ آذر ۱۳۶۴، سیرجان.

غلامرضا زرین‌خط در کودکی پدر خود را از دست داد. تحصیلات قدیم و جدید را در سیرجان به پایان رساند. سپس به عنوان معلم خط، قرآن، تعلیمات دینی و ادبیات فارسی، به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و مدت ۳۸ سال در دبستان‌ها، دبیرستان‌ها و مدارس شبانه سیرجان به تدریس پرداخت.

وی به فعالیت مطبوعاتی نیز پرداخت و نمایندگی و خبرنگاری چندین روزنامه و مجله را در سیرجان به عهده داشت. از استاد زرین‌خط، آثار بسیاری در انواع خطوط بر جای مانده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

زرین‌کفش، منوچهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: خاک‌شناسی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی در رشته کشاورزی و دکترای خاک‌شناسی.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

علوم خاک قسمتی از ترکیبات و عوامل تشکیل دهنده اکوسیستم محیط زیست است که در مرز بین سنگها در قسمت زیرین و بیوسفر در قسمت روئین قرار گرفته است. مشخصات درونی خاک فعل و انفعالات و کنش و واکنشهای ماده و حیات علوم خاک، صفات و خصوصیات درونی خاک، ارتباط و همبستگی آن را با عوامل دیگر اکولوژیکی مانند موجودات زنده اعم از گیاهان یا جانوران بحث می‌کند، انجام طرح‌هائی درباره خاک‌شناسی خاکهای جنگلی در ارتباط با پوشش گیاهی، پژوهش در زمینه ارتباط شوری خاک با پوشش گیاهی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و یک پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۹

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات

خاک‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

علوم خاک.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

زعفرانی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ریاضی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۸ و دکترای ریاضی و (آنالیز تابعی) از دانشگاه دولتی لیژبلژیک در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۶۴ و دانشیار دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۶۴.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

دورترین نقاط و مجموعه‌های چبی چف در جبر، نظریه فوق توابع و میکرو و توابع و کاربرد آنها، تدریس دروس آنالیز، هندسه، توپولوژی ۱ و ۲، هندسه خمسه، آنالیز تابعی، نظریه عملکرد توابع چند متغیره، توپولوژی جبری در دانشگاههای اصفهان تربیت

مدرس، برنده جایزه کتاب سال در سال ۱۳۶۶، استاد راهنمای ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اصول آنالیز حقیقی و بنیادهای توپولوژی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

ریاضی و آنالیز تابعی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

زعیم‌الدوله تبریزی، محمدمهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۳ ق)، عـالم، نویسـنده و روزنامه‌نگـار. مشـهور به رییس الحکمـاء و دکترا میرزا مهـدیخان زعیم‌الـدوله. اهل تبریز بود. از استانبول به مصر رفت و در قاهره اقامت گزید و در آن جا به انتشار روزنامه فارسی «حکمت» مبادرت کرد. کتابی به زبان فارسی در اصول و فرع ادیـان جهان نگاشت و در آن کتاب به تفصیـل در رد فرقه بابیه سـخن گفته است. وی نیز مفصـلی در رد و تاریـخ بابیه نوشـته و آن را «باب الابواب» نامیـد. سـپس از آن کتاب، کتاب مختصری در تاریخ بابیه انتخاب کرد و آن را «مفتاح باب الابواب» نامیـد. سـپس از آن کتـاب، کتـاب مختصـری در تاریـخ بـابیه انتخـاب کرد و آن را «مفتـاح بـاب الابواب» نامیـد. از دیگر آثار وی: «فرهنگ مهدی»؛ «جهان‌نمای مهدی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :از صـبا تا نیما (۲۵۱/۱)، تاریخ انقلاب مشـروطیت (۱۵۸۳، ۱۹۷، ۸۷)، تاریـخ جراید (۲۳۰ -۲۲۸ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۴۰۹)، شرح حال رجال (۷ -۶ /۴)، علماء معاصرین (۱۳۰)، مؤلفین کتب چاپی (۴۰۱ -۳۹۹ /۶).

زفره‌ای، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به حاجی آخوند، فرزند ملّا علی.

عالم فاضل زاهد متّقی، از مدّرسین سطوح در اصفهان، و محدّثین و واعظین بود. اغلب فضلای معاصر اصفهان از شاگردان ایشانند.

کتب زیر از تألیفات ایشان است:

۱-رساله در اصول دین، که به طبع رسیده ۲- کتابی در قاعده دایره هندی ۳- کتابی در علوم غریبه ۴- کتابی در مکروهات موجب فقر.

صاحب عنوان در علوم غریبه و جفر و اعداد طلسمات نیز زحماتی کشیده و در این موارد، کارهایی بدو نسبت می‌دهند.

در روز دوشـنبه ۲۸ رمضان المبارک ۱۳۵۲ به سنّ قریب به نود سـال در اصـفهان وفـات یافته. در بقعه ی تکیه ی بروجردی مـدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

زفره‌ای، ابوتراب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، ساکن قریه برزان، از شاگردان شـیخ مرتضـی ریزی و آقا میرزا محمـد هاشم چهار سوقی بوده، و در رمضان سال ۱۳۳۴ فوت شده، در صحن تکیه شیخ مرتضی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

زفره‌ای، عبدالجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمّد علی رجاء زفره‌ای، به شاعر و ادیب متخلّص به «اختر» در ۲۵ رمضان ۱۳۱۶ متولّد، و در ۱۷ ربیع الاول سال ۱۳۴۳ وفات یافته، قبرش در قبرستان زفره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

زکریا، سحر

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

بیوگرافی و توضیحات: نام: سحر زکریا با بازی در مجموعه تلویزیونی در پناه تو (در نقش دخترعموی رامین) وارد دنیای بازیگر شد. سپس توانایی خود را در بازی در نمایشها و تله تئاترهای مختلف آزمود. اما شاید از بازی در فیلم مردی از جنس بلور بود که دیده شد و بار دیگر به تلویزیون بازگشت و نقشهای نچندان مهمی در چند مجموعه بازی کرد. بازی در نقش همسر رابین هود در مجموعه طنز قطار ابدی تا حدودی او را به شهرت رساند، اما شاید او با برنامه طنز پاورچین بود که هم استعدادهای نهفته بازی در نقش کمدی خود را بروز داد و هم توانست به محبوبیت دست یابد.

فیلمشناسی

در پناه تو (مجموعه، حمید لبخنده، ۱۳۷۳)

مردی از جنس بلور (سعید سهیلی، ۱۳۷۷)

کاشانه (مجموعه، قاسم جعفری، ۱۳۷۷)

همسفر (مجموعه، قاسم جعفری، ۱۳۷۸)

دنیای شیرین دریا (مجموعه، بهروز بقایی، ۱۳۷۸)

پسران مهتاب (مهدی ودادی، ۱۳۷۹)

قطار ابدی (مجموعه ، ۱۳۷۹)

باران عشق (مجموعه، احمد امینی، یک قسمت، ۱۳۸۰)

پاورچین (مجموعه، مهران مدیری، ۱۳۸۱)

زکی اردستانی، محمد سعید

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۹۵ ق)، شاعر، متخلص به زکی. اهل اردستان از توابع اصفهان بود. در سال ۹۹۵ ق به هند مسافرت کرد و در دکن ترقیات زیادی کرد شعر بسیار می‌گفت اما سخن فهمی و نکته‌سنجی و ادراک او از شاعریش بسیار بیشتر بود. و بعد از مدتی به ایران بازگشت و در ایران درگذشت. وی قصیده‌ای دارد که در مدح شاه عباس اول گفته است که به غیر از این قصیده شعری از او دیده نشده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۴۶/۳)، تذکره‌ی روز روشن (۳۵۵، ۳۲۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۸۴ -۲۸۳)، الذریعه (۴۴۶/۹)، صبح گلشن (۲۰۴)، فرهنگ سخنوران (۴۱۳)، کاروان هند (۴۹۷ -۴۹۵ /۱).

زکی زاده زمانی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا زکی زاده زمانی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۹ در خانواده ای مذهبی در شهر رضا،شهر ستان اصفهان چشم به جهان گشودم. در سال ۱۳۶۶ تحصیلات ابتدایی را در شهر رهنان و در سال ۱۳۷۲ تحصیلات راهنمایی را نیز در همانجا به پایان بردم. و در سال ۱۳۷۵ تحصیلات دوره متوسط را نیز در دبیرستان شهید دستغیب رهنان به پایان رساندم . در سال ۱۳۷۶ دروهٔ پیش دانشگاهی را تمام نمودم و یک هفته قبل از کنکور تصمیم بر گرایش علوم حوزوی گرفتم که البته با مخالفت زیاد نیز روبرو شدم به هر حال تصمیم قطعی را گرفته بودم و به محض

دادن امتحان کنکور پست کردن رشته ها،دیگر راه حوزه را در پیش گرفتم. در سال ۱۳۷۷ با عنایات حضرت ولی عصر ارواحنا الفدا وارد حوزه علمیّه دار الحکمه در شهر اصفهان شدم که ازلحاظ سطح علمی مقامی والا را داشت.

در آنجا در محضر اساتید بزرگوار همچون حاج آقا کشکولی،حاج آقا یزدیانپور و آیت الله مهدوی و حاج آقا مجید مهدوی و...دروس خود را شروع نمودم و علاوه بر آن در زمینه حفظ قرآن نیز وارد شدم و موفق به حفظ ۱۰ جزء از قرآن شدم که البته به علّت مشکلاتی این حفظ را ادامه ندادم.در همان سالها بود که از اولین دروس حوزوی دست به قلم بردم و کتابهای حوزوی را به شکلی نموداری و تلخیصی و بعدا شرح و تفسیر می نوشتم. و با مشورت اساتید بزرگ آن رشته ها همچون حاج آقا سنایی و دیگران مورد تشویق قرار گرفتم. در دروان حفظ قرآن،روی به نوشتن مباحث قرآنی آوردم و کتابی به عنوان احسان به پدر مادر در آینه قرآن و روایات را تنظیم نمودم که در زیر آن عنوان محقّق را برای خود انتخاب نمودم که با خندهٔ بسیار دوستان واطرافیان مواجه شدم ولی به هر حال شوقی و انگیزه ای وصف ناشدنی برای نوشتن پیدا کردم.

در دومین اثر خود به نام«ظلم از دیگاه قرآن و روایات»به اصطاح دستم بیشتر روانتر شد و موفّق شدم طی چهار ماه کتاب را به پایان رسانم و مقام اول را در کتاب برتر مرکز تحقیقات امیر المؤمنین به اسلام بدست آوردم. سومین اثر خود را چنین شروع نمودم. در فکر موضوعی کار نشده و نایاب در حوزه،و شبهات آن،فکر میکردم و شب معراج پیامبر صلی الله علیه و اله را در ۳ جلد در سال ۱۳۸۱ به پایان رسانیدم که با اسقبال خوب اساتید نیز روبرو شدم و برای انتشار آن،مطلب عربی و مباحث دیگر را حذف نمودم و آن را در یک جلد به نام«معراج پیامبر صلی الله علیه و اله»به چاپ رسانیدم که با استقبال بی نظیری مخاطبان طی چهار ماه،چاپ دوم آن نیز صورت گرفت.

در سال ۱۳۸۳ به لطف و عنایات الهی وارد حوزهٔ علمیّهٔ قم شدم و طی چندماه اول ازذوق و شوق نمی دانستم چه کنم؛دریایی که فقط غوّاص ما هر وزیرک می خواهد؛از همان روزهای نخستین وارد مرکز تحصصی علوم حدیث شدم و گویا آرامش خود را در این رشته؛وضوح حس می نمودم برای همین تلاشی بی حد خود را در این رشته صرف نمودم و به لطف الهی تحقیقات خوبی در این رشته انجام دادم که مورد تعجب و تشویق بسیار اساتید این رشته قرار گرفتم و هم اکنون نیز در این رشته مشغول به تحصیل می باشم.

زکی شیرازی، عبداللّه

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۷۷ ق)، شاعر و حکیم. وی از پیشینیان مشایخ و سابقین علما بود که قاضی بیضاوی و ظهیرالدین عبدالرحمن بزغش و قطب‌الدین علامه از شاگردان او بودند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۰۳ -۴۰۲ /۹)، ریاض العارفین (۱۹۶ -۱۹۵)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۶۹/۲)، مجمع الفصحا (۶۹۵/۲)، مرآت الفصاحه (۲۵۳).

زکی غزنوی، ظهیرالدین، ابوالمحامد محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، دانشمند. وی از دانشمندان قرن ششم هجری بود که در علم هیئت و نجوم مهارت داشت و کتابی به فارسی در نجوم نوشت. اثر وی: «کفایه التعلیم فی صناعه التنجیم» که از سال (۵۴۲ -۵۴۰ ق) مشغول تالیف آن بوده است و شرف بر سوی (وف ۶۳۶) آن را به نام «مفاتیح النجوم و مصابیح العلوم» تلخیص کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۱۲۵)، الذریعه (۹۰/۱۸).

زکی کرمانی، حیدرعلی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حیدرعلی بن محمد زکی کرمانی عالمی فاضل بوده و بعد از ۱۲۲۳ وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

زکی مراغه‌ای، لطیف‌الدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۰۷ ق)، شاعر. اصل وی از مراغه بود، در کاشغر ولادت یافت و همان جا پرورش یافت. صاحب «لباب الالباب» گوید: «لطائف اشعار او از حد وعد متجاوز است». زکی با ابوالفرج رونی و ظهیر فاریابی همعصر و در سرودن قصیده استادی توانا بود. از جمله آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۲۷ -۳۲۶)، دانشمندان آذربایجان (۳۲۱، ۱۶۸ -۱۶۷)، الذریعه (۹۴۶، ۴۰۳ /۹)، صبح گلشن (۳۵۶)، لباب الالباب (۳۷۷ -۳۷۱ /۲)، لغت نامه (ذیل/ لطیف‌الدین)، مجمع الفصحا (۶۹۱ -۶۹۰ /۲)، هفت اقلیم (۲۶۶ -۲۶۴ /۳).

زکی همدانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۳۰/۱۰۲۵ ق)، شاعر. تخلص وی با نامش یکی بود. زکی با شکوهی همدانی معاصر بود و به اتفاق او یک چند شاگرد علامه میرزا ابراهیم همدانی بودند. مولانا زکی همتی بلند و طبعی عالی داشت و به سرودن قصیده و مدیحه نمی‌پرداخت و به شغل نعلبندی اشتغال داشت. وی سفری به عراق کرد و چندی نیز در شیراز به سر برد؛ مدتی نیز در هندوستان می‌زیست و سپس به ایران بازگشت و در همدان ساکن شد. در «کاروان هند»، ذیل زکی اردستانی آمده که بعضی منابع وی را با زکی همدانی یکی دانسته‌اند، اما زکی همدانی سوای اوست و هیچگاه به هند نرفته است. زکی، خوش‌طبع و نغزگوی و دارای دیوان بود. وی در غزل استاد بود. اثر وی: «دیوان اشعار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۶۸ -۲۶۳ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۳۱/۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۱۴ -۴۱۳)، تذکره‌ی میخانه (۵۸۷ -۵۸۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۳۷ -۲۳۶)، الذریعه (۴۰۴ -۴۰۳ /۹)، فرهنگ سخنوران (۴۱۴ -۴۱۳)، کاروان هند (۴۹۶ -۴۹۵ /۱)، لغت نامه (ذیل/ زکی همدانی)، مجمع الخواص (۲۱۰ -۲۰۸).

زکی، محمد موسی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد موسی زکی

محل تولد : افغانستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدموسی زکی فرزند شهید محمد عیسی فرزند شهید محمد رسول از حدود سال ۱۳۶۲ دروس حوزوی را شروع کردم ولی از سال ۱۳۶۴ به طور مستمر به تحصیل ادامه دادم، تا سال ۱۳۶۵ در افغانستان و استان محل اقامت خویش تا معالم الاصول و منطق تحصیل نمودم.در پاییز سال ۱۳۶۵ با خانواده به ایران مهاجرت کردم. از شهریور ۱۳۶۲ در تهران (جامعه امیرالمومنین) ادامه دروس را مشغول شدم و تا تیرماه ۱۳۶۷ در همین مدرسه تا پایه ششم حوزه به تحصیل ادامه دادم. از تیرماه همان سال به قم هجرت کردم و تا شهریور ۱۳۷۷ تا سال چهارم خارج فقه و اصول را در این حوزه علمیه تحصیل نمودم. در مهرماه ۱۳۷۷ برای تدریس به رفسنجان رفتم و تا مهرماه ۱۳۷۹ دروس پایه پنجم و ششم و هفتم و بخشی از پایه هشتم را در مدارس امام خمینی(ره) رفسنجان و امام حسن(ع) رفسنجان تدریسص کردم. از مهرماه ۱۳۷۹ تا کنون در قم به تحصیل ، تدریس و تحقیق اشتغال دارم.

زکی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، محقق و نویسنده. از آثار او: «تاثیر هنرهای مسلمین به ویژه ایرانیان در اروپا» که به همراهی محمدتقی شریعتی تالیف کرده است؛ «مطلع الشمسین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۵۵/۲۱)، فهرست کتابهای چاپی (۴۷۹۴/۴)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۱۰۸۲۸۳۴/۲).

زکیای یزدی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر و صوفی. از عموزادگان خواجه سیف‌الدین محمود، و از نوه‌های خواجه غیاث نقشبند بود و اصل او از یزد، اما در اصفهان می‌زیست در همان جا درگذشت. وی علاوه بر استادی در نقشبندی، شعر نیز می‌سرود. از او است:

در سینه دلم گم شده تهمت به که بندم

غیر از تو در این خانه کسی راه ندارد

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۱۴۶)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۱۳)، الذریعه (۴۰۴/۹)، صبح گلشن (۱۹۰)، فرهنگ سخنوران (۴۱۴).

زلال، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر. اثر وی «ریاض الحساب» به شعر است که در سال ۱۳۱۲ ش در تهران به چاپ رسید.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۲۵۶/۴).

زلالی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خوانساری شاعر ایرانی (ف. ۱۰۲۴ یا ۱۰۳۱ ه.ق./ ۱۶۱۵ یا ۱۶۲۱ م.). وی مثنوی گوی و قصیده‌سرای آغاز قرن یازدهم هجری و معاصر شاه عباس اول است. مجموعه مثنویهای او به نام «سبعه سیاره» شامل هفت مثنوی: آذر و سمندر، شعله دیدار، محمود و ایاز، میخانه، ذره و خورشید، سلیمان‌نامه، حسن گلوسوز از اوست. و منظومه محمود و ایاز چند بار به طبع رسیده.

بر گرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

زلالی خوانساری، محمدحسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۳۷ -۱۰۲۴ ق)، شاعر، متخلص به زلالی. وی در خوانسار متولد شد و همعصر شاه عباس اول صفوی و ملک‌الشعرای دربار وی بود. در غزل و قصیده استاد و شاگرد میرزا جلال اسیر بود و میرداماد و شیخ بهایی را مدح می‌کرد. شهرت وی به سبب هفت مثنوی است که از او به جا مانده. از آثارش: «شعله‌ی دیدار»؛ «محمود و ایاز»؛ «حسن گلوسوز»؛ «آذر و سمندر»؛ «سلیمان نامه»؛ «ذره و خورشید»؛ «می و میخانه» مجموعه‌ی این هفت مثنوی به نام «هفت سیاره» یا «هفت آشوب» یا «سبعه‌ی سیاره» هم خوانده می‌شود.[۱]

(ع. منسوب به زمخشر) جارالله، ابوالقاسم محمود بن عمر بن محمد خوارزمی (و. زمخشر ۴۶۷- ف. ۵۳۸ ه.ق.)، استاد تفسیر و حدیث و نحو و لغت و علوم بلاغی. وی امام عصر خود و مورد احترام فضلا و علما بوده. سبب اشتهار او به جارالله آن است که وی مدتی مجاور کعبه بود. زمخشری معتزلی بود، و از آثار اوست: «الکشاف فی تفسیر القرآن» (ه.م.)، مقدمهٔ الادب (ه.م.)

بر گرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۱۰۵۵ -۱۰۵۱ /۳)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۶۹/۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۷۶ -۹۶۵ /۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۳۴ -۲۳۰)، دایرةالمعارف فارسی (۱۱۷۶/۱)، الذریعه (۱۵۹ ،۱۰۶ /۱۹ ،۴۰۴ /۹ ،۱۵ /۷)، ریحانه (۳۷۹ - ۳۷۸ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۴۱۶ -۴۱۵ /۱)، گنج سخن (۸۴ -۸۱ /۳)، لغت نامه (ذیل/ زلالی)، مؤلفین کتب چاپی (۵۶۴/۲)، هفت اقلیم (۴۸۵ -۴۸۴ /۲).

زلالی شیرزای، محمد رحیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۸ ق)، شاعر. از شاگردان مولانا اهلی بود که به هندوستان مهاجرت کرد و اکثر بلاد هند را سیاحت کرد و سرانجام در

گجرات درگذشت. از اوست:

بی‌رخش غم نیست گر از سینه جان بیرون رود

عشق با جانست می‌ترسم که آن بیرون رود

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۰۵/۹)، ریحانه (۳۷۹/۲)، کاروان هند (۴۹۸ -۴۹۷ /۱)، لغت نامه (ذیل/ زلالی)، مرآت الفصاحه (۲۵۵ - ۲۵۴).

زلالی شیروانی، حسین

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟). شاعر، متخلص به زلالی. وی به زبان ترکی شعر می‌سرود. از آثار وی: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۱۶۸)، الذریعه (۴۰۵/۹).

زلالی لاری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. در تبریز می‌زیست و در ضمن اشتغال به صحافی، شعر نیز می‌سرود. از آثار وی: «دیوان» اشعار. این بیت از اوست:

هر طرف شوخی و هر گوشه بلا انگیزیست

به تماشا قدمی نه که عجب تبریزی است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۳۱۶ -۳۱۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۶۴ -۶۶۳ /۲)، الذریعه (۴۰۵/۹).

زلالی هروی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۳۱ ق)، شاعر، متخلص به زلالی. بعضی او را اورگنجی و برخی دیگر او را خوارزمی می‌دانند. وی از شاعران دربار سلطان حسین بایقرا و مردی درویش مسلک بود. غزل و قصیده را نیکو می‌سرود. زلالی در هرات چشم از جهان فروبست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۶۸ -۷۶۷ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۳۲۶)، تذکره‌ی تحفه‌ی سامی (۲۲۹)، حبیب السیر (۳۶۲/۴)، الذریعه (۴۰۵/۹)، ریحانه (۳۷۹/۲)، صبح گلشن (۱۹۱)، لغت نامه (ذیل/ زلالی هروی)، مجالس النفائس (۲۴۳، ۱۴۶، ۷۲).

زلالی، تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از شاعران و سخن‌سنجان قرن دهم هجری تبریز است. این بیت از اوست:

بشنو این نکته‌ی سنجیده ز خون خورده‌ی عشق

که به از زنده‌ی بی‌عشق بود مرده‌ی عشق

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۹۸)، تحفه‌ی سامی (۲۶۶ -۲۶۵)، تذکره‌ی روز روشن (۳۲۸)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۲۷۳ -۲۷۲ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۶۸)، الذریعه (۴۰۴/۹)، ریحانه (۳۷۸/۲)، سخنوران آذربایجان (۳۸۸).

زمان اصفهانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۵۴ ق)، شاعر، متخلص به فریب و زمان. مولد و نشو و نمایش در اصفهان بود. در اوایل حال به امر زرکشی روزگار می‌گذراند. و مکررا به هندوستان مسافرت می‌کرد. زمان شعر عاشقانه بسیار می‌گفت. وی در لاهور وفات یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۶۲۰)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۳۳ -۳۳۲)، الذریعه (۴۰۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۷۰۷)، کاروان هند (۴۹۹ -۴۹۸ /۱).

زمان شیرازی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اهل شیراز و شغلش کفش‌دوزی بود. دکان او مجمع فضلا و ادبایی چون ابراهیم ملاصدرا و ملا محمدتقی بود. وی خط شناس بود و شعر خوب می‌سرود. از آثار وی: «دیوان شعر». از اوست:

جام بلور از خم شراب برآمد

ماه فرورفت و آفتاب برآمد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۳۰)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۸۳ -۳۸۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۶۴/۲)، الذریعه (۴۰۶/۹)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۶۹/۲)، فرهنگ سخنوران (۴۱۶)، لغت نامه (ذیل/ حاجی زمان)، مرآت الفصاحه (۲۵۶ -۲۵۵).

زمان کرمانی، اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ ملاـ اکبر زمان کرمانی از اعیان علماء زمان خود در یزد و معاصر سلطان محمد شاه قاجار بوده و در سفر خراسان و زیارت مشهدالرضا (ع) در حدود سال ۱۲۵۰ قمری وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

زمان مشهدی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۴۱ ق)، شاعر. از نجبای سادات مشهد مقدس بود. وی مدتی در دکن ساکن بود، سپس به عراق برگشت و سالی چند در خدمت چاند بی‌بی به سر کرد. وی به پرهیزگاری مشهور و مخالف سرسخت صوفیه بود و نویسنده‌ی کتاب «صحیفه الرشاد» در رد صوفیه. از آثار دیگر وی «دیوان اشعار» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۶۱ -۱۶۰)، الذریعه (۴۰۶/۹)، کاروان هند (۵۰۰/۱).

زمانی اصفهانی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به زمانی. به اتفاق مجلسی اصفهانی به هند رفت، مجلسی در هند درگذشت و زمانی به تنهایی مسافرت می‌کرد. او در خطاطی نیز تبحر داشت. شعری از او دیده نشده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کاروان هند (۵۰۱ -۵۰۰ /۱).

زمانی آملی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. وی ابتدا وفایی تخلص می‌کرد و چون با شاعر دیگری به نام میراحمد وفایی تخلص یکسان داشت، تخلص خود را به زمانی تغییر داد. وی از غزلسرایان مشهور زمان خود بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۳۸)، الذریعه (۴۰۶/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۱۶)، مجالس النفائس (۲۵۲، ۷۶).

زمانی خراسانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از خراسان بود، اما اکثرا در شیراز به سر می‌برد. دارای طبیعت صوفیانه بود و تتبع صوفیان بسیار کرد و از مریدان خواجه دهدار محمود عیانی شیرازی بود. در اواخر عمر به هند مسافرت کرد. سرانجام به عراق مراجعت کرد و در آنجا درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کاروان هند (۵۰۱/۱).

زمانی سیستانی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. یکی از شاهزادگان سیسان و معاصر تقی اوحدی است. صاحب «ریحانه» بیان می‌دارد که «زمانی» تخلص شعری چندی از شعرای ایرانی است که یکی اردستانی، دیگری سیستانی و سومی لاهیجانی بود و اشهر همه زمانی یزدی است... اثر وی «دیوان» شعر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۰۷/۹)، ریحانه (۳۷۹/۲)، صبح گلشن (۱۹۱)، فرهنگ سخنوران (۴۱۶).

زمانی قمی، حمیدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمیدرضا زمانی قمی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در شهر مقدس قم به دنیا آمده و تحصیلات کلاسیک را تا دیپلم ادامه دادم. سپس در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه مبارکه علمیه قم گشته و هم اکنون در سطح خارج به تحصیلات حوزوی مشغول می‌باشم. در سال ۱۳۶۷ در کنار دروس حوزه تحصیلات دانشگاهی را شروع نموده و مقطع کارشناسی خود را در دانشگاه قم در رشته الهیات به پایان رسانده و سپس مقطع کارشناسی ارشد را در تهران در شاخه فقه و مبانی حقوق اسلامی تمام نمودم. از سال ۱۳۷۶ تاکنون چند ساعتی درس اخلاق و معارف در دانشکده پسرانه قم تدریس دارم.

زمانی لاهیجی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی از طلاب علوم بود و نزد میر معزالدین محمد در یزد درس می‌خواند و شعر نیز می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۹۵)، الذریعه (۴۰۵/۹)، ریحانه (۳۷۹/۲)، صبح گلشن (۱۹۱)، فرهنگ سخنوران (۴۱۶).

زمانی نژاد، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر زمانی نژاد

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۳ شمسی. در شهر مقدس قم به دنیا آمدم و در سال ۱۳۵۶ ش وارد حوزه شده و مقدمات سطح و تا خارج در مدرسه آیهٔ الله گلپایگانی و مدرسه رضویهٔ تا سال ۱۳۶۴ به پایان رساندم و دروس جدید را تا دیپلم متفرقه گذرانم.

و از سال ۱۳۶۵ تا کنون از دروس خارج حضرات آیات عظام شیخ جواد تبریزی و فاضل لنکرانی و منتظری و وحید خراسانی و سبحانی و مددی شرکت کرده و می کنم و از درس فلسفه و تفسیر آیات عظام حسن زاده آملی و انصاری شیرازی و جواد آملی بهره ها برده و می برم در کنار تحصیل با نوشتن مقالات و تصحیح بعضی از متون درسی علما و تهّیه و تدوین بعضی از شناخت نامه ها و شرح حال و کتابشناسی جهت شخصیت های علمی به انجام وظیفه می پردازیم.

و نیز در ده ها کنگره علمی در ایران و خارج شرکت کرده و اکثر این کنگره ها با تدوین کتابی و یا تصحیح کتابهائی و نوشتن مقاله و مقالات و... همکاری نزدیک داشته ام و در اکثر این کنگرها به عنوان معاون علمی، یا معاون اجرائی، یا معاون علمی و اجرائی و... به وظیفه عمل کرده ام.

زمانی نژاد، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر زمانی نژاد

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۳ شمسی. در شهر مقدس قم به دنیا آمدم و در سال ۱۳۵۶ ش وارد حوزه شده و مقدمات سطح و تا خارج در مدرسه آیهٔ الله گلپایگانی و مدرسه رضویهٔ تا سال ۱۳۶۴ به پایان رساندم و دروس جدید را تا دیپلم متفرقه گذرانم.

و از سال ۱۳۶۵ تا کنون از دروس خارج حضرات آیات عظام شیخ جواد تبریزی و فاضل لنکرانی و منتظری و وحید خراسانی و سبحانی و مددی شرکت کرده و می کنم و از درس فلسفه و تفسیر آیات عظام حسن زاده آملی و انصاری شیرازی و جواد آملی بهره ها برده و می برم در کنار تحصیل با نوشتن مقالات و تصحیح بعضی از متون درسی علما و تهّیه و تدوین بعضی از شناخت نامه ها و شرح حال و کتابشناسی جهت شخصیت های علمی به انجام وظیفه می پردازیم.

و نیز در ده ها کنگره علمی در ایران و خارج شرکت کرده و اکثر این کنگره ها با تدوین کتابی و یا تصحیح کتابهائی و نوشتن مقاله و مقالات و... همکاری نزدیک داشته ام و در اکثر این کنگرها به عنوان معاون علمی، یا معاون اجرائی، یا معاون علمی و اجرائی و... به وظیفه عمل کرده ام.

زمانی یزدی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۱/۱۰۱۷ ق)، شاعر. وی از اهالی یزد بود و در زمان شاه عباس صفوی می‌زیست. «دیوان» خواجه حافظ را استقبال کرد. از یزد به اصفهان رفت و به دربار شاه عباس راه یافت. گویند این اشعار نزد شاه عباس برده و گفته است که اشعار حافظ را جواب گفته‌ام. شاه می‌گوید: جواب خدا را چه خواهی داد؟! همچنین درباره‌ی وی نوشته‌اند که در اثر سرودن شعر در جواب «لیلی و مجنون» نظامی خود را همانند نظامی دانسته و تصور می‌کرده که روح نظامی در وجود او رسوخ کرده است. اشعار او را ده هزار بیت نوشته‌اند که در دست نیست. از اوست:

یار از کلبه‌ی ما دوش ندانسته گذشت

لیک دانسته نپرسید که این کلبه‌ی کیست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۹۱۹ -۹۱۷ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۱۳)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۱۴۵ -۱۴۴)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۴۵ -۲۴۴)، جامع مفیدی (۴۶۲ -۴۶۱ /۳)، الذریعه (۴۰۷/۹)، ریحانه (۳۷۹/۲)، فرهنگ سخنوران (۴۱۷ -۴۱۶)، هفت

اقلیم (۱۶۲/۱).

زمانی، رجبعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رجبعلی زمانی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۸ سیکل خود را گرفتم سپس در امتحانات عمومی حوزه علمیه مشهد که با سیاست گزاری مرحوم آیت الله العظمی میلانی برگزار گردید شرکت کردم و به فضل الهی در مدرسه معظم له پذیرفته شدم و درسهای حوزوی را آغاز کردم. با پشتیبانی مرحوم والد در مدرسه مرحوم آیت الله میلانی طی پنج سال دوره سطوح اولیه گذراندم و از محضر اساتیدی همچون حجج اسلام اسلامی، نجفی، نقیبی، بنی هاشمی (ره) اختری بهره مند شدم.سطوح عالی را آغاز کردیم و از برکات وجودی اساتیدی همانند حجهٔالاسلام والمسلمین آهنیان، محسنی، محقق و آیت الله رضازاده و فلسفی استفاده بردم دروسی همچون رسائل و مکاسب را فراگرفتم و سپس به شهر قم جهت ادامه تحصیل روانه شدم.در سال ۱۳۵۴ه ش عازم قم شدم و ادامه سطوح عالیه مکاسب و رسائل را در محضر آیت الله سید ابوالفضل موسوی تبریزی، آیت الله پایانی به پایان رساندم و دروسی همچون کفایتین و بخش پایانی مکاسب را در محضر آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و آیت الله ستوده به اتمام رساندم.در ضمن دروس فلسفه و کلام (اسفار – منظومه) و تفسیر را از محضر آقایان آیت الله جوادی آملی و حسن زاده آملی و مشکینی و انصاری ... استفاده کردم و تلمذ نمودم.از سالهای ۱۳۵۶ دروس خارج فقه و اصول را در محضر آیات عظام: فاضل لنکرانی، شیخ جواد تبریزی، آقای منتظری و وحید خراسانی تلمذ کردم و بهره فراوانی بردم. در ضمن بحث (رجال) را از محضر آیت الله شبیری زنجانی استفاده نمودم.تدریس در مدرسه دارالشفاء و فیضیه و حجتیه از عنایات الهی بود که توانستم معالم الاصول، مختصر المعانی، اصول مظفر و ادبیات عرب را تدریس کنم و آنچه را آموختم به عزیزانی دیگر منتقل نمایم. کار تدریس را نه تنها در حوزه علمیه مشهد و قم داشتم بلکه خداوند توفیق عنایت کرد سالهای ۶۵ تا ۶۹ همان دروس قبلی به همراه رسائل و مکاسب و بدآیت الحکمهٔ را در حوزه علمیه زینبیه سوریه تدریس نمودم و عده ای از طلاب عرب زبان از کشورهای مختلف اسلامی که در کشور سوریه به سر می بردند همانند برخی از طلاب عراق، بحرین ، لبنان، مصر ، پاکستان ، افغانستان ، و نیجریه و... بودند سعی نمودم آنچه را اندوخته ام به این عزیزان منتقل کنم (که حدود ۴ سال به طول انجامید)بعد از انقلاب اسلامی کار تالیف را آغاز کردم و با استفاده از تجارب حجهٔالاسلام والمسلمین آقایان محمد جعفر امامی و پیشوائی کار ادامه پیدا کرد. کار جمعی ما (درس هایی از نظام دفاعی اسلام) به ثمر رسید و چندین مرتبه به چاپ رسید و به حمدالله در میان رزمندگان اسلام (سپاه پاسداران – ارتش جمهوری اسلامی) مورد بهره برداری و تدریس قرار گرفت. و نیز کار جمعی دیگر همچون (معجم بحارالانوار) در دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم انجام گرفت که آن هم ۱۴ جلد حجری شد و امروز از برکات وجودی آنها جامعه علمی اسلامی بهره مند می شود.

زمانی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدرضا زمانی ده یعقوبی

محل تولد : قم

شهرت : زمانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از گذراندن دوره های ابتدائی ، راهنمایی و دبیرستان در مدارس شهرستان قم و حضور بیش از دو سال در جبهه های جنگ تحمیلی در سال تحصیلی ۶۱ – ۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم سال اول تحصیل را در مدرسه امام صادق گذراندم و در سال دوم به مدرسه کرمانیها رفتم و تا پایان سال سوم معالم و مغنی در آن مدرسه به درس مشغول بودم و طبق روال معمول مدارس از سال چهارم و شروع دروس اصول فقه و لمعه به خارج از مدرسه انتقال یافته و به صورت آزاد از دروس ارائه شده توسط اساتید بهره بردم که اساتید مربوط در قسمت های دیگر این فرم ذکر شده است به طور مرتب هرسال یک پایه از دروس حوزه را خواندم و امتحانات کتبی و شفاهی آن را نیز شرکت نموده و قبول شدم و از سال ۱۳۷۰ که دروس سطح تمام شد برای دروس خارج بررسی

هـایی انجام دادم و سرانجام درس آیت الله مکارم را انتخاب نموده و خارج فقه و اصول ایشان را شرکت نمودم البته در سال ۱۳۷۲ بطور خصوصی بـا چنـد نفر از طلاب خـارج فقه آیت الله خـاتم یزدی را نیز شـرکت می کردم که به کسالت ایشان برخورد کرد و درس تعطیل شد

لازم به ذکر است که در تمام سالهای تحصیل حضور در درسهای اخلاق را به عنوان یک امر لازم برای خودم تلقی نموده و شرکت نمودم . با توجه به احساس نیاز جامعه پس از انقلاب اسلامی به آگاهی های فراتر از فقه و اصول مرسوم حوزه ها در سال تحصیلی ۶۵ – ۶۶ در امتحان ورودی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره که آزمان دارای دو بخش عمومی و تخصصی بود که بخش آموزش عمومی در موسسه در راه حق و دروس تخصصی آن در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم برگزار شد شرکت نمودم و پذیرفته شـدم تا سال ۶۹ دوره عمومی الهیات و معارف اسلامی به اتمام رسید که برای دوره تخصصی شرکت نمودم و در رشته جامعه شناسی پـذیرفته و به تحصیل مشغول شـدم که در سال ۷۷ بـا دفاع از پایـان نامه ام تحت عنوان رابطه باورهـای دینی بـا تحولات اجتماعی با تکیه به انقلاب اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شدم.

از آنجا که دانشگاهها اعلام نیاز نسبت به تـدریس دروس معارف اسلامی می نمودند و تکلیفی از این جهت به دوش همه کسانی بود که توانایی لازم برای این مهم دارند بدین منظور برای امر تدریس در سال ۱۳۷۵ اعلام آمادگی نمودم و پس از انجام امتحانات لازم و کلاسهای ویژه مجوز تدریس را از نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها اخذ نمودم. در سال تحصیلی ۷۵ – ۷۶ ترم اول به دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد اصفهان رفتم و در دو روز به تدریس دروس ریشه های انقلاب اسلامی ، اخلاق اسلامی و تاریخ اسلام پرداختم و در همان سال ترم دوم به دانشگاه آزاد اسلامی اراک رفتم و به تدریس دروس یاد شده پرداختم ،با توجه به قبول مسوولیت اجرائی در نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در تهران امکان حضور در اراک را نداشتم و به همین دلیل و به خاطر جدانشـدن از امر آموزش از سال ۱۳۷۶ در دانشگاه تربیت معلم تهران چنـد واحـد درس گرفتم و در سالهـای بعـد در دانشگاه پزشکی تهران نیز تدریس می نمودم تا اینکه در سال ۱۳۸۱ به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم پذیرفته شدم و به صورت متمرکز درس انقلاب اسلامی را در آن دانشگاه تدریس می نمایم. با توجه به اینکه رشته تخصصی ام جامعه شناسی بود از سال ۱۳۸۰ به صورت پـاره وقت در دانشگاه بـاقرالعلوم علیه السلام به تـدریس دروس : جامعه شناسی خانواده ، جامعه شناسی آموزش و پرورش ، جـامعه شناسـی سازمانهـا ، جـامعه شناسی کـار و مشاغـل و جامعه شناسـی صـنعتی پرداختم که هرکـدام از این دروس را چندین بار تدریس نموده ام ،در سالهای ۷۹ – ۸۱ در مرکز محقق و نویسنده حوزه علمیه قم دروس مبانی جامعه شناسی ، آسیب های اجتماعی و مدیریت فرهنگی تبلیغی را تدریس نمودم.

از سالهای ۸۲ به بعـد در مرکز حقوقی و قضـائی حوزه علمیه قم و از سال ۸۴ در مرکز جهانی علوم اسلامی به تدریس درس مبانی جامعه شناسی در بعضی از ترمهای سال پرداخته ام . در ارتباط با راهنمائی ، مشاوره و داوری پایان نامه از سال ۸۰ تا ۸۵ در دانشگاه باقرالعلوم (ع)،۲ مورد استاد راهنما ، ۷ مورد مشاوره و بیش از ۱۲ مورد داوری پایان نامه های با موضوع اجتماعی را به عهده داشته ام، علاوه بر آن ۴ مورد مشاوره پایان نامه های کارشناسی مرکز جهانی علوم اسلامی با عهده دار بوده ام.

زمانی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا زمانی متولد سال ۱۳۱۷ شـهر تهران است. وی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و دبیرستان در سال ۱۳۳۶ در رشته حقوق با تمرکز بر رشـته قضایی به تحصـیلات پرداخت و سپس با علاقه ای که از ابتدا به رشته روانشناسی در او بود با شرکت در دوره های کارشناسی ارشد دانشگاه تهران به آمریکا عزیمت نمود و دکترای روانشناسی بالینی را در سال ۱۳۵۴ از دانشگاه مینه سوتای آمریکا اخذ کرد. بعد از بازگشت به ایران وی عضو هیئت علمی دانشگاه تهران دانشکده ادبیات و علوم انسانی گردید.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی گرایش : روانشناسی بالینی خاطرات کودکی : رضا زمانی همچون پدرش ذوق ادبی خوبی دارد و از این رو در دوره کودکی و نوجوانی کتاب های ادبیات و تاریخ و شـعر بسیار می خواند. به سعدی، حافظ و فردوسی علاقه داشت و رمان های زیادی را مطالعه می کرد. از جمله «بینوایان» اثر ویکتور هوگو که او در سـنین نوجوانی، تابستانی را با آن به سر کرده بود: «یادم می آیـد دبستان که می رفتم در خیابـان ژاله زنـدگی می کردیم. آنجـا پیرمرد کتابفروشـی بود که همیشه مرا به یاد پیرمرد خنزر پنزری صـادق هـدایت می انـداخت بـا شالی دور گردن و همان تصویرها. او کتاب کرایه می داد و من از او خیلی کتاب کرایه می کردم و می خواندم. متأسـفانه این رسم دیگر برچیده شده است.» اوضاع اجتماعی و شـرایط زندگی : رضا زمانی از شرایط خانوادگی خود، میگوید: «درس خواندن و دانشگاه رفتن در خانواده من، مسأله ای کاملاً طبیعی و معمولی بود، یعنی چیزی نبود که من سـنتی بر آن گذاشـته باشم. عمویم طبیب و اسـتاد دانشگاه بود، دایی هایم همه تحصـیلات دانشگاهی داشتند. پدربزرگ مادرم، اگرچه روحانی نبود، اما تحصیلاتی در نجف داشت، خواهر و برادرانم همه تحصیلات رده بالای آکادمیک دارند. بنابراین تحصیل کردن در محیط زندگی من امری کاملاً مسـتعد و مساعد بود. البته پدرم هم خیلی تشویقم می کرد.»تحصـیلات رسمی و حرفه ای : دیپلم متوسطه از دبیرستان علمیه تهران سال ۱۳۳۶ ـ لیسانس حقوق از دانشکده حقوق، علوم سیاسی و اقتصاد دانشگاه تهران با تمرکز بر رشته قضایی (۱۳۴۰) ـ فوق لیسـانس روانشناسـی از دانشـگاه تهران (۱۳۴۵) ـ دکترای روانشناسـی بـالینی از دانشگاه مینه سوتـا (آمریکا) در سال ۱۳۵۳ و اخذ مدرک فوق دکتری از همان دانشـگاه ـ گذراندن دوره کارورزی (انترنی) به مدت یک سال، تمام وقت در بیمارسـتان دانشگاه کـانزاس (آمریکا) خاطرات و وقایع تحصـیل : رضا زمانی عزیمت به آمریکا و تحصـیل در آنجا را از وقایع آن دوران خود

میداند :«دانشگاه مینه سوتا یکی از دانشگاه های نخبه رشته روانشناسی در دنیاست و به قول خودشان از دانشگاه های TOP TEN یعنی ده تای اول از میان حدود ۲۰۰۰ مؤسسه معتبر است ومن نمی دانم چطور مرا از این سر دنیا پذیرفتند! استادان خیلی برجسته و نخبه ای هم داشت که من خیلی از کلاس های درسشان استفاده کردم. حتی بیش از آنچه لازم بود واحدهای درسی برمی داشتم که آنها می گفتند به اندازه کافی واحد گرفته ای و دیگر بس است. ولی می دانستم که این فرصت ها دوباره به دست نمی آیند. بنابراین با استادان آنجا خیلی درس می گرفتم و پای صحبتشان نمی نشستم. همان جا هم مرا برای دوره فوق دکتری پذیرفتند اما دانشگاه تهران عضویت در هیأت علمی را به من پیشنهاد کرد و من فکر کردم موقعیت خوبی است و بهتر است از دست نرود.»استادان و مربیان : رضا زمانی می گوید: «در طی مسیر علمی و کسب موفقیت هایش بیش از همه از دکتر ذبیح الله صفا – که پسر دایی پدرش بوده – تأثیر می پذیرفته و باتأکید بر شخصیت ارزنده او، از دکتر صفا به نیکی یاد می کند: «ذبیح الله صفا آدم بسیار سلیم النفس، خوب، مؤدب و انسانی والا بود. زمانی که ایشان استاد دانشگاه بودند در همه مملکت ۱۵۰ تا ۲۰۰ استاد وجود داشت. دانشگاه ها تازه داشتند شکل می گرفتند و کم بودند و استاد دانشگاه در آن زمان وجهه خاصی داشت. به یاد می آورم در سن ۱۲ – ۱۰ سالگی وقتی گاهی از این استاد بزرگوار سؤالی می پرسیدم، می نشست کنارم و گویی دوست چندین و چند ساله من است، با حوصله و آرامش به سؤالاتم پاسخ می داد. اگر چه از دوران ابتدایی رسیدن به چنین جایگاهی را برای خودم به عنوان یک هدف تعیین کرده بودم ولی شاید حضور دکتر صفا هم این پشتکار و علاقه به ادامه مسیر را در من تشدید می کرد.»مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ـ روانشناس بالینی در بیمارستان عمومی شهر «مینیا پولیس» و بیمارستان ایالتی «هیستینگز» در ایالت مینه سوتا در سال های اقامت در آمریکا ـ رئیس هیأت مدیره انجمن روانشناسی ایران از پائیز ۸۵ ـ عضو هیأت مدیره انجمن روانشناسی ایران از ۱۳۵۵ تا ۵۷ و نایب رئیس این انجمن از سال ۷۳ تا ۷۷ ـ عضو هیأت مؤسس انجمن روانشناسی ایران (۱۳۷۴) ـ عضو گروه واژه گزینی تخصصی روانشناسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۸۱) ـ رئیس مؤسسه روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران از سال ۵۸ تا ۶۳ ـ رئیس دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی از ۱۳۸۲ تا تابستان ۸۵ ـ نماینده دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی در هیأت ممیزه دانشگاه تهران (۲ دوره) از ۸۰ تا ۸۴ ـ دوبار معاون پژوهشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران ۷۶ و ۸۱ ـ بنیانگذار، صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر نشریه «پژوهش های روانشناختی» از ۱۳۷۰ تاکنون ـ عضو هیأت تحریریه دو فصلنامه روانشناسی معاصر، علوم شناختی، نشریات انجمن روانشناسی ایران و دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، پژوهش در سلامت روانی و ... ـ عضو سابق هیأت علمی دانشگاه تهران ـ عضو کمیته علوم انسانی قطب های علمی وزارت علوم‌فعالیتهای آموزشی : در زمینه تدریس رضا زمانی سعی می کرد خیلی پراکنده و متفرقه تدریس نکند و عمده فعالیت هایش در این بخش در دانشگاه تهران بود و به صورت استثنا گاهی در دانشگاه روانپزشکی و دانشگاه بهزیستی و توانبخشی به آموزش می پرداخت. دروسی که عمدتاً تدریس می کرد شامل تاریخچه و مکاتب روانشناسی، روانشناسی یادگیری، آسیب شناسی روانی، روانشناسی بالینی، نظریه های روان درمانی و مواردی از این دست در سطوح کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری می شد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : رضا زمانی بنیانگذار، صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر نشریه «پژوهش های روانشناختی» از ۱۳۷۰ تاکنون است سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از دیگر فعالیتهای رضا زمانی پروژه های تحقیقاتی بسیاری را به سرانجام رسانده که برای نمونه می توان از بررسی پدیده همنوایی با گروه در فرهنگ ایرانی، تفاوت ادراک بینایی میان زن و مرد، بررسی پژوهشی برنامه تغذیه رایگان در مدارس، بررسی شیوع اختلالات روانی در کارگران صنایع، آماده سازی و تطبیق فرم فارسی مقیاس اضطراب تعامل اجتماعی و مقیاس هراس اجتماعی و هنجاریابی مقیاس درجه بندی اختلال کمبود توجه (بیش فعالی) و ترجمه و تطبیق فرم فارسی MMPI-۲ را نام برد.آرا و گرایشهای خاص : اما درباره جایگاه علم روانشناسی در ایران و مقایسه با سایر کشورهای جهان و نواقص و کاستی های این علم در کشور ما، رضا زمانی دل پری از وضع عمومی این علم دارد: «امروز روانشناسی کم و بیش مانند علوم دیگر است. تمام علوم جدیدی که وارد مملکت ما شده اند هنوز نوپا هستند. در ذهن عامه مردم و حتی دانشجویان ما، روانشناسی یک فرم خاصی دارد که از یک روزنه کوچک به آن نگاه می کنند. یعنی به روانشناسی بیشتر به عنوان یک رشته خدماتی مثل مشاوره و روان درمانی اشاره می شود. در حالی که روانشناسی رشته های بسیار متعددی دارد و حوزه ای بسیار بسیار وسیع است. متأسفانه فقط بخش هایی از آن وارد مملکت ما شده و دانشجویانمان نسبت به آنها علاقه نشان می دهند. شاید تا حدودی به این علت است که امکانات آن رشته ها و شاخه های دیگر در دسترس نیست و آنچه ساده تر است و ابزار و وسایل چندانی نمی خواهد، همین رشته هایی است که عمدتاً در کشور وارد شده اند. از جمله بخش های عمده ای که نیاز به ابزار و هزینه بالا دارد. مثلاً روانشناسی فیزیولوژیک که برای تحقیق و کار، نیازمند ابزارهای بسیار گرانقیمت است، آزمایشگاه های مفصل می خواهد و کاری نیست که با دو کتاب و وسیله ساده و تست راه بیفتد. این موارد عملاً هنوز وارد مملکت مان نشده. یا روانشناسی مهندسی رفتار یا روانشناسی اجتماعی که بعضی از کشورهای جهان سوم به آن پرداخته اند و به ابزارآلات آنچنانی هم نیازی ندارد، هنوز آنگونه که باید با اقبال و توجه و همتی که شایسته است مواجه نشده.» دکتر زمانی درباره چگونگی دسترسی به علوم جدید معتقد است: «نخستین ، ساده ترین و ضروری ترین وسیله دستیابی به علم، کتاب و منبع است. اگر من ندانم آخرین تحقیقات صورت گرفته در دنیا چیست، ممکن است کاری که ارائه می کنم قدیمی یا تکراری باشد یا چیزی به علم روز اضافه نکند. با وجود کوشش هایی که شده و دسترسی نسبت به سال های اولیه انقلاب بیشتر است، هنوز مشکلات اساسی و کمبودهایی داریم. مثلاً نمایشگاه سالانه بین المللی کتاب برپا می شود ولی نمایشگاه در سطحی است که آنجا کتاب های خیلی معمولی و ساده در حد لیسانس ارائه می کنند و خبری از کتاب های روز و فوق العاده تخصصی نیست. ما هنوز برای تهیه و خرید آن کتاب ها دردسر داریم؛ کتاب هایی که مثلاً صد هزار تومان قیمت دارند یا اینترنت و سایت های قابل استفاده هست ولی آنها نیز به شکل مناسب و دلخواه ما نیست. یعنی بیشتر ظاهری است تا واقعی. من همیشه می گویم هیچ ابن سینایی، بی مقدمه ابن سینا بروز نمی کند. یک زمینه کافی و وافی می خواهد و این زمینه تاکنون موجود نبوده. اگرچه کم کم می رود که ایجاد شود ولی کماکان مشکلات عمده وجوددارند.» و پیشنهاد دکتر رضا زمانی به عنوان فردی که بیش از ۳۰سال در رشته روانشناسی مشغول تحقیق و

پژوهش بوده برای رفع نواقص و کاستی ها چنین است: «احساس می کنم تحصیلات تکمیلی اصولاً باید به زبان علمی جلو بروند. چون نمی شود از منابع دست دوم و سوم استفاده کرد. هنوز کتاب های استادان خودم که سال ها پیش ترجمه شده اند گاه گداری تجدید چاپ می شوند. در صورتی که علم امروز نمی تواند اینگونه باشد. کتاب های مرجع و درسی رشته های مختلف را که می بینم، هر پنج – شش سال یا حداکثر ده سال مرور می شوند و بخش عمده ای از آن تغییر می کند و مطالب تازه جایش را می گیرد. هر چه جلوتر می رویم این علم سریع تر پیش می رود. ۵۰ سال پیش به این شدت نبود، هم اکنون اینطور است و شاید در ۵۰ سال آینده، مطالب دو سال پیش نیز کهنه باشد. بنابراین در فرهنگی که هنوز کتاب ترجمه شده ۲۰ سال پیش – که آن خود متعلق به ۱۰ سال پیشتر بوده – تدریس می شود، نمی توان پیشرو و پیشگام بود. پیشرو بودن مقدمات می خواهد و اگرچه تحولات عظیمی حاصل شده اما این مقدمات هنوز حاصل نشده است. من شاهدم دانشجویان دوره فوق لیسانس و حتی دکترای ما از زبان استفاده می کنند ولی احساس می کنم برداشتی که از متن دارند به آن وقتی که لازم است داشته باشند، نیست و این به دلیل ضعف موجود در زبان است.» چگونگی عرضه آثار : رضا زمانی تا امروز سخنرانی های بسیاری در عرصه های داخلی و بین المللی داشته که از آن جمله می توان به سخنرانی اش در دانشکده روانشناسی دانشگاه کارلتن کانادا درباره تاریخچه روانشناسی در ایران اشاره کرد. علاوه بر مقالات متعددی که برای مجلات علمی مختلف نگاشته است در حوزه نشر کتاب دو اثر به زبان انگلیسی تحریر کرده است که از آن دو می توان به کتاب The Persian MMPI in international adaptations of MMPI اشاره کرد. آخرین مقاله او که به تازگی در مجله پژوهش های روانشناختی به چاپ رسیده، «رابطه سبک های مقابله و اسناد با افسردگی» نام دارد. و نگارش و ارائه مقالات علمی ـ پژوهشی بسیاری همچون: اثر آرامش عضلانی وفشار روانی بر فشار خون طبیعی، رابطه ناسازگاری اجتماعی فرزندان با غیبت مادر از خانه به علت اشتغال، بررسی پژوهشی تغذیه رایگان، جنبه های روان شناختی ناباروری، مطالعه مقایسه ای پایه های فردی ـ شناختی و انگیزشی پیش داوری نسبت به مهاجران افغان و .... آثار : اصول شرطی سازی و یادگیری ویژگی اثر : ترجمه۲ پرسش و پاسخ در باب آزادی، دموکراسی و جامعه مدنی ویژگی اثر : ترجمه۳ زمینه روانشناسی هیلگارد ویژگی اثر : ترجمه۴ واژه نامه تطبیقی روانشناسی، روانپزشکی، علوم تربیتی ویژگی اثر : ترجمه

زمانی، شاطر عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۵ ش)، شاعر. در اصفهان متولد شد. از شعرای متوسط اصفهان است. گاهی شعر می‌سراید. از اوست:

به هر بلا که رسد از خدا تو صابر باش

بدان که روضه رضوان بود جزای صبور

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۳۳۰).

زمانی، محمد هاشم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد هاشم زمانی

محل تولد : مرودشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از انقلاب اسلامی بنابر ضرورت درک اسلام و باورهای صحیح به حوزه علمیه قم آمدم و دروس حوزه را شروع کردم و از همین ابتدا به قرآن و مباحث تفسیری پرداختم و در کنار آن به مباحث علمی و پژوهشی می‌پرداختم و در سال ۶۷ در جبهه به اسارت عراق درآمدم و در آنجا در حد توان به ترویج قرآن و مباحث اعتقادی پرداختم و در سال ۶۹ پس از آزادی از اسارت در مرکز قرآنی مشغول به کار شدم و در ضمن برنامه نویسی کامپیوتر به تحقیق در مباحث قرآنی می‌پرداختم تا اینکه در سال ۷۵ پس از طرح‌های بسیاری که برای رسیدن به اطلاعات منسجم و دقیق ریختم و هیچکدام پایدار نبود به طرحی تحت عنوان «نور فرقان و سیر اندیشه» دست پیدا کردم که جامع و بنیادی بود و توانستم برای رسیدن به آن به طرح پروژه‌هایی بپردازم و اطلاعات زیادی تهیه کنم و در سال ۷۹ به تأسیس مؤسسه‌ای تحت عنوان «نور فرقان» اقدام کردم تا فعالیت و پژوهشها موجه و نتایج آن جهت اطلاع رسانی میسر باشد.مدتی کوتاه در معاونت پژوهشی حوزه خواهران مشغول بودم و مدتی در معاونت پژوهشی جامعهٔ الزهرا و نیز دو ترم برای خواهران حوزوی درس قرآن و تفسیر آن و عدم تحریف قرآن را بحث داشتیم و نیز در نمایشگاههای قرآنی بسیاری شرکت کردم و اکنون هم سه سال است که در نمایشگاههای قرآن شرکت می‌کنم در نمایشگاه بین‌المللی قرآنی در مصلی تهران دو بار غرفه داشتیم و نیز در قم در دانشگاه مفید هفته پژوهش و نیز در نمایشگاه حوزه در عرصه بین‌الملل و نیز در هفته کرامت در

نمایشگاه رضوی شرکت داشتیم و اکنون نیز در معاونت پژوهشی حوزه بحث توسعه علوم را دنبال می کنیم.

زمانی، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن زمانی

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از تحصیلات ابتدائی از سال ۱۳۴۹ هجری شمسی تحصیلات حوزوی را در شهرستان حیدریه آغاز کردم و ۴ سال در حوزه علمیه هراتی تحصیل کردم.سال ۵۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه مرحوم آیه العظمی گلپایگانی ادامه تحصیل دادم. دروس سطح را در خدمت اساتید مانند حجج اسلام : صلواتی، حسن تهرانی، ستوده ، سید علی محقق داماد ، کریمی جهرمی، شریعتی کاشانی ، صانعی و موسوی تهرانی فراگرفتم.از سال ۶۱ درس خارج فقه و اصول را نزد اساتید بزرگوار حضرات آیات : فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی ، صانعی ، منتظری ، وحید خراسانی و گلپایگانی نزدیک ۱۵ سال گذراندم.در این دوره تحصیلی ۵ جلد اصول فقه استدلالی را که مشتمل بر بیش از نیمی از علم اصول فقه است را تألیف کردم که هنوز به صورت مخطوط است وانگیره این کار سنگین آن بود که اجتهاد واقعی و اتخاذ آراء در مسائل فقهبدون اجتهاد و اتخاذ آراء در مسائل اصول فقه ممکن نیست.سپس رساله فقهی اجتهادی پیرامون (طهارت اهل کتاب و مشرکین) را بعنوان رساله کارشناسی ارشد قرار داده و تالیف کردم.فلسفه اسلامی را با خواندن کتب : منظومه سبزواری، نهایه الحکمه، اشارات بوعلی، مجلداتی از اسفار ملا صدرا، و فلسفه جامعه تاریخ نزد اساتید بزرگواری چون: شهید مطهری، آیه الله جوادی آملی، انصاری شیرازی، حسن زاده آملی، محمدی گیلانی، نکونام و فیاضی فرا گرفتم.عرفان اسلامی را با تلمذ و تحصیل کتاب: فصوص الحکم محی الدین و مصباح الانس نزد عارف رهپیموده استاد حسن زاده آملی فرا گرفتم.جهت فرا گیری زبان انگلیسی، چون از کلاس ششم ابتدائی به حوزه علمیه منتقل شده بودم، تمام کتب درسهای زبان راهنمائی ، دبیرستان و کارشناسی دانشگاه را در طول یکسال نزد استاد محرم خانی گذراندم. سپس دوره ۴ جلدی زبان را در مرکز آموزش زبان مرکز آموش عالی باقر العلوم (علیه السلام) سپری کردم تا آمادگی حضور در کلاس های زبان دوره ارشد و دکترای دانشگاه را بیابم.سپس در کنکور ورودی کارشناسی ارشد (تربیت مدرس دانشگاه قم) شرکت کرده و پس از قبولی و گذراندن دوره تحصیلی فارغ التحصیل شدم و رساله پایان نامه من با نمره ۲۰ حائز بالاترین رتبه دانشگاه شد.سال ۷۷ در کنکور دکترای علوم قرآن و حدیث همان (تربیت مدرس دانشگاه قم) شرکت کرده و سال ۸۰دوره آموزشی را با معدل ۷۸/۱۸ به پایان رساندم.

در آن سال عضو هیئت علمی گروه علمی قرآن و حدیث مرکز جهانی علوم اسلامی قم شده و تا کنون به تدریس برای طلاب غیر ایرانی مشغولم.در طول دوران تحصیل مشغول تدریس رشته ها ودروس ادبیات عربی، منطق، فلسفه، معارف، اقتصاد اسلامی، اخلاق، نظام تربیتی، فقه مقارن، علوم قرآن و قرآن و مشرکان در حوزه ها و مدارس و دانشگاه های مختلف بوده ام.

زمانی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود زمانی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱۱/۲۰

زندگینامه علمی

حقیر در سال ۱۳۵۹ پس از گذراندن دوره راهنمائی وارد حوزه علمیه صاحب الزمان (عج) شهرستان شهرضا به مدیریت و سرپرستی جناب مستطاب حجت الاسلام غدیر علی ممیز شدم و در مدت ۳ سالی که در آنجا به تحصیل اشتغال داشتم دوره مقدمات و قسمتی از کتاب شرح لمعه و اصول الفقه مرحوم مظفر را گذراندم. در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و دوره سطح را تا سال ۱۳۶۷ از محضر اساتیدی چون مرحوم وجدانی و مرحوم پایانی و حضرت مستطاب شیخ مصطفی اعتمادی و سید موسوی تهرانی (مد ظلهما) بهره بردم. در سال ۱۳۶۷ وارد مرحله درس خارج شدم و از محضر اساتیدی چون آیات عظام فاضل و تبریزی(از سال ۶۷ تا ۶۹) بهره بردم، از سال ۶۸ به مدت یک سال دوره اصول و فقه استاد وحید خراسانی بهره بردم. در رشته فلسفه

نیز از سال ۶۳ کتب فلسفی رایج در حوزه ها را از محضر اساتیدی چون آیات عظام جوادی آملی، حسن زاده آملی، مصباح یزدی، محمد علی گرامی، علی زمانی(عموی بنده) و فیاضی دامت برکاتهم استفاده بردم. در رشته هیئت و نجوم نیز از محضر جناب استاد حسن زاده آملی و علی زمانی بهره بردم. از آنجا که آشنایی با علوم جدید را لازم می دیدم بین سالهای ۶۵ تا ۶۹ دوره متوسطه را تابستانها به صورت متفرقه گذراندم و در سال ۶۹ موفق به اخذ دیپلم شدم. در سال ۷۰ برای آشنایی با مباحث جدید کلامی وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شدم و در رشته" دین شناسی "از اساتید آن مرکز استفاده بردم و در سال ۷۶ با ارائه پایان نامه ای تحت عنوان" ترجمه کتاب مفهوم معجزه و نقد آن "دوره کارشناسی ارشد را به پایان بردم. در سال ۷۶ برای تقویت بنیه علمی در زمینه فقه و اصول وارد موسسه بقیه الله (عج) شدم و از محضر اساتید آن موسسه استفاده بردم. در کنار تحصیل به تحقیق در زمینه هایی که در سطور قبل به آن اشاره شد، پرداخته ام که حاصل آن چندین کتاب و رساله می باشد که ذکر خواهم کرد و همچنین به تدریس نیز اشتغال داشته و دارم.

زمانی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی زمانی درسال ۱۳۵۳هجری قمری درنجف آباد اصفهان درخانوادهای متدیّن و اهل فضل و تقوی بدنیا آمد. وی درپایان تحصیلات مقدماتی به قم رفت و به آموزش علوم دینی و زبان عربی پرداخت. زمانی مدت هشت سال ازدروس فقه و اصول حضرت امام(ره) بهرهمند شد و پس ازآشنایی با شهید دکترمفتح نخستین اثرش را با نام ابراهیم بت شکن یا قهرمان توحید منتشرکرد. مرحوم زمانی روحیه ظلم ستیزی داشت؛ ازاین رو چندین بارعوامل رژیم پهلوی وی را دستگیرو زندانی کردند. مرحوم زمانی درهریک ازآثارش به نشرحقایق اسلامی و طرح اندیشههای مذهبی دربرخورد با مسائل اجتماعی و اخلاقی میپردازد. گفتنی است که کتاب« اَلشّیعَةُ وَالحاکِمون » تألیف محمد جواد مغنیه را تحت عنوان «شیعه و زمامداران خودسر» به فارسی ترجمه کرده است.۳۰بهمن ماه سال۱۳۶۹هجری شمسی حجهٔ الاسلام مصطفی زمانی نویسنده، محقق و ازمدرسان حوزه علمیه قم در۵۸ سالگی بدرود حیات گفت.

برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

زمجی، معین الدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معین الدین محمد زمجی اسفزاری متخلص به نامی در حدود ۸۵۰ ه . ق دراسفزار (سبزوار) متولد گردید .و در همان جا به تحصیل علوم مقدماتی پرداخت . اما در پی آشوبهای پس از وفات سلطان ابو سعید تیموری و طاعون سال ۸۳۸ ه .ق به هرات رفت وتحصیل در علوم مختلف پرداخت ، و ازمحضر استادان بزرگ زمانه بویژه عبد الرحمن جامی (شاعر و صوفی) بهره برد . و دردربار سلطان حسین بایقرا به مناصب منشی گری ، مهر داری و حتی وقایع نگاری رسید . وبنابه سفارش خواجه قوام الدین نظام الملک وزیر سلطان بایقرا کتاب مشهور روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات را درتاریخ محلی و جغرافیایی هرات نگاشت . اسفزاری تاپایان عمربعنوان یکی از دانشمندان ،و مترسلان مشهور زمانه خود به تدریس درمدارس هرات مشغول بود . درشاعری و خط تعلیق نیز دست داشت و بیشتر معاصرانش وی را ستوده اند .

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

گرایش : ایران بعد از اسلام

والدین و انساب : معین الدین محمد زمجی اسفزاری در کتاب خود از پدر خود نامی نیاورده است اما می نویسد که وی شاعری چیره دست بوده و درتوصیف فجایع طاعون هولناک سال ۸۳۸ه. ق اشعاری سروده است .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : معین الدین محمد زمجی اسفزاری از آغاز جوانی دراسفزار آغاز به کسب علم و هنر نمود و نزد استادان زمان به تحصیل پرداخت اما از سال ۸۷۳ به هرات رفت و از محضر نورالدین عبد الرحمن جامی (عارف) بهره برد و مدتی بعد درسن ۲۳ سالگی در دیوان خواجه مجد الدین محمد (وزیر سلطان حسین بایقرا)به منشی گری مشغول شد . وی درهرات مهارت خود را در علوم گوناگون چون صرف و نحو ،منطق و معانی و بیان و زبان و ادبیات عرب وفقه حنفی و تفسیرو احادیث و زبان وادبیات پارسی و هراتی و ترکی جغتایی و قواعد انشاء که خود آن مورد رساله ای نوشته است ،و علم تاریخ و جغرافیا و فن شعر و خطاطی و نیز مختصری هیئت و نجوم و طب و موسیقی تکمیل کرد .

خاطرات و وقایع تحصیل : درزمان سلطان ابوسعید تیموری هنگامی که معین الدین محمد زمجی اسفزاری هنوز در اسفزار به تحصیل مشغول بود ، مولانا شرف الدین عبد القهار (متخلص به شریف) که ازدانشمندان روزگار ربود از آن ولایت گذشت و معین الدین افتخار درک مقدم وی را یافت و مولانا شرف الدین در شعر به بدیهه دربار اسفزار گفت : دارد نشانی از بهشت آب و هوای اسفزار معین الدین اسفزاری نیز درپاسخ وی چنین سرود : اکنون زیمن مقدمت دارد به جنت افتخار

استادان و مربیان : معین الدین محمد زمجی اسفزاری اولین استاد عرفانی معین الدین محمد در هرات بود .

هم دوره ای ها و همکاران : معین الدین محمد زمجی اسفزاری بادانشمندانی چون محمد فرهی ،میرخواند ، مولانا عبد الرحمان جامی معاصر ومعاشر بوده است . امیر علیشیرنوایی ،مولانا عبد الواسع نظامی (منشی ومورخ) ، شیخ عبد الله دیوانه (خوشنویس) ، خواجه غیاث الدین ده دار (ندیم سلطان حسین بایقرا).

وقایع میانسالی : معین الدین محمد زمجی اسفزاری عمده عمر خود را باسلطان حسین بایقرا تیموری معاصر و با وی معاشر بود . از حمایت قوام الدین نظام الملک وزیر برخورداربود . از سال ۸۹۷ خواجه قوام الدین نظام الملک به وزارت سلطان حسین بایقرا رسید . و اسفزاری به خدمت او درآمده به فرمان وی کتاب روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات را درتاریخ شهرهرات شروع به تالیف کرد . هدف وزیر هم خدمت به شاه و هم به جاویدان کردن اثری بوده است از نویسنده ای دانا وادیبی کامل بوده است . اسفزاری نیز مدتها پیش از این درچنین اندیشه ای بوده است . وی دراین هنگام تالیف کتاب خود باامیر جلال الدین فرخزاد طبسی که پسر ارشد امیرنورالدین جلال الاسلام بود وا ز اعیان دولت تیمور گورکانی به شمارمی رفت ،دیدارکرد . اسفزاری درصددن افزودن کتاب دیگری درادامه شرح وقایع کتاب روضات الجنات بوده است که بدلیل نا آرامی های ناشی از کشته شدن خواجه قوام الدین نظام الملک در ۹۰۳ ه ق این کارصورت نپذیرفت .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : معین الدین محمد زمجی اسفزاری منشی دربار سلطان بایقرا وتحت حمایت وزیر وی قوام الدین نظام الملک بود . وی پیش از قوام الدین ، در خدمت خواجه مجد الدین محمد (وزیر سابق سلطان حسین بایقرا)بوده است . از این رو امیر علیشیر نوایی (وزیر بعدی سلطان حسین) که با خواجه قوام الدین نظام الملک نزاع سیاسی داشته است ، تنها به ذکر نامی از معین الدین اسفزاری اکتفا نموده است . اسفزاری در دربارسلطان بایقرا تا آنجا ترقی یافت که نشان شاهی راکه مهر رسمی دربار سلطنت بود و به وی سپرده بودند .

فعالیتهای آموزشی : معین الدین محمد زمجی اسفزاری چنان در خط تعلیق مهارت داشت که بیشتر اوقات در هرات به تعلیم قواعد این هنر مشغول بود . وی درمدارس هرات نیز بعنوان استاد به تدریس مشغول بوده است .

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : معین الدین محمد زمجی اسفزاری علاوه برمنشی گری ،به شاعری و خطاطی می پرداخت . چنانکه درخط تعلیق بسیار ماهر بود. و شعر هایی می گفت که بر زبان مردم هرات جاری بود . چنانکه می نویسد : به سرمه است آنکه می بینی به چشم هر پری پیکر که از غوغای چشمش می کند خاک سیر بر سر چنانکه اشعایی درمدح سلطان حسین بایقرا ،مرثیه شیخ عبد الرحمن جامی و رباعی ،غزلیات ،قصای و مثنویاتی می سروده و بعنوان شاهد در تاریخ خود بکار می برد و به نامی متخلص می کرد .

همفکران فرد : معین الدین محمد زمجی اسفزاری منشی صاحب ذوقی بوده است که نثر او از منشیان معاصر وی همچون مولانا حسین واعظ کاشفی صاحب انوار سهیلی و مولانا کمال الدین عبد الواسع نظامی و وقایع نگاری که سجع و قافیه های بسیاری درنثر بکار می برد ، او نثر و ساده تر بوده است .

آرا و گرایشهای خاص : معین الدین محمد زمجی اسفزاری درانشائ مترسل ایرانی نسبت به ایرانیان معاصر خود شیوه ای ساده ترو روانتر را برگزیده بود . از نظرمذهبی نیز گویا وی به فقه حنفی گرایش داشته و دراین زمینه ازکودکی آموزشهایی را کسب کرده بود وعلاقه ای در حد تعصب به مذهب خودابراز میکرد . و شیعیان آن زمان را خارج از دین می دانست . اما درهمه جای کتاب خود به اولاد علی (ع) ، بویژه امام رضا (ع) همانند یک شیعی خالصی ،ارادت می ورزند . از این گذشته ،وی درراه سلوک و عرفان ازمریدان شیخ عبد الرحمن جامی نیز به شمار می رود .

چگونگی عرضه آثار : معین الدین محمد زمجی اسفزاری کتاب روضات الجنات را در ۹-۸۹۷ ه ق تالیف کرده و به سلطان حسین بایقرا تقدیم کرد. ---

-

آثار :

۱ ترسل

ویژگی اثر : این رساله درباره آیین نامه نویسی تالیف کرده است .

۲ روضا ت الجنات فی اوصاف مدینه هرات

ویژگی اثر : کتاب روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات دنباله تاریخ نامه هرات اثر سیف بن محمد بن نعقوب هروی (سیفی هروی) که وقایع هرات را در (۷۲۱-۶۱۸ ه ق) توصیف کرد ، به شمار می رود . [آژند ، تاریخ نگاری محلی ایران ،تاریخ نگاری درایران ، تهران ؛گستره ، ۱۳۸۰] این کتاب تاریخ هرات را تاسال ۸۷۵ ه ق در بر دارد . و در۲۶ روضه مفصل بندی شده است و درآن اطلاعاتی است که در منابع دیگری نیامده است . گرچه بیشتر مطالب آن تکرار گفته های مورخین معاصر پیشین از جمله ابواسحق احمد بن یاسین ، شیخ عبد الرحمن نامی ، سیفی هروی و ربیعی پوشنگی است ،اما بخش آخر کتاب منحصر به دیده ها و شنیده های مورخ و روش نگاری کتاب نیز یکی از بهترین و روانترین نمونه های نثر فارسی درقرن نهم می باشد . مطالب کتاب شامل ۲۶ روضه است . روضه های هفتم تا دهم درباره ی اخبار ملوک آل کرت و ذکر بلاد وابنیه و مزارات و عمران خراسان و هرات در عهد تیموری است . کتاب مزبوز تاریخ هرات راتصرف آنجا توسط سلطان حسین بایقرا در بر دارد . همچنین اطلاعات جالبی نیز درباب رجال خراسان و هرات درضمن مطالب کتاب آمده است . [معین الدین محمد الزمجی اسفزاری ، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات ،ج ۱ ،به اهتمام محمد اسحاق ،کلکته :درپاسری ،۱۳۸۰ ه ق . / ۱۹۶۱ میلادی ،محال]

منابع زندگینامه :

۱آژنـده ،تاریخ نگاری ،محل دایراه ،تاریخ نگاری درایران ، ص ۲۸۶۲آژند ،تاریخ نگاری درایران ، تاریخ نگاری در ایران ،ص۲۸۶۳سعید نفیسی ،تاریخ نظم و نثر ایران و درزبان فارسی ،ج اول، تهران : کتابفروشی فروغی ،۱۳۴۴ ،ص ۲۵۲۴معین الدین

محمد الزمجی اسفزاری ، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات ،ج ۱ ،به اهتمام محمد اسحاق ،کلکته :درپاسری ،۱۳۸۰ ه ق . / ۱۹۶۱ میلادی ،محال۵میر نظام الدین علیشیر نوایی ، تذکره مجلس النفاس ،به اهتمام علی اصغر حکمت ،تهران ؛ کتابخانه منوچهری ،۱۳۶۳ ،ص ۹۸-۹۹

زمخشری، ابوالقاسم محمود

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۳۸ -۴۶۷ ق)، مفسر، محدث، نحوی، متکلم، لغوی و شاعر حنفی معتزلی. ملقب به جاراللّه. نسبت وی به زمخشر، از آبادیهای خوارزم است در زمخشر به دنیا آمد. او در ادب و لغت عرب و فقه و حدیث و تفسیر استاد و متکلم معتزلی بود و شعر را بسیار نیکو می‌سرود. در ضمن مسافرتهای خود مدت مدیدی در مکه اقامت کرد و به همین مناسبت به جاراللّه (همسایه‌ی خدا) معروف شد. به بغداد نیز سفر کرد و در آنجا از نصر بن بطر و دیگران حدیث شنید. ادب را از ابومضر محمود بن جریر ضبی اصفهانی و ابوالحسن علی بن مظفر نیشابوری فراگرفت و از ابومنصور نصر حارثی و ابوسعد شقانی حدیث روایت کرد است. ابوطاهر سلفی و زینب دختر شعری از زمخشری با اجازه روایت کرده‌اند اسماعیل بن عبداللّه خوارزمی و ابوسعد احمد بن محمود و دیگران از وی اشعارش را نقل کرده‌اند. سرانجام در جرجانیه‌ی خوارزم درگذشت. از آثار متعددش: «الکشاف عن حقایق التنزیل»، در تفسیر قرآن؛ «الامالی»، در نحو؛ «الانموذج»، در نحو؛ «مقدمه الادب»، در لغت؛ «اساس البلاغه»، در لغت؛ «اعجب العجب فی شرح لامیه العرب»؛ «اطواق الذهب»، در مواعظ و خطب؛ «الجبال و الامکنه و المیاه»؛ «دیوان» خطب؛ «دیوان» شعر؛ «دیوان» رسائل؛ «دیوان» تمثیل؛ «الرائض فی علم الفرائض»؛ «روس المسائل»، در فقه؛ «ربیع الابرار»، در ادبیات؛ «سوائر الامثال»؛ شرح «ابیات الکتاب» سیبویه؛ شرح مشکلات «المفصل»؛ «ضاله الناشد»؛ «القسطاس»، در عروض؛ «المجاز و الاستعاره»؛ «متشابه اسامی الرواه»؛ «المستقصی»، در امثال عرب؛ «معجم الحدود»؛ «المفرد و الموتلف»، در نحو؛ «المقامات»، در اخلاق؛ «المنهاج»، در اصول؛ «النصائح الکبار یا کبری»؛ «النصائح الصغار»؛ «الکلم النوابغ»، در مواعظ؛ «الاحاجی النحویه»؛ «المفصل»، در نحو؛ «الفائق فی غریب الحدیث».[۱] برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۵۵/۸)، ایضاح المکنون (۸۶/۲، ۶۷/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۲۰/۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۹۷، ۱۰۲، ۹۲)، التفسیر و المفسرون (۴۸۲ -۴۲۹ /۱)، دایرةالمعارف فارسی (۲۲۲۲ -۲۲۲۱ /۲، ۱۱۸۰ /۱)، روضات الجنات (۱۱۸/۸)، ریحانه (۳۸۲ -۳۷۹ /۲)، سفرنامه ابن‌بطوطه (۵۷۱، ۴۳۶ /۱)، سیر النبلاء (۱۵۶ -۱۵۱ /۲۰)، الکامل (۸/۹)، کشف الظنون (۱۹۷۸، ۱۹۵۵، ۱۸۹۰، ۱۸۷۷، ۱۸۳۷، ۱۷۹۸، ۱۷۹۱، ۱۷۷۴، ۱۷۳۴، ۱۶۷۵، ۱۶۷۴، ۱۶۰۷، ۱۵۸۴، ۱۵۳۹، ۱۴۷۵، ۱۴۲۷، ۱۴۰۷، ۱۳۹۶، ۱۳۲۶، ۱۲۱۷، ۱۲۰۶، ۱۰۸۵، ۱۰۸۲، ۱۰۵۶، ۱۰۲۲، ۱۰۰۹، ۹۱۵، ۸۹۵، ۸۳۲، ۸۳۱، ۷۹۱، ۷۸۱، ۶۱۶، ۱۸۵، ۱۶۴، ۱۱۷)، الکنی و الالقاب (۳۰۰ - ۲۹۸ /۲)، لسان المیزان (۶۵۳ -۶۵۱ /۶)، لغت نامه (ذیل/ زمخشری)، مؤلفین کتب چاپی (۶۷ -۶۶ /۶)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۵۳۸)، معجم الادباء (۱۳۵ -۱۲۶ /۱۹)، معجم البلدان (۱۶۶ -۱۶۵ /۳)، معجم المؤلفین (۱۸۷ -۱۸۶ /۱۲)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۲۲۹ -۲۲۸)، وفیات الاعیان (۱۷۴ -۱۶۸ /۵)، هدیه الاحباب (۱۴۶ -۱۴۵)، هدیه العارفین (۴۰۳ -۴۰۲ /۲).

زمردیان، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: استاد، رشته: فیزیک، دانشکده: مؤسسه ژئوفیزیک، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فیزیک از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۷، کارشناسی ارشد ژئودزی از دانشگاه فنی مونیخ در سال ۱۳۴۱ و دکترای ژئوفیزیک از دانشگاه فنی مونیخ در سال ۱۳۴۵، جایزه بهترین کتاب سال دانشگاهها در سال ۱۳۶۸.

مرتبه علمی:

استادیار مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۵ تا سال ۱۳۴۸، دانشیار مؤسسه فیزیک دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۶۵ و استاد مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۵.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ژئوفیزیک، نجوم، مطالعات گرادیمتری منطقه سد در کوهک یزد و استاد راهنمای ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

ژئوفیزیک اندازه‌گیری گرانی بر روی شبکه‌های درجه اول، مقدمه‌ای بر کار نشر ژئوفیزیکی، مبانی نجوم، ژئوفیزیک کاربردی در دو جلد.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:–، تعداد مقالات بزبان خارجی:–

زمینه علمی مقالات:

ژئوفیزیک و ژئودزی.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

زنجانی زاده، هما

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

هما زنجانی زاده در سال ۱۳۲۱ در مشهد چشم به جهان گشود . تحصیلاتش را در دانشگاه سوربن فرانسه با درجه ی دکترای جامعه شناسی به پایان رسانید و هم اکنون دانشیار دانشگاه مشهد می باشد . دکتر زنجانی زاده در نشریات مختلفی به ارائه مقاله پرداخته است . وی در زمینه ی جامعه شناسی و مشکلات اجتماعی زنان در سمینارهای مختلفی شرکت نموده ، وبه ایراد سخنرانی پرداخته است . وهمچنین دارای آثاری اعم ازتالیف و ترجمه می باشد .گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : تولد هما زنجانی زاده ، معاصر بود با نخستین سال سلطنت محمد رضا شاه پهلوی و سالهای پس از جنگ جهانی دوم درایران که تا سالها نفوذ روسها درشمال و شمال شرقی ایران (خراسان) مشهور بود .تحصیلات رسمی و حرفه ای : هما زنجانی زاده تحصیلاتش را در دانشگاه سوربن فرانسه با درجه دکترا به پایان رسانید .وقایع میانسالی : هما زنجانی زاده پس از فارغ التحصیلی بازگشت از فرانسه ، بعنوان استاد جامعه شناسی به استخدام دانشگاه فردوسی مشهد درآمد .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : هما زنجانی زاده هم اکنون استاد جامعه شناسی دانشگاه مشهد می باشد .فعالیتهای آموزشی : هما زنجانی زاده هم اکنون دانشیار دانشگاه مشهد می باشد .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : هما زنجانی زاده تاکنون گفتارهایی چند در نشریات مختلف اعم از تخصصی و غیر تخصصی به چاپ رسیده ؛ وی همچنین مقالاتی را در زمینه جامعه شناسی و مشکلات اجتماعی زنان در سمینارهای مختلفی ارایه داده است ،و به ایراد سخنرانی پرداخته است .چگونگی عرضه آثار : هما زنجانی زاده آثار را ازطریق انتشاراتی از قبیل نیکا ، سازمان سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها) و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد به چاپ رسانده است .آثار : جنبش اجتماعی زنان ویژگی اثر : ترجمه –نیکا –۱۳۷۲۲ درباره جامعه شناسی آموزش و پرورش ، سازمان اجتماعی ، کنش اجتماعی ویژگی اثر : ترجمه –دانشگاه فردوسی مشهد –۱۳۶۷۵ مقدمه ای برجامعه شناسی سازمان اجتماعی ویژگی اثر : ترجمه–سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها –۱۳۷۵

منابع زندگینامه :وران فرخزاد ، دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ) ، ج اول ، ص ۹۸۴

زنجانی طبسی، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد زنجانی طبسی

محل تولد : طبس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد جواد زنجانی طبسی در سال ۱۳۳۷هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان طبس دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۰ که سال های خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود و حوزه های علمیه از طرف رژیم منحوس پهلوی به شدت تحت فشار بودند وارد حوزه علمیه طبس گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد اما شوق زیارت و هم جواری با بارگاه ملکوتی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام او را راهی حوزه علمیه مشهد گردانید. پس از ورود به حوزه علمیه مشهد، ضمن انس با آستان ملکوتی حضرت علی بن موسی الرضا (ع) با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیار حاضر شد و پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۰ به حلقه دروس خارج ستارگان علم و ادب آن دیار راه یافت. در آن دیار از درس بزرگانی همچون آیت الله خامنه ای ، آیت الله حجت هاشمی، آیت الله مرتضوی و... بهره ها برد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته تاریخ اسلام در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۰ از دانشگاه شهید بهشتی تهران فارغ التحصیل گردید . و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان"بررسی نقش عبدالله بن عامر در حوادث صدر اسلام "دفاع کرد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از امر تبلیغ غافل نماند و در این راستا سعی و تلاش

وافری به انجام رسانده است. استاد سال های متمادی است که به تدریس و شاگرد پروری در حوزه علمیه مشهد و طبس مشغول است و هم اکنون مدیر گروه معارف دانشگاه آزاد طبس می باشد.

زنجانی نجفی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۲ -۱۲۹۶ ق)، فقیه، مجتهد و حکیم. وی در قریه‌ی دواسب از توابع زنجان متولد شد. مقدمات و متون فقهی را در زنجان خواند پس از آن به نجف مهاجرت نمود. بعد از تکمیل تحصیلات در سال ۱۳۳۰ ق به زنجان بازگشت و به انجام وظائف شرعی پرداخت. در زنجان درگذشت و پیکرش را به قم بردند و در جوار مرقد علی بن جعفر دفن شد. از آثارش «فلسفه‌ی اتحاد مسلک» یا «فصل الخطاب و فلسفه‌ی اتحاد صواب» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۰۵/۱۶)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۳۱/۵)، مؤلفین کتب چاپی (۳۹۹ -۳۹۸ /۱).

زنجانی، ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا ابوالفضل زنجانی برادر حجهٔالاسلام حاج شیخ علی شمس زنجانی از دانشمندان فاضل و باتقوای حوزه علمیه قم است. وی در حدود سال ۱۳۴۰ قمری در زنجان متولد شده و پس از خواندن دروس مقدماتی در سال ۱۳۵۸ ق به قم مهاجرت نموده و سطوح وسطی و نهائی را خدمت آیت‌اللَّه حاج سید احمد زنجانی و مدرسین سطوح قم خوانده و پس از آن از محضر و درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه شریعتمداری و آیات دیگر استفاده نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی به امر زعماء و مراجع عظام حوزه علمیه قم به صحنه مهاجرت و به وظائف دینی از اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج احکام و فضائل امیرالمؤمنین و ائمه معصومین علیهم صلوات المصلین اشتغال دارد.

نگارنده گوید. مترجم محترم ما از فضلاء پرهیزکار می‌باشد در سال ۱۳۶۱ ق باتفاق ایشان و جناب حجهٔالاسلام حاج سید قوام‌الدین موسوی زنجانی مسافرتی از طریق (صلوات) به عتبات عالیات نموده که خاطرات شیرین آن سفر پس از گذشت سی و سه سال هنوز از خاطرم نرفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

زنجانی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید میرزا ابوالقاسم بن سید محمدباقر زنجانی اصفهانی عالمی جلیل بوده و در سال ۱۳۳۶ ق وفات نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

زنجانی، ابوالقاسم سعد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۴۷۱ -۳۸۰)، حافظ، محدث، صوفی و شاعر. از ابوعبداللَّه بن نظیف و حسین صدفی در مصر و محمد بن ابی‌عبید در زنجان و عبدالرحمان بن یاسر و عبدالرحمان بن طبیز حلبی در دمشق حدیث شنید. خطیب بغدادی و ابومظفر منصور سمعانی و عبدالمنعم بن قشیری و مختار اهوازی و عده‌ای دیگر از شاگردان وی در حدیث می‌باشند. او را در حدیث ثقه‌ای پرهیزکار شمرده‌اند و عده‌ای او را صاحب کرامات دانسته‌اند. از آنجایی که او در مکه املای حدیث می‌کرد، او را شیخ‌الحرم می‌گفتند. قسمتهایی از «قصاید» او در «سیر اعلام النبلاء» آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۳۸۹ -۳۸۵ /۱۸).

زنجانی، ابوالمکارم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالمکارم بن ابی‌القاسم زنجانی متولد ۱۲۵۵ و متوفی ۱۳۳۰ ق عالمی فاضل و فقیهی کامل بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

زنجانی، ابوالمناقب محمود

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۵۶ ق)، فقیه، اصولی، مفسر، محدث و لغوی شافعی. وی در بغداد متوطن بود. مدتی نیز نیابت قاضی القضاتی را بر عهده داشت تا عزل شد. در نظامیه به تحصیل و تدریس پرداخت. وی درایام فتح بغداد به دست هلاکو کشته شد. از آثارش: «السحر الحلال فی غرائب المقال»، در فروع فقه شافعی؛ «ترویح الارواح فی تهذیب الصحاح» جوهری، در لغت؛ «تفسیر القرآن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۱۰۷۳، ۹۸۱)، معجم المؤلفین (۱۴۹ -۱۴۸ /۱۲)، هدیه العارفین (۴۰۵/۲).

زنجانی، ابوتراب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوتراب زنجانی از علماء مقیم نجف و معاصر با مرحوم آیت‌اللّه آشیخ عبداللّه مازندرانی معروف بوده و در حدود ۱۳۳۰ ق وفات نموده

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

زنجانی، اسحاق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۰۰ ق)، دانشمند. وی در اکثر علوم دست داشت. از آثار وی: حاشیه بر «رساله‌ی الاسطرلاب» ابن ماردینی؛ «سراج القلوب» در شرح «ضیاء القلوب» در تصوف؛ «منظومه العقائد»؛ نظم «ترتیب العلوم».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :معجم المؤلفین (۲۳۲/۲)، هدیه العارفین (۲۰۱/۱).

زنجانی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۲ ق)، عالم و قاضی. وی مدت زیادی را در نجف برای تحصیل علم گذرانید، و در هما جا درگذشت. از آثار وی حاشیه بر «ریاض المسائل» سید علی طباطبائی است.[۱]

اسماعیل زنجانی متوفی ۱۳۳۲ ق از فضلاء حوزه نجف بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۹۹/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۸/۱۴)، معجم المؤلفین (۲۷۰ -۲۶۹ /۲).

زنجانی، امین‌الدوله، ابوالقاسم محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۲ -۱۲۲۴ ق)، عالم، فقیه، اصولی و مجتهد امامی. نسبش به اما موسی کاظم (ع) می‌رسد. در کودکی پدر و مادر خود را از دست داد. در زنجان مدتی به تحصیل مقدمات مشغول بود آنگاه به قزوین مسافرت کرد و به محضر درس بزرگانی چون ملا عبدالوهاب و ملا محمدتقی شهید حاضر شد، سپس به اصفهان رفت و از شاگردان سید محمدباقر حجهٔالاسلام رشتی و حاج محمد ابراهیم کلباسی شد. در سی و پنج سالگی پس از تکمیل تحصیلات علمیه به زنجان مراجعت نمودند. ستیزش با بابیان مشهور و احضارش به تهران به امر محمدشاه قاجار معروف است. او پدر سه دانشمند معروف: میرزا ابوطالب مجتهد و حاج میرزا ابوالمکارم و حاج میرزا ابوعبداللّه است. وی در زنجان درگذشت و در خارج این شهر در بقعه‌ی مخصوصی به خاک سپرده شد. از آثارش:

«ایضاح الدلائل فی حساب عقد الانامل»؛ «نارالله الموقده»؛ «فصل الخطاب»، در شرح «علماء امتی افضل من انبیاء بنی‌اسرائیل»؛ «تخریب الباب»؛ «رد الباب»؛ «قلع الباب»؛ «قمع الباب»؛ «سد الباب» همگی در رد بابیه؛ «الحیوه»؛ «حجه الابرار علی فرقه الاشرار فی اثبات حرمه الخمر فی الشرایع السابقه و جمیع الادوار»؛ «قره الابصار فی اثبات امامه الائمه الاطهار (ع)»؛ «شرح الحساب»؛ «المحمودیه»، در شرح «طب الرضا (ع)»؛ «المقاصد المهمات فی صیغ العقود و الایقاعات»؛ «مقالید الابواب»؛ «هدایه المتقین»، در عقاید و اصول و فروع دین؛ «نور العین فی عزاء الحسین (ع)»؛ «قواطع الاوهام»؛ «تسلیه الملهوفین و تسکین المغمومین»؛ «کشف الساتر فی شرح کلمات باباطاهر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵/۶) اعیان الشیعه (۴۰۹/۲)، الذریعه (۳۷/۱۸، ۱۷۵ -۱۷۴، ۶/۱۷، ۲۲۸/۱۶، ۱۷۹/۴، ۴۹۵/۲)، ریحانه (۳۸۵ -۳۸۴ /۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۲ -۶۱ /۱۳)، المآثر و الآثار (۱۴۹)، معجم المؤلفین (۱۵۶/۱۱)، مکارم الآثار (۷۸۲ -۷۸۰ /۳).

زنجانی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد بن احمد زنجانی متوفی حدود ۱۳۵۰ ق ادیبی کامل و مدرسی فاضل بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

زنجانی، حبیب الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حبیب الله زنجانی متولد ۱۳۱۸ خلخال است. وی دارای دکترای جمعیت شناسی از دانشگاه پاریس و عضو عضو هیأت علمی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۶۴ بوده است.وی از جمعیت شناسان شناخته شده و صاحبنظر کشور است، از معلمی و تحصیل در رشته ادبیات به سمت و سوی جمعیت شناسی کشیده شد، در دهه ۱۳۶۰ بر ضرورت کنترل جمعیت کشور تأکیدکرد و هم اکنون مدیر مطالعات جمعیت و امور اجتماعی مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی گرایش : جمیعت شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر زنجانی از دوره تحصیل دبیرستان به مطالعه کتاب های تاریخی و خصوصاً تاریخ اجتماعی ایران گرایش داشته است و در بین داوطلبان استان های غربی کشور که مایل به تحصیل در دانشسرای مقدماتی بوده اند مقام نخست کسب می کند. و بعد از چند سال تدریس ب عنوان معلم در خلخال، تبریز و تهران،علاقه به ادامه تحصیل باعث می شود که در کنکور و آزمون ورودی دانشگاه تبریز شرکت کند. بنابراین در سال ۱۳۴۵ در رشته ادبیات دانشگاه مذکور پذیرفته و به مدت یک سال به تحصیل می پردازد. در سال ۱۳۴۶ بعد از دایر شدن رشته علوم اجتماعی در دانشگاه تبریز و کسب موفقیت در آزمون ورودی، تحصیل در این رشته را آغاز می کند. - اخذ مدرک لیسانس علوم اجتماعی از دانشگاه تبریز، ۱۳۴۹. - اخذ مدرک فوق لیسانس علوم اجتماعی از دانشگاه تهران، ۱۳۵۱. - اخذ مدرک دکترای جمعیت شناسی از دانشگاه پاریس، ۱۹۷۴. فعالیتهای ضمن تحصیل : زنجانی در دوران دبیرستان و دانشسرا به کار در زمینه تهیه روزنامه دیواری تمایل نشان می دهد و در دوره دانشسرا هم در تهیه مجله «معلم» نقش داشته است.از سال ۱۳۳۷ تا سال ۱۳۴۸ به عنوان معلم در خلخال، تبریز و تهران به تدریس در مقاطع ابتدایی و دبیرستان روی می آورد و در مقاطعی هم مدیر یا معاون مدرسه بوده است.استادان و مربیان : از استادان شاخص او این افراد را به یاد می آورد، فرهنگ (استاد ریاضی)، عبدالعلی کارنگ (استاد ادبیات)، صباح (استاد علوم تربیتی و روانشناسی) و علی اکبر شعاری نژاد (علوم تربیتی و روانشناسی). ازجمله استادانی که از آنها به نیکی یاد می کند دکتر فرید (استاد جغرافیای انسانی)، دکتر ترابی (استاد جامعه شناسی)، مرحوم شکوهی (استاد درس برنامه ریزی)، و رحیمی موقر (استاد جامعه شناس و مدیرگروه) هستند و در دوره فوق لیسانس هم استادانی برجسته ازجمله دکتر غلامحسین صدیقی (مدیرگروه جامعه شناسی)، دکتر امانی (استاد جمعیت شناسی)، دکتر فیروز توفیق (استاد روشهای تحقیق و پیشنهادی جامعه شناسی)، دکتر نظامی (استاد جامعه شناسی معرفتی) و دکتر روح الامینی (استاد مردم شناسی) داشته است که هریک در حوزه های علوم اجتماعی صاحب آوازه و اعتبار بوده و یا همچنان هستند.همسر و فرزندان : حبیب الله زنجانی متأهل و دارای دو فرزند.وقایع میانسالی : دکتر زنجانی در سال ۱۳۶۷ درمعیت «کازرونی» وزیر مسکن وقت درجلسه هیأت دولت حضور پیدامی کند و توضیح می دهد اگر کنترل موالید در ایران به اجرا درنیاید جمعیت کشور در سال ۱۴۰۰ شمسی به ۱۳۰ میلیون نفر خواهدرسید و درآن حالت کیفیت و سطح زندگی افراد کاهش خواهدداشت و اگر کنترل موالیدی پویا صورت بگیرد جمعیت کشور در حد ۱۰۰ میلیون نفر یا کمتر خواهدشد. او با توجه به زاد و ولد ۱۶ میلیون نفر در سالهای ۶۵-۱۳۵۵ به این نتیجه گیری رسیده بود و بعد از این توصیه ها برنامه کنترل جمعیت در کشور ما به اجرا درآمد. او معتقداست درحال حاضر در برخی از استان های کشور همچنان باید سیاست کنترل موالید با جدیت دنبال شود ولی در ۱۶ استان کشور باتوجه به تعمیم سواد و ارتقای سطح سواد زنان و ارتقای آگاهی افراد و خصوصاً زنان دیگر نیازی به تداوم سختگیرانه آن سیاست ها نیست.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : نجانی بعد از بازگشت به کشور ، مدتی مدیربخش مطالعات جمعیت و معاون و سپس سرپرست مؤسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران می شود، مدتی هم به عنوان مدیرگروه آموزش جمعیت شناسی، معاون دانشکده و سرپرست دانشکده علوم

اجتماعی تهران فعالیت های علمی و آکادمیک اش را تـداوم می بخشد. درسال ۱۳۶۴ بازنشسته می شود و هم اکنون مدیر مطالعات جمعیت و اموراجتماعی مرکز مطالعات و تحقیقات و شـهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی است. مطالعات و پروژه های تحقیقـاتی خاصـی را هم دنبـال می کننـد. –عضـو انجمن بین المللی مطالعـات علمی جمعیت از ۱۹۷۶ تـاکنون. –عضو انجمن بین المللی جمعیت شـناسان فرانسـوی زبـان. –عضو انجمن جمعیت شناسـی ایران. –سـردبیر نـامه انجمن جمعیت شناسـی ایران.–عضـو هیأت تحریریه نشـریه اقتصاد ایران. فعالیتهای آموزشـی : دکتر حبیب الله زنجانی عضو هیأت علمی دانشگاه تهران از ۱۳۵۲ تا ۱۳۶۴ نیز بوده است و به تـدریس پرداخته است.سایر فعالیتهـا و برنـامه هـای روزمره : دکـتر زنجـانی هم اکنون مـدیر مطالعـات جمعیت و اموراجتماعی مرکز مطالعات و تحقیقات و شـهرسازی و معماری وزارت مسـکن و شهرسازی است. مطالعات و پروژه های تحقیقاتی خاصـی را هم دنبال می کنند. ازجمله طرح فرادست می باشد که جایگاه تهران به عنوان شـهری جهانی را بررسی کرده و به بررسی مشـکلات اساسـی موجود در آن و ازجمله اشتغال می پردازد که یافته های آن در تهیه طرح جامع مورداستفاده قرارخواهدگرفت.در طرح مطالعـاتی منطقه البـرزجنوبی هم قصـد دارد مطـالعه جمعیت شناسـی ۶ اسـتان تهران، سـمنان، قـم، قزوین، زنجـان و مرکزی را بررسـی نماید و تحولات جمعیتی این مناطق را تا سال ۱۴۰۰ شمسـی معین سازد. زنجانی در نظریه جدید تحلیل مهاجرت داخلی، به تحلیـل جمعیت شـناختی و مهـاجرت پرداخته و تأکیـد بر تعلیق فرد به نسـل، زمـان وقوع واقعه یعنی مهـاجرت، تغییر و تحول سـنی و جنسـی را به صورت مدل درآورده و ارائه کرده است.تخصـص و مهارت او در حوزه های مسـکن، مهاجرت و تحلیل جمعیت ایران است. آرا و گرایشـهای خـاص : از دیـد زنجـانی، مهاجرت به خارج از کشور الزاماً پدیـده ای مخرب و زیانبار نیست. چون این نوع مهـاجرت می توانـد سـطح دانش و آگـاهی ایرانیـان را ارتقا دهـد ولی بایـد سازوکاری فراهم آورد که امکان بازگشت مهاجران به داخل ایران را عملی سازد و آنها از نیروی خود درجهت بهروزی و توسـعه کشور اسـتفاده کننـد. به اعتقاد زنجانی، جمعیت شناسـی دانشـی نو برپایه اندیشه های کهن است و به مطالعه جمعیت انسانی می پردازد. این مطالعه در سرزمین اصلی تعداد جمعیت، ساخت و توزیع جمعیت و تغییر و تحول آن دنبال می شود و سـرانجام در برنامه های اقتصادی و اجتماعی از این دانش کاربردی اسـتفاده به عمـل می آیـد. از دیـد او، شـناخت جمعیت مهمترین ابزار برنـامه ریزی است و بـدون این ابزار برنـامه هـای توسـعه موفقیت لازم را نخواهندداشت.جمعیت شناسـی دارای رویکردهای «محض»، «کاربردی»، «اقتصادی» و «اجتماعی» است که در همه این رویکردها از دیـدگاه جمعیت شناسـی به موضوعـات اقتصـادی، مهاجرت، تأهل و مسائلی از این قبیل می پردازنـد. جوائز و نشانها : دکتر زنجانی محقـق نمونه وزارت مسـکن در سـال ۱۳۸۳ شـناخته شـد.چگونگی عرضه آثـار : دکـتر زنجـانی قبـل از عزیمت به پـاریس در مرکز مطالعـات و تحقیقـات اجتماعی دانشگاه تهران به عنوان پژوهشـگر به کار می پردازد و درزمینه «مسکن»، «مهاجرت های داخلی در ایران»، «سـالخوردگی جمعیت» و «جمعیت شناسـی تطبیقی در ایران و جهان» تحقیقاتی به انجام می رسانـد.یکی از فعالیت هایی که در این زمینه پیگیری می کنـد مسأله پیران و سالخوردگی جمعیت است.«مسأله پیران و سالخوردگی جمعیت از روزی آغاز می شود که موالیـد را کنترل کنیم. بـا چنین کنترلی، سـالخوردگی شـروع می شود و نسبت افراد سـالخورده به کـل جمعیت افزایش پیـدامی کنـد.» تز دکـترایش را نیز درمـورد سـالخوردگی جمعیت و پیامـدهای اقتصـادی و اجتمـاعی آن در ایران می نویسـد. و از آثـار وی میتوان به تالیف۷ جلـد کتـاب اشاره داشت و نیز عضو هیأت مـدیره و مشارکت در تهیه کتاب «گیلان» و مشارکت در تـدوین «لغت نامه جمعیت شناسـی» از فعالیت های وی است.آثار : تجلیل جمعیت شناختی ، تقویم تاریخی دموگرافیک ایران ، جمعیت و توسعه ، جمعیت و شهرنشینی در ایران ، جمعیت، توسـعه و بهـداشت بـاروری ، گزیـده مطالعـات جمعیت مجموعه شـهری تهران ، لغت نامه جمعیت شناسی ویژگی اثر : مشارکت در تدوین۸ مهاجرت

زنجانی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۲۴۵ ق)، عالم دینی. وی به خط خود «شرح الباب الحادی عشر» را نوشت و از نگارش آن در ۱۲۴۵ ق فراغت یافت و از آن فضل و بزرگی و پیشگامی‌اش معلوم می‌شود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۲۱/۱۳).

زنجانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۶۰ ق)، فقیه اصولی. از آثار وی: کتابی در «اصول»؛ رساله‌ای در «فقه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :معجم المؤلفین (۱۸/۴).

زنجانی، زین‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زین‌الدین زنجانی از فضلاء معاصر تهرانست وی در زنجان متولد و در حجر تربیت چنان پدری پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و سطوح اولیه مدتی در مشهد کسب علم نموده و پس از آن به قم آمده و از محضر آیت‌اللّه حجت ره و آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده نموده و به امر آن مرحوم برای تبلیغ دین چندی در آب گرم قزوین اقامت و بعد رحل اقامت به تهران افکنده و تا حال تحریر در آن عاصمه به خدمات دینی اشتغال دارند. آثار ارزنده علمی دارند که به آنها اشاره می‌شود.

۱- رساله‌ای در غیبت

۲- الفوائد در مسائل متفرقه

۳- رساله‌ای در حق و حکم

۴- کتابی در رد صوفیه.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

زنجانی، سبزعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سبزعلی بن فتحعلی بن رحیم بن حسین بن نوروز زنجانی متوفی حدود ۱۳۲۲ ق عالمی بزرگوار و فاضلی پرهیزکار از شاگردان میرزاء آشتیانی و علماء بزرگ عصر خود در زنجان بوده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

زنجانی، شمس‌الدین، ابوعبداللّه محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۳ -۱۲۶۲ ق)، فقیه، منطقی، عروضی و قاضی. مقدمات را در زنجان فراگرفت. در ۱۲۸۰ ق برای ادامه تحصیل به قزوین رفت. سپس به مشهد مشرف شد و در سبزوار چندی در خدمت حاج ملاهادی سبزواری درس خواند. در حدود ۱۲۸۵ ق به نجف رفت و نزد علامه سید حسین کوه‌کمری و شیخ راضی نجفی و میرزای شیرازی تلمذ کرد، و در آنجا با دختر سید محمدطاهر بن اسماعیل موسوی شوشتری، داماد علامه انصاری، ازدواج کرد. پس از تکمیل تحصیلات در ۱۲۹۴ ق به زنجان بازگشت و مرجعیت امور شرعی و تدریس را در آن شهر بر عهده گرفت. از آثارش: «مطالع الشموس»، در شرح «الدروس»؛ «فن القطع» ثر «حجیت»؛ «الانصاف»، در حسن و قبح عقلی؛ «مصابیح الدجی»، در مواعظ؛ «نور المنابر»، در مقتل، به فارسی؛ «الایقاظات»؛ «المناطق»؛ «اجزاء العلوم»؛ «تقسیم العلم»، به اقسام اولیه و ثانویه؛ «رشحات الملکوت»؛ «الایماضات»، در حکمت اشراقی؛ «نفحات اللاهوت»؛ «المیزان»، در عروض؛ رساله‌ای در «قوافی»؛ رساله‌ای در شرح «بعض صفات النبی (ص)»؛ «رساله فی الامانات»؛ «الیواقیت»، در حساب؛ کتابی در «نحو».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۷۸/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۱ -۵۰ /۱۴)، معجم المؤلفین (۱۴۸ ،۱۱ ،۱۰۴ /۶)، مکارم الآثار (۱۶۶۱/۵).

زنجانی، ظهیرالدین، ابوالثناء محمود

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۷۴ -۵۹۷ ق)، فقیه شافعی و صوفی. وی از اصحاب شهاب‌الدین سهروردی بود و از او و ابوالمعالی صاعد حدیث روایت کرده است. از آثارش «الرساله المقنذه منالجمر فی الحاق الانبذه بالخمر» می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :معجم المؤلفین (۱۷۸/۱۲).

زنجانی، عباسعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباسعلی زنجانی متوفی ۱۳۴۴ ق از دانشمندان فاضل عصر خود بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

زنجانی، عبدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۹ -۱۲۶۸ ق)، عالم. از آثار وی: شرح «دعاء صباح»؛ حاشیه بر «رسائل».[۱]

عبدالعلی بن مولی عبدالصمد بن مولی علی‌اکبر بن محمد سعید زنجانی متولد ۱۲۶۸ و متوفی ۱۳۴۹ قمری دانشمندی بزرگوار و فقیهی پرهیزکار از شاگردان ملا قربانعلی زنجانی و علامه شیخ محمدحسن مامقانی و علامه ملامحمد شربیانی و دارای تألیفات و آثار عدیده بوده است.

عبدالعلی بن علی نقی بن مصطفی سعدآبادی زنجانی متوفی حدود ۱۳۵۷ قمری عالمی فاضل و دانشمندی بزرگوار و کامل از شاگردان آیت‌اللّه آخوند خراسانی و علامه یزدی (صاحب عروه) و شریعت اصفهانی بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] معجم المؤلفین (۲۲۶/۵).

زنجانی، عبداللّه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۵۵ ق)، شاعر. در خاک عثمانی می‌زیست و از شاعران درجه‌ی دوم این عصر بود. از احوالش اطلاع زیادی در دست نیست. وی کتاب «بحر المعاد فی ارشاد العباد» را که مثنویی در وزن «لیلی و مجنون» نظامی است در ۹۵۵ ق به نام سلطان سلیمان عثمانی (۹۷۴ -۹۲۶ ق) به پایان رسانید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۰۸ -۷۰۷).

زنجانی، عبدالواسع

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۱ -۱۲۳۵ ق)، فقیه، اصولی، امام جمعه، مجتهد و واعظ. وی از اکابر علمای امامیه در عصر خود بود. پس از پدرش تولیت مجسد فتحعلی‌شاه قاجار را بر عهده داشت. وی در زنجان وفات یافت و در بقعه‌ی پدرش به خاک سپرده شد. از آثارش: رساله‌ی «الاجتهاد و التقلید»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ حاشیه‌ی «قوانین الاصول»؛ «الرد علی رساله التکفیر» یا «رساله تکفیر الرومی»؛ وی حدود ده جلد کتاب در مواعظ دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۹۸ -۱۹۷ /۱۰ ،۱۷۷ ،۱۰۰ /۶ ،۲۷۲ /۱)، ریحانه (۳۸۷/۲)، طبقات اعلام الشیعه قرن (۸۰۴/۱۳)، المآثر و الآثار (۱۶۴)، معجم المؤلفین (۲۱۵/۶).

زنجانی، عز البتول

قرن:۱۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(؟)، ریاضیدان. اطلاع چندانی از وی در دست نیست، فقط اثری از وی بجا مانده به نام «الکافیه فی الحساب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۳۰۶)، کظف الظنون (۱۳۷۰).

زنجانی، عزالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۸ ق)، فقیه، اصولی و امام جمعه. در شهر زنجان به دنیا آمد، بعد از فراگرفتن مقدمات و ادبیات عرب نزد استادان ادبیات، چون آقا میرزا علی‌اصغر فصاحتی، به همراه استاد رضا روزبه، منطق «حکمه الاشراق» و «معیار العلم» غزالی را نزد پدرش تحصیل

نمود. بعد از فراغت از کتابهای سطوح، «رسائل» و «مکاسب» و قسمت عمده‌ای از «طهاره» شیخ انصاری را نزد آقا شیخ حسین زنجانی که از مجتهدین زنجان و از شاگردان آخوند خراسانی بود، خواند. «کفایه الاصول» را در خدمت حاج شیخ عبدالکریم خوییني زنجانی فراگرفت و پس از دو سال تحصیل آن کتاب به درس خارج اصول پدرش، سید محمود امام جمعه، که تحت عنوان «تقریرات» کاظمینی بود، حاضر شد. در شهریور ۱۳۲۰ به قم رفت و به درس خارج فقه و اصول آیهٔاللّٰه حجت حاضر شد، و شبها به درس خارج اصول آیهٔاللّٰه صدر و آیهٔاللّٰه خوانساری شرکت نمود، و در معقول «اسفار» را به همراه استاد شهید مطهری و آیهٔاللّٰه حاج سید محمدعلی طباطبایی تبریزی نزد امام خمینی (ره) خواند، و با ورود علامه طباطبایی به قم در نزد ایشان ادامه داد. وی سپس فقه و اصول را در نزد آیهٔاللّٰه بروجردی تکمیل کرد و «تقریرات» ایشان را به رشته تحریر درآورد. آنگاه به نجف رفت و در حوزه درس آیهٔاللّٰه حکیم و آیهٔاللّٰه آقا سید عبدالهادی شیرازی حاضر شد. پس از چندی به زنجان بازگشت و به تبلیغ و نشر احکام دینی و تدریس و امامت جماعت پرداخت. از آثار وی: تاسیس کتابخانه به سبک جدید و مساجد گوناگون در زنجان؛ تشکیل انجمنهای تبلیغی. از آثار علمی‌اش «تقریرات» اصول آیهٔاللّٰه بروجردی؛ شرح قسمت اعظم «وسیله»؛ حواشی متفرقه در «منظومه‌ی حکمت»؛ تحریر «کفایه الاصول»؛ کتابی در تصوف؛ «رساله‌ی عملیه»؛ تحریر «الوسیط»، در فقه، به سبک استدلالی؛ تحریر کتاب «خمس».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۲۴۱ -۲۳۹ /۵).

زنجانی، عزالدین، ابوالفضائل ابراهیم

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۶۵۵ ق)، نحوی، صرفی و فقیه شافعی. از آثارش: «الکافیه»، در حساب؛ مختصر شرح رافعی بر کتاب «الوجیز» ابوحامد غزالی که آن را «نقاوه (فتح) العزیز»، در فروع فقه شافعی، نامیده است؛ «العزی»، در تصریف به نام «تصریف زنجانی»؛ «الکافی» در شرح «الهادی»، در نحو تصریف.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۲۰۰۳، ۱۱۳۹ -۱۱۳۸، ۴۱۲)، معجم المؤلفین (۵۷/۱)، هدیه العارفین (۱۲/۱).

زنجانی، عزالدین، عبدالوهاب

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۶۶۰/۶۵۵ ق)، عالم، دانشمند، ریاضیدان و ادیب. در تبریز مسکن گزید و مدتی در موصل به سر برد و در بغداد وفات یافت. او در علوم نحو، لغت، صرف، معانی و بیان عروض دانا بود و از علوم نقلی و عقلی بهره‌مند. خواجه نصیرالدین طوسی کتاب «تذکره» در علم هئیت را به خواهش او تصنیف کرد. او به خراسان و ماوراءالنهر سفر کرد و سرانجام به تبریز باز آمد. وی در بغداد درگذشت. آثار وی: «العزی تصریف» در صرف؛ «الهادی» و شرح آن در نحو، «معیار النظار فی علوم الاشعار»؛ «المضنون به علی غیر اهله»؛ تصحیح «المقیاس فی تفسیر القسطاس» در عروض؛ «رساله‌ی الوفق التام»؛ رساله‌ی کوچکی درباره‌ی چگونگی به کار بردن اسطرلاب.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۰/۴)، اعیان الشیعه (۱۳۲/۸)، ایضاح المکنون (۵۱۷/۲)، دایرۀالمعارف فارسی (۱۷۳۱/۲)، روضات الجنات (۱۶۶ -۱۶۵ /۵)، ریحانه (۳۸۷ -۳۸۶ /۲)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۳۰۸ -۳۰۷)، کشف الظنون (۲۰۲۷، ۱۸۶۹، ۱۷۳۸، ۱۵۷۸، ۱۳۲۶)، لغت نامه (ذیل/ زنجانی، عزالدین زنجانی، عبدالوهاب)، معجم المؤلفین (۲۱۶/۶)، هدیه العارفین (۶۳۸/۱).

زنجانی، عزیزالدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۰ -۱۲۵۵ ق)، عالم دینی، فقیه، محدث، رجالی، ادیب و شاعر. در زنجان به دنیا آمد. پس از تحصیل مقدمات در زادگاهش به قزوین رفت و در آنجا به تحصیل ادامه داد. در ۱۲۷۸ ق به عراق رتف و در نجف اشرف نزد شیخ انصاری و علامه سید حسین ترک کوه‌کمری و میرزای شیرازی تحصیلات خود را تکمیل کرد. در ۱۲۸۸ ق به زنجان بازگشت و پس از وفات پدرش مرجع ریاست شرعی شد و منصب قضا و افتاء بدو رسید. وی دارای تصانیف بسیاری است که از جمله آثارش: «لطائف الکلام فی الاوانی الذهب و الفضه من الاحکام»؛ «مفتاح الظفر»، در نماز سفر؛ «التحیه المبارکه»، در احکام سلام؛ شرح «دعاء کمیل»؛ «جواب السوال عن آیات بدء الخلق و آیه رد الشمس لسلیمان»؛ «الصبح الصادق»، به فارسی، در مسائل اجتماعی و وظائف سلطان؛ «معارج الرضوان فی مصائب الامام العطشان»؛ تعلیقات بر «الرسائل»؛ حواشی بر «الریاض»؛ «رساله فی حرمه الخمر»؛ وی قصایدی به عربی و فارسی نیز داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۶۳/۹)، الذریعه (۳۲۱/۱۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۱ -۸۰ /۱۴)، علماء معاصرین (۳۴۰ -۳۳۹)، المآثر و الآثار (۱۴۹)، مکارم الآثار (۱۵۰۳ -۱۵۰۲ /۵).

زنجانی، علی نقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیر محسن جدّ سادات موسوی زنجان و اصفهان است که نواده او حاج میرزا علی نقی به اصفهان، مهاجرت نموده است و در این شهر پس از وصول به مقامات عالیه علم و اجتهاد به تدریس و اقامه ی جماعت در مسجد خیاطها که آن را مسجد زنجانی ها نیز گویند اشتغال جسته، دارای تألیف و تصنیف بوده.

در ماه صفر سال ۱۲۵۸ وفات یافته، در تخت فولاد، جنب فاضلان مدفون گردید. دارای خطّی نیکو بوده و حواشی بر کتاب ذریعهٔ الضراعه تألیف محقّق فیض کاشانی در سال ۱۲۲۱ نگاشته. نسخه ی آن در کتابخانه آستانه ی رضویّه موجود است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

زنجانی، فتحعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ -۱۲۶۸ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی و شاعر. وی برادرزاده و به آورده‌ی «الذریعه» (۸۰۷/۹) خواهرزاده‌ی مجتهد بزرگ آخوند ملا قربانعلی زنجانی، شاگرد شیخ انصاری، است. شیخ فتحعلی در زنجان متولد شد. مقدمات و علوم عربیت را در زادگاه خود به پایان رساند، سپس به قزوین منتقل و «قوانین»، تحصیل کرد و پس از آن به تهران آمد و در بحث خارج فاضل آشتیانی شرکت کرد. پس از بازگشت به زنجان، نزد عموی دانشمندش، آخوند ملا قربانعلی زنجانی هشت سال تلمذ کرد و سپس به تهران مراجعت و بعد از انتقال به حضرت عبدالعظیم به نجف اشرف رفت و در حوزه‌ی درس حاج سید حسین کوه‌کمری و حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی حضور یافت و در کربلا از محضر اردکانی و مازندرانی بهره گرفت و در سامرا در بحث میرزای شیرازی شرکت نمود. پس از وفات میرزای شیرازی، در خانه نشست و به تالیف پرداخت و تالیفات بسیاری انجام داد. از جمله آثارش: «مفتاح اللباب فی شرح خلاصه الحساب»؛ «تنقیح المسائل فی التعالیق علی الرسائل»؛ «حاشیه علی الروضه»؛ «حاشیه علی المکاسب»؛ «مجمع الانوار و معدن الاسرار»، در تفسیر قرآن؛ حواشی «حجیت القطع»؛ منظومه‌ای در «القطع»؛ «دیوان» اشعار فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۴۶/۲۱، ۸۰۷/۹)، علماء معاصرین (۳۵۹ -۳۵۸)، معجم المؤلفین (۴۸/۴)، مکارم الآثار (۱۸۸۹/۶).

زنجانی، محسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن زنجانی قزوینی‌الاصل متوفی ۱۳۲۱ قمری و مدفون در ایوان عسکریین (ع) از تلامذه و شاگردان آیت‌اللّه مجدد شیرازی

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

زنجانی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدتقی زنجانی متوفی حدود ۱۲۶۰ ق از شاگردان حجهٔالاسلام آسید محمدباقر شفتی اصفهانی بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

زنجانی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۵۶- ح ۱۳۴۰ ق)، عالم و نویسنده. وی با دوستی علم، نشو و نما یافت. مبادی و مقدمات را نزد برخی اساتید آن زمان فراگرفت و دروس عالی را نزد علمای اعلام و بزرگان زمان؛ تا اینکه به تألیف و تصنیف روی آورد. از آثارش: «انیس الطلاب»، در زندگی

بسیاری از علمای زنجان؛ «تبیان البیان فی قواعد القران»؛ «توضیح المشکلات»، در نحو و صرف و عروض؛ «لوائح الادله فی فوائح العدیله»؛ «روشن ضمیر»، در شرح «دعاء جوشن صغیر»؛ «قسطاس المقادیر و مقیاس المعائیر»؛ «منهج الرشاد»، در شرح «الارشاد» شیخ مفید؛ «قنوان الصنوان»، در شرح «نصاب الصبیان»؛ «فرمایش محمدیه»، در تجوید؛ منظومه «تصریف» زنجانی، در سیصد بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۷۳/۱۸، ۸۱/۱۷، ۴۹۸/۴، ۳۳۲/۳، ۴۶۰/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۲۷ -۴۲۶ /۱۴)، علماء معاصرین (۱۲۹ -۱۲۸)، معجم المؤلفین (۲۱۱ -۲۱۰ /۹).

زنجانی، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۹ ق)، مورخ و شاعر. ملقب به ناظم‌الشریعه. وی صاحب کتابی است به نظم به نام «اعمال جهانشاه امیر تومان و احتشام‌الدوله حکمران خمسه»، در چگونگی حرکت آن دو به خمسه از سوی ناصرالدین‌شاه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۸۲۰/۲).

زنجانی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۶ ق)، عالم. از اثرش: «المصائب و المواعظ»، در سه مجلد؛ «رسائل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :معجم المؤلفین (۲۹/۱۳).

زنجانی‌زاده، هما

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

زندی حقیقی، منوچهر، سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: اقتصاد، دانشکده: اقتصاد، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

زند کرمانی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت الله شیخ محمد باقر زند کرمانی

آقا شیخ محمد باقر زندکرمانی، عالم فاضل جلیل، فقیه واعظ فرزند مرحوم حاج آقا رضا، به سال ۱۳۱۳هـق در کرمان به دنیا آمد. نسب او به خاندان زندیه (صادق خان برادر کریم خان زند) می‌رسد.

معظم له اولین گامهای تحصیلی را در مکتب خانه‌های قدیمی کرمان برداشت و پس از چندی به محضر درس استاد بهمنیار روی آورد،تحصیل در نزد استاد بهمنیار موقعیت بسیار مساعدی جهت شکوفایی استعدادهایش را به همراه داشت. آیت الله شیخ محمد باقر زند کرمانی شش کلاس ابتدایی را در مدرسه سعادت گذراند و سپس به مدرسه شهاب وارد شد. وی ازمرحوم آقا جواد کرمانی برادر استاد بهمنیار نیز به عنوان استادی مبرزیادمی‌کند و تبصره و شرایع و درس فقه را نزد ایشان فرا گرفت همچنین استحضار و تکمیل ادبیات عربی و مقامات حریری را هم نزد مرحوم حاج سید محمد باقر زنوزی فراگرفت.

پس ازگذراندن این دروس، معظم‌له، در مدرسه انگلیسیها ثبت نام نمود تا از این طریق علاوه بر فراگیری زبان انگلیسی، علوم و فنون جدیدی که در آنجا تدریس می‌شد را نیز فرا گیرد. در آنجا به علوم شیمی، فیزیک، طب ، جغرافیا نیز تا حدی آشنا شد و در این دوران با مسیحیان و پیروان ادیان دیگر در این مدرسه مباحثات مذهبی برپا می‌کرد[۱].

آیت الله زندکرمانی پس از آن جهت تکمیل علوم حوزه‌ای به ا صفهان مهاجرت نمود و در اصفهان از محضر بزرگانی چون آیت‌الله العظمی آخوند فشارکی، آیت‌الله سید علی نجف آبادی و آیت‌الله حاج میر محمد صادق مدرس خاتون آبادی استفاده نمود. ارادت وی به مرحوم آیت‌الله فشارکی به حدی بود که جزء خواص ایشان قرارگرفت.

آیت‌الله زندکرمانی سفری نیز به عتبات عالیات داشت اما ضعف بنیه و گرمای آن منطقه باعث شد تا به دستور ایت‌الله سید ابوالحسن

اصفهانی به قم مهاجرت نماید. با عزیمت به شهرمقدس قم، به محضر درس مرجع عالیقدر جهان شیخ آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری شتافت و حدود هفت سال ازمحضر درس ایشان استفاده نمود همچنین در این مدت مرحوم زند کرمانی هم درس مرحوم حضرت امام‌خمینی(ره) بوده است.[۲]

آیت‌الله زند کرمانی در سفر دیگری که به عتبات عالیات داشت مدتی ازمحضر پر فیض عالم فرزانه آیت الله‌شیخ‌حسین آلکاشف الغطا به بهره‌گیری علمی و اخلاقی پرداخت و ازجانب ایشان تائیدی مبنی بر حصول به مراتب والای اجتهاد دریافت نمود. مراتب علمی و ایمانی آیت‌الله زند همچنین از جانب علمای بزرگ دیگری چون : آیت‌سیدجمال‌الدین گلپایگانی، آیت‌الله قاضی، آیت‌الله آقای شیخ آغا بزرگ تهرانی، آقا سید ابوالحسن شیرازی، تایید وآن بزرگان اجتهاد وی راتأیید نمودند.[۳]

ایشان همچنین سفرهایی به تهران، و مشهد مقدس نمود و سرانجام مجالست با عالم ربانی آیت‌الله آخوند شیخ محمد حسین فشارکی را ترجیح داده ودر اصفهان رحل اقامت همیشگی افکند. و به وعظ و ارشاد در مجالس خصوصی و اقامه جماعت در مسجد جامع و تدریس در مدرسه ذوالفقار مشغول شد.پس از چند سال در یکی از اتاق‌های شمالی مدرسه صدر بازار، «شرایع» یا «شرح لمعه» را تدریس می‌نمود.

ایشان نسبت به علمای عاملین فوق‌العاده ارادت داشتند از جمله مرحوم حاج آقا صدر کوپایی از حکمای درجه اول اصفهان و با اینکه هیچ اسم و عنوانی نداشت آقای کرمانی نسبت به ایشان خیلی ارادت داشتند.

ایشان در طب هم ید طولایی داشت معظم له حداکثر احترام وکوچکی را درمقابل مرحوم حاج میرسید علی‌نجف‌آبادی انجام می‌داد درس را بسیار دقیق و تحقیقی می‌گفت. ابتدا متن درس رامی‌خواند و بعداً آنرا معنی می‌نمود اگر این متن شرح و یا شارحی داشت قول آن رانقل می‌نمود ایشان در دانش فیزیک و شیمی در سطح بالایی بود لذا در کنگره اتم شناسی از طرف مرحوم دکتر محمود حسابی دعوت شدند و سخنرانی نمودند حتی درایام ملی شدن نفت ایران جلسه‌ای در دانشگاه تهران با شرکت شخصیتهای سیاسی متخصص در رشته نفت که از کشورهای مختلف به ایران آمدند تشکیل شد و از ایشان دعوت کردند و که در آن جلسه به زبان انگلیسی صحبت کردند و همه مبهوت وحیران می‌شوند شاید ازجمله عواملی که باعث برخوردها و احیاناً وارد کردن تهمت به این مرد بزرگ بود حسادت به ایشان یا غبطهٔ برخی از افراد بود که می‌دیدند آقای زند کرمانی جامعه را به خوبی می‌شناسد و حال مردم را بسیار خوب درک می‌کند.

از جمله کسانی که درحوزه علمیه اصفهان قبل از نهضت پانزده خرداد و پس از آن به حضرت امام(ره) بسیار علاقه‌مند بود مرحوم آیت‌الله زند کرمانی بود و نظرشان در مورد حضرت امام (ره) این بود که آیت‌الله خمینی مردی مستعد و انسانی وارسته و به تمام معنا است شما می‌دانید من چندان به دیدن اشخاص نمی‌روم اما زیارت ایشان را باتمام وجود لازم می‌دانم .ایشان از اولین افرادی بودند که درمسائلی که برای حضرت امام پیش آمد اعلامیه داد ودر سال ۱۳۴۲ ش که امام خمینی را دستگیر کرده بودند بیانه‌ای داده واز امام دفاع کرده است.[۴] از خدمات ایشان یکی سعی وکوشش در افتتاح مجدد درب مسجد جامع بود که در دوره پهلوی به روی نمازگزاران بسته شده بود همچنین تاسیس مرکز خیریه و بیمارستان امام حسن عسکری در اصفهان می‌باشد.

برخی ازآثار وتالیفات ایشان عبارت‌اند از: الفیوضات الامعه فی حال الکتب الاربعه، نبده فی کتاب قرب الاسناد، رفع النزاع عن البین فی الصلح المقصود منه الفرار عن الدین ، رساله اماره الولایه، که به نام نشانه‌های ولایت چاپ شده است،[۵] رساله در فقه احکام البهار، رساله در رجال، رساله درموضوع نفت که توسط آقای موسی نجفی به ضمیمه کتاب تعامل دین و سیاست تجدید چاپ شده است . [۶]

از جمله ویژگیهای مهم مرحوم زند کرمانی در امر تدریس تفسیر قرآن بوده که اشخاص زیادی از جمله مرحوم آیه‌الله سید اسماعیل هاشمی وبرادر ایشان شیخ‌احمد ربانی، سید ابوالفضل صفوی ریزی، شیخ نعمت‌الله، شیخ نصرالله صالحی و ابراهیم جواهری و افراد دیگر ازتفسیر قرآن ایشان استفاده می‌کردند، ایشان درمیان تفاسیر شیعه «مجمع البیان» را تدریس می‌کردند و تسلط کاملی برآن داشتند ومتن عربی آن رامثل یک کتاب فارسی راحت و سلیس می‌خواندند و معنی می‌کردند وی فرمودند: « درمیان تفاسیر شیعه « مجمع‌البیان» مورد قبول شیعه و سنی است و در عین حال جامع است»[۷]

سرانجام این عالم غیور در جمادی الثانی ۱۳۸۹ هـ . ق مطابق ۱۹ شهریور سال ۱۳۴۸ ش در اثر بیماری در خارج از کشور فوت نمودو پیکر پاکش را با تشییع کم سابقه به تخت فولاد حمل ونزدیک تکیه زرگرها در تکیه مخصوص به خاک سپردند.

۱- نیک پور، محمد: نام آوران علم و اجتهاد کرمان از قاجاریه تا پهلوی، نشر سازمان اسناد و کتابخانه ملی، ۱۳۸۳ ش.ص۳۹۱ تا۳۹۴

۲- زاهد نجفی، محمد: فطرت بیدار زمان،جلد اول، نشر بشیر،۱۳۸۲ش، ص۴۴ تا ۴۵

۳- نیک پور ، محمد، نام آوران علم و اجتهاد کرمان، ص۳۹۵

۴-زاهد نجفی، محمد: فطرت بیدار زمان، جلد اول، ص ۸۴-۱۲۹

۵-نصرالهی، غلامرضا: مشاهیرتکیه زند کرمانی، ص ۳

۶- مهدوی، سید مصلح‌الدین: سیری درتاریخ تخت فولاد، نشر انجمن کتاب‌های اصفهان ، ۱۳۷۰ ،ص ۱۷۷

۷- زاهد نجفی ، محمد : فطرت بیدار زمان، جلد اول ، ص ۸۴ و ۹۹ و جواهری ، ابراهیم: علوم و عقاید، چاپخانه گیتی مقدمه برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

زند وکیلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر. وی صاحب منظومه‌ای به نام «آسمان عشق» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۴۱۷)، مؤلفین کتب چاپی (۱۵۶/۵).

زند، ابوالفتح

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۰۱ -۱۱۶۹ ق)، شاعر. بعد از فوت پدر چندی در شیراز فرمانروائی کرد. او طبعی رسا و فکری فلک فرسا داشت. در ۲۲ سالگی وفات یافت و در شاه چراغ دفن شد.[۱]

خان زند فرزند کریم‌خان زند، دومین از سلاطین زندیه. وی پس از وفات کریم‌خان به سلطنت رسید و فقط مدت هفتاد روز از سال ۱۱۹۳ ه.ق. را سلطنت کرد و در همان سال به وسیله صادق‌خان برادر کریم‌خان از سلطنت خلع و از دیده نابینا گردید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تذکره‌ی روز روشن (۲۳)، حدیقه الشعراء (۷۵ /۱)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۱۱۰ -۱۰۹ /۱)، دایرۀالمعارف فارسی (۲۶ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۷۴ -۹۷۳ /۷)، فارسنامه‌ی ناصری (۷۶۵ /۱)، لغت نامه (ذیل/ ابوالفتح).

زنده‌ی ساوجی، زنده‌دل

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اهل ساوه بود و قلندروار می‌زیست و از سر ذوق نیز شعر می‌سرود. از او است:

گر خدنگی بر دل آید زآن کمان ابرو مرا

مونسی باشد به زیر خاک در پهلو مرا

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۲۲/۳)، تحفه‌ی سامی (۶۰)، الذریعه (۴۰۷/۹)، صبح گلشن (۱۹۱).

زندی، فریدون

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فریدون زندی یکی از بازیکنان فوتبال ایرانی است. این بازیکن دو رگه ایرانی_آلمانی متولد ۶ اردیبهشت ۱۳۵۸ در شهر امدن آلمان است .وی دارای قد ۱۸۴ سانتیمتر است. او از اواخر سال ۲۰۰۴ و پس از اصرار مقامات فدراسیون و تقاضای انبوه ایرانی‌ها به تیم ملی فوتبال ایران پیوست. او پیش از این برای تیم ملی زیر ۲۱ سال آلمان بازی کرده بود. وی نخستین بار در زمان برانکو ایوانکوویچ به تیم ملی ایران دعوت شد. اولین بازی ملی خود را در مقابل تیم ملی بحرین انجام داد. اولین گل ملی خود را در برابر آذربایجان به ثمر رساند.وی سابقه بازی در باشگاههای المان و قبرس را دارد.قاط قوت زندی عبارت اند از : سرعت در تصمیم گیری، خلاقیت، مهارت در بازی تکضرب و سانتر از جناحین. زندی در زمان مربیگری «برانکو ایوانکویچ» به تیم ملی ایران پیوست و با توجه به چپ پا بودن و مهارت های هجومی اش، توانست مهره ی قابل اتکایی برای تیم ملی ایران باشد. زندی همچنین قابلیت فوق العاده ای در اجرای ضربات ایستگاهی و شروع مجدد دارد. گل های زیبای ملی زندی در مقابل جمهوری آذربایجان و چین موید این مطلب است. وی همچنین تا به حال دو گل از روی نقطه ی کرنر برای تیم های باشگاهی اش در قبرس، به ثمر رسانده است.

زندیه، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد دانشگاه.

درگذشت: ۱۳۷۳.

دکتر عبدالله زندیه استادیار و مدیر دانشگاه علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران بود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

زنگنه، عزت‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، داستان پرداز.

تولد: ۱۳۱۶، کرمانشاه.

درگذشت: خرداد ۱۳۵۸، کرمانشاه.

عزت‌الله زنگنه دوره‌ی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کرمانشاه به پایان رسانید. آنگاه رهسپار تهران شد و از دانشگاه تهران درجه‌ی لیسانس در رشته‌ی ادبیات فارسی را دریافت نمود. پس از چند سال تدریس در دبیرستان به وزارت فرهنگ و هنر منتقل شد و با رادیو و تلویزیون همکاری خود را آغاز کرد و برای مجله «تماشا» مطلب می‌نوشت.

زنگنه در بیست سال نخستین شعرش در مجله «پیام نوین» چاپ گردید و از این زمان با مطبوعات همکاری می‌کرد، قصه می‌نوشت و شعر می‌سرود، در خرداد ۱۳۴۷، برنده‌ی جایزه‌ی اول مسابقات هنری دانشگاه تهران شد.

مجموعه‌های شعری که از زنگنه به چاپ رسید، به شرح زیر است: دلگیر؛ بعث در بعد پنجم؛ تلاوت در آستانه‌ی باران؛ فرامیر وداع؛ گلشن یادبودها؛ آخ اگر بهار بیاد؛ چیزهای زمستان؛ پشت دروازه‌های خورشید. همچنین چند قصه و داستان به نام‌های: پا به پای سکوت؛ مسافر؛ سنفونی مرگ؛ غروب در پاییز از او چاپ و منتشر شده است.

پیکر عزت‌الله زنگنه در زادگاهش مدفون است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

زنگنه، نجفقلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی در زمان شاه عباس دوم (۱۰۷۷ -۱۰۵۲ ق)، شاعر. وی در زمان شاه عباس دوم (۱۰۷۷ -۱۰۵۲ ق) می‌زیست. به سبب جسارتی که کرده بود، شاه مدتی او را در قلعه الموت زندانی نمود. بعد از رهایی به قزوین رفت و در آنجا سکنی گزید و پس از چندی حاکم مرو شد. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۲۶)، الذریعه (۱۱۷۴ -۱۱۷۳/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۲۲)، مجمع‌الفصحا (۱۲۶/ ۱).

زنگویی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی زنگویی

محل تولد : بیرجند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای علی زنگوئی در سال ۱۳۴۷هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان بیرجند دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی و از سوی دیگر شوق زیارت و همجواری با بارگاه ملکوتی حضرت ثامن الحجج علیه السلام او را راهی حوزه علمیه مشهد گردانید و در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه مشهد گردید.

از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از ورود به حوزه علمیه مشهد، ضمن انس با آستان ملکوتی حضرت علی بن موسی الرضا (ع) با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیارحاضر شد ولی شوق فراوان او به کسب علم او را راهی حوزه علمیه قم گردانید.وی پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۹ به حلقه دروس خارج ستارگان علم وادب آن دیار راه یافت. در حوزه علمیه از درس بزرگانی همچون آیت الله مکارم ، آیت الله صادق لاریجانی،مرحوم آیت الله وحید، آیت الله گنجی و مرحوم پایانی بهره ها برد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه و کلام اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۲از دانشگاه تربیت مدرس قم فارغ التحصیل گردید . و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان"هرمنو تیک و تفسیر از نظر علمای اسلام "دفاع کرد استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از امر تبلیغ غافل نماند و در این راستا سعی و تلاش وافری به انجام رسانده است و چند ماهی هم برای این مهم به کشور سریلانکا رفت.استاد سال های متمادی است که به تدریس و شاگرد پروری در دانشگاه بیرجند مشغول است، وی در زندگی سراسر علمی خود به تحقیق و نگارش و تألیف به چیزی دیگری

نیندیشیده که مقالات فراوانی در این زمینه به رشته تحریر در آورده است.

زنگی شیرازی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر، متخلص به زنگی. از شاعران بارگاه مظفرالدین اتابک زنگی است و به این جهت «زنگی» تخلص کرده است.

از او است:

بر وری تو خطی بنمایم که به آن خط

صد بوسه مرا بر لب لعل تو برات است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۶۶/۲)، الذریعه (۴۰۷/۹)، صبح گلشن (۱۹۱)، فرهنگ سخنوران (۴۱۷)، هفت اقلیم (۲۰۸/۱).

زنگی عجمی کرمانی، جلال‌الدین محمود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۰۶ ق)، شاعر. از اهالی کرمان بود. همراه شیخ علی ترک به خدمت امیر تیمور گورگانی رفت. بسیاری از حالت امیر تیمور را به نظم در دیوانی به نام «جوش و خروش» جمع‌آوری کرد. پس از بازگشت امیر تیمور از روم، با جمعی از بزرگان کرمان مانند مولانا ضیاءالدین سراج و شیخ صدرالدین و سید حمزه متوجه دربار امیر تیمور در گرجستان شده، تا دیوان خود را تقدیم وی کند. اما هنگام عبور از پل تفلیس در آب غرق شد و پسرش مولانا قطب‌الدین «دیوان» را به خدمت امیر تیمور آورد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۷۰)، حبیب السیر (۵۵۰ -۵۴۹ /۳)، ستارگان کرمان (۲۴۵)، فرهنگ سخنوران (۴۱۷).

زنوزی تبریزی، رضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۴ ق)، فقیه، مجتهد و عالم دینی. در تبریز متولد شد. پس از خواندن مقدمات و ادبیات نزد آقا جمال شیروانی و دیگران در هفده سالگی به فقه و اصول پرداخت. سپس به نجف رفت و به حوزه درس اساتیدی چون آیت‌الله شرابیانی، آخوند خراسانی و علامه یزدی و شریعت اصفهانی راه یافت و به درجه‌ی اجتهاد نائل آمد. مسافرتهای مکرری به نجف، مشهد و قم کرد و سرانجام در ۱۳۶۶ ق در قم اقامت گزید و به تدریس طلاب علوم دینی پرداخت. در ۱۳۷۰ ق به تبریز بازگشت و پس از چند سال توقف در آن شهر درگذشت و در مسجد بالا سر حضرت معصومه (ع) در قم مدفون گشت. برخی از آثار وی: «کتاب قضا و شهادات»؛ «فهرست ترتیب رجال‌کشی و نجاشی و خلاصه‌ی علامه»؛ رساله «در کنی و القاب»؛ حاشیه بر «عروه الوثقی»؛ حاشیه بر «نجاه العباد»؛ حاشیه بر «مجمع المسائل»؛ حاشیه بر «رساله‌ی عملیه» کلباسی؛ زساله عملیه به نام «فلاح العامل»؛ «تقریرات» درس و بحث اساتیدش.[۱]

رضی بن العلامه الکبری و الایه العظمی میرزا محمد حسن مجتهد زنوری تبریزی. از علماء طراز اول قم و تبریز در عصر خود بود. وی در ۱۴ ذی القعده ۱۲۹۴ در تبریز متولد و پس از خواندن مقدمات و ادبیات در خدمت آقا جمال شیروانی و غیره در سن ۱۷ سالگی به فقه و اصول پرداخته و تا سال ۱۳۱۷ در تبریز اقامت آنگاه مهاجرت به نجف نموده و در آنجا بدرس مرحوم آیه الله شربیانی و آیه الله آخوند خراسانی و علامه یزدی و شریعت اصفهانی و دیگران شرکت کرده تا بدرجه سامیه و اعلی مرتبه اجتهاد مطلق ارتقا یافته و بواسطه ابتلائات و اختلال اوضاع زمان بکرات از نجف به تبریز و از تبریز به نجف مراجعت و در سنه ۱۳۴۲ قمری بقصد زیارت حضرت رضا علیه‌السلام از تبریز حرکت و پس از زمانی به قم مراجعت و چندین سفر نیز بین قم و تبریز رفت و آمد نموده تا در سال ۱۳۶۶ قمری در قم اقامت و بتدریس جمعی از محصلین پرداخته تا در حدود سال ۱۳۷۰ به تبریز مراجعت و پس از چند سال توقف بدورد زندگی گفته و جنازه‌اش با تشییع و تجلیل زیاد در مسجد بالاسر قم مدفون گردید. آثار و تألیفات ایشان از این قرار است ۱- کتاب قضا و شهادات ۲- فهرست تربیت رجال کشی و نجاشی و خلاصه علامه ۳- رساله مستقله در ضمنیات کتب رجال ۴- رساله در کنی و القاب ۵- حاشیه بر رساله عملیه مرحوم کلباسی ۶- رساله عملیه مستقلی موسوم بفلاح العامل ۷- حاشیه‌ای بر نجاه العباد و مجمع المسائل ۸- حاشیه بر عروه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۶۸/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۸۴/۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۱۲/۳).

زنوزی تبریزی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۰ ق)، فقیه، اصولی، متکلم، ادیب و طبیب. وی در نجف از شاگردان شیخ مهدی نجفی و شیخ انصاری و فضال ایروانی بود. به تبریز بازگشت و به انجام وظایف دینی پرداخت. وی پدر میرزا عبدالحسین، فیلسوف‌الدوله، و میرزا رضی و میرزا ابوالحسن بود. پس از مرگ پیکرش را به نجف بردند و در وادی‌السلام به خاک سپردند. از آثارش: «کتاب الحج»؛ «مباحث الالفاظ»؛ «اصل البراءه»؛ «استصحاب»؛ «المتین فی الامامه علی نمط الالفین»، در امامت؛ شرح مبسوطی بر «تائیه» دعبل خزاعی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۴۱/۹)، ریحانه (۳۹۲/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۰۸/۱۴)، معجم المؤلفین (۱۹۶/۹).

زنوزی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی آقا بن العلامه آقا میرزا رضی ابن العلامه الکبری آقا میرزا محمد حسن مجتهد تبریزی زنوزی از علماء اعلام معاصر است در تبریز. وی در بیت علم متولد و پرورش یافته و پس از طی مقدمات و ادبیات و سطوح وسطی فقه و اصول را در محضر مرحوم والدش خوانده و در معیت آن بزرگوار به قم مهاجرت و قریب ۱۶ سال توقف و از محضر آیات عظام مرحوم آیه الله حجت و آیه الله العظمی بروجردی و دیگران استفاده نموده و به مقام عالی از علم و فقاهت رسیده و برای کسالت مرحوم والدش به تبریز برگشته و بعد از رحلت آن مرحوم ناچار باقامت شده و تاکنون بانجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: مترجم معظم ما از دانشمندان موصوف به کمال علم و تقوا و فضائل روحی می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

زواره‌ای، ابوالحسن علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، مفسر، فقیه، محدث و ادیب امامی. وی از عالمان بزرگ تفسیر، حدیث و فقه و ادب بود در عصر شاه اسماعیل اول و شاه طهماسب صفوی در اصفهان می‌زیست. وی از اکابر شاگردان محقق کرکی، شیخ علی بن عبدالعالی، سید غیاث‌الدین جمشید زواره‌ای مفسر و سید امیر عبدالوهاب استرآبادی بود. تفسیر را از سید غیاث‌الدین جمشید زواره‌ای اخذ و از میر عبدالوهاب بن علی حسینی استرآبادی روایت کرد. زواره‌ای استاد ملافتح‌اللّه کاشانی مفسر معروف است. از آثار وی: «ترجمه الخواص» یا «تفسیر زواری»، در تفسیر قرآن، تالیف شده در سال ۹۴۶ ق؛ شرح «نهج‌البلاغه» به فارسی به نام «روضه الابرار»؛ ترجمه‌ی «کشف الغمه» بهاءالدین عیسی اربلی به نام «ترجمه المناقب»؛ ترجمه‌ی «مکارم الاخلاق» رضی‌الدین طبرسی به نام «مکارم الکرائم»؛ ترجمه‌ی «عده الداعی» ابن‌فهد حلی به نام «مفتاح النجاح»؛ ترجمه «الاحتجاج» طبرسی که به نام شاه طهماسب به پایان رسانید؛ ترجمه تفسیر منسوب به امام عسگری (ع) به نام «آثار الاخیار»؛ ترجمه «الطرائف» ابن‌طاووس به نام «طراوه اللطائف»؛ «مرآت الصفا»، در زیارات؛ «مجمع الهدی»، در تاریخ پیامبران، تلخیص «احسن الکبار فی مناقب ائمه الاطهار» ورامینی به نام «لوامع الانوار الی معرفه ائمه الاطهار»، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۸۶/۸)، ایضاح المکنون (۵۲۸، ۴۵۹، ۴۳۶، ۲/ ۴۱۳، ۲۸۱/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۲۶ -۱۶۲۳ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۷۱)، الذریعه (۸۸/۲۵، ۳۵۵/۲۱، ۳۶۲، ۳۶۱- ۱۸/ ۱۵۹/۱۵/۲۸۵/۱۱، ۲۲۷/۷، ۳۱۵/۵، ۱۴۰ -۱۳۹، ۷۵، ۴/ ۷۵)، روضات الجنات (۳۶۲ -۳۶۱ /۴)، ریاض العلماء (۳۹۶ -۳۹۴ /۳)، ریحانه (۳۹۳/۲)، سبک شناسی (۳۰۳ -۳۰۲ /۳)،طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۲/۱۰)، الکنی و الالقاب (۲۰۰/۲)، هدیه العارفین (۷۴۵/۱).

زواره‌ای، صابر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از سادات بنام زواره بود که پس از تحصیل کمالات از ایران به هندوستان مهاجرت کرد و در آن سامان اعتبار زیادی یافت. میرزا صابر در آنجا با امیران و درویشان و اهل کمال مصاحبت داشت. به سرودن شعر نیز می‌پرداخت و بیشتر در قالب رباعی طبع‌آزمایی می‌کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۶۶ -۶۵)، الذریعه (۵۷۳ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۳۳)، کاروان هند (۶۶۹ / ۱).

زواره‌ای، صفی‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صفی‌الدین محمد بن عمدهٔ القضاهٔ غیاث‌الدین علی زواره‌ای عالم فاضل، معروف به قاضی صفی، متوفی در ۱۵ شعبان سال ۹۹۵.

ماده تاریخ وفاتش این است:

تاریخ فوت قاضی دنیا ودین که رفت

از مرگ او هر آینه بر روزگار حیف

جستم ز عقل گفت که بر لوح دل همین

حیف از جهان دانش و دین صد هزار حیف

ماده تاریخ دیگر: «وای از مرگ جانشین رسول».

در فهرست مؤلفین (۶۰۱:۵) وی را سید جلال‌الدین طباطبائی معرفی می‌کند، و گوید: از آثارش: توقیعات کسری انوشیروان عادل است که از عربی به فارسی ترجمه نموده، و چندین مرتبه‌ی در هند و تبریز و طهران به چاپ رسیده، و در لندن با ترجمه‌ی انگلیسی آن در ۱۳۱۰ قمری چاپ شده است.

در هر حال از عبارت سنگ قبر، عدم سیادت او ظاهر است. قبرش در ایوانچه‌ی غربی بقعه‌ی امامزاده اسماعیل در کنار جاده می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

زوزنی، ابوالقاسم اسعد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۹۲ ق)، ادیب، شاعر، منشی، محدث، معروف به بارع. اصل وی از قریه‌ی زوزن ناحیه‌ای بین نیشابور و هرات بود. مدتی در عراق و بعد در نیشابور ساکن بود و از بزرگان خراسان و عراق به شمار می‌رفت. وی در نیشابور درگذشت. در «ریحانه» سال وفات وی ۴۰۲ ق آورده شده. از جمله آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۹۴/۱)، ریحانه (۳۹۴/۲)، لغت نامه (ذیل/ اسعد)، معجم الادباء (۹۶ - ۹۰ /۶).

زوزنی، ابوجعفر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۷۰ ق)، فقیه، مفسر، محدث و ادیب. وی در نواحی خراسان و ماوراءالنهر منصب قضاوت داشت و در بخارا از دنیا رفت. تصانیفی در «تفسیر» و «حدیث» و «فقه» و «ادب» دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :معجم المؤلفین (۱۹۳/۹).

زوزنی، ابوحنیفه عبدالرحمان

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۵۵)، خطاط، محدث و دانشمند. وی در اکثر علوم متداوله‌ی زمان خود استاد بود، خصوصا در سرعت قلم و خوبی خط نسخ، ید بیضا داشت. چنان که در اوقات زندگی خود چهارصد قرآن هر یکی به اجرت پنجاه دینار با خط خودش به یادگار گذاشت. زوزنی در هنگام سفر حج درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :پیدایش خط و خطاطان (۹۵ -۹۴)، ریحانه (۳۹۵ -۳۹۴ /۲).

زوزنی، ابوعمرو محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوعمرو احمد بن محمد بن ابراهیم زوزنی (ف. ۳۷۴ ه.ق.) وی فقیه به مذهب ابوحنیفه بود. او سالها در باب غدره سکونت داشت و سپس به زوزن رفت و هم بدانجا درگذشت.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

زوزنی، ابومحمد عبداللّٰه

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۳۱ ق)، شاعر. از اهالی زوزن و از مشاهیر ادب و شعر خراسان در اوایل قرن پنجم هجری بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۶۶/۴)، تذکره‌ی روز روشن (۳۳۰)، ریحانه (۲۵۸ -۲۵۷ /۷).

زهادت، عبدالمجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالمجید زهادت

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان تحصیلات دوره متوسطه در سال ۱۳۶۱ به مدرسه عالی شهید مطهری وارد شده و تا سال ۱۳۶۶ دوره مقدمات و سطح را تا پایان مبحث قطع وظن رسائل در آنجا به پایان رساندم و با اخذ مدرک لیسانس و تحصیل را با شکل سنتی حوزوی در قم ادامه دادم و اساتید معظم و با سابقه‌ای مانند استاد اعتمادی در رسائل و استاد ستوده و کفایه و استاد پایانی در مکاسب کسب فیض نمودم پس از آن از درس خارج اصول حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی به مدت ۱۲ سال و خارج فقه کتاب البیع و کتاب الصلاۀ بمدت ۴ سال و خارج فقه آیت الله العظمی صافی کتاب الحج بمدت ۶ سال و خارج فقه آیت الله شاهرودی کتاب البیع بمدت ۱ سال کسب فیض نمودم همزمان به تدریس سطح کتابهای منطق، اصول فقه و معالم، رسائل و کفایه در حوزۀ علمیه قم اشتغال داشته و دارم و در کنار این تدریس در مرکز جهانی علوم اسلامی بیش از ده سال است که به تدریس فقه و اصول و نهج البلاغه و عقائد و کلام بصورت مستمر اشتغال دارم علاوه بر این‌ها به تحقیق در فقه در مرکز فقهی آیت الله گلپایگانی بمدت ۳ سال اشتغال داشتم و در تدوین جلد اول معجم فقهی و کتاب فقه ابن ابی عقیل عمانی همکاری داشتم. در تنظیم بیش از ۱۰ جلد از کتابهای آیت الله العظمی صافی (۴ جلد فقه الحج، ۲ جلد معارف دینی ۲ جلد جامع الاحکام و استفتائات عربی و پزشکی و قضائی نقش عمده داشتم. در کتاب شریف نهج البلاغه تحقیق داشته و دارم و تا کنون دو کتاب بوسیله بوستان کتاب بنام اینجانب نشر یافته است.بحمد الله تعالی

زهدی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک لوحه‌ی ثلث دودانگ عالی، به خط نسخ کتابت جلی عالی، با رقم: «کتبه الفقیر اسمعیل الزهدی سنه ۱۲۰۲»؛ مرقّع ثلث سه‌دانگ و نسخ کتابت و رقاع کتابت عالی، با رقم: «کتبه اضعف الکتاب اسمعیل الزهدی سنۀ اربعین و مائۀ و الف» (۱۱۴۰)؛ «فیروزنامه‌ی» منظوم ترکی در قواعد خطوط، به خط نسخ کتابت خوش ثلث و ریحان عالی و رقاع خوش، با رقم: «فرح اولدی فیروز سنده اولدی چو تاریخی آی سلح ماه رجب رسمه الفقیر اسماعیل الزهدی غفراللّٰه ذنوبه و لمن نظر فیه آمین یا رب العالمین سنۀ ۱۱۳۸»؛ یک قطعه، به خط ثلث دودانگ جلی عالی و نسخ کتابت خوش، با رقم: «کتبه الفقیر اسمعیل الزهدی» دو اثر دیگر وی در کتاب «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر گردیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۴۶/۴).

زهر کاشانی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر زهر کاشانی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۹ با دریافت دیپلم ریاضی فیزیک با معدل کل ۵/۱۸ تحصیلات دوره متوسطه ام پایان یافت. در سال ۱۳۶۰ بنابر علائق شخصی ومذهبی برای تحصیلات علوم دینی وحوزوی وارد مدرسه حاج ملا محمد جعفر(حاج آقامجتهدی) در تهران شدم، پس از حدود پنج سال و اتمام لمعتین برای ادامه تحصیلات حوزوی به قم مشرف شدم. در همین سال افتخار ملبس شدن به لباس مقدس روحانیت نصیب حقیر شد. همزمان با تحصیلات در حوزه مقدسه علمیه قم از سال ۱۳۶۶ در مؤسسه در راه حق سابق(مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) فعلی) به تحصیل دروس الهیات و معارف اسلامی مشغول شدم و نیز از اواخر سال ۱۳۶۸ برای تکمیل تحصیلات و فراهم شدن زمینه های مطالعات علوم انسانی از دیدگاه اسلام به تحصیل در رشته علوم تربیتی با گرایش تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت حوزه و دانشگاه (دفتر همکاری حوزه دانشگاه، سابق) پرداختم. این تحصیلات تا سال ۱۳۷۳ ادامه یافت پس از تحصیلات در پژوهشگاه، در گروه علوم تربیتی وارد تحقیق و مطالعه در زمینه تعلیم و تربیت اسلامی شدم و هم اکنون در آنجا اشتغال دارم.

زهرای شیرازی

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، از زنان شاعر. از اوست:

ای از تو وفا و مهربانی نایاب

بی روی تو لذت از جوانی نایاب

وصل تو حیات جاودانی، لیکن

چون چشمه‌ی آب زندگانی نایاب

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۴۱۸)، مصطبه‌ی خراب (۷۳).

زهرائی، تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تقی زهرائی صالحی در سال ۱۳۴۳ در یکی از روستاهای شهرستان بوئین زهرا به نام خونان بدنیا آمد. بعد از پایان دوره متوسطه در رشته دامپزشکی دانشگاه تهران پذیرفته شد و دکترای دامپزشکی خود را در همان دانشگاه در سال ۱۳۶۸ اخذ کرد. در همان سال دوره تخصصی میکروبیولوژی پذیرفته و در سال ۱۳۷۳ فارغ التحصیل گردید و به عنوان استادیار و اینک به عنوان دانشیار در دانشکده دامپزشکی مشغول تدریس و پژوهش است.گروه : کشاورزیرشته : دامپروریگرایش : باکتری‌شناسیوالدین و انساب : پدر تقی زهرائی صالحی ، علی عسگر زهرایی صالحی فردی زحمت کش و کشاورز بوده است و در سال ۱۳۸۰ دار فانی را وداع گفت مادر وی طوبی خانم ۸۲ ساله و در قید حیات هستند.خاطرات کودکی : دوران کودکی تقی زهرائی صالحی در همان روستای خونان با حال و هوای شرایط روستا گذشت ، بازیهای کودکانه، کار در مزرعه و کشاورزی و تحمل سختی های مخصوص روستا از خاطراتی است که زهرائی صالحی ازآن دوران به یاد دارد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : به گفته تقی زهرائی صالحی شرایط خانوادگی ایشان از نظر مادی و چه از نظر معنوی خوب بود و پدرشان فردی زحمتکش و مادرشان هم خانه دار و پر تلاش بودند. و خانواده از محیطی آرام ، سالم و عاطفی برخوردار بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : - دیپلم متوسطه سال ۱۳۶۲ - دکترای حرفه ای دامپزشکی سال ۱۳۶۸ - دکترای تخصصی میکروبیولوژی (Ph.D) سال ۱۳۷۳ - همچنین دکتر زهرائی در کلاسهایی که از طرف حوزه علمیه قم تشکیل میشد به مدت ۲ سال شرکت کرد و از محضر استادان فراوانی بهره برده است.خاطرات و وقایع تحصیل : همواره تقی زهرائی صالحی در تمام مقاطع تحصیلی مقام اول را از آن خود کرده است و این را از خاطرات خوب دوران تحصیل خود بیان میکند.استادان و مربیان : از مربیان تقی زهرائی صالحی میتوان به : اول دبستان آقای الله وردی،دوم دبستان سرکار خانم رنجبر، سوم دبستان خانم اعتمادی، چهارم دبستان سرکار خانم البسهٔ، پنجم دبستان خانم ناهید عقدایی،اول و دوم راهنمایی خانم بابایی، سوم راهنمایی اقای محمد منافی، دبیرستان آقایان صفیعی، شکروی، جهانخانه، علوی و

امامی اشاره کرد.همسر و فرزندان : همسر تقی زهرائی صالحی سرکار خانم پروانه میرزایی است که در رشته مهندسی الکترونیک تحصیل کرده اند و هم اکنون دبیر دبیرستان شهید صدوقی تهران هستند. حاصل این ازدواج یک دختر و یک پسر میباشد که الهام زهرائی صالحی هم اکنون کلاس اول دبیرستان و امیر محمد تنها یک ساله است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : تقی زهرائی صالحی مدیر گروه میکروبیولوژی از سال ۸۵–۱۳۸۰ بوده است و هم اکنون معاون تحصیلات تکمیلی دانشکده دامپزشکی است.فعالیتهای آموزشی : تقی زهرائی صالحی هم اکنون به تدریس در دانشکده دامپزشکی مشغول است و سابقه تدریس در دانشگاهای کرمان، تهران، کرج، گرمسار، زابل، کازرون را نیز داراست.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : تقی زهرائی صالحی هم اکنون به مطالعه و تحقیق در زمینه باکتریها مشغول است و کارهای تحقیقاتی فراوانی نیز انجام داده است : – تحقیقات در مورد جنبه های مختلف سالمونـدهای بیماریزا در انسان و دام – بررسی جنبه هاب مختف اسهال گوساله ها – بررسی عوامل مدت در اشریشا کل E.Coli – ارزیابی واکسن های E.Coli – ارزیابی روشهای نوین تشخیصهمفکران فرد : دکتر محمد ربانی و دکتر محمد رضا فخرانیه از نامهایی است که تقی زهرائی صالحی از همکاران و همفکران خود نام برده است.جوائز و نشانها : – مجری طرح برگزیده دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۲ – مجری طرح نمونه دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۳ – پژوهشگر برگزیده دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۳ و دریافت نشان درجه ۲ پژوهش

زهره بروجنی، ابوطالب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۸ ش)، شاعر، متخلص به زهره. در بروجن متولد شد. از اخلاف دفتری بروجنی بود. در شهر رامهرمز به کسب و کار اشتغال داشت. گاهی شعر می‌سرود. این بیت از اوست:

زهره این نالیدنت از بهر چیست

شد خجل بلبل زهای و هوی تو

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۲۸).

زهری اصفهانی، ابومحمد عبداللّه

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۵۲ –۱۸۷ ق)، محدث و قاضی. وی اهل اصفهان بود. منصب قضاوت کرج، ناحیه‌ای بین همدان و اصفهان، را عهده‌دار بود که در همان شهر نیز از دنیا رفت. وی دارای تصانیفی می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۴۷/۴).

زهری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، محقق.

تولد: مرداد ۱۳۰۵، روستایی از توابع شهسوار.

درگذشت: ۱۵ اسفند ۱۳۷۳، تهران.

محمد زهری، فرزند عبدالله (ضیغم‌الممالک)، در کودکی همراه خانواده به تهران آمد ولی تحصیلات ابتدایی خود را در شیراز و تهران پشت سر گذاشت. در سال ۱۳۳۳ در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران لیسانس گرفت و دوره دکترای همین رشته را نیز به پایان برد. او در سمت دبیری ادبیات فارسی در دبیرستان‌ها، کارمندی سازمان برنامه، مشاورت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و کتابداری و نیز معاونت کتابخانه‌ی ملی ایران خدمت کرد. زهری کار هنری خود را در رشته‌ی داستان و مقاله برای مطبوعات و فکاهی‌سرایی در «توفیق» آغاز کرد و اولین مجموعه‌ی خود را در سال ۱۳۳۴ منتشر کرد. او علاوه بر شش دفتر شعر، سیزده جلد کتاب‌شناسی سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۱ را نیز انتشار داد. بدین ترتیب زهری نه تنها در زمینه‌ی شعر و ادبیات فارسی، بلکه در قلمرو کتابداری و کتاب‌شناسی نیز فعال بود.

از آثار دیگر اوست: جزیره (۱۳۳۴)؛ گلایه (مجموعه شعر، ۱۳۴۵)؛ شبنامه (یک شعربلند، ۱۳۴۷)؛ و تتمه (مجموعه شعر، ۱۳۴۸)؛ برگزیده شعرهای محمد زهری با اظهار نظرهایی از شاعران و نویسندگان (۱۳۴۸)؛ و مشت در جیب (۱۳۵۱)؛ کارنامه‌ی تحقیقات ایرانی در سال ۲۵۳۵ (با همکاری خسرو سلیمی و هرمز عبداللهی، ۱۳۵۶).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

زیاد

قرن:۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن سلیمان اعجم. شاعر عربی گوی ایرانی‌الاصل (ف. در فتح اصطخر شرکت داشت. در اشعار عربی خود الفاظ فارسی را داخل می‌کرد.)

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

زیارتگاهی، عبدالله

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط. از خوشنویسان زبردست اقلام شش‌گانه است که نستعلیق را نیز خوش می‌نوشته و از قدیمی‌ترین خوشنویسان این خط و معاصر جعفر بایسنقری است. از آثار وی: دو قطعه در مرقع امیر غیب‌بیک، به اقلام مذکور و نستعلیق کتابت متوسط، به شیوه‌ی اظهر تبریزی، با رقم: «کتبه... عبدالله الزیارتگاهی... فی سنه اثنی و ثلثین و ثمانمائه الهجریه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۸۹ / ۴، ۳۵۶ / ۲)، گلستان هنر (نوزده)، هنر عهد تیموریان (۵۷۷).

زیارتی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد زیارتی فرزند مرحوم سید محمدصادق زیارتی سمنانی در سال ۱۲۸۰ شمسی در روستای زیارت از توابع مهدی شهر سمنان به دنیا آمده و دروس ابتدائی و مقدمات را نزد والد ماجدش و نیز پدر همسرش خوانده و بعد عزیمت به تهران نموده و چند سالی مقدمات و ادبیات و سطوح را از اساتید و مدرسین آن سامان در مدرسه سید نصرالدین و مدرسه فخریه (مروی) استفاده کرده و بعد به قم عزیمت نموده و در حوزه علمیه مشغول تکمیل مبانی علمی فقه و اصول شده و از محضر آیات عظام حوزه چون آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و حاج شیخ محمدعلی اراکی و آیت‌اللّه العظمی حایری مؤسس یزدی و دیگران استفاده نموده، تا به مدارج علمی اجتهاد رسیده و به تهران آمده و در مدرسه خان مروی یاد شده به تدریس فقه و اصول و غیره مشغول شده تا در سال ۱۳۶۶ قمری که به سنگسر (مهدی شهر) برگشته و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین و بالاخص مبارزه با فرقه ضاله (بهائیه) پرداخته و مجاهدات طاقت فرسائی نموده و صدمات و لطمات طاقت‌فرسائی متحمل شده و از آشنا و بیگانه مصائبی را به جان خریده و مدتی هم از طرف دولت طاغوتی به تحریک منافقین و فرقه گمراه تبعید به کاشان شده و پس از چندی آزاد و به تهران آمده سپس به محل خود برگشته و به وظائف خویش مشغول گردیده تا در روز بیست و هفتم ذی‌حجه سال ۱۴۰۰ قمری برابر سال ۱۳۵۹ شمسی در سن هفتاد و هشت سالگی در تهران از دنیا رفته و با تشییع و تجلیل کم‌سابقه‌ای حمل به سنگسر (مهدی شهر) و در حسینیه المهدی (ع) آنجا مدفون گردیده است.

آثار و باقیات الصالحات ایشان

۱- حسینیه المهدی (مهدی شهر)

۲- غسالخانه قریه زیارت

۳- تجدید بناء مسجد پامنار مهدی شهر

۴- تجدید بناء مسجد صاحب الزمان

۵- حمام ولی عصر عجل‌اللّه فرجه الشریف

دارای دو فرزند روحانی می‌باشند که به خدمات فرهنگی و علمی و دینی اشتغال دارند.

۱- آقای سید حمید روحانی زیارتی مؤلف کتاب نهضت امام خمینی در دو مجلد بزرگ .

۲- حاج سید محمدعلی روحانی زیارتی که در قم اشتغال به تحصیل و تکمیل مبانی علمی دارند.

بیوگرافی آقای زیارتی به قلم یکی از فرزندان ایشان در سالگرد درگذشت ایشان

از درگذشت مجتهد عالیقدر حضرت آیت‌اللّه آقای حاج سیداحمد زیارتی یکسال می‌گذرد.

ابر عالمی که عمر گرانبهای خود را در خدمت به اسلام، نشر احکام، ترویج دین و هدایت انسانها ارشاد مسلمانها گذراند و از مبارزه با کفر و الحاد، انحراف و گمراهی و سیاهی و تباهی هیچگاه باز نایستاد.

آیت‌اللّه زیارتی در مورخه ۱۲۸۲ در دهکده‌ی زیارت چشم به جهان گشود. تقریبا در سن ۲۰ سالگی برای تحصیل علوم اسلامی راهی حوزه علمیه‌ی قم گردید و از محضر پر ارج علمای عظیم‌الشان عصر خویش چون حضرات آیات عظام حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و حاج سید محمدتقی خوانساری و حاج فاضلی قمی (اعلی اللّه مقامهم) به کسب فضائل علمی پرداخت و دیری نپائید که قوه استنباط و مقام اجتهاد را احراز کرد. در سال ۱۳۲۰ به تهران منتقل و در مدرسه مروی به تشکیل جلسات علمی، اسلامی،

برگزاری نماز جماعت و تدریس پرداخت و نیز عهده‌دار تولیت مسجد مروی شد. علیرغم استقبال شایان توجهی که اهالی تهران به ویژه دانش‌پژوهان مدرسه دارالفنون از جلسات ارزنده ایشان به عمل می‌آورند طبق دستور صریح قرآن که اعلام می‌دارد (فلولا نفر من کل فرقهمنهم طائفه...).

در سال ۱۳۲۲ مهدی‌شهر سمنان که به صورت پایگاه مخوف و مرکز مرموزی برای حزب صهیونیستی بهائیت درآمده بود مهاجرت کرده و به یاری شهروندان بی‌پناه خویش که از هر طرف مورد هجوم دشمنان اسلام و دین‌سازان بین‌المللی قرار گرفته بودند شتافت و یک تنه در برابر راهزنان عقیده و ایمان که با به راه انداختن بساط بهائیگری و صوفیگری می‌خواستند ریشه اسلام را از بیخ و بن برکنند ایستاد و به روشنگری پرداخت و چراغ هدایت را فرا راه توده‌های مستضعف مسلمان نهاد و دست آنان را گرفته یکی پس از دیگری به صراط مستقیم رهبری نمود و از کجروی، کج‌اندیشی و غلطیدن در سراشیبی انحراف و انحطاط جلوگیری کرد.

بدخواهان، کج‌اندیشان، زراندوزان، دین‌سازان و دزدان عقیده و ایمان که با مبارزه منفی و قاطع آیت‌اللّه زیارتی بایکوت. ایزوله و منفور شده بودند به توطئه‌چینی دست یازیدند و با همکاری مزدوران دولتی به پرونده سازی واهی علیه ایشان پرداخته نقشه تعقیب و محکومیت ایشان را فراهم ساختند که منجر به مهاجرت ایشان به تهران در سال ۱۳۳۱ گردید. لیکن از آنجا که آیت‌اللّه زیارتی هماره مشمول الطاف خداوندی و عنایات ویژه حضرت ولی عصر امام زمان عجل‌اللّه تعالی فرجه الشریف قرار داشتند در این برهه حساس توانستند با پشتکار و پایداری و اتکال بر لایزال این توطئه خائنانه دشمنان اسلام را خنثی سازند و پیروزمندانه و مقضی المرام به مهدی شهر بازگردند و رسالت مقدس خود را در ارشاد توده‌ها و ریشه‌کن ساختن کجرویها و کج‌اندیشی‌ها دنبال کنند و «سنگسر» کفرخیز و فسادانگیز را به «مهدی شهر» اسلام پناه بدل سازند و اهالی محل را هرچه بیشتر از گروه‌های کافر پیشه و منحرف دور داشته به اسلام آشنا و اولیای خدا متوجه کنند و ده‌ها نفر دانشمند در مسائل دینی تربیت نمایند.

آقای زیارتی علاوه بر ارشاد و هدایت توده‌ها به عمران و آبادی شهر نیز اهتمام ویژه‌ای داشتند و با امکانات محدود و با کمک مردم مستضعف و مستمندی که با دسترنج خود ایشان در مسائل عمرانی یاری می‌کردند توانستند سه باب حمام، دو مسجد، یک حسینیه، یک غسالخانه، و یک داروخانه تأسیس نمایند و بدین وسیله تا حد امکان وسائل رفاه و آسایش اهالی را فراهم سازند.

حزب صهیونیستی بهائیت که هیچگاه از توطئه و دسیسه علیه اسلام و ایران بازنمی‌ایستد، در سال ۱۳۳۸ با همدستی بعضی از خوانین محل به منظور ضربه زدن به اسلام در مقام تأسیس کانون فساد و جاسوسی به اسم «مشرق الاذکار» در مرتفع‌ترین مکان شهر برآمدند که با همت مردم مسلمان و غیور شهر درهم کوبیده شد و پس از سالها کشمکش سرانجام در سال ۱۳۵۱ بار دیگر عنایت ویژه حضرت امام مهدی منتظر شامل حالی اهالی گردید و آن مکان حساس در اختیار مسلمانان قرار گرفت که به اراده آیت‌اللّه زیارتی ساختمان حسینیه باشکوهی در آن مکان به نام آن حضرت تأسیس شد که اکنون مرکز نشر و تبلیغ اسلام و محل مراسم هفتگی نماز جمعه می‌باشد.

آقای زیارتی طبق فرامین اسلامی با رژیم ضد اسلامی ایران موضع آشتی‌ناپذیر و استواری داشت و نه تنها هرگونه مراوده و ارتباط با مقامات دولتی را مردود و محکوم می‌شمرد بلکه حتی عقد طلاق در محضرهای دولتی را جایز نمی‌دانست و در طول عمر پر افتخار خویش هرگز با مقامات مزدور رژیم پهلوی ارتباط برقرار نکرد در مراسم رسمی دولتی شرکت ننمود و علیرغم فشار همه جانبه‌ی ساواک از دعاگوئی و مدیحه سرائی برای رژیم به شدت خودداری کرد و دست رد بر سینه‌ی نامحرم زد. این موضع انعطاف‌ناپذیر و سرسختانه آیت‌اللّه زیارتی در برابر رژیم طاغوت و ضربه‌های سنگینی که بر حزب صهیونیستی بهائیت وارد کرده بود موجب گردید که بار دیگر توطئه ننگین و خائنانه‌ای علیه ایشان به مرحله‌ی اجرا درآمد و در تاریخ اسفند ماه ۱۳۵۴ بدون محاکمه و اثبات بزه به ۲ سال تبعید در کاشان محکوم گردید و بر اثر کسالتی که در تبعیدگاه دچار شد برای همیشه زمین‌گیر و سرانجام در تاریخ ۲۷ ذیحجه ۱۳۹۹ به رحمت ایزدی پیوست.

انا لله و انا الیه راجعون

ذیحجه ۱۴۰۰– آبان ۵۹

باقیات الصالحات مرحوم زیارتی

در سنگسر مکان مناسب و مرتفعی به نام (قلعه) از قرنها پیش برای مسلمانان محل دعا و خیرات و عزاداری ماه محرم بوده در سال ۱۳۱۰ ش منکرین امام زمان عجل‌اللّه تعالی فرجه بقصد لطمه به دین مبین اسلام در خفا با نیرنگ و تشبث آنجا را به ثبت رسانیدند و در سال ۱۳۳۸ به عنوان کانون ضد اسلامی مشغول بنائی شدند که از جانب عموم مسلمین سنگسر منهدم گردید و پس از یکسال کشمکش بالاخره شورای عالی ثبت پرونده ثبتی قلعه را باطل اعلام نموده و کار به دادگستری کشید.

چون مبارزه دینی محض بود حضرت آیت‌اللّه العظمی آقای بروجردی اعلی‌اللّه مقامه و حضرت آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید احمد خوانساری ادام‌اللّه عزه و حضرت آیت‌اللّه آقای حاج سید احمد زیارتی ادام‌اللّه عزه در امر آن توجهات مخصوصه فرمودند در مدت ۱۴ سال جریان محاکمات که دوران اضطراب و درماندگی مؤمنین سنگسر بود جز دعا و استغاثه به درگاه پروردگار و توسل به حضرت ولی عصر عجل‌اللّه تعالی فرجه که فریادرسی از شیعیان شیوه آن بزرگوار است راهی نبود پس از سالها تلاش الحمدلله در سال ۱۳۵۱ رای قطعی بر حقانیت مسلمین صادر گردید و قدرت اعجاز حضرت حجه منتظر (فرزند برومند فاتح قلعه خیبر) در تمام مراحل مشهود بوده است پیروان و دوستداران آن حضرت برای بزرگداشت این موهبت عظمی و افتخار بی‌همتا و برای عرض ادب به ساحت مقدس حضرت بقیه‌اللّه لازم دانستند ساختمان حسینیه مجلل و باشکوه که جلوه‌گر معجزه نمائی آن حضرت باشد بنا نمایند تا آن نور دیده اهل ایمان به آستان تابناک جد گرامی خود حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام اهداء نماید امید است این خدمت ناچیز قبول حضرتشان باشد و به یادگار معجزه امام زمان برای قرون و اعصار بماند.

و سنگسر به نام نامی حضرت مهدی منتظر (ارواحنا فداه) مهدی شهر نامیده شود. «ان‌شاءاللّه تعالی».

خاطره نگارنده (از مهدی‌شهر)

نگارنده گوید: در ماه رمضان ۱۳۶۷ قمری برای تبلیغ به شهمیرزاد واقع در یک فرسخی (۶ کیلومتری) مهدی‌شهر که در آن وقت

معروف به سنگسر بود رفته بودم و در آن موقع هشتاد درصد (۸۰ درصد) مردم آنجا منحرف و پیروی مرام سخیف و کثیف باب و بهاء بودند و در شهمیرزاد هم چندین خانواده از آنان بودند پس همه روز بر علیه آنان سخنرانی کرده و بدعتها و انحرافات آنان را فاش نموده و تبلیغ می‌نمودم و آنها ناچار مبلغی برای مناظره با من از محفل خود خواستند و وی که مرد سالخورده‌ای بود و می گفت کرارا به حیفا وعکا رفته‌ام بحمداللّه و فضله در یک مجلس مباحثه و مناظره محکوم شده و عده‌ای ازآنها برگشته و یا در مرامشان متزلزل شدند و پس از ماه رمضان که عازم مراجعت گردیدم و عده‌ای بسیار برای مشایعتم آمدند و چون از شهمیرزاد خارج و به سنگسر (مهدی شهر) رسیدم جماعتی به استقبال آمده و مرا به گرمی از ماشین پیاده نموده و به منزلی بردند و می‌گفتند شما یک ماه در شهمیرزاد افاضه نموده یک شب هم به ما می‌رسد.

پس از ورود به منزل آنان و وضع آنجا و قیافه آنها ناگهان ملهم شدم که شاید اینها بهائی و منحرف از اسلام باشند و نقشه‌ای برای کشتن من داشته باشند وحشت عجیبی به من دست داد تفال به قرآن مجید زدم تا مطلب برایم روشن گردد پس چون قرآن را گشودم این آیه آمد «ان الملاء یأتمرون بک لیقتولک» به تحقیق که این گروه نسبت به تو سوء قصد دارند و نقشه می‌کشند که تو را بکشند. پس فورا از آن محفل بیرون آمده و فرار را برقرار اختیار نموده و خود را به خدا و حضرت ولی‌اللّه اعظم روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء سپرده و به راه آهن سمنان آمده و با وسیله قطار به مشهد رسانیدم و از حضرت رضا علیه الصلوه والسلام تشرف مکه را خواستم پس من حیث لا ـ یحتسب موفق و مشرف در مراجعت به ایران پایم که در اثر درد کوتاه و مرحوم دکتر علوی که طبیب معالجم بود و می‌گفت پایت باید عمل جراحی شود چون استخوان پای سیاه و ۷۰ درصد حتما از ساق بریده و یا سی درصد کوتاه خواهد شد در اثر توسل به باب الحوائج الی اللّه حضرت موسی ابن جعفر علیهماالسلام شفا یافت.

و داستان سنگسر هم قبل از آمدن مرحوم آیت‌اللّه زیارتی بسنگسر (مهدی‌شهر) بوده است و الحمدلله علی العافیه و التوفیق.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

زیبایی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. وی معاصر عبدالرحمان جامی بود. او را در شعر به مهارت و استادی ستوده‌اند. «مجالس النفائس» او را از شاعران مرد دانسته و از او به اسم مولانا زیبایی یاد کرده است. ظاهرا تخلص او موجب شده که تذکره‌های بعدی او را جزو زنان شاعر قلمداد کنند. برخی تذکره‌ها زیبایی خانم نیز نوشته‌اند.[۱]

قرن نهم هجری، از شاعران نامدار. وی معاصر عبدالرحمن جامی (۸۹۸ –۸۱۷ ق) بود. به نوشته خیرات حسان، او را در شعر به مهارت و استادی ستوده‌اند. بیت زیر از اوست:

قامتت شیوه‌ی رفتار چو بنیاد کند

سرو را بنده‌ی خود سازد و آزاد کند

مجالس‌النفایس او را از شاعران مرد دانسته و از او به اسم مولانا زیبایی یاد کرده است. ظاهراً تخلص او موجب شده که تذکره‌های بعدی او را جزو زنان شاعر قلمداد کنند. برخی تذکره‌ها زیبایی خانم نیز نوشته‌اند.[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از رابعه تا پروین (۱۴۲)، الذریعه (۴۰۸/۹)، زنان سخنور (۲۲۵/۱)، مجالس النفائس (۸۳ –۸۲)، مشاهیر زنان (۱۱۴).

[۲] منابع: مجالس‌النفایس ۸۳ –۸۲؛ خیرات حسان، ۱۸ /۲؛ حدیقةالشعراء، ۲۱۵۹ /۳؛ دایرةالمعارف آریانا، ۵۰۹ /۲؛ از رابعه تا پروین، ۱۴۲؛ زنان سخنور، ۲۲۵ /۱؛ «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره دوم، ۵۲؛ الذریعه، ۴۰۸ /۹؛ شمع انجمن، ۱۸۶؛ تذکره حسینی، ۱۳۹؛ ریاحین‌الشریعه، ۲۰۷ /۶.

زیبایی نژاد، محمد رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا زیبایی نژاد

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۰ موفق به اخذ مدرک دیپلم در شیراز شدم در این سال دروس سال اول حوزه علمیه به صورت آزاد فراگیری شد. سال ۶۱ به حوزه علمیه قم وارد شدم . سال ۶۱ – ۶۲ در مدرسه علمیه رسالت و پس از آن در مدرسه رضویه . از سال ۶۴ به مدت ۱۱ سال مشغول به تدریس ادبیات (جامع المقدمات، سیوطی، مغنی) و در مدارس رضویه، معصومیه، حقانی و مرعشیه بودم . شرکت

در ده ها سمینار و همایش به عنوان سخنران و یا شرکت در میزگرد در موضوعات مختلف از جمله فعالیت های انجام شده از سال ۷۶ تا کنون بوده ، بعلاوه تدریس در دوره های آموزش مباحث زنان برای طلاب سطح ۳ حوزه، خواهران، دانشجویان، اساتید حوزه و دانشگاه و اعضای نهادهای تخصصی زنان از جمله این فعالیتها ، از سال ۷۷ تا کنون بوده است. (حداقل ۵ دوره آموزشی) همکاری با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به عنوان عضو شورای علمی دانشنامه زینب فاطمی (س) و مسئول گروه زن در این دانشنامه از سال ۸۱ از جمله فعالیت هاست. در سال های ۷۴، ۷۵ و ۸۰ به دلیل احساس خلأ در آثار دین شناسی و فقدان متنی که مسیحیت را در نگاه مسیحی و در نگاه اسلامی به صورت مقایسه ای تبیین کند مطالعات شخصی در آثار اسلامی (آیات ، روایات و متون) و آثار مسیحی انجام دادم که نتیجه آن ۲ جلد کتاب در این موضوع شد. در سال ۷۸ هم پیشنهادات تالیف کتابی را برای حوزه علمیه خواهران در موضوع زن ارائه شد که نتیجه آن تدوین یک جلد کتاب (با همکاری حجه الاسلام محمد تقی سبحانی) بود. در سال ۱۳۶۷ رتبه دوم پایه ۷ حوزه در سال ۱۳۶۸ رتبه اول پایه ۸ حوزه شدم. همچنین ایشان در سال ۷۷ مسئول دفتر مطالعات و تحقیقات زنان وابسته به مرکز مدیریت حوزه علمیه فروزان هستند

زیدری نسوی، شهاب‌الدین، نورالدین محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۶۴۷ ق)، شاعر، نویسنده و مورخ. تحصیلات وی در خراسان انجام گرفت. منشی سلطان جلال‌الدین منکبرنی خوارزمشاه بود و در آغاز کار در خدمت امرای محلی نسا بسر می‌برد و سپس به اردوگاه سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه در عراق و آذربایجان پیوست. وی از سال ۶۲۲ ق صاحب دیوان انشاء آن سلطان جنگجوی شد و تا سال ۶۲۸ ق در این سمت باقی بود. زیدری مدتی در بلاد آسیای صغیر و آذربایجان سرگردان بود. تا عاقبت در میافارقین نزدیک ملک مسعود از سلاطین کرد ایوبی رفت و در آن جا کتاب «نفثه المصدور» را با انشاء مزین در حدود سال ۶۳۲ ق نگاشت وی در حدود ۶۴۷ ق در حلب در گذشته است. کتاب دیگر خود را بنام «سیره جلال‌الدین منکبرنی» در سال ۶۳۹ ق به عربی تالیف کرد. «دیوان» شعر از دیگر آثار او ست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۸۲ -۱۱۷۹ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۹۴)، الذریعه (۱۲۳۰/۹)، گنج و گنجینه (۳۱۰)، نفثه المصدور (مقدمه).

زیدی، احتشام

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیداحتشام عباس زیدی

محل تولد : هند

شهرت

تابعیت : هندوستان

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۵/۵

زندگینامه علمی

عالم دینی و ادیب شاعر تخلص ب"حشم. "ولد فی مدینه جونپور الهندیه. حصل علی الیسانس(۱۳۹۶ ق) و الماجستیر(۱۳۹۹ق) فی اللغه الفارسیه و آدابها من جامعه بنارس. قدم الی مدینه قم لدراسه العلوم الدینیه سنه (۱۴۰۴ ق)، فتلمذ فی مختلف المراحل الحوزویه لعده اساتذه، منهم: الشیخ حسن زاده الآملی، الشیخ علی پناه الاشتهاردی، الشیخ محمد تقی بهجت، الشیخ علی المشکینی. عین عضوا فی الهیئه الاداریه لمجله " التوحید "الاردیه الصادره عن منظمه الاعلام الاسلامی. قصد امیرکا عده مرات لتبلیغ تعالیم الدین الحنیف. یسکن حالیا مدینه قم و یبذل نشاطات ثقافیه مختلفه فی التدریس و الترجمه.

زیرکی هروی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از شاعران معاصر امیرعلیشیر نوایی است که در سرودن غزل توانا بوده است. حکیم شاه محمد قزوینی یکی از غزلیات او را به امر سلطان سلیم تتبع کرده است. ا ز او است:

در راه عشق سنگ جفا توشه‌ی من است

در کوه و دشت لاله جگر گوشه‌ی من است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۰۸/۹)، مجالس النفایس (۷۶ -۷۵).

زین اصفهانی، زین‌الدین محمود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اصل وی از پسینان اصفهان بود و مولد وی یزد. از حکمای معروف ایران در زمان خود بود که در دوران اکبر پادشاه گورکانی به هند رفت و پس از چندی به ایران بازگشت. از او رباعیات زیبایی به جا مانده است. از او است:

علم ازلی آب و گل من چو سرشت

تخمی ز بد و نیک عمل در وی کشت

او عالم و من معترف کرده‌ی زشت

کاتب گنه مرا چه بیهوده نوشت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۷۷)، الذریعه (۴۰۹/۹)، تذکره‌ی روز روشن (۳۳۵)، فرهنگ سخنوران (۴۱۹)، کاروان هند (۵۱۱ -۱/ ۵۱۰).

زین العابدینی مرندی، موسی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

موسی زین العابدینی مرندی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت : زین العابدینی

تابعیت : عراق

تاریخ تولد : ۱۳۱۲/۱/۱

زندگینامه علمی

موسی زین‌العابدینی فرزند مرجع زاهد و عارف شیخ هادی که از نوادگان شیخ بهائی عاملی است در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی در شهر نجف اشرف به دنیا آمده ام. پدرم متولی امر تربیتی و آموزشی مرا از همان بدو کودکی به عهده گرفت و خواندن و نوشتن قرآن را به من آموخت که من ۶ ساله بودم. از نوجوانی صرف و نحو و تمامی سطوح را تا انتهای آن نزد پدرم به پایان رساندم. و علاوه بر ایشان مکاسب را نزد محقق بزرگوار شیخ حسن یزدی و کفایه را نزد استاد محقق شیخ فاضل قائنی خواندم. درس خارج اصول را به مدت ۱۰ سال حدود یک دوره و نصف و خارج فقه اکثر ابواب فقه را نزد مرجع عالی قدر سید ابوالقاسم خوئی و حدود ۵ سال نزد امام خمینی(ره) خارج فقه خواندم. مسائل مستحدثه را نزد محقق بزرگ شیخ حسین حلی و بعضی ابواب فقه را نزد سید عبدالهادی شیرازی و بعضی از علوم دیگر را مثل عروض، هیات، طب و غیر اینها را نزد استاد عالی مقام شیخ مرتضی گیلانی به پایان رساندم. و اجتهاد خویش را از پدرم شیخ هادی زین العابدینی و حضرت آیت الله العظمی خویی بحمدالله گرفتم. از همان سنین جوانی تألیف و نوشتن کتاب را آغاز کردم. البته تقریرات تمامی دروس خارج را به دقت می‌نگاشتم و نگهداری می‌نمودم. ولی متأسفانه بعد از اینکه ما را از نجف اشرف بر روی مرز ایران قرار داده و اجازه ندادند حتی مدارک هویتی و سجله‌های خود و خانواده ام را بردارم تمامی زندگی و مایملک اعم از پول و وسائل شخصی خانه و کتابهای چاپی و خطی و تقریرات علمی اینجانب را صد افسوس و صد افسوس و... به یغما بردند ـ البته حدود دو سال به جرم مبارزه سیاسی در زندانهای عراق مثل ابوغریب و غیره محبوس بودم تا با توسل به حضرت ثامن الحجج(ع) از حبس رهائی یافتم. شرح منطق به صورت تعلیقی و زندگانی و سرگذشت علمی و تاریخی داوود بن الحسن(ع) حدود ۵۰۰ صفحه بود و نیز در زندگانی کمیل بن زیاد و حیات علمی او در زمان امیرالمؤمنین علی‌بن ابیطالب(ع) دیوان شعری هم درباره زندگانی و مدح ائمه اطهار(ع) نوشتم و سرودم از بیشتر علماء نجف اجازه در امور حسبیه داشتم و اکثر مراجع قم نیز اجازه حدیث یا امور حسبیه را به بنده مرحمت نموده اند. مدت ۸ سال برای تبلیغ به منطقه کوت که شهر بسیار مهم ولی از لحاظ علمی و شرعی ضعیف بود، که در مدت ۸ سال تأسیس مسجد ، حسینیه ، مدرسه و تربیت جوانان بسیار زیاد با پشتوانه مراجع آن زمان سیدمحسن حکیم و سید ابوالقاسم خوئی کار مهمی بود و بیشتر وقتها با شهید سعید محمدباقر صدر در امور اداره فرهنگی این شهر که بین بغداد و بصره واقع شده مشورت می‌نمودم و ایشان از حامیان اصلی اینجانب بودند. سال ۱۳۵۹ بعد از انقلاب اسلامی ما را به عنوان ایرانیان مقیم عراق از نجف بدون اخطار قبلی و به بهانه‌ای، حضور ما در کلانتری را خواستند و بعد از اینکه در کلانتری (امنیت نجف) حاضر کردند با تمامی عموها و بسیاری از علمای نجف با ماشینهای ارتشی، لب مرز ایران و عراق قرار داده و تمامی اموال و کتابها را مصادره نموده و یا به آتش کشیدند.و کار تبلیغی و علمی خود را در تهران منطقه دولت آباد شهر ری مجدداً آغاز نمودم و تا سال ۷۷ در تهران به کار تدریس و تبلیغ در حوزه قائم ـ مروی ـ دانشگاه امام صادق حسینیه معیری که با همت اینجانب برای عراقیها تأسیس شد که زمین آن تاکنون به اسم اینجانب است و

از سال ۷۷ به بعد بر اثر بدی هوای تهران به قم منتقل شدم. و به تدریس در حوزه گلپایگانی و فرصتی دست یافت تا خیلی از تألیفات خویش را به اتمام برسانم. که اکثر تألیفات اینجانب هنوز به عللی که خدای سبحان صلاح دیده و می‌داند چاپ نگردیده بجز کتاب احسن المقال فی حکم الصلاهٔ علی النبی و آله که اهل خیری آن را به چاپ رسانید.

زین العابدینی، هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی زین العابدینی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب هادی زین‌العابدینی فرزند شیخ موسی، بعد از گذراندن دوره دبیرستان به حوزه علمیه مجتهدی(ره) در تهران توفیق حضور یافتم. از همان ابتدا سال دوم حوزه به صلاحدید حضرت استاد مجتهدی به تدریس مشغول بودم و تاکنون نیز مشغول تدریس می‌باشم؛ صرف و نحو، بلاغت،اصول،فقه،بدایهٔ الحکمه،نهایهٔ الحکمه،مکاسب محرمه،رسائل، کلیات فی علم الرجال،درایهٔ الحدیث و عقائد (آیت الله سبحانی) از جمله درسهایی است که در تهران و قم به تدریس آنها مشغول بوده و هستم. والان مشغول تدریس مکاسب،رجال،درایه به صورت رسمی از شورای مدیریت می‌باشم.

زین بروجردی، زین‌العابدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر متخلص به زین. از مردم بروجرد و مردی معقول و کاردان. از اوست:

نفس باد صبا باز عبیر آگین است

باغ و بستان ز گل و لاله بهشت آیین است

روز عید است و دهد مژده به گل باد صبا

دی که دی رفت و کنون نوبت فروردین است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۷۱۱ -۱/۷۱۰)، گنج شایگان (۱۹۱ -۱۹۰).

زین خوانساری، زین‌العابدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۳ -۱۲۲۹ ش)، نویسنده و شاعر. خاندان وی امور قضایی خوانسار را به عهده داشته‌اند. وی در علم اسطرلاب دستی داشته و در این باره کتابی نوشته است. او گاهی به اقتضای حال شعری می‌سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای خوانسار (۱۶۳ -۱۶۲)، فرهنگ سخنوران (۴۱۹).

زین طالقانی، زین‌العابدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۶ ش)، نویسنده و شاعر. در یکی از دهکده‌های طالقان در خانوده‌ای روحانی متولد شد. پس از فراگرفتن مقدمات در طالقان برای ادامه تحصیل به تهران آمد و از دانشکده الهیات و حقوق به اخذ لیسانس نایل گردید. پس از آن وارد خدمت دولت شد و به سمت مشاور حقوقی وزارت دارایی مشغول کار شد. طبع شعر نیز داشت. اثر وی: «بقاء روح پس از مرگ»، که ترجمه کتاب خواجه نصیر طوسی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۲۷۳ -۲۷۲ /۳).

زین قزوینی، زین‌العابدین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از شاعران خطه قزوین بود که علاوه بر توانمندی در سرودن شعر، در فن نثر نیز سرآمد بود. گویند: «پیوسته خاطر را به امداد فقرا می‌گماشت».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۳۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۶۰)، فرهنگ سخنوران (۴۲۰).

زینا شیرازی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۱ ق)، خطاط. از آثار او: «شرح اشعار» انوری، جلد روغنی و مذهب، به خط نسخ کتابت خفی متوسط، با رقم: «تمام شد شرح مقطعات بمبارکی و فرخی. قد وقع الفراغ من استنساخه وقت الضحی یوم السبت ثامن عشر رمضان المبارک سنه احدی و شعرین و الف. اقل خلق‌اللّه زیناء الشیرازی سنه‌ی ۱۰۲۱».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۷۱/۴).

زین‌الدین خوافی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۳۸ ق)، عارف و شاعر. وی از عرفای بزرگ اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم هجری و از پیشروان طریقه‌ی سهروردی و مرید شیخ نورالدین عبدالرحمان مصری بود. مرد دانشمند و عارف پارسایی به شمار می‌رفت. در پایان زندگی حال جذبه‌ای در او پدید آمد که قریب یک سال خاموش بود. درویش احمد سمرقندی از مریدان و خلفای او بود. زین‌الدین خوافی را پس از مرگ نخست در قصبه‌ی بالین به خاک سپردند، سپس جنازه‌ی او را به درویش‌آباد بردند و پس از آن نزدیک عیدگاه هرات، به خاک سپردند و خواجه غیاث‌الدین پیر احمد خوافی عمارت عالی بر سر خاک او ساخت. وی شعر فارسی را خوب می‌سرود و تالیفاتی نیز در تصوف به زبان فارسی و عربی دارد، از آن جمله: «نهج الرشاد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (۴۳۱)، تاریخ نظم و نثر (۲۶۴)، تذکره‌ی روز روشن (۳۳۵)، دایرهٔالمعارف فارسی (۱۲۰۱/۱)، الذریعه (۴۱۰ -۴۰۹ /۹)، ریاض العارفین (۸۲)، گلزار جاویدان (۵۸۱/۱)، نفحات الانس (۴۹۵ -۴۹۳).

زین‌الدین سیستانی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. اهل سیستان است و در سخنوری و سخن‌رانی طبعش متین و سخنش رنگین و در صنایع و بدایع ماهر و اشعار نیکو از او ظاهر می‌شد. از قصاید او آنچه به نظر رسید چند قصیده بود. بعضی اشعار او در تذکره‌ی «عرفات» تقی‌الدین اوحدی دیده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۱۰/۹)، صبح گلشن (۱۹۲)، فرهنگ سخنوران (۴۲۰)، لباب الالباب (۲۵۹ -۲۵۳ /۱)، مجمع الفصحا (۶۹۴ -۶۹۱ /۲)، هفت اقلیم (۲۹۷/۱).

زین‌الدین محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در فهرست منتجب‌الدین است که وی مردی ادیب و فاضل و طبیب است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول

زین‌الدینی اراکی، عطاءالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید عطاءالله زین‌الدینی بن السید العلام و الحجه الاسلام حاج سید عنایت‌الله زین‌الدینی موسوی که سی و چهار پشت فاصله تا حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام دارند از فضلاء دانشمندان اراک دارای حسب و نسب عالی می‌باشند در سال ۱۳۰۸ شمسی در شهرستان اراک متولد شده و پس از خواندن دروس ابتدائی و ادبیات را خدمت آشیخ قنبر رفیعی و آقای حاج سید اسمعیل به قم مهاجرت نموده و قسمتی از ادبیات را هم از مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم نحوی فراگرفته و سطوح را از مرحوم آیت‌الله امام خمینی و آیت‌الله سلطانی و بعض دیگر استفاده نموده و در امتحاناتی که از طرف آیت‌الله العظمی بروجردی تشکیل می‌شد شرکت نموده و مورد قبول و تشویق آیت‌الله واقع و پس از تکمیل سطوح به درس معظم‌له حاضر شده و از محضر آیات عظامی چون آیت‌الله العظمی گلپایگانی و آیت‌الله العظمی شریعتمداری و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی و بعضی دیگر استفاده نموده و به دریافت اجازه روایتی و غیره از آیات عظام نجف و قم گردیده است.

آثار قلمی ایشان دراسات و تقریرات دروس اساتید قم می‌باشد در فقه و اصول و نیز قسمتی از مباحث اخلاقی را به رشته تحریر آورده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

زین‌الدینی، عنایت‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید عنایت‌الله زین‌الدینی بن السید الاعلام آقا سید سیف‌الله مدفون در قریه رشیدی چاپلق در تاریخ ۲۵ شهر ذی‌الحجه الحرام ۱۳۱۵ قمری متولد شده و پس از پایان کودکی در حجر تربیت پدر معظم خود بتحصیل فارسی پرداخته و بعد از فراغت از آن مقداری از مقدمات را نزد وی استفاده کرده آنگاه باراک آمده و مقدمات را نزد مرحوم حاج ملا عبدالحمید انجدانی که یکی از علماء نحو بوده استفاده و مقداری از سطح را خدمت مرحوم آقای حاج شیخ عباس اردیس آبادی مدرس که یکی از علماء جلیل و از صاحبان مقامات عالیه و کرامت باهره بوده خوانده و پس از چند سالی در سال ۱۳۴۱ بقم مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آیه‌الله حایری و بعضی دیگر استفاده کرده و ثانیا باراک برگشته و از محضر مرحوم سلطان العلماء و مرحوم آیه‌الله میرزا ابوالحسن مجتهد بهره‌مند شده و مدتی هم از محضر مرحوم آیه‌الله حاج آقا حسن فرید محسنی خارج فقه و اصول را استفاده کرده و اکنون بالغ بر چهل و پنج سال است که در اراک اقامه جماعت دارد و هم بتبلیغ احکام و نشر آثار اهل‌بیت علیهم‌السلام مشغول می‌باشد.

فرزند ارجمند ایشان آقای عزالدینی از علماء و فضلاء مبرز حوزه علمیه قم هستند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

زینبی علوی محمودی، عبدالجبار

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، شاعر. از شاعران استاد عهد سلطان محمود و سلطان مسعود غزنوی بود که به قول بیهقی از شاعران مورد لطف و عنایت مسعود بود، و از معاصران فرخی و عسجدی و عنصری. صاحب «لباب الالباب» نام وی را زینتی آورده ولی درست نمی‌نماید از وی اشعار در تذکره‌ها به جاست.[۱]

علوی محمودی، عبدالجبار، از شاعران عهد محمود و مسعود غزنوی است. ابیات معدودی از او در تذکره‌ها و کتب ادبی آمده، ضح.- عوفی او را «زینتی علوی» نوشته شده است، و در ترجمان البلاغه «زینبی» آمده. چهار مقاله با تعلیقات به اهتمام م. معین ص ۹۹ به بعد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۵۵۳-۵۵۰ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۶)، الذریعه (۴۰۸/۹)، سخن و سخنوران (۱۵۲ -۱۵۱ ،۱۳۸)، فرهنگ سخنوران (۴۲۱)، لباب الالباب (۴۰ -۳۹ /۲)، مجمع الفصحا (۶۹۰ -۶۸۹ /۲).

زینت

قرن:۸

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز پس از ۷۴۱ ق، از زنان شاعر و ادیب. وی دختر حسام سالار بود و تکمله‌ای بر کتاب محمد بن بدر جابر می‌زد که به نام اشعار اضافی و الحاقی مونس الاحرار فی دقایق الاشعار موجود است. زینت را نباید با دختر سالار که پدرانشان هم اسم بودند یکی دانست

زیرا دختر سالار در قرن هفتم می‌زیسته و زینت دست کم پس از سال ۷۴۱ ق که سال تالیف کتاب مونس الاحرار فی دقایق الاشعار جاجرمی بوده است.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، ۷/ ق ۸۶۸،۲.

زینت تهرانی

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(۱۳۰۰ -۱۲۷۰ ش)، شاعر، متخلص به زینت. در تهران متولد شد. گاه گاهی شعر می‌سرود. با ادیب نیشابوری، شاهزاده ایرج میرزا و ملک‌الشعرای بهار روابط ادبی داشت. از اوست:

ایران چو باب علم بر او استوار شد

اول فصلیش به خراسان قرار شد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اندیشه‌نگاران زن در شعر مشروطه (۱۰۲ -۱۰۱)، زنان سخنور (۲۲۷ -۲۲۶ /۱).

زینتی بلیانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهـم ق)، دانشـمند و شـاعر. در استرآبـاد کسـب دانش کرد و بـه همین جهت به استرآبـادی معروف شـد. علاوه بر آگـاهی از دانشهای مختلف در سرودن شعر نیز توانا بود. از اوست:

به کف تیغ جفا، سویم عتاب‌آلود می‌آید

من از هجران او جان داده او بیهوده می‌آید

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۷۷ -۶۷۶)، تذکره‌ی روز روشن (۳۳۴)، فرهنگ سخنوران (۴۲۱)، مرآت الفصاحه (۲۵۶).

زینتی مشهدی، محمدحسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، معمـار و شـاعر. مردی افتـاده و درویش مشـرب بود، در معمـاری و بنایی مهارتی داشت. او اقسام شـعر، خصوصا ماده تاریخ را خوب می‌گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۳۴)، الذریعه (۴۰۹/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۲۱)، مجمع الخواص (۳۰۰ -۲۹۹).

زینتی نظنزی، حسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یـازدهم ق)، شـاعر. از سـادات نظنز بود که در اصـفهان به روزگـار شـاه عبـاس می‌زیست و در سـرودن شـعر مهارت داشت. از اوست:

ای بی‌خبر ز خاک‌نشینی دیار دوست

دارد دم مسیح هوای غبار دوست

گر وعده دوزخ است و گر خلد شاد باش

بیرون نمی‌برند ترا از دیار دوست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۳۴ -۳۳۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۲۷)، فرهنگ سخنوران (۴۲۱).

زینی اصفهانی، اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی در رشته شیمی- فیزیک و متخصص هتروژنوس کاتالیزور.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

کاتالیزورها، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شیمی فیزیک.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

کاتالیزورها، شیمی سطح.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

زینی بخاری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر و نقاش. مولانا زینی بخاری مردی خوش طبع و نقاشی هنرمند بود غزل را نیکو می‌سرود. در جوانی وفات یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۲۸ -۶۲۷).

زینی لاهیجی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از شاعران لاهیجان بود. این مطلع از اوست:

پیشه‌ام عشق است و روز و شب در این اندیشه‌ام

برنمی‌گردم از این اندیشه عاشق پیشه‌ام

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۲۷۳)، الذریعه (۴۱۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۲۲)، گلزار جاویدان (۵۸۴/۱).

زیور یزدی، تقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. شغلش علاقه‌بندی بود. گاهی شعر می‌سرود. از اوست:

دردا که ز بس وصف تو کردیم در این شهر

چون خویش گرفتار تو کردیم بسی را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۷۱۲ -۷۱۱ /۱).

زیور یزدی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۵۰ ق)، شاعر، متخلص به زیور. وی از طالبان علم بود. و در یزد زندگی می‌کرد. صاحب «حدیقه الشعراء» با وی دیداری داشته است. از اوست:

تنها نه همین عید به اقبال علم شد

هر روز جهان عید ز دارای عجم شد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۱۴۶)، حدیقه الشعراء (۷۱۲/۱)، فرهنگ سخنوران (۴۲۲)، مکارم الآثار (۱۳۷۰/۴).

زیور، زیب النساء

قرن:۱۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

زیب‌النساء از زنان شاعر، وی از طایفه شاملو و ساکن علی شکر (گروس) همدان بود. به نوشته محمود میرزا مولف تذکره نقل مجلس، اشعار بسیاری گفته، اما چون در دهات توقف داشت اشعارش از میان رفت.

در هجو و غزل‌سرایی صاحب طبع بود. ابیات زیر را از او ضبط کرده‌اند:

دور باد از تن سری کارایش داری نشد

کور به چشمی که لذت بین دیداری نشد

حیف از عمامه زاهد که با صد پیچ و تاب

رشته تزویر گشت و تار زناری نشد

در دیار دوستی بیقدری «زیور» ببین

پیر شد «زیب‌النساء» او را خریداری نشد

مصحح کتاب حدیقه‌الشعرا بیت آخر را به زیب‌النساء بیگم، دختر اورنگ زیب، پادشاه بابری هند نسبت می‌دهد و نه دیگری. احمد گلچین معانی نیز علاوه بر آن، شرح حال زیور را ساختگی می‌داند. نام وی را زیور گروسی و زیور شاملو نیز نوشته‌اند

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: از رابعه تا پروین، ۱۴۲ –۱۴۳؛ تاریخ تذکره‌های فارسی، ۶۱۱ / ۱؛ تاریخ مشاهیر کرد، ۲۲۹ / ۱؛ حدیقهٔ‌الشعراء ۲۱۶۲ –۲۱۶۱ / ۳؛ خیرات حسان، ۴۹ / ۲؛ زنان سخنور، ۲۲۸ / ۱؛ گلزار شاعران کردستان، ۱۴۰؛ نقل مجلس، ۳۲ – ۳۱.

ژاکوب، آبراهام

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: علوم دریائی، دانشکده: دریانوردی، دانشگاه: سیستان و بلوچستان

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ژاله فراهانی، عالم تاج

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۵ ش)، شاعر، متخلص به ژاله. پدرش از نوادگان پسری قایم مقام فراهانی بود. در فراهان متولد شد. در پنج سالگی خواندن و نوشتن را نزد یکی از فضلای فراهان معروف به جناب، که معلم سر خانه‌ی او بود فراگرفت و به دلیل استعداد زیاد در طول چند سال صرف و نحو، معانی و بیان، منطق، نقد شعر، مقدمات حکمت و نجوم را با شوق و علاقه وافر تحصیل کرد. بعد از سن پانزده سالگی به همراه پدرش به تهران آمد. در شانزده سالگی علی‌رغم بی‌علاقگی به اصرار پدرش به ازدواج یکی از خوانین بختیاری به نام علی مراد خان (مردان خان) درآمد. وی در زندگی زناشویی همیشه با همسرش اختلاف داشت و بعد از ده سال همسرش فوت شد و تا پایان عمر با تنها پسرش حسین پژمان بختیاری زندگی کرد. وی حافظه‌ای قوی داشت تقریبا سراسر خمسه‌ی نظامی، دیوان امیر خسرو دهلوی، کلیات سعدی و دیوان حافظ را از حفظ داشت. بیشتر قصاید وی به سبک خراسانی و به تقلید از ناصرخسرو و مسعود سعد سلمان می‌سرود. در جریان کشف حجاب در دوره‌ی رضاشاه وی همصدا با تبلیغات رسمی به دفاع از حقوق زنان در برابر مردان برخاست. نخستین بار در سال ۱۳۱۲ ش تعدادی از رباعیات وی در مجلات ادبی آن زمان و سپس در مجله‌ی «یغما» چاپ و منتشر شد. وی در تهران درگذشت قصاید، چامه‌ها و چکامه‌های وی که بالغ بر نهصد و هفده بیت می‌شود که پس از مرگش توسط فرزندش منتشر شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از بهار تا شهریار (۲۴۵ -۲۴۱)، از رابعه تا پروین (۱۵۱ -۱۴۳)، زنان سخنور (۲۴۹ -۲۴۱ /۱)، سخنوران نامی معاصر (۱۶۸۲ -۱۶۷۹ /۳)، مشاهیر زنان (۱۵۶ -۱۵۴).

ژاله‌ی اصفهانی

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، شاعر. وی در اصفهان متولد شد و در همان شهر، در دبیرستان بهشت آیین، به تحصیل پرداخت. موسیقی را نیز فراگرفت. سپس در بانک ملی به کار مشغول شد و پس از چندی به تهران آمد و بعد به تبریز منتقل شد و در آن شهر ازدواج کرد. به همراه همسرش به شوروی رفت و در آن سرزمین به نشر و ترویج زبان و ادبیات فارسی همت گمارد. مدتی بعد، به یاران بازگشت. از تالیفات اوست: «گلهای خودرو»؛ «زنده‌رود»، مجموعه‌ی شعر، چاپ مسکو؛ «اگر هزار چهره (یا قلم) داشتم» و کتابی در شرح حال شاعران ایران، چاپ مسکو.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اینجا ایران، من زن (۴۷)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۲۹)، الذریعه (۴۱۳/۹)، زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند (۱۹۵)، زنان سخنور (۲۴۰ -۲۳۰ /۱)، سخنوران نامی معاصر (۱۶۸۸ -۱۶۸۳ /۳)، فرهنگ سخنوران (۴۲۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲۸۰ -۲۷۹ /۳).

ژنده پیل، شهاب‌الدین، ابونصر احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۳۶ -۴۴۱ ق)، صوفی و شاعر. مشهور به شیخ جام، پیر جام و احمد نامقی. احمد جام در ده نامق کاشمر متولد شد. وی از فرزندان جریر بن عبدالله جبلی است. دوران جوانی را صرف عشرت و می‌خوارگی کرد، اما به دنبال شوریدگی شدید روحی در بیست و دو سالگی به تصوف روی آورد. مدت هیجده سال در دامنه‌ها و ارتفاعات نامق و کوهستان بزد به کوه‌نشینی و مطالعه و تحقیق در احوال عرفا پرداخت. در چهل سالگی به جام رفت و به ارشاد پرداخت و مریدان بسیاری یافت. وی سنی مذهب بود. او با عدی بن مسافر، غزالی، عین القضاه همدانی و سنائی معاصر بود. شیخ جام در نود و پنج سالگی در تربت جام معروف است. آثار وی عبارتند از: «روضه المذنبین و خبه»؛ «رساله‌ی سمرقندیه»؛ «زهدیات»؛ «فتوح الروح»؛ «کنوز الحکمه»؛ «سراج السائرین»؛ «اعتقادات»؛ «انیس التائبین»؛ «مفتاح النجاه»؛ «بحار الحقیقه» و «دیوان اشعار» نیز به وی منتسب است که جای تردید است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۲۸۸/۱)، ایضاح المکنون (۷/۲، ۵۹۶/۱)، تاریخ گزیده (۶۷۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۰۹ -۱۰۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۲۶۵ -۱۲۶۲ /۱۰)، دایرةالمعارف فارسی (۱۵۲۲/۲)، الذریعه (۱۷۲/۱۸، ۱۸۸/۹)، ریحانه (۳۸۴ -۳۸۲ /۱)، شرح احوال و تحلیل آثار ژنده پیل، طرائق الحقائق (۵۸۶ -۵۸۵ /۲)، فرهنگ سخنوران (۴۱۷)، کشف الظنون (۱۷۷۱، ۹۸۹، ۸۷۲، ۲۲۰، ۱۹۷)، الکنی و الالقاب (۱۴۰/۲)، گنج و گنجینه (۱۵۹ -۱۵۷)، مؤلفین کتب چاپی (۳۸۰ -۳۷۹ /۱)، مجمع الفصحا (۱۴۴/۱)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۵۳۶)، معجم المؤلفین (۱۹۸/۱)، مقامات جام ژنده پیل، نفحات الانس (۳۶۳).

سابق اصفهانی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۴۰ ق)، شاعر. مردی عامی بود در سرای شیخ نصاری شیراز به شغل خیاطی اشتغال داشت. درویش مسلک بود. در شیراز درگذشت و در درب سلم دفن است. از اوست:

چشم داری بگشا طلعت جانانه ببین
پرتوی از مه رویش به همه خانه ببین
نسخه‌ی عاشقی و دفتر جانبازی را
شمع روشن کن و اندر پر پروانه ببین

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۷۱۶/۱)، فرهنگ سخنوران (۴۲۵).

سابق اصفهانی، فریدون

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. وی از شاعران عهد شاه اسماعیل صفوی است که بعد از سفر به مکه معظمه، در عهد اورنگ زیب جهانگیر به هندوستان سفر کرد. از آثار وی: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۷۷)، تذکره‌ی روز روشن (۳۳۷ –۳۳۶)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۴۶ –۳۴۵)، شام غریبان (۱۱۵)، الذریعه (۴۱۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۲۵)، کاروان هند (۵۱۳ –۵۱۱ /۱).

سابق مازندرانی، علی نقی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۸۳ ق)، شاعر، متخلص به سابق. سابق بعد از فوت برادر خود ملا محمد سعید اشرف به هند رفت و در آنجا به اعتبار زیادی دست یافت. وی غزوات و حالات پادشاه اورنگ زیب را به نظم آورد. در هندوستان درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۸۲)، الذریعه (۴۱۴/۹)، شام غریبان (۱۳۵)، صبح گلشن (۱۹۲)، فرهنگ سخنوران (۴۲۵)، کاروان هند (۵۱۴ –۵۱۳ /۱)، لغت نامه (ذیل / سابق).

ساجدی، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالفضل ساجدی

محل تولد : آران و بیدگل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

ساحری تونی، محمد قاسم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از معاصران تقی‌الدین اوحدی بود. از اوست:

دل ساغر هجران تو خوردن نتوانست
جان را به لب آورد و سپردن نتوانست
خلقی همه جانها به تمنای تو دادند
بر خضر ستم رفت که مردن نتوانست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۴۰)، الذریعه (۴۱۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۲۵)، مخزن الغرائب (۵۹۵/۲).

ساحری قزوینی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. معروف به ساحری ترک. وی از ترکان پارسی‌گوی قزوین است که با تقی کاشی، مولف تذکره‌ی «عرفات العاشقین» معاصر بوده و گویا مسافرتهای فراوانی داشته. از وی اشعاری چند در تذکره‌ها باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۱/۱)، تذکره‌ی روز روشن (۳۴۰)، الذریعه (۴۱۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۲۵)، لغت نامه (ذیل/ ساحری).

ساحل نهاوندی، رشید

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به ساحل. اصلش از نهاوند. در زمره‌ی طلاب بود در خدمت امام جمعه عربی آموخت بعد از فراغت از تحصیل به شاعری پرداخت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۷۱۷/۱)، سفینه المحمود (۳۷۲-۳۷۱ /۱)، مصطبه‌ی خراب (۸۱).

سادات سمرقندی، سمیع

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به سادات. در اول شاداب تخلص می‌کرد؛ ولی به دلیل این که شاعر دیگری نیز با همین نام تخلص داشت، تخلص خود را به سادات برگرداند. وی از ملازمان خاص امام قلی خان حاکم فارس بود. از اشعار اوست:

در طریق دردمندی پیر با تدبیر گفت

بی جوان هرکس که باشد می‌توان بی‌پیر گفت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۴۰)، الذریعه (۴۱۵-۴۱۴ /۹)، تذکره‌ی روز روشن (۳۸۷-۳۸۶)، فرهنگ سخنوران (۴۲۶).

سادات فخر، محمد محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد محسن سادات فخر در سال ۱۳۳۴در شهر مشهد به دنیا آمدم تحصیلات مقدماتی را در حوزه علمیه مشهد مقدس از سال ۱۳۴۹ آغاز در سال ۱۳۵۳ به حوزه علمیه قم هجرت نمودم. در سال‌های ۱۳۶۵ ـ ۱۳۶۸ با پژوهشکده باقرالعلوم همکاری پژوهشی در پروژه موضوع نگاری تفسیر مجمع‌البیان آغاز گردید.ثمره همکاری یاد شده نشر کتاب مفتاح مجمع البیان از انتشارات اسوره ۱۳۸۳ می‌باشد. نیمه دوم سال ۱۳۶۹ تقریباً همکاری رسمی با مرکز فرهنگ و معارف قرآن آغاز گردید. پروژه موضوع نگاری تفاسیر قرآن مجید ۸۰ دوره کامل تفسیر قرآن از مفسران بزرگ شیعه و اهل‌سنت در سه فاز، محور همکاری مستقیم با مرکز یاد شده بود در سال ۱۳۷۲ به مدیریت گروه معجم نگاری تفاسیر انتخاب و پژوهش ادامه یافت. طرح گروه فرهنگنامه‌ها در مدیریت جدید پیشنهاد و موضوع‌نگاری تفاسیر در فاز اول با حجم بیست دوره تفسیر کامل در دو فرم کتاب (فرهنگ موضوعی تفاسیر) و نرم‌افزار صراط آماده عرضه گردید.طرح نمایه‌سازی کتاب‌های قرآنی و مرکز فرهنگ و معارف قرآن از سال ۱۳۷۲ در گروه فرهنگنامه‌ها آغاز گردید او در سال ۱۳۷۷ بیش از دو هزار و پانصد کتاب قرآنی، نمایه سازی گردید. نمایه‌های موضوعی (چکیده‌های عنوانی) تعداد کتاب‌های یاد شده در حجم بیش از یکصد و بیست و پنج نمایه موضوعی، ترکیبی تقریباً تمامی عرصه‌ها و حوزه‌های پژوهشی قرآنی، تفسیری، علوم قرآنی و معارف دینی را شامل می‌شود.اطلاعات یاد شده در بانک اطلاعات مرکز فرهنگ و معارف قرآن علی القاعده موجود می‌باشد.بعد از دوره شش ساله مدیریت علمی گروه فرهنگنامه‌ها و انجام پروژه‌های فاز اول موضوع‌نگاری تفاسیر و نمایه‌سازی کتاب‌های قرآنی همکاری در شورای علمی گروه فرهنگنامه‌ها ادامه دارد.

ساداتی نژاد، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدمهدی ساداتی نژاد

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیدمهدی ساداتی‌نژاد در سال ۱۳۴۸ در خانواده ای مذهبی در سفیدشهر از شهرهای اطراف کاشان متولد شده و تحصیلات ابتدائی و راهنمائی را در زادگاه خود به پایان رسانیدم. در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه کاشان شدم و دروس مقدمات و

سطح را در حوزه علمیه امام خمینی(ره) و سپس مدرسه مرحوم آیت الله یثربی به پایان برده و در سال ۱۳۶۷ در کنکور سراسری در رشته علوم سیاسی دانشگاه تهران پذیرفته شدم.در سالهای تحصیل در حوزه علمیه به صورت داوطلب دروس دبیرستان را به عنوان مقدمه ورود به دانشگاه ادامه دادم. در سال ۶۷ همزمان با ورود به تهران جهت ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه حضرت عبدالعظیم(ع)شهری و مدرسه برهان شدم و دروس سطح و خارج را در این دو حوزه ادامه دادم. در سال ۱۳۷۱ در مقطع کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۱ در آزمون دکترای علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پذیرفته و مشغول تحصیل شدم. همزمان به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی کاشان در گروه معارف اسلامی از سال ۱۳۷۴ مشغول تدریس دروس معارف اسلامی بوده ام و تا کنون افتخار همکاری و تدریس در دانشگاه های مختلف را داشته ام.

سارو خواجه جوینی، محمدرضا

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۳۱ ق)، شاعر. ملقب به فدوی دودمان ولایت نشان. در جوین از توابع قزوین متولد شد. خواجه محمدرضا، وزیر آذربایجان و از رجال نامی و از بزرگان محبوب القلوب شاه عباس اول و از ندما و همصحبتهای انشا شاه بود. وی به واسطه سخندانی و طبع موزون و لطف قریحه و استعداد خدادادی و بذله گویی و شیرین بیانی در اندک روزگاری با بزرگان قزوین ارتباط یافت و ملازمت ذوالفقار خان قرامانلو را اختیار کرد. خواجه محمد در سفر قندهار که ملتزم رکاب شاه عباس بود، سخت بیمار شد و در شهرستان تون در موضع امامزاده محمد، جان به جان آفرین تسلیم کرد جنازه او را به مشهد مقدس بردند و در آنجا به خاک سپردند. خواجه محمدرضا دارای طبعی روان بود ولی تا حال «دیوان» او در جایی ذکر نشده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۷۵ -۷۴)، عالم‌آرای عباسی (متن و تعلیقات)، فرهنگ سخنوران (۴۲۶)، لغت نامه (ذیل/ سارو خواجه)، مینودر (۴۶۲ -۴۵۹ /۲).

ساروخانی، باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده: علوم اجتماعی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فرانسه از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۴۰، کارشناسی ارشد علوم اجتماعی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۲، کارشناسی جامعه‌شناسی از دانشگاه پاریس (سوربن) در سال ۱۳۴۵، دکترای دولتی جامعه‌شناسی با درجه بسیار عالی از دانشگاه سوربن فرانسه در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

استاد تمام وقت در دانشکده علوم اجتماعی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح ایرانیان بازگشته از عراق، جرم و مهاجرت، جوانان، خواسته‌ها، انتظارات و مسائل آنان، تکدی و مسائل آن در ایران، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۸ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

جامعه‌شناسی خانواده، جامعه‌شناسی جوانان، جامعه‌شناسی ارتباطات، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، فرهنگ‌ها و دایره‌المعارف علوم اجتماعی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۹، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

جامعه‌شناسی خانواده، جامعه‌شناسی ارتباطات، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی جوانان، فرهنگ‌ها و دایرةالمعارف علوم اجتماعی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ساروی، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ جعفر از علماء عصر ناصرالدین شاه در ساری بوده و فاضل مراغی وی را در کتاب خود ذکر کرده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ساروی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۵۱ ق)، فقیه، عالم دینی و زاهد. وی در نجف از شاگردان علامه ملا محمدکاظم خراسانی بود. سپس به زادگاهش بازگشت در ساری ریاست و مرجعیت امور دینی را بر عهده داشت. از آثارش: «تقریرات» استادش در فقه و اصول، و از آن جمله «التحفه الغرویه»، در فوائد قرآنیه، تجوید فارسی، می‌باشد.[۱]

سید حسن بن سید محمد بن سید اسماعیل ساروی عالمی فقیه و فاضلی پرهیزکار از شاگردان علامه خراسانی صاحب (کفایه) بوده و در ساری ریاست تامه و مرجعیت عامه داشته و در حدود ۱۳۵۱ ق وفات نموده است دارای آثاری از تقریرات استادش و غیره بنام (التحفهٔ الغرویه) در فوائد قرآنیه بوده است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۴۵۸/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۳۴/۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۷۰ -۲۶۹ /۵).

ساروی، صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صادق ساروی از علماء معاصر ناصرالدین شاه بوده و بعد از ۱۳۰۶ ق وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ساروی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی ساروی از افاضل علماء معاصر ناصرالدین شاه بوده و فاضل مراغی او را در (المآثر والاثار) یاد کرده و گفته بعد از ۱۳۰۶ ق از دنیا رفته است.

علی ساروی معاصر ناصرالدین شاه بوده و بعد از ۱۳۰۶ وفات نموده است. [با علی ساروی که فاضل مراغی در (المآثر والاثار) او را ستوده اشتباه نشود]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ساروی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، مورخ و شاعر. اصل وی از شهر ساری بود و در دربار محمدشاه قاجار منصب ملاباشی گری داشت به دستور پادشاه، تاریخ در شرح جنگها و وقایع روزگار او و احوال پادشاهیش تحت عنوان «تاریخ محمدی» نوشت. ملا محمد در سرودن شعر نیز توانا بود. ابیاتی چند از وی در تذکره‌ها به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۵۵۸/۳)، سفینه المحمود (۶۲۹/۲)، مجمع الفصحا (۹۴۴/۵).

ساروی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی از اعلام گذشته ساری بوده و فاضل مراغی او را در (المآثر والاثار) بنام حاج ملا محمدتقی ذکر کرده و ظاهراً بعد ۱۳۰۶ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ساروی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین بن محمد مازندرانی از بزرگان عصر خود و فحول علماء و اکابر فقهاء از شاگردان سید ابراهیم قزوینی صاحب (الضوابط) در کربلا بوده و در نجف از محضر صاحب جواهر استفاده نموده و با سید کاظم رشتی مناظره نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ساروی، محمدصادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدصادق ساروی در عصر ناصرالدین شاه بوده و در سال ۱۲۹۲ ق شاه مزبور را در مازندران ملاقات کرده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ساری شیرازی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۰/۱۲۶۱ ق)، شاعر و صوفی. مردی فقیر مشرب و خوش حالت بود ولی در زمره عوام محسوب می‌شد. در کودکی به مکتب رفت و اندک سوادی کسب کرد. در اوایل جامه‌ی درویشی پوشید و به سیاحت رفت باز به شیراز آمد و و بیشتر مسکن خود را در تکیه‌ی هفت تنان قرار داده بود. ساری خیلی مفتون اشعار خود بود چنان که مکرر اظهار می‌کرد از جمیع دنیا جز سه «دیوان» اشعار خودم به هیچ چیزی دلبستگی ندارم. «دیوان» مدون شده‌ی او که قریب هفت هزار بیت است شامل غزلیات و اندکی مثنوی‌ها و متفرقات است. در شیراز درگذشت و در حجره وسط تکیه چهل تنان دفن است. از اوست:

راحت ما به محنت و الم است

شادی ما به درد و عشق و غم است

ما به جنب بقای او فانی

پیش بودش وجود ما عدم است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۷۱۹ -۷۱۷ /۱)، مرآت الفصاحه (۲۵۸ -۲۵۷).

ساریخانی، عادل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عادل ساریخانی

محل تولد : اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

آغاز کودکی علاقه وافری به آموختن در خود احساس می کردم به همین دلیل خانواده ام به دلیل نبود امکانات آموزشی در روستا به شهر تهران هجرت کردند و دوران ابتدایی و راهنمایی را غالبا با رتبه اول پشت سر نهادم. در سال سوم راهنمایی در تمام مناطق سیزده گانه تهران آن زمان به عنوان دانش آموز نفر اول انتخاب شدم تلاش دولت آن زمان این بود که مرا به عنوان استعداد درخشان به یکی از کشورهای اروپایی اعزام کند که این امر با مخالفت خانواده ام مواجه شد از سال اول دبیرستان در کنار دروس دوره دبیرستان تحصیلات حوزوی را در همان تهران در مدرسه مروی آغاز کردم سالهای سوم و چهارم دبیرستان اینجانب با اوج گیری انقلاب و پیروزی آن مقارن بود که به دلیل انجام وظایف انقلابی مقداری کمتر به کارهای علمی می رسیدم ولی پس از اخذ

دیپلم در رشته تجربی بلافاصله به حوزه علمیه مقدسه قم عزیمت کردم و به شکل شبانه روزی به تحصیلات حوزوی مشغول و دوران مقدمات و سطح را در حدود شش سال به پایان رساندم و به دلیل احساس نیاز به آموزش زبان انگلیسی دو سال تمام را تحت نظارت مرکز زبان خارجی دانشگاه تهران و دانشکده زبانهای نیروی هوایی در مرکز زبان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه به آموزش زبان انگلیسی اشتغال داشته و دوره عالی زبان را با موفقیت به پایان رساندم پس از آن به درس خارج فقه و اصول و آموزش فلسفه اشتغال یافتم و جمعاً حدود ده سال دروس خارج فقه و اصول اعاظم حوزه شرکت می کردم.از همان زمان به تدریس دوره های ادبیات ، فقه و اصول همت گماشته و در حال حاضر چندین سال است که فقه را در سطح عالی و با مرکز قرار دادن متن جواهر احکام در حوزه تدریس می نمایم . و در دانشگاههای مختلف نیز فقه و متون انگلیسی را قریب به ۱۵ سال تدریس می کنم . به دلیل احساس نیاز به آموزش علوم جدید در کنار فعالیت های علمی حوزه در سال ۱۳۶۷ وارد دانشگاه شدم و در سال ۱۳۷۱ لیسانس حقوق دریافت و در همان سال در دوره کارشناسی ارشد دانشگاههای تهران ، شهید بهشتی و تربیت مدرس با رتبه بالا قبول شدم ولی به عللی دانشگاه تربیت مدرس را برای ادامه تحصیل انتخاب کردم و در سال ۱۳۷۵ به عنوان نفر اول دوره خودم از پایان نامه فوق لیسانس دفاع کردم و پایان نامه ام با درجه عالی و نمره ۵/۱۹ مورد تصویب قرار گرفت . در همان سال بلافاصله در دوره دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تربیت مدرس و به عنوان نفر اول قبول شدم و پس از حدود شش سال تلاش همه جانبه در سال ۱۳۸۱ توانستم از تز دکتری خود دفاع نمایم. از آن سال به بعد به تدریس فقه جزایی در حوزه و دانشگاه اشتغال دارم و در این زمینه حدود ۱۰ مقاله به زبانهای انگلیسی و فارسی و پنج کتاب به چاپ رسانده ام برای آشنایی علمی و عینی باسیستم قضایی و مشکلات آن پروانه وکالت پایه یک اخذ و مدتی در کنار فعالیتهای علمی به کار عملی نیز اشتغال داشتم. در حال حاضر نیز به تدریس در دانشگاه و حوزه علمیه قم اشتغال دارم و به پژوهش نیز همت می گمارم . در سال ۱۳۸۴ به دعوت مرکز پژوهشهای فلسفه و ارزشهای دانشگاه کاتولیک امریکا به آن کشور سفر کردم و در طی اقامت سه ماهه در آن جا علاوه بر ادامه مقاله به تحقیق و پژوهش اشتغال داشتم و از مراکز علمی متعدد بازدید کردم.

ساریخانی، نصرالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جنگل‌داری، دانشکده: منابع طبیعی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ساسانی، حبیب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حبیب ساسانی

محل تولد : تنکابن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای حبیب ساسانی در سال ۱۳۵۳هجری شمسی در خانواده ای متدین وکاملاً آگاه به مسائل مذهبی در تنکابن دیده به جهان گشود.نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۷۳ وارد دانشگاه امام صادق(ع) تهران گردید تا در کنار دروس دانشگاهی به تحصیل در دروس حوزوی هم بپردازد. از نخستین روزهای ورود به دانشگاه امام صادق علیه السلام با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از محضر درس اساتیدی همچون آیت الله مهدوی کنی، آیت الله زنجانی و دیگر اساتید آن دانشگاه بهره ها برد.

وی در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه امام صادق علیه السلام در رشته علوم سیاسی در سال ۱۳۸۱ فارغ التحصیل شد و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "مقایسه تطبیقی سیاست های قوام السلطنه و مصدق در قبال حزب توده"دفاع کرد.

استاد سالهای متمادی است که به تدریس در دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، و مرکز آموزش عالی فنی شهید شمسی پور تهران مشغول است.

وی درطول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و آثاری از قبیل" راهبردهای جهانی انقلاب اسلامی ایران " و "دست آوردهای بین المللی انقلاب اسلامی ایران " را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

ساعاتی، علی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، خطاط. از آثار وی: دو صفحه از مرقع، به خط ریحان دو دانگ کتیبه‌ی عالی، با رقم: «خط ابونا و استادنا کاتب علی ابن‌مزید المشتهر بالساعاتی»، در دانشگاه استانبول.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۲۳/۴).

ساعاتی، فاطمه

قرن:۸

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن هفتم و هشتم هجری، از زنان فقیه. وی دختر احمد بن علی ساعاتی (۶۹۰ ق) صاحب کتاب البدیع در اصول فقه و مجمع‌البحرین در فقه و از خانواده علم و دانش و اصلا خراسانی بود محمد بن علی بن رستم (۵۸۰ ق) عالم مکانیک و ساعت‌ساز بود و به همین دلیل او و خاندانش به ساعاتی معروف شدند. فاطمه نزد پدرش فقه آموخت و در این علم مهارت یافت و مجمع‌البحرین را به خط تعلیق خوش نوشت.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: اعلام‌النساء، ۲۹ / ۴؛ خیرات حسان، ۱۰ -۹ / ۴؛ دایرۀالمعارف فارسی، ۱۹ / ۱.

ساعتچی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روانشناسی، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: علامه طباطبائی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ساعتساز، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۰ ق)، خطاط. حرفه‌ی وی ساعت‌سازی بود. او نستعلیق را خوش می‌نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۴۲/۱).

ساعدلو، هوشنگ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اقتصاد کشاورزی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ساعی برازجانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر، متخلص به ساعی. ادیبی پرمایه بود که فنون شاعری را نیکو می‌دانست و شعر را نیکو می‌سرود. از اوست:

نظم ساعی نظری کن نسنجیده نسنجد

آن چه در مرثیه گوید همه سنجیده بسنجد

اهل مدرک همه ابیات لطیف تو پسندد

سعدی آن طبع ندارد که ز خوی تو برنجد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۰ -۹ /۳).

ساعی خوانساری، حسینعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، شاعر، متخلص به ساعی. وی در دبستان محمدی که موسس آل جامعه اسلامی بوده به تدریس اشتغال داشت از اوست:

کعبه‌ی حق مهبط انوار شد

جلوه‌ی از مکه نمودار شد

زان متجلی در و دیوار شد

زین علم کفر نگونسار شد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای خوانسار (۹۹ -۹۸).

ساعی فرد، محمد حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین ساعی فرد

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۰پس از تحصیلات ابتدائی وارد یکی از حوزه های علمیه تهران شدم و پس از پایان لمعتین در سال ۱۳۶۵به حوزه علمیه قم آمدم و تا سال ۱۳۶۸و با اتمام سطح در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام وحید خراسانی، میرزا جواد تبریزی، سیّد محمّد روحانی، منتظری و شبیری زنجانی حاضر شدم و د ر ضمن تا سال اول دبیرستان را نیز به صورت متفرقه گذراندم ولی به علّت عدم تلبس به لباس مقدّس روحانیت توفیق به دست آوردن مدارک علمی حوزوی را نیافتم. ضمناً به مدت دو سال در بخش رجال مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی مشغول بوده و حدود ۹سال در موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام(ره) به تصحیح آثار حضرت امام و مرحوم شهید حاج آقا مصطفی خمینی پرداختم؛ و در مسئولیت بخش علوم عقلی اشتغال داشتم. در سال ۱۳۸۳ به تهران باز گشتم و در حال حاضر به پژوهش و تحقیق در فقه و اُصول و تفسیر مشغول می باشم و همکاری محدودی نیز با پاره ای از موسسات پژوهشی و به ویژه حضرت آیت الله مکارم شیرازی دارم .

ساعی، کریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۲ ش)، نویسنده و استاد دانشگاه. از مشهد به تهران آمد. در بیست و دو سالگی دوره‌ی مدرسه‌ی عالی فلاحت را به پایان رساند و در سال ۱۳۱۰ ش جزو محصلان دولتی به اروپا رفت و موفق به دریافت دانشنامه‌ی مهندسی از موسسه علوم کشاورزی پاریس شد. اداره‌ی سپرستی دانشجویان پاریس او را برای ادامه‌ی تحصیل به امریکا فرستاد. یک سال بعد از دانشگاه کالیفرنیا نیز گواهینامه تخصص جنگل دریافت کرد و به ایران بازگشت. ساعی ریاست دایره‌ی جنگلبانی را به عهده گرفت و همچنین به سمت معلمی و بعد استادی در رشته‌ی جنگل در دانشکده انتخاب شد. از آثار وی: «جنگل شناسی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخن (س ۴، ش ۲، ص ۱۵۴ -۱۵۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵ -۶۴ /۵).

ساعی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته، مهندسی مکانیک، دانشکده: مهندسی مکانیک، دانشگاه: صنعتی شریف

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ساعی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی ساعی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدعلی ساعی سال ۱۳۴۱ در شهر تهران متولد شدم. مراحل ابتدائی تا دیپلم را در تهران گذراندم. بلافاصله در سال ۶۰ به حوزه علمیه قائم در نزدیکی محل خود رفته به مدت یکسال دروس حوزوی را گذراندم. در سال ۶۱ به حوزه علمیه مشهد برای دروس ادبیات عرب سفر نمودم و نزد حجت الاسلام حجت هاشمی خراسانی مدرس مشهور ادبیات عرب کتابهای سیوطی، مغنی، مطول و معالم را خواندم. رسائل شیخ انصاری و شرح لمعه را نزد آیت الله صالحی گذراندم. در سال ۶۴ به حوزه علمیه قم آمدم و کتاب مکاسب را نزد آیت الله محقق داماد خواندم و رسائل را نزد استاد اعتمادی تلمذ نمودم. در سال ۶۸ دو جلد کفایه را نزد مرحوم استاد ستوده خواندم.از سال ۶۹ در درس خارج فقه و اصول بزرگان حوزه مانند آیت الله وحید خراسانی، آیت الله تبریزی، آیت الله مکارم شیرازی به مدت شش سال شرکت نمودم.از سال ۷۶ تاکنون به تدریس دروس اعتقادی در دانشگاه علامه طباطبایی و آزاد اسلامی اشتغال دارم و ده سال سابقه تدریس دارم. کتابهای فلسفی مانند بدایهٔ الحکمه، نهایهٔ الحکمه، شرح منظومه و جلد اول و ششم اسفار و تمهید القواعد در عرفان نظری را خوانده و اکنون نیز تحصیل و قرائت کتابهای فلسفی و عرفانی را نیز ادامه می‌دهم.

ساغر تبریزی، عبدالرحیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر و خطاط. پدرش کلانتر سراب و گرمرود بود. ساغر تحصیلات ادبی و عربی را در تبریز گذرانید و استاد فن شد. وی خط شکسته را خوش می‌نوشت و شعر نیز می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۱۷۱)، الذریعه (۴۱۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۲۷)، نگارستان دارا (۲۰۲ -۲۰۱).

ساغر شیرازی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عالم و شاعر، متخلص به ساغر. اصل وی از اعراب خزاعه بود که در شیراز متولد شد. وی به حسن خلق و زهد و تقوی و بذله‌گوئی و نیک محضری موصوف و در مسجد عتیق شیراز امامت جماعت بود. ساغر از معاصران رضا قلی خان هدایت بود و در سرودن شعر نیز توانا.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۲ -۱۰ /۳)، الذریعه (۴۱۶ -۴۱۵ /۹)، ریاض العارفین (۲۶۱)، ریحانه (۴۱۲ -۴۱۱ /۲)، سفینه المحمود (۵۴۷ -۵۴۶ /۲)، طرائق الحقائق (۶۱۴/۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۸۴ -۱۰۸۳ /۲)، لغت نامه (ذیل/ ساغر)، مجمع الفصحا (۴۰۱ -۴۰۰ /۴)، مرآت الفصاحه (۲۶۰ -۲۵۸)، مصطبه خراب (۷۸)، مکارم الآثار (۱۲۵۸/۴)، نگارستان دارا (۲۰۲).

ساغر شیرازی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. اصل وی از شیراز بود خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و فراخور حال خود طبعی داشت. قصیده‌ای در مدح مجموعه کمال سید احمد کمالی افندی که از اعیان روم بود گفته بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مصطبه خراب (۹۴ -۸۹).

ساغر کنگاوری، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی اهل کنگاور بود. سپس به کربلا و نجف سفر کرد و مدتی در کربلا و نجف به تحصیل فقه و اصول پرداخت پس از آن مدتی در اصفهان زندگی کرد چونکه در نوشتن خط شکسته توانا بود به دربار راه یافت. میرزا جعفر در سرودن شعر بویژه غزل توانا بود محمود میرزای قاجار گزارش می‌کند که دفتری به اندازه هفت هزار بیت شعر دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سفینه المحمود (۳۷۴ -۱/ ۳۷۲)، مصطبه‌ی خراب (۸۶).

ساغر، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر و ادیب و خطّاط بوده، و در سال ۱۳۰۲ قمری وفات یافته، قبرش در تکیه خرابه جنب قبر فاضل هندی [بوده] است.

از اشعار اوست که در مدح حضرت رضا علیه السلام سروده است:

افلاک تو را چاکر و هر کس که در آن است

آفاق تو را خادم و هر کس که در این است

یک حاجب درگاهت گردون رفیع است

یک واقف بنگاهت جبریل امین است

صاحب عنوان در حدود هشتاد سال عمر کرده، و خط را در خدمت آقا غلام علی خطّاط آموخته است

محمد مانی در تاریخ فوتش گوید:

وقت رحلت گفت با ساقی عشق

از پی تاریخ یک ساغر بده

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- پارسی نامه، رساله مختصری است در دستور زبان فارسی ۲- تحفهٔ الحسینیّه ۳- توحید نامه ۴- دیوان قصائد و غزلیّات ۵- کنز المصائب ۶- مثنوی سبعهٔ ابحر که نظم کتاب جلاء العیون علامه مجلسی است ۷- مزخرف نامه و آن رساله‌ای است در حکایات و امثال آنها.

ساغر دارای چهار پسر و دو دختر بوده که از آن جمله است:

۱- میرزا اسماعیل متخلّص به «دردی»، شاعر و خطّاط و اهل فضل و دانش بوده، و به هندوستان رفته، در اسکند آباد ساکن نشده.

کتب زیر از تألیفات او به طبع رسیده است:

۱- امراض مسلمانان و ادویه آنها ۲- تجارب خود من ۳- تعویض جان، و روح ایمان ۴- محبوب الاخلاق (شعر) ۵- همدردی

۲- میرزا جعفر متخلص به «ظفر».

۳- میرزا غلامعلی خطاط، معروف به غلامعلی ثانی.

۴- حاج علی استاد موسیقی بوده است.

تذکّر: پدر ساغر، میرزا محمّد اسماعیل نام داشته، و اهل منبر و وعظ بوده است، و ساغر خود نیز داماد آقا غلام علی خطّاط است، و به همین نظر فرزندش را آقا غلام علی ثانی گویند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ساغری هروی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۹۸ ق)، شاعر. وی از مردمان ناحیه ساغر و از شاعران دربار تیموریان در هرات بود. گویند شخصی متمول دو در عین حال ممسک و تنگ چشم بود. وی با جامی و ویسی معصار بود و با آنها به ویژه جامی شوخیهایی داشته است. او در هرات درگذشت و در همان جا نیز دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (۷۶۰ -۷۵۹)، الذریعه (۴۱۶/۹)، ریحانه (۴۱۲/۲)، صبح گلشن (۱۹۳ -۱۹۲)، لغت نامه (ذیل/ ساغری)، مجالس النفائیس (۲۰۵، ۳۲).

ساقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(حاج) محمدزمان ابن کلبعلی خان جلایر کلاتی متلخص به ساقی، شاعر (ف. ۱۲۸۶ ه.ق.) پدرانش در کلات خراسان حکومت داشتند. او در جوانی به تحصیل علوم و فنون پرداخت و در سلک طریقت درآمد و مرید محمد اسماعیل ازغدی متخلص به وجدی شد و به اعتاب مقدسه شتافت. و خدمت بسیاری از بزرگان علم و عمل را دریافت. از آثار او «نفحات غیبیه»، «درج لآلی و برج المعالی.» است به نظم و نثر و مشتمل بر مقالات ارباب طریقت. دیوان وی مشتمل است بر قصاید و غزلیات و مراثی ائمه و ترجیعات و رباعیات و غیره.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ساقی استرآبادی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۲ ق)، شاعر. از شاعران نامی و دانشمندان مشهور زمان خود بود که علاوه بر «دیوان» قصاید و غزلیات که از او به جای مانده، شرحی بر «مطالع» نیز نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۶۴).

ساقی جزایری مشهدی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۰۴ ق)، شاعر. نژاد وی از اعراب بود. در مشهد متولد شد. قدری تحصیل علم کرد، خوش طبع و شیرین کلام بود. وی به هندوستان رفت و مدتی در دکن رحل اقامت افکند. از اشعار اوست:

آزرده دلم از ستم یار نگردد

تا باعث خوشحالی اغیار نگردد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۱۶/۹)، صبح گلشن (۱۹۳)، فرهنگ سخنوران (۴۲۸)، کاروان هند (۵۱۵ -۵۱۴ /۱)، لغت نامه (ذیل/ ساقی جزایری)، مخزن الغرائب (۵۹۱ -۵۹۰ /۲).

ساقی خراسانی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. در شعر فارسی و ترکی توانا و مقرب درگاه سلطان حسین بایقرا بود. در فن سپاهیگری نیز ماهر بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۹۹، ۴۱۶ /۹)، مجالس النفائس (۱۱۳).

ساقی کلاتی خراسانی، محمد زمان

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۶ ق)، عارف و شاعر، متخلص به ساقی. وی ازناحیه کلات نادر خراسان بود که تحت تاثیر تعالیم استاد خویش، علی محمداسماعیل ازغدی ترک دنیا گفت به زهد و پارسایی گرایید و به زیارت خانه‌ی خدا مشرف شد و پیوسته در سفر و حضر بود تا در تهران درگذشت. از وی آثاری چند به جای مانده از جمله: «نفحات غیبه»؛ «درج اللئالی و برج المعالی»؛ «صحیفه‌ی جامعه»؛ «خلاصه مشارق الانوار»؛ «دیوان» اشعار؛ «الهی نامه»؛ «ساقی نامه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۱۶/۹، ۲۳۳/۷)، ریحانه (۴۱۳/۲)، طرائق الحقائق (۲۴۳/۳)، لغت نامه (ذیل/ ساقی)، المآثر و الآثار (۲۰۵)، مجمع الفصحا (۴۴۳ -۴۲۹ /۲).

ساقی هروی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر. وی معاصر امیرعلیشیر نوایی بود و مردی طالب علم گاهی نیز شعر می‌سرود. از اوست:

آن پری در خانه نگذارد من دیوانه را

آیم از درماندگی بینم ز دور آن خانه را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۱۷/۹)، لغت نامه (ذیل/ ساقی)، مجالس النفائیس (۱۶۲).

ساکت اصفهانی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۷/۱۳۵۶ –۱۲۸۵/۱۲۷۷ ق)، صوفی و شاعر، متخلص به ساکت. در اصفهان متولد گردید. از اعضای قدیمی انجمن ادبی شیدا بود اشعارش در مجله «دانشکده» دوره اول به طبع می‌رسید. ساکت از صوفیان فرقه‌ی صفی علیشاه در اصفهان بود. در اصفهان درگذشت. «دیوانی» دارد حاوی چندین هزار بیت از انواع فنون شعری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۳۲ –۲۳۱)، الذریعه (۴۱۷/۹).

ساکت تبریزی، محمدامین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به ساکت. اهل تبریز و معاصر و مصاحب صایب تبریزی بود و تخلص خود را در اصفهان از صایب گرفت. اوایل عمر در مشهد ساکن شد و در عهد عالمگیر شاه به هندوستان رفت و به مناصب عالی نایل گردید. و بقیه‌ی زندگی خود را در بنگاله گذرانید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۲۷۷ –۲۷۶ /۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۳۳ –۱۳۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۷۱)، الذریعه (۴۱۷/۹)، سخنوران آذربایجان (۳۹۲ –۳۹۱)، صبح گلشن (۱۹۳)، فرهنگ سخنوران (۴۲۸)، کاروان هند (۵۱۶ –۵۱۵ /۱)، لغت نامه (ذیل/ ساکت)، مخزن الغرائب (۶۷۷/۲)، نشتر عشق (۷۴۹/۲).

ساکت شیرازی، غلامرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۱۳ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به ساکت. مشهور به میرزا کوچک. او ساکن شیراز بود و در آنجا شغل بزازی داشت. میرزا غلامرضا خط نستعلیق را با سبک مخصوصی می‌نگاشت و شعر را نیز خوب می‌سرود. سال وفات وی به دست نیامده است. از اوست:

در فصل بهار با یکی حور سرشت

یک شیشه‌ی می به طرف جوی و لب کشت

بهتر بود از کوثر و از هشت بهشت

این عشرت را نباید از دست بهشت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۴۵)، احوال و آثار خوشنویسان (۵۵۶/۲)، حدیقه الشعراء (۷۲۸/۱)، الذریعه (۴۱۷/۹)، ریحانه (۴۱۴– ۴۱۳ /۲)، لغت نامه (ذیل/ ساکت)، مرآت الفصاحه (۲۶۲ –۲۶۱).

ساکت فارسی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. اهل بهبهان بود. معاصر و معاشر و ندیم میرزا قوام‌الدین بهبهانی بود. از سروده‌های اوست:

آشنا با جان شدن بیگانه از جانان خطاست

هرکه از جان گشت بیگانه به جانان آشناست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۷۲۸ –۷۲۷ /۱)، فارس نامه‌ی ناصری (۱۴۷۸/۲)، مرآت الفصاحه (۲۶۲).

ساکت نیریزی، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۴ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به ساکت و ادیب اصلش از نیریز بود. با فرصت شیرازی همعصر و مانوس بود. و مدح وی را می‌گفته. خط نسخ را نیکو می‌نوشت. اشعار بسیار به عربی و فارسی سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۵۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۶ –۱۲ /۳)، مرآت الفصاحه (۲۶۴ –۲۶۳).

ساکنی سمرقندی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر. اهل سمرقند بود و طلب علم کرد. وی معاصر امیرعلیشیر نوایی بود. از اشعار اوست:

با ما به لطف نرگس مست تو باز نیست

ارباب ناز را سر اهل نیاز نیست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۱۸/۹)، لغت نامه (ذیل/ ساکنی)، مجالس النفائس (۱۴۷).

ساکنی قمی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از بازماندگان خواجه عبداللّه انصاری بود. از اشعار اوست:

اگر نظر سوی غمخواره‌ای کنی چه شود

به لطف چاره‌ی بیچاره‌ای کنی چه شود

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تحفه‌ی سامی (۳۶۶)، تذکره‌ی روز روشن (۳۴۲)، الذریعه (۴۱۷/۹).

سالاری فر، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا سالاری فر

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۲ در شهر قزوین متولد شدم. پس از چند ماه همراه خانواده به مشهد مقدس منتقل شدیم. پس از سه سال به اصفهان رفتیم. تا سال ۱۳۶۵ در اصفهان سکونت داشتم و از آن سال تا کنون (۱۳۸۴) در قم زندگی می کنم.در سال ۱۳۶۰ در اصفهان مدرک دیپلم ریاضی فیزیک را اخذ نمودم. از دبیرستان در کنار دروس دیگر به تحصیلات حوزوی مشغول بودم. پس از سال ۱۳۶۳ به طور تمام وقت به دروس حوزه مشغول شدم. درسال ۱۳۶۵ با امتحان لمعتین، به درس درحوزه علمیه قم مشغول شدم. از سال ۱۳۷۰ به درس خارج اشتغال داشتم. یک دوره اصول نزد آیت الله سید علی محقق گذراندم. درس خارج نیز نزد ایشان و برخی

اساتید دیگر حوزه تلمذ نمودم. از سال ۱۳۷۰ به دروس روان شناسی در سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد اشتغال داشتم. پایان نامه ام مربوط به مقایسه دیدگاه اسلام با برخی دیدگاههای روان شناسی در بحث خانواده است.اکنون به تحقیق در حوزه روان شناسی و اسلام و ساعاتی تدریس روان شناسی اشتغال دارم. عمده تحقیقات من به حوزه های روان شناسی اجتماعی، خانواده درمانی و بهداشت روانی با توجه به منابع اسلامی مربوط می شود.

سالاری نژاد، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مسعود سالاری نژاد

محل تولد : مسجد سلیمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیّد مسعود میر سالاری نژاد در سال ۱۳۶۴ مدرک دیپلم مکانیک خود را از هنرستان فنی شهداء اهواز اخذ نمودم و از همان سال در مدرسه علمیّه امام صادق نیروگاه قم مشغول به تحصیل علوم حوزوی شدم .همزمان باتحصیل دروس سطح حوزه به رشته اقتصاد دانشگاه مفید همت گماشتم و پس از اندکی در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی مشغول به کار شدم . در سال ۱۳۷۸ به عنوان مدیر دفتر تحقیقات نور رایانه منصوب و نسبت به پژوهش و تحقیق در مباحث ادبیات فارسی آشنائی پیدا کردم و مشغول به تحقیق شدم . در سال ۱۳۷۹نسبت به تولیدچند رسانه ای مثنوی معنوی و کارهای تحقیقاتی این پروژه تحت عنوان مدیر و متکفل پروژه ،همت گماشتم ودر سال ۱۳۸۱ کارهای تحقیقاتی پروژه شاهنامه فردوسی را مدیریت نموده و در دو لوح فشرده به جامعه فرهنگی عرضه نموده ام . همچنین بعضی از مقالات و نوشته های موجود در این دو پروژه از اینجانب می باشد.

هم اکنون هم نسبت به تولید نرم افزار چند رسانه ای حافظ شیرازی و کارهای تحقیقاتی آن و پیگیریهای متعدد با مراکز علمی ، پژوهشی « مرکز حافظ شناسی و انجمن شاعران تهران » مشغول به کار هستم. همزمان با همکاری با مرکز به دروس خارج استاد سبحانی «اصول » و استاد مکارم «فقه» مشغول می باشم.

سالاری، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد سالاری

محل تولد : قاینات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در تیر ماه سال ۱۳۴۶ در خانواده ای متوسط، مذهبی شغل پدرم کشاورز و مادرم خانه دار در روستای دهشک از توابع بخش نیم بلوک قاینات، واقع در فاصله ۴۵ کیلومتری شمال شهرستان قاین دیده به جهان گشودم.وقتی به دنیا آمدم برادر دو ساله ام که محمد نام داشت به علت مریضی سرخجه از دنیا رفته بود، پدرم شناسنامه برادر فوت شده ام را به من اختصاص داد و دیگر برای من شناسنامه ای نگرفت بنابراین من با همان شناسنامه برادرم که دو سال از من بزرگتر است درسال تحصیلی ۵۱ ـ۵۲ دو سال زودتر از موعد به مدرسه رفتم .

تحصیلات (دوران کودکی، نوجوانی و جوانی)دوران ابتدایی را در روستای محل ولادتم با موفقیت گذراندم. سال ۱۳۵۷ همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران کلاس اول راهنمایی را در روستای بیهود و دوم راهنمایی را در شهرستان قاین و سوم راهنمایی را درخضری مرکز بخش نیم بلوک با موفقیت گذراندم و سپس با توجه به علاقه ی شدیدی که به روحانیت داشتم تحصیلات جدید را ترک نمودم و در سال تحصیلی ۶۰ ـ ۶۱ وارد حوزه علمیه قاین شدم و دو سال بعد برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه گناباد مهاجرت نمودم و دو سال در این حوزه، بقیه دروس مقدمات را نزد استادان محترم مدرسه علمیه امام رضا علیه السلام گذراندم در سال ۱۳۶۴ برای ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه مشهد مقدس شدم و تحصیلات حوزه را در مدت ده سال اقامت در این حوزه تا اتمام سطح گذراندم.از سال ورود به حوزه مشهد همزمان با تحصیل حوزوی به صورت داوطلب آزاد دوره دبیرستان را نیز هر ساله امتحان می دادم که سرانجام درسال ۱۳۶۷ موفق به اخذ دیپلم در رشته فرهنگ و ادب از آموزش و پرورش ناحیه ۲ مشهد شدم در سال ۱۳۶۸ در آزمون سراسری دانشگاه پیام نور در رشته زبان و ادبیات فارسی پذیرفته شدم و در مقطع کارشناسی به

تحصیل پرداختم. ضمنا در همان سال ازدواج کردم که حاصل این ازدواج هم اکنون چهار فرزند می باشد، دو پسر و دو دختر می باشد.سر انجام در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ درجه لیسانس (کارشناسی) از دانشگاه پیام نور مرکز مشهد گردیدم.در سال ۱۳۷۴ به قصد ادامه تحصیل از مشهد به قم مهاجرت کردم و تا سال ۱۳۸۱ در حوزه علمیه قم دروس خارج فقه و اصول را نزد آیات عظام وحید خراسانی، فاضل لنکرانی، ناصر مکارم شیرازی، یوسف صانعی و علوی گرگانی ادامه دادم و بهره های فراوان بردم.

دروس تفسیر قرآن آیت الله جوادی آملی و اخلاق آیت الله مشکینی و آیات الاحکام آیت الله محمد یزدی نیز دروس جنبی حوزه قم بود که از محضر این بزرگواران نیز بهره مند شدم .

در سال ۱۳۷۶ در کنکور سراسری کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی پذیرفته شدم و در واحد مرکزی تهران به تحصیل پرداختم و سرانجام در سال ۱۳۷۸ موفق به اخذ درجه فوق لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی شدم واز پایان نامه ای با موضوع «اخلاق و تربیت اسلامی در دیوان عطار نیشابوری» و با نمره ممتاز دفاع کردم.تدریس در آموزش و پرورش را در مقطع (ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان) از سال ۱۳۷۶ در مشهد آغاز کردم و در قم ادامه دادم و هم اکنون نیز چندساعتی را در مقطع دبیرستان در شهر خضری ادبیات فارسی تدریس می کنم.تدریس در مقطع دانشگاهی را با دروس معارف اسلامی «۱ و ۲ » و اخلاق اسلامی، از سال ۱۳۷۲ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی آغاز نمودم و در سال های ۱۳۸۱ تا کنون در دانشگاه آزاد اسلامی شهرهای قاین و گناباد در دانشکده علوم پزشکی گناباد ادامه دادم و هم اکنون نیز با علوم پزشکی هم در زمینه تدریس و هم به صورت عضو پایگاه تحقیقات جمعیتی دانشکده علوم پزشکی همکاری دارم از ۲۵ فروردین سال ۱۳۸۱ از سوی مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) و با حکم شورای سیاستگذاری ائمه جمعه سراسر کشور به سمت امام جمعه بخش نیم بلوک در (شهر خضری دشت بیاض) منصوب گردیدم و تا هم اکنون مدت حدود چهار سال است که در این سمت انجام وظیفه می نمایم.

سالاری، مظفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مظفر سالاری

محل تولد : –

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

از دوم دبستان عضو کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بوده و همواره با کتاب و کتابخوانی انس والفت داشته ام . از سال ۶۷ همراه با شرکت در کلاس های ادبی و هنری دفتر تبلیغات ، اداره کتابخانه ادبی آن جا را پذیرفتم . از سال ۷۱ همکاری ام را با مجله سلام بچه ها به عنوان مسئول داستان آغاز کردم و دو سال بعد با همین عنوان با مجله «پوپک» نیز همراه شدم . برای بچه ها داستان ، نمایشنامه ، فیلمنامه ، نقد و مقاله های آموزشی فراوانی نوشته و شاگردان زیادی تربیت کرده ام . در آن زمان که به طور مرتب نقد می نوشتم ، در سه سال پیاپی در جشنواره مطبوعات کانون در زمینه نقد برگزیده شدم . کتاب ها و داستان هایم بارها برگزیده جشنواره ها شده و مورد تقدیر قرار گرفته است . رمانم با نام «نیمه شبی در حله» می تواند الگویی باشد برای نگارش داستان با صبغه دینی" . نیمه شبی در حله "نامزد کتاب سال جمهوری اسلامی ، برگزیده کتاب سال ولایت و کتاب سال سلام بچه ها و پوپک در سال ۸۳ بوده است . بارها داور کتاب سال بوده و با عناوین کارشناس ، عضو هیات علمی ، مشاور و مدیر در امور ادبی و هنری دعوت به همکاری شده ام . به دلیل خدمات فرهنگی و تولید و تدریس داستان طی سال ها ، در دهمین کنگره شعر وقصه طلاب ، برگزیده ویژه شناخته شدم . از سال ۸۳ با معرفی شورای فرهنگ عمومی و حکم وزیر فرهنگ و ارشاد به عنوان عضو هیات نظارت بر کتاب کودک و نوجوان ، در تدوین آیین نامه نظارت ، همکاری موثر داشته ام . نخستین جلد از مجموعه پنج جلدی داستان نویسی قدم به قدم با نام «گشایش داستان» در سال ۸۳ از من به چاپ رسیده و مورد استقبال قرار گرفت . در کنار مسئولیت هایی چون معاونت فرهنگی هنری دفتر تبلیغات ، سر دبیری فصلنامه «آفرینه» را نیز به عهده دارم و به ترجمه و تفسیر قرآن برای بچه ها و نگارش دایرهٔ المعارف موضوعی قرآن برای ایشان نیز می اندیشم .

سالک

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۸۹۹ ق)، خطاط. از آثار وی یک نسخه «شاهنامه‌ی» فردوسی است در دانشگاه استانبول که به دستور سلطان میرزا علی نوشته و تاریخ ۸۹۹ ق دارد. این سلطان علی میزا، فرزند سلطان محمود میرزا، حکمران حصار در اواخر دوره‌ی تیموریان است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :هنر عهد تیموریان (۶۱۴).

سالک اصفهانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۴ ق)، شاعر. در اصفهان متولد شد. در تهران ساکن بود و به مشاغل دولتی سرگرم بود. دارای طبعی روان می‌باشد از اوست:

هرکس که شب به یاد رخش دید ماه را

بر آسمان رسان ز دل دود آه را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۳۳ -۲۳۲).

سالک اصفهانی، شاطر حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۶ -۱۲۸۸ ق)، شاعر، متخلص به سالک پیر. در اصفهان متولد شد. از اعضای انجمن ادبی شیدا بود. دارای طبع سرشاری بود در اصفهان وفات یافت. از اوست:

جهان را جوی قدر و مقدار نیست

بر آن بستن دل سزاوار نیست

وفائی اگر داشت دنیای دون

چرا غیر جورش به اخیار نیست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۳۴ -۲۳۳)، الذریعه (۴۱۸/۹).

سالک اصفهانی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۸۰ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به سالک. شهرت او بیشتر به سبب خط نسخ اوست که کمال تعریف دارد، و مردم او را میرزا محمدحسین خوشنویس می‌گفتند. مولف «حدیقه الشعراء» آورده که: «در سال ۱۲۸۰ در زمره‌ی احیا و از جمله معمرین بود». از آثار او: ادعیه‌ی نیم ربعی، جلد روغنی،: سرلوح مرصع، دو صفحه‌ی اول متن و حاشیه مذهب، نسخ کتابت و رقاع خوش، با رقم: «... السلطان ناصرالدین‌شاه... درجه‌ی قبول یابد. کتبه... محمدحسین الاصفهانی المتخلص بسالک»؛ کلمات قصار نیم ربعی، جلد روغنی، سرلوح مرصع، نسخ کتابت خفی جلی و رقاع خوش، با رقم: «... کتبه محمدحسین الاصفهانی المتخلص بسالک فی سنه ۱۲۷۵»؛ ادعیه‌ی نیم ربعی، مذهب، نسخ و رقاع کتابت خفی خوش، با رقم: «... کتبه محمدحسین الاصفهانی المتخلص بسالک... سنه ۱۲۷۶...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۶۰ -۱۱۵۹ /۴)، حدیقه الشعراء (۷۲۹ -۷۲۸ /۱)، الذریعه (۴۱۸/۹)، گنج شایگان (۱۹۵ -۱۹۲)، مجمع الفصحا (۴۶۱ -۴۶۰ /۴).

سالک بروجنی، اللّه کرم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۲ ق)، شاعر، متخلص به سالک. در قریه‌ی بروجن از توابع اصفهان متولد شد. در مکتبهای قدیم مشغول به تحصیل شد که پس از مدت کمی پرش فوت کرد و مجبور به ترک تصحیل شد و به شغل بزازی پرداخت. و در ضمن کار روزانه تحصیلات خویش را ادامه داد. گاهی شعر می‌سرود. «دیوان» شعری دارد مشتمل بر چندین هزار بیت از قصیده و غزل و رباعی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۳۲)، الذریعه (۴۱۸/۹).

سالک تبریزی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۳۸ ق)، شاعر. از سخنوران آذربایجان بود. مثنوی مختصری در ناخوشی وبای سال ۱۲۳۸ ق گفته و «دیوان» شعری قریب هزار بیت دارد. نسخه‌ی از «دیوان» سالک در کتابخانه حاج حسین آقا نخجوانی در تبریز موجود است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۱۷۳ -۱۷۲)، الذریعه (۴۱۹ -۴۱۸ /۹).

سالک شیرازی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۷ ق)، شاعر. از شاعران نامی خطه فارس و مردی دانشمند و بذله‌گوی و شیرین سخن بود که غزل را نیکو می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۶۷)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۴/۳)، الذریعه (۴۱۸/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۳۰)، هفت اقلیم (۲۴۷ -۲۴۶ /۱).

سالک قزوینی، محمدابراهیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۰۲۱ ق)، شاعر، متخلص به سالک. مشهور به شاه سالک. در قزوین متولد شد و در جوانی به تبریز رفت و از آنجا به زیارت عتبات شتافت و پس از بازگشت به قزوین به اصفهان رهسپار شد و در آنجا با جلال اسیر داماد شاه عباس معاشرت کرد. سالک از آنجا به هندوستان رفت و در آنجا با کلیم کاشانی و حاجی محمد جان قدسی همصحبت شد. پس از چندی به زادگاه خود بازگشت و در آنجا بدرود حیات گفت. از آثار وی: مثنوی «محیط کونین» و «دیوان» اشعار مشتمل بر حدود ۱۰۸۰۰ بیت؛ «ساقی نامه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۷۱ -۱۱۶۹ /۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۰۱ -۱۲۹۳ /۵)، تذکره‌ی پیمانه (۲۴۱ -۲۱۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۲۹ -۳۲۸)، الذریعه (۴۱۹/۹)، ریحانه (۴۱۴/۲)، سرو آزاد (۱۱۰ -۱۰۹)، فرهنگ سخنوران (۴۳۱ -۴۳۰)، کاروان هند (۵۲۵ -۵۱۷ /۱)، لغت نامه (ذیل/ سالک قزوینی)، منظومه‌های فارسی (۳۰۱ -۲۹۹)، مینودر (۴۶۴ -۴۶۲ /۲).

سالک کازرونی، محمدصادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. ملقب به مرشد کازرونی. صاحب «مرآت الفصاحه» او را دیده است. از اوست:

هر آن کس آگه از سر قضا شد
به چوگان قدر گوی رضا شد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۵۸، ۳۳۰)، مرآت الفصاحه (۲۶۴).

سالک کاشانی، محمدعلی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. اصلش از کاشان بود و در سلوک طریقه‌ی نظم از سخنوران توانمند بود. از اوست:

بی روی تو ای مردم کاشانه‌ی چشم
پر باده‌ی حسرت است پیمانه‌ی چشم
تو جای دگر گرفته‌ای خانه و من
بهر تو سفید کرده‌ام خانه‌ی چشم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۲۰/۹)، صبح گلشن (۱۹۴)، لغت نامه (ذیل/ سالک)، نتایج الافکار (۳۳۹).

سالک یزدی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. در شیراز متولد شد و در همان شهر مدتی به امر شانه رنگ‌زنی مشغول بود، پس از آن به اصفهان و از آنجا به هندوستان رفت و در گلکنده دکن به خدمت عبداللّٰه بن قطب شاه درآمد. بوسیله شفیعای یزدی به شاه جهان معرفی شد و در سلک ملازمان وی درآمد. و سرانجام در شاه جهان درگذشت. سالک شاگرد حکیم رکنای مسیح کاشی بود و در سرودن شعر توانا. از آثار او: «دیوان » شعر و مثنوی «خسرو و شیرین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۱۱ -۱۲۰۹ /۵)، تذکره‌ی روز روشن (۳۴۵ -۳۴۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۳۰ -۳۲۹)، الذریعه (۴۲۰/۹)، ریحانه (۴۱۴/۲)، سرو آزاد (۱۱۱ -۱۱۰)، فرهنگ سخنوران (۴۳۱)، کاروان هند (۵۲۸ -۵۲۵ /۱)، کلمات الشعراء (۷۷ -۷۶)، لغت نامه (ذیل/ سالک یزدی)، منظومه‌های فارسی (۳۰۲ -۳۰۱).

سالک یزدی، سالک‌الدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۸۴۷ ق)، صوفی و شاعر، متخلص به سالک. از شاعران و صوفیان نامور عهد خویش است. از آثار وی: «کنز السالکین» مشتمل بر اجازات بسیاری از علماء؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۵۸/۱۸، ۴۱۹/۹، ۱۸۷/۸).

سالک، محمدجعفر

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. اهل دارالعلم شیراز بود و مدت زمانی در اصفهان به تحصیل علوم مشغول شد بخصوص در ریاضیات سعی وافی داشت. به مساعدت بخت سعید در دربار ملکزاده‌ی آزاد، حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس مقیم شد و از ندمای خاص او گردید. در قواعد نظم آگاهی داشت و اغلب در گفتن قصاید اوقات زیادی صرف می‌کرد. بر لغات مشکله‌ی «وصاف» شرحی نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۲۰/۹)، سفینه المحمود (۳۷۵ -۳۷۴ /۲)، نگارستان دارا (۲۰۷ -۲۰۰).

سالکی، بهرام

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بهرام سالکی خطاط معاصر ایرانی قرآن کریم را به خط زیبلی ریحان کتابت کرده است. این مصحف شریف توسط مجید دوخته چی تذهیب شده و توسط انتشارات مبلغان نشر شده است.

خط ریحان یکی از رایج ترین و در عین حال باشکوه ترین و عظیم ترین سبک های خوشنویسی است.

منابع زندگینامه :http://www.ommolketab.net

سالکی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد فرزند رکن‌الاسلام معروف بسالکی بابلی از فضلاء این شهر بوده و در زمان مرحوم آیه‌الله العظمی حایری برای تحصیل و تکمیل مراتب علمی بقم آمده و پس از چند سال با احراز مقامات فضل و دانش از حیث فقه و اصول و حکمت و ادبیات مراجعت ببابل نموده و از راه منبر و وعظ و خطابه و تبلیغات و مبارزات با منحرفین خدماتی انجام داده تا در چند سال قبل از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سالم اصفهانی، محمدعلی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۸۷ ق)، شاعر. از احفاد مرحوم خلیفه سلطان اسحاق بود. به بعضی کمالات موصوف و در جوانی در بغداد به مرض طاعون درگذشت. از اوست:

وقت دل خوش که به کوی تو خبر داشت ز کار

که به جا ماند و من از بی‌خبری بستم بار

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۲۰/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۳۲)، لغت نامه (ذیل/ سالم).

سالم تبریزی، محمود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به سالم. وی از مشاهیر و معاریف ترکمان بود که در تبریز مسکن داشت و با شاه طهماسب صفوی معاصر بود. سالم در سرودن شعر به ویژه قالب مثنوی توانا بود. از آثار وی: منظومه‌های: «مهر و وفا»؛ «لیلی و مجنون»؛ «یوسف و زلیخا»؛ «شاهنامه طهماسبی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۲ -۶۱ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۹۵/۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۵۰۹/۲)، تذکره‌ی شاعران آذربایجان (۲۸۴ -۲۷۹ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۷ -۳۹۴)، فرهنگ سخنوران (۴۳۲)، لغت نامه (ذیل/ سالم ترکان)، مجمع الخواص (۱۱۱ -۱۱۰)، منظومه‌های فارسی (۳۰۳ -۳۹۲).

سالم شیرازی، عیسی قلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، شاعر، متخلص به سالم. در محله‌ی بیدآباد اصفهان به دنیا آمد، تحصیلات را در مکاتب قدیم فراگرفت و از ده سالگی در کنار پیشه‌ی بافندگی به سرودن شعر پرداخت و از راهنمایی‌های صغیر اصفهانی بهره‌مند گردید. سالم در انجمنهای ادبی کمال و سعدی و بیدل شرکت می‌جست. طبع وی بیشتر به سرودن غزل و ساختن تضمین متمایل بود. و در شعر به جنبه‌های اخلاقی و عرفانی و مذهبی توجه داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۳۵ -۲۳۴)، سخنوران نامی معاصر (۱۷۰۶ -۱۷۰۱ /۳)، فرهنگ سخنوران (۴۳۲).

سالم کاشانی، عبدالغفار

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر و نقاش. از مردم کاشان بود. در صنعت تصویر و تذهیب دستگاهی کامل داشت این رباعی از اوست:

یک لحظه غم تو بی‌وفایی نکند

با غیر دل من آشنایی نکند

غم با دل خون گرفته عهدی کرده است

تا او باشد از او جدایی نکند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۴۵)، الذریعه (۴۲۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۳۲)، لغت نامه (ذیل/ سالم).

سالمی، رحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رحیم سالمی

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

این حقیر در سال ۱۳۷۱وارد حوزه علمیه قم شدم و درمدرسه شهیدین وسپس رضویه و امام محمد باقر (ع) مقدمات را تا لمعتین و اصول فقه به اتمام ودر مدت بسیار کوتاهی سطوح را به پایان رساندم.

از سال ۱۳۷۸خارج فقه، اصول، رجال، درایه، کلام و تفسیر را نزد استاد گرانقدر و محقق عالی مقام سیفی مازندرانی شروع و تا به الان ادامه دارد.

همزمان با تحصیل درسهای مرسوم حوزه رادر سطوح مختلف تدریس کرده و به طور رسمی در دو مدرسه عالی امام خمینی (ره) و شهیده بنت الهدی مشغول تدریس دروسی مانند مبانی علم رجال، درایه، منبع شناسی حدیثی شیعه و اهل سنّت، تاریخ حدیث، فقه حدیث و شیعه شناسی با دو زبان فارسی و عربی هستم که متن برخی از آنان را خود تهیّه و تدوین نمودم و در ضمن تحصیل و تدریس به تحقیق و تدوین در حوزه های فقه، اصول، رجال، منابع حدیثی و ادبیات پرداخته ام و تنها اثری که موفق به چاپ و نشر آن شدم کتاب الاسلام والحریه می باشد.

سالیانی، محمد یار

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۴۲ ق)، خطاط. وی انواع خطوط را خوش می‌نوشت. از آثار او: یک قطعه نسخ کتابت خوش و نستعلیق نیم دو دانگ کتابت خفی متوسط، با رقم: «حسب الاشاره... محمدحسن خان قاجار... و انا العبد الاذل الاقل محمد یار سالیانی، فی سنه‌ی ۱۲۴۲».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۰۹/ ۴، ۸۶۱/ ۳).

سام

قرن:۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نام او در اوستا SAMA (سامه) و آن نام خاندانی است، نه نام کسی. اما در روایات پهلوی نام دو تن از دلیران سیستانی است: یکی پدر اثرط که در گرشاسبنامه‌ی اسدی طوسی به صورت شم آمده است، و باید اصل آن سام باشد، و دیگر نواده‌ی گرشاسب و پدر زال می‌باشد. سام در شاهنامه از پهلوانان دربار منوچهر و نوذر بود.

(است. سیاه. نام خانواده‌ای ایرانی) جهان پهلوان ایرانی نواده گرشاسپ جهان پهلوان پدر زال و جد رستم جهان پهلوان.

(شم) پدر اثرط، جد گرشاسپ جهان پهلوان.

برگرفته از کتاب :ایران در عهد باستان

سام آرام، عزت الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر عزت الله سام آرام در فروردین‌ماه ۱۳۲۳ در شهرستان آغاجری از توابع بهبهان بدنیا آمد ایشان دارای مدرک دکترای تخصصی رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۱ است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه علامه طباطبایی و استاد پایه ۲۷ رشته جامعه شناسی (گروه تعاون و رفاه اجتماعی) می باشد. گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیگرایش : رفاه اجتماعیوالدین و انساب : پدرعزت الله سام‌آرام مرحوم حاج مظاهر سام‌آرام از اهالی سمیرم بود که در سال ۱۳۰۰ به خوزستان مهاجرت کرده‌اند. مادرش خانم آغا احمدیان از اهالی باغبادران هستند که در سال ۱۳۰۵ همراه خانواده‌اش به خوزستان مهاجرت کرده‌اند. ازدواج پدر و مادردکتر سام آرام در سال ۱۳۰۷ شمسی در اهواز به وقوع پیوست که حاصل آن هشت فرزند است. پنج پسر و سه دختر که هفت نفر آنها در قید حیات هستند و عمدتا در تهران ساکن شده‌اند. تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات ابتدایی و متوسطه عزت الله سام آرام در آغاجری و اهواز گذشت و تحصیلات دانشگاهی کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری در تهران. ترتیب مدارک تحصیلی دکتر سام آرام به قرار زیر است: کارشناسی خدمات اجتماعی(مددکاری اجتماعی)، سال دریافت ۱۳۵۰ کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، سال دریافت ۱۳۵۶ دکترای تخصصی رشته جامعه شناسی، سال دریافت: ۱۳۷۱ ۱.دوره تخصصی مددکاری جامعه‌ای(Community Action) در امریکا، ۱۹۷۳-۱۹۷۲ به مدت ۱۲ ماه کار جامعه‌ای در بین اقلیت‌های امریکا در اداره فرصت‌های اقتصاد ۲ O.E.O.دوره تخصصی روابط کار و مسائل کارگران، دانشگاه میسوری، کانزاس

سیتی امریکا، ۱۹۷۳ ۳.دوره تخصصی مددکاری کودکان معلول در دانمارک و انگلیس "بورس یونسکو ، "۱۹۷۷ ۴.دوره تخصصی روش‌شناسی تحقیق(یونسکو) در سال ۱۳۷۳ در تهران ۵.دوره تخصصی" روش‌شناسی کار شایسته "در ژنو در سال ۲۰۰۵ همسر و فرزندان : عزت الله سام آرام در سال ۱۳۵۴ ازدواج کرده‌است که حاصل آن سه فرزند می باشد.دو دختر و یک پسر و کماکان ساکن تهران است.وقایع میانسالی : عزت الله سام آرام از اول تیرماه ۱۳۵۰ به عنوان مربی آموزشیار در دانشکده خدمات اجتماعی مشغول به کار شد.در سال ۱۳۵۶ مربی، درسال ۱۳۷۱ استادیار، در سال ۱۳۷۸ دانشیار و سال ۱۳۸۶ به درجه استادی رسیدند. از سال ۱۳۵۱ تاکنون چند دوره تخصصی در رابطه با تحصیلاتش را گذرانده‌است. از جمله مددکاری جامعه‌ای در آمریکا،مددکاری کودکان معلول در دانمارک و انگلیس و روش‌شناسی تحقیق اجتماعی در یونسکو و در بیش از یکصد همایش داخلی و خارجی شرکت داشته‌است مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عزت الله سام آرام عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه علامه طباطبائی است.فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریس عزت الله سام آرام : از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۴ ۱.مددکاری اجتماعی – (عمومی، روش فردی، روش گروهی، روش جامعه‌ای) –۳ سال، ۶ ترم تحصیلی ۲.روش شناسی تحقیق در علوم اجتماعی(کارشناسی ارشد) – ۴ سال ، ۴ ترم تحصیلی ۳.جامعه‌شناسی روستایی–۱۴ سال،۲۸ ترم تحصیلی ۴.اصول آموزشی و ترویج تعاونی–۱۴ سال، ۲۸ ترم تحصیلی ۵. سمینار مسائل تعاونی–۱۲ سال، ۲۴ ترم تحصیلی ۶.مسائل اجتماعی ایران(اعتیاد، طلاق، مهاجرت)–۶ سال،۱۲ ترم تحصیلی ۷.جامعه‌شناسی ایران(جمعیت، آسیب‌های اجتماعی)–۱۰ سال، ۲۰ ترم تحصیلی جمعیت و رفاه اجتماعی(کارشناسی ارشد)–۳ سال، ۳ ترم تحصیلی ۸.سرپرستی کارورزی دانشجویان –(در فیلدهای مختلف روستایی و مراکز بازپروری اعتیاد)–۳۰سال، ۶۰ ترم تحصیلی چگونگی عرضه آثار : – چاپ بیش از پنجاه مقاله در نشریات علمی – شرکت در بیش از یکصد همایش داخلی و خارجی – هفت کتاب تالیفی – مقالات پژوهش(۱۳۵۵ تا ۱۳۸۴)، ۲۱ مورد – مقالات علمی منتشر شده در مجلات و همایش‌های علمی از۱۳۷۱ تا ۱۳۸۴ (۳۷ مورد) –کارشناسی‌ارشد،راهنماییپایان نامه :۲۱مورد – دکتری، راهنمایی پایان نامه :۳ مورد – دکتری،مشاوره پایان نامه : ۷ موردآثار : ۱ راهنمای مددکاران اجتماعی ویژگی اثر : ، ترجمه مشترک، انتشارات رشد،۱۳۷۱۲ روش‌شناسی تخقیق کیفی در مساله اعتیاد ویژگی اثر : ، تالیف، انتشارات نقش هستی، ۱۳۸۴ ۳ روش‌های تسهیل کار گروهی(برای مدیریت NGO ها) ویژگی اثر : تالیف، انتشارات موسسه توان‌بخشی و بهبود زندگی زنان، ۱۳۸۲۴ فقر عاطفی در خانواده ویژگی اثر : تالیف، انتشارات نقش هستی، ۱۳۷۵۵ مددکاری اجتماعی ویژگی اثر : تالیف، انتشارات نقش هستی، ۱۳۸۲۶ مددکاری اجتماعی باتاکیدبرمحیط‌های کارگری ویژگی اثر : تالیف،انتشارات نقش هستی، ۱۳۸۲۷ مددکاری اجتماعی در کارگاه ویژگی اثر : ، تالیف، انتشارات موسسه کار و تامین اجتماعی، ۱۳۸۰ ۸ مددکاری اجتماعی(کار با جامعه) ویژگی اثر : تالیف، انتشارات نقش هستی، ۱۳۷۴۹ مددکاری‌اجتماعی(کاربافرد) ویژگی اثر : تالیف، انتشارات‌رشد، چاپ‌اول۱۳۶۸،دوم۱۳۶۹،سوم۱۳۷۱۱۰ مددکاری‌اجتماعی(کارباگروه) ویژگی اثر : تالیف، انتشارات نقش هستی، ۱۳۷۳

منابع زندگینامه :تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر عزت الله سام آرام بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی– بهار ۱۳۸۶

سام میرزای صفوی، ابونصر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۷۵/۹۷۴ –۹۲۳ ق)، تذکره‌نویس، خطاط و شاعر، متخلص به سامی. وی در مراغه متولد شد دومین فرزند شاه اسماعیل و برادر شاه طهماسب بود. در زمان پدر نخست حکمران گیلان و سپس حکمران خراسان شد و در هرات استقرار یافت اما چندی پس از مرگ شاه اسماعیل معزول شد و بر شاه طهماسب طغیان کرد و در جنگی در قندهار شکست خورد و از آنجا به طبس گیلکی رفت. وی پس از چندی امان نامه دریافت کرد و به دربار بازگشت و چندی به این نحو می‌زیست تا این که از شاه طهماسب درخواست کرد که از التزام رکاب معذورش بدارد، شاه طهماسب تلویت بقعه شیخ صفی‌الدین و حکمرانی اردبیل را به او داد. سام میرزا سالها بعد بار دیگر بر شاه طهماسب شورید و به مدت شش سال در قلعه قهقهه زندانی شد و سام در همان قلعه در زیر آوار زلزله درگذشت. از جمله آثارش: «تحفه‌ی سامی»؛ «دیوان». شعر. سام میرزا همچنین خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و از خطوط وی، یک قطعه به قلم نیم دو دانگ متوسط به زر تحریردار موجود است، با رقم: «...کتبه غلام شاه، سام».[۱]

صفوی پسر شاه اسماعیل و برادر شاه طمهاسب صفوی (ف. ۹۴۰ ه.ق.). وی در فنون شعر و انشا مهارت داشت و کتاب «تحفه سامی» که تذکره‌ایست از شعرا تألیف اوست. در سال ۹۳۹ ه.ق. از طرف برادرش به حکومت خراسان منصوب شد و در سال ۹۴۰ بر برادر شورید و در همان اثنا درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۶۳ –۶۲ /۱)، احوال و آثار خوشنویسان (۲۲۸/۱)، از سعدی تا جامی (۶۷۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۹۸/۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۱۵۷ –۱۵۵ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۷۹ –۳۷۸)، تحفه سامی (مقدمه)، دانشمندان آذربایجان (۱۷۸ –۱۷۶)، دایرةالمعارف فارسی (۱۲۴۶/۱)، الذریعه (۴۲۴ –۴۲۳ /۹)، روضه السلاطین (۷۱)، ریحانه (۱۵۱/۲)، سخنوران آذربایجان (۳۶ –۳۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۶۰)، فرهنگ سخنوران (۴۳۵ –۴۳۴)، لغت نامه (ذیل/ سام میرزا)، مؤلفین کتب چاپی (۲۸۶/۳)، مجمع الخواص (۲۴)، مجمع الفصحا (۵۹ –۵۸ /۱)، نتایج الافکار (۳۳۲ –۳۳۱).

سامان، علینقی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، عـالم امـامی. وی فقیهی همعصـر علامه‌ی مجلسـی است. فتـاوای او در حاشـیه‌ی «سوال و جواب» علامه مجلسـی نوشته شد. از دیگر آثار او حاشیه بر «اثبات الرجعه» میرمحمد مومن است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۴۲/۱۲، ۹/۶)، ریحانه (۴۱۵ -۴۱۴ /۲).

سامانی بخارایی، سرکا

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۴۸ ق)، شاعر، متخلص به سامانی. از دانش بهره داشت و در سرودن شعر توانا بود. از اوست:

چو من دیوانه‌ی در عاشقی پیدا نخواهد شد

اگر پیدا شود مانند من رسوا نخواهد شد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۴۰، ۴۲۲ /۹)، مجالس النفائس (۱۶۰).

سامانی شیرازی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۶/۱۲۸۵ -۱۲۵۶ ق)، شـاعر، متخلص به سامانی. در شـیراز به دنیا آمـد، تحصـیلات مقـدماتی را در همان شـهر فراگرفت، زبان فرانسوی را از پـدرش، که آن را به خـوبی می‌دانست، آموخت و به روانی تکلم می‌کرد. بعـد از مرگ پـدر، به تهران آمـد و بنـا به مصلحت میرزا آقا خان نوری صـدر اعظم به دارالفنون رفت و به تحصـیل مقـدمات ریاضـی و نجوم و حکمت جدید پرداخت. وی ذهنی دراک و حـافظه‌ای قوی داشت، شـاعری را از نوجوانی آغـاز کرد. در اعیـاد و ایام خاص در جرگه‌ی شـعرا حضور می‌یافت و قصیده می‌خواند. میرزا محمدحسن در سنین جوانی در تهران وفات یافت. از سامانی اشعاری بر جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۷۳۹ -۷۳۶ /۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۷ -۴۰ /۳)، ریحانه (۴۱۵/۲)، شرح حال رجال (۸۱ -۸۰ /۶)، طرائق الحقـائق (۳۳۵/۳)، فرهنگ سـخنوران (۴۳۳)، گنـج شایگان (۵۰۴ -۴۸۸)، لغت نـامه (ذیل/ سامانی شـیرازی)، المـآثر و الآثار (۲۰۴)، مؤلفین کتب چـاپی (۵۴۰/۲)، مجمع الفصـحا (۴۵۲ -۴۴۳ /۴)، مرآت الفصـاحه (۲۶۶ -۲۶۴)، مکارم الآثار (۱۵۲۵ -۱۵۲۴ /۵).

سامانی، ابوالفتح

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالفتح (خان) متخلص به دهقان، از مردم سامان (سامان) شاعر قر. ۱۳ ه. (ف. ۱۳۲۶ ه.ق.). وی الف لیله و لیله را بین سالهای ۱۳۰۴ -۱۲۹۶ ه.ق. در بحر خفیف به نظم درآورده و نظم آن ۱۵ سال طول کشیده. وی معاصر ناصرالدین شاه قاجار بود و منظومه فوق را به نـام میرزا سـلیمان خـان شـیرازی ملقب به رکن‌الملـک نـایب الحکومه اصـفهان در عهـد ظل‌السـلطان- که حامی وی بود- به نظم درآورد. عده ابیات آن ۵۲۰۰۰ و ساده و روان و دور از تکلف و تصنع است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

سامانی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۵ -۱۲۲۹ ش)، شاعر، متخلص به افلاکی. او در قریه‌ی سامان متولد شد. تحصـیلات مقدماتی را در همان محل به انجام رسانید و به کار کشاورزی و زراعت مشغول شد. وی از اوان جوانی به سرودن شعر پرداخته است. از اوست:

ترک چشمت چو به شمشیر برد دست نخست

دل اگر شیر بود، دست ز جان باید شست

کی گمان بود در آغوش وصالت گیرم

تو بدین سخت دلی، ما به چنین صالع سست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۵۰)، فرهنگ سخنوران (۷۷).

سامت قزوینی، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۱- ز ۱۳۶۲ ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس. وی در قزوین متولد شد. پس از تحصیل مقدمات در قزوین به قم رفت و مدت پنج سال در آن شهر نزد استادانی چون آیت‌اللّٰه شیخ یحیی مفیدی و آیت‌اللّٰه شیخ میرزا ابوالفضل زاهدی و آیت‌اللّٰه میرزا محمد همدانی تلمذ کرد. پس از آن به نجف سفر کرد و حدود ده سال از محضر آیت‌اللّٰه آقا سید ابوالحسن اصفهانی در فقه و از آیت‌اللّٰه آقا ضیاءالدین عراقی در اصول و آیت‌اللّٰه نایینی و آیت‌اللّٰه آقا میرزا ابوالحسن مشکینی و آیت‌اللّٰه شیخ محمدحسین اصفهانی استفاده نمود. در سال ۱۳۶۲ ق به قزوین مراجعت نمود و به خدمات دینی و اقامه نماز جماعت در مسجد ملا باشی و تدریس فقه و اصول پرداخت. وی از آیت‌اللّٰه اصفهانی دارای اجازه‌ی اجتهاد و روایت بود. از آثارش: «تقریرات» مباحث آیت‌اللّٰه اصفهانی، در طهارت و بیع و حج؛ «تقریرات» اصول آیت‌اللّٰه آقا ضیاءالدین عراقی یکدوره‌ی کامل؛ «تقریرات» مباحث فقه میرزا ابوالحسن مشکینی در «صلاه» و مباحث اصول در «حجیت ظن» و «اصل برائت»؛ «تقریرات» مباحث فقه آیت‌اللّٰه نایینی، در «خیارات»؛ «تقریرات» آیت‌اللّٰه آقا ضیاءالدین عراقی، در «غصب» و «قضاء» و «زکوه».[۱]

میرزا عبدالرحیم بن العالم الجلیل والفاضل الجمیل میرزا حسن از احفاد ملا محمد رفیع‌الدین واعظ قزوینی صاحب (کتاب ابواب الجنان) در مواعظ و اخلاق متوفی ۱۰۸۹ ق می‌باشد.

معظم له از علماء و ائمه جماعت محترم معاصر قزوین و دانشمندان بنام آن سامانست. وی در ماه ربیع‌الثانی ۱۳۲۱ ق در شهرستان قزوین متولد شده و پس از رشد مدت پنج سال در قزوین تحصیل و بعد از آن به قم مسافرت نموده و مدت پنج سال در قم توقف و از محاضر آیات و مدرسین حوزه مانند آیت‌اللّٰه آقا شیخ یحیی مفیدی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ میرزا ابوالفضل زاهدی و مرحوم آیت‌اللّٰه میرزا محمد همدانی استفاده نموده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و حدود ده سال اقامت و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه اصفهانی فقها و آیت‌اللّٰه عراقی آقا ضیاءالدین اصولا-و آیت‌اللّٰه نائینی و آیت‌اللّٰه آقا میرزا ابوالحسن مشکینی و آیت‌اللّٰه حاج آقا شیخ محمد حسین اصفهانی استفاده نموده و در سال ۱۳۶۲ قمری مراجعت به قزوین و تا هم‌اکنون به خدمات دینی و اقامه نماز جماعت در مسجد سلطانی و مسجد ملاباشی و تدریس فقه و اصول و غیر ذلک اشتغال دارد. و دارای اجازات روایتی و اجتهادی و غیره از مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی و غیره می‌باشد.

آثار علمی ایشان از این قرار است ۱- تقریرات مباحث مرحوم آیت‌اللّٰه اصفهانی در طهارت و بیع و حج ۲- تقریرات اصول مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی یک دوره کامل ۳- تقریرات مباحث فقه مرحوم میرزا ابوالحسن مشکینی در صلوهٔ و نیز اصول ایشان در حجیهٔ ظن و اصل برائت.

۴- تقریرات مباحث فقه مرحوم نائینی در خیارات.

۵- تقریرات مباحث فقه مرحوم آقا ضیاء عراقی در غصب و قضاء و زکوهٔ و غیره.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۶۲ -۱۶۱ /۶).

سامری تبریزی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی برای تجارت به هندوستان رفت و در آنجا با سپهسالار عبدالرحیم خان خانان آشنا شد و سرانجام منصب میر سامانی به او داده شد و در آن مقام به نحو احسن انجام وظیفه کرد. وی عمر گرامی را صرف ملازمت ارباب استعداد کرد و دین دنیای خود را به خدمت درویشان و یاران معمور گردانید. سامری در یکی از محاربات دکن کشته شد. از او قصایدی در مدح خان خانان در «مآثر رحیمی» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۲۸۸ -۲۸۴ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۷۶)، الذریعه (۴۲۲/۹)، سخنوران آذربایجان (۴۰۱ -۳۹۸)، صبح گلشن (۱۹۵)، فرهنگ سخنوران (۴۳۳)، کاروان هند (۵۳۰ -۵۲۸ /۱)، مآثر رحیمی (۱۴۷۸ -۱۴۷۷ /۳)، هفت اقلیم (۲۴۵/۳).

سامعای مازندرانی، محمد صالح

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به سامع. در نفون حکمت و کلام جامع بود، نسب او به ابراهیم بن مالك اشتر می‌رسد. وی بعد از وفات پدر در ظل حمایت میرزا تقی‌الدین محمد وزیر اعظم زندگی کرد. بعد از فوت او سامعا به حیدرآباد رفت و در خدمت عبداللّٰه قطب شاه اعتباری یافت و در آن اوان در مدح آن بزرگ قصیده‌ای سرود. و از اطرف قطبشاه ملقب به امین‌الملك گردید و مدتها در حیدرآباد بود تا این که قصد آمدن به ایران را کرد و در سال ۱۰۸۵ ق وارد اصفهان شد و به خدمت شاه عباس دوم رسید وی قصایدی در مدح حضرت صاحبقرانی سرود ابیات مدون او از سی و پنج هزار متجاوز است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۸۱)، الذریعه (۴۲۲/۹)، شعرای مازندران و گرگان (۱۴۲)، کاروان هند (۵۳۲ -۵۳۱ /۱).

سامعای همدانی، بیرام

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر و موسیقیدان. در ایام سلطنت شاه عباس دوم و شاه سلیمان صفوی می‌زیست. پدرش در دستگاه رستم خان سپهسالار بود و به واسطه‌ی حرکتی در قزوین به قتل رسید. بیرام بیگ در ساختن تصنیف مهارت داشت و شعر نیز می‌سرود. وی برای معالجه‌ی بیماری خود به ورنو سفادران، یکی از قراء اصفهان، رفت ولی همان جا درگذشت و دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (۳۳۳/۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۲۴ -۳۲۳)، دانمشدان آذربایجان (۱۷۶)، الذریعه (۴۲۲/۹).

سامی چرکس اصفهانی، لطفعلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۲۰ ق)، شاعر، متخلص به سامی. در اصل از امرای چرکس بود که به زبان فارسی شعر می‌سرود و در بدو امر نجیب تخلص می‌کرد. وی در اصفهان درگذشت. از آثارش: «دیوان» اشعار. در «تذکره‌ی روز روشن» از سامی نام شاعری یاد شده که مثنوی «یوسف و زلیخا» داشته و صاحب «الذریعه» احتمال می‌دهد او همین سامی اصفهانی باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۳/۱)، تذکره‌ی روز روشن (۳۴۷ -۳۴۶)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۵ -۴۴)، الذریعه (۹۴۳، ۴۲۳ /۹)، ریحانه (۴۱۷/۲)، صبح گلشن (۱۹۶)، لغت نامه (ذیل/ سامی).

سامی شیرازی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۶۴ ق)، شاعر و نقاش. وی در شیراز متولد شد. مدت چهل سال دبیر دبیرستانهای شیراز بود و اکثر جوانان تحصیل کرده امروزی شیراز ادبیات فارسی و تازی را از او آموختند. عمری را به پاکدامنی و صداقت در راه نشر معارف و ارشاد نوآموزان و دانشجویان صرف کرد. سامی در فن نقاشی مخصوصا هنر مینیاتور استاد بود. از آثار وی: «مقامات معنوی»؛ «ادبیات»، در دو مجلد؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۴۷)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۹ -۴۸ /۳)، مرآت الفصاحه (۲۶۹).

سامی شیرازی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۹ ش)، نویسنده، محقق و استاد دانشگاه. در شیراز متولد شد پس از تحصیل مقدمات در رشته ادبیات و باستان شناسی و تاریخ بخصوص قسمت قبل از اسلام مشغول تحصیل و تفحص شد و در این رشته تخصص پیدا کرد و از دانشگاه آزاد آسیایی درجه دکتری افتخاری دریافت کرد آنگاه وارد خدمت وزارت فرهنگ شد مدتی ریاست کارپردازی و ساختمانهای فرهنگی فارس و تعمیرات ابنیه‌ی تاریخی را داشت از سال ۱۳۱۸ ش به ریاست علمی و حفاری تخت جمشید به ادامه کاوش در خرابه‌های استخر و تپه‌های مرودشت و حفاری در پازارگاد اشتغال داشت همچنین در سال ۱۳۳۶ ش به ریاست اداره باستان شناسی فارس منسوب شد از بدو تاسیس دانشکده‌ی ادبیات شیراز سمت استادی تدریس باستان شناسی دانشکده مزبور را داشت و همچنین مدتی سرپرستی

آرامگاه خواجه حافظ و تعمیر ابنیه تاریخی فارس و اداره‌ی امور کاوش در آثار قـدیمی و حفاری در پازارگاد را بر عهـده داشت از آثـار وی: «آثـار باسـتانی جلگه‌ی مرودشت»؛ «پـارس در عهـد باسـتان»؛ «پازارگـاد یا قـدیمی‌ترین پایتخت کشور شاهنشاهی ایران»؛ «تمدن هخامنشی»؛ «مقام دانش در ایران باستان»؛ «شیراز، شهر سعدی و حافظ و شهر گل و بلبل».[۱]

باستان‌شناس، ایران‌شناس.

تولد: ۱۲۸۹(۲۳۸ ق.)؛ شیراز.

درگذشت: ۲۲ مرداد ۱۳۶۸، شیراز.

علی سامی، فرزند آقا بزرگ، از شاعران و نقاشان شیراز و صاحب کتاب مقامات معنوی (۱۳۲۹) است. علی سامی پس از تصیلات ابتدایی و متوسـطه در مدرسه‌ی شعاعیه، در سال ۱۳۰۸ به اسـتخدام آموزش و پرورش درآمد. بین سال‌های ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۳ به سمت آموزگار و سپس به عنوان دبیر تاریخی و جغرافیا در مدارس شیراز مشغول تدریس شد و پس از آن به مدیری مدرسه‌ی و تصدی دانشسـرای مقدماتی پسـران در ۱۳۱۴ ارتقـا یـافت، از سـال ۱۳۱۵ نیز بـه تعمیرات ابنیـه‌ی تـاریخی شـیراز پرداخت. در همین زمـان، آرامگاه حافظ ساخته شد و موزه‌ی پاریس و آرامگاه خوجوی کرمانی و مسجد جامع عقیق مرمت شدند.

پس از خروج هیئت علمی دانشگاه شیکاگو که حفاری علمی تخت جمشید را به عهده داشت، از سال ۱۳۲۱ به سمت ریاست بنگاه علمی تحت جمشـید منصوب شـد. در همین مدت کاوش‌های علمی پاسارگاد و تپه‌های ماقبل تاریخ اطراف مرودشت انجام گرفت. ایشـان در سال ۱۳۲۶، علاوه بر ریـاست بنگـاه علمی تحت جمشـید به سـمت ریاست اداره‌ی باسـتان شناسـی فارس منصوب شـد و تدریس در دانشگاه را نیز آغاز کرد تا سال ۱۳۴۹ ادامه داشت.

علی سـامی عضو چنـد مجمع علمی و فرهنگی و اجتمـاعی بود که اهم آنهـا عبارتنـد از: سـردبیر روزنـامه‌ی «عـدل» (شـیراز)؛ رییس شورای نویسـندگان و خبرنگـاران اسـتان فارس، عضو کنگره‌ی ایران شناسـی، عضو کنگره خاور شناسـی تاجیکسـتان، دبیر و عضـو انجمن قلم شیراز، رییس و دبیر کانون دانش پارس (این کانون در سال ۱۳۳۱ به همت خود وی بنیاد نهاده شد)؛ دبیر و عضو انجمن آثـار ملی فارس، عضو شورای عالی حفاظت انجمن آثار ملی فارس، عضو شورای عالی حفاظت آثار باسـتانی، عضو و رییس هیئت امنا در آسـتانه‌ی حضرت احمد بن موسی (شاه چراغ)؛ عضو کمیسیون ترجمه و تألیف دانشگاه شیراز، عضو و رییس کمیته‌ی دائمی دانشکده‌ی ادبیات شیراز، عضو هیئت مدیره بنگاه حمایت زندانیان شیراز (از سال ۱۳۴۳)؛ عضو و دبیر شورای عالی جهانگردی.

علی سامی دارای درجه‌ی دکترای افتخاری از کشور هندوسـتان (دانشگاه آزاد آسـیایی) بود و نشان‌های همایون درجه‌ی ۴ و مدال درجه‌ی ۱ و سپاس درجه‌ی ۲ (به سبب فعالیت‌های مطبوعاتی) به وی داده شده بود.

دکتر علی سامی بیش از سی جلد کتاب نوشت که مهمترین آنها عبارتند از: آثار تاریخی جلگه‌ی مرودشت (۱۳۳۱)؛ پارس در عهد باسـتان (ضـمیمه‌ی نشـریه‌ی شـماره سه «کانون دانش پارس»، ۱۳۳۳)؛ پارسـکده (۱۳۵۰)؛ پاسارگـاد یا قـدیمی‌ترین پایتخت کشور شاهنشاهی ایران (۱۳۳۰)، این کتاب بعـدا در سال ۱۳۷۵ تحت نـام پاسارگـاد، پایتخت و آرامگاه کوروش هخامنشـی ذولقرنین به کوشـش و بازنگری دکتر غلامرضا وطن‌دوست از سوی بنیاد فارس شناسـی به چاپ رسـید)؛ تاریـخ پارس در عهد باسـتان (۱۳۳۴)؛ تاریخ پیدایش خط و تحول آن در شرق باستان و ترجمه کتیبه‌های میخی و پهلوی (۱۳۲۹)؛ تمدن ساسانی (جلد اول، ۱۳۴۲)؛ تمدن ساسانی (جلـد دوم، ۱۳۴۴)؛ تمـدن هخامنشـی (جلد اول، ۱۳۴۱)؛ تمـدن هخامنشـی (جلد دوم، ۱۳۴۸)؛ روزهـا و یادها (جلـد اول، ۱۳۶۰)؛ روزها و یادها (جلد دوم، ۱۳۶۲)؛ شرح آثار باستانی تخت جمشید (با همکای سید محمدتقی مصطفوی، ۱۳۳۵)؛ شرح آثار تاریخی شـیراز (به زبان انگلیسـی، ترجمه نارمن شارپ، ۱۳۳۵)؛ شـرح آثار تخت جمشـید (به زبان انگلیسـی، با ترجمه رالف نارمن شارپ، ۱۳۳۵ که نه بار تجدید چاپ شد)؛ شـرح کاوش‌های پاسارگاد (به زبان انگلیسی، ترجمه شارپ، ۱۳۳۵)؛ شیراز، دیار سعدی و حافظ، شیراز: شرح مفصل آثار باستانی و سیر فرهنگ و هنر در ادوار گوناگون (۱۳۳۷)؛ شیراز شهر جاویدان (۱۳۶۳)؛ شیراز شهر گل و بلبل، تاریخچه شـیراز و شرح آثار باستانی شیراز (۱۳۳۷)؛ گزارش‌های باستان شناسی (جلد دوم، ۱۳۳۱)؛ گزارش‌های باستان شناسی (جلد چهارم، ۱۳۳۸)؛ گزارش‌های کاوش‌های علمی پاسارگاد (ضمیمه‌ی جلد اول گزارش‌های باستان شناسی، ۱۳۲۹)؛ مقام دانش در ایران باستان (۱۳۳۳)؛ نقش ایران در فرهنگ اسلامی (۱۳۶۵).

از وی همچنین مقالاتی در مجله «دانشـکده‌ی ادبیات»، «مهر»، «هنر و مردم»، «فروغ تربیت»، «اطلاعات ماهانه»، «بررسـی‌های تاریخی» و روزنامه‌های «بهار ایران»، «عدل»، «گلستان» و «پارس» شیراز به چاپ رسیده است.

آثـار دیگری کـه علی سـامی بـه رشـته‌ی تحریر درآورده اسـت ولی بـه چـاپ نرسـیده‌اند بـه این شـرح هسـتند: جلـد چهـارم تمـدن هخامنشـی، جلـد سوم و چهـارم تمـدن ساسـانی، تمـدن قـدیم فلات ایران و تمـدن پیش از هخامنشـی، تاریـخ تمـدن جهان، بهار جاویدان مشتمل بر یک سلسله مقالات ادبی و تحقیقات باستان شناسی در ایران.

از اشـیای کشف شده توسط علی سامی، تعدادی در موزه‌ی ملی ایران (ایران باستان)، قسمت مربوط به هخامنشیان نگه‌داری می‌شود که از آن جمله است: سر شاهزاده هخامنشی از سنگ لاجورد و بشقاب سنگی به خط آرامی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۲ –۴۹ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲۶۵ –۲۶۳ /۴).

سامی قزوینی، عزیزالدین، نصیرالدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۶/۹۵۰ ق)، شـاعر. وی از طایفه جبلیه قزوین و متولـد همان شـهر بود. سامی از غزلسـرایان موفق روزگار خود بوده است. از

جمله آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۴۲)، الذریعه (۴۲۴/۹)، ریحانه (۴۱۷/۲)، صبح گلشن (۱۹۶ -۱۹۵)، مینودر (۴۶۵/۲).

سامی نیشابوری، غیاث‌الدین احمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نه و دهم ق)، شاعر، متخلص به سامی. از شاعران خراسان در روزگار سلطان حسین بایقراتا عهد شاه طهماسب صفوی بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۹۲ -۶۹۱ /۲)، الذریعه (۴۲۴/۹)، ریحانه (۴۱۷/۲)، صبح گلشن (۱۹۵)، فرهنگ سخنوران (۴۳۵)، لغت نامه (ذیل/ سامی).

سامی هزار جریبی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. اصلش از ولایت هزار جریب طبرستان بود از کودکی به تحصیل علوم متداول پرداخت در نظم و انشا نثر ماهر و خطش خوش بود. سامی سالها در شیراز زندگی کرد و ناظر شاهزاده حسین علی میرزا فرمانفرمای سابق فارس بود. «دیوان» شعری دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۲۴/۹)، لغت نامه (ذیل/ سامی هزار جریبی)، مجمع الفصحا (۴۰۴ -۴۰۲ /۴).

سامی‌راد، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

تولد: ۱۲۸۴، بجنورد.

درگذشت: ۱۳۶۵، مشهد.

حسین سامی‌راد، فرزند اسماعیل‌خان، تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود به پایان برد و دوره‌ی دبیرستان را در دارالفنون گذراند. در سال ۱۳۰۵ در میان نخستین گروه دانشجویان اعزامی به خارج از ایران، برای طی‌ی دوره پزشکی و گرفتن تخصص به پاریس رهسپار گردید و پس از اخذ تخصص در رشته‌ی بیماری‌های کودکان و گذراندن دوره‌ی «مالاریاشناسی» از ایتالیا به ایران بازگشت. در سال ۱۳۱۶ پس از پایان خدمت نظام، مأمور تأسیس بهداری خراسان گردید و همزمان با آغاز جنگ دوم جهانی، ریاست بیمارستان امام رضای مشهد را به عهده گرفت. و برای جبران کمبود پزشک در خراسان و تأسیس آموزشگاه عالی بهداری که هسته‌ی اولیه‌ی دانشگاه فردوسی را تشکیل می‌داد، اقدام نمود. پس از تأسیس دانشکده‌ی پزشکی مشهد و دانشگاه فردوسی به مدت ۲۸ سال ضمن تدریس، ریاست مؤسسات علمی را نیز به عهده داشت. در سال ۱۳۴۲ به نمایندگی مردم مشهد به مجلس شورای ملی رفت و چون عنوان استادی دانشگاه تهران را یافته بود، در آن دانشگاه به تدریس پرداخت و در سال ۱۳۵۰ بازنشسته شد. از جمله مشاغل اجتماعی او می‌توان به این موارد اشاره نمود: ریاست جمعیت شیر و خورشید سرخ مشهد (۱۳۳۹ -۱۳۲۷)؛ تأسیس درمانگاه خیریه‌ی رازی در مشهد (در زمان جنگ جهانی دوم)؛ ریاست جمعیت حمایت از جذامی‌های مشهد (تا پیش از آمدن به تهران)؛ عضویت در هیئت مدیره‌ی انجمن مبارزه با سل در مشهد؛ عضویت در هیئت مدیره انجمن تعاون بهداشتی در مشهد.

دکتر سامی‌راد تألیفاتی در زمینه‌ی علوم پزشکی و تربیتی دارد و مقالاتی از وی در نشریات علمی کشورهای مختلف منتشر شده است. از جمله آثارش می‌توان از کتاب‌های زیر نام برد: راه پرورش کودکان (۱۳۲۲)؛ سلامتی بیماری‌های کودکان (۱۳۳۴)؛ تشخیص برنکو پنومونی سلی و غیر سلی (به زبان فرانسوی، پایان‌نامه‌ی تحصیلی).

(تو ۱۲۸۴ ش)، نویسنده و استاد دانشگاه. در بجنورد متولد شد. پس از تحصیل دوره ابتدایی و متوسطه، رهسپار پاریس شد و در دانشکده‌ی پزشکی پاریس به تصحیل مشغول گردید. پس از اخذ مدرک دکتری به ایران بازگشت و در سال ۱۳۱۹ ش به سمت دانشیار فیزیولوژی و رییس آموزشگاه عالی بهداری مشهد انتخاب شد. از آثار وی: «راه پرورش کودکان»؛ «سلامتی و بیماری کودکان».[۱]

در ۱۲۸۴ ش تولد یافت. پدرش دکتر اسمعیل‌خان طبیب و جراح معروف تهران بود. سامی راد پس از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه به اروپا رفت و تحصیلات عالی خود را در رشته‌ی طب دنبال نمود و از دانشگاه سوربن پاریس درجه‌ی دکترا دریافت کرد.

بعد از مراجعه به ایران، وارد وزارت بهداری و دانشگاه تهران شد. مدتها در دانشکده‌ی تهران به تدریس اشتغال داشت تا به ریاست دانشکده‌ی پزشکی و دانشگاه فردوسی خراسان منصوب شد و در این سمت نسبت به توسعه‌ی دانشگاه و تجهیز بیمارستان‌ها جدیت کامل کرد. وی یک دوره نیز نماینده‌ی مجلس شورای ملی شد که گویا دوره‌ی بیست‌ویکم بوده است. در ۱۳۶۶ درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] مؤلفین کتب چاپی (۲۸۸ –۲۸۷/ ۳).

ساوجی تبریزی، منصور

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اهل ساوه بود و در تبریز می‌زیست، به همین دلیل به تبریزی معروف شد. وی برای تجارت به شهرهای مختلف مسافرت می‌کرد. در عهد همایون شاه (۹۶۳ –۹۳۷ ق) به هند رفت و مدتی در سواد در ملازمت موالی و اهالی آنجا قرار گرفت و در خدمت محمد بیرام خان خانان (م ۹۶۸ ق) تقرب پیدا کرد. اکثر اشعارش غزل بود ولی به قصیده نیز تمایل داشت. اشعار وی در مجلس خواجه بهاءالدین حسن نثاری بخاری خوانده می‌شد. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۳۷)، کاروان هند (۱۳۶۸ –۱۳۶۷/ ۲).

ساوجی، ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالفضل ساوجی (۱۲۴۸– ۱۳۱۲ قمری) وی پس از اقامت در تهران به تحصیل طب و حکمت پرداخت. آثاری از وی به خط نستعلیق، شکسته نستعلیق و شکسته تعلیق موجود است که استادی وی را در خوشنویسی می‌رساند. دیوان شعری نیز به وی منسوب شده است .گروه : هنررشته : خوشنویسیگرایش : خط نستعلیق و شکستهوالدین و انساب : ابوالفضل ساوجی از خاندان شاملو است و نامش حاجی میرزا ابوالفضل مجدالدین محمد بن حاجی میرزا فضل الله بن عبدالله بن لطفعلی ساوجی است. پدرانش از امرای صفوی بوده‌اند که از خراسان به عراق آمده و در ساوه توطن گزیده‌اند. میرزا ابوالفضل و پدرش از ساوه به تهران آمده و در این شهر ساکن شدند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : ابوالفضل ساوجی در تهران طب و حکمت آموخت .همسر و فرزندان : از فرزندان ابوالفضل ساوجی، می‌توان ذبیح منصور را نام برد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ابوالفضل ساوجی در شاعری دستی داشته و خط نستعلیق و شکسته نستعلیق و شکسته تعلیق را استادانه می‌نوشته است. وی همچنین در کتیبه نویسی نیز دستی داشت.

آثار : آداب المشق ویژگی اثر : یک نسخه آداب المشق در کتابخانه سلطنتی به قلم نستعلیق به سال ۱۲۶۱ .[سرمدی، عباس. دانشنامه هنرمندان ایراه و جهان اسلام. تهران،هیرمند. ۱۳۸۰]۲ تهذیب المنطق ویژگی اثر : یک نسخه تهذیب المنطق در کتابخانه کاخ موزه گلستان به قلم دودانگ به سال ۱۲۸۶.[سرمدی، عباس. دانشنامه هنرمندان ایراه و جهان اسلام. تهران،هیرمند. ۱۳۸۰]۳ دیوان شعر ویژگی اثر : یک نسخه دیوان اشعار ساوجی که به قلم نستعلیق و شکسته تعلیق غبار به سال ۱۲۷۴ [سرمدی، عباس. دانشنامه هنرمندان ایراه و جهان اسلام. تهران،هیرمند. ۱۳۸۰]۴ قطعات و مرقعات ویژگی اثر : قطعات و مرقعات در کتابخانه سلطنتی و یک قباله فروش سه باب دکان در مجموعه مهدی بیانی .[سرمدی، عباس. دانشنامه هنرمندان ایراه و جهان اسلام. تهران،هیرمند. ۱۳۸۰]۵ کتیبه بنای مزار حضرت عبدالعظیم در شهر ری کتیبه طلای روی کاشی سر در باب همایون کلام الملوک ویژگی اثر : یک نسخه کلام الملوک در کتابخانه مجلس به تاریخ ۱۲۶۱. [سرمدی، عباس. دانشنامه هنرمندان ایراه و جهان اسلام. تهران،هیرمند. ۱۳۸۰]۸ وقف نامه قنات ناصری در قم منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

ساوجی، ابوالفضل مجدالدین محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۲ –۱۲۴۸ ق)، طبیب، خطاط و شاعر. از خاندان شاملو و از بازماندگان حیدرقلی خان و حسن خان شاملو، از امرای دوران پادشاهی صفویان، بود. ابتدا در ساوه موطن داشتند سپس، میرزا ابوالفضل و پدرش به تهران آمدند و در این شهر ساکن شدند. وی در تهران به کسب علوم و کمالات پرداخت و با اکثر علوم متداول از جمله طب و حکمت الهی و طبیعی و علوم ادبی آشنا شد. مقام فضل و دانش او بود که وی را یکی از چهارتن دانشمند طراز اول قرار داد تا به امر مهم فرهنگی، یعنی تألیف «نامه‌ی دانشوران ناصری» پردازد. ساوجی شعر می‌گفت و صاحب «دیوان» بود و در خط نستعلیق و شکسته نستعلیق و شکسته تعلیق از استادان مسلم به شمار می‌رفت. نستعلیق را هم خفی و هم جلی، خوش می‌نوشت و بسیاری از کتیبه‌های عمارات سلطنتی و دولتی که در زمان وی با شد، به خط اوست، از جمله: «کتیبه‌ی طلایی روی کاشی سر در باب همایون»؛ «کتیبه‌ی بنای مزار حضرت عبدالعظیم» در شهر

ری؛ «وقف‌نامه‌ی قنات ناصری» در قم. از دیگر آثار خطی وی: یک نسخه «دیوان» اشعار، خود او که به قلم نستعلیق کتابت جلی و شکسته تعلیق غبار عالی به سال ۱۲۷۴ ق نوشته است، با رقم: «ابن فضل الله الساوجی ابوالفضل مجدالدین محمد الطبیب»؛ یک نسخه «تهذیب المنطق»، به قلم نستعلیق دودانگ خوش، با تاریخ سال ۱۲۸۶ ق؛ یک نسخه «آداب المشق»، به قلم نستعلیق کتابت خوش، با رقم: «کتبه الحقیر المذنب ابوالفضل مجدالدین محمد بن فضل‌اللّٰه ۱۲۶۱»؛ یک نسخه «کلام الملوک»، به قلم نیم دودانگ خوش، با رقم: «تمت الرساله... محمد بن فضل‌اللّٰه الملقب بمجدالدین ساوجی ۱۲۶۱» و دیگر قطعات و مرقعات مختلف.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۲ -۲۹ /۱)، اطلس خط (۵۹۰ -۵۸۹)، پیدایش خط و خطاطان (۱۰۷ -۱۰۵)، حدیقه الشعراء (۱۵۱۳ -۱۵۰۸ /۳)، الذریعه (۹۶۱ -۹۶۰ /۹)، ریحانه (۴۱۸ -۴۱۷ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۲۹۵ -۲۹۴ /۱)، شرح حال رجال (۵۴ /۱)، طرائق الحقائق (۵۸۴ -۵۸۳ /۳)، گنج شایگان (۵۱۸ -۵۰۹)، المآثر و الآثار (۲۰۲)، مجمع الفصحا (۹۰۷ -۹۰۱ /۵).

ساوجی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد ساوجی از مشاهیر علماء و فقهاء عصر خود بوده و فاضل مراغی در (المآثر والاثار) ص ۱۶۳ او را با عظمت یاد کرده و گفته که او از شاگردان علامه نراقی و میرزا مسیح تهرانی بوده و در ۱۳۰۵ قمری وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ساوجی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۵۵ ق)، خطاط از خطاطان دربار فتحعلی شاه قاجار بود. وی نستعلیق را نیکو می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۴۲/۱).

ساوجی، صالح

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، عالم امامی. وی از علمای بزرگ عهد شاه سلطان حسین صفوی و معاصر صاحب «ریاض» بود. پس از وفات جدش نظام‌الدین محمد، صاحب «نظام الاقوال»، پدر ش ملا محمدمحسن به جای او عهده‌دار امر تدریس در حضرت عبدالعظیم در شهر ری شد و چون پدرش از دنیا رفت صاحب عنوان به جای او نشست و به تدریس مشغول شد. از آثارش: «الحدیده الحسینیه فی قطع لسان اعوان الامویه»، به عربی و ترجمه‌اش به فارسی به نام «المقمعه الحسینیه»؛ «الدره العلویه فی الامامه»، در اثبات حقانیت طریقه‌ی اثنی عشریه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۲۰/۲۲، ۱۰۱/۸، ۳۷۹/۶)، ریحانه (۴۲۰ -۴۱۹ /۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۷۳ -۳۷۲ /۱۲).

ساوجی، صدرالدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، شاعر و ادیب. از شاعران و ادیبان صاحب هوش و ذکاوت و استاد در علم عروض و قافیه عهد ایلخانان مغول بود. وی به روزگار هلاکو خان در شام مسکن داشت و در همان دوره به اتهام ساحری کشته شد. از آثار وی: قصیده‌ی «حسنا» در علم عروض و قافیه به نظم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ برگزیده (۶۹۶ -۶۹۵)، حبیب السیر (۱۰۸ -۱۰۷ /۳)، لغت نامه (ذیل/ ساوجی).

ساوجی، عیسی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۹۶ ق)، شاعر. معروف به قاضی مسیح‌الدین. از مردم ساوه بود، در قزوین نشو و نما کرد. وزیر سلطان یعقوب آق قویونلو شد و در دربار وی می‌زیست وصله و انعام بی‌حد می‌گرفت. وی توسط وزیرش صوفی خلیل مقتول شد زمان قتل معلوم نیست و ظاهرا همان سال وفات یعقوب بیک و یا سال ما بعدی آن می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۹۶)، الذریعه (۷۷۹ -۷۷۸ /۹)، ریحانه (۳۱۵ -۳۱۴ /۵).

ساوجی، فرخنده

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن سیزدهم و چهاردهم هجری، از زنان شاعر. وی دختر کاظم خان و همسر سیف لشکر خلج بود که در قریه‌ی عبداللّه‌آباد، نزدیک شهر ساوه، زندگی می‌کرد. فرخنده از کودکی به حسن خلق معروف بود و شعر می‌سرود. در اواخر عمر نابینا شد اما این عارضه او را از شعر گفتن بازنداشت. وی قصیده و غزل را به خوبی می‌سرود. دیوان اشعارش در سال ۱۳۰۷ ش با مقدمه افخم‌السادات سلطانی در تهران به چاپ رسیده و مشتمل است بر سه مجموعه شعر: ساقی‌نامه، گل و بلبل و غدیریه. از اشعار اوست:

بیار ساقیا مییی به رنگ و بوی یار من
از آن مییی که می‌برد ز دل غم نگار من
که برده چشم مست او ز دست اختیار من
قرار از آن می‌آوری به قلب بیقرار من
مگر که یار افکند نظر به حال زار من
بیاتو ساقیا ببین که خاک عنبرین شده
ز مژده ولای شه چو روضه برین شده
که شهسوار لافتی امیر مؤمنین شده
ز همت ولایتش صحیح کار، دین شده
نسیم نور و نار شد ولی کردگار من
ای موی تو دامم شده وی خال تو دانه
عشق رخ تو برده دلم را ز میانه
بر یاد رخ خوب تو ای یار یگانه
در میکده خوش روی نهادیم شبانه
مست از می عشقت شده بی‌چنگ و چغانه

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: از رابعه تا پروین، ۱۸۳ -۱۷۹؛ الذریعه، ۸۱۹ / ۹، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ۸۱۰ / ۴.

ساوجی، فضل الله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۷۵ ق)، ادیب، طبیب و خطاط. وی پدر ابوالفضل ساوجی و از خاندان شاملو و از اعقاب حسن‌خان شاملوی معروف، والی هرات است. میرزا فضل‌الله، خود از مشاهیر اطبای ساکن تهران بود و فتحعلی‌شاه او را به سمت معلمی علی‌خان ظل‌السلطان، دهمین فرزند خود، منصوب داشت. از خطوط، علاوه بر نستعلیق، ثلث و نسخ را نیز خوش می‌نوشت. او را به داشتن سجایای اخلاقی و مراتب فضل و کمال یاد کرده‌اند و بعضی شاعران عصر، مانند شباهنگ، در اشعار خود وی را ستوده‌اند.او در تهران درگذشت و جنازه‌اش را به نجف اشرف منتقل کردند و در وادی‌السلام به خاک سپردند. از آثارش، قطعه‌ی سیاه‌مشقی است که به قلم چهار دانگ خوش نوشته شده و رقم «ذلک فضل‌الله» دارد؛ قطعه‌ای به قلم شش دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم: «یا هو، در نهایت افسردگی و بیدماغی نوشته شد، کتبه الحقیر لله، فضل‌الله ۱۲۵۷».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۷۳ -۵۷۲ / ۲)، شرح حال رجال (۱۷۸ / ۶)، حدیقه الشعراء (۱۵۱۳ -۱۵۱۲، ۱۵۰۸ / ۳)، طرائق الحقائق (۵۸۴ -۵۸۳ / ۳)، مجمع الفصحا (۹۰۱ / ۵)، گنج شایگان (۵۰۹).

ساوجی، محسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسین ساوجی عالمی بزرگ و فاضلی بزرگوار از شاگردان علامه ملا علی قارپوزآبادی زنجانی و متوفی حدود ۱۳۰۰ قمری بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ساوجی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۱ ق)، ادیب و خطاط. از خاندان میرزا ابوالفضل ساوجی و در زمره‌ی دانشمندان عصر خود بود و در نظم و نثر فارسی دست داشت و خط نستعلیق را خوش می‌نوشت. وی در تهران درگذشت و در قم به خاک سپرده شد. از آثارش: ترجمه‌ی فارسی یک نسخه «صحیفه‌ی سجادیه»، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «ترجمه‌ی این صحیفه‌ی کامله‌ی شریفه‌ی سجادیه که بقلم معجز رقم استاد کل آقا زین‌العابدین اصفهانی است... بتحریر این حقیر بانجام رسید. و انا العبد الراجی محمد الساوجی سنه ۱۲۷۸»؛ یک قطعه، به قلم دو دانگ و کتابت خوش، با رقم: «الحقیر محمد الساوجی غفر له ۱۲۸۲».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۴۱ -۷۴۰/ ۳).

ساوجی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی بن عبدالرزاق ساوجی عالمی فاضل بوده و در حدود ۱۲۹۰ قمری وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ساوجی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن ساوجی از علماء اتقیاء و افاضل بزرگوار و معروف به شیخ آغا بزرگ ساوجی از تلامذه میرزا حبیب‌اللّه رشتی و حاج میرزا حسین خلیلی و مدرسین بزرگ مدرسه مروی تهران بوده که جماعتی از اعلام معاصر تهران خدمت وی تلمذ نموده است وی در ۹ شوال ۱۳۵۷ قمری از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ساوجی، مریم

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۶ ش)، نویسنده و شاعر، متخلص به مریم. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان رسانید و موفق به اخذ لیسانس در رشته‌ی حقوق و ادبیات شد. سپس به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به تدریس در دبیرستانها اشتغال ورزید. وی از حدود ۱۳۲۵ ش فعالیت ادبی و فرهنگی خود را شروع کرد و مدرسه‌ای تأسیس نمود و خود عهده‌دار امور آن گردید. وی عضو هیأت رئیسه‌ی اتحادیه‌ی زنان حقوقدان بود. از آثارش: «اختلاف حقوق زن و مرد، در اسلام و ایران»؛ «دختر راه»؛ «فرشته»؛ سه مجموعه‌ی شعر به نامهای: «دیوان مریم»، «گلبرگ» و «پنجه با خورشید».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۳۲ -۱۰۳۱/ ۹)، زنان سخنور (۱۷۲ -۱۷۰/ ۲)، سخنوران نامی‌معاصر (۳۲۳۹ -۳۲۳۴/ ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۱۶۴ -۱۶۳/ ۶).

ساوجی، نظام‌الدین، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۰۳۸ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، محدث، متکلم، رجالی و ریاضیدان. اهل ساوه و از شاگردان شیخ‌بهائی بود، پس

از مرگ پدرش تحت نظر شیخ‌بهائی تربیت یافت. پس از درگذشت استادش، در دربار صفویه زندگی کرد. در ۱۰۳۳ ق سفری به عتبات عالیات نمود. ساوجی به امر شاه عباس صفوی کتاب «جامع عباسی» استادش شیخ‌بهائی را، که تا باب حج تألیف شده بود، تکمیل کرد و «تحفه‌ی عباسی»، در فضائل و مناقب را در تتمیم «جامع عباسی» نگاشت. او پس از عزل ملا خلیل قزوینی، از مدرسی حضرت عبدالعظیم (ع)، عهده‌دار تدریس در بقعه‌ی عبدالعظیم حسنی شد و اندکی پس از درگذشت شاه عباس (۱۰۳۸ ق)، در شهر ری درگذشت. از دیگر آثارش: «زینهٔ‌المجالس»، به شیوه‌ی «کشکول» استادش شیخ‌بهائی، «نظام الاقوال»، در شناخت رجال، «الصحیح العباسی»؛ رساله‌ای در «وجوب نماز جمعه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۲۵۳ -۲۵۲/ ۹)، الذریعه (۱۹۱/ ۲۴ ،۱۵/ ۱۵ ،۹۵/ ۱۲ ،۴۵۲ ،۳۴۰/ ۳)، ریاض‌العلماء (۲۴۳ -۲۴۲/ ۵)، ریحانه (۲۰۴ -۲۰۳/ ۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۶۱۸/ ۱۱)، الکنی والالقاب (۲۵۷/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ نظام‌الدین ساوجی)، معجم‌المؤلفین (۲۵۰/ ۹)، هدیهٔ‌الاحباب (۲۵۷).

ساوجی، هدایت‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هدایت‌اللّه مشهور به آغا بن هدایت‌اللّه ساوجی عالمی جلیل از شاگردان میرزا حسین خلیلی و علامتین یزدی و خراسانی بوده و در حدود ۱۳۳۳ قمری در کربلا وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ساوئی، محمدابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدابراهیم بن علی‌اکبر ساوئی عالمی جلیل و فقیهی متقی از شاگردان علامه میرزا محمدحسن آشتیانی در تهران بوده و در ساوه به وظائف روحی و دینی اشتغال داشته تا در سال ۱۳۲۶ قمری وفات و حمل به قم شده و در قبرستان شیخان مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ساهر، حبیب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

درگذشت: تولد: آذر ۱۳۶۴.

حبیب ساهر مدرس ادبیات در قزوین بود. وی سرودن شعر را پیش از سال ۱۲۹۶ شروع کرد. آثار زیر از اوست: اشعار جدید (اردبیل، ۱۲۳۷)، افسانه‌ی شب (مجموعه شعر، تبریز، ۱۳۲۰)، خوشه (مجموعه شعر، قزوین ۱۳۳۴)، سایه‌ها (مجموعه شعر، تبریز)، شقایق (تذکره‌ی شعراء ۱۳۲۲).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

سایح علوی، ابوبکر علی

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۰۵ ق)، دانشمند. از احفاد حضر امام حسن مجتبی می‌باشد که در علم کیمیا بصیر بود، از بیم سلطان همیشه از شهری به شهری می‌رفت بـه همین جهت به سایح و سیاح شهرت یافت. از آثار وی: «الاصول»؛ «الحجر الطاهر»؛ «الحقیر النافع»؛ «الطاهر الخفی»؛ «الحقیر النافع»؛ «الشعر و الدم و البیض و عمل میاهیهما»؛ «رساله الیتیم».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۴۱۰ -۴۰۹/ ۲)، الفهرست لابن ندیم (۵۰۶)، لغت نامه (ذیل/ سائح، علی)، معجم المؤلفین (۱۹۴/۷)، هدیه العارفین (۶۷۶/۱).

سایر اردوبادی، سایرا

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. در کتاب «دانشمندان آذربایجان» به نقل از «سفینه‌ی خوشگو» آمده که صاحب عنوان «سوای سایر تفرشی و غیر از سایر مشهدی است که به هندوستان رفته و در آنجا مرده است ولی سایر اردوبادی از ولایت خود بیرون نرفته است». ولی نصرآبادی می گوید: «از حضرت صایبا مسموع شد که مشهدی او را در هند دیده بود، گویا در هند فوت شده». دیوان مختصری از وی به خط خودش که برای شاه سلیمان صفوی نوشته است موجود می‌باشد که در صدر آن خود را مشهدی خوانده است. از اشعار اوست:

کس در ره عشق، محرم راز نگشت

سایر چو تو هیچ کس نمی‌پیمود این دشت

عاقل به کنار آب تا پل می‌جست

دیوانه‌ی پا برهنه از آب گذشت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۴۸ -۳۴۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۸۲ -۲۸۱)، دانشمندان آذربایجان (۱۷۸)، الذریعه (۴۲۵ -۴۲۴ /۹)، فرهنگ سخنوران (۴۳۵)، کاروان هند (۵۳۲/۱).

سایر مشهدی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر و خطاط. ملقب به سایرا. اصلا مشهدی و ساکن اصفهان بود. وی از اساتید شعرای معروف عهد شاه سلیمان صفوی است که خط نستعلیق را خوب می‌نوشته و اکثر اوقات خود را به کتابت می گذرانیده است. از او «دیوان» شعری بر جای مانده که به خط خود نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۴۶۹ -۴۶۸ /۲)، تاریخ اصفهان (۱۶۲ -۱۶۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۴۵ -۳۴۴)، الذریعه (۴۲۵/۹)، کلمات الشعراء (۷۸)، محزن الغرائب (۶۴۰ -۶۳۸ /۲)، نشتر عشق (۷۴۰ -۷۳۸ /۲).

سایل اصفهانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۹ ش)، شاعر، متخلص به سایل. در اصفهان متولد شد. از شعرای متوسط اصفهان بود. کتابی مشتمل بر ۲۱۰ رباعی ترتیب داد و تاریخ اتمام آن را ۱۳۳۳ ش قرار داد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۳۰ -۲۲۹)، الذریعه (۴۲۵/۹).

سایل خویی، حسینعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۸ ق)، شاعر، متخلص به سایل. از آثار وی: «بشاره الاحباء فی فضیله البکاء و الابکاء»؛ «حدیث کسا»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۴۳۶)، مؤلفین کتب چاپی (۹۲۵ -۹۲۴ /۲).

سایل قیری، محمد سعید

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۲۲ ق)، شاعر، متخلص به سایل. مشهور به آقاجانی. وی از کارگزاران بلوک قیر و کارزین بود بعد از عزل مدتی در تهران به سر برد و پس از چندی به شیراز بازگشت و در آنجا با دانشمندان و شاعران حشر و نشر داشت. آقاجانی در شاعری توانا بود و اشعار بسیاری سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳–۱ /۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۴۲۶/۲)، مجمع الفصحا (۴۰۲–۴۰۱ /۴).

سایل همدانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۰ ق)، شاعر. اصل وی را از دماوند نوشته‌اند اما آنچه مسلم است آن است که در نهاوند همدان اقامت داشته و به همین جهت است که با نسبت همدانی مشتهر شده است. وی در سرودن شعر بویژه اشعار هجوآمیز توانا بود و گویا در اواخر عمر دچار اختلال حواس شد و در همدان و به قولی در بروجرد درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۰۸۲–۱۰۷۹ /۳)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۷۰–۲۶۹ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۱۱)، تحفه سامی (۲۲۰–۲۱۹)، الذریعه (۴۲۶/۹)، ریحانه (۴۱۰/۲)، صبح گلشن (۱۹۶)، لغت نامه (ذیل/ سائل)، مجمع الخواص (۱۸۱–۱۸۰)، هفت اقلیم (۸۹–۸۸ /۳).

سایلی خراسانی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. از شاعران خراسان است. که در سرودن غزل توانایی داشت:

نه عیب است این که سازم تا گریبان چاک دامان را

که من در بیخودی نشناسم از دامان گریبان را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۲۷/۹)، صبح گلشن (۱۹۶)، فرهنگ سخنوران (۴۳۷)، مخزن الغرائب (۵۸۲/۲).

سایلی عراقی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر، خطاط و موسیقیدان. در «مجالس النفائس» درباره‌ی وی چنین آمده: «از مردم نیک ملک عراق است، و در خراسان فضایل بسیار کسب کرد. اول به شعر مشغول گردید و آخر به معما و خط کوشید و اکثر سازها را خوب نواخت و در موسیقی کارهای نیک ساخت، هم سلامت نفس دارد و هم استقامت طبع».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۲۷، ۴۲۱ /۹)، صبح گلشن (۱۹۶)، فرهنگ سخنوران (۴۳۷)، لغت نامه (ذیل/ سالمی)، مجالس النفائس (۲۳۹–۲۳۸، ۶۶).

سایلی قرشی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۷ ق)، شاعر. اهل ولایت قرشی ترکستان و چنان کاتبی سریع‌القلم بود که هر روز پانصد بیت می‌نوشت، ترک وش و ساده بود وی به ترتیب حروف، «دیوانی» مرتب کرد. کتابی نیز به شیوه‌ی «گلستان» تصنیف نموده است. از اوست:

نه بر زخمش دلم پیکان آن ابرو کمان دارد

که بهر زخم دیگر آب حسرت در دهان دارد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۲۷/۹)، لغت نامه (ذیل/ سائلی)، مجالس النفائس (۲۸۹، ۱۱۸).

سایلی قزوینی، سعد الملک

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به سایلی. از سادات حسینی شهر قزوین بود، سیدی متقی و پرهیزگار بود و در مسجد جامع شهر قزوین

امامت می‌کرد و چون در عدالت و سلامت نفس نسبت به دیگران برتری داشت، لذا همواره بیش از هفتصد تن فضلا و طلاب به او اقتدا می‌کردند. شبهای جمعه نیز در مسجد مانده به شب زنده‌داری و عبادت می‌گذرانید. سایلی در سرون شعر دست داشت. از اوست:

مشکل که شود کام من از لعل تو حاصل

سست است مرا طالع و سخت است تو را دل

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۷۴ -۱۱۷۲ /۳)، تحفه سامی (۶۹ -۶۸)، تذکره‌ی روز روشن (۳۴۸)، فرهنگ سخنوران (۴۳۷)، مینودر (۴۵۹/۲).

سایلی هروی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. از مردم شهر هرات بود و بسیار فقیر و دردمند. از اشعار اوست:

از خیل بتان دلبر من آه بلایی است

در عشق مکن طعنه که دلخواه بلایی است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۲۶۸)، الذریعه (۴۲۷/۹).

سائح

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی بن محمد علوی خراسانی صوفی، مکنی به ابوبکر (ف. پیش از ۳۸۵ ه.ق.) وی از احفاد امام حسن (ع) بود و گویند کیمیاگری می‌دانسته و از ترس ملک همیشه از شهری به شهری دیگر می‌رفته، از اوست: الاصول، الطاهر الخفی، رسالهٔ الیتیم، کتاب الحقیر النافع، کتاب الشعر و الدم و البیض و عمل میاهما، الحجر الطاهر.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

سبحانی نیا، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی سبحانی نیا

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد تقی سبحانی نیا از سال۱۳۶۶ همزمان با تحصیل در سال چهارم دانشگاه رسماً وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه رضویه دروس سطح حوزه را شروع نمودم. دروس سطح را تا سال ۱۳۷۶ به پایان رساندم. از اساتید برجسته اینجانب در دوره سطح، اساتید معزز آقایان حجج اسلام اسحاق نیا، پرنده غیبی، عالی، مومنی، مسعودی، غرویان، دوزدوزانی و عراقچی می باشند. از سال ۱۳۷۶ در درس خارج آیات عظام مرحوم میرزا جواد تبریزی و استاد مکارم شیرازی و استاد مددی حاضر شده و مدت کوتاهی نیز در درس استاد آیهٔ الله شبیری زنجانی شرکت نموده ام.

از سال ۱۳۷۱ با مرکز تحقیقات دارالحدیث به فعالیت های فرهنگی علمی همکاری را شروع نموده و این همکاری تا به امروز در حوزه های مختلف ادامه داشته است. مدتی در بخش تاسیس کتابخانه تخصصی حدیث تلاش کرده و مسولیت داشتم . سپس چند سال در گروه موسوعه نگاری در بخش تحقیقات با آن مرکز همکاری داشته و تحقیق و عناوین متعددی را بر عهده داشته ام. و هم اکنون نیز در دانشکده علوم حدیث ضمن مسئولیت اجرایی به تحصیل در مقطع دکتری اشتغال دارم. ضمناً در سال ۱۳۸۰ نیز در آزمون کارشناسی ارشد مدرسی الهیات و معارف اسلامی دانشکده تربیت مدرس قم پذیرفته شده و مدرک کارشناسی ارشدخود را در سال ۱۳۸۳ اخذ نمودم.

سبحانی نیا، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا سبحانی نیا

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۹ هجری برای آغاز درس های طلبگی به شهر مقدس قم آمدم و دروس مقدماتی را در مدارس کرمانی ها و رضویه گذراندم. در ادبیات از اساتید بزرگواری چون جناب حجهٔ الاسلام و المسلمین آقای عالی بهره بردم و لمعه و اصول را نزد اساتید گرانقدری،همچون آقای قاروبی تبریزی و خسرو شاهی تلمذ کردم. درس مکاسب و رسائل را نیز از حضرات حجج اسلام و آیات عظام آقایان حسینی خراسانی،علیدوست،موسوی تهرانی، نکونام گلپایگانی،جاودان و عالی(دامت برکاتهم) بهره بردم.از سال ۱۳۷۸ در دروس خارج حوزه از محضر علمای بزرگ حضرات آیات مکارم شیرازی، سبحانی، تبریزی(ره) و مددی(حفظهم الله تعالی) بهره ها ی فراوان بردم. در کنار درس های طلبگی در موسسه فرهنگی دارالحدیث توفیق خدمت به حدیث را یافتم و هر چند در سال های اولیه کمتر به کارهای علمی و پژوهشی موفق می شدم، اما از سال ۱۳۷۸ با گذراندن واحدهایی از درس تربیت مربی حدیث در کنار کارهای پژوهشی و تحقیقی حدیث وارد عرصه تدریس علوم حدیث شدم. در مجموعه با برکت موسوعه نگاری دارالحدیث توفیق همراهی با محققان این مرکز جهت نشر کتب حدیثی تحت اشراف جناب آیه الله ری شهری(دام عزه) را داشتم. تدریس در دانشکده های اصول دین قم، حدیث شهری و رشته تخصصی حدیث حوزه علمیه قم و جامعهٔ القرآن کریم قم در رشته های علوم حدیثی و معارف حدیثی از خدمات حقیر بوده است. همکاری و مشاوره و راهنمایی با طلاب محترم حوزه و دانشجویان دانشکده های علوم حدیثی و قرآنی از افتخارات بنده بوده است.هم اینک در موسسه دارالحدیث در بخش تخریج و مصدر یابی احادیث خدمتگزار دوستانم هستم و افتخار خدمتگزاری به حدیث معصومین (علیهم السلام) بهتر از هرافتخاری است.

سبحانی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ جعفر بن العلامه الزاهد حاج شیخ محمدحسین سبحانی تبریزی از اساتید بنام و فضلاء بلا کلام و مدرسین والامقام حوزه علمیه قم است که در فروردین ماه ۱۳۰۸ شمسی در تبریز متولد شده و در مهد علم و فضیلت تربیت یافته و مقدمات و سطوح را در مدت ۵ سال در تبریز خوانده و در سال ۱۳۶۵ قمری مهاجرت به قم نموده و در مدت دو سال بقیه سطوح را خوانده و به درس و بحث آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده و دراسات و تقریرات آن دو بزرگوار را به رشته تحریر آورده و در خلال آن از آیات عظام دیگر حوزه استفاده نموده و فلسفه و معقول را از علامه طباطبائی فراگرفته و جلد اول اصول فلسفه را به امر استادش علامه به عربی ترجمه و منتشر نموده است.

استاد سبحانی حوزه درس بخصوصی دارند و در تربیت و پرورش طلاب و فضلاء روش مخصوصی دارند و از روز تاسیس دارالتبلیغ اسلامی قم در رشته‌های تفسیر و عقاید و رجال در آن مهد بزرگ اسلامی به تدریس پرداخته‌اند و نیز از روز نخستین مجله وزین و ارزنده (درسهائی از مکتب اسلام) از مؤسسین آن و جزو هیئت تحریریه آن بوده و در هر شماره از این مجله علمی و دینی (که ارگان رسمی حوزه علمیه قم) است علاوه بر مقاله مخصوصی که به نام وی چاپ می‌شود و مقاله دیگر یکی پیرامون تفسیر قرآن و دیگری پاسخ به سوالات علمی خوانندگان می‌نویسد گذشته از مقالات مذکوره آثار علمی دیگری دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- اصول فلسفه که در نجف اشرف طبع شده.

۲- تهذیب‌الاصول در سه مجلد تقریرات یکی از اساتید عالی مقام خود که در قم به طبع رسیده.

۳- مفاهیم القرآن که در دست انتشار است.

۴- فروغ ابدیت در دو جلد در زندگی پیامبر عالیقدر اسلام که از مدارک صحیح اسلامی با تجزیه و تحلیل کامل نوشته شده است.

۵- رسالت جهانی پیامبران در نبوت عامه.

۶- قرآن و معارف عقلی تفسیر سوره حدید.

۷- مرزهای اعجاز، ترجمه بخش اعجاز قرآن تفسیر (البیان).

۸- تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن.

۹- سیستم اخلاقی اسلام تفسیر سوره حجرات.

۱۰- رمز پیروزی به عنوان اخلاق برای جوانان نوشته و مکرر به طبع رسیده است.

۱۱- سرچشمه هستی در توحید.

۱۲– داروینسم شرح نظریه تکامل انواع (ترانسفورمیسم) مکرر چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

سبحانی، جلال

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلال سبحانی

محل تولد : کنگاور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۵/۱

زندگینامه علمی

اینجانب جلال سبحانی در نخستین روز از مرداد ماه سال ۱۳۴۶ به دنیا آمدم . تحصیلات مقطع ابتدایی و راهنمایی را در شهرستان محل تولد خود (کنگاور) به پایان بردم . در سال ۱۳۶۲ جهت تحصیل علوم دینی عازم قم شدم . تحصیلات مقدّماتی حوزه را در مدرسه علمیّه رسالت گذراندم و سطح را در محضر استادان و بزرگانی همچون آقایان استادی ، عراقچی ، موسوی تبریزی ، مرحوم اعتمادی و مرحوم ستوده فرا گرفتم .

حدود ۷ سال نیز در درس خارج فقه و اصول آیات عظام شبیری زنجانی ، فاضل لنکرانی ، مکارم شیرازی ، صانعی ، سبحانی و تبریزی شرکت کردم .کار نوشتن را از سال ۱۳۷۰ و با مقاله نویسی آغاز کردم و در سالیان پس از آن همراه با کارهای انفرادی به همکاری با نهادها و مراکز پژوهشی رو آوردم . که این امر تا کنون نیز ادامه دارد .

سبحانی، کریم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کریم سبحانی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در کنار تحصیلات حوزوی که از سال ۱۳۷۵ به آن اشتغال داشتم، تقریبا در سال ۱۳۶۹ چندی با تشکیلات تحقیقاتی حزب الله زیر نظر حجت الاسلام سید محمد باقر خرازی همکاری داشتم. سپس از سال ۱۳۷۲ تا کنون با مجموعه آثار حضرت آیت الله مصباح یزدی همکاری داشتم. سپس از سال ۱۳۷۲ علاوه بر ویرایش و نگارش بخشی از سخنرانی های ایشان به تدوین و نگارش ۱۹ اثر از ایشان پرداخته ام که ۱۸ اثر آن به چاپ رسیده است. از سال ۱۳۷۹ تا کنون با دائرة المعارف علوم عقلی موسسه امام خمینی(ره) نیز همکاری دارم و در این مدت در بخش کتاب شناسی به توصیف و نمایه زنی بر چند اثر کلامی پرداخته ام.

سبحانی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین خیابانی سبحانی از علماء مبرز و معاصر تبریز بودند که در فضل و دانش و تقوی و پرهیزکاری و خشیت و خداترسی نمونه محیط خود بود.

وی در شب نوزدهم ماه رمضان ۱۲۹۹ ق در شهرستان تبریز بدنیا آمده و والده موسومه به شهر بانو دختر مرحوم (اسماعیل میرزا) فرزند مرحوم (فتحعلی شاه) قاجار بود. پس از دوران کودکی و آموزش و ادبیات فارسی و قسمتی از مقدمات عربی روی عشق فطری که به تحصیل معارف اسلامی داشت تصمیم به ادامه تحصیل گرفت. نجوم و حساب استدلالی را نزد مرحوم (میرزا علی) منجم و سطوح عالی فقه و اصول را نزد مرحوم آیه الله انگجی و شرح (اشارات) مرحوم خواجه را نزد فیلسوف دوران خود مرحوم شیخ حسین قراجه داغی که بیک واسطه از شاگردان میرزای جلوه بود فراگرفت و برای تکمیل معارف در سال ۱۳۲۷ ق رهسپار نجف اشرف و ۱۱ سال تمام از محضر اساتید آن دانشگاه بزرگ شیعه مانند مرحوم آیه الله سید محمد کاظم یزدی و آیه الله شریعت اصفهانی و محقق عالیقدر آیه الله آقا ضیاء الدین عراقی استفاده‌ها نموده و از هر گلشنی گلی چیده. آنگاه با کسب اجازه از محضر

اساتید و دریافت عالیترین اجازه‌های اجتهاد که قسمتی از آنها را مرحوم حاج میرزا علی خیابانی در کتاب علماء معاصر آورده است. در سال ۱۳۳۹ ق مراجعت به ایران و تبریز نموده و پس از بازگشت به وطن به امر تدریس و تربیت محصلین و تألیف و تصنیف پرداخته و آثار گرانبهائی که هر کدام روشنگر مقام عملی و فضلی اوست بیادگار گذارد و ما برخی از آنها را در اینجا یادآور می‌شویم:

۱- حاشیه بر کفایه الاصول. ۲- یکدوره صلوه استدلالی. ۳- خیارات. ۴- حاشیه بر رسائل و غیره که همه آنها با خط بسیار زیبای خودش موجود است.

مرحوم آیه الله خیابانی در خلق و حلم و تواضع و فروتنی و زهد و تقوا در میان علماء و بزرگان شهر تبریز ضرب المثل بود طرز زندگی و نحوه معاشرت شیوه سخن گفتن او انسان را بیاد خدا افکنده در افراد مستعد اثر عمیق و انقلاب خاصی بوجود می‌آورد.

این عالم ربانی در روز یازدهم شوال ۱۳۹۲ ق دعوت حق را لبیک گفت و طی مراسم با شکوهی در جوار حضرت فاطمه معصومه بخاک سپرده شد.

تالیفات و آثار ارزنده او را مرحوم علامه تهرانی در الذریعه و مرحوم حاج میرزا علی خیابانی در علماء معاصر یاد کرده است.

از باقیات الصالحات آن بزرگوار فرزند ارجمند ایشان جناب حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ جعفر سبحانی تبریزی است که از مدرسین بنام حوزه علمیه قم می‌باشد و ترجمه‌اش در صفحه ۱۷۱ از جلد دوم این گنجینه گذشت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سبحانی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از آثار وی: بیاض ادعیه‌ی کوچک جلد روغنی مذهب، نسخ کتابت خفی خوش (به شیوه‌ی آقا زین‌العابدین قزوینی)، با رقم: «حسب الاشاره‌ی... اعتمادالدوله... سمت تحریر پذیرفت و انا العبد... محمدحسن الکاتب السبحانی ۱۲۷۳».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۵۸/۴).

سبحانیان، صمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: تبریز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

سبذمونی بخاری، ابومحمد عبداللّه

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۴۰ -۲۵۸ ق)، فقیه حنفی، مورخ و محدث. در روستای سبذمون بخارا متولد شد. در جستجوی حدیث به خراسان و عراق و حجاز سفر کرد. ابن‌اثیر او را از محدثان غیر ثقه به حساب آورده است. از آثارش: کتاب «مسند ابی‌حنیفه»؛ و کتاب «کشف الآثار» در مناقب ابی‌حنیفه که آن را بر چهارصد نویسنده املا کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۶۴ -۲۶۳ /۴)، ریحانه (۱۱۳ /۱)، کشف الظنون (۱۸۳۷ ،۱۴۸۵)، معجم المؤلفین (۱۴۵ /۶)، هدیهٔ العارفین (۴۴۵ /۱).

سبز مشهدی، یوسف علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط. از آثار وی: دو قطعه از یک مرقع، به قلم نیم دو دانگ و کتابت متوسط، به شیوه‌ی سلطان علی مشهدی، با رقم‌های: «مشقه العبد یوسف علی سبز مشهدی تجاوز اللّه عنه» و «مشقه العبد یوسف علی سبز مشهدی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۷۳ -۹۷۲/ ۳)، هنر عهد تیموریان (۶۴۹).

سبز مشهدیس، سلطانعلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. نام وی را سبزعلی نیز ضبط کرده‌اند. او از کاتبان کتابخانه‌ی امیرعلیشیر بوده و یکی از مشاهیر خطاطان دربار سلطان حسین بایقرا معرفی شده است. از شاگردان بی‌واسطه‌ی سلطانعلی مشهدی است و نستعلیق را به غایت صاف و بر اصول می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۳۵/۱)، اطلس خط (۴۷۰)، خوشنویسان و هنرمندان (۳۸ -۳۷ ،۹)، مناقب هنروران (۶۷).

سبزواری علوی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر بن سید محمدعلی ده زمینی سبزواری علوی عالمی فاضل از شاگردان علامه شیخ هادی تهرانی و پسر خاله آیت‌اللّٰه شریعتمداری بوده و قبل از او در سال ۱۳۴۳ قمری وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سبزواری غباری، جلال‌الدین علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اوست: قرآن حمایلی. جلد ضربی مذهب اندرون ساخت. دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مذهب مرصع عالی نسخ غبار خفی با رقم «... جلال‌الین بن علی الحافظ سبزواری غباری...» سال ۹۲۵ در موزه‌ی ایران باستان.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

سبزواری، جعفر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف قبل از ۱۲۱۸ ق)، عالم شیعی. وی از مردم سبزوار و خواهرزاده‌ی سید محمد، فرزند میر شاه قاسم بود. سید جعفر امام جمعه‌ی مشهد بود و در آنجا زندگی می‌کرد و از معاصران وحید بهبهانی و میرزا مهدی شهید بود. در مشهد به تدریس علوم دینی و نشر احکام شرعی می‌پرداخت، پیش از کشته شدن میرزا مهدی درگذشت و پیکرش را در پایین پای امام رضا (ع) در کنار گور داییش به خاک سپردند. از آثار وی: «ریاض الانوار فی احوال الائمه الاطهار»؛ «اسرار الصلاه»؛ «رساله‌ای در تجوید»؛ «رساله‌ای در حرمت کشیدن توتون».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۰۸/۴)، الذریعه (۳۲۰/۱۱، ۴۸/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۳۷/۱۳)، معجم المؤلفین (۱۳۹/۳).

سبزواری، جواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جواد سبزواری عالمی جلیل و ادیبی فاضل و تقریظی به (عقبات‌الانوار) نوشته و در حدود ۱۳۱۰ قمری از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سبزواری، حسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۸۶ ق)، قاری، خطیب و شاعر. معروف به خطیب قاری سبزواری. وی در عصر شاه سلیمان صفوی از خطیبان مشهد رضوی به

شمار می‌رفت. او در علم حروف و اعداد تبحر و به عرفان تمایل داشت. از آثار وی: «مطالع الاسرار»، در شرح «مشارق الانوار» شیخ حافظ رجب برسی، که به دستور شاه سلیمان صفوی نوشته شد؛ «ابواب البیان»، فارسی، در خطب و مواعظ که در ۱۰۸۶ ق نگارش یافته؛ شرح «حدیث الاسماء و بیان حدوثها» یا شرح «حدوث الاسماء المروی فی الکافی»؛ «الخطب» به عربی و فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۰۱ -۱۰۰ /۵)، الذریعه (۱۴۲ -۱۴۱ /۲۱، ۱۸۷/۱۳، ۱۸۴/۷، ۷۴/۱)، ریاض العلماء (۳۰۸/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۲/۱۱)، معجم المؤلفین (۲۲۷/۳).

سبزواری، حسین علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسینعلی سبزواری عالمی فاضل و پارسا از شاگردان مرحوم آیت‌اللّه شریعتمدار سبزواری از قریه (بید) سبزوار بوده و در سال ۱۳۵۷ قمری وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سبزواری، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بنده به سال ۱۳۰۴ هـ. ش در سبزوار و در خانواده ای فرهنگی متولد شدم . اجدادم اهل شعر و شاعری بودند، به خصوص پسر دایی پدرم ، تجلی سبزواری که از شاعران توانا بود . پدرم نیز با وجود نابینایی شعر می گفت. من از همان دوران طفولیت ، ذوق شاعری داشتم و چیزهایی می سرودم . به تدریج با تشویق و راهنمایی های پدرم این سروده ها رنگ شعر گرفت . تقریباً از کلاس سوم متوسطه بود که می توانستم به خوبی بسرایم . در زمانی که متفقین به ایران آمدند اشعارمن رنگ و بوی خاصی به خود گرفت . در آن زمان سروده های زیادی داشتم که متأسفانه طی جریاناتی از بین رفت. به هرحال مدتی در استخدام وزارت آموزش و پرورش بودم. پس از آن به کارهای مختلف دیگری پرداختم، زمانی که در بانک مشغول به کار بودم به تهران منتقل و در آنجا با مجامع مختلف ادبی آشنا شدم . نتیجه این رفت و آمدها ، اشعاری در زمینه های سیاسی و اجتماعی بود. طی جریان انقلاب کم کم شعرهای من حال و هوای مذهبی به خود گرفت . در جریان ساخت سرودهای انقلابی هم پیشقدم بودم . مدتی هم در جبهه حضور داشتم و اشعاری نیز در رابطه با جنگ تحمیلی سروده ام ، از همان زمان تاکنون به طور مداوم با صدا و سیما همکاری دارم ، همچنین با دیگر سازمان های اسلامی . به هر حال از زمانی که خودم را شناختم ، هیچ گاه شعر بیهوده نگفتم و هنرم را در راهی صرف نکردم که پشیمان باشم. حمید سبزواری (حین ممتحنی) ، شاعر معاصر ایران است . حمید شاعری است ازنسل دیروز . نسلی که با ما همنفس وهم آوا است ،اما پژواک صدایش تا قرن هادرامتداد زمان جاری خواهد بود ، پس شعراو شعرآینده نیز هست . او شاعری است که آیندگان قدر و منزلت او را بیشتر خواهند شناخت .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

والدین و انساب : پدرحمید سبزواری ،«عبد الوهاب » پیشه ور و ساده ای بود که قریحه شعری داشت . جدش ،ملا محمد صادق ممتحنی ،شاعری مردمی بود که «مجرم » تخلص می کرد و آثارش درسفری به مشهد و درحمله راهزنان به یغما رفت .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : حمید سبزواری قبل از مدرسه قرآن را در خانه و نزد ماردش آموخته بود . او بعدا به مدرسه شیخ حسن داورزنی رفت .

خاطرات و وقایع تحصیل : حمید سبزواری دردوره نوجوانی درسبزوار زندگی می کرد . درسبزوار کتابفروشی به نام خسروی بود . او شعرهای حمید را چاپ کرده و فروخت . حمید می خواست اینکار را درتهران نیز انجام بدهد لیکن این امر صورت نگرفت و وی از این لحاظ خوشحال است .

فعالیتهای ضمن تحصیل : حمید سبزواری درنوجوانی شاهد فرهنگ ستیزی ،خشونت و سرکوب احساسات مذهبی مردم توسط رضا شاه پهلوی بود . چهارده ساله بود که سرودن شعر را آغاز کرد . حمیدجوان در آن سالها به هر حزب و گروهی که فکر می کرد حامل حقیقت یا حامی محرومانند سری می زد اما ه سرعت در می یافت که آن سراب ها هیچگاه نمی توانند عطش عدالت خواهی و شوق استقلال جویی او را سیراب کنند و سرخورده کنارمی کشید .

استادان و مربیان : مادر حمید سبزواری ، شاید اولین استاد وی بود . او جامع المقدمات را نزد میرزا حبیب جوینی خوانده است . حاج آقا محمد علی محمدی نیز ازدیگر استادان وی بود .

وقایع میانسالی : دراثر کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ حمید سبزواری متواری و مخفی شد . لیکن بعدا خود را به شهربانی سبزوار معرفی کرد و چهار سال دروضعیت بلا تکلیفی و تعلیق طی کرد تا سرانجام تبرئه شد .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حمید سبزواری ابتدا به شغل معلمی مشغول بود . او سپس کارمند بانک بازرگانی درتهران شد و

سپس به شاعری وری آورد .

فعالیتهای آموزشی : مهمترین فعالیت حمید سبزواری ،شاعری می باشد . شعر حمید ،شناسنامه زمان مند انقلاب است ، زیرا کمتر حادثه یا رویدادی است که انعکاس از آن درشعر او نباشد . شاعر با حساسیت ویژه خویش ،هر رویداد مهم تاریخ معاصرایران رابا گل واژه های شعرش درحافظه زمانه نقش کرده است تا آیندگان ازیاد نبرند که نسل گذشته درچه شرایط دشواری از آرمان ها و انقلابش دفاع کرده است .

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : حمید سبزواری هنگامی که دربانک بازرگانی مشغول بود یک نشریه ای داخلی راه انداخت . نشریه ای داخلی که علاوه بر اخبار بانک و مسایل اقتصادی ،جدول وصفحه شعر ، داستان هم داشت .

همفکران فرد : یکی از همفکران حمید سبزواری ،فخر الدین حجازی می باشد که ازدوران جوانی با هم دوست بودند .

آرا و گرایشهای خاص : حمید سبزواری درمیان شعرای متقدم ،کار مسعود سعد سلمان و ناصر خسرو را بیشتر می پسندد . در میان شعرای معاصر نیز فرخی و نسیم شمال دراو تاثیر گذار بوده اند. ---

آثار :

۱ به رنگ آمده دشمن

۲ سرود درد

۳ سرود سپیده

۴ سرودی دیگر

۵ فریاد نامه

۶ کاروان سپیده

۷ گزیده ادبیات معاصر

۸ یاد یاران

منابع :

۱مهدی پروین زاد ،روایتگر حماسه های انقلاب /گفتگو با استاد حمید سبزواری ، کیهان فرهنگی ،سال نوزدهم . شهریور۱۳۸۱ ، پیاپی ۱۹۱، ص۱۳

سبزواری، حیدر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۱ ق)، شاعر. از حفاظ سبزوار و از ملازمان شاه طهماسب صفوی بود و در فن تیراندازی بسیار زبردست. میرحیدر در غزلسرایی نیز مهارت داشت. «دیوان» شعری از او به جای مانده است. از اوست:

تا در دماغ بویی زان مشکبو غزال است

از وادی جنونم بیرون شدن محال است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۷۴)، تحفه سامی (۷۰)، تذکره‌ی روز روشن (۲۲۳)، الذریعه (۲۷۱)، فرهنگ سخنوران (۲۸۲).

سبزواری، زین العابدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن محمّد علی بن محمّد ابراهیم بن مرتضی بن میرزا عبدالمطلب. عالم فاضل محقّق مفسّر ادیب، در خدمت میرزا عبدالعلی هرندی، و میرزا محمّد مهدی نایب الصدر، و میرزا محمّد علی حسینی و جمعی دیگر تلمّذ فرموده، و از جوانی آثار نبوغ در او ظاهر بوده، چنانچه از تفریظی که مرحوم نایب الصدر بر یکی از کتب او نوشته ظاهر می‌شود.

کتب زیر از اوست:

۱- اعراب ست سور من القرآن الکریم

۲- تذکرهٔ القرّاء ۳- شجره طیّبه، در تجوید، دو جلد عربی و فارسی که در مقدّمه برخی از قرآنها به طبع رسیده.

در حدود سال ۱۲۵۰ متولّد، و در ۱۳۱۸ وفات یافته، جنب مسجد آقا نور در محلّی که به نام امامزاده سه تن معروف است مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

سبزواری، زین‌العابدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید زین‌العابدین فقیه سبزواری وی در شب هشتم ماه شعبان ۱۳۳۲ قمری در سبزوار متولد شده و تا شش سالگی در آنجا پرورش یافته و در سال ۱۳۳۸ ق در خدمت والدش مشرف به نجف اشرف گردید، و مقدمات و ادبیات فارسی و عربی را فراگرفته و در ذی‌حجه ۱۳۴۷ ق با پدرش عازم ایران گردیده و مدت سه ماه در سبزوار توقف و سپس در ملازمت آن مرحوم به مشهد آمده و بعد از اکمال مقدمات و سطوح در خدمت علماء بزرگ مشهد مانند والد ماجدش و مرحوم حجهٔ‌الاسلام میرزا مهدی شهید مرحوم الهی و دیگران استفاده نموده.

و بعد از رحلت و فقدان مرحوم والد بزرگوارش در مسجد جامع گوهرشاد بجای پدر به تدریس خارج فقه و اصول و اقامه جماعت اشتغال دارند.

نگارنده گوید چنانکه در کتاب خاطرات زندگانی آن مرحوم مذکور است آقای حاج سید زین‌العابدین شخصی لایق و واجد اخلاق و روش مرحوم پدر می‌باشند

و همچون آن مرحوم در مواقع فراغت در منزل پدرش برای رفع حوائج مراجعین جلوس نموده و آماده خدمت می‌باشند و درب منزل پدر را مانند زمان آن مرحوم بروی درماندگان و بیچارگان و مستمندان باز گذارده و هدف آن مرحوم را دنبال می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سبزواری، شرف‌الدین رضا

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۵۶ ق)، شاعر. وی از مردم سبزوار و از خاندان معروف سادات عریضی بود که در زمان سربداران و مخصوصا در زمان حکمرانی خواجه علی موید، پدران او وزارت داشتند و خود در روزگار شاهرخ در سبزوار ماموریت دیوانی داشت و بر همه کس مقدم بود. پس از آن به هرات رفت و در زمان وزارت خواجه غیاث‌الدین پیر احمد وزیر سلطان حسین بایقراء تقصیری کرد و چندی در بند ماند و سرانجام در زمان حکمرانی امیر بابا حسن قورچین به دست موکلان او کشته شد. وی شاعر توانایی بود و غزل را نیکو می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۰۵).

سبزواری، عبدالحق

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۲ ق)، خطاط. از شاگردان عبدالله طباخ هروی و از استادان خوشنویس خراسان بود. کتیبه‌ی بیرونی گنبد حضرت امام رضا (ع) به خط اوست و از دیگر آثار وی: یک نسخه «ادعیه» با قطع وزیری خشتی، مجدول مذهب و نسخ کتابت خفی و رقاع کتابت خوش، با رقم: «تمت الدعوات... و کتبها العبد... عبدالحق بن محمد السبزواری فی شهور اثنی و عشرین و تسعمائه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۹۸ / ۴)، گلستان هنر (۳۲).

سبزواری، عبدالصالح

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالصالح سبزواری از علماء و ائمه جماعت معاصر است در تویسرکان. وی در بیت علم تولد و پرورش یافته و پس از خواندن اولیات و ادبیات به قم مهاجرت نموده و چندین سال از محضر آیات عظام مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و دیگران استفاده نموده آنگاه به تویسرکان مراجعت و تاکنون بخدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج دین و غیره اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سبزواری، عبدالقیوم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجهٔالاسلام آقا شیخ عبدالقیوم بن علامه حکیم ملا هادی سبزواری عالمی ادیب بوده است.
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سبزواری، علی‌اصغر

قرن:۱۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجهٔالاسلام آشیخ علی‌اصغر بن مولی حسین سبزواری عالمی فاضل از بزرگان سبزوار از تلامذه حکیم معروف حاج ملا هادی سبزواری بوده و در سبزوار از دنیا رفته است.
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سبزواری، عنایت‌الدین

قرن:۱۰
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، خطاط. به قول میرزاحبیب، شاگرد سید احمد مشهدی بود و گویا وی همان عنایت‌الدین مذهب است که شاگرد مانی نقاش بوده و در ۱۰۰۰ ق درگذشته است.
بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۴۲ / ۲).

سبزواری، کمال

قرن:۱۰
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز ۹۶۵ ق)، خطاط. از شاگردان پدر خود، عبدالحق بود. او خطوط شش‌گانه را خوش می‌نوشت و همیشه به کتابت کلام اللّٰه و ادعیه‌ی دوازده امام (ع) اشتغال داشت. قاضی میر احمد، مؤلف گلستان هنر، در ۹۶۵ ق با وی دیدار کرده است. از آثار او: مفردات یاقوت، به خط ثلث دو دانگ و نیم دو دانگ عالی و نسخ کتابت خفی خوش، با رقم: «مشقه شیخ کمال عبدالحق ۹۳۳»؛ یک قطعه از مرقع شاه اسماعیل، به خط ثلث سه دانگ جلی ممتاز و نسخ و رقاع کتابت عالی، با رقم: «مشقه شیخ کمال بن عبدالحق السبزواری فی سنهٔ احدی و اربعین و تسعمائهٔ»؛ دو صفحه از مرقع بایقرا طهماسب، به خط ثلث سه دانگ جلی محرر و نسخ کتابت عالی، با رقم: «کتبه... شیخ کمال بن عبدالحق السبزواری... ۹۶۵ به مشهد المقدس الرضویه»؛ یک قطعه از مرقع ثلث دو دانگ جلی و نسخ و رقاع کتابت خوش، با رقم: «مشقه... کمال‌الدین محمود بن عبدالحق السبزواری... سنهٔ ثمان و عشرین و تسعمائهٔ الهجریهٔ»، که اگر این اثر اخیر از خود وی باشد، نام اصلی این هنرمند کمال‌الدین محمود است.
بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۳۳ -۱۱۳۲/ ۴)، گلستان هنر (۳۸).

سبزواری، محمد

قرن:۱۰
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، نقاش و خطاط. اهل سبزوار بود و ملازم سلطان ابراهیم صفوی شد و با او به عراق رفت. در زمان شاه اسماعیل دوم، در کتابخانه‌ی وی مشغول به کار شد، سپس به خراسان بازگشت و به خدمت شاه عباس درآمد، تا در همان جا درگذشت. شیخ محمد شاگرد استاد دوست دیوانه بود و در انواع تذهیب و تشعر و حل‌کاری مهارت داشت و طلای شفاف به کار می‌برد. در جانورسازی و تصویر حیوانات نیز صاحب قلم بود و مناظر بزمی و رزمی را با حالت می‌ساخت. از فرنگی سازی وی که در کتاب «عالم‌آرای عباسی» ذکر شده، اثری مشاهده نشده است. او در کتابت خطوط نیز صاحب قلم بود و نستعلیق را خوش می‌نوشت. از خطوط وی: قطعه‌ای از مرقع مالک دیلمی، به قلم سه دانگ و نیم دو دانگ خوش که به مرکب الوان نوشته شده و رقم «... فقیر شیخ محمد بن شیخ کمال سبزواری... ۹۷۶» دارد. از آثار نقاشی وی: تصویر شتر و ساربانی که در کناره‌های آن، اشعار خود را درج نموده و در هر بیت آن، نام شتر و حجره گنجانده شده است، با رقم: «مصوره و محرره شیخ محمد فی شهور سنه ۹۶۴»؛ تصویر مجلس پر جلال معارفه‌ی یوسف است که برای ازدواج با زلیخا تشکیل یافته است و مستخدمان مشغول پذیرایی بوده و نقل و نبات در دستشان دیده می‌شود؛ تصویر اسکندر که در بستر مرگ افتاده و همراهان وی گریه‌کنان به سر و سینه‌ی خود می‌زنند و در افق تصویر درخت تنومند و کهنسالی با شاخه‌های شکسته و آتش گرفته دیده می‌شود؛ تصویر مردی که کلاهی به سر گذاشته و روی آن شال پارچه‌ای بسته است در زمینه‌ی صفحه، تصاویر اسلیمی و برگ و گل و حل‌کاری ترسیم شده و تمام صفحه را در بر گرفته

است و رقم «راقمه شیخ محمد» دارد. شش اثر دیگر وی در «احوال و آثار نقاشان» ذکر شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۴۲ -۷۴۱ /۳)، احوال و آثار نقاشان (۱۴۶۵/۳ ،۲۵۵ -۲۵۳ /۱)، تاریخ هنرهای ملی (۸۹۶ -۸۹۵ /۲)، عالم‌آرای عباسی (۱۷۶/۱)، گلستان هنر (۱۴۲)، هنر عهد تیموریان (۵۹۵).

سبزواری، محمد ابراهیم

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(۱۲۹۱- ح ۱۳۶۰ ق)، عالم دینی، فقیه، ریاضیدان و شاعر. وی نوه‌ی دختری حکیم سبزواری است. معقول را نزد جد مادری خود، ملا محمد سبزواری، و منقول را از علامه میرزا حسین سبزواری و ریاضیات و طب را از افتخارالحکماء اسماعیل تهرانی فراگرفت. از آثارش: «اصول الفقه» و شرح آن به نظم؛ «منظومه‌ی حساب»، و شرح آن؛ شرح «دعای کمیل»، به عربی و فارسی؛ شرح «دعای سمات»؛ شرح «دعای ابی‌حمزه»؛ «دیوان» شعر فارسی، حدود هشت هزار بیت، در عرفان و اخلاق مصائب.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶/۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸ -۱۷ /۱۴)، فرهنگ سخنوران (۵۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۰۵/۵).

سبزواری، محمدابراهیم

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدابراهیم بن مولی عبدالوهاب الاسراری سبزواری عالمی جلیل و فاضلی متبحر بوده است.
وی در سال ۱۲۹۱ ق از دختر ملا محمد بزرگترین فرزندان حکیم سبزواری متولد شده و معقول را از جدامی خود و منقول را از علامه میرزا حسین سبزواری بزرگ شاگرد مجدد شیرازی و علامه سید ابراهیم علوی و ریاضیات را از میرزا اسماعیل تهرانی فراگرفته و تألیفات و آثار عدیده علمی از خود گذارده است.
۱- اصول الفقه و شرح آن منظوم ۲- منظومه حساب و شرح آن ۳- شرح دعاء کمیل عربی و فارسی که در سال ۱۳۴۰ ق تألیف نموده است ۴- شرح دعاء سمات ۵- شرح دعاء ابی‌حمزه ۶- دیوان شعر فارسی حدود هشتهزار بیت در عرفان و اخلاق و مصائب و غیره در حدود ۱۳۶۰ قمری از دنیا رفته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سبزواری، محمدتقی

قرن:۱۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ۱۳۱۲ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. او ساکن قوشتنگ، از توابع سبزوار بود. مدتی طولانی در محضر شیخ انصاری تلمذ کرد و «تقریرات» فقه و اصول استادش را در چهار مجلد نگاشت. در زمینه‌ی اصول، مجلدی کامل، در مباحث «الفاظ» و «اجتهاد» و «تقلید» و «حجیت ظن» و «استصحاب»، و در فقه سه مجلد، اولی در «صلاه» تا آخر «سجود» و «روزه» و دومی در «خلل الصلاه» و «وقف» و «اجاره» و «رهن» و سومی در «احیاء موات» و «تجارت» از آثار اوست.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۶۵/۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۰۷/۵).

سبزواری، محمدجواد

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدجواد سومین فرزند آیت‌اللَّه فقیه سبزواری از فضلاء و علماء معاصر مشهد می‌باشند.
وی در بیست و هفتم ۱۳۴۹ ق در شهر مقدس مشهد متولد و پس از دوران طفولیت و کودکی دوره تحصیلات ابتدائی را در مدرسه مبارکه محمدیه سعادت تکمیل و سپس ادبیات را نزد آقای ادیب نیشابوری و سایرین کسب نموده و سطح فقه را از محضر حجهٔالاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا احمد مدرس یزدی رحمه‌اللَّه فراگرفته و رسائل و مکاسب و دوره کفایه را نزد مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ هاشم قزوینی خوانده و حکمت و فلسفه را نزد مرحوم حجهٔالاسلام آقای حاج شیخ محمدرضا کلباسی تکمیل نموده و دوره خارج فقه و اصول را نزد والدشان به اتمام رسانیده تا به دریافت اجازه اجتهاد از معظم له نائل گردیده و به تدریس فقه و اصول و اقامه جماعت در ظهرها در سالن باغ رضوان در کنار مزار والدشان و شبها در مسجد حاج حکیم خیابان طبرسی اقامه

جماعت دارند و فعلا از مدرسین ممتاز مشهد می‌باشند و به تدریس کفایه و مکاسب اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سبزواری، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین بن هـادی دولت‌آبادی سبزواری عالمی فاضل و متقی بوده و در سال ۱۳۵۵ قمری در سبزوار وفات و در (مقبره سـریز) مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سبزواری، محمدصالح

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۴۹ ق)، خطاط. از آثار وی: یک صـفحه از مرقع بایقرا طهماسب، ثلث چهار دانگ جلی و سه دانگ محرر عالی و نسخ و رقاع نیم دو دانگ خوش، با رقم:«مشـقه العبـد المـذنب... محمـد صالـح بن محمد یوسف السبزواری... سـنهٔ تسع و اربعین و تسـعمائهٔ من الهجرهٔ المصطفویه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۸۲/ ۴).

سبزواری، محمود

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطـاط و شـاعر. جـدش، خواجه بـاب علی خوشـمردان، از بزرگان و مشاهیر روزگار بود و درویشـی صاحب خانقاه و مرید. محمود سبزواری خط را خوب می‌نوشت و شعر نیز نیکو می‌سرود. وی منظومه‌ای به نام «اصول شش قلم» دارد که اصول شش قلم را به ترتیب ثبت کرده است. در آخر چند بیت شعر آورده و در بیت آخر تاریخ آن را ذکر کرده است که به قول «الذریعه» ۸۶۶ ق و به گفته‌ی «فرهنگ سخنوران» ۸۹۷ ق می‌باشد که ظاهرا دومی درست‌تر می‌نماید. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۱۰/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۲۰)، مجالس النفائس (۲۷۷، ۱۰۳).

سبزواری، هادی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۹ -۱۲۱۲ ق)، عـالم و شـاعر، متخلص به اسـرار. پـدر و جـدش همه در سبزوار اهـل ثروت و شـهرت و اعتبار و مردمانی خیر و نیکوکار بودنـد. وی در دوران ناصـرالدین شاه قاجار، ماننـد ملاصـدرا در عهـد شاه عباس بود. صاحب المآثر و الآثار می گوید: «در این مـائه گذشـته حکمت و معقـول را این مرد فرد به همـان طور تاسـیس کرد که شـیخ مرتضـی انصـاری فقه و اصول را». در هفت هشت سالگی شـروع به خواندن صرف و نحو نمود. پدرش در ایام سفر حج، در شیراز درگذشت. بنا به وصیت پدر حاج ملا حسین سبزواری که از بستگان نزدیک او بود، تربیتش را به عهده گرفت و او را به مشهد برد. در آنجا ادبیات، فقه، اصول، منطق و فلسفه و ریاضیـات را آموخت. بعد از ده سال به اصـفهان رفت و از آخوند ملا اسمعیل، واحدالعین، حکمت، و نزد آقا محمدعلی نجفی، فقه را فراگرفت. در مـدت اقامت در اصـفهان به فرائض و نوافل مشـغول بود و محاوره و گفتگوهایی باکشیشـی مسـیحی کرد. سپس به خراسان بازگشت و مـدت پنـج سال به تـدریس حکمت و فقه و اصول در مشهد پرداخت. در ۱۲۵۰ ق در سـفر حج همسرش را از دست داد و پس از بـازگشت، حـدود سه سـال، در اطـاق یکی از طلاب، به نـام ملا محمـد عارف، که خادم مـدرسه نیز بود اقامت گزید، و با دختر وی ازدواج کرد. به سبزوار بازگشت و مجلس درس تشکیل داد. بزودی آوازه علمی او به نقاط مختلف رسید و از داخل و خارج کشور طالبان فلسـفه و حکمت به محضـر درس وی روی آوردند از آن جمله‌اند: شیخ ابراهیم تهرانی معروف به شیخ معلم، شـیخ احمد میامیه‌ئی، سید احمد ادیب پیشاوری، میرزا اسداللّه سبزواری، میرزا اسماعیل افتخار الحکماء طالقانی، ملا اسماعیل سبزواری. حـاج ملاهـادی، شـعر فارسـی و عربی را به روانی و نهایت سـلامت می‌سـرود. از ویژگیهای آثار وی شـرح و تفسـیر آثار ملاصدرا و روشن کردن نکات مبهم عقاید اوست. در سبزوار درگذشت و همان جا دفن شد. آثار به جا مانده از او: «اسرار الحکم»، نیز می گویند؛ «اسرار العباده»، در فقه؛ «الجبر و الاختیار»؛ حاشیه بر «اسفار» ملاصدرا؛ حاشیه «زبده الاصول» شیخ بهایی؛ حاشیه «شرح

سیوطی» بر «الفیه» ابن‌مالک؛ حاشیه‌ی «شواهد الربوبیه» ملاصدرا، که در حواشی خود آن کتاب چاپ شده؛ حاشیه بر «مبدا و معاد» ملاصدرا، که در حواشی خود آن کتاب چاپ شده است؛ شرح «مثنوی» ملای رومی؛ حاشیه «مفتاح/ مفاتیح الغیب»، که در حاشیه خود «مفاتیح» چاپ شده است؛ «دیوان» شعر، به فارسی؛ شرح «غرر الفرائد» و «هدایه المسترشدین».[۱]

حاج ملا هادی سبزواری (و. سبزوار ۱۲۱۲– ف. ۱۲۸۹ ه.ق) متخلص به اسرار پسر حاج محمد سبزواری از دانشمندان بزرگ و حکمای عصر خود بود. نخست در مشهد و سپس در اصفهان حکمت، فقه، اصول و کلام آموخت. معروف‌ترین تألیف او منظومه و شرح آن دو منطق و حکمت است در دو قسمت که قسمت اول آن «اللالی‌المنتظمه» و قسمت دوم «غررالفرائد» نام دارد و هر دو در یک جلد چاپ شده و به نام شرح منظومه مشهور است. شیخ به فارسی نیز «اسرارالحکم» را نوشته است که در حکمت الهی است و همچنین حواشی متعددی بر شواهد الربوبیهٔ و سایر مصنفات ملاصدرا تحشیه کرده و ضمناً به تخلص «اسرار» غزلیات حکمی و مایل به تصوف سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۸/۹)، اعیان الشیعه (۲۳۴/۱۰)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۸۷/۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۲۲ ، ۱۸۷ /۵)، تاریخ فلاسفه ایران (۵۷۶ –۵۶۵)، حدیقه الشعراء (۱۲۸ –۱۲۷ /۱)، دایرهٔالمعارف فارسی (۳۲۲۸/۲)، الذریعه (۲۹۲/۲۶، ۹۸، ۵۵/۱۴، ۲۵۶ –۲۵۵، ۱۷۹/۱۳، ۷۲/۹، ۲۱۴، ۱۹۱، ۱۴۴/۶، ۴۴/۲، ۴۴/۲)، ریاض العارفین (۲۴۱)، ریحانه (۴۲۷ –۴۲۲ /۲)، شرح حال رجال (۳۲۶/۵)، طرائق الحقائق (۴۶۶ –۴۶۵ /۳)، فلاسفه‌ی شیعه (۲۶۱ –۲۵۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۱۰ –۳۰۸ /۵)، لغت نامه (ذیل/ هادی)، المآثر و الآثار (۱۴۷ –۱۴۶)، مؤلفین کتب چاپی (۷۳۷ –۷۳۱ /۶)، معجم المؤلفین (۱۲۷/۱۳)، مکارم الآثار (۴۶۹ –۴۵۰ /۲)، یادگار (س ۱، ش ۳، ص ۴۸ –۴۳).

سبزورای، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: مهندسی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای مهندسی مکانیک، تحصیلات عالی و تخصصی در زمینه انتقال حرارت و طراحی سیستم‌های دینامیکی.

مرتبه علمی:

طی مراحل استادیاری، دانشیاری و ارتقاء به درجه استادی دانشکده مهندسی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انتقال حرارت، مسائل پایداری ارودینامیکی و ارتعاشات ناشی از برخورد نیروهای باد، الاستیسیته و دینامیک، طراحی سیستم‌های دینامیکی، طراحی سیستم‌های تبدیل انرژی باد، مسائل طراحی سیستم‌های، دینامیکی، دینامیک سیستم‌ها و استفاده از روشهای AI در طراحی سیستم‌های دینامیکی، مدل و شبیه‌سازی سرمایش طبیعی برخی بناها، تجزیه مدهای سیستم‌های ارتعاشی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

مکانیک و تکنولوژی فضا، دینامیک ماشین و ارتعاشات سیستم‌های مکانیکی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:–، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶۰

زمینه علمی مقالات:

مسائل پایداری ارودینامیکی در سازه‌ها، مسائل دینامیکی در پی‌سازی، سرمایش طبیعی و انرژی باد.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

سبط الشیخ انصاری، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۰ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در نجف از دخترزاده‌ی شیخ انصاری به دنیا آمد. سطوح را نزد آیت‌اللّه خویی و آیت‌اللّه شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌اللّه سید علی نوری و میرزا محمد عراقی و حاج شیخ غلام علی قمی فراگرفت. آنگاه به محضر درس آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه شیخ محمدکاظم شیرازی و بویژه آیت‌اللّه اصفهانی راه یافت و به مدارج عالیه علم و کمال رسید و از آیت‌اللّه نایینی و آیت‌اللّه عراقی و حاج سید عبدالحسین شرف‌الدین و حاج شیخ محمدرضا معزی دزفولی و محدث قمی اجازه‌ی اجتهاد و روایت گرفت. وی دارای تالیفات و حواشی بسیاری بر «مکاسب» شیخ انصاری و غیره می‌باشد.[۱]

حاج سید محمدعلی بن العالم الجلیل حاج سید محمد نبی بن العالم العلام حاج سید موسی آقا میری بن السید اسمعیل بن العلامه میر عبدالباقی دزفولی معروف بسبط از علماء ابرار و دانشمندان اخیار معاصر تهرانست که بمکارم اخلاق و محاسن آداب متصف و به بزرگواری و اصالت معروفست. وی زاده شیخ انصاری علویه بی‌بی خدیجه متولد گردید و چون از سطوح نزد آیت‌اللَّه العظمی خوئی مد ظله و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمد علی کاظمینی و مرحوم آیت‌اللَّه سید علی نوری و میرزا محمد عراقی و حاج شیخ غلامعلی قمی فارغ شد از محضر و درس مرحوم آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمد کاظم شیرازی و بالاخص آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی استفاده نموده تا بمدارج عالیه علم و کمال رسیده و در سال ۱۳۵۷ قمری مهاجرت به ایران و در تهران رحل اقامت افکنده و در مدرسه علمیه مروی بتدریس فقه و اصول پرداخته و هم در مسجد مروی به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال دارند.

دارای تألیفات و حواشی عدیده‌ای بر مکاسب شیخ و غیره میباشند و از مرحوم آیت‌اللَّه نائینی و آیت‌اللَّه عراقی و آیت‌اللَّه حاج سید عبدالحسین شرف‌الدین و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمد رضا معزی دزفولی و مرحوم محدث قمی حاج شیخ عباس اجازات روایتی و اجتهاد دارند.

مرحوم والدش از علماء کرام و شاگردان علامه یزدی بوده چنانچه جدش آیت‌اللَّه حاج سید موسی نیز از اجله علماء و پارسای بتمام معنی و وارسته از هر جهت بوده در حدود ۱۲۶۰ قمری از دزفول مهاجرت به نجف و نزد بزرگان آنجا تلمذ نموده و در سال ۱۳۲۲ قمری در سن نود سالگی وفات نموده و در پائین مقبره جد امی خویش جناب شیخنا الانصاری در دالان قبلی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۴۷۶ -۴۷۵ /۴).

سبط الشیخ دزفولی نجفی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۵ -۱۲۸۰ ق)، فقیه، مدرس و زاهد. در نجف اشرف متولد شد. پس از فراغ از مقدمات چند سالی از محضر پدرش و میرزای بزرگ شیرازی استفاده نمود و پس از فوت ایشان از محضر علامه خراسانی بهره‌مند گردید تا به مقام اجتهاد رسید. در ۱۳۵۳ ق به زیارت مشهد رضوی مشرف شد و به سبب اصرار گروهی در آنجا ساکن گردید و به تدریس پرداخت. وی در همان شهر درگذشت و در جوار مرقد امام رضا (ع) به خاک سپرده شد. از آثارش: حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری، حاشیه بر «مکاسب»؛ حاشیه بر «کفایه الاصول».[۱]

سید احمد بن العلامه الورع حاج سید محمدطاهر بن السید العلامه السید اسماعیل آغا میری دزفولی نجفی از اجله علماء و فقهاء امامیه جامع فروع و اصول که به زهد و تقوا آراسته بوده.

در اواخر سال ۱۲۸۰ قمری در نجف اشرف متولد شده و پس از فراغ از مقدمات چند سالی از محضر مجدد شیرازی و والد ماجدش استفاده نموده و پس از فوت ایشان از محضر مرحوم علامه خراسانی بهره‌مند گردیده تا به مقام شامخ اجتهاد رسیده است.

وی در سال ۱۳۵۳ قمری به زیارت حضرت رضا علیه‌السلام مشرف شد و به سبب اصرار جمعی در آنجا اقامت و به تدریس پرداخته تا در روز بیست و ششم ربیع‌الثانی ۱۳۵۵ قمری بدرود حیات گفته و در جوار حضرت علی بن موسی‌الرضا علیهماالسلام مدفون گردید.

آثار علمی او از اینقرار است:

۱- حاشیه بر رسائل شیخ

۲- حاشیه بر مکاسب

۳- حاشیه بر کفایهٔالاصول.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۴۴/۵).

سبط الشیخ، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۷ ق)، عالم دینی، فقیه و نویسنده. چون مادرش دخترزاده‌ی شیخ انصاری است به سبط الشیخ معروف بود. او از سادات آقا میری است چون جد بزرگش سید حسین مشهور به آقا میر بوده است. در نجف متولد شد. پس از فراغت از مقدمات، سطوح را در کربلا- نزد آیت‌اللَّه شیخ یوسف بیارجمندی و آیت‌اللَّه شیخ محمد بایگی تربتی فراگرفت. آنگاه به تهران آمد و تا پایان عمر در تهران زیست. او به فضل و ادب و کمالات نفسانی متصف بود. وی در کنار فقه، اصول، در زبان انگلیسی نیز تسلط کامل داشت و زبان‌دانی ماهر به حساب می‌آمد. از آثار وی کتاب «شیعه در اسلام» است، در مبحث امامت، به فارسی، در دو جلد به چاپ رسیده. از دیگر آثارش: کتاب «الرضا من آل محمد فی حیاه الامام الرضا (ع)» است که در ۱۳۷۷ ق از تالیف آن فارغ شده است؛ پاورقی بر ترجمه «شرح نهج‌البلاغه».[۱]

سید موسی بن العالم العلام حاج سید محمد نبی ابن العالم العامل حاج سید موسی آقا میری دزفولی از علماء ابرار تهران و برادر ارجمند مترجم فوق‌الذکر ما می‌باشند. در سال ۱۳۲۷ قمری در نجف اشرف تولد یافته و پس از فراغت از اولیات سطوح را در کربلا نزد آیت‌اللّٰه حاج شیخ یوسف بیارجمندی و آیت‌اللّٰه آقا شیخ محمد بایگی تربتی فراگرفته و به ایران مهاجرت و در تهران اقامت و بتألیف و تصنیف پرداخته تا بدرود حیات گفته و برادر گرامی و دوستان خود را برای همیشه داغدار نموده است.

آثار ارزنده وی از این قرار است ۱- شیعه در اسلام در دو بخش که بچاپ رسیده

۲- الرضا من آل‌محمد در شرح حالات حضرت امام رضا علیه‌السلام.

۳- پاورقی بر ترجمه شرح نهج‌البلاغه.

شرح احوال نیاکان این دو برادر در کتاب زندگانی شیخ انصاری و کتب تراجم و رجال دیگر مسطور و مذکور است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۷۲/۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۷۷ -۴۷۶ /۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۸/۶).

سپاس‌خواه، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: آبیاری، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی در رشته کشاورزی و دکترای مهندسی آبیاری.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۲، دانشیار دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۶ و ارتقاء به درجه استادی در سال ۱۳۶۳.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

افزایش راندمان آبیاری، کاربرد آب شور در تولیدات زراعی، ایجاد مقاومت به خشکی در جو، رژیمهای آبیاری یک در میان محصولات، آبیاری زیرزمینی، شستشوی اراضی، نیاز آبی مرکبات، سیستم جمع‌آوری آب باران، نیاز آبی ذرت، لوبیا و گندم، تعیین ضرایب هیدرولوژیک زهکشی زیرزمینی، تعیین ضرایب فرسایش‌زائی باران در ایران، تدریس دروس آبیاری، زهکشی، فیزیک آب خاک، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

زمینه علمی مقالات: ۴۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴۳

زمینه علمی مقالات:

آبیاری، زهکشی، افزایش راندمان کاربرد آب در آبیاری، کاربرد آب شور در تولیدات زراعی، هیدرولوژی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

سپاسی آشتیانی، کاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کاظم سپاسی آشتیانی

محل تولد : آشتیان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۲

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۶ وارد حوزه شدم و از همان زمان در کنار ارتقاء تحصیلی به تدریس سطوح پایین تر هم اهتمام ورزیدم به طوری که ادبیات را چند بار تدریس نمودم و لمعتین را در دروس استاد وجدانی (ره) و اصول فقه را دردرس استاد صالحی افغانی شرکت کردم و کفایتین را در درس آقای صالحی مازندرانی شرکت نمودم و مکاسب را با اساتیدی مثل عمانی، فیض بهرامی، طاهری خرم آبادی گذراندم و در درس خارج آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی و آیت الله العظمی وحید و مکارم شیرازی شرکت نمودم و اکنون هم به صورت تخصصی به تحقیقات فقهی و اصولی مشغول هستم و همزمان رسائل شیخ انصاری (ره) را تدریس می نمایم ؛ در فلسفه و عرفان به درس استاد حشمت پور حاضر شدم و شرح اشارات و شواهد الربوبیه و شرح حکمت الاشراق را استفاده

نمودم و بعضـی از بحث های اسفار را با آقای امیر دیوانی گذراندم. درسال ۱۳۷۸ وارد دانشگاه قم (تربیت مدرس) شدم و در سال ۱۳۸۰ از این دانشگاه با مدرک کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شدم ؛ از سال ۱۳۶۸ در دانشگاه آزاد اسلامی به تدریس درس های معارف، اخلاق، تعلیم و تربیت اسلامی، متون، تاریخ و کلیات فلسفه اشتغال دارم.

سپاهی اندجانی، خدادوست

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۹/۹۷۸ ق)، شـاعر. وی نـبیره‌ی خـواجه کلاـن بیـک از بزرگـان انـدجان و از شـاعران توانـای قرن دهـم هجری است. از او رباعیاتی چند به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۴۷)، الذریعه (۴۲۸/۹)، ریحانه (۴۳۷/۲)، صبح گلشن (۱۹۷)، فرهنگ سخنوران (۴۳۸)، هفت اقلیم (۴۴۳/۳).

سپاهی، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: نباتات، دانشکده: علوم، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی کشاورزی و کارشناسی ارشد باغبانی در سالهای ۱۳۴۳ و ۱۳۴۵ از دانشگاه آمریکائی بیروت، دکترای اصلاح نباتات در سال ۱۳۵۰ از دانشگاه مک‌گیل کانادا، طی یک دوره دو ساله Iandscape Architecture (طراحی فضای سبز) در دانشگاه پلی‌تکنیک کالیفرنیا.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق و پژوهش در زمینه کشـاورزی، اصـلاح نباتـات، عضویت در شورای عالی فضای سبز اصـفهان، عضویت در شورای پژوهش توسـعه و تکامل منطقه فولاد مبارکه، عضویت در فرهنگسـتان علوم جمهوری اسـلامی ایران، اسـتاد راهنمای ۹ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

کاربرد آمار در تحقیقات کشاورزی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

کشاورزی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

سپنتا، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۸ -۱۲۸۶/۱۲۸۲ ش)، نویسنده، فیلمساز، روزنامه‌نگار و شاعر. در تهران متولد شد، سالهای کودکی و نوجوانی را تحت نظارت دایی‌اش محمدحسـین شـیرازی که از فضـلا بـود، گذرانـد. تحصـیلات خـود را در مـدرسه‌های سن‌لویی، مـدرسه زرتشتیـان تهران، استیورت مموریان کالج اصفهان و کالج امریکایی تهران انجام داد او از شانزده سالگی مقاله‌نویسی را شروع کرد. در سال ۱۳۰۶ ش از راه بوشـهر به هند سـفر کرد و چند سالی با دین شاه دانشمند پارسی حشر و نشر داشت و به تالیف و ترجمه پرداخت. او در همین سال نخستین روزنامه‌اش را با نام «دورنمای ایران» در بمبئی منتشر کرد که بعد از مدت کوتاهی تعطیل شد. بار دیگر روزنامه‌ای در

بمبئی تحت عنوان «جنگل» منتشر کرد که چاپ آن هم بیش از دو شماره نکشید «پیام راستی» آخرین روزنامه‌ای است که در هند منتشر کرد. سپس از هند به عراق رفت و به ایران بازگشت و در اصفهان مقیم شد و در سال ۱۳۲۲ ش هفته‌نامه‌ی «سپنتا» را در آن شهر انتشار داد که نشر آن تا سال ۱۳۳۵ ادامه داشت. سپنتا به هنگام اقامت در هند کتابهایی راجع به تاریخ و ادبیات ایران تالیف کرد که در آنجا چاپ شده است و علاوه بر آن، چندین فیلم با ناطق فارسی تهیه کرد از جمله: «دختر لر»، «چشمهای سیاه»، «شیرین و فرهاد»، «فردوسی»، «لیلی و مجنون». او زبانهای پهلوی قدیم و انگلیسی را به خوبی می‌دانست. سرانجام در اصفهان بدرود حیات گفت و در همان شهر به خاک سپرده شد. از جمله تالیفات او است: «پرتوی از فلسفه‌ی ایران باستان»؛ «زرتشت که بود و چه کرد؟»؛ «پیام راستی»؛ «اخلاق ایرانیان باستان»؛ «منتخباتی از اشعار دهقان سامانی»؛ «نوآموز مزدیسنا»؛ «اشک سپنتا» و «اسرار جنگل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۳۰۲ -۳۰۰ /۲)، تاریخ سینمای ایران (۸۳ -۶۳)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۳۷ -۲۳۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۶ -۵۲ /۳)، الذریعه (۴۲۹/۹)، شرح حال رجال (۱۳۸/۶)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۹ -۲۱ /۴)، سخنوران نامی معاصر (۱۷۳۵ -۱۷۳۲ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۳۵ -۷۳۴ /۳).

سپه وند، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

۲۸ سال پیش آخرین پسر خانواده سپه وند به دنیا آمد. ششمین پسر هم کم کم قد کشید و بزرگ شد. او هم مثل بقیه پسران و دختران ورزش را فراموش نکرد. اول هم از فوتبال شروع کرد و بعد هم دو و میدانی اما هیچکدام از این دو رشته او را مجذوب خود نکرد. حتی کوهنوردی، تیراندازی و جودو هم که به بقیه برادرانش اهل آن بودند. برای او اما بوکس چیز دیگری بود. مثل رحیم. هر وقت که رینگ بوکس را می دید چشمانش برق می زد. به همین خاطر دیگر نتوانست و شروع کرد. ۱۲ ساله بود در بوکس زیر نظر مرحوم ایرج ملک حسین پور استارت زد.

البته با برادرش نیز کار می کرد. تا اینکه به اینجا رسید اما سپه وند قبل از اینکه عضو خانواده ورزش باشد. در یک خانواده نوازنده به دنیا آمده است. خانواده ای که همه فرزندانش در آن ساز می زنند. صدای کمانچه، عود، سنتور، دف، تنبک، تار و تنبور گوش هر اهل دلی را نوازش می دهد. البته از بین همه برادرانش تنها یک نفر اهل ورزش نیست. با این حال مادر مخالف سرسخت ورزش مورد علاقه اش است. خودش می گوید: تنها کسی که مخالف ورزش حرفه ای ما است مادرم است. به خاطر اینکه همیشه نگران مصدومیت ما است. نگاه ویژه

سپهوند، بوکسوری امیدوار

مرتضی سپه وند بوکسور وزن ۶۴ کیلوی ایران بعد از دو دوره حسرت خوردن، بالاخره خودش المپیکی شد. او که در المپیک های ۲۰۰۰ سیدنی و ۲۰۰۴ آتن حریف تمرینی المپیکی ها بود در سومین حضورش در اردوی المپیکی ها، یکی از سه ورزشکار ایرانی است که باید در پکن روی رینگ برود. سپه وند که خیلی ها پکن را اولین و آخرین المپیک او می دانند آن هم به خاطر شرایط زندگی و سنی اش، از حالا یکی از سه مدال را برای او کنار گذاشته اند چرا که معتقدند این شرایط انگیزه او را بالا برده تا حدی که مدال المپیک او دور از دسترس نیست. از طرفی رییس فدراسیون معتقد است او با مدالی که می گیرد شرایط زندگی اش هم تغییر می کند. احدی مربی اختصاصی اش اطمینان دارد جسارت، خونسردی و سرعت اش در المپیک به او کمک می کند تا مقابل حریفانش کم نیاورد اگرچه بوکسور ۶۴ کیلویی ایران تا به حال مدال جهانی ندارد اما وقتی جسارت وخونسردی به تکنیک های او اضافه می شود آن وقت با بوکسورهای مطرح دنیا برابری می کند. اگر لطف خدا شامل حال او شود و چاشنی شانس و قرعه نیز به آن اضافه شود آن وقت شاید بوکس ایران نیز بی نصیب از مدال نماند.

۴ سال پیش وقتی به المپیک نرفت همان موقع با خودش عهد کرد تا در المپیک بعدی باشد. در المپیک ۲۰۰۸ پکن. او می خواست حداقل یک بار مبارزه روی رینگ المپیک را تجربه کند و کرد. به همین خاطر همه تمریناتش را برای گرفتن سهمیه متمرکز کرد. برای مرتضی سپهوند بوکسور وزن ۶۴ کیلوگرم شیکاگو شهر آرزوها بود. او که برای اولین بار همراه تیم ملی پا به مسابقه های جهانی می گذاشت در رقابت با حریفان هموزنش کار را یکسره کرد با سهمیه ای که گرفت. در وزن او ۶۴ بوکسور در این رقابت ها حاضر شده بودند. او نفر پنجم شد. در حالی که ۸ نفر اول المپیکی می شدند. سپهوند در بازی اول با بوکسور مقدونیه روبه رو شد و برد تا در مسابقه دوم مقابل حریف اوکراینی اش قرار بگیرد اما او نیز مقابلش تاب نیاورد و باخت تا در شب سوم مسابقه با بوکسور رومانیایی مبارزه کند. حریف رومانیایی نیز به مرتضی باخت اما چهارمین حریف سپهوند، بوکسور قزاقستانی بود همان قهرمان جهان، مرتضی به او باخت اما سهمیه را هم گرفت. اولین سهمیه بوکس ایران برای المپیک پکن.

سپهبدی، عیسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۶ ش)، نویسنده و استاد دانشگاه. در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران و عراق به پایان برد در سال ۱۳۰۸ ش با دوره‌ی دوم محصلان اعزامی، به اروپا رفت و موفق به اخذ دیپلم در رشته‌ی فلسفه و ادبیات فرانسه و علوم تربیتی شد و

از دانشکده‌ی حقوق و ادبیات سوربن لیسانس گرفت و به دریافت شهادتنامه‌ی عالی روانشناسی و جمال‌شناسی نایل شد. در سال ۱۳۱۵ ش به ایران مراجعت کرد و در دانشکده‌ی حقوق و ادبیات به تدریس زبان و ادبیات فرانسه مشغول شد. از آثار وی: «تاریخ ادبیات فرانسه»؛ «خودآموز جدید آلمانی بدون معلم»، به مشارکت دکتر نصراللّه حریریان؛ «سه تراژدی کلاسیک».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۶۵۰ -۶۴۹ /۴).

سپهر کاشانی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۷ -۱۲۰۷ ق)، ادیب، دانشمند، مورخ و شاعر، متخلص به سپهر. ملقب به لسان‌الملک و مشهور به لسان سپهر. محمد در کاشان متولد شد و پس از تحصیل علوم قدیمی، عروض و قافیه را آموخت. در بیست سالگی به خواهش ملک‌الشعراء-فتحعلی خان صبا- به تهران آمد و به تشویق او به تالیف کتابی در علم قافیه پرداخت، اما این کتاب با فوت صبا ناتمام ماند و میرزا محمدتقی به کاشان برگشت. در آنجا محمود میرزا پسر فتحعلی‌شاه حکمران کاشان او را به ندیمی خود برگزید و به او تخلص سپهر داد. سپس از طرف فتحعلی‌شاه به تهران احضار گردید و به سلک اعضای دیوان درآمد. سپهر در عهد محمدشاه مداح خاص شاه و منشی و مستوفی دیوان شد و به نوشتن کتاب «ناسخ التواریخ» ماموریت یافت. این کتاب تاریخ عمومی است که تا سال ۱۲۷۳ قمری امتداد یافته است. سپهر علاوه بر تاریخ و ادبیات در بسیاری علوم از جمله ریاضیات، حکمت و فلسفه و جفر و علوم دیگر حظی وافر داشت. وی در تهران درگذشت و پیکرش به نجف اشرف منتقل شد. از دیگر آثار و تالیفات وی: «آینه‌ی جهان‌نما»؛ «اسرارالانوار» فی مناقب الائمه‌ی اطهار (ع)؛ «براهین العجم فی قوانین المعجم»؛ «جنگ فی التواریخ» و «دیوان» اشعار.[۱]

(بخش ۱) (میرزا) محمدتقی بن (ملا) محمدعلی کاشانی ملقب به لسان‌الملک و متخلص به سپهر، نویسنده و مورخ عهد قاجاری (ف. ۱۲۹۷ ه.ق.). وی پس از تحصیل مقدمات علوم قدیم به شعر و عروض و قافیه پرداخت، و در جوانی از کاشان به تهران آمد و به خدمت صبا ملک‌الشعرای فتحعلی شاه رسید، و به تشویق او به تألیف کتابی در علم قافیه مشغول شد، ولی این امر با فوت صبا (۱۲۳۸ ه.ق.) ناتمام ماند و میرزا تقی به کاشان برگشت. و به خدمت محمود میرزا پسر فتحعلی شاه حکمران کاشان رسید و تخلص سپهر را از او گرفت. در عهد محمد شاه مداح خاص شاه و منشی و مستوفی دیوان شد، و به نوشتن کتاب «ناسخ التواریخ» (که دوره تاریخ جهان از زمان آدم تا عهد مؤلف است) پرداخت. کتاب قافیه او به نام «براهین العجم» مشهور است. سن وی به هنگام مرگ از ۸۰ سال متجاوز بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] حدیقه الشعراء (۷۴۷ -۷۴۶ /۱)، دایرةالمعارف فارسی (۱۲۶۲/۱)، الذریعه (۸ -۶ /۲۴، ۴۳۰ -۴۲۹ /۹، ۱۶۶ - ۱۶۵ /۵، ۸۱/۳، ۴۲/۲، ۵۱/۱)، ریحانه (۱۳۲ -۱۲۹ /۵)، سفینه المحمود (۳۶۰ -۳۴۱ /۱)، شرح حال رجال (۳۲۱ -۳۱۹ /۳)، فرهنگ سخنوران (۴۳۹ -۴۳۸)، لغت نامه (ذیل/ سپهر کاشانی)، المآثر و الآثار (۱۸۸ -۱۸۷)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۳ -۲۴۹ /۲)، مجمع الفصحا (۴۰۰ -۳۵۰ /۴)، مصطبه‌ی خراب (۸۴ -۸۲)، نگارستان دارا (۸۸ -۸۷)، یادداشتهای قزوینی (۱۹۰/۸)، یادگار (س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۹۶).

سپهر، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی سپهر

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

این سطور مختصری از دوران زندگی به اصطلاح علمی من — محمد علی سپهر همدانی- است و در شهر همدان در سال ۱۳۲۳ هجری شمسی متولّد شدم و در سال ۱۳۲۹ شمسی به دبستان رفته و تا سال ۱۳۴۰ به تحصیلات ابتدائی و متوسّطه به سبک قدیم در رشته ریاضی اشتغال داشته و در ضمن از سال ۱۳۳۷ ش همراه دروس کلاسیک به تحصیل علوم اسلامی مشغول شده از مقدمات ادبیات شروع کرده و تا سیوطی (شرح بر الفیه نحو)، در حوزه علمیه همدان اشتغال داشتم و بالاخره سال بسیار خوبی در زمان ریاست مرحوم آیت الله العظمی بروجردی قدس سره برای ما بود و شبهای پنجشنبه از درس اعتقادات حضرت آیت الله مکارم شیرازی که در آن زمان در مدرسه حجتیه برگزار می شد استفاده کرده و شبهای جمعه و روزهای جمعه در مجلس اخلاقی مرحوم حجةُ الاسلام والمسلمین حاج سید حسین فاطمی که از بهترین و شاگردان حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی بود و همچنین مجلس شاگرد دیگر ایشان در مسائل اخلاقی دینی مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس تهرانی مستصرفن می شدم و بالاخره تا تتمیم دروس

متوسطه در سال ۱۳۴۱ شمسی دیپلم ریاضی قدیم را گرفته و سپس به طور مداوم وارد دروس حوزه علمیّه قم شدم و همانطور که در حوزه مرسوم بود کسی نمی پرسید از کجا آمده ای و به کجا میروی تاکنون به طور آزاد دروس ادبیّات مختصر المعانی را نزد دکتر سیّد ابراهیم میر باقری و حجهٔ الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ محسن دوزدوزانی و معن البسیت را در محضر حجهٔ الاسلام و المسلمین شیخ محمد رضا آدینه وند خرم آبادی معروف به نحوی و محضر مرحوم آیت الله حاج شیخ حسن گلستانی تهرانی برجسته و معالم را (من ادله الی آخره) در محضر آیت الله حاج آقا رضا استادی تهرانی خواندم و در سال ۱۳۴۲ منطق شمسیه را بدون استاد مباحثه نموده و در سال ۱۳۴۳ شرح لمعتین را خدمت اساتید عالیقدر حضرات آیات جناب آقای حاج شیخ غلامرضا صلواتی ،آقای شیخ محمد علی گرامی قمی و مرحوم آقای حاج سیّد محمّد علم الهدی خراسانی و آقای حاج شیخ محمّد عمانی همدانی و آقای حاج شیخ علی ثابتی همدانی خواندم و در تابستان همان سال خدمت حضرت آیت الله شهید مدنی آذر شهری اولین شهید محراب قدس الله نفسه الزکیه ارث شرح لعمه را خوانده بودم و بتدریج د ر سالهای بعد درس قوانین حضرت آیت الله شیخ مصطفی اعتمادی تا نواحی حاضر شدم بحشی از درس منظومه را نزد آیت الله مؤمن قمی و آیت الله شیخ محمد علی گرامی خوانده و ابتدا درس رسائل را خدمت آیت الله آقای اعتمادی سابق الذکر حضور پیدا کردم. درس توحید صدوق را در خدمت آیت الله جوادی حدود سالهای ۵۳ و ۵۲ حاضر شدم و پانزده روز یکبار در جلسهای در منزل که برای سؤالات بود در خدمت آیت الله علّامه بزرگوار طباطبائی قدس سره تفسیر بزرگ حاضر می شدم و استفاده ها می بردم و در محضر آیت الله العظمی شیخ محمد تقی بهجت استفاده اخلاقی و درک فیض حضور نمودم اما درس خارج در حدود سال ۱۳۴۹ رسماً در دروس خارج حوزه با دلهی زاید الوصف حضور پیدا کردم ولی متأسفانه استا به زندان و تبعید میرفت یا محروم میشد حدود سه سال فقه و اصول درس خارج خمس در فقه و خارج اصول تا اجتماع امر ونهی در خدمت استاد آقای آیت الله العظمی وحید خراسانی خارج اصول از بر است تا آخر معتال و تراصیح را در خدمت ایشان حاضر شدیم و در محضر آیت الله العضمی گلپایگانی قدس سره خارج فقه حج را بخشی حاضر شدم و درس خارج فقه مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ مرتضی حائری قدس سره با عشق تمام به صفای ایشان حضور پیدا کرده و بخش عظیمی ضلل کتاب صلاهٔ مسافر را در محضر ایشان استفاده بردم و بخشی از خیارات و مکاسب را در سالهای بعد از انقلاب مستفیض شدم و قسمت عظیمی از خارج اصول حضور یافتم و از محضر درس مرحوم آیت الله العظمی شریعتمداری دو سال خارج طهارت را حاضر شدم البته قبل از انقلاب سال ۱۳۵۴ و قبل از حادثه نوزده دی ۵۶ درس اصول آیت الله شبیری زنجانی یک سال و پی از انقلاب از درس مرحوم آیت الله گلپایگانی و مرحوم آیت الله العظمی فقید سعید حاج میرزا جواد آقا تبریزی قدس سره متضاد شهادات بخشی از درس خارج اصول دورهٔ دوم بخشی از خیارات ، مکاسب و طهارت عروهٔ را اسفتاده بردم و ازدرس اصول مرحوم آیت الله فانی اصفهانی نیز بهره گرفتم از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۵ از خدمت آیت الله العظمی تبریزی استفاده ها بردم و در جلسهٔ استفتاء ات ایشان به خواستهٔ خود ایشان حضور یافته و در نگارش جواب سؤالات در زمان مرجعیت ایشان خدمت می نمودم و استفاده های فراوان از درس خصوصی فقه بهمراه فضلاء و سن در محضر ایشان داشتم(درس خصوصی برای فضلات گردانشان در منزل داشتند که به دعوت ایشان حاضر شدم) تفهره الله برحمته و اسکنه بجبوحهٔ جنانه. رد سال ۱۳۶۱ به خواستهٔ گارگزان قضا و فریاد استغاثهٔ هل من معین شورای عالی قضائی آن روز اجابت گفته مدتی در قضاوت و زمانی دوجوابگوئی استفتاء است قضات و بخشی در حوزه معاونت شوار به نظارت کار قضات تا سال ۱۳۶۴ اشتغال داشته و سپس به حوزهٔ علمیهٔ بازگشتم و بتدریج همانطور که سابقاً سطوح را تدریس میکردم با جدیت بیشتر به تدریس شرح لمعه، رسائل و مکاسب تا حدود و بیست سال پرداختم سال ۱۳۸۴ درس خارج فقه را شروع کردم. ناگفته نماند که از سال ۱۳۷۲ در مرکز تحقیقات کامپوتری علوم اسلامی در قسمت فقه و اصول به اصطلاح مرکز به تحقیق پرادختم و تا کنون ادامه دارد در دفتر حوزه دانشگاه جزوات علمی بهرماهی بعضی از فضلاء نگاشتم و در همان سالهای حدود ۱۳۷۲ ؟؟؟؟؟ که نمیدانم سرنوشت جزوات پژوهشی ما دوستانمان چه شد و الحمد لله رب العالمین ۲۵/۱۰/۸۵.

سپهری بخارایی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، شاعر. از افاضل شعرای زمان سامانی و دیالمه بود و با ابوالموید بلخی و ابوالمثل بخارایی معاشرت داشت. وی زمان رودکی را دریافته بود. از اوست:

شاخه‌های مورد بر رفته ببین و برگهایش

بر شکسته حلقه اندر جعد چون زلفین یار

بوستان افروز تابان در میان بوستان

همچو خون‌آلوده در هیجا سنان شهریار

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۲۹/۹)، شاعران بی‌دیوان (۲۱ -۲۰)، فرهنگ سخنوران (۴۳۹)، لباب الالباب (۲۸ -۲۷/۲)، لغت نامه (ذیل/ سپهری بخارایی)، مجمع الفصحا (۶۹۶/۲).

سپهری زواره‌ای

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۹ ق)، شاعر. اصل وی از زواره اردستان و برادر خواجه امین‌الدین معروف به خواجه امینا ملقب به خواجه جهان، وزیر جلال‌الدین محمداکبر شاه بود. میرزا بیک در اصفهان به سر می‌برد و در نجوم و ریاضیات دست داشت و غزل را خوب می‌سرود و از آثار وی: «دیوان» اشعار در ده هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۴۶/۳)، تاریخ نظم و نثر (۵۲۳)، تذکره‌ی روز روشن (۳۵۰ -۳۴۹)، الذریعه (۴۳۰/۹)، ریحانه (۴۳۷/۲)، فرهنگ سخنوران (۴۳۹)، لغت نامه (ذیل/ سپهری).

سپهری کرمانی، سهراب

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۷ ش)، شاعر. در کرمان متولد شد پس از اتمام دوره‌ی مقدماتی برای ادامه‌ی تحصیل به تهران آمد و دوره‌ی متوسطه را در دارالفنون به پایان رساند و از دانشکده‌ی زبان به اخذ لیسانس نایل آمد. در سال ۱۳۲۱ ش به سمت دبیری وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و در دبیرستان علمیه به تدریس زبان انگلیسی اشتغال داشت. از آثار وی: «در کنار چمن»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره شاعران کرمان (۲۸۲)، الذریعه (۴۳۰/۹)، مؤلفین کتب چاپی (۳۷۲ -۳۷۱ /۳).

سپهری، حمیده

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۵ ق)، شاعر، خطاط و نقاش. در خانواده‌ای درباری و روشنفکر تربیت شد. او همسر ملک‌المورخین، پسر ارشد محمدتقی لسان‌الملک سپهر، نویسنده‌ی «مرآت الوقایع مظفری» و «ناسخ التواریخ» بود. از روزگار کوکی هوش و حافظه‌ی نیرومندی داشته و تاریخ، ادبیات، خط و نقاشی را نزد همسر خود فراگرفت. وی همدوره‌ی پروین اعتصامی بود و در سرودن شعر طبع موزونی داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اندیشه‌نگاران زن در شعر مشروطه (۱۰۰ -۹۹)، زنان سخنور (۱۳۵ -۱۳۱ /۳)، مجموعه‌ی گلها (۳۸۰ -۳۷۸ /۱).

سپهری، سهراب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، نقاش.

تولد: ۱۵ مهر ۱۳۰۷، کاشان.

درگذشت: ۳ اردیبهشت ۱۳۵۹، تهران.

سهراب سپهری پس از طی تحصیلات شش ساله‌ی ابتدایی در دبستان خیام کاشان (۱۳۱۹) و متوسطه در دبیرستان پهلوی کاشان (خرداد ۱۳۲۲) و به پایان رساندن دوره‌ی دو ساله‌ی دانشسرای مقدماتی پسران (خرداد ۱۳۴۴)، در آذر ۱۳۲۵ به استخدام اداره‌ی فرهنگ کاشان درآمد. در شهریور ۱۳۲۷ در امتحانات ششم ادبی شرکت نمود و دیپلم دوره‌ی دبیرستان خود را دریافت نمود. سپس به تهران آمد و در دانشکده‌ی هنرهای زیبای تهران به تحصیل پرداخت و همزمان به استخدام شرکت نفت در تهران درآمد که پس از هشت ماه کار استعفا داد. سپهری در سال ۱۳۳۰ نخستین مجموعه شعر نیمایی خود را به نام مرگ رنگ انتشار داد در سال ۱۳۳۲ از دانشکده‌ی هنرهای زیبا فارغ‌التحصیل شد و به دریافت نشان درجه‌ی اول علمی نیز نایل آمد. در همین سال در چند نمایشگاه نقاشی در تهران شرکت نمود و نیز دومین مجموعه اشعار خود را با عنون زندگی خواب‌ها منتشر کرد. آنگاه به تأسیس کارگاه نقاشی همت گماشت. در آذر ۱۳۳۳ در اداره‌ی کل هنرهای زیبا (فرهنگ و هنر) در قسمت موزه‌ها شروع به کار کرد و در ضمن در هنرستان‌های هنرهای زیبا نیز به تدریس می‌پرداخت. در مهر ۱۳۳۴ ترجمه اشعاری ژاپنی از وی در مجله‌ی «سخن» به چاپ رسید. در مرداد ۱۳۳۶ از راه زمینی به کشورهای اروپایی سفر کرد و به پاریس و لندن رفت. ضمنا در مدرسه‌ی هنرهای زیبای پاریس در رشته‌ی لیتوگرافی نام‌نویسی نمود. وی همچنین کارهای هنری خود را به معرض نمایش گذاشت. حضور در نمایشگاه‌های نقاشی همچنان تا پایان عمر وی ادامه داشت. وی سفرهای دیگری به کشورهای جهان نمود. از آن جمله است سفر به ایتالیا (وی از پاریس به ایتالیا می‌رود)، سفر به ژاپن (توکیو در مرداد ۱۳۳۹) برای آموختن فنون حکاکی روی چوب که موفق به بازدید از شهرها و مراکز هنری ژاپن نیز می‌شود، سفر به هندوستان (۱۳۴۰)، سفر مجدد به هندوستان (۱۳۴۲، بازدید از بمبئی، بنارس، دهلی، اگره، غارهای آجانتا، کشمیر)، سفر به پاکستان (۱۳۴۲، تماشای لاهور و پیشاور)، سفر به افغانستان (۱۳۴۲، اقامت در

کابل)، سفر به اروپا (۱۳۴۴، مونیخ و لندن)، سفر به اروپا (۱۳۴۵، فرانسه، اسپانیا، هلند، ایتالیا، اتریش)، سفر به آمریکا و اقامت در لانگ آیلند (۱۳۴۹ و شرکت در یک نمایشگاه گروهی و سپس سفر به نیویورک)، سفر به پاریس و اقامت در «کوی بین‌المللی هنرها» (۱۳۵۲)، سفر به یونان و مصر (۱۳۵۳).

سهراب سپهری مدتی در اداره‌ی کل اطلاعات وزارت کشاورزی با سمت سرپرست سازمان سمعی و بصری در سال ۱۳۳۷ مشغول به کار شد. از مهر ۱۳۴۰ نیز شروع به تدریس هنرکده‌ی هنرهای تزیینی تهران نمود. در اسفند همین سال بود که از کلیه‌ی مشاغل دولتی به کلی کناره‌گیری کرد.

از جمله نمایشگاه‌های نقاشی که یا سهراب سپهری در آنجا حضور داشت، یا نمایشگاه انفرادی وی بودند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اولین دوسالانه تهران (فروردین ۱۳۳۷)، دوسالانه‌ی ونیز (خرداد ۱۳۳۷)، دوسالانه‌ی دوم تهران (فروردین ۱۳۳۹، برنده‌ی جایزه‌ی اول هنرهای زیبا)، نمایشگاه انفرادی در تالار عباسی تهران (اردیبهشت ۱۳۴۰)، نمایشگاه انفرادی در تالار فرهنگ تهران (خرداد ۱۳۴۱، دی ۱۳۴۱)، نمایشگاه گروهی در گالری گیل گمش (تهران، ۱۳۴۲)، نمایشگاه انفرادی در استودیو فیلم گلستان (تهران، تیر ۱۳۴۲)، دو سالانه‌ی سان پاولو (برزیل، ۱۳۴۲)، نمایشگاه گروهی هنر معاصر ایران (موزه‌ی بندر لوهاور، فرانسه، ۱۳۴۲)، نمایشگاه گروهی گالری نیالا (تهران، ۱۳۴۲)، نمایشگاه انفرادی در گالری صبا (تهران، ۱۳۴۲)، نمایشگاه گروهی در گالری بورگز (تهران، ۱۳۴۴)، نمایشگاه انفرادی در گالری بورگز (تهران، ۱۳۴۴)، نمایشگاه انفرادی در گالری سیحون (تهران، بهمن ۱۳۴۶)، نمایشگاه گروهی در گالری مس تهران (۱۳۴۷)، نمایشگاه جشنواره روایان (فرانسه، ۱۳۴۷)، نمایشگاه هنر معاصر ایران در باغ مؤسسه‌ی گوته (تهران، خرداد ۱۳۴۷)، نمایشگاه دانشگاه شیراز (شهریور ۱۳۴۷)، جشنواره بین‌المللی نقاشی در فرانسه (وی در این جشنواره به اخذ امتیاز مخصوص نایل آمد، ۱۳۴۸)، نمایشگاه گروهی در بریج همپتن آمریکا (۱۳۴۹)، نمایشگاه انفرادی در گالری بنسن نیویورک (۱۳۵۰)، نمایشگاه انفرادی در گالری لیتو (تهران، ۱۳۵۰)، نمایشگاه انفرادی در گالری سیروس (پاریس، ۱۳۵۱، این نمایشگاه در همین سال به گالری سیحون تهران انتقال یافت)، اولین نمایشگاه هنری بین‌المللی تهران (دی ۱۳۵۳)، نمایشگاه انفرادی در گالری سیحون (۱۳۵۴)، نمایشگاه هنر معاصر ایران در «بازار هنر» (بال، سوییس، خرداد ۱۳۵۵)، نمایشگاه انفرادی در گالری سیحون (۱۳۵۷).

سهراب در آغاز کار شاعری زیر تأثیر شعرهای نیما بود و این تأثیر در مرگ رنگ به خوبی مشهور است و در آثار بعدی او کم‌کم کارش شکل می‌گیرد و شعرش با دیگر شاعران هم دوره‌ی خویش ممتاز می‌گردد. از جمله مجموعه شعرهای دیگر سهراب سپهری می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: آواز آفتاب (۱۳۴۰)؛ شرق اندوه (۱۳۴۰)؛ حجم سبز (۱۳۴۶)؛ هشت کتاب(۱۳۵۶). برخی از اشعار وی در سال‌های ۱۳۴۴ و ۱۳۴۵ در فصلنامه‌ی «آرش» به چاپ رسید.

سهراب سپهری در اردیبهشت سال ۱۳۵۸ در بیمارستان پارس تهران به سبب سرطان درگذشت. طبق وصیت خودش، پیکر وی در صحن شرقی امامزاده علی‌محمد باقر (ع) در قریه مشهد اردهال در کاشان (این صحن معروف به صحن سردار است) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

سپهری، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۰۹، همدان.

درگذشت: ۱۳۶۵، همدان.

علی‌اکبر سپهری متخلص به «فرخ»، فرزند محمدباقر، در محله کوغزالان همدان چشم به جهان گشود و خواندن و نوشتن را نزد پدرش و در مکتب آموخت. از آن پس به شغل کفاشی اشتغال ورزید. در اواخر عمر از این شغل بیرون آمد و به کار زرگری پرداخت.

سپهری شاعری درویس مسلک بود و در میان انواع شعر غزل را برگزید. وی بیشتر از سی هزار بیت شعر سروده است.

سپهری در سال ۱۳۵۶ درگذشت و در گورستان عمومی همدان (باغ بهشت) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ستار تبریزی، محمدصالح

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۳۸ ق)، شاعر، متخلص به ستار/ سیار. در عهد شاهجهان به هند رفت و مدتی در بنگاله زیست و در هندوستان به خدمت اعتقادخان برادر آصف‌خان رسید. از اوست:

شادم ز دلشکستگی خود که آینه

چون بشکند زیاده شود جلوه‌گاه حسن

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۰۹ -۳۰۸)، دانشمندان آذربایجان (۱۷۹ -۱۷۸). سخنوران آذربایجان (۴۱۰)، فرهنگ سخنوران (۴۳۹)، کاروان هند (۵۳۵ -۵۳۴ /۱)، کلمات الشعراء (۷۹).

ستاران، ابولیث محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط. معروف به ابولیث ستاران. از خوشنویسان گمنام است. از آثار وی نسخه‌ای است از «فعلت فلاتلم فی الهئیه» در کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی، به قلم کتابت خوش که چندین رقم دارد: «خدم بکتابه... محمد بن عبداللّه، المدعو بابی اللیث الستاران... سنه ست عشرین و ثمانمائه هجریه...». این نسخه‌ی نفیس که مورد مطالعه‌ی الغ بیک گورکانی بوده و به خط وی عباراتی در پشت صفحه‌ی اول است، یکی از بهترین نمونه‌های آغاز تکامل خط نستعلیق و تغییر شکل آن از قلم تعلیق به نستعلیق است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۸۶ -۷۸۵ /۳).

ستوده نیا، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا ستوده نیا

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ موفق به اخذ دیپلم گردید. از یک سال قبل از انقلاب در حوزه علمیه صدر بازار و همزمان با دبیرستان شروع به تحصیلات حوزوی نمود. پس از دیپلم به طور جدی به دروس حوزوی پرداخته و تا سال ۱۳۷۱ عمده دروس حوزوی شامل ادبیات عرب، فقه واصول، منطق و فلسفه را به پایان رسانید. در این دوران علاوه بر تحصیل به تدریس دروس حوزوی نیز پرداخت.شایان ذکر است که در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ در دوران دفاع مقدس با وجود امکان استفاده از معافیت تحصیلی حوزه علمیه، به طور داوطلب به خدمت سربازی اعزام گردید. با عنایت به سیاست نزدیکی و وحدت حوزه و دانشگاه، در سال ۱۳۷۱ در رشته زبان و ادبیات فارسی مشغول به تحصیل آکادمیک شد. بدون هیچ وقفه در سال ۱۳۷۵ موفق به ورود در دوره کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث شد و پایان‌نامه را با عنوان «بررسی تطبیقی میان علم تجوید و آواشناسی» با نمره ۲۰ دفاع نمود.این پایان‌نامه در زمره پایان‌نامه‌های برگزیده در سال ۱۳۷۸ به وسیله وزارت ارشاد به چاپ رسید. بلافاصله در همان سال در دوره دکتری پذیرفته و در سال ۱۳۸۱ پایان‌نامه دکتری را با عنوان «تاثیر قرائات بر تفسیر» دفاع نمود.

ستوده، سیاوش

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیاوش ستوده متولد ۱۳۲۳ هـ.ش دارای دکترای رشته باغبانی و عضو هیئت علمی دانشگاه روانشتاین با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات و آثاری پیرامون سازگاری میوه های نواحی نیمه مرطوب با اقلیم برّی می باشد.گروه : کشاورزیرشته : باغبانیتحصیلات رسمی و حرفه ای : سیاوش ستوده دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه تهران ود کتر رشته باغبانی از دانشگاه روانشتاین می باشد.خاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته باغبانی و اخذ مدرک دکترای آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی سیاوش ستوده بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : سیاوش ستوده در کنار تحصیل به مطالعه، پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : سیاوش ستوده پس از اخذ مدرک دکتری در رشته باغبانی به عضویت هیئت علمی گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه روانشتاین در آمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در انجا مشغول به انجام خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیاوش ستوده عضو هیئت علمی و دانشیار گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه روانشتاین است.فعالیتهای آموزشی : سیاوش ستوده سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه باغبانی در دانشگاه روانشتاین به تدریس

دروس تخصص رشته باغبانی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیاوش ستوده در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی علاقه خود مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : سیاوش ستوده از جمله دانشمندان علم باغبانی است که پژوشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره سازگار سازی میوه های نواحی نیمه مرطوب با اقلیم برّی انجام داده است.

آثار : سازگار سازی میوه های نواحی نیمه مرطوب با اقلیم بری

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

ستوده، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۴۰ ق)، مدرس و عالم. وی در اراک متولد شد و پس از خواندن مقدمات و سطوح، در اراک، به قم مهاجرت کرد و سطوح عالی را از مدرسین قم فراگرفت و در درس آیت‌اللّه بروجردی شرکت کرده و هم از محضر آیت‌اللّه گلپایگانی و آیت‌اللّه خوانساری در مباحث فقهی و کلامی استفاده نمود و به تدریس سطوح نهایی پرداخت. سپس در مسجد رضائی قم اقامه جماعت می‌نمود و به خدمات دینی می‌پرداخت. از آثار وی: «تقریرات» درس آیت‌اللّه بروجردی؛ «تقریرات» بحث آیت‌اللّه محقق داماد؛ تنظیم و ترتیب قسمتی از «جامع الاحادیث» آیت‌اللّه بروجردی.[۱]

آقای حاج شیخ محمدتقی بن العلم العلام و الحجه‌الاسلام آقای قاضی رحمت‌الله عراقی (که دارای مکارم اخلاق و فضائل انسانی بوده‌اند).

از فضلاء بنام و علماء عظام و مدرسین کرام حوزه علمیه قم که به فضل و تقوا موصوف و به علم و کمال معروف می‌باشند، ولادتش در سال ۱۳۴۰ قمری در اراک واقع شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح اولی در اراک در سال ۱۳۲۶ شمسی مهاجرت به قم کرده و سطوح عالی را از مدرسین بزرگوار قم فراگرفته و در درس تحلیلی آیت الله محقق یزدی و بالغ بر ۱۴ سال در درس آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت کرده و هم از محضر آیت‌الله العظمی گلپایگانی و آیت‌الله العظمی خونساری استفاده مباحث فقه و کلام نموده و به تدریس سطوح نهائی پرداخته و اکنون در مسجد رضائی قم اقامه جماعت نموده و به خدمات دینی و روحی اشتغال دارد.

آثار علمی ایشان از این قرار است:

۱- تقریرات درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی.

۲- تقریرات بحث مرحوم آیت‌الله محقق داماد.

۳- تنظیم و ترتیب قسمتی از جامع الاحادیث آیت‌الله العظمی بروجردی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۷۳/۲).

ستوده، منوچهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر منوچهر ستوده در سال ۱۲۹۲ خورشیدی در تهران دیده به جهان گشود.دورهٔ تحصیلات دبستان و دبیرستان را در زادگاه خود به پایان برد و در سال ۱۳۱۴ به دانشسرایعالی راه یافت و به دریافت درجهٔ لیسانس در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی نایل آمد.ایشان در دانشکده های الهیات و معارف اسلامی و ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به تدریس مشغول بودند تا اینکه به افتخار بازنشستگی نائل آمدند. کتاب"از آستارا تا استارباد " تالیف منوچهر ستوده ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : منوچهر ستوده دورهٔ تحصیلات دبستان و دبیرستان را در زادگاه خود به پایان برد و در سال ۱۳۱۴ به دانشسرایعالی راه یافت و به دریافت درجهٔ لیسانس در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی نایل آمد. وی در سال ۱۳۱۹ دورهٔ تحصیلی دانشکدهٔ افسری را نیز به اتمام رسانید و مفتخر به دریافت درجهٔ افسری گردید

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : منوچهر ستوده در سال ۱۳۲۰ به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و به تدریس پرداخت و آنگاه از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۵۰ در دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی به تدریس جغرافیای تاریخی اسلامی و از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ در دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به تدریس کتیبه‌های اسلامی و تاریخ خطوط اسلامی در رشتهٔ باستان‌شناسی پرداخت و در پایان این سال بازنشسته گردید.

جوائز و نشانها : کتاب"از آستارا تا استارباد " تالیف منوچهر ستوده ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره کتاب سال جمهوری

اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است.

چگونگی عرضه آثار : منوچهر ستوده صاحب آثار فراوانی در تألیف و تصنیف و تصحیح است ---

آثار :

۱ آثار و احیاء (متن فارسی دربارهٔ فن کشاورزی)

ویژگی اثر : تألیف رشیدالدین فضل‌الله همدانی – مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل شعبهٔ تهران با همکاری دانشگاه تهران ۱۳۶۸

۲ از آستارا تا استاراباد

ویژگی اثر : تألیف – دورهٔ هفت جلدی – اداره کل انتشارات و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۶۷ – ۱۳۴۹ –این کتاب در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است

۳ استوناوند دژ ۳۵۰۰ ساله

ویژگی اثر : با همکاری مهندس محمد مهریار – احمد کبیری – مؤسسه فرهنگی جهانگیری ۱۳۶۷

۴ تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس

ویژگی اثر : تألیف محمد ابراهیم کازرونی – مؤسسه فرهنگی جهانگیری ۱۳۶۷

۵ تاریخ خانی

ویژگی اثر : تألیف علی بن شمس‌الدین لاهیجی – بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۲

۶ تاریخ رویان

ویژگی اثر : تألیف مولانا اولیاء الله آملی – بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۸

۷ تاریخ گیلان

ویژگی اثر : تألیف ملا عبدالفتاح فومنی – بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۹

۸ تاریخ گیلان و دیلمستان

ویژگی اثر : تألیف سید ظهیرالدین مرعشی – مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۴۷

۹ تاریخ مازندران

ویژگی اثر : تألیف ملا شیخ علی گیلانی – بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۲

۱۰ راهنمای قطغن و بدخشان

ویژگی اثر : تألیف محمد نادرخان تهذیب کوشککی – مؤسسه فرهنگی جهانگیری ۱۳۶۷

۱۱ روزنامهٔ سفر گیلان دستخط ناصرالدین شاه قاجار

ویژگی اثر : مؤسسه فرهنگی جهانگیری ۱۳۶۷

۱۲ صیدنه

ویژگی اثر : تألیف ابوریحان بیرونی – ترجمهٔ ابوبکر بن علی بن کاشانی – شرکت افست ۱۳۵۸

۱۳ فرهنگ نایینی

ویژگی اثر : گردآوری – مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۶۵

۱۴ قلاع اسماعیلیه در رشته کوههای البرز

ویژگی اثر : ۱۳۴۵ --

منابع :

۱www.ketabesal.ir

ستوده‌ی تهرانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۶ ش)، استاد دانشگاه و نویسنده. در تهران متولد شد. پس از پایان دوره‌ی ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۰۴ ش از مدرسه‌ی علوم سیاسی فارغ‌التحصیل و داخل وزارت دادگستری شد. در سال ۱۳۰۶ ش برای ادامه تحصیل به فرانسه عزیمت کرد و موفق به اخذ لیسانس و دکتری در اقتصاد و امور اداری شد. ضمن تحصیل در دانشکده‌ی حقوق پاریس موفق به دریافت دیپلم مدرسه‌ی علوم سیاسی در رشته‌ی مالی شد. در سال ۱۳۱۵ ش به ایران مراجعت و در دانشکده‌ی حقوق به تدریس آمار و حقوق اداری اشتغال یافت تا آنکه کرسی تدریس تاریخ دیپلماسی عمومی به وی واگذار گردید. از آثار وی: «تاریخ دیپلماسی عمومی»، در دو مجلد.[۱]

فرزند حاج علی‌اکبر بازرگان، در ۱۲۸۶ در تهران متولد شد. پس از اتمام دوره‌ی دبستان و دبیرستان وارد دانشکده‌ی حقوق تهران

شد و لیسانس گرفت. در ۱۳۰۷ در زمره دانشجویان اعزامی به اروپا قرار گرفت و به فرانسه عزیمت کرد و در پاریس دوره‌ی لیسانس و دکترا را گذرانید و به ایران بازگشت. در ۱۳۱۸ پروانه‌ی وکالت دادگستری گرفت و در همان سال به سمت دانشیاری آمار در دانشکده حقوق انتخاب گردید و یک سال بعد استاد کرسی تاریخ دیپلماسی عمومی شد و پس از چندی، کرسی استادی حقوق تجارت و حقوق دریائی و هوائی را عهده‌دار شد. وی مدتی نیز معاونت دانشکده حقوق را عهده‌دار بود.

دکتر ستوده تهرانی ضمن عهده‌داری وظایف دانشگاهی، مشاغلی را نیز احراز کرد از جمله چندی مشاور حقوقی و رئیس اداره بررسی و آمار بانک کشاورزی بود. چندی هم عضویت هینت مدیره شرکت سهامی بیمه را عهده‌دار گردید و در ۱۳۳۲ در کابینه‌ی سپهبد زاهدی، به معاونت وزارت اقتصاد برگزیده شد و قریب یک سال و نیم در آن سمت بود.

دکتر ستوده تالیفاتی برای تدریس رشته‌ی تخصصی خود نوشته و انتشار داد، از جمله سه جلد تاریخ دیپلماسی عمومی است که سالها در دانشکده حقوق تدریس می‌شد. وی از وکلای مبرز دادگستری بود و چون به زبان‌های فرانسه و انگلیسی تسلط داشت، بیشتر شرکت‌های خارجی وکالت خود را به او واگذار می‌کردند.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] مؤلفین کتب چاپی (۵۶۹-۵۶۸ /۲).

ستی

قرن:۷

جنسیت:زن

ملیت:ایران

پیش از نیمه دوم قرن هفتم هجری، از زنان شاعر. رباعی زیر از اوست:

گه خصم شوی مرا و گه یار آیی

روزی به هزار گونه در کار آیی

ای دوست نترسی که به خون دل من

روزی به چنین شبی گرفتار آیی

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: «زنان سخنور آذربایجان در سده هفتم»، مجله دانشکده ادبیات تبریز، سال چهاردهم، شماره چهارم، ۴۵۱؛ نزهةالمجالس، ۵۶۷، ۶۹.

ستی‌النساء

قرن:۱۱

جنسیت:زن

ملیت:ایران

۲۷ ذوالحجه ۱۰۵۶ ق، از زنان فاضل، پزشک، ادیب و سخنور. وی از اهالی آمل و خواهر طالب آملی (۱۰۳۶ ق)- ملک‌الشعرای دربار جهانگیر (۱۰۳۷-۱۰۱۴ ق) پادشاه بابری هند- بود. همسرش حکیم نصیرالدین کاشی نام داشت که از وی فرزندی نیاورد. در سال ۱۰۳۴ ق به قصد دیدار برادر عازم هند شد اما دو سال بعد برادرش درگذشت و او پس از این واقعه سرپرستی دو دختر کوچک او را برعهده گرفت. هنگامی که این دو دختر بزرگ شدند و به سن ازدواج رسیدند خواهر بزرگ را به ازدواج عنایت‌اللّٰه شیرازی ملقب به عاقل خان و خواهر کوچک را به ازدواج حکیم ضیاءالدین ملقب به رحمت خان درآورد. به نوشته پادشاه نامه ستی‌النساء خانم به دلیل «کاردانی و شیوا زبانی و شناسایی آداب بندگی و رسوم خانه‌داری و آشنایی به فن طب و طرق معالجات» منظور نظر ارجمند بانو بیگم، همسر شاه جهان (۱۰۶۸-۱۰۳۷ ق) واقع شد و به درجه‌ی مهرداری رسید، و چون با تجوید و قرائت قرآن مجید آشنا بود و از ادبیات فارسی نیز بهره داشت او را معلم دخترش جهان آرابیگم کرد. هنگامی که ارجمند بانو بیگم درگذشت. شاه جهان ستی خانم را مسئول اداره‌ی حرمسرایش نمود و او تا پایان عمر این وظیفه را انجام داد.

در روز ۱۳ ذوالحجه ۱۰۵۶ ق، برادرزاده‌ی کوچک ستی خانم در اثنای وضع حمل درگذشت. ستی خانم به دلیل اندوه فراوان به مدت یازده روز در خانه‌ای بیرون از ارگ درالسلطنه لاهور سوگواری نمود. چند روز بعد شاه جهان به همراه دخترش جهان آرابیگم برای عرض تسلیت به خانه وی رفتند و به او تسلی دادند و وی را به ارگ آوردند ولی چند روز بعد به دلیل تالمات وارده درگذشت. شاه جهان از مرگ او بسیار اندوهگین گردید و برای تدارک کفن و دفن او ده هزار روپیه داد و موقتا او را در لاهور دفن کردند. یکسال و اندی بعد جنازه‌اش را به اکبرآباد برده و در ضلع غربی مقبره همسرش (تاج محل) دفن کردند. به دستور شاه جهان مرقدی برایش ساختند که سی هزار روپیه هزینه داشت و برای مخارج مقبره، دهی وقف کرد که سالانه سه هزار روپیه درآمد داشت. مولف شاه جهان نامه از او به «رابعه‌ی دوم» نام برده و برخی تذکره‌ها اسم او را نیز ستی خانم نوشته‌اند.[۱]

(وف ۱۰۵۶)، پزشک و ادیب. وی از اهالی آمل و خواهر طالب آملی ملک‌الشعرای دربار جهانگیر پادشاه بابری هند بود. در سال ۱۰۳۴ ق به قصد دیدار برادر عازم هند شد. وی به دلیل کاردانی و شیوا زبانی و شناسایی آداب بندگی و رسوم خانه‌داری و آشنایی به فن طب و طرق معالجات منظور نظر ارجمند بانو بیگم، همسر شاه جهان واقع شد و به درجه‌ی مهرداری رسید، و چون با تجوید و قرائت قرآن مجید آشنا بود و از ادبیات فارسی نیز بهره داشت او را معلم دخترش جهان آراء بیگم کرد. هنگامی که ارجمند بانو بیگم درگذشت شاه جهان ستی خانم را مسئول اداره‌ی حرمسرایش کرد. ستی خانم بعد از درگذشت برادرزاده‌ی کوچک که در

اثنای وضع حمل درگذشت بر اثر اندوه زیاد خود نیز دار فانی را وداع گفت وی به دستور شاه جهان در ضلع غربی مقبره‌ی همسرش دفن شده است و بعدها به دستور شاه جهان مقبره‌ای برایش ساختند.[۲]

خواهر طالب آملی (ف. ۱۰۳۶ ه.ق./ ۱۶۲۶ م.). وی پس از مرگ برادر سرپرستی فرزندان او را بر عهده داشت. منظومه «طالبا» (ه.م.) را که به لهجه طبری است بدو نسبت داده‌اند.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :[۱] منابع: پادشاهنامه، ۶۳۰ / ۶۲۸ / ۳؛ شاه جهان‌نامه، ۷۷ / ۲؛ کاروان هند، ۷۷۲ – ۷۷۰ / ۱؛ میخانه، ۵۰۹؛ نزهةالخواطر، ۱۶۱ / ۵.

[۲] تذکره‌ی میخانه (۵۰۹)، کاروان هند (۷۷۲ – ۷۷۰/ ۱)، مشاهیر زنان (۱۲۲ – ۱۲۱).

ستیغ، عبدالرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرضا ستیغ متولد ۱۳۲۴ ش دارای دکترای رشته باغبانی عضویت هیئت علمی دانشگاه پاریس (انستیوی ژاک میسترال) با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات وآثار پیرامون سمپاشی دوره ای میوه های مدیترانه می باشد.گروه : کشاورزیرشته : باغبانیتحصیلات رسمی و حرفه ای : عبدالرضا ستیغ دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه اصفهان کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه اصفهان و دکترای باغبانی از دانشگاه پاریس میباشدخاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته باغبانی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی عبدالرضا ستیغ بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : عبدالرضا ستیغ د ر کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : عبدالرضا ستیغ پس از اخذ مدرک دکتری در رشته باغبانی به عضویت هیئت علمی گروه کشاورزی در دانشکده کشاورزی دردانشگاه پاریس (انستیوی ژاک میسترال) درآمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عبدالرضا ستیغ عضوهیئت علمی و دانشیار گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه پاریس (انستیوی ژاک میسترال) است.فعالیتهای آموزشی : عبدالرضا ستیغ سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه باغبانی در دانشگاه پاریس (انستیوی ژاک میسترال) به تدریس دروس تخصصی رشته باغبانی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عبدالرضا ستیغ در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : دکتر سیامک علاءالدین از جمله دانشمندان علم باغبانی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره سمپاشی دوره ای باغبانی میوه های مدیترانه انجام داده است.آثار : آبیاری هوشمند مطابق با فصول و موقعیت خورشید

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

سجادی تبار، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین سجادی تبار

محل تولد : شبستر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید حسین سجادی تبار در سال ۱۳۴۳ شمسی در روستای تیل از توابع شبستر استان آذربایجان شرقی متولد شدم و تحصیلات کلاسیک را تا دیپلم در منطقه شبستر به اتمام رسانده در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه تبریز شدم و تاسال ۱۳۶۶ دروس حوزه را تا اتمام لمعه و اصول فقه درآنجا تحصیل نمودم.در سال ۱۳۶۶ بهمن ماه وارد حوزه علمیه مقدس قم گشتم و دروس حوزوی را با جدیت تمام پی گیری نموده و از محضر اساتیدی همچون آیات عظام: طاهری خرم آبادی، سید احمد خاتمی، اعتمادی، پایانی، محقق داماد، وجدانی فخر استفاده نموده و باقیمانده دروس سطح را تا سال ۱۳۷۰ تحصیل نمودم، و از آن زمان به بعد در درس خارج اساتیدی چون آیات عظام مکارم شیرازی، سبحانی، فاضل لنکرانی تلمذ نمودم.همزمان با تحصیل دروس حوزه در دوره آموزش عالی دفتر تبلیغات نیز ۴ سال مشغول به یادگیری بودم و ضمنا رشته تخصصی کلام را نیز به مدت ۴ سال تحصیل نمودم . به خاطر شوق و اشتیاق فراوان به تحقیق از سال ۱۳۶۸ با پژوهشکده باقر العلوم (ع) سازمان تبلیغات اسلامی همکاری را شروع کردم که ابتدا در قسمت فهرست نویسی کتب اسلامی مشغول شده و از سال ۱۳۷۱ با ایجاد گروه حدیث جهت تحقیق و تالیف کتب حدیثی همکاری را به این بخش کشانده و با دیگر دوستان در این زمینه به تلاش و تحقیق پرداختیم .

سجادی جزی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از صاحب منصبان قدیمی وزارت فرهنگ و اوقاف سابق و از سادات منطقه گز برخوار متولد سال ۱۲۸۷ ه. ش و متوفی ۱۳۵۶ ه . ش در سن ۶۹ سالگی و مدفون به تخت فولاد تکیه ملک گلستان شهدای فعلی فرزند سید ابوتراب معروف به آقا معلم فرزند سیدمحمد حسین بن سید محمد باقر بن میر سید علی امامی‌الحسینی بن سید عبدالله معروف به حاج میر سید از سادات درب امام و منطقه الیاران که اجداد ایشان از ناحیه باب الدشت و منطقه درب امام اصفهان به گز مهاجرت و مقیم و بعلت داشتن بعد روحانی و علوم اسلامی در حل مسائل شرعی و امور دینی مردم منطقه مداخله و مورد احترام و مقبولیت خاص داشته و ایشان پس از آموزش تحصیلات اولیه در نزد پدر بزرگوار خود که دارای مکتب خانه قدیمی بوده‌اند در نهایت با مسافرت به اصفهان و در کنار برادر بزرگتر خود مرحوم حجةالاسلام حاج سید محمدحسین سجادی جزی که در مدرسه نیم‌آور مقیم و در آن محل و مدرسه کاسه‌گران مشغول تحصیل علوم حوزوی بوده‌اند ششم ابتدایی و تا سال ۱۳۰۵ سوم متوسطه علوم جدید را طی و با ادامه تحصیلات حوزوری خود در همان محل در نهایت به خدمت در وزارت فرهنگ و اوقاف و صنایع مستظرفه آن زمان مشغول و از همان ابتدا در مناطق مرتبط به موطن خویش در گز برخوار و مدرسه منوچهری دهق علویجه منطقه عربستان نجف آباد بتدریس محصلین ابتدائی مشغول و بعلت تقوی و صحت در عمل و پشتکار و خدمت به دانش‌آموزان و تاسیس مدارس جدید به نمایندگی فرهنگ در نواحی نجف آباد- سده اصفهان و داران فریدن منصوب و در اواخر خدمت به دانشسرای مقدماتی در شهر اصفهان منتقل و در پایان به سمت مسؤول و رئیس اداره ساختمان فرهنگ استان اصفهان منصوب و نسبت به گسترش و تکمیل مدارس و فضاهای آموزشی بشدت مورد نیاز زمان خویش تلاش و با رجال و خدمتگزاران فرهنگی آن دوره نظیر مرحومان بدرالدین کتابی- سید ابوطالب نوربخش- حشمت الله خان دهش- کریم خان فاطمی نائینی که از صاحب منصبان و بنیانگزاران فرهنگی اصفهان در زمان خویش بوده‌اند همکاری داشته و در قسمت‌های آموزگاری مدیریت مدرسه- نمایندگی فرهنگ و رئیس اداره و تدریس رشته‌های ادبیات اشتغال و پس از انجام بیش از سی سال خدمات فراوان فرهنگی در سال ۱۳۴۶ ه . ش بازنشسته شده است.

با عنایت به فهم- صداقت و داشتن روحیه خدمتگزاری و دانش‌پروری و وظیفه‌شناسی در خدمات اجتماعی در شناخت و توجه به کتب خطی و تاریخی به تلاش خویش ادامه و در اواخر عمر نسبت به بازنویسی چند جلد کتب خطی و منجمله کتاب ارشادالولد مرحوم درویش عباس گزی برخواری که به زبان محلی و در راستای اشعار عرفانی- غزل- شعر- قصیده و حتی بعضی هزلیات بوده است بخط خودشان که به صورت نسبتاً زیبا و خوش خط اقدام و به عنوان یک اثر ماندگار از خود به یادگار گذاشته و فرزندان ایشان آقایان دکتر سید سعید الدین- دکتر سید جمال‌الدین- دکتر سید ابراهیم و دکتر سیدعلی که از اعضاء هیئت علمی واستادان دانشکده‌های پزشکی اصفهان و تهران بوده و دارای تالیفاتی نیز می‌باشند و آقایان مهندس ابوطالب و آقای محی‌الدین سجادی که خود از کارشناسان میراث فرهنگی محسوب و فعلاً بازنشسته و دوران استراحت خویش را طی و فقط به تلاش در تربیت و تحصیل فرزندان خویش مشغول هستند.

مرحوم سید رضا سجادی گاهگاهی در طول خدمت و در زمان بازنشستگی با استقبال شعری از بعضی شعرا (و مضامین شعری آنها سروده‌هائی نیز داشته که یکی از آنها بشرح زیر می‌باشد:

شبی بازی جوان با مام خود گفت
که بر اشکفت کُه تا کی توان خفت
نه ما را هست شمعی نه چراغی
نه بستر گرم و نه ما را پناهی
پی قوتی به کوه و دشت پران
گهی پائین گهی بالا هراسان
ز بال و پر زدن بر زیر و بالا
تَوانِمْ کم شد و ضعفم ببالا
مرا این زندگی بس ناپسند است
که بر شصت شهان بودن پسند است
همیشه برفراز کوه و بردشت
پی طعمه بباید بود در گشت
هر آن بازی که بر شصت شهان است
ز جور برف و باران در امان است
شکارش از کبوترهای شهری
خورش از سینه‌های مرغ لاری
به شبها شمع کافوری چراغش
به روزان با شهان نخجیر کارش
به شبها وقت خفتن بستر او
برای راحتی بالش پر از قو
جوابش داد آن مام نکو رای

نداری تجربه خام است تو را رأی
مرا صد سال در این کوهساران
جفای برف باشد جور باران
کشم در هر دمی صد گونه خواری
ز چنگال عقابان شکاری
بشب در زیر سنگی لانه جستن
بشب‌ها گرسنه تا صبح خفتن
هزاران خار بر بالم خلیدن
ز جور دشمنان دل در طپیدن
دو پا اندر میان برف بودن
دو بال اندر میان قید ماندن
بسی بهتر که در کاخی زراندود
دمی محکوم حکم دیگری بود
قناعت اِسپِری بر تلخ و بر شور
نه شرط انگبین نی نیش زنبور
ره آزادگی این است فرزند
اگر آزاده‌ای تو دل بر او بند
که سجادی به آزادی است مشهور
بدین آزادگی باشی تو مامور

بر گرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

سجادی جزی،محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد مرحوم سید ابوتراب معروف به آقـا معلم متولـد سال ۱۲۷۵ ه. ش کـه پس از طی مراحـل تحصیلی اولیـه درگز و در محضـر مرحـوم والـد خـویش باصـفهان به حوزه‌هـای علمی و تدریسـی زمـان خـویش مراجعه و در مـدارس نیم آورد و ملاـ عبـدالله وجـده کوچک و کاسه گران از محضـراساتیدی هم چون حاج ملاعلی نجف آبادی- حاج مرتضـی فشارکی- آقا سـید مهدی درچه‌ای- و حاج شیخ علی اکبر عالم حبیب آبادی دروس مقدمات سطح و خارج فقه و اصول را طی و پس از اخذ اجازه اجتهاد از مرحوم آیت الله سـید حسن مدیسه‌ای به خدمات علمی و اجتماعی و دینی خویش بصورت وعظ- خطابه و اقامه جماعت در مسـجد آقا یوسف و جامع گز و مسـجد باب الدشت اصـفهان مشـغول و نسبت به ترویج دین حنیف و تبلیغات اسـلامی مشـغول و در امور حسبیه و امور ثبتی و اجرای احکام اسلامی در منطقه برخوار مشغول و در سال ۱۳۴۴ ه . ش در سن ۶۹ سالگی وفات و در تخت فولاد تکیه ملک محل گلزار شـهدای فعلی در اصفهان با تشیع و بدرقه دوستان و امت مسلمان بخاک سپرده شدند خداوند روح آن مرحوم را شاد و قرین رحمت فرماید.

بر گرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

سجادی صدرالعلماء، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج سید محسن صـدرالعلماء برادر مرحوم حاج آقا یحیی سـجادی از علماء اخیار و دانشـمندان ابرار تهران و قبل از مرحوم برادرش در مسـجد حاج سـید عزیزاللَّه امامت می‌نمودنـد. عالمی بزرگوار و خدمتگزار و در قضاء حوائج اخوان و سـعی در اصـلاح امور مسـلمین و مردم نادره دوران بود در فتنه مشـروطیت مقتول و جنازه‌اش از تهران حمل به مشـهد مقدس و در دارالسـیاده مدفون گردیـد. مرحوم آیت‌اللَّه آشتیانی حاج شـیخ مرتضـی- ره- برای این نگارنـده و جمعی دیگر فرمودند او را بعد از مردنش در خواب دیدم که از حرم حضـرت رضا علیه‌السـلام بیرون آمده بطرف مقبره‌اش می‌رود متوجه مردن او شدم فورا نزدیک رفته سلام کرده او را محکم گرفتم و پرسـیدم از حال و وضع او گفت مرا رها کن گفتم به صاحب این قبر تا نگوئی رها نکنم پس تبسم کرده و گفت فی روح و ریحـان و جنه و نعیم و رضوان گفتم بـا این مقـام حـاجت دیگر داری گفت آری خـدا مرا بـدنیا آورده و سـعی در قضاء حوائـج مؤمنین نمایم که هیچ چیز باندازه این عمل ارزش و ثواب ندارد گفتم مرا چگونه می‌بینی گفت تو هم همین طور و هر کس متمسک بصاحب این قبر (حضرت رضا علیه‌السلام) باشد فی روح و ریحان و جنه و نعیم و رضوان.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

سجادی نژاد، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زنده یاد استاد سید حسن سجادی نژاد در اسفندماه ۱۲۹۶ در خانواده ای متدین و عالم در شهر اصفهان دیده به جهان گشود. پیش از آنکه در آذر ماه ۱۳۱۵ از طرف بانک ملی ایران برای تحصیل در رشته حسابداری عازم انگلستان شود، علاوه بر تحصیلات متوسطه و دریافت دیپلم علمی، در رشته ریاضیات عمومی، فیزیک و شیمی نیز کسب علم کرد. شواهد نشان می دهد که این مطالعات بعد از آن نیز به شیوه ای غیرکلاسیک ادامه یافته است. در سال ۱۳۲۳ (۱۹۴۵ میلادی) به عضویت وابسته انجمن حسابداران خبره انگلستان و در سال ۱۳۳۸ (۱۹۶۰ میلادی) به عضویت پیوسته آن انجمن درآمد. در سال ۱۳۲۴ پس از پایان تحصیلات عالی در انگلستان، به ایران برگشت و از سال ۱۳۳۰ به اتفاق تنی چند از هم دوره های خود مامور خدمت در شرکت نفت شد و خدمتش در آنجا تا زمان بازنشستگی ادامه یافت. اما با وجود این سوابق کار اجرایی، شادروان سجادی نژاد بیش از هر چیز معلم بود، و معلمی شغلی است که بازنشستگی نمی شناسد. او تا پایان عمر آموخت و آموزش داد. از همسر ایشان نقل شده است که "استاد یا مطالعه می کردند، یا می اندیشیدند و یا می نوشتند". از یکی از شاگردان قدیم ایشان نقل است که "حتی اگر در سر امتحان از ایشان سئوالی داشتی که احساس می کردند پاسخ به آن، از نظر جنبه آموزشی ضرورت دارد، علیرغم کمک احتمالی به پاسخگویی به سئوالات امتحان، حتماً به آن پاسخ می دادند". این شاگرد قدیمی استاد، خود چنین موردی را تجربه کرده بود.

حاصل عمر پربار ایشان، انبوهی از آثار آموزشی و تخصصی است. و از این دستاورد، آنچه منتشر شده بدین شرح است: حسابداری مقدماتی (به همراهی آقای ابوالقاسم خردجو) سال ۱۳۳۸

اصول هزینه یابی و حسابداری صنعتی (جلد۱) سال ۱۳۴۰

اصول دفترداری و حسابداری بازرگانی (جلد۱) سال ۱۳۴۲

اصول دفترداری و حسابداری بازرگانی (جلد۲) سال ۱۳۴۳

اصول دفترداری و حسابداری بازرگانی (جلد۳) سال ۱۳۴۴

اصول دفترداری و حسابداری بازرگانی (جلد۴) سال ۱۳۴۷

اصول دفترداری و حسابداری بازرگانی (جلد۵) سال ۱۳۴۶

حسابداری صنعتی و کاربرد آن در مدیریت (جلد ۱) سال ۱۳۵۶

حسابداری صنعتی و کاربرد آن در مدیریت (جلد ۲) سال ۱۳۵۶

حسابداری صنعتی و کاربرد آن در مدیریت (جلد ۳) سال ۱۳۵۷

حسابداری صنعتی و کاربرد آن در مدیریت (جلد ۴) سال ۱۳۶۸

اصول هزینه یابی و روشهای حسابداری صنعتی (جلد۱) سال ۱۳۶۷

اصول هزینه یابی و روشهای حسابداری صنعتی (جلد۲) سال ۱۳۷۶

با همکاری آقایان ملک آرایی و نظری (فرهنگ اصطلاحات حسابداری سال ۱۳۷۶) با همکاری دکتر فضل الله اکبری (توضیح آنکه فترت بین سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۶، ظاهراً به دلیل همزمانی فعالیتهای پژوهشی با مسئولیت ریاست دانشکده حسابداری و امورمالی شرکت نفت و شروع به بازنگری ایشان به بعضی از کتابهایشان بوده است.)

مردانی چون سجادی نژاد دارای ویژگیها و ابعادی هستند که بازتابی عمیق در اندیشه و عقاید دیگران می گذارند از جمله این بازتابها را می توان در گفته های دانش آموختگان مستقیم و غیرمستقیم پیدا کرد که یقیناً استناد به این یادها و ستایشها کمک مهم و موثری در ترسیم سیمای آن زنده یاد خواهد بود. برخی از این گفته ها چنین است: استاد اخلاق و شرافت، اشتیاق و استواری، درستی و درستکاری، دقت نظر و درایت، همت و شجاعت و وسعت نظر بود.

اشتیاق بی مانندی در آموختن، آموزش دادن و درست عمل کردن داشت.

دستانش سخت می لرزید، اما به رغم آن خطی خوش و پخته داشت. ذهنش فعال و اندیشمند بود و بیش و کمهای جسمانی بر استحکام و قدرت روحی او تاثیری نداشت.

مدیریت بدون حسابرسی را در سطح موسسه (خرد) و اقتصاد کلان مفسده می دانست.

پیری از نسل راستان، شرافت پیشگان، معلمان عاشق و پرهیزگاران درست کردار بود.

با تکیه برشعر معروف حافظ که می فرماید:

"سالها دل طلب جام جم از ما می کرد

آنچه خودداشت زبیگانه تمنا می کرد"

به نوعی به بازگشت به خویش اعتقاد داشت و به نقش ایرانیان در اداره امورمالی و حسابداری دنیای بزرگ اسلام اشاره می کرد.

بالاخره بجاست که بیان خصلتهای شادروان سجادی نژاد و کشف راز بزرگی و ماندگاری ایشان را استاد بزرگ دیگری بیان کند.

استاد ارجمند دکتر فضل الله اکبری در مورد ایشان می گوید:

"مقدر چنین بود که، درسالهای پایان زندگی، با پدید آورنده این اثر در سازمان حسابرسی، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری، هم اتاق باشم و مصاحبت او لذت بخش بود. حسن سجادی نژاد را می گویم. علاوه بر دانش حرفه، به شعر، که آن را متناسب و به اقتضای مورد می آورد، علاقه بسیار داشت. صفای باطن و لهجه اصیل او به کلامش تاثیر و شیرینی خاص می بخشید. پرمایه، سخت کوش و پیگیر بود. به نوشتن عشق می ورزید و از این جهت کم نظیر بود. از بین همه آنان که در این رشته می شناسم، عشق و پشتکاری بالاتر و فاخرتر از آنچه او به نوشتن داشت ندیده ام. با همه نوع کتاب الفت داشت و به گفته فیلسوف شهیر ژان پل سارتر

زندگیش در میان کتابها شروع و در میان کتابها نیز به خاموشی گرایید".

براستی راز ماندگاری استاد در چیست؟ آنچه از گفته ها و نظرات شاگردان نقل شده ما را به آستانه این راز رهنمون می شود. ولی باید باز هم برای کشف آن بکوشیم. به این منظور، مرور دوباره ای در زندگانی و ویژگیهای ایشان، راهگشای این مهم تواند بود، مهمی که برای نسل امروز و فردا بسی آموزنده است. در این مرور دوباره به چنین مواردی برمی خوریم:

ویژگیهای وراثتی و خانوادگی؛ سید بود و در خانواده ای متدین و عالم به دنیا آمد و رشد کرد.

تنوع زمینه های تحصیلی و مطالعاتی؛ علاوه بر حسابداری با علوم اسلامی، ریاضیات، فیزیک، شیمی و ادبیات فارسی و انگلیسی آشنایی داشت، به نحوی که در جای جای آثار ایشان، نتایج این مطالعات آشکارا دیده می شود و غنا و پرباری کم نظیری به تالیفات، سخنرانیها و نیز کلام ایشان بخشیده است. در پیشگفتاری بر متنی به نسبت قدیمی، به قلم مرحوم عرفانی، به این شعر زیبای عربی اشاره کرده اند که مصداق حال خود ایشان هم هست:

"تلک آثارنا تدل علینا

فانظروا بعدنا الی الاثار"

آثار ما برما دلالت می کند؛ پس بعد از ما به آثارمان نظر افکنید.

به روز بودن؛ در زندگی همواره با جریانهای علمی و اجتماعی جدید همراه و هماهنگ می شد. از جمله در سال ۱۳۲۳ به عضویت وابسته و در سال ۱۳۳۸ به عضویت پیوسته انجمن حسابداران خبره انگلستان درآمد. همچنین کتابهای ایشان، تاریخ ۱۰ سال پس از فوت ایشان را نیز دارد. اینها جز از طریق به روز شدن میسر نیست.

کار سیستماتیک، منظم و مداوم؛ تلاش او از بدو بازگشت به ایران بدون توقف ادامه داشت. از هنگامی که در گنجاندن ماده ای در قانون مالیاتهای سال ۱۳۲۸ ایفای نقش کرد [درهر موقعی که انجمن محاسبین و کارشناسان قسم خورده در کشور تشکیل شود، وزارت دارایی مکلف است نتیجه رسیدگی محاسبین قسم خورده را در مورد حساب یا ترازنامه هر بازرگان یا شرکت بپذیرد، و در این صورت برای تشخیص مالیات مودی، دیگر حاجت رسیدگی به دفاتر و اوراق مودی نخواهد بود.]، تا تشکیل انجمن حسابداران خبره ایران در سال ۱۳۵۳ و تکمیل و بازنگری کتابهای خود، یعنی در تمام طول زندگی.

صراحت و لطافت توام در کلام؛ زندگی استاد، آکنده از لطیفه های آموزنده بود. در جایی، در پاسخ به یکی از دوستان، که به ایشان گفته بود [به دلیل سردی هوا و دوری راه]: "فلان کار را می توانید در منزل هم انجام دهید" پاسخ داده بودند: "اگر قرار بر این است که پول مفت به من بدهند، من از فردا نمی آیم." و جایی دیگر، پس از آنکه شخص چاپلوسی در حضورشان، زبان به تحسین بازکرد، بی ریا و بی پرده تقاضای "دوا" کرد و داستان جالینوس از مثنوی را بازگو کرد که:

"جالینوس از یارانش می خواهد که فلان دارو را آماده کنند. یاران به وی خاطرنشان می سازند که "این دوا در علاج جنون کار رود و از کمال عقل تو بعید است که حاجت بدان کنی."جالینوس پاسخ می دهد که امروز دیوانه ای با من در میان راه، اظهار تملق و چاکری کرد، اگر سنخیتی در میان ما نمی بود، این توجه در نزد او حاصل نمی شد."

شوق و اشتیاق در آموختن و آموزاندن؛ دوستی می گفت: "هنوز دوستان واپسین خنده رضایت آمیز از دیدن آخرین کار چاپ شده اش را فراموش نکرده اند".

میهن پرستی؛ از ایشان سئوال کرده بودند که چگونه سجادی نژاد شدی؟ با صدایی محکم و لحنی مصمم پاسخ می دهد: "از عشقی که به کار داشتم و احساس وظیفه و مسئولیت در مقابل میهنم؛ عمرم و فراغتم را وقف کار کردم".

سخت کوشی؛ روز دهم شهریور ۱۳۶۷ چشم از جهان فروبست. کنار تختش در بیمارستان پاستورنو عینکی و قلمی بود و کتابی که داشت آن را برای چاپ مجدد تصحیح می کرد.

به عنوان حسن ختام، یادش را با متن دستنوشته استاد ارجمند جناب آقای مصطفی علیمدد گرامی می داریم.

سجادی نژاد، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد سجادی نژاد

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد سجادی نژاد فرزند مرحوم حاج سید عباس بشماره شناسنامه ۵۲۰ صادره از حوزه دو دامغان متولد سال ۱۳۳۵. بعد از گرفتن ششم ابتدایی بر اساس علاقه شدید خودم به دروس حوزوی به همراه پدرم به شهرستان دامغان آمده مرحوم والد که دائیشان حضرت آیهٔالله حاج شیخ محمد کاظم مهدوی دامغانی بود و در مشهد مقدس اشتغال به تدریس داشت. و علماء و بزرگان دامغان او را کاملا می شناختند من را به آیت الله ترابی، آیت الله شاهچراغی، آیت الله خدایی و آیت الله نصیری معرفی نمود. مدت دو سال در مدرسه علمیه حاج فتحعلی بیک ساکن و از محضر آن بزرگواران استفاده نمودم سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۴۹ به همراه دو نفر از دوستان و هم بحثیهایم بنامهای حاج شیخ احمد فوادیان استاد فعلی و مدیر مدرسه دامغان عازم شهر مقدس قم شدیم. پس از

امتحان اولیه و گزینش مـدرسه کرمانیها در قم مـدت پنج سال تحت برنامه خاص از محضـر اساتیدی همچون استاد مظاهری، اسـتاد احمدی میانجی، اسـتاد شـریعتی، اسـتاد محمدی ری شـهری، اسـتاد نعیم آبادی ، استاد فهیم کرمانی، سید یحیی موسوی، حاج شیخ حسـین جاویدی اسـتفاده بردم. بعد از آن در امتحانات حوزه شـرکت و بعد از قبولی برای ادامه دروس سـطح حوزه علمیه از محضـر حضـرت آیت الله حاج شـیخ محمد تقی سـتوده مکاسب و کفایتین از محضر حاج شیخ حسن تهرانی رسائل را از محضر سید محمد جـواد ذهنی تهرانی به اتمـام رسانـده و در امتحانـات حوزه علمیه شـرکت کردم. بعـد از قبولی وارد دروس سـطوح عـالیه شـدم و از محضـر آیت الله شـیخ محمـد فاضـل لنکرانی خـارج اصول از محضـر آیت الله مکارم شـیرازی خارج اصول از محضـر آیت الله علی مشکینی فقه و تفسیر و اخلاق از محضر آیت الله انصاری شیرازی فلسفه و حکمت و از محضر آیت الله نوری همدانی مبحث قضا در اسلام و از محضر سید شهاب الدین مرعشی و آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی دروس خارج فقه را فراگرفته تا کنون ادامه دارد. فعلا از محضـر اسـتاد دکتر احمد عابدی فقه و اصول و آیت الله جوادی آملی درس تفسیر بیش از ۲۰ سـال است که زانوی ادب بر زمین زده و تلمذ نموده ام.

فعالیت سیاسی – علمی:

در این ایام بدلیل اینکه جناب استاد فهیم کرمانی عده ای از طلاب را کاندید و راهنمائیهای لازمه را داده بودند که یکی از آن افراد این حقیر بـود برای بردن کتـاب حکـومت اسـلامی حضـرت امـام خمینی (رضوان الله تعـالی علیه) به شهرسـتانهای مختلف و پخش اطلاعیه های مرحوم حضـرت امام (ره) مورد شـناسایی ساواک قرار گرفتم و تحت تعقیب آنها لذا مدت ۴ ماه در باغات روستایمان زرین آباد دامغان مخفی بودم به محض آمدن به قم مورد تعقیب مجدد قرار گرفته. باز به تهران رفته تا چندین ماه.

تا اینکه بنا به پیشـنهاد رفقایم معمم شده و به شهرسـتانها و روستاهای مختلف برای تبلیغ و ارشاد می رفتم بدلیل منبر سیاسی در نطنز مـورد تعقیب قرار گرفتم و بنـا بدسـتور سرلشـکر محققی محکوم به اعـدام غیـابی شـدم که بعـد از پیروزی انقلاب حکم اعـدام در ژاندارمری شهرستان دامغان نشانم دادند.

در جریان حمله کماندوهای رژیم سـفاک پهلوی به چهار مدرسه قم، فیضیه، حجتیه، خان و رضویه. نیمه شب به مدرسه خان هجوم ساواکیها شروع شد. در حجره شماره ۱۱ که من ساکن بودم. یک فرد ساواکی که داخل حجره برای تفتیش شد و من به او اعتراض کردم که چرا با کفش پا روی زیلویی که متعلق به امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف) هست پای می گذاری آن مرد ملعون مرا طلب کرد وقتی جلویش رفتم آنچنان سیلی به صورتم زد که سرم به دیوار حجره خورد و مدهوش شدم بعد از سه شبانه روز فهمیدم در بیمارسـتان آیت الله گلپایگانی هسـتم باز برای مدت کوتاهی به روسـتایمان رفتم. چون اگر قم بودم شناسایی و دستگیر می شدم در دامغـان به کـانون جوانـان برای سـخنرانی طبق دعوت مرحوم شـهید سـید حسن شاهچراغی رفتم در آنجا هم دسـتگیر بعـد از ۴۸ ساعت با وساطت علماء دامغان آزاد شدم.

سپس به قم آمده و در منازل دوسـتان بسر می بردم تا اینکه کم کم طنین انقلاب اسلامی با تظاهرات مردم به رهبری حضرت امام و سایر علماء قم شروع شد.

اینجانب هم طبق وظیفه شـرکت در راهپیماییها و بعضا سخنرانی آتشین و بیان قطع نامه ها و ... بعد از انقلاب طبق دعوت شهید عزیز حاج سید قاسم موسوی دامغانی برای تدریس و مدیریت حوزه علمیه و امام جمعه موقت مدت ۳ سال در رامهرمز اهواز بودم.

بعـد از آن طبق دعوت موسوی کرمـانی بعنوان معـاونت آیت الله محمـد حسـین کرمـانی نماینـده حضـرت امام در سازمان عقیـدتی سیاسی شهربانی مدت ۵ سال معاونت دوائر و شـعب اداره عقیـدتی سیاسـی شـهربانی در تهران را عهده دار بودم. سـپس با رفتن آن بزرگوار از شهربانی من هم به قم آمده طبق دعوت آیت الله احمد علی احمدی شاهرودی و حجت الاسلام و المسلمین محمد حسن نعیمی مدت ده سال بعنوان اسـتاد دروس اخلاق و تربیت ریشه های انقلاب معارف ۱ و ۲ وصیتنامه الهی و سیاسی حضرت امام(ره) و بعنوان مسـئول دفتر فرهنگ اسـلامی در دانشـگاههای آزاد اسـلامی دامغان و شاهرود مشغول خدمت بودم. در دوران دفاع مقدس در این زمـان بـا بیش از هیجـده مـاه حضور در جبهه های حق علیه باطل را داشـتم. طبق دعوت کتبی فرمانـده محترم لشـکر ۱۴ امام حسـین (علیه السـلام) شهید خرازی – و فرمانده محترم لشکر حضرت ابوالفضل (علیه السلام) در جنوب و غرب بانه مریوان و سقز و ... مشـغول به تبلیغ و بیان احکام برای رزمنـدگان اسـلام بودم و ...... بـدلیل اینکه فرزنـدانم بزرگ شـده بودند و مسـتاجری برای ما مشکل آفرین شده بود به قم آمده بعد از ۲۴ ساعت طبق دعوت جناب حجت الاسلام و المسلمین نظری در قسمت مدیریت فرهنگی آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه (س) در قسمت کتابخانه مشغول خدمت شدم بعنوان افتخاری ساعتی که تا کنون ادامه دارد و بحمدالله در این فاصله ۱۴ ساله در سفری که

فعالیت فرهنگی:

مقـام معظم رهـبری به قم و سـئوال معظم له از تولیت آسـتانه مقـدسه هـای مسـعودی که شـما راجع به وکلاـ ائمه اطهـار که در قم مدفوننـد و علماء و بزرگانیکه در قم حرم مطهر – شـیخان و ... چه کردیـد آیا آنها را احیاء کرده ایـد؟ لـذا تولیت دو نفر را کاندید احیاء این امر خدا پسـندانه کرد که جناب حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمود مهدی پور بود بعنوان مسئول و اینحقیر بعنوان مدیر اجرایی و ارزیاب و عضو شورای ستارگان عصاره این امر ۲۵ جلد کتاب با نام مبارک ستارگان حرم می باشد که چاپ شده و در مراکز مختلف علمی بعنوان منبع از آنهـا اسـتفاده می شود. و روزهـای چهـار شـنبه تلویزیون از همین کتـاب هـا بیوگرافی راویان محدثان – وکلاء و علماء را شرح می دهد.

سجادی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۸/۱۳۱۷ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به ذره. در مدرسه‌ی اقدسیه تهران تحصیل کرد و از مدرسه‌ی سیاسی تهران دیپلم گرفت. در سنین جوانی با روزنامه‌ی «گل زرد» به مدیریت یحیی ریحان، و رزنامه‌ی «نسیم شمال» به مدیریت اشرف‌الدین حسینی همکاری می‌کرد. به نهضت جنگل پیوست و از یاران صمیمی میرزا کوچک خان شد، اما بعدا از دوستان احسان‌الله خان شد و به همراه او ایران را ترک کرد. وی در جنگل روزنامه‌های «ایران سرخ»، «انقلاب سرخ» و «کامونیست» را منتشر کرد. ذره پس از خروج از ایران به شوروی رفت، و تا پایان عمر استاد کرسی زبان فارسی دانشگاه مسکو بود. در مسکو درگذشت و در گورستان مسلمانان آن شهر دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۳۰۰/۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۶۴ -۲۶۳ /۳).

سجادی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران اینجانب حاج سیّد احمد سجّادی در سوّم اسفندماهِ سال یکهزار و سیصد و چهل و چهار در خانواده‌ای مذهبی در اصفهان بدنیا آمدم.

پدرم از معتمدین محل و کارگر کارخانه بافناز بود و مادرم، بانوی عفیفه ای که به امور منزل و تعلیم و تربیت فرزندان اهتمامی والا داشت.

اینجانب دارای سه برادر و یک خواهرهستم که هر یک، محور زندگی و خانواده‌ای دیگر شده اند.

من تحصیلات ابتدایی، را در دبستان مشتاقْ ودوره راهنمایی را در مدرسه جمشید طی کردم و ودر همان ایام، از نزدیک شاهد وقایع انقلاب بودم و با آنکه در سنین نوجوانی به سر می بردم ، دربسیاری از راهپیمایی‌ها شرکت جسته و تمامی شعارهای مردم را در دفتری ثبت ، که تاکنون نیز آن را حفظ نموده ام

در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیّه اصفهان گردیدم و همزمان در جبهه‌های نبرد نیز شرکت نموده و حدود ۲۰ماه به طور متناوب در میان رزمندگان اسلام حضور داشته و در عملیات‌های مختلف و متعدّدی ایفای نقش کردم و در عملیات «محرم» و «خیبر» از ناحیه پا و صورت مجروح شدم.

حضور در حوزه علمیّه اصفهان فرصتی بود تا از محضر اساتید بزرگی همچون حجت الاسلام و المسلمین حاج علی‌اکبر فقیه، حجت الاسلام و المسلمین حاج سید ابوالحسن مهدوی، آیت اللّه حاج سیّد احمد امامی، آیت اللّه حاج سیّد حسن امامی، آیت اللّه حاج حسن صافی، آیت اللّه حاج محمد ناصری، آیت اللّه حاج سید محمد علی صادقی، آیت اللّه حاج عباسعلی ادیب و آیت اللّه العظمی حاج حسین مظاهری کسب فیض کرده و علاوه بر آن، از سال ۱۳۶۳ به تدریس در حوزه‌های علمیه در زمینه‌های ادبیات عرب، منطق، فقه و اصول مشغول گردیدم.

اینجانب در سال ۱۳۶۸ در جشن نیمه شعبان به دست مبارک مرحوم حضرت آیت اللّه سید محمدعلی صادقی قدس سره مفتخَر به لباس روحانیّت گشته و منسب امام جماعت را در مسجد حضرت جوادالائمه و پس از آن در مسجد امام حسن مجتبی (واقع در اصفهان، خیابان کاوه، خیابان ۱۵ خرداد) عهده‌دار شده و تا مهر ماه سال ۱۳۸۷ این افتخار قرین زندگیم بود.

از سال ۱۳۷۰ فعّالیّت‌های علمی خود را با ارائه مقاله به روزنامه‌ها و سپس مجلّه‌های مختلف آغاز نمودم و در حال حاضر علاوه بر مقالات فراوانی که ازمن در زمینه‌های مختلف علمی و مذهبی در دست است، در زمینه تألیف کتاب نیز کتاب‌های متعدّدی از جمله عناوین زیر از اینجانب بچاپ رسیده است که ذیلاً به برخی از کتابهای تألیف شده توسط حقیر اشاره می‌نمایم:

۱ «– فرهنگ‌نامه موضوعی صحیفه سجادیه » (در ۳ جلد) : در این کتاب با سبکی جدید به موضوع‌نگاری صحیفه مبارکه سجّادیّه پرداخته ام و اثری زیبا با بیش از ۹۰۰ موضوع اصلی ۱۰/۰۰۰ زیر موضوع در سه جلد به همراه متن کامل صحیفه سجّادیه و ترجمه آن ارائه نموده‌ام.

۲ – «اسرار دلبران» : این کتاب تأملی بر زیارت جامعه کبیره است که در آن برای هر یک از فرازهای این زیارت، توضیحی مختصر و شرحی کوتاه و مرتبط با آن صورت گرفته است.

۳ – «پرچم‌داران سعادت» : این کتاب تدبّری در زیارت جامعه کبیره بوده که در آن با تکیه بر آیات و روایات و استدلال‌های عقلی و نظری به توضیح فرازهای زیارت پرداخته و به بیش از نهصد آیه، روایت و حدیث در ۵۰۰ صفحه اشاره نموده‌ام.

۴ – «نجوای عارفانه» : این کتاب شرح دعای امام زین‌العابدین علیه‌السلام در روز عرفه است که دعای چهل و هفتمِ کتاب صحیفه مبارکه سجّادیه می‌باشد. مؤلّف، این کتاب را در ۱۸۰ صفحه به تألیف رسانده ام.

۵ و۶ «میراث حوزه علمیه اصفهان » (دفتر اوّل و دوّم): این کتاب ها احیاء و عرضه میراث مکتوب حوزه علمیه اصفهان است که در هر جلد به یکی از محورهای تفسیر، حدیث، فقه، اصول فقه، فلسفه، کلام و دیگر ساحت‌هایی که تلاش علمی قلمزنانِ این خطّه در آن حیطه بوده، اختصاص می‌یابد. دفتر اوّل این اثر به اهتمام اینجانب و جناب آقای رحیم قاسمی و دفتر دوّم نیز به تلاش من و جناب آقای مجید هادیزاده به رشته تحریر درآمده است.

۷ – «لغت‌نامه و ترجمه صحیفه سجّادیه» : این کتاب در ۳۸۴ صفحه، ترجمه روان و سلیس و در عین حال علمی از صحیفه مبارکه سجّادیه است که اینجانب در ذیل متن دعا و ترجمه آن، اقدام به ترجمه لغات صعب و دشوار این کتاب گرانسنگ نموده ام.

۸ – « صحیفه سجّادیه به روایت ابن اشکیب»در این کتاب به روایتی نادره از صحیفه پرداخته و با روایت مشهوره مقابله کرده ام که با مقدمه ای مفصل به چاپ رسید و به همراه CD منتشر شده است

هم‌اکنون نیز در زمینه صحیفه سجّادیّه تحقیقات جالب و وافری به انجام رسانیده ام که بزودی به چاپ خواهم رساند و کتاب «قرآن پژوهان اصفهان» را در حال نشر است و مراحل پایانی «کتاب شناسی وقف» را در حال انجام دارم که به زودی در چهار مجلد چاپ خواهد گشت.

علاوه بر کتاب های فوق‌الذکر، از بین مقالاتی که توسط حقیر به رشته تحریر درآمده، به اختصار به مقالات زیر اشاره می‌نمایم:

۱ – «بایسته‌های صحیفه سجادیه» : مقاله‌ایست ۱۶ صفحه‌ای که متضمن پیشنهادات یازده‌گانه‌ای به اندیشمندان و صحیفه پژوهانِ شیعی جهت احیا و ترویج کتاب مقدّس و دعایی صحیفه مبارکه سجّادیه است.

۲ – «دعا در نبردهای نامتقارن» : مقاله‌ای ۱۷ صفحه‌ایست که از تعریف دعا و نیاز بشر امروز به آن، نیاز مبارزان به دعا و سنت ائمه علیهم السلام در نبردها و جنگ‌ها را مورد بررسی قرار داده‌ام.

۳ – «سبک‌شناسی صحیفه مبارکه سجادیه» : این نوشتار در ۶۴ صفحه، پیرامون سبک و سیاقی است که در لابلای دعاهای صحیفه سجادیه به چشم می‌خورد .

شایان ذکر است علاوه بر فعالیّت علمی ، اینجانب در سال ۱۳۷۷ از سوی زعیم حوزه علمیه اصفهان ، حضرت آیت الله العظمی مظاهری (دام عزه) به سِمَت مدیر عامل «مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیّه اصفهان» منسوب شدم که تا کنون موفّق به تولیدِ سی و پنج نرم‌افزار گشته ام که در تمامی آنها، علاوه بر مدیریت پروژه ، تحقیقات و پژوهش نرم افزار به عهده ام بوده است. از جمله نرم‌افزارهایی که حقیر امر تولید، تحقیق و پژوهش آن را به عهده داشته‌اند، می‌توان به نرم‌افزارهای زیر اشاره نمود:

۱ – «طنین وحی» : متن، ترجمه و صوت قرآن کریم ، یک دوره کامل قرائت قرآن به روش تحقیق ، معجم و امکان جستجو در آیات قرآن به روش های مختلف ، هفت ترجمه فارسی و انگلیسی (ترجمه های فارسی حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی ، دکتر عبدالمحمد آیتی، آقای محمد مهدی فولادوند و ترجمه منظوم آقای امید مجد و ترجمه های انگلیسی پیکتال، یوسف علی و شاکری) ، امکان مقایسه ترجمه ها با یکدیگر ، املای لاتین قرآن

۲ – «امثال» : ارائه ترجمه و مفاهیم قرآن کریم با ابزار تصاویر ثابت و متحرک با موضوع مثل‌ها و تشبیه‌های قرآن کریم و نمایش تابلوهای نقاشی رنگ و روغن متناسب با موضوع هر یک از امثال قرآن به همراه تفسیر مربوط به آیه و نیز اشعار مرتبط با آن و بیش از ۶۰ دقیقه انیمیشن متناسب با مفهوم آیات.

۳ – «دانش‌نامه جامع نهج‌البلاغه» : حاوی متن کامل نهج البلاغه با تطبیق با یازده نسخه معتبر به همراه ۲۵۰ جلد شرح و ۴۱ عنوان ترجمه ، نمایش ۱۶۰۰۰ موضوع متنوع ، لغت نامه و توضیح لغات به فارسی و عربی به صورت فعال در متن ، نمایش مصادر خطبه ها، نامه ها و حکمت ها به صورت فعال در متن ، معرفی اعلام و شخصیت های نهج البلاغه با زندگی نامه هر یک به صورت فعال در متن ، لیست آیات قرآن به صورت فعال در متن با امکان تلاوت آیه ، امثال نهج البلاغه به صورت فعال در متن با توضیح مفصل برای هر یک ، نمایش قدیمی ترین نسخه خطی نهج البلاغه به صورت تطبیق یافته با متن ، امکان مقابله ترجمه ها و شرح های نهج البلاغه با یکدیگر

۴ – «دانش‌نامه جامع صحیفه سجادیه» : شامل ۳۷ جلد ترجمه و ۵۲ جلد شرح ، متن ۲۵ جلد کتاب پیرامون دعاها و سخنان امام سجّاد (علیه السلام) و نمایش هزاران موضوع متنوع با روش ساختار درختی با قابلیت جستجو ، کتابخانه جامعی پیرامون سخنان امام سجاد علیه السلام شامل ۱۲۰ جلد کتاب و مقاله ، کتابشناسی صحیفه سجّادیه ، معجم کامل الفاظ صحیفه سجادیه ، آیات و احادیث مرتبط با صحیفه سجادیه.، لیست آیات موجود در صحیفه سجادیه ، لغت نامه صحیفه سجادیه به صورت فعال در متن

۵ – «مدینه العلم» : حاوی متن ۳۳۰ کتاب و مقاله پیرامون حضرت محمّد (صلی الله علیه وآله) در موضوعات تاریخِ زندگانی، تاریخ اسلام، فضائل، سیره و سخنان، امکان مشاهده تمامی فهرستهای کتابها به صورت یکجا ،

۶ – «باب العلم» : شامل متن ۸۸۰ جلد کتاب و مقاله پیرامون حضرت علی علیه السلام با موضوعیّت سخنان ، سیره ، فضائل ، تاریخ ، ساختار موضوعی جامع پیرامون تمامی اطلاعات و مطالب ، معرفی ۱۴۹۰۰ کتاب، مقاله و پایان نامه

۷ – «ریحانه» : متن ۲۰۰ جلد کتاب و مقاله پیرامون حضرت زهرا (علیها السلام) و ساختار موضوعی پیرامون آن حضرت، شامل نسب، زندگانی، سیره و... .

۸ – «کریمانه» : شامل متن ۱۵۰ جلد کتاب و مقاله پیرامون امام حسن (علیه السلام) با موضوعات سخنان، سیره، فضائل، تاریخ و... .

۹– «سفینه‌النجاه» : شامل متن ۷۵۰ جلد کتاب و مقاله پیرامون امام حسین (علیه السلام) با موضوعات سخنان، سیره، فضائل، تاریخ، مقاتل، شعر، عاشورا و...

۱۰ – «شمس الشموس» : شامل متن ۳۲۰ جلد کتاب و مقاله پیرامون امام رضا (علیه السلام) با موضوعات سخنان، سیره، فضائل، تاریخ ، بارگاه ملکوتی و ...

۱۱ – «موعود» : شامل متن ۶۲۶ جلد کتاب و مقاله پیرامون حضرت مهدی علیه‌السلام و نیز روایات، احادیث و دعاهای منسوب به حضرت مهدی علیه السلام ، معرفی ۴۰۰۰ عنوان کتاب، مقاله و پایان نامه

۱۲ – «به سوی حقیقت» : متن ۶۰۰ جلد کتاب و مقاله برای آشنا ساختن مردم با اسلام ناب و مکتب تشیع و نیز پاسخگویی به اشکال‌ها و شبهه‌های مغرضانه وهابیت.

۱۳ – «بصائر »: ارائه ترجمه تصویری برخی از آیات شریفه قرآن کریم با استفاده از تصاویر ثابت و متحرک (فیلم و انیمیشن) با موضوع آیات و نعمتهای الهی. به همراه ترجمه، ترتیل و احادیث ائمّه اطهار (علیهم السلام) در خصوص آیه شریفه مورد نظر و شرح نکات علمی و شگفتی‌های خلقت پیرامون آیه شریفه مربوطه.

۱۴ – «مشاهیر» : معرفی بیش از ۲۵۰۰۰ نفر از شهرگان و نامداران ایرانی در زمینه‌های علمی، هنری، سیاسی، صنعتی و... به صورت

طبقه‌بندی شده بر اساس حرف الفبا، جنسیت، قرن و تخصص همراه با زندگی‌نامه مختصر و معرفی آثار آنان.

۱۵ «فیض تمام»: متن کامل قرآن کریم همراه با ترجمه و تفسیر نمونه ، متن کامل نهج البلاغه همراه با ترجمه و شرح کامل ابن میثم ، متن کامل صحیفه سجادیه همراه با ترجمه و شرح دیار عاشقان ، امکان جستجوی دقیق در متون هر سه کتاب مقدس بصورت یکجا و جداگانه ، امکان جستجو در ترجمه ها و شرح ها ، تلاوت کامل متن نهج البلاغه و صحیفه سجادیه ، امکان چاپ و انتقال متن به دفترچه یادداشت ، معجم الفاظ به همراه لغتنامه فعال در متون

۱۶ – «دانش‌نامه جامع وقف » شامل متن ۱۳۴۲ جلد کتاب و مقاله پیرامون وقف

علاوه بر نرم‌افزارهای مذکور، نرم‌افزار «امام امام صادق علیه السلام » و نیز «رد بهائیت» در این مرکز با مدیریت و پژوهش اینجانب در دست کار می‌باشد.

حقیرعلاوه برانجام فعّالیّت‌های علمی که باعث گردیده به افتخارات متعددی همچون «خادم قرآن استان اصفهان» در سال ۱۳۸۳ و«خادم قرآن کشور» در سال ۱۳۸۴ (با لوح تقدیر به امضاء ریاست جمهور و به دست ایشان)، «خادم نیایش» درسال ۱۳۸۵ (با لوح تقدیر به امضاء آیت الله زنجانی و آیت الله مظاهری و حجت الاسلام خاتمی و استاد گرجی و به دست حجت الاسلام خاتمی) و«خادم نمونه فرهنگ عمومی استان اصفهان» در سال ۱۳۸۶ (با لوح تقدیر به امضاء امام جمعه اصفهان آیت الله طباطبائی نژاد و به دست ایشان) مفتخر گردم، مدیریت برخی از نهادهای علمی و فرهنگی را نیز عهده دار بوده ام که از آن جمله می توان به مسئول نمایندگی ولی فقیه در مراکز سپاه استان اصفهان از سال ۱۳۷۰ تا۱۳۷۷ ، مسئول موسسه فرهنگی اطلاع رسانی تبیان اصفهان از سال ۱۳۸۱ تا پایان سال ۱۳۸۶، مشاور امور روحانیون استاندار اصفهان از سال ۱۳۸۴ تا پایان ۱۳۸۶ اشاره کرد.

اینجانب هماکنون علاوه بر مدیر عامل مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان ، مشاور پزوهشی سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه بوده و مدیرموسسه فرهنگی و اطلاع رسانی راسخون می‌باشم که سایتWWW.RASEKHOON.COM یکی از فعالیت های آن موسسه است.

شایان ذکر است حقیر در کنار فعالیتهای علمی، مدیریتی و مسؤولیتهای فوق‌الذکر، به عنوان عضو هیئت علمی در همایش‌های« بزرگداشت فیض الاسلام» سال ۱۳۸۳ و دبیر علمی «بزرگداشت آیت اللّه العظمی سید ابوالحسن مدیسه ای اصفهانی» سال ۱۳۸۸، و عضو هیئت مدیره «موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان» و عضو اصلی هیئت مدیره «شرکت چاپ و انتشارات اسوه» می‌باشم و علاوه بر سخنرانی در محافل مذهبی ، علمی وهمایش های فرهنگی ، در برنامه های مختلف رادیو اصفهان به عنوان کارشناس دینی (از جمله در اکثر اعیاد مذهبی و عزاداری ها و تمامی صبح ها قبل و بعد از اذان) به ایراد سخن می پردازم.

واخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

سید احمد سجادی

سجادی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جعفر سجادی در اسفند ماه ۱۳۰۳ هجری شمسی درکارماسه، از روستاهای بلوک لنجان سفلای اصفهان، برکرانه غربی زاینده رود به دنیا آمد. دکتر سید جعفر سجادی استاد دانشگاه تهران است. او از هیچ آغاز کرد و به مدارج عالیه کمال رسید. کوشش وجدیت او بود که وی را در ردیف یکی از پرکارترین و پراثرترین استادان دانشگاه تهران درآورد.پدر سید جعفر، سید علی سجادی نام داشت و مردی روستایی و کشاورز بود. سید علی با لغت عرب آشنایی داشت و بر رسایل عملیه و فتواهای علمای مشهور تسلط داشت. سید علی را «سید باطن دار» نیز می گفتند.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

والدین و انساب : پدر سید جعفر سجادی، سید علی سجادی مردی روستایی و کشاورز بود. سید علی با لغت عرب و بر رسایل عملیه و فتواهای علمای مشهورآشنایی تسلط داشت. سید علی را «سید باطن دار» نیز می گفتند.

خاطرات کودکی : سید جعفر سجادی با سختی خا مرارتهای دوران کودکی توانست نقش آینده را ترسیم نماید ، او از این دوران چنین یاد می کند : «... در چهار پنج سالگی با پای برهنه قاچ قاچ و دست های کوچک یخ بسته از شدت سرما، چوبکی در دست، چهار گوسپند خانواده را از پس نماز صبح تا شامگاهان به چرا می برم و چون باز می گشتم انبانی از چوب و ترکه های خرد بر پشت لرزاتنم می کشیدم تا به کار گرم کردن تنور و آتشدان کرسی و شاید پختن آشی کم رمق بیاید...»

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : خانواده سید جعفر سجادی در خانه ای زندگی می کرد که سهم مشترک چند خانواده بود ؛ سهم خانواده سجادی از آن خانه حدود ۲۰۰ ذرع حیاط با یک اتاق نسبتاً بزرگ، یک پستو و بخشی از یک آغل گاو و گوسفند و بخشی از یک کاهدان و بهاربند حیوانات و مطبخی در کنار آن می رسید. در این دوران چند تن از فرزندان خانواده به کام مرگ رفتند. «در بهمن ماه ۱۳۳۳ شمسی در کرمانشاه،درخاندانی اهل علم وادب زاده شد. پدر ایشان دکتر سید جعفر سجادی، که در آن زمان در جامه روحانیت و از فضلای ایشان بود، و سالیانی پیش از آن به خواست و دعوت مرحوم آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی، همراه چند تن از فضلا مانند مرحوم اشرفی اصفهانی، برای تأسیس و ترویج حوزه علمیه کرمانشاه، در آن شهر اقامت گزیده بود، چندی بعد به تهران آمد و همانجا ماند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید جعفر سجادی پیش از آنکه دوران مکتب را تجزیه نماید نزد پدر الفبا و یک جزو قرآن را آموخت . پدر هر چند علاقمند بود سید جعفر به تحصیل علم بپردازد ولی نمی خواست به مدرسه جدید برود چون اعتقاد داشت که« تحصیل در این گونه مدارس موجب بی دینی و بی اعتقادی می شود». بنابراین سید جعفر در پنج سالگی در همان روستای کار ماسه، با یک قران شهریشهریه در هر ماه به مکتب سپرده شد. سید جعفر در پنج سالگی تحصیلات خود را نزد «زن آخوند» که بانوی مکتب داری بود ادامه داد. او در هفت سالگی به مکتب ملا هاشم کله ای رفت. این ملا هاشم که به «معلم» ملقب بوده مردی فاضل و خوش خط بود و از ادب فارسی و عربی بهره ای داشت. سیدناجی نام استاد بعدی سید جعفر بود که در نزد او جامع المقدمات را فرا گرفته است. سید جعفر در این زمان از محضر میرزا عبدالله نکوآبادی هم کسب فیض می کرد. وی همچنین از شیخ محمد حسین شریعت فلاورجانی نیز ادبیات و اخلاق آموخته است. [همان، ص ۷–۵] سید جعفر هنگامی که برای ادامه تحصیل به اصفهان رفت، درکارخانه هراتی اصفهان مشغول به کار شد. او روزهایی را که به کار نمی رفت در مدارس علوم قدیمه اصفهان در مجلس درس استادان حاضر می شد. او در این زمان به خریدو فروش هندوانه و خربزه نیز می پرداخت و چون از این طریق مبلغی فراهم کرده بود عزم کرد که یکسره به تحصیل بپردازد. بدان علت در مدرسه اسماعیلیه یا خاتون آبادی که در یکی از محلات دروازه حسن آباد اصفهان واقع بود به تحصیل پرداخت. علاوه بر آن سید جعفر در مدرسه ثقه الاسلام،مدرسه صدر مدرسه عربان، مدرسه ملا عبدالله ومدرسه جده بزرگ درس خواند . سید جعفر سجادی چون در مدرسه مروی خوش درخشید از طرف مسئولین حوزه جهت اخذ مدرک لیسانس به دانشکده معقول و منقول معرفی شد و پس از سه سال تحصیل در سال ۱۳۲۹ ه.ش فارغ التحصیل شد. در سال ۱۳۳۴ شمسی، سجادی برای تحصیل در دوره دکتری در رشته معقول (علوم عقلی و فلسفی) ثبت نام کرد و در سال ۱۳۴۱ از رساله خود دفاع کرد و دوره دکتری را به انجام رسانید.

استادان و مربیان : سید جعفر سجادی در مدرسه اسماعیلیه یا خاتون آبادی اصفهان نزد شیخ ابوالفضل مسجد شاهی تعلیم دید. او در مدرسه صدر اصفهان نیز در محضر حاج سید رضا خراسانی و آیت الله سید حسین خادمی کسب فیض کرده است. سید جعفر در مدرسه عربان اصفهان در محضر شیخ امان الله و شیخ عبدالجواد فریدنی بود. سجادی در مدرسه عربان از کسانی چون میرزا عباس شیخ الاسلامی بهره برده است. همچنین در مدرسه جده بزرگ نزد کسانی همچون حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی، شیخ محمد تقی تفرشی، حاج آقا صدر کوهسپایی، فیاض، سید حسین خادمی، شیخ محمد علی حبیب آبادی، حاج سید جواد غروی و حاج آقا رحیم ارباب به تحصیل پرداخته است.[مهدی محقق.احوال و زندگی علمی دکتر سید جعفر سجادی ، ص ۹–۱۲] سید جعفر سجادی در مدرسه میرزا محمود تهران نیز تحصیل نمود. این مدرسه چون تازه تاسیس شده بود و استاد و مدرس فاضل و متبحری نداشت سیدجعفر به مدارس دیگری از جمله مدرسه مروی می رفت و در درس سید کاظم کروندی شرکت می کرد. او همچنین محضر آیت ا... حاج شیخ علی تهرانی میرزا باقر آشتیانی، شیخ محمد رضا قلی زاده تهرانی، شیخ محمد تقلی آملی، سید عباس آیت الله زاده فشارکی طباطبایی، سید صدر الدین جزایری، سید ابوالقاسم کاشانی و محمد باقر کمره ای، را نیز درک کرده است. استادان سید جعفر سجادی در دوران دکتری عبارت بودند از: غلامحسین صدیقی، بدیع الزمان فروزانفر.

هم دوره ای ها و همکاران : از جمله همدرسی های سید جعفر سجادی، می توان به حاج شیخ محی الدین انواری، حاج یخ مصطفی مسجد جامعی، شیخ محمدشاه آبادی و مهدی محقق بودند.

وقایع میانسالی : بعد از این که دکتر موسی عمید به نمایندگی مجلس انتخاب شد دوستانش در منزل ایشان به او تبریک و تهنیت گفتند. در آن میان سید جعفر سجادی نیز بود. سجادی نقل می کند:«... در آن میان من نیز برخاسته و گفتم جناب استاد من هم به نوبه خود انتخاب حضرتعالی را به نمایندگی مجلس تبریک عرض کرده و به مردم ایران تسلیت می گویم!» حاضرات بهت زده شدند که این دیگر چه هیولایی است؟ دکتر عمید با خوشرویی گفت تبریک به من معلوم است ولی چرا تسلیت به مردم؟ عرض کردم از آنجا که خود را شاگرد و یار شمامی دانم این منصب را تبریک گفتم: ولی چون وکیل بلا موکل هستید و به ملت تحمیل شده اید به مردم تسلیت عرض کردم. دکتر محقق نیز درآن مجلس حضور داشت. دکتر عمید مبلغی خندید و گفتند: سید تو در زندگی به هیچ جا نخواهی رسید. »

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید جعفر سجادی در سال ۱۳۳۰ ه.ش به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و بلافاصله به عنوان دبیربه ارومیه منتقل گردید.بعد از یکسال تدریس در آن شهر در سال ۱۳۳۱ ه.ش به کرمانشاه منتقل شد. او در آنجا به عنوان بازرس ویژه انتخابات برای نظارت بر انتخابات کنگاور انتخاب شد. سجادی تا سال ۱۳۳۸ شمسی در مدرسه فرخی واقع در میدان مولوی تهران تدریس می کرد. لیکن از دی ماه ۱۳۳۸ به بعد به عنئان استادیار در دانشگاه تهران مشغول به فعالیت شد.سید جعفر سجادی به دعوت دکتر معین در موسسه لغت نامه به فعالیت پرداخت و تالیف و تنظیم قسمتی از حرف«ع» لغت نامه دهخدا را بر عهده داشت. او مدیر گروه ادبیات فارسی دانشگاه تهران هم بود. سجادی در سال ۱۳۴۲ شمسی به رتبه استادیاری ارتقا یافت. او از سال ۱۳۴۸ شمسی به مرتبه دانشیاری ترفیع یافت. بعدا در سال ۱۳۵۳ شمسی درجه استادی یافته و درهمین سمت از اعضای ثابت شورای دانشکده بود. وی از سال ۱۳۵۳ به پیشنهاد دکتر کیا به عضویت فرهنگستان درآمد و در آن ایام به عضویت کمیسیون انتصابات و ترفیعات دانشکده ادبیات منصوب شد. او مدتی هم دربنیاد دایره المعارف اسلامی نیز فعالیت داشت.

جوائز و نشانها : مجامع علمی، سمینارها و جوایز سید جعفر سجادی به ترتیب ذیل است: ۱– سال ۱۳۳۸ه.ش: دریافت جایزه بهترین کتاب سال به خاطر تالیف کتاب فرهنگ فلسفی. ۲– سال ۱۳۴۹ه.ش: عضویت در انجمن روابط فرهنگی ایران و هند و همکاری با دکت تاراچند. ۳–سال۱۳۵۱ه.ش: سفر به پاکستان و بازدید از دانشگاه های آن کشور و تاسیس اولین انجمن فارغ التحصیلان پاکستانی دانشگاه تهران. ۴–سال ۱۳۵۲ه.ش: شرکت در کنگره بزرگداشت ابوریحان بیرونی. ۵– سال ۱۳۵۳ه.ش: سفر به ترکیه برای ایراد سخنرانی و بازدید از دانشگاه ها. ۶– سال ۱۳۵۴ه.ش: شرکت در کنگره بزرگداشت ابونصر فارابی. ۷– سال ۱۳۵۵ه.ش: دریافت جایزه بهترین کتاب سال در بخش ترجمه، به خاطر ترجمه حکمه الاشراق شیخ شهاب الدین سهروردی. ۸–سال ۱۳۵۶ه.ش: شرکت در جشنواره هنر اسلامی در لندن. --

----

آثار :

۱ ابوحیان توحیدی

ویژگی اثر : [ص ۶۱]

۲ ابوریحان قلعه فولادین منطق ارسطو رادر هم می ریزد

ویژگی اثر : [ص ۵۸]

۳ احکام یا عناوین ثانویه

ویژگی اثر : [ص ۶۲]

۴ از احساس تا قوت نطق و ناطقه

ویژگی اثر : [ص ۶۰]

۵ استفاده از علوم عقلی در نحو عربی

ویژگی اثر : [ص ۶۰]

۶ اصل و اصول

ویژگی اثر : [ص ۵۹]

۷ اصلاحات پزشکی در جهان عرب، م، ح، الخیاط

۸ افکار اجتماعی فارابی

ویژگی اثر : [ص ۵۹]

۹ افکار فلسفی و علمی ابوریحان بیرونی

ویژگی اثر : [ص ۵۸]

۱۰ الادب الفارسی به زبان عربی

ویژگی اثر : [ص ۵۷]

۱۱ الادب الفارسی بین روافد التصوف و العرفان

ویژگی اثر : به زبان عربی. [ص ۵۷]

۱۲ انسان کامل

ویژگی اثر : [ص ۵۹]

۱۳ اوضاع اجتماعی نیم قرن

ویژگی اثر : [ص ۶۰]

۱۴ بررسی مجموعه رسایل مرحوم سید کاظم عصار

ویژگی اثر : [ص ۵۸]

۱۵ بنیاد اصول فقه

ویژگی اثر : [ص ۵۸]

۱۶ تاریخ برمکیان

۱۷ تاریخ دولت های اسلامی و خاندان های حاکم بر سرزمین اسلامی

ویژگی اثر : ترجمه و تلفیقی است از کتابهای استنلی لین پور، برتولت و خلیل ادهم

۱۸ تاریخ نگاری در اسلام

ویژگی اثر : بحثی نظری درباره دیدگا های تاریخ نگاری توسط مورخان عصر اسلامی و مکتب های تاریخ نگاری و شیوه ضبط ئ درج حوادث تاریخی است

۱۹ تالیف و تنظیم حرف «ع» لغت نامه دهخدا

ویژگی اثر : [ص ۵۶]

۲۰ تجلی عرفان درادب فارسی

ویژگی اثر : [ص ۵۷]

۲۱ ترجمه زبده البیان فی احکام القران مقدس اردبیلی

ویژگی اثر : [ص ۵۵]

۲۲ ترجمه و تحشیه آرا اهل مدینه الفاضله ابونصر فارابی

ویژگی اثر : [ص ۵۵]

۲۳ ترجمه و تحشیه حکمه الاشراق

ویژگی اثر : این اثر تالیف شیخ شهاب الدین سهروردی است [ص ۵۵]

۲۴ ترجمه و تحشیه سیاسات مدینه ابونصر فارابی

ویژگی اثر : [ص ۵۵]

۲۵ ترجمه و تحشیه فصل المقال فیمابین الحکمه و الشریعه من الاتصال

ویژگی اثر : این اثر تالیف ابن رشد است. [ص ۵۵]

۲۶ ترجمه و شرح بیست باب مقدمه دلاله الحائرین ابن میمون

ویژگی اثر : [ص ۵۵]

۲۷ تصحیح جغرافیای حافظ ابرو

۲۸ تصحیح دیوان حافظ

۲۹ تصحیح و تحشیه تفسیر حدائق الحقایق

ویژگی اثر : این اثر تالیف معین الدین هروی است. [ص ۵۴]

۳۰ تصحیح و توضیح فرهنگ المرقاه

ویژگی اثر : این اثر تالیف بدیع الزمان ادیب نطنزی است. [ص ۵۵]

۳۱ تفسیر قرآن و تاریخچه آن

ویژگی اثر : [ص ۵۸]

۳۲ جلال الدین مولوی بین طریقت و شریعت

ویژگی اثر : [ص ۵۸]

۳۳ جهان تصوف

ویژگی اثر : [ص ۵۹]

۳۴ حدوث و قدوم

ویژگی اثر : [ص ۶۰]

۳۵ حرکت جوهری

ویژگی اثر : [ص ۶۲]

۳۶ حق و حقیقت

ویژگی اثر : [ص ۵۹]

۳۷ حکمت اسلامی و فلسفه یونانی

ویژگی اثر : [ص۵۷]

۳۸ حکمه الاشراق

ویژگی اثر : [ص ۶۱]

۳۹ حکومت جهانی

ویژگی اثر : [ص ۵۹]

۴۰ حواس پنجگاه از نظر شیخ اشراق

ویژگی اثر : [ص ۶۱]

۴۱ روشهای تفسیر قرآن مجید

ویژگی اثر : [ص ۵۵]

۴۲ سفرنامه برزو به هند و منشا کلیله و منه

ویژگی اثر : ترجمه است و نوشته محقق ارجمند فرانسوا دوگلوا

۴۳ سهم ایرانیان در گسترش تمدن اسلامی

ویژگی اثر : [ص ۶۱]

۴۴ سیر فلسفه در شرق

ویژگی اثر : [ص ۶۱]

۴۵ شرح احوال و آثار سید قطب

ویژگی اثر : [ص ۵۹]

۴۶ شرح تمثیلات رسایل فارسی شیخ اشراق

ویژگی اثر : [ص ۵۶]

۴۷ شهاب الدین سهروردی و فلسفه اشراق

ویژگی اثر : این مقاله در یادنامه هنری کربن چاپ شده‌است. [ص ۵۷]

۴۸ طبیعت و اطلاعات آن

ویژگی اثر : [ص ۵۹]

۴۹ عشق و هنر در فلسفه اسلامی

ویژگی اثر : [ص ۶۲]

۵۰ عقل از نظر فلاسفه و ارباب مذاهب

ویژگی اثر : [ص ۶۱]

۵۱ عقل در فلسفه وعرفان

ویژگی اثر : [ص ۶۰]

۵۲ علوم عقلی در خدمت ادب و فرهنگ (معانی و بیان)

ویژگی اثر : [ص ۶۱]

۵۳ علوم فلسفی و هدفهای آن

ویژگی اثر : [ص ۵۹]

۵۴ عین و اعیان

ویژگی اثر : [ص ۵۹]

۵۵ فارابی افکار فلسفی وی

ویژگی اثر : [ص۵۷]

۵۶ فرهنگ علوم عقلی

ویژگی اثر : [ص ۵۴]

۵۷ فرهنگ علوم فلسفی و کلامی

ویژگی اثر : [ص ۵۴]

۵۸ فرهنگ علوم نقلی و ادبی

ویژگی اثر : [ص ۵۴]

۵۹ فرهنگ لغات و اصطلاحات فلسفی

ویژگی اثر : این اثر در سال ۱۳۳۸ شمسی بهترین کتاب سال شد. [ص۴۵]

۶۰ فرهنگ لغات و اصطلاحات و تعبیرات عرفانی

ویژگی اثر : [ص ۵۴]

۶۱ فرهنگ لغات واصطلاحات فلسفی ملاصدرا

ویژگی اثر : [ص ۵۴]

۶۲ فرهنگ معارف اسلامی

ویژگی اثر : [ص ۵۵]

۶۳ فلسفه اشراق

ویژگی اثر : [ص ۶۰]

۶۴ فیزیک و متافیزیک

ویژگی اثر : [ص ۶۲]

۶۵ فیلسوف بزرگ عبدالله زنوزی

ویژگی اثر : [ص ۵۸]

۶۶ قوای نفسانی انسان

ویژگی اثر : [ص ۶۰]

۶۷ مبانی اصطلاحات ذوقی

ویژگی اثر : [ص ۶۲]

۶۸ مقالات فلسفی و کلامی در دایره المعارف بزرگ اسلامی

ویژگی اثر : [ص ۶۲]

۶۹ مقالات فلسفی و کلامی در دایره دانشنامه جهان اسلام

ویژگی اثر : [ص ۶۲]

۷۰ مقاله: مواقف مع العطار

ویژگی اثر : [ص ۵۷]

۷۱ مقدمه بر منطق

ویژگی اثر : [ص ۵۴]

۷۲ ملاصدرا و عشق

ویژگی اثر : [ص ۶۲]

۷۳ منشور تحریم فلسفه

ویژگی اثر : [ص ۶۲]

۷۴ ناصر خسرو و مقام وی درآئین اسماعیلی

ویژگی اثر : به زبان انگلیسی و گجراتی. [ص ۵۷]

۷۵ نظری بر سه مذهب بزرگ سامی

ویژگی اثر : [ص ۵۹]

۷۶ نظری بر سیاسات مدینه فارابی

ویژگی اثر : [ص ۵۹]

۷۷ نظری پیرامون آرا اهل مدینه فاضله

ویژگی اثر : [ص ۵۸]

۷۸ نقد ادبیات تطبیقی ایران و عرب

ویژگی اثر : [ص ۵۵]

۷۹ نقدی بر ترجمه الفهرست ابن الندیم به قلم رضا تجدد

ویژگی اثر : [ص ۶۰]

۸۰ نقدی بر سه حکیم مسلمان، اثر دکتر سید حسین نصر

ویژگی اثر : [ص ۵۸]

۸۱ نقدی بر سیتره فلسفیه رازی

ویژگی اثر : [ص ۶۰]

۸۲ نقدی بر قاموس الیوم

ویژگی اثر : [ص ۶۱]

۸۳ نقدی بر مجموعه سوم مصنفات شیخ اشراق

ویژگی اثر : [ص ۶۰]

۸۴ هندوستان یا مهد ذوق و عرفان

ویژگی اثر : [ص ۶۱]

۸۵ وجود در فلسفه

ویژگی اثر : [ص ۵۹]

۸۶ وجود ذهنی

ویژگی اثر : [ص ۶۱]

۸۷ وحدت وجود

ویژگی اثر : [ص ۵۹]

سجادی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جواد فرزند حجهْالاسلام حاج سید محمود سجادی نجف‌آبادی از علماء و ائمه جماعت معاصر نجف‌آباد است.

وی در سال ۱۳۰۳ شمسی در نجف‌آباد متولد شده و پس از رسیدن به حد رشد مشغول به دروس ابتدائی و متوسطه گردیده و بعد به خواندن جامع المقدمات درب محل خویش پرداخته و پس از آن مشرف به بلده طیبه قم در سال ۱۳۱۹ شمسی گردیده و مقدمات و ادبیات را در نزد مرحوم حاج شیخ محمود سلیمانی نجف‌آبادی و مرحوم حاج شیخ علی‌اصغر قزوینی و آقای الهی لاهیجانی و آقای شمس لنگرودی و آقا سید محمدعلی قزوینی و سطوح وسطی را خدمت حجهْالاسلام حاج شیخ اسداللّه نوراللهی و آیت‌اللّه صدوقی یزدی و فاضل همدانی خوانده و در ایام تعطیلی تابستانی حوزه علمیه قم به اصفهان آمده و در خدمت مرحوم حجهْالاسلام حاج سید محمدباقر سده‌هی و حاج شیخ محمدحسن عالم نجف‌آبادی اشتغال داشته و سطوح عالی را در خدمت آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی و آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالرزاق قائنی مرحوم آیت‌اللّه مجاهدی و آیت‌اللّه آقا سید محمدصادق شریعتمداری تلمذ نموده.

و پس از پایان سطوح به درس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه موسوی و آیت‌اللّه گلپایگانی و آیت‌اللّه مرعشی نجفی و آیت‌اللّه حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و آیت‌اله حاج سید محمد داماد شرکت و استفاده نموده و بعد چند سال است که در نجف‌آباد در مدرسه مرحوم ریاضی به تدریس و اقامه جماعت در مسجد مرحوم والدش و خدمات دیگر دینی اشتغال دارد.

معظم‌له علاقه مفرطی به خط نویسی دارد و در هنر خط بخصوص نستعلیق تخصص و حظ وافری دارند، دارای تألیفات و آثار علمی می‌باشند که از آنهاست.

۱- شرح صمدیه به فارسی که به خط ایشان افست شده

۲- توضیح‌الخط که خطوط مختلفه و خطوط مشکله را با خط نستعلیق واضح می‌نماید.

۳- شرح تبصره علامه به فارسی

۴- زندگانی حضرت امام زین‌العابدین علیه‌السلام

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

سجادی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد سجادی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد سجادی نژاد فرزند مرحوم حاج سید عباس. بعد از گرفتن ششم ابتدایی بر اساس علاقه شدید خودم به دروس حوزوی به همراه پدرم به شهرستان دامغان آمدیم. مرحوم والد که دائیشان حضرت آیةالله حاج شیخ محمد کاظم مهدوی دامغانی بود و در مشهد مقدس اشتغال به تدریس داشت. و علماء و بزرگان دامغان او را کاملا می شناختند من را به آیت الله ترابی،آیت الله شاهچراغی،آیت الله خدایی و آیت الله نصیری معرفی نمود. مدت دو سال در مدرسه علمیه حاج فتحعلی بیک ساکن و از محضر آن بزرگواران استفاده نمودم.سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۴۹ به همراه دو نفر از دوستان و هم بحثی هایم بنامهای حاج شیخ احمد فوادیان استاد فعلی و مدیر مدرسه دامغان عازم شهر مقدس قم شدیم. پس از امتحان اولیه و گزینش مدرسه کرمانیها در قم مدت پنج سال تحت برنامه خاص از محضر اساتیدی همچون استاد مظاهری،استاد احمدی میانجی،استاد شریعتی،استاد محمدی ری شهری،استاد نعیم آبادی،استاد فهیم کرمانی،سید یحیی موسوی،حاج شیخ حسین جاویدی استفاده کردم.پس از آن در امتحانات حوزه شرکت و بعد از قبولی برای ادامه دروس سطح حوزه علمیه از محضر حضرت آیت الله حاج شیخ محمد تقی ستوده مکاسب و کفایتین،از محضر حاج شیخ حسن تهرانی رسائل واز محضر سید محمد جواد ذهنی تهرانی رسایل را به اتمام رسانده و در امتحانات حوزه علمیه شرکت کرده و بعد از قبولی وارد دروس سطوح عالیه شدم.از محضر آیت الله شیخ محمد فاضل لنکرانی(ره)خارج اصول،از محضر آیت الله مکارم شیرازی خارج اصول،از محضر آیت الله علی مشکینی(ره)فقه و تفسیر و اخلاق،از محضر آیت الله انصاری شیرازی فلسفه و حکمت،واز محضر آیت الله نوری همدانی مبحث قضا در اسلام و از محضر سید شهاب الدین مرعشی و آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی دروس خارج فقه را فراگرفته و تا کنون ادامه دارد. فعلا از محضر استاد دکتر احمد عابدی فقه و اصول و آیت الله جوادی آملی درس تفسیررا بیش از ۲۰ سال است که زانوی ادب بر زمین زده و تلمذ نموده ام.فعالیت سیاسی — علمی:در این ایام بدلیل اینکه جناب استاد فهیم کرمانی عده ای از طلاب را کاندید و راهنمائیهای لازمه را داده بودند که یکی از آن افراد این حقیر بود برای بردن کتاب حکومت اسلامی حضرت امام خمینی(رضوان الله تعالی علیه) به شهرستانهای مختلف و پخش اطلاعیه های مرحوم حضرت امام (ره) مورد شناسایی و تحت تعقیب ساواک قرار گرفتم. لذا مدت ۴ ماه در باغات روستایمان زرین آباد دامغان مخفی بودم بمحض آمدن به قم مورد تعقیب مجدد قرار گرفته.ومجدد تا چندین ماه به تهران رفتم.تا اینکه بنا به پیشنهاد رفقایم معمم شده و به شهرستانها و روستاهای مختلف برای تبلیغ و ارشاد می رفتم بدلیل منبر سیاسی در نطنز مورد تعقیب قرار گرفتم و بنا بدستور سرلشکر محققی محکوم به اعدام غیابی شدم که بعد از پیروزی انقلاب حکم اعدام در ژاندارمری شهرستان دامغان نشانم دادند.در جریان حمله کماندوهای رژیم سفاک پهلوی به چهار مدرسه قم،فیضیه،حجتیه،خان و رضویه. نیمه شب به مدرسه خان هجوم ساواکیها شروع شد در حجره شماره ۱۱ که من ساکن بودم. یک فرد ساواکی که داخل حجره برای تفتیش شد و من به او اعتراض کردم که چرا با کفش پا روی زیلویی که متعلق به امام زمان(عج الله تعالی فرجه الشریف) هست پای می گذاری آن مرد ملعون مرا طلب کرد وقتی جلویش رفتم آنچنان سیلی به صورتم زد که سرم بدیوار حجره خورد و مدهوش شدم بعد از سه شبانه روز فهمیدم در بیمارستان آیت الله گلپایگانی هستم باز برای مدت کوتاهی به روستایمان رفتم. چون اگر قم بودم شناسایی و دستگیر می شدم در دامغان به کانون جوانان برای سخنرانی طبق دعوت مرحوم شهید سید حسن شاهچراغی رفتم در آنجا هم دستگیرشده و بعد از ۴۸ ساعت با وساطت علماء دامغان آزاد شدم.سپس به قم آمدم و در منازل دوستان بسر می بردم تا اینکه کم کم طنین انقلاب اسلامی با تظاهرات مردم به رهبری حضرت امام(ره) و سایر علماء قم شروع شد.اینجانب نیز شرکت در راهپیمائیها و بعضا سخنرانی های آتشین و بیان اعلامیه هارا وظیفه خود می دانستم. بعد از انقلاب طبق دعوت شهید عزیز حاج سید قاسم موسوی دامغانی(ره) برای تدریس و مدیریت حوزه علمیه و امام جمعه موقت مدت ۳ سال در رامهرمز اهواز بودم.بعد از آن طبق دعوت موسوی کرمانی بعنوان معاونت آیت الله محمد حسین کرمانی نماینده حضرت امام(ره) در سازمان عقیدتی- سیاسی شهربانی به مدت ۵ سال معاونت دوائر و شعب اداره عقیدتی سیاسی شهربانی در تهران را عهده دار بودم. سپس با رفتن آن بزرگوار از شهربانی من هم به قم آمده طبق دعوت آیت الله احمد علی احمدی شاهرودی و حجت الاسلام و المسلمین محمد حسن نعیمی مدت ده سال بعنوان استاد دروس اخلاق و تربیت ریشه های انقلاب معارف ۱ و ۲، و صیتنامه الهی و سیاسی حضرت امام(ره) و بعنوان مسئول دفتر فرهنگ اسلامی در دانشگاههای آزاد اسلامی دامغان و شاهرود مشغول خدمت بودم. در دوران دفاع مقدس در این زمان با بیش از هیجده ماه حضور در جبهه های حق علیه باطل را داشتم. طبق دعوت کتبی فرمانده محترم لشکر ۱۴ امام حسین (علیه السلام) شهید خرازی و فرمانده محترم لشکر حضرت ابوالفضل (علیه السلام) در جنوب و غرب بانه، مریوان و سقز و ... مشغول به تبلیغ و بیان احکام برای رزمندگان اسلام بودم. بدلیل اینکه فرزندانم بزرگ شده بودند و مستاجری برای ما مشکل آفرین شده بود به قم آمده و بعد از ۲۴ ساعت طبق دعوت جناب حجت الاسلام و المسلمین نظری در قسمت مدیریت فرهنگی آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه (س) در قسمت کتابخانه مشغول خدمت شدم که تا کنون ادامه دارد و بحمدالله در این فاصله ۱۴ساله در سفری که مقام معظم رهبری به قم داشتند و سوال معظم له از تولیت آستانه مقدسه آقای مسعودی که شما راجع به وکلاء ائمه اطهار(ع) که در قم مدفونند و علماء و بزرگانیکه در حرم مطهر، شیخان و ... چه کردید؟ آیا آنها را احیاء کرده اید؟ لذا تولیت آستانه دو نفر را کاندید احیاء این امر خدا پسندانه کرد که جناب حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمود مهدی پور بعنوان مسئول و این حقیر بعنوان مدیر اجرایی و ارزیاب و عضو شورای ستارگان شدیم.عصاره این امر ۲۵ جلد کتاب با نام مبارک"ستارگان حرم "می باشد که چاپ شده و در مراکز مختلف علمی بعنوان منبع از آنها استفاده می شود. و روزهای چهار شنبه تلویزیون از همین کتاب ها بیوگرافی راویان،محدثان،وکلاء و علماء را شرح می دهد.ضمنا بیش از ۱۴ مقاله تحت عنوان زندگینامه علماء ربانی که به تحقیق و نگارش اینجانب در ستارگان حرم و گلشن ابرار چاپ گردیده است. خدمات اجتماعی:۱-در فاصله سی و سه سال تبلیغ و ارشاد در مناطق مختلف شهرها و روستاهای ایران تاسیس بیش از بیست کتابخانه با کتابهای متنوع برای مردم مخصوصا نسل جوان. ۲-ایجاد حمام بهداشتی برای روستا به صورت نمره.۳- ترمیم راههای روستا و ایجاد پل در چند روستا.۴-کمک به فقرای آبرومند بیش از دویست مورد.

سجادی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد سجادی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۶/۱/۲

زندگینامه علمی

ولد السید محمد السجادی فی مدینه اصفهان سنه ۱۳۲۶ ه. ش فهو ابن حجه الاسلام السید ابو الحسن السجادی ، الذی ینتهی نسبه الی السید حسین الاصغر ابن الامام علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین .

وقد بدأ داسته فی الحوزه العلمیه فی مدینه اصفهان بعد أن أنهی دراسته الابتدائیه و بعد إنهائه دروس المقدمات انتقل إلی عش آل محمد مدینه قم المقدسه : لاکمال دراسه الفقه والاصول فی حوزتها العلمیه.

ولانه ممن لم یکونوا فی منأی عما یدور من الأحداث السیاسیه ، التی کانت تعصف ببلاده و با قی بلدان العالم الاسلامی . فقد کان بتمتع بحس سیاسی ملفت للنظر. لهذا کان من المطاردین من قبل قوات أمن النظام الشاهنشاهی المقبور، مما اضطره الی الهجره الی العرق .و بعد ما استقر ،سکن فی مدینه النجف الشرف، بجنب باب مدینه العلم لینهل علوم اهل بیت من منبعه الصافی علی ید اساتذه لهم الباع الطویل فی مجال التعلیم و التدریس ، نذکر منهم :

آیه الله العظمی الامام خمینی

آیه الله الغظمی السید الخوئی

آیه الله العظمی السید البجنوردی

العلامه الشهید آیه الله مصطفی الخمینی

والی جانب دراسته العلمیه المستمره والموفقه ، لم ینس بلده و ما یعانیه الشعب الایرانی تحت حکم الطاغوت البغیض من القهر والظلم والابتزاز ، لهذا فد انضم الی صفوف (روحانیون مبارز خارج از کشور) التی کان لها صدی قوی فی التصدی الی النظام و فضح تصرفاته الشائنه ولما أراد الامام خمینی ترک الاراضی العراقیه عن طریق الحدود الکویتیه ، لملابسات یعلم بها الجمیع ، کان المولف حفظه الله فی رکاب ذلک القائد العظیم . فهاجر معه هجرتین من الکویت الی فرنسا ، ومن فرنسا الی ایران بعد أن فتح الله تعالی علی المجاهدی فی ایران من دحر النظام العمیل ، وارساء اللبنه الاولی فی صرح الدوله الاسلامیه المجیده ، التی هی نموذج ساطع للدول الاسلامیه فی کافه أنحاء العلم .

وبعد أن استقرالنظام اسلامی فی ایران و تثبتت أرکانه ، عاد المولف الی مدینه العلم و العلماء الی قم المقدسه لیتحف الحوزه العلمیه فیها بما کسبه من علم و معرفه .لینشر ها بین طلابها

و من انجازاته جمع و تنظیم وتحقیق مولفات استاد الشهید العلامه آیه الله السید مصطفی الخمینی و قد بذل جهداً کبیراً و مضنیاً فی سبیل اخراج ذلک السفر الکبیر ،و قد تم نشره بکامله ، و هو الان من الکتب التی تحضی باهتام ومتابعه طلاب الحوزات العلمیه کافه.

سجادی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود فرزند آقا سیدجواد از علما جماعت و سادات خمینی شهرستان نجف‌آباد به دنیا آمده و در بیت علم و سیادت پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات در مل به اصفهان آمده و از محضر مدرسین بزرگ حوزه اصفهان مانند آیت‌اللّه حاج میرزا بدیع و آیت‌اللّه آقا سید محمدباقر درچه‌ای (استاد آیت‌اللّه العظمی بروجردی) و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید مهدی درچه‌ای و آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدتقی مسجدشاهی معروف به (آقانجفی) استفاده نموده و پس از وصول مقام علم و کمال و معنویت به نجف‌آباد برگشته و به انجام وظائف دینی از قبیل اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ارشد انام پرداخته تا در شب سه‌شنبه اول ربیع‌الاخر ۱۳۸۶ ق در سن ۸۶ سالگی به رحمت حق و جوار اجداد طاهرین خویش پیوسته است.

مرحوم سجادی به واسطه قدس و تقوا و زهد و معنویت خاصی که داشت مورد علاقه و توجه عموم مردم نجف‌آباد و حومه آن بود و مردم به او به نظر (اجاق) می‌نگریسته و اعتقاد مخصوصی داشتند و او را صاحب نفس و مستجاب الدعوه می‌دانستند و لذا در مرگ او ازدحام عجیبی نموده و با آه و حسرت او را تشییع کردند.

مرحوم سجادی دارای منبر جذاب و مهیجی بودند و در ایام عاشوراء و شبهای قدر و جمعه که دعاء کمیل و غیره می‌خواندند صدای گریه و ناله مردم به اطراف نجف‌آباد می‌رسید.

و آن مرحوم سهم مبارک امام علیه‌السلام قبول نمی‌کردند و از سهم سادات هم حتی‌المقدور خودداری می‌کرد زیرا چنانچه اشاره نمودم مردم عقیده و ارادات خاصی به ایشان داشتند و همواره سیل نذورات از نجف‌آباد و اطراف آن به سوی آن مرحوم سرازیر بود و آنچه می‌رسید نمی‌گذاشت تا شب بماند.

بلکه به فقراء می‌داد عده‌ای نسبت کرامت به او می‌دادند و قضایای بسیاری از ایشان حکایت شده که موید این معنا می‌باشد از خصایص ایشان کثرت توسلش به ساحت قدس ولی عصر عجل‌اللّٰه فرجه الشریف بود که در شدایدش پیدا نموده و فورا به نتیجه می‌رسید.

از آثار ایشان مسجد بزرگ نجف‌آباد است که منظره آن گذشت و آن مزین به کاشیکاریهای درونی و بیرونی است که نصف آن در زمان حیات آن مرحوم بنا و مابقی بعد از فوت ایشان به دست فرزندش حجهٔ‌الاسلام آقا سیدجواد سجادی به اتمام رسید.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

سجادی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌اللّٰه حاج آقا یحیی ابن العالم الجلیل السید محمدباقر (صدرالعلماء) سجادی از علماء مبرز و معروف معاصر تهران دارای مقام علم و معنویت و مقامات باطنی و قدس واقعی بوده است سالهای متمادی در مسجد حاج سید عزیزاللّٰه بازار تهران که مرکز اجتماع تجار و اصناف است امامت می‌نموده و هر شب بعد از نماز عشاء به منبر رفته و با بیانی قاطع و بلیغ تفسیر قرآن کریم نموده و موعظه می‌کرد.

در منبر بسیار آرام و متین و مودب بود هرگز دیده نشد بدن و یا دست خود را حرکت دهد. وی در خاندان علم و ادب پرورش یافته بود زیرا پدران و نیاکان او تمامی از علماء و مجتهدین مبرز بودند و با سلسله جلیله خاتون آبادیها و امام جمعه‌ای‌های تهران و اصفهان انتساب و بستگی داشت. وکیل مطلق زعیم اعظم و مرجع اعلاء عصرش مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی بود و وجوهات تهران را به نجف و حوزه علمیه قم بامر مرحوم سید می‌رسانید. حقا عالمی بود ربانی و دانشمندی سبحانی، منطق و منظرش انسانی را بیاد خدا می‌آورد بسیار دیده شد که شبهای تار عبا بسر کشیده و درب منازل ارامل و ایتام و بینوایان رفته و مانند اجداد کرامش به آنها مساعدت می‌نمود. به مرحوم حجهٔ‌الاسلام و المسلمین آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدتقی بافقی اخلاص مخصوصی داشت و هر ماه یکی دوبار برای دیدن او بشهر ری آمده و او را ملاقات می‌کرد باین نگارنده میفرمود افسوس که دیر حاج شیخ را شناختم و در مرگ آن مرحوم بتشییع او شرکت کرده و اظهار تأثر می‌نمود. در هشتم محرم در سال ۱۳۷۰ ق از دنیا رفته و جنازه‌اش را با شکوه و جلال حمل به نجف اشرف و در جوار جدش بخاک سپردند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

سجاوندی غزنوی، محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۶۰ ق)، مفسر، قاری، فقیه حنفی، ریاضیدان و شاعر. وی از دانشمندان و عالمان بزرگ قرن ششم هجری است که با سلطان سنجر سلجوقی معاصر بود و آثار بسیار ارزشمندی در تفسیر و علوم دینی تالیف کرد. وی در سرودن شعر نیز توانا بود، اشعار چندی نیز از وی در تذکره‌ها نقل است. از جمله آثارش: «انسان عین المعانی» در تفسیر و مختصر آن «عین المعانی فی تفسیر السبع المثانی»؛ «ذخایر الثمار فی اخبار السید المختار»؛ «التفسیر»؛ «الایضاح فی الوقف و الابتداء»، در مجلدی بزرگ که دلیل تبحر سجاوندی در علم قرآن است؛ «علل القرآت»، در چند مجلد؛ «غرائب القران»، در تفسیر لغات مشکل آن؛ «السراجیه» «یا فرائض سجاوندیه»، که شرحهای بسیاری بر آن نوشته شده و مشهورترین آنها «شرح سید شریف جرجانی» است؛ «التجنیس»، در حساب و ریاضیات. در منابع مختلف، کنیه و لقب او چون نام و نام پدرش محل اختلاف است و به صورتهای مختلف ابوعبداللّٰه، ابوطاهر، مجدالدین و سراج‌الدین ذکر شده است.[۱]

ابوالفضل محمد بن ابویزید طیفور عزنوی، از دانشمندان علم قرائت در قرن ششم (ف. ۵۶۰ ه.ق.). از آثار معروف وی کتاب وقوف است در شرح موادر وقف در قرآن، کتاب الوقف و الابتداء در شرح انواع وقف، کتاب الموجز در شرح بعض انوع وقف، کتاب انسان عین المعانی در تفسیر سبع المثانی، نسخ همه کتابهای مذکور در دست است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۴۸/۷)، دایرةالمعارف فارسی (۱۲۷۵ -۱۲۷۴ /۱)، الذریعه (۳۱/۱۶)، ریاض العارفین (۱۷۴)، ریحانه (۴۴۳ -۴۴۲ /۲)، کشف الظنون (۱۱۸۲، ۸۵۲، ۳۵۳)، الکنی و الالقاب (۳۰۸/۲)، لباب الالباب (۲۸۳ -۲۸۲ /۱)، لغت نامه (ذیل/ سجاوندی و احمد)، معجم المؤلفین (۲۳۳/۱۱، ۱۱۲/۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۷۸/۳)، هدیه الاحباب (۱۴۸)، هدیه العارفین (۱۰۶/۲).

سجاوندی، محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد بن عبدالرشید (یا محمد بن محمد بن عبدالرشید) حنفی مکنی به ابوطاهر و ملقب به سراج‌الدین از بزرگان علما و فقهای قرن پنجم (ف. حدود ۴۷۰ ه.ق.). از تألیفات اوست: کتاب «فرائض سجادیهٔ» که چند بار در لندن، کلکته و مصر به طبع رسیده و شروح بسیار بر آن نوشته‌اند.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

سجزی بغدادی، ابومحمد دعلج

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۳۵۱ -۲۵۹ ق)، فقیه و محدث. اصل او از سیستان است. محدث بغداد در زمان خود بود. به شهرهای خراسان و ری و حلوان و بغداد و بصره و کوفه و مکه سفر کرد و حدیثها شنید. از محمد بن عمرو قشمرد نیشابوری و عبداللّٰه بن محمد شیرویه و جعفر بن محمد ترک و علی بن محمد حکانی قزوینی و هشام بن علی سیرافی و عبداللّٰه بن احمد بن حنبل و محمد بن ابراهیم بوشنجی و محمد بن ایوب رازی و علی بن حسین بن جنید رازی و عثمان بن سعید دارمی و ابومسلم کجی و امام الائمه ابن‌خزیمه و دیگران حدیث روایت کرد. دارقطنی و ابوعلی بن شاذان و احمد بن ابی‌عمران هروی و استاد ابواسحاق اسفراینی و ابن‌رزقویه و ابن جمیع غسانی و ابوعبداللّٰه حاکم نیشابوری و عده‌ای دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. او را در روایت به دریا تشبیه کرده‌اند. مدت زمانی مجاور مکه شد؛ سپس به بغداد رفت و در آنجا ساکن گردید. از آنجایی که تاجر پیشه و دارای اموال بسیار بود، صدقات جاریه و وقفهای بسیاری بر اهل حدیث سیستان و بغداد و مکه نمود و حاکم گوید که گشاده دست‌تر از وی نبود. از آثارش: «مسند» یا «المسند الکبیر»، در «الاعلام»، «مسند المقلین» نیز به وی نسبت داده شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۸/۳)، تاریخ بغداد (۳۹۲ -۳۸۷ /۸)، سیر النبلاء (۳۵ -۳۰ /۱۶)، معجم المؤلفین (۱۴۵/۴)، وفیات الاعیان (۲/ ۲۷۱- ۲۷۲).

سجزی، ابوسعید احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۳۰- ح ۴۱۵ ق)، منجم و ریاضیدان. با ابوجعفر احمد بن محمد صفّاری، عضدالدوله‌ی دیلمی و ابوریحان بیرونی معاصر بود و با آنها ارتباط داشت. ظاهرا بیشتر ایام عمر خود را در شیراز به سر برد و گاهی نیز در خراسان می‌زیست. از آثار وی: نامه‌ی جوابیه‌ی به ابوجعفر احمد بن محمد صفاری در باب «انقسام خط مستقیم ذی نهایهٔ بنصفین»؛ «رسالهٔ فی عمل مثلث حادی الزوایا من خطین مستقیمین مختلفین»، که برای قطیف بن یمن نوشت؛ «رساله‌ی خواص الشکل المجسم الحادث من ادارهٔ القطع الزاید و المکافی»؛ رساله‌ای در حل ده مسأله که یکی از ریاضیدانان شیراز از وی پرسیده بود؛ کتاب «فی مساحهٔ الاکرباکر»؛ «رسالهٔ فی اخراج الخطوط فی الدوایر الموضوعهٔ من النقط المعطاهٔ»؛ « رسالهٔ فی الجواب عن المسائل التی سئل فی حلّ الاشکال المأخوذهٔ من کتاب المأخوذات لارشمیدس»؛ «الجامع الشاهی»، که آن را به نام عضدالدوله‌ی دیلمی نوشت؛ کتاب «المدخل الی علم النجوم»، به نام ابوجعفر احمد بن محمد صفّاری؛ «تحصیل القوانین»، راجع به قوانینی که منجم در استنباط قضایای نجومی بدان نیاز دارد؛ «الجامع علی الجمل و الجوامع»؛ «احکام الاسعار». مجموعه‌ی خطی نفیسی از کتابها و رسالات ریاضی به خط سجزی در کتابخانه‌ی ملی پاریس به شماره‌ی ۲۴۵۷ موجود است که دارای ۲۲۰ برگ و مشتمل بر چهل و نه رساله و کتاب ریاضی از ریاضیدانان دوره‌ی اسلامی است که همه آنها را سجزی در بین سالهای ۳۵۸ تا ۳۶۱ ق در شیراز استنساخ کرده است. در «کشف الظنون» و «معجم المؤلفین» سال مرگ او ۴۷۷ ق ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار الباقیه (۳۴۲)، اعیان الشیعه (۱۲۲ /۳)، ایضاح المکنون (۳۵۲ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۶۶ -۳۳۵ /۱)، تاریخ نجوم اسلامی (۳۱۲)، چهار مقاله (۸۹)، الذریعه (۲۴۷ /۲۰)، ریحانه (۱۲۸ /۷)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان دوره‌ی اسلامی (۲۵۹ -۲۵۱)، کشف الظنون (۱۷)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (۱۱۵ /۲).

سجزی، احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن محمد بن عبدالجلیل سجزی، منجم و ریاضی‌دان معروف (ف. ۴۱۴ ه.ق.) وی با ابوجعفر احمد بن محمد صفاری و عضدالدوله دیلمی معاصر بوده است و از جمله آثار او جامع شاهی (ه.م.) است.

بر گرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

سجستانی، ابوحاتم سهل

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۵۵ –۲۴۸)، نحوی، لغوی، قاری، محدث و شاعر. وی شاگرد ابوزید انصاری و ابوعبیده بن مثنی و اصمعی و ابوعامر عقدی و دیگران بود. او قرآن را از یعقوب حضرمی فراگرفت. «کتاب» سیبویه را دو مرتبه بر اخفش خواند. در زمره‌ی شاگردانش از ابن‌درید و ابوالعباس مبرد یاد شده است. رشته‌ی اصلیش آثار شاعران قدیم و اصطلاحات و عروض و لغت و غرائب و علوم قرآنی بود. محدثینی چون ابوداوود و نسایی در «سنن» خود و ابوبکر بزاز در «مسند» خود و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند بطوری که هر روز دیناری به تصدق می‌داد و هر هفته قرآنی ختم می‌کرد. وی شعر را نیکو می‌سرود. دارای سی و هفت کتاب است که از آن جمله: «اعراب القران»؛ «اختلاف المصاحف»؛ «الاضداد»، کتاب «المعمرین من العرب»؛ «ما یلحن فیه العامه»؛ «المقصور و الممدود»؛ «المقاطع و المبادی»؛ «القرآت»؛ «الفصاحه»؛ کتاب «خلق الانسان»؛ «المذکر و المونث»؛ کتاب «الطیر»؛ «الوحوش»؛ «الحشرات»؛ «النبات»؛ «النخله»؛ «الشوق الی الوطن».[۱]

(ع. سیستانی) ابوحاتم سهل بن محمد بن عثمان بن یزید جشمی، عالم لغوی، نحوی و مقری (ف. ۲۵۵ ه.ق./ ۸۶۴ م.). او در بصره میزیست و از علوم قرآنی و عروض اطلاع وافی داشت. الکتاب سیبویه را نزد اخفش آموخت و از اصمعی و ابوزید انصاری و ابوعبیده معمر بن مثنی روایات بسیار در لغت و اقسام ادب دارد. ابن درید و مبرد شاگرد اویند. او راست: کتاب الشمس و القمر، کتاب فی النحو، کتاب الشوق الی الوطن، کتاب الوصایا، کتاب مایلحن فیه العامهٔ، کتاب الطیر، کتاب المذکر و المؤنث. (سهل)

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۱۰/۳)، ایضاح المکنون (۳۵۱، ۳۵۰، ۳۴۲، ۳۲۲، ۳۰۷، ۲۹۲، ۲۹۰، ۲۸۹، ۲۸۵، ۲۶۲ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۴/۱)، تهذیب التهذیب (۲۳۴ –۲۳۳ /۴)، الجرح و التعدیل (ج ۲، ق ۲۰۴/۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۲۲/۸)، روضات الجنات (۹۰ –۸۸ /۴)، ریحانه (۴۴۴ –۴۴۳ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۱۰۳ –۱۰۲ /۱)، سیر النبلاء (۲۷۰ –۲۶۸ /۱۲)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۱۰۰)، کشف الظنون (۱۷۸۱، ۱۵۷۷، ۱۴۶۹، ۱۴۶۶، ۱۴۶۲، ۱۴۵۷، ۱۴۵۴، ۱۴۵۲، ۱۴۵۲، ۱۴۴۹، ۱۴۴۶، ۱۴۳۹ ، ۱۴۳۶ ، ۱۴۲۹، ۱۴۲۳، ۱۳۸۸، ۱۳۸۷، ۱۳۸۳، ۱۱۸۹، ۱۲۳، ۱۱۵، ۳۳)، الکنی و الالقاب (۴۵ –۴۴ /۱)، لغت نامه (ذیل/ ابوحاتم)، معجم الادباء (۲۶۵ –۲۶۳/۱۱)، معجم المؤلفین (۲۸۶ –۲۸۵ /۴)، وفیات الاعیان (۴۳۳ –۴۳۰ /۲).

سجستانی، ابوداوود سلیمان

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۷۵ –۲۰۲ ق)، حافظ، محدث و فقیه اهل سنت. اصل وی از سیستان بود. به دنبال حدیث به گرد شهرها گشت و از خراسانیان و عراقیان و شامیان و جزریان و مصریان و دیگران پانصد هزار حدیث نوشت و از آن میان چهار هزار و هشتصد حدیث را انتخاب کرد و این مجموعه را کتاب «السنن»، که یکی از «صحاح» ششگانه‌ی اهل سنت است، نام نهاد. وی از سلیمان بن عبدالرحمان دمشقی و احمد بن صالح و ابوالولید طیالسی و اسحاق بن راهویه و احمد بن حنبل و قتیبه بن سعید بلخی و علی بن مدینی و عبدالرحمان بن مبارک و محمد بن صباح دولابی و علی بن جعد و یحیی بن معین و بسیاری دیگر حدیث شنید. ترمذی و سنایی، صاحبان «صحاح»، و ابوحامد احمد اشعری اصفهانی و احمد بن محمد هروی و حرب بن اسماعیل کرمانی و حسین بن ادریس هروی و عبداللّٰه بن احمد اهوازی و عبدالرحمان بن خلاد رامهرمزی و ابوبشر دولابی و محمد بن جعفر فریابی و محمد بن خلف بن مرزبان و ابوعوانه یعقوب اسفراینی و عبداللّٰه بن محمد رازی و بسیاری دیگر از روی روایت کرده‌اند. او در بصره ساکن شد و چندین بار به بغداد رفت و کتاب «السنن» خود را روایت می‌کرد و یک بار آن را بر احمد حنبل عرضه کرد و به تایید وی رساند. ابوداوود در بصره درگذشت. از آثارش: «السنن» یا «سنن ابی‌داود»، در دو جزء؛ «المراسیل»، در حدیث؛ «البعث»؛ «تسمیه الاخوه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۸۲/۳)، تاریخ بغداد (۵۹ –۵۵ /۹)، تهذیب التهذیب (۱۵۶ –۱۵۳ /۴)، الجرح و التعدیل (ج ۲، ق ۱۰۲ – ۱۰۱ /۱)، روضات الجنات (۷۸ –۷۷ /۴)، ریحانه (۹۵ –۹۴ /۷)، سیر النبلاء (۲۲۱ –۲۰۳ /۱۳)، طبقات الحفاظ (۲۶۶ –۲۶۵)، کشف الظنون (۱۷۳۹، ۱۴۶۲، ۱۴۵۸، ۱۴۲۳، ۱۴۱۸، ۱۴۰۵، ۱۴۰۲، ۱۳۸۷، ۱۰۰۴، ۷۶۰)، الکنی و الالقاب (۶۵ –۶۴ /۱)، معجم المؤلفین (۲۵۶ –۲۵۵ /۴)، الوافی بالوفیات (۳۵۴ –۳۵۳ /۱۵)، وفیات الاعیان (۴۰۵ –۴۰۴ /۲)، هدیه الاحباب (۱۵).

سجستانی، نصیرالدین محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هتفم ق)، ریاضیدان. معروف به رمال و معزم. از علمای ایرانی که در روم اقامت داشت و در هندسه و علوم غریبه و ریاضیات

بسیار ماهر بود از آثار او است: «دقایق الحقایق» در علوم خفیه؛ «مونس العوارف»، که منظومه‌ای است در معراج و معجزات و غرایب.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۱۵۲ -۱۵۱).

سجستانیه

قرن:۷

جنسیت:زن

ملیت:ایران

پیش از نیمه دوم قرن هفتم هجری، از زنان شاعر. رباعی زیر از اوست:

برخاسته بسته‌ای قبا تا به کجا
ای همچو سهیل بر سما تا به کجا
من دی رخ زیبای تو را مه خواندم
امروز بدیدم از کجا تا به کجا

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: نزهةالمجالس، ۳۲۷، ۶۹.

سحاب اصفهانی، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۲۲ ق)، شاعر، متخلص به سحاب. ملقب به مجتهد الشعراء. اصلش از سادات حسینی اصفهان و از شعرای عهد فتحعلی‌شاه قاجار بود و کتاب «رشحات سحاب» خود را به نام او نوشت. سحاب در علم نجوم و طب، شعر شناسی و فنون ادبی دارای اطلاعات کافی بود. در اواسط زندگی به مکه معظمه سفر کرد ه و بعد از بازگشت به منصب داروغگی دفتر همایون رسید. کالبد او را به امر فتحعلی‌شاه به نجف اشرف برده، و در آن جا دفن کردند. از آثار او است: «روضه البکاء» و «سحاب البکا» در مراثی سیدالشهداء؛ تذکره‌ی «رشحات سحاب»؛ «دیوان» اشعار حاوی پنج هزار بیت که در تهران چاپ شده است.[۱]

(بخش ۱) (میرزا، سید) محمد بن سید احمد هاتف (شاعر معروف) اصفهانی. شاعر اوایل عهد قاجار (ف. ۱۲۲۲ ه.ق./ ۱۸۰۷ م.). وی به دربار فتحعلی شاه قاجار تعلق داشت و تذکره «رشحات سحاب» را به نام آن پادشاه تألیف کرد. دیوانش شامل قریب ۵۰۰۰ بیت است. در قصیده تابع شاعران قرن ششم و در غزل پیرو شاعران قرنهای هفتم و هشتم است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۳۷ -۳۵ /۱)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۹۸/۴)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۶۴۰ -۶۳۶ /۱)، حدیقه الشعراء (۷۵۱ -۷۴۷ /۱)، دانشمندان آذربایجان (۱۷۹)، دایرۀالمعارف فارسی (۱۲۷۵/۱)، الذریعه (۱۴۹/۲۵ ،۲۳۵/۱۱ ، ۴۳۲/۹)، ریحانه (۴۴۵/۲)، سفینه المحمود (۳۷۱ -۳۶۰ /۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۶۳)، فرهنگ سخنوران (۴۴۰)، گنج سخن (۱۷۵ -۱۶۶ /۳)، لغت نامه (ذیل/ سحاب)، مجمع الفصحا (۴۶۰ -۴۵۲ /۴)، مصطبه‌ی خراب (۷۶ -۷۴)، مکارم الآثار (۷۵۵ -۷۵۳ /۳)، نگارستان دارا (۹۰ -۸۸).

سحاب شیرازی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۶ ق)، شاعر، متخلص به سحاب. در شیراز به کسب علم و هنر پرداخت و به هندوستان رفت و در بمبئی مدرسه‌ای تاسیس و خود تدریس می‌کرد. وی به زبان انگلیسی مسلط بود به طوری که در این زبان معلم صاحب «آثار عجم» بود. سحاب با صاحب «تذکره مرآت الفصاحه» و «طرائق الحقائق» ملاقاتی داشته.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۵۹ -۵۵۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۳ -۶۲ /۳)، طرائق الحقائق (۴۷۲/۳)، مرآت الفصاحه (۲۷۱).

سحابی استرآبادی، کمال‌الدین، حسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۰/۱۰۱۶/۱۰۲۱ ق)، صفوی و شاعر. وی اصلا اهل جرجان و معاصر با شاه عباس صفوی بود و در شوشتر متولد شد. در جوانی جهت کسب علم به نجف رفت و مدت چهل سال در آن دیار انزوا اختیار کرد و به تهذیب اخلاق و تحصیل کمال پرداخت. سحابی در سرودن غزل و رباعی بسیار توانا بود و به آیات قرآن استشهاد بسیار می‌کرد. از آثار وی: «دیوان غزلیات» شامل ۲۸۰۰ بیت؛ «مجموعه رباعیات»؛ «رساله‌ی عروه الوثقی»، مرکب از نظم و نثر.[۱]

استرابادی شاعر (ف. ۱۰۱۰ ه.ق./ ۱۶۰۱ م.). اصل وی از استرآباد و زادگاهش شوشتر بود و چهل سال از عمر خود را در نجف گذرانید. او به ترانه‌ها و رباعیات عارفانه متوسط خود شهرت یافته است و غزلیاتی هم دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۷۸۸ -۷۸۰ /۲)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۶۸/۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۶۵ -۸۵۸ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۱۳ -۴۱۲)، دایرةالمعارف فارسی (۱۲۷۵ /۱)، الذریعه (۴۳۳/۹)، ریاض العارفین (۸۶ -۸۵)، ریحانه (۴۴۶ -۴۴۵ /۲)، سرو آزاد (۱۵ -۱۴)، شعرای مازندران و گرگان (۱۴۱ -۱۴۰)، فرهنگ سخنوران (۴۴۱)، گنج سخن (۶۳ -۶۲ /۳)، لغت نامه (ذیل/ سحابی)، مجمع الخواص (۳۰۵ -۳۰۴)، مجمع الفصحا (۴۰ -۳۹ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۹۴ -۲۹۳ /۳)، هفت اقلیم (۱۱۳ - ۱۱۱ /۳).

سحابی، یدالله

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۱۵ ش)، استاد دانشگاه و نویسنده. وی خدمات فرهنگی خود را از آموزگاری شروع کرد و پس از آن به دبیری ارتقاء یافت. دیپلم دکترای خود را از دانشگاه لیل فرانسه دریافت کرد و از سال ۱۳۱۵ ش با سمت استادی وارد دانشگاه تهران شد. سپس استاد کرسی زمین‌شناسی دانشکده‌ی علوم شد. از آثار وی: «زمین شناسی»؛ «سنگ شناسی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۸۶۱ -۸۶۰ /۶).

سحرخوان، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد سحرخوان

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد سحرخوان در سال ۱۳۴۱ در خانواده ای مذهبی در کاشان به دنیا آمدم بعد از تحصیلات ابتدایی و راهنمایی به خاطر جو مذهبی خانواده و شرکت در جلسات مذهبی در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه مرحوم آیت الله بشری شدم. دروس مقدمات ج اول و اصول فقه و لمعه را در کاشان نزد اساتید بزرگوار خواندم و در سال ۵۸ وارد حوزه علمیه قم شدم. در سال ۶۰ با خانواده ای محترم از سادات ازدواج کردم که ثمره ازدواج یک پسر و دو دختر می باشد که مشغول تحصیلات حوزوی می باشند همزمان با شروع جنگ در حد توان در جبهه حضور پیدا کردم و بیشترین برنامه تبلیغی اینجانب همکاری با حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه بوده است و مدت یکسال به عنوان مسئول حوزه نمایندگی گچساران مشغول بوده ام از سال ۱۳۷۰ در دوره سوم تخصصی تفسیر شرکت کرده و در سال ۷۴ به پایان رسید و در سال ۷۶ تاکنون با مرکز فرهنگ و معارف قران در گروه دائرة المعارف ها به عنوان محقق و دبیر گروه همکاری می کنم و در سال ۸۲ با مرکز تحقیقاتی اسراء همکاری علمی دارم. دروس فقه و اصول را از اساتید بزرگوار آیت الله سید علی محقق داماد، آیت الله فاضل لنکرانی ، آیت الله تبریزی، آیت الله معرفت و آیت الله سبحانی و آیت الله وحید خراسانی بهره مند شده ام. خداوند انشاء الله به ما توفیق بیشتر عنایت فرماید و اساتید بزرگوار را خیر عنایت فرماید و از ما راضی نگه دارد.

سحری اردستانی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. اصلش از زواره‌ی اردستان بود. وجه معیشت وی از پیشه‌ی عطاری در شهر اصفهان تامین می‌شد. طریق صوفیه داشت و

مثنوی در تحقیقات تصوف دارد. از اشعار اوست:

اسیر غمزه‌ی طفلی شدم که صورت خویش

در آب بیند و با آفتاب در جنگ است

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۳۴/۹)، صبح گلشن (۱۹۸)، نشتر عشق (۷۲۶/۲).

سحری تهرانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. به زبان تهرانی شعر می‌گفت. صحبت مولی صبوحی خوانساری را درک کرده. از اشعار اوست:

ز چاره مردم و آن دولتم نصیب نشد

که یک نگاه ترا با خود آشنا سازم

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۱۰ –۴۰۹)، الذریعه (۴۳۴/۹)، ری باستان (۳۰۷ –۳۰۶ /۲)، صبح گلشن (۱۹۸)، مجمع الفصحا (۳۸/۴).

سحری خوانساری

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به سحری. معروف به قطب. سالها منصب قضاوت خوانسار را به عهده داشت. در اواخر عمر از این کار استعفا کرد و پس از استعفا و کناره‌گیری، امر قضاوت به فرزندش محول گشت، خاندان سحری عموما عهده‌دار قضاوت بودند. از اشعار اوست:

آشنای عشقم و از خویشتن بیگانه‌ام

گشته ایامی که با داغ جنون همخانه‌ام

هر سیه بختی که با شد کسب عشق از من کند

خون چشم بلبل و داغ دل پروانه‌ام

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای خوانسار (۱۰۰ –۹۹)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۱۸)، الذریعه (۴۳۴ –۴۳۳ /۹)، صبح گلشن (۱۹۸).

سخا لاری، زاهد علی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۴۶ ق)، شاعر، متخلص به سخا. وی به لطف طبع و شاعری معروف بود. اگرچه در گویایی اقتداری نداشت لیکن ابیات خوب داشت. طبعش شکفته و خیالش را طراوتی بود. مدتها خود و پدرش و سلسله‌اش با حزین معاشر بودند. لاری در ایام اختلال اوضاع ایران به حکومت لار و بنادر فارس معین شد، مدتها با افاغنه نبردهای مردانه نمود. آخرالامر مغلوب ایشان شد، مدتی در اصفهان محبوس بود از جانب ایشان به حکومت بندرعباس مقرر شد به مقر حکومت که رسید همچنان همت بر مخالفت آن جماعت گذاشت مدتها به آن منوال گذرانید بالاخره، تاب مقاومت نیاورد در زمان محمدشاه به هندوستان رفت به استصواب برهان‌الملک بهادر به ملازمت پادشاه به منصب اعلی سرفرازی یافت. در سال ورود به هندوستان به دست یک زن مغنیه که در هندوستان بود به تحریک اغیار مسموم و در مقبره‌ی برهان‌الملک بهادر شاه جهان‌آباد مدفون شد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای پنجاب (۱۷۲ –۱۷۱)، تذکره المعاصرین (۳۵۵ –۳۵۲، ۱۹۵ –۱۹۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۴ –۶۳ /۳)، الذریعه (۴۳۴/۹)، شام غریبان (۱۳۶)، فرهنگ سخنوران (۴۴۲)، مخزن الغرائب (۷۱۰ –۷۰۸ /۲).

سخاوت، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۰۴.

درگذشت: ۱۳۷۵، تهران.

حسن سخاوت مدرس انجمن خوشنویسان بود. از جمله آثار خطاطی اوست: ارغنون حقیقت (سروده‌ی عبدالرفیع حقیقت، ۱۳۷۱)؛ افسانه‌ی نیما (۱۳۷۰)؛ ترانه‌ها: بخشی دیگر از دیوان بویه (اسدالله آل بویه، ۱۳۷۳)؛ رستم و سهراب (۱۳۶۹)؛. مجموعه کامل غزل‌های سعدی (۱۳۶۹)؛ مجموعه کامل غزل‌های فروغی بسطامی (۱۳۷۴).

پیکرش در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

سخاوتی لادانی، نصرالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نصرالله سخاوتی لادانی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب نصرالله سخاوتی لادانی فرزند قاسمعلی متولد ۱۳۴۰ در اصفهان در خانواده‌ای متدین و مذهبی در منطقه ای ازاصفهان دیده به جهان گشودم. مختصری از آنچه به یاد می‌آورم بدین شرح است: دوران ابتدایی را با موفقیت فوق‌العاده‌ای که ایزد منان عنایت فرموده بود، در محله مجاور به پایان رساندم. چنانکه می‌توان گفت در کلیه کلاسهای ابتدایی، شاگرد اول کلاس و در کل مدرسه شاگرد نمونه بودم. چه لذت بخش و سرور آفرین بود روزی که معلم کلاس اول ما به بنده مباهات می‌کرد و در یک شرط‌بندی با معلم کلاس چهارم مرا به آن کلاس برد تا هرچه آنها می‌گویند بنویسم! دوران راهنمایی را در همان محل تولد (یعنی لادن که زادگاه آیت الله جنتی و مرحوم پدرش نیز می‌باشد) سپری نمودم. امّا از آنجا که علی رغم سن پایینم که هنوز به بلوغ نرسیده بودم شدیداً سیاسی شده بودم! و به رادیوهای مخالف با رژیم در آن زمان گوش می‌دادم و اطلاعاتی که به دستم می‌رسید می‌خواندم و نیز به نوارهای حضرت امام(ره) گوش می‌دادم لذا به دلایل فوق الذکر تا حدودی از پرداختن به کیفیت درس هایم عقب ماندم.

با اخذ مدرک سیکل وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و پس از یکسال به قم آمدم و در مدرسه رسالت به دروس حوزوی تداوم بخشیدم. در عین حال از گرفتن مدرک دیپلم در کنار دروس حوزوی غافل نماندم و با تغییر رشته از ریاضی به اقتصاد به اخذ دیپلم نیز نائل شدم. البته تا سال ۵۶ که به قم آمدم اجازه ندادم کسی با خبر شود که اینجانب به چه کاری اشتغال دارم چون جو زمانه اصلاً به نفع و در راستای تشویق ما نبود. بنابراین برای خود من هم تعجب آور است که چگونه چنین شد. زیرا در آن زمان ما شدیداً سیاسی شده و تحت القائات جزوات سیاسی مجاهدین (منافقین) و... قرار داشتیم و ممکن به نظر نمی‌رسید که یک دفعه از حوزه سردرآوریم، اما به لحاظ لقمه پاکی که از رنج پدر و دعای مادر ناشی می‌شد خداوند بر ما منت نهاد. به لحاظ شناخت برخی دوستان از اینجانب، پس از انقلاب هرچه تلاش کردم که به درس‌هایم ادامه دهم موفق نشدم و لذا در سپاه پاسداران بودم و تا سال ۶۰ که اینجانب را به فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بروجن منصوب نمودند و بعد از آنکه خواستم برای ادامه تحصیل به قم بیایم، باز به فرماندهی عملیات سپاه اصفهان منصوب شدم و تا سال ۶۳ که موفق شدم به قم بیایم عضو شورای فرماندهی سپاه اصفهان بودم، و در سال ۶۵ نیز جهت ادامه تحصیل موفق به استعفا از سپاه گردیدم.

البته بعضاً در این دوران در جبهه‌ها مسئولیت گردان در لشکر امام حسین(ع) را نیز داشتم. همزمان با دروس حوزوی، این بار به تحصیل در موسسه در راه حق نیز پرداختم و دوره عمومی معارف و الهیات را به پایان رساندم. حدوداً سال ۷۱ که جهت تبلیغ به کردستان رفته بودم با اصرار دوستان، مسئولیت مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور که کلیه علما، طلاب و روحانیون کردستانات (آذربایجان غربی و کردستان) را تحت پوشش دارد پذیرفتم و تا سال ۷۳ در آنجا بودم پس از بازگشت از کردستان در رشته علوم سیاسی (کارشناسی ارشد) موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) شرکت کردم. سال ۷۵ از پایان‌نامه‌ام با عنوان همگرایی در خاورمیانه به مشاورت آقای دکتر سریع القلم و راهنمایی آقای دکتر قوام، با درجه عالی و نمره ۱۸ دفاع نمودم.

پوشیده نماند که در همین دوران سفر به کردستان و پیش از آن؛ در دانشگاههای نراق، کردستان، آشتیان، علامه طباطبایی (ادبیات و حسابداری) در قم و تهران به تدریس معارف و الهیات اشتغال ورزیدم و هم اینک در موسسه امام خمینی به دروس تخصصی علوم سیاسی (تاریخ روابط بین‌الملل) و همچنین در دانشگاه آزاد اسلامی قم نیز به دروس تخصصی رشته علوم سیاسی مشغول هستم و این علاوه بر اشتغالات ویژه روزانه‌ام در رابطه با تدریس سیوطی و... در خود حوزه (مدرسه معصومیه) می‌باشد. به مدت دو سال نیز پس از آمدن ازکردستان به عنوان معاونت پژوهشی حضرت آیت الله مصباح یزدی الشریف در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)خدمت می‌کردم که بعد به بهانه تعقیب دکتری رها نمودم. از نظر تحقیق و تألیف باید بگویم که علاقه فراوان دارم لکن زمانه پرشور ما که انقلاب و جنگ و امثال آن بود توفیق کافی از این نظر را از ما سلب نمود در عین حال در سال ۱۳۵۸ فقط یکی از کتابهای داستانم تحت عنوان قصه حامد و حمید توسط انتشارات آزادی چاپ گردید.

همچنین مقاله‌ای از اینجانب تحت عنوان خطر صهیونیزم در سه شماره از مجله پاسدار اسلام از منشورات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سالهای ۶۴ به چاپ رسید. با روی کار آمدن طالبان در افغانستان به سال ۷۳ یعنی همان زمانی که خیلی‌ها حسن نیت

نشان می‌دادند، این حقیر به گوشزد نمودن خطرات فراوان آنها در یک مقاله که آخرین شماره روزنامه کیهان ۱۳۷۳ تحت عنوان اگر طالبان نباشد آن را به چاپ رسانید، پیشنهاد نموده بودم که با تلاش فراوان و پیگیری، چگونه می‌توانند فعالیت‌های طلاب و روحانیون شیعه و سنی در افغانستان یک کاسه شود. فعالیتهای علمی حقیر علاوه بر مقاله فوق و مطالب بالا عبارتند از: مقاله دیگری در کیهان به مناسبت ۲۶ آذر ۱۳۷۹، سه مقاله نیمه مفصل در شماره‌های ۲۲ و ۴۳ و ۵۵ مجله علمی تخصصی معرفت، سه مقاله در روزنامه رسالت، بیشتر از ده مقاله در هفته نامه پرتو، یک مقاله در مجله تبیان (به اضافه مدتی سردبیری این مجله)، نوشتن بخش مبانی کتاب غرب‌شناسی چاپ مؤسسه امام خمینی تحت عنوان رنسانس، نوشتن دروس سیاسی که در انتهای کتاب مبانی اندیشه‌های اسلامی به قلم جمعی از نویسندگان در موسسه امام خمینی (سال ۱۳۸۱) به چاپ رسید. کتاب اسلام و دموکراسی نشر مرکز مطالعات حوزه علمیه در سال ۱۳۸۳ نیز به قلم اینجانب بود.

سخای اصفهانی، محمد زمان

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی مدتی در اصفهان، کاشان و گاهی در یزد حکومت داشت و بعد از درگذشت پدرش به وساطت امین‌الدوله منصب استیفاء یافت. محمد زمان خان در سرودن دو بیتی توانا بود و ابیاتی چند از وی در تذکره‌های دوره‌ی قاجاریه موجود است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۳۴/۹)، سفینه المحمود (۳۷۱/۱)، مجمع الفصحا (۴۰۱/۴)، مصطبه‌ی خراب (۸۷ -۸۶)، نگارستان دارا (۹۱ - ۹۰).

سخن اصفهانی، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۱۶ ق)، شاعر. از مردم اصفهان بود، به عزم تجارت به هند رفت، در مدرس مورد توجه و اکرام نواب امیرالامرا بهادر خان واقع شد و خطاب خانی و بهادری و منصب داروغگی دیوان خاص او را یافت. در همان شهر وفات کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۷۵۲ -۷۵۱ /۱)، الذریعه (۴۳۵ -۴۳۴ /۹)، ریحانه (۴۵۱ -۴۵۰ /۲)، صبح گلشن (۱۹۹)، فرهنگ سخنوران (۴۴۲).

سخن شیرازی، نبی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر، متخلص به سخن. اهل شیراز بود. بزرگ منشی خوش اوقات بود، طبع درویشانه داشت، و برای کسب معاش به علاقه علاقه‌بندی همت می‌گماشت. از اشعار اوست:

ای روح روان و مونس جانی چند

وی جمع‌کننده‌ی پریشانی چند

این آبله نیست برزخ زیبایت

بر روی تو مانده چشم حیرانی چند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۴/۳)، الذریعه (۴۳۵/۹)، صبح گلشن (۱۹۹ -۱۹۸)، نشتر عشق (۷۵۸ -۷۵۶ /۲)، مخزن الغرائب (۷۱۱ -۷۱۰ /۲).

سخنور یزدی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۸ ش)، شاعر، متخلص به سخنور. وی در یزد متولد شد دانشهای اولیه و قسمتی از مقدمات صرف و نحو را نزد پدر که مکتب دار و محرر بود فراگرفت، سپس به تهران آمد و در این شهر به انجمنهای ادبی راه یافت و اشعارش در بعضی نشریات و

تذکره‌ها به چاپ رسید. «دیوان» اشعارش قریب پنج هزار بیت از انواع شعر می‌باشد که تاکنون طبع نشده است. از او است:

ادب آن است که بیهوده نگویی سخنی

خاصه آنجای که بنیان سخن بر ادب است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره سخنوران یزد (۵۶۹ -۵۶۸)، سخنوران نامی معاصر (۱۷۶۲ -۱۷۵۸ /۳)، فرهنگ سخنوران (۴۴۳).

سخی رازی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. از سادات ری بود و سخن‌سنجی نیکو و بسیارگو. از اشعار اوست:

می‌رفت و خون دل به راهم می‌ریخت

دوزخ دوزخ شرر ز آهم می‌ریخت

می‌آمدم وز شوق آن گلشن رو

صحرا صحرا، گل از نگاهم می‌ریخت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۵۰)، صبح گلشن (۲۱۱)، فرهنگ سخنوران (۴۴۳)، نشتر عشق (۷۳۱/۲).

سخی کاشانی، ابوطالب

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از مقربان درگاه شاه طهماسب صفوی بود که در سرودن غزل مهارت داشت و گویا در جوانی وفات یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۷۸ -۶۷۷)، تذکره‌ی روز روشن (۳۵۰)، فرهنگ سخنوران (۴۴۳).

سخی کرمانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به سخی. اهل کرمان و ترک نژاد بود و بیشتر قصیده‌پرداز بود و طبعش در نظم قصیده بیشتر بود چنان که از قصیده‌ای که در مدح شاه عباس اول گفته است ظاهر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۲۴۶ -۲۴۵)، الذریعه (۴۳۵/۹)، ستارگان کرمان (۲۲۳ -۲۲۲)، نشتر عشق (۷۳۱/۲)، مخزن الغرائب (۶۷۴ -۶۷۳ /۲).

سدهی اصفهانی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۳ -۱۳۰۶ ق)، عالم دینی، مدرس و زاهد. در طایفه معروف میرزا سیدهاشم در محله درب سید از محلات فروشان سده اصفهان به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت. سپس به اصفهان رفت و ملازم دائی خود، علامه میرزا عبدالرحیم، شد و مقدمات را نزد او خواند و آنگاه در ۱۳۲۸ ق عازم نجف گشت و به محضر درس ملا محمدکاظم خراسانی راه یافت. پس از او در حوزه‌ی درس فقه و اصول شیخ علی گنابادی و شیخ اسماعیل محلاتی و میرزای نایینی و شیخ آقا ضیاءالدین عراقی شرکت کرد. او رجال را نزد سید ابوتراب خوانساری و معقول را در خدمت شیخ عبدالحسین رشتی و سید محمدحسین بادکوبه‌ای فراگرفت. در نجف درگذشت و در صحن علوی دفن شد. از آثارش: «تقریرات» استادانش در فقه و اصول و حکمت؛ رسائل مستقل ناتمام در فقه و اصول.[۱]

سید اسماعیل بن سید حسن بن سید اسماعیل بن رضا بن هاشم بن محمد شفیع بن عبدعلی بن ملک بن حبیب بن فصیح بن ابراهیم بن کریم بن رکن‌الدین بن زین‌الدین بن صالح بن عیسی بن حسن بن احمد بن یحیی بن ابراهیم بن حسن بن عبداللّه بن الامام موسی الکاظم (ع) از بیتی که در اصفهان معروف به طائفه (میرزا سیدهاشم) عالمی جلیل و مدرسی فاضل و ورعی پرهیزکار بوده است.

وی در سال ۱۳۰۶ ق در محله درب سید از محلات فروشان (خمینی‌شهر) متولد شده و پس از پرورش در آنجا به اصفهان آمده و ملازمت دائی خود علامه میرزا عبدالرحیم را اختیار و به تحصیل مقدمات پرداخته و پس از آن در سال ۱۳۲۸ ق در سن ۲۲ سالگی مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر علامه ملامحمد کاظم خراسانی و آقا شیخ علی گنابادی و علامه شیخ اسماعیل محلاتی و میرزا محمدحسین نائینی و شیخ آقاضیاءالدین عراقی و در رجال از آقاسید ابوتراب خونساری و در معقول از علامه آقا شیخ عبدالحسین رشتی و آقا سید محمدحسین بادکوبه‌ای استفاده نموده تا به مدارج عالیه در معقول و منقول رسیده است.

تقریراتی در فقه و اصول و غیر آن دارد وی در نجف اشرف بیمار شده و در پنجم ماه شوال ۱۳۷۳ ق به اجدادش ملحق و در صحن مطهر نزدیک مقبره معین التجار اصفهانی مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تذکره القبور (۱۳۷ -۱۳۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۵/۱۴).

سدهی اصفهانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۵۸ ق)، عالم دینی، منجم، ریاضیدان، ادیب و شاعر، متخلص به ضیائی. معروف به حاج آقا بزرگ. نسبش به محمد دیباج، فرزند امام جعفر صادق (ع) می‌رسد. وی شاگرد سید میرزا محمدهاشم چهار سوقی و آقا نجفی و جمعی دیگر از علما بود. علاوه بر فقه و اصول در حکمت و نجوم و ریاضیات و طب و علوم غریبه تبحر داشت. شعر را نیز نیکو می‌سرود. او امام جمعه‌ی سده اصفهان بود. در سن نود و چهار سالگی درگذشت و در انتهای شبستان مسجد جامع فروشان سده دفن شد. از او آثاری در علوم گوناگون باقی مانده، و در «اخلاق» و «تقلید» و «فقه» و «معاملات» و «طب» و «ختوم و ادعیه» و «مقتل» رساله‌هائی دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۴۳۸ -۴۳۷)، ریحانه (۴۵۴ -۴۵۳ /۲)، گنجینه‌ی دانشمندان طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۴۱/۱۴).

سدهی اصفهانی، نعیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر. در اوایل مشروطه در تهران درگذشت. پسرش منشی اول سفارت انگلیس در تهران بود. از آثار وی: «کلیات نعیم سدهی»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۶۳۷ -۶۳۶ /۶).

سدهی، غیاث‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید غیاث‌الدین سدهی متولد ذی‌حجه ۱۳۱۱ و متوفی ۱۳۴۹ ق و مدفون در زاویه مسجد جامع سده از فضلاء سده و این بیت جلیل بوده تحصیل خود را در اصفهان و تهران و مشهد و نجف اشرف به پایان رسانیده و از راه منبر به تبلیغ دین پرداخته و خدماتی انجام داده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

سدهی، محمد رحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به حاج آقا سدهی. عالم فاضل، از مؤثّقین نزد امام جمعه اصفهان بوده، در شب ۱۸ صفر سال ۱۳۳۷ در سفر زیارت در مشهد وفات یافت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

سدید اعور، سدیدالدین محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۵۵۰ ق)، شاعر. از طایفه‌ی اکراد کرماج و با اثیرالدین اخسیکتی معاصر بود و با یکدیگر مشاعره و معارضه داشتند. از اشعار اوست:

گویند که بر دمید از گل خارش

جرمی‌است که می‌نهند بر گلزارش

چون صورت او همیشه در چشم من است

عکس مژه‌ی من است بر رخسارش

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۴/۱)، تاریخ مشاهیر کرد (۴۱/۱)، تذکره‌ی روز روشن (۳۵۰)، الذریعه (۴۳۵/۹)، ریحانه (۴۵۶ - ۴۵۵ /۲)، لغت نامه (ذیل/ سدیدالدین اعور کرماج)، مجمع الفصحا (۶۹۶/۲)، مخزن الغرائب (۵۵۲ -۵۵۱ /۲).

سدید رازی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، موسیقیدان و شاعر. برادرزاده‌ی عطاءاللّه ورامینی رازی، قاضی زمان شاه طهماسب اول (۹۸۴ -۹۳۰ ق)، بود. برادر وی، قاضی عبداللّه نم داشت که در زمان سلطان محمد خدابنده (۹۹۶ -۹۸۵ ق) می‌زیست. میرسدید علاوه بر سرودن شعر در موسیقی نیز دست داشت. در «الذریعه» نسبت صاحب عنوان زاری ذکر شده است. صاحب «تاریخ موسیقی» میرسدید را فرزند قاضی عطاءاللّه می‌داند. به آورده‌ی این تذکره خانواده‌ی قاضی در ری مردمانی دانشمند و خوش مشرب و شاعر و موسیقیدان و مقرب پادشاهان صفوی بوده‌اند. از او اشعاری در تذکره‌ها ذکر شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (۳۲۱/ ۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۲)، الذریعه (۳۹۸/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۴۴۳)، مجمع الخواص (۷۹)، هفت اقلیم (۵۲/ ۳).

سدید غزنوی، سدیدالدین علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. اهل غزنین و از مداحان سراج‌الدوله خسرو ملک بود. دیوان شعر نیز دارد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۶۹/۹)، لباب الالباب (۴۰۷ -۴۰۵ /۲)، هفت اقلیم (۳۳۲/۱).

سدید قمی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر و طبیب. وی همانند پدرش در دو دانش طب و شاعری سررشته داشت پدر او نیز طبیب مشهوری بود و کتابی در این فن به نام «نجم اللئالی» تالیف کرده است. سدید در سرودن شعر توانا بود و به شیوه‌ی عرفی شیرازی شعر می‌سرود. در مشهد درگذشت و همان جا دفن شد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۵۰)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۰)، الذریعه (۲۶۲ -۲۶۱ /۹).

سدید گیلانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. معروف به سدید گیلک و خلیفه. وی مردی تنگدست و دانشمند بود که در سرون غزل توانایی و مهارت داشت. از آثارش: «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۳۱)، الذریعه (۴۳۵، ۳۰۲/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۴۴۴)، مجالس النفائس (۳۸۴)، مجمع الخواص (۲۸۵).

سدیدالسلطنه‌ی کبابی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۲۰ -۱۲۵۰ ش)، مورخ، نویسنده و شاعر، متخلص به عاری. وی در بغداد متولد شد، پس از کسب علوم مقدماتی در بوشهر، وارد خدمات دولتی شد و بیشتر دوران خدمت خود را در نواحی خلیج فارس گذراند. در دوره‌ی تحصیل سیوطی را نزد آقا سید جواد مجتهد یزدی و جامع المقدمات را نزد حاج شیخ محمد امام جمعه و علوم ادبی را نزد میرزا حسین اهرمی متخلص به معتقد و ملا حسن کبکانی متخلص به محمود و کلیات محمود جدید را نزد سید جمال‌الدین اسدآبادی آموخت. او چندین کتاب با تحقیق و تتبع فراوان تالیف کرده که اکثرا درباره‌ی خلیج فارس، جزایر، بنادر و زندگی ساکنین آن حدود است. از آثار اوست: «اعلام الناس فی تاریخ بندرعباس»؛ «التدقیق فی سیر الطریق»؛ «احوال اهرم و تنگستان»؛ «احوال خوانین و عشایر قشقایی»؛ «احوال شیوخ بندر لنگه»؛ «مفاتیح الادب فی تواریخ العرب»؛ «شقایق النعمان فی احوال العمان»؛ «ضمیمه اللطیفه»؛ «المناص فی احوال الغوص و الغواص» و «دیوان اشعار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۶۳ -۵۵۵ /۳)، الذریعه (۳۳۰/۲۴)، شرح حال رجال (۲۴۴ -۲۴۳ /۶)، فرهنگ سخنوران (۶۰۷)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۱۷۱ -۱۷۰، ۷۱ /۱)، مرآت الفصاحه (۳۹۵ -۳۹۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱۰/۴ - ۴۱۹/۱).

سر رشته‌دار، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا مرتضی. از مستوفیان و کارگزاران دستگاه ظل السلطان بوده، در شیراز خدمت رحمت علی شاه نعمت‌اللهی رسیده، و در زمره عرفا و صوفیه وارد شده، در علم سیاق، استاد، و خط نستعلیق را خوب می‌نوشته، در غره‌ی رجب سال ۱۳۲۰ وفات یافته، بیرون بقعه‌ی فیض مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

سراب تنکابنی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۲۴ -۱۰۴۰ ق)، فقیه، اصولی، فیلسوف و متکلم امامی. معروف به فاضل سراب. وی با شیخ جعفر قاضی معاصر بود و در محضر علامه‌ی مجلسی و محقق خوانساری تلمذ کرد. او از شاگردان محقق سبزواری در فقه بود. از استادانش مجلسی و سبزواری اجازه‌ی روایت داشت. ملا محمدعلی استرآبادی و شیخ علی عاملی، نوه‌ی شهید ثانی، نیز به وی اجازه دادند. فرزندانش ملا محمد صادق و ملا محمدرضا و همچنین ملا محمد شفیع لاهیجی و سید محم صادق حسینی و شیخ زین‌الدین خوانساری از وی اجازه‌ی روایت کسب کردند. در اصفهان از دنیا رفت و در محل خاجو در اول تخت پولاد دفن شد. از آثارش: «اثبات الصانع القدیم بالبرهان القاطع القویم»؛ «اثبات الواجب»؛ «سفینه النجاه»، در کلام؛ حاشیه بر «شرح لمعه»؛ رساله ای در «الاجماع»؛ «حجیه الاخبار»؛ چهار رساله در «وجوب الجمعه»؛ «ضیاء القلوب»، در امامت؛ حاشیه بر «مدارک الاحکام»، حاشیه بر «معالم الاصول»؛ حاشیه بر «ذخیره المعاد» محقق سبزواری؛ حاشیه بر «آیات الاحکام» اردبیلی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۸۱/۹)، ایضاح المکنون (۲۴/۱)، تذکره القبور (۴۵۵ -۴۵۴)، تلامذه العلامه المجلسی (۶۶)، الذریعه (۲۰۳/۱۲، ۲۶۹/۶، ۹۶/۱)، روضات الجنات (۱۰۴ -۱۰۱ /۷)، ریحانه (۵/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۷۳ -۶۷۱ /۱۲)، فوائد الرضویه (۵۵۳ -۵۵۰)، معجم المؤلفین (۱۸۰/۱۰)، هدیه العارفین (۳۱۲/۲).

سرابی مجتهدی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله بن العلامه العلام آیه الله حاج میرزا علی اکبر مجتهد سرابی از علماء بنام معاصر تبریز است که سالها در حوزه علمیه قم از محضر اساتید استفاده کرده و پس از پایان تحصیلات مراجعت به تبریز و به امامت جماعت و تدریس و سایر خدمات دینی و اجتماعی پرداخته است.

معظم له نسبا عرب می‌باشند که از نجف اشرف مهاجرت به زنجان نموده و تشکیل خانواده در شهر زنجان داده و یکی از آنها

مهاجرت به تبریز نموده و در آنجا رحل اقامت افکنده و آثار خیریه از خود باقی گذارده‌اند.
وی از طرف مادر سبط مرحوم آیه الله حاج میرزا باقر آقا مجتهد رئیس مطلق تبریز بوده بعد از برادر بزرگش حاج میرزا جواد آقا و نیز بعد از ایشان ریاست مطلقه تبریز با فرزند بزرگ حاج میرزا باقر آقا مرحوم آیه الله حاج میرزا حسن آقا مستقر گشته و آن مرحوم در انقلاب مشروطیت چند سال بسراب مسافرت نموده و بعدا دو مرتبه به تبریز مراجعت نموده‌اند.
ایشان سطح را در تبریز پیش اساتید بزرگ خوانده و در اواخر سال ۱۳۴۴ قمری مهاجرت به قم نموده و سطوح را خدمت مرحوم آیه الله خونساری و آیه الله حاج سید احمد خونساری و مرحوم آیه الله میرزا محمد همدانی تلمذ نموده و بدرس خارج آیه الله حایری شرکت و مدت شش سال از محضر آن مرحوم استفاده کرده و به اجازه اجتهاد نائل و مدتی هم از محضر مرحوم آیه الله حجت کوهکمری کسب فیض نموده و پس از آن مسافرت به نجف اشرف کرده و مقداری از محضر آیه الله العظمی اصفهانی بهره‌مند و به دریافت اجازه اجتهاد از آن حضرت مفتخر و مراجعت به تبریز نموده و تا هم اکنون در آنجا به انجام وظائف دینی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سرابی، ابراهیم

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۹۸ ق)، مذهب و خطاط. ملقّب به شیخ. از هنرمندان گمنام بود. تنها اثر رقم‌دار وی: کتابت و تذهیب «مثنوی معنوی» است که در آخر جلد سوم چنین رقم زده: «... قدوقع الفراغ فی اواخر شهر المحرم عظم اللَّه حرمته سنه ثمان و تسعین و سبعمائه برابر است ۷۹۸ کتبه و ذهبّه عبدالضعیف والحقیر الفقیر ابراهیم الملقب به شیخ ابراهیم السرابی حامداً و مصلیا علی نبیه محمد و آله اجمعین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۴۳۵ /۳).

سرابی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین بن سید میرزا آقا حسین سرابی عالمی جلیل و فاضلی فقیه از شاگردان آیت‌اللَّه آشیخ محمدحسین کاظمی و آیت‌اللَّه ملا محمد شرابیانی و غیر آنها از فقهاء اعلام و مردی صالح و پرهیزکار بوده و بعد ۱۳۴۰ ق وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سرابی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی سرابی بن العالم الجلیل آقا سید حسین مذکور از شاگردان مرحوم آیت‌اللَّه نائینی و آیت‌اللَّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و غیر آنها بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سرابی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی بن یحیی سرابی عالمی جلیل و فاضلی متقی بود و در اوائل عمرش در مشهد مقدس تحصیل می‌کرد آنگاه مهاجرت به عراق نموده و مدتی در سامرا و مدتی هم در کربلا-از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج آقا حسین قمی استفاده نموده و از ملازمین آن بزرگوار گردیده تا سال ۱۳۶۶ ق که ایشان فوت نمودند به نجف اشرف وارد و به تدریس متون فقه و اصول پرداخته در مدرسه سید و جمع زیادی از طلاب از وی استفاده می‌نمودند تا در ۲۸ ذی‌الحجه ۱۳۸۴ قمری که از دنیا رفته و در وادی‌السلام نزدیک (مقام‌المهدی عجل اللَّه فرجه) مدفون گردیده است.
دارای خلقی حسن و سیرتی نیکو و محامد آداب و محاسن اخلاق و بسیار متواضع بود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سرابی، ولی‌اللَّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۱ -۱۳۳۰ ق)، عـالم دینی و نویسـنده. در یکی از روسـتاهای سـراب به دنیـا آمـد در هفـده سالگی به تبریز رفت و به تحصـیل مقـدمات و سـطوح پرداخت. بعـد از چنـدی به سـراب بازگشت و در محضـر حاج میرزا محمـدتقی سرابی نوری تلمذ کرد. پس از بهره‌گیری فراوان مجـددا به تبریز بـازگشت و از حوزه‌ی درس آیت‌اللَّه حـاج میرزا محمود دوزدوزانی اسـتفاده‌ی کامل کرد و فقه و اصول را به طول کامـل خوانـد. او همچنین از مجـالس درس آیت‌اللَّه حـاج شـید مرتضـی خسـروشاهی و آیت‌اللَّه حاج میرزا فتاح و آیت‌اللَّه حـاج سید کـاظم شـریعتمداری بهره‌منـد گردیـد. از آثـار وی: «اثبـات الایـات» یـا «نسـخ النسـخ عن کرامه القرآن»؛ «اثبات رجعت»، در سه جلـد؛ «اثبـات الشـفاعه»، بر اساس آیات قرآن؛ «کتاب النقص»؛ «کتاب المحکم و المتشابه»؛ «الوقایه فی شـرح وصایه العروه»؛ تعلیقه بر «تبصره‌ی» علامه؛ شرح «باب حادی عشر».[۱]

ولی‌اللَّه سـرابی از علماء و مؤلفین سراب مقیم تبریز بودند تولد ایشان در یکی از دهات سراب در سال ۱۳۳۰ واقع شده و در سن ۱۷ سـالگی به تـبریز آمـده و به تحصـیل مقـدمات و سـطوح پرداخته و بعـد از چنـدی به سـراب آمـده و در خـدمت مرحوم حـاج میرزا محمدتقی سـرابی نوری تلمذ نموده و پس از اسـتفاده فراوان مجدداً به تبریز برگشـته و از محضـر مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا محمود دوزدوزانی متـوفی ۱۳۶۸ ق اسـتفاده و تکمیـل فقه و اصـول سـطحاً و خارجاً نمـوده و از مجـالس درس مرحوم آیت‌اللَّه حـاج سـید مرتضـی خسـرو شاهی متوفی ۱۳۷۲ قمری و آیت‌اللَّه حـاج میرزا فتـاح متوفی سـال مزبور و آیت‌اللَّه حـاج سـید کـاظم شـریعتمداری بهره‌منـد گردیـده و با مواجه شـدن با مشـکلات اسـتقامت و به خـدمات دینی و تبلیغی و تـدریس و تألیف پرداخته تا در سال ۱۳۹۱ قمری که دعوت حق را اجابت و به سرای جاوید شتافت.

دارای تألیفات عدیده می‌باشد به این شرح.

۱- کتاب اثبات الایات یا نسخ النسخ عن کرامهٔ القرآن مطبوع

۲- کتاب اثبات رجعت در سه جلد

۳- اثبات الشفاعه با آیات قرآن

۴- کتاب النقض

۵- کتاب المحکم والمتشابه

۶- کتاب الوقایه فی شرح وصایهٔ العروه

۷- التعلیقه بر تبصره علامه

۸- شرح طهارت و زکوهٔ و صوم عروهٔالوثقی

۹- شرح باب حادیعشر

۱۰- حواشی بر کتاب وقف وهبه عروهٔ و حواشی دیگر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۳۳۱ -۵/ ۳۳۰).

سراج اصفهانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یـازدهم ق)، شـاعر و حکاک. وی در فن حکاکی خاتم بی‌نظیر بود و شـعر نیز می‌سرود. او به حسن اخلاق نیز معروف بود. در اصفهان درگذشت. از اوست:

از ضعف به هر جا که نشستم وطن شد

از گریه به هر سو که گذشتم چمن شد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشـکده‌ی آذر (۹۴۶/۳)، احوال و آثـار نقاشان (۲۱۷/۱)، تذکره‌ی نصـرآبادی (۱۴۴ -۱۴۳)، الذریعه (۴۳۶، ۲۶۰ ۹/)، فرهنگ سخنوران (۴۴۴)، لغت نامه (ذیل/ سراج حکاک).

سراج ایزدی، احمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۰۲ ق)، خطاط. از آثار او: قرآن نیم ربعی، نسخ کتابت خفی یاقوتی و سر سروهها به خط رقاع نیم دو دانگ خوش بلکه عالی با رقم: «خـدم بکتابه هـذ المصـحف المجیـد اقل عباداللَّه الغنی احم ایزدی الملقب بسـراج عفااللَّه عنه فی شـهور سـنه اثنین و تسـعمائه» (۹۰۲).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۲۲/۴).

سراج حسنی، یعقوب بن حسن

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط. از کاتبان خوشنویس عصرخود بود که اقلام شش‌گانه را استادانه و نستعلیق را خوش می‌نوشت. از آثار وی: یک نسخه «ظفرنامه‌ی» تیموری شرف‌الدین علی یزدی، به قلم کتابت جلی و عنوان آن ثلث و رقاع عالی، با رقم: «... یعقوب حسن الملقب به سراج الحسنی القطانی... لسنه رابعین و ثمانمائه هجریه...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۷۰/۳).

سراج زاده، سیامک

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیامک سراج زاده تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته مهندسی علوم مواد (شکل دهی) در دانشگاه صنعتی شریف آغاز و تا مقطع دکتری همین رشته در دانشگاه مذکور به تحصیل پرداخت. وی مدرک دکتری خود را د سال ۱۳۸۱ اخذ کرده است.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه صنعتی شریف می باشد.

گروه : فنی و مهندسی

رشته : مهندسی مواد

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی و دانشگاهی سیامک طراج زاده به قرار زیر است: کارشناسی مهندسی علوم مواد (شکل دهی فلزات) دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۷۱ کارشناسی ارشد مهندسی علوم مواد (شکل دهی فلزات) دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۷۵ دکتری مهندسی علوم مواد (شکل دهی فلزات) دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۸۱

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : معاون تحصیلات تکمیلی دانشکده مهندسی و علم مواد ۸۶/۱۱/۲۴ عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه صنعتی شریف

فعالیتهای آموزشی : فعالیت های آموزشی و تدریس دکتر سیامک سراج زاده به قرار زیر است: شکل دهی فلزات،روشهای اجزا محدود،کارایی و شکل دهی فلزات ،شبیه سازی و مدلسازی در علوم مواد،ریاضی مهندسی،نظریه قالب سازی ،انفصالات بافت سیم،قالب پذیری بالا

آرا و گرایشهای خاص : زمینه های مطالعاتی و تحقیقاتی سیامک سراج زاده به ترتیب زیر است: از شکل دراوردن استیل بوسیله گرما،پیش بینی در انفجار مرکز طی عملیات بافت سیم،بهینه سازی ویژگی های مکانیکی تولیدات غلطکی داغ بوسیله خنک کنترل شده روی سطحهای ،مدلسازی ماکرو و میکرو برای خط غلطک داغ باریک صنعتی و ...

چگونگی عرضه آثار : ۱۱ مقاله منتشر شده در CV در نشریات داخلی و خارجی

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

سراج سگزی، سراج‌الدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۶۵۲ ق)، شاعر، متخلص به سراجی. معروف به سید سراجی، سراج مدح نصرت‌الدین سیستانی می‌گفت زمان ناصرالدین را نیز دریافته، به مدینه‌ی رفت، قصیده‌ای در نعت مردف به ردیف مصطفی صلی اللَّه علیه و آله گفته صاحب عرفات از دیوان وی انتخابی کرده و در رشته‌ی ثبت کشیده. «دیوان» شعر سراج شامل پنج هزار بیت بود. بعضی او را معاصر سلطان غزنوی ندانسته و ممدوح وی را یکی از ملوک سیستان قرار داده برخی او را و سراجی مذکور را یکی دانسته‌اند در هر حال شاعر استادی عالی نهاد و شیرین مقال بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۳۷ -۴۳۶ /۹)، فرهنگ سخنوران (۴۴۴)، مجمع الفصحا (۶۹۹ -۶۹۷ /۲).

سراج لاهوری، سراج‌الدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، شاعر. ملقب به صدر جهان. در لاهور متولد شد ولی سمرقندی الاصل بود. به تمامی علوم متداوله زمان خود آگاهی داشت. از اشعار اوست:

آن دل که به هجر دردناکش کردی

از هر فرحی که بود پاکش کردی

از خوی تو آگهم که ناگه ناگه

آوازه درافتد که هلاکش کردی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای پنجاب (۲۰)، لباب الالباب (۲۸۴/۱)، هفت اقلیم (۳۳۸/۱).

سراج یزدی، سراج‌الدین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر.از نکته‌های دلفریب وی دلهای مردم به روشنی می‌گرایید و در سخن‌سنجی بین اقران گوی تفوق می‌ربود. سراج در زمان شاه سلیمان می‌زیست. از اشعار اوست:

به روزگار ستم هر شکایتی که مراست

به روزگار دراز ار کنم نیاید راست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۱۵۶ –۱۵۵)، جامع مفیدی (۴۶۱ –۴۶۰ /۳)، الذریعه (۴۳۸/۹)، هفت اقلیم (۱۴۹/۱).

سراج، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ رضا معروف بسراج تهرانی از علماء و وعاظ مبرز معاصر تهرانست. وی در حدود سال ۱۳۳۲ ق در تهران متولد شده و پس از رشد و طی مقدمات و سطوح از اساتید و علماء تهران به قم آمده و سطوح نهائی را از مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمد همدانی و دیگران استفاده و پس از آن مدتی از درس و محضر مرحوم آیت‌اللّه موسس حایری مستفیض و پس از فوت آن مرحوم مستقیما و منقطعا از خارج فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد تقی خونساری بهره‌مند شده و در سال ۱۳۶۲ قمری مراجعت به تهران و در خیابان شهباز ساکن و بناء مسجد سلمان را نموده و چندی در آنجا به اقامه جماعت و ترویجات دینی اشتغال داشته و بعد تعمیر مسجد سرچشمه را نموده و به آنجا آمده و تاکنون در آنجا مشغول خدمات دینی می‌باشند.

نگارنده گوید: جناب آقای سراج از مصادیق (عالم ناطق مستعمل لعلمه) زمان ما و بیانی نافذ و منبری جامع و مفید و در ولایت اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام شدید و در گریانیدن مستمعین بسیار قوی و کم نظیر است. مجالس و محافلی را که اداره می‌کند پر شور و هیجان و انقلابی و کثیر البکاء خواهد بود.

در امر بمعروف و نهی از منکر لسانی صریح و بیانی ملیح دارد. در دوره سال و بالاخص دو ماه محرم و صفر و ایام فاطمیه ایفاء وظیفه نموده و معارف و حقایق دینی را با منطقی مؤثر بیان و تنویر افکار و قلوب می‌نمایند، و بیش از چهل سال است که باین سمت موفق و مفتخر است و صدها کیلوگرم از چشم مردم مسلمان و شیعه اشک در مصائب اهل‌بیت رسالت علیهم‌السلام گرفته است. جزاه اللّه عن اهلبیت نبیه خیرالجزاء.

قال الصادق علیه‌السلام فی دعاء ندبه... فعلی الاطائب من اهل‌بیت محمد و علی صلی اللّه علیهما و آلهما فلیبک الباکون و ایاهم فلیندب النادبون و لمثلهم فلتذرف الدموع الی آخره.

از آثار ایشان ترجمه و تفسیر قرآن مجید است که در تهران به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

سراج، محمدابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدابراهیم سراج

محل تولد : فیروز کوه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدابراهیم سراج در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه امام صادق(ع) شهرستان دماوند شدم. پس از گذراندن دروس مقدمات در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح را گذراندم و در سال ۱۳۷۲ به تحصیل دوره خارج حوزه پرداختم و از دانش حضرات آیات،مکارم شیرازی،وحید خراسانی،فاضل لنکرانی(ره)و برخی اعاظم دیگر بهره‌مند شدم. در کنار تحصیلات حوزوی و تألیف کتب، به تدریس علوم اسلامی در دانشگاه نیز مشغول شده‌ام که به لطف خداوند با ارتباط نیکویی که با دانشجویان برقرار نمودم، توفیق انتقال مفاهیم ناب دینی و رفع شبهات از آنها را یافتم که اکنون نیز این ارتباط تداوم دارد.لازم به ذکر است که در خلال تدریس در دانشگاه، موفق به نگارش مقالات متعددی شده‌ام از جمله: آفاتی که جوانان را تهدید می‌کند،پیامبر اکرم(ص) از دیدگاه اندیشمندان غیرمسلمان،شناخت صهیونیزم،انسان شناسی،استقامت در سیره پیامبر اعظم(ع)،که مقاله اخیر را برای یکی از همایش‌ها ارسال نموده‌ام که حائز رتبه گردید و از مقالات منتخب محسوب شد.امیدوارم خداوند متعال توفیقات خویش را بر این حقیر و همه ره پویان راه علم و ایمان افزون فرماید.

سراجای اروسانی، محمد قاسم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. طبعش بیشتر از یاران و دوستانش مشهور و کلامش پخته‌تر از آنها بود. کهنسال بود که در مشهد با حزین ملاقات کرد. در مشهد نیز درگذشت. این شخص با محمدقاسم سراجای اصفهانی که در مآثر رحیمی حالش ذکر شد تفاوت دارد چرا که سراجای اصفهانی در سال ۱۰۱۵ ق از شهر خود، اصفهان، به هنوستان رفت که این تاریخ با سال تالیف تذکره‌ی حزین مطابقت ندارد و این فرد نمی‌تواند جزو معاصرین حزین باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره المعاصرین (۳۹۲، ۲۲۵)، الذریعه (۴۳۶/۹).

سراجای گلپایگانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر و نقاش. خواهرزاده‌ی ترابای خوشنویس بود. در بدو حال نقاشی می‌کرد، بعد نقاشی را ترک گفت و به شعر و عبادت پرداخت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۹۵ -۳۹۴)، الذریعه (۱۲۱۹، ۴۳۶ /۹)، صبح گلشن (۵۳۵).

سراجای نقاش اصفهانی، محمد قاسم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر و نقاش. از مردم اصفهان و معاصر مولف «مآثر رحیمی» بود و در فن نقاشی مهارت داشت. در سال ۱۰۲۴ ق مامور جمع‌آوری «دیوان» عرفی شیرازی شد و توانست در یک سال از عهده‌ی این امر برآید و کلیاتی مشتمل بر چهارده هزار بیت از غزل و قصیده و رباعی و مثنوی و غیره فراهم آورد. سراجا در فن موسیقی نیز مهارت داشت و شعر نیز می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۲۱۸ -۲۱۷ /۱)، تذکره‌ی روز روشن (۳۵۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۴۰ -۱۳۹)، الذریعه (۴۳۶/۹)، صبح گلشن (۵۳۶)، مآثر رحیمی (۱۳۶۰ -۱۳۵۴ /۴).

سراجی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. معاصر با مخلص تبریزی بود و در زمان حکومت قاسم خان جوینی در سال ۱۰۳۸ ق با هم به بنگاله رفتند وی بعد از مدتی به اکبرآباد رفت و در آنجا نیز درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کاروان هند (۵۳۶/۱).

سراجی خراسانی، جمال‌الدین محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. ملقب به فخرالشعراء. وی شمع انجمن افاضل و با ابوالملوک سراج‌الدوله هم‌صحبت بود. قصیده‌ای غرا در مدح سلطان خسرو ملک سرود. از اشعار اوست:

چون خواست روی خویش نمود از حجاب شب

بر روی روز بست ز ظلمت نقاب شب

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۳۸/۹)، لباب الالباب (۳۲۷ -۳۲۴/ ۲).

سرافراز سمرقندی، محمد امین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به سرافراز. پدرش دستکش چرمی می‌دوخت و طلب علم نیز می‌کرد. سرافراز از صنعت پدر در زمینه طلب علم بهره گرفت. از اشعار اوست:

نبود ز تیغ حادثه هرگز ثمر مرا

تا طاق ابروی تو بود در نظر مرا

می‌سازدم ز خنده دندان نمای خویش

آن نازنین ضیافت شیر و شکر مرا

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۵۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۳۹)، الذریعه (۴۳۸/۹).

سرافراز، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جنگل‌داری، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی و دکترا در رشته جنگل‌داری.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تهیه دو فیلم و یومتیک با دو مجموعه برنامه کامپیوتری، چندین پروژه فرهنگی، سیاسی، مذهبی و امنیتی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

آمار و احتمالات کاربردی، طرح و تحلیل برنامه پژوهشی با توجه به هدف، بافت جمعیت، امکانات و محدودیت‌ها، راهنمائی‌های مهم در ارتباط با ارائه مقالات علمی از نقطه نظر فنی و نگارشی، مدل‌سازی، روش تحقیق، کامپیوتر.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

مدیریت و برنامه‌ریزی علمی بر اساس روش‌های پژوهشی برای پیدا کردن حد بهینه هدف با استفاده از طرح مناسب برای نمونه‌برداری و طرح مناسب برای تحلیل داده‌های آماری جمع‌آوری شده.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

سراقی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی سراقی

محل تولد : نهاوند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

بـا اتمام تحصیلات دوره راهنمایی در زادگاهم در سال ۱۳۶۴ به هنرستان فنی نهاوند رفتم ولی در سال دوم تصـمیم به شـرکت در امتحانات حوزه علمیه گرفتم و یک سال در نهاونـد به تحصیل پرداخته و سال بعد به عنوان مبتدی در امتحانات ورودی قم شـرکت نموده و توفیق نصیبم شد تا در حوزه علمیه قم حضور پیدا کنم. البته سالهای بعد به صورت متفرقه دروس دبیرستانی در رشته ادبیات فارسـی را گذراندم و پس از اتمام دروس سطح در امتحانات ورودی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) شرکت نموده و در رشـته علوم قرآنی قبول گردیـدم که مدت چهار سال دوران کارشناسـی این رشـته را طی نمودم. لازم به ذکر است که در این مدت در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات مکارم شیرازی ، وحید خراسانی، صالحی مازندرانی و تبریزی شرکت نموده ام.

سرابی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۹ ق)، فقیه و مجتهد. وی در قریه‌ی سـرای تبریز در خانواده‌ای باتقوا و معنوی به دنیا آمد. در ۱۳۴۳ ق برای تحصیل به تبریز رفت و مقـدمات علـوم را از محضـر اساتیـد آنجـا فراگرفت. سـپس به قم رفت و نزد مدرسـین بزرگ آنجـا همچـون آیت‌اللَّه نجفی مرعشی و آیت‌اللَّه لنکرانی و آقا شیخ جواد تبریزی و دیگران به فراگیری علم و تکمیل آن پرداخت. آنگاه به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضـر آیت‌اللَّه آقـا میرزا عبـدالهادی شـیرازی و آیت‌اللَّه حکیم و آیت‌اللَّه سـید محمود شاهرودی و آیت‌اللَّه آقا میرزا باقر زنجانی بهره‌ها برد تا به مدارج عالیه علمی و اجتهاد دست یافت و از آیات مذکور اجازه اجتهاد گرفت. پس از بازگشت به وطن، به تـدریس و ترویـج دین و تبلیغ احکـام پرداخت. از کارهـا و آثـار ارزنـده‌ی وی بنای منازلی برای علماء و اهل علم؛ و احـداث حمام برای روسـتاهای محروم؛ و همچنین بحث، منـاظره و مجـادله حسـنه با منحرفین اعتقادی؛ و مسافرت به ممالک مختلف اسـلامی برای تبلیغ و ارشاد؛ و تربیت مبلغ و طلاب علوم دینی را می‌توان نام برد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۳۱۷-۳۱۵ /۳).

سرابی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر حسن سـرابی در سـال ۱۳۲۱ خورشـیدی در شـهر همدان به دنیا آمد.ایشان دارای دکترای جامعه‌شناسـی از دانشـگاه شـیکاگو آمریکا (۱۹۷۵) است.وی هم اکنون عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی می باشد. کتاب" رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری "ترجمه حسن سـرابی ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : حسن سرابی دورهٔ تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی را در زادگاه خود به پایان برد و وارد دانشگاه گردید. او پس از طی دورهٔ لیسانس از دانشگاه ابوریحان راهی آمریکا شد و در ادامهٔ تحصیلات عالیهٔ دانشگاهی به دریافت درجات فوق لیسانس از دانشگاه ایلینوی جنوبی و دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه شیکاگو (۱۹۷۵) نایل آمدفعالیتهای ضـمن تحصیـل : حسن سـرابی همزمان با تحصـیل در دانشـگاه شیکاگو، به مدت چهار سال در مرکز مطالعات خانواده و اجتماع مشغول تدریس و تحقیق بوده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسن سرابی پس از فراغت از تحصـیل به ایران بـازگشت و به کـار تحقیق و تـدریس در دانشـگاه علامـه طباطبایی پرداخت. او اکنون عضو هیأت علمی دانشـکدهٔ علوم اجتماعی در آن دانشـگاه است.جوائز و نشانها : کتاب" رگرسـیون چند متغیری در پژوهش رفتاری "ترجمه حسن سـرابی ، در دوره شـشم کتـاب سال جمهوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی به عنوان کتاب سال برگزیـده شـد.آثار : رگرسـیون چنـد متغیری در پژوهش رفتـاری ویژگی اثر : ترجمه-این کتـاب در دوره شـشم کتـاب سال جمهوری اسـلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سرائی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد سرائی ابن المرحوم حاج محمد رضا از مشاهیر علماء و اعاظم دانشمندان معاصر تبریز است. وی در سال ۱۳۲۹ ق در قریه سرای از مضافات تبریز در یکی از خانواده‌های با تقوا و معنویت بدنیا آمده و بنابر اقرار والد ماجده‌اش در سراسر دوران شیرخوارگی او را با طهارت و وضو شیر داده و در پرورش وی سعی بلیغ نموده و در سال ۱۳۴۳ ق برای تحصیل به شهرستان تبریز آمده و مقدمات علوم را در محضر اساتید ارجدار فراگرفته سپس به قم مشرف شده و علوم و فنون مختلفه را از مدرسین بزرگ حوزه علمیه مانند حضرت آیه الله العظمی آقای نجفی مرعشی و آیه الله لنکرانی و مرحوم آقا شیخ جواد تبریزی فرزند آیه الله آقا میرزا صادق آقا و دیگران استفاده نموده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف کرده و از محاضر آیات عظام حوزه نجف چون مرحوم آیت الله العظمی آقا میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت الله العظمی حکیم و آیت الله العظمی آقا سید محمود شاهرودی و آیت الله آقا میرزا باقر زنجانی بهره‌مند شده تا به مدارج عالیه علم و کمال و اجتهاد ارتقاء یافته و از آیات مذکوره نائل باخذ اجازه اجتهاد گردیده پس از آن مراجعت به وطن و بنابر اصرار بسیاری از مردم متدین تبریز اقامت در دار الایمان تبریز نموده و به خدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تدریس علوم پرداخته و بحمد الله تاکنون موفق به خدمات مذکوره می‌باشد.

آثار معظم له از این قرار است:

۱- تربیت مبلغ و طلاب علوم دینیه و تکفل مخارج ضروری عده‌ای از آنان که تربیت شدگان مکتب ایشان از روحانیون فعال و خدمتگزار در نقاط مختلف آذربایجان و غیره می‌باشند.

۲- دو فرزند برومند و فاضل معظم له بنام: ۱- آقا میرزا عبدالرحیم ۲- آقا شیخ اسحق سرائی داماد آیت الله باقری بنابی که در حوزه علمیه قم بتدریس متون فقه و اصول اشتغال دارند.

۳- مسافرت به ممالک مختلف اسلامی برای تبلیغ و ارشاد بالاخص مکه معظمه که چندین بار رهبری مردم تبریز را داشته و خالصا تعلیم مناسک حج را نموده‌اند.

۴- بناء منازلی برای علماء و اهل علم که در اثر تبلیغات و فعالیتهای ایشان انجام یافته است.

۵- نجات بسیاری از مردم مستمند و بینوا در زمان قحطی که بامر مرحوم آیه الله العظمی اصفهانی در شهرستان هریس انبار بیت المال تشکیل داده و حقوق واجبه ثروتمندان را از قبیل: زکوه، رد مظالم و غیره در آن جمع و بین بیچارگان و فقراء تقسیم و بدین وسیله آنان را از خطر مرگ و هلاکت بحول و قوه الهی مصونیت دادند.

۶- بناء و تأسیس حمام در چندین قریه و آبادی که فاقد حمام بود و مردم نمی‌توانستند وظائف تطهیر خود را انجام دهند و همچنین لوله کشی و اجراء نهر آب در بعضی از آبادیهای اطراف تبریز و سرای.

۷- شهریه بطلاب و محصلین آذربایجانی حوزه علمیه قم که چند سالی موفق باین خدمت بودند.

۸- مبارزه با وهابیها و منحرفین دیگر و مجادله حسنه با آنها که موجب ارشاد و هدایت عده‌ای از آنها شدند.

نگارنده گوید: آن طوری که از دانشمندان متدین و بی غرض تبریز و غیره شنیدم آیت الله سرائی دانشمندی خدوم و متقی و پارسا و موصوف بفضل و کمال و معنویت می‌باشد و در میان مردم آذربایجان و بالاخص تبریز و محل خود محبوبیت خاصی دارند، از خداوند بزرگ توفیق و عزت این گونه افراد خدمتگزار روحانی حقیقی را مسئلت می‌نمایم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سرائی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمدحسین سرائی دارای مدرک دکتری جغرافیا و برنامهریزی شهری و استادیار پایه ۱۷ دانشگاه یزد و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور تفت است.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاگرایش : جغرافیا و برنامهریزی شهریتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدحسین سرائی دارای مدرک دکتری جغرافیا و برنامهریزی شهری می‌باشد. – موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد: «بازار یزد، پیدایش، پویش و کارکردهای آن» – موضوع پایان نامه دکتری «فرایند عرضه زمین و تأثیر آن بر کیفیت گسترش شهرها، مورد شهر یزد» مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای مدیریتی و اجرایی دکتر محمدحسین سرائی به قرار زیر است: – مسئول روابط عمومی دانشگاه پیام نور تفت، بیش از یک سال، – مدیر گروه علوم انسانی دانشگاه پیام نور تفت، بیش از دو سال، – معاون گروه جغرافیای دانشگاه یزد، قریب پنج سال، – معاون مدیر کل دانشجوئی دانشگاه یزد از ۲۴/۶/۱۳۸۶ تاکنون، – نماینده تحصیلات تکمیلی گروه جغرافیا در مجتمع علوم انسانی از ۱/۶/۱۳۸۶ تا ایجاد دانشکده علوم انسانی، – نماینده تحصیلات تکمیلی دانشکدهٔ علوم انسانی در مجتمع علوم انسانی از ۶/۱۱/۱۳۸۶ تا انحلال مجتمع علوم انسانی، – نماینده مجتمع علوم انسانی در شورای طرحهای عمرانی جهت پیگیری ساختمان مجتمع علوم انسانی، – عضو پیوسته انجمن بین‌المللی همکاری‌های علمی ایران شناسی، – عضو پیوستهٔ انجمن جغرافیدانان ایران. چگونگی عرضه آثار : – راهنمای یازده پایان نامه فوق لیسانس با موضوعات شهری و برنامه‌ریزی شهری – مشاوره هفت پایان نامه فوق لیسانس با موضوعات شهری و برنامه‌ریزی شهری – داوری دهها پایان نامه فوق لیسانس با موضوعات شهری و برنامه‌ریزی شهری – داوری دهها مقاله علمی– پژوهشی با موضوعات شهری و برنامه‌ریزی شهری – تعداد مجری طرحهای پژوهشی: بیش از سه مورد – تعداد مقالات علمی– پژوهشی ارائه شده توسط ایشان: بیش از ۱۰ مورد – تعداد مقاله

پذیرفته شده جهت سخنرانی و چاپ: بیش از ۸ مورد

سرآبادانی، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا سرآبادانی

محل تولد : تفرش

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب غلامرضا سر آبادانی دیپلم ریاضی و فیزیک را که مصادف با سالهای اولیه انقلاب شکوهمند اسلامی بود در سال ۱۳۵۹ در شهرستان تفرش و از دبیرستان شهید مطهری اخذ کردم . به رغم علاقه و توجهی که به شرکت در کنکور داشتم، به علت تعطیل شدن دانشگاهها به منظور تحقق انقلاب فرهنگی ، نتوانستم به دانشگاه بروم. سپس به جهت علاقه وافر به تحصیل علم و دانش اندوزی و بخصوص علوم حوزوی ، مارا به سمت حوزه کشاند در پائیز سال ۱۳۶۱ رسما دروس حوزی را در مدرسه علمیه صاحب الامر آشتیان آغاز کردم . دروس مقدماتی و مقداری از فقه و اصول را نیز در آشتیان گذراندم . سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شده و در دروس اساتید معروف آن زمان قم در دروس سطح شرکت کردم و نهایتاً در سال ۱۳۶۹ دروس سطح را به اتمام رساندم .در زمان جنگ نیز با همکاری با سازمانهای مربوطه و به منظور انجام وظیفه تبلیغی افتخار حضور در جبهه را نیز پیدا کردم . در اواخر جنگ همکاری خود را با نمایندگان ولی فقیه در سپاه و معاونت جذب روحانیون آغاز کرده و این همکاری طی سالهای متمادی بعد از جنگ نیز ادامه یافته و مأموریتهای تبلیغی در مناطق غرب و جنوب و سایر مکانها داشته ام . در عین حال از سال ۱۳۶۹ دروس دانشگاهی رانیز در رشته اقتصاد شروع کردم .

دوره های تحقیقاتی نگرش اسلام به فعالیت های بازار بورس اوراق بهادار که در دانشگاه مفید انجام دادم در کنگره دین پژوهان در رشته اقتصاد اسلامی رتبه اول را بدست آورد. در سال ۱۳۸۲ نیز در جشنواره اولین جایزه اقتصاد اسلامی در دانشگاه تربیت مدرس ، رتبه سوم را کسب کرد. آخرین طرح تحقیقاتی که انجام دادم با عنوان ارتباط دولت و تورم بود که در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی انجام دادم که اکنون در دست چاپ است . مقالاتی طی این سالهای تألیف کرده ام که برخی در سمینارها و برخی نیز در مجلات چاپ شده ان در ضمن سابقه تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی رانیز دارم .

سرباز بروجردی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۹ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به سرباز. اصلش از خرم‌آباد فیلی بود. به مناسبت آن که در بروجرد تولد و تمکن یافت به بروجردی مشهور شد و چون در فوج نظام صاحب منصب بوده، تخلص سرباز را برای خود برگزید. در انواع شعر دست داشت و دیوانی در مراثی به نام «اسرار الشهاده» از او بازمانده که دو مرتبه در تبریز چاپ شده است، «دیوان» اشعارش قریب پنج هزار بیت است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۷۵۴ -۷۵۳ /۱)، الذریعه (۴۶/۲)، ریحانه (۱۰/۳)، سفینه المحمود (۳۷۲/۱)، المآثر و الآثار (۲۰۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۵/۱)، مصطبه‌ی خراب (۷۷ -۷۶).

سرباز زاده، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد سرباز زاده

محل تولد : اهر

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اینجانب احمد سرباززاده (اهری) در سال ۱۳۴۸ طلبگی را شروع نمودم . ۱ سال در اهر، ۳ سال در تبریز و از سال ۵۲ به شهر

مقدس قم مشرف شدم و در مدرسه حجتیه حجره گرفتم و معمم شدم . از همان تبریز تدریس ادبیات (مقدمات و سیوطی) را شروع کردم و در قم هم توام بـا تـدریس به دروس اساتیـد سـطح ، آقایان: آیت الله اعتمادی ، اشـتهاردی و صـلواتی و در منظومه، آقایان: احمـد بهشتی و محمـدی گیلانی و درس خارج آقایان: آیت الله کوکبی و شـیخ جواد تبریزی و شـیخ کاظم تبریزی و آیت الله سـید محمد روحانی و ... مشغول شدم .

همیشه مشغول تـدریس همه دروس سـطح ولو خصوصـی بودم. چنـد سال درجامعهٔ الزهراء تـدریس نمودم و چند سال در مدرسـه مرعشیه و مدرسه آیت الله گلپایگانی .

از سال ۶۰ و ۶۱ توام با کارهای قبلی تحقیقات را شروع نمودم . حدود ۶ سال در موسسه دایرهٔ المعارف شیعه ۲۰۰ اثر لغوی و فقهی اصـطلاحات فقهی را بین ۳ صـفحه ای الی ۱۲ و۱۵ صـفحه ای تحقیق نمودم که در اوائل بحوث فقهی کتـاب نفیس دائرهٔ المعارف شیعه درج و چاپ می شود .

سربلوکی، محمدنبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: مرکز تحقیقات بیوشیمی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی در زمینه شیمی، دکترای شیمی- فیزیک و مهندسی پلیمرها.

مرتبه علمی:

دانشیار مرکز تحقیقات بیوشیمی و بیوفیزیک دانشکده علوم دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اسـتفاده از غشاءهـای پلیمری در شـیرین کردن آبهـای شور، کاربردهـای انرژی خورشـید، سوختهای ضـد انفجار هواپیما، تهیه انواع غشاءهای RO/UF و الگوی ریاضـی عملکرد آنهـا، تهیه غشاءهـای مقـاوم در گرمـا جهت مسافرتهـای فضـایی، طراحی، سـاخت و راه‌انـدازی خـط تولیـد غشاءهـای الیاف میان‌تهی و ساخت دسـتگاههای اسـمز معکوس برای شـیرین کردن آب، تهیه قلم منور برای جبهه‌هـا، شـناسایی مـواد معرف موجـود در کاغـذهای MS برای جبهه‌هـا، شـناسایی مـواد پلیمری سـوخت موشـک کاتیوشـا، تولیـد اسـفنج‌های پلیمری سـخت جهت مصـارف صـنعت نفت، تهیه زیست‌یـاب مخصوص عوامـل شـیمیائی در جبهه، تولیـد آنزیم اسـتیل کولین استراز، بررسی نیمه صنعتی استفاده از تفاله چای در تصفیه آبها، طرح جامع تولید نخ بخیه، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۳ پایان‌نامه دکترا.

ابداع:

طرح جدیـد یـک اسـتوانه آب شـیرین کن متکی بر الیـاف میـان‌تهی، فرمولاسـیون فیلم نـازک پلیمری ضـد الکتریسـیته ساکن جهت مصارف فضایی، ابـداع پمپ تزریق دارو بر اساس پدیده الکترواسـمز، کشف پدیده فتومکانیکی در فیلم‌های نازک پلیمری، ساخت غشاء پلیمری جهت تصـفیه آب در دمای استریلیزاسـیون، کشف ماده موثر در برگ عناب که مانع چشایی شـیرین می‌شود، تهیه ریز دانه‌های آلژنیات (حاصل از جلبکهای دریایی) برای مصارف بیوتکنولوژی، کشف علت و راه حل جلوگیری از صـدمه به غشاءهای RO در ابتدای بهره‌برداری از دستگاههای آب شیرین کن.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مکانیـک سـیالات کاربردی، فرهنگ واژگان شـیمی و مهندسـی شـیمی، شـیمی آلی عملی (فنون آزمایشـگاهی و روشـهای سـنتز و شناسایی).

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳۲

زمینه علمی مقالات:

تهیه انواع غشاءهای RO/UF، تهیه غشاءهای مقاوم در گرما جهت مسافرتهای فضایی، کاربرد غشاءها در شیرین کردن آب، تهیه و کـاربرد پلیمرهـا در بهره گیری از انرژی خورشـید، تهیه دسـتگاه خودکـار و قابـل نصب در بـدن جهت دارورسانی، تهیه ریزدانه‌های ایمنی، مطـالعه پلیمرهـای افزودنی به سوخت هواپیما به منظور جلوگیری از انفجار در سوانـح هوائی، جلوگیری از صـدمات وارده به غشاءهای آب شیرین کن، تصفیه پساب‌ها، الگوهای ریاضی عملکرد غشاءها و تهیه زیست یابها و الگوی ریاضی عملکرد آنها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

سرخسی ابوالعباس، احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۸۶ ق)، فیلسوف، حکیم، عالم، ادیب و شاعر. معروف به ابن الفرائقی. از درخشانترین چهره‌های حکمت و از بهترین شاگردان اسحاق کندی، فیلسوف نامدار عرب بود. وی در علوم مختلف فلسفه ریاضیات، نجوم، طب، موسیقی، منطق و کیمیا و جغرافیا و تاریخ، حدیث و شریعت، دارای فرهنگ و آگاهی ژرف بود. سرخسی در اول کار معلم معتضد، شانزدهمین خلیفه‌ی عباسی بود. لیکن، علی رغم این که معلم معتضد و رفیق و مشاور او بود، طولی نکشید که به اتهام الحاد کار به قتل سرخسی انجامید و نیز گفته شده که وی در اثر بی دقتی و سبکسری معتضد کشته شد. در علم نحو و شعر نیز یگانه بود. از احمد برقی روایت کرد و احمد بن اسحاق ملحمی و محمد بن ابی‌هراز از او روایت کرده‌اند. ابن ابی‌اصیبعه متجاوز از ۵۰ کتاب و رساله از او نام می‌برد که از آن جمله است: «ادب النفس»؛ «موسیقی الکبیر»؛ «المدخل فی الطب»؛ «اختصار کتاب باری ارمینیاس»؛ «اختصار کتاب انالوطیقاالاولی»؛ «اختصار کتاب آنالو طیقاالثانیة»؛ «کتاب النفس»؛ «کتاب الاغشاش و صناعة الحسبة الکبیر اللهو» و «لهو و ملاهی»؛ «کتاب فی وصایا فیثاغورس»؛ «کتاب نزهة الفکر الساهی»؛ «کتاب السیاسة الصغیر»؛ «کتاب المدخل الی صناعة النجوم»؛ «کتاب المسالک و الممالک»، «النوم و الرویا» و غیره.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۳۳۷ /۱)، تاریخ بغداد (۱۳۹ /۵)، تاریخ الحکماء قفطی (۱۱۱ -۱۱۰)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۶۴ -۶۰)، سیر النبلاء (۴۴۹، ۴۴۸/ ۱۳)، فلاسفه شیعه (۱۵۵ -۱۴۹)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (۴۷۳ -۴۷۲)، کشف الظنون (۱۹۴۷، ۱۶۶۴، ۱۶۱۳، ۱۶۴۲، ۱۴۷۰، ۱۴۶۸، ۱۴۶۷، ۱۴۶۵، ۱۴۵۴، ۴۹)، معجم المؤلفین (۱۵۷ /۲)، الملل و النحل (۳۶۶ -۳۶۵)، الوافی بالوفیات (۸ -۵ /۷)، مجمع الفصحا (۲۱۷ /۱)، معجم الادباء (۱۰۲ - ۹۸ /۳)، لسان المیزان (۱۸۲ -۱۸۹ /۱).

سرخسی، ابوالطیب

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. وی از شاعران و دانشمندان روزگار خود بود از احوال او اطلاع چندانی نیست. جز ابیاتی چند به جای مانده است. از اوست:

ای پادشاه روی زمین دور از آن تست
اندیشه تقلب دوران کن و زمان
بیخی نشان که دولت باقیت بر دهد
کاین باغ عمرگاه بهارست و گه خزان
چون کام جاودان متصور نمی‌شود
خرم کسی که زنده کند نام جاودان

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :لغت‌نامه (ذیل/ ابوالطیب)، مجمع الفصحا (۲۱۷ /۱).

سرخسی، رضی‌الدین، ابوعبداللّه

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۷۱ ق)، عالم و فقیه حنفی. ملقب به برهان‌الاسلام یا برهان‌الدین. در سرخس به دنیا آمد. به شام رفت و در حلب ساکن شد و محمود زنکی او را عهده‌دار تدریس در مدرسه حلاویه آنجا کرد. گروهی از فقهای حنفی بر او تعصب ورزیدند و سرانجام به سبب سعایت آنان به دمشق رفت و در همان جا و فات یافت. از آثار وی: «المحیط الرضوی» در فقه، در حدود چهل مجلد؛ سه کتاب به نام «المحیط» که اولی در ده مجلد، و دومی در چهار مجلد، و سومی در دو مجلد، همگی در فروع فقه؛ «الوجیز»، در اصول و فتاوی؛ «الوسیط»؛ «الطریقه الرضویه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۲۴ -۲۲۳ /۱۰ ، ۲۵۰ -۲۴۹ /۷)، ایضاح المکنون (۵۱۴/۲)، ریحانه (۱۲/۳)، کشف الظنون (۲۰۰۲ ، ۱۶۲۰)، لغت نامه (ذیل/ سرخسی)، معجم المؤلفین (۲۷۹ -۲۷۸ /۱۱)، هدیه العارفین (۹۱/۲).

سرخسی، شمس الائمه، ابوبکر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۸۳ ق)، فقیه اصولی، متکلم جدلی، قاضی و عالم حنفی. در سرخس به دنیا آمد و در آن جا نشو و نما یافت. از مشاهیر علمای حنفیه است. به سبب گفتن کلمه‌ای در پن خاقان در اورجند زندانی گشت و «المبسوط» را در همان زندان در حالی که هیچ کتابی حاضرش نبود نگاشت. بعد از آزادی از زندان به شهر فرغانه رفت به نشر علوم و معارف همت گماشت و تا پایان عمر در همان جا ماند. از آثار وی: «المبسوط»، در فقه حنفی و تشریع، در سی جزء؛ شرح «الجامع الکبیر» امام محمد شیبانی، در فروع فقه حنفی؛ شرح «السیر الکبیر» امام محمد سیبانی، در چهار مجلد؛ «الاصول»، در اصول فقه؛ شرح «مختصر الطحاوی»؛ «ادب القاضی علی مذهب ابی‌حنیفه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۸/۶)، ریحانه (۱۲/۳)، الکنی و الالقاب (۳۱۳/۲)، کشف الظنون (۱۶۲۸ ،۱۶۲۰ ،۱۵۸۰، ۱۴۵۲، ۱۴۱۴ ، ۱۰۷۹، ۱۰۱۴، ۹۶۳، ۵۶۸، ۵۶۱، ۱۱۲، ۴۶)، لغت نامه (ذیل/ سرخسی) معجم المؤلفین (۲۶۸ -۲۶۷، ۲۳۹ /۸).

سرخوش اصفهانی، عبدالمحمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۲ ق)، شاعر. در اصفهان متولد شد. از اعضاء انجمن ادبی شیدا بود. غزل را به سبک قدما نیکو می‌سرود. وی دارای «دیوان» شعر است. از اوست:

ز توبه، توبه نمودنم به رغم زاهد و مفتی

ببین درستی عهدم که توبه را نشکستم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۴۰ -۲۳۹)، الذریعه (۴۳۹/۹).

سرخه ای، احسان

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احسان سرخه ای

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از طی دروس مقدمات خدمت استاد محترم طالقانی و آدینه وند و امین شیرازی در درس فقه حضرت آیـةالله استادی و عراقچی و اصول حجةالاسلام والمسلمین محمدی و خاتمی شرکت نمودم دروس مکاسب و رسائل را در خدمت استاد بزرگواری چون محقق داماد و پایانی و اعتمادی گذراندم و با درس کفایه استاد گنجی سطح را به پایان بردم.در دروس خارج حضرت آیات بهجت و فاضل لنکرانی و تبریزی و وحید خراسانی و سید احمد مددی تاکنون شرکت داشته ام و پایان نامه سطح ۳ را ارائه نموده ام.

در سال ۶۹ با شرکت در دوره های آموزش کامپیوتر و مرکز تحقیقات به تدریس کامپیوتر دعوت و تا سال ۷۴ در سازمان کامپیوتر نور به تدریس دوره های ویژه طلاب اشتغال داشتم.در سال ۷۲ با مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث پژوهش های حدیثی را آغاز و در تدوین دانشنامه بزرگ میزان الحکمـۀ همکاری نموده و در زمینه حدیث و علوم حدیث تحقیقاتی را انجام داده ام.در سال ۷۸ برای اخذ مدرک کارشناسی (مهندسی) کامپیوتر وارد دانشگاه شده و این دوره را به پایان برده ام هم اکنون بعنوان مدیر فناوری اطلاعات و ارتباطات موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث مشغول همکاری می باشم.

سرخه‌ای، زین‌العابدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌اللّه آقای حاج شیخ زین‌العابدین بن المرحوم حجةالاسلام و المسلمین حاج شیخ حسین سرخه‌ئی از مشاهیر علماء و مجتهدین معاصر تهران است. وی در تاریخ ۱۴ ذی‌الحجه ۱۳۰۷ ق در تهران متولد شده و پس از پرورش در بیت علم اولیات و ادبیات و سطوح را خدمت مرحوم والد و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ باقر معزالدوله و حجةالاسلام حاج شیخ مسیح طالقانی خوانده و کلام را از مرحوم حاج شیخ علی مدرس نوری و منطق و حکمت الهی را از حاج شیخ هاشم اشکوری فراگرفته و از محضر مرحوم آیت‌اللّه بهبهانی بهره‌مند گردیده و چندی در مشهد مقدس از درس و بحث آیت‌اللّه زاده کفائی مرحوم آقا محمد و مرحوم حاج فاضل

استفاده نموده آنگاه مجتهدا به نجف مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه التقی میرزا محمد تقی شیرازی در کربلا استفاضه نموده آنگاه به ایران مراجعت و در تهران در محله‌ی امامزاده یحیی علیه‌السلام اقامت و تاکنون بوظائف دینی از اقامه نماز جماعت و تفسیر قرآن و ترویج دین و تبلیغ احکام اشتغال دارد.

دارای آثار علمی و اجتماعی که ذیلا توضیح می‌دهم می‌باشد.

۱- حاشیه مبوسطی بر کفایهٔالاصول.

۲- حواشی بر شوارق.

۳- احیاء و تعمیر اساسی مزار امامزاده یحیی که بکلی ویران و از بین برده بودند و ایشان قیام و مقاومت و اقدامات جدی نموده تا آن را برگردانیده و بهتر از اول تجدید و بناء گنبد و صحن و سرای عالی نمودند که مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی قدس اللّه سره بمعظم له فرمودند شما با این عمل حق عظیمی بر حضرت رسول و اهلبیت عصمت علیهم‌السلام داری.

۴- تعمیر و توسعه مسجد امامزاده یحیی علیه‌السلام.

(تو ۱۳۰۷ ق)، عالم دینی و فقیه. در تهران به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات و سطوح را نزد پدر خود و سپس نزد حاج شیخ باقر معزالدوله و حاج شیخ مسیح طالقانی خواند و کلام را از آقا شیخ علی مدرس نوری و منطق و حکمت الهی را از حاج شیخ هاشم اشکوری فراگرفت و از محضر آیت‌اللّه بهبهانی نیز بهره‌مند گردید. چندی در مشهد از درس و بحث آیت‌اللّه‌زاده آقا محمد کفایی و حاج فاضل استفاده نمود. آنگاه در حالی که مجتهد بود به نجف رفت و از محضر میرزا محمدتقی شیرازی در کربلا بهره‌ها گرفت. سپس به ایران مراجعت و در تهران در محله‌ی امامزاده یحیی به انجام وظائف دینی و اجتماعی مشغول شد. از آثار وی احیاء و تعمیر اساسی مزار امامزاده‌ی یحیی است. از آثار علمی‌اش: حاشیه‌ی مبسوطی بر «کفایه الاصول»؛ حواشی بر «شوارق».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۴۸۱ -۴۸۰/ ۴).

سرخه‌ای، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد سرخه‌ای از علماء مبرز تهران در عصر خود و از شاگردان مرحوم میرزا ابوالحسن جلوه و آقای حاج شیخ علی مدرس نوری در علوم عقلی و از تلامذه مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمدحسن آشتیانی و آیت‌اللّه حاج ملا هادی تهرانی در رشته منقول و در سامره هم چند سالی از محضر و دروس مرحوم آیت‌اللّه العظمی مجدد شیرازی استفاده کرده بودند.

آثار علمی ایشان حواشی رشیقه‌ای بر اسفار صدرالمتألهین شیرازی و غیره می‌باشد.

(س چهاردهم ق)، عالم دینی. از علمای دینی برجسته‌ی تهران در عصر خود و از شاگردان میرزا ابوالحسن جلوه و حاج شیخ علی مدرس نوری در علوم عقلی و از شاگردان میرزا محمدحسن آشتیانی و حاج ملاهادی تهرانی در رشته‌ی منقول بود. وی چند سالی از محضر و درس و بحث میرزای بزرگ شیرازی در سامراء استفاده کرد. از آثارش: حواشی بر «اسفار» صدر المتالهین شیرازی.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۴۸۱/ ۴).

سردار کابلی کرمانشاهی، حیدرقلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۲ -۱۲۹۳ ق)، عالم دینی، فیلسوف، فقیه اصولی، محدث، متکلم، رجالی، مورخ و ریاضیدان. از علمای بزرگ شیعه در قرن چهاردهم قمری بود. اصلش از ایران و از قزلباشان است. پدرش ساکن افغانستان بود و سردار در کابل به دنیا آمد. در هشت سالگی به خواندن و نوشتن پرداخت. چون دارای استعداد فوق‌العاده‌ای بود به زودی ریاضیات و زبان انگلیسی را فراگرفت. در ۱۳۰۴ ق پدرش خانواده خود را به عراق برد و در کاظمین ساکن کرد. معلم وی در ریاضیات و انگلیسی نیز به همراه آنان مهاجرت کرد و شش سال نیز در عراق به وی آموزش داد و او در حساب و هندسه و هیئت و جغرافی و علوم غریبه صاحب نظر شد. وی همچنین در لغات و ادبیات عربی و فارسی و سانسکریت و هندی و عربی و لاتین دستی توانا داشت. سردار کابلی در این مدت علاوه بر آموزش علوم جدیده به تصحیل علوم قدیمه نیز پرداخت و سپس به نجف رفت و فقه و اصول را در محضر علامه میرزا محمدعلی رشتی چهاردهی و شیخ علی‌اصغر تبریزی و دیگران فراگرفت و فلسفه را نزد استادان بزرگ آن آموخت. در ۱۳۱۰ ق در خدمت پدر عازم ایران شد و در کرمانشاه با شیخ عبدالرحمان شافعی مکی ملاقات کرد و مجذوب کمالات وی گشت و در همان جا ماندگار شد. او از شیخ خود، چهاردهی، و سید حسن صدر و سید عباس لاری و محدث قمی و سید آقا یحی تهرانی و سید محسین امین و شیخ آقا بزرگ تهرانی دارای اجازه بود. شیخ مرتضی گیلانی نجفی از شاگردان وی می‌باشد. سردار کابلی استاد ریاضی و هندسه آیت‌اللّه حجت بود. پدرش قبل از مرگ سرپرستی خانواده‌ی خود را به وی سپرد و او را ملقب به سردار کرد. سردار کابلی در کرمانشاه به نشر احکام و تالیف و تصنیف مشغول شد. او به شهرهای بسیاری سفر کرد و با علمای هر شهر مصاحبت نمود. سرانجام در کرمانشاه درگذشت و جنازه‌اش به نجف انتقال یافت و در کنار پدرش در وادی‌السلام دفن شد. از آثار وی: «الاربعون حدیثا»، در فضایل

امیرالمومنین (ع) از طرق اهل سنت؛ «تبصره الحر فی تحقیق الکر»، در بیان انطباق تحقیقی بین وزن و مساحت و حجم؛ «تحفه الاحباب»، در بیان آیات قرآن؛ «تحفه الاجله»، در شناخت قبله، که برای فهم کتاب به دانش جبر و مثلثات و هیئت و جغرافی نیاز است؛ «العلم الشاخص فی اسرار ظل الشاخص»، در اعمال فلکی؛ کتابی در «المساحه»، ترجمه از انگلیسی؛ ترجمه «انجیل برنابا»، از انگلیسی به فارسی؛ «غایه التعدیل فی معرفه حقیقه الاوزان و المکاییل»؛ «کشف القناع فی تحقیق المیل و الذراع»؛ «مناهج الوفاق»، در اعداد؛ شرح حدیث امیرالمومنین (ع) در بیان قطر و محیط خورشید و ماه و اختلاف افق خورشید؛ «دیوان ابوطالب (ع)» و شرح «لامیه» آن؛ شرح «تهذیب المنطق»؛ شرح «خطبه‌ی حضرت زینب (ع)»؛ «مصباح القواعد»، در قواعد علوم ریاضی؛ «مثنوی» در نظم «الباب الحادی عشر»؛ «الدرر النثیره»، شبیه به «کشکول»، در سه مجلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار الحجه (۳۴۰/۲ ، ۲۰۰ -۱۹۷ /۱)، اعیان الشیعه (۲۷۴ -۲۷۳ /۶)، الذریعه (۲۸۳/۲۲ ، ۱۱۶/۲۱ ، ۴۶ ،۱۷ ، ۱۱/۱۶ ، ۱۳۹ ، ۸۰ -۷۹ /۸ ، ۴۱۰ ،۳۱۷ ،۳/ ۳۶۶/۲ ،۴۹۳ ،۴۱۵ ،۱/)، ریحانه (۷ -۵ /۵ ،۱۵ -۱۳ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۹۹ -۶۹۳ /۱۴)، علماء معاصرین (۲۹۶ -۲۹۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۲۷ -۲۲۵ /۶).

سرداری نیا، صمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر صمد سرداری‌نیا، مورخ و محقق تاریخ معاصر آذربایجان متولد ۱۳۱۹ در شهر تبریز بود.وی پس از اتمام تحصیلات دوران ابتدایی تا دبیرستان ،در سال ۱۳۴۶ وارد دانشگاه تبریز شده و در سال ۱۳۵۰در مقطع کارشناسی تاریخ، فارغ التحصیل شد. ایشان پس از استخدام در صدا و سیما این بار در رشته حقوق قضائی دانشگاه ملی تهران به تحصیل پرداخته و در سال ۱۳۵۷ فارغ التحصیل شد.از ایشان آثازیادی در باره تاریخ آذربایجان و مشاهیر آن بیاد گار مانده است.صمد سرداری‌نیا پنجشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۸۷بر اثر عارضه سکته قلبی در تبریز دار فانی را وداع گفت.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

گرایش : نویسندگی

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : صمد سرداری‌نیا، مورخ و محقق تاریخ معاصر آذربایجان متولد ۱۳۱۹ در شهر تبریز بود.سرداری نیا، در ۲۱در محله« امیره خیزی» تبریز دیده به جهان گشود .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : صمدسرداری نیا پس از اتمام تحصیلات دوران ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۴۶ وارد دانشگاه تبریز شد. وی در سال ۱۳۵۰در مقطع کارشناسی تاریخ از این دانشگاه فارغ التحصیل شد و پس از استخدام در صدا و سیما بار دیگر به دانشگاه رفت ولی این بار در رشته حقوق قضائی به تحصیل پرداخته و در سال ۱۳۵۷ فارغ التحصیل شد. او سپس وکیل دادگستری شد.

زمان و علت فوت : صمد سرداری‌نیا پنجشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۸۷بر اثر عارضه سکته قلبی در تبریز دار فانی را وداع گفت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : صمد سرداری نیا پس از استخدام در صدا و سیما این بار در رشته حقوق قضائی دانشگاه ملی تهران به تحصیل پرداخته و در سال ۱۳۵۷ فارغ التحصیل شد.از ایشان آثازیادی در باره تاریخ آذربایجان و مشاهیر آن بیاد گار مانده است.او به حقوق بازنشستگی اش از صدا و سیما قناعت کرد و هرگز طبع لطیفش را به زر و تزویر نیالود.

آرا و گرایشهای خاص : صمد سردارینیا ،این محقق بزرگ آذربایجان بی‌هیچ حب و غرضی، گوهر حب وطن در صدف وجود خویش تربیت کرد و سال ها پشت میز تحریر کوچکش قلم بر دست، بر لوح تاریخ، برگ هایی زرین از گذشته و حال مردمان دیارش رقم زد. برگ برگ تاریخ را ورق زد تا نشانی مستند بر پایه واقعیت و نه گزافه و اغراق از لیاقت، کفایت و درایت ایران و ایرانیان و شجاعت و مردانگی آذربایجان و آذربایجانیان بیابد. در سطر سطر نوشته‌های شیوایش می‌توان روح متعالی یک ایرانی وطن‌دوست و یک آذربایجانی جلیل‌القدر را ملاحظه کرد. بی‌اغراق می‌توان گفت که اگر اکنون هر آذربایجانی و هر شهروند تبریزی، به آسانی و در عین افتخار و با قدرت از تبریز، به عنوان شهر اولین‌ها یاد می‌کند، حاصل سال ها تلاش این پیر فرزانه است. نویسنده‌ای که سال ها در میان اوراق تاریخ گشت تا گلستانی از افتخارات مستند و واقعی آذربایجان گردآورد تا مردمانش سرافرازانه به داشتن آن قله‌های بزرگ فخر فروشند و مباهات ورزند. از قابلیت‌های آب و خاک و جان آذربایجان گفت تا جهان و جهانیان بدانند که اینجا آذربایجان است. کانون عشق‌ورزی، محور ایثار و مردانگی، دیوار بلند مقاومت، با مردمانی مهربان و هنرورز، با ادبیاتی آمیخته به شور شبنم و شوق خدمت.

جوائز و نشانها : صمد سرداری نیا مفتخر به دریافت دو عنوان «دکترای افتخاری» از دو کشور خارجی گردیده است. ----------
----

آثار :

۱ آذربایجان پیشگام جامعه مدنی

۲ ایروان یک ایالت مسلمان نشین بود

۳ باقرخان سالار ملی

ویژگی اثر : ناشر: ایرانیان -۱۳۶۹

۴ باکو شهر نفت و موسیقی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: مناف سلیمانوف، صمد سرداری نیا (مترجم)، ناشر: اختر – ۲۲ اسفند، ۱۳۸۵

۵ تاریخ روزنامه‌ها و مجلات آذربایجان

۶ تبریز شهر اولین‌ها

ویژگی اثر : ناشر: کانون فرهنگ و هنر آذربایجان – ۱۳۸۱

۷ تبریز مهد صنعت چاپ در ایران

ویژگی اثر : ناشر: سرداری‌نیا، صمد – ۱۰ بهمن، ۱۳۸۴

۸ جنگ قره باغ

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ضیاء الدین سلطانوف، صمد سرداری نیا (مترجم)؛ ناشر: هاشمی سودمند – ۱۰ اسفند، ۱۳۸۴

۹ دارالفنون تبریز، دومین مرکز آموزش عالی ایران

ویژگی اثر : ناشر: ندای شمس – ۱۳۸۲

۱۰ سیری در تاریخ آذربایجان

ویژگی اثر : ناشر: اختر – ۰۴ دی، ۱۳۸۶

۱۱ قتل عام مسلمانان در دو سوی ارس

۱۲ قره باغ

۱۳ قره باغ در گذرگاه تاریخ

ویژگی اثر : ناشر: ندای شمس – ۱۰ اسفند، ۱۳۸۴

۱۴ مشاهیر آذربایجان،

ویژگی اثر : انتشارات شایسته تبریز – ۱۳۷۹

۱۵ ملانصرالدین در تبریز

ویژگی اثر : ناشر: اختر تبریز

سرشار تهرانی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباد الله سرشار تهرانی

محل تولد : میانه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۴/۱/۱

زندگینامه علمی

این جانب در یک خانواده مـذهبی و متدین در سال ۱۳۲۴ شمسـی، در یکی از روستاهای شهرستان میانه چشم به جهان گشودم. در همان سال های نخست پدرم را از دست دادم و تحت تفل دایی زحمتکشم بزرگ شدم، و در هفت سالگی بر اثر حادثه ای از ناحیه دست چپ معلول شدم. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی در همان روستا، جهت فراگیری علوم آل محمد (علیهم السلام) و دروس حوزوی عازم شهرستان میانه شـدم، و پس از دو سال تحصیل در آن شـهر و علاقه زیاد به دروس حوزه، روانه شـهر خون و قیام قم شدم، و این سـفر مصادف با رحلت جانگداز مرحوم آیت الله العظمی بروجری (رحمه الله) بود. پس از وقوع پیوستن جریانات سال های ۴۱ ، حوادث خونین خرداد ۴۲، خروش مردم انقلابی و بازداشت امام خمینی (قدس سرّه) در تهران، بر اثر فعالیت های سیاسی و انقلابی مجبور شـدم برای ادامه تحصـیل به نجف اشـرف هجرت کنم، مـدتی که در آن دیار بودم ـ یعنی : تا سال ۱۳۵۳ شمسی ـ همواره در درسـهای خارج حضـرات آیات عظام و مراجع عالی قـدر به ویژه امام امّت، خمینی کبیر (قدس سره) و مرحوم آیت الله العظمی السید الخوئی شرکت می کردم. در سال ۱۳۵۳ که رژیم ضد خدائی بعث، تصـمیم به بیرون راندن ایرانیان از عراق گرفت، اینجـانب به همراه عـده ای از فضـلا و علمـای ایرانی مقیم نجف اشـرف، از آن دیـار رانـده شـدیم، و از همان سال تاکنون در شـهر مقـدس قم سـاکن هستم. تـاکنون بیش از سـی و پنـج سـال است که به تحقیق علوم و احـادیث و اخبار ائمه اطهار (علیهم السـلام) مشـغول ام، مـدت چهارده سال آن در مؤسـسه الامام المهـدی (عجل الله تعالی فرجه الشـریف) ، یک سال در بخش تحقیقات دفتر تبلیغـات اسـلامی قم، نوزده سال در مؤسسه بنیاد معارف اسـلامی، مرکز تحقیقات حـج و بخش تحقیقات بنیاد جانبازان و تحقیقات متفرق دیگر به فعـالیت مشـغول بـودم، هم اکنون نیز در مرکز فقه الائـمه الاطهـار (علیهم السـلام) و مـدرسه امـام بـاقر العلوم (علیه السلام) به تحقیقات ادامه می دهم.

سرعت مازندرانی، محمدحسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به سرعت. از اهلی آمل ولی مدتی را در کربلا ساکن بود. سفری نیز به اصفهان کرد و به قول ملا عبدالنبی فخرالزمانی به علت تنگی معیشت اکثر ایام را به بی‌چیزی و تهیدستی می‌گذرانید و دوران زندگیش به خوشی و راحتی نگذشت و در حالی که با فقر وفاقه دست و پنجه نرم می‌کرد لباس عاریت را از تن کنده و به دیار آخرت رهسپار و از غم و اندوه این جهان فانی رهایی یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۹/۴۴۰)، شعرای مازندران و گرگان (۱۴۲)، صبح گلش (۲۰۲)، فرهنگ سخنوران (۴۴۸ -۴۴۷)، مخزن الغرائب (۲/۶۶۴).

سرگشته

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا عبداللّٰه فرزند حاج فریدون گرجی اصفهانی. شاعر خوش طبع اصفهان، از اعضای انجمن ادبی ابوالفقراء، که اشعار او به سبک اشعار بسحق اطعمه (ابو اسحق ندّاف شیرازی) بیشتر در وصف اطعمه و اشربه می‌باشد.

عمّان سامانی در قصیده ی انجمنیّه درباره ی او گوید:

و ان دگر سرگشته آن بسحاق دانشور که هست

شعر روح افزاش حلوای مذاق مرد و زن

سرگشته که تخلّص دیگر او «اشتها» می‌باشد به میرزا اشتها شهرت دارد.

در ۱۲۴۵ متولّد، و در ۱۲۸۹ وفات یافته، مادّه تاریخ وفاتش را میرزا عباسعلی خرّم لنبانی گوید:

افسوس که اشتهای با فضل و هنر

از ملک فنا سوی بقا کرد گذر

گفتا پی تاریخ وفاتش خرّم

ای وای که اشتها نداریم دگر

دیوانش به طبع رسیده، از اشعار اوست:

انتظاری مده ای دوست بخوان مهمان را

گر پلو نیست بکش یخنی و آور نان را

نیم جانی است مرا در سر و در پا فکنم

بکسی کآوردم مژده ی بادنجان را

اگر از نقل بسازند مرا زنجیری

همه ی عمر به جان می‌طلبم زندان را

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

سرمد تهرانی، زهره

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: روانشناسی تربیتی، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فیزیک از کالج ویلسون آمریکا در سال ۱۳۳۶، کارشناسی ارشد آمار و اندازه‌گیریهای تربیتی از دانشگاه هاروارد آمریکا در سال ۱۳۳۹ و دکترای روانشناسی تربیتی از دانشگاه استنفورد آمریکا در سال ۱۳۴۵.

مرتبه علمی:

استاد پایه ۱۶ دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تعلیم و تربیت دو زبانی، تدریس دروس: آمار، روش تحقیق و روانشناسی تربیتی در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

روانشناسی تربیتی، آمار، روش تحقیق، سنجش و اندازه گیری در تعلیم و تربیت.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

تدریس و یادگیری.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سرمد تهرانی، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۹ -۱۲۸۹/۱۲۸۶/۱۲۸۳ ش)، شاعر. در تهران متولد شد. پس از انجام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در رشته‌ی حقوق به تحصیل پرداخت و به دریافت لیسانس توفیق یافت. سرمد از سال ۱۳۰۹ ش به کار و کالت دادگستری پرداخت و از اعضاء هیئت مدیره‌ی کانون وکلا گردید و سالها سمت مشاور حقوقی و وکیل امور قضایی دربار سلطنتی و آستان قدس رضوی را به عهده داشت. سرمد بعد از شهریور ۱۳۲۰ ش امتیاز روزنامه «صدای ایران» را گرفت. در سال ۱۳۲۲ ش پس از جنگ جهانی دوم به دعوت دولت انگلستان به اتفاق چند تن از روزنامه‌نگاران به آن کشور عزیمت کرد و از آن جا به فرانسه رهسپار شد. در سال ۱۳۲۸ ش جزو ملتزمین شاه به عنوان ملک‌الشعرای دربار به پاکستان رفت. و قصاید و قطعاتی به یادگار این سفر سرود. در تهران بر اثر بیماری سرطان درگذشت و در ابن‌بابویه دفن است. از آثار وی: «در آی کاروان»، شعر؛ «سعدی»، شعر؛ «کبوتر علم»، شعر؛ «نغمه‌ی کمال»، شعر.[۱]

شاعر، روزنامه‌نویس، حقوقدان و سیاستمدار، متولد ۱۲۸۰، فرزند سیدعلی است. تحصیلات دانشگاهی او ظاهرا در رشته‌ی حقوق ولی در ادبیات فارسی و انواع شعر از اساتید مسلم معاصر به شمار می‌رفت. حرفه‌ی اصلی‌اش وکالت دادگستری بود و از این طریق ارتزاق می‌نمود. مدتها عضویت هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری را عهده‌دار بود و در استقلال کانون مزبور سهم بسزائی دارد. بعد از شهریور ۱۳۲۰ به کار روزنامه‌نگاری پرداخت و به انتشار روزنامه‌ی صدای ایران مبادرت نمود و مدتی متجاوز از هفت سال، روزنامه‌ی مزبور را هفته‌ای سه شماره انتشار می‌داد. روزنامه‌ی صدای ایران گرچه دورنمای سیاسی داشت ولی همیشه حاوی نکات ادبی و اشعار نغز و شیوای شاعران متقدم و معاصر از جمله خود سرمد بود.

سرمد در دوره‌ی هیجدهم قانونگزاری، خود را کاندیدای انتخابات مجلس شورای ملی نمود و از طرف مردم دره‌گز به نمایندگی انتخاب شد. سرمد در این دوره با پیشنهاد تبصره‌ای که مورد تصویب نمایندگان قرار گرفت، طرز انتخاب رئیس دانشگاه تهران را تغییر داد.

معروفیت سرمد بیشتر به علت شاعری است. وی شاعری توانا و خوش‌ذوق و بدیهه‌سرا بود. گرچه بیشتر ذوق به سرودن قصیده داشت لیکن در محافل و مجامع مختلف فی‌البدیعه از سرودن غزل و رباعی نیز دریغ نمی‌نمود. سرمد در زمره سعرای طراز اول معاصر بوده است. وفات او در ۱۳۳۹ در تهران اتفاق افتاد و بیماری سرطان او را در ۵۹ سالگی از پای درآورد. شهرت سرمد از لحاظ شعر و شاعری تنها در ایران نبود، در هند و پاکستان و افغانستان نیز طرفدارانی داشت. وی هنگامی که نماینده‌ی مجلس بود، در سفری که شاه و ثریا به پاکستان عزیمت نمودند، همراه آنان بود. در آن تاریخ رئیس‌جمهور پاکستان اسکندر میرزا و همسر او ناهید کلالی دختر امیرتیمور کلالی بود. سرمد قصیده‌ی غرائی در مدح دو رئیس کشور و همسران آنها می‌سراید. در آن قصیده ناهید را بر ثریا برتر و بالاتر قلمداد می‌کند، در نتیجه مورد بی‌مهری شاه واقع شد و دیگر وکیل نگردید.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات معاصر (۵۶)، سخنوران نامی معاصر (۱۷۶۸ -۱۷۶۳ /۳)، فرهنگ سخنوران (۴۴۸)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۴۹۱– ۴۹۲).

سرمد کاشانی، محمد سعید

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۷۰ ق)، شاعر، متخلص به سرمد. مشهور به سعیدا. وی از ارامنه و یا یهودیان کاشان بود که عاقبت به شرف‌اسلام مشرف شد و به تصوف مایل گشت به درجه‌ی بالایی در عرفان نایل شد. محمدسعید چند گاهی محضر میر ابوالقاسم فندرسکی و ملاصدرای شیرازی را درک کرد، در خدمت مشایخ به تصفیه‌ی باطن پرداخت، آخرالامر مجذوب شده و به هندوستان رفت. از آن پس برهنه می‌گشت. چنان بود که هرچه داشت به یغمائیان داد تا آنکه از ستر عورت هم باز ماند. سرمد پس از چندی اقامت در تته به لاهور رفت و سپس به حیدرآباد دکن و از آنجا به دهلی عزیمت کرد و در آن شهر با پسر شاه جهان آشنایی یافت. لیکن عالمان شرع با او به دشمنی برخاستند و سرمد به فتوای یکی از عالمان بنام ملا عبدالقوی و موافقت فقیهان دیگر به قتل رسید قبرش نزدیک مسجد شاه جهان‌آباد و مزار اهل دل است. از جمله آثارش: «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۳۰ -۱۲۲۸ /۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۱۱ -۳۱۰)، دایرةالمعارف فارسی (۱۲۸۹/۱)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (۴۶ -۴۵)، الذریعه (۴۴۱ -۴۴۰ /۹)، ریاض العارفین (۸۸ -۸۶)، ریحانه (۱۷ -۱۶ /۳)، فرهنگ سخنوران (۴۴۸)، کاروان هند (۵۴۷ -۵۳۷ /۱)، لغت نامه (ذیل/ سرمد)، مجمع الفصحا (۳۸/۴)، مرآت الخیال (۱۴۲ -۱۴۰)، مؤلفین کتب چاپی (۳۲۶/۳).

سرمدی اصفهانی، محمد شریف

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۵ ق)، شاعر، متخلص به سرمدی. ملقب به شریف. مولد و منشاء وی اصفهان است وی در زما اکبرشاه به هندوستان رفت همیشه در ملازمت فضلا و ادبا به سر می‌برد و در سلک بندگان بزرگ قدر بود، مدتی به همراه شریف آملی به بنگاله رفت، چون اول فیضی تخلص می‌کرد. لهذا بین او و شیخ مبارک معارضه افتاد و او به خاطر شیخ از تخلص سابق خود درگذشت و سرمدی را انتخاب کرد. وی در زمان اکبرشاه در هندوستان درگذشت. اشعار چندی از وی در تذکره‌ها ذکر شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۵۳)، الذریعه (۴۴۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۴۸)، کاروان هند (۵۵۰ -۵۴۷ /۱)، مخزن الغرائب (۶۰۴ -۶۰۳ /۲)، نشتر عشق (۷۴۱/۲)، هفت اقلیم (۴۲۲ -۴۲۱ /۲).

سرود، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۳ ش)، مولف، فرهنگ‌نویس و شاعر، متخلص به سرود. وی اهل محال اراک بود که در تهران متولد شد. از طرف مادر نواده‌ی میرزا محمدعلی متخلص به ناطق از شعرای زمان سلطنت شاه سلطان حسین صفوی محسوب می‌شود. سرود مقدمات و مبانی علوم و ادبیات را نخست با اسلوب قدیم نزد استادان فن آموخت و سپس در مدارس جدید به تحصیل علم و زبانهای مختلف پرداخت. در ادبیات غرب نیز تحقیق و تفحص بسزا نمود و با دانستن زبانهای فرانسه، انگلیسی، آلمانی، ترکی و عربی در ادبیات خارجی، علوم ادبی و زبانشناسی و مباحث مالی و اقتصادی صاحب مطالعات و نظرات ذی قیمت بود. سرود از سن دوازده سالگی به شاعری و سخن‌سرایی پرداخت ولی علاقه‌ای به جمع‌آوری اشعارش نداشت. اشعار موجود سروده‌های وی از سنین سی به بعد می‌باشد که عده‌ی کمی از آنها در کتب و مجلات ادبی انتشار یافته است. سرود از نظر خدمات دولتی فردی نظامی بود و تا رتبه‌ی سرتیپی ارتقاء پیدا کرد. از آثار وی: «فرهنگ لغات عربی مصطلح در زبان فارسی»؛ «مجموعه‌ی امثال انگلیسی، فرانسه، آلمانی، ترکی، عربی با مرادفات فارسی»، در پنج مجلد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از بهار تا شهریار (۴۳۷ -۳۴۴).

سرودی خوانساری قمی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خواننده و شاعر، متخلص به ایمنی و سرودی. از استادان موسیقی زمان خود بود و غزل را نیکو می‌سرود.او با حکیم زلالی و تابعی و حقی معاصر بود. سرودی آوازی خوش داشت و به خوانندگی روزگار می‌گذراند. وی در زمان سلطان محمد صفوی بدرود حیات گفت. اغلب تذکره‌نویسان او را در موسیقی صاحب تصنیف دانسته‌اند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ اصفهان (۲۷۴)، تاریخ موسیقی (۳۲۱/۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۲۲)، تحفه سامی (۲۸۸ -۲۸۷)، تذکره‌ی روز روشن (۳۵۳)، تذکره‌ی شعرای خوانسار (۱۰۱ -۱۰۰)، الذریعه (۴۴۲/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۴۹)، مجمع الخواص (۲۴۴ - ۲۴۳)،هفت اقلیم (۴۸۶/۲).

سرور

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۹۱ ق)، خطاط. از آثار او: یک نسخه «تفسیر آصفی»، به قطع وزیری با کاغذ دولت‌آبادی، به خط نسخ تحریر خفی متوسط، با

رقم: «کتبه العبد سرور بن عبداللّه، فی شهر محرم‌الحرام سنه احدی و تسعین بعد الالف» (۱۰۹۱).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۷۹/۴).

سرور خوانساری، محمد حسین

قرن:۱۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به سرور. در خوانسار متولد شد. در زمان محمدشاه قاجار به تهران آمد. قصیده را بسیار نیکو می‌سرود و به علت قریحه سرشار و استعداد ذاتی به دربار سلطنت قاجار راه یافت و در سلک ستایشگران خاصه درآمد. وی برای هر مناسبتی قصیده و چکامه‌ای می‌سرود. سرور با مشتری طوسی و عباس فروغی همعصر بود و با آنها مشاعره می‌کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای خوانسار (۱۰۹ –۱۰۱)، حدیقه الشعراء (۷۶۰ –۷۵۸ /۱)، الذریعه (۴۴۲/۹)، گنج شایگان (۲۰۲ – ۱۹۵)، مصطبه‌ی خراب (۸۷).

سرور شیرازی، محمد

قرن:۱۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ۱۳۱۵ ق)، طبیب، ادیب و شاعر، متخلص به سرور. در شیراز متولد شد. پزشکی حاذق بود و در فنون عربی و ادبی استاد. «قانون» شیخ‌الرئیس را درس می‌گفت و شعر را نیکو می‌سرود. کتاب «رشحات الفنون» در ادبیات تالیف او است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)
منابع زندگینامه :آثار عجم (۱۱۶)، الذریعه (۴۴۳ –۴۴۲ /۹)، ریحانه (۱۹ –۱۸ /۳).

سرور قاجار، طهماسب

قرن:۱۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، شاعر. در علم صرف و نحو و معانی و حکمت اطلاعاتی داشته. به حکم پادشاه به حکومت کرمانشاهان و همدان گروس و مضافات آن منصوب شد. از اوست:
جرس امروز دگر آه و فغانی دارد
گوئیا از دل گم‌گشته نشانی دارد
باشد از دایره‌ی محنت دوران به کنار
هر که از پیر مغان خط امانی دارد
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)
منابع زندگینامه :سفینه المحمود (۴۴ –۴۳ /۱)، مصطبه‌ی خراب (۸۵)، نگارستان دارا (۳۶).

سروری بخارایی

قرن:۱۰
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، شاعر. از سخن‌سرایان روزگار خویش بود که در سرودن غزل مهارت داشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۳۵).

سروری کاشانی، محمد قاسم

قرن:۱۱
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز ۱۰۳۶ ق)، فرهنگ‌نویس و شاعر، متخلص به سروری. وی در اصفهان می‌زیست و در آن شهر با جهانگرد مشهور ایتالیایی پیترو دلاواله دیداری داشته. در سال ۱۰۳۲ ق به هند مسافرت کرد. دربار شاه جهان را درک کرد. سپس به زیارت کعبه رفت و در راه

درگذشت. از آثارش «مجمع الفرس»/ «فرهنگ سروری»/ «لغت فرس سروری» است که ابتدا نوشته‌ای ساده و کوتاه بوده که حاجی خلیفه از آن به عنوان «سهل و مختصر» یاد کرده است ولی بعد از تفحص در آثار شاعران قدیم و یاری جستن از شانزده فرهنگ پارسی به سال ۱۰۰۸ ق کتاب خود را به نام شاه عباس تدوین کرد. سروری تحریر سومی از «مجمع الفرس» فراهم کرد و آن را «خلاصه المجمع» نامید و به نام اعتمادالدوله حاتم بیک وزیر شاه عباس پرداخت. از وی اشعاری نیز در دست است.[1]

محمدقاسم بن (حاج) محمد کاشانی متخلص به سروری نویسنده و شاعر قر. ۱۱ ه. پدرش کفشدوز بود و خود نیز در جوانی در رشه چخشور دوزان اصفهان بود و سپس روی به تحصیل دانش نهاد و به سبب حافظه بسیار قوی و دقت و مهارت در صف اهل فضل درآمد. به قول صاحب عرفات العاشقین حدود سی هزار بیت از اشعار متقدمان و متأخران در حفظ داشت. کتاب لغت فارسی او به نام «مجمع الفرس» معروف است و آن به طبع رسیده (مجمع الفرس.)

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (۴۱/۱۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۸۴ -۳۸۰ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۹۸ -۳۹۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۹۱)، دایرةالمعارف فارسی (۱۲۹۰/۱)، الذریعه (۳۸ -۳۷ /۲۰ ،۴۴۳ /۹)، ریحانه (۱۹/۳)، سرآمدان فرهنگ (۴۵۱/۱)، صبح گلشن (۲۰۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۶۶ -۲۶۵)، فرهنگ سخنوران (۴۵۰)، فرهنگهای فارسی (۱۳۲ -۱۲۴)، کاروان هند (۵۵۴ -۵۵۰ /۱)، کشف الظنون (۱۵۵۸)، لغت نامه (ذیل/ سروری)، مؤلفین کتب چاپی (۹۰۴/۴).

سروری یزدی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. در اوایل با میرزا غازی بود. وقتی به هند رفت با اعتمادالدوله جهانگیری هم‌صحبت شد، بعد از مدتی به دکن رفت. وی شعر بسیار می‌گفت و دارای «دیوان» شعر نیز است. با عارف ایگی و طالب آملی و مسیح کاشانی قصیده‌ی «پیچ ردیف» را طرح کردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کاروان هند (۵۵۵ -۵۵۴ /۱).

سروش اصفهانی، محمد باقر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۰۵ ق)، شاعر و خطاط. اهل اصفهان بود. از شاگردان درویش عبدالمجید شکسته‌نویس. سروش خط شکسته خوش می‌نوشت در تخت فولاد اصفهان دفن است. از اوست:

با تو گویم شمه‌یی از سرگذشت

بی تو آب دیده‌ام از سر گذشت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سفینه المحمود (۳۷۱ -۳۷۰ /۱)، فرهنگ سخنوران (۴۵۱ -۴۵۰)، نگارستان دارا (۲۰۰ -۱۹۹).

سروش، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد سروش

محل تولد : قم

شهرت : سروش محلاتی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از دروس سطح در خدمت حضرات آیات ستوده و سید علی محقق داماد، در درس خارج آیت الله حائری یزدی(ره) حاضر شدم ، همچنین مدت ۱۵ سال از درس خارج حضرات آیات وحید خراسانی و شبیری زنجانی و برخی اساتید دیگر استفاده کردم. در همین مدت فلسفه و عرفان را از محضر حضرات آیات حسن زاده آملی ، جوادی آملی و انصاری شیرازی استفاده کردم.حدود ۱۰ سال تدریس سطح عالی داشتم و سپس به تدریس خارج فقه واصول مشغول شدم که در مدرسه آیت الله گلپایگانی(ره) ، حدود ۱۰ سال است ادامه یافته است گرایش اصلی من در پژوهش ، فقه سیاسی است.

سروش، محمد علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بخش ۱) شمس الشعراء میرزا محمد علی سدهی اصفهانی شاعر قصیده‌سرای قرن سیزدهم هجری (ف. ۱۲۸۵ ه.ق./ ۱۸۶۸ م.). وی در سده (اصفهان) ولادت یافت، مدتی به سفر گذرانید و چندی هم مقیم تبریز شد و به مدح ناصرالدین میرزای قاجار- که در آن زمان ولیعهد بود پرداخت و چون او به سلطنت رسید، با وی به تهران آمد و در این شهر سکونت گزید. از آثار معروف او غیر از دیوان قصاید، غزلیات و مثنویها، مجموعه‌هایی به نام «ساقی‌نامه» و «الهی‌نامه» و «زینهٔ المدایح» (مجموعه‌ای از مدایح خاندان رسالت) و یک حماسه دینی به نام «اردیبهشت‌نامه» به بحر متقارب در بیان احوال پیغامبر اسلام است. سروش از شاعرانی است که سبک دوره بازگشت ادبی در قصاید او که به پیروی از شعرای قصیده‌سرای قرن پنجم مخصوصا فرخی ساخته- به نهایت کمال رسیده است.

(۱۲۸۵ -۱۲۲۸ ق)، شاعر، متخلص به سروش. ملقب به خان و شمس‌الشعراء. وی در سده اصفهان متولد شد و تحصیلات خود را در همان جا گذرانید. از دوران نوجوانی از طبعی سرشار و موزون بهره‌مند بود و مورد توجه وتربیت حاجی سید محمدباقر رشتی که علاوه بر ریاست خاصه و عامه دارای کمالات علمی بود، واقع گردید. از اصفهان به گلپایگان رفت و سپس به تهران آمد و پس از چندی به اتفاق شاهزاده محسن میرزا متخلص به دارا به تبریز رفت و به دربار ناصرالدین میرزای ولیعهد راه یافت و مورد اکرام و انعام او واقع شد و لقب شمس‌الشعرایی یافت. اقامت او در تبریز چهارده سال به طول انجامید و بعد از فوت محمدشاه در سال ۱۲۶۴ ق، به همراه ناصرالدین‌شاه به تهران آمد. به دستور بهمن میرزا، پسر چهارم عباس میرزا نایب‌السلطنه، سروش اشعار عربی «الف لیله و لیله» را به فارسی بلیغ و شیوایی ترجمه کرد. او در تهران وفات یافت. آثار سروش عبارت است از: قصاید و فتحنامه‌ها و مثنویهای: «اردیبهشت نامه»، «ساقی نامه»، «الهی نامه» و «روضه الانوار» در ذکر واقعه‌ی کربلا؛ کتابی به نام «شمس المناقب»، حاوی قصایدی در مدح و منقبت رسول (ص) و خاندان نبوت و «دیوانی» به نام «زینه المدایح».[۱]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۹۳ -۸۶/ ۱)، حدیقه الشعراء (۷۷۳ -۷۶۷/ ۱)، الذریعه (۴۴۴ -۴۴۳/ ۹)، ریحانه (۲۰/ ۳)، سرآمدان فرهنگ (۴۵۳ -۴۵۲/ ۱)، شرح حال رجال (۴۳۳ -۴۳۲/ ۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۶۶)، فرهنگ سخنوران (۴۵۰)، گنج سخن (۲۲۹ -۲۲۰/ ۳)، گنج شایگان (۵۵۶ -۵۵۰، ۲۴۰ -۲۰۲)، لغت نامه (ذیل/ سروش)، المآثر و الآثار (۲۰۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲۶۹ -۲۶۷/ ۴)، مجمع الفصحا (۴۲۹ -۴۰۶/ ۴)، مکارم الآثار (۷۵۸ -۷۵۶/ ۳)، یادگار (س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۱۰۳ -۱۰۲)، یاد داشتهای قزوینی (۱۹۱/ ۸)، یغما (س ۱، ش ۳ تا ۹، ص ۴۰۱ -۳۹۸، ۳۵۲ -۳۴۷، ۲۰۴ -۲۰۱، ۱۸۸ -۱۸۶، ۱۴۰ -۱۳۳).

سروی بیرجندی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر. وی علم قرائت را کامل می‌دانست و کسی در آن زمان با وی برابر نبود. او «سرو گلستان سخن گستری و شمشاد بوستان معنی‌پروری» بود. از اشعار اوست:

کاشکی دامن کشان آید قد رعنای او

تا نبیند دیده‌ی غیری نشان پای او

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۴۴/۹)، صبح گلشن (۲۰۳)، مجالس النفائس (۱۵۷)، مخزن الغرائب (۵۸۸/۲).

سروی خوشتری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۶۲ ق)، شاعر، متخلص به سروی. وی از اعیان قریه‌ی خوشتری از توابع بخارا بود و در مدرسه میرزا کسب دانش کرد. سروی در علوم مختلف دست داشت. در سرودن غزل و ماده‌ی تاریخ توانا بود. گویند چون قامتی بلند داشت سروی تخلص می‌کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۲۳ -۶۲۲).

سرهنگ شیرازی، عبدالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۷۴ -۱۲۲۳ ق)، خطاط. وی شش دانگ نستعلیق را خوش می‌نوشت و در شیراز درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۵۷ / ۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۳۵ / ۲).

سری پوده‌ایی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۹ -۱۳۱۰/۱۳۱۱ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به سری. در قریه پوده از دهات سمیرم سفلی متولد شد. از ابتدای جوانی جهت کسب علم و دانش به اصفهان آمد و در خدمت استادان این شهر مقدمات علوم را کسب کرد. از جمله استادان وی میرزا یحیی مدرس بیدآبادی معروف به کاشی‌پز بود که در وی استعداد ذوق فراگرفتن علوم را دید و در صدد تعلیم وی برآمد و در مسابقه‌ی ادبی رادیو لندن در سال ۱۳۲۶ ش در بین ۲۷۳ نفر از شرکت‌کنندگان جزو دو نفر ممتاز شد سری در تهران درگذشت و در قم دفن شد. از آثار وی: «آخرین قانون ناتمام»؛ «دیوان» اشعار؛ «مرغابیه سری»، شعر؛ «مکاشفات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۴۳ -۲۴۲)، الذریعه (۴۴۵/۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶۶/۱).

سری ترشیزی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. از ولایت ترشیز بود، جوانی ابدال‌وش، خورشید شیرین کار بود و گفتار او نیز چون کردارش شیرین و دلپذیر بود. از اشعار اوست:

بود در دعوی به ابرویت مه نو تیز و تند

دید چون خورشید رویت کرد خود را گرد و غند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۴۵/۹)، مجالس النفائس (۲۴۰، ۶۷).

سریلی، حسین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۸۲ -۷۶۷ ق)، عالم از جانب مادر نسب وی به شیخ صفی‌الدین اسحاق اردبیلی و از جانب پدر به شیخ شهاب‌الدین سهروردی می‌رسید. از کودکی آثار جلالت از او ظاهر بود، در مدت پنج سال نحو و صرف و منطق و معانی و فقه و تفسیر و حدیث را متقن ساخت، در جبر و اعداد نیز سرآمد اهل زمان شد، کمتر کسی تاب معارضه با وی داشت. نماز شبش اصلا فوت نمی‌گردید، هفت مرتبه به زیارت بیت‌اللّه الحرام مشرف شد و از شیخ محمد قلی و شیخ طائی که از اکابر عرفای وقت بوده‌اند بهره‌مند گشت، پس به سمرقند رفت و چند سالی ملازم خدمت شیخ حسن سمرقندی بود تا به مقامی عالی رسید و بعد از رحلت شیخ حسن جانشین وی گردید، بعد به زیارت بیت‌اللّه مشرف گردید و در مراجعت به تبریز آمد و در نزدیکی پلی که بر در روی مهراندود است در کوی پل سنگین نامی از آن شهر اقامت کرد و تا آخر عمر همان جا ماند تا این که فوت کرد و در تکیه‌ای که در همان جا به سال ۸۵۰ ق ساخته شد، مدفون گردید گویا گاهی به نظم شعر نیز اشتغال داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :روضات الجنان و جنات الجنان (۵۲۲ -۵۲۰ /۱)، ریحانه (۱۷۱ -۱۷۰ /۳)، فرهنگ سخنوران (۴۸۹).

سعادت بوشهری، عبدالکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۸ -۱۲۹۷ ق)، دانشمند و مولف. وی در نجف اشرف متولد شد و چون پدرش شیخ محمدعلی از پیشوایان مذهبی کازرون بود در سن هفت سالگی به آن شهر رفت و مقدمات فارسی و عربی را در آنجا آموخت و در سال ۱۳۱۶ ق برای تکمیل تحصیلات به شیراز رفت و یکسال در مدارس قدیمی شیراز تحصیل کرد. در سال ۱۳۱۷ ق به همراه برادرش شیخ محمدحسین سعادت برای تاسیس مدرسه سعادت به بوشهر رفت و در آن مدرسه سمت نظامت یافت و در قسمت علوم ادبی و ریاضی مشغول به تدریس شد و مدت دوازده سال بدین کار پرداخت تا در سال ۱۳۲۹ ق به نجف رفت و در آنجا به اصرار آخوند مولی محمدکاظم مجتهد

خراسانی به مدیریت و تدریس در مدرسه علوی به مدت نه سال مشغول شد. بعد از پایان جنگ جهانی اول وی به شیراز رفت و از سال ۱۳۳۸ ق در مدرسه منصوریه و دیگر مدارس قدیم و جدید شیراز به تدریس در رشته ادبیات و ریاضیات پرداخت و به مدت ده سال نیز ریاست اداره اوقات را بر عهده داشت. وی همچنین سردبیر روزنامه «عدالت» بود. سعادت علاوه بر احاطه بر زبان عربی و آشنایی به زبان انگلیسی و مهارت در ادبیات تازی و فارسی و سایر علوم قدیمی و دینی در علم حساب و مسایل ریاضی نیز ید طولایی داشت. وی در سال ۱۳۳۹ ق در سن هفتاد سالگی بازنشسته شد و به امور زراعتی پرداخت. وی عضو انجمن کتابخانه ملی و اتحادیه فلاحتی و همچنین ریاست انجمن حمایت زندانیان را داشت. از آثار وی: «شرعیات»؛ «جغرافیای ابتدایی»؛ «خلاصه الصرف»؛ «حقوق بشری»، در اخلاق؛ «جامع الحساب»؛ «آداب پرورش جوانان»؛ «دوره حساب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۰۰ -۹۸ /۳).

سعادت دامغانی، اسفندیار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مدیریت بازرگانی، دانشکده: علوم اداری و مدیریت بازرگانی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سعادت نوری اصفهانی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و شاعر. وی از کارمندان وزارت دارایی بود و در تهران اشتغال داشت. از آثار وی: ترجمهها: «آشنائی مردم آمریکا با اتم یا تاریخ تحولات اتم»؛ «تاریخ مختصر ایران»؛ «جنگ انگلیس و ایران در ۱۲۷۳ ق بر سر مساله هرات»؛ «سفرنامه‌ی ژنرال سرپرسی سایکس یازده هزار میل در ایران»؛ «شهرهای نامی ایران»؛ تالیفات: «گلهای ادب، تذکره‌ی شعرای اصفهان با عکس آنان»؛ «تاریخ مشروطه‌ی ایران و جنبش وطن‌پرستان اصفهان و بختیاری»، حواشی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۴۶ -۲۴۴)، الذریعه (۴۴۵/۹)، مؤلفین کتب چاپی (۷۵۴ -۷۵۳ /۲).

سعادت، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل سعادت زبان شناس و مترجم آثار فلسفی در سال ۱۳۰۴ در خوانسار متولد شد. در سال ۱۳۲۲ راهی گلپایگان و سپس عازم تهران شد و در سال ۱۳۳۰ موفق به اخذ مدرک لیسانس در رشته زبان فرانسه و انگلیسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد. سعادت مدرک کارشناسی ارشد زبان شناسی خود را در سال ۱۳۴۷ از دانشگاه تهران گرفت .سعادت عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی از سال ۷۸ و مدیر دانشنامه زبان و ادب فارسی می باشد. درسال ۱۳۸۶ به عنوان برگزیده فرهنگستان زبان و ادب فارسی نشان درجه یک دانش به ایشان اهدا شد. کتاب " در آسمان "ترجمه اسماعیل سعادت ، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ترجمه

والدین و انساب : پدر اسماعیل سعادت احتمالا هنگامی که او در حدود شش سال سن داشت فوت کرده است .

خاطرات کودکی : اسماعیل سعادت به نقل ازدوران کودکی بیان می دارد : یادم می آید که یک روز صبح که به مکتب می رفتم ،در را ه به چند تا از بچه های هم سن و سال خودم برخوردم که بازی می کردند . من بی اختیار در بازی آنها شرکت می کردم و آن قدر از این کار لذت می بردم که کیفم را در سوراخی دردیوار باغی کنار کوچه پنهان می کردم .ظهرکه شد کیفم رابرداشتم و به خانه رفتم . دو سه روزی کارم این بود تا اینکه یکی از بستگان نزدیکم مرا در راه دید . توجه گریز پایی من شد ، مرا به مکتب برد و آهسته درگوش معلم چیزی گفت و پیدا بود که سفارش کرد که تقصیر مر اندیده بگیرد . به پدرم هم که مرد سختگیری بود چیزی نگفت . ولی همین باعث شد که سال تحصیلی بعد مرا به دبستان دولتی بردند .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : اسماعیل سعادت که تحصیلات مکتبی داشت تحصیلات رسمی خودرا از کلاس دوم ابتدایی شروع کرد که دراین زمان هشت ساله بوده است . او در سیزده سالگی دوران ابتدایی را به پایان رسانید و کلاس اول و دوم دبیرستان را درخوانسار مشغول شده و درهر دو سال شاگرد اول شده است لیکن سال سوم دبیرستان در خوانسار دایر نشده واو بلاتکلیف ماند .

وی بعدا به اصفهان رفته و در دبیرستان حکیم نظامی ثبت نام کرد و آن سال تحصیلی را دراصفهان گذرانید و سال بعد درگلپایگان دردانشسرای مقدماتی ثبت نام کرده و آنجا نیز شاگرد اول شد . وی سال بعد رابا راهنمایی دکتر مشایخ فریدنی دردانشسرای تهران ثبت نام کرد و در سال تحصیلی۲۴-۱۳۲۳ از دانشسرای مقدماتی تهران فارغ التحصیل شده و در سال دوم تدریس خود در تهران توانست به دانشگاه برود و دررشته زبان و ادبیات فرانسه به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۳۱ فارغ التحصیل شد . وی سال بعد که رشته زبانشناسی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دایر شد ، ثبت نام کرده و ادامه تحصیل داد لیکن درسال آخر تحصیلی بورس از طرف یونسکو به او داده شد و او به فرانسه رفت و این وقفه درتحصیل ، ترک تحصیل محسوب شده و او نتوانست تحصیلات خود را به پایان برساند .

خاطرات و وقایع تحصیل : اسماعیل سعادت که در مکتب درس خوانده بود تعریف می کند که در مکتب رسم بود که وقتی شاگردی مثلا ـ رخصت می گرفت یعنی از ملا ـ اجازه می گرفت که آن روز بچه ها تعطیل باشند .یکی از شیرین ترین روزهای سعادت و دوستانش همین رخصتهابود که به عده شاگردها و به تناسب ارتقای تحصیلی آنها تکرار می شد .

فعالیتهای ضمن تحصیل : اسماعیل سعادت درضمن تحصیل دانشگاهی ، تدریس هم می کرد .او می بایست هجده ساعت در هفته تدریس می کرد .

استادان و مربیان : آقا شیخ محمد باقر مهدوی در دوران دبیرستان و دبستان معلم فارسی و عربی اسماعیل سعادت بوده است که تشویق هایش در توفیق های تحصیلی اسماعیل خیلی موثر بوده و سعادت همیشه او را به یاد داشته و از وی به نیکی یاد می کند . دکتر بروخیم ،عیسی سپهبدی ،خانم نفیسی .خانم پاکروان و مادام رهاوی نیز استادان سعادت در دوران دانشگاه بودند . آقا شیخ محمد حسن رفیعی یک معلم روحانی بود که اسماعیل سعادت در تعطیلات تابستان پیش او به تحصیل می پرداخت . اسماعیل پیش وی گلستان سعدی و نصاب صبیان را آموخته است .

هم دوره ای ها و همکاران : بیشتر همکلاسی های ابتدایی اسماعیل سعادت ترک تحصیل کردند و دنبال کسب و کار پدرشان رفتند . اصولا در آن زمان تا آنجا این فکر غالب بود که هر پسری پس از یاد گرفتن خواندن و نوشتن و حساب کردن ،باید همان شغل پدرش را دنبال کند . از این الحاظ بزرگتر های اسماعیل نیز اختیار او را داشتند و از قضا آنهامخالف تحصیلات اسماعیل بودند .سعادت در دوران دانشگاه با کسانی چون ابوالحسن نجفی ،هوشنگ اعلم و عبد الله توکل همدوره بوده است .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : اسماعیل سعادت زمانی که درسال ۱۳۲۴ از دانشسرای مقدماتی تهران فارغ التحصیل شد به شغل آموزگاری در تهران مشغول شد و در سال ۱۳۳۱ که تحصیلات دانشگاهی را به پایان رسانید از آموزگاری به دبیری ارتقاء یافت . سعادت دربنگاه ترجمه و نشر کتاب هم فعالیت داشته و ویرایش کتابها را برعهده داشته است .او درموسسه فرانکلین هم فعالیت داشته است . به طور کلی اسماعیل سعادت حدود هفت سال دربنگاه ترجمه و نشر کتاب کارکرد و بعد از آن هم مدتی در اداره مجله راهنمای کتاب با آقای ایرج افشار ، مدیر مجله همکاری داشت . سپس به انتشارات فرانکلین رفته و بعد از آن نیز در مرکز تهیه مواد خواندنی برای نو سوادان به سرپرستی ایرج جهانشاهی مشغول به فعالیت شده است . او عهده دار سر دبیری مجله پیک دانش نیز بوده است و درهمان وقت معاون انتشاراتی مرکز تهیه موا د خواندنی برای نو سوادان بود . سعادت ویراستاری و سر دبیر مجله معارف نیز می باشد که از سوی مرکز نشر دانشگاهی چاپ می شود .وی عضو شورای عالی و ویرایش زبان فارسی صدا و سیما بوده است. او به عضویت پیوسته فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی در سال۱۳۷۷ انتخاب شده و در آن میان ، مدیریت دانشنامه زبان و ادبیات فارسی به او محول شده است .

فعالیتهای آموزشی : اسماعیل سعادت بیشتر درموردویرایش و ترجمه فعالیت کرده است . نقل می کند ویرایش از جهت فعالیت ذهنی جدا از ترجمه نیست ، مترجم خوب می تواند ویراستار خوبی هم باشد و بالعکس . چون از نظر نوع کار ، چندان تفاوتی با هم ندارند مثلا وقتی که متنی راویرایش می کنند ، آن را جمله به جمله با متن اصلی مقابله می کنند . یعنی هر مرحله متن را که می خوانند اول در ذهن خودتان آن را ترجمه می کنند ،بعد ترجمه ذهنی خود را با ترجمه متر جم مقایسه می کنند و اگر تفاوتی باشد درجمله متر جم تصرف می گردد .

آرا و گرایشهای خاص : اسماعیل سعادت درمورد توجه معتقد است که ترجمه سه رکن اساسی دارد و متر جم باید بر این سه رکن مسلط باشد تا بتواند خوب ترجمه کند ،یکی زبان مبدا است ،دیگری زبان مقصد است و سوم موضوع متنی که باید ترجمه شود . تسلط بر زبان مبدا وموضوع زودتر و آسان تر حاصل می شود تاتسلط برزبان مقصد . در تر جمه متون ادبی و به طور کلی متون مربوط به علوم انسانی ،مترجم باید با روح زبان مادری خود خوب آشنا باشد و شم زبانی کافی داشته باشد و متون ادبی زبان مادری خودرا بسیار خوانده باشد تا بتواند دقایق متن زبان مبدا را که دریافته است به زبان مادری خود منتقل کند . دردانستن زبان مبدا فهم زبان و آگاهی از دقایق آن لازم است ام در برگرداندن این دقایق به زبان مادری ،علاوه بر آن ،خلاقیت هنری هم لازم است یعنی ذهن باید بیشتر از فعالیتی که برای ادراک چیزی لازم است فعالیت کند وبه جولان در بیاید تا بتواند چیزی را که در عالم خارج نیست هست کند . آن هم به گونه ای که اهل زبان مقصد بتوانند معنی متن رابه همان خوبی که اهل زبان مبدا می فهمند ،بفهمند . اسماعیل سعادت به ترجمه آثار کلاسیک فلسفی مانند آثار ارسطو علاقه خاصی دارد چون او آن آثار ر ابا فلسفه اسلامی مرتبط می داند و مقصد است که فلاسفه اسلامی درتفکر است فلسفی شان به آثار آنها نظر داشته اند .

جوائز و نشانها : – برنده جایزه بهترین ترجمه به خاطر ترجمه کتاب « میکل آنژ» در سال ۱۳۳۴ و در همان سال مجله سخن که بنیانگذارش پرویز خانلری بود، جایزه ممتاز خود را به این کتاب اهدا کرد. – برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۴به خاطر کتاب تفسیر قرآنی و زبان عرفانی – برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۸ به خاطر کتاب در کون و فساد ارسطو – دریافت نشان درجه یک دانش بعنوان برگزیده فرهنگستان زبان و ادب فارسی درسال ۱۳۸۷ – برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره نوزدهم کتاب سال به خاطر ترجمه کتاب " در آسمان "

چگونگی عرضه آثار : چاپ و انتشار جلد دوم دانشنامه زبان و ادب فارسی، عضویت پیوسته در فرهنگستان زبان و ادب فارسی و

فعـالیت در پروژه فرهنـگ آثار اسـلامی از جمله برنامه‌های اسـماعیل سـعادت است. – ترجمه و تالیف و ویرایش مقالات مجله های پیـک در سالهای خـدمت در مرکز انتشارات آموزش – ترجمه و تالیف مقالات در مجله سـخن ، راهنمای کتاب، اموزش وپرورش، نشر دانش و معارف ---

---

آثار :

۱ ترجم ?ایزابل

ویژگی اثر : از آندره ژید

۲ ترجم ?زندگی میکل آنژ

ویژگی اثر : ترجمه،تالیف :رومن رولان

۳ ترجمه آثار میکل آنژ

ویژگی اثر : این کتـاب تـالیف رومن رولان است واولین ترجمه اسـماعیل سـعادت می باشـد که در سال ۱۳۳۴ به چاپ رسـید . این کتاب برنده جایزه ادبی مجله سخن که بنیانگذار آن پرویز خانلری بود شد ه و بهترین ترجمه سال ۱۳۳۴ شناخته شده است .

۴ ترجمه ابوسلیمان سجستانی منطقی او مانیست بزرگ قرن چهارم هجری

ویژگی اثر : این مقاله توسط عبد الرحمان بدوی تهیه و تدوین یافته است

۵ ترجمه اخلاق

ویژگی اثر : این کتاب تالیف جرج ادوارد مور است

۶ ترجمه از وجوه و نظائر مقاتل بن سلیمان و حکیم ترمذی تا تفسیر امام صادق (ع)

ویژگی اثر : این مقاله تالیف پل نویا است

۷ ترجمه از وولف تا کانت

ویژگی اثر : بخش اول از جلد ششم تاریخ فلسفه کاپلستون، سروش ۱۳۷۲

۸ ترجمه اسپینوزا

ویژگی اثر : این کتاب تالیف راجر سکروتن است ض

۹ ترجمه انرژی

ویژگی اثر : این کتاب تالیف آیزا ک آسیمون است

۱۰ ترجمه ایزابل

ویژگی اثر : آندره ژید

۱۱ ترجمه بخشی از سیر فلسفه در جها ن اسلام

ویژگی اثر : این کتاب تالیف ماجد فخری است

۱۲ ترجمه بکر زدایی

ویژگی اثر : این مقاله درمجله سخن به چاپ رسیده است

۱۳ ترجمه پل نویا

ویژگی اثر : این مقاله تالیف دانیل ژیماره است

۱۴ ترجمه تاریخ فلسفه

ویژگی اثر : این کتاب تالیف کاپلستون است و بخش اول از جلد ششم توسط اسماعیل سعادت ترجمه شده است .

۱۵ ترجمه تاریخ و فلسفه

ویژگی اثر : این کتاب تالیف بریه است و شامل هفت جلد می باشد که جلد های اول و دوم و چهارم آن توسط اسماعیل سعادت تر جمه شده است .

۱۶ ترجمه تفسیر قرآنی و پیدایش زبان عرفانی

ویژگی اثر : این مقاله تالیف پل نویا است

۱۷ ترجمه تفسیر قرآنی وزبان عرفانی

ویژگی اثر : این کتاب تالیف پل نویا است

۱۸ ترجمه تلخکامیهای سوفی

ویژگی اثر : این کتاب تالیف کنتس دوسگور می باشد .

۱۹ ترجمه خیمه شب بازی درهند

ویژگی اثر : این مقاله درمجله سخن به چاپ رسیده است

۲۰ ترجمه در کون وفساد

ویژگی اثر : این کتاب تالیف ارسطواست

۲۱ ترجمه درآسمان

ویژگی اثر : این کتـاب تـالیف ارسـطو می باشـد .این کتاب ، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیـده شـد. آشـنایی با کتاب : «در آسـمان» در آسـمان/ ارسـطو؛ ترجمه اسـماعیل سـعادت.– تهران: هرمس، ۱۳۷۹ . بیست و یـک، ۳۰۶ ص: مصور. واژه¬نـامه. کتابنـامه: ص [۲۹۹]– ۳۰۶. ترجمه امّهات متون فلسـفی یکی از نیازهای فرهنگی ماست. به دلیل تأثیری که فلسف ?ارسـطو در تکوین فلسف ?اسـلامی داشته، ترجم?

آثار ارسطو برای اهل فلسف ?ما بسیار ضروری است. در آسمان، به رغم استطرادهای اجتناب ناپذیر، یکی از منظم ترین، روشن ترین و سامان یافته ترین رساله های مجموع ?ارسطویی است. این رساله، که درمورد ویژگیهای اجسام جهان تحت قمر و دیگر انواع تغییرات آنها، با اطلاعات دقیقتر در کون و فساد و کائنات جوّ، و در بخش کیهان شناختی خود، با کتاب لامبدای متافیزیک، کامل می شود، تصویر تمام نمایی از جهان جسمانی به دست می دهد. موضوع این رساله بررسی حرکت انتقالی (حرکت مکانی) در اطلاق آن بر موجوداتی است که کلّ جهان هستی را تشکیل می دهد و مشیِ کلّی رساله تمایز اساسی میانِ «جهان فوق قمر» شامل فلک ثوابت و افلاک سیارات مختلف، از یک سو، و «جهان تحت قمر» از سوی دیگر است که از زمین ما تا منطق ?بلافاصله واقع در زیر قمر امتداد می یابد. مترجم محترم، این رساله را از روی دو ترجم ?فرانسوی (ژ. تریکو و پل مورو) و یک ترجم? انگلیسی (ج. ل. استاکز) و با توجه به ترجم ?عربی آن (عبدالرحمن بدوی) به فارسی برگردانده است. البته در ترجم ?فارسی از ترجم ?فرانسوی تریکو پیروی کرده، ولی در مواردی که ترجم ?تریکو را روشن نیافته از دو ترجم ?دیگر فرانسوی و انگلیسی یاری گرفته و ترجمه ای امین و قابل اعتماد فراهم ساخته است. از امتیازات این ترجمه، یادداشتهای آخر کتاب است که مترجم برای توضیح متن و رفع دشواریها و ابهامهای آن برپای ?ترجمه های فرانسوی و انگلیسی این رساله ترتیب داده است. مترجم در عین تقید به شیوایی و رسایی، دقت را فدای سادگی بیان نکرده و اگر گاهی تعقیدی در این ترجمه دیده می شود، به دلیل پیچیدگی متن اصلی و بیان ارسطو است. از دیگر ویژگیهای ترجم ?حاضر این است که اصطلاحات کتاب همان اصطلاحاتی است که در فلسف? اسلامی به کار رفته و مترجم معادلهای انگلیسی و فرانسوی غالب اصطلاحات را هم در پانوشت ذکر کرده است. در متنی چنین سنگین، رعایت نقطه گذاری درست یک اصل اساسی است، که مترجم این اصل را بسیار خوب رعایت کرده است. دو واژه نام? کتاب («فرانسه، انگلیسی، یونانی و لاتینی به فارسی» و «فارسی به فرانسه، انگلیسی، یونانی و لاتینی») بر فاید ?ترجمه افزوده است

۲۲ ترجمه درسایه آفتاب

ویژگی اثر : نشر دریانورد ، ۱۳۸۰

۲۳ ترجمه رسالت کتابخانه

ویژگی اثر : این مقاله تالیف آندره موروامی باشد

۲۴ ترجمه رساله اسما الله فخررازی

ویژگی اثر : این مقاله تالیف ژرژ قنواتی است

۲۵ ترجمه رساله دراصلاح فاهمه

ویژگی اثر : این کتاب تالیف اسپینوزا می باشد .

۲۶ ترجمه رساله کتاب الصفات ابوسعید خراز

ویژگی اثر : این مقاله تالیف پل نویا است

۲۷ ترجمه زندگی ارسطو

ویژگی اثر : این مقاله توسط دیوگنس لائریتوس تالیف یافته است

۲۸ ترجمه زندگی ارسطو درآثار تذکره نویسان سریانی و عرب

ویژگی اثر : این مقاله تالیف هرمان کروست است

۲۹ ترجمه زندگی افلوطین و ترتیب و توالی رساله هایش

ویژگی اثر : این مقاله تلیف فرفوریوس است

۳۰ ترجمه زندگی و آثار تا گور

ویژگی اثر : این مقاله درمجله راهنمای کتاب به چاپ رسیده است

۳۱ ترجمه ژان غرغرو، ژان خنده رو

ویژگی اثر : کنتس دوسگور، هرمس ۱۳۸۱

۳۲ ترجمه ساختار و واژگان تجربه عرفانی

ویژگی اثر : این مقاله ترجمه پل نویا است

۳۳ ترجمه سرود نیبلو نگن

ویژگی اثر : این کتاب حماسه قوم ژرمن است

۳۴ ترجمه سیری دررساله های ابوسعید خراز

ویژگی اثر : این مقاله تالیف پل نویا است

۳۵ ترجمه شیر و جادوگر

ویژگی اثر : این کتاب تلیف سی . اس لویس می باشد

۳۶ ترجمه ظهور کرامیه درخراسان

ویژگی اثر : این مقاله تالیف ادموند بوزورث است

۳۷ ترجمه عصر بدگمانی

ویژگی اثر : این کتاب تالیف ناتالی ساروت است ض

۳۸ ترجمه فلسفه ابو سلیمان سجستانی

ویژگی اثر : این مقاله تالیف فهمی جدعان است

۳۹ ترجمه فن ترجمه انتقال فلسفه یونانی به جهان اسلام

ویژگی اثر : این مقاله تالیف عبدالرحمان بدوی است

۴۰ ترجمه کشفیات نوین در روان پزشکی

ویژگی اثر : این کتاب تالیف کلیفورد آلن می باشد .

۴۱ ترجمه کودکان وحشی

ویژگی اثر : این مقاله تالیف ژرژبلون است

۴۲ ترجمه گرولوس ،نخستین کتاب ارسطو

ویژگی اثر : این مقاله تالیف هرمان کروست میباشد

۴۳ ترجمه گفت و گو درباره مرگ

ویژگی اثر : این مقاله تالیف لودویک اسکنازی است

۴۴ ترجمه گوشه ای از داستان سفرهای فیلسوفان یونانی به ایران

ویژگی اثر : این مقاله تالیف ماریا دزیسکا است

۴۵ ترجمه ماجرای دریفوس

ویژگی اثر : این مقاله تالیف ژان بلوک میشل بوده وشامل یادداشتهای روژه مارتن دوکارمی باشد

۴۶ ترجمه مرگ الیویه بکی

ویژگی اثر : این مقاله تالیف امیل زولا می باشد و در مجله سخن چاپ شده است

۴۷ ترجمه مسئله اختیار در تفکر فلسفی و پاسخ معتزله به آن

ویژگی اثر : این کتاب درباره آراء معتزله درباره مساله اختیار است درتقابل با آراء مذاهب کلامی دیگر

۴۸ ترجمه مونتنی

ویژگی اثر : این کتاب تالیف پیتربوک است

۴۹ ترجمه میکروبها

ویژگی اثر : این کتاب تالیف آیزاک آسیموف است

۵۰ ترجمه نظریه مثل ومسئله معرفت در فلسفه اسلامی

ویژگی اثر : این مقاله تالیف ابراهیم مدکور است

۵۱ ترجمه نهضت ترجمه در جهان اسلام

ویژگی اثر : این مقاله نگارش ابراهیم مدکوراست

۵۲ ترجمه وویرایش فرهنگ آثار

ویژگی اثر : این کتاب درپنج جلد می باشد

۵۳ دانشنامه زبان و ادب فارسی

ویژگی اثر : انتشارات زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۴

۵۴ رای بعد از مای نکره

ویژگی اثر : این مقاله در فصلنامه نشر دانش به چاپ رسیده است

۵۵ زبان فارسی،ممیز ذیروح ازغیر روح

ویژگی اثر : این مقاله درفصلنامه نشردانش به چاپ رسیده است

۵۶ کدام عذرا؟

ویژگی اثر : این مقاله در فصلنامه نشر دانش به چاپ رسیده است

۵۷ یادی از حجه الاسلام غزالی

ویژگی اثر : این مقاله درمجله معارف به چاپ رسیده است

۵۸ یادی از فخرالدین رازی

ویژگی اثر : این مقاله درمجله معارف به چاپ رسیده است --

منابع :

iterature_verse/c۵c۱۱۸۳۲۹۲۵۴۳_esmaeel_saadat_p۱.php۲http://www.ketabnews.com/detail-

۷۱۲۵-fa-۰.html۳www.ketabesal.ir۴کیمیای سعادت ، گفتگو با اسماعیل سعادت ، کتاب ماه ادبیات و فلسفه ،سال

چهارم ، شماره هفتم ،اردیبهشت ۱۳۸۰ ، پیاپی ۴۳ ، ص ۴

سعادت، فریبا

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

مهندس فریبا سعادت در سال ۱۳۳۴ درتهران به دنیا آمد.ایشان هم اکنون دانشجوی مقطع دکتری رشته مواد است.وی یکی از

مترجمین کتاب «اصول مهندسی و علم مواد» می باشد. این کتاب ، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : فنی و مهندسی

رشته : مهندسی مواد

تحصیلات رسمی و حرفه ای : فریبا سعادت در سال ۱۳۵۸ در رشتهٔ مهندس مواد از دانشگاه شیراز فارغ التحصیل شد.وی برای تکمیل معلومات دانشگاهی عازم کانادا شد و مدرک فوق لیسانس را دریافت داشت و اکنون مشغول تحصیل در دورهٔ دکتری است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فریبا سعادت پس از اخذ مدرک کارشناسی مواد از دانشگاه تهران مدتی در مرکز نشر دانشگاهی به کار ویراستاری و چندی به کار صنعت مشغول بود.

جوائز و نشانها : کتاب"اصول مهندسی و علم مواد"ترجمه مریبا سعادت(یکی از مترجمین)، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

سعادت، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمد علی بن السید الاجل الحاج سید محمد هاشم بن العالم الجلیل عبدالهادی بن العالم العلام السید محمد بن السید هاشم بن السید ابوالحسن بن السید هاشم بن العلامه الفقیه المجتهد السید عبدالله بلاد بحرینی مشهور بسعادت از فضلاء کرام و علماء اعلام شهرستان بهبهان و اصدقاء این نگارنده است و ولادتش در بهبهان واقع شده و در خاندانی اصیل و نجیب و شریف تربیت یافته والدش گرچه تاجر و در کسوه روحانیت و از اخیار بهبهان بشمار میرود.

آقای سعادت بعد از فراغت از دروس جدید بتحصیل علوم قدیمه پرداخته و مدت ده سال در مدرسه عالی سپهسالار و مدارس تهران مقدمات و ادبیات و سطوح را خوانده آنگاه بنجف اشرف مشرف و ده سال هم در حوزه هزار ساله نجف از محضر آیات عظام و بالاخص آیه‌الله العظمی خوئی مدظله کسب فیض و استفاده فقه و اصول نموده آنگاه بایران مراجعت و چند سالی است در وطن مألوف و مسقط الرأس خود بهبهان باقامه جماعت و ترویجات دینی و وظائف روحی و علمی اشتغال دارد.

دو هجرت بزرگ از بهبهان و آثار آن

جناب مترجم ما آقای سعادت برای نگارنده نقل کردند که دو نفر دانشمند بزرگوار برای خدا از بهبهان مهاجرت کردند و بریاست دنیوی و دینی رسیده‌اند.

اول- علامه کبیر آیه‌الله وحید فی‌العالمین آقا محمد باقر وحید بهبهانی و جریان هجرتش از این قرار است که این بزرگوار در مسجد خود نماز میخواندند و عالم دیگری که از جهت معلومات رتبه شاگردی او را هم نداشتند در محله‌ی دیگر نماز میخواندند جماعت او بسیار بودند پس کدخدای محل آقا باقر میرود و مردم آن محل و محله‌های دیگر را بزور و تهدید و غیره میآورد بطوریکه مسجد پر شده و مردم در خارج مسجد میایستند و چون آقای آقا باقر میآید و آن مردم را میبیند تعجب میکند که چطور این مردم اجتماع نموده‌اند، پس کد خدا نزدیک آمده و ابراز میکند که آقا این مردم را من جمع کرده‌ام که نماز شما پر جمعیت‌تر از نماز فلان آقا باشد، آقای آقا باقر ناراحت شده ولی چیزی نمیگوید، نماز مغرب را خوانده و ببهانه تجدید وضو بمنزل آمده و میگوید من رفتم کربلا و نماز عشا را در بقعه بشیر و نذیر که در یکفرسخی بهبهانست میخواند و با زحمت فراوان خود را بکربلا رسانیده و در اثر این مجاهده با نفس کم کم کارش بجائی میرسد که وحید علی‌الاطلاق گردیده و مرجع کل فی‌الکل میگردد.

دوم- آیه‌الله العظمی حاج سید اسماعیل موسوی بهبهانی که در مسجدی نماز خوانده و در مقابلش آیه‌الله حاج سید محمد صالح طباطبائی در مسجد دیگر و همواره میان مریدان وی و مریدان آقا نزاع و اختلاف بوده تا جائیکه شبی مریدان آن آقا بروی مریدان وی آب گل و خاک پاشیده و آنها را توهین و اذیت میکنند.

مردم خدمت آقا سید اسمعیل رسیده جریان را گفته و اجازه میخواهند که متقابلا آنها را مورد حمله قرار دهند پس آقا سه روز مهلت میخواهد و در این سه روز تمام اموال خود را جمع کرده و مردم را دعوت میکنند آقا قصد حمله بآنها دارد وقتی حاضر میشوند میفرمایند بهبهان یک شهر کوچکی است و برای آن یک عالم مانند آیه‌الله آقا میر محمد صالح کافی است و من در اینجا وجودم بیهوده است، من بنجف خواهم رفت و هرچه مردم اصرار کردند نپذیرفت بنجف رفته و در درس شیخناالانصاری شرکت کرده و مورد توجه آن بزرگوار میشود تا وقتیکه ناصرالدین شاه مشرف شده از جناب شیخ عالم و مجتهدی برای تهران میخواهد شیخ انصاری ایشان را معرفی کرده و شاه ایشان را بتهران آورده و یکی از علماء و مراجع بزرگ تهران شده و بیت بهبهانی را در تهران تشکیل میدهند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سعادت، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۴ -۱۲۴۴ ش)، مدرس و نویسنده. معروف بـه سـعادت. در نجف به دنیا آمد و در همان شهر و شیراز به کسب معلومات پرداخت. در سال ۱۳۱۶ ق به تهران آمد و در مدرسه‌ی افتتاحیه به تدریس مشغول شد. در سال ۱۳۱۷ ق به بوشهر رفت و مدت بیست و پنج سال معلم و مدیر مدرسه‌ی سعادت آنجا بود به همین سبب به سعادت مشهور گردید که بعدها نام‌خانوادگی او شد. سعادت در دوره‌ی چهارم، از طرف مردم لارستان، به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید و به تهران آمد. سپس به بنادر جنوب رفت، در شیراز ساکن و مدیر مدرسه‌ی شعاعیه‌ی آن شهر شد و در همان جا وفات یافت. آثار به جا مانده از او عبارت‌اند از: «تاریخ خلیج‌فارس»؛ «کتاب مختصری در منطق» و «تاریخ مختصر ایران».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۹۷ -۹۵ /۳)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۸۷ -۸۶ /۲)، شرح حال رجال (۲۳۱ - ۲۳۰ /۶)، مؤلفین کتب چاپی (۷۵۳/۲).

سعادتجوی عصر، نقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۳۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی کاربردی، دانشکده: شیمی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته شیمی از دانشکده علوم دانشگاه تبریز، کارشناسی ارشد در رشته رنگ و رنگرزی از دانشگاه لیدز انگلستان، دکترا در رشته رنگ و رنگرزی از دانشگاه لیدز انگلستان.

مرتبه علمی:

استادیار بخش شیمی دانشکده علوم دانشگاه کرمان، دانشیار دانشکده شیمی دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ساخت تعدادی از رنگ‌های آزوی اسیدی برای استفاده در رنگرزی الیاف پشمی، سنتز و بررسی خواص و کاربرد مواد پایه‌ای داروهای ظهور عکاسی رنگی، سنتز و بررسی کاربرد آنها در رنگرزی الیاف گوناگون، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شیمی و تکنولوژی رنگ، فیزیک رنگ، شیمی رنگ، صنایع رنگ‌سازی، صنایع رنگرزی نساجی، سنتز آزمایشگاهی رنگ‌های گوناگون، شناسایی رنگ‌ها و آزمایشات مختلف رنگرزی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

سنتز کتون‌های جدید، رنگ‌های دی فنیل متان جدید، رنگ‌های تری فنیل متان، رنگ‌های آزوی دیسپرس و بررسی طیف جذب الکترونی آنها، استخراج رنگ‌های طبیعی و استفاده از آنها در رنگرزی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

سعد بها، سعدالدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم و هشتم ق)، شاعر، متخلص به سعد بها. وی معاصر الجاتیو بوده است و اینک اندکی از اشعار او باقی مانده است. از او است:

افسوس که معشوق به دست دگران است

وین عاشق بیچاره به حسرت نگران است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۲۷ -۱۱۲۶ /۳)، تاریخ گزیده (۷۳۶)، تاریخ نظم و نثر (۲۲۲)، حبیب السیر (۱۹۷/۳)، الذریعه (۴۴۶/۹).

سعد سمرقندی، سعدالدین اسعد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. وی در سرودن شعر دارای طبعی لطیف بود و اکثر سرودهای وی در قالب رباعی است و در آن شیوه مهارت و شهرتی به سزا دارد و از وی شعر و قطعه کم روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۷)، الذریعه (۱۱۷۲/۹)، لباب الالباب (۳۸۴ -۳۸۳ /۲)، لغت نامه (ذیل/ سـعدالدین)، هفت اقلیم (۴۲۲/۳).

سعدالدین کازرونی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۸۸۹ ق)، خطاط. از آثار او: یک نسـخه «ترجمه‌ی تاریـخ طبری»، به قطع خشتی کاغذ اصـفهانی، مجدول و مذهب، با جلد تیماج تریاکی، به خط نسخ تحریر خفی متوسط، با رقم: «فی تاریخ غره‌ی رجب المرجب سنه تسع و ثمانین و ثمانمائه الهجریه... سعدالدین بن تاج‌الدین بن علی بن محمد بن نجیب کازرونی...» (۸۸۹).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۷۹/۴).

سعدای اردستانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اهل اردسـتان از توابع اصفهان و از شاعران عهد شاه عباس اول بود وی در مدح شاه عباس صفوی قصیده‌ای گفته است و به جز این قصیده شعری از وی دیده نشد. به هندوستان و دکن سفر کرد پس از چندی به وطن بازگشت و درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشـکده‌ی آذر (۹۴۶/۳)، تـذکره‌ی روز روشن (۳۵۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۸۴ -۲۸۳)، الذریعه (۴۴۶/۹)، صبح گلشن (۲۰۴).

سعدی شیرازی، مصلح الدین، ابومحمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۹۱ -۶۰۶/۶۰۵ ق)، شاعر، نویسنده و عارف. در شیراز متولد شد. از خاندان اهل علم و فضیلت بود که تحصیلات اولیه را نزد پدر و در زادگاهش فراگرفت و با اینکه در کودکی پـدرش را از دست داد. اما در اوان جوانی به بغداد رفت و آنجا در مدرسه‌ی نظامیه که خاص شافعیان بود و به تحصـیل علوم ادبی و دینی نزد اسـتادان بزرگی چون شهاب‌الدین سهروردی و ابن جزوی همت گماشت و سـپس به عراق و شام و حجاز سفر کرد و در عهد حکومت اتابک سلغری ابوبکر بن سعد بن زنگی به شیراز بازگشت و منظومه‌ی حکمی بوسـتان را در سال ۶۵۵ ق به وی تقـدیم کرد و سـال بعـد گلسـتان را در مواعظ و حکم به نثر مزین آمیخته با قطعات اشـعار دل‌انگیز به نام شاهزاده سـعد بن ابوبکر درآورد و به وی تقدیم نمود و از آن پس قسمت عمده‌ی عمر خود را در شیراز و در خانقاه خود زیست. سـعدی، یکی از سه شـاعر بسـیار بزرگ و بلامنـازع فارسـی است. در سـخن او غزل عاشـقانه به والاترین حـد لطافت و زیبایی رسیده است و لطیف‌ترین معانی در ساده‌ترین و فصیح‌ترین و کامل‌ترین الفاظ آمده است. در حکمت و موعظه و ایراد حکم و امثال از هر شاعر پارسـی‌گوی موفق‌تر است و نثر مزین و آراسـته و شـیرین و جـذاب او در گلسـتان بهترین نمونه‌ی نثرهای فصـیح فارسـی است. وی به سـبب تقـدم در نثر و نظم از قرن هفتم به بعـد همواره مورد تقلیـد و پیروی شاعران و نویسـندگان پارسـی‌گوی ایران و خـارج از ایران بـوده اسـت. وی در شـیراز درگـذشت. از آثـار منثـور دیگرش غیر از گلسـتان: «مجـالس پنجگـانه»؛ «نصـیحه الملوک»؛ «رساله عقل و عشق»؛ «تقریرات ثلاثه»؛ و اشـعارش به قصائـد و مراثی و ترجیعات و چنـد مجموعه‌ی غزل و مقطعات و جز آن تقسیم می‌شود. کلیات سعدی بارها در ایران و سایر کشورها طبع شده است.[۱]

(منسوب به سعد بن ابوبکر بن سعد سعد ۲) مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله شیرازی، نویسنده و گوینده بزرگ قر. ۷ ه.(ف. بین ۶۹۱ و ۶۹۵ ه.ق.). اجداد وی عالم دینی بودند و پدرش در جوانی او درگذشت. سعدی در شیراز به کسب علم پرداخت و سپس به بغداد شتافت و در مدرسه نظامیه به تحصیل مشغول شد. وی طبعی ناآرام داشت و به سیر در آفاق و انفس متمایل بود، از این رو به سفری طولانی پرداخت و در بغداد و شام و حجاز تا شـمال افریقا سـیاحت و با طبقات مختلف مردم آمیزش کرد. پس از این سفر با جهانی تجربه و دانش به شـیراز برگشت. در این زمان اتابک ابوبکر بن سعد بن زنگی در فارس حکومت می‌کرد و امنیت و آسایش برقرار

بود. سعدی فراغتی یافت و به تألیف و تصنیف شاهکارهای خود دست یازید. وی با صاحب دیوان و برادرش عطاملک رابطه داشت و ایشان را می‌ستود و با گویندگان عصر خویش (مانند مجد همگر و همام تبریزی) نیز ارتباط داشت. وی در سال ۶۵۵ ه.ق. سعدی‌نامه (ه. م.) یا بوستان را به نظم درآورد و در سال بعد (۶۵۶) گلستان (ه. م.) را تألیف کرد. علاوه بر اینها قصاید و غزلیات و قطعات و ترجیع بند و رباعیات و مقالات و قصاید عربی دارد که همه را در کلیات وی جمع کرده‌اند. عمده مهارت او در شعر در غزل عاشقانه است و در این باب بی‌نظیر– یا کم نظیر– است شاهکار نثر او– گلستان– مقامه نگاری فارسی را به کمال خود رسانیده. شعر و نثر سعدی از زمان او تا عهد ما مورد تتبع و اقتفای بزرگان فارسی زبان قرار گرفته است. سعدی در شیراز درگذشت و آرامگاه او هم بدانجاست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۴۶۹ –۴۶۷)، ارمغان (س ۱، ص ۳۲ –۲۱)، با کاروان حله (۲۵۲ –۲۲۹)، بزرگان نامی پارس (۳۵۴ – ۳۴۱ /۱)، بهارستان جامی (۱۱۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۲۲ –۵۸۴ /۳)، تاریخ برگزیدگان (۴۴۱)، تاریخ گزیده (۸۲۰)، تاریخ نظم و نثر (۱۶۷)، تذکره الشعراء (۲۱۰ –۲۰۲)، حبیب السیر (۵۶۴، ۵۶۳، ۵۶۱ /۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۵۹ –۱۰۲ /۳)، دایرةالمعارف الاسلامیه (۴۱۴ –۴۱۲ /۱۱)، دایرةالمعارف بستانی (۶۱۷ –۶۱۶ /۹)، دایرةالمعارف فارسی (۱۲۹۷ –۱۲۹۶ /۱)، الذریعه (۵۱/۱۶، ۱۹۴/۱۵، ۴۴۷ –۴۵۰ /۹، ۱۵۵/۳)، رجال و مشاهیر نامی (۲۹۳ –۲۸۱)، ریاض العارفین (۹۵ –۸۸)، ریحانه (۳۸ –۳۳ /۳)، سبک شناسی (۱۵۶ –۱۱۲ /۳)، سرآمدان فرهنگ (۴۶۴ –۴۵۹ /۱)، سعدی، سیری در شعر فارسی (۳۴۶ –۳۳۶)، شخصیتهای نامی (۲۴۲ –۲۳۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸۱/۷)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۶۰ –۲۵۸)، کشف الظنون (۱۵۰۷)، الکنی و الالقاب (۳۱۳/۲)، لغت نامه (ذیل/ سعدی)، مؤلفین کتب چاپی (۳۲۵ –۳۱۰ /۳)، مجمع الفصحا (۷۷۱ –۷۴۸ /۲)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۶۹۱)، مدارس نظامیه (۱۹۹)، مرآت الخیال (۴۵ –۴۴)، مرآت الفصاحه (۲۷۷ –۲۷۶)، نفحات الانس (۵۴۲ –۵۴۱)، هدیه العارفین (۴۶۲/۲)، هفت اقلیم (۲۴۱ –۲۳۲، ۲۰۳ –۱۹۶ /۱)، یادداشتهای قزوینی (۹۶ –۹۵ /۵، ۱۴۷ –۱۴۶ /۳)، یغما (س ۵، ص ۱۰۴ –۹۷).

سعید العلماء، محمد سعید

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۷۰ ق)، فقیه، اصولی و مجتهد. از بزرگان علمای شیعه در قرن سیزدهم است. مقیم بارفروش بود. پس از تحصیلات مقدماتی برای تکمیل اصول فقه به عراق رفت. او شاگرد برجسته شریف‌العلمای مازندرانی و معاصر شیخ انصاری و سید شفیع جاپلاقی و همدرس ملاـ آقا دربندی است. پس از دریافت اجازه‌ی اجتهاد از شریف‌العلماء به بارفروش بازگشت. ریاست علمی مذهبی وی مورد توجه همه حتی ناصرالدین‌شاه بود. خبرگان او را هم‌سنگ و عده‌ای وی را بر شیخ انصاری ترجیح می‌دادند. خود شیخ با وجود او فتوا نمی‌داد تا اینکه سعید العلماء در نامه‌ای نوشت که «اگر من در زمان اشتغال علمی اعلم از شیخ بوده‌ام لیکن اکنون در ایران تارک شده‌ام ولی شیخ هنوز مشغول علم است و اینک او برای تقلید و فتوا متعین است». حاج ملا محمد اشرفی و حاج شیخ زین‌العابدین مازندرانی حایری از شاگردان بنام سعیدالعلماء بودند و دومی از وی روایت نیز کرده است. سید محمد بن ربیع تستری در حدود ۱۲۴۶ ق بعضی از «تقریرات» وی را نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۳۸/۳)، شرح حال رجال (۷۱/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۹۹/۱۳)، الکنی و الالقاب (۳۱۴/۲)، مکارم الآثار (۱۹۷۱ –۱۹۷۰ /۶).

سعید تهرانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۳۷ ق.، تهران.

درگذشت: ۲۱ دی ۱۳۷۴، قم.

حضرت آیت‌الله شیخ حسن سعید تهرانی، فرزند آیت‌الله میرزا عبدالله چهل ستونی تهرانی و نوه آیت‌الله العظمی حاج میرزا مسیح تهرانی (از مراجع دوران قاجار که در واقعه قتل گریبادوف مرجع و پناه مردم به حساب می‌آمد) بود. ایشان علوم مقدماتی را در حوزه‌های علمیه قم و تهران تحت تربیت و نظارت پدرشان فراگرفت.

سپس در بیست و پنج سالگی به دانشگاه رفت و لیسانس معقول و منقول گرفت و سپس در سال ۱۳۷۰ ق. به نجف اشرف رفت و در دورس آیات عظام حاج سید محسن حکیم، آیت‌الله خویی به خصوص آیت‌الله شیخ حسین حلی شرکت جست و تقریرات دروس فقه و اصول آنها را نگاشت (چندین مجلد تقریرات دروس آیت‌الله حلی به چاپ رسیده است). در سال ۱۳۸۵ ق. به تهران آمد و ضمن امامت جماعت مسجد جامع چهل ستون تهران به تدریس فقه و اصول و تفسیر، وعظ و ارشاد، راهنمایی مردم، به خصوص جوانان و دانشجویان، تألیف کتاب‌های دینی چاپ و نشر کتاب‌های مذهبی، تأسیس بنای کتابخانه و مدرسه چهل ستون و گنجینه قرآن کریم پرداخت. این کتابخانه با بیش از چهل هزار نسخه‌های خطی و چاپی یکی از مهمترین کتابخانه‌های مساجد

تهران می‌باشد.

آیت‌الله سعید برای تبلیغ اسلام و تشیع کوشش فراوان کرد و دهها کتاب به زبان‌های مختلف برای بیان اندیشه‌های تشیع و عقاید شیعی و ولایت به کشورهای مختلف فرستاد. از وی در طول عمر خویش دهها کتاب به زبان فارسی و عربی باقی مانده است. مهمرتین آثار ایشان عبارتند از: اسلام از دیدگاه قرآن و عترت؛ اصول دین (آبان ۱۳۳۳)؛ افکار پریشان یا مقالات سعید (۱۳۲۶)؛ تقریرات علامه حلی؛ ترجمه نورالابرار من حکم انیرالمؤمنین علی (ع) (۱۴۱۲ ق.)؛ حسین (ع) ازدیدگاه وحی (۱۳۹۶ ق.)؛ حکومت از دیدگاه قرآن و عترت (۱۳۹۹ ق.)؛ حیات یابی (ترجمه احیاءالمیت به فضایل اهل‌بیت، ۱۳۶۷)، خدا و رمضان (۱۳۹۱ ق.)؛ خدا و ولی الامر (۱۳۹۲ ق.)؛ خدا و مهدی (۱۳۹۴ ق.)؛ دایرةالمعارف قرآن (۱۲ مجلد، به فارسی و عربی) سیره رسول‌الله (ص) سنت الهی است (۱۴۰۶ ق.)، غدیر پیوند ناگسستنی رسالت و امامت (۱۳۶۱)؛ فاطمه زهرا (س)؛ دژ شکست ناپذیر وحی در طول زمان (۱۳۶۱)؛ ما با خدا کار داریم (۱۴۰۶ ق.)؛ مکتب امام حسن (ع) (۱۴۰۲ ق.)؛ مبعث، بیانگر رسالت و امامت در مکتب تشیع (۱۴۱۲ ق.)؛ مسئولیت (۱۴۰۹ ق.)؛ مهدی (ع) ما راهگشای عالم غیب (۱۴۰۴ ق.)؛ نگهبان مکتب توحید (کتابنامه مکتب مهدی عج) (۱۴۱۵ ق.)؛ نگهبان مکتب ما (۱۴۱۰ ق.)؛ نموداری از حکومت علی (ع) (۱۴۰۳ ق.)؛ ولایت فقیه ره‌آورد غدیر (۱۳۹۹ ق.).

آثار عربی وی به این شرح است: الفقه تشریعه و تنبیه و استنباطه (۱۳۸۰ ق.)؛ الرسول یحدثنا (۱۳۹۴ ق.) الرسول یدعوکم (۱۳۹۸ ق.)؛ الرسول الشیعه (۱۳۹۸ ق.)؛ دلیل عروالوثقی (تقریرات بحث‌های آیت‌الله شیخ حسین حلی، دو جلد: جلد اول ۱۳۷۹ ق. جلد دوم ۱۳۸۲ ق.)؛ شیعتنا (۱۴۰۲ ق.)؛ موسوعة المکاسب (تألیف شیخ مرتضی النصاری، تقریر شیخ حسن حلی، کاتب تقریر شیخ حسن سعید، چهار جلد با تفریظ).

آیت‌الله سعید سرانجام در بیست و یکم دی ۱۳۷۴ (نوزدهم شعبان ۱۴۱۶ ق.) در هشتاد سالگی دار فانی را وداع گفت و در شهر قم در مقبره‌ی شیخان (ره) به خاک سپرده شد.

حاج حسن آقا سعید بن العالم الجلیل آیت‌اللّه حاج میرزا عبداللّه مسیح تهرانی از افاضل علماء معاصر تهرانست.

تولدش در تهران واقع شده و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات و سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح را نزد مدرسین آنجا بپایان رسانیده آنگاه از محضر آیت‌اللّه العظمی حکیم و آیت‌اللّه العظمی خوئی و بالاخص آیت‌اللّه حلی استفاده نموده تا بمدارج عالیه علم و کمال رسیده و تقریرات استاد حلی را در شرح عروه بنام مدارک العروه برشته تحریر و طبع درآورده و به تهران مراجعت و در مسجد جامعه بجای والد خود به اقامه جماعت و ترویجات دینی و تدریس پرداخته است. از آثار ایشان است تأسیس کتابخانه مسجد جامعه و نشریه‌های آن است.

(۱۴۱۶ –۱۳۳۸ ق)، فقیه اصولی و عالم امامی. او از فرزندزادگان میرزا مسیح تهرانی است. در تهران به دنیا آمد. پس از خواند دروس کلاسیک و مقدمات و ادبیات و سطوح به نجف اشرف مهاجرت کرد و سطوح را در آن جا تکمیل نمود. سپس به محضر آیت‌اللّه حیکم و آیت‌اللّه خویی راه یافت. او به ویژه از آیت‌اللّه حلی بهره‌ها برد تا به مدارج عالیه علم و کمال رسید. آنگاه به تهران بازگشت و در مسجد جامع تهران به ترویج دین و تدریس پرداخت. در تهران درگذشت و در شیخان قم دفن شد. از آثار ایشان تاسیس کتابخانه مسجد چهلستون جامع تهران در ۱۳۸۰ ق و نیز گنجینه‌ی قرآن حاوی نسخ گوناگون کهن و جدید قرآن در همان جا. این کتابخانه هم‌اکنون با بیش از چهل هزار جلد کتاب یکی از ذخایر گرانبهای کتب اسلامی است. از دیگر اقدامات وی انتشارات وسیع و گسترده به صورت نشریات متعدد به زبانهای مختلف برای کشورهای شرق و غرب جهان بود. از آثار علمی وی: «الرسول یحدثنا»؛ «الرسول یدعوکم»؛ «الرسول و الشیعه»؛ «شیعتنا»؛ «الفقه فی تشریعه و تبیینه و استنباطه» «دلیل العروه الوثقی»، تقریرات بحثهای استادش آیت‌اللّه حلی؛ نشریه «دائرةالمعارف قرآن کریم»؛ «اسلام از دیدگاه قرآن و عترت»؛ «اصول دین»؛ «حسین از دیدگاه وحی»؛ «خدا و اولوالامر»؛ «فاطمه الزهرا (ع)»؛ «نموداری از حکومت علی (ع)»؛ «مهدی (ع) راهگشاری عالم غیبت».[۱]

حاج شیخ حسن فرزند عالم ربانی حجه‌الاسلام والمسلمین آیت‌اللّه حاج میرزا عبداللّه سعید تهرانی (معروف به چهل ستونی) ابن آیت‌اللّه حاج میرزا مسیح که ترجمه‌اش اجمالا در جلد چهارم ص ۴۸۳ گذشت معظم‌له در سال ۱۳۳۷ قمری در تهران متولد شده و پس از پرورش در بیت علم در تهران مقدمات را خوانده وسپس در قم به تحصیل سطوح عالیه پرداخته و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محاضر آیات عظام حوزه علمیه نجف مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم و شاهرودی و حاج شیخ حسین حلی و آیت‌اللّه خوئی استفاده نموده و با مدارک عالیه علمی به زادگاه خود تهران مراجعت و در مسجد جامع به خدمات دینی و وظائف روحی و تدریس فقه و اصول و تفسیر قرآن و نشر معارف اسلامی و قضاء حوائج محتاجین حتی‌المقدور پرداخته و تا این تاریخ ۱۳۹۹ قمری به فعالیت اشتغال و سرپرستی عده‌ای از طلاب تهران را به عهده دارند و کتابخانه مسجد جامع که از تاسیسات معظم‌له است یکی از مجامع علمی تهران و پایگاه‌های خدمات اسلامی است آثار گرانقدری دارند که به آن اشاره می‌شود.

۱- دلیل‌العروه دو جلد مطبوع.

۲- شرح مکاسب سه جلد.

۳- اصول دین.

۴- افکار پریشان.

۵- همه در انتظار اوبند چاپ شده.

نویسنده گوید: آیت‌اللّه سعید تهرانی دارای محامد آداب و محاسن اخلاق و بیانی شیوا می‌باشد در منزلش طبق سنت نیاکانش همه ساله از اول محرم تا سوم عاشورا مجلس تبلیغ و سوگواری منقد و گویندگان فاضل و دانشمند و آگاه در پیرامون معارف اسلامی و مکتب خاندان رسالت ایراد سخن نموده و طبقات مختلف و بالاخص علماء تهران که همه روزه شرکت می‌کنند زیب بخش مجلس ایشانند.

خدمات و فعالیتهای آقای سعید بسیار و این مختصر ظرفیت شرح آن را ندارد ادام اللّه توفیقه همه ساله در ایام موالید ائمه معصوم علیهم‌السلام مخصوص حضرت رسول (ص) و حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام و حضرت سیدالشهداء و حضرت بقیه‌اللّه عجل اللّه

فرجه جزوه‌هائی آموزنده به دان مناسبت طبع و نشر می‌نمایند جزاه‌اللّه عنهم خیرالجزاء.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار حضرت آیت‌اللّه سعید (ره)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۸۳/ ۴).

سعید تهرانی، عبداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۱ -۱۳۰۵ ق)، عـالم دینی و فقیه اصولی. در تهران به دنیـا آمـد. مـدتی در تهران نزد علمای دین چون شـیخ علی نوری و میرزا سیـد محمـد تنکـابنی و حـاج شـیخ مسـیح تهرانی و میرزا هـاشم شـفتی و حاج آقا بزرگ و حاج آقا بزرگ ساوجی و آقا شـیخ باقر معزالـدوله تحصـیل علوم دینی کرد. در ۱۳۳۰ ق در مراجعـت از مکه به نجـف رفت و در آنجـا از محضـر آیت‌اللّه نـایینی و آیـهٔ‌اللّه شریعت اصـفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی و حاج سـید احمد کربلایی اسـتفاده نمود. در ۱۳۳۳ ق به تهران مراجعت و بعـد از فـوت پدرش چند سالی مسـجد جامع تهران را امامت می‌کرد. در ۱۳۴۲ ق به قم رفت و از آیت‌اللّه حـائری و آیت‌اللّه کبیر بهره‌ها گرفت. در ۱۳۵۶ ق به تهران بـازگشت و به تـدریس و انجام وظائف دینی و اجتماعی مشـغول شـد. از آثار وی: حاشـیه بر «مکاسب»؛ هفت رساله در «مبداء و معاد» و جمع «کتاب و سنت و عقل تفسیر»؛ رساله‌ای در «مشتق»؛ «سنن النبی (ص)».[۱]

آیت‌اللّه مرحوم حـاج میرزا عبـداللّه ابن آیت‌اللّه حاج میرزا مسـیح مشـهور بحاج میرزا بزرگ ایلچی کش از طراز اول علماء معاصـر تهران بوده است در سـال ۱۳۰۵ ق در تهران متولـد شـده و نزد علمـاء تهران چون مرحوم آقای شـیخ علی نوری و میرزا سید محمد تنکابنی و حاج شـیخ مسیح طالقانی و میرزا هاشم شـفتی و آقای حاج آقا بزرگ ساوجی و آقا شیخ باقر معزالدوله تلمذ نموده و در سال ۱۳۳۰ ق در مراجعت از مکه معظمه به نجف در آن سامـان رحـل اقـامت افکنـده و از محضـر مرحوم آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه شریعت و آیت‌اللّه آقا ضـیاء عراقی و عالم ربانی حاج سـید احمـد کربلائی و غیر هم اسـتفاده نموده و در سال ۱۳۳۳ ق مراجعت به تهران و پس از فوت مرحوم والـدش (در سـال ۱۳۳۴ ق) چنـد سـالی امامت مسـجد جامع تهران را نموده تا سال ۱۳۴۲ ق که آیات بزرگ و مراجع عالیقـدر شـیعه از عراق تبعیـد به ایران شدنـد وی باسـتقبال آنـان شـتافته و در خـدمت آنـان به قم آمـده و بافـاضه و استفاضه از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه حاج شیخ ابوالقاسم کبیر پرداخته تا سال ۱۳۵۶ ق پس از فوت آیت‌اللّه حایری به تهران مراجعت نمـوده و تـا سـال ۱۳۹۱ قمری به اقـامه جمـاعت و تـدریس و وظـائف دیگر دینی و اجتماعی اشـتغال داشـته تا در ذی‌الحجه سـال مزبور در سن ۸۶ سالگی وفات نموده و جنازه‌اش حمل بشـهر ری و در جوار حضـرت امامزاده حمزه موسوی بعنوان امانت بخاک سپرده شد تا در شرایط مناسب و رفع موانع به نجف منتقل گردد. از آثار ایشان است:

۱- حاشیه بر مکاسب ۲- هفت رساله در مبدء و معاد و جمع کتاب و سـنه و عقل و تفسیر ۳- اصول فلسفه ۴- رساله‌ای در مشتق ۵- سنن النبی (ص) ۶- متفرقات دیگر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۲۵۸/۲)، آینه‌ی دانشوران (۲۰۹ -۲۰۸)، زنـدگینامه رجال و مشاهیر (۵۳/۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴/ ۴۸۲- ۴۸۳).

سعید تهرانی، مسیح

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۳ -۱۱۹۳ ق)، عـالم دینی. وی از برجسـتگان علمـای تهران بـود. که سالهـا نزد میرزای قمی تلمـذ کرده بود. در تهران ریاسـت مذهبی مردم را داشت. در ۱۲۴۴ ق به حکم وی مردم تهران بر گریبایـدوف، کنسول و ایلچی دولت روس، شوریده و او را کشـتند. در تعقیب آن وی را از تهران تبعیـد کردنـد و او به عتبـات رفت و بعـد از آن در قم تـوطن نمـود. پیکر او در نجف مـدفون است. از آثارش: احداث شبستان چهلستون در مسجد جامع تهران بود. از آثار علمی وی: «کشف النقاب»، شرح «لمعه دمشقیه»؛ شرح «کشف النقاب»؛ کتابی در «اجتهاد و تقلید»؛ شـرح «قواعد الاحکام» علامه حلی؛ شـرح «مختصر النافع» محقق حلی؛ «قواعد الاصولیه»؛ «کتاب فقه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار حضـرت آیت‌اللّه سـعید (ره)، دایرهٔ‌المعارف فارسـی (۲۷۷۵/۲)، الذریعه (۲۳/۱۴، ۲۷۳/۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۸۲/۴)، المآثر و الآثار (۱۵۶)، مکارم الآثار (۱۷۰۰/۵).

سعید طائی، زین‌الدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. وی از شاعران اواخر سلجوقیان بود که عوفی از او با عنوان «الحکیم الکامل» و لقب زین‌الشعراء یاد کرده است.

از وی قصیده معروفی به جای مانده که نموداری روشن از یاس و ناامیدی گوینده است. این قصدیه که از امهات قصاید فارسی به شمار می‌آید چنین آغاز می‌شود.

غم مخور ای دوست، کاین جهان بنماند

هرچه تو می‌بینی آن چنان بنماند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۹۵ -۶۹۴ /۲)، دایرةالمعارف فارسی (۱۲۹۸/۱)، الذریعه (۴۵۰/۹)، سرآمدان فرهنگ (۴۶۶ -۴۶۵ /۱)، فرهنگ سخنوران (۴۵۶)، لباب الالباب (۲۳۹ -۲۳۸ /۲)، مجمع الفصحا (۷۰۲/۲).

سعید قمشه‌ای

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از بزرگ‌زادگان قمشه‌ی اصفهان بود. مدتی وزیر سیستان شد. در فن انشاء قدرت بسیار داشت و در صلاح و زهد نیز سرآمد بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۷۷ -۷۶)، الذریعه (۴۵۲/۹)، صبح گلشن (۲۰۴).

سعید همدانی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۲ ق)، شاعر. سعدآباد از حوالی همدان است و وی برادر کهین میر محمود الهی است. میر محمد سعید سفری به دکن داشت و بعد از مدتی به وطن بازگشت و دوباره با دو برادر خود میر محمود الهی و میر معصوم به آگره رفت. و بر اثر بیماری درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کاروان هند (۵۵۷ -۵۵۶ /۱).

سعیدا یزدی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اول سعیدا تخلص می کرد و بعد تخلص مجنون را انتخاب کرد. اهل یزد و ساکن اصفهان بود. در فن نقاشی نیز مهارت داشت. دو پسر داشت که هنگام تالیف «تذکره‌ی نصرآبادی» حیات داشتند و در اصفهان به شعر بافی مشغول بودند. از اشعار اوست:

کس نیست که خارم ز دل ریش برآرد

این خار مگر آتشی از خویش برآرد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۲۱۸/۱)، تاریخ اصفهان (۳۰۳)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۱۵۷ -۱۵۶)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۳۴)، الذریعه (۹۶۸، ۴۵۳ -۴۵۲ /۹)، سرو آزاد (۵۵)، مخزن الغرائب (۶۷۳/۲)، نشتر عشق (۶۹۵/۲).

سعیدالعلماء لاریجانی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۳ -۱۲۴۸ ش)، عالم، مدیر، مدرس و نویسنده. در آمل به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی و علوم قدیمه را در همان جا فراگرفت. برای تکمیل تحصلات به تهران آمد و مدت پانزده سال معقول و منقول را آموخت و نزد استادانی چون میرزا محمدطاهر تنکابنی و سید عبداللّه بهبهانی و حاج شیخ علی مدرس نوری و میرزا ابوالحسن جلوه به تحصیل حکمت و فلسفه و در محضر میرزا حسن آشتیانی و حاج شیخ عبدالنبی به فراگیری فقه و اصول پرداخت. وی بیش از نیم قرن مدیریت مدرسه‌ی قدسیه و اقدسیه و بعدها مدرسه پرورش و مدرسه تجارت را بر عهده داشت. از آثار وی: «جواهر الایمان»، در اصول عقاید، در نوبت خاصه براساس «انجیل برنابا»؛ ترجمه‌ی «انجیل برنابا» از عربی به فارسی؛ «تعلیم الحروف و ترکیب الحروف»؛ مقابله و تصحیح کتاب «منازل السائرین» خواجه عبداللّه انصاری، که با همکاری استادش میرزا محمدطاهر تنکابنی به پایان رسانیده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۶۵ -۲۶۴ /۵)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۵۲/۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸ -۶۷ /۱).

سعیدالعلماء مازندرانی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مآثر و آثار ص ۱۵۰ گوید: سعیدالعلماء از افاضل مجتهدین بود و ریاستی معتدبها داشت و بعضی از اهل تحقیق او را با شیخ الطائفه استاد الکل مرتضی الانصاری هم سنگ میگرفتند. این بزرگوار بملاحت منطق و فصاحت بیان یگانه‌ی روزگار بنظر میآمد.

نگارنده گوید آنجناب مبارزات دامنه‌داری با فرقه ضاله بابیه و سران آنها ملاحسین بشروئی و قرهالعین نمود و نگذارده آنها وارد شهر بابل بشوند و در قلعه‌ای نزدیک بابل آنها را محاصره کرده و نابودنشان نمودند.

در ریحانه الادب گوید ملا محمد سعید العلماء مازندرانی بارفروشی از اکابر علماء امامیه قرن سیزدهم هجرت که از افاضل مجتهدین و در فصاحت و نطق و بیان یگانه‌ی زمان و با شیخ مرتضی انصاری معاصر و از تلامذه شریف العلماء مازندرانی است. ریاست علمی مذهبی معتدبه داشته و مورد توجهات ملوکانه ناصرالدین شاه قاجار بوده و بعضی از اهل خبره او را هم سنگ شیخ انصاری دانسته و بلکه گاهی ترجیحش میدهند و بالجمله فقه و اصول او مسلم اهل عصر خود بوده و شیخ انصاری با آن همه جلالت علمی که داشته با حضور وی فتوا نمیداده تا آنکه نامه‌ای از خود سعیدالعلماء در رسید که اگر من در اوقات اشتغال علمی اعلم از شیخ بوده‌ام لکن در بلاد عجم تارک شده‌ام ولی شیخ هنوز مشغول علم بوده اینک برای تقلید و فتوا معین میباشد.

شاگردان بزرگواری مانند حاج ملا محمد اشرفی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی دارد وفاتش در سال ۱۲۷۰ قمری اتفاق افتاد و در شهر در مقبره معروفه‌اش مدفون و اکنون قبرش یکی از بقاع متبرکه و مزارات مردم بابل است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سعیدای گیلانی، محمد سعید

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، حکاک، خطاط و شاعر. معروف به سعیدا و بی‌بدل خان. او از خاندان بازرگانان و متمکن بود. در فن نقاشی و طراحی، طلا و نقره و جواهرشناسی عدیل نداشت. شعر و بخصوص ماده‌ی تاریخ را بسیار خوب می‌گفت. سعیدا در زمان جهانگیر پادشاه به هند رفت و به داروغگی زرگرخانه‌ی شاهی منصوب شد و در عهد شاه جهان نیز همان خدمت را بر عهده داشت و بی‌بدل خان ممتاز شد. تخت مرصع شاهجهانی معروف به تخت طاووس در مدت هفت سال به سرپرستی وی ساخته شده است. زندگیش تا سال ۱۰۴۷ ق، که ماده‌ی تاریخ بنای مسجدی را در قطعه شعری آورده است، معلوم است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۴۶ -۷۴۵ /۳)، احوال و آثار نقاشان (۸۲۵ -۸۲۴ /۲)، تذکره‌ی روز روشن (۳۵۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۷۷)، الذریعه (۴۵۲/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۵۸ -۴۵۷)، کاروان هند (۵۶۰ -۵۵۸ /۱)، نامها و نامدارهای گیلان (۲۵۵).

سعیدی روشن، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر سعیدی روشن

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱۲/۱۹

زندگینامه علمی

محمد باقر سعیدی روشن در نوزدهم اسفند ۱۳۴۰ هجری شمسی در یکی از روستاهای استان قزوین بدنیا آمدم، ابتدایی را در روستا گذراندم. به خاطر علاقه به تحصیل علوم دینی، برخی از دروس مقدماتی عربی و راهنمایی تحصیلی را همزمان درمدرسه علمیه (شیخ الاسلام) شهرستان قزوین که در آن زمان با مدیریت عالم وارسته جناب حجهٔ الاسلام والمسلمین هادی باریک بین از شاگردان امام خمینی(ره) اداره می شد گذراند، در گرماگرم انقلاب اسلامی وهجوم ماموران ساواک شاه به مدرسه که مرکز نشر اندیشه های امام خمینی(ره) در این شهربود . به حوزه علمیه قم آمد و دردروس مدرسه علمیه (رسالت) با مدیریت جناب حجه الاسلام و المسلمین دشتی شرکت کرد، پس از طی دروس مقدماتی، منطق را در محضر حجه الاسلام و المسلمین حسینی بوشهری،

اصول فقه را در محضر حجه الاسلام و المسلمین موسوی تهرانی، شرح لمعه را در محضر مرحوم آیت الله وجدانی ، رسائل را در محضر آیت الله اعتمادی (دام ظله) مکاسب را در محضر مرحوم آیت الله پایانی، کفایتین را از حضرت آیت الله فاضل بهره برد ودر دروس خارج نیز همزمان از محضر درس آیات عظام؛ مکارم شیرازی، وحید خراسانی و فاضل لنکرانی استفاده برد.همچنین در کنار دروس رسمی حوزه، از سال ۱۳۵۸ در برنامه های آموزشی موسسه (در راه حق) با مدیریت حضرت آیت الله مصباح یزدی (دام عزه) شرکت نمود. در این مرکز به جز استفاده از دروس اصلی تفسیر، معارف، قرآن ، منطق و فلسفه از محضر استاد بزرگوار مصباح یزدی، با زبان خارجه، اقتصاد، جامعه شناسی، روان شناسی، حقوق، علوم سیاسی، و برخیدروس جدید دیگر بیشتر آشنایی یافت.در دهه هفتاد هم زمان با تدریس و پژوهش در حوزه ، علوم قرآن، تفسیر، کلام ودین پژوهی، دروس عالی دانشگاهی را نیزاستمرار بخشید و در سال ۱۳۷۵ کارشناسی ارشد را اخذ و در سال ۱۳۸۱ خورشیدی از رساله دکتری تخصصی در رشته علوم قرآن و حدیث تحت عنوان (تحلیل زبان قرآن و متدولوژی فهم آن) دفاع نمود.برخی از دروسی که در مراکز علمی حوزه ای ودانشگاهی در سطوح کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری توسط وی ارائه شده به قرار ذیل است:علوم قرآن، تفسیر ومعارف قرآن، هرمنوتیک ومبانی تفسیر قرآن، روش تحقیق در علوم قرآن، معجزه شناسی، کلام جدید و قدیم، نهج البلاغه، فقه الحدیث و علم الحدیث، انسان شناس و تاریخ ادیان، زبان قرآن ، زبان دین و ...همچنین در خلال این مدت راهنمایی یا مشاوره رساله های متعدد دانشگاهی و حوزوی را به عهده داشته ام.

سعیدی زاده، رسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رسول سعیدی زاده

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۷/۱

زندگینامه علمی

شیخ رسول سعیدی زاده فرزند طاهر از محققان و پژوهشگران مقیم مشهد در غروب آخرین روز خرداد سال ۱۳۴۴ هـش مصادف با سالروز تولد خاتم پیغمبران در یکی از محلات قدیمی شهر رشت به نام پلکو (جنب کوچه مهدیه فعلی) متولد گردید.

پدر و مادرش هر دو اهل رشت و اجدادش از حومه آنجا بودند. پدر او یک کارگر ساده و مادرش زنی زحمت کش بود، که در میانسالی به خاطر تحمل کار و سختی زیاد از حد زندگی جان بر کف نهاد و دار فانی را وداع گفت. سعیدی زاده متاهل و دارای دو فرزند دختر و پسر و نیز جانباز انقلاب اسلامی می باشد.

او تحصیلات خود را تا سطح دیپلم در زادگاهش خواند و سپس درسال ۱۳۶۲ هـش، برای فراگیری دروس حوزوی وارد مدرسه علمیه جامع رشت شد. پس از طی دروس مقدماتی درسال ۱۳۶۶ هـ. ش، به مشهد مهاجرت و در آنجا سطح و بعد خارج فقه و اصول را به مدت شش سال متوالی خواند. هم زمان دروس مقدمات حوزوی را در مدرسه آیت الله خوئی تدریس نمود. در کنار درس های حوزه به تحصیلات دانشگاهی تمایل یافت و توانست درسال ۱۳۷۲ هـ. ش، در رشته کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه پیام نور مشهد و در سال ۱۳۸۴ هـ. ش، در رشته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث از دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد فارغ التحصیل شود. موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد او «خاندان های معروف سادات با تکیه بر خاندان علمی» است.

از جمله اساتیدی که حق بزرگی در تربیت او دارند می توان به آیات عظام شیخ محمد ازدی لاکانی، سید مجتبی رودباری، سید علی اکبر بنی هاشمی، سید حسن مرتضوی شاهرودی، سید جواد فقیه سبزواری و استاد رضا زاده نام برد.وی مسافرت هایی به کشورهای ترکیه، عراق، سوریه و عربستان انجام داده که حاصل آن چند سفرنامه مکتوب است.

سعیدی زاده در کنگره های داخلی چندی از جمله مشارکت در شیراز، مسکن در اصفهان، دومین و نیز سومین کنگره دیدگاه های اسلام در پزشکی در مشهد، میراث علمی و معنوی حضرت فاطمه زهرا (س) در مشهد، بزرگداشت علامه سید عبدالحسین شرف الدین در قم، بزرگداشت عالمان فرزانه نهاوندی در نهاوند همدان و بزرگداشت حکیم متاله سید جلال الدین آشتیانی در مشهد و غیره شرکت نمود.

سعیدی کازرونی، عبدالوهاب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالوهاب سعیدی کازرونی متولد ۱۲۴۹ و متوفی ۱۳۲۴ شمسی فرزند سید حسن از شعراء و ادباء این سامانست رساله منظومی بنام (هادی السبیل) دارد که طبع شده.

(۱۳۲۴ -۱۲۴۶ ش)، ادیب و شاعر، متخلص به سعیدی. وی در کازرون متولد شد. علوم ادبی فارسی و عربی را آموخت و در

قصیده و غزل مهارت داشت و بیشتر علاقه به سرودن هزل داشت. و مدتی در بوشهر زیست. از آثار وی: «هادی السبیل»؛ «دیوان» شعر.[۱]

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۶۷ –۱۶۳/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲۶/ ۴).

سعیدی مهر، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد سعیدی مهر

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی در رشته ریاضی فیزیک از دبیرستان خوارزمی تهران فارغ التحصیل شدم. به علت علاقمندی به دروس حوزوی (و تعطیلی دانشگاهها به علت انقلاب فرهنگی)، در حوزه شهید بهشتی تهران تحصیلات حوزوی را آغاز کردم. در سال ۱۳۶۱ در کنکور سراسری و نیز کنکور ورودی دانشگاه امام صادق(ع) شرکت کردم و پس از قبولی در هر دو جا دانشگاه امام صادق(ع) را برگزیدم و یک سال در این دانشگاه مشغول تحصیل شدم.

به علت علاقه شدید به دروس حوزوی و نظام آموزش حوزه، در آغاز نیمسال سوم تحصیلی (بهار ۱۳۸۳) با جلب نظر موافق مدیریت محترم دانشگاه امام صادق(ع)، از ادامه تحصیل انصراف داده و در مدرسه آیت الله مجتهدی تهران تحصیلات حوزوی را ادامه دادم. در مهرماه ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و به تحصیل سطح ادامه دادم و همزمان در دروس فلسفه نیز شرکت می کردم. در سال ۱۳۶۷ سطح حوزه را به اتمام رسانده به تحصیل در مقطع خارج فقه و اصول مشغول شدم. در سال ۱۳۶۹ در کنکور ورودی تربیت مدرس قم شرکت کرده و همزمان با شرکت در دروس خارج و دروس فلسفه و عرفان، در سال ۱۳۷۲ در مقطع کارشناسی ارشد الهیات فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۷۳ در آزمون ورودی دانشگاه تربیت مدرس تهران شرکت کردم و پس از قبولی و شرکت در دوره آموزشی، سرانجام در سال ۱۳۷۹ با دفاع از رساله دکتری با عنوان(بررسی انتقادی«ضرورت» در فلسفه تحصیلی معاصر)، فارغ التحصیل شدم.

در سال ۱۳۷۸ به مدت یکسال در کشور انگلستان مشغول گذراندن یک دوره پژوهشی بوده ام. از سال ۱۳۸۰ به عنوان عضو هیأت علمی گروه فلسفه دانشگاه تربیت مدرس مشغول هستم و در حال حاضر استادیار گروه فلسفه این دانشگاه می باشم. در طی دوران تحصیل در دانشگاه و حوزه، با مراکز متعدد پژوهشی در قم و تهران، همچون مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت اساتید و دروس معارف اسلامی نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاهها، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، پژوهشکده حکمت و فلسفه دفتر تبلیغات اسلامی، سازمان حکمت، موسسه فرهنگی طه و ... همکاری مدیریتی و پژوهشی داشته ام.

سعیدی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر عباس سعیدی در سال ۱۳۲۹ خورشیدی در تهران بدنیا امد. ایشان پس اخذ دیپلم طبیعی در رشته جغرافیا به تحصیل پرداخت و مدرک کارشناسی جغرافیا و کارشناسی ارشد جغرافیای طبیعی را از دانشگاه ملی تهران بترتیب در سالهای ۱۳۵۳ و ۱۳۵۵ اخذ کرد. ومدرک دکتری رشته علوم طبیعی را از دانشگاه فیلیپس واقع در شهر ماربورگ آلمان در سال ۱۳۶۳ دریافت کرد.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار پایه ۱۸ گروه جغرافیای دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۶۴ می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : جغرافیاگرایش : علوم طبیعیتحصیلات رسمی و حرفه ای : اخذ دیپلم متوسطه رشته علوم طبیعی از دبیرستان ادیب،اتهران در سال۱۳۴۹ اخذ مدرک لیسانس رشته جغرافیا از دانشگاه ملی ایران در سال۱۳۵۳ اخذ مدرک فوق لیسانس رشته جغرافیای طبیعی از دانشگاه ملی ایران، در سال۱۳۵۵ اخذ مدرک دکتری رشته علوم طبیعی از دانشگاه فیلیپس،آلمان/ماربورگ در سال۱۳۶۳ پس از دکتری رشته آموزش دانشگاهی و توسعه بین‌الملل از دانشگاه کاسل آلمان/ کاسل،در سال ۱۳۶۴مشاغل و سمتهای مورد تصدی : شغل و همکاری علمی ـ تحقیقاتی عباس سعیدی: ـ عضو هیأت علمی گروه جغرافیای دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۶۴ (رتبه علمی: دانشیار پایهٔ ۱۸)؛ ـ همکاری با مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی (از سال ۱۳۶۵)؛ در حال حاضر: مدیر گروه جغرافیای دانشنامه فارسی و عضو شورای عالی مرکز؛ همچنین مولف و ویراستار؛ ـ همکاری با بنیاد مسکن انقلاب اسلامی از سال ۱۳۶۹ به عنوان مشاور عالی اجتماعی ـ اقتصادی؛ ـ عضو هیأت رئیسه انجمن جغرافیایی ایران از آغاز فعالیت پس از انقلاب (دو دوره دبیر انجمن) تاکنون (۱۳۸۲)؛ چگونگی عرضه آثار : عباس سعیدی آثار خود را بصورت تالیف

کتب (شامل سه کتاب است) و ترجمه یک کتاب ارائه می کند. ایشان همچنین مقالاتی در دایرهالمعارف بزرگ اسلامی در یازده جلد دارد . – راهنمایی پایان‌نامه‌های کارشناسی: ۳۰ پایان نامه – راهنمایی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد: ۴۷ پایان نامه – راهنمایی پایان‌نامه‌های دکتری: ۳ پایان نامه طرح پژوهشی دکتر سعیدی به قرار زیر است: سطح‌بندی روستاهای کشور (با همکاری مهدی طالب، صدیقه حسینی و...)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۳ جلد، ۱۳۷۱–۱۳۷۷؛ استقرار بهینه روستاهای پراکنده استان کهگیلویه و بویر احمد (با همکاری مهدی طالب، جواد صفی‌نژاد)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۴ جلد، ۱۳۷۳؛ گونه‌شناسی معماری و سازه‌ای مسکن روستایی استان سمنان، ۳ جلد، جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی/ بنیاد مسکن، ۱۳۷۶؛ ساماندهی روستاهای پراکنده شهرستان ایذه، بنیاد مسکن... استان خوزستان، ۳ جلد، ۱۳۷۷–۱۳۷۸؛ کیش: مروارید خلیج فارس، سازمان منطقه آزاد کیش، ۱۳۷۹. مکان گزینی سکونتگاههای روستایی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱؛ امکانات و تنگناهای منابع آب کشور از دیدگاه جغرافیایی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۰–۱۳۸۱؛ آثار : ۱ ایران: شهر ـ روستا ـ عشایر (اکارت اهلرس) ویژگی اثر : ترجمه عباس سعیدی، انتشارات منشی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰۲ شیوه‌های سکونت گزینی و گونه‌های مسکن روستایی، بنیاد مسکن/برنامه توسعه سازمان ملل ویژگی اثر : تهران، ۱۳۷۵۳ مبانی جغرافیای روستایی ویژگی اثر : انتشارات سمت، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ (چاپ چهارم، ۱۳۸۱)۴ مبانی دانش جغرافیا، دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی، وزارت آموزش و پرورش، ویژگی اثر : چاپ اول، ۱۳۷۴ (چاپ هشتم، ۱۳۸۱)

سعیدی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۷ –۱۲۷۵/۱۲۷۴ ش)، عالم، محقق، مترجم و نویسنده. وی در قریه‌ی نوزاد از توابع بیرجند به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مکتبخانه‌ی نوزاد گذراند سپس با خانواده‌اش به بیرجند رفت و در مدرسه‌ی شوکتیه‌ی این شهر به فراگیری علوم ریاضی، طبیعی، هیئت و نجوم و همچنین زبانهای عربی، فرانسوی و انگلیسی به خدمت در بانک مشغول گردید. ابتدا در مدرسه‌ی شوکتیه به تدریس پرداخت و سپس به تهران آمد و با همکاری دکتر سید جعفر شهیدی مجله‌ی «فروغ علم» را منتشر ساخت. پس از ایجاد دولت پاکستان، بارها به آن مملکت سفر کرد و با آراء و اندیشه‌های علامه اقبال لاهوری آشنا شد و زبان اردو را آموخت وی در تهران وفات یافت. از سعیدی در حدود شصت اثر در زمینه‌های تالیف و ترجمه بر جای مانده که از آن جمله‌اند: «عمار یاسر»؛ «عذر تقصیر به پیشگاه محمد (ص) و قرآن»؛ «اقبال شناسی»، ترجمه؛ «فرد و اجتماع»؛ «برنامه‌های انقلاب اسلامی»؛ «اول الاخلاق مابعد تمدن آنها»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :کیهان فرهنگی (س ۲، ش ۷، ص ۱۲ –۳ و س ۵، ش ۹، ص ۵۰)، مؤلفین کتب چاپی (۷۰۴ –۷۰۲/ ۴)، نشر دانش (س ۹، ش ۱، ص ۱۰۳).

سعیدی، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد کاظم بن المرحوم حجه‌الاسلام آشیخ غلامحسین بن‌العلام آخوند ملا محمد فرشه‌ای از علماء اعلام معاصر آمل است که در این شهرستان بخدمات دینی و روحی اشتغال دارد. وی در سال ۱۳۰۹ شمسی هجری در قریه فرشه بالا ولایت کاشمر خراسان متولد شده و مقداری از ادبیات را در خدمت مرحوم والدش خوانده و سطوح را در کاشمر فرا گرفته و بمشهد مقدس آمده و از محضر مدرسین بزرگ مشهد استفاده نموده و در سال ۱۳۴۱ شمسی بنابر دعوت و تقاضای عده‌ای از مؤمنین آمل مهاجرت باین شهر نموده و رحل اقامت افکنده و تاکنون بخدمات روحی و دینی اشتغال دارد. آثار و خدمات دینی و اجتماعی ایشان از این قرار است:

۱– تشکیل کتابخانه مجهز در محیط مسجد جامع. ۲– اداره حوزه علمیه آمل. ۳– تشکیل انجمن درس قرآن که تاکنون شصت شعبه در شهر و حومه آن دارد و در تمام شعبات هفته دو شب تشکیل جلسه داده و برنامه‌های مذهبی را از درس تفسیر و مسائل احکام و اعتقادات اجراء مینمایند. ۴– تأسیس دو دستگاه پایگاه تبلیغات معارف جعفری بنام سالن انجمن درس قرآن شهرستان آمل شماره ۱ و شماره ۲.

اما تألیفات ایشان: ۱– رساله‌ای در عدم تحریف قرآن که ناظر کتاب فصل الخطاب حاجی نوری رحمه‌الله است. ۲– رساله‌ای در اعجاز عموما و در اعجاز قرآن خصوصا. ۳– کتابی بنام خطریکه اسلام را تهدید میکند که در آن کتاب از نیرنگهای کلیسا و استعمار پرده برداشته شده و خطراتی که از طرف اقلیتهای مذهبی متوجه اسلام است شرح گردیده است. ۴– ترجمه کتاب المحاسن والمساوی ابراهیم بن محمد بیهقی بنام خوبیها و بدیها.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سعیدی، نیره

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(۱۳۷۱ -۱۲۹۹ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر. وی در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه‌ی ژاندارک به پایان رساند، سپس از دانشسرای عالی تهران در رشته‌ی ادبیات فرانسه و فارسی موفق به اخذ لیسانس گردید. به منظور ادامه‌ی تحصیلات به پاریس رفت و بعد از چند سال به ایران بازگشت. وی به مدت دو سال مجله‌ی «بانو» را به مدیریت خود در تهران نشر داد که نخستین نشریه‌ی اختصاصی بانوان محسوب می‌شود. او دو دوره به نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای ملی برگزیده شد. و از اعضای موسس شورای عالی جمعیت زنان بوده است. مقالات و اشعار او در نشریات کشور به چاپ رسیده است. وی در تهران وفات یافت. از آثار او است: ترجمه‌ای از آثار لافونتن به نام «قصه‌های لافونتن» (برنده‌ی جایز یونسکو)؛ ترجمه‌ی «شطرنج باز»؛ ترجمه‌ی «کازانوا» و مجموعه‌ی شعر به نام «ترانه‌ی من».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زنان روزنامه‌نگار و اندیشمندان ایران (۱۵۰ -۱۴۶)، زنان سخنور (۳۶۸ -۳۶۰ /۳)، کارنامه‌ی زنان مشهور ایران (۲۳۱ -۲۳۰)، مجموعه‌ی گلها (۴۱۶ -۴۱۵ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۷۱ -۶۷۰ /۶).

سغدی، ابوحفص حکیم

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۰۰ ق)، شاعر و موسیقیدان. از مردم سمرقند بود، برخی او را اولین شاعر فارسی‌گوی می‌دانند، ولی این قول اساسی ندارد، چه وی معاصر رودکی است و پیش از او و رودکی، شعرای طاهریه و صفاریه بودند. ابن‌الاحوص از موسیقیدانان مشهور بود؛ که خوارزمی و فارابی و صفی‌الدین ارموی اختراع شهرود را به دست وی می‌دانند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۹ -۱۷۸ /۱)، تاریخ موسیقی (۱۵۶ -۱۵۵ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۴۸ ،۲۱ ،۱۸)، دایرةالمعارف فارسی (۲۹/۱)، ریحانه (۶۴/۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوحفص)، مجمع الفصحا (۱۳۰/۱)، المعجم فی معاییر اشعار العجم (۲۰۱)، یادداشت‌های قزوینی (۱۵۴/۴).

سفیدبخت، نصرالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نصرالله سفید بخت متولد ۱۳۱۱ ش در شیراز است .وی دارای دکترای تخصّصی علوم دامی از دانشگاه ایالتی یوتا- آمریکا در سال ۱۳۴۶ و عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز با درجه استادی می باشد.گروه : کشاورزیرشته : دامپروریتحصیلات رسمی و حرفه ای : نصرالله سفید بخت دارای دکترای تخصّصی علوم دامی از دانشگاه ایالتی یوتا- آمریکا در سال ۱۳۴۶است.وقایع میانسالی : نصرالله سفید بخت پس از اخذ مدرک دکتری در رشته دامی به عضویت هیئت علمی گروه دامپروری در دانشکده کشاورزی دردانشگاه شیراز در آمد وی هم اکنون با سمت استادی در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : نصرالله سفید بخت عضو هیئت علمی و استاد گروه دامپروری دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز است. از دیگر سمت های مدیریتی و اجرای ایشان می توان به چند مورد زیر اشاره کرد: دبیر دبیرستان سعادت در بوشهر دبیر مرکز آموزش کشاورزی استان فارس عضو پیوسته و رئیس گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران. فعالیتهای آموزشی : نصرالله سفید بخت به تدریس دروس زیر در دانشگاه شیراز می پردازد: دامپروری عمومی ،پرورش گوسفند و بز، فیزیولوژی تولید مثل ،بهداشت و پرورش دام ،آناتومی و فیزیولوژی دامی.جوائز و نشانها : دریافت لوح تقدیر استاد منتخب فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی در سال ۱۳۸۶، از رئیس جمهور وقت جناب آقای محمود احمدی نژادچگونگی عرضه آثار : نصرالله سفید بخت دارای ۶ طرح تحقیقاتی و بیش از ۶ مقاله به زبان فارسی و بیش از ۱۲ مقاله به زبان خارجی دارد. آثار : صنایع پوست در دامهای بزرگ (گاو) مقایسه و مقاومت مولکول پوست طبیعی و چرم مصنوعی

سفیدبخت، نصرالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: دامپروری، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شیراز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

سفیر کوراغلی، خلیل

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۱۹ ق)، شاعر، متخلص سفیر. وی از طایفه‌ی مشهور کوراغلی که از بازرگانان آذربایجانی ساکن یزد بود. بعد از زیارت خانه‌ی خدا در بوشهر مسکن گزید و در روزگار فتحعلی شاه سفیر ایران در هندوستان شد و در آنجا به گلوله‌ی تفنگ سربازی هندی کشته شد. وی طبع شعری داشته و اشعاری چند از او موجود است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۷۸۱ -۷۷۷ /۱)، فرهنگ سخنوران (۴۵۸)، یغما (س ۱۸، ص ۹۲ -۸۹، ۱۱ -۲۶).

سقازاده، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمدرضا مشهور به سقازاده واعظ یکی از مشاهیر وعاظ و گویندگان معاصر است.

مترجم ما در هشتم محرم ۱۳۲۹ قمری در تبریز تولد یافته و مرحوم والدش آقای شیخ محمد که در اوایل به تجارت اشتغال داشته و ورشکست می‌شود.

پس برای پرداخت قروض خود مشک آبی تهیه کرده و به آب دادن منازل مشغول و برای هر مشگی یک شاهی رایج آن زمان (که ۲۰ شاهی یک قران بوده) با نهایت قناعت همه بدهی‌های خود را پرداخته و از این جهت مشهور به سقا و فرزندش سقازاده معروف می‌گردد.

وی تا کلاس ۱۲ را در دبیرستان فیوضات و فردوسی تبریز به اتمام رسانیده و به واسطه عشق و علاقه وافری که به منبر و ذکر مصائب وعظ و سخنرانی داشته در تحت نظر مرحوم مغفور خطیب شهیر حاج شیخ علی اکبر عزیزی در مدت قلیلی به مدارج عالیه وعظ و خطابه رسیده و از تبریز به تهران آمده و مدرسه وعظ و خطابه را تمام کرده از اساتید و مراجع تقلید برای نقل روایات و احادیث اجازات متعددی دارندو و چون علاقه وافری به علوم غریبه داشته و در این زمینه مطالعاتی نموده کتابهائی به اسم ادعیه و ادویه در چهار مجلد که یکی از آنها جفر است نوشته است.

کتاب دیگری به نام دریای سخن که سی مجلس وعظ و تاریخ است و کتاب دیگر به نام السرالمتسر و کتابی هم به نام از هر دری سخنی دارد که بعضی به طبع رسیده و برخی هم آماده طبع است.

منبری شیرین و لطیف دارد که شنونده را مجذوب نموده و کسل نمی‌کند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

سقای بخارایی، بهرام

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اهل بخارا یا ماوراءالنهر بود. از علوم بهره‌ی کافی داشت و سالک مجذوب روشندل بود. از وطن به هندوستان رفت و مورد احترام و اکرام محمداکبر پادشاه قرار گرفت. وی اشعار به زبان فارسی و ترکی می‌گفت، دارای دیوانهایی به زبان فارسی و ترکی بود. وی روزی به حالت جذب همه آنها را در آب انداخت و راه سر اندیب پیش گرفت و در اثنای راه به دارالبقا رسید. مرقد بهرام سقا در بردوان بنگاله هنوز موجود است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۶۱ -۳۶۰)، الذریعه (۴۵۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۵۹ -۴۵۸)، نتایج الافکار (۳۳۹ -۳۳۸)، هفت اقلیم (۴۷۲/۱).

سقیما آباده‌ای

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. مرد صالح درویشی بود، لباس درویشان می‌پوشید. نصرآبادی گوید که او را در مسجد لنبان دیدم و از صحبت او محظوظ شدم. از آثارش «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۶۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۸۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۶۷/۳)، الذریعه (۴۵۴/۹)، صبح گلشن (۲۰۵).

سکاکی سمرقندی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. از ماوراءالنهر بود و اهل سمرقند، به او بسیار معتقد بودند و از او تعریف می‌کردند، میرعلیشیر نوایی می‌گوید: «در سمرقند بودم هرچند تفحص کردم که از نتایج طبع او چیزی معلوم کنم چنان که تعریف می‌کنند پیدا نشد، از همه جوابی که عاجز می‌شدند سخن ایشان این بود که همه ابیات خوب مولانا لطفی از اوست که به نام خود کرده است، اما در ماوراءالنهر امثال این سخنان مکابره بی‌مزه بسیار است».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۵۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۵۹)، لغت نامه (ذیل/ سکاکی)، مجالس النفائس (۵۱).

سکاکی، یوسف

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن ابی‌بکر بن محمد بن علی خوارزمی سکاکی.

در قسمت شمالی تکیه‌ی لسان الأرض حظیره‌ی کوچکی بوده، و در وسط آن دوازده ترک کوچکی به سبک بقعه‌ی بابارکن‌الدین، لکن کوچک‌تر قرار داشته، و به طوری که مطلعین نقل می‌کنند بعد از سال گرانی ۱۳۳۶ در اثر عدم مراقبت، بقعه کمی [رو به] خرابی رفته، و دروازده‌ی دهکده مجاور به نام «کوله پارچه» نیز خراب گردیده، و مردم نادان، بقعه‌ی نامبرده را ویران ساخته، و با آجرهای آن، دیوار قلعه را استوار می‌کنند. از آن پس کم‌کم آثار قبور مجاور و قبر داخل گنبد را نیز خراب نموده و تسطیح می‌نمایند، و در سالهای اخیر مالك ده، قبرستان را نیز به مردم فروخته، و آنجا را خانه ساختند، و فعلا به نام مفت آباد شهرت دارد.

مدفون در این بقعه، علی المشهور سکاکی نام داشته است، و سکاکی لقب مشهوری است برای عده‌ای از دانشمندان قرن هفتم و هشتم هجری، به طوری که برخی از ارباب فضل اظهارنظر می‌کنند مدفون در این محل سراج‌الدین ابویعقوب یوسف سکاکی مؤلف کتاب مفتاح العلوم، و متوفی در اوایل رجب ۶۲۶ - ۷ می‌باشد، (وی از مفاخر علمی، و دانایان به علوم جفر و رمل و اسطرلاب و کیمیا و غیره بوده است) لکن بر این ادعا دلیلی همراه نیست.

در هر حال آثار عظمت و جلال از مقبره ظاهر بوده، و وجود آن پس از صفویه، دلیل بر تشیع صاحب آن است، و جای تأسف است که مالك ده، با داشتن ثروت زیاد، به اسم سنی بودن صاحب قبر، از فروش قبرستان و از بین بردن آثار قبور مسلمین صرف‌نظر ننموده.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

سکندری، علی جان

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی جان سکندری

محل تولد : اسلام آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱۲/۱۵

زندگینامه علمی

علی سکندری (علی جان سکندری) فرزند سکندر متولد ۱۳۴۱ ش، در اسلام آباد (صلایان) یکی از روستاهای آن زمان قاینات چشم به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در همان زادگاهش به پایان رساند. دوره های ابتدایی و راهنمایی را در شهر خضری و متوسطه را در دبیرستان دکتر شریعتی شهرستان قاین به پایان برد. وی در کنار تحصیل در اوقات بیکاری در کشاورزی به پدرش کمك می نمود .

پس از اتمام دوره متوسطه در سال ۱۳۶۱ ش، وارد حوزه علمیه قاین شد. یك سال بعد برای ادامه تحصیل عازم مشهد مقدس گردید تا تحصیلات حوزوی را در جوار مرقد حضرت علی بن موسی الرضا (ع) ادامه دهد. نخست با اقامت در مدرسه امام محمد باقر (ع) مقدمات را فرا گرفت و سپس دوره های تحصیلات تکمیلی و عالی را در مدارس جعفریه و آیت الله خوئی نزد اساتید برجسته حوزه علمیه از جمله: آیت الله مرتضوی، آیت الله رضا زاده، آیت الله واعظ طبسی، آیت الله صالحی و حجت الاسلام و المسلمین گرایلی گذراند.

در سال ۱۳۶۶ ش، در کنار دروس حوزوی وارد دانشگاه شد و در دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد درگرایش تاریخ ادیان ادامه تحصل نمود. پس از این وارد فعالیت های علمی و پژوهشی شد و در دانشگاه آزاد اسلامی مشهد در گروه معارف اسلامی و

دفتر فرهنگ اسلامی مشغول کار گردید. در همین زمان بود که با نگارش مقالاتی دست به قلم شد و با نوشتن مطالب سیاسی در روزنامه ها ومجله ها، فعالیت قلمی را آغاز کرد و دو شماره از فصلنامه فرهنگی دانشگاه آزاد مشهد را منتشر ساخت.

سکوت شیرازی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۳۹ ق)، شاعر، صوفی. معروف به سکوت و میرزا بابا. بعد از تحصیل علوم مرسوم در تحقیق معارف و تذهیب اخلاق به سیر انفس و آفاق پرداخت و در اصفهان موفق به دیدار نورعلی و مشتاق شد و به نائین رفت و سپس به شیراز بازگشت و گرفتار ملامت گشت. جمع کثیری بر او گرویدند و پیر طریقتش خواندند. اما کوته نظران و عامی مشربان بی‌حقیقت به خانه میرزا ریختند او را بکشتند و خانه‌اش را خراب کردند. از اوست:

به غیر هستی حق هیچ روی ننماید

ترا که دیده دل روشن و مصفا شد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۶۰)، الذریعه (۴۵۴/۹)، طرائق الحقائق (۲۴۹ -۲۴۷ /۳).

سکوتی اصفهانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۰۴۸ ق)، شاعر و خطاط. از صاحب طبعان زمان بود و در حسن خط بر خوشنویسان عصر امتیاز داشت و سالها در دکن اقامت داشت. از اوست:

آلوده به خونم چه کنی تیغ نگاهت

ما را غم سر نیست ولیکن غم تیغ است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کاروان هند (۵۶۱/۱).

سگ لوند قزوینی، حسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از شاعران ترک زبان دربار شاه عباس صفوی بود که در لطیفه‌پردازی نیز دست داشت. این بیت مشهور از سروده‌های وی است:

سحر آمدم به کویت به شکار رفته بودی

تو که سگ نبرده بودی به چه کار رفته بودی؟

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۵۵/۱)، تذکره‌ی نصر آبادی (۴۳۱)، مینودر (۴۶۶/۲).

سلاجقه، عیسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۳۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: راه و ساختمان، دانشکده: فنی و مهندسی، دانشگاه: شهید باهنر کرمان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی راه و ساختمان با رتبه اول از دانشگاه علم و صنعت ایران در سال ۱۳۵۴، کارشناسی ارشد سازه با رتبه اول از دانشگاه ساری انگلستان در سال ۱۳۵۶، دکترای سازه از دانشگاه ساری انگلستان در سال ۱۳۶۰.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه شهید باهنر کرمان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بهینه سازه‌ها، سازه‌ها در مقابل زلزله، مدرس دروس مقاومت مصالح، تحلیل سازه‌ها ۱ و ۲، سازه‌های فولادی ۱ و ۲ و پیشرفته، تحلیل ماتریسی سازه‌ها، مهندسی زلزله، دینامیک سازه‌ها و پروژه فولادی و بتون.

ابداع:

روش جدیدی در طرح بهینه سازه‌ها.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

چهار جزوه درسی در مورد سازه و مهندسی عمران.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۹

زمینه علمی مقالات:

طرح بهینه‌سازه‌ها و سازه‌های فضائی.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

سلام کاشانی، سلام‌اللَّه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۱۱ ق)، شاعر. مردی پرهیزکار و نیک نفس بود و بسیار کم آزار. در شعر طبعش موزون و موافق بود. از اشعار اوست:

کشته گشتن زیر تیغ چون تو دلداری خوشست

زنده بودن در جهان بهر چنین کاری خوشست

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه‌ی سامی (۱۲۵)، تذکره‌ی روز روشن (۳۶۲)، الذریعه (۸۷۰، ۴۵۵ /۹)، لغت نامه (ذیل/ قاضی سلام‌اللَّه کاشی).

سلامی اردبیلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی وزیر معصوم بیگ، فرزند صدرالدین خان و از معاصران حزینی گیلانی و معاشران صادقی کتابدار بود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۳۰)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۷۰ -۶۹ /۱)، دانشمندان آذربایجان (۱۸۳ -۱۸۲)، الذریعه (۴۵۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۶۰)، مجمع الخواص (۲۸۰ -۲۷۹).

سلامی اصفهانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از شاعران روزگار شاه طهماسب صفوی و قاضی اردوباد بود. سلامی در مدح خواجه محمد شریف، وزیر اصفهان، قصایدی سروده است. وی همچنین در سرودن غزل نیز توانا بود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۱۴)، تحفه‌ی سامی (۲۶۲)، الذریعه (۴۵۵/۹)، صبح گلشن (۲۰۶)، فرهنگ سخنوران (۴۶۰)، هفت اقلیم (۴۳۸/۲).

سلامی تربتی، شهاب‌الدین عبدالسلام

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۳ -۱۲۵۹ ش)، شاعر. از آثار او: «راز عشاق ترجمه‌ی دعای کمیل»، شعر؛ «کلید نیایش ترجمه‌ی دعای افتتاح»، شعر؛ «گنج نهفته در وقایع کربلا»، شعر؛ «خیام و گمنام در رباعیات خیام»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۸۵۷/۳).

سلامی خراسانی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر. در هرات به کار ابریشم مشغول بود. شعر نیز می‌گفت. از اشعار اوست:

من شدم در طلب یار و نمی‌پرسیدم

خبر او ز کسی تا که نگوید دیدم

هر کجا یافتم از نعل سمند تو نشان

تا نبیند دگری روی بران مالیدم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۵۵/۹)، صبح گلشن (۲۰۶)، فرهنگ سخنوران (۴۶۰)، مجالس النفائس (۳۸۲).

سلامی شیرازی، اسدالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۲۲ ق)، شاعر، متخلص به سلامی. سلامی به پیشه‌ی زراعت اشتغال داشت و مردی خردمند و نیکو اندیشه بود. از اوست:

شنیده‌ام که قضا شست در کمان نکند

که تاز اهل دلی، یکدلی نشان نکند

ز تیر حادثه‌ی آماج خود کند هر دم

هر آن دلی که به خود هرگز این گمان نکند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۵۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۷۳ -۱۷۱ /۳)، مرآت الفصاحه (۲۸۱ -۲۸۰).

سلجوقشاه سلغری

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، شارع. از اتابکیه‌ی فارس بود و ممدوح سعدی، از سوی مادر نسب وی به سلاجقه می‌رسید. وی مدتی توسط برادرش اتابک محمد در قلعه‌ی اصطخر فارس محبوس شد بعد از فوت او از قعله آزاد شد و به پادشاهی رسید. هنگامی که در حبس بود شعر نیز می‌گفت. از اشعار اوست:

درد و غم بند من درازی دارد

عیش و طرب تو سرفرازی دارد

بر دهر مکن تکیه که دوران فلك

در پرده هزار گونه بازی دارد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۶۲)، حبیب السیر (۵۶۷ -۵۶۵ /۲)، حبسیه در ادب فارسی (۸۸)، الذریعه (۴۵۵/۹)، لغت نامه (ذیل/ سلجوق شاه)، مجمع الفصحا (۵۶/۱)، مخزن الغرائب (۵۶۷/۲).

سلجوقی، جلال الدین سلیمان

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. برادرزاده‌ی سلطان سنجر بود. و وقتی او را سلطان مسعود بن ملکشاه زندانی کرد این رباعی را گفت:

از دست تبه‌کاری این مشتی رند

در کام حیات ماست چون حنظل تند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۶۸ -۳۶۷)، فرهنگ سخنوران (۴۶۶)، لباب الالباب (۴۰ -۳۹ /۱).

سلحشور، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی سلحشور، متولد ۱۳۴۹ است؛ از ۹ سالگی، درست یکسال پس از پیروزی انقلاب، در گروه سرود مسجد علی‌اکبر تهران شروع به خواندن کرد. اولین نغمه‌هایش برای شهدا بود. تک‌خوان یک گروه نوجوان چهل نفره، که نیمی از آنها بعدها شهید شدند.

حاج مهدی در سال ۶۹ به سمت طلبگی و سربازی امام زمان آمد، دوستان او می‌دانند که تقریباً خوب و حرفه‌ای می‌خواند، او معتقد است باید از تقلید شروع کرد، تا صدا کم‌کم شکل بگیرد.

پراکنده گوش دادن به شکل‌گیری صدا لطمه می‌زند. باید هم‌خوانی صدا در تقلید رعایت شود. مقام‌ها و اوج و فرودها، تحریرها و کشیدگی‌ها از موارد تقلید است، در محتوا هم شیوه‌ای ارایه‌ی شعر و پرورش آن به سبک مجلس‌داری و آداب و فنون را باید آموخت. او درباره‌ی ذوق «سبک‌سازی» و مداحی‌اش می گوید:

اعتقادم این است که مداحی ذوق صرف است مثل شعر گفتن؛ به قول معروف، باید در خون شخص باشد و خمیرمایه‌اش اکتسابی نیست؛ بلکه می‌توان به مرور زمان رشدش داد.

یادم هست هنگامی که آیت‌ا... صدوقی شهید شد، به یزد رفتیم؛ شعری را خواندم که هنوز سبکش یادم هست، سبک آن را خودم ساختم؛ آن موقع ۱۲ سال داشتم.

ای شهیدان سر برآرید از تراب
روی زیبا را نمی‌زیبد به حجاب
هان به پا خیزید وقت خواب نیست
زیر گِل منزلگه مهتاب نیست

سلطان احمد جلایر

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۱۳ -۷۸۴ ق)، نقاش، مذهب، خطاط، موسیقیدان و شاعر. وی نزد پدر تعلیم دید و در خط نستعلیق دست داشت. در زمان پادشاهی او نقاشی مینیاتور به پایه‌های والاتری از ترقی رسید و نگارگران چیره‌دستی بوجود آمدند. سلطان احمد خود به عربی و فارسی شعر می‌سرود و در تصویر و تذهیب و خاتم‌بندی و موسیقی بی‌مانند بود و شش قلم را خوب می‌نوشت. او در نقاشی شاگرد خواجه عبدالحی بود و از او تصویر آموخت. وی بیست و هشت سال سلطنت کرد و در آخر کار، در جنگ با قرایوسف ترکمان قراقوینلو بر سر تصرف تبرز کشته شد. سلطان احمد از ممدوحان خواجه حافظ شیرازی بوده و از شاگردان و ملازما او می‌توان به خواجه عبدالقادر اشاره کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۵۷ -۵۶ /۱)، از سعدی تا جامی (۵۶۱، ۳۸۰، ۲۸۱، ۲۵۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۱۴ ، ۱۱۱۳ ، ۱۱۱۲ ، ۱۱۱۱ ، ۱۰۲۵ /۳)، تاریخ موسیقی (۲۲۵ ، ۲۲۴ ، ۲۱۹ ، ۲۰۰ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۷۷۳)، تاریخ هنرهای ملی (۳۳۵ - ۳۳۴ /۱)، تذکره الشعراء (۳۴۳ -۳۴۱)، دانشمندان آذربایجان (۳۰)، الذریعه (۵۷ /۹)، روضه السلاطین (۶۵ -۶۳)، فرهنگ سخنوران (۴۳)، گلستان هنر (پانزده، سی و پنج، سی و شش، ۲۶)، مجمع الفصحا (۶ -۵ /۱)، هنر عهد تیموریان (۵۷۳)، هنر قلمدان (۲۰ - ۱۹).

سلطان افشار، مهدیقلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به سلطان. برادرزاده‌ی خلیل خان افشار بود. شعر را نیکو می‌سرود و در موسیقی نیز مهارت داشت در زمان اکبرشاه به هند رفت و به مقام و منصب رسید. اما چیزی نگذشت که به تمام این مناصب پشت پا زد و درویشی و ترک و تجرید پیشه کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کاروان هند (۵۶۲ -۵۶۱ /۱)، مآثر رحیمی (۱۶۴۲ -۱۶۳۸ /۴).

سلطان الفقرای قزوینی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی آغاز پیشه‌ی صرافی داشت، پس از آن کسوت فقر و درویشی پوشید و به هند مسافرت کرد. پس از چندی به ایران بازگشت و به دربار صفویه راه پیدا کرد و مورد توجه شاه طهماسب قرار گرفت. در پایان عمر در مشهد مسکن گزید و در همانشهر درگذشت. وی در شعر پیرو سبک حافظ بود و غزل را نیکو می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۶۱)، عالم آرای عباسی (۱۳۴/۱)، فرهنگ سخنوران (۴۶۳)، کاروان هند (۵۶۵/۱)، مینودر (۴۶۷ –۴۶۶ /۲).

سلطان القراء تبریزی، عبدالرحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۶ –۱۲۵۵ ق)، قاری و عالم. وی در تبریز به دنیا آمد. در خانواده‌ای اهل علم برآمد و در جوانی برای دریافت درجات عالیه قرائت از تبریز به کشورهای مختلف مسافرت کرد و در خیوه‌ی ازبکستان در خدمت حاج شیخ محمد کسب علم کرد و با شیخ شامل داغستانی در نهضتی اسلامی علیه روسها شرکت کرد و پس از پیروزی مدتی در داغستان اقامت کرد. سپس به عربستان و مصر رفت. پس از دوازده سال به تبریز بازگشت و به آموزش علم تجوید و قرائت قرآن پرداخت و بزرگانی چون آقا شیخ میرزا فرج‌اللّه تبریزی و فاضل ایروانی و دیگر علماء از تلامذه‌ی وی بودند. وی را بنابر وصیتش در صفه الصفا در دامنه کوه سرخاب تبریز به خاک سپردند. پدرش مشهور به قاری بود و کتابخانه‌ای در تبریز بناء نمود که پس از وی در اختیار فرزندش قرار گرفت، و سلطان القراء به نوبه‌ی خود در تکمیل این کتابخانه کوشید و پس از وی به فرزندش شیخ ابوالقاسم سلطان القراء رسید. از آثارش: «الدر المنثور»، در علم تجوید؛ «دستور تجوید»، در علم تجوید، به فارسی؛ حاشیه‌ای بر «مقدمه منظومه فی التجوید» محمد جزری شافعی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۵۲ ،۷۵ /۸ ،۲۱۶/۶)، ریحانه (۶۱ –۶۰ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۰۲ –۱۱۰۱ /۱۴)، مکارم الآثار (۱۴۸۹/۵)، یادگار (س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۱۰۵ –۱۰۴).

سلطان القرائی، خلیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلیل سلطان القرائی به سال ۱۳۲۹ در شهر تبریز در یک خانواده متدین و عالم به دنیا آمد. دوران تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی را در زادگاهش گذراند و در کنار آن به کسب علوم قرانی نزد علمای دینی نیز می پرداخت. در سال ۱۳۴۶ وارد دانشگاه تبریز شد و در رشته فلسفه تا مقطع کارشناسی ارشد به تحصیل پرداخت. وی دکترای رشته فلسفه تعلیم و تربیت را پس از عزیمت به فرانسه از دانشگاه میرای فرانسه شهر تولوز در سال ۱۳۵۹ کسب کرد. وی از سال ۱۳۶۱ به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز در گروه علوم تربیتی مشغول به کار شد. گروه : علوم انسانی رشته : علوم تربیتی گرایش : فلسفه تعلیم تربیتوالدین و انساب : والد خلیل سلطان القرائی، علی سلطان قرائی پسر سوم شیخ شیخ ابوالقاسم که خانواده اش از دودمان علم و سلک روحانیت بود که جد بزرگوارش در بین بزرگان علما و مشایخ عرفا آن زمان صاحب تعالی و مراتب بوده است. نسبت مادرشان از دودمان مرحوم حاج میرزا علمیان سرکارات است، پدر ایشان علی سلطان القرائی رفیفه دختر سوم حاج میرزا علمیان سرکارات را که از رجال عصر خود بود به نکاح خود در آورد.خاطرات کودکی : خلیل سلطان القرائی از خاطرات آن دوران می‌گوید: « از آنجائکه پدرم با عموهایم در یک خانواده زندگی میکردیم همیشه با عموزاده‌هایم بودیم غیر از بازس دسته جمعی بیشتر اوقات با مشاعره و مسابقه خوشنویسی می گذراندیم و به سیاحت و گردش همراه عموزاده ها در اطراف تبریز باغات آن مشغول بودیم که این علاقه به طبیعت تا به امروز هم ادامه دارد.»اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : خلیل سلطان القرائی در این باره می گوید: « خانواده ما از نظر اقتصادی یک خانواده متوسط بود و از نظر فرهنگی و اجتماعی یک دودمان شناخته شده در عرصه علم و فرهنگ میباشد. پدر و جد بزرگ پدر همه در کسوت روحانیت و معروف عام و خاص بودند. آیت ا... العظمی حاج میرزا جواد سلطان القرائی از مجتهدان بنام و از علمای طراز اول کشور بود. حاج میرزا جعفر سلطان القرائی از مورخان هنرمندان و هنرشناسان معروف این مملکت بودندو پدر اینجانب در محضر ایت بزرگان علم آموزی کرده و تربیت یافته بود.»تحصیلات رسمی و حرفه ای : دیپلم متوسطه از دبیرستان لقمان سال ۱۳۴۶ کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته فلسفه از دانشگاه تبریز سال ۱۳۵۵ مدرک دکترای رشته فلسفه تعلیم و تربیت از دانشگاه تولوز فرانسه سال ۱۳۵۹خاطرات و وقایع تحصیل : از وقایع آن دوران خلیل سلطان القرائی فوت پدر بزرگوارشان عنوان میکنند و به خاطر این حادثه نتوانستند رشته مورد علاقه ای که در فرانسه زیر نظر استادشان آقا سیمون انتخاب کرده بودند ادامه دهند و تمام برنامه هایشان بهم خورد.فعالیتهای ضمن تحصیل : فعالیت های دوران تحصیل خلیل سلطان القرائی با توجه به علاقه وی به ورزش در دانشگاه و دبیرستان به رشته های فوتبال ،والیبال و کوهنوردی مواردت میورزیدند و اکثر قله های معروف کشور و بعضی از قلل خارج از کشور هم صعود کرده اند.استادان و مربیان : از استادان خلیل سلطان القرائی میتوان به :

مرحوم علمی اکبر محقق، مرحوم حسن قاضی طباطبائی، دکتر رحیمی موقر، دکتر حسن خانلو، دکتر مهرگان،مرحوم رتضوی برازجانی، دکتر رجایی خراسانی،دکتر عیوضی، دکتر تسلیمی، دکتر محمود نوایی، اشاره کرد.هم دوره ای ها و همکاران : خلیل سلطان القرائی از همکارانش به دکتر محمد نوالی، دکتر علی اصغر کوشافر، دکتر داوود حسینی نسب، دکتر پرویزی سرندی، دکتر اسکندر رفتحی آذر نام میبرد.همسر و فرزندان : بعد از مراجعت از فرانسه خلیل سلطان القرائی با سرکار خانم صدیقه حسین پور سخا از یک خانواده اصیل تبریزی که دارای تحصیلات پزشکی و متخصص کودکان است ازواج کردند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : خلیل سلطان القرائی مدیریت گروه علوم تربیتی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی حدود ۲۰ سال و نیز معاونت آموزش دانشکده علوم تربتی را بر عهده داشته است. و اکنون در تمام شوراهای دانشکده حضور دارند و از هیئت تحریریه فصنامه روانشناسی دانشگاه تبریز هستند و نیز سرپرست گروه کوهنوردی استادان و کارکنان دانشگاه تبریز می باشند. فعالیتهای آموزشی : خلیل سلطان القرائی از سال ۱۳۶۱ فعالیتهای آموزشی خود را با درس" تاثیر عرفان در اخلاق اسلامی "که با دعوت مدیر گروه فلسفه اقای دکتر نوالی صورت گرفته بود آغاز شد و اکنون به تدریس دروس مختلف رشته فلسفه رسیده است که بیشتر در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری میباشد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : خلیل سلطان القرائی از سال ۱۳۶۳ عضو هیئت مدیره کتابخانه ملی و فعلا هم عضو هیئت امنای کتابخانه مرکزی تبریز (ملی) میباشد.شاگردان : از شاگردان خلیل سلطان القرائی که ادامه تحصیل دادند و در دانشگاههای مختلف مشغول هستند میتوان به دکتر فرید دکتر محرم آقا زاده دکتر جواد حاتمی دکتر علیرضا حسینی پور دکتر مرعشی دکتر یوسف ادیب و ... اشاره کرد.چگونگی عرضه آثار : آثاری که خلیل سلطان القرائی به چاپ رسیده به صورت مقاله در مجلات دانشکده ادبیان دانشگاه تبریز و دانشگاه مشهد و پژوهشکده قم میباشد و نیز ارائه مقالات زیادی در سمینارها و همایشهای مختلف.آثار : فلسفه تعلیم و تربیت و آرای تربیتی

منابع زندگینامه :تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر سلطان القرائی بنا به در خواست بنیاد ایرانشناسی – زمستان ۱۳۸۵

سلطان الکتاب اصفهانی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، خطاط. از آثار او: قرآن وزیری جلد روغنی، دو صفحه‌ی اول و آخر مذهب، دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع، به خط نسخ و رقاع کتابت خفی عالی، با رقم: «... بید الاقل محمدعلی الاصفهانی فی سنه ۱۲۸۹ من الهجره النبویه»؛ سوره‌ی یس و ادعیه، جلد روغنی مذهب مزین، به خط نسخ و رقاع کتابت خوش، با رقم: «بهجه هدیه حضور... کتبه العبد.. محمدعلی الاصفهانی فی سنه ۱۲۶۸»؛ قرآ رحلی، جلد روغنی مذهب عالی، نسخ و رقاع کتابت جلی خوش، با رقم: «عبده... محمدعلی اصفهانی ملقب بلسطان الکتاب.. ۱۳۱۷... هجری...»؛ یک قطعه از مرقع نسخ و رقاع کتابت جلی خوش بلکه عالی، با رقم: «کتیبه العبد محمدعلی المقلب بسلطان الکتاب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۸۶ -۱۱۸۵ /۴).

سلطان الکتاب نایینی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۸ ق)، خطاط.از آثار وی: یک تصدیق خط آقا ابراهیم قمی در پشت قرآن، به خط رقاع کتابت جلی عالی، با رقم: «سلطان الکتاب ۱۳۰۶» و تصدیق مورخ ۱۳۰۸ ق؛ یک تصدیق خط آقا ابراهیم قمی در پشت قرآن به خط رقاع کتابت خفی عالی، با رقم: «العبد الاقل الاثم محمدعلی بن حسن علی النائینی سنه ۱۳۰۸».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۹۱، ۱۰۷۹ /۴).

سلطان اویس جلایر ایلکانی، معزالدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۷۶ -۷۳۹ ق)، شاعر، موسیقیدان و نقاش. او دومین سلطان جلایر از طایفه‌ی ایلکانان است. در نوزده سالگی، بعد از وفات پدر، در بغداد به تخت سلطنت نشست. اویس، سلطانی شاعر و شعر دوست و عارف مسلک و در سخن‌پردازی شاگرد سلمان ساوجی بود و به او علاقه‌ی مخصوصی داشت و سلمان نیز قصاید و چکامه‌های بسیاری در مدایح و فتوحات این سلطان به نظم آورده است. وی همچنین در انواع هنر اطلاعات کاملی داشت. نقاشی را خوب می‌دانست و از علم موسیقی نیز بهره‌ی کافی داشت. از معاصران او: عبید زاکانی، ناصر بخارایی، خواجوی کرمانی و خواجه حافظ شیرازی را می‌توان نام برد. تصانیف زیادی از وی نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۰۱، ۱۰۰۸، ۱۰۰۶، ۲۷۳، ۲۹ –۲۸ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۰۰، ۱۹۸)، تذکره‌ی روز روشن (۹۳)، تذکره الشعراء (۲۹۳ –۲۹۲)، دانشمندان آذربایجان (۵۶)، الذریعه (۱۱۲/۹)، روضه السلاطین (۶۳ –۶۲)، فرهنگ سخنوران (۱۱۰)، گلستان هنر (۲۲)، مجمع الفصحا (۳/۱)، یغما (س ۳، ص ۵۲۸ –۵۲۳).

سلطان بخت آغا

قرن:۸

جنسیت:زن

ملیت:ایران

خان سلطان معروف به سلطان بخت آغا، دختر امیر غیاث الدین کیخسرو، برادر زاده شاه شیخ ابواسحق اینجو، و زن سلطان محمود آل مظفر می‌باشد. چون امیر مبارزالدین مظفّری عموی او شیخ ابواسحق اینجو را در سال ۷۵۷ و یا ۷۵۸ در میدان سعادت شیراز به قتل رسانیده بود. خان سلطان به دسایس و تدابیر مخصوص، بین شاهزادگاان مظفّری ایجاد اختلاف می‌کرد تا آن که سلطان محمود بدین دسایس پی برده، و او را در حال مستی در رمضان سال ۷۶۹ کشت، و در مقبره جنب مدرسه دردشت مدفون گردانید.

این بقعه و سنگ قبر را ظاهراً خود خان سلطان قبل از کشته شدن تهیه کرده و عبارت از سنگ یک پارچه سماق نفیسی است که کتیبه ذیل به خطّ ثلث برجسته بر روی آن نوشته شده است:

هذه الصخرهٔ المقدّسه أنشأتها الخاتون العظمی سلطان بخت آغا ابنهٔ الامیر خسرو شاه ادام اللّٰه توفیقها بعد وفاتها فی رمضان سنهٔ ثلث و خمسین و سبعمائهٔ.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

سلطان حسینی، عبدالله

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطاط. مشهور به خوشحال. از آثار وی: یک قطعه از مرقع ثلث دو دانگ جلی و نسخ و راقع کتابت خوش، با رقم: «مشقه عبدالله السلطان حسینی الشهیر بخوشحال ۱۱۱۹».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۸۹ / ۴).

سلطان قاجار

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط و شاعر. متخلص به سلطان. وی خواهر محمود میرزا، مولف «سفینه المحمود»، است که نزد برادر خود تعلیم و تربیت یافته و با عروض و نجوم و انشا آشنا شده و خط شکسته را نیز فراگرفته است. سلطان قاجار به دستور پدرش به ازدواج محمدخان، پسر مهدیقلی خان بیگلر بیگی، درآمد ولی در جوانی درگذشت. دفتری حدود هزار بیت از او به جای مانده است. برخی منابع، او را به اشتباه دختر محمود میرزا دانسته‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از رابعه تا پروین (۱۵۲ –۱۵۱)، تاریخ عضدی (۳۱۷، ۳۱۳، ۲۵)، حدیقه الشعراء (۲۱۶۷ –۲۱۶۶ /۳)، خیرات حسان (۹۲/۲)، الذریعه (۴۵۹/۹)، زنان سخنور (۲۵۷ –۲۵۶ /۱)، مشاهیر زنان (۱۲۳).

سلطان قمی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. کودکی و نوجوانیش را در قزوین گذراند و چندگاهی در ملازمت سراج‌الدین محمد قمی به سر می‌برد و در همان ایام به شغل عطاری روزگار می‌گذراند. پس از چندی به قم بازگشت و بعد از شنیدن قتل سید سراج‌الدین محمد، چندی در کاشان و اصفهان به سر برد و سپس به قم بازگشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۲۵۸ –۱۲۵۳ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۵۲۸)، الذریعه (۴۵۹/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۶۲ –۴۶۱)، مجمع الخواص (۲۷۲)، مخزن ا لغرائب (۶۷۵ –۶۷۴ /۲)، مکتب وقوع (۶۵۵)، نتایج الافکار (۳۲۹ –۳۲۸)، نشتر عشق (۷۰۴/۲).

سلطان محمدی، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالفضل سلطان محمدی

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابوالفضل سلطان محمدی پس از گذراندن تحصیلات دوره ابتدایی درمقطع راهنمایی وارد حوزه علمیه قم شدم و با فرا گرفتن دروس مقدماتی ، دروس سطح را در نزد استادان معظم آقایان : وجدانی فخر ، اعتمادی ، قدیری ، بنی فضل ، صالحی مازندرانی و استادی به پایان بردم و در سال ۱۳۶۹ به دروس خارج فقه و اصول راه یافتم و اکنون بیش از پانزده سال است که در درس خارج فقه حضرت آیت الله میرزا جواد تبریزی و خارج اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی شرکت نموده و از محضر علمی ایشان استفاده می نمایم هم چنین در سال ۱۳۶۸ در موسسه آموزش عالی باقر العلوم (ع) در دوره کارشناسی علوم سیاسی پذیرفته شدم . پس از گذراندن این دوره در سال ۱۳۷۳ با مرکز تحقیقات و مطالعات اسلامی دفتر تبلیغات ، در حوزه تحقیق و پژوهش ابتدا در واحد اطلاع رسانی (نمایه سازی مجلات کتب و روزنامه ها) و سپس در پژوهشکده اندیشه سیاسی وابسته به این مرکز در گروه فقه سیاسی با گرایش فقه سیاسی ، تاریخ اندیشه عالمان شیعی ، احادیث و روایات اهل بیت (ع) به همکاری و فعالیت های تحقیقی و پژوهشی پرداختم که این همکاری در قالب پروژه های تحقیقی تا کنون ادامه یافته است .

محصول دوازده سال تلاش علمی اینجانب چهار کتاب و تعدادی مقاله بوده که در موضوعات گوناگون به نگارش درآمده و غالب آنها به چاپ رسیده است و برخی در دست تحقیق است .

سلطان محمدی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین سلطان محمدی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین سلطان محمدی متولد ۱۳۵۵اهل ومتولدقم می باشم پس از طی مراحل مقدماتی تحصیل را از ۵ سالگی شروع و وارد مدرسه ابتدایی و سپس در مقطع راهنمایی و مقطع متوسطه در رشته ریاضی فیزیک را با موفقیت با اخذ دیپلم ریاضی فیزیک به پایان رساندم با توجه به علاقه به تحصیل در علوم دینی در سال ۱۳۷۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس مقدماتی را در مدرسه علمیه معصومیه (س) شروع نمودم . سه سال بعد در دانشگاه مفید در رشته اقتصاد نظری پذیرفته شدم و همزمان موفق شدم این رشته را در کنار سایر دروس حوزوی تحصیل نمایم و در سال ۱۳۸۰در مقطع لیسانس فارغ التحصیل شدم اینجانب با توجه به علاقه وافری که به تحصیل علوم دینی داشتم توانستم دروس مقدماتی و سطوه را در طول مدت ۷ سال به پایان برسانم و چند نوبت هم به عنوان شاگرد ممتاز در حوزه باشم. در طول مدت تحصیل در حوزه و دانشگاه و در ظل عنایت حق تبارک و تعالی مشغول به نوشتن مقالات در حول مباحث اقتصادی و اسلامی بودم که هم اکنون مقالاتی از اینجانب در مجلات تخصصی و علمی و روزنامه ها به چاپ رسیده بالغ بر چهل عنوان می باشد.

سلطان ولد، بهاءالدین محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۱۲ -۶۲۳ ق)، عارف و شاعر، متخلص به ولد. معروف به سلطان ولد. در شهر لارنده متولد شد. وی گرچه علوم ظاهر و باطنی را از پدر خود فراگرفت اما مدتی در دمشق تحصیل کرد و شاگرد شمس تبریزی، شیخ صلاح‌الدین فریدون زرکوب، حسام‌الدین چلبی بود و در عرفان مقامی والا داشت. بهادالدین محمد پس از مرگ پدر در همان خانقاه قونیه جانشین او شد. سطان ولد به لغت و شعر ترکی آشنایی داشت و از عوامل انتشار ادبیات ایران در ترکیه و از بانیان ادبیات عثمانی بود. در قونیه درگذشت و همان جا

دفن شد. از آثار وی: «دیوان» اشعار؛ مثنوی‌های سه‌گانه او که به مثنوی «ولدی» یا «ولدنامه» مشهور است.[۱]

بهاءالدین ابن جلال‌الدین مولوی، عارف و شاعر (ف. قونیه ۷۱۲ ه.ق.) وی مدت ۳۰ سال پیشوای طریقت مولویه بود. سه مثنوی از او باقی است که معروفترین آنها مثنوی ولد یا ولدنامه است در تفسیر معانی عرفانی که به طبع رسیده. وی به زبان ترکی آشنایی کامل داشت و اشعاری به ترکی دارد. او را در تربت پدرش مولوی دفن کردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از سعدی تا جامی (۲۰۱ -۲۰۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۱۲ -۷۰۵ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۹۹)، تذکره‌ی روز روشن (۳۶۲)، تذکره الشعراء (۲۲۱)، جستجو در تصوف (۳۱۳ -۳۰۹)، حبیب السیر (۱۱۶ -۱۱۵ /۳)، الذریعه (۳۳۶/۱۹، ۱۲۸۰ - ۱۲۷۹ /۹)، ریاض العارفین (۸۴ -۸۳)، ریحانه (۶۳ -۶۲ /۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۷۳)، فرهنگ سخنوران (۴۶۳)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، مجمع الفصحا (۶۹۵/۲)، نفحات الانس (۴۷۳ -۴۷۱).

سلطان، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۱ -۱۲۲۸/۱۲۲۷ ق)، شاعر، متخلص به سلطان. سی و هشتمین پسر فتحعلی‌شاه قاجار. مادر وی، طاووس خانم اصفهانی، ملقب به تاج‌الدوله، زنی ادیب و شاعر و شاگرد سید عبدالوهاب نشاط بود. سلطان محمد میرزا از سن سیزده سالگی حکومت اصفهان را داشته، در آغاز سلطنت محمدشاه با مادر خود به تهران آمد و به استانبول و قاهره و اسکندریه و مکه معظمه و مدینه‌ی منوره و شام و حلب و دیار بکر و موصل سفر کرد، به مشهد مقدس رفت و سرانجام در تهران ساکن شد و در همین شهر وفات یافت. از آثار او است: «ملوک الکلام»؛ «سیف الرسائل»؛ «تحفه الحرمین»؛ تذکره‌ی «بزم خاقان» و «دیوان» اشعار. (نویسنده‌ی تاریخ تذکره‌های فارسی معتقد است بزم خاقان از او نیست).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۱۰۰ -۹۳ /۱)، حدیقه الشعراء (۷۸۶ -۷۸۱ /۱)، الذریعه (۲۲۲ -۲۲۱ /۲۲، ۴۵۹/۹)، شرح حال رجال (۱۰۳/۲)، فرهنگ سخنوران (۴۶۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵۳ -۳۵۲ /۳)، مجمع الفصحا (۶۷ -۵۹ /۱).

سلطان‌العلماء بستکی، عبدالرحمن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۰ -۱۲۹۳ ق)، ادیب، مفتی و شاعر و. در قصبه‌ی بستک (از بخش‌های شهرستان لار) متولد شد. علوم متداول را از اساتید آن دیار آموخت و به منظور تکمیل معلومات خود به بندر لنگه و از آن جا به بصره رفت و از بصره به حجاز و در آنجا فقه و اصول را آموخت، آنگاه به مصر رفت و سپس به سوریه و مراکش و تونس و ترکیه و هندوستان مسافرت کرد و در علوم ادبی و دینی و فلسفه و اصول و منطق و معانی و بیان و فلسفه‌ی یونانی تبحر یافت. وی در سرون اشعار فارسی و عربی توانا بود. پس از این سفر و سیاحت طولانی به بستک برگشت و مدرسه‌ای تاسیس کرد و به تدریس مشغول شد و از جانب ناصرالدین‌شاه ملقب به سلطان‌العلماء شد. او اجبارا از بستک به بندر لنگه رفت و مدت چهل سال در آنجا به تدریس علوم معقول و منقول پرداخت و سرانجام در همان شهر وفات یفات.از تالیفات او است: «الفوایـد الصـمدیه»، به عربی و در نحو؛ «بدیعیه»، به عربی در بدیع؛ «رحبیه»؛ «سلطان الرسائل»؛ «شرح قطر» به عربی؛ «ظهور الحقایق»؛ «کشاف الحقایق».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۷۶ -۱۷۳ /۳)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۶۷ -۶۶ /۲).

سلطان‌العلماء سلطان‌آبادی اراکی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۲ -۱۲۹۶ ق)، عالم و فقیه. وی در اراک متولد شد و تحصیلات مقدماتی را در همان شهر گذراند سپس به اصفهان رفت و سطح را در آن جا تکمیل نمود. سپس به عتبات رفت و نزد میرزا محمدتقی شیرازی و آخوند ملا محمدکاظم خراسانی تلمذ کرد و به اراک بازگشت، به تدریس و اداره حوزه‌ی علمیه‌ی آنجا پرداخت. بسیاری از علماء حوزه‌ی قم و اراک از شاگردان وی بوده‌اند. او در اراک فوت کرد. اثر به جا مانده از وی: «الحاشیه علی کفایه الاصول».[۱]

حاج شیخ محمد سلطان العلماء اراکی از شاگردان مبرز مرحوم آخوند خراسانی و دارای تألیفاتی که از آنها حاشیه بر کفایه مطبوع میباشد.

وی از علماء مبرز و مدرسین بزرگ و مجتهدین مسلم اراک بوده بسیار از علماء حوزه قم و اراک نزد وی تلمذ نموده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۱۲/۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۴/۳).

سلطان‌آبادی، ابوطالب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف قبل از ۱۳۲۰ ق)، عالم، فقیه، مرجع و زاهد. اصل وی از کزاز اراک است. از شاگردان شیخ انصاری شمرده شده. او در محضر میرزای بزرگ شیرزای در نجف و سامراء تحصیل نمود. سرانجام به وطنش بازگشت و به اقامه‌ی وظائف شرعی و تدریس در مدرسه‌ی حاج آقا محسن عراقی پرداخت و مرجع مردم اراک شد. در «الذریعه» سال مرگ وی ۱۳۲۹ ق است. وی تصانیفی در فقه و اصول دارد. او شرحی بر «نجاه العباد» نگاشته که مجلد «طهارت» آن موجود است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۱/۱۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۷/۱۴).

سلطان‌آبادی، فتحعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مآثر و آثار گوید: آیه‌الله عالم ربانی ملا فتحعلی سلطان‌آبادی از مشاهیر علماء این سامان و اساتید بزرگ علم اخلاق بوده است.

مآثر و آثار در ص ۱۴۹ گوید: عالم عامل و فقیه فاضل و عارف کامل است مردم در علو درجه و ورع و تقوا و زهد باو مثل میزنند اصلا از عراق ایران میباشد... در سر من رأی ملتزم محضر سر کار حجه‌الحق و سید الطائفه حاج میرزا محمد حسن شیرازی دام ظله الممدود است و امامت جماعت را باوی گذارده‌اند. اکابر علماء مجاورین و غیرهم که خود هریک یا چندین هزار معتقد و مرید داشته نسبت بآخوند ملافتحعلی مذکور در مقام خلوص و ارادت هستند و از وی بعضی مشاهده کرامت مدعی میباشند. فقیه اجل حافظ عصر حاج میرزا حسین نوری طبرسی در دارالسلام و کلمه طیبه از وی بکرات نام برده و خویشتن را نسبت به وی از معتقدین و مریدان شمرده و کفی بذلک حجه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سلطان‌آبادی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مآثر و آثار در ص ۱۶۵ گوید: ملامحمد علی سلطان آبادی عالمی ادیب و فاضلی از فرط ذکاء وحدت ذهن و سرعت انتقال کثیرالتصنیف بود نزد حاج سید شفیع جاپلقی بروجردی تلمذ کرد و بکزاز رفت و آنجا بتدریس علوم و تربیت طلبه اشتغال گرفت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سلطان‌آبادی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۴ ق)، محدث و فقیه اصولی. اصل وی از کره رود، از توابع سلطان‌آباد بود. او داماد علامه اخلاق ملاـ فتحعلی سلطان‌آبادی است. وی در نجف اشرف در بهره بردن از مدرسین و عالمان مواظب و کوشا بود. به سامراء سفر کرد و نزد میرزای شیراز به تحصیل پرداخت و تا پایان عمر استادش ملازم وی بود. پس از درگذشت استاد به کاظمین رفت و دو سال بعد در آنجا درگذشت و در یکی از حجره‌های شرقی صحن شریف به خاک سپرده شد. از آثارش: «اجوبه الاجوبه»؛ «الاشارات اللطیفه الحسان»، در احوال ابوحنیفه؛ «اشرف الوسائل»، در فهم «الرسائل»؛ «البحر المحیط»؛ «البیت المعمور»؛ «توضیح الدلائل علی ترجیح مسائل الرسائل»؛ «جامع‌الدین و الدنیا»؛ «حل المعقاد عن وجوه الفرائد» که حاشیه مبسوطی بر «فرائد الاصول» یا «رسائل» شیخ انصاری است؛ «فلک الشمحون»، کشکول مانند، در چهار مجلد که چون در نجف نگارش یافته به نام «الجاع الغروی» نیز نامیده شد، و مجلد پنجمی در سامراء به نام «الجامع العسگری» بر آن افزوده شده است؛ رساله‌ای در «فقه»؛ رساله‌ای در «کیمیا»؛ «سواء الطریق»؛ «الشهاب الثاقب»؛ «الصراط السوی و البرهان الجلی فی تعیین خلافه علی بعد النبی (ص)»؛ «الصوامع»؛ «منتهی الوصول الی علم الاصول»؛ «نخبه الادعیه»؛ «هدایه المجاهدین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۵۴/۹)، الذریعه (۳۱۳ -۳۱۲ /۱۶، ۹۵، ۳۳ /۱۵، ۷۶ -۷۵ /۷، ۶۴، ۶۳، ۵۳ /۵، ۴۹۳ /۴، ۱۸۵، ۴۵ /۳، ۱۰۷، ۹۸ /۲، ۲۷۶ /۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۶۱ -۶۵۹ /۱۴)، معجم المؤلفین (۲۵۸/۹).

سلطانی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلال‌الدین محمود ملقب به قطب مغیثی سلطانی، خوشنویس ایرانی (قر. ۹ ه.) وی از معاصران و شاگردان میرزا جعفر تبریزی بایسنقری و از اقران عبداللّه طباخ و اظهر تبریزی خوشنویس بود. در آغاز از خوشنویسان دربار بایسنقر میرزا بود و سپس در کتابخانه سلطان ابراهیم میرزا بن شاهرخ تیموری به کتابت مشغول شد و به مناسبت قلب امیر اخیر که مغیث‌السلطنه والدین بود «مغیثی» رقم میکرد. وی را در خط ثلث تالی یاقوت مستعصمی دانسته‌اند. نسخه‌ای از قرآن که به خط وی در کتابخانه سلطنتی ایران موجود است که با بهترین خطوط یاقوت برابری می‌کند. او تا حدود ۵۸۰ ه.ق. میزیسته.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

سلطانی بسطامی

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۱۲۹۶ ق، از زنان ادیب، شاعر و خوشنویس. وی تنها فرزند میرزا فتح‌اللّه ذوقی شاعر بود. پدرش در تعلیم و تربیت او همت گماشت. خواندن و نوشتن را در کودکی آموخت و خوشنویسی و شعر و ادب فارسی و عرب را نیز فراگرفت. گویند اشعار عربی زیادی از دوره جاهلی از حفظ داشت و دیوانی نیز فراهم آورده بود.

در اوایل جوانی با پسر محمد ناصر خان قاجار، ملقب به ظهیرالدوله ازدواج کرد. چنانکه از اشعار این بانو پیداست از زندگی زناشویی خود رضایت نداشته است. از اشعار اوست:

اول چنین نوشت قضا سرنوشت ما

کاخر خم شراب شود خاک و خشت ما

عشق آمد و عقل رفت و دیوانه شدیم

وز کعبه روان به سوی بتخانه شدیم

این روزه و این نماز آید به چه کار

ما را که حریف جام و پیمانه شدیم

در سینه توست کینه ما

مهر تو نهان به سینه‌ی ما

دیدی که چه سان گرفت الفت

با سنگ تو آبگینه‌ی ما

مهرت که بها فزونش از جان

یکتا گهر خزینه‌ی ما[۱]

(س سیزدهم ق)، ادیب، شاعر و خطاط. وی چون تنها فرزند خانواده بود، پدرش در تعلیم و تربیت او اهتمام تمام داشت. خواندن و نوشتن را در کودکی آموخت و خوشنویسی و شعر و ادب فارسی و عرب را نیز فراگرفت. اشعار عربی زیادی از دوره‌ی جاهلی از حفظ داشت و «دیوانی» نیز فراهم آورده بود. در اوایل جوانی با پسر محمد ناصر خان قاجار، ملقب به ظهیرالدوله، ازدواج کرد. چنانکه از اشعار این بانو پیداست، از زندگی زناشویی خود رضایت نداشته است.[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] منبع: حدیقهٔ‌الشعراء، ۲۱۶۸ -۲۱۶۷ / ۳.

[۲] حدیقه الشعراء (۲۱۶۸ -۲۱۶۷/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۴۶۳)، مشاهیر زنان (۱۲۶ -۱۲۵).

سلطانی بلخی، عبدالله

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۲۰ ق)، خطاط. اصلش از بلخ بود و در هرات به سر می‌برد. وی از شاگردان خواجه عبدالحی منشی بود و استاد و شاگرد هر دو در عصر سلطان ابوسعید و میرزا سلطان حسین بایقرا و فرزندانش و شاهی بیگ‌خان ازبک را بر عهده داشت. شاگردان او خواجه جان جبریل و میرمنصور منشی بوده‌اند. از آثار وی: «منشآت»ی است به خط او، و خواجه اختیار، که رقم دارد: «درویش عبدالله سلطانی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :خوشنویسان و هنرمندان (۸۰)، گلستان هنر (۴۵ -۴۴)، هنر عهد تیموریان (۴۸۴).

سلطانی رنانی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی سلطانی رنانی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱/۱۹

زندگینامه علمی

ورود به عرصه علم و تحصیل در مهرماه ۱۳۶۵ هجری شمسی با تحصیلات ابتدایی آغاز گردید. دوره های ابتدایی و راهنمایی و متوسطه را به ترتیب در دبستان پاسداران رهنان، مدرسه راهنمایی شهید دکتر حسن آیت و دبیرستان منیرخانه اصفهان و به مدت ۱۱ سال با کسب رتبه های ممتاز و درجات عالی علمی در سطح استان و حتی کشور پشت سر گذاشتم. تحصیلات دانشگاهی را با پذیرفته شدن در آزمون سراسری سال ۱۳۷۸ هجری شمسی در دانشگاه تهران و در رشته الهیات (علوم قرآن و حدیث) آغاز نمودم. دوره کارشناسی (لیسانس) را در مدت سه سال طی نمودم و در همه ترم ها به عنوان دانشجوی رتبه اول و ممتاز انتخاب شدم. در سال ۱۳۷۹ از طرف کمیته استعدادهای درخشان دانشگاه تهران به عنوان دانشجوی نخبه (استعداد درخشان) انتخاب شده و در بین همه دانشجویان دوره و رشته خویش بالاترین معدل تحصیلی را کسب نمودم. در سال ۱۳۸۲ در آزمون کارشناسی ارشد شرکت کرده و در رشته الهیات ، علوم قرآن و حدیث دانشگاه دولتی قم پذیرفته شدم. در این دوره نیز به عنوان دانشجوی نمونه (علمی ، پژوهشی)شناخته شدم . تحصیلات حوزوی را نیز به صورت آزاد و داوطلبانه در مدارس علمیه اصفهان و قم آغاز نموده و پشت سر نهادم. ارتباط دائم خویش را نیز با حوزه همیشه حفظ نموده و می نمایم. و با این نهاد معنوی همکاری های علمی و پژوهشی بسیاری داشته و دارم . از جمله عضو انجمن قرآن پژوهی حوزه علمیه قم، عضو محققین معاونت تبلیغ و پژوهشی های کاربردی حوزه علمیه قم ، عضو محققین مرکز جهانی علوم اسلامی و محققین حوزه علمیه اصفهان می باشم . به لطف و مرحمت و توفیقات الهی فعالیت خویش را در عرصه علم و پژوهش ادامه می دهم و در صدد تدریس در دانشگاهها و عضویت هیئت علمی هستم که به زودی انشاء الله محقق خواهد شد. همچنان تدریس خویش را نیز در حوزه های علمیه ادامه می دهم. این جانب در اولین دوره عالی تربیت مدرس تفسیر و علوم قرآن که توسط انجمن قرآن پژوهی حوزه علمیه قم و با همکاری مرکز تحقیقات قران الکریم المهدی (عج) قم و مرکز هماهنگی ، توسعه و ترویج فعالیتهای قرآنی کشور ، مرکز آموزش تخصصی تفسیر و علوم قرآن و مرکز مدیریت حوزه علمیه قم در سال ۱۳۸۶ برگزار گردید شرکت کرده و دوره را با موفقیت و رتبه ممتاز پشت سر گذاشته و گواهی نامه عالی آن را دریافت نمودم

سلطانی زمانی، احمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : احمدرضا سلطانی زمانی متولدسال۱۳۳۲ ه.ش دارای مدرک دکترای آمار از دانشگاه ایالتی میشیگان درسال ۱۳۶۰ و فوق تخصص آمار و حتمال از دانشگاه کارولینای شمالی و عضو هئیت علمی دانشکده ی علوم دانشگاه شیراز با مرتبه ی علمی دانشیاری می باشد.

گروه : علوم پایه

رشته : آمار

تحصیلات رسمی و حرفه ای : احمدرضا سلطانی زمانی دارای مدرک کارشناسی ریاضی از دانشگاه اصفهان درسال۱۳۵۴و کارشناسی ارشد آمار از دانشگاه شیراز در سال۱۳۵۶و دکترای آمار از دانشگاه ایالتی میشیگان درسال ۱۳۶۰و فوق تخصص آمار و احتمال از دانشگاه کارولینای شمالی می باشد.

خاطرات و وقایع تحصیل : اخذ مدرک دکترای آمار از دانشگاه ایالتی میشیگان درسال ۱۳۶۰ و فوق تخصص آمار و احتمال از دانشگاه کارولینای شمالی از مهمترین مقاطع علمی زندگی احمدرضا سلطانی زمانی می باشد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : احمدرضا سلطانی زمانی در حین تحصیل به مطالعه و تحقیق پیرامون موضوعاتی چون قضیه های برای نمایش فرآیند پایدار متقارن ، بررسی مدل ضربه بر اساس فرآیند صعودی جهش محض، بررسی مدلهای غیر خطی سریهای زمانی و تحلیل باقی مانده ها پرداخته است.

وقایع میانسالی : احمدرضا سلطانی زمانی پس از اخذ مدرک دکترای آمار از دانشگاه ایالتی میشیگان درسال ۱۳۶۰و فوق تخصص آمار و احتمال از دانشگاه کارولینای شمالی در سال۱۳۶۱به ایران بازگشت و به عنوان عضو هئیت علمی دانشکده ی علوم دانشگاه شیراز استخدام شدو مرتبه ی علمی دانشیاری را کسب نمود.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمدرضا سلطانی زمانی عضو هئیت علمی دانشکده ی علوم دانشگاه شیراز درسال

۱۳۶۱تاسال۱۳۶۷استادیار دانشگاه شیراز و از سال۱۳۶۷به عنوان دانشیار دانشگاه شیراز بوده است.
فعالیتهای آموزشی : احمدرضا سلطانی زمانی در دانشکده ی علوم دانشگاه شیراز به تدریس دروس فرآیندهای تصادفی ۱و۲، آنالیز حقیقی، نظریه احتمال و فرآیندهای تصادفی پیشرفته در دانشگاه تربیت مدرس در دانشگاه شیراز پرداخته است.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : احمدرضا سلطانی زمانی در کنار تدریس به تحقیق و تالیف آثاری پیرامون احتمال و آمار، ساختار فرایندهای جهش محض و کاربردآن ها در اعتماد پذیری ، تخمین انتگرال های تصادفی با مشاهدات توام با احتمال پرداخته است.
آرا و گرایشهای خاص : احمدرضا سلطانی زمانی از جمله متخصصان رشته ریاضی و آمار می باشد که در اموری چون احتمال و آمار ، بررسی مدلهای غیرخطی سری های زمانی و تحلیل باقی مانده های ، تخمین انتگرال های تصادفی با مشاهدات توام با اختلال دارای تخصص می باشد___________________________________.

آثار :

۱ احتمال و آمار

۲ قضیه ای برای نمایش فرآیند پایدار متقارن

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

سلطانی شیرازی، مسعود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی برق، دانشکده: فنی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی در رشته مهندسی برق.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده فنی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه و پژوهش در زمینه الکتروتکنیک، تولید الکتریسیته و بهره‌برداری از آن.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

دستگاههای اندازه‌گیری، الکتروتکنیک، تولد الکتریسیته و بهره‌برداری، محاسبات اتصال کوتاه در شبکه، رله و حافظت سیستمها، تجهیزات نیروگاه و طرح و محاسبه متور آسنکرون.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

سلطانی طباطبایی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۱۸ -۱۳۳۲ ق)، فقیه اصولی و مدرس. در بروجرد به دنیا آمد پس از طی مقدمات و فراگیری سطوح اولیه در ۱۳۴۸ ق به قم رفت از محضر آیت‌اللّه خوانساری و آیت‌اللّه فیض و آیت‌اللّه اراکی استفاده کرد. آنگاه به نجف مشرف و حدود دو سال حوزه درس آیاتی چون آقا ضیاءالدین عراقی و آقا اصفهانی و حاج شیخ محمد حسین اصفهانی استفاده نمود. پس از بازگشت به ایران، نزدیک یک سال، در مشهد از مباحثات آیت‌اللّه میرزا مهدی اصفهانی بره‌مند شد. در ۱۳۵۹ ق رسما در قم سکنی گزید و به تدریس فقه و اصول و «کفایه» و «مکاسب» پرداخت. همزمان در درس فقه و اصول آیت‌اللّه بروجردی شرکت می‌کرد. وی معقول را از آیت‌اللّه شاه‌آبادی فراگرفت. از آثارش: رساله‌ای در «استصحاب»؛ رساله‌ای در «واجب مطلق و مشروط»؛ «الفوائد الفاطمیه»، در اصول؛ رساله‌ای در شرح «منظومه‌ی» میرزا محمد تنکابنی؛ رساله‌ای در «خیارات»؛ رساله‌ای در «ادبیات فارسی».[۱]
آیت‌الله آقای حاج سید محمدباقر بن العلامه العلام الحاج السید علی‌اصغر الملقب بسلطان العلماء المتوفی فی ۱۳۴۲ المدفون فی بلده قم ابن العلامه الحاج آقامهدی طباطبائی متوفی ۱۳۲۴ المدفون فی رواق الکاظمین علیهماالسلام عالمی عامل و فاضلی کامل و مدرسی محقق است در سال ۱۳۳۲ در بروجرد متولد شده و پس از رشد و طی مقدمات و سطوح اولیه در سال ۱۳۴۸ ق مهاجرت به قم نموده و تا سال ۱۳۵۵ ق از مرحوم آیت‌الله خونساری و آیت‌الله فیض و آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی استفاده نموده و در سال

فوت مرحوم آیت‌الله حایری مؤسس به نجف مشرف و حدود دو سال از محضر آیات عظامی چون آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله اصفهانی و مقداری آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی استفاده نموده و پس از آن مراجعت به بروجرد و از آنجا به مشهد رضوی مشرف و حدود ده ماهی از مباحثات مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی بهره‌مند شده و بعد از آن مراجعت به بروجرد نموده و در سال ۱۳۵۹ هجری مهاجرت به قم کرده و رسما رحل اقامت افکنده و به تدریس فقه و اصول و سطوح عالی (کفایه و مکاسب) پرداخته و مدتها درس سطح ایشان دائر و جمعیت زیادی از فضلاء محصلین شرکت کرده و استفاده می‌نمودند ولی دو سه سالی است که در مسجد امام علیه‌السلام خارج کفایه و عروه را شروع کرده و جماعتی را از بیانات خود بهره‌مند می‌کنند.

معظم‌له مضافا بر آن اساتید مذکوره معقول را از مرحوم آیت‌الله شاه‌آبادی خوانده و از اول ورود آیت‌الله العظمی بروجردی طاب ثراه هم تا آخر عمر ایشان بالغ بر ۱۸ سال به درس فقه و اصول آن مرحوم شرکت کرده و مورد توجه مخصوص ایشان بودند.

ایشان در نسب با مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی یکی هستند و در مرحوم حاج میرزا علینقی جد دوم آیت‌الله به هم می‌رسند و از دو جهت با آن مرحوم رحم و خویش بودند یکی از جهت پدری که پسرعمو بودند دیگر از جهت مادری که مادرشان خواهر مرحوم حاج‌آقا علی پدر آیت‌الله بودند و آیت‌الله پسر دائی ایشان می‌شدند، خلاصه آن بزرگوار جمع کرده میان نسب و حسب را و از طرف دیگر هم داماد مرحوم آیت‌الله العظمی آقای صدر می‌باشند و برادر خانواده ایشان است صاحب فضیلت و مکرمت علامه العلام و المجاهد الفهام حاج آقا موسی صدر رئیس مجلس اعیان و شیعیان لبنان در بیروت که امروز افتخاری برای عالم تشیع و اسلامند و خدماتی کرده و می‌کنند که در ترجمه ایشان خواهیم نوشت.

و از طرف دیگر هم جناب سید الافاضل الکرام آقای آقا احمد دومین فرزند برومند آیت‌الله العظمی امام خمینی داماد معظم ایشانست.

اما آثار مفیده و ارزنده مترجم معظم ما از این قرار است:

۱- رساله‌ای در استصحاب. ۲- رساله‌ای در واجب مطلق و مشروط.

۳- کتاب الفوائد الفاطمیه فی الاصول (که به نام فاطمه معصومه علیهاسلام نوشته و موسوم نموده است).

۴- رساله‌ای در شرح منظومه میرزا محمد تنکابنی ۵- رساله‌ای در خیارات.

۶- رساله‌ای در ادبیات فارسی و رسالات و کتب دیگر.

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۲۸ ق.، بروجرد.

درگذشت: ۳۱ خرداد ۱۳۷۶، قم.

حضرت آیت‌الله حاج سید محمدباقر سلطانی طباطبایی، فرزند آیت‌الله آقای حاج سید علی‌اصغر سلطان العماء بروجردی از علما و بزرگان بروجرد بود. ایشان پس از پشت سر نهادن دوران کودکی و نوجوانی و فراگرفتن مقدمات و سطوح اولیه در شهر بروجرد، به سال ۱۳۴۸ ق. به حوزه‌ی علمیه‌ی قم رفت و دانش معقول و منقول را در مدت هفت سال از محضر حضرات آیات عظام حاج سید صدرالدین صدر، آقا سید محمدتقی خوانساری، میرزا محمد فیض قمی، آقا شیخ محمدعلی حایری قمی، حاج سید احمد خوانساری و میرزا محمدعلی شاه‌آبادی فراگرفت. سپس در سال ۱۳۵۵ ق. رهسپار حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف گردید و حدود دو سال از محضر آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاء عراقی و شیخ محمدحسین اصفهانی بهره برد و در ۱۳۵۷ ق. به بروجرد بازگشت. در ۱۳۵۸ ق. به مشهد مشرف شد و حدود ده ماه از بحث‌های فقهی، کلامی و تفسیری آیت‌الله حاج میرزا مهدی اصفهانی استفاده کرد و مبانی علمی خویش را استوار ساخت. سال ۱۳۵۹ ق. به قم رفت و به تدریس سطوح عالیه (رسائل، مکاسب و کفایه) پرداخت و در کنار آن در دروس فقه و اصول و جلسات استفتاء آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت جست.

ایشان در اولین دوره‌ی مجلس خبرگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به نمایندگی مردم لرستان برگزیده شد.

برخی از تألیفات آیت‌الله سید محمدباقر سلطانی طباطبایی عبارتند از: رسالهٔ فی الاستصحاب؛ رسالهٔ فی المطلق و المقید؛ رسالهٔ فی الخیارات؛ الفوائد الفاطمیهٔ فی الاوصل (که این کتاب را به نام حضرت فاطه معصومه نام نهاده است)؛ رساله در شرح منظومه فقهی علامه میرزا محمد تنکابنی؛ رساله در ادبیات فارسی.

حضرت آیت‌الله سلطانی طباطبایی پس از هشتاد و پنج سال زندگی در عصر روز شنبه سی و یکم خرداد ۱۳۷۶ (پانزدهم صفر ۱۴۱۸ ق.) بدرود حیات گفت و پیکرش، پس از یک تشییع در قم و نماز آیت‌الله فاضل لنکرانی بر آن، در جوار مرقد حضرت امام خمینی (ره) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۷۶ -۱۷۴ /۲).

سلطانی کلهر کرمانشاهانی، حسینعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۷/۱۳۰۳ -۱۲۴۷ ق)، شاعر، متخلص به سلطانی. پدر وی در تربیتش جدیت و تلاش بسیار کرد. به طوری که در عنفوان جوانی از علوم اطلاعات کاملی یافت در سال ۱۲۷۴ ق با نواب عمادالدوله به ری آمد و با صاحب «مجمع الفصحا» ملاقات کرد. سلطانی حافظه قوی و سرعت قلم خوبی داشت به طوری که روزی یک هزار بیت تحریر می‌کرد. سلطانی فنون شاعری را از میرزا حاج محمد متخلص به بیدل اکتساب کرد. از آثار وی: «نجات الثقلین فی مقتل الحسین»؛ مثنوی «تمثال البدیع»، به وزن مخزن الاسرار؛

«شکرستان»، به وزن حدیقه؛ مثنوی «نور الیقین»، به وزن رمل پنجم؛ «رساله باغستان»، بر شیوه گلستان؛ «گنج بادآور»، کتابی است در شرح لغات و اشعار فارسی؛ تذکره‌ی «مطلع شعری»، در ذکر اشعار معاصران؛ «قصاید السلطانیه»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۸۰۰ -۷۸۸ /۱)، المـاثر و الآثار (۲۰۵)، مؤلفین کتب چاپی (۹۴۹/۲)، مجمع الفصحا (۳۵۰ -۳۴۲ /۴).

سلطانی کمال‌الدین، بهزاد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۴۲ -۸۵۴ /۸۴۴ ق)، نقاش، خطاط و شاعر. بنا به روایات متعدد در شهر هرات متولد شد و در آن شهر نشو و نما یافت. استاد از روزگار طفولیت از مادر و پدر دور ماند و نزد میرک تربیت شد. وی از زمان سلطان حسین بایقرا تا زمان شاه طهماسب می‌زیست. بهزاد استاد مسلم و سرآمد مینیاتور ایرانی بود. او با برطرف کردن شیوه محدود و بی‌روح مغول، مکتب مجلس‌آرای پرغنای خود را که زاییده تصورات پرمایه و قدرت معجزنگارش بود، به دنیای تصویرها کشانید. و سبک حقیقت‌جویی (رئالیسم) را در نقش تصویرها عریان ساخت. وی شاگرد خاص سیداحمد تبریزی بود و فن تصویر را از خلیل میرزا آموخت و در زمان شاه اسماعیل ریاست کتابخانه‌ی سلطنتی را به عهده گرفت. در خط و شعر نیز دست داشت. از جمله شاگردان وی: جلال‌الدین میرک اصفهانی، میر مصور، ملا یوسف، مظفر علی، ملا درویش محمد نقاش خراسانی، رستم‌علی و حیدرعلی، خواجه عبدالعزیز، قاسم‌علی و سلطان محمد، تمراز و بهرام‌قلی و غیره بودند. برخی آثار رقم‌دار اصیل وی در کتاب «بوستان» سعدی مضبوط در کتابخانه‌ی قاهره مصر، عبارت‌اند از: «منظره مسجدی با گنبد سبز و کاشی‌کاری مزین و خطوط لاجوردی و طلایی که در کمال مهارت تصویر شده است»؛ «جلسه‌ی تدریس و بحث و مذاکره در مسجد»؛ «تصویر حکایت یوسف و زلیخا»؛ و از دیگر تصاویر او: «تصاویر خمسه نظامی که به سال ۹۰۰ یا ۸۹۶ ق تصویر شده است»؛ «تصویر جنگ بر روی جیحون»؛ «مجلس بزم سلطان حسین بایقرا»؛ «منظره‌ی قصر زیبایی در فصل زمستان»؛ «تصویر سلطان محمد خوارزم شاه»؛ «تصویر شیبک‌خان محمد شاه بخت‌خان شیبانی»؛ «تصاویر ظفرنامه‌ی تیموری به خط سلطان محمد نور». بیست و سه اثر دیگر وی در «احوال و آثار نقاشان» ذکر شده است.[۱]

(بخش ۱) نقاش و مینیاتورساز مشهور اواخر عهد تیموری و اوایل دوره صفوی (و.

بین ۸۴۴ و ۸۵۵ ه.ق.) لقب وی کمال‌الدین و از مردم هرات و شاگرد پیر سید احمد تبریزی است. او نخست در دربار سلطان حسین بایقرا بود و امیر علیشیر نوائی وزیر مشوق و حامی او بود. بعدها شاه اسماعیل صفوی وی را از هرات به تبریز برد و او تا اوایل سلطنت شاه طهماسب اول (۹۸۴ -۹۳۰) حیات داشته و پادشاه اخیر نزد او نقاشی می‌آموخته است. مینایتورهای بسیاری به بهزاد منسوب است که اصالت غالب آنها مورد تردید است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار نقاشان (۱۲۰ -۱۰۶ /۱)، پیدایش خطاطان (۱۰۱)، تاریخ اصفهان (۲۸۸)، تاریخ برگزیدگان (۴۸۳ -۴۸۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۳۸) تاریخ هنرهای ملی (۸۸۲ -۸۲۵ /۲ ،۴۴۲ ،۲۶۸ -۲۶۷ /۱)، حبیب‌السیر (۳۶۲/۴)، خوشنویسان و هنرمندان (۱۰۳ -۱۰۰ ،۱۸ ،۱۶)، دایرةالمعارف فارسی (۴۷۹ -۴۷۸ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۲۳۸/۱)، شرح حال رجال و مشاهیر (۴۹۳ -۴۹۰)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۱۲ -۱۱۱)، گلستان هنر (چهل، ۱۳۶ -۱۳۴)، مناقب هنروران (۱۲۱ ،۱۰۴)، هنر عهد تیموریان (۶۰ -۵۲).

سلطانی مازندرانی، رضا قلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. اصل وی از قریه نواست چندی منشی اسرار محمدشاه قاجار بود و در دربار خاقان صاحب قران منشی ممالک گشت مدتی وزارت خراسان و فارس را داشت سلطانی با صاحب «مجمع الفصحا» ملاقات داشت از اوست:

حکمت لم یزدای یوسف کنعانی را

گریه زندان فکند کام روا نیز کند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۶۲ -۴۶۱ /۹)، سفینه المحمود (۶۴۳ -۶۴۲ /۲)، مجمع الفصحا (۴۰۱/۴)، مصطبه‌ی خراب (۸۰ -۷۹).

سلطانی نژاد، هدایت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هدایت الله سلطانی نژاد

محل تولد : بافت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب بـا آمـادگی قبلی و اطلاعـات اولیه رسـما از اول مهر ماه ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شـدم . دوره سـطح تـا پایـان کفـایه و مکاسب را در محضـر اساتیدی چون آیت الله پایانی و ستوده در سال ۱۳۶۶ به پایان بردم از آن به بعد تا تاریخ ۱۳۷۸ به مدت بیش از ۱۰ سال در درس خارج فقه و اصول اساتید معظم آیات عظام چون آیت الله میرزا جواد تبریزی ، آیت الله ناصـر مکارم شیرازی ، آیت الله وحید خراسانی ، آیت الله فاضل لنکرانی و در درس تفسیر آیت الله جوادی آملی شـرکت و بهره جسته ام . دربخش خارج مکاسب شیخ انصاری چنـد سال از درس آیت الله منتظری بهره مند شدم . از آثار این دوره تهیه تقریرات درس اساتید و تعقیلات بر کتب فقهی و اصولی می باشـد . به موازات دروس حوزوی اینجانب سال ها در مراکز آموزشـی تدریس و تحصیل داشته و از سال ۱۳۷۲ تا کنون به طور مستمر در دانشگاه های مختلف کشور از جمله دانشگاه قم به تـدریس دوره های کارشناسـی و کارشناسـی ارشد حقوق خصوصـی و راهنمایی پایان نامه های دانشجویی و فعالیت های پژوهشی اشتغال داشته ام . ۳ دوره کارشناسی حقوق را در دانشگاه تهران ، کارشناسی ارشد حقوق خصوصی را در دانشگاه شهید بهشتی و دوره دکترای تخصصی حقوق خصوصی را در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تحقیقات عالی تهران در سال ۱۳۷۸ به پایـان بردم . دارای مقالات و کتب علمی چون خسارت معنوی ، بیع کـالی به کـالی ، مسئولیت مـدنی قاضـی ، ماهیت حقوقی طلاق خلع ، شـرط لزوم عقود جایز ، روش تحقیق در حقوق ، تعـدیل قرارداد ، شـش قاعده حقوقی از کتاب عوائد الایام مرحوم نراقی و دهها پایان نامه دانشـجویی کارشناسی ارشد به راهنمایی اینجانب می باشـد . در کتـاب فعـالیت هـای آموزشـی و پژوهشـی سابقه مـدیریت در معاونت پژوهشـی ، مـدیریت کل امور فرهنگی وزارت آموزش و پروش ، عضو هیـات امناء موسسه تربیت ، معاونت دانشـجویی و فرهنگی دانشگاه قم ، مـدیریت گروه حقوق خصوصـی دانشگاه آزاد اسلامی و... دارم .

سلطانی هروی، علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۷۰ ق)، خطـاط. او ظاهرا انـدکی پس از دوره‌ی خوشنویسـی میرعلی هروی معروف در هرات می‌زیسـته و شـیوه‌ی خط او شبیه شیوه‌ی میرعلی هروی بوده و کـاتبی زبردست به شـمار می‌رفته است. از آثـار وی: یک نسـخه «بوسـتان» سـعدی، به قلم کتابت جلی خوش، با رقم: «در دارالسلطنه‌ی هرات صورت اتمام پذیرفت. الفقیر الحقیر میرعلی السلطانی غفر ذنوبه و ستر عیوبه ۹۷۰».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۱۶/۲).

سلطانی، جلال‌الدین محمود

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط. ملقب به قطب مغیثی سـلطانی. وی از معاصران و شاگردان میرزا جعفر بایسنقری و از اقران عبداللّٰه طباخ و اظهر تـبریزی بود. سـلطانی را در خـط ثلث، تـالی یـاقوت مستعصـمی دانسـته‌اند. از آثـار وی: قرآن وزیری، خشـتی، یـا جلـد میش منگنه مذهب. دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مذهب عالی، به خط ثلث کتابت خفی مممتاز و رقاع عالی، با رقم: «نقل من کتابه... یاقوت المستعصـمی... علی یـد العبـد الفقیراللّٰه الغنی محمود السـلطانی... فی اواخر جمادی‌الاـول سـنه ست و رابعین و ثمانمائه بدارالسـلطنه هراه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۱۱ –۱۲۱۰ /۴)، سرآمدان فرهنگ (۴۷۷/۱).

سلطانی، جهانگیر

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط. وی از کاتبان خط نستعلیق است. از آثار وی یک نسـخه «مثنویات» شیخ عطار در کتابخانه‌ی دانشگاه استانبول است، به قلم کتابت خفی متوسط و با رقم: «تم الکتاب... علی یدالعبد الفقیر جهانگیر السلطانی... سنهٔ تسع و اربعین و ثمانمائهٔ...».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۳۰).

سلطانی، شرف‌الدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط. از آثار وی: کتیبه‌های سردر مدرسه و خانقاه نصرآباد، در اصفهان که اشعاری به فارسی و عربی به خط ثلث نوشته شده و تاریخ ۸۵۵ ق دارد، با رقم: «کتبه شرف‌الدین السلطانی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار ملی اصفهان (۸۲۱)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهانی (۳۳۱-۳۲۹).

سلطانی، عبدالظاهر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالظاهر سلطانی

محل تولد : بیرجند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۱/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای عبدالظاهر سلطانی در سال ۱۳۱۱ در گزیک از توابع بیرجند به دنیا آمد، او در کنار خانواده‌ای با اخلاص و مومن رشد و نمو یافت خفقان دوران رضاخان مانع از آن نشد که ایشان به تحصل علوم دینی روی نیاورد و لذا در سال ۱۳۳۳ وارد حوزه علمیه گزیک شد و ایشان در طی دوران تحصیل سفری علمی هم به هرات افغانستان داشتند که این سفر حدود دو سال طول کشید. پس از آن به زادگاه خویش بازگشت و در مدرسه علمیه فخرالمدارس تربت جام مشغول تربیت طلاب علوم دینی شد که تاکنون ادامه دارد.

سلطانی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: اقتصاد کشاورزی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته منابع طبیعی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد در رشته اقتصاد جنگل از دانشگاه برکلی کالیفرنیا درسال ۱۳۴۶، دکترا در رشته اقتصاد کشاورزی با گرایش اقتصاد منابع طبیعی از دانشگاه برکلی کالیفرنیا در سال ۱۳۴۹.

مرتبه علمی:

کمک محقق دانشگاه برکلی کالیفرنیا از سال ۱۳۴۷ تا سال ۱۳۴۹، پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تعیین آب بهاء و تخصیص بهینه آب، بررسی اقتصادی واحدهای پرورش طیور در استان فارس، بررسی اثرات اقتصادی- اجتماعی مکانیزاسیون کشاورزی، بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت روستائیان، گذراندن فرصت‌های مطالعاتی در استرالیا، آمریکا، آلمان، استاد راهنمای ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اقتصاد کشاورزی، مدیریت واحدهای کشاورزی، اقتصاد مهندسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۵

زمینه علمی مقالات:

اقتصاد توسعه و مصرف آب، مکانیزاسیون کشاورزی، مهاجرت روستائی، مدیریت مزرعه.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

سلطانی، غلامعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر غلامعلی پیوست در سال ۱۳۲۵ در شهرستان لنگرود به دنیا آمد.وی دکتری باغبانی رشته سبزیکاری از دانشگاه یوستوس- لیبیگ گیسن و مؤسسه تحقیقات کشاورزی اشپایر آلمان در سالهای ۱۳۵۴-۱۳۵۴ LUFA, Speyer اخذ کرد (رساله تحت عنوان: تاثیر مقادیر مختلف کمپوست زباله و فاضلاب (هوازی و غیر هوازی) روی سبزیهای مختلف در رابطه با میزان هیدراتهای کربن چند حلقوی معطر در زمین و گیاه) ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار پایه ۲۸ دانشکده کشاورزی دانشگاه گیلان است. گروه : کشاورزیرشته : باغبانیگرایش : سبزیکاریوالدین و انساب : پدر غلامعلی پیوست ،غلامحسین پیوست و نام مادر محترمشان ملوک دباغزاده است.خاطرات کودکی : غلامعلی پیوست درباره دوران کودکی خود چنین یاد میکند": در سن ۵ سالگی به دبستان رفتم و تا سن هفده سالگی در شهرستان لنگرود زندگی کردم.داشتن دوستان و همشاگردان زیاد از بهترین خاطرات دوران کودکی من بود.طی دوران تحصیل به طبیعت سر سبز گیلان علاقه خاصی داشتم و همواره مطالعاتم را در دوران دبیرستان در پارکها و جنگلها انجام می دادم.بهمین علت انگیزه تحصیلات عالیه در رشته باغبانی در من را بوجود آورد که خواسته مرا برآورده میکرد".تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامعلی پیوست پس از اخذ دیپلم طبیعی از شهرستان لنگرود در دانشگاه یوستوس- لیبیگ (Justus-Liebig) گیسن آلمان به تحصیل کشاورزی پرداخت.وی از سال ۱۳۴۵-۱۳۵۰ مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد را گذراند و در سال ۱۳۵۴ موفق به دریافت دکتری خود از همان دانشگاه در رشته سبزیکاری گردید. عناون پایان نامه کارشناسی ارشد دکتر غلامعلی پیوست:انواع کودهای شیمیائی، نحوه کودپاشی و تاثیر آن برروی زمین و گیاه عنوان پایان نامه دکتری دکتر غلامعلی پیوست:تاثیر مقادیر مختلف کمپوست زباله و فاضلاب (هوازی و غیر هوازی) روی سبزیهای مختلف در رابطه با میزان هیدراتهای کربن چند حلقوی معطر در زمین و گیاه خاطرات و وقایع تحصیل : غلامعلی پیوست در دوران تحصیل همواره شاگرد متوسطی بود .وی با دیدن یک فیلم خارجی در شهرستان لنگرود که خاطرات یک دانشجوی خارجی را در یک آمریکا تشریح می کرد، او را مصمم کرد برای ادامه تحصیل به خارج از کشور عزیمت کندفعالیتهای ضمن تحصیل : غلامعلی پیوست در ضمن تحصیل در کشور آلمان همواره به کاردانشجویی مشغول بودند.استادان و مربیان : از اساتید غلامعلی پیوست می توان به پروفسور وها سیگل و دکتر هلمت راسپ اشاره کرد.همسر و فرزندان : غلامعلی پیوست در سال ۱۳۵۸ با سرکار خانم پروین رمضانی خرازی (مربی و فارغ التحصیل ازدانشگاه یومسیت منچستر انگلیس در رشته پتروشیمی - ۱۵ سال پیش با دکتر پیوست همکار دانشگاهی بودند) ازدواج کرد و ماحصل این ازدواج دو فرزند دختر می باشد. فرزند ارشد دکتر پیوست ایران پیوست دارای مدرک کارشناسی رشته گرافیک (ارتباط تصویری) و دختر دیگرش نگین پیوست هم اکنون در حال تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد گرایش برق (نانوتکنولوژی) است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فعالیتهای اجرائی غلامعلی پیوست: ۱- عضو هئیت داوران کتب رشته باغبانی مرکز نشر دانشگاهی. تهران از سال ۱۳۶۳-۱۳۶۱، ۲- عضو کمیته پژوهشی دانشکده علوم کشاورزی دانشگاه گیلان.از سال ۱۳۷۵، ۳- عضو هئیت رئیسه جلسات سخنرانی کنگره علوم باغبانی ایران.از سال ۱۳۷۵، ۴- عضو کمیته بررسی و ارزشیابی طرحهای تحقیقاتی سازمان تات استانهای گیلان، مازندران و گرگان.از سال ۱۳۷۷-۱۳۷۵، ۵- مدیر گروه باغبانی از سال ۱۳۷۵ -۱۳۷۱، ۶- سرپرست گلخانههای دانشکده علوم کشاورزی از سال ۱۳۸۱ تاکنون، ۷- عضو کمیته اجرایی سومین سمپوزیوم بین المللی Gian سال ۱۳۸۴ در دانشگاه گیلان، ۸- عضو کمیته بررسی و ارزشیابی مقالات اولین همایش تکنولوژی گلخانه ای در استان گیلان (۱۳۸۴)، ۹- عضو کمیته بررسی و ارزشیابی مقالات چهارمین کنگره علوم باغبانی ایران- مشهد (۱۳۸۴). ۱۰- عضو هئیت رئیسه جلسات سخنرانی چهارمین کنگره علوم باغبانی ایران. ۱۳۸۴، ۱۱- عضو هئیت داوران دفاع از رساله دکتری رشته علوم باغبانی تحت عنوان : واکنشهای فیزیولوژیکی گوجه فرنگی گلخانه ای پیوندی و غیر پیوندی به شیوه محلول رسانی در سیستم هیدروپونیک. پردیس کشاورزی و منابع طبیعی - دانشکده علوم باغبانی و گیاهپزشکی دانشگاه تهران (۱۳۸۴). ۱۲- مدیر گروه علوم باغبانی از تاریخ ۲۷/۶/۸۵ تاکنون. ۱۳- عضو کمیته بررسی و ارزشیابی مقالات پنجمین کنگره علوم باغبانی ایران- شیراز (۱۳۸۶). ۱۴- عضو ستاد باغبانی استان گیلان (۱۳۸۶). ۱۵- عضو ستاد گلخانه استان گیلان (۱۳۸۶). فعالیتهای آموزشی : تدریس در دوره های کارشناسی ،کارشناسی ارشد و دکتری در دانشکده کشاورزی دانشگاه گیلان. عنوان دروس ارائه شده توسط غلامعلی پیوست : دوره کارشناسی: سبزیکاری عمومی، سبزیکاری خصوصی دوره کارشناسی ارشد: روش های ویژه پرورش سبزی، سبزیکاری تکمیلی، مدیریت گلخانه، مباحث نوین در باغبانی، فیزیولوژی سبزیها. دوره دکتری: فیزیولوژی سبزیها، پرورش قارچهای خوراکی تکمیلی، کشتهای بدون خاک، سمینار، مسئله مخصوص، مباحث نوین در سبزیکاری. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : غلامعلی پیوست در کنار تدریس و تحقیق به پیاده وری و جمع آوری قارچهای خوراکی از جنگل می پردازد.شاگردان : غلامعلی پیوست در طول ۲۹ سال خدمت خود در دانشگاه گیلان بیش از ۵۰۰۰ دانشجو را تعلیم داده است.همفکران فرد : از همفکران غلامعلی پیوست در زمینه باغبانی می توان به دکتر عبدالله حاتم زاده ،دکتر رضا فتوحی قزوینی ،دکتر حمید اوغلی ،دکترحسن پور ،دکتر داود بخشی و دکتر محمود قاسم نژاد اشاره کرد.آرا و گرایشهای خاص : زمینه های مورد علاقه غلامعلی پیوست: سبزیکاری: سبزیکاری فضای آزاد، سبزیکاری در گلخانه و تونلهای پلاستیکی، سبزیکاری در کشتهای بدون خاک، پرورش قارچهای خوراکی و داروئی، کار برد کمپوست زباله در کشاورزی، زراعت مارچوبه و سایر سبزیهای لوکس، کشاورزی اورگانیک. چگونگی عرضه آثار : تعدا مقالات بزبان انگلیسی = ۱۲ مقاله تعدا مقاله های فارسی = ۵ مقاله تعدا خلاصه مقالات

بزبان فارسی = ۱۹ مقاله تعدادخلاصه مقالات خارجی =۶ مقاله پایان نامه های کارشناسی ارشد پایان یافته تحت راهنمایی و جاری= ۱۶ پایان نامه سمینارهای کارشناسی ارشد باغبانی تحت راهنمائی = ۱۰ سمینار شرکت در مجامع علمی = ۱۱ مورد سخنرانیها = ۱۱ مورد طرحهای تحقیقاتی پایان یافته دکتر پیوست: ۱- پیوست، غلامعلی. ۱۳۷۵. تعیین بهترین زمان آبیاری در زراعت بادام زمینی. سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران. ۲- رمضانی خرازی، پروین. و . غلامعلی پیوست. ۱۳۸۳. اندازه گیری ترکیبات فنلی و پساب حاصل از کارخانجات روغن گیری زیتون. دانشگاه گیلان و وزارت صنایع معادن. ۳- رمضانی خرازی، پروین و غلامعلی پیوست. ۱۳۸۵. استخراج و تعیین نوع ترکیبات فنلی در پساب حاصل از کارخانجات روغن کشی زیتون. وزارت صنایع معادن. ۴- پیوست، غلامعلی. ۱۳۸۵. بررسی کاشت کاهو، ترب و سیر بعد از برداشت برنج در شالیزار استان گیلان. شورای عالی تحقیقات کشور. طرحهای تحقیقاتی در دست اجرا دکتر پیوست: ۱- رمضانی خرازی، پروین. و غلامعلی. پیوست. ۱۳۸۴. اندازه گیری ترکیبات فنلی و تعیین خواص شیمیایی سه رقم زیتون منطقه شمال کشور. دانشگاه گیلان و وزارت صنایع معادن. ۲- نوری رودسری، ا. پیوست، غ.ع.، علی موسوی، ع.، رمضانی خرازی، پ. و الفتی، ج.ع. ۱۳۸۶. امکان سنجی کاهش مصرف کودهای شیمیایی در تولید خیار گلخانه ای به روش کشت بدون خاک آثار : ۱ اطلس پرورش قارچهای خوراکی ویژگی اثر : ، انتشارات دانش پذیر، چاپ اول (۱۳۸۴)، چاپ دوم (۱۳۸۴۲ پرورش قارچ خوراکی شامپینون ویژگی اثر : . انتشارات دانشگاه گیلان ، چاپ اول (۱۳۷۵)، چاپ دوم (۱۳۸۱)، چاپ سوم(۱۳۸۶).۳ سبزیکاری ویژگی اثر : انتشارات دانش پذیر، چاپ اول (۱۳۷۷)، چاپ دوم (۱۳۸۱)، چاپ سوم(۱۳۸۴)، چاپ چهارم (۱۳۸۵).۴ سبزیکاری زیر پوشش پلاستیک ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان ، چاپ اول (۱۳۶۹)، چاپ دوم (۱۳۷۵)، چاپ سوم (۱۳۸۱)، چاپ چهارم (۱۳۸۵).۵ کشتهای گلخانهای خاکی و بدون خاک ویژگی اثر : ، انتشارات دانش پذیر، چاپ اول (۱۳۸۴). چاپ دوم (۱۳۸۵)، چاپ سوم(۱۳۸۶).

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

سلطانی، محمود

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن وزیری، خشتی، جلد میشن منکنه مذهب. دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مذهب عالی ثلث کتابت خفی ممتاز و رقاع عالی با رقم: «نقل من کتابهٔ سید الاصحاب و سندالکتاب استادی الکل فی الکل مولانا جمال الملهٔ والدین یاقوت المستعصمی علیه‌الرحمهٔ والغفران علی یدالعبد الفقیر اللّٰه الغنی محمود السلطانی...» فی اواخر جمادی‌الاول سنهٔ ست و اربعین و ثمانمائه بدارالسلطنه هراهٔ» (با بهترین خطوط یاقوت برابری می‌کند). کتابخانه‌ی سلطنتی.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

سلطانی، مسعود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۵ ق)، فقیه و عالم دینی. در قریه‌ی یالقوز آقاج از توابع میانه به دنیا آمد. پس از طی مقدمات به تبریز رفت و در مدرسه‌ی طالبیه به تحصیل پرداخت، پس از چهار سال و خواندن سطوح در ۱۳۵۳ ق به قم مهاجرت نمود و به خواند فقه و اصول و فلسفه پرداخت. در سال ۱۳۶۰ ق به نجف رفت و از محضر اساتیدی چون آیت‌اللّٰه آقا شیخ محمدعلی کاظمی و آیت‌اللّٰه خویی استفاده‌ها برد. در ۱۳۶۵ ق به قم بازگشت و در درس آیت‌اللّٰه حجت کوه‌کمری شرکت جست و پس از فوت استاد به تدریس خارج پرداخت. وی از آیت‌اللّٰه حاج سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللّٰه حاج شیخ عباسعلی شاهرودی اجازه‌ی اجتهاد داشت. از آثارش: «کتاب الاصول»؛ «منهج العارفین»، در فتسیر، در چهار جلد؛ «کتاب الصلوه»؛ «ارث الروج و الزوجه»؛ «فقه الحج»، در دو جلد؛ «مستمسک الوسیله» تا زکوه؛ «ذخیره العباد»، که رساله‌ی علمیه وی می‌باشد؛ «منهج السالکین»؛ «واقفی البیان»، در آیات احکام.[۱]

آقای حاج شیخ مسعود بن حیدر بن احمد بن سلطان علی بن ولی یکی از علماء اعلام و مدرسین فخام حوزه علمیه قم است، در دوم ماه ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ قمری در قریه یالقوز آقاج دوران کودکی و طی مقدمات در سال ۱۳۴۹ قمری به تبریز رفته و در مدرسه طالبیه به تحصیل پرداخته و پس از چهار سال و خواندن سطوح در سال ۱۳۵۳ قمری مهاجرت به قم گردیده و در سال ۱۳۶۰ قمری مسافرت به نجف نموده و از محضر مرحوم آیت‌الله آقا شیخ محمدعلی کاظمی و آیت‌الله العظمی خوئی استفاده کرده و در تاریخ ۱۳۶۵ قمری مراجعت به قم نموده و به درس حضرت آیت‌الله العظمی آقای حجت کوهکمری قدس‌الله سره شرکت نموده و پس از فوت آن مرحوم از سال ۱۳۷۸ قمری شروع به تدریس خارج نموده و تاکنون اشتغال دارند و عده‌ای از محصلین از درسشان استفاده می‌کنند.

معظم‌له دارای اجازات اجتهاد از مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌الله حاح شیخ عباسعلی شاهرودی می‌باشند.

تالیفات مطبوع و محفوظ ایشان از این قرار است:

۱- کتاب الاصول ۲- منهج العارفین در تفسیر ۴ جلد ۳- کتاب الصلوه ۴- ارث الزوج و الزوجه ۵- فقه الحج در دو جلد مطبوع ۶- مستمسک الوسیله تا زکوهٔ ۷- ذخیره العباد رساله عملیه ۸- منهج السالک ۹- واقفی البیان در آیات احکام.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۷۷ -۱۷۶ /۲).

سلطانی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی سلطانی

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

اینجانب دوران ابتدایی را در زادگاهم روستای آهنگر کلا هوازپی دشت که از توابع مهم شهرستان آمل است گذراندم . برای ادامه تحصیل تا دیپلم به شهرستان آمل رجوع کردم . در سال تحصیلی۶۲ ـ ۶۱ موفق به اخذ دیپلم شدم . پس از آن راهی حوزه علمیّه قم گردیده ام . دوره مقدّماتی را در مدرسه سعادت طی کردم . پس از آن همچون دیگر طلاب به فراگیری علوم حوزوی در حوزه ادامه دادم و در سال ۱۳۷۸ دروس سطح را به اتمام رساندم . همپای دروس حوزوی ، آموزش و فراگیری علوم عقلی را آغاز کردم . بحث عقلی را به صورت خصوصی نزد علمای فن تلمذ نموده ام . این را با کتاب بدایه الحکمه آغاز و با اسفار به پایان رساندم . از سال ۱۳۷۱ در درس خارج فقه و اصول شرکت کردم . در سال ۱۳۷۵ به صورت تخصصی به فراگیری علوم فوق با گرایش۳ تشیع پرداختم . این زمان همپای تحصیل مشغول تدریس و پژوهش در این بخش از علوم شدم. از سال ۱۳۸۰ تا کنون به صورت خاص مشغول تحقیق پیرامون فرقه زیدیه هستم .

سلطانیه، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی شیمی، دانشکده: مهندسی شیمی، دانشگاه: صنعتی شریف

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی شیمی از دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۴۹، کارشناسی ارشد مهندسی شیمی از دانشگاه ایالتی نیویورک در سال ۱۳۵۴، دکترای مهندسی شیمی از دانشگاه ایالتی نیویورک در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۵۸ و ارتقاء به درجه دانشیاری در سال ۱۳۶۴.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس کارشناسی ارشد و دکترا در زمینه‌های طرح راکتورهای شیمیایی، مدلسازی و شبیه‌سازی فرآیندها، افزایش مقیاس فرآیندها و پدیده‌های انتقال، تدریس دروس کارشناسی در زمینه‌های ترمودینامیک I و II، کاربرد ریاضیات در مهندسی شیمی، عملیات واحد II، طرح در زمینه‌های فرآیندهای جداسازی غشائی (اسمز معکوس و اولترا فیلتراسیون)، توسعه کاتالیستهای سه منظوره برای کاهش آلودگی هوا و شبیه‌سازی فرآیندها، استاد راهنمای ۱۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و یک پایان‌نامه دکترا.

ابداع:

ساخت غشاءهای اسمز معکوس و ساخت کاتالیستهای کنترل آلودگی هوا ناشی از اگزوز اتومبیلها در ایران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

ترمودینامیک مهندسی شیمی، پدیده‌های انتقال، عملیات واحد، مهندسی سیالیت، فرآیندهای جداسازی غشائی و تئوری پراکندگی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

فرآیندهای جداسازی غشائی، اسمز معکوس، پراکندگی در جریان آرام و درهم، شبیه‌سازی فرآیندها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

سلطانیه‌ای، علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، خطاط، ادیب و فقیه. وی از علوم متداول مانند فقه و حدیث و لغت و تجوید و قرائت و ادب بهره‌مند و خطشناسی ماهر بود و همگی خطوط را خوش می‌نوشت. در کتابت و انشاء رتبه‌ی اعلی داشت و بعضی از کتابهای حدیث فقه و ادعیه را به خط خود نشوت و تصحیح و تحشیه کرده است. میرزاعلی بسیاری از فرمانهای دیوانی و قباله‌ها را به خود نوشته و امر قضای سلطانیه به او محول بوده است. به گفته‌ی صاحب «احوال و آثار خوشنویسان» صاحب عنوان در تاریخ تألیف «گلستان هنر» (ح ۱۰۵۲ ق) زنده بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۶۹ -۴۶۸ / ۲).

سلغر شاه سلغری

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، شاعر، ادیب و دانشمند. برادر اتابک ابوبکر پادشاه فارس بود او را فریباش خان می‌خواندند و در حسن صورت و سیرت و کمال و جمال نظیر نداشت. چون می‌دانست که دخالت در امور ملکی مایه تزلزل خاطر برادر می‌شود. در بیرون شهر شیراز سرابستانی بنیاد کرد و آن را صبوح‌آباد نام نهاد و از دخالت در امور برادر خودداری کرد. وی عاقبت توسط برادر خود کشته شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۶۳)، الذریعه (۴۵۶/۹)، لغت نامه (ذیل/ سلطان سلغرشاه)، مجمع الفصحا (۵۷/۱).

سلفی اصفهانی، صدرالدین، ابوطاهر احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۷۶ -۴۷۸ ق)، حافظ، محدث، فقیه، نحوی و لغوی شافعی. شهرت وی به سلفی به خاطر نام نیای بزرگش سلفه- معرب سه لبه- می‌باشد. در اصفهان به دنیا آمد. در طلب حدیث به شهرهای بسیاری سفر کرد و اکثر مشایخ حدیث را ملاقات کرد. لغت را از خطیب تبریزی فراگرفت و چون به بغداد رفت فقه را نز الکیا هراسی آموخت. وی از ابومطیع صحاف و ابوطالب احمد کندلانی و احمد بن محمد بن ابی‌بکر بن مردویه و احمد بن محمد بن بشرویه و احمد بن محمد بن قولویه حدیث روایت کرده است. او همچنین از زنان بسیاری در اصفهان حدیث شنید. از وی حافظ محمد مقدسی و محدث سعدالخیر و ابوالعز محمد ملقابادی و علی بن ابراهیم سرقسطی و طیب مروزی و ابوسعد سمعانی و قاضی عیاض و عمر میانشی و حماد حرانی و محمد بن عبدالغفار همدانی و جعفر بن علی همدانی و محمد بن ابراهیم فارسی و حسان مهدوی و بسیاری دیگر حدیث روایت کردند. ابوالحسن علی بن سلار وزیر ملوک فاطمیه در مصر مدرسه‌ای در اسکندریه برای او تاسیس کرد و وی را عهده‌دار تدریس در آن مدرسه نمود. علماء از دور و نزدیک به محضرش شتافتند و از وی بهره بردند. او در سرحد اسکندریه درگذشت. از آثارش: «الاربعین البلدانیه»، در حدیث؛ «السداسیات»، در حدیث؛ «المشیخه البغدادیه» یا «معجم شیوخ بغداد»؛ «معجم مشیخه اصفهان»؛ «السلفیات من اجزاء الاحادیث» یا «اجزاء السلفیات»، انتخابهایی از «اصول» ابن شرف انماطی و «اصول» ابن الطیوری؛ «السلماسیات» یا «مجالس پنج گانه» از املاهای ابوطاهر سلی؛ «شرط القراءه علی الشیوخ»؛ «معجم السفر»؛ «الفضائل الباهره فی محاسن مصر و القاهره».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۹/۱)، ایضاح المکنون (۵۰۸/۲)، تذکره القبور (۱۲۵ -۱۲۴)، روضات الجنات (۲۷۶/۱)، ریحانه (۶۵ - ۶۴ /۳)، سیر النبلاء (۳۹ -۵ /۲۱)، الکامل (۱۵۲/۹)، کشف الظنون (۱۶۹۶، ۱۰۴۴، ۹۹۷، ۹۹۶، ۹۸۲، ۵۸۷، ۵۴)، الکنی و الالقاب (۳۲۱ -۳۲۰ /۲)، لسان المیزان (۴۵۱ -۴۵۰ /۱)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (۷۶ -۷۵ /۲)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۷۲ -۶۸ /۱۹)، الوافی بالوفیات (۳۵۶ -۳۵۱ /۷)، وفیات الاعیان (۱۰۷ -۱۰۵ /۱)، هدیه العارفین (۸۷/۱).

سلم آبادی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا سلم آبادی

محل تولد : اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۶/۷

زندگینامه علمی

در شهریور ماه سال ۱۳۴۹ در روستای سلم آباد فراهان در استان مرکزی متولد شدم دوره ابتدایی و راهنمایی را در همان جا با رتبه ممتاز طی نمودم همزمان با تحصیل در دبستان قرآن را نزد پدر بزرگم مرحوم محمد ابراهیم سلم آبادی فراگرفتم .

سپس برای ادامه تحصیل راهی قم شدم و در دبیرستان حضرت امام صادق (ع) مشغول به تحصیل دوره متوسطه شدم. با اصرار و تشویق پدرم در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه اراک شدم یکسال و اندی در مدرسه امام المهدی (عج) مشغول تحصیل بودم در سال دوم مدتی بنا به تکلیف توفیق حضور در جبهه را یافتم، بعد از بازگشت از جبهه جهت ادامه تحصیل به تهران و مدرسه علمیه امیرالمؤمنین (ع) رفتم، در طی یکسال و نیم پایه دوم و سوم را با موفقیت طی نمودم در همین زمان دروس پایه اول را تدریس می نمودم در ادامه تحصیل به همراه برخی دوستان به مدرسه علمیه مروی نقل مکان نمودیم و مدت یکسال و اندی در آن مدرسه مشغول تحصیل بودم و سپس در سال ۱۳۶۹ به حوزه علمیه قم عزیمت نمودم در سال ۱۳۷۳ پس از اتمام دروس سطح مدرک اتمام کفایتین را با موضوع پایان نامه بطلان عقد الصبی دریافت نمودم و از همان سال بصورت مداوم و مستمر تاکنون در درس های خارج فقه و اصول حوزه علمیه حضور یافته ام.

سلماسی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم بن اسماعیل بن شیخ زین‌العابدین سلماسی کاظمی از بیت علم و تقوا و جلالت بوده است.

وی عالمی بزرگ و فقیهی جلیل بود و در ۱۲۷۴ ق متولد و در مهد والد علامه‌اش پرورش یافت و از محضر علامه بزرگ میرزاء شیرازی در سامره استفاده نمود و هم به بحث میرزا اسماعیل پسرعموی میرزاء مجدد شرکت کرده و در کاظمین به وظائف روحی و دینی اشتغال داشت تا در محرم ۱۳۴۲ ق وفات نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سلماسی، ابوالفتح مسعود

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۲۹ ق)، فقیه، ادیب و شاعر. اصل وی از سلماس از شهرهای آذربایجان است. از آثارش: شرح «المقامات»؛ شرح «الجمل»، در نحو؛ وی خطبه‌ها و نظمی زیبا داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۱۰/۸).

سلماسی، ابوعلی حسین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، نویسنده و خطاط. او از دانشمندان و خوشنویسان ساکن اصفهان بوده است. از آثار او: مجموعه‌ای به خط خوش که به سال ۶۲۴ و ۶۲۵ ق ترتیب داده و شامل «رساله الشرفیه فی تقاسیم العلوم الیقینیه» است؛ «قابوسنامه» یا پندنامه‌ی عنصرالمعالی کیکاووس؛ «ترجمه‌ی تقویم الصحه» تالیف ابن بطلان بغدادی؛ «ترجمه‌ی رساله الذهبیه» که امام علی بن موسی الرضا (ع) به مامون نوشته است؛ «ترجمه‌ی الرساله السیاسیه» در وصایای بقراط حکیم و حکمای یونانی؛ مختصری در منتخبات امثال و اشعار تازی؛ که تمام این آثار را برای شرف‌الدین ابوالحسن علی بن اسماعیل اصفهانی تالیف و ترجمه کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۳۸).

سلماسی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل بن علامه شیخ زین‌العابدین سلماسی عالمی جلیل بود در کاظمین (ع) محدث نوری او را در کتاب (جنهٔ‌المأوی) ذکر کرده و گفته او اوثق اهل‌العلم والفضل و ائمه جماعت بود در مشهد حضرت کاظم (ع) و در شب یکشنبه سوم رجب ۱۳۱۸ ق وفات

نموده و در رواق مطهر در کنار قبر والدش مدفون گردید.

و در ماه تاریخ فوتش شیخ محمدسعید کاظمی گفت.

قضی الجو اسماعیل فانفجعت به

محاربه تبکی اسا و مساجده

و اقسم بالبیت الحرام مورخا

(لفی الحبر اسماعیل ثکلی قواعده)

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سلماسی، باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

باقر بن العالم الجلیل شیخ زین‌العابدین سلماسی عالمی جلیل و متقی از شاگردان علامه شیخ عبدالحسین شیخ‌العراقین تهرانی و فقیه کامل شیخ محمدحسن آل یس کاظمی و مباشر بسیاری از تعمیرات حرم عسکریین و کاظمین بوده و در هفتم ربیع‌الثانی ۱۳۰۱ ق وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سلماسی، زین‌العابدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زین‌العابدین بن العلامه میرزا محمد سلماسی از خواص اصحاب آیت‌اللّه العظمی سید مهدی بحرالعلوم رحمه‌اللّه و وکیل علامه قزوینی سید ابراهیم صاحب (ضوابط) در عمارهٔ سور سامرا و دارای کرامات و مکاشفات بسیاریست که علامه‌ی نوری کمی از آن را در کتاب (دارالسلام) خود نقل نموده و ما قسمتی از آن را در اینجا می‌آوریم.

آن بزرگوار در شب یازدهم ذی‌الحجه ۱۲۶۶ ق در کاظمین (ع) وفات نموده و در صفه مقابل شیخ مفید علیه‌الرحمه مدفون گردیده است.

محدث نوری در ص ۲۶۵ کتاب دارالسلام گوید که مرحوم شیخ زین‌العابدین سلماسی هیچ وقت در نزدش ذکر آغا محمدخان قاجار نمی‌شد مگر اینکه او را لعن کرده و بد می‌گفت برای آن اعمال شنیعه از کشتار و غارتها و اسارتهای او پس شبی در عالم خواب دید که از طرف در طوسی وارد صحن شریف علوی می‌شود و خواست که کفش خود را کنده و داخل ایوان مقدس گردد ناگاه مردی را دید که بی‌مو و دندان‌های درازی داشت و او را مانع شد از وارد شدن و دست او را گرفت و آورد در مقابل بعضی از حجرات نزدیک باب خضراء و دید در حجره جماعتی در لباس و فرم سلاطین هستند و در آخر مجلس مردی کوتاه‌قد با ریش گرد فراوان نشسته است.

پس به وی گفت ای شیخ زین العابدین خداوند آمرزید کسی که از من کشنده‌تر و بدتر بود و اشاره به آن شخص کوتاه نمود و گفت این نادرشاه است.

پس برای چه مرا لعن می‌کنی و فحش می‌دهی.

پس نادرشاه سر خود را از حجره بیرون کرده و گفت آغا محمد خان تا کی دست از شوخی خود برنمی‌داری واگذار شیخ را برود عقب کارش او شقاوت و درندگی ما را دیده و اعمال شنیعه ما را شنیده ولی رحمت واسعه خدا و وسعت میدان عطوفت و مهر امیرالمؤمنین (ع) را ندیده.

پس شیخ از خواب بیدار شده و بعد از این نمی‌گذاشت از در مقبره آغا محمد مگر اینکه فاتحه خوانده و طلب رحمت برای او می‌کرد.

تشرف سلماسی بلقاء الحجه (ع)

محدث نوری در کتاب دارالسلام ص ۲۶۴ گوید:

برای من حکایت کرد آقا محمد مجاور مشهد عسکریین از مادرش و او از صالحات عابدات بود گفت من در سرداب شریف بودم با خانواده مرحوم شیخ زین‌العابدین در روز جمعه و او دعاء ندبه می‌خواند و ما با او می‌خواندیم و او گریه می‌کرد گریه شخص محزون و ناله می‌کرد ناله شخص مبتلا و بیچاره و ما با گریه او گریه می‌کردیم و کس دیگری با ما نبود که ناگاه بوی خوشی در سرداب منتشر شد و فضا را پر نمود و ما دعاء خود را به پایان رسانیدیم و چون به خانه برگشتیم از مرحوم سلماسی از آن عطر و بوی خوش پرسیدیم.

فرمود تو را به این سؤال چه و جواب مرا نداد و کتمان نمود.

نگارنده گوید هیچ بعید نیست که مرحوم شیخ زین‌العابدین سلماسی هم مانند استادش علامه بحرالعلوم به این فیض رسیده باشد چون ناقل تشرفهای مرحوم بحرالعلوم خود آن بزرگوار می‌باشد و مرحوم سلماسی با آن زهد و تقوا و علم و عمل از مرحوم شیخ زاهد عابد صالح حاج شیخ محمد شوشتری کوفی معاصر ما کمتر نبوده که آن همه موفقیت و تشرف برایش حاصل شد که بعضی

از آن را نقل نمودم در مقدمه جلد چهارم و در جلد اول در ضمن ترجمه آیت‌اللّه اصفهانی.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سلماسی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد سلماسی اول شخصی است که از این بیت از آذربایجان منتقل به عراق شد چنانکه علامه خبیر حاج سید محسن عاملی در اعیان‌الشیعه در ترجمه ابراهیم بن اسماعیل بن شیخ زین‌العابدین بن مولی میرزا محمد سلماسی ذکر کرده و علامه تهرانی صاحب (الذریعه) در کتاب (کرام البرره) او را یاد و از آثار خالده او عمارت قبه عسکریین و رواق و قبه سرداب مطهر و صحن آن و غیر آن را به هزینه احمد خان دنبلی و فرزندش حسینقلی خان و از شاگردان وحید بهبهانی و دارای نوادر و کراماتی بوده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سلماسی، محمدجواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد بن شیخ زین‌العابدین بن میرزا محمد سلماسی عالمی فاضل و در اول ماه صفر ۱۳۰۷ در کاظمین وفات نمود.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سلمان ساوجی، جمال‌الدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۷۸/۷۷۷ -۷۰۹ ق)، شاعر، متخلص به سلمان. در ساوه متولد شد. ظهورش در شعر و اشتهارش در این فن، پس از کسب مقدمات علوم و آموختن آداب دیوانی و علم سیاق در اواخر عهد ایلخانان و به هنگام وزارت غیاث‌الدین محمد بوده است. وی شاعری را با امارت شیخ حسن جلایر ایلکانی آغاز نکرد. بلکه از سال ۷۳۰ ق که شیخ حسن ایلکانی به استقلال سلطنت یافت. سلمان خدمت او را اختیار کرد و به مدح او پرداخت. همچنین دلشاد خاتون همسر شیخ حسن را نیز مدح کرد. بعدها به بغداد رفت. و در آن جا سکونت اختیار کرد. وی دوران واقعی شهرت و رواج کار خود را در همین شهر گذراند. وی در شاعری از خواجه سلمان تعلیم گرفت. از میان شاعران قرن هشتم کسی را مانند سلمان در احراز حرفه‌ی شارعی نمی‌یابیم. سلمان در قالبهای قصیده و غزل و قطعه و ترجیع‌بند و ترکیب‌بند و رباعی و مثنوی هنرنمایی کرده و در همه‌ی این انواع، استاد مسلم بوده است. اما در قصیده تواناتر بود. تا آنجا که می‌توان او را خاتم قصیده‌سرایان بزرگ پارسی‌زبان به ویژه قصیده‌گویان مداح دانست. از جمله وجوه اشتهار سلمان، سرودن قصیده‌ای مصنوع است به نام «بدایع الابحار/ الاسحار» در اوان جوانی در مدح غیاث‌الدین محمد وزیر. سلمان در غزل از جمله شاعران موفق است غزلهای سلمان در بسیاری از موارد، صورت استقبال از غزلهای سعدی، و در موارد متعدد دیگر، چاشنی عرفانی و گاه لحن قلندرانه دارد. از آثار وی: «جشمید و خورشید»؛ «فراقنامه»؛ «دیوان».[۱]

(خواجه) ساوجی، جمال‌الدین بن (خواجه) علاءالدین محمد شاعر معروف (و. ساوه. دهه اول قر. ۸ ه.- ف. ۷۷۸ ه.ق./ ۱۳۶۷ م.). وی از جوانی مداح خواجه غیاث‌الدین محمد وزیر بود و در تمام مدت وزارتش او را مدح گفته و پس از برهم خوردن اساس سلطنت ایلخانان واقعی و مرگ ابوسعید به خدمت امرای جلایر پیوست و مداح امیر شیخ حسن بزرگ و زوجه او دلشاد خاتون گردید و در بغداد پایتخت ایلکانیان اقامت گزید. سلمان از حدود ۷۴۰ ه.ق. تا اواخر عمر خود، امرای ایلکانی یعنی شیخ حسن بزرگ و پسرش سلطان اویس و پسر او سلطان حسین را مدح می‌گفته و در زمان اویس اغلب ایام را در تبریز میگذرانیده است و در سال ۷۷، که شاه شجاع بر تبریز مستولی شد، وی در آنجا بود و شاه را مدح گفت و بدین مناسبت دیوان قصاید سلمان برای معرفت تاریخ واوضاع و احوال راجع به قسمت عمده دوره امارت ایکانیان، دارای اشارات و نکات و دقایق تاریخی بسیار است. خواجه در اواخر عمر منزوی شد. و به ساوه مسقط الرأس خود آمد و در ملکی که داشت مقیم گشت و در همانجا درگذشت. سلمان آخرین شاعر قصیده‌سرای بزرگ پس از حمله مغول است، و اگرچه قابل مقایسه با قدمای اساتید قصیده‌سرا نیست، ولی باز در مقام خود دارای اهمیتی بسزاست. وی در قصیده سبک کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی و ظهیر فاریابی و انوری را تبع کرده غزلیات او نیز لطیف است و به واسطه شباهت بسیار به غزلیات حافظ قسمتی از آنها به غلط در دیوان حافظ گنجانیده شده. سلمان علاوه بر دیوان قصاید و غزلیات ومقطعات، دارای دو مثنوی است که هیچکدام شهرت نیافته‌اند: یکی «جمشید و خورشید» بر وزن خسرو شیرین نظامی که به سال ۷۶۳ در عهد سلطان اویس به انجام رسیده و دیگر «فراقنامه» به وزن متقارب که سلمان در حدود سال ۷۷۰ به امر اویس به رشته نظم کشیده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۱۱۳۵ -۱۱۲۳ /۳)، ارمغان (س ۶، ص ۲۲۶ -۲۲۵)، از سعدی تا جامی (۳۵۸ -۳۴۴)، بهارستان

جامی (۱۱۶ -۱۱۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۲۲ -۱۰۰۴ /۳)، تذکره الشعراء (۲۹۶ -۲۸۶)، حبیب السیر (۲۳۹/۳)، دایرهٔالمعارف فارسی (۱۳۲۷/۱)، دیوان سلمان ساوجی (مقدمه یک- سی و دو)، الذریعه (۴۱۹ -۴۱۸ /۲)، شعر العجم (۱۶۴ -۱۵۰ /۲)، شعر فارسی از آغاز تا امروز (۱۵۸ -۱۵۳)، طرائق الحقائق (۶۵۴ -۶۵۳ /۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۷۴)، فرهنگ سخنوران (۴۶۵ -۴۶۴)، گنج سخن (۲۹۷ -۲۸۹ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵۶ -۳۵۴ /۳)، مجالس المومنین (۶۵۹ -۶۵۳ /۲)، مجمع الفصحا (۳۷ -۳۵ /۲)، مجمل فصیحی (ذیل/ سالهای ۷۷۷، ۷۴۴)، مرآت الخیال (۵۴ -۵۳)، نتایج الافکار (۳۲۷ -۳۲۳)، هفت اقلیم (۵۲۵ -۵۲۲ /۲).

سلمان همدانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط. از کاتبان است. از آثار وی: یک نسخه «دیوان» سلمان ساوجی، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «در تاریخ سلخ ربیع اول سمت تحریر یافت، کتبه العبد المذنب سید سلمان ابن میرمحمد همدانی، ساکن شیراز».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۸۲/۱).

سلمان‌زاده، سیروس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

سلمانی امیری، جواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد سلمانی امیری

محل تولد : امیرکل بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ورود به حوزه ۱۳۶۵ در حوزه علمیه امام خمینی(ره)/شهر قم اینجانب(جواد سلیمانی)فرزند (علی)به سال(۱۳۴۷ ش) در شهر امیر کلا-از توابع استان مازندران به دنیا آمده ام.دوران ابتدایی تا اوّل دبیرستان را در زادگاه خود تحصیل نموده و بقیه دوران دبیرستان را تا اخذ دیپلم در رشته ریاضی در بابل گذرانده ام.خانواده ام مذهبی بوده و مواضع سیاسی روشنی در دفاع از انقلاب اسلامی داشت. شاید این امر موجب فعالیت اینجانب در تشکل های سیاسی- مذهبی مانند انجمنهای اسلامی و حزب جمهوری گردید.

در خلال دوره دبیرستان و جنگ تحمیلی اندک اندک انگیزه تحصیل علوم دینی زنده شد. از این رو بعد از دیپلم در سال (۱۳۶۵ ش) وارد حوزه علمیه قم شدم و درسهای مقدّماتی و سطح را در مدارس تحت برنامه و حلقه های درس آزاد برخی فضلا گذراندم.آنگاه پس از اتمام کفایتین و پشت سر نهادن امتحان های شورای مدیریت حوزه در درس خارج شرکت نموده از محضر آیات عظام جعفر سبحانی،ناصر مکارم شیرازی،جوادی آملی،خاتم یزدی،شیخ جواد تبریزی و سید محمّد رضا مدرسی (دامت برکاتهم) در فقه و اصول بهره برده ام.

در سال (۱۳۶۹ ش) دوره کارشناسی معارف اسلامی و الهیات و سپس در سال (۱۳۷۳ ش) دوره تخصصی کارشناسی ارشد تاریخ را آغاز کردم و بعد از ده سال (۱۳۷۹ ش) در مؤسسه آموزشی-پژوهشی امام خمینی(قدس سره) زیر نظر حضرت آیه الله مصباح یزدی(دامت برکاته) به پایان رسانده ام.پس از اتمام دوره کارشناسی ارشد تاریخ تاکنون در محورهای زیر مشغول فعّالیت می باشم.

۱. تحقیق در مباحث تاریخ صدر اسلام و معاصر(عص مشروطه)و نشر آن در قالب کتاب و مقاله.۲. تدریس در مقولات فوق.۳. اجرای طرح دانشنامه مشروطیت.۴. اشتغال به سطح(۴)حوزه.

ذکر نام اساتید اصلی در حوزه

۱. جوادی آملی/خارج فقه

۲. جعفر سبحانی/خارج اصول

۳. مکارم شیرازی/خارج فقه

۴. خاتم یزدی/خارج فقه
۵. جواد تبریزی/خارج فقه
۶. محمّد رضا مدرسی/خارج اصول
۷. محمّد رضا مدرسی/خارج فقه

سلمانی آرانی، حبیب الله

قرن:۱۵
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حبیب الله سلمانی آرانی
محل تولد : آران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۴/۱
زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه گذراندم . در سال ۱۳۴۸ شمسی به قم آمدم ؛ دوره دوم متوسطه را متفرقه خواندم و دیپلم ادبی گرفتم . دو سال در مدرسه جهانگیر خان سپس دو سال در مدرسه حقانی و پس از آن تا شروع انقلاب در مدرسه دارالشفاء و فیضیه سکونت و اشتغال به تحصیل داشتم و سطح را به پایان بردم . همزمان با نهضت در آران و سایر شهرهای ایران فعالیت در حد تبلیغ ، حضور و شرکت فعال در تظاهرات ، پخش اعلامیه و نوار امام(ره) تا پیروزی انقلاب اسلامی داشته ام .
سپس در قم سکونت گزیده و به درس خارج فقه و اصول آیات عظام نوری همدانی ، ناصر مکارم ، منتظری و برخی دوره های تخصصی زبان و مکالمه عربی ، تربیت مربی دفتر تبلیغات ، تمرین نویسندگی و غیره اشتغال ورزیدم . یک سال در جبهه به کارهای فرهنگی مشغول بودم ؛ سالها با ستاد منطقه ۲ و ۶ سازمان تبلیغات در قسمت های اعزام مبلغ ، روابط عمومی فعالیت داشتم ؛ از سال ۷۲ با پژوهشکده باقر العلوم (ع) همکاری را آغاز و تا کنون ادامه دارد.

سلمانی کیاسری، محمد

قرن:۱۵
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد سلمانی کیاسری
محل تولد : کیاسر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱
زندگینامه علمی

بعد از سیکل وارد حوزه شدم. در تهران حوزه حاج ابوالفتح و مروی تحصیل نمودم تا پایان سطح در تهران و خارج نیز تهران مشغول شدم. سپس به قم آمدم سال ۱۳۷۵ وارد قم شدم و در درس خارج حضرات آقایان فاضل و مکارم شرکت کردم. بیشتر تحقیقات در زمینه نهج البلاغه خصوصاً مسایل سیاسی و حکومتی و کتابم نیز در این زمینه چاپ شده. حکومت و رهبری در نهج البلاغه سال ۸۴ – مجموعاً ۴ اثر چاپ شده – ده ها مقاله در روزنامه و نشریات و کنگره ها ارایه شده. جوایزی نظیر سکه و لوح دریافت داشتم. ودر زمینه حکومت و مسائل سیاسی آشنایی در حد تخصص دارم. پاسخگوی سئوالات و محافل علمی خواهم بود. ۸ سال مسئول بررسی جراید مدیریت حوزه علمیه قم می باشم. در حال حاضر یک کتاب در حال تحقیق دارم. توجه به تحقیق بسیار ضعیف است. اگر حمایتی صورت گیرد رشد خواهد کرد.

سلونی اردستانی

قرن:۱۰
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، شاعر. اهل اردستان و از شعرای شیرین زبان عصر خود بود و در علم و عمل و عبادت و ریاضت نیز نظیر نداشت. از اشعار اوست:

سواره ماه مرا چالشی دگر باشد

شود بلند چو خورشید گرم‌تر باشد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :صبح گلشن (۲۰۸ -۲۰۷)، فرهنگ سخنوران (۴۶۵)، مخزن الغرائب (۶۶۶/۲).

سلیم تهرانی، محمد قلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۵۷ ق)، شاعر، متخلص به سلیم. وی در طرشت تهران متولد شد و نخستین ایام شاعری وی در لاهیجان سپری شد و در آن جا با ملا واصب قندهاری و ملا حسینا متخلص به صبوحی معاشر بود. پس از مدتی در اصفهان به سر برد و سرانجام در شیراز به خدمت امام قلی خان والی فارس رسید. پس از چندی به هندوستان رفت و از ملازمان میرعبدالسلام مشهدی- اسلام خان- شد و بعد از چند سال ملازمت و ستایش بزرگان آن سامان در کشمیر انزوا اختیار کرد و در همان جا درگذشت و در مزارالشعراء کشمیر دفن شد. از آثار وی: «دیوان» اشعار که مشتمل بر حدود دو هزار بیت است و مثنوی‌های «قضا و قدر» و «وصف کشمیر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۴/۱)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۶۷/۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۶۷ -۱۱۵۸ /۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۳۰ -۲۲۷)، الذریعه (۱۰۰۳ -۱۰۰۲، ۴۶۵ -۴۶۴ /۹)، ری باستان (۳۸۷/۱)، سرآمدان فرهنگ (۴۸۱/۱)، سرو آزاد (۷۷ -۶۳)، فرهنگ سخنوران (۴۶۶ -۴۶۵)، کاروان هند (۵۸۲ -۵۶۶ /۱)، کلمات الشعراء (۷۶)، منظومه‌های فارسی (۳۱۲ -۳۰۸)، نتایج الافکار (۳۳۴ -۳۳۲)، هدیه العارفین (۲۸۴/۲).

سلیم زاده، خیرالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خیرالله سلیم زاده

محل تولد : تویسرکان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۵/۱/۱

سلیم نیشابوری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۰ ق)، خطاط و شاعر. اصلا حبشی و پدرش از غلامان میر جمال‌الدین صدر استرآبادی بود سلیم را در قطعه‌نویسی و کتابت و رنگه‌نویسی ستوده‌اند و استاد دانسته و در کتابت قرین سلطان محمد نور گرفته‌اند. او در کتابت خفی شیوه‌ی استاد خود، شاه محمود نیشابوری، را پیروی کرده است. برخی وی را نقاش و مذهب پنداشته و گویا از لفظ رنگه به اشتباه افتاده‌اند، در حالی که این اصطلاح مخصوص خطاطان است. سلیم همیشه در مشهد زندگی می‌کرد و همان جان نیز درگذشت. از آثار او: یک نسخه «خمسه‌ی» نظامی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «تمت الکتاب... سنه‌ی احدی و ستین و تسعمائه، و انا العبد المذنب الرجی سلیم...»؛ یک سنخه «چهل حدیث» و ترجمه‌ی فارسی آن، به قلم نیم دو دانگ و کتابت خفی رنگه،با رقم: «وفق بکتابتها العبد الاقل سلیم... سنه اربع و ستین و تسعمائه من الهجریه»؛ یک قطعه به قلم کتابت جلی خوش، با رقم: «در مشهد مقدس انور نوشته شد ۹۶۸ العبد الفقیر سلیم...». در «احوال و آثار خوشنویسان» به سه اثر دیگر وی اشاره شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۸۴ -۲۸۲ /۱)، پیدایش خط و خطاطان (۱۱۳)، تاریخ نظم و نثر (۶۹۴)، گلستان هنر (چهل، ۱۰۴)، مناقب هنروران (۷۰)، هنر عهد تیموریان (۶۴۱، ۶۰۶، ۵۹۹، ۵۹۵، ۵۹۴-).

سلیما تهرانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به سلیما. دارای طبعی موزون بود. مدتی در اصفهان از شاگردان نواب خلیفه سلطان شد در آن

وقت شیخ‌الاسلامی تهران را نیز داشت. در وزارت نواب میرزا مهدی معزول شد به هند مسافرت کرد و در آنجا نیز درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصر آبادی (۱۸۴)، کاروان هند (۵۸۲/۱)،

سلیمان اف، معصوم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معصوم سلیمان اف

محل تولد : جلفا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب معصوم سلیمان اف بعد از اتمام مدرسه ۱۰ کلاسی، در سال ۱۹۸۴ میلادی وارد دانشگاه نفت و شیمی باکو، (رشته شناسایی بسترهای نفت و گاز و غیره با روشهای ژئوفیزیکی) وارد شدم و در سال ۱۹۹۱ و دو سال سربازی در وسط، دانشگاه را تمام کرده بعد از شش ماه به ایران آمده و وارد مدرسه علمیه شدم. الآن مشغول نهایه الحکمه در سطح ۳ موسسه فلسفه و کلام امام صادق(ع) هستم.

سلیمان پور خاکستر، قربانعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قربانعلی سلیمان پور خاکستر

محل تولد : دره گز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای قربانعلی سلیمان پور خاکستر در سال ۱۳۴۶هجری شمسی در خانواده ای متدین و کاملا مذهبی در شهرستان دره گز دیده به جهان گشود.نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی تشویق خانواده و اطرافیان و علاقه فراوان خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۵ وارد دانشگاه امام صادق(ع) گردید تا در کنار دروس دانشگاهی به تحصیل در دروس حوزوی هم بپردازد. ازنخستین روزهای ورود به دانشگاه امام صادق علیه السلام با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از محضر درس اساتیدی همچون آیت الله علم الهدی، آیت الله سید حسن مصطفوی، آیت الله مهدوی کنی و دیگر اساتید برجسته دانشگاه بهره ها برد.استاد در سال ۱۳۷۲ در مقطع کارشناسی ارشد از پایان نامه خویش با عنوان"فاشیسم در تئوری وعمل "دفاع کرد وفارغ التحصیل گردید.ایشان ضمن تبلیغ سالهای متمادی است که به تدریس در دانشگاه بیرجند، دانشگاه پیام نور بیرجند، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند ودانشگاه فردوسی مشهد مشغول است. نامبرده در زندگی سراسر علمی خود جز به تدریس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که برخی از آثار آن را با عنوان"اهداف و ابزار در سیاست خارجی "و" ریشه های تاریخی فاشیسم در آلمان و ایتالیا "نام برد..

سلیمان، یاقوت

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن نیم‌ورقی نسخ و آخر رقاع کتابت جلی با رقم: «یاقوت سلیمانی» بدون تاریخ (قرن ۱۰). در خانواده‌ی دارائی پشت صفحه اول خط و مهر حسنعلی خان امیر نظام گروسی است که به سامی خانم هبه کرده است.
برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

سلیمانی آشتیانی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی سلیمانی آشتیانی

محل تولد : آشتیان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۴/۲۸

زندگینامه علمی

حقیر در ۲۸ تیر ۱۳۵۳در آشتیان به دنیا آمدم .بعد از طی دوران کودکی و نوجوانی و گذراندن تحصیلات متوسطه وارد حوزه علمیه آشتیان شدم و پس از حدود دو سال به تهران رفتم و در مدرسه علمیه چیذر حدود یک سال مشغول به تحصیل بودم و پس از آن به قم آمدم و در مدارس عترت آل محمد (ع) و المهدی (ع) و سپس در دروس آزاد حوزه مشغول بوده ام. اکنون نیز در مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم حدیث در دانشکده حدیث مشغول تحصیل می باشم. بعد از طی دوره سطح حوزه اندکی در درس خارج حضرت آیهٔ الله بهجت شرکت نموده ام.

سلیمانی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین سلیمانی

محل تولد : اردستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۴/۱

زندگینامه علمی

حسین سلیمانی در تابستان سال ۱۳۴۹ در شهرستان اردستان بـه دنیا آمد . در ۱۵ سالگی ، پس از تحصیل در دوره ابتدایی و راهنمایی ، برای تحصیل علوم دینی به قم هجرت کرد و به طور همزمان تحصیلات جدید را نیز ادامه داد . در سال ۱۳۷۱ در رشته حقوق در مجتمع آموزش عالی قم به تحصیل مشغول شد و پس از اتمام دوره کارشناسی ، در رشته حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه شهید بهشتی (ره) ، مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شد . اکنون نیز در مقطع دکتری در همین دانشگاه به تحصیل مشغول است .

وی از سال ۱۳۷۵ در کنار تحصیلات حوزوی و دانشگاهی در مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب به مطالعه و پژوهش در حوزه ادیان به ویژه ادیان ابراهیمی مشغول شده که حاصل آن چندین اثر چاپ شده یا در آستانه چاپ است . وی اکنون عضو هیئت علمی مرکز فوق الذکر است و در کنار پژوهش در حوزه ادیان ابراهیمی ، سمت سرویراستارمرکز ادیان را نیز داراست .

دلمشغولی فعلی وی مطالعات تطبیقی در زمینه حقوق کیفری در قوانین ایران، شریعت اسلامی و مقایسه با حقوق یهودی است .

سلیمانی، خشایار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر خشایار سلیمانی متولد ۱۳۲۲ ش یوتا دارای دکترای رشته دامپروری عضویت هیئت علمی دانشگاه یوتا با درجه دانشیار باشد. وی دارای تحقیقات وآثار پیرامون رژیم غذایی و رابطه آن با میزان شیر و چربی گاو هلشتاین می باشد.

گروه : کشاورزی

رشته : دامپروری

تحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر خشایار سلیمانی دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه کالیفرنیا کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه کالیفرنیا دکترای رشته دامپروری از دانشگاه یوتا میباشد

خاطرات و وقایع تحصیل : انجام و تحصیل در رشته دامپروری و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر خشایار سلیمانی بوده است.

فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر خشایار سلیمانی د ر کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.

وقایع میانسالی : دکتر خشایار سلیمانی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته دامپروری به عضویت هیئت علمی گروه دامپروری در

دانشکده کشاورزی دردانشگاه یوتا در آمد وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر خشایار سلیمانی عضوهیئت علمی و دانشیار گروه دامپروری در دانشکده کشاورزی در دانشگاه یوتا است.

فعالیتهای آموزشی : دکتر خشایار سلیمانی سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه دامپروری به تدریس دروس تخصصی رشته کشاورزی و دامپروری دانشگاه یوتا می پردازد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر خشایار سلیمانی در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.

آرا و گرایشهای خاص : دکتر خشایار سلیمانی از جمله علمای دامپروری است که پژوهشها و تحقیقات مفصل و عمیقی درباره رژیم غذایی و رابطه آن با میزان شیر و چربی گاو هلشتاین انجام داده است.

آثار :

۱ رژیم غذایی و رابطه آن با میزان چربی و شیر گاو و نژاد هلشتاین

سلیمانی، عبدالرحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرحیم سلیمانی

محل تولد : بهبهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی در خانواده ای روحانی در شهرستان بهبهان متولد شدم. تحصیلات خود را تا دیپلم در آن شهر ادامه دادم. همدوش با سایر جوانان در فعالیتهای علیه نظام طاغوت در قبل از انقلاب شرکت کرده و با پیروزی انقلاب عضو فعال بسیج و سپس در زمان جنگ تحمیلی برای مدتی (حدود یکسال) عضو سپاه پاسداران شهرستان بهبهان شدم و در همین مدت دروس طلبگی را نیز نزد پدر بزرگوارم (رحمهٔ الله علیه) و برخی علمای شهر بهبهان آغاز کردم. سال ۱۳۶۱ برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم مهاجرت کرده و در کنار دروس حوزه ، به جبهه های جنگ رفته و در عملیات های مختلف شرکت می کردم. تدریس دروس حوزوی را به طور رسمی از سال ۷۰ -۱۳۶۹ و از مدرسه علمیه حقانی آغاز کردم . در همین سال سطح را تمام کرده و وارد درس خارج شدم. سال ۱۳۷۲ همزمان با آغاز فعالیت مرکز تخصصی کلام حوزه علمیه قم به عنوان اولین دوره این مرکز مشغول به تحصیل در این رشته شدم. سال ۱۳۷۶ فارغ التحصیل این مرکز در سطح ۴ شده و در همان مرکز به عنوان استاد ، به ادامه همکاری پرداختم. از سال تحصیلی ۸۰ – ۱۳۷۹ به عنوان مدیر مرکز تخصصی کلام در کنار تدریس به خدمت پرداختم. عضو هیات علمی مؤسس انجمن علمی تازه تاسیس کلام بوده و با مراکز مختلف علمی ، پژوهشی همکاری دارم. دارای تعدادی مقاله چاپ شده و کتاب در حال تدوین می باشم. راهنمایی و مشاوره تعداد زیادی رساله علمی طلاب حوزه علمیه قم و مرکز جهانی علوم اسلامی را در سطح ۳ و ۴ به عهده دارم.

سلیمی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. وی مداح سلغرشاه از سلاطین و ملوک هرمز بود و در بندرعباس می‌زیست. از آثار وی: مثنویهای «شیرین و فرهاد»؛ «منبع اطوار» در بحر مخزن‌الاسرار. شاعر فوق با حسن سلیمی تونی شاعر قرن نهم متفاوت است، زیرا حسن سلیمی به سال ۸۴۵ ق وفات کرد، در حالی که سلیمی منظومه شیرین و فرهاد را به سال ۸۸۰ ق سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :منظومه‌های فارسی (۳۱۴ -۳۱۳).

سلیمی تونی، تاج‌الدین حسن

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۵۴ ق)، شاعر، متخلص به سلیمی. وی در تون متولد شد و در سبزوار اقامت گزید نخست شغل تحصیل داری داشت و گویا ظلم فراوانی می‌کرده ولی با اتفاقی که برایش می‌افتد توبه کرده به سلک درویشان می‌پیوندد. در اثنای مسافرت به مشهد مقدس وفات یافت و در سبزوار مدفون شد. بیشتر اشعارش در مدح ائمه اطهار بود. از جمله آثارش: «دیوان» اشعار؛ «واجبات منظوم»؛ «ملا بدمنه فی مذهب الامامیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۲۶۳ -۲۶۲ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۲۴/۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۰۲ -۳۰۱)، تذکره‌ی روز روشن (۳۶۸)، تذکره الشعراء (۴۹۴ -۴۹۲)، الذریعه (۳/۲۵، ۲۴/۱۹، ۴۶۸، ۴۶۷- ۹/)، ریحانه (۶۷ -۶۶ /۳)، فرهنگ سخنوران (۴۶۷/۱)، لغت نامه (ذیل / سلیمی).

سلیمی تهرانی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۰ -۱۲۷۹ ش)، شاعر و نویسنده. در تهران متولد شد. در دو رشته‌ی ادبیات و اقتصاد تحصیلات خود را به پایان رسانید و با زبانهای عربی و فرانسه و انگلیسی آشنایی پیدا کرد در سال ۱۲۹۹ ش امتیاز روزنامه «اطلاعات» را گرفت و به نشر آن پرداخت. در سال ۱۳۰۴ ش بنگاه مربی را تاسیس و به تالیف و ترجمه و طبع و نشر کتاب پرداخت. چندی نیز سردبیر روزنامه «اتحاد» و پس از دو سال مدیر روزنامه «شفق سرخ» و چهار سال مدیر مجله‌ی «آموزش و پرورش» بود. سلیمی دبیر سازمان فرهنگی یونسکو در تهران بود و هم مدیریت مجله «یونسکو» را بر عهده داشت. و به سپاس خدمات فرهنگی به دریافت سه قطعه نشان علمی نائل آمد. از آثار وی: «راهنمای فرهنگ و اصلاح تعلیمات عمومی»؛ «زنان سخنور»؛ «گلهای رنگارنگ»؛ «مهر جاوید»، شعر؛ «یاد نامه‌ی مولوی به مناسبت هفتصدمین سال».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲۰۲/۱)، الذریعه (۴۶۸/۹)، زنان سخنور (۱/ دیباچه)، سخنوران نامی معاصر (۱۵۵ -۱۵۱ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵۴۴ -۵۴۳ /۴).

سلیمی نمین، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی صنایع، دانشکده: مهندسی صنایع، دانشگاه: صنعتی امیرکبیر

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی و دکترای مهندسی صنایع با گرایش مهندسی قابلیت اطمینانی برنامه‌ریزی‌های تعمیرات و نگهداری.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده مهندسی صنایع دانشگاه صنعتی امیرکبیر.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدوین و تکنولوژی یک پروژه استراتژیک ملی، پکیج کامپیوتری تعمیرات و نگهداری، طراحی سیستم تعمیر و نگهداری واگن‌های باری راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران، طراحی برنامه استراتژیک دانشگاه صنعتی امیرکبی، بهره‌وری، مدیریت تکنولوژی، انتقال تکنولوژی، مدیریت کیفی جامع TMO، کنترل کیفی جامع TQC تخمین قابلیت اطمینان سیستم‌های الکترونیک، طراحی و تهیه سیستم نرم‌افزاری محاسبه بهره‌وری دانشگاه، سیستم اطلاعات مدیریت MIS، مکانیزم روابط انسانی برای بهره‌وری، طرحی سیستم کنترل کیفی جامع دانشگاه، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

استراتژی تعمیر و نگهداری، همکاریهای دولت، دانشگاه و صنعت برای پیشبرد تکنولوژی، برنامه‌ریزی‌های تعمیرات و نگهداری، رمز موفقیت ژاپن (کایزن)

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

بهره‌وری، مدیریت تکنولوژی، انتقال تکنولوژی و ایجاد تکنولوژی، همکاریهای دولت و دانشگاه و صنعت، تکنولوژی و استاندارد، فرهنگ توسعه، مهندسی همزمان، فرهنگ کار.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

سلیمی، عبدالحکیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحکیم سلیمی

محل تولد : نی قلعه قره باغ

شهرت

تابعیت : افغانستان

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عبدالحکیم سلیمی فرزند علی حسن در سال ۱۳۴۰ در یک خانواده مذهبی در ده بخشی نی قلعه قره باغ از توابع ولایت (استان) غزنی شهر حکیم سنائی غزنوی دیده به جهانی گشودم . آغاز حیات علمی ام در مکتب خانه روستا نزد روحانی محل و مدرسه ابتدایی نی قلعه بوده است . دوره متوسطه را تا صنف دوازدهم (دیپلم) در لیسه (دبیرستان) سنائی غزنی به پایان رساندم .

پس از روی کار آمدن حکومت دست نشانده شوروی سابق در سال ۱۳۵۷ و تجاوز آشکار ارتش سرخ شوروی در سال ۱۳۵۸ به افغانستان ، من همانند بسیاری از هموطنانم به ناچار راهی دیار غربت شدم . هجرتم به ایران (در سال ۱۳۶۰) نقطه عطفی در زندگی ام به شمار می رود . در سال ۱۳۶۲ تحصیلات علوم اسلامی را در مدرسه میانچال کاشان شروع کردم . مدت دو سال و اندی که در کاشان بودم سرنوشت سازترین برهه ای از عمرم به حساب می آید . در این مدت تحصیلات کلاسیک من جهت پیدا کرد ، لطف و عنایت الهی را کاملا در لحظه لحظه زندگی ام احساس می کردم . استادان شایسته ، دوستان صادق ، فضای معنوی مدرسه ، کتب و منابع دینی و درس های اخلاقی مدرسه ، جلوه هایی از لطف پروردگار بود که شامل حالم گردیده بود .

در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم ؛ در سال ۱۳۶۹ در برنامه های آموزشی موسسه در راه حق شرکت کردم که اکنون با نام «موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)» فعالیت دارد . در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ مدرک علمی کارشناسی «الهیات و معارف اسلامی» گردیدم . در سال ۱۳۷۹ مدرک کارشناسی ارشد «حقوق بین الملل» را از همان مرکز علمی دریافت کردم .

از لحاظ دروس حوزوی در سطح چهار هستم . شش نوبت در مصاحبه شرکت کرده ام . از سال ۱۳۷۶ در کنار آموزش ، فعالیت تحقیقاتی را به طور جدی شروع کردم . ثمره آن یک کتاب با عنوان «نقش اسلام در توسعه حقوق بین الملل» و مقالات متعددی است که در نشریات معتبر ایرانی و افغانی به چاپ رسیده است و آثاری آماده چاپ می باشد .

هم اکنون بیشتر اوقاتم صرف تحقیق و تدریس می شود . در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) و مرکز جهانی علوم اسلامی تدریس دارم . فصلنامه های «امت» و «در اندیشه فردا» با مدیر مسئولی بنده فعال است . با بعضی از مراکز علمی همکاری دارم .

سماحی حایری، عبدالطیف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ عبدالطیف سماحی حایری معروف به تنکابنی سرآمد علماء و دانشمندان تنکابن است. وی در سال ۱۳۳۰ قمری در (نارنج بن) رامسر تحصیلات ابتدائیه خود را در مدرسه مرحوم آیت‌اللَّه شیخ محمد حسین بن ملا حبیب‌اللَّه سماحی نارنج بن فراگرفت و در سال ۱۳۴۷ به قزوین رهسپار گردید و در مدرسه التفاتیه جهت تحصیل اقامت گزیده و پس از مدتی به مشهد و بعد به قم آمده و در سال ۱۳۵۰ ق مهاجرت به عتبات عالیات نموده و سالها در نجف و کربلا-اقامت و از محضر علماء بزرگ چون مرحوم آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه حاج آغا حسین قمی و آیت‌اللَّه حاج سید حسین حمامی و آیت‌اللَّه میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللَّه اصطهباناتی و آیت‌اللَّه حاج سید محسن حکیم و آیت‌اللَّه العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی و آیت‌اللَّه حاج سید محمود شاهرودی استفاده نموده تا به دریافت اجازه اجتهاد از علماء مذکور نائل و از سال ۱۳۷۰ ق هرساله چند ماهی را در رامسر جهت رسیدگی به امورات زندگی و ترویج آمده و از سال ۱۳۹۰ ق که دولت بعث عراق ایرانیها را تفسیر و اخراج نمود رسما اقامت گزیده و در فصول اعتدال هوا و گرما درمسجد جامع بازار رامسر اقامه جماعت و به تدریس عقاید و اخلاق اشتغال دارند.

آیت‌اللَّه سماحی حایری دانشمندی کم نظیر و دارای اخلاق حمیده و مورد احترام مردم رامسر و علماء شمال و غیره و دارای تالیفاتی امام شناسی و رد تصوف و تقریرات مختلفه در فقه و اصول می‌باشند که تاکنون به طبع نرسیده.

از باقیات الصالحات ایشان است فرزند برومندش حاج شیخ محمد سماحی حایری که در سال ۱۳۲۳ خورشیدی در کربلا متولد شده و پس از طی مقدمات نزد اساتید بزرگ تا سال ۱۳۹۱ ق در نجف تحصیل نموده و در ضمن به اخذ لیسانس نائل شده تا خطیبی توانا و نویسنده‌ای فاضل گردیده و تاکنون ۱۷ کتاب در رشته‌های مختلف نوشته که از آنهاست تاریخ و جغرافیای رامسر و بزرگان تنکابن و غیره می‌باشد که هنوز به طبع نرسیده به جز بعضی از مقالات مختلفه که در مجلات ایرانی و عراقی چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

سماکی استرآبادی، فخرالدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، عالم امامی. از اهالی استرآباد بود. وی استاد میرداماد (م ۱۰۴۱ ق) است و با وی مناظراتی داشته است. به گفته «روضه الصفا» و «تاریخ عالم‌آرای عباسی» وی در مجلس میر غیاث‌الدین منصور شیرازی تلمذ کرده است و حاشیه‌ای بر «الهیات تجرید» دارد و مورد توجه شاه طهماسب صفوی بوده. اما پاره‌ای از کتب رجال، حاشیه بر «الهیات تجرید» را به فخرالدین محمد بن حسین حسینی استرآبادی (قرن دهم ق) نسبت داده و این کتاب را تحت نام «اثبات‌اللّه» ذکر کرده‌اند، که به اسم شاه طهماسب صفوی تالیف یافته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۷۵ -۳۷۴)، الذریعه (۱۱۷/۶، ۳۳۱ -۳۳۰ /۴، ۸۶/۲، ۹۹/۱)، روضه الصفا (۵۷۴/۸)، ریحانه (۳۰۵ -۳۰۴ /۴، ۶۸ -۶۷ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸۰ ،۱۷۹ /۱۰)، عالم‌آرای عباسی (۱۴۶ -۱۴۵ /۱)، الکنی و الالقاب (۳۲۲/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۱۸ -۴۱۷ /۵)، معجم المؤلفین (۲۳۸/۹)، هدیه الاحباب (۱۵۱).

سماواتی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس سماواتی

محل تولد : رفسنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از پایان تحصیلات دوره راهنمائی در سال ۱۳۵۶ وارد یکی از مدارس اسلامی (تعلیمات اسلامی) شهر یزد شدم و در خرداد ۱۳۶۰ تحصیلات دبیرستانی خود را در رشته ریاضی فیزیک با معدل ۲۰/۱۸ به لطف خدای متعال به پایان رساندم. پس از مقداری تحصیل دروس علمی به طور متفرقه در یزد در سال ۱۳۶۲ با وجود قبولی در دانشگاه صنعتی شریف تهران در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل شدم. و در سال ۱۳۷۱ امتحانات سطوح عالی حوزه علمیه قم را با معدل کل ۰۲/۱۷ به پایان رسانده و پس از آن سالها از دروس خارج اساتید معظم حوزه به ویژه درس فقه وتفسیر قرآن حضرت آیهْالله جوادی آملی، درس خارج اصول آیهْالله سیدکاظم حائری و آیهْالله سیدمحسن خرازی بهره بردم. آخرین استاد درس خارج فقه اینجانب حضرت آیهْالله بهجت می باشد.

در سال ۱۳۸۱ از رساله علمی سطح ۳ حوزه علمیه تحت عنوان «اخذ الاجرهْ علی الواجبات و النیابهْ فی الفبادات» که به زبان عربی به نگارش در آمده بود دفاع نموده که این رساله نمره عالی ۹۰ به دست آورد.

از سال ۱۳۶۸ تاکنون در برخی مراکز علمی حوزوی دانشگاهی مشغول تدریس بوده و هم اکنون مشغول نوشتن رساله دکتری در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی می باشم در طول این مدت جزوات فقهی و مقالاتی نیز به نگارش در آوردم که یکی از آنها مقاله اخلاق گرانمایه و برجسته اجتماعی شهید والامقام آیهْالله سیدمحمد باقر صدر می باشد این مقاله را برای کنگره بین المللی شهید صدر به تحریر در آوردم و به لطف خدای سبحان جزء مقالات منتخب و ویژه قرار گرفته و در روز اول کنگره خلاصه ای از آن توسط اینجانب قرائت شد.

سمایی هروی، محمود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۱ ق)، شاعر. از شاعران روزگار صفویه بود که علاوه بر شاعری در چشم پزشکی (کحالی) نیز مهارت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۶۹/۹)، ریحانه (۶۷/۳)، صبح گلشن (۲۱۱)، فرهنگ سخنوران (۴۶۸).

سمائی مروزی، محمود

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. وی از معاصران سنجر و از مداحان سلاجقه بود. اهمیت وی در ادب فارسی بیشتر به خاطر غزلهای آبداری است که از او به یادگار مانده و همه آنها دلالت بر قدرت این شاعر در آوردن مضامین لطیف و معانی بدیع دارد. سمائی از جمله شاعرانی است که در تکامل غزل فارسی سهم عمده‌ای داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۸۸ –۶۸۵ /۲)، الذریعه (۴۶۹/۹)، ریحانه (۶۷/۳)، سخن و سخنوران (۳۶۱ –۳۵۹)، صبح گلشن (۲۱۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۷۵)، فرهنگ سخنوران (۴۶۸)، گنج سخنن (۳۷۶ –۳۷۴)، لباب الالباب (۱۴۷ –۱۴۵ /۲)، لغت نامه (ذیل/ سمایی)، مجمع الفصحا (۷۰۳ –۷۰۲ /۲)، هفت اقلیم (۱۴ –۱۳ /۲).

سمرقندی

قرن:۱۰

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از زنان سخنور روزگار خویش بود که گویا در سمرقند می‌زیسته و در سرودن غزل دست داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۴۴)، فرهنگ سخنوران (۴۶۸).

سمرقندی صادق، محمدصادق

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۶۸ ق)، شاعر. معروف به حلوایی. از نوادگان شمس الائمه حلوایی و از شاگردان مولانا احمد جنیدی بود. پس از زیارت خانه خدا به هندوستان سفر کرد و مدتی در لاهور به عنایت بیرام‌خان سپهسالار (م ۹۶۸ ق) به تدریس اشتغال داشت. بار دیگر به زیارت خانه خدا رفت و پس از بازگشت مأمور تعلیم میرزا عزیز کوکه شد. در اواخر عمر به کابل رفت و به معلمی مشغول شد. سرانجام راهی سمرقند گشت و همان جا درگذشت. اشعاری از وی در تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۵۳)، الذریعه (۵۷۹ / ۹)، صبح گلشن (۲۴۲ –۲۴۱)، فرهنگ سخنوران (۵۳۷)، هفت اقلیم (۳۸۴ –۳۸۳ / ۳).

سمرقندی عبدالرزاق، کمال الدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۸۷ –۸۱۶ ق)، مورخ و شاعر. از رجال بزرگ عهد تیموری و از مورخان بنام آن عهد است. در هرات به دنیا آمد. پدرش اهل سمرقند بود و در اردوی شاهرخ تیموری منصب قضا داشت. وی در نزد پدر با علوم ادبی و دینی آشنایی کامل پیدا کر و در اثنای تحصیلات، شرحی بر «رساله‌ی» قاضی عضدالدین ایجی درباره‌ی تحقیق معانی حروف و اسم اشاره و غیره آن ترتیب داد و به نام شاهرخ مزین کرد و به همین سبب به دربار راه پیدا کرد. وی پیوسته از حمایت و تربیت شاهرخ برخوردار بود و از جانب همین شاه به عنوان سفیر دربار سلطان بیجانگر به هندوستان سفر کرد و پس از مراجعت به گیلان رفت. عبدالرزاق بعد از مرگ شاهرخ به دیگر شاهزادگان تیموری نیز خدمت نمود و در نهایت به خدمت سلطان ابوسعید درآمد. عاقبت به سمت شیخی خانقاه شاهرخی منسوب شد و در هرات درگذشت اثر معروف و جایدان وی «مطلع سعدین و مجمع بحرین»، در دو جلد، در تاریخ تیموریان ایران از عهد ابوسعید بهادرخان (م ۷۳۶ ق) تا جلوس سلطان حسین بایقرا (م ۸۷۵ ق) است. از دیگر آثار وی: «دیوان» شعر. در «الذریعه» از او با عنوان عبدالرزاق هروی نام برده شده است.[۱]

سمرقندی کاشانی، کمال‌الدین بن جلال‌الدین اسحاق، دانشمند و مورخ (و. هرات ۸۱۶– ف. ۸۸۷ ه.ق.) چون سمرقند موطن پدر وی بود و همچنین پدرش در آنجا در سپاه شاهرخ منصب قاضی عسگری داشته به «سمرقندی» معروف گردیده. در بیست و پنج سالگی (سال ۸۴۱ ه.ق.) پس از مرگ پدر رساله‌ای در صرف و نحو تألیف کرد و به نام شاهرخ مزین ساخت و مورد توجه وی واقع شد. در سال ۸۴۵ به عنوان سفارت عازم دربار سلطان بیجانگر (هندوستان) شد و سه سال آنجا بود، و از آن سفر شرح مفصلی در تاریخ نگاشته. سپس در سال ۸۵۰ وی را به رسالت به گیلان فرستادند و بعد از آنکه شاهرخ در همین سال وفات یافت، وی متوالیا به خدمت امیرزادگان مانند میرزا عبداللطیف و میرزا ابوالقاسم بابر و عاقبت به خدمت سلطان ابوسعید پیوست. بعد از آن عزلت و انزوا در پیش گرفت (۸۶۷ ه.ق.) کتاب ذیقیمت مطلع السعدین و مجمع‌البحرین از اوست که در دو جلد و از سوانح زمان سلطنت ابوسعید آخرین ایلخان مغول آغاز و به خاتمت پادشاهی سلطان ابوسعید تیموری ختم می‌شود. (لغ.).

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] از سعدی تا جامی (۶۱۹ -۶۱۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۱۴ -۵۱۰ / ۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۲۹، ۲۵۰)، حبیب السیر (۳۳۵ / ۴)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۶۸ / ۲)،الذریعه (۱۵۴ / ۲۱، ۶۸۷ / ۹)، ریحانه (۸۶ / ۵)، سبک‌شناسی (۲۰۷ -۲۰۶، ۱۸۴ / ۳)، فرهنگ سخنوران (۶۱۶)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالرزاق)، مجالس النفائس (۲۰۴ -۲۰۳، ۳۰)، معجم المؤلفین (۲۱۶ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۷ -۸۳۶ / ۳)، هدیه العارفین (۵۶۷ / ۱).

سمرقندی، ابواللیث نصر

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۷۵/۳۷۳ ق)، محدث، متکلم و فقیه حنفی. معروف به امام الهدی. وی از محدثان بنام خراسان بود که در رشته‌های مختلف علوم اسلامی تالیفات داشت و کتابهای او از مراکش تا اندونزی رایج بود. در برخی منابع او را با حافظ سمرقندی که معاصر وی بود و مانند او نام ابواللیث نصر داشت اشتباه کرده‌اند. ابواللیث از محمد بن فضل بخاری و یگران روایت کرد و ابوبکر محمد بن فضل بخاری و دیگران روایت کرد و ابوبکر محمد بن عبدالرحمان ترمذی از وی روایت کرده است. آثار عمده‌ی وی عبارتند از: «تفسیر» که به وسیله ابن عربشاه به ترکی عثمانی ترجمه شده؛ «خزانه الفقه»، در فقه حنفی؛ «مختلف الروایه»، درباره اختلاف تعلیمات علمای قدیم حنفی؛ «المقدمه فی الصلاه»، در آداب نماز؛ «تنبیه الغافلین» و «البستان» یا «بستان العارفین»، هر دو در اخلاق و زهد؛ «صحائف الالهیات»؛ «مختصر مقدمات الصلوات»؛ «النوازل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۴۹ -۳۴۸ /۸)، ایضاح المکنون (۴۷۴/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۷۶/۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۳۰)، دانشنامه ایران و اسلام (۹۹۱/۷)، ریحانه (۷۳/۳)، سیر النبلاء (۳۲۳ -۳۲۲ /۱۶)، کشف الظنون (۱۹۸۱ ، ۱۹۸۰، ۱۷۹۵، ۱۶۳۶، ۱۶۳۴ ، ۱۵۸۰ ، ۱۲۰ ، ۱۱۸۷، ۷۰۳، ۶۶۸، ۵۶۸، ۵۶۳، ۴۸۷، ۴۴۱، ۳۳۴، ۲۴۳)، الکنی و الالقاب (۱۵۰/۱)، لغت نامه (ذیل/ ابولیث)، معجم المؤلفین (۹۱/۱۳)، هدیه العارفین (۴۹۰/۲).

سمرقندی، ابومنصور

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۵۷۵ ق)، فقیه حنفی. از اهالی سمرقند بود. وی استاد ابوبکر بن مسعود کاشانی است. از آثارش «تحفه الفقهاء»، در فروع است که شاگردش ابوبکر بن مسعود، شرح عظیمی در سه مجلد بر آن نگاشته است. در «کشف الظنون» و «هدیه العارفین» تحت عنوان سمرقندی علاءالدین، ابوبکر محمد بن احمد به کتابهای «اللباب فی اصول الفقه»؛ «میزان الاصول فی نتائج العقول» و «ایضاح القواعد» اشاره شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۲/۶)، کشف الظنون (۱۹۱۷ -۱۹۱۶، ۱۵۴۲، ۳۷۱، ۲۰۹)، معجم المؤلفین (۲۶۷، ۲۲۸ /۸)، هدیه العارفین (۹۰/۲).

سمرقندی، بهاءالدین، صابر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر، متخلص به صابر. وی از شاعران عهد تیموری است، که در سرودن شعر طبعی لطیف و گفتاری شیرین و خیالی نازک داشته است. اشعاری چند از وی در تذکره‌ها منقول است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۷۳ / ۹)، صبح گلشن (۲۴۰)، فرهنگ سخنوران (۵۳۳)، لغت‌نامه (ذیل/ صابر سمرقندی)، مجالس النفائس (۱۴۶).

سمرقندی، رستم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۵ ق)، خطاط، شاعر، متخلص به رستم. وی مدتی در دستگاه سعید خان در سمرقند منصب انشاء داشته، پس از مرگ او به بلخ رفت و به وزارت خواجه جان پارسا رسید. پس از مرگ خواجه به هند رفت و در آن دیار سرگردان بود تا در مالوه درگذشت. از جمله آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۸۵)، تذکره الشعراء (۴۲۳)، فرهنگ سخنوران (۳۷۴).

سمرقندی، شمس‌الدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۷۸۰ ق)، عالم دینی و قاری اصل او از سمرقند بود و در همدان به دنیا آمد و در بغداد اقامت گزید. از آثارش «الصنائع»؛ «القراآت السبع»؛ «المبسوط فی القراآت السبع» یا «المبسوط و المضبوط فی القراآت السبعه»؛ «کشف الاسرار فی رسم مصاحف الامصار»؛ «ایضاح الخوالف فی رسم مصاحف السوالف»؛ «التجرید فی التجوید»؛ «العقد الفرید فی نظم التجرید»، منظومه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۹/۷)، کشف الظنون (۱۶۱۵، ۱۳۵۹)، معجم المؤلفین (۵ -۴ /۱۲)، هدیه العارفین (۱۰۶/۲).

سمرقندی، فاضله

قرن:۷

جنسیت:زن

ملیت:ایران

پیش از نیمه دوم قرن هفتم هجری، از زنان شاعر. از رباعیات اوست:

گفتم صنما جهان به کامت بادا

گفتا که غم هجر مدامت بادا

گفتم که به من نمای آن رخ را گفت

آن نیز که دیده‌ای حرامت بادا

تا کی داری مرا به فردا خرسند

فردای تو را فلک نیارد در بند

گرنه ز سر زلف تو سازند کمند

در گردن فردای تو نتوان افکند

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: نزهةالمجالس، ۵۸۷، ۵۶۸، ۴۲۹، ۴۲۱، ۳۸۹، ۳۸۷، ۳۸۵، ۳۴۹، ۳۱۷، ۳۱۵.

سمرقندی، محمد امین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، خطاط. از کاتبان است. از آثار وی: یک قطعه به قلم سه دانگ متوسط، با رقم: «الفقیر محمد امین سمرقندی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۷۴/۳).

سمرقندی، محمد عالم

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، عالم و شاعر. از دانشمندان شهر سمرقند بود که با الغبیگ میرزا (م ۸۵۳ ق) مصاحب و همدرس بود. گویند به غایت دلیر و در سخن گفتن گستاخ بود و به همین سبب از سمرقند اخراج شد و به هرات رفت. در هرات او را گرامی داشتند و در همان جا درگذشت. وی در سرودن شعر نیز مهارت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۵۱۶)، الذریعه (۱۰۰۰ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۱۰)، مجالس النفائس (۱۹۰، ۱۵).

سمرقندی، موسی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «شرح معمای امیرحسین»، به قلم کتابت جلی متوسط، با رقم: «تم بالخیر علی ید اضعف عباداللّٰه موسی بن عیسی سمرقندی... فی تاریخ سبع و سبعین و تسمائه.. ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۹۲۳/۳).

سمرقندی، ناصرالدین، ابوالقاسم محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۵۶ ق)، فقیه حنفی، مفسر، محدث و واعظ. اهل سمرقند بود. در ۵۴۲ ق به مکه رفت و در بازگشت مدتی در بغداد ماند. در سمرقند از دنیا رفت. از آثار وی: «الجامع الکبیر» یا «جامع الفتاوی»؛ «الفقه النافع»؛ «بلوغ الارب من تحقیق استعارات العرب»؛ «ریاضه الاخلاق»؛ «مصابیح السبل»، در دو مجلد، در فروع فقه حنفی؛ «الملتقط فی الفتاوی الحنفیه» به نام «مال الفتاوی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۳ -۲۲ /۸)، ایضاح المکنون (۱۶۸/۲)، کشف الظنون (۱۹۲۱، ۱۸۱۳، ۱۶۹۷، ۱۵۸۰، ۷۱۷، ۵۷۱، ۵۶۵)، معجم المؤلفین (۱۳۷/۱۲).

سمسار، محمداحمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۲۷۴، تبریز.

درگذشت: اوایل فروردین ۱۳۶۰، آمریکا.

محمداحمد سمسار تحصیلات خود را در استانبول به پایان برد و سپس به آمریکا رفت و در آنجا ماند و سال‌ها به تدریس ترکی در دانشگاه‌های آن کشور پرداخت.

از تألیفات او فهرست نسخ خطی عربی و فارس وترکی، مجموعه‌ی جان فردریک لوئیس موجود در کتابخانه‌ی آزاد فیلادلفیا است ه در سال ۱۹۳۷ در فیلادلفیا انتشار یافته است. در این فهرست یک صد و چهل و نه نسخه فارسی معرفی شده است. دیگر مقدمه‌ای است بر کتاب طوطی‌نامه‌ی ضیاء نخشی نوشت. البته ترجمه انگلیسی طوطی‌نامه هم از محمداحمد سمسار است.

(تو ح ۱۳۶۰ -۱۲۷۴ ش)، محقق. وی در تبریز متولد شد، تحصیلات ابتدایی را در این شهر و تحصیلات عالی را در استانبول به پایان برد و حدود سال ۱۳۱۰ ش به امریکا رفت و سالها به تدریس زبان و ادبیات ترکی در دانشگاه‌های آن مملکت اشتغال داشت. وی در آمریکا وفات یافت. از تالیفات او «فهرست نسخ خطی عربی و فارسی و ترکی مجموعه‌ی جان فردریک لوئیس» موجود در کتابخانه‌ی آزاد فیلادلفیاست که در سال ۱۹۳۷ م در فیلادلفیا انتشار یافت. در این فهرست یکصد و چهل و نه نسخه‌ی فارسی معرفی شده است. دیگر از آثار وی مقدمه‌ای است بر چاپ «طوطی نامه» ضیاء نخشی و دیگر ترجمه‌ی این کتاب است به زبان انگلیسی.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :

[۱] آینده (س ۷، ش ۴، ص ۳۳۱).

سمسانی شیرازی، محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، خطاط. مشهور به ابن سمسانی. در آغاز عمر به اکتساب علوم و فضایل پرداخت. آنگاه متوجه مشق و تعلیم خط گردید و به نزد ابن‌مقله به فارس رفت و بعد از مدتی از زمره‌ی اساتید و مشاهیر گشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :پیدایش خط و خطاطان (۱۶۱ -۱۶۰).

سمسوری اصفهانی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. در عهد فتحعلی‌شاه و محمدشاه و ناصرالدین شاه قاجار می‌زیست. وی در خط از شیوه‌ی میرعماد و محمدصالح پیروی می‌کرد و بسیاری خط وی را بر محمد صالح ترجیح می‌دادند. عبدالرحیم سمیرمی از شاگردان او بود. از آثار وی: یک نسخه کلام‌اللّه مجید، به خط نسخ جلی در سال ۱۲۳۵ ق؛ یک مرقع، مشتمل بر دوازده رقعه، به قلم‌های پنج دانگ و چهار دانگ و دو دانگ خوش، با رقم‌های: «من عبید السلطانی محمد باقر الخوراسکانی ۱۲۳۷» و «بنده‌ی حضرت خسروانی محمدباقر خوراسکانی ۱۲۳۷» و «کتبه العبد الفقیر محمدباقر من عبید حضرت السلطانی، محمدباقر الاصفهانی، فی سنه‌ی ۱۲۳۷»؛ یک قطعه که عینا از روی یک قطعه‌ی خط میرعماد نقل کرده است، به قلم سه دانگ جلی و نیم دو دانگ خوش، با رقم: «نقله عبد حضرت السلطانی محمدباقر الاصفهانی فی ۱۲۳۷»؛ یک نسخه «کلمات قصار» حضرت امیر (ع)، به قلم نیم دو دانگ خوش، با رقم: «... بنده‌ی جان نثار محمدباقر اصفهانی... سنه‌ی ۱۲۴۷».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۵۵/ ۳)، اطلس خط (۵۷۲ -۵۷۱)، تاریخ اصفهان (۲۱۳، ۱۳۷ -۱۳۶).

سمعانی مروزی، ابوالمظفر عبدالرحیم

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۳۷- ح ۶۱۷ ق)، محدث، فقیه و ادیب شافعی. از کودکی تحت تربیت پدر قرار گرفت. پدرش او را در پاره‌ای از سفرها همراه کرد و تا آنجا که توانست برای او حدیث خواند و او را به فراگیری فقه و حدیث و ادب واداشت تا اینکه از هر خرمن خوشه‌ای برچید. او «صحیح بخاری» و «سنن ابی‌داود» و «جامع ابی‌عیسی» و «مسند ابی‌عوانه» و «تاریخ فسوی» و «الحلیه» و «مسند الهیثم» و «صحیح مسلم» را سماعی روایت می‌کند. او از رییس اسعد مهروی و ابوالبرکات عبداللّه فراوی و ابوسعد عبدالوهاب کرمانی و وجیه شحامی و ابوالفتوح خرکوشی و جنید قاینی و ابوالوقت سجزی و ابوالاسعد ابن القشیری و محمد بن عبداللّه شیرازی و حسن بن محمد سنگبستی و سعید بن علی شجاعی و عبدالسلام هروی و بسیاری دیگر در بخارا و سمرقند و هرات و نیشابور و مرو شهرهای دیگر حدیث شنید. ابوبکر محمد حازمی و برزالی و ابن الصلاح و ابن النجار و ابن هلاله و شرف مرسی و احمد غرافی و گروهی دیگر از وی حدیث شنیدند. او سرانجام شیخ مرو شد و به مقام پیشگامی شافعیان آن شهر رسید. پدرش «عوالی» را در دو مجلد برای او گفت و «معجم» را در هیجده جزء برایش پرداخت. این کتابها به نام «العوالی من مسموعات الفراوی» و «معجم الشیوخ» گردآوری شده است.[۱]

فخرالدین ابوالمظفر عبدالرحیم بن عبدالکریم فقیه و عالم بزرگ خراسان و از خاندان سمعانی (و. ۵۳۷- ف. ۶۱۴ یا ۶۱۶ ه.ق.)

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] سرآمدان فرهنگ (۴۸۳ -۴۸۲ /۱)، سیر النبلاء (۱۰۹ -۱۰۷ /۲۲)، کشف الظنون (۱۱۷۹)، لسان المیزان (۳۳۹ - ۳۳۸ /۴)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۱۵۸ -۱۵۷ /۱۹)، معجم المؤلفین (۲۰۷ -۲۰۶ /۵)، الوافی بالوفیات (۳۳۱/۱۸)، هدیه العارفین (۵۶۰/۱).

سمعانی مروزی، تاج الاسلام، ابوبکر محمد بن مصنور

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۵۱۰ -۴۶۶ ق)، عالم، فقیه، محدث و واعظ شافعی. در مرو به دنیا آمد. در نیشابور و اصفهان و همدان و کوفه و حجاز و بغداد حدیث شنید. او در مدرسه‌ی نظامیه بغداد وعظ گفت. سرانجام در مرو اقامت گزید. وی بسیار املای حدیث می‌کرد و صد و چهل مجلس املاـ در جامع مرو داشت و همراه مواعظ احادیثی که از اساتید خود چون پدرش و ابوالخیر صفار و ابوالقاسم زاهری و عبداللّه طاهری و ابوالفتح هاشمی و نصراللّه بن احمد خوشنامی و عبدالواحد قشیری و ثابت بن بندار و محمد بن عبدالسلام انصاری و ابوغالب عدل و ابوبکر، نوه‌ی ابن‌مردویه، و ابوالفتح حداد شنیده بود، بیان می‌کرد. سلفی و ابوالفتوح طائی و ابوطاهر سنجی از شاگردان وی می‌باشند. او رئیس شافعیان در مرو بود. پیش از وفات اشعار خود را تماما شست و محو کرد. سرانجام در مرو درگذشت و او دارای آثاری در زمینه‌ی حدیث و وعظ می‌باشد که از آن جمه کتاب «الامالی» «امال».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۲/۷)، ریحانه (۷۶/۳)، سیر النبلاء (۳۷۳ -۳۷۱ /۱۹)، الکامل (۲۷۷/۸)، الکنی و الالقاب (۳۲۳/۲)، معجم المؤلفین (۵۳ -۵۲ /۱۲)، الوافی بالوفیات (۷۵/۵)، وفیات الاعیان (۳۱۱ -۳۱۰ /۳).

سمعانی مروزی، قوام‌الدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۶۲ -۵۰۶ ق)، مورخ، حافظ، محدث، فقیه، نسابه و مفسر شافعی. در مرو متولد شد. در چهار سالگی پدرش او را در محضر عبدالغفار شیرویی و عبید قشیری و سهل سبعی حاضر کرد. او به اشاره‌ی پدرش از ابومنصور محمد کراعی و محمد دقاق حدیث شنید. هنوز کودک بود که پدر را از دست داد و عمو و دیگر خویشان کفالت او را بر عهده گرفتند و او را از همان نوجوانی علاقه‌مند به علم و دانش نمودند. در ۵۳۰ ق به نیشابور سفر کرد و برای طلب علم و استماع حدیث به شرق و غرب و شمال و جنوب عالم سفر کرد و با علما و محدثین بسیاری ملاقات نمود. شمار مشایخ او را بالغ بر چهار هزار تن دانسته‌اند که در «سیر النبلاء» و دیگر کتب رجال نام شهرهایی که وی بدان سفر کرده و مشایخ معروفی که ملاقات کرده، آمده است. از وی تصانیف نیکوی بسیاری بجای مانده که از آن جمله‌اند: «تذییل تاریخ بغداد»، در پانزده مجلد؛ «تاریخ مرو» یا «تاریخ المراوزه»، متجاوز از بیست مجلد؛ «الانساب» حدود هشت مجلد؛ «طراز الذهب فی ادب الطلب»؛ «معجم البلدان»؛ «الاسفار عن الاسفار»؛ «الاملاء و الاستملاء»؛ «التذکره و التبصره»؛ «الدعوات»؛ «سلوه الاحباب و رحمه الاصحاب»؛ «التحبیر فی المعجم الکبیر»؛ «الامالی»؛ «وفیات المتاخرین» یا «تاریخ الوفاه للمتاخرین من الرواه»؛ «الادب و استعمال الحسب»؛ «المناسک»؛ «فضل یس»؛ «الرسائل و الوسائل»؛ «تبین معادن المعانی»، در لطائف قرآن کریم.[۱]

(ع. منسوب به سمعان، بطنی از تمیم) ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور تمیمی مروزی شافعی فقیه و مورخ و حافظ حدیث (و. ۵۶۲ ه.ق./ ۱۱۱۳ م.- ف. ۵۶۲ ه.ق./ ۱۱۶۷ م.). وی به شهرهای دور سفر و با علما و محدثان ملاقات کرد و از آنان علم آموخت و گروهی نیز از او کسب علم کردند. از اوست: کتاب الانساب، کتاب تذییل تاریخ بغداد، تاریخ مرو، فضائل الصحابهٔ معجم المشایخ، تاریخ الاوفاهٔ للمتأخرین من الرواهٔ الامالی، التحبیر فی المعجم الکبیر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۷۹/۴)، ایضاح المکنون (۳۰/۲)، ذیل تاریخ بغداد (۱۶/ مقدمه)، روضات الجنات (۹۶ -۹۵ /۵)، ریحانه (۷/۳)، سیر النبلاء (۴۶۵ -۴۵۶ /۲۰)، کشف الظنون (۱۷۳۷، ۱۷۳۵، ۱۱۲۳، ۱۱۰۸، ۹۹۹، ۹۹۸، ۹۰۲، ۷۵۶، ۷۲۹، ۳۷۴، ۳۷۰، ۳۰۳، ۲۸۸، ۱۷۹، ۱۶۹، ۱۶۲، ۱۶۱، ۱۳۱، ۸۶، ۴۹، ۳۵)، الکنی و الالقاب (۳۲۲/۲)، لغت نامه (ذیل/ ابوسعد)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۱۷۳ -۱۷۲ /۱۹)، معجم المؤلفین (۵ -۴ /۶)، وفیات الاعیان (۳۷۹ -۳۷۸ /۱)، هدیه العارفین (۶۰۹ -۶۰۸ /۱).

سمنانی، ابوالحسین عبداللّه

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۰۳ ق)، حافظ، محدث، ادیب و شاعر. از اسحاق بن راهویه و عیسی بن زغبه و محمد بن حمید رازی و ابوکریب و عمرو بن علی فلاس و محمد بن هاشم بعلبکی و همطبقه آنان حدیث شنید و او در این راه سفرهای بسیار کرد. علی بن حمشاد و ابواحمد بن عدی و ابوبکر اسماعیلی و محمد بن صالح بن هانی و ابوعمرو بن حمدان و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. او دارای تصانیف بسیار نیکویی بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۱۹۵ -۱۹۴ /۱۴)، طبقات الحفاظ (۳۱۲).

سمنانی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالقاسم سمنانی عالمی فاضل و ادیب مقیم پتند هندوستان که نزدیک لکنهو بوده و بعد از ۱۲۷۳ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سمنانی، ابوجعفر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۴۴ -۳۶۱ ق)، قاضی و فقیه حنفی. اصل وی از سمنان بود که در بغداد نشو و نما یافت. از نصر بن احمد مرجی موصلی و ابوالحسن دارقطنی حدیث شنید. وی ملازم ابوبکر باقلانی و از اصحاب برجسته‌ی او به شمار می‌رفت. خطیب بغدادی گوید که از وی حدیث نوشتم زیرا که مردی دانشمند و راستگو بود. او از پیشگامان اشعریه در زمان خود بود. وی عهده‌دار منصب قضای موصل شد و تا پایان عمر در آن سمت باقی ماند. او دارای تصانیفی در «فقه» می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۶/۶)، تاریخ بغداد (۳۵۵/۱)، سیر النبلاء (۶۵۲ -۶۵۱ /۱۷)، الکامل (۶۴/۸)، الوافی بالوفیات (۶۵/۲).

سمنانی، احمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. وی از اولاد علاءالدوله سمنانی بود و پدرانش منصب وزارت داشتند. میرزا احمد در بخارا می‌زیست و خط نستعلیق را بسیار خوب می‌نوشت. وی در هفدهم جمادی‌الثانی سال ۹۶۸ ق نسخه‌ای از «نفحات الانس» جامی را به پایان رسانیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۳۴).

سمنانی، باقر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از سادات بنام سمنان و از شاعران لطیف گفتار آن سامان بود. این مطلع از اوست:

غنچه آهسته ز لعل لب جانان دم زد

تند شد باد صبا، بر دهنش محکم زد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۷۱)، الذریعه (۱۲۱ -۱۲۰ /۹).

سمنانی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی دخترزاده فتحعلی‌شاه بود. بعد از فوت پدر به فکر تامین معاش افتاد. یکی دو سال ملازمت طهماسب میرزا کرد و بعد از آن به خدمت حسام‌السلطنه رسید. در سال ۱۲۷۹ ق حاجب خاص شد. وی طبع شعری خاص داشت و از روی تفنن گاهی شعر می‌سرود. از اوست:

دوست دارم که به سودای تو افسانه شوم

وز دو عالم به جز از کوی تو بیگانه شوم

من و خم را ز یکی خاک سرشتند چه باک

جذب جنسیت اگر جانب میخانه شوم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۴۴۲ -۲۴۱ /۱)، فرهنگ سخنوران (۲۵۸).

سمنانی، مرتضی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از سادات سمنان بود و در زمان اکبرشاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به هندوستان رفت. وی از شاعران غزلسرای روزگار خود بود. در «کاروان هند»، به نقل از «عرفات العاشقین»، آمده است که او از امرای هند بود که بسیاری از بلاد آن دیار را فتح کرد و در اواخر به دکن رفت و ملازم اکبرشاه شد. از اوست:

ای از رخ تو ما را، صد عیش و کامرانی

در عیش و کامرانی، صد سال زنده مانی

هرگز دلت ز دوران، آزردگی نیابد

ای شاه دردمندان، وی عمر و زندگانی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۸۳۷، ۶۵۹)، تذکره‌ی روز روشن (۷۳۱)، ریحانه (۱۰۲۷ / ۹)، صبح گلشن (۴۰۰)، فرهنگ سخنوران (۸۳۳)، کاروان هند (۱۵۷۷/ ۲).

سموری سکزی، ظهیرالدین نصر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر، خطاط. وی از سیستان به غور به عنوان سفیر رفت و فخرالدین مبارک شاه را مدح گفت. از او است:

هرکه چون گل به زر فریفته شد

در عمل آب روی داد به بار

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۶۵۸، ۴۷۰ /۹)، فرهنگ سخنوران (۵۹۸)، لباب الالباب (۱۳۷ -۱۳۳ /۱)، مجمع الفصحا (۸۵۱ -۸۵۰ /۲).

سمویه اصفهانی، ابوبشر اسماعیل

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۲۶۷ -۱۹۰ ق)، فقیه و محدث. از ابونعیم ملایی در کوفه، و از ابومسهر غسانی در دمشق، و از علی بن عیاش در حمص، و از حمیدی در مکه، و از عبداللّه بن یوسف و سعید بن ابی‌مریم در مصر، و از بکر بن بکار و حسین بن حفص در اصفهان حدیث شنید. محمد بن یحیی منده و ابوبکر بن ابی‌داوود و عبداللّه بن جعفر بن فارس و ابن ابی‌حاتم از وی حدیث شنیدند. ابن ابی‌حاتم او را محدثی راستگو و مورد اعتماد توصیف کرده است و ابونعیم اصفهانی او را از فقها و حفاظ می‌داند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الجرح و التعدیل (ج ۱، ق ۱۸۲/۱)، سیر النبلاء (۱۲ -۱۰ /۱۳)، طبقات الحفاظ (۲۴۷).

سمیرمی نقاشباشی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۲ -۱۲۸۳ ق)، نقاش و شاعر، متخلص به صدقی. ملقب به نقاشباشی. وی در سمیرم به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت. سپس برای کسب هنر مورد دلخواه خود به اصفهان آمد. سمیرمی که پدرش از باغبان ظل‌السلطان بود بااستعداد سرشاری که از نوجوانی در نقاشی داشت مورد تشویق آن شاهزاده قرار گرفت و از او لقب نقاشباشی دریافت کرد. این هنرمند در رشته‌های گوناگون نقاشی از قبیل: رنگ و روغن، آبرنگ، سیاه قلم، طراحی، شبیه‌پردازی، جانورسازی، گرفت و گیر حیوانات و منظره‌سازی و ابداع رنگهای متنوع و زیبا استعداد فراوان داشت. وی در قلمدان سبکی کاملا مشخص و ابتکاری دارد که به هیچ یک از استادان دیگر شبیه نیست. او اشعار را نیز نیکو می‌سرود و از اعضاء انجمن ادبی شیدا در اصفهان بود. صاحب «هنر قلمدان» آورده که سمیرمی در سال ۱۳۱۶ ش در قید حیات بوده است. از آثار وی: تصویر رنگ و روغنی آقا نجفی معمم اصفهانی که در کمال استادی است و رقم «احقر عباد میرزا محمدباقر نقاشباشی سمیرمی ۱۳۱۸» دارد؛ قاب آینه که مجالسی از تصاویر تمام قد اسفندیار و گشتاسب است که در محلی قرار گرفته و پشت سر آنان مناظر کوهها و درختان زیبا جلب نظر می‌کند، با رقم: «سمیرمی ۱۳۲۰»؛ قلمدان تصویر نورعلیشاه که در بالا-و پایین آن، پرندگان زیباو رنگینی نقش شده و آیتی از زیبایی است، با رقم: «۳۰۳ سمیرمی ۱۳۲۷». در «احوال و آثار نقاشان» به شش اثر دیگر وی اشاره شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۶۶۶ -۶۶۴ /۲)، تاریخ هنرهای ملی (۱۰۰۷ -۱۰۰۶ /۲)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۳۰۴)، الذریعه (۶۰۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۵۵۵)، هنر قلمدان (۱۶۵ -۱۶۳).

سمیرمی، عبدالرحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۵ ق)، خطاط. از خوشنویسان دربار ناصرالدین شاه قاجار بود که در اصفهان نشوونما یافت و از شاگردان محمد باقر سمسوری و میرزا علی‌اکبر محلاتی به شمار می‌رفت. عبدالرحیم در خط مهارت داشت و کتیبه را از کتابت نیکوتر می‌نوشت. وی در تهران درگذشت. از آثار او: کتیبه‌ی سردر شمس العماره؛ کتیبه‌ی آرامگاه میرزا یوسف متسوفی‌الممالک در ونک شمیران؛ مقداری گرده‌ی کتیبه و یک لوحه که به قلم شش دانگ به زر روی کاغذ مشکی نوشته شده، قطعه‌ای به قلم نستعلیق چهار دانگ و شکسته نستعلیق نیم دو دانگ خوش، با رقم: «... عبدالفقیر، عبدالرحیم نوشت».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۸۹ -۳۸۸ / ۲).

سمیع زرگر، خواجه

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۷۷ ق)، جواهرشناس، منجم و ریاضیدان. وی به جودت طبع و حدت ذهن شهرت تمام داشت. در اوایل حال مدتی به کسب علوم پرداخت و در علم نجوم و ریاضی مهارت یافت. به جهت وجه معاش کسب زرگری اختیار کرد و در عیار گرفتن زر استاد بنا شد. وی بعد از گزاردن حج و طواف مرقد مطهر پیامبر (ص) در سال ۱۰۷۷ ق به وطن مراجعت کرد و در همان ایام در بستر بیماری افتاد و دار فانی را وداع گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۲۲۷/۱)، جامع مفیدی (۵۱۳/۳).

سمیعی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد سمیعی (گیلانی) در بهمن ۱۲۹۹ در محله قدیمی سنگلج تهران تولد یافت و پس از چند ماه ، با خانواده خود روانه رشت شد. پس از طی مقطع ابتدایی و متوسطه در گیلان ، در امتحانات ورودی دانشکده فنی دانشگاه تهران با احراز رتبه اول پذیرفته شد، ولی پس از یکی دو ماه ، آن دانشکده را ترک گفت و با موفقیت در امتحان ورودی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ، در رشته زبان و ادبیات فارسی مشغول تحصیل شد و در همین رشته موفق به اخذ درجه دکترا شد. وی در زمان تحصیل به دلیل مشکلات مالی ، در راه آهن دولتی ایران اشتغال یافت، و توانست در کنار کار ، تحصیلات خود را نیز به پایان برد. از جمله فعالیت های سمیعی در طول تحصیل و بعد از آن ، ورود به مسائل سیاسی بود که به همین خاطر چندین مرتبه توسط ماموران رژیم پهلوی دستگیر شد. سمیعی علاوه بر فعالیت در راه آهن به شغل ویراستاری در موسسه انتشارات فرانکلین اشتغال یافت. پس از انحلال موسسه انتشارات فرانکلین ، در سازمان ویرایش و تولید فنی ، که در خدمت دانشگاه آزاد ایران بود ، به سمت مسئول بخش ویرایش و عضو هئیت مدیره ، مشغول به کار شد. پس از پیروزی انقلاب وی با چندین موسسه فرهنگی به همکاری پرداخت ؛ او همچنین به مدت هفت سال در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ، تربیت معلم و تربیت مدرس (تهران) ، و دانشکده ادبیات و دانشگاه آزاد اسلامی گیلان تدریس کرد. دکتر سمیعی همچنان به فعالیت های فرهنگی خود با موسسات و پژوهشکده ها ادامه می دهدو آثاری چند نیز تاکنون عرضه نموده است .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ویراستاری

تحصیلات رسمی و حرفه ای : احمد سمیعی پس از تولد یافتن در تهران با خانواده به رشت رفته و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در رشت گذراند و در خرداد سال ۱۳۱۸ دوره دبیرستان را با احراز رتبه اول در گیلان به پایان رساند. در شهریور همان سال، برای ادامه تحصیلات به تهران رفت و در امتحانات ورودی دانشکده فنی دانشگاه تهران با احراز رتبه اول پذیرفته شد. ولی پس از یکی دو ماه آن دانشکده را ترک گفت و با موفقیت در امتحان ورودی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، در رشته زبان و ادبیات فارسی مشغول تحصیل شد. در سال ۱۳۲۱ با احراز رتبه اول و اخذ مدال درجه یک علمی، دوره لیسانس، خود را به پایان رساند. ضمن تحصیل در دانشکده ادبیات دوره درسی انستیتوی روزنامه نگاری را نیز گذراند. از سال ۱۳۳۴، از فعالیتهای سیاسی کناره گرفت و به تحصیل و فعالیتهای فرهنگی پرداخت. پس از حدود چهارده سال دوری از محیط دانشگاهی، بار دیگر در دوره دکتری ادبیات فارسی نام نویسی کرد و طی دو سال، هشت شهادتنامه از ده شهادتنامه این دوره را گذراند. در ۱۳۵۵ ، در کنکور فوق لیسانس زبان شناسی همگانی دانشگاه تهران با رتبه اول پذیرفته شد و در ۱۳۵۸ (با معدل ۳/۸۹ از ۴/۰۰ به اخذ مدرک فوق لیسانس نایل گشت.

استادان و مربیان : احمد سمیعی در حوزه درسی استادانی چون ملك الشعرای بهار، بدیع الزمان فروزانفر، احمد بهمنیار، کاظم عصار. فاضل تونی، دکتر علی اکبر سیاسی، دکتر یحیی مهدوی، دکتر محمد باقر هوشیار و دکتر رضازاده شفق، شرکت جست. همچنین با استادانی چون رشید یاسمی، مطیع الدوله حجازی، خانبابا بیانی، عبدالرحمن، فرامرزی گذراند.

وقایع میانسالی : فعالیتهای سیاسی احمد سمیعی از اواخر سال ۱۳۲۳ آغاز شد و تا ۱۳۳۴ ادامه یافت. مجموعا" سه سال و چهار ماه در زندان سیاسی به سر برد و حدود پنج سال به فعالیت مخفی و نیمه علنی پرداخت و در همین مدت، یک سال و نیم را در کشورهای اروپایی گذراند. در سال ۱۳۴۲، دستگاه حکومتی که بر اثر وقایع ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، فشار به فعالان سیاسی را شدت بخشیده بود، به اتهام فعالیتهای سیاسی سابق، وی را به سه سال زندان محکوم کرد که شش ماه آن را بیشتر گذرانده بود و تا پایان سال ۱۳۴۵ به مدت دو سال و نیم دیگر را در زندان سیاسی به سر برد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد سمیعی مدتی در راه آهن دولتی ایران اشتغال داشت. سپس به شغل ویراستاری در موسسه انتشارات فرانکلین اشتغال یافت و کتاب های متعددی را ویرایش کرد. بر اثر انحلال موسسه انتشارات فرانکلین، در سازمان ویرایش و تولید فنی، که در خدمت دانشگاه آزاد ایران بود، به سمت مسئول بخش ویرایش و عضو هیئت مدیره، مشغول به کار شد. پس از انقلاب اسلامی ، سازمان ویرایش و تولید فنی منحل شد و او سالهای پس از انقلاب را در بنگاه ترجمه و نشر کتاب، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، بنیاد دایره المعارف اسلام، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، مرکز نشر دانشگاهی ، انتشارات سروش ، به

خدمات ویرایشی پرداخت. وی از ۱۳۷۰ به عضویت پیوسته شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی انتخاب شد و مسئولیت سر دبیری نامه فرهنگستان را به عهده گرفت. وی، علاوه بر این، در حال حاضر، عضو گروه ویرایش و از مترجمان فرهنگ آثار در انتشارات سروش، عضو شورای عالی ویرایش صدا و سیمای جمهوری اسلامی و مشاور علمی پژوهشگاه علوم انسانی (موسسه تحقیقات و مطالعات فرهنگی) است.

فعالیتهای آموزشی : احمد سمیعی دوره های کتاب داری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، دروس زیبا شناسی، مکاتب ادبی و آیین نگارش تدریس می کرد. در عین حال مدت هفت سال در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تربیت معلم و تربیت مدرس (تهران)، و دانشکده ادبیات و دانشگاه آزاد اسلامی گیلان تدریس کرد. وی در دوره های کوتاه مدت و میان مدت آموزش ویراستاری موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، نیروی هوایی، موسسه امام جعفر صادق (ع) قم، موسسه باقر العلوم قم، مرکز نشر دانشگاهی ، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و وزارت ارشاد اسلامی نیز دروس «ویرایش زبانی» و «آیین نگارش» را بر عهده گرفت. تدریس «مکتب های ادبی » در چند دوره کلاس کتاب داران کانون پرورش فکری کودکان ونوجوانان. تدریس (شاهکارهای ادبی یونان باستان) در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. تدریس (شاهکارهای ادبی رم باستان) در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. تدریس (متون ادب فارسی) در دانشگاه تربیت معلم. تدریس (آیین نگارش) در دانشگاه تربیت مدرس. سردبیری مجموعه سخن پارسی(۱۱ عنوان). دبیری (داخلی) مجله سپیده فردا (دانش سرای عالی) در سالهای ۱۳۳۶-۱۳۳۷. مشاور ویرایشی موسسه مطالعات علمی و فرهنگی . مسئول بخش ویرایش انتشارات علمی و فرهنگی(پنج سال). ویراستار ارشد مرکز نشر دانشگاهی. تدریس متون ادب فارسی،سبک شناسی،آیین نگارش در دانشگاه گیلان(۷ سال). تدریس متون ادب فارسی و سبک شناسی در دانشگاه آزاد گیلان (۵ سال). تدریس دروس (ویرایش زبانی)، آیین نگارش در دوره های دو ساله ویرایش مرکز نشر دانشگاهی. عضویت هیئت علمی مجمع علمی آموزش زبان وادب فارسی.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : احمد سمیعی با مجلات سپیده فردا، ارگان دانش سرای عالی، و با سازمان لغت نامه دهخدا همکاری داشت. در سال ۱۳۴۱ به معرفی راه آهن، در دوره پنج هفته ای سمینار آموزشی مدیریت در زیبا کنار (گیلان) و همچنین دوره یک هفته ای بازآموزی تابستان ۱۳۴۲ در همدان شرکت کرد. وی ، همزمان، سردبیری مجموعه سخن پارسی را نیز به عهده داشت و یازده عنوان آن را، که به صورت کتاب درسی دانشگاهی در آمدند، سرپرستی کرد. ضمن خدمات ویرایشی، بامجلات کتاب امروز، پیک جوانان، ماهنامه آموزش و پرورش همکاری مستمر داشت و در مجلات فرهنگ و زندگی ، رودکی ، الفبا، ققنوس پویه، پیام یونسکو مقالاتی (تالیف و ترجمه) از وی به چاپ رسید. -------------------------------------
----

آثار :

۱ ترجمه برادرزاده راموو هنرپیشه کیست؟

ویژگی اثر : اثر دیدرو

۲ ترجمه چومسکی

ویژگی اثر : اثر جان لاینر

۳ ترجمه چیزها

ویژگی اثر : اثر ژرژ پرک

۴ ترجمه خیال پروری ها

ویژگی اثر : اثر روسو

۵ ترجمه دلدار و دلباخته

ویژگی اثر : اثر ژرژ ساند

۶ ترجمه ساخت های نحوی

ویژگی اثر : اثر چومسکی

۷ ترجمه سالامبو

ویژگی اثر : اثر فلوبر

۸ ترجمه کنفوسیوس

ویژگی اثر : اثر کارل یاسپرس

منابع زندگینامه :منابع :

۱نشریه بخارا-شماره ۱۵-آذر و دی ۷۹

سمیعی، جمشید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جمشید سمیعی

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب از سال ۱۳۵۸ یعنی پس از انقلاب مقدس اسلامی به طور موازی شروع به تحصیلات دانشگاهی و حوزوی نموده ام. الف) —در دانشگاهها از اساتید خوبی بهره برده و تا آنجا که امکان داشت به صورت عمومی در کلاس از محضر آنها استفاده و از برخی اساتید روحانی و دانشگاهی به صورت خصوصی استفاده های شایانی نمودم. ب —) همزمان با تحصیلات دانشگاهی در فرصتهای مناسب و روزهای تعطیلی از محضر اساتید حوزوی با تمام علاقه و شوق استفاده نموده و به صورت تحقیقی و یا تطبیقی از کتب حضرات بهره بردم. ج —) هزاران ساعت از عمر خود را به واسطه استفاده از نوار و یا سی دی صرف کرده و از درسهای فلسفه حضرت آیت الله جوادی آملی اعلی الله مقامه و اسفار حضرت آیت الله مصباح ، ابن عقیل و مغنی حضرت استاد آدینه وند بهره برده و در حواشی کتب مربوط یادداشتهای بسیاری نموده ام .

ه —) اکنون نیز در فرصتهایی که دارم از طریق اینترنت از دروس خارج حضرات تا آنجائی که میتوانم به صورت تحقیقی استفاده میکنم. از جمله دروس خارج فقهی که به عنوان منبع تحقیق بهره می برم دروس خارج فقه مقام معظم رهبری ادام الله ظله الشریف است. البته در دوران دانشجوئی در تهران ،مقداری از درس تفسیر سوره بقره ایشان در حسینیه امام خمینی ره استفاده کرده جلساتی را شرکت نمودم. البته شرکت در جلسات تفسیر آقا یکی از بزرگترین مشوقهای اینجانب بود که همت خود را در تحصیل فقه ، اصول و تفسیر و حکمت و فلسفه گسترش داده و اکنون نیز در این حوزه ها مشغول تحقیق هستم . د —) اکنون بسیاری از نوشته های اینجانب به صورت زیراکس و یا دست نوشته در اختیار دانشجویان مختلف دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد قرار دارد و مورد استفاده واقع میشود. نکته: در رابطه با دروس اسلامی دانشگاهی نیز مشغول تنظیم مطالبی هستم.

سمیعی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در ۱۲۸۲ در تهران تولد یافت. تحصیلات مقدماتی را در مدرسه‌ی سن‌لوئی پایان داد و دیپلم خود را از دارالفنون گرفت. از طرف دولت برای ادامه‌ی تحصیل به اروپا رفت، در علم حقوق لیسانس و دکترا گرفت. پس از مراجعت به ایران، وارد دادگستری شد. تمام مراحل را از دادیاری و بازپرسی، ریاست دادگاه شهرستان و ریاست دادگاه استان طی کرد. چندی رئیس دفتر و مدتی رئیس کارگزینی بود، بعد به مقام مدیرکل اداری رسید. در سال ۱۳۳۰ در کابینه‌ی حسین علاء، امیرعلائی وزیر وقت دادگستری او را به معاونت وزارتخانه معرفی و پس از چندی کفیل وزارتخانه شد. در دوران کفالت دست به تغییراتی زد از جمله حائری شاهباغ، دادستان کل را تغییر داد و جمال‌الدین اخوی را به جای او نشانید. سمیعی چندی با سمت وابسته اقتصادی ایران به فرانسه رفت. این ماموریت از این نظر به وی داده شد که بتواند در بیمارستان بستری و خود را معالجه نماید. بیماری وی طولانی شد و در سال ۱۳۳۳ درگذشت. سمیعی از قضات مطلع، باسواد و بی‌غرض بود. از مال دنیا طرفی نبست. تالیفاتی در حقوق جزا از او انتشار یافت. مدت کوتاهی هم استاندار تهران شد.

(۱۳۳۱ -۱۲۸۴ ش)، استاد دانشگاه و نویسنده. در تهران متولد شد. تحصیلات مقدماتی را در مدرسه‌ی سن‌لویی شروع کرد و در سال ۱۳۰۶ ش از مدرسه حقوق موفق به اخد مدرک لیسانس گردید. سپس به فرانسه رفت و در سال ۱۳۱۲ ش دکترای حقوق گرفت. به ایران مراجعت کرد و در زمان داور ریاست اداره‌ی معادن را بر عهده گرفت. بعد از فوت داور عهده‌دار وزارت دادگستری شد و در تمام طول عمرش مشغول به خدمات دولتی مختلف بوده است. در تمام مدت سمت استادی دانشگاه را داشت. وی در ابن‌بابویه در مقبره‌ی خانوادگی مدفون شد. اثر وی «حقوق جزا» است.[۱]

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] مؤلفین کتب چاپی (۵۷۰ -۵۶۹/ ۲).

سمیعی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به ادیب‌السلطنه، در ۱۲۵۳ ش در رشت تولد یافت. پدرش مرحوم میرزا حسن‌خان ادیب‌السلطنه از اعضای دیوانی بود و مدتها پیشکاری امیرافخم همدانی والی کرمانشاه را بر عهده داشت. حسین وقتی به سن رشد رسید نزد معلمین خصوصی تحصیلات خود را نزد دو تن از عرفا و دانشمندان معروف کرمانشاه به نام ابوالفقراء اصفهانی و میرزای سالک ادامه داد و در ادبیات فارسی و اصول حکمت و ادبیات عرب معلوماتی کسب کرد و سپس به استدعای حسام‌الملک همدانی وارد دارالفنون ناصری شد و با سعی و مراقبت کامل تحصیلات خود را ادامه داد و در آموختن زبانهای خارجی و شیوه‌ی نگارش و حسن خط جد و جهدی به کمال مبذول داشت.

در ۱۳۱۳ ه.ق در سن بیست‌سالگی وارد وزارت خارجه شد و در اداره‌ی عثمانی که از ادارات مهم وزارت خارجه بود، مشغول به

کار گردید و مدت ۱۵ سال در آن وزارتخانه در سمتهای مختلف انجام وظیفه می‌نمود و مدتی نیز ریاست اداره‌ی دول غیرهمجوار را بر عهده داشت.

در ۱۳۲۸ ه.ق به وزارت داخله منتقل شد و به سمت مدیرکل آن وزارتخانه مشغول کار شد و پس از چندی معاون آن وزارتخانه گردید.

در انتخابات دوره‌ی سوم مجلس از طرف مردم رشت به نمایندگی رسید. حسین سمیعی که تازه پس از فوت پدر به ادیب‌السلطنه ملقب شده بود، پس از ورود به مجلس جزء فراکسیون دموکرات شد. عمر مجلس سوم زیاد دوام نکرد زیرا نائره‌ی جنگ بین‌المللی اول اندک‌اندک به ممالک شرق سرایت کرد و طولی نکشید که کشور ایران هم که بی‌طرفی خود را اعلام کرده بود، به علت رقابت کشورهای خارجی مورد تجاوز قرار گرفته، اشغال شد. مجلس سوم تصمیم به مهاجرت گرفت، ادیب‌السلطنه نیز یکی از مهاجرین بود که ابتدا به قم و بعد به کرمانشاه رفتند و دولت موقتی به سرپرستی رضاقلی‌خان نظام‌السلطنه تشکیل شد و ادیب‌السلطنه در آن دولت به وزارت داخله رسید. مهاجرین سپس به عثمانی رفتند و مدتی در آن کشور اقامت نمودند. سمیعی سرانجام به حلب رفت و مدتی در آن دیار اقامت داشت. در ۱۲۹۶ ش با سایر مهاجرین به ایران بازگشت و دور از کارهای سیاسی به مطالعه در ادبیات فارسی و زبان و متون عربی پرداخت و ضمنا به تشکیل انجمن ادبی مبادرت نمود. در کابینه‌ی سپهدار رشتی معاونت نخست‌وزیری را بر عهده گرفت و از طرف دولت مامور مذاکره با سران کودتا شد ولی در کرج توقیف و ماموریت خود را نتوانست انجام دهد. در خرداد ۱۳۰۰ ش در کابینه‌ی احمد قوام‌السلطنه، وزارت تجارت و فوائد عامه به عهده‌ی او قرار گرفت و تا بهمن همان سال در آن سمت باقی بود. مشیرالدوله جانشین قوام در کابینه‌ی خود پست وزارت تجارت و فوائد عامه را همچنان به ادیب‌السلطنه واگذار کرد ولی در کابینه‌ی بعدی که به ریاست مستوفی تشکیل شد شغل سمیعی، کفالت وزارت داخله بود.

مشیرالدوله جانشین قوام در کابینه‌ی خود پست وزارت تجارت و فوائد عامه را همچنان به ادیب‌السلطنه واگذار کرد ولی در کابینه‌ی بعدی که به ریاست مستوفی تشکیل شد شغل سمیعی، کفالت وزارت داخله بود.

در سال ۱۳۰۲ که سردار سپه رئیس‌الوزراء شد و یک سال بعد در ترمیم کابینه به وزارت عدلیه رسید. در ۱۳۰۴ ش به حکومت پایتخت منصوب شد و مدت دو سال در این سمت برقرار بود.

در کابینه‌ی حاج مخبرالسلطنه هدایت در ۱۱ خرداد ۱۳۰۶ به وزارت داخله منصوب شد و در ترمیم کابینه همچنان وزیر داخله بود تا اینکه در ۱۳۰۸ به استانداری آذربایجان رفت و دو سال در آن استان دنباله‌ی اصلاحات را گرفت مخصوصا برای ترویج زبان پارسی در آن سامان زحمات زیادی متحمل گشت و آثار نیکوئی به یادگار گذاشت.

در ۱۳۱۰ ادیب‌السلطنه مدتی کوتاه وزیر اقتصاد شد تا اینکه در ۱۳۱۱ پس از عزل و بازداشت تیمورتاش که عنوان وزیر دربار منسوخ گردید، به دربار رفت و عملا وظایف وزیر دربار را انجام می‌داد و تا سال ۱۳۱۸ که جم به وزارت دربار تعیین گردید، در این سمت باقی بود. ادیب‌السلطنه در خلال خدمت در دربار، ریاست سازمان پیش‌آهنگی را نیز بر عهده داشت و در ۱۳۱۴ پس از تشکیل فرهنگستان، به نیابت آنجا تعیین گردید و با کمک و همکاری سایر دانشمندان در احیاء زبان پارسی سره اقدامات موثری معمول داشت. در ۱۳۱۹ ادیب‌السلطنه با سمت سفیرکبیر ایران به افغانستان رفت و قریب دو سال در این سمت باقی ماند. پس از بازگشت، به ریاست فرهنگستان رسید ولی دیگر نه تنها این سازمان فرهنگی فعالیتی نداشت، بلکه بی‌جهت مورد انتقاد قرار می‌گرفت.

در بهمن ۱۳۲۱ وزیر مشاور کابینه‌ی سهیلی شد و در تیرماه سال ۱۳۲۲ وزارت کشور گرفت ولی فقط مدتی کوتاه در این سمت باقی ماند. در آن سال مجددا به دربار رفت و به ریاست تشریفات منصوب شد. ادیب‌السلطنه در سال ۱۳۲۸ در انتخابات دوره‌ی اول سنا، به سناتوری گیلان رسید و در همین سمت در سال ۱۳۳۲ در سن ۷۹ سالگی درگذشت.

حسین سمیعی یکی از افراد موجه و مولق و دانشمند دوران مشروطه است. وی قریب ۶۰ سال در مشاغل مهم سیاسی و اداری انجام وظیفه کرد که ۴۰ سال آن در مقامات وزارت و استاندار و سفارت بود. با وجودی که متجاوز از ده مرتبه به مقام وزارت رسید، مع‌الوصف شهرت ادب و قدرتش در سرودن شعر و تسلط او به زبان و ادبیات پارسی، شخصیت سیاسی او را تحت‌الشعاع قرار داده است و در محافل مختلف به نام یک دانشمند و ادیب بیشتر از یک سیاستمدار معروف می‌باشد. سمیعی مردی نیک‌نفس و صحیح‌العمل بود. اخلاف او همه از دانشمندان بودند. پدرش نیز بالاستحقاق لقب ادیب‌السلطنه داشت. در کمک به مردم و مستمندان مضایقه‌ای نمی‌نمود. در مشاغل مهم سیاسی و اجرائی خود هرگز نسبت سوئی به او داده نشده است. مردی متقی و زاهد و محافظه‌کار بود. از لحاظ مالی و ثروت پدری در رفاه زندگی می‌کرد.

ادباء و شاعران مورد احترام او بودند. چند انجمن ادبی تشکیل داد و با وجود گرفتاری‌های سیاسی در آنها مشارکت می‌کرد، اشعار سخن‌سرایان را تصحیح می‌نمود.

از مرحوم ادیب‌السلطنه آثار منظوم و منثور زیادی باقی مانده است. مهمترین اثر وی کتاب آئین نگارش است که مدتها در مدارس تدریس می‌شد. خاطرات سفر مهاجرت او هم چاپ شده است. مرحوم سمیعی در اشعار خود عطا تخلص می‌کرد و دیوان اشعارش به چاپ رسیده است.

(منسوب به سمیع) حسین ملقب به ادیب‌السلطنه متخلص به عطاء از خانواده سمیعی، و از ادبا و رجال دوره معاصر (و. رشت ۱۲۹۳ ه.ق- ف. ۱۳۷۳ ه.ق./ ۱۳۳۱ ه.ش.). وی دوران طفولیت را در کرمانشاه و تهران به سر برد، و بعد از پدرش به مشاغل دولتی پرداخت. و به وزارت (وزیر کشور ۱۳۰۶ و ۱۳۹۱، وزیر خارجه ۱۳۱۶ و وکالت مجلس شوری و سناتوری رسید. وی شاعر بود و دیوانی دارد و مدتی انجمن ادبی تهران تحت سرپرستی او اداره میشد. از تألیفات او رساله «جان کلام» و دیگر رساله‌ایست در دستور زبان فارسی.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

سمیعی، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پروفسور مجیـد سـمیعی در مرداد ماه سال ۱۳۱۶در شهرسـتان رشت در خـانواده ای فرهنگی چشم به جهـان گشود وی پس از اتمام دوران متوسـطه در کشور در سـال ۱۳۳۵برای ادامه تحصـیل به خـارج از کشور سـفر کرد ودر آلمـان غربی ساکن شـد وتوانست در رشـته بیولوژی وپزشکی در دانشگاه به تحصیل مشغول شود وادامه تحصیل وتخصصش را در رشته جراحی مغز و اعصاب تحت نظر پروفسور کورت شورمن تکمیل واعتلاء بخشـد وسرانجام در سال ۱۳۴۹دراین رشـته حائزشد . اودر سال ۱۳۵۱به درجه پروفسوری جراحی مغز واعصاب نایل شد واز آن جا که جراحی مغز به دلیل فوق العاده پیچیده بودن آن وارتباط با اعصاب حسی و حرکتی در سایر اندام ها به خصوص صورت تاثیرداشت و انجام عمل جراحی نیز با عوارضی همراه بوده همین عامل موجب شده تا او برای رفع این نقیصه و بخشیـدن زنـدگی سالم و کاهش آلام ورنـج همنوعانش دست به مطالعات گسترده ای در خصوص ساختار پیچیده مغز بزند تا بلکه روشـی بیابد تا هم عوارض عمل جراحی پس از مغز کاهش یابد وبه صفر برسد وهم این که انسان ها به زندگی توام با سلامت باز گردند .

داسـتان چنیـن رقم خـورد که تـوانست در پی سلسـله مطالعـات و تحقیقـات علمی ، نخسـتین جراحی میکروسـکوپی مغز را در سـال ۱۳۵۶در دنیا ابداع و به سـرانجام برساند و پشت بند آن هم وی اولین پزشکی بود که توانست عمل جراحی قاعده جمجمه را در دنیا ابـداع کنـد ، که مورد توجه جراحان تراز اول دنیا قرار گیرد . پرفسور مجیـد سـمیعی چهره مانـدگارسال ۱۳۸۵ که روز ۲۲آبان ماه معرفی شد از استادان برجسته جهانی است که شرح حال ایشان در پی می آید :

پروفسور مجیـد سـمیعی در مرداد ماه سال ۱۳۱۶در شهرسـتان رشت در خـانواده ای فرهنگی چشم به جهـان گشود وی پس از اتمام دوران متوسـطه در کشور در سـال ۱۳۳۵برای ادامه تحصـیل به خـارج از کشور سـفر کرد ودر آلمـان غربی ساکن شـد وتوانست در رشـته بیولوژی وپزشکی در دانشگاه به تحصیل مشغول شود وادامه تحصیل وتخصصش را در رشته جراحی مغز و اعصاب تحت نظر پروفسور کورت شورمن تکمیل واعتلاء بخشـد وسرانجام در سال ۱۳۴۹دراین رشـته حائزشد . اودر سال ۱۳۵۱به درجه پروفسوری جراحی مغز واعصاب نایل شد واز آن جا که جراحی مغز به دلیل فوق العاده پیچیده بودن آن وارتباط با اعصاب حسی و حرکتی در سایر اندام ها به خصوص صورت تاثیرداشت و انجام عمل جراحی نیز با عوارضی همراه بوده همین عامل موجب شده تا او برای رفع این نقیصه و بخشیـدن زنـدگی سالم و کاهش آلام ورنـج همنوعانش دست به مطالعات گسترده ای در خصوص ساختار پیچیده مغز بزند تا بلکه روشـی بیابد تا هم عوارض عمل جراحی پس از مغز کاهش یابد وبه صفر برسد وهم این که انسان ها به زندگی توام با سلامت باز گردند .

داسـتان چنیـن رقم خـورد که تـوانست در پی سلسـله مطالعـات و تحقیقـات علمی ، نخسـتین جراحی میکروسـکوپی مغز را در سـال ۱۳۵۶در دنیا ابداع و به سـرانجام برساند و پشت بند آن هم وی اولین پزشکی بود که توانست عمل جراحی قاعده جمجمه را در دنیا ابداع کند ، که مورد توجه جراحان تراز اول دنیا قرار گیرد .

عطش پروفسور به خدمت وصفتی هم چون خورشید واقیانوس داشتن موجب شد تا در وگهر های دانش و تجربه خویش را درقالب برگزاری هـا ی دوره هـای آموزشـی به دیگر جراحان دنیا انتقال دهـد . برای ایرانیان دنیا وجمهوری اسـلامی ایران همین بس که با همت پروفسور سـمیعی امروزه در تمـام کشور هـای جهان انجمنی تحت عنوان جراحان قاعـده جمجمه با ۱۲۰۰جراح حاذق تشکیل شـده که هر سال در قالب کنگره علمی ، جراحی قاعـده جمجمه مغز از طریق ویدئو پروژکشن به شاهد آخرین دسـتاوردهای علمی جراحی پروفسورهستند و با استفاده از دوربین های مدار بسته به صورت مستقیم عمل جراحی وی را مشاهده و باتکنیک های جدید پزشکی و آموزشی می بینند .

پروفسور سمیعی که دردهه ۱۳۵۰تصمیم گرفت تخصصی ترین بیمارستان جراحی مغز را در شهر هانوفر آلمان که معماری آن شبیه مغز انسان است را تامین کنـد و خوشـبختانه در این کار هم موفق شـد .پروفسور سـمیعی در سال ۱۳۶۷کرسی جراحی مغز واعصاب هـانوفر آلمـان را پـذیرفت وهمزمـان بـا عنـوان ریـاست فدراسـیون جهـانی انجمن هـای قاعـده جمجمه برگزیـده شـده در این سـال صدراعظم آلمان به پاس خدمات وی د ر جراحی مغز واعصاب نشان درجه یک دولت آلمان غربی را به وی اعطا نمود .

پروفسور سمیعی مجموعه ادبیات علمی خودرا تاکنون د رقالب ۱۳ کتاب و بیش از ۲۰۰مقاله علمی منتشر کرده که مهم ترین مرجع برای جراحان مغز واعصاب دنیا به شمار می آید .

پروفسـور سـمیعی ، در خصـوص ایـن کـه مهم ترین اهـدافش از آمـوزش متخصـصان ایرانی چیست گفت :« می خـواهم تـازه هـای پزشـکی در زمینه مغز واعصاب هر چه سریع تر به کشور عزیزم ایران منتقل شود .» شده که هر سال در قالب کنگره علمی ، جراحی قاعده جمجمه مغز از طریق ویدئو پروژکشن به شاهد آخرین دستاوردهای علمی جراحی پروفسورهستند و با استفاده از دوربین های مدار بسته به صورت مستقیم عمل جراحی وی را مشاهده و باتکنیک های جدید پزشکی و آموزشی می بینند .

پروفسور سمیعی که دردهه ۱۳۵۰تصمیم گرفت تخصصی ترین بیمارستان جراحی مغز را در شهر هانوفر آلمان که معماری آن شبیه مغز انسان است را تامین کنـد و خوشـبختانه در این کار هم موفق شـد .پروفسور سـمیعی در سال ۱۳۶۷کرسی جراحی مغز واعصاب هـانوفر آلمـان را پـذیرفت وهمزمـان بـا عنـوان ریـاست فدراسـیون جهـانی انجمن هـای قاعـده جمجمه برگزیـده شـده در این سـال صدراعظم آلمان به پاس خدمات وی د رجراحی مغز واعصاب نشان درجه یک دولت آلمان غربی را به وی اعطا نمود .

پروفسور سمیعی مجموعه ادبیات علمی خودرا تاکنون د رقالب ۱۳ کتاب و بیش از ۲۰۰مقاله علمی منتشر کرده که مهم ترین مرجع برای جراحان مغز واعصاب دنیا به شمار می آید .

پروفسور سمیعی ، در خصوص این که مهم ترین اهدافش از آموزش متخصصان ایرانی چیست گفت :« می خواهم تازه های پزشکی در زمینه مغز واعصاب هر چه سریع تر به کشور عزیزم ایران منتقل شود .»

سمیعیان، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

روزنامه‌نگار، شاعر.

تولد: ۱۲۷۵(۱۳۱۳ ق.)، تهران.

درگذشت: ۱ اسفند ۱۳۶۳، تهران.

یحیی سمیعیان متخلص به «ریحان» اصفهانی‌الاصل، فرزند محمدباقر پس از تحصیلات متداول زمان خود در وزارت مالیه به کار مشغول شد. در سال ۱۲۹۵ با همکاری دو تن از دوستان خود (ابوالقاسم ذره و عبدالحسین حسابی) به نشر مجله‌ی ادبی و فکاهی و اجتماعی «گل زرد» همت گماشت که در سال ۱۳۳۶، تأسیس و شماره اول آن در شعبان سال مذکور منتشر گردید (پانزده روز یک بار). در سال ۱۳۰۱ هنگام زمامداری سید ضیاءالدین طباطبایی به نشر روزنامه‌ی سیاسی دیگر به نام «نوروز» اقدام کرد و چون خود دارای افکار آزادیخواهی بود و مقاله‌ها و اشعارش نیز در همین زمینه نشر می‌شد به دستور سید ضیاء او را به تیمارستان تهران بردند. به همین جهت از آن پس از روزنامه‌نگاری دست کشید و همچنان در وزارت مالیه (دارایی) به خدمت ادامه داد. بعدها داستان به تیمارستان رفتن خود را در روزنامه‌ی «بهار» زیر عنوان «یک شب در دارالمجانین» نگاشت و از آن پس به آمریکا سفر کرد و مدت سی سال در آنجا زیست. آثار وی در «شفق سرخ»، «ایران» و «نوبهار» نیز به چاپ رسیده است. همچنین منتخبی از اشعارش به نام باغچه‌ی ریحان طبع شده است. چاپ سوم دیوان اشعارش به سال ۱۳۵۴ در تهران منتشر شد.

یحیی سمیعیان سرانجام به ایران مراجعت کرد و تنها در تهران ساکن بود. وی اواخر سال ۱۳۶۳ زندگی را بدرود گفت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

سنایی دامغانی، تاج‌الدین حسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، شاعر و دانشمند. معروف به صدرالحفاظ. وی از دانشمندان و شاعران نامی زمان خود بود که در سرودن شعر توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۲۶ -۳۲۵).

سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۴۵/۵۲۵ -۴۷۳/۴۶۵ ق)، شاعر شیعی و عارف. در غزنین متولد شد. در آغاز جوانی شاعری درباری و مداح مسعود بن ابراهیم غزنوی و بهرامشاه بن مسعود بود. ولی بعد از سفر خراسان و اقامت چند ساله در آن شهر و ملاقات با مشایخ تصوف در او تغییری ایجاد شد و کارش به زهد و انزوا و تامل در حقایق عرفانی کشید بروز شخصیت سنائی از این اوان صورت گرفت و در این دوره است که او به سرودن قصائد معروف خود در زهد و وعظ و عرفان و ایجاد منظومه‌های مشهور پرداخت. وی در طریقت مرید شیخ ابویوسف یعقوب همدانی بود. مولانا جلال‌الدین رومی با وجود کمال فضل خود را از متابعان شیخ سنائی می‌داند اثر سنائی در تغییر سبک شعر فارسی و ایجاد تنوع و تجدد در آن مسلم است. سنائی یکی از بزرگترین شاعران ایران و معروفترین شاعر تصوف و بنیانگذار این فن است. وی بعد از بازگشت از سفر مکه، مدتی در بلخ به سر برد و از آن جا به سرخس و مرو و نیشابور رفت و هرجا چندی در سایه‌ی تعهد و نیکو داشت بزرگان علم و روسای محل بسر می‌برد. در آغاز کار که شاعر مداح بود، روش شاعران دوره اول غزنوی خاصه عنصری و فرخی را تقلید می‌کرد. و در دوره‌ی دوم که دوره‌ی تغییر حال و تکامل معنوی اوست، آثار او پر است از معارف و حقایق عرفانی و حکمی و اندیشه‌های دینی و زهد و وعظ و ترک و تمثیلات تعلیمی که با بیانی شیوا و استوار ادا شده است. وی برای اثبات مقاصد خود و اصطلاحات وافر علمی از علوم مختلف زمان که در همه‌ی آنها صاحب اطلاع بوده، آراسته است و به همین سبب بسیاری از ابیات او دشوار و محتاج شرح و تفسیر شده است. این روش که سنائی در پیش گرفت مبدا و تحول بزرگی در شعر فارسی و یکی از علل انصراف شعر از امور ساده و توضیحات عادی و توجه آنان به مسائل مشکلتر و سرودن قصاید طولانی در زهد، وعظ، حکمت، عرفان و اخلاق شده است. از شعرای معاصر وی: مسعود سعد سلمان، عثمان مختاری، سید حسن غزنوی، معزی، انوری، سوزنی را می‌توان نام برد. او در غزنین درگذشت. از آثار وی: «حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه»؛ «سیر العباد»؛ «دیوان» قصاید و غزلیات؛ «کارنامه بلخ»؛ «تحریمه القلم»؛ «مکاتیب سنائی». و از آثار منسوب به او: «طریق

التحقیق»؛ «عقل نامه»؛ «عشق نامه»؛ «سنائی‌آباد».[۱]

(منسوب به سنا بخش ۱) ابوالمجد مجدود بن آدم، شاعر و عارف معروف ایرانی قرن ششم. (و. غزنین اواسط یا اوایل نیمه دوم قر. ۵- ف. بین ۵۲۵ و ۵۴۵ ه.ق.) او پس از رشد در شاعری به دستگاه غزنویان راه جست و مسعود بن ابراهیم و بهرام شاه بن مسعود را یاد و مدح کرد، ولی نصیبی نبرد و از ممدوحان رضایتی نیافت و دردناک و مستمند در چنگ آز گرفتار بود تا دست به دامن عرفان زد و از جهان و جهانیان دست شست، چنانکه بهرام شاه از پی اعزاز او خواست تا خواهر خود بدو دهد، نپذیرفت. وی چند سال از دوره جوانی خود را در شهرهای بلخ و سرخس و هرات و نیشابور گذرانید و گویا در همان ایام که در بلخ بود، راه کعبه پیش گرفت. بعد از بازگشت از سفر مکه، شاعر مدتی در بلخ به سر برد و از آنجا به سرخس و مرو و نیشابور رفت و هر جا چندی در سایه تعهد و نیکو داشت بزرگان محل به سر برد تا در حدود سال ۵۱۸ به غزنین بازگشت. یادگار این سفر دراز مقداری از قصاید و اشعار سنائی است که در خراسان سروده، و کارنامه بلخ که درشهر بلخ ساخته. تغییر حال و مجذوب شدن او نیز در اثنای همین سفر رخ داده: وی را شاگرد و پیرو ابویوسف یعقوب همدانی دانسته‌اند. سنائی پس از بازگشت به غزنین تا پایان حیات در آن شهر به گوشه‌گیری و عزلت گذراند. در همین دوره است که به نظم مثنوی «حدیقهٔ الحقیقه» (ه.م.) پرداخت. آرامگاه سنائی در غزنین زیارتگاه است. وی دوستدار آل علی بود. سنائی در تغییر سبک شعر فارسی و ایجاد تنوع و تجدد در آن مؤثر بوده است. در آثار او دو سبک مختلف مربوط بدو دوره زندگانی دیده میشود. در مرحله نخستین سنائی شاعری درباری و لهو پیشه بود و برای تحصیل دینار از مدح کس امتناع نداشت. در مرحله دوم شاعر افکار اخلاقی و عرفانی خود را اظهار داشته و سبک حقیقی خویش را بدین وسیله ایجاد کرده است. از آثار اوست: حدیقهٔ الحقیقهٔ، طریق التحقیق، سیر العباد الی المعاد، کارنامه بلخ.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۵۷۲ -۵۴۴ /۲)، اعیان الشیعه (۵۸/۹)، با کاروان حله (۱۷۷ -۱۵۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۸۶ -۵۵۲ /۲)، تاریخ گزیده (۷۳۶ ،۶۶۰)، تاریخ نظم و نثر (۷۷ -۷۶)، تازیانه‌های سلوک (۵۸ -۹)، تذکره‌ی روز روشن (۳۷۱ -۳۶۹)، جستجو در تصوف (۲۷۳ -۲۳۷)، چشمه‌ی روشن (۱۳۸ -۱۲۸)، دایرهٔالمعارف فارسی (۱۳۴۱ -۱۳۴۰ /۱)، الذریعه (۱۱۹/۱۹ ، ۴۷۲ -۴۷۱ /۹ ،۳۸۲/۶)، روضات الجنات (۲۳۶/۷)، ریاض العارفین (۱۹۶)، ریحانه (۸۷ -۷۹ /۳)، سخن و سخنوران (۳۰۹ -۲۵۴)، سیری در شعر فارسی (۲۹۲ -۲۸۷)، شخصیتهای نامی (۲۵۰ -۲۴۹)، شعر العجم (۱۶۶ -۱۵۵ /۱)، کارنامه بزرگان (۱۷۱ -۱۷۰)، کشف الظنون (۱۶۱)، الکنی و الالقاب (۲۵۷ -۲۵۲ /۲)، لغت نامه (ذیل/ سنایی)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۲ -۱۸۸ /۵)، مجالس المومنین (۷۹ -۷۷ /۲)، مجالس النفائس (۳۳۹)، مجمع الفصحا (۷۴۸ -۷۱۳ /۲)، مرآت الخیال (۳۴ -۳۳)، نتایج الافکار (۳۱۶ -۳۱۳)، نفحات الانس (۵۹۷ -۵۹۳)، هدیه الاحباب (۱۵۲)، یادداشتهای قزوینی (۱۵۳ -۱۵۲ /۵)، یادگار (س ۳، ش ۵، ص ۲۵ -۲۳)، یغما (س ۳، ص ۲۱۵ -۲۰۹).

سنجابی، کریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۳ ش)، نویسنده و استاد دانشگاه. وی در رشته حقوق و علوم سیاسی مدرک لیسانس و از دانشگاه پاریس دکتری گرفت. استاد حقوق اداری و اقتصاد در دانشکده‌ی حقوق بود. از آثار وی: «جزوه اقتصاد سال اول دانشکده‌ی حقوق»؛ «حقوق اداری».[۱]

استاد، محقق.

تولد: ۱۲۵۸، کرمانشاه.

درگذشت: تیر ۱۳۷۴، آمریکا.

کریم سنجابی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در زادگاهش، در دارالفنون ادامه‌ی تحصیل داد و سپس از دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل گردید. آنگاه برای ادامه‌ی تحصیل به فرانسه رفت و در رشته‌ی حقوق اقتصاد دکتری (رساله‌ی او به زبان فرانسوی درباره‌ی اصطلاحات ارضی بود که در سال ۱۳۱۳ نوشته شده است) گرفت. پس از بازگشت به ایران (پس از اخذ مدرک دکتری) در دانشکده‌ی حقوق به تدریس پرداخت و سال‌ها استاد رشته‌ی حقوق اداری بود.

دکتر کریم سنجابی در دوره‌ی ۲۶ مجلس شورای ملی از طرف مردم کرمانشاه به نمایندگی مجلس انتخاب شد. دکتر محمد مصدق در روز ۱۲ اردیبهشت سال ۱۳۳۰ هیئت دولت خود را تشکیل داد و به مجلس شورای ملی معرفی نمود. دکتر کریم سنجابی در این کابینه به وزارت فرهنگ منصوب شد. این هیئت دولت مدت نه ماه بر سر کار بود. دکتر مصدق در ۵ دی ماه همان سال به ترمیم هیئت دولت اقدام و دکتر محمود حسابی به جای دکتر سنجابی وارد هیئت دولت شد. دکتر کریم سنجابی از اعضای جبهه‌ی ملی بود. در خلع ید از شرکت نفت سابق و ملی شدن صنعت نفت فعالیت داشت. پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ همراه با دیگران دستگیر و بازداشت شد. علاوه بر این دستگیری، وی چند بار دیگر نیز به زندان افتاد. وی در ابتدای دوره‌ی دوم فعالیت خود حزب میهن را تأسیس کرد و بعد به همراهی چند تن دیگر حزب ایران را به وجود آورد.

از جمله آثار او کتابی است به نام امیدها و ناامیدی‌ها (لندن، ۱۳۶۹) که حاوی خاطرات اوست. از آثار دیگر او است: جزوه‌ی اقتصاد سال اول دانشکده‌ی حقوق (۱۳۲۱)؛ حقوق اداری (۱۳۳۴).

در اوج تظاهرات مردم در انقلاب اسلامی به دکتر کریم سنجابی پیشنهاد تشکیل هیئت دولت و عضویت در هیئت دولت و ریاست شورای سلطنت داده شد که از پذیرش آنها خودداری کرد. در همان زمان کریم سنجابی دستگیر و به زندان افتاد که در آذر سال ۱۳۵۷ از زندان آزاد شد و به تجدید حیات جبهه‌ی ملی اقدام کرد. پس از انقلاب اسلامی، دکتر کریم سنجابی در دولت موقت

مهندس مهدی بازرگان مدتی عهده‌دار وزارت امور خارجه بود.

وزیر، وکیل مجلس، استاد دانشگاه عضو و رئیس جبهه ملی، مخالف محمدرضا پهلوی. در ۱۲۸۳ در کرمانشاه تولد یافت. پدرش قاسم‌خان سردار ناصر رئیس ایل سنجابی بود که مدتها در دوران سلطنت رضاشاه در زندان و تبعید به سر می‌برد. سنجابی پس از اتمام تحصیلات ابتدائی و متوسطه وارد مدرسه‌ی حقوق تهران شد و از مدرسه‌ی مزبور لیسانس اداری گرفت و جزء اولین دسته محصلین دولتی به اروپا اعزام شد و در پاریس ادامه‌ی تحصیل داد و دکترای حقوق دریافت نمود. پس از ورود به ایران، در ۱۳۱۳ به دانشیاری دانشکده جدیدالتاسیس حقوق و علوم سیاسی انتخاب شد. پس از ۵ سال به مقام استادی و تدریس در دانشگاه رسید و بعد با حفظ سمت، به خدمت در وزارت معارف درآمد و مشاغلی در آن وزارتخانه پست سرگذاشت. چندی کفیل دبیرستان دارائی، مدتی کفیل ریاست آموزش متوسطه و زمانی ریاست اداره‌ی آموزش عالی را داشت. در ۱۳۲۱ به معاونت دانشکده‌ی حقوق و در ۱۳۲۵ به ریاست دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی با رای استادان انتخاب گردید.

از ۱۳۲۸ که موضوع ملی شدن صنعت نفت مورد توجه قرار گرفته و نطفه‌ی جبهه ملی بسته شد، سنجابی عضویت جبهه را پذیرفت و از اعضای فعالی جبهه گردید. در ۱۳۳۰ که مصدق ماموریت اداره‌ی امور کشور را بر عهده گرفت، او را به سمت وزیر فرهنگ معرفی کرد. سنجابی یک سال مقام وزارت داشت، نه تنها قدمی برای فرهنگ کشور برنداشت، بلکه اوضاع آشفته‌ی آن وزارتخانه را آشفته‌تر کرد و سرانجام آنجا را ترک نمود. در ۱۳۳۱ به هنگام طرح مسئله‌ی ملی شدن صنعت نفت در دادگاه لاهه، در معیت مصدق به آنجا رفت و قاضی اختصاصی ایران بود.

در انتخابات دوره‌ی هفدهم، از کرمانشاه به وکالت مجلس انتخاب شد و عضویت فراکسیون جبهه ملی را داشت. پس از سقوط مصدق، وی تحت تعقیب قرار گرفت، مدتها به حالت اختفاء می‌زیست، سرانجام به شفاعت حشمت‌الدوله والاتبار که نفوذی فوق‌العاده بر شاه داشت، خود را معرفی نمود و همان روز آزاد شد و کرسی استادی دانشکده‌ی حقوق را مجددا به او دادند. سنجابی تا سال ۱۳۴۲ فعالیتی نداشت و اساسا با سایر اعضای جبهه ملی حشر و نشر نمی‌نمود، ولی از آن سال به بعد وارد مبارزات سیاسی شد. گاهی پنهان و زمانی آشکار به مبارزه ادامه می‌داد و در جلسات جبهه ملی شرکت می‌نمود. چند بار مورد تعرض واقع شد، چندی در زندان به سر برد و مدتی تحت‌نظر بود تا اینکه در ۱۳۵۷ رهبر جبهه ملی ایران شد و مبارزه‌ی جبهه ملی علیه شاه و رژیم را او علنی ساخت. در آن سال فعالیتی چشمگیر داشت و معتقد بود شاه باید سلطنت کند نه حکومت. چندی سفر به خارج نمود. در آبان‌ماه چند روزی طبق ماده‌ی پنج حکومت نظامی بازداشت شد. چند جلسه طولانی ملاقات با سپهبد مقدم رئیس ساواک داشت، سرانجام روزی به اتفاق او به دیدار شاه رفتند، بنا به نوشته‌ی شاه، او دست شاه را بوسیده و از اعمال گذشته‌ی خویش اظهار ندامت کرده و شاه تکلیف نخست‌وزیری به او می‌کند که موکول به مطالعه و پاسخ می‌شود ولی جو زمان اجازه‌ی قبول چنین سمتی را که صمیمانه خواستار آن بود، نداد.

سنجابی مردی کم‌استعداد و استادی کم‌سواد بود. هیچگونه تحقیق علمی در کار خود نکرد. چهل سال تدریس حقوق اداری با او بود، هرگز نخواست کتابی در این زمینه با پیشرفتهای روز تهیه کند. چند صفحه جزوه‌ی ناقص را به صورت فتوکپی بین دانشجویان تقسیم می‌کرد. وی در اواخر عمر خاطرات خود را به رشته تحریر درآورد و آن را انتشار داد. در ۱۳۷۵ در اروپا درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] مؤلفین کتب چاپی (۶۶ -۶۵ /۵).

سنجاری، محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۲۱ -۶۷۵ ق)، فقیه حنفی. اصل وی از سمرقند است. در سمرقند یا سنجار، از نواحی جزیره و نزدیک موصل، به دنیا آمد. او از بزرگان علمای حنفیه بود. در شهرهای مختلف سیاحت کرد و عاقبت در ماردین از توابع جزیره اقامت گزید و در آنجا به تدریس و تصنیف و فتوا اشتغال یافت و همان جا درگذشت. از آثارش: «عمده الطالب لمعرفه المذاهب»، در بیان اختلاف مابین شیعه و مذاهب چهارگانه‌ی اهل سنت و بعضی مذاهب دیگر. در «الکنی و الالقاب» و «ریحانه» مولف این کتاب به جای سنجاری، سخاوی ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۶۵/۷)، ریحانه (۸۸/۳، ۴۵۰/۲)، کشف الظنون (۱۱۶۸)، الکنی و الالقاب (۳۱۱/۲)، معجم المؤلفین (۱۵۵/۱۰).

سنجانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۱ ق)، شاعر. مشهور به قاضی سنجان. وی از نوادگان شاه سنجان شاعر و عارف ایرانی بود که در سرودن غزل و مثنوی توانایی داشت و از علم و فضل نیز بهره فراوان. از آثار وی: مثنوی «منظر الابصار» که آن را به امر امیرعلیشیر نوایی نظم کرد و مثنوی «تاریخ وقایع و بدایع» که برای شاه اسماعیل صفوی سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه‌ی سامی (۱۳۲ -۱۳۱)، تذکره‌ی روز روشن (۶۴۹ -۶۴۸)، الذریعه (۸۷۱، ۴۷۲ /۹)، ریحانه (۸۹/۳)، فرهنگ سخنوران (۷۳۴)، لغت نامه (ذیل/ قاضی سنجانی).

سنجر سلجوقی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۵۲ -۴۷۹/۴۷۷ ق)، شاعر. در شهر سنجار به دنیا آمد، آخرین پادشاه از سلسله‌ی سلجوقیان است که چهل سال پادشاهی کرد. در نظم طبع خوب داشت. مردی ادیب و ادب‌پرور بود و شاعران بسیاری ملازم دربار او بودند. و استادانی نظیر انوری و ادیب صابر و رشید و طواط و عبدالواسع جبلی و فرید کاتب و عماد زوزنی و سید حسن غزنوی و مهستی در خدمت او بودند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دایرةالمعارف فارسی (۱۳۴۷/۱)، الذریعه (۴۵۷/۹)، روضه السلاطین (۱۶ -۱۴)، لغت نامه (ذیل/ سلطان سنجر)، مجمع الفصحا (۵۸/۱).

سنجر کاشانی، محمد هاشم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۲۱ -۹۸۰ ق)، شاعر، متخلص به سنجر. ملقب به سیدالشعراء. وی در کاشان به دنیا آمد و در آنجا نشو و نما یافت و به دامادی ملک قمی درآمد، در جوانی به اگره هند سفر کرد و در آن جا بر اثر اعمال ناشایست زندانی شد بعد از رهایی به احمدآباد گجرات و از آنجا به بیجاپور دکن مرکز حکومت عادلشاهیان رفت، پس از مدتی که در دربار ابراهیم عادلشاه بود به وسیله‌ی نامه‌ای از طرف شاه عباس به ایران احضار شد پیش از اینکه به ایران برسد در بیجاپور از دنیا رفت. از جمله آثارش: «دیوان» اشعار؛ ساقی نامه‌ای به نام «فرخ نامه» و مثنویی بر وزن «خسرو و شیرین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۵۰۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۳۷ -۹۳۱ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۲۰)، تذکره‌ی میخانه (۳۵۰ - ۳۲۱)، الذریعه (۴۷۳ -۴۷۲ /۹)، سرو آزاد (۲۷ -۲۶)، فرهنگ سخنوران (۴۷۰)، کاروان هند (۵۹۴ -۵۸۳ /۱)، منظومه‌های فارسی (۳۱۶ -۳۱۴)، هدیه العارفین (۲۷۰/۲)، هفت اقلیم (۴۶۹ -۴۶۸ /۲).

سنجری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن نیم‌ورقی، جلد سوخت معرق. دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مذهب مرصع عالی، نسخ کتابت خفی و ثلث و رقاع جلی خوش با رقم: «... میرم سنجری...» سال ۹۳۰ در آستانه‌ی حضرت معصومه‌ی قم.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

سنجری خراسانی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. در زمان سلطان سنجر سلجوقی می‌زیست و مداحی وی می‌کرد. سنجری در زمان سلطان نهایت جلالت را داشت. از اشعارش اندکی باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۷۲)، الذریعه (۴۷۴ -۴۷۳ /۹)، فرهنگ سخنوران (۴۷۰)، لغت نامه (ذیل/ سنجری خراسانی)، مجمع الفصحا (۷۰۳/۲).

سنجی، ابوداوود سلیمان

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۵۷ ق)، حافظ، محدث، مورخ، نحوی، ادیب، و شاعر. نسبتش به سنج، یکی از توابع مرو، می‌رسد. وی در لغت و فنون مهارت بسزایی داشت. تمامی آن علوم را از اصمعی و دیگر اساتید وقت فراگرفت. به عراق و حجاز و یمن و مصر کرد و به بغداد رفت و با حافظان حدیث آنجا به مذاکره پرداخت. او از نضر بن شمیل و عبدالرزاق بن همام و حسین بن حفص اصفهانی و عثمان بن عمر بن فارس و عمرو بن عاصم و بسیاری دیگر حدیث شنید. مسلم و ترمذی و نسائی، صاحبان سه «صحیح»، و همچنین ابوحاتم رازی و ابن‌خراش و محمد بن عقیل بلخی و ابن ابی‌داوود از وی حدیث روایت کرده‌اند. پاره‌ای از رجال‌شناسان او را ثقه و مورد اعتماد دانسته‌اند. از آثار وی کتابی در «تاریخ» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (۵۲ -۵۱ /۹)، تهذیب التهذیب (۱۹۹/۴)، الجرح و التعدیل (ج ۲ ق ۱۴۷/۱)، ریحانه (۹۱/۳)، معجم المؤلفین (۲۷۶/۴).

سند کاشانی، میرسند

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اهل کاشان و ساکن فین بود. سید پاک طینت صالحی بود و در کمال دین‌داری مدتها ساکن کاشان بود و از آن خارج نشد شعر بسیاری دارد. از اشعار اوست:

انسان یکی هزار شود از فتادگی

هر دانه که خاک‌نشین گشت خرمن است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۲۸ -۳۲۷)، الذریعه (۴۷۴/۹)، صبح گلشن (۲۱۲ -۲۱۱)، فرهنگ سخنوران (۴۷۱ -۴۷۰).

سند، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد سند

محل تولد : بحرین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حدود چهار سال و نیم سن داشتم که به دبستان رفتم . پانزده سال و نیم داشتم که دیپلم گرفتم. سپس عازم لندن شدم و فوق دیپلم هندسه را در سال اول گرفتم. در سال دوم موارد اضافی را فرا گرفتم تا در دانشکده تخصصی امپریال وارد شوم ولی در نزدیک اواخر سال دوم تصمیم به رفتن به حوزه علمیه قم را گرفتم. با ورود به حوزه ، با تمام جدیت ، شبانه روز و پنجشنبه و حتی جمعه و تعطیلات ، همیشه مشغول تحصیل بودم و همه متون قدیمه مانند قوانین، شرح نظام، مطول و شمسیه و هیئت چغمین و عروقی و غیره را فرا گرفتم البته کتابهای مقدمات را خودم به تنهایی فرا گرفتم چون در دبیرستان جزو مواد درسی بود و با آنها آشنا بودم.

در مدت سه سال و نیم ، سطوح عالیه را به اتمام رساندم که البته ساعات کاری این سه سال و نیم معادل ساعتهای درسی حوزه در هفت سال برآورد میشود . سپس درسهای خارج آقایان روحانی و میرزا هاشم آملی و وحید خراسانی ، در بیع و اصول الفاظ و صلاهٔ و اصول عملیه و فلسفه اسفار و سپس بخصوص نزد آقای جوادی آملی و اشارات هم پیش آقای حسن زاده آملی و همراه این سالها درسهای آقای گلپایگانی که درقضاء و شهادات و حدود بود را، در تعطیلات فرا گرفتم و قضا و شهادات آقای تبریزی و همچنین طهارت و غیره آنها .

در اواخر حضور درسی دو سال نزد آقای علامه فانی اصفهانی اصول فشرده و بیع و مکاسب محرمه و قضاء و خلل صلاهٔ و غیره همچنین بحثهای تعطیلی آقای روحانی شرکت داشتم که در خلل صلاهٔ و قواعد اصولی بود و در اواخر سه سال فقه طهاره و اصول عملیه و جلسه استفتاء آقای تبریزی شرکت داشتم سپس بدستور استاد آقای روحانی و میرزا هاشم آملی شروع به تدریس بحث خارج نمودم.البته شروع تدریس بحث خارج فقه و اصول همگام با دو سال اخیر حضور اینجانب در درسهای آقایان بود و همینطور تدریس منظومه ملا هادی مرتبه دوم بود. سپس اشارات بوعلی و سپس شفاء بوعلی و سپس اسفار که چندین جلد آنرا تا بحال تدریس داشتم و همینطور یک دوره عقاید در امامت در طی چهار سال، همینطور تدریس مسائل مستحدثه در تعطیلات پنج شنبه و جمعه که اکنون هم ادامه دارد و بحث کتاب حج دو دوره (خلاصه و مفصل) در تعطیلات داشتم و دوره اصول از اول الفاظ تا آخر استصحاب ، در طی ۱۲ سال . بسیاری از این بحثها بچاپ رسیده و در زمینه مسائل مستحدثه متعدد و بسیاری از شاگردان حاضر در بحث بدرجه تدریس کفایه و مکاسب و رسائل بلکه تدریس تقریرات رسیده و بسیاری از آنها دارای تالیفات متعدد در زمینه های مختلف هستند.در زمینه مقالات و سخنرانی ها در شهرها و کشورهای مختلف شرکت داشته ام.

سنگری، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا سنگری در سال ۱۳۵۰ در تهران بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک کارشناسی ارشد رشته مهندسی مواد از دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۷۶است .وی برگزیده بیستمین جشنواره خوارزمی در سال ۱۳۸۵ می باشد.

گروه : فنی و مهندسی

رشته : مهندسی مواد

گرایش : شناسایی و انتخاب و ورشهای تولید مواد

والدین و انساب : پدر رضا سنگری پرویز سنگری و نام مادر محترمشان خانم نازنین سنگری است.

خاطرات کودکی : دوران کودکی رضا سنگری همزمان با وقایع و شرایط انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : رضا سنگری با توجه به مسئولیت پدر در وزارت آموزش و پرورش ایشان در محیط فرهنگی و در شرایط مالی متوسط بزرگ شدند.او تنها پسر خانواده است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : رضا سنگری دارای مدرک کارشناسی رشته مهندسی مواد از دانشگاه آزاداسلامی و کارشناسی ارشد رشته مهندسی مواد از دانشگاه آزاداسلامی می باشد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : رضا سنگری در حین تحصیل اولین دفتر دانشجویی را با فعالیت فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد ایجاد کرد.

استادان و مربیان : دکتر احمد ساعتچی ،دکتر عباس نجفی زاده ، دکتر محمد علی گلعذار ،دکتر محمد حسین عباسی و دکتر ابراهیم حشمت دهکردی از اساتید رضا سنگری می باشند.

هم دوره ای ها و همکاران : ازهمدوره ایها و همکاران رضا سنگری می توان به چند تن اشاره کرد: مهندس محمد حسین فنایی ،مهندس سید حسن موسوی،مهندس محمد کاظم پور مند ، مهندس همایون بهروزی نیا ، مهندس امان اله عمادی و مهندس مجید هنرمند.

همسر و فرزندان : رضا سنگری متاهل است نام همسر وی سرکار خانم ماندانا حسین پور می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : - مدیر طراحی مهندسی شرکت مهندسی ساخت صنایع فولاد سایا - مدیر تضمین کیفیت شرکت صنایع ریخته گری آذرین - عضو هیئت مدیریه شرکت پیشگامان فن آوری آسپادانا - عضو هیئت مدیریه شرکت نصبان - ریاست کمیته تحقیق و فن آوری خانه صنعت و معدن استان اصفهان در سالهای ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ - عضو هیئت مدیره شرکت جلوه دلاوران - عضو هیئت مدیریه شرکت ایران پاد - مشاور فنی و بازرس شرکت بازرسی فنی ناظران

فعالیتهای آموزشی : - تدریس در رشته های ریخته گری ،عملیات حرارتی در شرکتهای مطبوعه - تدریس دروس دانشگاهی و پیش دانشگاهی به صورت خصوصی

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : مراکزی که رضا سنگری یکی از بانیان آن بشمار می رود به قرار زیر است: - کنسرسیوم شرکتهای خدمات مهندسی استان اصفهان - کمیته تحقیق و فن آوری خانه و معدن استان اصفهان - دفتر دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : رضا سنگری در کنار کارهای موجود در شرکت به تحقیق و بررسی و مدیریت دهها پروژه تولیدی و تحقیقاتی که برای اولین بار در کشور اجرا شده است می پردازد.از آن جمله می توان به تولید قفسه نورد مجتمع فولاد مبارکه ،طراحی و تکنولوژی و محاسبات کارخانه تولید مس آندی فلزات فجر وابسته به صنایع دفاع و طراح و ساخت هسته مرکزی توربین آبی اشاره کرد.

جوائز و نشانها : - رتبه دوم پژوهش کاربردی بیستمین جشنواره خوارزمی در سال ۱۳۸۵ - ارائه کننده مقاله برتر کنفرانس ملی نیروگاه های آبی در سال ۱۳۸۲ - دریافت لوح افتخار سمینار جامعه ریخته گران ایران در سال ۱۳۸۳ - دریافت لوح افتخار سمینار جامعه ریخته گران ایران در سال ۱۳۸۲ - دریافت لوح تقدیر سمپوزیوم فولاد در سال ۱۳۸۲ - دریافت لوح تقدیر سمپوزیوم فولاد در سال ۱۳۸۱

چگونگی عرضه آثار : - کد گذاری فولاد آلیاژی در سال ۱۳۸۱ - تکنولوژی تولید غلطکهای نورد به روش ریخته گری ثقلی در سال ۱۳۸۳ - کاربرد فولاد زنگ نزن در توربین های آبی در سال ۱۳۸۲ - ارائه چندین مقاله علمی و کاربردی در سمینارها ،سمپوزیوم ها و کنفرانسها و مجلات علمی و صنفی داخل کشور

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

سنگریزه، تاج‌الدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۷۰ ق)، شاعر. اصلا ایرانی بود و از شعرای دربار غیاث‌الدین بلبان حکمران دهلی. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۷۴/۹)، ریحانه (۳۱۶/۱)، فرهنگ سخنوران (۴۷۱)، لغت نامه (ذیل/ تاج‌الدین).

سنگلاخ خراسانی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۴ -۱۱۸۴ ق)، خطاط و شاعر. وی اصلا از خاندان قرایی قوچان خراسان بود و به خود لقب سنگلاخ داده و از آن وقار و متانت اراده کرده است. بسیار عارف مسلک و صوفی‌منش بود و در نظم و نثر دست داشت. سالها در استانبول توقف داشت و اعیان آن دولت تجلیلش نموده و مدایح او را کتابی کرده و به طبع رسانیده‌اند. از خطوط، نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت و خطوط را نیک می‌شناخت. قدسی خراسانی، خواهرزاده و شاگرد وی در خط بود. میرزا سنگلاخ در تبریز درگذشت و در مقابل مزار سید ابراهیم دفن شد. معروفترین اثر وی یک قطعه سنگ مرمر عظیم است که سطح آن تقریبا پوشیده از عبارات مختلف است و متن اصلی آن یک «بسم اللّه الرحمن الرحیم» دارد، به قلم یک دانگ کتیبه‌ی نستعلیق خوش و تمامی خطوط و نقوش آن برجسته است و رقم «راقمه سنگلاخ خامه روان» دارد؛ از دیگر آثار وی: سه قطعه به قلمهای پنج و چهار و سه دانگ خوش و عالی، با رقمهای عجیب. از تالیفات او: «آداب المشق»؛ «امتحان الفضلا» یا «تذکره الخطاطین»؛ «سیاحت نامه»؛ «صراط السطور»؛ «مداد الخطوط»؛ «مجمع الاوصاف»، که مشتمل بر اشعاری است که شاعران در مدیح وی سروده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۰۰ -۷۹۷ / ۳)، اطلس خط (۵۸۶ -۵۸۵)، تاریخ هنرهای ملی (۹۹۰/۲)، الذریعه (۴۷۴/۹)، ریحانه (۹۳ -۹۲ /۳)، شرح حال رجال (۲۸۱ -۲۸۰، ۱۹۹ /۶)، طرائق الحقائق (۴۶۴/۳)، فرهنگ سخنوران (۴۷۱)، گلستان هنر (بیست و یک)، المآثر و الآثار (۲۱۶)، مصطبه‌ی خراب (۸۹ -۸۷)، یادداشتهای قزوینی (۱۵۷/۵).

سنگلجی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۵ ق)، فقیه و استاد. در تهران متولد شد. وی در محضر اساتیدی چون میرزا خلیل طالقانی و میرزا غلامعلی نایینی ادبیات و علوم عربی را فراگرفت و سیر و سلوک و عرفان را در خدمت ملا محمد هیدجی و فلسفه را نزد میرزا علی‌اکبر یزدی و میرزا حسن کرمانشاهی آموخت. دوره‌ی کامل فقه و اصول را نزد شیخ محمدرضا نوری و سید محمد تنکابنی و سید محمد یزدی فراگرفت. سنگلجی به همراه برادرش شریعت به نجف رفت و در حوزه‌ی درس میزای نایینی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی شرکت کرد. پس از بازگشت به ایران در مدرسه حقوق و علوم سیاسی و دانشکده‌ی حقوق فقه و اصول به تدریس مشغول شد از ۱۳۲۶ ش برای تدریس دوره‌ی دکترا انتخاب شد. از آثارش: «آیین دادرسی در اسلام»؛ «تشریع» یا «قانون‌گذاری در اسلام»؛ «تفسیر سوره حمد و اخلاص»؛ «دلائل السداد فی قواعد الفقه و الاجتهاد»؛ «الشرایع»؛ «عالم معنی»؛ «قانون رضاع در اسلام»؛ «قضاء در اسلام»؛ «کلیات عقود ایقاعات»؛ «مصباح المیزان»، در منطق؛ «مقاصد الاصول»، در اصول فقه، فارسی؛ «الوقایه فی تهذیب الکفایه».[۱]

محقق، استاد، عالم علوم دینی.

تولد: ۱۲۷۶.

درگذشت: مهر ۱۳۵۹.

شیخ محمد سنگلجی، فرزند رضاقلی سنگلجی از روحانیون تهران)، سال‌های درازی با سمت استادی در دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی به تدریس فقه اسلامی اشتغال داشت و متن درسش شرایع الاسلام بود. کانونی هم به نام رواق تأسیس کرد که در آنجا به تفسیر قرآن می‌پرداخت. تألیفات عمده‌ی او عبارتند از: مصباح المیزان در منطق (تهران، ۱۳۴۷)؛ دلائل السداد فی القواعد الفقه و الاجتهاد (تهران، ۱۳۱۳)؛ قانون رضاع در اسلام (تهران، ۱۳۱۵)؛ مقاصد الوصول (۱۳۱۷)؛ کلیات عقود و ایقاعات (تهران، ۱۳۲۴)؛ تفسیر سوره‌ی حمد (تهران، ۱۳۲۵)؛ آیین دادرسی در اسلام (تهران، ۱۳۲۹)؛ عالم معنی (تهران، ۱۳۳۱)؛ چهار رساله در وصیت، میراث، بیع فضولی، جمله‌ای از قواعد فقه (تهران، ۱۳۳۳)؛ فضا در اسلام (۱۳۳۸)؛ سیری اجمالی در منطق و فلسفه الهی (تهران، ۱۳۵۵).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۷۹/۲۱، ۲۶، ۲۲/۱۷، ۲۵۰/۸)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۷۲ -۷۱ /۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۱۵ - ۵۱۲ /۵).

سنندجی، سعید

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۱ ق)، نویسنده و شاعر. در سنندج متولد شد. در کودکی والدینش را از دست داد مبلغان پروتستان او را چنان پرورده بودند که یکی از بهترین پزشکان ایران شد. تحصیلاتی در انگلستان کرد. ناچار در کودکی به ایشان ایمان آورد به همین جهت درباره مکتب عهد عتیق و عهد جدید و تفسیرهای گوناگون تورات و انجیل بسیار مطلع بود. وی به زبان کردی شعر می‌سرود. از آثار وی: «آب از نظر بهداشت»؛ «بیدار شو»؛ «چاره کار یا بهبودی سپهسالار»؛ «چه کنم تا نجات یابم».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۳۲۹ -۳۲۸ /۳).

سوادکوهی، حسینقلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. اصل وی از سوادکوه مازندران بود. در قزوین نشو نما یافت. از اوست:

سنبل از طره‌ی محبوب سوادی به چمن

لاله از عارض معشوق نشانی در باغ

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سفینه المحمود (۶۲۴/۲)، مصطبه‌ی خراب (۴۸).

سوار عسکری، ابی الحسن

قرن:۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از بصریین و غیرهم روایت می‌کند، چندین سال سمت قضاوت داشته و در ماه شعبان سال ۹۴ در این شهر وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

سودایی دستگردی، عبدالکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۲ -۱۲۸۱ ق)، عالم، نویسنده و شاعر. از اهالی دستگرد خیار اصفهان بود. ابتدا در دستگرد و سپس در اصفهان به تحصیل فقه و اصول و صرف و نحو و غیره پرداخت. وی از شاگردان آقا میرزا محمدباقر چهارسوقی بود و از وی اجازه داشت. او مرجع امور شرعی مردم دستگرد شد. شاعری توانا بود و در انجمن‌های ادبی اصفهان بخصوص انجمن شیدا شرکت می‌کرد. از وی دو فرزند شاعر به نامهای ابراهیم و باقر با تخلصهای انواری و لمعه به جای ماند. او در زادگاهش به خاک سپرده شد. از آثارش: «دیوان» غزلیات و رباعیات، در شش هزار بیت؛ منظومه‌ی «انوار سهیلی»، در دوازده هزار بیت؛ «شمس و قهقهه»، در وزن «خسرو و شیرین» در بیست و چهار هزار بیت؛ ترجمه‌ی «الدرر»، نظم کلمات قصار امیرالمومنین (ع)؛ «ضیاء الابصار فی احوال الاطهار»؛ «خمسه‌ی طیبه»؛ «اجمالی در احوال حضرت رسول (ص)»؛ «ملتقط اللغه» که در آن پانزده هزار لغت عربی به فارسی ترجمه کرده؛ «گلزار»، در مصائب حضرت سیدالشهدا (ع).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۵۲ -۲۵۰)، الذریعه (۴۷۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۷۴ -۴۷۳)، مؤلفین کتب چاپی (۹۲۱/۳).

سودی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: زنجان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد و دکترای شیمی از دانشگاه ساری انگلستان.

مرتبه علمی:

استادیار شیمی در دانشگاههای رازی و زنجان در سال ۱۳۵۸، ارتقاء به درجه دانشیاری شیمی معدنی دانشگاه زنجان در سال ۱۳۷۰.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شیمی کوئوردیناسیون، تدریس عملیات شیمی معدنی، استاد راهنمای یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد و یک پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شیمی عمومی و شیمی معدنی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸ تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

شیمی معدنی شاخه شیمی کوئوردیناسیون.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

سوریان، حمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران حمید سوریان در سال ۱۳۶۴ در شهر ری به دنیا آمد

وی در رشته کشتی فرنگی فعالیت می‌کند و اولین مربی او حاج عبدالله زارع بود .

سوریان در سال ۸۴ و ۸۵ به عنوان برترین کشتی‌گیر فرنگی کار ایران انتخاب و صاحب عنوان قهرمان قهرمانان سال ۸۶ شد .

وی در تیم ملی کشتی فرنگی و در وزن ۵۵ کیلوگرم داری ۴ مدال طلای کشتی فرنگی قهرمانی جهان است .

سوریان در سال ۲۰۰۵ موفق شد هم در مسابقات قهرمانی جوانان جهان و هم در قهرمانی بزرگسالان، قهرمان دنیا شود .

حمید سوریان، در سال ۱۳۸۷ و در مسابقات المپیک در وزن ۵۵ کیلوگرم کشتی فرنگی، به مقام پنجم رسید .

وی در مسابقات جهانی کشتی در مسابقات سال ۲۰۰۵ ، ۲۰۰۶ ، ۲۰۰۷ و ۲۰۰۹ موفق شد به قهرمانی جهان و مدال طلا دست‌یابد .

«حمید سوریان» به عنوان قهرمان قهرمانان ورزش ایران در سال ۸۶ برگزیده شد

سوزنی سمرقندی، شمس‌الدین، ابوبکر محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۶۹/۵۶۲ ق)، شاعر، متخلص به سوزنی. ملقب به تاج‌الشعراء وی که نسبش به سلمان فارسی می‌رسید در قریه کلاش سمرنقد به دنیا آمد و در بخارا تحصیل کرد و زندگی را در نخشب و سمرقند و بخارا سپری کرد. وی پیشه‌ی سوزن‌گری داشت و به همین جهت سوزنی تخلص می‌کرد. وی از بزرگان شاعران دربار خانیه به شمار می‌رفت و چند تن از پادشاهان این سلسله را مدح گفته و مدایحی بسیار ینز در حق چند تن از بزرگان آل مازه یا برهان که روسای حنفیان ماوراءالنهر بودند سروده است. سوزنی در هجو و هزل بسیار توانا بوده و در این فن مبالغه می‌کرده و در ضمن در مدایح و غزلیات نیز شاعر توانایی بوده است. او همچنین به زبان ترکی شرقی آشنا بوده و اول شاعری است که الفاظ ترکی را در شعر فارسی وارد کرده است. شمس‌الدین ابوبکر با عمعق و انوری و رشید و وطواط و ادیب صابر معاصر بود. از آثار وی، «دیوان» اشعار.[۱]

شمس‌الدین تاج‌الشعراء محمد بن علی سمرقندی شاعر (ف. ۵۶۲ یا ۵۶۹ ه.ق.). وی در ابتدای جوانی برای تحصیل علم به بخارا رفت و مدتی به تعلیم پرداخت، و به قول عوفی به سبب تعلق خاطر به شاگرد سوزن‌گری به آموختن آن صنعت مشغول شد. سوزنی معاصر ارسلان خان محمد از آل افراسیاب و فرزند او محمود، و طمغاج خان مسعود بن حسن، نیز از آل افراسیاب و سنجر و اتسز بن محمد خوارزمشاه بوده است. وی با عمعق، سنائی، انوری، معزی، ادیب صابر و رشیدی معاصر بود و با بعضی از آنان مهاجات داشته و آنان را به تیغ زبان خود آزرده است. سوزنی شاعری هجاء و بدزبان بود و در هجو معانی خاص ابداع کرده. قصاید و قطعات وی سهل و صریح و فصیح است. گفته‌اند که وی در اواخر عمر دست از هجو و هزل کشیده و استغفار کرده است. از دیوان او نسخ متعدد در دست است و در تهران هم به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۶۲۶ -۶۲۲ /۲)، تاریخ گزیده (۷۳۴ -۷۳۳)، تاریخ نظم و نثر (۹۹ -۹۸)، تذکره‌ی روز روشن (۳۷۳)، تذکره الشعراء (۱۱۵)، دایرةالمعارف فارسی (۱۳۷۱/۱)، الذریعه (۴۷۶/۹)، ریاض العارفین (۲۱۰)، ریحانه (۹۵ -۹۴ /۳)، سخن و سخنوران (۳۲۲ -۳۱۵)، سرآمدان فرهنگ (۴۹۰ -۴۸۹ /۱)، سیری در شعر فارسی (۵۲ -۵۰)، طرائق الحقائق (۵۹۵ - ۵۹۴ /۲)، فرهنگ سخنوران (۴۷۴)، الکنی و الالقاب (۳۲۵/۲)، گنج سخن (۳۵۰ -۳۴۷ /۱)، لباب الالباب (۶۸۵ -۶۷۸ /۲)، لغت نامه (ذیل/ سوزنی)، مجالس النفائس (۳۵۲ -۳۵۱)، مجمع الفصحا (۷۰۸ -۷۰۳ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۴ -۶۲۳ /۵)، هدیه الاحباب (۱۵۲)، هفت اقلیم (۳۹۹ -۳۹۲ /۳).

سوزی بخارایی، جمیل

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۰۲ ق)، شاعر، متخلص به سوزی. اصلا از بخارا بود. در هندوستان به دنیا آمد. از اشعار وی:

لذت دیوانگی فرزانه، کی داند که چیست

رمز یار آشنا بیگانه، کی داند که چیست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۷۶/۹)، ریحانه (۹۵/۳)، فرهنگ سخنوران (۴۷۵)، مرآت الخیال (۲۵۸ -۲۵۷).

سوزی ساوجی، حسنعلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۴/۱۰۰۲ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به سوزی. اصلا از ساوه ولی مقیم اصفهان بود. وی ابتدا در شعر جفاکش تخلص می‌کرد، تا اینکه سفری به خراسان کرد و تخلص خود را به سوزی بدل کرد. از آنجا به اصفهان رفت و در این شهر سکنی گزید. اشعار وی را بیش از بیست هزار بیت دانسته‌اند. سوزی همچنین نستعلیق را خوش می‌نوشت و در اصفهان، در مدرسه‌ی هارون ولایت به کتابت مشغول بود. وی در اصفهان درگذشت. مولف «خلاصه الاشعار» گوید: اکثر دیوانهای استادان اصفهان به خط اوست. از جمله‌ی این دیوانها، یکی نسخه‌ی «دیوان» انوری است که به قلم کتابت خفی متوسط نوشته شده و چنین رقم دارد: «باتمام رسید... کلیات سلطان‌الشعرا... اوحدالدین حکیم انوری... بتاریخ رابع عشر ربیع‌الاول سنه‌ی ثمان و ثمانین و تسعمائه الهجریه، علی ید اضعف الخلایق سوزی بن علی الساوجی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۳۶ -۱۱۳۵ /۳)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۴۵ -۱۴۴ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۲۹ -۵۲۸)، تذکره‌ی روز روشن (۳۷۴)، الذریعه (۴۷۷ -۴۷۶ /۹)، ریحانه (۹۵/۳)، فرهنگ سخنوران (۴۷۵)، مجمع الخواص (۲۷۴)، نتایج الافکار (۳۲۹).

سوسی، ابوعبداللّه، محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۷۰ ق)، شاعر. شاعل اهل‌بیت بود. وی اشعار زیادی در مدح و مرثیه اهل‌بیت گفته است که در مناقب ابن شهر آشوب مذکور است. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۸۳ -۳۸۲ /۹)، الذریعه (۴۷۷/۹)، ریحانه (۹۶/۳).

سهای تبریزی، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. ادیبی بود باکمال و زاهد در اعمال خیر و امور مباح مواظبت بسیار داشت از آمیزش مردم پرهیز داشت. از وی «دیوان» شعری باقی مانده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۸۰۸/۱)، الذریعه (۴۷۷/۹)، گنج شایگان (۲۴۳ -۲۴۱).

سهای شیرازی اصفهانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ -۱۲۶۲ ق)، شاعر، متخلص به سها. در شیراز متولد شد و در اصفهان زیست از شعرای نامی اصفهان بود. در اصفهان وفات یافت و در همان شهر مدفون شد. از آثار وی: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۷۸/۹)، شرح حال رجال (۲۰۰/۶).

سهای شیرازی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۶۹ ق)، شاعر، متخلص به سـها. معروف به خان سـها. همعصر محمدشاه و ناصرالدین‌شاه قاجار بود شرح حالش در تذکره‌های قرن سیزدهم نیامـده ولی «دیوان» اشـعارش که به خط نسـخ و تعلیق متوسط و فاقـد نام کاتب و تاریخ کتابت است و از قراین به نظر می‌رسد که در حیات شاعر نوشته شده در مجلس شورای ملی موجود است که شامل قصاید، غزلیات، رباعیات و مثنوی می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۹۸۵ -۹۸۴ /۵)، الذریعه (۴۷۸ -۴۷۷ /۹)، مصطبه‌ی خراب (۷۸ -۷۷).

سهراب، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ -۱۲۸۱ ش)، پزشک، استاد دانشگاه و نویسنده. وی در اصـفهان متولد شد. تحصـیلات دبیرسـتانی را در دارالفنون به پایان رسانید. در سال ۱۳۰۴ ش وارد مدرسه طب تهران شد و بعد از چهار سال تحصـیل برای ادامه‌ی تحصـیلات جزو دانشجویان اعزامی به اروپا رفت. بعد از طی دوره‌ی تحصـیلات پزشکی در لیون و پاریس در سال ۱۳۱۶ ش به دریافت دانشنامه‌ی دکتری دوره‌ی عالی میکروب شناسـی نایل شد و به ایران بازگشت و به سـمت دانشیاری میکروب شناسی دانشکده‌ی پزشکی تهران منصوب شد. پس از آن به اسـتادی کرسـی میکروب شناسـی و ریـاست آزمایشـگاه ارتقـاء یافت. و در سال ۱۳۲۷ ش به سـمت معاونت دانشـکده تعیین گردیـد. از آثـار وی: «امکان آلوده کردن آبهای مشـروب بوسـیله‌ی میکروب»، با مشارکت دکتر میمنـدی‌نژاد، «میکرب شناسـی»؛ با شمارکت دکتر حسن میردامادی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۷۵۸ -۷۵۷ /۲).

سهراب‌پور، سعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: مهندسی مکانیک، دانشگاه: صنعتی شریف

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی ماکنیک از دانشکده فنی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴، کارشناسی ارشد مهندسی مکانیک از دانشگاه کالیفرنیا (برکلی) در سال ۱۳۴۷، دکترای مهندسی مکانیک از دانشگاه کالیفرنیا (برکلی) در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

اسـتادیار دانشـکده مهندسـی دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۰، دانشـیار دانشـکده مهندسـی دانشـگاه شـیراز در سـال ۱۳۵۸ و دانشـیار دانشکده مکانیک دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۶۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح تغییر شـکل فلزات، عضو وابسته فرهنگستان علوم ایران، گذراندن فرصت‌های مطالعاتی در دانشگاههای کالیفرنیا و نیومکزیکو آمریکا، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مکانیک جامدات.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۹

زمینه علمی مقالات:

مکانیک جامدات و بهینه‌سازی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

سهرابی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی شیمی، دانشکده: مهندسی شیمی، دانشگاه: صنعتی امیرکبیر

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

فارغ‌التحصیل در رشته مهندسی شیمی با رتبه اول از دانشکده فنی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷، دکترا در رشته مهندسی شیمی از انگلستان در سال ۱۳۵۱.

مرتبه علمی:

استادیار تمام وقت دانشگاه صنعتی امیرکبیر در سال ۱۳۵۱، دانشیار دانشگاه صنعتی امیرکبیر در سال ۱۳۵۶ و ارتقاء به درجه استادی مهندسی شیمی در سال ۱۳۶۳.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فرآیندهای تخمیری، تهیه مواد مختلف، برنامه‌ریزی و آینده‌نگری، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر یک پایان‌نامه دکترا و ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ترمودینامیک، مهندسی واکنشهای شیمیایی، انتقال جرم و صنایع غذا.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴۳

زمینه علمی مقالات:

مدل‌سازی، واکنشهای چند فازی، ترمودینامیک و عملیات واحد.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

سهرابی، مریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۴ ق)، شاعر، متخلص به افسرده. او از طایفه زرآسوند بختیاری است که در چهارمحال بختیاری متولد شد و در همان سامان به تحصیل پرداخت. وی علاوه بر فضائل و کمالات ادبی، در هنر قالیبافی و نساجی و گلدوزی هم مهارت دارد. سهرابی درباره‌ی نام و تخلص خود گوید:

مرا باب من نامم مریم نهاد

روانش به مینو همی شاد باد

نهالم به گیتی چو پژمرده شد

تخلص به اشعارم افسرده شد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۹)، زنان سخنور (۵۹/۳).

سهروردی، ابوالحسن علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۳۳ ق)، فقیه و ریاضیدان. مشهور به ابن سهروردی و ملقب به جمال‌الاسلام.وی در فقه اصول و تفسیر و علم ریاضی از برجستگان روزگار بود که در نزد غزالی تلمذ کرد و در دمشق درگذشت. اثر وی: «المقدمه الکافیه فی اصول الجبر و المقابله و ما یعرف به قیاسه من الامثله».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۳۲۰)، لغت نامه (ذیل/ علی سهروردی).

سهروردی، شهاب‌الدین، ابوحفص عمر

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۳۲ -۵۳۹ ق)، حکیم، صوفی، فقیه شافعی و محدث. ملقب به شیخ‌الاسلام. در سهرورد زنجان به دنیا آمد. نسبش به ابوبکر صدیق می‌رسد. وی نزد عمویش ابونجیب سهروردی فقه و وعظ و تصوف آموخت. و در بصره با شیخ ابومحمد بن عبد مصاحب بود. وی به بغداد مسافرت کرد و در آنجا سر سلسله‌ی عرفا شد. به صحبت عبدالقادر گیلانی رسید. وی پیشوا و موسس سلسله‌ی عرفانی سهروردیه بود. کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی و سعدی شیرازی از ارادتمندان وی بودند. وی از کسانی مثل هبه‌اللّه بن احمد شبلی، ابن بطی، ابوزرعه مقدسی، معمر بن فاخر و یحیی بن ثابت حدیث شنید. و ابن‌نقطه، ابن‌نجار، ظهیرالدین محمود زنجانی و ابواسحاق ابن‌واسطی از وی روایت نقل کرده‌اند. وی هر سال به سفر مکه و مدینه می‌رفت و بیشتر عمرش را به وعظ اشتغال داشت. شهاب‌الدین با ابن‌فارض وابن‌عربی و نجم‌الدین دایه ملاقات داشته است. وی در بغداد درگذشت و در وردیه این شهر به خاک سپرده شد. از آثارش: «عوارف المعارف» که در سفر مکه نوشته و اسماعیل بن عبد مومن و ظهیرالدین بزغش آن را به فارسی ترجمه کرده‌اند؛ «رشف النصایح الایمانیه و کشف الفایح الیونانیه؛ رساله‌ی «السیر و الطیر»؛ «بهجه الاسرار فی مناقب الغوثیه»؛ «نغبه البیان فی تفسیر القرآن»؛ «جذب القلوب الی مواصله المحبوب»؛ رساله‌ی «اعلام الهدی و عقیده ارباب التقی»؛ «دیوان» اشعار.[۱]

ابوحفص عمر، برادرزاده ابوالنجیب عبدالقاهر سهرودی عارف معروف که نسبت تعلیم او به احمد غزالی می‌رسد (ف. ۶۳۲ ه.ق.) از تألیفات او کتاب «عوارف» «رشف النصائح» «اعلام التقی» و «اعلام الهدی» است. وی مؤسس فرقه سهرودیه و مرشد سعدی و اوحدالدین کرمانی است (سهروردیه).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۱۱۹۲ -۱۱۸۹ /۳)، آثار عجم (۷۱ -۷۰)، الاعلام (۲۲۳/۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۲۱/۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۲ -۱۴۱)، تذکره‌ی روز روشن (۴۴۳ -۴۴۲)، جستجو در تصوف (۱۷۸ -۱۷۲)، دایرةالمعارف فارسی (۱۳۸۴/۱)، الذریعه (۵۵۵ -۵۵۴، ۴۷۸ /۹)، ریاض العارفین (۹۶ -۹۵)، ریحانه (۱۰۰ -۹۸ /۳)، سیر النبلاء (۳۷۸ -۳۷۳ /۲۲)، طرائق الحقائق (۵۳۱ ،۵۳۰ ،۴۹۰، ۴۰۵، ۳۰۴، ۲۹۱ /۲)، فرهنگ سخنوران (۵۱۸)، کشف الظنون (۱۹۶۵ ،۱۸۳۲، ۱۷۹۲، ۱۷۲۳، ۱۶۹۷ ، ۱۶۷۳، ۱۵۱۷، ۱۴۹۲، ۱۱۷۷، ۱۱۶۱، ۱۱۵۷، ۹۰۵، ۸۷۷، ۸۷۲، ۴۵۱، ۱۲۶ ،۹۰ ،۵۰)، الکنی و الالقاب (۳۲۶ -۳۲۵ /۲)، لغت نامه (ذیل/ سهروردی)، مؤلفین کتب چاپی (۶۳۵ -۶۳۴ /۴)، مجالس المومنین (۷۲ -۷۰ /۲)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۶۳۲)، مجمع الفصحا (۸۱۹/۲)، معجم المؤلفین (۳۱۳/۷)، معجم البلدان (۳۲۹/۳)، نحفات الانس (۴۷۴ -۴۷۳)، وفیات الاعیان (۴۴۸ -۴۴۶ /۳)، هدیه العارفین (۷۸۶ -۷۸۵ /۱)، هفت اقلیم (۲۰۱ -۱۹۹ /۳)، یادداشتهای قزوینی (۵۷۲/۳).

سهروردی، ضیاءالدین، ابوالنجیب عبدالقاهر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۶۳ -۴۹۰ ق)، فقیه شافعی، صوفی، محدث و مورخ. در سهرورد زنجان به دنیا آمد. در جوانی به بغداد رفت و از علوم رسمی بهره‌ی بسیار یافت فقه شافعی را از اسعد میهنی آموخت و کتاب «غریب الحدیث» را از ابوعلی بن نبهان شنید همچنین از ظاهر شحامی و ابوبکر انصاری نیز حدیث شنید. چندی متولی تدریس در نظامیه شد، اما از آن کار نیز منصرف شد و به عزلت و تصوف گرائید. در این امر هم از شیخ احمد غزالی ارشاد یافت. در مدت عزلت و مجاهدت از کسب دست خویش می‌خورد و چندی نیز سقائی کرد. پس از آن به وعظ پرداخت و شهرت و قبول فوق‌العاده یافت. مدرسه و رباطی بنا کرد که وجود او را ملجاء فقراء و درماندگان ساخت و مجالس او را محل توجه عام و خاص. در اواخر عمر به قصد زیارت بیت‌المقدس به شام رفت، اما به سبب غلبه و تهدید صلیبیها موق به زیارت نشد، با این همه نورالدین زنگی مقدمش را گرامی داشت و او یک چند در دمشق ماند و مجلس وعظ هم برپا کرد. پایان عمرش در بغداد رسید. از جمله آثارش: «آداب المریدین» که شروح بسیاری بر آن نوشته شده؛ «شرح اسماء الحسنی»؛ «غریب المصابیح». صاحب «الکامل» نسبت وی را شهرزوری آورده.[۱]

(منسوب به سهرورد) ابوالنجیب ضیاءالدین عبدالقاهر بن عبداللّه عارف معروف (و. حدود ۴۰۹- ف. ۵۶۳ ه.ق.) از مریدان احمد غزالی (ه.م.) است و مصنفات بسیار بدو نسبت داده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۷۴/۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۲۰/۲)، تاریخ نظم و نثر (۷۲۵)، جستجو در تصوف (۱۷۲ -۱۷۱)، دایرةالمعارف فارسی (۱۳۸۵ -۱۳۸۴ /۱)، الذریعه (۲۹ -۲۸ /۱)، ریحانه (۲۸۳ -۲۸۲ /۷)، سیر النبلاء (۴۷۸ -۴۷۵ /۲۰)، الکامل (۹۸/۹)، کشف الظنون (۱۱۰۱ ،۴۳)، لغت نامه (ذیل/ ابونجیب)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۵۶۳)، معجم البلدان (۳۲۹/۳)، معجم المؤلفین (۳۱۱/۵)، نحفات الانس (۴۲۱ -۴۲۰)، وفیات الاعیان (۲۰۵ -۲۰۴ /۳)، هدیه العارفین (۶۰۷ -۶۰۶ /۱).

سهوی تبریزی، کمال‌الدین محمد حسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، خطاط و شاعر، متخص به سهوی. از مردم تبریز بود. او نستعلیق را نزد ملاـ محمدحسین تبریزی، استاد میرعماد، تعلیم گرفت، اما بیشتر به شیوه‌ی میرعلی هروی متمایل بود و جلی و خفی، هر دو را خوش می‌نوشت. سهوی در بیست سالی، از تبریز به قصد حج به حجاز رفت و هنگام بازگشت، به علت حمله‌ی عثمانیان به آذربایجان، از تبریز به عراق عجم رفت و دوازده سال در کاشان سکنی گزید. سپس عازم هندوستان شد و به دربار ملوک گورکانیان پیوست و همان جا درگذشت. وی شعر را نیکو می‌سرود و در غزلسرایی طبعی لطیف داشت. سال وفاتش را «صبح گلشن» ۱۰۰۳، سپهر در «تذکره‌ی خوشنویسان» ۱۰۲۸ و مولف «خط و خطاطان» ۱۱۰۰ ق، ثبت کرده‌اند که هیچ یک درست نیست و ظاهرا تا سال ۱۰۴۹ ق در هند می‌زیسته است و باید عمری طولانی کرده باشد. از آثار وی: یک نسخه دیوان هلالی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «میرحسین حسینی سنه‌ی ۹۹۲»؛ قطعه‌ای از یک مرقع، به قلم نیم دو دانگ خوش، با رقم: «کتبه میرحسین سهوی التبریزی»؛ پنج قطعه از یک مرقع، به قلمهای سه دانگ و دو دانگ و کتابت خوش، با رقمهای: «فقیر محمدحسین التبریزی»، «العبد المذنب الفقیر محمدحسین» و «فی شهور هزار و چهل و نه در دارالسلطنه‌ی اکبرآباد تحریر یافت... محمدحسین التبریزی ستر عیوبه و غفر ذنوبه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۵۴ -۱۵۳ /۱)، پیدایش خط و خطاطان (۱۰۹ -۱۰۸)، تاریخ نظم و نثر (۶۵۹، ۸۳۷)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۲۹۶ -۲۹۴ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۸۵ -۱۸۴)، الذریعه (۴۷۹/۹)، ریحانه (۳۲۲/۱)، سخنوران آذربایجان (۴۰۹ -۴۰۶)، صبح گلشن (۲۱۳)، فرهنگ سخنوران (۴۷۲)، کاروان هند (۵۹۵ -۵۹۴ /۱)، گلستان هنر (۱۲۲)، هفت اقلیم (۲۵۰/۳).

سهیل

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «مصباح» کفعمی، رحلی و سرلوح مذهب، نسخ کتابت و رقاع خوش (به شیوه‌ی ملاـ علاـء بیک)، با رقم: «فرغ من تحریر التمهید... فی دارالسلطنه‌ی تبریز لسنه ست و ثلثین و الف من الهجره النبویه علی ید العبد الضعیف و النحیف الی رحمه‌اللّٰه تعالی سهیل بن عبداللّٰه غفراللّٰه له...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۸۱ -۱۰۸۰ /۴).

سهیل شیرازی، لطف‌اللّٰه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۱۳ ق)، نقاش، خطاط و شاعر، متخلص به سهیل. در دوره‌ی ناصری می‌زیست و اهل فسا بود و به میرزا سهیل شیرازی شهرت داشت. وی در خوشنویی و شعر و نقاشی دست داشته است. از او آثاری در زمینه‌ی نقاشی دیده نشده است. این بیت از او ست:

گاه از هجر تو نالم، گهی از زاری دل

حال دل را به که گویم که کند یاری دل

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۵۹)، احوال و آثار نقاشان (۵۶۰/۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۰۸/۳)، گلستان هنر (پنجاه و دو)، مرآت الفصاحه (۲۸۶ -۲۸۵).

سهیلی تبریزی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۰ ق)، شاعر. از مشروطه‌خواهان بود که در واقعه‌ی روز عاشورای ۱۳۳۰ ق به شهادت رسید. وی در سال ۱۳۲۱ قسمتی از غزلیات و اشعار خود را در مجموعه‌ای که حاوی اشعار دیگران از جمله هلالی، اهلی، شیخ عطار، ابوسعید ابوالخیر، اوحدی، وحشی، باباطاهر، مسعود، نزاری و ابن‌یمین نیز بود، به چاپ رساند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۲۹۸ -۲۹۷ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۸۵)، دویست سخنور (۱۶۰ -۱۵۹)، الذریعه (۴۷۹/۹)، سخنوران آذربایجان (۴۱۰ -۴۰۹)، شرح حال رجال (۸۵/۱)، فرهنگ سخنوران (۴۷۹)، مؤلفین کتب چاپی (۴۰۶/۱).

سهیلی جغتایی، نظام‌الدین احمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۱۸/۹۰۷ ق)، شاعر، متخلص به سهیلی. معروف به امیر اعظم، شیخم بیگ و شیخم سهیلی. اصل وی از الوس جغتا و از شاگردان آذری بود و معاصر امیرعلیشیر نوایی و از ویژگان دربار سلطان حسین بایقرا. میرزا حسین واعظ کاشفی کتاب «انوار سهیلی» را به نام وی ترجمه کرد از آثار وی: منظومه «لیلی و مجنون»؛ «دیوان» اشعار به ترکی و فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۵/۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۰۷)، تذکره الشعراء (۵۷۹ -۵۷۵)، الذریعه (۴۸۰ -۴۷۹ /۹)، ریحانه (۱۰۱ -۱۰۰ /۳)، فرهنگ سخنوران (۴۷۳ -۴۷۲ /۱)، لغت نامه (ذیل/احمد)، مجالس النفائس (۵۷ -۵۶)، مجمع الفصحاء (۵۸/۱)، منظومه‌های فارسی (۴۸)، نتایج الافکار (۳۲۸ -۳۲۷).

سهیلی خوارزمی، ابوالحسن احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۱۸ ق)، ادیب و شاعر. وی مدتی وزیر ابوالعباس مامون خوارزمشاه بود، سپس ترک وزارت گفت و به بغداد رفت و در سامراء درگذشت. حسن بن حارث حسونی «کتاب سهیلی» خود را به نام وی تالیف کرد. از آثار او: «الروضه السهیلیه فی الاوصاف و التشبیهات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۴، ۳۰۴ /۱)، تاریخ علوم عقلی (۲۰۸)، ریحانه (۱۰۱/۳)، شاعران بی‌دیوان (۴۲۱ -۴۲۰)، کشف الظنون (۹۲۶)، لغت نامه (ذیل/احمد)، معجم الادباء (۳۴ -۳۱ /۵)، معجم المؤلفین (۱۰۹/۲)، هدیه العارفین (۷۲/۱).

سهیلی خوانساری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۰ ش)، کتاب شناس، خطاط و شاعر. وی در تهران به دنیا آمد و پس از اتمام تحصیلات به خدمات فرهنگی مشغول شد. او چهل سال رییس کتاب خانه‌ی ملک در تهران بود. سهیلی از اوان جوانی به شاعری پرداخت و در انجمن‌های ادبی عضو بود. او در نسخ و ثلث از شاگردان امیرالکتاب بوده است. سهیلی دارای تالیفاتی است از جمله: «حصار نای»، در شرح حال مسعود سعد سلمان؛ «کمال هنر»، در احوال و آثار کمال‌الملک؛ کتابهای: «آداب الحرب و الشجاعه»؛ «ذیل عالم آرای عباسی»؛ «دیوان حافظ»؛ «دیوان بابا فغانی»؛ «خسرونامه‌ی عطار»؛ «شهنامه‌ی نادری»؛ «دیوان صفای اصفهانی» را تصحیح و تحشیه کرده است. «دیوان» اشعار وی بیش از شش هزار بیت است.[۱]

محقق، ادیب، شاعر.

تولد: ۱۲۹۱، تهران.

درگذشت: ۸ مرداد ۱۳۷۳.

احمد سهیلی خوانساری، فرزند غلامرضا، پس از پایان تحصیلات، بیشتر اوقات خود را صرف تحقیق و پژوهش در متون کهن ادب پارسی کرد. وی سال‌ها ریاست کتابخانه‌ی ملک را به عهده داشت.

علاوه بر این تحقیقات ولی غزل نیز می‌سرود. ضمنا به تصحیح متون کهن فارسی و دیوان‌های شاعران ایران نیز می‌پرداخت.

از جمله آثاری که به قلم وی تنظیم شده یا نه همت تصحیح شده است می‌توان به این عنوان‌های زیر اشاره نمود: دیوان خواجوی کرمانی، دیوان بابا فغانی شیرازی، دیوان حکیم صفای اصفهانی، شاهنامه‌ی نادری، خسرونامه‌ی عطار، دیوان جلوه، ذیل عالم آرای عباسی، شاهنامه‌ی نادری محمدعلی فردوسی ثانی، محمود و ایاز (۱۳۳۲)، کمال هنر (احوال و آثار محمد غفاری- کمال‌الملک)، حصار نای (شرح احوال مسعود سعد سلمان).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱]تذکره‌ی شعرای خوانسار (۱۳۱ -۱۱۹)، الذریعه (۴۸۰/۹)، سخنوران نامی معاصر (۱۸۴۸ -۱۸۴۴ /۳)، فرهنگ سخنوران (۴۷۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۰۷ -۴۰۶ /۱).

سهیلی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۷ تیر ۱۳۰۳، تهران.

درگذشت: ۱۸ مرداد ۱۳۶۶، تهران.

مهدی سهیلی، فرزند غلامرضا، طی تحصیلات جدید، علوم قدیمه و صرف و نحو عربی را نیز آموخت، در ایام تحصیل گاه گاه اشعاری جدی و فکاهی می‌سرود و از پیش از شهریور ۱۳۲۰ با مطبوعات همکاری داشت، اما از ۱۳۲۲ به بعد کار مطبوعاتی از جمله مشاغل او شد. در آغاز شاعری با روزنامه‌های فکاهی تهران همکاری کرد و چندی نیز امتیاز روزنامه‌ی «متلک» را گرفت و انتشار داد. چندی نیز روزنامه «نوشخند» را تحصیل امتیاز کرد و به نشر آن پرداخت. وی در جراید مختلف از جمله «توفیق»، «اطلاعات»، «اطلاعات هفتگی»، «سپید و سیاه»، «روشنفکر»، «تهران مصور»، «زن روز» شعر و مطلب می‌نوشت و صدها امضای مستعار داشت که از آن جمله است: «نمکدون»، «نمکپاش»، «بذله گو»، «هاردی»، «الاحقر شیخ مهدی سهیل‌الدین»، «شازده پسر»، «فکلی پسر»، «لوطی پسر»، «چاقالو»، «متلک گو»، «شبیه الاعراب»، «جاهل العلماء»، «زهرخند»، «شیرین»، «بی‌خیال»، «کثیرالاضلاع»، «نوشخند»، «نیشخند»، «خواجه سهیل الملک»، «آ مهدی‌خان»، «ضعیف الاقویا»، «شاه داماد»، «بازاری» و غیره.

سهیلی نه تنها نویسنده‌ی مقالات فکاهی بود، بلکه همچنین نمایشنامه‌های انتقادی نیز می‌نوشت و حدود ده نمایشنامه نوشت که در رادیو تهران اجرا شد و از جمله می توان به «ساعتی در چلو کبابی» اشاره نمود.

هرچند سهیلی در شعر به جنبه‌های فکاهی و انتقادی می‌پرداخت، در سرودن انواع شعر جدی و ادبی نیز توانا بود. در میان شعرای متأخر به ابوتراب جلی ارادت خاصی داشت.

از آثار اوست: دو قطره اشک (۱۳۳۱)، فکاهیات سهیلی (جلد اول، ۱۳۳۲)، خوشمزگی‌ها (در دو جلد)، نمکپاش (جلد دوم فکاهیات، ۱۳۳۳)، مادر حوا(۱۳۳۳)، خیام و سهیل (مجموعه شعر)، زنگ تفریح (۱۳۳۴)، الاراجیف (۱۳۴۰)، چوب دو سر طلا (۱۳۳۵)، و دزد ناشی که به کاهدان زد (۱۳۳۵)، ترجمه سخنان حسین بن علی (ع) (۱۳۳۵)، کاروانی از شعر (در متن دیگر عنوان این کتاب به صورت کاروانی از شعر و موسیقی آمده است، در ده جلد)، گنجینه سهیلی (در سه جلد)، مشاعره، شاهکارهای سعدی، بزم شاعران، سردبیر گیج (داستان، ۱۳۴۱)، خاطرات یک سگ (داستان ۱۳۴۳)، یک آسمان ستاره، اولین غم و آخرین نگاه، اشک مهتاب، نگاهی در سکوت، در خاطر منی، بیا با هم بگرییم، سرود قرن، چه کنم دلم از سنگ که نیست، چشمان تو در آیینه اشک، بوی بهار می‌دهد، لحظه‌ها و صحنه‌ها، پرواز در آسمان شعر، سالنامه‌ی امیرکبیر (سال اول و سال دوم، ۱۳۳۵ -۱۳۳۴) و... کتاب هزار خوشه عقیق وی ناتمام ماند.

وی همچنین در عرصه‌ی سینما نیز فعالیت داشت. وی با نوشتن فیلمنامه‌ی «شاباجی خانم» از سال ۱۳۳۷ کار خود را آغاز کرد. عمده فیلم‌های وی به این شرح هستند: «عروس فراری» (۱۳۳۷)، «دو قلو» (۱۳۳۸)، «کلاه مخملی» (۱۳۴۱)، «ابرام در پاریس» (۱۳۴۳)، «بده در راه خدا» (۱۳۵۰).

فعالیت هنری از سال ۱۳۲۹ در رادیو ایران (نویسنده نمایش‌های انتقادی و طنزآمیز) آغاز کرد، در مدت همکاری‌اش با رادیو، نویسنده و مجری برنامه‌هایی رادیویی از جمله: «مشاعره»، «بزم شاعران»، «کاروانی از شعر و موسیقی»، «دریچه به جهان روشنایی» و سرپرست برنامه «بزم شاعران» بود.

مهدی سهیلی به سبب سکته‌ی مغزی در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

سیاح، فاطمه

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(۱۳۲۶ -۱۲۸۱ ش)، مدرس، محقق و نویسنده. وی در مسکو به دنیا آمد، دوره‌ی تحصیلات متوسطه را در همان شهر به پایان رساند، از دانشکده‌ی ادبیات مسکو به اخذ درجه‌ی لیسانس و بعد دکتری در رشته‌ی ادبیات نایل آمد. چهار سال دانشیار ادبیات در دانشکده‌های مختلف اتحاد جماهیر شوروی بود. وی اواخر سال ۱۳۱۲ ش به ایران آمد. ابتدا در وزارت فرهنگ مشغول کار شد و بعد کرسی درس زبان و ادبیات روس و همچنین کرسی استادی سنجش ادبیات زبانهای خارجه در دانشگاه تهران به او محول گردید که تا پایان عمر در این سمت ادای وظیفه کرد. او در نهضتهای بانوان ایرانی در جریانات سیاسی و اجتماعی کشور فعالیت داشت و فردی برجسته و موثر بود. به عنوان عضو کنگره‌ی جشن هزار فردوسی، مقالات فراوانی درباره‌ی فردوسی نوشت. وی در مدت اقامت خود در شوروی و ایران، پانزده بار به نقاط مختلف اروپا سفر کرد. در ۱۳۲۴ ش، نخستین شماره‌ی مجله‌ی «حزب زنان» ایران را منتشر کرد. در ۱۳۲۶ ش در کنگره‌ی زن و صلح، که در پاریس منعقد بود، شرکت کرد و سخنرانی‌های او در آن کنگره به قدری مورد توجه قرار گرفت که بعضی از نمایندگان، پس از بازگشت به کشورهای خود، مقالاتی پیرامون بیانات و به عنوان نماینده‌ی ایران منتشر کردند و او را ستودند. بانو سیاح به پنج زبان روسی، فرانسوی، انگلیسی، آلمانی و ایتالیایی مسلط بود و از ادبیات این زبانها اطلاعاتی عمیق داشت. وی تنها بانویی بود که در دانشگاه تهران کرسی استادی داشت. او کتابخانه‌ی خود را که متجاوز از دو هزار جلد کتاب داشت به دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران اهدا کرد. سیاح در تهران وفات یافت و در زاویه‌ی ابن‌بابویه به خاک سپرده شد. از جمله آثار اوست: «تحقیق مختصر در احوال و زندگانی فردوسی»؛ «ادبیات معاصر ایران»؛ «نثر فارسی معاصر»؛ «بالزاک و روش نو داستان‌نویسی»؛ «شرق در آثار پوشکین»؛ «درباره‌ی آناتول فرانس»؛ «کیفیت رومان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از نیما تا روزگار ما (۱۷۸ -۱۷۱)، اینجا ایران، من زن (۲۰)، کارنامه‌ی زنان مشهور ایران (۱۷۰ -۱۶۹)، مؤلفین کتب چاپی (۷۵۶ -۷۵۵ /۴).

سیاح، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۸ ش)، پزشک، مدرس، نویسنده و مترجم. در تهران متولد شد در سال ۱۳۲۸ ش به سویس رفت و تا مدت نه سال در مدرسه‌ی ابتدایی و متوسطه لوزان مشغول به تصحیل شد. تحصیلات عالی را در دانشکده‌ی پزشکی پاریس و فرانکفورت به پایان رسانید و پایان نامه‌ی خود را در باب کانونهای عفونی دو ریشه‌ای از تصویب گذرانید و در سال ۱۳۳۷ ش به ایران بازگشت، و عهده‌دار مشاغل مختلفی از قبیل استاد کرسی بیمایهای دندان، جراح دندانسازی بیمارستانها، استاد مدرسه‌ی عالی دندانسازی، ریاست دندانسازی بیمارستانهای دولتی گردید. از آثار وی: «امراض دهان و دندان»؛ «بیماریهای دندان»؛ «بیماریهای دهان»؛ «ژوزف فرشه»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۲۲۶ -۲۲۵ /۵).

سیادتی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۵ -۱۲۹۹ ق)، عالم دینی و مجتهد. وی از سادات حسینی بود که در قریه‌ی ایزی از محال سبزوار در خانواده‌ای باتقوا به دنیا آمد. قرآن و کتب فارسی و مقداری صرف و نحو را در همان جا خواند، سپس برای ادامه‌ی تحصیل به سبزوار رفت و در مدرسه‌ی فصیحیه تا مدت بیست سال به تصحیل پرداخت. از جمله اساتیدش آیت‌اللّه حاج میرزا حسین علوی سیزواری و عمویش، آقا میرزا موسی، پدر آیت‌اللّه حاج میرزا حسین فقیه سبزواری، و آقا میرزا اسماعیل مشهور به افتخارالحکماء شاگرد علامه و حکیم سبزواری را می‌توان نام برد. پس از آن به تدریس پرداخت و دو دوره «رسائل» و «مکاسب» را درس گفت. در ۱۳۳۷ ق به نجف اشرف سفر کرد و مدت شانزده سال در آنجا از محضر آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه میرزا حسین نایینی استفاده‌ها برد و «تقریرات» فقه و اصول هر دو استاد را در شش مجلد به رشته تحریر درآورد. از دیگر اساتید وی، در نجف، می‌توان به آیت‌اللّه حاج شیخ اسماعیل محلاتی، پدر همسرش، اشاره کرد. در ۱۳۵۳ ق به سبزوار بازگشت و به کارها و امور دینی پرداخت و حوزه‌ی علمیه‌ی متلاشی شده را حیات جدیدی بخشید. وی در سبزوار درگذشت و در حسینیه که بنا نهاده بود به خاک سپرده شد.[۱]

سید حسن سیادتی از علماء بزرگ و مجتهدین جلیل‌القدر سبزوار بوده وی در اواخر سال ۱۲۹۹ ق در قریه ایزی (پنج کیلومتری شرقی شهر سبزوار) در خاندان تقوا و سیادت دیده به جهان گشود.

پدرانش از سادات جلیل حسینی در قریه مزبوره مورد احترام بوده‌اند قرآن شریف و کتب فارسی و مقداری صرف و نحو را در نزد ملایان قریه آموخته و در اوائل بلوغ به قصد ادامه تحصیل به سبزوار وارد و در مدرسه فصیحیه در سلک طلاب علوم دینیه درآمده و تا مدت بیست سال با کمال جد و جهد به تحصیل و آنگاه به تدریس اشتغال داشته و در این مدت از محضر علماء آن عصر سبزوار استفادات علمیه و ادبیه و فقهیه و اصولیه و حکمیه نموده و از مدرسین نامی عصر خود گشته و ضمناً در مسجد جامع سبزوار به امامت جماعت اشتغال داشته است.

پس از تدریس دو دوره رسائل و مکاسب مرحوم شیخ قدس سره در سال ۱۳۳۷ قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و مدت ۱۶ سال در آستان ملک پاسبان حضرت مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین علیه صلوات المصلین اقامت نموده و از محضر آیات عظام آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا حسین نائینی استفاده و تقریرات فقه و اصول هر دو را در ۶ مجلد به رشته تحریر آورده که اکنون نزد فرزند فاضلش موجود است.

در ذیقعده سال ۱۳۵۳ قمری به سبزوار بازگشته و به امور روحانیت قیام نموده و در سال ۱۳۶۳ قمری حوزه علمیه متلاشی شده آن را حیات جدیدی بخشیده به اغلب قراء اطراف نامه‌ها نوشته و تقاضای ارسال محصل به مدارس سبزوار و حوزه علمیه دائر نموده که اثر آن اقدام از آن تاریخ تاکنون مشهود است در علم و تقوا مورد قبول عامه و خاصه و در نفوذ کلام و محبوبیت قلیل‌النظیر بوده است.

در عصر یکشنبه ۲۳ ماه رمضان المبارک ۱۳۸۵ قمری در سن ۸۶ سالگی طی کسالت و نقاهت طولانی دیده از جهان فروبست و در حسینیه‌ای که از خالص مال خود در سبزوار ساخته است به خاک رفته است.

اساتید مشهور آن مرحوم در سبزوار از اینقرار است.

۱- مرحوم آیت‌اللّه آقای حاج میرزا حسین علوی سبزواری

۲- مرحوم حجهٔ‌الاسلام والمسلمین آقای آقا میرزا موسی عموی بزرگوارش والد آیت‌اللّه حاج میرزا حسین فقیه سبزواری

۳- مرحوم آقا میرزا اسماعیل مشهور به افتخارالحکماء شاگرد علامه و حکیم سبزواری

۴- مرحوم حجهٔ‌الاسلام حاج میرزا اسماعیل مجتهد سبزواری و در نجف مرحوم آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه آقا میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه حاج شیخ اسماعیل محلاتی بوده است دارای ده فرزند چهار پسر و شش دختر از دختر مرحوم آیت‌اللّه محلاتی مذکور می‌باشد.

فرزند اکبر و ارشدش حجهٔ‌الاسلام حاج سید مصطفی سیادتی است که تحصیلات خود را در نزد آن مرحوم به پایان رسانیده و

اکنون به جای معظم له به امامت جماعت و وظائف روحانیت مشغول و مورد احترام مردم سبزوار است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۳۱۷ -۳۱۵ /۵).

سیادتی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی سیادتی از علماء اعلام و مدرسین بنام معاصر سبزوار است.

دارای مقام علم و عمل و از محترمین و معینین این شهر می‌باشد و عده‌ای از فضلاء معاصر و گذشته از محضرشان کسب فیض و علم نموده‌اند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سیار اصفهانی، قلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۵ ش)، شاعر، متخلص به سیار. در اصفهان متولد شد به پیشه کفاشی اشتغال داشت. از شعرای انجمن کمال بود. در انواع فنون شعر ماهر بود خصوصا غزل را استادانه می‌سرود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۵۳ -۲۵۲)، الذریعه (۴۸۰/۹).

سیار اصفهانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۵ -۱۲۹۵ ق)، شاعر. سیار از نوادگان قطره، شاعر سامانی است. دهقان سامانی استاد وی بود. در سامان دفن است. از اوست:

تا ندای ارجعی دهقان شنید

مرغ روحش کرد در جنت قرار

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۵۳)، الذریعه (۴۸۰/۹).

سیار، خدیجه

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی متالورژی، دانشکده: فنی، دانشگاه: تهران

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

سیاره شهرضایی، هاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر. از شعرای شهرضا بود از آثار وی: «تذکره السادات»، شعر؛ «جنگل مولی»، شعر؛ «گلشن معرفت»، شعر؛

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۵۴ -۲۵۳)، الذریعه (۴۸۰/۹)، مؤلفین کتب چاپی (۷۵۷ -۷۵۶ /۶).

سیاره معینی، نور ارفع

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۶ ش)، شاعر، متخلص به سیاره. وی در لنگرود متولد شد و تحصیلاتش را در همان شهر به انجام رسانید. او با تشویق پدرش به سرودن شعر پرداخت و در غزل‌سرایی مهارت یافت. اشعارش دارای سوز و گدازهای عارفانه و حاوی نکات دلکش است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۱۸۵۸ -۱۸۵۵ /۳)، فرهنگ سخنوران (۴۷۶).

سیاری، ابوالعباس قاسم

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۴۳/۳۴۲/۳۴۰ ق)، عالم، عارف، فقیه، و محدث. در مرو متولد شد. به جهت انتساب به جد مادری خود احمد بن سیار، سیاری خوانده می‌شد. وی در علوم شریعت و فنون طریقت بصیر و نخستین کسی است که در مرو سخن از حقیقت گفته است. گویند که پدرش بسیار مالدار بود، بعد از وفات او قاسم آن همه را به بهای یک تار گیسوی عنبر بوی حضرت رسالت می‌داد، سپس به برکت آن موی مبارک موفق به توبه گردید و فرقه سیاریه از فرق صوفیه نیز منتسب به او می‌باشد که به وسیله خواهرزاده‌اش عبدالواحد بن علی نشر یافت، اساس طریقه وی مبنی بر مساله جمع و تفرقه که مراد از جمع مشاهده و مراد از تفرقه مجاهدت بوده. سیاری از ابوالموجه و احمد بن عباد حدیث شنید و ابوعبدالله الحاکم از وی روایت کرده است. وی در مرو درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره الاولیاء (۳۰۶ -۳۰۴ /۲)، جستجو در تصوف (۵۶ -۵۵)، حلیه الاولیاء (۳۸۱ -۳۸۰ /۱۰)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (۷۹ -۷۸)، ریحانه (۱۰۴ -۱۰۳ /۳)، سیر النبلاء (۵۰۱ -۵۰۰ /۱۵)، شرح شحطیات (۴۰)، طبقات الصوفیه سلمی (۴۴۷ -۴۴۰)، طبقات الصوفیه هروی (۳۶۵ -۳۶۴)، کشف المحجوب (۱۹۹ -۱۹۸)، لغت نامه (ذیل/ابوالعباس)، نفحات الانس (۱۴۸ -۱۴۷).

سیاسی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۹ -۱۲۷۴/۱۲۷۳ ش)، روانشناس، مولف و استاد دانشگاه. وی در تهران متولد شد و پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدارس خرد و سلطانی، برای ادامه‌ی تحصیلات به فرانسه رفت و از دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی پاریس به اخذ درجه‌ی دکترا با قید درجه‌ی بسیار عالی نایل گردید و به ایران بازگشت و فعالیتهای فرهنگی خود را از استادی دارالفنون و دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و دانشکده‌ی ادبیات آغاز نمود. وی چندین بار رییس دانشگاه تهران شد. از جمله خدمت موثر او می‌توان از تهیه‌ی لایحه‌ی قانون تربیت معلم، تعلیمات عمومی اجباری و مجانی، جدا کردن دانشگاه از وزارت فرهنگ، تاسیس مجدد دانشکده‌ی معقول و منقول، ایجاد چاپخانه‌ی دانشگاه و تاسیس کوی دانشگاه نام برد. او به کشورهای انگلستان و فرانسه و ایتالیا و آمریکا و کانادا سفر کرد. وی در تهران وفات یافت. از دکتر سیاسی تالیفات متعددی به جا مانده است از جمله: «علم النفس یا روانشناسی»؛ «علم النفس ابن‌سینا و تطبیق آن با روانشناسی جدید»؛ «علم الاخلاق»؛ «مبانی فلسفه»؛ «منطق و فلسفه»؛ «هوش و خرد»؛ «روانشناسی شخصیت»؛ «ایران در تماس با مغرب زمین» به زبان فرانسوی و برنده‌ی جایزه از آکادمی فرانسه؛ «طریقه تست» و «مقالات» متعددی که در جراید و مجلات به چاپ رسیده است.[۱]

محقق، مؤلف، رییس دانشگاه تهران.

تولد: ۱۲۷۳(۱۳۱۳ ق.)؛ تهران.

درگذشت: ۴ خرداد ۱۳۶۹، بیمارستان جم تهران.

علی‌اکبر سیاسی، فرزند محمدحسن، پس از اتمام تحصیلات در مدارس خرد و سلطانی و دانشکده‌ی علوم سیاسی تهران، در روزگار احمد شاه قاجار در امتحانات اعزام دانشجو شرکت کرد، شاگرد اول شد و برای ادامه‌ی تحصیل به اروپا رفت و در فرانسه به اخذ درجه‌ی دکترای ادبیات از دانشگاه سربن نایل شد (موضوع پایان‌نامه‌ی وی «ایران در برخورد با غرب» بود.) طی تحصیل در فرانسه، رساله‌ی دکترای وی مورد توجه فرهنگستان علوم فرانسه قرار گرفت و یکی از جوایز آن فرهنگستان در سال ۱۲۹۳ م. به وی اعطاء شد.

علی‌اکبر سیاسی تحت تأثیر جریان‌های فکری و اجتماعی ناشی از زندگی در اروپا با چند تن از دوستانش که در فرنگ تحصیل کرده بودند حزب ایران جوان را تأسیس کرد. دکتر سیاسی یکی از اعضای هیئت عامله‌ی حزب و از نویسندگان روزنامه‌ی هفتگی «ایران جوان» بود. وی پس از بازگشت از سفر اول اروپا به تدریس در سه مدرسه‌ی دارالفنون، نظام و علوم سیاسی پرداخت. در همین دوران مترجمی سفارت فرانسه در تهران را هم به عهده داشت. در آن مدرسه‌ها، در آغاز کار، زبان فرانسوی و سپس روان‌شناسی تدریس می‌کرد. در همان هنگام با مجله‌ی «آینده» نیز همکاری داشت.

علی‌اکبر سیاسی پس از تأسیس دانشگاه تهران به استادی این رشته نایل آمد. بعدها که انجمن روان شناسان ایران تأسیس شد به ریاست آن انجمن برگزیده شد و نیز رییس مؤسسه‌ی روان‌شناسی دانشگاه تهران بود. دکتر سیاسی مدت دوازده سال ریاست انتخابی دانشگاه تهران را به عهده داشت. انتشارات دانشگاه تهران در دوره‌ی ریاست و در سال‌های آغازین کار او تأسیس شد و

دکتر پرویز ناتل خانلری طراح و مجری امور آن شد. او همچنین ریاست انجمن ایرانی و فلسفه و علوم انسانی وابسته به کمیسیون ملی یونسکو را بر عهده گرفت و در مقام رییس کانون ایران جوان نیز کوشید تا مجموعه سخنرانی‌های فرهنگی و پژوهشی ایراد شده در آن دو مؤسسه به چاپ برساند.

دکتر سیاسی ریاست دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی و نیز دانشسرای عالی تا پیش از جدا شدن آن– که بیش از بیست سال طول کشید– بر عهده داشت. تأسیس مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی» نیز از فعالیت‌های او بود. وی وزیر فرهنگ احمد قوام و علی سهیلی، وزیر مشاور در هیئت دولت مرتضی قلی بیات (سهام‌الدین)، وزیر فرهنگ در هیئت دولت ابراهیم حکیمی و وزیر امور خارجه در هیئت دولت ساعد بود. در هیئتی که برای امضای منشور سازمان ملل متحد به سانفرانسیسکو اعزام شد عضو بود. در پایه‌گذاری امور یونسکو همکاری داشت و یکی دو بار به نمایندگی ایران در اجلاسیه‌های آن مؤسسه‌ی جهانی شرکت کرد. عضو شورای تبلیغات و عضو فرهنگستان ایران و شورای عالی فرهنگ و جز اینها بود. دکتر سیاسی، ده سال پایانی عمر را در اروپا و امریکا زندگی می‌کرد.

علاوه بر مقالات وی در نشریات داخل و خارج، از آثار وی است: اصول روان شناسی (۱۳۱۷)؛ روان‌شناسی پرورشی (۱۳۲۰، این کتاب به کرات بین بیست تا سی بار به چاپ رسیده است)؛ علم النفس ابن سینا و تطبیق آن با روان‌شناسی جدید (۱۳۳۳)؛ نمایشنامه‌های عشق و وطن؛ ماهیار یک قربانی دیکر؛ عشق و تجدد؛ ایران در تماس بامغرب زمین (به زبان فرانسوی)؛ دو ماه در پاریس یا از یونسکو تا برلین (۱۳۲۹)؛ روان‌شناسی جدید (۱۳۳۳)؛ علم اخلاق (نظری و عملی) (۱۳۳۶)؛ منطق و روش‌شناسی (۱۳۳۶، چند بار چاپ شده است)؛ مبانی فلسفه (۱۳۳۶)؛ علم النفس یا روان‌شناسی از لحاظ تربیت (۱۳۳۷، چند بار چاپ شده است)؛ منطق و فلسفه (۱۳۳۷، چند بار چاپ شده است)؛ هوش و خرد (۱۳۴۱، چاپ‌های مکرر دارد)؛ روان‌شناسی جنایی (۱۳۴۲)؛ گزارش یک زندگی (جلد اول، لندن ۱۳۳۶).

در ۱۲۷۴ ش در تهران متولد شد و پس از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه وارد مدرسه عالی سیاسی مشیرالدوله شد و دانشنامه گرفت. در ۱۲۹۰ دولت ایران قریب بیست نفر از جوانان کشور را تحت سرپرستی ریشارد برای ادامه تحصیل به اروپا فرستاد، از جمله علی‌اکبر سیاسی در زمره‌ی آن بیست نفر بود. در این سفر برای هر کدام از محصلین نام خانوادگی انتخاب شد و چون علی‌اکبر رشته‌ی سیاسی خوانده بود نام خانوادگی سیاسی را برای خویش انتخاب کرد. پس از ورود به پاریس وارد دانشسرای روان شد و به تحصیل در رشته‌ی علوم تربیتی و روانشناسی پرداخت و مدت تحصیل وی مجموعا پنج سال به طول انجامید و در ۱۲۹۶ به ایران بازگشت و به استادی مدرسه‌ی دارالفنون مشغول شد. در ۱۲۹۸ علاوه بر تدریس به سمت مستشار و مترجم سفارت فرانسه در تهران برگزیده شد و قریب دو سال در آن سمت انجام وظیفه نمود. سیاسی پس از بازگشت از اروپا در فکر تغییراتی در شئون تغییراتی در شئون مختلف کشور افتاد و با مشارکت عده‌ای از دوستان خود جمعیتی به نام ایران‌جوان تاسیس کرد. هسته‌ی اصلی این جمعیت غیر از سیاسی عبارت بودند از، حسن مشرف نفیسی، اسمعیل مرآت، محمدوحید تنکابنی، محسن رئیس، جواد عامری. اساسنامه‌ای که خیلی مترقی و تند بود تهیه کردند از جمله در مرامنامه آنها آمده بود: تجزیه امور مدنی از مسائل روحانی، الغاء کاپیتولاسیون، الغاء محاکم خصوصی و ارجاع کلیه امور به محاکم عمومی، تجدیدنظر در قراردادهای گمرکی، ایجاد راه‌آهن، ایجاد مدرس عمومی و اجباری برای پسران و دختران و چند مورد دیگر.

جمعیت ایران‌جوان پس از مدتی روزنامه‌ای به نام جمعیت که به طور هفتگی منتشر می‌شد دائر کردند که شماره اول آن دوازده صفحه بود و مطالب متنوعی در آن نوشته شده و چندین کاریکاتور هم در آن شماره به چشم می‌خورد. وقتی سردار سپه قدرت گرفت، اعضاء موسس ایران‌جوان را پذیرفته و مرامنامه آنها را مطالعه و مورد تصویب و اجرا قرار داد.

علی‌اکبر سیاسی در ۱۳۰۸ مجددا برای ادامه تحصیل به اروپا رفت و در رشته‌ی روانشناسی دکترا گرفت و رساله‌ی وی با درجه‌ی ممتاز مورد تصویب استادان قرار گرفت و جایزه‌ای نیز از طرف دانشگاه به او داده شد. سیاسی در ۱۹۳۱ به ایران بازگشت و در وزارت فرهنگ ریاست تعلیمات عالیه به او واگذار شد و در دارالمعلمین عالی نیز به تدریس روانشناسی و فلسفه پرداخت.

در ۱۳۱۳ پس از تاسیس دانشگاه تهران وی به استادی روانشناسی در دانشکده ادبیات منصوب شد و در سال بعد عضو پیوسته فرهنگستان جدیدالتاسیس ایران شد. در ۱۳۲۱ به ریاست دانشکده ادبیات برگزیده شد و در مرداد همان سال در کابینه‌ی احمد قوام وزارت فرهنگ را عهده‌دار شد. سیاسی در این سمت قانون تعلیمات اجباری را از مجلس سیزدهم گذرانید و برای دانشگاه تهران که ضمیمه وزارت فرهنگ بود استقلال گرفت و از طرف روساء دانشکده‌ها به ریاست دانشگاه مستقل تعیین شد.

پس از بلوای ۱۷ آذر ۱۳۲۱ قوام‌السلطنه تمام روزنامه‌ها و مجلات کشور را تعطیل کرد و مدیران آن را به زندان افکند و دکتر سیاسی وزیر فرهنگ وقت لایحه‌ی جدیدی به قید دوفوریت به مجلس داد و ضمن لغو تمام امتیازات برای صاحب امتیازی مطبوعات، اصول جدیدی را در نظر گرفت که یکی داشتن دیپلم متوسطه و دیگری بضاعت مالی بود.

پس از سقوط کابینه‌ی احمد قوام، علی سهیلی به نخست‌وزیری منصوب شد و پست وزارت فرهنگ مجددا به دکتر علی‌اکبر سیاسی تفویض گردید. در ۱۳۲۳ در کابینه‌ی مرتضی قلی بیات (سهام‌السلطان) به وزارت مشاور برگزیده شد. در ۱۳۲۶ در کابینه‌ی ابراهیم حکیمی برای بار سوم وزیر فرهنگ شد و بالاخره در کابینه‌ی ساعد به وزارت امور خارجه معرفی گردید. و در ۱۳۲۵ عضویت هیئت نمایندگی ایران را در سازمان ملل عهده‌دار گردید.

دکتر علی‌اکبر سیاسی مجموعا مدت ۱۲ سال ریاست دانشگاه تهران را عهده‌دار بود. در سال ۱۳۳۳ به موجب طرحی که از طرف یکی از نمایندگان به مجلس داده شد، انتخاب ریاست دانشگاه از روسای دانشکده‌ها سلب و قرار شد وزیر فرهنگ سه نفر از اساتید دانشگاه را که رتبه‌ی آنها از ۹ کمتر نباشد به شاه پیشنهاد کند و شاه یکی از آنها را انتخاب کند. لذا جعفری وزیر فرهنگ وقت، سه نفر را پیشنهاد نمود. نفر اول دکتر منوچهر اقبال بود که به ریاست دانشگاه انتخاب گردید. دکتر اقبال برای تقدیر از خدمات دکتر سیاسی به وی مقام ریاست افتخاری دانشگاه تهران را داد.

دکتر علی اکبر سیاسی پس از کنار رفتن از ریاست دانشگاه، تلاشی برای کارهای دولتی به عمل نیاورد و همچنان با استادی و

تدریس در دانشکده ادبیات امرار وقت می‌کرد و سرانجام بازنشسته شد و به مقام استادی ممتاز رسید.
دکتر سیاسی دارای تالیفات متعددی در رشته‌ی تخصصی خود می‌باشد، از جمله می‌توان کتابهای مبانی فلسفه علی‌النفس یا اصول روانشناسی، نظریه‌های شخصیت یا مکاتب روانشناسی و چندین کتاب درسی و چند ترجمه را نام برد. او اصول روانشناسی جدید را در ایران بنیاد نهاد، از اینرو به نام بنیانگذار و پدر روانشناسی جدید در ایران معروف می‌باشد. وی در جوانی با دختر صمصام‌الملک بیات ازدواج کرد و صاحب چند فرزند شد که ارشد آنها دکتر هدایت سیاسی هم‌اکنون استاد دانشکده بهداشت است.
سیاسی در اواخر عمر در خارج از ایران می‌زیست و کتابی به زبان فارسی تحت عنوان گزارش یک زندگی نوشته و انتشار داد که در حقیقت شرح حال و زندگینامه‌ی او بود. در اواخر ۱۳۶۸ به ایران بازگشت و در ششم خرداد ۱۳۶۹ درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[۱] چهره‌های آشنا (۳۱۱ –۳۱۰)، کلک (س ۱۳۶۹، ش ۳، ص ۳۲ –۲۹)، کیهان فرهنگی (س ۷، ش ۳، ص ۵۰)، مؤلفین کتب چاپی (۵۲۱ –۵۱۸ /۴)، نشر دانش (س ۱۰، ش ۴، ص ۱۰۴).

سیاقی فارسی، نظام‌الدین علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۱ ق)، مورخ و شاعر. متخلص به سیاقی. وی از کارگزاران نامی دربار صفویه بود. نخست منصب استیفاء کهکلیویه و کازرون را داشت و سپس به وزارت کل فارس منصوب شد. وی در تاریخ و علم سیاق و موسیقی بر دیگران برتری داشت. در «تاریخ نظم و نثر» آمده که کتاب «فتوحات شاهی» از او است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۱۰)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۸۵/۲)، فرهنگ سخنوران (۴۷۶)، مرآت الفصاحه (۲۸۸ –۲۸۷).

سیاقی هروی، محمود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۷۹ ق)، شاعر و خطاط. پدرش از مشاهیر. متصوفه‌ی زمان خود و از سادات صحیح‌النسب هرات بود. وی تا حیات اسفندیار سلطان در فرغانه وزرات او را داشت. سیاقی هروی در خط و انشاء و معما و عروض و قافیه دست داشته و انواع شعر را خوب می‌گفته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۹۹ –۵۹۸).

سیاوشانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از کاتبان گمنام بود. از خطوط وی: یک نسخه «تحفه الاحرار» و «سبحه الابرار» جامی، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «کتبه العبد... خواجه جان بن سلطان احمد سیاوشانی ستر عیوبه و غفر ذنوبه... تمت الکتاب فی غره‌ی محرم‌الحرام سنه‌ی ۹۳۹»؛ نسخه‌ی دیگری به خط وی در مجموعه‌ی چستربیتی است که در بخارا کتاب شده و تاریخ ۹۵۴ ق دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۸۱/۱)، هنر عهد تیموریان (۴۲۱، ۳۶۰).

سیاه پوش، علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۳۰ ق)، صوفی و شاعر، متخلص به علی. وی نواده صفی‌الدین اردبیلی و از مشایخ طریقه‌ی صفویه است که پس از پدر جانشین او شد. خواجه علی در پایان زندگی به بیت‌المقدس رفت و همان جا درگذشت. گویند قبرش در آنجا به مزار سید علی عجم معروف است. خواجه در سرودن غزل توانا بود و «دیوان» غزلیاتی داشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۹۳)، حبیب السیر (۴۲۳/۴)، دانشمندان آذربایجان (۲۸۰ –۲۷۹)، الذریعه (۷۵۹/۹)، ریحانه (۱۰۷ –۱۰۶ /۳).

سیاهپوش، سید جواد، محمدجواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۷ ق)، عالم، ادیب و شاعر. پدرش سید محمد زینی از معاصران سید مهدی طباطبایی بود. سید جواد از اخباریان متعصب و از شاگردان میرزا محمد اخباری بود. او دارای خطی نیکو بود. چون پدرش درگذشت او را به قصیده‌ای رثاء گفت که در «دیوان» وی ثبت است. از آثار وی: «معراج الاسرار»، در تصوف؛ «دوحه‌الانوار فی الرائق من الاشعار»؛ در ادب، در چند جزء؛ شعری در رثای شیخ محسن اعسم؛ «دیوان» اشعار؛ قصیده‌ای در رثای شیخ خالد نقشبندی که سید محمود آلوسی بزرگ آن را شرح کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۲/۶)، اعیان الشیعه (۲۸۱ -۲۸۰ /۴)، الذریعه (۲۲۸/۲۱ ،۲۰۸/۹ ،۲۷۳/۸)، ریحانه (۱۰۶/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۹۰ -۲۸۹ /۱۳)، معجم المؤلفین (۱۶۸/۳)، مکارم الآثار (۱۳۲۰ -۱۳۱۹ /۴).

سیبک نیشابوری، یحیی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۵۲ ق)، خطاطو شاعر، متخلص به فتاحی. وی از شاعران دوره‌ی شاهرخ گورکانی ست و در کتابخانه‌ی بایسنقر میرزا مشغول به کتابت بوده و در بیشتر علوم دست داشته است. بخصوص در شعر و خط معروف بود. یحیی غیر از تخلص فتاحی، به تفاحی، اسراری و خماری نیز تخلص می‌کرده است. از آثار او: «تعبیرنامه‌ی منظوم»؛ مثنوی «دستور عشاق» معروف به «حسن و دل» که در سال ۸۴۰ ق به پایان رسانیده؛ «شبستان نکات و گلستان لغات» که در سال ۸۴۳ ق به پایان برده؛ کتاب «اسرار و خماری» شامل اشعاری در اسامی اغذیه که از شاعران پیشین تقلید کرده است؛ «شبستان خیال» به نظم و نثر؛ «خمریات»؛ «اسرارنامه»؛ «دیوان» شعر و چندین دهنامه‌ی دیگر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۷۰/۳)، پیدایش خط و خطاطان (۱۷۱ -۱۷۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۵۹/۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۹۹)، تذکره الشعراء (۴۷۱ -۴۷۰)، حبیب السیر (۱۵/۴)، الذریعه (۹۶/۲۳ ،۲۴/۱۳ ،۸۰۷/۹ ،۱۶۱/۸)، ریحانه (۱۰۷/۳)، فرهنگ سخنوران (۴۷۷ -۴۷۵)، کشف الظنون (۶۶۶)، لغت نامه (ذیل/ فتاحی)، مجالس النفائس (۱۸۹ ،۱۸۸ ،۱۳)، مناقب هنروران (۵۹ -۵۸)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۷ -۸۳۶ /۶)، هدیه العارفین (۵۲۸/۲).

سیبویه ثانی، برهان‌الدین ابراهیم

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۲۰ -۹۱۷ ق)، نحوی و ادیب، عارف، شاعر و مفسر. از عارفان و نام‌آوران عرفان و مشاهیر سلسله‌ی نقشبندیه است. که در نحو و ادبیات عرب و متون شعری یگانه‌ی روزگار خود بود. در حین مسافرت به مکه به دست خوارج کشته شد. از آثار وی: «انبیاء نامه»؛ «التائیه»، در نحو معروف است به «نهایه البهجه»، که آن را شرح کرده به نام «معیار الادب فی شرح نهایه البهجه»؛ «تائیه» در نظم «ایساغوجی» اثیرالدین ابهری به نام «موزون المیزان»؛ «تفسیر قرآن» از اول تا سوره‌ی یوسف.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۲۸ -۱۲۷ /۲)، ایضاح المکنون (۵۱۵/۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۶)، الذریعه (۵۰۶/۹ ،۲۰۲ -۲۰۱ /۳)، ریحانه (۱۱۱ -۱۱۰ /۳)، فرهنگ سخنوران (۱۷)، کشف الظنون (۱۹۰۱ ،۲۶۷)، معجم المؤلفین (۳۸/۱)، یغما (س ۶، ص ۱۵۴ - ۱۵۲).

سیبویه کربلائی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد فرزند ملا علی‌اکبر سیبویه حایری کربلائی از مخلصین اهل‌بیت و مبلغین احکام و مروجین اسلام و خدام مخلص اهل‌البیت علیهم‌السلام بالاخص سالار شهیدان حضرت ابی‌عبداللّٰه الحسین علیه‌الصلوه والسلام است. ایشان در بیستم ربیع‌الثانی ۱۳۳۷ قمری در کربلا به دنیا آمده و در بیت علم و حدیث تربیت یافته و پس از خواندن دروس مقدماتی و ادبیات سطوح را نزد والد ماجدش و عموی بزرگوارش مرحوم حاج شیخ محمدعلی سیبویه که از علماء محترم کربلا بودند خوانده و سطوح نهائی و خارج فقه را از مرحوم علامه فقیه حاج شیخ یوسف بیارجمندی شاهرودی که از مجتهدین و علماء مبرز کربلا بودند استفاده نموده و در سال ۱۴۰۰

قمری برابر با ۱۳۵۹ شمسی از طرف دولت شوم بعث عراق تسفیر و رانده به ایران شده پس از ورود رحل اقامت به تهران انداخته و تا حال تحریر کتاب ۱۴۱۲ قمری در آنجا به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و ذکر مصائب خاندان رسالت بالاخص سالار شهیدان حضرت ابی‌عبداللّٰه الحسین علیه الصلوه والسلام از طریق منبر اشتغال دارند و جدا مخلصانه و خالصانه این وظیفه را ایفاء می‌کنند و لذا اثر عمیقی در مستمعین و شنوندگان خود می‌گذارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

سیبویه یزدی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین فرزند عالم ربانی حاج شیخ محمدعلی فرزند آخوند ملا عباس یزدی ابرندآبادی از دانشمندان کربلا بوده که دولت بعث عراق او را با ده‌ها هزار نفر دیگر به ایران رانده و ایشان رحل اقامت در مشهد مقدس انداخته و تأسیس مدرسه علمیه‌ای به نام امام حسین علیه‌السلام نموده و به خدمات دینی در آنجا از اقامه جماعت و تدریس و اداره عده‌ای از طلاب و محصلین اشتغال دارند.

جد ایشان آخوند ملا عباس در ابرندآباد یزد متولد شده و پس از خواندن مقدمات به اتفاق آقا سید محمدکاظم یزدی که با او رفاقت تامی داشته به اصفهان هجرت نموده و قسمتی از سطوح در آنجا خوانده و مهاجرت به کربلا نموده و چندی که اقامت داشتند کسی از شخصیت ایشان مطلع نبوده تا آنکه کم‌کم مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید محمدباقر حجت کربلائی و آیت‌اللّٰه حاج سید اسماعیل صدر متوجه و مطلع می‌شوند از آمدن ایشان.

پس از ایشان دیدن کرده و تجلیل می‌کنند پس از آن شروع به تدریس و اقامه نماز جماعت در صحن شریف و بعضی از مساجد کربلاـ می‌نمایند و بعد از آن برادر بزرگوارش مرحوم آخوند ملاعلی سیبویه از ابرندآباد یزد عازم کربلا شده و در آنجا اقامت نموده و پس از چندی قبل از برادرش مرحوم ملاعباس از دنیا می‌روند و لقب سیبویه اختصاص به ایشان داشت و پس از فوتشان علماء کربلا لقب مذکور را به ایشان دادند و این نام خانوادگی اولاد و اعقاب ایشان گردید و خلاصه هر دو آن بزرگوار از علماء مبرز و مجتهدین بزرگ کربلا بودند و مرحوم آخوند ملاعلی سیبویه عقیم و بدون اولاد بود و مرحوم آخوند ملاعباس دارای دو فرزند عالم و دانشمند به نام:

۱- حاج شیخ علی‌اکبر والد ماجد حاج شیخ احمد سیبویه مقیم تهران.

۲- حاج شیخ محمدعلی سیبویه والد ماجد مترجم ما بودند.

و این دو بزرگوار حاج شیخ علی‌اکبر و حاج شیخ محمدعلی از علماء مبرز کربلا بوده‌اند که در حوزه کربلا اشتغال به تدریس و امامت در صحن شریف و مسجد می‌نمودند.

و مرحوم حاج شیخ محمدعلی دارای فرزندانی بودند که بیشتر آنها در حال کودکی از دنیا رفتند و دو فرزند فاضل و دانشمند از ایشان به نام:

۱- حاج شیخ محمدحسن سیبویه که دانشمندی فاضل و ارزشمند بودند و پس از سفر به ایران در اثر ناراحتیها و صدمات وارد در مشهد بیمار شده و از دنیا رفته و در صحن نو مشهد مقدس مدفون شدند.

۲- مترجم ما جناب حاج شیخ حسین سیبویه که در کربلاء معلی به دنیا آمده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و دروس ابتدائی و مقدماتی و سطوح را از مدرسین کربلا بالاخص مرحوم والدشان و حاج شیخ یوسف بیارجمندی شاهرودی و حاج شیخ محمدرضا جرقوئی اصفهانی و حاج شیخ محمدعلی منتظری و حاج شیخ محمد خطیب و دیگران خوانده سپس عزیمت به نجف اشرف نموده و سطوح عالی را از محضر حاج شیخ مجتبی لنکرانی و آقا سید احمد اشکوری و حاج شیخ صدرا بادکوبه‌ای و بعد به درس مرحوم میرزا باقر زنجانی و بعد از آن به درس میرزا حسن بجنوردی سپس درس آیت‌اللّٰه العظمی و العلامه الکبری خوئی مد ظله و آقای خمینی استفاده نموده و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تدریس فقه و اصول و تفسیر قرآن و غیره پرداخته و مدرسه‌ای به نام امام حسین علیه‌السلام تأسیس و عده‌ای از محصلین و طلاب مشهد را تربیت و تعلیم می‌دهند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

سیچانی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «زادالمعاد»، به قطع نیم ربعی، با جلد روغنی عالی، مذهب، نسخ کتابت خفی عالی و به شیوه‌ی ملا زین‌العابدین محلاتی، با رقم: «تمت الکتاب بعون‌اللّٰه الملک الوهاب علی ید الفقیر الحقیر الجانی ملا علی السیچانی فی شهر محرم الحرام سنه ۱۲۵۲».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۲۰/۴).

سید اصفهانی، رضا

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۳۳ ق)، شاعر، متخلص به سید. وی معاصر سلطان حسین صفوی است. از سادات حسینی اصفهان بود و آن سلسله در عزت و جلالت شأن معروف بودند. میرزا سید در حسن سلیقه و رنگینی صحبت بی‌نظیر و نکته‌سنجی مسلم هر صغیر و کبیر بود. گاهی شعر می‌گفت و دارای ابیات بلندی بود. وی در اصفهان درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۹۹ -۲۹۸)، تذکره المعاصرین (۳۵۲ -۳۵۱، ۱۹۴ -۱۹۳)، الذریعه (۴۸۱/۹)، صبح گلشن (۱۷۶).

سید اصفهانی، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی نساجی، دانشکده: مهندسی نساجی، دانشگاه: صنعتی امیرکبیر

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

سید العراقین (عبدالحسین)

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج میرزا عبدالحسین خاتون آبادی فرزند آقا میر محمد مهدی بن حاج میر معصوم بن حاج میرزا محمد علی بن میر ابوالمحسن بن میر محمد اسماعیل [بن میر محمد باقر بن میر محمد اسماعیل] مدرس کبیر خاتون آبادی. پدرانش عموما از علمای بزرگ اصفهان، و رؤسای این شهر بوده، و به مناسبت سکونت در محله‌ی پاقلعه (از محلات اصفهان) به سادات پاقلعه معروف شده‌اند.

مرحوم سید العراقین در سال ۱۲۹۴ در اصفهان متولد شده، و مقدمات علوم را در این شهر آموخته، سپس جهت تکمیل به عراق عرب رفته، سال‌ها در نجف اشرف از محضر اساتید بزرگ آنجا در فقه و اصول استفاده نموده، تا به درجه‌ی اجتهاد نایل گردیده، به اصفهان مراجعت نموده، به درس و بحث و اقامه‌ی جماعت، و فصل خصومات، و ترویج دین پرداخته.

سرانجام در شب چهارشنبه ۱۰ شوال ۱۳۵۰ وفات یافته، در تکیه‌ای مخصوص در مجاورت تکیه‌ی خاتون آبادی‌ها مدفون گردید. (پس از آن جمعی کثیر از فضلا و علما در مجاورت او در بقعه و خارج آن مدفون شدند که ذیلا به نام برخی از آنها اشاره می‌شود.

مرحوم سید العراقین آخرین مدرس معروف مدرسه‌ی چهارباغ به شمار می‌رفت که پس از فوت او، به مناسبت چندی، سال‌ها مدرسه تعطیل، و خالی از طلبه و محصل بوده، و امورات وقفی آن زیر نظر اداره‌ی اوقاف اداره می‌شد، تا پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ مجددا مدرسه به تصرف وقف داده، و حق به من له الحق بازگشت. سپس طلاب در آن ساکن شده و به تحصیل مشغول شدند، و به حمدالله تاکنون دایر، و صبح و عصر جلسات تدریس فقه و اصول حکمت و ادب در آنجا دایر است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

سید عباس‌زاده، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۳۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مدیریت آموزشی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: ارومیه

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تبریز، کارشناسی ارشد در رشته تعلیم و تربیت از دانشگاه اکلاهماسیتی آمریکا، دکترای مدیریت آموزشی از دانشگاه میسوری کلمبیای آمریکا در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ارومیه.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

روش‌های کنترل کلاس معلمان مدارس در مقاطع مختلف و خصوصیات مدارس اثربخش.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مدیریت آموزشی، تعلیم و تربیت کودکان تیزهوش، هنر در مدرسه و واژه‌نامه مدیریت آموزشی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

روش‌های کنترل کلاس معلمان، رضایت شغلی معلمان، وجدان کار، مدیریت مؤسسات تحقیقاتی، مشکلات رفتاری و آموزشی دانش‌آموزان شاهد.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سید کریمی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عباس سید کریمی

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید عباس سید کریمی مشهور به حسینی فرزند سید افضل در سال ۱۳۳۸ شمسی در خرمدشت (نهاوند)از توابع قزوین دیده به جهان گشودم. بعد از پایان رساندن مقطع ابتدایی در زادگاه خود در سال ۱۳۵۰ شمسی برای تحصیل علوم دینی به حوزه علمیّه قم وارد شدم. مقطع سطح و دروس فقه و اصول را در مدّت بیست سال با جدیت کامل به پایان بردم. در کنار فقه و اصول به مدت شش سال از فلسفه و کلام نیز بهرمند شدم. علاوه بر دروس متداول حوزوی از اساتید اخلاق گوناگون به ویژه عارف وارسته حضرت آیت الله بهاء الدین- قدس سره- سالیانی چند بهرمند شدم همزمان با تحصیل توفیق تدریس دروس حوزوی به طور پیوسته نصیب اینجانب گردید که این توفیق به مدّت سی سال است ادامه دارد.

در حال حاضر در حوزه علمیّه قم مشغول به تدریس فقه در سطوح عالی هستم و نیز از اساتید تفسیر در مرکز تخصصی تفسیر می باشم. حاصل تدریس سالیان دراز وجود شاگرد فاضل در مراکز مختلف حوزه علمیّه قم و غیر آن می باشد. علاوه بر تدریس در حوزه توفیق تدریس فقه در دانشکده شهید محلاتی به مدّت هشت سال را داشته ام. بعد از گرفتن توشه سهل از علوم رائج حوزوی علاقه به قرآن موجب شد که به تفسیر قرآن رو بیاورم. از این رو در کنار تدریس فقه به فعّالیّتهای قرآنی اعم از مطالعه کتب تفسیری و تدریس و تألیف آن روی آوردم که حاصل آن کتابهای تفسیر و غیر آن است .

سید مجاهد، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد بن العلامهٔ الفقیه السید علی صاحب (ریاض) معروف به سید مجاهد طباطبائی. محدث قمی در فوائد الرضویه گوید. السید الاجل الاعظم الاکرم الافخم البحر الزاخر والسحاب الماطر الفایق علی الاوائل و الاواخر صاحب التحقیقات الرشیقه و التألیفات الانیقه کالمفاتیح والمناهل و غیرهما ولادت و وفات این بزرگوار در کربلا واقع شده و بعد از مرحوم والدش ریاست روحانیت شیعه در کربلا و اکثر بلاد با او بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

سید موسوی، سیدابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدابراهیم سیدموسوی

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۷/۲

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۴۵ تحصیلات دوره ابتدائی ام شروع شد و تا سال ۱۳۵۷ دیپلم دبیرستان را گرفتم، در این مدت با برخی گروههای مذهبی همکاری داشتم که گاهی به مطالعه و تلخیص کتابهای دینی یا بررسی برخی آیات و ارائه در جمع و گروه مربوطه می انجامید. از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۰ به کشور کانادا جهت تحصیل در رشته فیزیک رفتم. در آنجا با عضویت در انجمن اسلامی آمریکا و کانادا به فعالیت های جنبی تبلیغی و گاهی علمی می پرداختم، مثل بررسی تفاسیر قرآن، تحقیق موضوعی در زمینه های مختلف و ارائه به انجمن یا در میان دانشجویان ایرانی و عرب که هر هفته در مسجدی جمع می شدند. از آنجایی که برگزاری تظاهرات در آن کشور به نفع انقلاب و حمایت از مظلومیت ایران در جنگ علیه عراق و گاهی هم برگزاری جلسات سخنرانی در دانشگاهها که در برخی موارد به درگیری با نیروهای ضد انقلاب منجر می شد، پرونده مطلوبی در ادامه مهاجرت به کانادا نداشتم و این دلیل باعث شد ادامه حضور را در آن کشور لغو کنند. در سال ۱۳۶۱ به ایران برگشتم و مستقیم به تحصیلات حوزوی در قم پرداختم. البته چند ماهی به مدرسه عالی شهید مطهری در تهران رفتم ولی دوباره به قم برگشتم و از آن زمان تا به حال در قم هستم. در کنار دروس حوزوی، البته پس از دروس لمعه و همراه با درس رسائل و مکاسب دوباره در دانشگاه از طریق کنکور شرکت کردم و در دانشگاه تهران به درس فلسفه پرداختم. در قم نیز هم در درس تخصصی کلام و هم در رشته دین شناسی(موسسه امام ره) شرکت کردم.

سید میرزایی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر سید محمد سید میرزایی ،پس از اخذ دیپلم ادبی ،از تهران ،در رشته جامعه شناسی در مقطع کارشناسی در دانشگاه تهران پذیرفته و در سال ۱۳۵۰به پایان رسانید.وی تحصیلات تکمیلی خود را در مقطع کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی در دانشگاه استراسبورگ آغاز کرد و تا دوره دکترا در همان رشته در دانشگاه مذکور پیشرفت و در سال ۱۳۵۶ دکترای خود را اخذ کرد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه جامعه شناسی, دانشکده ادبیات و علوم انسانی ،دانشگاه شهید بهشتی می باشد. گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی سید محمد سید میرزایی به ترتیب زیر است: دیپلم: ادبی / ۱۳۲۶/ تهران کارشناسی: جامعه‌شناسی / ۱۳۵۰/ تهران / دانشگاه تهران کارشناسی ارشد: جامعه‌شناسی / ۱۳۵۲ / استراسبورگ / دانشگاه استراسبورگ دکتری: جامعه‌شناسی / ۱۳۵۶ / استراسبورگ / دانشگاه استراسبورگ مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری و مدیریتی سید محمد سید میرزایی به قرار زیر است: ـ مدیر گروه جامعه‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی سال ۵۸ ـ معاون آموزشی دانشگاه الزهرا سال ۶۳ ـ معاون پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی از سال ۶۲ تا ۶۶ ـ معاون آموزشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی از سال ۶۸ تا ۶۹ ـ معاون آموزشی دانشگاه یزد از سال ۷۰ تا ۷۹ ـ مدیر گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی از سال ۷۴ ـ رییس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی از سال ۷۹ تا ۸۳ ـ رییس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی از سال ۸۵ تاکنون عضویت در مراکز علمی و پژوهشی ـ مدیر مسئول پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (علمی ـ پژوهشی) از سال ۷۹ تا ۸۳ ـ مدیر مسئول پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (علمی ـ پژوهشی) از سال ۸۵ تاکنون ـ نامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران سال ۸۰ تاکنون ـ مجله علوم انسانی دانشگاه مشهد از سال ۷۹ تا ۸۰ فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریس: از سال ۵۶ تاکنون در دانشگاه شهید بهشتی آرا و گرایشهای خاص : علایق پژوهشی سید محمد سید میرزایی : حوزه‌های مورد علاقه تحقیق: جمعیت‌شناسی / جامعه‌شناسی شهری زمینه تخصصی : جمعیت شناسی چگونگی عرضه آثار : فعالایت های پژوهشی سید محمد سید میرزایی : تعداد مقالات چاپ شده در مجلات علمی :۱۳ مورد عنوان‌های طرح‌های پژوهشی و زمان اجرایی آن ـ تحولات جمعیتی و شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی آن طی ۳۰ سال گذشته تعداد راهنمایی رساله‌های پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکتری: ۷ موردآثار : جمعیت جهان (۲ جلد) ویژگی اثر : ترجمه، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. سال ۱۳۸۱۲ جمعیت جهان در سال ۲۰۰۲ ویژگی اثر : ترجمه، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. سال ۱۳۸۴۳ جمعیت شناسی آماری ویژگی اثر : ترجمه، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. سال ۱۳۷۰۴ جمعیت شناسی عمومی ویژگی اثر : تالیف، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. سال ۱۳۸۲۵ شهر امروز (حوزه جامعه شناسی شهری) ویژگی اثر : ترجمه، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. سال ۱۳۸۲

سید میرزائی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جمعیت‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی علوم اجتماعی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی از دانشگاه استراسبورگ فرانسه در سال ۱۳۵۱ و دکترای جمعیت‌شناسی از دانشگاه استراسبورگ فرانسه در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

تدریس در دانشگاه شهید بهشتی، مدیر گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی معاون آموزشی و پژوهشی دانشگاه الزهراء و دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی بزهکاری در کرمان، بررسی اوقات فراغت رزمندگان و دانش‌آموزان، تدریس دروس مبانی جمعیت‌شناسی، روشهای تحلیل جمعیت، جمعیت‌شناسی اقتصادی- اجتماعی و مسائل جامعه‌شناسی شهری.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مبانی و روشهای تحلیل جمعیت و جمعیت‌شناسی آماری.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۳، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

مفهوم حد مطلوب قدرت در کشورهای جهان سوم، شکوفائی فرهنگی در جهان سوم، سیاست تنظیم خانواده و توسعه اقتصادی، انقلاب بشر و نیازهای فدائی و توسعه افق جدید.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سید واقف، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۹ مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای شیمی با تخصص در کروماتوگرافی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه علوم دانشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

متخصص کروماتوگرافی، بکارگیری مبادله کننده‌های سنتزی معدنی جدید جهت تخلیص و تفکیک فلزات کمیاب، ایجاد روشهای حساس انتخابی برای فلزات سمی در سیستم‌های بیولوژیکی جهت مطالعه نقش آنها در بیماریهای گوناگون، طرحی در زمینه ساختن ترکیبات جدید شیمیائی با قابلیت قدرت جذب و مبادله یونی اختصاصی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۹ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

رشته شیمی تجزیه، شاخه کروماتوگرافی و روشهای آن.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۷

زمینه علمی مقالات:

ساختن مبادله‌کننده یونی جدید و بررسی کاربرد آنها در تفکیک و تخلیص فلزات و همچنان روشهای اختصاصی برای فلزات سمی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

سید هاشمی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدمحمد سیدهاشمی

محل تولد : کاظمین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیدمحمد میرهاشمی از سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه مشهد مقدس شدم، همزمان نیز شبانه تحصیلات را در مقطع دبیرستان در رشته فرهنگ و ادب به اتمام رساندم. (۶۶ ـ ۱۳۶۵) در سال ۱۳۷۰ در دانشگاه علوم اسلامی رضوی در مقطع کارشناسی (رشته فلسفه و کلام اسلامی) شرکت نموده و در تابستان سال ۱۳۷۵ فارغ‌التحصیل شدم. در سال ۱۳۷۶ بعد از ارائه یکسال امتحان درس خارج فقه و اصول در مشهد رهسپار حوزه علمیه قم شدم. در سال ۱۳۷۸ و نیز سال ۱۳۸۰ در مقطع کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی در برخی دانشگاهها مانند باقر العلوم(ع) تربیت مدرس قم شرکت نموده ولکن علی رغم قبولی در مراحل بعدی شرکت نکردم. از سال ۱۳۸۰ به بعد تاکنون به عنوان مدرس دروس معارف اسلامی در برخی دانشگاههای آزاد و جامع علمی کاربردی تدریس داشته‌ام. از سال ۱۳۸۳ به بعد در عرصه تحقیق و پژوهش فی الجمله فعالیتی داشته‌ام برخی از آثار حقیر (که البته به مرحله چاپ نرسیده است) به شرح ذیل می‌باشد: الف) اخلاق اسلامی ب) مجموعه مقالات اصول کاربردی آیین زندگی ج) معادشناسی د) اعتقاد به منجی عدالت گستر و آثار آن ه) مطلق گرایی در اخلاق. در سال ۱۳۸۴ با اخذ موضوع پایان‌نامه از شورای مدیریت حوزه علمیه قم رساله خود را با عنوان مطلق‌گرایی در اخلاق تحت راهنمایی استاد راهنما جناب آقای دکتر عباسی به اتمام رسانده و اکنون رساله سطح ۳ حوزه بنده در نوبت دفاع قرار دارد. از حدود سالهای ۱۳۸۲ به بعد به عنوان مشاور در برخی واحدهای دانشگاهی در حوزه‌های مختلف مذهبی، اعتقادی، خانوادگی، مشاوره و رسماً در برخی جلسات جلسه پرسش و پاسخ دانشجویی فعالیت داشته‌ام. در تمام این مدت تاکنون در دروس خارج فقه و اصول (حضرت آیت الله وحید خراسانی، حضرت آیت الله مکارم شیرازی شرکت داشته‌ام). در سال تحصیل جاری (نیمسال دوم ۸۶ ـ ۸۵) در جامعهٔ الزهراء قم تدریس برخی دروس را نیز به عهده دارم. از زمان تدریس در دانشگاهها (باعنوان رتبه اول استادیاری) مشاوره برخی دانشجویان را در تحقیقات آنها (استاد مشاور) برعهده داشته‌ام.

سیدالاسلامی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین سید الا سلامی متولد ۱۳۱۹در اصفهان است.وی دکترای رشته حشره شناسی از دانشگاه میشیگان استیت آمریکا در سال ۱۳۵۷ است.ایشان عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی اصفهان با درجه استادی می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیگرایش : حشره شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته کشاورزی و حفاظت گیاهان از دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز در سال ۱۳۴۴ کارشناسی ارشد ودکتری در رشته حشره شناسی از دانشگاه میشیگان استیت آمریکا در سال ۱۳۵۷همسر و فرزندان : حسین سید الا سلامی متاهل است.وی دارای یک فرزند است.وقایع میانسالی : حسین سید الا سلامی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته حشره شناسی به عضویت هیئت علمی گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان درآمد. وی هم اکنون با سمت استادی در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسین سید الا سلامی عضوهیئت علمی و استاد گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان است. از دیگر سمت های مورد تصدی ایشان: معاون پژوهشی در موسسه پژوهشی بیماریها و آفت نباتی در وزارت کشاورزی عضو سابق جامعه حشره شناسان آمریکا عضو جامعه حشره شناسان آیران داور مقالات برای ژورنالهای علمی رئیس بخش حفاظت گیاهان دانشگاه اصفهان نائب رئیس دانشکده کشاورزی در امور پژوهشی دانشگاه اصفهان دارای ۴ ماه فرصت مطالعاتی در دانشگاه مارسی –نیوزلند فعالیتهای آموزشی : حسین سید الا سلامی سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه گیاه پزشکی در دانشگاه اصفهان به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشکی می پردازد.آرا و گرایشهای خاص : عنوان پروژه مورد علاقه حسین سید الا سلامی : مدیریت آفت حشره ای و کنترل اساس بیولوژی روی آفات درختان میوه بخصوص روی حشرات نیم بال.چگونگی عرضه آثار : مقالات منشر شده در ژورنالهای علمی :۲۲ مقاله مقالات ارائه شده در کنفرانسها: ۲۸ مقاله دکتر حسین سید الا سلامی استاد راهنمای ۴۱ پایان نامه بوده است. وی همچنین دارای ۳ طرح پژوهشی است. آثار : تغییرات ژنتیک در بوته های کویر مرکزی گیاه پزشکی منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

سیدالحکمای تبریزی، شرف‌الدین، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۶ –۱۲۰۲ ق)، فقیه، طبیب، فیلسوف، مورخ و ریاضیدان.در تبریز متولد شد و پس از تحصیلات ادبی در زادگاهش، رهسپار

نجف اشرف شد و در آنجا علوم منقول را نزد صاحب «جواهر» و صاحب «ضوابط» و شیخ مرتضی انصاری فراگرفت و به کسب اجازه اجتهاد نایل شد. پس از بازگشت به زادگاهش به دلایلی از تدریس و ترویج علوم دینی روی برتافت و به اصفهان رفت و در آنجا مدت پانزده سال به فراگیری طب نزد میرزا حسن شروانی پرداخت، علوم معقول را نیز نزد ملاـعلی نوری و حاج ملاهادی سبزواری در سبزوار فراگرفت. پس از آن به تبریز بازگشت و به امر طبابت مشغول بود تا دار فانی را در همان جا وداع گفت. پیکر وی را به نجف اشرف منتقل کردند و در وادی‌السلام دفن نمودند. از آثار وی: «تاریخ تبریز»؛ «تعیین قبله»؛ حاشیه «جواهر الکلام»، در فقه؛ حاشیه «شرح منظومه» سبزواری، حاشیه «کلیات قانون» شیخ الرئیس؛ حاشیه‌ی «مکاسب شیخ انصاری؛ شرح «طب الائمه»؛ شرح در «طب النبی»؛ «قانون العلاج»؛ حاشیه «شرح نفیسی»، در طب؛ «طلسمات و مثلثات و مربعات»؛ «کیفیت پر کردن صد اندر صد عددی»؛ شرح «تشریح الافلاک» شیخ بهایی؛ «رساله‌ی تعلیم خط کوفی».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۱۰)، الذریعه (۲۳ /۱۷، ۴۵/۱۲، ۱۹/۸، ۶۳/۵، ۷۳/۴)، ریحانه (۱۱۷ -۱۱۵ /۳)، لغت نامه (ذیل/ علی)، معجم المؤلفین (۲۰۳/۷)، مکارم الآثار (۱۳۴ -۱۳۳ /۱).

سیدالشعراء شیرازی، مرتضی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۵ -۱۲۸۹ ق)، شاعر و خوشنویس، متخلص به سیدالشعراء. ملقب به شجاع‌السادات. فقه و اصول را در مدرسه‌ی خان شیراز آموخت. در سال ۱۳۲۷ ق قرائت خانه و کتابخانه‌ای در سرباغ ایالتی تاسیس کرد و در سال ۱۳۲۸ ق امتیاز روزنامه «آیینه» را گرفت و در سال ۱۳۳۲ ق به کار وکالت دادگستری پرداخت. وی در شیراز به سن چهل و پنج سالگی به بیماری حصبه فوت کرد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۱۳/۳).

سیدامامی، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۷، مرتبه علمی: استاد، رشته: زمین‌شناسی معدن، دانشکده: فنی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد زمین‌شناسی از دانشگاه مونیخ آلمان در سال ۱۳۴۱، دکترای زمین‌شناسی از دانشگاه مونیخ آلمان در سال ۱۳۴۶، جایزه تحقیقاتی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۱ در زمینه چینه‌شناسی و فسیل‌شناسی.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۷ تا سال ۱۳۵۱، دانشیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۵۶ و استاد دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۶.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زمین‌شناسی عمومی، زمین‌شناسی ایران، فسیل‌شناسی و بازدید و پرداخت زمین‌شناسی، برنده جایزه تحقیقاتی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۱ در زمینه چین‌شناسی و فسیل‌شناسی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

۴۰ مقاله به زبانهای فارسی، آلمانی و انگلیسی در زمینه‌های گوناگون زمین‌شناسی.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

سیدحسینی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا سیدحسینی درسال ۱۳۰۵ در اردبیل زاده شد. وی علوم ارتباطات دور را در مدرسه پست و تلگراف و تهران آموخت وی در

مدرسه عالی ارتباطات دور فرانسه و نیز در دانشگاه U.S.C آمریکا مدتی تحصیل کرد و به تدریس در آموزشکده تئاتر پرداخت. وی هم اکنون عضو هیئت علمی دایرهٔ المعارف اسلامی است و نیز در مرکز آموزش تئاتر وزارت ارشاد اسلامی نقد ادبی تدریس می کند. کتاب "ضد خاطرات "ترجمه وی ، در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات فارسیگرایش : ترجمه ادبیوالدین و انساب : رضا سیدحسینی ازسادات شهرستان اردبیل می باشد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : رضا سیدحسینی دورهٔ دبیرستان را در زادگاهش و تحصیلات تخصصی در رشته مخابرات را در آموزشگاه عالی پست و تلگراف تهران فراگرفت. سپس به فرانسه رفت و در مدرسه عالی ارتباطات دور و سپس دردانشگاه U.S.C آمریکا به تحصیل فیلم سازی مشغول شد. وی پس از بازگشت به میهن زبانهای فرانسه و فارسی را به طور عمیق تر نزد عبدالله توکل، پژمان بختیاری و ناتل خانلری فرا گرفت.خاطرات و وقایع تحصیل : سفرها و اقامت رضا سیدحسینی در فرانسه و آمریکا از وقایع مهم زندگی علمی وی بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : رضا سیدحسینی در کنار مطالعه رشته فیلم سازی، به طور جدی به مطالعه آثار ادبی ملل گوناگون می پرداخت و ترجمه های فراوان و ارزشمندی از آنها به عمل آورد که وی را در این زمینه مشهور کرد. وی کار ترجمه را از شانزده سالگی آغاز کرده است. از زبانهای فرانسه و ترکی استامبولی و انگلیسی ترجمه می کند. در سال ۱۳۳۴ کتاب «مکتبهای ادبی» را تألیف کرده است که اغلب در رشته های ادبی دانشگاهها تدریس می شود. عبالله توکل را (که به اتفاق او چند کتاب از آثار اشتفان تسوایک و بالزاک و آندره ژید را ترجمه کرده) و نیز مرحوم پژمان بختیاری را اولین معلم های خودش در کار ترجمه می داند، اما رشد ادبی خود را مدیون دکتر پرویز خانلری است که سالیان دراز در مجلهٔ سخن (به عنوان دستیار و سر دبیر) در واقع شاگرد مکتب او بوده است.استادان و مربیان : رضا سیدحسینی زبان فرانسه و فارسی را نزد استادانی همچون عبدالله توکل، پژمان بختیاری و دکتر پرویز ناتل خانلری به طور عمیق تری فرا گرفته بود.وقایع میانسالی : رضا سیدحسینی پس از بازگشت از آمریکا و فرانسه به میهن مدتی به تدریس در آموزشکده تئاتر پرداخت. وی سالهای متمادی سردبیر مجله سخن و فعال در اداره مخابرات و رادیو و تلویزیون بو. و در کنار آن به طور جدی به ترجمه آثار ادبی ملل گوناگون به زبان فارسی مشغول بوده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : برخی از مشاغل رضا سیدحسینی عبارتند از : -عضو هیأت علمی دایرهالمعارف اسلامی -مدرس مبانی نقد فلسفه هنر و ادبیات در آموزشکده تئاتر - سردبیر مجله سخن -فعالیت دراداره مخابرات و رادیو و تلویزیون -مترجم ادبیات ملل به زبان فارسی فعالیتهای آموزشی : رضا سیدحسینی پس از فراغت از تحصیل و بازگشت از آمریکا مدتی در آموزشکده تئاتر به تدریس مبانی نقد فلسفه هنر و ادبیات می پرداخت.ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی دایرهٔ المعارف اسلامی است و نیز در مرکز آموزش تئاتر وزارت ارشاد اسلامی نقد ادبی تدریس می کند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مطالعه وترجمه آثار ادبی مشهور ملل گوناگون به ویژه ملتهای فرانسوی زبان از امور مورد علاقه رضا سیدحسینی بوده و هست.همفکران فرد : رضا سیدحسینی در زمینه ترجمه آثار ادبی ملل در کنار بزرگانی چون نجف دریا بندری و احمد آرام قرار می گیرد.آرا و گرایشهای خاص : رضا سیدحسینی از جمله مترجمینی است که عمدتا به ترجمه آثار ادبی ملل گوناگون علاقمند است.جوائز و نشانها : رضا سیدحسینی درسال ۱۳۸۰در نخستین همایش چهره های ماندگار به عنوان چهره ماندگار در عرصه ترجمه برگزیده و معرفی شد.همچنین کتاب"ضد خاطرات "ترجمه وی ، در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.ایشان سر ویراستار کتا" فرهنگ آثار (معرّفی آثار مکتوب ملل جهان از آغاز تا امروز ")بوده اند که کتاب فوق در دوره بیست و یکم کتاب سال انتخاب شده است.

آثار : آن سوی کوهستان و ، گرما را بکشند ویژگی اثر : ترجمه، از یاشار کمال (به اتفاق جلا ل خسروشاهی)۲ آنسوی کوهستان ۳ امید ۴ امید ویژگی اثر : ترجمه،از آندره مالرو۵ بهانه ها و بهانه های تازه ۶ تاریخ رمان مدرن ۷ تونیوکروگر ویژگی اثر : ترجمه، اثر توماس مان۸ جادهٔ تنباکو و غوغای ژوئیه ویژگی اثر : ترجمه، از ارسکین کالدول۹ چشم انداز ادبیات جهان ۱۰ دایره المعارف فرهنگ آثار ویژگی اثر : استاد رضا سید حسینی سرپرستی دایره المعارف فرهنگ آثار را برعهده دارد.۱۱ در تنگ ویژگی اثر : ترجمه، اثر آندره ژید (به اتفاق عبدالله توکل)۱۲ در تنگ ۱۳ در دفاع از روشنفکران ۱۴ ضد خاطرات ویژگی اثر : ترجمه، خاطرات از آندره مالرو (به اتفاق ابو الحسن نجفی)،این کتاب در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب ضد خاطرات: در تاریخ ادبیات جهان هیچ نویسندهٔ دیگری را نمی توان نشان داد که مانند آندره مالرو که زندگیش با این همه حوادث بزرگ و این همه آثار بزرگ آمیخته باشد...زمانی آندره ژید در بارهٔ او گفته بود: «هر بارکه مالرو دهان باز می کند نبوغ سخن می گوید». مالرو ضد خاطرات را در سالهای آخر عمرش نوشته است و این کتاب درواقع حاصل عمر پر بار او است و بر پایهٔ خاطراتی که از مراحل مختلف زندگی خود دارد، از قبیل اسارت در زندانهای آلمانی، و ملاقات با بازرگانی از قبیل نهرو، مائو و دیگران نوشته است. اما کتاب فقط خاطرات نیست و خود او دربارهٔ آن چنین می گوید: «من از کتابم شرح حال را به عمد کنار گذاشته ام . این کتاب متکی بر کارهای روزانه یا یادداشتهای متفرق دیگر نیست، بلکه بر اساس عناصر مشخصی از تجربه ام کوشیده ام تا شخص را، یا پاره هایی از تاریخ را ، باز یابم. رویداد و شخص را به گونه ای وصف کرده ام که گویی به خودم مربوط نیست.» ۱۵ طاعون ویژگی اثر : ترجمه، از آلبر کامو۱۶ فرهنگ آثار (معرّفی آثار مکتوب ملل جهان از آغاز تا امروز) ویژگی اثر : سرویراستار ،این کتاب ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: فرهنگ آثار (معرّفی آثار مکتوب ملل جهان از آغاز تا امروز)/]ترجمه و تألیف[تحت نظر هیأت علمی: اسماعیل سعادت، احمد سمیعی (گیلانی)، رضا سیّدحسینی، ابوالحسن نجفی، به سرپرستی رضا سیّدحسینی.ـ تهران: انتشارات سروش، ۶ ج] ۴ ج تاکنون[، ج ۴، ۱۳۸۱. این اثر شش جلدی ثمرهٔ همکاری پژوهشگران ایتالیایی و فرانسوی است. بانی آن والنتینو بومپیانی بوده و انتشار چاپ نخست آن از ۱۹۵۳ آغاز شده است. مقالات این فرهنگ عرصه‌ای وسیع را در بر می‌گیرند: رمان، شعر، نمایشنامه،

خاطرات، مجموعهٔ نامه‌ها، دانشنامه، انواع علوم و فنون، ادب و فلسفه، حقوق، علوم تجربی، علوم انسانی، تاریخ و هنر و آثار مذهبی، از متون باستانی مصر و چین گرفته تا شاهکارهای روزگار ما. اعضای هیأت علمی همهٔ مدخل‌های این فرهنگ را مطالعه و آن‌ها را به سه درجه تقسیم کردند که از آن میان مقالات کم‌ارزش و بی‌اهمیت (مقالات درجهٔ سه) حذف شد و نیز مقالات مربوط به آثار موسیقی کنار گذاشته شد و به جای آن‌ها مقالات مهم دیگری از فرهنگ ادبی آلمانی معروف کیندلرز دربارهٔ آثار شاعران و نویسندگان ملل جهان سوم انتخاب و ترجمه شد. مهمترین آثار ایرانی و اسلامی نیز در مقالاتی تألیفی معرفی و به صورت الفبایی در داخل فرهنگ قرار گرفت. و بدین ترتیب معرّفی و تحلیل و نقد قریب بیست هزار جلد کتاب‌های متعدد فرهنگ‌های گوناگون و ملل مختلف صورت پذیرفت. این فرهنگ عصاره و زبدهٔ همهٔ کتاب‌ها و همهٔ آثار ذوقی و علمی بشر را در بر دارد و ضرورتش برای انسان امروز نه تنها به حکم گسترش دامنهٔ آن در زمان است بلکه به سبب شمول قلمرو آن در مکان نیز هست. هدف این کار بزرگ مطلقاً آن نبوده است که خواننده را از خواندن اصل آثار معاف کند، بلکه برعکس، هدف اساسی این بوده است که ابزاری برای کشف نگرش اجمالی و انتخاب این آثار به دست خواننده دهد و بدین¬گونه او را به مراجعهٔ مستقیم به خود آثار برانگیزد ۱۷ مکتب های ادبی

سیدرضی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران دکتر حسن سد رضی متولد سال ۱۳۱۹ در تهران است.وی مدرک دکتری کامپیوتر را از دانشگاه بروکسل و تخصص در شبکه های کامپیوتر از NEC ژاپن اخذ کرده است.ایشان عضو هیئت علمی دانشگاه تهران با درجه دانشیار می باشد.

گروه : فنی و مهندسی

رشته : مهندسی کامپیوتر

گرایش : کامپیوتر

والدین و انساب : پدر حسن سید رضی از تجار بازار تهران بود .دکتر سید رضی فرزند اول در خانواده شانزده نفری است.با آنکه انتظار پدرش از وی کمک در امور فروشگاه بود،ولی در عین حال پدرو مادر ش اورا به درس خواندن مورد تشویق قرار می دادند برای اینکه حسن فرزند اول خانواده اگر درس بخواند بقیه فرزندان به تبعیت از وی راه او را ادامه خواهند داد.دکتر سید رضی در این باره چنین می گوید ":من امروز خدارا شاکرم چون که تمام خواهران و برادران من دارای تحصیلات عالیه هستند" .

خاطرات کودکی : حسن سید رضی در باره این دوران از زندگی خود چنین به یاد می آورد": یاد دارم در کلاس سوم دبستان که بودم با پدرم مشغول هرس کردن درختان باغ بودیم و از این بس در این کار ماهر بودیم تقریبا هیچ شاخه ای به درختان باقی نمی گذاشتیم. در همین حال با تعجب به درختانی که به تیر چراغ شبیه تر بودند نگاه می کردم.پدرم چهره بهت زده مرا دید و گفت : پسرم نابرده رنج گنج میسر نمی شود که از مهارت کار در تعجبی ولی بدان بدون رنج این کار را نیاموختم. این سخن از آن روز در گوش من مانده و فهمیدم که اگر گنجی می خواهی رنجی باید کشید و" ...

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی حسن سید رضی به ترتیب زیر است: – مهندسی الکترومکانیک رشته برق از دانشکده فنی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳ –تخصص در الکترونیک صنعتی از انستیتوی بین المللی فلیپس هلند در سال ۱۳۴۵ – دکتری کامپیوتر از دانشگاه بروکسل در سال ۱۳۴۹

خاطرات و وقایع تحصیل : حسن سید رضی از خاطره خود در بروکسل چنین می گوید": در زمانی که در دوره دکتری خود را در دانشگاه بروکسل می گذراندم روزی استادم از من سوال کرد در بلژیک مشکلی نداری ،من در جواب گفتم : نه ولی ، صاحب خانه من بدون اینکه درب را بزند ناگهان درب اطاق را باز میکند و وارد اطاق من می شود ! استاد از من پرسید شغل صاحب خانه چیست؟ گفتم ک راننده ترن شهری است . در جواب گفت که اوه ! چون راننده ترن در شهر اولویت دارد . ایشان فکر میکنند همه جا اولویت دارند و از همه برترند".

فعالیتهای ضمن تحصیل : حسن سید رضی در کنار تحصیل به ورزش های چون والیبال و پینگ و پنگ می پرداخت.

همسر و فرزندان : حسن سید رضی متاهل و دارای همسر و دو دختر می باشد.

وقایع میانسالی : حسن سید رضی بهترین خاطره این دوران را قبولی دختر ارشدش در رشته مهندسی صنایع غذایی دانشگاه تهران و همچنین کسب رتبه اولی دختر دیگرش در المپیاد ادبیات در بین مدارس راهنمایی منطقه ۶ می شمارد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و مسئولیت های مورد تصدی حسن سید رضی به ترتیب زیر است: – استاد یار دانشگاه بروکسل (بلژیک) – رئیس مرکز کامپیوتر دانشگاه تهران – رئیس بخش تلفن و تلگراف مرکز تحقیقات مخابرات ایران – رئیس گروه برق و کامپیوتر دانشگاه تهران – رئیس گرایش نرم افزار دانشگاه تهران

فعالیتهای آموزشی : حسن سید رضی بیش از ۲۵ سال است که به تدریس در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه تهران و همچنین تدریس دروس رشته کامپوتر در دانشگاه کانادا مشغول است. عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط حسن سید رضی در دانشگاه تهران: کارشناسی (• برق)معماری کامپیوتر • پروژه ۱ • آزمایشگاه معماری کامپیوتر • اصول میکروکامپیوترها •معماری کامپیوتر • میکروپروسسورها کارشناسی ارشد • مباحث ویژه درمعماری کامپیوتر۱

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : مراکز و کارهایی که حسن سید رضی یکی از بانیان آن بوده است به قرار زیر می باشد: – راه اندازی و ایجاد آزمایشگاه مدارهای منطقی ،معماری کامپیوتری و میکروکنترلرها در دانشگاه تهران. – بنیان گذار گرایش مهندسی نرم افزار در دانشکده فنی دانشگاه تهران – نویسنده اولین کتاب کامپیوتر در ایرا در سال ۱۳۵۳ تحت عنوان

ساختمان و سیستمهای کامپیوتری - برگزار کننده اولین کنفرانس کامپیوتر در دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۱

جوائز و نشانها : حسن سید رضی جزو منتخب شخصیت های علمی برجسته از موسسه WHO IS WHO در آمریکا در قرن ۲۱ در سالهای ۲۰۰۱ و ۲۰۰۵ بودند و همچنین بیوگرافی وی در کتاب چاپ شده از طرف آن موسسه به چاپ رسیده است.

چگونگی عرضه آثار : حسن سید رضی تعداد از مقالات خود را در کنفرانسها و مجلات داخلی و خارجی ارائه کرده است.

طرحهای تحقیقاتی به پایان رسیده حسن سید رضی •: بانک اطلاعاتی پروژه های اینتر شیپ-۱۳۸۴,ایران خودرو و دانشگاه تهران •۱۳۸۶-۱۳۸۶,پرسش و پاسخ با استفاده از توابع پویا و استنباط های مقبول

آثار :

۱ تکنیک پالس

ویژگی اثر : تالیف- در سال ۱۳۵۹ توسط انتشارات دانشگاه امیر کبیر به چاپ رسیده است

۲ حل تشریحی تمام مسایل معماری کامپیوتر

ویژگی اثر : تالیف- انتشارات ناقوس در سالهای ۱۳۸۳-۱۳۸۴-۱۳۸۵ چاپ شده است.

۳ زبان ماشین و اسمبلی وکاربرد آن در کامپیوترهای شخصی

ویژگی اثر : تالیف- انتشارات ناقوس در سالهای ۱۳۷۹-۱۳۸۰-۱۳۸۲-۱۳۸۳-۱۳۸۴-۱۳۸۵ چاپ شده است.

۴ ساختار کامپیوتر و سیستم منطقی

ویژگی اثر : تالیف- در سال ۱۳۵۳ به چاپ رسیده است و اولین کتاب منتشر شده در زمینه کامپیوتر در کشور ایران است

۵ طراحی خودکار مدارهای دیجیتال با FPGA و زبان توصیف سخت افزار VHDL

ویژگی اثر : تالیف,انشارات ناقوس ,۱۳۸۴

۶ طراحی دیجیتال (مدار منطقی)

ویژگی اثر : ترجمه - مولف : پروفسور .م.مانو.- انتشارات ناقوس که در سالهای ۱۳۸۱-۱۳۸۳-۱۳۸۴-۱۳۸۵ به چاپ رسیده است

۷ کوبل و ساختار داده

ویژگی اثر : تالیف- در سال ۱۳۵۳ توسط انتشارات دهخدا چاپ شده است.

۸ مدارهای منطقی

ویژگی اثر : تالیف- در سال ۱۳۷۵ توسط انتشارات دانشگاه امیر کبیر به چاپ رسیده است.

۹ معماری کامپیوتر

ویژگی اثر : ترجمه - مولف : پروفسور .م.مانو -انتشارات ناقوس که در سالهای ۱۳۷۹-۱۳۸۰-۱۳۸۱-۱۳۸۳-۱۳۸۴ به چاپ رسیده است.

۱۰ میکروکنترلر ۸۰۵۱

ویژگی اثر : ترجمه - مولف ك پروفسور . اس .مکنزی-انتشارات ناقوس در سالهای ۱۳۸۳و ۱۳۸۴ چاپ شده است

سیدسجادی، ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۶، مرتبه علمي: دانشیار، رشته: شیمي، دانشكده: شیمي، دانشگاه: علم و صنعت ایران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۸، کارشناسی ارشد شیمی از دانشگاه کیل آلمان غربی در سال ۱۳۵۴ و دکترای شیمی از دانشگاه کیل در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده شیمی دانشگاه علم و صنعت ایران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی ساختمان مولکولی سزکوئی ترین‌ها، تدریس دروس شیمی فیزیک کوانتوم، شیمی تجزیه دستگاهی، دیفیوژن و شیمی تجزیه مهندسی در دانشگاههای شهید بهشتی، خواجه نصیرالدین طوسی، علم و صنعت، تربیت مدرس و صنعتی شریف.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شرح و توصیف دستگاههای اندازه‌گیری در شیمی تجزیه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

شیمی داروئی، سزکوئی ترین‌های آشتیلیا، مشتقات از آلپیدا، مشتقاتی از کوزینا، سرب و آلودگی هوا، آلودگی آب و اثر بر روی آبزیان.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

سیدعلوی، میرابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میر ابراهیم سیدعلوی

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۸/۱/۱

زندگینامه علمی

این جانب میر ابراهیم سید علوی فرزند مرحوم حاج میر سلیمان بن سید جعفر بن سید حسین ابن سید محمد موسوی در سال ۱۳۱۸ ه.ش برابر با یکم شوال ۱۳۵۸ ه.ق در روز عید فطر در شهر تبریز در محله ویجویه (ورجی) متولد شده ام. پس از گذراندن دوران تحصیلات ابتدایی در مدرسه دیانتی محمدیه که با اذن مرحوم آیت الله العظمی سید محمد حجت کوه کمره ای بانی و موسس مدرسه حجتیه قم تاسیس یافته بود در همان سنین نوجوانی به فراگیری علوم اسلامی و دانش های دینی علاقه نشان دادم و روزها در مدرسه طالبیه (جمعه مسجد) به یادگیری صرف و نحو عربی پرداختم و جامع المقدمات، سیوطی، جامی و دیگر کتب ادبی را آموختم. آنگاه برای ادامه تحصیلات عازم حوزه علمیه قم شدم. اول در مدرسه فیضیه و سپس در مدرسه حجتیه، منزل کردم. و دروس سطح را (شرح لمعه، منطق، معالم، رسایل، مکاسب، کفایه الاصول و غیره) را نزد اساتید وقت، حضرات: حاج میرزا یدالله دوزدوزانی، جعفر سبحانی، ناصر مکارم، میرزا حسین نوری، میرزا علی مشکینی، سید محمد باقرسلطانی (طباطبایی) حدودا در سال های ۱۳۳۳ ش الی ۱۳۴۰ش سال وفات آیت الله بروجردی خواندم. و ضمنا دروس فلسفه و کلام و تفسیر و نهج البلاغه را همزمان نزد علامه طباطبایی و دیگر اساتید وقت می خواندم از قبیل حاج سید حسین قاضی تبریزی و حاج آقا مصطفی خمینی و دکتر مفتح و غیرهم. و تقریبا پس از پایان سطوح، ده سال و اندی در درس خارج فقه و اصول مراجع و آیات وقت رضوان الله علیهم، و اندک زمانی در درس های امام خمینی قدس سره حضور یافتم و زمانی کوتاه هم به نجف اشرف مشرف شدم لیکن پس از چند ماه مراجعت کردم و در قم به ادامه تحصیل پرداختم. در سال ۱۳۵۰ ش بعد از آن که از دانشکده الهیات (دانشکده معقول و منقول) به تشویق مرحوم دکتر مفتح دیپلم مدرسی در رشته معقول کسب کرده بودم با دیپلم ادبی و شرکت در کنکور سراسری وارد دانشگاه تهران شدم و در رشته جامعه شناسی، لیسانس گرفت. و از زمان های جوانی در جلسات نویسندگی آیت الله مکارم شیرازی (شب های جمعه) و جلسات اسلام شناسی دکتر مفتح در رشته نویسندگی وارد شدم و از همان وقت کتا ب هایی تالیف، ترجمه و تحقیق کردم که برخی به چاپ رسیده است و نیز به مناسب های علمی مقالاتی می نویسم که نزدیک یکصد مقاله به طبع آراسته شده است.

سیدی اصفهانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشکده علوم تهران در سال ۱۳۳۶، کارشناسی علوم تربیتی از دانشسرای عالی به طور همزمان، دکترای شیمی در زمینه شیمی آلی و شیمی فیزیک از فرانسه در سال ۱۳۴۰، گذراندن یکسال از دوره فوق دکترا در فرانسه.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری دانشگاه تهران، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده علوم دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

سنتز شیمی آلی و جداسازی به روش گاز کروماتوگرافی، استاد راهنمای ۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

شیمی آلی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

شیمی آلی و مباحث وابسته به آن.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

سیدی ساروی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین سیدی ساروی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۲/۱

زندگینامه علمی

در یکی از روزهای سبز اردیبهشت ۱۳۴۳ در ساری شهری که همسایه دریا و کشتزاران است وعطر شالیزار درآن می وزد چشم به جهان گشودم. اولین کاری که در عمرم کردم این بود که با آمدنم پدر و مادرم را به گریه انداختم و بعد فامیلهای دیگر را (باغی که نکوست از بهارش پیداست) تا یازده سالگی در کوچه های آکنده از عطر درختان نارنج به دنبال سنجاقک و پروانه می دویدم. رگهای برگها را می شمردم و لطافت پرهای سار و سبز قبا را با نگاهم لمس می کردم. با اینکه آن روزها هم شهر نشین بودم اما گوشم با شیهه اسب و زنگوله گوسفندان آشتی داشت.در سال ۱۳۵۳ برای فرو نشاندن تشنگی روح به حوزه علمیه قم وارد شدم . تا سال ۱۳۵۹ برگهای دفتر عمرم خالی از رنگ شعر و ادب و هنر است. از همان سال حرفهایی از چشمه روحم جوشیدند و در جویبار شعر جاری شدند . در یک برخورد از نوع معمولی با استاد " صادق موسوی گرمارودی " آشنا شدم و ایشان به پاکسازی و پالایش این چشمه پرداخت . در مدت یکی - دو سال هر بار که خار جفا در پای دل می رفت و یا پرنده شادی بر شاخسار احساس می خواند چشمه می جوشید و چند نفری هم از شنوندگان رادیو " ساری " و خوانندگان مجلات آن روزها از ان نوشیدند .از سال ۱۳۶۲ باز به تشویق همان استاد به ترجمه روی آوردم که تا امروز ۴۰ تایشان در قفسه های کتابفروشی ها و کتابخانه ها نشسته اند. این شعله هر چند وقت یکبار از زیر خاکستر پراکنده کاریها سر بر می کشد و تا فاصله ای را روشن و درون عده ای - وبیشتر بچه ها - را گرم می کند . سال ۱۳۶۳ بود که پس از مدتی کلنجار رفتن با روحم او را به دوربین فروشی بردم و از پشت " ویزور" دوربین دنیا را نشانش دادم . آن قدر خوشش آمد که از آنروز تا الآن همیشه از آنجا به عالم و آدم نگاه می کند . تا حالا هم بیش از ۱۲ جایزه عکاسی به من هدیه کرده است. معطل کارهای دیگری هم شده ام که هرگز این پراکنده کاریها را به کسی توصیه نمی کنم .

سیدی نیا، اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیداکبر سیدی‌نیا

محل تولد : سلماس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۶/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۵۳ در شهرستان سلماس در خانواده مذهبی متولد شدم و تا تحصیلات دوره متوسطه در رشته ریاضی فیزیک در این شهرستان مشغول به تحصیل بودم. در مهر سال ۱۳۷۰ به منظور کسب معارف عالی اسلامی وارد حوزه علمیه تبریز مدرسه ولیعصر (عج) شده و تا سال ۱۳۷۴ با پایان سطح یک حوزه علمیه وارد حوزه علمیه قم شدم. در سال ۱۳۷۸ مدرک سطح دو حوزه علمیه را دریافت کردم. سال ۱۳۷۷ در مرکز تربیت محقق و نویسنده دفتر تبلیغات اسلامی، دوره کارشناسی ارشد علوم قرآن و تفسیر را گذرانده و سال ۱۳۷۸ در رشته جامعه شناسی وارد دانشگاه باقرالعلوم (ع) شدم. از سال ۱۳۸۳ نیز عهده‌دار وظیفه دبیر تحریریه و مدیر اجرایی مجله علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی شده و در کنار تحصیلات به تألیف مقالات و پژوهش‌ها در زمینه جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، علوم قرآن و تفسیر و کلام شدم و مقالاتی از اینجانب در مجلات علمی پژوهشی، همایش‌ها و مجلات تخصصی به چاپ رسیده است. همچنین از سال ۱۳۷۷ در دروس خارج حوزه علمیه شرکت داشته و از محضر حضرات آیات عظام

جوادی آملی (دام عزه)، مرحوم صالحی مازندارنی (ره)، فاضل گلپایگانی و عابدی اصفهانی فیض برده‌ام. در کنار دروس خارج از درس پر برکت تفسیر علامه آیت‌الله جوادی آملی (دام عزه) بهره بردم

سیدی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین حاج سید عبدالحسین بن العلامه حاج میرزا فخرالدین قمی از علماء اعلام قم می‌باشند که در مهد علم و سیادت تولد یافته و ادب آموخته و سطوح را از محاضر علماء حوزه علمیه به پایان رسانیده و آنگاه به درس خارج آیاتی عظامی چون آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله فیض و بالاخص آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و تاکنون باکمال متانت و مناعت به وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

سیدی، فخرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌الله آقای حاج سید فخرالدین بن آیت‌الله سید ابوالقاسم القسمی سبط آیت‌الله العظمی میرزا ابوالقاسم صاحب قوانین از معمرین و بزرگان علماء قم و مجتهدین حوزه علمیه قم و تلامذه آیت‌الله میرزا حبیب‌الله رشتی بوده‌اند.

بسیار محترم و مجلل و معظم بود. در تشیید حوزه علمیه خدماتی نموده و اوست همان شخصیتی که مراجع و زعماء حوزه وی را مقدم داشتند که بر جنازه آیت‌الله حایری نماز بخوانند در سال ۱۳۶۳ قمری در سنین صد سالگی تقریبا از دنیا رفته و در بقعه‌ی مرحوم حایری مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

سیدیان، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی سیدیان

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱۰/۲

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۸ با مدرک سیکل وارد حوزه علمیه قم شدم و به مدت ۵ سال تا پایان پایه ششم حوزه در مدرسه علمیه معصومیه به تحصیل علوم و مقدمات معارف اسلامی و حوزوی پرداختم .همزمان با ادامه تحصیل در مقطع سطح حوزه در سال ۱۳۷۳وارد نظام آموزشی موسسه امام خمینی شدم و در مدت ۵ سال دوره عمومی الهیات و معارف اسلامی را به پایان رساندم در سال ۱۳۷۸ پس از موفقیت در آزمون دوره تخصصی موسسه مشغول به تحصیل در رشته علوم سیاسی شدم و به تدوین پایان نامه خود با عنوان< جهانی شدن و حکومت جهانی اسلام > اقدام نمودم . تاکنون چندین مقاله علمی تخصصی در حوزه فلسفه سیاسی تألیف نموده ام و به دلیل آشنایی با زبان انگلیسی و اصول ترجمه مقالات متعدد خبری . تحلیلی .دائره المعارفی و فلسفی . سیاسی ترجمه و منتشر شده است . هم اکنون به عنوان دبیر پژوهشی گروه علوم سیاسی موسسه امام خمینی و عضو همکاری علمی در موسسه به فعالیت علمی و پژوهشی خود ادامه می دهم و امیدوارم خداوند متعال به برکت دعاهای خاصه حضرت حجه ابن الحسن العسکری ، زمینه توفیق روز افزون ما را در پاسداری از کیان اسلامی و نشر و ترویج معارف اسلامی عنایت فرماید.

سیرتی قزوینی، محمدحسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر و خطاط. وی به هندوستان رفت و در نزد شاهزاده پرویز، فرزند جهانگیر پادشاه، تقرب پیدا کرد و پس از

درگذشت او رهسپار مکه شد. از وی «دیوان» شعری به جای مانده است. از او است:

از بس بر آستان تو شبها فتاده‌ام

چون نقش پای خویشتن از پا فتاده‌ام

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۸۳/۹)، صبح گلشن (۲۱۴)، فرهنگ سخنوران (۴۷۹)، مینودر (۴۶۷/۲).

سیری بسمه‌چی استرآبادی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. در ولایت خود بسمه‌چی بود. از دست‌اندازی اهل دیوان برای تحصیل پروانه سالی یک مرتبه به اردوی معلا می‌آمد و شاه مرحوم به علت تشیع دوستی حکمهایی که وی می‌خواست به او اعطاء می‌کرد، اهل استرآباد نیز بدین مناسبت وی را مراعات می‌کردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۸۴ -۴۸۳ /۹)، مجمع الخواص (۲۹۲).

سیری سجاوندی غزنوی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۵/۹۷۹ ق)، شاعر. معروف به سجاوندی غزنوی. از مردم سجاوند غزنین و نوادگان اعظم کوکه اکبری بود. وی قاضی پرهیزکاری بود که بعد از سفر مکه و عتبات به هندوستان رفت و نزد خان اعظم تقرب یافت. وی در هندوستان درگذشت. سیری شاعری توانا و در علم عروض و قافیه و معما زبردست بود. غزل و رباعی را نیکو می‌سرود. از آثار وی: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۴۶)، تذکره‌ی روز روشن (۳۸۲)، دایرةالمعارف فارسی (۱۲۷۵ -۱۲۷۴ /۱)، الذریعه (۴۸۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۸۰)، هفت اقلیم (۳۳۶/۱).

سیری گلپایگانی، محسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. طبعش با کمال شوخی و بی‌پروایی بود و قدرت عظیم در نظم داشت. مدتی در هرات با میرزا فصیح مشاعرات داشت و مدتی در خدمت امام قلی خان حاکم فارس بود. گستاخی او در خدمت خان به مرتبه‌ای بود که پسری صاحب حسن ملازم داشت ملاقات خود را با پسر مذکور به نظم آورد. سیری در اواخر عمر به زیارت حج رفت و در راه کعبه فوت کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۰۴۵/۳)، تذکره‌ی روز روشن (۳۸۲ -۳۸۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۷۰ -۲۶۹)، الذریعه (۴۸۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۸۰)، مخزن الغرائب (۶۶۹ -۶۶۷ /۲)، نشتر عشق (۷۳۰/۲).

سیری مروزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر. از بلده‌ی مرو بود و طالب علوم. شعر را روان می‌گفت. از اشعار اوست:

چرا چو آهوی وحشی رمیده‌ی از من

چه کرده‌ام چه شنیدی چه دیده‌ای از من؟

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۸۴/۹)، مجالس النفائس (۱۶۵).

سیری مشهدی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۷ ق)، شاعر. مشهور به میرناقه. از سادات صحیح‌النسب مشهدی مقدس بود و از شعرای دوران ابراهیم شاه والی شیراز که عنوان ملک‌الشعرایی داشت وی دارای قدی بلند بود و به همین دلیل صاحبان تذکره‌ها تخلص وی را شتری می گفتند. وی مباحثاتی با ملاحسین کاشی داشت در «تحفه سامی» با نام «امیر سیری» یاد شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۵۶)، تذکره‌ی روز روشن (۳۸۳ -۳۸۲)، الذریعه (۴۸۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۸۰)، مخزن الغرائب (۶۷۰ -۶۶۹ /۲)، مطلع الشمس (۴۳۴/۲)، نشتر عشق (۷۳۰/۲).

سیری، احمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۰۳ ق)، خطاط. از آثار وی: یک جزوه به خط ثلث دو دانگ جلی عالی، با رقم: «کتبه خان احمد سیری فی ثلاث و الف» (۱۰۰۳)، در سلیمانیه‌ی استانبول.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۶۵/۴).

سیستانی، حسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. گزارش منظومی از سفرش به مکه و وصف آنجا دارد به نام «تحفه الحرمین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۲۵/۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۶۰۸/۱)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۱۸۱/۱).

سیستانی، شجاع

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از خویشاوندان ملک حمزه و اهل سیستان بود. مدتی از سیستان به اصفهان رفت و باز به سیستان بازگشت. بعد از مدتی دوباره به اصفهان بازگشت در عباس‌آباد ساکن شد و گاهی به مسجد لنبان می‌رفت و از صحبت ایشان فایده می‌بردند طبعش در سخن‌شناسی و معنی‌پردازی کمال قدرت را داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۵۴، ۳۸ -۳۷)، الذریعه (۵۰۷/۹)، صبح گلشن (۲۲۱)، فرهنگ سخنوران (۴۹۵)، مخزن الغرائب (۱۰۲۰/۲).

سیستانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت الله العظمی سید علی سیستانی : معظم له در روز ۹ ربیع الاول سال ۱۳۴۹ هـ. ق در شهر مقدس مشهد متولد گردید و پدرش به میمنت نام جدّش او را (علی) نام نهاد.

نام پدر گرامیشان مرحوم سید محمد باقر و نام جدّ ایشان که از بزرگان علم و زهد بوده سید علی میباشد. زندگینامه ایشان را مرحوم شیخ آقا بزرگ طهرانی در کتاب (طبقات أعلام الشیعه قسمت چهارم ص ۱۴۳۲) ذکر نموده است. گفته شده در نجف از شاگردان مولا علی نهاوندی و در سامرا از شاگردان مجدّد شیرازی و از شاگردان خاص مرحوم سید اسماعیل صدر گردید و در سال ۱۳۰۸ هـ. ق به شهر مقدس مشهد بازگردید و در آنجا مستقر گشت، و از مهمترین شاگردانش، فقید بزرگوار شیخ محمد رضا آل یاسین (قدس سره) میباشد.

خاندان معظم له از سادات حسینی میباشند که در عهد صفوی در اصفهان میزیستند و از طرف سلطان حسین صفوی، جدّ اعلی ایشان سید محمد را به منصب شیخ الاسلامی در سیستان منصوب نمود و ایشان به آنجا منتقل شده و با خانواده شان در آنجا سکنی گزیدند.

از نوادگان ایشان سید علی جدّ معظم له، اولین شخصی بود که به شهر مقدس مشهد مهاجرت نمود و در مدرسه مرحوم ملا محمد

باقر سبزواری مستقر گردید و از آنجا برای تکمیل درس خود به نجف اشرف مهاجرت نمود.

حضرت آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) در پنج سالگی به تعلیم قرآن کریم پرداخت، سپس وارد مدرسه دار التعلیم دینی به منظور آموزش علوم دینی شد که در این مدت نیز خوشنویسی را از استاد فن آموخت.

در سال ۱۳۶۰ هـ. ق به امر پدر بزرگوارشان شروع به آموختن مقدمات علوم حوزوی نمود که مجموعه ای از دروس ادبی همچون (شرح الفیه ابن مالک، مغنی ابن هشام، مطول تفتازانی، مقامات حریری و شرح نظام) را نزد مرحوم ادیب نیشابوری و بعضی دیگر از اساتید پرداخت. همچنین (شرح لمعه و قوانین) را نزد مرحوم سید احمد یزدی فرا گرفت و قسمتی از دروس سطوح مثل (مکاسب، رسائل و کفایه) را نزد عالم جلیل شیخ هاشم قزوینی خواند.

تعدادی از کتب فلسفی همچون (شرح منظومه سبزواری، شرح الاشراق و اسفار) را نزد مرحوم آیسی خوانده و (شوارق الالهام) را نزد مرحوم شیخ مجتبی قزوینی آموخت و از محضر علامه محقق میرزا مهدی اصفهانی و همچنین از محضر میرزا مهدی آشتیانی و میرزا هاشم قزوینی بهره های فراوان برده است.

پس از فراگیری (علوم ابتدائی، مقدمات و سطح) نزد برخی از اساتید و مدرّسان به فراگیری (علوم عقلیه و معارف الهیه) پرداخت. سپس در سال ۱۳۶۸ هـ. ق به شهر مقدس قم مهاجرت نموده و از محضر مرجع بزرگ آیت الله بروجردی (قدس سره) در درس فقه و اصول شرکت نمود و از دانش و معرفت فقهی او بویژه در علم رجال و حدیث استفاده بسیاری نمود. وی همچنین در دروس فقیه و عالم فاضل سید حجت کوه کمره ای (قدس سره) و تعدادی از علمای معروف آن دوره شرکت جست.

معظم له در مدت اقامت خود در قم مکاتباتی که با مرحوم سید علی بهبهانی (یکی از علمای برجسته اهواز و از تابعین مدرسه محقق شیخ هادی طهرانی) درباره بعضی از مسائل (قبله) داشته است، به طوری که در این مسائل مناقشات مفصلی حول آراء مرحوم محقق طهرانی داشته و مرحوم بهبهانی از آراء استاد خود دفاع می نمود، پس از مدتی مکاتبه، مرحوم بهبهانی نامه تشکری برای معظم له فرستاده و از ایشان تمجید و تقدیر کاملی نمود، و قرار بر آن شد که ادامه بحث در موقع تشرّف ایشان به مشهد انجام گیرد.

در سال ۱۳۷۱ هـ. ق معظم له از قم به نجف اشرف مهاجرت نمود، و در روز اربعین حسینی (علیه السلام) وارد کربلا گردید، سپس به نجف سفر نمود. به مدرسه بخارائی وارد شده و مستقر گردیدند، که در محضر اساتید بزرگی همچون آیت الله خوئی و شیخ حسین حلی (قدس سرهما) در فقه و اصول به مدت طولانی حاضر گردید و همچنین در این مدت هم در دروس بزرگانی همچون آیت الله حکیم و آیت الله شاهرودی (قدس سرهما) حاضر گردید.

در سال ۱۳۸۰ هـ. ق معظم له تصمیم رجوع به موطن خود مشهد گرفت و با تصور اینکه در آنجا مستقر خواهد شد، لذا اساتیدشان آیت الله خوئی و شیخ حسین حلی (قدس سرهما) درجه اجتهاد وی را مکتوب نمودند. همچنین محدث بزرگ، آقا بزرگ طهرانی شهادت دیگری در تبحر ایشان به علم رجال و حدیث مکتوب نمود.

معظم له در سال ۱۳۸۱ هـ. ق بار دیگر از وطن خود به نجف بازگشت و با ورودشان شروع به درس (خارج فقه در باب مکاسب شیخ انصاری) و متعاقب آن (شرح عروه در باب طهارت) و بیشتر (کتاب صلاهٔ) را تدریس نمودند، تا در سال ۱۴۱۸ هـ. ق بعد از آنکه (کتاب صوم) را به پایان رسانده بود، شروع به (شرح کتاب اعتکاف) نمود.

در این مدت در موضوعات مختلفی همچون (کتاب قضاء، ابحاث ربا، قاعده الالزام و قاعده تقیه) بحثهای فقهی داشته اند. همچنین در این مدت بحثهایی در (علم رجال) که شامل (حجیت مراسیل ابن ابی عمیر، شرح مشیخهٔ التهذیبین و غیره) نیز داشته اند.

همچنین معظم له بحثهایی در علم اصول را در شعبان ۱۳۸۴ هـ. ق شروع نموده و دوره سوم تدریس را در شعبان ۱۴۱۱ هـ. ق به پایان رساندند و تمام درسهای ایشان در بحثهای فقه و اصول از سال ۱۳۹۷ هـ. ق تا به حال به صورت کاستهای صوتی موجود میباشد. و در این روزها (۱۴۲۳ هـ) مشغول به تدریس (کتاب زکات از شرح عروهٔ الوثقی) میباشند.

نبوغ علمی

معظم له همواره در بحوث اساتید خود استعداد و هوش فوق العاده ای داشته و برجسته تر از همه همشاگردانش بود. وی در کثرت تحقیق و تتبع در مسائل فقهی و رجال و تداوم فعالیت علمی و آشنائی با بسیاری از نظریه ها در میدانهای علمی گوناگون در حوزه، مهارت استثنائی نشان دادند.

شایان ذکر است که میان معظم له و شهید صدر (قدس سره) در حوزه نبوغ علمی، رقابت شدید بود. لذا می توان از گواهی اجتهاد ایشان که دو تن از اساتید وی یعنی آیت اللّه العظمی سید ابوالقاسم خوئی (قدس سره) و علامه حسین حلی (قدس سره) نگاشته اند پی برد.

معروف است که آیت اللّه خوئی (قدس سره) به هیچ یک از شاگردان خود، به جز حضرت آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) و آیت اللّه شیخ علی فلسفی (یکی از علمای معروف مشهد) گواهی خطی ندادند. و نیز علامه آقا بزرگ تهرانی (قدس سره) برای معظم له در سال ۱۳۸۰ هجری قمری گواهینامه نوشته است و در آن از مهارت و درایت وی در علم رجال و حدیث تمجید نموده است . یعنی هنگامی که ایشان هنوز به سن ۳۱ سالگی نرسیده بودند حائز این مرتبه والا گردیده اند.

تألیفات و دستاوردهای فکری

نزدیک به ۳۴ سال پیش، ایشان تدریس بحث (خارج فقه، اصول و رجال) را شروع نمودند. و نیز بحثهایی پیرامون (مکاسب، طهارت، نماز، خمس) و برخی از قواعد فقهی مانند (تقیه، و الزام) به انجام رساندند. ایشان تدریس اصول را در سه دوره تمام نموده که بعضی از بحثهای این دوره، مثل بحثهای (اصول علمی، تعادل و تراجیح) و همچنین بعضی از مباحث فقهی و برخی از (ابواب نماز، قاعده تقیه و الزام) آماده چاپ است.

عده ای از فضلای معروف که هم اکنون بعضی از ایشان مدرّس بحث خارج می باشند مانند (علامه شیخ مهدی مروارید، علامه سید مرتضی مهری، علامه سید حبیب حسینیان، سید مرتضی اصفهانی، علامه سید احمد مددی، علامه شیخ باقر ایروانی) و تعدادی از اساتید حوزه های علمیه، بحث ایشان را به بررسی گذاشتند. معظم له همزمان با تدریس و بحث، مشغول تألیف و نگاشتن

کتابهای مهم و چند رساله شدند. هـمـچنین، ایشان کلیه تقریرات بحثهای اساتید خود را نیز به رشته تألیف درآورده اند.

روش بحث و تدریس

روش حضـرت آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) از دیگر روشهای اساتید حوزه و ارباب بحث خارج تفاوت دارد. برای مثال: در زمینه بحث (علم اصول) به ویژگیهای زیر اشاره کرد:

الف ـ ذکر تاریخ بحث و شناخت اصول و پایه های آن:

مانند: سهولت و آسـانی (مشـتق) وترکیبات آن باشد، یا عقیدتی ـ سیاسی ، مانند: بحث تعادل و تراجیح، که در آن گفته است: (قضیه اختلاف احادیث نتیجه مبارزات و کشمکشهای فکری و عقیدتی آن زمان و نیز شرایط سیاسی زمان امامان علیهم السلام بود. و اندک اطلاعی از تاریخ این بحث ما را به گوشه و کنار آن مسئله و حقیقت افکار و آراء که در این باره مطرح است، می رساند).

ب ـ پیوند میان فکر حوزوی و فرهنگهای معاصر ضمن بحث از معنی الفاظ:

مؤلف کتاب (الکفایهٔ) عقیده خود درباره معانی الفاظ را بر اساس نظریه فلسفی معاصر، که به نام (نظریه تکثر ادراکی) در فعالیت ذهن بشری و خلاقیت آن است، ساخته است. بـه ایـن مـعـنی کـه ذهـن ممکن است یک مطلب را با دو شکل مختلف تصور کنـد: یکی را بـا اسـتقلال و دقت و وضـوح ، که به او (اسم) گفته می شود و دیگری بـا انقبـاض یـا گرفتگی ، که آن (حرف) نامیـده می شود، و وقتی که وارد بحث (مشتق) می شود، ایشان از زمان، با بینش فلسفی جدید که در غرب رایج است، و اینکه باید زمان را از مکان به لحاظ تعاقب نور و ظلمت جدا کرد، سخن می گوید.

و ضـمن بحث درباره (صیغه امر) و بحث از (تجری)، نظریه برخی از علمای جامعه شناسی را مـطرح می کـنند که بر این عقیده اند که سؤال ناشی از تداخل صفت درخواست کننده باید از حقیقت درخواست او تفکیک شود.

مـلاـک اسـتـحقـاق عقوبت و جزا، یاغی شـدن عبـد بر علیه مولای خود است، و این حالت مبنی بر تقسیمات و طبقه بنـدی جوامع قـدیم بشری است که سروران، غلامان، برتر، بدتر، و... داشته است. در واقع، ایـن نظریه از بقای فرهنگهای دیرین، که با زبان رده بندی نه زبان قانونی که مبنی بر مصالح انسانی عام است تکلم می کردند.

ج ـ اهتمام نسبت به اصولی که با فقه ارتباط دارد:

یـک طلبه می توانـد اغراق و تفصیل علمـاء را در بـحـثهای فقهی که هیـچ ثمره علمی یا فایـده فکری ندارنـد، ملاحظه کنـد، مانند بحثهـایی که دربـاره (وضع) می کننـد، و اینکه آیـا (وضع) یـک امر اعتبـاری یـا تکـوینی ، یـا امری است که متعلق بـه تـعـهـد یـا تخصیص است، یا بحثهایی که در بیان موضوع (علم) و برخی از عوارض ذاتی در تعریف موضوع (علم) و مانند آن می کنند.

امـا آنـچه کـه در دروس حضـرت آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) مشاهده می شود، کوشش فراوان و بذل نهایت زحمت برای به دست آوردن مبنـای علمی محکم و اسـتوار در بحثهـای اصولی در رابطه با روشـهای اسـتنباط، نظیر مباحث اصول عملی، تعادل و تراجیح، و عام و خاص، می باشد.

د ـ نوآوری:

بسیاری از اساتید ماهر حوزه، روح یا فن نوآوری و تجدید را دارا نیستند، و همیشه سـعی ایـشان بر این بوده که تعلیقی یا حاشیه ای بر این کتـاب یـا آن رساله بنگارنـد، بـدون اینکه به جوهر بحث بپردازنـد، لـذا می بینیم که این نمونه از اساتیـد فقط آری موجود را بحث نموده و از بین آنـها یکی را انتخاب می کنند، و خود را با عباراتی مانند (فتأمل) یا (فأفهم) یا (در این اشـکال دو اشکال وجود دارد) و (باید در این دو اشکال تامل بخرج داد) و... مشغول می کنند.

هـ ـ نـکـاح اهل شرک جایز است:

ایشان این قاعده را که (تـزاحـم) نـام دارد، و فـقـهـا و اصولیین آن را به عنوان یک قاعده عقلی یا عقلائی صرف، مطرح می کـنند، ضمن قاعـده (اضـطرار)، که یک قاعـده شـرعی و نصوص فراوانی درباره اش ذکر شـده ، مثل (هر چیزی را که خداونـد حرام کرده است برای مضـطر حلال کرده است)، می داننـد. در واقع ، قاعده (اضـطرار) همان قاعده (تزاحم) است . و یـا ایـنکه فقها و اصولیین قاعـده ای را بیهوده طول می دهنـد، ماننـد آنچه در قاعـده (لا تعاد) مشاهده می کنیم، که فقها آن را، به دلیل وجود نص مخصوص نماز می دانند. در صـورتی کـه آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) روایت (لا تعاد الصلاهٔ الا من خمسهٔ) را مصداق کبری دیگری که شامـل نمـاز و واجبـات گونـاگون می باشـد، می شناسـند. ایـن کـبری در آخر متن روایت موجود است که عبارت است از (و لا تنقض السنهٔ الفریضهٔ)، پس آنـچه کـه مسلم است در نماز و غیره ترجیح فریضه بر سنت است، مانند ترجیح وقت و قبله، زیرا وقت و قبله از فرایض هستند نه سنت.

و ـ دیدگاه اجتماعی:

بعضی از فقها متون را تحت اللفظی ترجمه و معنی می کنند. به عبارت دیگر، خودشان را مقید به حروف متن می سازند بدون اینکه فراتر از آن بروند و به معانی وسیع آن متن، بپردازند.

بـعـضـی دیـگـر از فـقـهـا شـرایطی که متن در آن گفته شـده است را مورد بحث و بررسـی قرار می دهند تا با حوادثی که بر دلالت آن متن تاثیر مستقیم می گذارند، آشنا شوند. بـه طـور مـثال، اگر به حدیث پیغمبر گرامی، که در آن خوردن گوشت حمار اهلی را (در جنـگ خیبر) حرام کردنـد بنگریم، می بینیم که بعضـی از فقها به یکایک حروف این حـدیث عمل می کننـد، بـه ایـن معنی که گوشت حمار اهلی را، طبق این حدیث ، حرام می دانند، در صورتی که که اگر به شـرایط خاصی که این حدیث در آن گفته شده است توجه کافی مبـذول شود، به منظور اصـلی و هـدف اساسـی که پیغمبر گرامی می خواسـتند آن را در این حدیث پیاده کنند پی خواهیم برد، و آن این است که جنـگ با یهودیان خیبر نیاز مبرم به سـلاح و تجهیزات داشت، و سـلاح و تجهیزات، در آن زمان آن هم با آن شـرایط سخت که مسلمانها در آن بسر می بردند، به غیر از چهارپایان قابل حمل و نقل نبود. پـس، بـه ایـن نتیجه می رسیم که مراد از این حدیث نهی حکومتی بوده یعنی بری یک مصلحت خـارجی کـه شـرایـط آن روزها اقتضا می کرد، چنین دسـتوری صادر شده است و نباید به عنوان تشریع یا حرمت و یا کراهت تلقی شود.

ز ـ داشتن علم و درایت در استنباط:

معظم له بر این عقیده هستند که یک فقیه باید از زبان و دستور عرب اطلاع کامل داشته باشد، و با نثر، اشعار و مجازهای عربی آشنا باشد تا بتواند متون را بر طبق موضوع ، نه ذات ، درک و طبقه بندی کند. و نیز باید بر احادیث اهل بیت (علیهم السلام) و راویان آن، احاطه کامل داشته باشد زیرا معرفت علم رجال برای هر مجتهد واجب و ضروری است. همچنین ، حضرت آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) آرای منحصر به فردی دارند که با آنچه مشهور و معروف است، تفاوت دارد.

مثل ایشان در مساله عدم اعتماد به توهین (ابن غضائری) نسبت به دیگران ، یا به خاطر توهین بیش از حد، و یا به خاطر عدم ثبوت نسبت کتاب به او، رأی مغایری دارند، و آن این است که ، کتاب مزبور تحقیقا به او برمی گردد، و غضائری بیش از نجاشی، شیخ، و غیره، مورد اعتماد می باشد. ایشان بر این عقیده اند که برای تعیین شخصیت راوی و تایید کردن او تا اینکه بتوان یک حدیث را، حدیث مسند یا مرسل نامید، باید به روش طبقات اعتماد کرد، و این همان روش مرحوم آیت اللّه بروجردی (قدس سره) بود.

معظم له باور دارند که فقیه باید از کتب حدیث و اختلاف نسخه ها با یکدیگر، و درک موقعیت و حال و احوال مؤلف، از لحاظ ضبط و صحت، و نیز روش تالیف که این مؤلف یا آن راوی به کار برده ، اطلاع کافی داشته باشد. به عنوان مثال ایشان این امر را که، صدوق در نقل اخبار، روایات و احادیث دقیقتر از دیگران می باشد قبول ندارد، بلکه شیخ را، طبق کتب موجود و بر اساس قرینه، ناقلی امین و قابل اعتماد می داند. و حال آنکه معظم له و شهید صدر در این باره کوشش و فعالیت بسیاری از خود نشان داده اند، و همواره نوآوری و تجدید را پیشه می گیرند. و وقتی که آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) وارد بحث (تعادل) و (تراجیح) می شوند به این نتیجه می رسند که راز این بحث، در علت اختلاف احادیث نهفته است. پس، اگر ما به علل اختلاف متون شرعی بپردازیم، آن مشکل بزرگ و به ظاهر حل نشدنی حل خواهد شد. و خواهیم دید که، از روایات (ترجیح) و (تغییر) که صاحب (کفایه) آنها را بر استحباب حمل کرده است، بی نیازیم . شهید صدر همین بحث را بررسی کرده است، لکن بر اساس عقل صرف، نه بر اساس ذکر شواهد تاریخی و حدیثی، و ارائه قواعد مهم برای حل اختلاف.

ح ـ مقایسه میان مکتبهای گوناگون:

همه می دانیم که بیشتر اساتید بحثها را از دید یک مکتب یا عقیده بررسی و مطالعه می کنند، ولی معظم له از این قبیل نیستند. وی میان حوزه مشهد، قم و نجف اشرف مقایسه می کند، و آرای میرزا مهدی اصفهانی (قدس سره) که یکی از علمای معروف مشهد بشمار می رود، آرای آیت اللّه بروجردی (قدس سره) که سمبل تفکر حوزه علمیه قم می باشد، و نیز آرای سه محقق معروف، آرای آیت اللّه خوئی (قدس سره) و شیخ حسین حلی (قدس سره)، به عنوان نمایندگان حوزه علمیه نجف اشرف را، همه با هم مطرح می کند. در حقیقت، این نوع روش، زوایا و گوشه های بحث را به نحو احسن به ما نشان می دهد.

و اما روش فقهی آن بزرگوار، در واقع چند ویژگی دارد، از جمله :

۱ ـ مقایسه میان فقه شیعه و فقه دیگر مذاهب اسلامی بدون تردید، آگاه شدن از تفکر فقهی اهل تسنن در عصر به وجود آمدن متن، مثل (موطا مالک) و (خراج ابو یوسف) و امثال آن، این امکان را به ما می دهد تا از مقاصد ائمه (علیهم السلام) و نظر ایشان هنگام گفتن این حدیث یا آن سخن، مطلع شویم.

۲ ـ بکارگیری علم حقوق معاصر در بعضی از موارد فقهی، مانند مطالعه قانون دولت عراق، مصر و فرانسه، هنگام بررسی (کتاب بیع و خیارات)، چرا که شناختن اسالیب قانونی معاصر به انسان تجربیات زیادی می بخشد، که بتواند در تحلیل قواعد فقهی و توسعه دادن به طرز تفکر او و موجبات تطبیق آن همه نکات مهم ، فعال باشد.

۳ ـ بیشتر علمای ما هیچ تغییری روی قواعد فقهی که از علمای گذشته به آنها رسیده انجام نمی دهند، در حالیکه می بینیم آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) سعی بر این دارد که به بعضی از قواعد فقهی تنوع بخشد. مثلا درباره قاعده (الزام) که بعضی از فقها آن را به عنوان قاعده (مصلحت) می شناسند که بر اساس آن مسلماً حق دارند برای بدست آوردن منافع شخصی خود، گاهی از قوانین مذاهب دیگر اسلامی، ولو اینکه این قوانین با مذهب اصلی خود آنها سازگار نیست، تبعیت می کنند، در صورتی که حضرت آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) این وضع را قبول ندارند، و احترام هر مذهب و قوانین آن مذهب و مذاهب دیگر را، واجبتر و مقدمتر می دانند، همانند قاعده (لکل قوم نکاح) یعنی (هر ملت، نکاح و رسم ازدواج مخصوص به خود را دارد).

خصوصیات و ویژگیها

هر کس که از نزدیک با حضرت آیت اللّه سیستانی (دام ظله) معاشرت و رفت و آمد کند، به زودی به شخصیت ممتاز و روحیه ای ایده آل او پی خواهد برد. این شخصیت و روحیه ای که ایشان دارا هستند، وی را به یک الگوی برجسته و عالم ربانی مبدل کرده است. اکنون به بعضی از فضایل و مکارم اخلاقی آن بزرگوار، که از نزدیک شاهد آن بوده ایم، می پردازیم:

الف ـ انصاف و احترام به رأی دیگران:

ایشان عاشق علم هستند، و ارادت خاص نسبت به معرفت و رسیدن به حقایق دارند. همواره به رأی دیگران احترام می گذارند، همیشه کتاب به دست هستند، و هرگز خواندن، تتبع، بحث و آگاه شدن از آرای دیگر علما را فراموش نکردند. لذا گاهی اوقات، ایشان بحثهای برخی از علما که شاید هم به آن صورت معروف نباشند، مورد مطالعه و بررسی قرار می دهد. و این خودش نشانگر این است که، حضرت آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) توجه خاصی و احترام فوق العاده نسبت به رأی دیگران دارد.

ب ـ ادب و نزاکت در محاوره ها:

همینطور که همه می دانند، جلسات بحث و محاوره ای که بین طلبه ها یا میان یک طلبه و استادش ، بخصوص در حوزه علمیه نجف اشرف، انجام می گیرد، بسیار محکم و جدی می باشند. البته، در بعضی مواقع، این نوع روش برای طلبه ها مفید است، ولی در عین حال، همیشه تندی، روش صحیحی برای بحث و گفتگو نیست، و هرگز به هدف علمی مطلوب نمی رساند، و به غیر از تلف کردن وقت، و دور ساختن طلبه ها از روح مذاکره، چیز دیگری دربرندارد.

از جهت دیگر، همیشه درسها و بحثهایی که حضرت آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) با شاگردانشان برپا می کنند، بر

اساس ادب و احترام دوجانبه میان شاگرد و استاد بوده و هست، گرچه حتی بسیاری از موضوعات یا بحثهایی که جلوی ایشان مطرح می شوند، ضعیف و بی پایه اند. یکی دیگر از خصوصیات ایشان این است که سعی دارند جوابی را که به شاگردانشان می دهند تکرار کنند، تا آنها مسأله مطرح شده را درک کنند. اما، اگر سؤال کننده روی نظر خود اصرار کند، ایشان سکوت را ترجیح می دهند.

ج ـ تربیت:

تدریس، یک وسیله برای کسب پول در مقابل آن، یا یک وظیفه رسمی که استاد را وادار به انجام آن کند، نیست. بلکه سعی یک استاد خوب، مهربان و دلسوز، باید بر این باشد که شاگردانش را تربیت کند، و آنان را به مقام علمی والا و پیشرفت دائم برساند. لذا محبت، لازمه این کار می باشد. گذشته از اینکه، همواره و در همه جا آدم بی خیال و وظیفه نشناس موجود است، ولی در کنار آن، اساتیدی هستند مخلص، دلسوز، رئوف و فهمیده، که هدف اصلی ایشان ادای رسالت تعلیم و تعلم به نحو احسن است.

شایان ذکر است که آیت اللّه حکیم (قدس سره) و آیت اللّه خوئی (قدس سره) همیشه سمبل اخلاق حسنه بودند، و آنچه که از آیت اللّه سیستانی (دام ظله) دیدیم و شاهد آن بودیم ، همان اخلاق اساتیدشان بوده است. ایشان همواره از شاگردانشان تقاضا می کنند که بعد از پایان درس، از ایشان سئوال کنند.

حضرت آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) همیشه به شاگردان خود توصیه می کنند که به اساتید و علما اعلام احترام بگذارند، و هنگام سئوال یا بحث هر موضوع با آنان، نهایت ادب را رعایت کنند. وی مدام از اساتید خود، و روحیه عالی ایشان اخبار و قصه های فراوانی نقل می کند.

د ـ پارسائی و تقوا:

بعضی از علمای نجف اشرف خود را از دعوا و مرافعه دور می کنند، اما عده ای آن را گریز و فرار از واقعیت، یا هراس و ضعف در بیان می دانند. ولی اگر به این مسأله، از زاویه دیگری بنگریم، خواهیم دید که در واقع، این یک امر مثبت است، بلکه در خیلی از موقع ها، مهم و ضروری است. حال، اگر همان علما احساس کنند که امت اسلامی یا حوزه، به علت رویداد مهیج و یا ابهامی در بعضی از مفاهیم اسلامی در معرض خطر قرار گرفته است، بدون تردید، در صحنه خواهند بود، چرا که آنان خوب می دانند که هر عالم باید، در مواقف سخت و حساس، علم خود را اظهار کند.

نکته مهمی که نباید اینجا از یاد برد این است که ، همیشه ایشان در مواقع فتنه و آشوب، سکوت را رعایت می کردند، همانطوری که بعد از درگذشت آیت اللّه بروجردی (قدس سره) و آیت اللّه حکیم (قدس سره)، و بروز تعصبات شخصی و رقابت برای رسیدن به منصب و کرسی، حضرت آیت اللّه سیستانی (دام ظله) همان سیاست ثابت خود را دنبال کرد، و هیچگاه هدف خود را، رسیدن به لذتهای دنیوی، سلطه جوئی، یا مقام قرار نداد.

هـ ـ آثار فکری:

حضرت آیت اللّه سیستانی (دام ظله) تنها یک فقیه نیستند، بلکه ایشان یک شخصیت متبحر، دانا و داری یک بینش بالنده در حوزه اقتصادی و سیاسی است. ایشان نظرات ارزشمندی درباره اداره و جامعه شناسی دارد، و همواره از اوضاع معاصر که بر جامعه اسلامی حاکم است، مطلع و آگاه است.

قابل ذکر است که معظم له در عیادتی که از استادشان مرحوم آیت الله سید ابوالقاسم خوئی (قدس سره) در ۲۹ ربیع الثانی ۱۴۰۹ هـ . ق داشته اند استادشان از ایشان خواستند که به جای ایشان در مسجد خضراء امامت نماز جماعت را به عهده بگیرند که ایشان در بدو امر این موضوع را قبول ننمودند و لیکن آن مرحوم اصرار زیادی نموده و فرمودند: (اگر میتوانستم همچنانکه مرحوم حاج آقا حسین قمی (قدس سره) حکم میکرد شما را مجبور به قبول مینمودم) اما معظم له چند روز مهلت خواستند و پس از آن در ۵ جمادی الاول ۱۴۰۹ هـ . ق امامت نماز را قبول نموده و این کار تا آخرین جمعه ماه ذی الحجه سال ۱۴۱۴ هـ . ق که مسجد خضراء بسته شد، ادامه داشت.

معظم له جهت اداء فریضه حج در سال ۱۳۸۴ هـ . ق و دو بار متوالی در سالهای ۱۴۰۵ هـ . ق و ۱۴۰۶ به بیت الله الحرام مشرف شده اند.مرجعیت ایشان

بعد از فوت آیت اللّه سید نصراللّه مستنبط (قدس سره) عده ای از فضلا و علما از آیت اللّه خوئی (قدس سره) خواستند شرایطی را برای انتخاب جانشینی که دارای صلاحیت مرجعیت در حوزه علمیه نجف اشرف داشته باشد فراهم کنند. ایشان آیت اللّه سیستانی (دام ظله) را، برای علمشان و پاکی مسلکشان و نیز خط مشی استوارشان انتخاب نمودند.

معظم له ابتدا، نماز جماعت را در محراب آیت اللّه خوئی (قدس سره) برپا نمودند، سپس شروع به بحث و نگاشتن تعلیقات بر رساله و مسلک ایشان پرداختند. بعد از رحلت آیت الله خوئی (قدس سره) معظم له یکی از تشییع کنندگان جنازه آن مرحوم بوده و نماز میت نیز را بر او گذاردند. بعد از آن، زمام مرجعیت حوزه علمیه را بدست گرفتند، و شروع به فرستادن اجازات، تقسیم و پخش حقوق، و تدریس از روی منبر آیت اللّه خوئی (قدس سره) در مسجد (خضرا) نمودند. و به این صورت، آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) شهرت زیادی در عراق، کشورهای خلیج فارس، هند، آفریقا و... مخصوصاً در میان قشر جوانان پیدا کردند.

هم اکنون حضرت آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) یکی از علمای سرشناس و برجسته ای هستند که مشهور به اعلمیت هستند، و جمع کثیری از اهل علم و اساتید حوزه علمیه قم و نجف اشرف بر اعلمیت ایشان گواهی می دهند.

سیستانی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی بن محمدرضا سیستانی عالمی موثق و فاضلی بزرگوار ساکن (عبدل‌آباد) از محال مشهدالرضا (ع) خراسان و مرجع امور مردم و از علماء پرهیزکار بوده و عمر خود را در تألیف و ارشاد خلق و تدریس و وعظ و اندرز گذرانیده و در اواخر مقیم (فریمان) گردیده تا در سال ۱۳۳۴ قمری وفات نموده و دو فرزند فاضل و جلیل بنام آقا شیخ حسین و آقا شیخ مهدی داشته است.

از آثار اوست کتابی بنام (وقایع‌الایام) در سی هزار بیت و فرزند ارجمندش آقا شیخ مهدی نیز کتابی بنام (وقایع) دارد که محتمل است تتمیم و یا تذییل کتاب والدش باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سیف

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسفرنگی، سیف‌الدین اعرج، شاعر ایرانی (قر. ۶ ه.) از مردم اسفرانگ (ه.م.) بود، به همین سبب او را سیف اسفرنگی یا سیف اسفرنگ گویند. وی به خوارزم رفت، و به دربار خوارزمشاهیان از عهد ایل ارسلان تا عهد سلطان محمد خوارزمشاه اختصاص داشت و نیز سنجر سلجوقی و خسرو ملک غزنوی و محمود بن محمد ارسلان را که پس از سنجر به جای او نشست مدح گفته است. وفات وی در اواخر قرن ششم اتفاق افتاده.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

سیف اسفرنگی، سیف‌الدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم و هفتم ق)، شاعر. اهل اسفرنگ ماوراءالنهر بود، در خطه‌ی خوارزم نشو و نما یافت و به انواع علوم آراسته شد. وی شاعر دوره‌ی خوارزمشاهی از عهد ایل ارسلان تا عهد سلطان محمد خوارزمشاه بود و معاصر شمس خاله، ضیاءالدین خجندی، مجیرالدین بیلقانی و از ممدوحان وی سلطان محمد خوارزمشاه بود. از جمله آثارش: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۷۹۸ -۷۹۴ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۹۳)، تذکره الشعراء (۱۴۲ -۱۴۰)، دایرهٔالمعارف فارسی (۱۴۰۹/۱)، الذریعه (۴۸۵ -۴۸۴ /۹)، ریحانه (۱۴۵ -۱۴۴ /۳)، سرآمدان فرهنگ (۵۱۴/۱)، فرهنگ سخنوران (۴۸۱ -۴۸۰)، لغت نامه (ذیل/ سیف اسفرنگی، اسفرنج)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۸۵)، مجمع الفصحا (۷۱۲ -۷۰۹ /۲)، مرآت الخیال (۴۳)، هفت اقلیم .(۴۳۵/۳)

سیف اللهی، حجت الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : دکتر حجت الله سیف اللهی نه کران در روستای نه کران یکی از توابع اردبیل بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته آمار از دانشگاه پاریس ۶(پی یر و ماری کوری) است که پس از اخذ مدرک دکتری رشته مذکور از سال ۱۳۵۳ در دانشگاه ابوریحان و شهید بهشتی به تدریس پرداخت و در سال ۱۳۸۱ به افتخار بازنشستگی نائل آمد.نامبرده از سال ۱۳۷۷ تا کنون در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز به تدریس مشغول می باشد.

گروه : علوم پایه

رشته : آمار

گرایش : آمار (تحلیل داده ها)

والدین و انساب : پدر و مادر حجت الله سیف اللهی نه کران فوت شده اند. ایشان دارای سه برادر است که بترتیب در اردبیل ،رامسر و اراک زندگی می کنند.

خاطرات کودکی : حجت الله سیف اللهی نه کران از دوران کودکی خود چنین می گوید": پنجم ابتدایی را در روستای نه کران اردبیل طی کرده ام . در زیر چراغ نفتی در خانه و در مغازه پدرم درس می خواندم و روزها نیز کنار رودخانه کار می کردم و کلاس ششم ابتدایی را در بخش نمین به پایان رسانیدم.در دوران تحصیل خود همیشه شاگرد اول بودم".

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر حجت الله سیف اللهی نه کران در روستای نه کران مغازه داشت و به کار کشاورزی نمی پرداخت.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : حجت الله سیف اللهی نه کران ۵ سال دوره ابتدایی را در روستای نه کران و ششم ابتدایی را در نمین و سه سال اول متوسطه را آستارا و دو سال دانشسرا را در تبریز ،۴ سال در رشته ریاضی در دانشگاه تهران به تحصیل پرداخته

است. ایشان دوره کارشناسی ارشد را در موسسه آموزش عالی آمار و انفورماتیک و دوره تحصیلات تکمیلی و دکتری رشته آمار را در دانشگاه پاریس ۶(پی یر و ماری کوری) گذرانده است.

خاطرات و وقایع تحصیل : حجت الله سیف اللهی نه کران از دوران تحصیل خود چنین به یاد دارد": در کلاس دوم ابتدایی کتاب ها بزبان ترکی بود و از آذر ۱۳۲۵ به بعد به فارسی تبدیل شد. من برای ششم ابتدایی هر زور صبح از روستای خود به نمین می رفتیم و طوری که در مدرسه بسته می شد و عصر نیز بر می گشتیم.سه سال متوسطه را در آستارا بودم در آن موقع در آن شهر کتاب پیدا نمی شد و بایستی از اردبیل خریداری می شد".

فعالیتهای ضمن تحصیل : حجت الله سیف اللهی نه کران پس از طی دو سال دانشسرای مقدماتی در مهر ۱۳۳۵ در نه کران به عنوان آموزگار استخدام شدند.او دو دیپلم طبیعی و ریاضی را بطور متفرقه در اردبیل و تبریز اخذ کردند و در سال ۱۳۴۳وارد دانشگاه تهران در رشته ریاضی گردیدند.

هم دوره ای ها و همکاران : دکتر طاهری ،دکتر تارمست،دکتر هاشمی پرست از همدوره ایهای حجت الله سیف اللهی نه کران می باشند.

همسر و فرزندان : حجت الله سیف اللهی نه کران در سال ۱۳۴۳ با همسر خود (دبیر بازنشسته) ازدوراج کرد که ماحصل این ازدواج سه فرزند ،۲ دختر و یک پسر می باشد.

فعالیتهای آموزشی : حجت الله سیف اللهی نه کران از مهر سال ۱۳۳۵ به مدت ۱۹ سال در دبیرستانها نه کران و تهران به تدریس مشغول بودند در سال ۱۳۵۴ با مدرک کارشناسی ارشد رشته آمار در دانشگاه ابوریحان و پس از اخذ مدرک دکتری رشته آمار در دانشگاه شهید بهشتی تا سال ۱۳۸۱ به تدریس پرداخت.نامبرده در مهر همان سال (۱۳۸۱) بازنشسته گردیدند. ایشان در ضمن از ۱۵ شهریور سال ۱۳۷۷ تا کنون در دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی اشغال دارند.

جوائز و نشانها : حجت الله سیف اللهی نه کران بدلیل ترجمه کتاب ،تالیف مقاله و طرحهای پژوهشی در دانشگاه شهید بهشتی لوحهای تقدیر و جوایز نقدی متعددی دریافت کرده است.

چگونگی عرضه آثار : حجت الله سیف اللهی نه کران دارای سه طرح پژوهشی در دانشگاه شهید بهشتی می باشد.

آثار :

۱ آمار ریاضی

ویژگی اثر : ترجمه

۲ تحلیل داده ها

ویژگی اثر : ترجمه

۳ خلاصه درس و فرمولهای آمار و احتمال ریاضی

ویژگی اثر : ترجمه منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

سیف کردی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته مهندسی شیمی، دانشکده: مهندسی شیمی، دانشگاه: صنعتی شریف

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

سیف نراقی، مریم

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روانشناسی، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته مشاوره و راهنمائی با رتبه اول از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۵۰، کارشناسی ارشد و دکترای مشاوره و راهنمائی با درجات ممتاز از دانشگاه کالیفرنیای جنوبی در سالهای ۱۳۵۳ و ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه علامه طباطبائی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی روند رشد تکلم و زبان فارسی کودکان از بدو تولد تا ۸ سالگی، بررسی و مقایسه وضعیت مراکز شبانه‌روزی کمیته امداد امام خمینی (ره) و ویژگیهای دانش‌آموزان تحت پوشش آنها، بررسی اختلالات رفتاری فرزندان شاهد، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر بیش از ۵۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

دانش‌آموزان استثنائی، روش تحقیق، اختلالات یادگیری، اختلالات یادگیری، اختلالات رفتاری کودکان، سنجش و اندازه‌گیری، راهنمای عملی فراهم‌سازی، آمار استنباطی، احساس و ادراک در روانشناسی، آموزش و پرورش کودکان استثنائی و بررسی روند رشد تکلم و زبان‌شناسی کودکان از بدو تولد تا ۸ سالگی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

چگونگی رشد ذهنی و روانی، تکلم و زبان کودکان، اختلالات رفتاری، تأثیر فشارهای روانی، نقش تحقیق، چگونگی نمونه‌گیری و آشنائی با برخی از آزمونها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سیف، سوسن

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

دکتر سوسن سیف در سال ۱۳۲۱ در تهران بدنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه ،تحصیلات دانشگاهی را در دانشگاه الزهرا در رشته روانشناسی آغاز کرد. وی پس از اخذ مدرک کارشناسی روانشناسی و کارشناسی ارشد رشته مشاوره و راهنمایی خانواده از دانشگاه علامه طباطبائی ، در سال ۱۳۶۱ موفق به دریافت دکتری رشته مطالعه خانواده و کودک از دانشگاه سراکیوز آمریکا شد.وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه الزهرا و عضو هیئت علمی مدرسه عالی شمیران ٠دانشگاه علامه طباطبائی) می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : سوسن سیف تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان «همایون» و دوره دبیرستان را در دو مدرسه «آزرم» و «ناموس» سپری کرده است. لیسانس روانشناسی اش را از مدرسه عالی دختران [دانشگاه الزهرا(س)] و فوق لیسانس خود را از مدرسه شمیران [با نام فعلی دانشگاه علامه طباطبایی] اخذ می کند. پس از این برای ادامه تحصیل و کسب مدرک دکترا با بورسی که به او تعلق می گیرد به دانشگاه «سیراکیوز» آمریکا می رود و همانگونه که در کشور خود موفق می شود رتبه اول را در دانشگاه به دست آورد، آنجا نیز با همین رتبه فارغ التحصیل می شود. خلاصه سابقه تحصیلی سوسن سیف به قرار زیر است: ۱ـ لیسانس روانشناسی ـ مدرسه عالی دختران (دانشگاه الزهرا) ۵۴ ـ۵۰ ۲ـ فوق‌لیسانس مشاوره و راهنمایی خانواده ـ مدرسه عالی شمیران (دانشگاه علامه طباطبایی) ۵۶ ـ ۵۴ ۳ـ دکترای مطالعه خانواده و کودک ـ دانشگاه سراکیوز آمریکا ۵۷ ـ ۶۱ استادان و مربیان : سوسن سیف تمایلاتی نیز به علوم دیگر دارد. به زیباشناسی، هنر و از همه مهمتر به فلسفه علاقه مند است و در این رابطه به یکی از اساتیدش که تا حد زیادی تحت تأثیر او قرار گرفته بوداشاره می کند: «در دوره لیسانس، ما استادی داشتیم به نام خانم دکتر «مهتاب مستعان» – که حالا بازنشسته شده اند– ایشان به قدری شیرین، فلسفه را درس می دادند که گاهی اوقات من وسوسه می شدم رشته ام را عوض کنم و بروم فلسفه بخوانم. در مراحل دیگر پیشرفت های علمی ام، اساتید خوبی مثل آقای دکتر کیانوش هاشمیان داشتم یا آقای دکتر عباس طباطبایی یزدی که استاد آمار من بودند. جالب اینجاست که این افراد هم اکنون از بهترین همکاران من محسوب می شوند.» وقایع میانسالی : سوسن سیف پس از بازگشت به وطن، به سرعت دستاوردهای آموزشی اش را به کار می گیرد و اندک زمانی بعد صاحب مرتبه و مقام ارزنده ای در علم روانشناسی کشور می شود.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سابقه اشتغال به خدمت سوسن سیف : ـ عضو هیات علمی مدرسه عالی شمیران (دانشگاه علامه طباطبایی) ـ عضو هیات علمی دانشگاه الزهرا (دانشیار) ـ عضو هیات علمی دانشگاه اما م صادق (واحد خواهران) ـ عضو هیات علمی مرکز مطالعات و تحقیقات مسائل زنان ـ عضویت در شاخه کودکان استثنایی و برنامه ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی ـ مدیریت گروه علوم تربیتی دانشگاه الزهرا – عضو کمیته مشورتی انستیتو روانپزشکی ـ مدیر تحصیلات تکمیلی (کارشناس ارشد و دکترا دانشکده الهیات ، ادبیات و علوم انسانی دانشگاه الزهرا ـ عضویت در کمیته علمی سمینار روانشناسی در اسلام و دبیر سمینار دانشگاه الزهرا ـ عضو کمیته برنامه‌ریزی آموزش کودکان استثنایی و عضویت در چهارشاخه اختلالات عاطفی ، ناتوانی یادگیری ، عقب‌ماندگی ذهنی و چند معلولیتی ـ ریاست دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهرا ـ عضو شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استثنایی فعالیتهای آموزشی : سوسن سیف با وجود آن که سابقه تدریس در دیگر دانشگاه ها را نیز دارد ولی به زعم خویش، تمام زندگی و وجودش در دانشگاه الزهرا(س)، خلاصه می شود و بیشترین حجم فعالیت هایش را در این مرکز آموزشی متمرکز کرده است.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سوسن سیف تاکنون راه اندازی و تأسیس دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی و کتابخانه آن در سال ،۷۴ مرکز کلینیک مشاوره و روانشناسی دانشگاه الزهرا(س) [واقع در خیابان ۱۶آذر به همت و پشتیبانی ریاست دانشگاه دکتر زهرا رهنورد و به مدیریت دکتر طیبه زندی پور]، برنامه مشاوره پیشگیری از تالاسمی [در وزارت بهداشت و درمان] و درس کارگاهی آن، طرح و اجرای دروس کارگاهی «مصاحبه مشاوره ای»، «آموزش خانواده»، «دانش افزایی همسران» و «سلامت بلوغ در دختران» را در کارنامه خود ثبت کرده است. آرا و گرایشهای خاص : سوسن سیف معتقد است: «علاقه من به مسائل خانواده در تمام فعالیت های تحقیقاتی و پژوهشی ام نمود

عینی داردو در داخل یا خارج از کشور مدام روی مشاوره خانواده و کودک کار می کنم. در تعاریف کلی و از نقطه نظر اجتماعی خانواده را این گونه تشریح می کنند که واحد بسیار کوچکی است. اما به نظر من اساس و پایه شکل گیری جامعه و یادگیری فرزندان، ارتباط همسران و... همه در خانواده است. من همه چیز را به خانواده ربط می دهم و معتقدم خانواده در تشکیل و گسترش روح ملی و در نهایت حفظ حدود و ثغور فرد برای خود، نقش بزرگی ایفا می کند. اگر کشورها مبانی خانوادگی سالم نداشته باشند و رابطه افراد در خانواده خیلی به هم نزدیک نباشند، همبستگی و تعاون بین آن ها دیده نشود، همه چیز بی پایه و سست می شود. بنابراین همیشه باید خانواده را یک اصل قرار دهیم که دارای جایگاه پر مهر و محبتی است، حس همدلی و دوستی و فداکاری و... در آن هست و تمام این ها ریشه در خانواده دارد. من در همه کارهای تحقیقی ام تاکنون این چرخه خانواده را در نظر گرفتم. چرخه خانواده کاملاً مشخص است، ابتدا جوانان ازدواج می کنند، بعد فرزنددار می شوند و بچه هایشان به مدرسه رفته، فارغ التحصیل می شوند و باز آنان هم ازدواج می کنند و چرخه ادامه می یابد.» از دید سوسن سیف، روانشناسی در واقع نوعی انسان شناسی است: «شناخت ابعاد انسان به دلیل پیچیدگی به سادگی امکان پذیر نیست. گروهی سعی دارند از دیدگاه وراثت درباره انسان ها صحبت کنند، بعضی دیگر از منظر محیط، برخی می گویند ارزش ها اهمیت دارند و تعدادی هم تفکر و گروهی نیز ادراک و احساس را پراهمیت می دانند.» سوسن سیف در عالم مشاوره بیش از هر کس به «ویرجینیا ستیر» گرایش دارد و او را یکی از برترین مشاورهای جهان می پندارد و برای اثبات نظریات خویش در خصوص ارتباط و همدلی با دیگران به گفته ای از او استناد می کند: «ستیر جمله قشنگی دارد با این مضمون؛ مرا باور این است بهترین هدیه ای که می توانم بخواهم و آرزو کنم همانا دیده شدن، شنیده شدن، فهمیده شدن و حس شدن از سوی دیگران است و والاترین هدیه ای که من می توانم به دیگران بدهم دیدن، شنیدن و درک و پذیرش روح آنهاست. آنچه ستیر می گوید خواسته های من نیز هست. به اعتقاد من زندگی را باید مجموعه ارتباطات در ابعاد زیستی، روانی و اجتماعی دانست. بنابر رویکرد ارتباطی ستیر، افرادی که در نحوه برقراری ارتباط دارای الگوی سالمی هستند، بانشاط، سرزنده و بامحبتند و قدرت ریسک کردن دارند، با حقوق خود و دیگران آشنایند، حضور قلب و چهره های آرام دارند و صحبت های آن ها با آهنگی پرمایه و گرم همراه است، مهربانند و گشاده رو و اگر ساکتند، حتی سکوتشان، آرامبخش است. در عوض افرادی که نمی توانند به خوبی از عهده برقراری ارتباط برآیند، بداخلاقند و چشم هایشان تنگ است، گوش هایشان نمی شنود، صداهای خشنی دارند و شوخی هایشان زننده است!» جوائز و نشانها : سوسن سیف تاکنون چندین مرتبه به عنوان پژوهشگر نمونه در دانشگاه الزهرا(س) انتخاب شده و مورد تقدیر قرار گرفته است. در سال های ۸۳–۸۲ استاد نمونه کشور بوده و برای اغلب سخنرانی هایش موفق به دریافت جوایز و تقدیرنامه هایی شده است.چگونگی عرضه آثار : ارائه و تدوین چندین طرح ملی نیز در کارنامه علمی پربار سوسن سیف به چشم می آیند. «طرح جامع تشکیل کارنامه فراگیری خاص برای کودکان عقب مانده ذهنی» [۱۳۸۰]، «آزمون دوره آمادگی قبل از دبستان»، «استانداردسازی و هنجاریابی مقیاس سنجش خانواده» [تیرماه ۱۳۸۰]، «پودمان مدیریت زن»، و «بررسی علل و عوامل مدرسه گریزی دانش آموزان دختر دبیرستان های تهران» [سال تحصیلی ۸۲–۸۱] برخی از آنهاست. مقالاتی که سوسن سیف درکنفرانس ها و سمینارهای داخلی و خارجی نیز مطرح کرده است، موضوعاتی همچون «فرضیه زبان و تفکر ویگوتسکی»، «مقایسه مشکلات دختران نوجوان ایرانی با مشکلات دختران نوجوان ایرانی مقیم آمریکا»، «فقدان پدر و تأثیر آن در روند رشد کودکان»، «جوان و عزت نفس»، «پیاژه و اسکینر»، «بهداشت روانی و عوامل مؤثر در انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان دانشگاه الزهرا(س)» و مواردی از این دست را شامل می شوند که شرح فهرست آنها در این حجم کوتاه نمی گنجد. این مقالات گاه در مجله های علوم انسانی وزارت آموزش عالی، فصلنامه وزارت آموزش و پرورش و مجله علوم انسانی دانشگاه الزهرا(س)، به چاپ رسیده اند یا می رسند. برخی از آن ها نیز در همایش ها و کنگره های علمی ارائه شده اند. علاوه بر آن چه از فعالیت های پژوهشی – تحقیقی سوسن سیف آورده شد، او در مجلات مرتبط با حوزه کاری اش نیز از اعضای هیأت تحریریه است. مجلات «خانواده پژوهی دانشگاه شهید بهشتی»، «فصلنامه روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی» و «روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران» سه مورد از آن هاست. همچنین سردبیری فصلنامه های «مطالعات روانشناختی» و «اندیشه های نوین تربیتی» از دیگر مسؤولیت های اوست. دکتر سوسن سیف با همه این فعالیت هاست که امروزه از جمله نام آشنایان عرصه علم روانشناسی است و نمی توان به سادگی و بی تفاوت از کنار او گذشت. او سعی کرده زندگی اش را وقف ارائه بهترین و ارزشمندترین خدمت های بشردوستانه کند، تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.» آثار :آموزش و پرورش دوران نخستین کودکی ویژگی اثر : ترجمه۲ ارزیابی ناتوانی یادگیری ، اصلاح رفتار کودکان استثنایی ویژگی اثر : تالیف و ترجمه۴ افزایش خود پنداره دانش آموزان در مدارس ویژگی اثر : ترجمه۵ تئوری رشد خانواده ویژگی اثر : تالیف و ترجمه ۶ جابه جا کردن کودک خردسال فلج مغزی در خانه ویژگی اثر : تالیف و ترجمه۷ جابه جا کردن کودک خردسال فلج مغزی در خانه ویژگی اثر : تالیف و ترجمه۸ خانواده درمانی ، رشد کودکان تهرانی از یک سالگی تا پنج سالگی ویژگی اثر : بررسی و تحقیق و تالیف ۱۰ روانشناسی رشد کودکان و نوجوانان ویژگی اثر : تالیف مولی و راسل اسمارت: ترجمه۱۱ ریشه‌های فلسفی و تاریخی تئوری‌های نوجوانی ویژگی اثر : تالیف و ترجمه ۱۲ مباحثی در اختلالات دوران نوجوانی ویژگی اثر : تالیف۱۳ مشاوره خانواده ویژگی اثر : تالیف۱۴ ناتوانی‌های یادگیری ، تشخیص و درمان ویژگی اثر : تالیف۱۵ یاور ماهر ویژگی اثر : ترجمه

سیف، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روانشناسی، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته آموزش و پرورش گرایش روانشناسی با احراز رتبه اول از دانشگاه ابوریحان سابق در سال ۱۳۴۷، کارشناسی ارشد و دکترا در رشته روانشناسی تربیتی از دانشگاه ایلینویز جنوبی آمریکا در سالهای ۱۳۵۰ و ۱۳۵۲.

مرتبه علمی:

عضویت در هیأت علمی دانشگاه ابوریحان سابق و دانشگاه علامه طباطبائی از سال ۱۳۵۲ تاکنون، دانشیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام طرحی تحقیقی در زمینه علوم تربیتی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

روانشناسی و علوم تربیتی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات بزبان خارجی:–

زمینه علمی مقالات:

روانشناسی و علوم تربیتی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سیف‌الدین محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط. از آثار وی کتیبه‌ای است در مدرسه بالا ـ سردر مشهد، که به خط ثلث نوشته و چنین رقم دارد: «راقمه سیف‌الدین محمد» مدرسه‌ی بالاسر از بناهای دوره تیموری است که در عهد شاه سلیمان صفوی به سال ۱۰۹۱ ق تعمیر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی (۷۵).

سیف‌اللهی، سیف‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده: علوم اجتماعی، دانشگاه: علامه طباطبائی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سیف‌الملک، عباسقلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۸۰ ق)، خطاط. وی مردی عامی و بی‌سواد بوده که از طرف شوهرخواهر خود، میرزا آقا خان نوری، ملقب به سیف‌الملک شده است. در سال ۱۲۷۱ ق با رتبه‌ی میرپنجی به سفارت پطرز بورگ رفته و دو سال بعد بازگشته است. سیف‌الملک مدتی نیز کاتب دربار بوده و چند کتاب به نام میرزا آقا خان نوشته است. او به خطوط نستعلیق و شکسته نستعلیق و رقاع و تعلیق آشنا بود و نستعلیق را خوش و رقاع را عالی می‌نوشت. تاریخ کتابت خطوط او بین سالهای ۱۲۷۹ و ۱۲۸۰ ق، است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۴۲ –۲/ ۳۴۱)، شرح حال رجال (۲۳۴ –۲/ ۲۳۲).

سیفایی لنگه‌ای، عبدالغفار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۶ ش)، شاعر. وی در بندر لنگه متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان ملی محمدیه لنگه آموخت. سپس به بمبئی رفت و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان سنت زویر در آن بندر به پایان رسانید و به لنگه مراجعت کرد و به شغل آموزگاری مشغول شد. از اوست:

دلدار من برفت و دگر زو خبر نشد

لیکن مرا نگر که ارادت دگر نشد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۲۴ -۲۲۲ /۳).

سیف‌پور فاطمی نایینی، نصرالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، مدرس و نویسنده. وی از اهالی نایین اصفهان بود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان به پایان رسانید و در کالج اصفهان به شغل معلمی مشغول گردید. در اوان اشتغال به معلمی امتحان دیپلم ادبی را داده و به اخذ دیپلم نایل شد. بعد از نشر مجله و روزنامه‌ی «باختر» در اصفهان به عضویت انجمن شهرداری آنجا انتخاب شد و سمت شهردار شیراز را یافت. وی در دوره‌ی چهاردهم مجلس از طرف اهالی نجف‌آباد و فریدن انتخاب شد و بنابر دلایلی در اواخر این دوره مجبور به مسافرت به انگلستان و آمریکا گردید. از آثار وی: «تاریخ ادبیات ایران از دوره‌ی قاجاریه تا عصر مشروطیت»، ترجمه؛ «شرح حال شمس‌الدین محمد حافظ»؛ «مخصوص اطفال»، ترجمه.[۱]

وکیل مجلس، روزنامه‌نگار، فرزند سید محمدعلی سیف‌العلماء و برادر دکتر حسین فاطمی، در ۱۲۷۹ در نائین تولد یافت. چندی در نائین و مدتی در اصفهان به تحصیل علوم مخصوصا ادبیات فارسی پرداخت و مدرسه‌ی آمریکائی اصفهان را پایان برد و به زبان انگلیسی تسلط یافت. کار خود را با معلمی شروع کرد. ضمنا با مطبوعات آن روز اصفهان همکاری نمود. قسمتی از کتاب تاریخ ادبیات ایران تالیف ادوارد براون را ترجمه نمود و به نام گلزار ادبیات ایران در روزنامه‌ی عرفان اصفهان درج کرد. در ۱۳۱۲ مجله‌ی معتبر و نفیس باختر را در اصفهان انتشار داد. این مجله مدت دو سال با مقالات علمی و ادبی در اصفهان منتشر می‌شد و مورد توجه دانشمندان و دانش‌پژوهان بود. در ۱۳۱۴ مجله‌ی باختر را به روزنامه‌ی باختر تبدیل کرد. ابتدا باختر هفتگی بود، بعد به سه شماره در هفته تبدیل شد. سرانجام به صورت یومیه انتشار می‌یافت. قبل از ۱۳۲۰ روزنامه‌ی خود را به تهران انتقال داد و امور تحریری آن را به برادرش حسین فاطمی سپرد و خود به سمت شهردار شیراز تعیین شد. دو سال در شیراز اشتغال داشت تا اینکه در سال ۱۳۲۲ در انتخابات چهاردهمین دوره‌ی قانونگزاری از نجف‌آباد به نمایندگی مجلس انتخاب شد. در مجلس خیلی زود جای خود را بازکرد. وزنه‌ی مهمی بود که با حزب توده مبارزه می‌کرد. روزنامه‌ی باختر هم از ارکان جراید تهران بود. قلم روان و نیشدار برادرش او را بیشتر در کار سیاست یاری می‌کرد. وی در پایان مجلس، جلای یوطن کرد، به آمریکا رفت و در دانشگاه پرینستون تحصیلات خود را ادامه داد، درجه‌ی دکترا در تاریخ سیاسی گرفت و در همان دانشگاه به استادی انتخاب شد و سالها تدریس تاریخ خاورمیانه با او بود. سیف‌پور مردی باسواد، محقق، زرنگ و آگاه با امور سیاسی بود. در دوره‌ی دکتر مصدق که برادرش همه‌کاره بود، به ایران دعوت شد و مشاغلی به او پیشنهاد گردید. هیچ کدام را نپذیرفت، حتی برادرش را از تندروی‌ها برحذر می‌داشت. اقدامات او بعد از سال ۱۳۳۲ برای نجات برادرش به جائی نرسید. وفات او در ۱۳۶۸ در آمریکا اتفاق افتاد سیف‌پور در اواخر عمر خاطرات خود را در دو مجلد به زبان فارسی تنظیم و در آمریکا انتشار داد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید و مجلات (۳-۲ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۱ -۵۸۰ /۶).

سیف‌زاده،حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم سیاسی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای علوم سیاسی از دانشگاه سانتاباربارا کالیفرنیا، فوق دکترای علوم سیاسی از دانشگاه هاروارد.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح خلیج‌فارس، روابط بین‌الملل، حکومت تطبیقی، اندیشه سیاسی، مدیریت اداری، جامعه‌شناسی سیاسی، فرهنگ سیاسی، توسعه سیاسی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

علوم سیاسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

مباحث نظری در علوم سیاسی (توسعه و ایران)، مباحث نظری در روابط بین‌الملل (بین‌المللی و منطقه‌ای).

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سیفی بخارایی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۹۰۹ ق)، شاعر. اصل وی از بخارا بود. مدتی در هرات به کسب علوم پرداخت و یک چند نیز در خدمت امیرعلیشیر نوایی بود و در سلک شاعران و ندیمان وی. پس از آن به موطن خود بازگشت و در آنجا زیست تا درگذشت. وی که از معاصران جامی بود در فن عروض و سرودن معما و شهر آشوب توانا بود. آثار وی: «دیوان» شعر؛ «رساله در معما»؛ رساله در عروض بنام «عروض سیفی» و منظومه شهرانگیز «صنایع البدایع».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (۶۷۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۱ -۱۲۰ /۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۹۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۱۳)، حبیب السیر (۳۴۶/۴)، دایرةالمعارف فارسی (۱۴۱۰/۱)، الذریعه (۴۸۷ -۴۸۶ /۹)، رجال حبیب السیر (۱۹۳ -۱۹۲)، ریحانه (۱۴۷ -۱۴۶ /۳)، صبح گلشن (۲۱۶)، فرهنگ سخنوران (۴۸۲)، لغت نامه (ذیل/ سیفی بخارایی)، مؤلفین کتب چاپی (۳۸۶ -۳۸۵ /۳)، مجالس النفائس (۵۸ -۵۷).

سیفی حسنی قزوینی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۸/۹۴۲ ق)، شاعر. وی از سادات قزوین بوده که سمت قضاوت داشته و از بزرگان دربار شاه طهماسب به شمار می‌رفته است و قاضی روح‌اللَّه از نزدیکان و خویشان شرف جهان بود. از جمله آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۷۶)، تحفه‌ی سامی (۴۴)، تذکره‌ی روز روشن (۳۱۵)، الذریعه (۳۸۷/۹)، مینودر (۵۴۲ -۵۴۱ /۲)، هفت اقلیم (۱۷۱/۳).

سیفی نیشابوری، علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. غزلها و قصاید مصنوع او مشهور بود. هدایت او را مداح سلطان تکش دانسته است و قصیده‌ای که از او در دست است در مدح شاه محمود است. که شاید شاه محمود پسر ارسلان خان محمد از پادشاهان آل‌افراسیاب است. سیفی هم مانند دیگر شاعران عهد خود به غزل رغبتی داشت و چند غزل از او در «لباب الالباب» نقل شده است وی شاگرد فرید کاتب بود. گویند که وی کتابی حاوی «صد نامه‌ی عاشقانه» تالیف کرده بود که مقبول فضلا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۹۳ -۶۹۲ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۲۸ -۶۲۶ /۲)، تذکره الشعراء (۱۲۲ -۱۲۱)، تذکره‌ی روز روشن (۳۸۵)، الذریعه (۴۸۸ -۴۸۷ /۹)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۸۶ -۲۸۵)، لباب الالباب (۱۶۱ -۱۵۹ /۲)، مجمع الفصحا (۷۰۹ -۷۰۸ /۲)، مخزن الغرائب (۵۷۷ -۵۷۶ /۲)، مطلع الشمس (۱۸۱/۳)، هفت اقلیم (۲۶۷/۲).

سیفی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین سیفی

محل تولد : محمود آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۹/۱

زندگینامه علمی

این حقیر سوم راهنمایی را طی کرده بودم که خداوند توفیق داد وارد حوزه علمیه دماوند شوم. در دوران تحصیل علاوه بر درس آموختن طلاب جدیدی که وارد حوزه می‌شدند تدریس می‌کردم. در سال ۱۳۷۰ بعد از طی کردن مقطع دروس حوزوی دماوند که پایان لمعتین بود وارد حوزه علمیه قم شدم، ابتداء در مدرسه آیت الله کوهستانی حجره‌ای به ما دادند حدود یکسال در آنجا بودم و دروس خود را در مدرسه آیت الله گلپایگانی تحصیل می‌کردم. بعد از یکسال به مدرسه امام صادق(ع) چهارمردان رفتم. حدود دو سالی در آنجا حجره داشتم و مشغول درس و تحصیل بودم و از استادان بزرگ و دانشمندی همچون آیت الله محفوظی، آیت الله دوزدوزانی و آیت الله جوادی آملی کسب علم می‌کردم. در سال ۱۳۷۳ مصادف شد با سنین ازدواج این حقیر که یک سال و نیم بعد از ازدواج خداوند دختری به ما عنایت کرد و از آن سال تا سال ۱۳۸۲ از دروس اساتید حوزه و درس خارج بزرگان حوزه تلمذ می‌کردم. از سال ۱۳۸۲ به دعوت یکی از دوستان وارد موسسه تنظیم و نشر آثار امام(ره) شدم. از آن سال تاکنون در قسمت دانش‌نامه موسسه مشغول تحقیقات علمی هستم که تا به حال بیش از چند مدخل که حضور ذهن ندارم تحول موسسه دادم که هر کدام تبدیل به مقاله و بعضی‌ها تبدیل به کتاب شدند. الان هم دو تا کلاس صبح می‌روم اول کلاس آیت الله جوادی آملی و دوم کلاس آیت الله مقتدایی و بعد از آن صبح ساعت ۱۰ و بعدازظهر ساعت ۳۰/۳ تا ساعت ۸ در موسسه مشغول تحقیقات هستم.

سیفی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر سیفی

محل تولد : بابلسر

شهرت : سیفی مازندرانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۰ برای شروع تحصیل به حوزه خاتم الانبیاء بابل رفته و پس از یک سال به حوزه علمیه قم مشرف شدند. ایشان با پشتکار و جدیت فراوان دروس مقدماتی و سطح را در طول سه سال به پایان رسانده و با اینکه درگیر مسائل سیاسی کشور بودند هیچگاه از تعلیم و تعلم علوم حوزوی غفلت نورزیده و با جدیت و پشتکار بسیار زیاد دروس خارج حضرت آیت الله میرزا هاشم آملی را به نوشته عربی تقریر فرموده و به نظر معظم له می رساندند و ایشان نیز پس از ملاحظه تقریرات، تشویق و ترغیب فراوانی می نمودند. از سال ۱۳۵۵ تا پیروزی انقلاب اسلامی بیشتر راهپیمایی هایی که علیه رژیم پهلوی،در برخی از شهرهای استان مازندران برگزار می شد به رهبری و یا پشتیبانی ایشان بود تا جائیکه، نام ایشان در لیست ساواک و اداره امنیت ملی استان بعنوان اخلالگر و مخرب، ثبت شده و همیشه تحت پیگرد بودند و حتی چندین مرتبه هم مورد حمله مسلحانه نیروهای ساواک قرار گرفتند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مانند قبل با جدیت فراوان، دروس آیت الله گلپایگانی را به عربی تقریر و هر از چند گاهی جزوات و تقریرات خود را به معظم له ارائه و مورد تشویق و ترغیب ایشان، قرار می گرفتند. در همان زمان توفیق تدریس لمعه، مکاسب و رسائل و فلسفه را نیز داشتند.

پس از آغاز جنگ تحمیلی، حضوری فعال در جبهه های حق علیه باطل داشتند و موفق به تدریس یک دوره کلام و معارف اسلامی در جبهه شدند که مورد استقبال سرداران و فرماندهان سپاه قرار گرفت.ایشان با توجه به اینکه مسئول تبلیغات لشکر ۲۵ کربلای مازندران بودند ولی همواره، در طول جنگ نیز، دروس فقه و اصول را رها ننموده و جزء اصلی کارهای خود را اختصاص به پرداختن عمیق به این علوم می دادند. در سال ۱۳۶۰ افتخار جانبازی از ناحیه چشم را داشته و هم اکنون یک چشم ایشان، بیناست. پس از جنگ تحمیلی نیز، در دروس خارج آیت الله اراکی و پس از آن در جلسات خصوصی فقه آیت الله تبریزی و سید محمود شاهرودی حاضر شده و خود نیز به تدریس خارج کفایه به زبان عربی مشغول بودند. از سال ۱۳۷۲ در مدرسه فیضیه و گلپایگانی تدریس خارج فقه و اصول را آغاز کرده و تالیفات خود را که از مجموعه دروس و تحقیقاتشان بود، به مرحله چاپ رسانیدند که انتشارات جامعه مدرسین و موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) به چاپ آنها اقدام نموده و می نمایند. هم اکنون، ایشان یکی از مدرسین دورس عالی حوزه علمیه قم بوده و شاگردانشان نیز اغلب از محققان و مدرسان دروس سطح می باشند.

سیفی، محمد امین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۲۶ ق)، خطاط. وی نواده‌ی میرعماد سیفی حسنی بود. با اینکه شیوه‌ی او شباهت به شیوه‌ی میرعماد دارد و خود کاتب خوشنویس است، ولی پایه‌ی خطش حتی از شاگردان میرعماد هم پایین‌تر است. میرزا سنگلاخ و تذکره‌نویسان پس از او، به وی لقب دانا دبیر داده‌اند. از آثار وی: یک نسخه «رفیق توفیق» محمدعلی قزوینی، به قلم کتابت جلی خوش، با رقم: «ذره‌ی بی‌مقدار نواده‌ی مرحوم میرعماد الحسنی... سنه‌ی ۱۱۱۲»؛ یک قطعه از مرقع، به قلم دو دانگ و کتابت خوش، با رقم: «کتبه العبد... محمد امین نواده‌ی مغفور مرحوم میر عماد الحسنی... سنه‌ی ۱۱۱۷»؛ یک قطعه، به قلم نیم دو دانگ و کتابت خوش، با رقم: «حرره العبد محمدامین نواده‌ی مرحوم میر عماد الحسنی... سنه‌ی ۱۱۱۸»؛ یک نسخه «تحفة المؤمنین»، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «تمت الکتاب... محمد امین نواده‌ی مرحوم مغفور میر عماد الحسنی... به تاریخ هزار و صد و بیست و شش...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۴۸ -۶۴۷/ ۳) پیدایش خط و خطاطان (۱۷۸)، قزوین در گذرگاه هنر (۲۲۴).

سیلی بلخی، مستقیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اهل بلخ و دارای طبعی خوش بود و در خدمت عالیجاه سبحان قلی سلطان به سر می‌برد. از اشعار اوست:

چون کبوتر بچه تا هستیم بالی می‌زنیم

بهر یک ارزن که آن هم در دهان دیگریست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۳۳، ۴۸۸/ ۹)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۳۹)، صبح گلشن (۲۱۶).

سیمای کاشانی، محمدرضا

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۳۵ ق)، حکیم، ادیب و خطاط. او از اجداد میرزا محمدتقی سپهر لسان‌الملک کاشانی است که در عهد شاه سلطان حسین صفوی می‌زیسته و از این سلطان به لقب عضدالدوله مفتخر شده است. سیما از حکمت الهی و نظم و نثر فارسی و تازی بهره‌مند بود و خطوط هفت‌گانه را خوش می‌نوشت. او در فتنه‌ی افغان در اصفهان به قتل رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۲۹/۳)، مکارم الآثار (۵۸۱/۲).

سیمایی صراف، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین سیمایی صراف

محل تولد : مشهد

شهرت : سیمایی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین سیمایی صراف در سال ۱۳۴۷ در مشهد مقدس متولد شدم و در سال ۱۳۶۲ با علاقه ای وافر به تحصیلات حوزوی روی آوردم و سپس به دلایلی که اکنون جای طرح آن نیست به تحصیل در دانشگاه نیز پرداختم. اهم تحصیلات حوزوی و دانشگاهی و سوابق آموزشی و پژوهشی اینجانب به شرح زیر است.

الف) تحصیلات حوزوی:

۱. ورود به حوزه علمیه مشهد در سال ۱۳۶۲.

۲. ادامه تحصیل در سطح عالی از سال ۱۳۶۶ در حوزه قم.

۳. شرکت در مقطع تحصیلی خارج فقه و اصول از سال ۱۳۷۰ در محضر بزرگان از جمله حضرت آیت الله تبریزی و حضرت آیت الله وحید خراسانی.

۴. فراگیری کلام در محضر استادانی چون حضرت آیت الله فلسفی و نیز فلسفه اسلامی. ب) تحصیلات دانشگاهی:

۱. لیسانس حقوق از دانشگاه تهران.

۲. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی از دانشگاه تربیت مدرس

۳. دکتری حقوق خصوصی از دانشگاه شهید بهشتی (هم اکنون ادامه دارد) ج) سوابق آموزشی:

از همان سال های آغازین تحصیل در حوزه، مقاطع و دروس ماقبل را تدریس می نمودم. ادبیات عرب منطق، فقه و اصول از جمله مواد تدریسی اینجانب می باشد. همچنین از سال ۱۳۷۲ در دانشگاه های مختلف قم و تهران به تدریس پرداختم و لیکن بطور رسمی از سال ۱۳۷۶ عضو هیأت علمی گروه حقوق خصوصی دانشگاه قم شدم و لذا رسما در این دانشگاه و نیز در دانشگاه شهید بهشتی (تهران) و گروه حقوق مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی و برخی مراکز دیگر مشغول به تدریس مواد درسی رشته حقوق می باشم. د) سوابق پژوهشی:

با مراکز مختلف پژوهشی از جمله پژوهشکده فقه و حقوق مرکز تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و کمیته های علمی برخی کنگره های علمی همکاری نزدیک داشته و برخی پروژه ها و طرح های تحقیقاتی دخالت داشته ام. علاوه بر این تالیفات و تحقیقاتی نیز شخصا به انجام رسانده ام که برخی به چاپ رسیده و برخی در حال چاپ می باشند.

سیمایی مشهدی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از مردم مشهد بود و شاعری بذله سنج و ظریف‌الطبع بود. از اشعار اوست:

دل به صد پاره مرا از غم گل پیرهن است

گریه‌ی تلخ من از خنده‌ی شیرین دهن است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۲۵۱ –۲۵۰)، تذکره‌ی روز روشن (۳۸۵)، الذریعه (۴۸۸/۹)، مطلع الشمس (۴۳۴/۲).

سیمبر، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا سیمبر

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۲

زندگینامه علمی

آقای رضا سیمبر در سال ۱۳۴۳هجری شمسی در خانواده ای متدین وکاملا آگاه به مسائل مذهبی در رشت دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۱ وارد دانشگاه امام صادق(ع) تهران گردید تا در کنار دروس دانشگاهی به تحصیل در دروس حوزوی هم بپردازد. از نخستین روزهای ورود به دانشگاه امام صادق علیه السلام با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت واز محضر درس اساتیدی همچون آیت الله مهدوی کنی، آیت الله مصطفوی، آیت الله باقری و دیگر اساتید آن دانشگاه بهره ها برد.

وی در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه امام صادق علیه السلام در رشته علوم سیاسی در سال ۱۳۶۷ فارغ التحصیل شد و با موفقیت از پایان نامه خویش دفاع کرد.

ایشان سالهای متمادی است که علاوه بر ریاست دانشگاه آزاد واحد رشت به تدریس در این دانشگاه و دانشگاه گیلان مشغول می باشد.

وی درطول حیات علمی خویش علاوه بر سفرهای علمی به کشورهای استرالیا، ژاپن و انگلستان داشته از امرنگارش و پژوهش غافل نمانده است و مقالاتی از قبیل" ژورنالها:ژئوپولتیک مذهب "و "ایران و نظام بین الملل " را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

سیمونی سیمونیان سلماس، واهاگ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی عمران، دانشکده: فنی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد راه و ساختمان از دانشگاه فنی دارمشتات آلمان غربی در سال ۱۳۴۵ و دکترای راه و ساختمان از دانشگاه لیورپول در سال ۱۳۵۴، جایزه پژوهشی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۶۹.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده فنی دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بهینه‌سازی تیرهای مشبک گیردار، تعمیم روش LAND برفرپاهای نامعین، اثر موقعیت و ابعاد تک سوراخ در جان تیرها، بررسی سدهای وزنی و پایه‌دار بتنی، مقاومت استاتیکی بتن مسلح به الیاف فولادی، مقاومت ضربه‌ای بتن مسلح به الیاف فولادی، بررسی رفتار دودکش‌های بلند در برابر باد، بررسی رفتار اتصالات برشی در مقاطع مختلط، معادل‌سازی نیروهای دینامیکی باد با استاتیکی، کاربرد بافته‌ها و پارچه گونه‌ها در تسلیح خاک، رفتار بتن در آب دریاچه ارومیه، تدریس دروس استاتیک و تحلیل سازه‌ها، سازه‌های فولادی، سازه‌های فولادی پیشرفته و سازه‌های دریایی در دانشگاه تبریز، دریافت لوح تقدیر به منظور ارائه بهترین مقاله علمی از سازمان برنامه و بودجه و برنده جایزه پژوهشی از دانشگاه تبریز.

در سال ۱۳۶۹، لوح تقدیر به عنوان استاد دانشمند پرتلاش از دانشگاه تبریز، استاد راهنمای ۱۱ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

استفاده از عناصر چهارضلعی در بررسی محیطهای دوبعدی با روش عناصر محدود، بهره‌گیری از عناصر شش وجهی در بررسی محیطهای سه بعدی با روش عناصر محدود، معرفی روش مشاهده‌ای در برقراری معادلات دیفرانسیل حرکت برای سیستمهای در برابر ارتعاشات، بهره‌گیری از تراشه‌های فولادی پس مانده از صنایع سنگین در تهیه بتن مسلح با الیاف فولادی، بکارگیری مهندسی سازه‌های دریایی در ایران استخراج نفت از دریاها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

سیمی نیشابوری، محمد، عبداللّه

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، نقاش، مذهب، خطاط و شاعر. وی در مشهد سکونت داشت و مکتب‌داری می‌کرد. سیمی از کاتبان دربار بایسنقر میرزا و شاگرد جعفر بایسنقری بود و هفت قلم را خوش می‌نوشت. شعر را نیز نیکو می‌سرود و در سرعت قلم بی‌نظیر بوده است. در معماری و رنگ‌آمیزی و مرکب‌سازی و افشانگری و تذهیب و رنگ کاری کاغذ سررشته داشت و در بعضی از این هنرها رسالاتی تالیف کرده و معمیات او متداول بوده است. از شاگردان وی عبدالحی منشی استرآبادی بود. بنا به روایتی در یک شبانه‌روز دو یا سه هزار بیت به نظم درآورد و یکصد و بیست مکتوب شد که هر یک ده سطر بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۵۰ -۷۴۹ /۳)، احوال و آثار نقاشان (۸۸۷ -۸۸۶ /۲)، اعیان ا لشیعه (۳۲۶/۷)، پیدایش خط و خطاطان (۱۳۶ -۱۳۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۳۵ -۲۳۴، ۱۹۴، ۱۷۱ /۴)، تاریخ نظم و نثر (۷۸۷، ۲۹۹)، تذکره الخطاطین (۱۶۹ -۱۵۷ /۱)، تذکره‌ی روز روشن (۳۸۶ -۳۸۵)، تذکره الشعراء (۴۶۹ -۴۶۴)، جامع مفیدی (۸۳۶ -۸۳۵ /۳)، حبیب السیر (۶۲/۴)، خوشنویسان و هنرمندان (۳۳)، الذریعه (۴۸۹ -۴۸۸ /۹)، طرائق الحقائق (۱۰۶/۳)، فرهنگ سخنوران (۴۸۳)، گلستان هنر (سی و نه، ۵۹ -۵۸)، مطلع الشمس (۴۳۵ -۴۳۴ /۲)، مناقب هنروران (۱۱۴، ۵۸ -۵۷).

سینا، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۷ ش)، مدرس و نویسنده. در تهران متولد شد. دوران تحصیلی خود را در دبستانهای آلمان و مولوی و دبیرستان شرف و دارالمعلمین مرکزی گذراند سپس وارد دانش‌سرای عالی شد و در رشته‌ی ریاضیات موفق به اخذ مدرک لیسانس گردید. به مدت دو سال در فرانسه در شهر تولوز به تحصیل پرداخت و بعد از آن وارد وزارت فرهنگ شده و به شغل تدریس مشغول شد. از آثار

وی: «پانصد مسئله حساب و هندسه»؛ «حل المسایل جبر»؛ «مقیاسات جدید ایران، قانون اصول متری».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مولفین کتب چاپی (۲۷۳ -۲۷۲ /۴).

سینای اصفهانی، مصطفی قلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۳- ح ۱۳۵۳ ق)، شاعر، متخلص به سینا. در کرون اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات زیادی نداشت اما دارای طبعی قوی و ذوقی سرشار بود و غزل را استادانه می‌سرود. او در دستگاه میرزا سلیمان خان رکن‌الملک نایب الحکومه‌ی اصفهانی تقربی حاصل کرد و مورد توجه او قرار گرفت. وی از اعضای انجمن ادبی مرحوم شیدا بود، در اواخر عمر به جنون دچار شد و مفقودالاثر گردید. قسمتی از «دیوان» اشعارش در ۱۳۲۷ ق به چاپ رسید.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۵۹ -۲۵۸)، الذریعه (۴۸۹/۹)، سخنوران نامی معاصر (۱۸۹۱ -۱۸۸۷ /۳)، فرهنگ سخنوران (۴۸۴)، مولفین کتب چاپی (۲۴۴/۶).

سینکی، مجدالملک محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۸ ق)، خطاط، دبیر و نویسنده. وی در سال ۱۲۹۰ ق متولی آستان قدس رضوی بود و در تهران زمانی که سمت وزارت وظایف و اوقاف را داشت فوت کرد. از آثار وی: «رساله‌ی مجدیه»، وضعیت سلطنت ناصرالدین‌شاه.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بیداری ایرانیان (مقدمه/ ۱۵۴)، المآثر و الآثار (۱۹۶)، مؤلفین کتب چاپی (۷۱۲ -۷۱۱ /۵).

سینی اصفهانی، امیراحمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

گواه و امضا کننده دیگر سند و سایر برادران و بزرگان امضا کننده سند مورخه ۹۱۷ هجری قمری تنها سردار غیر قزلباش دلیر و توانای شاه اسماعیل و سیاستمدار برجسته که از مردان بزرگ و ایراندوست و معاند با اقوام ترک و تاتار و مغول و فرمانده جنگ با ازبکان در منطقه سمرقند و بخارا در ناحیه قلعه قریشی و غجدوان سنه ۹۱۸ و مورد علاقه و احترام شاه اسماعیل بوده که او را ملقب به نجم بیک و در تواریخ به غلط به نجم ثانی معروف شده که صحیح آن به نظر نویسنده نجم سینی بوده و در جنگ با عبیداللّه بیک ازبک در قلعه قرشی و غجدوان در ۹۱۸ هجری قمری در اطراف بخارا که فرمانده بوده است به علت عقب‌نشینی امرای قزلباش به خراسان و تَرک میدان نبرد توسط ظهیرالدین محمّد بابر متحد شاه صفوی که به همکاری با رئیس امیر احمد مأمور شده بود و همین حرکت سبب کشته شدن بایرام‌خان بیک قرامانی از فرماندهان مورد علاقه امیر احمد (نجم سینی) و شکست وی در میدان نبرد و کشته شدن امیر احمد (امیر نجم سینی) به دست عبیداللّه ازبک در سال ۹۱۸ هجری قمری گردید و به همین دلیل و عناد دیگران، احسن‌التواریخ و عالم‌آرای عباسی با بیان و استناد به سختگیریهای بیش از حد امیر نجم، این سردار رشید را از روی دشمنی و کینه و به ناحق ضمن تأیید روستایی بودن، وی را «حق ناشناس» لقب دادند.

بر گرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

سینی اصفهانی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علما و اتقیا بوده، در سال ۱۳۳۲ وفات یافته، قبرش در وسط صحن مقبره مزبور است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

شاپور، پرویز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پرویز شاپور متولد پنجم اسفند ماه ۱۳۰۳ شهر قم که شناسنامه اش را در تهران گرفتند ، دوران ابتدائی را در مدرسه " دقیقی " گذراند . وی دیپلم خود را از دبیرستان " دارائی " گرفت . و در دانشگاه تهران به اخذ لیسانس اقتصاد نائل آمد .او در مدرسه صنعتی آن سالها شاگرد علی اسفندیاری (نیما یوشیج) بود . بعدها با فروغ فرخ زاد که در آن زمان شانزده ساله بود ازدواج کرد (۱۳۲۹) . بعدها فروغ از این حادثه با عبارت " عشق و ازدواج مضحک " یاد کرد .

رابطه زناشوئی این دو به خاطر دخالتهای نزدیکان در سال ۱۳۴۳ به جدائی ختم شد و حاصل این ، پسری به نام کامیار بود ، که فروغ در اشعار خود به او اشاره کرده ، و شاپور نیز از کامی به عنوان نام مستعار استفاده می کرده .

شاپور در طی سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۴ معاونت دارائی اهواز را به عهده داشت . او کارش را ابتدا با مجله توفیق در صفحات " دارالمجانین " و " سبدیات " شروع کرد .یک بار هم در همان سالها داستان هفته نامه توفیق ، مال شاپور بود . در این داستان ، یک ماهی گربه ای را تحت تعقیب قرار داده بود .

شاپور زمانی که ساکن خوزستان بود ، نوشته هایش در روزنامه های محلی آنجا چاپ می شد ، حدود سالهای ۳۱و ۳۲ .

در توفیق هم از سال ۳۷ نوشته هایش با نامهای مستعار کامی ، کامیار و مهدخت به چاپ رسید .

تولد کاریکلماتور در ۲۱ خرداد ۱۳۴۶ در نشریه خوشه به سردبیری احمد شاملو بود . و این واژه را " کاریکلماتور " نیز شاملو نامگذاری کرده بود .

اولین کتاب کاریکلماتور را انتشارات نمونه چاپ کرد ، در سال ۵۰ که در برگیرنده طرحها و نوشته های شاپور از سال ۳۷ تا ۵۰ بود .

این کتاب را انتشارات مروارید در سال ۵۵ تجدید چاپ کرد . کتابهای دیگر شاپور از این قرار است :

ـ کاریکلماتور ۲ انتشارات بامداد سال ۱۳۵۴

ـ کاریکلماتور ۳تحت عنوان " با گردباد می رقصم " انتشارات مروارید سال ۱۳۵۴

ـ کاریکلماتور ۴ انتشارات مروارید سال ۱۳۵۶

ـ کاریکلماتور ۵ انتشارات پرستش سال ۱۳۶۶

ـ موش و گربه عبید زاکانی با طرحهای پرویز شاپور انتشارات مروارید ۱۳۵۲

ـ فانتزی سنجاق قفلی انتشارات پویش ۱۳۵۵

ـ تفریحنامه (طرحهای مشترک بیژن اسدی پور و پرویز شاپور) انتشارات مروارید ۱۳۵۵

ـ شاپور در دو نمایشگاه نیز شرکت داشته است ،یکی به طور مستقل در گالری زروان در سال ۱۳۵۴ ، و یکی هم به طور جمعی در نگارخانه تخت جمشید در سال ۱۳۵۶ با بیژن اسدی پور و عمران صلاحی .

شاپور هرگز دوباره ازدواج نکرد و تا آخر عمر همراه با کامیار و دکتر خسرو شاپور برادرش در یک خانه قدیمی زندگی می کرد و سرانجام پیر انرژیک طنز ایران در چهاردهم مرداد سال ۱۳۷۸ در بیمارستان طوس تهران درگذشت .

اصلا" بهتر است از نوشته های خود او درباره زندگی خصوصیش بدانید ، پس متن زیر را بخوانید :

عباس شهریاری ۷:۴۳ AM زندگی نامه شاپور به زبان خودش : ما خانواده گربه دوستی هستیم . از قدیم ، همیشه گربه توی خانه مان داشتیم . یادم می آید که زمستانها این گربه ها می آمدند و با ژستهای مختلف روی کرسی می نشستند . گاهی خوابیده بودن ، یک وقت نشسته بودند و یک وقت هم با هم بازی می کردند . این است که من با خطوط تن گربه خیلی آشنا هستم و میتوانم بکشمش ، در صورتی که فیل را نمیتوانم بکشم .

گربه مثل یک لوکوموتیو است که دو تا واگن دارد : موش و ماهی . میتوانم بگویم که کشیدن ماهی برایم آسان است چون خیلی ایستاده ام و ماهیها را توی تنگ یا حوض نگاه کرده ام.

توی نوشته هایم هم همینطور است . مثلا۔به" رنگین کمان" میپردازم و درباره اش کاریکلماتورهای زیاد می نویسم . بعد رهایش میکنم . یک وقت یادم میآید که در نوشته هایم تصویر چیزها خیلی وجود داشت . تصویر چیزها در آب . مثلا گفته بودم : وقتی تصویر گل محمدی در آب افتاد . ماهیها صلوات فرستادند یا فرض بفرمایید در زمستان وقتی تصویر درخت در آب افتاد آنقدر ماهی گلرنگ روی شاخه هایش نشست که مثل درخت بهاری غرق شکوفه شد .

به طور کلی حس میکنم که توانسته ام خودم را بشناسم . از بچگی . خیام را از بربودم . از رباعیات خیام . که از نظر حجم خیلی هم کم است . مفاهیم زیادی گرفته بودم . خیلی بیشتر از آنچه که شاید آدم از خواندن یک دیوان پر از قصیده های بلند میگیرد . هروقت چیزی میدیدم که جلب نظرم را میکرد و میآمدم درباره اش با پدر و مادرم صحبت میکردم . حرفم را نمی فهمیدند . حتی چند بار سر این موضوع کتک خوردم . حرفم را میخوردم و جویده جویده جویده صحبت میکردم . خلاصه از همان اول عامل کوتاه نویسی و کوتاه گویی با من بود .

شاد هم سعی کرده ام که" شاعرانه "ها در نوشته هایم بیشتر باشند. برای اینکه حس کرده ام که هم گفتنشان برایم آسان تر است و هم مردم بیشتر دوستشان دارند . اما من خودم بیشتر آنهایی را دوست دارم که جنبه طنزشان قوی تر است .

من همیشه نگران آن هستم که از من بپرسند طنز یعنی چه ؟ چه بسا شبها از ناراحتی و نگرانی این سئوال خوابم نبرده است .

در لحظه ای که کار می کنم ـ چه نوشتنی چه کشیدنی ـ احساس آرامش عجیبی دارم و لحظات جهنمی برایم به لحظات بهشتی تبدیل می شوند . مثلا" وقتی با سنجاق قفلی بازی می کنم ، دیگر یاد بدهکاریهایم نمی افتم و کیف می کنم از اینکه توانسته ام مثلا" ۱۵۰ کار مختلف با یک سنجاق قفلی کوچولو بکنم .

وقتی آدم کار می کند هم لحظات را خوش گذرانده و هم وقتی شب احیانا" در آینه نگاه می کند ، می تواند به خودش بگوید : " آفرین ، شاپور " !!

ـ یک روز این مدادهای « ماژیک » رنگی را دیدم و خیلی خوشم آمد . یک دسته خریدم و آوردم خانه . بعد ، یک روز مادرم و اهل خانه تصمیم گرفتند بروند مسافرت ، به زیارت . چون قبلاً یک بار دزد به خانه مان زده بود ، قرار شد من بمانم و مواظب خانه باشم . تا آن وقت ، طرح هایم را بیشتر توی کافه ها و تریاها می کشیدم . وقتی اجباراً توی خانه ماندم ، چون میز بزرگتری وجود داشت و من هم جای بیشتری داشتم که ماژیکهایم را پخش کنم ، توانستم طرح های رنگی بکشم .این طور بود که رنگ به طرح های منراه یافت .

ـ من طرح کشیدن را با سنجاق قفلی شروع کردم ،هم از جهت این که واقعاً قیافه اش را خیلی دوست دارم ، همیشه در ذهنم هست ، و هم این که در واقع ،طراحی از آن کار نسبتاً آسانی بود . سنجاق قفلی صورت ساده ای دارد و می شود باهاش بازی کرد .

ـ چیزهای هستند که در ذهن من می مانند ، مثلاً از جبری که اجباراً در مدرسه خواندم ،چیزی که بخاطرم مانده ، دسته رادیکال است .

ـ یک مقدار اشیاء دیگر هم توی ایستاده اند و نوبت آنها هم می رسد . به طور کلی ،من ساختمانم طوری است که نمی توانم درباره یک شیء حق مطلب را ادا نکنم . حالابه سنجاق قفلی پرداخته ام و تا آنجا که امکان دارد ، حقش را تضییع نمی کنم !

شادمان اصفهانی، ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۴ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به شادمان. در اصفهان متولد شد. از کودکی به کسب فضل و کمال پرداخت. پس از تکمیل دوره‌ی دبیرستان، در خارج از محیط مدرسه بـه فراگیری علوم قدیمی و زبان فرانسه و انگلیسی پرداخت. بعدها وارد دانشسرای عالی شد و پس از فراغت از تحصیل وارد خدمت فرهنگ شد. شادمان در ضمن کار تدریس به مطالعه و تالیف مشغول بود. از آثار وی: «سیر و تحول نثر فارسی در ادوار مختلف»؛ «رهبر ایمان یا ترجمه قرآن»؛ «دیوان»، اشعار.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۶۱ -۲۶۰)، الذریعه (۴۹۱/۹).

شادمان، داریوش

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: ریاضی، دانشگاه: صنعتی شریف

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مکانیک از دانشگاه ایلینویز آمریکا در سال ۱۳۴۱، کارشناسی ارشد مکانیک تحلیلی از دانشگاه ایلینویز آمریکا در سال ۱۳۴۳، دکترای مکانیک تحلیلی- ریاضی کاربردی از دانشگاه ایلینویز آمریکا در سال ۱۳۴۶.

مرتبه علمی:

مربی دانشگاه ایلینویز آمریکا از سال ۱۳۴۲ تا سال ۱۳۴۶، استادیار دانشگاه سابمون کانادا از سال ۱۳۴۶ تا سال ۱۳۵۱ دانشیار دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۵۱ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مکانیک تحلیلی و ریاضی کاربردی، تدریس دروس مکانیک و ریاضی کاربردی در دانشگاههای صنعتی شریف، ایلینویز آمریکا و سابمون کانادا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

مکانیک تحلیلی و ریاضی کاربردی:

Traction Problems in Plane Elasticity Method Of Orthogonal Polynomials

in Elasticity Numerical Investigations Of Critical Snapthrough problems.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

شادمان، زهرا

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

زهرا شادمان یکی از استادان به نام رشته کتابداری است . او پس از اخذ مدرک دکتری از دانشگاه سوربن پاریس به ایران بازگشته و درمشاغل مختلفی به فعالیت پرداخته است . مشاغل مهم وی دراین دوران عبارتند از : عضو هیئت علمی موسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزشی ، مرکز خدمات کتابداری (درمرتبه رهبری پژوهش و سرپرستی مرکز) ، مدرس مدعو کتابداری دانشگاه تهران ، ، عضو هیات علمی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ، عضو کمیته کشورهای در حال رشد ایفلا ، عضو کمیته برنامه ریزی و کمیته فنی طرح کتابخانه ملی پهلوی سابق ، مشاورکتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ، عضو کمیته مارک ایران ومشاور ورئیس کتابخانه های پژوهشگاه علوم انسانی .گروه : علوم انسانی رشته : کتابداریگرایش : فهرست نویسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : زهرا شادمان تحصیلات ابتدایی ، متوسطه و دانشگاهی خودرا تامقطع لیسانس در رشته ادبیات فرانسه درتهران گذراند . سپس جهت ادامه تحصیل عازم فرانسه گشت . او درسال ۱۳۴۷ موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس کتابداری از مدرسه عالی پاریس شده و در سال ۱۳۴۸ دکترای ادبیات تطبیقی را از دانشگاه سوربن پاریس اخذ نمود .هم دوره ای ها و همکاران : زهرا شادمان زمانی در کتابخانه سنای سابق مشغول به فعالیت شد که کیکاوس جهانداری رئیس آن کتابخانه بود . شادمان به عنوان مشاور کتابخانه هفته ای یک روز درآن جا حضور داشت . او دراین دوران بخش فهرست نویسی را درآنجا راه اندازی کرد . خانم جمیله دبیری ، مهوش شاهق ، مهرانگیز صمدی ، شهلا رجالی ،مرحوم آقای طاهری عراقی و کامران فانی از همکاران شادمان درکتابخانه سنای سابق بودند. شادمان ، کیکاوس جهانداری را کتاب شناس بسیار خوبی می داند که توانسته است مجموعه بسیار خوبی را انتخاب و تهیه کرده بود . احسان یار شاطر ، عباس زریاب خویی و قریشی (اهل پاکستان) از جمله کسانی بودند که از مجموعه کتاب های کتابخانه سنای سابق به نحو مفیدی استفاده می کردند . خانم حکمی وراستین و کتابخانه های پژوهشگاه علوم انسانی ، آقای مظاهر و تفضلی و خانم سلطانی هم در مر کز خدمات کتابداری از جمله همکاران شادمان بودند . همچنین آقای نیکنام نیز از جمله همکاران شادمان درکتابخانه ملی بود..وقایع میانسالی : زهرا شادمان معتقد است که معمولا درساعات کاراداری با کسی حرف نمی زند ،مگر این که ارجع به کا رباشد . بنابراین خاطرات او ، خاطره کاربود ، آن هم کار با آدم هایی که اعتقاد به کارشان داشتند . وی کاربا این آدم ها را همیشه لذت بخش می داند . اولین خاطره شادمان راجع ه نقل و انتقال کتابخانه ها ، مربوط به جابه جایی مرکز خدمات کتابداری است. که از خیابان خردمند به ساختمانی نبش خیابان کاخ (فلسطین جنوبی) و خیابان شاهرضا (انقلاب فعلی) منتقل گردید . در آن زمان تمام کارکنان مرکز خدمات کتابداری که ۲۷الی ۲۸ نفر بودند ، با ماشین های شخصی کلیه کشوهای برگه دان ها را پس ا بسته بندی حمل کردند . تجربه بعدی او در کتابخانه ملی بود که قرار شد مجموعه ایران شناسی آن را از ساختمان نبش خیابان فلسطین به ساختمان نیاوران انتقال دهند . شادمان و خانم راستین قبل از انجام جابجایی ، جای جدید را بررسی کردند ، طوری که تمام فضاها را اندازه گیری کرده و تمام اتاق های کارمندان را تعیین نمودند . همچنین مخازن را تعیین نموده و چگونگی نصب آنها را بررسی کردند . آنها حتی بسته بندی کتابها را نیز خود نشان برعهده داشتند . شادمان نقل می کند که وقتی لیسانس گرفته بود اصلا کار بلد نبود ، طوری که کار را صددر صد تجربی آموخته است . او می گوید : وقتی کار به من دادند و گفتند که انجام بده از شرمندگی این که بلد نبودم ،تمام ابزار کار فهرست نویسی رابه منزل می بردم و مطالعه می کردم و درنتیجه با پشتکار و مطالعه خودم و با راهنمایی های خانم سلطانی کاریاد گرفتم .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : زهر اشادمان که به زبان های فرانسه و انگلیسی مسلط می باشد ، عضو هیئت علمی موسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزشی ، مرکز خدمات کتابداری (در مرتبه رهبری پژوهش و سرپرست مرکز درار سالهای ۱۳۵۸و ۱۳۵۹) ، مدرس مدعوو کتابداری دانشگاه تهران ، عضو هیئت علمی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ، عضو کمیته کشورهای در حال رشد ایفال ، عضو کمیته برنامه ریزی و کمیته فنی طرح کتابخانه ملی پهلوی سابق ، مشاور کتابخانه ملی جمهوری اسلامی دربرنامه احداث و تجهیز ساختمان کتابخانه ، عضو کمیته مارک ایران ومشاور رئیس کتابخانه های پژوهشگاه علوم انسانی است . شادمان درباره روحیه کاری خود نقل کرده است ؛تنها هنری که داشت این بود که برای صفات خوب و پسندیده افراد ارزش قائل می شد و آنها وقتی متوجه صفت ارزشمند خود می شدند جهت حفظ و تقویت آن کوشش می کردند .آرا و گرایشهای خاص : زهرا شادمان درمورد کار و زندگی ، براین عقیده است که هر کس با ارزش کارخود ، شناسایی و موفقیت پیدا می کند ، نه با روابط سببی و نسبی . ازاین روی او به همگام تصدی امورات کتابخانه سنای سابق از استخدام اشخاص به صورت سفارشی و فامیلی دوری کرده و تنها به شایستگی او توجه داشته است تا میزان بهره وری بالارود . شادمان فهرست نویسی رایک کارمشاوره ای می داند . بدان علت تمام کارمندان کتابخانه مجلس سنای سابق دوریک میز کار می کردند ، تا سنخیت رفتاری باهم داشته باشند وهمه اصل کار باشند . شادمان درباره کتابخانه عقیده دارد که آن چه آدم را کتابدار می کند علاقه به کار ، پشتکار و داشتن یک راهنمای خوب است .

منابع زندگینامه :هما افراسیابی ، مصاحبه باخانم دکتر زهرا شادمان ، پیام بهارستان ، شماره ۱۹و ۲۰ ، سال دوم ،دی و بهمن ۱۳۸۱ ، ص۲۴

شادی بخارایی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. مشهور به میر شادی. از مردم روستای جویبار بخارا و شاعری زبردست بود. وی کتاب «سیر النبی» را به شعر درآورد. شادآبادی قصیده را نیز خوب می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۰۹)، فرهنگ سخنوران (۴۸۶).

شادی طلب، ژاله

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

دکتر ژاله شادی طلب دانشیار گروه توسعه روستایی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. ایشان دارای دکتری رشته جامعه شناسی از دانشگاه ایالتی آیوا در امریکا می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : جامعه شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : ژاله شادی طلب مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران (۱۳۴۷)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه ایالتی بال ایندیانا در امریکا و (۱۹۴۷) و دکتری را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه ایالتی آیوا در امریکا اخذ نموده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در خصوص سابقه خدمات علمی اجرایی خانم دکتر شادی طلب می توان مواردی همچون «معاون برنامه ریزی بخش کشاورزی و عمران روستائی» و «ریاست مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشکده علوم اجتماعی» را نام برد. ایشان عضو هیئت علمی و دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران می باشد. فعالیتهای آموزشی : موارد تدریس ژاله شادی طلب به قرار زیر است: «اصول آموزش و ترویج تعاونی»، «اقتصاد ایران» و «سازماندهی و مدیریت درتعاونی» (در مقطع کارشناسی) و «اصول و سیاستهای توسعه صنعتی روس»، «برنامه ریزی روستائی»، «توسعه اجتماعی»، «توسعه اقتصادی» و «جنسیت و توسعه» (در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری) است. چگونگی عرضه آثار : ژاله شادی طلب مولف کتاب «جامعه شناسی فاجعه تجربه زلزله رودبار و منجیل» (۱۳۷۲) و مقالات «تجربه ای نو در برنامه ریزی توسعه روستائی برنامه ریزی چند سطحی»، «زن در توسعه»، «عوامل موثر برمشارکت آسیب دیدگان زلزله در روند بازسازی»، «نقش مناطق آزاد تجاری -صنعتی در توسعه»، «آسیب پذیری شهر تهران»، «ابعاد اجتماعی -اقتصادی تجربه سیل گنبد و گرگان»، «بررسی زمینه های اجتماعی تجربه زلزله منجیل»، «تعدیل ساختار اقتصادی و سیاستهای اعتباری بخش کشاورزی»، «جامعه شناسی کاربردی و نقش جامعه شناس»، «زنان روستائی گروه های حاشیه ای در توسعه»، «مدیریت بحران برنامه ریزی پس از فاجعه زلزله»، «مدیریت فاجعه: عوامل موثر بر مشارکت آسیب دیدگان زلزله در روند بازسازی»، «مدیریت فاجعه– درس هایی از هشدارهای زلزله»، «مدیریت فاجعه: سازمان هماهنگی ملی»، «مسائل سیستم اعتبار کشاورزی در ایران (عدم باز پرداخت)»، «بازسازی و توسعه اولین قدم از یک تجربه»، «جامعه شناسی فاجعه :تجربه زلزله رودبار- منجیل»، «اشتغال زنان در فرآیند توسعه»، «الگوی پس انداز در جامعه روستایی ایران»، «دیدگاه مردان روستایی نسبت به کار زنان»، «ضرورت تحقیقات بین بخشی و مشکلات جامعه شناسی»، «فرایند توسعه و عقب ماندگی زنان ایران»، «مدیریت زنان: ضرورت تغییر رفتار در نقش مدیریت»، «حرفهای دامداران را هم بشنویم»، «سازمانهای غیر دولتی زنان راهی برای مشارکت در جامعه مدنی»، «مشارکت زنان روستایی در تامین و تجهیز منابع»، «زنان کشاورز ایرانی در برنامه توسعه»، «برنامه ریزی جنسیتی بر پایه واقعیتها»، «زنان ایرانی انتظارات ارتقاء یافته»، «زنان: بسته ترین حلقه زنجیر فقر»، «سیاستهای اجتماعی در مدیریت جنگل»، «مشارکت اجتماعی زنان»، «فقر زنان سرپرست خانوار»، « Iranian Women: Rising Expectations»، «The Middle Eastern Women » و « Phenomenlogy of an Experience...»، « Rural women's Bank of on the Move» است. ایشان مسئولیت طرحهای تحقیقاتی مختلفی از جمله «توانمندسازی زنان سرپرست خانوار»، «رایزنی و ترویج»، «بررسی ابعاد اقتصادی- اجتماعی مهاجرت روستایی در شهرستان گچساران طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۷۵ (مطالعه موردی دهستان بابویی)»(۱۳۸۶)، «بررسی عوامل اقتصادی- اجتماعی موثر بر پذیرش آبگرمکن خورشیدی خانگی در نواحی روستایی: مطالعه موردی شهرستان بردسکن»(۱۳۸۶)، «پیامدهای توسعه مشارکت زنان»، «زنان و توسعه : چالشها و چشم اندازهای توسعه ایران»، «ابعاد جنسیتی الگوها و ویژگیهای فقر در ایران»، «ابعاد جنسیتی بازار کار و ویژگیهای اشتغال در ایران» و «سیاست ها و برنامه?های دولت برای ایجاد اشتغال» را نیز برعهده داشتند. گزارشهای علمی با عناوین زیر از دیگر فعالیتهای علمی ایشان است: «پس انداز زنان روستائی»، «بازتاب تلاش های سازمان های بین المللی درجامعه زنان روستائی»، «بررسی آسیب پذیری شهر تهران در برابر زلزله : ابعاد اجتماعی — اقتصادی»، «جامعه شناسی یک رفتار اقتصادی»، «جنگلداری و اجتماع»، «زنان روستائی ایران»، «مروری بر مهاجرت از روستا به شهر» و «مسائل سیستم اعتباری کشاورزی در ایران: عدم بازپرداخت». آثار : «جامعه شناسی فاجعه تجربه زلزله رودبار و منجیل» (۱۳۷۲) ویژگی اثر : تالیف

شادی هروی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر در علم رمل نهایت مهارت را داشت و گاهی شعر نیز می‌گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۶۸/۲)، تذکره‌ی روز روشن (۳۸۷)، الذریعه (۴۹۲/۹)، مخزن الغرائب (۱۰۰۵/۲)، هفت اقلیم (۱۶۴/۲).

شارق ایرانی، نورالدین محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۲۷ ق)، شاعر. از سادات ایران و نجبای آن دیار بود. به دلیل خویشاوندی که با قوام‌الدین خان داشت با هم به هند رفتند و او مدتی در آن دیار ماند. زمانی که میرضی، برادر شارق به شغل دیوانی کشمیر رسید او از هند به کشمیر رفت و باز به هند مراجعت کرد و در زمان پادشاه فرخ سیر داروغگی شغل دیوانی به او داده شد و باز به کشمیر رفت. با میرزا صائب و محمد سعید اشرف و امثال او هم‌صحبت بود. شعر را گاهی به طرز ایهام و گاهی به طریق خیال‌بندی و اکثر به معنی سنجی می‌گفت و دارای «دیوان» نیز بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۸۷)، تذکره‌ی شعرای کشمیر (۱۷۶ –۱۷۳ /۵)، مخزن الغراء (۱۰۴۳/۲).

شارق قاجار، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر و خطاط. در جوانی تحصیل اقسام علوم کرد و در درشت نویسی خط شکسته دست داشت و در غزلسرایی طبعی موزون.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۸۲۰ –۸۱۹ /۲)، فرهنگ سخنوران (۴۸۶).

شارق یزدی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۰۷ –۱۳۴۰ ق)، شاعر، متخلص به شارق. در یزد متولد شد. تحصیلاتش را در یزد به پایان رسانید. در جوانی به امور بازرگانی که پیشه‌ی پدرش بود مشغول شد. ولی چون در این رشته استعداد و تجربه کافی نداشت طولی نکشید که ورشکست شد. سپس به معاونت عبدالحرمان بستکی، حاکم بنادر جنوب، درآمد و به بندر لنگه رفت. عبدالرحمان بعد از چندی دید که مردم کوشش می‌کنند که میرزا شارق به حکومت برسانند قصد کرد وی را از میان بردارد شارق از آن جا به هند گریخت. پس از اقامت کوتاهی به یزد بازگشت. بعد سفری به ترکیه و عراق نمود و پس از بازگشت به یزد به همکاری مشیرالممالک صاحبدیوان پرداخت. پس از مدتی مشیرالممالک را نیز رنجاند و ریاست دفتر عدلیه یزد را عهده‌دار شد و پس از مدتی استعفا کرد و به شغل وکالت پرداخت و تا پایان عمر به همین شغل اشتغال داشت. فرخی و شکوهی هر دو شاگردان او بودند و با قوام و حاج قدسی معاصر بود. شارق در یزد درگذشت. از آثار وی سه کتاب «رباعیات»؛ «غزلیات» و «مثنویات» در بحر متقارب است که در مجموع سی هزار بیت دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره سخنوران یزد (۱۶۴ –۱۵۹)، الذریعه (۴۹۲/۹).

شاشی، ابوبکر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۰۷ ق)، مدرس و فقیه شافعی. معروف به مستظهری. منسوب به شاش ماوراءالنهر پشت رود سیحون است. در میافارقین به دنیا آمد و در آنجا نشو و نما کرد و در نزد قاضی آنجا، ابومنصور طوسی، و همچنین نزد محمد بن بیان کازرونی فقه آموخت. آنگاه وارد بغداد شد و ملازم ابواسحاق گشت. او از کازرونی، شیخ خود، و از ثابت بن ابوالقاسم خیاط و ابوبکر خطیب و بسیاری دیگر روایت کرده است. ابومعمر ازجی و علی بن احمد یزدی و ابوطاهر سلفی و فخرالنساء شهده از شاگردان و راویان وی بودند. او مدتها عهده‌دار تدریس مدرسه نظامیه بغداد بود. در بغداد درگذشت و در مقبره‌ی شیخ ابواسحاق شیرازی دفن شد. از آثارش: کتاب «حلیه العلماء فی مذاهب الفقهاء»، در دو مجلد، که برای خلیفه المستظهر تصنیف کرده و آن را «المستظهری» نامیده است؛ کتاب «العمده»، در فروع فقه شافعی است که برای عمده‌الدین مسترشد، فرزند مستظهر، خلیفه عباسی، نگاشته است؛ «الترغیب»؛ «المعتمد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۳۹۴ –۳۹۳ /۱۹)، کشف الظنون (۱۷۳۳، ۱۶۳۵، ۱۱۶۹، ۱۰۲۵، ۶۹۰، ۴۰۱)، الکنی و الالقاب (۳۴۷/۲)، معجم المؤلفین (۲۵۳/۸)، الوافی بالوفیات (۷۴ –۷۳ /۲)، وفیات الاعیان (۲۲۱ –۲۱۹ /۴)، هدیه العارفین (۸۱/۲).

شاطر قمی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۶ -۱۳۰۹ ق)، شاعر، متخلص به شاطر و شاطر مسکین. در قم متولد شد. تا سیزده سالگی در مکتب ملا-علی‌اصغر علوم مقدماتی را فراگرفت. در جوانی به کسب و کار پرداخت و پیشه‌ی شاطری را برگزید و از آن پس به تهران رهسپار شد و در آنجا به همان شغل اشتغال ورزید. شاطر از آغاز کودکی به نظم شعر پرداخت و اشعار خود را از نظر دایی‌اش سید محمدتقی منتظری که از فضلا و علما بود و در ادب نیز دست داشت می‌گذرانید همچنین از حافظه‌ای قوی و نیرومند برخوردار بود که علاوه بر اشعار دیگر شاعران، تمامی اشعار خود را نیز از حفظ داشت. بیشتر اشعارش در مدایح و مراثی ائمه اطهار (ع) است. در تهران وفات یافت و در ابن‌بابویه دفن شد. اثر وی «غزلیات» است که به اهتمام سید محمدباقر برقعی، صاحب «سخنوران نامی معاصر ایران» در قم به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۱۸۹۷ -۱۸۹۲ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۱/۶).

شاکر اردکانی، سید اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسماعیل شاکر اردکانی

محل تولد : اردکان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱۲/۱۸

زندگینامه علمی

اینجانب سیّد اسماعیل شاکر اردکانی فرزند سیّد حسن متولد ۱۸/۱۲/۱۳۵۶ در اردکان یزد هستم .پدر بنّا و سخت در کار و کسبش کوشا و پر کار است و مادرم خانه دار.از میان ۶ فرزند پدرم،فرزنددوّم هستم.از ابتدای نوجوانی علاقه زیادی به علوم دینی و مجالس امام حسین(علیه السلام)داشتم.پس از گرفتن سیکل تصمیم بر رفتن به حوزه گرفتم امّا عده ای به من گفتند دیپلم بگیر و بعد برو در دبیرستان به رشته علوم تجربی مشغول شدم و با وجود آنکه قبول شدم ،سال اوّل را ادامه نداده، به حوزه رفتم و در اردکان طلبه شدم و از محضر اساتیدی چون مرحوم حاج شیخ علی بهجتی و حاج شیخ محمّد شاکری و حاج سیّد مهدی حسینی نژاد و همچنین از استادانی دیگر مثل حاج شیخ علی محیطی،حاج شیخ رضا جعفری،حسین ثقفی،مجید جعفری،شیخ رضا مختاری،شیخ علی جدیدی و.... استفاده نمودم.

پس از اتمام سطح (پایه ششم) به قم آمدم و دروس حوزه را ادامه دادم و همراه آن به رشته تخصصی تبلیغ ادامه تحصیل دادم واکنون نیز به کارشناسی ارشد آن مشغولم.

شاکر اصفهانی، محمد قلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، نقاش و شاعر، متخلص به شاکر. وی ساکن عباس‌آباد اصفهان بود و در فن زرگری و نقاشی بی‌مانند. در سرودن شعر طبعی موزون داشت. از اوست:

ای بدر مشوغره به این کهنه و نو

حسنی که نه قرار باشد به دو جو

اینست رسیده ماه من روی مساز

جوهری‌داری بایست باریک مشو

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۰۷۲/۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۹۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۸۷ -۱۸۶).

شاکر اصفهانی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۹۷ ق)، شاعر، متخلص به شاکر. اصل او از طالقان بود و پدربزرگش در فتنه‌ی آزاد خان از طالقان به اصفهان رفت، در آنجا مقیم شد از این رو میرزا شاکر را اصفهانی می‌گویند. وی از علم طب اطلاع داشته و مدتها در کاظمین زندگی کرد شاکر در شعر بیشتر به لفاظی و تجنیس می‌پرداخت. اشعارش را جمع‌آوری نکرد. از مثنوی تجنیس اوست.

دلا تا کی پی شغل جهانی

سمند همتش در پی جهانی

ره دین و رضای حق به دست آر

که نبود... و دین به دستار

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۸۲۲-۸۲۱ /۲).

شاکر بخارایی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، شاعر. معروف به شاکر. در ماوراءالنهر می‌زیست. دلیل بزرگ شهرت این شاعر به استادی و اشعار رائع، ذکر نام وی در کتب بلاغت و لغت مورد استشهاد است. اشعار وی نیز مانند آثار بسیاری از شاعران بزرگ قرن چهارم در کام حوادث فرورفت و جز اندکی از آن چیزی به ما نرسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۴۰۱ -۳۹۹ /۱)، شاعران بی‌دیوان (۵۰ -۴۴)، فرهنگ سخنوران (۴۸۷)، هفت اقلیم (۴۲۵/۳).

شاکر تهرانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از زادگاه خود به اصفهان رفت و در آنجا ساکن شد و به تحصیل علوم پرداخت و در شعر قدم راسخ داشت. با حزین لاهیجی معاشر بود. از اشعار اوست:

رفیقان موافق را فروغی نیست دور از هم

به رنگ رشته‌های شمع می‌گیرند نور از هم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره المعاصرین (۳۵۶ -۳۵۵، ۱۹۷ -۱۹۶)، الذریعه (۴۹۳/۹)، صبح گلشن (۲۱۷)، فرهنگ سخنوران (۴۸۷)، لغت نامه (ذیل/ شاکر طهرانی)، مخزن الغرائب (۱۰۳۳ -۱۰۳۲ /۲)، نشتر عشق (۸۲۷/۳).

شاکر، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۹۲.

درگذشت: ۱۳۶۸.

عباس شاکر متخلص به «شاکر»، فرزند جعفر، تحصیلاتش را در مدارس قدیم به پایان برد. وی طبعی روان داشت و شعر می‌سرود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شاکری، روح الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

روح الله شاکری زواردهی

محل تولد : قم

شهرت : شاکری

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب روح الله شاکری زواردهی ،فرزند عیسی متولد ۱۳۴۵ محل تولد قم ،دوران دبستان و راهنمایی را در شهرستان بابل گذراندم و به خاطر فضای مذهبی خانواده روحانی بودن علاقه وافری به طلبه شدن پیدا کردم لذا در سال آخر سوم راهنمایی تصمیم گرفتم به حوزه بروم وارد حوزه شدم چند ماهی را در مدرسه علمیه صدر[خاتم الانبیاء] بابل گذراندم و از آنجائی که امکانات لازم فراهم نبود وارد حوزه علمیه قم شدم در سالهای اول در کنار دروس فقه در دبیرستان هم تحصیل می کردم و در این سالها توانستم دیپلم را اخذ نمایم ، با اخذ دیپلم تصمیم گرفتم در کنکور سراسری شرکت کنم ، با اینکه خیلی مطالعه نکرده بودم و بدون آمادگی قبلی در کنکور با رتبه عالی قبول شدم ، ولی پس از مدتی احساس کردم این کار ممکن است باعث دور شدن من از حوزه علمیه شود لذا با مشورت اساتید از دانشگاه صرف نظر کرده و در دروس حوزوی متمرکز شدم . دوره سطح را در نزد اساتید بزرگوارحوزه که خیلی از آنان در قید حیات هستند گذراندم اگر چه دو بزرگواری که بسیار بر بنده حق دارند و در شکوفایی فکر و اندیشه ام نقش داشته در قید حیات نیستند آیهٔالله وجدانی فخر که لمعه و شرح آن را محضر ایشان تلمذ کردم و دیگر مرحوم آیهٔالله پایانی که مکاسب را در نزد ایشان آموختم. با پایان یافتن سطح به دروس خارج فقه و اصول راه یافتم. خارج فقه را در نزد حضرت آیهٔالله العظمی شیرازی– مدظله – به مدت هفت سال استفاده بردم و خارج اصول را در نزد حضرت آیهٔالله العظمی سبحانی– مدظله – به مدت شش سال – یک دوره گذراندم .

به موازات درس خارج در رشته کلام اسلامی مقطع سطح چهار [دکتری] قبول شدم و به مدت چهار سال در این مراکز از اساتید بهره گرفتم،و بعد در آزمون تخصصی تربیت مدرس مهدویت حوزه علمیه قم با گرایشی کلامی قبول شدم و یک دوره مهدویت خواندم . دراین سال در کنار تحصیل به تدریس خصوصی گرفته با عمومی پرداختم و ده سا ل اخیر را مرتب به عنوان مدرس حوزه در مدارس برادران و خواهران و مراکزتخصصی مشغول و در دانشگاه هم درعلوم معارف اسلامی چند سال مشغول تدریس می باشم . یکی از رسالتهای مهم روحانی تبلیغ دین بود که به مدت ۱۵ سال به عنوان مبلغ از روستاها گرفته ،شهرها و تا دانشگاه ها ،ازتبلیغ سنتی ،غیر سنتی و کلاسیک توفیق داشته ام . درعرصه پژوهشی چند مقاله و کتاب دارم که برخی از آنان قبول درسی می باشند.

شاکری، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: مکانیک، دانشگاه: صنعتی امیرکبیر

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی مکانیک از دانشکده مکانیک دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴، کارشناسی ارشد مکانیک جامدات از دانشگاه منچستر در سال ۱۳۵۶، دکترای مکانیک جامدات از دانشگاه منچستر در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده مکانیک دانشگاه صنعتی امیرکبیر.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تراکم پودرهای فلزی، تحلیل پوسته‌ها تحت بار استاتیکی، تراکم پوسته‌ها تحت بار دینامیکی، تحلیل پوسته‌های دورانی تحت بار دینامیکی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

مقاومت مصالح، تئوری الاستیسیته.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

تراکم پودرهای فلزی به روش دینامیکی، تحلیل پوسته‌ها تحت بار دینامیکی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

شاکرین، حمیدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمیدرضا شاکرین

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۵ تحصیل در حوزه علمیه اصفهان را آغاز نموده و درسال ۱۳۶۰ به حوزه علمیه قم وارد شدم. درس خارج را از سال ۱۳۶۲ آغاز نموده و از محضر اساتیدی چون آیت الله تبریزی، آیت الله مکارم، آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله وحدی خراسانی بهره جستم. درس فلسفه را نیز از محضر استاد فیاضی آیت الله مصباح یزدی، و آیت الله جوادی آملی کسب فیض نموده و همراه با دروس رسمی به مطالعه فردی پرداخته و عمدتا از آثار علامه طباطبایی، شهید مطهری، شهید صدر و آیت الله مصباح یزدی استفاده نموده تا به حریم دایره مطالعات خود را بسط داده و عمدتا در عرصه مباحث فلسفی و کلامی، بویژه کلام جدید مطالعات خود را گسترش داده ام اکنون نیز در این زمینه به فعالیت خود ادامه می دهم.

شالباف، شوقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شوقی شالباف

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

اینجانب در دوران جنگ دفاع مقدس در دانشگاه بغداد ، رشته ادبیات عربی تحصیل می کردم و به علت فشار بعثیان به شیعه و مومنان بنده به ایران اسلامی مهاجرت کردم(به خاطر اصلیه ایرانی). و بعد از مشرف شدن در جبهه حق علیه باطل و انتها عملیات جنگ در سال ۱۳۶۹ش به حوزه علمیه قم ملحق شدم و تا کنون ادامه تحصیل دادم. ازسال ۱۳۷۰ش در زمینه تحقیق و مطالعات و بررسی آثار و کتابهای مذهبی، اجتماعی و فرهنگی مشغول بودم در مراکز تحقیقاتی مختلف از جمله موسسه انتشارات جامعه مدرسین، دارالعلوم القرآن، و در سال ۱۳۷۵ با مرکز تحقیقات مجمع تقریب مذاهب اسلامی- قم تاکنون همکاری دارم.

در سال ۱۳۸۰ تاکنون به دفتر تبلیغات اسلامی ملحق شدم و در واحد فقه و حقوق و تصحیح متون و ویرایش مشغولیم.ده ها مقالات علمی، فقهی، اصولی، مذهبی و فرهنگی در مجلات مختلف منتشر شد و کتابهای عربی که تحقیق بنده است نیز منتشر شد. تاکنون به عنوان سر ویراستار و کارشناس پژوهش مرکز مطالعات و تحقیقات علمی مجمع تقریب مذاهب مشغولیم و تالیف کتاب در زمینه جهانی سازی که دو جلد خواهد شد مشغولیم.

شاملو فرهمند، سعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: روانشناسی درمانی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی روانشناسی از دانشگاه Dubugue آمریکا در سال ۱۳۳۴، کارشناسی ارشد و روانشناسی بالینی از دانشگاه جورج واشنگتن آمریکا در سال ۱۳۳۶، دکترای روانشناسی بالینی از دانشگاه واشنگتن آمریکا در سال ۱۳۳۹ و فوق تخصص روان درمانی از دانشگاه شیکاگو در سال ۱۳۴۰.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۴۲، استادیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۲ تا سال ۱۳۴۶، دانشیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۶ تا سال ۱۳۵۲ و استاد دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۲ تاکنون

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

عوارض روانی جنگ در رزمندگان ایران، بررسی بالینی شخصیت قبل از بیماری بیماران روانی، استفاده از رفتار درمانی و شناخت

درمانی در بیماران جنگی در ایران و تدریس دروس روان‌درمانی، آسیب‌شناسی روانی، بهداشت روانی، روان‌شناسی بالینی در دانشگاه علوم پزشکی تهران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۹

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

بیماری‌های روانی، پیش گیری بیماریهای روانی، روشهای تشخیص و درمان، درمان بیماریهای روانی به وسیله روان درمانی، دیدگاههای قدیم و جدید در روانشناسی شخصیت، بررسی مفاهیم و پژوهشها و نظریه‌ها در شخصیت، تکنیک‌های جدید در روانکاوی، تاریخ تکامل روانشناسی در صد سال اخیر و جدیدترین روشهای تشخیص با مصاحبه بالینی.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۱۰۰، تعداد مقالات به زبان خارجی:–

زمینه علمی مقالات:

مسائل گوناگون روانشناسی.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

شاملو، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۴ ق)، خطاط. وی در اوایل دوره‌ی قاجاریه می‌زیست و با اینکه در خوشنویسی خط نسخ شهرت داشت، خط نستعلیق را خوش و شکسته را نیز عالی می‌نوشت. میرزا احمد شاملو، خوشنویس سرکاری محمد علی میرزا، فرزند فتحعلی‌شاه قاجار و استاد خط وی بود. قدیمی‌ترین اثری که از او بازمانده، یک نسخه رساله‌ی «ذخیرهٔ الاخرهٔ» در کتابخانه‌ی سلطنتی است که تاریخ شوال ۱۲۱۷ ق دارد. از دیگر آثار وی: یک قطعه مذهّب نسخ دو دانگ جلی عالی، با رقم: «... فقیر عزلت‌جو احمد شاملو در سنه‌ی ۱۲۱۸»؛ یک قطعه، نسخ کتابت خوش، با رقم: «... احمد شاملو فی ۱۲۲۲ من الهجرهٔ المقدسهٔ»؛ قرآن جانمازی با دو صفحه‌ی اول و دو صفحه‌ی آخر مذهب، دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع عالی، به خط نسخ خفی غبار و رقاع عالی، با رقم: «بنده‌ی درگاه احمد شاملو فی شهر ذی الحجهٔ الحرام من شهور سنه (۱۲۲۷)»؛ یک قطعه از مرقع ثلث رقاع کتابت خوش، با رقم: «حرره احمد شاملو»؛ یک رقعه‌ی مذهّب، نسخ کتابت خفی عالی، با رقم: «نمقه احمد الشاملوئی». از آثار خط نستعلیق وی، یک نسخه «صحیفه‌ی سجادیه» که ترجمه‌ی آن را به قلم نستعلیق کتابت خفی خوش نوشته است؛ یک قطعه، به قلم کتابت خفی ممتاز، با رقم: «حسب الفرمان... احمد شاملو مشق نمود. بتاریخ... ۱۲۲۰».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۴۹، ۱۰۲۶ /۴، ۴۰ /۱)، تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (۵۰)، گلستان هنر (بیست)، المآثر و الآثار (۲۰۲).

شاملو، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد شاملو، در ۲۱ آذر ماه سال ۱۳۰۴ هجری شمسی در تهران متولد شد. نام پدر حیدر شاملو، نام مادر کوکب عراقی شاملو و نام خواهران فروغ‌الزمان، قمرالزمان، شمس‌الزمان، سرور و سودابه. دوره کودکی را به خاطر شغل پدرش که افسر ارتش بود و هر چند وقت را در جایی ماموریت می رفت، در شهرهایی چون رشت، سمیرم، اصفهان، آباده و شیراز گذراند. بین سالهای ۱۳۳۶ تا ۱۳۷۶ دفترهای متعددی از اشعار شاملو منتشر میشود: «هوای تازه /۱۳۳۶»، «باغ آینه/ ۱۳۳۹»، «آیدا در آینه» و «لحظه ها و همیشه/ ۱۳۴۳»، «آیدا: درخت و خنجر و خاطره/ ۱۳۴۴»، «ققنوس در باران/ ۱۳۴۵»، «مرثیه های خاک/ ۱۳۴۸»، «شکفتن در مه/ ۱۳۴۹»، «ابراهیم در آتش/ ۱۳۵۲»، «از هوا و آینه ها/ ۱۳۵۳»، «دشنه در دیس/ ۱۳۵۶»، «ترانه های کوچک غربت/ ۱۳۵۹»، «مدایح بی حوصله/ ۱۳۷۱» و «در آستانه/ ۱۳۷۶». احمد شاملو سرانجام در دوم مردادماه سال ۱۳۷۹ چشم از جهان فروبست و طی مراسم باشکوهی در امامزاده طاهر کرج به خاک سپرده شد.

شاملو، باقر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر، متخلص به باقر. وی از شاعران فارسی زبان و از طایفه شاملو بود و از ملازمان نادرشاه. باقربیگ به همراه

نادر به هندوستان رفت و بعد از مراجعت چون خدمتی که انجام داده بود، چندان، قبول واقع نشد و مورد عتاب سلطان در میان جمع قرار گرفت، خودکشی کرد. اشعاری از وی به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۲۱/۹)، صبح گلشن (۵۱)، لغت‌نامه (ذیل/ باقر)، مخزن الغرائب (۳۷۹/۱)، نشتر عشق (۲۳۷ -۲۳۶ /۱).

شاملو، حسن خان

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۵۲ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به حسن. از بزرگان امرای شاملو بود که پیوسته در دربار شاهان صفوی مصدر مشاغل مهم بودند. حسن خان در زمان سلطنت شاه عباس اول به جای پدر خود، امیرالامراء و بیگلربیگی خراسان شد و تا زمان شاه صفی همچنان حکومت هرات را داشت. او بیشتر اوقات خود را صرف مجالست فرهیختگان و شاعران و هنرمندان می کرد. از معاصران وی فصیحی و اوجی و مشرقی هستند که در خدمت و ملازمت او بودند. حسن خان در خوشنویسی نیز صاحب قلم بود و به شیوه‌ی میر عماد می‌نوشت. وی در هرات درگذشت و جنازه‌اش به مشهد منتقل شد. در «مخزن الغرائب» و «تذکره‌ی روز روشن» نام وی را تحت عنوان حسابی آورده‌اند. از او «دیوان» اشعاری به جا مانده که صاحب «تذکره‌ی نصرآبادی» آنرا حدود سه هزار بیت دانسته است. از خطوط وی: یک قطعه به قلم سه دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم: «جهه فرزندی میر عبدالصمد نوشته شد. مشقه حسن شاملو»؛ سنه‌ی ۱۰۳۷»؛ یک قطعه دیگر به قلم سه دانگ خوش، با رقم: «مشقه حسن شاملو ۱۰۴۵» و قطعات مختلف دیگر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۵۶ -۵۵ /۱)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۴۴ -۱۴۲ /۱)، اطلس خط (۵۴۷ -۵۴۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۱۴ -۱۱۱۱ /۵)، تاریخ هنرهای (۹۴۳ -۹۴۲ /۲)، تذکره الخطاطین (۲۵۵ -۲۴۱ /۲)، تذکره‌ی روز روشن (۲۰۴ -۲۰۳ ، ۱۹۹)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۲ -۲۰)، خوشنویسان و هنرمندان (۶۲)، الذریعه (۴۹۴، ۲۴۳ /۹)، ریاض العارفین (۶۸)، سرآمدان فرهنگ (۳۰۶/۱)، عالم آرای عباسی (۱۰۸۴، ۹۴۲ /۲)، فرهنگ سخنوران (۲۵۸)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۲۴)، گلستان هنر (نوزده)، مخزن الغرائب (۷۸۱/۱).

شاملو، رضاقلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک رقعه نسخ کتابت جلی متوسط، با رقم: «کتبه العبد رضاقلی شاملو للولد الاعزالاکرم محمد ابراهیم فی سنه ۱۲۵۱»؛ بیاض بغلی روی کاغذ ترمه سفیداب الوان، نسخ و رقاع کتابت خفی متوسط، با رقم: «حرره العبد المذنب المحتاج الی رحمه‌اللّٰه الملک الغنی ابن احمد شاملو رضاقلی فی شهر صفر المظفر من شهور سنه ۱۲۵۲ من الهجره المقدسه المبارکه ثقلت من خط استاد اسماعیل قبله الکتاب احمد النیریزی رحمهٔ‌اللّٰه تعالی و نوراللّٰه مرقده».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۷۰/۴).

شاملو، محمدولی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

درگذشت: آذر ۱۳۷۰.

مهندس محمد ولی شاملو استاد ریاضی دانشگاه و دبیر پرسابقه دبیرستان‌های تهران بود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شاملو، مرتضی قلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۵۳ ق)، نقاش، خطاط و شاعر، متخلص به مرتضی. از بزرگان طایفه‌ی شاملو بود که در زمان شاه صفی سمت ایشیک آقاسی باشی دیون و دیوان بیگی یافت و در زمان شاه عباس دوم به رتبه‌ی قورچی‌باشی رسید. بعد به علتی معزول و پس از مدتی انزوا به حکومت اردبیل معین شد. او همچنین در عصر شاه سلیمان صفوی به حکومت قم رسید. این هنرمند از پیشوایان خط شکسته نستعلیق بود و بنا به روایتی خط شکسته را از خط نستعلیق استخراج کرده و تصرفاتی در آن به عمل آورده است. وی را از استادان

میرزا شفیعا می‌دانند. او دوستدار شاعران و معاشر آنان بود و خود نیز شعر می‌سرود و «دیوان» او قریب چهار هزار بیت است. از خطوط وی: یک قطعه به قلم کتابت خفی و غبار خوش، با رقم: «بتاریخ... سنه‌ی ۱۰۵۳ مرتضی قلی ابن‌حسن شاملو». از آثار نقاشی وی: تصویر شیر خوابیده‌ای، به سیاه‌قلم، با رقم: «مرتضی قلی شاملو»؛ تصویر شتری که به نازک قلمی عمل آورده و امضای طغرایی خود را ذیل آن قرار داده است؛ تصویر معلم و نوجوانی که تا حدی به شیوه‌ی رضا عباسی است، با رقم: «مرتضی قلی شاملو».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۷ -۸۶/ ۱)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۷۸/ ۴)، احوال و آثار نقاشان (۱۱۴۵ -۱۱۴۴/ ۳)، پیدایش خط و خطاطان (۱۶۲ -۱۶۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۰۷/ ۵)، تذکره‌ی روز روشن (۷۳۲ -۷۳۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۴ -۲۳)، الذریعه (۱۰۲۷/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۳۳)، مجمع الفصحا (۱۱۴/ ۱).

شاملو، یوسف بیک

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از بزرگان ایل شاملو و از امرای شاه طهماسب صفوی (۹۸۴ -۹۳۰ ق)، بود که با حسن خان شاملو قرابت داشت.

او بعدها به هندوستان سفر کرد و گویا در بین راه فوت شد. نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) وی را صاحب یک «دیوان»، در سه هزار بیت می‌داند. از اوست:

آن کس که دهد خلعت آرایش عالم

یک جامه به اندازه درویش ندارد

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۹۷۲ -۹۷۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۳ -۴۲)، الذریعه (۱۳۱۹/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۸).

شاملوی هروی، حسینقلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از قبیله‌ی ترکان شاملو بود و مانند پدرش مدتی در خدمت دربار صفوی بود اما، به واسطه‌ی سعایت بدخواهان از دربار اخراج شد، پس از آن به هندوستان رفت و در آن سامان به امارت رسید. حسینقلی در شعر طبع و سلیقه‌ای خوب داشت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۵۲/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۶۷)، کاروان هند (۳۲۵/۱).

شاملی، عباسعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباسعلی شاملی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۷/۳

زندگینامه علمی

اینجانب دکتر عباسعلی شاملی در تاریخ ۳/۷/۱۳۳۹ و در دیار دانش، حکمت و عرفان، در شهرضای اصفهان پا به این کره ی خاکی نهادم و دارای سه فرزند هستم. من هم اکنون از اعضای هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سرّه الشریف) در گروه علوم تربیتی و جانشین مدیر این گروه می باشم. در سال تحصیلی ۵۶-۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه شهرضا (مدرسه علمیه صاحب الزمان ‹عج›) و سپس (پس از حدود یک سال) وارد حوزه علمیه قم (مدرسه منتظریه یا حقانی و مدرسه رسالت) شدم. تا سال ۱۳۷۱ در حوزه علمیه قم به تحصیل اشتغال داشتم. طی این مدت موفق شدم مقدمات، سطح مقدماتی، سطح عالی و هفت سال از درس خارج فقه و اصول حوزه را در این مهد دانش و اجتهاد پشت سر گذارم.

مقدمات و سطح مقدماتی را طی پنج سال در مدرسه علمیه رسالت که در آن هنگام همگام و هم برنامه مدرسه علمیه حقانی بود و توسط حضرت حجهٔ الإسلام و المسلمین جناب آقای دشتی و کمک و مشاوره مرحوم شهید قدوسی (ره) مدیریت می شد، پشت سر گذاشتم. سطح عالی را به طور آزاد در حوزه علمیه قم گذرانده و در آن زمان از محضر اساتید گرانقدر حضرات آیات عظام

اعتمادی (کتاب رسائل در اصول)، ستوده (کتاب مکاسب محرّمه و بیع)، پایانی (مکاسب بیع و خیارات)، اشتهاردی (لمعه و مکاسب محرمه)، مسعودی (لمعتین)، فاضل لنکرانی (دو جلد کفایه در اصول)، استادی (علم الحدیث و درایه، حلقات اول و دوم اصول الفقه شهید صدر (ره))، سید علی حائری (حلقات سوم اصول الفقه) بهره بردم.

در طول درس های خارج فقه و اصول از محضر اساتید و آیات عظام سید محمود هاشمی شاهرودی، سید کاظم حائری، مکارم شیرازی، میرزا جواد تبریزی، سبحانی و مظاهری اصفهانی و وحید خراسانی بهره جستم. همزمان با دروس حوزه از سال ۱۳۵۸ در برنامه ویژه آموزشی مؤسسه در راه حق که با نظارت اساتید و آیات عظام مصباح یزدی، خرازی و مظاهری اصفهانی به هدف تربیت طلاب و فضلای حوزه علمیه قم در راستای پاسخگویی به نیازهای نوین انقلاب و دنیای اسلام راه اندازی شده بود، به تحصیل اشتغال داشتم. طی این دوران که تا سال ۱۳۷۰ به طول انجامید، دو معادل لیسانس فقه و حقوق اسلامی و مطالعات اسلامی را به ترتیب در سال های ۱۳۶۲ و ۱۳۷۰ از مؤسسه در راه حق و مرکز مدیریت حوزه علمیه قم اخذ کردم.

در راستای تکمیل تحصیلات نوین حوزوی در سال ۱۳۶۲ به بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) که دوره تکمیلی و تخصصی مؤسسه در راه حق بود، منتقل شده و در گروه روان شناسی به تکمیل تحصیلات پرداختم. پس از چهار سال (در سال ۱۳۶۵–۶۶) موفق به اخذ معادل فوق لیسانس روان شناسی با گرایش رشد شخصیت شدم (این مدرک بر اساس انجام پژوهش و نه پایان نامه، پس از گذراندن تمامی واحد های مورد نیاز در روان شناسی اخذ شد). پس از تکمیل این دوره در سال ۱۳۶۸ به همکاری در گروه روان شناسی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه دعوت شدم که حاصل دو سال همکاریم مشارکت در تألیف دو جلد روانشناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی (و چندین مقاله روان شناختی بود) که توسط سازمان سمت چاپ و منتشر شده است. کتاب نظریه های رشد شخصیت که حاصل دیگر این همکاری همراه با دوست دانشمندم آقای دکتر ساجدی بود، هنوز به چاپ نرسیده است.

از سال ۱۳۷۱ مقارن با سال ۱۹۹۱ میلادی به صلاح دید و بر اساس هدایت و نظارت استاد بزرگوار حضرت آیه الله مصباح یزدی (و پس از تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی وقت) و توصیه ی مقام معظم رهبری و حمایت و همکاری صمیمانه رئیس جمهور محترم وقت آیه الله هاشمی رفسنجانی برای ادامه و تکمیل تحصیلات به دانشگاه مک گیل در کشور کانادا اعزام شدم. ورود به این دانشگاه در سال ۱۹۹۲ میلادی بود که پس از دو و نیم سال و در سال ۱۹۹۵ فوق لیسانس دیگری در رشته روان شناسی فلسفی اسلامی از موسسه مطالعات اسلامی گرفتم. پایان نامه این فوق لیسانس به بررسی مقایسه ای رابطه نفس و بدن در علم النفس فلسفی صدر المتألهین و ابن سینا (رهما) اختصاص یافت.

از این پس به دانشکده ی علوم تربیتی (Faculty of Education) در همین دانشگاه منتقل شده و پس از چهار سال (در سال ۱۹۹۹) در رشته فلسفه تعلیم و تربیت و با گرایش آموزش و پرورش فرهنگ و ارزش ها (Culture & Values in Education) با برجسته سازی دیدگاه علامه شهید آیه الله سید محمد باقر صدر (ره) در زمینه ی «شاخص های فرهنگ اسلامی توسعه و توسعه فرهنگی در یک جامعه اسلامی» موفق به اخذ درجه دکتری شدم. این پایان نامه به اتفاق نظر هیئت داوران کمیته دفاع ممتاز شناخته شد و درجه (Dean's honor list) را گرفت.

شایسته است گوشزد کنم که اعطای این امتیاز زمانی است که یک پایان نامه هم توسط استادان داور بیرونی (از دانشگاه های دیگر) و هم در قضاوت کمیته داخلی داوران ممتاز و برجسته تشخیص داده شود.

لازم به یاد آوری است که چون نظام تحصیل در بیشتر دانشگاه های آمریکا و کانادا آمیزه ای از ارائه پایان نامه و گذراندن کورس ها و ترم های درسی است، هر دانشجو پس از فوق لیسانس و دکتری دست کم بیست مقاله پژوهشی خواهد داشت. من نیز بنا به اقتضای روند تحصیلی خود در دانشگاه مک گیل، در دو دوره فوق لیسانس و دکتری خود موفق به نوشتن ۲۵ مقاله پژوهشی به زبان انگلیسی شدم. پس از بازگشت به ایران ضمن همکاری با مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در دو بخش آموزش و پژوهش تاکنون موفق به ارائه چندین مقاله علمی ـ پژوهشی شده ام که شماری از آنها در شماره های گوناگون مجله علمی تخصصی معرفت به چاپ رسیده است.

شامی، محمد امین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۹ ق)، خطاط. از شاگردان باباشاه اصفهانی و از معاصران میرعماد بود و خود را از اولاد جعفر طیار می‌دانست. پدرش در دربار شاه طهماسب بود و پس از مرگ پدر به عراق عرب رفت. وی با اینکه اصلا قزوینی است، چون در شام متولد شده، به شامی معروف گردیده است. او در ادب و انشاء فارسی و عربی دست داشت و شعر نیز می‌سرود و خط را خوش می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۴۸/۳).

شانظری، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر شانظری

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب جعفرشانظری فرزند محمد متولد ۱۳۳۶ عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان گروه الهیات پس از گذراندن مراحل تحصیل علوم جدید درسال ۱۳۴۹ بر اساس علاقه و اشتیاق خود، به حوزه علمیه اصفهان جهت تحصیل در علوم حوزوی وارد و در سال ۱۳۵۶ برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم مهاجرت نمودم. در سال ۱۳۶۰ دوره سطح حوزه را تمام و به سطح عالی (درس خارج فقه و اصول) شرکت کردم و به مدت ۱۶ سال درس خارج فقه و اصول را از محضر استادان گرامی حضرت آیات مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی، میرزا جواد تبریزی، وحید خراسانی کسب فیض نموده و در درس منطق، فلسفه، کلام و تفسیر نیز شرکت کرده و از محضر استادان انصاری شیرازی، جوادی آملی و حسن حسن زاده آملی بهرمند شدم. در سال تحصیلی ۶۸ ـ ۱۳۶۷ در کنکور مرکز تربیت مدرس وابسته به دانشگاه قم جهت دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی شرکت و پس از قبولی و پذیرش به تحصیل ادامه داده و در سال ۷۱ ـ ۷۰ پس از گذراندن واحدهای آموزشی و دفاع پایان نامه تحت عنوان «نفس در عرفان » فارغ التحصیل شدم. پس از آن برای ادامه تحصیل در دروه دکترای فلسفه و کلام اسلامی در امتحان دانشکده الهیات دانشگاه تهران به سال ۷۳ ـ ۱۳۷۲ شرکت و بعد از پذیرش دوره آموزشی را گذرانده سرانجام پس از امتحان جامع و دفاع پایان نامه تحت عنوان «تصحیح و تحقیق کتاب المبدء و المعاد ملا صدرا و مقایسه علمی با مبدء و معاد ابن سینا» در سال ۱۳۷۹ موفق به اخذ مدرک دکترا در رشته فلسفه و کلام اسلامی گردیدم.

شانه‌ساز شیرازی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۲/۱۳۳۰ ق)، فقیه اصولی، حکیم، خطیب و ریاضیدان. به جهت شغل پدر به نام شانه‌ساز شهرت یافته بود. وی از بزرگان علمای امامیه در عصر خود و از راویان سید مهدی قزوینی حلی و از شاگردان میرزای شیرازی بود. سالها در محضر استاد در سامراء بود و سپس به شیراز بازگشت. پس از چندی از شیراز به نجف رفت و به تدریس و تعلیم پرداخت. وی در مدرسه‌ی قوام شیرازی تدریس می‌کرد، بویژه در تدریس «فصول» شهرتی بسیار داشت. آقا شیخ بزرگ تهرانی از شاگردان او بود. آیت‌اللّه مرعشی نجفی از وی روایت کرده است. وی در نجف درگذشت و در صحن علوی دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «الفصول»؛ رساله‌ای در «اللباس المشکوک»؛ «اثبات سیاده الشریف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۶۰۳/۲)، الذریعه (۲۹۴/۱۸، ۱۶۴/۶)، ریحانه (۱۶۶/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۵/۱۴)، معجم المؤلفین (۲۴۲/۱).

شانی تکلو، حسن بیگ

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۶۷ ق)، شاعر. در زمان شاه عباس اول می‌زیست، و نزد شاه اعتبار زیادی کسب کرد حسن بیگ دارای طبیعت خوش بود و در جوانی فوت کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۲۹۵)، الذریعه (۲۴۱، ۱۸۳ /۹)، فرهنگ سخنوران (۴۸۸)، مخزن الغرائب (۹۴۳ -۹۲۴ /۲).

شانی تکلو، وجیه‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۳ ق)، شاعر، متخلص به شانی. در تهران متولد شد. بیشتر در اصفهان و همدان و تهران به سر برد. وی از شاعران دربار شاه عباس صفوی و محل عنایت او و در سفر و حضر ملازمش بود. وی چند بیت مثنوی در مدح و منقبت حضرت ولایت پناه در سلک نظم درآورده به خدمت اشرف می‌گذرانید، بدین ترتیب:

اگر دشمن کشد ساغر وگر دوست

به طاق ابروی مردانه‌ی اوست

و شاه امر فرمود که زر بسیار در یک کفه‌ی ترازو ریخته و در کفه‌ی دیگر مولانا را به وزن درآورده آن نقود را به صله‌ی این شعر به او عطا فرمود. شانی در پایان حیات از اصفهان به مشهد رفت و مجاور شد سالی بیست تومان به او از دربار وظیفه می‌دادند و همچنان بود تا درگذشت. وی در اقسام شعر از قصیده و غزل و قطعه و جز آن دست داشت و در سخنوری پیرو استادان پیشین بود.

از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۷ -۶۶ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۴۹ -۹۴۳ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۶ -۵۰۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۹ -۸)، الذریعه (۴۹۵ -۴۹۴ /۹)، ریحانه (۱۶۶/۳)، عالم‌آرای عباسی (۵۱۶ -۵۱۵ /۱)، فرهنگ سخنوران (۴۸۸)، مجمع الخواص (۱۱۴ -۱۱۲)، مکتب وقوع (۱۹۰ -۱۷۷).

شاه آبادی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم آقا شیخ محمد علی معروف به ادیب شاه آبادی عالم فقیه مجتهد اصولی، جامع معقول و منقول، در نزد پدر و برادر سابق الذکر خود تحصیل نموده، و به درس میرزا محمّد حسن آشتیانی در طهران حاضر شده، و در نجف خدمت آخوند خراسانی، و حاج میرزا حسین خلیلی، و میرزا محمّد تقی شیرازی، و میرزا هاشم رشتی و دیگران تحصیل نموده.

در ۱۲۹۲ متولّد، و در عصر پنجشنبه ۳ صفر سال ۱۳۶۹ در طهران وفات یافت.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- الانسان و الفطرة ۲- الایمان و الرجعة ۳- حاشیه بر کفایه ی استادش ۴- القرآن و العترة ۵- مرام الاسلام ۶- منازل السالکین، در عرفان؛ و غیر اینها رسائلی در فقه و اصول و عقل و جهل و نبوت و غیره.

چون در اوّل ورود به طهران در محلّه شاه آباد ساکن شده به شاه آبادی شهرت یافته، و در مسجد جامع طهران امامت و تدریس می‌نمود.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

شاه بدخشانی، شاه

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۶۹/۱۰۷۰/۱۰۷۲ ق)، شاعر. ملقب به لسان‌اللّه و معروف به ملا شاه. از بزرگان صوفیه‌ی هند و از بزرگان طبقه‌ی قادریه و مراد محمد دارا شکوه بود و آن شاهزاده شرحی مستوفی درباره‌ی او در کتاب «سفینه الاولیاء» خود آورده است. او بعد از آشنایی با دانشهای دینی در ۱۰۲۳ ق به هند رفت و در سلک موبدان ملامیان میر از پیشروان سلسله قادریه درآمد و بعد از فوت ملامیان میر به جای او در کشمیر بساط ارشاد گسترد و در این اوان بود که محمد دارا شکوه و خواهرش جهان‌آراء بیگم در سلک پیروان سلسله قادریه درآمدند. ملا شاه در لاهور درگذشت و قبرش در همان شهر زیارتگاه است. وی به سبب مقالات عرفانی و ارشاد صوفیان محل نفرت عالمان مذهبی عهد خود بود و چند بار طعم تکفیر و تهدید به قتل را چشید. «کلیاتش» شامل قصیده‌ها و غزلها و مثنویها و رباعیهای عرفانی بسیار است. شعر او متوسط و گاه سست بود. با اینهمه او را در ادب عرفانی هند و نزد پارسی‌شناسان آن سامان مقامی والاست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۳۶ -۱۲۳۴ /۵)، تذکره‌ی روز روشن (۴۰۸ -۴۰۷)، تذکره‌ی شعرای پنجاب (۲۰۲ -۱۹۶)، تذکره‌ی نصرآبادی (۶۳)، الذریعه (۴۹۶ -۴۹۵ /۹)، ریاض العارفین (۹۹ -۹۸)، ریحانه (۳۸۳ -۳۸۲ /۵)، صبح گلشن (۴۴۴)، فرهنگ سخنوران (۴۸۸)، لغت نامه (ذیل/ شاه بدخشانی)، مرات الخیال (۱۳۹ -۱۲۷)، مخزن الغرائب (۱۰۳۰ -۱۰۲۳ /۲).

شاه بیک، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین شاه بیک

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

همزمان با دروس کلاسیک دوره دبیرستان ، دروس حوزوی را در مدرسه علمیّه اشتهارد آغاز نمودم و با ورود به حوزه علمیه قم در سال ۱۳۶۰ در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی و تحت برنامه های درسی آن مدرسه قرار گرفتم . همزمان از دروس آزاد حوزه نیز بهره می جستم و از محضر حضرات : مدرس افغانی ، طالقانی ، حسین بوشهری ، نظری ، وجدانی فخر، اشتهاردی ، اعتمادی ، صالحی مازندرانی و ستوده دروس سطح حوزه را تلمذ نمودم .

از سال ۱۳۶۷ درس خارج فقه را نزد حضرت آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی آغاز و سپس از دروس فقه آیات عظام تبریزی و جوادی آملی بهره مند گردیدم . یک دوره خارج اصول حضرت آیت الله تبریزی را طی ۱۱ سال به اتمام رسانده و از سال۱۳۷۵ مجددا دور دوم خارج اصول را در محضر حضرت آیت الله وحید خراسانی تا کنون تلمذ می نمایم . در کنار اشتغال به دروس اصلی حوزه ، به مدت ۱۰ سال در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت کردم و در بخش فلسفه ، منظومه مرحوم سبزواری را نزد حضرت آیت الله انصاری شیرازی و اسفار را نزد حضرت آیت الله حسن زاده آملی و مباحث عرفان علمی را نزد حضرت آیت الله ممدوحی سپری نمودم .

اما در بعد تعلیم علوم اسلامی ، علاوه بر تدریس دروس سطح در حوزه علمیّه قم ، از طرف مدیّریت حوزه علمیّه قم به مدّت دو سالی دروس سطح را در مدرسه علمیّه امیرالمؤمنین تدریس نموده و همچنین مباحث فلسفه (بدایه) ، مبانی حقوق بشر اسلامی و مباحث کلامی را نیز در مرکز آموزش مبلغان خارج کشور با فضلاء غیر ایرانی داشته ام .

امّا در بعد تحصیلات کلاسیک پس از پایان دوره کارشناسی حقوق قضایی از دانشگاه تهران ، دوره کارشناسی ارشد حقوق عمومی را نیز در این دانشگاه به اتمام رسانده و رساله ای تحت عنوان مقایسه تطبیقی آزادی عقیده از حقوق اسلام و ایران با اسناد بین المللی حقوق بشر ، تالیف و تحقیق نمودم . در کنار تألیف برخی از موضوعات علوم اسلامی که هنوز موفق به چاپ آنها نشده ام ، در تألیف ۷۰ عنوان جزوه های آموزشی برای مبلغان اعزامی به خارج از کشور مشارکت داشته و در قالب گروه علمی بخش پژوهش های سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در تحقیق و تألیف موضوعات مختلف شرکت داشتم و همزمان به عنوان استاد راهنما و یا مشاور در تحقیق بیش از ۳۰ پایان نامه فارغ التحصیلان مرکز آموزش تخصصی مبلغان خارج از کشور مشارکت نمودم . در ضمن ، دوره های مختلف زبان عمومی انگلیسی و دوره عالی زبان انگلیسی را نیز در مرکز مربوطه گذرانده ام .

شاه جهان

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۹ -۱۲۵۴ ق)، شاعر و عالم. تخلص او در زبان فارسی شاه جهان و در زبان اردو شیرین بود. وی از قبیله قبیله کرانی افغان بود و در قلعه اسلام‌نگر در نزدیکی بهوپال به دنیا آمد. وی در سن نه سالگی و بعد از مرگ پدر به جای او نشست و چون کودک بود مادرش وی را در حکومت کمک می‌کرد. شاه جهان خواندن و نوتشن شعر و انشای فارسی وارد و آداب و قواعد کشورداری را از مادر آموخت. در سال ۱۲۷۴ ق همسرش و یک سال بعد مادرش درگذشتند و او رسما راست بهوپال را در دست گرفت. سه سال بعد با مشورت و رضایت فرمانداری انگلیسی هند با محمد صدیق حسن خان که از فضلاء و نویسندگان مشهور بود ازدواج کرد. وی در دوران حکومتش در عمران و آبادی مملکت خود کوشید. از کارهای مم وی تشویق و حمایت و بخششهای او به شاعران و نویسندگان پارسی گوی برای مقابله با رشد زبان انگلیسی و نویسندگان پارسی گوی برای چاپ قرآن و کتب تفسیر و حدیث و لغت و علوم و فنون صرف بود. «مدرسه‌ی جهانگیری» را به نام پدرش ساخت. وی در حادثه جنگ میان روسیه و عثمانی دویست هزار روپیه برای کمک به مجروحهای مسلمان فرستاد. وی آثار ارزشمندی تالیف کرد و یا به نام او تالیف شد. مثل: «تاج الاقبال»؛ «تهذیب نسوان»؛ «خزانه اللغات» که فرهنگی هفت زبانه است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از رابعه تا پروین (۱۵۹ -۱۵۴)، تذکره‌ی روز روشن (۴۰۴ -۳۹۰)، حدیقه الشعراء (۲۱۷۰ -۲۱۶۹ /۳)، الذریعه (۴۹۶/۹، ۳۱/۴)، ریاحین الشریعه (۳۶۰ -۳۵۹ /۴)، زنان سخنور (۲۸۵ -۲۸۱ /۱)، صبح گلشن (۲۲۰ -۲۱۷)، فرهنگ سخنوران (۴۸۹)، لغت نامه (ذیل/ شاه جهان بیگم)، مشاهیر زنان (۱۳۴ -۱۳۲).

شاه دارابجردی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به شاه. از ولایت داراب بود طلب علم می‌کرد. در هر علمی آگاه داشت تذکره شعرا را نوشت. به هند مسافرت کرد و تا زمانی که در آنجا بود به فقرا و مستحقین کمک می‌کرد. هر سال برای همه همسایگان و مردم دیگر مبلغی می‌فرستاد. از اشعار اوست:

جهدی کن و در راه خدا پا بردار

زاد ره آخرت ز دنیا بردار

با دست تهی مرو به درگاه کریم

آب از ساحل برای دریا بردار

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۸۶)، الذریعه (۹۹۷ -۹۹۶، ۴۹۷ /۹)، صبح گلشن (۲۲۰)، مخزن الغرائب (۱۰۴۲ -۱۰۴۱ /۲).

شاه سنجان خوافی، رکن‌الدین محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۹۹/۵۹۷/۵۹۳ ق)، عارف و شاعر. ملقب به شاه سنجان. وی از اهالی سنجان از توابع خواف خراسان بود. که به صحبت مشایخ و ارباب تصوف مایل بود. شاه سنجان از سلسله‌ی چشتیه‌ی هرات و از خواص مریدان خواجه مودود چشتی است که لقب شاه سنجان را وی به او داد. وی در سنجان درگذشت و در همان جا دفن شد و مزار وی امروز در خراسان در نزدیکیهای تربت حیدریه است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ گزیده (۶۷۴)، تاریخ نظم و نثر (۷۲۵ -۷۲۴)، حبیب السیر (۷۵/۳)، الذریعه (۴۹۹/۹)، ریاض العارفین (۹۷)، ریحانه (۱۷۲/۳)، طرائق الحقائق (۶۴۲/۲)، طریقه‌ی چشتیه (۸۰)، فرهنگ سخنوران (۱۷۰)، لغت نامه (ذیل/ شاه سنجان)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۵۹۳)، نفحات الانس (۳۳۵ -۳۳۴)، هفت اقلیم (۱۶۹/۲).

شاه شبلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، خطاط و شاعر. از مردم او به هرات و از نیکان عصر بود که جمله‌ی خطوط، بخصوص نستعلیق را خوش می‌نوشت و شعر خوب می‌گفت. وی در زمان دولت سلطان ابوسعید گورکانی می‌زیست و زندگانی را به کتابت و استنساخ کتاب و غزلسرایی می‌گذرانید و تا اوایل سلطنت سلطان حسین میرزا بایقرا نیز حیات داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۸۸/۲)، تاریخ نظم و نثر (۳۴۵).

شاه شجاع کرمانی، ابوالفوارس جلال‌الدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۷۷/۸۷۶ ق)، شاعر. علت عمده‌ی اشتهار وی در این است که او ممدوح شاعر جاویدان حافظ شیرازی می‌باشد، خود وی نیز خالی از ذوق و قریحه‌ی شعری نبود و هم به عربی و هم به فارسی شعر می‌گفت. وی قرآن را در نه سالگی حفظ داشت و هشت بیت عربی با به یک نوبت قرائت بیاد می‌سپرد. نظم و نثر تازی و فارسی و مکتوبات و رسایل او در اطراف عراق شهرت بسیار داشت، و در فنون سلحشوری زبردست بود.وی حامی بزرگی برای ادبا و دانشمندان عصر خود به شمار می‌رفت و حتی به مجلس درس مولانا قوام‌الدین حاضر می‌شد. در مدرسه‌ی دارالشفاء که خود در شیراز بنا کرده بود، عالم معروف زمان سید شریف جرجانی را به مدرسی گماشت. جسد شاه شجاع را به یک روایت در مدینه‌ی مکرمه، و به روایت دیگر در دامنه‌ی کوه چهل مقام در شمال شرقی شیراز مدفون ساختند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۸/۱)، از سعدی تا جامی (۲۱۸ -۲۱۵)، از کوچه رندان (۱۳۸ -۱۲۷)، تاریخ عصر حافظ (۳۶۳ - ۱۹۲ /۱)، تذکره‌ی روز روشن (۴۱۳ -۴۱۲)، تذکره سخنوران یزد (۱۶۷)، تذکره الشعراء (۳۳۸ -۳۳۲)، الذریعه (۵۰۸ -۵۰۷، ۴۹۹ /۹)، روضه السلاطین (۶۱)، ستارگان کرمان (۲۴۲)، فرهنگ سخنوران (۴۹۶ -۴۹۵)، مجمع الفصحا (۶۹ -۶۸ /۱)، هفت اقلیم (۱۷۱ -۱۷۰ /۲).

شاه عبدالعظیمی اصفهانی، محمد طاهر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد طاهر بن العالم الجلیل الشیخ محمد کاظم اصفهانی دانشمندی جلیل و عالمی متبحر بوده. وی از اصفهان مهاجرت به

نجف اشـرف نموده بعـد از آن که مقـدمات علوم را در وطن خود خوانـده و در نجف بدرس مرحوم آیت‌اللّه فاضل ایروانی و میرزا حبیب‌اللّه رشتی و شیخ زین‌العابـدین مازنـدرانی و غیر آنهـا حاضـر شـد و از آنـان نائـل به دریـافت اجـازه اجتهـاد گردیـد به ایران بازگشت نموده و در شـهر ری جوار حضـرت عبـدالعظیم حسـنی علیه‌السـلام رحل اقامت افکنـد و بانجام وظائف دینی از تدریس و اقامه جماعت و نشـر احکام اشتغال یافت و در ترویج دین و تعظیم شعائر شرع مبین اهتمام بسیار نمود و مورد توجه و اقبال مردم قرار گرفت و مرجعی بزرگوار گردید تا در سال (۱۳۱۰) قمری هزار و سیصد و ده وفات نمود.

مرحوم والدش شیخ محمد کاظم نیز از علماء مبرز اصفهان و صاحب تألیفات و تصنیفات بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شاه عبدالعظیمی نجفی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

السـید محمـدباقر بن العلامه الورع السـید محمـدعلی بن السـید میرزا محمد بن السـید میرزاجان المعروف بالمیرزا هدایۀاللّه الحسـینی الشاه عبدالعظیمی عالی فاضل و پرهیز کار و با ورع بود.

در سال ۱۲۸۶ قمری هزار و دویست و هشـتاد و شـش قمری در نجف اشـرف متولد و در خدمت فضـلاء عصرش اولیات و مقدمات علوم را خوانده آنگاه از محضـر والدش و آیت‌اللّه التقی میرزا محمدتقی شـیرازی اسـتفاده نموده و از ملازمین وی گردیده و بعد از مرحوم میرزا ملازم آیت‌اللّه العظمی آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی شده تا از خواص اصحاب آن مرحوم بشمار آمد عالمی وسیع الصـدر و میهمان دوست و خوش اخلاق و کریم النفس بود در جمادی‌الثانی هزار و سـیصد و پنجاه و دو در نجف وفات نمود و در کنار قبر والدش در ایوان طلا مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شاه عبدالعظیمی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقـا شـیخ حسن از علمـاء و فقهـاء و اصولیین متبحرین زمان خود بوده اکثر تلمـذش خـدمت مرحوم علامه کبری آیت‌اللّه حاج سـید حسـین کوهکمری بوده و بسیاری از تقریرات او را هم نوشته که از آنهاست کتاب بزرگی در اصول فقه بنام (الذخیره) و با آن مقام علم و فقاهت حظی از ریاست و تـدریس و حتی امامت جماعت نداشـته و بعـد از اسـتادش در سال ۱۳۵۰ قمری تقریباً وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شاه عبدالعظیمی، رضاقلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیـخ ملا رضاقلی شاه عبـدالعظیمی از اجلاء علماء عصـر خود بوده در شـهر ری عمـده تلمـذش خـدمت آیت‌اللّه میرزا محمدحسـن آشتیانی بوده در تهران و در مـدرسه مروی حجره‌ای داشت و بتحصـیل و تـدریس در آن اشـتغال داشت و دانشـمندی متقی و صالح بود و بعد از تکمیل فقه و اصولش در محله سر تخت مسجد عالم بزرگوار میرزا محمود اندرمانی امامت می‌نمود و نزد مردم موثق و مورد توجه عموم بود تـا در سـال ۱۳۲۶ قمری که بقصـد زیـارت اعتـاب عالیات مسافرت به عراق نمود و در کاظمین علیهماالسـلام اجلش رسید و از دنیا رفت و در جوار ائمه معصومین علیهم‌السلام مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شاه عبدالعظیمی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۴ –۱۲۵۸ ق)، عالم دینی، فقیه و زاهد. در شهر ری متولد شد، و در همان جا پرورش یافت. قسمتی از علوم مقدماتی را خواند و در سال ۱۲۷۲ ق به نجف سفر کرد و مقدمات و سطوح را کامل نمود. از محضر شیخ انصاری استفاده برد و سپس به درس فقه و اصول و حدیث و رجال آیت‌اللّه شیخ ملا علی خلیلی رفت و مدتی نیز در محضر آیت‌اللّه میرزای شیرازی در نجف حاضر شد. وی از آیت‌اللّه خلیلی، که پـدرزنش بود، اسـتفاده‌ها نمود تـا به درجه‌ی اجتهـاد رسـید. پس از فوت اسـتادش، آیت‌اللّه خلیلی، به سامراء رفت و بـاز به محضـر آیت‌اللّه میرزای شیرازی رسـید. آنگـاه به نجـف بـازگشت و مورد توجه و اقتـدای عموم مردم گشت. وی در

حالی که از زیارت حرم سیدالشهداء (ع) باز می‌گشت، در طویرج درگذشت و در نجف در ایوان طلای علوی، جنب مقبره‌ی علامه حلی به خاک سپرده شد. از جمله آثار وی: «الایقاد»؛ «الایقاظ»؛ «الاربعون حدیثا»؛ «موعظه السالکین»؛ «الجوهره»، منتخبات سه‌گانه از «الکافی» موسوم به «مستند الفقهاء» و از «التهذیب» موسوم به «اتمام المستند»؛ «حلیه الزائرین»؛ «حلیه المعاشرین»؛ «منتخب الخلاصه»، در رجال؛ «لب التفسیر»؛ «وجیزه» در فضائل ضیافت؛ «غرفه المعجزات»؛ «منتخب کتب الرجال الاربعه»، «رجال الطوسی» و «الفهرست للطوسی» و «رجال النجاشی» و «رجال الکشی». از او آثار خطی بسیاری نیز باقی مانده که می‌توان در «طبقات اعلام الشیعه» از آنها نشانی گرفت.[۱]

السید محمدعلی بن السید الجلیل السید میرزا محمد بن میرزا جان معروف به میرزا هدایةالله حسینی شاه عبدالعظیمی نجفی قدس الله سره فقیهی پرهیزکار و عالمی بزرگوار بود در ۱۷ جمادی الاولی هزار و دویست و پنجاه و هشت در زاویه مقدسه شهر ری متولد شده و در آنجا پرورش یافته و اولیات و قسمتی از علوم مقدماتی را خوانده و در سال ۱۲۷۲ قمری در سن ۱۴ سالگی مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح را به پایان رسانیده و چند سالی از محضر مرحوم شیخنا الانصاری استفاده کرده آنگاه بدرس فقه و اصول آیت‌الله آقا شیخ علی خلیلی و آیت‌الله العظمی مجدد شیرازی حاضر شده و از این دو بزرگوار و بالاخص آیت‌الله خلیلی که ابوالزوجه و جد امی فرزندانش بود استفاده کامل نموده تا بدرجه سامیه علم و اجتهاد و اخلاق رسیده و پس از فوت استادش مهاجرت بسامری نموده و از محضر آیت‌الله مجدد شیرازی باز بهره‌مند شده آنگاه مراجعت به نجف نموده و شهرت بزرگی در علم و کمال و تقوی و مقامات معنوی و موثق در نزد عوام و خواص مردم گردیده و در صحن شریف علوی اقامه جماعت داشته و عموم مردم حتی محتاطین بوی اقتداء نموده و روش او را برنامه عملی خویش قرار می‌دهند و آن جناب در ظاهر و باطن از علماء ربانی و مروجین شریعه اسلامی و در زهد و اعراض از دنیا مافوق توصیف و تعریف و با این حال به تألیف و تصنیف اشتغال داشت تا در ماه رمضان ۱۳۳۴ قمری در حالی که از زیارت مخصوص حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام برمی‌گشت در طویرج در منزل فرزندش مرحوم آیت‌الله سید محمدحسین که مرجع مردم طویرج بود از دنیا رفته و حمل به نجف و در ایوان طلای علوی علیه صلوات المصلین مدفون گردید.

استاد بزرگوارم حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مد ظله می‌فرمود که آن بزرگوار دارای کمالات نفسانی و مقامات معنوی بود و ملائکه نقاله که مرده‌ها را از مکانی بمکان دیگر می‌برند با چشم خود دیده و قصه‌ی آن چنین بوده که ایشان حجره‌ای در صحن مطهر داشته که غالب شبها در آن بیتوته می‌نموده تا یکی از شبها مشغول عبادت بوده می‌بیند اشخاصی آمدند قبری در صحن نبش کرده و جنازه‌ای را بیرون آورده و بردند بعد فردای آنشب تحقیق میکند معلوم میشود یکنفر فاسق و ستمکاری بوده است.

تألیفات بسیار ارزنده‌ای مطبوعا و مخطوطا دارد که در جزء چهارم اعلام‌الشیعه ص ۱۵۲۳ مذکور است.

دارای هفت فرزند عالم و دانشمند بزرگوار بنامهای زیر بوده است.

۱- آیت‌الله سید محمدحسین شاه عبدالعظیمی

۲- آیت‌الله سید محمد رضا شاه عبدالعظیمی.

۳- آیت‌الله سید محمدتقی شاه عبدالعظیمی

۴- آیت‌الله سید محمد کاظم شاه عبدالعظیمی

۵- آیت‌الله زین‌العابدین شاه عبدالعظیمی

۶- آیت‌الله سید محمدباقر شاه عبدالعظیمی

۷- آقای آقا سید احمد که اهل تقوا بوده است

۸- صبیه تقیه که همسر آیت‌الله آقا سید مرتضی کشمیری بوده است و آن مرحوم دارای سه خواهر کریمه بوده که هر کدام همسر آیتی از آیات عظام روحانی بوده‌اند.

۱- همسر آیت‌الله حاج سید عزیزالله تهرانی

۲- همسر آیت‌الله آقا شیخ محمدباقر قمی

۳- همسر آیت‌الله آقا سید محمدحسین همدانی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۵۱/۲۵، ۲۷۰/۲۳، ۴۴/۱۶، ۸۱/۷، ۲۹۲/۵، ۵۰۳/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۳۴ -۱۵۳۱ /۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶۲۷ -۶۲۵ /۴).

شاه علیزاده، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی شاه علیزاده

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه شدم و در مدرسه القائم (ع) به آموختن درسهای حوزوی مشغول گشتم و تا سال ۱۳۶۹ تحت نظارت و سرپرستی حضرت آیت الله سید جواد علم الهدی درسهای مقدماتی و پایه را گذراندم و در همان سال به حوزه علمییه قم هجرت کردم و کتابهای سه گانه رسائل و مکاسب و کفایه را فرا گرفتم و در کنار آن به آموختن معارف قرآن در موسسه در راه حق تحت اشراف حضرت آیت الله مصباح یزدی پرداختم و از سال ۱۳۷۳به فراگیری درسهای خارج فقه و اصول مشغول گشتم و بیشترین حضور من در درس خارج فقه حضرت آیت الله مکارم شیرازی و درس خارج آیت الله جعفر سبحانی بود و در همین دوران از سال ۱۳۷۶ به همکاری با موسسه پژوهشی و آموزشی دارالحدیث اشتغال یافتم و طی این سالها علاوه بر فراگیری علوم تخصص حدیث در بخش های پاسخ به پرسشهای حدیث و تفسیر اثری به پژوهش و تحقیق اشتغال داشته و دارم.

شاه مراد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک قطعه از مرقع بایقرا- طهماسب، به خط ثلث سه دانگ جلی ممتاز و نسخ و رقاع کتابت عالی، با رقم: «مشقه شاه مراد» (قرن ۹)، در خزینه‌ی طوپ قاپوسرای.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۸۲/۴).

شاه منصوری، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید عباس شاه منصوری مقیم حیدرآباد دکن (امام جماعت دربار حسینی آنجاست) وی بعد از غائله مسجد گوهرشاد ۱۳۵۳ ق به هندوستان رفته و در حیدرآباد مورد توجه مرحوم نظام حیدرآباد قرار گرفته و متعهد رهبری شیعیان ایرانی آن سامان گردیده است.

دارای چند زبان انگلیسی وارد و فارسی و غیره می‌باشد. نوشته‌هائی از ایشان به زبان اردو و فارسی در مجلات و روزنامه‌های حیدرآباد به طبع رسیده است در جلوی دربار حسینی که مسجد و عزاخانه شیعیان حیدرآباد است در شب آخر ماه محرم آتش بسیاری نمودند که طول آن پنج متر و عرضش سه متر بود دیدم با چشم خود که دسته سینه زن از دربار بیرون آمد و چند مرتبه در حال سینه زدن و نوحه خواندن اطراف آن آتش گردیده آنگاه عده‌ای از آنها وارد آتش شده و از این طرف به آن طرف دویده و به سلامت بیرون آمدند در حالی که ما از حرارت آتش ناراحت بودیم با اینکه بین ما و آتش بیش از ده متر فاصله بود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شاه منصوری، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علیرضا شاه منصوری خراسانی از علماء و ائمه جماعت محترم تهران است. وی در حدود سال ۱۳۲۷ ق در مشهد مقدس متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات، ادبیات را از مرحوم ادیب نیشابوری و سطوح را از مدرسین حوزه علمیه مشهد استفاده و به نجف اشرف مهاجرت و از محضر آیات بزرگ چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و مرحوم آیت‌اللّه شاهرودی و دیگران کسب فیض نموده و بعد به ایران مراجعت و رحل اقامت در تهران افکنده و در مسجد (حجت) واقع در سر آسیاب دولاب باقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج احکام و تفسیر قرآن و نشر معارف و حقایق اسلام مشغول می‌باشد.

نگارنده گوید: مترجم معظم ما از علماء باتقوا و فضیلت و دانشمندان موصوف بورع و دارای مقام معنوی و با حرارت و متعصب و غیور در دین می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شاه نعمت‌اللّه یزدی، نعیم‌الدین نعمت‌اللّه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از احفاد شاه نعمت‌اللّه ولی است و از شاعران تبریز. وی با شاه طاهر دکنی نیز مکاتباتی داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۷/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۳۰، ۶۷۳/ ۵).

شاه‌آبادی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقا محمد بن العلامه الکبری والایه العظمی میرزا محمدعلی الشاه‌آبادی از علماء مهذب و فضلاء مسلم و بسیار متدین و با ورع و کمال حوزه علمیه قم است دارای جمال ظاهری و معنوی است و در حدود سال ۱۳۳۹ قمری متولد شده و در محیط علم و تقوا تربیت یافته و مقدمات و ادبیات و سطوح را از مرحوم والد و علماء تهران فراگرفته و در دروس خارج معقول و منقول پدر شرکت کرده و از کمالات پدر استفاده‌ها نموده و چندین سال در مسجد جامع تهران در شبستانی که به نام والد اوست اقامه جماعت و ترویج دین نموده و ضمنا حوزه درس و بحث داشته و هم جلسات تفسیر برای مردم تهران یک مرتبه اعراض از این جهات نموده و مهاجرت به قم و مجاورت روضه فاطمیه علیهاسلام را بر اقامت و ریاست تهران ترجیح و سالهاست که در این شهرستان دینی رحل سکونت افکنده و از درس و بحث آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی اراکی و نماز معظم‌له استفاده می‌نمایند و هم مباحثات و تدریس فقهی و اصولی و غیره دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

شاه‌آبادی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۹ –۱۲۹۲ ق)، عالم امامی، عارف، متکلم و فقیه اصولی. وی از اکابر علمای امامیه در عصر خود بود و حاوی فروع و اصول. در اصفهان متولد شد. ابتدا نزد پدر، که از اکابر شاگردان صاحب «جواهر» و مسلم الاجتهاد بود، به تحصیل پرداخت. سپس در اصفهان در حوزه‌ی درس برادر بزرگ خود آقا شیخ احمد مجتهد، معروف به حسین‌آبادی اصفهانی، که اجتهادش پیش از بلوغ مورد تصدیق بود، و هم در حوزه‌ی درس میرزا محمدهاشم چهارسوقی حاضر شد و به تکمیل مراتب علمیه خود پرداخت. سپس به تهران آمد و نزد حاج میرزا حسن آشتیانی تلمذ نمود. آنگاه به نجف رفت و در حوزه‌ی درس استدلالی آیات آخوند خراسانی و حاج میرزا حسین خلیلی و میرزا محمدتقی شیرازی شرکت کرد تا آنکه اجتهاد وی مورد تصدیق آن بزرگان قرار گرفت. وی علم معقول را از شیخ المتالهین میرزا هاشم رشتی فراگرفت. از آنجا که در اول ورود به تهران در خیابان شاه‌آباد اقامت گزید، به این نام شهرت یافت. او در تهران در مسجد جامع، امامت و تدریس می‌نمود و در همین شهر نیز از دنیا رفت و در شهر ری در مقبره‌ی ابوالفتوح رازی به خاک سپرده شد. از آثارش: «الانسان و الفطره»؛ «الایمان و الرجعه»؛ «القرآن و العتره»، همه در یک مجلد؛ حاشیه «کفایه» آخوند خراسانی، در اصول؛ «منازل السالکین»، در عرفان؛ «شذرات المعارف» و «مرام الاسلام»، در دو مجلد؛ «العقل و الجهل».[۱]

مرحوم حاج میرزا محمدعلی شاه‌آبادی از علماء و مراجع بزرگ و حکماء بنام معاصر تهران بوده و سالها در حوزه علمیه قم تدریس فلسفه و حکمت و فقه و اصول نموده است.

صاحب ریحانه الادب گوید: میرزا محمدعلی شاه آبادی بن میرزا محمد جواد مجتهد اصفهانی از اکابر علماء امامیه عصر حاضر ما و جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول بوده و در تهران در هر رشته تدریس فرموده و مورد استفاده افاضل و مرجع تقلید جمعی از شیعه بوده است.

وی در سال هزار و دویست و نود و دو قمری در اصفهان متولد و نخست از والد معظم خود که از اکابر تلامذه صاحب جواهر و مسلم الاجتهاد بوده بتحصیلات علمی پرداخته سپس در اصفهان در حوزه درس برادر بزرگ خود آقا شیخ احمد مجتهد معروف بحسین آبادی اصفهانی که اجتهادش پیش از بلوغ و کبر سن مصدق بوده و هم در حوزه آقای آیت‌اللّه حاج میرزا هاشم چهارسوقی حاضر و بتکمیل مراتب علمیه پرداخته پس در تهران نزد حاج میرزا حسن آشتیانی و میرزا هاشم گیلانی تلمذ نموده سپس در نجف حاضر حوزه درس استدلالی مرحوم آخوند خراسانی و حاج میرزا حسین خلیلی و میرزا محمد تقی شیرازی شده تا آن که اجتهاد و دارای قوه مستنبط بودن وی مورد تصدیق اکابر وقت گردیده و از نجف مراجعت به ایران و در تهران در خیابان شاه آباد ساکن و از این رو بشاه آبادی معروف گردیده و در سال ۱۳۴۷ به قم آمده و فضلاء و بعضی از اساتید امروزه حوزه نجف و مراجع عصر حاضر را از سرچشمه علوم و معارف خویش سیراب و بهره‌مند نموده تا در سال ۱۳۵۴ ق که به تهران مراجعت و بناء ترویج دین و تدریس فقه و اصول و فلسفه و معقول را گذارده و نیز مبانی علمی خود را برشته تحریر درآورده و در مسجد جامعه اقامه جماعت نموده تا در ۱۳۶۹ ق برحمت ایزدی پیوسته و با هزاران تجلیل در شهر ری در مقبره مرحوم ابوالفتوح رازی صاحب تفسیر معروف مدفون گردیده است.

(چنانچه نگارنده در تذکره المنابر خود یاد نموده‌ام)

از آثار اوست: ۱– الانسان و الفطره ۲– الایمان و الرجعه ۳– القرآن و العتره ۴– حاشیه کفایه ۵– مرام اسلامی ۶– منازل السالکین در عرفان و غیر اینها در فقه و اصول و عقل و جهل و نبوت و موضوعات دیگر.

از باقیات الصالحات ایشان است: فرزندان فاضل و برومند ایشان که در قم و تهران بوظائف دینی و روحی اشتغال دارند:

۱- مرحوم حجهٔالاسلام آقای آقا شیخ محمد جواد که در زمان ایشان در سنین جوانی وفات نموده و در شهر ری مقبره مذکور مدفون گردیده.

۲- حجهٔالاسلام والمسلمین آقای آقا محمد شاه‌آبادی که چندی در تهران بجای آن مرحوم اقامه جماعت ولی اکنون سالهاست که در قم بتحصیل و تدریس اشتغال دارند و ترجمه ایشان را در جلد دوم ص ۱۷۸ یاد نموده‌ام.

۳- حجهٔالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ نصراللّه که سالها در نجف اشتغال بتحصیل داشته ولی چند سالیست معاودت و در مسجد لاریجانی خیابان پامنار اقامت می‌کنند.

۴- حجهٔالاسلام آقای حاج مهدی شاه‌آبادی که در تهران امامت دارند و سالها در قم تکمیل مبانی علمی و دینی نموده‌اند.

۵- حجهٔالاسلام آقای حاج شیخ روح‌اللّه شاه آبادی که سالها در نجف و کربلا بتحصیل فقه و اصول اشتغال داشته‌اند.

۶- حجهٔالاسلام آقای حاج نوراللّه شاه آبادی که بعد از تحصیلات بخدمات دینی در تهران اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۲۱۸ -۲۱۷ /۱)، تذکره القبور (۱۱۹ -۱۱۸)، الذریعه (۵۹/۱۷)، ریحانه (۱۶۸ -۱۶۷ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۷۱ -۱۳۷۰ /۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۸۵ -۴۸۳ /۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱۷۴ -۱۷۳ /۴)، معجم المؤلفین (۴۷/۱۱).

شاهچراغ، سعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید سعید شاهچراغ

محل تولد : دامغان

شهرت : شاهچراغی

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اینجانب سید سعید شاهچراغی فرزند حجت الاسلام والمسلمین سید مسیح شاهچراغی در ۱۵ شهریور ۱۳۵۴ در دامغان به دنیا آمده و طی گذراندن دوران تحصیلی مقدماتی در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه دماوند شدم . بعد از سه سال به قم آمدم و دروس سطح را نزد اساتید بزرگواری چون طهماسبی ، آیت الله اعتمادی ، حسینی بوشهری و ... گذراندم.. در درس خارج فقه آیات عظام جوادی آملی (۶ سال) میرزا جواد آقا تبریزی (۱ سال) و آیت الله مومن سال) آیت الله مکارم شرکت نمودم و از درس خارج اصول آیت الله خاتمی (۶سال) و آیت الله وحید خراسانی استفاده نمودم. از فعالیتهای فرهنگی و پژوهشی اینجانب همکاری در تدوین دانشنامه مشاهیر و مفاخر دامغان که در سال ۱۳۸۴توسط بنیاد ریحانه الرسول یزد در دو جلد چاپ شده و نگارش بیش از ۶۰ مطلب تاریخی منتشره در هفته نامه کویر ویژه استان سمنان را می توان اشاره نمود...

شاهچراغی، سید طاهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ق)، عالم دینی، محقق و شاعر. وی در قریه حسن‌آباد دامغان به دنیا آمد. نسب وی با سی و شش واسطه به جناب احمد بن موسی کاظم (ع) (شاهچراغ) می‌رسد. او از جوانی به سرودن شعر در مدح ائمه و اهل‌بیت (ع) پرداخت که تا سن بیست و پنج سالی «دیوان» شعری بالغ بر سیصد قصیده و مرثیه در احوال پیغمبر (ص) و آل وی (ع) فراهم آورد. در مدرسه آیت‌اللّه ترابی مقدمات و ادبیات را در محضر شیخ غلامحسین خیری فراگرفت و معانی را از محضر آیت‌اللّه ترابی و آقا شیخ علی‌رضا، مشهور به شیخ میرزا آقای عالمی، استفاده کرد. سپس سالیان دراز به وعظ و تدریس و تبلیغ امور دینی پرداخت. از آثارش: «اعلام دامغان» یا «ارمغان دامغان»؛ یک دوره «دایرهٔالمعارف» یا «فرهنگ قرآن» به ترتیب حروف معجم؛ «لطایف الطوائف»؛ «تحفه العلویین»؛ «محقق الدهور فی علائم الظهور»، از اخبار نبی (ص) تا امام زمان (عج)؛ کشکولی به نام «گنجینه» از اخبار و اشعار و لطایف متنوعه.[۱]

سید طاهر بن المرحوم السید الجلیل السید حسن شاه‌چراغی از علماء معاصر دامغانست وی در سال ۱۳۰۰ شمسی در قریه حسن‌آباد از قراء شهرستان دامغان بدنیا آمده و نسب وی با ۳۶ واسطه به جناب احمد بن موسی الکاظم (ع) (مدفون در شیراز) می‌رسد از طریق آل داود که در قصبه خور از محال جندق دارای گنبد و بارگاه و مورد توجه عامه مردم و با چند واسطه منتهی به حضرت شاه‌چراغ احمد بن موسی علیهماالسلام می‌شود. در سال گذشته ضریحی برای مزار او ساختند و چون خواستند بر مزارش در خور نصب کنند بعضی تردید و تشکیک می‌کردند تا قبر را نبش کردند دیدند بدن شریفش تازه است ارادت مردم بیش از پیش شد.

وی از اوائل بلوغ افتخار به شاعری اهل‌بیت (ع) را پیدا کرده به واسطه خوابی که دیده و در عالم خواب خدمت حضرت بقیهٔاللّه عجل اللّه فرجه الشریف مشرف و این موهبت را به وی مرحمت نمودند و تا سن ۲۵ سالگی دیوانی متجاوز از سیصد قصیده و مرثیه در احوال پیغمبر و آل او به نظم آورده و در مدرسه مرحوم حضرت آیت‌اللّه ترابی وارد و مقدمات و ادبیات را در محضر استاد

مرحوم آقای آقا شیخ غلامحسین خیری که از اوتاد و فقیه و محدث و واعظ و مدرس رسمی بودند فراگرفته و معانی و بیان را از محضر حجهٔالاسلام آقای آقا شیخ محمدرضای خدائی استفاده نموده و سطوح عالیه را از محضر مرحوم آیت‌اللَّه ترابی و حجهٔالاسلام مرحوم آقا شیخ علیرضا مشهور به شیخ میرزا آقای عالمی فراگرفته و پس از سالیان دراز در رشته وعظ و منبر اشتغال پیدا کرده و تاکنون به همین سمت به خدمات دینی و تبلیغات مذهبی اشتغال دارند دارای آثار قلمی عدیده به اسامی زیر می‌باشند

۱- دیوان اشعار

۲- اعلام دامغان یا ارمغان دامغان که بیوگرافی بسیاری از رجال گذشته از روات دوره ائمه علیهم‌السلام و از علماء عامه و خاصه و سفراء و نویسندگان و رجال سیاسی و قسمتی از ابنیه باستانی و آثار باستانی و علماء معاصر می‌باشد

۳- یک دوره دائرهٔالمعارف یا فرهنگ قرآن به ترتیب حروف معجم که آیات و روایات و لغات و حکایات متناسب در آن درج شده

۴- لطایف الطوائف که لطائف اصناف بسیاری از مردم از کتب متنوعه در آن درج شده است.

۵- تحفهٔالعلویین درباره سادات

۶- محقق الدهور فی علائم الظهور از اخبار النبی والائمه علیهم‌السلام تا امام عصر عجل‌اللَّه‌فرجه

۷- کشکولی بنام گنجینه از اخبار و اشعار و لطائف متنوعه و نوشتجات دیگر که مخطوط می‌باشد دارای اجازه عدیده از مراجع بزرگ می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۲۵ -۱۲۳ /۵).

شاه‌چراغی، سید محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج سید محمدحسین شاه‌چراغی شیرازی از علماء بزرگوار معاصر تهران بوده و در خیابان مولوی اقامت و در مسجد قمی‌ها واقع در اول خیابان سیروس اقامه نماز جماعت و ترویج دین و نشر احکام شرع مبین می‌نمودند.

ترجمه آن مرحوم چنانچه در کتاب مجمع السادات فی فضائل السادات نگاشته‌اند از این قرار است: سید محمدحسین موسوی شاه چراغی ابن العالم العلامه الفقیه المرحوم حاج سید علی نهاوندی و سبط حجهٔالاسلام و المسلمین زبده الفقهاء الراشدین الشیخ علی استرآبادی مشهور به شریعتمدار بن العلامه الشهیر حاج محمد جعفر استرآبادی که علماء عصر فتحعلی شاه قاجار صاحب تصانیف و تألیف بوده‌اند می‌باشد.

در سال ۱۳۲۰ ق در تهران متولد و یکسال و نیم پس از ولادت مادرش از دنیا رفته و در حجر والد ماجدش تربیت یافته و پس از تحصیل مقدمات اشتغال به سطوح فقه و اصول داشته تا در سال ۱۳۴۰ ق که والد ماجدش وفات نموده به قم مشرف و از محضر آیات آنجا استفاده نموده و پس از تکمیل اجازات به تهران مراجعت و بحال انزوال و اعتزال از مردم به مصداق (کونوا اجلاس بیوتکم) بعبادت و تألیف کتب مشغول گردیده تا در سال ۱۳۸۷ ق که بدرود حیات گفتند.

نگارنده گوید: مرحوم شاه چراغی دارای تألیفات و آثار چندیست که از آنها مجمع‌السعادات یا فضائل السادات بهمت و دقت فرزندش مرحوم ثقهٔالاسلام آقا سید علی شاه چراغی بطبع رسیده است و از مفاخر آن بزرگوار است که داماد ارجمندی چون حجهٔالاسلام والمسلمین علامه متتبع حاج سید احمد روضاتی دارد که ترجمه‌اش در سابق گذشت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شاه‌چراغی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد شاه‌چراغی که عمده تحصیلات ایشان از سطح و خارج و فقه و اصول در حوزه علمیه قم بوده و مدتها از مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی امام خمینی و آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی استفاده نموده و خارج اصول را از آیت‌اللَّه حاج شیخ مرتضی حایری بهره‌مند شده و اخیراً بنابر درخواست جماعتی از اهالی سمنان از طرف آیت‌اللَّه گلپایگانی اعزام به آن سامان گردیده و در مسجد عابدینه به اقامه جماعت و نشر احکام اشتغال دارند گرچه ایشان از لحاظ سن کوچکتر ولی از جهت فضل و جهات علمی به مراتب از دو برادر خود بزرگتر و برتر است وی هم‌اکنون نماینده‌ی ولی فقیه و امام جمعه‌ی سمنان می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شاهد ایزد خواستی فارسی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۷۰ ق)، عارف و شاعر، متخلص به شاهد. اجداد وی از سادات رضوی خراسان بودند که از مشهد به آباده‌ی فارس کوچیدند و در قریه ایزد خواست آباده مقیم شدند. او و برادرانش از آباده به شیراز رفتند و در آن شهر ساکن شدند. در اوایل حکومت حسینعلی میرزای فرمانفرما، در فارس، میرزا سید محمد، برادر بزرگتر شاهد، برای معلمی فرزنان حاکم در نظر گرفته شد که به وسیله‌ی او، شاه هم که دارای فضل و کمال و حسن اخلاق بود با شاهزادگان و امرا و اعیان ارتباط یافت به قسمی که در امور ملک مداخله می‌کرد و به واسطه‌ی نام نیک و خوشی خلق، مرجع و علما حکام و اعیان شد. در سال ۱۲۵۹ ق که حاجی آقا میرمومن از شیراز به تهران آمد، مورد توجه و اعتنای محمدشاه و حاج میرزا آقاسی واقع گردید و به همراه حسین خان نظام‌الدوله که به حکومت فارس منصوب شده بود، به شیراز برگشت. نظام‌الدوله تا زمانی که حاکم بود بدون مشورت با او امری را انجام نمی‌داد و حمایت خود را از او مضایقه نکرد. او گاهی شعر می‌سرود. وی با رضاقلی خان هدایت همعصر بوده. در شیراز وفات یافت. در «طرائق الحقائق» به اشتباه تاریخ وفات شاهد ۱۲۶۱ ق آمده است. این بیت از او مشهور است:

دل زکف رفت و نیامد به کفم دامن دوست

قیمت وصل ندانسته خریدار شدم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۸۲۵ -۸۲۳ /۲)، ریاض العارفین (۲۶۲)، ریحانه (۱۷۱/۳)، طرائق الحقائق (۳۲۰/۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۱۷/۲)، مجمع الفصحا (۵۳۸/۵)، مرآت الفصاحه (۲۹۲ -۲۹۱)، مکارم الآثار (۱۹۷۱/۶).

شاهدای گیلانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اهل گیلان بود و گویند به اردبیل رفت و در آنجا مقیم و به عبادت مشغول شد. وی در فصاحت و بلاغت سرآمد اقران بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۷۵)، الذریعه (۴۹۸ -۴۹۷ /۹)، صبح گلشن (۲۲۰)، فرهنگ سخنوران (۴۹۳)، نامها و نامدارهای گیلان (۲۷۱)، نشتر عشق (۷۹۹ -۷۹۸ /۳).

شاهدخت

قرن:۱۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

صدیقه از زنان شاعر. به نوشه کتاب بهترین اشعار، وی از اهالی ملایر بود. مولف کتاب از رابعه تا پروین با توجه به پختگی رباعی زیر، احتمال می‌دهد که متعلق به یکی از زنان قاجار باشد. رباعی زیر از اوست:

شب نیست که دیده از غمت تر نکنم

دامان و کنار پر ز گوهر نکنم

در مردم این دیار چون نیست وفا

شهدخت بر آن سرم که شوهر نکنم

من دخترکی فاضله و شاعره‌ام

در دوره خود چو مهستی نادره‌ام

این فخرم بس که ترک دنیا گفتم

سی می‌گذرد ز عمر و من باکره‌ام

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره دهم، ۴۰؛ از رابعه تا پروین، ۱۶۰ -۱۵۹؛ بهترین اشعار، ۸۸۹.

شاهرخشاهی، رضاقلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، نقاش و خطاط. از دراویش بود و از هنرمندان زبردست ناخنی به شمار می‌رفت. از آثار ناخنی وی: تصویر جنگ و گریز دو باز شکاری که پرهای سبک بال آنها در هوا پخش شده با رقم: «رضاقلی شاهرخ شاهی ۱۲۷۵»؛ یک مرقع ناخنی از تصاویر ممتاز و خطوط عالی، که خطوط آن به قلم شش دانگ و چهار دانگ عالی است، با: «رقم بنده‌ی کمترین درگاه، رضاقلی شاهرخشاهی ۱۲۷۶»، که ظاهرا باید از ملازمان دربار ناصرالدین‌شاه قاجار بوده باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۱۲ -۲۱۱ /۱)، احوال و آثار نقاشان (۲۰۰/۱).

شاه‌رکنی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اقتصاد، دانشکده: علوم اقتصادی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای علوم اقتصادی از ایران.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه علامه طباطبائی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تجارت بین‌الملل، مارکتینگ بین‌المللی و اقتصاد خرد، سیاست‌های حمایتی از تولیدات داخلی و صادرات، تحلیل نظریه‌ها و مقایسه مدل‌های مربوط به سیاست‌های حمایتی از صنایع داخلی و ویژگیها و پی‌آمدهای اقتصادی و هزینه‌های اجتماعی اینگونه سیاست‌ها، محاسبه نرخ حمایت مؤثر و مقایسه آن با نرخ حمایت اسمی از صنایع داخلی خصوصاً در صنعت اتومبیل ایران، برآورده بازده اقتصادی سرمایه‌گذاری آموزشی به منظور تخصیص بهینه منابع و اعتبارات در نظام آموزشی کشور، استاد راهنمای ۱۱ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

اقتصاد خرد مقدماتی، اقتصاد خرد میانه، اقتصاد و تجارت بین‌الملل، تئوری‌ها و کاربرد آنها در اتخاذ سیاست‌های حمایتی از تولیدات ملی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

سیاست‌های حمایتی از تولیدات داخلی، ارزیابی پروژه‌های تولید نیروی برق آبی کوچک، ارزیابی سرمایه‌گذاری آموزشی و بازده آنها در مقاطع تحصیلی ابتدائی تا دکترا.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شاهرودی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ عباسعلی شاهرودی از علماء اعلام و آیات عظام و مدرسین فخام حوزه علمیه قم بوده‌اند که در سادگی و تواضع و محامد آداب و محاسن اخلاق و زهد و مناعت طبع و ملکات فاضله کم‌نظیر بوده‌اند و به این صفات حمیده مخصوصا متانت افعال و تعفف مشهور دانشمندان و معروف بین مردم قم بوده است.

در سال ۱۳۲۰ قمری در شاهرود متولد و مقدمات و ادبیات را در آنجا خوانده آنگاه به مشهد مشرف و سطوح عالی را از مدرسین ارض اقدس فراگرفته و در سال ۱۳۴۱ قمری مهاجرت به قم و در درس مرحوم آیت‌الله حایری شرکت و ضمنا تدریس سطوح عالی نموده و بعد از فوت آن مرحوم به تدریس خارج فقه و اصول در مدرسه فیضیه پرداخته و در مسجد حاج محمدجعفر واقع در بازار قم اقامه جماعت نموده تا ۲۳ ماه رمضان سال ۱۳۸۳ قمری که بدرود حیات گفته و در مجاورت روضه حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام در قبرستان شیخان مقبره خصوصی مدفون گردیده است.

تالیفات مطبوع ایشان از این قرار است:

۱- حاشیه بر کفایه که در نجف طبع شده ۲- حاشیه بر وسیله آیت‌الله اصفهانی ۳- برهان الشیعه در اثبات رجعت ۴- تقریرات اصول ایشان ۵- بحث اجتهاد و تقلید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

شاهرودی خراسانی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عـالمی بـا زهـد و ورع و تقوا، گوشه‌گیر و معرض از دنیـا بود و در امور اجتماعی دخالت نمی‌کرد و به حالت انزوا بسر می‌برد و به طاعات و عبادات سرگرم و خوشدل بود تا در سال ۱۳۳۳ قمری رحلت فرمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شاهرودی خراسانی، شریف‌العلماء

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شریف‌العلماء اعلی اللّه مقامه که از شاگردان میرزا حبیب‌اللّه رشتی بود و پس از تکمیل تحصیلات و رسیدن به مدارج عالیه به وطن خود شـاهرود برگشـته و ریـاست روحانی و سیاسـی آن بلـد را به عهـده گرفت و در دوران حیات خود با پاکی و بی‌نظری با مناعت طبع به حل و فصل امور مردم مشغول بود تا در سال ۱۳۲۵ قمری وفات نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شاهرودی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۰ -۱۲۸۱ ق)، عالم دینی و فقیه. وی خراسانی‌الاصل بود. پدرش ملا محمدعلی شاهرودی (م ۱۲۹۳ ق) از جمله شاگردان سید ابراهیم قزوینی، صـاحب «ضوابط» بـود. شـیخ احمـد در دامـان پـدر پرورش یـافت. مقـدمات را در شـاهرود گذرانـد و برای تکمیل تحصـیلات، به همراه برادرش، آقا شیخ حسن، به مشهد رفت و پس از بهره‌گیری از استادان آنجا در ۱۳۴۶ ق به عتبات رفت و پس از حضور در محضـر درس و بحث حـاج میرزا حـبیب‌اللّه رشـتی و آخونـد ملاـ محمـدکاظم خراسـانی به وطن بـازگشت و به انجـام وظایف و خدمات دینی در شـهر شاهرود مشـغول گشت و مرجع خاص و عام شد. آیت‌اللّه سـید شـهاب‌الدین نجفی مرعشـی از وی روایت کرده است. از جمله شـاگردان وی آیت‌اللّه حـاج سـید محسن اشـرفی است. از آثـار وی: «الحـق المـبین»، در رد بـابیه؛ «مراه العارفین»؛ «ازاله الاوهام»، در جواب «ینابیع الاسـلام»؛ «ایقاظ النائمین»، در رد بابیه؛ «تنبیه الغافلین»؛ «مـدینه الاسـلام»؛ «روح التمـدن»؛ «راهنمای دین»؛ «تفسیر»ی ناتمام در رد بعض کلمت شیخ طنطاوی.[۱]

شیـخ احمد که در سال ۱۲۸۱ قمری (سال فوت علامه شـیخ مرتضـی انصاری) در شاهرود به دنیا آمـده و در ۱۵ محرم ۱۳۵۰ قمری وفات نموده است.

ایـن عـالم جلیل‌القـدر در دامـان پـدر عالیمقـدارش پرورش یـافته و فضائـل نفسـانی و کمالاـت اخلاـقی را از وی آمـوخت. دوران تحصـیلات مقدماتی را در شاهرود گذراند و برای تکمیل تحصیلات خود با برادر بزرگوارش مرحوم آقا شیخ حسن به مشهد رفته و در آنجا نزد اساتید فن سطوح را تکمیل نموده.

سپس به نجف اشـرف مهـاجرت و از محضـر و بحث مرحوم علامـه بزرگ آیت‌اللّه حـاج میرزا حـبیب‌اللّه رشتی و بعـداً آخونـد ملا محمـدکاظم خراسانی اسـتفاده نموده و در مدتی کوتاه از مبرزین شاگردان ایشان شـناخته شده و مشار بالبنان گردید تا بعد از مدتی به ایران مراجعت و در شـاهرود حوزه درسـی برقرار کرده و شـاگردانی ماننـد آیت‌اللّه حـاج سید محسن اشـرفی و دیگران را تربیت نمود.

معظم له در اصول یـد طولائی داشت و فقیهی متبحر بود و تألیفات زیادی در هر یک از مباحث فقه و اصول از ایشان باقی مانـده که هنوز بطبع نرسیده و کتابهائی در رد ادیان باطله مانند بهائیت و مسیحیت تألیف فرموده‌اند که از آنهاست.

۱- حق‌المبین در رد بابیت و بهائیت که کتابی است جامع و استدلالی و در سال ۱۳۳۴ ق بطبع رسیده.

۲- ازالهٔالاوهام رد یکی از فضلاء نصاری که کتابی بنام (ینابیع اسلام) در رد اسلام نوشته.

۳- راهنمای دین که با دلائلی متقن تار و پود بهائیت را بر باد داده است.

۴- مدینهٔالاسلام که در آن اثبات نموده که روح مدنیت را باید در تمدن اسلامی جستجو کنیم.

از باقیات الصالحات آن بزرگوار فرزنـد ارجمنـد او جناب حجهٔالاسـلام والمسـلمین آقای حاج شـیخ عبداللّه مهدوی شاهرودی مقیم تهران می‌باشـد که ترجمه‌اش در جلـد چهارم گـذشت و حفیـد گرامی او دانشـمند گرانقـدر و دوست عزیز ما جناب آقای آقا دکتر شیخ محمد شریف مهدوی که گذشته از مقامات علوم دینی واجد علوم روز و مخصوصاً استاد در زبان انگلیسی و عربی می‌باشند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۱۳۶/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۵/۱۴)، علماء معاصرین (۳۸۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۵۸ -۳۵۷، ۳۵۴ /۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴۱۰ -۴۰۹ /۱).

شاهرودی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۰۴، دامغان قومس.

درگذشت: ۴ آذر ۱۳۶۰.

اسماعیل شاهرودی متخلص به «آینده» و «بیدار» تحصیلات ابتدایی را در همین شهر و دوره‌ی متوسطه را در شاهرود به پایان رساند. پس از آن در تهران مدتی آموزگار و کارمند ادارات فرهنگی بود و در ضمن در دانشکده‌ی هنرهای زیبا، در رشته‌ی نقاشی تحصیل می‌کرد. شاهرودی پس از دریافت لیسانس دبیر در دبیرستان‌های تهران شد و پس از آن با مؤسسه‌ی لغت‌نامه‌ی دهخدا همکاری کرد. فعالیت دیگر او همکاری با دکتر محمد معین در تدوین لغات هنری فرهنگ معین بود. وی همچنین با برخی از مجلات ادبی هفتگی به عنوان نویسنده ستون‌های انتقاد هنری همکاری داشت. مدتی نیز سردبیر بخش هنری روزنامه‌ی «اطلاعات» بود. وی همچنین تحقیقاتی در زمینه فولکور فارسی انجام داد. شاهرودی همچنین در تهران به عنوان کارمند کمیسیون ملی یونسکو فعالیت می‌کرد.

اسماعیل شاهرودی شاعری نوپرداز بود. چند مجموعه شعر نیز از وی به جا مانده است، از جمله آثار وی است: آخرین نبرد (با مقدمه‌ای از نیما یوشیج، ۱۳۳۰)، آی میقات‌نشین (۱۳۵۱)، آینده (۱۳۴۶)، چند کیلومتر و نیمی از واقعیت (مجموعه داستان، ۱۳۰۵)، م و می درسا (۱۳۴۹)، هر سوی راه راه راه (۱۳۵۰)، تصحیح رباعایت بابا طاهر عریان همدانی از روی نسخه وحید دستگردی به خط عباس مستوفی الممالکی، داستان‌های شیرین ایرانی (با ویراستاری اکرم محرابی، سه جلد)، لطیفه‌های شیرین، تصحیح گلستان سعدی با خوشنویسی غلامعلی محبی‌نژاد (۱۳۷۳)، نمونه‌هایی از انشاء و نامه‌نگاری برای مبتدی، نمونه‌هایی از انشاء و نامه‌نگاری.

اسماعیل شاهرودی در سال‌های آخر عمر خود دچار اختلالات روانی گردید و در یکی از آسایشگاه‌های تهران بستری شد و سرانجام در سال ۱۳۶۰ بدرود حیات گفت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شاهرودی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید جعفر شاهرودی از علماء اعلام تهران بوده‌اند.

وی در شاهرود متولد شده و پس از خواندن مقدمات به مشهد مقدس رفته و مقداری سطوح را در آنجا خوانده و از آنجا در سال ۱۳۴۱ ق به قم مهاجرت نموده و سالها از محضر عالم ربانی مرحوم حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی و مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری و اساتید دیگر حوزه قم استفاده نموده آنگاه به نجف اشرف عزیمت کرده و چندین سال از درس و بحث مرحوم آیت‌اللّه العظمی نائینی و آیت‌اللّه عراقی و آیت‌اللّه العظمی آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نموده تا بمدارج علم و اجتهاد رسیده و صاحب رای و فتوا گردیده و در سال ۱۳۶۴ ق مراجعت و چند ماهی در شهر ری توقف آنگاه به تهران منتقل و بنابر اصرار و تقاضای مردم سلسبیل تهران رحل اقامت بدانجا انداخته و بخدمات دینی و روحانی و اقامه جماعت در مسجد خیابان شیر و خورشید و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلامی مشغول گردیده تا در ماه ربیع‌الاول ۱۳۹۳ ق که دعوت حق را اجابت گفته و جنازه‌اش با تجلیل فراوان حمل به قم و در قبرستان شیخان مدفون گردیده است.

نگارنده گوید: آن مرحوم از دانشمندان و مراجعی بود که بزیور علم و حلم آراسته و دارای معنویت و صفاء قلب و تزکیه نفس و بر کنار از تظاهرات و هواهای نفسانی بوده است.

خواب و مکاشفه آن مرحوم

برای این نویسنده فرمودند در اوقاتی که در شاهرود تحصیل می‌کردم شبی حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف را در خواب دیدم که در صحرائی تشریف دارند و شیخ بزرگواری در کنار آن حضرت ایستاده است که مورد لطف و توجه مخصوص آن بزرگوار است قیافه او را در خاطر سپردم و چون از خواب بیدار شدم برای این که او را پیدا کنم به مشهد مقدس رفته و چند سالی توقف و جستجوی آن شخص را نمودم او را در مشهد نیافتم پس به قم آمده و در تکاپوی او گردیدم تا روزی در مدرسه فیضیه آمده و لب ایوان یکی از حجرات نشستم و دیدم بعضی از آقایان طلاب به آن حجره می‌روند متوجه شدم که در اینجا جلسه درس است نگاه کردم ببینم مدرس کیست دیدم آقائی که درس میگوید و درسش مفاتیح فیض است قیافه‌اش بنظرم آشناست چون دقت کردم فهمیدم این همان شخصی است که در خواب در کنار حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه دیده بودم پرسیدم این آقا کیست گفتند عالم ربانی آقای حاج میرزا جواد آقای ملکی تبریزیست پس خدمتش رسیدم و تا مرا دیدند گویا مدتها آشنائی داشته‌اند مرا با خود بمنزل برده و از وجود ذیجود و بیاناتش استفاده کامل نمودم تا شبی در عالم رویا و مکاشفه دیدم درهای آسمان برایم باز تا در ظل عرش و آقای حاج میرزا جواد آقا در آنجا بمناجات و قنوت می‌باشند و من از قرب او در تعجب بودم که ناگاه از صدای درب منزل متنبه شده و برخاستم و آمدم در را گشودم دیدم یکی از دوستانست در حال گریه گفت بیا که آقا از دنیا رفت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شاهرودی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عباس بن السید علی موسوی شاهرودی مشهدی از اجلاء علماء خراسان است.

وی در شاهرود متولـد شـده و پس از پرورش و خوانـدن مقـدمات و ادبیات به تهران آمده و از محضـر مدرسـین بزرگ تهران چون مرحوم میرزا ابوالحسن جلوه متوفی سال ۱۳۱۴ قمری در فلسـفه و آیت‌اللَّه العظمی میرزا محمـدحسن آشتیانی در فقه و اصول و عده دیگری استفاده نموده تـا به مقـام بلنـدی در معقول و منقول رسیده و متصـدی امر تـدریس گردیـده و بسیاری از علمـاء و فضـلاء خراسان و مشهد از درس و محضرش استفاده نمودند.

او از تهران منتقل به مشـهد مقدس گردیده و مورد توجه اهل فضل واقع شده و در جامعه گوهرشاد اقامه جماعت نموده و به واسـطه زهد و ورع و تقوای او نمازش پرجمعیت‌ترین نمازهای آنجا گردید.

از خصایص وی دوام ذکر و کثرت قرائت قرآن بود و جز تدریس و افاده و وعظ و عبادت خود را به چیزی مشغول نمی‌کرد در سال ۱۳۴۱ قمری مشـرف به عتبـات عالیات شـده و در مراجعت در هشـتم ماه شوال همان سال از دنیا رفته و در دارالسـیاده در بقعه علماء مدفون گردیده است.

از آثار اوست رساله‌ای در کلی از بحث جلوه که در سال ۱۳۰۷ قمری از تحریر آن فارغ شده است.

و نیز رسائل دیگری از تقریرات و دراسات استادش میرزا جلوه.

(وف ۱۳۴۱ ق)، عالم دینی و فقیه. در شاهرود متولـد شـد و پس از پرورش و خوانـدن مقـدمات و ادبیات به تهران آمد و از محضـر مدرسـین بزرگ تهران چون میرزا ابوالحسن جلوه در فلسـفه، و آیت‌اللَّه میرزا محمـدحسن آشتیانی در فقه و اصول، و عـده‌ای دیگر اسـتفاده نمود، تا به مقام بلندی در معقول و منقول رسـید و متصدی امر تدریس شد. بسـیاری از علماء و فضلای خراسان و مشهد از درس و محضـرش اسـتفاده‌ها نمود. وی از تهران به مشـهد رضوی رفت و مـدتی در مسـجد گوهرشاد اقامه‌ی نماز جماعت کرد. در ۱۳۴۱ ق به عتبات عالیات رفت و در مراجعت به مشهد، در همان سال، از دنیا رفت و در دارالسیاده در بقعه‌ی علماء مدفون شد. وی رسائلی از «تقریرات» و درسـهای اسـتادش: میرزا ابوالحسن جلوه، را نگاشـته بود، و رساله‌ای در «کلی» از بحث جلوه. رساله‌ی «نسـبه ارتفاع اعظم الجبال الی قطر الارض» شیخ بهایی به خط شاهرودی موجود است.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۰۵/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۶۴-۳۶۳/ ۵)، منتخب التواریخ (۶۲۶).

شاهرودی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی حسـینی شاهرودی دومین فرزند مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی طاب اللَّه ثراه یکی از دانشمندان فعال و خدوم معاصر شهرستان شاهرود می‌باشند.

ایشان در حدود سال ۱۳۴۵ قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و در بیت فقاهت و مرجعیت پرورش یافته و اولیات و ادبیات و سطح متوسط و عالی را از اساتید و مدرسین نجف بالاخص برادر بزرگوارش آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمد شاهرودی استفاده نموده و از دراسـات خارج فقه و اصول والـد ماجـدش بهره‌منـد شـده و متصـدی بسیار از امور مرجوعه و مربوطه به پـدر بزرگوارش از قبیل پرداخت حقوق و شـهریه طلاب و محصـلین حوزه علمیه نجف و رسـیدگی به امور آنان را متعهـد بوده تا بعـد از رحلت معظم‌له در سال ۱۳۹۴ قمری که از طرف دولت ظالمانه بعث عراق تسفیر به ایران گردیده و چندی در قم اقامت تا بنا بر دعوت بسیاری از مردم محترم شـاهرود منتقـل به وطن مـالوف خود و در مسـجد مرحوم آیت‌اللَّه حـاج سـید عباس شاهرودی (ره) به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام گردیده و منشاء خدمات بسـیاری شده‌اند که از آنهاست تأسـیس بیمارسـتانی به نام حضـرت ولی عصر عجل اللَّه فرجه الشریف.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

شاهرودی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌اکبر شـاهرودی از علماء و بزرگان زمان خود بوده و فاضل مراغی آن را در (المآثر والاثار) ص ۱۷۱ در شماره علماء ناصرالدین شاه قاجار یاد کرده و در حدود ۱۳۱۰ قمری از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شاهرودی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی بن محمدعلی شاهرودی عالمی فاضل و جلیل‌القدر بوده و حدود ۱۳۴۱ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شاهرودی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۳ ق)، فقیه، مفسر، عالم و زاهد. در اصفهان به تصحیل اشتغال ورزید و فلسفه کلام را در آنجا فراگرفت. پس از آن برای ادامه‌ی تحصیلات به عتبات رفت و در بحث صاحب «ضوابط» حاضر گشت. او نه تنها در فقه و اصول بلکه در فلسفه و حکمت و کلام و حدیث و عرفان نیز متبحر بود و بیشتر ایام زندگی خویش را به تکمیل نفس و ریاضت گذرانید. از وی در حدود پنجاه اثر در فقه و اصول و حدیث و کلام و دعا و زیارت به جای مانده است که از آن جمله: «نور الانوار» که تفسیری فارسی است؛ «لمعات الانوار»؛ کتاب «القضاء»؛ کتاب «الرد علی الاخباریه»؛ کتابی بزرگ در «دعاء»؛ «عصاره الفقاهه فی المهمات الفقهیه»؛ «البوارق الحیدریه فی احوال الائمه»؛ شرح رساله‌ی «السیر و السلوک» محقق طوسی.[۱]

والد عالیقدر آن مرحوم علامه محقق جامع المعقول والمنقول آیت‌اللّه ملا محمدعلی قدس سره معاصر شیخ انصاری بود.

این عالم جلیل ابتداء در اصفهان به تحصیل اشتغال داشت و فلسفه و کلام را در آنجا فراگرفت و پس از آن برای ادامه تحصیلات به عتبات عالیات مشرف شد و در بحث صاحب ضوابط حاضر گشت.

معظم له نه تنها در فقه و اصول متبحر بود بلکه در فلسفه و حکمت و کلام و حدیث و عرفان اطلاعات وسیعی داشت که تألیفات ایشان در هر یک از این علوم از مایه علمی این علامه بزرگوار حکایت دارد.

در دعاء و زیارت نیز تألیفات نفیسی دارد.

و نظر به ارادت کم‌نظیری که به ساحت مقدس مولا امیرالمؤمنین (ع) و زیارت آن حضرت داشت غالب از ایام عمر خود را در نجف اشرف می‌گذرانید و به عبادت و ریاضت و تکمیل نفس مشغول بود ادب و احتراماتی را که نسبت به آن حضرت انجام می‌داد از کمتر کسی مشهود شده است.

او مدتها در جوار مولایش زندگی کرد تا به استدعاء اهالی شاهرود و اصرار مراجع بزرگ مانند مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حاج میرزا حسن شیرازی قدس سره به شاهرود مراجعت نمود.

ولی با قلبی سوزان و چشمی گریان از مفارقت مولایش و پس از ورود به شاهرود زندگی او به پایان رسید و بعد از چهل روز در سال ۱۲۹۳ قمری درگذشت.

از این بزرگوار سه فرزند برومند باقی ماند که هر یک به نوبه خود ستاره درخشانی در علم و عمل بودند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۴۲۷/۹)، الذریعه (۳۵۹/۲۴، ۳۴۴/۱۸، ۱۳۷/۱۷، ۲۷۱/۱۵، ۱۸۳/۱۰، ۱۵۳/۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۵۶/۵).

شاهرودی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمود بن السید علی بن السید عبداللّه حسینی شاهرودی اعلی اللّه مقامه یکی از مشاهیر مراجع تقلید معاصر ما و مفاخر بزرگ شهرستان شاهرود بودند این فقید سعید در سال ۱۳۰۱ قمری در یکی از قراء و مضافات شاهرود بنام قریه (آقا عبداللّه) در یک خانواده پاک و فضیلت به دنیا آمده و دروس ابتدائی و مقدمات علوم دینی و سطوح عالی اسلامی را در شهر بسطام که در آنروز حوزه قابل ملاحظه‌ای داشت فراگرفت.

و در سال ۱۳۲۸ قمری برای ادامه تحصیلات عالی به حوزه علمیه رهسپار شده یک سالی از محضر مرحوم علامه آخوند خراسانی صاحب کفایه و مرحوم آیت‌اللّه محقق نائینی کسب فیض و علم نموده و به زودی در ردیف علماء و مراجع بزرگ قرار گرفت.

نسب شریف آن بزرگوار به حضرت زید بن علی بن الحسین شهید منتهی می‌شود و جد گرامیش آقا سید عبداللّه از علماء موجه و جلیل‌القدر حومه شاهرود و مبلغ سیار آن منطقه بوده که برای ترویج دین و ارشاد مردم به قراء مجاور مسافرت نموده و ارشاد مردم می‌کرد و به زهد و تقوا و صلاح و سداد معروف به کرامت و به مقامات عالیه موصوف بود.

والد مبرورش مرحوم سید علی حسینی از کشاورزان صالح و پرهیزکار و دارای پنج فرزند ذکور بنامهای زیر بوده است.

۱- آیت‌اللّه آقا سید محمود (مترجم معظم ما)

۲- آقا سید صادق که به جود و سخاوت معروف آن منطقه بود

۳- آقا سید عباس

۴- آقا سید حسین

۵- آقا سید حسن

در میان فرزندان مرحوم آقا سید علی تنها آقا سید محمود فارس میدان علم و فضائل و قهرمان قدس و ورع و زهد و تقوا گردید تا به ذروه علیای آیت‌اللهی رسید.

آیت‌اللّه شاهرودی در اوان کودکی پدر را از دست داد ولی با تشویق والده ماجده‌اش و میل ذاتی خود اولیات را در قریه (آقا عبداللّه) زادگاه خود خوانده و بعد به شهر بسطام که آن روز حوزه علمیه‌اش دائر بود آمده و مقدمات و سطوح را خوانده و از آنجا به مشهد مقدس عزیمت نموده و سطوح عالی را به پایان رسانیده و خود در آنجا به تدریس (کفایهٔالاصول) پرداخته.

و در سال ۱۳۲۸ قمری برای وصول به مقامات عالیه و تحکیم مبانی علمی خود به عزم نجف اشرف به زادگاه خود آمده و با کسب اجازه از والده کریمه‌اش در سن ۲۷ سالگی مهاجرت به عراق و به باب مدینه علم رحل اقامت افکنده و به درس مرحوم آیت‌اللّه العظمی آخوند ملا کاظم خراسانی حاضر و مدت ۱۸ ماه از آن منبع علم استفاده نموده.

و بعد به درس مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه محقق آقا میرزا حسین نائینی شرکت نموده و بیشتر به مرحوم نائینی اختصاص یافته و تقریرات هر دو را در فقه و اصول به رشته تحریر آورده.

و ضمناً خود حوزه تدریس رسائل و مکاسب و کفایه دائر و جمع کثیری از فضلاء و محصلین از درسش بهره‌مند تا اواخر مرحوم استادش نائینی که تشکیل درس خارج داده و حدود پنجاه سال تدریس خارج فقه و اصول نموده و هر کدام را چند دوره فرموده تا شهرت علم و ورعش به گوش شیعیان جهان رسیده.

بعد از فوت مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی بسیاری از مردم ایران و بلاد دیگر رجوع به معظم له نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی اکثر مردم خراسان و مازندران و قاطبه مردم شاهرود و دامغان و کثیری از خواص مردم تهران و افغانستان و مناطق عربی مقلد ایشان گردیدند.

تا در ۱۸ ماه شعبان ۱۳۹۴ قمری که در سن ۹۳ سالگی در اثر ناراحتیها و اهانتهائی که از طرف دولت شوم بعث عراق به آن مجسمه علم و تقوا و پیکره زهد و ورع رسید از دنیا رفت و جهان شیعه را به مرگ و سوک خود قرین ماتم و عزا نمود

خدمات و آثار خالده آیت‌اللّه شاهرودی.

خدمات مغفور له به حوزه علمیه هزار ساله نجف اشرف و سایر حوزه‌های خراسان و شاهرود و... از دادن راتبه و شهریه و تقویتهای دیگر بسیار شمه‌ای از آن را استاد اشکوری در کتاب (حیاهٔ امام الشاهرودی) مذکور داشته است.

و اما آثار خالده آنجناب بر دو قسم است.

۱- تألیفات رشیقه در فقه و اصول بدین طریق.

۱- تقریرات بحث آیت‌اللّه الشیخ ضیاءالدین عراقی.

۲- تقریرات بحث آیت‌اللّه میرزا حسین نائینی در اصول.

۳- تقریرات بحث آیت‌اللّه میرزا حسین نائینی در فقه.

۴- کتاب طهارهٔ ۵- رساله تیمم ۶- رساله وضوء ۷- رساله‌ای در وقت.

۸- رساله در لباس مصلی ۹- رساله در قواطع نماز ۱۰- رساله در صلوهٔ مسافر.

۱۱- کتاب خمس ۱۲- کتاب الحج ۱۳- رساله‌ای در مواریث ۱۴- کتابی در زکاهٔ ۱۵- تعریف علم اصول فقه ۱۶- کتاب قضاء ۱۷- رساله‌ای در ضمان ۱۸- رساله‌ای در قطع ۱۹- رساله‌ای در قاعده ید ۲۰- رساله‌ای در قاعده لاضرر ۲۱- کتاب رجال ۲۲- کتاب فی النحو.

و حواشی دیگری بر کتب علمیه و رسائل علمیه عروهٔالوثقی و وسیلهٔالنجاهٔ و غیره.

و اما قسم دوم از آثار خالده و باقیات الصالحات معظم له سه فرزند دانشمند و برومند ایشانست.

(۱۳۹۴ -۱۳۰۱ ق)، مخرج تقلید شیعه و فقیه اصولی. در آقا عبداللّه از دهات شاهرود به دنیا آمد. در اوان کودکی پدر را از دست داد ولی با تشویق مادرش به تحصیل روی آورد. دروس ابتدایی و مقدمات علوم دینی و سطوح عالی را در شهر بسطام فراگرفت. سپس به مشهد رفت و سطوح عالی را در آنجا آموخت و خود را به تدریس «کفایه» پرداخت. در ۱۳۲۸ ق برای تکمیل تحصلات عالی به حوزه‌ی علمیه نجف رهسپار شد و از محضر علامه آخوند خراسانی، صاحب «کفایه» کسب فیض کرد. پس از آن در درس آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه محقق نایینی شرکت نمود و بیشتر به آیت‌اللّه نایینی اختصاص یافت و «تقریرات» هر دو را در فقه و اصول به رشته‌ی تحریر درآورد. ضمنا خود نیز حوزه‌ی تدریس «رسائل» و «مکاسب» و «کفایه» دایر کرد و جمع کثیری از فضلا و محصلین از درسش بهره‌مند شدند. پس از درگذشت آیت‌اللّه اصفهانی، بسیاری از مردم ایران و شهرهای دیگر و پس از درگذشت آیت‌اللّه بروجردی، اکثر مردم خراسان و مازندران و شاهرود و دیگر شهرها مقلد ایشان شدند. از آثارش: «تقریرات» آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی؛ «تقریرات» بحث آیت‌اللّه میرزا حسین نایینی، در اصول و فقه؛ کتاب «طهاره»؛ رساله‌ی «تیمم»؛ رساله‌ی «وضو»؛ رساله‌ای در «وقت»؛ رساله‌ای در «قواطع نماز»؛ کتاب «الحج» کتاب «خمس»؛ کتابی در «زکاه»؛ کتاب «قضاء»؛ تعریف علم اصول فقه؛ کتاب «رجال»؛ کتابی در «نحو»؛ رساله‌ای در «قاعده لاضرر»؛ رساله‌ای در «مواریث»؛ رساله‌ای در «قاعده‌ی ید»؛ رساله‌ای در «قطع»؛ «جامع المقاصد»؛ «ذخیره المومنین»؛ رساله‌ی «توضیح المسائل».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۳۶۹ -۳۶۴/ ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴۱ -۴۰/ ۶)، مستدرکات اعیان (۲۱۹/ ۱).

شاهرودی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج شیخ مهدی شاهرودی مقیم بهشهر از علماء آنسامان بوده و دارای موقعیت و عظمت مخصوصی بودند و تا پایان عمر باقامه جماعت و ترویج احکام اشتغال داشته است.

فرزند ایشان جناب حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمد شاهرودی اول عالم معاصر بهشهر است. وی پس از پایان تحصیلات و استفاده از محضر بزرگان علمی نجف اشرف و غیره به بهشهر مراجعت و بجای مرحوم والدش در مسجد جامع باقامه جماعت و ترویج دین و انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

شاهرودی، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ یوسف بیارجمندی شاهرودی از مراجع و اساتید و مدرسین بزرگ معاصر کربلا می‌باشند.

ولادت آن بزرگوار حدود ۱۳۱۲ قمری در یکی از مضافات شاهرود واقع شده و پس از پرورش و خواندن اولیات و مقدمات و سطوح در شاهرود و مشهد مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر اعاظم نجف چون مرحوم آیت‌اللَّه العظمی نائینی و آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی و مراجع دیگر استفاده و بعداً منتقل به کربلا و در جوار حضرت ابی‌عبداللَّه الحسین (ع) رحل اقامت افکنده و در صحن مطهر به اقامه جماعت و تدریس خارج فقه و اصول پراخته تا سال ۱۳۹۱ قمری که به حکم اجبار و اکراه به ایران و چندی در قم توقف سپس به مشهد مقدس رضوی عزیمت و بنابر اصرار فضلاء و علما آن سامان رحل اقامت افکنده و به تدریس خارج و اقامه جماعت در جامعه گوهرشاد اشتغال یافته است.

فرزند ارجمندش حجهٔ‌الاسلام و عمادالاعلام حاج شیخ محمد شاهرودی حایری از افاضل معاصر کربلا می‌باشند.

ولادت و پرورش ایشان در کربلا و تحصیلاتش نیز در آنجا در خدمت والد ماجدش و علماء دیگر بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شاهزمانیان، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای فیزیک.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

نظریه ابرشارگی هلیوم سه، ضرایب این شاره (مانند چسبندگی، رسانائی گرمائی و پخش اسپینی)، طول عمر شبه ذرات، اثرات پخش اسپینی بر روی RMN و بافت ابر شاره هلیوم- A در یک تیغه نازک، ضریب چسبندگی در معادله حرکت گردابها، چسبندگی فاز ۱A، پاگیری عرضی فاز عادی این شاره، ابر رساناهای گرم، فیزیک ماده چگال در دماهای پائین، استاد راهنمای ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ترجمه مکانیک کلاسیک- کیبل، ترجمه فیزیک عملی- اسکوایرز، ترجمه ابر رسانائی- رزاینرواودریک.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

فیزیک ماده چگال در دماهای پائین و فیزیک دستگاه چند جسمی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

شاه‌زیدی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین شاه‌زیدی به سال ۱۳۰۰ شمسی متولد شد و به واسطه ذوق خدادای و علاقه خود به شعر و شاعری روی آورد و یکی از شعرا و ترانه‌سرایان خوب رادیو گردید که بیشتر به نام سرهنگ شاه‌زیدی نامیده می‌شد.

«رهزن دل‌ها»

چشم بد دور، چه زیبا شده‌ای

بخدا باب دل ما شده‌ای

نوشم آیا ز لبت آب حیات؟

ای که رخشنده چو مینا شده‌ای

گاه و بی‌گاه تو را می‌خواهم

گویی آماج تمنا شده‌ای

تو ز زیبایی خود آگاهی

کاین همه ناز، سراپا شده‌ای

دانم از پای فرومی‌افتم

تا چنین خوش قد و بالا شده‌ای

زود رندان سر راهت گیرند

گرچه خود رهزن دل‌های شده‌ای

سر و سری دگرت با ما نیست

پای تا سر همه حاشا شده‌ای

نیست شوریدگیم در خور طعن

همه دانند چه غوغا شده‌ای

گر به رسوایی من می‌کوشی

بینم آن روز که رسوا شده‌ای

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

شاهزیدی، غلامحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به (شاه زیدی) از علماء و مقدسین و فقهاء و متدینین شهر قم بود که در نوشتن مکاتبات و قباله‌های شرعیه ربطی عظیم داشت. در مسجد واقع در صحن شاهزاده زید به جماعت نماز می‌گذاشت و نیز در آنجا برای تحریرات خود حجره‌ای داشت مسائلی از مرحوم آیت‌اللّه آقای سید کاظم یزدی صاحب عروۀالوثقی پرسش نموده و آن را رساله‌ای کرده و به طبع رسانیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

شاهشاهان، علاءالدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدبن محمدبن محمد، از علمای عالی‌قدر و متنفذ اصفهان بوده، و در سال ۸۵۰ به دستور شاهرخ در ساوه شهید گردیده، جنازه به اصفهان منتقل شده، در بقعه‌ی مخصوص در محله‌ی شهشهان مدفون گردید.

این محله قبلا به محله‌ی حسینیان معروف بوده، و پس از این تاریخ به نام شهشهان شهرت یافته است.

شرح شهادت او در تواریخ مسطور است، و تاریخچه‌ی بنای گنبد نیز در کتاب نفیس گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان مذکور است، طالبین رجوع فرمایند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شاهکار، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : دکتر غلامحسین شاهکار در بهمن ماه سال ۱۳۱۹ خورشیدی در شیراز چشم به جهان گشود.در سال ۱۳۴۳ مدرک

کارشناسی ریاضی را از دانشگاه تهران دریافت کرد. وی در سال ۱۳۵۴ مدرک کارشناسی ارشد آمار را از دانشگاه شفیلد انگلستان دریافت کرد و بلافاصله به دانشگاه ولز منتقل شد. تحصیلات خود را در رشته نظریه صف (Queueing Theory) ادامه داد و در سال ۱۳۵۷، موفق به کسب مدرک دکترای تخصصی در رشته خود از دانشگاه ولز انگلستان شد. او پس از پایان تحصیلاتش به ایران بازگشت و از آن زمان تاکنون،به عنوان عضو هیئت علمی به تدریس و پژوهش در دانشگاه فردوسی مشهد مشغول است.نامبرده در سال ۱۳۷۹ به مرتبه استادی ارتقای یافت.

گروه : علوم پایه

رشته : آمار

گرایش : آمار و احتمال

تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامحسین شاهکار پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود در شیراز، عازم تهران شد و در سال ۱۳۴۳ مدرک کارشناسی ریاضی را از دانشگاه تهران دریافت کرد. پس از گذراندن یک دوره یکساله در دانشسرای عالی، به دانشگاه مشهد رفت و به عنوان معلم حل تمرین مرحوم پروفسور تقی فاطمی مشغول خدمت شد. یک سال بعد، برای گذراندن دوره کارشناسی ارشد ریاضی به شهر محل تولد خود بازگشت و همزمان با تحصیل، خدمت خود را در قالب مربی نیمه وقت ادامه داد. وی در سال ۱۳۵۲ با استفاده از بورس وزارت علوم برای ادامه تحصیلات عازم انگلستان شد و به دلیل علاقه اش به ریاضیات کاربردی و آمار، رشته تحصیلی خود را تغییر داد. وی در سال ۱۳۵۴ مدرک کارشناسی ارشد آمار را از دانشگاه شفیلد انگلستان دریافت کرد و بلافاصله به دانشگاه ولز منتقل شد. تحصیلات خود را در رشته نظریه صف (Queueing Theory) ادامه داد و در سال ۱۳۵۷، موفق به کسب مدرک دکترای تخصصی در رشته خود از دانشگاه ولز انگلستان شد

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : غلامحسین شاهکار در سال ۱۳۵۰ پس از دریافت مدرک کارشناسی ارشد در رشته ریاضی، با دعوت رئیس وقت دانشکده علوم ریاضی دانشگاه مشهد، به طور رسمی به استخدام این دانشگاه درآمد.ایشان پس از اخذ مدرک دکتری تخصصی در رشته خود از دانشگاه ولز انگلستان در سال ۱۳۵۷، به ایران بازگشت و از آن زمان تاکنون، به تدریس و پژوهش در دانشگاه فردوسی مشهد مشغول است.

فعالیتهای آموزشی : ۱۳۴۶ – ۱۳۴۷تدریس در دانشگاه مشهد به عنوان معلم حل تمرین ۱۳۴۷ – ۱۳۵۰ تدریس به عنوان مربی نیمه وقت دانشگاه شیراز ۱۳۵۰ – ۱۳۵۲تدریس در دانشگاه فردوسی مشهد ۱۳۷۶ارتقای مرتبه به دانشیار – دانشگاه فردوسی مشهد ۱۳۷۹ارتقای مرتبه به استاد – دانشگاه فردوسی مشهد

جوائز و نشانها : کتاب" طرح و تحلیل آزمایشها "به عنوان کتاب برگزیده کتاب سال دانشگاه تهران کتاب" تحلیل رگرسیونی کاربردی " به عنوان کتاب برگزیده سال دانشگاه تهران استاد نمونه دانشگاه فردوسی مشهد دریافت لوح تقدیر از پنجمین جشنواره فردوسی دریافت لوح تقدیر از چهارمین جشنواره فردوسی

چگونگی عرضه آثار : تعداد مقالات منتشر شده : بیش از ۹ مورد

آثار :

۱ آشنایی با فرآیندهای تصادفی

ویژگی اثر : تالیف: Erhan Cinlar ترجمه: غلامحسین شاهکار، ابوالقاسم بزرگنیا انتشارات دانشگاه صنعتی شریف چاپ اول: ۱۳۸۰

۲ آشنایی با نظریه صف بندی

ویژگی اثر : تالیف: غلامحسین شاهکار انتشارات دانشگاه پیام نور چاپ اول: ۱۳۷۵

۳ تحلیل رگرسیونی کاربردی

ویژگی اثر : تالیف: Norman R. Drapper, Harry Smith ترجمه: غلامحسین شاهکار، ابوالقاسم بزرگنیا انتشارات مرکز نشر دانشگاهی چاپ اول: ۱۳۷۸ ،این کتاب برگزیده کتاب سال است.

۴ طرح آزمایشها (۱)

ویژگی اثر : تالیف: غلامحسین شاهکار، ابوالقاسم بزرگنیا انتشارات دانشگاه پیام نور چاپ اول: ۱۳۷۵

۵ طرح آزمایشها (۲)

ویژگی اثر : تالیف: غلامحسین شاهکار، ابوالقاسم بزرگنیا انتشارات دانشگاه پیام نور چاپ اول: ۱۳۷۶

۶ طرح و تحلیل آزمایشها

ویژگی اثر : تالیف: Douglas C. Montgomery ترجمه: غلامحسین شاهکار انتشارات مرکز نشر دانشگاهی چاپ اول: ۱۳۸۰ –این کتاب برگزیده کتاب سال دانشگاه تهران است.

۷ مبانی احتمال

ویژگی اثر : تالیف: Saeid Ghahramani ترجمه: غلامحسین شاهکار، ابوالقاسم بزرگنیا انتشارات دانشگاه صنعتی شریف چاپ چهارم: ۱۳۸۴

۸ مبانی نظریه صف

ویژگی اثر : تالیف: Donald Gross, Carl M. Harris ترجمه: غلامحسین شاهکار انتشارات مرکز نشر دانشگاهی چاپ اول: ۱۳۷۲

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

شاهکی اصفهانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اهل قریه‌ی رنان از قرای اصفهان بود. از اقوام نزدیک رییس امیر یوسف رنانی است و تتبع پاره‌ای از متداولات کرده به حدت ذهن و لطف طبع موصوف بود و شعر را خوب می گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۴۷/۳)، تحفه‌ی سامی (۲۳۷)، تذکره‌ی روز روشن (۴۰۹)، الذریعه (۵۰۰/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۹۰)، مخزن الغرائب (۹۶۷ -۹۶۶ /۲)، هفت اقلیم (۴۲۹/۲).

شاهکی قمی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. پدر وی از سادات قم است، اما او در ری به سر می‌برد و گاهی شعر می گفت. از اشعار اوست:

مدتی شد که جدا از رخ جانان شده‌ام

وه چه گویم که چسان بی سر و سامان شده‌ام

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۶۶)، الذریعه (۵۰۰/۹)، صبح گلشن (۲۲۰).

شاهمرادیان، روح الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

روح الله شاهمرادیان

محل تولد : ایلام

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در استان شهید پرور ایلام متولد شدم تحصیلات متوسطه را در دبیرستان دکتر حسابی و سپس در هنرستان امام خمینی(ره) در رشته برق به پایان رسانیده و در اثناء این مدت در ترم پنجم وارد حوزه علمیه ایلام شدم و در حین تحصیلات حوزوی دیپلم گرفته و پس از آن پیش دانشگاهی را در رشته علوم انسانی به پایان رسانیدم. حوزه را تا پایه ششم در ایلام خواندم و در این مدت به تدریس همزمان سیوطی، نحومقدماتی،صرف پرداخته و توفیق نصیبم شد به دوره طرح ولایت (آشنائی با مبانی اندیشه اسلامی) بروم وطی دو سال در دو دوره فشرده ۴۰روزه یعنی ۸۰روزه در تهران و مشهد موفق به گذراندن ۲۲واحد معرفت شناسی از جمله(معرفت شناسی)از جمله (معرفت دینی هستی شناسی خداشناسی نظام سیاسی و اسلام فلسفه حقوق فلسفه سیاست منطق انسان شناسی را با معدل ۱۹و ۱۸به پایان برسانم انصافا"از اساتید استفاده های کامل و جامع بردیم پس از آن برای تکمیل تحصیلات حوزوی وارد شهر مقدس قم شدم و طی چهار سال موفق به اتمام دروس سطح (به استثناءشفاهی)شده و دروس خارج را با اساتید بزرگوار حضرات آیات مکارم و سبحانی حفظهما شروع نمودم در طول دوره سطح در آزمون مرکز تخصصی حقوق و قضاء اسلام شرکت کرده و در آن مرکز پذیرش شدم و در مقطع سطح ۲ (کارشناسی حقوق و قضاءاسلامی)همزمان با دروس سطح مشغول به تحصیل شده که در کنار درس کارهایی تحقیقی مرتبط با حقوق و غیر آن را نیز به صورت پژوهش شروع نمودم. الان نیز حدود دو سال است سطح را به پایان رسانده و ترم آخر سطح۲ کارشناسی حقوق می باشم و انشاءالله از ترم بعد یا ترم اول سال آینده دانش پژوه(دوره سطح ۳)یا کارشناسی ارشد حقوق می باشم و دروس خارج را نزد آیات عظام مکارم و سبحانی و بعضا"آقای فقیهی می گذارنم به امید موفقیت در مراحل علمی معنوی و به کلامی رسیدن البته مطالعات فلسفی را بیشتر از حقوق دوست دارم و در این اوقات نیز با نوشتن (داستانهای کوتاه خود را مشغول می نمایم).

شاهمیر درکانی اصفهانی، تقی‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۹۹۱ ق)، شاعر، متخلص به تقی. مشهور به شاهمیر. اصل وی از خوراسگان اصفهان و از سادات صحیح‌النسب طباطبایی

بود. در اوایل جوانی بعد از تحصیل فضایل نفسانی، به هند مسافرت کرد و در آنجا ترقی زیاد نمود و نزد ابراهیم قطبشاه بیشتر از بیست سال منصب صدرات و مصاحبت پادشاه به وی تعلق داشت. بعد از فوت آن پادشاه از آن منصب استعفا کرد و به زیارت حرمین شریفین رفت و بعد از توفیق گذراندن حج و زیارت به هند بازگشت. وی در شاعری و شعرشناسی طبع صافی و ادراک وافی داشت، و گاهی در اثنای این حالات ابیات عاشقانه و اشعار شاعرانه بر لوح تحریر می‌نگاشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۷۳/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۸۹)، کاروان هند (۲۵۰ –۲۴۸ /۱)، هفت اقلیم (۴۰۶/۲).

شاهمیر دیلمی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. برادر میرک بیک وزیر شاه اسماعیل صفوی بود که چندی پس از برادر منصب وزارت داشت. وی مردی دانشمند و از شاگردان حاج محمود تبریزی بود. شاهمیر «دیوان» شعر نیز داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۹۲)، الذریعه (۵۰۱/۹)، لغت نامه (ذیل/ شاهمیر دیلمی).

شاهنگیان، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محسن شاهنگیان

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای سید محسن شاهنگیان در سال ۱۳۴۳هجری شمسی در خانواده ای متدین و کاملا آگاه به مسائل مذهبی در شهر تهران دیده به جهان گشود.نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۱ وارد دانشگاه امام صادق(ع) تهران گردید تا در کنار دروس دانشگاهی به تحصیل در دروس حوزوی هم بپردازد. ازنخستین روزهای ورود به دانشگاه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از محضر درس اساتیدی همچون آیت الله مصطفوی، آیت الله مهدوی کنی و استادحمید زنجانی، بهره ها برد.

استاد پس از فارغ التحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه امام صادق علیه السلام در سال ۱۳۶۸مدتی در خارج از کشور به عنوان رایزن فرهنگی مشغول به خدمت گردید.استاد سالهای متمادی است که به تدریس در دانشگاه های تهران مشغول است، و علاوه بر پژوهش مقالاتی از قبیل" تحلیل تصوری تصمیم گیری دولت"، "شرح حدیث ثقلین "و... را به رشته تحریر و زیور طبع آراسته است.

شاهوردی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی همشیره‌زاده‌ی عالیجاه حسین قلی خان قورچی باشی است بعد از فوت پدر به خدمت سرافراز شد. طبعش در سرودن شعر در کمال لطافت و نزاکت بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۰۹)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۱)، الذریعه (۵۰۲/۹).

شاهی

قرن:۱۰

جنسیت:زن

ملیت:ایران

نیمه دوم قرن دهم هجری، از زنان رقاص و شاعر. وی معاصر با حکیم ابوالفتح گیلانی (۹۹۷ ق) بود و با وی مطایبه داشت. بیتی نیز

در هجو او گفته است.[۱]

(س دهم ق)، شاعر. وی معاصر با حکیم ابوالفتح گیلانی بود و با وی مطایبه داشت و شاید خود اهل گیلان بوده باشد. بیتی نیز در هجو او گفته است.[۲]

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :[۱] منابع: حدیقةالشعراء، ۲۱۷۰ / ۳؛ روز روشن، ۴۰۹؛ زنان سخنور، ۲۸۶ / ۱.

[۲] تذکره‌ی روز روشن (۴۰۹)، حدیقه الشعراء (۲۱۷۰/ ۳)، زنان سخنور (۲۸۶/ ۱)، مشاهیر زنان (۱۳۵).

شاهی شیرازی، کمال‌الدین، فتح‌اللّه

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۹۸ ق)، عالم، قاضی و منشی. وی از طایفه‌ی سادات شاهی شیراز بود. او را از شاگردان حاج حسین یزدی، شارح «خلاصه» بهایی دانسته‌اند. قاضی محمدسعید قمی از شاگردان و راویان وی می‌باشد. از دیگر شاگردان وی ملا عبداللطیف بن اسماعیل جزایری عباسی است. او در شهر لار سالیانی عهده‌دار منصب قضاوت بود. سپس شاه سلیمان صفوی او را به اصفهان خواند و عهده‌دار منصب قضاوت آنجا کرد و وی کتاب «بدیع» را به نام شاه سلیمان نوشت. از آثار وی: «البدیع»؛ «التاریخ» یا «تاریخ شاه فتح‌اللّه»؛ «کتاب الامامه»؛ «ریاض الابرار فی مناقب الکرار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۹۳/۸)، الذریعه (۳۱۶/۱۱، ۲۵۹، ۷۲، ۷۱- ۳/ ۳۳۱/۲)، روضات الجنات (۳۳۰ -۳۲۹ /۵)، ریاض العلماء (۳۱۸ -۳۱۷ /۴)، ریحانه (۱۷۳/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۳۰ -۴۲۹ /۱۱)، فوائد الرضویه (۳۴۷ -۳۴۶)، معجم المؤلفین (۵۳- ۵۴ /۸).

شاهی، رستم علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط. وی از نزدیکان سلطان علی قاینی و عبدالرحیم و عبدالکریم خوارزمی و از خوشنویسان دربار سلطان یعقوب آق قوینلو (۸۹۶ -۸۸۴ ق) بود و به همین مناسبت «شاهی» رقم می‌کرد و به شیوه‌ی سلطانعلی مشهدی می‌نگاشت. از آثار وی: هشت قطعه در مرقعهای مختلف، به قلمهای دو دانگ و نیم دو دانگ و کتابت خوش، با رقم: «مشقه رستم علی شاهی غفر ذنوبه» و «مشقه رستم علی»؛ دو قطعه از مرقع سید احمد مشهدی، به قلم دو دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم: «مشقه رستم علی غفر ذنوبه»؛ چهارده قطعه از مرقع بهرام میرزا، به قلمهای سه دانگ و دو دانگ و نیم دو دانگ و کتابت خوش و یکی رقم دارد: «بفرموده‌ی حضرت شاه... مشقه رستم علی الشاهی...» و بقیه: «کاتبها رستم علی...» و «مشقه رستم علی الشاهی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۰۹ -۲۰۸ /۱)، هنر عهد تیموریان (۶۴۹).

شاهین برزانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر. از شعرای معاصر اصفهان است. تحصیلاتی ندارد ولی به مقتضای استعداد ذاتی گاهی اشعاری می‌سرود و به ماست بندی امرار معاش می‌کرد. «دیوانی» دارد مشتمل بر سه هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۶۵)، الذریعه (۵۰۳/۹).

شاهین فراهانی، فاطمه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۲- پس از ۱۳۰۵ ق)، شاعر، متخلص به شاهین. وی خواهر ادیب‌الممالک فراهانی بود. و از طرف پدر و مادر نسبش به قائم مقام فراهانی می‌رسید. شاهین در ادبیات فارسی و عربی مهارت کامل داشته و مقامش در شعر فارسی بنا به قول صاحب «خیرات حسان» همانند خنساء در شعر عربی است. «دیوان» او حدود دو هزار قصیده در مدح امام قائم (ع) و مظفرالدین شاه قاجار است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از رابعه تا پروین (۱۷۸ -۱۷۵)، الذریعه (۵۰۴ -۵۰۳ /۹)، ریاحین الشریعه (۴ -۳ /۵)، زنان سخنور (۲۸۸ -۲۸۷ /۱)، مشاهیر زنان (۱۷۸ -۱۷۷).

شایان، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۰۲، آمل.

درگذشت: ۲۶ مهر ۱۳۶۸.

رضا شایان (مازندرانی‌الاصل، فرزند عباس شایان که از آزادی‌خواهان و از اعضای حزب سوسیال دموکرات سلیمان میرزا اسکندری و آخرین سمت‌شان در دستگاه دولت معاونت اداره کل آمار و ثبت احوال کشور بود) لیسانسیه‌ی حقوق بود. در وزارت کار تا مدیریت کل اداره کل استان مازندران پیش رفت. از هواداران دکتر مصدق و جبهه ملی بود و وارد مبارزات ملی شدن نفت شد. به نیروی سوم گروید و از یاران خلیل ملکی و پیروان او بود. پیش از انقلاب در فعالیت‌های سیاسی مخفی دست داشت و عضو کمیته‌ی مرکزی جامعه‌ی سوسیالیست‌های ایران (وابسته به نهضت ملی) گردید و همراه با خلیل مکلی دستگیر و محاکمه و زندانی شد. با حسین سرشار و جمعی دیگر، از اعضای شورای جبهه ملی بود. اهل ذوق و ادب و شعر و به خصوص موسیقی ایرانی بود. سال‌ها برای تدوین فرهنگ مازندرانی صرف وقت کرد (هنوز به چاپ نرسیده است). پس از استخلاص از زندان تا هنگام فوت به وکالت دادگستری اشتغال داشت. وی بر اثر سکته‌ی قلبی درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شایان، سیاوش

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیاوش شایان در سال ۱۳۳۳ به دنیا آمد. او در رشته جغرافیای طبیعی تحصیلات آکادمیک را دنبال کرد و با اخذ دکترای ژئومرفولوژی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. وی از سال ۱۳۷۰ با تربیت معلم تهران و از سال ۱۳۷۵ همکاری خود را به عنوان استاد مدعو با گروه جغرافیای دانشگاه تهران آغاز کرد و هم اکنون نیز عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس می باشد. او ضمن ارائه مقالات تخصصی در همایشها و سمینارهای مختلف، آثاری نیز به رشته تحریر درآورده و باتوجه به همکاری نزدیکی که با نشریات تخصصی داشته برخی مقالات خود را در این نشریات به رشته تحریر درآورده است.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاتحصیلات رسمی و حرفه ای : سیاوش شایان پس از اتمام دوره دبیرستان، وارد دانشگاه تبریز شد و در سال ۱۳۵۸ لیسانس جغرافیای طبیعی را به اتمام رساند. پس از آن مقطع کارشناسی ارشد را در رشته جغرافیای طبیعی با گرایش اقلیم شناسی در دانشگاه تهران دنبال کرد و تا سال ۱۳۶۶تحصیلات این مقطع ادامه یافت. او سرانجام در سال ۱۳۷۹ به اخذ درجه دکترای جغرافیای طبیعی با گرایش ژئومرفولوژی نائل آمد.هم دوره ای ها و همکاران : سیاوش شایان با دکتر حسین شکویی، استاد گروه جغرافیای دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، دکتر فرج ا...محمودی.استاد ژئومورفولوژی دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران و دکتر عبدالرضا افتخاری، استادیار جغرافیای روستایی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس همکاری نزدیکی دارد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیاوش شایان به عنوان کارشناس برنامه ریزی وتالیف کتابهای درسی جغرافیا با سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی همکاری دارد. او همچنین از سال ۱۳۷۵به عنوان مدیر داخلی مجله رشد آموزش جغرافیا همکاری خود را آغاز و تاکنون ادامه دارد.فعالیتهای آموزشی : سیاوش شایان عضو هیات علمی گروه جغرافیای دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس می باشد. علاوه بر آن وی از سال ۱۳۷۰ با تربیت معلم تهران و از سال ۱۳۷۵ همکاری خود را به عنوان استاد مدعو با گروه جغرافیای دانشگاه تهران آغاز کرد.او تاکنون تدریس دروس زیر را به عهده داشته است: نام درس دوره ۱-جغرافیای ناحیه ای ایران(کوهستانی) کارشناسی ۲-ژئومرفولوژی شهری کارشناسی ۳-کاربرد ژئومرفولوژی دربرنامه ریزی شهری وروستایی کارشناسی ۴-جغرافیای طبیعی شهر(ژئومرفولوژی) کارشناسی ارشد ۵-اکوسیستم های محیطی کارشناسی ارشد ۶-مطالعات محیطی در برنامه ریزی روستایی کارشناسی ارشد ۷-مدیریت زیست محیطی دکتری ۸-ژئومرفولوژی ومدیریت محیط دکتری ۹ - برنامه ریزی محیطی کارشناسی ارشد ۱۰-واحدهای ژئومورفولوژی ایران کارشناسی ارشد ۱۱-متون جغرافیایی (شهری- روستایی-طبیعی و انسانی) کارشناسی و کارشناسی ارشد سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیاوش شایان با فصلنامه پژوهشهای جغرافیایی (موسسه جغرافیا دانشگاه تهران)، فصلنامه فرهنگان(موسسه فرهنگی علیمرادیان)، فصلنامه رشد آموزش جغرافیا (سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی)، کتاب ماه تاریخ وجغرافیا (وزارت فرهنگ وارشاداسلامی) و کتاب سال جمهوری اسلامی ایران همکاری دارد. او از داوران جشنواره خوارزمی به شمار می آید. از جمله فعالیتهای دیگر دکتر شایان عبارتند از: ۱-عضویت وشرکت در کمیته آموزشی ،کمیته ملی کاهش اثرات بلایای طبیعی،وزارت کشور،۷۵-۱۳۷۴ ۲-عضویت وشرکت در کمیته آموزشی زلزله،کمیته ملی سازمان پژوهشهای علمی کشور ،وزارت علوم ،تحقیقات وفناوری،۱۳۷۵ ۳-شرکت در کارگاه برنامه ریزی درسی وآموزش جغرافیا،مرکز آموزش مدیریت دولتی،تهران،۱۳۷۴ ۴-شرکت در کارگاه روشهای تدریس،دانشگاه تربیت مدرس ،تهران، ۱۳۷۹ ۵-عضویت وشرکت در کمیته برنامه ریزی درسی جغرافیا،سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی،۱۳۶۴تا کنون ۶-عضویت

در کمیته ایرانشناسی،سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی،۱۳۷۸تا کنون ۷-عضویت درهیئت تحریریه مجله رشد آموزش جغرافیا،۱۳۶۵تاکنون ۸-عضویت درهیئت تحریریه فصلنامه فرهنگان،۱۳۷۸تاکنون ۹-عضویت در انجمن جغرافیایی ایران۱۳۸۱ آرا و گرایشهای خاص : زمینه هـای مورد علاقه تحقیقاتی سیاوش شایان عبارتند از: ۱-ژئومرفولوژی کـاربردی (در برنامه ریزی های محیطی) ۲-اکوسیستم هـای کوهستانی وتغییر در مورفولوژی نـواحی کوهستانی ۳-هیـدرولوژی جریـانی(رودخانه ای) و اشـکال حاصـل از جریـان وتحولات ژئومورفولوژیکی حاصل از آن ۴- کاربردهـای علم سنجش از دور در مطالعات ژئومورفولوژیکی ۵- تحولات ژئومرفولوژی ایران طی کواترنر ۶- فرسایش آنتروپوژنیک (حاصل فعالیت انسان)ونتایج آن در تحولات آب ،خاک.گیاه ۷- مبناهای ژئومورفولوژیکی در ارزیابی های زیست محیطی

شایان‌فر، حیدرعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی برق، دانشکده: مهندسی برق، دانشگاه: علم و صنعت ایران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

شایانفر، حیدرعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حیـدر علی شایان فر متولد ۱۳۲۹ ش دارای دکترای رشـته کنترل و دینامیک سیسـتم‌های قدرت از دانشگاه ایالتی میشیگان، آمریکا، در سال ۱۳۶۱ است. وی عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صـنعت با درجه اسـتادی می باشد.گروه : فنی و مهندسیرشـته : مهندسی برقگرایش : کنـترل و دینامیـک سیسـتم‌های قدرتتحصـیلات رسـمی و حرفه ای : دانشگاه علم و صـنعت ایران، ۱۳۵۲ – کارشناسی دانشـگاه ایالتی وین، آمریکا، ۱۳۵۸ –کارشناسـی ارشد دانشگاه ایالتی میشیگان، آمریکا، ۱۳۶۱ – دکترا خاطرات و وقایع تحصـیل : وقایع میانسالی : حیـدر علی شایان فر پس از اخـذ مـدرک دکتری در رشـته کنترل و دینامیک سیسـتم‌های قدرت به عضویت هیئت علمی گروه دانشـکده فنی مهندسـی دانشـگاه علم و صـنعت درآمـد. وی هم اکنـون بـا سـمت اسـتادی در آنجـا مشـغول به خـدمت است.مشاغل و سـمتهای مورد تصـدی : حیـدر علی شایان فر عضوهیئت علمی و اسـتاد گروه مهندسـی برق دانشـکده فنی مهندسـی دانشـگاه علم و صـنعت است. فعالیتهـای آموزشـی : سوابـق تـدریس حیـدر علی شایـان فر به قرار زیر است: انـدازه‌گیری الکـتریکی مدارهای الکتریکی I و II بررسـی سیستم‌های قدرت I و II تجزیه و تحلیل سیسـتم مبانی مهندسـی برق I و II مدارهای جریان متناوب اصول کنترل مدرن کنترل فرایندهای اتفاقی کنترل دیجیتالی کنترل بهینه دینامیک سیستم‌های قدرت آرا و گرایشهای خاص : شبیه‌سـازی دینامیکی بلندمـدت سیسـتم‌های قـدرت روش مـدال برای طراحی معادل‌های دینامیکی کاهش‌یافته سیسـتم‌های قـدرت مدل دینامیکی بار برای مطالعه پایداری دینامیکی سیستم‌های قدرت مطالعات رویت‌شوندگی در سیستم‌های قدرت سقوط ولتاژ در شبکه‌های سیستم‌های قدرت کاربرد هوش مصـنوعی در سیستم‌های قدرت تخمین حالت در سیستم‌های قدرت کاربرد شبکه‌های عصـبی در شـبکه‌های توزیع برای بهبود پروفیـل ولتـاژ مـدل دینـامیکی انرژی الکتریکی کنترل بـار فرکـانس در سیسـتم‌های قـدرت تجدیدساختارشده کاربرد ادوات FACTS در سیستم‌های قدرت الکتریکی چگونگی عرضه آثار : حیدر علی شایان فر هدایت ۵۶ رسـاله دکتری، پایان نامه کارشناسـی ارشـد و پروژه کارشناسـی پایان یافته را برعهـده داشـته است. طرح‌های پژوهشـی دانشـگاهی: پدیـده دینامیک بلند مدت سیسـتم های قدرت، سال ۱۳۶۹. رویت پـذیری سیسـتم‌های قدرت به روش RCD، سال ۱۳۷۶. ارزیابی عملکرد واحـدهای سازمـانی دانشـگاه به منظور توسـعه مـدیریت، سـال ۱۳۸۰. روش هـای جدیـد در کنـترل، پایـداری و میراسـازی نوسانات سیستم های قدرت، سال ۱۳۸۰. کاربرد جبران کننده ها در سیستم های توزیع انرژی الکتریکی، سال ۱۳۸۴

آثـار : اضافه ولتاژهای قطع و وصل در شبکه های انتقال انرژی ویژگی اثر : تصـحیح –۱۳۶۸۲ انـدازه گیری الکتریکی ویژگی اثر : تصحیح –۱۳۷۴۳ بررسـی سیسـتم های قـدرت ویژگی اثر : دو جلـد – ترجمه –انتشارات دانشگاه علم و صـنعت ایران، سال ۱۳۸۲و تجدیـد چاپ در سال ۱۳۸۴. ۴ جزوات درسـی: تألیف و تدوین ۶ جزوه درسـی در مقاطع تحصـیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری: ۱- اصول کنترل مـدرن، سال ۱۳۸۰. ۲- دیامیک سیسـتم های قدرت، سال ۱۳۸۰. ۳- کاربرد نرم افزارMATLAB در حل مسایل کنترل، سال۱۳۸۰. ۴- بررسـی سیستم های قدرت، سال ۱۳۸۰. ۵- اندازه گیری الکتریکی، سال ۱۳۶۶. ۶- آزمایشگاه اندازه گیری، سال ۱۳۵۵. دینامیک و پایداری سیستم های قدرت ویژگی اثر : دو جلد – ترجمه – انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، سال ۱۳۸۴. ۶ عنوان طراحی و تجزیه و تحلیل مهندسـی سیسـتم انتقال توان الکتریکی ویژگی اثر : دوجلـدی- ترجمه – سال ۱۳۸۴۷ کاربرد MATLAB در علوم مهندسـی ویژگی اثر : تالیف–انتشارات مؤسسه انتشاراتی یاوریان، زمستان ۱۳۸۲۸ مهندسی ارتباطات دور ویژگی اثر : تصحیح –۱۳۶۶ منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

شایسته، نورالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: گیاه‌پزشکی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: ارومیه

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد در رشته پرورش و اصلاح نباتات از دانشگاه آنکارا ترکیه در سال ۱۳۴۳، دکترا در رشته دفع آفات نباتی از دانشگاه آنکارا در سال ۱۳۴۸.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه ارومیه از سال ۱۳۶۳ تا سال ۱۳۶۸، دانشیار دانشگاه ارومیه از سال ۱۳۶۸ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق و بررسی کنه‌های انباری و خانگی، دفع آفات گیاهی و آفات انباری، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

گیاه‌پزشکی، دفع آفات گیاهی، آفات انباری.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

گیاه‌پزشکی و آفات انباری.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

شایعی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین شایعی

محل تولد : کرج

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۵۸دیپلم گرفتم بلافاصله وارد دانشگاه شدم (رشته ریاضی دانشگاه تربیت معلم تهران) به علت تعطیلی دانشگاهها جهت تحصیل علوم حوزوی به دلیل علاقه ای که داشتم سال ۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و دوران مقدمات سطح عالی را در طی چهار سال گذراندم؛ به این صورت که مقدمات و ادبیات عرب و منطق مظفر را در طی یکسال تحصیلی نزد بعضی از طلاب فاضل خراسانی گذرانیدم و سال دوم لمعتین و معالم و اصول فقه مرحوم مظفر را و سال سوم و چهارم رسائل را نزد آقای اعتمادی و مکاسب و کفایه را نزد مرحوم آقای ستوده ودرسال ۶۳در درس خارج آقای وحید شرکت کردم اصول پنج سال و فقه یکسال و درس کتاب شریف رسائل شیعه را نزد (شامل فقه الحدیث مباحث رجالی و درایه)استاد بزرگوار جناب حاج سید احمد مددی در همان سال ۱۳۶۳آغاز کردم و بعدا در درس خارج فقه ایشان شرکت کردم و عمده فقه را با ایشان گذراندم همچنین از درس فقه مرحوم آقای حرم پناهی رضوان الله تعالی علیه نیز استفاده کردم و از ایشان اجازه اجتهاد گرفتم .

در سال ۶۸ وارد دانشگاه مفید قم رشته اقتصاد شدم و دو سال بعد انصراف دادم و مشغول کارهای حوزوی تدریس دروس حوزوی شدم در سال ۷۵با موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی همکاری کردم و تا به حال ادامه دادم در این موسسه ابتدا کتاب واجبات الصلاه مرحوم آقا مصطفی خمینی (ره) را تحقیق کردم و بعد از آن مسئولیت علمی آثار فقهی و اصولی حضرت امام به این حقیر داده شد و نیز مسئولیت علمی چاپ آثار مرحوم مصطفی خمینی را نیز ه عهده گرفتم و آثار ایشان و حضرت امام خمینی از سال ۷۵ تا تقریباً ۸۰ به چاپ رساندیم و الان برای چاپ مجدد آثار امام تحت عنوان مجموعه آثار امام خمینی بعنوان مشاور علمی و ناظر علمی در خدمت این موسسه می باشد

در ضمن به تدریس فقه و اصول در مدرسه علمیه معصومیه تقریباً از سال ۸۱ تا زمان حاضر مشغول می باشم سال ۷۹و ۸۰ را نیز در پژوهشگاه امام خمینی وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی به تدریس اصول در رشته کارشناسی ارشد فقه و حقوق اشتغال داشتم.

شایگان سالک، جلال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی شیمی، دانشکده: مهندسی شیمی، دانشگاه: صنعتی شریف

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

شایگان، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۰ –۱۲۸۱ ش)، استاد دانشگاه، حقوقدان و مترجم. در شیراز متولد شد. پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدارس شریعت و شعاعیه زادگاهش به تهران آمد، وارد مدرسه‌ی علوم سیاسی شد و بعد از اتمام دوره‌ی آن مدرسه، برای تکمیل تحصیلات در رشته‌ی حقوق به فرانسه رفت و دکترا گرفت. پس از بازگشت به کشور در دانشکده حقوق دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و سالیان دراز معاون دانشکده بود و پس از آن به معاونت وزارت فرهنگ و نمایندگی مجلس شورای ملی رسید. پس از ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ ش مدتی زندانی شد و پس از آزادی به امریکا رفت و در آنجا به تدریس اشتغال یافت. دکتر شایگان شعر هم می‌گفت ولی به ندرت. از آثار وی: «مقدمه‌ی حقوق مدنی ایران»؛ «امیدهای نو» برتراندراسل، ترجمه.[۱]

فرزند سیدهاشم مولی رهی شیراز، متولد ۱۲۸۰ است. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در موطن خود انجام داد و به شغل فرهنگی پرداخت. ضمن اشتغال به کار معلمی ، یک دوره‌ی کامل فقه و اصول و حکمت را نزد اساتید روز تلمذ نمود. حوالی سال ۱۳۰۳ به تهران آمد و دوره‌ی مدرسه‌ی عالی حقوق را گذراند. در سال ۱۳۰۷ جزء اولین دسته محصلین دولتی اعزامی به خارج شرکت کرد و به اروپا رفت و درجه‌ی دکترای حقوق از دانشگاه پاریس دریافت نمود. چندی هم در انگلستان به تحصیل حقوق و فلسفه پرداخت. در ۱۳۱۳ به ایران آمد و دانشکده‌ی حقوق که تازه بنیاد گرفته بود، او را به سمت دانشیاری برای تدریس حقوق مدنی استخدام کرد. پس از چندی از طرف علامه علی‌اکبر دهخدا رئیس دانشکده، به معاونت مشارالیه انتخاب گردید. در سال ۱۳۱۷ ولیعهد وقت از دانشکده‌ی حقوق بازدید کرد و شایگان معاون دانشکده نطقی ایراد نمود که سراپا تملق و مداهنه بود. در همان سال به عضویت سازمان پرورش افکار برگزیده شد. شایگان در کنار شغل استادی، به کار وکالت دادگستری هم پرداخت و در چند وزارتخانه از جمله وزارت دارائی مشاوری حقوق داشت. در ۱۳۲۴ که قوام‌السلطنه روی کار آمد و ملک‌الشعرای بهار را به وزارت فرهنگ معرفی کرد، شایگان معاون وزیر فرهنگ شد و در ترمیم کابینه که دکتر فریدون کشاورز وزارت گرفت، او کماکان معاون بود. در ترمیم سوم کابینه‌ی قوام، به وزارت فرهنگ منصوب گردید و کمتر از یک سال در آن سمت استوار شد ولی کار عمده‌ای نتوانست انجام دهد. چون سایر وزیران از تمام امکانات استفاده کرد. بعد از کنار رفتن از کابینه با دکتر مصدق پیوند دوستی زد و عضو جبهه ملی شد و در جبهه هم مقام دبیری یافت. در انتخابات دوره‌ی شانزدهم به اتفاق مصدق و چند نفر دیگر از اعضاء جبهه ملی، از تهران وارد مجلس شد. در تمام مدت نقش اقلیت داشت. نطقها و ایرادات وی در مجلس منطقی و مستند و محتوای بیشتری از سایر نمایندگان اقلیت داشت. در دوره‌ی هفدهم هم از تهران به مجلس رفت. داعیه‌ی ریاست مجلس و مقامات دیگر او را پرجوش و خروش کرد. بعد از کنار گذاردن آیت‌الله کاشانی از ریاست مجلس، بین او دکتر عبدالله معظمی کشمکش شروع شد. رای مخفی گرفتند. معظمی ۳۹ رای و شایگان ۳۵ رای آورد، درنتیجه با چندین رای اضافی، معظمی بر کرسی ریاست تکیه زد.

شایگان در روز ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ از رادیو تهران نطق جالبی ایراد نمود یعنی همان روزی که شاه از رامسر به بغداد و رم رفته بود و گفت آن متاعی که بایستی به تهران بیاید، به بغداد رفت و خیلی مطالب تند دیگر و زمینه را کاملا ـ برای ریاست جمهوری خود فراهم می‌نمود که کودتای ۲۸ مرداد به تمام تخیلات و آرزوهای او خاتمه داد. یک روز در اختفاء به سر برد. روز دوم در معیت دکتر مصدق و دکتر صدیقی به باشگاه افسران رفتند یا بردند و خود را در اختیار دولت گذاشت. چندی در باشگاه افسران بازداشت بود، بعدا به لشکر ۲ زرهی منتقل شد و محاکمه‌ای برای او ترتیب دادند و همزمان با دکتر مصدق، او را هم به دادگاه کشیدند. در محکمه‌ی فوق‌العاده به رهبر جبهه ملی احترام گذاشت و طوری عمل کرد که همه او را تحسین می‌کردند و سرانجام حکم محکومیت او برای مدت ده سال صادر شد. دو سال در زندان به سر برد که مورد عفو واقع شد. پس از آزادی، چندی در تهران می‌زیست تا اجازه‌ی خروج از کشور گرفت و آمریکا را برای ادامه‌ی زندگی انتخاب کرد. در آنجا ساکت نماند و فعالیت خود را علیه رژیم پهلوی ادامه داد و وجود او پایگاهی برای دانشجویان مقیم آمریکا بود. وفات او در سن ۸۰ سالگی در آمریکا اتفاق افتاد. شایگان مردی دانشمند، حقوقدان، ادیب و در عین حال خودخواه، لجوج، عوام فریب و پرتوقع بود. غالبا در اعلامیه‌های انتخاباتی، خود را «سقراط ایران» معرفی می‌کرد. هنگام تدریس فوق‌العاده قدرت استادی را نشان می‌داد و کلاسش محل اجتماع شیفتگان علم و دانش بود. مطالب حقوقی را با امثله سیاسی و اجتماعی شیرین‌تر می‌کرد. وی طبع شعر هم داشت و شعر نیکو و محکم می‌سرود. معروفترین شعرش «وطن چیست» می‌باشد که حتی در کتب درسی هم ثبت شده است. وی در جوانی با خانواده‌ی شیبانی وصلت کرده بود. دختر ذکاءالسلطنه شیبانی همسر او بود. شایگان در بین دوستان و دانشگاهیان، به «شراب شور» شهرت گرفته بود.

شاعر، حقوقدان، محقق.

تولد: ۱۲۸۱، شیراز.

درگذشت: ۲۳ اردیبهشت ۱۳۶۰، آمریکا.

سید علی شایگان، فرزند حاج سید هاشم، پس از انجام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدرسه‌های شریعت و شعاعیه شیراز، و نیز فراگیری ادبیات فارسی و زبان عربی در مدارس قدیمه، در مدرسه‌ی علوم سیاسی تهران به تحصیل پرداخت و لیسانس حقوق را گرفت. سپس در سال ۱۳۰۶ با دانشجویان دوره‌ی اول به پاریس رفت و تحصیلات خود را در رشته‌ی حقوق در آنجا به پایان رسانید و در سال ۱۳۱۲ موفق به دریافت دکترای حقوق شد. پس از بازگشت به ایران در دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. سال‌ها معاون دانشکده‌ی حقوق بود. بعدها وی کرسی استادی حقوق مدنی را در دانشگاه تهران احراز نمود. سپس به معاونت وزارت فرهنگ رسید و مدتی در کابینه‌ی قوام‌السلطنه به عنوان وزیر فرهنگ بود، همچنین در دوره‌ی هفدهم مجلس شورای ملی نماینده‌ی تهران شد. وی از بنیان‌گذاران جبهه‌ی ملی به شمار می‌آمد. پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به زندان افتاد و سرانجام پس از آزادی از زندان به آمریکا رفت و همان جا ساکن شد در ضمن در دانشگاه‌های آنجا نیز تدریس می‌کرد. در سال ۱۳۵۸ برای مدتی کوتاه به ایران آمد سپس به آمریکا مراجعت کرد.

در جوانی مدتی به معلمی پرداخت و زمانی که در شیراز بود در انجمن سالار شرکت می جست. گاهی شعر می‌گفت. اشعارش حاوی مضامین وطن دوستی و تشویق به تحصیل دانش و به مبارزه با جهل و بی‌سوادی است.

فهرست آثار شایگان به شرح زیر است. حقوق مدنی ایران (چند بار تجدید چاپ شده است)؛ ترجمه‌ی کتاب امیدهای نو در جهانی که در حال تغییر است (تألیف رتراند راسل، از انگلیسی به فارسی، تهران، ۱۳۳۶.) کتاب خاطرات او تا هنگام فوتش به طبع نرسیده بود.

سید علی شایگان سرانجام به سال ۱۳۶۰ در آمریکا درگذشت و پیکرش را برای دفن به ایران منتقل نمودند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۷، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۹۳۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۳۷ -۲۳۴ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۲۷۴- ۲۷۵).

شب زنده دار، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی شب‌زنده‌دار

محل تولد : داراب فارس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

حجةالاسلام‌والمسلمین مهدی شب‌زنده‌دار در سال ۱۳۳۲ در داراب متولد شد؛ البته او بزرگ شده شهر قم است و پدرش که در کسوت مقدس روحانیت بود، در تابستان به همراه خانواده به داراب سفر کرده بود که فرزندش در همان جا متولد شد.حجةالاسلام‌والمسلمین شب‌زنده‌دار تحصیلات دورهٔ دبستان را به پایان رساند و یک سال نیز به دبیرستان رفت. پس از آن وارد حوزهٔ علمیه قم شد. او که قسمتی از دروس مقدمات و دورهٔ سطح را نزد پدر خود آیةالله شیخ حسین شب‌زنده‌دار خوانده بود، مغنی را نزد آیةالله جنتی، رسائل را نزد حضرات آیات مصلحی، طاهری و مؤمن آموخت و برای فراگیری مکاسب به نزد حضرات آیات شب‌زنده‌دار، مؤمن، مشکینی و ستوده رفت. استادان او در کفایه حضرات آیات مؤمن و سبحانی بودند. حجةالاسلام والمسلمین شب‌زنده‌دار کشف المراد را نزد آیةالله حسینی کاشانی، بخشی از شرح منظومه را نزد حضرات آیات مؤمن، مفتح و صالحی مازندرانی و بخش‌هایی از اسفار رانزد آیةالله سید رضا صدر، آیةالله امینی و آیةالله انصاری شیرازی فرا گرفت. قسمتی از شفا را نزد آیةالله جوادی آملی و بخشی از اشارات را نزد آیةالله حسن‌زاده آملی آموخت.حجةالاسلام‌والمسلمین شب‌زنده‌دار با پایان یافتن دوره سطح به درس خارج آیات عظام شیخ کاظم تبریزی، شیخ مرتضی حائری، وحید خراسانی و شیخ جواد تبریزی رفت و از محضر آنان بهره‌های بسیار برد. حجةالاسلام‌والمسلمین شب‌زنده‌دار سالها به تدریس دروس دوره سطح پرداخته و شرحی نیز بر قسمتی از تحریرالوسیله نگاشته است. او مدیر مؤسسه و مدرسه بقیةالله(عج) است. حجةالاسلام والمسلمین شب‌زنده‌دار هم اکنون در قم حضور دارد و به تربیت طلاب می‌پردازد و علاوه بر عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نمایندگی شورای عالی در هیأت امنای مرکز جهانی علوم اسلامی و سازمان مدارس خارج از کشور و نیز عضویت در مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان را به عهده دارد.

شباب بروجنی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۱ ش)، شاعر. در قصبه‌ی بروجن متولد شد. در مکتبهای محلی تصحیل کرد و شغلش بزازی بود. اشعار زیادی سروده. از اوست:

شد جهان رشک جان چون فرودین آمد فراز

تکیه زد بر تخت شاهی گل به صد تمکین و ناز

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۶۷ -۲۶۶)، الذریعه (۵۰۵/۹).

شباب رامینی، محمدحسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق) شاعر. در دوره‌ی محمود خان افغان می‌زیست و در این زمان به شاعری نام برآورد. از اشعار اوست:

گهی ز گلشن کویت نیامدم بویی

به طوق زلف مگر گردن صبا دارد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۱۱)، الذریعه (۵۰۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۹۵ -۴۹۴)، مخزن الغرائب (۹۶۹/۲).

شباب شوشتری، عباس، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۴ -۱۲۵۰ ق)، شاعر، متخلص به شباب. وی در شهر شوشتر متولد شد و در همان جا زندگی می‌کرد و به مدح بزرگان و حاکمان وقت می‌پرداخت. شباب شاگرد شیخ جعفر شوشتری بود و تخلص خویش را از او گرفت. «کلیات» اشعار وی که با «تحفه الاحباب» آغاز و با «رباعیات» پایان می‌پذیرد با عنوان «جامع المحسنات» ابتدا در بمبئی و سپس به سال ۱۳۳۶ ش در اصفهان چاپ شده است. قسمتی از اشعار وی در «مخزن الدرر» آورده شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۸۳۲ -۸۳۱ /۲)، الذریعه (۵۰۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۹۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۷/۳).

شباب کرمانشاهی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۲ -۱۲۳۲ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به شباب. محمدجواد در کرمانشاه متولد شد و در زادگاه خود به تحصیل علم پرداخت. در سال ۱۳۰۴ ش روزنامه‌ی «فصاحت» را در کرمانشاه تاسیس و تا سال ۱۳۰۹ ش منتشر کرد. وی شاعری توانا بود و در سرودن قصیده و غزل مهارت داشت. جنازه‌اش را به نجف انتقال دادند و در آنجا دفن کردند. از آثار وی: «شکر ستان»، شعر؛ «مخزن اللئالی»، شعر؛ «کلیات» اشعار شباب متجاوز از پنجاه هزار بیت، شامل منظومه‌های: «نشاط شباب»، «چشمه‌ی نوش»، «دبستان معرفت»، «تیر شهاب»، «پریشان»، «لسان العاشقین» و «کیمیای سعادت»؛ «مرثیه چراغ برق»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۸۲ -۸۱ /۴)، الذریعه (۵۰۶ -۵۰۵ /۹)، سخنوران نامی معاصر (۱۹۱۶ -۱۹۱۲ /۳)، فرهنگ سخنوران (۴۹۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴۱۷ -۴۱۶ /۲).

شبانکاره ای، محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۶۹۷ ق)، نویسنده، مورخ و شاعر. در ولایت شبانکاره‌ی فارس به دنیا آمد و پس از کسب کمالات به شاعری پرداخت. وی مداح خواجه غیاث‌الدین محمد بن رشیدالدین فضل‌اللّه، وزیر سلطان ابوسعید بهادرخان (آخرین پادشاه مغول) بود و قصایدی در مدح او سرود. از آثار وی می‌توان از کتابی به نام «مجمع الانساب» نام برد که تألیف آن را در ۷۳۳ ق آغاز نمود و در ۷۳۶ ق به پایان برد و آماده‌ی تقدیم به سلطان ابوسعید (م ۷۳۶ ق) کرد و به همین قصد کتاب را در اختیار خواجه غیاث‌الدین محمد نهاد در همین زمان سلطان ابوسعید درگذشت و با دگرگونی دولت ایلخانی، خواجه غیاث‌الدین نیز به قتل رسید و ربع رشیدی به غارت رفت که در این میان کتاب محمد شبانکاره‌ای هم مفقود شد. به همین سبب او دوباره به تألیف کتاب پرداخت و در ۷۴۳ ق آن را

به اتمام رساند و وقایع مربوط به اواخر عهد ابوسعید را نیز بر آن افزود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۷۰ -۱۲۶۹/ ۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۸۳ -۱۸۲)، تاریخ مغول (۵۲۲ -۵۲۱)، الذریعه (۱۹/ ۲۰)، فرهنگ سخنوران (۸۱۴)، مجمع الانساب (مقدمه).

شباهنگ رازی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۸۰ ق)، شاعر. وی از نجبای سادت تهران بود. چنـدی به کسب پرداخت، ولی پس از مـدتی از کسب دست کشـید. قصایدش در مدایح معصومین سلام‌اللَّه‌علیهم است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :حدیقه الشـعراء (۸۳۴ -۸۳۳ /۲)، الـذریعه (۵۰۶/۹)، طرائق الحقـائق (۵۸۳/۳)، فرهنگ سـخنوران (۴۹۵)، المآثر و الآثار (۲۰۴)، مجمع الفصحا (۴۷۰/۴).

شباهنگ، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر رضا شباهنگ درسال ۱۹۷۰(۱۳۴۹ شمسـی) تحصـیلات خود را در دانشگاه سیراکیوز نیویورک تکمیل کردند و به اخذ درجه دکتری در رشـته مدیریت بازرگانی با گرایش حسابداری نائل آمدند. ایشان ازآن پس به تدریس در دانشگاههای ایران و مطالعه و تحقیق و تالیف کتاب پرداختنـد. دکتر شـباهنگ کارتدریس دروس حسابداری را از دانشگاه ملی سابق (دانشـگاه شـهید بهشتی) و مؤسـسه عـالی حسابـداری شـروع کردنـد و پس از انقلاب اسـلامی ایران در دانشـکده علوم اداری دانشگاه تهران, دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه آزاد اسلامی (دوره عالی تحقیقات) به تدریس پرداختند. ایشان درحال حاضربه عنوان عضو هیئت علمی و رئیس گروه مـدیریت دوره عالی تحقیقات دانشـگاه آزاد اسـلامی فعالیت داشـته و با سـمت اسـتادی به تـدریس در دوره دکترای مدیریت اشـتغال دارند. دکتر شـباهنگ درسال ۱۳۵۱ در زمـانی که کتابهـای اصول حسابـداری به زبـان فارسـی در ایران انگشت شـمار بود, کتـاب تئوریهـای حسابـداری راتـالیف کردنـد. تسـلط ایشـان به مبحث تئوریهـای حسابـداری و نیـاز مبرم دانشپژوهان دوره دکترای حسابـداری به کتـابی مرجع دراین مبحث موجب شـده است که ایشـان تـالیف کتـاب جدیـدی با همین عنوان را در برنامه کار خود قراردهنـد. آقـای دکـتر شـباهنگ از سـال ۱۳۶۵ همکـاری خـود را بـا مرکز تحقیقـات تخصصـی حسابـداری و حسابرسـی سازمـان حسابرسـی آغـاز کردنـد که هنوز ادامه دارد. ثمره این همکـاری انتشار کتابهای متعـدد در زمینه های حسابـداری مالی, حسابـداری مـدیریت, مـدیریت مـالی و حسابرسـی عملکرد بوده است. آثـار ارزنـده دکتر شـباهنگ توجه محافل علمی را به خود جلب کرده و چندین جایزه را به خود اختصاص داده است. کتابشناسی دکتر رضاشباهنگ

تئوری حسابداری, چاپ سوم, مؤسسه عالی حسابداری,۱۳۷۳

استفاده از ماشینهای محاسب الکترونیک در مدیریت, مؤسسه عالی حسابداری, ۱۳۵۱

حسابداری مالی (جلد اول), چاپ ششم, مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی,۱۳۸۰

حسابداری مالی (جلد دوم), چاپ ششم, مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی,۱۳۸۰

حسابـداری صـنعتی, (جلـد سـوم) چـاپ هشـتم, مرکز تحقیقـات تخصصـی حسابـداری و حسابرسـی سازمـان حسابرسـی,۱۳۸۰ (کارمشترک با عزیز عالی ور)

استفاده از تکنیکهای آماری در حسابرسی, چاپ دوم, مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی, ۱۳۷۴ (مورد تقدیر در نهمین دوره کتاب سال ۱۳۷۰)

راهنمای بکارگیری اصول پـذیرفته شـده حسابـداری, مارتین ای میلر, چاپ دوم, مرکز تحقیقات تخصصـی حسابداری وحسابرسـی سازمان حسابرسی,۱۳۷۷

حسابرسـی عملکرد مدیریت, مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری وحسابرسی سازمان حسابرسی, ۱۳۷۳ (مورد تقدیر در سیزدهمین دوره کتاب سال ۱۳۷۵)

مدیریت مالی (جلد اول), چاپ سوم، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی, ۱۳۷۵

مدیریت مالی (جلد دوم), مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی, ۱۳۷۴

حسابـداری پیشـرفته ـ صورتهـای مـالی تلفیقی (جلـد اول), چـاپ دوم, مرکز تحقیقـات تخصصـی حسابـداری وحسابرسـی سازمـان حسابرسی, ۱۳۷۹ (مورد تقدیر در هفدهمین دوره کتاب سال ۱۳۷۸)

حسابداری مدیریت (با تجدیدنظر کامل), چاپ ششم, مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی, ۱۳۷۸

حسابداری پیشرفته (جلد دوم), مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی, ۱۳۷۹

شبستری، سعدالدین، نجم‌الدین محمود

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۲۰/۷۱۹/۷۱۸ –۶۸۷ ق)، عارف و شاعر. در شبستر از قراء نزدیک تبریز متولد شد و تربیتش در تبریز صورت گرفت و در تصوف مرید و شاگرد شیخ بهاءالدین یعقوب تبریزی بود و علاوه بر این در سفرهای درازی که داشته به خدمت مشایخ بزرگ رسیده و از آنان کسب فیض کرده بود. به سبب جامعیتی که شیخ شبستری در علوم معقول و منقول کسب کرده بود به زودی شهرت و مرجعیت یافته و با مشاهر عصر خود مراوده و مکاتبه داشت. ضمن سفرهایی که در ایران و خارج از ایران کرد چندی نیز در کرمان رحل اقامت افکند و اولاد و احفاد او در آن سامان باقی ماندند و طایفه‌ای را به نام خواجگان تشکیل دادند. با آن که وی در جوانی درگذشت، چند اثر از او به نظم و نثر باقی مانده که مهمتر از هه آنها «گلشن راز» است. «گلشن راز» منظومه‌ای است به بحر هزج مسدس مقصور یا محذوف در ۹۹۳ بیت که شیخ آن را در جواب هفده سوال منظوم میر سید حسین حسینی هروی، صوفی معروف، سرود. شیخ محمود در سن سی و سه سالگی درگذشت. مقبره‌ی شیخ در قصبه‌ی شبستر باقی و زیارتگاه مردم است و در آن مقبره شیخ در کنار استادش شیخ بهاءالدین یعقوب به خاک سپرده شده است از دیگر آثار منظوم وی: «مرآه المحققین»؛ «حق الیقین فی معرفه رب العالمین»؛ «سعادت نامه».[۱]

(شبستر) (شیخ) سعدالدین محمود بن عبدالکریم عارف معروف (ف. شبستر ۷۲۰ ه.ق.). وی در قصبه شبستر تولد یافت و نشو و نمای او در همان حدود بود. در عهد اولجایتو و ابوسعید شهرت یافت و در عداد علما و فضلای تبریز درآمد. شبستری در جواب سؤالات امیر سید حسینی هروی عارف خراسانی و خلیفه شیخ بهاءالدین ملتانی مثنوی گلشن راز (ه.م.) را به نظم درآورد. وی شاعر نبود و پیش از این مثنوی هم هرگز شعر نگفته بود ولی رسایلی راجع به مباحث او به نثر حق‌الیقین در مسایل دینی و شاهدنامه است. برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۱۴۲ –۱۳۸ /۱)، از سعدی تا جامی (۱۹۴ –۱۸۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۹۰، ۷۷۱ –۷۶۳ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۷۰ –۱۶۹)، جستجو در تصوف (۳۲۶ –۳۱۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۳۸ –۳۳۴)، دایرةالمعارف فارسی (۲۷۰۳/۳)، الذریعه (۲۸۴/۲۰، ۱۸۲/۱۲، ۴۲/۷)، روضات الجنات (۱۲۱/۸)، ریاض العارفین (۱۴۱ –۱۳۸)، ریحانه (۱۸۰ –۱۷۹ /۳)، سخنوران آذربایجان (۱۵۲)، شعر فارسی از آغاز تا امروز (۱۳۱ –۱۲۹)، صبح گلشن (۳۸۴)، طرائق الحقائق (۷۳۳، ۳۵۱ /۳)، الکنی و الالقاب (۳۵۳/۲)، لغت نامه (ذیل/ شبستری)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷ –۵۴ /۶)، مجالس العشاق (۱۸۵ –۱۸۲)، مجمع الفصحا (۵۹/۲)، معجم المؤلفین (۱۷۴/۱۲)، هفت اقلیم (۲۱۵ –۲۱۳ /۳).

شبستری، شیخ محمود

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ سعدالدین محمود بن امین الدین عبدالکریم بن یحیی شبستری از عرفا و شعرای نامی قرن هفتم و هشتم هجری است. او در سال ۶۸۷ه. در ایام سلطنت کیخاتوخان در قصبه شبستر واقع در هشت فرسخی تبریز متولد شد و در عهد سلطان محمد خدابنده و ابوسعید بهادرخان در شهر تبریز مرجع علما و مضلا بود. شبستری پس از کسب دانش در تبریز به مسافرت در شهرهای مختلف پرداخته و در سفر به مصر، شام، حجاز از علما و مشایخ این سرزمین ها کسب دانش توحید کرده است. او خود در این باره می گوید: مدتی من زعمر خویش مدید صرف کردم به دانش توحید در سفرها به مصر و شام و حجاز کردم ای دوست روز و شب تک و تاز سال و مه هم چو دهر میگشتم ده به ده و شهر شهر می گشتم گاهی از مه چراغ می کردم گاه دور چراغ می خوردم علما و مشایخ این من بس که دیدم به هر نواحی من جمع کردم بسی کلام غریب کردم آنگه مصنفات عجیب هم چنین شیخ محمد در سفری به کرمان در آنجا تاهل اختیار کرده و در آن شهر اولاد و احفادی از او به وجود آمده است که جمعی از ایشان اهل قلم و کمال بوده و به خواجگان شهرت یافته اند. شبستری پسری به نام عبدالله داشته که جوانی فاضل و کامل و ماهر در علوم مختلف به خصوص ریاضی بوده است. وی در سال ۹۲۶ه. از جانب سمرقند به درباز روم رفته و سلطان سلیم او را تعظیم بسیار کرده است. شیخ عبدالله مثنوی به نامه شمع و پروانه به نام سلطان سلیم سروده و نیز رساله ای به زبان فارسی در قواعد معما به نام سلطان مذکور نوشته است. شبستری سرانجام به تبریز باز گشته و در سال ۷۲۰ه. در ۳۳ سالگی وفات یافته و در شبستر وسط باغچه گلشن در جوار مزار استادش بهءاالدین یعقوبی تبریزی مدفون شده است. بعضی ها معتقدند که چون شبستری وصیت کرده که او را پای مزار شیخ بهاءالدین دفن کنند و سال وفات بهاءالدین ۷۳۸ه. است و هم چنین چون باباابی سبشتری در مرض موت شبستری حاضر بوده و در همان ماه وفات شبستری فوت نموده و تاریخ وفات باباابی ۱۷ ربیع الاول سال ۷۴۰ه. است؛ پس سال وفات شبستری هم باید ۷۴۰ه. باشد ضمنا با توجه به تجدید عمارت های مکرر مقبره شبستری احتمال آن داده شده که تاریج فوت نوشته شده بروی مزارش تغییر کرده باشد. بعضی از معاصران، تاریخ وفات شیخ محمود را همان ۷۲۰ه. پذیرفته اند ولی تولد او را پیش از سال ۶۸۷ه. حدس زده اند و دلیل آن را هم بعید بودن ۲۶ سالگی شبستری برای شهرت فراوان او در عهد خدابنده ذکر کرده اند. شبستری پیرو مذهب

سنت و جماعت و معتقد به عقاید اشعریان بوده است. لاهیجی شارح گلشن راز شیخ و مرشد شبستری را امین الدین می نویسد. خود شیخ محمود نیز در مثنوی سعادت نامه از امین الدین یاد میکند: شیخ و استاد من امین الدین دادی الحق جوابهای چنین برخی هم استاد او را بهاءالدین یعقوبی تبریزی دانسته؛ اما با استنباط از عبارت صاحب روضات الجنان میتوان هر دوی آنها را از اساتید وی دانست. آثار شبستری: الف- آثار منظوم (ا- گلشن راز، ۲- سعادت نامه) ب- آثار منثور (۱- حق الیقین فی معرفهٔ رب العالمین، ۲- مرآهٔ المحققین، ۳- شاهد یا شاهد نامه)

منابع زندگینامه :پایگاه یاد یار

شبستری، عبدالله

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، دانشمند و شاعر. وی در ریاضی دست داشت و ساکن ماوراءالنهر بود و ولی در سال ۹۲۶ ق به خاک عثمانی رفت و سلطان سلیم وی را اعزاز بسیار کرد و هر روز سی آقچه به او می‌داد و هر دو یا سه ماه پنج هزار آقچه برای او می‌فرستاد. او در این سفر مثنوی «شمع و پروانه» را به نام آن پادشاه سرود و نیز رساله‌ای در معما نوشت.[۱]

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر و نویسنده. از فرزندان شیخ محمود شبستری بود. وی علاوه بر شاعری در ریاضی نیز دست داشت. در سمرقند می‌زیست. در ۹۲۶ ق به عثمانی رفت و با قصیده‌ای به زبان فارسی بر تخت نشستن شاه سلیمان اول را شادباش گفت. سلطان روزی سی اقچه‌ی عثمانی برایش مستمری تعیین کرد. او در همان سالهای نخستین پادشاهی سلیمان درگذشت. از آثار وی: «شمع و پروانه»؛ «حاشیه‌ی شرح تجرید»؛ «حاشیه‌ی شرح مطالع» میرسید شریف؛ «رساله‌ای در چیستان».[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ نظم و نثر (۳۴۰ -۳۳۹)، منظومه‌های فارسی (۳۵۶).

[۲] تاریخ نظم و نثر (۳۹۱ -۳۹۰)، دانشمندان آذربایجان (۲۶۷ -۲۶۶).

شبستری، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی بن حسن شبستری عالمی فاضل از رجال فضل در تبریز و از اهل علم و معرفت و کمال و صلاح و ورع بوده و دارای آثاری از جمله کتاب (جنهٔالصائمین) و کتاب (زبدهٔالانوار لتحفهٔالاخبار) بوده و در سال ۱۳۰۹ ق وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شبستری، علی بن حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۹ ق)، عالم دینی و زاهد. وی از رجال فضل و فضیلت تبریز بود. از آثار وی: «جنه الصائمین»، به فارسی؛ «زبده الانوار لتحفه الاخبار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۵۹/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۸۵/۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۹ -۳۷۸ /۵).

شبستری، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا کاظم آقای شبستری از علماء و مفاخر بزرگ شهرستان شبستر است.

علماء معاصرین گویند آن بزرگوار عالمی محقق امجد و فاضل مدقق اوحد فخرالشیعه و رکن الشریعه الشیخ الثقهٔ الجلیل والفقیه العدل النبیل الواصل عواطفه علی الحاضر والبادی والمؤید بنعم اللّه و الایادی سناد العلم الشامخ و عماد الفضل الراسخ آن عالم یگانه از دعاهٔ دین و ملت و حماهٔ شرع و سنت و حمله اخبار و حفاظ آثار اهل‌بیت اطهار علیهم الصلوهٔ والسلام معدود می‌گردد.

در کلیه موجبات تقدم و اسباب تفوق و وسائل براعت و ادوات رفعت حائز مقام منیع و فائز رتبه رفیع می‌باشد نه تنها در کسبیات از قبیل فن کلام و اصول عقاید و مهمات معارف و امهات ریاضیات و علم معقول و منقول و قسمت فقه و اصول و معرفت تفسیر و ضاعت اعراب و شعب ادب از احاد است بلکه در موهبیات نیز مانند حصافت عقل و حصانت فکر و اصالت رای و اصابت خاطر و مناعت جانب و سعه صدر و ملکه جود از افراد نمومه به شمار می‌رود.

در ایام جمعه و وفیات ائمه علیهم الاف الثناء والتحیهٔ و مواقف شریفه و اوقات متبرکه مردم از هر طرف و محلات دوردست برای استفاده از بیانات وافیه و تحقیقات کافیه معظم له بپای منبر ایشان اجتماع می‌کنند و منبر و صحبتش جامع و نافع همه طبقات ناس که هرکس بحسب استعداد خود از انوار کلمات شریفه‌اش اقتباس می‌نماید.

تولد آنجناب در سال ۱۳۰۷ ق واقع شده والد مرحومش آقا میرزا علی اشرف شبستری از شاگردان مرحوم علامه انصاری و واجد مقامات عالیه علم و فضل و تقوا و حائز ملکه استنباط بوده و مصنفات و مؤلفاتی در فقه و اصول دارد که بطبع نرسیده و نزد فرزند فاضلش موجود می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شبستری، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مرتضی بن السید الجلیل السید رضی‌الدین بن العلم العلام حاج سید محمد بن العلامهٔ الکبری حاج سید اسماعیل (شبستری معاصر شیخنا الانصاری) از علماء مبرز و گویندگان متبحر معاصر تهرانست.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شبستری، نصراللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۰– ز ۱۳۹۲ ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس. در تبریز متولد شد، مقدمات و سطوح را در زادگاهش خواند. سپس به قم مسافرت کرد و در فقه و اصول شاگردی آیت‌اللّه حجت کوهکمری را نمود. آنگاه به نجف رفت و از محضر آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه شیخ محمدحسین غروی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و پس از آنان از آیت‌اللّه حکیم و آیت‌اللّه خویی و آیت‌اللّه میرزا باقر زنجانی استفاده‌ی کامل نمود. دوره‌ی فلسفه و حکمت را از آقا شیخ صدرا بادکوبه‌ای فراگرفت و با اجازات عدیده اجتهاد و روایت به وطن بازگشت و در تبریز به انجام وظائف دینی و اقامه‌ی نماز جماعت و تدریس پرداخت. از آثارش: «زندگانی حضرت لقمان حکیم» به نام «در یتیم»؛ «هدایه الاقران الی اخبار لقمان الحکیم» و مختصر آن «الکلمه الطیبه»، در نصایح لقمان حکیم؛ «اللولو النضید فی شرح زیاره مولینا ابی عبداللّه الشهید (ع)»؛ مقدمه و تعلیقات بر «آداب الصلاه» علامه مجلسی؛ کتاب «وفادار باشید».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۷۰/۲۵، ۱۲۵/۱۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۸۰ –۳۷۹ /۵، ۳۱۹ –۳۱۸ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۲ –۵۸۱ /۶).

شبلی خراسانی، ابوبکر دلف

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۳۴ –۲۴۷)، صوفی، فقیه و محدث. اصل وی از شبلیه‌ی اسروشنه ماوراءالنهر بود. در سامراء به دنیا آمد و در بغداد نشو و نما کرد. پدرش از پرده‌داران خلیفه بود. شبلی صحبت جنید و حلاج و خیرالنساج را درک کرد و یکی از مشایخ بزرگ صوفیه گشت. او فقیه عارفی در مذهب مالک بود، گرچه عده‌ای او را امامی دانسته‌اند. وی از محدثین حدیث روایت و کتابت می‌کرد. شعر می‌سرود و الفاظ و حکم و نوادر و حکایات بسیار از او نقل شده است. از او پرسید که نشانه‌ی عارف چیست؟ گفته: سینه‌ای مشروح، قلبی مجروح و جسمی مطروح. نسبت به تعظیم شرع مطهر سعی بسیار می‌نمود. محمد بن عبداللّه رازی و محمد بن حسن بغدادی و منصور بن عبداللّه هروی از شاگردان وی می‌باشند. در بغداد درگذشت و در مقبره‌ی خیزران دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱ –۲۰ /۳)، تاریخ بغداد (۳۹۷ –۳۸۹ /۱۴)، تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (۳۴۹ –۳۴۸)، ترجمه‌ی رساله قشیریه (۷۲ –۷۱)، تذکره الاولیاء (۱۸۲ –۱۶۰ /۲)، تعلیقات اسرار التوحید (۷۰۳)، جستجو در تصوف (۱۵۸ –۱۵۱)، حلیه الاولیاء (۳۷۵ –۳۶۶ /۱۰)، دائرةالمعارف الاسلامیه (۱۶۷ –۱۶۵ /۱۳)، دائرةالمعارف البستانی (۴۱۱ –۴۰۹ /۱۰)، دایرةالمعارف فارسی (۱۴۵۲ –۱۴۵۱ /۲)، روضات الجنات (۲۲۹ –۲۲۵ /۲)، ریحانه (۱۸۲ –۱۸۰ /۳)، سیر النبلاء (۳۶۹ –۳۶۷ /۱۵)، طبقات الصوفیه هروی (۴۴۹ – ۴۴۸)، کارنامه‌ی بزرگان (۶۰ –۵۹)، الکامل (۳۲۲/۶)، کشف المحجوب (صفحات متعدد)، الکنی و الالقاب (۳۵۴ –۳۵۳ /۲)، لغت نامه (ذیل/ ابوبکر)، مبانی عرفان و احوال عارفان (۳۳۴ –۳۲۶)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۳۳۴)، نفحات الانس (۱۸۷ –۱۸۳)، وفیات الاعیان (۲۷۶ –۲۷۳ /۲)، هدیه الاحباب (۱۶۰).

شبیری زنجانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد شبیری زنجانی از آیات عظام و ارکان حوزه علمیه قم و اعوان نزدیک استاد ما مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی آقا سید محمد حجت کوهکمری بوده که در روز چهارم ماه صفر ۱۳۰۸ هجری قمری در زنجان متولد شده و در شب شنبه ۲۹ ماه رمضان ۱۳۹۳ هجری قمری در قم درگذشت و در یکی از حجرات مقبره خودش مدفون گردیده و ترجمه‌اش در جلد دوم گنجینه صفحه ۱۶۶ گذشت.

دارای سه فرزند روحانی خدمتگزار می‌باشد که دو نفر آنان بنامهای:

۱- حاج سید جعفر شبیری زنجانی در تهران به خدمات دینی از اقامه جماعت در مسجد کانون توحید در خیابان پرچم و امور قضائی در دادگستری اشتغال دارند.

۲- حاج سید ابراهیم شبیری زنجانی که نیز در تهران اشتغال به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغی وعظ و خطابه دارند.

۳- فرزند ارشد معظم‌له که از مفاخر مدرسین و حجج اسلام و آیات عظام معاصر حوزه علمیه‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

شبیری، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید موسی شبیری زنجانی فرزند مرحوم آیت‌اللّٰه آقای حاج سید احمد زنجانی مدفون در صحن مطهر حضرت معصومه (س) از افاضل مدرسین و متتبعین و محققین حوزه علمیه قم می‌باشند که در تاریخ هشتم ماه مبارک رمضان ۱۳۲۶ قمری در قم چندماه بعد از مهاجرت مرحوم آیت‌اللّٰه والدشان در این شهر مقدس متولد شده.

این بیت را والدشان برای تعیین تاریخ ولادت حقیر سروده‌اند:

سال تاریخ ولادت عجب الهامم شد

از مبارک رمضان هشت کم هنگام سحور

مبارک رمضان که با ۱۳۵۴ مطابق است بعد از کم کردن هشت با ۱۳۴۶ قمری که سال تاریخ ولادت است موافق خواهد شد ضمنا در این بیت به ماه و روز و ساعتند نیز اشاره شده است مانند «هنگام زوال رابع شهر صفر» که برای تاریخ ولادت خودشان سروده‌اند.
باری ایشان بعد از گذراندن دروس ابتدائی در مدارس جدیده در سال ۱۳۵۹ قمری به مقدمات علومی دینی اشتغال پیدا کردم و چون دروس مقدماتی چندان جاذبیت نداشت و از طرفی در آن زمان رغبت عمومی به ورود در مدارس دینی نبود و هم بحثی نداشتم حدود یکسال به طور غیر جدی به درسها اشتغال داشتم بعد از یکسال در اثر یافتن بعضی از هم بحثی‌ها که از مستعدین درجه اول بودند و جاذبیت دروس غیر ابتدائی با جدیت تمام در مدت نسبتا کوتاهی دروس مقدماتی و سطوح را به پایان برده و در سال ۱۳۶۳ قمری در درس خارج اصول مرحوم آیت‌اللّٰه صدر حاضر شده و مقداری از بحث خبر واحد را نوشته سپس بعد از ورود مرحوم آیت‌اللّٰه بروجردی به قم در محرم ۱۳۶۴ در درس خارج فقه و اصول ایشان شرکت کرده و همچنین مدتی در درس خارج اصول مرحوم آیت‌اللّٰه حجت و مختصری در بحث خارج فقه ایشان حاضر گردیدم و مقداری از تقریرات اصول از اوائل درس را نوشته استاد عمده ایشان مرحوم آیت‌اللّٰه داماد بوده که حدود بیست سال از بحث فقه و قریب یکدوره از درس اصول آن مرحوم بهره‌مند گردیده و کتاب طهارت و خمس و زکاه و صوم و حج را به استثناء مقداری از بحث طهارت که به مناسبت سفر عراق تعطیل شده از محضرشان استفاده کرده و مقدار بسیار کمی نیز از بحث دوره اول کتاب صلاه را مستفیض شده است.
در سال ۱۳۷۴ قمری به عتبات عالیات مشرف شده و در درس فقه آیت‌اللّٰه حاج سید عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّٰه حکیم قدس سرهما و درس اصول آیت‌اللّٰه خوئی مدظله شرکت کرده بعد از حدود هفتاد روز به ایران مراجعت کرده و در سال ۱۳۷۵ بار دیگر به عتبات مشرف شده حدود ۶ ماه در دروس آیات مزبور حاضر گشته و در رمضان آن سال مقداری از مبحث رضاع را از بحث تعطیلی آیت‌اللّٰه خوئی استفاده کرده ضمنا مختصری در قم از منظومه سبزواری را پیش مرحوم علامه طباطبائی خوانده و کمی هم مباحثه کرده ولی چون به این علم مانوس نبوده درس و بحث در مدت کوتاهی تعطیل شده همچنین مقداری جبر و هندسه را با یکی از اعاظم دوستان خود بحث کرده است.

اما اساتید ایشان قبل از ورود به درس خارج زیادند برای نمونه نام مبارک چند تن از آنان را متذکر می‌شویم.

۱- مرحوم آیت‌اللّٰه والدشان که اولین استاد و آخرین اساتید سطوح عالیه ایشان بودند قسمتی از مقدمات و کمی از کفایه را پیش ایشان خوانده.

۲- محقق بزرگوار آقای سید مرتضی علوی اصفهانی داماد آیت‌اللّٰه گلپایگانی مدظله که استاد مطول ایشان بودند و از نظر تعمق و حسن تقریر نظیر ایشان را در موضوع مزبور ندیده‌اند.

۳- رهبر فقید انقلاب مرحوم آیت‌اللّٰه خمینی که قسمت عمده مبحث برائت شیخ انصاری را نزد ایشان خوانده و گاهی به بحثهای خارج از کتاب نیز می‌پرداختند.

۴- مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ مرتضی حائری که قسمتی از بیع مکاسب شیخ و مقدار کمی از بحث ظن و استصحاب فرائد و مختصری از کفایه را پیش ایشان خوانده درس اگرچه اسماً درس سطح حساب می‌شد ولی واقعا درس خارج بوده است.

تألیفات معظم‌له

ایشان با اینکه صفحات زیادی را در فقه و اصول و حدیث و تراجم و رجال و انساب و غیره نوشته است و تقریرات درس عده‌ای از اساتید را نگاشته ولی در اثر کثرت تشکیک و تجدیدنظر که آفت بزرگی است برای حفظ مواریث علمی این آثار مدون نشده فقط مقدار کمی به عنوان مقاله چاپ شده و متاسفانه قسمت زیادی در اثر عدم اهتمام مفقود گردیده و مقدار موجود هم اغلب مسوده است. از خداوند متعال توفیق تبییض و تکمیل آنها را مسئلت می‌نمایم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

شتایی گنابادی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از قصبه‌ی گناباد بود. و به غایت خوش طبع و سلیم‌النفس و سخن سنج. با ملا شکیبی اصفهانی هم‌صحبت شد و از مریدان وی گشت. بعد از مدتی که بر کسی معلوم نیست از بندگی و خدمت وی محروم گشت و به دکن رفت و در آنجا نیز فوت کرد. مولانا شکیبی اشعار وی را جمع نمود و «دیوانی» مرتب ساخت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مآثر رحیمی (۱۴۶۵ -۱۴۵۸ /۴)، هفت اقلیم (۳۱۴/۲).

شجاع طاهری، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته، فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی در زمینه فیزیک و ژئوفیزیک.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ژئوفیزیک کاربردی در مورد روشهای انعکاسی و انکساری لرزه‌سنجی در زمینه کشف معادن هیدروکربورها، زلزله‌شناسی در مورد مطالعه و بررسی امواج الاستیک جهت بررسی ساز و کار کانون زلزله و ساختار زمین، زلزله‌شناسی حرکات قوی در مورد مطالعه شتاب نگاشت‌ها جهت بررسی جزئیات کانون زلزله، میرائی حرکات قوی و بررسی خطر زلزله، مطالعه زلزله‌خیزی فلات ایران و نواحی مجاور، مطالعه زلزله مخرب ۱۳۵۷ طبس با استفاده از تفسیر شتاب نگاشت‌های ثبت شده و پردازش شتاب نگاشت‌های مهم ثبت شده در راستای زلزله‌های ایران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ترجمه آشنائی با ژئوفیزیک.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

زلزله‌شناسی و زلزله‌شناسی حرکات قوی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

شجاع غیاث، جلیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر جلیل شجاع غیاث،دانشیار گروه آموزشی علوم دامی دردانشگاه تبریز،در سال ۱۳۳۰در تبریز، بدنیا آمد.نامبرده در سال ۱۳۷۰مدرک دکتری در رشته دامپروری را از دانشگاه ژامبلو - فرانسه با موفقیت اخذ کرد. و از سال ۱۳۶۰به عنوان عضو هیات علمی در گروه علوم دامی دانشکده کشاورزی مشغول خدمت شد.این همکاری تا کنون در دانشگاه مذکور ادامه دارد.

گروه : کشاورزی

رشته : دامپروری

تحصیلات رسمی و حرفه ای : جلیل شجاع غیاث تحصیلات ابتدایی را دردبستان سالاربه پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۴۹از دبیرستان دهقان اخذ کرده‌اند. ایشان مدرک کارشناسی در رشته کشاورزی را از دانشگاه تبریزو کارشناسی ارشد دامپروری را در سال ۱۳۵۸از دانشگاه لانک دک – فرانسه دریافت نموده اند و در سال ۱۳۷۰مدرک دکتری در رشته دامپروری را از دانشگاه ژامبلو – فرانسه با موفقیت اخذ کرده‌اند. عنوان پایاننامه : الف – کارشناسی ارشد : بررسی پارامترهای ژنتیکی تولیدات گوسفند ب – دکتری : بررسی رابطه ژنتیکی فاکتور IGf- I با تولید شیر گاوهلشتاین

وقایع میانسالی : جلیل شجاع غیاث در سال ۱۳۷۰مدرک دکتری در رشته دامپروری را از دانشگاه ژامبلو – فرانسه با موفقیت اخذ کرد. و از سال ۱۳۶۰به عنوان عضو هیات علمی در گروه علوم دامی دانشکده کشاورزی مشغول خدمت شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای اجرایی و مدیریتی جلیل شجاع غیاث : قبلی :رئیس دانشکده کشاورزی فعلی: عضو هیئت علمی و دانشیار گروه آموزشی علوم دامی دردانشگاه تبریز

فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی دکتر جلیل شجاع غیاث به قرار زیر است: تدریس : ۱-دوره کارشناسی : دروس اصلاح دام ۱و۲ . پرورش گاو شیری ۲-تحصیلات تکمیلی : دروس ژنتیک جمعیت ، ژنتیک کمی و اصلاح تکمیلی دام

چگونگی عرضه آثار : تعداد مقاله های منتشرشده : ۱۲ مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها : ۱۵ مورد تعداد کتابهای ترجمه شده : ۲ مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد : ۲۵ مورد تعداد طرحهای تحقیقاتی مصوب : ۷ مورد

شجاع‌الدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۸۹۴ ق)، خطاط. از کاتبان است. از آثار وی: یک نسخه «خمسه‌ی» نظامی، به قلم کتابت خفی متوسط، با تاریخهای ۸۹۲ و ۸۹۴ ق و با رقم: «... سنه اثنین و ستعین و ثمانمائه... فی یوم الثلثا اواخر شهر جمادی‌الاول سنه اربع و تسعین و ثمانمائه، علی ید العبد... شجاع‌الدین بن مرشد الحرمین...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۰۷/۲).

شجاعی پور، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی شجاعی پور

محل تولد : اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۵/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب علی شجاعی پور در تاریخ ۱۰/۵/۱۳۲۳ هجری شمسی در شهر اراک پای به عرصه وجود گذاشتم پس از سپری نمودن دوران کودکی در دبستان امیرکبیر به تحصیل علوم ابتدایی پرداختم و دوران تحصیل متوسطه را در دبیرستان صمصام الملک بیات تا سال چهارم دبیرستان گذراندم و به علت فوت پدر و وضع اقتصادی نامطلوب خانواده مجبور به ترک تحصیل شدم که جهت تامین مخارج خانواده به کارگری بپردازم پس از مدتی به صورت معلم روز مزد در اداره فرهنگ اراک به خدمت روستا در آمدم و چون در بعضی از روستاها تنها معلم روستا بودم کلاسهای شش پایه یعنی از کلاس اول تا ششم که در یک اتاق بودند را اداره مینمودم و مدت ده سال در روستاها به خدمت شریف معلمی اشتغال داشتم و چون شغل معلمی نیازمند مطالعه و کسب معلومات لازم بود به ادامه تحصیل مشغول شدم و دیپلم دانشسرای مقدماتی را در کوتاهترین مدت اخذ نمودم و چون با این پایان نامه نمی توانستم به دانشگاه راه یابم لذا در اواخر رژیم ستمشاهی و اوائل رژیم مقدس و انقلاب اسلامی موفق به اخذ دیپلم کامل گردیدم در این ایام هنگام با همکاران فرهنگی انجمن اسلامی معلمان را تشکیل ویکی از اعضای فعال انجمن بودم که با همکاری دو تن از همکاران دیگر از سهمیه یک روز نفت استانها و از سهم آموزش و پرورش مشغول ساختن مدارس در روستاهای محروم شدیم و تعداد ۲۵ مدرسه با فضاهای مختلف و مناسب روستا در سختترین شرائط و شروع اشغال عراق و نبود مصالح ساختمانی ساخته شد و چون افراد فامیل این جانب اکثرا در قم ساکن بودند و تمایل اینجانب به زندگی در قم و شروع تحصیلات حوزوی به قم منتقل گردیدم و از مهرماه ۱۳۶۰ تحصیلات حوزوی را آغاز نمودم ضمن تحصیل در حوزه در آزمون سراسری دانشگاهی شرکت و در رشته روانشناسی و مشاوره در دانشگاه شهید بهشتی رحمت الله علیه پذیرفته شدم و با زحمات فراوان ایاب و ذهاب و مشکلات خانواده و وضع مشکل اقتصادی موفق به اخذ مدرک کارشناسی در رشته مذبور گردیدم و ناگفته نماند که در ایام جنگ تحمیلی

بنا به ضرورت تابستانی در جبهه های دفاع مقدس شرکت مینمودم که مجموعا یک سال را در جبهه ها حضور داشتم و به وظایف رزمی تبلیغی مشغول بودم وپس از پایان دوره کارشناسی در دبیرستان امام صادق علیه السلام به وظیفه مشاوره و تدریس مشغول گردیدم از سال ۱۳۷۵ به دعوت معاونت پیشگیری سازمان بهزیستی در صدای مشاور به خدمت شهروندان محترم قم در آمدم و به دلیل نیاز خانواده ها و جوانان به آموزش و اطلاع رسانی مسائل خانوادگی و مسائل جنسی پرداختم و چون با مشکلات تربیتی کودکان توسط خانواده ها آشنا گردیدم مبادرت به تالیف جزوات لازم به منظور آشنایی و آگاهی دادن به خانواده ها نمودم و در همایش های مربوط به مشاوره از دیدگاه اسلام در استان یزد و قم و همایش انجمن مشاوران ایران در تهران که یکی از اعضای این انجمن میباشم شرکت نمودم و بنا بر ضرورت و احساس وظیفه و مسئولیت دوره های زیادی در رای گیری ریاست جمهوری و نمایندگی مجلس به عنوان ریاست حوزه های انتخابیه فعالیت داشتم و در دوره پنجم نمایندگان مجلس کاندید نمایندگی در شهرستان شدم که به علت مشکل اقتصادی موفق به تبلیغ و معرفی خود نگردیدم و در طول مدت خدمت در مسئولیت مشاوره به خدمت شهروندان محترم به کمک نوجوانان و جوانان و خانواده ها مشغول گردیدم و تحصیلات حوزوی را هم تا دو سال شرکت در دروس خارج ادامه دادم که ان شاالله و با توفیق پروردگار تصمیم دارم که تحصیلات حوزوی و دانشگاهی را تا پایان درس خارج و دکترای رشته تخصصی ادامه دهم

شجاعی دماوندی، سیف‌الملوک

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، طبیب و شاعر، متخلص به شجاعی. وی از پزشکان حاذق زمان خود بود که از ایران به هند رفت و در آنجا می‌زیست. بیرام خان، خان خانان، وی را گرامی می‌داشت. آن را سیف‌الحکماء نیز نامیده‌اند، به جهت این که به عیادت هر بیماری می‌رفت آن بیمار می‌مرد. وی پس از چندی به ایران بازگشت. شجاعی شاعری توانا بود و بخصوص در هجو دست توانایی داشت که مهاجاتی معروف از وی به جاست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۳۷۸/۲)، تاریخ نظم و نثر (۵۴۱)، الذریعه (۵۰۸/۹)، صبح گلشن (۲۲۲)، فرهنگ سخنوران (۴۹۶)، کاروان هند (۶۱۵/۱)، هفت اقلیم (۹۱ -۸۹ /۳).

شجاعی مشهدی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. اهل مشهد و از جوانمردان میدان نظم گستر بود و در میان شاعران مشهد مقدس مشهور بود. از اشعار اوست:

بر من بت دلفریب پر فن بگذشت

چون مه به من سوخته خرمن بگذشت

شوریده سر و زلف پریشان در دست

بگذشت به من وه چه که بر من بگذشت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۰۸/۹)، صبح گلشن (۲۲۲)، مطلع الشمس (۴۳۵/۲)، نشتر عشق (۸۰۱/۳).

شجاعی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد شجاعی

محل تولد : اهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب احمد شجاعی فرزند حسن در سال ۱۳۴۵ در یکی از روستاهای دور افتاده آذربایجان شرقی شهرستان اهر، بخش هوراند، روستای هوای متولد شدم، تحصیلات ابتدایی و راهنمایی و متوسطهٔ در منطقه خود به اتمام رساندم، پس از پایان دورهٔ متوسطه، به علّت شدّت علاقه به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه حضرت ولیعصر(عج) تبریز شدم. مقدمات و یک دوره

اصول فقه مقدماتی رابه مدت ۵ سال در حوزهٔ یاد شده گذراندم، سپس جهت ادامهٔ تحصیل، در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و طی مدت ۴ سال سطوح عالی را به پایان رسانیده و وارد درس خارج شدم، در دروس خارج فقه و اصول و تفسیر از محضر حضرات آیات، جوادی آملی، جعفر سبحانی، شیخ جواد تبریزی، وحید خراسانی، نوری همدانی، مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی بهره بردم، در کنار دروس خارج به علت علاقه شدید به علوم عقلی و اعتقادی متون فلسفی همچون، بدایه، نهایه، شرح اشارات و اسفار اربعه را فرا گرفته و به صورت کلاسیک سطح چهار تخصصی کلام اسلامی را سپری کردم پس از پایان تحصیلات در تخصصی کلام، به دعوت دوستان، مسئولیت معاونت پژوهشی تخصصی کلام را عهده دار شدم و تا حال در خدمت دانش پژوهشان مرکز به انجام وظیفه مشغول هستم.

شجاعی، علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، شاعر. وی از مداحان مشاهیر خاندانهای آن عصر در بیهق بود. وی دو قصیده در مدح فقیه رئیس ابوعبداللّه محمد بن یحیی و ابوسعد مظفر سروده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بیهق (۹۴، ۹۱)، شاعران بی‌دیوان (۵۶۳).

شجاعی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: حشره‌شناسی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی و دکترای تخصصی در حشره‌شناسی و گیاه‌پزشکی از انستیتو آکرولومیک کشور بلژیک.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

گیاه پزشکی، حشره‌شناسی، جانورشناسی کشاورزی، دریافت جایزه بهترین کتاب در سال ۱۳۴۶، فونستیک منطقه‌ای، تاکسونومیک مجموعه حشرات فلات ایران، بیولوژی و اکولوژی حشرات زیان‌آور و مفید، فونستیک و بیواکولوژیک زنبورهای مفید تریکوگراما در فلات ایران، بیولوژی و اکولوژی و اتولوژی و مرفولوژی حشره‌شناسی در جهت مبارزه بیولوژیک با حشرات زیان‌آور، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر بیش از ۵۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

ابداع:

۲ مورد در زمینه‌ی مبارزه بیولوژیک با حشرات زیان‌آور.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

حشره‌شناسی، مرفولوژی، فیزیولوژی، افتوژفی، بیولوژی، اتولوژی، دشمنان طبیعی و مبارزه بیولوژیک در زندگی اجتماعی حشرات.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۸

زمینه علمی مقالات:

حشره‌شناسی، بیولوژیک، فیزیولوژیک، اکولوژیک، فونستیک، زمینه زیست محیطی حشرات زیان‌آور و مفید در اکوسیستم‌های زراعی و طبیعی فلات ایران، توسعه مبارزه بیولوژیک با آفات زراعی و جنگلی و مراتع.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

شجاعی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود شجاعی متولد سال۱۳۰۶ه.ش دارای مدرک دکترای تخصص درحشره شناس و گیاه پزشکی از انستیتو آکرولومیک کشور بلژیک و عضو هئیت علمی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه تهران با مرتبه ی علمی استادی می باشد.گروه : کشاورزیرشته : حشره شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمودشجاعی دارای مدرک کارشناسی وکارشناسی ارشد ودکترای تخصصی درحشره شناسی و گیاه پزشگی از انستیتو آلرولومیک بلژیک می باشد.فعالیتهای ضمن تحصیل : محمود شجاعی ضمن تحصیل به مطالعه و تحقیق پیرامون موضوعاتی چون گیاه پزشکی حشره شناسی ، جانورشناسی کشاورزی ، تاکسونومیک مجموعه حشرات فلات ایران به مطالعه پرداخته است.وقایع میانسالی : محمود شجاعی پس از اخذ مدرک دکترای تخصصی در حشره شناسی و گیاه پزشکی از انستیتو آکرولومیک بلژیک به ایران بازگشت و به عنوان عضو هئیت علمی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه تهران استخدام شد و مرتبه ی علمی استادی را کسب نمود.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمودشجاعی عضو هئیت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران پس از طی کردن استادیاری و دانشیاری به درجه ی استادی در این دانشکده رسید.فعالیتهای آموزشی : محمودشجاعی در دانشکده ی کشاورزی دانشگاه تهران به تدریس دروس این رشته پرداخته و راهنمایی به مشاوره و نظارت بر بیش از ۵۰پایان نامه کارشناسی ارشد و دکترا را بر عهده داشته است . ایشان به مطالعه ی فونستیک و بیواکولوژیک زنبورهای مفید تریکتوگراما درفلات ایران ، تاکسونومیک مجموعه حشرات فلات ایران ، بیولوژی و اکولوژی حشرات زیان آور و مفید ،فونستیک و بیواکولوژیک زنورهای مفید تریکوگراما در فلات ایران و غیره ..پرداخته است.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : محمودشجاعی ۲مورد ابداع در زمینه ی مبارزه بیولوژیک با حشرات زیان آوردارد.جوائز و نشانها : محمود شجایی جایزه بهترین کتاب در سال ۱۳۴۶ را دریافت کرد.چگونگی عرضه آثار : محمود شجاعی به موازات تدریس به مطالعه و تحقیق و تالیف پیرامون حشره شناسی، مرفولوژی، فیزیولوژی، زمینه زیست محیطی حشرات زیان آور و مفید دراکوسیستم های زراعی و طبیعی فلات ایران، اتولوژی و بیولوژی پرداخته است. ایشان بیش از ۳۸ مقاله به زبان فارسی و بیش از ۱۸ مقاله به زبان خارجی در موضوعات فوق دارد.دکتر شجاعی همچنین ۳ تالیف در زمینه اتولوژی و اتوژفی و دشمنان طبیعی و مبارزه بیولوژیک در زندگی اجتماعی حشرات نیز دارد. آثار : اتولوژی افتوژفی حشره شناسی منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

شجاعی، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسعود شجاعی سلیمانی (زاده ۹ ژوئن ۱۹۸۴ برابر با ۱۹ خرداد ۱۳۶۳ شمسی، در شیراز) فوتبالیست ایرانی است. که هم‌اکنون عضو باشگاه اوساسونا است و سابقه عضویت در تیم ملی فوتبال ایران را نیز دارد.[۱] مسعود شجاعی معمولاً در نقش بازیکن میانی و هافبک راست بازی می‌کند. فوتبال حرفه‌ای را در تیم صنعت نفت آبادان شروع کرد، و پس از آن به تیم سایپا انتقال یافت. اولین بازی ملی او مقابل تیم لائوس در مسابقات انتخابی جام جهانی ۲۰۰۶ بود. او در جام جهانی ۲۰۰۶ او در بازی مقابل آنگولا به عنوان بازیکن تعویضی وارد میدان شد.

شجاعی دو سال پس از این که در الشارجه بازی کرد با چند پیشنهاد اروپایی از ایتالیا و بوندس‌لیگا مواجه شد اما در نهایت در تاریخ ۴ تیرماه ۱۳۸۷ قراردادی سه ساله با تیم اوساسونای اسپانیا بست.[در همین رابطه] پیش از شجاعی نکونام به عنوان اولین بازیکن ایرانی شاغل در لالیگا به این تیم پیوسته بود. دوران ملی

شجاعی با درخشش در تیم سایپا برای اولین به تیم ملی امید ایران دعوت شد. پس از آن برانکو ایوانکوویچ او را به تیم ملی دعوت کرد و شجاعی اولین بار ماه نوامبر سال ۲۰۰۴ اولین بازی ملی‌اش را در بربر لائوس انجام داد. پس از آن شجاعی از تیم ملی دور بود تا این که در جریان اردوی تدارکاتی تیم ملی ایران در سوئیس که خود را برای جام جهانی آمادی می‌کرد، شجاعی دوباره به تیم ملی دعوت شد. با این حال شجاعی در جام‌جهانی تنها در بازی سوم ایران و در شرایطی که محمد نصرتی به دیلی مصدومیت نمی‌توانست به عنوان بازیکن جایگزین وارد زمین شد. مسعود شجاعی در زمان مربیگری علی دایی در تیم ملی ایران در رقابت‌های مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی به تیم ملی دعوت شد و چند بازی انجام داد.

شجره اصفهانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۱ –۱۲۷۸/۱۲۷۱ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به ناهید و شجره. پدر وی متخلص به بزمی از وعاظ اصفهان بود. شجره در قریه‌ی سامان چهارمحال بختیاری به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی خود را در زادگاهش فراگرفت. پس از فراغت از تحصیل در قهفرخ و زادگاهش به تدریس پرداخت. پس از مدتی ابتدا به اصفهان و سپس به تهران منتقل شد. و در کالج آمریکایی البرز به تحصیل و تدریس پرداخت و پس از اتمام دوره‌ی متوسطه وارد دانشکده‌ی حقوق شد. و همین زمان به نوشتن مقاله در روزنامه‌های «کیهان» و «ایران» پرداخت. شجره پس از اخذ لیسانس وارد دادگستری شد. وی شعر کم می‌سرود، اما در سرودن انواع شعر توان بود. در تهران درگذشت. برخی از آثار وی: «تحقیق در رباعیات خیام»؛ «تعبیر رویا و روانشناسی امروز»، ترجمه؛ «شخصیت مولوی»؛ «علم معاش»؛ «قوای روحی و آئین فرمانروایی»؛ «گلزار ایران»، مجموعه‌ی مقالاتی در باره‌ی ادبیات ایران در ازمنه‌ی قبل از اسلام تا قرن هفتم هجری که در روزنامه‌ی «ایران» آن روز طبع می‌شد؛ «مقدمه بر جغرافیای اقتصادی».[۱]

شاعر.

تولد: ۱۳۱۷(۱۲۷۹ ق.)، قریه سامان چهارمحال.

درگذشت: ۲۷ فروردین ۱۳۶۱.

سید حسین شجره، فرزند سید عبدالرسول واعظ تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان فراگرفت و تحصیلات عالی را در کالج آمریکایی تهران (البرز) به پایان برد. همچنین دوره‌ی دانشکده‌ی حقوق را گذراند و به شغل دبیری و قضاوت پرداخت. مدت‌ها در قهفرخ ساکن بوده و به آموزش و پروش کودکان و نونهالان اشتغال داشت، بعدا به اصفهان و از آن پس به تهران منتقل شد و در خدمت وزارت دارایی داخل گردید. در زمانی که ساکن بختیاری بود «ناهید» تخلص می‌نمود (چنانچه در کتاب تذکره شعرای چهارمحال و جنگ بهترین اشعار به همین تخلص مذکور است). در اصفهان «شیوا» تلخیص می‌کرد (چنانکه در کتاب نامه‌ی سخنوران، از او به همین تخلص یاد شده است.). وی در همه نوع شعر می‌گفت اما طبعش بیشتر به سرودن مثنوی و قصیده مایل بود. اشعار و مقاله‌های او در جراید کشور چاپ و نشر شده است.

از آثار اوست: تحقیق در رباعیات خیام فیتز جرالد (کریستین سن، ۱۳۲۰)، رساله‌ای در تعبیر رؤیا و روان‌شناسی امروز، شخصیت مولوی (۱۳۱۶)، روان‌شناسی، علم معانی، دوست‌یابی، ترجمه‌ی رساله‌ی وجودیه خیام، ترجمه رساله‌ی کون خیام، علم معاش (۱۳۲۲)، مقدمه بر جغرافیای اقتصادی (۱۳۲۸)، قوای روحی و آیین فرمانروایی (چاپ دوم، ۱۳۳۴). علاوه بر اینها، کتابی درباره‌ی ادبیات ایران در ازمنه‌ی قبل از اسلام و تا قرن هفتم هجری که در روزنامه‌ی «ایران»، تحت عنوان «گلزار ایران» به چاپ رسید و همچنین مقالاتی زیر عنوان «در محفل انس چه شنیدم» که در روزنامه‌ی «کیهان» طبع گردید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۸، ش ۵، ص ۲۸۳ -۲۸۱)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۹۶ -۲۹۵)، سخنوران نامی معاصر (۱۹۲۰ -۱۹۱۷ /۳)، فرهنگ سخنوران (۵۳۲ -۵۳۱، ۴۹۶)، مؤلفین کتب چاپی (۷۶۱ -۷۶۰ /۲).

شجری، ابراهیم

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوم ق)، خطاط. وی خط جلیل (طوماری)، را از اسحاق بن حماد فراگرفت و از آن قلمی خفیفتر به نام ثلثین اختراع کرد. شجری استاد کاملی در عصر خود بود و از قلم «ثلثین» قلمی دیگر پدید آورد و آن را ثلث نامید. برادر وی، یوسف، نیز قلم رئاس را که به اسم ذوالریاستین، فضل بن سهل، وزیر مامون مشهور شده و عبارت از قلم توقیع است به وجود آورد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اطلس خط (۲۲۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۵۵/۱).

شجیعی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۸۷.

درگذشت: ۱۳۶۳.

علی شجیعی اهل شعر و شاعری است. چراغ راه: مجموعه اشعار علی شجیعی مهجور (به کوشش، تنظیم و بازنگری محمد شجیعی مهجور، تهران، ۱۳۷۳) از جمله آثار اوست.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شحنه خراسانی، محمد مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۷ ق)، شاعر، متخلص به شحنه. اصلا خراسانی بود، پدرش از آنجا آمده و در مازندران اقامت گزید. شحنه از مازندران به تهران آمد و پس از مدتی خدمت در دربار فتحعلی‌شاه مامور فارس شد و در زمان حکومت حسینعلی میرزا فرمانفرما از طرف وی به سمت داروغگی شیراز منصوب گردید. پس از مدتی از شیراز به اصفهان آمد و در آنجا رحل اقامت افکند. به اتفاق مرحوم میرزا مهدی خان منشی‌الممالك به زیارت مکه رفته و بعد از مراجعت در اصفهان فوت کرد. در چهار باغ نو در مقبره‌ی ملا محمد سرابی دفن شد. وی دارای «دیوان» شعر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۸۳۵/۲)، الذریعه (۵۰۹ -۵۰۸ /۹)، ریاض العارفین (۲۶۳ -۲۶۲)، سفینه المحمود (۶۵۲ -۶۵۱ /۲)، شرح حال رجال (۲۶۲/۵، ۷/۴)، فرهنگ سخنوران (۴۹۶/۲)، مجمع الفصحا (۵۴۴/۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۰۳)، نگارستان دارا (۹۲ -

۹۱).

شحنه‌ی کاشانی، عبدل

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اهل کاشان و از شاعران قدیمی آن شهر بود. از اشعار اوست:

چو غنچه مدتی بودم به مستوری و تنهایی

گلی نشکفت و بهرم ماند مستوری و رسوایی

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۶۲)، تذکره‌ی روز روشن (۴۱۴)، الذریعه (۵۰۹/۹).

شرابیانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۲۲ -۱۲۵۴ ق)، فقیه اصولی و رجالی امامی. معروف به فاضل شرابیانی. در شرابیان به دنیا آمد. و در تبریز برآمد. در حدود ۱۲۷۲ ق به نجف مهاجرت کرد و در محضر شیخ انصاری و آیت‌اللّه کوه‌کمری و استادان دیگر تلمذ کرد. او از برجسته‌ترین شاگرد شیخ انصاری به شمار می‌آمد. در عهد میرزای شیرازی به تدریس اشتغال داشت و مرجع تقلید جمعی بود و بعد از وفات میرزای شیرازی مرجعیت عام یافت و تمامی مردم آذربایجان و قفقاز از وی تقلید می‌کردند. سید محسن امین از شاگردان اوست. وی در نجف اشرف از دنیا رفت. از آثارش: حاشیه «رسائل» و «مکاسب» شیخ انصاری؛ «المتاجر»؛ «تقریرات» دروس فقه و اصول استادش سید حسین کوه‌کمری، در نه مجلد؛ کتابی در «صلاه»؛ کتابی در «اصول فقه» بزرگتر از «قوانین»؛ «رساله‌ی عملیه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۲۳/۷)، اعیان الشیعه (۳۶/۱۰)، الذریعه (۳۸۵/۴)، ریحانه (۱۸۴/۳)، شرح حال رجال (۲۰۰/۵)، علماء معاصرین (۸۰ -۷۶)، الکنی و الالقاب (۳۵۴/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۶۵ -۶۶۴ /۵)، معجم المؤلفین (۱۲۹/۱۱)، مکارم الآثار (۱۲۵۸ -۱۲۵۶ /۴).

شراری استرآبادی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر، متخلص به شراری. از شاعران خطه‌ی استرآباد بود و در سرودن شعر توانایی بسیار داشت. از اشعار اوست:

ندارم بیشتر زین طاقت بی‌مهری جانان

خدایا بر من آن نامهربان را مهربان گردان

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۰۹/۹)، صبح گلشن (۲۲۲)، فرهنگ سخنوران (۴۹۷ -۴۹۶)، مجالس النفائس (۸۷)، نشتر عشق (۸۰۲/۳).

شراری همدانی، عبدی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۶۴- وف بعد از ۱۰۲۵ ق) شاعر. وی برادر کوچک مولانـ رشکی و خواهرزاده‌ی هلاکی ملازم سلطان حسین میرزا بود. در همدان تولد یافت. وی سفرهای متعددی به هند داشته سفری نیز به مکه رفت و خانه خدا را زیارت کرد وی با ملا عبدالنبی قزوینی همسفر و مصاحب بود. و گویا آخرین سفر وی به سال ۱۰۲۵ ق به اجمیر بوده است. وی اقسام شعر بخصوص غزل را نیکو می‌سروده است. «دیوان» شعرش مشتمل بر سه هزار بیت است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۷۱ -۲۷۰ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۳۳ -۵۳۲)، تذکره‌ی میخانه (۸۰۳ -۸۰۱)، الذریعه (۵۰۹/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۹۷)، کاروان هند (۶۲۱ -۶۱۶ /۱)، مجمع الخواص (۲۹۱)، مآثر رحیمی (۹۷۹ -۹۶۴ /۴)، هفت اقلیم (۵۷۰/۲).

شربتی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. از تاریخ و انشا آگاهی داشت، معما و نقاشی و موسیقی نیز می‌دانست. از اشعار اوست:

جنون آمد اشعار از مهر روی آن پری زادم

من دیوانه ز آن رو در زبان مردم افتادم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۰۹/۹)، مجالس النفائس (۱۰۴ -۱۰۳).

شربیانی، حمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید شربیانی از بیت آیه الله العظمی مرحوم فاضل شربیانی نجفی و از علماء فضلاء معاصر تبریز است سالها در قم اشتغال به تحصیل و تکمیل علوم داشته و از محضر مرحوم آیه الله العظمی حجت و آیه الله العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده آنگاه به تبریز مراجعت و باقامه جماعت و تدریس و خدمات دیگر روحی و دینی اشتغال دارد. موصوف به فضل و کمال و محامد آداب و محاسن اخلاق می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

شرر بیگدلی، حسینعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به آذر. در قم سکونت داشت. از راه زراعت زندگی را می‌گذراند. گویند در شاعری طبعی خوش داشت. دیوانی ترتیب داده که به دست نیامده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سفینه المحمود (۴۷۹ -۴۷۴ /۲)، فرهنگ سخنوران (۴۹۷)، مجمع الفصحا (۵۶۴ -۵۶۳ /۵)، مصطبه‌ی خراب (۹۹ - ۹۸)، نگارستان دارا (۲۱۱ -۲۰۹).

شرر خراسانی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۹ ق)، فقیه، مدرس، امام جماعت و شاعر. اصل ایشان از اصفهان بود، نیای او به مشهد رفت در آن شهر متوطن شد. وی مردی فاضل و کامل بود که به تدریس فقه و امامت جمعه‌ی مشهد اشتغال داشت، نزد سلاطین و حکام با عزت و احترام بوده است. او در اواخر عهد محمدشاه به تهران آمد. گاهی غزل می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۸۴۱ -۸۳۹ /۲)، سفینه المحمود (۶۱۲ -۶۱۱ /۲)، مجمع الفصحا (۵۴۰/۵)، مصطبه‌ی خراب (۹۵).

شرر شیرازی، محمدهادی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۰۷ ق)، طبیب و شاعر. از افاضل حکمای شیراز بود. در فن طب آگاهی داشت و مردی قلندر مشب و معاصر میرطاهر وحید نجیبای کاشی و شفیعای اثر بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۱۶ -۴۱۵)، الذریعه (۵۱۰/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۹۷)، کلمات الشعراء (۶۰)، مرآت الفصاحه (۲۹۶ -۲۹۵).

شرطی قزوینی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. از رهگذر پیشه بازرگانی کسب معاش می‌کرد. وی با سام میرزا معاصر بود. از اشعار اوست:

ابرو کمان من که به کین می‌کشد مرا

قربان او شوم که چنین می‌کشد مرا

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۳۰۶)، تذکره‌ی روز روشن (۴۱۶)، الذریعه (۵۱۰/۹).

شرعی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی شرعی از فضلاء بنام و مدرسین گرام حوزه علمیه قم می‌باشند. وی در قم متولد شده و پس از فراگرفتن علوم فارسی و مقدمات و ادبیات سطوح فقه و اصول را از اساتید حوزه آموخته و پس از آن از درس خارج آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیت‌اللّٰه العظمی امام خمینی و دیگران استفاده نموده و به تدریس متون فقه و اصول پرداخته و بعد از فوت مرحوم والدش در مسجد آن مرحوم به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته و هم سرپرستی مدرسه رضویه و محصلین آن را متعهد و نیز آثار و تألیفات ارزنده‌ای دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شرعی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی شرعی

محل تولد : داراب فارس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۴/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔالله حاج شیخ محمد علی شرعی در اسفند ماه ۱۳۱۴ خورشیدی در داراب فارس دیده به جهان گشود. خانواده ایشان بخاطر تقوی و عشق و علاقه به اهل بیت (علیهم السلام) از محبوبیت خاصی در میان اهالی داراب برخوردار بود. پدرش مرحوم آیهٔالله حاج شیخ غلامحسین شرعی شیرازی که از علمای بزرگ و مبارز آن نواحی محسوب می‌شد تحصیلات خود را در نجف ادامه داده بود و پس از بازگشت به ایران ابتدا در داراب و بعد از چندی در قم ساکن گردید. مرحوم آیهٔالله حاج شیخ غلامحسین در قم نیز از اهتمام به تحصیل باز نماند و از محضر اساتیدی همچون آیات عظام مرحوم خوانساری، مرحوم صدر و مرحوم بروجردی بهره فراوان برد و تا پایان عمر به تدریس علوم حوزوی اشتغال داشت. عشق و علاقه این بزرگمرد به اهل البیت (علیهم السلام) بویژه حضرت اباعبدالله الحسین (ع) زبانزد خاص و عام بود و در مصائب آن حضرت بسیار بی تابی می‌نمود بگونه‌ای که صفحات جلد دهم کتاب بحارالانوار که در باره حضرت اباعبدالله الحسین (ع) است با قطرات اشک ایشان درآمیخته است.

از وی چند مرثیه و منقبت به زبان فارسی و عربی بر جای مانده است. حضرت آیهٔالله حاج شیخ محمدعلی شرعی در دامان چنین پدری پرورش یافت و در نخستین ماههای زندگی به همراه پدر در زمان مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری و همزمان با فشار و اختناق حکومت رضاخان از داراب به قم آمدند. آیهٔالله حاج شیخ محمدعلی شرعی در پنج سالگی شروع به آموختن قرآن نمود و پس از آن گلستان سعدی و بخشی از کلیله و دمنه را نزد مرحوم حاج شیخ علی انصاری «دشتی» فرا گرفت سپس شرح امثله و صرف میر را نزد مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین آقا سید محمود یثربی آموخت.

با تشویق و ترغیب پدر دانشور خود تمام نصاب الصبیان و تهذیب المنطق را حفظ نمود و عموم مطالب صمدیه و الفیه را نیز به خاطر سپرد سپس سیوطی را نزد حاج شیخ احمد زرندی و حاج شیخ حسین مؤمن شیرازی فرا گرفت و بخشی از مغنی را نزد آقای ربانی خراسانی که از شاگردان مبرز مرحوم ادیب نیشابوری بود و معانی و بیان را از حاج شیخ رحمهٔالله فشارکی آموخت. علاقهٔ به ادبیات بویژه درک دقیق و درست از شعر و کاربرد آن در نشر مفاهیم مذهبی و اخلاقی موجب گرایش و بزرگداشت وی از هنر منظوم متعهد گردید و در این رویکرد که تا هم اکنون باقی است بایـد تأثیر قریحهٔ ادبی و علاقه و توجه پدر وی ـ مرحوم آیهٔالله حاج شیخ غلامحسین شرعی ـ را به شعر و فنون ادبی موثر دانست و لذا در تابستان برخی از سالها که به مشهد مقدس می‌رفت و از محضر علمی و ادبی زنده یاد مرحوم ادیب نیشابوری بهره می‌برد. آیهٔالله حاج شیخ محمدعلی شرعی شرح لمعه را نزد آیهٔالله ستوده و آیهٔالله شب زنده‌دار و بخشی از آن را نزد پدر خود فرا گرفت وی چندی نیز آداب و فنون مناظره را به شیوه متکلمان در معیت آیهٔالله طاهری خرم آبادی و حجهٔالاسلام شهید حق دان و حجهٔالاسلام مرعشی از محضر آیهٔالله شب زنده‌دار آموخت و پس از

فراگیری شرح تجرید از آیهٔالله شیخ ابوالحسن شیرازی، از درس آیهٔالله تقدیری برای آموختن شرح منظومه استفاده نمود. سپس قسمتی از رسائل و مکاسب را از محضر آیهٔالله مشکینی و بخشی از کفایه را نزد آیهٔالله منتظری و بیشتر آن را از آیهٔالله سلطانی و آیهٔالله حرم پناهی آموخت. با اتمام این دوره در درس خارج حضرت امام خمینی (قدس سره) حضور یافت و مسائل مستحدثه را از محضر ایشان فرا گرفت و همزمان در درس آیات عظام گلپایگانی و شریعتمداری و حاج شیخ کاظم فاروبی شرکت می‌نمود. ایشان در طی سالهای تحصیلی خود با بسیاری از شخصیت‌های علمی و سیاسی مراوده و دوستی داشتند که از آن جمله می‌توان به حضرات آیات احمدی میانجی، سیدمهدی روحانی، راستی کاشانی، مظاهری اصفهانی، عندلیب شیرازی، شیخ حسین امراللهی و مرحوم آیهٔالله صدرالدین حائری شیرازی و برادر ایشان آیهٔالله محی الدین و نیز آیهٔالله مجدالدین محلاتی اشاره کرد.

دامنهٔ ارتباطات مردمی آیهٔالله شرعی تا اقصی نقاط کشور گسترده است. ایشان با بسیاری از تجار متدین، کارمندان شریف و جوانان فعال و حق طلب از هر قشر و طبقه‌ای ارتباط فکری و عقیدتی داشت که غالباً به صمیمیت وی و ارادت آنها منتهی می‌گردید. در این راه و روش به عنوان عالمی روحانی و مبارزی پرتلاش علیه نظام منحوس پهلوی با عده کثیری از علمای بزرگ شهرستانها ارتباط و آشنایی پیدا نمود همچنان که رشته مودّت میان وی و عموم دوستان پدرش ـ مرحوم آیهٔالله حاج شیخ غلامحسین شرعی ـ برقرار ماند که از آن جمله می‌توان به دوستی و مراودهٔ وی با آیهٔالله حاج شیخ محمدرضا کاظمی در کرمانشاه و آیهٔالله سیداسماعیل هاشمی در اصفهان اشاره نمود.

حضرت آیهٔالله حاج شیخ محمدعلی شرعی از معدود دانشوران حوزوی است که عمر با برکت وی در نشر و گسترش معارف خاندان عصمت و طهارت : و ارائه خدمات گوناگون فرهنگی، علمی، سیاسی و اجتماعی و تربیتی سپری شده است که در این قسمت به برخی از تلاشهای علمی و فرهنگی این روحانی خستگی‌ناپذیر اشاره‌ای گذرا خواهیم داشت. وی تدریس علوم حوزوی را از اولین سالهای طلبگی خود آغاز نمود و در این راه از تدریس هیچ درسی استنکاف نورزید. سیوطی، مغنی، حاشیه ملاعبدالله، لمعه، معالم الاصول و اصول مظفر و... را به شیوهٔ علمای سلف صالح تدریس نمود و برای تربیت شاگردان و طلبه‌های فاضل، مبارز، با اخلاق ازانجام هیچ تلاشی رویگردان نبود. وی به خوبی می‌دانست که نیروی انسانی در هر جامعه‌ای برترین و مهمترین سرمایهٔ ارتقا و اعتلای آن است بنابراین تمام تلاش خویش را برای فراهم نمودن شرایط مساعد تربیت بکار گرفت و پس از بازسازی مدرسهٔ رضویه با پیشنهاد شهید آیهٔالله قدوسی به اداره آن همت گماشت تا گوشه‌ای از نابسامانی‌های آموزشی و درسی طلاب را سامان دهد. از جمله فعالیت‌های ایشان در مدرسه رضویه افزون بر ارائه یک سیستم منظم آموزشی، برگزاری سلسله جلسات علمی و اعتقادی بود. آیهٔالله شرعی پس از آشنایی با مرحوم شهید مطهری در زندان ساواک به همراه تنی چند از فضلای حوزه توانست مقدمات حضور و تدریس ایشان را در قم و در مدرسه رضویه فراهم آورد.

سلسله دروس اعتقادی و فلسفی شهید مطهری دو روز در هفته برگزار می‌گردید. این درسها که با استقبال کم نظیر طلاب قم مواجه می‌شد پاورقی‌های جلد چهارم و پنجم کتاب «روش رئالیسم» را تشکیل می‌دهد. آیهٔالله شرعی با توجه به لزوم ایجاد تشکیلات منسجم در حوزه‌های علمیه برای ارتقای وضعیت علمی و آموزشی طلاب و فراهم نمودن زمینه‌های لازم در مبارزه با رژیم طاغوت، مدیریت مدرسه رضویه را بر عهده گرفت و سالهای متمادی در آنجا به کار و تلاش پرداخت. در آن ایام جریانهای انحرافی وابسته به سیاستهای فرهنگی غرب و وهابیت قصد داشت با نفوذ به حوزه‌های علمیه اذهان طلاب جوان را منحرف سازد تا بتواند از آنها در مقاصد گوناگون استفاده نماید.

این جریانها توسط برخی روحانی نمایان در مدرسه رضویه رخنه کرده بود. آیهٔالله شرعی با هوشیاری و اشراف کامل، به مبارزه غیر علنی با آنها پرداخت و با بر پایی جلسات مناظره از فضلایی همچون آیهٔالله مصباح یزدی و حجج اسلام حاج شیخ محمدرضا آشتیانی و حاج شیخ جعفر امامی استفاده نمود تا شبهات ایجاد شده را پاسخ گویند. این جلسات به قدری مفید و جذاب بود که تحسین بسیاری از اساتید حوزه را برانگیخت. آیهٔالله شرعی پس از رفع شبهات از اذهان طلاب جوان به طرد و تصفیه عناصر التقاطی همت گماشت و مدرسه رضویه را از این بلیّه رهایی بخشید. در بررسی خدمات گوناگون آیهٔالله شرعی باید مجموعهٔ آنها را در دو دورهٔ قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مورد توجه قرار داد. اعتقاد راسخ وی به حقانیت مکتب اهل البیت (علیهم السلام) و پیروزی حق بر باطل در فرجام امور، رویکردی آینده شناسانه را به وی ارزانی داشته که براساس آن به بسیج تمامی نیروها و امکانات جامعه برای اعتلای کلمهٔ حق و امحاء باطل کوشیده است و در راه تحقق آرمانهای الهی و حفظ و گسترش ارزشهای دینی به انجام هر گونه خدمت و قبول هر رنج و مصیبتی دل می‌سپارد.

زندانی شدن در زندانهای ساواک، تلاش در هماهنگ سازی نیروهای طرفدار حق، ایجاد امکانات رفاهی و آموزشی برای آحاد مردم، تشویق و ترغیب قشرهای گوناگون به دفاع از اسلام و انقلاب اسلامی، شهادت فرزندش حجهٔالاسلام شهید محمدتقی شرعی در جبهه‌های جنگ تحمیلی و... مجموعه‌ای از عملکردهای باورمند وی را نشان می‌دهد. بارزترین ویژگی آیهٔالله شرعی را باید در امیدواری و امیدبخشی نسبت به تحقق وعده‌های الهی دانست و ظلم ستیزی وی را نیز همدوش آن دید. آیهٔالله حاج شیخ محمد علی شرعی را می‌توان یکی از چهره‌های سیاسی و فرهنگی معاصر دانست. جمع‌آوری مجموعه‌ای از خاطرات این دانشی مردنستوه می‌تواند بسیاری از زوایای سیاسی و اجتماعی دیروز و امروز ایران اسلامی را آشکار سازد. مبارزه مداوم وی بر علیه نظام طاغوت موجب شد تا در عاشورای سال ۱۳۴۲ که برای تبلیغ به مشهد اردهال رفته بود توسط ژاندارمری دستگیر و برای بازجویی به نراق منتقل گردد.

پس از چندی وی را در ساواک قم مورد بازجویی قرار دادند. سپس به پادگان عشرت‌آباد فرستادند و چندی او را در زندان انفرادی نگه داشتند. پس از انتقال به بند عمومی زندان از محضر عالمان مبارزی چون آیهٔالله بهاءالدین محلاتی، آیهٔالله خادمی اصفهانی، آیهٔالله قاضی تبریزی و... استفاده‌های فکری و معنوی نمود. آیهٔالله شرعی از زندان پادگان عشرت آباد به زندان شهربانی تهران منتقل گردید. در ایام پانزدهم خرداد این زندان محل بازداشت اهل منبر و وعاظ معروفی همچون حضرات آیات شهید مطهری، شهید هاشمی نژاد، مرحوم فلسفی وآیهٔالله مکارم شیرازی و... بود.

آشنایی آیهٔالله شرعی در این زندان با شهید مطهری ثمرات بسیاری برای نهضت و مردم را در پی داشت. وی در این ایام با برخی از دوستان خود روزنامهٔ «انتقام» و «بعثت» را چاپ و منتشر می‌نمود که ماهیتی سیاسی داشت و مسائل مهم آن روزها را تحلیل می‌کرد تا حوزه و روحانیت را از آنچه در اطرافشان رخ می‌داد آگاه نماید. در ادامه اینگونه فعالیتهای سیاسی بود که آیهٔالله شرعی توانست با تهیه یک دستگاه چاپ و تکثیر، سخنرانیهای مرحوم امام (قدس سره) را در میان افراد انقلابی منتشر سازد که یکی از شاخص‌ترین این موارد چاپ و نشر سخنرانی مشهور حضرت امام (قدس سره) در پانزدهم خرداد سال ۴۲ می‌باشد. پس از موضع‌گیری صریح امام (قدس سره) در برابر کاپیتولاسیون، آیهٔالله شرعی با همکاری حجهٔالاسلام سیدمحمود دعایی اعلامیه آن مرجع نستوه را در اندک زمانی چاپ کرد و در کمترین زمان ممکن به صورت هماهنگ در سراسر کشور توزیع نمود. پی‌گیری ساواک برای جستن عاملان این حرکت انقلابی منجر به بازداشت آیهٔالله شرعی و جمعی از فضلا گردید.

وی را ابتدا بـه زنـدان قزل قلعه و سپس به زنـدان قصر منتقـل نمودنـد. در گیرودار همین دسـتگیری بـود که مأموران سـاواک به سرکردگی جلاد معروف آن یعنی سرهنگ ازغندی به خانهٔ آیهٔالله شرعی یورش بردند. جلاد ساواک قصد ورود به اطاقی را داشت که زنان خانواده در آن حضور داشتند و می‌کوشیدند تا اسناد مربوط به روحانیون مبارز را برای مصون ماندن از این هجوم ناگهانی به منزل همسایگـان منتقـل نماینـد. سرهنگ ازغنـدی که قصـد داشت با ایجاد ارعاب وارد اطاق شود با فریاد و سیلی خشم آهنگ آیـهٔالله شـرعی روبرو شـد. همیـن ابراز شـجاعت مـوجب شـد تـا فرصت کـافی برای پنهـان سـازی اسـناد انقلابی فراهم آیـد. شـهید حجهٔالاسـلام محمـدتقی شـرعی در سالهـا بعـد می‌گفت: من شـجاعت و شـهامت را از آن سـیلی که پـدرم در حال اسارت به جلاد ساواک نواخت، آموختم. آیهٔالله شـرعی در ایام هجرت حضـرت امام (قدس سره) به نجف اشرف به سوریه رفت تا از آنجا به عراق برود و به دیدار امام (قدس سره) نائل شود.

هدف وی از این سـفر پرسـش از امام (قدس سره) در باره شرکت در انتخابات و چگونگی برخورد با این موضوع در ایران بود. وی که نتوانسته بود ویزای عراق را تحصیل نماید پرسش‌های خود را در سوریه در یک نوار ضبط نموده و آن را به همراه نامه‌ای که با همفکری آیهٔالله سیدمنیرالدین حسینی در قم تهیه و برای انتقال به سوریه در یک دستگاه رادیو جاسازی شده بود توسط آقای علی جنتی فرزنـد آیهٔالله جنتی به دست امام (قدس سـره) در عراق رسانید و پس از مدتی کوتاه پاسخ امام (قدس سـره) را مبنی بر تحریم انتخابات دریافت نمود. آیهٔالله شـرعی با شروع سلسله دروس ولایت فقیه توسط مرحوم امام (قدس سره) در نجف، مجموعهٔ نوارهای این دروس را پس از انتقال به قم با جمعی از دوستـان مورد مطالعه و مباحثه قرار داده آن را منتشر ساختند. با شروع انقلاب اسلامی ایران و هجرت امـام (قـدس سـره) از نجف به پـاریس ارتبـاط تلفنی وی بـا امـام (قـدس سـره) برقرار گردیـد و ایشان مطالب و نقطه نظرات بنیانگذار جمهوری اسـلامی ایران را به وسیله یک شبکه گسترده و سرّی به کلیه علما و فضلای مبارز در سراسر کشور منتقل می‌نمودند.

وی در هماهنـگ سـازی علمـای بزرگ شهرسـتانها بـا نهضـت اسـلامی تلاش مضـاعفی را بکـار بردنـد که از آن جمله می‌تـوان به ملاقاتهـای ایشـان بـا آیـهٔالله اربـاب در اصـفهان اشـاره نمود. بـا پیروزی انقلاب اسـلامی ایران تمـام تلاش آیـهٔالله شـرعی این مبارز خستگی‌ناپذیر به حفـظ و گسترش دسـتاوردهای انقلاب اسـلامی معطوف گردیـد و در مسؤولیت‌های گوناگون تصویر روشـنی از فراست و شـهامت و تلاش خـداجویانه روحانیت حق طلب شـیعی را به منصه ظهور رسانـد که در پی به برخی از آن خـدمات اشاره می‌شود: الف: با پیروزی انقلاب اسـلامی ایران، سـتاد انقلاب اسلامی در قم ایجاد گردید که فرامین حضرت امام (قدس سره) را در رفع معضلات و مشکلات کشورابلاغ و پیگیری می‌نمود.

آیهٔالله شرعی با قبول ریاست این ستاد در روزهای بحرانی آغاز پیروزی، با همکاری آیهٔالله شیخ محمد یزدی به رفع مشکلات مردم در اقصـی نقاط کشور و دفع غائله‌های سیاسـی از جمله در گنبد و کردسـتان همت گماشت. زنده یاد شهید چمران با حمایت همین ستاد مردمی و انقلابی آشوب کردسـتان را سامان بخشـید و نیروهای اعزامی از جوانان غیور قم نیز غائله گنبـد را پایان دادنـد آیهٔالله شرعی در این سـتاد نماینـدگانی را برای نظـارت و تقویت عملکرد قوه قضـائیه گسـیل داشت و بـا صـدور بیش از ۱۳ هزار حکـم به عنوان بازوی اجرائی حضـرت امام (قـدس سـره) در سراسـر کشور عمل نمود. ب: عـده‌ای از مدرسـین و فضـلای حوزه علمیه قم در دوران استیلای رژیم طاغوت با هدف حمایت از مواضع سیاسی حضرت امام خمینی (قدس سره) و نشر افکار و آثار آن قائد بزرگ به تأسیس جامعه مدرسـین همت گماشـتند. آیهٔالله شـرعی در اولین سالهای تأسیس جامعه مدرسین به پیشنهاد و درخواست آیهٔالله ربـانی شیرازی به عضویت آن درآمدنـد و در تمـام فعالیت‌هـای سیاسـی آن فعالانه شـرکت داشـتند. آیـهٔالله شـرعی تا هم اکنون از اعضای جامعه مدرسـین می‌باشـند. ج: با شـروع جنگ تحمیلی ایشان تمام توان و تلاش خویش را به تقویت جبهه‌های نبرد معطوف نمـود و در تهیـه تجهیزات انفرادی و جمعی برای رزمنـدگان و ارسـال آنهـا بـه خطـوط مقـدم صـمیمانه کوشـید. فرزنـد ارشـد وی حجهٔالاسلام محمدتقی شرعی که از چهره‌های بسیار با استعداد و موفق حوزوی محسوب می‌شدند و از اوان نوجوانی در فعالیت‌های سیاسـی و اجتمـاعی و فرهنگی پـدر خویش شـرکت مؤثر داشـتند در روز میلاـد حضـرت امام محمـدتقی (ع) به فیض شـهادت نائل آمدند.

حضـرت آیـهٔالله شـرعی این داغ جانگداز را تحت‌الشعاع جشن شادی میلاد با سـعادت حضـرت جوادالائمه (ع) قرار دادند و در آن سال و هر سال جشن میلاد نهمین پیشوای معصوم (ع) را با شـکوه خاصـی برگزار نمودند بی گمان یکی از برازنده‌ترین القاب برای این عالم مجاهـد عنوان «ابوالشـهید» است و از همین حرکت عاشـقانه و عالمانه میزان ارادت و اخلاص وی را به ساحت مقدس ائمه هدی (علیهم السلام) به خوبی می‌تواند دریافت. د: حضرت آیهٔالله شرعی برای دو دوره به عنوان نماینده مردم قم به مجلس شورای اسـلامی راه یافتنـد. در دوره اول از اعضـای کمیسـیون دفـاع مجلس بودنـد و در طی آن دوره با همکاری دیگر اعضای کمیسـیون، اساسـنامهٔ ارتش و سـپاه را تـدارک دیدنـد. در این دوره است که ایشـان سـعی بلیغی را برای حفـظ و ارتقای جایگاه ولایت فقیه در اساسـنامه‌های نیروهای مسـلح بکار بردند و به این مهم توفیق یافتند. در دورهٔ دوم نمایندگی، وی به عضویت در کمیسـیون اصل ۹۰ پیوست و ۲۳ هزار پروندهٔ راکد و جاری را در طی این دوره به فرجام رساند.

تغییر اساسنامهٔ کمیسیون اصل ۹۰ و اقتدار بخشیدن به این کمیسیون همراه با ساماندهی سیستم بایگانی و اداری آن از دیگر خدمات ماندگار ایشان محسوب می‌شود. حضرت آیهٔالله شرعی با توجه به توانایی و استعداد زنان در کسب علوم حوزوی و لزوم آموزش علمی و دینی برای آنان و نیز ارائه الگوی عینی در این امر، در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به تأسیس مدرسه‌ای جهت آموزش حوزوی دختران دست یازیدند که این تلاش به رغم کارشکنی‌های رژیم طاغوت و بی اعتنایی برخی از علمای آن عصر با مساعدت و همکاری شهید آیهٔالله قدوسی به نتایج موفقیت‌آمیز رسید. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران حضرت امام (قدس سره) هیأت موسسی را برای تشکیل حوزهٔ علمیه خواهران تعیین فرمودند که حضرات آیات و حجج اسلام مشکینی ، فاضل، موسوی اردبیلی، جنتی، شرعی ، توسلی و شیخ حسن صانعی از زمرهٔ اعضای آن هیأت بودند. در این دوره تلاش آیهٔالله شرعی با پشتوانهٔ تجارب قبل از پیروی انقلاب و همفکری دیگر اعضای هیأت موسس به ایجاد جامعهٔالزهرا(س) انجامید.

همچنانکه کوشش پیگیر وی موجب ایجاد وحدت رویه و نظارت کامل شورای عالی حوزه علمیه بر حوزه‌های علمیه خواهران شد. و: حضرت آیهٔالله شرعی برای بی نیاز کردن جامعه زنان در مراجعه به پزشکان مرد و نیز ایجاد الگوی عینی در آموزش علوم پزشکی برای بانوان به تأسیس دانشگاه علوم پزشکی فاطمیه قم مبادرت نمودند. ایجاد این دانشگاه نتایج گوناگونی را در پی داشت که از آن جمله می‌توان بـا جـذب تخصص‌های پزشکی در قم، فـارغ التحصیل شـدن بیش از پانصد پزشک زن در تخصصهای گوناگون، ایجاد دانشگاهی تخصصی ویژهٔ بانوان به عنوان ایجاد نمونه عینی و تحقق امکان پذیری نظام آموزشی همگن اشاره نمود. ز: با مراجعت حضرت امام (قدس سره) به قم و ازدهام هر روزهٔ هزاران نفر از اقصی نقاط کشور، برای زیارت آن رهبر بزرگ در اطراف منزل ایشان، لزوم ایجاد مرکز و مکانی جهت پذیرایی و رفاه این زائرین، حضرت آیهٔالله شرعی را بر آن داشت تا به ایجاد فضایی مناسب برای اسکان و پذیرایی مردم اقدام نماید. به همین منظور با همکاری حجهٔالاسلام والمسلمین حاج سیدرضا برقعی «از مؤلفان کتب درسی آموزش و پرورش» به خریدن و مهیا نمودن زمین وسیعی با تأسیس امکانات رفاهی مبادرت ورزید. امکانات و اماکن فراهم آمده را که با گذشت زمان وسعت می‌یافت بنیاد ارشاد و رفاه امام صادق (ع) نامید و به تهیه اساسنامه و تعیین هیأت امناء برای آن اقدام نمود.

این مؤسسه آموزشی و رفاهی تا هم اکنون در تهران، قم، مشهد و تنکابن منشأ خدمات فراوانی شده است. ح: مدرسه عالی قضایی قم که پس از چند سال به دانشگاه قم تبدیل گردید و بـا همت و پـایمردی رجـل علمی و دینی ایجاد شـده بود با توجه به سوابق خدمات فرهنگی و تأثیرگذاری حضرت آیهٔالله شرعی درگسترش مراکز علمی و دینی، ایشان از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به عنوان یکی را از اعضـای هیأت امنای این دانشگاه انتخاب شـده و در طی ۴ سـال از راهبردها و تجربه‌ها و تلاشـهای مؤثر وی بهره‌مند گردیدند. ط: اوایل پیروزی انقلاب اسلامی برخی از خیرین با مساعدت و همکاری آیهٔالله سیدعلی محقق برای تهیه مسکن جهت طلاب علوم دینی به تأسیس شهرک مهدیه اقدام نمودند. شورایعالی مدیریت حوزه‌های علمیه هیأت امنایی را از بازاریان متدین و روحانیون دلسوخته برای ایجاد این شهرک تعیین نمود که حضرت آیهٔالله شرعی از آن جمله می‌باشد این شهرک هم اکنون با بیش از هزار واحد مسکونی پذیرای طلاب ایرانی و خارجی است تا در دوران تحصیل با آرامش خاطر به کسب علوم دینی بپردازند. شهرک مهدیه با همت و تلاش هیأت امناء و پیگیری مداوم حجهٔالاسلام والمسلمین شیخ مهدی صباحی گسترش روز افزون داشته هم اینک دو هزار و هفتصد واحد مسکونی دیگر به همراه مراکز فرهنگی، آموزشی، رفاهی و بهداشتی در حال ساخت است. ی: قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نماز جمعهٔ قم در مسجد امام اقامه می‌گردید و پس از پیروزی و توجه روز افزون آحاد مردم به شرکت در این عبادت سیاسی، اقامهٔ نماز جمعه در حرم مطهر حضرت معصومه (س) و سپس در دبیرستان امام صادق(ع) انجام می‌پذیرفت.

لزوم ایجاد مصلای وسیعی برای اقامه این نماز عبادی و سیاسی حضرت آیهٔالله شرعی را بر آن داشت تا با همکاری و تلاش آقایان حاج حسن صبوری و حاج ابوالفضل عباسی به ایجاد مصلای بزرگ قم اقدام نماید. ایشان هم اکنون از اعضای هیأت امنای ستاد اقامه نماز جمعه قم می‌باشند. ک: جمعیت مبارزه با فقر که با نظارت آیهٔالله حاج شیخ مرتضی حائری در قم تأسیس گردیده بود و آیت الله موسوی همدانی و آقای سید محمود طباطبایی از اعضای بسیار فعال آن بودند قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به وضع معیشتی فقرا و ایتام کمکهای شایانی می‌نمود. حضرت آیهٔالله شرعی که از اوایل تأسیس این جمعیت به همکاری با آن پرداخته بود و بـا سخنرانی‌های پرشور خویش آحاد مردم و خیرین را به یاری رساندن این جمعیت تشویق و ترغیب می‌کردند از آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری و سید محمود طباطبائی خواستند تا برای ایتام ویژگی خاصی را قائل شوند.

این پیشنهاد مورد قبول مؤسسین واقع گردید و در اولین قدم زیر نظر مرحوم آیهٔالله حائری به انتشار قبض‌هایی مبادرت نمودند که به جلب حمایت‌های مردمی برای ایتام اختصاص داشت. پس از آن، جمعیت سرپرستی ایتام قم توسط آقای زاهدی به تأسیس مدرسه‌ای برای ایتام اقدام نمود حضرت آیهٔالله شرعی که از اعضای هیأت امنای این جمعیت می‌باشند در جلب نظر شخصیت‌های علمی و دینی و مشارکت خیرین برای ساماندهی اوضاع معیشتی و تربیتی ایتام تلاش وافری را به منصه ظهور رسانده‌اند. ل: در اوایل جنگ جمعی از جوانان پرشور قم به تأسیس هیأتی برای عزاداری سالار شهیدان با عنوان حسینیه شهدا اقدام نمودند. این گروه با برپایی چادری در فضایی باز به انجام مراسم عاشورا مبادرت کردند. این حسینیه با حضور و مشارکت آیهٔالله شرعی و جمعی از جوانان پرشور و انقلابی و همکاری مداح اهل بیت (ع) سید احمد شمس از رونق خاصی برخوردار شد و هر ساله بر امکانات آن افزوده گشت. شهید حجهٔالاسلام محمدتقی شرعی در زمرهٔ جوانانی بود که در این حسینیه عاشقانه خدمت می‌نمود. در طی سالهای گذشته حسینیه شهدای قم موفق به ساختن بنایی مناسب در فضایی بسیار وسیع گردید و حضرت آیهٔالله شرعی با تعیین هیأت امنایی برای آن کوشیده‌اند تا این حسینیه نیز مرکزی برای تربیت جوانان در راه تعمیق و گسترش ارزشهای والای شیعی گردد. در سال ۱۳۷۰ حضرت آیهٔالله شرعی مؤسسه پژوهش و مطالعات عاشورا را در مشهد مقدس تأسیس نمودند.

این مؤسسه که با انجام بیش از هشتاد پروژهٔ تحقیقاتی خرد و کلان یکی از فعال‌ترین دفاتر پژوهشی کشور در حوزهٔ علوم انسانی است در کارنامهٔ خود کارکرد بیش از یکصد و هفتاد نفر از اساتید حوزه و دانشگاه را در طی یک دهه نشان می‌دهد.

پژوهشکده‌های معارف، جغرافیا، آینده‌شناسی، ادبیات و هنر از دفاتر اقماری این مؤسسه بودند که با تلاش پژوهشگران خویش به احیاء تراث ادبی و دینی و نقد و نظر در حوزهٔ جغرافیای انسانی و آینده‌شناسی ایران و جهان مبادرت می‌ورزید. هزاران برگه تحقیقاتی به همراه دهها مقاله و کتاب از خروجی‌های علمی این مؤسسه محسوب می‌شود. اهتمام حضرت آیهٔالله شرعی به ایجاد زیرساخت‌های علمی و فرهنگی و تهیه راهبردهای اجرایی در حفظ و نشر معارف علوم موجب پدید آمدن «کانون تفکر» در مؤسسه پژوهش و مطالعات عاشورا گردید. اعضای این کانون که بطور موازی با شورای عالی پژوهش به تشکیل جلسه می‌پردازند از مبرزترین اساتید حوزه و دانشگاه می‌باشند پایگاه اینترنتی این مؤسسه برای پاسخگویی مستدل به شبهات معاندین مکتب علوی در شرف ایجاد است. حضرت آیهٔالله شرعی با تأسیس انتشارات تاسوعا زمینهٔ پشتیبانی چاپ و نشر آثار تحقیقاتی و فرهنگی مؤسسه پژوهش و مطالعات عاشورا را فراهم نمودند. این انتشارات تاکنون آثاری از تراث ادبی و دینی را به جامعه علمی ارائه نموده است

شرف الدین، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین شرف الدین

محل تولد : ایذه خوزستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

۱۳۴۰ تولد، ۱۳۵۹ پایان دوره متوسطه، ۱۳۶۱ پایان دوره نظام وظیفه، ۱۳۶۲ ورود به حوزه علمیه قم و شروع طلبگی، ۱۳۶۵ ورود به موسسه در راه حق و شروع دوره تحصیلی این مرکز به موازات آموزش های مرسوم حوزه، ۱۳۶۹ اتمام دوره سطح (پایه دوم) ۱۳۶۹ شروع درس خارج و شروع دوره کارشناسی ارشد پیوسته در رشته جامعه شناسی، ۱۳۷۳ ـ ۱۳۷۶ شروع و اتمام دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی با گرایش فلسفه و کلام در بخش تربیت مدرس دانشگاه قم. ۱۳۷۶ اتمام دوره کارشناسی ارشد جامعه شناسی در موسسه امام خمینی ره.۱۳۷۷ پذیرش عضویت هیات علمی در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).در این سنوات علاوه بر دروس رسمی (اصلی و جنبی) حوزه افتخار شرکت در دروس تفسیر قرآن استاد جوادی آملی (۶ سال)، و آموزش دروس مختلف علوم انسانی در موسسه در راه حق (به مدت ۴ سال و حدود ۱۴۰ واحد) و دروس مختلف فلسفه، علوم القرآن داشته است.

شرکت در درس خارج بزرگان حوزه همچون آیات: فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، سبحانی، تبریزی.

تدریس : از سال ۱۳۶۷ـ ۱۳۷۲در دروس مختلف حوزه به صورت حلقات شاگردان خصوصی، تدریس در مراکز دانشگاهی از ۱۳۷۲ـ ۱۳۷۹در قالب، درس عمومی (معارف اسلامی و ریشه های انقلاب) و از ۱۳۷۲تا کنون تدرس مبانی جامعه شناسی، فلسفه تعلیم و تربیت، روش تحقیق، کلام جدید، انسان شناسی، نظریه های جامعه شناسی، اندیشه های اجتماعی متفکران مسلمان، جامعه شناسی دین، قشربندی اجتماعی، سنت های اجتماعی در قرآن و سایر دروس علوم اجتماعی در مراکز مختلف حوزوی بویژه موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره و برخی دانشگاه های قم چون دانشگاه قم، دانشگاه مفید مرکز جهانی علوم اسلامی، مرکز آموزش مبلغان. از سال ۱۳۸۳تاکنون دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع).

شرف بافقی، شرف‌الدین علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۸ –۹۷۴ ق)، شاعر. وی از مردم بافق در میان یزد و کرمان بود و به همین جهت او را گاهی از شاعران یزد و گاهی از شاعران کرمان شمرده‌اند. وی در آنجا به کسب علم پرداخت و مدتی نیز به هند سفر کرد و پس از بازگشت به دربار شاه طهماسب راه یافت و مورد احترام و اکرام قرار گرفت. وی استاد وحشی بافقی بوه است. از یزد به شیراز رفت و سرانجام در قزوین وفات یافت.

شرف شاعر توانایی بوده و در قصیده و غزل توانا بوده و قصاید فراوانی در مدح شاه طهماسب دارد. از آثارش: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۲۳ –۶۲۱ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۶۲/۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۶۸)، تحفه سامی (۸۴ –۸۳)، تذکره‌ی روز روشن (۴۱۸ –۴۱۷)، الذریعه (۵۱۱ –۵۱۰ /۹)، ریحانه (۱۹۷ –۱۹۶ /۳)، ستارگان کرمان (۲۴۴ –۲۴۲)، فرهنگ سخنوران (۴۹۸ –۴۹۷)، کشف الظنون (۷۷۸)، مجمع الخواص (۱۸۶ –۱۸۵)، هفت اقلیم (۱۵۵ –۱۵۴ /۱).

شرف جهان قزوینی، شرف‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۶۸ -۹۱۲ ق)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به شرف. در جوانی مقدمات دانش و ادب را در زادگاه خود فراگرفت، سپس به شیراز رفت و نزد امیر غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی و خواجه جلال‌الدین محمود شیرازی، به کسب دانشهای معقول همت گماشت. علمای معاصر او به فضلش گواهی داده‌اند. شرف جهان در خط و انشا و شعر و حتی در موسیقی و آواز سرآمد زمان بود و خط را به روش خواجه عبدالحی منشی می‌نوشت. وفات وی در قزوین اتفاق افتاد و در مزار شاهزاده حسین به خاک سپرده شد. وی به غیر از «دیوان» شعر، صاحب «ساقی نامه»ای است که به مدح شاه طهماسب ختم شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۸۷ -۱۱۷۴ /۳)، حسن التواریخ (۶۹۹ -۶۹۸، ۵۳۳)، ایضاح المکنون (۵۱۰/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۹۱ -۶۷۹ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۸۲۶ -۸۲۵، ۴۴۰ -۴۳۹)، تذکره‌ی میخانه (۱۶۸ -۱۵۱)، الذریعه (۵۱۶ -۵۱۵ /۹)، ریحانه (۱۸۸/۳)، عالم آرای عباسی (۱۷۸/۱)، قزوین در گذرگاه هنر (۲۲۱ -۲۲۰)، گلستان هنر (۴۹)، مجمع الخواص (۴۰ -۳۹)، مجمع الفصحا (۴۴/۴)، مینودر (۴۷۳ -۴۷۲ /۲)، نتایج الافکار (۳۶۹ -۳۶۸).

شرف رامی، شرف‌الدین حسن

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. از آثار وی: مثنوی «ده فصل» در وزن «مثنوی معنوی» و به نام سلطان جلایری سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :منظومه‌های فارسی (۳۳۴ -۳۳۳).

شرف شفروه اصفهانی، شرف‌الدین عبدالمومن، محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، فقیه، واعظ و شاعر. مشهور به شفروه و شرف اصفهانی. وی از خاندان بسیار معروفی از مردم اصفهان بوده که همه به مناسبت نام جدشان به شفروه معروف بوده‌اند. وی در زبان فارسی و عربی مهارت داشت. وی از قران جمال‌الدین عبدالرزاق و رفیع‌الدین لنبانی بود. در خدمت اتابک شیرگیر لقب ملک‌الشعراء داشت و می‌گویند که او جمال‌الدین و مجیرالدین بیلقانی را اهاجی رکیک گفته است. از ممدوحان وی اتابک مشیرگیر برادر اتابک ارسلان از سران دولت سلاجقه‌ی عراق بوده است. از جحمله مولفاتش: «اطباق الذهب فی المواعظ و الخطب». که به زبان منشیانه فصیح و به زبان عربی نگاشته شده است؛ «دیوان» اشعارش مشتمل بر هشت هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۵۰ -۹۴۸ /۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۴۳ -۷۴۰ /۲)، تاریخ گزیده (۷۳۷ -۷۳۶)، تاریخ نظم و نثر (۱۰۲)، تذکره الشعراء (۱۷۲ -۱۷۰)، دایرةالمعارف فارسی (۱۴۶۴/۲)، الذریعه (۵۱۳/۹، ۲۱۶/۲)، ریاض العارفین (۲۱۳ -۲۱۲)، ریحانه (۱۹۳ -۱۹۲ /۳)، فرهنگ سخنوران (۴۹۹ -۴۹۸)، کشف الظنون (۱۱۶)، لباب الالباب (۲۷۳ -۲۶۸ /۱)، لغت نامه (ذیل/ شفروه) هفت اقلیم (۳۶۶ -۳۶۱ /۲)، یادداشتهای قزوینی (۲۱۴ -۲۱۳ /۵).

شرف شیرازی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی در شیراز زندگی می‌کرد و در سرودن انواع شعر و تاریخ مهارت داشت. وی شغل معرفی در مجلاس بزرگان را داشته است. در تاریخ جلوس شاه عباس ثانی شعری دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۴۰)، الذریعه (۵۱۶/۹).

شرف طوسی، شرف‌الدین

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. از قدما و سخنوران عصر خود بود و کلامش بر دیگران برتری داشت. از اشعار اوست:

ای آنکه زمانه است شور از رویت

خورشید بود جمال نور از رویت

روی تو در این دو روز کمتر دیدم

گشتم ز غمت چو موی دور از رویت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی طلعت (۱۹)، الذریعه (۵۱۴/۹)، صبح گلشن (۲۲۲)، فرهنگ سخنوران (۴۹۹)، مخزن الغرائب (۷۷۴ -۷۷۳ /۲)، نشتر عشق (۷۶۲ -۷۶۱ /۲).

شرف فراهی، شرف‌الدین محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. دارای فضایل و کمالات بسیار بود. ابیات او دلفریب و رباعیات لطیف دارد. از اشعار اوست:

یادم نکنی از آن به فریاد آیم

باشد که ز بند هجرت آزاد آیم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۱۷)، الذریعه (۵۱۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۹۹)، مخزن الغرائب (۷۴۲ -۷۴۰ /۲).

شرف معمایی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. از معماسازان زبردست عصر خویش بوده و به زبان فارسی و تازی معما می‌سروده است. مجموعه‌ی «معمیات» از او باقی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۲۷).

شرف یزدی، شرف‌الدین علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۵۸ ق)، مورخ و شاعر، متخلص به شرف. وی در فنون ادب و انواع کمالات ماهر و بسیار فصیح و منشی بلیغ بود، در فن انشا بـه تمـامی اهـل عصـر خـود تقـدم داشت به فقر و تصـوف راغب و در معمـا دارای دسـتی توانـا بـود و اولین تدوین‌کننـده‌ی این فن می‌باشـد. وی از جمله رجالی است که عهـد آل مظفر و دوران تیموری را درک کرده. و در نزد تیمور لنگ مقرب بود و ابراهیم بن شاهرخ بن تیمور هم نسبت به وی محبت بسیاری داشت و به حسب اصرار او کتاب «ظفرنامه‌ی تیموری» را که حاوی احوال تاریخی خـانواده‌ی تیموری و فتوحـات امیرتیمور می‌باشـد در ظرف چهـار سـال تـالیف کرد و اطلاعات خود را از «ظفرنامه‌ی نظام شامی» و مطـالبی که روزنامه‌چیان زمان تیمور گردآورده بودنـد و از خزانه گرفته و از آنچه پیران سالخورده شـنیده فراهم کرده است و چون جامع‌ترین کتابهای تاریـخ تیموری است رایج‌ترین کتاب در این زمینه به شـمار می‌رود. چندی پس از تالیف این کتاب مقدمه‌ای در شرح قبایـل ترک و مغول و به اصـطلاح آن زمـان الوس جغتای یعنی انساب جغتای و احوال الوس بر آن کتاب نوشـته که به «تاریخ جهانگیر» یا مقدمه‌ی «ظفرنامه» معروف شده وی در مزار شرفیه کنار مسجد جامع میرچماق یزد به خاک سپردند. از دیگر تالیفات وی: سه رسـاله به نـام «منـاظر»، «منتخب»؛ «الحلـل المطرز فی المعما و اللغز»، در معما؛ «الکتاب فی علم الاسـطرلاب»؛ «کنه المراد فی علم الوفق و الاعداد»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (۵۰۵ -۴۹۸)، اعیان الشیعه (۳۷۱/۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۸۶ -۴۸۳، ۳۰۹ -۲۹۹، ۱۱۸، ۱۰۷ /۴)، تاریخ در ایران (۱۰۹ -۱۰۸)، تاریخ نظم و نثر (۲۴۹ -۲۴۸)، تاریخ یزد (۲۲۸ -۲۲۷)، تحفه سامی (۱۲۲)، تذکره سخنوران یزد (۱۶۶ -۱۶۴)، تذکره الشعراء (۴۲۸ -۴۲۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۹۹ -۴۹۷)، جامع مفیدی (۳۰۴ -۲۹۹ /۳)، حبیب السیر (۱۶ -۱۵ /۴)، دایرةالمعارف فارسی (۱۴۶۴/۲)، الذریعه (۳۹۸ -۳۹۷ /۲۲ ،۱۷۶/۱۸، ۲۰۰/۱۵، ۵۱۷/۹)، ریحانه (۲۰۰ -۱۹۸ /۳)، سبک شناسی (۱۹۴ -۱۹۳ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۲ -۱۰۱ /۹)، فرهنگ سخنوران (۵۰۰)، کشف الظنون (۱۵۲۱، ۱۳۳۲، ۱۰۳۳، ۱۲۰)، لغت نامه (ذیل/ علی)، معجم المؤلفین (۲۶۲/۷)، هدیه العارفین (۷۳۳/۱).

شرف یزدی، شرف‌الدین یعقوب

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، شاعر. اهل یزد بود وی شعر عربی و پارسی می‌گفته و شرف تخلص می‌کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۶۷).

شرف‌الاسلام شیرازی، ابوالقاسم عبدالوهاب

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۳۶ ق)، واعظ، فقیه اصولی، متکلم و محدث حنبلی. معروف به ابن حنبلی واعظ. اصل وی از شیراز است. از پدر فقه آموخت و از ابوطالب بن یوسف، حدیث. وی را شیخ حنبلیان دمشق گویند. از آثارش وقف مدرسه‌ی بزرگ شریفیه در کنار جامع دمشق است. از آثار علمی‌اش: «البرهان»، دراصول دین؛ «رساله فی رد الاشعریه»؛ «المفردات»؛ «المنتخب»، در اصول فقه حنابله.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۵۶۸، ۵۲۹/ ۲)، سیر النبلاء (۱۰۴ -۱۰۳/ ۲۰)، معجم المؤلفین (۲۲۴/۶).

شرف‌الدین، علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

الاسترآبادی معروف به شرف‌الدین عالمی فقیه شارح کتاب محقق کرکی و شاگرد آنجناب بوده و علامه مجلسی در مقدمه بحار فرموده و کتاب تأویل الایات الظاهره فی فضائل العترة الطاهره تألیف سید فاضل علامه زکی شرف‌الدین علی الحسینی الاسترآبادی مقیم نجف و مؤلف کتاب الغرویه در شرح جعفریه و شاگرد شیخ اجل نورالدین علی بن عبدالعالی کرکی بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شرف‌الدین، محمدمهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدمهدی بن العلامه شیخ محمد شرف‌الدین بن العالم الجلیل الشیخ جعفر شرف‌الدین (متولد حدود ۱۲۵۰ و متوفی ۱۳۳۵ ق) از علماء بزرگ و دانشمندان جلیل‌القدر معاصر شوشتر است.

وی در شب شنبه ۱۶ ربیع‌المولود ۱۳۱۸ قمری در شوشتر متولد شده و اولیات و سطوح را در وطن آموخته و بعد مهاجرت به نجف اشرف نموده و از مراجع بزرگ نجف چون مرحوم علامه یزدی و شریعت اصفهانی و مراجع و مدرسین بزرگ دیگر استفاده نمود.

تا به مقام رفیع علم و فقاهت رسیده و به وطن مراجعت و به ترویج دین و اقامه جماعت و تالیف و تصنیف پرداخته است از تالیفات ایشانست آثار جدش بنام (البدایع الجعفریه).

جد گرامی ایشان مرحوم شیخ جعفر بن محمدباقر بن حسن علی بن محمدرضا بن عبداللّه شرف‌الدین شوشتری عالمی جلیل و خطیبی ادیب بود.

وی در ماه صفر ۱۲۵۰ ق متولد شده و اولیات و مقدمات را از فضلاء عصر فراگرفته و در فن خطابه و وعظ مهارتی پیدا نموده و تالیفات بسیاری عربی و فارسی نظماً و نثراً داشته که از آنهاست (شرح الخصایص الحسینیه) شیخ جعفر شوشتری معروف و منظومه‌ای در تضمین الفیه در مواعظ و اخلاق و مدح‌الائمه و منظومه الارث و منظومهٔ‌الرضا (ع) و نظم حدیث الکساء و قصیده‌ای در غدیر دارد که پنجاه بیت می‌شود و نیز مراثی و مدایح دیگر.

وی در نهم ماه صفر ۱۳۳۵ قمری وفات نموده و در مقبره‌ای که جنب مسجد جد اعلایش شرف‌الدین است، مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شرف‌المعالی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن بغلی جلد روغنی عالی. دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع عالی. تمام صفحات حاشیه تشعیرسازی مذهب نسخ غبار خوش. با رقم: «بجههٔ سلامت وجود... احمد علی شاهنشاه قاجار. انا العبد سید محمد الملقب به شرف‌المعالی» «۱۳۴۱» در

کتابخانه‌ی سلطنتی.

– قرآن وزیری جلد روغنی ممتاز چهار صفحه‌ی اول متن و حاشیه مذهب مرصع نسخ کتابت خوش با رقم: «... سید محمد بقاء اصفهانی...» سال ۱۲۹۹ در کتابخانه‌ی ملک.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

شرفشاه گیلانی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم و نهم ق)، شاعر و عارف. وی در خرفه کام (دهی است میان «سوئی سر» گسکر از شهرستان صومعه‌سرا) می‌زیست و مشهور به پیر شرفشاه بود. شرفشاه از جمله پیرهایی است که پیرو بابا حسن عارف تبریزی بود. از او دو بیتی‌هایی نقل شده که به گویش فومنی و غالبا عارفانه بوده و با مذهب شعیه سازگاری دارد. آهنگ مخصوص شرفشایی در سال ۱۳۰۷ ق به وسیله استاد ابوالحسن صبابه نت کشیده شده. وی مجموعه اشعاری هم داشته که ناپدید گردیده. او دارای «دیوانی» دست‌نویس است که در کتابخانه‌ی آکادمی بخارست مضبوط شده است و دکتر محمدعلی صوتی از این مجموعه عکسبرداری کرده است. مزارش در حاشیه جنگل هفت دغنان هنوز زیارتگاه مردم می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۲۵ –۲۲۴)، نامها و نامدارهای گیلان (۲۷۶ –۲۷۲).

شرفکندی، عبدالرحمان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، مترجم، ادیب، محقق.

تولد: ۱۳۰۰ (ششم شعبان ۱۳۳۹ ق.)، شرفکند مهاباد.

درگذشت: ۲ اسفند ۱۳۶۹، کرج.

عبدالرحمن شرفکندی مشهور و متخلص به «هه‌ژار» است. پدر وی از علمای عصر خود بود. او برای نخستین بار در روستای شرفکند (بین مهاباد– بوکان) اقدام به تأسیس و تدریس علوم شریعت اسلامی به زبان کردی نمود و طلبه‌های دارالعلوم خود را به نوشتن و خواندن متون کردی به ویژه علوم اسلامی و تعلیمات دینی به زبان کردی ترغیب کرد. عبدالرحمن شرفکندی دوران کودکی را در خدمت پدر خود به تحصیل علوم دینی سپری کرد. در سال ۱۳۱۷ هفده سال بیش نداشت که پدرش در ۵۶ سالگی دار فانی را وداع گفت و مسئولیت خانواده را بر دوش وی نهاد. شرفکندی برای امرار معاش و تأمین مایحتاج زندگی خانواده ناچار به کار کشاورزی روی آورد و در کنار تلاش روزانه برزگری، همچنان به تحصیل نیز می‌پرداخت. و در ضمن به مطالعه آثار شعرای کرد و فارس نیز اشتغال داشت. در اوایل دهه‌ی ۱۳۲۰، در کردستان (سازمان احیای کردستان) که بعدها به «ژ– ک» مشهور شد، به وجود آمد. این سازمان در سال ۱۳۲۲ اقدام به تأسیس و نشر مجله‌ی کردی زبان «نیشتمان» (میهن) نمود. «هه‌ژار» از نخستین شماره با این مجله همکاری داشت و نام وی همواره مانند یکی از فعالان کمیته انتشاراتی این مجله به چشم می‌خورد.

وی با جراید دیگر کردی نیز همکاری داشت، همچنین نوشته‌های وی نه تنها در جراید جزبی بلکه در ماهنامه‌ی «کوهستان» که در تهران از سوی یکی از اکراد به نام اسماعیل اردلان منتشر می‌شد، به چاپ می‌رسید. در دوران زمامداری حزب دمکرات و به وجود آمدن جمهوری کردستان «هه‌ژار» به لقب «شاعر ملی کرد» مفتخر شد. پس از تسلط قوای حکومت وقت بر منطقه‌ی مهاباد، «هه‌ژار» آواره شد و از مهاباد به سوی سقز گریخت تا بلکه از راه بانه و پنجوین خود را به کردستان عراق برساند. اما در سقز شناسایی و دستگیر شد و در راه انتقال به زندان بوکان با پیش آمدن فرصتی از چنگ مأموران گریخت و سرانجام خود را به کردستان عراق رساند. آنجا در منزل شیخ لطیف فرزند شیخ محمود حفیدزاده سکنی گزید و سپس به بغداد عزیمت و در آن شهر به کارهایی چون عکاسی و روزنامه‌نگاری پرداخت. در همان ایام بر اثر ابتلاء به بیماری سل (در سال ۱۹۴۸ م.) برای معالجه راهی لبنان شد و در بیمارستان مسلولین واقع در جبل لبنان بستری گردید. دو سال و اندی در بیمارستان ماند تا رفته رفته حالش رو به بهبود گذاشت. به هنگام بازگشت از لبنان، مدتی در منزل یکی از اکراد سوریه ماند و در آنجا ضمن فراگیری لهجه کردی کرمانجی، اقدام به برگردانیدن کتاب مه‌موزین اثر شاعر کرد، احمد خانی، به لهجه‌ی سورانی نمود.

«هه‌ژار» پس از اقامت دو ساله در سوریه راهی مصر شد. از آنجا به شوروی رفت و در باکو به عضویت در آکادمی علوم آذربایجان شوروی درآمد و بخشی از سروده‌ها و اشعارش به ترکی در آن دیار انتشار یافت. پس از مدتی اقامت در شوروی از راه بلغارستان بار دیگر به کردستان عراق بازگشت و تا زمان کودتای ژنرال عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۵۸ م. وی همچنان در بغداد به حرفه‌ی عکاسی مشغول بود. پس از کودتای قاسم و برگشت مصطفی بارزانی، «هه‌ژار» به وی پیوست و به جنگ با عراق پرداخت. از سال ۱۹۷۱ م. که قرارداد متارکه‌ی جنگ بین عراق و رهبری جنبش کرد به امضا رسیده «هه‌ژار» به بغداد برگشت و به عضویت در آکادمی علوم کرد درآمد و به خدمات ادبی و فرهنگی پرداخت. دوران آسایش «هه‌ژار» چندان طولانی نبود. آتش جنگی دیگر شعله‌ور شد «هه‌ژار» دیگر بار با بارزانی همراه شد و سرانجام پس از حوادث سال ۱۹۷۵ م. با بارزانی به ایران بازگشت و در

عظیمیه‌ی کرج ساکن گردید.

«هه‌ژار» با استاد «هیمن» در ایجاد و تأسیس مرکز نشر فرهنگ و ادب کرد، انتشارات صلاح‌الدین ایوبی و نشر مجله‌ی کردی «سوره» فعالیت داشت.

برخی از آثار عبدالرحمان شرفکندی به این شرح هستند: بوکوردستان (به راه کردستان، دیوان شعر)؛ آله کوک (دیوان شعر)؛ به تی سه ره مەر، خه بیـامی (ترجمه رباعیات حکیم عمر خیام به کردی)؛ شەرح دیوان مه لای جزیری (تفسیر اشعار دیوان ملا جزیری به شیوه سورانی)؛ شـماره قنـامه‌ی کوردی(ترجمه شـرفنامه بدلیسـی به کردی)؛ مەموزین خـانی (برگردان کتـاب شـعر مەموزین احمد خـانی به کردی سورانی)؛ هوزی له بیروکراوی گـاوان (عشیره فراموش شـده گـاوان، ترجمه از عربی به کردی)؛ قانون ابن سـینا(در شش جلد، ترجمه از عربی به فارسی)؛ عیرفان به راهبەری ئازادی (ترجمه‌ی عرفان در مقابل آزادی از دکتر علی شریعتی)؛ دایه باوه کی خراوه، فه رهه رنگی فارسی به کوردی (ترجمه‌ی فرهنگ دو جلـدی عمید)؛ فه رهه نگی کوردی به فارسـی (فرهنگ کردی- فارسـی در دو جلـد)؛ وشـه‌ی کـوردی له عه ره بی دا (لغـات کردی در زبـان عربی)؛ ئـاله کـوک (منتشـره از سـوی انجمن فرهنگی شـوروی)؛ منظومه‌ی سه‌ره‌مەر (به تقلیـد سـگ و مهتـاب، چـاپ سوریه ۱۹۵۷- م.)؛ ترجمه‌ی تاریـخ سـلیمانیه (از عربی به فارسـی)؛ ترجمه‌ی روابط فرهنگی مصـر و ایران (از عربی به فارسـی)؛ ترجمه‌ی یک در کنار صـفرهای بی‌پایان (تألیف دکتر علی شریعتی، از فارسـی بـه کردی)؛ ترجمه‌ی پـدر مـادر مـا متهیم (تـألیف دکـتر شـریعتی، از فارسی به کردی)؛ ترجمه‌ی آری این چنین بـود برادر (تألیف دکتر شریعتی، از فارسی به کردی).

از وی چنـد اثر چاپ نشده نیز باقی مانده است، مانند: ترجمه‌ی قرآن به زبان کردی، ترجمه‌ی تاریخ اردلان به کردی، نامداران کرد و خاطرات او.

عبدالرحمان شرفکندی سرانجام درتقریبا هفتاد سالگی در تاریخ اول اسفند ۱۳۶۹ در کرج درگذشت. پیکر وی در گورستان «بداق سلطان» شهر مهاباد در کنار استاد هیمن به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شرفی یزدی، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط. از خوشنویسان است که جز نستعلیق، به اقلام اصول نیز آشنا بود از آثار وی: یک نسخه «صد کلمه‌ی» حضرت علی (ع) با ترجمه‌ی فارسی آن، که متن به قلم ثلث خوش و ترجمه به قلم نستعلیق کتابت متوسط است، با رقم: «کتبه محمد بن نظام الشرفی الیزدی، فی سنه‌ی ۸۸۱».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۵۲/۳).

شرفی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین شرفی

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای حسین شرفی در سال ۱۳۳۸هجری شمسـی در خانواده ای متدین وکاملا آگاه به مسائل مذهبی در شـهر نیشابور دیده به جهان گشود. وی دوران ابتـدایی، راهنمـایی و دبیرسـتان را در زادگـاه خویش بـا موفقیت سپری کرد و در پی علاقه وافر به فراگیری علوم دینی در سـال ۱۳۵۴ ، درست در سـال هـای خفقـان رژیم شاهنشـاهی وارد حوزه علمیه نیشابور گردیـد.از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشـش فراوان به تحصـیل پرداخت و پس از مـدتی در پی علاقه وافر خویش به ادامه تحصـیلات و اسـتفاده ازمحضـر بزرگان علم و ادب مشـهد وارد حوزه علمیه مشـهد مقدس گردید و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) از درس بزرگـانی همچـون آیت الله فاضـل،آیت الله مکـارم، آیت الله صـالحی و آیت الله سـتوده بهره هـا برد. اسـتاد ضـمن تبلیـغ به تدریس در دانشگاه آزاد مشهد و... و پرداخت. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشـیده است و شاهد این مدعا مشـغول بودن ایشان به امور پژوهشـی در دانشگاه رضوی از سال ۱۳۶۱ تا کنون می باشد.

شرقی شیرازی، عزیز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، نویسنده و مدرس. در شیراز متولد شد تحصیلات مقدماتی را در شیراز به پایان رسانید. در سال ۱۳۱۸ ش از دانشسرای عالی فارغ‌التحصیل شد و به اخذ گواهی‌نامه در رشته‌های موسیقی، ماشین‌نویسی و معالجه تراخم موفق شد و در دبیرستان ابن‌سینا مشغول تدریس شد. وی به فنون نویسندگی توانا و مدیریت داخلی روزنامه «پارس» را بر عهده داشت. از آثار وی: «چراغ هدایت»، در هفت مجلد؛ «رساله حکیم نظامی و سبک و روش او در شعر فارسی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۴۷/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸ -۵۷ /۴).

شرقی، فضل‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۲۷۵، شیراز.

درگذشت: شهریور ۱۳۶۱.

فضل‌الله شرقی، فرزند شیخ محمدجعفر، پس از طی ایام کودکی در محضر اساتید وقت، مقدمات و ادبیات فارسی و عربی را آموخت. سپس در سال ۱۲۹۸ به خدمت وزارت معارف وارد شد و در دبیرستان حیات ناظم و معلم شد و تا سال ۱۳۱۲ به این سمت باقی ماند. در آن سال از این کار استعفا کرد و خود آموزشگاهی را به نام «ابن سینا» افتتاح کرد که در مقام مدیریت آن فعالیت می‌کرد.

شرقی از سال ۱۳۱۵ به بعد علاوه بر تعلیم و تدریس از راه نشر و مدیریت روزنامه‌ی «عصر آزادی» که صاحب امتیازش جواد آزادی بود، وارد مطبوعات شد. وی چند سالی مدیریت آن روزنامه را به عهده داشت. سپس به مدت سی و هشت سال مدیریت روزنامه‌ی «پارس» را در شیراز بر عهده داشت و هفته‌ای دو و گاه سه بار آن را در هشت صفحه منتشر می‌کرد. این روزنامه به موضوعات علمی، ادبی، عرفانی و اجتماعی می‌پرداخت و شرح احوال رجال و بزرگان فارس در آن چاپ می‌شد. وی همچنین چندین بار به نمایندگی انجمن شهر شیراز و عضویت در شورای فرهنگ فارس و ریاست انجمن خانه و مدرسه و عضویت در شیر و خورشید سرخ انتخاب شد.

فضل‌الله شرقی با اینکه عضو هیچ یک از انجمن‌های ادبی نبود ولی گاهی در بعضی از جلسات آن شرکت می‌جست و اشعار شاعران عضو انجمن‌های ادب فارس و کانون دانش را در صفحه‌ی آخر روزنامه‌ی «پارس» چاپ می‌کرد.

وی مدت پنجاه سال هم ریاست دبستان و دبیرستان ملی ابن سینا را داشت.

پیکر وی در جوار آرامگاه شاه داعی الی الله به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شرقی، نادر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۸ ش)، مدرس و نویسنده. تحصیلات متوسطه را در دارالفنون تهران در سال ۱۳۰۹ ش به پایان رسانده و برای ادامه‌ی تحصیل به فرانسه مسافرت کرد، و از دانشکده‌ی علوم لیون بدریافت گواهی‌نامه‌ی ریاضیات عمومی و مکانیک راسپونل توفیق یافته و از دانشگاه مون پلیه به اخذ گواهی‌نامه‌ی کارآموزی داروسازی و شیمی عمومی نائل شده و سرانجام به اخذ دانشنامه‌های دکترا و داروشناسی و در علوم از دانشگاه مون پلیه موفق شد و در سال ۱۳۱۷ ش به تهران بازگشت. و استاد کرسی شیمی آلی در دانشکده‌ی پزشکی شد و همزمان بازرس داروئی و رئیس اداره‌ی کل داروئی نیز بود. از آثار وی: «سوزاک، درمان و طرز جلوگیری آن»؛ «شیمی آلی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۴۹۱ -۴۹۰ /۶).

شرقی، هاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شیراز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

شرماگائور، شیرنواز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: انگل‌شناسی حیوانی، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دامپزشکی، متخصص انگل‌شناسی حیوانی.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده دامپزشکی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام ۲۵ پروژه در زمینه بیماریهای مشترک انسان و دام، تعیین روشهای تشخیص و طرق کنترل و درمان بیماریهای انگلی در انسان و حیوان، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۶ پایان‌نامه دکترا.

ابداع:

روشهای تشخیصی جدید و راه‌اندازی تکنیکهای تشخیصی و کاربردی در بیماران مبتلا به بیماریهای مهم انگلی در انسان و حیوان.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی تألیفات:

انگل‌شناسی و بیماریهای انگلی، کنترل و درمان بیماریهای انگلی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۹۴

زمینه علمی مقالات:

اهمیت بیماریهای انگلی در انسان و حیوان.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

شرمی قزوینی، نظام‌الدین احمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۳۷ ق)، شاعر، متخلص به شرمی. وی در قزوین متولد شد، به کسب خیاطی مشغول و خیاط شاه عباس بود. او سفر فراوان می‌کرده است. در بعضی تذکره‌ها نام وی را شرقی آورده‌اند که غلط می‌نماید. او طبعی روان داشته و در زبان پهلوی و رامندی به اسلوب حافظ صابونی قزوینی اشعار نمکینی داشته در سال هزار هجری به واسطه این رباعی مورد توجه شاه عباس بزرگ قرار گرفت. از اشعار او:

ای دل به دل و آل او بیعت کن

ماوای خودت بدین سبب جنت کن

تنها نکنی به خرد حمامی لعن

به خرد و بزرگ سنیان لعنت کن

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۸۹ -۱۱۸۷ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۴۶۱)، تذکره‌ی میخانه (۸۹۴ -۸۹۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۶۲ -۲۶۱)، الذریعه (۵۱۸/۹)، عالم‌آرای عباسی (۱۸۹/۱)، مجمع الخواص (۲۱۲ -۲۱۰)، مخزن الغرایب (۱۰۰۱ -۱۰۰۰ /۲)، مکتب وقوع (۶۵۶)، مینودر (۴۷۴ -۴۷۳ /۲).

شروانی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۵۶ -۱۲۰۰ ق)، شاعر. وی در بندر حدیده‌ی یمن پا به عرصه‌ی وجود گذاشت. علوم ادبی را از شیخ محسن نجفی و شیخ بهاءالدین جبعی عاملی و فقه شیعه را از پدر خود آموخت. قاضی محمدصادق خان اختر که معاصر و رفیق وی بود اشعارش از او

در کتاب «آفتاب عالمتاب» آورده است. وی چندی در یمن، مدینه، حدیده، زبیده سکونت داشت و به هند نیز سفر نمود. از تالیفات اوست: «نفحه الیمن فیما یزول بذکره الشجن»؛ «حدیقه الافراح لازاحه الاتراح»؛ «بحر النفایس»؛ «جوارس التفریح»؛ «منهج البیان»؛ «جوهر الوقاد»، در شرح قصیده‌ی بانت سعاد «العجب العجاب»؛ «تاج الاقبال».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۳۳/۱)، اعیان الشیعه (۱۳۰/۳)، الذریعه (۲۹۱/۵، ۱۴۳/۴)، ریحانه (۳۳۶/۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۱)، الکنی و الالقاب (۳۵۷/۲)، معجم المؤلفین (۱۲۹/۲)، مکارم الآثار (۱۰۸/۱).

شروانی، عزالدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. از بزرگان و ارباب کمال زمان خود و با خاقانی شروانی (م ۵۹۵ ق) و ابوالعلای گنجوی همعصر بود. از اشعاری که از عزالدین به جای مانده لطف طبع و هنر شاعری وی پیداست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۹۸ -۱۹۷ / ۱)، دانشمندان آذربایجان (۲۷۳)، مجمع الفصحا (۸۶۸ / ۲).

شروانی، عظیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۸ -۱۲۵۱ ق)، شاعر، متخلص به سید. معروف است به شروانی در ضمن اشعارش از شعراء و سخنوران معاصر خود مانند: نورس، عاصمی، صفا، جرمی، یوسف، سالک، ثریا و مصور نام برده و از آنها تعریف نمود. در زمان این شاعر دو انجمن شعراء و ادبا به نام مجلس خاموشان در قراباغ و دیگری به نام بیت‌الصفا در شماخی دایر بوده و سید مذکور و جمعی از شاعرای معاصر او از اعضای نامی آن دو موسسه بودند. از آثار وی: «دیوان»، شعر؛ «مثنوی» کلیاتش در تاریخ ۱۳۱۳ و ۱۳۱۵ ق به خط میرزا احمد بصیرت خوشنویس در دو مجلد چاپ شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۱۸۶ -۱۸۵)، الذریعه (۴۸۳ -۴۸۲ /۹)، مؤلفین کتب چاپی (۷۹/۴).

شریعت اصفهانی، فتح‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ‌الفقهاء والمجتهدین علامه قمقام و محقق عالیمقام مرحوم حاج ملا فتح‌الله شریعت اصفهانی که پس از مرحوم آیه‌الله علامه طباطبائی یزدی ریاست حوزه علمیه نجف و زعامت کلیه شیعه بوی منتهی شد ولی دولت مستعجل بود زیرا بیش از شش ماه نکشید که باسلاف صالحین ملحق شد و ریاست بآیه‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی رسید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

شریعت اصفهانی، فتح‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۹ -۱۲۶۶ ق)، مرجع تقلید، فقیه اصولی، مفسر، متکلم و ادیب امامی. معروف به شیخ الشریعه اصفهانی. نسب وی به محمدعلی نمازی شیرازی می‌رسد. اصل وی از شیراز بود که در اصفهان به دنیا آمد. در اصفهان از ملا عبدالجواد خراسانی، مدرس کبیر، و ملا حیدر علی اصفهانی و ملا احمد سبزواری و ملا محمدصادق تنکابنی و حاج شیخ محمدباقر و ملا محمدتقی هروی اصفهانی درس خواند. سپس به نجف سفر کرد و چندی از محضر حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی و شیخ محمدحسین فقیه کاظمین استفاده کرد. وی از دوستان و نزدیکان سید جمال‌الدین اسدآبادی بود. در نهضت استقلال، ضد انگلیسی، عراق در کنار آیت‌اللّه میرزا محمدتقی شیرازی قرار داشت. در ۱۳۱۳ ق به حج رفت و بعد از مراجعت به درس و تالیف و فتوی پرداخت و مرجع تقلید اغلب شیعه‌ی امامیه‌ی گردید. وی از شیخ محمد طه نجف و سید مهدی قزوینی و صاحب «روضات الجنات» و برادرش میرزا محمدهاشم چهارسوقی و شیخ محمدحسین فقیه کاظمی اجازه‌ی روایت داشت. محدث قمی از شاگردان وی بود. شیخ فتحعلی بن گل محمد حکیم برادگاهی لنکرانی نیز از خواص شاگردان وی بود که «تقریرات» او را در چهار مجلد نگاشته است. از آثارش: «ابانه المختار فی ارث الزوجه من ثمن العقار»؛ «صیانه الابانه عن وصمه الرطانه»؛ «اصاله الصحه»؛ «افاضه القدیر فی حل العصیر»؛ «اناره الحالک فی

قرائه ملك و مالك»؛ حاشیه «فصول»؛ «قاعده‌ی صدور» یا «قاعده‌ی الواحد البسیط»؛ قاعده‌ی «ضرر»؛ قاعده‌ی «طهارت»؛ رساله‌ای در «صحاح» ششگانه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۴ -۳۳۳ /۵)، اعیان الشیعه (۳۹۲ -۳۹۱ /۸)، الذریعه (۶/۲۵ ،۱۰۴ -۱۰۳ ،۴۴/۱۵ ،۱۸۸/۱۰ ،۱۹۵/۷ ، ۵۹/۱)، ریحانه (۲۰۷ -۲۰۶ /۳)، شرح حال رجال (۱۷۵/۶)، علماء معاصرین (۱۲۴ -۱۲۲)، فوائد الرضویه (۳۴۵)، معجم المؤلفین (۵۳ -۵۲ /۸)، مکارم الآثار (۱۸۱۹ -۱۸۱۶ /۵).

شریعت اصفهانی، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۸ ق)، عالم شیعی. معروف به ابن شریعت اصفهانی. وی فرزند شیخ‌الشریعه اصفهانی و از علمای بزرگ بود. در نجف در زمان حیات پدر وفات یافت. از آثارش کتاب «الاعلام الاعلام بمولد خیر الانام» است که «تقریرات» پدرش را به رشته تحریر آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۳۸/۲)، ریحانه (۲۰۷/۳).

شریعت سنگلجی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۶۳ ق)، فقیه. تحصیلات خود را نزد پدر آغاز کرد سپس به مدرسه‌ی میرزا زکی در کوی سنگلج تهران وارد شد. دوره‌ی سطح فقه را نزد حاج شیخ عبدالنبی نوری به اتمام رسانید. حکمت و فلسفه را در محضر میرزا حسن کرمانشاهی و عرفان را نزد میرزا هاشم اشکوری فراگرفت. او همچنین در حوزه‌ی درس شیخ علی نوری و شیخ فضل‌اللَّه نوری تلمذ کرد. آنگاه به همراه برادرش، شیخ محمد سنگلجی، به نجف رفت و در محضر اساتیدی چون آقا ضیاءالدین عراقی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. او مرعوب عقاید وهابیه و بعضی از نویسندگان نوپرداز مصری گردید و در تهران در محله سنگلج دارالتبلیغی به نام رواق تاسیس نمود و به ترویج عقاید وهابیان پرداخت. از آثارش: «حرمت ربا»؛ «اسلام و موسیقی»؛ «توحید عبادت» یا «یکتاپرستی»؛ «کلید فهم قرآن»؛ «محو الموهوم».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۸۳/۲۵ ،۱۳۴/۱۸)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۷۰ -۶۹ /۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۶۱ -۵۶۰ /۲).

شریعت طالخونچه‌ای، محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند ملا زین العابدین شریعت طالخونچه‌ای.

عالم فاضل ادیب شاعر، از شاگردان آقا سید محمد باقر درچه‌ای، و آقا سید مهدی درچه‌ای و آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی، و حاج میر محمد صادق خاتون آبادی است.

در حدود ۱۳۰۰ متولد، و در ۱۳۷۳ وفات یافته، در قریه‌ی طالخونچه از بلوک سمیرم مدفون گردید.

دیوان اشعارش به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شریعت، عبدالرزاق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ عبدالرزاق فرزند شیخ محمدتقی در سال ۱۳۵۰ قمری پس از چهار سال از فوت مرحوم والدش به قم مشرف و مقدمات را نزد بعضی از اساتید و سطوح را از مرحوم ادیب تهرانی و آیت‌اللَّه العظمی مرعشی نجفی دام‌ظله و دیگران تلمذ نموده و بعد به درس مرحوم آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه صدر حاضر و بهره‌مند شده آنگاه مشرف به نجف اشرف و مقداری از درس آیت‌اللَّه اصفهانی را درك و بیشتر از آیت‌اللَّه آملی و آیت‌اللَّه آقا شیخ کاظم شیرازی و آیت‌اللَّه شاهرودی استفاده و پس از چهارسال اقامت به واسطه کسالت مراجعت به ایران و چندی در مازندران اقامت آنگاه برای همیشه مهاجرت به قم و مجاورت حوزه علمیه را اختیار

و از مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و پس از ایشان تا حال حاضر از دراسات و مجالس آیت‌اللّه شریعتمداری مستفیض می‌شوند. آقای شریعت دانشمندی خلیق و وارسته و دارای محاسن اخلاقی و محامد آداب و بسیار آرام و مانوس می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

شریعت، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد فرزند آیت‌اللّه العظمی مرحوم حاج ملا فتح‌اللّه شریعت اصفهانی عالم معاصر کراچی می‌باشند.

وی در حدود سال ۱۳۲۵ قمری در نجف اشرف متولد شده و در حجر والد ماجدش که از مراجع بزرگ تقلید و مدرسین و زعماء روحانیت نجف اشرف بودند پرورش یافته و مقدمات و ادبیات و سطوح را از علماء و اساتید نجف آموخته و به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدحسین نائینی و آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه العظمی آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی شرکت و استفاده نموده تا حدود سال ۱۳۷۰ قمری که بنابر دعوت مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا مهدی پویا به کراچی مهاجرت و رحل اقامت افکنده و تاکنون شاغل وظائف دینی می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شریعت، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی مواد، دانشکده: مهندسی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد مهندسی شیمی از دانشکده مهندسی دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۲، دکترای مهندسی فرآیندهای عملیات متالورژی از دانشگاه لندن.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه مهندسی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فرآیندهای تولید فلزات، تولید آلیاژهای مخصوص، استخراج مولیبدن، نمودارهای پایداری فازها در سیستم فلز- اکسیژن- گوگرد، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

تعادلات ترمودینامیکی، استخراج فلزات.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

شریعتمدار استرآبادی تهرانی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۸ -۱۲۴۹ ق)، عالم، فقیه اصولی، رجالی و ادیب. وی در کربلا متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت. به همراه پدر به سفر در شهرهایی همچون کرمانشاه، تهران، استراباد، مشهد رضوی و سرانجام تهران پرداخت. در خلال سفر از پدر علوم عربی و سطوح فقه و اصول را فراگرفت. پس از درگذشت پدر و رسیدن به سن بلوغ به نجف رفت و در محضر درس و بحث شیخ مرتضی انصاری و شیخ مشکور حولاوی و شیخ محسن خنفر و شیخ راضی شرکت کرد و فقه و اصول را در نزد ایشان تکمیل نمود و در بیست و سه سالگی به دریافت درجه‌ی اجتهاد نائل شد. وی از شیخ راضی و شیخ مشکور و علامه انصاری دارای اجازه بود. پس از آن به تهران آمد و به مرجعیت عام و خاص رسید. در عین حال به تدریس و تصنیف نیز پرداخت. از آثار وی: «مظاهر الآثار و حقایق الاسرار»، در پنج مجلد بزرگ؛ «ینابیع العقول»، در علم اصول، در سه مجلد؛ «اساس الاحکام»، در شرح «شرایع الاسلام»، در چهار مجلد؛ «نصره المستبصرین»، در شرح «التبصره»؛ «معراج المومنین»، در شرح «الالفیه» شهید؛ «النفلیه»، در نماز؛ «ادعیه الوباء و

الطاعون و جمله من الامراض و بعض العوذات و الاحراز»؛ «تحفه الممالک فی ترکیب الفیه ابن مالک»؛ «اثبات الفرقه الناجیه»؛ «رساله فی سند دعاء الخضر»؛ «مجمع الاراء و الادله»، در فقه.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۴۱/۹)، الذریعه (۲۸۹/۲۵، ۱۷۷/۲۴، ۲۳۴، ۱۶۲، ۱۶۱- ۲۱/ ۱۵، ۱۴- ۲۰/ ۲۳۵/۱۲، ۴۷/۱۱، ۴۷۲/۳، ۴/۲، ۹۸/۱)، ریحانه (۲۱۱ -۲۱۰ /۳)، شرح حال رجال (۲۲۴/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۹۲ -۳۹۱ /۱۴)، لغت نامه (ذیل/ شریعتمدار)، معجم المؤلفین (۲۱۳/۹)، مکارم الآثار (۱۳۵۰ -۱۳۴۹ /۴).

شریعتمدار دامغانی، رضا، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۶ ق)، عالم دینی، مجتهد و شاعر. مقدمات علوم را در مشهد آموخت پس از آن به نجف مهاجرت کرد و در آنجا تحصیلات خود را ادامه داد. پس از پایان تحصیل به ایران بازگشت و به خدمات دینی و اجتماعی مشغول شد. او دارای طبع شعر و ذوق ادبی و اشعار زیادی به فارسی و عربی سرود که قطعاتی از اشعار فارسی آن در «گنجینه‌ی دانشمندان» آورده شده است. وی دارای کتابخانه‌ی بزرگی بود که بیشتر اوقات خود را در آن به تالیف کتب مشغول بود. از آثارش: «اصول دین»؛ «انتباه نامه‌ی اسلامی»؛ ترجمه‌ی «العقائد الوثنیه فی الدیانه النصرانیه»، به نام «بت‌پرستی و مسیحیت کنونی».[۱]

رضا شریعتمدار بن میرزا حسن مجتهد از علماء بزرگ اخیر دامغان بوده است.

وی مقدمات علوم را در مشهد آموخته و پس از آن به نجف اشرف عزیمت نمود و در آنجا تحصیلات خود را ادامه داده و پس از پایان تحصیل به ایران برگشته و به خدمات دینی و اجتماعی و خدمت به مردم پرداخت دارای کتابخانه بزرگی بود و بیشتر اوقات خود را در آن به مطالعه و تألیف کتب مصروف می‌داشت تألیفات وی به شرح زیر است.

۱- اصول دین چاپ ۱۳۱۹ قمری

۲- انتباه نامه اسلامی که به سال ۱۳۲۰ قمری تألیف و در سال ۱۲۹۷ شمسی در ۲۲۴ صفحه به چاپ رسیده است

۳- ترجمه العقاید الوثنیه فی الدیانهٔ النصرانیه در سال ۱۳۴۲ قمری بطبع رسیده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۶ -۱۵ /۳، ۳۵۷/۲)، ریحانه (۲۱۱/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۴۲ -۵۴۱ /۱۳، قرن ۷۲۸/۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۵/۵)، المآثر و الآثار (۱۷۰)، مؤلفین کتب چاپی (۱۶۸ -۱۶۷ /۳).

شریعتمدار رفیع، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا ابوالحسن شریعتمدار رفیع بن المرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا مهدی رفیع سابق‌الذکر می‌باشد.

وی در حدود یکهزار و سیصد هجری در مشهد مقدس متولد گردیده و مقدمات و سطوح را در رشت خوانده و بعد باتفاق برادرش حاج میرزا علی بحرالعلوم به نجف اشرف مهاجرت و از محضر مرحومین آیتین حاج سید محمد کاظم یزدی و آخوند خراسانی استفاده کامل نموده تا بدرجه‌ی رفیعه اجتهاد نائل گردیده آنگاه به ایران مراجعت و چندی در رشت اقامت و پس از آن مهاجرت به تهران و مورد توجه کلیه و احترام مقامات روحانی و علمی و غیره واقع شده و حوزه درس تشکیل و بسیاری از دانشمندان مرکز از محضر و بیاناتش بهره‌مند گردیداند.

منزلش مهبط نزول رجال علم و فضیلت و آیات عظام مانند مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محسن امین و آیت‌اللّه العظمی حاج سید عبدالحسین شرف‌الدین عاملی و غیره بوده است. در حل مشکلات و فصل معضلات و قضاء حوائج دستی باز و با حسن خلق از ارباب حوائج پذیرائی و حتی المقدور رفع نیاز آنها می‌نمود.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شریعتمدار سنندجی، محمد امین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۵ ق)، عالم، عارف و صوفی. در سمران، بین سنندج و کرمانشاهان، به دنیا آمد. به سنندج مهاجرت کرد و در مسجدی که به نامش مشهور است به تدریس پرداخت. شریعتمدار مردی بود عارف و طریقه نقشبندیه داشت. چند سالی در تهران زندگی کرد و مجددا به سنندج بازگشت. در مدت اقامت در تهران کتابی به نام «ریاض المعصومین»، درباره‌ی مناقب ائمه (ع) و یاران پیامبر (ص) به رشته تحریر درآورد. از دیگر آثار وی کتابی در «مسائل فقهی» و «عقاید» است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر مرد (۱۷۲/۲).

شریعتمدار مازندرانی، محمد حمزه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عالم دینی. معروف به شریعتمدار مازندرانی حمزه کلایی. وی از علمای بزرگ عصر خود و معاصر با سعیدالعلمای بارفروشی بود، ولی در مشرب فکری با هم اختلاف داشته‌اند. از آثارش: «اسرار الشهاده»، به فارسی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۶/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۴۳/۱۳).

شریعتمدار، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل شریعتمدار عالمی جلیل و سخی‌الطبع بوده و از تلامذه مرحوم علامه آقا شیخ هادی تهرانی و از مجتهدین مسلم سبزوار بوده است در سال ۱۳۳۶ ق به رحمت حق واصل و در سبزوار مدفون گردیده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شریعتمدار، عبدالوهاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا عبدالوهاب جامع معقول و منقول حاوی فروع و اصول بوده و سطوح را در تهران مخصوصا در خدمت میرزا ابوالحسن جلوه تکمیل نموده و بعدا برای اتقان مبانی فقه و اصول مشرف به نجف اشرف شده و چندین سال در خدمت اساتید دینی تلمذ نموده تا به اعلا درجه اجتهاد رسیده سپس به وطن مراجعت و به خدمان دینی و ترویج احکام شرعیه نمود و بعد از چند سال مراجعت به عتبات و مجاورت کربلا را اختیار و در آنجا بدرود زندگی گفته و در جوار سالار شهیدان و شفیع عاصیان مدفون گردیده است.

آن مرحوم با آیت‌اللّه العظمی آقا سید اسمعیل صدر موانست و مجالست داشته و مرحوم آیت‌اللّه صدر یکی از علماء حوزه علمیه قم می‌فرمودند من شوارق را در خدمت مرحوم آقا شیخ عبدالوهاب خواندم.

دارای تألیفات زیادی در علوم عقلیه و نقلیه بوده‌اند که متأسفانه به طبع نرسیده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

شریعتمدار، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۵ -۱۲۴۲ ق)، فقیه، اصولی و هیوی. مشهور به مجتهد شریعتمدار. در محضر پدرش و شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، و شیخ مرتضی انصاری در معقول و منقول تبحر یافت. چون هوش و ذکاوت و حافظه سرشار داشت، جامع انواع علوم و فنون اسلامی و اختراعات انواع صنایع و آلات بود. با وجود علم سرشار و نبوغ بسیار در تواضع و زهد و ساده‌زیستی ممتاز بود. ناظم‌الاسلام صاحب «تاریخ بیداری ایرانیان» از شاگردان اوست. شریعتمدار به گفته خود از دوازده سالگی شروع به نگارش کرده و بیش از هفتاد اثر علمی بر جاری گذاشته است. از آثارش: «البرد الیمانی فی الفاظ المعانی» در لغت؛ «مبدأ الآمال»، در قواعد علوم الحدیث و درایه و رجال؛ «غایه الآمال» در علم رجال؛ «بروج العروج»، در هیئت؛ «بروز الرموز»؛ «البروق اللامعه»، در شرح زیارت جامعه؛ «تحریر الاصول»، در اصول فقه؛ «آیینه‌ی جهان نما»، در تاریخ کره زمین؛ «درر الاحکام»، در پانزده علم: صرف، نحو، معانی، لغت، میزان، رجال، درایه، حدیث، اصول، تفسیر، تجوید، هیئت، حساب، کلام و فقه؛ «جامع ناصری» به سبک «جامع عباسی»، در فقه عملی که ناصرالدین‌شاه می‌خواست آن را قانون رسمی و جاری کشور نماید اما مخالفان استقرار قوانین اسلامی او را منصرف کردند؛ «منهاج الدرایه» رساله فقهی فارسی؛ «الجامعه النحویه و الصرفیه بین الترکیب و شرح الالفیه»؛ «مطالع البکور»؛ «رموز الاقوال»؛ «بوستان»، منظومه فارسی، در تجوید؛ «الدرر الایتام»؛ «نثر الدرر الایتام»؛ «انیس الغرباء»؛ «ایضاح التحریر».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۰۹/۸)، الذریعه (۴۸/۱۹، ۶ -۵ /۱۶، ۲۵۱/۱۱، ۱۱۹، ۱۱۷، ۸/ ۷۵/۵، ۱۵۶، ۱۵۵- ۳/ ۴۹۳، ۴۶۳/۲، ۵۲، -۵۱ /۱)، ریحانه (۲۱۰/۳)، شرح حال رجال (۲۲۴/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۶۵ -۱۳۶۱ /۱۴)، علماء معاصرین (۳۳۷)، لغت نامه (ذیل/ علی استرآبادی)، المآثر و الآثار (۱۴۹)، معجم المؤلفین (۱۸۸/۷)، مکارم الآثار (۱۱۷۲ -۱۱۶۹ /۴).

شریعتمدار، کمال الدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۳-۱۳۵۲) از علمای متنفّذ اصفهان. در شب دهم رمضان المبارک سال مرقوم در اصفهان وفات یافته، و جنازه به نجف اشرف منتقل گردیده، و در مقبره حاج سید اسداللّه در دالان نجف مدفون شده.

انصاری در تاریخ اصفهان و ری(:۴۰۹) درباره او گوید:

شریعتمدار اگر علم برادر بزرگش آقا جلال را داشت، و تواضع و لطف بیان آقای حاج آقا نوراللّه، و اقدام مرحوم آقای نجفی را در اصلاح امور عامّه، با قوّت قلب آنها شاید جای‌گیر پدر می‌شد.

تاریخ وفاتش را مرحوم انصاری گوید:

برای سال فوتش شد یکی بیرون و خوش گفتا

کمال الدین زیک رحلت کند اکمال این دین را

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

شریعتمدار، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ محمدتقی شریعتمدار که از بزرگان علماء مازندران و از شاگردان مرحوم آیت‌اللّه آقا شیخ محمدکاظم آخوند خراسانی و آیت‌اللّه آقا سید محمدکاظم یزدی بوده است که پس از تکمیل سطوح نزد والدش مشرف به نجف اشرف شده و در خدمت اساتید مذکور سالها تلمذ نموده و سپس به وطن اصلی خود مراجعت و بر ترویج دینی پرداخته و مورد توجه و مراجعات عامه آن سامان شده تا در سال ۱۳۴۶ قمری نوزدهم ماه مبارک رمضان بدرود حیات گفته و مدتی در آنجا به عنوان امانت مدفون و بعد حمل به قم و در جوار حضرت معصومه سلام‌اللّه علیها به خاک سپرده شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

شریعتمدار، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین بن العالم الجلیل الحاج الشیخ محمدرضای مذکور از علماء اعلام معاصر ساوه است. معظم له در ساوه تولد یافته و ادبیات را خدمت والد ماجدش تحصیل نموده و پس از آن هجرت به قم نموده و معقول را خدمت مرحوم آقای میرزا علی‌اکبر حکمی یزدی و سطوح نهائی را قسمتی از مرحوم آمیرزا محمد همدانی و قسمتی از سطح و خارج را خدمت آیت‌اللّه آمیرزا سید علی یثربی کاشانی خوانده و چهار دوره تمام از درس مرحوم آیت‌اللّه حایری استفاده فرموده و هم در موقع مهاجرت آیت‌اللّه نائینی لباس مشکوک را از درس آن مرحوم مستفیض شده و در مدت ۲۰ سال توقف و اقامت در قم و حوزه علمیه دائماً مشغول تدریس در اوائل ادبیات را و در اواخر کفایه و مکاسب و وسائل را تدریس می‌نمودند و پس از نیل به مرتبه اجتهاد به تصدیق حضرات آیات عظام حایری و اصفهانی و حجت و اجازه مفصل حدیث از طرف مرحوم محدث قمی به ساوه مراجعت و حوزه علمیه در آنجا به امر مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی تشکیل و حدود بیست طلبه و محصل تربیت نموده و بسیاری از فضلاء حوزه علمیه قم هم در موقعی که معظم له در قم تدریس می‌نمودند از درس و بحث ایشان استفاده نموده‌اند.

نگارنده در سال ۱۳۶۸ ق سفری به ساوه رفته و مدت دو هفته در ضیافت ایشان بودم و حوزه علمیه ایشان را دیده‌ام.

آقای شریعتمداری بالغ بر چهل سالست که در ساوه به اقامه جماعت و ترویج دین و اغاثه ملهوفین و دستگیری ضعفا و بینوایان اشتغال دارند و نه باب دکان برای مصارف مدرسه و مسجد تأسیس و وقف نموده‌اند که سه باب دکان به معاونت اهالی و بقیه به خرج شخص خودشان شده است و فقه اللّه تعالی لمرضاته و خدمهٔالدین

معظم له دارای طبع شعر و ذوق ادیبانه و قصائد عربی و فارسی بسیار در مدح و مراثی و غیره دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شریعتمدار، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدرضا معروف به شریعتمدار ساوه‌ای از علماء اعلام و دانشمندان بنام این شهرستان بوده است.

معظم له سبط مرحوم آیت‌اللّه آقای حاج میرزا احمد معروف به حجهٔالاسلام (که قبر شریفش در شیخان قم مزار عمومی مردم ساوه

است) و پدر مادرش مرحوم آیت‌اللّه حاج سید اسماعیل شیخ‌الاسلام مدفون در رواق مطهر مولانا امیرالمؤمنین علیه‌السلام از مفاخر اسلام و مراجع عموم مردم ساوه بوده‌اند.

آنجناب از علماء دوره اخیر و علماء و عملا هنوز ضرب‌المثل قم و ساوه می‌باشند. در فنون ادبیت از عربی و فارسی و تفسیر و فقه و اصول سرآمد اقران و کتابی منظومه تألیف فرموده‌اند در سنن و آداب اسلامی که سابقه نداشته و چون حتی‌الامکان عین عبارات ائمه معصومین علیهم‌السلام است مطلع آن را از نظر خوانندگان معظم می‌گذرانیم.

السنن الاداب فیه مستطر

تقدیم حضرت الامام المنتظر

جمعتها طبقا علی الوسائل

لنلت ما ترید خیر نائل

ما امکنت اذکر لفظ الخبر

تبرکا بذکر عین الاثر

در زهد و تقوی و قدس و ورع از افراد نادره زمان خود بوده و هم ایشانست که در ورود مرحوم آیت‌اللّه المؤسس حاج شیخ عبدالکریم حایری در قم بوده و در شبی که آنجناب در منزل مرحوم آیت‌اللّه فیض دعوت داشتند به اتفاق جماعتی از علماء و وعاظ مهم تهران و قم آن مرحوم هم جزو مدعوین بوده و به آن مرحوم می‌گویند به چه خیالی قم مشرف شده‌اید می‌فرمایند شما به چه قصدی آمده‌اید.

ایشان می‌گویند من به قصد زیارت آمده‌ام مرحوم آیت‌اللّه حایری می‌فرمایند من هم مثل شما آقای ساوجی عرض می‌کنند هیهات مگر این قمیها از نسل آن قمیها نباشند که وقتی دعبل خزاعی جبه حضرت امام هشتم (ع) را به قم آورد اهالی به هر قیمتی که خواستند بخرند نداد عاقبت وقتی بیرون رفت از قم عده‌ای از داشها و جوانهای آن زمان در راه جبه را به هر قسمی بود از چنگش درآوردند.

آقای حایری فرمودند دعبل جبه امام داشت به من چه مربوط است. آقای ساوجی گفتند شما هم علم امام (ع) را دارید اگر از او جبه گرفتند شما را به هر قیمتی است نگاه می‌دارند.

پس این مذاکره جدی شوخی‌نما را وعاظ محترم در مجامع عمومی صحن چون فصل عید بود مطرح کردند و مردم قم نیز علاوه تجار تهران تهییج شدند تا عاقبت حضرت آیت‌اللّه حایری قصد اقامه و مجاورت در قم فرموده و تأسیس حوزه علمیه گردید.

رحلت آن مرحوم

اما قضیه فوت آقای ساوجی که در ساوه سابقه نداشته و حقیقهٔ اسباب تنبه و دلیل بر جلالت قدر ایشانست این است که سالها می‌فرمود و غالب اهالی ساوه از ایشان شنیده بودند که پدرم و عمویم و جدم در سن هفتاد از دنیا رفتند من هم منتظر هفتادم وارد هفتاد شدند و در شب ۱۳ رجب ۱۳۶۳ قمری از دنیا رفتند طاب اللّه ثراه و جعل الجنهٔ مأواه و مثواه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شریعتمداری تبریزی، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۰۶ -۱۳۲۲ ق)، فقیه اصولی و مرجع تقلید. جد وی سید محمد اصلا اهل بروجرد بود که به تبریز مهاجرت کرده بود. خود وی در تبریز به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت. پس از فراگیری مقدمات قبل از بلوغ به درس «مکاسب» حاضر شد و در هیجده سالگی به حوزه‌ی درس خارج آیت‌اللّه آقا میرزا صادق آقا و آیت‌اللّه میرزا ابوالحسن انگجی راه یافت. در ۱۳۴۲ به قم مهاجرت کرد و از محضر آیت‌اللّه حائری بهره‌ها برد و چند دوره اصول و عده‌ای از کتب فقه را در نزد ایشان استفاده کرد. وی اخلاق را در محضر حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی و علم معقول و کلام و هیئت و اسطرلاب را نزد آقا میرزا علی‌اکبر یزدی فراگرفت. در خلال تحصیل دو مرتبه به نجف مشرف و به درس آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه نایینی و آیت‌اللّه شیخ محمد اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی حاضر شد و سرانجام موفق به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از آیت‌اللّه حائری و آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه عراقی گشت. پس از آن به زادگاهش مراجعت کرد و ده سال در تبریز اقامت گزید و به تدریس و ترویج و ارشاد و هدایت پرداخت. آنگاه به قم بازگشت و از مراجع دینی مردم گشت. وی در قبرستان ابوحسین قم مدفون است. از آثار وی تاسیس مراکز تبلیغی و مساجد و مدارس در قم و تهران و تبریز و به ویژه دارالتبلیغ اسلامی قم بود. از آثار علمی‌اش: رساله‌ای در اجتماع «امر و نهی»؛ رساله‌ای در «نهی»، در معاملات؛ «خلاصه الاحکام»؛ «مناهج التقی»، حاشیه بر «عروه الوثقی»؛ «وسیله العباد لیوم المعاد»؛ «مناسک حج».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار الحجه (۶۱/۲)، علماء معاصرین (۲۸۶ -۲۸۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۰ -۱۲ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳ -۲۲ /۵).

شریعتمداری جهرمی، عبدالرسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرسول شریعتمداری جهرمی

محل تولد : جهرم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۱/۹/۱

زندگینامه علمی

سیّد عبد الرسول حسینی شریعتمداری جهرمی در ۱۹ شوّال ۱۳۴۷ ق در شهر جهرم از توابع فارس چشم به جهان گشود پدرش سیّد محمد علی معروف به «جامی فاضل» از علماء معروف به تقوی در شهر جهرم بود که در سال ۱۳۵۲ ه ق در گذشت مادرایشان دختر سید عبد الحسن نجفی دزفولی معروف به سیّد عبد الحسین احدی در سال ۱۳۴۲ ه ق در جهرم در گذشت

ایشان درس را در ابتداء در جهرم نزد براد و بزرگوارش سید حسن شروع کرد و از جهرم به لار از لاربه شیراز برای طلب علم سفر کرد و در شیراز نزد شیخ ابن الحسن الاصطهبانی که از او تاد بود درس شرح لعمه و قوانین را شروع کرد و درسال ۱۳۶۶ ه ق به قم مهاجرت کرد و در نزد شهید صدوقی درس شرح لمعه و قوانین را به اتمام رساند و در نزد شهید مطهری در سائل به شیخ مرتضی حائری یزدی مکاسب و شیخ عبد الجواد اصفهانی به کفایه را فرا گرفت و بعد از آن در دس خارج اصول رفته حضرت آیت الله بروجردی به مدّت ۳ سال شرکت کرد و در درس آیت حجهٔ کوهکردی به بیع مکاسب و امام خمینی«اصول فقه» و طباطبایی«تفسیر» حاضر شدند سپس در سال ۱۳۷۲ ه ق به نجف اشرف مشرف و در من حضراتی همچون آیهٔ سید محسن حکیم و سید ابولقاسم خوئی و شیخ میرزا باقر زنجانی و شیخ حسین حلّی و شیخ میرزا هاشم آملی شرکت کردند و در سال ۱۳۷۸ ه ق برای تکمیل استفاده از اساتید به قم بازگشتندو در درس آیت الله بروجردی و آیت الله و داماد و سیّد محمّد کاظم تبریزی حاضر شدند.

ایشان در سال ۱۳۷۸ ه ق از شیخ آقا بزرگ تهرانی اجازه روایت حدیث گرفتند و نیز آیت الله شیخ میرزا هاشم آملی در سال ۱۳۹۸ ه ق به ایشان اجازه اجتهاد و روایت حدیث دادند.

شریعتمداری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید حسن ابن العالم الجلیل حاج میرزا محمدعلی فاضل ابن حاج میرزا ابوالقاسم شریعتمداری جهرمی از فضلاء معاصر قم و تهرانند. مرحوم آقا سید حسن که سالها در تهران مقیم و در مدرسه مروی تدریس می‌نمودند و در سال ۱۳۹۴ قمری بدرود حیات گفتند. با نگارنده صداقتی داشتند. تحصیلات مقدماتی خود را در جهرم و شیراز خوانده و به قم مهاجرت و سطوح را تکمیل و از درس خارج آیت‌اللّه حجت و خوانساری و آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده نموده آنگاه به تهران منتقل و به تدریس در حوزه علمیه مروی پرداخته تا در سال مزبور از دنیا رفتند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شریعتمداری، حمیدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمیدرضا شریعتمداری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

حمید رضا شریعتمداری فرزند حجت الاسلام والمسلمین شیخ محمد صادق شریعتمداری در سال ۱۳۴۶ هجری شمسی در قم متولد شد. او پس از دو سال همراه خانواده به تهران عزیمت کرد و مقطع ابتدایی و راهنمایی را در تهران(مدارس ملی نو، اثنا عشری و مجاهدان)تمام کرد و در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی به حوزه علمیه قم (مدرسه حقانی و سپس شهیدین) وارد شد. در مدرسه شهیدین علاوه بر دروس متعارف حوزوی دروس دیگری را که اغلب در آن زمان در حوزه علمیه رایج نبودند فرا گرفت(نهایهٔ الحکمه، معارف قرآن ، حفظ قرآن تا ۲۰ جزء ، اقتصادنا، ادوار فقه ، ادوار تفسیر، دوره های مختلف عقائد و کلام اسلامی، تاریخ اسلام و ...)از آن جمله دوره کامل مکالمه عربی(در دانشگاه امام صادق تهران و در خود مدرسه شهیدین) و انگلیسی است که در آن مدرسه پشت سر گذاشت، به ادبیات فارسی و نویسندگی نیز در همین مدرسه علاقمند شد و در همین زمینه تدریس داشت. وی سالیان متمادی را در دروس خارج حوزه(در فقه و اصول) در محضر استادانی چون آیت الله سید کاظم حائری شرکت جسته است

. در سال ۱۳۶۸ هجری شمسی هم نویسندگی و هم عربی جدید را با قوت تمام ادامه داد. سه سال مسؤول مکالمه عربی مدرسه معصومیه بود(با دو دوره تابستانی در دانشگاه رضوی مشهد و مدرسه امام صادق دماوند) در سال ۱۳۷۰ هجری شمسی در دوره جامعه شناسی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه شرکت کرد(به مدت یکسال و نیم)پس از آن جهت مأموریت به نمایندگی از طرف سازمان تبلیغات اسلامی به کشورهای آلبانی و مقدونیه سفر کردبه مدت ۲ سال: ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۴ هجری شمسی) پس از بازگشت برای یکسال مسئول مکالمه عربی در مدرسه شهیدین بود ، با مجله حوزه و دانشگاه هم همکاری داشت. از سال ۱۳۷۰ هجری شمسی که اولین مقاله را در باب راه های سیاسی کردن دانشگاه ها در روزنامه جمهوری اسلامی نوشت تاکنون بیش از یکصد مقاله در موضوعات عمومی(سیاسی و اجتماعی) و تخصصی(اسلامی شدن علوم، ادیان و مذاهب و..) نوشته است مثلا ۳۰ مقاله در مورد کشورآلبانی در روزنامه اطلاعات .در سال ۱۳۷۵ هجری شمسی به خواست وکمک و با مدیریت حجه الاسلام والمسلمین جناب آقای سید ابوالحسن نواب و جناب آقای سید حمید کاظمی مرکز مطالعات ادیان و مذاهب را بنیان گذاشت، ۲ سال قائم مقام او و از سال ۱۳۷۸ هجری شمسی تا کنون سردبیر مجله هفت آسمان بوده است ایشان هم اکنون عضو هیأت علمی ، مدیر گروه شیعه شناسی و معاون ارتباطات مرکز ادیان است. اودر راه اندازی مجله نامه جامعه وابسته به جامعه الزهراء نقش داشت و در شماره های انتشار یافته دوره نخست آن سر مقاله نویس بود .در مراکز مختلف تدریس داشته و دارد (جامعهٔ الزهرا و دانشکده های، مدرسه شهیدین، دانشگاه مفید، دانشگاه امیر کبیر ، دانشگاه آزاد آشتیان، مدرسه امام خمینی و اخیراً مؤسسه آموزش عالی ادیان و مذاهب در مواد درسی حلقات الاصول، روش تحقیق، عربی جدید، متون تخصصی انگلیسی، متون عربی معاصر، مبادی العربیه، جواهر البلاغهٔ، تاریخ کلام اسلامی، متون اسلامی، منطق اشارات، منطق صوری ، ادبیات فارسی ، معارف اسلامی ، نهایه الحکمه ، تاریخ فلسفه غرب و تاریخ فلسفه اسلامی)با مراکز مختلفی از جمله مرکز تحقیقات امام موسی صدر(ترجمه بیش از ۲۰ مقاله از آثار و سخنرانی های امام موسی صدر)تنظیم و نشر آثار حضرت امام (در کنگره اخلاق عرفانی امام خمینی(ره) در ویراستاری مجله اشراق)، جامعهٔ الزهراء (امور پایان نامه ها و نشریه نامه جامعه)دبیرخانه خبرگان(با مجله حکومت اسلامی) موسسه گفت و گوی ادیان در تهران، دانشگاه مفید و مراکز دیگر همکاری داشته است.در زمینه تحصیلات دانشگاهی، کارشناسی ارشد را در رشته مدرسی الهیات و معارف اسلامی در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم گذرانده موضوع پایان نامه شان که به چاپ هم رسیده، سکولاریزم در جهان عرب است در سال ۱۳۸۰ هجری شمسی در کنکور ورودی مقطع دکتری تخصصی (phd) در دانشکده الهیات و معارف و دانشگاه تهران رتبه اول را احراز کرد و در سال ۱۳۸۴ از پایان نامه خود تحت عنوان تفکر عقلی در قرن چهارم، از منظر ابوحیان توحیدی دفاع کرد. در سال ۱۳۸۵ به مدت دو ماه به عنوان محقق مدعو در دانشگاه هاروارد آمریکا به پژوهش اشتغال داشت.

شریعتمداری، عبدالرسول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید عبدالرسول فرزند میرزا محمدعلی فاضل، در سال ۱۳۰۷ شمسی در جهرم متولد شده و در بیت علم و سیادت و مادر عفیفه‌اش که دختر مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید عبدالحسین مجتهد لاری (دزفولی) پرورش یافته و در جهرم و شیراز مقدمات و قسمتی از سطوح را خوانده و در سال ۱۳۲۵ به قم مهاجرت و تتمه سطوح را از استاد مرتضی مطهری و آیت‌اللّٰه حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی آموخته و از محضر آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی استفاده نموده و در سال ۱۳۳۲ شمسی به نجف اشرف عزیمت و از محضر آیت‌اللّٰه العظمی حکیم و خوئی و آقا شیخ حسین حلی بهره‌مند شده و آنگاه به قم مراجعت و از دروس خارج آیت‌اللّٰه حاج سید محمد محقق داماد و دیگران بهره‌مند و به تدریس فقه و اصول و غیره اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شریعتمداری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر علی شریعتمداری در ۱۳۰۲ در شیراز متولد شد. پس از اخذ دیپلم در شیراز بـه آموزگاری پرداخت. وی در سال۱۳۳۰ کارشناسی رشته قضایی و در سال ۱۳۳۲ کارشناسی فلسفه و علوم تربیتی را از دانشگاه تهران گرفت. سپس از امتیاز شاگرد اولی استفاده کرده و به همراه دیگر شاگردان اول دیگر دانشگاهها به آمریکا رفت. و درسال ۱۳۳۶ کارشناسی ارشد و در سال ۱۳۳۸ دکتری فلسفه و تعلیم و تربیت و برنامه ریزی درسی را دریافت کرد. پس ازمراجعت به ایران به عضویت هئیت علمی دانشگاه شیراز در آمد.وی در ۱۳۴۴ پس از انتقال به دانشگاه اصفهان به مقام استادی رسید.گروه : علوم انسانیرشته : تعلیم و تربیتگرایش : فلسفه و تعلیم و تربیت و برنامه ریزی درسیوالدین و انساب : پدر و پدر بزرگ علی شریعتمداری از روحانیون شیراز بودندو پدرش امام جماعت مسجد بود.دکتر شریعتمداری مادر خود را در سن ۱۵ سالگی از دست دادند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر علی شریعتمداری پس از طی دوره ابتدایی وارد دانشسرای مقدماتی شیراز شدند و بعد از آن وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران گردید. حدود سال ۱۳۳۰ کارشناسی رشته قضایی اخذ کردو در همان زمان وارد دانشگاه ادبیات دانشگاه تهران شده و در رشته

فلسفه و علوم تربیتی به تحصیل پرداختند قابل ذکر است نامبرده جزو شاگردان اول این رشته بودند .ایشان در سال ۱۳۳۵ به همراه دیگر دانشجویان رتبه اول دانشگاهها ، عازم آمریکا شده ، به ایالت میشیگان رفتند، در دانشگاه این ایالت حدود ۴ ماه زبان را فرا گرفت و بعد از آن در دوره آموزش متوسطه دانشگاه میشیگان شرکت کرده و ظرف مدت یکسال دوره کارشناسی ارشد را گذراند و مدرک آن را کسب نمود.سپس در دانشگاه تنسی ، دوره دکتری فلسفه و تعلیم و تربیت و برنامه ریزی درسی را تمام کردند. خاطرات و وقایع تحصیل : اقامت و تحصیل علی شریعتمداری درآمریکا در دانشگاههای میشیگان و تنسی از وقایع مهم زندگی وی به شمار می روند.ایشان از خاطرات و وقایع اتفاق افتاده خود چنین می گوید": در سالهای ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ در شیراز، انجمن پیروان اسلام را تشکیل دادم و در دانشسرای مقدماتی، مراقب شبانه بودم که معمولاً شاگردانم در فعالیتهای دینی ما شرکت می کردند ، من در فسا، جهرم ، استهبان و دیگر شهرهای استان فارس فعالیت سیاسی و فرهنگی داشتم و سخنرانی هم می کردم. سال ۱۳۲۸ در شهرستان فسا، چند ماهی پس از واقعه ترور شاه، در دفتر روزنامه پارس شیراز، به اتهام شرکت در سوءقصد علیه شاه، دادگاه نظامی مرا احضار کرد. بعد به فسا رفته و خود را معرفی نمودم. آن زمان پادگان به جهرم منتقل شده بود؛ به آنجا رفتم که اعلام کردند ، حکومت نظامی لغو شده و سرانجام مخفیانه به شیراز آمدم. نکته جالب توجه این که در واقع سخنرانی های من هیچ ارتباطی با ترور شاه نداشت. این اتهام، صرفاً نوعی بهانه بود که مانع فعالیتهای بنده شود. بعد از این وقایع به تهران آمدم. در آن زمان آیت ا... کاشانی را به اتهام دست داشتن در ترور شاه به لبنان تبعید کرده بودند و من در جلسات طرفداران ایشان شرکت می کردم. در یکی از این جلسات فردی به نام محمد نخشب که آن زمان مسئول یک نهضت آزادی خواه بود و جوانان دیندار را به همکاری دعوت می کرد، مرا به همکاری برای تشکیل ائتلاف دعوت کرد ، من هم قبول کردم ، ائتلاف کردیم و به صورت حزب مردم ایران فعالیت می کردیم ، سرانجام حوالی آبان ماه سال ۱۳۳۲ پس از جلسه ای که در منزل آیت ا... زنجانی به منظور تنظیم برنامه اعتصاب سراسری داشتیم، دستگیر و زندانی شدم و به این ترتیب در فعالیتهای سیاسی و جریانهای مختلف قبل از انقلاب حضور فعالی داشتیم ".فعالیتهای ضمن تحصیل : علی شریعتمداری درحین تحصیل به تدریس در مدارس شیراز مشغول بوده است.استادان و مربیان : دکتر علی اکبر سیاسی ،دکتر هوشیار ،دکتر غلامحسین صدیقی ،دکتر مهدوی و استاد محمود شهابی از استادان علی شریعتمداری به شمار می روند.هم دوره ای ها و همکاران : آقایان مرتضی اشرف الکتاب ،حسام توکلیان ،رحمان تسودی و علی درودگر از همدوره ایهای علی شریعتمداری می باشند.همسر و فرزندان : علی شریعتمداری متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم نورالسادات سلامیان و یک فرزند دختر بنام مرضیه شریعتمداری می باشد.وقایع میانسالی : علی شریعتمداری از وقایع بوقوع پیوسته خود چنین می گوید": پس از دریافت دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت از دانشگاه تنسی ،در سال ۱۳۳۸ چون قبل از اینکه به خارج اعزام شوم ، چند بار به زندان رفته بودم ، فکر می کردم که اگر به ایران بازگردم ، به من اجازه نخواهند داد ، در دانشگاههای کشور به تدریس مشغول شوم به همین خاطر در آمریکا با کمک و معرفی یکی از اساتید برجسته آمریکا ، به ۱۲ دانشگاه ، برای تدریس دوره لیسانس معرفی شدم و کار خود را در آمریکا ادامه دادم. اما نتوانستم خودم را قانع کنم و در آمریکا بمانم ، بنابراین در سال ۱۳۳۷ به ایران بازگشتم. در آن زمان می خواستند، در دانشگاه شیراز دبیر علوم تربیتی، تربیت کنند ، بنابراین احتیاج مبرمی به استاد تعلیم و تربیت داشتند. از این رو بنده به عنوان دانشیار علوم تربیتی در دانشگاه شیراز مشغول به کار شدم. تقریباً ۳ سال در شیراز مشغول به کار بودم و در آنجا به علّت فعالیتهای سیاسی مدت ۴ ماه را در زندان سپری کردم. پس از آنکه آزاد شدم، به عنوان شرط اشتغال به تدریس می خواستند از من تعهد بگیرند که فعالیت سیاسی نکنم، البته من قبول نکردم و به همین خاطر مدتی بیکار شدم. سرانجام در سال ۱۳۴۱ وارد دانشگاه اصفهان شده و تا سال ۱۳۵۷ به کار خود ادامه دادم. در آن سال برای استقبال امام همراه شهید بهشتی و مقام معظم رهبری، به تهران آمدم و بعد به اصفهان بازگشتم، پس از آن از طرف دولت موقت و شورای انقلاب، پیشنهاد تصدی وزارت علوم و فرهنگ و ارشاد به بنده داده شد. این دو وزارتخانه آن زمان با هم یکی بودند. سپس در سال ۱۳۵۹ که امام خمینی (ره) تصمیم به تشکیل ستاد عالی انقلاب فرهنگی گرفتند، به فرمایش ایشان من عضو این شورا شدم و عضویتم در این ستاد همچنان ادامه دارد. مدتها مسئول گروه علوم انسانی در شورای عالی برنامه ریزی و همچنین مسئول گروه علوم انسانی در شورای عالی پژوهش کشور بودم. مدتی هم ریاست فرهنگستان علوم را برعهده داشتم". مشاغل و سمتهای مورد تصدی : آموزگار در مدارس شیراز استاد رشته علوم تربیتی در دانشگاه شیراز استاد رشته علوم تربیتی در دانشگاه اصفهان استاد مدعو فلسفه تعلیم و تربیت در دانشگاههای آمریکا تا سال ۱۳۴۶ تدریس در دانشگاه تربیت معلم تهران از ۱۳۵۸ تا کنون عضو و رئیس دوره ای فرهنگستان علوم ایران وزیر علوم و آموزش عالی و وزیر فرهنگ و هنرفعالیتهای آموزشی : علی شریعتمداری از سال ۱۳۳۸ عضو هئیت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه شیراز و مدتی بعد با همین سمت در دانشگا ه اصفهان بود. وی استاد مدعو فلسفه تعلیم و تربیت در دانشگاههای آمریکا تا سال ۱۳۴۶ و استاد همین رشته در دانشگاه تربیت معلم تهران از سال ۱۳۵۸ تا کنون می باشد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : علی شریعتمداری انجمن علمی علوم تربیتی و روانشناسی را تاسیس کرده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری در زمینه علوم تربیتی و فلسفه تعلیم و تربیت از امور مورد علاقه علی شریعتمداری بوده و هست.همفکران فرد : دکتر حسین شکوهی نیز همانند علی شریعتمدار دارای مقدماتی در زمینه تعلیم و تربیت است.آرا و گرایشهای خاص : اصولاً ـ تربیت، تنها وسیله ارائه آموزش های دینی، علمی، اخلاقی و ... است. یعنی آنچه در جامعه انسانی اهمیت دارد، مسئله تربیت است و انبیاء هم برای تربیت انسان ها آمده اند. تربیت معلم، یک مسئله اساسی و مهم است که باید برای آن هزینه شود. برای فهم درستِ نسبت دین، اخلاق و تربیت ، باید تعریف درستی از هریک از این سه مفهوم ارائه دهیم، آنگاه در پرتو برداشت مناسب، از مفاهیم آن، نسبت این سه مفهوم با یکدیگر آشکار می شود. دربارهٔ دین، تعاریف بسیار زیادی ارائه شده است و اساساً یکی از دشواریهای علمی در جامعه شناسی دین، ارائه تعریف جامعی از دین است، به طوری که بتوان از آن تعریف قدر مشترکی میان همه ادیان پیدا کرد. به نظر می رسد ارائه چنین تعریفی با چنین رویکردی که بتواند همه ادیان را در بر بگیرد غیر ممکن است. به تعبیر دیگر بی آنکه خواسته باشیم، وارد منازعات مفهومی در این خصوص می شویم؛ در عبارت مختصر: دین عبارت است از مجموعه قواعد و قوانین اخلاقی، فردی و اجتماعی که

سعادت آدمی در گرو عمل به آن است. بنابراین دین امری مقدس است ، و بدین معنا از سوی عالم ربوبی به بنده نازل شده است. اخلاق، جمع خُلق است و خُلق به معنی صفت ساکن در نفس آدمی است. اخلاق مشتمل بر دستور العملهایی است که ضمن مطابقت با فطرت آدمی، فعلیّت کمال روح آدمی نیز در گرو عمل به آن است. از تربیت نیز تعاریف بسیاری به عمل آمده است. یکی از بهترین تعاریف از تربیت، تعریفی است که مرحوم استاد مطهری به عمل آورده اند. تربیت عبارت است از" شکوفایی قوای آدمی ".مفهوم قوای نفس، از مفهوم اخلاق است، یعنی مجموعه قوای مثبت روحی که خداوند در شخصیت آدمی به ودیعه نهاده ، بنابراین مفهوم دین اعم از اخلاق است. زیرا مشتمل بر قوانین حقوقی ، اجتماعی و ... نیز می شود. از سوی دیگر مفهوم تربیت نیز اعم از اخلاق است، زیرا مشتمل بر مجموعهایی از توانایی های روحی و بشری است. جوائز و نشانها : علی شریعتمداری در سال ۱۳۸۱ در دومین همایش چهره های ماندگار، به عنوان چهره ماندگار در عرصه تعلیم و تربیت برگزیده و معرفی شد.

آثار : آمادگی تربیتی معلمان مدارس ابتدائی در ایران ویژگی اثر : تالیف۲ ارزیابی شخصیت در مناسبات انسانی ویژگی اثر : تالیف۳ اصول تعلیم و تربیت ویژگی اثر : تالیف۴ اصول راهنمایی و مشاوره ویژگی اثر : ترجمه۵ اصول فلسفه تعلیم و تربیت ویژگی اثر : تالیف۶ اصول و راهنمایی، تفکر منطقی، منطق تئوری تحقیق ، شیوه های فکر ویژگی اثر : تاریخ اندیشه های تربیتی و مقالات فراوان دیگر آثار ترجمه ای استاد دکتر علی شریعتمداری به شمار می آیند.۷ اصول و فلسفه، تعلیم و تربیت، اصول تعلیم و تربیت ،روان شناسی ویژگی اثر : تربیتی، فلسفه و جامعه و تعلیم و تربیت و پرورش فکر و ... از آثار تالیفی استاد دکتر علی شریعتمداری می باشند.۸ انقلاب فرهنگی و آزادی دانشگاه ویژگی اثر : تالیف۹ پرورش تفکر ویژگی اثر : تالیف۱۰ تئوری ویژگی اثر : ترجمه۱۱ تاریخ اندیشه های تربیتی ویژگی اثر : ترجمه۱۲ تعلیم و تربیت اسلامی ویژگی اثر : تالیف۱۳ تعلیم و تربیت در اسلام و اصول اخلاقی اسلام ویژگی اثر : تالیف۱۴ جامعه و تعلیم و تربیت ویژگی اثر : تالیف۱۵ چند مبحث در برنامه ریزی درسی ویژگی اثر : تالیف۱۶ دو گفتار ویژگی اثر : تالیف۱۷ رسالت تربیتی و علمی مراکز آموزشی ویژگی اثر : تالیف۱۸ رسالت دانشگاه و تعهد روشنفکر ویژگی اثر : تالیف۱۹ روانشناسی تربیتی ویژگی اثر : تالیف۲۰ روش تعلیم و تربیت ویژگی اثر : ترجمه۲۱ روشنفکر کیست ؟ ویژگی اثر : تالیف۲۲ سیاست و خردمندی ویژگی اثر : تالیف۲۳ شناخت ویژگی اثر : تالیف۲۴ شیوه های فکر ویژگی اثر : ترجمه۲۵ فرهنگ سکوت ویژگی اثر : ترجمه۲۶ فلسفه ویژگی اثر : تالیف۲۷ مقدمه روانشناسی ویژگی اثر : تالیف۲۸ منطق ویژگی اثر : ترجمه۲۹ نقد آراء برخی از دانشمندان معاصر ویژگی اثر : تالیف۳۰ نقد و خلاقیت در تفکر ویژگی اثر : تالیف۳۱ نقدی بر فلسفه مادی دیالکتیکی و ویژگیهای نظام توحیدی ویژگی اثر : تالیف

شریعتمداری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی شریعتمداری

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۲/۱۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از طی دوره ابتدایی وارد دانشسرای مقدماتی شیراز شدم. از سال ۱۳۲۱ در شهرستانهای مختلف استان فارس آموزگار بودم و بعد از آن وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شدم. حدود سال ۱۳۳۰ لیسانس رشته قضایی گرفتم و در همان زمان وارد دانشگاه ادبیات دانشگاه تهران شده و در رشته فلسفه و علوم تربیتی به تحصیل پرداختم. در سال ۱۳۳۲ شاگرد اول این رشته شدم. سال ۱۳۳۵ به همراه دیگر دانشجویان رتبه اول دانشگاهها ، عازم آمریکا شده ، به ایالت میشیگان رفتم ، در دانشگاه این ایالت حدود ۴ ماه زبان خواندم و بعد از آن در دوره آموزش متوسطه دانشگاه میشیگان شرکت کردم و ظرف مدت یکسال دوره کارشناسی ارشد را گذرانده و مدرک آن را کسب نمودم.

سپس در دانشگاه تنسی ، دوره دکتری را تمام کردم و چون قبل از اینکه به خارج اعزام شوم ، چند بار به زندان رفته بودم ، فکر می کردم که اگر به ایران بازگردم ، به من اجازه نخواهند داد ، در دانشگاههای کشور به تدریس مشغول شوم به همین خاطر در آمریکا با کمک و معرفی یکی از اساتید برجسته آمریکا ، به ۱۲ دانشگاه ، برای تدریس دوره لیسانس معرفی شدم و کار خود را در آمریکا ادامه دادم. اما نتوانستم خودم را قانع کنم و در آمریکا بمانم ، بنابراین در سال ۱۳۳۷ به ایران بازگشتم. در آن زمان می خواستند، در دانشگاه شیراز دبیر علوم تربیتی، تربیت کنند ، بنابراین احتیاج مبرمی به استاد تعلیم و تربیت داشتند. از این رو بنده به عنوان دانشیار علوم تربیتی در دانشگاه شیراز مشغول به کار شدم. تقریباً ۳ سال در شیراز مشغول به کار بودم و در آنجا به علّت فعالیتهای سیاسی مدت ۴ ماه را در زندان سپری کردم. پس از آنکه آزاد شدم، به عنوان شرط اشتغال به تدریس می خواستند از من تعهد بگیرند که فعالیت سیاسی نکنم، البته من قبول نکردم و به همین خاطر مدتی بیکار شدم. سرانجام در سال ۱۳۴۱ وارد دانشگاه اصفهان شده و تا سال ۱۳۵۷ به کار خود ادامه دادم. در آن سال برای استقبال امام همراه شهید بهشتی و مقام معظم رهبری، به تهران آمدم و بعد به اصفهان بازگشتم، پس از آن از طرف دولت موقت و شورای انقلاب، پیشنهاد تصدی وزارت علوم و فرهنگ و ارشاد به بنده داده شد. این دو وزارتخانه آن زمان با هم یکی بودند. سپس در سال ۱۳۵۹ که امام خمینی (ره) تصمیم به تشکیل ستاد

عالی انقلاب فرهنگی گرفتند، به فرمایش ایشان من عضو این شورا شدم و عضویتم در این ستاد همچنان ادامه دارد. مدتها مسئول گروه علوم انسانی در شورای عالی برنامه ریزی و همچنین مسئول گروه علوم انسانی در شورای عالی پژوهش کشور بودم. مدتی هم ریاست فرهنگستان علوم را برعهده داشتم.

در سالهای ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ در شیراز، انجمن پیروان اسلام را تشکیل دادم و در دانشسرای مقدماتی، مراقب شبانه بودم که معمولاً شاگردانم در فعالیتهای دینی ما شرکت می کردند ، من در فسا، جهرم ، استهبان و دیگر شهرهای استان فارس فعالیت سیاسی و فرهنگی داشتم و سخنرانی هم می کردم. سال ۱۳۲۸ در شهرستان فسا، چند ماهی پس از واقعه ترور شاه، در دفتر روزنامه پارس شیراز، به اتهام شرکت در سوءقصد علیه شاه، دادگاه نظامی مرا احضار کرد. بعد به فسا رفته و خود را معرفی نمودم. آن زمان پادگان به جهرم منتقل شده بود؛ به آنجا رفتم که اعلام کردند ، حکومت نظامی لغو شده و سرانجام مخفیانه به شیراز آمدم. نکته جالب توجه این که در واقع سخنرانی های من هیچ ارتباطی با ترور شاه نداشت. این اتهام، صرفاً نوعی بهانه بود که مانع فعالیتهای بنده شود. بعد از این وقایع به تهران آمدم. در آن زمان آیت ا... کاشانی را به اتهام دست داشتن در ترور شاه به لبنان تبعید کرده بودند و من در جلسات طرفداران ایشان شرکت می کردم. در یکی از این جلسات فردی به نام محمد نخشب که آن زمان مسئول یک نهضت آزادی خواه بود و جوانان دیندار را به همکاری دعوت می کرد، مرا به همکاری برای تشکیل ائتلاف دعوت کرد ، من هم قبول کردم ، ائتلاف کردیم و به صورت حزب مردم ایران فعالیت می کردیم ، سرانجام حوالی آبان ماه سال ۱۳۳۲ پس از جلسه ای که در منزل آیت ا... زنجانی به منظور تنظیم برنامه اعتصاب سراسری داشتیم، دستگیر و زندانی شدم و به این ترتیب در فعالیتهای سیاسی و جریانهای مختلف قبل از انقلاب حضور فعالی داشتیم.

شریعتمداری، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه.

تولد: ۱۲۸۲(۱۳۲۲ ق.)، تبریز.

درگذشت: ۱۳۶۵.

آیت‌الله سید کاظم شریعتمداری پس از طی مقدمات و سطوح نهایی، چندی از مجلس درس آیت‌الله میرزا صادق و آیت‌الله حاج میرزا ابوالحسن انگجی استفاده نمود و ضمنا سطوح عالی رسائل و مکاسب را تدریس تا در سال ۱۳۴۳ ق. مهاجرت به قم نمود و در مجلس درس آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی حاضر شد و حکمت را از آقا شیخ علی‌اکبر یزدی آموخت و دو مرتبه به نجف اشرف مسافرت نمود و از درس آیت‌الله العظمی محمد حسین نایینی و آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی استفاه نمود. دروس اخلاقی و فقهی را نیز نزد آیت‌الله حاج میرزا جواد ملکی تبریزی آموخت. وی اجازه و تصدیق اجتهاد خود را از حضرت آیت‌الله عراقی و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی دریافت نمود.

بنا بر دعوت علمای تبریز از عراق به ایران مراجعت و در تبریز به تدریس فقه و اصول پرداخته تا سال ۱۳۶۹ ق. که به درخواست گروهی از فضلاء تبریزی مقیم قم به حوزه برگشت و مشغول به تدریس فقه و اصول استدلالی شد. برخی از تقریرات دروس وی مکتوب شده و برخی از آنها به چاپ رسیده است.

از جمله فعالیت‌های ایشان قبل از انقلاب اسلامی تأسیس دارالتبلیغ اسلامی قم است که در بسیاری از نقاط مانند تهران و غیره شعبه‌هایی دارد. هدف از تأسیس داراتبلیغ اسلامی تربیت مبلغ با اصول تازه بود. انتشار مجله «الهادی» از فعالیت‌های انتشاراتی این مؤسسه بود. عملکرد ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی مشکلاتی در پی داشت و بحث‌های فراوانی برانگیخت.

از آثار اوست: خلاصهٔ الاحکام (۱۳۷۹ ق.، قم، جلد دوم در سال ۱۳۸۲ ق. منتشر شد)؛ مناسک حج؛ مناهج التقی؛ حاشیهٔ علی عروهٔ الوثقی (دو جلد ۱۳۸۲ ق.)؛ وسیلهٔ العباد لیوم المعاد (۱۳۷۲ ق.).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شریعتداری، محمدصادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۵ ق)، عالم دینی و فقیه. در تبریز به دنیا آمد. در کودکی از نعمت پدر محروم شد و در دامن مادرش پرورش یافت. مقدمات و ادبیات و سطوح را در تبریز خواند سپس به قم مهاجرت کرد. چندی از محضر آیت‌اللّٰه حایری و پس از وی آیت‌اللّٰه حجت و آیت‌اللّٰه سید محمدتقی خوانساری استفاده کرد. آنگاه به نجف رفت و از محضر درس آیت‌اللّٰه اصفهانی و دیگر اساتید بهره‌مند شد. سپس به قم بازگشت و به تدریس فقه و اصول نهایی پرداخت؛ با ورود آیت‌اللّٰه به قم، چند سالی هم در جلسات درس فقه و اصول ایشان شرکت کرد. وی در سال ۱۳۷۲ ق به تهران آمد و به خدمات دینی و تدریس پرداخت. چندی هم در مشهد رضوی تدریس فقه و اصول کرد و سرانجام به تهران بازگشت و به انجام وظائف دینی مشغول شد. وی دارای اجازاتی از اساتید بزرگ همچون آیت‌اللّٰه سید محمد حجت و آیت‌اللّٰه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و دیگر اساتید بود، که به صحه‌ی برادرش آیت‌اللّٰه شریعتمداری رسیده است. از آثار وی حواشی بر «جواهر» و قسمتی از «کفایه» می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آثار الحجه (۵۳/۲)، آینه‌ی دانشوران (۵۰۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۹۱ –۴۹۰ /۴).

شریعتمداری، نور الدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدنورالدین شریعتمداری

محل تولد : شوشتر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۰ شمسی وارد حوزه شوشتر شدم و از مقدمات تا سطح عالی را در مدت ۷ سال در خدمت مرحوم آیت الله سید محمد حسن آل طیب و مرحوم آیت الله سید محمد موسوی جزائری به پایان برده و در سال ۱۳۴۷ وارد حوزه نجف اشرف گشته و در درس خارج امام خمینی (قدس سره) و آیت الله العظمی خوئی و سید عبدالاعلی سبزواری و سید محمد جعفر مروج مولف منتهی الدرایه شرکت نمودم و در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و از دروس خارج اساتیدی مانند آیات عظام شیخ کاظم تبریزی و علامه فانی اصفهانی و وحید خراسانی و میرزا هاشم آملی بهره ها بردم . از سال ۱۳۷۲ شرکت در درس خارج را رها ساختم و در سال ۱۳۷۴ به اخذ اجازه اجتهاد از دو نفر از مراجع و بزرگان حوزه علمیه گشتم .

در سال ۱۳۵۰ شمسی که وارد حوزه علمیه قم شدم تدریس سطح را شروع نمودم و تا سال ۱۳۷۶ تدریس سطح را به تدریس خارج فقه مبدل کردم و از همان سال تا امسال (سال ۱۳۸۴) به تدریس خارج فقه اشتغال دارم . تحقیق و نویسندگی را از همان دوران اشتغال به فراگیری سطح شروع کردم ؛ درس را پس از فراگیری از استاد خلاصه می کردم و می نوشتم و زمانی که در نجف اشرف به محضر اساتید می رفتم درس های خارج را به زبان عربی می نوشتم و تقریرات درس فقه و اصول اساتید را نگاشتم که اکنون موجود است .

بیش از ۶۰ مقاله علمی در علوم مختلف به زبان فارسی و عربی به مناسبت کنگره ها و همایش ها به نگارش درآمده که بسیاری از آنها در مجموعه مقالات به چاپ رسیده و در جلسه ارئه شده است و یا در برخی از مجلات و جزوه ها به چاپ رسیده است.

تدریس در دانشگاه امام محمد باقر علیه السلام به مدت ۵ سال ، فقه سیاسی در کارشناسی ارشد ، تدریس در مرکز جهانی در مدرسه حجتیه ، سطح عالی مکاسب و کفایة الاصول و تفسیر موضوعی به مدت ۶ سال ، ارزیابی بیش از صدها مقاله در ارتباط با کنگره ها و همایش ها و مجلات و موسسات پژوهشی ، همکاری با موسسه مجمع جهانی اهل بیت (ع) و مجمع فقه و فقه و حقوق وابسته به دفتر تبلیغات و موسسه فقه بر مذهب اهل بیت (ع) و همکاری با نوشتن و ارزیابی مقالات فقهی و اصولی موسوعه فقه بر مذهب اهل بیت (ع) که ۵ جلد از آن تا کنون به چاپ رسیده است . نوشتن قواعد اصولی در یک جلد و قواعد فقهی در دو جلد قواعد اصولی صد قاعده و قواعد فقهی در بیست قاعده با همکاری برخی از محققین و فضلای حوزه علمیه قم ، همکاری با موسسه مجمع فقه به مدت ۱۰ سال ، عضو هیئت علمی و عضو هیئت تحریریه مجله فصلنامه علوم سیاسی و نگارش مقاله هایی در آن مجله ، تدریس فقه تطبیقی برای کسانی که به عنوان روحانی حج امتحان داده و برگزیده شده اند ، همکاری با موسسه نشر آثار امام خمینی (ره) با مقالات گوناگون و ارزیابی مقالات وارده در ارتباط با کنگره ها و نگارش مقالات علمی فقهی و اصولی ؛ تفسیر ، هر شب پس از اقامه نماز جماعت در مسجد تکیه یزدیهای بازار قم و استاد راهنما شدن در بسیاری از پایان نامه های مرکز جهانی و حوزه علمیه قم و دانشگاه امام محمد باقر علیه السلام از سال ۱۳۴۰ ، در آغاز در شوشتر اشتغال به امامت جماعت و تبلیغ در ایام ماه محرم وصفر و رمضان داشته و پس از ورود به قم نیز تا امسال ادامه داشته و در ضمن سپری کردن یک عمر در نگارش و تحقیق ، خداوند فیض اقامه جماعت و تبلیغ را نیز به من عنایت کرده است .

شریعتی مزینانی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۶ ق)، عالم دینی، استاد، محقق، مفسر و نویسنده. در مزینان متولد شد و تا هفده سالگی در زادگاهش، و در مدرسه‌ی مزینان، نزد پدر و عمویش به تحصیل پرداخت. سپس برای ادامه‌ی تحصیل به مشهد رفت و در مدرسه فاضل خان سکنی گزید. نخستین استادش در این مدرسه ادیب نیشابوری اول بود که دنباله‌ی مقدماتی را که نزد پدر و عمویش آموخته بود، در محضر ایشان فراگرفت. بعد از فوت ایشان در خدمت ادیب ثانی رسید و در محضر این دو استاد توانست مقدمات و ادبیات را به پایان برساند. فقه، اصول و فلسفه را نیز نزد اساتید معروف مشهد مانند: آقا شیخ هاشم قزوینی ارتضا، میرزا ابوالقاسم الهی، حاج شیخ محمود حلبی فراگرفت. شریعتی قوانین را نزد حاج شیخ کاظم دامغانی و «شرح لمعه» را نزد ارتضا و حاج میرزا احمد مدرس یزدی

معروف به حاج میرزا احمد نهنگ فراگرفت. از دیگر استادان وی آیت‌اللّه میرزا مهدی اصفهانی بود که فضلای مشهد همه به محضر درس وی می‌رفتند. از حدود ۱۳۱۰ ش فعالیت خود را در دبیرستان در سمتهای مختلف آغاز کرد و تا آخرین دم از تدریس و ارشاد دانش‌آموز و دانشجو باز نایستاد... از آثار وی: «فایده و لزوم دین»؛ «تفسیر نوین»؛ «وحی و نبوت در پرتو قرآن»؛ «خلافت و ولایت»؛ «امامت در نهج‌البلاغه»؛ «اصول عقاید و اخلاق شریعتی»؛ «تاثیر هنرهای مسلمین بویژه ایرانیان در اروپا»؛ «عباسه خواهر هارون‌الرشید».[۱]

محقق، استاد.

تولد: ۱۲۸۶، قریه مزینان.

درگذشت: ۳۱ فروردین ۱۳۶۶.

استاد محمدتقی شریعتی مزینانی، فرزند محمود روحانی، دوران طفولیت و نوجوانی را در روستای خود گذرانید و در همان جا فراگیری منطق، فلسفه و فقه و اصول پرداخت.

در مدرسه‌ی فاضل‌خان، هم حجره‌ی برادرش شیخ قربانعلی شریعتی بود و به تحصیل علوم اسلامی مشغول شد. از جمله اساتید وی باید به آیت‌الله هاشم قزوینی و آیت‌الله محمدتقی ادیب ثانی اشاره کرد که نزد ادیب ثانی دوره مطول و مغنی را به پایان رساند، قوانین را نزد حاج شیخ کاظم دامغانی، شرح لمعه را نزد ارتضا و حاج میرزا احمد مدرس خواند، از اساتید دیگر آن زمان وی میرزای اصفهانی بود.

از سال ۱۳۱۱ به تدریس در مدارس جدید مشهد پرداخت. معلمی را از مدرسه‌ی ملی شرافت آغاز کرد و تا سال ۱۳۱۳ ادامه داشت. بر طبق مقررات اداری، صلاحیت علمی و شایستگی تدریس ایشان از سوی اداره فرهنگ تأیید می‌شود و از این پس (۱۳۱۴) در دبیرستان ابن یمین، به تعلیم می‌پردازد. چون فعالیت‌های ثمر بخش داشت، نظامت دبیرستان نیز به عهداش محول میشود و کلاسهای جدید دبیرستان را تأسیس می‌کند. طبیعی است در آن زمان یک دبیر یا مسئول دبیرستان که پای‌بند موازین شرعی بود، نمی‌توانست بعضی برنامه‌های خاص دولتی را اجرا کند و با دشواریهایی مواجه می‌شد. در همین زمان شروع به ترجمه کتاب از عربی به فارسی نمود.

پس از شهریور سال ۱۳۲۰ که فعالیت‌های سیاسی آزاد شده بود و حزب توده تبلیغاتی را در ترویج کمونیسم بین جوانان آغاز کرده بود، وی نیز مبارزه با آنها را از کلاس درس (در دبیرستان شاهرضا و سپس فردوسی) شروع کرد و حتی ساعاتی بدون دریافت اضافه کار به تدریس ادبیات فارسی و عربی و شرعیات می‌پرداخت. در همان سال‌ها بود که به تدریس در دانشسرا- که مرکز فعالیت آن حزب شده بود- نیز مشغول گشت.

از دیگر مراکز آموزشی دولتی که استاد شریعتی در آنجا به تدریس پرداخت، دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی مشهد است که از سال ۱۳۲۷ تأسیس شد، و بنا به دعوتی که از وی به عمل آمد، تفسیر سوره قرآن و نهج‌البلاغه را تدریس می‌کرد و تا سه سال ادامه داشت.

سرانجام بنابر حکم اداره‌ی آموزش و پرورش خراسان، استاد محمدتقی شریعتی مزینانی در تاریخ بیست و دوم آبان ۱۳۴۱ پس از سی سال تدریس در دبیرستان‌های مشهد بازنشسته شد.

از دیگر فعالیت‌های ایشان مبارزه با اندیشه‌های سید احمد کسروی بود. استاد مجالسی را برگزار می‌نمود. (سخنرانی‌ها، جلسات تفسیر قرآن) ولی با افزایش برنامه‌ها، به پیشنهاد او و با توجه به نیاز موجود از سال ۱۳۲۳ منزلی در کوچه چهارباغ مشهد برای تشکیل جلسات اجاره کردند. با نصب تابلوی «کانون نشر حقایق اسلامی» بر سر در آن، این مرکز تبلیغی رسمیت و تمرکز یافت و برنامه آن منتشر شد. (کارنامه‌ی کانون در اسفند ۱۳۲۶ منتشر شد). در سال ۱۳۲۷ سخنرانی‌های فرهنگی در رادیو مشهد داشت که درباره‌ی «فایده و لزوم دین» بود که بعدها با همین نام منتشر شد. در سال ۱۳۳۰ با «جمعیت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی مشهد» همکاری داشت و در این مسیر در انتخاب وکلایی برای دوره هفدهم مجلس شورای ملی تلاش خود را نمود. در سال ۱۳۳۶ به اتهام همکاری با نهضت مقاومت ملی به مدت یک ماه و اندی دستگیر و بازداشت شد. به این ترتیب جلسات کانون تشکیل شد. پس از آزادی جلسات تفسیر و سخنرانی وی در منزل آیت‌الله العظمی سید محمدهادی میلانی (۱۳۳۷ الی ۱۳۳۹) تشکیل می‌شد. از سال ۱۳۳۷ الی ۱۳۴۰ در دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد و نیز در مؤسسه وعظی و تبلیغ به تدریس تفسیر قرآن و نهج‌البلاغه می‌پرداخت. در سال ۱۳۳۹ کانون نشر حقایق اسلامی دوباره شروع به فعالیت نمود.

در عاشورای ۱۳۸۱- برابر با سوم تیر ۱۳۴۰- برای عده‌ای از عزاداران، استاد سخنرانی نمود و اهداف قیام حسین (ع) را شرح داد. ولی سال بعد، پس از رسیدن دسته راه پیمایان به صحن عتیق، از سخنرانی استاد ممانعت به عمل آمد. و در سال ۱۳۴۲ قبل از محرم ۱۳۸۳ از شهربانی به وی تلفن زدند که سازمان امنیت با این برنامه موافق نیست. به این ترتیب کانون تعطیل شد. در سال ۱۳۴۲ نامه‌ای از طرف هیئت مدیره‌ی حسینیه‌ی ارشاد و مکتوب به خط استاد مرتضی مطهری فرستاده شد (و با واسطه قرار دادن آیت‌الله میلانی) که وی برای سخنرانی به تهران روند. این دعوت چنان بود که چند شب سخنرانی تبدیل به چهار سال و اندی شد.

علاوه بر حسینیه ارشاد، دو سه سال- هنگام حبس آیت‌الله سید محمود طالقانی- در ماه رمضان اداره مجلس وعظ و تفسیر مسجد هدایت به عهده وی بود و به اصرار جمعیتی به نام احباب الحسین (ع) به گفتن تفسیر قرآن و ارشاد آنان پرداخت. کتاب خلافت و ولایت از نظر قرآن و سنت که شامل بحث‌های تحقیقی است، ثمره سخنرانی‌های هفتگی ایشان است که طی بیست و سه جلد در حسینیه‌ی ارشاد ایراد کرده است (در این کتاب آقایان استاد مرتضی مطهری، محمدتقی شریعتمداری نیز مطالبی دارند، ۱۳۳۹). تجدید طبع تفسیر نوین، وحی و نبوت در قرآن و آثار قلمی دیگر نیز از ثمرات دوران اقامت در تهران است.

استاد محمدتقی شریعتی در ادبیات عرب و فارسی تبحر داشت و در گفتارش نکات فراوانی وجود داشت.

آخرین سخنرانی استاد شریعتی در حسینیه ارشاد در هفده آبان ۱۳۵۱ (عید فطر ۱۳۹۲) بود که پس از آن حسینیه توسط سازمان امنیت تعطیل شد. استاد در سال ۱۳۵۲ دستگیر شد و یک سال و اندی در حبس بود. فرزند وی دکتر علی شریعتی در بیست و نه

خرداد ۱۳۵۶ در لندن درگذشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای اولین بار در شانزده فروردین ۱۳۵۸ در حسینیه‌ی ارشاد سخنرانی نمود. بین سال‌های ۱۳۵۸ الی ۱۳۶۰ به مناسبت‌های خاص سخنرانی‌های وی از رادیو پخش می‌شد.

از آثار اوست: آغاز وحی با تفسیر سوره علق (تاریخ مقدمه ۱۳۴۰)؛ اصول عقاید و اخلاق شریعتی (چاپ اول ۱۳۲۱، چاپ هفدهم ۱۳۳۳) امانت در نهج‌البلاغه (۱۳۵۷)؛ تأثیر هنرهای مسلمین به ویژه ایرانیان در اروپا (زکی محمدحسین، ترجمه)، تعلیمات دینی (قسمت اول، مخصوص کلاس اول دبیرستان، ۱۳۲۵)؛ تفسیر نوین؛ جز سی‌ام قرآن (۱۳۴۶)؛ چرا حسین قیام کرد؟ (نشریه کانون نشر حقایق اسلامی، ۱۳۴۱)؛ ز نیرو بود مرد را راستی (نشریه کمیته دبیران تعلیمات دینی مشهد، به مناسبت اولین سمینار دبیران تعلیمات دینی در مشهد، مرداد ۱۳۴۹؛ استاد در نشریه مقاله‌ای دارند)؛ عباسه، خواهر هارون الرشید یا خواری برمکیان (تألیف جرجی زیدان ترجمه استاد، بی. تا)؛ فایده و لزوم دین (نشریه دوم کانون نشر حقایق اسلامی مشهد، آذر ۱۳۲۹)؛ مبانی اقتصادی در اسلام (عبدالحمید جودةالتجار؛ ترجمه استاد، ششمین نشریه کانون نشر حقایق اسلامی مشهد، ۱۳۲۵)؛ مقدمه‌ی کتاب نیایش (دکتر آلکسیس کارل، ترجمه دکتر علی شریعتی، ۱۳۳۹)؛ وحی و نبوت در پرتو قرآن (۱۳۴۹)؛ متن دو سخنرانی استاد به نام‌های «مهدی موعود امم» و «علی شاهد رسالت» در دومین نشریه انجمن اسلامی دانشجویان مشهد در دی ۱۳۳۹ به چاپ رسیده است.

استاد محمدتقی شریعتی مزینانی عصر دوشنبه سی و یک فروردین ۱۳۶۶- برابر با بیست و یک شعبان ۱۴۰۷ ق. درگذشت. پیکرش در جوار امن الهی در مشهد حرم امام رضا (ع) درون غرفه‌ای از صحن آزادی به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] شریعتی در نگاه مطبوعات (۷۵ -۷۳)، کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۱۱، ص ۹ -۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۳/۲).

شریعتی نیا، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر شریعتی نیا

محل تولد : اسفراین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد باقر شریعتی نیا فرزند رمضانعلی معروف به شریعتی سبزواری در سال ۱۳۱۹ در صفی آباد متولد شدم و دوران تحصیلات مقدماتی را در سبزوار گذرانیدم و از سن ۱۴ سالگی وارد حوزه علمیه سبزوار مدرسه حاج ملاهادی سبزواری

شدم بحث ادبیات را پیش اساتید سبزوار مرحوم آقای فاضلی و شیخ عباسعلی خواندم پس از اتمام جامع المقدمات و منطق کبرا که غالبا درس خوانده شده برای همه شاگردان خودم تقریر میکردم.

سیوطی را در سبزوار تمام کردم سپس وارد حوزه علمیه مشهد شدم مطول را خدمت مرحوم ادیب نیشابوری به پایان رسانیدم. معالم را از محضر آیت الله دامغانی و هم چنین لمعه را خدمت مرحوم مدرس به پایان رسانیدم حاشیه ملاعبدالله را از محضر آقای آیت الله عیدگاهی بهره بردم در درس عقاید و اخلاق مرحوم آیت الله میرزا جواد آقای تهرانی شرکت جستم سپس راهی حوزه علمیه قم شدم سطوح عالی را خدمت مرحوم آیت الله ستوده و آیت الله جعفرسبحانی و فاضل لنکرانی گذرانیدم و کفایه را از مرحوم آیت الله سلطانی استفاده نمودم و حدود ده سال درس آیت الله وحید اصول و فقه و دو سال درس مرحوم امام حاضر شدم چند سالی از مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی بهره برداری نمودم. در فلسفه اشارات را خدمت آیت الله جوادی و شفا را خدمت آقای حسن زاده آملی و منظومه را نزد آیت الله تقدیری سبزواری تلمذ داشتم و دو جلد اسفار را محضرعلامه طباطبائی خواندم و از محضر شهید مطهری نیز بهره بردم.

شریعتی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و شاعر. متخلص به بیدار. از آثار وی: «بیوگرافی هنرپیشگان سینما»؛ «حضرت اجل»؛ «در آغوش زاینده‌رود»؛ «راه حکومت و طریق انتخابات»؛ «نخستین جام یا بلای آدمیت»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۱۴۵/۲).

شریعتی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن شریعتی

محل تولد : نیاسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۲/۱/۱

زندگینامه علمی

حسن آقا شریعتی در سال ۱۳۱۲ ش. در خانواده ای روحانی و تقوا پیشه در نیاسر کاشان دیده به جهان گشود. وی همچون بسیاری از نام آوران و بزرگان در کودکی پدر خویش را از دست داد و غم یتیمی بر سرش سایه افکند و ازتربیت و سرپرستی مادر فداکار و بزرگوارش بهره مند گردید. این مام مهربان در رشد و پرورش وی از هیچ کوششی دریغ نکرد و سرمایه عمر خویش را در راه تربیت فرزند نهاد و هیچگاه در مقابل سختی ها و تلخی ها ناتوان نشد و با ایمان کامل و توکل به خداوند سبحان، فرزندان را تربیت نمود.

هر آن مادر که وی را عفت و فضل و هنر باشد

توانا پرورد فرزند و از دامان گهر بارد

آموزش و تحصیل:

قهرمان گفتار ما روخوانی قرآن را نزد مادر گرامی خود آموخت و پس از آن قرائت و تجوید را در جلساتی که در منازل محترمین کاشان با حضور و نظارت آیت الله سیّد محمّد حسین رضوی از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی و دارای تالیفات متعدد، اداره می شد، با اشتیاق فراوان پی گیری نمود؛ تا آنکه در همان اوان کودکی تلاوت قرآن را به خوبی و زیبایی فرا گرفت.

او دوران خردسالی و نوجوانی را در همان منطقه سپری کرد و به آموختن و خواندن و نوشتن در مدارس آن زمان پرداخت و پس از سپری شدن مراحل ابتدایی آموزش که با تنگدستی و دشواری های مستمر همراه بود، به آموختن علوم دین روی آورد و با سفارش و معرفی آیت الله حاج میرزا مجدالدین نراقی (دایی مادرش که خود از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی بوده است) برای تحصیل علوم دینی و حوزوی به مدرسه گذر بابا ولی در کاشان قدم گذاشت.

مدّتی بعد به همراه مادر ارجمندش رهسپار اراک گردید و در حوزه علمیّه آنجا که یادگار مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی بود، تحصیل خود را پی گرفت و در مدرسه آقا ضیاء الدین عراقی و مدرسه حاج محمّد ابراهیم به خواندن مقدّمات دروس حوزوی پرداخت. او در این دوره از اساتید ممتاز و بنام آنجا چون حضرات آیات: حاج آقا اسماعیل نجم الاسلامی هفته ای ،آقا شیخ ذبیح الله ارضی و آقا شیخ قنبر رفیعی بهره برد. بخش زیادی از کتاب مطول را نزد آیت الله علی میریحیی در منزل وی آموخت و حدود یک دوره تفسیر عمومی قرآن را از محضر آیت الله آقا کاظم موسوی گلپایگانی که هر شب در مسجد ایشان معروف به «مسجد حاج تقی خان» برگزار می گردید، استفاده کرد. او از عالمان بزرگ اراک و شاگرد مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری بود.

سپس به آشیانه آل محمّد علیهم السلام (قم) سفر کرد و چون در آن زمان مدرسه علمیّه بسیار کم بود و یافتن حجره دشوار، بناچار در مسافرخانه ای منزل گرفت. عشق به تحصیل چنان سراسر وجودش را فرا گرفته بود که فقر وسختی های طاقت فرسای آن روزها را به راحتی تحمل کرد و با جدیت تمام تحصیلات خود را ادامه داد.

زیب دانش در لباس فقر دارد جلوه ای

وقت من خوش کاین دو را کامل عیارم داده اند

در قم به خواندن ادامه کتاب مطول نزد اندیشمند توانا و مخلص: امام موسی صدر در یکی از حجره های صحن شریف حرم پرداخت. شرح لمعه را نزد شهید بزرگوار صدوقی در ایوان مدرسه فیضیّه و بخشی از آن را نیز نزد متفکر شهید مرتضی مطهری در حجره ایشان در مدرسه مزبور، و قوانین را نزد آیت الله شیخ محمّد لاکانی رشتی در یکی از حجرات صحن حرم و نیز آیت الله حاج میرزا جواد تبریزی ـ دامت برکاته ـ در مسجد کچویی ها فرا گرفت. قسمتی از رسائل را نزد آیت الله حاج میرزا علی مشکینی ـ دام ظله ـ در مسجد عشقعلی، و کتاب کفایه را نزد آیت الله شیخ محمّد مجاهدی در یکی از شبستان های مسجد امام حسن عسکری علیه السلام و نیز آیت الله شیخ عبدالجواد سدهی جبل عاملی آموخت. او نیز در مسجد عشقعلی تدریس می کرد.

در همین دوران در پی مسافرت چند ماهه به مشهد مقدّس، بخشی از رسائل و مکاسب را نزد استاد عالی قدر و با فضلیت آیت الله حاج شیخ هاشم مدرس قزوینی از اساتید بسیار ژرف نگر، تحصیل نمود. وی در مدرسه نواب و باقریه تدریس می فرمود.

در تابستان ها که به ولایت خویش نیاسر عزیمت می کرد، بخش هایی از مباحث مشکل شرح لمعه و کفایه را به ترتیب با دو آیت بزرگ حاج میرزا مجد الدین نراقی و آقا میر سید علی یثربی کاشانی در میان گذشته، نزدشان فرا میگرفت. این دو از عالمان ممتاز زمان خویش بودند که از وجود پر ارج ایشان چنانکه باید بهره ای درخور گرفته نشد. اقامت گاه میرزا مجد الدین نراقی مزرعه روییده و منزل مرحوم یثربی مزرعه بللا در حاشیه نیاسر بود. ایشان با اشتیاق فراوان خدمت آن دو بزرگمرد شرفیاب می شد و آنان نیز که از شخصیت های علمی کم نظیر عصر خود بودند با فروتنی رموز و معضلات آن دو کتاب را به خوبی برای ایشان روشن می نمودند.

محقق جوان ما پس از فراگیری درس های متداول حوزه در دوره های مقدّمات و سطح حدود یک سال در درس خارج پیشوای شیعه آیت الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی حضور یافت و از درس فقه و اصول حضرت امام خمینی ره که به ترتیب در مسجد محمّدیه و سلماسی برگزار می گردید زمانی طولانی بهره برد. علاوه بر این، وی مدّتی نیز در درس خارج اصول آیت الله حاج شیخ

محمّد تقی بروجردی از شاگردان و نگارندگان درس اصول آقا ضیاء الدین عراقی، در ایوان رو به روی کتابخانه در مدرسه فیضیّه شرکت جست. برخی مباحث اصول را از آیت الله حاج آقا مرتضی حائری یزدی در منزل حاج شیخ، و قاعده لا ضرر را از آیت الله حاج میرزا ابوالفضل زاهدی در مسجد امام حسن عسکری استفاده کرد. در بحث خارج بیع و قسمتی از طهارت و مباحثی دیگر از آیت الله حاج سیّد کاظم شریعتمداری در مقبره مرحوم آقای حجت و مدرسه فیضیّه و تابستان ها در منزلش بهره مند شد.

ایشان با حضور در درس استاد علّامه سیّد محمّد حسین طباطبایی نیز که در مسجد سلماسی و مدرسه حجتیّه واقع می شد از مباحث فلسفی و تفسیری وی بهره گرفت. با استفاده از جلسات اساتید و مربیان بزرگ اخلاق چون حضرات آیات، عالمان ربانی: مرحوم حاج میرزا علی آقا شیرازی، استاد بزرگ نهج البلاغه که به دعوت مرحوم بروجردی برای تدریس معارف و اخلاق به قم آمده بود و در مدرس مدرسه فیضیه افاضه می فرمود و نیز حاج شیخ عباس تهرانی در مدرسه حجتیه، تهذیب نفس و پاکسازی روح را پیشه خود ساخت. آن دو به حق از آیات بزرگ الهی و نوادر روزگار بودند و جلسات درسشان از معنویت بسیار والایی برخوردار بود و اندرزهایشان از جان برمی آمد و جان ها را صیقل داده، به تسخیر درمی آورد.

من الرجال المصابیح الذین هم

کانهم من نجوم حیه صنعوا

اخلاقهم نورهم، من ای ناحیه

اقبلت تنظر فی اخلاقهم سطعوا

مهاجرت به نجف:

استاد شریعتی پس از کسب موفقیت در اوّلین دوره امتحان درس خارج که از سوی آیه الله بروجردی رحمه الله علیه برگزار شده و با وفات آیت الله حاج سیّد محمّد تقی خوانساری مصادف گردیده بود، برای آستان بوسی پیشوایان معصوم علیهم السلام و ادامه تحصیل و درک محضر استادان و بزرگان حوزه مشهور نجف اشرف، در سال ۱۳۳۵ش. به مهد فقه و اجتهاد عزیمت کرده، در مدرسه تازه بنیاد آیت الله بروجردی اقامت گزید و حدود چهار سال در آن حوزه به تحصیل پرداخت.

وی در آنجا در درس اصول آیت الله سیّد محمود شاهرودی در مسجد هندی، و درس فقه آیت الله سیّد محسن حکیم در مسجد شیخ طوسی حاضر شده، از آنان بهرمند می گردید. همچنین از درس فقه و اصول آیت الله سیّد علی علّامه فانی اصفهانی بهره فراوان برد. این دو درس به ترتیب در مقبره میرزای شیرازی و مسجد کوچکی مقابل مسجد هندی که محل تدریس آیت الله العظمی شیخ محمّد حسین اصفهانی نیز بود، تشکیل می گردید. درس اصول آیت الله میرزا باقر زنجانی، در مقبره میرزا از دیگر دروسی است که ایشان در آن شرکت نمود. اما به فرموده استاد بیشترین استفاده وی از درس های فقیه ژرفنگر علّامه فانی بوده است؛ چنانکه در جلسات تخصصی استفتا و بررسی مسایل فقهی ایشان که برای تعلیقه نگاری بر کتاب عروه ترتیب داده می شد با حضور آیت الله فانی و در کنار دیگر شخصیت های علمی آن دوره شرکت نموده، از ارکان مجلس استفتا به شمار می رفت.

در همان ایام که در نجف اشرف به سر می برد چندین بار به سامرا سفر کرد که گاه با نماینده مطلق آیت الله بروجردی و مدیر مدرسه ایشان در نجف، مرحوم آقا شیخ نصر الله خلخالی همراه بود. در یکی از ماه های مبارک رمضان که به سامرا مشرف گردیده بود آیت الله حاج شیخ مجتبی حاتمی لنکرانی نیز در آنجا حضور داشت که با جمعی از طلاب، کتاب رحله المدرسیه استادش آیت الله شیخ جواد بلاغی را نزد وی آموختند و در همین ایام بود که مطالعه دوره الغدیر را نیز با استخراج لغات و مشکلات آن به پایان رسانید.

بازگشت به ایران:

استاد بزرگوار پس از رحلت آیت الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی، به ایران بازگشت و به احترام مادر گرامی خود در تهران اقامت گزید.وی در تهران در درس آیت الله حاج شیخ محمّد تقی آملی در منزل آن بزرگوار شرکت می جست و اقامت وی در تهران حدود یک سال طول کشید.آرزو و شوق شدید استاد به کسب فضایل و کمالات بیشتر، او را واداشت تا پس از ازدواج برای ادامه و تکمیل تحصیلات عالی بار دیگر به شهر مقدّس قم بازگردد و برای همیشه در آنجا سکنی گزیند.

ایشان سال ها در دروس آیات عظام، آقایان: حاج شیخ محمّد علی اراکی در مدرس مدرسه فیضیه و حاج سیّد محمّد رضا گلپایگانی در مسجد اعظم شرکت جست و نیز چند سالی از درس آیت الله سیّد محمّد محقق داماد در مسجد موزه حرم مطهر تا پایان حیات آن بزرگوار بهره برد؛ ولی وی نسبت به درس های شیخ الفقهاء و المجتهدین آیت الله العظمی اراکی علاقه و انگیزه بیشتری داشت و حتی در زمانی که عهده دار مشاغل اداری و قضایی در تهران بود، تا حد ممکن در درس وی حضور می یافت. پس از بازگشت به قم بود که در درس خارج مکاسب آیت الله حاج آقا حسن فرید محسنی عراقی در منزلشان شرکت نمود و ایشان تقلید را برای وی جایز ندانست؛ که این نشان از اجتهاد مطلق و توانایی دستیابی ایشان به احکام شرعی از منابع و ادله آن دارد.همان گونه که گذشت و در میان دوستان آن جناب نیز معروف است، آیت الله شریعتی در طول حیات علمی خود از استادان و بزرگان بسیاری بهره برده است که در افراد یاد شده خلاصه نمی گردد. آن جناب پیش از تشکیل شورای مدیریت حوزه علمیّه قم با آیت الله حاج سیّد عباس خاتم یزدی، از سوی امام راحل «قدس» چند سالی امتحان طلاب و فضلای حوزه در رتبه سوم (سطح عالی و درس خارج) را به عهده گرفته بودند.

حضور در جبهه:

آن جناب با اشتغالات فراوان، از مسایل جبهه و جنگ غافل نبود و برای تبلیغ دین و تحکیم مبانی فکری و عقیدتی نیروهای اسلام و تثبیت روحیه جهاد در آنها، دو نوبت در جبهه های نبرد شرکت نمود. در این فرصت ها ضمن فراگیری فنون نظامی، کلاس های اخلاق و تفسیر و احکام برای مربیان دایر کرده و در نمازهای جماعت، افراد را با وظایف خویش آشنا میساخت. نوبت نخست در سوسنگرد و سپس در تجمعگاه نیروها در گلف اهواز به انجام تکلیف می پرداخت. در این نوبت فرزند شهیدشان او را همراهی کرده بود.افزون بر آنچه ذکر شد برای کمک به نیروها با جمعی از فضلای محترم به شهرهای مختلف مرزی سرکشی می نمود و

نیازهای آنان را در خوراک و پوشاک و وجوه نقدی تا حد تأمین برطرف می ساخت.

شریعتی، روح الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

روح الله شریعتی

محل تولد : اردستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب روح الله شریعتی در سال ۱۳۴۷ شمسی در خانواده ای مذهبی در یکی از روستاهای شهرستان اردستان (روستای فران) دیده به جهان گشودم پـدرم حجت الاسـلام و المسـلمین حاج شـیخ محمد باقر شـریعتی از روحانیون با سابقه و از شاگردان حضـرت امام خمینی ره می باشـند که در ابتدای طفولیت بنده، با دعوت مردم اردستان از ایشان برای سکونت، به مقتضای انجام وظیفه، تحصیل و تدریس در قم را ترک و برای سـکونت به شـهر اردستان عزیمت نموده اند. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و یک سال متوسطه را در همـان شـهر گذرانـدم ولی شـوق تحصـیل در حـوزه مرا از ادامه تحصـیلات کلاسـیک بـازداشت و به دنبـال آن در مهر ۱۳۶۲ برای تحصـیل علوم دینی راهی قم شـدم یک سال به صورت آزاد و سـپس در مـدرسه علمیه امام محمـد باقر علیه السلام واقع در ابتـدای نیروگاه به تحصـیل مشغول شدم در این بین هر از گاهی در ظل عنایات حضرت حق توفیقی حاصل می شد و در جبهه های نبرد نیز حضور می یافتم تحصـیلات بنده تا اتمام سطح تا سال ۱۳۷۱ به طول انجامید سـپس در درس خارج آیت الله فاضل لنکرانی و اصول آیت الله مکـارم حاضـر می شـدم. پس از دو سـال به درس خـارج فقه آیت الله تبریزی رفته و در این درس تـا ۶ سـال به طور مرتب شرکت می جستم. سپس به طور متفرقه در دروس دیگر مراجع حاضر می شدم. بحمد الله در سال ۱۳۷۳ ازدواج کرده و صاحب دو فرزند می باشم.در کنار دروس حوزه از سال ۱۳۶۹ الی ۱۳۷۱ سه سال باقیمانده تحصیلات متوسطه را به طور متفرقه به اتمام رساندم و در سال ۱۳۷۱ با شـرکت در کنکور سراسـری در دو رشـته حقوق و مدیریت دولتی پذیرفته شدم، رشـته حقوق را انتخاب کرده و همزمان با حضور در درس خارج دوره کارشناسـی حقوق را عصـرها در دانشـگاه مفید قم گذراندم. پس از آن نیز در سال ۱۳۷۷ با شرکت در کنکور دوره کارشناسـی ارشد رشـته حقوق بین الملل را پشت سـر گذاشـته و در تابستان ۱۳۸۰ از پایان نامه کارشناسـی ارشـد دفـاع کردم.تحقیق و پژوهش را پس از اتمـام دوره کارشناسـی یعنی در سـال ۱۳۷۵ به تشویق یکی از دوسـتان محقق شـروع نمودم و در همین راسـتا اولین تحقیقات علمی خویش را در پژوهشکده اندیشه سیاسی اسلام که جزئی از پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی به شمار می رفت به انجام رساندم تا به حال کتب و مقالات ناچیزی را برای آن مرکز یا مراکز دیگر به نگارش در آورده ام گفتنی است که پس از فراغت از تحصـیل گاه در دانشگاه نیز به تـدریس دروس حقوق پرداخته ام که همه را مرهون توجهات و الطاف حضرت حق، تشویق ها و دعاهای والد ارجمندم و مساعدت و بردباری خانواده ام می دانم.

شریعتی، سعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید شریعتی

محل تولد : اردستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصـیلات ابتـدایی و راهنمایی را در زادگاهم اردسـتان گذرانـدم و در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شـدم. بـا اقامت در مدرسـه علمیه امام محمد باقر(ع) ، مشغول به تحصیل مقدمات و سطوح شدم و سپس در درس خارج اساتیدی چون آیت الله شبیری زنجانی و شیخ جواد تبریزی و شیخ ابوالقاسم علیدوست(خارج اصول) شرکت نمودم. همزمان با تحصیل در حوزه، به صورت متفرقه دروس دبیرسـتان را امتحان داده و نهایتاً در سال ۱۳۷۱ موفق به اخذ دیپلم رشـته علوم انسانی شدم، در همین سال در رشـته حقوق دانشـگاه مفید پذیرفته شده و مشـغول به تحصیل شدم در سال ۱۳۷۵ فارغ التحصـیل شده و در همین دانشگاه در مقطع کارشناسی ارشد ادامه تحصـیل دادم و در سال ۱۳۷۸ با معدل ۴۹/۱۸ و کسب رتبه اول در میان فارغ التحصـیلان، فارغ التحصـیل شـدم. در سال ۱۳۸۴ در مقطع دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران- پردیس قم مشغول به تحصیل شدم که هم اکنون هم در حال تحصیل هستم.

شریعتی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر شریعتی در تاریخ (مقاله‌ی حاضر مفصلترین سالشمار زندگی دکتر شریعتی و اجمالی از تحقیق نویسنده درباره‌ی زندگی اوست که در سال ۱۳۶۵ نوشته و سپس تکمیل شد. در نگارش این مقاله، علاوه بر رجوع به همه‌ی منابع زندگینامه‌ی شریعتی، از اطلاعات شخصی دوستان نزدیک شریعتی، از اطلاعات شخصی دوستان نزدیک شریعتی استفاده شده است. از این رو پاره‌ای از اطلاعات مندرج در این مقاله در هیچیک از منابع نیامده و جدید است. گفتنی است منابع زندگینامه‌ی شریعتی خالی از کاستی و نادرستی نیست و گاه اطلاعات ارائه شده در آنها متناقض است.این گونه اطلاعات در مقاله‌ی حاضر نیامده و یا صورت درست آن آمده است. آخرین نکته اینکه در مقاله‌ی حاضر به انتشار کتابها و ایراد سخنرانیهای شریعتی اشاره نشده است.).

زندگی من، مجموعا، عبارت است از چندین برنامه‌ی پنج ساله. همیشه کاری شروع می‌کرده‌ام و به اوج می‌رسانده‌ام و آخر پنج سال درهم می‌ریخته، هر بار از سر. از اول نوجوانی تا ۲۸ مرداد ۳۲ و سقوط دکتر مصدق و آغاز دیکتاتوری، پنج سال.

از این دوره تا تشکیل نهضت مقاومت ملی مخفی، که از ۱۳۳۷ به هم خورد و دستگیر شدیم، پنج سال.

از ۳۸ تا ۴۳؛ در اروپا پنج سال.

از ۴۳ تا ۴۸؛ دوره‌ی خاص آوارگی و زندان و مقدمه‌چینی و زمینه‌سازی دانشکده، پنج سال.

دوره‌ی کنفرانسهای دانشگاهها و ارشاد، پنج سال، تا ۵۱.

پس از آن زندان و خانه‌نشینی و خفقان پنج سال.

با مخاطبهای آشنا، ص ۲۶۲.

۱۳۱۲

پنجشنبه دوم آذر ماه، در روستای کاهک، از توابع سبزوار، و در حاشیه‌ی کویر، زاده شد. زادگاه او را مزینان نیز گفته‌اند، از آن رو که در مزینان بالید و نام‌خانوادگی او، در اصل، «مزینانی» است.

مادرش زهرا امینی و پدرش محمدتقی نام داشت. پدر و اجداد پدری او در شمار عالمان و مدرسان دینی بودند.

۱۳۱۹

ورود به دبستان ابن یمین در مشهد.

۱۳۲۵

ورود به دبیرستان فردوسی در مشهد.

۱۳۲۷

به عضویت در کانون نشر حقایق اسلامی، که پدرش پایه‌گذار آن بود، در آمد و از طریق آن با حقایق اسلامی آشنا شد.

۱۳۲۹

سیکل اول دبیرستان (کلاس نهم نظام قدیم) را به پایان رساند و به دانشسرای مقدماتی (تربیت معلم) وارد شد.

۱۳۳۱

دوره‌ی دانشسرا را به پایان رساند و با دریافت دیپلم آن، به عنوان معلم در مدرسه کاتب‌پور، در منطقه‌ی احمدآباد مشهد، به تدریس پرداخت.

۱۳۳۱

انجمن اسلامی دانش‌آموزان و دانشجویان را پایه‌گذاری کرد و به مدت هشت سال، تا هنگام خروج از کشور برای ادامه‌ی تحصیل، مسؤولیت جلسات هفتگی آن را، که سخنرانی و بحث و تحقیق درباره‌ی مسائل عقیدتی و مکتبهای فلسفی و اجتماعی بود، برعهده داشت.

۱۳۳۱

در حمایت از نهضت ملی شدن صنعت نفت و دولت دکتر محمد مصدق و اعتراض به روی کار آمدن دولت قوام السلطنه، در یکی از روزهای دهه‌ی آخر تیر ماه دستگیر و سپس آزاد شد.

۱۳۳۲

عضویت و فعالیت در نهضت مقاومت ملی.

۱۳۳۲

ثبت‌نام و شرکت در کلاس ششم دبیرستان در رشته‌ی ادبی

۱۳۳۳

پایان تحصیلات دبیرستانی و دریافت دیپلم ادبی.

۱۳۳۴

هر هفته دوبار در رادیو مشهد به سخنرانی پرداخت، عصر روز سه‌شنبه و جمعه.

۱۳۳۴ یا ۱۳۳۵

ورود به دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی مشهد و تحصیل در رشته‌ی ادبیات فارسی.

۱۳۳۵

پایه‌گذاری انجمن ادبی و تصدی مسؤولیت آن. در این انجمن بود که شعر نو برای نخستین بار در محیط راکد و بسته‌ی خراسان

قامت برافراشت.

۱۳۳۵

ازدواج با بی‌بی فاطمه (پوران) شریعت رضوی، خواهر شهید علی‌اصغر شریعت رضوی (در مقابله با ارتش روس در سال ۱۳۲۰) و شهید مهدی (آذر) شریعت رضوی (در اعتراض به سفر نیکسون به ایران، در ۱۶ آذر ۱۳۳۲).

۱۳۳۶

در پی حمایت نهضت مقاومت ملی از دکتر مصدق و اعتراض به معاملات نفتی تنی چند از اعضای نهضت در تهران و مشهد، از مجمله شریعتی و پدرش، دستگیر شدند. شریعتی به مدت دو ماه در زندان قزل قلعه‌ی تهران حبس شد.

۱۳۳۷

تدریس در دبیرستان دخترانه‌ی مهستی در مشهد.

۱۳۳۷

با کسب مقام اول از دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی موفق به دریافت لیسانس شد. پایان‌نامه‌ی تحصیلی او ترجمه‌ی کتاب در نقد و ادب، تألیف محمد مندور، بود.

۱۳۳۸

سفر به فرانسه برای ادامه‌ی تحصیل.

۱۳۳۸

به جوانان نهضت ملی ایران پیوست و با کمک دوستانش در این گروه کوچک، اعلامیه‌های افشاگرانه‌ای علیه رژیم شاه منتشر ساخت.

۱۳۳۸

به سازمان آزادیبخش الجزایر پیوست و برای رهایی الجزایر از استعمار فرانسه به مجاهدت پرداخت. در نتیجه روزی پلیس فرانسه به وی حمله و مضروبش کرد و بدین علت سه هفته در بیمارستان بستری شد.

۱۳۳۸

تولد نخستین فرزندش، احسان.

۱۳۴۱-۱۳۳۹

همکاری با استادش لوئی ماسینیون، در گردآوری و ترجمه‌ی متون فارسی درباره‌ی حضرت فاطمه.

۱۳۳۹

به ایران بازگشت و همسر و فرزندش را به پاریس برد.

۱۳۴۰

در پی کشته شدن پاتریس لومومبا، رهبر آزادیخواهان کنگو، تظاهراتی از سوی سیاهپوستان در مقابل سفارت بلژیک در پاریس برگزار شد. شریعتی در این تظاهرات شرکت کرد و با حمله‌ی پلیس فرانسه دستگیر و به زندان سیته افکنده شد. در آغاز دولت فرانسه قصد اخراج او را از آن کشور داشت، اما با حمایت قاضی دادگاه، اجرای حکم اخراج او را به حال تعلیق گذاشت.

۱۳۴۰

شرکت در کنگره‌ی کنفدراسیون دانشجویان ایرانی خارج از کشور در پاریس.

۱۳۴۱

در پی مرگ مادرش، زهرا، برای شرکت در مجلس ترحیم او به ایران بازگشت و پس از چند روز دوباره به پاریس رفت.

۱۳۴۱

با انتشار مقاله‌ای به افشاگری علیه انقلاب سفید شاه پرداخت.

۱۳۴۱

با کمک دوستانش جبهه‌ی ملی ایران (جبهه‌ی ملی دوم) را در خارج از کشور پایه‌گذاری کرد. سپس مسؤولیت انتشار مجله‌ی جبهه‌ی ملی به او واگذار شد و او مدتی مسؤول مجله‌ی ایران آزاد بود. شریعتی مقالات خود را در این مجله با نام مستعار شمع، که از سه حرف اول نام‌خانوادگی و نامش تشکیل شده بود، (شریعتی مزینانی، علی) امضا می‌کرد.

۱۳۴۱

با کمک دوستانش نهضت آزادی ایران در خارج از کشور پایه‌گذاری کرد.

۱۳۴۱

شرکت و فعالیت در دومین کنگره‌ی کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در خارج از کشور (کنگره‌ی وحدت)، در شهر لوزان سویس.

۱۳۴۱

تولد دومین فرزندش، سوسن.

۱۳۴۲

پایان تحصیلات دانشگاهی و گذراندن کلاسهای جامعه‌شناسی در مدرسه‌ی تتبعات عالی و دریافت مدرک دکترا در تاریخ. برخی از استادان او عبارت بودند از: لوئی ماسینیون، ژرژ گورویچ، ژاک برک و هانری لوفور. پایان‌نامه‌ی دکترای او تصحیح کتاب فضائل بلخ بود.

۱۳۴۲

تولد سومین فرزندش، سارا.

۱۳۴۳

به ایران بازگشت و در مرز بازرگان دستگیر شد. خانواده‌ی او را در سر مرز به حال خود رها کردند و او را به اداره‌ی ساواک ماکو و سپس به زندان خوی و بعد از آن به زندان رضائیه بردند. سرانجام او را به تهران روانه کردند و مدت شش ماه در زندان قزل قلعه حبس شد.

۱۳۴۳

تقاضایش برای تردیس در دانشگاه رد شد. سرانجام با رتبه‌ی آموزگاری به تدریس در هنرستان کشاورزی (در روستای طرق مشهد)، دبیرستان پسرانه‌ی ملکی و دبیرستان دخترانه‌ی ایراندخت پرداخت.

۱۳۴۴

به عنوان کارشناس وزارت آموزش و پرورش استخدام و به تهران منتقل شد و با دکتر بهشتی، دکتر باهنر و سید رضا برقعی، که از مسؤولین بررسی کتب دینی بودند، همکاری کرد.

۱۳۴۴

سرانجام تقاضایش برای تدریس در دانشگاه پذیرفته شد و پس از موفقیت در امتحان استادیاری به سمت استادیار رشته‌ی تاریخ دانشکده‌ی ادبیات مشهد منصوب شد.

۱۳۴۵

آغاز تدریس در دانشگاه مشهد و استقبال بی‌نظیر دانشجویان از درس‌های او، این در حالی بود که شریعتی در کلاس حضور و غیاب نمی‌کرد. مهمترین درس او در دانشگاه، تاریخ تمدن و اسلام‌شناسی بود. کسی پیش از او از اصطلاح اسلام‌شناسی استفاده نکرده بود.

۱۳۴۷

سفر به روستای کاهه و احداث پارکی در آن منطقه با همکاری مردم و کمک به روستاییان برای خرید وسایل کشاورزی.

۱۳۴۷

به کمک زلزله زدگان جنوب خراسان شتافت و تا یک هفته بدین کار مهم، اهتمام کرد.

۱۳۴۷

ممانعت ساواک از مسافرت شریعتی به عراق با دانشجویان.

۱۳۵۱-۱۳۴۷

به ایراد سخنرانی در دانشگاه‌های مختلف کشور دعوت و با استقبال بی‌مانند دانشجویان روبرو شد.

۱۳۵۱-۱۳۴۷

به تدریس و سخنرانی در مؤسسه‌ی حسینیه‌ی ارشاد دعوت و با استقبال فوق‌العاده‌ی مردم، بویژه جوانان و دانشجویان، مواجه شد. در درس‌ها و سخنرانی‌های شریعتی حدود چهار هزار نفر شرکت می‌کردند که این تعداد جمعیت بی‌سابقه بود. بر پایه‌ی برنامه‌ریزی شریعتی، حسینیه‌ی ارشاد دارای سه بخش (تحقیق، آموزش و تبلیغ) و نه واحد سازمانی و هر بخش شامل چند گروه بود.

۱۳۴۸

نخستین سفر به حج و زیارت بیت‌الله الحرام با کاروان حسینیه‌ی ارشاد. در این سفر دانشجویان خارج از کشور با شریعتی ملاقات و درباره‌ی فلسطین و نهضتهای آزادی‌بخش با او مشورت کردند. سرانجام تصمیم گرفته شد برای کمک به فلسطین پول جمع‌آوری شود.

۱۳۴۹

دعوت از شریعتی برای شرکت در کنگره‌ی بین‌المللی مذهب و صلح در ژاپن و عدم موافقت رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد.

۱۳۴۹

با همکاری و تشویق دکتر شریعتی نمایش ابوذر در تالار رازی دانشگاه فردوسی مشهد اجرا و با استقبال فراوان مردم روبرو شد. متن این نمایش اقتباس از کتاب ابوذر غفاری خداپرست سوسیالیست، ترجمه و تألیف دکتر شریعتی، بود و به قلم رضا دانشور و با همکاری ایرج صغیری فراهم شده بود. کارگردان این نمایش داریوش ارجمند وبازیگر اصلی آن (در نقش ابوذر)، ایرج صغیری بود. نمایش ابوذر نخستین مذهبی در ایران بود.

۱۳۴۹

دومین سفر به حج و زیارت بیت‌الله الحرام با کاروان حسینیه‌ی ارشاد.

۱۳۵۰

به دستور ساواک درسهای شریعتی در دانشگاه در آستانه‌ی برگزاری جشنهای دو هزار و پانصد ساله‌ی شاهنشاهی تعطیل شد. پس از برگزاری‌ها جشن‌ها نیز از تدریس شریعتی در دانشگاه جلوگیری و او به بخش تحقیقات وزارت علوم و آموزش عالی منتقل شد. سپس حضور او در وزارت علوم نیز خطرناک دانسته شد و از او خواستند دیگر به محل کار نیاید و در خانه به تحقیق بپردازد.

۱۳۵۰

برای چندمین بار به ساواک احضار و از او خواسته شد شرح حالش را بنویسد.

۱۳۵۰

سفر به مصر برای دیدن اهرام سه‌گانه. (کتاب آری این چنین بود برادر رهاورد این سفر است.)

۱۳۵۰

تولد چهارمین فرزندش، مونا.

۱۳۵۰

سومین وآخرین سفر به حج و زیارت بیت‌الله الحرام با کاروان حسینیه‌ی ارشاد. شریعتی در این سفر به ایراد سخنرانی در کنگره‌ی اسلامی مکه دعوت شد، ولی سرانجام به اتهام شیعه‌ی غالی بودن از ایراد سخنرانی او ممانعت گردید.

۱۳۵۰

در پی اعدام چند تن از جوانان انقلابی، از جمله مسعود احمدزاده و مجید احمدزاده و امیرپرویز پویان، که شریعتی آنها را از نزدیک می‌شناخت، دو سخنرانی با عنوان شهادت و پس از شهادت، در حسینیه‌ی ارشاد و مسجد جامع نارمک ایراد کرد. در سخنرانی پس از شهادت اشاراتی به در خون تپیدن مبارزان و دعوت مردم به قیام شده است. پس از این سخنرانی تظاهراتی در اطراف مسجد صورت گفت و پلیس عده‌ای را دستگیر کرد و شریعتی هم متواری شد.

۱۳۵۱

نمایش ابوذر، با عنوان یک بار دیگر ابوذر، در حسینیه‌ی ارشاد اجرا و مانند قبل با استقبال فراوان مردم روبرو شد. چند دقیقه پیش از اجرای این نمایش فردی ناشناس به حسینیه‌ی ارشاد تلفن زد و گفت زیر سن نمایش بمب گذاشته شده است. آنگاه دکتر شریعتی پیش از اجرای نمایش به ایراد سخنرانی پرداخت و سخنان خود را چندان طول داد که اگر بمبی در زیر سن کار گذاشته شده باشد تنها او را از پا در آورد و به دیگران صدمه‌ای نرساند. پس از اجرای این نمایش مردم به خیابان ریختند و شعار الله‌اکبر و با حسین و دیگر شعارهای مذهبی دادند. این نمایش را دهها هزار نفر دیدند و حتی عده‌ای از رادیو و تلویزیون برای ضبط آن به حسینیه‌ی ارشاد آمدند. اما دکتر شریعتی با آن مخالفت کرد و گفت ابوذر متعلق به ایمان ماست، راهی به تلویزیون شاهنشانی نباید داشته باشد.

۱۳۵۱

نمایش سربداران، به اهتمام گروه هنری حسینیه‌ی ارشاد، در یک شب در حسینیه‌ی ارشاد اجرا شد و ساواک از تکرار آن جلوگیری کرد.

۱۳۵۱-۱۳۵۲

مخالفت شخصیتهای واپسگرا با افکار و آثار شریعتی، چه از طریق نگارش کتاب و چه در سخنرانی‌های عمومی، بیش از پیش شدت یافت. واپسگراها چنین می‌نمودند که شریعتی فردی منحرف، اهل بدعت، منکر امامت و ولایت است و در حسینیه‌ی ارشاد دست بسته نماز می‌خوانند و شهادت به ولایت علی –ع – را از اذان و اقامه حذف کرده‌اند.

۱۳۵۱

سرانجام رژیم شاه تصمیم گرفت حسینیه‌ی ارشاد را تعطیل کند، بویژه این‌که از چندی پیش به مناسبت ماه رمضان در پاره‌ای از مساجد تهران تبلیغات وسیعی علیه شریعتی آغاز شده و زمینه‌ی مناسبی فراهم بود. بدین ترتیب پلیس به محاصره‌ی حسینیه‌ی ارشاد پرداخت و پس از درگیری با شاگردان و دانشجویان، عده‌ای را دستگیر و حسینیه‌ی ارشاد را تعطیل کرد.

۱۳۵۱

به اهتمام پاره‌ای از روشنفکران بازار و با حضور برخی از شخصیت‌های برجسته‌ی اسلامی مجلس جشنی در روز عید فطر برای بزرگداشت دکتر شریعتی تشکیل شد. در این مجلس یک جلد کتاب فاطمه، فاطمه است و سند و کلید یک دستگاه اتومبیل پیکان به او هدیه شد.

۱۳۵۱-۱۳۵۲

در پی تعطیلی حسینیه‌ی ارشاد، شریعتی از تور ساواک گریخت و از آبان ۱۳۵۱ تا تیر ۱۳۵۲ در خانه‌ی یکی از بستگانش در سر آسیاب دولاب در تهران مخفی شد.

۱۳۵۲

ساواک در یک روز به منزل شریعتی و پدرش در مشهد و منزل برادر همسرش در تهران، حمله کرد. در حمله به منزل شریعتی مقداری از کتابهای او را به یغما بردند و در حمله به منزل پدر و برادر همسر شریعتی آن دو را دستگیر کردند تا محل اختفای شریعتی را از طریق آن‌ها بیابند و یا آنها را گروگان بگیرند تا شریعتی خود را معرفی کند.

۱۳۵۲

اقامت خانواده‌اش در تهران.

۱۳۵۲

سرانجام دکتر شریعتی تنها چاره را در این دید که خود را معرفی کند. بدین ترتیب در مهر ماه خود را به مرکز ساواک تهران معرفی کرد و مدت هجده ماه در زندان بسر برد که پانزده ماه آن را در سلول انفرادی بود و سه ماه دیگر آن با کسی همسلول بود که رژیم او را برای کسب اطلاعات از شریعتی در سلول گماشته بود (بدین ترتیب دکتر شریعتی، روی هم رفته، پنج بار و به مدت دو سال و دو ماه بازداشت و زندانی شد. بازداشتگاه او در مشهد و ماکور، و زندان او در تهران و پاریس و خوی و رضائیه بود. همچنین وی، چنانکه گفته خواهد شد،همین مدت از عمر خود را، یعنی دوسال و دو ماه، از آغاز سال ۱۳۵۴ تا اردیبهشت ۱۳۵۶، تحت مراقبت و نظر ساواک بود. بیفزاییم که وی به مدت نه ماه، از آبان ۱۳۵۱ تا تیر ۱۳۵۲، مخفیانه زندگی می‌کرد. بنابراین شریعتی، به روی هم، پنج سال و یک ماه از عمر کوتاه خویش را در بازداشتگاه و مخفیانه و زندان و تحت مراقبت گذراند.).

۱۳۵۲

چند ماه پس از زندانی شدن، از دانشگاه بازنشسته شد. سابقه‌ی خدمت او بیست و یک سال بود.

۱۳۵۳-۱۳۵۶

کتابهای شریعتی از سوی رژیم شاه گمراه کننده و ممنوع دانسته شد و در پی آن از کتابخانه‌ها جمع‌آوری گردید. بعد از این (تا اواسط سال ۱۳۵۶)، به کتابهای او اجازه‌ی چاپ داده نمی‌شد و با نامهای مستعار علی علوی، علی سبزواری، علی سربداری، علی شریفی، علی مزینانی، علی زمانی، علی سبزواری‌زاده، شیخ علی اسلام‌دوست، محمدعلی آشنا، محمدعلی اثنی‌عشری، محمد عبدالخطیب مصری، م. رفیع‌الدین، شمع، احسان خراسانی، رضا پایدار، کمال‌الدین مصباح و...چاپ می‌شد.

۱۳۵۳

سرانجام استاد محمدتقی شریعتی، پس از تحمل یک سال زندان، تنها به جرم پدر دکتر شریعتی بودن! از زندان آزاد شد.

۱۳۵۳

در آخرین روزهای این سال از زندان آزاد شد. آزادی او به علت فعالیتهای دفاعی دوستان و شاگردانش در محافل بین‌المللی و تقاضای ژاک برک از شاه بود. ژاک برک، استاد دانشگاه سوربن، که شریعتی در پاریس شاگردش بود، با شاه در سویس، که برای گذراندن تعطیلات زمستانی رفته بود، ملاقات کرد و از او خواست که شریعتی از زندان آزاد شود.

۱۳۵۴

رژیم که از دستگیری و حبس شریعتی طرفی نبسته و نتیجه‌ای نگرفته بود، بر آن شد تا با او به طرز «علمی»! برخورد کند. بدین منظور کمیته‌ای به نام «شریعتی شناسی» درست کرد که در آن افرادی چون رضا عطارپور، معروف به حسین‌زاده، از مهره‌های برجسته و فعال ساواک، و تنی چند از محققان رژیم و زندانیان سیاسی بریده، عضو بودند. کار این کمیته مطالعه‌ی آثار شریعتی و شنیدن نوار سخنرانی‌های او برای جعل کتاب و نوار به نام شریعتی بود.

۱۳۵۴

رژیم شاه برای وانمود کردن همکاری شریعتی با رژیم و برای تحقق هدف کمیته‌ی شریعتی شناسی، که مخدوش کردن چهره‌ی او به طرز علمی! بود، یک سلسله از درسهای شریعتی را که پیشتر با عنوان انسان، اسلام و مکتبهای مغرب زمین منتشر شده بود، با عنوان مجعول «مارکسیسم، ضد اسلام» در روزنامه‌ی کیهان به چاپ رساند. در پی این توطئه، شریعتی از طریق دکتر احمد صدر حاج سید جوادی به مسؤولان روزنامه‌ی کیهان اعتراض کرد و آنها عذر آوردند که تقصیری ندارند و ساواک این مقاله را فرستاده است. سرانجام با اعتراض انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا و افشاگری دوستان و شاگردان شریعتی این توطئه‌ی رژیم افشا و خنثی شد.

۱۳۵۶-۱۳۵۴

تحت مراقبت و نظر ساواک قرار داشت و امکان فعالیت و سخن گفتن و منتشر کردن کتابهایش از وی سلب شد. خود می‌گفت: نوع زندانم تغییر کرده و از زندانی دولتی به زندان خانه منتقل شده‌ام. در این مدت چند بار به ساواک احضار شد و یا مقامات بلند مرتبه‌ی ساواک به صورت سرزده به خانه‌اش می‌رفتند.

۱۳۵۵

پسرش را، که از نظر امنیتی به علت ارتباط با جوانان مبارز به مخاطره افتاده بود و ممکن بود در پرونده‌ی او هم تأثیر بگذارد، برای ادامه‌ی تحصیل به خارج از کشور فرستاد.

۱۳۵۶

به علت هجرتی که در پیش داشت از عضویت در هیئت مدیره‌ی صندوق خیره‌ی فاطمه‌ی زهرا در روستای کاهه استعفا خواست. همچنین دو قطعه زمین را، که در آن روستا داشت، از طریق آن صندوق، به مردم آنجا واگذار کرد.

۱۳۵۶

بر آن شد، به هر گونه که شده است، از ایران هجرت کند. از این رو چون دانست که از کشور ممنوع الخروج است، سه راه را برای هجرت پیش‌بینی کرد: گرفتن دعوتنامه‌ای رسمی از مقامات دانشگاهی الجزایر برای تدریس در آنجا، خروج مخفیانه از مرز؛ گرفتن گذرنامه با نامی دیگر. هر سه راه به سعی دوستان شریعتی بررسی و، سرانجام، مشخص شد که همه‌ی پرونده‌های شریعتی به نام علی شریعتی یا علی شریعتی مزینانی است و نه علی مزینانی. حال آن که نام خانوادگی او، در اصل، و چنان که در شناسنامه‌اش بود، مزینانی است و نه شریعتی یا شریعتی مزینانی. بدین ترتیب شریعتی از راه سوم وارد عمل شد و با تدبیر ویژه‌ای به نام علی مزینانی گذرنامه گرفت.

۱۳۵۶

در ۲۶ اردیبهشت ماه به مقصد بلژیک هجرت خود را آغاز کرد. به هنگام توقف هواپیما در آتن، بدون هیچ برنامه‌ی قبلی و باحتمال قوی برای رعایت تدابیر امنیتی، از هواپیما پیاده شد و پس از یک روز با یک شبانه‌روز توقف در آتن با هواپیمای دیگری به بلژیک رفت. سپس دو یا سه روز در بروکسل توقف کرد و از آنجا به انگستان رفت تا از همسر و فرزندانش، که قصد پیوستن به او را داشتند، استقابل کند. در این مدت چند روز به فرانسه رفت و سپس در شب ۲۶ خرداد به انگلستان برگشت و منتظر خانواده‌اش ماند که قرار بود ۲۸ خرداد از تهران به مقصد انگلستان هجرت کنند.

۱۳۵۶

سه روز پس از هجرت شریعتی از کشور ساواک از غیبت او مطلع شد و سخت به تکاپو و تلاش افتاد تا شاید او را بیابد. سرانجام ساواک در اواسط خرداد ماه کشف کرد که شریعتی با گذرنامه‌ی علی مزینانی از کشور خارج شده است. از این رو ساواک برای وادار کردن شریعتی به بازگشت و یا امتیاز گرفتن از او، از خروج همسرش جلوگیری کرد.

در روز ۲۸ خرداد همسر و فرزندان شریعتی به قصد خروج از کشور روانه‌ی فرودگاه شدند. در آنجا اعلام شد که خانم شریعت رضوی (همسر شریعتی)، ممنوع الخروج است. بدین ترتیب وی با فرزند خردسالش (مونا)، در ایران ماندند و دو فرزند نوجوانش (سوسن و سارا)، به مقصد انگلستان و پیوستن به شریعتی از ایران خارج شدند.

۱۳۵۶

در ۲۸ خرداد دو فرزند شریعتی به لندن رسیدند و شریعتی در فرودگاه به استقبال آنها شتافت و از آنجا به محل اقامتشان رفتند. ساعت هشت صبح یکشنبه ۲۹ خرداد پیکر دکتر شریعتی را در آستانه‌ی در ورودی اتاق، که پنجره‌اش باز شده بود، به پشت افتاده و در حالی که بینی‌اش سیاه شده و باد کرده بود افتاده و بی‌جان یافتند.

۱۳۵۶

سرانجام روزنامه‌های اطلاعات و کیهان پس از چند روز سکوت درباره‌ی درگذشت دکتر شریعتی، در سال ۳۱ خرداد ماه اعلام کردند: مرحوم دکتر علی شریعتی که برای درمان ناراحتی چشم و کسالت قلبی خود به انگلستان رفته بود در آن جا بر اثر سکته‌ی قلبی درگذشت. همچنین در روزنامه‌ی کیهان دوم تیر ماه آمده بود: دکتر شریعتی از مدتی قبل از بیماری قلبی در رنج بود و سرانجام در ۵۶/۳/۲۹ بر اثر آخرین حمله‌ی قلبی بدرود حیات گفت. حال آنکه شریعتی در سراسر عمر خود حتی یک بار هم به پزشک قلب رجوع نکرده بود. او نه برای «کسالت قلبی» خود به انگلستان رفته بود و نه از «مدتی قبل» بیماری قلبی داشت. شریعتی پس از آزادی از آخرین زندان، به اصرار برخی از دوستانش، که از سیگار کشیدن او نگران بودند، نواری از ضربان قلب او توسط دکتر محمود فرهودی، که اینک گواه هستند، برداشته شد. نتیجه‌ی کاردیوگرافی رفع هر گونه نگرانی کرد و نشان داد که شریعتی از ناحیه‌ی قلب کاملا سالم است.

۱۳۵۶

گروهی از اعضای ساواک، به سرپرستی یک افسر امنیتی، برای تصاحب پیکر شریعتی و انتقال آن به ایران، وارد لندن شدند. نقشه‌ی رژیم شاه این بود که پیکر شریعتی را در برنامه‌ای «دولتی» و با حضور مقامات رسمی کشور به ایران حمل کنند و با برگزاری مجلس بزرگداشت او و احترام صوری، خود را بی گناه نشان دهند. سرانجام به همت خانواده و دوستان شریعتی و دانشجویان خارج از کشور و اعضای نهضت آزادی ایران در خارج از کشور، کلیه‌ی نقشه‌های رژیم نقش بر آب شد و وکیل احسان شریعتی از دولت انگلیس خواست پیکر پدرش به مأموران ایران تحویل داده نشود.

۱۳۵۶

پیکر شریعتی در بعدازظهر جمعه سوم تیر ماه، با مشارکت صادق قطب‌زاده، عبالکریم سروش و کمال خرازی، غسل داده و کفن شد. آنگاه امام جماعت مسجد هامبورگ، حجت‌الاسلام محمد مجتهد شبستری، و تنی چند از دوستان شریعتی، بر پیکر او نماز گزاردند.

۱۳۵۶

خانواده و دوستان شریعتی، پس از گفتگوهای فراوان، بر آن شدند پیکر شریعتی را در زینبیه دفن کنند. بدین ترتیب در روز یکشنبه، پنجم تیر، پیکر شریعتی از لندن به دمشق منتقل شد. در آنجا امام موسی صدر، دوستان شریعتی و بزرگان سوری و لبنانی و فلسطینی بر پیکر او بار دیگر نماز گزادند و پس از طواف در حرم حضرت زینب – س – در کنار آن حضرت به خاک سپردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

شریعتی، محمدکاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد کاظم شریعتی اندراتی

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۹/۱

زندگینامه علمی

استاد گرانقدر آقای محمد کاظم شریعتی اندراتی در سال ۱۳۴۸هجری شمسی در خانواده ای کاملاـ مذهبی دیده به جهان گشود.نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در شهر مقدس مشهدگذراند و در پی تشویق خانواده و اطرافیان و علاقه خود به فراگیری علوم دینی به و برای ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه مشهد گردید و از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد به جد و جهد، در درس بزرگان حوزه علمیه حاضر شد و از درس بزرگان آن دیار همچون آیت الله علی فلسفی،آیت الله سید عبدالهادی مرتضوی و آیت الله موسوی نژاد بهره ها برد.استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته الهیات در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۱از دانشگاه فردوسی فارغ التحصیل گردید. ایشان ضمن تدریس در بنیاد پژوهش های قرآنی به تحقیق و پژوهش مشغول می باشدو در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که کتابهای" قرآن و اقتصاد "و" قرآن و حقوق "از جمله آثار ایشان است.

شریف اصفهانی، محمد شریف

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از قریه ورنو سفادران از اعمال اصفهان بود. از نزدیکان و شاگردان ملا عبدالحق است پدرش سنگتراش بود خود او هم آن کار را به جایی رسانید که هنگام خرده‌کاری بر نقطه موهوم نقوش عالم امکان می‌نگاشت ولی به دلیل ضعف باصره از آن کار دست برداشت و در محله‌ای از محلات اصفهان به نوشتن سجلات مبادرت ورزید وی در صنایع شعری و لغز و معما سرآمد بود. مثنوی در بحر «مخزن الاسرار» گفته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۵۴۳ -۵۴۲، ۴۱۷ -۴۱۵)، الذریعه (۵۲۴، ۵۱۹ /۹)، صبح گلشن (۲۲۳)، فرهنگ سخنوران (۵۰۱).

شریف الاسلام، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۵۴ ق)، عالم دینی و طبیب و شیمیدان. عموی بزرگ آیت‌اللّه نجفی مرعشی است. وی از علمای بزرگ تهران و از شاگردان حاج میرزا حسن آشتیانی و حاج شیخ فضل‌اللّه نوری بود. در طب و شیمی و علم الحروف بسیار مهارت داشت. از آثارش: «اسرار الحروف»؛ «اصلاح المزاج»، در طب؛ «وقایه الجسد»، در طب؛ «حاشیه الفرائد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۲۱۹ -۲۱۸ /۳)، معجم المؤلفین (۳۷۲/۱۳).

شریف آملی، محمد شریف

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. نسبتی با طالبای آملی دارد. در اصفهان به تحصیل مشغول بود. در زمان اکبرشاه به هند مسافرت کرد در آنجا خدمت عالیجاه ابراهیم خان ولد علی مردان خان بود طبعش نهایت قدرت و غرابت را داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۵۳۷ -۵۳۶، ۱۸۷)، الذریعه (۵۱۹/۹)، شعرای مازندران و گرگان (۱۵۵)، صبح گلشن (۲۲۳ - ۲۲۲)، کاروان هند (۶۲۴ -۶۲۳ /۱)، مخزن الغرائب (۸۱۳ -۸۰۳ /۲).

شریف بخارائی، شریف

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۰ ق)، شاعر. بلاغت و لطافت در اشعار او به چشم می‌خورد و در خدمت امام قلیخان حاکم بخارا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۲۰)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۳۶)، الذریعه (۵۲۰ -۵۱۹ /۹).

شریف برهانزهی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمد شریف برهانزهی متولد ۱۳۲۰ ش دارای دکترای رشته گیاه پزشکی عضویت هیئت علمی دانشگاه وست مینیستر با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات وآثار پیرامون گیاه پزشکی و کشاورزی می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر محمد شریف برهانزهی دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه تهران ودکترای گیاه پزشکی از دانشگاه کالیفرنیا میباشدخاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته گیاه پزشکی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر محمد شریف برهانزهی بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر محمد شریف برهانزهی د ر کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : دکتر محمد شریف برهانزهی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاه پزشکی به عضویت هیئت علمی گروه کشاورزی در دانشکده کشاورزی دردانشگاه وست مینیستر درآمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر محمد شریف برهانزهی عضوهیئت علمی و

دانشیار گروه گیاه پزشکی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه وست مینیستر است.فعالیتهای آموزشی : دکتر محمد شریف برهانزهی سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه گیاه پزشکی در دانشگاه وست مینیستر به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشکی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر محمد شریف برهانزهی در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری تخصصی ،پژوهشی و عمیق می پردازد.آرا و گرایشهای خاص : دکتر محمد شریف برهانزهی از جمله گیاه پزشکان و گیاه شناسانی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره گیاه پزشکی و کشاورزی علمی نوین دارد. آثار : گیاه پزشکی و کشاورزی منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

شریف تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۵ ق)، شاعر. وی معاصر سام میرزا صفوی و از شاگردان لسانی شیرازی بود. در هجوگویی مهارت بیشتر داشته و نیش قلمش حتی خاطر استادش را نیز آزرده ساخته است. وی در اقسام مختلف شعر دست داشته و «دیوان» قصاید و غزلیاتی از وی به جا مانده است. وی مجموعه‌ای از اشعار است به نام استاد خود لسانی گرد آورد و یا بدو منسوب داشت که نام آن را «سهو اللسان» گذارد. این رساله را حیدری تبریزی جواب گفته به نام «لسان الغیب» نام نهاده است. وی به مرض وبا درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۷ -۱۱۵ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۷۴ -۶۷۱ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۶۵ -۴۶۴)، تحفه‌ی سامی (۲۱۹ -۲۱۷)، دانشمندان آذربایجان (۱۹۷ -۱۹۲)، الذریعه (۵۲۰/۹)، سخنوران آذربایجان (۴۳۹ -۴۳۰)، فرهنگ سخنوران (۵۰۲ -۵۰۱)، مجمع الخواص (۱۴۷ -۱۴۴)، هفت اقلیم (۲۳۵ -۲۳۰ /۳)، نتایج الافکار (۳۶۸).

شریف تبریزی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۴ -۱۲۸۶ ق)، عالم، ادیب، نویسنده و شاعر، متخلص به تائب. معروف به مساله‌گو. او در مشهد رضوی ساکن بود. علم و ادب را فراگرفت و یکی از فضلای بنام زمان خود شد. شیخ اسماعیل به تالیف و تصنیف در فنون مختلف پرداخت و آثار بسیاری به نظم و نثر از خود به جای گذاشت. در مشهد درگذشت و در باغ رضوان دفن شد. از آثار وی: «عقاید الاسلام»، در اصول خمسه، که گویا ترجمه‌ی «عقاید الاسلام» ترکی منسوب به مقدس اردبیلی است؛ «مرآه المتقین»؛ «مجلات المحققین»؛ «البلاغ المبین»؛ «معیار الفهم و منشار الوهم»؛ «تذکره المتقین»؛ مثنویهای «انصاف نامه»؛ «بلبل نامه»؛ «تحفه نامه»؛ «تزویج نامه»؛ «توحید نامه»؛ «ثمره‌ی فوادیه»؛ «حیرت نامه»؛ «سعادت نامه»؛ «محبت نامه»؛ «نماز نامه» و مثنویهای مختلف دیگر؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۸۱/۲۱، ۲۸۴، ۲۲۸، ۲۲۷- ، ۱۱/۲۰، ۸۵، ۸۳- ۱۹/ ،۲۸۱/۱۵، ۱۸۱/۱۲، ۲۶۵/۱۱، ۱۶۳/۹، ۴۶/۴، ۱۴۰/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۶/۱۴)، فرهنگ سخنوران (۱۷۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۰ -۵۷۹ /۱).

شریف روحانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا الشریف الروحانی بن حجهًالاسلام والمسلمین حاج شیخ غلامعلی بن العالم الجلیل ملا محمدصادق بن العالم العلام حاج ملا غلامعلی از علماء معمر و معاصر نجف‌آباد است:

تولد ایشان در روز دوشنبه هزار و سیصد و سه قمری در نجف‌آباد واقع شده و در سن ۱۲ سالگی در خدمت والد به تحصیل ادبیات پرداخته و پس از آن عزیمت به اصفهان نموده و در خدمت آقاشیخ علی یزدی و آقای سید آقا جان ریزی به تکمیل ادبیات اشتغال یافته و پس از آن سطوح متوسطه (لمعه و قوانین و غیره) را از آقا سید احمد مدرسی اصفهانی و آقا سید مهدی درچه‌ای فراگرفته و بعدا به درس آیت‌اللّٰه آخوند ملاـ عبدالکریم کزی و آیت‌اللّٰه حاج سید محمدباقر درچه‌ای و آیت‌اللّٰه حاج میرزا محمد صادق اصفهانی مرحوم آخوند ملاحسین کربلائی به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام تا حال تحریر که حدود نود و دو سال از آخر عمر شریفشان می‌گذرد اشتغال دارند.

و هرگز در این مدت از وجوهات شرعی سهم مبارک امام (ع) اعاشه و استفاده نموده و نمی‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

شریف زاده نجفی، محمدجواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در خصوص ولادت مرحوم محمد جواد شریف زاده نجفی نتوانستیم به نقطه‌نظر مطمئنی دست یابیم، اما بر اساس قرائن و شواهد، هنگام رحلت، بیش از هشتاد سال از عمر آن مرحوم می‌گذشت؛ لذا تاریخ تولد ایشان حدود سال ۱۲۷۸ هجری شمسی و در نجف اشرف می‌باشد.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : پدر – علی محمدشریف زاده نجفی – از روضه‌خوان‌های نجف اشرف بوده و سال‌ها قبل از یزد به نجف مهاجرت کرده است. بر این اساس، اگرچه حاج شیخ محمد جواد شریف زاده نجفی هیچ دوره از عمر خود را در یزد سپری نکرده، اما به نوعی ریشه در دل این دیار داشته و شاید این نکته در انتخاب شهر «ابرقو» از میان شهرهایی که از حضرت آیت‌اللّه بروجردی؛ درخواست روحانی داشته‌اند، بی‌تأثیر نبوده است.مادر ایشان – بانو سلطان بیگم – علویه باکرامتی بوده که با حضرت آیت‌اللّه سید محمد کاظم یزدی؛ نسبت داشته و آن مرجع بزرگ به کرامت و بزرگواری‌اش اذعان داشته و آن بانو مشمول عنایات ایشان بوده است.خاطرات کودکی : مادر محمد جوادشریف زاده نجفی در ایامی که حاج شیخ محمد جواد، نوزاد و یا طفلی نوپا بوده است، خوابی می‌بیند. خواب را برای حضرت آیت‌اللّه محمد کاظم یزدی بازگو و ایشان هم رؤیای این بانو را چنین تعبیر می‌کند که فرزندش مجتهد می‌شود. سپس سجّاده‌ای به ایشان می‌دهد تا فرزندش بر آن نماز بگزارد. حاج شیخ محمد جواد سال‌ها این سجّاده را با خود داشت و حتّی پس از آمدن به ابرقو هم بر آن نماز می‌خواند. متأسفانه این سجّاده در یکی از مساجد مفقود گردید.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سنین عمر محمد جواد شریف زاده نجفی ، از دو مرحله عمده تشکیل می‌شود: روزگار تفقّه و عصر تبلیغ.اول: سال‌های حضور در نجف اشرف و کربلای معلّا، یعنی از تولد تا حدود سال‌های ۱۳۲۵ یا ۱۳۲۶ هجری شمسی، صرف‌نظر از ایام کودکی، آنچه طی این سال‌ها وجهه همت ایشان را تشکیل داده، تلاش برای نیل به کمالات اخلاقی و علمی، و استفاده هر چه بیشتر از معادن معنوی و علمی این دو شهر مقدس می‌باشد. بدون شک تنفس در فضایی که معطّر به قبور ائمه طاهرین (ع) باشد، مستلزم توفیق بالایی است. آری، در چنین فضایی مس وجود، کیمیا گردد و پربها.علاوه بر این بهره معنوی، حضور در پای درس بزرگانی همچون آیات عظام: سید محمد کاظم یزدی و سید ابوالحسن اصفهانی و پس از ورود به کربلا استفاده از محضر حضرت آیت‌اللّه حاج آقا حسین قمی، همچنین اجازه اجتهاد و اخذ وجوهات از همین بزرگواران و بزرگانی دیگر همچون آیات عظام: سید عبدالهادی شیرازی، سید محسن حکیم و سید حسین بروجردی، دستاورد این دوره از عمر مرحوم حاج شیخ محمد جواد است.فعالیتهای ضمن تحصیل : حضرت آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی، پس از رحلت حضرت آیت‌اللّه سید محمد کاظم یزدی از مرحوم حاج شیخ محمد جواد شریف زاده نجفی خواستند که ایشان به سامرا برود و در مدرسه‌ای که متعلق به مرحوم حاج سید محمد کاظم یزدی بوده است، تدریس نماید. حاج شیخ محمد جواد این درخواست را پذیرفت و به سامرا رفت ولی پس از چهار الی پنج ماه مجدداً به نجف برگشت و بعد از اقامتی کوتاه، به کربلا مهاجرت نمود و تا زمان رحلت حضرت آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی، در این شهر ماند. پس از رحلت این مرجع بزرگ – که زمزمه مرجعیت حضرت آیت‌اللّه حاج آقا حسین قمی به گوش رسید. – ایشان به نجف برگشت ولی اقامتش چند ماهی بیشتر طول نکشید که آن مرحوم قصد مسافرت به مشهد نمود و در قم سرنوشت دیگری برای ایشان رقم خورد که بدان خواهیم پرداخت.وقایع میانسالی : چگونگی آمدن حاج شیخ محمد جواد شریف زاده نجفی از نجف به ابرقو، شرح مفصلی دارد که اجمال آن، بدین قرار است:مرحوم حاج شیخ محمد جواد در سال ۱۳۲۵ یا ۱۳۲۶ جهت رفتن به زیارت ثامن الائمه – امام رضا (ع) – وارد شهر قم شد و مسافرخانه «قبله» را به عنوان اسکان موقت انتخاب کرد. بزرگواری ایشان توجه صاحب مسافرخانه را به خود جلب کرده، به طوری که از ایشان درخواست کرد اتاقی در منزل خود – که به افرادی معدود اختصاص می‌داده – در اختیار آن مرحوم و همراهان قرار بدهد.در یکی از این روزها، برخی طلبه‌ها که یا از شاگردان آن مرحوم بوده و یا از مراتب علمی و کمالات اخلاقی ایشان در نجف و کربلا اطلاع داشته‌اند، از آمدن ایشان به قم باخبر شده، مراتب را به اطلاع حضرت آیت‌اللّه بروجردی؛ می‌رسانند و ترتیب دیداری میان این دو بزرگوار در بیت حضرت آیت‌اللّه بروجردی داده می‌شود.در این ملاقات، از جمله سؤالات حضرت آیت‌اللّه بروجردی از مرحوم حاج شیخ محمد جواد، این بوده است که آیا شما توان تدریس مکاسب و کفایه را دارید؟ مرحوم حاج شیخ محمد جواد جواب می‌دهد: «بحول اللّه؛ (توان تدریس این دروس را دارم.)»سپس سؤالاتی تخصصی از ایشان پرسیده می‌شود و چون آن مرجع بزرگوار به توانمندی مرحوم حاج شیخ محمد جواد در این زمینه، اطمینان پیدا می‌کند، درخواست مردم ابرقو را – مبنی بر یک روحانی مجتهد و پرهیزکار که توان تدریس مکاسب و کفایه را داشته باشد. – خدمت ایشان ارائه می‌دهند و مصرانه از آن مرحوم اجابت این درخواست را می‌طلبند. مرحوم حاج شیخ محمد جواد به رغم میل باطن و در جهت امتثال امر حضرت آیت‌اللّه بروجردی اعلام آمادگی کرده و ایشان نیز ظاهراً ذیل همان برگه، مرحوم حاج شیخ محمد جواد را به اهالی ابرقو معرفی می‌کنند.در پایان این دیدار قرار می‌شود که روز بعد، حضرت آیت‌اللّه بروجردی به دیدار ایشان بروند. مرحوم حاج شیخ محمد جواد صاحب منزل را در جریان می‌گذارد و صاحب منزل که این تشریف‌فرمایی را افتخاری بزرگ برای خود می‌دانسته، درصدد تدارک پذیرایی برمی‌آید و کوچه و منزل را آب و جارو می‌کند.روز بعد، آن مرجع بزرگوار با درشکه به محل سکونت ایشان رفته و در واقع دید و بازدید این دو مرد الهی تکمیل می‌گردد. مرحوم حاج شیخ محمد جواد سپس به مشهد رفته و پس از زیارت ثامن الحجج (ع) مجدداً به قم بر می‌گردد و بلافاصله عازم ابرقو می‌شود و در ابتدای راهی قرار می‌گیرد که مرحله دوم عمر ایشان را رقم می‌زند.زمان و علت فوت : نوروز سال ۱۳۵۸ هجری شمسی، آخرین بهار را فراروی دیدگان محمد جواد شریف زاده نجفی قرار داد.علاقه به ثامن الائمه – امام علی بن موسی الرضا (ع) – آن مرحوم را به ارض اقدس طوس کشاند، تا برای آخرین بار ترجیع بند ارادت خود را ارزانی آن آستان کند.همراه ایشان در این سفر می‌گوید:با این که هنوز بنا بود در مشهد بمانیم، اما برخلاف انتظار، ایشان گفتند: باید برگردیم تهران! حاج شیخ محمد جواد در تهران به منزل فرزندش رفت و ما هم در شهر ری به خانه بستگانمان رفتیم.پس از یک روز، بیماری مختصری بر آن مرحوم عارض شد، پیغام داد: بلیطی که برای رفتن از تهران به ابرقو گرفته‌اید، خودتان استفاده کنید، مورد نیاز من قرار نمی‌گیرد. (نقل به مضمون) و فرمودکه این‌ها مورد استفاده‌ام قرار نمی‌گیرند. سپس ادامه

داد: فردا اذان صبح به این جا بیاید.ما به شهر ری برگشتیم اما با کلی نگرانی. اصرار بر این که هر چه زودتر به تهران برویم، بیماری ایشان، عدم ضرورت استفاده از بلیط، این که فردا وقت اذان صبح ما را ببینند و... این افکار تا ساعت ۱۲ شب ما را به خود مشغول کرده بود. در این ساعت فرزند ایشان تلفن کرد که پدرمان به رحمت خدا رفتند. این‌ها نشانه‌ای بر آگاهی آن مرحوم از نزدیک شدن زمان رحلت خود بود.فرزند ایشان می گوید:حدوداً نیمه شب ملاحظه کردم که پدرم آهسته چیزی می‌خوانند. گوش خود را نزدیک دهان ایشان بردم، دیدم مشغول خواندن زیارت عاشورا هستند. پس از چند دقیقه، شهادتین را بر زبان آوردند و دیگر چیزی نگفتند. ما ابتدا فکر کردیم که ایشان خواب رفته‌اند، اما پس از چند دقیقه که سراغشان رفتیم، ملاحظه کردیم در حالی که رو به قبله خوابیده‌اند، از دنیا رحلت کرده‌اند. وقتی با ابرقو تماس تلفنی گرفتیم تا این خبر را به اطلاع مردم برسانیم، ملاحظه کردیم که برخی از دوستان و مأمومین از رحلت مرحوم پدرم اطلاع دارند!قضیه از این قرار است که سیدی از ارادتمندان ایشان در عالم رؤیا می‌بیند آجری از زیر گلدسته مسجد امامزاده فرو افتاد. آن سید خواب خود را به رحلت مرحوم پدرم تعبیر می کند و با عده‌ای نیز این مطلب را در میان می‌گذارد، لذا وقتی که با آنان تماس گرفتیم، این خبر برایشان غیر منتظره نبود. پدرم برای دفن خود ما را بین سه مکان مخیّر کرده بود که به ترتیب عبارت بودند از: حضرت عبدالعظیم (ع) ، قبرستان بقیع قم و بهشت زهرای تهران، که با توجه به جوانب قضیه، ایشان را در قبرستان بقیع قم در مسیر جمکران به خاک سپردیم. گویی عارف گمنام بر آستان مقدس صاحب الزمان (ع) چشم دوخته و انتظار دیدار با آخرین یادگار پیامبران را دارد.مردان الهی از دنیا نمی‌روند، بلکه از سرای فرش به عالم عرش نقل‌مکان می‌کنند. کوته نگری است اگر تربت کیمیا اثر آنان را در دل زمین بجوییم، باید به اندرون سینه مردان راه نقبی زد تا اشک دیده از مزار آنان متبرک سازیم.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مرحله دوم از عمر مرحوم محمد جواد شریف زاده نجفی ، ۳۲ الی ۳۳ سال پایانی عمر ایشان را رقم می‌زند، یعنی از سال‌های ۱۳۲۵ یا ۱۳۲۶ لغایت ۱۳۵۸ هجری شمسی و زمانی که از طرف حضرت آیت‌اللّه بروجردی به ابرقو عزیمت نمود و در این خطه به تبلیغ دین، اقامه جماعت و تشکیل مجالس روضه پرداخت؛ این دوره از عمر آن مرحوم، فرصت انجام رسالتی است که خداوند متعال بر دوش عالمان ربّانی نهاده و در روایات «زکات علم» قلمداد شده است.این دو مرحله، مکمل یکدیگرند و مجموعه‌ای واحد را تشکیل می‌دهند، نه اندوختن کمالات علمی و معنوی بدون تبلیغ و انذار، ایفای تام و تمام رسالت عالمان دینی است، و نه تبلیغ دین بدون کسب علم و تهذیب نفس، دل و جانی را نشاط معنوی می‌بخشد. دو مرحله‌ای که عنوان گردید، در زندگی مرحوم حاج شیخ محمد جواد کاملاً قابل تبیین است.فعالیتهای آموزشی : اهالی ابرقو، به محض اطلاع از تصمیم مرحوم محمد جواد شریف زاده نجفی ، برنامه استقبال از ایشان را تدارک دیدند، بدین منظور عده‌ای از ابرقو به شهرستان آباده – در ۷۲ کیلومتری ابرقو – عزیمت کرده و آن مرحوم را با سلام و صلوات به ابرقو آوردند.ایشان پس از ورود به ابرقو، در منزل یکی از اهالی در محله «دروازه میدان» موقتاً اسکان نمود و تا ۴ – ۵ روز رفت و آمدها ادامه داشت. پس از این چند روز، آن مرحوم با توجه به مفاد درخواست، سراغ جلسه درسی و بحث را گرفت و پس از آن که مشخص شد جلسه در یکی از مساجد شهر است، شخصاً با دو کتاب «مکاسب» و «کفایه» در محل درس حاضر گردید تا در اولین جلسه، سطح کلاس را ارزیابی و تدریس را آغاز کند. آنچه در همان اوایل به عنوان نتیجه‌ای نه چندان مطلوب و خوشایند عاید آن مرحوم شد، پایین بودن سطح علمی کلاس درس بود، به طوری که موجب گله ایشان گردید. متأسفانه در ادامه، از همان رونق اندک اولیه هم کاسته شد و چندی بعد این کلاس کلاً تعطیل گردید. از آن پس، اقدامات ایشان از تشکیل درس و بحث بیرون آمد و به شکلی ادامه یافت که بدان خواهیم پرداخت.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : تشکیل حوزه درسی در مدرسه «هندی» – در کربلای معلا – و تربیت شاگردان دیگر دستاورد ارزشمند مرحله اول یعنی روزگار تفقه عمر آن مرحوم می‌باشد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پس از آن که جلسه درس محمد جواد شریف زاده نجفی منحل گردید، آنچه بیشتر ذهن آن مرحوم را به خود مشغول کرد، این بود که فعالیت‌های خود را بر محور تبلیغ، روضه، اقامه جماعت، محاسبه وجوهات و مواردی این گونه قرار بدهد. ایشان در ابتدا برنامه نماز جماعت خود را در مسجد جامع ابرقو قرار داد، با بروز برخی موانع، این برنامه را به مسجد امامزاده و داخل امامزاده و برخی مساجد دیگر منتقل نمود. علت این تغییر مکان‌ها را باید در بروز بعضی موانع دانست، و این علاوه بر مشکلات جنبی بود که پیش می‌آمد، تا جایی که ایشان چشم انداز خوبی از موفقیت پیش روی خود ندید!مجموعه این عوامل، آن مرحوم را وادار نمود با مراجعه به حضرت آیت‌اللّه بروجردی؛ از معظم له بخواهد که ایشان را از ماندن و اقامت در ابرقو معذور بدارد!اما مرحوم آیت‌اللّه بروجردی کسی نبود که این‌ها را دلیلی موجه برای خالی کردن میدان بداند، وانگهی چه کسی بهتر از مرحوم حاج شیخ محمد جواد می‌توانست نیازهای متنوع دینی یک شهر را پاسخگو باشد؟بر همین اساس، درخواست آن مرحوم مقبول واقع نشد و چون بنا را براستخاره گذاشتند، مراجعت ایشان به ابرقو و ماندن در این شهر، بسیار خوب آمد.مرحوم حاج شیخ محمد جواد، دوباره به ابرقو برگشت، با این نیت که این بار به صورت جدی‌تر به مجالس وعظ و روضه، اقامه جماعت، حساب و کتاب وجوهات شرعیه و مواردی از این نمونه بپردازد. پس از بازگشت، حدود دو سال را در برخی از روستاهای ابرقو از جمله «مهر آباد» و «نصرت آباد» سپری نمود که دلیل آن را باید بروز همان مسائل و موانعی دانست که به کلیت آن، اشاره شد.مدتی بعد تنی چند از ارادتمندان، از آن مرحوم خواستند تا در مسجد امامزاده اقامه جماعت نماید و آنها تضمین کردند که مسأله‌ای خاص بروز نکند. خوشبختانه این قضیه مشکل را حل کرد و از آن پس، این مسجد به صورت ثابت محلّ اقامه جماعت ایشان گردید. قابل ذکر است که مرحوم حاج شیخ محمد جواد، در مدت سی و چند سال اقامت در ابرقو، سه، چهار بار به عراق جهت زیارت عزیمت نمود و هر بار در کربلا در مسجدی به نام مسجد «بازار داماد» اقامه جماعت داشت.آرا و گرایشهای خاص : چیزی که باور مردم را نسبت به محمد جواد شریف زاده نجفی روز به روز بیش‌تر و ارادت آنان را به آن مرحوم افزون‌تر می‌ساخت، ویژگی‌های شخصیتی ایشان بود.آنچه مردم در وجود این عالم پارسا می‌دیدند، پرهیزکاری بود و دوری از زر و زیور دنیا؛ عشق و محبت به ثقلین یعنی قرآن و عترت (ع) بود و بخشش و سخاوت؛ برخوردهای بزرگوارانه بود و آزادگی و وارستگی. همین ویژگی‌های ملکوتی، ارادتمندان آن مرحوم را واداشته که با گذشت بیش از بیست سال از رحلت ایشان، هنوز هم برای شادی روحش صلوات بفرستند. – ایشان به رعایت آداب سفره مقید بود. در ابتدای هر لقمه غذا «بسم اللّه الرحمن الرحیم» و در پایان هر لقمه «الحمدللّه ربّ العالمین»

می‌گفت.- غـذا را با دست راست می‌خورد.- مقیـد بود که رو به قبله بخوابـد.- هرگز با صدای بلند نمی‌خندید، خنده ایشان عموماً تبسّم بود.- به نمـاز اول وقت و رعـایت پرهیزکـاری توصـیه فراوان می‌کرد.- هنگـام منبر چنـان غرق در آیات و روایات می‌شـد که مکرر آستین‌های پیراهن را بالا می‌زد و وقت منبر از دسـتش خارج می‌گردیـد؛ به طوری که گاهی وقت‌ها مستمعین به ایشان تذکر می‌دادند که منبر طولانی شد. البته از آنجا که ایشان اصولاً آخرین کسی بود که در مجالس منبر می‌رفت، وقت دیگر روضه‌خوان‌ها به خاطر طولانی بودن منبر ایشان گرفته نمی‌شد.- ایشان برای شـرکت در برخی مراسم از جمله عزاداری عاشورا و رفتن به اقامه نماز عید فطر، با پای برهنه اقدام می‌نمود.- نسـبت به قرائت صـحیح خطبه عقد ازدواج، فوق العاده حساس بود.- از آن جا که ممکن بود کسانی از تأیید با دستخط ایشان سوء استفاده کنند، آن مرحوم نسبت به این کار وسواس عجیبی داشت. یکی از ارادتمندان از ایشان پرسـیده بود: «مگر شـما قلم ندارید که کسی را تأیید و توصیه‌ای فرمایید؟» البته ایشان یک بار مطلبی را تأیید و امضا کرده بود و آن مربـوط به «اصـلاح ذات الـبین» بـوده است.- ادعیه روزهـای مـاه مبـارک رمضـان را هر سه وعـده بـا معنـای فارسـی برای مسـتمعین می‌خوانـد.- نسـبت به کتـاب «اقبـال» مرحوم «سـید بن طاووس» توجه خاصـی داشت و می‌گفت:«هرکس اقبال سـید را نـدارد، اقبال نـدارد!- یـک لحظـه دیـده نشـد کـه ایشـان بـدون ذکر باشـد. منـابع زنـدگینامه :سـایت حـوزه علمیـه قـم/بخش زنـدگینامه علماwww.hawzeh.net

شریف شاهرودی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، عالم دینی. وی از بزرگان و فضلاء شاهرود بود. از آثارش کتابی به نام «الحجج الرضویه» به فارسی است که آن را به نام مظفرالدین‌شاه قاجار تالیف نموده است.[۱]

اسـماعیل شـریف شـاهرودی از فضـلاء اجلاء شـاهرود است دارای تـألیفی بنام (الحج الرضویه) بوده فارسـی که آن را بنام سـلطان مظفرالدین شاه قاجار تألیف نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] طبقات اعلام الشیعه (۱۴۸/۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۵۸/۵).

شریف شیرازی، شریف

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی برادر میرشریف معرف شیراز بود. در شعر کمال فصاحت و بلاغت را داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۴۰)، صبح گلشن (۲۲۳)، فرهنگ سخنوران (۵۰۳ -۵۰۲).

شریف شیرازی، محمد شریف

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۱۴ ق)، نقاش، خطاط و شاعر، متخلص به فارسـی. ملقب به امیرالامراء. وی به خواهش همایون پادشاه، با عـده‌ای از هنرمنـدان ایرانی جهت اشـاعه‌ی هنر تصویرسـازی عـازم هنـد شـد و در آن ولایـت متوطن گشت. و به منصب امیرالامرایی رسـید. او صـاحب «دیوان» است. از آثار رقم‌دار وی: مجلس شـکار جهانگیر پادشاه که سوار بر اسب شده و در معیت همراهان و دوستان خود در کنار کوهی به شکار کردن مشغول است. منظره‌ی کوه و درختان و دمن ستودنی است و در بطن تصویر اشعاری به چشم می‌خورد که اثر خود نقاش است و رقم «عمل مریـد در چهار مرتبه اخلاص پای برجا شـریف- بتاریـخ شـهر فروردین الهی مطابق نه صد و نود و نه» دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :احوال و آثار نقاشان (۲۴۳ -۲۴۱ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۶۵۲، ۴۲۸)، تاریخ هنرهای ملی (۸۳۴ -۸۳۳ /۲)، تذکره‌ی روز روشن (۴۲۰)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۶ -۴۴ /۴)، الذریعه (۵۲۲/۹)، صبح گلشن (۲۲۳)، فرهنگ سخنوران (۵۰۳)، کاروان هند (۴۹ -۴۸ /۱)، مرآت الفصاحه (۲۹۹ -۲۹۸).

شریف شیرازی، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۲۰ ق)، نقاش، خطاط و قاطع. خطاط و قاطع زبردست شیرازی بود و در خط نستعلیق و تصویر طغرایی و برش و قطاعی آنها مهارت داشت. وی کتیبه‌نویس بسیاری از کاشی‌های طاقی کوچه‌ها و سر در خانه‌ها بوده که بیشتر آنها رقم «کتبه مهدی الشریف» داشته است. از دیگر آثارش: تصویر منظره‌ی گل و درخت و خانه که به نازک قلمی بریده شده و رقم «کتبه مهدی الشریف ۱۳۱۸» دارد؛ یک لوحه بریده‌ی بزرگ حدیث، به قلم پنج دانگ نستعلیق و چهار دانگ ثلث عالی، بر روی کاغذ مشکی، با رقم: «کتبه مهدی الشریف ۱۳۱۹»؛ یک قطعه لوحه بریده‌ی نستعلیق شش دانگ عالی، با رقم: «کتبه مهدی ۱۳۲۰». از آثار طغرایی او تصویر کله انسانی است که از تلفیق اسماء متبرکه عمل آورده و بدون رقم است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۲۷ -۹۲۶/ ۳)، احوال و آثار نقاشان (۱۲۴۷ -۱۲۴۶/ ۳).

شریف عسکری، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا ابوالحسن بن العلامه المتتبع آیت‌اللَّه حاج میرزا محمد عسکری تهرانی از علماء محترم معاصر شمیرانست.

وی در حدود سال ۱۳۲۴ قمری در سامرای متولد شده و در مهد علم و تقوا پرورش یافته و از محضر مرحوم والدش و علماء دیگر سامرای چون مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا محمود شیرازی و غیره استفاده نموده و پس از فوت والد ماجد و فرزند برومندش مهاجرت به ایران و چند سالی در قم رحل اقامت افکنده و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی خونساری بهره‌مند گردیده و در حدود ۱۳۷۸ ق به تهران منتقل و در شمیران سکونت و در مسجد ایستگاه رضائی به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آقای شریف عسکری از دانشمندان غیور و متقی و موصوف بورع و پارسائی و نسبت بمرحوم آیت‌اللَّه مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی قدس اللَّه سره ارادت خاصی داشت و جنازه آن مرحوم را از تهران با پای برهنه تشییع نموده و بحقیر می‌فرمود آقای کاشانی مجهول القدر در تهران بود زیرا من شاهد و ناظر بودم که با آن مقام علمی چه فداکاریها و مبارزاتی بر علیه انگلیسها نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شریف کاشی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اهل قریه‌ی بادقان کاشان بود. در اوایل حال به کسب خیاطی اوقات می‌گذرانید و به سبب موزوبیت در شیوه‌ی شاعری کوشش زیاد می‌کرد اکثر اوقات ملازمت و خدمت درویشان و اهل سلوک را می‌کرد و گوی سبقت را در شاعری از سایر معتقدان و مریدان خود می‌ربود. وی در لباس درویشی از وطن خود نخست به عراق عجم و بعد به خراسان رفت. در فتنه‌ی اوزبکان راه قندهار در پیش گرفت و آخرالامر به هندوستان رفت. و در سند به ملازمت خان خانان رسید و در سلک مجلسیان او درآمد و بعد به گلکنده نزد محمدقلی قطبشاه رفت و همان جا اقامت اختیار کرد. وی دارای «دیوان» شعر است که متجاوز از ده هزار بیت از غزل و قصیده و رباعی را شامل می‌شود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کاروان هند (۶۳۳ -۶۲۶ /۱)، مآثر رحیمی (۸۴۵ -۸۱۱ /۴).

شریف یزدی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن وزیری، جلد روغنی مذهّب، به خط نسخ کتابت خفی خوش، با رقم: «حرره العبد المحتاج الی رحمةاللَّه الغنی اللطیف احمد الشریف الیزدی فی رمضان ۱۲۶۳».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۲۷ -۱۰۲۶ /۴).

شریف یزدی، عبدالجواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۱۵ ق)، خطاط. از خوشنویسان سده‌ی سیزدهم و چهاردهم هجری است. از آثار وی: یک نسخه «ده فصل» خواجه نصیر طوسی و «سلم السماء» غیاث‌الدین جمشید کاشانی، به قطع نیم ربعی و خط نسخ و رقاع کتابت متوسط، با رقم: «تمت هذه النسخه الشریفه... عبدالجواد الشریف الیزدی، فی... هزار و سیصد و پانزده من الهجره المصطفویه ۱۳۱۵».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۹۶ / ۴).

شریف، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. وی شکسته‌ی نستعلیق را خوش می‌نوشت و به خط او، قطعه‌ای است، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «العبد المذنب احمد الشریف فی شهر ذی قعدهٔ الحرام من شهور ثمانین و مأتین بعد الالف ۱۲۸۰».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۵۰ -۱۲۴۹ /۴).

شریف، حبیب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شیراز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

شریف، حسن

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۹۰ ق)، خطاط. از شکسته‌نویسان گمنام بود. به خط وی دو قطعه موجود است، به قلم کتابت خوش، با رقم: «کمترین بیقدران حسن الشریف سنه‌ی ۱۱۹۰» و «کمترین بیقدران روزگار حسن الشریف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۶۱/۴).

شریف، خلیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به حکیم، عالم فاضل جلیل، و حکیم عارف، متوفی به سال ۱۲۸۶، و مدفون در جنب فاضلان در تخت فولاد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شریف، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم شیخ علی محمّد شریف نیز از علما و فضلا در نزد برادر و پدر تحصیل نموده، سالها در مدرسه ی میرزا مهدی ساکن، و به نوشتن مرجع امور شرعیّه بود. در اواخر عمر به نجف مهاجرت نموده، و در آن ارض اقدس در سال ۱۳۷۳ وفات یافته، در وادی السلام مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

شریف، کاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۲۲ ق)، خطاط. ملقب به سلطان الکتاب. از آثار وی: کتیبه‌های ضریح آرامگاه سید حجةالاسلام در اصفهان، که به خط ثلث نوشته شده و رقم «... کتبه سلطان الکتاب کاظم الشریف ۱۳۲۲» دارد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۷۸۵).

شریف‌الدوله کاشانی، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۵ -۱۲۵۳ ش)، شاعر. علی محمد در کاشان متولد شد و در مدرسه‌ی علوم سیاسی تهران به تحصیل پرداخت. به سال ۱۳۲۴ ش قنسول بادکوبه شد و در دوره‌ی مشروطیت کارگزار رشت بود. وی حکومتهای کردستان، گروس، بروجرد، لرستان آذربایجان و خوزستان و خراسان و معاونت دیوان محاکمات وزارت خارجه و کفالت وزارت جنگ را به عهده داشت. در دوره‌ی دوم مجلس از طرف گیلان (فومنات) وکیل گردید و به تهران آمده به فرقه‌ی اعتدالیون پیوست. پس از چند ماه از مجلس استعفا کرده از فرقه اعتدالیون خارج شد و به دسته‌ی «اتحاد و ترقی» پیوست. سپس به وزارت امور خارجه رفت و در سمتهای مختلف مشغول به کار شد. شریف‌الدوله طبع شعر نیز داشت و «دیوان» خطی وی حاوی مضامین جنگهای ارتش در کردستان بود. او در ۷۲ سالگی در کوی سنگلج تهران وفات یافت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۷۸ -۷۷ /۲)، شرح حال رجال (۴۸۳/۲).

شریف‌العلماء مازندرانی، ملا محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۵ ق)، فقیه اصولی و عالم امامی. ملقب به شریف‌الدین و مشهور به شریف‌العلماء. در کربلا به دنیا آمد و همان جا نشو و نما کرد و در محضر سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض»، و فرزندش سید مجاهد شاگردی کرد. پس از چندی با پدر خود به ایران بازگشت، و در قم یک سالی به درس میرزای قمی رفت و مجددا به کربلا مهاجرت کرد. او در کربلا در مدرسه‌ی حسن خان مجلس درس معظمی پیدا کرد بگونه‌ای که زیاده بر هزار نفر در محضر درسش زانو می‌زدند. سعیدالعلمای بارفروش و شیخ مرتضی انصاری و ملا آقای دربندی و سید ابراهیم قزوینی حایری، صاحب «ضوابط»، و سید محمد شفیع جاپلقی و ملا اسماعیل یزدی و حاج سید حسین ترک و شیخ محمد آل‌یاسین از شاگردان وی در علم اصول بودند. شریف‌العلماء در کربلا به طاعون درگذشت و در نزدیکی صحن مطهر حسینی دفن شد. اشتغال بیش از حد وی به تدریس مانع از آن شد که آثار قلمی‌اش بسیار باشد. از آثار او: رساله‌ی «جواز امرالامر مع العلم بانتفاء الشرط» که بسیار مبسوط است؛ «النسخ و اینکه آیا عقلا جایز است یا خیر؟»؛ «بیع المعاطات و الصرف و الخیارات».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶۵ -۱۴۶، ۲۴، ۲۴۲ /۵، ۱۹۴/۳)، روضات الجنات (۴۸ -۴۷ /۱)، ریحانه (۲۲۰ -۲۲۹ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۲۰ -۶۱۹ /۱۳)، الکنی و الالقاب (۳۶۱/۲)، مکارم الآثار (۱۲۷۲ -۱۲۶۹ /۴)، هدیه الاحباب (۱۶۲ -۱۶۱).

شریفی اشکوری، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد شریفی اشکوری

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد شریفی درسال ۱۳۶۲ وارد حوزهٔ علمیه قم ومشغول به تحصیل علوم دینی شدم و دورهٔ سه ساله مقدمات (صرف ونحوومعانی وبیان ...) را با موفقیت به پایان رساندم و سپس کتاب لمعه و اصول الفقه را نزد اساتید بزرگوار آقایان استادی وخاتمی شروع کردم .

بعضی از ابواب فقهی شرح لمعه را نزد اساتید ،مرحوم وجدانی و استاد اشتهاردی به اتمام رساندم و پس از اتمام لمعتین و اصول الفقه ،کتاب مکاسب و رسائل را نزد اساتید بزرگوار مرحوم وجدانی و استاد محترم آقای هادوی تهرانی و پس از آن کتاب کفایتین

مرحوم اخوند خراسانی (کفایهٔالصول)رانزد استاد بزرگوارم فاضل گلپایگانی شروع نمودم و با موفقیت به اتمام رساندم و درامتحانات حوزه درسال (۷۰/۶۹) پایه نهم قدیم را با موفقیت کامل باتمام رساندم.

و درضمن درآن سال (۷۰) با مراکز تحقیقاتی مثل دفتر تبلیغات و مرکز کامپیوتری علوم اسلامی قم در بخش تصحیح کتب عرب فعالیت داشتم و درسال (۷۴) هم از طرف مقام معظم رهبری به امامت جمعه بخش هفتگل ازتوابع استان خوزستان منصوب شدم و پس از اتمام پایان مأموریت سه ساله ام به قم مراجعت نموده و به تحصیل خارج و تدریس مکاسب و کفایهٔالصول مشغولم و تألیفاتی را در زمینه اخلاق ،فقه،... دارم که درآخراین جزوه مکتوب نموده ام.

شریفی اقدم، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود شریفی اقدم

محل تولد : شریف آباد قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

محمود شریفی اقدم در شریف آباد قزوین متولد شد، او دروس ابتدایی در همانجا خواند وسپس وارد حوزه علمیه قزوین شد، پس از خواندن جامع المقدمات در سال ۱۳۴۶ عازم حوزه علمیه قم شد، سال اول را درمدرسه علمیه مرحوم آیت الله گلپایگانی (ره) بود و سیوطی را همانجا خواند ، در همان سال وارد مدرسه منتظریه(حقانی) شد و سطح را در آنجا تمام کرد و درس خارج فقه و اصول رادر محضر اساتیدی چون حضرات آیات : مرحوم احمدی میانجی ،محمدی گیلانی ، شهید آیت الله قدوسی ، شهید مفتح ، جنتی ، صانعی ، آذری قمی ، مؤمن ، مصباح و راستی ادامه داد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی با دعوت شهید آیت الله قدوسی(ره) به مدرسه رفاه و سپس به دادسرای انقلاب اسلامی مرکز رفته و به عنوان دادیار انقلاب مشغول خدمت شد. سپس به عنوان دادستان انقلاب اسلامی گنبد منصوب شد ، پس از حدود دو سال دوباره به تهران آمده و مسؤلیت گزینش دادستانی محل را پذیرفت، آنگاه به دعوت آیت الله جنتی وارد سازمان تبلیغات اسلامی شد، ابتدا به عنوان معاون فرهنگی آن سازمان مشغول کار شد و سپس در سال ۱۳۶۹ به قم منتقل شد و پس ازتاسیس پژوهشکده باقرالعلوم(ع) توسط ایشان وتعدادی از فضلاء مسئولیت آن مرکز را پذیرفت، ایشان هم اکنون مشغول پژوهش در حدیث وامور فرهنگی هستند.

شریفی بلخی، صاحب

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۶۰ ق)، شاعر، متخلص به شریفی. وی مردی دانشمند به شمار می‌رفت و در موسیقی و طب نیز دست داشت. در زمان سلطان ابوسعید می‌زیست و مداح پادشاهان بدخشان و سادات ترمذ بود. وی قصیده و غزل را نیکو می‌سرود. از آثارش: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۰۴)، تذکره‌ی روز روشن (۴۲۱)، تذکره الشعراء (۵۱۲ –۵۱۰)، الذریعه (۵۲۴/۹)، صبح گلشن (۲۲۳)، فرهنگ سخنوران (۵۳۵)، مجالس النفائس (۱۶ –۱۵).

شریفی تبریزی، معین‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از شاگردان میرعلی هروی است. از آثار وی: یک قطعه از مرقع مالک دیلمی، به قلم سه دانگ جلی و نیم دو دانگ خوش، با رقم: «کتبه العبد معین‌الدین محمد الشریفی، در مشهد مقدس انور نوشته شد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۶۵ –۶۶۴ /۳)، دانشمندان آذربایجان (۱۹۸ –۱۹۷)، الذریعه (۵۲۵ –۵۲۴ /۹)، مناقب هنروران (۷۶).

شریفی تهرانی، عباسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: گیاه‌پزشکی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد مهندسی کشاورزی از دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۱، اخذ دیپلم تحصیلات عالی کشاورزی (D.E.A) در سال ۱۳۴۶، دکترا در رشته بیماری‌شناسی گیاهی (سم‌شناسی) از فرانسه در سال ۱۳۴۹.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۴، ارتقاء به درجه استادی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۴، دریافت لوح تقدیر به مناسبت اجرای طرح برجسته سال از دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۰.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

روشهای مبارزه با عوامل بیماریزای قارچی گیاهان شامل مبارزه شیمیائی، مبارزه بیولوژیکی، مبارزه تلفیقی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۴

زمینه علمی مقالات:

بیماری‌شناسی گیاهی (سم‌شناسی) شامل: بررسی اثر ترکیبات شیمیایی قارچ‌کشی روی عوامل بیماریزای قارچی گیاهان، بررسی روشهای مبارزه با بیماریهای قارچی گیاهان، بررسی چگونگی اثر ترکیبات قارچ‌کشی روی پدیده‌های فیزیولوژیک قارچهای بیماریزای گیاهان.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

شریفی حسینی، ابوالفتح

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۶ ق)، متکلم، محدث، فقیه و مفسر امامی. معروف به امیر ابوالفتح شرقه. از خانواده‌ای شیرازالاصل و سنی مذهب در ماوراءالنهر متولد شد. وی نزد عصام‌الدین ابراهیم اسفراینی و جامی تلمذ کرد. امیر ابوالفتح چون به مذهب شیعه گروید به اردبیل رفت و در آنجا به تحقیق در فقه شیعه پرداخت و تا پایان عمر در این کار بود. از آثار وی: «آیات الاحکام» به نام «تفسیر شاهی»؛ «اصول الفقه»؛ «تاریخ الصوفیه»؛ «تحقیق معنی الاقوال الشارحه فی المنطق»؛ «حاشیه الکبری»؛ حشایه‌ی «شرح المطالع»؛ «صفوه الصفاء». استاد نفیسی در «تاریخ نظم و نثر» و دکتر صفا در «تاریخ ادبیات در ایران» وی را از شاگردان موسی بن محمد قاضی‌زاده‌ی رومی دانسته و تاریخ وفاتش را ۹۵۰ ذکر کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۹۴/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۵۲/۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۷۴ -۳۷۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۷۲/۷)، الذریعه (۳۴۶ -۳۴۵، ۳۱۴، ۲۱/ ۴۹/۱۵، ۱۳۳، ۵۹/۶، ۲۷۷/۴، ۲۶۱/۳، ۲۰۲/۲، ۴۱/۱)، ریحانه (۲۲۰/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰ ۱۷۶/).

شریفی سمرقندی، شریف

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر و خطاط. در سمرقند متولد شد وی در دربار پادشاهان اوزبک سمت دیوانی داشته است. پدرش از مردم هرات، ولی ساکن سمرقند بود. وی مردی گوشه‌نشین و درویش مشرب بود و در زمان عبدالله خان مستوفی ولایت سمرقند شد و در جوانی در هرات درگذشت. در علم سیاق و انشا معما و غزل دست داشته و خوش‌نویس هم بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۹۱).

شریفی سنجانی، ناصر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

شریفی شیرازی، شریف

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر، متخلص به شریفی. در شیراز متولد شد. خاندان شریفی در اواسط قرن نهم از گرگان به شیراز و عراق رفته‌اند. در زمان شاه طهماسب نخست به وزارت اراک رسید و سپس کلانتری شیراز را به او دادند و بعد وزیر شاه طهماسب بود و مرد بسیار بخشنده‌ای به شمار می‌رفت. او دو فرزند داشت یکی معین‌الدین اشرف و دیگری میرزا امیر. سید شریف خود شاعری توانا بود و غزل را نیکو می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۶۹ -۴۶۸)، الذریعه (۵۲۵/۹).

شریفی کرمانی، ابراهیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۱۶ -۹۸۰ ق)، عالم، ادیب و شاعر، متخلص به شریفی. وی ناظم سه فقره قصیده ثائیه می‌باشد. از آثار وی: نظم «کافیه‌ی نجومیه» ابن‌حاجب؛ نظم «شافیه‌ی صرفیه» ابن حاجب؛ «موزون المیزان» که نظم «ایساغوجی» اثیرالدین ابهری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۲۵/۹، ۲۰۲/۳)، ریحانه (۲۲۰/۳)، معجم المؤلفین (۱۹/۱)، هدیه العارفین (۲۹/۱).

شریفی مشهدی، امیر

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر و موسیقیدان. وی از احفاد سید شریف جرجانی و از سادات مشهد بود که به شهر هرات رفت و در آنجا به تحصیل پرداخت. طبع شعر خوبی داشت و در علم موسیقی نیز مهارت تمام پیدا کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۲۵/۹)، صبح گلشن (۲۲۴ -۲۲۳)، فرهنگ سخنوران (۵۰۴)، مجالس النفائس (۱۳۹)، مخزن الغرائب (۸۵۳/۲)، مطلع الشمس (۴۳۵/۲)، نشتر عشق (۷۷۶ -۷۷۵ /۲).

شریفی مقدم کاخکی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

شریفی نیا، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین شریفی نیا

محل تولد : سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدحسین شریفی‌نیا در اول شهریور ۱۳۴۳ در شهرستان سبزوار درخانواده‌ای روحانی دیده به جهان گشودم. تمامی سالهای دوره ابتدایی را با رتبه ممتاز (شاگرد اول مدرسه و بعضاً شهرستان) در دبستان اسرار سبزوار در سال ۱۳۵۴ به پایان رساندم. پس از اتمام دوره ابتدایی به علت فقر خانواده و نیاز به کار من و برادران و خواهرانم، دوره راهنمایی را بطور شبانه در مدرسه راهنمایی بزرگمهر همان شهر گذراندم و بلافاصله پس از پایان مقطع راهنمایی برای تحصیل علوم حوزوی در سال ۱۳۵۷ به قم مهاجرت نمودم. در قم در مدرسه حقانی که آن روزگار جزء بهترین مدارس حوزه علمیه قم به شمار می‌آمد و زیر نظر شهید دکتر بهشتی و شهید آیت الله قدوسی اداره می‌شد، پذیرفته شده و شروع به آموختن علوم دینی نمودم.

در این سالها که مصادف با انقلاب شکوهمند ملت ایران به رهبری امام خمینی (ره) بود، من هم با وجود سن کم چونان قطره‌ای از اقیانوس مواج و طوفانی ملّت سعی داشتم به اندازه توان خویش در صحنه‌های مختلف انقلاب از قبیل شرکت در راهپیمائی ها و درگیریها، پخش اعلامیه‌های حضرت امام (ره) و سران نهضت، و بعضاً سخنرانی در محافل و مجالس و روستاها نقش کوچکی ایفا نمایم. پس از پیروزی انقلاب به دستور شهید قدوسی دو سال در دادستانی انقلاب مرکز در کنار شهید لاجوردی به کار پرداختم که این سالها جزء سالهای پر التهاب، دشوار و در عین حال آموزنده زندگیم است. بعد از شهادت شهید قدوسی در شهریور ۱۳۶۰ به حوزه علمیه قم برگشته و همراه با تحصیلات حوزوی، درس‌های دبیرستان را ادامه داده تا در سال ۱۳۶۳ دیپلم خود را در رشته اقتصاد و علوم انسانی اخذ نمودم.

در طول سالهای دفاع مقدس مهمترین وظیفه خویش را دفاع از کیان انقلاب و تمامیت ارضی کشور دانسته و همراه با خیل عظیم بسیجیان سلحشور بطور مداوم در جبهه‌های عشق و شهادت حضور یافته و در عملیاتهای متعدد رزمندگان اسلام به عنوان روحانی گردان و تیپ و یا مسئولیت‌های عملیاتی دیگری همچون فرماندهی گردان و مسئولیت اطلاعات روحانیون کرد عراقی شرکت داشتم که از این رهگذر بارها مجروح شدم و هر چند از فیض عظمای شهادت محروم ماندم، اما توفیق جانبازی در راه حق را یافتم و اینک دارای ۵۰٪ جانبازی می‌باشم. حضور در جبهه مانع از ادامه تحصیل در حوزه و دانشگاه نبود. به همین جهت با وجود اشتغال به دروس سطح عالی حوزه با شرکت در کنکور سراسری سال ۱۳۶۴ با رتبه۵۱ در رشته روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی پذیرفته شدم. به خاطر حضور متوالی در جبهه‌ها و مجروحیت‌های پیاپی و مسؤولیت‌های اجرایی همچون مسئول واحد اطلاعات سیاسی ـ اجتماعی سازمان تبلیغات اسلامی، ریاست بنیاد جانبازان انقلاب اسلامی قم ... دوره کارشناسی تا سال ۱۳۷۰ بطول انجامید. در سال ۱۳۷۲ در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۴ به عنوان رتبه اول دانشجوی ایثارگر کشور از دست رئیس جمهور وقت حضرت حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی جایزه و لوح تقدیر دریافت نمودم.

در سال ۱۳۷۶ به خاطر موفقیتهای علمی اینجانب و نیاز مبرم حوزه‌های علمیه به متخصصین روان‌شناسی اعزام من به خارج از کشور برای تحصیل در مقطع دکتری مورد تصویب هیأت رئیسه مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) که بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی تنها مرجع قانونی اعزام روحانیون به خارج برای ادامه تحصیلات دانشگاهی بوده، قرار گرفت. بر این اساس در زمستان همان سال از سوی دفتر مقام معظم رهبری به نیوزیلند اعزام شدم. در این سفر تز دکتری خود را تحت عنوان «عشق درمانی روشی نو برای درمان اختلالات خلقی، اضطرابی و شخصیتی بر اساس رویکردی عرفانی مولانا» که بر اساس کاربرد دیدگاه عارف بزرگ اسلام و ایران مولانا جلال الدین محمد رومی در درمان اختلالات روانی استوار است را به تعدادی از اساتید دانشگاههای آن کشور ارائه دادم که از آن میان پروفسور گراهام وون استاد و رئیس دپارتمان روان‌شناسی دانشگاه آکلند، پروفسور سیمون کمپ استاد دپارتمان روان‌شناسی دانشگاه کنتربری و پروفسور رابرت نایت استاد دپارتمان روان‌شناسی دانشگاه اوتاگو آن را تأیید و آمادگی خود را برای پذیرش راهنمایی آن اعلام نمودند. اما طوفان سهمگین فضای سیاسی سال ۱۳۷۶ کشور و تنگ نظری‌های جناحی امان نداد و با قطع حمایت مالی از اینجانب تحصیل خود را نیمه تمام رها کرده و به ایران بازگشتم. از سال ۱۳۷۰ همزمان با ادامه تحصیل، فعالیت خود را در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه سابق) آغاز نمودم که از سال ۱۳۸۰ به عنوان عضو هیأت علمی این همکاری همچنان ادامه دارد.

در کنار آن از سال ۱۳۷۳ به تدریس دروس حوزوی و روان‌شناسی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی حوزه نیز اشتغال دارم با توجه به شیوع فراوان پریشانی‌های روانی و ناهنجاری‌های رفتاری و نیاز مبرم جامعه مخصوصاً جوانان به راهنمایی، مشاوره و روان‌درمانی و حل مشکلات عاطفی، خانوادگی و عقیدتی، در سال ۱۳۷۸ اولین مرکز خدمات مشاوره‌ای استان قم را تأسیس نمودم که مورد توجه و استقبال خوب مردم قرار گرفت و اینک جزء موفق‌ترین مراکز خدمات مشاوره‌ای کشور می‌باشد.در سال ۱۳۷۹ سردبیری فصلنامه علمی ـ تخصصی حوزه و دانشگاه را به عهده گرفتم و همزمان با پذیرفته شدن در دانشگاه تربیت مدرس، دوره دکتری روان شناسی را مجدداً شروع کردم که اینک در آستانه اتمام آن می‌باشم. در سال ۱۳۸۳ به عنوان نفر اول دانشجویان نمونه کشوری و در سال ۱۳۸۴ به عنوان برگزیده جشنواره مبتکرین و مخترعین بسیجی و ایثارگر کشور معرفی گردیدم. در حال حاضر ضمن اجرای طرحی عظیم در زندان‌های کشور برای اصلاح رفتار و بازسازی شخصیت مجرمین و بازگشت سعادتمندانه آنان به جامعه، در راستای تحقق آرمان بلند مقام معظم رهبری در باب نهضت نرم‌افزاری و تولید علم و نظریه پردازی در علوم انسانی، مشغول تدوین نظریه جامع یکپارچگی توحیدی می‌باشم. لازم به ذکر است که این نظریه برای اولین‌بار در جهان مطرح شده و در صورت تکمیل، تحول بزرگی در دانش روان شناسی معاصر ایجاد خواهد نمود.

شریفی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم شریفی زابلی از علماء ابرار زابل بوده که پس از خواندن مقدمات و سطوح در زابل و مشهد مقدس و اکمال متون فقه و اصول از اساتید بزرگ ارض اقدس و استفاده از درس و محضر مرحوم آقازاده کفائی و آیات دیگر مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام آن سامان مخصوصاً مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی استفاده نموده و ضمناً از مباحث اخلاق و عرفان و سلوک مرحوم عالم ربانی و آیهٔ سبحانی حاج میرزا علی آقا قاضی تبریزی بهره‌مند و به آن بزرگوار اختصاص یافته تابه افتخار مصاهرت و دامادی آن مرحوم نائل و پس از فوت ایشان به ایران برگشته و گاهی در مشهد مقدس و اکثراً در زادگاه خود شهرستان زابل بسر برده تا در سال ۱۳۹۲ قمری که از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شریفی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خوشنویس.

تولد: ۳ مهر ۱۲۹۰، تهران.

درگذشت: ۱۳۶۲، تهران.

جواد شریفی، فرزند میرزا زین‌العابدین خان خوشنویس شریف قزوینی ملقب به ملک‌الخطاطین، تحصیلات مقدماتی و عالی را در مدارس سلطانی و بصیرت به پایان رساند و سپس در محضر پدرش فنون و رموز خطوط را فراگرفت تا آن که خود استاد گشت.

جواد شریفی به خط نستعلیق و شکسته و کتابت می‌نوشت. وی از سال ۱۳۲۹ به بعد در کلاس‌های آزاد انجمن خوشنویسان با سمت استاد به تعلیم خط اشتغال داشت. اکثر کارهای وی در کتابت با خط نستعلیق بوده است. نوشتن شاهنامه‌ی فردوسی را در سن پنجاه سالگی تعهد کرد و مدت دوازده سال تمام بر سر آن وقت گذاشت تا این کار را به پایان رسانید.

وی همچنین مدتی ریاست اداره‌ی کل عرایض را به عهده داشت.

کتاب‌شناسی آثار خطی استاد جواد شریفی به این شرح است: مختصر کلیله و دمنه؛ دیوان حافظ؛ دیوان حافظ به خط نستعلیق؛ دیوان چهار زبانه حافظ؛ قرآن مجید؛ قرآن مجید با ترجمه خط نستعلیق؛ دیوان صائب تبریزی؛ منظومه زهره و منوچهر (ایراج میرزا)؛ مناجات‌نامه‌ی خواجه عبدالله انصاری؛ رباعیات شیخ ابوسعید ابوالخیر؛ شاهنامه‌ی فردوسی؛ داستان بیژن و منیژه؛ چند دوره از کتاب‌های میرزا عبدالعظیم قریب؛ دستور زبان فارسی (پنج استاد)؛ کلیات سعدی چاپ سنگی و افست؛ تفسیر قرآن مجید مهدی الهی قشمه‌ای؛ دیوان عمان سامانی، دیوان جام؛ چند دوره کتاب‌های کلاسیک میرزا رضا مهندس الملک، دوره‌ی کتاب‌های چاپ تقی فاطمی، کتاب‌های هندسه، جبر و بسیار کتب دیگر.

جواد شریفی در هفتاد و یک سالگی به سبب سکته درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شریفی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین شریفی

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای حسین شرفی در سال ۱۳۳۸هجری شمسی در خانواده ای متدین وکاملا آگاه به مسائل مذهبی در شهر نیشابور دیده به جهان گشود.نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۴ و درست در سال های خفقان رژیم شاهنشاهی وارد حوزه علمیه نیشابورگردید از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و پس از مدتی در پی علاقه وافر خویش به ادامه تحصیلات و استفاده ازمحضر بزرگان علم و ادب مشهد وارد حوزه علمیه مشهد مقدس گردید و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) از درس بزرگانی همچون آیت الله فاضل،آیت الله مکارم، آیت الله صالحی و آیت الله ستوده بهره ها برد.استاد ضمن تبلیغ به تدریس در دانشگاه آزاد مشهدو... پرداخت،ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است و شاهد این مدعا مشغول بودن ایشان به امور پژوهشی در دانشگاه رضوی از سال ۱۳۶۱ تا کنون می باشد.

شریفی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس شریفی تهرانی متولد بیستم دیماه ۱۳۱۶ از تهران می باشد. او دارای مدرک دکترای در رشته گیاهپزشکی (سم شناسی) از دانشگاه فرانسه در سال ۱۳۴۹ است. وی عضو هئیت علمی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه تهران با مرتبه ی علمی استادی است.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : عباس شریفی تهرانی در سال ۱۳۱۶ ه.ش چشم به جهان گشود . وی مهمترین خاطرات آن زمان را ملی شدن صنعت نفت می داند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : عباس شریفی تهرانی دارای کارشناسی ارشد مهندسی کشاورزی از دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۱،دیپلم تحصیلات عالی کشاورزی (D.E.A) در سال ۱۳۴۶ و دکتری در رشته گیاهپزشکی (سم شناسی) از فرانسه در سال ۱۳۴۹ است.فعالیتهای ضمن تحصیل : عباس شریفی تهرانی ضمن تحصیل به مطالعه و تحقیق پیرامون موضوعاتی چون روشهای مبارزه با عوامل بیماری زای قارچی گیاهان شامل مبارزه شیمیایی ، مبارزه بیولوژیکی پرداخته است.وقایع میانسالی : عباس شریفی تهرانی پس از اخذ مدرک دکترای گیاهپزشکی به عضو هئیت علمی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه تهران استخدام شد و هم اکنون با درجه استادی مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عباس شریفی تهرانی در دانشگاه تهران درسال ۱۳۵۴ به عنوان و دانشیاری دانشگاه و سپس به مرحله ی علمی استادی این دانشکده درسال۱۳۶۴ است. خدمات علمی و اجرایی عباس شریفی تهرانی به شرح زیر است•: ۱۳۶۲ -۱۳۸۱ ,آموزشی- پژوهشی,دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران • ۱۳۵۴ -۱۳۶۲ ,آموزشی- پژوهشی,دانشکده کشاورزی دانشـــگاه تهران • ۱۳۵۰ -۱۳۵۴ ,آموزشی- پژوهشی,دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران • ۱۳۴۲ -۱۳۵۰ ,آموزش - پژوهشی,دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران فعالیتهای آموزشی : تدریس در دوره های کارشناسی ، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران. عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط عباس شریفی تهرانی: کارشناسی •: اصول مبارزه باآفات وبیماریها • بیماریهای فیزیولوژیک • سم شناسی کارشناسی ارشد •: فیزیولوژی پاراتیسم دربیماریها • فیزیولوژی پارازیتی سم دربیماریهای • مدیریت مبارزه بابیماری گیاهی دکتری •: شیمی وتوکسیکولوژی قارچها • فیزیولوژی قارچها تکمیلی• مدیریت عوامل بیماریزای گیاهی تکمیل سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : جوائز و نشانها : دریافت لوح تقدیر به مناسبت اجرای طرح برجسته سال دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۰ استاد نمونه کشور و دریافت لوح تقدیر از ریاست محترم جمهوری سال ۱۳۷۷ پژوهشگر برجسته و دریافت لوح تقدیر در دانشگاه تهران درسال ۱۳۸۰ چهره ماندگار درسال ۱۳۸۲ دریافت لوح تقدیر از جشنواره خوارزمی ۱۳۸۳ دریافت لوح تقدیر به مناسبت طرح نمونه کاربردی دانشگاه تهران درسال ۱۳۸۵چگونگی عرضه آثار : عباس شریفی تهرانی در کنار تدریس به مطالعه و تحقیق و تالیف آثاری پیرامون موضوعاتی چون کنترل بیماریهای گیاهی شامل: بررسی اثر ترکیبات شیمیایی قارچ کش بر بیماریهای قارچی گیاهان ، بررسی روش کنترل بیولوژیکی با بیماریهای قارچی گیاهان پرداخته است. ایشان دارای چند طرح تحقیقاتی را به پایان رسانیده است که عناوین آنها به شرح زیر است •: استفاده از باکتریهای آنتاگونیست در کنترل بیولوژیک بیمارگرهای گیاهی در شرایط مزرعه-۱۳۸۳,صندوق حمایت از پژوهشگران • استفاده از باکتریهای آنتاگونیست در کنترل بیولوژیک بیمارگرهای گیاهی در شرایط مزرعه-۱۳۸۳,ساختمان معاونت پژوهشی دانشگاه تهران •استفاده از باکتریهای آنتاگونیست در کنترل بیولوژیک بیمارگرهای گیاهی در شرایط مزرعه -۱۳۸۳ • ۱۳۸۵-۱۳۸۵,استفاده از فرمولاسیون پودری دو استرین از Bacillus subtilis در کنترل بوته میری کلزا در اثر ۱۳۸۴-۱۳۸۴ • Rhizoctonia,کنترل بیو لوژیکی Tiavosporella phaseolina عامل پوسیدگی زغالی سویا

آثار : اثر ترکیبات شیمیایی قارچ کشی روی عوال بیماری زای قارچی گیاهان ۲ فرهنگ کشاورزی و منابع طبیعی جلد دوم (بیماری شناسی گیاهان) ویژگی اثر : ترجمه,فرهنگستان علوم -دانشگاه تهران, ۱۳۷۸۳ کنترل بیولوژیکی بیماریهای قارچی گیاهان ۴ مدیریت بیماریهای گیاهی ۵ مقالات ارائه شده در همایشها(۱ •):شریفی تهرانی عباس",بررسی اثر فرمولاسیون پودری دو جدایه از Pseudomonas fluorescens در کنترل Rhizoctonia solani عامل مرگ گیاهچه کلزا,"هفدهمین کنگره گیاهپزشکی,ایران ,۰۷-۱۲,شهریور,۱۳۸۵ • شریفی تهرانی عباس",بررسی توکسین تولید شده توسط جدایه های قارچ Alternaria alternata f.sp.lycopersici عامل شانکر ساقه گوجه فرنگی,"هفدهمین کنگره گیاهپزشکی,ایران ,۰۷-۱۲,شهریور,۱۳۸۵ • شریفی تهرانی عباس",کنترل بیولوژیکی مرگ گیاهچه لوبیا ناشی از قارچ Rhizoctonia solani با استفاده از باکتریBurkholderia cepacia,"هفدهمین کنگره گیاهپزشکی,ایران ,۰۷-۱۲,شهریور,۱۳۸۵ • شریفی تهرانی عباس",بررسی اثر چند باکتری آنتاگونیست بر قارچ Fusarium oxysporum عامل پژمردگی فوزاریومی نخود ایرانی در گلخانه وشرایط مزرعه,"هفدهمین کنگره گیاهپزشکی,ایران ,۰۷-۱۲,شهریور,۱۳۸۵ • شریفی تهرانی عباس",بررسی اثر آنتاگونیستی جدایه های Pseudomonas fluorescens در کنترل بیولوژیک قارچPenicillium digitatum عامل کپک سبز مرکبات,"هفدهمین کنگره گیاهپزشکی,ایران ,۰۷-۱۲,شهریور,۱۳۸۵ • شریفی تهرانی عباس",شناسایی ترکیبات اسانس گونه گیاهی Artemisia khorasanica وبررسی فعالیت ضد قارچی آن روی برخی از قارچ های خاکزی بیماریزای گیاهی,"هفدهمین کنگره گیاهپزشکی,ایران ,۰۷-۱۲,شهریور,۱۳۸۵ • شریفی تهرانی عباس",بررسی تاثیر برخی شرایط محیطی روی تولید آنتی بیوتیک دی استیل فلورو گلوسینول,"هفدهمین کنگره گیاهپزشکی,ایران ,۰۷-۱۲,شهریور,۱۳۸۵ • شریفی تهرانی

عباس","تاثیر محیط کشت بر میزان رشد و خاصیت آنتاگونیستی چند جدایه از pseudomonas fluorescensو Bacillus subtilis,"هفدهمین کنگره گیاهپزشکی,ایران ,۰۷-۱۲,شهریور,۱۳۸۵ • شریفی تهرانی عباس","بررسی تاثیر نور?دما ورطوبت در تندش کنیدیوم های Erysiphe betae عامل بیماری سفیدک پودری چغندر قند,"هفدهمین کنگره گیاهپزشکی,ایران ,۰۷-۱۲,شهریور,۱۳۸۵ • شریفی تهرانی عباس","بررسی کارایی برخی روشهای سرولوژیکی و مولکولی در تشخیص و ردیابی باکتری Erwinia amylovora عامل آتشک درختان میوه دانه دار,"هفدهمین کنگره گیاه پزشکی,ایران ,۰۷-۱۲,شهریور,۱۳۸۵• شریفی تهرانی عباس","بررسی بیماریزایی چهار جدایه از Erysiphe betae روی پنج ژنوتیپ چغندر قند با استفاده از روش دیسکهای برگی,"هفدهمین کنگره گیاهپزشکی,ایران ,۰۷-۱۲,شهریور,۱۳۸۵ • شریفی تهرانی عباس","تاثیر محیط کشت و زمان انکوباسیون در میزان آنتی بیوتیکهای تولید شده از سودوموناسهای فلورسنت,"هفدهمین کنگره گیاهپزشکی,ایران ,۰۷-۱۲,شهریور,۱۳۸۵ • شریفی تهرانی عباس","مقایسه فعالیت چند آنزیم به عنوان نشانگر مقاومت القایی در خیار علیه بیماری سفیدک پودری,"هفدهمین کنگره گیاهپزشکی,ایران ,۰۷-۱۲,شهریور,۱۳۸۵ • شریفی تهرانی عباس","بررسی اثر نمکهای کربنات و بیکربنات به تنهایی و در تلفیق با باکتری Pantoae agglomerans در کنترل قارچ Penicillium digitatum عامل کپک سبز میوه مرکبات در شرایط آزمایشگاه وسردخانه,"هفدهمین کنگره گیاهپزشکی,ایران ,۰۷-۱۲,شهریور,۱۳۸۵ • شریفی تهرانی عباس","بررسی اثر چند باکتری آنتاگونیستی بر Phytophthora citrophthora عامل بیماری گموزیسته,"شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,۰۸-۱۲,شهریور,۱۳۸۳ • شریفی تهرانی عباس","مقایسه فنوتیپی بیوشیمیایی و آنتی بیوگرام استرین های ایران باکتری pseudomonas syringae pv.syringae جدا سازی شده از میزبانهای مختلف ,"شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,۰۸-۱۲,شهریور,۱۳۸۳ • شریفی تهرانی عباس","بررسی اثر آنتاگونیستی جدایه های Bacillus و Pseudomonas روی قارچ Verticillium عامل پژمردگی ورتیسیلیومی پنبه," مقالات چهاردمین کنگره گیاه پزشکی ایران,اصفهان/ایران ,۰۲-,فروردین,۱۳۷۹ • شریفی تهرانی عباس","مقایسه سرولوژیکی وملکولی استرینهای Pseudomanas syringae .pv.syringae جداشده از درختان میوه هسته دار - گندم وجو," مقالات چهاردمین کنگره گیاه پزشکی ایران,اصفهان/ایران ,۰۲-,فروردین,۱۳۷۹ • شریفی تهرانی عباس","فعالیت القائی آنزیم کیتیناز در برگهای گندم مقاوم پس از مایه زنی با نژاد ناسازگار Puccinia striiformis f.sp.tririci عامل بیماری زنگ زرد," مقالات چهاردمین کنگره گیاه پزشکی ایران,اصفهان/ایران ,۰۲-,فروردین,۱۳۷۹ • شریفی تهرانی عباس","مقایسه ویژگیهای فیزیولوژیکی - بیوشیمیایی - دامنه میزبانی وآنتی بیوگرام جدایه های ایرانی عامل بیماری شانکر درختان میوه هسته دار با جدایه های Pseudomanas syringae pv.syringae عامل بیماری بلایت باکتریایی,"مقالات چهاردمین کنگره گیاه ۶ مقالات ارائه شده در همایشها(۲ •):شریفی تهرانی عباس ","فعالیت و نقش آنزیم اکسید کننده پراکسیداز در مکانیزم مقاومت گندم به بیماری فوزاریومی خوشه," مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,۰۱-,فروردین,۱۳۷۷ • شریفی تهرانی عباس","تجزیه وتحلیل پیشرفت بیماری بلایت فوزاریومی خوشه گندم در سه رقم فلاح- گلستان وتجن در شرایط کنترل شده با استفاده از مدلهای اپیدمیولوژیکی,"مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,۰۱-,فروردین,۱۳۷۷ • شریفی تهرانی عباس", بررسی حساسیت ۱۵ رقم یونجه به بیماری سفیدک داخلِ در شرایط آزمایشگاه ومزرعه," مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,۰۱-,فروردین,۱۳۷۷ • شریفی تهرانی عباس","بررسی اثر جدایه هایی از قارچهای Paecilomyces spp. و Fusarium solani درکنترل بیولوژیکی نماتد سیست چغندر قند در شرایط اطاقک رشد,"مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,۰۱-,فروردین,۱۳۷۷ • شریفی تهرانی عباس","شناسائی نژادهای فیزیولوژیک قارچ Blumeria graminis f.sp.tritici عامل بیماری سفیدک پودری گندم در سیستان," مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,۰۱-,فروردین,۱۳۷۷ • شریفی تهرانی عباس ","ارزیابی مقاومت وفعالِت آنزیمهای پلی فنل اکسید از PPO وکاتالاز CAT در ارقام مختلف زرد آلو پس از تلقیح با عامل بیماری شانکر باکتریایی," مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,۰۱-,فروردین,۱۳۷۷ • شریفی تهرانی عباس","بررسی عامل بیماری شانکر باکتریایی درختان هسته دار در منطقه کرج," مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,۰۱-,فروردین,۱۳۷۷ • شریفی تهرانی عباس","شناسائی وبررسی خصوصیات فنوتیپی Agrobacterium vitis عامل باکتریایی بیماری سرطان طوقه مو در مناطق کرج وتاکستان," مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,۰۱-,فروردین,۱۳۷۷ • شریفی تهرانی عباس","بررسی اثر ۲استرین از سودوموناسهای فلئورسانت روی قارچ Pythium ultimum عامل بیماری مرگ گیاهچه خِار,"مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,۰۱-,فروردین,۱۳۷۷ • شریفی تهرانی عباس","بررسی اثر آنتاگونیستی جدایه های تریکودرما وگلیوکلادیوم روی قارچ Phytophthera capsici عامل بیماری بوته میری فیتوفترایی فلفل,"مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,۰۱-,فروردین,۱۳۷۷ • شریفی تهرانی عباس","مطالعه وتعیین دامنه میزبانی سفیدک داخلی خیار در منطقه جیرفت," مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,۰۱-,فروردین,۱۳۷۷ • شریفی تهرانی عباس","مطالعه تابستانگذرانی وجستجوی اسپور عامل بیماری سفیدک داخلی خیار در منطقه جِیرفت," مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,۰۱-,فروردین,۱۳۷۷ • شریفی تهرانی عباس","بررسی اثر چند قارچکش روی بیماری سفِدک داخلی خیار در کشت زیر پوشش پلاستیکی در منطقه جیرفت," مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,۰۱-,فروردین,۱۳۷۷• شریفی تهرانی عباس","تعیین عوامل بیماریزای فوزاریومی نیشکر در استان خوزستان," مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,۰۱-,فروردین,۱۳۷۷ • شریفی تهرانی عباس","بازیابی پیروکیلون در بوته برنج پس از گرانولپاشی در خاک وارتباط آن با کنترل بیماری بلاست برنج," مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,۰۱-,فروردین,۱۳۷۷• شریفی تهرانی عباس","جداسازی قارچ Fusarium از سیستمهای نماتد Heterodera وبررسی اثر آنتگونیستی آن," مقالات دوازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,۰۱-,فروردین,۱۳۷۴ • شریفی تهرانی عباس","اولین گزارش از جداسازی

وشناسایی قارچ Paecilomyces از سیستمهای نماتد Heterodera schachtii وبررسی اثر آنتا گونیستی آن روی تخمهای نماتد در ایران," مقالات دوازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,۰۱-,فروردین,۱۳۷۴ • شریفی تهرانی عباس",بررسی گلخانه ای اثر چند قارچکش وچند ایروله تریکودرما و گلیوکلادیوم روی Dematophora necatrix ,"مقالات دوازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,۰۱-,فروردین,۱۳۷۴ • شریفی تهرانی عباس",بررسی نقش آلودگی وانتقال بیماری بوته میری زیره سبز از طریق بذر," دوازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج /ایران ,۰۱-,فروردین,۱۳۷۴• شریفی تهرانی عباس",معرفی قارچ عامل بیماری پوسیدگی ساقه برنج در گیلان," مقالات دوازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,۰۱-,فروردین,۱۳۷۴ • شریفی تهرانی عباس",بررسی تاثیر قارچ آنتاگونیست تریکودرما روی عامل بیماری پژمردگی فوزاریومی گوجه فرنگی در شرایط آزمایشگاه ۷ مقالات ارائه شده در همایشها(۳ •) : Sharifi Tehrani Abbas,"Biochemical and serological comparison of iranian strains of Pseudomonas syringae pv.the causal agent of stone fruit canker and cereal blight",The second International Iran and Russia Conferenc,Moscow/Russia ,۲۱-,march,۲۶۲۲ • Sharifi Tehrani Abbas,"Biocontrol of Batrytis cinerea the eausal agent of gray mold of strawberry by antagonistic tungi",۵۲th International symposium on grop protection .Univ of Gent ,Belgium,عدم اعلام ,۲۱-,march,۲۶۲۱ • Sharifi Tehrani Abbas,"Induced chitinase activity in resistant wheat leavs inoculeted with an incompatible race of Puccinia striiformis f.sp.Tritici, the causal agent of yellow rust disease",۵۲th International symposium of crop protection Uinv.Gent.Belgiumh ,عدم اعلام ,۲۱-,march,۲۶۲۱ • Sharifi Tehrani Abbas,"۵۱th International symposisum on Grop protection Univ . of Gent m Belgium",Biocontrol of Phytophthora capsici , the caual agent of pepper damping -off . by antagonistic bacteria,عدم اعلام ,۲۱-,march,۲۶۲۰ • Sharifi Tehrani Abbas,"Biocontrol of Fusarium crown and root rot of Tomato by Fluorescent Pseudomonads ",۵۰th International symposium on Grop protection Univ , of ,Gent Belgium,عدم اعلام ,۲۱-,march,۲۶۱۹ • Sharifi Tehrani Abbas,"Study on the changes in total phenol content in two wheat cultivars to yellow rust diseas and it's role in resistance",International conference on Integrated plant disease Management for Sustaineble Agriculure,New Dehli/India ,۲۱-,march,۲۶۱۸ • Sharifi Tehrani Abbas,"Action de Quelques fongicides sur Fusarium Oxysporum F.sp.Lycopersici , agent du fletirissement de tomate",۴۷th International symposium on Grop protection Univ , of Gent Belgium, عدم اعلام ,۲۱-,march,۲۶۱۶ • Sharifi Tehrani Abbas,"The Effect of Trichoderma harzianum on Phytophthora drechsieri, the caual agent of cucumber damping -off",XIIIth International plant protection Congress,Hague/netherland ,۲۱-,march,۲۶۱۶ • Sharifi Tehrani Abbas,"Study of Corn leaf blight",۴۷th Innternational symposium on Grop protection Univ .of.Gent , Belgium,عدم اعلام ,۲۱-,march,۲۶۱۶ • Sharifi Tehrani Abbas,"Action de quelques fongicides sur Rosellinia necatrix agent du pourridie des racines", ۴۶th international symposium on crop protection Univ ,عدم اعلام ,۲۱-,march,۲۶۱۵ • Sharifi Tehrani Abbas,"Action de qucelques fongicides sur les cham pignons provocants la gommose du pistachier",۴۵th international symposium on crop protection ,Univ .ofGent ,Belgium ,عدم اعلام ,۲۱-,march,۲۶۱۴ • Sharifi Tehrani Abbas,"Gestion chimique de۱'oidium du concombre ",۶th International Congress of plant pathology,Montreal/Canada ,۲۱-,march,۲۶۱۴ • Sharifi Tehrani Abbas,"۴۴th International symposium on Crop Protection univ of Gent , Belgium",Activity of some fongicides on Ph,Drechslevi , the causal agent of the green death of cucumber,عدم اعلام ,۲۱-,march,۲۶۱۳ • Sharifi Tehrani Abbas,"Etude comparee de laction du Biloscazol et celle des Dichlofunid et Capton sur les taches brunes de l' amandier . Polystigma ochraceum ",۴۳th International symposium on Crop Protection univ of Gent , Belgium,عدم اعلام ,۲۱-,march,۲۶۱۲ • Sharifi Tehrani Abbas,"L'action de quelques fongicides sur la carie du ble aux champs irrigues et non irregues ",XXXXII th International symposium on Crop protection univ . of Gent , Belgium,عدم اعلام ,۲۱-,march,۲۶۱۱ • Sharifi Tehrani Abbas,"Etude comparee de laction de saufre et celle de, benomy ۱et Tridemorph sur l' oidium du concombre. ",XXXXIXth International symposium on Crop Protection univ .of Gent , Belgium,عدم اعلام ,۲۱-,march,۲۶۰۸ • Sharifi Tehrani Abbas,"Etude comparee de laction de quelques fongicides sur la tavhes brunes de l' amandier . Polystigma ochraceum ",XXXVII th International symposium on grop protection univ.of Gent , Belgium,عدم اعلام ,۲۱-,march,۲۶۰۶ • Sharifi Tehrani Abbas,"Etude

Sharifi Tehrani Abbas,"Influence de quelques : (۴•) مقالات ارائه شده در همایشها compar۸ fongicides sur la croissance du mycelium et le pouvoir pathogend'Alternaria tenuis",۳th congress of the Mediterramean phytopathologica,Oeiras/Portugal ,۲۱-,march,۲۵۹۳ • Sharifi Tehrani Abbas,"Action de fongicides sar la physiologie et la morphologie de march,۲۵۹۱ •,-۲۱, عدم اعلام,Botrytis cinerea ",VIIth Internatinal congress of plant protection Sharifi Tehrani Abbas,"Evaluation of antifungal activity of carbonate and bicarbonate salts alone or in combination with biocontrol agents in control of citrus green mold",۵۹th may,۲۰۰۷ • Sharifi Tehrani ,۲۲-۲۲, بلژیک,international symposium on crop protection Abbas,"Biological control of sclerotinia sclerotiorum(LIB.) de bary, the causal agent of white mold , by pseudomonas species on canola petals",۵۹th international symposium on may,۲۰۰۷ • Sharifi Tehrani Abbas,"A study on antifungal ,۲۲-۲۲, بلژیک,crop protection activity of some plant essences in control of Rhizopus stolonifer caused agent of -۲۲, بلژیک,strawberry grey rot",۵۹th international symposium on crop protection may,۲۰۰۷ • Sharifi Tehrani Abbas,"Effect of timing of application pseudomonas ,۲۲ fluorescens in suppression sclerotinia sclerotiorum, the causal agent of white mold in may,۲۰۰۷ • Sharifi,۲۲-۲۲, بلژیک,canola",۵۹th international symposium on crop protection Tehrani Abbas,"Evaluation of the effects of chemical versus biological control on botrytis cinera agent of gray mold disease of strawberry",۵۹th international symposium on crop may,۲۰۰۷ • Sharifi Tehrani Abbas,"Biocontrol of phytophthora ,۲۲-۲۲, بلژیک,protection cactorum the causal agent of root and crown rot on apple (malus domestica) by formulated pseudomonas floueresens",۵۹th international symposium on crop may,۲۰۰۷ • Sharifi Tehrani Abbas,"Evaluation of production of some ,۲۲-۲۲, بلژیک,protection antifungal metabolites by fluorescent pseudomonads in vitro and their inhibitory effect on penicillium digitatum in semi commercial condition",۵۹th international symposium on crop may,۲۰۰۷ • Sharifi Tehrani Abbas,"Effect of carbon and nitrogen ,۲۲-۲۲, بلژیک,protection sources on growth and biological efficacy of pseudomonas fluorescens Bacillus subtilis against rhizoctonia solani ,the causal agent of bean damping-off",۵۹th international may,۲۰۰۷ • Sharifi Tehrani Abbas,"Detection of ,۲۲-۲۲, بلژیک,symposium on crop protection PHLD gene in some fluorescent pseudomonads isolated from iran and its relative with -۲۲, بلژیک,antifungal activities ",۵۹th international symposium on crop protection may,۲۰۰۷ • Sharifi Tehrani Abbas,"Introduction of some important antagonistic bacteria,۲۲ affecting on damping-off of canola in iran",۵۹th international symposium on crop may,۲۰۰۷ • Sharifi Tehrani Abbas,"Biological control of some ,۲۲-۲۲, بلژیک,protection pathogenic fungi by Bacillus subtilis",۵۹th international symposium on crop may,۲۰۰۷ • Sharifi Tehrani Abbas,"Effect of some antifungal ,۲۲-۲۲, بلژیک,protection metabiolites of fluorescent pseudomonas on Rhizobacteria solani the causal agent of bean damping-off ,",vth internationalworkshop,neterlands ,۲۸-۰۲,may,۲۰۰۶ • Sharifi Tehrani Abbas,"study on some rhizobacteria against rhizobacteria solani on common bean",vth international workshop on plant growth promoting rhizobacteria,netherlands ,۲۸-۰۲,may,۲۰۰۶ • Sharifi Tehrani Abbas,"powder formulations of two strains of bacillus subtilis for control of rape damping-off caused by Rhizoctonia solani",۵۸ th international may,۲۰۰۶ • Sharifi Tehrani Abbas,"effect of ,۰۲-۲۶, بلژیک,symposium on crop protection fluorescent pseudomonads and trichoderma sp., and their combination with two chemicals on penicillium digitatum caused agent of citrus green mold",۵۸th international may,۲۰۰۶ • Sharifi Tehrani Abbas,"chemical ,۰۲-۲۶, بلژیک,symposium on crop protection Sharifi Tehrani Abbas,"Biocontrol of Botrytis cinerea :• مقالات چاپ شده در مجلات خارجی com۹ the causal agent of Gray mold of Strawberry by antagonistic fungi",Med.Fac.Landbouww. Univ (in press),۰,۰,۰ ,۲۶۲۱ • Sharifi Tehrani Abbas,"Biocontrol of Phytophthora capsici the causal agent of pepper daming - off by antagonistic bacteria",Med.Fac.Landbouww Univ,۰,۶۴-۳b,۴۱۹-۴۲۳ ,۲۶۲۰ • Sharifi Tehrani Abbas,"Biocontrol of Fusaium crown and root rot of tomato by fluorescent pseudomonads",Med.Fac.Landbouww. Univ,۰,۶۴-۳b,۴۲۵-۴۲۹ ,۲۶۲۰ • Sharifi Tehrani Abbas,"Biocontrol of soil borne fungal plant diseases by ۲,۴ -

diacetylphloroglucinol – producing fluorescent pseudomonads with different profiles of amplif",European Journal of Plant Pathology,۰,۱۰۴,۶۳۱-۶۴۳ ,۲۶۱۹ • Sharifi Tehrani Abbas,"Etude comparee de ۱'action du Bitertanol et celle des Dichlofluanide et Captan sur les taches de ۱' amandier",Med.Fac.Landbouww.rijksuniv,۰,۵۶-ab,۵۳۵-۵۳۷ ,۲۶۱۷ • Sharifi Tehrani Abbas,"l'action de quelques fongicides surLa carie ble Tilletia Foetida (waLL) Liro aux champs irriguess et non – irriges ",Med.Fac.Landbouww.rijksuniv,۰,۵۵-۳a,۱۰۱۵-۱۰۱۸ ,۲۶۱۱ • Sharifi Tehrani Abbas,"Etude comparee de ۱ action du soufre et celle ds Benomy ۱ et Tridemorph sur ۱ oidium du concombre",Med.Fac.Landbouww . Rijksuniv,۰,۵۲,۹۲۹-۹۳۳ ,۲۶۰۸ • Sharifi Tehrani Abbas,"Etude comparee de ۱ action de quelques fongicides sur les taches runes de ۱ amardier Polystiqma ochraceum (wahl)Sacc",Med .Fac.Landbouww. Rijksuniv ,۰,۵۰- ۳b,۱۲۵۹-۱۲۶۲ ,۲۶۰۶ • Sharifi Tehrani Abbas,"Etude comparee de ۱ action de quelques fongicides en plein champ sur ۱ oidium du concambre",Med.fac.Landbouww. Rijksuniv ,۰,۴۹.۲a,۴۰۷-۴۱۰ ,۲۶۰۵ • Sharifi Tehrani Abbas,"Bekampfungsversuche mit vier neuen Fungiziden gegen Weizenflugrand {Ustilago Triici (pers)Rostr und Weizenstein brand Tilletia Tritici im Iran .Anz }",Pflanzenschutz , Umweltschutz,۰,۴۸,۷۴-۷۱ ,۲۵۹۶ • Sharifi Tehrani Abbas,"Influence de quelques fongicides sur la croissance du mycellium et le pouvoir pathagene de Sclerotinia sclerotiorum (lib.)DeBy",Phytiatrie – phytopharmacie,۰,۳۲,۱۸۹-۱۹۲ ,۲۵۹۵ • Sharifi Tehrani Abbas,"Influence de subsitiutions nitrees et aminees dans le noyau benzeniqes sur le developpement de Btrytis cinerea pers",Phytiatrie -phytopharmacie,۰,۱۹,۲۷-۳۲ ,۲۵۹۱ • Sharifi Tehrani Abbas,"Acion de quelque fongicides sur Botrytis cinerea",Phytiarie – Ohytopharmacie ,۰,۴,۳۱۱-۳۱۵ ,۲۵۸۹ • Sharifi Tehrani Abbas,"Study on the overwintering of cleistothecia and conidia of Erysiphe betae causal agent of sugar beet powdery mildew in Iran.",Comm.Appl.Biol.Sci,جلد ۷۰ شماره ۳,۳۳۳- ,۲۰۰۵ • Sharifi Tehrani Abbas,"Contribution of phla and some metabolites of fluorescent pseudomonads to antifungal activity.",Comm.Appl.Biol.Sci,جلد ۷۰ شماره ۳,۱۵۱-۱۵۵ ,۲۰۰۵ • Sharifi Tehrani Abbas,"Occurrence and physico -serological properties of potato vorus PVS) in Iran",Comm.Appl.Biol.Sci,جلد ۷۰ شماره ۳,۴۲۳-۴۲۵ ,۲۰۰۵ • Sharifi Tehrani Abbas,"Biological control of Tiarosporella phaseolina the causal agent of charcoal rot of soybean.",Comm.Appl.Biol.Sci,جلد ۷۰ شماره ۳,۱۸۹-۱۹۲ ,۲۰۰۵ • Sharifi Tehrani Abbas,"Effect of Inoculum density and substrate type on phytophthora drechsleri",comm. APPl.Biol . Sci,جلد ۶۹ شماره ۴,۶۵۳-۶۵۶ ,۲۰۰۴ • Sharifi Tehrani Abbas,"Antagonistic effect of several bacteriaea on Fusarium oxysporum F.sp.cepa",comm. APPl.Biol . Sci,جلد ۶۹ شماره ۴,۶۵۷-۶۶۱ ,۲۰۰۴ • Sharifi Tehrani Abbas,"Effect of Acibenzolar S-methyl on the phenolic content in cucumber.",comm. APPl.Biol . Sci,جلد ۶۹شماره ۴,۵۵۵-۵۶۳ ,۲۰۰۴ • Sharifi Tehrani Abbas,"Biological control of Chickpea Fusarium Wilt",comm. APPl.Biol . Sci,جلد ۶۹شماره ۴,۶۴۹-۶۵۱ ,۲۰۰۴ ۱۰ مقالات چاپ شده در مجلات داخلی •:زبرجد عبدا... , شریفی تهرانی عباس , حجارود قربانعلی , محمدی مجتبی",بررسی تاثیر باکتریهای آنتاگونیست بر کنترل بوته میری سویـا در اثر Phytophthora sojae",علوم کشاورزی ایران,۳۷-شماره ۴,۶۷۱ ,۱۳۸۵ • صاحبانی نوزاله , زاد جواد , شریفی تهرانی عباس , خیری احمد , محمدی مجتبی",بررسی تغییرات کمی فنل کل ریشه گوجه فرنگی در تعامل بین نماتد مولد گره ریشه Meloidogyne javanica و قارچ عامل پژمردگی آوندی Fusarium oxysporum f.sp. lycopersici",علوم کشاورزی ایران,۳۷-شماره ۴,۷۴۶ ,۱۳۸۵ • شریفی تهرانی عباس",اثر دما و رطوبت در جوانه زنی آسکوسپور و کنیدیوم Uncinula necator عامل بیماری سفیدک سطحی مو,"علوم کشاورزی ایران,جلد۳۷-شماره۳,۴۸۷ ,۱۳۸۵ • شریفی تهرانی عباس",مطالعه تولید متابولیتهای ضد قارچی باکتریهای Bacillus subtilis و Streptomyces sp,"همایش بیوتکنولوژی کشاورزی,۱۱,۱۱ ,۱۳۸۵ • شریفی تهرانی عباس",بررسی اثر باکتری آنتاگونیست سودوموناس فلورسنت در افزایش رشد گیاه کلزا,"همایش بیوتکنولوژی کشاورزی,۱۱,۱۱ ,۱۳۸۵ • شریفی تهرانی عباس",تاثیر محیط کشت و زمان در میزان آنتی بیوتیکهای تولید شده از سودوموناسهای فلورسنت,"مجله بیماریهای گیاهی,۴۲-شماره۱,۱۲۵ ,۱۳۸۵ • شریفی تهرانی عباس",بررسی تعامل جدایه ژنوتیپ بین Erisiphe betae و چغندرقند در شرایط گلخانه,"مجله چغندرقند,جلد۲۱-۲,۱۲۳ ,۱۳۸۴ • شریفی تهرانی عباس",بررسی تاثیر سودوموناسهای فلورسنت روی قارچ Sclerotinia sclerotiorum(Lib.)de Bary عامل پوسیدگی ریشه آفتابگردان," مجله علوم کشاورزی ایران ,جلد ۳۶ شماره ۴,۷۹۱-۸۰۳ ,۱۳۸۴ • شریفی تهرانی عباس",بررسی تعامل جدایه – ژنوتیپ بین Erysiphe betae و چغندر قند در شرایط گلخانه," چغندر قند ,۹(۴),۱۲ ,۱۳۸۴ • شریفی تهرانی عباس",بررسی اثر چند باکتری آنتاگونیست بر Fusarium oxysporum عامل پژمردگی فوزاریومی نخود ایرانی در شرایط گلخانه," مجله علوم کشاورزی ایران ,جلد ۳۶ شماره ۳,۷۱۱-۷۱۷ ,۱۳۸۴ • شریفی تهرانی عباس",بررسی پایداری قارچ Erysiphe betae عاما بیماری سفیدک پودری چغندر قند,"علوم کشاورزی ایران,شماره

۶ جلـد ۳۶,۱۳۵۵ ,۱۳۸۴ • شـریفی تهرانی عبـاس",اثرات آنتـاگونیستی گـونه هـای Tricoderma spp روی قارچPhytophthora capsici عامل پوسیدگی ریشه و طوقه فلفل," بیماریهای گیاهی,جلد۴۱ شماره ۳,۳۴۵ ,۱۳۸۴ • شریفی تهرانی عباس",بررسی نقش کلیستوتسیوم در زمستان گـذرانی Uncinula necator(Schw.) Burr عامل بیماری سفیدک سطحی انگور در استان خراسان," مجله علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی ,شماره اول ,۲۲۵ ,۱۳۸۴ • شریفی تهرانی عباس",اثر شرایط محیطی روی رها شدن کجوانه زنی و بیماری زایی آسکوسپورهای Uncinula necator عامل بیماری سفیدک سطحی انگور," مجله علوم کشاورزی ایران ,جلد ۳۶شماره ۱ ,۱۲۱–۱۲۸ ,۱۳۸۴ • شریفی تهرانی عباس",مطالعه ارتباط بین مراحل مختلف بیولوژی نماتد مول گره و شدت بیماری فوزاریومی گوجه فرنگی و امکان سیستمیک شدن حساسیت ایجاد شده به وسیله نماتد در گیاه به قـارچ," مجله علـوم کشـاورزی ایران ,جلـد ۳۶شماره ۱ ,۱۹۹–۲۰۷ ,۱۳۸۴ • شـریفی تهرانی عبـاس",بررسـی تعامل نماتد گالزای بـذر گنـدم Anguina tritici و بـاکتری عامـل بیمـاری خـوشه صـمغی گنـدم Rathayibactertritici,"مجله علوم کشاورزی ایران,جلد۳۶ شماره ۶,۱۳۵۵ ,۱۳۸۳ • شـریفی تهرانی عباس",بررسی پایداری قارچ Erisiphe betae عامل بیماری سفیـدک پـودری چغنـدر قنـد در منطقـه کرج و قزویـن,"علـوم کشـاورزی ایران,جلد۳۶ شـماره ۶,۱۳۸۱ ,۱۳۸۳ • شـریفی تهرانی عباس",بازیابی پیروکیلن در بوته برنج پس از گرانول پاشـی در خاک و ارتباط آنها با کنترل بلاست برنج,"علوم و فنون کشاورزی و منـابع طبیعی,جلـد ۸شماره ۱,۲۰۵–۲۱۲ ,۱۳۸۳ • شـریفی تهرانی عبـاس",مطـالعه اثر اسپینزولار – اس متیـل در کنـترل بیمـاری سفیـدک پودری خیار," علوم کشاورزی ایران,جلد ۳۵ شماره ۲,۲۸۵–۲۹۲ ,۱۳۸۳ • شـریفی تهرانی عباس",مطالعه تولید برخی از متابولیتهای ضد میکروبی بوسیله تعدادی از سودوموناسـهای فلئورسنت,"علوم کشاورزی ایران,جلد ۳۵ شماره ۳ ,۷۳۱–۷۳۹ ,۱۳۸۳ •شـریفی تهرانی عباس",مطالعه بیماری شانکر ساقه گوجه فرنگی در استان بوشهر,"علوم کشاورزی ایران,جلد ۳۵ شماره ۱,۲۴۵– ۲۵۲ ,۱۳۸۳ • شـریفی تهرانی عباس",بررسی تاثیر قارچهای آنتاگونیست ،trichoderma علیه بیماریهـای پژمردگی فوزاریومی گوجه فرنگی در اثر Fusarium oxysporum f.s.lycopersici در شرایط گلخانه," مجله علوم کشاورزی ایران,۳۲,۱–۳۷ ,۱۳۷۹ • شـریفی تهرانی عباس",فعالیت آنزیم پراکسید از در واکنشهای مقاومت وحساسی۱۱ مقالات چاپ شده در همایشها(•): شریفی تهرانی عبـاس,"The agonistic effect of antibiotic producing Pseudomonas flurescens isolates on mycelial growth of phytophtora citrophtora , the causal agent of pistachio gummosis,".چهارمین سـمپوزیوم بین المللی پسته و بادام ,ایران ,۰۱–۰۴,خرداد,۱۳۸۴ • شـریفی تهرانی عباس",Pistachio gommosis in rafsanjan and sirjan areas,".چهـارمین سـمپوزیوم بیـن المللی پسـته و بـادام ,ایران ,۰۱–۰۴,خرداد,۱۳۸۴ • شـریفی تهرانی عباس",Appearance of Phytophtora nicotiana in Rafsanjan," چهارمین سمپوزیـوم بیـن المللی پسـته وبـادام ,ایران ,۰۱–۰۴,خرداد,۱۳۸۴ • شـریفی تهرانی عبـاس",Study on biocontrol mechanism of some antiagonistic bcteria Phytophtora ciphithora, the causal agent of pistachio gummosis," .چهـارمین سـمپوزیوم بیـن المللی پسـته و بـادام ,ایران ,۰۱–۰۴,خرداد,۱۳۸۴ • شـریفی تهرانی عباس",بررسی مکانیسم بیو کنترول چند باکتری آنتاگونیست روی قارچ F.oxysporum عامل پوسیدگی ریشه و طبق پیاز در آزمایشگاه," شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,۰۸–۱۲,شهریور,۱۳۸۳ • شـریفی تهرانی عباس",بررسی اثر چند باکتری آنتـاگونیست روی قـارچ Fusarium oxysporum عامـل پوسـیدگی ریشـه و طبق پیـاز در مزرعـه," شـانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,۰۸–۱۲,شهریور,۱۳۸۳ • شـریفی تهرانی عبـاس",اثر عصاره برگ Reynoutria sachlinensis بر واکنش دفـاعی بـوته خیـار در جریـان ابتلاـ بـه بیمـاری سـفیدک پـودری," شـانزدهمین کنگره گیاهپزشـکی ایران,ایران ,۰۸– ۱۲,شهریور,۱۳۸۳ • شـریفی تهرانی عباس",بررسی نقش کلیستوتسیوم در زمستان گذرانی عامل بیماری سفیدک سطحی انگور در استان خراسان,"شانزدهمین کنگره گیاهپزشـکی ایران,ایران ,۰۸–۱۲,شهریور,۱۳۸۳ • شـریفی تهرانی عبـاس",شـناسایی گونه های جنس Ganoderma karst در شـمال ایران,"شـانزدهمین کنگره گیاهپزشـکی ایران,ایران ,۰۸–۱۲,شهریور,۱۳۸۳ • شـریفی تهرانی عبـاس",الگوی PFGE استرین هـای بـاکتری Erwinia amylovoraعامـل بیمـاری آتشـک درختـان میوه دانه دار در مقـایسه با تیپهای اروپایی,"شانزدهمین کنگره گیاهپزشـکی ایران,ایران ,۰۸–۱۲,شهریور,۱۳۸۳ • شـریفی تهرانی عباس",بررسی اثر چنـد بـاکتری آنتـاگونیستی بر Phytophthora citrophthora عامـل بیمـاری گموزیسـته,"شانزدهمین کنگره گیاهپزشـکی ایران,ایران ,۰۸–۱۲,شهریور,۱۳۸۳ • شـریفی تهرانی عبـاس",کنـترل بیولـوژیکی قـارچ Sclerotinia sclerotiorum عامل بیمـاری پوسـیدگی ریشـه آفتـابگردان بوسـیله سودوموناسـهای فلورسـنت,"شـانزدهمین کنگره گیاهپزشـکی ایران,ایران ,۰۸– ۱۲,شهریور,۱۳۸۳ • شـریفی تهرانی عبـاس",مطالعه بررسـی خصوصـیات بیولـوژیکی و کشت وپرورش مصـنوعی گونه هـای Ganoderma lucidum, G. Applanutum جمع آوری شده از شمال ایران,"شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,۰۸–۱۲,شهریور,۱۳۸۳ • شـریفی تهرانی عبـاس",شـناسایی دودمـان کلونی در قـارچ Magnaporthe grisea وبررسـی نحوه پراکنش آنهـا به کمـک REP-PCR در گیلاـن," شانزدهمین کنگره گیاهپزشـکی ایران,ایران ,۰۸–۱۲,شهریور,۱۳۸۳ • شـریفی تهرانی عبـاس",بررسـی مقـاومت لاینهـا و ارقـامی از گنـدم بـه بیمـاری سـفیدک سـطحی در شـرایط گلخـانه," شـانزدهمین کنگره گیاهپزشـکی ایران,ایران ,۰۸–۱۲,شهریور,۱۳۸۳ • شـریفی تهرانی عبـاس",مقـایسه سـرولوژیکی اسـترین هـای بـاکتری pseudomonas syringae pv.syringae از پنـج گروه میزبـانی مختلـف," شـانزدهمین کنگره گیاهپزشـکی ایران,ایران ,۰۸–۱۲,شهریور,۱۳۸۳ • شـریفی تهرانی عبـاس",مقـایسه فنوتیـپی بیوشـیمیایی و آنـتی بیـوگرام اسـترین هـای ایران بـاکتری pseudomonas syringae,"شـانزدهمین کنگره گیاهپزشـکی ایران,ایران ,۰۸–۱۲,شهریور,۱۳۸۳ • شـریفی تهرانی عبـاس",اسـتخراج و شـناسایی مـواد ضـد بـاکتری از کـارپوفور Ganoderma applanatum جمـع آوری شـده از شـمال ایران,"شـانزدهمین کنگره گیاهپزشـکی ایران,ایران ,۰۸–۱۲,شهریور,۱۳۸۳ • شـریفی تهرانی عبـاس",بررسـی ویژ گیهـای مولکولی استرینهـای ایرانی pseudomonas syringae pv syrngae جـدا شـده از میزبانهـای مختلـف," شـانزدهمین کنگره

گیاهپزشکی ایران,ایران ,۰۸–۱۲,شهریور,۱۳۸۳ • شریفی تهرانی عباس",تعامل بین سویه های آنتاگونیست pseudomonas fluorescens Trichoderma atroviride در بیان ژن کیتیناز,"شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,۰۸–۱۲,شهریور,۱۳۸۳ • شریفی تهرانی عباس",بررسی اثر چند ترکیب شیمیایی در القاء مقاومت خیار علیه بیماری سفیدک پودری,"شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,۰۸–۱۲,شهریور,۱۳۸۳ • شریفی تهرانی عباس",جایگاه و ویژگیهای قطبهای علمی و نقش آنها در توسعه علوم و فن آوری کشور," همای۱۲ مقالات چاپ شده در همایشها(۲ •): Sharifi Tehrani Abbas,"Identificatin of phytophthora nicotianae the causal agent of pistachio gummosis for first time in Rafsanjan,Iran.",The second Asian conference on plant pathology ,سنگاپور ,۲۵–۲۸, june,۲۰۰۵ • Sharifi Tehrani Abbas,"Effect on some antagonistic bacteria against Phytophtora drechseleri,the causal agent of cucumber root and crown rot .",The second Asian conference on plant pathology ,سنگاپور ,۲۵–۲۸, june,۲۰۰۵ • Sharifi Tehrani Abbas,"Distribution of phytophtora species in Sirjan and Rafsanjan,Iran.",The second Asian conference on plant pathology ,سنگاپور ,۲۵–۲۸, june,۲۰۰۵ • Sharifi Tehrani Abbas,"Biological control of Tiarosporella phaseolina the causal agent of charcoal rot of soybean.",۵۷th International symposium on crop protection ,بلژیک ,۱۰–۱۲, may,۲۰۰۵ • Sharifi Tehrani Abbas,"Biological control of Sclerotina sclerotiorum and Sclerotina minor ,the causal agents of sunflower root rot in Iran by fluorescent pseudomonads.",۵۷th International symposium on crop protection ,بلژیک ,۱۰–۱۲, may,۲۰۰۵ • Sharifi Tehrani Abbas,"Occurrence and physico-serological properties of potato virus (PVC) in Iran.",۵۷th International symposium on crop protection ,بلژیک ,۱۰–۱۲, may,۲۰۰۵ • Sharifi Tehrani Abbas,"Biochemical changes in tomato defence mechanismes by tomato fusarium wilt in relation to root knot nematode. Part I .effect on pal and oxidoreductase",۵۷th International symposium on crop protection ,بلژیک ,۱۰–۱۲, may,۲۰۰۵ • Sharifi Tehrani Abbas,"Biochemical changes in tomato defense mecanisms by tomato fusarium wilt in relation to root knot nematode part II .Effect on total phenol.",۵۷th International symposium on crop protection ,بلژیک ,۱۰–۱۲, may,۲۰۰۵ • Sharifi Tehrani Abbas,"Contribution of Phla and some metabolites of fluorescent psedomonads to antifungal activity.",۵۷th International symposium on crop protection ,بلژیک ,۱۰–۱۲, may,۲۰۰۵ • Sharifi Tehrani Abbas,"serological comparison of Iranian strains of pseudomonas syringae pv.syringae from various host plants ",۱۵th Inernational plant protection congress ,چین ,۱۱–۱۶, may,۲۰۰۴ • Sharifi Tehrani Abbas,"Biochemical phenotypical and antibiogram comparisons of Iranian strains of pseudomonas syringae pv.syringae isolated from various host plants ",۱۵th Inernational plant protection congress ,چین ,۱۱–۱۶, may,۲۰۰۴ • Sharifi Tehrani Abbas,"Biological control of Fusarium oxysporum the causal agent of chickpeaFusarium wilt by antagonistic Rhizobacteria",۱۵th Inernational plant protection congress ,چین ,۱۱–۱۶, may,۲۰۰۴ • Sharifi Tehrani Abbas,"Study on resistance of wheat cultivars to powdery mildew under Green House conditions.",۱۵th Inernational plant protection congress ,چین ,۱۱–۱۶, may,۲۰۰۴ • Sharifi Tehrani Abbas,"Effect of tomato and board bean root extract analogs on broomrape seed Germination",۱۵th Inernational plant protection congress ,چین ,۱۱–۱۶, may,۲۰۰۴ • Sharifi Tehrani Abbas,"Effect of Acibenzolar S-methyl on the phenotic content and specific activites ofperoxidase , chitinase and phenylalanine ammonia lyase of host leaves in cucumber powdery mildew interaction ", ۵۶th Inernational symposium on crop protection ,بلژیک ,۰۵–۰۶, may,۲۰۰۴ • Sharifi Tehrani Abbas,"Effect inoculum density and substrate type on saprophytic survival of phytophthora drechsleri the causal agent of Goummosis on pistachio in Rafsanjan , Iran ",۵۶th Inernational symposium on crop protection ,بلژیک ,۰۵–۰۶, may,۲۰۰۴ • Sharifi Tehrani Abbas,"Changes in phenolic content and specific activities of peroxidase ,phenylalane Ammonia lyase and chitinouse in cucumber learves inoculated wilth podosphaera fusca,the causal agent of powdery mildew",۵۶th Inernational symposium on crop protection ,بلژیک ,۰۵–۰۶, may,۲۰۰۴ • Sharifi Tehrani Abbas,"Phenotypical, serological and molecular comparisons of Iranian strains of psedomonas syringa منابع زندگینامه: http://iranologyfo.com/

شریفی، عمادالاسلام

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۳۲۲، ق. قریه‌ی کلاته سری قاینات.

درگذشت: شعبان ۱۴۰۰.

حجت‌الاسلام عمادالاسلام شریفی قرآن را نزد پدر فراگرفت و دروس ابتدایی را در قریه بیهود فراگرفت و سپس عازم مشهد شد و در آنجا مشغول تحصیل علوم اسلامی در محضر آیت‌الله سید علی مددی گردید و سپس به سفارش وی در سال ۱۳۴۰ وارد حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد و در مدرسه حاج ملا- صادق سکنی گزید و به تحصیل ادامه داد و دوره سطح را نزد آیت‌الله ابوالقاسم خزعلی فراگرفت. همچنین از محضر آیت‌الله سلطانی و آیت‌الله حسن وحید خراسانی و آیت‌الله میرزا هاشم آملی بهره فراوان گرفت. وی در اوایل ورود به حوزه‌ی علمیه‌ی قم فعالیت‌های سیاسی داشت. به همین منظور چندین بار به زندان رفت و بارها مورد تعقیب قرار گرفت. در سال ۱۳۴۴ در سرابان فردوس بر علیه رژیم پهلوی سخنرانی کرد و صراحتا به فعالیت‌های امام خمینی (ره) اشاره نمود، همانجا دستگیر شد و به ژاندارمری منتقل شد، در آنجا با رییس ژاندارمری درگیر شد، از آنجا به مشهد فرار کرد. در سال ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ در حرم حضرت رضا (ع) با بعضی از طلاب قم مجلس دعای توسل برگزار نمود و در ضمن آن مسائل روز را نیز مطرح می‌نمود.

از جمله تألیفات اوست: علم امام علی (ع) (چاپ نشده)؛ بیست اتهام علیه مجاهدین خلق.

حجت‌الاسلام شریفی بعد از انقلاب اسلامی در جبهه‌های دفاع مقدس حضور یافت. در شعبان ۱۴۰۰ بعد از بررسی مشکلات منطقه به قم بازگشت و پس از ارسال گزارش فعالیت روزانه به دفتر تبلیغات بعد از یک شب مجددا به منطقه مراجعت کمرد با کمال تأسف در دلیجان تصادف نمود. وی مدت هیجده روز در بیمارستان بستری بود تا سرانجام جان سپرد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شریفی، عنایت

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عنایت شریفی

محل تولد : سیاهکل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۳ تحصیلات ابتدایی را آغاز و در سال ۱۳۶۲ پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیّه قم شدم و به مدّت هشت سال دوره مقدّمات و سطح را در دروس: ادبیّات عرب، منطق، فلسفه اسلامی، اصوف فقه و فقه و ... گذراندم. در سال ۱۳۷۰ دروس خارج فقه و اصول فقه را آغاز و بعد به مدت هشت سال از محضر حضرات آیات مکارم شیرازی، سبحانی، جوادی آملی، شیخ جواد تبریزی و وحید خراسانی بهرهمند شدم.

در سال ۱۳۷۳ همزمان با تحصیل خارج فقه و اصول فقه و همکاری تحقیقاتی با مراکز تحقیقاتی و پژوهشی، در مرکز تخصصی تبلیغ حوزه علمیّه قم پذیرفته شدم و پس از هشت سال تحصیل و تدوین رساله علمی سطح چهار با عنوان «روابط فقه و اخلاق» و دفاع از آن با کسب امتیاز خوب و نمره ۴۳/۱۶ فارغ التحصیل شدم. و به مدت پنج سال است که با دانشگاههای علامه طباطبایی تهران، تربیت معلّم تهران و علوم پزشکی ایران در تدریس معارف اسلامی(۱و۲) ، اخلاق و تربیت اسلامی، تاریخ اسلام و متون اسلامی همکاری دارم و هم اکنون به عنوان هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی مشغول تدریس در آن آموزشگاه می باشم. ضمنا به مدّت پانزده سال است که با پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلام دفتر تبلیغات اسلامی همکاری تحقیقاتی و پژوهشی دارم

شریفی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۹۰، بوشهر.

درگذشت: ۱۳۶۲، تهران.

محمدعلی شریفی فرزند حاج حسن دشتی است که در بحرین به تجارت اشتغال داشت و ریاست جمعیت ایرانیان مقیم بحرین نیز با او بود و نیز مدرسه‌ای در همان جا برای تعلیم و تربیت اطفال ایران تأسیس کرد و آموزگاران ایرانی را از بوشهر به بحرین برد. وی

بیش از شش سال نداشت که پدرش زندگی را بدرود گفت، ناگزیر به بوشهر مراجعت کرد و به تحصیل پرداخت. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۰۸ وارد خدمت اداره‌ی گمرک وزارت مالیه گردید و مشاغلی در زاهدان و آبادان و تهران یافت تا بازنشسته گردید.

شریفی از سال ۱۳۱۴ به شعر و شاعری پرداخت و در سرودن انواع شعر طبع آزمایی نمود و در تهران با مجامع ادبی ارتباط برقرار کرد و اشعارش در برخی از مجلات به چاپ رسید.

شریفی مجموعه‌ای از اشعار شعرای معاصر را به خط خودشان به نام یادگار اهل سخن گردآوری نمود و دیوان اشعارش نیز به نام با یار آشنا سخن آشنا به طبع رسید (هر دو کتاب پس از فوتش منتشر شدند).

(۱۳۶۲/ ۱۳۶۰ –۱۲۸۹/ ۱۲۸۰ ش)، شاعر، متخلص به شریفی. در بندر بوشهر چشم به جهان گشود. پدرش در بحرین به تجارت اشتغال و ریاست جمعیت ایرانیان مقیم بحرین را داشت و مدرسه‌ای به نام اصلاح برای اطفال ایرانی تاسیس کرد. محمدعلی بیش از شش سال نداشت که پدرش را از دست داد و ناگزیر به بوشهر مراجعت کرد و به تحصیل پرداخت. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد مشاغل دولتی شد. از سال ۱۳۱۴ ش به سرودن شعر پرداخت و با مجامع ادبی ارتباط برقرار کرد. اشعارش در برخی روزنامه‌ها و مجلات چاپ می‌شد. در تهران وفات کرد. آثار به جا مانده از وی: «یادگار اهل سخن»، که مجموعه‌ای از اشعار شعرای معاصر است به خط خودشان که چاپ نشده است؛ «دیوان» اشعار.[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۵۹ –۲۵۵/ ۳)، سخنوران نامی معاصر (۱۹۳۶ –۱۹۳۲/ ۳)، صدف (۴۹۵ – ۴۸۵)، فرهنگ سخنوران (۵۰۴).

شریفیان، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسین شریفیان درسال ۱۳۰۵در بندر تاریخی بوشهربه دنیا آمد . عبد الحسین شریفیان دوران ابتدایی و متوسطه رادر بوشهر سپری کرد .وی موفق به اخذ دیپلم دررشته ادبی شد .در فروردین ماه ۱۳۲۹ به خدمت سربازی رفت و دوره نظام را دردانشکده افسری سپری کرد.ایشان پس از دوسال خدمت سربازی را به پایان رساند و همان سال وارد دانشگاه تهران شد و در رشته زبان و ادبیات انگلیسی مشغول به تحصیل شد . اما اونتوانست تحصیلاتش راتا پایان ادامه دهد و در همان سال دوم تحصیل برای همیشه ترک تحصیل کرد . از وی آثار متعددی که ترجمه و منتشر شده وجود دارد از جمله نخستین اثراو «رمان شوم» که به طور مستقل کار ترجمه آن را انجام داده است .گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات انگلیسیگرایش : ترجمهوالدین و انساب : عبدالحسین شریفیان درسال ۱۳۰۵در بندر تاریخی بوشهربه دنیا آمد . نام مادرش شهر بانو و نا پدرش غلام است . پدر وپدر بزرگش ناخدا و اهل سیر و سفر دریایی و کشتیرانی بودند . پدر بزرگش ناخدای یکی از کشتی ها حاج معین التجار (از رجال اقتصادی وسیاسی مشهور بوشهر و ایران در فاصله سالهای قبل از انقلاب مشروطه تا سقوط رضا شاه پهلوی) بود و در خط دریایی خرمشهر (محمره) و اهواز (ناصری) دردوران قاجار مشغول به کار بود .تحصیلات رسمی و حرفه ای : عبد الحسین شریفیان درسال ۱۳۱۲ پا به مدرسه گذاشت و دوران ابتدایی را درتابستان فردوسی و متوسطه را در دبیرستان سعادت بوشهر سپری کرد .درسال۱۳۲۸ موفق به اخذ دیپلم دررشته ادبی از این مدرسه شد .در فروردین ماه ۱۳۲۹ به خدمت سربازی رفت و دوره نظام را دردانشکده افسری سپری کرد.ایشان پس از دوسال خدمت سربازی را در سال ۱۳۳۱ به پایان رساند و همان سال وارد دانشگاه تهران شد و در رشته زبان و ادبیات انگلیسی مشغول به تحصیل شد . اما ایشان نتوانست تحصیلاتش راتا پایان ادامه دهد و در سال ۱۳۳۲ سال دوم تحصیل برای همیشه ترک تحصیل کرد .خاطرات و وقایع تحصیل : دوران جوانی و نوجوانی عبد الحسین شریفیان مصادف بود با شهریور ۱۳۲۰ و سقوط و فرار شاه پهلوی از ایران و اشغال ایران و بندر بوشهر ،توسط قوای متجاوز متفقین .بوشهر در آن سالها به تصرف نیروهای متجاوز انگلیسی درآمد و تعداد زیادی نظامی هندی و انگلیسی دربوشهر مستقر شدند. در سال ۱۳۳۲به دلیل سفرهای متعدد کاری برای شرکت ژاپنی ،استاد شریفیان نتوانست تحصیلاتش را تا پایان اخذ لیسانس ادامه دهد و ناار شد درسال دوم تحصیل ،دانشگاه را برای همیشه ترک کند و وارد دانشگاه اصلی یعنی زندگی شود.استادان و مربیان : عبد الحسین شریفیان درهنگام تحصیل درمدرسه سعادت شاگرد شاعر مشهور سید محمد طاهر دشتی ملقب به (شفیق شهریاری) بود.از دیگر اساتید می توان از میرزا محمد رحیم خان بوشهری(استاد زبان انگلیسی) ، سید مهدی سعادت (از فعالان و مروجان هنر تئاتر در مدارس بوشهر) نام برد . از اساتید استاد شریفیان دردوران تحصیل می توان به مرحومان دکتر لطف علی صورتگر (مترجم و ادیب معروف دردهه ۳۰و ۴۰) و دکتر علاء الدین پاسارگارد (مولف و مترجم صاحب نام) و دکتر پرویز ناتل خانلری (محقق معروف زبان و ادبیات فارسی و سر دبیر مجله ادبی سخن) نام برد .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عبد الحسین شریفیان به عنوان مترجم در دانشکده توپخانه منصوب شد و در کنار وظیفه مترجمی ، اطلاعات و خصوصا دایره لغات انگلیسی خود را گسترده دادو کاملا بر تکلم این زبان مسلط شد. درهمین سالها یعنی سال ۱۳۳۱ بود که به تشویق روزنامه نگار برجسته بوشهری مرحوم عبد الرحیم جعفری شروع به تر جمه برخی از داستان های کوتاه انگلیسی کرد . استاد شریفیان کارترجمه کتابهای ادبی ،هنری ،رمان ،اسطوره و تاریخ رابه طور جدی و حرفه ای از اواخر دهه چهل خورشیدی و درخدمت شرکت انتشاراتی فرانکلین آغاز کرد .چگونگی عرضه آثار : عبد الحسین شریفیان از جمله مترجمانی است که حجم زیادی از آثار رمان نویس ژرف اندیش هرمان هسه را به فارسی ترجمه کرده و از این نظر سهم به سزایی در شناسایی و معروفی این نویسنده المانی به مردم ایران و خصوصا نسل جوان ،بر عهده دارد وایشان علاوه بر هرمان هسه

،آثاری از سامراست موام ، روزنبرگ ،ویلیام شایرر،ویلیام فاکنر ،جک لندن ،ریچارد رایت ،گوستاوفلوبر ،تئودور داستایوسکی ،جان تولند ،هاواردفاست ،آندره ژید،برونو آپیتز ،همونداینس ،چالزدیکنز و.....رابه فارسی ترجمه و منتشر کرده است.آثار : آخرین تابستان لینگزور ویژگی اثر : از هرمان هسه در ۱۳۷۸۲ آدولف هیتلر ویژگی اثر : از جان تولند در دو جلد از تهران ۱۳۷۳۳ اساطیر جهان ویژگی اثر : دردوجلد است ،دوناروزنبرگ در تهران ۱۳۷۹۴ اسب قربانی ویژگی اثر : ویلیام فاکنر۵ اسطوره بین النهرین ویژگی اثر : از رابرت گریوز۶ اسطوره یونان ویژگی اثر : کتاب مرجع اسطوره ها دردو جلد است از رابرت گریوز۷ اعجوبه ویژگی اثر : از هرمان هسه در ۱۳۷۷۸ الاغ طلایی ویژگی اثر : از آپولیوس درسال ۱۳۷۹۹ ایزابلا ویژگی اثر : از آندره ژید۱۰ بازی مهره ی شیشه ای ویژگی اثر : از هرمان هسه در تهران ۱۳۱۸۱۱ برهنه میان گرگها ویژگی اثر : از برونواپیتز درتهران ۱۳۶۹۱۲ پایبندی های انسانی ویژگی اثر : سامراست موام ،تهران ۱۳۶۴در دو جلد۱۳ پیتر کامنتسید ویژگی اثر : از هرمان هسه در تهران ۱۳۷۴۱۴ تر جمه سقوط جمهوری سوم ویژگی اثر : شرح شکست فرانسه در جنگ جهانی دوم به قلم ویلیام شایرر،تهرا ن ۱۳۵۲۱۵ ترجمه پسرک سیاه پوست ویژگی اثر : این اثر نوشته ریچارد رایت را به فارسی ترجمه کرد و درهفته نامه محلی دریا کنار (به سردبیری عبد الرحیم جعفری) به چاپ رساند .۱۶ ترجمه میراث شوم ویژگی اثر : نخستین اثری که به طورمستقل به فارسی برگرداند و منتشرکرد .این رمان نوشته سالتیکوف شچدرین رمان نویس رئالیست روسی بود . این کتاب در قطع جیبی توسط سازمان کتابهای جیبی در ۳۴۴صفحه و باشمارگان پنج هزار نسخه درسال ۱۳۴۶درتهران چاپ و منتشر کرد .۱۷ تعطیلات وحشت زا ویژگی اثر : از ریارد رایت درسال ۱۳۴۸۱۸ جوان خام ویژگی اثر : از داستایوسکی در تهران ۱۳۶۸۱۹ خاورمیانه نفت و قدرت های بزرگ ،آن شریدان ویژگی اثر : تهران ۱۳۵۲۲۰ خورشید تابان ویژگی اثر : از جک لندن۲۱ دائره المعارف آکسفورد ویژگی اثر : در دو جلد درباره رویدادهاو شخصیتهای تاریخی از پیش از تاریخ تا اواسط قرن بیستم۲۲ داستانهای پنج دهه (سفرهای رویایی) ویژگی اثر : از هرمان هسه در تهران ۱۳۷۷۲۳ درتنگ است ویژگی اثر : آندره ژید۱۳۸۲۲۴ دره ماه ویژگی اثر : جک لندن۲۵ دمیان ویژگی اثر : از هرمان هسه در تهرا ن سال۱۳۷۴۲۶ دوست مشترک ما ویژگی اثر : از چارلزدیکنز ، تهران ۱۳۶۹۲۷ دیروز و امروز ویژگی اثر : سامراست موام ،تهران ۱۳۸۲۲۸ روشنایی ماه اوت ویژگی اثر : ویلیام فاکنر۲۹ زیردریایی در قطب ویژگی اثر : از همونداینس۳۰ سرزمین مردم ایسلند ۳۱ سرزمین مردم پاکستان ۳۲ سرزمینی که خداوند به قابیل داد ویژگی اثر : از همونداینس۳۳ سفربه سوی شرق ویژگی اثر : از هرمان هسه در تهران ۱۳۷۸۳۴ سلطان انگشتری ویژگی اثر : از تول کین۳۵ سمفونی کلیسایی ویژگی اثر : از آندره ژید۱۳۸۲۳۶ سیری در اساطیر یونان و روم ویژگی اثر : ادیت همیلتون ،تهران ۱۳۷۶۳۷ ظهور زرتشت ،اگر جنگ ادامه یابد ویژگی اثر : از هرمان هسه ۱۳۷۹۳۸ کنولپ ویژگی اثر : از هرمان هسه در تهران ۱۳۷۸۳۹ لویی چهاردهم ویژگی اثر : از سری کتابهای تاریخ تمدن ویل دورانت ویراست دوم تهران ،۱۳۶۸۴۰ مادام آرنو ویژگی اثر : از گوستاوفلوبر۴۱ مجموعه داستانهای کوتاه ویژگی اثر : از سامراست موام در چهار جلد است .۴۲ مسخ اووید ۴۳ نار سیسوس و گولدموند (نرگس و زرین دهان) ویژگی اثر : از هرمان هسه۴۴ همشهری تام پین ویژگی اثر : از همونداینس۴۵ واتیکان و اروپای عصر جاهلیت ویژگی اثر : از ویلیام منچستر در سال ۱۳۸۲

شریفی‌پور شیرازی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۰۷.

درگذشت: ۱۳۶۴.

از آثار اوست: آبگینه (با خط قوام شفق و عباس مستوفی‌الممالکی، شعر فارسی).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شرین ییلاق، منیجه

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روان‌شناسی، دانشکده: علوم تربیتی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای روان‌شناسی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم تربیتی از دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

میزان‌سازی رفتار سازشی ویژه مدارس ابتدائی، تدریس در دانشگاه شهید چمران اهواز به مدت ۱۲ سال و راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

روان‌شناسی و علوم تربیتی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

روان‌شناسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ششنقی، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط. از قدیمی‌ترین کاتبان خط نستعلیق است به خط وی، یک نسخه «شاهنامه‌ی» فردوسی در کتابخانه‌ی سلطنتی است، به قلم کتابت خفی متوسط، با رقم: «تمت الکتاب، کتبه الفقیر... محمد بن محمد بن محمدعلی حنفی ششنقی... سنه اربع و اربعین و ثمانمائه الهجریه المصطفویه»، که مقدمه‌ی منثور این نسخه به قلم نسخ و عنوان آن به قلم ثلث عالی است که معلوم می‌گردد در آن اقلام نیز استاد بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۷۲/۴، ۷۵۵/۳).

شطرنجی سمرقندی، علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر، متخلص به شطرنجی. ملقب به جمال‌الحکماء. در ماوراءالنهر می‌زیست. در شطرنج‌بازی مهارت داشت و بدین وجه شطرنجی تخلص می‌کرد هدایت او را از اهل سمرقند و در شیوه‌ی شاعری شاگرد سوزنی می‌داند و می‌گویید که سوزنی مدح او کرده. نظامی عروضی وی را از شاگردان آل خاقان شمرده است. وی پسری به اسم محمد داشت که شرحی در کتاب «کلم النوابغ» تالیف زمخشری نوشته و آن در دست است. به قول عوضی اکثر اشعار او مقطعات بود و در حکمت و وعظ.[۱]

دهقان علی سمرقندی، از شاعران و حکیمان معروف ماوراءالنهر (قر. ۶ ه.). نوشته‌اند که وی شاگرد سوزنی بوده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۶۳۸-۶۳۶ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۹۹)، الذریعه (۷۵۹، ۵۲۶ /۹)، ریحانه (۲۲۱/۳)، صبح گلشن (۲۲۴)، فرهنگ سخنوران (۵۰۴)، لباب الالباب (۲۰۷ -۱۹۹ /۲)، لغت نامه (ذیل/ علی)، مخزن الغرائب (۹۲۴ -۹۲۳ /۲)، هفت اقلیم (۳۷۱ -۳۶۸ /۳).

شعاری نژاد، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد علی اکبر شعاری نژاد درسال ۱۳۰۴ در شهر تبریز متولد شد. وی در سال ۱۳۳۴ فارغ التحصیل رشته فلسفه و علوم تربیتی از دانشسرای مقدماتی شد و تحصیلات تکمیلی خود را در دانشگاه تهران سپری کرد و در سال ۱۳۴۷ فارغ التحصیل شد. شعاری نژاد سابقه مدیریت گروه روانشناسی تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی و تدریس در دانشگاه های تهران را در کارنامه علمی خود دارد و از تحصیلات حوزوی نیز برخوردار است. همچنین وی تاکنون ۴۳ کتاب با موضوعات روان شناسی رشد، روان شناسی یادگیری، اصول ادبیات کودکان و فلسفه آموزش وپرورش به چاپ رسانده است و ۳ کتاب دیگر در دست چاپ دارد.استاد ممتاز دانشگاه تربیت معلم، استاد و پژوهشگر نمونه دانشگاه علامه طباطبایی و عضو شاخص هیئت علمی دانشکده پزشکی دانشگاه شهید بهشتی از دیگر سوابق علمی این استاد ۸۳ ساله است. گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی والدین و انساب : خانواده علی اکبر شعاری نژاد شش نفری بود والدین و دو خواهرانش، بی‌سواد و برادرش هم کم سواد (حدود سوم ابتدایی) بودند. وی در این باره می گوید ":من این بخت را داشتم که بیشتر با والدینم باشم. پدرم بیشتر به محافل درس قرآن می‌رفت و با اینکه نام خودش را به زحمت می‌نوشت، ولی غالبا با قرآن کریم مانوس بود و حتی ترجمه و تفسیر هم می‌کرد. گاهی نیز در برخی محافل به وعظ و خطابه می‌پرداخت؛ به طوری که برای اشخاص ناآشنا شخصی باسواد و مفسر قرآن جلوه می‌کرد. شاید همین ویژگی آن مرحوم، و همراهی مداوم من با ایشان در مجالس وعظ و خطابه و روضه، از مهمترین عوامل تعیین‌کننده رفتار امروزم تلقی شوند ".خاطرات

کودکی : استاد علی اکبر شعاری نژاد از دوران کودکی و قبل از شروع تحصیلات رسمی خود چنین بیاد دارد":موقعیت روزهای کودکی من سبب شد که پیش از رفتن به مدرسه، مکتب خانه را تجربه کنم و قرآن یاد بگیرم. حتی بعد از آغاز تحصیلات رسمی نیز به یادگیری قرآن و زبان عربی و درس‌های (به اصطلاح) حوزوی ادامه دادم. برای مثال، با یادگیری صرف میر، صمدیه، سیوطی، و چندین کتاب عربی، به آموختن زبان عربی و دستور عربی ادامه دادم و کتاب‌های فقهی و حدیثی متعدد و متنوعی را البته به زبان عربی، خواندم. همیشه در دوران تحصیل سعی می‌کردم خودم بفهمم و خودگردان باشم ".تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی اکبر شعاری نژاد دوره تحصیلات ابتدایی شش ساله را در دبستان< بدر >تبریز گذراند.وی سپس به یادگیری زبان عربی و درسهای حوزوی و درسهای کلاسهای هفتم و هشتم و نهم مشغول می‌شد، به طوری که این سه پایه را در مدت چهار ماه و ده روز گذراندو در امتحان رسمی آموزش و پرورش شرکت کرده و پذیرفته شد ". چون شغل معلمی را دوست داشتم و هنوز هم دوست دارم، دو شاگرد خصوصی داشتم که به آنها خواندن و نوشتن یاد می‌دادم. چون برادرم با درس خواندن من مخالف بود، هرگز اجازه نمی‌داد من کتاب بخرم و ناچار بودم کتاب را از دیگران امانت بگیرم و رونویسی کنم یا اینکه پولهای توجیبی هفتگی را جمع کنم و کتاب بخرم که برخی از آنها را هنوز هم دارم ".علی اکبر شعاری نژاد بعد از فراغت از تحصیل در دوره اول دبیرستان، ابتدا در امتحان دفتریاری و سردفتری وزارت دادگستری شرکت کرده و پذیرفته شد.حدود دو سال و اندی به دفتریاری درجه یک چند دفترخانه در تبریز منصوب گردید. بعد در دبیرستان ملی شمس تبریز به عنوان آموزگار کلاس پنجم ابتدایی استخدام شد. در همین زمان، به مطالعه درسهای دانشسرای مقدماتی پرداخته و بعد از دو سال تحصیل، از دانشسرای مقدماتی تبریز فارغ‌التحصیل شد و سپس به استخدام آموزش و پرورش درآمد". در دبستان حکمت، واقع در کوچه مجتهدها در تبریز، به عنوان آموزگار کلاس پنجم ابتدایی به تدریس پرداختم. حدود ده سال هم در دانشسرای مقدماتی و کالج تربیت معلم که از ابتکارهای مرحوم علی دهقان، مدیرکل شایسته آموزش و پرورش بود، مفتخر شدم ". وی در خردادماه ۱۳۳۴ در رشته فلسفه و علوم تربیتی، با رتبه اول فارغ‌التحصیل و به اخذ دیپلم خاص و مدال فرهنگی آن زمان از شورای عالی آموزش کشور مفتخر نائل آمد.در مهرماه همان سال، تدریس روان‌شناسی در دانشسرای مقدماتی را به عهده گرفت". در آن زمان شرایطی وجود داشت که زمینه‌های فعالیت فراهم بود و برای همین هم من توانستم مجله< معلم امروز >را راه‌اندازی کنم. آقای دهقان، مدیر کل وقت آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی و آقای خانلو، رئیس دانشسرا، به طور کامل از من حمایت می‌کردند. آقای دهقان منشاء خدمات زیادی برای آموزش و پرورش بود و طی ۹ سال، ۸۰ مدرسه ساخت. سال ۱۳۸۱ هم، در تبریز مراسم تجلیلی برای وی برگزار شد ".استاد شعاری نژاد تحصیلات عالی خود را در دانشگاه تهران، در رشته روان‌شناسی آغاز کرد و در سال ۱۳۴۷ به پایان رساند. وی در کنار تحصیلات رسمی و حرفه ای به تحصیلات حوزوی هم پرداخته است.او دروس حوزوی را در تبریز و تهران و تا حدودی در قم خوانده است". یک اتفاق جالب این بود که به واسطه خواهرم با یک خانواده روحانی فامیل شدیم. وقتی وی فوت کرد تمام کتابهایش را به من دادند که خود تشویقی شد که دروس حوزوی را بخوانم. در اداره کل مطالعات که همان دفتر تالیف کتب درسی فعلی است، با شهید باهنر همکار بودیم. من کارشناس تربیت معلم بودم و ایشان کارشناس تعلیمات دینی. یک روز به شهید باهنر گفتم که آیا می‌خواهید بچه‌ها واقعا مسلمان بشوند؟گفت: یعنی چه؟ معلوم است. گفتم: یک راه بیشتر ندارد: تعلیمات دینی را از برنامه درسی حذف کنید. با تعجب گفت: چطوری؟ و توضیح دادم که آموزشهای دینی باید جزء تمامی دروس باشد و نه فقط یک درس مشخص".خاطرات و وقایع تحصیل : علی اکبر شعاری نژاد از دوران تحصیل خود در دواه ابتدایی چنین خاطره ای را بیاد دارد": در دوران تحصیل در مقطع ابتدایی من جایزه‌ای که اداره آموزش و پرورش به جهت کسب رتبه اول به من اهدا کرد، چهار مقاله عروضی بود. این کتاب اکنون در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری زبان و ادبیات فارسی استفاده می‌شود. در پی حمله روس، انگلیس و امریکا به ایران، مدرسه‌ها تعطیل شدند و به همین سبب، چند سالی میان کلاس‌های پنجم و ششم فاصله افتاد. البته، من هم مثل سایر کودکان، از این جریان لذتی کودکانه می‌بردم، به خصوص از این لحاظ که معلم کلاس پنجم ما بسیار سخت‌گیر بود و روزی ندیدم که بدون چوب تعلیم در کلاس حاضر شود! می‌زد و خیلی هم خوب می‌زد ".استاد شعاری نژاد از دوران تعطیلی خود چنین می گوید": دو ماه به مکتب خانه‌ای در مسجد جامع تبریز رفتم که مدیر یا صاحب آن یک روحانی بود و شخصی به نام آقای میرزاعلی اصغر (مغازه‌دار) را معلم ما کرده بود. خودش فقط عصرها هنگام مرخصی می‌آمد، با یک چوب تر و تمیز. به مسائل انضباطی مکتب خردسالان رسیدگی می‌کرد. روزی را به یاد ندارم که چوب نخورده به خانه آمده باشم! همین محبت وجود به ز مهر پدر استاد سبب شد که از مکتب خانه فرار کنم! برای اینکه اخلاقم خراب نشود، به شاگردی یک مغازه زرگری در بازار امیر تبریز مامور شدم، آنجا نتوانستم دوام بیاورم؛ زیرا حتی عطسه کردنم برای صاحب مغازه مساله بود! پدرم در بازار راسته تبریز، مغازه فاستونی فروشی داشت. مرا مامور کرد که میرزای ایشان باشم، و ناچار مدتی را هم به میرزایی پدرم مشغول شدم. پیش از آغاز تحصیل در کلاس ششم ابتدایی، مدتی هم به دستفروشی پرداختم و تجربه‌های رنگارنگی به دست آوردم! به لطف الهی، وضع اقتصادی پدرم خوب شد و کارگاهی پارچه‌بافی با چهارده دستگاه به راه انداخت که مدیریت آن برعهده برادرم بود. مرحوم برادرم بیست سال از من بزرگتر بود و با ادامه تحصیلم مخالفت می‌کرد. حتی با جلب موافقت اجباری پدرم مرا واداشت مثل سایر کارگران در همان کارگاه کار کنم و از تحصیل محروم شوم! حتی حق نداشتم کمتر از یک کارگر با سن بیشتر، کار تحویل بدهم. ای کاش می‌توانستم آن صحنه‌ها را شبیه‌سازی کنم و نشان دهم که در هر صورت، می‌توان یاد گرفت و پیش رفت. تنبلی هم مهارتی است آموختنی "!از دیگر خاطرات علی اکبر شعاری نژاد اشتغال در آموزش و پرورش و تالیف کتاب بود" . در سال ۱۳۳۶ دوره تخصصی تربیت معلم در ایران و در شهر تبریز با نام< کالج تربیت معلم >برای دیپلمه‌ها تاسیس شد و تدریس درسهای روانشناسی رشد، روان‌شناسی یادگیری و ادبیات کودکان، به اضافه روشهای تدریس، به عهده این جانب واگذار شد که در ایران چندان سابقه نداشت. هم‌چنین، این توفیق الهی، نصیب من شد که یادداشت‌های خود را در درسهای مورد اشاره گردآوری کنم و به صورت کتاب درآورم. شاید این جانب اولین نفر باشم که کتابهای< روان‌شناسی رشد<، >روان‌شناسی یادگیری >و <اصول ادبیات کودکان >را در ایران تالیف کرده است. این کتابها با گذشت زمان، پیوسته تجدیدنظر شده‌اند و هنوز هم این کار

ادامه دارد. خوشبختانه در حال حاضر بر شمار این گونه کتابها افزوده شده است. در سال ۱۳۴۴ به درخواست اداره کل مطالعات و برنامه‌های وزارت آموزش و پرورش در تهران، به عنوان< کارشناس تربیت معلم >به اداره کل منتقل شدم؛ البته با کلی مشکلات خانوادگی، ناآشنایی با شهر تهران، نداشتن مسکن و بی‌تجربگی نسبت به کارهای اداری که به شخصیت و فرهنگ خاصی نیاز دارد و معلم با آنها بیگانه است و زمان لازم است تا یاد بگیرد و بسازد"!فعالیتهای ضمن تحصیل : علی اکبر نوجوان در ایام تدریس، به کار خاص دیگری هم اشتغال داشتند که از زبان ایشان چنین می توان گفت: با همکاری صمیمانه و صادقانه مرحوم دکتر حسن محمد خانلو، رئیس دانشسرای مقدماتی پسران، توفیق انجام دو امر مهم تربیتی را یافتم: ۱) تشکیل انجمن دبیران فلسفه و علوم تربیتی تبریز؛۲) انتشار مجله معلم امروز. این مجله تا سال انتقال من به تهران (یعنی مهرماه ۱۳۴۴) چاپ و منتشر شد و مختص معلمان بود.من صاحب امتیاز و سردبیر و مدیر مسئول آن بودم؛ انتشار مجله معلم امروز مهرماه سال ۱۳۳۴ شروع شد و تا ۱۳۴۴ ادامه پیدا کرد. تیراژ مجله چهار هزار نسخه بود و به صورت صحافی شده عرضه می‌شد و کسانی مانند بهرنگی و ساعدی در آن مقاله داشتند. این دوره ده ساله را بهترین ایام زندگی خود می‌پندارم. این مجله هیچ‌گونه درآمد اضافی جز به میزان هزینه نداشت و هر شماره با بهای پنج ریال منتشر می‌شد. محصلان دانشسرای مقدماتی پسران، از بهترین یاران صادق و صمیمی من بودند و در همه مراحل انتشار مجله، مرا کمک می‌کردند. هم دوره ای ها و همکاران : دکتر حسن محمد خانلو، رئیس دانشسرای مقدماتی پسران و دکتر محمدعلی طوسی و دکتر شهید باهنر از همکاران علی اکبر شعاری نژاد بوده اند. علی اکبر شعاری نژاد درباره دکتر طوسی چنین یاد می کند": دکتر محمدعلی طوسی که شهریور سال گذشته مرحوم شد، انسانی بود که برای فرهنگ این کشور بسیار زحمت کشید. وی بسیاری از کتاب‌های مدیریتی را در ایران ترجمه کرده است. اما وقتی از دنیا رفت، کمتر کسی از وی یاد کرد. طوسی مدیرکل مطالعات برنامه بود، من هم در دانشسرا دبیر بودم. به دانشسرا رفت و آمد داشت و برای مجله ما مقاله می‌نوشت. ایشان مرا به عنوان کارشناس تربیت معلم به تهران آورد و من تقاضای انتقال به کسی ندادم. چهار سال با وی همکار بودم. سفرم به ژاپن به دعوت یونسکو به واسطه دکتر طوسی صورت گرفت ". مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی اکبر شعاری نژاد در سال ۱۳۴۷ پس از فارغ التحصیل از دانشگاه تهران ، از مهرماه همان سال برای تدریس در دانشسرای عالی تهران (دانشگاه تربیت معلم امروز) و دانشگاه سپاهیان انقلاب، به صورت پاره‌وقت دعوت شد. در سال ۱۳۵۲ به عنوان استادیار به دانشگاه سپاهیان انقلاب منتقل گردید.وی در نخستین سالهای تاسیس آموزش عالی مکاتبه‌ای (آموزش از راه دور) به مدیریت گروه آموزش ابتدایی انتخاب و در سال ۱۳۵۶ به ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی همین دانشگاه منصوب شد و تا پایان سال تحصیلی ۱۳۵۷ در این سمت باقی ماند.در دانشگاه سپاهیان انقلاب، ضمن مدیریت گروه، به انتشار مجله< جهان اندیشه >موفق شد که چهار شماره از آن انتشار یافت. علی اکبر شعاری نژاد پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تاسیس موفق نظام جمهوری اسلامی و آغاز فعالیت‌های آموزش عالی، در دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی که جانشین چند دانشگاه ادغام شده بود، به تدریس پرداخت. در همین دانشکده، به مدیریت گروه روان‌شناسی تربیتی انتخاب شد.او در سال ۱۳۷۵ به سبب مسافرت به خارج از کشور، به صورت غیابی، بازنشسته شد. پس از مراجعت به کشور، به صورت پاره وقت تدریس خود را در همان دانشکده ادامه داد. ایشان در این خصوص چنین یاد می کند: از خداوند متعال سپاسگزارم که توفیق داده است تا به امروز خواندن، نوشتن، آموزش و معلمی را ادامه دهم و از سه نعمت پرارزش رشد شغلی، پیشرفت علمی و عشق حرفه‌ای بهره‌مند باشم. زندگی سالم و موفق از آن کسانی است که از تغذیه سالم، تحرك سالم و تفریح سالم برخوردار باشند وبپذیرند و باور کنند که کار و تفریح، دو فرایند ضروری و نشاط‌انگیز زندگی سالم هستند و تنبلی و فرار از قبول مسئولیت، شخص را به شکل مجسمه‌ای بی‌روح در می‌آورد که بدون تردید سربار جامعه خواهد شد. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : ۱) تشکیل انجمن دبیران فلسفه و علوم تربیتی تبریز ۲) انتشار مجله معلم امروزسایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علی اکبر شعاری نژاد در کنار فعالیت های آموزشی ،در حال حاضر به فعالیتهای تالیفی نیز می پردازد که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد: تجدیدنظر و تکمیل کتاب< فرهنگ علوم رفتاری >شامل افزودن بیش از هزار اصطلاح روان‌شناسی و آموزشی و پرورشی که تازه توسط ایشان گردآوری شده است ،تجدیدنظر اساسی در کتاب< فلسفه آموزش و پرورش >.و غیره شاگردان : دکتر توفیق ه.سبحانی مدیر انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی که یکی شاگردان استاد علی اکبر شعاری نژاد بودند از وی چنین یاد می کند او همچنین در بیاناتش خاطراتی را هم متذکر می شوند: احتمال می‌دهم اگر بسامد کلمه< معلم >را در نود و دو زندگی نامه پیشین استخراج کنیم، بدون آنکه کوچکترین تردیدی به دل راه دهیم که اکثر نود و دو انسان برجسته و بزرگی که انجمن آثار و مفاخر فرهنگی به ادله گوناگون و از جمله به دلیل معلم بودن و موثر بودن آنان در فرهنگ و کوشش آن گرامیان در تعالی امور فرهنگی در مرز و بوم ایران برای آنان بزرگداشت گرفته است، شاید به اندازه این زندگینامه به کلمه معلم برنخوریم. در میان هجده مقاله مندرج در زندگی‌نامه آقای دکتر علی اکبر شعاری‌نژاد، قریب ده مقاله درباره معلم، آموزش و پرورش، تکنولوژی معلمی و عنوانهایی از این قبیل است و مقالات دیگر هم بی‌ارتباط با عناوین دهگانه نیست. این حسن تصادف از امتیازات استاد گرامی جناب آقای علی‌اکبر شعاری‌نژاد است. اگر در تعریف حرفه معلمی بگوییم که< معلمی عشق است >یا< معلمی انتقال معلوماتی از ذهن (یا مغز) معلم به ذهن (یا مغز) متربی و متعلم است، >...یا< معلمی استعداد خدادادی است، >و یا< معلمی شغل انبیاست، >یا هر تعریف دیگری را پیدا و علاوه کنیم، من که خود قریب چهل سال در کسوت معلمی بودم، هرگاه به کلمه معلم و مصداق آن و شغل معلمی اندیشیده‌ام، سیمای استاد شعاری‌نژاد را در ضمیر خود یافته‌ام. شکر خدا را باید به جای آورم که در طول حیات خود معلمان برجسته‌ای داشته‌ام. معلمی دیگر که همیشه در مخیله من مدلول کلمه معلم را تجسم بخشیده، زنده یاد استاد دکتر علی محمد کاردان بوده، دیگری استاد دکتر محرم آقازاده. در سال ۱۳۳۸ – یا سالی بالاتر و پایین‌تر – در گرمای تابستان در دانشسرای مقدماتی تبریز کلاس‌هایی برای تربیت معلم تشکیل داده بودند، شخصا در آن کلاس‌ها شرکت کرده‌ام و در کلاس درس استاد شعاری‌نژاد حاضر شده‌ام. باور کنید هرگز در سر کلاس ایشان در هرم تابستان، گذشت زمان را احساس نمی‌کردم. صداقت و ایمان به گفته‌ها از بیان آقای شعاری‌نژاد واقعا می‌تراوید. آن زمان در بعضی کارها نوعی افراط و در بعضی کارها هم تفریط بود. همکلاسی‌های مستعد و خوبی

داشتیم. در جریان شعر و نثر معاصر بودیم و می‌کوشیدیم از قافله خیلی عقب نمانیم. صمد بهرنگی همشهری و همدوره ما بود. در کتابفروشی‌ها و باشگاه معلمان که چسبیده به دبیرستان فردوسی در تبریز بود – ظاهرا هنوز هم هست – گاهی در باغ‌های پیکریه در جانب غربی دانشگاه تبریز او را می‌دیدم. هنوز به مرگ نابهنگام او بیش از ده سال باقی بود. تردیدی نیست که او در< کندوکاو در مسائل تربیتی ایران >درباره تعلیم و تربیت و معلم، کودک، زبان قابل فهم برای کودک و مسائلی از آن قبیل به نکته‌هایی دست گذاشته بود که پیش از وی یا کسی توجهی به آن مسائل نداشت، یا اگر داشت خیلی بی‌صدا و آمیخته با سکوت و ولرم بود. یادم می‌آید که در آن زمان بازرسان اداره فرهنگ معمولا کیفی به دست و احیانا کلاه شاپویی بر سر داشتند، دانش‌آموزان نام آنان را نمی‌دانستند و هر وقت مردی کیف به دست و کلاه شاپو بر سر وارد مدرسه می‌شد، به جای< بازرس<، >اریک قیزاردان> می‌گفتند. در قاموس بچه‌ها این کلمه به حشره‌ای گفته می‌شد که به باور آنان در نیمه‌های تابستان روی درخت زردآلو می‌نشست و با جیرجیر خود سبب سرخ شدن نیمه‌ای از چهره زردآلو می‌شد. بازرس با بچه‌ها درست آن کار جیرجیرک را می‌کرد. سئوال دشوار از بچه‌ها می‌پرسید، نمی‌توانستند جوابش را بدهند، از شرم قرمز می‌شدند. بهرنگی در آن کتاب در بخش< بازرس فرهنگی و انواع و اقسام آن >به دقت تمام آن بازرسان را که ما و بچه‌ها دیده بودیم، به تصویر کشیده است. اما انصاف را – وبال دیگر همکلاسها را به گردن نگیریم – من در کلاسهای استاد شعاری‌نژاد حرفهای بسیار جدید، علمی، قابل پذیرفتن و قابل آزمودن می‌شنیدم که از دیگران نشنیده بودم. یکی دو بار به صمد بهرنگی که در بعضی جاها اشاراتی به آقای شعاری‌نژاد داشت، گفتم که به نظر من فلان‌کس و بهمان‌کس را نباید با آقای شعاری‌نژاد در یک ترازو نهاد و یکسان به باد انتقاد گرفت. بهرنگی خود می‌دانست که آقای شعاری‌نژاد با چه مجاهداتی مدارج تحصیلی را طی کرده است. در منزل پدری ایشان، همانند بسیاری از خانواده‌ها، درس خواندن چندان مرسوم و پسندیده نبود. خانواده‌های ضد تحصیل در مدارس جدید کم نبودند. صمد همه این ماجراها را می‌دانست. الان که من این سطرها را می‌نویسم، نیم‌قرن از آن سالها گذشته است، اکنون در ذهن من این مضمون ته‌نشین مانده است که بهرنگی هم برای آقای شعاری‌نژاد جایگاهی دیگر قائل بود و او را با بسیاری از معلمان که واقعا یکی از تعاریف معلمی درباره آنان صادق بود که< معلمی هم حرفه‌ای است مانند حرفه‌های دیگر >نمی‌آمیخت. من از کودکی می‌خواستم معلم شوم و – چنان‌که عرض کردم – قریب چهل سال آن کسوت را به تن داشتم، به احتمال قوی اگر در کلاس‌های تابستانی شرکت نمی‌کردم و آقای شعاری‌نژاد را نمی‌دیدم، شاید در میانه راه شغل دیگری پیدا می‌کردم و معلم نمی‌شدم. مرا آقای شعاری‌نژاد به این راه کشانید. اگر بخواهم براساس ارادت قلم بزنم، مثنوی هفتصد من کاغذ خواهد شد. فقط از انبوه خاطرات دو خاطره کوچک نقل می‌کنم و نوشتن را به پایان می‌برم: آن زمان در تبریز اداره فرهنگ آذربایجان شرقی مدیرکلی به نام آقای دهقان داشت که مردی بلندبالا و خوش سیما بود، سیرت بسیار نیکویی هم داشت. در مدت کوتاه در استان هشتاد مدرسه ساخت. همان آقای دهقان که دوران خدمتش در آذربایجان به پایان رسیده بود، همه فرهنگ دوستان سوگوار شده بودند، او ترفیع پیدا کرده بود و مقرر بود که استاندار گیلان شود. مرحوم شهریار در واقع در رثای تغییر ماموریت دهقان چکامه‌ای به مطلع زیر دارد: جان آذربایجان دنبال دهقان می‌رود دارد از فرهنگ آذربایجان جان می‌رود این مرد خیر و نیکنام که نمی‌دانم در حیاتند یا نه، اگر در حیاتند که خداوند موید و سلامت‌شان دارد و اگر به دیار حق رفته‌اند، خداوند روحش را شاد گرداند، کتابخانه‌ای هم در تبریز ساخته بود به نام کتابخانه ملی تبریز واقع در ضلع شرقی ارک تاج‌الدین علیشاه – وزیر اولجایتو و ابوسعید بهادرخان – یا باغ ملی. بنای رفیع و سنگی داشت، از نظر من که ساختمان بلندتری ندیده بودم، بسیار مجلل بود. آن زمان مرحوم حاج عباسقلی چرندابی روحانی دانشمند و مورخ نامی و بزرگ کتاب‌های خطی خود را به آن کتابخانه داده بود. کتاب‌های مرحوم حاج محمدآقا نخجوانی و حاج حسین آقا نخجوانی به آن کتابخانه اهدا شده بود. مرحوم میرودود یونسی فهرست آنها را تهیه می‌کرد و مرحوم عبدالعلی کارنگ به آنجا رفت و آمد داشت. آن بنا با کمک‌های مردمی سر برآورده بود. من شاید شخصا از پول یومیه خود قریب دو تومان به صندوق کمک‌های کتابخانه ریخته بودم و خود را در بنای آن سهیم می‌دانستم. آن بنا را ویران کردند. روزی به استاد شعاری‌نژاد برخوردم. ایشان همیشه حرف‌های شنیدنی و ناب داشتند و هنوز هم دارند. صحبت بر سر تخریب کتابخانه ملی رسید. گفتند<: وقتی آوار را دیدم، بر سر خاک پدرم رفتم و سر مزار پدرم بر کتابخانه ملی اشک ریختم و عقده دلم را خالی کردم>. روزی می‌گفتند<: فردی برای مشورت پیش من آمد و گفت: آقای شعاری‌نژاد! چون شما به خیلی از مسائل وقوف دارید، می‌خواهم با شما مشورت کنم. گفتم: اگر راه خطا و صواب را تشخیص دهم، از ابراز آن دریغ نخواهم کرد. گفت: می‌دانید من منزل کوچکی دارم، می‌خواهم آن را بفروشم و بروم دکتری بگیرم. نظر شما در این مورد راهگشای من خواهد بود. من تاملی کردم و گفتم‌من در این مورد به صراحت نظری ندارم، اما دیده‌ام و می‌بینم افرادی که رفته‌اند یا می‌روند دکتری بگیرند، برآنند که برگردند و مثل شما منزلی کوچک برای خود دست و پاکنند. شما حی و حاضر منزل کوچک خود را می‌خواهید بفروشید، دکتری بگیرید که چه بکنید >؟صمد بهرنگی یکی دیگر از دانشجویان استادشعاری نژاد بودند وی از صمد بهرنگی چنین خاطره ای بیاد دارد": من وقتی در سال ۱۳۳۴ وارد دانشسرا شدم صمد بهرنگی سال دومی بود و قبل از من مرحوم صبا روان‌شناسی تدریس می‌کرد. اولین کار من تبدیل کتابهای دیویی به کتاب‌های درسی بود که فکر می‌کنم در تغییرات فکری بهرنگی هم موثر بودند. بهرنگی یک سال شاگرد من بود و در مجله هم همکاری می‌کرد. در کتاب< کندوکاوی در تربیت >اسمی از من برده است و گفته که: کتاب‌ها را خوانده و کتاب نوشته است؛ در حالی که توجه نداشت که علم به یکباره خلق نمی‌شود و استفاده از تجارب دیگران هم لازم است ". آرا و گرایشهای خاص : به نوشته شخص جناب شعاری‌نژاد<: فرایند< تعریف (>معرفی کردن) به ویژه <تعریف جامع و مانع >تقریبا در همه علوم و معارف، بسیار دشوار و حتی گاهی غیرممکن است. به همین سبب برخی از دانشمندان براین باورند که خود را به< تعریف >مقید نکنند؛ و در علوم به اصطلاح انسانی< تعریف >را به عهده خود خوانندگان بگذارند >....علی اکبر شعاری نژاد در مورد ضعف معلمان در نوشتن و بیان تجربیات‌شان را چنین بیان می کند: "تلاش می کنم آنچه را می‌فهمم، بنویسم. من بر روی واژه< برداشت >تاکید دارم و به همه نویسندگان یا ویراستاران توصیه می‌کنم که مطلب را طوری تنظیم کنند که خواننده هم به راحتی بفهمد. من ممکن است از نظر خودم مطالب خوبی بنویسم؛ ولی

نوشتن من ضمانت اجرایی ندارد و خوانند باید بفهمد که منظور نویسنده چه بوده است. الان هم در کلاسها و به‌خصوص امتحانات، یکی از بزرگ‌ترین مشکلات من این است که به نوشته دانشجو نمره می‌دهم؛ اما او می‌آید و به کم بودن نمره‌ای اعتراض می‌کند. می‌گوید من منظورم این بود، جواب می‌دهم که من منظور شما را از کجا بدانم؟ من به نوشته و برداشتی که از آن می کنم، نمره می‌دهم. به تازگی به این نتیجه رسیده‌ام که معلمان ما هم در سه مورد ضعف دارند: اول: روش کار (متدلوژی). مدتی پیش در یکی از مناطق تهران برای دبیران فیزیک و ریاضی کارگاه آموزشی اجرا می‌کردم. از حجم کتابها و زمان کم برای تدریس شکایت داشتند؛ اینکه نمی‌رسند کتاب را تمام کنند. گفتم شما روش تدریس علم را با روش تدریس کتاب اشتباه نگیرید. اگر با روش تدریس کتاب آشنا باشید، نه تنها حجم کتاب زیاد نیست، بلکه کم است، اما نه اینکه همه آنچه را در کتاب است، دوباره بیان کنند. دوم: تحلیل موضوع. معلمها در حلاجی و تحلیل موضوع مطالب درسی مشکل دارند. به عنوان مثال معلم ادبیات می‌خواهد شعر را به فارسی روان ترجمه کند، اما مشکل بچه‌ها را چند برابر می‌کند! چرا؟ چون نمی‌تواند شعر را تحلیل کند. سوم: تبیین. چرا این موضوع چنین است؟ هدف آن چیست؟ چه چیز را می‌خواهد بیان کند؟ هدف نهایی هر معلم تغییر رفتار دانش‌آموز است، چون معلم در سه نکته یاد شده مشکل دارد و نمی‌تواند بنویسد ".علی اکبر شعاری نژاد در باره نحوه انتخاب موضوع کتابهایش چنین بیان می کند": می‌دانید که من ماشین ندارم و اهل اتوبوس هستم. اعتقاد هم دارم که هرکس گفت من کتاب خواندم و روان‌شناسی یاد گرفتم، چیزی یاد گرفته است؛ ولی روان‌شناسی نیست! به عنوان مثال می گویند تئوری فراشناخت؛ در حالی که فراشناخت تئوری نیست. این موضوع از قبل هم بوده؛ ولی الان بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. یا در حال حاضر از< هوش هیجانی <صحبت می‌شود. آنهایی که کتابی فکر می‌کنند، از دانیای واقعی فاصله دارند. من به دانشجویانم توصیه می‌کنم که هرچه در روان‌شناسی به شما می‌گویم اول به خودتان مراجعه کنید، ببینید آیا موضوع در مورد شما صادق است یا نه؟ اگر صادق نبود، یا من غلط گفته‌ام یا این موضوع نبوده است. منشاء علم خود انسان است. روان‌شناسان هم رفتار انسانها را مطالعه کرده و بعد قوانین رفتار را کشف می‌کنند و اینها را می‌نویسند. هوش هیجانی هم موضوع تازه‌ای نیست؛ ولی حالا بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. به این ترتیب، آنچه که در زندگی مردم جریان دارد، مهم است و من هم موضوعهای کتابهایم را از زندگی مردم پیدا می‌کنم". جوائز و نشانها : به مناسبت گذشت بیش از هشتاد سال از عمر پربار و برکت استاد گرانمایه و مدیر مدبر و محقق توانمند جناب آقای دکتر علی اکبر شعاری نژاد، و به پاس بیش از شصت سال تدریس و تحقیق و ارشاد فرزندان این کشور، مجلس بزرگداشتی در روز یکشنبه، دهم شهریور ماه ۱۳۸۷ در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار گردید و از خدمات شایان و صفات برجسته ایشان تقدیر به عمل آمد.ایشان همچنین در کارنامه افتخارات خود استاد ممتازی دانشگاه تربیت معلم و استاد و پژوهشگر نمونه دانشگاه علامه طباطبایی را دارد.چگونگی عرضه آثار : علی اکبر شعاری نژاد تاکنون ۴۳ کتاب با موضوعات روان شناسی رشد، روان شناسی یادگیری، اصول ادبیات کودکان و فلسفه آموزش وپرورش به چاپ رسانده است و ۳ کتاب دیگر در دست چاپ دارد.آثار : ادبیات کودکان ویژگی اثر : (چاپ بیست و ششم، انتشارات اطلاعات)۲ بهداشت روانی خانواده، با همکاری مرحوم دانش دوست ویژگی اثر : انتشارات فرانکلین سابق۳ درآمدی به روان شناسی انسان ویژگی اثر : انتشارات آزاده۴ روان شناسی اجتماعی ویژگی اثر : آماده برای چاپ۵ روان شناسی پرورش کودک ویژگی اثر : ضمیمه مجله معلم امروز۶ روان شناسی درسی ویژگی اثر : دانشگاه ابوریحان بیرونی سابق۷ روان شناسی رشد ویژگی اثر : (چاپ هفدهم) .۱۳۸۵ ۸ روان شناسی رشد ویژگی اثر : وزارت آموزش و پرورش۹ روان شناسی رشد بزرگسالان ویژگی اثر : انتشارات آزاد/مشهد۱۰ روان شناسی رشد و یادگیری ویژگی اثر : وزارت آموزش و پرورش۱۱ روان شناسی رشد/۱ ویژگی اثر : دانشگاه پیام نور۱۲ روان شناسی رشد/۲ ویژگی اثر : دانشگاه پیام نور۱۳ روان شناسی عمومی ویژگی اثر : دانشگاه سپاهیان انقلاب سابق۱۴ روان شناسی کودک ویژگی اثر : آماده برای چاپ۱۵ روان شناسی نوجوان ویژگی اثر : انتشارات فاخر۱۶ روان شناسی نوجوانی ویژگی اثر : وزارت آموزش و پرورش۱۷ روان شناسی یادگیری و تربیتی ۱ و ۲ ویژگی اثر : وزارت آموزش و پرورش۱۸ روان شناسی یادگیری و کاربرد آن در آموزش ویژگی اثر : (انتشارات توس)۱۹ روانش شناسی عمومی ویژگی اثر : انتشارات توس۲۰ روانش شناسی عمومی ۱ و ۲ ویژگی اثر : وزارت آموزش و پرورش۲۱ فرهنگ اصطلاحات روان شناسی و جامعه‌شناسی و آموزش و پرورش/ توصیفی ویژگی اثر : انتشارات حقیقت تبریز۲۲ فرهنگ علوم رفتاری ویژگی اثر : (چاپ دوم ۱۳۷۵، انتشارات امیرکبیر، در حال تجدید نظر)۲۳ فرهنگ و آموزش و پرورش ویژگی اثر : وزارت ارشاد/در دست انتشار۲۴ فلسفه آموزش و پرورش ویژگی اثر : وزارت آموزش و پرورش۲۵ فلسفه آموزش و پرورش ویژگی اثر : چاپ هشتم، انتشارات امیرکبیر۲۶ فلسفه پراگماتیسم ویژگی اثر : ضمیمه مجله معلم امروز۲۷ گزارش پیشرفت دانش آموزان ویژگی اثر : [ترجمه] (دانشسرای عالی سابق)۲۸ مباحثی از روان شناسی و آموزش و پرورش ویژگی اثر : وزارت آموزش و پرورش۲۹ مبانی روان شناختی تربیت ویژگی اثر : چاپ سوم، ۱۳۷۵، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی۳۰ نظریه‌های انگیزش در آموزش و پرورش ویژگی اثر : نشرنی۳۱ نظریه‌های رشد و تکامل انسان ویژگی اثر : آستان قدس رضوی۳۲ نقش آموزش و پرورش در فرهنگ عمومی، نقش فعالیتهای فوق برنامه در تربیت نوجوانان ویژگی اثر : (چاپ یازدهم، ۱۳۸۵، انتشارات اطلاعات)۳۴ نگاه نو به روان شناسی آموختن، ۲ جلدی ویژگی اثر : انتشارات چاپخش۳۵ نگاه نو به روان شناسی انسان سالم یا سیری کوتاه در شخصیت انسان ویژگی اثر : اطلاعات، ۱۳۸۵

شعاع جهرمی، فرج‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۸ –۱۲۵۱ ش)، شاعر و مدرس، متخلص به شعاع و شعاعی. پس از رسیدن به سن رشد علوم قدیمه و ادبیات فارسی و عربی را

آموخت و در مدارس جدید جهرم مشغول تدریس شد. یکبار به مکه معظمه و دو بار به مشهد رضا رفت. در سرودن شعر توانا بود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۶۷ -۲۶۶ /۳).

شعاع‌الملک شیرازی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۹/۱۲۷۶ ق- ۱۳۲۴/۱۳۲۳ ش)، ادیب، مولف و شاعر، متخلص به شعاع. ملقب به شعاع‌الملک. در شیراز متولد شد. پس از پایان تحصیلات متداوله‌ی زمان به سرودن شعر پرداخت. در قصیده‌سرایی و ماده تاریخ و مطایبه و هجا توانا بود وی با فرصت‌الدوله و شوریده‌ی شیرازی جواد کمپانی و میرزا حسین مشیری همعصر بود و در مدت زندگانی به گردآوری کتب خطی دلبستگی شایانی داشت و از خود کتابخانه‌ی بسیار نادری بر جای گذارد. در شیراز وفات یافت. علامه قزوینی سال تولد وی را به اشتباه ۱۲۷۶ ق آورده است. از آثارش: «تذکره‌ی شعاعیه»، «تذکره شکرستان فارس»؛ «اشعه‌ی شعاعیه»؛ «دیوان» اشعار نزدیک به سی هزار بیت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۵۹)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۲۶۴ -۲۵۵ /۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۸۵ -۲۶۸ /۳)، الذریعه (۵۲۶/۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۱۸/۴)، سخنوران نامی (۳۱۳ -۲۹۸ /۲)، سخنوران نامی معاصر (۱۹۴۷ -۱۹۴۲ /۳)، شرح حال رجال (۲۳۳ -۲۳۲ /۶)، فرهنگ سخنوران (۵۰۴)، مؤلفین کتب چاپی (۷۶۲ -۷۶۱ /۲)، مرآت الفصاحه (۳۰۵ -۳۰۰)، یادداشتهای قزوینی (۱۹۵ -۱۹۴ /۸)، یادگار (س ۵، ش ۶ و ۷، ص ۵۵، س ۵، ش ۳، ص ۵۳ -۵۲).

شعاعی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از خوشنویسان گمنام است. به خط وی قطعه‌ای است که به قلم چهار دانگ خوش نوشته شده و رقم «راقمه شعاعی» دارد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۰۹/۲).

شعرانی تهرانی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۳ -۱۳۲۰ ق)، عالم دینی، مدرس و فقیه. پس از فراگیری مقدمات در مدرسه‌ی خان مروی، به یادگیری معانی و بیان و فقه و اصول و منطق و کلام و حکمت پرداخت. به علاوه در تکمیل ریاضیات قدیم و زیج و طب کلیات «قانون» کوشید. فقه و اصول را از اساتیدی همچون آقا شیخ بزرگ ساوجی و علوم عقلی را از میرزا محمود قمی، شاگرد میرزا ابوالحسن جلوه، و شیخ محمدرضا قمشه‌ای و میزا طاهر تنکابنی و میرزا علی‌اکبر یزدی فراگرفت. در ۱۳۴۶ ق که پدرش درگذشت به نجف رفت و رجال و حدیث را از محدث رجالی سید ابوتراب خوانساری فراگرفت و از دیگر اساتید نیز بهره‌ها برد. سپس به وطن بازگشت و در منزل خویش به تدریس علوم و فنون و ترجمه و تالیف پرداخت. وی در مسجد جدش ملا ابوالحسن، معروف به مسجد حوض تهران، اقامه جماعت می‌کرد. او به زبان عبری، فرانسه و عربی تسلط کامل داشت. شاگردان بزرگی را تربیت کرد که از آن جمله می‌توان به حجهٔالاسلام حسن‌زاده‌ی آملی اشاره کرد. وی در یکی از شهرهای آلمان بر اثر عارضه‌ی قلبی درگذشت و در حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد. از آثار: تعلیقات بر «تفسیر» ابوالفتوح رازی در دوازده جلد؛ تعلیقات بر تفسیر «مجمع البیان» طبرسی، در ده جلد؛ تعلیقات بر «وافی» فیض کاشانی، در سه جلد؛ تعلیقات بر «وسائل الشیعه» شیخ حر عاملی؛ تعلیقات و ترجمه‌ی «تبصره» علامه، در دو جلد؛ تعلیقات بر «شرح اصول کافی» ملا صالح مازندرانی، در دوازده جلد؛ «لغات القرآن»؛ «راه سعادت»، در اثبات خدا و بحث نبوت و ولایت و معاد؛ «ندای عدالت»، ترجمه «الامام علی (ع)» جرج جرداق؛ تعلیقات بر «تفسیر صافی»، در دو جلد؛ تعلیقات بر تفسیر کبیر «منهج الصادقین»، در ده جلد؛ تعلیقات بر «اسرار الحکم» حکیم سبزواری؛ ترجمه و شرح «تجرید الاحکام» خواجه نصیرالدین طوسی؛ حاشیه «ارشاد القلوب» دیلمی؛ «فلسفه اولی و ما بعد الطبیعه»؛ ترجمه «صحیفه کامله»؛ «دمع السجوم»، ترجمه «نفس المهموم» محدث قمی.[۱]

قدوه العلماء المتتبعین و حجهٔالاسلام والمسلمین علامه الاستاذ حاج میرزا ابوالحسن بن العالم الکامل الشیخ محمد بن علم العلام ملا غلامحسین بن العالم الجلیل ملا ابوالحسن تهرانی از علماء بزرگوار و مدرسین عالی مقدار معاصر تهرانست و شرح احوال پدران روحانی وی در نامه دانشوران و کتاب مآثر و آثار و غیر آنها مذکور است.

وی در حدود سال ۱۳۲۰ قمری چشم بجهان گشوده و جد مادری وی عالم بزرگوار آقا محمد ابراهیم نواب صاحب (فیض‌الدموع)

و ترجمه نامه مالک اشتر و منشآت دیگر معروف بفصاحت و عـذوبت انشاء بوده و در کتابت یـد بیضا می‌نموده است. مترجم معظم ما اسـتاد شـعرائی در مهـد علم و فضائل پرورش یافته و پس از تعلیم خط و املاء و مقـدمات در مدرسه خان مروی که مجمع فضائل بوده بدرس کتب معمول معانی بیان و فقه و اصول و منطق و کلام و حکمت پرداخته و هم تکمیل ریاضیات قدیم و زیج و مقداری از طب و کلیـات قـانون نمـوده و فقه و اصـول را از اساتیـد مختلـف بخصـوص مرحوم آقـا شـیخ بزرگ سـاوجی و در علوم عقلیه از مرحوم میرزا محمود قمی که شـاگرد میرزا ابوالحسن جلوه و عـارف کامـل آقـا شـیخ محمـد رضـا قمشه‌ای و میرزا طـاهر تنکـابنی و مرحـوم میرزا علی اکـبر یزدی (در قم) اسـتفاده نموده و در سـال ۱۳۴۶ قمری که والـدش برحمت ایزدی پیوست مهـاجرت به نجف اشرف نموده و رجال و حدیث را از مرحوم محدث رجالی حاج سید ابوتراب خونساری فراگرفته و از محضر اساتید دیگر نیز بهره‌ها برده و بوطن مراجعت و از وضع اجتمـاع بانـدازه‌ای نـاراحت گردیـده که تصـمیم به انزوا و ترک معاشـرت با مردم گرفته و در منزل بتدریس علوم و فنون مختلف و تألیف و ترجمه کتب مفیده احادیث و اخبار و تفاسیر قرآن اشـتغال داشـته و در مسـجد جد خویش مرحوم ملا ابوالحسن معروف به مسجد حوض واقع در خیابان سیروس نزدیک چهار راه سیروس اقامه جماعت می‌نمود.

نگارنده گوید علامه شعرائی دانشمندی بسیار متواضع و بی‌آلایش و وارسته از صفات رذیله و آراسته بفضل و تقوا و متانت روش و مناعت طبع بود.

آثار این مرد بزرگوار از تراجم کتب دینی و تفاسیر بسیار است و در کتب چندی مانند وسائل‌الشیعه و تفسیر منهج و ابوالفتوح رازی و غیره تعلیقات ارزنده‌ای دارد که ذیلا می‌نگارم.

۱- تعلیقات بر تفسیر ابوالفتوح رازی در ۱۲ جلد.

۲- تعلیقات بر تفسیر مجمع‌البیان شیخ طبرسی در ۱۰ جلد.

۳- تعلیقات بر وافی شریف محدث فیض در ۳ جلد.

۴- تعلیقات بر وسائل الشیعه شیخ حر عاملی.

۵- تعلیقات و ترجمه تبصره علامه در فقه فارسی در دو جلد.

۶- تعلیقات بر شرح اصول کافی ملا صالح مازندرانی در ۱۲ جلد.

۷- لغـات القرآن که از باب الف تا باب ظاء چاپ شـده و در موضوع خود کم‌نظیر است. (دنباله آن تا حرف ی تکمیل و تحت طبع است).

۸- راه سعادت در اثبات خدا و بحث نبوت و ولایت و معاد.

۹- ترجمه الامام علی جرج جرداق.

۱۰- تعلیقات بر تفسیر صافی در ۲ جلد.

۱۱- تعلیقات بر تفسیر کبیر منهج‌الصادقین در ۱۰ جلد.

۱۲- تعلیقات بر اسرار الحکم حکیم سبزواری.

۱۳- ترجمه و شرح تجرید الاحکام شیخ نصیرالدین طوسی.

و ده ها تعلیقات و حواشی بر کتب مفیده علمی دیگر.

نگارنده گوید علامه شـعرائی از نوادر دانشـمندان معاصـر ما بودند که در کمال بی‌آلایشـی و ساده‌گی زندگی کرده و با موقعیتهای حساسـی که برای او پیش می‌آمد دست خود را آلوده بزخارف دنیوی و مادی ننموده و همواره بتألیف و نوشـتن تعلیقات و حواشـی بر کتب علمی و حـدیثی و تفسیری و غیره و تدریس علوم مختلف اشـتغال داشت و مدتی در شورای عالی فرهنگ و ناظر شـرعیات در وزارت فرهنـگ بوده و در مواقع حسـاس از وجود ایشان در دادگستری و اوقاف دعوت بعمل آمـده و از ایشان در موارد مشـکله نظر می‌خواستند.

وی بزبـان عـبری فرانسه و عربی تسـلط و احـاطه کـاملی داشت و در علـوم متنـوع اسـتاد و علامه بود و در علم هیئت و نجوم و زیج مهـارت تـامی داشت و شـاگردان برجسـته‌ای تربیت نمود که بعضـی از آنـانماننـد جنـاب حجهٔ‌الاسـلام فخر الاماثل و الاعلام آقای نجم‌الدین حسن‌زاده آملی از فضلاء مبرز قم و دارای تقویم نجومی بوده و بعضی از اساتید دانشگاه می‌باشند.

در روزهای پنجشـنبه و جمعه هر هفته چندی از فضـلاء قم برای فراگرفتن علوم متنوع روز از قم به تهران آمده و از محضر این استاد بزرگوار استفاده می‌کردند.

معظم له در شب یکشـنبه هشتم ماه شوال‌المکرم ۱۳۹۳ قمری در اثر کسالت قلبی در آلمان بـدرود حیات گفته و هزاران دانشـمند و مردم مطلع تهران و قم را در سوگ و داغ خود مبتلاـ و داغـدار نموده و سه روز بعـد جنازه حمل به تهران و از مسـجدش با تجلیل و تشییع باشـکوهی منتقل بری و در جوار حضـرت سـید الکریم عبدالعظیم حسـنی علیه‌السـلام در مقبره خسـرو خانی (مقبره زمردیان) مدفون گردید خدایش رحمت کند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۲۳۹/۲)، الذریعه (۶۳/۱۰)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۹۳ -۴۹۱ /۴، ۴۰/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۵۵ -۱۵۴ /۱).

شعرباف کاشانی، باقر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از اهالی کاشان بود. چند دستگاه شعربافی داشت و از آن رهگذر امرار معاش می‌کرد. او کمک به دردمندان می‌کرد و با اهل کمال پیوسته مربوط بود. وی در خیرات و مبرات سعی می‌کرد، چنانکه آب‌انباری در محله پشت مشهد کاشان ساخت و اکثر مردم کاشان از آن برکه با برکت فیض می‌بردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۳۸)، الذریعه (۱۲۲/۹).

شعری اصفهانی، طاهر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۷۵/۱۲۷۰ -۱۲۲۴ ق)، ادیب، مولف و شاعر، متخلص به شرعی. ملقب به دیباچه نگار. از اولاد شیخ زاهد گیلانی بود. در اصفهان به دنیا آمد. پدرانش در اصفهان جزو مشایخ و قضات آن شهر بوده‌اند. در جوانی به همراه شیخ صالح برادرش به تهران رفت و در مدرسه‌ی دارالشفا به تصحیل ادب مشغول شد و در زمره‌ی ادبا و شعرا درآمد. او کتابی به نام «گنج شایان» به اشاره‌ی اعتضادالسلطنه به نام میرزا آقا خان نوری صدر اعظم تالیف کرد و ملقب به دیباچه نگار گردید. جلد اول این کتاب به سال ۱۲۷۳ ق به اتمام رسید. برخی منابع وفات وی را ۱۲۷۰ ق آورده‌اند که با سال تالیف کتابش مغایرت دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۷۷ -۷۳ /۲)، حدیقه الشعراء (۸۴۷ -۸۴۲ /۲)، الذریعه (۲۳۸/۱۸ ،۵۲۷/۹)، ریحانه (۲۲۵/۳)، شرح حال رجال (۱۲۸/۵ ،۱۸۶/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۷۹/۱۳)، فرهنگ سخنوران (۵۰۵)، گنج شایگان (۵۷۸ - ۵۶۶)، المآثر و الآثار (۲۰۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۵ -۵۸۴ /۳)، مجمع الفصحا (۵۳۳ -۵۳۲ /۵)، مکارم الآثار (۷۸۰ -۷۷۹ /۳)، یادگار (س ۲، ش ۱، ص ۵۹، س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۱۴۷).

شعری شیرازی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۷ ق)، شاعر. برادرش میرزا احمد نقیب، به او نسبت جنون داده بود، اما وی در سال ۱۲۹۳ ق به تهران آمد و به بسیاری از مجالس راه یافت، اشعار بسیار خوب به نام خود خواند و بدان سبب رفع اتهام از خود نمود. در شیراز درگذشت و دارالسلم دفن شد. او شعر می‌گفت و ظاهرا قصه‌گویی نیز می‌کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۵۹)، حدیقه الشعراء (۸۴۹ -۸۴۸ /۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۸۶/۳)، الذریعه (۵۲۷/۹)، مرآت الفصاحه (۳۰۷ -۳۰۶).

شعری شیرازی، محمد

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. نام این شاعر را نیز تنها مولوی محمد مظفر حسین صبا در کتاب خود آورده است و نوشته: «شعری: ملا ملک شیرازی، شیوه‌ی ابکار افکارش دلنوازی است».از اشعار وی:

چو شمع سوختم از آتش نهانی خویش

ولیک شکوه ندارم ز بی زبانی خویش

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۲۱)، فرهنگ سخنوران (۵۰۵)، مرآت الفصاحه (۳۰۷).

شعری یزدی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی برادرزاده‌ی عبدالرضا خان یزدی بود. چندی در خدمت شاهزاده محمدولی میرزا حکمران یزد مداحی می‌نمود و لقب ملک‌الشعراء از او دریافت داشت. از اوست:

زمانه یافت دگر خرمی ز باد بهار

جهان پیر جوانی گزید دیگر بار

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره سخنوران یزد (۱۷۰ -۱۶۹)، حدیقه الشعراء (۸۵۰ -۸۴۹ /۲)، الذریعه (۵۲۷/۹)، مجمع الفصحا (۵۳۷/۵).

شعف قمی، عبداللّٰه

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. اصلش از دیار قم بود. با کفش‌دوزی امرار معاش می‌کرد. طبع بسیار خوشی داشت. از اشعار اوست:

به وصل یار رساندی مرا و حیرانم

که این به کار تو ای آسمان نمی‌ماند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۲۷/۹)، سفینه المحمود (۴۹۱ -۴۹۰ /۲)، فرهنگ سخنوران (۵۰۵).

شعله اصفهانی، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۶۰ ق)، شاعر، طبیب، حاکم. وی از شاعران دوره‌ی اول بازگشت ادبی بود که به همراهی رفیق اصفهانی، مشتاق، عاشق، آذر، صباحی و هاتف از تتبع سبک هندی چشم پوشیده و از شیوه‌ی قدما پیروی نموده. در شعر بیشتر به قصیده‌گویی متمایل بود وی به طبابت اشتغال داشت. از آثارش: «دیوان» شعر. بعضی تذکره‌ها به اشتباه احوال او را با شعله گلپایگاتی درهم آمیخته‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۸۶/۴)، تاریخ ادبیات ایران در دوره‌ی بازگشت (۳۶۹، ۳۲۰ /۲)، الذریعه (۵۲۸ -۵۲۷ /۹)، ریحانه (۲۲۵/۳)، سفینه المحمود (۴۸۳ -۴۸۱ /۲)، لغت نامه (ذیل/ شعله)، نگارستان دارا (۲۱۳ -۲۱۱ /۱).

شعله شیرازی، اغورلو

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. برادرانش در عصر شاه صفی او را کور کردند. وی به اکثر کمالات دست یافته و نظم و شعرش لطیف بود. با صاحب «تذکره‌ی نصرآبادی» دیدار داشته و صاحب تذکره وی را ستوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۶۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۵)، الذریعه (۵۲۸، ۸۳ /۹)، صبح گلشن (۲۲۴)، فرهنگ سخنوران (۵۰۶ -۵۰۵).

شعله نیریزی، محمدجعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۶/۱۳۱۵ ق)، شاعر، متخلص به شعله. در نیریز متولد شد و در آنجا اقامت داشت. گاهگاهی به شیراز می‌آمد. به علت ازدواج با دختر سید یحیی کشفی دارابی معروف به وحید، نایب میرزا علی محمد باب، چندی تکفیر و متهم به بابیگری شد. با آنکه از بینایی یک چشم بیشتر بهره نداشت. دارای دیدی قوی و در تیراندازی و خطاطی و حسابداری ممتاز بود و به همین جهت، مدتی مباشرت دیوان را داشت. در نیریز درگذشت و در مصلای معروف به امامزادگان در شهرستان نیریز دفن شد. شعله، مثنویی دارد به نام «خسرو و شیرین» که به معتمدالدوله فرهاد میرزا اهدا کرده و انعام گرفته است. این کتاب در بمبئی نیز به چاپ رسیده است. صاحب «الذریعه» نسبت وی را تبریزی می‌آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۸۹ -۲۸۶ /۳)، الذریعه (۵۲۸/۹)، مؤلفین کتب چاپی (۳۲۲/۲)، مرآت الفصاحه (۳۰۹ -۳۰۷).

شعوری بخارایی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۰ ق) شاعر. وی از معاشـران سـید بهاءالدین حسن نثاری بخاری بوده و در سفری که به مرو داشت بیمار شد و از دنیا رفت. وی در غزل زبردست و توانا بود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۲۹)، فرهنگ سخنوران (۵۰۶).

شعوری تبریزی، مهدی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به شعوری. در فن سیاق بهره کافی داشت و طبعش خالی از نمک نیست. از اشعار اوست:

مرا ز خانه برون هر دم آرزوی تو آرد

گرفته شوق گریبان من به سوی تو آرد

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۱۹۹)، الذریعه (۵۲۸/۹)، سخنوران آذربایجان (۴۴۰).

شعوری کاشانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از شاگردان محتشم کاشانی بود و از مـداحان اعتمادالدوله وزیر شاه عباس. وی در تاریخ و غزل توانا بود و از او حدود شش هزار بیت به جا مانده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۵۲)، تذکره‌ی روز روشن (۴۲۴)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۹۶ -۲۹۵)، الذریعه (۵۲۸/۹)، ریحانه (۲۲۶/۳)، صبح گلشن (۲۲۴)، فرهنگ سخنوران (۵۰۶).

شعوری مشهدی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. شاعری خوب بود اما اشعارش مدون نشده است. وی معاصر نصرآبادی بود. از اشعار اوست:

بی تو چو خون‌فشان کنم روز وداع دیده را

شربت واپسین دهم جان به لب رسیده را

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۵۱۸/۵)، تذکره‌ی نصـرآبادی (۲۹۵)، الذریعه (۵۲۹ -۵۲۸ /۹)، ریحانه (۲۲۶ -۲۲۵ /۳)، فرهنگ سخنوران (۵۰۶)، مطلع الشمس (۴۳۵/۲)، نشتر عشق (۸۰۲/۳).

شعوری نیشابوری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اهل نیشابور بود و اغلب در مشهد اقامت داشت. صاحب سلیقه و خوش طبع بود. از اشعار اوست:

آرزوی ما جمال خوبرویی بیش نیست

قسمت ما از جمالش آرزویی بیش نیست

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منـابع زنـدگینامه :تـذکره‌ی روز روشن (۴۲۴)، فرهنگ سـخنوران (۵۰۶)، مجمـع الخواص (۲۶۹)، مخزن الغرائـب (۹۴۷/۲)، مطلع الشمس (۱۸۱/۳).

شعوری هروی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر و خطاط. اجدادش در هرات اقامت داشتند. و خود در کابل زندگی می‌کرد. به زیارت حرمین شریفین، به حجاز و حج رفت. در زمان اکبرشاه به هندوستان مسافرت کرد و در حوالی کالپی اقامت کرد. در شاعری دارای طبعی لطیف بود و مضامین رنگین را به قید الفاظ شیرین می‌آورد. دارای مثنوی «شیر و شکر» یا «قند و شکر» بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۲۹/۹)، صبح گلشن (۲۲۵ –۲۲۴)، فرهنگ سخنوران (۵۰۶)، کاروان هند (۶۳۷ –۶۳۵)، منظومه‌های فارسی (۳۳۶).

شغال معمایی، علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از شاعران معاصر صاحب «تذکره‌ی نصرآبادی» است که در فن معما بسیار مهارت داشت و نسبت معمای وی به همین سبب است از اشعار اوست:

مهر بتان بر دل و جانم فزود

تا دو رخ ساده مکرر نمود

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۵۰۵ –۵۰۴)، الذریعه (۵۲۹/۹).

شفا، فرج‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۳ ش)، مدرس، پزشک و نویسنده. تحصیلات متوسطه را در اصفهان و تحصیلات پزشکی را در دانشکده‌ی پزشکی تهران به سال ۱۳۱۷ ش به پایان رسانید پایان‌نامه‌ی خود را درباره‌ی اهمیت ویتامین ث در ارتش نوشت بعدها عهده‌دار مشاغلی از قبیل دستیار آزمایشگاه میکروبشناسی، دانشیار کرسی میکربشناسی، شد. در سال ۱۳۲۷ ش به انگلستان مسافرت نمود و پس از مدت دو سال توقف موفق به اخذ دیپلم تخصصی در میکروبشناسی و گواهی‌نامه در بیماریهای کودکان گردید. از آثار وی: «باکتریها»؛ «میکروبشناسی عملی»؛ «ویروسها».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۸۰۵ –۸۰۴/ ۴).

شفایی اصفهانی، شرف‌الدین، حسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۳۷ –۹۶۶ ق)، طبیب و شاعر، متخلص به شفایی. از عالمان و پزشکان مشهور زمان خود در اصفهان بود و نزد خاص و عام و نیز در دستگاه سلطنت و حکومت حرمت بسیار داشت. وی پزشکی را از پدر خویش برادرش حکیم نصیرا فراگرفت و بر مسجد جامع اصفهان پزشک خانه داشت. در شعر نیز طبعش در کمال استغنا بود و در هیچ زمانی شاعری به آن اعتبار و غنای طبع نبود. وی به جز پزشکی حکمت نظری را هم فراگرفت. معاصر محمدباقر داماد و تقی‌الدین اوحدی بود. توانانیش در هجو زبانزد همه‌ی معاصرانش است. «کلیات» آثار شفایی در حدود پانزده هزار بیت است شامل: قصیده، غزل، ترکیب، ترجیع، قطعه، رباعی، شعر آشوب و چهار مثنوی شامل: «دیده‌ی بیدار»، «مهر و محبت»، «نمکدان حقیقت»، «مجمع البحرین» دارد. «دیوان» غزلهای او را در حدود پنج هزار و پانصد بیت می‌دانند.[۱]

(حکیم) شرف‌الدین حسن طبیب و شاعر (ف. ۱۰۳۸ ه.ق./ ۱۶۲۷ م.). وی طبیب خاص و ندیم شاه عباس اول بود. علاوه بر غزلیات و هجویات یک مثنوی از او باقی است موسوم به «نمکدان حقیقت» به تقلید حدیقة‌الحقیقه سنائی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۹۵۴ –۹۵۰ /۳)، ایضاح المکنون (۵۱۱/۱)، تاریخ ادبیات براون (۱۷۱/۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۸۲ –۱۰۷۵ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۵۱۵ /۵۱۴)، تذکره القبور (۲۷۶ –۲۷۵)، تذکره‌ی میخانه (۵۳۴ –۵۲۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۱۴ –۲۱۱)، الذریعه (۳۱۳/۲۴، ۲۱۵/۱۴، ۵۳۰ –۵۲۹ /۹)، ریاض العارفین (۲۱۸ –۲۱۳)، ریاض العلماء (۱۶۲ –۱۶۱ /۱)، ریحانه (۲۲۸ –۲۲۶ /۳)، سرآمدان فرهنگ (۳۱۶ –۳۱۴ /۱)، عالم‌آرای عباسی (۱۰۸۳ –۱۰۸۲ /۲)، فرهنگ سخنوران (۵۰۷ –۵۰۶)، مجمع الخواص (۲۰۵ –۲۰۴)، مجمع الفصحا (۴۳ –۴۰ /۴)، منظومه‌های فارسی (۳۴۵، ۳۴۰، ۱۷)، نتایج الافکار (۳۷۵، ۳۷۳)، هفت اقلیم (۴۳۰ –۴۲۹ /۲).

شفایی اصفهانی، مظفر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۶۳ ق)، پزشک و شاعر. اصلا از مردم کاشان بود و در اصفهان می‌زیست، او چند کتاب در پزشکی و داروشناسی داشت، از آن جمله: «بیست باب»؛ «قرابادین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۳۶۲-۳۶۱ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۹۹)، الذریعه (۶۲-۶۱ /۱۷ -۱۸۹ -۱۸۸ /۳).

شفایی محلاتی، حکیم باقر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اهل محلات بود به حلاجی مشغول بود و به موزونی طبع اشعار بی‌معنی در رشته‌ی نظم می‌کشید. حکیم شرف‌الدین شفایی اصفهانی را به بذله سنجی و هزالی فریفت. وی تا اوایل زمان شاه عباس در حیات بود. اشعار بی‌معنی او خالی از نمکی نیست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۲۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۲۲)، الذریعه (۵۳۱، ۱۲۲ /۹).

شفایی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

درگذشت: ۱۳ دی ۱۳۶۹.

دکتر علی شفایی رییس دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد بود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شفتی، اسداللّٰه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسداللّٰه بن العلامهٔ الکبری حاج سید محمدباقر شفتی رشتی معروف به (حجهٔالاسلام) متولد ۱۲۲۷ قمری و متوفی ۱۲۹۰ ق و مدفون در نجف اشرف (مقابل مقبره شیخ مرتضی انصاری) و برای مدفن وی و استادش شیخ انصاری چه نیکو و مناسب گفته‌اند.

اسداللّٰه علی المرتضی اجتبی حبرین من نوابه اسداللّٰه عقیب المرتضی لیکونا بعد من بوابه

ترجمه احوال و آثار این بزرگوار زینت‌بخش کتب تراجم و تواریخ است دارای کرامت و فضائل بوده است از آثار اوست جریان آب که از کوفه و نهر فرات به نجف اشرف آورد و مردم نجف را از مضیقه بی‌آبی نجات داد و درباره این عمل حیاتی دانشمندان و ادباء اشعار و ماده تاریخ سروده که از آنها میرزا محمد امام‌الحرمین گفته است.

مذ اسداللّٰه الهمام السری

سلیل ساقی الناس من کوثر

(کرامتی از حجهٔالاسلام) اجری الی الغری ماء مری قدارخوه (جاء ماء العزی) (۱۲۸۲)

از بعضی از دانشمندان موثق شنیدم در هنگامی که آنجناب نجف مشرف بودند شب چهارشنبه یا (شب جمعه) مردم بسیاری برای دعاء و عبادت در مسجد سهله بیتوته داشتند و شبها درب مسجد را از ترس اشرار و حیوانات می‌بستند موقع صبح خادم می‌آید در را باز کند می‌بیند شیر نر گرسنه‌ای پشت در خوابیده است در را بسته و با مردم به بالای بام آمده فریاد می‌کند که شیر برود ولی آن حیوان ابداً اعتنا نکرده و حرکت نمی‌کند در همین حال متوجه می‌شوند شخصی عبا به سر انداخته و از طرف مسجد کوفه به مسجد سهله می‌آید داد می‌زند نیا نیا سبع سبع (شیر شیر) آن شخص به این داد و فریادها اعتنا نمی‌کند و نزدیک می‌شود مردم همه صدا می‌کنند جلو نیا شیر است درنده است باز آن شخص به راه خود ادامه داده تا به درب مسجد می‌رسد و می‌آید گوش شیر را گرفته و می‌گوید (تلخ) یا اسدای شیر دور شو آن حیوان برخاسته و با کمال ادب و سرعت بجای خود (بیشه) می‌رود مردم تعجب می‌کنند که این آقا کیست آیا امام زمان عجل اللّٰه فرجه الشریف است در را فوراً باز می‌کنند می‌بینند مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید اسداللّٰه (حجهٔالاسلام) است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شفتی، محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید محمد رضا بن العالم العلام والحجه الاسلام الحاج السید محمد باقر الثانی بن العلامه الکبری والایه العظمی الحاج السید اسدالله بن سید الفقهاء والمجتهدین و حجه‌الاسلام والمسلمین آیه‌الله فی العالمین الحاج السید محمد باقر الشفتی الاصفهانی المشهور بحجه‌الاسلام المطلق (صاحب مسجد السید در خیابان بیدآباد) از علماء عاملین معاصر اصفهانست.

تولدش در اصفهان واقع و در بیت علم و فضیلت پرورش یافته و پس از طی دوران صبا و دروس فارسی، مقدمات و ادبیات را در نزد مرحوم والد گرامش و دیگران خوانده و سطوح وسطی و عالی را از علماء اعلام و مدرسین کرام اصفهان فرا گرفته و خارج فقه و اصول را نیز از آیات عظام آن سامان استفاده نموده و پس از فوت مرحوم والدش که در سال ۱۳۳۳ ق واقع شده، بجای ایشان در مسجد جدشان باقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام پرداخته و تاکنون در آنجا اشتغال بوظائف مقرره دینی و روحی دارند.

نگارنده گوید: گرچه تاکنون توفیق زیارت معظم‌له را از نزدیک نیافته‌ام ولکن بطوریکه از ثقات و دانشمندان قم و اصفهان شنیده‌ام آنجناب از علماء ربانی و آیات سبحانی و متصف بصفات روحانی و دارای مقامات معنوی میباشند و در خاطر دارم که در تابستان ۱۳۹۳ ق که برای امری باصفهان رفته بودم صبح برای اداء فریضه بمسجد سید رفته و در کناری انتظار وقت را میکشیدم که دیدم ایشان با چند نفر از دوستانش وارد بصحن مسجد شده و با حال مخصوصی شروع بزیارت استغاثه حضرت بقیه‌الله عجل‌الله فرجه‌الشریف... سلام‌الله الکامل التام... نموده و دعاء بر فرج آن بزرگوار نمودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

شفتی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

السید محمدباقر مشهور (به حجهٔ‌الاسلام شفتی) صاحب (مسجد سید) اصفهان بن سید محمدتقی بن سید محمد زکی بن محمدتقی بن شاه قاسم بن امیر اشرف بن شاه قاسم بن شاه هدایت بن امیر هاشم ابن سلطان سید علی قاضی بن سید علی بن محمد بن علی بن محمد بن موسی بن جعفر بن اسماعیل بن احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن ابی‌القاسم بن حمزهٔ بن الامام موسی الکاظم (ع) از فحول علماء امامیه در قرن دوازدهم هجری بوده است.

تولد آن بزرگوار در سال ۱۱۷۵ قمری در نواحی طارم علیاء زنجان در قریه‌ای که به آن (چرزه) می‌گویند در ده فرسخی شفت واقع شده و در سن هفت سالگی منتقل به شفت شده.

و پس از ده سال در سن ۱۷ سالگی و سال ۱۱۹۲ ق مهاجرت به نجف اشرف نموده و در کربلا به درس وحید علی‌الاطلاق و استاد اکبر علامه محمدباقر بهبهانی و پس از آن علامه سید علی صاحب ریاض استفاده کرده.

و بعد به نجف مشرف و از محضر علامه بزرگ سید مهدی بحرالعلوم و علامه شیخ جعفر کاشف‌الغطاء بهره‌مند شده و مسافرتی به کاظمین نموده و از حضرت علامه سید محسن اعرجی مستفیض گردیده و پس از هشت سال توقف در عراق در سال ۱۲۰۰ ه به ایران برگشته و در قم از محضر مدقق بزرگوار میرزا ابوالقاسم قمی صاحب (قوانین‌الاصول) استفاده نموده.

و از آنجا به کاشان عزیمت و از محضر و دروس اخلاقی ملا مهدی نراقی صاحب (جامع‌السعادات) کامیاب شده و در سال ۱۲۰۶ ه به اصفهان وارد و رحل اقامت افکنده و افاضل طلاب و علماء در گردش جمع و از درس و بحثش استفاده نموده و شهرت عالمی پیدا و به ریاست عامه و مرجعیت تامه رسیده و بسط یدش تا اجراء حدود الهی رسیده و شمشیری که با آن ده‌ها حد الهی را جاری کرده است.

اکنون در بیت آن بزرگوار در دست حفیدش حجهٔ‌الاسلام والمسلمین حاج سید رضا شفتی باقی و موجود است و تاریخ روحانیت شیعه یاد ندارد که این موقعیت برای احدی از علماء و مراجع شیعه غیر آنجناب پیدا شده باشد و این نبود مگر حسن باطن و سلامت نفسش (اللّه اعلم حیث یجعل رسالته).

از خصایص آن بزرگوار سخاوت وجودش بود که هیچ صاحب حاجتی به ایشان مراجعه نمی‌کرد مگر اینکه فوراً حاجتش را روا می‌ساخت و هیچ مستحقی نزد او نمی‌رفت مگر اینکه او را مستغنی و مستطیع و توانگر می‌کرد حکایاتی از کرم و عطاء او شنیده‌ام که اینجا مجال ذکر آن نیست.

از اقران و اصدقاء خالص او عالم ربانی و آیت سبحانی علامه بزرگ حاج ملا محمدابراهیم کلباسی بود که با آن همه عظمت سید را بر خود مقدم می‌داشت و حتی حکم او را بدون وضو نمی‌گرفت.

آن بزرگوار در یکشنبه دوم ربیع‌الثانی ۱۲۶۰ هجری از دنیا رفت و در مقبره خودش در زاویه مسجدش (مسجد سید اصفهان) در محله بیدآباد مدفون گردید.

آثار خالده سید

۱- مسجد عظیم و زیبای او در در محله بیدآباد خیابان مذکور که از مساجد مهمه و معروفه اصفهان و بلکه ایرانست.

۲- کتاب (مطالع‌الانوار) در شرح شرایع که پنج جلد آن بیرون آمده

۳- جوابات المسائل در دو مجلد.

۴- تحفهٔالابرار رساله عملیه فارسی

۵- قضاء و شهادات.

۶- زهرهٔالباهره در اصول فقه و ده‌ها رساله و تعلیقات دیگر.

دارای ۶ فرزند بزرگوار بودند که تمامی از علماء بزرگ عصر خود بوده‌اند.

۱- حجهٔالاسلام ثانی علامه جلیل‌القدر آیت‌اللّه العظمی حاج سید اسداللّه.

۲- آیت‌اللّه آسید ابوالقاسم شفتی

۳- آیت‌اللّه آسید محمدعلی

۴- آیت‌اللّه میرزا زین‌العابدین

۵- آیت‌اللّه آسید جعفر

۶- آیت‌اللّه آسید مؤمن.

در حال حاضر دو نفر از احفاد آن بزرگوار در قید حیاتند و در مسجد او (مسجد سید) بجای نیاکان خود اقامه جماعت می‌نمایند.

(۱۲۶۰ -۱۱۷۵ ق)، علامـ امـامی، فقیه اصـولی، ادیب نحـوی و رجـالی. معروف به حجهٔالاسلام. در قریه‌ای از قرای رشت از نواحی طارم علیا به دنیا آمـد و در هفت سالگی به شفت منتقل شد. وی در اصـفهان سکنی کرد. از شاگردان بهبهانی، بحرالعلوم، صاحب «ریاض»، کاشف الغطاء، ملا مهدی نراقی و میرزای قمی است. شـفتی از بزرگان علمای امامیه بود که در فقه، اصول، ادبیات، رجال، حدیث، درایه، ریاضـی و هیئت تبحر داشت و در اخلاقیات از نوادر بود. پس از سـفر علمی طولانی به شـهرهای مختلف در اصفهان مقیم شـد و اهـل علم و دانش‌پژوهـان گردش جمع شدنـد و ریـاست و زعـامت به طور کامل به وی منتقل شـد. حاج محمـد ابراهیم اصفهانی قزوینی و میرزا محمد رضوی و ملا محمدعلی محلاتی و سـید فضل‌اللّه استرآبادی و شیخ علی نخجوانی و سید محمدتقی زنجـانی و ملاـ محمـد رفیع گیلانـی و حـاج عبـدالباقی کاشانی و سـید محمـدعلی ابرقویی از شاگردان و راویان وی بودنـد. وی در اصـفهان درگذشت و در مسجدی که خودش در کوی بیدآباد اصـفهان بنا نهاده و به مسـجد سـید مشهور است، و دارای مدارس و حجره‌هـایی برای طلاـب می‌باشـد، دفن شـد. از آثـارش: کتاب «السوال و الجواب»؛ «مطالع الانوار»، در فقه که شـرح «شـرایع» محقق است؛ «تحفه الابرار»، به فارسـی، در احکام شـرعیه؛ رساله‌ای در «مناسک حج»؛ رسائلی در «فقه» و «رجال» که بطور تحقیقی نگاشته شده است؛ «الزهره البارقه فی احوال المجاز و الحقیقه»؛ «قضاء و شـهادات استدلالی»؛ «وجوب اقامه‌ی حدود در زمان غیبت بر فقها و مجتهدین»؛ «اصحاب الاجماع»؛ «تمییز مشترکات الرجال»؛ «الاجازات»؛ «آداب الصلاه اللیل و فضلها».[۱]

شفتی، سـید محمـدباقر بن تقی موسوی شـفتی از بزرگـان علمای امامیه (ف. اصـفهان ۱۲۶۰ ه.ق.). وی فقیه اصـولی، ادیب نحـوی، رجالی و ریاضـی و شاگرد بهبهانی و بحرالعلوم سید مهدی و کاشف الغطاء شیخ جعفر و ملا مهدی نراقی و میرزای قمی و غیره بود. آثـار عمـده او عبارتنـد از: آداب صـلوهٔ الیـل و فضـلها، الاجـازات، الاسـتقبال فی شـرح مبحث القبلـهٔ من التحفـهٔ، اصـحاب الاجماع، اصـحاب العـدهٔ للکینی، تحفـهٔ الابـرار در احکـام شـرعی (فارسـی)، تمییز مشترکات الرجال و رساله‌های بسیار در تحقیق حال رجال حدیث امامی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۱۸۸/ ۹)، الذریعه (۱۴۹/ ۱۱ ،۱۲/ ۲ ،۸۱/ ۱)، روضات الجنات (۱۰۲ -۹۶/ ۲)، ریحانه (۲۶/ ۲)، شرح حـال رجال (۳۰۵ -۳۰۴/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۹۶ -۱۹۲/ ۱۳)، الکنی و الالقـاب (۱۷۴ -۱۷۳/ ۲)، لغت نامه (ذیل/ حجهٔالاسلام)، معجم المؤلفین (۹۶/ ۹)، مکارم الآثار (۱۶۱۴/ ۵).

شفتی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی شفتی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در دی ماه سال ۱۳۵۵ برای تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه اصفهان (مدرسه ذوالفقار) شدم کتب مقدمات حوزه را در نزد بعضـی از اساتیـد مـدرسه و عمـده آن را در خـدمت حضـرت آیت الله آقای حاج سـید حسن فقیه امامی خواندم. (معالم الدین ـ المنطق ـ حاشیه ملاعبدالله و شـرح لمعه) دوره سطح (فرائد الاصول ـ مکاسب ـ کفایهٔ الاصول) و کتاب المطول را نزد حضرت آیت الله آقـای حـاج شیخ ابوالقاسم انصاری (از اسـباط مرحوم شـیخ اعظم انصاری) خوانـدم ناگفته نمانـد که بعضـی از قسـمت‌های این کتاب‌ها را نزد اساتید دیگری که در اصفهان بودند می‌خواندم و از محضرشان استفاده می‌بردم. دوره خارج فقه را در سال ۱۳۶۸ در محضـر مرحوم آیت الله حاج شیخ حسن صافی اصفهانی از کتاب الخمس شروع کردم و تا پایان عمر با برکت ایشان در بحث فقه و درس‌هـای اخلاق ایشان شـرکت کرده و اسـتفادها می‌بردم تقریرات بحث فقه ایشان را نوشـته‌ام و بحث‌های اصولی آن مرحوم را از کتاب الهدایهٔ فی الاصول استفاده و مطالعه می‌نمودم. در سال‌های اخیر که حضـرت آیت الله مظاهری به اصفهان آمده‌اند فرصت را

غنیمت شمرده و از بحث اصول ایشان که متن آن کتاب کفایه بوده شرکت کردم که تقریباً یک دوره کامل اصول بود خواندم و سپس در بحث‌های فقهی ایشان شرکت کردم و بعضی از ابواب فقهی را استفاده می‌بردم. در خلال سال‌هایی که در حوزه علمیه اصفهان مشغول تحصیل و تدریس کتب مختلف حوزوی بودم از نوارهای درس اساتید حوزه مشرفه و مبارکه علمیه قم استفاده می‌نمودم و درس خارج اصول مرحوم آیت الله تبریزی(ره) قسمت الفاظ آن را نوشته و مطالعه می‌کردم. در سال‌های مختلف تحصیلی بر تدریس کتاب‌های (جامع المقدمات ـ سیوطی ـ مغنی اللبیب ـ حاشیه ملا عبدالله ـ المنطق مرحوم مظفر و اصول الفقه ایشان و کتاب‌های شرایع الاسلام و شرح لمعهٔ) برای طلاب و محصلین علوم حوزه مشغول بوده و درس‌های مختلف و کتاب‌های غیردرسی را با بعضی از فضلای حوزه مباحثه داشته و دارم. این بود شمّه‌ای از گزارش تحصیلی و عملکرد علمی اینجانب در طول زندگی حوزوی اینجانب و اکنون کم و بیش مشغول تحصیل و بیشتر به تدریس در حوزه مشغول می‌باشم و در کنار آن به جمع‌آوری آثار و تألیفات سلف صالح خویش، علماء أتقیاء و صلحاء بزرگوار یعنی مرحوم آیت الله العظمی علامه بزرگوار السید محمدباقر الشفتی المعروف به (حجهٔ الاسلام) می‌باشم و تاکنون چندین مجلد از تألیفات آن بزرگوار و فرزند برومند و دانشمند ایشان یعنی مرحوم حاج سید اسدالله(ره) جدّ بزرگوار و عالی‌مقام حقیر که بعضی از تألیفات و آثار ایشان نیز به طبع رسیده است که در صفحه قبل مشروح آن نوشته شد.

شفق قمی، عبداللّه

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. در اوایل زندگی از زادگاهش به اصفهان رفت. چون کفشگر بود در همان پیشه شاگردی و پاره‌ای از روز به مکتب رفت و تعلیم گرفت تا اندك سوادی به دست آورد. چون طبع موزون داشت به گفتن شعر مشغول شد، یاران چون لطف طبعش را یافتند او را از جرگه‌ی کفشگران بیرون آوردند و به لباس دیگر آراستند. آخر به کثرت صحبت در این شهر روح‌پرور به سخن آشنا و به شیوه‌ی مردمی و آرمیدگی موصوف شده به شاعری معروف گشت. عازم زیارت شهرهای عراق شد و در آریتمان که منزل مرحوم میرزا هاشم بود رحلت کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره المعاصرین (۲۲۳)، الذریعه (۵۳۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۰۱).

شفق یزدی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر و خطاط. از اهالی یزد که تعلیم علوم دینی کرده و خط خوش هم داشته است. وی غالبا کتابت قرآن می‌کرد و قرآنش در یزد مرغوب بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۸۵۲-۸۵۱ /۲)، الذریعه (۵۳۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۵۰۷).

شفق، قوام

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۱۲.

درگذشت: ۱۳۶۸.

از آثار اوست: آبگینه (با خط قوام شفق و عباس مستوفی‌الممالکی؛ شعر فارسی).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شفقت، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی شفقت

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۵/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد علی شفقت در اول مرداد سال ۱۳۴۶هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان شیراز دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه شیراز گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. از سوی دیگر به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیه رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۶ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله مومن، آیت الله زبرجد، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فقه و مبانی حقوق در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۳از دانشگاه آزاد جیرفت فارغ التحصیل گردید . و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان"تطبیق و مقارنه فقهی ازدواج موقت در مذاهب خمسه "دفاع کرد استاد هم اکنون به امر تدریس در دانشگاه آزاد بندر عباس و دانشگاه هرمزگان اشتغال دارد. وی درطول حیات علمی خود به امرنگارش و پژوهش پرداخته است و آثاری از قبیل" تطبیق مقارن فقهی ازدواج موقت "و"درختواره تاریخ فقه"را به رشته تحریر در آورده است.

شفیع آبادی، عبداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: مشاوره و راهنمایی، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای مشاوره و راهنمائی از دانشگاه ایلینویز شمالی آمریکا در سال ۱۳۵۴.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه علامه طباطبائی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

راهنمائی و مشاوره، تدریس در کلاسهای آموزش ضمن خدمت معلمان و مدیران و جلسات آموزشی خانواده در کلینیک‌های مشاوره و روان درمانی دانشگاه علامه طباطبائی و استان تهران، استاد راهنما و مشاور ۳۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

راهنمائی و مشاوره، روانشناسی، علوم تربیتی و فنون تربیت کودک.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

راهنمائی و مشاوره، روانشناسی و علوم تربیتی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شفیع بوشهری، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

وی فرزند سید محمد تقی موسوی کازرونی بوشهری عالمی جامع و فاضلی جلیل بوده، در کازرون در سال ۱۲۷۰ ق متولد شده و نزد والدش که از صلحاء بود تربیت یافته. آنگاه با پدرش در سال ۱۲۹۱ ق ببوشهر منتقل شده و از آنجا مهاجرت بعراق و پس از تشرف بزیارت مشاهد مشرفه در هنگام مهاجرت آیه‌الله العظمی میرزای شیرازی بسامرا وی هجرت بآنجا نموده و ده سال تمام ملازم درس آن بزرگوار گشته و حداکثر استفاده را نموده تا در فقه و اصول بمقام بلند و رتبه اعلی رسیده و در اثناء آن نیز بعلم طب و

ادب و غیره هم پرداخته تـا از اقران تفوق جسته و مخصوصـا در طب که بسیار مهارت و حـذاقت یـافته و معالجـات غریبه‌ای نموده است.

در سال ۱۳۱۰ مراجعت ببوشهر کرده و مرجع موجه امور شرعی مردم گردیده و بتدریس و امامت و نشر احکام پرداخته و در سال ۱۳۲۹ ق مشرف بعتبات با تمام اهل بیتش گردیـد و در نجف مریض شده و در هفتم ربیع الاول سال مزبور وفات و در وادی‌السـلام مدفون گردید.

تألیفاتی در فقه و اصول دارد، دارای دو فرزند ۱- آقای آقا سید محمد مهدی که نه ماه بعد از وی در سامرا وفات نموده و در رواق شریف دفن گردید. ۲- آقا سـید محمـد تقی که از شاگردان آیه‌الله میرزا محمـد تقی شیرازی و علامه حاج محمد حسن کیه و غیر آنها بوده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

شفیع تبریزی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یـازدهم ق)، شـاعر. در کمـال قابلیت و اهلیت به کمالات معنوی و صوری آراسـته قریب دوازده سال بنا به رغبتی که در آب و هوای مازنـدران داشت در آنجا به شـغل تصدی نور و کجور و لاریجان اشـتغال داشت و بعد از مدتی به تحریر اشـراف خزانه عامره اوقات مصروف داشت و مدتی نیز وکیل فتحعلی خان حاکم شوشتر بود. وی در نظم و نثر دارای طبعی لطیف بود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۳۱)، الذریعه (۵۳۲/۹)، سخنوران آذربایجان (۴۴۳ -۴۴۲).

شفیع رشتی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از جمله بازرگانان آن ولایت که در سرودن شعر نیز توانا بود. از اشعار اوست:

ز دانه‌های سرشکم همیشه در غم هجر

نشسته مردم چشمم به سبحه گردانی

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۷۹)، الذریعه (۵۳۲/۹).

شفیع شیرازی، محمد

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر و طبیب. از اطباء حاذق بود. علم حکمت و دیگر علوم را در شیراز فراگرفت. از اشعار اوست:

ز افغان آن دل بی‌رحم را بی‌رحم‌تر کردم

نپنداری ز غم شبهای هجران را سحر کردم

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۲۷ -۴۲۶)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۹۰/۳)، مرآت الفصاحه (۳۱۰).

شفیع عباسی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۸۵ ق)، نقـاش و خطـاط. اهـل اصـفهان و نقـاش نـازک قلم و پرمایه‌ی شاه صـفی اول و شاه عباس دوم بود که در دسـتگاه پادشـاهی آنان به عزت و احترام می‌زیسـته است. محمـد شـفیع عاشق طبیعت و زیباییهای افسانه‌ای آن بود و در بیشترین آثار خود از حلاوت گلها و پرنـدگان به تردستی تمام هنرها آفریـده و به نازک قلمی و قـدرت تمام از عهـده‌ی آنها برآمـده است. از ارقام ذیل آثارش، معلوم می‌گردد که در خط نسخ و رقاع و نسـتعلیق نیز اسـتادی شیرین قلم بوده است. به روایات مختلف گویا او به هند رفته و در شهر آگره درگذشته است. از آثار وی: تصویر شانه‌بسری که روی ساقه‌های پر گل نشسته و دور زنبور و یک پروانه در جوالی گلها دیده می‌شود، با: «رقم کمینه شفیع عباسی سنه ۱۰۴۴»؛ تصویر گل سنبل پر غنچه‌ای که دارای هفت یا هشت غنچه و گل است و به خط نستعلیق رقم نهاده. «رقم کمینه محمد شفیع اصفهانی، سنه ۱۰۵۰»؛ تصویر مرغ سینه سرخی که روی ساقه‌ی نرگس نشسته و

آن را خـم کرده است، بـا رقم: «در تاریـخ... سـنه‌ی ۱۰۶۲... کمینه شـفیع عباسـی»؛ تصویر کبـک چاقی که روی شاخه‌ی گل سـیب نشسـته و مشـغول آوازخوانی است؛ با رقم: «کمینه شفیع عباسی سنه ۱۰۶۶»؛ قلمـدان گل و بوته‌ای، با رقم: «محمد شد شـفیع هر دو عالم». در «احوال و آثار نقاشان» به هشت اثر دیگر وی اشاره شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :احوال و آثار نقاشان (۲۴۶ -۲۴۳ /۱)، تاریخ هنرهای ملی (۴۹۲/۱)، گلسـتان هنر (چهل و پنج)، هنر قلمدان (۹۹ ، ۲۵).

شفیع مازندرانی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از سادات مازندران بود که به علاقه‌بند مشهورند. در زمان پادشاه سلیمان می‌زیست وی کتابی نوشت که در آن احوال اولیـاء و انبیـاء و سـلاطین و وزراء و غیره را از جمیع کتب و تواریـخ نقل کرد و اکثر علوم در آن وجود دارد و با دلایل و احادیث سـبقت خلافت امیرالمومنین (ع) را چنان ثابت کرد که راه سـخن غیر نمانـد تاریخ مذکور قریب سـیصد هزار بیت است. در اوایل زندگی خود در باغات سـر کار خاصه بود بعد از آن به شغل استیفاء موقوفات ممالک محروسه مشغول شد. در زمان صدارت نواب میرزا مهـدی معزول شـد. در کمـال تمکین و وقـار در منزل متمکن گردیـد یاران خصوصا امرا به دیـدنش می‌رفتنـد. در زمان معزولی چون شغلی نداشت تاریخ مذکور را ترتیب داد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۲۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۷۲ -۷۱)، الذریعه (۵۳۳ -۵۳۲ /۹).

شفیع واعظ قزوینی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۷۷ ق)، شـاعر. در نظم و نثر مهارت کامل داشت و تقوی و پرهیزکاری از مشاهیر عصـر خود بود. در سال ۱۰۷۷ ق به اصفهان رفت و در مسـجد حکیم داوود موعظه‌ی در نهایت فصاحت و بلاغت گفت. نصـرآبادی گوییـد که خود او را ندیـده ولی از عزیزان صفات ایشان را بسیار شنیده است. از اشعار اوست:

پیش ما سرگشتگان یکسان نماید خوب و زشت

یک روش گردد به آب تلخ و شیرین آسیا

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۷۳)، الذریعه (۵۳۲/۹)، مینودر (۵۹۱/۲).

شفیعا ابرو، محمد شفیع

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۶۱ق)، فقیه شـیعی. مشـهور به آخوند شفیعا خوش ابرو. اصل وی از طالقان است. در اصفهان سکونت داشت. پدرش میرزا رفیعا نیز از مخحدثان روزگار خویش بود.

او از اجداد شیخ عبدالحسین محلاتی است. در اصفهان درگذشت و در قبرستان شاه میر حمزه دفن شد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ القبور (۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۴۳ /۱۲)، وقایع السنین والاعوام (۵۷۰).

شفیعای هروی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۸۱ ق)، خطاط، نقاش، مـذهب و شاعر، متخلص به شـفیعا. مشـهور به پیشوا. از سادات حسـینی هرات بود و در خط شاگرد فصـیحی شـاعر است که در دسـتگاه مرتضـی قلی خـان شاملو بود. شـفیعا خط نسـخ و نسـتعلیق و شکسـته را خوش می‌نوشت و خط شکسـته را به جایی رساند که به نام وی، شفیعایی خوانده می‌شد و بعدها درویش عبدالمجید این خط را تکمیل کرد و به حد کمال رساند. وی همچنین در شعر و ادب و نقاشی و تذهیب و استادی بی‌مانند بود. سفری به هند کرد و در بازگشت مدتی در اصفهان به سر برد و در دربار شاه عباس دوم خوشـنویس مقرر و موظف بود، چنانکه در بعضـی قطعات عباسی رقم کرده است. سپس به هرات

رفت و در سن هشتاد و پنج سالگی در مشهد درگذشت. قطعاتی با رقم «محمد شفیع الحسینی» دیده شده که در شیوه‌ی قدرت همانند خط شفیعا است و تاریخ ۱۰۹۲ و ۱۱۱۶ و ۱۱۲۴ و ۱۱۲۸ دارد و ممکن است که محمد شفیع الحسینی دیگری نیز پس از مرگ شفیعا وجود داشته که درست در خط شفیعایی همسنگ و برابر شفیعا بوده است. از شفیعا، قطعه‌ای مانده که در تاریخ وفات پدر خود سروده و به لوح مزارش، به خط نستعلیق ممتاز مکتوب نموده و رقم «کتبه العبد خادم المساکین محمد شفیع ابن میرحسن الحسینی ۱۰۴۲ ه» دارد. از دیگر آثار وی: یک قطعه از مرقع، به قلم سه دانگ و نیم دو دانگ و کتابت جلی خوش، با رقم: «کتبه العبد المذنب محمد شفیع»؛ یک قعطه به قلم پنج دانگ و کتابت متوسط، با رقم: «کتبه الحقیر محمد شفیع الهروی»؛ یک قطعه به قلم نیم دو دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم: «مشقه العبد محمد شفیع غفر ذنوبه» و «مشقه العبد محمد شفیع».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۶۴ -۷۶۳ /۳)، احوال و آثار نقاشان (۸۹۱ -۸۹۰ /۲)، اطلس خط (۶۱۴ -۶۱۳)، پیدایش خط و خطاطان (۱۶۳ -۱۶۲)، تاریخ هنرهای ملی (۹۲۶ -۹۲۵ /۲)، تذکره‌ی روز روشن (۴۲۶ -۴۲۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۰۶)، خوشنویسان و هنرمندان (۸۵ -۸۲)، الذریعه (۵۳۱/۹)، ریحانه (۲۲۸/۳)، گلستان هنر (بیست)، هنر عهد تیموریان (۵۲۰).

شفیعی اردبیلی، هارون

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۶ ش)، شاعر و نویسنده. وی در قریه‌ی عنبران اردبیل در خانواده‌ای روحانی و عارف پیشه به دنیا آمد. جد مادری وی شیخ علی طالشی از عرفای بزرگ بود. شفیعی به مدرسه نرفت و تحصیلات خود را بیشتر نزد مادرش فراگرفت و چندی خدمت سید محمدطاهر قرشی به تحصیل عربی پرداخت. بعد از دو سه سال استاد به وی اجازه تدریس داد و شفیعی آن اجازه را به همراه یک قصیده‌ی عربی به خدمت آیت‌اللّه کاشانی برد و ایشان هم آن را امضاء کردند. پس از استخدام در فرهنگ بعد از مدتی رییس دبیرستان گردید و آن دبیرستان را به جرم اینکه مدیرش سنی است آتش زدند و تمام مدارک وی سوخت. شفیعی در سرودن شعر فارسی و عربی مهارت داشت. بعضی از مقالات تحقیقی وی در مجله‌ی «یغما» و «آینده» به چاپ رسید. کتابی به نام «عرفا و علماء عنبران» تالیف کرد که به چاپ رسیده است. این ابیات از غزلیات اوست:

ما نقد زندگی به سر هیچ باختیم

دادیم گوهر از کف و با سنگ ساختیم

آتش به دست خویش چو شمعی به خود زدیم

از تاب ان چو مرهم حسرت گداختیم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۱۹۷۱ -۱۹۶۵ /۳).

شفیعی بخارایی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. در خدمت امام قلی خان سلطان بخارا بود. رباعی زیر از اشعار اوست:

گر امید رحم از فریادرس باشد مرا

کی فغان در دل گره همچون جرس باشد مرا

بهر پوشش کی روم در زیر بار هرخسی

همچو گل یک خرقه‌ی صد پاره بس باشد مرا

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۳۶)، الذریعه (۵۳۳/۹).

شفیعی دارابی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین شفیعی دارابی

محل تولد : دارابکلاء

شهرت : شفیعی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید حسین شفیعی دارابی در حدود سال ۴۸ وارد حوزه علمیه جعفریه زادگاه خویش روستای دارابکلاء ساری شدم سپس برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه مشهد رفتم نزدیک به سه سال در جوار حرم ملکوتی امام رضا به فراگیری علوم مختلف ادبیات منطق و فقه واصول اولیه پرداختم در سال تحصیلی ۵۴ از مشهد الرضا به جوار کریمه اهلبیت و حوزه علمیه قم منتقل شدم از آن پس تا به حال در این شهر مقدس مشغول به تدرس ، تدریس و تحقیق می‌باشم پس از ورود به قم احساس کردم باید تقویت بنیه علمی ام بخشی از ادبیات و منطق را مرور کنم و از محضر اساتید خوش آوازه آن زمان از قبیل مرحوم مدرس افغانی ، عرفانی و ... بهره بردم سپس به فراگیری کتب مربوط به فقه و اصول شرح لمعه ، اصول فقه مظفر ، رسایل و مکاسب شیخ انصاری ، کفایه الاصول مرحوم آخوند خراسانی و فلسفه و منطق و ... پرداختم و از محضر اساتید بزرگواری همچون آیات ستوده ، پایانی ، سید علی محقق داماد ، سید مصطفی محقق داماد ، سید حسن شجاعی ، شیخ یحیی انصاری شیرازی ، دکتر احمد بهشتی ، دوزدوزانی ، موسوی تهرانی ، سید ابوالفضل موسوی تبریزی بهره جستم پس از آن در کلاس درس اساتید خارج شرکت نمودم ، از سال ۶۲ به بعد تدریس یک دوره اصول آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی را درک کردم در مباحث فقهی نیز خارج زکوه را از کلاس درس آقای منتظری که خداوند عاقبتش را به خیر کند و از اطرافیان و مشاوران ناباب نجاتش دهد استفاده نمودم خارج دو کتاب معظم فقهی یعنی خمس و حج را از محضر حضرت استاد آیت الله جوادی آملی بهره بردمدر کنار دروس رایج در حوزه یعنی فقه و اصول و ادبیات با شرکت در کلاس درس اسفار آیت الله جوادی آملی و درس هیئت آیت الله حسن زاده آملی با کلیاتی از فلسفه و نجوم اسلامی آشنا شدم همچنین از مباحث تفسیری و اعتقادی و اخلاقی فرزانگانی همچون مرحوم آیت الله مشکینی ، آیت الله مکارم شیرازی ، آیت الله جعفر سبحانی ، آیت الله ابراهیم امینی ، آیت الله اصفهانی و ... با لطف و عنایت الهی در برنامه امتحان عمومی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی توسط شهید مطهری در حوزه علمیه برگزار شد شرکت کردم ودر قدم اول جزء ۲۰۰ نفری بودم که در امتحان کتبی قبول شدم ، سپس در مصاحبه‌ایکه خود آن شهید بزرگوار به عمل آورد شرکت نمودم و جزء شصت نفری بودم که قبول شدم سرانجام در دوره آموزشی کوتاه مدت شرکت کردم تا در کنار دیگر عزیزان با دانشهای غیر حوزوی آشنا گشتم کمتر از ۲ هفته از زمان تشکیل این کلاسها گذشته بود که حادثه عظیم شهادت شهید مطهری رخ داد ولی شاگردان و دست پروردگانش راه را ادامه دادند و ما را یاری رساندندر ادامه راه با سلسله مباحث و برنامه های مفید و کلاسیک و منظم فرزانه روزگارمان حضرت استاد آیت الله مصباح یزدی آشنا گشتم پس از آزمون وارد برنامه آموزشی موسسه در راه حق ، سپس بنیاد فرهنگی باقرالعلوم و از محضر این شخصیت بزرگوار شیعه و برنامه های آموزشی مورد نظر ایشان بهره های فراوان بردم باید بگویم حیات علمی اینجانب بیش از هرکس موهون زحمات و راهنماییهای این استاد گرانمایه بوده و می‌باشد ناگفته نماند در طول سه سالی که در مشهد بودم با حضور در بحث تفسیری و نماز جماعت مسجد کرامت به امامت مقام معظم رهبری و جلسات شهید هاشمی نژاد در محل کانون بحث و انتقاد دینی و نیز کلاس تفسیری عارف صمدانی حضرت آیت الله میرزا جواد آقای تهرانی بهره ها بردم در کنار فراگیری علوم مختلف از محضر اساتید بزرگوار به تدریس دروس مربوطه علاقه وافری داشته ام بدین جهت تمام متون درسی حوزه از جامع المقدمات تا رسایل و مکاسب را در این مدت تدریس نموده ام گاه درمدارس تحت برنامه شورای مدیریت شهیدین و عترت گاه در مراکز علمی دیگر جامعه الزهرا و غیره و گاه به صورت انفرادی و سالها به صورت دروس عمومی مدرس۳ و ۴ دارالشفاء به تدریس علوم مختلف پرداختم سالهای پیش از پیروزی انقلاب و پس از ماجرای انقلاب فرهنگی سالها در دانشگاه صنعتی امام باقر تهران و دانشگاه آزاد اسلامی بروجرد به تدریس معارف اسلامی فلسفه اخلاق و تاریخ اسلام تاریخ سیاسی ایران پرداختم در کنار تدریس با توفیق الهی توانسته ام چندین کتاب و مقاله را به چا پ برسانم پاره ای از مقالات، از مقالات ممتاز شناخته شده اند به لطف پروردگار از جمله طلاب موفق در عرصه خطابه و سخنرانی می‌باشم تا به حال در شهرهای بزرگ و کوچک حدود ۲۰ استان کشور مسافرت تبلیغی داشته ام سالهاست که به عنوان مبلغ بعثه خطیب و سخنران در ایام عمره مفرده به مدینه و مکه اعزام می‌شوم در همین راستا در دو ماه رمضان به روسیه و ازبکستان اعزام شدم و بارها قبل از خطبه های نمازجمعه قم دفتر مقام معظم رهبری در قم دفتر آیت الله مکارم ، حرم مطهر حضرت معصومه مدرسه فیضیه ، حرم مطهر امام رضا به ایراد خطبه و سخنرانی پرداخته ام .

شفیعی دارابی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد شفیعی دارابی

محل تولد : ساری

شهرت : شفیعی مازندرانی

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

حجت الاسلام سید محمد شفیعی دارابی (معروف به شفیعی مازندرانی) متولد ۱۳۲۸ در دارابکلی ساری است و پدرش ازکشاورزان مازندران است و پدر بزرگش از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بود پس از گذراندن تحصیلات ابتدیی وارد حوزه علمیه داراب کلا شد و دوره مقدمات و بخشی از دوره سطح را در انجا گذراند و از محضر آیت الله شیخ محمد باقر داراب کلیی

بهره برد سپس در حدود سال ۱۳۴۸-۱۳۴۹ به حوزه علمیه قم پـا نهـاد و دوره هی سطح و خارج را در انجا تا اجتهاد ادامه داد او از استادانی ماننـد آ یـات عظام، محمـدی گیلانی ، سبحانی ، مکارم شیرازی ، مصباح یزدی ، صالحی مازنـدرانی ، فاضل لنکرانی ، جوادی آملی ، حسن زاده آملی ، آیت الله العظمی گلپیگـانی ، میرزا هـاشم آملی ، وحیـد خراسانی و اراکی علوم منطق، اصول فقه، فلسـفه، تفسیر، رجـال و غیره آموخت همچنین اجـازه نقل حـدیث و اجازه اجتهاد از چنـد مرجع تقلیـد دارد و همچنین دارای درجه علمی که جهت تبـدیل به استاد یـاری که پرونـده از سوی دانشگاه آزاد اسـلامی واحـد قم به تهران انتقـال یافته است دکتری علوم حوزوی از حوزه علمیه قم و فوق لیسانس فلسفه و کلام از وزارت علوم دارد در حوزه و دانشگاه به تدریس و تحقیق میپردازد عضو هیئت علمی و مـدیر گروه الهیـات دانشگاه آزاد اسـلامی واحـد قم بوده و ساکن قم است کتاب مینویسـد و شـعر میسـرید انتشارات (فرهنگ آفتاب) را دارد و به عنوان عضو علمی با دیره المعارف فقه شیعه همکار است که زیر نظر آیت الله مکارم شـیرازی تـدوین میشود فهرست اثار او به رقمی نزدیک به هشتاد میرسد .

شفیعی دزفولی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۷ ق)، عالم دینی، خطیب و واعظ. در دزفول به دنیا آمد و در آن جا نشو و نما کرد. ادبیات را از فضلای آن شهر فراگرفت. در ۱۳۴۴ ق به اهواز مهاجرت کرد و در آن شـهر ساکن شد و در محضـر سیـد ابراهیم شوشتری و سید اسداللّه دزفولی و شیخ میرزا جعفر انصـاری و دیگران به تکمیل تحصـیلات خود پرداخت. او دارای اجازه از جماعتی بود که از آن جمله شـیخ محمدحسـین آل کـاشف الغطـاء و آقـا شـیخ آقـا بزرگ تهرانی را می‌توان نام برد. وی از خطبای بنام آن شـهر و وعاظ معروف آنجا بود. از آثارش: «شاه راه هدایت»، در اثبات امامت شاه ولایت، در ترجمه‌ی «مصـباح الهدایه» حاج سیـد علی موسوی بهبهانی؛ «تنزیه سیـد الانبیاء فی کتب الانبیاء»؛ «تنزیه العلماء»؛ «فضائح الصوفیه»؛ «اتمام الحجه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶/۱۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۶۴ -۷۶۳/ ۱۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱۶۸/۳).

شفیعی راد، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر شفیعی راد

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱۰/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی اکبر شـفیعی راد فرزند حجه الاسـلام و المسلیمن حاج شیخ محمّد باقر ابوالقاسمی معروف به شفیعی سال ۱۳۴۲ در قم متولد شده پس از تحصیلات دوره راهنمائی وارد حوزه علمیه شدم سال اول در مدرسه آیت الله گلپایگانی و از سال دوم در مدرسه علمیّه رسالت قم اشـتغال به تحصـیل داشـتم و تا پایه هشـتم در مدرسه علمیه رسالت و پس از آن از درس آزاد حوزه علمیه اسـتفاده کردم.

از محضـر اساتید بزرگوار حضـرت آیت الله وجدانی فخر حضـرت آیت الله نکونام حضـرت آیت الله پایانی و حضـرت آیت الله بنی فضل واز درس خارج آیات عظام مکارم شـیرازی ، فاضل لنکرانی و حاج سیّد احمـد خاتمی اسـتفاده نمودم و حدود دو سال نیز از درس تفسیر آیت الله جوادی آملی نیز بهره گرفتم همزمان با دروس حوزه دروس کلاسیک را نیز ادامه داده و پس از اخذ دیپلم در رشته اقتصاد اجتماعی در دروس دانشگاه نیز شرکت کرده و موفق به اخذ لیسانس در رشته الهیات و معارف اسلامی از دانشگاه پیام نور قم شدم یک دوره شش ماهه مکالمه عربی دفتر تبلیغات را نیز گذراندم.

شفیعی سروستانی، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم شفیعی سروستانی

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

ابراهیم شفیعی سروستانی در سال ۱۳۴۳هجری شمسی در شیراز به دنیا آمد. با پایان تحصیلات متوسطه در سال ۱۳۶۲، دروس حوزه را در همان شهر آغاز کرد و در سال ۱۳۶۵ پس از گذراندن دروس مرحله اول سطح، برای ادمه تحصیل به شهر مقدس قم مهاجرت نمود. همزمان با گذراندن دوره اول خارج فقه و اصول و اخذ مدرک سطح چهار حوزه علمیه قم(معادل دکترا) تحصیلات دانشگاهی را نیز تا مقطع کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی به پایان رساند.حوزه تخصصی مطالعه و پژوهش نامبرده،فقه جزایی اسلام، مباحث زنان و موضوع مهدویت است و در این زمینه ها تا کنون آثار متعددی به صورت کتاب و مقاله توسط ایشان تدوین و منتشر شده که چهار مورد از آنها به عنوان پژوهش برگزیده، تشویقی و برتر سال انتخاب شده است.

شفیعی کدکنی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته، زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

شفیعی کدکنی

زندگینامه

دکتر محمد رضا کدکنی در سال ۱۳۱۸ هـ ش در کدکن از روستاهای قدیمی بین نیشابور و تربت حیدریه به دنیا آمد. او تحصیلات ابتدایی و دوره متوسطه را در مشهد گذراند و از آن پس وارد دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد شد و به تحصیل پرداخت و لیسانس خود را در این رشته دریافت کرد. دکتر شفیعی، همزمان با تحصیلات متوسطه و دانشگاهی در حوزه علمیه مشهد به تحصیل علوم ادبی و عربی پرداخت و ادبیات عرب را نزد اساتید معظم این حوزه فراگرفت. او در زمانی که در مشهد به تحصیل اشتغال داشت از اعضای موثر و فعال انجمنهای ادبی به شمار می رفت و از همان آغاز نوجوانی آثارش در مطبوعات خراسان با نام مستعار ش م سرشک به چاپ می رسید. در سالهای بعد از ۱۳۳۲ هـ ش با همکاری تنی چند از جوانان شاعر و اهل ادب انجمن ادبی تشکیل دادند که بیشتر طرفداران شعر نو و ادبیات داستانی و ترجمه ادبیات فرنگی بودند که دکتر علی شریعتی نیز از جمله اعضای آن انجمن بودند. استاد شفیعی پس از عزیمت به تهران در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دوره فوق لیسانس خود را گذراند و سپس دوره دکترای زبان و ادبیات عرب را نیز پشت سر گذاشت. او مدتی در بنیاد فرهنگ ایران و کتابخانه مجلس سنا به کار اشتغال ورزید و سپس به عنوان استاد دانشکده ادبیات تهران در رشته سبک شناسی و نقد ادبی به کار مشغول شد. دکتر شفیعی همچنین مدتی را بنا به دعوت دانشگاههای آکسفورد انگلستان و پرینستون آمریکا به عنوان استاد به تدریس و تحقیق اشتغال داشت. از دکتر شفیعی تا کنون دهها نوشته و مقاله و تألیفات بسیاری به چاپ رسیده است.

ویژگی سخن

دکتر شفیعی از استادان بارز و متبحر ادبیات معاصر ایران و از محققین بزرگ به شمار می رود که در نقد شعر و ادب فارسی صاحب نظر است و در شعر و شاعری نیز مقام والایی دارد و صاحب سبک و شیوه خاصی است که او را به عنوان شاعری پیش رو می شناسند و یکی از ویژگیهای شخصیتی دکتر شفیعی این است که وی در محافل ادبی به ندرت ظاهر می شود و بیشتر در انزوای اهل ادب به سر می برد. معرفی آثار آنچه که از آثار و تاألیفات دکتر شفیعی به چاپ رسیده است عبارتند از: زمزمه ها، شب خوانی، از زبان برگ، در کوچه باغهای نیشابور، از بودن و سرودن، مثل درخت در شب باران، بوی جوی مولیان، صور خیال در شعر فارسی، موسیقی شعر، ادوار شعر فارسی، شعر معاصر عرب، گزیده غزلیات شمس، حزین لاهیجی زندگی و زیباترین غزلهای او، شاعر آینه ها، بیدل و سبک هندی، اسرار التوحید از محمد بن منور، حالات و سخنان ابو سعید، ابو روح میهنی، مختار نامه، مجموعه رباعیات عطار، مرموزات اسدی در مرموزات داودی نجم الدین رازی، ترجمه تصوف اسلامی و رابطه انسان و خدا از نیکلسون و بسیاری دیگر که نامی از آنها نبردیم.

گزیده ای از اشعار

حتی به روزگاران این مهربانتر از برگ در بوسه های باران بیداری ستاره، در چشم جویباران

آینه نگاهت، پیوند صبح و ساحل لبخند گاهگاهت، صبح ستاره باران بازآ که در هوایت خاموشی جنونم فریادها برانگیخت از سنگ کوهساران ای جویبار جاری! زین سایه برگ مگریز کاین گونه فرصت از دست دادند بی شماران گفتی: به روزگاری مهری نشسته گفتم بیرون نمی توان کرد حتی به روزگاران بیگانگی ز حد رفت، ای آشنا مپرهیز زین عاشق پشیمان سر خیل شرمساران پیش از من و تو بسیار بودند و نقش بستند دیوار زندگی را زین گونه یادگاران وین نغمه محبت، بعد از من و تو ماند تا در زمانه باقی است آواز باد و باران * * * خونریزی خزان چه گونه دوست ندارم من این دیاران را که هر شقایقش آینه ای است یاران را تمام هستی من در شط سحر جاری است چو یاد آورم آن روشنی تباران را سپیده آینه گردان روحشان بادا که روشنایی دگر داد روزگاران را بهار زخمی این باغ، دلکش است هنوز اگر چه نغمه به لب خشک شد هزاران را قبای میر غضب سبز و خنجرش سرخ است مخور فریب دروغ این سیاهکاران را به هوش باش که خونریزی خزان کو شد که روح باغ فراموش کند بهاران را * * * هزاره دوم آهوی کوهی تا کجای می برد این نقش به دیوار مرا؟

تا بدانجا که فرو می مانـد چشم از دیـدن و لب نیز ز گفتـار مرا * * لاجورد افـق صبح نیشـابور و هری است که در این کاشـی کوچک متراکم شده است می برد جانب فرغانه و فرخار مرا * * این چه حزنی است که در همهمه کاشیهاست جامه سوگ سیاووش به تن پوشیده است این طنینی که سرایند خموشیها، در عمق فراموشیها و به گوش آید از این گونه به تکرار مرا * * گرد خاکستری حلاج و دعای مانی شعله آتش کرکوی و سرود زرتشت پوریای ولی آن شاعر رزم و خوارزمی می نمایند در این آینه رخسار مرا * * تا کجا می برد این نقش به دیوار مرا؟ تا درودی به سمرقند چو قند و به رود سخن رودکی آن دم که سرود کس فرستاد به سر اندر عیار مرا * * شاخ نیلوفر مرواست گه زادن مهر کز دل شط روان شنها می کند جلوه از این گونه به دیدار مرا * * سبزی سرو قد افراشته کاشمر است کز نهان سوی قرون می شود در نظر این لحظه پدیدار مرا * * چشم آن آهوی سر گشته کوهی است هنوز که نگاه می کند از آن سوی اعصار مرا * * بوته گندم روییده بر آن بام سفال باد آورده آن خرمن آتش زده است که به یاد آورد از فتنه تاتار مرا * * کیمیا کاری و دستان کدامین دستان گسترانیده شکوهی به موازات ابد روی آن پنجره با زیور عریانیهاش که گذر می دهد از روزن اسرار مرا * * نقش اسلیمی آن طاق نماهای بلند و آجر صیقلی سر در ایوان بزرگ می شود بر سر، چو صاعقه، آوار مرا و آن کتیبه که بر آن نام کس از سلسله ای نیست پیدا و خبر می دهد از سلسله کار مرا * * عجبا کز گذر کاشی این مزدک پیر هوس کوی مغان است دگر بار مرا گر چه بس ناژوی واژونه در آن حاشیه هاش می نماید به نظر پیکر مزدک و آن باغ نگونسار مرا

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شفیعی گیلانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از گیلان به اصفهان رفت مدتی در آن سامان زیست، بعد به گیلان مراجعت کرد. از اشعار اوست:

در مشق دوستی پی مجنون گرفته‌ام

شاگرد رفته رفته به استاد می‌رسد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۷۶)، الذریعه (۵۳۳/۹)، صبح گلشن (۲۲۵)، نامها و نامدارهای گیلان (۲۷۷)، نشتر عشق (۲/ ۸۴۶- ۸۴۷).

شفیعی مشهدی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شعر. از جمله شعرای مشهد مقدس بود. این مطلع از اوست:

منم از عشق بتی شهره‌ی ایام شده

کوس رندی زده در عالم و بدنام شده

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۳۲۰)، الذریعه (۵۳۳/۹).

شفیعی همدانی، علی اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۷ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در همدان متولد شد. در همان شهر در مهد تربیت پدرش، آقا شیخ ربیع همدانی، که از علمای همدان بود به تحصیل مقدمات و اصول پراخت. پس از پایان سطوح به قم مهاجرت کرد و از محضر آیت‌اللّٰه حائری و آیت‌اللّٰه حجت و آیت‌اللّٰه آقا شیخ محمدعلی حائری قمی استفاده برد. پس از دوازده سال اقامت در شهر قم و تحصیل علم به زادگاهش بازگشت و به اقامه‌ی نماز جماعت و تبلیغ دین و تدریس فقه و اصول پرداخت. از آثارش: تفسیر و شرح «سوره مبارکه یس»؛ تفسیر «سوره الرحمان و سوره نبا»؛ «اسرار الصلاه»؛ کتابی در «اخلاقیات»؛ حواشی بر «عبادات عروه الوثقی» با ذکر ادله اجمالیه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۴۱۲ -۴۱۱ /۷).

شفیعی یزدی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، مدرس. وی تحصیلات مقدماتی را در شاهرود و مشهد و سبزوار به پایان رسانده و برای ادامه‌ی تحصیلات در تهران وارد دانشسرا شده و در رشته‌ی تربیتی به اخذ دیپلم موفق شده است. سپس به دریافت پایان‌نامه‌ی تصحیلات متوسطه رشته‌ی ادبی توفیق یافته پس از آن وارد فرهنگ شده و مدت پانزده سال بتدریس مشغول شده است. و ریاست کتابخانه‌ی فرهنگ شاهرود را بر عهده گرفته است. اثر وی «حافظ شیرازی» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۲۷۸ -۲۷۷ /۴).

شفیعی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین شفیعی

محل تولد : فریدن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۳۷ در بوئین میاندشت از توابع شهرستان فریدن اصفهان بدنیا آمدم. پس از گذراندن تحصیلات ابتدائی در زادگاهم ، در سال ۱۳۵۰ به موجب انسی که با قرآن داشتم با حوزه آشنا شدم و در سال ۱۳۵۲ به حوزه علمیه قم راه یافتم.بخش اعظم دروس سطح را در مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی(قدس سره) فرا گرفتم و از اساتیدی چون آیات عظام طالقانی ، استادی ، صلواتی ، مقتدائی و تهرانی بهره بردم . بخش دیگر دروس سطح را در خدمت اساتید بزرگوار: اعتمادی و مرحوم آیت الله ستوده بوده در محضر آیت الله امینی و جناب دکتر بهشتی با علوم عقلی آشنا شدم .در سال ۱۳۶۵ در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت جستم . سال ۱۳۷۰ نقطه عطفی در زندگی علمی من بود ، زیرا به توفیق الهی ، مفتخر شدم در جلسات خصوصی درس تفسیر حضرت استاد که برای پاسخگویی به شبهات تفسیری تشکیل می شد حضور یابم و مباحث عمیق تفسیری را از معظم له فرا بگیرم . به موازات تدرس به تدریس نیز ابتدا به صورت خصوصی و سپس در برخی مدارس می پرداختم . در تدریس به توصیه حضرت استاد بیشتر تفسیر و علوم قرآنی را مورد توجه قرار دادم . همزمان به کارهای تحقیقاتی نیز روی آوردم . تصحیح برخی متون نسخه های خطی جزو کارهای اولیه اینجانب بود . به توصیه یکی از دوستان فاضل و محقق رسما "نخستین مقاله خود را به رشته تحریر در آوردم که در یکی از مجلات قرآنی به چاپ رسید . در سال ۱۳۷۳ به موسسه "اسرا " راه یافتم و به تدوین ، نگارش و تنظیم کتب حضرت آیت الله جوادی آملی پرداختم . طی این مدت ، از تالیف مقاله، مشاوره دادن و فعالیتهای تبلیغی نیز غافل نبودم و در فرصتهای پیش آمده رسالت ترویج مکتب اهل بیت (علیهم السلام) را با قلم و بیان به دوش می کشیدم. در همین ارتباط از سال ۱۳۶۳ مسئولیت امامت موقت جمعه زادگاهم را نیز پذیرفتم و گهگاه در برنامه" بر کرانه نور "رادیو معارف پاسخگوی سوالات دروس تفسیر حضرت استاد جوادی آملی هستم. هم اکنون علاوه بر تدریس در دو موسسه قرآنی نیز مشغول انجام وظیفه هستم .

شفیعی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس شفیعی

محل تولد : سمیرم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۱ ـ ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه شدم . در مدرسه علمیه صاحب الزمان شهرضا تحصیل حوزوی را آغاز نمودم . دو سال در کاشان در مدرسه آیت الله یثربی بودم و از افاضات اساتید آنجا استفاده نمودم . بعد وارد حوزه علمیه قم شده و الان مدت ۱۰ سال است که در دروس خارج فقه و اصول از آیات عظام سبحانی ، تبریزی و وحید خراسانی شرکت نموده و از فیوضات علمی این بزرگواران بهره مند می شوم . درسال ۱۳۷۹ موفق به اخذ کارشناسی ارشد در رشته مدیریت دولتی شدم و در پایان نامه ارشد با عنوان "استراتژی رهبری امام خمینی (ره ")به عنوان پایان نامه برتر دانشجویی در هفدهمین حوزه پایان نامه سال دانشجویی پذیرفته

شدم. تحقیقات خود را در زمینه علوم اسلامی و انسانی به ویژه در مدیریت اسلامی آغاز کردم و در زمینه شاخه های دیگر دینی مانند زندگانی ائمه اطهار (ع) و بیوگرافی علمای شیعه و مباحث تربیت دینی نیز مجموعه هایی را تدوین نموده و در مراکز مختلف از جمله بیمه ایران به چاپ رسانده ام .

شفیعی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی شفیعی

محل تولد : قوچان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۹ در روستایی از توابع شهرستان قوچان – به نام گزکوه – متولد شدم – در خانواده ای مذهبی و کشاورز، تحصیلات ابتدایی را در همان روستا به پایان رساندم و برای ادامه تحصیل به شهرستان قوچان آمدم که تا پایان سوّم راهنمایی در مدرسه شهید بهشتی به تحصیلات خویش ادامه دادم. تقدیر و پاره ای پس زمینه های ذهنی و تربیت های خانودگی علاوه بر برخی اتفاقات در دوران تحصیلات راهنمایی ام مسیر زندگی ام را تغییر داد و در سال ۱۳۶۳ همراه با دو نفر از دوستان دوران تحصیل به حوزه علمیه قوچان رفتم دروس ابتدائی حوزه را نزد اساتید ی همچون حجت الاسلام : غلام محسین دلاور – حسن وطنخواه – جعفر ابراهیمی- سید احمد صفویان – محمد مروج و محمد شریعتی شروع کرده و به فرجام رساندم . در سال ۱۳۶۷ با شرکت در امتحانات ورودی حوزه علمیه خراسان وارد مشهد شدم. در مشهد ابتداء به دروس اساتید گرامی چون فقیه سبزواری – صالحی – واعظی – نصراللهی –سیدان – رضازاده – اشرفی شاهرودی رفته و سطح را در محضر ایشان تلمّذ کردم و از هریک به فراخور خصوصیات اخلاقی و رفتاری بهره ها بردم.

در مشهد در مدارس علمیه امام زین العابدین(ع –) مدرسیه علمیّه سیّد خندان – مدرسه علمیه آیت الله خوئی سکونت داشتم و همزمان در مدرسه علمیه امام زین العابدین(ع) (نیشابوری ها که البته مدتی بعد از آمدنم به قم متوجه شدم تعطیل شد) به تدریس تهذیب المغنی و سیوطی پرداختم.با پایان یافتن دروس سطحی در محضر استاد گرانقدر مرحوم مهدوی دامغانی حضور یافتم و شروع درس خارج فقه را با ایشان تجربه کردم – وی از شاگردان مبرّز مرحوم آیت الله میلانی و دارای روحیات معنوی و عرفانی عجیبی بود که فرصت ذکرشان نیست – خارج نکاح را با ایشان شروع کردم و تا پایان حضورم در مشهد یعنی حدوداً سه سال این بهره گیری ادامه داشت.

چند سال حضورم در مشهد مقدس همراه بود با آشنا شدنم با فضاهای جدید فکری و حضورم در هیئت تحریریه روزنامه توس– چاپ مشهد – که بعد از مدتی دبیر صفحه حوزه و اندیشه آن روزنامه شدم.بشتر مقالاتی که منتشر کردم مربوط به همین دوران بوده است.در سلا ۱۳۷۵ به قم عزیمت کردم. در ابتدای ورود به قم با حضور در درس خارج فقه و اصول آیات عظام وحید خراسانی – حاج شیخ جواد تبریزی(ره –) شیخ جعفر سبحانی و ناصر مکارم شیرازی در نهایت با توجه به برخی معیارهای شخصی خویش به درس آیت الله محمدعلی گرامی رفته و تا سال ۱۳۸۳ به مدت نزدیک ۷۳ سال از محضر ایشان بهره بردم مکاسب محرمه و برخی مباحث جدید را که در مکاسب محرمه اشاره مرحوم شیخ نبوده و بیع را نزد ایشان تحصیل و به پایان بردم.همزمان در درس تفسیر و خارج آیت الله دکتر محمدصادق تهرانی حاضر می شدم و استفاده می کردم.

تحصیل در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی و آشنائی با اندیشه های فقهی اصولی امام خمینی(ره –) موسسه تنظیم و نشر آثار –از دیگر مراحل زندگی نامه علمی ام بود. که پایان نامه مرکز تخصصی ام آمده برای دفاع است.حضور در پژوهشکده فقه و حقوق و دبیر اجرایی گفت و گوهای پژوهشکده سبب شد در تدریس خود نظم و انضباطی مناسب با فعالیت فوق بدهم و که سبب شد درس فقه آیت الله گرامی را تکر و پی درس اصول استاد لاریجانی و درس فقه آیت الله صانعی بروم.دبیر اجریی گفت گوهای –حق و حکیم– آسیب شناسی فقه و قانون گذاری – اصول فقه حکومتی – احتیاط مبانی دگرها و ریشه ها و ... سبب شد همکاری ام با پژوهشکده فقه و حقوق تداومی تعریف یافته تر پیدا کمند و در سال ۱۳۸۳ به عنوان مدیر دفتر پژوهش آن پژوهشکده انتخاب شدم.مدیریت دفتر پژوهش سبب آشنایی با فضاهای علمی جدیدی شد که این همکاری نهایتاً به عضویتم در هیئت علمی پژوهشکده انجامدی که ادامه دارد.در مدت حضورم در قم به همکاری علمی و اجرایی با مراکزی همچون رادیو معارف، نمایندگی رهبری در جهاد سازندگی سابق تهران مرکز فرهنگ و معارف قرآن پرداخته ام و در مدارسی همچون معصومیه و شهید صدوقی به تدریس علوم قرآنی اشتغال داشته ام.

شفیعی، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌اصغر بن عالم عابدآقا شیخ ربیع شفیعی از دانشمندان و ائمه جماعت معاصر همدانست:

وی چنانچه در جلد دوم ص ۳۸۴ کتاب آثار الحجهٔ یاد نمودم در سال ۱۳۲۷ ق در همدان متولد شده و در تربیت و پرورش والدش که از علماء و زهاد همدان بودند و در سن نود سالگی به رحمت حق پیوستند نشو و نما و تحصیل مقدمات و سطوح را نموده و پس از پایان سطوح به قم مهاجرت و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری و آیت‌اللَّه حجت‌اللَّه خونساری و آیت‌اللَّه شیخ محمدعلی حایری قمی استفاده کامل نمود.

و پس از دوازده سال توقف در سال ۱۳۵۷ قمری مراجعت به همدان و تاکنون به اقامه نماز جماعت و تبلیغ دین و تدریس فقه و اصول اشتغال دارد از آثار ایشانست کتب زیر.

۱- تفسیر سوره مبارکه یس ۲- تفسیر سوره الرحمان و سوره نبا ۳- اسرار صلوت ۴- کتابی در اخلاقیات ۵- حواشی بر عبادات عروهٔ الواثقی با ذکر ادله.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

شفیعی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۹ ش)، استاد و شاعر، متخلص به شفیعی و کویر. در اصفهان متولد شد، جد اعلای وی حاج میرزا شفیع مستوفی، فرزند حاج میرزا یحیی، صاحب کتابهای «تعیین الثق الاکبر» و «تفضیل الائمه علیهم‌السلام» است. سید محمد تحصیلات ابتدایی و متوسط را در زادگاهش به پایان برد و به سال ۱۳۲۰ ش از دانشسرای مقدماتی فارغ‌التحصیل شد. پس از آن به شغل آموزگاری و دبیری مبادرت کرد. وی در سال ۱۳۲۸ ش برای تحصیل به تهران آمد و موفق به اخذ کارشناسی در رشته‌های زبان و ادبیات فارسی و حقوق قضایی و فلسفه و علوم تربیتی شد. پس از اخذ مدرک دکتری در رشته‌ی ادبیات فارسی به تدریس در دانشگاه پلیس پرداخت و سپس به تدریس در دانشکده ادبیات شیراز مشغول شد. در سال ۱۳۴۰ ش مقام استادی یافت. از آثار وی: «در را میهن»؛ «زبان و زبان‌شناسی»؛ «شرح حال خواجه نصیرالدین طوسی»؛ «مفسرین شیعه»، و منظومه‌ای ۲۵۰ بیتی در شرح ماجرای زندگی خود از دوران کودکی، که دوستانش آن را «سیمای اصفهانی» نامیده‌اند، «امواج احساسات»، «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۷۳ -۲۷۱)، الذریعه (۵۳۳/۹)، سخنوران نامی معاصر (۲۹۹۴ -۲۹۸۹ /۵)، مؤلفین کتب چاپی (۵۲۵ -۵۲۴ /۵).

شفیعی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود شفیعی

محل تولد : گرماب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمود شفیعی فرزند علی حسن متولد ۱۳۴۸ در گرماب (مرکز بخش) از شهرستان خدابنده ، بعد از اتمام دوره ابتدائی و راهنمایی در همان جا تا سال ۱۳۶۲ جهت ادامه تحصیل (در علوم دینی) به حوزه علمیه دامغانی در همدان وارد شدم و به مدت ۲ سال ادبیات عرب را تحصیل نمودم. بعد از این در سال ۱۳۶۴ به مدرسه مهدی موعود (عج) در قم آمدم و تا سال ۱۳۷۲ دوره سطح را در آن مدرسه (یک سال)، شهابیه (حدود ۵ سال)، خان (حدود ۵ سال) و مدارس دیگر به پایان رساندم. از سال ۱۳۶۷ به صورت متفرقه دوره دبیرستان را در رشته فرهنگ و ادب بعد از آنکه در آن سال از جبهه جنگ (۴ ماه) برگشتم شروع کردم و در ۱۳۷۰ به پایان رساندم. در این سال بعد از شرکت یکساله در آموزش زبان انگلیسی در دانشگها باقرالعلوم (ع) دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم (مؤسسه باقرالعلوم (ع) آن روز) از سال ۱۳۷۱ رسماً تحصیل در رشته علوم سیاسی را شروع کردم و در سال ۱۳۷۵ در سطح کارشناسی فارغ التحصیل شدم. بعد از یک سال وقفه بخاطر عدم موفقیت در مصاحبه جهت ادامه تحصیلات تکمیلی در همان دانشگاه پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۸ بعد از دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد و قبول در کنکور دوره دکترا جهت ادامه تحصیل وارد دانشگاه امام صادق (ع) تهران شدم و در اردیبهشت ۱۳۸۵ موفق شدم از دوره دکتری دفاع نموده و فارغ التحصیل گردم. از ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۲ خارج درس فقه و اصول را (یک دوره کامل خارج اصول اب آیت الهل سبحانی) تحصیل کرده ام.

از سال ۱۳۷۹ تدریس در دانشگاه باقر العلوم (ع) را شروع کردم و همزمان به مدت دو سال مدیر پژوهش آن دانشگاه بودم. در سال

۱۳۸۱ به عضویت هیأت علمی دانشگاه مفید در آمدم و تاکنون مشغول تدریس در آن دانشگاه می باشم. از ابتدای سال تحصیلی ۸۷–۸۶ مدیریت گروه علوم سیاسی نیز به عهده این جانب می باشد. تاکنون علاوه بر تدریس ، تعدادی مقاله (تقریباً ۲۰ تا) و دو جلد کتاب منتشر کرده ام. همچنین تعدادی سخنرانی علمی در دانشگاهها و مراکز علمی معتبر داخلی انجام داده ام. در این مدت چندین کتاب (تقریباً ۵ مورد) نیز مورد نقد قرار داده ام. هم اکنون تعداد دو کتاب و چهار مقاله در دست انتشار دارم. در کنار تدریس در دانشگاه هفته ای یک جلسه فقه سیاسی را در یک جمع تقریباً ده نفری مورد مباحثه قرار می دهیم. لازم به ذکر است اکثر مقالات در مجله های علوم سیاسی، فرهنگ و اندیشه، پگاه ، و دانش سیاسی چاپ شده است با تشکر مدیر گروه علوم سیاسی.

شفیعی، مسعود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر مسعود شفیعی در سال ۱۳۳۵ در اردستان متولد شد .ایشان مدرک دکترای مهندسی برق (کنترل) را از دانشگاه ایالتی لوئیزیانا– آمزیکا را درسال۱۳۶۶دریافت کرده اند. وی پس از اخذ دکتری فوق بلافاصله به ایران مراجعت نمود .نامبرده در سال ۱۳۶۷ با رتبه استادیاری به دانشکده مهندسی برق دانشگاه امیرکبیر پیوست. نامبرده در سال ۱۳۷۳ به رتبه دانشیاری ارتقاء یافت و هم اکنون استاد تمام گروه کنترل با پایه ۲۱ این دانشگاه می باشد . گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی برقگرایش : مهندسی برق(کنترل سیستم)تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات دانشگاهی مسعود شفیعی به ترتیب زیر است •: کارشناسی در رشته ریاضی و کامپیوتر از مدرسه عالی کرج (۱۳۵۷ •) کارشناسی ارشد در رشته ریاضی از دانشگاه ایالتی برادران رایت اوهایو آمریکا (۱۳۵۹ •) کارشناسی ارشد مهندسی سیستم از دانشگاه ایالتی برادران رایت اوهایو آمریکا (۱۳۶۱ •) کارشناسی ارشد مهندسی برق از دانشگاه ایالتی لوئیزیانا امریکا (۱۳۶۳ •) دکترای مهندسی برق (کنترل) از دانشگاه ایالتی لوئیزیانا– آمزیکا (۱۳۶۶) وقایع میانسالی : مسعود شفیعی پس از اخذ دکتری رشته مهندسی برق بلافاصله به ایران مراجعت نمود .نامبرده در سال ۱۳۶۷ با رتبه استادیاری به دانشکده مهندسی برق دانشگاه امیرکبیر پیوست. نامبرده در سال ۱۳۷۳ به رتبه دانشیاری ارتقاء یافت و هم اکنون استاد تمام گروه کنترل با پایه ۲۱ این دانشگاه می باشد . مشاغل و سمتهای مورد تصدی • : استاد تمام– دانشگاه صنعتی امیرکبیر– رسمی قطعی •. دستیار آموزشی دوره تحصیلات تکمیلی، دانشکده ریاضیات، دانشکده ایالتی برادران رایت، آمریکا، ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۰•. مربی دانشکده ریاضیات، دانشکده ایالتی برادران رایت، آمریکا، ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲ •. دستیار آموزشی دوره تحصیلات تکمیلی، دانشکده مهندسی سیستم، دانشگاه ایالتی برادران رایت، آمریکا، ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲ •. دستیار آموزشی دوره تحصیلات تکمیلی، دانشکده مهندسی برق، دانشگاه ایالتی لوئیزیانا، آمریکا، ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۶ •. محقق در مرکز تحقیقات لیزر، سازمان انرژی اتمی، ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۹ •. استادیار دانشکده مهندسی برق، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ایران، ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۳ •. دانشیار دانشکده مهندسی برق، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ایران، ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۹ •. استاد تمام دانشکده مهندسی برق، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ایران، ۱۳۷۹ تاکنون •. مدیر مسئول نشریه کنگره سه جانبه •. مدیر مسئول خبرنامه، نشریه دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۰ •. عضو هیأت مشاوران مجله فنی و مهندسی مدرس– دانشگاه تربیت مدرس (به مدت ۲ سال •). معاونت آموزش، تحقیقات و بین المللی وزارت ICT (۵ سال) •معاون آموزش و پژوهش دانشگاه پیام نور• رئیس دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی امیرکبیر• مدیر کل ارتباط با صنعت دانشگاه صنعتی امیرکبیر• معاون آموزش، پژوهش و امور بین‌الملل وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، ۱۳۸۳ تاکنون معاون آموزش، تحقیقات و فناوری وزارت پست و تلگراف و تلفن، ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲•. عضو هیئت امنا دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵• معاون پژوهشی دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۰• معاون آموزشی دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸• رئیس منطقه ده دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۷• رئیس منطقه ۶ دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵•. مشاور ریاست دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۷• رئیس دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲• معاون دانشگاه مهندسی برق دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۰• پایه‌گذار و رئیس اولین کنفرانس مهندسی برق ایران، ۱۳۷۲• عضو کمیته‌های اجرایی، علمی و برگزارکننده دوازده کنفرانس مهندسی برق ایران، (۱۳۷۳ تاکنون•) دبیر کمیته دائمی کنفرانس مهندسی برق ایران، ۱۳۷۳ تاکنون •عضو انجمن مهندسی برق و الکترونیک ، ۱۹۸۳ تاکنون• عضو کمیته اجرائی (IEEE) شاخه ایران، ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۴• عضو هیئت مؤسس انجمن مهندسی برق و الکترونیک ایران، ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۱• عضو کمیته فنی و مهندسی دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۳ •عضو کمیته اجرائی انجمن مهندسان کنترل و ابزار دقیق ایران، ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۶• عضو هیئت مدیره انجمن مهندسان کنترل و ابزار دقیق ایران، ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۱• عضو کمیته شورای عالی ارزشیابی مدارک وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲• عضو کمیته ارزشیابی مدارک آمریکا، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴• عضو کمیسیون تدوین آئین‌نامه‌های وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸• عضو شورای استراتژیک دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۲• عضو شورای عالی معاونین آموزشی– پژوهشی دستگاههای اجرایی و مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۷۷ تا ۱۳۷۸•. عضو هیئت مؤسس فعالیتهای آموزشی : سابقه تدریس مسعود شفیعی در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی و پژوهشی : – نام دانشگاه : دانشگاه صنعتی امیرکبیر– دانشکده مهندسی برق –دروس ارائه شده : ریاضیات مهندسی،پردازش سیگنالهای دیجیتالی،کنترل مدرن،کنترل خطی،جبر خطی،تجزیه تحلیل سیستم ها و ... تدریس دروس ریاضی– مهندسی برق در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری. تدریس ۱۱ درس مختلف در مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : – تجهیز و فعال‌سازی مرکز تحقیقات دانشکده مهندسی برق– دانشگاه صنعتی امیرکبیر. آرا و گرایشهای خاص : زمینه های

تحقیقاتی ایشان به شرح زیر است •: سیستم های چند بعدی • سیستم های سینگولار • رباتیک و اتوماسیون • پایداری شبکه های مخابراتی • ویولت و کاربردهای آن در مخابراتجوائز و نشانها : از افتخارات دکتر شفیعی می توان به موارد زیر اشاره نمود •: استاد نمونه کشوری در سال ۱۳۸۳ • منتخب انجمن بانیان و مروجین علم در ایران، ۱۳۸۴ • دریافت لوح تقدیر از ریاست جمهوری، ۱۳۸۴ • برنده جایزه جشنواره جوان خوارزمی، ۱۳۸۶ • پژوهشگر برتر دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۸۶ • مدیر نمونه ارتباط صنعت و دانشگاه، ۱۳۸۲ • دریافت لوح تقدیر از معاون علمی و فناوری ریاست جمهور، ۱۳۸۷ چگونگی عرضه آثار : فعالیتهای علمی و پژوهشی دکتر مسعود شفیعی به قرار زیر است: در زمینه مهندسی برق : – بیش از ۱۰ طرح پژوهشی – چاپ ۱۶ کتاب (تألیف و ترجمه) – چاپ و ارائه بیش از ۱۴۰ مقاله در مجلات معتبر داخلی و بین المللی و همچنین همایش های بین المللی و ملی • ارائه و انتشار بیش از ۱۲۰ مقاله علمی در مجلات و کنفرانس‌های بین‌المللی و داخلی در زمینه مهندسی برق •. ارائه و انتشار بیش از ۲۰ مقاله در مجلات و کنفرانس‌های بین‌المللی و داخلی در زمینه ارتباط صنعت و دانشگاه‌های باز •. سرپرستی ۱۱ پروژه در مقطع کارشناسی •. سرپرستی و مشاوره ۴۰ ساله در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری •. سخنرانی در دانشگاه‌های مختلف از قبیل یومسیت، شفیلد، متروپولیتن منچستر (انگلستان) به عنوان سخنران مدعو •. برگزاری سمپوزیوم « سیستم‌های سینگولار دو بعدی » در دانشگاه یومسیت انگلستان •. مجری انعقاد تفاهم‌نامه همکاریهای آموزشی- پژوهشی فیمابین دانشگاه صنعتی امیرکبیر و دانشگاه یومسیت انگلستان.

آثار : آنالیز فوریه و کاربرد آن در مهندسی ویژگی اثر : تالیف–مرکز تحقیقات مخابرات ایران، بهار ۱۳۸۲. ۲ ارتباط صنعت و دانشگاه: آینده‌ای تابناک، پیشینه‌ای تاریک- انتشارات دانشگاه صنعتی امیرکبیر ویژگی اثر : تالیف–زمستان ۱۳۸۲، پائیز ۱۳۸۳، بهار ۱۳۸۴ و تابستان ۱۳۸۴. ۳ اهداف و نحوه برگزاری همایش‌ها و نقش آن در توسعه ملی- مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور ویژگی اثر : تالیف–تابستان ۱۳۸۲ و بهار ۱۳۸۴. ۴ تجارت الکترونیکی ویژگی اثر : تالیف–انتشارات پیام‌رسان، بهار ۱۳۸۴۵ تنظیم و ویرایش ۷ جلد مجموعه مقالات کنفرانس مهندسی برق ایران و کنگره سه جانبه جبر خطی ویژگی اثر : تالیف–دانشگاه پیام نور، تابستان ۱۳۸۲.۷ دوره‌های کوتاه مدت ویژگی اثر : تهیه و چاپ–دانشگاه صنعتی امیرکبیر. ۸ دولت الکترونیکی ویژگی اثر : تالیف–انتشارات پیام‌رسان، بهار ۱۳۸۴۹ راهبرد توسعه ملی ویژگی اثر : تالیف–انتشار صدر، زمستان ۱۳۸۰۱۰ راهنمای برگزاری کنفرانسهای علمی در دانشگاههای کشور ویژگی اثر : تهیه و چاپ–دانشگاه صنعتی امیرکبیر. ۱۱ روزشمار توسعه ارتباطات در ایران ویژگی اثر : تدوین–شرکت مخابرات، زمستان ۱۳۸۰۱۲ ریاضیات مهندسی ویژگی اثر : تالیف–دانشگاه پیام نور، بهار ۱۳۸۰۱۳ مجموعه آئین‌نامه‌های پیشنهادی به منظور تسهیل برقراری ارتباط بین دانشگاه و صنعت، دانشگاه صنعتی امیرکبیر ویژگی اثر : تهیه و چاپ۱۴ مشارکت در تدوین ۷ سری کتاب آموزشی طرح گواهینامه کاربری کامپیوتر (ICDL) ۱۵ موتورهای پله‌ای ویژگی اثر : تالیف–دانشگاه زنجان، پائیز ۱۳۸۲۱۶ نکوداشت هفته پژوهش ویژگی اثر : تهیه و چاپ–زمستان ۱۳۸۰ منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

شفیق، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن وزیری نسخ نیم دو دانگ ترکی ثلث سه دانگ خوش با رقم: «احمد شفیق ۱۲۶۰» در موزه‌ی اسلامی ترک.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

شقاقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی بیک. شاعر ادیب، در سال ۱۲۱۴ وفات یافته، قبرش در حرم امام زاده در پشت ضریح قرار دارد، و آقا محمد طلعت (شاعر اصفهانی) در ماده تاریخ وفات او گوید:

کرد طلعت رقم به تاریخش

ثانی انوری شد از دنیا

از آثارش غیر از دیوان اشعار، مثنوی لیلی و مجنون است که به طریق هزل سروده، و گویند شاعری هتاك و هجوگو بوده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شقایق اصفهانی، علی‌اصغر

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. شغلش دوزندگی بود و معاصر مولف «مجمع الفصحا». شایق غزلسرایی می‌کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :لغت نامه (ذیل/ شقایق اصفهانی).

شقایق اصفهانی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، طبیب و شاعر، متخلص به شایق. وی همانند پدرش میرزا جعفر، طبی و شاعر بود. شقایق در اوایل عمر از اصفهان به یزد رفت و در آنجا ساکن و به طبابت مشغول شد. از آثار وی: «دیوان» اشعار، حاوی قصایدی مشتمل بر مدح امیرالمومنین و امام رضا (ع) و مراثی امام حسین (ع) است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۸۲۶ -۸۲۵ /۲)، الذریعه (۵۰۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۹۳).

شقایق سنندجی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۶۴ ق)، شاعر. وی در سقز متولد شد. مردی عالم و باکمال و بنا به حکم وراثت در سنندج و نواحی آن، قاضی بود و امور شرعی و مشکلات دینی مسلمان را حل و فصل می‌کرد. گاهی به طور تفنن قصیده‌ای در مدح می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۳۷۳ -۳۷۲ /۱)، حدیقه‌ی امان‌اللّهی (۳۹۵ -۳۹۲)، حدیقه الشعراء (۸۲۷/۲)، لغت نامه (ذیل/ شقایق سنندجی)، مجمع الفصحا (۵۳۲/۵).

شقایق شیرازی، علی‌اصغر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(اوایل س سیزدهم)، شاعر. شقایق با اینکه سوادی نداشت، اما از ذوق شعر بهره‌مند بود و گاهی شعر می‌سرود و از رهگذر خیاطی امرار معاش می‌کرد. در «مجمع الفصحا» تخلص او شقایق آمده است. از اوست:

چیست کالای محبت، حیرتی دارم که هر جا

می‌فروشندش به هیچ و کس خریدارش نباشد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۸۲۸ -۸۲۷ /۲)، الذریعه (۵۰۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۹۳)، مرآت الفصاحه (۲۹۳ -۲۹۲)، مجمع الفصحا (۵۳۸/۵)، مصطبه‌ی خراب (۹۹).

شقایق لرستانی، هادی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۳۶/۱۲۲۹ ق)، شاعر، متخلص به شهرت و شایق. از ایل ساکی فیلی لرستان بود. وی با شقایق اصفهانی، رفیق، خرد، گلشن و منعم همعصر بود. شقایق به طریق «بوستان» سعدی مثنویی نزدیک به هزار بیت سرود که به اتمام نرسید. شقایق هفت بند در برابر هفت بند ملا حسن کاشی در مدح امیرالمومنین (ع) گفته بود. «دیوانی» از غزلیات، قصاید و رباعی نیز ترتیب داد که نزدیک به پنج هزار بیت می‌شود. وی در تهران درگذشت و در قم در روضه‌ی معصومه (س) دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۸۲۹/۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۹۸۹ -۹۸۵ /۵)، الذریعه (۵۰۴/۹)، سفینه المحمود (۴۸۹/۲)، گلزار جاویدان (۶۹۱)، مجمع الفصحا (۵۳۹/۵)، مصطبه‌ی خراب (۹۸ -۹۷)، مکارم الآثار (۸۷۹ -۸۷۸ /۳)، نگارستان دارا (۲۰۹ -۲۰۷).

شکر شیرازی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از سادات شیراز بود و در صحافی و لاجورد شویی آگاه بود و می‌گویند که در موسیقی سررشته داشت. از اشعار اوست:

ز عقل بیهده پیمای خود مقید دینم

کجاست جذبه‌ی عشقی که وا رهاند از اینم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۷۲)، تذکره‌ی روز روشن (۴۲۸)، الذریعه (۵۳۵/۹).

شکراللهی، نادر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نادر شکراللهی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۴۶دیپلم برق(تهران هنرستان شهید موافق) لیسانس علوم سیاسی، فوق لیسانس فلسفه و کلام دکترای فلسفه تطبیقی. از سال ۱۳۶۴وارد حوزه علمیه شدم و تا هفت سال در درس خارج فقه و اصول شرکت کردم و کتاب های عرفانی و فلسفی مثل فصوص و اسفار را خوانده ام . از همان ابتدا در حوزه به تدریس مقدمات و بعد سطح مشغول بودم و از سال ۱۳۸۲در دانشگاهها مشغول تدریس هستم و عضو هیئت علمی پاره وقت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی هستم و از سال ۱۳۷۶جزء اولین افراد شبکه رادیوئی معارف بودم، و در سمت های نویسندگی، سر دبیری، کارشناسی و مجری کارشناسی مشغول فعالیت بودم .تاکنون یک کتاب با عنوان آسیب شناسی حکومت دینی از بنده منتشر شده و ۲مقاله هم ترجمه کردم که چاپ شده است و چندین مقاله نوشته شده و ترجمه شده آماده چاپ دارم .

شکرانی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران رضا شکرانی

محل تولد : خمینی شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در خمینی شهر اصفهان متولّد شدم و در خرداد ۱۳۵۹ دیپلم خود را گرفتم. شرکت فعال در محافل مبارزه با رژیم ستمشاهی از بزرگترین توفیقات الهی بود که طی سال های قبل از انقلاب نصیب من شد. با آغاز جنگ تحمیلی و بسته شدن دانشگاهها در پاییز ۱۳۵۹ به امر امام (ره) به خدمت سربازی درآمدم و از آنجا داوطلبانه به جبهه های جنگ رفتم. با پایان خدمت سربازی در پاییز ۱۳۶۱ باز بلافاصله از طریق بسیج به جبهه های جنگ رفتم و در عملیات والفجر مقدماتی مجروح شدم. همزمان با طی دوران نقاهت، در بهار ۱۳۶۲ در اولین کنکور سراسری پس از انقلاب فرهنگی، شرکت کردم و در اوّلین رشته انتخاب خود یعنی دبیری الهیات دانشگاه تهران پذیرفته شدم. در تابستان ۱۳۶۶ دوره کارشناسی را به اتمام رساندم و همزمان در آزمون کارشناسی ارشد دانشگاه تهران شرکت نمودم و به عنوان نفر اول آزمون کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران پذیرفته شدم. در پاییز ۱۳۶۹ با دفاع از پایان نامه خود که" استخراج مباحث تفسیر سید مرتضی (ره ")از کلیه آثار او و تحقیق و ترجمه بخشی از آن بود، فارغ التحصیل شدم. علی رغم درخواست موکد مدیر گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، جناب دکتر سید محمد باقر حجتی، مبنی بر اشتغال به تدریس در آن گروه، تدریس در دانشگاه اصفهان را انتخاب نمودم. بر این اساس در سال ۱۳۷۰ به عضویت هیات علمی گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان درآمدم و در همین سال با تنی چند از دوستان دوران تحصیل، رشته الهیات را در دانشگاه اصفهان راه اندازی نمودیم و دو سال بعد به گروه الهیات رفتم. در سال ۱۳۷۳ با فراهم آمدن امکان تحصیل در دانشگاه لیدز انگلستان قصد ادامه تحصیل در دکترای زبان شناسی با تکیه بر زبان قرآن را داشتم که به علت ابتلاء به بیماری دیسک از عزیمت به انگلستان بازماندم. به همین دلیل در سال ۱۳۶۵ به تحصیل در مقطع دکترای زبان شناسی همگانی مشغول شدم اما پس از یک سال تحصیل در این رشته، با پذیرش در آزمون دکترای علوم قرآن، به

تحصیل در رشته دکترای علوم قرآن دانشگاه تهران مشغول شدم و سرانجام با دفاع از رساله دکتری خود با عنوان «تحلیل ساخت های نحوی قرآن» در مقطع دکترا فارغ التحصیل شدم. همزمان با تحصیل در دبیرستان و دانشگاه به صورت جنبی دروس حوزوی را نیز تا اواخر سطح به همراه یک دوره فلسفه و کلام فرا گرفتم.

شکرریز یزدی، ابوالحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به قناد. شغلش قنادی بود. طبع شعر داشت. از اوست:

نخود بریز، که جانم فدات، خون مرا

نه خود بریز نه بگذار دیگری ریزد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۸۵۲/۲)، الذریعه (۵۳۵/۹).

شکرزاده، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از آثار اوست: قرآن وزیری مذهب عالی، نسخ و رقاع کتابت عالی با رقم: «کتبه العبد الضعیف تیمن هذالمصحف الشریف السید محمد معروف به شکرزاده... مأمورا باشارهٔ السلطان... احمد الغازی ابن السلطان محمد بن السلطان محمد بن سلطان ابراهیم... نقلا من خط عثمان المشهور به حاظ القرآن... فی شهر رجب‌المرجب لسنهٔ احدی و اربعین و الف (۱۰۴۱) من الهجرهٔ» در موزه‌ی اسلامی ترک.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

شکرکن، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روانشناسی، دانشکده: علوم تربیتی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان انگلیسی از دانشسرای عالی در سال ۱۳۴۲، کارشناسی روان‌شناسی از دانشگاه کالیفرنیا در سال ۱۳۴۷، دکترای روان‌شناسی صنعتی و سازمانی از دانشگاه کالیفرنیا در سال ۱۳۵۲.

مرتبه علمی:

استادیار و دانشیار در دانشگاه شهید چمران اهواز از سال ۱۳۵۲ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اثرات عزت نفس بر عملکرد دانش‌آموزان، سیری در تاریخچه روابط انسانی در مدیریت، بررسی نگرش دانش‌آموزان نسبت به غرب، رابطه تعارض و ابهام نقش با خشنودی و عملکرد شغلی، میزان‌سازی آزمونهای پیشرونده ریون، بررسی علل خودکشی در خوزستان، تدریس دروس روان‌شناسی، روان‌شناسی صنعتی و سازمانی، روان‌شناسی اجتماعی در دانشگاههای کالیفرنیای آمریکا و شهید چمران اهواز.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

نگرش‌ها (مبانی، سنجش، تکوین، تغییر و نظریه‌ها)، مکاتب روان‌شناسی، وراثت و محیط، خاستگاههای پویایی گروهی، روان‌شناسی صنعتی و سازمانی، مردم در سازمان‌ها و فهم رفتار آنها، نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

ابعاد کیفیت محیط، احساس نابرابری و اثرات آن در دنیای کار، نظریه سود و زیان درباره کشش و جاذبه بین مردم، رابطه میان

نگرش و رفتار، اعتبار درونی و اعتبار نتیجه‌گیری آماری پژوهشهای آزمایشی و شبه آزمایشی، اعتبار بیرونی و اعتبار سازه پژوهش‌های آزمایشی و شبه آزمایشی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شکری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی شکری

محل تولد : ورامین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیّد علی شکری۲سال در مدرسه امام عصر (عج) وسه سال در مدرسه الهادی(ع) ویک سال در مدرسه رضائی ویک سال در مدرسه معصومیه (س) مشغول تحصیل بودم وهم اکنون پایه ۹و۱۰را به صورت آزاد مشغول تحصیل هستم . چند سال را به صورت ارتقائی خواندم با طلاب زیادی هم بحث بودم من جمله :علی حاتمی،سید پور آذر،اکبر نجفیان ،مجید غلامی ،مرتضی عالی پور ،سیدهادی زمانی ،داود میرزائی ،محمد حسن زاده و...وهمچنین ازاساتید فراوانی بهره برده ام من جمله استاد فروزانفر،استاد کوشا،استاد شکوری ،استاد سنائی ،ستاد پور رضا،استاد علی محمد خراسانی ،استاد گنجی ،استاد جوادی آملی ،استاد حیاتی ،استاد رضوی ،استاد متقی و...که خدا حفظشان کند ود رزمینه تفسیر وکلام ونحو وصرف وفقه واصول وحدیث ونهج البلاغه زیاد کار کردم .

شکسته قاجار، حسنعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۷۱ -۱۲۰۴ ق)، شاعر، متخلص به شکسته. ملقب به شجاع‌السلطنه. وی فرزند ششم فتحعلی‌شاه و برادر کوچکتر بود. وی در سرودن شعر به کمال‌الدین اسماعیل و سعدی تاسی می‌کرد. اشعار وی از لطافت و ظرافت خالی نیست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۸۶۴ -۸۵۲ /۲)، الذریعه (۵۳۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۵۰۹)، مجمع الفصحا (۷۰/۱)، مصطبه‌ی خراب (۹۵ -۹۴).

شکسته، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۸ ق- ۱۳۲۳ ش)، روزنامه‌نگار، شاعر، متخلص به شکسته. در روستای ازغند از توابع تربت حیدریه متولد شد. علوم ادبی و عربی را در مشهد و در محضر ادیب نیشابوری فراگرفت. مرتضی میرزا از مشاهیر خراسان و مردی مورد احترام مردم بود. در سمتهای شهرداری، فرمانداری و کفالت ایالتی و رییس کمیسیون تقسیم آبهای سرحدی ایران و روس خدمات صادقانه‌ای انجام داد و در سال ۱۳۰۵ ش در مشهد اداره‌ی ثبت احوال را دایر کرد. وی مردی آزادی‌خواه و وطن‌پرست بود و روزنامه‌ای به نام «خورشید» در مشهد دایر کرد. از دیگر کارهای وی ایجاد مدرسه‌ی دخترانه فروغ در مشهد در زمان تصدی کفالت استان خراسان بود. وی شاعری توانا بود و در نقد شعر مهارت داشت. در تهران وفات یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲۵۵ -۲۵۴ /۲)، سخنوران نامی معاصر (۱۹۹۴ -۱۹۸۷ /۳)، صد سال شعر خراسان (۳۳۳ -۳۲۳).

شکسته‌نویس، رضیه

قرن:۱۱

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن یازدهم هجری، از زنان شاعر. به نوشته مخزن‌الغرایب، وی «زنی بی‌حفاظ و لوند و شرابخوار در صفاهان (اصفهان) بوده، گویند که وی محبوبه شاه عباس بوده است.» اما تذکره صحف ابراهیم او را از مردان شاعر زمان شاه عباس می‌داند.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: صحف ابراهیم، گ ۱۲۰، ش ۴۵؛ مخزن‌الغرایب، ۲۸۶ / ۲.

شکوه شیرازی، عبدالحمید

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۲۷۰ ق)، شاعر، متخلص به شکوه. معروف به شکوه شیرازی. اصل وی از قصبه‌ی فیروزآباد بود. در اوایل حال به تهران آمد و در دیوان دولتی سمت منشی داشت، اما پس از چندی استعفا کرد و به سیر و سیاحت پرداخت و به لباس فقر درآمد. و بعد از مدتی گشت و گذار در شهرهای ایران، سرانجام به همدان رفت و در آن شهر ساکن شد و در همان جا درگذشت. وی آثاری به نظم و نثر داشت، لیکن از اشعارش، به واسطه بی‌اعتنایی خودش، چیزی مدون نیست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۸۶۹ -۸۶۷ /۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۹۳ -۲۹۲ /۳)، الذریعه (۵۳۶/۹)، مجمع الفصحا (۵۴۴ - ۵۴۰ /۵)، مرآت الفصاحه (۳۱۲ -۳۱۱).

شکوهمند، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: فنی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد مهندسی مکانیک از دانشکده فنی دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد در رشته مکانیک سیالات از دانشگاه پاریس و دکترای مهندسی در علوم حرارتی (انتقال حرارت).

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده فنی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طراحی دیگ‌های بخار نیروگاهی و دستگاههای مولد انرژی، تدریس دروس مکانیک سیالات، ترمودینامیک و انتقال حرارت در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاههای تهران، پلی تکنیک، مشهد و تربیت مدرس به مدت ۱۷ سال، دانشیار دانشکده فنی دانشگاه تهران، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

جابجائی طبیعی، علوم حرارتی و انرژی (نیروگاهها).

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

علوم حرارتی، مکانیک سیالات، انرژی و محیط زیست.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

شکوهی تبریزی، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۴ -۱۲۴۵ ق)، شاعر، متخلص به شکوهی. در مراغه مسکن داشت. و از فاضلان و شاعران آن شهر بود که شغل آیینه‌سازی داشت. شکوهی با راجی و لعلی معاصر بود و به ترکی و فارسی شعر می‌سرود. از آثار وی: «دیوان» اشعار، «لطائف و ظرایف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۳۳۳/۲)، الذریعه (۵۳۶/۹)، دانشمندان آذربایجان (۲۰۰ -۱۹۹)، ریحانه (۲۳۳ -۲۳۲ /۳)، فرهنگ سخنوران (۵۰۹)، مؤلفین کتب چاپی (۴۰۶/۶).

شکوهی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسین شکوهی در سال ۱۳۰۵ در شهر خوسف بیرجند متولد شد. وی درسال ۱۳۱۱ به مدرسه ای در شهر خوسف رفت. و در سال ۱۳۲۳ با رتبه ممتاز از دانشسرای مقدماتی فارغ التحصیل شد و به روستای خود برای آموزش بچه های روستا بازگشت. و در سال ۱۳۲۷ دیپلم کامل ادبی را اخذ کرد و بعد از گذراندن دوره سربازی در سال ۱۳۲۲ وارد دانشسرای عالی در تهران شد و در سال ۱۳۳۵ در رشته ادبیات فارسی با رتبه اول فارغ التحصیل شد و با بورس تحصیلی و بعد از ازدواج عازم سوئیس شد و در سال ۱۳۴۰ بود که غلامحسین شکوهی در رشته علوم تربیتی مقطع دکتری از دانشگاه ژنو سوئیس فارغ التحصیل شد. وی در سال ۱۳۴۱ به عنوان کارشناسی اداره کل مطالعات و برنامه و سپس ریاست اداره تحقیق و ارزشیابی در سال ۱۳۴۵ بـه فعالیت پرداخت او همچنین نخستین وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران است. گروه : علوم انسانی رشته : علوم تربیتی گرایش : تعلیم و تربیت خاطرات کودکی : غلامحسین شکوهی در کودکی در دامان مادر پرورش یافت . مادر بزرگوارش اجازه خروج وی از خانه و بازی با کودکان را به وی نمی داد . در عوض هر روز عصر وی را از کوچه باغهای با صفایی به سوی مقبره مولانا محمد حسام قهستانی (شاعر اهل بیت علیهم السلام) (۷۸۱– ۸۷۳ ه.ق) که نزد مردم محلی به پای تخت مشهور بود ، می برد . استاد شکوهی همچون سایر مردم محل که به این آرامگاه حرمت بسیار می نهادند به آنجا علاقمند شد. در آنجا درویشی پیر معتلف بود که مردم وی را «یاهو » می نامیدند . و استاد شکوهی بدلیل سکونت وی در آن آرامگاه به وی علاقه بسیار یافت . چنین زمینه ای موجب شد که استاد شکوهی بعدها پایان نامه دوره کارشناسی خود را درباره ابن حسام بنگارد . دکتر شکوهی از خاطرات دوران کودکی و مدرسه، تصاویر واضحی را به یاد می آورد: «بعد از اینکه از کلاس چهارم دبستان فارغ التحصیل شدم، مرتباً می رفتم به مدرسه و در همان فضا می گشتم یا در کلاس ها می نشستم، چون مثل بقیه بچه ها بازی نمی کردم، اصلاً بازی بلد نبودم. ۲ سال باقی مانده آموزش ابتدایی را در دبستانهای تدین و مدرسه ضمیمه دانشسرای مقدماتی گذراندم. در این مدرسه سطوح ابتدایی و متوسطه مثل دیگر مدارس وجود داشت و از پایان کلاس سوم دبیرستان یعنی پس از ۹ سال تحصیل، ۶ سال ابتدایی و ۳ سال متوسطه، دانش آموز می توانست در دانشسرای مقدماتی تحصیلات خود را انجام دهد تا برای آموزگاری در مدارس ابتدایی شهر و روستا آماده شود.» شکوهی درباره کودکی ها و امیدهای زندگی اش خاطرات زیبایی را به یاد می آورد. او می گوید: «هیچ وقت فکر نمی کردم من که از جنوبی ترین نقطه استان خراسان برخاسته بودم، بتوانم مدارج ترقی را اینگونه طی کنم. پدرم علی اکبر، خیاط زبردستی بود. با نانی که او از راه خیاطی بر سر سفره می گذاشت، بزرگ شدم. در منطقه محرومی که بزرگ شدم و در آنجا درس هم دادم، همیشه استعدادهای درخشانی وجود داشته است. دانش آموزی داشتم که هر مسأله ای را می دادم حل می کرد، از ۱۲ کیلومتری خوسف می آمد و برمی گشت. یک روز به مدیر مدرسه گفتم: یکی از اتاق های کوچک مدرسه را به این بچه بدهید که این قدر مجبور نباشد عصر برود و دوباره صبح روز بعد برگردد تا بالاخره اتفاقی افتاد. یک روز خواستم این دانش آموز را امتحان کنم و مسأله ای داده باشم که نتواند حل کند، آن روز پنجشنبه دو مسأله دادم و برای مسأله سوم گفتم: طول درخت سنجدی که در وسط حیاط مدرسه است را محاسبه کنید. صبح روز شنبه که به مدرسه رفتم، جواب حاضر این دانش آموز را روی میز دیدم. او روز جمعه این ۱۲ کیلومتر را طی کرده بود و به مدرسه آمده بود و یک چوب دو متری را هم با خود آورده بود و طول سایه آن (چوب) را اندازه گرفته و طول سایه درخت سنجد را هم اندازه گیری کرده بود و با یک تناسب که دو متر ارتفاع این قدر سایه دارد، این قدر سایه چه مقدار ارتفاع دارد؟ طول درخت را محاسبه کرده بود. اسم این پسر غلامحسین حقداد بود. البته از سال ۱۳۲۸ از او خبری نداشتم تا این که در سال ۱۳۷۲ که در دانشگاه بیرجند تدریس می کردم، با دانشجویی به نام زهرا حقداد روبرو شدم که معلوم شد دختر همان دانش آموز خلاق است که خدا را شکر با داشتن پنج فرزند که همگی فارغ التحصیل رشته های مختلف هستند و متوجه شدم یکی از آنها استاد دانشگاه کالیفرنیا شده است.» اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : غلامحسین شکوهی در سال ۱۳۰۵ در قصبه خوسف از توابع بیرجند متولد شد . در این قریه مقبره یکی از شعرای شیعه قرن نهم هجری بنام ابن حسام قرار داشت . اعتقادات محلی و علاقه شخصی استاد از دوران کودکی به این محل در شکل گیری فکر وی موثر بود .خانواده استاد شکوهی خانواده ای متوسط الحال بودند . پدر استاد به کار قنادی ، خیاطی و حتی صاحب املاکی بودمشغول بود اما به سختی توان تامین نیازهای مالی خانواده را داشت .تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامحسین شکوهی در سال ۱۳۱۱ وارد دبستان چهار علامه قریه خوسف شد . بعدها نام این دبستان بنام خیام و سپس بنام ابن حسام نامگذاری شد. وی در ۱۳۱۵ تحصیلات ابتدایی را بپایان برد اما بدلیل مشکلات مالی و تحصیل در شهر (بیرجند) به مدت یک سال و سه ماه از تحصیل فاصله گرفت . اما از سال ۱۳۱۶ برای تحصیل در دانشسرای بیرجند به آن شهر رفت و پس از هفت سال در خرداد ۱۳۲۳ مدرک دیپلم را از دانشسرای مقدماتی دریافت نمود . پس از مدتی تدریس و نیز پس از شاگرد اولی و بورس دانشجویان ممتاز در سال ۱۳۳۶ به ژنو اعزام شد. و تا سال ۱۳۴۱ که به ایران بازگشت مدرکهای دیپلم مقدماتی ، دیپلم علوم تربیتی ، لیسانس و نیز دیپلم راهنمایی شغلی را دریافت نمود . مدتی بعد نیز از انستیتوی ژان ژاک روسو به دریافت دکترای تعلیم و تربیت نائل آمد .خاطرات و وقایع تحصیل : غلامحسین شکوهی در سال ۱۳۱۶ پس از پایان تحصیلات ابتدایی عازم شهر بیرجند شد، همراه با پدر سوار بر الاغی به سوی شهر رفتند و در نیمه راه که شب فرا رسید ، استاد شکوهی که در روستای کوچک خوسف رشد نموده بود ، برای اولین بار چراغ برق و روشنایی حاصل از آن را دید . روز بعد وی با پدرش به شهر بیرجند رسیدند و پدرش به دلیل علاقه بسیاری که به تحصیل وی داشت ، اتاقی برای وی اجاره نمود . بنابراین استاد شکوهی از ۱۲ سالگی زندگی مستقل خود را آغاز نمود .فعالیتهای ضمن تحصیل : غلامحسین شکوهی پس از پایان تحصیلات ابتدایی مدتی را به همکاری با مدیر دبستان سابق خود بنام سید رضا هاشمی پرداخت و حتی گاهی از سوی وی به تدریس مشغول می شد .استادان و مربیان : از استادان وی میتوان به استادانی چون «پیاژه» و «دوتران» در

دانشگاه ژنو اشاره کرد. ژان پیاژه استاد بسیاری از چهره های نامی معاصر ایران در حوزه های علوم اجتماعی بوده است.هم دوره ای ها و همکاران : اندکی پیش از غلامحسین شکوهی کسانی چون کاردان ، دکتر منصور ، دکتر و خانم دکتر دادستان از انستیتوی ژان ژاک روسو مدرک دکترای تعلیم و تربیت را اخذ نمودندهمسر و فرزندان : خانم صفرا سره همسر غلامحسین شکوهی ، که در کنار وی در سوئیس تحصیلات عالیه را گذرانده بود کتاب « روش فعال کودکستان » را نیز از ایشان به یادگار مانده است . همسر وی یکی از همکلاسی های دکتر شکوهی بوده است.وقایع میانسالی : غلامحسین شکوهی پس از مدتی تدریس در روستاهای خوسف و گل در سال ۱۳۲۸ به خدمت نظام وظیفه اعزام شد . پس از بازگشت با استفاده از سهمیه معلمان شهرستانی دارای دیپلم کامل به دانشسرای عالی وارد شد. در سال ۱۳۸۰ همکلاس دیرین و همسر او بر اثر سکته قلبی از دنیا رفت .مرگ همسر، موجب شد که او از تدریس و کارهای پژوهشی دست بکشد. دو سال و نیم پس از مرگ همسر، شکوهی سکته خفیف مغزی کرد در نتیجه طرف راست بدن او و نیز تکلم اش مختل شد که با توکل به خدا و فیزیوتراپی و سعی خودش، دوباره قادر به حرف زدن و مطالعه شده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در سال ۱۳۴۵غلامحسین شکوهی با عنوان استادیار به دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران منتقل شد جایی که علاوه بر ۲۷ سال تدریس موفق و سازنده، سال هایی را به کارهای اجرایی از جمله مدیریت گروه و ریاست دانشکده علوم تربیتی پرداخت. شکوهی همچنین نخستین وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران است. پس از استعفا در کنار تدریس دانشگاهی ریاست شورای عالی آموزش و پرورش را برای مدت یک دوره چهارساله بر عهده داشت. در سال ۱۳۶۵ شکوهی به مدت یک سال برای استفاده از فرصت مطالعاتی به ژنو اعزام شد و در دفتر بین المللی تعلیم و تربیت وابسته به سازمان یونسکو به تحقیق و مطالعه پرداخت. وی معاونت رئیس دانشکده علوم تربیتی تا سال ۱۳۷۲ بر عهده داشت. فعالیتهای آموزشی : غلامحسین شکوهی از یازده سالگی بطور غیر رسمی به عنوان همکاری با مدیر دبستان ابن حسام گاهی به تدریس می پرداخت . وی در ۱۳۲۳ از دانشسرای مقدماتی بیرجند دیپلم گرفت و در خوسف به تدریس پرداخت . مدتی بعد در روستای گل (در نزدیکی خوسف) به تدریس پرداخت . استاد شکوهی پس از اخذ مدرک دکتری از ژنو ، به ایران برگشت . مدتی را بطور رایگان در تهران به تدریس « روشها» ، « راهنمایی شغلی » پرداخت . مدتی نیز بدلیل بیماری به بیرجند رفت و در دانشگاه بیرجند تدریس نمود .سال ۱۳۴۱ پس از بازگشت از ژنو، شکوهی در وزارت فرهنگ آن زمان در دفتر مطالعات تربیتی که بعد به اداره کل مطالعات و برنامه ها تغییر نام یافت مشغول به کار شد و به تدریج در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران، تربیت معلم مامازن ورامین و دانشگاه فردوسی مشهد تدریس در حوزه های آموخته اش را آغاز کرد. در سال ۱۳۴۵ شکوهی با عنوان استادیار و بعد دانشیار و استاد به دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران منتقل شد و به تدریس ادامه داد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : غلامحسین شکوهی در حین تدریس در خوسف و روستای گل ، زبان عربی را آموخت و دیپلم ۱۱ ساله خود را تکمیل نمود .آرا و گرایشهای خاص : غلامحسین شکوهی به تدریس عملی در ریاضیات و بیشتر رشته های درسی اعتقاد دارد .بی شک زحمات غلامحسین شکوهی در تاریخ آموزش و پرورش کشور ما فراموش نخواهد شد. شکوهی کودک را در نظام تعلیم، کانون توجه قرار می دهد و شرط لازم معلمی را پذیرش کودک به عنوان انسانی مستقل و دارای ویژگی هایی می داند که باید آنها را شناخت و سپس به پرورش و آموزش او پرداخت. او تفاوت های فردی در کودکان را اصلی انکارناپذیر می داند و در این باور است که هرگاه به این تفاوت ها در نظر و عمل تن ندهیم، در مسیر کار خود توفیقی نخواهیم داشت. شکوهی اضافه می کند: «درد بزرگ ما در عرصه تعلیم و تربیت این است که معلمین و دانش آموزان خیلی زحمت می کشند، ولی آن فایده ای که باید به دست نمی آورند و آن هم ناشی از روش تدریس اشتباه است، ما چون عجله داریم زود برسیم، هرگز نمی رسیم. گاهی اتفاق می افتد که بچه ها بگویند اسفند ماه دروس را دوره می کنیم. برای چه اسفند ماه دوره می کنند؟ برای این که عجله دارند. عیب بزرگ این است که سؤال و جواب را خودمان به دانش آموزان می دهیم و حال این که باید بگذاریم آنها مجال فکر کردن داشته باشند. پیاژه می گفت: هر وقت بچه ها از من سؤالی می کردند، می گفتم: خودت چه فکر می کنی؟ بچه جواب نمی داد و پس از مدتی دوباره همان سؤال را می پرسید، اما این مرتبه با اطلاعات بیشتری سؤال را می پرسید و این باعث تفکر می شد.» جوائز و نشانها : – چهره ماندگار در همایش چهره های ماندگار در سال ۱۳۸۵ آثار : تالیف تعلیم و تربیت و مراحل ان ، ۱۳۶۲ ، تالیف روانشناسی سال سوم آموزش متوسطه عمومی– اقتصاد و فرهنگ و ادب، ۱۳۶۰ ، تالیف مبانی و اصول آموزش و پرورش، ۱۳۷۲ ، ترجمه در سال ۱۳۵۵، مربیان بزرک ، تعلیم وتربیت ، روش آموختن ریاضیات ویژگی اثر : کتابی است که روشهای جدید ابداعی دکتر شکوهی را در آموزش ریاضی معرفی می نمود .۷ مقاله استفاده از روانشناسی در راهنمایی تحصیلی و شغلی ، مقاله اسلام و روانشناسی یا روانشناسی اسلامی ، مقاله امکان تربیت آدمی

شکوهی، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسعود شکوهی

محل تولد : هریس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

بنـده در نهم اردیبهشت سال ۱۳۵۰ در شهرسـتان هریس، اسـتان آذربایجان شـرقی به دنیا آمدم. پدرم در آن ایام مشغول تحصیل در حوزه علمیه قم بود و در سـال ۱۳۵۳ خانواده را هم به قم منتقل کرد و دوران کودکی، نوجوانی و جوانی را در این شـهر گذرانـدم. شایـد مهم‌تریـن مربی دوران کـودکی‌ام پـدرم باشـد کـه بـا حوصـله و صـبر خاصـی همیشه آمـاده پاسـخ‌گویی به سوالاـت کـودک پرسشـگری چون من بود و هم او بود که بـذر علاـقه به علم و کتاب را در دل من کاشت علاقه، ارتباط و انس من با کتاب از همان نخستین سال‌هـای کودکی، اطلاعـات کتاب شـناختی فراوانی برایم به وجود آورد. در سال ۱۳۶۵ به عضویت کـانون پرورش فکری کودکـان و نوجوانان قم درآمـدم، کانون قم در آن سال‌ها با مـدیریت فعال و رونق خاصـی که داشت، نقش بسـیار مهمی در حیات فرهنگی من داشـته است در آنجا با بسـیاری از مسائل و مباحث فرهنگی، ادبی و هنری آشـنا شدم، دقت در نکات ادبی و آشـنایی با شیوه‌های سامان جمله در آن ایام، به تدریج مرا به صورت تجربی به دنیای ویراستاری لفظی و محتوایی عبارات فارسی وارد کرد که البته بعدها به صورت علمی نیز دوره‌هایی را گذراندم و ویرایش یکی از زمینه‌های فعالیت بنده شد.

در سال ۱۳۶۹ پس از اخـذ دیپلم متوسـطه در رشـته علوم تجربی وارد حوزه علمیه قم شـدم و در مـدرسه مبارکه رضویه تحصـیلات حوزوی را آغاز کردم تا شهریور ۷۱ در این مـدرسه بودم و درس‌های پایه اول و دوم شامل: تعدادی از کتاب‌های جامع المقدمات، صرف ساده، سـیوطی، حاشـیه، قسـمت‌هایی از المنطق و ... خواندم. در مهر ماه سال ۱۳۷۱ وارد حریم قـدس رضوی شدم و با آغاز سال تحصیلی ۷۲ـ ۷۱ بنده تحصیلاتم را همزمان در دانشگاه آزاد مشهد در رشته الهیات با گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی و نیز در حوزه علمیه خراسان ادامه دادم. همجواری با امام ثامن برکات فراوانی برایم داشت در طول این مـدت، تحصـیلات کارشناسـی و کارشناسـی ارشـد را در رشـته مذکور گذراندم و مقداری نیز از دروس سـطح حوزه را خواندم همچنین با برخی از مراکز تحقیقاتی مشـهد مانند «موسـسه پژوهش و مطالعات عاشورا» «خانه کودک» «دُرسا» و... همکاری داشتم، حاصل این تحقیقات فیش‌های فراوان تحقیقاتی در رشته‌های مختلف علوم اسلامی است که در مراکز مذکور موجود است و برخی از آنها به صورت کتابهایی چون: «نقد قصه‌هـای پیشوایـان معصوم در کتب درسـی» «احکام ما و کودکان» و... منتشر شـده است. با آغاز سال ۷۸ مجدداً به قم بازگشـتم و پس از تنظیم برنامه‌هـای حوزه، یـک دوره فشـرده احیـای نسـخ خطی را خـدمت اسـتاد مختـاری گذرانـدم، البته من قبلاًـ به صورت تجربی سـراغ این کـار رفته بودم و زمینه اصـلی تز من در دوره کارشناسـی ارشـد نیز به این مهـارت مربوط می‌شـد، با انـدوخته‌های جدید دوباره سراغ «الاثنا عشریات الخمس» شیخ بهایی رفتم و حدود یک سال به تکمیل آن پرداختم.

در این ایـام به عنوان ویراسـتار بـا برخی از مراکز نشر همکـاری داشم همچنین سلسـله مقالاتی نیز در مجله «گلسـتان قرآن» به چاپ رساندم. در نیم سال دوم ۸۰ـ ۷۹ در دانشگاه پیام‌نور مرند «متون اسلامی» و «قواعد فقه مدنی»، در نیم‌سال اول ۸۱ـ ۸۰ در دانشگاه آزاد قم «تاریخ اسـلام» و «معارف اسلامی ۱»، و در نیم‌سـال دوم سال ۸۱ ـ ۸۰ در آزاد آشتیان «تاریخ اسـلام» در نیم‌سال اول و دوم ۸۲ ـ ۸۱ در دانشـگاه آزاد قم آشتیان و نراق «تاریخ اسـلام» و «اخلاق اسلامی» و در نیم‌سال اول و دوم ۸۳ ـ ۸۲ در دانشگاه آزاد قم آشتیان و نراق «تاریخ اسلام» و «متون اسلامی» و «معارف اسلامی ۱ و ۲»، در تابستان ۸۳ در آزاد نراق «متون فقه ۴» تدریس کرده‌ام. کتاب‌هـایی را از زبـان عربی به فارسـی ترجمه کرده‌ام که از میـان آنهـا کتاب «مظلومیت برترین بانو» چاپ شـده است و بقیه نیز در مراحل پایانی هسـتند همچنین تصحیح و تعلیق «الاثنا عشریات الخمس» شیخ بهایی از بنده چاپ شده است و تصحیح و تعلیق «الکلم الطیب» نوشته سید علیخان مدنی را زیر چاپ دارم.

شکویی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۷ ش)، مدرس. اصل وی از مشـهد است. و خدمت در فرهنگ را از آموزگاری شـروع و به دبیری در دبیرسـتانها و دانشگاه تهران به پایان رسانده است. وی از شخصـیتهای ورزشی برجسته کشور نیز به شمار می‌رفته است. اثر وی «سالنامه‌ی دبیرستان مروی» می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۲۷۹ –۲۷۸/ ۴).

شکیب اصفهانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۴ ش)، شاعر و عارف. در اصـفهان متولـد شـد مـدتی به کسب علوم پرداخت از بیست و هفت سالگی قـدم در جاده عرفان نهاد. و خـدمت حاج ذوالریاستین شـیرازی ارادت پیـدا نمود و در سـلک مریدان ایشان وارد شد. در شـعر و ادب مدتی خدمت سـینا کرونی کـار کرد و در انجمن ادبی شـیدا نیز عضـویت داشت. روزگـارش به قلم‌زنی می‌گـذشت و در آن فن نیز چـون شـعر و ادب صاحب ذوق سرشار بود. از آثار وی «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۷۶ –۲۷۴)، الذریعه (۵۳۶/۹)، مؤلفین کتب چاپی (۱۶۹/۳).

شکیب اصفهانی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عارف، شاعر و خطاط. وی در شیراز با رضا قلی خان هدایت همنشین و معاشر بود. مدتها برای دیدار عرفا به سیر و سیاحت در عراق، کردستان، فارسس و هندوستان پرداخت. شکیب خط شکسته را خوب می‌نوشت. وی در هند درگذشت. از

آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۸۶۹/۲)، الذریعه (۵۶۳/۹)، ریاض العارفین (۲۶۲)، ریحانه (۲۳۳/۳)، سفینه المحمود (۴۹۰/۲)، فرهنگ سخنوران (۵۰۹)، لغت نامه (ذیل/ شکیب)، مجمع الفصحا (۵۴۴/۵).

شکیب اصفهانی، میر شهنشاه

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به شکیب. از سادات و متولیان امامزاده زین‌العابدین واقع در اصفهان بود مدتی هم مستوفی استرآباد بود. به حجاز و هند مسافرت کرد و پس از مدتی به وطن بازگشت. در سرودن شعر توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۳۰)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۲۲)، فرهنگ سخنوران (۵۰۹)، کاروان هند (۶۳۸ -۶۳۷ /۱).

شکیب شیرازی، عبدالوهاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۰ ق)، شاعر. از بزرگان سادات شیراز و از شاگردان میراز کوچک وصال بود. خط نسخ را نیکو می‌نوشت و شعر هم می‌سرود. از اوست:

نگارا از چه با غمدیدگان ترک وفا کردی

شکستی عهد و پاداش وفا، جور و جفا کردی

سر انگشتان مخضوبت خضاب از خون من خواهد

جفا کردی که این سر پنجه رنگین از حنا کردی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۳۰ -۴۲۹)، حدیقه الشعراء (۸۷۰ -۸۶۹/۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۹۵/۳)، الذریعه (۵۳۷/۹)، مرآت الفصاحه (۳۱۴ -۳۱۳).

شکیب شیرازی، محمدعلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۲۰/۱۱۲۵/۱۱۳۰/۱۱۳۵ ق)، عارف و شاعر، متخلص به شکیب. به تصوف گرایش داشته و طریقت سلسله ذهبیه را برگزید. تحصیل عمل نزد مسیحای فسایی کرد و در جوانی جامع علوم و مدرس مدارس گردید. وی با محمدعلی حزین لاهیجی معاصر بود. در استیلای افغان به شیراز زخمی شده و درگذشت. از آثارش: «دیوان» شعر؛ «مبدا و معاد» و مثنوی در فتوحات شاه سلطان حسین صفوی منظوم کرده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره المعاصرین (۲۵۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۹۵ -۲۹۳ /۳)، الذریعه (۵۲/۱۹، ۵۳۶/۹)، ریاض العارفین (۱۰۰ -۹۹)، ریحانه (۲۳۴/۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۷۱/۲)، فرهنگ سخنوران (۵۱۰ -۵۰۹)، لغت نامه (ذیل/ شیکب)، مرآت الفصاحه (۳۱۳ -۳۱۲).

شکیبا حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهـاردهم ق)، مـدرس. وی در سال ۱۲۹۹ ش بـه معلمی در مـدرسه احمـدیه کرمانشاهـان منسوب شـده و بعـد دو سال از دارالمعلمین دیپلم گرفته به عنوان دبیر ادبیات در کرمانشاهان مشغول خدمت شده است و عهده‌دار مشاغل مختلفی از قبیل مدیریت دبیرستان گرگان و ریاست فرهنگ کردستانی، بروجرد، اراک و همدان نیز بوده است. اثر وی «تعلیمات مدینه» می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۷۶۳/۲).

شکیبا، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد شکیبا

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه تبریز شـدم و دروس مقـدمات را بـا اساتیـد مجرب آن حوزه آغـاز نمودم پس از ۴ سال سطح اول حوزه که شامـل دروس منطق ، ادبیـات عرب . و فقه و اصول در سـطح های لمعتین و اصول فقه مظفر را با موفقیت به اتمام رسانـدم پس از آن با شـرکت در امتحانات حوزه علمیه قم از تبریز به قم جهت ادامه تحصـیل آمـدم و درس کتاب مکاسب و کفایه و خارج فقه و اصول و فلسـفه و کلام ۲ را در محضـر اساتیـد حـوزه علمیـه از جملـه آیت الله دوزدوزانی ،آیت الله سـبحانی و آیت العظمی اردبیلی و سایر اساتید حوزه شروع نمودم در حین تحصیلات حوزوی از سال ۷۲ وارد دانشگاه مفید شدم و در رشته اقتصاد شروع به تحصـیل نمودم و در سال ۷۹ از دانشگاه مفید در سـطح کارشناسـی ارشد اقتصاد فارغ التحصیل شدم با توجه به علاقمندی شخصی خود مباحث حوزه حقوق بشـر در دانشگاه مفید را دنبال نمودم و با تلاش و همت سعی دانشگاه مفید و پس از برگزاری دو همایش دو سالانه حقوق بشـر در دانشـگاه مفید اولین مرکز مطالعات حقوق بشـر در قم را راه اندازی نمودم پس از راه اندازی مرکز تلاشی گسترده ای در زمینه مطالعات حقوق بشر اسلامی و همکاری با سازمان های بین المللی در این حوزه را آغاز کردم .

در سال ۱۳۸۲ باتوجه به رشـته تخصصـی خودم عضو هیئات علمی پژوهشـی جهاد دانشگاهی شـدم و با راه اندازی گروه پژوهشـی اقتصاد پژوهشـکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشـگاهی فعالیت جدیـد علمی خود را آغاز نمودم و تا به حال نیز این فعالیت ها در زمینه های مختلف تحقیقاتی ادامه داشـته است از جمله تدوین شـبکه برنامه علمی گروه پژوهش که شامل ۱۳ طرح پژوهشی که بـایستی در مـدت سه سـال اجرا شود و همچنین طراحی و دبیر علمی همـایش ملی نفت و گـاز و انرژی در افق ۱۴۰۴ و سایر فعالیت هـای علمی و اجرایی دیگر ماننـد برگزاری همایش بین المللی سیاسـی پیامبر اعظم در برنامه های درسـی جهان اسـلام را عهـده دار شدم . با توجه به اهمیت سیره اقتصادی حقوق اقتصادی اخیراً تمرکز بر این مسئله را از هم موضوعات تحقیقی خودم قرار داده ام .

شکیبی اصفهانی، محمدرضا

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۲۳/۱۰۲۲ -۹۶۴ ق)، شـاعر، متخلص بـه شـکیبی. در شـیراز و اصـفهان دانش آمـوخت. در سـی و چهـار سـالگی بـه هندوسـتان مسافرت کرد و به صحبت خان خانان نایل آمد و «ساقی نامه‌ای» به نام او به نظم آورد و ده هزار روپیه جایزه گرفت. شکیبی به سال ۱۰۱۲ ق به زیارت حرمین شـریفین رفت و از خان خانان هشتاد روپیه خرج راه گرفت و چون در بازگشت از این سـفر اموال او تباه شد، خان خانان دوازده روپیه دیگر فرستاد. وی در سال ۱۰۱۸ ق به پایمردی این امیر و فرمان جهانگیر شاه به صدرات دهلی رسـید وی از جمله‌ی شاگردان امیر تقی‌الدین نسابه‌ی شـیرازی بود. وی دیوانی مشـتمل بر چهار هزار بیت دارد، سوای دیوان «مثنوی» دیگر در بحر خسرو و شیرین ساخته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۵۵ -۹۵۴ /۳)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۷۰۶ -۷۰۴ /۲)، تذکره‌ی مخیانه (۳۱۵ -۳۰۰)، الذریعه (۵۳۷/۹)، سـرو آزاد (۳۱ -۲۹)، فرهنگ سـخنوران (۵۱۰)، کاروان هنـد (۶۵۱ -۶۳۸ /۱)، لغت نامه (ذیل/ شـکیبی اصـفهانی)، مآثر رحیمی (۱۱۴ -۶۶ /۳)، مجمع الخواص (۲۰۶ -۲۰۵)، مخزن الغرائب (۸۶۶ -۸۶۲ /۲)، نتایج الافکار (۳۷۳ -۳۷۱)، نشتر عشق (۸۱۷ -۸۱۴ /۳)، هفت اقلیم (۴۲۹ -۴۲۴ /۲)، منظومه‌های فارسی (۴۲).

شکیبی تبریزی، مقصود علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۱ ق)، شاعر. متخلص به شکیبی. از اهالی تبریز بود که اوقات را به زرکشی می‌گذرانیده و گاهی به گفتن شعر اشتغال می‌ورزیده است. وی در زمان شاه طهماسب به قزوین رفته و در آنجا غزلی به استقبال غزل حسن دهلوی سروده و صله دریافت کرده است. شکیبی در تبریز وفات یافت و در قبرستان سرخاب مدفون شد. این بیت از اوست:

به قدر حسن خود عذرا شناسد قدر وامق را

تو قدر خود نمی‌دانی، چه دانی قدر عاشق را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۰۷ -۵۰۶)، تحفه سامی (۳۲۴ -۳۲۳)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۳۳۶ -۳۳۳ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۲۰۱ -۲۰۰)، الذریعه (۵۳۷/۹)، ریحانه (۲۳۵ -۲۳۴ /۳)، سخنوران آذربایجان (۴۴۶ -۴۴۳)، فرهنگ سخنوران (۵۱۰)، مجمع الخواص (۱۲۴ -۱۲۳).

شلیله همدانی، ابوالحسن عبدالهادی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۳/۱۳۳۱ ق)، عالم دینی، منطقی، ادیب و فقیه اصولی. در نجف به دنیا آمد. در زادگاه خود به فراگیری مقدمات و ادبیات پرداخت. نزد شیخ محمدحسین کاظمی و شیخ محمد طه نجف و میرزا حبیب‌اللّه رشتی و آخوند خراسانی و سید محمد بحرالعلوم فقه و اصول خواند. شلیله از شیخ عبدالهادی مازندرانی و سید محمدکاظم یزدی و شیخ‌الشریعه اصفهانی و شیخ احمد مشهدی روایت کرده است. سید عبداللّه بهبهانی و سید مهدی بحرانی از شاگردان و راویان وی می‌باشند. با شروع جنگ جهانی اول به همدان رفت و در کرند همان جا درگذشت. با پایان گرفتن جنگ جهانی جنازه‌ی به امانت گذاشته شده‌ی وی به عراق منتقل شد و در نزدیکی باب طوسی در مقبره‌ی خانوادگی دفن شد. از آثار وی: «العقد الفرید فی مقاصد المفید و المستفید»؛ «لولوه المیزان»، ارجوزه‌ای در منطق که در ۱۳۱۷ ق از نظم آن فراغت یافت، و شرح آن به نام «منتقی الجمان»؛ تعلیقه بر «حاشیه ملا عبداللّه»، در منطق؛ «حاشیه القوانین»؛ «غایه المامول»، در فقه و اصول؛ «رساله فی الاجتهاد و التقلید»؛ «منتقی الشیعه فی احکام الشریعه»؛ «فرائض الفقه»، ارجوزه‌ای در ارث؛ کتابی در «صلاه المسافر»؛ «المختصر الشافی فی العروض و القوافی»؛ «حاشیه الرسائل»؛ «منظومه»، در کلام.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۳۰/۸)، الذریعه (۸/۲۳، ۳۸۲/۱۸، ۱۰۸/۸، ۴۹۹/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۵۸ -۱۲۵۵ /۱۴)، معجم المؤلفین (۲۰۳ -۲۰۲ /۶).

شمالی دهستانی خراسانی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. وی معاصر با ادیب صابر و مناظرات با وی داشت چنان که ادیب به جهت او قطعه‌ای گفته است. از اشعار اوست:

پیام داد صبا سوی بوستان شبگیر

که چاره‌ساز و بکن کار خویش را تدبیر

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۳۸ -۵۳۷ /۹)، فرهنگ سخنوران (۵۱۰)، مجمع الفصحا (۸۱۴ -۸۱۲ /۲).

شمخال

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از خاندان نواب خلیفه سلطان بود. سفر بسیار کرد چنانکه مدتی در هندوستان بسر برد و بعد از چندی به زادگاه خویش بازگشت. در سرودن شعر دستی داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۳۱ -۴۳۰)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۴۷)، الذریعه (۵۳۸/۹)، کاروان هند (۶۵۳ -۶۵۲ /۱).

شمس استهباناتی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۸۸، استهبان.

درگذشت: ۲۳ تیر ۱۳۵۸، شیراز.

محمد شمس استهباناتی معروف به ملا آقا شمس‌الواعظین، فرزند محمدباقر، پس از تحصیلات مقدماتی و کسب فنون ادب به وعظ در منبر مساجد پرداخت. شمس از اوان جوانی شعر می‌گفت و به نام خانوادگی خود «شمس» تخلص می‌کرد و چون از اعضای پیوسته انجمن ادبی حافظ بود، در جلسات آن شرکت می‌جست. شمس غزل می‌گفت و مضامین اشعارش اغلب در مناقب پیغمبر و ائمه (ع) است. دو مجموعه از اشعارش یکی به نام شاهکار عشق یا شور عاشورا که به شکل مثنوی و به سال ۱۳۴۶ در شیراز و دیگری به نام منظومه شمس یا جلوه ابدیت به سال ۱۳۴۹ در شیراز به چاپ رسیده و شامل مثنویات، قصاید، مستزادها و مسمطات طولانی با اوزان مختلف است. وی همچنین اشعار دیگری به خصوص دفتری با گویش محلی تنظیم کرد که چاپ شده است.

پیکر وی در آستانه‌ی سید علاءالدین حسین به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شمس الادبا، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۹ -۱۲۴۲ ش)، شاعر، ادیب و عارف. ملقب به شمس‌الادبا. پس از تحصیل صرف، نحو، منطق و معانی و بیان به تحصیل علم کلام و فلسفه و حکمت پرداخت. شمس‌الادبا چندی در راه عرفان و تصوف گام نهاد و خدمت بزرگان طریقت رسید تا دست ارادت به پیر و مرشد خود حاج ملا سلطان علیشاه گنابادی داد. وی شاعری توانا و ادیبی دانشمند بود و به فن شعر و ادب آگاهی کامل داشت. پس از فوت در حضرت عبدالعظیم و در جوار مزار سعادت علیشاه اصفهانی به خاک سپرده شد. «دیوان» اشعاری از او متجاوز از سی هزار بیت بر جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۲۰۲۸ -۲۰۲۷ /۳).

شمس الحکماء، علی خان

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۵ -۱۲۶۱/۱۲۵۲ ق)، پزشک و شاعر، متخلص به لعلی. در ایروان متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت و به تحصیل طب پرداخت و در ضمن آن به تجارت نیز مشغول بود. اما پس از چندی از تجارت دست کشید و به تحصیل طب پرداخت و بعد از آن به طبابت پرداخت و طبیب مخصوص مظفرالدین‌شاه قاجار شد. در اواخر عمر به سیاحت روی آورد و سرزمین‌های قفقار و مصر و عثمانی را سیاحت کرد و سرانجام در تفلیس درگذشت. از آثار وی: «دیوان» اشعار به فارسی و ترکی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۳۲۲ -۳۲۱)، الذریعه (۹۴۷ -۹۴۶ /۹)، ریحانه (۱۳۶ -۱۳۴ /۵)، شرح حال رجال (۳۵۲/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳۶۲ -۳۶۱ /۴)، مکارم الآثار (۱۴۱۵ -۱۴۱۳ /۴).

شمس الخطاطین، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۵۶ ق)، خطاط. پدر وی اصفهانی و خود نیز متولد اصفهان بود. هنرمندی خوش منظر و خوشگذران و عاشق پیشه و در خط نستعلیق شاگرد رشیدا بود. در سوارکاری و چوگان بازی و تیراندازی مهارت داشت و در لاهور درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۴۶/۳)، تذکره الخطاطین (۲۰۸ -۱۹۳ /۲).

شمس الدین، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدحسن شمس الدین

محل تولد : مسجد سلیمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد حسن شمس الدین در سال ۶۴ پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه مقدس در اراک شدم و دو سال مقدمات را در آنجا بودم و سال سوم یعنی ۶۷ به حوزه علمیه مقدسه قم آمدم تا بحال این توفیق را دارم در سال ۶۸ در مقطع کارشناسی به دانشگاه شهید بهشتی تهران رفته و با رشته ادبیات عرب را در سال ۱۳۷۲ فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۷۵ موفق به سطح سه حوزه شدم و همزمان سال وارد دروس تخصصی حوزه شدم که ۲ سال آن در دفتر تبلیغات و چهار سال در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی سطح چهار را با پایان نمه آفرینش در قرآن و عمدین به پایان رساندم در طول این سالها در مراکزی همچون آموزش و پرورش و دانشگاه آزاد و پیام نور واحد نراق و ساوه و سپاه تدیس داشته ام و در بخش تحقیق و بررسی علمی در موسسه دائرهٔ المعارف فقه اهل بیت و پژوهش مرکز تحققاتی قضائی و مرکز تحقیقاتی امام حسن عسکری علیه السلام چند سالی مشغول بوده که حاصل آن کتب و مقالاتی بودکه نوشتم.

شمس الدین، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی شمس الدین

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد سید مهدی شمس الدین فرزند واعظ شهیر جناب حجهٔ الاسلام والمسلمین مرحوم حاج سید صادق شمس الدین در روز هفدهم دی ماه سال ۱۳۳۷ در استان قم متولد شد . پس از اتمام مقطع ابتدایی در دبستان امیرکبیر به حوزه علمیه قم وارد و همزمان با تحصیل در حوزه ، دروس متوسطه را نیز در دبیرستان صدوق قم ادامه داد . سالیان اولیه را در مدرسه علمیه حقانی و چند سالی هم در مدرسه آیه الله گلپایگانی ادامه تحصیل داد. و اینک بیش از بیست سال است در حلقه درس خارج حوزه مشغول تحصیل است . قبل از پیروزی انقلاب و سالهای اولیه انقلاب ، و نیز انجام وظیفه در صحنه تبلیغی داخل و خارج کشور ، سالهاست به امر نویسندگی و تألیف و تصنیف اشتغال دارد که حاصل آن دهها کتاب چاپ شده یا در شرف چاپ ، ونیز ارائه دهها مقاله است که در روزنامه ها و مجلات رسمی کشور به چاپ رسیده و یا در کنگره ها و سمینارهای مختلف عرضه شده است .

شمس القراء، عبدالغفور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اساتید فن قراءت و تجوید در اصفهان، و در این اواخر استاد مسلم و وحید به شمار می‌رفت. در مسجد آقا نور جلسه‌ی قراءت منعقد نموده، و در برخی از منازل و مساجد دیگر نیز جلساتی داشت. عموم قراء کنونی اصفهان از شاگردان او می‌باشند.

در شب سه‌شنبه ۱۸ شوال ۱۳۸۳ به سن قریب به نود وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شمس الکتاب خواجویی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل و عارف و خوش‌نویس، فوت رجب ۱۳۶۷.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شمس الکتاب، محمد حسینی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۹۷ ش)، خطاط. ملقب به شمس الکتاب. از شاگردان میرزا علی محمد صفای لواسانی بود که مهدی بیانی، مولف «احوال و آثار خوشنویسان»، به مدت یک سال از وی تعلیم خط گرفته است. وی در سال ۱۲۹۷ ش حدود شصت و پنج سال داشته است. از آثار او: یک نسخه «رسم المشق» منسوب به میرعماد، به قلم کتابت جلی عالی، با رقم: «بجهت ضبط ترکیب از خط استاد الکل میرعماد... نقل شد... سنه‌ی ۱۲۹۵، کتبه... محمد الحسینی الملقب بشمس الکتاب...»، یک نسخه «نصاب الصبیان»، به قلم نیم دو دانگ خوش، با رقم: «نقل شد از روی خط استاد الاعظم آقا میرزا علی محمد (صفا)... انا العبد... محمد الحسینی... الملقب بشمس الکتاب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۱۶ -۳۱۵ /۲).

شمس الکتاب، محمدصادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۲۰ ق) خطاط. از کاتبان دارالتالیف اداره‌ی انطباعات دوره‌ی ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه بود که در سالهای ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۸ ق، در اداره‌ی مزبور رسما مشغول استکتاب و در سال ۱۳۲۰ ق، معلم خوشنویسی در مدرسه‌ی دارالفنون قدیم بوده است. از آثار کتابت وی، روزنامه‌ی «ایران» و «اطلاع» است که در سال ۱۳۰۶ ق، طبع و نشر می‌شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۱۷ -۳۱۶ /۲).

شمس اندجانی، شمس‌الدین محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. ملقب سر برهنه. از سادات بزرگ ممالک ترکستان بود و مردی خوش‌صحبت و شیرین کلام و فصیح بیان که مدتی در خراسان بر مسند صدارت گذارند و آخر به اختیار خود ترک آن منصب کرد. در زمان دولت ابوالغازی سلطان حسین میرزا به هرات رفت و منصب تولیت مزار شیخ لقمان به وی منصوب گشت و مدت بیست سال در آن مقام بود. بعد از آن او را به اسراف و اتلاف منسوب ساختند و از آن مقام معزول گردانیدند و سید تحریک آن را از امیرعلیشیر می‌دانست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۳۳)، الذریعه (۵۳۸، ۴۳۸ /۹)، فرهنگ سخنوران (۵۱۱)، مجالس النفائس (۹۱)، هفت اقلیم (۴۴۲/۳).

شمس اندخودی، شمس‌الدین محمود

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۵۷ ق)، شاعر و نویسنده. در نظم و نثر عربی و فارسی استاد بود. از تالیفات وی: «زینه الزمان» است. از اشعار اوست:

روی تو مه زمانه آمد

عشق تو سر ترانه آمد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :لباب الالباب (۲۰۹ -۲۰۸ /۱)، هفت اقلیم (۸۳/۲).

شمس باقلانی بلخی، شمس‌الدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. در سمرقند تحت حمایت دولت نظام‌الملک صدرالدوله بود و از جمله‌ی ندیمان خاص او شد. وی از شاگردان شمس‌الدین خاله بود. از اشعار اوست:

دست تو که ابر نوبهار کرم‌ست
زو گردن چرخ زیر بار کرم‌ست
در دست تو گر نیست بگویم آن چیست
ای گلبن جود خار خار کرم‌ست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۳۱)، فرهنگ سخنوران (۵۱۱)، لباب الالباب (۲۰۶ -۲۰۵ /۱)، هفت اقلیم (۷۶/۲)، مخزن الغرائب (۷۳۸ -۷۳۶ /۲).

شمس بایسنقری، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط. مشهور به شمس‌الدین بایسنقری. از خوشنویسان دربار بایسنقر میرزای گورکانی و استاد خط این شاهزاده‌ی هنرمند است و به همین مناسبت در رمقها، خود را بایسنقری و گاهی سلطانی منسوب داشته است. وی را از استادان خط ثلث قلمداد کرده و گفته‌اند که اقلام سته را خوش می‌نوشته است و کسی جز صاحب «گلستان هنر» یادی از خوشنویسی نستعلیق او نکرده است. شمس بایسنقری معاصر و معارض جعفر بایسنقری بود و از شاگردان معروف بغدادی خطاط به شمار می‌رفت. تاریخ وفاتش را فقط سپهر متذکر است که به سال ۸۵۰ ق بوده است. از آثار وی: کتیبه‌ی قسمتی از آستانه‌ی رضوی و مسجد گوهرشاد که تاریخ ۸۲۱ دارد؛ قرآن سلطانی مذهب عالی، نسخ کتابت جلی یاقوتی، سر سوره‌ها ثلث دو دانگ عالی و آخر رقاع توقیع، با رقم: «وفقه‌اللّه... بکتابه هذا الکلام الحمید... شمس البایسنقری... فی.. سبع و ثلثین و ثمانمائه الهجریه الهلالیه»؛ یک نسخه مثنوی «همای و همایون»، به قلم کتابت خفی متوسط، به شیوه‌ی اظهر تبریزی، با رقم: «کتبه العبد... محمد بن حسام، المشتهر بشمس‌الدین البایسنقری... سنه احدی و ثلثین و ثمانمائه الهجریه...» (۸۳۱)؛ یک قطعه از مرقع که همه‌ی قطعات آن به اقلام سته و به خط اوست و بعضی از آن به قلم نستعلیق کتابت جلی متوسط، با رقم: «مشقه العبد... محمد بن حسام المشتهر بشمس‌الدین البایسنقری... فی دارالسلطنه هراه...»، دو قطعه با همان تنوع خطوط و نستعلیق نیم دو دانگ متوسط، به شیوه‌ی اظهر تبریزی، با رقم: «مشقه العبد محمد بن حسام المشتهر بشمس‌الدین...» و «مشقه شمس السلطانی...».[۱]

شمس‌الدین محمد بن حسام هروی، از خوشنویسان دربار بایسنغر میرزای گورکانی و استاد خط این شاهزاده‌ی هنرمند است و به همین مناسبت در رقمها خود را «بایسنغری» و گاهی «سلطانی» منسوب داشته است.

همه جا مانند مطلع سعدین و حالات هنروران و حبیب‌السیر و غیره، شمس را از استادان خط ثلث، قلمداد کرده و گفته‌اند که اقلام سته (محقق- ریحان- ثلث- نسخ- توقیع- رقاع) همه را خوش می‌نوشته است، و کسی جز صاحب گلستان هنر، یادی از خوش‌نویسی نستعلیق او نکرده است که گفته: «خصوصاً چهره‌گشای خط نستعلیق که عروس خطهاست، کسی بهتر از او مشاطگی نکرده است» و در دنبال همین مطلب نکته‌ای که در تذکره‌ی دولتشاهی نیز آمده است آورده که: «مشهور است میرزا بایسنغر دیوان قاضی شمس‌الدین طبسی را به مولانا فرموده بود که کتابت کند و همیشه می‌گفت که «این نوع شعر و این قسم خط که درباره‌ی این دو شمس کرامت شده، از فیوضات الهی است» که به نظر می‌رسد، این دیوان را باید به خط نستعلیق نوشته باشد (زیرا که در آن عصر دیوانهای اشعار فارسی را به ندرت به قلم دیگری جز نستعلیق، نوشته‌اند).

شمس‌الدین در خط ثلث از نوادر روزگار بوده و کتیبه‌ی قسمتی از آستانه‌ی رضوی و مسجد گوهرشاد که تاریخ ۸۲۱ دارد، نمونه‌ی بارز کامل خط ثلث است و به قول صاحب گلستان هنر: «خطوط سته را بسیار خوب می‌نوشته و قلم بر قلم و قدم بر قدم یاقوت داشته، بسی نازک و به اسلوب و شیرین می‌نوشته... فقیر خط او را با خطوط استادان سته (شیخزاده‌ی سهروردی- ارغون کاملی- نصراللّه عراقی- مبارکشاه زرین قلم- یوسف مشهدی- سید حیدر جلی‌نویس) موازنه کردم و به میزان نظر سنجیدم؛ خط وی کم از هیچ کدام نیست.» و به گمان من جز خط ریحان و ثلث، سایر اقلام را از یاقوت هم زیباتر نوشته است.

شمس بایسنغری معاصر و معارض و قرین جعفر بایسنغری تبریزی است. در فرایند غیاثیه تألیف جلال‌الدین یوسف محرر جامی، مکتوبی به انشاء مؤلف، از زبان مولانا احمد جامی به جعفر بایسنغری است که یک مورد اختلاف و جدال بین آن دو هنرمند خوشنویس زبردست را حاکی است و عین آن نامه را در اینجا می‌آورم:

«من انشاء العبد المحرر، الی یاقوت عصره و ابن مقلهٔ دهره، مولانا جعفر التبریزی، عن لسان الحافظ احمد بن مولانا محمود الجامی:

ای باد سلام سر به مهر از سر مهر
از قطره به دریا برو، از ذره به مهر

اعنی جناب عنبر تراب، فضایل انتساب، مولانا الاعظم، مزین مجالس ملوک العجم، ادام اللّه ظلال کمالاته علی مفارق الامم الی حشر الرمم نظاماً جعفراً. واللّه علی ما اقول شهید، که در این مدت مدید و عهد بعید، مخلص مستهام جام، در صبح و شام، در سفر و مقام، دعای دولت دوام آن خلاصه و زبده‌ی ایام را سادس صلوات مس به سموات سبع مرفوع گردانیده و می‌گفته: (شعر)

کای بر سر کتّاب ترا منصب شاهی
فتوای خرد داده برین حرف گواهی

و بر هر مجلس که درون آمده و از هر محفل که بیرون رفته، به نشر ماثر و نثر مفاخر آن ناسخ مفاخر اوایل و اواخر، رطب‌اللسان عذب‌البیان بوده و خواهد بود. به از این خود چه کار خواهد کرد. هذا چنین استماع افتاد که در آن اوراق که مخدوم کریم‌الاعراق

مداللّه ظلّه جلالاً به رسم سـلام سایه‌ی سـریر سلطان، زاده‌ی انام خلداللّه زمانه الی قیام اللیام رسانیده بودند، میان مولانا شمس حسام و آن برگزیـده و معتقـد سـلاطین ایام، نزاعی واقع شـده و لطف مقال به قبـح جدال انجامیده و نهال خلافت معتلی و هلالی اختلاف ممتلی گشـته و او گفته که این خـط من است و ایشـان می‌فرموده‌انـد که این خـط خوب یاقوت است، و حضـرت سـلطنت را در این سخن ترددی واقع است. زینهـار، زینهـار، که جعفروار بـدان قول صـادق ثـابت باشـند و یقین داننـد که چراغ کـذب را نبود فروغی. تتمه‌ی آن اوراق که مشـرف است به اسم شریف یاقوت، عن قریب، فقیر غریب به حضرت سلطنت خواهد رسانید، تا ارکان دولت و اعیـان حضـرت و ملازمـان مخیّم اقبـال و ملتزمـان عتبه‌ی جـاه و جلال را، چون صـبح روشن و چون خورشـید معین گردد که جعفر صادق (ع) که می‌گویند، در عالم تویی. و خار از سـمن و سیر از سوسن مبیّن شود و مولانا شـمس حسام به حضـرت پادشاه اسـلام بعد از این ایام سخن لا واقع، به معرض عرض و موقف انهاء نرسانند، زیادت چه نویسد.

(شعر)

عمرت دراز باد کز الطاف کردگار

هر روز دولتی رسدت نو، ز شهریار

به محمد و آله الاطهار و صاحبهٔ‌الاخیار».

شمس‌الدین شاگرد معروف بغدادی خطاط است ولی پایه‌ی هنر او به مراتب از استاد فراتر است. تاریخ وفاتش را فقط سپهر متذکر است که به سال ۸۵ بوده.

از آثار شیوای خطوط او:

یـک نسخه مثنوی همـای و همـایون، به قلم کتـابت خفی متوسـط، به شیوه‌ی اظهر تـبریزی، که چنین پایـان یـافته است: «کتبه العبد المسـتغفر من ذنبه الرای الی رحمهٔ‌اللّه الملک العلام محمد بن حسام، المشـتهر به شـمس‌الدین البایسـنغری، تجاوز اللّه عن سیاته، فی دارالسلطنهٔ هرات، حماها اللّه عن الافات، فی سنهٔ احدی و ثلثین و ثمانمائهٔ الهجریه ۸۳۱.

سخن را بباید نهایت بدید

ورق درشکستم چو اینجا رسید

در کتابخانه‌ی ملّی، وین

یـک قطعه از مرقعی که همه‌ی قطعـات آن به اقلام سـته به خـط اوست و بعض آن به قلم نسـتعلیق کتـابت جلی متوسط و رقم دارد: «مشـقّه العبد المسـتغفر من ذنبه الراجی محمد بن حسام المشـتهر به شـمس‌الدین البایسنغری تجاوز اللّه عن سیاته، فی دارالسلطنهٔ هراهٔ حمیت عن الافات والبلیات» در کتابخانه‌ی خزینه‌ی اوقاف، استانبول.

دو قطعه دیگر بـا همان تنوع خطوط و نسـتعلیق نیم دو دانگ متوسط، به شیوه‌ی اظهر تبریزی، با رقم: «مشـقه العبـد محمـد بن حسام المشتهر به شمس‌الدین تجاوز اللّه عن سیاته فی دارالسلطنهٔ هراهٔ حماه اللّه تعالی عن الافات» و «مشقه شمس السلطانی عفا اللّه عنه فی دارالسلطنهٔ هراهٔ حمیت عن الافات» در همان کتابخانه.

یـک قطعه از مرقع بـایقرا طهمـاسب. ثلث سه دانگ جلی عـالی و نسـخ کتـابت جلی عالی نستعلیق نیم دانگ متوسط با رقم: مشـقه شمس السلطانی عفا اللّه عنه فی دارالسلطنهٔ هرات حمیت من الافات» در خزینه‌ی طوپ قاپوسرای.

- قرآن سـلطانی مـذهب عالی. نسخ کتابت جلی یاقوتی. سر سوره‌ها ثلث دو دانگ عالی آخر رقاع توقیع مانند کتابت جلی عالی با رقم: «وفق اللّه... به کتابـهٔ هذا الکلام الحمید و تحریره تتبعاً و نقلاً لما سـطر و حرر من قبل قبلهٔ الکتاب قدوهٔ ارباب القلم الواصل الی جواراللّه یـاقوت بن عبـا اللّه المبتـداء بالاشارهٔ العالیـهٔ الصادر من جناب فلق ملوک الخافقین... غیاث‌السـلطنهٔ والـدنیا والـدین بایسـنغر سلطان انار اللّه تعلای برهانه... به اهتمام قرهٔ عینیه و قرهٔ ظهره و نور قلبه و نور بصـره و هو السـلطان الاعظم والخاقان المعظم المعتصم به حبل اللّه المتین علاء الدولـهٔ والـدنیا والـدین خلـد اللّه تعالی سـلطنته الی بوم... اضـعف المحتاجین الی رحمهٔ الملک الغنی شـمس البایسـنغری روضـهٔ‌الاحباب (الحسـاب؟) العبقری فی الثـامن والعشـرین من رمضان المبارک سـبع و ثلثین و ثمانمائـهٔ الهجریـهٔ الهلالیهٔ (۸۴۷) در موزه‌ی اسلامی ترک.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشـنویسان (۱۰۸۴/۴، ۳۱۵- ۳۱۲ /۲)، اطلس خط (۳۲۹ -۳۲۸)، تاریخ نظم و نثر (۷۹۷، ۷۷۱)، تاریخ هنرهای ملی (۸۰۴ -۸۰۳ /۲)، تذکره الشعراء (۱۷۸)، حبیب السیر (۱۹/۴)، خوشنویسان و هنرمندان (۲۷)، گلستان هنر (۲۹ - ۲۸)، لغت نامه (ذیل/ شمس‌الدین)، هنر عهد تیموریان (۷۳۵، ۶۴۸، ۶۰۹ -۶۰۸).

شمس بستی، شمس‌الدین

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، شاعر. وی از شاعران بست بود که در سرودن شعر توانا بود. از از اشعار اوست:

گویند ز زر ترا بود خرسندی

خرسند شوی چو دل ازو برکندی

زرگنده‌ی کان و بی‌وفای دهر است

برگنده‌ی دل بی‌وفا چرا دل بندی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای پنجاب (۲۱۰)، لباب الالباب (۲۸۷/۱)، هفت اقلیم (۳۰۴ -۱/ ۳۰۳).

شمس تبادکانی، شمس‌الدین محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۹۱ ق)، شاعر. در سلک خلفاء شیخ زین‌الدین خوافی انتظام داشت و همواره همت بلندی در اداء وظایف و طاعات و عبادات داشت. سالکان طریق زهد و تقوی و طالبان طریقه‌ی ارشاد نسبت به او غایت ارادت و اعتقاد را داشتند. وی قصیده‌ی برده را مخمس کرده و شرحی بر «منازل السائرین» خواجه عبداللّه انصاری نوشته است. وی در شهر هرات از عالم رفت و قبرش در خیابان است. و امیرعلیشیر در آنجا خانقاهی ساخته و مولانا حمیدالدین پسرش و سایر صوفیه در آن عبادت می‌کنند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۳۳۵ -۴/ ۳۳۴)، مجالس النفائس (۲۰۲، ۲۸ -۲۷)، فرهنگ سخنوران (۵۱۲)، طرائق الحقائق (۱۱۰/۳)، مزارات هرات (۱۱۸ -۱۱۷).

شمس تبریزی، شمس‌الدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، عارف و شاعر. وی را با شمس‌الدین تبریزی مرشد جلال‌الدین مولوی اشتباه کرده‌اند و آثار این فرد را به شمس‌الدین محمد بن ملک‌داد مرشد مولوی نسبت داده‌اند. وی اشعار عارفانه‌ی خوبی دارد از آن جمله ترجیع‌بندی که معروف است و منظومه‌ای به نام «مرغوب القوب» در سال ۷۵۷ ق به نظم درآورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۱۴)، الذریعه (۲۹۳/۱۹)، فرهنگ سخنوران (۵۱۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵۲۶ -۵/ ۵۲۵).

شمس خاله، شمس‌الدین محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. معروف به شمس خاله. در سمرقند ساکن و مداح سلاطین آل افراسیاب و بیشتر در دستگاه نظام‌الملک صدرالدین محمد بود. هدایت او را بخارایی دانسته است، می‌گویند که او شاگرد سوزنی بود. از ممدوحان او یکی شمس‌الملک احمد بن ارسلان و دیگر حسام‌الدین حسن بن علی و نظام‌الدین ملکشاه الغ بیغو بود. ضیاء خجندی شاعر معروف و معاصر شمس خاله او را در ابیاتی مدح کرده است. با کمال‌الدین محمد خجندی نیز مصاحبت داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۱۶/۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۲۷ -۲/ ۸۲۴)، تاریخ نظم و نثر (۸۵)، الذریعه (۹۹۶، ۵۳۹، ۲۸۵ /۹)، صبح گلشن (۲۲۵)، لغت نامه (ذیل/ شمس‌الدین)، مجمع الفصحا (۸۱۲/۲)، مخزن الغرائب (۸۴۷ -۲/ ۸۴۶)، هفت اقلیم (۱۱۰ - ۱/ ۱۰۸).

شمس خراسانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین شمس که از جهت نسب به حضرت علی بن الحسین امام سجاد علیه‌السلام می‌رسد در سال ۱۳۰۴ شمسی در ابرده که از ییلاقات مشهد مقدس است به دنیا آمده و در خانواده روحانی آن منطقه پرورش یافته و پس از گذرانیدن دوره ابتدائی جهت تحصیل علوم دینی به مشهد آمده و در مدرسه نواب (که نگارنده هم مدتها در آن اقامت داشتم) اقامت نموده و ادبیات را از مرحوم ادیب نیشابوری و شرح لمعه و قوانین را نزد مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا احمد مدرس یزدی خوانده و بعدا نواده ایشان صبیه مرحوم حجهٔالاسلام حاج سید جلال‌الدین مدرس را ازدواج و به هم دامادی و باجناقی جناب حجهٔالاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدرضا مهدوی دامغانی و حجهٔالاسلام صراف‌زاده درآمدند، و مرحوم (ابوالزوجه) پدر همسرشان از دانشمندان متقی و ائمه جماعت بزرگوار مسجد گوهرشاد بودند که به زیور علم و عمل آراسته و موصوف به فضل و کمال و معنویت بودند.

جناب آقای شمس کفایه را نزد مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ هاشم قزوینی و مکاسب را خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا جواد آقای تهرانی خوانده و مدتی در درس خارج آقای قزوینی شرکت نموده و پس از آن به تهران عزیمت و علوم عقلی را خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی خوانده و هم به درس خارج حضرت آیت‌اللّه حاج سید احمد خونساری (در مسجد

حاج سید عزیزاللّه بازار تهران) شرکت و بهره‌مند شده و پس از مدتی عزیمت به قم نموده و از محضر آیت‌اللّه العظمی بروجردی و خارج اصول آیت‌اللّه خمینی و اسفار مرحوم علامه طباطبائی استفاده نموده و پس از دو سال اقامت بعد از ازدواج به مشهد مقدس مراجعت که عازم حوزه نجف اشرف که مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدهادی میلانی که از آیات عظام و مراجع بزرگ اعتاب عالیات بودند از کربلا مهاجرت به مشهد مقدس نموده و بنابر اصرار افاضل دانشمندان حوزه مشهد رحل اقامت افکندند از عزیمت باعتاب عالیات منصرف و مدت بیست سال از محضر آن بزرگوار فقها و اصولا استفاده نموده تا به مدارج عالیه علم و کمال رسیده و از سال ۱۳۴۷ شمسی پس از تدریس مدتی ادبیات و سطح به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال ورزیده و نیز تدریس فلسفه و تفسیر و اخلاق و اصول عقاید در حوزه و خارج آن برای برخی از اساتید دانشگاه و دانشجویان مشهد و دیگر اقشار پرداخته و شاگردان فاضل بسیاری تربیت نموده که بسیاری از آنان به مقامات عالیه روحی و اجتماعی و از معاریف معاصر شدند که از آنها مرحوم حجهٔالاسلام شهید هاشمی‌نژاد و نیز خواهرزاده ایشان جناب حجهٔالاسلام والمسلمین آقا حاج سید محمد موسوی‌نژاد (باجناق نگارنده) خود یکی از افاضل بنام و مشهور مشهدند که دارای حوزه علمیه مستقلی می‌باشند و ایشان پدر همسر فرزند برومند ایشان آقای آقا سید احمد شمسند که اکنون در حوزه مشهد اشتغال به تحصیل علوم دینی دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

شمس زنجانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی شمس (حایری) زنجانی (برادر معظم ایشان) از دانشمندان فعال و مبرز معاصر است در مشهد مقدس. وی در زنجان متولد شده و پس از خواندن مقدمات در زنجان و قم در عصر ریاست و زعامت آیت‌اللّه العظمی اصفهانی مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح فقه و اصول را از مدرسین آنجا خوانده آنگاه بدرس خارج آیت‌اللّه اصفهانی و آیات دیگر مانند آیت‌اللّه میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه العظمی خوئی استفاده نموده تا به مدارج علم و کمال رسیده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی به ایران مراجعت و چند سالی در تهران به خدمات دینی اشتغال داشتند ولی چند سالیست که منتقل به مشهد مقدس و مجاورت حضرت ثامن ائمه (ع) را اختیار و بوظائف دینی و روحی مشغول می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شمس سگزی، شمس‌الدین محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، شاعر. ملقب به شمس‌الدین. چون اصلش از سیستان بود او را سگزی می‌خوانند زیرا که اهل آن ولایت را به این نام گویند و از افاضل زمان خود بود. علم ظاهر و باطن را جامع بود، جمعی را تربیت کرد و کتاب «مجمع البحرین» در علم شریعت و حقیقت از تالیفات او می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۳۳)، ریاض العارفین (۹۸)، ریحانه (۲۴۳ -۲۴۲ /۳)، لباب الالباب (۲۵۲ -۲۵۱ /۱)، هفت اقلیم (۲۹۴/۱).

شمس سنجری، شمس‌الدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. مدح سلطان غیاث‌الدین غوری می‌کرد. سلطان شمس‌الدین او را به حکومت نیمروز برگماشت. از اشعار اوست:

حکمت چه بود به تقویت جان کردن

برخورده رنج کسب آسان کردن

انصاف بده که ناخوشیها دارد

از بهر دونان خدمت دونان کردن

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ گزیده (۷۴۹)، الذریعه (۹۵۶/۹)، صبح گلشن (۳۶۰)، فرهنگ سخنوران (۵۱۳)، لباب الالباب (۳۴۹ -۳۴۸ /۲)، هفت اقلیم (۲۹۴ -۲۹۳ /۱).

شمس شهرستانی، شمس‌الدین محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از جانب پدر نواده‌ی میر عنایت‌اللّه شهرستانی بود. طبعش خالی از لطف نیست. از اشعار اوست:

به نرمی سنگ را با شیشه الفت می‌توان دادن

در آن ساعت که پای سازگاری در میان باشد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۳۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۰۰ –۹۹)، الذریعه (۹۹۸ ،۵۴۰ /۹)، مخزن الغرائب (۱۰۰۵ – ۱۰۰۴ /۲).

شمس شهشهانی، سیاوش

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: ریاضی، دانشکده: ریاضی، دانشگاه: صنعتی شریف

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

شمس شیرازی، شمس‌الدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، شاعر. معروف و متخلص به شمس. وی غزلسرایی توانا بود و بیشتر به زبان پهلوی شیراز شعر می‌سروده. چندی از اشعار او به این زبان در دست است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۲۴).

شمس طبسی، شمس‌الدین محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۲۶/۶۲۴ ق) شاعر، متخلص به شمس. ملقب به شمس‌الدین، اهل خراسان بود. قاضی‌زاده طبس و در هرات زندگی می‌کرد. وی سپس به بخارا رفت، در آنجا به خدمت رضی‌الدین نیشابوری رسید و شاگردی او کرد و هم به مجلس صدرالشریعه محمود بن احمد بخاری راه یافت و از آنجا به خراسان بازگشت و نظام‌الملک تاج‌الدین محمد بن محمد وزیر سمرقند را ستود. وی معاصر خاقانی بود. صاحب «ریحانه» معاصر بودن شمس طبسی را با صدرالدین نظام‌الملک اشتباه می‌داند زیرا سال مرگ نظام‌الملک ۴۸۵ ق بوده است در پایان زندگی در هرات بود و در آن شهر از دنیا رفت. وی به روش شعرای عراق و آذربایجان شعر می‌سرود و «دیوان» شعرش مشتمل بر دو/ سه هزار بیت می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۲۶۴ –۲۶۳ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۴۴ –۸۳۴ /۲)، تاریخ گزیده (۷۳۷)، تاریخ نظم و نثر (۹۳)، تذکره‌ی روز روشن (۴۳۷ –۴۳۴)، تذکره الشعرا (۱۸۳ –۱۷۸)، دایرةالمعارف فارسی (۱۴۹۴/۲)، الذریعه (۵۴۳/۹)، ریاض العارفین (۲۱۱)، ریحانه (۲۴۴/۳)، لباب الالباب (۳۱۱ –۳۰۷ /۲)، لغت نامه (ذیل/ طبسی، قاضی شمس‌الدین)، مجمع الفصحا (۸۱۲ – ۸۰۸ /۲)، هفت اقلیم (۱۶۵ –۱۶۳ /۱).

شمس علیئی، فریدون

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر فریدون شمس علیئی ،تحصیلات دانشگاهی خود را در مقطع کارشناسی رشته کامپیوتر، گرایش نرم افزار، در دانشگاه شهید بهشتی آغاز و در سال ۱۳۶۲ به پایان رسانید.وی تحصیلات تکمیلی خود را در دانشگاه صنعتی شریف در رشته کامپیوتر، گرایش نرم‌افزار (مهندسی نرم‌افزار) ادامه داد. ایشان پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد از دانشگاه مذکور برای ادامه تحصیلات تکمیلی به انگلستان عزیمت کرد و در انجا در رشته کامپیوتر، گرایش نرم‌افزار (مهندسی نرم‌افزار)، در دانشگاه منچستر انگلستان به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۷۵ موفق به اخذ مدرک دکتری همان رشته شد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه مهندسی

کامپیوتر, دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر دانشگاه شهید بهشتی می باشد.

گروه : فنی و مهندسی

رشته : مهندسی کامپیوتر

گرایش : نرم‌افزار (مهندسی نرم‌افزار)

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی و حرفه ای دانشگاهی فریدون شمس علیئی به ترتیب زیر است: کارشناسی: رشته کامپیوتر، گرایش نرم افزار، از دانشگاه شهید بهشتی سال اخذ مدرک: ۱۳۶۶ عنوان پروژه کارشناسی: ترجمه خودکار متون بینایان به متون مخصوص نابینایان کارشناسی ارشد: رشته کامپیوتر، گرایش نرم‌افزار (مهندسی نرم‌افزار)، از دانشگاه صنعتی شریف سال اخذ مدرک: ۱۳۶۹ عنوان رساله کارشناسی ارشد: طراحی و پیاده سازی یک محیط فرماندهی و کنترل (C3I) به کمک شبکه محلی دکتری: رشته کامپیوتر، گرایش نرم‌افزار (مهندسی نرم‌افزار)، از دانشگاه منچستر انگلستان. سال اخذ مدرک: ۱۳۷۵ عنوان رساله دکتری: Modelling the Behaviour of Processes Using Collaborating Objects

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری و اجرایی و مدیریتی فریدون شمس علیئی به قرار زیر است: – مشاور اطلاع رسانی و فناوری اطلاعات رئیس سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی از ۱۲/۹/۸۳ تا ۱/۷/۸۴ – مدیر کل دفتر آمار و فن‌آوری اطلاعات، معاونت برنامه‌ریزی و اقتصادی، وزارت جهاد کشاورزی از ۱۲/۴/۸۰ تا۱/۷/۸۳. – مدیرکل دفتر آمار و اطلاعات معاونت برنامه ریزی و امور مجلس وزارت جهاد سازندگی از ۱۹/۳/۷۷ تا ۱۲/۴/۸۰ – معاون تحقیق و توسعه مرکز اطلاع رسانی و خدمات علمی جهاد، وزارت جهاد سازندگی از ۱۰/۴/۷۶ تا ۱۹/۳/۷۹ – رئیس گروه مهندسی اطلاعات در مرکز اطلاع‌رسانی و خدمات علمی وزارت جهاد سازندگی از ۲۱/۸/۷۵ تا ۱۹/۳/۷۷ – مدیر گروه اطلاع‌رسانی مرکز آموزش عالی امام خمینی(ره) از ۹/۱۱/۷۵ تا ۱۹/۳/۷۷ – مسئول رشته کامپیوتر در مرکز آموزش عالی امام خمینی(ره) ۷۱–۶۹ – مسئول برنامه‌ریزی آموزش کامپیوتر در وزارت جهاد سازندگی ۷۱–۶۹ – مدیر عامل و رئیس هیئت‌مدیره مرکز کامپیوتر بنیاد شهید ۷۱–۶۸ – مشاور کامپیوتری رئیس سازمان اقتصادی بنیادشهید ۷۱–۶۸ – مسئول نگهداشت فنی سیستم کامپیوتری طرح ملی شناسنامه روستاهای ایران ۶۶–۶۷– عضویت در مراکز علمی و پژوهشی – عضو شورای راهبری فناوری ارتباطات و اطلاعات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری از سال ۸۳ تا به حال – رئیس کمیته فنی معماری اطلاعات دبیرخانه شورایعالی اطلاع رسانی از سال ۸۲ تا بحال – دبیر و عضو شورای راهبری فناوری ارتباطات و اطلاعات وزارت جهاد کشاورزی از سال ۸۱ تا ۸۳ – عضو شورای تحول اداری وزارت جهاد کشاورزی از سال ۸۲ تا ۸۳ – عضو شورای سیاستگذاری دیتا، شرکت مخابرات ایران از سال ۸۰ تا ۸۱ – عضو کمیته نظارت و برنامه‌ریزی شبکه علمی کشور در سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی کشور از سال ۷۹–۷۷ – عضو هسته برنامه‌ریزی تدوین دوره‌های آموزشی کامپیوتر و اطلاع‌رسانی موسسه آموزش علمی و کاربردی وزارت جهاد کشاورزی از سال ۷۸ تا۸۱ . – عضو کمسیون شورایعالی تحقیقات وزارت جهاد سازندگی از ۶/۵/۷۶ تا ۱۹/۳/۷۷ – رئیس کمیته تخصصی اطلاع‌رسانی (از کمیته‌های تخصصی کمسیون شورایعالی تحقیقات) از ۲۷/۵/۷۶ تا ۱۹/۳/۷۷ – مسئول کمیته تدوین دوره کارشناسی ارشد اطلاع‌رسانی (ارائه شده به شورایعالی برنامه ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی) سال ۷۶–۷۵ – عضو شورای علمی مرکز اطلاع‌رسانی و خدمات علمی وزارت جهاد سازندگی از ۱۶/۸/۷۵ تا ۱۹/۳/۷۷

فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریسی و آموزشی فریدون شمس علیئی به ترتیب زیر است: دانشگاه شهید بهشتی –مهندسی نرم‌افزار(۱)مهندسی نرم‌افزار(۲) مقطع کارشناسی دانشگاه شهید بهشتی– طراحی سیستمهای شی‌گرا مقطع کارشناسی دانشگاه شهید بهشتی– مهندسی مهندسی نرم‌افزار پیشرفته مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی– معماری نرم افزار مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی (واحد علوم و تحقیقات)– مهندسی نرم‌افزار پیشرفته مقطع دکتری دانشگاه آزاد اسلامی (واحد علوم و تحقیقات)– معماری سازمانی فناوری اطلاعات مقطع دکتری دانشگاه آزاد اسلامی (واحد علوم و تحقیقات)– طراحی واسط کاربر مقطع دکتری دانشگاه صنعتی شریف– مهندسی نرم‌افزار مقطع کارشناسی ¬وکارشناسی ارشد دانشگاه صنعتی شریف– سیستمهای عامل مقطع پیش دوره کارشناسی ارشد دانشگاه امام حسین(ع–) طراحی و پیاده سازی زبانهای برنامه‌سازی مقطع پیش دوره کارشناسی ارشد دانشگاه امام حسین(ع–)سیستمهای عامل مقطع پیش دوره کارشناسی ارشد مرکز آموزش عالی امام خمینی(ره) – مبانی کامپیوتر مقطع کارشناسی و کاردانی مرکز آموزش عالی امام خمینی(ره) تحلیل و طراحی سیستمها مقطع کاردانی سوابق برگزاری دوره‌های حرفه‌ای دوره متدولوژی شیٔ‌گرایی محل برگزاری :شرکت همکاران سیستم سطح دوره: پیشرفته تعداد: ۵ مورد – زمان: ۷۹–۷۷ دوره معماری اطلاعات شرکت ایز ایران و وزارت جهاد کشاورزی محل برگزاری: سطح دوره پشرفته تعداد: یک مورد –زمان: ۸۲–۷۹ دوره متدولوژی شیٔ‌گرا و ابزار محل برگزاری: Rational Rose شرکت ایز ایران سطح دوره: مقدماتی تعداد: یک مورد زمان: ۸۰ دوره مهندسی نرم‌افزار پیشرفته محل برگزاری :وزارت جهاد کشاورزی سطح دوره :مقدماتی تعداد:دو مورد زمان ۷۹–۷۸ دوره معماری سازمانی محل برگزاری :شورایعالی اطلاع رسانی و دانشگاه صنعتی شریف سطح دوره: مدیریتی تعداد: دو مورد زمان: ۸۲ دوره کارگاه آموزشی طرح جامع فناوری اطلاعات با رویکرد معماری سازمانی محل برگزاری : پتروشیمی شیراز سطح دوره پیشرفته تعداد: یک مورد زمان:۸۵ دوره معماری سازمانی سرویس گرا محل برگزاری : دانشگاه شهید بهشتی سطح دوره :پیشرفته دوره برنامه راهبردی فناوری اطلاعات محل برگزاری : شرکت مپنا سطح دوره مدیریتی تعداد: یک مورد زمان:۸۶

چگونگی عرضه آثار : – تعداد مقالات علمی منتشر شده بزبان فارسی:۱۷ مورد – تعداد مقالات علمی منتشر شده بزبان خارجی : ۲۲مورد سوابق راهنمایی پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکتری در سالهای ۱۳۷۵ –۱۳۸۶ : سمت : استاد راهنما مورد مقطع: کارشناسی ارشد (اتمام یافته)– دانشگاه شهیدبهشتی ۱۴مورد سمت : استاد راهنما مقطع :کارشناسی ارشد (در دست انجام) – دانشگاه شهیدبهشتی ۶ مورد سمت سمت : استاد راهنما مقطع :دکتری (در دست انجام) – دانشگاه شهیدبهشتی ۳ مورد سمت : استاد راهنما مقطع: دکتری (اتمام یافته –)) دانشگاه آزاد اسلامی ۳ مورد سمت: استاد مشاور مقطع : دکتری (اتمام یافته) –دانشگاه

آزاد اسلامی یک مورد سمت: استاد مقطع :کارشناسی ارشد(اتمام یافته)- دانشگاه تربیت مدرس -یک مورد سمت: مشاور مقطع: استاد کارشناسی ارشد (اتمام یافته) -دانشگاه آزاد اسلامی- یک مورد سمت: استاد راهنما مقطع: استاد کارشناسی ارشد (اتمام یافته) -دانشگاه آزاد اسلامی- ۱۴ مورد سمت: استاد راهنما مقطع: استاد کارشناسی ارشد (در دست انجام)-دانشگاه آزاد اسلامی- ۶ مورد

شمس فخری اصفهانی، شمس‌الدین محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، شاعر و نویسنده. معروف به شمس فخری. وی در سال ۷۱۳ ق به لرستان سفر کرد و در آنجا با فضلا درباره‌ی عروض و قوافی بحث نمود و سپس به خواهش آنان رساله‌ی مختصری در فن عروض و قوافی تالیف کرد ولی توقف او در آن دیار چندان طولانی نبود و از آنجا در دوران وزارت خواجه غیاث‌الدین محمد به عراق بازگشت چنانکه در سال ۷۳۲ ق در قم سکونت داشت و در همین شهر بود که قصیده‌ی معروف خود را به خواجه غیاث‌الدین ساخت. بعد از قتل خواجه وی مدتی در اصفهان که در آتش ناامنی می‌سوخت انزوا اختیار کرد و سپس از آنجا به شیراز رفت و به خدمت شاه شیخ ابواسحاق اینجو درآمد. وی معاصر خوجه حافظ شیرازی بود. از آثار وی: «معیار نصرتی»، در فن عروض و قافیه؛ «معیار جمالی و مفتاح ابواسحاق» که در علوم بدیع و قوافی و معانی و بیان و عروض و لغت می‌باشد که فقط قسمت دوم آن چاپ شده؛ «مجموع اشعار و ابیات»، «مخزن البحور و مجمع الصنایع».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (۴۸۸ -۴۸۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۸۱ -۱۲۸۰ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۹ -۱۴۸)، دایرةالمعارف فارسی (۲۸۱۱/۲)، الذریعه (۵۴۳/۹)، فرهنگ سخنوران (۵۱۳)، کشف الظنون (۱۷۴۴ -۱۷۴۳)، لغت نامه (ذیل/ شمس فخری)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۹ -۴۹۸ /۵)، هفت اقلیم (۳۹۶ -۳۹۵ /۲).

شمس قیس رازی، شمس‌الدین محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، شاعر. عروضی و وی از مردم ری بود و مدتها در ماوراءالنهر و خوارزم و خراسان می‌زیست و در سال ۶۱۴ ق که آوازه‌ی هجوم مغول در خراسان برخاست با سلطان علاءالدین محمد بن تکش خوارزمشاه به عراق آمد و تا سال ۶۱۷ ق از همراهان وی بود و پس از آن به فارس رفت و به دربار اتابک سعد بن زنگی راه یافت و ندیم آن پادشاه شد و پس از آن در دربار پسرش نیز بود. از تالیفات وی: «المعجم فی معاییر اشعار العجم» که معروفترین کتاب عروض و قوافی و محسنات شعر فارسی است و نخست در ۶۱۴ ق در شهر مرو طرح این کتاب را ریخت و در وقایع سال ۶۱۷ ق از میان رفت و پس از مدتی اوراق آن به توسط روستاییان کوه پایهای عراق به دست وی بازگشت و سپس در فارس در حدود سال ۶۳۰ ق آن را تمام کرد؛ «المعرب فی معاییر اشعار العرب»؛ «الکافی فی العروضین و القوافی»؛ «حدائق العجم».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (۱۷۷ -۱۷۶)، ایضاح المکنون (۵۰۹/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۳۳ -۱۰۳۱ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۰)، دایرةالمعارف فارسی (۱۴۹۵ -۱۴۹۴ /۲)، الذریعه (۲۱۸/۲۱، ۵۴۳/۹)، ری باستان (۳۷۸/۲)، سبک شناسی (۳۵ -۲۷ /۳)، فرهنگ سخنوران (۵۱۲)، گنج و گنجینه (۳۰۹ -۳۰۴)، لغت نامه (ذیل/ شمس‌الدین)، المعجم فی معاییر اشعار لعجم (مقدمه).

شمس کاشانی، تاج‌الساده، شمس‌الدین محمد

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. از دودمان سعادت و خاندان سیادت بود. در فضل و هنر و میدان نظم و نثر سرآمد بود و او را در اقسام شعر ابیاتی است که حاکی از سحر حلال و نمودار آب زلال اوست.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :لباب الالباب (۱۸۷ -۱۸۳ /۱)، لغت نامه (ذیل/ تاج الساده)، هفت اقلیم (۴۵۳ -۴۵۲ /۲).

شمس کاشانی، شمس‌الدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم و هشتم ق)، مورخ و شاعر. وی قصیده‌ای در مدح خواجه بهاءالدین محمد بن خواجه رشید سروده است. از آثار وی: «تاریخ غازان خان» است. فوت شمس‌الدین در زمان سلطان ابوسعید به وقوع انجامید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ گزیده (۷۳۷)، تذکره‌ی روز روشن (۴۳۲)، حبیب السیر (۱۹۱/۳)، الذریعه (۵۴۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۵۱۴)، هفت اقلیم (۴۶۰/۲).

شمس کرت، شمس‌الدین محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۷۶ -۶۴۳ ق)، شاعر. معروف به شمس‌الدین نخستین. سر سلسله‌ی امرای کرت است سلسله نسبش به سلطان سنجر می‌رسد. وی موسس سلطنت این خاندان است. اشعاری از وی در کتب تاریخ وجود دارد. وی دارای «دیوان» شعر نیز است. از اوست:

با دشمن من چو دوست بسیار نشست

با دوست نشایدم دگر بار نشست

پرهیز از آن عسل که با زهر آمیخت

بگریز از آن مگس که بر مار نشست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۰ -۶۹ /۱)، از سعدی تا جامی (۲۳۲ -۲۳۰)، حبیب السیر (۳۷۰ -۳۶۷ /۳)، الذریعه (۵۴۱/۹)، طبقات سلاطین اسلام (۲۲۵ -۲۲۴)، فرهنگ سخنوران (۵۱۴)، مجمع الفصحا (۶۸ -۶۷ /۱)، هفت اقلیم (۱۲۸ -۱۲۷ /۲).

شمس گلپایگانی، اسدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۶ -۱۳۰۳ ق)، شاعر، عارف و نویسنده، معروف به ناصرعلی شاه. در گلپایگان چشم به جهان گشود تا هجده سالگی در زادگاه خود به تحصیل علم ادبی و عربی پرداخت. از آن پس برای ادامه تحصیل به اصفهان رفت و حکمت و کلام را نزد استادان این شهر فراگرفت. در سال ۱۲۸۰ ش به نجف اشرف عزیمت کرد و چند سالی در عراق به تحصیل فقه و اصول و حکمت پرداخت. شمس آنگاه به ایران آمد و سفرهایی به تهران و مشهد نمود و خدمت بعضی از مشایخ صوفیه رسید و دست ارادت به حاج ملا سلطانعلی محمد گنابادی داد و پس از آن به فرزند او پیوست و از طرف صالح علیشاه، شیخ طایفه در اصفهان گردید و اجازه‌ی ارشاد و دستگیری به او داده شد و به ناصرعلی شاه شهرت یافت. شمس سالها در فرهنگ اصفهان به شغل آموزگاری پرداخت. در سال ۱۳۰۵ ش مجله‌ای به نانم «عنقا» تاسیس کرد و به مدت یک سال به نشر آن پرداخت. در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد دفن است. از آثار وی: «شمس التواریخ»؛ «اسرار العشق»؛ «هدایه الامم»؛ «معرفه الروح»؛ «نامه‌ی سخنوران»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۵۴ -۵۲ /۴)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۸۲ -۲۷۹)، الذریعه (۵۴۴/۹)، سخنوران نامی معصار (۲۰۰۹ -۲۰۰۵ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۵۴۰ -۵۳۹ /۱).

شمس لاهیجی، شمس‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. در لاهیجان بدنیا آمد. سالها تربیت امیر زادگان را بر عهده داشت و به همین سبب به معلم معروف شد. در دوره جهانگیری به منصب صدارت رسید و بعد از مدتی ترک آن شغل کرد و کار تدریس خود را ادامه داد. در اواخر عمر اوقات را صرف طاعت و عبادت کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۸۲)، تذکره‌ی روز روشن (۴۳۴)، الذریعه (۸۷۱، ۵۴۲ /۹)، نامها و نامدارهای گیلان (۳۸۵).

شمس محمد، لطف‌الله

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط و شاعر. از خوشنویسان گمنام است که شعر نیز می‌گفته و شاید شمس تخلص وی بوده باشد، به خط وی، یک

قطعه از مرقع بهرام میرزاست، که قطعه شعری از خود اوست و به قلم نیم دو دانگ خوش به زر تحریردار نوشته و رقم «کاتبه و قائله شمس محمد لطف‌اللّه، حرره میرمصور» دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۱۷/۲).

شمس ملک آرا، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۵ -۱۲۴۷ ش)، شاعر، متخلص به محسن. در همدان به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش و تحصیلات عالی را در دارالفنون به پایان رسانید. او چندی به سمت مترجمی در کلاس توپخانه که به سرپرستی یکی از افسران آلمانی به نام فیلیمر اداره می‌شد به کار پرداخت و ازآن پس به خواست ظل‌السلطان برای مصاحبت و تدریس فرزندان او به اصفهان خوانده شد. در ۱۳۲۶ ق به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد. از آثارش: «رباعیات محسنیه»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۹۷۷/ ۹)، سخنوران نامی‌معاصر(۳۱۸۰ -۳۱۷۵/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۸۱۰).

شمس میمندی، شمس الکفاه، ابوالقاسم احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، شاعر. وی وزیر معروف سلطان محمود بود. به فارسی و عربی شعر می‌سرود و اشعار عربی او در «یتیمه الدهر» مسطور است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :لباب الالباب (۶۴ -۶۳ /۱)، لغت نامه (ذیل/ احمد).

شمس ناتری، محمدابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ابراهیم شمس ناتری

محل تولد : چالوس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

دکتر محمد ابراهیم شمس ناتری در سال ۱۳۵۸ در رشته ریاضی فیزیک در شهر چالوس فارغ التحصیل گردید. در سال ۱۳۵۹ جهت تحصیل علوم حوزوی به قم مهاجرت کرد و در طول مدت ۷ سال دروس مقدمات و سطح حوزه علمیه قم را نزد اساتیدی از قبیل حضرات آیات و حجج اسلام آل غفور ، اعتمادی، سید علی آقا محقق داماد و محفوظی با موفقیت به پایان برده و از سال ۱۳۶۶ به دروس خارج حوزه مشغول شدند. دروس خارج فقه و اصول را در محضر اساتید بزرگواری همچون حضرات آیات عظام منتظری، وحید خراسانی، سبحانی و مکارم شیرازی و شیخ جواد تبریزی گذراندند.ایشان در سال ۱۳۶۷ با شرکت در کنکور سراسری دوره کارشناسی در رشته حقوق دانشگاه تهران پذیرفته شده و دروس دانشگاه را در جنب دروس حوزوی گذراند و در سال ۱۳۷۱ با کسب رتبه اول کنکور سراسری کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی را در دانشگاه تربیت مدرس تهران به تحصیل مشغول گردید. در سال ۱۳۷۵ و با دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد در امتحانات ورودی دوره دکتری همین دانشگاه پذیرفته شد و در سال ۱۳۸۱ با دفاع از رساله دکتری تحت عنوان « سیاست کیفری ایران در قبال جرایم سازمان یافته با رویکرد به حقوق جزای بین المللی » در رشته حقوق جزا و جرم شناسی فارغ التحصیل شده و با عنوان استادیاری به عضویت هیئت علمی دانشگاه تهران ـ پردیس قم ـ نائل گردید و هم اینکه عضو هیئت علمی دانشکده حقوق پردیس قم دانشگاه تهران می باشد. دکتر شمس علاوه بر تدریس دروس حقوقی در دانشگاههای مختلف دارای آثار و تألیفات متعددی نیز بوده و در کنفرانسهای بین المللی متعددی نیز حضور فعّال داشته است.

شمس نسوی، شمس‌الدین محمد

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. اصل وی از نسا و خود در نیشابور می‌زیست. در فضل و هنر یگانه و در نیشابور به شغل خیاطی مشغول بود. دارای «دیوان» شعر است. از اشعار اوست:

دلدار همه گرد دل و دین گردد

وانگه چو ببرد خویشتن بین گردد

گفتم سخن تلخ مگو، گفت خموش

آن خود چو به لب رسید شیرین گردد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۷۲/۲)، تذکره‌ی روز روشن (۴۳۳ -۴۳۲)، الذریعه (۵۴۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۵۱۵)، لباب الالباب (۱۵۸ -۱۵۶ /۱)، هفت اقلیم (۳۴/۲)، مخزن الغرائب (۷۲۹/۲).

شمس نفسی، شمس‌الدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. وی از بزرگان روزگار خود بود. شیخ‌الاسلام نخشب شد. سفری به بخارا داشت. از اوست:

یک شب دل من صفای گردونی داشت

وز حکمش حکمت فلاطونی داشت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۵۱۵)، لباب الالباب (۱۸۳ -۱۸۲ /۱).

شمس نیریزی، شمس المعالی اسحاق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۰ ق)، خطاط و شاعر. در جوانی به شیراز رفت. کسب کمالات علمی نمود و فنون شاعری و خوشنویسی را در حد عالی آموخت. میرزا اسحاق تمام خطوط بخصوص نسخ را خوش می‌نوشت تاریخ و اخبار و اشعار فارسی و عربی بسیار به خاطر داشت. مدتی را به سیاحت و مسافرت گذرانید. در پایان عمر از شیراز به شوشتر رفت و همان جا وفات یافت. چون نخست انجمن تخلص می‌کرد، در برخی تذکره‌ها وی تحت عنوان انجمن فارسی آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۸۲/۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۱۷/۳)، الذریعه (۱۰۶/۹)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۵۷۱ - ۱۵۷۰ /۲)، فرهنگ سخنوران (۵۱۵)، گنج شایگان (۵۰۹ -۵۰۳)، مرآت الفصاحه (۶۸ -۶۷).

شمس یزدی، شمس‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از خاندانی معروف از اعیان یزد بود که پسر و برادرش از امرای یزد بودند. از این خاندان آثار زیادی به یادگار مانده از جمله: «مدرسه‌ی شمسیه»؛ «مدرسه‌ی وقت» و «ساعت چهار منار» و می‌گویند از یزد تا تبریز هر کاروانسرایی یکه هست از آثار آن پدر و پسر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۶۷)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۱۸۱ -۱۸۰)، هفت اقلیم (۱۴۸ -۱۴۷ /۱).

شمس، سعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید شمس

محل تولد : مسجد سلیمان

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اینجانب سعید شمس فرزند محمد در سال ۱۳۴۵ در یکی از بزرگترین محله‌های شهرستان مسجد سلیمان به دنیا آمده خانواده ما از قشر کم در آمد و پایین‌تر از متوسط بود پدرم خیاط بود. دوران ابتدایی را در دبستان نوروز در همان محله گذراندم و دوران راهنمایی را در مدرسه ابو ریحان بودم که سال دوم راهنمایی درگیری‌های انقلاب آغاز شد با همان سن پایین در حد خودم در تظاهراتها شرکت می‌کردم. در سال ۱۳۵۹ همزمان با آغاز جنگ تحمیلی وارد هنرستان فنی شریف واقفی شهرستان شده و در دوران دو سال تحصیل، عضو فعال انجمن اسلامی بودم. سپس جذب اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزی که آن زمان کانون انجمن دانش‌آموزان بود شده و مسئولیت کتابخانه را عهده دار شدم. علت این علاقه وافر اینجانب از دوران کودکی به کتاب بود که برخلاف کودکان هم سن و سال خودم همواره از پدرم درخواست می‌کردم برایم کتاب بخرد. در سال ۱۳۶۱ هنرستان را رها کرده وارد حوزه علمیه المهدی در مسجد سلیمان شدم. ابتدا دروس مقدماتی را در این مدرسه فراگرفتم از جمله اساتید اینجانب استاد میری، واعظی، شیروانی، مهریزی و... بودند.

شمس، محمد قلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۳ ش)، پزشک و مدرس. تحصیلات دبیرستانی پ. ث. ان و سه سال اول پزشکی و سه ساله‌ی چشم پزشکی را در تهران به پایان رسانده سپس برای ادامه‌ی تصحیلات به فرانسه رفته و دانشکده‌ی پزشکی یون را در سال ۱۳۰۲ ش به پایان رسانده و به دریافت دانشنامه‌ی دکتری پزشکی نایل شده و به ایران مراجعت کرده است. وی استاد کرسی چشم پزشکی و ریاست بخش چشم‌پزشکی بیمارستان فارابی بوده است. اثر وی «درمان تراخم با الکتروگو آگولاسیون» می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۹۲۹/۴).

شمس‌الادباء شیرازی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط و شاعر. مکنی به ابوالمعالی و ابوالفرید. وی خواهرزاده و تربیت یافته‌ی میرزا کوچك وصال شیرازی بود که از علوم ادبی بهره داشت و شعر می‌گفت و جز نستعلیق، شکسته را نیز خوش می‌نوشت. میرعلی از کاتبان طراز اول و آثار متعدد موجود او نماینده‌ی قدرت و ملاحت قلم او است. از آثار وی: یک نسخه «جهانگشای جوینی» که ناتمام مانده، به قلم نیم دو دانگ عالی، با رقم: «تمام شد مجلد اول از تاریخ جهانگشای جوینی... علی ید العبد... میرعلی الشیرازی»؛ یک نسخه «دیوان» رشید وطواط، به قلم کتابت جلی خوش، با رقم: «... میرعلی الشیرازی المقلب بشمس‌الادباء المکنی بابوالمعالی... حرره فی شهر شوال المکرم ۱۲۸۲»؛ یک نسخه «رباعیات خیام»، به قلم نستعلیق کتابت جلی عالی، با رقم: «بجهه پیش‌کش بزم حضور... مهد علیا... کتبه العبد الفقیر میرعلی الشیرازی، المقلب بشمس‌الادباء فی ۱۲۷۷»؛ یک قطعه به قلم سه دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم: «کتبه العبد الراجی، میرعلی الشیرازی المقلب بشمس‌الادبا و المکنی بابوالفراید، فی شهر رجب الاصب فی ۱۲۸۲». چهار اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۷۲ -۴۶۹ /۲).

شمس‌الادباء لاریجانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۳ -۱۲۵۳ ق)، شاعر. ملقب به شمس‌الادبا. سید محمد در اصفهان متولد شد. پدرش از حکمای زاهد و عرفای عابد و از مشاهیر بود. شمس‌الادبا در چهارده سالگی به تهران آمد و نزد حکیم الهی به تحصیل پرداخت. تا در علوم ادبی و فنون عربی متبحر گشت. وی در تهران مورد احترام بود و ناصرالدین‌شاه او را شمس‌الادبا لقب داد. وی به عربی و فارسی شعر می‌گفته و «دیوان» اشعاری از او بر جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۳۳۹ -۳۳۸)، حدیقه الشعراء (۸۷۲ -۸۷۱ /۲)، الذریعه (۵۳۸/۹)، فرهنگ سخنوران (۵۱۴)، مجمع

الفصحا (۴۷۰ –۴۶۲ /۴)، مکارم الآثار (۱۴۲۰/۴).

شمس‌الدین عبداللّه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن رحلی با جلد روغنی مذهب، چهار صفحه‌ی اول و آخر مذهب مرصع عالی، به خط ثلث کتابت جلی خوش به سال ۱۰۱۲؛ قرآن رحلی عظیم جلد سوخت، تحریر طلاپوش ممتاز که تمامی قرآن مزین است، به خط نسخ جلی متوسط و ثلث و رقاع جلی متوسط، با رقم: «... شمس‌الدین عبداللّه... ۹۸۹».[۱]

قرآن رحلی، جلد روغنی مذهب. چهار صفحه‌ی اول و چهار صفحه‌ی آخر مذهب مرصع عالی. نسخه تماماً مزین است. ثلث کتابت جلی خوش سال ۱۰۱۲ در آستان حضرت معصومه‌ی قم.

– قرآن رحلی عظیم جلد سوخت تحریر طلاپوش ممتاز شش صفحه‌ی اول و چهار صفحه‌ی آخر تمام مذهب مرصع عالی و تمامی قرآن مزین است. نسخ جلی متوسط و ثلث جلی و رقاع جلی متوسط با رقم: «... شمس‌الدین عبداللّه...» سال ۹۸۹. در موزه‌ی ایران باستان.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۸۳/۴).

شمس‌الشعراء، سام

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۹ ق)، شاعر. از شاعران عهد ناصرالدین شاه بود. بعد از درگذشت میرزا محمدتقی خان سپهر، لسان‌الملک در ایام عید و سایر روزهای جشن و سلام عام در حضور ناصرالدین‌شاه قصیده می‌خواند. به گفته اعتمادالسلطنه وی در بدیهه‌گویی مثل و مانند نداشت. وی در تهران درگذشت.[۱]

(ع. آفتاب گویندگان) (شاهزاده) رضوان، سام میرزا (و. ۱۲۳۶– ف. ۱۳۰۹ ه.ق.). شاعر قرن سیزدهم ه. وی به سال ۱۲۸۸ ه.ق. به لقب مزبور ملقب گردید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] شرح حال رجال (۵۸/۲).

شمس‌العلماء، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ع. آفتاب دانشمندان) (حاج میرزا) محمد حسین قریب ملقب به شمس‌العلماء و متخلص به ربانی (و. گرکان (از توابع آشتیان) ۱۲۲۲ ه.ش.– ف. ۱۳۰۵ ه.ش./ ۱۳۴۵ ه.ق.). وی مقدمات علوم را در زادگاه خود گرگان آموخت. سپس برای تکمیل تحصیلات به قم شتافت و در آنجا به تحصیل فقه و اصول و حدیث و تفسیر و ضمنا به تتبع در ادبیات فارسی و عربی پرداخت. از آنجا سفری به عتبات کرد و سه سال علمای عصر به تحصیل و تکمیل علوم دینی اشتغال داشت، و بعد از مراجعت به ایران مدتی نیز نزد میرزا علی‌محمد صفا که از خطاطان معروف آن زمان بود به تعلیم خط اشتغال داشت و خط نستعلیق را به شیوه استاد خود می‌نوشت. درسال ۱۲۶۶ ه.ش. برای تعلیم زبان و ادبیات فارسی به آقاخان (سوم) از ایران یک تن استاد خواستند. شمس‌العلماء بدین خدمت نامزد گردید و به هندوستان (بمبئی) رفت. از سال مزبور تا سال ۱۲۷۵ ه.ش. در آنجا به تعلمی و تربیت آقاخان و ترویج دیانت اسلام مشغول بود. در سال اخیر به سبب ناسازگاری آب و هوا و علاقه به موطن خود به ایران بازگشت و بنا به دعوت مخبرالسلطنه هدایت در مدرسه علمیه و مدرسه نظام سابق و سپس در مدرسه علوم سیاسی به تدریس زبان و ادب فارسی پرداخت. در سال ۱۲۸۴ ه ش. با کسب اجازه از وزارت معارف به ترکستان و استانبول و قفقاز مسافرت کرد و به زیارت بیت‌اللّه الحرام مشرف گردید، و پس از مراجعت به ریاست مدرسه علمیه منصوب شد. ضمنا چند ساعت در مدرسه علوم سیاسی و دارالفنون به تدریس فارسی و عربی اشتغال داشت و تا پایان عمر از تدریس دست نکشید. از سال ۱۲۸۳ تا ۱۲۸۸ به تألیف کتاب «ابدع البدایع» در فن بدیع مشغول بود و آن به طبع رسیده. در سال ۱۲۹۳ به عضویت دیوان عالی تمیز (دیوان کشور) منصوب شد و در ۸۳ سالگی وفات کرد. وی به فارسی و عربی شعر می‌سرود و کتابهایی در معانی و بیان و منظومه‌ای در فقه و اصول پرداخته که تاکنون به طبع نرسیده. جنازه وی را در ابن‌بابویه دفن کرده‌اند (از یادداشت سرلشکر قریب، قزوینی. یادگار ۳ :۵ ص ۵۶)

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

شمسای صفیر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر و نقاش. از غزل‌سرایان نکته‌سنج زمان خود بوده است. عده‌ای از تذکره‌نویسان وی را از شاعران تبریز و عده‌ای از شاگردان قم ذکر کرده‌اند. وی گویا در نواختن صفیر و نیز در نقاشی ماهر بوده. در فن نقاشی او را با استاد جمال‌الدین بهزاد برابر می‌دانستند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۲۶۶ -۱۲۶۴ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۶۹۹)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۶۵)، الذریعه (۶۱۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۵۶۳)، لغت نامه (ذیل/ صفیر).

شمسای گیلانی، شمس‌الدین محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. در اصفهان به دنیا آمد. جامع فضایل نفسانی و در شعر و انشاء رتبه‌ی عالی داشت فصول منشیانه و اشعار لطیفه‌ی عارفانه دارد معاصر حزین بود و با وی الفتی خاص و صداقتی به اخلاص داشت. اگر روزگار مهلت می‌داد سرآمد ارباب فضایل و کمال می‌شد. لکین در عنفوان جوانی درگذشت. وی مرید حاج عبدالقادر عاشق‌آبادی اصفهانی بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره المعاصرین (۲۱۱ -۲۱۰)، الذریعه (۵۳۸/۹).

شمسائی، ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی آب، دانشکده: مهندسی عمران، دانشگاه: صنعتی شریف

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

شمس‌آبادی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید ابوالحسن بن العلامه آیه‌الله المرحوم میرزا محمد ابراهیم موسوی شمس‌آبادی مازندرانی از علماء طراز اول معاصر اصفهان و وکیل مطلق زعیم اعظم آیه‌الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله العالی میباشد. وی عالمی ناطق و فقیهی جامع و در ولایت اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام دانشمندی خالص و کامل میباشد.

جد اعلای وی مرحوم سید محمد لاریجانی فرزند مرحوم حاج سید عبدالله مازندرانی که دارای چهل فرزند و همه از اعیان و اشراف و مالکین مزرعه لاریجان بوده‌اند و او آخرین پسر او بوده و علاقه شدیدی بتحصیل علم داشته و حتی شب هفته‌ی مرحوم پدرش بمطالعه معالم مشغول بوده برادر بزرگترش بوی تندی میکند که امشب وقت مطالعه نیست وقت تعارف با مردم است، او از این عتاب رنجیده و شبانه از محل حرکت و با پای پیاده بسمت تهران میآید و در تهران با میرزا شفیع صدر اعظم فتحعلی شاه قاجار برخورد نموده و سؤال می کند که آقا سید محمد کجا بوده و کی آمده‌ای وی جریانرا بیان میکند صدر اعظم مزبور اصرار میکند بیا برگرد بمحل و من همه‌گونه وسائل عزت تو را فراهم میکنم قبول نمیکند می گوید کجا میخواهی بروی میگوید بخواست خدا باصفهان خدمت آقای آقا محمد بیدآبادی میروم تحصیل کنم صدر اعظم میگوید من برای شما فکری کرده‌ام زمینی در اصفهان دارم بشما میبخشم و شما در عوض آن چهل ختم قرآن بخوانید برای پدرم میگوید معلوم نیست عمر من وفا کند میگوید مانعی ندارد فرزندان شما بخوانند پس قبول میکند.

اما جد دوم ایشان مرحوم آیه‌الله حاج سید عبدالله عالمی جلیل از شاگردان مرحوم آیه‌الله حاج میرزا محمد هاشم چهارسوقی خونساری و مرحوم آیه‌الله آقای نجفی مسجد شاهی اصفهان بوده و بعد از فوت مرحوم آیه‌الله میرزا محمد علی مازندرانی که عالمی ربانی و دارای مقامات و کرامات باهره بود در مسجد قطبیه که برای او بنا کرده بودند بنا بر وصیت او اقامه جماعت نموده ولی بعلل و جهاتی ادامه جماعت را تعطیل و آخرالامر تفویض بمرحوم صدرالعلماء فرزند مرحوم حجه‌الاسلام والمسلمین حاج سید عبدالوهاب شمس‌آبادی نموده و مدتها آنمرحوم اقامه جماعت میکردند.

معظم‌له در حدود سال ۱۳۲۶ ق در اصفهان متولد شده و پس از دوران ادبیات و سطوح در خدمت مرحوم حاج ملا ابوالقاسم زفره‌ای مدت دو سال از درس خارج مرحوم آیه‌الله حاج میرزا سیدعلی نجف‌آبادی و مرحوم آیه‌الله حاج سید محمد نجف‌آبادی استفاده کرده و قسمتی از شرایع را با معیّت اخوی بزرگش جناب فاضل عالم زبده‌العلماء الاعلام آقای حاج میرزا محمد رضا آل

رسول دامت برکاته نزد حجه‌الاسلام والمسلمین فقیه اهل البیت مرحوم آقا شیخ احمد حسین آبادی برادر بزرگ مرحوم آیه‌الله میرزا محمدعلی شاه‌آبادی خوانده و در سن ۲۵ سالگی بنجف اشرف مهاجرت نموده و قریب ده سال بدرس خارج ملجاء الشیعه آیه‌الله المطلق فی الارضین مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حدود شش سال بدرس اصول استاد الکل آیه‌الله آقا ضیاءالدین عراقی حاضر شده و بحث آنجناب را برای عده‌ای از فضلاء تقریر نموده و مدتی هم در درس تعطیلی مرحوم آیه‌الله حاج میرزا ابوالحسن مشکینی صاحب حاشیه شرکت نموده و مدت دو سال هم از محضر مرحوم آیه‌الله العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی طاب ثراه استفاده نموده و مدت کمی هم از محضر و درس جمال‌الفقهاء والمجتهدین آیه‌الله سید جمال‌الدین گلپایگانی بهره‌مند گردید و خلاصه پس از توقف مدت دوازده سال در مهد علم و کمال و معنویت نجف اشرف باصفهان مراجعت و باقامه جماعت و انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارد. دارای آثار قلمی میباشد:

۱- شرح بر صحیفه سجادیه ۲- موعظه ابراهیم ۳- رساله مختصری در اصول دین ۴- اشعاری در مراثی و مصائب اهل‌بیت علیهم‌السلام.

حاج سید ابوالحسن شمس‌آبادی (شهید اصفهانی) که ترجمه - و زندگینامه‌اش در جلد سوم گنجینه دانشمندان گذشت از علماء صالحین و خدمتگزاران راستین اسلام و مسلمین معاصر بوده است.

معظم‌له حدود هفتاد سال از عمر شریف خود را در راه تحصیل علم و کمال و خدمت به اسلام و ملت گذرانیده و با خلوص نیت و صداقت کامل این وظیفه را انجام و آثار و باقیات الصالحات چشمگیر و ارزنده‌ای از قبیل موسسه آموزش (ابابصیر) برای نابینایان تاسیس و صدها نابینا را با خواندن ثرآن و سایر تعلیمات دینی آشنا بدین وسیله خدمت حیات بخشی نموده است مرحوم شمس‌آبادی که در اثر یک توطئه ناجوانمردانه از طرف دشمنان ولایت و خاندان رسالت در روز چهارشنبه سوم مراجعتش از عمره مفرده در روز هفتم ربیع‌الثانی ۱۳۹۶ برابر ۱۸ فروردین ۱۳۵۵ شمسی در هنگام طلوع فجر در وقتی که به قصد اداء فریضه صبح عازم رفتن به مسجدش بود ربوده شد و در نزدیکی اصفهان (درچه) به شهادت رسیده و به (شهید اصفهانی) شهرت یافته است.

و چون خبر این ضایعه اسفناک و فاجعه دردناک به مردم استان اصفهان و غیره رسیده چنان موجی از جنبش مردم در اصفهان ایجاد شد که در تاریخ این شهر باستانی بی‌نظیر بوده است تا یک هفته کلیه دکاکین تعطیل و شوری از مردم برخاست که مانندش دیده نشده بود. نویسنده که از قم برای شرکت در مجلس شب هفت آن مرحوم به اصفهان رفته بودم از نزدیک ناظر انقلاب و هیجان مردم بودم مجالس ترحیم و فواتح برای آن مرحوم در سراسر ایران و مخصوص در اصفهان تا چهلم آن شهید بزرگوار ادامه داشت و نویسنده در چهلم شهادت آن مرحوم نیز در مجلس بزرگی که در (تخت فولاد) در سر مزار ایشان تشکیل و از سراسر کشور آمده بودند شرکت و شور و آشور عجیبی مشاهده کردم که نظیر آن را کمتر دیده بودم و در تمام محافل و مجالس خواسته عموم مردم گذشته از تاثرات عمیق مجازات سریع و قاتلین آن شهید مظلوم بود ولی متاسفانه عده‌ای که به اتهام شرکت در توطئه و قتل آن مرحوم دستگیر و بعضی از آنها هم که اعتراض کرده بودند به واسطه سهل‌انگاری و بی‌تفاوتی هیئت حاکمه طاغوتی در امر قصاص ومجازات متجاسرین به ویژه که مربوط به روحانیت و چنین عالم مجاهد بزرگواری بود به تاخیر انداخته تا در انقلاب و جنبش مردم مبارز ایران درهای زندانهای کشور شکسته و تمام زندانیهای سیاسی و جنائی و غیره آزاد قاتلین آن شهید مظلوم هم آزاد و خون- چنین عالم ربانی از بین رفت. شهراء و ادباء بسیاری از اصفهان و قم و تهران و سایر نقاط این حادثه جبران‌ناپذیر را به نظم و قصایدی در شهادت و رثاء ایشان سروده‌اند.

پس از انقلاب با دستگیری مهدی هاشمی معدوم داستان شهادت آیت‌اللّه شمس‌آبادی مشخص شد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

شمسی بخارائی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. اهل بخارا بود وی قصیده‌ای در مدح تاج‌الدین عمر بن مسعود بن احمد صدرالشریعه گفت. از اشعار اوست:

رفتی و مرا خاک تو گلگشت شده

پر لاله ز اشک من همه دشت شده

از آه من و خاک تو بر سر کردم

شش گشت زمین و آسمان هشت شده

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۳۸/۹)، لباب الالباب (۳۸۵ -۳۸۴ /۲ ،۱۷۴/۱)، مخزن الغرائب (۷۷۳ -۷۷۲ /۲)، هفت اقلیم (۴۲۲/۳).

شمسی بدخشانی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. از ولایت بدخشان و معاصر ملا جامی بود. امیرعلیشیر نوایی از مولانا محمد بدخشی تعریف احوالش را شنیده است، در سرودن شعر توانا بود و اشعاری چند از وی در تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۳۸)، الذریعه (۵۴۵/۹)، مجالس النفائس (۱۱۸)، مخزن الغرائب (۸۳۹/۲).

شمسی پور، مجتبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی علوم شیمی از دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۵۲، کارشناسی ارشد شیمی تجزیه از دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۵۴ و دکترای شیمی تجزیه از دانشگاه ایالتی میشیگان آمریکا در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه رازی کرمانشاه از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۵ و دانشیار دانشگاههای رازی و شیراز از سال ۱۳۶۵، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه شیراز و برنده کتاب سال ۱۳۶۸ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و کتاب برگزیده دانشگاههای کشور در سال ۱۳۶۸.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تعیین مقادیر بسیار کم عناصر مختلف با روش استخراج الکتروفتومتری با استفاده از اندیکاتورهای فلزی و ترکیبات ماکرو سیکتیک، مطالعه سینتیک و مکانیسم اکسیداسیون ترکیبات آلی توسط اکسید کننده‌های برگرفته از فلزات واسطه، مطالعه ترمودینامیکی کمپلکس‌های یونهای فلزی و ترکیبات ماکروسیکلیک با روش کنداکتومتری استاد راهنمای ۵ پایان‌نامه دکترا و ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اصول تجزیه دستگاهی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۷، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تشکیل کمپلکس بین کاتیونهای قلیائی خاکی و مورکسید در حلال‌های غیرمائی، تشکیل کمپلکس بین یونهای کبالت، نیکل، مس و مورکسید در مخلوطهای آب- اتانل، تشکیل کمپلکس یون هیدرونیوم باکروان اترهای مختلف در محلول نیترومتان.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

شمسی شروانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. به سراجی اوقات می‌گذرانید و در کنار آن شعر نیز می‌سرود. از اشعار اوست:

مه من یار اغیار است با من یار بایستی

بدین خواری که من افتاده‌ام اغیار بایستی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۳۰۸)، دانشمندان آذربایجان (۲۰۸)، الذریعه (۵۴۵/۹).

شمسی قارند، قدیرعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قدیر علی شمسی قارند

محل تولد : اصفهان

شهرت : شمس

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه اصفهان (مدرسه ذوالفقار) شدم. ادبیات و معالم و اصول الفقه و لمعتین و بخشی از مکاسب و رسائل را در محضر اساتید آن حوزه فرا گرفته و در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و بقیه سطوح عالیه را در محضر اساتید بزرگوار حجج اسلام دوزدوزانی، اعتمادی، استادی، گنجی، به پایان رسانده و سپس در درس خارج استاد آیت الله تبریزی یک دوره کامل اصول و بخش های از کتاب الطهارهٔ و کتاب الصلاهٔ را حدود ده سال از محضر آن بزرگوار بهره بردم و در اواخر همین دوره در موسسه تحقیقاتی بقیهٔ الله در زمینه فقه و اصول از محضر اساتید راهنمای آن موسسه استفاده کرده و رساله های فقهی چند تالیف کردم.

همزمان در جلسات فقهی استاد گنجی دام ظله که جلسات گفتگو و مباحثه بود شرکت کرده . صلاهٔ مسافر بخشی از کتاب الصدم و تمام کتاب الحج و مضاربهٔ و اخیراً هم کتاب الاجارهٔ را به همراه بررسی مباحث حقوقی روز در محضر آن بزرگوار بررسی نموده و می نمایم.

در یکی دو سال اخیر در موسسه بقیهٔ اله به تدوین شرحی کامل بر وسائل الشیعهٔ زیر نظر استاد بزرگوار شب زنده دار مشغول بوده و در رابطه با شرح متن روایت همکاری می نمایم.اینجانب سالها به صورت موردی و برای نفراتی محدود به تدریس اصول الفقه ، رسائل، مکاسب ، لمعه اشتغال داشته و چندین سال است که در مدرسه فقهی امام باقر علیه السلام به تدریس مکاسب و همینطور بعنوان استاد راهنما همکاری دارم.

شمسی لاریجانی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۳ -۱۲۴۸ ش)، مدرس و نویسنده. در شهر آمل متولد شد، بعد از تحصیلات مقدماتی در ۱۲۷۳ ش به تهران آمده و علوم فلسفه و منقول را فراگرفت و در سال ۱۲۷۷ ش به مدیریت مدرسه‌ی قدسیه که بعدها به نام اقدسیه تغییر یافت منصوب شد و سالها به این سمت باقی ماند و بعد از دولتی شدن مدارس مشاغلی از قبیل مدیریت مدرسه‌ی پرورش و مدیریت مدرسه‌ی تجارت و ریاست اداره‌ی تحقیق اوقاف را عهده‌دار بود. اثر وی «جواهر الایمان»، در اصول عقاید می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۶۸ -۶۷ /۱).

شمسی لاریجانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۳ ش)، محقق و نویسنده. تحصیلات اولیه را که گذرانید به دانشکده‌ی فنی رفت و در ضمن، فن نقشه‌برداری را نیز فراگرفت. چندی نیز مدیر مجله‌ی «اختراعات» بود. پس از آن برای تکمیل تحصیلات به امریکا عزیمت کرد و در دانشگاه سیراکوز به تحصیل در رشته‌ی فیزیک الکترونیک پرداخت و در مدت کوتاهی بنا بر استعداد و پشتکار خود دوره‌ی دانشگاه را به اتمام رسانید و به ایران بازگشت. مراجعت وی مصادف با ملی شدن نفت بود و او پس از رفتن انگلیسیها ریاست دانشگاه نفت آبادان را عهده‌دار شد. از آثارش: «دوره‌ی کامل نقشه‌برداری و ژئودزی و دوره‌ی الکتریسیته صنعتی و رادیو»؛ «نقشه‌برداری زمینی»؛ «نقشه‌برداری هوایی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :رجال مازندران (۱۵۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۵ -۵۷۴ /۲).

شمشیرگر شیرازی، علی‌اصغر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۲ -۱۱۸۲ ق)، عارف و شاعر. ملقب به حسینعلی شاه ثانی. به شغل شمشیرگری مشغول بود. علوم متداول عصر خویش را تحصیل نکرده بود. وی دست ارادت به حاج محمدحسین زین‌الدین اصفهانی نعمهٔاللهی ملقب به شیخ حسینعلی‌شاه ثانی داده بود سیاف از مرشدان سلسله شاه نعمت‌اللّٰه ولی کرمانی بود «مثنوی» منظوم دارد شامل هفتاد هزار بیت بر وزن «مثنوی» مولوی که بسیار مشهور است. و شش جلد آن در اصفهان اشتباه به نام سید محمد نوربخش دهکردی چاپ کرده‌اند در صورتی که به تصریح صاحب «آثار عجم» و «تذکره‌ی مرآت الفصاحه» و «طرائق الحقائق» و نتیجه‌ی دختری او ابوطالب پدرام در آخر دفتر چهارم و پنجم «مثنوی سیاف» چاپ تهران به طور قطع و یقین این اثر را زاده‌ی طبع سیاف دانسته‌اند. مزارش مابین چهل تنان و حافظیه شیراز است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۴۷۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۱۱ -۲۰۸ /۳)، الذریعه (۴۸۱/۹)، طرائق الحقائق (۴۶۲/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۶۷ -۴۶۶ /۴)، مرآت الفصاحه (۴۲۴ -۴۲۳).

شمشیری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۰۷.

درگذشت: ۱۳۷۰.

از جمله آثار احمد شمشیری است: نوادر یا سفینه شمشیری شامل بهترین اشعار در مناقب و مصائب ائمه معصومین سلام‌الله علیهم اجمعین (با تدوین و تصحیح ومقدمه مهدی آصفی؛ شعر مذهبی، تهران، ۱۳۷۳).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شمشیری، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین شمشیری

محل تولد : سنقر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در زادگاهم (قشلاق – سنقر) به اتمام رساندم و تحصیلات حوزوی را از سال ۱۳۶۲ با شرکت در دروس حوزه علمیه شهرستان سنقر شروع کردم. بعد از ۲ سال به حوزه علمیه کرمانشاه رفته و در نهایت به حوزه علمیه قم آمدم . دروس سطح را در قم به اتمام رسانده و ۳ سال در درس خارج فقه و اصول شرکت کردم . همزمان با دروس حوزه ،دوره عمومی موسسه آموزشی امام خمینی (ره) را به مدت ۵ سال گذراندم و پس از آن دوره کارشناسی ارشد علوم سیاسی آن موسسه را به پایان رساندم. از سال ۱۳۷۰ تاکنون همکار مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی بوده و در تولید محتوای تعدادی از نرم افزارهای اسلامی این مرکز از جمله نورالانوار (در زمینه قرآن کریم و تفسیر) و نورالجنان (در زمینه دعا ، زیارت و اخلاق) در کارهای گروهی شرکت داشته ام .

شمعی همدانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اهل همدان و دارای طبیعت و نیکو بود. از اشعار اوست:

گاه می‌خندد چو برق و گاه می‌گرید چو ابر

خیر باشد شمعی امشب خانه روشن می‌کند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۳۸)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۳)، الذریعه (۵۴۵/۹).

شمیرانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زمین‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید بهشتی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

شمیم اصفهانی، محمدحسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۵۹ ق)، شاعر، متخلص به شمیم. اصلش از شیراز است ولی در اصفهان می‌زیست، در زمان نادرشاه به قضای لشکر منصوب شد و بعد کلانتری اصفهان به او داده شد. عاقبت به دست شاه کشته شد. از اشعار اوست:

ز سوز عشق تو آن را که نیم جانی هست

چو شمع تا نفس واپسین زبانی هست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۲۰ -۳۱۹ /۳)، الذریعه (۵۴۶/۹)، سفینه المحمود (۴۹۱/۲)، نتایج الافکار (۳۹۵).

شمیم شیرازی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر و حکیم. معروف به حکاک. متولد در شیراز. وی با حاج ملا هادی سبزواری در سبزوار ملاقات کرد و گویا حاج ملا هادی وی را معمم کرده است. این ابیات از اوست:

با لب میگون او، من می‌پرستی می‌کنم

با نگاه مست او، بی باده مستی می‌کنم

گفتمش: هستم غلام و شرمسار از گفته‌ام

با وجودش ای عجب اظهار هستی می‌کنم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۶۰ -۵۵۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۱۹/۳)، الذریعه (۵۴۶ -۵۴۵ /۹)، ریحانه (۲۵۶ -۲۵۵ /۳)، مرآت الفصاحه (۳۱۶)، مکارم الآثار (۱۹۹۷/۶).

شمیمی یزدی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۸ ق)، شاعر، خطاط و موسیقی‌دان. در یزد به دنیا آمد. وی در انواع علوم و فنون مهارت داشت و خط را خوش می‌نوشت. او همچنین در علم موسیقی و تصنیف‌سازی مهارت داشت. شمیمی در اوایل جوانی، به سال ۱۰۲۸ ق به هندوستان رفت و چندی ملازمت و مداحی ظفرخان احسن تربتی را کرد و سرانجام در کرناتک هندوستان کشته شد. این بیت از اوست:

هر دم رخت ز جوش عرق تازه تر شکفت

گل غنچه گشت و غنچه به رنگ دگر شکفت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۳۸)، تذکره سخنوران یزد (۱۷۶ -۱۷۵)، تذکره‌ی میخانه (۸۵۶ -۸۵۴)، جامع مفیدی (۴۶۹ -۴۶۸ /۳)، کاروان هند (۶۵۴/۱).

شنب غازانی، اسماعیل

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۱۹ -۸۵۶ ق)، عالم و دانشمند. اهل تبریز بود و مدتی در هرات نزد علاءالدین قوشچی و شیخ حسین منطقی تحصیل کرد و از آنجا به شیراز نزد ملا جلال دوانی رفت. مزارش در قبرستان کجیل در طرف غربی شارع قریه خسرو شاه سمت راست می‌باشد. از آثار وی: «شرح فصوص الحکم» به عربی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۳۹)، حبیب السیر (۶۰۰/۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۸/۱).

شوخی بخارایی، محمد لطیف

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط و شاعر. به خط وی، یک نسخه «کلیات» خاقانی در کتابخانه‌ی سلطنتی است، به قلم کتابت متوسط، با رقم:

«قد تمت النسخه... تحفه العراقین... سنه‌ی ۱۰۱۵ الف و خسمه عشر، علی ید الضعیف محمد لطیف المشهور به شوخی البخاری...

لمسوده:

این نسخه که هست رشک طبع مانی

از مکرمت...

تاریخ سواد او رقم زد شوخی

اعجاز مسیحای دم خاقانی

سوده العبد... محمد لطیف المشهور بشوخی البخاری، فی اواسط رجب المرجب ۱۰۱۷...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۳۰-۸۲۹ /۳).

شوخی خوانساری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. معروف به بابا شوخی. در بسیاری از صنایع ظریفه دست داشت مخصوصا در فن سنگتراشی و نجاری و موسیقی استاد بود. وی به دهقانی روزگار می‌گذراند و باغی چند را به دست خود مشجر ساخته بود. عمر بابا شوخی را از هشتاد سال بیشتر نوشته‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۰۵۵/۳)، تذکره‌ی روز روشن (۴۳۹-۴۳۸)، الذریعه (۵۴۶/۹)، فرهنگ سخنوران (۵۲۴)، هفت اقلیم (۴۸۶/۲)، تذکره‌ی شعرای خوانسار (۳۱-۳۰).

شوخی یزدی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۰ ق)، شاعر. از خطه‌ی یزد بود و به ظرافت و شوخی از دل حریفان غم و غصه می‌ربود. و هرکس از عاشقانش شعر به نام او می‌گفتند او گرد می‌کرد. این مطلع از اوست:

در واقعه دیدیم که شد یار پریشان

گشتیم ازین واقعه بسیار پریشان

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۲۹۰)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۱۷۱-۱۷۰)، جامع مفیدی (۴۶۸/۳)، صبح گلشن (۲۲۶)، فرهنگ سخنوران (۵۲۵)، نشتر عشق (۸۱۱/۳).

شورش فسایی، مختار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۳/۱۳۳۲-۱۳۰۰ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به شورش. از دودمان کریم خان زند بود. شورش در شهر فسا به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شیراز و تهران با عسرت به پایان رسانید و چون از نظر مادی نتوانست مخارج تحصیل خود را فراهم سازد بناچار وارد مدرسه‌ی نظام شد. در سال ۱۳۲۷ ش وارد دانشکده‌ی حقوق شد و در رشته‌ی قضایی به تحصیل پرداخت، اما به علت سخنرانی درباره‌ی قتل محمد مسعود، مدیر روزنامه‌ی «مرد امروز» یکسال از تحصیل محروم گردید و پس از آن دوباره به ادامه‌ی تحصیل پرداخت تا سرانجام موفق به اخذ لیسانس شد. در سال ۱۳۲۹ ش امتیاز روزنامه‌ی «شورش» را گرفت و به نشر آن پرداخت. در سال ۱۳۳۲ ش به زندان افتاد و در همان سال در جراید خبر فرار و خود سودی او را منتشر ساختند. وی با صاحب «سخنوان نامی معاصر ایران» دوستی داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۲۳-۳۲۰ /۳)، سخنوران نامی معاصر (۲۰۳۸-۲۰۳۴ /۳).

شورگشتی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد موسوی شورگشتی از علماء فاضل و ائمه جماعت موصوف به تقوی نیشابور است.
وی در شور گشت از مضافات نیشابور است متولد شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات به قم مهاجرت نموده و سطوح را از محضر اساتید و مدرسن فراگرفته و در درس خارج آیات عظام بالاخص آیت‌اله بروجردی شرکت و استفاده نموده و پس از فوت آن مرحوم به مشهد مقدس عزیمت و چند سالی از محضر و درس خارج فقه و اصول آیت‌اللّٰه العظمی میلانی استفاده و مورد توجه آن مرحوم واقع شده و بعد بنا به درخواست مردم نیشابور به اینجا آمده و تاکنون به خدمات دینی از امامت جماعت و تبلیغ احکام اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

شوری اصفهانی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر و خطاط. پدر وی نسخ‌نویس معروف بود و خود نیز علاوه بر شاعری در خط نیز دست داشت. شوری، مدتی به وزارت امامقلی میرزا، از نوادگان فتحعلی‌شاه، منصوب بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۸۷۴-۸۷۳ /۲)، الذریعه (۵۴۷/۹)، فرهنگ سخنوران (۵۲۵)، مجمع الفصحا (۵۳۷/۵).

شوری فسایی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۱۵ ق)، شاعر. از سادات محترم دشتکی شیراز و از شیروان سلسله‌ی نعمت‌اللهی بود. در کنار اشتغال به کار زراعت در فسا، شعر نیز می‌سرود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۸۷۶-۸۷۴ /۲)، مرآت الفصاحه (۳۱۸-۳۱۷).

شوریده شیرازی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۵-۱۲۳۶ ش)، شاعر، متخلص به شوریده. ملقب به مجدالشعرا و فصیح‌الملک. در شیراز به دنیا آمد. نسبش به اهلی شیرازی صاحب مثنوی «سحر حلال» می‌رسد. در هفت سالگی بر اثر مرض آبله کور شد. پدرش را در نه سالگی از دست داد و سرپرستی وی را داییش بر عهده گرفت. شوریده هوش سرشاری داشت و با این که نابینا بود به فراگیری علوم ادبی پرداخت و در مدت کوتاهی در شعر و شاعری بلندآوازه گردید و اشعارش بر زبانها افتاد. در سال ۱۳۱۱ ق همراه حسینعلی خان نظام‌السلطنه مافی از شیراز به تهران آمد و نزد میرزا علی‌اصغر خان اتابک تقرب یافت و به ناصرالدین‌شاه و پسرش مظفرالدین‌شاه معرفی شد. شوریده آن دو پادشاه را مدح گفت. مورد توجه ناصرالدین‌شاه قرار گرفت و از جانب وی ملقب به مجدالشعرا و سپس فصیح‌الملک شد و قریه بورنجان فارس بدو بخشیده شد. شوریده در قصیده و غزل و طنز و مطایبه دستی قوی داشت؛ مخصوصا در سرودن اشعاری که متضمن کلمات عامیانه و اصطلاحات اهالی فارس است مهارت فراوان داشت. در اواخر عمر تولیت افتخاری مقبره سعدی را پذیرفت و در تعمیر آن کوشش فراوان کرد. وی در شیراز درگذشت و در جوار قبر سعدی دفن شد. برخی شاعران، از جمله: شعاع‌الملک، محمدجواد کمپانی، وحید دستگردی، عباس فرات یزدی، عبرت نایینی با او همعصر بوده و در مرگ برای وی مرثیه سرودند. آثار بر جای مانده از او: «دیوان» غزلیات؛ «آذر»، که هر دو چاپ شده‌اند؛ «کشلف المواد»، در ماده تاریخهای مختلف؛ «نامه‌ی روشندلان»، در شرح حال نابینایان معروف. وی «کلیات سعدی» را به دستیاری مرحوم میرزا محمود ادیب خوشنویس با مقابله با نسخه‌های خطی و مدد از ذوق سلیم فطری تصحیح کرد و در چاپخانه‌ی مظفری بمبئی به چاپ رسانید.[۱]
(بخش ۱) (حاج) محمدتقی بن عباس شیرازی ملقب به فصیح‌الملک شاعر (و. شیراز ۱۲۷۴ ه.ق- ف. ۱۳۴۵ ه.ق./ ۱۳۰۵ ه.ش). پدرش کاسب بود و ذوق شعر داشت و نسبش باهلی شیرازی می‌پیوندد. هر دو چشم محمدتقی در سن ۷ سالگی به سبب آبله کور گردید. در ۹ سالگی وی پدرش بدرود زندگی گفت و او تحت تربیت خال خویش قرار گرفت. در سال ۱۲۸۸ ه.ق. با خال خود به مکه رفت. در سال ۱۳۰۹ سفری به بندر جنوب کرد و در ۱۳۱۱ به مصاحبت حسینقلی خان نظام‌السلطنه به تهران سفر کرد و نزد اتابک امین‌السلطان تقرب تمام یافت و در مدح ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه قاجار قصایدی گفت، و به سبب رباعیی که در حضور ناصرالدین شاه بداههٔ سرود به لقب فصیح‌الملک ملقب گردید. در سال ۱۳۱۴ به شیراز بازگشت و در سال ۱۳۲۳ ازدواج کرد و پنج فرزند یافت. در اواخر عمر تولیت و تنظیم تکیه‌ی سعدیه در شیراز افتخارا به عهده‌ی او محول بود. شوریده هوش و ذکاوت و فراست و حافظه‌ای عجیب داشت و در علوم متداول مانند صرف و نحو و اشتقاق تازی و پارسی و عروض و قافیه و

نقدالشعر و موسیقی و نواختن بعض سازها دست داشت. جنازه‌ی وی را در جوار آرامگاه سعدی دفن کرده‌اند. از آثار اوست: ۱- «کشف‌المواد» مشتمل بر ماده تاریخهای بسیار که شوریده خود گفته. ۲- «نامه‌ی روشندلان». ۳- دیوان شوریده حاوی متجاوز از ۱۴۰۰۰ بیت. آثار فوق به چاپ نرسیده و فقط قطعاتی از آنها در مجلات و تذکره‌ها منتشر شده. اشعار او غالباً غزل و قصیده و شامل مدح و هجو و مرثیه است. وی در شعر تابع استادان خراسان و فارس است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۲۶۸ -۲۶۶)، ادبیات معاصر (۶۶ -۶۱)، ارمغان (س ۷، ش ۶ و ۷ ص ۳۶۵ -۳۵۵)، از صبا تا نیما (۱۹ -۱۸ /۲)، حدیقه الشعراء (۸۸۱ -۸۷۶ /۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۶۳ -۳۲۳ /۳)، الذریعه (۶۹۲ ،۵۴۷ /۹)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۱۳۲ -۱۳۱ /۴)، سخنوران نامی (۱۸۶ -۱۷۶ /۱)، سخنوران نامی معاصر (۲۰۴۴ -۲۰۳۹ /۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۷۳ -۱۱۷۲ /۲)، فرهنگ سخنوران (۵۲۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۴ -۲۲۳ /۲)، مرآت الفصاحه (۳۲۳ -۳۱۸)، مکارم الآثار (۲۰۷۸ -۲۰۷۷ /۶)، یادداشتهای قزوینی (۱۹۷ -۱۹۶ /۸)، یادگار (س ۵، ش ۳، ص ۶۶ ،۶۴).

شوشتری جزایری، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضا بن سید حسین بن سید رضا بن سید علی‌اکبر بن سید عبداللّه شوشتری جزایری عالمی فقیه و صالح بوده است و پدرش از بزرگان علماء و دوستان صادق و خواص اصحاب شیخ مرتضی انصاری و از شاگردان میرزاء شیرازی بزرگ و بعد شیخ محمدحسین کاظمینی و میرزا حسین خلیلی بوده و در صحن شریف علوی اقامه جماعت می‌نمود تا در ۱۷ شعبان ۱۳۲۹ ق وفات و در مقبره سید علی شوشتری مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شوشتری، ابوالعلاء

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سوم ق)، شاعر. وی از شاعران دوره‌ی سامانی است که شعر مصنوع و فنی می‌سروده و در هزل از پیشگامان کسایی و دیگران بوده است. منوچهری نام وی را در ردیف شعرای بزرگ آن روزگار چون بوالعباس و بوالمثل و بوسلیک ذکر می‌کند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۴۳۹ -۴۱۸ /۱)، شاعران بی‌دیوان (۶۹)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالعلاء).

شوشتری، ابوالمعالی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۴۶ -۱۰۰۴ ق)، عالم و شاعر. وی برادر علاء الملک مرعشی شوشتری بود، در آگره متولد شد و در بنگاله وفات یافت. از آثار او: «النموذج العلم»؛ «تفسیر سوره‌ی توحید»؛ «رساله‌ی عدالت». علاوه بر اینها «دیوان» مدونی هم داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۰ /۹)، ریحانه (۲۶۹ /۷)، صبح گلشن (۱۳)، فرهنگ سخنوران (۳۵)، کاروان هند (۱۴۶۹ /۲)، لغت‌نامه (ذیل / ابوالمعالی).

شوشتری، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد بن عبداللّه بن سید محمدعلی بن عبدالسلام بن سید عبداللّه شوشتری عالمی بزرگوار بود و در سال ۱۲۶۹ قمری متولد و در سال ۱۳۲۴ قمری وفات نموده و در شوشتر مرجع امور شرعی بوده و در سن ۵۵ سالگی درگذشته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شوشتری، اسداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ اسداللّه بن شیخ نظرعلی شوشتری عالمی جلیل از فضلاء شاگردان مجدد شیرازی بوده و بعد از فوت ایشان به نجف مراجعت کرده تا از دنیا رفته است.

مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین آقا شیخ ابوالقاسم کاشانی مقیم بمبئی داماد ایشان بوده و از دختر وی مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ محمدحسن نجفی را آورده و این پدر و پسر در بمبئی خدمات بسیاری نموده و موجب ارشاد هزارها نفر آقاخانی‌ها و بهره‌ای‌های هندوستان شدند.

مرحوم پدرش شیخ نظرعلی از شاگردان شیخ انصاری بوده و فرزندی هم موسوم بنام پدرش شیخ نظرعلی داشته که در سال ۱۳۳۳ ه در جوانی در نجف اشرف وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شوشتری، باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

باقر بن غلامعلی شوشتری نجفی عالمی خبیر و فقیهی معروف از شاگردان شیخ انصاری و ملا علی خلیلی و در اواخر از تلامذه حاج میرزا حسین خلیلی بوده و چندین مرتبه به مکه مشرف و چندین سال مجاور خانه خدا گشته و موجب ارشاد و استبصار عده‌ای از مردم مکه شده و در مراجعت در بمبئی در سال ۱۳۲۷ قمری وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شوشتری، تقی‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۵ ق)، شاعر، متخلص به غیوری. اصل وی از شوشتر بود. از علوم عقلی و نقلی بهره وافی داشت و در سرودن غزل توانا بود. از معاصران شکیبی و میرزا شرف شیرازی بود. تقی‌الدین در جوانی به هندوستان رفت و ملازم جلال‌الدین اکبرشاه شد و از آن پادشاه دستور یافت تا «شاهنامه» حکیم ابوالقاسم فردوسی را به نثر بنویسد اما توفیق به انجام آن نیافت و بعد از اکبر قسمتی از دوران جهانگیری را نیز درک کرد و به خدمات دیوانی گماشته شد و در عهد همان شاه بدرود حیات گفت. در اجمیر هندوستان در مقبره‌ی خواجه معین‌الدین دفن شد. از آثار وی: ترجمه کتاب «الحکمه الخالده» به نام «جاویدان خرد». در برخی منابع از صاحب ترجمه با عنوان تقیای شوشتری یاد شده است. از دیگر آثار وی: کتابی در علم هیات و شرح رباعی جهانگیری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۴۹۴ -۱۴۹۳ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۸۲۲، ۴۲۸)، الذریعه (۱۷۴/۹)، صبح گلشن (۸۸)، فرهنگ سخنوران (۱۸۹)، کاروان هند (۲۵۳ -۲۵۰ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ تقی شوشتری)، مخزن الغرائب (۴۲۰/۱)، نشتر عشق (۲۷۴ - ۲۷۳ /۱).

شوشتری، حسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین بن حسن بن علی بن علی بن الحسین شوشتری فقیهی فاضل از علماء زمان خود و از شاگردان سید محمد طباطبائی مجاهد در کربلا و در حدود ۱۲۳۰ ق وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شوشتری، شفیع

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمد بن عبدالکریم بن جواد بن عبدالله بن نورالدین علی بن سید نعمه الله موسوی جزایری.

عالم فاضل، از علمای ازکیا بوده، و در جمله علوم بالاخص فقه و رجال مهارت داشته، و در اصفهان در محله دردشت ساکن، و به درس و مباحثه و اقامه جماعت و ارشاد مردم اشتغال داشته.

در ۱۲۱۱ متولد، و در ۲۱ ذی الحجه الحرام سال ۱۲۷۴ وفات یافته، در صحن تکیه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد مدفون گردید.

کتب زیر از اوست:

۱- حواشی بر شرح کبیر، معروف به «کشف الریاض» ۲- فوائد متفرقه ای در رجال، که اغلب آن را در حواشی کتب رجالی به خط زیبای خوش مرقوم داشته است که اگر جمع آوری شود کتاب بزرگی خواهد شد. ۳- حواشی بر نقد الرجال.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شوشتری، عبدالحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسین بن محمدرضا شوشتری دانشمندی بزرگ از فقهاء و اصولیین از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و مبرزین تلامذه وی و نزد استاد مقامی والا داشته و اوست همان کسی که رسائل شیخ را موسوم به (فرائد الاصول فی تمییز المزیف من المقبول) نمود و حواشی بر او زد از آنچه را که از استادش استفاده نموده بود تاریخ وفاتش معلوم نیست.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شوشتری، عبداللطیف

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۱۷۲ ق)، عالم. در شوشتر متولد شد، مقدمات را در همان شهر فراگرفت و برای ادامه‌ی تحصیل به کرمانشاهان رفت و چندی در آن شهر به تحصیل ادامه داد. جمعی از دانش‌پژوهان برای آموختن هیئت و رسائل نجومی و استخراج به حضورش رفتند. میر عبداللطیف دوباره به شوشتر بازگشت و در آنجا ادامه‌ی تحصیل داد. سپس به کربلا رفت و پس از دو سال تحصیل علم و کوشیدن درین راه به موطن بازگشت. پس از آن به شهرهای زیادی همچون بوشهر، بصره، بغداد، کلکته و دیگر شهرهای هندوستان برای انجام وظایف مذهبی سفر کرد و تا ۱۲۱۹ ق در آن سامان بود. کتاب «تحفه العالم» که در تاریخ شوشتر و تراجم احوال علمای آن شهر است، از آثار اوست. از دیگر آثارش «ذیل تحفه العالم» می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۵۲ -۴۵۱ /۳)، شرح حال رجال (۱۴۴/۶)، فوائد الرضویه (۲۴۳)، مؤلفین کتب چاپی (۹۳۲ -۹۳۱ /۳).

شوشتری، عبداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، ریاضی‌دان. پدر وی وزیر نظام دکن بوده و محمدشاه قاجار برای استفاده از وی، او را به دربار خویش احضار کرد . سید عبداللّه زبان عربی و فارسی خوب آموخته بوده و از ریاضی‌دانان معروف بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۲۹۴/۲).

شوشتری، علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۰۳ ق)، خطاط. از آثار وی: «دیوان» حضرت امیر (ع)، قطع وزیری، یک سرلوح مرصع، دو صفحه‌ی اول متن و حاشیه تشعیرسازی مذهب، به خط نسخ کتابت خوش و ترجمه نستعلیق کتابت متوسط، با رقم: «کتبه الفقیر علی ابن محمد شوشتری فی اواخر شهر ذی‌الحجه الحرام سنه ثلاث و الف من الهجره النبویه» (۱۰۰۳).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۲۲/۴).

شوشتری، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند شیخ غلامحسین. عالم زاهد، از علمای اخیار، و از شاگردان حاج شیخ محمد باقر نجفی بود، در ۸ شوال ۱۳۳۶ وفات یافته، در

جنب لسان‌الارض مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شوشتری، غلام حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، و مجتهد زاهد، از مدرسین معروف، و فضلای مشهور بوده. در سال ۱۲۲۲ وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید.

وی از شاگردان شیخ جعفر شوشتری معروف می‌باشد، و خود در مجالس خصوصی منبر می‌رفته، و عمر خود را به زهد و تقوی به عزلت و انزوا گذرانیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شوشتری، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «لیلی و مجنون ترکی» فضولی بغدادی، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «تم الکتاب... علی ید... حاجی محمد شوشتری... فی تاریخ شهر جمادی‌الثانی سنه‌ی ۹۷۹».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۶۴/۳).

شوشتری، محمدامین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدامین بن حسن بن اسدالله شوشتری کاظمی عالمی جلیل در کاظمین بوده و تألیفی بنام (تحفهٔالخواص) در شرح درهٔالغواص داشته و در جمادی‌الاول سال ۱۳۳۴ وفات نموده و در ماده تاریخ فوتش گفته شده.

عفی شرع طه المصطفی و تهدمت

مبانیه و اندکت قواعد دینه

فخطب به صاح الامین مورخا

قضی دین طه یوم فقدامینه

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شوشتری، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، عالم اسلامی.

تولد: مرداد ۱۲۸۱(۱۳۲۰ ق.) نجف.

درگذشت: ۳۱ اردیبهشت ۱۳۷۴، شوشتر.

علامه حلی تقی شیخ شوشتری، فرزند کاظم، در سال ۱۲۸۱ زمانی که پدر وی در نجف به کسب علم مشغول بود، در این شهر دیده به جهان گشود و تا سن هفت سالگی در آن شهر ساکن بود. در این مدت خواندن و نوشتن فارسی و قرآن را فراگرفت و پس از آن همراه خانواده به شوشتر مراجعت نمود. در شوشتر مقدمات علوم اسلامی را نزد حجت‌الاسلام سید حسین نوری و حجت‌الاسلام سید محمدعلی امام و سید علی‌اصغر حکیم فراگرفت و برای دوره سطح نزد اساتیدی چون حجت‌الاسلام آقا سید محمدتقی شیخ الاسلام و آیت‌الله سید مهدی آل‌طیب و والدشان تلمذ جست و به درجه عالی اجتهاد نایل آمد. به سال ۱۳۱۴ به علت مخالفت با کشف حجاب جلای وطن نمود و به عتبات عالیات مهاجرت کرد و در حوزه‌های علمیه نجف و کربلا به کسب علوم و معارف اسلامی ادامه داد. در عتبات با آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی همکاری داشت و در سال ۱۳۲۱ پس از سقوط رضاشاه به ایران بازگشت و در شوشتر ساکن شد. از آن پس علاوه بر تدریس علوم دینی و تعلیم طلاب، به تحقیق در علوم اسلامی پرداخت. وی صاحب تألیفاتی است که از آن جمله‌اند: قضاء امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) (نجف، ۱۳۶۹ ق.)؛ بهج الصباغه فی شرح نهج‌البلاغه (چهارده جلد، ۱۴۰۰ -۱۳۹۰ ق.)؛ قاموس الرجال (تعلیقات تنفیح المقال، در چهارده جلد برنده جایزه دهمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران)؛ الاخبار الدخیله و مستدرک آن (در سه مجلد، این کتاب برنده جایزه نخستین دوره کتاب سال

جمهوری اسلامی ایران شد)؛ آیات بینات فی حقیقهٔ بعض المنامات، الاربعون حدیثا (۱۴۰۰ ق.)؛ رسالهٔ سهو النبی (ص)؛ الرسالهٔ المبصرهٔ فی احوال الصیریهٔ (شرح احوال افراد مکنی به ابی‌بصیر، ۱۳۹۰ ق.)؛ جوامع احوال المعصومین؛ النجعهٔ فی شرح اللمعهٔ (یازده جلد)؛ الغرر و الدرر؛ رساله در محاکمه بین شیخ صدوق و شیخ مفید دریک مسأله کلامی (۱۳۹۰ ق.)؛ الاوائل (۱۴۰۵ ق.)؛ البدایع (زیر چاپ)؛ رسالهٔ فی تواریخ النبی و آلال؛ مقدمه بر توحید مفضل (ترجمه علامه محمدباقر مجلسی).

محمدتقی بن شیخ کاظم بن محمدعلی بن العلامه شیخ جعفر شوشتری (معروف) عالمی مصنف و متبحر بوده و در سال ۱۳۲۱ ه در نجف متولد و در بیت علم پرورش یافته و به قانون وراثت بحب علم و فضیلت نشو و نما یافته و در خدمت اعلام و افاضل با جدیت و کوشش بسیار اشتغال یافته تا به مقامات عالیه رسیده دارای تألیفات عدیده‌ای که از آنها کتب زیر است می‌باشد.

۱- تحقیق المسائل شرح بر (روضهٔالبهیهٔ)

۲- رسالهٔ المبصرهٔ در احوال ابی‌بصیر

۳- (رساله سهو النبی (ص))

۴- تعلیقات تنقیح المقال

۵- قضاء امیرالمؤمنین (ع) مطبوع

۶- الاربعینیات الثلاث

۷- جوامع احوال الائمه.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شوشتری، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدحسین بن علیرضا شوشتری نزیل بمبئی ادیبی فاضل و شاعری ماهر برادر شیخ علی حزین از شاگردان ملا حسین اردکانی در کربلا بوده و در شعرش به سامع تخلص می‌نمود و در ۱۰ رجب ۱۲۸۷ وفات نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شوشتری، نوراللّه

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قاضی نوراللّه بن سید شریف‌الدین شوشتری مرعشی که نسب شریفش با بیست و یک واسطه به سید علی مرعشی موصول و با بیست و شش واسطه به حضرت سیدالساجدین زین‌العابدین (ع) می‌رسد.

از مفاخر عالم تشیع و افتخارات دارالمؤمنین شوشتر و معاصر با عهد صفویه شاه عباس کبیر فقیهی اصولی و محدثی رجالی و ادیبی ریاضی و متکلمی محقق و شاعری ماهر و با کمالات صوری و معنوی و نفسانی و روحانی معروف بوده است.

در زمان اکبرشاه هندی برای تبلیغ اسلام و ارشاد عوام کالانعام هندوستان به هند مسافرت نمود و در لاهور به منصب قضاوت و داوری بین مردم رسید و مرجع خودی و بیگانه گردید و اهتمام تمام در انجام وظائف و امر به معروف و نهی از منکر و تبلیغات دینیه نمود.

و ضمناً تألیفات نافعه متنوعه بسیاری در فنون مختلفه که حاکی از تبحر و نبوغ و جامع معقول و منقول بودنش بوده به یادگار گذاشت و جان شریفش را در راه خدمت به مذهب حقه اثنا عشریه تقدیم نمود و در راه این هدف به دست سنیان متعصب به وضع فجیعی شهید و رغما لانفهم قبرش در آگره هند (اکبرآباد) مزار موافق و مخالف گردید.

و چندین سالست که در نیمه ماه شعبان صدها هزار نفر از شیعه و سنی هند و پاکستان و نقاط دیگر به زیارت قبرش شتافته و مراسمی را انجام می‌دهند.

کیفیت شهادت

اما چگونگی شهادت او چنانچه در شهداء الفضیله علامه امینی و ریحانهٔالادب خیابانی و مقدمه شرح احقاق‌الحق علامه نسابه آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی مدظله است.

از این قرار است که علماء نواصب اهل سنت بر موقعیت وی حسد بردند و از کتاب احقاق‌الحق او سعایت کردند نزد سلطان اکبرشاه که این سید رافضی است و دلیل بر رفض او اینست که در کتابهایش بر علی کرم اللّه وجهه صلوات می‌فرستد و صلوات‌اللّه‌علیه می‌گوید.

و این خلاف سنت کرده و مرتکب بدعتی شده است و همگی فتوای قتل او را دادند.

پس شاه گفت همه بنویسند پس نوشتند و امضا کردند و شاه چون امضاها را خواند گفت:

پس چرا فلان عالم امضا نکرده او باید حتماً امضا کند پس نزد آن عالم رفتند که از او امضا بگیرند او گفت این شخص چرا واجب‌القتل باشد گفتند چون برای علی صلوات‌اللّه‌علیه می‌نویسد و صلوات مخصوص به پیغمبر است.

در جواب نوشت حدیث نبوی (یا علی لحمک لحمی و دمک دمی... مسلم اهل قبله است و چون علی لحم و دم پیغمبر است پس

همچنانکه برای پیغمبر صلی اللّه علیه می‌گوئیم برای علی هم باید (صلوات‌اللّه‌علیه) بگوئیم بنابراین سید مرتکب بدعت نشده و این شعر را به هندی نوشت.

گر لحمک لحمی بحدیث نبوی هی

بی صلی علی نام علی بی‌ادبی هی

پس اکبرشاه اجازه قتل او را نداد تا بعد از او در زمان پسر جوان ساده و مستش شده عالم‌گیر در سال ۱۰۱۹ هجری علماء حسود ناصبی آن بزرگوار را در راه گرفته و چندان سیم خاردار بر بدن او زدند تا اعضایش را پاره پاره نمودند و وی را شهید راه حق کردند. از اشعار اوست این ابیات:

عشق تو نهالیست که خواری ثمر اوست

من خاری از آن بادیه‌ام کاین شجر اوست

بر مائده عشق اگر روزه گشائی

هش دار که صد گونه بلا ما حضر اوست

وه کاین شب هجران تو بر ما چه دراز است

گوئی که مگر صبح قیامت سحر اوست

فرهاد صفت این همه جان کندن (نوری)

در کوه ملامت بهوای کمر اوست

تخلص آن بزرگوار نوری می‌باشد و وقتی در هندجان خود را در مخاطره دید با خویش گفت.

خوش پریشان شده‌ای با تو نگفتم نوری

آفتی این سر و سامان تو در پی دارد

صاحب عبقات‌الانوار علامه میر حامد حسین هندی زحمات بسیاری برای مزار آن بزرگوار کشید و به فرزندش علامه سید ناصر حسین وصیت کرد که در احیاء مزار شهید کوشش و تکمیل نماید و او به فرزندش ناصر سعید سفارش کرد خلاصه به همت و جدیت بیت جلیل صاحب عبقات مزار کثیرالبرکاتش بنا و همه ساله در ماه شعبان و غیر آن مردم از دور و نزدیک به زیارتش می‌روند.

در سال ۱۳۹۰ هجری که مزار و کتابخانه شهید را افتتاح نمودند از تمام مراجع بزرگ و آیات عظام عراق و ایران و بلاد دیگر رسماً دعوت کردند و نگارنده هم دعوت داشتم لکن موفق نشدم و نمایندگان مراجع آیت‌اللّه العظمی میلانی و آیت‌اللّه العظمی مرعشی و آیت‌اللّه العظمی شاهرودی و شریعتمداری و دیگران با شرکت صدها هزار نفر آنجا را افتتاح و مراسمی را انجام و پیام آیات عظام را به مردم مسلمان هند رسانیدند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شوقی اصفهانی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۱ -۱۳۰۰/۱۲۹۹ ق)، شاعر. در اصفهان متولد شد و از همان کودکی به سرودن شعر پرداخت. وی در بدیهه‌گویی نیز توانا بود و بیشتر اشعار خود را در مدایح و مراثی ائمه سرود. شوقی به عراق رفت و در کربلا سکونت گزید. همان جا درگذشت و در همان شهر دفن شد. از آثار وی: «دیوان» اشعار مشتمل بر قصاید و غزلیات و مثنوی‌ها.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۸۵ -۲۸۴)، الذریعه (۵۴۸/۹)، سخنوران نامی معاصر (۲۰۵۴ -۲۰۵۰ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۰۵ -۴۰۴ /۲).

شوقی بخارایی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی مردی تیزفهم بوده و اقسام شعر بخصوص معما را خوب می‌گفته و پس از مرگ در بخارا دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۰۸).

شوقی تفرشی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. از سادات تفرش بود. از اشعار اوست:

نمی‌خوری غم آشفتگان و می‌ترسم

که غیر طره نماند ترا پریشانی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۴۱ -۴۴۰)، الذریعه (۵۴۹ -۵۴۸ /۹)، مخزن الغرائب (۹۷۴/۲).

شوقی دارابجردی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از معاصران میرتقی اوحدی بود. نوشته‌اند که به حسن بیان و عذوبت لسان دل ارباب اشتیاق را می‌ربود. از اشعار اوست:

ز ناز گرچه سخن با من آن صنم نکند

بدان خوشم که سخن از رقیب هم نکند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۵۳)، الذریعه (۵۴۹/۹)، صبح گلشن (۲۲۹ -۲۲۸)، فرهنگ سخنوران (۵۲۶).

شوقی ساوجی، محمدحسن، حسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی از سادات ساوه بود که در اوایل جوانی در خدمت خواجه شعیب، وزیر ارامنه بود. بعد از فوت او به هند سفر کرد ولی پس از مدیریت بازگشت. میر جمال سلطان، حاکم بندرعباس، مانع بازگشت دوباره‌ی وی به هند شد وی متاهل شد و گویا از تاهل و کدخدایی رنج فراوانی به وی رسید. شوقی تا روزگار شاه سلیمان صفوی حیات داشت و صائب تبریزی سخن او را تضمین کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۳۷ -۱۱۳۶ /۳ ،۷۰/۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۳۲ -۳۳۱)، الذریعه (۵۴۹/۹)، فرهنگ سخنوران (۵۲۷)، کاروان هند (۶۵۸ -۶۵۴ /۱).

شوقی شیرازی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از شاعران مدیحه‌سرا بود که در قبل آن صله‌های بسیاری می‌ستاند. از او است:

چو استاد ازل بهر تماشا بست آیین را

ستونها ساخت در قصر نکویی ساق سیمین را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه‌ی سامی (۳۲۷)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۶۳/۳)، الذریعه (۵۴۹/۹).

شوقی قزوینی، رضا قلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. اصل وی از قزوین بود. در اواسط عمر به زیارت مکه مشرف شد. از اوست:

اگر وصلش میسر نیست ما را

بحمداللّٰه که هجرانش نصیب است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سفینه المحمود (۴۸۹ -۴۸۸ /۲)، مصطبه‌ی خراب (۱۰۶ -۱۰۵).

شوقی، عثمان

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اوست: قرآن جانمازی، نسخ غبار خوش با رقم: «عثمان شوقی ۱۲۶۶» در موزه‌ی اسلامی ترک.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

شوکت

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نامش محمد قاسم فرزند سلیمان خان اعتضادالدوله، بانی مدرسه‌ی سلیمان خان در مشهد مقدس می‌باشد.

شاعر و ادیب بوده و «شوکت» تخلص می‌نموده. مدتی حکومت قمیشه اصفهان را داشته، و هم در آنجا وفات یافته [و مدفون شده] است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شوکت بخارایی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد اسحاق، ادیب شاعر. پدرش صراف بوده، و خود یک چندی به این شغل مشغول بوده، رنجیده از بخارا به خراسان و سپس به اصفهان آمده، در زاویه‌ی علی بن سهل مقیم شده، به عبادت و ریاضت و انزوا و قناعت گذرانیده، مدت سی و چهار سال به یک لباس قناعت کرده، در ۱۱۰۷ فوت شده، در همانجا مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شوکت بخاری، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۱۱/۱۱۰۷ ق)، شاعر، متخلص به شوکت. معروف به شوکتا. پدرش در بخارا پیشه‌ی صرافی داشته و او نیز چندی همان شغل را داشت تا آنکه گرفتار آزار و تاراج ازبکان شد و ناچار به هرات رفت و ملازمت بیگلربیگی خراسانی، صفی قلی خان شاملو، را اختیار کرد. وی در کسوت درویشان به اصفهان رفت و در مزار علی ابن سهل اصفهانی مسکن گزید و پس از وفات در همان جا دفن شد. اشعارش در میان شعرای عثمانی شهرت بسیار یافته است. مدتی دراز از مصاحبت و حمایت راقم مشهدی وزیر خراسان برخوردار بود و با شاعرانی مثل مقیمای مشهدی و عظیمای نیشابوری جلیس بود. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۵۱۱/۱)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۷۶ -۱۷۵ /۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۳۹ -۱۳۳۳ /۵)، تذکره‌ی شعرای کشمیر (۶۰۸ ،۱۸۲ -۱۸۰ /۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۴۲)، دایرةالمعارف فارسی (۱۵۰۶/۲)، الذریعه (۵۵۱ -۵۵۰ /۹)، ریاض العارفین (۲۱۲)، سرو آزاد (۱۱۲ -۱۲۰)، فرهنگ سخنوران (۵۲۷)، کلمات الشعراء (۱۰۹ -۱۰۷)، لغت نامه (ذیل/ شوکت بخارایی)، نتایج الافکار (۳۹۳ -۳۸۶).

شوکت شیرازی، شمس الدین حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۲ -۱۲۵۴ ق)، مورخ، مترجم و شاعر، متخلص به شوکت. شوکت در تهران متولد شده و چندی در اصفهان و از آن پس در عتبات عالیات تحصیل کرد. نامبرده سالها منشی اول سفارت عثمانی در تهران بود. از آثار او: «تاریخ اسکندر» و «تاریخ شارل دوازدهم پادشاه سوئد» را به وی نسبت می‌دهند. در «فارسنامه‌ی ناصری» تخلص او شکوه شیرازی ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۸۸۵ -۸۸۳/ ۲)، الذریعه (۵۵۱/۹)، شرح حال رجال (۳۳۴/۱)، فارسنامه ناصری (۱۱۷۱/۲)، المآثر و الآثار (۲۱۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۵/۲)، مجمع الفصحا (۵۳۵/۵)، مرآت الفصاحه (۲۲۵)، مکارم الآثار (۳۰۳/۲)، یغما (س ۷، ش ۴، ص ۱۶۲).

شوکت شیرازی، فضل‌الله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۹ ق)، شاعر، متخلص به شوکت. اسب فروش بود. در ضمن تجارت کشتی وی دچار طوفان شد و اسبهایش در دریا تباه شد، به شیراز که بازگشت و به شاعری و قنداق‌سازی تفنگ پرداخت. در شیراز درگذشت و در دارالسلام دفن است. مولف دانشمندان و سخن‌سرایان فارس سال وفات او را ۱۳۱۹ ق ذکر کرده است. از اوست:

تا دل به خم طره طرار تو بستم

بس دل که به یاد سر زلف تو شکستم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۶۴ -۳۶۳ /۳)، مرآت الفصاحه (۳۲۵ -۳۲۴).

شوکت قاجار، محمد قاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۷ ق)، شاعر. ملقب به ظهیرالدوله. درسال ۱۲۲۷ ق فتحعلی‌شاه او را با جمعی از سر کردگان خود به اتفاق محمدعلی میرزا دولت شاه برای سرکوبی عبداللّه پاشا والی بغداد فرستاد ولی کار به صمالحه انجامید. و چندی حاکم و مامور فارس و سمیرم و قمشه بود. وی در مزار شهرضا (قمشه) به خاک سپرده شد. از اوست:

شبی تاریک و ره دور و نشان کار دل گم شد

برآر ای کوکب تابان سری از گوشه‌ی محمل

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۸۸۸ -۸۸۷ /۲)، الذریعه (۵۵۱/۹)، سخنوران (۵۲۸)، سفینه المحمود (۴۷ -۴۶ /۱)، شرح حال رجال (۴۶۴ -۴۶۳ /۳)، طرائق الحرائق (۳۹۰/۳)، مجمع الفصحا (۷۲ -۱۷ /۱)، مصطبه‌ی خراب (۱۰۵ -۱۰۴)، نگارستان دارا (۳۸ - ۳۷).

شوکت قاجار، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۰/۱۲۷۸ -۱۲۰۶ ق)، شاعر، متخلص به شوکت و معروف به حسام‌السلطنه. پسر هفتم فتحعلی‌شاه. در هیجده سالگی به حکومت بروجرد و چاپلق و سیلاخور منصوب شد و چون بر سر حکومت بروجرد با محمدحسین میرزا حشمت‌الدوله به جنگ پرداخت و شکست خورد به تهران آمد. در زمان محمدشاه، چندی در ادربیل و سپس در تبریز زندانی شد، تا اینکه به سال ۱۲۶۴ به همراه برادرش حسنعلی میرزا در مراسم جلوس ناصرالدین‌شاه شرکت کرد و به دستور وی آزاد شد و در مشهد اقامت گزید. به قدری میانه‌رو و آینده‌نگر بود که پدرش او را کدخدای کل عراق خطاب می‌کرد. وی در مشهد درگذشت و در توحیدخانه آستان قدس دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۲۹)، حدیقه الشعراء (۸۸۷ -۸۸۵ /۲)، الذریعه (۵۵۱/۹)، سفینه المحمود (۳۱ -۲۹ /۱)، شرح جال رجال (۳۱۲ -۳۱۰ /۳)، مجمع الفصحا (۷۱ -۷۰ /۱)، مصطبه‌ی خراب (۱۰۴)، مکارم الآثار (۳۰۳ -۳۰۲ /۲)، نگارستان دارا (۲۷ - ۲۶).

شوندی در جزینی همدانی، حسینقلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۱ -۱۲۳۹ ق)، فقیه و عالم. در قریه‌ی شوند متولد شد. در کودکی با پدر به تهران آمد و پس از فراگیری مقدمات، به تحصیل سطوح در محضر شیخ عبدالحسین تهرانی، معروف به شیخ العراقین، پرداخت و بعد در سبزوار از محضر ملاهادی، فیلسوف معروف، کسب فیض کرد و در نجف از حوزه‌ی درس شیخ مرتضی انصاری استفاده‌ی فراوانی برد. ملاحسینقلی به ریاست و مرجعیت دل نیست و در خانه‌ی خود به تدریس درس اخلاق و سپس فقه و اصول پرداخت، و سرانجام در کربلا درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۹۴/۶).

شه ناصر، نصرالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌عبدالله خان لله باشی بن مهدی قهپایه‌ای. ادیب و شاعر متخلص به «شاه ناصری» قسمتی از دیوان اشعار او به نام «تحفة الجاوید» به طبع رسیده. در ۱۲۹۷ در قریه‌ی حریصه متولد، و در ۱۳۸۴ وفات یافته است.

این خاندان، خود را از اولاد شاه ناصر مدفون در مزرعه‌ی شنانه‌ی جبل قهپایه می‌دانند.

شاعر توانا آقای برنا در ماه تاریخ وفات او گوید:

پی سال تاریخ برنا سرود

شده در جنان شاه ناصر مکین

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شهاب ارسنجانی، حسنعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۹ ق)، شاعر، متخلص به شـهاب. ملقب به صدرالشعراء. وی در ادبیات عربی و فارسی دست داشت و در بدیهه‌سرایی ماهر بود. بیشتر عمر خود را در شـیراز گذرانـد. بـا صاحب تـذکره‌ی «مرآت الفصاحه» همعصـر بوده و مکرر او را دیـده است. شـهاب در شیراز وفات یافت. «دیوان» شـعری از وی باقی مانـده که حاوی قصـیده، غزل و اشـعار دیگر است که همه به خط خود شاعر و با قلم شکسته‌ی نستعلیق خفی خوش نگارش یافته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۶۰، ۲۴۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۶۵ -۳۶۴ /۳)، الذریعه (۵۵۲/۹)، مرآت الفصاحه (۳۲۹ -۳۲۶).

شهاب استیفایی، شهاب‌الدوله

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(قبل از س ششم ق)، شاعر. وی صاحب استیفا و از بزرگان زمان خود بود. اشعار و ابیاتی لطیف دارد. از اوست:

در جمله رفت عمر به هرزه چنانکه رفت

این است اصل و اقعه دیگر حکایت است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۵۴/۹)، لباب الالباب (۱۱۰ -۱۰۹ /۱).

شهاب اصفهانی، محمدطاهر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر و خطاط. وی از سلسله تاجران اصفهان بود که به تحصیل کمال پرداخته بود و در یادگیری خط تا حدی بود که خطوط نسخ و رقعه را خوب می‌نوشت. وی در زمان حکومت فتحعلی‌شاه از اصفهان به شیراز رفت و از فرمان فرما محبت دید و به مصـاحبت و همراهی والی روانه‌ی بهبهـان شـد. بعـد از تغییر اوضـاع به شوشتر و حویزه رفت و آنجا مسکن گزیـد و تا پایان عمر آنجا بود. وی اشعاری دارد که در بعضی تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۹۰۳ -۹۰۲ /۲)، الذریعه (۵۵۲/۹)، مصطبه‌ی خراب (۹۷ -۹۶).

شهاب اصفهانی، نصرالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۱ ق)، شـاعر، متخلص به شـهاب. ملقب به تاج‌الشعراء، اصل وی از سـمیرم بود. وی به تهران آمـد و مورد توجه و عنایت میرزا آقاسـی صـدر اعظم و بعـدها امیرکبیر میرزا آقاخـان نوری قرار گرفت. وی عضو انجمن ادبی ابوالفقراء در اصـفهان نیز بود. او قصایـد و قطعات متینی از خود به جای گذاشـته از احیاگران سـبک خراسانی است. در اصـفهان درگـذشت. وی به دسـتور امیرکبیر

دوازده مجلس از وقایع زندگی امام حسین (ع) را به نظم درآورد و «دیوان» شعری از او به جای مانده است. گویا برادرزاده‌اش طغرل اشعار او را با تحریف، به نام خود می‌خوانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :از صبا تا نیما (۷۹/۱)، تذکره القبور (۱۴۶)، حدیقه الشعراء (۸۸۹ –۸۸۹ /۲)، الذریعه (۵۵۲/۹)، ریحانه (۲۶۴ –۲۶۳ /۳)، سبک شناسی (۳۴۸/۳)، گنج شایگان (۳۳۳ –۲۴۴)، مجمع الفصحا (۴۸۶ –۴۷۶ /۴)، لغت نامه (ذیل/ تاج الشعراء)، المآثر و الآثار (۲۰۴)، یادگار (س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۱۴۵ –۱۴۴)، مصطبه‌ی خراب (۹۷).

شهاب ترشیزی، عبداللّه

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۱۶/۱۲۱۵ –۱۱۶۷ ق)، شاعر، نقاش و منجم. اصلش از ترشیز خراسان بود. مدتی در عراق و فارس بسر برد سپس به خراسان رفت در هرات به دربار محمود خان درانی راه یافت و در مدح او قصایدی سرود و به منصب منجم باشی، ملک‌الشعرایی و رتبه‌ی خانی رسید. وی در هجو گفتن قدرت و مهارتی عجیب داشته است. «کلیات» اشعارش را تا بیست هزار بیت نوشته‌اند، اما «دیوانش» ده هراز بیت بیشتر ندارد. گویند در اواخر عمر از ملازمت درباریان کناره گرفته در تربت حیدریه انزوا گزید و در همان جا وفات یافت. از آثار او: مثنوی‌هایی به نامهای: «خسرو و شیرین»، در بحر «هفت پیکر» نظامی؛ «یوسف و زلیخا»؛ «بهرام نامه»؛ «تذکره الشعراء»؛ «عقد گهر»، در نجوم؛ «مرادنامه»؛ از آثار منثور او: «تذکره الوزراء»؛ «تاریخ مجدول».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :ارمغان (س ۶، ص ۵۵۲)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۳۰۵ –۳۰۳ /۱)، حدیقه الشعراء (۹۱۱ –۹۰۵ /۲)، الذریعه (۵۵۳/۹)، ریاض العارفین (۲۶۲ –۲۶۱)، ریحانه (۲۶۴/۳)، سفینه المحمود (۶۱۱ –۶۰۴ /۲)، فرهنگ سخنوران (۵۱۸ –۵۱۷)، مجمع الفصحا (۵۴۶/۵)، مکارم الآثار (۵۷۶ –۵۷۴ /۲)، مصطبه خراب (۱۰۱ –۱۰۰)، نگارستان دارا (۲۱۳).

شهاب ترشیزی، علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. ساکن هرات بود وی قصیده‌سرا و مداح محمد جوکی میرزا، پسر سلطان شاهرخ بود، با محمد جوکی به سفر قندهار رفت. با حمزه‌ی آذری مشاعره و مناظره داشت. ملازم سلطان محمد بایسنقر بوده، در علوم زمان خویش مهارت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۲۷۲ –۲۷۱ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۲۹۹ –۲۹۸)، تذکره‌ی روز روشن (۴۴۲)، تذکره الشعراء (۴۴۸ –۴۴۰)، دایرة‌المعارف فارسی (۱۵۱۰/۲)، الذریعه (۵۵۳ –۵۵۲ /۹)، ریحانه (۲۶۵ –۲۶۴ /۳)، فرهنگ سخنوران (۵۱۷)، لغت نامه (ذیل/ شهاب ترشیزی)، مجالس النفائس (۱۷).

شهاب خوانساری، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۴ ق)، شاعر، متخلص به شهاب. در قریه‌ی بابا سلطان از توابع خوانسار به دنیا آمد و در همان قریه دفن شد. از آثار وی: «درخوشاب، دیوان شهاب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۴۲/۶).

شهاب رازی، شهاب‌الدین علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اهل ری بود و از فضایل بهره‌ای تمام دارد. در شعر و معما آگاه بود و قصاید و غزل خوب بسیار داشت. از اشعار اوست:

از بسکه رفته‌ام بر دلدار خویشتن
شرمنده‌ام ز رفتن بسیار خویشتن

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تحفه‌ی سامی (۲۴۶)، الذریعه آتشکده‌ی آذر (۵۵۴/۹)، مخزن الغرائب (۹۶۷/۲).

شهاب ساوه‌یی، شهاب‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۲ ق)، شاعر. علم نجوم را خوب می‌دانست در معماگویی نیز توانایی داشت. در عهد همایونی از وطن به هندوستان رفت و در همان جا فوت کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۵۶ -۵۵۵ /۹)، صبح گلشن (۲۲۹)، فرهنگ سخنوران (۵۱۸).

شهاب سمرقندی، شهاب‌الدین احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر، متخلص به شهاب. از سلاطین خانیه‌ی ماوراءالنهر بود. در نسف به دنیا آمد. مداح ابوالمظفر رکن‌الدین قلج طمغاج خان مسعود بود که ممدوح شرف‌الدین حسام نیز بود. در نظم و بیان معانی و مضامین کمال تسلط را داشت. با سوزنی معاصر و او را هجو می‌گفت. دارای «دیوان» شعر است. ولی «دیوانش» مانند متقدمین در میان نیست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۷۷۴ -۷۶۹ /۲)، الذریعه (۵۵۶/۹)، لباب الالباب (۳۶۷ -۳۶۲ /۲)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، مجمع الفصحا (۸۱۷ -۸۱۴ /۲)، مخزن الغرائب (۷۷۱ -۷۶۷ /۲)، هفت اقلیم (۳۶۰ -۳۵۶ /۳).

شهاب غزالی خجندی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. وی در خجند متولد شد و مدتی نیز در مرو و بخارا به سر برد او را در سخن‌دانی شهاب ثاقب فلک هنر دانسته‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۵۷/۹)، لباب الالباب (۳۹۳ -۳۹۲ /۲)، هفت اقلیم (۴۵۹/۳).

شهاب غزنوی، شهاب‌الدین محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. در غزنین متولد شد و در همان سامان سکنی گزید. وی معاصر حکیم سنایی، سید حسن غزنوی، و مختاری و سید محمد ناصر علوی بود. در نظم و نثر مهارت داشت و مداح بهرام‌شاه و خسروشاه غزنوی و تربیت یافته‌ی آن سلاطین بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۵۷۴ -۵۷۲ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۱۸ -۶۱۵ /۲)، تذکره‌ی روز روشن (۴۴۳)، الذریعه (۵۵۵ -۳۵۵ /۹)، فرهنگ سخنوران (۵۱۹)، لباب الالباب (۱۰۵ -۱۰۲ /۱).

شهاب کرمانی، شهاب‌الدین محمود

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. اهل کرمان بود و از سلسله‌ی قضات آن شهر و در علم و تقوی بر همه برتری داشت. از اشعار اوست:

خداوندا بده توفیق مدح سرور غالب

امام و هادی مطلق علی ابن ابی‌طالب

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۴۳)، الذریعه (۵۵۶/۹)، مخزن الغرائب (۸۵۵/۲)، هفت اقلیم (۲۷۸ -۲۷۷ /۱).

شهاب مازندرانی، عمران

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۱۶ ق)، شاعر. اهل مازندران بود به هند مسافرت کرد در آنجا با نواب عبدالمطلب خان، داروغه‌ی داغ تصحیحه مصاحب شد و در اطراف اکبرآباد به دست راهزنان کشته شد. از اشعارش جز این یک بیت شعر از «رزم‌نامه» ذوالفقارالدوله چیزی موجود نیست.

نیم چون شما آرزومند بزم

من و اسب و شمشیر و میدان رزم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۴۴)، الذریعه (۵۵۶/۹).

شهاب مازندرانی، محمد طاهری

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۰ -۱۲۹۵ ش)، نویسنده و شاعر، متخلص به شهاب. در ساری متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر به پایان رساند و چندی نیز به تحصیل علوم قدیمی پرداخت. سپس به خدمت دولتی پرداخت و پس از مدتی از کار دولتی کناره‌گیری کرد و به امر زراعت مشغول شد. شهاب از پانزده سالگی شعر و شاعری را آغاز کرد و به سرودن شعر پرداخت و آثارش در جراید و مجلات به چاپ رسید. شهاب در سال ۱۳۲۹ ش امتیاز مجله‌ای به نام «فرایران» را گرفت. همچنین در سال ۱۳۲۲ ش با کمک عده‌ای از دوستانش انجمن ادبی ساری را تشکیل داد و خود ریاست آن را به عهده داشت. از آثار وی: «تاریخ کبود جامگان»؛ «دودمان علوی در مازندران»، ترجمه؛ «سخنان شهریار»؛ «کلید سعادت»؛ «گنجینه‌های تاریخی مازندران».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۲۰۵۹ -۲۰۵۵ /۳)، فرهنگ سخنوران (۵۱۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵۴۷ -۵۴۶ /۵).

شهاب مرندی، شهاب‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از جمله شاعران خوش طبع شهر مرند بود. از اشعار اوست:

تو را عاشق فراوان شد، من از غم ناتوان گشتم

تو عاشق دوست گشتی، من به کام دشمنان گشتم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۱۲۷ -۱۲۶)، تذکره‌ی روز روشن (۴۴۳)، دانشمندان آذربایجان (۲۱۰)، مخزن الغرائب (۱۰۴۰/۲).

شهاب هروی، شهاب‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۲ ق)، شاعر. وی با ظهیرالدین بابر به هندوستان رفت و نزد وی مقرب بود. در معماگویی دست داشته و غزل را نیکو می‌سروده است. از وی «دیوان» شعری باقی است و «منظومه‌ای» در معما.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۸۳)، تحفه‌ی سامی (۲۲۹ -۲۲۸)، تذکره‌ی روز روشن (۴۴۴)، الذریعه (۵۵۷ -۵۵۶ /۹)، مجالس النفائس (۱۵۶).

شهابی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، شاعر. وی در هند می‌زیسته و یک مثنوی در اخلاق به نام «عروه الوثقی» از وی باقی مانده که بر وزن «خسرو و شیرین» نظامی بوده و در سال ۷۵۹ ق به پایان رسانیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۶۹)، منظومه‌های فارسی (۳۵۱).

شهابی تربتی، عبدالسلام

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ عبدالسلام بن ملا علی‌اکبر تربتی خراسانی عالمی ادیب و فاضلی بارع و موصوف بتقوا و فضل بوده است.

والد ماجدش مرحوم حجه‌الاسلام ملا علی‌اکبر از علماء فضلاء بوده و در حدود سال ۱۳۲۰ قمری وفات نموده است. مترجم محترم ما نیز از رجال فضل و ادب و ادباء بزرگ و شعراء معروف و اهل کمال و بصیرت و روشنفکر خراسان بوده است.

آثار علمی و ادبی بنام (راز عشاق) ترجمه دعاء کمیل بن زیاد و (گنج نهفته یا راز نگفته) مثنوی دارد که بطبع رسیده است.

وی در سال ۱۳۷۲ قمری وفات نمود و از خود غیر از آثار ادبی و علمی دو فرزند فاضل و ادیب گذارد.

۱- جناب دکتر محمود شهابی استاد دانشگاه که در سال ۱۳۲۱ قمری متولد شده است.

۲- جناب استاد علی‌اکبر شهابی مؤلف (تاریخچه وقف) متولد سال ۱۳۲۷ قمری مدیر اسبق اداره اوقاف ایران.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

شهابی ترشیزی، اختیار

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی ظاهرا از هرات بوده و در مشهد و اطراف آن، رشد و نمود کرده است. در خدمت امرا به سر می‌برده و مدح آنان را می‌گفته و مدتی نیز در خدمت غلامحسین خان سپهدار گرجی به سر می‌برده است. شرح حال و اشعار شعرایی را که در مدح سپهدار سروده شده جمع‌آوری کرده و «حدیقه المدایح» نام داده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۶۱ -۴۵۹ /۱)، حدیقه الشعراء (۹۱۱/۲)، الذریعه (۵۵۷/۹)، فرهنگ سخنوران (۵۲۰)، مجمع الفصحا (۵۳۸ -۵۳۷ /۵).

شهابی خراسانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد، فقیه.

تولد: ۱۲۸۰(۱۳۲۱ ق.)، تربت حیدریه.

درگذشت: مرداد ۱۳۶۵، استراسبورگ فرانسه.

علامه محمود شهابی خراسانی (نام وی در سواد اجازت وی به این صورت به کار رفته است: میرزا محمود تربتی)، فرزند عبدالسلام، تحصیلات مقدماتی را در تربت حیدریه گذراند و پس از آن در مشهد نزد اساتید زمان، همانند حاج آقا حسین قمی، آقا میرزا محمد آقازاده خراسانی به آموختن علوم دینی پرداخت. همچنین در مشهد از محضر آیات عظام عبدالجواد ادیب نیشابوری (ادیب اول) در ادبیات فارسی و عربی، استفاده نمود. سپس در نوجوانی وارد حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان شد و به تکمیل علوم و معارف اسلامی همت گماشت. در حوزه اصفهان از درس اساتیدی همانند آیت‌الله محمدحسن فشارکی در فلسفه و عرفان بهره جست و بنا بر قولی نزد آقا بزرگ خراسانی به آموختن دانش رجال پرداخت. استاد شهابی چنانکه در اجازات وی آمده است در سن بیست و پنج سالگی به درجه اجتهاد رسید. وی دارای جواز اجتهاد و روایت از آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیت‌الله محمدحسن فشارکی بود.

پس از طی تحصیلات، به تدریس در مدرسه علمیه‌ی اصفهان پرداخت. از سال ۱۳۱۰ نیز در تهران به تدریس در مدرسه معقول و منقول پرداخت و پس از تأسیس دانشگاه در سال ۱۳۱۳ برای تدریس به دانشکده حقوق و علوم سیاسی دعوت شد که در آن دانشکده به تدریس قواعد و اصول فقه مشغول بود. مدتی نیز در شورای عالی فرهنگ عضویت داشت و چندی نیز قاضی تجدید نظر در محاکم شرع بود. پس از بازنشستگی به فرانسه رفت و در حوالی شهر استراسبورگ زندگی می‌کرد.

علامه محمود شهابی نزدیک به پنجاه سال در مراکز دانشگاهی به تعلیم و تربیت اشتغال داشت. از آثار اوست: ادوار فقه (سه جلد، ۱۳۶۲)؛ رساله بود و نبود (در فلسفه، ۱۳۳۲)؛ رهبر خرد (در منطق، ۱۳۱۳)؛ تقریرات اصول (در علم اصول، ۱۳۲۱)؛ قواعد فقه (۱۳۲۳)؛ الاسلام و الشیعه (الامامیه) فی اسها التاریخی و کیانها (الاعتقادی)؛ تعلیق و تحشیه بر بخش العقود و الایقاعات از قسمت متاجر کتاب شرایع الاسلام محقق حلی (۱۳۲۳)؛ ترجمه و تعلیق مبدأ و معاد ابوعلی سینا (۱۳۳۲)؛ عظمت محمد (ص) (محمد احمد جاد المولی ترجمه به امضای م. ش.، ۱۳۱۸)؛ رساله روان‌شناسی ابن سینا (۱۳۱۵)؛ قاعده لاضرر (۱۳۳۰)؛ فاروق یکم (۱۳۱۳)؛ تصحیح و تعلیق لباب الاشارات (۱۳۲۹) امام فخر رازی؛ منطق (۱۳۱۷)؛ رساله وضع الفاظ؛ التنبیهات و الاشارات ابن سینا (به انضام

لباب الاشارات فخر رازی، ۱۳۳۹). از جمله آثار وی که به چاپ نرسیده‌اند می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: الظل الممدوده فی امهات مباحث الوجود؛ مسرح الفؤاد فی ترجمهٔ السید الداماد (مقدمه این کتاب در سیر و تطور و چگونگی دانش فسلفه و ترجمه احوال میرداماد بوده است با خط خود استاد در کتاب گلزار معانی چاپ شده است)، اجراء الفلک فی تفسیر سورهٔ الملک (این تألیفات تماما به عربی است)؛ رساله بیم و امید (در شرح حدیث من سأل عن التوحید)؛ خرد سنج (این کتاب جزوه کوچکی است که در زمینه دانش منطق و به پارسی نگاشته شده است). برخی از آثارش در مجلات به چاپ رسیده‌اند. «ایمان» که مؤسس آن خود وی بوده نوشته است. این مجله نوزده شماره در سالهای ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۵ منتشر شد. استاد به سبب یک بیماری جانکاه درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شهابی شجاعی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته، ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ریاضی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۵۱، کارشناسی ارشد ریاضی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۵۴، کارشناسی ارشد ریاضی محض از دانشگاه واریک انگلستان در سال ۱۳۵۷، دکترای نظریه نمایش گروههای متناهی از دانشگاه منچستر در سال ۱۳۶۰.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده علوم دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

نظریه گروه‌ها، نظریه نمایش گروه‌ها، جبر خطی، نظریه بلوک‌ها، نظریه کاراکترها نظریه کدها، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

نظریه گالوا، نخستین درس در نظریه گروه‌ها.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

نظریه گروه‌های متناهی، نظریه نمایش گروه‌ها، نظریه بلوک‌ها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

شهابی شیرازی، اعظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۹ ش)، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به شهابی. تحصیلات خود را در شیراز به پایان رساند. وی از کارمندان وزارت کشور بود و مدتی نیز شهردار فیروزآباد فارس و بخشدار قیر و کارزین و جویم بود. وی در سال ۱۳۳۰ ش امتیاز روزنامه «شهاب اعظم» را گرفت و شش سال نشر داد و روزنامه‌ی وی که محتوای سیاسی- اجتماعی و ادبی داشت یکی از جراید مفید شیراز محسوب می‌شده است. از آثار وی: «دیوان» شعر؛ «شراره‌های بی‌اثر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۶۹ -۳۶۵ /۳).

شهابی قزوینی، عبداللّه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از سادات قزوین و از خاندان میرزا حبیب‌اللّه حسینی بود. برای تحصیل علم و کسب فضایل کوشش بسیار کرد،

لاجرم از حسن خط و انشا و معما کاملا بهره‌مند گردید. در فن سخن‌سرایی نیز گوی سبقت را از دیگران ربود. از اشعار اوست:

شراب عشق عجب شورشی به جان آورد

که هرچه در دل من بود بر زبان آورد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۸۹/۳)، تحفه‌ی سامی (۲۴۶)، الذریعه (۶۹۶، ۵۵۷ /۹)، فرهنگ سخنوران (۵۲۰)، مینودر (۴۷۶/۲).

شهابی هروی، حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، خطاط. صاحب «مناقب هنروران» وی را از خویشان و شاگردان خواجه محمود شهابی و هر دو را بخلی دانسته است، در حالی که خود به خط خویش، در یک نسخه‌ی «دیوان ترکی» نوایی خود را هروی خوانده است که به قلم کتابت خفی خوش نوشته شده: «باتمام رسید... در کتابخانه‌ی... حسین خان شاملو، العبد الاقل شاه حسین بن فخرالدین علی الشهابی الهروی... سنه‌ی هزار و چهارده» و معلوم می‌شود که وی خوشنویس دربار حسین خان شاملو، والی خراسان، بوده است. دیگر از آثار وی: یک نسخه «گلستان» سعدی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «کتبه... شاه حسین ابن فخرالدین علی الشهابی... سنه‌ی ۹۹۲» و یک نسخه «تحفه الاحرار» جامی که تاریخ ۹۹۲ دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۵۵ -۱۵۴ /۱)، مناقب هنروران (۷۹)، هنر عهد تیموریان (۶۲۶، ۵۰۴، ۴۳۶ -۴۳۵).

شهابی هروی، محمود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۸ ق)، خطاط و موسیقیدان و شاعر. معروف به شهابی. وی اهل قریه‌ی سیاوشان هرات بود. پدرش مدتی کلانتر هرات بود و هنگامی که امیر بخارا، هرات را فتح کرد، خواجه اسحاق را با خاندان به بخارا کوچ داد، که در این سفر محمود با میرعلی هروی آشنا شد و میرعلی او را به شاگردی پذیرفت. شهابی بعد از چندی به هرات بازگشت و مورد توجه شاه حسین هراتی قرار گرفت و به همین سبب به شهابی معروف شد. محمود، پس از مدتی به بلخ رفت و در آنجا ساکن شد، و شهرت و اهمیت فراوان یافت. او هم در کتابت و هم در قطعه‌نویسی دست داشت، و در اخذ و تقلید شیوه‌ی میرعلی، هیچ یک از شاگردان میر، به پایه‌ی خواجه محمد نرسیده‌اند وی در موسیقی و شعر نیز سررشته داشت و ارغنون را نیکو می‌نواخت. امیر خلیل قلندر هروی از شاگردان اوست. خواجه محمد در شهر بلخ وفات یافت. از آثار وی: یک نسخه «دیوان» هلالی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «تم الدیوان... علی ید العبد الفقیر محمود بن اسحاق الشهابی، فی سنه‌ی ۹۶۶»؛ یک نسخه «بوستان» سعدی، به قلم کتابت خوش، بار قم: «تمت الکتاب... علی ید... محمود بن اسحاق الشهابی،... بدارالسلطنه بلخ... فی شهور سنه ثمانین و تسعمائه ۹۸۰»؛ یک نسخه «نفحات الانس» جامی، به قلم کتابت عالی، با رقم: «محمود الشهابی» و تاریخ ۹۹۳. شش اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۸۰ -۸۷۶ /۳)، اطلس خط (۴۷۹)، پیدایش خط و خطاطان (۱۶۵ -۱۶۴)، تاریخ موسیقی (۳۱۸/۱)، تاریخ نظم و نثر (۴۷۶، ۴۶۴)، تاریخ هنرهای ملی (۸۸۳/۲)، تذکره الخطاطین (۱۹۳ -۱۸۵ /۱)، خوشنویسان و هنرمندان (۱۳۲، ۴۷، ۴۵)، عالم‌آرای عباسی (۱۷۰/۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۳۴)، گلستان هنر (۸۵ -۸۴)، مناقب هنروران (۷۹، ۷۸، ۷۷، ۷۶)، هنر عهد تیموریان (۷۴۹ -۷۴۸، ۶۹۰، ۶۵۱، ۵۹۱، ۵۰۱).

شهابی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم، مؤلف.

تولد: ۱۲۸۷.

درگذشت: پاییز ۱۳۶۷.

علی‌اکبر شهابی مدتی دبیر دبیرستان‌ها بود و سپس به دانشگاه منتقل شد و تدریس زبان عربی را عهده‌دار بود و به استادی دانشگاه رسید. چندی به ریاست اداره‌ی اوقاف منصوب شد. از تألیفات اوست: احوال و آثار محمد بن جریر طبری (۱۳۳۵)؛ اصول الصرف (دو جلد)؛ اصول النحو (۱۳۴۰)؛ ترجه‌ی تعبیر رؤیا (از ابن سینا، ۱۳۱۶)؛ نظامی شاعر داستانسرا (۱۳۳۷)؛ ماجرای تغییر خط (۱۳۳۸)؛ و چند رساله و کتاب دیگر از جمله رساله‌ای در تاریخچه‌ی اوقاف و رساله‌ای در روابط ایران و هند. وی همچنین مقاله‌هایی برای

روزنامه‌ها و مجلات و از جمله «وحید»، «کیهان» و «یغما» می‌نوشت.

(۱۳۶۷ –۱۲۸۷ ش)، استاد دانشگاه، نویسنده و محقق. در تربت حیدریه متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خویش و نزد پدر و برادر، علامه محمود شهابی، به انجام رساند. سپس برای ادامه تحصیلات به شهرهای مشهد، اصفهان و تهران سفر کرد تا اینکه از دانشکده‌ی الهیات دانشگاه تهران با احراز رتبه‌ی اول موفق به دریافت مدرک لیسانس در رشته‌ی منقول شد و از همان زمان خدمات فرهنگی خویش را آغاز نمود و به تدریس در دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران و دانشکده‌ی الهیات مشهد پرداخت. در خلال این مدت به کسب مدرک دکتری نایل آمد. وی مدتی نیز عهده‌دار سمتهای وابسته‌ی فرهنگی ایران در افغانستان و مدیر کل اوقاف کشور در سالهای پیش از کودتای ۲۸ مرداد بود. دکتر شهابی در شمار پژوهندگان و محققان معارف اسلامی بود. از آثار وی: «اصول النحو»، عربی؛ «اصول الصرف»، عربی؛ «اصول روانشناسی تربیتی»؛ تصحیح «رساله‌ی صناعیه» میرفندرسکی؛ «نظامی شاعر داستانسرا»؛ «روابط ادبی ایران و هند و تاثیر روابط ایران و هند در ادبیات صفویه»؛ «تاریخ وقف در اسلام»؛ «همبستگی تشیع و تصوف»؛ «شیعه شناسی»؛ ترجمه «تعبیر رویا»، بوعلی‌سینا.[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۵– ش ۹– ص ۵۰)، مؤلفین کتب چاپی (۵۲۴ –۵۲۲/ ۴)، نشر دانش (س ۱ ،(۱۳۶۷) ۹، ص ۱۰۳).

شهابی، محمود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود بن اسحاق سیاوشان خطاط ایرانی قرن دهم ه. (ف. بلخ حدو ۹۹۳ ه.ق.) وی از شاگردان میر علی هروی و استاد زبردست خط نستعلیق است. او سفرهایی به بخارا و سمرقند و بلخ کرده. از آثار ممتاز وی نسخه‌ای از دیوان هلالی در کتابخانه سلطنتی ایران (تهران) است مورخ به سال ۹۶۱ ه.ق. شهابی از شعر و موسیقی نیز بهره داشت و ارغنون را نیکو می‌نواخت.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

شهابی، هوشنگ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هوشنگ شهابی، نویسنده، شاعر، ترانه‌سرا، آهنگساز، کارگردان سینما و مترجم به سال ۱۳۰۵ در مشهد متولد شد.

وی که در خانواده‌ای هنرمند و اهل ادب متولد و پرورش یافته بود، در دوران فعالیت‌های هنری و مطبوعاتی خویش، بیش از یکصد ترانه و آهنگ ساخت که خوانندگانی نظیر: غلامحسین بنان، منوچهر همایون‌پور، بهرام سیر، دلکش، روحبخش، پوران، فرح و بسیاری از خوانندگان قدیمی آنها را اجرا کرده‌اند.

موسیقی بسیاری از متن فیلم‌های فارسی مثل: «چشمه آب حیات»، «مروارید سیاه»، «فردا روشن است» سناریو و کارگردانی «مردی در دام» را نوشته و به عهده داشته، ترجمه کتاب «اشک عطوفتی بر حماسه عقابان» نویسنده کورتر فراری، تألیف کتاب «در خواب سرخ عشق» درچهارصد صفحه به قطع رقعی، سه کتاب منظومه بلند و کتاب مجموعه اشعار و چندین نمایشنامه به نام «آن سوی آب‌ها»، «خسرو و شیرین» و حدود بیش از بیست نمایشنامه رادیویی که در رادیو قبلا به اجرا درآمده و «کتاب ابرمرد طوس» که درباره حکیم ابوالقاسم فردوسی شاعر بزرگ و حماسه‌سرای نامی ایران نوشته شده است، از آثار پرارزش وی می‌باشد.

از ترانه‌های مشهور وی از:«دریا»، «بچه چوپان»، «من و ماه»، «گلی جان»، «آهوی فراری»، «ریزش باران»، «یاد جوانی»، «ای جوانی من» و ده‌ها ترانه زیبای دیگر می‌توان نام برد.

در کتاب فرهنگ شاعران زبان پارسی، تألیف عبدالرحیم حقیقت (رفیع) درباره وی آمده:

«هوشنگ شهابی، فرزند محمدعلی از نوادگان شهابی ترشیزی، شاعر نامدار و اواخر قرن دهم هجری و از شاعران هنرمند معاصر است.

وی در سال ۱۳۰۵ خورشیدی در مشهد متولد شد، پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه به پیروی از پدر و هنرمند خود که از نوازندگان بنام «تار» بود به فن موسیقی و هنر، گرایش پیدا کرد، و از چهارده پانزده سالگی به سرودن شعر و ترانه و نوشتن داستان پرداخت.

از سال ۱۳۲۰ خورشیدی در مجله‌های: «خروش ایران»، «اطلاعات هفتگی»، «روشنفکر»، «سپید و سیاه» و «فردوسی» به نقدنویسی و داستان پردازی پرداخته. سال‌ها سردبیر رادیو تلویزیون ایران بوده و چند نمایشنامه و سناریو نیز نوشته و کارگردانی کرده است. برای چند تن از خوانندگان بنام مانند: بنان، دلکش، روح‌بخش، ویگن و منوچهر و غیره آهنگ و ترانه ساخته است.»

هوشنگ شهابی، در حال حاضر در تهران زندگی می‌کند و دوران بازنشستگی خویش را می‌گذراند ولی در همین ایام هم اوقات پرثمر و پربار خود را به مطالعه و تحقیق و خدمت به فرهنگ و هنر می‌پردازد.

در زیر دو نمونه شعر و ترانه ساخته شده توسط وی را که خواننده خوش‌صدا و هنرمند، بهرام سیر خوانده است، از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد:

«قطره اشک»

تا به لطف ساقی از رنج خمار افتاده‌ام
از نبود و بود هستی بر کنار افتاده‌ام
کس نمی‌جوید نشان من به باغ سبز یاد
آن گل پژمرده‌ام کز شاخسار افتاده‌ام
باغبان چون از سرم دست نوازش دور داشت
در بهار زندگی از برگ و بار افتاده‌ام
بی‌توقع همچو ابرم در مقام دوستی
سایه ابرم که بر هر کوهسار افتاده‌ام
آن سکوت خسته‌ام در وحشت تاریک مرگ
هاله شمعم که بر سنگ مزار افتاده‌ام
در مقام سرنوشتم چاره جز تسلیم نیست
برگ زردم در مسیر جویبار افتاده‌ام
تا که دورم کرد از دامان خود آسوده شد
قطره‌ای اشکم که از چشم نگار افتاده‌ام

«دریا»

دریا بی‌انتهاست- ساحلش ناپیداست
قایقران می‌رود- امیدش بر خداست
گه به سوی بالا- به آسمانها- نظر نماید
از جفای دنیا- جهان بالا- خبر نماید
او سبک چو مرغان- میان طوفان- سفر نماید
دریای آرزو- کی دارد- انتها
ناامیدم از جان- ساحل‌ها- ناپیدا
در قلب من طوفان- چشمم چون ابر گریان
ره می‌سپارم من- در غوغای طوفان
گه به سوی بالا- به آسمان‌ها- نظر نماید
از جفای دنیا- جهان بالا- خبر نماید
او سبک چو مرغان- میان طوفان- سفر نماید

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

شهبازی مقدم، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فیزیک از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۲، کارشناسی ارشد فیزیک از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴، کارشناسی ارشد الکترونیک فیزیک دانشگاه سوربن پاریس در سال ۱۳۵۰، دکترای الکترونیک حالت جامد از دانشگاه سوربن پاریس در سال ۱۳۵۳.

مرتبه علمی:

مربی دانشگاه سوربن از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۵۳، استادیار مدرسه علوم و فنون هسته‌ای تهران از سال ۱۳۵۳ تا سال ۱۳۵۸، استادیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۳، دانشیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۳.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طراحی و ساخت یک آشکار ساز حالت جامد، مطالعه آلودگی آبهای شمال، طراحی یک ادیومتر حساس برای بیماران Tinitus، طراحی یک سیستم میکرومتر، برای مطالعه روش رویه‌گذاری، ساخت ساعت و قلم گویا، تدریس دروس الکترونیک، آشکارسازی ذرات هسته‌ای، الکترونیک ابزاری، بیومکانیک، آشکارسازها و دستگاههای وابسته، الکترونیک غیر خطی، الکترونیک مداری، الکترونیک صنعتی، رادیو الکترویسته، موتورهای الکتریکی، فیزیک عمومی، کاشان، اراک، استاد راهنمای ۱۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

ابداع:

ساعت قلم گویا، یک دستگاه میکرومتریک الکترونیک با دقت یک میکرون.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

ترانزیستور، فیزیک هسته‌ای، اتم و هسته آن، الکترونیک و الکترونیک غیر خطی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:–، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۹

زمینه علمی مقالات:

اثر دو قطبی‌های الکتریکی روی تشدید چهار قطبی هسته‌ای، تشدید چهار قطبی هسته‌ای و کاربرد آن، روشی برای اندازه‌گیری ترمیتیوم آبهای ایران، شمارش اتوماتیک اشعه گاما، طراحی یک دستگاه واسط برای تلفیق آشکارساز با دستگاه مولتی کانال، طراحی یک مدار واسط با استفاده از برنامه سخت‌افزار برای استفاده ماشین حساب جیبی به منظور محاسبه بعضی از پارامترهای فیزیک بطور اتوماتیک.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

شهده، زینب

قرن:۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(۵۷۴ –۴۸۵/۴۸۲ ق)، فقیه، محدث و خطاط. ملقب به فخرالنساء بانویی عالم و هنرمند از ابیورد خراسان و همسر ثقهٔالدوله ابن انباری، از خاصان دربار المقتفی عباسی بود که در بغداد متولد شد و در فصاحت بیان مقامی بلند داشت. وی از محدثان زیادی مانند ابوالخطاب نصر بن احمد بطروانی ابوعبداللّٰه حسین بن احمد طلحه نعالی و طراد بن محمد زینبی و فخرالاسلام ابوبکر محمد بن شاشی سماع حدیث کرد و همچنین کسانی مانند ابن‌جوزی و علی بن هبهاللّٰه شافعی و عبداللّٰه بن عمر ابن ابی‌بکر مقدسی و عبدالرحمان بن عبدالوهاب حنبلی از او روایت و سماع حدیث کردند. او را جزو استادن خطوط سبعه، بخصوص ثلث و نسخ نیز آورده‌اند. زینب شهده قطعات و مرقعات نیکو می‌نگاشته و در بغداد چشم از جهان فروبسته است. اینکه وی را استاد یاقوت مستعصمی دانسته‌اند، به هیچ وجه روا نیست. شهده را به جهت حسن خط و انشاء شهده الکاتبه نیز گفته‌اند. او از صوتی زیبا نیز برخوردار بود.[۱]

۱۳ محرم ۵۷۴ ق، زینب دختر احمد بن فرج بن عمر ابری دینوری (یا ابیوردی خراسانی) ملقب به فخرالنساء از زنان دانشمند. وی در بغداد متولد شد و از محدثان بزرگی مانند ابوالخطاب نصر بن احمد بطروانی، ابوعبداللّٰه حسین بن احمد طلحه نعالی، طلحهٔ بن محمد زینبی، ابوالحسن علی بن حسین بن ایوب، ابوالحسین احمد بن عبدالقادر بن یوسف، فخرالاسلام ابوبکر محمد بن شاشی، طراد بن محمد زینبی و ثابت بن بندار روایت و سماع حدیث کرد. همچنین کسانی مانند ابن جوزی، علی بن هبهٔاللّٰه شافعی، عبداللّٰه بن عمر بن ابی‌بکر مقدسی، حسن بن عمر بن نصر، عبدالرحمن بن عبدالوهاب حنبلی و... از او روایت و سماع حدیث کردند.

علاوه بر این وی دارای فضایل و کمالات گوناگون بود. حلاوت بیان و فصاحت لسان داشت و بدیهه‌گو بود و قطعات و مرقعات را نیز نیکو می‌نوشت. برخی او را استاد خط یاقوت مستعصمی دانسته‌اند که با توجه به تاریخ وفات یاقوت (۶۹۷ –۶۷۷ ق)، این قول درست به نظر نمی‌رسد. وی در هشتاد سالگی درگذشت.[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۲۷/۴)، الاعلام (۲۵۹/۳)، پیدایش خط و خطاطان (۱۱۰)، تاریخ مشاهیر کرد (۴۹ –۴۸ /۱)، خوشنویسان و هنرمندان (۲۳ –۲۲)، ریحانه (۲۷۰/۳)، لغت نامه (ذیل/ شهده الکاتبه)، مشاهیر زنان (۱۳۷)، وفیات الاعیان (۲/ ۴۷۷– ۴۷۸).

[۲] منابع: احوال و آثار خوشنویسان، ۱۲۲۷؛ اعلام‌النساء، ۳۱۲ –۳۰۹ /۲؛ پیدایش خط و خطاطان، ۱۵۸؛ تاریخ مشاهیر کرد، ۴۹ –۴۸ /۱؛ قاموس الاعلام، ۲۸۸۷ /۱۴۲.

شهدی قزوینی، زمان

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. اهل قزوین بود و به شغل قنادی اشتغال داشت. گاهی شعر می‌سروده است. از اوست:

دانی که چیست بر سر کویش اقامتم

زاهد زپا فتاده‌ی آن سرو قامتم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :سفینه المحمود (۴۸۸/۲)، فرهنگ سخنوران (۵۲۱)، مصطبه‌ی خراب (۱۰۱).

شهدی لنگرودی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۰۹، لنگرود.

درگذشت: ۲۴ دی ۱۳۷۱، مشهد.

محمد شهدی لنگرودی، فرزند محمدحسین معروف به شیخ قناد، پس از اتمام تحصیلاتش در دبیرستان علوی به دبیری و تعلیم و تربیت دانش‌آموزان روی آورد و از همان زمان همکاری خود را با رادیو و تلویزیون مرکز رشت آغاز کرد.

نخستین مجموعه‌ی شعر خود را به نام شباهنگ و با مقدمه‌ی سید عبدالکریم امیری فیروزکوهی در سال ۱۳۳۸ به چاپ رساند.

در انواع شعر کار کرد تا در غزل‌سرایی مهارت یافت و سبکی را اتخاذ کرد که بین سبک هندی و عراقی است که در حقیقت نه هندی است نه عراقی. سروده‌هایش در اغلب مجلات پایتخت و روزنامه‌های محلی به چاپ رسیده است.

شهدی لنگرودی در سال ۱۳۷۱ درگذشت، آرامگاه وی در لنگرود قرار دارد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شهر آشوب اصفهانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۱ -۱۲۹۹ ش)، شاعر و نویسنده. پدرش اهل فضل و دانش بود و مادرش از افشار نادری که در کودکی شهر آشوب از دنیا رفت. وی در اصفهان متولد شد و در آذربایجان پرورش یافت و علاوه بر تحصیل علوم جدید به تحصیل علوم قدیم نیز پرداخت. شغلش معلمی و با مطبوعات نیز در ارتباط بود. طبع شعری داشت. از اوست:

طایر اندیشه پرپر می‌زند

اندک اندک می‌گشاید بالها

بر فراز قبر امید بشر

بر سر خاکستر آمالها

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۲۰۸۱/۳)، فرهنگ سخنوران (۵۲۱).

شهر بابکی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی شهر بابکی که از علماء و مدرسین نجف و از شاگردان و اصحاب مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی شاهرودی بودند و جناب مستطاب حجهٔالاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد حسینی شاهرودی از شاگردان وی می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شهران، جمال

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۹ ش)، نویسنده و شاعر. در تهران چشم به جهان گشود. و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان برد و برای ادامه تحصیل در رشته ادبیات فارسی وارد دانشکده‌ی ادبیات شد، از کودکی به شعر و شاعری علاقه داشت. اولین مجموعه او که منجر به اخذ جایز و تشویق وی شد «دو امیرزاده» نام داشت، در نویسندگی نیز دستی داشت و چندی سردبیری روزنامه‌ی «دموکرات» را به عهده داشت و مجله‌ی «برای مردم» را نیز خود به چاپ رسانید. از آثار او: «فرانواز»، «سقاخونه»؛ «در جستجوی زندگی»؛ «مجموعه داستانها»؛ تصحیح «دیوان» انوری؛ «بارگاه خیال» و مجموعه شعر «رقص بر ساحل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی و معاصر (۲۰۹۵ -۲۰۹۰ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۳۸۷ -۳۸۶ /۲).

شهرآرایی، مهرناز

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

مهرناز شهر آرایی متولد ۱۳۲۴ است. ایشان دارای مدرک دکتری رشته تعلیم و تربیت و روان‌شناسی رشد، از دانشگاه کالیفرنیا، لوس‌آنجلس در سال ۱۳۵۶ است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی گروه روانشناسی دانشگاه تربیت معلم تهران می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : روان شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی مهرناز شهر آرایی به قرار زیر است: کارشناسی روان شناسی، دانشگاه کالیفرنیا در لوس آنجلس ۱۳۵۱ کارشناسی ارشد روان شناسی ، دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در لوس آنجلس ۱۳۵۳ دکتری تعلیم و تربیت و روان‌شناسی رشد، دانشگاه کالیفرنیا، لوس‌آنجلس ۱۳۵۶، تحصیلات تکمیلی پاسیفیکا (Pacifica Graduate Institute در کالیفرنیا) همسر و فرزندان : مهرناز شهر آرایی متاهل و دارای همسر بنام رضامدنی‌پور(دکترای مدیریت بازرگانی و اداری، مشاور مدیریت و سازمان) و دو فرزند بنامهای: شهرزاد، دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی؛شهریار، دانشجوی مهندسی الکترونیک و کامپیوتر دانشگاه ایرواین، کالیفرنیا است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مهرناز شهر آرایی عضو هیات علمی گروه روان شناسی دانشگاه تربیت معلم (تهران) است. از دیگر مشاغل وی می توان به مدیریت گروه روان‌شناسی دانشگاه تربیت معلم و مشاور روانشناسی اشاره کرد.فعالیتهای آموزشی : مهرناز شهر آرایی از سال ۱۳۵۷ تا کنون در دانشگاههای دانشگاه شیراز، دانشگاه شهید بهشتی ، دانشگاه‌تربیت مدرس و تربیت معلم به امر تدریس(دورهای کارشناسی ، کارشناسی ارشد، دکتری) مشغول می باشد. چگونگی عرضه آثار : تعدادی از آخرین مقالات مهرناز شهر آرایی به قرار زیر است: ۱. «ترغیب وآموزش خلاقیت درسازمانهای پویا» دانش مدیریت.دانشگاه تهران.شماره۳۷و۳۸ تابستان و پاییز ۱۳۷۶.(با همکاری دکتر رضا مدنی پور) ۲. « فشار روانی در سازمان » مجله علمی پژوهشی اقتصاد و مدیریت. تابستان و پاییز ۱۳۷۷. شماره ۳۷و۳۸.(باهمکاری دکتر رضا مدنی پور) . ۳. « رابطه بین تکلم خصوصی وخلاقیت کودکان پیش دبستانی » با همکاری نوشاد قاسمی، پژوهشهای روان شناختی. زمستان۱۳۷۷دوره ۵،شماره ۱و۲. ۴. « آموزش و پرورش مطلوب در آستانه سده بیست و یکم » پژوهشهای تربیتی. فصلنامه علمی ، پژوهشی موسسه تحقیقات تربیتی دانشگاه تربیت معلم .جلد چهارم .شماره ۳و۴ ، پاییز و زمستان ۱۳۷۵(تاریخ انتشار ۱۳۷۸) ۵. « ارتباط مکان کنترل مادر و فرزند با پیشرفت تحصیلی فرزند» مجله روان ـ شناسی وعلوم تربیتی، دانشگاه تهران سال چهارم . شماره۲ ، تابستان ۱۳۷۸ (با همکاری خانم گلرخ‌شلویری) پژوهش شایسته سال ۱۳۷۸ وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی . ۶. «رویکردهای چند وجهی: راه حلی برای مشکلات پژوهش در خلاقیت » فصلنامه علمی. پژوهشی موسسه تحقیقات تربیتی دانشگاه تربیت معلم. شماره ۳و۴ سال ۱۳۷۹ آثار : اصول و مبانی رشد ویژگی اثر : انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان . چاپ اول ، ۱۳۶۰، چاپ دوم ، ۱۳۶۳۲ ترجمه فصل رشد ویژگی اثر : محمد نقی براهنی. تهران ، انتشارات رشد۳ چشم اندازهایی در روانشناسی ویژگی اثر : ویدلی، الیسون، برچ، ان و مالیم، تونی. انتشارات مروارید۴ راهنمای انتخاب اسباب بازی ویژگی اثر : انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۵ رشد در دوران قبل از تولد ویژگی اثر : انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. چاپ اول ،۱۳۶۱، چاپ دوم ، ۱۳۶۳۶ رشد کودک از تولد تا دوازده سالگی ویژگی اثر : انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ، چاپ اول ، ۱۳۶۶۷ رشدجنسیت ویژگی اثر : گلمبروک، اس. و فیوش، آر. انتشارات ققنوس. ترجمه سال ۱۳۷۸۸ روان شناسی یادگیری کودک و نوجوان ویژگی اثر : انتشارات رشد ، چاپ اول، ۱۳۶۹؛ چاپ دوم، ۱۳۷۲.زمینه روانشناسی ، اتکینسون ، ریتا و همکاران . (۱۳۷۸) . جلد اول ، ویراستاردکتر براهنی

شهرت شیرازی، حکیم‌الممالک حسن، حسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۴۹ ق)، طبیب و شاعر، متخلص به شهرت. ملقب به حکیم‌الممالک. از اعراب بود در شیراز نشو و نما یافت در علم طب استاد بود به هندوستان رفت، در آنجا به منصب عظیم سرافراز شد و در همان جا نیز درگذشت. از اشعار اوست:

مرا زلفت ز دام آزاد خواهد کرد می‌دانم

ولی بعد از رهایی یاد خواهد کرد می‌دانم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای کشمیر (۶۰۸، ۱۸۵ -۱۸۲ /۵)، حدیقه الشعراء (۹۱۵/۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۷۲ - ۳۶۹ /۳)، الذریعه (۵۵۸/۹)، سرو آزاد (۲۰۳ -۲۰۱)، سفینه المحمود (۵۵۶/۲)، فرهنگ سخنوران (۵۲۱)، کاروان هند (۶۶۱ -۶۶۰ /۱)، مجمع الفصحا (۵۴۰/۵)، مخزن الغرائب (۱۰۳۸ -۱۰۳۴ /۲)، مرآت الفصاحه (۳۳۱ -۳۳۰)، مصطبه‌ی خراب (۱۰۶)، نتایج الافکار (۳۹۴ -۳۹۳)، نشتر عشق (۸۲۹ -۸۲۸ /۳).

شهرت کازرونی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۹/۱۲۹۰ ق)، شاعر، متخلص به شهرت. اهل کازرون بود. به شیراز رفت با عبداللّه طبری منشی باشی رابطه پیدا کرد و اشعارش مورد پسند وی قرا گرفت و به تربیتش پرداخت. و شهرت را به سرودن مدایح باری حسام‌السلطنه حاجی سلطان مراد

میرزای قاجار ترغیب کرد و خود مصحح و راوی اشعارش شد و چندین فقره صله و انعام برایش گرفت. شهرت اشعارش را در مجموعه‌ای به اسم «مدایح حسامیه» جمع‌آوری کرد. گوینـد شهرت، مداح ناصرالدین‌شاه قاجار بود و با میرزای جعفر حقایق نگار خورموجی و نیز با صحب «تذکره‌ی مرآت الفصاحه» مودت داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۹۲۱ -۹۱۵ /۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۷۴ -۳۷۲ /۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۴۴۶/۲)، مرآت الفصاحه (۳۳۳ -۳۳۱).

شهرستانی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج آقا نجفی شهرستانی بن السید الجلیل السید محمد بن المرحوم میرزا مهدی بن المرحوم میرزا صالح بن العالم الکامل السید محمدحسین بن العلامه الکبری میرزا محمد مهدی موسوی شهرستانی حایری از علماء مبرز و بنام معاصر تهران است که در ششم جمادی الاول سنه ۱۳۲۹ ق در نجف اشرف متولد و در دو سالگی در خدمت والدش به مشهد رضوی مشرف و بعد به طهران آمده و دوران مدارس ابتدائی را در ایران خوانده و در سال ۱۳۴۴ ق به نجف اشرف مشرف و شروع بتحصیل و مقدمات علوم قدیمه نموده و در اواسط سال ۱۳۴۹ ق به قم مشرف و مدت دو سال در قم اشتغال بتحصیل داشته و از درس و محضر آیت‌اللّٰه العظمی مرعشی نجفی و مرحوم حاج میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ علی اصغر صالحی کرمانی استفاده نموده آنگاه به نجف مراجعت و بعد از تکمیل سطوح از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدحسین کمپانی بهره‌مند گردیده و بعد از فوت مرحوم کمپانی بدرس مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌اللّٰه العظمی خوئی مد ظله حاضر شده و از خرمن علمشان خوشه‌ها چیده و بهره‌ها برده تا در سال ۱۳۶۷ ق بقصد مشهد مقدس به قم آمده و مورد لطف و عنایت اللّٰه العظمی بروجردی گردیده و بامر معظم له بلرستان عزیمت و مدت شش سال در خرم‌آباد و الیشتر به ترویج پرداخته و در سال ۱۳۷۳ ق بنابر دعوت جمعی از مردم تهران و شمیرانات بتجریش آمده و بعد از چندی اقامت در آنجا به تهران رحل سکونت افکنده در خیابان روحی شهباز و در مسجد آشتیانیهای مرکز واقع در خیابان آشتیان به اقامه جماعت و ترویجات دینی و نشر احکام و سایر وظائف روحی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: آقای شهرستانی عالمی فعال و جدی در امور و بسیار ظریف و خوش محاوره و خوش مجلس و روشن فکر و بصیر باوضاع و سخنوری ماهر و چندین سال بعنوان سرپرست حجاج ایرانی به مکه معظمه مشرف گردیده و این وظیفه را بخوبی انجام داده است.

وی در مطایبات مهارت کاملی و در مجلسی که شرکت داشته باشد آن مجلس رونق و صفا و ضیاء دیگری دارد. خاطرات شیرین و نوادر آموزنده و ارزنده‌ای دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شهرستانی حایری، ضیاءالدین محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۱۵ -۱۲۵۶ ق)، محقق، فقیه، حکیم، ادیب و شاعر امامی. میر قوام‌الدین معروف به میر بزرگ مدفون در آمل از سادات مرعشی مازندرانی نیای بزرگ وی است. او در کرمانشاه متولد شد. نسبش به امام سجاد (ع) می‌رسد. او از شاگردان شیخ محمدحسین اردکانی در فقه و اصول بود و به دریافت اجازه از از وی نایل گشت. هئیت و نجوم را از میرزا باقر یزدی و حساب و هندسه و عروض را از میرزا علام هروی حائری فراگرفت. در ۱۳۰۵ ق به زیارت مشهد رضوی رفت و چون به تهران آمد مورد استقبال عموم واقع شد و تدریس در مدرسه‌ی صدر قزوینی به وی تفویض گشت، اما او به کربلاـ بازگشت و در آنجا مرجعیت جمعی از شیعیان را بر عهده گرفت. شهرستانی در کربلا درگذشت و در رواق حسینی نزدیک دیوار شهداء دفن شد. از دوازده سالگی شروع به تالیف نمود، و حدود هشتاد اثر از خود به جای گذاشت که از آن جمله‌اند: «الاستصحاب»؛ «اصول الاصول» در تلخیص «الفصول»؛ «غایه المسول و نهایه المامول»، در علم اصول؛ «العنصر المتین»، که حاشیه «قوانین الاصول» است؛ «تحقیق الادله»، در اصول فقه؛ «الحجه البالغه و النعمه السابقه»؛ در اثبات حضرت حجت (عج)؛ «جنه النعمی»، در امامت؛ «تاریخ شهرستانی»؛ «تذکره النفس»؛ «تسهیل المشاکل»، در نحو؛ «تقویم الکواکب»؛ «الکوکب الدری»، در معرفت تقویم؛ «مواقع النجوم»، در هئیت؛ «اللباب فی الاسطرلاب»؛ «زوائد الفوائد»، در متفرقات؛ منظومه‌ی «تهذیب المنطق» به نام «مهذب التهذیب»؛ «لباب الاجتهاد»؛ «لب اللباب» لب «خلاصه الحساب» شیخ‌بهایی؛ منظومه «خوان نعمت»، در بیان نعمتهای الهی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۸/۶)، اعیان الشیعه (۲۳۲/۹)، الذریعه (۲۹۰، ۲۷۴/۱۸، ۲۳۶/۱۴، ۱۳۸/۱۲، ۲۶۴/۸، ۲۷۵/۷، ۲۵۸/۶، ۴۴۱، ۳۷۶، ۱۸۳، ۱۷۱/۴، ۱۹۱/۲۵، ۲۹۳/۲۳، ۲۲، ۱۱/۱۶، ۱۶۱/۵، ۴۸۱/۳، ۱۶۸، ۱۹/۲، ۴۶/۱)، ریحانه (۲۷۳ -۲۷۲ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۳۱ -۶۲۷ /۱۴)، الکنی و الالقاب (۳۷۶/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۷۱ -۸۷۰ /۲)، معجم المؤلفین (۲۵۷/۹)، مکارم

الآثار (۱۵۳۸ -۱۵۳۶ /۵)، هدیه العارفین (۳۹۷ -۳۹۶ /۲).

شهرستانی، ابوالفتح محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۴۸ -۴۷۹/۴۶۷ ق)، فقیه، فیلسوف و متکلم اشعری. در شارستان (شهرستان) خراسان، بین نیشابور و خوارزم به دنیا آمد. او عالمی نیکو صفات بود. اما تایید مذهب فلاسفه و اتهام به گرایش به اسماعیلیه او را از درجه امامت و پیشوایی ساقط کرد. مدتی در خوارزم ساکن بود، سپس به خراسان منتقل شد. در نیشابور نزد احمد خوافی و ابونصر قشیری فقه آموخت و در نزد ابوالقاسم انصاری علم کلام را فراگرفت. او در نیشابور از علی بن مدینی و ابوالحسین بن اخرم حدیث شنید. در ۵۱۰ ق وارد بغداد شد و سه سال در آنجا اقامت گزید و به تدریس مشغول شد و درس و مجلس وعظش در نظامیه‌ی بغداد مورد توجه و رغبت عامه واقع شد. از شاگردان بنام او ابوسعد عبدالکریم سمعانی است. شهرستانی در شهرستان خراسان درگذشت. از آثارش: «نهایه الاقدام فی علم الکلام»؛ «الملل و النحل»؛ «المناهج و البینات»؛ «کتاب المضارعه»؛ «تلخیص الاقسام لمذاهب الانام»؛ «الارشاد الی عقاید العباد»؛ «مصارعات الفلاسفه»؛ «تاریخ الحکماء»؛ «المبداء و المعاد»؛ تفسیر فلسفی «سوره‌ی یوسف»؛ «غایه المراد»؛ «دقائق الاوهام».[۱]

(شهرستان) ابوالفتح محمد بن ابوالقاسم عبدالکریم فقیه و متکلم و عالم ادیان از دانشمندان اشعری (و. شهرستان ۴۷۹- ف. ۵۴۸ ه.ق.)، از شهرستان خراسان. وی نزد ابوالمظفر خوافی قاضی طوس و ابونصر قشیری و ابوالقاسم سلمان بن ناصر انصاری و ابوالحسن علی بن احمد مدینی علم آموخت، و در بحث و مناظره و وعظ و تذکیر از مشاهیر عهد گردید. مدتی در خوارزم به سر برد و سه سال در بغداد زیست، و پس از بازگشت از بغداد باقی عمر را در خراسان گذرانید، و مدتی ملازم مجدالدین ابوالقاسم علی نقیب سادات ترمذ بود و دو کتاب خود الملل و النحل (ه.م.) والمصارعه (ه.م.) را به نام او تألیف کرد، و سپس به خدمت سلطان سنجر پیوست، و آنگاه به مولد خود شهرستان رفت و همانجا بود تا درگذشت. دیگر از آثار او نهایهٔالاقدام (ه.م.) است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۸۴ -۸۳ /۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۹۷ -۲۹۶، ۲۸۶ -۲۸۵، ۲۷۰ -۲۶۹ /۲)، تاریخ علم کلام در ایران (۲۶۶ -۲۴۶)، روضات الجنات (۲۸ -۲۴ /۸)، ریحانه (۲۷۲/۳)، سیر النبلاء (۲۸۸ -۲۸۶ /۲۰)، الکنی و الالقاب (۳۷۴/۲)، لسان المیزان (۳۰۶ -۳۰۴ /۶)، لغت نامه (ذیل/ شهرستانی)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۰ -۵۶۸ /۵)، مدارس نظامیه (۱۷۳، ۱۰۵)، معجم المؤلفین (۱۸۷/۱۰)، معجم البلدان (۴۲۸ -۴۲۷ /۳)، الملل و النحل (مقدمه)، الوافی بالوفیات (۲۷۹ -۲۷۸ /۳)، وفیات الاعیان (۲۷۵ - ۲۷۳ /۴)، هدیه الاحباب (۱۶۵ -۱۶۴).

شهرستانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۳۲۴ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. وی در نجف به دنیا آمد، و در همان شهر نشو و نما یافت. پدرش، سید علی‌اصغر، از علمای بزرگ نجف و از مشاهیر دانشمندان عراق و سلسله‌ی شهرستانی بود. پس از گذراندن دوران سطوح از محضر آیت‌اللّه شیخ ابوالحسین مشکینی و آیت‌اللّه نایینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه شیخ محمدحسن اصفهانی و آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود تا به مدارج کمال رسید. وی از همه اساتیدش دارای اجازه اجتهاد بود. وی سالهای متمادی در مدرسه‌ی فیروزآبادی تهران به تدریس فقه و اصول اشتغال داشت و در مسجد سنگی مولوی اقامه جماعت می‌نموده است. از آثار وی: «تقریرات» درس استادش مشکینی؛ شرح «وقت و قبله لمعه»؛ «تضویح الکفایه»، در شرح «کفایه الاصول»؛ رساله «الصراط الاقوم لبطلان الصلوه فی الخیط من الابریسم»؛ رساله‌ای در «عدم مشروعیت جمعه و عیدین در غیبت کبری».[۱]

حاج سید احمد شهرستانی ابن العالم الجلیل آیت‌اللّه حاج سید علی اصغر شهرستانی از علماء ابرار و دانشمندان اخیار و پرهیزکار معاصر تهرانست.

وی در ۱۹ ذیقعده‌الحرام ۱۳۲۴ قمری در نجف اشرف متولد شده و در مهد علم و تقوی پرورش یافته و پس از دوران سطوح از محضر مرحوم آیت‌اللّه مشکینی و آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین اصفهانی و آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نموده تا بمدارج علم و کمال رسیده و از نامبردگان در سال ۱۳۵۰ مفتخر به دریافت اجازه اجتهاد گردیده و موفق بجمله‌ای از تحریرات و تألیفاتی که ذیلاً می‌نگارم گردیده است و آنها از این قرار است:

۱- شرح وقت و قبله لمعه که در سال ۱۳۴۶ قمری فارغ شده ۲- توضیح الکفایه شرح بر کفایه الاصول ۳- رساله الصراط الاقوم لبطلان الصلوه فی الخیط من الابریسم در سال ۱۳۵۲ قمری فراغت یافته ۴- رساله در عدم مشروعیت جمعه و عیدین در غیبت کبری در سال ۱۳۵۴ اتمام یافته است.

نگارنده گوید مترجم گرامی ما آقای شهرستانی از علماء با تقوا و فضیلت و دارای مکارم اخلاق و محامد آداب است و سالهای متمادیست که در مدرسه فیروزآبادی در خیابان سیروس بتدریس فقه و اصول اشتغال دارند و در مسجد سنگی واقع در خیابان مولوی اقامه جماعت نموده و بنشر معارف اسلامی و وظائف روحی و دینی موفق می‌باشند و بیت جلیل معظم له از بیوتات اصیله روحانیت و سر سلسله آنها مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا شهرستانی بزرگ بوده که بر جنازه مرحوم آیت‌اللّه علامه بحرالعلوم نماز

خوانده و در سال ۱۲۱۶ وفات و ترجمه‌اش در اغلب کتب رجالی موجود و اعلام این طایفه ذکرشان در کتب تراجم منتشر و از آنها مرحوم والد ماجدش حجهٔالاسلام والمسلمین علم الاعلام آیت‌اللّه حاج سید علی اصغر شهرستانی از علماء بزرگ نجف و مشاهیر دانشمندان عراق و سلسله شهرستانی بوده و ترجمه‌اش در اعیان الشیعه آیت‌اللّه حاج سید محسن امین و اعلام‌الشیعه آیت‌اللّه آقا بزرگ تهرانی و سایر کتب مسطور است.

فرزند آن بزرگوار جناب حجهٔالاسلام آقای حاج سید احمد شهرستانی از افاضل این دودمانست که سالها در قم از محضر آیات کسب فیض و علم و کمال نموده و اکنون به انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۲/۱۵، ۱۷۰/۱۴، ۴۹۴/۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۷۲/۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۹۸ -۴۹۶ /۴).

شهرستانی، زین‌العابدین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. برادر کوچک میرزا علاءالدین محمد فایز، دخترزاده شاه عباس اول بود. از اقران مولف «تذکره‌ی نصرآبادی» بود. در تاریخ نظم و نثر تحت عنوان زین‌العابدین صفوی آمده است. از اشعار اوست:

اسیر بند غمم خان و مان نمی‌دانم

مجاور قفسم آشیان نمی‌دانم

تو می‌کشی و خیال تو زنده می‌دارد

تفاوتی به جز این در میان نمی‌دانم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۹۸)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۳)، دانشمندان آذربایجان (۱۷۱)، الذریعه (۴۱۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۲۰).

شهرستانی، صدر، مهدی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. نسب وی از جانب پدر به سید حسین مجتهد کرکی و از جانب مادر به شیخ لطف‌اللّه میسی می‌رسد. وی بعد از مرگ پدر به جای او به منصب صدارت رسید و بعد از عزل عالیجاه محمد خان به وزارت منصوب شد. تاریخ وفات او در «صبح گلشن» ۱۰۴۳ ق و در «تذکره‌ی نصرآبادی» ۱۰۸۱ ق آورده شده است که صاحب «الذریعه» تاریخ ذکر شده در «صبح گلشن» را صحیح می‌داند. از اوست:

تیغ او پیوسته دارد آن کمر را بر میان

می‌رسد آخر به جایی، هرکه صاحب جوهرست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۷ -۱۶)، الذریعه (۱۱۳۴/ ۹)، صبح گلشن (۴۷۹)، فرهنگ سخنوران (۸۸۸).

شهرستانی، عبدالرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالرضا شهرستانی از دانشمندان متقی و علماء بزرگوار و ائمه جماعت حرم مطهر سالار شهیدان حضرت ابی‌عبداللّه الحسین علیه‌السلام بوده که به تفسیر دولت شوم عفلقی بعث عراق در سال ۱۳۹۷ قمری به ایران آمد و حل اقامت در مشهد مقدس جوار سرسیر ارتضا علی بن موسی الرضا علیه الصلوه والسلام افکنده و به خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

این بزرگوار از بیت جلیل شهرستانی است که در میان آنان آیات عظامی چون آیت‌اللّه العظمی حاج میرزا سید علی شهرستانی و آیت‌اللّه العظمی حاج سید هبه‌الدین شهرستانی و عالم ربانی آیت‌اللّه سید احمد شهرستانی و ده‌ها نفر دیگر برخاسته‌اند.

در سال ۱۳۲۹ قمری هجری در کربلاـ معلی به دنیا آمده و در بیت علم و سیادت پرورش یافته و ادبیات و مقدمات را در خدمت اساتید آن سامان به پایان رسانیده و سطوح عالی فقه و اصول را خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا مهدی شیرازی و آیت‌اللّه حاج شیخ یوسف بیارجمندی شاهرودی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدرضا جرقویه اصفهانی و آیت‌اللّه حاج سید محمدهادی میلانی قدس‌اللّه اسرارهم اتقان نموده و سپس تأسیس سه یا چند دیگر از افاضل کربلا تأسیس مجله اجویه المسائل الدینیه (پاسخ سوالات دینی) نموده و در مدت بیست سال ۱۴ جلد از آن جوابها را تدوین و منتشر ساخته است.

معظم‌له دارای تألیفات بسیار دیگری می‌باشند که مهمترین آنها ۴ جلد مقادیر الهدی در شرح عروه‌الوثقی است که چند جزو آن صادر شده است.

۲- المعارف الجلیه فی تبویب المسائل الدینیه.

۳- النیروز فی الاسلام.

۴- السجود علی التربیه الحسینیه.

۵- الصلوه معراج المومن.

۶- الامر بالمعروف والنهی عن المنکر.

۷- نوروز در تاریخ و دین

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

شهرستانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم علامه بزرگوار و مجاهد فداکار آیت‌اللّه سید محمدعلی شهیر بهبهٔالدین شهرستانی که از نوابغ زمان ما و نوادر دانشمندان و پیکره علم و سیاست و بیان و قلم و صاحب تصانیف کثیره می‌باشد.

معظم له از اکابر علماء و اعاظم دانشمندان شیعه و مفاخر امامیه و مسلمین بودند در بغداد و با اینکه دشمنان دین اسلام انگلیس‌ها از دو چشم و بینائی محرومش نمودند که به گفته یکی از علماء بزرگ مصر دو چشم علم و سیاست را کور کردند روزی از تصنیف و تألیف و تدریس غفلت ننموده و شب و روز خود را مصروف این موضوع می‌داشت در حیات مرحوم آیت‌اللّه حایری و بعد از فوت ایشان به قم مشرف شده و مورد تجلیل رؤساء و زعماء حوزه قرار گرفت.

روزی در شهر ری برای استراحت به منزل این نگارنده آمده و تلطف بسیاری نموده و فرمودند شنیده‌ام کتابی در شرح زندگانی حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام نوشته‌ای عرض کردم آری و دو جلد خدمتشان تقدیم نمودم فرمودند نه تنها بر سیدالکریم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام حقی داری بلکه بر ما آل شهرستانی که از طرف مادر منسوب به آن حضرت هستیم نیز حقی داری نسب شریف این بزرگوار به حضرت حسین بن علی علیه‌السلام می‌رسد جد ایشان سید محمد مهدی بن سید ابوالقاسم شهرستانی معاصر سمی خود بحرالعلوم متوفی ۱۲۱۶ قمری از ایران به کربلا مهاجرت کرد و این خاندان جلیل در کربلا و اصفهان و تهران و غیر آن منتشر و اغلب ایشان از اشراف و رجال علم و سیاستند.

و از این سلسله طاهره است سید اسماعیل صدرالدین وزیر دولت صفویه در سنه ۹۶۳ قمری که بر علم و دین خدماتی نموده است ولادت مرحوم علامه هبهٔالدین شهرستانی روز سه‌شنبه ۲۴ رجب ۱۳۰۱ در سامرا واقع شده و در حجر جد امیش مرحوم سید حسین و مادرش سیده مریم پرورش یافته و مبادی علوم و آداب را نزد بعضی از افاضل کربلا تحصیل نمود و بعد از وفات والد ماجدش عالم و محدث مشهور سید مرتضی کشمیری از نجف اشرف به جهت تعزیت پدر بزرگوارش آمد و هجرت نجف را برای تکمیل ترجیح داد و فرمود اگر تردید داری استخاره کن. گفت شما استخاره بفرمائید. مرحوم آیت‌اللّه کشمیری استخاره کرد این آیه آمد (و جعلنا ابن مریم و امه آیهٔ و آوینا هما الی ربوهٔ ذات قرار و معین).

پس سید هبهٔالدین مهاجرت به نجف را اختیار نمود به او والده کریمه‌اش به آن بلده طیبه در ۲۱ شعبان سال ۱۳۲۰ قمری مسافرت فرمود و در نزد اعلامی مانند آخوند خراسانی و شیخ‌الشریعه و دیگران تلمذ نمود و ضمناً حوزه تدریس تشکیل داده و از مجلس درس او جماعتی که شهرت و آثار علمیه ایشان آفاق عالم را گرفت مانند شیخ جعفر نقدی و شیخ محمدرضا شبیبی و سید سعید کمال‌الدین و بسیاری دیگر بیرون آمدند.

مسافرت مهمی به بلاد هند و دریای عمان نمود و شهرهای بسیاری را دیدن کرد و حدود هفت سال این مسافرتش طول کشید و جماعتی از هند و یهود عنود و دیگران را مسلمان کرد و در بازگشتش در عماره استقبال بی‌نظیری از ایشان به عمل آمد و اشعاری در مدح ایشان سروده شد که مطلع یکی از قصائد این است:

سریت و سار النصر قبلک والسعد

وابت و آبت خلفک الهند والسند

و لا عجب اذ کنت ترشد مثلهم

فمثلک منه یطلب العلم والرشد

چند سالی بنابر اصرار و دعوت ملک فیصل و الحاح علماء عراق وزیر معارف عراق گردیده و در ۲۵ محرم ۱۳۴۰ قمری به امر ملک فیصل و اصرار فقهاء آن عصر تشکیل محکمه علیا برای تمیز احکام به مذهب جعفری و ریاست محکمه موسومه در مجلس تمیز با او بوده و خدمات بسیار به مذهب و شیعیان اهل‌بیت عصمت نمود خدایش رحمت کند و درجاتش را متعالی گرداند. در سال ۱۳۸۵ رحلت نموده و در صحن مطهر کاظمین در جنب کتابخانه جوادین علیهماالسلام مدفون گردید. آثار علمی او بسیار مانند الهیئهٔ والاسلام و کتاب نهضهٔ الحسین علیه‌السلام و ده‌ها کتاب دیگر که در الذریعه مذکور است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

شهرستانی، محمد حسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علما و فضلا بوده، قبرش در تکیه‌ی صاحب روضات می‌باشد. پدرش: ملا حسن شهرستانی است که در سال ۱۰۹۴ وفات یافته، و قبرش در تکیه‌ی صاحب روضات است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

شهرستانی، محمد مهدی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید ابوالقاسم موسوی اصفهانی.

از اکابر علمای امامیه، فقیه زاهد عالم کامل مفسر. در حدود سال ۱۱۳۰ در اصفهان متولد گردید، و در ۱۲ صفر ۱۲۱۶ در کربلا وفات یافته. پس از تحصیل مقدمات در اصفهان با اهل و عیال و خانواده به کربلا مهاجرت نموده، و در آن ارض اقدس سکونت فرمود، و در آنجا نزد: وحید بهبهانی، و شیخ یوسف بحرانی، و ملا مهدی فتونی تحصیل نموده، و خود حوزه‌ی درس فقه و اصول و تفسیر داشته، و در بین شاگردان بهبهانی از جنبه‌ی تفسیر شهرت داشته، کمتر تألیف می‌نموده.

تألیفات او عبارت است از: ۱- تفسیر برخی از سوره‌های قرآن ۲- حاشیه بر مفاتیح ۳- فذالک، در شرح مدارک ۴- مصابیح، در فقه؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شهرستانی، محمدباقر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۹۰ ق)، خطاط. از آثار وی: «نهج‌البلاغه‌ی» نیم ربعی، یک سرلوح مذهب مرصع عالی، به خط نسخ کتاب خفی شبیه به رقاع، با رقم: «وفقت الاتمام هذه النسخه المبارکه المیمونه... سنه تسعین بعد الالف من الهجره (۱۰۹۰) و انا العبد... محمدباقر بن ابی‌الفتوح الموسوی الحسینی الشهرستانی»؛ «صحیفه‌ی سجادیه‌ی» نیم ربعی مذهب، نسخ و راقع کتابت خفی خوش، با رقم: «حرره العبد المذنب محمدباقر بن ابی‌الفتوح الحسینی الموسوی الشهرستانی... سنه ست و ثمانین بعد الالف من الهجره...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۵۱ -۱۱۵۰ /۴).

شهرستانی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند مرحوم آیت‌اللّه العظمی میر محمدحسین حسینی مرعشی شهرستانی از مشایخ روایتی سید استاد ما آیت‌اللّه نجفی مرعشی است دارای تألیفات چندی است مانند البیان المبرهن فی عرس القاسم بن الحسن والتبیان فی تفسیر غریب القرآن والتحفهٔ العلویه فی الافاق الرضویه و تحفهٔ‌المؤمنین می‌باشد.

در سال ۱۳۴۱ به اتفاق مراجع مذکور به قم آمده و پس از مدت مذکور مراجعت به کربلا نموده وفاتش در یازدهم رجب هزار و سیصد و چهل و چهار واقع گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

شهرستانی، هادی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. در ابتدا احتساب ممالک با وی بود. پس از مدتی به هندوستان رفت و در آنجا به مناصب و درجات بالایی رسید. او در زمان تألیف «تذکره‌ی نصرآبادی» (۱۰۸۳ ق) در هند به سر می‌برده است. طبع خوبی داشت و شعر می‌سرود. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۰۴۴/ ۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۹۶)، الذریعه (۱۲۸۶/ ۹)، صبح گلشن (۶۰۴)، فرهنگ سخنوران

(۹۹۳)، کاروان هند (۱۵۳۶ -۱۵۳۵/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ هادی).

شهرستانی، هبهٔالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۶ -۱۳۰۱ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، هیوی، مجتهد، مفسر و رجالی. ملقب به هبهٔالدین و معروف به شهرستانی. نسبش با سی واسطه به زید بن علی بن حسین (ع) می‌رسد. او از سادات شهرستانی اصفهان است. در سامرا به دنیا آمد. مقدمات را در محضر پدرش آموخت. وی علاوه بر فراگیری صرف و نحو، منطق، عروض، بدیع، معانی و بیان از تاریخ و حدیث و ریاضیات نیز بهره‌مند گشت. در ۱۳۱۹ ق به نجف رفت و در حوزه درس آخوند خراسانی و سید محمدکاظم یزدی و شریعت اصفهانی شرکت نمود و به درجه‌ی اجتهاد نایل آمد و خود مستقلا به تدریس پرداخت. شیخ جعفر نقدی و شیخ محمدرضا شبیبی و سید سعید کمال‌الدین از شاگردان او بودند. وی از شیخ محمدباقر اصطهباناتی شیرازی و سید عبدالصمد موسوی شوشتری و امیر سید محمد آل امیر سید علی کبیر و سید حسن بن هادی شرف‌الدین کاظمی و سید صدرالدین عاملی اصفهانی و آخوند خراسانی اجازه‌ی روایت و از سید مصطفی حجت کاشانی و سید محمد مجتهد کاشانی و سید مولوی هندی و سید محمد مهدی حکیمی و سید محمد حجت فیروزآبادی اجازه‌ی اجتهاد داشت. او در ۱۳۲۸ ق مجله‌ی «العلم» را منتشر نمود که نخسین مجله عربی در نجف است و برای پشتیبانی آن کتابخانه‌ای تأسیس کرد تا علما و ادبا و به ویژه جوانان بتوانند از آن استفاده کامل برند. وی همچنین با مجله «المرشد البغدادیهٔ» همکاری داشت، و برای نشر معارف دینی به سوریه، لبنان، مصر، حجاز، یمن، ایران و هند مسافرت نمود. در دوره‌ی ملک فیصل، پادشاه عراق، عهده‌دار منصب وزارت معارف گردید. در ۱۳۴۰ ق از مقام خود استعفا نمود و به امر تألیف پرداخت. در ۱۳۴۲ ق مجدداً به امر حکومت عراق به ریاست دیوان عالی تمیز (مجلس تمیز جعفری) منصوب گشت. همچنین در ۱۳۵۲ ق از طرف مردم بغداد به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید و پس از انحلال مجلس در همان سال، تمامی اوقات خود را صرف تألیف نمود. در اواخر عمر در کاظمین کتابخانه‌ای به نام مکتبهٔالجوادین تأسیس نمود و کتابخانه شخصی خود را به آنجا منتقل کرد. او در کاظمین درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد. از آثار علمی‌اش: «الامامهٔ والامهٔ»؛ «الجامعهٔ الاسلامیهٔ و العقائد القرآنیهٔ»؛ «الجان والجن»؛ «حکمهٔ الاحکام»؛ «الشریعهٔ والطبیعهٔ»؛ «فغان اسلام» یا «دعوۀنامه»؛ «ماهو نهج‌البلاغهٔ»؛ «المعارف العالیهٔ للمدارس الراقیهٔ»؛ «ثقاهٔ الرواهٔ»؛ «مواقع النجوم فی تحقیق سماء الدنیا والرجوم»؛ «نقض الفرض فی اثبات حرکهٔ الارض»؛ «نهضهٔ الحسین (ع)»؛ «الهیهٔ والاسلام»؛ تفسیر سوره‌ی «الواقعهٔ»؛ «توحید اهل التوحید»؛ «المرجانیهٔ»، در تلخیص «دلائل الخیرات»؛ «تنزیه التنزیل»، در اثبات صیانت مصحف از نسخ و نقص و تحریف؛ «التنبه فی تحریم التشبه بین الرجال والنساء» یا «التنبه فی حرمهٔ التشبه بین النساء والرجال»؛ «المعجزهٔ الخالدهٔ»، در اعجاز قران؛ «رواشح الفیوض فی علم العروض»؛ «اشاعهٔ النوادر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۲۶۱/ ۱۰)، الذریعه (۲۶۰ -۲۵۹/ ۲۵ ، ۴۳۰، ۲۹۰/ ۲۴ ، ۲۴۳، ۲۳۰/ ۲۳ ، ۳۰۲/ ۲۰ ، ۳۲/ ۱۹ ، ۲۷۸، ۲۷۷ ، ۱۰۶ -۱۰۵/ ۳، ۱۶ /۱۸۳، ۱۴ /۱۰۱، ۳۸ -۳۷/ ۱۲ ، ۲۵۷، ۱۳۹/ ۱۱ ، ۱۸۹، ۴۴/ ۱۰ ، ۸۷/ ۸ ، ۳۷۸/ ۶ ، ۷۷، ۷۶، ۸/ ۵ ، ۴۸۴، ۲۲۹/ ۴ ، ۴۸۷ -۴۸۶ ، ۱۳۰، ۶۳/ ۳ ، ۴۸۱، ۲۱۴، ۹۹/ ۲)، ریحانه (۳۵۲ -۳۵۰/ ۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۴۱۸ -۱۴۱۳/ ۱۴)، علماء معاصرین (۲۱۱ -۲۰۱)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۷۶۲ -۷۶۱/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۸۵ -۲۸۲/ ۴).

شهرکردی، باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۳ ق)، شاعر. وی در شهرکرد متولد شد. در زادگاه خود و اصفهان تحصیلات قدیمی خویش را به پایان رسانید و در ضمن به تحصیل علوم جدید نیز اشتغال یافت. پس از اخذ لیسانس در رشته ادبیات، دوره‌ی دکترای ادبیات را نیز طی کرد. وی در تهران ساکن بود و به شغل دبیری اشتغال داشت. باقر در سرودن شعر توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۷۹ -۷۸).

شهرکردی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۳ -۱۲۸۶ ق)، شاعر، متخلص به محمود. وی در کودکی به مرض آبله گرفتار شد و از نعمت بینایی محروم گردید. در شعر دارای طبعی روان و ذوقی سرشار بود. در یکی از تذکره‌ها سال وفات وی ۱۳۴۴ ق ذکر شده که صاحب تذکره‌ی «شعرای معاصر اصفهان» آن را ناصحیح می‌داند. از آثارش: «دیوان» شعر. از اوست:

شدم کور تا ننگرم عیب کس

مرا عیب خود بایدم دید و بس

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۳۰ -۴۲۹)، الذریعه (۱۰۱۰/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۲۰).

شهره‌ی آفاق

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(قبل از س ششم ق)، شاعر. ذکر حالش و صورت اصلی نام او در هیچ کتابی ذکر نشده است. گویا شهره‌ی آفاق لقبی بوده که به این شاعر داده بودند. از او نوزده بیت شامل یک تغزل و شش بیت مفرد باقی مانده که نشانگر ذوق غنایی اوست. نفیسی حدس می‌زند که وی مثنوی گوی بود و دلیل آن هم وجود سه بیت در میان اشعارش به اوزان مثنوی است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۵)، شاعران بی‌دیوان (۳۰۶ -۳۰۴)، فرهنگ سخنوران (۵۲۲).

شهره‌ی قاجار

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، شاعر. این بانوی با ذوق ایرانی را به خاندان قاجار نسبت داده‌اند. از اوست:

دلم در دام آن زلف پریشان است و می‌ترسم

در آخر از پریشانی به رسوایی کشد کارم

بر گشالب به سخن گر همه خود دشنام است

کارزو هست شنیدن سخنی زان دهنم

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زنان سخنور (۳۰۳/۱)، فرهنگ سخنوران (۵۲۲).

شهره‌ی قمی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۱ -۱۲۸۵ ش)، نویسنده و شاعر، متخلص به شهره. در شهر قم به دنیا آمد. علوم جدید و قدیم را در زادگاهش فراگرفت. از جوانی به مطالعه‌ی طریقتها و مذاهب مختلف پرداخت و در این باره تحقیقات بسیار کرد. در بیست و یک سالگی نتیجه‌ی مطالعات خود را در این زمینه به رشته تحریر کشید و آن را به نام «اندرزنامه» موسوم ساخت که تاکنون طبع و نشر نشده است. وی در اداره‌ی پست قم به خدمت مشغول شد و سرانجام بازنشسته شد. شهره، شاعری باذوق بود که در شعر بیشتر به جنبه‌ی رآلیست آن توجه داشت. همچنین با قرآن و مفاهیم آن آشنایی داشت و به قول صاحب «سخنوران نامی معاصر ایران» بیشتر قرآن را از حفظ داشته است. از آثار وی: «نسرین و آزاد»، شعر؛ «عالم انتقام»، شعر؛ «اندیشه‌های من یا دامنه‌های خیال»، شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۵۹/۹)، سخنوران نامی معاصر (۲۱۰۱ -۲۰۹۶ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۸/۱).

شهری تهرانی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۹ -۱۲۸۹ ش)، شاعر. در تهران متولد شد و در همان شهر تحصیلات مقدماتی را به انجام رسانید و پس از آن در دانشکده‌ی کشاورزی به تحصیل مشغول شد و در سال ۱۳۰۸ ش فارغ‌التحصیل و در وزارت کشاورزی مشغول کار شد. وی در سرودن شعر توانا بود و به سادگی و روانی کلام توجه داشت و در سرودن مثنوی با مضامین اخلاقی و تربیتی استاد بود. گویند وی «تذکره» منظومی در احوال شعرای زمان خود تالیف کرده است. از دیگر آثار وی است: «نتیجه‌ی سوء ازدواج».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۲۱۰۶ -۲۱۰۲ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۹/۳).

شهری، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۸۹، تهران.

درگذشت: ۱۳۶۹.

عباس شهری، فرزند اسماعیل، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رسانید. پس از گذرانیدن دوره دبیرستان وارد دانشکده‌ی کشاورزی شد و به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۰۸ از آن دانشکده فارغ‌التحصیل گردید و به دریافت لیسانس توفیق یافت. آنگاه به استخدام وزارت کشاورزی درآمد و در سمت‌های مختلفی انجام وظیفه کرد.

عباس شهری در سرودن شعر به مثنوی بیشتر توجه کرد و در حقیقت، هنر او در سرودن مثنوی بود که اغلب دارای جنبه‌های اخلاقی و تربیتی بود. بنا به نقل تذکره‌ی منظوم رشحه‌ی اصفهانی، شهری تذکره‌ی منظومی در احوال شعرای زمان خود تألیف کرد. اثر دیگر او نتیجه‌ی سوء ازدواج است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شهریار خراسانی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. از افاضل خراسان بود. قطعات و مقطعات او مشهور نیست اما رباعیات او دارای لطف طبع عالی است. از اشعار اوست:

بس مرغ امید را که پر سوخته‌ای

بس تافته دل را که جگر سوخته‌ای

پر سوختن رخان ز خورشید تو بود

خورشید رخا تو از چه پر سوخته‌ای

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۵۹/۹)، لباب الالباب (۳۳۷ -۳۳۶ /۲).

شهریار، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدحسین بهجت تبریزی، متخلص به شهریار فرزند حاج میر آقا خشکنابی، به سال ۱۲۸۳ خورشیدی در شهر فخرآفرین و مردپرور ایران، شهرستان تبریز، دیده به جهان باز کرد، پدر وی از وکلای تبریز و دانشمندان بزرگ و اهل علم و ادب بود.

سید محمدحسین شهریار، که زمان کودکی او مصادف با انقلابات تبریز بود، در قراء «شنگول آباد» و «قیش قرشاق» و «خشکناب» تحصیلات خویش را با گلستان و نصاب در مکتب‌خانه آن قراء و پیش پدر و در همان زمان با دیوان خواجه حافظ شیرازی آغاز کرد و شهریار در این‌باره خود می‌گوید:

«هرچه دارم همه از دولت حافظ دارم»

بعد از تحصیلات ابتدایی، سیکل اول متوسطه را در مدرسه متحده فیوضات به پایان برد و در سال ۱۳۰۰ به تهران آمد و بقیه تحصیلات متوسطه را در دبیرستان دارالفنون به اتمام رسانید (۱۳۰۳)، سپس وارد مدرسه طب شد و پس از پنج سال تحصیل، کمی قبل از اخذ دیپلم دکترا، مدرسه را ترک گفت و به خراسان رفت و تا سال ۱۳۱۴ در آن استان ماند.

پس از این وی به تهران آمد و در خدمت بانک کشاورزی و پیشه هنر درآمد.

شهریار، یکی از شعرای بزرگ و پرآوازه پارسی‌گوی آذری زبان وطن عزیزمان ایران است که در قلمرو ادب و فرهنگ، آوازه شهرتش از مرزهای ایران زمین گذشت و به اقصی نقاط جهان کشیده شد و نه تنها ایران بلکه بسیاری از کشورهای دنیا تحت تسلط عطرآگین و امواج شعرش به همان لطافت و موزونی که مضراب استادی سازی را به نوا درمی‌آورد وی از نوک قلم خویش به مناسبت‌هایی شعر بر سطح کاغذ می‌ریخت.

محمدحسین شهریار، علاوه بر شعر و شاعری، از موسیقی بهره‌ور بود و خود با نواختن سه‌تار و گوشه‌ها و ردیف‌های موسیقی ایرانی آشنایی داشت و بیش از هر شاعر دیگر درباره موسیقی و هنر و هنرمندان موسیقی شعر سروده که در ذیل به آنها اشاره می‌کنم:

با همه بی‌کس و تنها شده، یارا تو بمان

همه رفتند از این خانه خدا را تو بمان

من بی‌برگ خزان دیده دگر رفتنی‌ام

تو همه باز و بری، تازه بهارا تو بمان

داغ و درد است همه نقش و نگار دل من
بنگر این نقش بخون شسته نگارا تو بمان
زین بیابان گذری نیست سواران را- لیک
دل ما خوش به فریبی است، غبارا تو بمان
هر دم از حلقه عشاق، پریشانی رفت
بسر زلف بتان! سلسه دارا تو بمان
شهریارا، تو بمان بر سر این خیل یتیم
پدرا، یارا، اندوه گسارا تو بمان
سایه در پای تو، چون موج، دمی زار گریست
که سر سبز تو خوش باد کنارا تو بمان

محمدحسین شهریار، در آستانه پاییز سال ۱۳۶۷ همگام با پاییز باغات و بوستان ایران زمین شمع وجودت به خاموشی گرایید ولی مشعل فروزان و مشعشعی که در شعر و ادبیات ایران برافروخت تا ابد، همچنان مشتعل خواهد ماند، روانش شاد.

«ساز صبا»

بزن که سوز دل من بساز می گویی
ز ساز دل چه شنیدی که باز می گویی
مگر چو باد وزیدی به زلف یار که باز
به گوش دل سخنی دلنواز می گویی
مگر حکایت پروانه می کنی با شمع
که شرح قصه به سوز و گداز می گویی
به یاد تیشه‌ی فرهاد و موکب شیرین
گهی ز شور و گه از شاهناز می گویی
کنون که راز دل ما ز پرده بیرون شد
بزن که در دل این پرده راز می گویی
به پای چشمه‌ی طبع من این بلند سرود
به سرفرازی آن سروناز می گویی
به سر رسید شب و داستان به سر نرسید
مگر فسانه‌ی زلف دراز می گویی
دلم بساز تو رقصید که خود چو پیک صبا
پیام یار به صد اهتزاز می گویی
به سوی عرش الهی گشوده‌ام پر و بال
بزن که قصه راز و نیاز می گویی
نوای ساز تو خواند ترانه توحید
حقیقتی به زبان مجاز می گویی
ترانه‌ی غزل «شهریار» و ساز «صبا»ست
بزن که سوز دل من بساز می گویی

«مرحبا حسین»

برای دوست عزیز حسین تهرانی استاد ضرب

چون سرکنی به زمزمه، شور و نوا حسین
مجلس کنی به شور و نوا کربلا حسین
در مجلس تو تا در و دیوار از شعف
افشان کنند دست و بگویند یا حسین
«امروز در ممالک جان، دست دست تست»
بالای دست جمله زدی ای بلا حسین
از ضرب جز ادا و اصولی نمانده بود
حق اصول ضربی تو کردی ادا حسین
این گرمی و لطافت و نرمی و پختگی است
در پنجه تو آیت لطف خدا حسین
دیدی که استفاده نکرد از تو رادیو!
یک مرد هم نگفت که چون و چرا حسین
با اینکه در محافل انس و طرب تمام
هستند مخلص تو ز شه تا گدا حسین
پاداش اهل ذوق در این مملکت بلاست

تنها تو نیستی به بلا مبتلا حسین
تا رادیو سپرده نگردد به دست اهل
هر دم فضیحتی است به تحویل ما حسین
فریاد کن ز ظلم و تعدی که گفته‌اند
آنجا که قصه قصه زور است یا حسین
لیکن صفای عالم صنعت نگاه‌دار
از جمله حق صحبت ساز صبا حسین
حق مسلمی است صبا را به موسیقی
جان تو صبا که تو داری صفا حسین
باری دل گرفته‌ی ما نیز وا شود
روزی که مشت بی‌هنران گشت وا حسین
اینک به دست خط همایون شهریار
تسجیل می‌شود (لقب) «مرحبا حسین»
«صبا می‌میرد»
عمر دنیا به سر آمد که صبا می‌میرد
ورنه آتشکده عشق کجا می‌میرد
صبر کردم به همه داغ عزیزان یا رب
این صبوری نتوانم که صبا می‌میرد
غسلش از اشک دهید و کفن از آه کنید
این عزیزست که با وی دل ما می‌میرد
به غم‌انگیزترین نوحه بنالی ای دل
که دل‌انگیزترین نغمه‌سرا می‌میرد
دگر آوازه بوالقیس و سلیمان، هیهات
هدهد خوش خبر شهر سبا می‌میرد
شمع دلها همه گو اشک شو از دیده بریز
کاخرین کوکبه ذوق و صفا می‌میرد
خود در آفاق مگر چشم خدا بینی نیست
کاین همه مظهر آیات خدا می‌میرد
هر کجا درد و غمی هست بمیرد به دوا
این چه دردیست خدایا که دوا می‌میرد
قدر ما زنده بدو بود، خدا را یاران
هم صبا می‌رود و هم قدما می‌میرد
از گریبان غم و ماتم سنتور حبیب
سر نیاورده برون، ساز صبا می‌میرد
عمر (شهنازی) و استاد (عبادی) باقی
قمریان زنده اگر بلبل ما می‌میرد
(ضرب تهرانی) و آواز بنان را برسید
گو کجایید که استاد شما می‌میرد
آخرین شور و نوا بدرقه راه صبا
که هنر می‌رود و شور و نوا می‌میرد
از وفاداری این قبله ارباب هنر
رخ متابید خدا را که وفا می‌میرد
از محیط خفقان آور تهران پرسید
که هنرپیشه‌اش از غصه چرا می‌میرد
عمر جاوید بهر بی‌هنر ارزانی نیست
علت آنست که خود آب بقا می‌میرد
مرگ و میری عجب افتاد در آفاق هنر
که همه شاهد انگشت‌نما می‌میرد
مردن مرد هنرمند نه چندان درد است
این قصایی است که شاه و گدا می‌میرد
لیکن آنجا که غرض روی هنر پرده کشید
دین و دل می‌رمد و ذوق و ذکا می‌میرد

باغبان تا سر مهرش همه با هرزه گیاست
گل خزان می‌شود و مهر گیا می‌میرد
رنجهایی همه بیهوده که در آخر کار
عشق می‌ماند و هر حرص و هوا می‌میرد
شهریارا نه صبا مرده خدا را بس کن
آنکه شد زنده‌ی جاوید کجا می‌میرد
«سه‌تار من»
نالد به حال من امشب سه‌تار من
این مایه‌ی تسلی شبهای تار من
ای دل ز دوستان وفادار روزگار
خبر ساز من نبود کسی سازگار من
در گوشه غمی که فراموش عالمی است
من غمگسار سازم و او غمگسار من
اشک است جویبار من و ناله‌ی سه‌تار
شب تا سحر ترانه این جویبار من
چون نشترم بدیده خلد نوشخند ماه
یادش بخیر، خنجر مژگان یار من
رفت و باختران سرشگم سپرد جای
ماهی که آسمان بر بود از کنار من
آخر قرار زلف تو با ما چنین نبود
ای مایه قرار دل بی‌قرار من
در حسرت تو میرم و دانم تو بی‌وفا
روزی وفا کنی که نیاید به‌کار من
از چشم خود سیاه دلی وام می‌کنی
خواهی مگر گرو بری از روزگار من
اختر بخفت و شمع فرومرد و همچنان
بیدار بود دیده شب زنده‌دار من
من شاهباز عرشم و مسکین تذر و خاک
بختش بلند نیست که باشد شکار من
یک عمر در شرار محبت گداختم
تا صیرفی عشق چه سنجد عیار من
جز خون دل نخواست نگارنده‌ی سپهر
بر صفحه جهان رقم یادگار من
زنگار زهر خوردم و شگرف خون دل
تا جلوه کرد این همه نقش و نگار من
در بوستان طبع حزینم چو بگذری
پرهیز نیش خار من ای گلعذار من
من شهریار ملک سخن بودم و نبود
جز گوهر سرشک، در این شهر یار من
«سه‌تار عبادی»
شب گذشته‌ی ما بامداد شادی بود
ز شامگاه به لبخند بامدادی بود
چو گوهری که در انبانه‌ی خزف باش
شب مراد در ایام نامرادی بود
به خانواده‌ای از بختیاریان بودم
که مهد عزت و آزادگی و رادی بود
به لطف طبع در آن خانواده می‌دیدم
تبختری که به شاهان پیشدادی بود
به جز صفا و محبت نداشت مفهومی
اگرچه صحبت خانی و خانه‌زادی بود
اصول زندگی آنجا برسم ایلاتی
خلاف اصل قوانین اقتصادی بود

به عدل و داد در آن بزم دور می‌زد جام
که باده صافی و ساقیش عدل و دادی بود
شبی که محفل ما (کوکب) و ثریا داشت
فلک نه آن فلک بخلی و عنادی بود
(قباد) آمد و دیدار تازه کرد و برفت
قباد نیز به کر و فر قبادی بود
ز بعد ساعتی از در رسید (مصداقی)
که در محافل انس از بهین ایادی بود
بیادگار ز ما عکسها گرفت نخست
به دوربین ظریفی که غیر عادی بود
سپس کشید بشمران عنان ملت را
که در طریق مودت همیشه هادی بود
فضای داخل ماشین معطر و رادیو
ز ساز و طرب به ذوق و طرب منادی بود
ولی مجال تکلم جناب مصداقی
بکس نداد که حراف و انتقادی بود
بطرف راه دز آشوب محمل افکندیم
که کنج امنی و در حکم انفرادی بود
دوباره محفل انس و وداد شد تشکیل
که شمع محفل ما انسی و ودادی بود
ز جام نیز همان دور خوشی تسلسل داشت
که فیض بخشی ساقی علی‌التمادی بود
نداشت کسر و کمی نقل و می که این آداب
مراتبی است که مستحکم از مبادی بود
ز شوق، سوز دل آمیختم بناله‌ی ساز
که ساز در کف معبود من عبادی بود
چراغ دوده‌ی مرحوم میرزای شهیر
که شهره در همه عالم به اوستادی بود
به مغز خسته بدنبال شعر می‌گشتم
اگر چه حافظه در خط بی‌سوادی بود
و لیک فاصله‌ی ساز و شعر فی‌المجلس
میان چشمه ماه و چراغ بادی بود
بساز و پنجه‌ی استاد نکته‌ها می‌رفت
که ابتکاری و ذوقی و اجتهادی بود
ببازگشت چو برخاستیم از سر جای
هوا لطیف و افق چهره از گشادی بود
بپای کوه، فروغی چو آتش موسی
دمیده بود و چراغ شبان وادی بود
شکفته دورنمایی که در برابر آن
دلم شکافته چون دمل ضمادی بود
بسان پرده‌ای از سینما نشانم داد
جهان کون که اضدادی و فسادی بود
چه دست بود که بگشود در برابر من
کتاب عمر که اوراق بی‌مفادی بود
گداختم دل و دریافتم که شرکت من
به شب‌نشینی صاحبدلان زیادی بود
خلاصه آنکه بما دوش، بی‌اراده‌ی ما
شبی گذشت که پنداشتی ارادی بود
خوشی دمی است که ناخوانده سر بیش آرد
که بوسه‌ای ندهد گر قراردادی بود
بیان آتش دل خواستم ولی افسوس
که از فسردگیم طبع انجمادی بود

ترا که فرصت کلکی و دفتری باشد

بیاد دار که من نسخه‌ام مدادی بود

مداد سر بخط شهریار شیرین کار

سه‌تار دستخوش زخمه‌ی عبادی بود

«ساز حبیب»

صدای سوز دل شهریار و ساز حبیب

چه دولتی است بزندانیان خاک حبیب

بهم رسیده در این خاکدان ترانه و شعر

چو در ولایت غربت دو همزبان غریب

روان دهد بسر انگشت دلنواز بساز

که نبض مرده جهد چون مسیح بود طبیب

صفای باغچه‌ی قلهک است و از توچال

نسیم همره بوی قرنفل آید و طیب

بگرد آیه توحید گل صحیفه‌ی باغ

ز سبزه چون خط زنگار شاهدان تذهیب

دو شاهدند بهشتی بسوی ما نگران

به لعل و گونه گلگون بهشت لاله و سیب

بترک چشم و چلیپای زلف بخشیده

گناه فتنه چنیگیز و جنگهای صلیب

چو دو فرشته الهام شعر و موسیقی

روان ما شود از هر نگاهشان تهذیب

مگر فروشده از بارگاه یزدانند

که بزم ما مرسادش ز اهرمن آسیب

بریز باده که دستور منع می امشب

حکومتی است که مجلس نمی‌کند تصویب

صفای مجلسن انس است شهریارا باش

که تا حبیب بما ننگرد به چشم رقیب

«مزار سنتور»

بروی این لحد آشفته مو فرشته‌ی عشق

به سوگواری شور و عزای ماهور است

مگر حبیب که سنتور نیز با او مرد

بکوری من و دل خفته در همین گور است

من و دل از پی خاک حبیب می‌گشتیم

فرشته گفت که اینجا مزار سنتور است

«ویولن تاجبخش»

شنیده‌ام که به شاهان عشق بخشی تاج

به تاج عشق تو من مستحقم و محتاج

تو تاج‌بخشی و من شهریار ملک سخن

به دولت سرت از آفتاب دارم تاج

گمان آرشه زه کن که تیر لشگر غم

بر آن سر است که از قلب ما کند آماج

اگر که سالک عشقی به پیر دیر گرای

که گفته‌اند قمار نخست با لیلاج

به پای ساز تو از ذوق عرش کردم سیر

که روز وصل تو کم نیست از شب معراج

به میهمانی خوان شکر بخوان طوطی

که قند حیف بود کز مگس شود تاراج

زبان شعر نیالوده‌ام به مدح کسی

و لیک ساز تو از طبع من ستاند باج

ز آرشه و ویولن چوب و تخته در کار است

مگر که خانه‌ی ایمان من کنند حراج

به تکیه‌گاه تو ای تاجدار حسن و هنر

سزد ز سینه‌ی سیمین سریر مرمر و عاج
به قول خواجه گر از جام می کناره کنم
بدور لاله دماغ مرا کنید علاج
به روزگار تو یابد کمال، موسیقی
چنانکه شعر، بدوران شهریار رواج
«نوای نی»
چه گزارشی است یارب به تغنی نوایی
که بگوش دل بنالد به نوای بینوایی
به دیار غربتی کو همه جوش و غُلغُل (جاز)
چه نوید آشنا و چه نوای آشنایی
سر نوحه دارد این دل بعزای شعر و نغمه
دل بُلبُل است گویی به خزان گل عزایی
چه طربسرای گلشن شو آشیان زاغان
نرسد به بلبلانش طرب غزالسرایی
دل دلشکستگان هم بنوای او بنالد
که شود هزار دستان به هوای گل هوایی
نه عجب اگر بجنبد دل مرده‌ی من از جا
که دم مسیح در من دمد این نوای نایی
به نوایی این غزل را بفرست شهریارا
که بجز سری نباشد به میان ما سوایی
«شاهد چنگی»
پرویز چو بر تار برد باربدی چنگ
از پنجه ناهید و نکیسا فکند چنگ
رقص آیدم از ساز تو چون زهره‌ی چنگی
هرچند شد از بار غمت قامت من چنگ
وه دیدی اگر پنجه‌ی شیرین تو خسرو
دیگر نزدی شور نکیسا بدلش چنگ
یعقوب اگر چون تو پریوش پسری داشت
یوسف بچه افکندی و مشتی بسرش سنگ
زنهار ز بیداد نواهای مخالف
گر ره به حجاز است بدر پرده‌ی سارنگ
تا ولوله در جان غم افتد بزن ای ترک
مارشی که بموزیک نوازند گه چنگ
ای لعبت تنبوری و ای آفت تاری
آهو بچه‌ی شوخی وشاهد پسری شنگ
شرم آیدم ای تازه گل از غنچه‌ی لعلت
با این دل خونین من و قافیه‌ی تنگ
«به یاد شهیدا»
تا در آن زلف به زنجیر جنون شد دل من
چه شنفت از نفس نافه‌ی که خون شد دل من
خرمن زلف تو و هلهله باد خزان
چه بگویم که در آن ولوله چون شد دل من
دوش در حلقه‌ی ما تا سخن از زلف تو رفت
زد بسر بازش و از حلقه‌ی برون شد دل من
هم در این حلقه کنون جامه‌دران است ولی
کس ندانسته که در حلقه برون شد دل من
مگر افیون تو افزوده به ساغر، ساقی
که خمار تو به مستیش فزون شد دل من
آخر افسونگری آموخت، چه در چشم تو بود؟
که چنین شیفته سحر و فسون شد دل من
تاج سر بود و به زلفت زده تخت شاهی
شانه شاخش زد و از تخت، نگون شد دل من

لخت خون شد که نیاید دگر از دیده برون
مژده کای دیده بکام تو کنون شد دل من
همه دانشکده‌ی مکر و فسونش، ایام
عجبا مدرسه‌ی دارالفنون شد دل من
هنرم فخر و شئون بود و لیکن با من
خلعتی داد کزو خلع شئون شد دل من
رفتگان گویی از این دلشده یادی کردند
که چنین دلزده‌ی دنیی دون شد دل من
شهریار این غزل انگار بیاد شیداست
که به سر پنجه‌ی او زار و زبون شد دل من
«عیدی عشاق»
صبا بشوق در ایوان شهریار آمد
که خیز و سربدر از دخمه کن بهار آمد
ز زلف زرکش خورشید بند سیم سه‌تار
که پرده‌های شب تیره تار و مار آمد
به شهر چند نشینی، شکسته دل، برخیز
که باغ و بیشه‌ی شمران شکوفه‌زار آمد
بسان دختر چادرنشین صحرایی
عروس لاله بدامان کوهسار آمد
فکند زمزمه (گلپونه‌ای) به برزن و کو
پیام کلبه پرستوی زرنگار آمد
گشود پیر، در خم و باغبان، در باغ
شراب و شهد به بازار و گل ببار آمد
دگر به حجره نگنجد دماغ سودایی
که با نسیم سحر بوی زلف یار آمد
بزن صبوحی و برگیر زیر خرقه سه‌تار
غزل بیار که بلبل به شاخسار آمد
برون خرام به گلگشت لاله‌زار امروز
که لاله‌زار پر از سرو گلعذار آمد
صبا به هیئت گل شد وزیر تبلیغات
بیار باده که کابینه روی کار آمد
خجسته باد بایران باستان نوروز
که یادگار ز جمشید کامکار آمد
چه جای (لشگرک) ای شاهدان اسکیباز
که برف آب شد و کوه اشکبار آمد
کنون که بوی گل و مژده‌ی سلامت شاه
رسید و مرهم دلهای داغدار آمد
شکفته‌دار به برگ و نوا یتیمان را
که کودکان چمن نیز نونوار آمد
بدور جام میم داد ز دل بده ساقی
چها که بر سرم از دور روزگار آمد
بپای ساز صبا شعر شهریار ای ترک
بخوان که عیدی عشاق بیقرار آمد
«شعر و موسیقی ایران»
شیر و خورشیدی است کو تیغ زرافشان آخته
تا هم اقصای شرق و غرب گیتی تاخته
شعر و موسیقی ما چون هشت فردوس بهشت
لاله‌هایش افروخته و غرفه‌هایش افراخته
چون لسان‌الغیب ما شاعر کجا داری سراغ
کو سخن چون وحیش آید ساخته پرداخته
او خدایش ساخته، الهام او تالی وحی
من کجا و او کجا من شاعری خود ساخته

شعر ما گر این لباس فاخر نظمش نبود
شاعری چون خواجه ماندی در جهان نشناخته
گرچه حافظ همچنان اکسیر ماند و ناشناس
زانکه همجوشی نه پا چونان زری بگداخته
با چنین نای و نوای جانفزا، شعر دری
آنچنان دلکش که نگذارد دلی ننواخته
نظم هم خودکار عشق است و ریاضت می‌برد
وین کرامت نیست جز با عاشق دلباخته
نظم زیباگر که شعرش هم نباشد موسقی است
چهچه بلبل نشد باری نوای فاخته
گر به مکتب خوانده باشی شاهکاری چون (نصاب)
نظم هم دانی چه مشکلها که آسان ساخته
نظم را نقشی است در تنقیح و تثبیت لغات
نظم باید تا نشیند جای (سلول) (یاخته)
شهریارا عده‌ای را هم نه نظم است و نه شعر
بُنجُلی با خلق قالب کرده و انداخته

«تار شهناز»

پنجه‌اش آفتاب بوده که تار
صبح روشن دمیدش از شب تار
معجز موسقی ایرانی است
آنچه (شهناز) می کند با تار
راستی سحر در بیان است این
نازم آن دست و پنجه سحار
شاهبازی گرفته صید به چنگ
تیرباران کند به دو منقار
ناله سیم او دم عیسی است
یا نسیمی است از دم اسحار
سیم، سر داده ناله و بی‌سیم
برد آن ناله در همه اقطار
شهریار آن ترانه می‌شنود
چون پیامی که یار داده به یار

«خاطره‌ی پروانه»

شمع و پروانه هم از دفتر عشق
شعر ناب و شکرین افسانه است
پنجره، باز به مهتابی و من
آشیانی کهنم کاشانه است
شب، حوالی سحر، شمع به طاق
شعله چون گنج که در ویرانه است
به طواف آمده پروانه و باز
سوز و سازی است که مشتاقانه است
چشم من خواهد از این اصل، سواد
کز خمم سهم، یکی پیمانه است
باد، ناگه زد و درهم پیچید
صحنه‌ی عشق، نه خود دیوانه است؟
سوخت پروانه و گردی شد و بیخت
وین چه جان باختنی جانانه است
شمع هم با دو سه چشمک جان داد
نه که از عشق، چراغ خانه است؟
مرد و با باد شنیدم می گفت
ای که دل با تو همه بیگانه است
از رخ نعش من این گرد مگیر
آخر این (خاطره‌ی پروانه است)

تبریز- بهمن/ ۵۱

«فقدان عظیم»

بلبل ایران، لب از الحان موسیقار بست

پشت موسیقی خمید و چنگ فارابی شکست

در زمین و آسمانش بدرقه است و پیشواز

کو به جنت ره گشود و رخت از این غمخانه بست

آری «اقبال» بلند آوازه با کوس رحیل

ناگهان پیوست با اردوی سلطان الست

سالها سلطان موسیقی ما، معزول زیست

تا به اشک نامرادی از جهانی شست دست

او ستون محکمی بود از بنای موسقی

این ستون غلتید و لرزید این بنا از پای بست

رشته‌ی جانی گسست از نازکی چون تار مو

لیک با آن تار مو زنجیرها از هم گسست

او دلش را هر گلی و برگی که می‌پژمرد، ریخت

خاطرش از هر خس و خاری که برمی‌خاست خست

تا گل لاهوت گشت و گلخن ناسوت بهشت

در بهار وصل رست و از خزان هجر رست

آسمان تشریف او را از ازل با کس نداد

تا ابد هم با کس آن دولت نخواهد داد دست

بر لب جو سالها چسبیدمش دامن ولی

آخر از دستم کشید آن دامن و از جوی جست

در دل من جا نبود اصلاً ولی داغ صبا

تنگ کرد اینقدر جای خود که داغ او نشست

صفحه‌های او همه اسناد تاریخی ماست

گر زمان نسپاردش در زیر پی چون پیل مست

باری این گنجینه‌ی ملی، پرستاری کنید

موسقی روحانی است ای ملت مطرب پرست

کشتی بشکسته دریابید کاینش ناخدا

ماهی دریای وحدت بود و بیرون شد ز شست

دیگر آواز شکسته نشنوی از کس دُرُست

و آن رهاب و دیر او با صد لحیم و بند و بست

او نبوغ قرن بود و قهرمان موسقی

وزنه در هر باغ و راغی، بلبلی خواننده هست

شهریار، او باز شاهی بود و پروازش بلند

چند خواهی بستنش در دام این دنیای پست

(۱۳۶۷ -۱۲۸۵ ش)، شاعر، متخلص به شهریار. در تبریز متولد گردید. ایام کودکی خویش را به علت مصادف بودن با انقلاب تبریز در قراء تبریز به سر برد. شهریار تحصیلات مقدماتی را با قرائت گلستان و نصاب در مکتب نزد پدر دانشمند خویش شروع کرد و در همان اوان با «دیوان» حافظ الفتی سخت یافت. پس از تحصیلات مقدماتی، دوره‌ی متوسطه را در مدارس متحده و فیوضات به پایان برد. در سال ۱۳۰۰ ش به تهران آمد و دنباله‌ی تحصیلات خود را در دارالفنون ادامه داد تا اینکه در سال ۱۳۰۳ ش وارد مدرسه طب آن زمان شد و پس از پنج سال تحصیل در رشته پزشکی دست از ادامه تحصیل کشید و به خراسان رفت. تا سال ۱۳۱۴ ش در خراسان بود و پس از بازگشت به تهران به استخدام بانک کشاورزی درآمد. شهریار طبع لطیف، دل حساس و روح سرگشته و پرشوری داشت همچنین با موسیقی آشنایی داشت و خود سه تار می‌نواخت. شهریار پس از مراجعت به زادگاه خود تا پایان عمر در آنجا زیست و چندی نیز در دانشکده‌ی ادبات تبریز به تدریس اشتغال داشت و در همان زمان منظومه‌ی معروف و ترکی خود به نام «حیدر بابایه» را منتشر ساخت. شهریار در تبریز درگذشت و در مقبرةالشعرای سرخاب تبریز دفن است. از آثار وی: «حالا چرا»، شعر؛ «دیوان» شعر.[۱]

شاعر.

تولد: ۱۲۸۲، تبریز.

درگذشت: ۲۶ شهریور ۱۳۶۷، تبریز.

سید محمدحسین بهجت متخلص به «شهریار» در خانواده‌ی حاج میرزا آقا خشکنابی، اهل ادب و از سادات و وکلای تبریز، چشم به جهان گشود. ایام کودکی او مقارن با جنبش آزادیخواهان مشروطیت به رهبری ستارخان و باقرخان در تبریز بود و به همین سبب به همراه خانواده‌اش به زادگاه اجدادی یعنی قریه خشکناب کوچید. شهریار دوران کودکی خود را در روستای «قیش قورشاق» و

«شنگل‌آباد» که در دامنه‌ی کوه حیدربابا واقع شده‌اند، گذراند و همیشه از این سال‌ها به عنوان بهترین و شیرین‌ترین دوران عمرش یاد می‌کند.

در کودکی با قرآن مجید و دیوان حافظ آشنا شد، گلستان سعدی و نصاب‌الصبیان را در مکتبخانه‌ی همان روستا نزد پدرش آموخت و پس از اتمام تحصیل علوم حوزوی، سیکل متوسطه را در مدرسه‌ی متحده و فیوضات تبریز به پایان برد. در سال ۱۳۰۰ برای تکمیل تحصیلات متوسطه به تهران آمد و پس از اتمام تحصیلات متوسطه در دارالفنون وارد مدرسه طب شد و پس از پنج سال تحصیل در پی یک جریان عاطفی بدون اخذ دکتری، تهران و دانشگاه را ترک گفت و در خراسان وارد خدمت دولت شد. وی در فاصله سال‌های ۱۳۱۰ الی ۱۳۱۴ در اداره‌های ثبت اسناد مشهد و نیشابور به کار اشتغال ورزید. در نیشابور با کمال‌الملک رفت و آمد داشت و شعر «زیارت کمال‌الملک» را به همین سبب سرود.

در سال ۱۳۱۴، به تهران بازگشت و در بانک کشاورزی به کار اشتغال ورزید. در سال ۱۳۱۹ یعنی سه سال پس از مرگ پدر به زادگاهش تبریز رفت و در این شهر ماندگار شد.

شهریار در سال ۱۳۵۷ همزمان با اوج‌گیری نهضت اسلامی ایران به صفوف مردم پیوست و از آن زمان تا آخرین لحظه‌ی عمر با زبان شعر این نهضت را همراهی می‌کرد و مجموعه‌ی نغمه‌های خون حاصل این دوران است. از استاد شهریار به زبان‌های فارسی و ترکی آذری آثار شعری به یادگار مانده است که از جمله می‌توان به مناجات «علی ای همای رحمت»، «ای وای مادرم»، «به یاد پدرم»، «پیام به انیشتن»، «بهشت گمشده»، «دختر گل فروش»، «دو مرغ بهشتی»، (به زبان فارسی) و منظومه‌ی حیدر بابا (به زبان آذری که گفته می‌شود به هفتاد و شش زبان ترجمه شده است) اشاره نمود.

شهریار در سال ۱۳۶۷ در مراسم مجتمع هنر و ادبیات دفاع مقدس به دریافت لوح دست خط زرین حضرت امام (ره)، دیپلم افتخار و سکه‌ی یادبود مجتمع، به عنوان برگزیده شعر نایل آمد.

شهریار در سرودن انواع شعر، خصوصا غزل، قصیده، مثنوی، قطعه، دو بیتی و رباعی استاد است و بیشتر آثار او که در قالب‌های سنتی شعر فارسی به رشته‌ی نظم کشیده است. از جمله آثار اوست: کلیات دیوان (چهار جلد، ۱۳۳۶)؛ روح پروانه (۱۳۰۹)؛ صدای خدا (۱۳۲۰)؛ قهرمانان استالینگراد (به زبان فارسی)؛ حالا چرا (۱۳۲۸)؛ منتخبی از دیوان شهریار (۱۳۳۳)؛ منتخبی از غزلیات شهریار (۱۳۳۶) و جزوه‌هایی با عنوان‌های سهندیم و حیدر بابا به زبان ترکی آذربایجانی، استاد شهریار در قالب‌های تازه نیمایی و شعر نو نیز طبع آزمایی نموده و اشعاری چون : «دو مرغ بهشتی»، «پیام به انیشتن»، «مومیایی»، «ای وای مادرم» و... را سروده است. استاد در غزلی با عنوان «شاعر افسانه» ارادت خود را به نیما نشان می‌دهد. در اوایل «بهجت» تخلص می‌کرد ولی بعدها به تفأل از دیوان حافظ، «شهریار» تخلص می‌کند.

محمدحسین شهریار، علاوه بر شعر و شاعری، از موسیقی بهره‌ور بود و با نواختن سه‌تار و گوشه‌ها و ردیف‌های موسیقی ایرانی آشنایی داشت و اشعاری درباره‌ی موسیقی و هنرمندان این رشته سروده است. پیکر استاد شهریار در مقبرةالشهدا به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] آدینه (شهریور ۶۷، ش ۲۷، ص ۷ –۶)، آینده (س ۱۷، ش ۴ –۱، ص ۳۰۴ –۲۹۷)، ادبستان (س ۷۱- ش ۳۸- ص ۳۲ –۲۷)، از بهار تا شهریار (۶۷۹ –۶۵۳)، از نیما تا روزگار ما (۵۲۹ –۵۱۰)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۴۳۶ –۴۱۶/ ۳)، چشمه‌ی روشن (۶۴۲ –۶۵۳)، چون سبوی تشنه (۱۷۳ –۱۶۸)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (۵۲۰ –۵۱۰)، الذریعه (۵۵۹/ ۹)، سخنوران نامی (۳۳۲ –۳۲۲/ ۲)، سخنوران نامی معاصر (۲۱۱۵ –۲۱۰۷/ ۳)، شخصیتهای نامی (۲۶۷ –۲۶۶)، شعر فارسی از آغاز تا امروز (۳۴۳ –۳۳۰)، صدف (۴۸۳ –۴۶۳)، فرهنگ سخنوران (۵۲۲)، کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۲، ص ۱۴ –۵، س ۵، ش ۷، ص ۳۳ –۳۲، س ۶، ش ۶، ص ۶۵ –۶۲)، گلزار معانی (۴۲۴ –۴۱۶)، مؤلفین کتب چاپی (۷۶۸ –۷۶۶/ ۲)، مجله‌ی دانشکده‌ی تبریز (س ۱۸، ص ۳۳۴ –۳۱۹)، مردان موسیقی (۴۹۸ –۴۸۲/ ۳)، مستدرکات اعیان (۱۶۱/ ۴)، نگاه نو (س ۱، ش ۱، ص ۱۴۵ –۱۳۱).

شهریاری، اسدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر طنزپرداز، مترجم.

تولد: ۱۲۹۹، کرمانشاه.

درگذشت: ۲۸ اردیبهشت ۱۳۷۲.

اسدالله شهریاری متخلص به «شایان» در کودکی به اتفاق خانواده خود راهی مشهد شد و همانجا ساکن گردید. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مشهد به پایان رساند. آنگاه به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به شغل آموزگاری مشغول شد. اشعار وی در این زمان در روزنامه‌های مشهد و تهران به چاپ می‌رسید. سپس در تهران، در دانشکده‌ی حقوق به تحصیل پرداخت، اما پس از یک سال انصراف داد و به دانشکده‌ی ادبیات راه یافت. تحصیلات خود را در آن دانشکده به پایان رسانید و در دبیرستان‌ها به عنون دبیر ادبیات به تدریس پرداخت.

شهریاری در آن هنگام با مطبوعات و از جمله با مجله‌ی «توفیق» همکاری داشت و بیشتر آثار خود را با امضاهای مستعار: «شبکور»، «شایان»، «ش- ترسو»، «مشارالیه»، «حسنعلی جعفر»، «فسقلی»، «موشکاف»، «جلت»، «خنده‌رو»، «شهریار اسداللهی»، «ایشان»، «یره (خراسانی) شوان (کرمانشاهی) »، «یارو»، «آقا معلم»، «معلم الاطفال»، «اسد»، «سرخلوتیان»، «قناس الشعرا» و غیره انتشار می‌داد. در

دوران دکتر محمـد مصـدق امتیاز روزنامه‌ی فکاهی «ما» را گرفت و مـدتی نیز به انتشار این روزنامه مشغول شـد. وقتی به واسـطه‌ی چاپ یک کاریکاتور روزنامه‌اش توقیف گردید، بلافاصـله روزنامه‌ی دیگری به نام «شیطان» منتشر کرد. با وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ روزنامه‌ی او تعطیل شد. چندی بعد برای تجدید پروانه انتشار پیگیری کرد ولی دستگیر و به مدت شـش ماه در لشـکر زرهی زنـدانی شـد. در زنـدان به کار نگارش احوال و افکار عرفی شیرازی مشغول گردیـد که در سال ۱۳۳۴ با مقدمه‌ی سید عبدالکریم امیری فیروزکوهی منتشر شـد. پس از خلاصـی از زنـدان به جمع‌آوری تمبر پرداخت و در خیابان امیریه نزدیک خیابان فرهنگ در مغازه کوچکی اوقات فراغت را به کار خرید و فروش تمبر می‌گذراند. در سال ۱۳۴۶ کتاب جیبی تمبرشناسی را منتشر ساخت.

وی بیش از بیست سـال بـا رادیو ایران همکاری داشت و مطالب و برنامه‌ی فکاهی «صـبح جمعه با رادیو» را می‌نوشت. وی علاوه بر همکاری با روزنامه‌ی فکاهی «توفیق» در جرایـد دیگر تهران سلسـله مقالات تحقیقی و ادبی می‌نوشت و در اعیاد مـذهبی و روزهای سوگواری هم شـعرهایی در این زمینه‌ها می‌سرود که از رادیو پخش می شد. وی همچنین نویسـنده نمایشـنامه‌های پلیسی «کارآگاه جـانی دالر» در رادیـو بود. وی پس از بازنشسـتگی از خـدمت دولت، کتابفروشـی کوچکی در چهـارراه کیوان، خیابـان آذربایجـان تهران به عنوان سرگرمی تأسیس کرد و دائما مشغول به ترجمه مطالب مطبوعات قدیمی کشورهای عربی است.

از آثار اوست: ساده‌ترین روشـهای فارسـی (۱۳۳۴)؛ کنت مونت کریسـتو؛ در راه پیروزی (رمـان تـاریخی، ۱۳۲۰)؛ نغمه‌های صحرا (اشـعار بـه لهجـه مشـهدی «خراسـانی»- کردی- تهرانی، ۱۳۶۲)؛ احـوال و افکـار و منتخبـات عرفی شـیرازی (۱۳۳۴)؛ تمبرشناسی (۱۳۴۶)؛ نخستین سالنـامه فکـاهی در ایران (یـک جلـد)؛ نخستین ماهنامه فکاهی در ایران (یک دوره)؛ زبان مادری (دسـتور، انشاء، املاء، ۱۳۵۲)؛ دیوان رحمت (اشعار مرحوم پدرش، ۱۳۵۵)؛ سرگرمی‌ها (۱۳۵۶)؛ کاروان خنده (۱۳۶۲)؛ کارآگاه جانی دالر (پلیسی، ۱۳۶۲)؛ ردی وری (اشـعار فکاهی، ۱۳۶۲)؛ دنیا می‌خندد (۱۳۶۲)؛ آیین نگارش (۱۳۶۵)؛ نه ماه و نه روز (مسائل آبسـتنی، ۱۳۶۵)؛ ارواح و اشـباح (۱۳۶۵)؛ همه بخنـدیم (۱۳۶۹)؛ تنظیم خـانواده (۱۳۶۹)؛ وامـق و عـذرا (متـن قرن دوازدهـم، ۱۳۶۹)؛ سرگذشـت‌ها (۱۳۷۰)؛ لکه‌های ننگ بر دامان تاریخ.

وی شاعری غزل‌سرا و فکاهی‌ساز بود، اما شهرتش بیشتر برای فکاهی‌سرایی اوست.

(تو ۱۲۹۹ ش)، مـدرس و نویسـنده. در کرمانشاهان متولـد شـد، در کودکی با خانواده‌ی خود به مشـهد مقـدس مهاجرت کرد و در آنجا دوره‌ی مقدماتی و متوسـطه را گذراند و به شـغل آموزگاری پرداخت. بعدها به تهران آمد و تحصیلات خود را در دانشکده‌ی ادبیـات به پایان رسانـد و در دبیرسـتانهای تهران مشـغول خـدمت شـد. از آثار وی: «احوال و افکار منتخبات اشـعار عرفی شـیرازی»؛ «ساده‌ترین راهنمای زبان فارسی»؛ «کنت مونت کریستو»، ترجمه.[۱]

(۱۳۷۲ –۱۲۹۹ ش)، شاعر. متخلص به شایان. وی در کرمانشاه متولد شد، در کودکی به اتفاق خانواده به مشهد کوچ کردند و او در آن شـهر تحصـیلات ابتـدایی و متوسط را به پایان رسانیـد، به اسـتخدام وزرات فرهنگ درآمـد و به شـغل آموزگاری پرداخت و در روزنامه‌های مشـهد و تهران، آثار و اشـعار خود را به چاپ رسانید. وی بیشتر اشـعار طنز و فکاهی خود را با امضاهای مستعاری مثل: شبکور، یـارو، آقـا معلم، سر خلوتیـان، آقا معلم و غیره انتشار می‌داد و مطالب و برنامه‌های صـبح جمعه رادیو ایران را می‌نوشت. از آثارش: «راهنمای زبان فارسی»؛ «در راه پیروزی»؛ «نغمه‌های صحرا»؛ تصحیح «دیوان» عرفی؛ «تمبر شناسی».[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :

[۱] مؤلفین کتب چاپی (۵۴۹ –۵۴۸/ ۱).

[۲] الذریعه (۵۰۴/ ۹)، طنزآوران امروز ایران (۲۴۶ –۲۴۲)، سخنوران نامی معاصر (۱۹۰۸ –۱۹۰۴/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۴۹۳).

شهریاری، پرویز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پرویز شهریاری درسال ۱۳۴۲ در آبادان دیـده به جهان گشود. ایشان تحصـیلات خود را در رشـته علوم تجربی آغاز نمود و بعـد از دوره متوسـطه ، کارشناسـی رشـته پژوهشگری علوم اجتماعی و کارشناسی ارشد در رشته جامعه شناسی را برای خود برگزید. ایشان دانشجوی دکتری رشته علوم ارتباطات می باشد. وی در گروه پژوهشی تحلیل اطلاعات شروع به فعالیت کرد و در حال حاضر عضو هئیـت علمی از سـال ۱۳۷۹ می باشـد. از ایشـان مقالاـت و کتابهـای بـه چـاپ رسـیده است.گروه : علـوم انسانیرشـته : علـوم ارتباطاتتحصیلات رسمی و حرفه ای : دیپلم — علوم تجربی —۱۳۶۲ لیسانس — پژوهشگری علوم اجتماعی — دانشگاه تهران — ۱۳۷۲ فوق لیسانس —جامعه شناسـی — دانشگاه شیراز — ۱۳۷۷ دانشـجوی دکتری رشـته علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائیمشاغل و سمتهـای مورد تصـدی : –دبیر شورای پژوهش مرکز(۱۳/۶/۱۳۸۱ تا ۱۳/۶/۱۳۸۲) –معاون امور کمیسـیونهای دبیرخانه شورای عالی اطلاع رسانی(۲/۹/۱۳۸۲) – کارشـناس هیـات امنـا منطقـه دو پژوهشـی(–۲۵/۱/۸۶–/۱۱/۱۳۸۰) – کارشـناس گروه علـوم انسـانی– معـاونت پژوهشـی وزارت علوم، تحقیقـات و فناوری(۱۳۷۱–۱۳۷۲) – رئیس دفتـر ریـاست, روابـط عمـومی و امور بین الملـل مرکز (اردیبهشت ۱۳۷۲–۱/۵/۱۳۸۱) – رئیس امـور اداری و مـالی مرکز – دبیر شـورای مـدیران مرکز – دبیر نظـام پیشـنهادهای داخلی مرکز(۱۱/۲/۱۳۷۹ تا ۱/۵/۱۳۸۱) –عضو کمیته بررسـی و ارزیابی نظام پیشنهادهای داخلی (۹/۴/۱۳۸۳ –۲۹/۱۲/۸۵) –عضو شورای پژوهش مرکز(۳/۲/۱۳۸۰ – ۱/۵/۱۳۸۱)(۱/۴/۱۳۸۲–۱۰/۷/۸۶) –مـدیر گروه پژوهشـی تحلیـل اطلاعـات(۱/۴/۱۳۸۲ – ۱۰/۷/۸۶) فعالیتهـای آموزشـی : ۱– آمـوزش زبـان انگلیسـی – کـانون زبـان ایران – ۱۳۷۷_۱۳۷۹ ۲– آمـوزش ویرایش و نگـارش – جهـاد دانشگاهی دانشگاه تهران – ۱۳۷۹ ۳– دوره آموزش همایش ملی نظام مدیریت مشارکتی – مرکز آمزش مدیریت دولتی – شـهریور

۱۳۸۰ ۴- سمینار آموزشی نقش تبلیغات و روابط عمومی در توسعه فروش و افزایش سهم بازار - مرکز آموزش و پژوهش صنایع ایران - آذر ۱۳۷۹ ۵- کارگاه آموزشی پژوهش الکترونیکی(e-research) - کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران - شهریور ۱۳۸۴ ۶- دوره آموزشی نظام پیشنهادها ویژه مدیران پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران - ۱۷/۲/۸۵ تا ۲/۳/۸۵ -پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران ۷- آموزش زبان انگلیسی - موسسه آموزشی علوم و فنون کیش - (۵/۸۵/ - ۲/۸۶/) ۸- مبانی جامعه شناسی - دانشگاه آزاد اسلامی (تهران مرکز) ۱۳۷۶-۱۳۷۷سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پرویز شهریاری مجری پروژهای زیر می باشد: ۱-تحلیل استنادی مقالات نشریه علوم اطلاع رسانی(۱۳۸۱-۱۳۵۱)-مجری-۱۳۸۲-مرکز اطلاعات و مدارک علمی کشور ۲- ارزیابی اولین سمینار بررسی نقش اطلاع رسانی در تحقیق و توسعه — مجری — ۱۳۷۲ — مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران ۳- ارزیابی نظرات مجریان طرح غدیر- مجری — ۱۳۷۸ — مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران ۴- تدوین فهرست کتابشناختی کتابهای منتشره مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران از آغاز تا ۱۳۸۱- مجری - ۱۳۸۱- مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران ۵- طراحی الگوی گزارش گیری آماری نظام پیشنهادهای داخلی مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران -مجری - ۱۳۸۱-مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران ۶- گزارش آماری عملکرد نظام پیشنهادهای داخلی مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران(۱۳۷۹ و ۱۳۸۰) - مجری - ۱۳۸۱ - مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران ایشان به عنوان ناظر پروژه های زیر فعالیت داشته است: ۱-بررسی میزان رعایت استاندارد ISO در پایان نامه های دانشگاههای کشور-ناظر-۱۳۸۴-پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی کشور ۲- طراحی سیستم روابط عمومی — ناظر- ۱۳۷۸- مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران ۳- ایجاد بانک اطلاعات و پایگاه اطلاع رسانی نسخ خطی ایران -ناظر - ۱۳۸۳ - دبیرخانه شورای عالی اطلاع رسانی ۴- ایجاد پایگاه اطلاعات تمام متن و آرشیو الکترونیکی اسناد و مدارک دبیرخانه شورای عالی اطلاع رسانی - ناظر - ۱۳۸۳ - دبیرخانه شورای عالی اطلاع رسانی و همچنین با پروژه های زیر همکاری داشته: ۱- طراحی الگوی تحلیل اطلاعات پایان نامه ها و رساله ها - همکار -۱۳۸۶ - ۱۳۸۵ - پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران ۲- طراحی پایگاههای وب دستگاههای دولتی(اطلاعات و ارتباطات پایه) - همکار - ۱۳۸۶ - پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران - (در حال انجام) چگونگی عرضه آثار : پرویز شهریاری ۶مقاله برای شرکت در سمینارها و انتشار در فصلنامه کتاب و همچنین ویراستاری ۸ کتاب از آثارشان می باشد. ایشان گزارش های علمی از جمله : ۱- گزارش عملکرد شورای پژوهش مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران (۱۳۷۶-۱۳۷۷) - مجری - ۱۳۷۸ - مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران ۲- طراحی چند الگوی آماری عملکرد نظام پیشنهادهای داخلی و اجرای آن برای سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰- مجری - ۱۳۸۴ - پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران را انجام داده است.آثار : گزارش چکیده پروژه های کلیدی برنامه توسعه و کاربری فناوری ارتباطات و اطلاعات ایران(تکفا) ویژگی اثر : ویرایش دوم - تهیه و تنظیم: نصرالله جهانگرد/محمدجعفر صدیق/خسرو سلجوقی/حجت سلیمانی ملکان/پرویز شهریاری - دبیرخانه شورای عالی اطلاع رسانی - ۱۳۸۴۳ واژه نامه مقایسه ای اختلافات املایی انگلیسی آمریکایی و بریتانیایی ویژگی اثر : اسماعیل اکبری و پرویز شهریاری - پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران - ۱۳۸۵

شهریاری، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید شهریاری

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱۰/۱

زندگینامه علمی

حمید شهریاری، در دی ماه ۱۳۴۲ در تهران بدنیا آمد. تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان خوارزمی (شریعتی) میدان بهارستان گذراند و در سال ۱۳۶۰ با بالاترین معدل کتبی بین دانش‌آموزان سه کلاس ریاضی فیزیک، دیپلم گرفت. وی همان سال به حوزه علمیه قم رفت و دروس سطح حوزه را در مدت شش سال به پایان رساند. او در این سالها در پایه هفتم حوزه (رسایل و مکاسب) شاگرد اول شد و از دست آیات عظام وقت و حضرت امام -قدس سره- جوائزی دریافت کرد. وی در کنار تحصیل، به تدریس دروس حوزوی شامل ادبیات، منطق، کلام، فقه و اصول اشتغال داشت و پس از طی دوره آموزشی سطح، به مدت ده سال در درس خارج فقه و اصول استادانی همچون آیهٔ الله سید کاظم حائری و مرحوم آیهٔ الله شیخ جواد تبریزی، به طور مستمر شرکت کرد. از همان ابتدا به درس منطق و فلسفه علاقه داشت.

در همین سالها با مسافرت یک ساله به کشور نیوزلند با دنیای غرب آشنا شد و پس از بازگشت از سفر ضمن ادامه دروس حوزه. به مطالعه و تحقیق در علوم عقلی جدید از جمله کلام جدید، فلسفه اخلاق، فلسفه دین، منطق جدید، الهیات مسیحی و یهودی و علوم وابسته به آنها در بنیاد باقر العلوم- علیه السلام- همت گماشت. همزمان در دانشگاه تربیت مدرس قم پذیرفته شد و کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی را با نگارش رساله‌ای با عنوان «شورا در فتوا» به پایان رساند. این اثر بعدها به عنوان پژوهش برتر در حوزه دین نائل شد. شهریاری از سال ۱۳۷۵ مدیریت مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی قم را بر عهده دارد. نور الانوار نام یکی از دهها نرم‌افزار تولیدی این مرکز است که در سال ۱۳۷۸ رتبه دوم تحقیقات کاربردی را در جشنواره خوارزمی بدست آورد.

شهریاری، دکترای فلسفه تطبیقی را در دانشگاه قم گذراند و با سفری یک ساله به عنوان دانشجوی مدعو در دانشگاه منچستر به سال ۱۳۸۱ به نگارش اثر فلسفه اخلاق در تفکر غرب از دیدگاه السدیر مک‌اینتایر، دست یازید، که کتاب برتر دانشگاهی سال ۸۵ شد. او ریاست مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی (سازمان سمت)، مدیریت شبکه اطلاع‌رسانی (اینترنت) حوزه و دبیری شورای عالی اطلاع رسانی کشور را نیز در کارنامه اجرایی خود دارد. استاد شهریاری به عربی مسلط است و به روانی به انگلیسی سخن می‌گوید.

شهریاری، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید شهریاری

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

حمید حوالی شهریاری، در دی ماه ۱۳۴۲ در تهران بدنیا آمد. تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان خوارزمی (شریعتی) میدان بهارستان گذراند، در سال ۱۳۶۰ با بالاترین معدل کتبی بین دانش‌آموزان سه کلاس ریاضی فیزیک، دیپلم گرفت. همان سال به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و دروس سطح حوزه را طی مدت شش سال به پایان رساند. او در این سالها در پایه هفتم حوزه (رسایل و مکاسب) شاگرد اول حوزه شد و از دست آیات عظام وقت و حضرت امام – قدس سره– جوائزی دریافت کرد. در کنار تحصیل به تدریس دروس حوزوی شامل ادبیات، منطق، کلام، فقه، و اصول اشتغال داشت. پس از طی دوره آموزشی سطح، به مدت ده سال در درس خارج فقه و اصول اساتیدی همچون آیهٔ الله سید کاظم حائری، و مرحوم آیهٔ الله شیخ جواد تبریزی، به طور مستمر، شرکت کرد. از همان ابتدا به درس منطق و فلسفه علاقه داشت. در همین سالها با مسافرت یک ساله به کشور نیوزلند با دنیای غرب مواجه شد و پس از بازگشت از سفر ضمن ادامه دروس حوزه به مطالعه و تحقیق در علوم عقلی جدید از جمله کلام جدید، فلسفه اخلاق، فلسفه دین، منطق جدید، الهیات مسیحی و یهودی و علوم وابسته به آنها در بنیاد باقر العلوم– علیه السلام– همت گماشت. همزمان در دانشگاه تربیت مدرس قم پذیرفته شد و کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی را با نگارش رساله‌ای با عنوان شورا در فتوا به پایان رساند. این اثر بعدها به عنوان پژوهش برتر در حوزه دین نائل آمد. از سال ۱۳۷۵ مدیریت مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی قم را بر عهده دارد. نور الانوار نام یکی از دهها نرم‌افزار تولیدی این مرکز است که در سال ۱۳۷۸ رتبه دوم تحقیقات کاربردی را در جشنواره خوارزمی بدست آورده است. دکترای فلسفه تطبیقی را در دانشگاه قم گذراند. با سفری یک ساله به عنوان دانشجوی مدعو در دانشگاه منچستر به سال ۱۳۸۱ به نگارش اثر فلسفه اخلاق در تفکر غرب از دیدگاه السدیر مک‌اینتایر، دست یازید، که کتاب برتر دانشگاهی سال ۸۵ و نیز کتاب سال فلسفه جمهوری اسلامی ایران در سال ۸۵ شد. او ریاست مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی (سازمان سمت)،معاون پژوهشی آن سازمان ، مدیریت شبکه اطلاع‌رسانی (اینترنت) حوزه و دبیری شورای عالی اطلاع‌رسانی کشور را نیز در کارنامه اجرایی خود دارد. او به عربی مسلط است و به روانی به انگلیسی سخن می‌گوید.

شهریاری، سهراب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زمین‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زمین‌شناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۹، کارشناسی ارشد زمین‌شناسی از دانشگاه اولانگن آلمان در سال ۱۳۴۴، دکترای زمین‌شناسی از دانشگاه گراتس اتریش در سال ۱۳۴۸، فوق تخصص انرژی ژئوترمال و ژئوشیمی از دانشگاه کیوشو ژاپن در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

جغرافیای عمومی منطقه کرج، تدریس دروس زمین‌شناسی ساختمانی، تکتونیک ۱ و ۲ و ۳، زمین‌شناسی اقتصادی، زمین‌شناسی فیزیکی در دانشگاه شهید بهشتی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

زمین‌شناسی ساختمانی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

روش جدید در تحقیقات زمین‌شناسی منطقه‌ای- دیرینه بویی، توسعه و تکامل دوران اول زمین‌شناسی در خاور نزدیک.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

شهریکندی، کریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علم دینی.

تولد: ۱۳۰۵، روستای قاجر (اطراف مهاباد).

شهادت: ۲ فروردین ۱۳۶۱، مهاباد.

ملا کریم شهریکندی مقدمات را تا سیزده سالگی از پدر آموخت. پس از فوت پدر، به منظور ادامه‌ی تحصیل همراه برادرش ملا علی از شهریکند به روستای قروچا رفت و در آنجا در محضر ملا شیخ عمر مدرس به آموختن علوم اشتغال ورزید، چندی بعد نیز درسش را در قریه قراگوز ادامه داد. استادان او عبارت بودند از: ملا سید حسن مدرس روستای باغچه له‌ر؛ ملا عبدالله محمدی امام جمعه سقز؛ ملا علی بوغده کندی (از فضلای بوغده کند)؛ ملا شیخ حسن شیخی عارف روستای شیلخر و ملا علی ولزی استاد روستای حمامیان از توابع بوکان. در سال ۱۳۱۸ به حوزه‌های علمی مهاباد روی آورد و مدت یک سال از محضر ملا صدیق صدقی استفاده علمی نمود و بالاخره تحصیلات عالیه خود را در خدمت ملا حسین مجدی در مسجد بازار به پایان رسانید و اجازه‌نامه‌ی خود را از او دریافت نمود. در سال ۱۳۲۱ به امامت و تدریس قریه خلیفه لیان از توابع سلدوز نقده انتخاب شد و به آنجا رفت. مدتی بعد از طرف اهالی نقده به امامت و خطابت اهالی سنی نقده تعیین شد و به آن شهرستان رفت. اما پس از چند ماه به اصرار و استدعای اهالی خلیفه لیان برای بار دوم به آن قریه مراجعت کرد.

در سال ۱۳۳۱ به مهاباد رفت و مقیم شد، بلافاصله به عنوان مدرس مدرسه علوم دینی و امام جماعت مسجد مولوی از طرف اهالی مهاباد برگزیده شد و به تدریس مشغول شد. وی مدت بیست سال به تدریس در مدرسه علوم دینی و در دبیرستان‌ها مشغول بود و دانشجویان در تهیه و تنظیم پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی و دکترای ادبیات فارسی و عربی و حقوق و الهیات از او کمک می‌گرفتند. او با مراکز علمی دنیای اسلام مخصوصا دانشگاه الزهراء در قاهره ارتباط داشت. و حتی از طرف این دانشگاه جوایزی به او اهدا شد. وی بر زبان و ادبیات عربی و کردی و فارسی تسلط داشت، مخصوصا در تفسیر قرآن و تاریخ ایران و اسلام صاحب نظر بود.

وی سرانجام ساعت یک بعدازظهر روز دوشنبه دوم فروردین ۱۳۶۱ هنگامی که پس از ادای نماز ظهر از مسجد مولوی خارج می‌شد، به سبب اصابت سه گلوله به پیکرش شهید گردید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شهسوار

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۰۸ ق)، خطاط. از آثار وی یک نسخه «بوستان» سعدی در موزه‌ی ملی دهلی است که برای سلطان ناصر شاه بن غیاث شاه بن محمود شاه خلجی نوشته شده و چهل و سه تصویر با رقم «عمل مصور محمود» دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :هنر عهد تیموریان (۷۶۷ -۷۶۶).

شهشهانی اصفهانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۹/۱۲۸۷ ق)، عالم، فقیه، اصولی و شاعر امامی. وی از محله‌ی شهشهان اصفهان بود به همین جهت به شهشهانی مشهور شده بود. از معاصرین صاحب «جواهر» و شیخ مرتضی انصاری و از شاگردان صاحب «ریاض» و فاضل اردکانی و سید مجاهد و

حاجی کلباسی بود. میرزا محمدحسن شیرازی و سید محمدباقر خوانساری، صاحب « روضات الجنات»، و دیگران از شاگردان وی بودند. در عصر خود ریاست حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان را بر عهده داشت و تدریس و فتوی آن شهر منحصر به او بود. وی در تخت فولاد اصفهان مدفون است از آثار وی: «الارجوزه الفقهیه»؛ «انوار الریاض» که حاشیه‌ی «ریاض المسائل» استادش، در هشت مجلد؛ «جامع السعاده» که رساله‌ی عملیه اوست؛ «جنه الماوی» که منظومه‌ایست در فقه، «العروه الوثق»، در فقه؛ «الغایه القصوی»، در اصول؛ «انیس المتقین»، در گناهان کبیره؛ حاشیه بر «قوانین» به نام «رضوان الاملین»، در دو مجلد؛ «عیشه الراضیه»، در فقه شیعه، به فارسی؛ «منظومه» عربی در مراثی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۸۱/۹)، تذکره القبور (۴۸۸ –۴۸۷)، الذریعه (۳۶۴/۱۵، ۲۴۰/۱۱، ۴۲۷/۲)، ریحانه (۲۷۵/۳)، فوائد الرضویه (۵۵۰)، الکنی و الالقاب (۳۷۷ –۳۷۶ /۲)، معجم المؤلفین (۱۷۲/۱۰)، هدیه الاحباب (۱۶۵).

شهشهانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به سیّد الاسلام، فرزند [سید ابوالحسن بن]سید ابراهیم بن سید عبدالصمد حسینی. عالم فاضل، از علمای متنفّذ اصفهان، و امام مسجد صفا در محلّه شهشهان بود.

در ۲۵ محرّم سال ۱۳۵۷ وفات یافته، در داخل بقعه ی میر سید محمّد شهشهانی، عمّ امجد خود مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفاتش را چنین گفته‌اند:

خواست چو تاریخ فوت بانوی محزونه گفت

شد سوی جنّت روان سیّد اسلامیان

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

شهشهانی، ضیاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید فاضل خطاط. در ۱۳۰۴ کتاب «آب زندگانی»، ترجمه‌ی کتاب «رجوع الشیخ الی صباه» را به خط زیبای خود نوشته، و به طبع رسانیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شهشهانی، عبدالحسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۱۵ –۱۲۳۱ ش)، شاعر، متخلص به نیسان. وی از اعقاب سید قطب‌الدین و سید علاالدین بود. در اصفهان متولد شد و پس از طی تحصیلات مقدماتی به نجف اشرف رفت و سالها در آنجا به تکمیل تحصیلات خویش پرداخت. وی بعد از بازگشت به ایران در مشهد به تالیف و تحریر «رساله‌ی جمع کلام» همت گماشت و آن را در روزنامه‌ی ادب انتشار داد. وی بعد از عزیمت به هند در کلکته رساله‌ی «سیر تمدن» را نوشت و در روزنامه‌ی حبل‌المتین به چاپ رسانید. شهشهانی در آغاز مشروطیت به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید و بعد از واقعه‌ی به توپ بسن مجلس ابتدا در مشهد و سپس در همدان اقامت گزید. وی از اعضای انجمن ادبی همدان بود. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۴۱۴/۲)، الذریعه (۱۲۴۳ –۱۲۴۲ /۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۷۸۵ –۳۷۸۲ /۶)، فرهنگ سخنوران (۹۶۳).

شهلای یزدی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۲۶۰ ق)، شاعر و عالم، متخلص به شهلا. وی از بزرگان سادات طباطبایی و از سلسله‌ی مدرسان و از شاعران برجسته روزگار خود بود. از آثار وی: «تذکره‌ی شبستان» که ذیلی بر «آتشکده‌ی آذر» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسـی (۲۵۵ -۲۵۰ /۱)، تذکره سـخنوران یزد (۱۷۲)، حدیقه الشـعراء (۹۲۳ -۹۲۲ /۲)، الذریعه (۵۵۹/۹).

شهمیرزادی، آقابابا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۲۴۷ ق)، عالم و خطاط. با خط زیبایش کتاب «درّة الغواص فی اوهام الخواص» قاسم بن علی بن عثمان حریری بصری را نوشته و در ۱۲۴۷ ق از کتابت آن فراغت یافته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقت اعلام الشیعه (قرن ۱۶۰ /۱۳)، کشف الظنون (۷۴۱).

شهنی کرمزاده، امیرعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی در زمینه ریاضی، متخصص در حلقه‌های ناجابه‌جایی.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده علوم دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ریاضـی، حلقه‌هـای ناجابجـایی در ریاضـی، مـدولها بـا مولـد نامتناهی، ارتباط خواص توپولوژیکی یک فضای توپولوژی با خواص جبری حلقه توابع پیوسته روی آن، استاد راهنمای ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۹

زمینه علمی مقالات:

ریاضی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

شهود، ابوالمکارم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۷۳ ق)، شاعر. از آثار وی: دو مثنوی از وی باقی مانـده است. «پریخانه سـلیمان با بلقیس و سـلیمان»؛ «بدیع الجمال و سـیف الملوک».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :منظومه‌های فارسی (۳۵۲ -۳۵۱).

شهودی سبزواری، حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۰ ق)، شاعر. اصل وی از سبزوار است و چندی در اصفهان زیست و به همین جهت به سبزواری و اصفهانی شهره شد. وی در رمل استاد بود و مردی دانشمند و خوش مشرب که غزل و رباعی را نیکو می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریـخ نظم و نثر (۵۳۷)، تـذکره‌ی روز روشن (۴۴۸)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۹۴ -۲۹۳)، الذریعه (۵۶۰/۹)، صبح

گلشن (۲۳۹)، فرهنگ سخنوران (۵۲۳) مجمع‌الخواص (۳۱۱)، هفت اقلیم (۲۹۲ -۲۹۱ /۲).

شهودی لاهیجی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۲۷ ق)، شاعر. از شاعران لاهیجان و معاصر قاضی یحیی لاهیجی، شاعر آن دیار بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۴۰ -۸۳۷ /۲)، تذکره‌ی روز روشن (۴۴۸)، الذریعه (۵۶۰/۹)، نامها و نامدارهای گیلان (۲۸۴).

شهودی یزدی، محمدعلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به شهودی. وی در زمان جلال‌الدین اکبرشاه به هند سفر کرد و درباریان وی را بزرگ داشتند از او یک مثنوی به وزن «حدیقه» سنایی به نام «عدم نامه» سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۸۳)، تذکره‌ی روز روشن (۴۴۸)، تذکره سخنوران یزد (۱۷۵)، الذریعه (۵۶۰/۹)، فرهنگ سخنوران (۵۲۳)، کاروان هند (۶۶/۱)، منظومه‌های فارسی (۳۵۲).

شهید بلخی، ابوالحسن شهید

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۲۵ ق)، متکلم، حکیم، شاعر و خطاط. معاصر رودکی، به فارسی و عربی شعر می‌گفت وی از بزرگان و متکلمین و حکمای عهد خود و در علوم اوایل استاد بود وی با رازی نیز مناظراتی داشت و هر یک بر دیگری نقضی و ردی داشته‌اند. اسم او را سهیل و علی نیز نگاشته‌اند. وی در خط نیز استاد بود و فرخی او را بدین هنر ستود. عوفی نظم اشعار عربی را به وی نسبت داده و قطعه‌ای از او به تازی نقل کرده است. وی در استادی هم‌ردیف و همانند رودکی بود و علی‌الخصوص غزلهای وی شهرت داشت بنا به نقل یاقوت حموی وی با ابوزید احمد بن سهل بلخی معاصر بود و با او ارتباط داشت از جمله ممدوحان شهید، نصر بن احمد سامانی و ابوعبداللّه محمد بن احمد جیهانی را می‌توان نام برد. گذشته از شاعری در علوم فلسفی مهارت داشت و با محمد بن زکریا مباحثاتی کرده. رودکی او را مرثیه گفته است و او را شاعر علی‌الطلاق خوانده است و حدود صد و دو بیت شعر از وی در کتابهای لغت و تذکره به جای مانده است.[۱]

(بخش ۱) بلخی. ابوالحسن شهید بن حسین جهودانکی بلخی شاعر و متکلم و حکیم قرن چهارم ه. (ف. ۳۲۵ ه.ق.) او را با ابوبکر محمد بن زکریای رازی مناظراتی بوده و هر یک بر دیگری نقضی وردی داشته است. شهید در خط نیز استاد بود و اشعار عربی هم می‌سرود. وی از بلخ به چغانیان نزد ابوعلی محتاج رفت و از جمله ممدوحان او نصر بن احمد سامانی و ابوعبداللّه محمد بن احمد جیهانی را ذکر کرده‌اند. رودکی در رثای او قطعه‌ای سروده. شهید مانند رودکی نزد شعرای بعد از خود مورد احترام بوده و او را در ردیف رودکی قرار داده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۳۹۳ -۳۸۹ /۱)، تاریخ ادبی ایران (۶۶۳/۱)، تاریخ نظم و نثر (۲۱)، تذکره‌ی روز روشن (۴۴۹)، دایرةالمعارف فارسی (۱۵۱۹/۲)، الذریعه (۵۶۱ -۵۶۰ /۹)، ریحانه (۲۷۸/۳)، سخن و سخنوران (۱۸ -۱۶)، سیری در شعر فارسی (۲۲۱ -۲۲۰)، شاعران بی‌دیوان (۳۷ -۲۶)، شخصیتهای نامی (۲۶۹ -۲۶۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱/۴)، فرهنگ سخنوران (۵۲۳)، الکنی و الالقاب (۳۹۱/۲)، گنج سخن (۱۷ -۱۵ /۱)، لباب الالباب (۵ -۳ /۲)، لغت نامه (ذیل/ ابوالحسن)، مجمع الفصحاء (۸۰۴ -۸۰۳ /۱)، معجم المؤلفین (۳۱۰/۴)، هفت اقلیم (۶۰ -۵۹ /۲).

شهید ثالث، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شهید حاج ملا محمدتقی برغانی که از علماء بزرگ عالم تشیع بوده و در امر فقاهت و بحث ید طولائی داشته.

و بالنتیجه در اثر بحث با مخالفین در سال ۱۲۶۳ قمری در محراب مسجدی که خود آن مرحوم در قزوین بنا کرده بود (به نام مسجد جامع صغیر) و از مساجد معظم شهرستان قزوین بوده و خودش در آن مسجد اقامه جماعت می‌نموده است در موقع اذان صبح به

تحریک فرقه ضاله بابیه و پیروان شیخ احمد احسائی به شهادت رسید در سال ۱۲۶۴ قمری.

و قبر آن مرحوم در جنب مزار حضرت شاهزاده حسین بن علی بن موسی‌الرضا (ع) می‌باشد و روی ارادتی که مردم قزوین به آن عالم جلیل‌القدر داشتند مقبره مجللی بنا کردند و فعلا هم مزار او مورد توجه عموم اهالی شهرستان قزوین و علاقمندان به فضل و علم و روحانیت می‌باشد.

آن بزرگوار دارای ده پسر بوده‌اند که تمامی از علماء مبرز و دانشمندان بافضیلت قزوین به اسامی زیر بوده‌اند.

۱- حجهٔالاسلام والمسلمین آقا محمد امام جمعه ۲- حجهٔالاسلام والمسلمین آقا عبداللّه امام جمعه ۳- حجهٔالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ صادق معروف به حاج مجتهد ۴- حجهٔالاسلام آقا میرزا ابوالقاسم ۵- حجهٔالاسلام مرحوم آقا شیخ کاظم ۶- ثقهٔالاسلام آقا میرزا محمود ۷- ثقهٔالاسلام آقا شیخ جعفر ۸- ثقهٔالاسلام مرحوم آقا شیخ باقر ۹- ثقهٔالاسلام آقا تقی ۱۰- حجهٔالاسلام والمسلمین آیت‌اللّه حاج شیخ عیسی. اعقاب آن مرحوم در قزوین و تهران و برغان و کربلا و حله بسیارند آثار خیر ایشان در قزوین مسجد آن مرحوم است که به نام مسجد شهیدی معروف است و مرحوم آقا شیخ مرتضی امام جمعه و مرحوم آقای حاج شیخ عبدالحسین امام جمعه در آن اقامه نماز جمعه و جماعت می‌نمودند و فعلا حفید آنجناب حجهٔالاسلام والمسلمین حاج شیخ عبداللّه امام جمعه در آن اقامه جمعه و جماعت می‌نمایند آثار علمی شهید ثالث از این قرار است.

۱- عیون‌الاصول ۲ جلد ۲- منهج‌الاجتهاد فقه استدلالی دوره کامل ۲۴ جلد ۳- شرح بر شرح لمعتین ۱ جلد ۴- رساله‌ای در نماز جمعه ۵- رساله‌ای در دیات ۶- مجالس المتقین.

مرحوم شهید اجازات عدیده‌ای از فقهاء مراجع بزرگ خود داشتند که برخی از آن را می‌نگارم ۱- اجازه به خط العلامه خریت الفقاهه شیخ جعفر النجفی صاحب کتاب کشف‌الغطاء ۲- اجازه به خط العلامهٔ الفقیه السید محمد بن العلامهٔ صاحب الریاض و هوالمعروف بالسید المجاهد.

۳- اجازه به خط محقق الشهیر به علامهٔ بن مرحوم آقا میرزا ابوالقاسم صاحب قوانین.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شهید شیرازی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. به خط وی، یک نسخه «روضه الصفا»، به قلم کتابت خفی و دو دانگ متوسط نوشته شده و در بمبئی به سال ۱۲۷۱ ق، به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۸۶/۳).

شهید شیرازی، عبداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۲۷۰ ق)، شاعر و طبیب و خطاط، متخلص به شهید. از بزرگ‌زادگان شیراز بود و در نوشتن اقسام خطوط بویژه نسخ و نستعلیق مهارت داشت. وی به طبابت اشتغال داشت. در شاعری از تربیت یافتگان و شاگردان وصال بود و در سرودن غزل توانا. وی در صحن سید علاءالدین حسین مدفون است. از آثار وی «دیوان» اشعار در حدود پنج هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۶۰)، حدیقه الشعراء (۹۲۵ -۹۲۴ /۲)، الذریعه (۵۶۱/۹)، مرآت الفصاحه (۳۳۴ -۳۳۳).

شهید نورایی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۰ -۱۲۹۱ ش)، استاد دانشگاه و نویسنده. بعد از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه به فرانسه رفت و در دانشکده‌ی پاریس به درجه دکتری نایل شد و به ایران بازگشت و در رشته اقتصاد مشغول تدریس شد. در سال ۱۳۲۶ ش در وزارت اقتصاد ملی به سمت مستشاری و وابسته‌ی بازرگانی دولت ایران در کشورهای اروپای غربی منصوب شد و مشاغل دیگری را نیز عهده‌دار بود. از آثار وی: «تاریخ عقاید اقتصادی»؛ «خاموشی دریا».[۱]

در ۱۲۹۱ تولد یافت. پس از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه به فرانسه عزیمت کرد و دکترای اقتصاد از دانشگاه پاریس گرفت و در ۱۳۱۷ به تهران بازگشت و کار خود را با دانشیاری در دانشکده حقوق آغاز کرد. پس از چندی به مقام استادی رسید و کرسی تاریخ عقاید اقتصادی به او تعلق گرفت. در ۱۳۲۶ از طرف دولت ایران با سمت وابسته‌ی بازرگانی در اروپای غربی به اروپا اعزام شد و مدتی در آنجا بود. در سالهای ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹ در کابینه‌های ساعد و سپهبد رزم‌آرا به سمت وزیر کار معرفی گردید ولی این

شغل را نپذیرفته و از آمدن به ایران اعراض نمود.

شهید نورائی با صادق هدایت حشر و نشر زیادی داشت، از مریدان و معتقدان او بود. مخصوصا در سالهای ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹ که هدایت به اروپا رفت، تقریبا تمام ایام را با هم سر می‌کردند. تحت‌تاثیر عقاید و افکار هدایت قرار گرفته بود. در سال ۱۳۳۰ که صادق هدایت دست به خودکشی زد، شهید نورائی نیز پس از چند روز با داشتن زن و فرزند، خودکشی کرد. حین‌الفوت ۳۹ سال داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] مؤلفین کتب چاپی (۵۷۶/۲).

شهیدای قمی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. مرد درویشی بود، به اصفهان و بعد به هند مسافرت کرده و در آنجا نیز فوت شد. از اشعار اوست:

چون شعله ز آتش دل خود سرکشیده‌ام

آن آتشم که از دل آتش دمیده‌ام

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۶۷)، کاروان هند (۶۶۲/۱).

شهیدای لاهیجی، محمدهاشم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، شاعر سخن‌پرداز و خوش بیان از سادات لاهیجان بود که بسیار سفر کرده و از صحبت اهل حال فیض وافر بود. از آثارش «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۵۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۵۰)، الذریعه (۵۶۱/۹)، ریحانه (۲۹۰/۳)، فرهنگ سخنوران (۵۲۴).

شهیدی بختیاری

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. از لرهای بختیاری بود. به کسب دانش پرداخت و به تهران آمد. طبع شعری داشت. به مداحی محمدشاه قاجار پرداخت. از اوست:

زمستان درگذشت و فصل خرم نوبهار آمد

شکفت و تازه شد بستان درخت گل به بار آمد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۶۱/۹)، مجمع الفصحا (۵۳۲ – ۵۳۰ /۵).

شهیدی پور، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا شهیدی پور

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۷ هجری شمسی در یک خانواده روحانی در شهرستان قم دیده به دنیا گشودم تحصیلات ابتدایی را در دبستان ملی مسعود گذراندم و در بیشتر سالها شاگرد نمونه کلاس بودم پس از گذراندن ششم ابتدایی با تشویق پدرم که روحانی برجسته‌ای

است در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه‌ی علمیه قم شدم و در مدرسه علمیه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی مشغول به تحصیل ادبیات و زبان عربی و دروس مقدماتی حوزه گردیدم. از همان دوران تحصیلات حوزوی اشتیاق فراوانی نسبت به قرائت و حفظ قرآن کریم در خویش یافتم و در کنار تحصیل به فراگیری فنون قرائت و حفظ قرآن پرداختم و به فضل الهی موفق به حفظ کل قرآن کریم در مدت چهار سال (۱۳۵۲ ـ ۱۳۵۵) شدم و در مدارس حوزه به تدریس فنون قرائت قرآن پرداختم. ضمناً در جلسات قرائت قرآن نیز به تدریس قرائت و مفاهیم قرآن به جوانان مشغول بودم.

در سال ۱۳۵۶ در مسابقات حفظ و قرائت قرآن که در سطح شهرستان قم در مسجد محمدیه سه راه موزه برگزار گردید به عنوان استاد و داور قرآن، همکاری داشته‌ام. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی(ره) که احیاگر ارزشهای قرآنی در کشور ایران و جهان اسلام بود فعالیتهای قرآنی شکل تازه‌ای به خود گرفت و فراگیر شد و با استقرار دولت جمهوری اسلامی در ایران، فعالیت‌های قرآنی در نهادهای انقلابی و حوزه و دانشگاه آغاز و رشد و توسعه یافت اینجانب نیز در نهادهایی انقلابی از جمله سپاه پاسداران، بسیج، جهاد سازندگی اوقاف و امور خیریه سازمان تبلیغات اسلامی به تدریس فنون قرائت پرداختم. در سال ۱۳۵۹ به دعوت سازمان اوقاف و امور خیریه به عنوان داور مسابقات سراسری حفظ و قرائت قرآن و سپس در سال ۱۳۶۰ در مسابقات بین‌المللی حفظ و قرائت قرآن به داوری مشغول شدم که تاکنون ادامه دارد و سابقه اینجانب در داوری مسابقات بین‌المللی بالغ بر ۲۵ سال می‌باشد سابقه تدریس اینجانب در دانشگاه از سال ۱۳۶۳ تاکنون و افزون بر ۲۲ سال می‌باشد و در دانشکده شهید محلاتی دانشگاه آزاد اسلامی قم و اراک دانشگاه قم پیام نور دانشکده علوم قرآنی قم و مجمع آموزش عالی پردیس قم به تدریس فنون قرائت مشغول می‌باشم.

اینجانب تاکنون در مسابقات قرآنی فراوانی به عنوان داور مسابقات شرکت داشته‌ام از جمله: دانشگاه آزاد (قرآن و عترت) سازمان تبلیغات، نیروهای مسلح، ارتش، نیروهای انتظامی، سپاه پاسداران، مسیج، جهاد دانشگاهی، پیام نور، بنیاد شهید، بنیاد جانبازان، تربیت بدنی، فهرستی و سازمان اداره زندانها می‌باشد. بیشترین فعالیت اینجانب در کنار تدریس فنون قرائت، تربیت مربی قرآن بوده که با همکاری برخی نهادها از جمله سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز پژوهشهای قرآن و عترت و جهاد دانشگاهی و نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها انجام شد و حاصل آن به ترتیب مربیان برجسته و متعهد در سراسر نقاط میهن اسلامی ایران می‌باشد. اینجانب موفق به تألیف چند کتاب گردیدم که هر کدام متن درسی قرائت و تجوید قرآن در حوزه علمیه و دانشگاه‌ها از جمله دانشگاه آزاد اسلامی در سراسر کشور می‌باشد از جمله کتاب روان‌خوانی و تجوید قرآن، همکاری جناب آقای علی حسینی و آموزش قرائت قرآن با همکاری آقای حسین اسدی. نوشته دیگری که به سفارش مرکز جهانی علوم اسلامی انجام شده کتاب آشنایی با اصول قرائات می‌باشد که متن درسی طلاب علوم دینی غیرایرانی قرار گرفته است.

توضیحات تحلیلی وقف و ابتداء در حاشیه مصحف به سفارش شواری عالی قرآن صدا و سیما انجام شده که در مراحل چاپ و نشر می‌باشد و برای قاریان قرآن بسیار لازم و ضروری می‌باشد. با توجه به این که عنوان درس قرائت قاریان برجسته جهانی اسلام را تهیه کرده‌ام که از جمله غنی ترین آرشیو تلاوت‌هایی قرآن در کشور به شمار می‌رود که شامل ده هزار تلاوت ۰۰۰/۱۰ می‌گردد که برخی از آنها در اختیار رادیو قرآن قرار گرفته و از آن رادیو پخش شده است این مجموعه در اختیار افرادی که در زمینه قبول قرائت تلاش می‌کنند قرار می‌گیرند و نیز در کلاسها و جلسات آموزش قبول قرائات استفاده می‌شود. اینجانب عضو شورای عالی قرآن اوقاف و امور خیریه و کارشناس تلاوت‌های قرآن در شورای قرآن صدا و سیما و عضو کمیسیون تحقق مرکز طبع و نشر قرآن کریم می‌باشم. در گروه گزینش استادان قرآن در دانشگاه آزاد اسلامی عضو بوده و در سال ۱۳۸۴ به عنوان خادم نمونه قرآن در زمینه آموزش و ترویج فرهنگ قرآنی معرفی گردیده و توسط رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران جناب آقای دکتر احمدی‌نژاد مورد تقدیر قرار گرفته‌ام که خداوند را بسیار شاکرم که توفیق خدمتگزاری به ساحت مقدس قرآن کریم را به اینجانب عنایت فرمود امید است لیاقت این عنوان را داشته باشم و از شفاعت قرآن و عترت در دو جهان بی‌بهره نباشم

شهیدی خراسانی، حبیب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا حبیب بن آیت‌اللَّه حاج میرزا هاشم شهیدی و نواده مرحوم علامه میرزا مهدی شهید از علماء بزرگ و ادباء عالیقدر مشهد مقد است وی در سال ۱۲۶۶ ق متولد شده و مقدمات را در مشهد تکمیل و با عتاب عالیات مهاجرت و از محضر میرزا بزرگ شیرازی و میرزاء رشتی و فاضل دربندی و دیگران استفاده نموده تا سرآمد اقران گردیده و در حدود ۱۳۰۰ ق با دریافت اجازه اجتهاد به وطن خویش و مراجعت و به ترویج دین و احکام شرع مبین از طریق منبر و موعظه و درس و بحث پرداخته تا در ۲۷ شعبان ۱۳۲۷ قمری به رحمت حق پیوست و در حرم مطهر پشت سر مبارک مقبره خانوادگی مدفون گردید. از آثار او دیوان بزرگی است که قسمتی از آن به نام گنج گهر به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

شهیدی زندی، ناصر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصر شهیدی زندی

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۷/۱۵

زندگینامه علمی

اینجانب ناصر شهیدی زندی متولد ۱۳۴۷ ، از سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه شده و همزمان تحصیلات کلاسیک را تا مقطع دیپلم ادامه دادم. در دروس حوزوی همزمان با شروع درس خارج وارد رشته تخصصی کلام و فلسفه اسلامی شده و موفق به دریافت سطح چهار فلسفه و کلام اسلامی شدم.

در سال ۱۳۷۹ از طریق کنکور در رشته حقوق پذیرفته و در سال ۱۳۸۲ موفق به دریافت کارشناسی این رشته شدم.از سال ۱۳۷۶ وارد مرکز تحقیقات دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری شده و در ابتدا مسئولیت کتابخانه دبیرخانه را به عهده داشتم و در ادامه مسئول دفتر مرکز تحقیقات بودم. همچنین به عنوان معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده هدی وارد جامعه الزهرا (س) شدم و همزمان در دانشکده و تحصیلات تکمیلی آن مشغول به تدریس شدم.

در حال حاضر مسئول گروه کلام اسلامی و مسئول دفتر برنامه ریزی درسی جامعه الزهرا(س) می باشم. در سال ۱۳۸۶ نیز معاون آموزشی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) دفتر قم بودم که اخیرا به دلیل مسئولیت جدید در معاونت پژوهشی مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی از آن سمت استعفا دادم. در حال حاضر در دانشگاه مفید و مدرسه علمیه حجتیه مختصری تدریس دارم و طی دو سال قبل هفته ای یک روز در دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه تهران به تدریس معارف اسلامی مشغول بوده ام.

شهیدی قزوینی، عبداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۰- ز ۱۳۷۲ ق)، عالم امامی، فقیه و مدرس. در قزوین متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت. مقدمات و ادبیات را در قزوین نزد پدرش و دیگران خواند. در ۱۳۶۱ ق به قهم مهاجرت کرد. سطوح عالی را نزد مدرسین و اساتید حوزه تکمیل نمود و از محضر آیت‌اللّه حجت استفاده‌ها برد و پس از ورود آیت‌اللّه بروجردی به قم حدود هیجده سال در درس و بحث این استاد حاضر شد و پس از فوت آن استاد، به محضر آیت‌اللّه نجفی مرعشی پیوست و حدود ده سال از اصحاب و نزدیکان وی بود. در ۱۳۷۲ ق داماد آیت‌اللّه حجت شد و مورد توجه و عنایت خاصه‌ی وی. شهیدی بعد از فوت پدرش در آستانه‌ی مبارکه‌ی سلطان محمد، از اولاد امام صادق (ع)، و همچنین در مسجد جدش، مسجد شهیدی، به انجام وظائف دینی مشغول بود. شهیدی در ترمیم و بازسازی آستانه‌ی مبارکه امامزاده سلطان محمد کوششها کرد. از آثارش: «تفسیر سوره‌ی یوسف»؛ کتابی درباره‌ی «معراج».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۱۸۲ -۱۸۰ /۲).

شهیدی قمی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۳۶/۹۳۵ ق)، شاعر. معروف به بابا شهیدی، متولد در قم. وی در جوانی به سیاحت پرداخت و چندی در خراسان، هرات، قزوین و آذربایجان زیسته، در آذربایجان در دربار سلطان یعقوب بـه ملک‌الشعرایی رسید. چندی به هند رفت و در گجرات می‌زیست. در هرات به خدمت جامی رسیده است و حکیم شاه محمد قزوینی با او بسیار معاشر بود وی در دربار اسماعیل عادلشاه احترام داشته و نزدیک به صد سال عمر کرده است. در سر کیج گجرات مدفون است. از وی «دیوان» شعری باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۲۶۴ -۱۲۵۹ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۳۳۷)، تحفه سامی (۱۸۶ -۱۸۴)، رجال حبیب السیر (۲۵۵ - ۲۵۴)، الذریعه (۵۶۲/۹)، ریحانه (۲۹۰/۳)، فرهنگ سخنوران (۵۲۴)، کاروان هند (۶۶۷ -۶۶۲ /۱)، لغت نامه (ذیل/ بابا شهیدی)، مجالس النفائس (۱۲۰ -۱۱۹)، مجمع الفصحا (۴۴ -۴۳ /۴)، مکتب وقوع (۲۳۷ -۲۲۸)، هفت اقلیم (۵۰۴ -۵۰۲ /۲).

شهیدی مشهدی، آقابزرگ حکیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۵ -۱۲۸۵ ق)، حکیم، فقیه و عالم دینی. وی از احفاد میرزا مهدی شهید، معروف به شهید ثالث، یکی از چهار مهدی از شاگردان مبرز وحید بهبهانی، است. مقدمات را نزد پدرش و ملا غلامحسین شیخ الاسلام و شیخ موسی منطقی و میرزا محمد سروقدی در مشهد خواند و بعد به تهران آمد و در محضر حکیم میرزا ابوالحسن جلوه و حکیم اشکوری و حکیم کرمانشاهی درس خواند. وی سپس سالیانی در نجف از حوزه‌ی درس آخوند خراسانی بهره برد. سرانجام در ۱۳۳۳ ق به مشهد بازگشت و متجاوز از بیست و دو سال به تدریس خارج «شرح لمعه» و «شرح قوشچی» و «اشارات» و «شوراق» و «شرح منظومه» و «اسفار» پرداخت. آقابزرگ و فرزندش، میرزا مهدی، دو ستاره‌ی درخشان حکمت و فلسفه خراسان در زمان خود بودند. وارستگی و صراحت لهجه و آزادگی و آزادمنشی آقابزرگ زبانزد خاص و عام بود. در فلسفه پیرو حکمت مشاء ابن‌سینا و خواجه نصیر بود. و شاگردانی همچون آقا شیخ سیف‌اللّه ایسی و سید حسن بجنوردی و حسینعلی راشد و محمود شهابی و مهدی الهی قمشه‌ای و آقا شیخ هادی کدکنی پرورش داد. درگذشت فرزندش، میرزا مهدی در ۱۳۵۴ ق توان پدر را گرفت و وی در سال بعد از دنیا رفت. تنها اثر وی: رساله‌ی «حکومت در اصالت وجود و اصالت ماهیت».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (۶۷)، خدمات متقابل اسلام و ایران (۶۱۵ -۶۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۳۷ -۱۳۴ /۷).

شهیدی، جلال

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جلال شهیدی فرزند مرحوم آسید محمدعلی محلاتی از علماء معاصر ما بودند در محلات تولد آن جناب در ذی‌حجةالحرام ۱۳۲۵ قمری در محلات واقع شده و پس از تحصیلات فارسی به تحصیل عربی پرداخته و قسمتی از نحو و صرف را در محلات خوانده و در ماه شوال المکرم ۱۳۴۳ قمری مهاجرت به قم نموده و ادبیات را از مرحوم ادیب طهرانی فراگرفته و سطوح وسطی و عالی را از آیت‌اللّه آخوند ملاعلی همدانی و مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمد همدانی به پایان رسانیده و پس از آن از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و مرحوم آیت‌اللّه حایری یزدی استفاده نموده و بعد از فوت آن مرحوم در سال ۱۳۵۷ قمری به محلات بازگشت نموده و تا بعد از ۱۳۸۰ قمری اشتغال به اقامه جماعت و خدماتی دینی و ترویج و تبلیغ دین داشته و پس از آن به رحمت حق پیوسته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

شهیدی، داوود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

داود بن العلامه میرزا مهدی شهید متولد ۱۱۹۰ و متوفی ۱۲۴۰ ق برادر کوچکتر میرزا هدایت‌اللّه مذکور است وی از غالب امور حظی وافر و بهره‌ای کامل داشت و در خدمت والد ماجدش تحصیل فضل و ادب و تکمیل اخلاق و حسب نموده و در فنون ریاضیه از هندسه و حساب و هیئت و غیرها ماهر بلکه سرآمد علماء معاصر بوده و برای تحصیل این علوم از اطراف بلاد در حضرتش فضلاء جمع و از محضرش استفاده می‌کردند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

شهیدی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: تغذیه دام، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

شهیدی، شهره

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

مهندس شهره شهیدی در سال ۱۳۵۰ با اتمام دوره متوسطه و ورود به دانشگاه، در سال ۱۳۵۶، از رشته مهندسی متالوژی دانشگاه صنعتی شریف فارع‌التحصیل شد .وی مشاغل مختلفی همچون دستیار تحقیقاتی دانشکده متالوژی دانشگاه صنعتی شریف را برعهده داشته است.شهیدی در کنار مشاغل مورد تصدی خود به ترجمه کتب و مقالاتی در زمینه آهنگری و ریخته‌گری و غیره می

پردازد.بطوری که کتاب" متالوژی مکانیکی "ترجمه ایشان ، در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی متالوژیتحصیلات رسمی و حرفه ای : شهره شهیدی در سال ۱۳۵۰ با اتمام دوره متوسطه و ورود به دانشگاه، در سال ۱۳۵۶، از رشته مهندسی متالوژی دانشگاه صنعتی شریف فارغ‌التحصیل شد .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : شهره شهیدی پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی در سال ۱۳۵۶ از آن سال تاکنون در مشاغل مختلفی همچون دستیار تحقیقاتی دانشکده متالوژی دانشگاه صنعتی شریف و مسؤلیت هماهنگی پروژه‌های فی ما بین سازمان گسترش و سازمان UNID۰ و عضویت در هیات اجرایی جامعه ریخته گران ایران به خدمت اشتغال داشته است.جوائز و نشانها : کتاب" متالوژی مکانیکی "ترجمه شهره شهیدی ، در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : - ترجمه مقالاتی در زمینه آهنگری و ریخته گری، چاپ شده در مجله ریخته گری - ترجمه مقالاتی در زمینه مواد چاپ شده و مجله ماشین سازی اراک

آثار : متالوژی مکانیکی ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب:«متالوژی مکانیکی»: این کتاب برای استفاده دانشجویان سال اول کار شناسی ارشد مهندسی متالوژی یا مکانیک و همچنین برای مهندسانی که در صنعت اشتغال دارند نوشته شده است. چون بیشتر دانشگاهها دوره‌هایی برای تدریس متالورژی مکانیکی یا خواص مکانیکی گذاشته‌اند و مباحث این دوره‌ها و زمینه دانشجویانی که آنها را می گذرانند خیلی متفاوت است، بنابراین اکنون هیچ چیز از کتاب درسی استاندارد شده‌ای در مورد متالورژی مکانیکی مفیدتر نیست. چشم انداز و وسعت این کتاب حاوی مباحثی است که این نیازهای مختلف را برآورده سازد. مراجعی که در این کتاب ذکر شده از مراجع متداول در یک کتاب درسی معمولی بیشتر است. این مراجع امکان دستیابی به تحلیلها و استخراجهایی بیش از آنچه ذکر شده را فراهم می‌کند و کلیدی است برای دستیابی به اطلاعات بیشتر درباره نکات جزئی و بحث‌انگیز و تاکید بر مقالات مهمی که درخور مطالعه بیشترند. علاوه بر این در پایان هر فصل کتاب شناسی منابع عمومی آورده شده است. در انتهای کتاب مجموعه‌ای از مسائل آمده است که در مرحله نخست برای استفاده خواننده درگیر در صنعت و کسی که می‌خواهد اطلاعات خود را در زمینه مواد بررسی کند مفید است. منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

شهیدی، شهریار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر شهریار شهیدی به سال ۱۳۴۳ شمسی در تهران ، به دنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۵۷ برای ادامه تحصیل به کشور انگلستان عزیمت نمود. ایشان پس از کسب مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته روانشناسی ، دکترای روانشناسی بالینی و بهداشت را از University college لندن دریافت کرد.دکتر شهیدی پس از مراجعت به ایران در دانشگاه شهید بهشتی با سمت استادیار و روانشناس مرکز خدمات مشاوره‌ای به فعالیت پرداخته است . گروه : علوم انسانیرشته : روان شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : شهریار شهیدی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۵۷ برای ادامه تحصیل به کشور انگلستان عزیمت نمود. مدرک لیسانس روانشناسی را در پلی‌تکنیک لندن ، فوق لیسانس را با گرایش روانشناسی بالینی در دانشگاه گیلفورد ، و دکترای روانشناسی بالینی و بهداشت را در University college لندن دریافت کرد مشاغل و سمتهای مورد تصدی : شهریار شهیدی در سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۶۹ در بیمارستان سلطنتی رویال فری (Royal Free) لندن با سمت مربی و از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۱ در بیمارستان لندن با سمت استادیاری مشغول فعالیت بوده است. پس از مراجعت به ایران در دانشگاه شهید بهشتی با سمت استادیار و روانشناس مرکز خدمات مشاوره‌ای به فعالیت پرداخته است . دکتر شهیدی هم اکنون مدیر مسئول مجله «روانشناسی معاصر» انجمن روانشناسی ایران نیز می‌باشد. چگونگی عرضه آثار : شهریار شهیدی دارای تالیفات و ترجمه کتب و مقالاتی در زمینه روانشناسی بالینی و ... است.از ایشان ۹ مقاله در مجلات معتبر علمی به چاپ رسیده است.آثار : بهداشت روانی با همکاری دکتر حمدیه ویژگی اثر : تالیف۲ دشت سترون ویژگی اثر : ترجمه

شهیدی، عبدالجواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالجواد بن العلامه الشهید میرزا مهدی و برادر کوچک میرزا هدایت‌اللَّه و میرزا داود متولد ۱۱۸۸ و متوفی ۱۲۴۶ ق وی سیدی رفیع المنزله و فاضلی شریف المرتبه از اجله ارباب زهد و تقوا و اهالی علم و فتوی بوده و از محضر والد جلیلش هر نوع فضائل و مآثر را کسب و تکمیل نمود و پیوسته به نشر علوم رعیه و ترویج احکام و رعایت طلاب و حمایت صاحبان سداد و صوب را می‌نمود تا از دنیا رفت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

شهیدی، عبداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج عبدالله بن العلامه العلام الحاج شیخ عبدالحسین امام جمعه بن العلامه شیخ مرتضی شهیدی بن میرزا محمدتقی امام جمعه بن آقا عبدالله بن العلامه الکبری حاج ملاتقی شهید داماد معظم مرحوم مبرور سیدنا الحجه العلامه المحقق الایه العظمی آقا سید محمد حجت رحمت‌الله از علماء اعلام و فضلاء کرام حوزه و خواص اصحاب حضرت آیت‌الله العظمی آقای مرعشی نجفی مدظله موصوف به فضل و متانت و تقوا و مناعت است، در محرم‌الحرام ۱۳۴۰ قمری در قزوین متولد شده و در مهد علم و کمال تربیت یافته و مقدمات و ادبیات را در قزوین نزد مرحوم والد و دیگران خوانده و آنگاه در سال ۱۳۶۱ قمری مهاجرت به قم نموده است، و مخفی نیست که ایشان ایدالله از بیوتات اصیله و ریشه‌دار قزوین و حفید مرحوم مبرور علامه قمقام و المجاهد الفهام الایه الحجه الحاج ملا محمدتقی شهید ثالث صاحب تالیفات عدیده مفیده می‌باشد.

وی پس از مهاجرت به قم سطوح عالی را نزد مدرسین و اساتید حوزه تکمیل نموده و به درس مرحوم آیت‌الله العظمی حجت شرکت کرده و پس از ورود آیت‌الله العظمی بروجردی بالغ بر ۱۸ سال نیز به درک و بحث آن مرحوم حاضره شده و پس از فوت آن مرحوم به حضرت آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی ایده‌الله پیوسته و تا هم اکنون که متجاوز از ده سال است از رفقاء صادق و اصحاب خاص آن جناب و مورد توجه و عنایت مخصوص آیه‌اللهی می‌باشند.

وی در سال ۱۳۷۲ ق به افتخار مصاهرت و دامادی سیدنا الاستاد آیت‌الله حجت نائل گردیده و مورد عنایت و توجه مخصوص آن بزرگوار گردیدند.

آثار قلمی ایشان: ۱- تفسیر سوره یوسف ۲- کتابی درباره معراج می‌باشد معظم‌له بعد از فوت مرحوم والد در آستانه مبارکه حضرت سلطان محمد که از اولاد حضرت صادق علیه‌السلام اقامه جماعت می‌نمودند و بنا بر پیشنهاد و تقاضای اهالی قزوین ظهرها را در مسجد جدشان (مسجد شهیدی) اقامه جماعت می‌نمایند و چون آستانه مبارکه امامزاده سلطان محمد رو به انهدام و ویرانی گذارده بود به سعی و کوشش معظم‌له اصولا تجدید ساختمان شده و در جنب مزار آن امامزاده حسینیه‌ای هم در دست ساختمان دارند قسمتی از ترجمه مرحوم والد و نیاکانشان را در ضمن علماء شهرستان قزوین در جلد سوم خواهم نگاشت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

شهیدی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: گیاه‌شناسی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شهید باهنر کرمان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترا در رشته گیاه‌شناسی با تخصص ویروس‌شناسی از دانشگاه کالیفرنیا در ریورساید آمریکا.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید باهنر کرمان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرحهائی در مورد Antimicrobial Antibiotic Broadspectrim و Plant Diseases Computerized Diagnosis Of، یافتن ویروس جدید گیاهی بنام Margeuerite، یافتن سه داروی جدید سیتوتوکسیک (ضد سرطانی) از یک گیاه و یک اسفنج دریائی، استاد راهنمای ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

ابداع:

کشف آنتی‌بیوتیک ضد میکروبی جدید به نام Broadspectrim.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

Drugs Antimicrobial Antibiotics . (cytotoxic) natural Products Anticacer

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

شهیدی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدباقر بن العالم الجلیل المرحوم الحاج سید هاشم گلپایگانی از علماء اعلام و دانشمندان عظام معاصر است در تهران. وی عالمی فعال و در ترویج دین جدی و صاحب تألیفات عدیده می‌باشد. ترجمه مفصل آنجناب در اول کتاب (درد و درمان) یا امراض جامعه و علاج آن ترجمه کتاب (الامراض الاجتماعیه و علاجها که در سال ۱۳۷۷ قمری در تهران چاپ شده و نیز در اول کتاب (راهنمای سعادت) ترجمه کشف المحجه سید بن طاوس که در سال ۱۳۸۲ نیز در تهران منتشر شده است مسطور و اجمال آن اینست.

وی در سال ۱۳۱۸ قمری در گلپایگان متولد شده و مقدمات را در نزد اساتید محل خوانده و در سال ۱۳۳۸ قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح را نزد علماء اعلام آن آستان عرش بنیان مانند مرحوم آیت‌اللّه مشکینی فراگرفته و بسامری مشرف و مدت یکسال و نیم در آنجا اقامت نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا میرزا عبدالهادی شیرازی استفاده نموده و در سال ۱۳۴۲ قمری که مرحوم والدش فوت نموده به ایران مراجعت و پس از یکسال توقف در گلپایگان به اصفهان مسافرت و از محضر علماء اعلام بالاخص مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد صادق بهره‌مند شده و در سال ۱۳۴۵ قمری مجددا به نجف اشرف مشرف و از محضر مقدس مرجع وقت آیت‌اللّه عراقی آقا ضیاءالدین و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه آقا سید ابوتراب خونساری متوفی ۱۳۴۶ قمری استفاده کامل نموده و در ماه رجب ۱۳۴۹ بشهر رنگون عاصمه (برما) (هند و چین) مسافرت نموده تا اول سال ۱۳۶۱ قمری در آنجا بانجام وظائف دینی و تبلیغ احکام اسلامی اشتغال داشته و در اثناء جنگ جهانی دوم و حمله دولت ژاپن به آن دیار پس از متواری بودن دو ماه در جنگلها بفضل خداوند متعال از آن بلیه رهائی یافته و به ایران مراجعت و در شهر اراک بانجام وظائف دینی پرداخته تا در سال ۱۳۶۵ قمری پس از زیارت عتبات عالیات به تهران آمده و تا حال حاضر بوظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

معظم له در سال ۱۳۷۶ قمری بمنظور شرکت در جشن چهاردهمین قرن ولادت با سعادت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام که در پاکستان منعقد شده بود بدعوت انجمن یادگار مرتضوی کراچی باتفاق عده‌ای از علماء اعلام و وعاظ محترم که از آنها بود علامه فن وعظ و سخنوری جناب استاد فلسفی واعظ مسافرت به پاکستان نموده و در آن جشن بزرگ و باشکوه که یک هفته در کراچی برقرار بود و هر شب حدود سی هزار نفر افتخار حضور داشتند و از تمام بلاد اسلامی هم عده‌ای از علماء و وعاظ و خطباء و محترمین شرکت کرده بودند حاضر بوده و پس از شرکت در جشن شهر (لاهور) و (حیدرآباد) سند که بهمین منظور منعقد بود از طریق عراق و توفیق زیارت عتبات عالیات به ایران مراجعت و تا اکنون در غرب تهران میدان قزوین و خیابان غفاری و مسجد آن به اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج احکام و نشر آثار اهل‌بیت علیهم‌السلام اشتغال دارد.

تألیفات و آثار قلمی ایشان از این قرار است.

۱- کتاب درد و درمان ترجمه کتاب الامراض الاجتماعیه و علاجها.

۲- (راهنمای سعادت) ترجمه کتاب کشف المحجه ۳- کتاب (نسیم الصباح) ترجمه و شرح دعاء صباح ۴- کتاب (ادعیه و تهلیلات) من الایات البینات و این کتب بتمامه بطبع رسیده است.

(تو ۱۳۱۸ ق)، الم دینی، مدرس و فقیه امامی وی در گلپایگان به دنیا آمد. مقدمات را در نزد اساتید آن شهر فراگرفت. آنگاه به نجف مهاجرت کرد و سطوح را نزد علمای بزرگ آن شهر همچون آیت‌اللّه مشکینی آموخت. سپس به سامراء رفت و از محضر آیت‌اللّه میرزا عبدالهادی شیرازی استفاده نمود. در ۱۳۴۲ ق، که پدرش درگذشت، به مولدش بازگشت سپس به اصفهان رفت و نزد بزرگانی چون یت‌اللّه سید محمدصادق تلمذ کرد. در ۱۳۴۵ دوباره به نجف بازگشت و از محضر آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه نایینی و آیت‌اللّه آقا سید ابوتراب خوانساری استفاده‌ها نمود. وی سفری به هند و چین (برمه) نمود و در آنجا به تبلیغ احکام اسلامی پرداخت، سپس به ایران بازگشت. مدتی در اراک به انجام وظائف دینی مشغول بود. پس از سفری به عتبات به تهران آمد و به وظائف دینی پرداخت. وی به همراه عده‌ای از علما و خطبا در ۱۳۷۶ ق در کنگره‌ی چهاردهمین قرن ولادت امیرالمومنین (ع) در کراچی پاکستان شرکت کرد. از آثار وی: کتاب «درد و درمان» که ترجمه‌ی کتاب «الامراض الاجتماعیه و علاجها»؛ «راهنمای سعادت»، ترجمه‌ی کتاب «کشف المحجه»؛ کتاب «نسیم الصباح» ترجمه و شرح «دعاء صباح»؛ کتاب «ادعیه و تهلیلات من الایات البینات».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۴۹۶ -۴۹۴/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳/ ۲).

شهیدی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حقوق، دانشکده: حقوق، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

گواهی اجتهاد در مورد علوم فلسفه، ادبیات، فقه و اصول، کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته حقوق با رتبه ممتازی از دانشکده حقوق تهران، دوره D.E.S حقوق خصوصی (دیپلم مطالعات عالی دولتی) از فرانسه، دوره D.E.S علوم کیفری (دیپلم مطالعات عالی دولتی) از فرانسه، دکترای دولتی حقوق خصوصی از فرانسه، تدریس در دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی و دانشکده

اقتصاد و علوم بانکی و خدمات اجتماعی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

لوایح قانونی قانون مجازات، طرح قانون اساسی، اصلاح قانون تجارت، مسائل معضل حقوقی استعلام شده از طرف کانون وکلای دادگستری، دعاوی مطروح بین سازمانهای دولتی و اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی، مسائل استعلام شده از سوی بانک مرکزی و دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی در کمیته‌های تخصصی و شورای حقوقی وزارت راه و ترابری، استاد راهنمای ۵۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

ابداع:

در زمینه پول و انتشار تئوری تحلیلی پول در تعهدات حقوقی، تئوری تلقیح مصنوعی انسان و احکام آن.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

نام کتاب سقوط تعهدات.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۷، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

مسائل متنوع حقوقی، حقوق مدنی بازرگانی و ادله اثبات دعوی، مسائل حقوقی مربوط به موضوعات مستحدث حاوی بحثها و تحلیلهای حقوقی برای اولین بار نظیر تلقیح مصنوعی انسان، وضعیت حقوقی کودک آزمایشگاهی و مسائل کیفری.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شهیدی، هاشم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هاشم بن آیت‌اللّه حاج میرزا هدایت‌اللّه بن العلامه میرزا مهدی شهید متولد ۱۲۰۹ و متوفی ۱۲۶۹ ق از محضر والدش تحصیل فقه و تفسیر و کلام و غیره نموده تا به مدارج فضل و سداد در سیده و همواره به مباحثات علمیه و ترویج احکام شرعیه و رتق و فتق امور مسلمانان و انجاح مقاصد ایشان و کسب محاسن عادات و جلب محامد و سعادات می‌کوشید تا از دنیا رفت و به جوار مرحمت اسلافش شتافت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

شهیدی، هدایت‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هدایت‌اللّه بن آیت‌اللّه العظمی میرزا مهدی شهید متولد ۱۱۷۸ و متوفی ۱۲۴۸ ق صاحب تاریخ علماء خراسان درباره وی گوید. السید الماجد و العالم العلم العابد المخصوص بعنایت اللّه مولانا الحاج میرزا هدایت‌اللّه اسکنه اللّه فی علیین و سلکه مسلک الصالحین از علماء عظام و فضلاء گرام ارض اقدس ریاست علمیه خراسان در آن عصر منحصر به ایشان بوده از محضر والدش کسب علم و تکمیل فنون نموده و در تمام زندگانیش اشتغال به نشر فضائل و ترویج احکام و رفع خصومات داشت و دادرسی مظلومین و حفظ اموال و اعراض مسلمین اهتمام تمام مبذول می‌داشت.

از آثار او کتابی در تفسیر کلام‌اللّه مجید باقیست.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

شهیدی،جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۲۹۷، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات مقدماتی و ادبیات عرب و فقه و اصول در حوزه علمیه بروجرد، ادامه تحصیلات فقه و اصول، سطح و خارج در نجف اشرف تـا مرحله اجتهاد، گواهینامه مدرسی از وزارت فرهنگ، کارشناسی علوم معقول و منقول از دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه تهران، کارشناسی و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح لغت‌نامه فارسی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۵ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی تألیفات:

ادبیات، تاریخ اسلام، سیره امامان و معصومان.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

تاریخ اسلام.

(تو ۱۲۹۷ ش)، استاد دانشگاه، مولف، مترجم و مصحح. وی در بروجرد در خانواده‌ی عالمان دین دیده به جهان گشود. مقدمات را در زادگاه خویش فراگرفت و برای تکمیل تحصیلات به نجف اشرف رهسپار شد. برای تحصیلات حوزوی به عراق رهسپار شد و به مـدت هفت سال در آنجا به تکمیل علوم دینی پرداخت. پس از آن به ایران بازگشت و یک سال بعـد، از جانب علامه‌ی دهخـدا برای همکاری در لغت‌نامه دعوت شد و در ضـمن آن، به تدریس در دبیرسـتانهای تهران و اخذ مدرک کارشناسی از دانشکده‌های ادبیـات و الهیات پرداخت. در سال ۱۳۴۰ ش موفق به گرفتن درجه‌ی دکترای ادب فارسـی دانشـگاه تهران شـد موضوع پایان نامه‌ی وی درباره‌ی «شـرح مشـکلات دیوان انوری» است که به کرات چاپ شـده است. پس از آن ضـمن تـدریس در دانشـکده‌ی ادبیات ابتدا به معاونت موسسه لغت نامه‌ی دهخدا منسوب شد و پس از آن به ریاست آن. وی تاکنون سفرهای علمی بسیاری به کشورهای مختلف از جمله: مصـر، عراق، الجزایر، چین و آمریکا داشـته است و در سال ۱۳۷۳ ش از دانشـگاه پکن به دریافت درجه‌ی استادی افتخاری نایل شد. دکتر شهیدی علاوه بر تبحر و استادی در زمینه‌ی لغت‌نویسی و دایرهٔالمعارف نگاری در عرصه‌های تاریخ اسلام و ترجمه‌ی آثـار دینی و شـرح و تصـحیح متون نیز اسـتاد بوده است. آثار وی را می‌توان در سه بخش تقسیم‌بندی کرد. الف- تالیف: «جنایات تاریـخ»؛ «علی از زبان علی (ع)»؛ «تاریخ تحلیلی اسـلام»؛ «زندگانی حضـرت فاطمه (ع)»؛ «زندگانی علی بن الحسـین (ع)»؛ «آشـنایی با زنـدگانی امام صادق (ع)»؛ «شـرح مثنوی شـریف». ب- تصـحیح: «آتشـکده‌ی آذر»؛ «دره‌ی نادره»؛ «براهین العجم». ج- ترجمه: «ابوذر غفاری»؛ «شیرزن کربلا»؛ «انقلاب اسلامی».[۱]

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۱۳۶۳، ش ۱، ص ۱۲ -۳، ش ۲، ص ۲۰ -۱۹)، مؤلفین کتب چاپی (۳۲۳ -۳۲۲/ ۲)، نامه‌ی شهیدی.

شیبانی کاشانی، ابوالنصر فتح‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۸ -۱۲۴۲/۱۲۴۱ ق)، شاعر، ادیب، نویسـنده و صوفی. متخلص به شـیبانی. خانـدانش در کارهای لشـکری و دیوانی عهد قاجار تصـرف و دخالت داشـتند. شـیبانی در کاشان متولد شد. در جوانی در خدمت محمد شاه و ندامت پسـرش ناصـرالدین‌شاه درآمد و برخی از اشـعارش در مدح آنان و دیگر شاهزادگان قاجاریه است. مدتی نیز منشـی حسام‌السلطنه در هرات بود. در فارس به خدمت رحمتعلی‌شـاه رسـید و از او کسـب فیض کرد. مـدتی در بلـخ، هرات، خراسـان و تهران سـفر کرد و سـرانجام بـه کاشـان رفت و در عشق‌آبـاد مـدرسه و صـحن و عمـارتی ایجـاد کرد و همان جا گوشه‌ی عزلت گزیـد. پس از مـدتی مردم بر او شوریدنـد. شـیبانی به دادخواهی به تهران آمـد. نزدیـک دروازه‌ی قزوین خانه و خانقاهی بنا کرد. وی در نظم و نثر دست داشت. و از شـعرای بنام دوره‌ی بازگشت بود که به سبک خراسانی اشعاری انتقادی می‌سرود. در تهران درگذشت و در همان خانقاه خویش به خاک سپرده شد. از آثـار و تالیفـات وی، «بیانـات شـیبانی»؛ «تنگ شـکر»؛ «جواهر مخزون»؛ «درج درر»، یا «درج گهر»؛ «دیوان» اشعار؛ «زبـده الاسـرار»؛ «الالی مکنون»؛ «فتح و ظفر»؛ «گنج گهر»؛ «کامرانیه».[۱]

ابوالنصـر فتـح‌اللّه بن محمـد کاظم بن محمـد حسـین شـیبانی کاشانی شاعر (و. ۱۲۴۱ ه.ق./ ۱۸۲۵ م.- ف. ۱۳۰۸ ه.ق./ ۱۸۹۰ م.). خانـدانش عهـده‌دار امور لشـکری و دیوانی عهـد قاجاری بودنـد، و او خود در جوانی در خدمت محمد شاه درآمد و به مدح وی و پسـرش ناصرالدین شاه و فرزندان شاه اخیر پرداخت. شیبانی سالها در سلک اهل تصوف بود و در نظم و نثر هر دو دست داشت و از آثـار خود مجموعه‌هـایی به نام «درج درر» «گنـج گهر»، «زبـدهٔ الآثار»، «فتـح و ظفر»، «مسـعودنامه»، «تنگ شـکر»، «شـرف‌الملوک»، «کامرانیه»، «یوسفیه»، «خطاب فرخ»، «مقالات سه‌گانه»، «فواکه السحر»، «جواهر مخزون»، «الآلی مکنون»، «نصایح منظومه» ترتیب داد. وی از شاعران بزرگ دوره بازگشت ادبی است و مهارت او بیشتر در نظم قصاید به روش شاعران قدیم خاصه گویندگان قرن پنجم است. منتخبی از آثار منظومش در استانبول به طبع رسیده، و درج درر او نیز جداگانه چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۱۴۴ -۱۳۳ /۱)، حدیقه الشعراء (۹۳۶ -۹۲۸ /۲)، الذریعه (۵۶۳ -۵۶۲ /۹)، سبک شناسی (۲۹۱/۳)، شرح حال رجال (۵۵/۳)، طرائق الحقایق (۴۲۶/۳)، فرهنگ سخنوران (۵۲۸)، گنج سخن (۲۴۸ -۲۴۰ /۳)، لغت نامه (ذیل/ فتح‌اللّه)، المآثر و الآثار (۲۰۴)، مؤلفین کتب چاپی (۷۷۶ -۷۷۵ /۴)، مجمع الفصحا (۵۳۰ -۴۸۹ /۵)، مکارم الاثار (۱۱۸۱ -۱۱۸۰ /۴)، یادداشتهای قزوینی (۱۹۷/۸)، یادگار (س ۵، ش ۳، ص ۶۸ -۶۶).

شیبانی کاشانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۵ ش)، خطاط. در کاشان به دنیا آمد. پس از فراگرفتن تحصیلات دوره‌ی ابتدایی در زادگاه خود و تهران، به خاطر حسن خطی که داشت در اداره‌ی فرمانداری کاشان به خدمت مشغول شد. پس از مدتی به تهران آمد و در وزارت پست و تلگراف و سپس در وزارت دارایی انجام وظیفه کرد. او در سال ۱۳۳۷ ش بازنشسته شد و به کاشان بازگشت. شیبانی از ادبیات فارسی نیز بهره داشت و خانه‌ی وی همواره محیط رجال شعر و ادب بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره خوشنویسان معاصر (۱۴۲ -۱۳۹).

شیبانی، بصیرالملک

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمد طاهر شیبانی مستوفی کاشانی ملقب به بصیر الملک ، فرزند میرزا احمد ادیب شیبانی است . وی به سال ۱۲۴۶ در کاشان به دنیا آمد . تحصیلات خود را در کربلا و نجف به اتمام رساند و به درجات عالیه ی علمی رسید . پس از بازگشت به ایران به دربار ناصر الدین شاه راه یافت . به سبب خط خوشی که داشت به منصب استیفا و مستوفی عالی رسید و سالها ریاست خازنی بیوتات سلطنتی از قبیل کتابخانه ، اسلحه خانه ، بلورخانه و غیره را عهده دار بود و نیز ممیزی مالیه ی بعضی از ولایات را انجام می داد . وی مردی معتقد به شعائر اسلامی و اجرای مراسم مذهبی بود . از کارهای فرهنگی بصیرالملک تصحیح مثنوی مولوی است که به سال ۱۳۱۴ ق در تهران با کشف الابیات که ابتکار خود او بود با چاپ سنگی منتشر کرد . این مثنوی به چاپ علاء الدوله معروف است . دیگر قرآن مترجم فارسی با کشف الآیات با چاپ سنگی است . این قرآن به چاپ بصیر الملکی معروف است . دیگر از کارهای وی یادداشت های روزانه ی وقایع سالهای ۱۳۰۱ ـ ۱۳۰۶ ق (که چاپ حروفی شده و اصطلاحات گمگشته که حاوی اصطلاحات فراموش شده ی حرفه ها و دانشهای دیگر است . (دایره المعارف تشیع ، ذیل « خاندان شیبانی » ج ۷ / ص ۵۰)

. برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

شیبانی، رستم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۹۱ -۹۶۸ ق)، شاعر. معروف به کوسه رستم. وی از کارگزاران دستگاه شاه محمد خدابنده و شاه عباس بود و حکمرانی ناحیه‌ی هزار جریب را داشت. رستم بیک بیشتر به زبان ترکی شعر گفته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۵۰۹/۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۹۷)، الذریعه (۳۵۸/۹)، لغت نامه (ذیل/ رستم بیک)، مجمع الفصحا (۵۵/۱).

شیبانی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد شیبانی

محل تولد : قاین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد شیبانی در سال ۱۳۳۶هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در خضری از توابع قائنات دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۱ که سال های خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود و حوزه های علمیه از طرف رژیم منحوس پهلوی به شدت تحت فشار بودند وارد حوزه علمیه گناباد گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد اما شوق زیارت و هم جواری با بارگاه ثامن الحجج علیه السلام او را راهی حوزه علمیه مشهد گردانید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد، ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیارحاضر شد و پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۸ به حلقه دروس خارج راه یافت. در آن دیار از درس بزرگانی همچون آیت الله رضا زاده، آیت الله مرتضوی، آیت الله حجت هاشمی، آیت الله واعظی طبسی و... بهره ها برد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته علوم قرآن در مقطع کارشناسی ارشددر سال ۱۳۷۹از دانشگاه علوم اسلامی رضوی فارغ التحصیل گردید ایشان برای تبلیغ مذهب انسان تشیع به کشوورهای متعددی از جمله غنا، مالاوی و کنیا سفر کرده است، سالهای متمادی است که به تدریس در دانشگاه تربیت معلم سبزوار و...مشغول است. ایشان در زندگی سراسر علمی خود از نگارش و تألیف غافل نبوده است و مقالات متعددی به رشته تحریر در آورده است.

شیبانی، منوچهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، نقاش.

تولد: ۱۳۰۳، تهران.

درگذشت: آذر ۱۳۷۰.

منوچهر شیبانی، پس از آنکه علوم ابتدایی و متوسطه را به پایان رسانید در دبیرستان‌های تهران به تدریس پرداخت و چون به نقاشی علاقه داشت به هنرکده‌ی نقاشی وارد شد و به فراگرفتن این هنر همت گماشت و آثارش مورد توجه هنرمندان ایرانی و خارجی قرار گرفت و سفرهایی به خارج کشور کرد، از آن جمله به ایتالیا رفت تا بتواند هنر نقاشی خود را تکمیل کند.

نخستین مجموعه‌ی شعری که از او منتشر شد، به نام جرقه (۱۳۲۴) بود که شامل شعرهایش از سال‌های ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۸ است. در این مجوعه، شاعر سی و پنج قطعه شعر به سبک نیما ارائه داده بود. از آثار دیگر اوست: سراب‌های کویری، آتشکده‌ی خاموش، میترا و رام.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شیبانی، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب.

تولد: ۱۲۷۰ (صفر ۱۳۰۹، ق.)؛ تهران.

درگذشت: ۲ شهریور ۱۳۶۷.

موسی شیبانی ملقب به ذکاءالسلطنه در ده سالگی عازم بلژیک شد و در شهر نامور به تحصیل پرداخت. سپس به فرانسه رفت و در مدرسه‌ی هانری چهارم به ادامه‌ی تحصیل پرداخت. در سال ۱۲۸۹ تحصیلات متوسطه‌ی خود را به اتمام رساند. پس از آن وارد دانشکده‌ی حقوق دانشگاه پاریس شد و با گذراندن دوره‌ی این دانشکده به دریافت لیسانس نایل آمد. سپس در مدرسه‌ی عالی علوم سیاسی پاریس شروع به گذراندن دوره‌ی دکتری کرد ولی شروع جنگ جهانی اول در سال ۱۲۹۳ باعث شد تحصیل را رها کرده و به ایران مراجعت نماید.

پس از بازگشت به کشور وارد خدمت وزارت دارایی شد. در ضمن آن که به تدریس اصول محاکمات، قوانین مالیه و بودجه در مدرسه‌ی عالی علوم سیاسی وابست به وزارت امور خارجه اشتغال داشت. پس از انحلال مدرسه‌ی عالی سیاسی و تأسیس دانشگاه تهران به مدت نه سال (از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۴) در دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران تدریس کرد.

ذکاءالسلطنه در اوایل ورود به ایران همراه با تنی چند از تحصیل کردگان آن زمان نظیر دکتر محمد مصدق و نظام‌السلطنه مافی و امیر سهام‌الدین غفاری و یحیی دولت‌آبادی و نصرت‌الدوله فیروز، انجمن علمی را تشکیل داد و مجله‌ی وابسته به این انجمن را به نام «مجله علمی» را در سال ۱۲۹۳ منتشر کردند. مدیریت این انجن با موسی شیبانی بود.

موسی شیبانی در سال ۱۳۲۸ بازنشسته شد و در دوم شهریور ۱۳۶۷ درگذشت.

ملقب به ذکاءالسلطنه، در ۱۲۷۰ در شهر تهران متولد شد. در ده سالگی به بلژیک اعزام شد و به تحصیل مشغول شد و پس از اخذ

دیپلم در شهر نامور بلژیک به فرانسه رفت و در لیسه هانری چهارم تحصیلات خود را ادامه داد و وارد دانشکده حقوق پاریس شد. دوره‌ی دانشکده حقوق پاریس و دوره مدرسه عالی علوم سیاسی را گذرانید و دوره‌ی دکترای حقوق را آغاز نموده بود که به علت جنگ جهانی اول ناگزیر به ایران بازگشت و به تدریس در مدرسه علوم سیاسی پرداخت و تدریس اصول محاکمات و قوانین مالیه و بودجه را بر عهده گرفت. پس از تاسیس دانشگاه تهران، خدمات فرهنگی خود را در دانشکده حقوق و علوم سیاسی ادامه دارد و تا سال ۱۳۲۴ استاد دانشکده‌ی مزبور بود.

شیبانی پس از مراجعت از اروپا به ایران، عده‌ای از تحصیلکرده‌های حقوق اروپا را مانند دکتر محمد مصدق، دکتر محمود افشار، نصرت‌الدوله فیروز، ذکاءالدوله غفاری، نظام‌السلطنه مافی و حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی را جمع نموده، انجمن علمی تشکیل داد و آن انجمن مجله‌ی علمی را انتشار می‌داد که حاوی مسائل مهم حقوقی و سیاسی بود. مدیریت مجله با ذکاءالسلطنه بود.

موسی شیبانی پس از ورود به ایران به استخدام وزارت مالیه درآمد و سالها در آن وزارتخانه مدیر کل بود ولی سودای مشاغل سیاسی و وزارت و وکالت نداشت. در عمر طولانی خود کار علمی موثری انجام نداد. اوراق پراکنده‌ای که در حقیقت تقریرات در کلاس بود از او باقی ماند. سرانجام در ۱۳۶۷ در سن ۹۷ سالگی در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

شیبک اوزبک

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۱۶ ق)، شاعر. وی از نوادگان چنگیز خان مغول بود. در اوایل حال در ترکستان بود آخر در خدمت سلطان احمد میرزا حاکم ماوراءالنهر رسید و بعد از مدتی باز ترکستان بازگشت. بعد از فوت سلطان حسین میرزا به خراسان رفت. اشعاری از وی در تذکره‌ها به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۲۸ –۲۷)، الذریعه (۵۶۳/۹).

شیخ الاسلام، رحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا مرتضی بن میرزا عبدالمطلب. عالم جلیل القدر.

پدرش: میرزا مرتضی شیخ الاسلام اصفهان بوده و در ۱۲۲۶ وفات یافته است.

مرحوم میرزا رحیم از رؤسای علمای اصفهان بوده، و در ۹ صفر سال ۱۲۴۹ وفات یافته، در بقعه تکیه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد مدفون گردید.

محمّد حسین ضیاء شاعر اصفهانی در مرثیه و مادّه تاریخ وفاتش گوید:

ندای ارجعیش چون بگوش هوش رسانید

سروش عالم غیبی ز سوی جنّت مأوا

نوشت کلک ضیاء از برای تاریخش

(رحیم را که کند رحم جز رحیم بعقبا)

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

شیخ الاسلامی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محسن شیخ الاسلامی متولد ۱۳۳۲ تهران دارای کارشناسی کارشناسی ارشد ازدانشگاه تهران ودکتری حقوق بین الملل ازدانشگاه نانت فرانسه درسال ۱۳۷۴ است . وی عضو هیئت علمی گرونه حقوق عمومی وبین الملل دانشگاه شیراز است. وسمت دانشیار دارد.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

گرایش : حقوق بین الملل و عمومی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید محسنشیخ الاسلامی دارای کارشناسی وکارشناسی ارشد حقوق ازدانشگاه تهران ودکتری حقوق عمومی وبین الملل ازدانشگاه نانت درکشور فرانسه می باسد.

خاطرات و وقایع تحصیل : اخذ کارشناسی حقوق ازدانشگاه تهران موجب ارائه تحصیل ویقین مسیر جهت تحقیقت سید محسن شیخ

الاسلامی درهمین رشته شده است.

فعالیتهای ضمن تحصیل : سید محسن شیخ الاسلامی درتحینتحصیل دررشته حقوق به مطالعه ، تحقیق وتالیف آثاری دراین زمینه می پرداخته است.

وقایع میانسالی : سید محسن شیخ الاسلامی پس ازبازگشت ازفرانسه عضو هیئت علمی دانشگاه شیرازشد. وازآن پس به تحقیق ، تالیف ومطالعه آثاری دراین زمینه مشغول است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید محسن شیخ الاسلامی عضوهیئت علمی گروه حقوق عمومی دانشگاه شیراز وبین سالهای ۱۳۷۹– ۱۳۷۷ معاونت فرهنگی دانشکده حقوق وعلوم سیاسی دانشگاه شیراز بوده است.

فعالیتهای آموزشی : سید محسن شیخ الاسلامی پس از بازگشت ازفرانسه درسال ۱۳۷۴، عضو هیئت علیم دانشکده حقوق دانشگاه شیرازاست.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سید محسن شیخ الاسلامی درکنار تدریس ورسیدگی به امور مربوطبه مسئولیت های حقوق ، به مطالعه، تحقیق وتالیف آثاری درباره حقوق بین الملل مشغول است.

آرا و گرایشهای خاص : سید محسن شیخ الاسلامی ازجمله حقوق دان هانی است که به حقوق بین الملل توجه تخصصی دارد.

چگونگی عرضه آثار : سید محسن شیخ الاسلامی بسیاری ازمقالات خود را درفصلنامه های حکومت اسلامی ، کنگره امام علی ونامه مفید به چاپ رسانیده است. --

آثار :

۱ تقلب نسبت به قانون در حقوق بین الملل خصوصی، فصلنامه علمی پژوهشی نامه مفید.دانشگاه مفید قم شماره ۴۰، ۱۳۸۰

۲ حدود اختیارات ولایت فقیه، تألیف، نشر اندیشه، ۱۳۸۰

۳ حدود اختیارات ولی فقیه از دیدگاه امام خمینی، فصلنامه حکومت اسلامی، تابستان ۱۳۷۸.

۴ حقوق اساسی تطبیقی، تألیف، نشر کوشامهر، ۱۳۸۰

۵ حقوق عمومی–ترجمه –نشر کوشا مهر–شیراز– ۱۳۸۰ .

۶ دولت اسلامی از دیدگاه امام علی(ع)، فصلنامهٔ کنگره بزرگ امام علی(ع)، تهران، ۱۳۸۰

۷ مبانی اجرای قانون خارجی در حقوق بین الملل خصوصی، فصلنامه علمی پژوهشی نامه مفید.دانشگاه مفید قم شماره ۳۷، ۱۳۸۰ .

۸ نهادهای جمهوری فرانسه، ترجمه، نشر دادگستر، ۱۳۸۰حقوق عمومی، ترجمه، نشر کوشامهر، ۱۳۸۰

شیخ الاسلامی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود شیخ الاسلامی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و در حین تحصیل دروس متوسطه را اخذ نمودم و مدتی توفیق حضور جبهه را داشتم در سال ۱۳۷۱ به تحصیل کفایتین و مکاسب اشتغال داشتم و به دست مقام معظم رهبری به لباس روحانیت ملبس شدم و در سال ۱۳۷۲ به بعد در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام سبحانی،مکارم به تلمذ مشغول شدم ودر این همه سالها به تبلیغ و ارشاد هم موفق بودم در سال ۱۳۷۴در دروس تخصصی کلام در موسسه امام صادق تحت اشراف آیت الله سبحانی پذیرفته شدم و پس از فارغ التحصیلی به تدریس در حوزه و دانشگاه اشتغال یافتم در سال ۸۵بعنوان عضو هیات علمی در دانشگاه پیام نور پذیرفته ودر مرکز نطنز ادای وظیفه می کنم و در خدمت دانشجویان و اساتید فرهیخته هستم .

شیخ الرئیسی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد شیخ الرئیسی

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۰/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد شیخ الرئیسی در سال ۱۳۲۰ در خانواده ای متدین و کاملاـ آگاه به مسائل مذهبی و دوستدار خاندان پاک نبوت و امامت در کرمان دیده به جهان گشود ، دوران ابتدائی ، راهنمای و دبیرستان را با موفقیت پشت سر گذاردند و در سال ۱۳۴۰ وارد حوزه علمیه کرمان گردید پس از مدتی تحصیل در کرمان در سال ۱۳۵۵ که اوج مبارزات مردم و روحانیت علیه رژیم ستم پیشه شاهنشاني بود وارد حوزه علمیه قم گردید تا در کنار تحصلات حوزوی به جرگه معترضین به رژیم شاه بپیوندد . در قم از محضر بزرگان علم و اخلاق همچون مرحوم آیت الله مشکینی و منتظری بهره ها برد.

در کنار تحصیلات حوزوی در سال ۱۳۷۸ در مقطع دکترا از دانشگاه آزاد تهران فارغ التحصیل شد و از پایان نامه خویش با عنوان شعرای شیعه در اثر عباسی اول با موفقیت دفاع کرد، و در کنار تحصیل علاوه بر تدریس به امر پژوهش هم اشتغال دارد که در این زمینه آثاری را هم در مجلات و روزنامه های کشور به زیور طبع آراسته است.

شیخ المشایخ دزفولی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۳۵ ق)، خطاط. از آثار وی: دو قطعه، به خط نسخ کتابت متوسط، با رقم: «کتبه الفقیر الدزفولی، فی سنه ۱۳۳۵ من الهجره».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۴۶/۴).

شیخ اول کرمانی، محیی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. وی مردی درویش مشرب از شاگردان قاسم شادی شاه بود. صاحب «مناقب هنروران» آورده که: «امروزه در خراسان خوشنویستر از وی کس نیست». وی در قندهار به دربار ظهیرالدین بابر، سر دودمان پادشاهان گورکانی هندوستان، راه یافت و به کتابت نستعلیق و نسخ پرداخت و در آن دربار مرفه زیست. او در اواخر عمر میرعلی هروی را درک کرد و از تربیت وی در اندک زمان بهره‌ی فراوان گرفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۲۲-۳۲۱ /۲)، مناقب هنروران (۷۸، ۷۱).

شیخ بهایی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بهاء الدین محمد بن عزالدین حسین بن عبدالصمد بن شمس الدین محمد بن حسن بن محمد بن صالح حارثی همدانی عاملی جبعی (جباعی) معروف به شیخ بهائی در سال ۹۵۳ ه.ق ۱۵۴۶ میلادی در بعلبک متولد شد. او در جبل عامل در ناحیه شام و سوریه در روستایی به نام" جبع "یا" جباع "می زیسته و از نژاد" حارث بن عبدالله اعور همدانی "متوفی به سال ۶۵ هجری از معاریف اسلام بوده است.

ناحیه" جبل عامل "همواره یکی از مراکز شیعه در مغرب آسیا بوده است و پیشوایان و دانشمندان شیعه که از این ناحیه برخاسته اند، بسیارند. در هر زمان، حتی امروزه فرق شیعه در جبل عامل به وفور می زیسته اند و در بنیاد نهادن مذهب شیعه در ایران و استوار کردن بنیان آن مخصوصاً از قرن هفتم هجری به بعد یاری بسیار کرده و در این مدت پیشوایان بزرگ از میان ایشان برخاسته اند و خاندان بهائی نیز از همان خانواده های معروف شیعه در جبل عامل بوده است.

بهاءالدین در کودکی به همراه پدرش به ایران آمد و پس از اتمام تحصیلات، شیخ الاسلام اصفهان شد. چون در سال ۹۹۱ هجری قمری به قصد حج راه افتاد، به بسیاری از سرزمینهای اسلامی از جمله عراق، شام و مصر رفت و پس از ۴ سال در حالی که حالت درویشی یافته بود، به ایران بازگشت.

وی در علوم فلسفه، منطق، هیئت و ریاضیات تبحر داشت، مجموعه تألیفاتی که از او بر جای مانده در حدود ۸۸ کتاب و رساله است. وی در سال ۱۰۳۱ ه.ق در اصفهان درگذشت و بنا بر وصیت خودش جنازه او را به مشهد بردند و در جوار مرقد مطهر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام جنب موزه آستان قدس دفن کردند. شخصیت ادبی شیخ بهایی:

ـ بهائی آثار برجسته ای به نثر و نظم پدید آورده است. وی با زبان ترکی نیز آشنایی داشته است. عرفات العاشقین (تألیف ۱۰۲۲ـ ۱۰۲۴)، اولین تذکره ای است که در زمان حیات بهائی از او نام

برده است.

بهترین منبع برای گردآوری اشعار بهائی، کشکول است تا جائی که به عقیده برخی محققان، انتساب اشعاری که در کشکول نیامده است به بهائی ثابت نیست. از اشعار و آثار فارسی بهائی دو تألیف معروف تدوین شده است؛ یکی به کوشش سعید نفیسی با مقدّمه ای ممتّع در شرح احوال بهائی، دیگری توسط غلامحسین جواهری وجدی که مثنوی منحول « رموز اسم اعظم » (ص ۹۴ ـ ۹۹) را هم نقل کرده است. با این همه هر دو تألیف حاوی تمام اشعار و آثار فارسی شیخ نیست.

اشعار فارسی بهائی عمدتاً شامل مثنویّات، غزلیّات و رباعیّات است. وی در غزل به شیوه فخرالدین عراقی و حافظ، در رباعی با نظر به ابو سعید ابوالخیر و خواجه عبدالله انصاری و در مثنوی به شیوه مولوی شعر سروده است. ویژگی مشترک اشعار بهائی میل شدید به زهد و تصوّف و عرفان است. ازمثنوّیات معروف شیخ می توان از اینها نام برد: «نان و حلوا یا سوانح سفر الحجاز»، این مثنوی ملمّع چنانکه از نام آن پیداست در سفر حج و بر وزن مثنوی مولوی سروده شده است و بهائی در آن ابیاتی از مثنوی را نیز تضمین کرده است. او این مثنوی را به طور پراکنده در کشکول نقل کرده و گردآورندگان دیوان فارسی وی ظاهراً به علت عدم مراجعه دقیق به کشکول متن ناقصی از این مثنوی را ارائه کرده اند.

«نان و پنیر»، این اثر نیز بر وزن و سبک مثنوی مولوی است؛ «طوطی نامه» نفیسی این مثنوی را که از نظر محتوا و زبان نزدیکترین مثنوی بهائی به مثنوی مولوی است، بهترین اثر ادبی شیخ دانسته و با آنکه آن را در اختیار داشته جز اندکی در دیوان بهائی نیاورده و نام آن را نیز خود براساس محتوایش انتخاب کرده است.

«شیر و شکر»، اولین منظومه فارسی در بحر خَبَب یا مُتدارک است. در زبان عربی این بحر شعری پیش از بهائی نیز مورد استفاده بوده است. « شیر و شکر » سراسر جذبه و اشتیاق است و علی رغم اختصار آن (۱۶۱ بیت در کلیات، چاپ نفیسی، ص ۱۷۹ ـ ۱۸۸؛ ۱۴۱ بیت در کشکول، ج ۱، ص ۲۴۷ ـ ۲۵۴) مشحون از معارف و مواعظ حکمی است، لحن حماسی دارد و منظومه ای بدین سبک و سیاق در ادب فارسی سروده نشده است؛ مثنویهایی مانند «نان و خرما»، «شیخ ابوالپشم» و «رموز اسم اعظم» را نیز منسوب بدو دانسته اند که مثنوی اخیر به گزارش میر جهانی طباطبائی (ص ۱۰۰) از آنِ سید محمود دهدار است. شیوه مثنوی سرایی بهائی مورد استقبال دیگر شعرا، که بیشتر از عالمان امامیّه اند واقع شده است. تنها نثر فارسی بهائی که در دیوان های چاپی آمده است، « رساله پند اهل دانش و هوش به زبان گربه و موش » است.

بهائی در عربی نیز شاعری چیره دست و زبان دانی صاحب نظر است و آثار نحوی و بدیع او در ادبیات عرب جایگاه ویژه ای دارد. مهمترین و دقیقترین اثر او در نحو، « الفوائد الصمدیّه » معروف به صمدیّه است که به نام برادرش عبدالصمد نگاشته است و جزو کتب درسی در مرحله متوسط علم نحو در حوزه های علمیّه است. اشعار عربی بهائی نیز شایان توجه بسیار است. معروفترین و مهمترین قصیده او موسوم به « وسیله الفوزوالامان فی مدح صاحب الزّمان علیه السلام » در ۶۳ بیت است که هر گونه شبهه ای را در اثناعشری بودن وی مردود می سازد. بهائی در ارجوزه سرایی نیز مهارت داشت و دو ارجوزه شیوا یکی در وصف شهر هرات به نام « هراتیه یا الزّهره » (کشکول، ج۱،ص ۱۸۹ ـ ۱۹۴) و دیگر ارجوزه ای عرفانی موسوم به « ریاض الارواح » (کشکول، ج۱، ص۲۲۵ ـ ۲۲۷) از وی باقی مانده است. دوبیتیهای عربی شیخ نیز از شهرت و لطافت بسیاری برخوردار بوده که بیشتر آنها در اظهار شوق نسبت به زیارت روضهٔ مقدّسه معصومین علیه السلام است.

شیخ محمدرضا فرزند شیخ حرّعاملی (متوفی ۱۱۱۰) مجموعه لطیفی از اشعار عربی و فارسی شیخ بهائی را در دیوانی فراهم آورده است. اشعار عربی وی اخیراً با تدوین دیگری نیز به چاپ رسیده است. بخش مهمی از اشعار عربی بهائی، لُغَز و معمّاست.

از بررسی شیوه نگارش بهائی در اکثر آثارش، این نکته هویداست که وی مهارت فراوانی در ایجاز و بیان معمّا آمیز مطالب داشته است. وی حتی در آثار فقهی اش این هنر را به کار برده که نمونه بارز آن «رسائل پنجگانه الاثناعشریّه »، است. این سبک نویسندگی در « خلاصه الحساب، فوائد الصمّدیه، تهذیب البیان و الوجیزه فی الدرایه » آشکاراتر است. بهائی تبحّر بسیاری در صنعت لغز و تعمیه داشته و رسائل کوتاه و لغزهای متعدّد و معروفی به عربی از وی بر جا مانده است. مانند:

« لغزالزبده » (لغزی است که کلمه زبده از آن به دست می آید)، « لغزالنحو »، « لغزالکشّاف »، « لغزالصمدیه »، « لغزالکافیه » و « فائده ». نامدارترین اثر بهائی الکشکول، معروف به «کشکول شیخ بهائی» است که مجموعه گرانسنگی از علوم و معارف مختلف و آینه معلومات و مشرب بهائی محسوب می شود.

بهائی در شمار مؤلفان پر اثر در علوم مختلف است و آثار او که تماماً موجز و بدون حشو و زواید است، مورد توجه دانشمندان پس از او قرار گرفته و بر شماری از آنها شروح و حواشی متعدّدی نگاشته شده است. خود بهائی نیز بر بعضی تصانیف خود حاشیه ای مفصّل تر از اصل نوشته است. از برجسته ترین آثار چاپ شده بهائی می توان از اینها نام برد: «مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین» (تألیف ۱۰۱۵)، که ارائه فقه استدلالی شیعه بر مبنای قرآن (آیات الاحکام) و حدیث است. این اثر دارای مقدمه بسیار مهمی در تقسیم احادیث و معانی برخی اصطلاحات حدیثی نزد قدما و توجیه تعلیل این تقسیم بندی است. از اثر مذکور تنها باب طهارت نگاشته شده و بهائی در آن از حدود چهارصد حدیث صحیح و حسن بهره برده است؛ «جامع عباسی»، از نخستین و معروفترین رساله های علمیّه به زبان فارسی؛ « حبل المتین فی اِحکام احکام الدّین » (تألیف ۱۰۰۷) در فقه که تا پایان صلوه نوشته است و در آن به شرح و تفسیر بیش از یکهزار حدیث فقهی پرداخته شده است؛ « الاثنا عشریه » در پنج باب طهارت، صلات، زکات، خمس، صوم و حج است. بهائی دراین اثر بدیع، مسائل فقهی هر باب را به قسمی ابتکاری بر عدد دوازده تطبیق کرده است، خود وی نیز بر آن شرح نگاشته است.

«زبده الاصول» این کتاب تا مدتها کتاب درسی حوزه های علمی شیعه بود و دارای بیش از چهل شرح و حاشیه و نظم است. « الاربعون حدیثاً » (تألیف ۹۹۵) معروف به اربعین بهائی ؛ « مفتاح الفلاح » (تألیف ۱۰۱۵) در اعمال و اذکار شبانه روز به همراه تفسیر سورهٔ حمد. این اثر کم نظیر که گفته می شود مورد توجه و تأیید امامان معصوم علیه السّلام قرار گرفته است.

«حدائق الصالحین» (ناتمام)، شرحی است بر صحیفهٔ سجادیه که هر یک از ادعیهٔ آن با نام مناسبی شرح شده است. از این اثر تنها الحدیقه الهلالیّه در شرح دعای رؤیت هلال (دعای چهل و سوم صحیفهٔ سجادیه) در دست است.

«حدیقهٔ هلالیّه » شامل تحقیقات و فوائـد نجومی ارزنـده است که سایر شارحان صـحیفه از جمله سیّد علیخان مـدنی در شـرح خود موسوم ریاض السالکین از آن بسـیار اسـتفاده کرده اند. همچنین فوائد و نکات ادبی، عرفانی، فقهی و حدیثی بسیار در این اثر موجز به چشم می خورد. بنا بر قـول کلیهٔ کســانی که در احوال شیخ سـخن گفته اند. وی نزد پدر تفسیر ، حدیث و عربیت و امثال این ها راآموخت و پس از محضر استادان دیگر از جمله مولانا عبدالله مدرس(۱) یزدی حکمت و کلام و بعضی علوم منقول را نزد ملاعلی مذهّب و ملا افضل قاضـی مدرس و ملا محمد باقرین زین العابدین یزدی ریاضی را آموخت و در طب از حکیم عماد الدین مسعود کسب فیض نمـوده ». (نفیسـی : ۱۳۶۸ ، ص ۱۷) بهاءالـدین محمّـد عـاملی در عصـر خود ، چه در دانش و چه در اخلاق از مردان بزرگ جهان به شمار می رفت .

وی در علوم ریاضـی و نجوم و هیأت اسـتاد مسلم عصر خود بود وپس از یکصـد سال که این علم در ایران رواجی نـداشت . برای نخستین بار در اواخر قرن دهم و ابتدای قرن یازدهم هجری قمری این علوم را درهرات آموخته است و بار دیگر در ایران رواج داد .

خدمات شیخ بهائی:

در عرف مردم ایران، شـیخ بهائی به مهارت در ریاضـی و معماری و مهندسی معروف بوده و هنوز هم به همین صفت معروف است، چنانکه معماری مسـجد امام اصـفهان و مهندسی حصار نجف را به او نسبت می دهند. و نیز شاخصی برای تعیین اوقات شبانه روز از روی سـایه آفتـاب یـا به اصـطلاح فنی، ساعت آفتاب یا صـفحه آفتابی و یا ساعت ظلی در مغرب مسـجد امام (مسـجد شاه سابق) در اصفهان هست که می گویند وی ساخته است.

در احـاطه وی در مهندسـی مسـاحی تردیـد نیست و بهترین نمونه که هنوز در میان است، نخست تقسـیم آب زاینـده رود به محلات اصـفهان و قرای مجـاور رودخانه است که معروف است هیئتی در آن زمان از جانب شاه عباس به ریاست شـیخ بهائی مأمور شـده و ترتیب بسیار دقیق و درستی با منتهای عدالت و دقت علمی در باب حق آب هر ده و آبادی و محله و بردن آب و ساختن مادیها داده اند که هنوز به همان ترتیب معمول است و اصل طومار آن در اصفهان هست.

دیگر از کارهای علمی که به بهائی نسبت می دهنـد طرح ریزی کاریز نجف آباد اصـفهان است که به نام قنات زرین کمر، یکی از بزرگترین کاریزهـای ایران است و از مظهر قنـات تا انتهای آبخور آن ۹ فرسنگ است و به ۱۱ جوی بسـیار بزرگ تقسیم می شود و طرح ریزی این کاریز را نیز از مرحوم

بهائی می دانند.

دیگر از کارهای شـیخ بهائی، تعیین سـمت قبله مسجد امام به مقیاس چهل درجه انحراف غربی از نقطه جنوب و خاتمه دادن به یک سلسله اختلاف نظر بود که مفتیان ابتدای عهد صفوی راجع به تشخیص قبله عراقین در مدت یک قرن و نیم اختلاف داشته اند.

یکی دیگر از کارهای شـگفت که به بهائی نسبت می دهند، ساختمان گلخن گرمابه ای که هنوز در اصـفهان مانده و به حمام شیخ بهـائی یا حمام شـیخ معروف است و آن حمام در میان مسـجد جامع و هارونیه در بازار کهنه نزدیک بقعه معروف به درب امام واقع است و مردم اصـفهان از دیر باز همواره عقیده داشـته اند که گلخن آن گرمابه را بهائی چنان ساخته که با شـمعی گرم می شد و در زیر پاتیل گلخن فضای تهی تعبیه کرده و شمعی افروخته در میان آن گذاشته و آن فضا را بسته بود و شمع تا مدتهای مدید همچنان می سوخت و آب حمام بـدان وسیله گرم می شـد و خود گفته بود که اگر روزی آن فضا را بشـکافند، شـمع خاموش خواهد شد و گلخن از کار می افتد و چون پس از مدتی به تعمیر گرمابه پرداختند و آن محوطه را شکافتند، فوراً شمع خاموش شد و دیگر از آن پس نتوانسـتند بسازنـد. همچنین طراحی منـار جنبان اصـفهان که هم اکنون نیز پا برجاست به او نسبت داده می شود. اسـتادان شـیخ بهائی:

آن طور که مؤلف عالم آرا آورده است، استادان او بجز پدرش از این قرار بوده اند": تفسیر و حدیث و عربیت و امثال آن را از پدر و حکمت و کلام و بعضـی علوم منقول را از مولانا عبدالله مدرس یزدی مؤلف مشـهور حاشیه بر تهذیب منطق معروف به حاشیه ملا عبـدالله آموخت. ریاضـی را از ملاـ علی مـذهب ملاـ افضل قاضـی مـدرس سـرکار فیض کاشانی فرا گرفت و طب را از حکیم عماد الدین محمود آموخت و در اندک زمانی در منقول و معقول پیش رفت و به تصنیف کتاب پرداخت".

مؤلف روضات الجنات اسـتادان او را پدرش و محمد بن محمد بن محمد ابی الطیف مقدسـی می شمارد و گوید که صحیح بخاری را نزد او خوانده است. علاوه بر اسـتادان فوق در ریاضی، بهائی نزد ملا محمد باقر بن زین العابدین یزدی مؤلف کتاب مطالع الانوار در هیئت و عیون الحساب که از ریاضی دانان عصر خود بوده نیز درس خوانده است. شاگردان شیخ بهایی :

برای پی بردن به مقـام علمی و میزان دانش شـیخ، کـافی است بـدانیم که متجـاوز از چهـل تن از دانشـمندان و بزرگـان قرن یازدهم هجری قمری از وی علم آموخته و بهره برده‌اند و بعضی از آنان، اشخاص زیر هستند:

۱- صدرالدین محمد ابراهیم شیرازی، معروف به ملاصدرا، فیلسوف معروف.

۲- ملا محمد محسن بن مرتضی بن محمود، معروف به فیض کاشانی، صاحب تفسیر صافی.

۳- ملا عزالدین فراهانی مشهور به علینقی کمره‌ای، شاعر معروف قرن یازدهم .

۴- ملا محمدباقر بن محمد مؤمن خراسانی، معروف به محقق شیخ الاسلام.

۵- شیخ جواد بغدادی، مشهور به فاضل جواد، صاحب شرح خلاصهٔ الحساب و زبدهٔ فی الاصول.

۶- ملا محمدتقی بن مقصود علی مجلسی، صاحب روضهٔ المتقین(م ۱۰۷۰) .

۷- سید عزالدین حسینی کرکی عاملی، مشهور به مجتهد مفتی اصفهانی. سخنی در تاریخ وفات شیخ

در مورد تاریـخ وفات شـیخ بهایی اقوال گوناگونی وجود دارد، صاحب «تاریـخ عالم آرای عباسـی» که از مآخذ مورد اعتماد است، می‌گوید که در شب چهارم شوال سال۱۰۳۰ ه.ق بیمار شـد و هفت روز رنجور بود، تا این که در شب ۱۱ شوال درگذشت، و چون وی رحلت کرد، شاه عباس در ییلاق بود و اعیان شـهر جنازه او را برداشتند و ازدحام مردم به اندازه‌ای بود که در میدان نقش جهان جا نبود که جنازه او را حرکت دهنـد. در مسـجد جامع عتیق به آب چاه غسل دادند و علماء بر او نماز گزاردند و در بقعه‌ای منسوب

به امام زین العابدین(علیه السلام) که مدفن دو امامزاده است، گذاشتند و از آنجا به مشهد بردند و به وصیت خود او در پائین پا، در جایی که هنگام توقف در مشهد در آنجا درس می‌گفت، به خاکش سپردند.

صاحب روضات الجنات می‌گوید که چون شیخ درگذشت، پنجاه هزار نفر بر جنازه وی نماز گزاردند و در تاریخ فوت وی گفته‌اند: «بی سر و پا گشت و شرع و افسر فضل اوفتاد.» مقصود از «بی‌سر و پا گشت شرع» این است که شین و عین از آغاز و آخر شرع می‌افتد، و «راء» می‌ماند که ۲۰۰ باشد، و «افسر فضل اوفتاد»، یعنی «فاء» از آغاز آن ساقط می‌شود و «ضاء» که ۸۰۰ و «لام» که ۳۰ باشد می‌ماند و روی هم رفته، ۱۰۳۰می‌شود.

صاحب کتاب تنبیهات می‌گوید که سال یک هزار و سی هجری، مریخ در عقرب راجع شد، و شیخ پس از یک هفته مریضی به رحمت ایزدی پیوست.

اعتماد الدوله میرزا ابو طالب در تاریخ رحلت وی گفته است:

رفت چون شیخ از این دار فنای گشت ایوان جنانش ماوای دوستی جست ز من تاریخش گفتمش «شیخ بهاء الدین وای» که از جمله آخر بدون همزه «بهاء»، عدد ۱۰۳۰ به دست می‌آید.

صاحب مطلع الشمس می‌گوید که در چهارم شوال سال ۱۰۳۰ هجری شمسی مریض گشت و در سه‌شنبه دوازدهم رحلت نمود و جسد شریفش به مشهد نقل شد.

صاحب امل الآمل در مورد تاریخ وفات شیخ گوید که از مشایخ خود شنیدم که در سال ۱۰۳۰ هجری قمری درگذشت.

ولی صاحب قصص العلماء تاریخ درگذشت وی را سال ۱۰۳۱ هجری قمری ذکر کرده است.

صاحب سلافهٔ العصر، تاریخ وفات شیخ را دوازده روز مانده از شوال سال ۱۰۳۱ هجری قمری نوشته است، و در کتاب دیگر خویش موسوم به حدائق الندیه فی شرح الفوائد الصمدیه در دوازدهم شوال سال ۱۰۳۰ هجری قمری ذکر کرده است و ممکن است در چاپ کتاب اول تحریفی شده باشد. به طور کلی آنچه از این اقوال برمی‌آید، وفات شیخ در دوازدهم شوال سال۱۰۳۰ یا ۱۰۳۱ هجری قمری اتفاق افتاده است و چون صاحب تاریخ عالم آرای عباسی که نظرش معتبرتر از دیگران است، و همچنین کتاب تنبیهات که تالیف خود را چند ماه بعد از آن واقعه نوشته است، سال ۱۰۳۰ را ذکر کرده‌اند، از این رو گفته کسانی که وفات شیخ را در این سال نوشته‌اند، صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

در این صورت وفات شیخ در دوازدهم ماه شوال سال ۱۰۳۰ ه.ق در شهر اصفهان روی داده است.

وقتی شیخ بهایی رحلت کرد، شاه عباس در ییلاق بود و اعیان شهر جنازه او را برداشتند و ازدحام مردم به اندازه‌ای بود که در میدان نقش جهان جا نبود که جنازه او را حرکت دهند. در مسجد جامع عتیق به آب چاه غسل دادند و علماء بر او نماز گزاردند و در بقعه‌ای منسوب به امام زین العابدین(علیه السلام) که مدفن دو امامزاده است، گذاشتند و از آنجا به مشهد بردند و به وصیت خود او در پائین پا، در جایی که هنگام توقف در مشهد در آنجا درس می‌گفت، به خاکش سپردند. نمونه اشعار :

تا کی به تمنای وصال تو یگانه
اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه
خواهد که سرآید غم هجران تو یا نه
ای تیره غمت را دل عشاق نشانه
جمعی به تو مشغول و تو غایب زمیانه
رفتم به در صومعه عابد و زاهد
دیدم همه را پیش رخت راکع و ساجد
در میکده رهبانم و در صومعه عابد
گه معتکف دیرم و گه ساکن مسجد
یعنی که تو را می طلبم خانه به خانه
روزی که برفتند حریفان پی هر کار
زاهد سوی مسجد شد و من جانب خمار
من یار طلب کردم و او جلوه گه یار
حاجی به ره کعبه و من طالب دیدار
او خانه همی جوید و من صاحب خانه
هر در که زنم صاحب آن خانه تویی تو
هر جا که روم پرتو کاشانه تویی تو
در میکده و دیر که جانانه تویی تو
مقصود من از کعبه و بتخانه تویی تو
مقصود تویی ...کعبه و بتخانه بهانه
بلبل به چمن زان گل رخسار نشان دید
پروانه در آتش شد و اسرار عیان دید
عارف صفت روی تو در پیر و جوان دید
یعنی همه جا عکس رخ یار توان دید
دیوانه منم ..من که روم خانه به خانه
عاقل به قوانین خرد راه تو پوید

دیوانه برون از همه آئین تو جوید
تا غنچهء بشکفتهء این باغ که بوید
هر کس به بهانی صفت حمد تو گوید
بلبل به غزل خوانی و قمری به ترانه
بیچاره بهایی که دلش زار غم توست
هر چند که عاصی است ز خیل خدم توست
امید وی از عاطفت دم به دم توست
تقصیر" خیالی "به امید کرم توست
یعنی که گنه را به از این نیست بهانه

نصایح شیخ بهایی به فرزندش

اگر پیامبر هم باشد از زبان مردم آسوده نیست.
اگر بسیار کار کند، می‌گویند احمق است.
اگر کم کار کند، می‌گویند تنبل است.
اگر بخشش کند می‌گویند افراط می‌کند.
اگر ثروت اندوزی کند، می‌گویند بخیل است.
اگر ساکت و خاموش باشد می‌گویند لال است.
اگر زبان‌آوری کند، می‌گویند وراج و پر روست.
اگر روزه بدارد و شب‌ها نماز بخواند می‌گویند ریاکار است.
و اگر نماز نخواند می‌گویند کافر و بی دین است.
پس فرزندم نباید به حمد و ثنای مردم اعتنا کرد و جز از خداوند نباید از کسی ترسید . منبع :
سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران
سایت مشاهیر ، سایت شهید آوینی
کشکول شیخ بهایی
فقهای نامدار شیعه، عقیقی بخشایشی، ص ۲۱۱

شیخ ثانی کرمانی، حبیب‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. وی خط نسخ را از پدر خود و نستعلیق را از سید احمد مشهدی آموخت. از آثار او: یک قطعه از مرقع سلطان حسین بایقرا، به قلمهای مختلف از جمله نستعلیق نیم دو دانگ متوسط، با رقم: «کتبه حبیب‌اللّه بن محیی المشتهر با میر شیخ الثانی الکرمانی»؛ یک قطعه از مرقع سید احمد مشهدی، به قلم چهار دانگ خوش، با رقم: «حبیب‌اللّه الکرمانی»؛ یک قطعه به قلم سه دانگ خوش، با رقم: «کتبه حبیب‌اللّه الکرمانی»؛ یک قعطه به قلم سه دانگ خوش، با رقم: «کتبه امیر شیخ‌الثانی الکرمانی»؛ یک قطعه به قلم دو دانگ و کتابت خوش، با رقم: «نمقه امیر شیخ‌الثانی الکرمانی، فی سنه ۹۹۵».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۵۷/۴، ۳۲۲/۲)، مناقب هنروران (۷۸).

شیخ نیا، غلامعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۰ -۱۲۸۳ ش)، مدرس و نویسنده. در اراک متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در اراک و متوسطه را در دارالمعلمین مرکزی به پایان رساند. در سال ۱۳۰۷ ش به همراه اولین دسته از دانشجویان اعزامی به فرانسه رفت و در رشته علوم طبیعی مدرک لیسانس گرفت. پس از آن مشغول مطالعه و تهیه‌ی مقدمات رساله‌ی دکتری شد. پیش از گذراندن دوره‌ی دکتری به دستور وزارت فرهنگ به ایران مراجعت کرد و مامور شیراز شد. در سال ۱۳۱۵ ش در دانشسرای عالی به تدریس دروس علمی آزمایشگاه زمین‌شناسی شد. بعدها ریاست آزمایشگاه زمین‌شناسی و دروس علمی آن و همچنین دروس علوم طبیعی کلاسهای مخصوص علمی و خانه‌داری را بر عهده گرفت. از آثار وی: «دیرین شناسی»؛ «راهنمای زمین‌شناسی»؛ «مجموعه‌ی اصطلاحات علمی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۷۲۵ -۷۲۴ /۴).

شیخ، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۵ ش)، استاد دانشگاه و نویسنده. در تهران متولد شد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه و دوره‌ی دوم مدرسه‌ی صنعتی ایران و آلمان با اولین دسته‌ی دانشجویان اعزامی به آلمان رفت و به تحصیل در رشته شیمی پرداخت و پس از گذراندن دوره‌ی تحصیل در دانشگاه فردریک و دانشگاه بن وطی دوره‌ی دکترا در دانشگاه برلن در سال ۱۳۱۵ ش به ایران بازگشت و به تدریس در رشته شیمی در دانشسرای عالی و دانشکده‌ی علوم پرداخت از آثار وی: «تمرینات و تجربیات شیمی آلی»؛ «شیمی آلی ارگانیک».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۱۵۶ –۱۵۵ /۱).

شیخ، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۹ ش)، پزشک و مدرس. در تهران متولد شده. پس از تحصیلات دوره‌ی متوسطه در دارالفنون و گذرانیدن مدرسه‌ی طب در سال ۱۳۰۵ ش برای ادامه‌ی تحصیلات به فرانسه عزیمت کرد و دوره‌ی (مالاریالوژی) را طی نمود. پس از آن دوره‌ی بهداشت را پیموده و پایان‌نامه‌ی خود را پیرامون، لیشمانیوز در تهران، در پاریس نگاشت پس از آن به تهران مراجعت کرد و عهده‌دار مشاغلی از قبیل پزشک وزارت فرهنگ، رییس بخش پزشکی بیمارستان گوهرشاد، تعلیم دروس بالینی دانشجویان پزشکی در بیمارستان مذکور، استاد کرسی بیماریهای عمومی و پزشکی آزمایشی. از آثار وی: «تاریخ طبیعی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۷۰۵ –۷۰۴ /۴).

شیخ‌الاسلام

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح س یازدهم ق)، خطاط. خوشنویس زبردستی است که به کلی گمنام مانده است. آنچه از آثار وی معلوم می‌گردد، این است که استواری و ملاحت و جودت قلمش، او را در مقام سنجش با بزرگترین استادان خط نستعلیق قرار می‌دهد و باید گفت که شیوه‌ی میرعلی هروی را به اعلی درجه و یکنواختی و قدرت قلم شاه بابا اصفهانی و استواری و کمال خط میرعماد قزوینی را جمع کرده است. از آثار وی: یک قعطه خط که فقط یک رباعی است، به قلم دو دانگ و کتابت ممتاز، با رقم: «کتبه العبد شیخ‌الاسلام خان» که باید در حدود سال هزار هجری باشد؛ قطعه‌ای به قلم چهار دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم: «کتبه العبد شیخ‌الاسلام خان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۲۱ –۳۲۰ /۲).

شیخ‌الاسلام تبریزی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۰ –۱۲۴۰ ق)، فقیه، اصولی، مفسر، محدث و ادیب امامی. در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری کتب مقدماتی، عربی و فارسی، برای تکمیل تحصیلات خود به نجف رفت و در آنجا در نزد شیخ انصاری و حاج شیخ مهدی آل‌کاشف الغطاء و فاضل ایروانی و شیخ محسن خنفر و شیخ مشکور و دیگران درس خواند. پس از نیل به مدارج عالی به زادگاهش بازگشت و مورد توجه خاص و عام گردید. در ۱۲۸۲ ق پس از وفات برادرش میرزا شفیع به منصب شیخ‌الاسلامی رسید. شیخ‌الاسلام علاوه بر مراتب علمی قریحه‌ی شعری نیکویی داشت و اشعار لطیفی از خود بجای گذاشت. وی سفری از تبریز به نجف و از آنجا به مکه کرد و در حال حج‌گزاری از دنیا رفت و در قبرستان ابوطالب (ع) دفن شد. از آثار وی: «درایه الحدیث»؛ «دکه القضاء»، در شهادت و قضاء؛ «رساله‌ی مشتقات»؛ «حقایق القوانین» که حاشیه‌ی «قوانین الاصول» است؛ «تمییز الصحیح من الجریح»، در تعادل و تراجیح؛ حواشی بر «مجمع البحرین» طریحی؛ «کاشفه الکشاف»، حاشیه بر «کشاف» زمخشری؛ «مفتاح البسمله»؛ «منتهی المقاصد»، در علم نحو؛ «مواقع النجوم فی مشکلات العلوم» یا «غایه الاملین»، در حل مشکلات آیات؛ «المنهل الصافی»، حاشیه بر «تفسیر صافی»؛ رساله‌ای در «عدم حجیت اصول مثبته»؛ «عجب العاجب»، در مساله اجرت بر واجب؛ «ابداء البداء»، در حقیقت قدر و قضا.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۵۵/۸)، اعیان الشیعه (۱۰۷/۱۰)، دانشمندان آذربایجان (۲۶۸)، الذریعه (۲۳۰/۲۳ ،۴۱/۲۱، ۶/۱۶، ۲۲۰/۵ ،

۶۴/۱)، ریحانه (۲۹۸ -۲۹۶ /۳)، علماء معاصرین (۴۴ -۴۰)، معجم المؤلفین (۱۸۱/۱۲)، مکارم الآثار (۱۱۲۵ -۱۱۲۳ /۴).

شیخ‌الاسلام دامغانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عالم دینی و شاعر. وی معاصر آیت‌اللّٰه میرزای رضای بزرگ شریعتمدار دامغانی بود و از علمای عصر ناصری. وی دارای تالیفاتی می‌باشد از آن جمله‌اند: «فرق الملل» یا «بیان المذاهب»؛ رساله‌ای در بیان «احکام حلال و حرام» و «عبادات».[۱]

محمد بن حسین بن باقر معروف به شیخ‌الاسلام دامغانی معاصر با مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا رضای بزرگ شریعتمدار دامغانی و ناصرالدین شاه قاجار و بنابر مشهور وظیفه‌ای از شاه مزبور بنام شیخ‌الاسلامی داشته و در سال ۱۲۷۱ قمری می‌زیسته است.

دارای تألیفاتی که از آنهاست (فرق‌الملل یا بیان‌المذاهب) و رساله‌ای در بیان احکام حلال و حرام و عبادات و غیره بوده و آنها را با کتب دیگرش بنام فرزندش عالم جلیل ملا عبدالرزاق که مورد علاقه‌اش بوده وقف نموده است

آن مرحوم از مردم شهر خود دلتنگ و ناراحت و همواره به غم و افسردگی روزگار خود را می‌گذرانیده چنانکه از این ابیاتش ظاهر است.

محمد بن حسین دامغانیست ولیکن
نمانده در دلش از دامغان و فاز کسانی
کنند دعوی علم و عمل ولیک ندارند
بغیر بخل و حسد از عمل بدهر نشانی
بر این قیاس نظر کن بحال پیر و جوانش
چه کوفه است شود کوفه آن بلد بزبانی
ز ناظرین بر این شرح ممکن است توقع
برند نام شریفم بخیر در همه آنی
بعارفان سخن سنج باد رحمت یزدان
که اوست باقی و جز ذات او بود همه فانی

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۲۱/۵).

شیخ‌الاسلام زنجانی، فضل‌اللّٰه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۳ -۱۳۰۳ ق)، فقیه، متکلم، رجالی و حکیم. در زنجان به دنیا آمد. مقدمات و متون را نزد استادان زنجانی فراگرفت و فلسفه را از علامه میرزا عبدالمجید آموخت و به درس خارج علامه میرزا عبداللّٰه زنجانی حضور یافت. در ۱۳۳۱ ق بـه همراه برادرش به نجف مهاجرت کرد و در آنجا نزد آیت‌اللّٰه سید محمدکاظم یزدی و آیت‌اللّٰه شیخ الشریعه اصفهانی و دیگر مدرسان به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. در ۱۳۳۹ ق به زنجان بازگشت و به وظائف امور علمی و شرعی مشغول گردید. او از آیت‌اللّٰه سید حسن صدر عاملی کاظمی و علامه سید محمد فیروزآبادی و آیت‌اللّٰه شیخ الشریعه اصفهانی و علامه سید محمود شکری علوی آلوسی دارای اجازه بود. از آثارش: حاشیه بر «منطق» شرح «منظومه» سبزواری؛ رساله‌ای در رد نظریه‌ی «واحد بسیط...»؛ «تاریخ علم کلام در اسلام»؛ حاشیه بر «اوائل الشوارق» ملا عبدالرزاق لاهیجی؛ نقد «رساله‌ی حدوث» ملا صدرا شیرازی؛ «تشیع در تاریخ اعتقادی و سیاسی و ادبی شیعه» یا «تاریخ مذهب شیعه»؛ تعلیقاتی بر کتاب «اوائل المقالات» شیخ مفید؛ شرح و حاشیه‌ای بر «منهج المقال» استرآبادی؛ «شرح حال رجال زنجان و راویان آن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شهیدان راه فضیلت (۳۹۰ -۳۸۹)، علماء معاصرین (۲۲۸ -۲۲۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۷۱ -۸۷۰ /۴).

شیخ‌الاسلام کردستان، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

درگذشت: ۱۳۷۳.

دکتر محمد شیخ‌الاسلام کردستان استاد دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران بود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شیخ‌الاسلام، عبدالرحیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن شیخ جعفربن مولی محمدباقر سبزواری، عالم جلیل، [از مشاهیر علما] در قرن ۱۲ بوده، و در سال ۱۱۵۴ در جزو علما که در سلطانیه جمع شدند بوده، و در [سال ۱۱۸۱ در] اصفهان وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شیخ‌الاسلامی مکری، محمد امین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، مؤلف.

تولد: بهار ۱۳۰۰، لاچین، یکی از روستاهای مهاباد.

درگذشت: ۲۹ فروردین ۱۳۵۶.

سید محمد امین شیخ‌الاسلامی مکری متخلص به «هیمن»، فرزند سید حسن، پس از یادگیری قرآن مجید و کتب مقدماتی فارسی و عربی، به مهاباد رفت و چهار سال در خانقاه و مدرسه جد مادریش شیخ یوسف برهان تحصیلات علوم دینی خود را ادامه داد. در همان ایام با «هه‌ژار» که در آنجا به سر می‌برد، هم درس و هم صحبت شد. بعدها به دستور پدرش به آبادی «کولیجه» راه یافت و مدت چند سالی نزد ملا احمد فوزی مدرس آنجا درس خواند. در سال ۱۳۱۷ به خانه‌ی پدری در آبادی «شیلان آوی» بازگشت. روزها کشاورزی می‌کرد و هر سال چند بار به شهر مهاباد می‌آمد، در این مسافرت‌ها با رجال شعر و ادب آشنا شد و در جلسات ادبی جوانان آن دیار شرکت می‌جست و اندک اندک مورد توجه قاضی محمد قرار گرفت.

«هیمن» در این ایام جوانی شروع به سرودن شعر نمود. وی در این چنان پیش رفت که در سنین بالا به وی لقب «شاعر وطنی» دادند. هیمن در سال ۱۳۲۳ به عضویت شورای نویسندگان نشریه‌ی «نیشتمان» درآمد که به طور مخفیانه از سوی جمعی از ادبا و شعرای کرد علیه رژیم پهلوی انتشار می‌یافت. در سال ۱۳۴۴ پدرش دار فانی را وداع گفت و دو سال بعد از آن مادرش درگذشت. به سال ۱۳۴۷ به علت مشاهده‌ی ستم‌های اعمال شده به کردها، خانه و زندگی را ترک گفت و سال‌ها در بلاد غربت متواری و آواره بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به وطن بازگشت و خدمات ادبی و اجتماعی و فرهنگی خود را از سر گرفت که از جمله آنها انتشار مجله‌ی «سروه» به زبان کردی است که در شهر ارومیه چاپ و توزیع می‌گردد. استاد هیمن پس از ۶۵ سال زندگی، بر اثر سکته‌ی قلبی در بیست و نهم فروردین ۱۳۶۵ درگذشت. آثار چاپ شده وی به این شرح است: تاریک و روون (دیوان شعر)؛ ناله‌ی جودایی (شعر)؛ پاشه روک (مجموعه‌ی مقالات و اشعار)؛ بازنویس تحفه‌ی مظفریه (از رسم الخط لاتینی به کردی)، قه لای دمدم؛ شازاده و گدا؛ هه واری خالی.

سید محمدامین شیخ‌الاسلامی در سن شصت و پنج سالگی بر اثر سکته‌ی قلبی درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شیخ‌الاسلامی، اسعد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: فقه و مبانی حقوق، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای فقه و مبانی حقوقی.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فقه و اصول، تاریخ و کلام اسلامی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۴۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تحقیقی در مسائل کلامی از نظر متکلمان اشعری و معتزلی، احوال شخصیه اهل سنت.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

حقوق اسلامی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شیخ‌الاسلامی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۰ مرتبه علمی: استاد، رشته: علوم سیاسی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی علوم اقتصاد و سیاسی از دانشگاه لندن در سال ۱۳۳۵، دکترای علوم سیاسی از دانشگاه هایدلبرگ آلمان غربی در سال ۱۳۴۴.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تاریخ روابط بین‌الملل، تاریخ روابط خارجی ایران، روابط ایران و شوروی، سیاست و حکومت در خاورمیانه، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

سیمای احمدشاه قاجار، اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا (درباره قرارداد ۱۹۱۹)، خاطرات سرآرتورهاردینگ (وزیرمختار بریتانیا در ایران) در زمینه تاریخ سیاسی ایران، تاریخ اندیشه سیاسی (افکار سیاسی افلاطون و ارسطو).

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵۰، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

جلد اول مجموعه مقالات تحت عنوان" قتل اتابک."

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شیخ‌الرئیس قاجار، ابوالحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸/۱۳۳۶ -۱۲۶۴ ق)، خطیب، عالم و شاعر، متخلص به حیرت. ملقب به شیخ‌الرئیس. در تبریز متولد شد. مقدمات علوم را در تهران و مشهد تحصیل کرد و حکمت قدیم را در تهران در محضر آقا علی مدرس فراگرفت سپس به عتبات سفر کرد و در مجلس درس میرزای شیرازی در سامرا حضور یافت به تهران بازگشت و پس از چندی ناصرالدین‌شاه لقب شیخ‌الرییس را به او داد و مامور خدمت در آستان قدس رضوی گردید. در خراسان با آصف‌الدوله حاکم آن ولایت درافتاد و از راه عشق‌آباد به استانبول رفت و در آنجا به عضویت انجمن اتحاد اسلام درآمد و مورد توجه سلطان عبدالحمید قرار گرفت و کتاب «اتحاد اسلام» را برای او نوشت. بعد از چندی به ایران بازگشت و در نهضت مشروطه با مشروطه‌خواهان همراهی کرد و در انتخابات دوره‌ی دوم مجلس به نمایندگی مردم مازندران انتخاب شد. وی سرانجام در تهران درگذشت و در صحن حضرت عبدالعظیم دفن شد. از آثار وی: «دیوان» شعر؛ «اتحاد اسلام»؛ «کتاب الابرار»؛ «منتخب النفیس»؛ «رساله نقد فرقه‌ها»؛ «فصل الخطاب»؛ «سفرنامه‌ی استانبول».[۱]

قاجار، ابوالحسن میرزا متخلص به حیرت ابن شاهزاده محمد تقی میرزا حسام‌السلطنه و نواده فتحعلی شاه (و. تبریز ۱۲۶۴ ه.ق.- ف. ۱۳۳۶ ه.ق.). وی سالها به کسب علوم متداول مشغول بود و در شمار دانشمندان عهد درآمد. او بر نظم و نثر پارسی تسلط داشت و دیوانش در بمبئی به چاپ رسیده. وی از آزادیخوانان مشهور بود و بعد از بمباران مجلس (زمان محمد علی شاه) در باغشاه محبوس گردید.

سال تولد: ۱۲۶۴ ق.

فوت: ۱۳۳۶ ق.

آثار: کتاب منتخب‌النفیس؛ اتحادالاسلام؛ الابرار؛ دیوان حیرت؛ سفرنامه استانبول؛ رساله نقد فرقه‌ها؛ نافع و سراج لامع؛ فصل الخطاب؛ نافع‌الافهام و رافع‌الاوهام

مناصب: رئیس کتابخانه آستان قدس در زمان ناصرالدین شاه، نماینده مجلس در دوره دوم

ابوالحسن میرزا معروف به شیخ‌الرئیس و متخلص به حیرت پسر محمدتقی میرزا حسام‌السلطنه از ادبا و خطبای قاجار در سال ۱۲۶۴ ق در تبریز متولد و در سال ۱۳۳۶ ق. در تهران درگذشت و در محوطه آرامگاه ناصرالدین شاه مدفون گردید. شیخ‌الرئیس در زمان ناصرالدین شاه چندی در خراسان متوطن بود ولی به واسطه اختلافاتی که با آصف‌الدوله شیرازی والی خراسان پیدا کرد رهسپار بلاد عثمانی گشت. در ربیع‌الاول ۱۳۰۴ ق. به فرمان ناصرالدین شاه به ایران بازگشت. پس از استقرار مشروطیت و مرگ مظفرالدین شاه با آنکه وی از تبار قاجار بود در منابر و مساجد علناً از شاه بدگویی می‌کرد. بعد از انهدام مجلس و مشروطیت وی نیز از جمله کسانی بود که دستگیر و در باغشاه محبوس گردید. بعد از فتح تهران به سمت نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید.

مناصب: ریاست اصطبل سلطنتی (۱۳۳۹)؛ ریاست اداره کل شکاربانی و گاراژ سلطنتی (۱۳۴۴)؛ ریاست کل سازمان فنی و خدمات عمومی دربار (۱۳۴۷)؛ آجودان کشوری محمدرضا شاه (۱۳۵۳)؛ ریاست فدراسیون فوتبال؛ مدیرکلی وزارت دربار؛ مدیرعامل انجمن سلطنتی اسب؛ سرپرستی امور انتظامی و اجرایی دربار؛ مسئول رادیو نجات ایران (قاهره) (بعد از انقلاب)؛ ریاست دفتر فرح پهلوی (در حال حاضر)

آثار:

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۵۳۰ –۵۲۹)، دانشمندان آذربایجان (۱۲۷)، دایرةالمعارف فارسی (۱۵۲۲ –۱۵۲۱ /۲)، الذریعه (۲۷۵ –۲۷۴ /۹)، ریحانه (۳۲۳ –۳۲۱ /۳)، شرح حال رجال (۴۳ –۴۲ /۱)، فرهنگ سخنوران (۲۸۶)، مؤلفین کتب چاپی (۱۵۸ –۱۵۶ /۱).

شیخ‌العراقین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن شیخ زین‌العابدین مازندرانی، فقیه و حکیم (ف. عراق عرب ۱۳۴۰ ه.ق.).

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

شیخ‌العراقین تهرانی، عبدالحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۶ ق)، مجتهد، عالم و محقق امامی. در نجف نزد شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، تلمذ کرد تا اینکه به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نایل شد. آنگاه به عنوان پیشوای دینی به تهران بازگشت و مرجعیت عام یافت. او به ترویج دین و امر به معروف و نهی از منکر پرداخت و از ناصرالدین‌شاه قاجار نهراسید و، در بسیاری موارد، در مقابل وی ایستادگی کرد. او در دقت، تحقیق، سرعت انتقال، کثرت حافظه از نوادر به شمار می‌رفت و در فقه و حدیث و رجال و لغت متبحر بود. او از صاحب «جواهر» و سید شفیع جاپلقی و ملا رفیع رشتی روایت کرده است. پس از تلاش برای بازسازی قبه‌ی مبارکه‌ی حسینی و قبه‌ی مبارکه عسکریین به کاظمین رفت و در آنجا از دنیا رفت و پیکرش به کربلا منتقل و در صحن مقدس حسینی دفن شد. از آثار وی: احداث مسجد و مدرسه‌ی بزرگی در تهران به نام مسجد و مدرسه‌ی شیخ‌العراقین؛ کتابخانه‌ی بزرگی حاوی کتب خطی نفیس در کربلا. از آثار علمی وی: کتابی در «طبقات الراوه»، در رجال، که در جدولی زیبا تنظیم کرده است؛ ترجمه‌ی «نجاه العباد»؛ «ساله‌ی عملیه»؛ حواشی و تعلیقات بسیار؛ «مصباح النجاه»، در سراسر نماز و سر استغفار بین سجدتین.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۳۹ –۴۳۸ /۷)، الذریعه (۱۲۲/۲۱، ۱۴۲/۴، ۱۲۶/۱)، ریحانه (۳۲۹/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۱۵ –۷۱۳ /۱۳)، الکنی و الالقاب (۳۹۸ –۳۹۷ /۲).

شیخانی، علی باقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی باقر شیخانی

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۱ در یکی از روستاهای استان گیلان در اطراف رشت به دنیا آمده و از سن هفت سالگی به مدرسه رهسپار گردیدم و در سال ۱۳۶۱ در رشته اقتصاد اجتماعی دیپلم گرفتم.

در سال ۱۳۶۱ برای فراگیری علوم دینی رهسپار شهرستان رشت شده و در حوزه علمیه امام صادق (ع) وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی به تحصیل پرداختم اما پس از یک سال به شهر تهران رفته و در حوزه علمیه شهید بهشتی مشغول به تحصیل شدم اما پس از یک سال به دلیل اختلاف در مدیریت مدرسه آن را ترک گفته وارد حوزه علمیه ولیعصر (عج) وابسته به برادران باقری بنابی شده و تا سال ۶۶ در آن حوزه علمی تا پایان جلد اول لمعه را فرا گرفتم

در سال ۱۳۶۶ برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم وارد شدم و از محضر اساتید بزرگوار آن بهرهمند گردیدم و در ابتدا اصول فقه مرحوم مظفر را نزد استاد علی محمدی خراسانی فرا گرفتم همچنین برخی از ابواب جلد دوم لمعه را نزد ایشان و استاد شب زنده دار و استاد احمد خاتمی و مرحوم وجدانی فخر تلمذ نمودم پس از آن مکاسب محرمه و کتاب بیع را نزد مرحوم احمد پایانی و کتاب رسائل را نزد استاد اعتمادی فرا گرفتم و کتاب خیارات مکاسب را نزد استاد عباس محفوظی فرا گرفتم و پس از آن کتاب کفایه را نزد مرحوم صالحی مازندرانی و استاد مهدی هادوی آموختم.

در ضمن این سالها به دروس فلسفه منظومه استاد احمد بهشتی و درس اسفار استاد جوادی آملی و استاد حسن ممدوحی و استاد نکونام شرکت جستم.

از سال ۷۱ به بعدتا کنون در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت داشته و در دروس خارج فقه اساتید بزرگوار مشکینی ، بهجت ، محقق داماد ، موسوی اردبیلی ، فاضل لنکرانی ، مکارم شیرازی، و نوری همدانی شرکت جسته بهرهمند گردیدم.

همچنین در سال ۷۲ در اولین دوره رشته تخصصی تبلیغ شرکت جسته و با موفقیت به پایان رسانده و مشغول تالیف پایان نامه سطح چهارم آن می باشم همچنین در رشته تخصصی مذاهب اسلامی دوره پنجم آن شرکت جسته در سال ۸۱ به پایان رسانده ام.

شیخ‌بهائی، بهاءالدین، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۳۱/۱۰۳۰ –۹۵۳ ق)، عالم، فقیه، مفسر، محدث، متکلم، ریاضیدان، ادیب و شاعر امامی، متخلص به بهایی. معروف به شیخ‌الاسلام والمسلمین و مجدد دین در رأس قرن یازدهم. در بعلبک به دنیا آمد. در کودکی به همراه پدر، در عهد شاه طهماسب، به ایران وارد شد. وی در محضر پدر خود، شیخ حسین، شاگرد شیهد ثانی، و عبداللّه بن شهاب‌الدین یزدی و محمدباقر یزدی و ملا علی مذهب و ملا افضل و اعتمادالدین محمود کچایی به فراگیری علم مشغول شد، تا اینکه در تفسیر، فقه، اصول، ادبیات، رجال، تاریخ، حکمت، کلام، طب، ریاضیات و سایر علوم سرآمد شد. عهده‌دار منصب شیخ‌الاسلامی گشت و امور شرعی یکسره به او محول شد. سپس او از این شغل کناره گرفت و سالیانی به سیاحت شهرها پرداخت، و به هرات و اران و آذربایجان و تبریز و مصر و شام و دمشق و عراق و حلب و فلسطین و بیت‌المقدس و سرندیب و حجاز و مکه و مدینه و دیگر شهرها مسافرتها کرد، و در اثناء این سفرها گاه به مباحثات علمی- مذهبی نیز می‌پرداخت. سرانجام به ایران بازگشت و همراه شاه عباس پیاده از اصفهان به مشهد رضوی رفت. شیخ‌بهایی احادیث شیعه را از پدرش و میرداماد روایت کرده و «صحیح باری» را از استادش، محمد بن محمد بن محمد مقدسی، روایت نموده است، که مقدسی نیز به واسطه‌ی دوازده تن محدث محمد نام، پی در پی از محمد بن اسماعیل بخاری نقل کرده است. شیخ‌بهایی آنی از تعلیم و تربیت فروگذار نبود و در حوزه درس خویش شاگردانی همچون، شیخ فاضل جواد بن سعداللّه، ملا حسنعلی شوشتری، سید حسین کرکی، ملا خلیل قزوینی، محمد خلیل قاینی، میرزا رفیع‌الدین نایینی، شیخ زین‌الدین بن محمد سبط شهید ثانی، ابن ابی‌جامع، شیخ علی بحرانی، سید ماجد بحرانی، ملا محسن فیض کاشانی، ملاصدرا، محمد بن حسین ساوجی، میرزا رفیع‌الدین طباطبایی، ملا شریف‌الدین محمد رویدشتی، شیخ محمود جزایری، ابن‌خاتون، محقق سبزواری، مجلسی اول، ملا محدصالح مازندرانی تربیت کرده است. وی کتابخانه‌ی بزرگی گرد آورد که از جمله چهار هزار کتابی بود که شیخ علی منشار، پدر همسرش، از شهرهای هند به ایران آورده بود و پس از او به دخترش همسر شیخ‌بهائی، منتقل شده بود. شیخ‌بهایی در اصفهان درگذشت. جنازه او به مشهد رضوی منتقل کردند و در جوار حرم مطهر دفن کردند. در «ریحانه الادب» نود و سه اثر وی با شرح مختصر ذکر شده است. از آثار وی: «حبل المتین فی احکام احکام‌الدین»؛ «مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین»، در فقه استدلالی؛ «الاربعین» یا «الاربعون حدیثا»؛ «جامع عباسی»، به فارسی، در فقه؛ «الکشکول»؛ «المخلاه»؛ «زبده الاصول» یا «الزبده»، در اصول فقه؛ «فوائد الصمدیه»، در نحو؛ «مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیله»؛ رساله «الهلالیه»؛ «اثبات الانوار الالهیه»؛ «الاثنی عشریات»؛ «اسرار البلاغه»؛ «تهذیب البیان» یا «التهذیب»، در نحو؛ حاشیه‌ی «من لا یحضره الفقیه»؛ حاشیه‌ی «خلاصه الاقوال» علامه حلی؛ حاشیه «کشاف» زمخشری؛ حاشیه «تفسیر» بیضاوی؛ «خلاصه الحساب»، در ریاضیات؛ «تشریح الافلاک»، در علم هیئت؛ «الاسطرلاب»؛ «بحر الحساب»؛ «الوجیزه»، در درایه، به نام «درایه الحدیث»؛ مثنوی‌های: «زنان و پنیر»، «شیر و شکر»، «طوطی نامه»، «نان و حلوا» یا «سوانح الحجاز»، «الزاهره».[۱]

(شیخ) محمد بن حسین عاملی (منسوب به جبل عاملی) معروف به شیخ بهائی، دانشمند بنام عهد شاه عباس بزرگ (و. بعلبک ۹۵۳ ه.ق./ ۱۵۴۶ م.– ف. اصفهان ۱۰۳۱ ه.ق./ ۱۶۲۲ م.) پدرش عزالدین حسین در سال ۹۶۶ به ایران مهاجرت کدر و بهاءالدین در ایران نشأت یافت و تألیفاتی به فارسی و عربی پرداخته که مجموع آنها به ۸۸ کتاب و رساله بالغ می‌شود، از آن جمله است:

دو مثنوی فارسی «نان و حلوا» و «شیر و شکر»، جامع عباسی (فقه)، خلاصةالحساب، تشریح الافلاک کتاب اربعین (بعربی)، کشکول که مجوعه‌ایست از نوادر حکایات و علوم و اخبار و امثله واشعار عربی و فارسی. وی به فارسی و عربی شعر می‌سروده. جنازه او را به مشهد انتقال و در مسجد گوهرشاد دفن کردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۹۲۷ -۹۲۶ /۳)، الاعلام (۳۳۴/۶)، اعیان الشیعه (۲۳۴/۹)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۷۹ - ۲۷۷ /۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۴۷ -۱۰۳۹ /۵)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۵۱۵ -۵۰۲)، تذکره‌ی روز روشن (۱۲۲ -۱۲۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۱ -۱۵۰)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۵۰۶ -۴۹۵)، دایرۀالمعارف فارسی (۱۵۲۲/۲)، دنباله جستجو در تصوف (۲۵۹)، الذریعه (۷۷/۱۸، ۹۸۳، ۱۴۳، ۹/ ۲۴۱، ۲۴۰- ۶/ ۲۲۵، ۲۲۴- ۲۱۱، ۲۰۳، ۱۹۵، ۱۷۳، ۱۶۸، ۱۰۳، ۸۸، ۳۹، ۶/ ۳۰۲، ۳۰۱- ۶۳، ۶۲- ۵/ ۵۰۹، ۴۹۸، ۲۰۰، ۱۸۶، ۱۸۵- ۴/ ۴۲۵، ۳۶، ۳۵- ۳/ ۴۲/۲، ۱۱۸، ۱۱۷- ۱۱۵، ۸۵، ۱/)، روضات الجنات (۸۰ -۵۴ /۷)، ریاض العارفین (۴۹ -۴۵)، ریاض العلماء (۹۷ -۸۸ /۵)، ریحانه (۳۲۰ -۳۰۱ /۳)، زندگینامه ریاضیدانان (۱۷۲ -۱۷۰)، سرآمدان فرهنگ (۲۳۲/۱)، سیری در شعر فارسی (۳۸۴ -۳۸۳)، شخصیتهای نامی (۲۷۳ -۲۷۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۸ -۸۵ ۱۱/)، عالم آرای عباسی (۱۵۷ -۱۵۵ /۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۱۱ -۳۱۰)، فرهنگ سخنوران (۱۴۷)، فقهای نامدار شیعه (۲۲۸ -۲۰۹)، فوائد الرضویه (۵۲۱ -۵۰۲)، فلاسفه‌ی شیعه (۴۲۹ -۴۱۵)، کارنامه بزرگان (۳۲۵ -۳۲۴)، الکنی و الالقاب (۱۰۰/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۲ -۴۲۱ /۵)، مجمع الخواص (۴۱ -۴۰)، مجمع الفصحا (۱۵ -۱۲ /۴)، مطلع الشمس (۳۸۸ -۳۸۶ /۲)، معجم المؤلفین (۲۴۲/۹)، منظومه‌های فارسی (۳۵۶ -۳۵۳)، نتایج الافکار (۱۰۵ -۱۰۳)، یغما (س ۱۳، ص ۱۴۶ -۱۴۳).

شیخزاده، احمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۲۸ ق)، خطاط. از شاگردان یاقوت مستعصمی بود که در بغداد متولد شد و کتابت بسیاری از کتیبه‌های بغداد را به وی نسبت داده‌اند. از آثار وی: یک نسخه «نهج‌البلاغه»، به خط نسخ کتابت عالی و ثلث دو دانگ جلی عالی، با رقم: «خدم بکتبه العبد الفقیر... احمد بن یحیی بن محمد بن عمر بن محمد السهروردی... سنه ثمان و عشرین و سبعمائه...»؛ قرآن رحلی کوچک با جلد تیماج عنابی، صفحه‌ی اول هر جزء، تمام مذهب مرصع ممتاز، به خط ثلث جلی عالی، با رقم: «... احمد بن السهروردی...» سال ۷۰۶؛ یک صفحه از مرقع مالک، به خط ریحان سه دانگ جلی ممتاز، با رقم: «کتبه الفقیر... احمد بن السهروردی...». پنج اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۲۶ -۱۰۲۴ /۴)، تاریخ هنرهای ملی (۷۸۸ -۷۸۷ /۲)، گلستان هنر (۲۱)، مناقب هنروران (۱۱۴، ۴۳، ۳۹).

شیخزاده، انصاری

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. از کودکی به تحصیل علم پرداخته و در فن گفتن و شکفتن معما از طبع خوبی برخوردار بود. پدرش نیز شعر می‌گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۶۴/۹)، مجالس النفائس (۱۰۳ -۱۰۲).

شیخزاده، پورانی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر و خطاط. صاحب «مناقب هنروران» وی را از خوشنویسان دربار سلطان حسین بایقرا دانسته است. شیخزاده از دقایق انشاء و نظم بهره‌مند بود و شعر می‌سرود و در خوشنویسی نیز مهارت داشت به طوری که در اندک زمانی سرآمد همگنان گردید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۲۱/۲)، تذکره‌ی روز روشن (۴۵۱)، الذریعه (۵۶۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۵۲۹)، مجالس النفائس (۹۷)، مناقب هنروران (۶۱ -۶۰).

شیخی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، نقـاش و خطـاط. وی در نقاشـی مـاهر بـود و خـط را نیز نیکو می‌نوشت، در مرقع بهرام میرزا قطعه خطی از این نقـاش موجود است که به قلم نیم دو دانگ و کتابت خوش نوشته و چنین رقم دارد: «عرضه داشت بنده‌ی خاکسار شیخی بیک نقاش...».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۲۳/۲)، احوال و آثار نقاشان (۲۵۵/۱)، هنر عهد تیموریان (۵۷۳، ۵۶۴).

شیخی، طبسی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شـاعر. از ولایـت طبس بود، مـدتی در عراق به سر برد، در علم ادوار آگـاهی داشت، و تصـنیف نیک دارد. از اشـعار اوست:

این نه داغ است که بر سینه‌ی سوزان من است

مهر عشق است که از مهر تو بر جان من است

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۶۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۵۲۹)، مجالس النفائس (۸۰).

شیخی، کرمانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، نقاش و شاعر. اهل کرمان بود و در نقاشـی و شـعر مهارت داشت. در «تحفه سامی» آمـده: «درنقاش بی‌بـدل بود و در ملایی مکمل». این مطلع از اوست:

طره‌ات مار خفته را ماند

چهره، ماه دو هفته را ماند

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۲۵۵/۱)، تحفه‌ی سامی (۲۷۷)، الذریعه (۵۶۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۵۲۹).

شیخی، هروی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۶۸ ق)، شاعر. مردی خوش محاوره بود. در سال ۹۶۸ ق از هرات به یزد رفت. در سلک ادبا منسلک و در ادبیات مفتخر گشت. گویند هر جا، لب به سخن می گشود دلها را می‌ربود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره سخنوران یزد (۱۷۳ -۱۷۲)، الذریعه (۵۶۵/۹).

شیدا شهرکردی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۸ -۱۲۶۰ ش)، شـاعر و خطاط. در شـهرکرد به دنیا آمـد و تحصـیلات مقـدماتی را در زادگاه خود و در خـدمت اساتیـد زمان فراگرفت و پس از چنـدی از مبرزین حوزه‌ی علمیه اصـفهان شد. گویا یکی از اساتید وی در فقه، آقا شـیخ مرتضـی ریزی می‌باشد. شیدا سـپس به خط روی آورد و نزد میرزا فتح‌اللّه جلالی تحصـیل کرد و در این رشـته به کمال رسـید، چنانکه خط را بسـیار نیکو و خـوش می‌نـوشت و در انـواع خـط بخصـوص نسـخ و نسـتعلیق مهـارت و اسـتادی داشت. وی در جوانی در دسـتگاه رضـا قلی خـان بختیاری وارد خدمت شد ولی آن خدمت را رها کرد و از راه کتابت و استنساخ کتب، تامین معاش می‌کرد. شیدا در تاسیس انجمن ادبی دانشکـده اقـدام کرد و بیست سـال انجمن را در خانه خود تشـکیل داد و به نشـر مجله‌ی «دانشکـده» نیز می‌پرداخت. وی را در تکیه‌ی سید العراقین اصفهان به خاک سپردند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریخ جراید (۲۷۳ -۲۷۲ /۲)، تذکره‌ی شـعرای معاصر اصفهان (۲۹۴ -۲۹۱)، الذریعه (۵۶۶ -۵۶۵ /۹)، سخنوران نامی معاصر (۱۲۳۱ -۲۱۲۸ /۳)، فرهنگ سخنوران (۵۳۰).

شیدا، عباس

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند اسحاق. ادیب و شاعر و نویسنده‌ی محقق، در علم و فضل ممتاز بود. در ۱۴ ذی حجه‌ی سال ۱۲۹۹ در شهرکرد متولد، و در اصفهان خدمت جمعی از بزرگان علم و ادب، در فقه و اصول و منطق و کلام و حدیث و تفسیر تحصیل نموده که از آن جمله است: آخوند کاشی، و آقا شیخ مرتضی ریزی، و میرزا حسین همدانی، و در خط از شاگردان میرزا فتح الله جلالی بود.

سال‌ها در اصفهان انجمن ادبی تأسیس نموده، و شعرا را دور هم جمع نموده، و به ترویج شعر و ادب، و تصحیح اشعار گویندگان پرداخت، و مدت ۱۴ سال بدین مهم اقدام نموده، و در ضمن آن به نشر مجله‌ی ادبی «دانشکده» اقدام نموده، لکن متأسفانه در دو دوره‌ای که مجله را منتشر ساخت جمعا بیشتر از ۱۲ شماره منتشر نشد.

مرحوم شیدا پس از یک عمر کار و کوشش و رنج و مشقت، سرانجام در شب ۳ شنبه ۱۴ جمادی الاولی سال ۱۳۶۹ وفات یافته، در این تکیه مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شیدا، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌اکبر شیدا (۱۳ ه.ق) فرزند شاه‌ولی در شهر شیراز متولد و در تهران به سلک درویشان خانقاه صفی علیشاه پیوست و تا پایان عمر نیز در همان خانقاه زیست. علاقه و اعتقاد او به خانقاه و طریقت درویشی به حدی بود که تصنیفی زیبا در مایه سه‌گاه به نام «مولود نبی، ص» ساخت که یکی از بهترین آثار هنری او به شمار می‌رود.

میرزا علی‌اکبر شیدا را باید پایه‌گذار اصلی تصنیف و ترانه به معنی و مفهوم امروزی بدانیم. او راه‌گشا و راهنمای عارف در تصنیف‌سازی بود و به عبارت دیگر تاریخ تصنیف‌سازی و ترانه‌سرایی در ایران با شیدا آغاز می‌شود، چه تصنیفهای پیش از او، هرگز شکل تصنیفهای او را نداشته و با شعر و موسیقی تا این حد همگام نبوده است!

«علی‌اکبر شیدا، موسیقی‌دان و شاعر تصنیف‌ساز ایرانی که تصانیف او مقبول عموم بود و عارف او را بر حد مقدم می‌دانست و از او به نیکی یاد کرده است. شیدا مردی درویش و وارسته بود. مختصر سه‌تاری می‌زد و خط نستعلیق را هم خوش می‌نوشت. آهنگها و اشعارش بسیار مطلوب و دلنشین است، ولی صورتی نازیبا و قلبی پر از مهر و وفا- که همواره به کمند عشق زیبارویان گرفتار بود- داشت. آهنگهای وی- با آن متجاوز از ۵۰ سال از تاریخ سرودن آنها می‌گذرد- هنوز دارای لطف و جاذبه است».

همانطور که اشاره شد، یکی از بهترین تصنیفهای شیدا مولود نبی (ص) می‌باشد که در مایه‌ی «سه‌گاه» ساخته و در روز تولد حضرت علی (ع) با آهنگی مخصوص خوانده می‌شد.

مولود نبی (ص)

آهنگ و شعر از: علی‌اکبر شیدا

مولود نبی محبوب خداست

زین حسن ظهور عید فقراست

نزام به چنین بزمی که بپاست

با هم به صفا سلطان و گداست

به‌به چه صفا به‌به چه وفا

به‌به چه شهی به‌به چه گدا

ساز و دف و نی هو حق ز ندا

دم از دم مطلق ز ندا

زین نغمه‌ی خوش منطق زندا

کز مهر علی ذرات بپاست

عالم هم از او پرشور و نواست

به‌به چه شهی به‌به چه گدا

احسنت بدین (احسنت بدین)

عیش و طربی (عیش و طربی)

خوشا بچنین (خوشا بچنین)

عشق و طلبی (عشق و طلبی)

بخ بخ به چنین بزم ادبی

کز مهر و صفا و الطاف خداست

کاین جشن چنین، بی‌ریب و ریاست

به‌به چه صفا به‌به چه وفا

به‌به چه شهی به‌به چه گدا

نازم به مقامی که در او خسرو و درویش

هستند به هم یکدل و هم مسلک و هم کیش

چه خوش فکرت درویش

چه خوش فطرت درویش

چه خوش نیت درویش

چه خوش عشرت درویش

مرحوم میرزا علی‌اکبر شیدا، مردی درویش مسلک و وارسته بود که پشت پا به تمام فریبندگی‌های دنیا زده بود و چه شب‌های درازی را در خلوت دل با خالق یکتا به راز و نیاز می‌پرداخت و بهترین تصانیف این مرد فرزانه در همان اوقات نیمه‌شب‌ها ساخته شد و چون از مریدان صفی علیشاه بود به خانقاه رفت و تا آخر عمر در همانجا بسر بود. در ذیل، یکی از غزل‌های زیبای شیدا از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد:

«دل من»

در خم زلف تو از اهل جنون شد دل من

و اندر آن سلسله عمری است که خون شد دل من

در ازل با سر زلف تو چه پیوندی داشت

که پریشان شد و از خویش برون شد دل من

این همه فتنه مگر زیر سر زلف تو بود

که گرفتار بدین سحر و فسون شد دل من

سوخت سودای تو سرمایه عمرم ای دوست

می نپرسی که در این واقعه چون شد دل من

بی‌نشان گشتم و جستم چو نشان از دهنش

بر لب آب بقا راه نمون شد دل من

به تولای تو ای کعبه ارباب صفا

پیش اهل حرم و دیر زبون شد دل من

زلف بر چهره نمودی تو پریشان و نگون

که سیه‌روز از آن بخت نگون شد دل من

در دبستان غمت خوانده چو یک حرف وفا

به صفای تو که دارای فنون شد دل من

روی بنما و ز من هستی موهوم بگیر

سیر از زندگی (نی) دون شد دل من

تا که از خال لبت نکته موهوم آموخت

واقف سر ظهورات بطون شد دل من

ای صفا نور صفایی بدل شیدا بخش

تیره از خیرگی نفس حزون شد دل من

(بخش ۱) علی‌اکبر، موسیقی‌دان و شاعر تصنیف ساز ایرانی (قر. ۱۳ ه.). تصنیفهای وی مقبول عموم بود و عارف او را بر خود مقدم می‌دانسته و از او به نیکی یاد کرده است. شیدا مردی درویش و وارسته بود. مختصر سه‌تاری میزد و خط نستعلیق را هم خوش مینوشت. آهنگها و اشعارش بسیار مطلوب و دلنشین است، ولی صورتی نازیبا و قلبی پر از مهر و وفا- که همواره به کمند عشق زیبارویان گرفتار بود- داشت. آهنگهای وی- با آنکه متجاوز از ۵۰ سال از تاریخ سرودن آنها میگذرد- هنوز دارای لطف و جاذبه است.

(وف ح ۱۳۲۷ ق)، موسیقیدان، خطاط و شاعر، متخلص به شیدا و ملقب به مسرور علیشاه. در شیراز متولد شد و از اهالی طالقان بود. پس از تحصیلات به سمت منشیگری در دستگاه حکومت مشغول کار شد و مورد توجه فتحعلی خان صاحب دیوان، حاکم فارس، قرار گرفت. سپس به تهران آمد و به سلک درویشان خانقاه صفی علیشاه پیوست و از طرف وی ملقب به مسرورعلی شاه گردید و تا پایان عمر نیز در همان خانقاه زیست. شیدا در تهران مورد توجه رجال عصر خود و نام بعضی از آنان از جمله علی‌اصغر خان اتابک، شعاع‌السلطنه و حاجب‌الدوله را در اشعار خود آورده است. وی همچنین خط نستعلیق را خوش می‌نوشت، اما عمده‌ی شهرتش به جهت تصنیف سازی است. شیدا پایه‌گذار اصلی تصنیف و ترانه به معنی و مفهوم امروزی است. او راهگشا و راهنمای عارف در تصنیف سازی بود و تاریخ تصنیف سازی و ترانه‌سرایی در ایران با شیدا آغاز می‌شود. یکی از تصانیف زیبای او در دستگاه سه‌گاه به نام «مولود نبی (ص)» است که جزو بهترین آثار هنری اوست. وی در ابن‌بابویه به خاک سپرده شد.[۱]

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد اول)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۱۶۰ -۱۵۹/ ۲)، تاریخ ادبیات ایران، دوره‌ی بازگشت (۲۵۴ -۲۵۳/ ۲)، تاریخ موسیقی (۴۶۹ -۴۶۴/ ۲)، تاریخ هنرهای ملی (۶۲۶ -۶۲۵/ ۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۸۹ -۳۷۸/ ۳)، سرگذشت موسیقی (۳۹۸ -۳۹۴، ۸۹ -۸۸/ ۱)، لغت نامه (ذیل/ شیدا)، مردان موسیقی (۲۰ -۱۸/ ۱).

شیداء محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۷ ش)، شاعر، متخلص به شیدا. در بندر انزلی متولد شد. چندی در مکتبهای قدیم به خواندن و نوشتن پرداخت، آنگاه به دبستان و دبیرستان رفت و دیپلم خود را در حالی که بیش از شانزده سال نداشت با درجه‌ی ممتاز گرفت. به تهران آمد و چون به دانشگاه راه نیافت به تمرین موسیقی، نقاشی و خوشنویسی پرداخت و در نقشه‌برداری، مجسمه‌سازی، حسابداری نوین، عکاسی و دکوراسیون نزد استادان فن تعلیم گرفت. سپس به زادگاه خود بازگشت و از طرف فرهنگ بندر انزلی به همکاری فراخوانده شد و به تدریس پرداخت. بعد از مدتی به اتهام بلشویک بودن به زندان افتاد اما بعد از دو سال آزاد و به ساوه تبعید شد و به کمک هنرهایی که داشت امرار معاش می‌کرد. پس از شش سال به تهران آمد و در شرکتی به حسابداری پرداخت. پس از آن به استخدام بانک خصوصی پارس درآمد. شعبه‌های زیادی از بانک بیمه را در آذربایجان و اصفهان تاسیس کرد و در اصفهان خود سرپرستی شعبه‌ها را به عهده گرفت. در اصفهان بنیانگذار انجمن ادبی مکتب صائب بود و از آثار موجودیت این انجمن، صائب شناسی به صورت دو واحد آموزشی در دانشگاهها بود. بعد از اینکه به تهران آمد بازنشسته شد. «دیوان» شعر شیدا از بیست هزار بیت تجاوز می‌کند که تاکنون منتشر نشده. وی در شعر پیرو سبک صائب بود. تنها اثر مستقل وی منظومه‌ی بلند و حماسی «نیمروز عاشورا» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۲۱۳۹ -۲۱۳۲ /۳).

شیدای اصفهانی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا محمد علی، شاعری خوش طبع بوده، دیوانش ۶ هزار بیت داشته، در شیراز ساکن بوده، و به سال ۱۲۱۴ در آنجا وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شیدای اصفهانی، محمدعلی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۱۴ ق)، شاعر. در اصفهان آیینه‌ساز بود و در جوانی به شیراز رفت و در آن شهر نشو و نما یافت. وی از شاگردان سید احمد هاتف بود و به شیوه‌ی او شعر می‌گفت. به قواعد نظم وقوفی وافر داشت و در غزل‌سرایی از طبعش خوش و سلیقه‌ای درست برخوردار بود. سرانجام در شیراز وفات یافت و بنا به وصیتش در مشرقی شیراز دفن شد. «دیوان » او قریب شش هزار بیت بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۹۳۹ -۹۳۶ /۲)، سفینه المحمود (۴۸۶ -۴۸۴ /۲)، مجمع الفصحا (۵۳۹ -۵۳۸ /۵)، مکارم الآثار (۵۳۸ -۵۳۷ /۲)، مصطبه‌ی خراب (۹۸)، نگارستان دارا (۲۰۷ -۲۰۳).

شیدای بلخی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، ادبی، شاعر و منجم. وی از نزدیکان و مولانا قوام‌الدین بلخی بود. در علوم نقلی و عقلی استاد بوده و تدریس فقه و تفسیر می‌کرده و شاگردان بسیاری داشته از آن جمله سید بهاءالدین حسن نثاری بخارایی در هئیت و نجوم شاگرد وی بوده و در استخراج تقویم مهارت داشته. وی در نظم و نثر فارسی نیز دست داشته و کتابی در تقلید «گلستان» سعدی نوشته و پیروی از سعدی می‌کرده است. وی در هجو نیز استاد بوده. گویا در جوانی وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۲۶)، فرهنگ سخنوران (۵۳۰).

شیدای تویسرکانی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. اهل قصبه‌ی تویسرکان بود. جوانی بذله‌گو و به خوش صحبتی و خوشخویی معروف بود. دستی نیز در عرفا داشت. مدتی از جرگه‌ی مداحان و کتاب نویسان بود و در روش تحریر همانند نداشت. از اوست:

بر لب آمد امشب از افغان ما

بی لب جانبخش جانان جان ما

خاطری خوش دارم از غم کاشکی

میفزودی یار بر حرمان ما

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۶۷/۹)، سفینه المحمود (۴۸۸ -۴۸۷ /۲)، فرهنگ سخنوران (۵۳۰)، مصطبه‌ی خراب (۱۰۵).

شیدای چالشتری، عبداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۶ ق)، شاعر. در چالشتر متولد شد. تحصیلات مقدماتی را نزد ملا علی فاضل معروف به جناب، جد مادری خویش به انجام رسانید. در اصفهان ساکن شد و به انجمن دانشکده داخل گردید. «دیوان» اشعاری دارد حاوی چندین هزار بیت از غزل و قصیده و غیره. اشعارش در مجله‌ی «دانشکده» دوره‌ی اول به چاپ رسید همچنانکه در «دانشنامه‌ی» الفت ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۹۵ -۲۹۴)، الذریعه (۵۶۶/۹).

شیدای شیرازی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی برای تجارت از شیرزا به هند رفت، اما در تجارت توفیقی نیافت. به رامپور رفت و در دستگاه نواب محمد سعید خان به کتاب خوانی مشغول شد. اشعار اندکی به نام او مانده است. از جمله:

از کفم برد دل از نیم نگاهی که مپرس

پرفنی، راهزنی، چشم سیاهی که مپرس

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۹۳۹/۲).

شیدای فتحپوری

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۸۰ ق)، شاعر. پدرش از طایفه‌ی تکلو ساکن مشهد بود که به هند مهاجرت کرده بود. وی در فتحپور هند به دنیا آمد و پس از آنکه در شاعری نام‌آور شد. چندگاهی ملازمت میرزا عبدالرحیم خان خانان اختیار نمود و سپس به خدمت شهرزاده شهریار فرزند جهانگیر پادشاه رفت و پس از جلوس شاه جهان در سلک ملازمان او درآمد و مقام و مرتبه‌ای در دستگاه حکومتی یافت. وی با اظهری شاعر، معصار بوده است و گویند در هر ملجسی که شیدا بوده اظهری از شعر خواندن خودداری می‌کرده. وی در نقد طعن دستی داشت و این طعنها از روی سبکسری نبود بلکه با فضل و آگاهی از دقایق عروض و قوافی و توانایی در سخنوری این کار انجام می‌داد. از آثارش: «دیوان» شعر که در حدود ۱۲۰۰ بیت می‌شود؛ «وصف کشمیر»؛ مثنوی «دولت بیدار» بر وزن «مخزن الاسرار» نظامی. برخی تذکره‌ها شرح حال او را با شیدای کاکوری درهم آمیخته‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۶۶ -۱۲۶۰ /۵)، تذکره‌ی شعرای کشمیر (۶۱۵ -۴۶۲ /۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۴۵ - ۴۴۴)، دایرةالمعارف فارسی (۱۵۲۵/۲)، الذریعه (۵۶۷ -۵۶۶ /۹)، سرو آزاد (۸۴ -۸۲)، فرهنگ سخنوران (۵۳۰)، کلمات الشعراء (۱۰۵ - ۱۰۱)، مآثر رحیمی (۱۴۹۷ -۱۴۷۸ /۴)، مرآت الخیال (۹۴ -۹۱)، نتایج الافکار (۳۸۶ -۳۸۳).

شیدای کردستانی، عبدالباقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۴ ق)، شاعر، متخلص به شیدا. از خانواده‌ی معروف وزیر بود. وی شعر را نیکو می‌فهمید و خود نیز بعضی اشعار خوب با مضمون می‌سروده و کلامش خالی از عیب بوده است. در چهل سالگی، به علت وفور صدمات، حالت جنون یافت. در آخر عمر نیز نابینا شد. شیدا قریب سی هزار بیت شعر داشت و از آن جمله است:

مرا هرگز نباشد خواب و دارم آرزو گاهی

که خواب آید به چشمم بلکه جانانم به خواب آید

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۳۱۷ -۳۱۶ /۱)، حدیقه امان‌اللهی (۳۹۱ -۳۸۶)، حدیقه الشعراء (۹۴۰/۲)، ریحانه (۳۳۴/۳)، مجمع الفصحا (۵۳۲/۵)، مکارم الآثار (۱۲۱۱/۴)، لغت نامه (ذیل/ شیدای کردستانی).

شیدای نایینی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۲ ق)، شاعر، متخلص به شیدا. ملقب به خانی. پدر وی مردی خیرخواه و خلیق بود، مدتها در خدمت فرهاد میرزای معتمدالدوله، رتبه‌ی محرمیت و خدمت داشت همراه او به فارس رفت و کار وزارت می‌کرد. میرزا احمد در خط و انشا سرآمد بود، بعد از آنکه چندی در خدمت معتمدالدوله به سر برد، به بهبهان رفت و در خدمت اویس میرزای احتشام‌الدوله وزیر او میرزا علی هوشیار تخلص سمت منشی باشیگری و امور خاصه‌ی محرمانه را داشت بعد از فوت هوشیار، وزارت و نیابت مطلقا با میرزا احمد شد. در حکومت همدان هم همایون مقام را داشت. وی در انواع شعر دست داشت بویژه غزل را نیکو می‌سرود. از اوست:

یک شب ز روی خویش برافکن نقاب را

بینم مگر به نیمه‌ی شب آفتاب را

در چین زلف توست مگر آهوی ختن

کافکنده نافه نافه ز خود مشک ناب را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۹۴۱ -۹۴۰ /۲).

شیدای نهاوندی، نبی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به شیدا. اصل وی از نهاوند بود. از خدام صاحب «سفینه المحمود» بود. در اوایل عمر سواد و طبعی نداشت و در اثر گفت و شنود بسایر به حفظ اشعار پرداخت. با اشاره‌ی محمود میرزای قاجار به ضبط سخنان بدیع مولوی همت گماشت و در اندک مدتی پنج هزار بیت ساخته و پرداخته کرد و با صوت خوش بر دوستان می‌خواند. شیدا «دیوان» شعری به اندازه‌ی سه هزار بیت دارد. شیدا تخلص خود را از صاحب «سفینه المحمود» گرفته است. از اوست:

گو به صیاد که بند از پر مرغان بگشای

با چنین جلوه‌ی گل جای گرفتاری نیست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سفینه المحمود (۴۸۱ -۴۷۹ /۲)، مصطبه‌ی خراب (۱۰۵).

شیدای یزدی، ابوالحسن

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۲۹ ق)، لغوی و شاعر. اصل وی از یزد بود و از بزرگان سادات و فضلای عالی مقام بود و از حافظه‌ای قوی برخوردار، بسیار مبادی آداب و نظیف و صاحب اخلاق و صادق و پاک اعتقاد بود. زمانی آشفتگی دماغ او را به شیدایی کشاند، اما بهبود یافت. در علم لغت ممتاز و باهنر بود. از اشعار او، جز آنچه در «تذکره‌ی وامق» آمده، چیزی در دست نیست و بیشتر آنها در منقبت حضرت امیرالمومنین است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره سخنوران یزد (۱۷۹ -۱۷۸)، حدیقه الشعراء (۹۴۴ -۹۴۲ / ۲)، سفنیه المحمود (۴۸۴ -۴۸۳ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۵۳۱ -۵۳۰)، مجمع الفصحا (۵۴۰ -۵۳۹ / ۵).

شیدفر، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: علم و صنعت ایران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی در زمینه ریاضی، دکترای ریاضی و تخصص در معادلات دیفرانسیل و معادلات با مشتقات جزئی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه علم و صنعت ایران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

حل مسائل معادلات دیفرانسیل غیر خطی از نوع مسائل دافنیگ برای اندازه‌گیری ارتعاشات آونگ و حل مسائل ارتعاش پرده گوش، حل مسائل الاستواستاتیک و حل مسائل هارمونیک به کمک توابع هارمونیک، در این قسمت چگونگی حل مسائل تنش و کرنش و خمش صفحات به کمک توابع هارمونیک، حل مسائل معادلات با مشتقات جزئی از نوع سهمی گون غیر خطی در ارتباط با اندازه‌گیری میزان تشعشع در اجسام و ضریب نفوذ سیالات در اجسام متخلخل همچون آب و نفت در داخل زمین، استاد راهنمای ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

حساب دیفرانسیل و انتگرال II، ریاضی مهندسی پیشرفته و معادلات دیفرانسیل.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۷

زمینه علمی مقالات:

ریاضیات.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

شیدوش

قرن:۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پسر گودرز پهوان ایرانی (داستان):

«چو شیدوش و رهام و گستهم و گیو چو خراد و فرهاد و برزین نیو...»

(شا. بخ ۴:۸۹۰)

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

شیراز، محمد اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۹ -۱۲۱۷ ق)، خطاط. وی نوه‌ی حاج ابراهیم خان اعتمادالدوله‌ی کلانتر است که در اصفهان چشم به جهان گشود و در بروجرد نشو و نما یافت و تحصیلات مقدماتی را همان جان به پایان برد. او همه‌ی خطوط را خوش می‌نوشت و در تحریر رسایل مهارت داشت و سالها در دستگاه محمدتقی رکن‌الدوله خوانسالار بود. به سال ۱۲۴۷ ق، با پدر خود به شیراز رفت و متی ندیم فرمانفرما گردید. در سال ۱۲۸۰ ق به آذربایجان رفت و مدتی در خدمت مظفرالدین‌شاه که در آن هنگام ولی عهد بود، ندیمی کرد و به شیراز بازگشت. قطعاتی با رقم محمداسماعیل دیده شده که احتمالا از همین کاتب می‌باشد: یک مرقع «مناجات حضرت امیر (ع)»، منقول از خط میرعماد، به قلم نستعلیق دو دانگ خوش، با رقم: «شرف بکتابتها العبد الفقیر الحقیر محمد اسمعیل...»؛ یک قطعه به قلم دو دانگ، به سفیداب، با رقم: «محمد اسماعیل غفر له».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۳۵/ ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۶۳/ ۲).

شیرازی تهرانی، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۲۳- بعد از ۱۳۰۰ ق)، عالم دینی و زاهد. در فارس متولد شد و در اصفهان به تحصیل علوم پرداخت و در محضر شیخ محمدتقی، صاحب «حاشیه المعالم»، و حاج محمد ابراهیم کلباسی، صاحب «الاشارات»، تلمذ کرد. سپس به کربلا مهاجرت کرد. پس از تکمیل تحصیلات به تهران آمد و تا پایان عمر در این شهر بود. از آثارش: «جامع الدعوات المنجی من الهلکات»؛ «درر اللالی»، در علوم مختلف؛ « الانوار الرضویه»، معروف به «شرح الرضوی»، که شرحی بر «نافع مختصر الشرایع» است؛ «العقائد» یا «عقایدالدین»؛ «مدائن العلوم»؛ «صباح الرضوی»؛ «صراط المتقین»؛ رساله‌ای در «اصول الفقه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۸۳/ ۳۴، ۱۵/ ۵۹، ۱۴/ ۵۱، ۱۳/ ۱۳۳، ۸/ ۵۲، ۵/ ۴۲۷، ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۳۹ -۷۳۸/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۳۰ -۴۲۹/ ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۱۳۴ -۱۳۳/ ۳).

شیرازی حائری، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد بن محمدحسین شیرازی حایری عالمی ریاضی در کربلا بوده و در حدود ۱۲۸۰ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیرازی حائری، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آسید حسین ملقب به صدرالمعالی بن سید رضا الحسینی شیرازی حایری ادیبی فاضل بود و در حدود ۱۳۰۵ وفات نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیرازی نجفی، محمدکاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۶۷ -۱۲۹۲/ ۱۲۹۰ ق)، عالم دینی و فقیه. در کودکی به همراه پدر و مادر از شیراز به کربلا رفت و به آموختن مقدمات علوم دینی پرداخت. پس از دو سال، پدر و مادرش به شیراز بازگشتند ولی وی در آن شهر مدت چهار سال ادامه‌ی تحصیل داد. سپس به شیراز بازگشت و به تحصیلات ادامه داد، ولی مجددا به کربلا سفر نمود. پس از درگذشت میرزا محمدتقی شیرازی، به کاظمین رفت و به تدریس پرداخت. بعدها به نجف مهاجرت کرد و در همان شهر نیز وفات یافت و در حجره‌ای از حجرات قسمت شرقی صحن شریف به خاک سپرده شد. از آثارش: «بلغه الطالب فی حاشیه المکاسب»؛ «رساله فی الخلل»؛ «رساله فی صلاه الجماعه»، همه به عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۲۵ -۲۴/ ۵).

شیرازی نوربخشی، عبدالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از خوشنویسان دوره‌ی محمدشاه قاجار است. از آثار وی: سور و ادعیه‌ی نیم‌ربعی جلد روغنی عالی، نسخ کتابت و رقاع کتابت خوش به زر و سفیداب، با رقم: «الحمدالله الذی.. اقل الحاج عبدالله الشیرازی النور بخشی فی دارالخلافه طهران... سنه خمسین و مأتین و الف ۱۲۵۰».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۹۰ / ۴).

شیرازی نوربخشی، عبداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اوست: سور و ادعیه نیم‌ربعی جلد روغنی عالی نسخ کتابت و رقاع کتابت خوش به زر و سفیدآب با رقم: «الحمد للّه الذی وفقنی به کتابهٔ هذه الایات والاسماء العظام و بلغنی لسنهٔ جلوس الملک... محمد شاه غازی... و انا الداعی بدوام الدولهٔ القاهره... اقل الحاج عبداللّه الشیرازی النوربخشی فی دارالخلافهٔ تهران...» «سنهٔ خمسین و مأین و الف ۱۲۵۰» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

بر گرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

شیرازی، ابوالفتح

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۴۴ ق)، خطاط. در شیراز متولد شد و در همان جا تحصیل کرد و در خط تحریر و سیاق سرآمد شد. وی چندین سفر به تهران رفت و به محاسبه‌ی دیوانی فارس پرداخت و سپس به شیراز بازگشت. به سال ۱۲۹۳ ق، تاریخ تالیف فارسنامه‌ی ناصری، در قید حیات بود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۴۲ -۱۲۴۱/ ۴).

شیرازی، ابوالقاسم علیرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک صفحه از قرآن، به خط نسخ و رقاع نیم دودانگ عالی، با رقم: «حرره الاثم ابن علیرضا ابوالقاسم الشیرازی ۱۲۲۹»؛ یک رقعه، به خط رقاع کتابت خفی متوسط، با رقم: «و انا العبد الاقل الآثم ابن علیرضا ابوالقاسم الشیرازی فی ۱۲۳۰»؛ ادعیه، به قطع وزیری، با جلد روغنی عالی، سرفصل مذهب به خط نسخ کتابت خوش، با رقم: «و انا العبد... ابن علیرضا ابوالقاسم الشیرازی ۱۲۴۳» و دیگر مرقعات مختلف که با تاریخ و رقم می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۲۰/ ۴).

شیرازی، ابومحمد، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۲ -۱۲۳۰ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مدرس و مرجع تقلید. مشهور به میرزای مجدد، زیرا که در آغاز قرن سیزدهم قمری مجدد مذهب جعفری بوده است. در شیراز به دنیا آمد. در کودکی پدر را از دست داد و تحت سرپرستی دایی خویش ، سید میرزا حسین موسوی مجد الاشراف، قرار گرفت. پس از فراگیری مقدمات به اصفهان رفت و از محضر شیخ محمدتقی رازی، صاحب «حاشیه بر معالم»، و سید حسن مدرس بیدآبادی و حاج ابراهیم کرباسی استفاده نمود و قبل از بیست سالگی از مدرس بیدآبادی به دریافت اجازه نایل آمد. او مدتی در اصفهان به تدریس پرداخت و جماعتی از مجلس درس او بهره بردند. در ۱۲۵۹ ق به عراق رفت و در نجف در محضر شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، و شیخ حسن آل کاشف الغطاء، صاحب «انوار الفقاهة»، و در کربلا در محضر سید ابراهیم، صاحب «ضوابط»، تلمذ نمود. پس از درگذشت استادش، صاحب «جواهر»، در درس شیخ انصاری شرکت نمود و مدتها بحثهای او را در فقه و اصول ملازمت کرد و در بین چند صد نفر از شاگردان شیخ شاخص شد. پس از درگذشت شیخ انصاری در ۱۲۸۱ ق، وی عهده‌دار مرجعیت دینی گردید. در ۱۲۹۱ ق به سامرا رفت و در آنجا تشکیل حوزه‌ی درس داد. میرزا محمدتقی شیرازی، آخوند خراسانی، علامه سید محمدکاظم یزدی، حاج سید اسماعیل صدر، سید حسن صدر، میرزا محمدحسین نایینی، حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی، حاج آقا رضا همدانی، حاج سید اسداللّه اصفهانی، حاج شیخ فضل‌اللّه نوری، حاج میرزا ابوالفضل کلانتری، حاج شیخ احمد شانه‌ساز و سید میرزا حسین علوی از شاگردان او بودند. در اواخر عمرش، زعامت شیعه در او منحصر گشت و این امر برای کمتر زعیمی در طول تاریخ شیعه اتفاق افتاده است. وقتی در رجب ۱۳۰۸ ق، ناصرالدین شاه امتیاز انحصار تنباکوی ایران را به تالبوت واگذار کرد و به خواسته مردم و رهبران دینی که خواستار لغو چنین امتیازی بودند وقعی ننهاد، میرزای شیرازی طی حکمی در چند کلمه استعمال دخانیات را تحریم کرد. این واقعه به نهضت تحریم تنباکو معروف گشت. میرزا در اثر بیماری سل در سامرا درگذشت و طبق وصیت او، پیکرش را به نجف منتقل و در حرم امیرالمؤمنین (ع) دفن کردند. از آثارش: حاشیه بر «نجات العباد» شیخ محمدحسن نجفی؛ حاشیه بر «النخبة» ملا محمد ابراهیم کرباسی؛ کتابی در «طهارت»؛ رساله در «رضاع»؛ کتابی در «فقه»، از اول مکاسب تا آخر معاملات؛ تلخیص «افادات» شیخ انصاری؛ رساله «اجتماع الامر و النهی».[۱]

محمدحسن بن میرزا محمود بن میرزا اسماعیل بن السید فتح‌اللّه بن سید عابد بن لطف‌اللّه بن محمد مؤمن الحسینی الشیرازی نجفی

اعظم و اشهر و اعلی مرجع امامیه در تمام بلاد اسلامیه در زمان خودش در ۱۵ جمادی‌الاولی ۱۲۳۰ قمری در شیراز متولد شد و در آنجا مقدمات و ادبیات و سطوح وسطی را خوانده در سن ۱۷ سالگی به اصفهان آمده و به درس علامه بزرگ شیخ محمدتقی (صاحب حاشیه معالم‌الاصول) آمده و درین ۲۰ سالگی به درس علامه ورع شیخ محمدابراهیم کلباس شرکت نموده تا یکی از مدرسین فاضل اصفهان گردیده جماعتی از فضلاء از محضرش استفاده نموده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف در سال ۱۲۵۹ ق نموده و به درس صاحب جواهر و شیخ حسن آل کاشف‌الغطاء مؤلف (انوارالفقاهه) حاضر شده و پس از آنها عمده استفاده‌اش از علامه شیخ مرتضی انصاری و در میان تلامذه شیخ موجه و مشار بالبنان بوده است و کراراً شیخ می‌فرموده من برای سه نفر مباحثه می‌کنم میرزا محمدحسن شیرازی (مترجم معظم ما) و میرزا حبیب‌اللَّه رشتی و آقا حسن تهرانی و بعد از فوت شیخ در سال ۱۲۸۱ ق مردم متوجه به میرزا شده و همه شاگردان شیخ وی را بر خود مقدم داشته تا زعامت عامه و ریاست عامه به آنجناب منتهی شده و در سال ۱۲۸۷ ق در عصر شریف عبداللَّه الحسنی مشرف به مکه گردیده و در خانه موسی بغدادی وارد شده و وقتی شریف مکه یعنی پادشاه حجاز از ورودش مطلع شد وقتی معین کرد که میرزا به ملاقات او برود. میرزا به او جواب داد: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله. (اذا رایتم العلماء علی ابواب الملوک فقولوا بئس العلماء و بئس الملوک و اذا رأیتم الملوک علی ابواب العلماء فقولوا نعم العلماء و نعم الملوک).

وقتی که دیدید دانشمندان و علماء را که به دربار سلاطین رفت و آمد می‌کنند. بگوئید که چه بد علمائی هستند و چه بد ملوکی می‌باشند و بالعکس هنگامی که دیدید پادشاهان به منزل علماء آمد و شد می‌کنند بگوئید چه خوب علماء و چه خوب سلاطینی هستند. پس وقتی این جواب به شریف رسید فوراً به زیارت آن بزرگوار مشرف شد.

آثار و خدمات آنجناب به عالم تشیع بسیار است یکی از آنها تشکیل حوزه علمیه و بناء مدرسه در سامره بود که این شهری که مدفن دو امام معصوم و خاندان جلیلشان می‌باشد و زادگاه حضرت ولی عصر عجل اللَّه فرجه الشریف است از ناامنی و خطر نواصب و متعصبین اهل سنت مصون شود و شیعیان با اطمینان خاطر برای زیارت و بیتوته در این مقام شریف مشرف شوند.

و دیگر از خدمات ایشان تحریم تنباکو و لغو شدن امتیازاتی که استعمارگران غربی از ناصرالدین شاه قاجار گرفته بودن و اثر این مسئله که کتابها در این موضوع نوشته شده و تفصیل این مطالب مربوط بکتب مبسوطه دیگر است و علامه تهرانی صاحب الذریعه کتابی بنام (هدیهٔ الرازی الی مجدد الشیرازی) نوشته و در آن بسط کلام داده است. آن بزرگوار در شب چهارشنبه ۲۴ شعبان ۱۳۱۲ بکسالت سل از دنیا رفت و جنازه‌اش را مردم با دوش از سامره به نجف اشرف که بالغ بر چهل فرسخ است حمل کردند و در صحن شریف مقبره جنب باب طوسی دفن نمودند.

حاج میرزا محمدحسن بن میرزا محمود بن محمد اسماعیل حسینی شیرازی (ف. ۱۳۱۲ ه.ق)، از علمای عالیقدر شیعه. میرزا در اوایل زندگی در سال ۱۲۴۸ ه.ق از مولد خویش شیراز به اصفهان آمد و نزد علمای آن شهر به تحصیل علوم عقلیه و نقلیه پرداخت و از آنجا در ۱۲۵۹ ه.ق به عتبات رفت و نزد شیخ مرتضی انصاری به تلمذ پرداخت. در سال ۱۲۹۱ ه.ق در سامره اقامت نمود و در آنجا به تدریس و تعلیم مشغول بود تا اینکه در ۱۳۱۲ ه.ق بدرود حیات گفت و جنازه‌اش را به نجف حمل کرده و به خاک سپردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۳۱۰ -۳۰۴/ ۵)، الذریعه (۹۱/ ۲۴ ،۲۲۷/ ۶)، ریحانه (۶۸ -۶۶/ ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۴۱ -۴۳۶/ ۱۴)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۹۳)، الکنی و الالقاب (۲۲۳ -۲۲۲/ ۳)، لغت نامه (ذیل/ حسن شیرازی)، معجم المؤلفین (۲۹۳ - ۲۹۲/ ۳)، مکارم الآثار (۸۹۰ -۸۸۳/ ۳)، میرزای شیرازی.

شیرازی، اسحاق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۷۳ ق)، خطاط و شاعر. وی دانشمندی هنرمند بود و از علوم طب و حکمت و تفسیر بهره داشت و شعر فارسی و تازی می‌گفت و همه‌ی خطوط را خوش می‌نوشت. او در زمان سلطنت محمدشاه قاجار از فارس به تهران آمد و مویدالدوله طهماسب میرزا، فرزند محمدعلی میرزا دولت شاه، او را نزد خود نگاه داشت و سمت ملا باشی (معلم خصوصی) یافت. وی تا زمان تالیف گنج شایگان (۱۲۷۳ ق)، با همان سمت معزز می‌زیست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۹ -۵۸/ ۱).

شیرازی، اسمعیل

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اوست: قرآن جانمازی چهار صفحه‌ی اول مذهب دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع عالی نسخ خفی غبار متوسط با رقم «کتبه اسمعیل الشیرازی» «... به تاریخ شهر رجب‌المرجب سنهٔ مأتین و اربع عشر بعدالالف» ۱۲۱۴ در کتابخانه‌ی سلطنتی.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

شیرازی، جلال‌الدین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطاط. از آثار او: یک قطعه ثلث دودانگ جلی و نسخ و رقاع کتابت عالی، با رقم: «مشقه العبد المذنب الراجی المحتاج الی رحمهٔ الملک الغنی ابن محمدرضا جمال‌الدین الشیرازی ۱۱۱۰»؛ یک قطعه ثلث سه دانگ و نسخ کتابت و رقاع کتابت خوش، با رقم: «مشقهٔ الاقل الافلین ابن محمدرضا، جمال‌الدین... سنه ۱۱۱۰». در «احوال و آثار خوشنویسان» نام وی در دو مدخل آمده که احتمالا هر دو یکی هستند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۵۷ -۱۰۵۶ /۴).

شیرازی، جلال‌الدین احمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، طبیب و شاعر، متخلص به جلال و طبیب. اصل وی از خواف و مولد وی شیراز است. از بزرگان، پزشکان و شاعران معروف دربار شاه شجاع مظفری است و برادرزاده‌ی نجم‌الدین محمود طبیب و دانشمند معروف است. او در سال ۷۵۴ ق سفری به مصر داشت. وی علاوه بر طبابت، شاعری زبردست بود و غزل را نیکو می‌سرود و در شعر تازی نیز دست داشت. دولتشاه به اشتباه منظومه‌ی «گل و نوروز» را به وی نسبت می‌دهد و همین خطا به آثار بعد از وی نیز راه می‌یابد. از او «دیوان» غزلیاتی حدود سه هزار بیت به یادگار مانده است

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۳۷ -۱۰۳۲ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۱۳)، تذکرهٔ الشعراء (۳۳۸ -۳۳۲)، دانشمنداو سخن سرایان فارس (۹۷ -۹۵ /۲)، الذریعه (۲۳۳/۱۸، ۲۰۰ -۱۹۹ /۹)، ریحانه (۴۱۵/۱)، سرآمدان فرهنگ (۲۵۷ -۲۵۶ /۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۳۸/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ جلال شیروانی)، مرآت الفصاحه (۱۳۴)، هفت اقلیم (۲۶۵/۲)، یغما (س ۱۴، ش ۴، ص ۲۸۲ - ۱۷۸).

شیرازی، جلال‌الدین محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از هنرمندان گمنام است. از آثار وی مرقعی است به خط نسخ و شکسته و نستعلیق سه دانگ خوش، با رقمهای: «... جلال‌الدین الحسینی، فی سنه ۱۲۷۹...»؛ «راقمه جلال‌الدین محمدالحسینی الشیرازی الشریفی»؛ «مشقه العبد محمدالمدعو به جلال‌الدین الحسینی الشریفی الشیرازی، محرم‌الحرام سنه ۱۲۸۰»، در کتابخانه‌ی سلطنتی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۷۴/۳).

شیرازی، جمال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جمال‌الدین صدرالدین بن آیت‌اللّه حاج سید صدرالدین بن العلامهٔ آقا سید ابوطالب از علماء معاصر شیراز است وی یکسال بعد از برادرش آقا سید علاءالدین مذکور در سال ۱۳۰۴ شمسی در شیراز متولد و در بیت علم و شرف تربیت یافته و مقدمات را در مدرسه خان خوانده و پس از آن به تحصیل فقه و اصول پرداخته و در تهران در دانشکده معقول و منقول قسمتی از منقول را فراگرفته و دوره دکترا را طی کرده و به دریافت آن نائل شده و هم در مسجد فاطمیه واقع در محله عربهای تهران به اقامه جماعت و موعظه و انجام وظائف شرعیه اشتغال دارد و نیز تدریس فقه و اصول را می‌نماید.

آثار ارج‌داری دارند که از نظر ارباب فضل می‌گذرانم.

۱- تفسیر سوره یوسف

۲- قصص و تواریخ قرآن مجید

۳- مشعل نجات

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیرازی، جهانگیر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۶ -۱۲۹۴ /۱۲۹۲ /۱۲۹۱ ق)، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر. مشهور به صوراسرافیل. در شیراز و در خانواده‌ای تهیدست متولد شد و پس از فراگیری علوم مقدماتی به تهران آمد و در مدرسه دارالفنون به تحصیل علوم جدید پرداخت. جهانگیرخان در همین دوران به مجلس آقا شیخ هادی نجم‌آبادی راه یافت و تحت تأثیر منش آزادیخواهانه‌ی او قرار گرفت و همراه با برآمدن جنبش مشروطیت، وی نیز به عضویت انجمن‌های سری آزادیخواهان درآمد و از اعضای فعال حزب سوسیال دموکرات ایران و از پیشروان و بنیانگذاران انقلاب مشروطیت شد. او در سال ۱۳۲۵ ق به یاری میرزا قاسم‌خان تبریزی روزنامه «صوراسرافیل» را منتشر ساخت، و علامه دهخدا با امضای دخو، ستون چرند و پرند آن را می‌نوشت. این روزنامه علاوه بر ساده‌نویسی و شیوه جدید ادبی تأثیر بسزایی در بیداری مردم داشت و به همین دلیل جهانگیرخان مورد کینه‌ی دشمنان ملت بود و یک روز بعد از به توپ بستن مجلس توسط محمدعلی شاه دستگیر و در باغ شاه به دستور وی اعدام شد و جنب باغ شاه دفن گردید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از صبا تا نیما (۹۴ ،۷۸ -۷۷، ۲۲ /۲)، تاریخ جراید (۱۴۷ -۱۲۹ /۳)، تاریخ بیداری ایرانیان (۴۱۱/۳ ،۳۹/۱)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۹۶۳ -۹۶۲ /۵ ،۱۶۰ -۱۵۳ /۲)، شخصیتهای نامی (۲۸۹ -۲۸۷)، شرح حال رجال (۴۲۹/۲ ، ۲۸۳/۱).

شیرازی، حافظ عبدالله

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط. از هنرمندان اهل شیراز بود که بعضی از کتیبه‌های آنجا به خط اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گلستان هنر (۲۸).

شیرازی، حافظ علاف

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، صوفی و شاعر، متخلص به خراباتی. اهل شیراز بود و در زمان ابوالفتح ابراهیم سلطان تیموری «تذکرة الاولیاء» عطار را به مدت شش سال در بیست و چهار هزار بیت به نظم درآورد و آن را «ولی نامه» نام کرد. منظومه‌ی مذکور را به سال ۸۲۱ ق در جامع عتیق شیراز به پایان برد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۲۰)، الذریعه (۱۴۶/۲۵).

شیرازی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت الله شهید سید حسن شیرازی : سال ۱۳۴۵ قمری با ولادت طفلی مبارک از این نسل پاک خاندان شیرازی ها با ریگر به خود بالید و مردمان بسیاری را به دعای شکر وادار کرد .

پس از گذراندن دوران کودکی در جوار بارگاه امیرالمومنین علیه السلام عشق به مکتب اهلبیت علیهم السلام سید حسن را به تحصیل در علوم حوزوی کشانید تا با اقتدا به اجداد پاک و مطهرش آینده ای روشن را برای خود رقم زند . سالها گذشت و او روح و جانش را با اشتیاق در زیر آبشار علوم آل الله شستشو داد تا مفتخر به اجتهاد گردید آن شهید والا مقام در حیات پر افتخارش در ممالک متعددی از جمله سوریه و لبنان و عراق و مصر سعی وافر در خدمتی خالصانه به اسلام نمود و سالیانی دراز دلیرانه به مبارزه با ظلم وستم پرداخت و بارها تا مرز شهادت پیش رفت

او در عراق با انتشار مجلات و تالیف کتب مختلف به زبان عربی ضمن ایجاد تحول در نحوه فراگیری ادبیات عرب نقشی سبز در اعتلای سطح فرهنگی مردم شیعه عراق ایفا نمود در همین سالها به مخالفت با جریانهای ضد دینی که در عراق شکل میگرفت میپرداخت و مقالالت کوبنده ای را منتشر میساخت.

در سوریه با تاسیس حوزه علمیه زینبیه خدمت بزرگی به مسلمانان این کشور نمود و در همین راستا توانست با فعالیتهای گسترده و نگرشی عالمانه در راستای اصلاح فرقه های علی اللهی و اهل حق که از عقاید منحرفی برخوردار بودند خدمت شایانی از خود به یادگار گذارد .

ایشان در لبنان با تاسیس پایگاه علمی و فرهنگی و سازمانی به ام جماعهٔ العلما برگ زرین دیگری بر افتخارات خود افزود و همچنین تاسیس مدرسه الام المهدی از دیگر اقدامات ایشان بود در لبنان.

چندی بعد به دعوت بازرگان مهاجر لبنانب به کشور ساحل عاج رفته و در اندک زمان توقف خود در انجا اقدام به ساهت بنای مرکز اسلامی نمود

ایشان همچنین در نبرد با حزب بعث که در سوریه شکل گرفته بود به مبارزه علنی و آگاهی بخشی به توده های مردم روی آورد و در این راهم متحمل سختیهای بسیار گشت . اما سرانجام در روز جمعه ۱۲ اردیبهشت سال ۵۹ انگاه که تصمیم داشت در مجلس یادبود شهید محمد باقر صدر شرکت کند مورد حمله قرار گرفت و به شهادت رسید و پیکر ایشان پس از انتقال به قم و خواندن نماز توسط آیت الله العظمی مرعشی نجفی در صحن حرم حضرت معصومه سلام الله علیها به خاک سپرده شد

شیرازی، حسنعلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط. از کاتبان گمنام روزگار خود بود. به خط وی یک نسخه شش دفتر «مثنوی» مولانا جلال‌الدین، در کتابخانه سلطنتی ایران است، به قلم کتابت خفی متوسط، با رقم: «تمام شد کتاب مثنوی... بتاریخ منتصف شهر رمضان المبارک سنه‌ی ۱۰۶۵ کتبه العبد المذنب الراجی حسن علی بن حیدر شیرازی»؛ قطعه‌ای به قلم نیم دو دانگ و کتابت خوش و با این که تارخی و نسبت ندارد، باید به خط همین حسنعلی شیرازی باشد. رقم این قطعه چنین است: «العبد حسنعلی کاتب غفر ذنوبه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۴۶ -۱۴۵ /۱).

شیرازی، زنددخت

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(۱۳۳۱ -۱۲۸۸ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر. وی در شیراز به دنیا آمد و در دانشسرای عالی به تحصیل پرداخت پس از پایان تحصیلات، مجمع انقلاب نسوان را بنیان نهاد و مجله‌ی «دختران ایران» را انتشار داد. سپس از شیراز به تهران آمد و به ادامه‌ی انتشار مجله‌اش پرداخت، مدتی بعد به شیراز بازگشت و تا پایان عمر در آن شهر ماند. در شیراز وفات یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲۸۱ -۲۸۰ /۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۶۶ -۶۶۵ /۲)، زنان سخنور (۲۱۹/۱)، مجموعه‌ی گلها (۳۶۲/۱).

شیرازی، سلطانعلی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۰۳ ق)، خطاط. از کاتبان گمنام و معاصر سلطان علی مشهدی بود. به خط وی یک نسخه «مفاتیح الاعجاز» لاهیجی، در کتابخانه‌ی واتیکان ایتالیاست، که به قلم کتابت متوسط نوشته، با تاریخ سال ۹۰۳.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۳۶ -۲۳۵ /۱).

شیرازی، سید عبدالهادی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم آیت الله حاج سید عبد الهادی شیرازی فرزند حجت الاسلام حاج میرزا اسماعیل یکی از علما و مراجع بزرگ شیعه در قرن چهاردهم هجری است. معظم له فقیهی محقق مجتهدی اصولی و عالم به علم رجال و حدیث بود. در سال ۱۳۰۵ در عتبات متولد شد و در طفولیت از فیض پدر مرحوم گردید. در شهر سامرا منزل میرزای بزرگ عموی پدرش نشو و نما نمود و از کودکی با مبانی اسلامی آشنا شد. در نوجوانی سالها از حضور حاج میرزا علی فرزند امام مجدد مدارج علمی و معنوی را پیمود و از سن بیست سالگی رهسپار نجف اشرف گردید و سالها از کرسی درس پر برکت آخوند خراسانی، علامه یزدی، آقا شریعت اصفهانی و در سامرا از محضر حاج میرزا محمد تقی شیرازی استفاده می نمود وخود به مراتب علمی و عملی و اخلاقی ارتقاء یافت.

مرحوم آیت الله شیرازی حدود سی سال در رأس اساتید بزرگ حوزه نجف معاصر با مرحوم آیت الله اصفهانی بود که پس از فوت

وی در جمله مراجع و علمای بزرگ قرار داشت و بعد از وفات مرحوم آیت الله بروجردی زعامت ومرجعیت شیعیان جهان و تصدی حوزه چندین ساله نجف به معظم له منتهی شد. مرحوم آیت الله شیرازی رسائلی در فروع و عبادات و کتابی به نام دار السلام و رساله برای عمل مقلدین خویش به رشته تحریر برد و در سال ۱۳۶۹ جهت معالجه چشم سفری به ایران نمود که مورد استقبال علما و مراجع قرار گرفت و بعد از یک عمل جراحی مجددا به نجف اشرف مراجعت نمود. معظم له در اواخر عمر به علت مطالعه و تحقیق زیاد متأسفانه بینائی خود را از دست داد و بعد از سالها تحقیقات علمی و خدمت به اسلام و مسلمین سرانجام در دهم صفر سال ۱۳۸۲ چند ماه بعد از فوت مرحوم آیت الله بروجردی جهان فانی را وداع نمود. برگرفته از کتاب :پایگاه شهیر

شیرازی، شرف‌الدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، خطاط. در زمان سلطان محمد اولجایتو می‌زیسته و وظیفه‌ی تعلیم سلطان ابوسعید ایلخان مغول را بر عهده داشته و خود از شاگردان احمد رومی بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گلستان هنر (۲۳).

شیرازی، شکراللّٰه

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۴۸ ق)، خطاط و عالم. ملقب به افضل خان. از فحول علما بود که در علم حساب و هیئت و هندسه و سایر فنون ریاضی متبحر بود. در شیراز متولد شد و همان جا نشو و نما یافت و در محضر پدرش به تصحیل علم و خط و حساب پرداخت. پس از فوت پدر، در دیوان خراج جانشین او شد و چندی بعد ترک خدمت گفت و با تقی‌الدین محمد شیرازی مصاحب شد و علم منطق و حکمت را از او آموخت. سپس به قزوین و همدان رفت و از محضر ابراهیم حسن همدانی کسب افاده کرد و از آنجا به عراق عرب رفت و پس از زیارت عتبات، رخت به هندوستان کشید و در شهر برهانپور مصاحب عبدالرحیم خان و به منصب دیوانی شاهزاده خرم، گماشته شد و لقب افضل خان را از او گرفت. وی خط نستعلیق را خوش می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۱۱/ ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۹۱ -۲۹۰/ ۳)، مآثر رحیمی (۳۰ -۲۷/ ۳).

شیرازی، شهر امیر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از کاتبان خوشنویس گمنام است. از آثار وی: یک نسخه قرآن نفیس، به قلم نستعلیق نیم دو دانگ خوش، با رقم: «العبد الفقیر... شهر امیر الکاتب الشیرازی»؛ یک نسخه مجموعه‌ی نفیس از «شاهنامه‌ی» فردوسی و «تیمور نامه‌ی» هاتفی و «شهنشاه نامه‌ی» قاسم گنابادی و غیره، به قلم کتابت خوش، با رقم: «کتبه العبد... شهر امیر الکاتب الشیرازی... سنه اربع و سبعین و تسعمائه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۱۹/۲).

شیرازی، صدرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید صدرالدین حسینی مجتهد شیرازی فرزند سید ابوطالب فرزند محمدهاشم شیرازی از علماء اعلام و دانشمندان عظام معاصر شیراز است.

آنجناب در ذی‌الحجه ۱۲۲۱ ق در شیراز متولد شده و پس از تحصیل مقدمات مهاجرت به نجف اشرف نموده و در آنجا از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه آمیرزا محمدتقی شیرازی و آیت‌اللّٰه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّٰه نائینی و آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی استفاده نموده تا به مقام منیع اجتهاد نائل و با دریافت اجازات اجتهاد و غیره به سوی وطن مراجعت و به وظائف شرعی از اقامه جماعت و تدریس و تبلیغ قیام نموده و در طول خدمت خود به سوانح و گرفتاریهائی از قبیل تبعید و تحت نظر بودن برخورد کرده و خاطرات عجیبی دارد.

در ماه ربیع‌الثانی ۱۳۴۹ ق پس از چندین ماه تبعید و مسافرت به ارض اقدس مراجعت به شیراز نمود و مورد استقبال شایان مردم فارس قرار گرفت و بعد از ورود به خدمات دینی پرداخت تا در سال ۱۳۷۶ که برادر ارجمندش مرحوم آیت‌اللّه حاج سید نورالدین (نایت‌الامام) به رحمت حق پیوست.

وی تشکیل جمعیتی بنام (جمعیت انصار) داد که تا اکنون برقرار است. لکن معظم له به واسطه ناراحتیهای روحی از شرکت در اکثر اجتماعات خودداری نموده و بیشتر در کتابخانه شخصی به مطالعه و تألیف و تصنیف اشتغال دارد.

از آثار گرانقدر ایشان یک دوره دائرةالمعارف است در بیست جلد بنام (مجموعه الاشقات) که در هر علم و فنی که توانسته‌اند تألیف کرده‌اند.

دارای طبعی موزون و ذوق سرشار می‌باشند و اشعار بسیاری در مواعظ و مدایح و غیره دارند

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیرازی، عبدالجبار

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ عبدالجبار شیرازی فقیهی بزرگ و عالمی جلیل از شاگردان شیخ انصاری و میرزای بزرگ شیرازی و مراجع بزرگ شرعی شیراز و در سال ۱۳۱۹ ق وفات نموده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیرازی، عبدالصمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، مذهب و خطاط. کاتب و مذهب قرآنی است. از آثار وی، قرآنی به خط نسخ خوش و سرلوحها و سرسوره‌ها تذهیب گردیده، با رقم: «... خدمه به تذهیبه و تحریره عبدالصمد شیرازی سنه ۹۴۳».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۴۷۰ / ۳).

شیرازی، عبدالغفار

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم و سیزدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک قطعه طلاندازی نسخ و رقاع کتابت خوش، با رقم: «نمقه ابن‌محمد حسین الشیرازی، عبدالغفار فی شهر ذی‌القعده الحرام من شهور سنه ۱۲۰۲ الهجره النبویه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۰۶ / ۴).

شیرازی، عزیز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۰۷، شیراز.

درگذشت: ۲۵ آبان ۱۳۶۸.

عزیز شیرازی سال‌ها در اروپا و آمریکا به تحصیل حقوق سیاسی پرداخت. پس از بازگشت به ایران به خدمت دولت مشغول شد و در انجمن شب‌های شیراز حرکت می‌کرد. دکتر شیرازی در خانه خود هر دو هفته‌ای یک بار انجمن ادبی تکمیل می‌داد که تعدادی شاعران نظیر مهدی حمیدی شیرازی، کاظم پزشکی و حبیب‌الله ذوالقدر متخلص به «تابناک» در آن شرکت می‌کردند.

کالبد وی در شیراز در جوار آرامگاه شاه داعی الی‌الله به خاک سپردند.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شیرازی، علاءالدین منصور

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. به نقل از صاحب «گلستان هنر» وی از کرهرود بود و خط تعلیق را خوش می‌نوشت. علاءالدین منصور در بدو حال در خدمت میرزا کافی منشی به تحریر در دارالانشاء اشتغال داشت و در ایام محمدی‌بیگ منشی نیز اعتبارش بیشتر شد و در آخر، در ولایت کرهرود منزوی شد و عزلت اختیار کرد. از آثار وی: یک نسخه «شهنشاه‌نامه‌ی فارسی» سلطان مرادخان عثمانی، به قلم کتابت جلی متوسط، با رقم: «تم بالخیر و الحسن، فی سلخ شهر رمضان سنه‌ی ۹۸۹... علاءالدین منصور...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۲۱ / ۳)، تاریخ اصفهان (۲۲۸)، گلستان هنر (۵۶).

شیرازی، علی محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. وی از خوشنویسان دوره‌ی فتحعلی‌شاه و محمدشاه قاجار بود که نستعلیق را خوش و شیرین و شکسته را نیز نیکو می‌نوشت. از آثار او: نسخه مثنوی «پیر و جوان» میرزا محمد نصیر اصفهانی، به قلم نستعلیق نیم دو دانگ متوسط و شکسته‌ی خوش، با رقم: «حسب الامر... کمترین بندگان علی محمد... سنه‌ی ۱۲۲۶»؛ یک نسخه‌ی نفیس قرآن، به خط نستعلیق کتابت خوش، با جلد گوهرنشان و رقم: «... علی محمد شیرازی، مرقوم قلم شکسته رقم کرد... سنه‌ی ۱۲۴۸»؛ یک نسخه «کلیات» سعدی، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «جهت بندگان... میرزا علی‌اکبر... علی محمد شیرازی، سنه‌ی ۱۲۴۵»؛ چهار اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۸۰ -۴۷۸ / ۲).

شیرازی، علیقلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از آثار وی: «چهل کلمه‌ی» وزیری با جلد روغنی عالی، به خط ثلث و ثلث رقاع و نسخ کتابت خفی عالی، به شیوه‌ی یاقوت، با رقم: «کتبه العبد... علی قلی الشیرازی... فی سنه سبع و سبعین و تسعمائه» (۹۷۷)، در کتابخانه‌ی سلطنتی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۲۱/ ۴).

شیرازی، علینقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، خطاط. از کاتبان زبردست و برجسته‌ی عهد خود بود. از آثار وی: یک نسخه «کلیات» سعدی و شش دفتر مولانا، به قلم کتابت جلی عالی، با رقم: «علی نقی الشریف الشیرازی ابن‌یوسف» ۱۳۱۸ -۱۳۱۷ ق؛ یک مرقع «مناجات» حضرت علی (ع)، به قلم نیم دو دانگ و کتابت خوش، با رقم: «العبد المذنب علی نقی»؛ یک نسخه «دیوان» حافظ، که رقم ندارد، ولی صفحات اول و آخر آن به قلم کتابت عالی نوشته شده و تاریخ ۱۳۳۵ ق دارد. سه اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۴۵)، احوال و آثار خوشنویسان (۴۹۲ -۴۹۱ / ۲).

شیرازی، عمر

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، خطاط. از آثار وی: مرقع ثلث چهار دانگ جلی و نسخ دو دانگ خوش، با رقم: «الفقیر عمر کاتب الشیرازی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۲۶/ ۴).

شیرازی، فتح‌الله

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۷ ق)، عـالم، حکیم و شـاعر. در شیراز به دنیا آمـد و در آن جا نشوونما یافت. وی در محضر درس استادانی چون علامه جمال‌الدین محمود و کمال‌الدین شیروانی و مولانا کرد و میر غیاث‌الدین منصور شیرازی به مقامات عالیه دانش رسید. تا جایی که سلطان عـادل شاه بیجاپوری او را به هندوستان دعوت کرد و فتح الله به آن جا رفت و منصب وکالت یافت. بعد از کشته شدن عادل‌شاه به دعوت اکبرشاه، در ۹۹۱ ق، بـه فتحپور رفت و در ۹۹۳ ق به منصب امین‌الملکی رسید و لقب عضدالـدوله یافت و در ۹۹۴ ق به صـدارت کـل بلاد هندوستان رسید. او در کشمیر درگذشت و در تخت سلیمان دفن شد. وی علاوه بر تبحر در علوم متداوله زمان خود و شعر، از مخترعین و صنعتگران عصر خود نیز به شمار می‌آمد. از جمله اختراعات وی: آسیایی خود کار بود که حبوبات را آرد می‌کرد؛ آینه‌ای که در آن اشکال عجیب از دور و نزدیک منعکس می‌شد، تفنگی که در یک دور دوازده گلوله از آن خارج می‌شد؛ تقویم ابتکاری جدیدی از روی دوره‌ی شمسی. به آورده‌ی «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس» از «مآثر الکلام» وی اولین کسی بود که اهالی هند را به تصنیفات و افکار علمای متأخر ایران مانند: علامه دوانی، ملا صدرای شیرازی، غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی و میرزاجان آشنا ساخت و کتابهای آنها را در هندوستان تدریس کرد. از جمله تألیفاتش «تکمله‌ی حاشیه‌ی» علامه‌ی دوانی بر «تهذیب المنطق» تفتازانی است. رکن‌زاده‌ی آدمیت به اشتباه تفسیر «منهج الصادقین» ملا فتح‌الله کاشانی را به وی نسبت داده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۱ -۵۹ / ۴)، ریاض العارفین (۲۲۷)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۷۵ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۸۷)، کاروان هند (۹۹۳ -۹۹۲ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ فتح‌الله)، مرآت الفصاحه (۴۵۳ -۴۵۲)، هفت اقلیم (۲۳۵ -۲۳۴ / ۱).

شیرازی، فریدون

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. مدتی در شیراز به تحصیل پرداخت بعد از آن به اصفهان رفت و در آنجا از شاگردان آخوند ملا رجبعلی تبریزی (م ۱۰۸۰ ق) شد. وی در محله شمس‌آباد اصفهان منزل داشت و در آن جما نیز فوت کرت و در مزار بابا رکن‌الدین (تخت پولاد) در کنار قبر آخوند ملا رجبعلی دفن شد. پس از درگذشت او کتابخانه‌ی نفیس وی پراکنده گشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تـذکره القبور (۴۵۹)، تـذکره‌ی روز روشـن (۶۲۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۹۹ -۱۹۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۳۶ / ۴)، الذریعه (۸۳۱ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۰۹ -۷۰۸)، مرآت الفصاحه (۴۷۶ -۴۷۵).

شیرازی، فضل الله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۰ ق)، خطاط. برادر میرزا علینقی خوشنویس معروف است. ابتدا به خط شکسته نستعلیق رغبت داشت، ولی بعدها به نستعلیق همت گماشت. از آثار وی: یک نسخه «لوایح» جامی به قلم نیم دو دانگ خوش، با رقم: «بر حسب فرمایش... العبد... فضل‌الله ابن المرحوم المغفور، میرزا محمد یوسف الذهب طاب ثراه، فی... سنه‌ی ۱۳۰۵»؛ یک نسخه «کلیات» سعدی، که به چاپ سنگی رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۴۶ -۵۴۵)، احوال و آثار خوشنویسان (۵۷۴ -۵۷۳ / ۲).

شیرازی، قاسمعلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. صاحب «مناقب هنروران» او را از شاگردان میرعلی هروی دانسته و گوید که نستعلیق جلی و خفی را خوش می‌نوشت. صاحب «تاریخ رشیدی» که خود را شاگرد او معرفی کرده، وی را شاگرد محمد ابریشمی و قلم او را کند، اما در غایت مزه و لطافت و استحکام دانسته و گفته است که خط او به هیچ یک از سایر خوشنویسان شبیه نبود و از اکثر خوشنویسان خوشتر می‌نوشت. از آثار وی:یک نسخه «دیوان» نوایی، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «قاسم علی الکاتب الشیرازی»؛ یک نسخه «خمسه‌ی» نظامی، با رقم: «قاسم الکاتب الشیرازی». ظاهرا شاعری به نام قاسمعلی و با تخلص عدیمی در زمانی نزدیک به زمان این خطاط می‌زیسته است و بعضی تذکره‌نویسان شرح حال این دو را در هم آمیخته‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۸۱ -۵۸۰ / ۲)، مناقب هنروران (۱۲۹)، هنر عهد تیموریان.

شیرازی، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یکی از رجال برجسته علم و دانشی که شایسته است به مناسبت ورودش در سال ۱۳۶۶ هجری قمری به قم از او یاد شود مرحوم مغفور آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم شیرازیست که از فحول علماء و اکابر فقهاء حوزه نجف اشرف در عصر ما بودند که به قصد زیارت حضرت رضا علیه‌السلام از نجف حرکت نموده و در قم به منزل مرحوم آیت‌اللّه فیض ورود فرمودند و در روز ورودشان مورد تجلیل و استقبال حوزه علمیه و قاطبه علماء و زعماء حوزه چون آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه فیض و آیتین خونساری و صدر و دیگران از علماء و فضلاء و عموم محصلین گردیدند.

صاحب احسن‌الودیعه در ج ۲ ص ۱۳۱ گوید شیخ کاظم نجفی شیرازی ادام‌اللّه بقاه و من کل مکروه وقاه از اکابر علماء و مجتهدین و عظماء و فقهاء متتبعین، جمعی از اصحاب و گروهی از طلاب بـه بحث او حاضر می‌شوند جید التقریر لطیف التحریر حسن المعاشرهٔ ظریف المحاورهٔ می‌باشد ولادتش تقریباً سال ۱۲۹۰ و در سال ۱۳۰۰ به والدین خود از شیراز به عتبات منتقل و در کربلا ساکن و به علوم عربیه مشتغل و تا دو سال با والدین خویش در آن مکان شریف متوقف و پس از آن والدین او به شیراز مراجعت و او در کربلا تنها به علوم ابتدائیه مشغول و پس از چهارده سال او نیز به شیراز برگشته و مطول و معالم را نزد عالم کامل حاج سید محمدعلی کازرونی که در تدریس مطول ماهر بودند خوانده و پس از دو سال اقامت در شیراز به کربلا حرکت و پس از فراگرفتن سطوح در سال ۱۳۱۰ به سامراء مهاجرت و وسائل و مکاسب را نزد عامل کامل حاج شیخ حسنعلی تهرانی که از اجلاء علماء اتقیا بودند خوانده و به بحث مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمدتقی شیرازی حاضر شده و تا روز وفات آن مرحوم ملازم بحث او بود و بعد به کاظمین مشرف و در آنجا به تدریس مشغول و پس از مدتی به نجف مهاجرت و حوزه درس تشکیل داده و غالب استفتاءات مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی به نظر آن مرحوم بود که به امضاء و مهر سید می‌رسید تا در سال ۱۳۶۷ که وفات نموده و در یکی از حجرات صحن علوی مدفون گردید رضوان‌اللّه‌علیه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

شیرازی، مانی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۹۲۷/ ۹۱۴/ ۹۱۳ ق)، نقاش و شاعر، متخلص به مانی. در دوره‌ی شاه اسماعیل اول (۹۳۰ - ۹۰۵ ق) می‌زیست. در ابتدا به برزگری روزگار می‌گذرانید و در اواخر به واسطه‌ی شهرت شاعری و لطف طبع نزد شاه مراتب عالی یافت. وی در خوشنویسی و نقاشی نیز مهارت داشت و نام او را جزو شاگردان سلطانعلی مشهدی آورده‌اند که احتمال دارد با صاحب عنوان یکی باشد. وی سرانجام به سعایت امیر نجم‌الدین زرگر مورد غضب شاه قرار گرفت و شاه حکم قتل او را صادر کرد. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۱۰/ ۳)، احوال و آثار نقاشان (۵۸۴/ ۲)، پیدایش خط و خطاطان (۱۵۲ -۱۵۱)، تاریخ نظم و نثر (۴۴۵)، تحفه سامی (۲۰۰ -۱۹۹)، تذکره‌ی روز روشن (۷۰۴ -۷۰۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۰۱ -۲۹۷/ ۴)، الذریعه (۹۵۲/ ۹)، روضات الجنان و جنات الجنان (۲۱۱/ ۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۷۸/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۹۴)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۲۵۰۷/ ۳)، کوی سرخاب (۴۲۰ -۴۱۴)، لغت‌نامه (ذیل / مانی شیرازی)، مرآت الفصاحه (۵۴۶ -۵۴۴)، هفت اقلیم (۲۲۹ -۲۲۸/ ۱).

شیرازی، محمد اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از کاتبان گمنام است. از آثار وی: یک نسخه از کتاب «بستان السیاحه» در کتابخانه‌ی سلطنتی، به قلم نستعلیق تحریر غبار خوش، با رقم: «راقمه العبد... محمد اسمعیل بن... حاجی محمدباقر شیرازی... سنه‌ی ۱۲۴۹»؛ یک نسخه «روضه الطاهرین»، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «العبد الاقل العاصی، محمد اسمعیل شیرازی، فی شهور سنه‌ی ۱۲۴۶».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۳۶/ ۳).

شیرازی، محمد شفیع

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۷۶ ق)، خطاط. از آثار وی: «اصول کافی» و «فروع کافی» و «روضه‌ی کافی»، نیم ورقی، مجدول مذهب، سر هر کتاب سرلوح مرصع مذهب، نسخ تحریر کتابت خفی متوسط، با رقم: «قد فرغ من تحریره... سنهٔ ست و سبعین بعد الالف... محمد شفیع ابن المرحوم شمس‌الدین عبداللّه المعلم الشیرازی غفر ذنوبهما».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۷۸ -۱۱۷۷/ ۴).

شیرازی، محمد مسیح

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «دیوان» حافظ، به قلم کتابت خفی نزدیک به غبار عالی، با رقم: «بتاریخ... سنه ۱۰۷۲ سمت تحریر یافت، کتبه العبد... ابن مولانا نویدی، محمدمسیح شیرازی...».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۳۷/ ۳).

شیرازی، محمدابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدابراهیم شیرازی از مجاورین حایر حسینی در قرن سیزدهم ه بوده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیرازی، محمدجواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدجواد شیرازی از اکابر علماء و فقهاء متبحر و عالمی جامع بوده و در حدود ۱۲۶۰ ق وفات نموده آثاری دارد که از آنهاست (الکواکب المضیه).

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیرازی، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابومحمد، محمد حسن بن محمود بن اسماعیل حسینی شیرازی معروف به میرزای مجدد، معزّالدین و میرزای بزرگ شیرازی، مرجع تقلید شیعیان زمان خود و فقیه امامی بود که در ۱۵ جمادی الاولی سال ۱۲۳۰ ق در شیراز متولد گردید. وی قبل از ۲۰ سالگی، صاحب اجازه از سیدمحقق میرسید حسن بیدآبادی شد و در اصفهان به تحصیل پرداخت. از جمله استادان وی صاحب جواهر و صاحب انوارُ الفِقاهَه، محمد ابراهیم کلباسی، محمدتقی اصفهانی و علی تُستَری بودند. میرزای شیرازی پس از شیخ مرتضی انصاری، مرجع عالم اسلام گردید و در حدود سی سال این سمت را به عهده داشت. شاگردان زیادی در مکتب میرزا کسب علم کرده‌اند که از آن میان حضرات آیات عظام: علامه سیدمحمد کاظم یزدی، آخوند خراسانی، شیخ‌فضل‌اللّه نوری، میرزا حسین نوری، سیدحسین صدر، ابراهیم دامغانی، سید اسماعیل شیرازی و شریف جواهری را می‌توان نام برد. از کارهای بزرگ میرزای شیرازی، صدور فتوای تاریخی تحریم تنباکو در زمان ناصرالدین شاه قاجار به عنوان اولین مقاومت منفی مردمی در ایران علیه بیگانگان بود که باموفقیت انجام شده است. از آثار این مرجع بزرگ: کتابٌ فی الطَّهارَه، نِجاهُ العِباد، رسالهٌ فی الرَّضاع و رسالَهٌ فی المُشْتَق می‌باشد. میرزا در سال ۱۳۱۲ ق در ۸۲ سالگی در سامرا فوت نمود و در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

شیرازی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین شیرازی

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد حسین شیرازی در سال ۱۳۳۶هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان نیشابور دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۰ که سال های خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود ایشان بدون هیچگونه ترس و واهمه ای وارد حوزه علمیه گلشن نیشابور گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد اما شوق زیارت و هم جواری با بارگاه ثامن الحجج علیه السلام او را راهی حوزه علمیه مشهد گردانید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیارحاضر شد و پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۵ به حلقه دروس خارج راه یافت و از محضر ستارگان آن دیار همچون آیت الله رضا زاده،آیت الله شاهرودی، آیت الله زنجانی، آیت الله فلسفی، آیت الله خلخالی و... کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته حقوق و الهیات در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۵از دانشگاه فردوسی فارغ التحصیل گردید . و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان"اجاره در فقه اسلامی و حقوق مدنی "دفاع کرد.ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که کتاب "حدیث انقلاب نور "از جمله آثار ایشان است.

نامبرده ضمن تبلیغ سالهای متمادی است که به امر تدریس در دانشگاه آزاد نیشابور، و ... مشغول می باشد.

شیرازی، محمدکاظم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۱۹ ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن نیم ربعی جلد روغنی، با چند صفحه‌ی مذهب عالی، به خط نسخ و رقاع کتاب خفی خوش، با رقم: «حرره استکتابا... ابن محمدتقی، محمدکاظم الشیرازی... سنه التاسع عشر و ماتین بعدالالف من الهجره النبویه...» (۱۲۱۹)؛ «زاد المعاد» نیم ربعی، سرلوح مذهب، به خط نسخ کتابت خفی و رقاع کتابت خوش، با رقم: «حرره استکتابا... ابن محمدتقی، محمدکاظم الشیرازی... سنه التاسع عشر و ماتین بعدالالف من الهجره... فی سنه ۱۲۱۹».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۹۳ -۱۱۹۲/ ۴).

شیرازی، محمدولی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، نقاش و خطاط. از اهالی شیراز بود و گل و مرغ و صورت‌سازی را استادانه انجام می‌داد. این هنرمند، قلمدان و جلد و قاب آینه می‌ساخت و در ارائه‌ی مجالس بزمی و رزمی و افسانه‌های ملی دست پرحلاوت داشت. وی علاوه بر فنون چهره‌پردازی، در تذهیب و طلاکاری و خط نستعلیق و شکسته نیز استاد بود و بسیار با سلیقه و هنرمندانه عمل می‌نمود. از آثار وی: قلمدان رزمی پرکاری که رزم‌آوران، البسه‌ی جنگی پوشیده و به حالت سواره، با یکدیگر مصاف می‌دهند و درحواشی قلمدان نیز، رستم مشغول تیراندازی است و در کناره‌ها اشعار رزمی شاهنامه، به خط نستعلیق سفید درج شده و بین آنها نیز تذهیب گشته و چنین رقم دارد: «بجهت پیش‌کش... حاجی معتمدالدوله... محمدولی بن جناب الصدر الشیرازی ربیع‌الثانی سنه ۱۲۹۷»؛ تصویر زن جوانی که به روی قلمدان نقش بسته و قلیانی به دست گرفته و در حواشی آن، مناظری از مسافران خوش‌گذرانی که با درشکه‌ها، به سیر و سیاحت می‌روند، جلب نظر می‌کند و رقم «راقمه محمدولی ۱۲۹۸» دارد؛ قمدان گل و مرغی پر مهارتی در شیوه‌ی لطفعلی، که دارای مناظر مختلفی است، با رقم: «محمدولی ۱۲۹۰».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۰۹۸ -۱۰۹۷/ ۳)، هنر قلمدان (۱۳۸).

شیرازی، محمدهادی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۹۱ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «اصول و فروع کافی» نیم ورقی، مجدول و مذهب، سرکتاب سرلوح مرصع مذهب، جلد ساغری ضربی گل و بوته، به خط نسخ کتابت خفی خوش، با رقم: «علی ید العبد الراجی محمدهادی الشیرازی، سنه احدی و تسعین و الف ۱۰۹۱»، در کتابخانه‌ی سلطنتی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۰۱/ ۴).

شیرازی، میرکی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، خطاط و مذهب. از آثار وی: قرآن عظیم رحلی، به خط ریحان دو دانگ عالی، با رقم: «خطاط و مذهب سید میرکی بن سید احمد الشیرازی»، در بقعه‌ی مولوی در قونیه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۲۱/ ۴).

شیرازی، نادر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اصلش از شیراز بود. او را در علوم ظاهری و باطنی کامل دانسته‌اند. وی در فن سیاق مهارت داشت و رساله‌ای جامع در آن باب تألیف نمود. با نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) معاصر بود و با هم مکاتباتی داشتند. مدتی در لباس درویشی به اصفهان و از آنجا به قصد زیارت به عتبات عالیات روی نمود. چندی در کرمانشاه در خدمت نواب شیخعلی خان زنگنه بود. بعد به مشهد مقدس و پس از آن به هرات رفت و نهایتاً به اصفهان بازگشت. اکثر اوقات به مسجد لنبان می‌رفت و نصرآبادی گوید که از صحبتهای او بهره‌ی کافی می‌برده است. زمانی که عباسقلی بیگ، فرزند شیخعلی خان، داروغه قزوین شد، نادر را همراه خود برد و به وزارت خود منصوبش کرد. به آورده‌ی «تذکره‌ی نصرآبادی» او از زمانی که به وزارت رسید، لباس فقر و درویشی را کنار گذاشت. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۵۱ -۳۵۰)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۰۷ -۶۰۶/ ۵)، الذریعه (۱۱۴۸/ ۹)، صبح گلشن (۴۸۹)، فرهنگ سخنوران (۹۰۶)، لغت‌نامه (ذیل/ نادرا).

شیرازی، نصیر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن رحلی، جلد میشن ضربی مطلا، دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مذهب مرصع عالی نسخ کتابت جلی متوسط، ثلث جلی عالی. رقاع متوسط ترجمه‌ی نستعلیق متوسط با رقم: «... حسب‌الامر... شاه سلطان حسین الصفوی الموسوی بهادرخان... به خط اقل کتاب کلام‌الملک العلام... نصیرالکاتب الشیرازی مولداً. الاصفهانی محتدا... ۱۱۲۷» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

شیرازی، نورالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید نورالدین بن میرزا ابوطالب بن محمدهاشم حسینی شیرازی از مشاهیر دانشمند معاصر شیراز بوده‌اند.

وی در شیراز متولد و در بیت علم و عزت پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمدکاظم یزدی و آیت‌اللّه میرزا محمدتقی شیرازی و آیت‌اللّه شریعت اصفهانی استفاده نموده و چون در سال ۱۳۴۲ ق مرحوم والدش به رحمت ایزدی پیوست به شیراز مراجعت و در مسجد وکیل بجای مرحوم والدش به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ و ارشاد مسلمین پرداخته و جمعیتی بنام برادران و حزب نور تشکیل داده و خود بنام نایب‌الامام شهرت یافته بود.

آیت‌اللّه شیرازی مذکور مضافاً بر مقام رفیع اجتهاد به زبانهای انگلیسی و فرانسه آشنا بود و خط زیبائی داشت و شعر هم نیکو می‌گفت و در امور اجتماعی ید طولائی داشت.

وی در سال ۱۳۶۷ قمری مسافرتی به قم و تهران و ارض اقدس با صدها نفر از حزب برادران نموده که بسیار پرصدا و باهمیت بود.

و آن مرحوم با اینکه شب و روزش مستغرق خدمات بود تالیفات ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشت که به آنها اشاره می‌شود.

۱- اسلام و جهان امروز

۲- اصل الاصول در دو جلد

۳- تفسیر قرآن مجید

۴- حاشیه بر عروةالوثقی

۵- حکمت الهی

۶- سیاست اسلام

۷- علم خطابه و منبر

۸- علم رجال و درایه

۹- علم کلام

۱۰- مثنوی و تالیفات دیگر.

در سال ۱۳۶۷ قمری سال فوت مرحوم حاج شیخ کاظم فوق‌الذکر شخصیت برجسته‌ای که حقاً مجسمه فضائل و کمالات بود از شیراز حرکت و با صدها نفر از حزب برادران شیراز وارد شهر دینی و علمی قم گردید. آیت‌اللّه حاج سید نورالدین که در فارس و خصوص شیراز مشهور بود (نایب‌الامام) می‌بودند از رجال علم و بیان و قلم و سیاست و کیاست عصر ما و از علماء طراز اول شیراز و بلکه کلیه ایران است.

در سال مزبور به قصد زیارت حضرت رضا علیه‌السلام و بعضی اقدامات دینی با حدود پانصد نفر از جمعیت حزب برادران که در تحت ریاست و رهبری آنجناب بود از فارس حرکت و با عظمت بسیاری به اصفهان و از آنجا به قم وارد و به منزل مرحوم آیت‌اللّه صدر نزول فرموده و مورد تجلیل مراجع عظام حوزه علمیه واقع شده و پس از چند روز به تهران و شهر ری عزیمت و از آنجا به مشهد و پس از مدتی مراجعت به شیراز نمودند و در تمام ایاب و ذهابش مجللانه وارد و حرکت فرمودند در موقع ورود به تهران یکسره به مسجد شاه آمده و باده‌ها هزار نفر نماز جماعت و پس از آن به منبر رفته و بیانات حاد و پرحرارتی ایراد نموده و بعضی از پیشنهادهای دینی به دولت وقت نمودند. خود نگارنده، در موقع ورودشان به ری و تهران حاضر و ناظر احساسات مردم شیراز و تهران بودم.

معظم له از اساطین علم و سیاست زمان ما بودند از تلامذه مبرز مرحوم شریعت اصفهانی و آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه میرزا علی آقای شیرازی و آیت‌اللّه ضیاءالدین عراقی و صاحب تألیفات و تصنیفات و جمعیت متجاوز از ده هزار نفر حزب برادران بودند که در شیراز خدماتی نموده‌اند در شیراز از دنیا رفته و در مقبره مخصوص خود در مقابل بیت‌العباس که از آثار اوست مدفون شده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیرازی، یار علی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۱۶ -۸۱۲ ق)، نویسنده و شاعر. وی صاحب کتابی در شرح «لمعات» فخرالدین عراقی، به نام «اللمحات فی شرح اللمعات» است. از دیگر آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۸۰)، الذریعه (۳۴۰ -۳۳۹/ ۱۸ ،۱۳۰۵/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۹).

شیرجعفری، قاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قاسم شیر جعفری

محل تولد : شهر ری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال۱۳۶۵هجری شمسی پس از اخذ مدرک دیپلم علوم تجربی از تهران برای ادامه تحصیل وارد قم شدم و دروس مقدمات را تا سه سال در مدرسه علمیه امام محمد باقر (ع) طی نمودم و سپس تا اتمام کفایتین را به صورت آزاد با دروس جنبی سپری کردم و

پس ازآن چندین سال در دروس خارج فقه واصول اساتیدی چون :آیت الله جعفر سبحانی ،آیت الله مکارم شیرازی ،آیت الله شیخ جواد تبریزی و آیت الله وحید خراسانی شرکت نمودم .

شیرخانی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی شیرخانی

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی شیرخانی پس از اخذ مدرک سوم راهنمایی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قزوین شده و در مدراس صالحیه سردارین و شیخ الاسلام آن شهر جامع المقدمات ، سیوطی و حاشیه ملا عبدالله را گذراندم و از سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم گردیدم و ادامه دورس حوزوی را در این حوزه مقدس طی نمودم . همزمان با دروس حوزه ، دبیرستان را متفرقه خوانده و در سال ۱۳۷۰ دیپلم فرهنگ و ادب اخذ نمودم . اساتید بنده در قزوین آیت الله محمد تاکندی ، حجت الاسلام فیروزی و حجت الاسلام مرتضوی بوده‌اند و بخشی از جامع المقدمات را نیز نزد آقای کاظم عباسی مولایی گذراندم . در قم نیز نزد اساتیدی چون آقایان : یعقوبعلی برجی ، علیدوست ، آل غفور جزایری ، حسین خراسانی ، محمدی خراسانی ، فیاضی ، اسحاقی ، فتوحی ، صالحی افغانی و مهری دروس سطح و منطق و فلسفه را خوانده‌ام . پس از طی دروس سطح وارد درس خارج شده و نزد آقایان : مکارم شیرازی ، صالحی مازندرانی ، جوادی آملی ، سبحانی ، صادق لاریجانی ، معرفت و مومن این دروس را تلمذ نموده‌ام . از سال ۱۳۷۰ وارد موسسه آموزشی عالی باقر العلوم شدم و در سال ۱۳۷۹ مدرک فوق لیسانس را از آنجا دریافت نمودم . سال ۱۳۸۰ نیز در آزمون دکتری قبول شده و در این مقطع تحصیل کردم و از همان سال نیز عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه اسلامی واحد قم شدم . از سال ۱۳۷۰ مقاله نویسی را با نشریه هفتگی ولایت قزوین که هم اکنون به روزنامه تبدیل شده است ، آغاز کردم و از نیمه دوم دهه هفتاد ، مقالات و کتب مختلفی به چاپ رسیده است. البته لازم است یادی نیز از اساتید معروف دانشگاه داشته باشیم .

آقایان دکتر : سیف زاده ، دکترسریع (تعلم) ، دکتر بشریه ، دکتر نقیب زاده ، دکترسید محمد هاشمی ، دکتر میرعباسی ، دکتر حمید احمدی ، دکتر ازغندی ، دکتر کاظمی ، دکتر قوام ، دکتر ملکوتیان ، دکتر صدرا ، دکتر ابوالحسنی ، دکتر ساعی ، دکتر طاهری ، دکتر فیرحی ، دکتر قادری (حاتم) دکتر منوچهری و ... .از سال ۱۳۸۱ (اواخر ۸۱) مسوولیت مرکز اسناد انقلاب اسلامی قم را بر عهده دارم و البته با مراکز مختلف پژوهشی نیز همکاری دارم .

شیرزای، صدرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۱ ق)، عالم دینی، مجتهد، فقیه و شاعر. در شیراز متولد شد و پس از طی مقدمات به نجف اشرف مهاجرت کرد و در آنجا از محضر آیت‌اللّه آقا میرزا محمدتقی شیرازی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه نایینی و آیت‌اللّه اصفهانی استفاده نمود، تا به مقام اجتهاد نایل شد و با دریافت اجازه‌ی اجتهاد به وطنش بازگشت و به وظایف شرعی و تدریس پرداخت. وی در طول زندگی دچار دشواریها و گرفتاریهای از قبیل تبعید و تحت نظر بودن و سایر تضییقات شد. او دارای طبعی موزون و ذوقی سرشار بود و اشعار بسیاری در مواعظ و مدایح و غیره دارد. وی جمیعتی به نام جمعیت انصار تشکیل داد، اما خود وی بیشتر در کتابخانه شخصی‌اش به مطالعه و تالیف و تصنیف اشتغال داشت. از آثارش: دایرةالمعارفی است در بیست جلد به نام «مجموعه‌ی الاشقات»، که در هر علم و فنی که توانسته، نگاشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴۸ -۴۴۷/ ۵).

شیرعلی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط و شاعر. صاحب «مناقب هنروران» وی را از کاتبان کتابخانه‌ی بایسنقر میرزا دانسته که در فن معما ماهر بوده و

طبعی صوفیانه داشته است. در کتاب «مجالس النفائس» آمده که حالا مدتی است عزلت اختیار کرده و تا زمان تالیف این تذکره ۸۹۶ ق، هنوز می‌زیسته است، و اگر چنین باشد انتساب وی به دوره‌ی بایسنقر میرزا دشوار می‌نماید. از آثار وی: یک نسخه «ظفرنامه‌ی» تیموری، که آن را برای سلطان حسین میرزا بایقرا نوشته است و تاریخ سال ۸۷۲ دارد؛ یک قطعه از مرقع بهرام میرزا، به قلم کتابت و نیم دو دانگ متوسط، با رقم: «مشقه العبد شیرعلی...»؛ سه قطعه از مرقعهای مختلف، به قلمهای سه دانگ و کتابت و غبار خوش و متوسط، با رقم: «کتبه العبد شیرعلی... فی سنه ثلث و خمسین و ثمانمائه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۲۴ -۳۲۳ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۵۳۱)، مجالس النفائس (۲۷۳ ،۱۰۰)، مناقب هنروران (۵۶)، هنر عهد تیموریان (۶۴۵ ،۵۸۳ ،۳۹۸).

شیروانی جزی، محمّد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج محمّدابراهیم شیروانی جزی، عالم، فاضل، معمّر، مؤلف کتاب «فقهیه» و مدرس مدرسه صدر بازار اصفهان بوده که در شب دوشنبه ۲۶ رمضان المبارک سال ۱۳۲۶ در دوران سلطنت قاجاریه وفات و در تکیه فاضل هندی در تخت فولاد مدفون گردیده است که در نظر بوده به نجف اشرف منتقل گردد. از آثار دیگر او کتاب «مجمع الرسایل» است که در هنگام سفر به سامرا در سال ۱۳۰۶ به تأیید مجدد میرزا محمّد حسن شیرازی رسیده و در سال ۱۳۱۰ چاپ شده و بعد از وفات او با حواشی بعضی از شاگردان او نظیر آیت‌اللّه محمّدتقی شیرازی و ملّا محمّد کاظم خراسانی مجدداً چاپ شده است. وی از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و دیگران بوده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

شیروانی، زین‌العابدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۵۴ / ۱۲۵۳ -۱۱۹۴ ق)، صوفی و شاعر، متخلص به تمکین. معروف به مست علیشاه. وی در شهر شماخی متولد شد. در پنج سالگی به همراه پدرش به عتبات عالیات رفت و تا سن هفده سالگی در آن سامان مشغول به تحصیل بود. سپس سفر و سیاحتی طولانی در پیش گرفت و بیشتر بلاد و شهرها را دید. او زمان این سیر و سفرها را سی و هفت سال نوشته و تفصیل آن و دیدار بزرگان و مشایخ و شرح عجایب و غرایب را نزدیک به صد هزار بیت به نظم آورده است. وقتی در قمشه قصد قتلش کردند، او فرار کرد و نسخه‌ی اشعارش به غارت رفت. در نهایت خدمت جعفر کبودر آهنگی مجذوب علیشاه رسیده و طریقه‌ی ایشان را اختیار کرد و بعد از فوت او خلیفه و جانشین وی و قطب آن سلسله شد. علمای شیراز با او به مخالفت برخاستند و او ناگزیر از شیراز به آذربایجان رفت و پس از چندی دیگر بار به شیراز بازگشت. از جمله کسانی که به او معتقد بوده‌اند، محمدشاه قاجار بوده است. وی معاصر صاحب «ریاض العارفین» بود. در اواخر حال، از تهران به شیراز و بعد از آن به مکه رفت او در وادی خلیص درگذشت و در جده در جوار قبر معروف به حضرت حوا دفن گردید. از آثار وی: «بستان السیاحه»؛ «حدیقه یا حدائق السیاحه»؛ «ریاض السیاحه».[۱]

زین‌العابدین شیروانی بن ملا اسکندر ادیبی فاضل مؤلفی جامع از شعراء و عرفاء و فضلا زمان خود و اهل شیروان قفقاز بوده است. وی در نیمه ماه شعبان ۱۱۹۳ ق در شیروان متولد شده و در سن پنج یا شش سالگی با پدر و خاندانش مهاجرت به کربلا نموده و پس از دوران کودکی علوم معموله ادبی و عربی و متون فقه و اصول را از علماء کربلا خوانده و به فکر سیاحت در روی زمین افتاده و اکثر بلاد شرق و غرب را دیده و مشاهدات و مطالعات خود را در چند کتاب به رشته تحریر و تألیف آورده که نام آنها را می‌نگارم

۱- بستان‌السیاحه ۲- حدیقةالسیاحة ۳- ریاض‌السیاحة. در سال ۱۲۵۲ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۱۶۶ -۱۶۵ / ۷)، حدیقه الشعراء (۱۰۵۷ -۱۰۵۵ / ۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۷۱ -۱۶۹ ،۸۷)، دایرةالمعارف فارسی (۱۴۷۱ / ۲)، الذریعه (۳۸۵/ ۶ ،۱۰۶/ ۳)، شرح حال رجال (۵۲/ ۲)، ریاض العارفین (۲۴۶ -۲۴۵)، ریحانه (۳۳۷ -۳۳۶ / ۳)، طرائق الحقائق (۳۹۰ -۳۸۸ / ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۷۰ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۱۹۲ -۱۹۱)، لغت نامه (ذیل/ زین‌العابدین)، مؤلفین کتب چاپی (۲۶۲ -۲۶۱/ ۳)، مجمع الفصحا (۱۸۴/ ۴)، معجم المؤلفین (۱۹۶/ ۴)، مکارم الآثار (۲۳ -۱۵/ ۱).

شیروانی، فضل‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۸ ش)، استاد دانشگاه و نویسنده. در اصفهان متولد شد. پس از طی تحصیلات ابتدایی و دوره‌ی اول متوسطه به تهران آمد و دوره‌ی دوم متوسطه را گذراند. وی در سال ۱۳۰۸ ش به همراه دانشجویان اعزامی به فرانسه رفت و در سال ۱۳۱۰ ش به درجه‌ی مهندسی شیمی نایل شد. بعد از گذراندن رساله‌ی دکتری از طرف دانشگاه لیل دکتر شناخته شد و از سال ۱۳۱۶ ش به تدریس در دانشکده‌ی علوم و دانشسرای عالی در رشته شیمی مشغول شده است. اثر وی «شیمی عمومی معدنی» می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۸۵۷ -۸۵۶/ ۴).

شیروانی، محمد بن حسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مولی محمـد بن حسن معروف به ملاـ میرزا، از اعـاظم علمـا و فقها و مدرسـین اصـفهان بوده، و کتب عدیـده در فقه و اصول تألیف فرمـوده، و در جمعه ۲۹ رمضان ۱۰۹۸ وفات یافته، جنازه‌ی او به مشـهد مقـدس نقل شـده، در سـرداب مدرسه‌ی میرزا جعفر مدفون گردیده است.

کتب زیر از اوست:

۱ - انموزج العلوم ۲ - دو حاشیه بر معالم، عربی و فارسی ۳ - حاشیه بر حکمهٔ العین ۴ - شرح بر شرایع ۵ - شرح بر رساله‌ی اثبات الواجب؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

شیروانی، محمدشریف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدشـریف بن رضای شـیروانی تبریز دانشـمندی بزرگ و مؤلفی فاضل از شاگردان علامه سـید علی طباطبائی صاحب (ریاض) و غیر او بوده است. تألیفاتی دارد که از آنهاست:

۱- صدف الشحون در انواع علوم و فنون شبیه کشکول در سال ۱۳۱۴ ق طبع شده است.

۲- نورالانوار در اثبات امامت ائمه اطهار

۳- الشهاب الثاقب در مناقب علی بن ابیطالب (ع)

۴- دوحهٔالاخبار در ذکر اخبار اخیار و اخیار اخبار در آداب و سنن اخلاق مذموم و مستحسن.

۵- مصباح القلوب در فقه.

۶- مصباح‌الاصول در علم اصول

۷- مفتاح القباب

۸- تحفه در علم حساب

۹- رسالهٔ المساحهٔ.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیرین رقم، عبداللّه

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یـازدهم ق)، خطـاط. خوشـنویس گمنـام است. و به خط وی، یک قطعه به قلم دو دانگ و کتابت خوش در کتابخانه‌ی آسـتان قدس رضوی است که چنین رقم دارد: «القیر المذنب، میر عبداللّه شیرین رقم، غفر ذنوبه و ستر عیوبه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۵۸/ ۲).

شیرین رقم، معبیداللّه

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، خطاط. از خوشنویسان گمنام است. از آثار وی: یک قطعه بقلم دو دانگ و کتابت خوش، با رقم: «فقیر میر عبیداللّه شیرین رقم»؛ یک قطعه به قلم دو دانگ و کتابت خوش، با رقم: «کتبه الفقیر میر عبیداللّه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۲۷ -۴۲۶/ ۲).

شیرین قلم، عبدالصمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، نقاش، خطاط و شاعر. ملقب به شیرین قلم. هنگامی که همایون شاه در سال ۹۵۱ ق جهت سیاحت و دیدار شاه طهماسب به ایران آمد، از شاه صفوی خواست که تعدادی از هنرمندان را همراه وی روانه‌ی هندوستان سازد؛ این امر به دستور شاه طهماسب انجام گرفت، اما وی به عبدالصمد و میر سید علی اجازه‌ی این سفر را صراحتا اعلام ننمود؛ سپس در سال ۹۵۵ ق این دو و جمعی دیگر از هنرمندان بدون رخصت شاه صفوی جهت دیدار همایون شاه خود را به قندهار رساندند و سپس همراه او به هندوستان رفتند بدین ترتیب مکتب معروف هند و ایرانی پایه‌گذاری شد. شیرین قلم در زمان اکبرشاه، به منصب چهارصدی نایل شد و به سال ۹۸۵ ق امین دارالضرب فتح‌پور و به سال ۹۹۴ ق صاحب دیوان ولایت مولتان گردید. عبدالصمد در رشته‌های گوناگون تصویرسازی، از قبیل شبیه‌سازی و چهره‌پردازی و مجالس بزمی و رزمی و جانورسازی و گرفت و گیر و ارائه کوه و دشت و دمن قوی دست بود و خط نستعلیق را شیرین می‌نوشت و شعر نیکو می‌گفت. او در بعضی از آثار خود زرین قلم رقم زده است. شریف فارسی، ملقب به امیرالامراء، فرزند وی است. از آثار وی: تصویر مرد عمامه به سری که به همراه اسب خود در صحرا پیش می‌رود و در زمینه‌ی دوردست تصویر، منظره‌ی کوه و تک درخت تنومند جلب نظر می‌کند، با رقم: «عبدالصمد شرین قلم»، تصویر درویشی که در بیداری و هوشیاری نقش شده و گویا الهام پرمعنی نقاش از اشعار سعدی است که به استادی رقم گذاشته: «بنده شکسته رقم عبدالصمد شیرین قلم»؛ تصویر مجنون با حیوانات وحشی که در صحرا جمع گشته‌اند و در گوشه‌ی دیگر، تصویر جوانی است که دهنه‌ی اسب را گرفته و از آن مخافظت می‌کند، با رقم: «عمل نوروزی مولانا عبدالصمد... ۹۶۵». ده اثر دیگر وی در «احوال و آثار نقاشان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۰۲ -۴۰۱/ ۲)، احوال و آثار نقاشان (۳۳۷ -۳۲۹/ ۱)، تاریخ نظم و نثر (۴۲۸)، تاریخ هنرهای ملی (۴۵۲ -۴۵۱، ۲۷۳ -۲۷۲/ ۱)، گلستان هنر (چهل، چهل و یک، چهل و پنج).

شیرین، جلال

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلال شیرین

محل تولد : اهواز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۲/۱/۱۵

زندگینامه علمی

حقیر ابتدائی را در شهر اهواز گذرانده و پس از آن همراه خانواده به قم آمدم دوره راهنمائی را در مدرسه امیر کبیر و دبیرستان را در مدرسه دین و دانش خیابان ۱۹ دی پشت سر گذاشتم و دبیرستان را با معدل ۲/۱۵ در رشته ریاضی فیزیک به اتمام رساندم پس از آن وارد حوزه مقدس علمیه شدم و پنج سال اول را در مدرسه علمیه امام حسن مجتبی علیه السلام و سال ششم را در مدرسه امام محمد باقر علیه السلام خوانده و هم اکنون در پایه ۷ مشغول به تحصیل به علوم دینی می باشم لازم به ذکر است پایه ۴-۵-۶ سه سال به عنوان طلبه ممتاز معرفی شدم از سه سال پیش ابتدا به عنوان دفتر دار یکی از معاونین و بعد به عنوان پژوهشگر مجله الرشاد در سازمان حوزه هاو مدارس خارج از کشور مشغول به کار شدم .کار ها در مجله تهیه و تنظیم مقالات مورد نظر از قبیل تدوین . نگارش . تلفیق . و مطابقت با معیارهای بین المللی مجله است و در آخر ترجمه آن به زبان ها ن انگلیسی . فرانسه . عربی . چینی . وغیره ... این حقیر همچنین ترم اول مترجمی فرانسه هستم از دانشگاه باقر العلوم .

شیشه‌گر شیرازی، غلامرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۱ ق)، عارف و شاعر. ملقب به فیض علیشاه. در شیراز متولد شد. اصل وی از ساری مازندران است. نزدیک به سی سال به شغل شیشه‌گری پرداخت. طریقت نعمةاللهی داشت و به میرزا نصرالله خان صدرالملک اردبیلی ملقب به نصرتعلی که از مشایخ

حسین علیشاه اصفهانی نعمةاللهی بود ارادت می‌ورزید و به همراه این شخص به قم و تهران رفت و عده‌ای به وی سر سپردند. در سال ۱۲۸۹ ق به زیارت حج رفت. در تهران درگذشت و جنازه وی را در مشهد مقدس دفن کردند. اثر وی رساله‌ای است به نام «فیضیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۹۱ -۳۹۰/ ۳)، المآثر و الآثار (۱۹۸)، مؤلفین کتب چاپی (۷۰۶ -۷۰۵/ ۴).

شیفته‌ی شیرازی، علی محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۲۱ ق)، شاعر، متخلص به شیفته. وی در زمره‌ی نویسندگان نصرالدوله برادر قوام‌الملک شیرازی بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۹۲ -۳۹۱/ ۳).

شیفته‌ی همدانی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۷۴ ق)، شاعر. صاحب «گنج شایگان» نوشته که پدرش از تجار همدان بوده و هم در آن کتاب، مسمطی از شیفته آورده است. وی در اوایل حال به تحصیل فضایل مشغول شد و در لغات فارسی و عربی تتبعی کامل کرد و در هر دو شیوه‌ی دانش، مقامی عالی یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۱۵۸ -۱۵۵ / ۲)، حدیقه الشعراء (۹۴۵ -۹۴۴ / ۲)، گنج شایگان (۲۴۴)، مجمع الفصحا (۵۳۵ -۵۳۳/ ۵).

شیکب نایینی، عبدالرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. پدرش میرزا هادی، متخلص به دانی شاعری مرثیه‌گو بود نسب شکیب به آل‌مظفر می‌رسید و وزیر نایین بود. و از وی بیش از پنج هزار بیت شعر در قصیده، غزل و مثنوی بر جای مانده است. از اوست:

فرق میان تیغ تو و من به لاغری است

کاو خون خصم خورده و من خون خویشتن

عریان گرش ببینی این هم بسی است فرق

کاو را نیام هست و مرا نیست پیرهن

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۸۷۱ -۲/۸۷۰)، فرهنگ سخنوران (۵۱۰).

شیکبا، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۷ ش)، شاعر، متخلص به شکیبا. در شهر قم متولد شد. شش ساله بود که به مکتب رفت خواندن و نوشتن آموخت، اما دیگر نتوانست به تحصیل ادامه دهد. در سال ۱۳۱۶ ش با خانواده به تهران آمد و به کار ساختمان مشغول شد و چون ذوق و استعداد طراحی ساختمان داشت به نقشه‌کشی پرداخت و بسیاری از مساجد و تکایا با طرح و نقشه‌کشی پرداخت و بسیاری از مساجد و تکایا با طرح و نقشه‌ی او بنا گردید. شیکبا از کودکی به سرودن شعر پرداخت. «دیوان» وی با مقدمه و تصحیح دکتر پروفسور بیگدلی طبع و نشر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۲۰۰۴ -۲۰۰۰ /۳).

شیمی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زمین‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

شیمی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۳ -۱۲۴۶ ش)، معلم و پزشک. وی در تهران به دنیا آمد. تحصیلات خود را در دارالفنون به پایان رسانید و در سال ۱۳۰۷ ق در رشته‌ی پزشکی فارغ‌التحصیل شد و به طبابت و تدریس و در دارالفنون، دارالمعلمات و دیگر مدارس اشتغال ورزید و پس از چهل سال خدمت در وزارت فرهنگ بازنشسته شد و از آن پس در مطب خود به طبابت پرداخت. وی در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۲۵۹/ ۶).

شیوا، محمود تندری

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۱ -۱۲۶۴ ش)، شارع، متخلص به شیوا. ملقب به صمصام‌السلطان. در قم متولد شد. علوم ادبی و عربی را از استادن همان شهر فراگرفت از آن پس به خدمات دولتی اشتغال ورزید. شیوا در هنرهایی چون نقاشی، خاتم‌کاری، قاب سازی و مشبک کاری استادی و مهارت داشت. از دیگر خصوصیات او مهارت در تیراندازی و شکار بود. شیوا در سرودن شعر توانا بود در قصیده‌سرایی از سبک شعرای خراسانی (ترکستانی) و در غزل از شیوه‌ی عراقی پیروی می‌کرد. وی در سالهای پایان عمر انجمن ادبی قم را تاسیس کرد و در تربیت شاعران شهر خود کوشید. در قم در گذشت و در صحن حضرت معصومه (س) پایین ایوان آیینه به خاک سپرده شد. از آثار او: «تحفه الراغب الی المسجد الصاحب»؛ «خرد نامه»، شعر؛ «جنگ نامه»، در تاریخچه‌ی انقلاب چهارماهه‌ی آذربایجان؛ «کتاب سیاده»؛ «دیوان» شعر که به همت تقی رزاقی طبع و نشر شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۲۱۵۷ -۲۱۵۲/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۵۳۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱ -۲۰/ ۶).

شیوای شیرازی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۶ -۱۲۸۸ ق)، شاعر، متخلص به شیوا. وی سه ساله بود که پدرش را از دست داد ولی چون استعداد داشت در پی تحصیل علم و معرفت رفت و ادبیات فارسی و عربی را آموخت و در خوشنویسی پیشرفت کرد و خطوط نسخ، نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت. شیوا با صحب «تذکره مرآت الفصاحه» و «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس» ملاقات داشته است. در سال ۱۳۰۰ ش اولین دبستان دخترانه را به نام «ادب بنات» تاسیس کرد و همسرش احترام‌السادات شیوا مدیر آن مدرسه شد. شیوا «دیوان» شعری دارد شامل دو هزار بیت و تالیفی به نام «شیخ و شنگول» که تا کنون چاپ نشده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۶۰)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۰۶ -۴۰۰/ ۳)، الذریعه (۵۶۸/ ۹)، مرآت الفصاحه (۳۳۵).

شیوای طاهری سدهی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۳۲۰ ق)، شاعر. در قریه ورنو سفادران سده ماربین اصفهان متولد شد. وی از اعقاب سید صالح قصیر بود. شیوا مدتی در سده و زمانی در اصفهان تحصیل کرد سپس مدتی در کربلا ساکن شد و به تکمیل معلومات خویش پرداخت. سالها در شهرهای ایران ضمن تکمیل فضایل به نشر احکام و تبلیغ اسلام اشتغال داشت. از آثار وی «دیوان قصاید و غزلیات» است که حدود ۳۵۰۰ بیت دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۸۸ -۴۸۶)، الذریعه (۵۶۸/ ۹)، مؤلفین کتب چاپی (۲۹۰/ ۴).

شیونی قاینی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. اهل قاین بود. وی بعضی مقدمات علمی را نزد مولانا محمد شریف که صاحب «تذکره خیرالبیان» است فراگرفت. شیونی از معاصران هادی سیستانی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۰۶/ ۲)، تذکره‌ی روز روشن (۴۵۴)، بزرگان قاین (۲۱۳ -۲۱۲)، الذریعه (۵۶۸/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۳۲).

صابر اصفهانی، صابر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(و ف ۱۰۷۰ / ۱۰۶۴ ق)، شاعر و واقعه‌نویس. میرصابر از سادات اصفهان بود که در روزگار سلطنت جهانگیر پادشاه گورکانی (۱۰۳۷ -۱۰۱۴ ق) به هندوستان رفت، گرچه در تذکره‌ی «روز روشن» ورود او به هندوستان در عهد شاه جهان (۱۰۶۹ -۱۳۷ ق) ذکر شده است. در آنجا مدتی به امر وقایع‌نگاری منطقه‌ی گجرات و دکن اشتغال داشت و در برهانپور درگذشت. یکی از آثار خیری که از او سر زده، فرستادن استخوانهای عرفی پس از سی سال قمری، در ۱۰۲۷ ق، از لاهور به نجف اشرف است. بیشتر اشعاری که از وی به جای مانده، در قالب رباعی است. صاحب «الذریعه»، صابر اصفهانی را با صابر زواره‌ای یکی می داند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۵۴)، تذکره‌ی میخانه (۲۲۷، ۲۲۶، ۲۲۵)، الذریعه (۵۷۳، ۵۷۲ / ۹)، کاروان هند (۶۶۸ -۶۶۷ / ۱).

صابر تبریزی، عباسقلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر. اصلش از تبریز و در مهشد ساکن بود. از آثار وی: منظومه «توسلات صابر تبریزی»، در مراثی، به ترکی که در ۱۳۳۴ ش در تبریز به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۷۲ / ۹)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۹۶۸ / ۱)، مولفین کتب چاپی (۶۹۹ / ۳).

صابر دیلمقانی، رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۲ ق)، شاعر و نویسنده. وی در ایروان می‌زیست و در نظم و نثر توانا بود.

صابر وقایع‌نگار روزنامه «اکنچی» بود و غالب آثارش در آن روزنامه چاپ شده است. در شهر ایراوان درگذشت. اثر وی «دیوان» شعر می باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۲۱۰)، الذریعه (۵۷۲ / ۹).

صابر شیرازی، عبدی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به صابر. مشهور به دنبه. وی از معاصرین نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) بود. از ایران به هندوستان مهاجرت کرد و گویند در همان سامان نیز وفات یافت. عبدی شیرازی، علاوه بر سرودن شعر، در ساختن تصنیفات نیز توانا بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۲۶ -۴۲۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۰۸ -۴۰۷ / ۳)، الذریعه (۵۷۳ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۳۴)، کاروان هند (۶۷۰ -۶۶۹ / ۱).

صابر شیرازی، علی نقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. اصلش از شیراز بود و چندی در تهران مشغول خدمات دیوانی بود و بعد به وطن خود بازگشت. از اوست:

باز رخساه نموده آن بت سرمست، خدا را

صبر و آرام نمانده است من بی سر و پا را

سرو را دیده قباپوش کسی در چمن آید

یا که خورشید که او برشکند طرف کلا را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۹۴۷ -۹۴۶ / ۲)، مرآت الفصاحه (۳۳۶).

صابر شیرازی، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(و ف ۱۲۹۰ / ۱۲۸۰ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به صابر. وی دنباله‌ی مثنوی «فرهاد و شیرین» وحشی را در ۳۰۶ بیت سرود و خود با خط نستعلیق خوش نوشت. صابر در ابتدای امر، خدمت میرزاابوالقاسم سکوت و بعد از محضر میرزا وصال کسب فیض نمود. وی مردی گوشه‌نشین بود و برای امرار معاش به تعلیم و تدریس معدودی از دختران و پسران بزرگان اشتغال داشت. با صاحب تذکره «مرآت الفصاحه» ملاقات داشته است. از

دیگر آثار وی: «دیوان» شعر، یک قطعه «اشعار نوروزیه»، به قلم کتابت خوش، به سفیداب، با رقم: «فی سن احدی و ستین و مائتین بعد الالف ۱۲۶۱، راقمه، قائله صابر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۶۰)، احوال و آثار خوشنویسان (۹۲۸ / ۳)، حدیقه الشعراء (۹۵۱ -۹۴۷ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۹۹۷ -۹۹۶ / ۵ ،۴۰۹ -۴۰۸ / ۳)، الذریعه (۵۷۳ / ۹)، طرائق الحقائق (۲۵۰ / ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۳۱ -۱۱۳۰ / ۲)، مرآت الفصاحه (۳۴۰ ،۳۳۷).

صابر طوسی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. صابر از شاعران عهد شاه طهماسب اول (۹۸۴ -۹۳۰ ق) بود. وی در صنعت آینه‌سازی مهارت داشت و در فن شعر نیز توانا بود. به قولی آینه‌ی کلامش را با طبع زیباش تزیین می داد. او به دلیل همین صنعت آینه‌سازی، در بعضی تذکره‌ها صابر آینه‌ساز نیز نامیده شده است. از اوست:

تا برگرفت ماه من از رخ نقاب را

شرمنده ساخت عکس رخش آفتاب را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۷۲ / ۹)، صبح گلشن (۲۳۹)، فرهنگ سخنوران (۵۳۴)، لغت‌نامه (ذیل/ صابر).

صابر عودنواز

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر و موسیقیدان. معروف به استاد صابر. از شاعران عهد شاه طهماسب اول صفوی (۹۸۴ -۹۳۰ ق) بود که در موسیقی و نواختن عود دست داشت و در این فن معروف بود. استاد صابر بیشتر غزل می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (۳۳۶ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۶۸۳)، تذکره‌ی روز روشن (۴۵۵ -۴۵۴)،فرهنگ سخنوران (۵۳۴).

صابر قاجار، اسحاق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۲۹۶ ق)، شاعر. وی علوم عربی و ادبی را فرا گرفت و مدتها با عموی خود، طهماسب میرزای مؤیدالدوله، همکاری داشت و گویا وی صابر را به دیوان بیگی کرمانشاهان منصوب کرده بود. صاحب «حدیقه الشعراء» می نویسد: واجبات تکلیفی مشهور را در دویست و بیست بیت نظم کرده. او مجموعه‌ی اشعار دیگری از جمله مراثی و غزلیات و مثنوی نیز داشته است. به گفته‌ی صاحب «حدیقه الشعراء» وی در ۱۲۹۶ ق زنده بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۹۵۴ -۹۵۱ / ۲)

صابر قاجار، محمد هادی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۹۶ ق)، شاعر و ادیب. در کرمانشاه به دنیا آمد و به فراگیری علوم مختلف پرداخت و در ادبیات فارسی و عربی تبحر پیدا کرد. محمد هادی در نگارش خط شکسته و همچنین مراسلات آمیخته به امثال و اشعار و اخبار و آیات مهارت داشت و گاهی هم از سر تفنن غزل می سرود. به گفته‌ی صاحب «حدیقه الشعراء» وی در ۱۲۹۶ ق زنده بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۹۵۵ -۹۵۴ / ۲).

صابر لاهیجی، محمد قاسم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر متخلص به صابر. از شاعران لاهیجان بود، که به امر تجارت اشتغال داشت. در اوایل زندگی برای تجارت از طریق دریا به روسیه می رفت که در ضمن یکی از مسافرتهای کشتی وی شکست و شاعر به سختی نجات یافت. در پایان عمر تنگدست شد و به شغل قهوه‌چیگری روی آورد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۷۷ -۳۷۶)، الذریعه (۵۷۴ -۵۷۳ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۳۴).

صابر مشهدی، محمد علی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟). شاعر. اصل وی از مشهد و دارای مراتب علمی بود. او در سرودن شعر طبعی لطیف داشت. از اشعار اوست:

هنگام شکر او به زبان شکوه‌ای گذشت

بی‌طالعی نگر که همان را شنید و رفت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۴۶۹ / ۲)، الذریعه (۵۷۴ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۳۴)، لغت‌نامه (ذیل/ صابر)، مطلع الشمس (۴۳۶ / ۲).

صابر همدانی، اسداله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۵ -۱۲۸۲ / ۱۲۷۱ ش)، شاعر، متخلص به صابر. در همدان به دنیا آمد. در کودکی پدرش را از دست داد. وی علوم قدیمه را در مکتب‌های آن زمان فرا گرفت. از همان اوان کودکی بر اثر مطالعه‌ی «دیوان» حافظ، ذوق سرودن شعر در وی پدیدار گشت. او در آغاز شاعری به سرودن مراثی و مدایح ائمه اطهار علیهم‌السلام پرداخت. آن‌گاه به انجمن ادبی همدان که ریاست آن را غمام همدانی به عهده داشت، راه یافت. صابر به تهران و مشهد مسافرت کرد و در آنجا با شاعران و ادیبان آن سامان آشنا شد. وی در سرودن انواع شعر مهارت داشت، اما هنر او غزلسرایی بود و در این راه زحمت بسیار کشید و استاد شد. در تهران وفات یافت. وی

دارای «دیوان» شعری است، که بـا مقـدمه‌ی استاد غلامرضـا کیوان سـمیعی به چاپ رسـیده است. حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی در «الذریعه» نام صابر همدانی را سید احمد ذکر کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۳۱۲ -۳۰۷ / ۲)، الذریعه (۵۷۴ / ۹)، سخنوران نامی معاصر (۲۲۱۳ -۲۲۰۷ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۵۳۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۵۱ -۵۵۰ / ۱).

صابر، شهاب الدین شرف

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بخش ۱) ادیب صابر، شهاب‌الدین شرف‌الادباء بن اسماعیل ترمذی، شاعر مشهور ایرانی نیمه اول قرن ششم (مقت. بین ۵۳۸ و ۵۴۲ ه.ق.) اصـل وی از ترمـذ بـود و شـاعری او هم در آن شـهر شـروع شـد، ولی بعـدها در نـواحی دیگر ماننـد بلـخ و خوارزم روزگـار گذرانید، و به مداحی سـنجر اختصاص یافت. وقتی سـنجر او را به رسالت نزد اتسـز خوارزمشاه فرستاد او چندی در خوارزم بماند و اتسـز را مدح گفت. اتسـز توطئه‌ای برای قتل سـنجر ترتیب داده بود و صابر از آن آگاه شد و به وسیله‌ای سنجر را مطلع کرد، و نقشه اتسـز باطل گردید، و او ادیب صابر را در جیحون انداخت. از دیوان او نسخی در دست است، و ازمختصات شعر او سادگی و روانی است، و غزلها و تغزلهای لطیف دارد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

صابری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسـلام و قـدوه الاعلام آقای حاج شـیخ احمـد بن غیاث‌الدین صابری همدانی از افاضل دانشـمندان و اکابر نویسـندگان حوزه علمیه قم است در سـال ۱۳۰۴ شمسـی در یکی از مضافات همـدان متولـد شـده و پس از طی دروس ابتـدائی در محل خود در سال ۱۳۲۰ به همـدان رفته و در مدرسه آیت‌الله آخوند ملاعلی مقدمات و ادبیات را خوانده و در سال ۱۳۲۴ شمسی عزیمت به قم نموده و سـطوح عالی را نزد مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد محقق یزدی و آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله حاج سید احمد خونساری سطوح عالی را به اتمام رسانیده و در اواخر عمر مرحوم آیت‌الله حجت رحمه‌الله شـرکت در درس وی نموده و تقریرات آن مرحوم را تنظیم و مهذب کرده و سـپس در درس زعیم فقید آیت‌الله العظمی بروجردی فقها و اصولا شـرکت نموده و آنها را به رشته تحریر آورده و به نظر شریفشان رسانیده و مورد تشویق و تمجیدشان قرار گرفته و در همان اوقات هم به درس آیت‌الله گلپایگانی حاضر شده و آنها را هم ایضا به عنوان تقریرات نوشته و به طبع رسانیده است.

در سال ۱۳۴۳ شمسـی برحسب دعوت شـیعیان ترکیه از طرف حوزه علمیه قم به عنوان نماینده مذهبی به کشور ترکیه اعزام گردیده و مدت ۷ سال در استانبول اقامت و منشاء آثار بزرگ و تحول و خدمات شایان مذهبی گردیده است.

مباحثات و مناظراتی با علماء اهل سـنت ترکیه و بالاخص علماء حنفی اسـتانبول ماننـد عمر نصوح انجام داده تا جائی که طرف را به زانوی تسلیم درآورده که بگوید

مگر کسـی از علی به خلافت اعلی بوده ولی چه بایـد کرد اختلافی واقع شـده و قابل رفع نیست آنگاه تقاضا نمود که کتابی درباره شخصـیت امـام صادق علیه‌السـلام و مـذهب جعفری تالیف نموده و به نظر وی یعنی عمر نصوح مفتی قـدیم اسـتانبول برسانـد و این کتاب هم برحسب خواهش این مفتی و وزارت امور داخله ترکیه نگارش یافته است.

جهت ارشـاد گروه علویین کشور ترکیه که بـالغ بر ۱۴ میلیون نفرنـد تصـمیماتی اتخاذ کرده و چندین کتابی در این زمینه پرداخته و برای معرفی اهل بیت مذهب جعفری سعی بلیغ نموده نشریه به نام اهل‌بیت به همت عده‌ای از نویسندگان علاقمند به خاندان رسالت هر ۱۵ روزی منتشر می‌ساخت.

علامه صابری مترجم محترم در کشور ترکیه قدمهای بزرگی برای پیشرفت اهداف مقدس اسلام و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و خاندان رسالت برداشت که اگر ایادی مرموز استعمارگران و دشمنان اسلام و اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام گذارده بود نتایج مهمی گرفته شده بود و بعید نبود که میلیونها نفر از علویین که از شـیعیان پر حرارت و محبت امیرالمومنین علی علیه‌السـلام و اولاد معصوم اویند و بسیاری از افراد دیگر به حقیقت واقف شده و پیرو حضرت صادق و ائمه اثنی‌عشر علیهم‌السلام شوند.

ولی در سال ۱۳۵۰ شمسـی بر اثر مشـکلات و فعالیتهای دسـتگاههای ضـد دین ناچار شد ترکیه را ترک گفته و به ایران برگردد، و فعلا در شهر قم ساکن و به اشتغالات علمی و دینی و تالیفات پرداخته است.

ایشان را تالیفات و آثار ارزنده‌ایست که ذیلا نگاشته و به نظر اهل علم و ادب می‌رسانم:

۱- کتاب محمد و زمامداران پیرامون نامه‌های سیاسی پیغمبر اسلام ابتکاری دینی انتقادی سیاسی که مکرر چاپ شده است.

۲- الهدایه الی من له الولایه در موقعیت اجتماعی فقهاء به عربی چاپ شده و آن تقریر بحث آیت‌الله العظمی گلپایگانی است.

۳- حول قصیده البرده که در اول قصیده برده که شیخ عبدالحسین وکیلی قمی تخمیس نموده چاپ شده است.

۴- تاریخ همدان در سه جلد در تراجم علماء و شعراء و ادباء و تاریخ بنای همدان.

۵- الطریق المسلوک فی حکم اللباس المشکوک تقریر درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی که به نظر آن مرحوم رسیده و تمجید نموده‌اند.

۶- نخبه الاشارات فی احکام الخیارات تقریر بحث آیت‌الله العظمی گلپایگانی.

۷- نصایح الاباء للابناء نصایح پدران را به فرزندان از انبیاء و حکماء و امامان و پادشاهان جمع‌آوری در این کتاب نموده است.

۸- حماسه الشهید اشعار و تمثیلات حضرت ابی‌عبدالله الحسین علیه‌السلام به ضمیمه دیوان منسوب به آن حضرت که از کتاب خانه‌های اسلامبول به دست آورده.

۹- رساله لاضرر تقریر بحث مرحوم آیت‌الله محقق داماد.

۱۰- صلوه مسافر تقریر بحث آیت‌الله بروجردی.

۱۱- خداشناسی مجموعه بحثهائی که در انجمن جوانان استانبول ایراد شده است.

۱۲- راه روشن در اسلام راه اهل‌بیت که به ترکی لاتین در استانبول چاپ شده.

۱۳- روزه در اسلام در فوائد طبی و روحی روزه و مسائل لازم اتفاقی بین فقهاء به ترکی لاتین چاپ شده.

۱۴- شخصیت امام صادق علیه‌السلام این کتاب مجموعه بحثهائی است درباره مذهب جعفری نوشته شده و پاسخ اشکالات به مذهب جعفری و تحقیق در اختلافات اصولی و فروعی است اصل کتاب فارسی و به ترکی لاتین ترجمه شده.

۱۵- رساله‌ای در عشق و حقوق درباره حقوق زن از نظر اسلام.

۱۶- طوبی الاخبار در اخباری که مصدر به لفظ طوبی است کتابی است بسیار ظریف.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

صابری، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد صابری

محل تولد : همدان

شهرت : صابری همدانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔ‌الله احمد صابری همدانی در سال ۱۳۰۲ روستای بیوک آباد از توابع همدان و در میان خانواده‌ای متدین و دوستدار خاندان پاک پیامبر(ص) به دنیا آمد. نام پدرش غیاثعلی بود و روستای او همواره زیستگاه علمای بزرگ بوده یکی از اجداد مادری ایشان حاج محمد شفیع بیوک آبادی که رساله‌ای در عرفان نوشته و همچنین عارف بزرگ و فقیه بزرگوار مرحوم حاج محمد جعفر مجذوب در آنجا می‌زیسته است. آیهٔ‌الله صابری همدانی تحصیلات خود را از مکتب خانه آغاز کرد و پس از آن به دبستان رفت. دورهٔ دبیرستان رانیز تا کلاس چهارم گذراند و کتب گلستان، کلیله و دمنه و... را به خوبی فرا گرفت. در سال ۱۳۱۹ به حوزه علمیه همدان عزیمت کرد و در مدرسهٔ آخوند سکونت داشت. او دروس دورهٔ مقدمات و بخشی از دروس سطح را در همدان به پایان برد و سپس به علت تعطیلی بسیار حوزه علمیه همدان و کمبود استاد به حوزه علمیه مشهد رفت. در مشهد به نزد مرحوم حاج شیخ کاظم دامغانی رفت و نامهٔ استاد خود حاج میرزامحمدعلی دامغانی را به او نشان دهد. در آن نامه درخواست شده بود که وی در مدرسه مرحوم دامغانی به تحصیل ادامه بدهد. حاج شیخ کاظم دامغانی نیز وی را مورد احترام قرار داد و به او سفارش کرد به حوزه علمیه قم برود؛ زیرا آن حوزه برای ترقی او مناسب‌تر بود. او نیز مدتی در مشهد ماند تا اینکه مقدمات سفر او به قم فراهم آمد. او در سال ۱۳۲۵ به حوزه علمیه قم وارد شد و از محضر استادان آن دیار عالم خیز در رشته‌های فقه و اصول و فلسفه و تفسیر و عرفان و... بهره‌های بسیار برد. او در سالهای تحصیل خود بسیاری از خطبه‌های نهج‌البلاغه را حفظ کرده بود. همچنین به ادبیات علاقه ویژه‌ای داشت و بسیاری از اشعار فارسی و عربی را از بر کرده بود.آیهٔ‌الله صابری همدانی در سالهای تحصیل به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد. او دروس مقدمات و سطح خود را در حوزه علمیه همدان در محضر استادانی چون حاج سید مصطفی هاشمی، حاج میرزا محمدعلی دامغانی، حاج شیخ محمد حسین بهاری، حاج میرزا ابوالقاسم ربانی شاهنجرانی، حاج میرزا اسدالله حجت و حاج شیخ علی انصاری به پایان برده بود. مدتی در مشهد به درس مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی رفت و سپس در قم در درس آیهٔ‌الله سلطانی طباطبایی(ره)، آیهٔ‌الله العظمی بروجردی(ره)، آیهٔ‌الله العظمی امام خمینی(ره)، آیهٔ‌الله العظمی گلپایگانی(ره) و آیهٔ‌الله العظمی محقق داماد(ره) حاضر شد و از آن بهره‌های بسیار برد وی همچنین مدت قابل توجهی از محضر حضرت آیت الله العظمی حاج سید احمد خوانساری کسب فیض نمود. او در زمینهٔ علوم عقلی نیز به محضر علامه سید محمدحسین طباطبایی(ره) رفت. همچنین او در سالهای تحصیل خود در دروس اخلاق امام خمینی(ره)، حاج آقا حسین قمی(ره)، حاج آقارضا بهاءالدینی(ره)، علامه طباطبایی(ره) و آیهٔ‌الله العظمی گلپایگانی(ره) شرکت می‌کرد تا همواره علم خود را با عمل توأم سازد. همچنین همنشینی با شهید آیهٔ‌الله مدنی در شکل‌گیری شخصیت او بسیار موثر بود. آیهٔ‌الله صابری همدانی در سالهای تحصیل خود با استادان و فضلای بسیاری رابطه دوستی داشت و دروسی را که آموخته بود، با آنها مباحثه می‌کرد که از میان آنها از مرحوم آیهٔ‌الله احمدی میانجی می‌توان یاد کرد.آیهٔ‌الله صابری همدانی تا به امروز خدمات بسیاری در عرصه علم و فرهنگ به انجام رسانده است. او از نخستین سالهای تحصیل خود، به

امر تدریس اشتغال داشت و در حوزه علمیه همدان و قم، شاگردان بسیاری را تربیت کرد. او کتب دورهٔ مقدمات و سطح را تدریس کرده است.او در ایام تبلیغ، به مناطق گوناگون کشور سفر کرده و ضمن ارشاد گروههای گوناگون مردم، در بسیاری از مناطق مسجد یا حسینیه بنا کرده است. همچنین برای تبلیغ به کشورهای استرالیا، آذربایجان، ترکیه، انگلستان، اسپانیا، ایتالیا، یونان، آلمان، هلند، ژاپن، چین، پاکستان، هندوستان و روسیه سفر کرده و در مجامع گوناگون به سخنرانی پرداخته است. بسیاری از این تألیفات ایشان به زبانهای لاتین و روسی ترجمه شده است.او همچنین مقالات فراوانی به زبانهای گوناگون و در زمینه‌های مختلف نگاشته که برخی در مجله «حکومت اسلامی» به چاپ رسیده است وی تقریرات زیادی از اساتیدش نوشته که به چاپ رسیده است. آیهٔالله صابری همدانی همواره در صحنه‌های گوناگون مبارزه با رژیم شاه حضور فعال داشته است. او در جوانی با شخصیت نواب صفوی و واحدی آشنا شده بود، همواره می‌کوشید که روحیهٔ آن مبارزان را در خود بپروراند و حماسهٔ دینی و مذهبی را با علم توأمان سازد. کتاب «از فیضیهٔ ۴۲ تا فیضیه ۵۷» از جمله کتابهایی است که نقش بسزایی در نهضت اسلامی داشته و پس از پیروزی انقلاب بارها تجدید چاپ شده است. آیهٔالله صابری دراین کتاب وقایع پانزده خرداد ۱۳۴۲ و بسیاری دیگر از وقایع را با قلمی حماسی نگاشته، به گونه‌ای که هر خواننده‌ای با خواندن آن احساس شور و شعف بسیار می‌کند. آیهٔالله صابری همدانی در سالهای مبارزه بر ضد رژیم شاه، همواره از خط امام خمینی(ره) دفاع می‌کرده و در راه تحقق نظام اسلامی از هیچ گونه تلاشی دریغ نورزیده است. او پس از انقلاب نیز خدمات شایانی را به انجام رسانده است

صابری، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا صابری

محل تولد : صدوق یزد

شهرت : صابری یزدی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی رضا صابری یزدی اهل یزد متولد سال ۱۳۲۸ ه ش یکی دو سال بعد از گرفتن گواهینامه ششم ابتدائی با راهنمایی یکی از فضلاء یزد مرحوم حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج سید کاظم رضوی در سال ۱۳۴۴ وارد شهر مقدس قم شدم و در مدارسی که تحت نظارت حضرت آیت الله العظمی آقای گلپایگانی بود مشغول تحصیل علوم دینی شدم و بعد از پایان دوره چهارساله آنجا در درسهای عمومی حوزه شرکت نمودم و دنباله دروس سطح را از محضر اساتید گرامی حضرات آیات و حجج اسلام آقایان حسین شب زنده دار ، علوی گرگانی ، دوزدوزانی ، اعتمادی ، ستوده و ظرف چند سال قسمتهایی از خارج فقه را از محضر حضرت آیت الله آقای حسین نوری همدانی و حضرت آیت الله العظمی آقای گلپایگانی بهره مند شدم . از سال ۱۳۵۲با راهنمائی یکی از دوستان مرحوم حجه الاسلام شهید محمد علی گرگانی در جلسه نویسندگی که هفته ای یک شب به سرپرستی استاد و نویسنده مرحوم حجه الاسلام و المسلمین آقای مصطفی زمانی اداره می شد شرکت نمودم این جلسه تا سال ۱۳۵۷ ادامه یافت و در این مدت نیز با سالنامه پیام اسلام که تقریبا محصول همان جلسات بود همکاری داشتم .

از سال ۱۳۵۴ به فضل خداوند و عنایات ائمه اطهار علیهم السلام با اشتیاق وافری که میتوان گفت ناگهان در من پیدا شد در رشته احادیث مشغول تتبع و تالیف شدم.ماجرای تالیف کتاب الحکم الزاهرهقابل ذکر است که قبل از تالیف این کتاب در صدد بودم تا برای سخنرانیهای خودم و برای بخشی از حدیث کتاب نغمه های مناجاتی و نداهای عاطفی احادیثی را جمع آوری نمایم و متاسفانه یاخوشبختانه (چون نداشتن کتاب باعث تالیف کتاب شد) چندان کتاب حدیث هم نداشتم و در آنزمان امکان خرید هم نبود ، با خودم گفتم که در کتابخانه ها کتب احادیث را مطالعه میکنم و احادیث مورد نیازم را یادداشت مینمایم ،لذا به مطالعه و سیر در کتب روایات پرداختم و پس از آنکه حدود ۷۰۰ حدیث جمع آوری شده بود با چند تن از اساتید فن و صاحبنظران حوزه علمیه قم به مشورت و نظر خواهی پرداختم و آن آقایان به طور اتفاق حسن انتخاب و روش تالیف مرا بسیار پسندیدند و آنرا ستودند ، بر این اساس منهم دلگرم شدم و حتی قبل از اینکه احادیث انتخاب شده را در نوشته های فارسی خود به کار برم به این فکر افتادم که با آنهمه تشویق خوبست به سیر در کتب روایات و جمع آوری احادیث ادامه دهم.

در آنزمان علاقه ام به مطالعه به اندازه ای بود که بارها اتفاق می افتاد اولین شخصی که وارد کتابخانه فیضیه یا دیگر کتابخانه ها میشد و آخرین نفر از مراجعین که از کتابخانه خارج میشد من بودم.خلاصه پس از سالها پشتکار ممارست و زحمت بعد از آنکه به حمد الله موفق شدم دو سه نوبت به طور اجمال و تفصیل کتاب عظیم بحارالانوار و اکثر مدارک آنرا هم مطالعه نمایم (که مدرک حدیث در الحکم الزاهره گواه این سخن است) جلد اول الحکم الزاهره تکمیل و تنظیم گردید و به وسیله انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین چاپ شد و در بهمن ۱۳۶۳ انتشار یافت و به حمد الله هم مورد استفاده طلاب عزیز و خطباء گرانقدر و ائمه جمعه و جماعات قرار گرفت و هم توجه علماء و اساتید بزرگ حوزه علمیه قم را بخود جلب نمود و هرکدام به نحوی اینجانب را مورد تفقد و تشویق قراردادند که اظهارات کتبی برخی از آن عزیزان شاهد میباشد.قابل یادآوری است : که در جلد اول و دوم الحکم الزاهره بغیر ازده ها مدرک به ۸۰ جلد از مجلدات بحارالانوار و به ۱۸ جلد وسائل الشیعه و به ۱۶ جلد جامع الاحادیث الشیعه و به

۱۲ جلد روضه المتقین و به ۱۰ جلد تهذیب الاحکام و به ۸ جلد اصول و فروع و روضه کافی مدرک و آدرس داده شده است و این ۵۰۰۰ حدیث در ۵۰۰ عنوان که در جلد یک و دو میباشد از بیش از ۱۱۲ تالیف که جمعا افزون بر ۳۵۰ جلد میشود استخراج شده است .

صابری، کیومرث

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کیومرث صابری فومنی در سال ۱۳۲۱ در یکی از روستاهای صومعه‌سرا در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود. پدرش کارمند جزء اداره دارایی و مادرش از سادات ترک‌نسب و از معدود زنان باسواد روستا بود که بعد از فوت پدر به مکتب‌داری پرداخت. کیومرث در کنار شاگردی دکان خیاطی، تحصیل را ادامه داد و در ۱۸ سالگی در روستای کسما معلم شد.

وی در سال ۱۳۴۰ در کنکور رشته سیاسی دانشکده حقوق تهران قبول شد و در سال ۱۳۴۵ شعرهایش در مجله توفیق با امضای "گردن‌شکسته‌ی فومنی" چاپ می‌شد. البته اولین نوشته‌هایش در سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۹ در مجله امید ایران به چاپ رسیده بود.

گشایش ستون "دوکلمه حرف حساب" در روزنامه اطلاعات و طنز جسورانه او نام « گل‌آقا » را بر سر زبان‌ها انداخت. سفر او به حج در سال ۱۳۶۳ و نوشتن ستونی طنز با عنوان داستان‌های جعفرآقا در خبرنامه این سفر، او را پس از بازگشت از حج، به کار کردن روی طرح این ستون واداشت که درنهایت ۲۳ دی‌ماه سال ۶۳ عنوان "دو کلمه حرف حساب"و نام مستعار "گل‌آقا" را برای خود برگزید و طنزهایش را در روزنامه اطلاعات به چاپ رساند.

طنز سیاسی که تقریبا از سال ۵۹ به این سو تعطیل شده بود، با شکل‌گیری این ستون طنز دوباره احیا شد. ابوالفضل زرویی نصرآباد – طنز نویس – درباره طنز گل‌آقا معتقد است: در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب به‌خاطر شروع جنگ و مسائلی از این دست طنزپردازان بیشتر سعی می‌کردند به مسائل غیر سیاسی بپردازند و مردم به دلیل دغدغه‌های معیشتی حوصله طنز خواندن نداشتند و کسی هم جرأت نزدیک شدن به طنز سیاسی را نداشت. در این دوره بروز و ظهور قلمی به اسم گل‌آقا بین مردم شادمانی زیادی را ایجاد کرد؛ زیرا آنها شاهد نوعی نگارش طنز بودند که تا حالا ـ تجربه نکرده بودند؛ آن هم طنزهای بسیار محکم سیاسی با رویکردی عامه‌فهم و پر گوشه و کنایه که با روحیه هر ایرانی موافق بود.

خود وی در جایی عنوان کرده بود که ما با کسی جنگ و دعوا نداریم؛ هر کسی، مقامی، رییسی، مدیر کلی، معاونی، وزیری که مایل نیست درباره‌اش مطالبی بنویسیم، البته کتبا به ما بنویسد و ما نوشته‌شان را روی چشم می‌گذاریم؛ منتهای مراتب کار خودمان را می‌کنیم و شرط کار هم همین است که هر کس کار خودش را بکند و حالا حالاها میل به کشک ساییدن هم نداریم؛ زیرا که آمده‌ایم بمانیم.

طنز فومنی اغلب به انتقاد از مسؤولان، مشکلات معیشتی مردم و واگویی مشکلات اقتصادی بود. گیتی صفرزاده – سردبیر ماهنامه گل‌آقا – طنز فومنی را عاری از کینه، نفرت و تهمت و همراه با مهربانی دانست که قصد ترمیم داشت. فومنی صابری در سال ۵۸ به اولین مسؤولیت دولتی خود یعنی مدیر کلی دفتر آموزش بازرگانی و حرفه‌یی وزارت آموزش و پرورش رسید که با سرآمدن دوره دولت موقت، دوره مدیر کلی او هم به سر رسید؛ اما هنگامی که دوست صمیمی او یعنی شهید رجایی به نخست وزیری و ریاست جمهوری رسید، صابری به مشاورت فرهنگی نخست وزیر و رییس جمهور منصوب شد؛ ولی شوق نوشتن و قلم، بر قدرت سیاسی پیروز شد و در سال ۶۲ از مشاغل سیاسی کناره گرفت.

او می‌گفت: به هیچ جناحی وابسته نیستم و سعی می‌کنم با مردم و انقلاب به صداقت رفتار کنم؛ اینها و بسیاری از مسائل دیگر موجب می‌شود تا با همان لحن محکمی انتقاد کنم که یک موافق حمایت و جانبداری می‌کند. با این همه من هم از تیر اتهام جان سالم به در نبرده‌ام؛ بارها به مقابله با من برخاسته‌اند، اما من کار خود را کرده‌ام.

زرویی نصرآباد نیز به این جنبه شخصیت صابری فومنی تأکید دارد و پایبندی وی به اخلاقیات را در کلام و نوشتار از خصوصیات بارز گل‌آقا می‌داند.

مؤسسه فرهنگی گل‌آقا علاوه بر انتشار هفته‌نامه گل‌آقا، نشریات بچه‌ها گل‌آقا و ماهنامه گل‌آقا را نیز منتشر می‌کرد که صابری فومنی شعرهای طنز و کاریکاتورهای مجموعه‌های منتشر شده را به‌صورت کتابهایی منتشر کرده بود.

وی همچنین چهار جلد از دو کلمه حرف حساب را به‌صورت کتابی درآورده بود.

اولین شماره هفته‌نامه گل‌آقا در ۲۳ دی ۶۹ منتشر و آخرین شماره آن در سیزدهمین سال انتشار در سال ۸۱ پس از آن دیگر منتشر نشد و صابری فومنی بنا به علتی اعلام نکرده، انتشار این نشریه را متوقف کرد. او قول داده بود عاقبت روزی دلیل تعطیل کردن هفته‌نامه را به شرطی که عمری باقی بود، بگوید که اجل به او مهلت این کار را نداد.

شعرهای طنز صابری برای بچه‌ها که با شعرهای او بزرگ شدند و بزرگسالان که با شعرهایش زیستند، همیشه باقی بوده و خواهد ماند.

وی هر چند مدت، مجموعه‌ای از مطالب یا کاریکاتورهای منتشرشده در گل‌آقا را در قالب کتاب یا سالنما منتشر می‌کرد. روحش شاد

صابری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام و عماد الاعلام آقای حاج شیخ محمد گیلانی صابری از علماء اتقیاء قدماء از کیاء حوزه علمیه قم است تولدش در گیلان واقع شده و پس از رشد و خواندن مقدمات به قم مهاجرت نموده و سطوح را نزد مدرسین حوزه خوانده و به درس خارج مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری حاضر شده و استفاده نموده و از بدو ورود آیت‌الله العظمی بروجردی تا آخر عمر آنجناب فقها و اصولا در حوزه درس آن مرحوم شرکت نموده و نیز از آیات عظام و زعماء بعد از وی مانند آیت‌الله العظمی امام خمینی و مرعشی و گلپایگانی و شریعتمداری استفاده نموده و اکنون به مباحثات علمی و مطالعه کتب فقهی و غیره اشتغال دارد و به درس فقه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی مدظله و بعضی دیگر حاضر می‌شود عالمی متین و متصف به تقوا می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

صابونی نیشابوری، شیخ الاسلام، ابوعثمان اسماعیل

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۴۹ -۳۷۳ ق)، محدث، مفسر، فقیه، اصولی، خطیب و واعظ. در بوشنج به دنیا آمد.نه ساله بود که به دنبال قتل پدرش، که از وعاظ بزرگ نیشابور بود، اولین مجلس وعظ را برقرار کرد. از ابوسعید عبدالله بن محمد رازی و ابوبکر بن مهران و ابومحمد مخلدی و زاهر بن احمد فقیه سرخسی و ابوحسین خفاف و ابوالعباس تابوتی و ابوسعید سمسار و ابوبکر احمد بن ابراهیم بن فرات و دیگران حدیث روایت کرد. او در نیشابور و هرات و سرخس و حجاز و شام و جبال حدیث شنید و در خراسان و هند و گرگان و شام و حجاز و فلسطین حدیث گفت. صابونی در معره‌ی نعمان با ابوالعلاء معری ملاقات کرد. کتانی و علی صصری و بیهقی و محمد فراوی از وی روایت کرده‌اند. ابوبکر بیهقی او را امام مسلمین تعریف می کند و دیگران قدرت او در تفسیر و حافظه‌ی سرشارش را تحسین کرده‌اند. به قول عبدالغافر، در «السیاق» هفتاد سال وعظ گفت و بزرگان زمان همچون ابوطیب صعلوکی و استاد ابواسحاق اسفراینی و استاد ابوبکر بن فورک در مجلس وعظ او حاضر می‌شدند. او بیست سال در جامع شهر خطبه خواند و اقامه‌ی نماز کرد.سرانجام در نیشابور درگذشت. وی تصانیف بسیاری از خود بجای گذاشته است. از آثارش: «عقیده السلف»، «الفصول فی الاصول»، «الاربعین»، در حدیث.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اسرار التوحید، تعلیقات (۶۸۸)، الاعلام (۱۹۸ / ۷)، الاعلام بوفیات الاعلام (۲۹۹ / ۱)، انساب سمعانی (۵۰۶ / ۳)، ریحانه (۱۹۸ / ۷)، سیر النبلاء (۴۴ -۴۰ / ۱۸)، شذرات الذهب (۲۸۳ -۲۸۲ / ۳)، العبر (۲۹۴ / ۲)، الکامل (۸۱ / ۸)، کشف الظنون (۵۳)، لغت نامه (ذیل/ اسماعیل)، معجم الادباء (۱۹ -۱۶ / ۷)، معجم المؤلفین (۲۷۶ -۲۷۵ / ۲)، النجوم الزاهره (۶۳ / ۵)، الوافی بالوفیات (۱۴۴ -۱۴۳ / ۹)، هدیه العارفین (۲۱۰ / ۱).

صابونی همدانی، عبدالوهاب

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۴ ق)، صوفی و شاعر. وی از شاعران و علمای ایرانی نژاد و همدانی‌الاصل است که در عهد سلطان سلیمان خان قانونی عثمانی می‌زیست. وی سفرهایی به بلاد روم و مصر و شام داشت و بیشتر زندگی او در آن نواحی گذشت. در فن معما نیز ماهر بود. وفات وی در دمشق اتفاق افتاد. از آثارش: منظومه‌ی سه‌گانه‌ی «صراط مستقیم» و «مناقب العارفین و مراتب المکاشفین فی احوال جلال‌الدین رومی» و «نوای خروس»؛ «شرح معمیات میر حسین».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۶۶ / ۲)، تذکره‌ی هزار مزار (۳۶۷)، الذریعه (۵۷۴ / ۹)، ریحانه (۳۴۵ / ۳)، معجم المؤلفین (۲۳۱ -۲۳۰ / ۶)، هدیه العارفین (۶۴۱ / ۱).

صاحب اصفهانی، محمد کاظم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۷۹ ق)، شاعر، متخلص به صاحب. مشهور به مسیح البیان. وی از شاعران اصفهان است که در روزگار عالمگیر، پادشاه هند، از ایران به هندوستان رفت و ملازمت آن شاه را اختیار کرد.صاحب که بیشتر اوقات خود را به سرودن شعر می گذرانید و اشعار فراوانی سروده است، در این فن به طرز و سبک مولوی نظر داشته است. از آثار وی: مثنوی‌های «آیینه خانه»؛ «پریخانه»؛ «ملاحت احمدی»؛ «صباحت یوسفی»؛ «کمال محمدی»؛ مجموعه‌ی کلیات وی موسوم به «انفاس مسیحی».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کاروان هند (۶۷۲ -۶۷۰ / ۱)، نتایج الافکار (۴۲۱ -۴۱۹).

صاحب دارای استرآبادی، فصیح‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۱۷ ق)، شاعر، متخلص به صاحب. از شاعران معاصر امیر علیشیر نوایی بود و در هرات می زیست. اصل او از کبود جامه از توابع استرآباد بود. امیر علیشیر نوایی در «مجالس النفایس» از او یاد کرده و نوشته که در فن معما و شطرنج و شعر توانا بوده است. در مرگ امیر علیشیر قصیده‌ای ساخته که از تمام ابیات آن تاریخ ولادت و درگذشت امیر (۹۰۶ -۸۴۴ ق) به دست می‌آید. صاحب تذکره‌ی «روز روشن» می‌نویسد که او کتابدار کتابخانه‌ی پادشاهی هرات بود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۸۹ / ۲)، تاریخ نظم و نثر (۳۳۰)، تذکره‌ی روز روشن (۴۵۶)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۲۶)، الذریعه (۵۷۶ / ۹)، لغت‌نامه (ذیل/ دارای هروری)، مجالس النفائس (۲۴۷ -۲۴۳، ۷۳).

صاحب ریاض، علی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۳۱ -۱۱۶۱ ق)، علامه کبیر، فقیه اصولی و عالم دینی. اصلش از اصفهان بود که در کاظمین به دنیا آمد و در کربلا نشوونما یافت. او خواهرزاده، شاگرد و داماد محقق بهبهانی است و رد کنار وی در کربلا مدفون است. سید محمد باقر حجه‌الاسلام و حاجی کرباسی و ملا محمد تقی برغانی و ملا صالح برغانی و شریف العلمای مازندرانی و شیخ احمد احسایی و سید ابراهیم قزوینی، صاحب «ضوابط»، و شیخ ابوعلی رجالی از شاگردان وی بودند. وی در اصول پیشگام بود، ولی کتاب فقه او یعنی «ریاض المسائل» معروف به «شرح کبیر» که شرح «مختصر نافع» محقق حلی است، شهرتی همه‌گیر پیدا کرد. از دیگر آثار وی: تکلیف الکفار بالفروع»؛ حاشیه‌ی «حدائق» شیخ یوسف بحرانی، حاشیه‌ی «مدارک الاحکام»؛ حاشیه‌ی «معالم الاصول»؛ شرح «مفاتیح» ملا محسن فیض؛ «حجیت الاجماع و الاستصحاب».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۳۶ / ۱۱، ۲۶۹، ۲۰۸، ۱۹۸، ۸۱ / ۶، ۴۰۷ / ۴)، ریحانه (۳۷۲ -۳۷۰ / ۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۲۴ / ۶).

صاحب سلطان

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. اهل آذربایجان بود و طبع شعر خوشی داشت. خط را نیز خوب می‌نوشت و رباعی ذیل که در مدح حسنعلی میراز شجاع‌السلطنه، پسر فتحعلی شاه، والی خراسان گفته به عنوان نمونه‌ای از آثار وی ضبط شده است.

شهزاده حسن دلیر و لشکرشکن است

شهزاده‌ی خوبروی و شیرین‌سخن است

در باغ شهنشهی خرامان سروی است

در گلشن خسروی گل یاسمن است

بعضی از تذکره‌ها نام پدر او، شهباز، را اشتباها به جای تخلص او نوشته‌اند. در «الذریعه»، «دیوان» وی تحت عنوان «دیوان شهباز»، دختر شهنازخان دنبلی، آمده است. مؤلف «تاریخ مشاهیر کرد» نام پدر وی را کریم خان دنبلی آورده، و همچنین صاحبه سلطان را دارای تألیفاتی در نجوم دانسته است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از رابعه تا پروین (۱۶۱ -۱۶۰)، تاریخ مشاهیر کرد (۳۴۱ / ۱)، حدیقه الشعراء (۲۱۷۱ -۲۱۷۰ / ۳)، الذریعه (۵۵۸ / ۹)، مشاهیر زنان (۱۴۱).

صاحب ضوابط الاصول، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۱۴- وف ۱۲۶۴ -۱۲۶۲ ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. در قزوین به دنیا آمد. با پدرش، که از علمای بنام آن دوره بود، به

کرمانشاه رفت و در آنجا مقدمات علوم دینی را آموخت. سپس عازم کربلا شد و نزد سید علی صاحب «ریاض» و ملا محم شریف العملای مازندرانی درس اصول را فرا گرفت. پس از آن به نجف رفت و در محضر شیخ علی کاشف الغطاء و شیخ موسی کاشف الغطاء فقه آموخت. آن‌گاه به کربلا و نزد شریفه العلما بازگشت و علاوه بر حضور در درس ایشان خود نیز به تدریس مشغول شد و گویا بین هفتصد تا هزار نفر در نز او تلمذ می‌کردند. از جمله مشهورترین شاگردان ایشان: شیخ زین‌العابدین بارفروشی مازندرانی و آقا جمال محلاتی و سید اسدالله شفتی حجه‌الاسلام اصفهانی و شیخ مهدی کجوری و سید حسین کوه‌کمری و میرزا محمد تنکابنی، صاحب «قصص العلماء»، و حاج محمد کریم لاهیجی و شیخ عبدالحسین تهرانی و ملا علی کنی و میرزا محمد حسن اردبیلی بوند. او بر اثر وبا درگذشت.قبر وی در نزدیکی مشهد شریف حسینی است. از آثار وی: «ضوابط الاصول»، در دو مجلد؛ «نتایج الافکار فی الاصول الفقه»؛ «رساله فی حجیه الظن»؛ «دلائل الاحکام فی شرح شرائع الاسلام»، در فقه از طهارت تا دیات؛ «مناسک الحج»؛ «رساله فی الغیبه»؛ «رساله فی صلاه الجمعه»؛ «رساله فی القواعد الفقهیه»؛ «رساله‌ی عملیه»، در طهارت و نماز.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۶۶/ ۱)، اعیان الشیعه (۲۰۵ -۲۰۴/ ۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۰۵/ ۲)، الذریعه (۴۳ -۴۲ / ۲۴ ،۱۱۹ / ۱۵ ،۲۱۲ ،۱۸۸/ ۱۱ ،۲۴۰ -۲۳۹/ ۸ ،۲۷۶/ ۶)، روضات الجنات (۵۱ -۴۷ / ۱)، ریحانه (۳۷۷ -۳۷۶ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه ۰ قرن ۱۱ - ۱۰/ ۱۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابراهیم قزوینی)، معجم المؤلفین (۸۷/ ۱)، مکارم الآثار (۵۲۶ -۵۱۸/ ۲)، هدیه الاحباب (۱۷۶)،

صاحب علی‌آبادی مازندرانی، محمد تقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۵۶ ق)، شاعر، متخلص به ملالی و صاحب. ملقب به صاحب دیوان و معروف به آقا. اصل وی از علی‌آباد مازندران بود. از فضلا و رجال دربار فتحعلی شاه و منشی‌الممالک آن بارگاه بود. چند سال در زنجان به امر کارگزاری شاهزاده عبدالله میرزا، پسر فتحعلی شاه، مشغول بود و دو سالی هم وزارت محمدرضا میرزا، پسر فتحعلی شاه، را در گیلان عهده‌دار بود. گفته‌اند که وی صاحب اخلاق حمیده و صفات پسندیده بود و نظمش دلکش و نثرش بیغش بود. تاریخی مختصر و مفید در شرح آباء و اجداد و روزگار فتحعلی شاه، از زبان وی ، با انشای خود، به نام «ملوک الکلام» یا «رساله خاقانیه» نوشته است. وی دارای «دیوان» شعری نیز بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۹۵۷ -۹۵۵ / ۲)، الذریعه (۲۲۱ / ۲۲ ،۹۹ / ۱۹ ،۱۰۹۷ ،۵۷۶ -۵۷۵ / ۹)،ریحانه (۳۶۴ / ۳)، سفینه المحمود (۶۵۱ -۶۴۹ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۵۳۵)، لغت‌نامه (ذیل/ صاحب علی‌آبادی)، مجمع الفصحا (۶۷۲ -۶۳۷ / ۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۰۹ -۱۰۸)، مکارم الآثار (۱۵۱۸ -۱۵۱۷ / ۵)، نگارستان دارا (۱۰۲ -۱۰۱).

صاحب قلم ارومیه‌ای

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، خطاط. معروف به صاحب قلم. از خاندان افشار ارومیه و مقیم استانبول بود که در آنجا به امر کتابت مشغول و در نوشتن خط نستعلیق بسیار ماهر بود. وی ظاهرا در دربار سلطان عبدالحمید نیز سمت کاتبی داشته است. از آثار او: یک نسخه «نصیحه الملوک» سعدی، به قلم نیم دو دانگ خوش، با رقم: «بجهه تقدیم... سلطان عبدالحمید غازی... در دار الخلافه‌ی اسلامبول... از قلم بنده‌ی بی‌مقدار صاحب قلم افشار ۱۳۰۹»؛ یک قطعه به قلم چهار دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم: «راقمه صاحب قلم غفرله سنه‌ی ۱۲۹۴»؛ یک نسخه «گلستان» سعدی، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «کتبه العبد الاحقر میرزا آقا المتخلص بصاحب قلم افشار ارومیه‌ی سنه‌ی ۱۲۹۱».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵ -۴ / ۱)، تذکره خوشنویسان معاصر (۵۳ -۵۲)، ریحانه (۳۸۲ -۳۸۱ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ صاحب قلم).

صاحب مشهدی، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر و خطاط. وی از شاعران خراسان است که با حزین لاهیجی (م ۱۱۸۰ ق) معاصر بود. صاحب در جوانی به نجف اشرف رفت و به تصحیل علوم دینی پرداخت. محمد مومن خط نسخ و شکسته را نیک می‌نوشت و طبعش موزون بود. در نجف درگذشت. از اوست:

دلیل و سنگ نشان جذبه‌ی رسا چه کند

عنان گسستگی سیل رهنما چه کند

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره المعاصرین (۲۲۵ -۲۲۴)، الذریعه (۵۷۷ -۵۷۶ / ۹).

صاحبه

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن سیزدهم هجری، از شاعران و خوشنویسان، وی همسر یکی از فرزندان فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) بود. او را به حیا و عفت و صفات خوب ستوده‌اند. خط را نیز زیبا می‌نوشته است. تخلص او را صاحب هم نوشته‌اند. از اشعار اوست:

غم نیست که از حسرت بسیار تو مردم

لطفت نشود کم ز تو مقصود من این بود

زلف در روی تو هر کس که ببیند گوید

آتشی هست که با دود در آمیخته‌اند[۱]

(س سیزدهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به صاحبه یا صاحب. وی همسر یکی از فرزندان فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) بود. او را به حیا، عفت و صفات خوب ستوده‌اند. از اشعار اوست:

غم نیست که از حسرت بسیار تو مردم

لطفت نشود کم ز تو مقصود من این بود[۲]

بر گرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :[۱] منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره ششم، ۵۳ -۵۲؛ از رابعه تا پروین، ۱۶۱؛ حدیقةالشعراء، ۲۱۷۱ / ۳؛ خیرات حسان، ۱۲۴ / ۱؛ زنان سخنور، ۳۰۴ / ۱؛ نقل مجلس، گ ۲۰.

[۲] از رابعه تا پروین (۱۶۱)، حدیقه الشعراء (۲۱۷۱/ ۳)، زنان سخنور (۳۰۴ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۵۳۶)، مشاهیر زنان (۱۴۱).

صاحبی فرد، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر صاحبی فرد

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

بعد از اتمام دوره ابتدایی دوره دبیرستان (نظام قدیم) را شبانه در دبیرستان محمدیه کاشان گذراندم و درسال ۱۳۵۲ بعد از آشنایی با یکی از دوستان طلبه در کلاس درس دبیرستان علاقه ام به دروس حوزوی تقویت شده بالاخره در همان سال دروس مقدمات را شروع کردم ؛ تا سال ۱۳۵۷ در مدرسه علمیه امام خمینی (ره) و مدرسه علمیه مرحوم آیت الله یثربی بوده و از محضر بزرگانی چون حضرات آقایان صبوری ، اسلامی تبار ، مناقب (قدس سرهم) و جناب آقایان حضرات خراسانی ، علم الهدی ، صراف زاده و ... بهره بردم و از تفسیر مرحوم آیت الله نجفی در کاشان استفاده نمودم . در سال ۱۳۵۷ به حوزه مقدسه قم مشرف شدم و در مدرسه مهدیه در خیابان ۱۹ دی ساکن شدم و بقیه دروس سطح را نزد بزرگانی چون مرحوم آیت الله اعتمادی ، مرحوم آیت الله حرم پناهی ، مرحوم آیت الله ستوده ، و نیز حضرات آقایان حسینی کاشانی و شریفی نیاسری و عمانی و اشعری (محمد حسین) استفاده کردم .

در ضمن در سال ۱۳۵۹ به مدت یک سال به دعوت یکی از دوستان در مدرسه امامیه شهرکرد مشغول به تدریس مقدمات شدم .حدود سال ۱۳۶۱ به درس خارج فقه و اصول رفتم و یک دوره درس اصول حضرت آیت الله مظاهری و مباحثی از درس آیت الله وحید خراسانی (مباحث الفاظ) و بخشی از مباحث اجتهاد و تقلید آیت الله تبریزی را شرکت کردم و نیز از مباحث فقهی حضراتی چون آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله فاضل لنکرانی بهره مند شدم و از حدود سال ۱۳۶۰ در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت کردم .فلسفه (منظومه) را نزد حضرت آیت الله گرامی و بخشی از اسفار را در نزد حضرت آیت الله انصاری تلمذ کردم .از سال ۱۳۶۳ در فکر حفظ قرآن افتادم و بحمد الله و المنه این کار که باید حدود ۱۳۷۰ به پایان می رسید به علت وقوع حادثه ای به تاخیر افتاد و بحمد الله سال ۱۳۷۳ به انجام رسید .

از آنجا که به کارهای قرآنی علاقمند بودم اولین نکته ناب قرآنی درسال ۱۳۷۴ به ذهنم خطور کرد و به پیشنهاد دوستان اولین قلم زنی را شروع کرده و کتاب «اتمام حجتی دیگر یا اجر رسالت» را به لطف خداوند به رشته تحریر درآوردم .

به علت تدریس دانشگاه و تشویق حضرت حجت الاسلام حاج محسن قرائتی کار قرآنی در باب تاریخ اسلام را انجام دادم که نتیجه آن کتاب تاریخ اسلام در قرآن است که در سال ۱۳۸۱ از چاپ خارج شد همچنین به دنبال رهنمود مقام معظم رهبری در نام

گذاری سال ۱۳۷۹ به نام امیر مومنان سلام الله علیه ، آیات درباره آن حضرت به صورت یک مجموعه در آمد تا اینکه در سال ۱۳۸۲ مزین به زینت طبع گردید و در همان سال چاپ دوم آن نیز صورت گرفت .

در سفر بیت الله الحرام با توطئه وهابیت که بدترین تبلیغات علیه تشیع صورت می گرفت بیشتر آشنا شده و با رهنمود دوستان در بعثه مقام معظم رهبری در مکه مکرمه و هدایت حضرت آیت الله سبحانی نقدی بر کتاب تهاجمی «اهلبیت از خود دفاع می کنند» به نام «اهلبیت از دین دفاع می کنند» با کمک یکی از دوستان انجام شد . این کتاب درسال ۸۲ در شبکه اینترنت ، سایت ولی عصر (عج) قرار گرفت و مورد استقبال قرار گرفت و در تابستان ۱۳۸۳ به چاپ رسیده و الان در آستانه چاپ دوم قرار دارد .

و بالاخره توفیق دیگر قرآنی که خداوند به این حقیر داد بررسی آیات مربوط به حضرت زهرا سلام الله علیها و به نام مبارک آن حضرت ۱۳۵ آیه درباره این بانو در یک مجموعه جمع آوری شد که در نوع خود کم نظیر یا بی نظیر است و الان مشغول دو کار قرآنی دیگر هستم یکی مکالمات و گفتگوهای بعد از مرگ در قرآن و دیگر خیرات و مبرات از منظر قرآنی که تقریبا حدود ۸۰٪ کار آنها نیز انجام شده است .

اکنون نیز برنامه های تدریس در حوزه و آموزش متوسطه و برنامه های قرآنی در شهرهایی چون کاشان و ساوه دارم .

صاحبی، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد صاحبی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱۱/۲۰

زندگینامه علمی

محمد جواد صاحبی در سال ۱۳۳۳ در محله مغان شهرستان شاهرود به دنیا آمد تحصیلات ابتدایی را در مغان و تحصیلات متوسطه را تا مقطع دیپلم ادبی در شهرستان شاهرود گذراند ،همزمان بخشی از مقدمات علوم دینی را به طور متناوب در همانجا از محضر فضلای بزرگواری همچون جناب حجت الاسلام شیخ محمد حسین صائب چهکندی و دیگران فرا گرفت، با حوزه های مشهد و قم نیز در رفت و آمد بودو از سال ۱۳۵۷ در قم مستقر شد و علوم متداول حوزه را فرا گرفت.

ادبیات عرب را از محضر حجج اسلام آقایان بهجتی شفق، بیانی افغانی،سید محمود طالقانی، سید عباس موسوی و دیگران آموخت کلام و عقاید را از جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای مسعودی، فقه شرح لمعه را از حضرت آیت شیخ علی پناه اشتهاردی و مکا سب را از آیت الله بنی فضل استفاده کرد، اصول را از آقایان موسوی گرگانی و صالحی افغانی و خارج اصول و بخشی از ابحاث فلسفی و عرفانی را از آیت الله علی عابدی شاهرودی بهره برد

در درس خارج فقه آیت الله موسوی اردبیلی و آیت الله شیخ محمد ابراهیم جناتی نیز شرکت نمود .

ورود به عرصه مطبوعات را از روزنامه دیواری شروع کرد و با ارسال مقاله برای مطبوعات قم از جمله مجله سالنامه پیام اسلام به مطبوعات مذهبی و کشوری راه یافت، نخستین مقاله برای سالنامه مزبور را در سال ۱۳۵۵ فرستاد که با نشر آن،به نگارش و تألیف علاقمند شد،در سال ۱۳۵۷ دو اثر با عناوین « پیشگامان تحولات بنیادی و تاکتیکهای انقلابی سید جمال الدین اسد آبادی» منتشر ساخت.

در سال ۱۳۵۸ با تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی،نخست به عنوان مسؤول آموزش سیاسی عقیدتی نیروهای عملیاتی سپاه و سپس به سمت مسؤول انتشارات و مطبوعات کل سپاه منصوب شد که تا سال ۱۳۶۲ ادامه یافت مدتی هم عضو مرکز تحقیقات سپاه بود و مجددا به قم مراجعت کرد.

در سال ۱۳۶۴ مجله کیهان اندیشه را تأسیس کرد که در این راه از حمایتهای مرحوم شهید شاه چراغی و جناب آقای سید محمد خاتمی (نماینده امام در مؤسسه کیهان) بهره مند بود، این مجله ۱۴ سال تمام ادامه یافت و هشتاد و چهار شماره از آن منتشر شد همزمان با مطبوعات دیگر نیز به همکاری پرداخت ومقالات بسیاری از ایشان در روزنامه ها و سایر نشریات علمی و فرهنگی نیز به چاپ رسیده است.

در کنار این فعالیتها از تحصیل و تدریس نیز باز نماند از آن جمله می توان تدریس در دانشسرای تربیت معلم سمنان، دانشگاه تربیت معلم تهران، مؤسسه امام خمینی قم، مرکز تخصصی کلام حوزه علمیه قم، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مرکز آموزش مدیریت دولتی را نام برد همچنین درکنگره های علمی و دینی متعددی به عنوان عضو و دبیر فعالیت داشته اند، افزون به اینها به عنوان راهنما و مشاور در تدوین رساله های آموزشی و پژوهشی مشارکت کرده اند.

صادق اردستانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۳ ق)، عالم دینی، مدرس و نویسنده. در کچو مثقال اردستان به دنیا آمد.پس از پایان تحصیلات مقدماتی، در ۱۳۴۱ ق، به قم مهاجرت نمود. و به تصحیل علوم اسلامی پرداخت و در ضمن تحصیل به انجمنها و محافل ادبی و قلمی نیز می‌رفت. از آثار وی: «سلمان فارسی»، اولین اثر تاریخی- اخلاقی او که در بیست و چهار سالگی تألیف کرد؛ «زندگی قهرمانانه‌ی مالک اشتر»؛ «حسین پرچمدار آزادی»، ترجمه‌ی «الحسین اسوه» آیت‌الله سید محمد شیرازی؛ «بدنبال نور ظلمت»؛ ترجمه و نگارش؛ «اسلام»، ترجمه‌ای از «انفقوا لکی تتقدموا» آیت‌الله سید محمد شیرازی؛ «طرح ساده‌ای از زیربنای امور اقتصادی و اجتماعی اسلام»، ترجمه‌ای از یکی از کتابهای آقا شیخ محمد ابراهیم جناتی.[۱]

سید محمدباقر تربتی از علماء مبرز و دانشمندان ممتاز معاصر تربت است.

وی تحصیلات مقدمات و ادبیات و سطوح خود را در مشهد مقدس به پایان رسانیده و سالها از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج‌آقا محمد آقازاده کفائی و آیت‌اللّه العظمی حاج‌آقا حسین قمی و اساتید مشهد استفاده نموده، تا به مدارج عالیه علم و کمال رسیده و پس از آن به تربت آمده و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین تا حال حاضر اشتغال دارند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۴۷۴ -۴۷۲ / ۷).

صادق اردلانی کردستانی، صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به صادق. وی به انشاء و دبیری می‌پرداخت و در شعر نیز طبعی بلند داشت. از اوست:

هر که آمد گل ز باغ زندگانی چید و رفت

آمد و بر سستی اهل جهان خندید و رفت

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۲۳۳ -۲۳۱ / ۱)، حدیقه‌ی امان اللهی (۳۹۹ -۳۹۸)، حدیقه الشعراء (۹۶۲ -۹۶۱ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ صادق)، مجمع الفصحا (۶۷۳/ ۵).

صادق اردوبادی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۹۹۷ ق)، شاعر. وی از نوادگان خواجه نصیر طوسی و از شاعران دانشمند روزگار شاه طهماسب صفوی بود که از زادگاهش به مشهد رفت و چون بزرگان آن شهر را هجو کرد، از آنجا رانده شد. پس از آن به هندوستان رفت و پس از مدتی اقامت در دکن، به احمدنگر رفت و به سلسله‌ی نظامشاهیان پیوست. صادق در طی شورشهای آن سامان، که غریبان را در آن قتل‌عام کردند، کشته شد. از اشعار وی چند رباعی مانده است. از اوست:

چشمم ز رگ ابر فزون می‌گرید

چشمی بگشا ببین که چون می‌گرید

در خاک غریبی به چه خواری خفتی

بر بی کسی تو، سنگ خون می‌گرید

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۰۴ -۵۰۳)، دانشمندان آذربایجان (۲۱۲ -۲۱۱)، الذریعه (۵۷۷/ ۹)، صبح گلشن (۲۴۲)، فرهنگ سخنوران (۵۳۶)، کاروان هند (۶۷۵ -۶۷۲ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ صادق)، مجمع الخواص (۹۱ -۹۰)، هفت اقلیم (۲۶۳ -۲۶۲ / ۳).

صادق آذر، مجید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی عمران، دانشکده: فنی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای مهندسی راه و ساختمان از دانشگاه آخن آلمان و دریافت لوح Borcher Plakalle در سال ۱۳۵۴ از دانشگاه آخن.

مرتبه علمی:

مدرس سابق دانشگاه دورتموند آلمان، دانشیار دانشکده فنی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحلیل سازه، سازه‌های فولادی، سازه‌های بتن مسلح تحت اثر نیروهای آنی و ضربه‌ای، مقاوم‌سازی سازه‌ها در برابر زلزله و بمباران، سازه‌های نیروگاه هسته‌ای و ایمنی سازه‌های راکتور هسته‌ای، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

محاسبه سازه‌های فولادی، سازه‌های بتن مسلح تحت ضربه، مهندسی زلزله، مهندسی باد، مهندسی ضربه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

محاسبه پیچش طبله‌دار، محاسبه پلها، سیلوها، پناهگاهها، تراورسهای پیش تنیده.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

صادق ملا رجب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر بذله گوی اصفهانی، دیوانش به طبع رسیده. بیشتر اشعارش هزل و به لهجه اصفهانی است. در سال ۱۳۰۵ وفات یافته است. عمری را به زهد و قناعت گذرانیده، و از راه کتابت قرآن و ادعیه روزگار می گذرانیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

صادق نوبری تبریزی، حمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۲ ش)، شاعر، روزنامه‌نگار و نویسنده. در تبریز به دنیا

آمد. تحصیلات متوسطه را در تبریز، در ۱۳۱۲ ش، به پایان رساند. سپس وارد دانشکده‌ی کشاورزی کرج شد و موفق به اخذ مدرک مهندسی کشاورزی گردید و پس از آن قسمت قضایی دانشکده‌ی حقوق را به پایان رساند. وی عهده‌دار مشاغل مختلفی از جمله نویسندگی مجله‌ی «کشاورزی» وزارتخانه بود. از آثار وی: «گلهای کرج»، شعر؛ «گوشه‌ای از دانشگاه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۸۴، ۲۷۶۸ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۹۶۴ -۹۶۳ / ۲).

صادق نیشابوری، جعفر علی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. از شاعران خراسان است که در روزگار پادشاهی محمد شاه (۱۱۶۱ -۱۱۳۱ ق)، فرمانروای هند، به هندوستان مهاجرت کرد و در آنجا اقامت گزید. وی ضمن کارهای دیوانی، شعر نیز می‌سرود. از اوست:

ما را ضعیف ساخته حسن تو در شباب

گل کرده است فصل خزان در بهار ما

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۵۸)، مطلع الشمس (۱۸۲ / ۳).

صادق یزدی، محمد صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. اصل وی از یزد بود. در اصفهان به دنیا آمد. پس از تحصیلات مقدمات و دانشهای زمان به قندهار و از آن جا به هندوستان رفت و در شهر لکهنو اقامت کرد، گویا در همان جا درگذشت. از وی اشعاری در تذکره‌ها موجود است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۵۹ -۴۵۸)، تذکره سخنوران یزد (۱۹۳ -۱۹۲).

صادق، رجب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۵ -۱۲۳۵ / ۱۲۲۵ ق)، شاعر. در اصفهان به دنیا آمد و از شعرای معروف آن دیار و مردی زاهد و قناعت‌پیشه بود و از کتابت قرآن امرار معاش می کرد. صادق رد کتابت خط نسخ مهارت داشت. وی در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد دفن شد. مهدی بامداد، صاحب «شرح حال رجال»، نام او را صائق و نام پدرش را ملا رجب و محل دفن وی را اصفهان، سر قبر آقا، بیرون دروازه‌ی در دشت ذکر کرده است. از آثارش «دیوان» شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۲۶۱)، الذریعه (۵۸۰ / ۹)، شرح حال رجال (۱۷۱ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵۰۳ / ۳).

صادقپور وجدی، عباسقلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۱۵ ق.، تبریز.

درگذشت: ۱۳۶۱، تبریز.

عباسقلی صادقپور وجدی مشهور به واعظ چرندابی از فضلای تبریز است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

صادقی اردستانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد صادقی اردستانی از فضلاء بنام و نویسندگان معروف حوزه علمیه قم می‌باشند. ایشان در مهرماه ۱۳۲۳ شمسی در قریه (کچو مثقال) اردستان به دنیا آمده و پس از پایان تحصیلات مقدماتی در سال ۱۳۴۱ ش به قم مهاجرت نمود، و به تحصیل علوم اسلامی پرداخته و در ضمن تحصیل چون شوق سرشار و علاقه خستگی ناپذیرش او و او را به سوی انجمنها و محافل ادبی و قلمی کشانید و در نتیجه در سن ۲۴ سالگی اولین اثر تاریخی و اخلاقی خود (سلمان فارسی) را به اجتماع تحویل داد.

سایر تألیفات و ترجمه‌های وی از این قرار است:

۱- در زمینه تاریخ شرح زندگی اولین مسلمان ایرانی و برگزیده‌ترین صحابی معروف رسول اکرم (ص) (سلمان فارسی)

۲- زندگی قهرمانانه‌ی مالک‌اشتر- سرگذشت پرماجرای (مالک‌اشتر) یاور و مدافع حریم مقدس اسلام و امیرالمؤمنین علیه‌السلام که جوشید و خروشید و سرانجام در راه اداء رسالت از ظرف معاویه شربت شهادت نوشید.

۳- حسین (ع) پرچمدار آزادی- تاریخ فشرده و طرح ساده‌ای از فلسفه شهادت و هدف عزادرای امام حسین (ع) ترجمه (الحسین اسوه) از آیت‌اللّٰه حاج سید محمد شیرازی

۴- به دنبال نور ظلمت، سرگذشت روانی از مردان تاریخ مانند حر ریاحی، میثم تمار. سعد وقاص که در زندگی بر سر دو راهی قرار گرفته‌اند.

۵- اخلاق خانواده- ترجمه و نگارش سلیس در مورد حقوق زن و شوهر.

۶- اسلام و مسائل جنسی- تجزیه و تحلیل دلنشینی از طرح زناشوئی در اسلام منافع متعه بهداشتی زناشوئی و فلسفه تعدد زوجات.

۷- نقش ثروت در پیشرفت اسلام- ترجمه از (انفقو الکی تتقدمو) تألیف آیت‌اللّٰه سید محمد شیرازی.

۸- طرح ساده‌ای از زیر بنای امور اقتصادی و اجتماعی اسلام ترجمه‌ای از یکی از آثار شیرین و متین حجةالاسلام آقا شیخ محمدابراهیم جنائی ساکن نجف (مقرر درس مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی شاهرودی).

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

صادقی اردستانی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد صادقی اردستانی

محل تولد : اردستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۷/۱

صادقی اصفهانی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید محمد علی حسینی صادقی بن السیدالجلیل السید محمد صادقی از علماء و مدرسین معاصر اصفهان است، وی در ۱۱ شوال المکرم ۱۳۴۶ ق متولد شده و در سن ۱۸ سالگی شروع بتحصیل علوم دینیه نموده و ادبیّات و کلیه مقدمات علوم باندازه کافی از اساتید آن علوم فرا گرفته و سطوح فقه و اصول را از غالب علماء اصفهان آن زمان خوانده و پس از تکمیل آن در سال ۱۳۷۲ ق مهاجرت باعتاب عالیات نموده و بخارج درس فقه آیه‌الله العظمی حاج سید محمود شاهرودی و اصول آیت‌الله آقا شیخ حسین حلی قریب یکسال حاضر شده سپس بحضرت آیه‌الله العظمی قدوه الفقهاء والمجتهدین آقای آقا میر سید علی علامه فانی دام ظله‌العالی پیوسته و از مبانی رشیقه فقهی و اصولی معظم‌له استفاده نموه و تقریرات و دراسارت ایشان را برشته تحریر درآورده است.

تألیفات و آثار علمی ایشان بشرح زیر است:

۱- تقریرات اصول آیه‌الله فانی دوره‌ی کامل در ۴ جلد.

۲- تقریرات فقه آیه‌الله فانی در طهارت در ۵ جلد.

۳- تقریرات فقه آیه‌الله فانی در صلوه در ۷ جلد.

۴- تقریرات فقه آیه‌الله فانی در زکوه و خمس و صوم.

۵- تقریرات فقه آیه‌الله فانی در حج و اجاره و کلام.

۶- رساله‌ای در جبر و اختیار.

۷- رساله‌ای در عدم تحریف قرآن.

۸- رساله‌ای در فرق میان صغیره و کبیره.

۹- تفسیر سوره جمعه.

۱۰- جوائز سلطان و احکام بانکها.

از کتب مذکوره دو جلد در طهاره و رساله جبر و اختیار بطبع رسیده است.

وی تا ماه شعبان ۱۳۹۰ ق در نجف اقامت داشتند و در تاریخ مزبور بعلت کسالت مزاج مراجعت باصفهان نموده و بتدریس خارج فقه و اصول در مدرسه صدر اشتغال دارند و دیگر از آثار ایشان ترجمه رساله علم امام استادش آیت‌الله فانی و کتابی در معاد و کتابی در امامت میباشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

صادقی افشار

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۱۸ / ۱۰۱۷ -۹۴۰ / ۹۳۳ ق)، نقاش، خطاط و شاعر، متخلص به صادقی. معروف به صادقی کتابدار. از بزرگان ایل خدا بنده‌لو بود که در نزدیکی محله‌ای به نام ورجو یا ویجویه‌ی تبریز به دنیا آمد. بیست ساله بود که پدرش کشته شد. پس از آن مدتی با امیرخان موصول و بدرخان و سکندر خان افشار به سر می‌برد. در عهد شاه اسماعیل دوم به کتابخانه‌ی دولتی راه یافت و در زمان سلطنت محمد خدابنده و شاه عباس کبیر منصب کتابداری را عهده‌دار بود. تا آن که علیرضا عباسی در حدود ۱۰۰۷ ق این منصب را از او گرفت، ولی صادقی تا آخر عمر، مواجب کتابداری را از دیوان اعلی دریافت می‌داشت. صادقی در نظم و نثر فارسی و ترکی مهارت داشت و از دوران جوانی نیز به هنر نقاشی و طراحی علاقه‌ی زیادی نشان می‌داد و از شاگردان استاد مظفر علی هروی نقاش محسوب می شد. وی در هنر خطاطی نیز دست داشت و به روایتی شاگرد میر علی هروی بود. او در ۱۰۱۰ ق، در اصفهان، تألیفات خود را جمع‌آوری و تدوین نمود و شرح حال مختصری بر آنها نوشت. اثر معروف وی «مجمع الخواص»، به زبان ترکی جغتایی است که شرح حال بسیاری از شاعران معاصر خود را در آن آورده و از آن معلوم می شود که سفرهای بسیاری به شهرهای مختلف کرده است. از دیگر آثار وی: «زبده الکلام»؛ مثنوی «فتح نامه‌ی عباس نامدار»؛ منظومه‌ی «قانون الصور»، در نقاشی؛ «دیوان» غزلیات پارسی و ترکی؛ مقالات و حکایاتی موسوم به «شرح حال منظوم»؛ مثنوی «سعد و سعید»؛ مجموعه‌ی «منشأت و مکاتبات»، به فارسی و ترکی؛ «تذکره الشعرا»یی مشتمل بر رباعیات معمایی؛ «حظیات». از آثار نقاشی او: تصویر مردی که در شیوه‌ی اصفهان ترسیم شده و در پشت سرش، درخت پرحالتی جلب نظر می کند، با رقم: «صادقی افشار»؛ تصویر زن زیبایی در شیوه‌ی فرنگی که دستاری از گردنش آویزان است، با رقم: «راقمه صادقی کتابدار ۱۰۱۵»؛ تصویر رستم، پهلوان قدیمی ایران، که کلاه پردار سفید به سر گذاشته و دیو تیره‌رنگ سهمناکی را به قتل می‌رساند و رقم «صادقی» دارد. در «احوال و آثار نقاشان» به هشت اثر دیگر وی

اشاره شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۲ -۷۱ / ۱)، احوال و آثار نقاشان (۱۴۶۶ / ۳، ۲۸۳ -۲۶۵ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۷۷ / ۵)، تاریخ اصفهان (۳۰۲ -۲۹۸)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۶۲۳ -۶۲۱، ۱۴۰ -۱۳۲ / ۲)، تاریخ نظم و نثر (۸۲۷، ۴۵۸ -۴۵۷)، تاریخ هنرهای ملی (۸۵۰ -۸۴۸ / ۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۱ -۳۹)، حماسه‌سرایی در ایران (۳۶۸)، خوشنویسان و هنرمندان (۱۰۶)، دانشمندان آذربایجان (۲۱۳ -۲۱۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۵۴۸/ ۲)، الذریعه (۳۱ / ۲۳، ۲۷ / ۲، ۲۰۵/ ۱۹، ۱۰۹ / ۱۶، ۱۸۴ / ۱۳، ۵۸۲ -۵۸۱ / ۹)، ریحانه (۴۰۵ / ۳)، عالم‌آرای عباسی (۱۷۵ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۵۳۹ -۵۳۸)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۸۰ -۱۷۹)، گلستان هنر (۱۶۴ -۱۵۲)، لغت‌نامه (ذیل/ صادقی کتابدار)، مجمع الخواص (مقدمه، ۳۱۷ -۳۱۴)، مولفین کتب چاپی (۵۱۴ / ۳).

صادقی پناه، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن صادقی پناه

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۶/۲۱

زندگینامه علمی

سال ۷۵-۸۰ همراه با اساتید بزرگوار دوره کارشناسی تاریخ را گذراندم و در سال ۸۰ در مقطع ارشد قبول شدم و الحمدالله در سال ۸۲ به پایان رسید در مقطع کارشناسی پایان نامه مواضع تجدد خواهی بر اساس مذاکرات پنجم مشروطه نگاشته شد و در مقطع ارشد پایان نامه بررسی زندگانی سیره امام حسن مجتبی(ع) درمکاتب تاریخی نوشته شده و در حوزهٔ علمیه قم در سال ۸۲ رساله سطح ۳ بررسی زندگانی و سیره امام حسن مجتبی درمدینه نوشته شد. مقالات متعدد مطبوعاتی در زمینه های مختلف تاریخی سیاسی- اجتماعی در بین سالهای ۷۸-۸۱ نوشته شد و در مطبوعات مختلف به چاپ رسید.

تدریس در حوزه و دانشگاه از سال ۷۸ تا سال جاری ادامه دارد قابل ذکر است اینجانب از سال ۱۳۶۸ با مدرک سیکل وارد حوزه علمیه روی توان شدم و همراه با گذراندن دروس حوزوی دیپلم رشته انسانی را نیز گرفتم و با ورود به حوزه علمیه قم در سال ۱۳۷۴ در دانشگاه نیز شرکت نموده و موفق به ادامه تحصیل در حوزه و دانشگاه گردیدم هم اکنون از نظر تحصیلات حوزوی مشغول تدوین رساله از سطح ۴ حوزه می باشم و از نظر دانشگاهی نیز جهت آزمون دکتری آماده می شوم.

البتّه جهت انجام راهنمایی ومشاوره برای طلاب گرامی موارد متعددی را به عهده داشته ام.

صادقی فدکی، غلام عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید غلامعباس صادقی فدکی

محل تولد : فدک شهرستان خواف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید غلامعباس صادقی فدکی به شهرت سید عباس رضوی در فروردین ۱۳۳۹ در روستای فدک از توابع شهرستان خواف (خراسان رضوی) در خانواده‌ای کشاورز متولد شدم. پس از پایان تحصیلات ابتدائی پدرم مرحوم کربلائی سید حسین مرا برای تحصیل علوم دینی به شهرستان تربت حیدریه آورد و در مدرسه هراتی به سرپرستی شیخ عبدالله امامی از علمای دانشمند و خلیق مشغول شدم. نزدیک به یک سال در تربت بودم. مرحوم امامی بیشتر به تربیت و تهذیب اخلاق طلاب توجه داشت و به مناسبتها طلاب را از درسها و اندرزهای اخلاقی مستفید می ساخت. بخشی از ادبیات از جمله: نصاب الصبیان و بخشی از جامع المقدمات را نزد استاد مرحوم شیخ حسن کله از علمای خلیق و مهربان این شهر خواندم. در سال ۱۳۵۰ به مشهد آمدم.

سکونتم به ترتیب در منزل آقای قطمیری شیرازی، مدرسه حاج حسن و مدرسه نواب بود و عمده درسها را در مدرسه آقای موسوی نژاد مشغول بودم. مدرسه موسوی نژاد واقع در کوچه میر علم خان از مدارس منظم و تحت برنامه بود که افزون بر برنامه های درسی برنامه های جنبی سودمندی را مانند درس اخلاق، عقاید، حدیث، در آن گنجانده بود. مدت دو سال۱۳۶۵ الی ۱۳۶۷ در پژوهش تفسیر راهنما شرکت داشته و به همراه آقای محمدحسن نجفی، محمد صادق مزینانی، سید عباس میری دو دفتر از دفاتر آقای رفسنجانی از سوره یونس الی سوره احزاب و سبا را تنظیم کرده‌ایم.از سال ۱۳۶۴ با موسسه امیرالمومنین(ع) به سرپرستی آیت‌الله

موسوی اردبیلی در کار پژوهشهای علوم قرآنی مشارکت داشته‌ام. کار این موسسه تصحیح و تکمیل پژوهشهای قرآنی بود که پیش از انقلاب توسط آقای بهشتی، مهدوی کنی، زنجانی، موسوی اردبیلی و... انجام یافته و پس از انقلاب آقای اردبیلی فیش‌های کار شده را به قم آوردند و ما با مشارکت گروهی از فضلا از جمله آقای امیرعلی خادم علیزاده و آقای عادل نیا آن را کامل کردیم. از سال ۱۳۶۱ تاکنون به همراهی برادران محمد حسن نجفی، سید عباس میری، محمد صادق مزینانی، عبدالرضا ایزد پناه و سید عباس صالحی و... مجله حوزه را بنا نهاده و تا کنون در این مجله پژوهشی، تبلیغی به کار تحقیق و تالیف مشغول هستم و تاکنون چندین مقاله از اینجانب در مجله حوزه، مجله فقه و دیگر مجلات به چاپ رسیده است.

صادقی قاینی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر. از مردم قاین بود که به صنعت گلکاری اشتغال داشت و شعر نیز می‌سرود. اشعاری از وی در تذکره‌ی «مجالس النفائس» نقل شده است. از اوست:

کدخدایی که مایه‌ی هوس است

کد رها کن همین خدا بس است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۸۱ / ۹)، لغت‌نامه (ذیل/ صادقی)، مجالس النفائس (۱۵۲ -۱۵۱).

صادقی هروی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از مردم هرات بود که در قندهار به دنیا آمد و در آنجا پرورش یافت. از ایران به هندوستان رفت و در سلک مداحان اکبر شاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق)، درآمد. از اشعار اوست:

دل مجروح را پروای تن نیست

شهید عشق محتاج کفن نیست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۸۲ / ۹)، صبح گلشن (۲۴۲)، فرهنگ سخنوران (۵۳۹)، لغت‌نامه (ذیل/ صادقی).

صادقی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین صادقی

محل تولد : بیجگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین صادقی در سال ۱۳۵۳در روستای بیجگان حومه دلیجان متولد شدم و به علت علاقه شدید پدرم به حضرت امام خمینی (ره) ایشان تصمیم می گیرند که من را به حوزه علمیه بفرستند تا در کسوت روحانیت درآیم .دراین راستا پس از گذراندن تحصیلات راهنمائی در سال۱۳۶۵وارد حوزه علمیه قم شدم و درمدرسه رضویه مشغول تحصیل گردیدم و درس ها را با علاقه خاص پیگیری کردم و پس از گذراندن سطح وارد تخصصی کلام امام صادق (ع)شدم و دوره تخصصی الهیات را در آنجا سپری کردم وهم اکنون مشغول پایان نامه دکترای خود می باشم و در حال حاضر به کارهای تحقیقی وتبلیغی مشغول می باشم .

صادقی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین صادقی در سال ۱۳۳۷، در تهران به دنیا آمد. او در سال ۱۳۶۵ لیسانس اقتصاد را از دانشگاه علامه دریافت کرد و پس از آن

تحصیلات خود را در دانشگاه تربیت مدرس پی گرفت و با اخذ درجه دکترای از این دانشگاه فارغ االتحصیل شد. او پس از این در دانشگاه امام حسین و تربیت مدرس به امر تدریس مشغول شد. وی ضمن فعالیت آموزشی به چاپ مقالات مختلف و حضور در سمینارهای متعدد اهتمام ورزید و بر پشتوانه های علمی خود افزود.گروه : علوم انسانی رشته : اقتصاد تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین صادقی پس از پایان تحصیلات ابتدایی و دبیرستان، وارد دانشگاه علامه طباطبایی شد و در سال ۱۳۶۵ لیسانس اقتصاد را دریافت کرد. پس از آن تحصیلات خود را در دانشگاه تربیت مدرس پی گرفت و در سال ۱۳۶۹ مدرک کارشناسی ارشد و در سال ۱۳۷۳دوره دکترای اقتصاد را اخذ نمود.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسین صادقی تاکنون مدیریت گروه لجستیک دانشگاه امام حسین (ع)، قائم مقام دانشکده لجستیک دانشگاه امام حسین (ع)، مدیریت گروه اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و ریاست پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس را به عهده داشته است. او همچنین عضو کمیته انرژی و اقتصاد – کمیته ملی انرژی – جمهوری اسلامی ایران و در شورای گروه اقتصاد –عضو شورای آموزشی و پژوهشی دانشکده علوم انسانی و عضو شورای دانشگاه فعالیت بوده است.فعالیتهای آموزشی : دکتر صادقی پس از فارغ التحصیل شدن ابتدا از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۴ به عنوان مربی دردانشگاه امام حسین مشغول تدریس شد. سپس به عنوان استادیار به فعالیت خود در دانشگاه تربیت مدرس ادامه داد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حسین صادقی علاوه بر چاپ مقالات تخصصی درنشریات تخصصی، عضو هیات تحریریه مجله سیاست دفاعی – دانشگاه امام حسین (ع)، عضو هیات داوران مجله تحقیقات اقتصادی – دانشگاه اقتصاد – دانشگاه تهران، داوری مقالات و تحقیقات در جشنواره خوارزمی، مدیر مسئول مجله پژوهشهای اقتصادی – پژوهشکده اقتصاد و عضو هیات داوران مجله سیاستها و پژوهشهای اقتصادی – معاونت امور اقتصادی بوده است. دکتر صادقی به عنوان دبیر سومین همایش بررسی قاچاق، دبیر اولین همایش بررسی خودرو و دبیر دومین همایش بررسی خودرو تجربیات بسیار ارزنده ای را در این زمینه در کارنامه خود ثبت نموده است. شاگردان : حسین صادقی راهنمایی و مشاوره بسیاری از شاگردان خود را به عهده داشته است که برخی از آنها عبارتند از: عناوین پایان نامه ها و اسامی دانشجویان تحت راهنمایی الف – کارشناسی ارشد: ۱) ارزیابی کارایی جنگ اقتصادی با تاکید بر مورد جمهوری اسلامی ایران بهرام عرفانی راد ۲) تحلیل اقتصادی نقش بخش دفاع در اشتغال محمدتقی رمضانی ۳) تعیین اولویت سرمایه گذاری در بخشهای اقتصادی با استفاده از جدول داده – ستانده یزدان سیف ۴) پتانسیل های صرفه جویی در صنعت برق با استفاده از شیوه های اصلاح مدیریت بار (تحلیل مقایسه ای ایران با سایر کشورها) نصرت نادم ۵) نقش هزینه های مسکن در تعیین خط فقر و سیاستهای فقر زدایی صادق فنایی ۶) بررسی وضعیت تولید درآمد در استان مازندران و مقایسه آن با کل کشور عباس باباگل زاده ۷) نقش بودجه های عمرانی در توسعه استان مازندران افشین کریمی ۸) جایگاه مخابرات در برنامه سوم توسعه اقتصاد اجتماعی محمدعلی یوسفی ۹) نقش انرژیهای نو در تامین انرژی روستایی بهمن کرد ۱۰) بررسی نقش هزینه های عمرانی در اقتصاد کشور محمدرضا انصاری ۱۱) کارایی ابزارهای اقتصادی در کاهش آلودگی های محیط زیست علیعباس حیدری ۱۲) تحلیل هزینه فایده آموزشهای فنی و حرفه ای ایران، مورد: مراکز ثابت آموزشی علیرضا کشاورز ۱۳) انرژیهای پاک و ضرورت توسعه آن از دیدگاه اقتصاد(مورد ایران) خلیل کاظمی ب – دکتری : ۱) برآورد اقتصاد غیررسمی در ایران و علل پیدایش آن علیرضا شکیبایی ۲) تحلیل اقتصادی سیاستهای قیمت گذاری محصولات دامی (با تاکید بر گوشت، مرغ) مصطفی بستاکی ۳) برآورد استهلاک منابع و درجه پایداری در اقتصاد ایران لطفعلی عاقلی ۴) خود اشتغالی در ایران هادی قوامی ۵) برآورد و تجزیه و تحلیل کارآیی انرژی در اقتصاد ایران ابراهیم حیدری عناوین پایان نامه ها و اسامی دانشجویان تحت مشاوره الف کارشناسی ارشد: ۱) اثر اقتصادی توریسم در جمهوری اسلامی ایران سعید امیریان ۲) بررسی مزیت نسبی صادرات صنعت فولاد ایران آناهیتا باقرزاده ۳) تحلیل عملکرد هزینه – فایده مجتمع آلومینیوم المهدی شادی اصفیا ۴) مدلسازی استقرار صنایع آلومینیوم در ایران علاالدین ازوجی ۵) تجزیه و تحلیل روند رشد اشتغال و تغییرات ساختاری آن در بخش صنعت در استانهای مختلف ایران رمضان جمشیدی ۶) شناسایی نقش سیستم حسابداری پیشرفته در توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه سید مجید رباط سرپوش ۷) تخمین تابع تقاضای حمل و نقل جاده ای کالا ـ از استان هرمزگان هوشنگ دامیار ۸) بررسی وضعیت اشتغال در استان سمنان و شناسایی مزیتهای نسبی از دیدگاه اشتغال محمد عبایی ۹) نقش تسهیلات اعطایی بانکی در توسعه استان مازندران طاهره نورسته ۱۰) جایگاه صنعت گل و گیاهان زینتی در اقتصاد ایران محسن خاکپور ۱۱) تجزیه و تحلیل ارزش حجم فعالیتهای غیر رسمی خانوار با استفاده از آمارهای درآمدهزینه ۱۲) براورد ظرفیت مالیاتی استان آذربایجان شرقی با توجه به عملکرد مالیاتی کشور عزیزا... صفری ۱۳) تخمین فرار سرمایه در ایران(۷۷–۱۳۵۰) و ارزیابی روشهای متفاوت تخمین مصطفی پاشازاده ۱۴) تخمین سطح و توزیع سرمایه انسانی و ارتباط آن با درامد خانوار علی همت جو ۱۵) بررسی تطبیقی کارائی بانکداری غیر ربوی در سه کشور ایران، اردن و بحرین محمود نادری کرج ۱۶) بررسی آزاد سازی تجاری بر بهره وری بخش صنعت کارخانه ای کشور با تاکید بر نرخ تعرفه گمرکی رضا غوجی ۱۷) آزمون آشوب در بازارهای آتی نفتی و پیش بینی آن با یک مدل شبکه عصبی مصنوعی فائزه فروتن ب – دکتری: ۱) بررسی و تحلیل امکان سازگاری معیارهای عدالت و کارایی در نظام اقتصاد اسالمی حسین عیوضلو ۲) مدل خصوصی سازی در صنعت برق غلامرضا حیدری ۳) جایگاه صنعت میگو در اقتصاد ایران ابوالقاسم مرتضوی ۴) ربا و کاهش ارزش پول میثم موسایی ۵) نقش RCD از طریق تجارت خارجی بر رشد اقتصادی ایران ابوالفضل شاه آبادی ۶) تبیین نظریه رفتار مصرف کننده مسلمان مرتضی عزتی ۷) آثار سیاستهای تعدیل اقتصادی بر توزیع درآمد و ثروت علیمحمد احمدی ۸) مدلسازی مالکیت مسکن در مناطق شهری ایران جعفر قادری ۹) آثار جهانی شدن اقتصاد بر رشد، اشتغال و بویژه توزیع درامد در ایران علی اکبر ناجی میدانی ۱۰) یکپارچگی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه حمیدرضا اشرف زاده ۱۱) جریان بین بخشی سرمایه در اقتصاد ایران نادر مهرگان ۱۲) تبیین همزمان عوامل موثر بر قیمت و حاشیه ارزی بازار موازی ارز و نرخ ارز واقعی ایران حسین قادری ۱۳) جهش (پولی) نرخ ارز و تاثیر آن بر رابطه مبادله امیرحسین مزینی ۱۴) بررسی عوامل موثر بر رشد اقتصادی: مورد کشورهای صادر کننده نفت با تاکید برمورد ایران بهزاد سلمانی آثار : انرژی و امنیت ملی – مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی . انرژی و امنیت ملی – مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی . محیط زیست از منظر دین و اقتصاد؛ اقتصاد اسلامی، شماره دهم، تابستان ۸۲ . محیط زیست از منظر

دین و اقتصاد؛ اقتصاد اسلامی، شماره دهم، تابستان ۸۲ . سبز وروشهای محاسبه آن، مجله منابع طبیعی ایران، بهار ۸۲ . سبز وروشهای محاسبه آن، مجله منابع طبیعی ایران، بهار ۸۲ . ارزیابی استهلاک منابع ماهی در ایران؛ پژوهش وسازندگی، شماره ۵۵، تابستان ۸۱ . ارزیابی استهلاک منابع ماهی در ایران؛ پژوهش وسازندگی، شماره ۵۵، تابستان ۸۱ . ارزیابی اقتصادی احداث مراکز بازسازی ماشین آلات ، ارزیابی اقتصادی کارگاههای پرورش ماهی ،ارزیابی اقتصادی کارگاههای پرورش ماهی ، ارزیابی حجم آلاینده های زیست محیطی ناشی از فعالیتهای صنعتی در استان تهران و بررسی ابزارهای اقتصادی مناسب جهت کاهش آلودگی، اندازه گیری آثار مداخله دولت در قیمت گذاری محصولات دامی- مورد بررسی: گوشت مرغ؛ اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۳۷، بهار ۸۱. اندازه گیری آثار مداخله دولت در قیمت گذاری محصولات دامی- مورد بررسی: گوشت مرغ؛ اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۳۷، بهار ۸۱. بررسی آثار اقتصادی قاچاق کالا در اقتصاد ملی ، بررسی اقتصاد پدیده خاموشی واهمیت محاسبه هزینه خاموشی؛ فصلنامه مدرس، دوره دوم، شماره۲، بهار ۷۶. بررسی اقتصاد پدیده خاموشی واهمیت محاسبه هزینه خاموشی؛ فصلنامه مدرس، دوره دوم، شماره۲، بهار ۷۶. بررسی امکان پذیری افزایش قیمت اولین سری کالاهای مشمول تنظیم بازار (مطالعه موردی فلز مس) بررسی امکان سرمایه گذاری صنعتی در جهت گسترش اشتغال ، بررسی شاخصهای برآورد افزایش (یا کاهش) مبادلات غیرقانونی (قاچاق) بررسی طرح ساماندهی اقتصادی (گردهمایی بسیج دانشجویی - دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷) بررسی طرح ساماندهی اقتصادی (گردهمایی بسیج دانشجویی - دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷) بررسی عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم، تحقیقات اقتصادی، پذیرش، بررسی عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم، تحقیقات اقتصادی، پذیرش بررسی کشش قیمتی ووقفه های مالیاتی در ....؛ تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۵، بررسی کشش قیمتی ووقفه های مالیاتی در ....؛ تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۵، بررسی محیط پیرامون لجستیک ، بررسی مشکلات اقتصادی زنان سرپرست خانوار ، بررسی نحوه تامین انرژی روستایی، بررسی نقش مدیریت در سوددهی کارگاههای پرورش ماهی ، بررسی نقش مدیریت در سوددهی کارگاههای پرورش ماهی ، بهینه یابی در قیمت گذاری برق ، تحلیل هزینه - فایده پروژه های سرمایه گذاری در زمینه فولاد ، تحولات برق رسانی و توسعه شبکه انتقال و توزیع برق در ایران ، توسعه پایدار در ایران (گردهمیی اقتصاد ملی، عدالت اجتماعی و جهان متحول - بزرگداشت استاد عالی نسب - دانشگاه تهران ، ۱۳۷۹) توسعه پایدار در ایران (گردهمیی اقتصاد ملی، عدالت اجتماعی و جهان متحول - بزرگداشت استاد عالی نسب - دانشگاه تهران ، ۱۳۷۹) جایگاه بودجه آموزش عالی در بودجه کل کشور (حسین صادقی، عباسعلی تسنیمی، گردهمایی روسای دانشگاهها) جایگاه بودجه آموزش عالی در بودجه کل کشور (حسین صادقی، عباسعلی تسنیمی، گردهمایی روسای دانشگاهها) جایگاه کارگری در سیاستهای حمایت دولت ،جغرافیای انرژی وبرخی ملاحظات در ...، اطلاعات سیاسی اقتصادی، مهر ۱۳۷۵ . جغرافیای انرژی وبرخی ملاحظات در ...، اطلاعات سیاسی اقتصادی، مهر ۱۳۷۵ . چالشهای بخش انرژی در دهه ۱۳۸۰ (گردهمایی چالشهای اساسی اقتصاد ایران در دهه ۱۳۸۰، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹) چالشهای بخش انرژی در دهه ۱۳۸۰ (گردهمایی چالشهای اساسی اقتصاد ایران در دهه ۱۳۸۰، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹) رشد اقتصادی در بخش کشاورزی و توزیع درآمد روستایی - اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال هشتم - شماره ۳۱ پاییز ۱۳۷۹. رشد اقتصادی در بخش کشاورزی و توزیع درآمد روستایی - اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال هشتم - شماره ۳۱ پاییز ۱۳۷۹. رشد جمعیت، رشد اقتصادی واثرات زیست محیطی، تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۴، بهار ۱۳۸۳ . رشد جمعیت، رشد اقتصادی واثرات زیست محیطی، تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۴، بهار ۱۳۸۳ . روند تخریب زیست محیطی در ایران- کاربرد منطق فازی؛ اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۳۶، زمستان ۸۰. روند تخریب زیست محیطی در ایران- کاربرد منطق فازی؛ اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۳۶، زمستان ۸۰. طرح جامع استان هرمزگان - زیر بخش انرژی ، عوامل موثر بر کارایی واقتصاد در مقیاس طرحهای ... ، اقتصاد کشاورزی و توسعه، پذیرش. عوامل موثر بر کارایی واقتصاد در مقیاس طرحهای ... ، اقتصاد کشاورزی وتوسعه، پذیرش. فرار مالیا تی و اندازه اقتصاد زیر زمینی- با روش اقتصاد سنجی فازی؛ نامه مفید، شماره ۲۷، پاییز ۸۰. فرار مالیا تی و اندازه اقتصاد زیر زمینی- با روش اقتصاد سنجی فازی؛ نامه مفید، شماره ۲۷، پاییز ۸۰. قیمت گذاری برق در بخش خانگی کاربرد تحلیل هزینه - فایده در صنعت فولاد؛ مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۰ ، بهار و زمستان ۷۶ . کاربرد تحلیل هزینه - فایده در صنعت فولاد؛ مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۰ ، بهار و زمستان ۷۶ . ،کاربرد مالیاتها و یارانه ها در کاهش آلودگی صنایع در استان تهران؛ پژوهشهای اقتصادی، شماره چهارم ، بهار ۸۲. کاربرد مالیاتها و یارانه ها در کاهش آلودگی صنایع در استان تهران؛ پژوهشهای اقتصادی، شماره چهارم ، بهار ۸۲. مباحثی در اقتصاد خرد - نگرش اسلامی (ترجمه) - موسسه تحقیقات اقتصادی ، ۱۳۶۵ ، مقایسه ساختار درآمد و هزینه خانوارهای شهری و روستایی و نقش بیمه های اجتماعی در ایجاد توازن میان آنها نقش بخش کشاورزی در طرح ساماندهی اقتصاد کشور ، نقش کشاورزی در تامین اشتغال و کاهش بیکاری ؛ پژوهشهای اقتصادی،سال اول، شماره اول ، بهار ۸۰ ، نقش کشاورزی در تامین اشتغال و کاهش بیکاری ؛ پژوهشهای اقتصادی،سال اول، شماره اول ، بهار ۸۰. هزینه خاموشی برق برای مشترکین بخش کشاورزی ، هزینه خاموشی در بخشها (خانگی، صنعت، تجاری، عمومی) و اقتصاد ملی، هزینه خاموشی مترتب بر اقتصاد ملی، مصرف کننده و صنعت برق ، هزینه خاموشی و مدیریت بار برای کارگاههای شهری ، هزینه خاموشی و مدیریت بار برای واحدهای تجاری و عمومی، هزینه های خاموشی برای واحدهای بزرگ صنعتی

صادقی، علی اشرف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر علی‌اشرف صادقی (۱۳۲۰ ـ قم) دارای دکتری زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه سوربن فرانسه است. وی هم اکنون مدیر گروه

فرهنگ‌نویسی و مدیر گروه دستور زبان فارسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی‌و عضو هیئت‌علمی و استاد گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران می باشد. کتاب" زبانهای ایرانی "ترجمه وی ، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه : علوم انسانی رشته : زبان شناسی عمومی والدین و انساب : پدر علی اشرف صادقی فرهنگی بود و خانواده پدری اش عمدتا همه از روحانیون بودند.پدربزرگش –اشرف الواعظین– واعظ معروف قم و جدش حاج ملا‌ـ محمد صادق مجتهد بود.خاطرات کودکی : علی اشرف صادقی از دوران کودکی چنین اذعان دارد": در خانواده ای بزرگ شدم که از همان دوره ابتدایی شوق کتاب خواندن را در من برانگیخت.معلم کلاس اول ابتدایی ام ،پدرم بود.چون ایشان فرهنگی و مدیر مدرسه و معلم بود این است که کلاس اول را پیش او خواندن و از همان ابتدا خیلی برای من مایه گذاشت ودر خانه هم به من کمک می کرد.من خواندن و نوشتن را سریع یاد گرفتم".تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی علی اشرف صادقی به قرار زیر است: دیپلم ادبی از دبیرستان حکیم نظامی قم دارای لیسانس ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در ۱۳۴۱ (بعنوان شاگرد اول فارغ التحصیل شد و با بورس دولتی در سال ۱۳۴۲ به کشور فرانسه اعزام گردید) دارای دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه سربن (پاریس) در ۱۹۶۷ (۱۳۴۶).خاطرات و وقایع تحصیل : علی اشرف صادقی در دوران تحصیل در دبیرستان کتاب برهان قاطع نوشته مرحوم دکتر معین را مطالعه می کرد.او در توضیحات دکتر معین و متن برهان قاطع مقدار زیادی اشتباه دید و به ایشان این اشتباهات را رساند. دکتر معین هم در توضیحات آخر جلد پنجم این توضیحات را به اسم دکتر صادقی اضافه کرد.فعالیتهای ضمن تحصیل : علی اشرف صادقی در کنار تحصیل در فرانسه در رشته زبان شناسی عمومی به کلاسهای زبانهای قدیم ایران مانند زبان پهلوی و زبان اوستا می رفت و استفاده می کرد.ایشان از همان دوران مقطع متوسطه به زبان فارسی علاقه مند بود او در کنار دروس دبیرستان کتابهایی همچون برهان قاطع (مرحوم دکتر معین چهار جلد) را مطالعه میکرد.استادان و مربیان : علی اصغر فقیهی دبیر دبیرستان و دارای کتابهای متعدد در تاریخ آل بویه و تاریخ قم و امثال اینها است.از دیگر اساتید علی اشرف صادقی می توان به چند تن اشاره کرد: مرحوم بدیع الزمان فروزانفر ،مرحوم استاد جلال همایی ،مرحوم استاد پورداود،دکتر خانلری،دکتر صفا،دکتر معین،دکتر حسین خطیبی،دکتر حسن منوچهر،دکتر صادقی گوهرین فاستاد ،استاد محمد تقی مدرس رضوی ،مرحوم میر جلال الدین محدث ارموی،مرحوم مجتبی مینوی و دکتر صادق کیاهم دوره ای ها و همکاران : غلامرضا ارژنگ از همکلاسیهای علی اشرف صادقی بودند.دکتر کیا،دکتر ماهیار نوابی ،دکتر میلانیان ،دکتر باطنی و دکتر تفضلی از همکاران ایشان بشمار می آیند.همسر و فرزندان : علی اشرف صادقی در سال ۱۳۵۰ در سن ۳۱ سالگی با یکی از دانشجویان دانشکده ادبیات(رشته زبان انگلیسی) ازدواج نمود.وقایع میانسالی : علی اشرف صادقی در سال ۱۳۴۸ پس از اخذ دکتری رشته زبان شناسی به استخدام در گروه زبان‌شناسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در آمد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای مورد تصدی علی اشرف صادقی به قرار زیر است: ۱. عضو شورای ویرایش زبان فارسی در صدا و سیما ۲. عضو شورای علمی دائره‌المعارف بزرگ اسلامی ۳. مدیر و مؤسس مجله زبان‌شناسی از ۱۳۶۳ تاکنون ۴. استاد پایه ۲۰ گروه زبان‌شناسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۸ ۵.مدیر گروه فرهنگ‌نویسی و مدیر گروه دستور زبان فارسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۶. عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی از سال ۱۳۷۰ مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : علی اشرف صادقی در سال ۱۳۶۳ مجله زبان شناسی را راه اندازی کرد.جوائز و نشانها : از علی اشرف صادقی در سال ۱۳۸۰ در نخستین همایش چهره های ماندگار به عنوان چهره ماندگار عرصه زبان و ادبیات فارسی تجلیل به عمل آمد.از دیگر افتخارات ایشان انتخاب کتاب" زبانهای ایرانی "ترجمه وی ، در دوره هیجدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران(از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)،به عنوان کتاب سال می باشد.چگونگی عرضه آثار : از دکتر صادقی ۵ کتاب و ۱۳۰ مقالهٔ علمی به زبانهای فارسی، انگلیسی و فرانسوی منتشر شده است.آثار : ۱ تدوین بخشی از حرف" گ "لغت نامه دهخدا ویژگی اثر : تدوین۲ ترجمه دو فصل از کتاب زبان‌شناسی نوین، نتایج انقلاب چامسکی ویژگی اثر : از ن. ایمیث و د. ویلسون، تهران، آگاه، ۱۳۶۷.۳ ترجمه کتاب زبانهای ایرانی ویژگی اثر : از ی. اورانسکی، تهران، سخن ۱۳۷۸.این کتاب ، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «زبانهای ایرانی» زبانهای ایرانی / یوسف میخائیلوویچ اُرانسکی؛ ترجم ?علی اشرف صادقی —. تهران: سخن، ۱۳۷۸. – ۲۰۸ص. جدول. کتابنامه: ص[۱۸۳ —] ۲۰۰؛ همچنین به صورت زیرنویس. این اثر از جمله کوششهای ارجمندی است که برای طبقه بندی زبانها وگویشهای ایرانی صورت پذیرفته است. کتاب حاضر در پنج فصل سامان یافته است. در ابتدا اطلاعاتی درباره خانواده زبانهای ایرانی ارائه می دهد و سپس به زبانهای ایرانی باستان، ایرانی میانه و ایرانی نو می پردازد و در خاتمه، کلیاتی راجع به طبقه بندی تاریخی و گویش شناختی این زبانها بیان می کند. مترجم محترم، این کتاب را از روی ترجم ?فرانسوی اصل کتاب به فارسی برگردانده و به منظور رفع برخی نارساییها و سهوها، متن کتاب و به ویژه آوانویسیهای آن را با اصل روسی کتاب مقابله کرده است که مبین دقت و رعایت امانت در ترجمه است. اضافه کردن سالهای قمری در کنار سالهای میلادی، برخی توضیحات و ذکر بعضی منابع مهم و اساسی (علاو بر متن گسترش یافت ?کتابنام ?پایان کتاب توسط مترجم فرانسوی) از دیگر اقدامات ایشان است. ۴ تصیح ترجمه الابانه، شرح السامی فی الاسامی ویژگی اثر : ضمیمه شماره ۱۰ نامه فرهنگستان، ۱۳۷۹. ۵ تصیح خلاصهلغت فرس اسدی ویژگی اثر : تهران، ضمیمه شماره ۹، نامه فرهنگستان، ۱۳۷۹. ۶ تصیح فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار، منسوب به قطران ویژگی اثر : تهران، سخن، ۱۳۸۰. ۷ تصیح لغت فرس اسدی ویژگی اثر : با همکاری دکتر فتح‌الله مجتبائی، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۵۸ تکوین زبان فارسی، تهران ویژگی اثر : دانشگاه آزاد ایران، ۱۳۵۷۹ دستور زبان فارسی برای رشته فرهنگ و ادب آموزش و پرورش ویژگی اثر : با همکاری غلامرضا ارژنگ، ۳ جلد ۷–۱۳۵۵.۱۰ فارسی قمی ویژگی اثر : قم، باورداران، ۱۳۸۰. ۱۱ گردآوری یادنامه دکتر احمد تفضلی ویژگی اثر : تهران، سخن، ۱۳۷۹۱۲ مسائل تاریخی زبان فارسی ویژگی اثر : تهران، سخن، ۱۳۸۰.۱۳ نگاهی به گویشنامههای ایرانی ویژگی اثر : تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی و مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۹.

منابع زندگینامه :جشن نامه دکتر علی اشرف صادقی ،پژوهشهای زبان شناسی در ایران (۱) به اهتمام امیر طبیب زاده ،انتشارات

هرس،تهران ۱۳۸۲۵چهره های ماندگار ،بزرگداشت مقام علمی و فرهنگی مشاهیر ایران ،به اهتمام محمد اسعدی ،انتشارات زمان و جهان فرهنگ تهران ۱۳۸۲

صادقی، قاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۳۱۵، گرمه بجنورد.

شهادت: ۷ تیر، ۱۳۶۰ تهران.

حجت‌الاسلام قاسم صادقی، فرزند اسفندیار، تا مقطع خارج فقه و اصول به تحصیل حوزوی پرداخت. وی همچنین دکترای الهیات داشت و استادیار دانشکده‌ی الهیات دانشگاه مشهد بود. وی در دبیرستان‌ها نیز تدریس می‌کرد. در اولین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، نماینده‌ی مردم مشهد می‌شود.

از آثار اوست: مسلمان و مادی؛ سفر سیر تکاملی انسان: توحید؛ معاد؛ روح؛ معجزه؛ تکامل (۱۳۷۴)؛ از وی مقالاتی نیز به چاپ رسیده است.

حجت‌الاسلام صادقی در بمب‌گذاری هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. پیکر وی در مشهد به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

صادقی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمد صادقی فرزند زین‌الخطباء و المبلغین مرحوم حاج شیخ محمدرضا لسان المحققین تهرانی.

در سال ۱۳۰۷ شمسی هجری برابر ۱۳۴۸ قمری در تهران دیده به جهان گشوده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و پس از خواندن دروس فارسی تا متوسطه به تحصیل علوم دینیه پرداخته و مقدمات و قسمتی از سطوح را در تهران خوانده ودر اوائل ورود آیت‌اللَّه العظمی بروجردی به قم مهاجرت نموده و سطوح عالی را از مدرسین حوزه علمیه فراگرفته و به درس خارج آیت‌اللَّه بروجردی و آیت‌اللَّه محقق داماد و آیت‌اللَّه العظمی نایب‌الامام خمینی مدظله و آیات دیگر شرکت و هم معقول و فلسفه را از آیت‌اللَّه علامه طباطبائی و آیت‌اللَّه شاه‌آبادی و میرزا مهدی آشتیانی و امام خمینی و آقای رفیعی قزوینی و عرفان را از مرحوم میرزا مهدی اصفهانی استفاده نموده تا بعد از رحلت مرحوم بروجردی و زعامت و نهضت نایب الامام بر علیه امپریالیسم شرقی و غربی وارد صحنه مبارزه شده و با سخنرانیهای آتشین خود در قم و تهران و محکوم کردن رژیم طاغوتی در سال ۱۳۸۴ قمری مورد تعقیب عوامل ساواک و عمال جنایتکار شاهنشاهی قرار گرفته که مجبور به بیرون رفتن از کشور شده پس به عراق رفته و در جوار امیرالمومنین علیه‌السلام رحل اقامت افکنده و از محضر آیت‌اللَّه العظمی نایب‌الامام آقای خمینی و برخی آیات عظام دیگر استفاده نموده و خود به تدریس و گفتن تفسیر پرداخته تا در سال ۱۳۹۲ هجری قمری که روی فشار وتهدیدهای دولت شوم بعث عراق به لبنان و بیروت عزیمت نموده و پنج سالی نیز در آنجا به فعالیت و خدمات دینی پرداخته تا در سال ۱۳۹۶ قمری و آشفتگی وضع لبنان مهاجرت به مکه معظمه نموده و دو سالی در جوار بیت‌اللَّه الحرام رحل اقامت افکنده و تا سال ۱۳۹۸ قمری در نزدیکی مقام ابراهیم علیه‌السلام کرسی تدریس فقه جعفری گذارده و به تدریس فقه شیعه و نشر معارف حقه اثنی‌عشریه پرداخته و در ماه ذی‌قعده الحرام برای پخش اعلامیه و سخنرانی بر علیه رژیم منفور پهلوی از طرف دولت سعودی زندانی شده و بعد از چند ماه آزاد و پس از سقوط دولت طاغوتی و اعلان حکومت جمهوری اسلامی و آزادی بعد از پنجاه و هفت سال اختناق و استبداد برای دیدار امام و خویشان و دوستان پس از چهارده سال به وطن برگشته و برای ادامه وظائف روحی و دینی رحل اقامت به قم افکنده و مشغول تدریس و گفتن تفسیر موضوعی قرآن و اقامه نماز جمعه در مسجد جمکران قم گردیده است جناب دکتر صادقی دو بار به زندان بیدادگران مبتلا گردیده است اول برای سخنرانی در مسجد اعظم قم بر علیه شاه جلاد و عمال جنایتکارش دوم در مکه معظمه از طرف دولت سعودی به اشاره دولت طاغوتی ایران و جمعا مدت هفده سال در خارج کشور به شرح زیر ده سال در نجف اشرف پنج سال در لبنان و بیروت و دو سال در مکه معظمه به سر برده و در طول این مدت شب و روز به تالیف و تصنیف اشتغال داشته و کتب سودمندی به یادگار گذارده که فهرست مطبوع مخلوط آن را تقدیم می‌دارم.

تالیفات عربی مطبوع مترجم محترم.

۱- المقارنات العلمیه و الکتابیه بین کتب السماویه.

۲- علی والحاکمون.

۳- حواربین الالهین و المادیین.

۴- رسول الاسلام فی الکتب السماویه.

۵- عقاید نابین کتب السماویه.

۶- الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه ۲۰ جلد چهار جلد به طبع رسیده. ۷- فتیاتنا.

۸- حواربین اهل الجنه و النار.

۹- علی شاطئی الجمعه.

۱۰- لماذا انتصرت اسرائیل و متی تنهزم.

۱۱- المناظرات بین الالهین و المادیین.

۱۲- الفقه علی ضوء القرآن.

۱۳- تالیفات فارسی چاپ شده.

۱۴- بشارات عهدین.

۱۵- زمین و آسمان ستارگان از نظر قرآن.

۱۶- آفریدگار و آفریده از نظر مادی و الهی.

۱۷- مسیح از نظر قرآن و انجیل.

۱۸- گفتگوئی در مسجد النبی.

۱۹- دولت مهدی پرچم‌دار انقلاب جهانی.

۲۰- خاتم پیغمبران از نظر قرآن.

۲۱- حکومت قرآن.

۲۲- اسرار ومناسک و ادله حج.

تالیفات چاپ نشده.

۲۳- تقریرات الفقه عن الاستاد المحقق البروجردی.

۲۴- حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری.

۲۵- حاشیه بر منظومه سبزواری.

۲۶- حاشیه بر شرح لمعه.

۲۷- المعاد فی نظر القرآن.

۲۸- النبوه فی نظر القرآن.

۲۹- حول آیه التطهیر.

۳۰- شذرات الوسائل والوافی.

۳۱- حاشیه تحریر الوسیله.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

صادقی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۹، کارشناسی ارشد شیمی تجزیه از دانشگاه لیون فرانسه در سال ۱۳۴۹ و دکترای شیمی تجزیه از دانشگاه لیون فرانسه در سال ۱۳۵۱.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تهیه الومین از سنگ معدن الومینت، تهیه کاتالیزور الومینا- نیکل.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شیمی عمومی، شیمی تجزیه، فازها در محیط آبکی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

شیمی تجزیه، استحصال طلا به روش میکروبی، اندازه‌گیری حلالیت سولفات پتاسیم و پتاس در آب و تهیه کربنات آمونیم به روش فازهای چهارتایی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

صادقی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود صادقی در سال ۱۳۴۱، در قم به دنیا آمد. وی ضمن تحصیلات حوزوی، تحصیلات خود را در رشته حقوق ادامه داد و با اخذ درجه دکترای حقوق خصوصی، از دانشگاه تربیت مدرس فارغ التحصیل شد. پس از آن از مهر ۱۳۷۹ به عضویت هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس درآمد و هم اکنون نیز به عنوان استادیار این همکاری ادامه دارد. دکتر صادقی مقالاتی حقوقی متعددی را با گرایش به مباحثی چونحقوق مالکیت فکری (Intellectual Property Law)، مطالعه تطبیقی اخلاق زیستی (Bioethics)، حقوق فناوری اطلاعات (IT Law) به رشته تحریر در آورده و در نشریات تخصصی به چاپ رسانده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمود صادقی پس از اتمام تحصیلات دبیرستان، وارد دانشگاه تهران(مجتمع آموزش عالی قم) شد و در سال ۱۳۶۹ لیسانس حقوق قضائی را از این دانشگاه دریافت نمود. پس از آن تحصیلات خود را با گرایش رشته حقوق خصوصی در دانشگاه تربیت مدرس پی گرفت و پس از اخذ کارشناسی ارشد (سال ۱۳۷۲)، به اخذ درجه دکترا (سال ۱۳۷۹) نائل آمد. دکتر صادقی ضمن تحصیلات آکادمیک، تحصیلات حوزوی را نیز تا مقطع خارج فقه و اصول سپری نموده است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمود صادقی علاوه بر تدریس، از سال ۱۳۷۳تا ۱۳۷۵ به عنوان مسئول دفتر حقوقی دانشگاه تربیت مدرس و از سال ۱۳۷۹تا ۱۳۸۰ با سمت مدیرکل فرهنگی دانشگاه تربیت مدرس اشتغال داشته است. او همچنین عضو شورای فرهنگی دانشگاه تربیت مدرس، عضو حقوقدان کمیته نظارت بر نشریات دانشگاهی، عضو کمیته اخلاق پزشکی پژوهشکده ابن سینا و عضو کمیته اخلاق پزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه تربیت مدرس می باشد.

فعالیتهای آموزشی : محمود صادقی از مهر ۱۳۷۹ به عنوان عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس فعالیت خود را آغاز کرد و هم اکنون نیز به عنوان استادیار این همکاری ادامه دارد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمود صادقی مقالاتی حقوقی متعددی را به رشته تحریر در آورده و در نشریات تخصصی به چاپ رسانده است. او همچنین راهنمایی پایان نامه های بسیاری از دانشجویان خود را به عهده داشته که برخی از به شرح زیر می باشد: - حق اختراع با لحاظ موافقتنامه راجع به جنبه های تجاری مالکیت های فکری (TRIPs) . - حقوق علائم تجاری با لحاظ موافقتنامه راجع به جنبه های تجاری مالکیت های فکری (TRIPs). - حمایت از حقوق پدیدآورندگان طرح های صنعتی. - حمایت از حقوق پدیدآورندگان پایگاههای داده. - تأثیر تحولات اجتماعی ، اقتصادی بر حقوق زن با تأکید بر طلاق ، حضانت و اشتغال.

آرا و گرایشهای خاص : تحقیقات و مطالعات محمود صادقی اغلب با گرایش به مسائلی چون حقوق مالکیت فکری (Intellectual Property Law)، مطالعه تطبیقی اخلاق زیستی (Bioethics)، حقوق فناوری اطلاعات (IT Law) بوده است. ---

آثار :

۱ ابعاد حقوقی فناوری اطلاعات (طرح پژوهشی اجراشده برای ، دفتر فناوری اطلاعات ریاست جمهوری، ۱۳۸۱)

۲ حقوق قراردادها در نظام های حقوقی پیش از اسلام (پروژه تحقیقاتی در سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی - در حال اجرا)

۳ قانون حاکم بر اموال منقول در حقوق بین الملل خصوصی ایران.

۴ کتاب تعهد به نفع شخص ثالث در حقوق فرانسه ، انگلیس، ایران و فقه امامیه (در دست انتشار توسط انتشارات امیرکبیر)

۵ مبانی و آثار حقوقی تعهد به نفع شخص ثالث در حقوق فرانسه ، انگلیس و ایران.

۶ مبانی و آثار حقوقی تعهد به نفع شخص ثالث در فقه امامیه (مقاله منتشر شده در مجله علمی پژوهشی مدرس علوم انسانی، دوره ۴، شماره ۴، زمستان ۷۹)

۷ مسئولیت های ورثه نسبت به تعهدات، دیون ، محکومیت ها و دعاوی علیه مورث (مقاله منتشر شده در مجله علمی پژوهشی مدرس علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس ، دوره ۷، شماره ۱، بهار ۸۲)

۸ مطالعه تطبیقی جنبه های اخلاقی اختراعات بیوتکنولوژیکی (طرح پژوهشی در حال اتمام در دانشگاه تربیت مدرس)

۹ مطالعه تطبیقی موجبات طلاق در حقوق ایران و سایر کشورهای اسلامی (پروژه تحقیقاتی اجراشده در مؤسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران - ۱۳۸۰)

۱۰ همانند سازی انسان از نظر ادیان آسمانی و بررسی آن از نظر فقه اسلامی (مقاله ارائه شده به اولین کنگره بین المللی کشورهای اسلامی تیر ۸۳)

صادقی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا مصطفی صادقی ابن علامه الحجهٔ آقای حاج میرزا ابوالحسن عالم طراز اول و روحانی عالیقدر بود.

فقید سعید از خاندان جلیل روحانیت و نواده عالم گرانقدر خاتم المجتهدین مرحوم آیت‌اللَّه حاج ملا محمدصادق قمی یکی از شخصیتهای بزرگ و مشهور تاریخ اسلام و تشیع در قرن اخیر است.

مرحوم آیت‌اللَّه صادقی عمر پربرکت خود را در راه علم و فقاهت و تدریس و تعلیم و معارف اسلامی در حوزه علمیه قم به پایان رسانید. وی نمونه‌ای عالی از روحانیت و تربیت درخشان مکتب اسلام بود. علم و عمل و زهد و پارسائی در وجود شریفش جمع و ناصیه بلندش را هاله‌ای از نور معنویت و قداست فراگرفته بود. آنچنان شخصیتی جذاب و محبوب داشت که خاطره‌اش برای همیشه در دل دوستان و ارادتمندانش باقی خواهد ماند.

آیت‌اللَّه صادقی در سال ۱۳۱۱ قمری در قم به دنیا آمده و پس از تحصیل و تکمیل سطوح مهاجرت به نجف نموده و بعد از انجام تحصیلات عالیه در نجف اشرف در محضر اساتید بزرگ علمی مانند آیت‌اللَّه شریعت اصفهانی و آیت‌اللَّه نائینی و آیت‌اللَّه اصفهانی و آیت‌اللَّه آقای ضیاءالدین عراقی و دریافت اجازات عالیه اجتهاد از آیات عظام مذکور به زادگاه خود شهرستان مذهبی قم مراجعت کرده و سپس بیش از نیم قرن، به تربیت علمی و معنوی و اخلاقی طلاب و دانشجویان معارف اسلامی پرداخت و بسیاری از فضلا و دانشمندان از محضر درسش کسب فیض کردند و مشکلات اجتماعی فراوانی از اهالی قم در مجلس او حل و فصل می‌شد. و معظم له در طول سی سال مرجع مردم شرافتمند قم بوده و اکثر کارهای مذهبی و اجتماعی و سمت قضاوت شرعی در مرافعات و دعاوی اهالی قم به دست ایشان جاری می‌شد فقد سعید، تجسم قطعی اخلاق حسنه تربیت مکتب اسلام بود. برخورد ملایم و چهره پیوسته مهربان و متبسم وی جلوه‌ی صداقت و مظهر پاکی و محبت بود. مقام زهد و کم‌توجهی او به مظاهر فریبنده مادی و قناعت به حداقل معیشت و اجتناب از تجمل، از خصوصیات بارز این روحانی بزرگ است. در طول زندگانی طولانی و سودمندش، هرگز دلی از گفتار و خاطری از رفتارش نرنجید و پیوسته زبان نصیحتش بر طبق موازین «موعظه حسنه» نرمی و جاذبه و نفوذ و متانت را یکجا جمع داشت. زندگانی آیت‌اللَّه فقید در ده سال اخیر در اثر کهولت همراه با کسالت و ناتوانی گشت و همین فرسودگیها بود که رفت و آمد و فعالیتهای اجتماعی او را محدود ساخت. لیکن جلسات تحقیق و تدقیق مسائل فقهی به طور مداوم در منزلشان با حضور جمعی از علما و دانشمندان برگزار می‌گردید.

و بالاخره با کمال تاسف در سحرگاه شنبه دوازدهم خرداد ماه ۱۳۵۸ برابر با هفتم رجب‌المرجب ۱۳۹۹ ق پس از یک دوره بیست روزه بیماری آپاندیس در تهران به جوار رحمت حق‌تعالی پیوست.

جنازه‌ی این روحانی عظیم‌الشأن در میان استقبال و تشییع گروه‌های مختلف از اهالی شهرستان قم و با حضور دانشمندان و فضلاء حوزه علمیه و با شرکت مراجع ارجمند تقلید حضرات آیات عظام گلپایگانی و نجفی مرعشی در گورستان متبرک «شیخان» قم همراه با اندوه فراوان به خاک سپرده شد.

از تاریخ فوت تا چندین روز، جلسات ترحیم از سوی رهبران حوزه علمیه و مراجع تقلید در قم و تهران برگزار شده است.

ضمنا مراسم شب هفت فقید سعید، ساعت ۵ تا ۷ بعد از ظهر پنجشنبه دوازدهم رجب مطابق با هفدهم خرداد در مسجد امام قم برگزار گردیده است.

از باقیات الصالحات آن مرحوم یگانه فرزند برومند آن مرحوم جناب حجت‌الاسلام استاد دکتر علی‌اکبر صادقی است که در سال ۱۳۰۸ شمسی متولد شده است. معظم له پس از پرورش در بیت علم و تقوی و طی دوره تحصیلات جدید به تحصیل علوم دینیه پرداخته و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه داماد و آیت‌اللَّه العظمی صدر (پدر همسر ایشان) و مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی استفاده نموده تا به دریافت اجازه اجتهاد نائل و بنابر تشویق آیت‌اللَّه صدر و آیات دیگر برای خدمت بیشتری در دانشگاه تهران قسمت دانشکده حقوق وارد شده و پس از پایان دوره آن و اخذ گواهی دکترا به عنوان دانشجوی ممتاز در دوره دکتری حقوق فارغ‌التحصیل شده و هم‌اکنون استاد دانشکده در دانشگاه و برخی دانشکده‌های دیگر است که در کنار تدریس برنامه‌های دانشگاهی دانشجویان را با معارف اسلامی و اخلاقی دینی آشنا می‌سازند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

صادقی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی صادقی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

پس از گذراندن تحصیلات دوره راهنمایی و به سال ۱۳۶۲ در مدرسه علمیه امام خمینی (سلطانی) کاشان به تحصیل علوم دینی مشغول شد. مدت کوتاهی در کنار رزمندگان بود و سال ۱۳۶۶ به حوزه قم آمد و در مدرسه عترت آل محمد(ص) به تحصیل ادامه داد. پس از آن در مدرسه آیت الله بروجردی (مدرسه خان) مقیم شد و دروس را در خارج از مدارس ادامه داد. همزمان با

دروس حوزوی، تحصیلات کلاسیک را ادامه داد و پس از آن در سال ۱۳۷۳ به منظور تدریس، به گچساران رفت. پس از مراجعت به قم، خارج فقه و اصول را نزد حضرات آیات فاضل لنکرانی و سبحانی آغاز کرد. همزمان در سال ۱۳۷۴ با شرکت در دورهٔ تربیت محقق و نویسندهٔ تاریخ اسلام که از سوی دفتر تبلیغات حوزه قم برگزار می‌شد، به رشته تاریخ قدم گذاشت و پس از اتمام دوره و تدوین پایان‌نامه آن، استعداد خود را در تألیف و تحقیق در این موضوع یافت. در این سالها به جهت آشنایی با استاد مورخ و محقق رسول جعفریان از طریق گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و با پیشنهاد و همکاری ایشان، فهرست مقالات تاریخی مجلات عربی موجود در کتابخانه تاریخ را جمع آوری و تنظیم کرد. این مجموعه با مقدمه استاد و از سوی پژوهشگاه مذکور با عنوان «فهرس المقالات التاریخیه» در سال ۱۳۸۰ منتشر شد. همزمان با اشتغال به تحصیل و مطالعه تاریخ، در درس خارج فقه و اصول آیت الله مددی که نگاهی تاریخی به دروس حوزوی داشت، شرکت کرد. اثر دوم وی پایان نامه دوره تربیت محقق بود که در پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت (ع) تکمیل و ضمن تغییراتی با عنوان «پیامبر و یهود حجاز» منتشر شد و به سال ۱۳۸۱ در کنگره دین پژوهان مورد تشویق قرار گرفت. در پی انتشار این اثر، پژوهشکده پیشنهاد تحقیق و بررسی علائم تاریخی ظهور را به وی داد که به رغم تردیدها و مشکلات این کار و در اثر تشویق دوستان، به ثمر رسید و کتاب «تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور» منتشر شد. در این زمان به منظور تقویت مباحث مهدویت که در راستای موضوع تحقیقش بود دوره تخصصی مهدویت را نیز گذراند. کتاب نشانه های ظهور، چهار بار مورد لطف و تشویق محافلی چون کتاب سال دانشجویی، ولایت و حوزه قرار گرفت. همکاری با مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی و مشارکت در تولید نرم‌افزار علمی نورالسیره از اشتغالات وی در این دوره بود. همچنین به عنوان نماینده دانش‌پژوهان مرکز تربیت محقق تاریخ، مدتی در کنار اعضای هیئت مؤسسان انجمن تاریخ‌پژوهان در جلسات اولیه آن شرکت داشت. در سال ۱۳۸۳ به دانشگاه امام صادق(ع) تهران راه یافت و درجه کارشناسی ارشد اولین دوره رشته تاریخ تشیع را اخذ کرد. پایان‌نامه وی به تناسب رشته تحصیلی‌اش، تاریخ تشیع کاشان بود که چند ماه پس از دفاع به سال ۱۳۸۶، بخش اعظم آن از سوی مؤسسه شیعه‌شناسی قم با عنوان «کاشان در مسیر تشیع» چاپ شد. پس از آن همکاری وی در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم به شکل رسمی‌تری در آمد و پس از مدتی همکاری، مدیریت گروه تاریخ تشیع پژوهشکده تاریخ و سیره اهل‌بیت (ع) بر عهده او گذاشته شد. تدریس تاریخ اسلام و همکاری علمی و تحقیقی با برخی مراکز تاریخی حوزوی و دانشگاهی، از فعالیت‌های اوست؛ هر چند علاقه اصلی‌اش تحقیق در موضوع سیره ائمه، تاریخ اسلام، حدیث و به ویژه مباحث تاریخی مرتبط با علوم حوزوی است. والحمدلله. .

صادقی، هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی صادقی

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

هادی صادقی در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی در کرمانشاه به دنیا آمد و در همان سال به اتفاق خانواده به تهران هجرت کرد. در رشته ریاضی فیزیک تحصیل کرد اما پس از انقلاب بر اثر گرایش به معارف دینی در رشته الهیات دانشگاه شرکت کرد و در دانشگاه فردوسی مشهد و نیز در اولین دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته مدرسه عالی شهید مطهری پذیرفته شد ، اما تحصیل در حوزه را بر آنها ترجیح داد و در سال ۱۳۶۲ به حوزه علمیه قم رفت و تاکنون مشغول به تحصیل است . دروس مقدمات و سطح حوزوی را در شش سال به پایان رسانید ، حدود هفت سال درس خارج را ادامه داد. وی از سال ۱۳۷۰ تا کنون در رشته کلام جدید به تحصیل و تحقیق اشتغال دارد و دکتری رشته کلام جدید مرکز تربیت مدرس را دارد.

صادقی‌پور، محمدصادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مکانیک، دانشکده: مهندسی مکانیک، دانشگاه: صنعتی شریف

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

صارم السلطنه، محمد صالح

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۳ -۱۲۵۳ ق)، صوفی و شاعر. ملقب به حیران علیشاه. در ماهی‌دشت کرمانشاه به دنیا آمد. در کرمانشاهان زیست و همان جا درگذشت و جنب مقبره محمد تقی مظفر علیشاه دفن شد. صارم السلطنه در سرودن شعر، بویژه غزل، با مضامین عرفانی، مهارت داشت. اثر وی: «کنز العرفان» یا «دیوان» غزلیات.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۵۹ / ۱۸ ،۹۹۹ / ۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵۲۸ / ۳).

صارمی، ابوطالب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده، مترجم و مدرس. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اراک و تهران به پایان رساند. از اوان کودکی به فراگیری زبان فرانسه و انگلیسی پرداخت و پس از چندی بر این دو زبان مسلط شد. در ۱۳۱۴ ش به درجه‌ی افسری نایل گردید. وی مشاغل مختلفی را عهده‌دار بود. از جمله: مترجم دانشگاه جنگ، خدمت در اصل چهار و سازمان همکاری بهداشت در بابلسر و تدریس زبان انگلیسی در دانشکده افسری و دانشکده تکمیلی دانشگاه جنگ، از آثار وی: «آمریکا»، ترجمه؛ «احتراع تلفن»، ترجمه، «اختلافات زبان انگلیسی»؛ «ایده آلیست» یا «یار غائب»؛ «برده‌ی آزادی‌بخش»، ترجمه؛ «چنگیزخان»، ترجمه؛ «راهنمای ترجمه»؛ «روح انسان»، ترجمه؛ «فلسفه علمی»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۴۶۰، ۱۷۶۵، ۱۶۴۱ / ۲ ،۱۱۲۰، ۴۱۰، ۱۳۰، ۱۲۹، ۶۵ -۵۵ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۲ -۱۸۱ / ۱).

صاعد قوچانی، زین‌الدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، شاعر. اهل خبوشان (قوچان) و مدتی کلیددار سلطان محمد خوارزمشاه (۶۱۷ -۵۹۶ ق) بود. از آن جهت که مرد سخاوتمندی بود، لقب حاتم زمان به او دادند. چون رنجور شد از بخارا خبوشان باز گشت و در همان جا درگذشت. وی صاحب «دیوان» شعر بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۳۸۶ -۳۸۵ / ۱)، الذریعه (۴۱۰ / ۹)، صبح گلشن (۲۴۲)، لباب الالباب (۱۴۵ -۱۴۴ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ صاعد خبوشانی)، نتایج الافکار (۴۰۸)، هفت اقلیم (۳۰۶ / ۲).

صاعدای اصفهانی، محمدهاشم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. وی از شاعران نظیره‌ساز است که نظیره‌ای به نام «لیلی و مجنون» تحت تأثیر نظامی سروده است. تنها نسخه‌ی این مثنوی در کتابخانه مجلس موجود است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :منظومه‌های فارسی (۳۶۵ -۳۶۴).

صاعدی اصفهانی، جلال‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۲ ق)، شاعر. وی از خاندان مشهور صاعدیان اصفهان است که در آن شهر سمت پیشوایی دینی یکی از فرق اهل سنت را به عهده داشتند. خواجه جلال‌الدین محمد در سرودن شعر توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۸۴ -۶۸۳)، تذکره‌ی روز روشن (۴۶۰)، فرهنگ سخنوران (۵۳۹).

صاعدی نیشابوری، ابوالعلاء صاعد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۰۶ ق)، خطیب، فقیه، قاضـی و محدث. خطیب نیشابور و قاضی خوارزم بود. از برجستگان خاندان صاعدی است. وی از پدر و جد و سایر نزدیکانش حدیث شـنید. او گرچه بسـیار حدیث شـنیده، اما احادیث کمی را روایت کرده است. او و اعظی شیرین‌بیان بود. نـام وی در «هـدیه العـارفین» تحت عنوان نیشـابوری کرمـانی آمـده است. گفته‌انـد که کتابی در مناقب ابوحنیفه و احادیث وی نوشته است. از دیگر آثارش «الاجناس»، در فروع است که دستجردی، در بغداد، پاره‌ای از آن را روایت کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۱۱)، النجوم الزاهره (۲۰۱ / ۵). هدیه العارفین (۴۲۱ / ۱).

صاعدی نیشابوری، ابوسعید محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۲۷ -۴۴۴ ق)، فقیه، قاضـی و محدث. قاضـی نیشابور و رهبر مذهبی آنجا بود و شـهرت شیخ‌الاسـلام داشت. او از پدرش، قاضـی ابونصـر صاعـدی، و عمویش، یحیی صاعـدی،و عمر بن مسـرور و ابوعثمان صابونی و عبـدالغافر بن محمـد حدیث آموخت و گروه بسیاری از وی حدیث آموختند. در بغداد حدیث گفت و ابن‌ناصر و ابن‌سمعانی و دیگران از وی روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۵۹۱ / ۱۹)، شذرات الذهب (۸۲ / ۴)، العبر (۴۳۱ / ۲)، النجوم الزاهره (۲۴۵ / ۵).

صاعدی نیشابوری، ابونصر احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۸۲ -۴۱۰ ق)، قاضـی و محدث. او را قاضـی القضات و رییس نیشابور می خواندند و به شـیخ الاسلام مشهور و به ابونصر استوایی معروف بود. از کودکی در دامان جدش، قاضـی صاعد، پرورش یافت. حدیث را از جدش، قاضی صاعد، و پدرش، قاضی ابوسعید، و عمویش، قاضی ابوالحسن صاعدی، و قاضی ابوبکر حیری و ابوسعید صیرفی و ابوزکریا مزکی و ابوالحسن بن عبدان فرا گرفت. او مجـالس املای حـدیث داشت و زاهر شـحامی و وجیه شـحامی و عبـدالله بن فراوی خوارزمی و عبـدالخالق بن زاهر از شاگردان وی بودنـد. وی در زمان سـلجوقیان به صورت بزرگترین رهبر دینی شـهر خویش درآمد. ابونصـر صاعدی پس از یک بیماری سـخت و کوتاه درگذشت و در نیشابور به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۸ -۷ / ۱۹)، شذرات الذهب (۳۶۶ / ۳)، العبر (۳۴۴ / ۲)، الکامل (۱۵۲/ ۸)، النجوم الزاهره (۱۲۷ / ۵).

صافی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شـاعر، متخلص به صـافی. از بزرگـان منطقه‌ی کـوه صـاف بـود و از معاصـران امیر علیشـیر نـوایی (م ۹۰۶ ق). وی در شاعری از سبک خواجه حافظ شیرازی پیروی می‌کرد. ترجمه‌ی منظومی از «شاهنامه» به زبان ترکی به وی منتسب است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۶۱)، الذریعه (۵۸۴ -۵۸۳ / ۹)، لغت‌نامه (ذیل/ صافی)، مجالس النفائس (۲۵۵، ۸۰ -۷۹).

صافی اصفهانی، جعفر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۱۹ ق)، شاعر، متخلص به صافی. وی از سادات اصـفهان بود و غالب اوقات به غزلسرایی که شیوه‌ی خاص متأخرین اسـت اشـتغال داشـت. او مـدت ده سـال از عمر خـود را صـرف کتـاب «شـهنشاه نـامه» کرد که در مـورد معجزات و آثـار سیدالمرسـلین و جنگهای امیرالمومنین (ع) است. نسـخه‌ای از آن را نیز به فتحعلی شاه تقدیم کرد.وی را در مقبره‌ی میرابوالقاسم فندرسـکی به خاک سپردند. از دیگر آثارش: مثنوی «گلشن خیال»؛ «دیوان» شعر؛ «زبده الانساب»، در انساب سادات مرعشیه.[۱]

(بخش ۱) اصفهانی میرزا جعفر شاعر ایرانی (ف. اصفهان ۱۲۱۹ ه.ق.) وی از سادات بلند پایه‌ی اصفهان و مردی خوشخو و شاعری

شیرین زبان بود و غالبا غزلسرایی میکرد. او در پایان عمر منظومه‌ای به نام «شهنشاه‌نامه» در احوال و شرح جنگهای رسول ص و علی ۴ سروده و ده سال در آن رنج برد و آن را به فتحعلی شاه هدیه کرد، و نیز مثنوی به نام «گلشن خیال» دارد. جسد او را در مقبره میرابوالقاسم فندرسکی دفن کردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ارمغان (س ۷، ش ۲ و ۳، ص ۱۰۰)، ایضاح المکنون (۶۱ / ۲)، حدیقه الشعراء (۹۶۶ -۹۶۳/ ۲)، الذریعه (۲۲۶ / ۱۸ ،۵۸۴ / ۹)، ریحانه (۴۱۰ -۴۰۹ / ۳)، سفینه المحمود (۴۳۸ -۴۳۴ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۵۴۰)، لغت‌نامه (ذیل/ صافی اصفهانی)، مجمع الفصحا (۶۸۸ -۶۷۳ / ۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۱۶ -۲۱۱۴)، مکارم الآثار (۶۵۶ -۶۵۴ / ۳)، نگارستان دارا (۲۲۱ - ۲۲۰).

صافی اصفهانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر، متخلص به صافی. وی در دوره‌ی دوم انجمن ادبی شیدا شرکت می کرد و اشعارش در مجله‌ی دانشکده چاپ می‌شد. از اوست:

بنگر دلا که عمر عزیزت چسان گذشت

گاهی به رنج و غصه، گهی شادمان گذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۳۰۱ -۳۰۰)، الذریعه (۵۸۴ / ۹).

صافی اصفهانی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ محمد حسن صافی اصفهانی از علماء و مدرسین و چهره‌های درخشان علمی معاصر اصفهانند. تولد ایشان در اصفهان شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات به قم آمده و چندی اقامت و سطوح را از مدرسین حوزه آموخته آنگاه در عصر آیت‌اللّه العظمی بروجردی مهاجرت به نجف اشرف نموده و در آنجا کفایه را سطحا و خارجا از مرحوم آیت‌اللّه...حاج شیخ عبدالحسین رشتی شاگرد مبرز مرحوم آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و آیات عظام دیگر استفاده نموده و خود به تدریس سطوح عالی و گفتن درس خارج فقه و اصول پرداخته و عده‌ای از افاضل مانند حجهٔالاسلام والمسلمین حاج سید عبدالعلی تقوی شیرازی معاصر تهران از دروس سطح و خارجش استفاده نموده تا در حادثه اخیر عراق و فشار دولت بعث به ایرانیان مقیم و اتباع خارجه مجبور به مراجعت و در اصفهان رحل اقامت افکند و به تدریس خارج و اقامه جماعت و نشر معارف و حقایق دینی اشتغال یافت.

شیخ حسن صافی فرزند آقا نصراللّه متولد ۱۲۹۸ شمسی در قم از آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی و آیت‌اللّه العظمی خمینی و در نجف از آیات عظام حاج شیخ کاظم شیرازی و حاج شیخ محمدعلی خراسانی و حاج سید عبدالهادی شیرازی و حاج سید محسن حکیم و بیشتر آیت‌اللّه العظمی خوئی استفاده نمود سپس به اصفهان بازگشت و سالها به تدریج خارج فقه و اصول اشتغال داشت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

صافی تبریزی، کریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۸ ق)، شاعر. از خانواده‌ی حاج جعفر دایی بود. مجموعه‌ی شعر وی موسوم به «گنجینه‌ی حسینی»، در تبریز مکرر به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۲۱۴)، الذریعه (۲۴۶ / ۱۸ ،۵۸۴ / ۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸ / ۵).

صافی توزپوش هروی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر. از شاعران هرات بود و با امیر علیشیر نوایی (م ۹۰۶ ق) معاصر. از اوست:

ز شوق تنگ دهانی دم از عدم زده‌ام

به لوح هستی خود نیستی رقم زده‌ام

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۶۲ -۴۶۱)، الذریعه (۵۸۵ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۴۰)، لغت‌نامه (ذیل/ صافی توزپوش)، مجالس النفائس (۱۵۲).

صافی خراسانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از شاعران و امیران کرمان بود. به آورده‌ی تذکره‌های در بم به دنیا آمد و پس از نشوونما به خراسان رفت و در آنجا ساکن شد او در سخنوری مهارت داشت و در سرودن شعر توانا بود. میر صفای در فتنه ازبکان کشته شد. از اوست:

شهی که از اثر عدل اوست تیغ اجل

برون ز تهمت خون ریختن که چو تیغ جبال

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۶۹)، الذریعه (۵۸۵ / ۹)، صبح گلشن (۲۴۳)، فرهنگ سخنوران (۵۴۰)، لغت‌نامه (ذیل/ صافی)، هفت اقلیم (۲۸۳ / ۱).

صافی کازرونی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. در اصل اهل کازرون بود، اما چون بیشتر در شیراز به سر برده به شیرازی هم شهرت یافته است. صافی در اصفهان به تحصیل مشغول شد و بعد از مدتی به هندوستان رفت و در خدمت جعفرخان (م ۱۰۸۱ ق) به سر برد. اشعار اندکی از وی در تذکره‌ها نقل شده است. در «صبح گلشن» و «دانشمندان آذربایجان»او را به خطا با نسبت تبریزی ذکر کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۶۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۸۸ -۳۸۷)، دانشمندان آذربایجان (۲۱۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس ۴۲۰ -۴۱۹ / ۳ / ۰)، الذریعه (۵۸۵ / ۹)، صبح گلشن (۲۴۳ -۲۴۲)، کاروان هند (۶۷۸ -۶۷۷ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ صافی)، مرآت الفصاحه (۳۴۵).

صافی گلپایگانی، لطف‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم و پانزدهم ق)، عالم دینی و نویسنده. در گلپایگان به دنیا آمد و پس از طی مقدمات و ادبیات به قم مهاجرت نمود و از محضر آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله گلپایگانی در فقه و اصول استفاده نمود. آن‌گاه به همراه پدر در ۱۳۶۶ ق به نجف مشرف شد. وی از اساتید حوزه‌ی علمیه قم و داماد آیت‌الله گلپایگانی است. از آثارش: «منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر»، در اثبات وجود حضرت امام زمان (عج)؛ «شهید آگاه»، رد بر «کتب شهید جاوید»؛ «ماه رمضان یا روش تربیت و اخلاق».[۱]

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج‌آقا لطف‌الله صافی بن العلامه البارع الحاج شیخ محمدجواد گلپایگانی مذکور از افاضل دانشمندان حوزه علمیه قم و داماد معظم آیت‌الله العظمی گلپایگانی است.

تولدش در گلپایگان واقع شده و پس از طی مقدمات و ادبیات به قم مهاجرت نموده و از محضر آیات عظام و مدرسین کرام و بالاخص آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله گلپایگانی فقها و اصولا استفاده نموده و مانند برادر ارجمندش حجه‌الاسلام آقای حاج‌آقا علی صافی به مدارج عالیه علم و کمال رسیده و مورد نظر مخصوص مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی واقع شده و اثرات نفیس و ارزنده‌ای از خود منتشر نموده است:

۱- منتخب‌الاثر در اثبات وجود حضرت امام ثانی‌عشر حجه بن الحسن ارواحنا له الفداء و عجل‌الله فرجه الشریف که مورد نظر و توجه مخصوص آیت‌الله بروجردی واقع و به امر آن جناب به طبع رسیده.

۲- شهید آگاه رد بر کتاب شهید جاوید.

۳- ماه رمضان یا روش تربیت و اخلاق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۶۷ / ۲۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۳۲ -۳۳۱ / ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۸۹ / ۲).

صافی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج‌آقا علی بن العلامه الورع الحاج شیخ محمد جواد گلپایگانی از علماء اعلام و مدرسین با کمال حوزه علمیه قم می‌باشد، در سال ۱۳۳۲ ق در گلپایگان متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات را نزد والد مرحوم خود به قم مهاجرت نموده و سطوح را خدمت مرحوم آیت‌الله میرزا محمد همدانی طاب ثراه استفاده کرده و پس از اکمال آن به درس مرحوم آیت‌الله حجت مدت ۱۶ سال حاضر شده و در میان تلامذه آن مرحوم مشار بالبنان گردیده و نیز از محضر مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدتقی خونساری و پس از آنها آیت‌الله العظمی بروجردی و بعد از وی منحصرا از آیت‌الله العظمی گلپایگانی استفاده کرده و می‌نماید. از آثار اوست: جزوات تقریرات درس مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله بروجردی و غیره.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

صافی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صافی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۶ در شهرستان قم در خانواده ای مذهبی و روحانی متولد شدم. بعد از تحصیلات متوسطه در سال ۷۳ وارد حوزه شدم از سال ۷۱ شروع به حفظ قرآن کردم در سال ۷۸ بیش از ۲۸ جزء را حفظ کردم و بهمین دلیل بیشتر فعّالیتها در زمینه حفظ قرآن و تربیت حافظ بوده در مراکزی مثل مهد قرآن و مجتمع های فرهنگی و سازمان تبلیغات. در سال ۸۱ با آشنایی با جامعه القرآن الکریم قم بعنوان مسئول شعبه ازنا چهارده ماه در این شهرستان مشغول به تربیت حافظ بوده و زمینه یک مقالات رمزگردانی آیات مشابه فراهم شد و بعد از بازگشت به قم با انتشار آن مقالات در نشریه که هنوز ادامه دارد در دوره های تربیت مربی جامعه القرآن بعنوان مدرس رمزگردانی مشغول بوده و با اصرار جامعه القرآن الکریم انشاء الله تبدیل به کتاب خواهد شد.

صافی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدجواد ملقب به صافی ابن ملا عباس گلپایگانی عالمی فقیه و مصنفی ادیب و فاضلی جلیل از حسنات معاصر ما بوده‌اند. ایشان در ۱۲۸۸ در گلپایگان متولد شده و پس از پرورش در سال ۱۳۰۵ قمری به اصفهان مهاجرت و از محضر حکیم قشقائی میرزا جهانگیر خان و میرزا بدیع درب امامی و میرزا محمدعلی توسرگانی و سید محمدباقر درچهی و آقانجفی اصفهانی و غیرهم حدود ده سال استفاده نموده و در سال ۱۳۱۶ ق به گلپایگان مراجعت و به تدریس و تصنیف و سایر امور پرداخته تا به رحمت حق پیوسته است

از آثار اوست (گنجینه گهر) و (گنج عرفان) و (مصباح‌الفلاح) و (نفایس‌الوفان) و غیره و از باقیات الصالحات است دو فرزند دانشمند و بزرگوارش بنام آیت‌اللّه حاج آقا علی صافی که از مدرسین بزرگ حوزه علمیه و ۲ حجهٔ‌الاسلام والمسلمین حاج آقا لطف‌اللّه صافی صاحب (منتخب‌الاثر) و تالیفات دیگر که در ج ۲ ص ۱۸۸ و ۱۸۹ گنجینه ایشان را یاد نمودیم

حجهٔ‌الاسلام آشیخ محمدحسن بن ملا محمدحسین گلپایگانی عالمی فقیه و پارسائی متقی از شاگردان آقا نجفی اصفهانی و غیره بوده و در حدود ۱۳۱۵ وفات نمود

(تو ۱۳۶۸ –۱۲۸۸ ق)، عالم، فقیه، ادیب و شاعر. در گلپایگان به دنیا آمد و در همان شهر نشوونما یافت. در حدود ۱۳۰۵ ق به اصفهان رفت و در محضر درس حکیم معروف، میرزا جهانگیرخان قشقایی، و میرزا بدیع درب امامی و میرزا محمد علی تویسرکانی و سید محمد باقر درچه‌ای و آقا نجفی اصفهانی و برادرانش، آقا نورالله و ثقه‌الاسلام، حاضر شد و حدود ده سال در آن شهر به کسب علم پرداخت. او همچنین در تهران نزد شیخ فضل‌الله نوری تلمذ کرد. در ۱۳۱۶ ق به گلپایگان بازگشت و به تدریس و تصنیف و سایر امور دینی پرداخت. وی در قم مدفون است. از آثار منظوم و منثور وی: «گنجینه‌ی گهر» یا سخنان پیغمبر (ص)، شعر؛ «گنج عرفان» یا سخنان امیر مومنان (ع)؛ «مصباح الفلاح و مفتاح النجاح»؛ «نفایس العرفان»؛ «دیوان» شعر، حدود پانزده هزار بیت؛ «صافی نامه» یا «فیض ایزدی»، در پاسخ احمدی؛ «بشارت میلادیه»؛ «اشعار شیوا»، در رد باب و بها؛ «گنج دانش»، پندنامه، شعر.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۴۱ / ۲۴، ۱۱۶ / ۲۱، ۲۳۹ / ۱۸، ۵ / ۱۵، ۵۸۵ / ۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۳۲ –۳۳۱ / ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۲۲ –۴۲۱ / ۶)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲۱ / ۲).

صافیان اصفهانی، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد صافیان اصفهانی در سال ۱۳۴۲ در اصفهان بدنیا آمد. ایشان تحصیلات دانشگاهی را در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه تهران در رشته فلسفه ادامه داده است.وی هم اکنون عضو هیئت علمی گروه فسفه دانشگاه اصفهان می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

گرایش : فلسفه غرب

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدجواد صافیان تحصیلاتش را تا دیپلم متوسطه در شهر اصفهان به انجام رسانده و تحصیلات دانشگاهی در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه تهران در رشته فلسفه ادامه داده است. عنوان پایان‌نامه‌ی وی، «هنر نزد ارسطو، کانت و هایدگر» بوده که استاد راهنمایش، رضا داوری اردکانی بوده است

استادان و مربیان : استاد راهنمای دوره دکترای محمد جواد صافیان اصفهانی ، رضا داوری اردکانی بوده است.از دیگر اساتیدی که در زندگی علمی ایاشن تاثیر گذار بوده اند عبارت اند از : دکتر محسن جهانگیری،دکتر کریم مجتهدی،مرحوم دکتر جلال الدین مجتبوی،دکتر غلامحسین دنیانی،مرحوم اعتماد عباس معارف،دکتر غلامعلی حداد عادل

هم دوره ای ها و همکاران : همدوره ایها :دکتر محمد رضا حسینی بهشتیفدکتر حمید طالب زاده،دکتر آیت اللهی،دکتر شاقول و دکتر شیخ شعاعی همکاران گروه : دکتر محمد علی اژه ای،دکتر مهدی دهباشی،دکتر فتحعلی اکبری،دکتر کرباسی زاده

همسر و فرزندان : دکتر محمد جواد صافیان اصفهانی متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم الهام حاجی غلامی می باشد. ایشان دارای مدرک کارشناسی فلسه است. وی دارای دو فرزند دختر بنامهای سارا(دانش آموز مقطع متوسطه) و زهرا (دانش آموز دوره ابتدایی) می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد جواد صافیان اصفهانی به مدت دو دوره مدیریت گروه فلسفه دانشگاه اصفهان را برعهده داشته است. وی همچنین در گروه تخصصی فلسفه و حکمت فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران عضویت دارد.

فعالیتهای آموزشی : از سوابق آموزشی محمد جواد صافیان اصفهانی می توان به تدریس در دانشگاه اصفهان در رشته فلسفه از سال ۱۳۶۹ تا کنون اشاره کرد.ایشان همچنین در دانشگاه های پیام نور و دانشگاه آزاد اسلامی هم به امر تدریس می پردازند. -------
----

آثار :

۱ عالم مثال و خیال در حکمت ملاصدرا

ویژگی اثر : عالم مثال و خیال در حکمت ملاصدرا» به دنبال خیال و عالم مثال در آثار ملاصدرا – فیلسوف مسلمان – است. ملاصدرا در بسیاری از آثار خویش به بحث از خیال پرداخته و به‌طور کلی، خیال در آثار او از سه جهت، مورد نظر قرار گرفته است. به گفته‌ی صافیان، ملاصدرا از سویی خیال را به عنوان مرتبه‌ای از ادراک که بین حس و عقل قرار دارد، می‌داند و همچنین قایل به جنبه‌ی هستی‌شناختی خیال نیزهست، و در مرحله‌ای دیگر به وجه انسان‌شناسانه‌ی خیال نظر دارد. این اثر هم‌اکنون در مراحل پایانی ویرایش است.

۲ فلسفه‌ی هنر هایدگر

ویژگی اثر : کتاب «فلسفه‌ی هنر هایدگر» به تبیین و بررسی اجمالی نظر هایدگر درباره‌ی هنر می‌پردازد و از جمله سرفصل‌های آن به «کلیاتی در باب اندیشه‌ی هایدگر»، «نقد هایدگر بر زیبایی‌شناسی»، «روش پدیدارشناسی – هرمنوتیک در تأمل بر هنر»، «هنر و حقیقت؛ ذات حقیقت»، «سرآغاز کار هنری چیست؟» و «تفکر شاعرانه؛ ذات شعر» می‌توان اشاره کرد. .این کتاب به سفارش انتشارات علمی – فرهنگی در ۱۲۰ صفحه در دست تألیف است.

۳ مابعدالطبیعه چیست؟

ویژگی اثر : اثر مارتین هایدگر (ترجمه) ۱۳۷۳ این کتاب در عین اختصار از آثار مهم و کیلیدی هادیگر است. و از اولین اثر هدیگر می باشد که به فارسی ترجمه شده است.ترجمه فرانسوی آن توسط هانری کرین صورت گرفته است از اولین آثار ترجمه شده به زبان فرانسه است.

۴ هنر و هایدگر

ویژگی اثر : اثر جوزف کوکلمانس (ترجمه)۱۳۸۲.این کتاب در شرح فلسفه هادیگر است.شرحی است روان و در عین حال معتبر. این کتاب از منابع درسی دوره تخصصی دکترا و کارشناسی ارشد رشته فلسفه هنر در دانشگاههای مختلف کشور می باشد.

صالح آبادی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین صالح آبادی

محل تولد : حکم آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب متولد سال ۱۳۴۷هستم .دوران دبستان رادر روستای محل تولد وراهنمائی رادر شهرستان سبزوار گذراندم و از سال تحصیلی ۶۳-۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و پایه ۱-۶را در مدارس المهدی ومهدی موعود گذراندم و درسال ۱۳۷۵امتحانات کتبی وشفاهی دوره سطح را تمام نمودم .پس از این اتمام سطح در درس خارج حضرات آیات مکارم و سبحانی و جوادی آملی شرکت کردم . همچنین درسال ۱۳۷۶دوره کارشناسی حقوق را در دانشگاه پردیس قم (مجتمع عالی سابق قم) به اتمام رساندم .از سال ۱۳۷۵د رمراکزعلمی پژوهشی همچون مجله فقه اهل بیت ودفتر تحقیقاتی یاسین همکاری کردم و از سال ۱۳۷۶ تا کنون با موسسه فرهنگی دارالحدیث بخش موسوعه نگاری همکاری می نمایم .بخش عمده کارهای علمی انجام شده در این مرکز به صورت گروهی است و به مرور در قالب موسوعه میزان الحکمه جدید و موسوعه امام حسین (ع) وموسوعه امام مهدی (ع)چاپ خواهد شد

.

صالح خراسانی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر، متخلص به صالح. وی از شاعران خراسان بود که مدتی رد ولایت حصار شادمان بلخ زیست و به پیشه‌ی کتابداری حاکم آن سامان مشغول بود. صالح عالوه بر مهارت در سرودن شعر، در علم عروض و دیگر صنایع شعری توانایی داشت و امیر علیشیر نوایی (م ۹۰۶ ق) او را ستوده است. در تذکره‌ی «مجالس النفائس» نام او یکبار تحت عنوان صالح و بار دیگر تحت عنوان صالحی آمده و به تبع آن در «فرهنگ سخنوران» ذیل صالحی ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۸۸ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۴۴)، لغت‌نامه (ذیل/ صالح)، مجالس النفائس (۲۹۰ ،۱۱۸).

صالح راستین، ناهید

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: خاک‌شناسی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

صالح شیرازی، محمد صالح

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف قبل از ۱۰۸۳ ق)، شاعر، متخلص به صالح. از شاعران شیراز است که پس از فراگیری علوم مقدماتی به اصفهان رفت و در آن سامان به پیشه‌ی زرکشی اشتغال یافت. آقا محمد صالح در سرودن شعر نیز مهارت داشت و اشعاری چند از وی به جای مانده است. در تذکره‌ی نصرآبادی (تألیف شده ۱۰۸۳ ق) آمده است که او در اصفهان وفات یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۶۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۲۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۲۱ -۴۲۰ / ۳)، الذریعه (۵۸۸ / ۹)، مرآت الفصاحه (۳۴۷ -۳۴۶).

صالح علیشاه گنابادی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۶ -۱۳۰۸ ق)، صوفی، شاعر و نیکوکار. در بیدخت گناباد به دنیا آمد و نزد استادان آنجا به تحصیل ادبیات فارسی پرداخت. بعد نزد پدر و جد خود کسب فضایل صوری و معنوی نمود و مدتی نیز در اصفهان تحصیل کرد. پس از تحصیلات صوری، نزد پدر علوم معنوی و روحی را فرا گرفت و به ریاضیات مشغول شد. در ۱۳۲۹ ق از جانب پدر به صالح علیشاه ملقب گردید و پس از فوت پدر جانشین وی و قطب سلسله‌ی نعمت‌اللهی شد و در بیدخت گناباد خراسان مقیم گردید. صالح علیشاه نوه‌ی حاج ملا سلطان محمد، معروف به سلطان علیشاه، بود. از آثار خیریه وی: احداث قنات صالحیه، و نیز آب انبار بزرگ و رختشوی خانه و غیره که به همت و مساعی وی در بیدخت ساخته شده است. از آثار قلمی وی «پند صالح»؛ «نامه‌های صالح» می‌باشند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۷۸ -۱۷۷ / ۴)، شرح حال رجال (۲۳۲ / ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۶۲۳ / ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۴)، مولفین کتب چاپی (۶۰۳ -۶۰۲ / ۲).

صالح کاشانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از شاعران کاشان است که با شجاع کاشانی (م ۹۸۱ ق) و غضنفر کاشانی مصاحبت و مشاعره داشت. از ایران به هندوستان سفر کرد و در لاهور درگذشت. در تذکره‌ی «شعرا پنجاب» از او به عنوان صالح لاهوری و در «هفت اقلیم» به عنوان صانعی نام برده شده است. از اوست:

نشنود هیچ کسی نام جدایی یا رب

این سخن گوشزد هیچ مسلمان نشود

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای پنجاب (۲۱۸)، الذریعه (۵۸۹ / ۹)، صبح گلشن (۲۴۳)، فرهنگ سخنوران (۵۴۳)، کاروان هند (۶۸۵ / ۱)، هفت اقلیم (۴۷۹ -۴۷۸ / ۲).

صالح مفتی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، دانشمند و شاعر. وی از دانشمندان ماوراءالنهر و از پیروان مسلک جبریه بود. مولانا صالح علوم دینی را درس می‌گفت و اقسام شعر، از جمله غزل و ماده تاریخ را نیکو می‌سرود. وی با عبیدالله‌خان ازبک (م ۹۴۶ ق) معاصر بود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۳۲).

صالح منشی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی برادرزاده‌ی اسکندر بیگ، مؤلف «تاریخ عالم‌آرای عباسی»، است. مدتی وزیر لاهیجان و مدتی هم وزیر ساروتقی (م ۱۰۵۵ ق) از وزرا و رجال عهد صفوی، بود. صالح منشی بیشتر اوقات خود را با شاعران می‌گذراند و خود نیز شعر می‌سرود. وی همچنین در خط نستعلیق و شفیعا ماهر بود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۶۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۷۹)، الذریعه (۵۸۹ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۴۳).

صالح وزیری، محمد صالح

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، از شاعران عهد صفویه و از معاصران صادقی کتابدار (م ۱۰۱۸ ق) است که به قول وی طبع شعر خوبی داشت و بسیار زیبا شعر می‌سرود. از اوست:

چه طعنه‌ها که ز اغیار می‌کشم هر دم

چنین دلیری اغیار بی‌حمایت نیست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۸۶ / ۹)، مجمع الخواص (۷۲ -۷۱).

صالح، جهانشاه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۳ ش)، پزشگ، استاد دانشگاه و نویسنده. تحصیلات ابتدایی و زبان فرانسه و انگلیسی ردر زادگاه خود کاشان و تحصیلات متوسطه را در کالج آمریکایی تهران به پایان رساند. او تحصیلات عالی را در آمریکا دنبال کرد و موفق به اخذ درجه‌ی دکتری در پزشکی شد و پس از آن به ایران آمد و عهده‌دار مشاغل مختلفی از جمله. تدریس تشریح، ریاست بیمارستان وزیری، ریاست آموزشگاه مامایی، استاد کرسی بیماریهای زنان ریاست دانشگاه تهران و وزارت بهداری شد. از جمله خدماتی که وی در زمان ریاست دانشگاه انجام داد تأسیس کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه و تغییر سیستم آموزشی دانشگاه از فرانسوی به آمریکایی بود. از آثار وی: «بیماریهایی زنان»؛ «سخنرانیهای هئیت اعزامی سازمان بهداشت در دانشکده‌ی پزشکی»، ترجمه؛ «گزارش سه ساله‌ی سوم ریاست دانشکده‌ی پزشکی»؛ «بیماریهای زنان و پیشرفتهای علمی نوین».[1]

فرزند سید حسن مبصرالممالک، متولد ۱۲۸۳ ش در کاشان است. تحصیلات ابتدائی را در کاشان و تحصیلات متوسطه را در کالج آمریکائی انجام داد و سپس برای ادامه‌ی تحصیل عازم آمریکا شد و ابتدا درجه‌ی لیسانس علوم از دانشگاه سیراکیوز گرفت و وارد دانشکده پزشکی گردید و درجه‌ی دکترا نیز از همان دانشگاه با تخصص امراض زنان دریافت کرد و چندین سال در آمریکا به طبابت مشغول بود.

پس از ورود به ایران، به دانشیاری و استادی دانشکده‌ی پزشکی منصوب شد و سرانجام به استادی کرسی بیماریهای زنان رسید. مدتی هم ریاست بیمارستان وزیری و ریاست بخش جراحی بیمارستان زنان و ریاست آموزشگاه مامائی با او بود .

در ۱۳۲۶ با رای استادان به ریاست دانشکده‌ی پزشکی منصوب گردید. در ۱۳۲۹ در کابینه‌ی سپهبد رزم‌آرا به سمت وزیر بهداری تعیین شد، و تا پایان حکومت رزم‌آرا تا اسفند ۱۳۲۹ وزیر بهداری بود. در ۱۳۳۲ در کابینه‌ی سپهبد زاهدی برای بار دوم به وزارت بهداری معرفی شد و تا سقوط کابینه در آن سمت باقی ماند.

در ۱۳۳۴ که علاء مامور تشکیل کابینه گردید، دکتر جهانشاه صالح را در سمت وزارت بهداری تثبیت نمود. در شهریور ۱۳۳۹ مهندس جعفر شریف‌امامی رئیس دولت وقت، وزارت بهداری را به عهده‌ی دکتر جهانشاه صالح قرار داد و در ترمیم همان کابینه، صالح وزیر فرهنگ شد.

در ۱۳۴۴ به ریاست دانشگاه تهران و رئیس دانشکده‌ی پزشکی انتخاب گردید ولی در این سمت دوام زیادی نکرد و از کار کناره‌گیری نمود و به مقام سناتوری رسید.

صاحب تالیفات متعددی در رشته‌ی تخصصی خود می‌باشد که غالب آنها در دانشگاه تدریس می‌شود. وی در زمان وزارت بهداری، قانون منع کشت خشخاش را به تصویب رسانید. ولی نسبت به ترک اعتیاد معتادان فکری نکرد. بازار قاچاق تریاک رواج یافت و سیل این سم مهلک از کشورهای مجاور در مقابل طلا و فرش سرازیر گردید و در نتیجه عده‌ای قاچاقچی به ثروتهای کلان دست یافتند. برخلاف برادر اکبر و ارشد خود اللهیار صالح، نسبت به پهلوی سرسپردگی داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] چهره‌های آشنا (۳۵۴ -۳۵۲)، روزشمار تاریخ ایران (۲۱۴، ۲۱۰، ۱۵۵، ۱۱۹، ۱۱۳، ۶۸، ۵۱، ۳۵، ۱۱ / ۲)، زندگینامه‌ی مشاهیر رجال پزشکی معاصر (۲۱۶ -۱۵۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۲۲، ۱۹۴۷ / ۲، ۵۶۷ / ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴۱ -۴۴۰ / ۲).

صالح، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محسن صالح

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۳در شهر قم به دنیا آمدم سال ۱۳۵۷به تهران رفته تحصیلات ابتدایی را در مدرسه فلق شهرستان شمیرانات و دوران راهنمایی را در مدرسه مهدی و دوران متوسطه را در هنرستان فنی فیضیه در رشته راه و ساختمان به پایان رساندم.پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه ملا محمد جعفر معروف به مدرسه علميّه آیت الله مجتهدی شده و مدّت دو سال در آنجا دروس مقدماتی را فرا گرفتم.

همزمان با ورود به حوزه در سال ۷۲ وارد دانشگاه شده دررشته الهیات ادامه تحصیل دادم. با ورود به دانشگاه نشریه معراج قلم را در بسیج دانشجویی منتشر کرده به صورت سراسری در سطح دانشگاه های کشور توزیع شد. سال ۷۳ به حوزه علمیّه قم وارد شده دروس مقدماتی را ادامه دادم. در سال ۱۳۷۴اولین مقاله خودم را قلمی نمودم . آن زمان در حالی که مشغول به تحصیل کتاب مغنی بودم با مرحوم دکتر محمّد حسین روحانی مناظره مطبوعاتی انجام داده پیرامون آیاتی از قرآن کریم مباحثه مکتوب انجام دادیم. حاصل این نقد و پاسخهای آن در فصلنامه بینات به چاپ رسید. چاپ این نوشتار سر آغازی میمون و مبارک در امر نویسندگی و پژوهش بود و از آن زمان تا به امروز مقالات و کتب متعددی را به زیور طبع آراسته ام. پس از پایان دروس مقدّمات بخشی از رسائل و مکاسب را از محضر آیت الله رسولی تهرانی وبخشی را نزد آیت الله موسوی خوئی فرا گرفتم. کفایه را از درس حضرت حجّت الاسلام و المسلمین سیّد احمد خاتمی و شرح اشارات را از محضرحجّت الاسلام و المسلمین فیاضی و نیز شرح اسفاررا از محضر ایشان استفاده نمودم. پس از اتمام دوره سطح دردرس فقه حضرت آیت الله جوادی آملی و حضرت آیت الله میرزا جواد آقا تبریزی و درس اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت کردم.

ازهمان سالهای نخست طلبگی به واسطه شدت علاقه ای که به حضرت آیت الله جوادی آملی داشتم به صورت مداوم در درس تفسیر ایشان شرکت کرده بیش از هزار نوار درس ایشان را پیاده و تایپ کردم. هم اینک نیز به عنوان کارشناس مسائل سیاسی و تاریخی در جامعه مدرسین حوزه علمیّه قم مشغول به فعّالیّت بوده در کنار آن نیز مشغول دروس خارج فقه و اصول می باشم.

صالحای زواره‌ای اردستانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۶۵ ق)، شاعر. در زواره دیده به جهان گشود. صالحا از شاعران دربار شاه عباس ثانی است که در پایان عمر به هندوستان مهاجرت کرد و در حیدرآباد مسکن گزید و همان جا نیز درگذشت. نوشته‌اند که وی در «مثوی» گویی ثانی نداشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :صبح گلشن (۲۴۴)، فرهنگ سخنوران (۵۴۳)، کاروان هند (۶۸۶ -۶۸۵ / ۱).

صالح‌پور، بهروز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فیزیک از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد فیزیک از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۶، کارشناسی ارشد مهندسی نقشه‌برداری از سازمان نقشه‌برداری کشور در سال ۶۴۳۱، MSC فیزیک و تکنولوژی رآکتورهای هسته‌ای از دانشگاه بیرمینگام انگلستان در سال ۱۳۵۶ و دکترای فیزیک و علم مواد (اثر تشعشعات روی مواد) از دانشگاه بیرمینگام انگلستان در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه روی سایش مواد از نظر ریز ساختمانی، مطالعه روی سیم‌های برق‌رسانی فشار بالا از نقطه نظر تغییر مقاومت و اثر تنش‌های مکانیکی و حرارتی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بررسی خواص ناشی از رفتار الکترون که از دیدگاه فیزیک کلاسیک و کوانتومی بطور فشرده برای استفاده رشته‌های مهندسی نوشته شده است، تست‌های غیر مخرب مواد و قطعات در صنعت.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

اثر تشعشعات و بمباران یونی و الکترونی روی مواد سرامیک از جمله NiO، مطالعه خواص و ویژگی‌های ریز ساختمانی برخی مواد سرامیکی با استفاده از الکترون میکروسکوپ عبوری TEM و روش SEM.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

صالحپور، قدرت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قدرت الله صالحپور

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

زندگی نامه اینجانب مدت ۵۰ سال به عنوان واعظ شهیر شهر در مجالس و مراسم عزاداری سرور و سالار شهیدان عزاداری کرده ام و افتخارم این است که توانسته ام عمرم را در این راه سپری می کنم از طرف دانشگاه های اصفهان و تهران و مراکز حوزه ی علمیه های قم و اصفهان و دانشگاه های آزاد شهرضا، مجلسی، دهاقان، پیشنهادهایی برای تدریس ارائه شد که اینجانب منبر را بر تدریس ترجیح دادم بنابراین زندگینامه اینجانب وقف حسین بن علی علیه السلام آقا و سرورمان شده است و در اکثر شهرستان های ایران منبر رفته ام.

صالحی امیری، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی صالحی امیری

محل تولد : فریدونکنار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۶/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب سید مهدی صالحی امیری درتاریخ ۱۰/۶/۱۳۵۶ در روستای مهلبان از توابع فریدونکنار استان مازندران متولد شدم .تحصیلات ابتدایئ وراهنمایئ را در روستای محل سکونت گذراندم. و در سال ۶۹ برای تحصیلات دروس حوزوی به مدرسه خاتم الانبیا (صدر)بابل رفتم .بعد ازاتمام تحصیلات مقدماتی جهت ادامه تحصیلات در سال ۷۵ به حوزه علمیه مقدسه قم آمدم .وهمزمان در رشته کارشناسی ارشد الهیات ومعارف اسلام در موسسه آموزشی وپژُوهشی قم پذیرفته شدم. ودر بهار ۸۱ از پایان نامه خود دفاع کردم .از بهمن ماه ۱۳۸۰ به عنوان مسئول گروه دین پژوهی مرکزمطالعات وپژوهشهای فرهنگی مشغول به خدمت هستم .ازسال ۱۳۸۳ با ستاد پاسخگویی به مسائل مستحدثه دین در امر تحقق و پژوهش همکاری می نمایم واز تیرماه ۱۳۸۵ با معاونت پژوهشی پژوهشگاه علوم وفرهنگ اسلام جهت ارزیابی پروژَه ها همکاری می نمایم .

صالحی خراسانی، احمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به صوفی. وی از فرزندان خواجه عبدالله مروارید کرمانی و برادر بزرگ خواجه محمد میرک صالحی است. او از منشیان بزرگ زمان شاه طهماسب (۹۸۴ –۹۳۰ ق) بود و نیز مدتی منصب وزارت مشهد مقدس به وی تعلق گرفت و به واسطه‌ی آن منصب در میان بزرگان و عالمان برتری یافت. صالحی در فن انشاء که ارثی و ذاتی ایشان بود مهارت تمام داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۳۸)، فرهنگ سخنوران (۵۴۴)، کاروان هند (۶۸۷ –۶۸۶ / ۱)، مکتب وقوع (۲۴۳ –۲۳۹)، هفت اقلیم (۲۱۰ ۲۰۹ / ۲).

صالحی خراسانی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به صالحی. از نوادگان خواجه عبدالله مروارید کرمانی است که در هرات به دنیا آمد و در مشهد نشوونما یافت. نسب او به خواجه نظام‌الملک طوسی می‌رسد. وی، مانند برادرش، از منشیان زبردست زمان شاه طهماسب (۹۸۴ -۹۳۰ ق) بود و به طرز وقوع شعر می‌گفت. تذکره‌نویسان معاصر او، وی راهروی و مشهدی هم نوشته‌اند. صالحی در فن معما و انشا نیز مهارت کامل داشت. وی سوای غزلیاتش قصیده‌ای نیز دارد. صالحی در زمان اکبر شاه به هند رفت و در سلک منشیان وی درآمد و در مدح اکبر، پادشاه هند، اشعار بسیار دارد.صالحی در مشهد مقدس درگذشت. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۴۷۰ -۴۶۹ / ۲)، احوال و آثار خوشنویسان (۳۲۷ -۳۲۶ / ۲)، تاریخ نظم و نثر (۴۳۲)، الذریعه (۵۹۰ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۴۴)، کاروان هند (۶۹۶ -۶۸۶ / ۱)، مجمع الخواص (۵۰ -۴۸)، مکتب وقوع (۲۵۳ -۲۳۸)، هفت اقلیم (۲۱۱ -۲۱۰،۱۶۰ / ۲).

صالحی سمنانی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۸۵، سمنان.

درگذشت: خرداد ۱۳۶۲.

عبدالله صالحی سمنانی که در شعر به نام‌های «صالحی» و «آشنا» تخلص می‌کرد، تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش به پایان برد. سپس به تهران آمد و ساکن این شهر شد و در وزارت کشاورزی استخدام گردید.

حماسه‌ی کاوه‌ی آهنگر از نخستین آثار شعری اوست که در شیوه‌ی مثنوی سروده است. سرود ناتمام مجموعه‌ای از آثار اوست که در سال ۱۳۵۳ چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

صالحی لاهیجانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم آقا شیخ حسن صالحی لاهیجانی از فضلاء بارع و باکمال و دانش حوزه علمیه دارای تولای کامل و حال خوش و معنویت بوده و سالها از محضر آیات عظام حایری و حجت و خوانساری و صدر و فیض استفاده نموده و هم دو سالی به درس آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده و در سال ۱۳۶۷ ق به مرض سرطان بدرود حیات گفته و در قبرستان حایری مدفون شده است.

مولف با وی مصاحبت و معاشرت بسیاری داشتم حقا اسم با مسمی بوده یعنی حقیقت صالح بود و حال توسل عجیبی داشت مقام حب و ولایش نسبت به خاندان وحی و رسالت بسیار بود منبر گرم و بیانات موثری داشت از او استفاده‌های معنوی زیادی نمودم.

کراماتی از مولای ما حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام درباره ایشان شده که در ص ۲۳۴ ج اول آثار الحجه و کتاب زندگانی حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام مطبوع سال ۱۳۶۸ ق یاد شده و در اینجا هم مجمل آن بیان می‌شود.

در گوش آن مرحوم زخم منکر و منتنی بود که چرک می‌کرد و بوی بدی داشت و مدتها در قم و تهران معالجه کرده ولی مفید نیفتاده بود عاقبت مراجعه به مرحوم دکتر لقمان متخصص مرض گوش نموده و وی تشخیص زخم سالک داده که بطی‌العلاج است و نسخه مفصلی از آمپول و روغن و غیره داده بود با تاکید اینکه حتما این دواها را باید بگیری و استعمال کنی تا شاید این زخم کم‌کم بهبود یابد.

مرحوم صالحی گفت از منزل دکتر بیرون آمدم گفتم من که از معالجه خسته شده‌ام چرا مراجعه به دکتر معنوی نکنم و چرا شب جمعه است به سیدالکریم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام متوسل نشوم پس به جای رفتن دواخانه به شهر ری آمده و به زیارت حضرت مشرف و عرض حاجت نمودم و قدری از آن گردهای ضریح مطهر به زخم گوش مالیدم و از حرم بیرون آمده در صحن متوجه شدم درد نمی‌کند و دیگر چرکی ندارد گویا اصلا زخمی نبوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

صالحی مازندرانی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی صالحی مازندرانی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مهدی صالحی شهرت به صالحی مازندرانی در سال ۳۴۲ در شهرستان بابل مازندران به دنیا آمدم، لازم به ذکر است حقیر از خانواده روحانی و از والده سیده سبزواری که خود برای اعضای خانواده معلم اولیه بوده است. شروع تحصیلات اینجانب در چهار سالگی به مکتب خانه محله با همراهی والدین به حضور استاد مکتبی خواندن قرآن و غیره متداول آن روز را فراگرفتم. پس در روستای نزدیک شهر بابل روستایی دونه سه که محله آباد و بافرهنگ هم بوده و هست مراحل کودکی و دبستان و دوران راهنمایی را با موفقیت به پایان رساندم پس برای ادامه تحصیلات مجدداً به شهر بابل در دبیرستان شیخ کبیر برای رشته تحصیلی در گروه علوم انسانی رشته ادبیات و فرهنگ و ادب مشغول به تحصیل شدم و در سال ۱۳۶۶ دیپلم رشته مربوطه را اخذ نمودم و در همان سال وارد دانشکده حقوق و الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان شدم ولی به علت تهاجم رژیم صدام و حملات هوایی وارد دانشگاه مازندان ادامه تحصیل دادم و در سال ۷۰ در این رشته (کارشناسی مربوط را اخذ نمودم) و در همان سال ۷۱ ـ ۷۰ در دانشگاه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه کرج در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شدم و در سال ۷۴ با دفاع از پایان نامه نمودم که در باب نفقه ذوجه در اسلام بود کارشناسی ارشد این رشته شناخته شدم و در همان سال برای تدریس در دانشگاههای ؟؟؟ مازندران بابل در دانشگاه آزاد اسلامی حتی از زمان دانشجویی مشغول تدریس شدم و همزمان در شهرستان آزادشهر به عنوان عضو هیئت علمی رشته مربوطه در دانشکده الهیات مشغول بودم. همچنین در حوزه علمیه شاه آبادی مازندران واحد بابل همکاری لازم را در دروس مطرح شده در این حوزه تدریس می‌نمودم. تا اینکه در کنار همه این فعالیت‌های علمی و آموزشی از آنجا که از خانواده روحانی بودم زمینه‌های طلبگی در اینجانب وجود داشته در حوزه علمیه فیضه مازندران و صدر بابل (خاتم الانبیاء) به مدت پنج سال مشغول بودم و تا مقطع و سطح یک را تمام نمودم و در سال ۷۷ ه . ش وارد حوزه مقدس علمیه قم شدم و الان مشغول درس خارج فقه و اصول و دروس جنبه‌ای تفسیر و غیره مشغول فعالیت هستم. از آنجایی که در زمینه تبلیغ موفقیت‌هایی داشتم و دارای پرونده به خارج از کشور در سازمان ارتباطات تهران برای کشورهای اروپایی و آسیایی و آفریقایی و آمریکایی در آزمون مربوطه قبول شدم و سفر تبلیغی به هندوستان داشته و دارم لازم به ذکر است که داخل کشور و شهرهای مختلف دعوت به امور تبلیغ هستم. بحمدالله ؟؟؟ رضایت و موفقیت می‌باشم.

و الان هم عضو هیئت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی در راستای کار علمی خودم از سال ۷۴ در تهران و دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن مشغول به خدمتگزاری هستم.

اینجانب از آنجایی که عضویت هیئت علمی دانشگاه مربوطه با تایید صلاحیت عمومی و اختصاصی زیر نظر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاههای کشور می‌باشم در گرایش‌های تخصیصی عمومی رشته‌های مربوطه در تاریخ تحلیلی صدر اسلام و تمدن‌های اسلامی و در اخلاق و فلسفه اخلاق و گرایش تاریخ امامت و غیره به اخذ مجوز نهاد نائل آمدم تا مقدمه ورود به دانشکده معارف اسلامی برای تدریس دروس عمومی شدم. از آنجایی که در دانشگاههای کشور علاوه موارد یاد شده در تهران مرکز و پیام نور و دانشگاه باقرالعلوم قسمت معاونت آموزش ؟؟؟؟ به تدریس دروس تخصیصی شدم و الان هم همکاری لازم با دانشگاه پیامبر نور قم در رشته تخصیصی نمودم و در این زمینه مطالبی هم تدوین نموده‌ام که انشاءالله به زودی برای چاپ مهیا خواهد شد. موضوعاتی در باب نفقه زوجه در اسلام و تاریخ اسلام و اخلاق در قرآن و چند مقاله که با بازنگری و اصلاحات انشاء الله زمینه چاپ فراهم خواهد شد. تا به سهم خودم خدمتی کرده باشم به این فرهنگ غنی و ناب محمدی(ص).

صالحی نجف آبادی، نادعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نادعلی صالحی نجف آبادی

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۲

زندگینامه علمی

اینجانب ناد علی صالحی فرزند حیدر علی به شماره شناسنامه ۹۱۰متولد ۱۳۳۷در نجف آباد به دنیا آمدم. تا ششم ابتدائی قدیم را خواندم.از سال ۱۳۵۰وارد حوزه علمیه شدم و در مدرسه الحجه نجف آباد به تحصیل علوم دینی پرداختم در آن حوزه ادبیات و صرف و نحو را در محضر آیهٔ الله ایزدی رحمهٔ الله علیه فرا گرفتم و پس از شرکت در امتحان عمومی حوزه علمیه قم و قبولی در رتبه یک درسال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و شرح لمعه را در محضر حجهٔ السلام مروی و رسایل را در محضر آیهٔ الله صالحی نجف آبادی در مدت چهار سال به اتمام رساندم و هم چنین کفایهٔ را نزد آیهٔ الله ستوده و استاد بزرگوار جناب آقای باقری حاجی آبادی به اتمام رساندم. از سال ۱۳۵۷، سال پیروزی انقلاب تا ۱۳۵۹باز به تحصیل بعضی از بخش های مانده از درسهای قبل پرداختم و ضمنا به درس آیهٔ الله نوری همدانی از قبل از ۱۳۵۷ به بررسی مسایل اقتصادی مربوط می شد نیز حاضر می شدم وسال ۱۳۶۰به عنوان مدیر مدرسه الحجهٔ نجف آباد به تحصیل و تدریس و مدیریت مدرسه اشتغال داشتم از ۱۳۶۱به بعد تا ۱۳۷۲به ترتیب

به درس خارج مشغول بودم و از محضر اساتیدی هم چون:
۱-آیـهٔ الله منتظری ۲-آیـهٔ الله فاضل لنکرانی ۳-آیهٔ الله صانعی ۴-آیهٔ الله صالحی نجف آبادی استفاده کردم ضـمنا در درس تفسیر آقای جوادی آملی نیز حاضر می شدم. از سال ۱۳۶۹تاکنون به کار تحقیقی روی آورده ام نتیجه آن تاکنون هفت جلد کتاب بوده و حدود شـصت مقاله در زمینه های مختلف و نیز ارائه مشاوره در مجله معارف اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم که در حـدود ۲۰شمـاره چـاپ شـده است. هم اکنون نیز به دنبـال تـدوین کتابهـای دیگر ماننـد خـانواده بهتر زنـدگی بهتر، گنجینه حکمت ج ۲ ، بازکـاوی اعتقادات شـیعه در منابع عامه و غیره هسـتم. در سال ۱۳۷۱مـدارج علمی خـارج یک را گرفته ام در رتبه ۲ شهریه می گیرم و بیشتر از راه فروش کتاب ارتزاق می کنم.

صالحی، جواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد صالحی

محل تولد : خمین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

جواد صالحی هسـتم در ششم شهریور سال ۱۳۵۰ در روسـتای قلعه بردی از توابع الیگودرز متولـد شدم.پیشه مردم آن منطقه، در آن زمان، دامداری و کشاورزی بود، گرچه اکنون معدنکاری هم به آن اضافه شده است.تحصیلات ابتدایی را در همان روستا به پایان رساندم، با معلمانی که از آب زلال تر بودند و آقایان گودرزی، جوادی و عسکری. و تا سوم راهنمایی را هم در مدرسه شهید مفتح الیگودرز طی کردم. پس از آن، متأثر از شـهید رحمان حیدری سـر به تحصـیل در حوزه سپردم، چند سالی درشهرسـتان الیگودرز و سپس راهی دیـار قم. از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰ را در این شـهر سـکنی گزیدم.همه این ایام را با مطالعه شـعر و ا دبیات فارسـی و کلام جدیـد طی کردم و در کنار آن، سـطح حوزه را تمام کردم و چنـد سالی هم مـدیر واحـد فرهنگی و ادبی دفتر تبلیغات بودم. از سال ۱۳۸۰ هم به تهران کوچیـدم و همراه بـا دوسـتان، از جمله دکتر دیبـاجی و صـادق رحمـانی، بـا رادیو فرهنگ همکـاری کردم. این همکـاری همچنان ادامه دارد...در سال ۷۷ اولین نوشـته من، که نقـدی بود بر مجموعه اشـعار خانم فاطمه راکعی، با اسم مسـتعار در روزنامه کیهان منتشر شد. پس از آن هم چند بار دیگر، به همان شیوه، برای آن رونامه مطلب نوشتم و این آغازی بود بر همکاری با روزنـامه ها(جمهوری اسـلامی، اطلاعات، و یکی دو مورد).چنـد باری هم برای مجلات(آینه پژوهش، اربسـتان و...) مطلب نوشـتم. شعرهایی هم اینجا و آنجا، در همین ایام، می خواندم یا نشـر می دارم. در این مدت، چندین نقد و مطلب هم برای مجله شـعر تحریر کردم.از تو می گویم ای بشارت مشکل، عنوان بلند کتاب مختصری است که گزیده ای از شعرهای مرا دربر می گیرد و توسط نشر همسایه در سال ۱۳۸۱ منتشـر شد.گزیده نقد و نوشـته های گذشـته را هم تدوین شده که اگر شد به علاقمندان به این گونه مباحث تقدیم شود. آنچه را که پس از سال ۸۱ سـروده ام نیز در دفتری گرد آورده ام که شاید همین روزها در معرض داوری شعر دوستان قرار دهم.

صالحی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدعباس صالحی

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه مشـهد شدم . دروس مقدماتی ، سـطوح مقدماتی و عالی را در حوزه علمیه مشهد گذراندم . از سال ۶۰ به حوزه علمیه قم عزیمت کردم و دروس خارج را تا سال ۶۸ در آن حوزه گذرانیده مجددا به مشهد عزیمت داشته و در دروس خارج اساتید مشهد ادامه تحصیل دادم و در سال ۷۶ مجددا به حوزه علمیه قم مراجعت تحصیلی و علمی داشتم .

دروس مقدماتی را در مدرسه آقای موسوی نژاد و دروس سطح را در خدمت آقایان حضرات صالحی ، مدرسی و فلسفی گذرانیدم . در حوزه علمیه قم از دروس حضـرات آیات وحید خراسانی، شیخ جواد تبریزی بهره مند شدم . پس از عزیمت از مشهد در دروس حضرات آیات زنجانی و علم الهدی شرکت کرده ام .

در مباحث فلسفی از حضرات اساتید ابراهیمی دینانی ، انصاری شیرازی و حسن زاده آملی بهره بردم .

از ابتدای ورود در حوزه ، فعالیت های تدریس داشـته ام از جمله مکرر اصول فقه ، شرح لمعه ، معالم و مکاسب را تدریس کرده ام .

در سال ۶۷ ـ ۶۵ سـردبیر مجله حوزه و در سـال ۷۶ ـ ۷۳ مسـئول دفتر تبلیغات اسـلامی خراسان بوده ام . از سال ۷۶ تا کنون در سـه دوره متوالی عضو هیات مدیریه دفتر تبلیغات اسلامی (و سپس عضو هیات امنای آن) بوده ام .

از سال ۷۶ مدیر مسوول نشریه پژوهش های قرآنی و از همان سال عضو هیات تحریریه نشریات فقه اهل بیت و کاوش فقه در فقه اهل بیت بوده ام .

هم چنین از سال ۷۸ مدیر مسوولی و سردبیری نشریه پگاه را بر عهده داشته ام که تا کنون ۱۷۶ شماره از آن منتشر شده است .

از سال ۶۱ در مجله حوزه به عنوان یکی از نویسندگان آن مشغول به فعالیت بوده ام همچنین از همکاران تفسیر راهنما از ابتدای فعالیت تا مراحل پایانی آن بوده ام ضمنا در پاره ای از پروژه ها و فعالیت های علمی ، در مدیریت و یا در طراحی آن نقش هایی داشته ام چون : کاربرد دانش اصول در فقه و ...

صالحی، عبدالکریم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالکریم صالحی

محل تولد : خشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب الکریم صالحی در سال ۱۳۴۵ در شهر خشت در خانواده مذهبی دیده به جهان گشودم از آنجائی که علاقه بسیاری به دروس حوزه و مکتب محمد وآل محمد داشتم در سال ۱۳۶۱وارد حوزه علمیه امام صادق (ع) شیراز شدم و در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه مبارکه رضویه تا سال۱۳۶۵ سکونت داشتم و از محضر اساتید حوزه علمیه قم استفاده وافر بردم.

از سال ۱۳۶۵ با مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان دفتر تبلیغات همکاری خود را در زمینه آموزش دیدن، تحقیق، اعزام آغاز کردم و تاکنون در زمینه تدریس دوره آموزشی و برگزاری اردوهای دانش آموزی، تدریس روش ادواری ادامه دارد از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۷ با مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما به مدت ۲ سال در سمت مدیر گروه پژوهشی کودک و نوجوان فعالیت هایی در قالب پژوهش، شرکت در شورای کودک شبکه ۲،شورای محتوایی کودک سازمان صدا و سیما و تنظیم بیش از ۲۰ مقاله و جزوه برای برنامه سازان کودک و نوجوان سازمان و شبکه ها داشتم.

حدود ۸ سال در درس خارج اصول وفقه حضرات عظام سبحانی و مکارم زید عزهما شرکت داشتم و اکنون درس خارج حج آیت اله مکارم را ادامه می دهم. حدود ۵ سال عضو شورای معارف کودک شبکه ۲ بودم اکنون عضو شواری معارف مرکز فرهنگی صبا(تنها مرکز تولید انیمیشن صدا و سیما) هستم- حدود ۳ سال است در دفتر فناوری اطلاعات حوزه علمیه خواهران به عنوان مدیر تولید و فرآوری جهت تبدیل دروس حوزوی و فرهنگی به فرمت های صوتی و تصویری انجام وظیفه می نمایم.تا کنون چندین جلد کتاب در موضوع آموزش معارف به کودک و نوجوان تالیف داشته‌ام. یک مقاله برای همایش نماز در گرگان نوشتم و حائز رتبه شد. و دوره های آموزشی مرکز واردوداری و مدیریت اسلامی را بیش از ۱۲ بار تدریس کرده ام.

صالحی، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌اصغر صالحی کرمانی اول عالم و دانشمند متنفذ و نافذالکلمه معاصر کرمان و از شخصیتهای برجسته و رجال فضیلت و تقوای اسلامست در آن سامان.

ولادت آنجناب در حدود ۱۳۱۸ ق واقع شده و پس از رشد و خواندن مقدمات سطوح اولیه و متون فقه و اصول را در کرمان تحصیل نموده و برای تکمیل تحصیلات به اصفهان رفته و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه آقا سید محمد نجف‌آبادی و آیت‌اللّٰه حاج میرزا محمدصادق اصفهانی و آیت‌اللّٰه حاج میرزا سید علی مدرس نجف‌آبادی استفاده و سطوح را به پایان رسانیده و در اوائل تأسیس حوزه علمیه به قم آمده و در خدمت مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حایری و آیت‌اللّٰه آقا میرزا سید علی یثربی و آیت‌اللّٰه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید احمد خونساری تلمذ نموده و قسمت عمده معقول را از آیت‌اللّٰه حاج میرزا خلیل کمره‌ای فراگرفته و پس از شش سال و نیم اقامت در قم مراجعت به کرمان و چون اوضاع آن روز کرمان مساعد نبود مجدداً به قم برگشته و حدود سه سال دیگر توقف و بعد از آن بنابر درخواست مردم کرمان و امریه مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حایری به کرمان عزیمت و از اول ورود به انجام وظائف دینی و تدریس و تربیت طلاب و محصلین اهتمام و سعی بلیغ گماشته و با همت رفیق شفیق و مصاحب موافق خود مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا علی آقای مهرابی و بعض دیگر مدرسه معصومیه را دائر و مسکن طلاب قرار داده و عده‌ای از جوانان مهذب کرمان را تربیت و در سلک محصلین و دانشجویان علوم دینی درآورده که هر کدام در حال حاضر از علماء بنام و وعاظ گرام و ائمه جماعت مقیم کرمان و تهران و غیره می‌باشند.

آیت‌اللّٰه صالحی در کرمان مانند علماء گذشته آن سامان مواجه با فرقه ضاله شیخیه می‌باشد و غالباً با آنان مبارزه منفی و مثبت

نموده و از شیوع مرام باطل آنها جلوگیری و شر آنها را دفع و از تبلیغات سوء و افکار موهوم و بدعتهای آنان بوسیله دعوت کردن از مبلغین و وعاظ توانا چون خطیب شهیر جناب آقای فلسفی و مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری واعظ و غیره جلوگیری نموده تا حدی که بحمداللّٰه در حال حاضر ساقط گردیده‌اند.

معظم له از خاندان علمی کرمانست و دو نفر از رجال علم و دانش کرمان یکی مرحوم آیت‌اللّٰه آخوند ملاـعلی‌اکبر معروف به مجتهد (که ذکرش گذشت) عموی ایشان و دیگر مرحوم آیت‌اللّٰه آخوند ملا محمدصالح کرمانی خال و دائی گرامی ایشانست که از اینجهت شهرت به صالحی گرفته‌اند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

صالحی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: مهندسی مکانیک، دانشگاه: صنعتی شریف

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

صالحی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن صالحی حاجی آبادی

محل تولد : حاجی آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محسن صالحی حاجی آبادی در سال ۱۳۴۸در روستای نمونه کشور،حاجی آباد از توابع نجف آباد اصفهان متولد شدم. دوران ابتدائی و راهنمائی را در همان روستا گذراندم وبعد از گرفتن سیکل وارد حوزه علمیه نجف آباد شده وهمزمان با آن به جبهه های جنگ اعزام شدم. در سهای مقدماتی صرف ونحو تا معالم را در آن حوزه سپری کردم وسپس وارد حوزه علمیه قم شدم ودروس لمعه واصول به بالاـ را نزد اساتیدی چون آقایان : حسینی خراسانی ،صفائی ،طاهری مازندرانی ،و...گذراندم . سپس به درس آیت الله علوی بروجردی شرکت کرده ولی به علت بیماری وجانبازی چند سالی از دروس حوزه محروم شده وتوفیق شرفیابی نزد اساتید را نداشته ود راین سالها بیشتر به ادبیات فارسی ،قصه ،داستان وشعر کودک ونوجوان ودفاع مقدس پرداختم وهم اکنون در این زمینه ها بیشتر فعالیت می نمایم .

صالحی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای آقا سید محمد صالحی امام جماعت مسجد جامعه بابلسر سالهای متمادی است که در این منطقه که تابستان تاریکی از جهت مسافرین دریائی دارد بوظائف دینی و روحی خود اشتغال دارد.

معظم‌له از سادات اصیل و نجیب و ریشه‌دار بابلسر است که در خاندانی توانگر و متمکن بدنیا آمده و والدش که در سلک تجار و مالکین محترم آن سامانست ویرا برای تحصیل علوم قدیمه پس از فراغت از علوم روز و جدید تشویق نموده و ایشان مدتی در بابل آنگاه مراجعت بمشهد مقدس نموده و سطوح وسطی و نهائی را نزد مدرسین حوزه مشهد خوانده و بعد از آن بقم آمده و چند سالی از محضر آیات عظام و مراجع کرام حوزه آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله العظمی گلپایگانی و آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی و سایرین فقها و اصولا استفاده نموده و بعد بوطن مراجعت و تاکنون بانجام وظائف و خدمات دینی مشغول میباشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

صالحی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صالحی

محل تولد : قم

شهرت : صالحی مازندرانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد صالحی مشهور به صالحی مازندرانی، در سال ۱۳۴۳ در یکی از روستاهای شهرستان سوادکوه و در خانواده ای مذهبی به دنیا آمدم. قبل از رفتن به مدرسه کلام خداوند کریم (قرآن مجید) را بصورت کامل نزد مادرم فرا گرفتم و همین امر سبب گردید تا در دوران تحصیل به عنوان شاگرد ممتاز باشم به گونه ای که در سال چهارم ابتدایی توسط وزیر آموزش وقت لوح تقدیر دریافت داشتم. در سال ۱۳۶۱ در رشته ریاضی فیزیک موفق به اخذ دیپلم شدم و سپس در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شده و با جدیت تمام دروس حوزوی را دنبال نمودم. در سال ۱۳۶ بعد از گذشت چند سال از انقلاب فرهنگی و نیاز قوه قضائیه به کادر قضائی، آزمونی سراسری در رشته حقوق برگزار گردیده که این جانب در آن آزمون شرکت جسته و موفق به قبولی شده و لیکن با مشورت یکی از بزرگان حوزه از ادامه تحصیل منصرف گردیدم. شوق زائدالوصف اینجانب به دروس حوزوی از یک طرف و استعداد اعطایی خداوندی از طرف دیگر موجب گردید که دروس حوزوی را به آسانی گذراندم به گونه ای که حدود ۵ سال نگذشته بود که توانستم سطح عالی را به اتمام رسانده و تمامی امتحانات را با موفقیت پشت سر گذرانده و وارد درس خارج فقه و اصول شدم و لذا در سال دوم شروع درس خارج، یعنی سال ۱۳۶۸، برای بار دوم تصمیم گرفتم در کنار دروس حوزوی به دانشگاه راه یابم و لذا در آزمون سراسری سال ۱۳۶۸ شرکت جسته و موفق به قبولی در رشته حقوق دانشگاه تهران(مجتمع آموزش عالی قم) شده و پس از اتمام این دوره در سال ۱۳۷۳ در آزمون کارشناسی ارشد شرکت جسته و در رشته حقوق خصوصی دانشگاه تهران پذیرفته شدم که در سال ۱۳۷۶ با دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان" اصل صحت در قانون مدنی "با راهنمایی استاد دکتر کاتوزیان فارغ التحصیل شدم و در سال ۱۳۷۷ در آزمون دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران شرکت جسته و موفق به پذیرش گردیده که پس از گذشت چند سال و با دفاع از رساله دکتری با عنوان"مسئولیت مدنی ناشی از تصمیمات و خدمات قضائی با مطالعه تطبیقی در مذاهب اسلامی "با راهنمایی استاد دکتر مصلحی در بهمن ماه ۱۳۸۳ توانستم با موفقیت این دوره را نیز پشت سر گذرانم. لازم به یادآوری است که اینجانب در تمامی دوره های تحصیلی به طور مستمر به دروس فقه و اصول درس خارج نزد اساتید بزرگ حوزه من جمله: مرحوم آیت الله صالحی مازندرانی، آیت الله العظمی فاضل لنکرانی، آیت الله العظمی وحید خراسانی شرکت نموده و توانستم از دریای مواج علمی این بزرگان به قدر تشنگی حظی ببرم. علاوه بر امر تحصیل، همزمان به تدریس دروس مختلف حقوقی در مراکز علمی دانشگاهی و حوزوی نیز اشتغال داشته و از طرفی همکاری علمی و پژوهشی با برخی مراکز پژوهشی قم از جمله مرکز تحقیقات دارالحدیث، مرکز تحقیقات قوه قضائیه، مرکز پژوهشهای صدا و سیما از جمله فعالیتهای این جانب در طول سالهای طولانی بوده و هست.

صامت اصفهانی، محمد صادق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۰۰ ق)، شاعر، متخلص به صامت. از موطن خود، اصفهان، دوبار به هندوستان مهاجرت کرد و بیش از پانزده سال در آن سامان به سر برد. صامت در سرودن شعر توانا بود و طبعش لطیف. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۴۷)، تذکره المعاصرین (۱۸۷)، الذریعه (۵۹۰ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۴۴)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۲۴۰۲ / ۳)، کاروان هند (۷۰۰ -۶۹۶ / ۱).

صانعی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. در زمان شاه طهماسب (۹۸۴ -۹۳۰ ق) می‌زیست. در صنعت نظم و صنایع و بدایع مهارت داشت. از اوست:

از غم نادیدنت جان را شکیبایی نماند

در دل پرحسرتم تاب و توانایی نماند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۶۳)، الذریعه (۵۹۱ / ۹)، صبح گلشن (۲۴۵ -۲۴۴)، فرهنگ سخنوران (۵۴۵).

صانعی باخزری، علاءالدین علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۸۹۱ ق)، شاعر، متخلص به صانعی. از بزرگان باخزر بود و خود را از خانواده برمکیان می‌دانست وی در آغاز سلطنت سلطان حسین بایقرا وزیر او شد، اما پس از چندی مورد غضب قرار گرفت و شش سال در حبس ماند و سرانجام در چهار سوی هرات به دار کشیده شد و در قریه زره دفن شد. از وی اشعاری در مدح مراد و پیر خویش، جامی، باقی مانده و قصیده مصنوع سلمان ساوجی را تتبع کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۲۴)، حبیب السیر (۳۲۹ / ۴)، دستور الوزراء (۳۹۹ -۳۹۷ / ۲)، الذریعه (۵۹۱ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۴۵ -۵۴۴)، مجالس النفائس (۲۲۶، ۵۲).

صانعی دره بیدی، منوچهر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر منوچهر صانعی دره بیدی در سال ۱۳۲۵ در شهرستان فردین اصفهان به دنیا آمد.وی دارای مدرک دکتری رشته فلسفه از دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۱است. ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه فلسفه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

گرایش : فلسفه

والدین و انساب : پدر منوچهر صانعی دره بیدی اهل خوانسار و مادرشان متولد روستایی در دامنه فریدن است.

خاطرات کودکی : منوچهر صانعی دره بیدی از دوران کودکی خود چنین یاد می کند": زندگی در یک خانواده کشاورز روستایی ،روزهای تابستان را کار در مزرعه و در دامنه های پوشیده از گل های رنگارنگ و کنار جویبار های همراه با صدای پرندگان خوش نقش و نگار و خوش صدا ،و شبهای زمستان را در زیر کرسی و گوش دادن به شاهنامه خوانی پدر و پدربزرگ گذرانده ام.و ماندگار ترین خاطره از دوران کودکی ،خاطره فقر است".

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : منوچهر صانعی دره بیدی در خانواده ای سنتی ایرانی و از نظر مادی در فقر و از لحاظ معنوی و مذهبی ،متدین به دیانت اسلام و مذهب شیعه به دنیا آمد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : منوچهر صانعی دره بیدی دارای مدرک دیپلم ادبی در سال ۱۳۵۰،کارشناسی رشته فلسفه از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۴،کارشناسی ارشد و دکتری فلسه از دانشگاه تهران در سالهای به ترتیب ۱۳۵۷ و ۱۳۷۱است.

خاطرات و وقایع تحصیل : منوچهر صانعی دره بیدی پس از ورود به دانشگاه ، تمام وقت خود را در کلاس و یا کتابخانه سپری میکرد و در گروه بندی آن روز دانشجویان داخل بچه مذهبی ها بود.ایشان دوران دانشجویی خود را با چهره های مذهبی قبیل بعضی شاگردان مرحوم مطهری ،صدرالدین طاهری(هم اکنون استاد فلسفه دانشگاه علامه و امام صادق است)و آیینه وند و غیره گذراند.

فعالیتهای ضمن تحصیل : منوچهر صانعی دره بیدی در کنار تحصیل به آموختن زبانهای خارجی و کار در گارگاه نجاری می پرداخت.

استادان و مربیان : منوچهر صانعی دره بیدی از محضر اساتید زیادی بهره برده است که می توان به مرحومین دکتر علیمراد داودی ،منوچهر بزرگمهر و آقایان دکتر مجتهدی ،دکتر داوری و دکتر جهانگیری اشاره کرد.

هم دوره ای ها و همکاران : از همکاران امروز منوچهر صانعی دره بیدی می توان به آقایان دکتر رشیدیان ،دکتر حکمت و دکتر علوی اشاره کرد.

همسر و فرزندان : منوچهر صانعی دره بیدی متاهل و دارای همسر (بازنشسته آموزش و پرورش)و دو دختر می باشد. فرزند ارشد دانشجوی رشته مکانیک و دیگر فرزندش دانشجوی رشته فرش می باشد.

وقایع میانسالی : منوچهر صانعی دره بیدی از وقایع تلخ میانسالی خود فوت پدرش در سن ۸۴ را بیان می کند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : منوچهر صانعی دره بیدی از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۴ عضو انجمن فلسفه بود که به کار تحقیق در متون فلسفی مشغول بود. وی از سال ۱۳۶۴ تا اکنون عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی است. و هم اکنون در آنجا با درجه استادی مشغول به تدریس و تحقیق می باشد .

فعالیتهای آموزشی : منوچهر صانعی دره بیدی به تدریس دروس فلسفه غرب در دوره های یونانی و جدید می پردازد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : منوچهر صانعی دره بیدی در کنار تدریس به تالیف و ترجمه در پیرامون فلسفه می پردازد.

آرا و گرایشهای خاص : منوچهر صانعی دره بیدی معتقد است" : به علت تهاجم یونانیان (اسکندر) ، اعراب و ترکان با تهاجم سه گانه تاریخی ،کشور و ملت ما جایگاه تاریخی خود را از دست داده است. و اکنون ما (ایرانی ها) باید بکوشیم تا جایگاه از دست رفته خود را به دست آوریم و باز سازی کنیم".

جوائز و نشانها : منوچهر صانعی دره بیدی شاگرد ممتاز در هر سه دوره کارشناسی ،کارشناسی ارشد و دکتری بود.وی همچنین یک تشویق نامه به مناسبت شرکت فعال در جنگ تحمیلی (به مدت ۶ ماه) و چندین لوح و تقدیر نامه از رئیس دانشگاه شهید بهشتی برای تالیف و ترجمه دریافت کرده است.

چگونگی عرضه آثار : منوچهر صانعی دره بیدی دارای ۱۴ ترجمه ، ۶ تالیف و بیش از ۳۰ مقاله در زمینه فلسفی است.وی همچنین در ۱۲ کنفرانس داخلی و خارجی شرکت داشته و مقالاتی را هم ارائه کرده است. ---

آثار :

۱ اصول فلسفه

ویژگی اثر : ترجمه

۲ انفعالات نفس

ویژگی اثر : ترجمه

۳ بخشی از تاریخ فلسفه فخری

ویژگی اثر : ترجمه

۴ پیام نیچه

ویژگی اثر : تالیف

۵ جایگاه انسان در اندیشه کاتت

ویژگی اثر : تالیف

۶ جوهر النضید

ویژگی اثر : ترجمه

۷ درس های فلسفه اخلاق

ویژگی اثر : ترجمه

۸ دنش نامه زیبایی شناسی

ویژگی اثر : ترجمه

۹ دین در محدوده عقل تنها

ویژگی اثر : ترجمه

۱۰ رشد عقل

ویژگی اثر : تالیف

۱۱ شلایر ماخر

ویژگی اثر : ترجمه

۱۲ فرهنگ فلسفی صلیبا

ویژگی اثر : ترجمه

۱۳ فلسفه اخلاق در تفکر غرب

ویژگی اثر : تالیف

۱۴ فلسفه اخلاق و مبانی رفتار

ویژگی اثر : تالیف

۱۵ فلسفه حقوق

ویژگی اثر : ترجمه

۱۶ فلسفه فضیلت

ویژگی اثر : ترجمه

۱۷ فلسفه لایب نیتس

ویژگی اثر : تالیف

۱۸ قواعد هدایت ذهن

ویژگی اثر : ترجمه

۱۹ منطق مظفر

ویژگی اثر : ترجمه

۲۰ نقد عقل عملی

ویژگی اثر : ترجمه

صانعی مهری، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فقه و مبانی اسلامی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

صانعی، یوسف

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیهٔ الله العظمی حاج شیخ یوسف صانعی، در سال ۱۳۱۶ ش، در خانواده ای روحانی در روستای نیک آباد اصفهان ولادت یافتند. جدّ ایشان آیهٔ الله حاج ملّایوسف، از علمای پرهیزکار و وارسته زمان خود بودند. ایشان در فلسفه، از شاگردان میرزا جهانگیرخان و در فقه، از شاگردان آیهٔ الله العظمی میرزا حبیب الله رشتی بودند. آن بزرگوار به میرزای شیرازی بزرگ، رهبر نهضت تنباکو، دلبستگی فراوان داشته و از مروّجان وی بوده است. ایشان از آزادمنشی قابل وصفی برخوردار بودند و همواره در مقابل خوانین و زورمداران آن زمان، ایستادگی می کردند.

پدرشان مرحوم حجهٔ الاسلام آقای شیخ محمدعلی صانعی نیز عالمی وارسته و روحانی زاهد و پرهیزکاری بودند و همواره ایشان را به فراگیری علوم حوزوی فرا می خواندند.

این گونه بود که معظّم له، در سال ۱۳۲۵ ش، وارد حوزه علمیه اصفهان شدند و پس از گذراندن دروس مقدمات و کسب فیض از محضر علمای آن حوزه، در سال ۱۳۳۰ ش، برای ادامه تحصیل، رهسپار حوزه علمیه قم شدند. استعداد زیاد و جدّیت فراوان ایشان، باعث شد که از همان زمان، در زمره طلّاب موفّق و مورد توجّه و علاقه بزرگان حوزه در آن زمان قرار گیرند. ایشان در امتحانات سطوح عالی حوزه در سال ۱۳۳۴ ش، رتبه اول را احراز نمودند و مورد تشویق مرحوم آیهٔ الله العظمی بروجردی(قدس سره) قرار گرفتند.

از همین سال بود که با توجّه به ویژگیهای منحصر به فرد درس خارجِ حضرت امام خمینی سلام الله علیه، در آن شرکت نموده، توانستند با نبوغ و جدّیت خود، تا سال ۱۳۴۲ به طور مستمر از حوزه درس اصول و فقه و مبانی مُتقن حضرت امام بهره برده، در زمره شاگردان برجسته ایشان قرار گیرند. حضور فعّال در درس خارج امام سلام الله علیه طی سالیان دراز و ممارست فراوان نسبت به فراگیری مبانی و تحقیقات آن بزرگوار، اِشراف ایشان را بر دیدگاه های فقهی و اصولی امام را به درجه ای رساند که به تعبیر خودشان، در حدّ شعور مبانی بود و از حدّ صِرف دانستن، بالاتر.

آیهٔ الله العظمی صانعی با سعی و اهتمام و توفیق الهی توانستند در ۲۲ سالگی به مرحله اجتهاد دست یابند. ایشان علاوه بر سالها تلمّذ در حوزه درس حضرت امام، از محضر اساتید بزرگی چون: آیهٔ الله العظمی بروجردی، آیهٔ الله العظمی محقّق داماد و آیهٔ الله العظمی اراکی ـ رحمهم الله ـ نیز بهره برده اند و از سال ۱۳۵۴، رسماً تدریس خارج فقه را با کتاب زکات در مدرسه حقّانی (شهیدین) شروع نمودند و تقریرات آن درس به قلم دو تن از شاگردانشان، موجود است.

جمع کثیری از طلّاب و فضلا، با شروع درس خارج فقه ایشان، توانستند از حوزه درس معظّم له استفاده کنند که اینک بسیاری از آنان، جزو محقّقان و پژوهشگران ارزنده حوزه اند و برخی نیز در حدّ اجتهاد هستند که در حوزه های علمیه اشتغال داشته اند و یا در اداره نظام جمهوری اسلامی، ایفای وظیفه می کنند. فعّالیتها و مبارزات سیاسی

اغلب مبارزات سیاسی و فعّالیتهای انقلابی ایشان در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش در ابعاد فرهنگی و تبلیغاتی بوده است. این تلاشهای ظلم ستیزانه، از طریق تبلیغ، سخنرانی، حضور در تظاهرات و راهپیماییها و صدور اعلامیه و بیانیه های سیاسی انجام می گرفت.

بر اساس آنچه در جلد سوم کتاب اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده است، نام و امضای آیهٔ الله العظمی صانعی، در ذیل حدود سی اعلامیه سیاسی و انقلابی به ثبت رسیده است که اولین آن، نامه ای است که پس از انتقال حضرت امام خمینی از ترکیه به نجف اشرف، از سوی علمای قم، خطاب به رهبر کبیر انقلاب نوشته شده است. تاریخ انتشار این نامه مهر ماه ۱۳۴۴ است. همچنین آخرین بیانیه ای که نام و امضای ایشان و دیگر همراهان انقلاب در ذیل آن می درخشد، اعلامیه ای است که در مخالفت با دولت بختیار، در تاریخ ۱۷/۱۰/۱۳۵۷ صادر شده است.

البته بدیهی است که تمامی اعلامیه های آن دوران، در کتاب مزبور نیامده است. مهم ترین بیانیه شدیداللحن علمای قم در قبل از انقلاب، درباره «خلع ید شاه از حکومت» است که به تأیید جمعی از فضلا و مدرّسان حوزه علمیه قم رسیده است و نام و امضای آیهٔ الله صانعی نیز در ذیل آن به چشم می خورد.

موضوع اعلامیه مذکور، همچون سایر بیانیه های سیاسی آن دوران، بسیار حسّاس، خطرناک و به گونه ای بود که تنها انقلابیان واقعی و یاوران شجاع حضرت امام خمینی، جسارت امضای آن را داشتند ;چه اینکه بسیاری از آن اعلامیه ها، از دیدگاه حکومت پهلوی، جرمی نابخشودنی و مستوجب قتل بود. شاید ترس از همین عواقب خطرناک موجب گردید تا امضای افراد معدودی از علما در ذیل اعلامیه «خلع شاه از حکومت» قرار گیرد.

سردمداران حکومت پهلوی، برای جلوگیری از رشد فزاینده انقلاب اسلامی، همواره می کوشیدند تا مسئله مرجعیّت امام خمینی را خدشه دار جلوه دهند و از آن طریق، در اذهان عمومی نسبت به صلاحیت علمی، سیاسی و مذهبی معظّم له خللی وارد کنند. از این

رو، جمعی از علما و فضلای حوزه های علمیه، از جمله حضرت آیهٔ الله صانعی، بخشی از تلاش سیاسی و علمی خود را در خنثا کردن این توطئه حکومت پهلوی قرار دادند و در جهت تثبیت مرجعیّت امام خمینی، فعّالیت می کردند.

صایغ خراسانی، شهاب‌الدین محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. معروف به شهاب زرگر. از شاعران خراسان است که به قول صاحب «لباب الالباب»: در علم صیاغت ماهر و بر صناعت شعر کامل بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۷۰ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۴۶)، لباب الالباب (۴۱۵ -۴۱۴ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ صائغ).

صاین تبریزی، صاین‌الدین یحیی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(و ف ۶۸۳ ق)، صوفی و شاعر. وی معاصر با خواجه محمد کججانی و بابا حسن سرخابی و سایر مشایخ بزرگ بود. مولانا خواجه صاین‌الدین از پدر خود خواجه عبدالعزیز و او از شیخ موفق‌الدین محتسب خرقه گرفت و سلسله ایشان به چند واسطه به شیخ جنید بغدادی می‌رسد. صاین‌الدین شش سال بعد از فوت کججانی در تبریز درگذشت و در مقبره‌ی چرنداب دفن شده. او گاهی شعر نیز می‌سرود و چندین رباعی به وی منسوب است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۲۲۶)، الذریعه (۵۷۱ / ۹)، روضات الجنان و جنات الجنان (۲۹۹ -۲۹۶ / ۱)، سخنوران آذربایجان (۴۷۵ -۴۷۴)، کوی سرخاب (۱۳۰، ۱۲۸).

صائب تبریزی، محمد علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۸۶ -۱۰۸۰ ق)، شاعر. اصل خاندان وی از تبریز و از اعقاب شمس‌الدین محمد شیرین مغربی تبریزی بود. در اصفهان به دنیا آمد. در روزگار جوانی دانشهای ادبی و عقلی و نقلی را نزد استادان آن شهر فرا گرفت. خط را از عم خود، شمس‌الدین تبریزی، معروف به شیرین‌قلم، آموخت. به مشهد و به مکه سفر کرد و مدت هفت سال نیز در هند به سر برد و در دربار شاه جهان تقرب یافت. بعد از هفت سال سکونت در هند همراه پدر خود که برای دیدار وی به آنجا رفته بود، به ایران بازگشت. در اصفهان مورد توجه شاه‌عباس ثانی قرار گرفت و به لقبت ملک‌الشعرایی مفتخر شد. محضرش محل اجتماع اهل ادب و دوستداران سخن بود. در اصفهان درگذشت. در انتهای محله عباس‌آباد اصفهان، در کنار نهر بزرگی به نام مادی نیاصرم (باغ بزرگی که در گوشه‌ای از آن چند قبر بالای سکوی خرابی‌از خاک قرار گرفته و قبر محمد علی صائب نیز یکی از آنهاست) دفن شد. وی به ترکی و فارسی شعر می گفت. او نماینده‌ی کامل و مشهور سبک معروف به سبک هندی یا به تعبیری سبک اصفهانی است. از شاگردان معروف او: ملا محمد سعید اشرف، جویای تبریزی، خاضع و فطرت بوده‌اند. صائب خود شاگرد حکیم شفایی بود. کلیات اشعارش شامل: قصیده و غزل و مثنوی است، اما آنچه از شعرش مایه‌ی شهرت وی شده، غزل است که قسمت اصلی و اکثر دیوانش را پدید آورده است. از آثار وی: «دیوان» شعر، که تعدا ابیات آن را از بیست هزار تا سیصد هزار برآورد کرده‌اند، منتخباتی از «دیوانش» تحت عناوین: «مرآت الجمال»، «آرایش نگار»، «میخانه» و «واجب الحفظ»، مثنوی «قندهارنامه»، که به امر شاه عباس ثانی در فتح قندهار سرود، «دیوان» شعر، به ترکی؛ «سفینه بیاض»، منتخبی از اشعار شعرای عصر اول شعر تا زمان خویش.[۱]

(بخش ۱) میرزا محمد علی بن میرزا عبدالرحیم تبریزی معروف به صائب و صائبا (و. ۱۰۱۶ ه.ق./ ۱۶۰۷ م.- ف. ۱۰۸۱ ه.ق./ ۲۶۷۰ م. یا ۱۰۸۶ ه.ق./ ۱۶۷۵ م.) وی از اعقاب شمس‌الدین محمد شیرین مغربی تبریزی است. پدرش از تاجران تبریزی مقیم اصفهان بود و محمد علی در اصفهان متولد شد، و پس از تحصیل و کسب فنون شاعری از حکیم رکنای کاشانی و حکیم شفائی مورد علاقه شاه عباس قرار گرفت. در سال ۱۳۰۶ به عزم سفر هند از اصفهان خارج شد و به دعوت ظفرخان متخلص به احسن نایب‌الحکومه کابل مدتی در آن شهر مقیم گردیدو نزد ظفرخان معزز میزیست. شخص اخیر در ۱۳۰۹ به قصد تهنیت «شاه جهان» پادشاه هند به طرف دکن شتافت و صائب را نیز همراه برد. صائب پس از معرفی به حضور پادشاه به لقب «مستعدخان» و به منصب «هزاره» سرافراز گردید. در سال ۱۰۴۲ ظفرخان بـه حکـومت کشـمیر منصوب گردید و صائب نیز همراه او رفت. در همان ایام پدر وی برای برگرداندن پسر از اصفهان به هند شد و به اتفاق او به اصفهان بازگشت و از آن پس تا پایان حیات در اصفهان بزیست و نزد سلاطین صفوی محترم بود. شاه عباس دوم او رابه لقب ملک‌الشعرایی مفتخر کرد. مجموعه آثار صائب قریب ۱۲۰۰۰۰ بیت است.

وی بیشتر به غزل پرداخته. قصیده و مثنوی نیز دارد و همچنین نوشته‌های منثور و خطبه‌های دیوانی انشاء کرده، و دیوانی هم به ترکی دارد. کلیات وی عبارت است از سفینه‌ای مملو از مواعظ و آداب که جنگی پر از حکمت و امثال است و برخی از ابیات او در حکم مثل سایر گردیده و در السنه ساری است. صائب از پیروان سبک معروف به سبک هندی است. مهارت وی در غزل است، سخنش استوار و پرمعنی و مشحون از مضمونهای دقیق و افکار باریک و تخیلات لطیف و تمثیلات زیباست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۱۲۸ -۱۲۰ / ۱)، با کاروان حله (۳۰۱ -۲۹۵)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۸۱ -۱۷۶ / ۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۸۴ -۱۲۷۱ / ۵)، تذکره القبور (۳۷۶ -۳۷۴)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۲۰ -۲۱۷)، چشمه‌ی روشن (۳۰۸ -۲۸۹)، دانشمندان آذربایجان (۲۲۶ -۲۱۷)- دایره المعارف فارسی (۱۵۴۴ / ۲)، دویست سخنور (۱۷۸ -۱۷۶)، دیوان صائب (مقدمه/ ۷۰ -۶۶)، الذریعه (۲۸۷ ،۱۰۶،۲۶۵ / ۱۹ ،۱۷۳ / ۱۷ ، ۵۷۰ -۵۶۹ / ۹)، ریحانه (۳۴۳ -۳۴۱ / ۳)، سخنوران آذربایجان (۴۷۴ -۴۶۲)، سرو آزاد (۱۰۳ -۹۸)، سیری در شعر فارسی (۳۹۵ -۳۹۳، ۱۳۷ -۱۳۶)، شخصیت‌های نامی (۲۷۵ -۲۷۴)، طرائق الحقائق (۱۶۴ / ۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۱۴ -۳۱۳)، فرهنگ سخنوران (۵۴۶ -۵۴۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۵۴۲ -۱۵۴۱ / ۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۹۰ -۲۸۹)، کاروان هند (۷۱۲ -۷۰۰ / ۱)، گنج سخن (۱۱۸ -۱۱۱ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ صائب)، مجمع الفصحا (۴۵ -۴۴ / ۴)، منظومه‌های فارسی (۳۶۸ -۳۶۶، ۳۰)، مؤلفین کتب چاپی (۳۱۱ -۳۰۹ / ۴)، یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۳۸ -۳۴)، یغما (س ۱۸، ش ۶، ص ۲۹۴ -۲۹۲).

صائبا

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اهالی کاشان، و متولد در آن سامان بوده. در اصفهان سکونت داشته، و در این شهر وفات یافته. از شعرا و ادبای عهد سلاطین صفویه است. از اشعار اوست:

از سینه و دل ما نشنید کس صدایی

مردیم از جدایی ای سنگدل کجایی

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

صائغ، ابراهیم

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بخش ۱) ابراهیم ابن میمون مکنی به ابواسحاق، از مردم مرو (مقت. ۱۳۱ ه.ق.). وی فقیهی فاصل و آمر به معروف بود. ابومسلم خراسانی او را بکشت.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

صائن‌الدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی بن محمد بن محمد ترکه اصفهانی دانشمند معروف (ف. ۸۳۵ ه.ق.). وی ابتدا نزد برادر بزرگ خود که فقیه و متصوف و متشرع بود به تحصیل علوم پرداخت، سپس به امر برادر، پانزده سال به سیاحت بلاد و تحصیل علم گذرانید، و در علوم معقول و منقول و علوم غریبه (علم نقطه، حروف، اعداد، جفر و غیره) مهارت یافت. امیر تیمور پس از فتح اصفهان او و برادرانش را به سمرقند کوچ داد. صائن از نزد برادر بزرگ خویش، به طلب کمال و زیارت کعبه سفر کرد و به شام و مصر و حجاز رفت و در مصر به خدمت شیخ سراج‌الدین رسید. پس از بازگشت از عراق خبر مرگ تیمور را شنید و در اصفهان منزوی گردید و به افاده و استفاده پرداخت. پیر محمد والی فارس در حدود ۸۰۹ -۸۰۸او را به شیراز دعوت کرد و پس از کشته شدن پیرمحمد (۸۱۳ه.ق.) و حکومت برادر وی میرزا اسکندر، صائن در خدمت شخص اخیر بود و در اصفهان نزد وی مقرب میزیست. پس از طغیان اسکندر بر شاهرخ (۸۱۷) و فتح اصفهان و فارس به دست شاهرخ، صائن بار دیگر انزوا اختیار کرد، و در این اثنا دو سفر به خراسان رفت و بار دوم منظور نظر شاهرخ گردید و به قضاوت ولایت یزد منصوب منصوب گردید. از تألیفات اوست به عربی، شرح فصوص الحکم (۸۱۴ه.ق.)، مفاحص در علم حروف و اعداد مبتنی بر بیان توحید، رساله بائیه در اعداد و حروف و جفر، رساله انزالیه در نزول کتاب مطابق مشرب متکلمان، رساله محمدیه در الفاظ و حکم قرآن و کشف اسم محمد مطابق مشرب حروفیان، رساله مختصر در توضیح تعلیقات کشاف، کتاب مناهج در منطق، و از تألیفات فارسی اوست: شرح قصیده تائیه ابن فارض به پارسی و به نثر فنی، اسرار الصلوهٔ مطابق اصول تصوف، رساله در اطوار ثلاثه تصوف، تحفه علائیه در اصول و آداب اسالم بر طبق چهار مذهت سنت، مدارج افهام الافواج فی تفسیر ثمانیهٔ ازواج، رساله در اعتقاد به نام شاهرخ (برای رد تهمت تصوف)، رساله در شرح لمعات عراقی.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

صائین قلعه‌ای، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابراهیم صائین قلعه‌ای نزیل نجف صاحب تاریخ زنجان متولد ۱۳۴۴ قمری.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

صبا تهرانی، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۴ -۱۲۷۴ ش)، شاعر. وی از فرزندزادگان فتحعلی‌خان صبا بود و در تهران به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در مدارس تهران فراگرفت و علوم ادبی و عربی را از محضر ادیب پیشاوری در مهشد و شمس‌العلماء قریب، متخلص به ربانی، در تهران آموخت. وی فنون شعر و آداب سخن را از استاد ملک‌الشعراء بهار و حسین سمیعی فراگرفت و از نوزده سالگی وارد خدمات دولتی شد. صبا در بیشتر انجمنهای ادبی تهران عضویت داشت و در دواوین شعرای متقدم مطالعات وسیعی نمود و از این رهگذر توانست به شعرش رونق دهد و با رموز شعر اساتید فن آشنا شود. صبا در سبک شعرای خراسان مطالعه‌ی بسیار داشت و مضامین اشعارش بیشتر توصیف مناظر طبیعت و زیباییهای گل و ریحان بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۹۲ / ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۸۲ -۱۸۱ / ۴)، سخنوران نامی معاصر (۲۲۴۳ -۲۲۳۹ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۵۴۶)، یغما (س ۳، ش ۳، ص ۱۵۴، س ۲۲، ش ۱۱، ص ۶۵۰ -۶۴۶).

صبا، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۱ -۱۲۸۵ ش)، فهرست‌نویس، روزنامه‌نگار، مترجم، نویسنده و استاد دانشگاه. از نوادگان فتحعلی‌خان صبا بود. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات خود را به ترتیب در مدرسه‌های فرانکوپرسان، دارالفنون و سپس علوم سیاسی انجام داد. پس از آن همراه دانشجویان اعزامی به اروپا، به فرانسه رفت و در پاریس از دانشکده‌ی حقوق درجه‌ی دکتری دریافت کرد. همچنین دوره‌ی مدرسه‌ی عالی شارت را که مخصوص تعلیمات مربوط به آرشیو، بایگانی و کتابداری است، در آن دیار گذراند و دیپلم آنجا را کسب کرد. صبا نخستین ایرانی است که درجه‌ی علمی از آنجا گرفته است. وی در روزنامه‌هایی چون: «شفق سرخ»، «نوبهار»، «عصر اقتصاد» و «کیهان» مقالات متعددی نوشته و مدت ده سال سردبیر مجله‌ی «بانک ملی ایران» بود. او مؤسس انجمن دوستداران کتاب بود و شماری از آثار پیشینیان را به سبکی زیبا و دلپسند انتشار داد. صبا استاد کرسی آمار دانشکده حقوق و استاد بایگانی و روش تحقیق در دانشکده‌ی ادبیات بود. او کتابسشناسی ایران در زبان فرانسه را به وجود آورد و کتابهای فرانسه راجع به ایران را فهرست کرد و مطالبی راجع به ایران در ادبیات فرانسه گردآوری کرد. از دیگر آثار او: «آزلزین»، ترجمه؛ «اصول آماری و کلیات آمار اقتصادی»؛ «اصول بایگانی»؛ «اصول فن کتابداری و تنظیم کتابخانه‌های عمومی‌و خصوصی»؛ «گلهای حافظ»، ترجمه؛ «یکی بود یکی نبود»، ترجمه. از جمله‌ی خدمات دکتر صبا پایه‌گذاری کتابخانه‌ی بانک ملی ایران بود.[۱]

کتاب شناس.

تولد: ۱۲۸۵، تهران.

درگذشت: ۲۳ فروردین ۱۳۷۱، سن‌دیه‌گو (آمریکا).

محسن صبا تحصیلات خود را به ترتیب در مدرسه‌های «فرانکو پرسان» و دارالفنون و سپس مدرسه‌ی علوم سیاسی انجام داد. پس از آن همراه گروهی از محصلین اعزامی به فرانسه رفت و توانست دانشکده‌ی حقوق پاریس را بگذراند و درجه‌ی دکتری دریافت کند. همچنین مدرسه‌ی عالی شارت را در آن دیار ببیند و دیپلم آنجا را به دست بیاورد. مدرسه‌ی شارت مخصوص تعلیمات مرتبط به آرشیو، بایگانی و کتابدای است و صبا نخستین ایرانی است که درجه‌ی علمی از آنجا گرفته است.

کار علمی وی در پاریس که منجر به دریافت درجه‌ی علمی و دکتری شد گردآوری فهرستی از کتاب‌ها و مقاله‌هایی بود که به زبان فرانسوی درباره‌ی ایران در سراسر جهان نشر شده بود. دکتر صبا برای به سرانجام رسانیدن این کار مدت‌ها در کتابخانه‌های فرانسه به جستجو پرداخت تا عاقبت کتاب‌شناسی ایران در زبان فرانسه را به وجود آورد که در سال ۱۹۳۶ در پاریس به چاپ رسید.

صبا پس از بازگشت به ایران نخست در بانک ملی ایران به کار پرداخت. از اقدامات مهم او پایه گذاری و مجموعه‌سازی کتابخانه‌ی بانک ملی در سال ۱۳۱۶ است. دکتر صبا توانست فهرست کتابخانه‌ی ملی را در سال ۱۳۲۴ به چاپ برساند. صبا مدت ده سال ریاست اداره‌ی آمار و بررسی‌های اقتصادی همان بانک را داشت و در این مدت بود که مجله‌ی «بانک ملی» زیر نظر او

منتشـر می‌شـد که به مقاله‌های تخصصـی آماری و اقتصادی اجتماعی اختصاصـی داشت. کم‌کم همزمان با ادامه‌ی کار در بانک، به تدریس در دانشگاه پرداخت و به استادی در دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی رسید، تا این که پس از سی سال تدریس بازنشسته شد.

وی کتـابی دربـاره‌ی فن کتابـداری در سـال ۱۳۳۳ منتشر نمود. وی کتـابی هم دربـاره‌ی بایگـانی و کتـاب دیگری دربـاره‌ی آمـار اقتصادی نوشت. وی همچنین انجمن دوسـتداران کتاب را تأسیس نمود. دکتر صبا پس از تشکیل یونسکو نخستین کتابداری بود که به دعوت آن مؤسسه‌ی سـفری به اروپا رفت (سال ۱۳۳۲) و تحولات جدیـد کتابداری را پس از جنگ دید. گروه ملی کتابشناسـی ایران وابسته به کمیسیون ملی یونسکو را با همکاری دکتر مهدی بیانی، محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار تأسیس نمود. دکتر صبا بر سه کتاب منتشره این گروه مقدمه دارد (کتاب شناسـی فهرست‌های نسـخه‌های خطی فارسـی در کتابخانه‌های دنیا از ایرج افشار، فهرست نسـخه‌های خطی کتابخانه دانشـکده‌ی حقوق و علوم سیاسـی و اقتصادی دانشگاه تهران از محمدتقی دانش‌پژوه و فهرست مقالات فارسـی جلد اول از ایرج افشار). تأسیس کمیته بایگانی ملی وابسته به کمیسیون ملی یونسکو در سال ۱۳۳۸ کار دیگری بود که با همکاری دیگران انجام داد. از آثار اوست:

Bibliographie francaise de Iran paris ۱۹۳۵

Tehran ۱۹۵۱ Tehran ۱۹۶۶ (english)

Biblioraohy of Tehran ۱۹۶۵

فرهنگ بیان انـدیشه‌ها (تهران، ۱۳۶۶)؛ صـدای انسانی (از ژان کوکتو، تهران، ۱۳۳۸)؛ یکی بود یکی نبود (از فرانسـیس دوکرواسه، انجمن دوستداران کتاب، ۱۳۳۸)؛ گل‌هـای حافظ (از هانری گی، با نقاشـی‌های لیلی تقی‌پور)؛ ترجمه‌های کوتاه دیگر دارد که در فهرست‌های کتاب‌های چاپی تألیف خانبابا مشار به نامهای آرلزین، آنترموز، تیستین، ستارگان، گردش آمده است، مسافرت به ایران (از الکسـیس سولتی کف دیمیتریویچ، تهران، ۱۳۳۶)؛ زیبایی‌های ایران (آنـدره دولیه دولند، تهران، ۱۳۵۵)؛ اصول فن کتابداری و تنظیم کتابخانه‌های عمومی و خصوصی تهران (۱۳۳۳)؛ اصول بایگانی (۱۳۳۳)؛ اصول آماری و کلیات آمار اقتصادی (۱۳۳۴).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینـده (س ۱۹، ش ۳ -۱، ص ۲۳۴ -۲۲۳)، زنـدگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۸۴ -۱۸۳ / ۴)،کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۱ -۲۲۹ / ۵).

صباحی بیدگلی کاشانی، سلیمان

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۰۷ / ۱۲۰۶ ق)، شاعر، متخلص به صـباحی. اصل وی از بیـدگل از توابع کاشان است. وی از شاعران دوره‌ی اول بازگشـت ادبی و معاصـر آذر و هـاتف و مـدیحه‌گوی آقـا محمـدخان قاجار و اسـتاد و ممـدوح ملك الشعرا فتحعلی‌خان صـبای کاشانی بود. «دیوان» وی شامل قصاید، ترکیب‌بند، غزلهای، مرثیه‌ها و ترانه‌هاست. صباحی در سرودن مرثیه مهارت داشت و «دوازده‌بند» او که به تقلیـد از محتشم ساخته، مشـهور است. وی در علوم ریاضـی و هنـدسه نیز دست داشت. وفات وی را برخی در ۱۲۰۰ ق و بعضی در ۱۲۲۸ ق نیز دانسته‌اند. مدفن وی در خاج دروازه‌ی بیدگل کاشان است.[۱]

حـاجی سـلیمان بیـدگلی کاشـانی شـاعر اواخر قرن دوازدهـم و آغـاز قرن سـیزدهم هجری (ف. ۱۲۱۸ ه.ق/ ۱۸۰۳). مولد صـباحی بیـدگلی از اعمـال کاشـان است. وی مـداح آغا محمـدخان قاجار و اسـتاد و ممـدوح ملك‌الشـعراء فتحعلی‌خان صـبای کاشانی بود. دیوانش مشـتمل بر قصاید، ترکیب‌بند، غزلیات، مراثی و رباعیات است. صـباحی در مرثیه‌سرایی مهارت داشت و «چهارده بند» که او به تقلید کلیم ساخته مشهور است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :[۱] تاریـخ ادبیـات ایران، دوره‌ی بازگشت (۳۲۰ -۳۱۳ / ۲)، دایره‌المعارف فارسـی (۱۵۵۲ / ۲)، دویست سخنور (۱۸۶ -۱۸۵)، الذریعه (۵۹۱ / ۹ ،۲۷۰ / ۸)، ریحانه (۴۱۳ -۴۱۲ / ۳)، سفینه المحمود (۴۳۴ -۴۲۶ / ۲)، سیری در شعر فارسی (۱۵۳)، شخصیت‌های نامی (۲۸۱)، فرهنگ سخنوران (۵۴۷)، گنج سخن (۱۶۵ -۱۶۱ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ حاجی سلیمان)، مجمع الفصحا (۵۷۲ -۵۶۵ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۳۶۵ -۳۶۴ / ۳)، نتایج الافکار (۴۲۸ -۴۲۷)، نگارستان دارا (۲۱۵ -۲۱۴).

صباحی هروی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شـاعر و منشـی. وی از شاعران و منشـیان هرات بود که در روزگار اکبر شاه گورکانی (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به هندوستان رفت و در آن سامان ملازم بیت‌الانشاء شد. پس از مدتی اقامت در هندوستان، به زادگاهش بازگشت. صباحی علاوه بر مهارت در فن انشاء، در سرودن شعر، بویژه غزل نیز توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۸۴)، تذکره روز روشن (۴۶۹).

صباغ، محمد صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، عالم دینی، حکیم و فقیه. نزد ملاـ هادی سبزواری تصحیل علم نمود و از خواص و مشاهیر شاگردان وی شد. صاحب «المآثر و الآثار» وی را کاشانی و در فقه و زهد و اخلاق ممتاز توصیف کرده است، ولی شیخ محمد علی حبیب‌آبادی وی را اصفهانی‌الاصل می‌داند. از آثارش شرح «تشریح الافلاک» را می‌توان نام برد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۵۵ -۸۵۴ / ۱۴)، المآثر و الآثار (۱۶۰).

صباغیان، زهرا

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آموزش و پرورش، دانشکده: علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد تعلیم و تربیت (مشاوره و راهنمایی)، دکترا در دو رشته آموزش بزرگسالان و مدیریت آموزش عالی، فوق دکترا در رشته مدیریت و برنامه‌ریزی طرحهای سوادآموزی.

مرتبه علمی:

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۵۸، دانشیار دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آموزش بزرگسالان، تعلیم و تربیت، مدیریت آموزشی، تدریس دروس مربوطه در رشته‌های مدیریت آموزشی، علوم تربیتی و آموزش بزرگسالان، استاد راهنمای ۵ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

آموزش بزرگسالان، مدیریت آموزش، تعلیم و تربیت، روشهای سوادآموزی بزرگسالان، شناخت بزرگسال و روشهای سوادآموزی، مسائل و مشکلات سوادآموزی در ایران و مدیریت مؤثر کلاس.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

آموزش بزرگسالان و مدیریت آموزشی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

صبای شیرازی، نظام‌الدین محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۱۳ ق)، شاعر، متخلص به صبا. پدر وی از اطباء حاذق بود و با صاحب تذکره‌ی «مرآت الفصاحه» آشنایی داشت. صبای شیرازی دارای «دیوان» شعر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۶۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۲۱ / ۳)، الذریعه (۵۹۲ / ۹)، مرآت الفصاحه (۳۴۷).

صبای کاشانی، فتحعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۳۸ / ۱۲۳۷ / ۱۲۳۴ ق)، شاعر، متخلص به صبا. ملقب به ملک‌الشعراء و احتساب‌الممالک. جد اعلای وی اصلا از دنبلی‌های آذربایجان بوده که در پایان روزگار پادشاهی کریم‌خان از آنچه به عراق عجم رفته و در شهر کاشان اقامت گزیده است. صبا در

کاشان به دنیا آمد. وی از شاگردان حاجی سلیمان بیگ صباحی بیدگلی و ابتدا مداح لطفعلی‌خان زند بود، اما در ۱۲۱۱ ق به تهران آمد و در جشن جلوس فتحعلی‌شاه قصیده‌ی غرایی خواند که مورد پسند شاه واقع شد و لقب ملک‌الشعرایی گرفت. صبا کتابی به وزن «شاهنامه» فردوسی (بحر متقارب) به نام «شهنشاه‌نامه» که شامل چهل هزار بیت بود و سه سال به طول انجامید، به نظم درآورد. گریبایدوف، سفیر روس در دربار ایران، ضمن سفرنامه‌ی خود درباره‌ی صبا می‌نویسد: مردی است مودب و متواضع و خوش‌صورت، آهسته سخن می‌گوید. ملک‌الشعرای صبا در ادبیات فارسی تبحر و به لغت عرب احاطه‌ی کافی داشت. در تهران درگذشت. وی اشعار زیادی، از غزل و مثنوی و رباعی و ترجیع‌بند، سروده ولی هنر بزرگ او قصیده‌سرایی است. صبا در این فن از انوری پیروی کرده ولی در عین حال دارای سبک و شیوه‌ی خاصی است که بعدها قاآنی و ادیب‌الممالک فراهانی و بسیاری از شعرای قرن سیزدهم از شیوه‌ی او تقلید کرده‌اند. از دیگر آثار او: «دیوان» شعر؛ مثنوی «خداوندنامه»، در بیان معجزات پیغمبر اسلام (ص) و دلاورهای امیرالمومنین علی (ع)؛ «عبرت‌نامه» به تقلید «تحفه العراقین» خاقانی؛ «گلشن صبا»، در اندرز به فرزندش.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از صبا تا نیما (۲۸ -۲۰ / ۱)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۰۰ -۱۹۹ / ۴)، حماسه‌سرایی در ایران (۳۶۷ -۳۶۶)، دویست سخنور (۱۸۱ -۱۷۹)، الذریعه (۵۹۲ / ۹)،ریاض العارفین (۲۶۶ -۲۶۳)، ریحانه (۴۱۲ -۴۱۱ / ۳)، سفینه المحمود (۱۱۷ -۷۶ / ۱)، سیری در شعر فارسی (۱۶۸ -۱۶۷)، شخثیت‌های نامی (۲۸۰)، شعر فارسی از آغاز تا امروز (۲۰۳ -۲۰۰)، صبح گلشن (۲۴۷ - ۲۴۶)، فرهنگ سخنوران (۵۴۷ -۵۴۶)، گنج سخن (۱۸۶ -۱۸۱ / ۳)، مجمع الفصحا (۶۳۷ -۵۷۲ / ۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۰۸ - ۱۰۶)،مواد التواریخ (۳۹۷)، مؤلفین کتب چاپی (۷۶۴ -۷۶۳ / ۴)، نگارستان دارا (۴۶ -۴۰)، یادگار (س ۵ ش ۱ و ۲، ص ۱۴۴).

صبایی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. ملا صبایی از شاعران مدیحه‌سرای دربار شاه طهماسب صفوی (۹۸۴ -۹۳۰ ق) بود که به هندوستان مهاجرت کرد و در آن سامان به مدح و ستایش امیران دربار اکبری پرداخت. وی در سرودن اقسام مختلف شعر توانا بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۸۴)، تدکره‌ی روز روزشن (۴۶۹)، کاروان هند (۷۱۳ / ۱).

صبحت لاری، محمد باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۲۵۱ -۱۱۶۲ ق)، شاعر، متخلص به صحبت. اصل وی از بیرم لار فارس بود و در کودکی به شیراز آمده و به تصحیل و کسب فنون و علوم پرداخت و به زادگاهش بازگشت. وی امام جمعه و جماعت لار بود. سرانجام در همان شهر درگذشت و در مجاورت مزار امامزاه علی ببن حسین دفن شد. اثر وی: «دیوان» شعر، که به «تاج الدواوین» معروف است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۰۰۴ -۱۰۰۱ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۳۳ -۴۲۳ / ۳)، دویست سخنور (۱۹۲ - ۱۹۰)، الذریعه (۵۹۹ / ۹)، طرائق الحقائق (۳۱۸ -۳۱۷ / ۳)، فارسنامه ناصری (۱۵۱۵ -۱۵۰۸ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۵۵۲ -۵۵۱)، مرآت الفصاحه (۳۵۱ -۳۴۹)، مصطبه خراب (۱۱۳)، مکارم الآثار (۱۴۰۱ -۱۳۹۸ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۷۷ / ۲).

صبحی بروجردی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۰ ق)، شاعر. در بروجرد به دنیا آمد. پس از تحصیل مقدمات، در ۱۰۲۰ ق، از ایران به هندوستان رفت و در آنجا به ظفرخان، پسر زین‌خان کوکه، از امرای اکبر و جهانگیر شاه، پیوست. صبحی طبعی مستقیم و ذهنی سلیم داشته و در سرودن شعر توانا بوده است. نمونه اشعار وی در تذکره‌ی «عرفات العاشقین» نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۵۴۸)، کاروان هند (۷۱۴ -۷۱۳ / ۱).

صبحی کاشانی، عبدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر، متخلص به صبحی. ملقب به مؤبد. از علوم عقلی و نقلی و معارف قدیم و جدید اطلاع داشت. وی الفبایی برای فراگرفتن اطفال دبستان اختراع کرد، که دارای قواعد هجاییه آسان بود. صبحی در تعلیم و تعلم فرزندان وطن با همت و غیرت زیاد متحمل بسی رنج و زحمت گردید و کتابی‌تالیف کرد که جامع هر گونه مطلب مفید از اصول دین، مسائل شرعی، تاریخی، جغرافیا، نقشه، لغات فرس قدیم و غیره است. از آثار وی: «خجسته نامه‌ی مؤبد»؛ «مجموعه‌ی مؤبد»؛ «نامه‌ی مؤبد»؛ «نسخ مؤبد»؛ «پتسای مؤبد»؛ «هنایش خرد»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۱۴، ۳۲۶۸، ۳۲۳۷، ۲۹۳۵، ۲۹۳۴- ۲ / ۶۰۸، ۱ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۸۲- ۸۸۰ / ۳).

صبحی مازندرانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از سادات مازندران بود و با خلیفه سلطان (م ۱۰۶۳ ق)، داماد شاه عباس دوم، خویشاوندی داشت. میر صبحی از علم طب و حکمت و موسیقی سررشته داشت، ولی با همه این کمالات پشت پا به دنیا زد و جامه فقر و درویشی پوشید و به سیر آفاق و انفس پرداخت. وی مردی شوخ‌طبع و وارسته بود که در سرودن شعر نیز مهارت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۲۰- ۴۱۹)، الذریعه (۵۹۳ / ۹)، شعرای مازندان و گرگان (۱۶۴)، فرهنگ سخنوران (۵۴۸).

صبحی همدانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی از شاعران ایرانی بود که به هندوستان مهاجرت کرد و در انجا ابتدا به خدمت مهابت‌خان، از سرداران جهانگیر، درآمد. پس از چندی به حضور شاه جهان (۱۰۶۸- ۱۰۳۶ ق) رسید و ملازمت وی را اختیار کرد. صبحی سرانجام در یکی از جنگها کشته شد. از وی اشعاری در تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۷۶- ۲۷۵ / ۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۲۳)، الذریعه (۵۹۳ / ۹)، ریحانه (۴۱۳ / ۳)، صبح گلشن (۲۴۷)، فرهنگ سخنوران (۵۴۸)، کاروان هند (۷۱۵- ۷۱۴ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل / صبحی).

صبری اردستانی، روزبهان

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۸۴- ۹۳۰ ق)، شاعر، متخلص به صبری. از سادات اردستان بود که در اصفهان می‌زیست. میر روزبهان معاصر شاه طهماسب بود و به روزگار وی امام مسجد جامع اصفهان بود. وی از چنان شهرتی برخوردار بود که او را «شاهی ثانی» می‌خواندند.شکیبی شاعر از خویشاوندان وی بود و در امر شاعر نزد او تربیت یافت. صبری علاوه بر مهارت در سرودن شعر و علوم دینی، از موسیقی و شطرنج نیز سررشته داشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۵۸- ۹۵۶ / ۳)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۸۸ / ۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۳۸ / ۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۶۰)، تذکره‌ی روز روشن (۴۷۱)، الذریعه (۵۹۴- ۵۹۳ / ۹)، ریحانه (۴۱۴ / ۳)، کاروان هند (۴۸۲ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل / صبری)، مجمع الخواص (۱۵۵- ۱۵۴)، نتایج الافکار (۴۲۳- ۴۲۲)، هفت اقلیم (۴۲۴- ۴۲۲ / ۲).

صبری تهرانی، شریف محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به صبری. از شاعران اهل تهران بود که بعد از تحصیل علوم به شاعری پرداخت. گویند در شعر طبع وی نیک بود. از اوست:

ماه من تا علم حسن بر افراخته‌ای

خوبرویان همه را خاک‌نشین ساخته‌ای

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه‌ی سامی (۲۵۰)، الذریعه (۵۹۴ / ۹).

صبری حلوایی، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید صبری حلوایی

محل تولد : آذرشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۷/۸

زندگینامه علمی

سال ۱۳۳۵ هفتم مهر در آذرشهر متولد شدم. هفت سالگی وارد دبستان بیژن آذر شهر شدم. سال۱۳۴۷ وارد دبیرستان آذرشهر شدم.سال ۱۳۵۱ وارد دبیرستان توحید شیراز شدم. ۱۳۵۶ در رشته طبیعی دیپلم گرفتم. سال ۱۳۸۳ در جشنواره مبتکران ـ مخترعان ـ نو آوران و ممتازین دانشجوی بسیجی به عنوان ممتاز علمی شناخته شدم در همان سال و همان جشنوار با کسب مقام اول پروژه کارشناسی ارشد ممتاز پروژه نیز معرفی شدم سال ۱۳۸۴ برگزیده مؤلف نمونه در همایش اهل قلم سازمان صدا و سیما تجلیل شدم. در پاییز سال ۱۳۸۴ بـه عنـوان برگزیـده کنگره بین‌المللی روابط عمومی و در بهار همان سال برگزیده کنگره بین‌المللی جنبش نرم‌افزاری که در سالن اجلاس سران سال ۸۴ برگزار شد معرفی شدم.

در جشنواره‌های گوناگون تحقیقاتی سازمان صدا و سیما رتبه‌های پژوهش برتر را اخذ نمودم از جمله:

الف: جشنواره هفتم شیراز اردیبهشت ۷۶ با پژوهش بیوگرافی شهید آیت الله قاضی.

ب: در جشنواره ۱۲ یزد با پژوهش نهضت خدمات رسانی.

ت: در جنشواره ۱۳ تبریز با پژوهش نهضت پاسخگویی به مطالبات مردم.

ج: در جشنواره ۱۴ که در اصفهان برگزار شد ۳ عنوان پژوهش تا مرحله عالی داوری راه یافت با عناوین.

۱. معراج. ۲. مشارکت عمومی. ۳. کندوان بهشت گمشده

ث: در جشنواره ۱۵ با پتروشیمی تحت عنوان و ماه بشکافت شق القمر معجزه پیامبر اعظم(ص)

فعلاً مدیر مسئول و صاحب امتیاز هفته نامه تبریز می‌باشم.

صبری مروزی، غضنفر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به راهب و صبری. از شاعران مرو است که به هندوستان رفت و در آنجا به خدمت جهانگیر شاه درآمد. به نقل از تذکره‌ها تقی‌الدین اوحدی از شاگردان او بود. غضنفر در بدو امر راهب تخلص می‌نمود. پس از آن تخلص صبری را اختیار کرد. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۹۴ / ۹)، ریحانه (۴۱۴ / ۳) صبح گلشن (۲۴۷)، فرهنگ سخنوران (۵۴۹)، لغت‌نامه (ذیل/ صبری).

صبری، خلیل‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۷ ش)، شاعر، حقوق‌دان و روزنامه‌نگار. در سنندج به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به انجام رسانید و همزمان با آن به تصحیل علوم قدیمه نیز می‌پرداخت. پس از اتمام دروه‌ی متوسطه، موفق به اخذ مدرک کارشناسی در رشته‌ی معقول و منقول گردید سپس به مشاغل زیر پرداخت: ریاست دادگاه، ریاست هیأت بازرسی، سرپرستی برنامه‌ی عشایر کرد و عضویت در شورای عالی عشایر. وی همچنین مؤسس روزنامه «صاعقه» بود.از آثارش: «روش دادرسی»؛ «طبقات الایات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۲۲۴۶ -۲۲۴۴ / ۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۲۵۰، ۱۷۸۰ / ۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۵)، مؤلفین کتب چاپی (۳۱ -۳۰ / ۳).

صبغی نیشابوری، شیخ‌الاسلام ابوبکر

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۴۲ -۲۵۸ ق)، مفتی، محدث، عالم و فقیه شافعی. پدرش، اسحاق بن ایوب، از علمای نیشابور بود. احمد از نیشابور به ری، بصره، بغداد و حجاز سفر کرد. او یحیی بن محمد ذهلی و ابوحاتم رازی را درک کرد و از فضل بن محمد شعرانی و اسمعیل بن قتیبه و یوسف بن یعقوب یا یعقوب بن یوسف قزوینی و حارث بن ابی‌اسامه و هشام بن علی سیرافی و علی بن عبدالعزیز بغوی و محمد بن ایوب بجلی و اسماعیل قاضی و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید و آن گاه به جمع‌آوری و تصنیف پرداخت. صبغی در فقه و شناخت حدیث سرآمد بود. در ۲۸۳ ق به حج رفت. او رئیس شافعیه نیشابور شد و متجاوز از پنجاه سال متصدی منصب افتاء بود و به عقل و رای ضرب‌المثل. حاکم گوید که صبغی به احدی اجازه نمی‌داد که در مجلسش غیبت کند. حمزه بن محمد زیدی و ابوعلی حافظ نیشابوری و ابواحمد حاکم نیشابوری و ابوبکر اسماعیلی و محمد بن ابراهیم جرجانی و ابوعبدالله حاکم نیشابوری و بسیاری دیگر از او حدیث روایت کرده‌اند. از وی آثار مبسوطی، در فقه و حدیث، به جای مانده است که از آن جمله‌اند: «الطهاره»؛ «الصلاه»؛ «الزکاه»؛ «المبسوط»؛ «الاسماء و الصفات»؛ کتاب «الایمان»؛ «القدر»؛ کتاب «فضائل الخلفاء الاربعه»؛ کتاب «الرؤیه»؛ کتاب «الاحکام»؛ «الامامه».

در «الوافی بالوفیات» کتاب «الایمان» وی تحت عنوان «الایماء» و سه کتاب «الرؤیه» و «الاحکام» و «الامامه» تحت یک عنوان «الرؤیه و الاحکام و الامامه»آورده شده است. در «شذرات الذهب» و «العبر»، صاحب عنوان به نام ضبعی آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۹۱ / ۱)، الاعلام بوفیات الاعلام (۲۳۴ / ۱)، انساب سمعانی (۵۲۱ / ۳)، تاریخ نیشابور (۱۷۹)، سیر النبلاء (۴۸۹ -۴۸۳ / ۱۵)، شذرات الذهب (۳۶۱ / ۲)، العبر (۶۳ / ۲)، الکامل (۳۴۵ / ۶)، کشف الظنون (۱۲۷۵)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (۱۶۰ / ۱)، النجوم الزاهره (۳۵۳ / ۳)، الوافی بالوفیات (۲۳۹ / ۶)، هدیه العارفین (۶۲ / ۱).

صبوح اصفهانی، محمد علی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر و موسیقیدان. از نزدیکان لطفعلی بیگ آذر (م ۱۱۹۵ ق) بود. او در سخن‌سرایی و فن موسیقی بویژه نواختن چهارتار مهارتی تمام داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۷۰)، الذریعه (۵۴ / ۹)، سفینه المحمود (۴۴۰ / ۲)، نگارستان دارا (۲۲۰).

صبوحی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر هروی (بدخشانی) (ف. ۹۷۲ ه.ق.).وی در بخارا به تحصیل پرداخت و سپس به حج رفت. به تصریح برخی از تذکره ها صبوحی به هندوستان نیز سفر کرده و در سلک شاعران دربار اکبر شاه بوده است. از آثار وی «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :آتشکده آذر (۷۶۸/۲)، تاریخ نظم و نثر (۶۵۳)، الذریعه (۹ /۵۹۵-۵۹۴)، ریحانه (۳ /۴۱۴)، صبح گلشن (۲۴۸)، فرهنگ سخنوران (۵۵۰)، لغت نامه (ذیل /صبوحی).

صبوحی جغتایی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(و ف ۹۷۳ ق)، شاعر. در بدخشان به دنیا آمد. در بخارا به تحصیل علم و دانش پرداخت و در شهر هرات مسکن گزید. وی در سرودن غزل مهارت داشت. سفری به حج رفت. به تصریح برخی از تذکره‌ها، صبوحی به هندوستان نیز سفر کرده و در سلک شاعران دربار اکبر شاه بوده است. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۶۸ / ۲)، تاریخ نظم و نثر (۵۶۳)، الذریعه (۵۹۵ -۵۹۴ / ۹)، ریحانه (۴۱۴ / ۳)، صبح گلشن (۲۴۸)، فرهنگ سخنوران (۵۵۰)، لغت‌نامه (ذیل/ صبوحی).

صبوحی خراسانی، حیدر

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر، متخلص به صبوحی. وی از شاعران سلطان حسین بایقرا (۹۱۱ -۸۷۳ ق) بود. امیر علیشیر نوایی، به جهت نزدیکی، به او نسبت فرزندی داد. صبوحی از روزگار کودکی به کسب علوم و فضایل و معما و سایر فنون پرداخته و در سرودن شعر نیز توانا بوده است. در «الذریعه» صاحب عنوان تحت نام صبوحی هروی آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۹۶ / ۹)، مجالس النفائس (۲۸۲، ۱۰۹).

صبوحی خوانساری، حسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۷۸ ق)، موسیقیدان و شاعر، متخلص به صبوحی. از شعرا و نوازندگان عهد شاه عباس دوم و شاه سلیمان بود. وی مدتها در لباس درویشی به سیر و سیاحت پرداخت و سپس در تبریز به خدمت رستم‌خان سپهسالار رسید. صبوحی پس از ترک لباس درویشی، به همراه واصب قندهاری، به لاهیجان، نزد میرزا عبدالله وزیر رفت. صبوحی در فن موسیقی مهارت داشت و در نواختن چهار تار استاد و از صوتی زیبا نیز بهره‌مند بود. او در اواخر عمر از نوازندگی و خوانندگی توبه کرد. در سرودن شعر نیز دست داشت و بیشتر اشعارش در قالب مثنوی است. اثر وی «دیوان» شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۰۵۵ / ۳)، تاریخ اصفهان (۲۵۴)، تاریخ موسیقی (۳۳۶ -۳۳۵ / ۱)، تذکره‌ی روز روشن (۴۷۱ - ۴۷۰)، تذکره‌ی شعرای خوانسار (۱۴۶ -۱۴۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۵۸ -۳۵۷)، الذریعه (۵۹۵ / ۹)، صبح گلشن (۲۴۸)، فرهنگ سخنوران (۵۵۰ -۵۴۹).

صبوحی قمی، شاطر عباس

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۵ -۱۲۷۵ ق)، شاعر، متخلص به صبوحی. وی در قم به دنیا آمد و در این شهر نشو و نما یافت و به حرفه‌ی شاطری روی آورد. سپس از قم به تهران آمد و تا پایان عمر در این شهر زیست. او خواندن و نوشتن نمی‌دانسته اما از ذوق و استعدادی کافی بهره‌مند بوده و بنا بر قریحه‌ی ذاتی اشعاری متوسط سرود است. «دیوان» او بارها به چاپ رسیده و اشعاری از دیگران را در دیوان وی آورده‌اند، از جمله غزلی از ابوالقاسم لاهوتی و نیز غزلی از شاطر مصطفی قمی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۹۶ / ۹)، سخنوران نامی معاصر (۲۲۵۳ -۲۲۴۷ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۵۵۰)، مؤلفین کتب چاپی (۶۶۰ -۶۵۹ / ۳)، یادگار (س ۲ ش ۲، ص ۴۸).

صبور کاشانی، احمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۱۲۲۸ ق)، شاعر و خطاط. از اهالی کاشان و برادرزاده‌ی فتحعلی‌خان صبا ملک‌الشعرای دربار فتحعلی شاه بود. وی در خوشنویسی مهارت داشت و در نظم ونثر نیز متبحر بود. صبور مدتی از منیشیان عبسا میرزا نایب‌السلطنه بود که سرانجام در یکی از جنگهای ایران و روس کشته شد. از آثار وی «دیوان» شعر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۹۷ / ۹)، ریحانه (۴۱۵ / ۳)، سفینه المحمود (۴۳۹ -۴۳۸ / ۲)، طرائق الحقائق (۵۵۳ / ۳)، فرهنگ سخنوران (۵۵۰)، مجمع الفصحا (۶۹۴ -۶۸۸ / ۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۱۶).

صبوری تبریزی، محمد حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، نقاش و مذهب. وی از شاعران مکتب وقوع و از منجمان عهد شاه عباس صفوی (۱۰۳۸ -۹۹۶ ق) است که به

حسن اشعار و مکارم اخلاق و طرز غزل از امثال خود ممتاز و در فن نقاشی و تذهیب نیز سرآمد بود. از آثار وی: «دیوان» شعر؛ «رساله‌ای در تقویم»، در چهار فصل، که آن را برای پیر بداق‌خان پرناک و به نام شاه عباس صفوی تدوین کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۲۸ / ۱)، احوال و آثار نقاشان (۲۸۴ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۷۰۰)، دانشمندان آذربایجان (۲۲۸ - ۲۲۷)، الذریعه (۵۹۷ / ۹)، سخنوران آذربایجان (۴۸۲ -۴۷۷)، فرهنگ سخنوران (۵۵۱)، لغت‌نامه (ذیل/ صبوی)، مکتب وقوع (۲۷۷ -۲۶۹)، هفت اقلیم (۲۴۷ -۲۴۶ / ۳).

صبوری ترتبی، محمد

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. از شاعران تربت حیدریه بود که در سرودن شعر مهارت داشت و با الفاظ سلیس، مضامین رنگین را به هم ارتباط می‌داد. از اوست:

به جانم آتش افتد چون روم من در چمن بی او

نماید هر گل آتشپاره‌ای در چشم من بی او

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۹۸ / ۹)، صبح گلشن (۵۴۹)، فرهنگ سخنوران (۵۵۱).

صبوری تهرانی، محمود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اهل تهران بود و به کتابت روزگار می‌گذراند. از اوست:

نیست اشک لاله‌گون کز چشم پرخون می‌رود

از غمت خون شد جگر از دیده بیرون می‌رود

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه‌ی سامی (۲۸۷)، الذریعه (۱۰۱۱ / ۹).

صبوری خراسانی، محمد کاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۲ -۱۲۷۰ / ۱۲۵۹ ق)، شاعر، متخلص به صبوری. ملقب به ملک‌الشعرا. در مشهد به دنیا آمد. نسب وی به میرزا احمد صبور کاشانی، برادرزاده‌ی فتحعلی‌خان صبا، می‌رسد که دبیر عباس میرزا نایب‌السلطنه بود و در یکی از جنگهای ایران و روس شهید شد، و به همین سبب میراز محد کاظم صبوری تخلص می‌کرده است. وی پس از تحصیل علوم ادبی و عربی و فقه و فلسفه که معمول زمان بود در پی شغل پدر که حریربافی بود، نرفت و به سخن‌سرایی پرداخت و از بزرگان عصر خود گریدد. وی قصایدی در مناقب پیامبر اکرم (ص) و امامان (ع) سروده است. غلامحسین‌خان افضل‌الملک که با صبوری دوست و معاشر بوده، درباره‌ی وی چنین می‌نویسند: «اصل ترقی شعر جناب ملک‌الشعراء، تشویق و تربیت مرحوم ابونصر فتح‌الله‌خان شیبانی مؤلف کتابهای «گنج گهر» و «درج درر» بوده است. روزی شیبانی کتاب معزی را در دست صبوری می‌بیند، می‌گوید: جز «شاهنامه» و «دیوان» مسعودسعد و فرخی و عنصری مخوان تا طبعت ترقی کند. و ملک‌الشعراء صبوری چنان کرد. هر چند «پزشک نامه» و «بحران نامه» وی به سبک عراقی است لیکن سبک ملک در شعر ترکستانی است. وی قصایدی در مدح سلطان وقت و حکام و رجال خراسان دارد و در قبال این امر صلات و جوایز می‌گرفته است. صبوری در مدح ناصرالدین شاه قصیده‌ای سرود و با خلعت به تهران فرستاد و تقاضای لقب کرد و از دربار به وی لقب ملک‌الشعرایی آستان قدس با فرمان و حقوق دادند. وی شاعری استاد بود و «دیوان» او که به همت فرزندش محمد ملک‌زاده برادر کهتر استاد ملک‌الشعرا بهار چاپ شده در حدود دوازده هزار بیت می‌باشد. وی بر اثر بیماری وبا در مشهد درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دویست سخنور (۱۸۹ -۱۸۷)، الذریعه (۵۹۸ / ۹، ۲۷۰ / ۸)، شرح حال رجال (۲۵۹ / ۵)، صد سال شعر خراسان (۳۵۵ -۳۴۶)، طرائق الحقائق (۵۵۴ -۵۵۳ / ۳)، فرهنگ سخنوران (۵۵۱)، لغت‌نامه (ذیل/ صبوری خراسانی).

صبوری خوانساری، هاشم، محمد هاشم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۸۳ ق)، شاعر، متخلص به صبوری. از شاعران خوانسار است که مدتها در یزد و کرمان به سر برد و در آخر عمر به زادگاهش بازگشت. به گفته نصرآبادی در ۱۰۸۳ ق در خوانسار بوده است و در همان جا درگذشت. صبوری در سرودن شعر مهارت داشت. اشعاری از وی در تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای خوانسار (۱۴۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۸۱)، الذریعه (۵۹۸ / ۹)، صبح گلشن (۲۴۸)، فرهنگ سخنوران (۵۵۱).

صبوری رشتی، باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۳ -۱۲۶۵ ق)، پزشک و شاعر، متخلص به صبوری، ملقب به مدیرالاطباء در رشت به دنیا آمد. مقدمات ادبی و عربی را در زادگاهش فرا گرفت. پس از آن برای تکمیل تحصیلات به تهران آمد و مدتی به تحصیل حکمت و کلام در محضر میرزا ابوالحسن جلوه، و طب در نزد دکتر محمدخان کرمانشاهی پرداخت و سپس به منظور تکمیل تحصیلات به مصر و لبنان و فرانسه رفت و مدت چهارده سال در آنجا اقامت کرد. و سرانجام به ایران بازگشت و عهده‌دار ریاست اداره‌ی حفظ الصحه‌ی گیلان شد و اولین داروخانه به سبک جدید مجهز به دستگاه قرص و کپسول‌سازی را در رشت دایر کرد. صبوری در فن موسیقی نیز صاحب نظر بود و در شعر از سعدی پیروی می‌کرد. او بر اثر سقوط از درشکه درگذشت و در وادی السلام نجف دفن شد. از آثار وی: «دیوان» شعر، به اهتمام هادی جلوه و مقدمه‌ی پورداود و دکتر محمد معین.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۹۸ / ۹)، کتاب گیلان (۶۵۴ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۷۲ -۷۱ / ۲)، نامها و نامداران گیلان (۳۰۳ - ۳۰۲)، یغما (س ۴، ش ۲، ص ۹۴ -۹۲).

صبوری قمی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۵ ق)، عالم دینی، فقیه و شاعر. پس از فراغت از مقدمات، در بیست سالگی شروع به تحصیل سطوح عالی در خدمت شیخ حسن فاضل و آیت‌الله میرزا محمود روحانی و آیت‌الله آقا میرزا محمد همدانی کرد. پس از تکمیل سطوح، مدت کوتاهی از درس خارج آیت‌الله حایری و پس از فوت آن استاد از درس آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری و آیت‌الله سید صدرالدین صدر در فقه و اصول، استفاده‌ها برد. آن‌گاه به بروجرد رفت و از درس آیت‌الله بروجردی بهره برد. وی دارای اجازاتی از آیت‌الله خویی و آیت‌الله میلانی و آیت‌الله نجفی مرعشی و آیت‌الله سید علی علامه فانی اصفهانی بود. او در قم به انجام وظائف دینی مشغول بود تا به دعوت بعضی علمای کاشان در ۱۳۴۶ ق، برای تدریس و رسیدگی به امور محصلین آنجا،به آن شهر رفت و در مدرسه‌ی سلطانی و مدرسه‌ی گذر باباولی به تدریس سطوح عالی و خارج پرداخت. از آثارش: «الفیه» موسوم به «سلک الدرر فی نظم الاثر»؛ «الدرر البهیه»، در ترجمه‌ی وصیت‌نامه‌ی امیرالمومنین (ع)، «الحجه القامعه علی الکسرویه المبدعه»؛ «انباء الغیب فیما فیه لا ریب».[۱]

شیخ جعفر بن حسین بن باقر صبوری قمی از علماء مبرز و دانشمندان متقی معاصر کاشانست.

آنجناب در شهرستان مذهبی و علمی قم که حرم اهل‌بیت علیهم‌السلام است در حدود سال ۱۳۳۵ قمری به دنیا آمده و بعد از پرورش در اوان بلوغ به تحصیل علوم عربی و ادبی پرداخته و بعد از فراغت از مقدمات در سن بیست سالگی شروع به تحصیل سطوح عالی خدمت مرحوم حجةالاسلام حاج شیخ حسن فاضل و آیت‌اللّٰه آقای حاج میرزا محمود روحانی و مرحوم آیت‌اللّٰه آقا میرزا محمد همدانی نموده و پس از تکمیل آن مدت قلیلی از درس خارج مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری و پس از فوت آن مرحوم از درس خارج آیت‌اللّٰه محقق حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّٰه حاج سید صدرالدین صدر فقهاً و اصولا استفاده نموده.

آنگاه مهاجرت به شهرستان بروجرد و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی طاب ثراه در مدرسه (نوربخش) که تدریس مکاسب محرمه می‌نمودند مستفیض گردیده سپس به قم مراجعت و به انجام وظائف معموله پرداخته تا در سال ۱۳۶۴ قمری که بنابر دعوت بعضی از علماء مقیم کاشان که حوزه علمیه تأسیس و از آیات عظام و زعماء حوزه علمیه قم استدعاء مدرسی و مدیری برای اداره سرپرستی حوزه مذکوره کرده بود و آقایان هم معظم له را انتخاب کردند به کاشان عزیمت و چندی قیام به تدریس و رسیدگی امور محصلین آنجا نموده و بعد به وطن خود برگشته به قصد اینکه در حرم ائمه معصومین علیهم‌السلام اقامت نماید که اهالی کاشان از مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و مراجع دیگر استدعاء بازگشت آنجناب را نموده و آن مرحوم هم فرمودند که معین است معاودت شما به کاشان.

پس قبول نموده و به کاشان منتقل و در مدرسه سلطانی و مدرسه گذرباباولی به تدریس سطوح عالی و خارج و تا حال تحریر بیش

از سی سالست که در دارالمؤمنین کاشان به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تدریس و تألیف اشتغال دارند.
و از آثار قلمی و علمی آنجناب کتب زیر می‌باشد.
۱- الفیه موسوم به سلک الدرر فی نظم الاثر
(الفیهٔ سمیتها سلک الدرر
و شحت بالاسناد فی نظم الاثر)
۲- الدرر البهیه در ترجمه وصیت‌نامه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) با فرزندش حضرت امام حسن (ع).
۳- الحجهٔ القامعهٔ علی الکسرویهٔ المبدعه ۴- انباء الغیب فیما فیه لا ریب.
آنجناب دارای اجازات عدیده روایتی و غیره از آیت‌اللّٰه العظمی خوئی و آیت‌اللّٰه العظمی میلانی و آیت‌اللّٰه العظمی نجفی مرعشی و آیت‌اللّٰه حاج سید علی علامه فانی اصفهانی ادام اللّٰه ظلالهم علی رؤس المسلمین می‌باشد.
نگارنده گوید: آیت‌اللّٰه صبوری عالمی متین و دانشمندی بارع و مانند شهرتش صبور و در مصائب و امور و دارای محامد اخلاق و محاسن اوصاف و عاری از تظاهر می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۷۱ -۲۶۹ / ۶).

صبوری همدانی، کمال‌الدین حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. صبوری در ااخر قرن دهم هجری می‌زیست. از ایران به هندوستان رفت و ملازمت علیقلی‌خان، یکی از خوانین آن سرزمین، را اختیار کرد. پس از چندی خان مزبور در ۹۷۴ ق به قتل رسید. صبوری اسیر شد و به زندان افتاد، ولی بعد از مدتی مورد عنایت پادشاه هند، اکبر شاه، قرار گرفت و از حبس آزاد شد. اشعار بازمانده از وی بیانگر لطف طبع او است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۷۶ / ۱)، الذریعه (۵۹۸ / ۹)، صبح گلشن (۲۴۹)، فرهنگ سخنوران (۵۵۱)، کاروان هند (۷۱۶ -۷۱۵ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ صبوری).

صبوری، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ علی‌اکبر بن المرحوم حجهٔ‌الاسلام آقا شیخ محمد صبوری قمی از علماء معاصر تهرانست. وی در حدود ۱۳۴۴ قمری در قم متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و متون فقه و اصول را از علماء آن سامان تکمیل و چند سالی از محضر و درس خارج آیات عظام نجف مانند آیت‌اللّٰه العظمی خوئی و دیگران استفاده و به قم مراجعت و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی بهره‌مند گردیده و پس از چند سالی به تهران منتقل و در حوزه علمیه تهران (مدرسه مروی) بتدریس پرداخته و ضمنا شروع بتعمیر اساسی مسجد خیابان ناصر خسرو واقع در (در اندرون) که رو به ویرانی گذارده بود نموده و با مقاومت و استقامت عجیبی در مقابل سوداگران مسجد را با همت و مساعدت مردم خیر تهران و اصناف خیابان مزبور بصورت آبرومندی بنا و اکنون در آنجا به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال دارند.
نگارنده گوید: جناب آقای صبوری از علماء فعال تهران و مورد توجه آیات عظام قم و نجف اشرف و تهران می‌باشد. آثار علمی چندی دارند که از آنها رساله‌ای در حکم و حرمت تراشیدن ریش است که در نجف بطبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

صبوری، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا صبوری در سال ۱۳۴۷ در شهر نوشهر روستای چیلک به دنیا آمد. دوران ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش گذراند. و در سال ۱۳۷۰ در رشته گیاهپزشکی دانشگاه شهید چمران اهواز فارغ التحصیل گردید و دوران کارشناسی ارشد و دکترا را در رشته حشره شناسی در دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۷ به پایان برد. و به عنوان هیئت علمی گروه گیاهپزشکی دانشگاه تهران مشغول به کار شد و موفق به کسب رتبه اول اولین دوره جشنواره جوان خوارزمی گردید.گروه : کشاورزیرشته : حشره شناسیگرایش : کنه شناسیوالدین و انساب : نام پدر علیرضا صبوری خلیل صبوری فرزند محمد حسین و نام مادر محترمشان زهرا فرزند محمد تقی میباشد.خاطرات کودکی : علیرضا صبوری از آن دوران میگوید: « چون کوچکترین عضو خانواده بودم مورد محبت سایر اعضای خانواده بویژه که از ضریب هوشی بالایی نیز برخوردار بودم. در همین دوران بود که شاهد پیروزی انقلاب

اسلامی بودم.»اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : علیرضا صبوری در خانواده مذهبی پرورش یافت و پدرشان از بزرگان منطقه بود و مورد ا حترام شغل وی کشاورزی بود و از نظرمالی خانواده ای متوسط مانند سایر کشاورزان بودند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : علیرضا صبوری دوران دبیرستان در دبیرستان میرزا کوچک خان نوشهر گذراند . اخذ مدرک کارشناسی گیاهشناسی از دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران اهواز سال ۱۳۷۰، کارشناسی ارشد حشره شناسی در سال ۱۳۷۳و دکترای حشره شناسی گرایش کنه شناسی از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۷خاطرات و وقایع تحصیل : سال اول تحصیل علیرضا صبوری در دوره کارشناسی مصادف بود با سال آخر جنگ تحمیلی . «شهر اهواز هنوز چهره جنگی داشت و مردم به دیدن هواپیماهای عراقی عادت داشتند و هم چنین شلیک ضد هوایی، به همین دلیل کسی به پناهگاه نمیرفت.»استادان و مربیان : دوران ابتدایی: خانم شهری،خانم مهناز جهانشاهی، خانم هایده صمیمی. دوران راهنمایی و دبیرستان : بهرام خزایی ،عزت ا... ازادیان، داراب امین زاده ، آقای بابایی، اسفندیار جلالی. از معلمان و دبیران دکتر صبوری بودند. و در دانشگاه : دکتر کریم کمالی،ابراهیم باقری زنوز، دکتر محمود شجاعی،مرحوم دکتر مرتضی اسماعیلی، دکتر حسن ملکی میلانی، دکتر احمد صحرا گرد تمامی اعضای هیئت علمی گروه گیاه پزشکی دانشگاه شهید چمران اهواز سال های ۷۰-۱۳۶۶ بوده اند.هم دوره ای ها و همکاران : از همکاران علیرضا صبوری میتوان به اعضای هیئت علمی گروه گیاهپزشکی دانشگاه تهران اشاره داشت . و از هم دوره ایهای دوره کارشناسی : شهریار حسابی، غلامرضا عباسپور، ناجی شهیب زاده، فرشاد استانی، غلامرضا مقتدر و ... دوره کارشناسی ارشد و دکترا : یعقوب فتحی پور، هادی استران، شهرام میر فخرایی، علی زرنگار، حمید رضا گودرزی، قربانعلی اسدی، علی درخشان شادمهری، کریم خداد ایرانی نژاد، مرتضی ابراهیمی ،یونس کریم پور و جمشید اکبریان نام برد.همسر و فرزندان : همسر علیرضا صبوری سرکارخانم میترا بختیاری مقدم و نام فرزندشان نیکو صبوری میباشد.وقایع میانسالی : علیرضا صبوری از وقایع آن دوران به ازدواجشان در سال ۱۳۷۴، تولد فرزند شان ۱۳۷۶، اخذ مدرک دکترا در سال ۱۳۷۷ و کسب رتبه دانشیاری در سال ۱۳۸۲ اشاره میکند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : - معاون گروه گیاهپزشکی ۸۳-۱۳۸۱ - مدیر گروه گیاهپزشکی ۸۵-۱۳۸۳ - سرپرست موزه جانورشناسی از سال ۱۳۸۵ تا کنونفعالیتهای آموزشی : تدریس درسهای مختلف کنه شناسی در دوره های مختلف تحصیلی در دانشگاه تهران و راهنمایی پایان نامه های دوره کارشناسی ارشد و دکترا از فعالیتهای آموزشی علیرضا صبوری میباشد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : - گرایش بیوسینما تیک کنه ها در دوره دکتری رشته حشره شناسی در دانشگاه تهران، - انجمن کنه شناسی ایران (در حال تاسیس) از مراکزی است که علیرضا صبوری تاسیس کرده اند.شاگردان : از شاگردان علیرضا صبوری میتوان به : محمد علی اکرمی، آزاده زاهدی گلپایگانی، مرجان خلیلی مانی، مسعود حکیمی تبار، مرجان سیدی، مریک راشکی، مریک کشاورز، مجتبی حسینی اشاره کرد.همفکران فرد : علیرضا صبوری از همفکران خود به حسین الهیاری، جاماسب نوروزی و مهدی ساعی دهقان نام میبرد.جوائز و نشانها : - رتبه اول اولین جشنواره جوان خوارزمی - دانشجوی پژوهشگر برگزیده دوره بیست ساله دانشگاه تربیت مدرس مجری طرح نمونه بنیادی دانشگاه تهران و پژوهشگر نمونه آن دانشگاهچگونگی عرضه آثار : ارائه ۷۰ مقاله بین المللی در کنفرانسهای مختلف داخلی و خارجی و چاپ در مجلات مختلف علمی و کتاب کنه های ایران از آثار علیرضا صبوری هستند. آثار : کنه های ایران منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

صبوری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام مرحوم شیخ محمد صبوری از دانشمندان و اصحاب مرحوم آیت‌الله بروجردی بودند که در قم تولد یافته و پس از خواندن مقدمات و تکمیل سطوح از آیات عظام حوزه چون مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله صدر استفاده نموده و بس از ورود آیت‌الله بروجردی به ایشان اتصال یافته و از درس و بحث آن مرحوم استفاده نموده، پس از رحلت از این دیار فانی در بقعه العلماء قبرستان ابوحسین مدفون گردیده است.

از باقیات الصالحات اوست فرزند ارجمندش حجه‌الاسلام آقای حاج شیخ علی‌اکبر صبوری که از علماء معاصر تهرانست و در مسجد سه راه درب اندرون تهران واقع در خیابان ناصر خسرو اقامه جماعت می‌کنند و در مدرسه فخریه مروی هم به تدریس و مباحثات اشتغال دارند دارای تالیفاتی در حکم حلق لحیه (ریش تراشیدن) و غیره دارد وی تولدش در قم و تحصیلاتش در نجف اشرف و قم بوده و در اواخر عمر مرحوم آیت‌الله بروجردی به تهران مهاجرت و تاکنون به انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

صحاف، علی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۲۱۲ ق)، عالم دینی. بر کنارهای صفحات «الالفیه» شهید اول که به خط شیخ علی صحاف موجود می‌باشد و آن را در ۱۲۱۲ ق کتابت نموده است، شروح و تعلیقاتی نگاشته که بر فهم و وسعت اطلاعات وی دلالت دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۳۰ / ۱۳).

صحاف، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صحاف هنرمند که حقا صد مرد هنرمند در یک تن، و مجمع الصنایع هنر صحافی و نقاشی و طراحی و مذهبی و خوش‌نویسی و سوخت سازی و معرق سازی چرمینه، و ساختن فانوس‌های فنری قدیم، و تعبیه‌ی انواع رنگ و روغن‌های نقاشی و امثال آن بوده، و نمونه‌ی خطوط ثلث وی در سر درب مسجد صفا محله‌ی شهشهان مورخ ۱۲۹۰، و سر درب مسجد رکن‌الملک در تخت فولاد با امضای محمدتقی بن محمد ابراهیم اصفهانی موجود است. وفاتش حدود سال ۱۳۳۷ می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

صحاف‌باشی تهرانی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۰۰ ش)، نویسنده و شاعر. ملقب به صحاف‌باشی. مؤسس اولین سالن عمومی سینما در ایران بود و نخستین گام برای عمومی شدن سینما به وسیله‌ی وی آغاز شد. او در دارالفنون، زبان انگلیسی خوانده بود و سفرهای دور و دراز زمینی و دریایی را به منظور تجارت، از حدود ۱۲۵۸ ش آغاز کرده بود. در یکی از این سفرها با دستگاه سینما توگراف آشنا شد و در بازگشت به ایران، در ۱۳۲۲ ق نخستین سالن عمومی سینما را دایر کرد. پس از مدتی به هندوستان رفت و در آنجا روزنامه‌ی «نامه‌ی وطن» را منتشر کرد. در پایان عمر به مشهد آمد و سکنی گزید. او در این شهر، مدتی سمت مترجمی قشون انگلیس را عهده‌دار بود و در ایام بیکاری به کار صحافی و پاکت‌سازی می‌پرداخت. صحاف‌باشی در مشهد درگذشت و در باغ نادری دفن شد. وی علاوه بر اینکه نخستین سالن سینمای ایران را بنیاد نهاد، حمام نمره را نیز در تهران ایجاد کرد و دارالایتامی نیز بنا نمود و آن را وقف کرد. کارهای نیک دیگری نیز به او نسبت می‌دهند. به گفته‌ی فرزندش، وی شعر نیز می‌سرود و «دیوان» شعری هم داشته و سه بار دور دنیا را گشته و حاصل این سفرها، «سفرنامه»ای است که از وی بازمانده است. در «شرح حال رجال»، از شخصی به نام محد صحاف‌باشی یاد شده که شرح احوال او با صاحب عنوان بسیار نزدیک است و ممکن است که یکی باشند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲۷۴ / ۴)، تاریخ سینمای ایران (۱۲۵، ۲۴ -۲۲)، سفرنامه‌ی ابراهیم صحاف‌باشی (۱۷ -۸)، شرح حال رجال (۲۰۶ / ۵، ۴۴۵ -۴۴۴ / ۲).

صحافیان، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی صحافیان

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای مهدی صحافیان در سال ۱۳۴۹هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان مشهد دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه مشهد . از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد، ضمن انس بـا آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیار حاضر شد و پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۴ به حلقه دروس خارج راه یافت استاد در ایام تحصیل از محضر ستارگانی بزرگ همچون آیت الله مرتضوی،آیت الله مروی، آیت الله اشرفی و... کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته ادبیات فارسی در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۹از دانشگاه فردوسی فارغ التحصیل گردید . و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان"تقابل عقل و عشق در متون منصوب فارسی "دفاع کرد.ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است. نامبرده ضمن تبلیغ سالهای متمادی است که به امر پژوهش در دفتر تبلیغات اسلامی مشهد مشغول می باشد.

صحبت اصفهانی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، طبیب و شاعر. وی از شاعران و طبیبان اصفهان است که در روزگار حکومت عالمگیر پادشاه به هندوستان مهاجرت کرد و در آن جا منصب یافت. صحبت به روزگار محمد شاه گورکانی (۱۱۶۱ –۱۱۳۱ ق) در هندوستان وفات یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۷۲)، الذریعه (۵۹۹ –۵۹۸ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۵۱)، کاروان هند (۷۱۶ / ۱).

صحبت، محمد باقر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بخش ۱) لاری (ملا) محمد باقر متخلص به صحبت، شاعر ایرانی (و. حدود ۱۱۶۲ ه. ق– ف. ۱۲۵۱ ه.ق.) وی از مردم بیرم لار (از توابع فارس) است. در آغاز در مدرسه قریه رونیز به تحصیل پرداخت. سپس به شیراز رفت و به فراگرفتن علوم مشغول شد. آنگاه به لار بازگشت و به امامت جماعت و تألیف رسایل پرداخت. وی در تاریخ و لغت فارسی و عربی و فنون ادب مهارت داشت. دیوان او حاوی بیش از ۳۰۰۰۰ بیت است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

صحتی سردرودی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صحتی سردرودی

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

پدرم عبدالعظیم صحت ، پسر حاج الله وردی خان مشهور به حاج آقا عمو ، معلم اول نگارنده ، عارفی است ، پاکباخته که دراین سرای خاکی جز عبادت خدا کس و کاری ندارد . سال ۱۳۴۳ شمسی درسردرود تبریز زاده شدم، از هفت سالگی همراه با آموزش رسمی، قرائت قرآن، آداب و اخلاق را از دانشوران دینی سردرود و بیش از همه از محضر محمدتقی محمدی و میرزا مجید قنادی که روزانه درس ترجمه قرآن داشت یاد گرفتم. سال ۵۶ هنگام تعطیلات نوروزی به قم آمدم تا در«دارالتبلیغ» اسم نویسی کرده مشغول تحصیل دروس حوزوی شوم، اما چون خرد سال بودم و سال تحصیلی هم رو به پایان بود به تبریز برگشتم تا یکی دو سال در آنجا ادامه تحصیل دهم.در تبریز و بناب «مقدمات» و اندکی از «سطح» را پیش استادان بزرگوارم ابراهیم وثوقی و سید مهدی مرعشی و عبدالمجید بنابی آموختم و بیشتر از استاد سید مهدی مرعشی بهره بردم در همان ایام تا جاییکه می توانستم با نهج البلاغه انس و الفتی داشتم و چندین سال در برخی جلسات مذهبی آن را ترجمه و توضیح می دادم. کم کم عاشق نهج البلاغه شدم و همیشه می گشتم که استادی پیدا کنم تا چنان که بایسته است با نهج البلاغه آشنا شوم در تبریز و بناب پیدا نکردم و با همین آرزو درسال ۱۳۶۹ به شهر قم هجرت کردم. اما افسوس که در قم هم نهج البلاغه متروک و غریب است و تا حال ندیده ام که کسی آن را جدی بگیرد و تدریس کند.در قم به هر درسی سری زدم و پس از اتمام «سطح» در محضر اساتید بزرگوار حضرات آیات پایانی و اعتمادی، مدت سه سال از درس «اصول» آقای مکارم شیرازی و اندکی از درس «فقه» میرزا جواد تبریزی و ... بهره مند بودم، بیش از پنج سال در تفسیر آقای جوادی آملی و یکسال در درس استاد حسن زاده آملی که در مسجد معصومیه کتاب «مصباح الانس» را شرح می داد شرکت جستم.از نوجوانی گاه گاهی شعر می سرودم و هنگامی که در تبریز بودم، به طور مرتب در جلسات هفتگی انجمن ادبی شهریار، و دیگر انجمنها شرکت می کردم و اشعارم را می خواندم و گاهی نیز مورد تشویق برخی از اساتید واقع می شدم و از آرا و اندیشه های آنها همواره راه می جستم که باید از استادان بزرگوارم در این وادی نیز یاد کنم که هر یک زمانی ماه مجلس بودند. از آن میان نام و یاد استاد دکتر پدیده (ره) و استاد یحیی شیدا و استاد محمد عابد را همیشه در خاطر دارم.

صحرایی رازی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. صحرایی از شاعران ری است که شغل او تحصیل مالیات دیوانی بود. وی شعر نیز می‌سرود. از اوست:

نکردم ز آن سبب نسبت به ماه آن روی نیکو را

که می‌دانم از این معنی تفاوت می‌کند او را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۲۹۶)، الذریعه (۵۹۹ / ۹).

صحفی، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مجتبی صحفی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید مجتبی صحفی فرزند حجت الاسلام سید مهدی صحفی در خانواده ای مذهبی در شهر قم در تاریخ ۱/۱/۱۳۴۱ به دنیا آمدم و تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را به پایان رساندم و دبیرستان را سال اول آنرا به اتمام رساندم و همزمان در حوزه علمیه قم نیز مقدمات را شروع نموده بودم با آغاز جنگ تحمیلی رهسپار جبهه ها شدم همراه با سایر رزمندگان مکرر در جبهه حضور یافتم و در بعضی مواقع به همراه چهار تن از برادر هایم سیدمرتضی، سید روح الله که در فاو شهید شد، سید محمد تقی که در رمضان مرحله پنچم شهید شد، سید مصطفی و سید محمد حسین در طول جنگ در حوزه علمیه نیز به تحصیل اشتغال داشتم و پس از گذراندن سطوح حوزه به درس خارج فقه و اصول علمای یاد شده در همین جزوه حضور پیدا کردم. این بنده نیز در یک دوره ای چهار ساله رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن تحت اشراف حضرت آیت الله مکارم حضور یافتم و شرکت جستم و پس از چهارسال فارغ التحصیل شدو و مع الاسف هنوز اقدام جدی برای دریافت موضوع سطح چهار ننموده ام . حقیر بسیار مختصر در کارهای تحقیقی دخالت داشته و دارم که در برگه های ضمیمه درج گردیده است.

صحفی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد صحفی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۳/۱/۱

زندگینامه علمی

دوره مقدماتی (ادبیات عرب ، منطق و معانی بیان) را در مدرسه ناصریه مقابل مسجد جمعه قم نزد اساتید متعدد و مختلف گذراندم . قسمتی ازفقه را از محضر استاد فقید شهید صدوقی و سپس از محضر استاد آیت الله مشکینی و بخشی از اصول را از محضر استاد شهید امام موسی صدر و آیت الله سلطانی و دیگر اساتید استفاده نمودم . دردروس خارج آیت الله العظمی بروجردی و آیت الله العظمی امام خمینی و دیگر مراجع را شرکت داشته ام . از تفسیر علامه فقید طباطبایی و دروس علامه بزرگوار نیز استفاده کردم .

صحیفی جوهری شیرازی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۲ ق)، شاعر و خطاط. مشهور به جوهری از بازماندگان صوفی خلیل، از بزرگان طایفه‌ی ذوالقدر بود که شعر فارسی و ترکی را خوب می‌سرود و اشعارش بیشتر در مدح ائمه‌ی معصومین (ع) بوده است. در شیراز به دنیا آمد و در اصفهان نشوونما یافت. وی کتابخانه‌ی بسیار خوبی در سه‌تنان مسجد جامع اصفهان ترتیب داد و بیشتر در اصفهان می‌زیست. چون خط ثلث و کتیبه را خوب می‌نوشت، بیشتر کتیبه‌های مساجد و الواح قبور به خط او بود. او یکی از کتیبه‌نویسان زبردست دروه‌ی صفوی است. وی همچنین از تذهیب و صحافی و وصالی نیز سررشته داشت. صحیفی بیش از هشتاد سال عمر کرد. اسیری شیرازی فرزند صحیفی است که در زمان حیات پدر فوت شد. از آثار وی: «دیوان» شعر، کتیبه‌ای در مدخل مسجد جامع اصفهان، به قلم سه‌دانگ کتیبه‌ی

ثلث عالی و نستلعیق متوسط، با رقم: «السلطان شاه عباس الصفوی... وفق بتعمیر هذا البعقه... رقم صحیفی... ۹۹۶»؛ کتیبه‌ی سردر مسجد جارچی اصفهان، به خط ثلث که چنین رقم دارد: «تیمنا و تبرکا.. سنه تسع عشر و الف، رقم صحیفی جوهری»؛ کتیبه‌ی سردر مسجد کوچک جورجیر اصفهان، با:«رقم فقیر صحیفی جوهری فی سنه ثمان عشر و الف»، کتیبه‌ی داخل بقعه‌ی شهشهان اصفهان، به خط ثلث و با رقم: «فی... سنه ثلاث عشر و الف من الهجره النبویه خط صحیفی الفارسی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار ملی اصفهان (۶۴۵ -۶۴۴، ۵۶۷ -۵۶۶، ۵۲۷ -۵۲۴)، احوال و آثار خوشنویسان (۳۲۷ / ۲)، احوال و آثار نقاشان (۲۸۶ / ۱)، اطلس خط (۳۴۸ -۳۴۷)، تاریخ اصفهان (۱۴۹ -۱۴۶)، تاریخ نظم و نثر (۵۱۷ -۵۱۶)، تاریخ هنرهای ملی (۸۷۷ -۸۷۶ / ۲)، تذکره‌ی میخانه (۳۲۰ -۳۱۶)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۰۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۳۳ / ۳)، الذریعه (۶۰۰ -۵۹۹ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۵۲)، فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی (۲۷)، کاروان هند (۵۹ / ۱)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۴۷۷ -۴۷۵، ۳۸۹، ۳۴۱ -۳۳۹، ۱۶۵ -۱۶۴، ۱۴۸)، لغت‌نامه (ذیل/ صحیفی)، مجمع الخواص (۲۱۸)، هفت اقلیم (۲۵۲ / ۱).

صخری خوارزمی، ابوالفضل احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۴۰۶ ق)، ادیب و شاعر. وی از مفاخر خوارزم است که در ادب و فنون شاعری بسیار توانا و زبردست بود. در جوانی به خدمت صاحب بن عباد رسید و پس از کسب فضایل به دربار خوارزم بازگشت. او را در فن نثر از اقران بدیع الزمان همدانی دانسته‌اند. از آثار وی «دیوان» شعر، و چندین رساله می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۴۱۷ -۴۱۶ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (۳۱ -۱۹ / ۵)، معجم المؤلفین (۱۱۲ / ۲).

صد تومانی، محمد سعید

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۵۰ ق)، فقیه و عالم. خاندان صد تومانی از خانواده‌های معروف و قدیم نجف است که علمای بزرگی از میان آنان برخاسته، اگر چه از کتب رجال بدور افتاده‌اند. وی از شاگردان بزرگ سید مهدی بحرالعلوم است که از وی اجازه داشت.او رساله‌ی در مناظره‌ی استادش با علمای یهودی تألیف کرد. وی همچنین از شیخ جعفر کاشف الغطاء و استاد کل وحید بهبهانی و سید محمد جواد عاملی، صاحب «مفتاح الکرامه»، با اجازه روایت کرده است. سید رضا فرزند سید مهدی بحرالعلوم و میرزا احمد بن لطفعلی تبریزی و شیخ مرتضی انصاری از وی روایت کرده‌اند، و شیخ انصاری به روایتش از صد تومانی که، از مشایخ وی بود، افتخار می‌کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۰۲ -۶۰۱ / ۱۳).

صدای کرمانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به صدا. از شاعران کرمان است که در روزگار اکبرشاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به هندوستان رفت و در آن جا رحل اقامت افکند. صدا در سرودن غزل مهارت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۸۴)، تذکره‌ی روز روشن (۴۷۲)، کاروان هند (۷۱۷ -۷۱۶ / ۱).

صدر اصفهانی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. وی نستعلیق را بسیار صاف و شیرین و نازک می‌نوشت. از آثار وی: یک نسخه «دیوان» حافظ، به قلم کتابت خوش، با رقم: «برحسب امتثال امر... ناصرالدین شاه قاجار... احمد بن عبدالحسینخان بن الحاج محمد حسین‌خان صدر اصفهانی... سنه‌ی ۱۲۷۷»؛ یک نسخه مجموعه‌ی منتخب اشعار شعرای دوره‌ی غزنوی،با رقم: «بر حسب فرمایش... سنه‌ی ۱۲۷۳،... انا العبد احمد بن عبدالحسین الاصفهانی عفی عنهما».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۷ / ۱).

صدر الافاضل خوارزمی، ابومحمد، قاسم

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۱۷ -۵۵۵ ق)، ادیب، نحوی، فقیه حنفی و شاعر. مقلب به مجدالدین. وی در خوارزم به دنیا آمد. از ادبای نامی عصر خود که در نحو و خطب و فنون شعری و علوم ادبی و عربی وحید دهر بود. وی در فتنه‌ی تاتار کشته شد. از تألیفات وی: «بدایع الملح»؛ «التوضیح»، در شرح «مقامات» حریری؛ «الزوایا فی الخبایا»، در نحو؛ «شرح الابنیه»؛ شرح «الاحاجی» زمخشری؛ شرح «مفصل» زمخشری که سه گونه است: شرح وسیط و صغیر و کبیر به نامهای «سبیکه»، «مجمره» و «تجمیر»؛ ««شرح النموذج»؛ «عجائب النحو»؛ «لهجه الشرع»، در شرح الفاظ فقهی؛ «المحصل»، در بیان؛ «ضرام السقط»، در شرح «سقط الزند»، شرح مشکلات «دیوان» ابوالعلاء معری.[۱]

(ع. پیشوای دانشمندان بخش ۲) قاسم بن حسین بن احمد خوارزمی نحوی حنفی مکنی به ابومحمد و ملقب به مجدالدین، ادیب ایرانی (مقت. ۶۱۷ ه.ق.). وی در نحو و خطب و فنون شعر و علوم ادبی عرب کم نظیر بود. اوراست: بدایع الملح، التجمیر (شرح کبیر کتاب مفصل زمخشری)، التوضیح (در شرح مقامات)، السبیکهٔ (شرح وسیط کتاب مفصل)، (الزوایا فی الخبایا) (نحو)، شرح الابنیهٔ، شرح الاحاجی (تألیف زمخشری)، ضرام السقط (شرح سقط الزند ابوالعلاء معری) و غیره. وی در فتنه مغول به قتل رسید.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۸ / ۶)، ریحانه (۴۲۴ -۴۲۳ / ۳)، کشف الظنون (۱۷۹۰، ۱۷۸۹، ۱۷۷۵، ۱۶۱، ۹۹۳ -۹۹۲، ۹۵۶، ۲۳۰)، الکنی و الالقاب (۴۱۰ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ صدر الافاضل)، معجم الادباء (۲۵۳ -۲۳۸ / ۱۶)، معجم المؤلفین (۹۸ / ۸)، هدیه الاحباب (۱۸۵)، هدیه العارفین (۸۲۸ / ۱).

صدر ترشیزی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. معروف به میر صدرالاسلام. وی از شاعران و سادات ترشیز خراسان است. از اوست:

بهشت آنجاست کازرای نباشد

کسی را با کسی کاری نباشد

رضای دوست می‌جو و چنان باش

که باری بر دل یاری نباشد

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۷۴)، فرهنگ سخنوران (۵۵۳)، هفت اقلیم (۳۱۰ / ۲).

صدر ترکه، افضل الدین محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن حبیب اللّٰه، از مشاهیر این سلسله است که در ۱۳ رمضان المبارك سال ۸۵۰ بدستور شاهرخ در ساوه مقتول گردیده.

دولت شاه سمرقندی در تذکرةالشعراء(:۲۵۶) گوید: شاهرخ، شاه علاء الدین و قاضی امام و خواجه افضل الدین ترکه از بزرگان علمای اصفهان بودند را در شهر ساوه حکم کشتن کرد... گویند دو نوبت ریسمان خواجه افضل ترکه پاره شد و او فریاد می‌کرد که با شاهرخ بگویید که این عقوبت بر ما لحظه‌ای بیش نیست اما پنجاه ساله نام نیک خود را ضایع مساز.

صاحب عنوان را تألیفات و مصنّفاتی است که از آن جمله است ترجمه کتاب ملل و نحل شهرستانی که به طبع رسیده است.

در روضات الجنات (:۵۹) وی را به نام فاضل حکیم نام می‌برد.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

صدر جهان طبسی، امیر حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، عالم دینی، فقیه و شاعر، متخلص به لسان. از شاگردان شیخ محمود لاهیجی، شاگرد شهید ثانی، است و از وی در

۹۷۴ ق موفق به دریافت اجازه شـد. او ساکن حیدرآباد دکن بود و در همان شـهر نیز وفات یافت. در «ریاض العلماء» صاحب عنوان یکبـار تحت نام امیرحسـین آمـده است. از آثارش: «الصـید و الذبائـح» ، به فارسـی که برای همایون اعظم قطب شاه نگاشته و در ان اسـامی حیوانـات و پرنـدگان و حشـرات را بـه فارسـی و عربی و ترکی و دکنی مرتب بر حروف الفبـا ذکر کرده و حکم هر یـک و فایـده‌ی طبی هر کـدام و حکایـاتی درباره‌ی آنها آورده است؛ کتاب «ذخیره الجنه»، در اعمال سال و ادعیه و آداب، که آن را برای سلطان ابراهیم قطب شاه، ملک دکن، (متوفی ۹۸۸ ق) تألیف کرده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الذریعه (۱۰۵ / ۱۵ ،۱۵ / ۱۰)، ریاض العلماء (۹۱ / ۲ ،۱۷۶/ ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۸ / ۱۰، قرن ۲۹۲ / ۱۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۰ / ۶).

صدر خجند

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صدر الدین أبو شـجاع محمّد بن عبداللطیف بن محمّد بن ثابت. مشـهورترین فرد این خاندان که به صدر خجند معروف می‌باشد، و داستان سعدی که فرماید:

یکی خار پای یتیمی بکند

بخواب اندرش دید صدر خجند

مربوط به اوست.

انصاری در تاریخ اصفهان(:۳۵) گوید: ظهیر فاریابی به آوازه انعام او راه اصفهان سپرد.

صاحب عنوان علاوه بر مقام علم و فقاهت شاعری لطیف بوده؛ از اشعار اوست:

مشّاطه فطرتش خم اندر زد

زلف سیهت که مشک با او کم زد

بر هم زنمش که عالمی بر هم زد

یک ره به منش سپار تا یک باری

در ترجمه محاسن(:۱۰۴) درباره اصفهان اشعاری از او نقل می‌کند که از آن جمله است:

گشته انده فزای و شادی کم

اصفهانا در آرزوی توام

زنده رودت در آب می‌جویم

عکس شکلت به خواب می‌جویم

اصفهان پر نوا شده ز تو رود

ای چو سیم مذاب زرّین رود

صدرالـدین مذکور در سال ۵۵۲ در اصـفهان وفـات یافته، و به طوری که انصاری در تاریـخ اصـفهان و ری ضـمن وقایع سال مزبور می‌نویسد: در تشییع جنازه او بسیاری از مردم اصفهان کشته شدند.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

صدر شهید، حسام‌الدین، ابومحمد، ابوحفص عمر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۳۶ -۴۸۳ ق)، فقیه حنفی. معروف به ابن‌مازه. اهل خراسان بود. نزد پـدرش، علامه ابوالمفاخر، فقه آموخت و به پایه‌ای رسـید که ضرب‌المثل شـد و نزد سـلطان جایگاه رفیعی یافت. عـده‌ای از او فقه آموختند. وی از عی بن محمد خدام حدیث شـنید و ابوعلی بن وزیر دمشـقی از وی حـدیث روایت کرده است. در واقعه قطوان در سـمرقند کشته شد و در بخارا دفن شد. از آثارش: «الجامع»، در فقه؛ «الفتـاوی الصـغری» و «الفتوی الکبری»؛ «عمـده المفتی و المسـتفتی»؛ «الواقعـات الحسـامیه»،به نـام «الاجنـاس»، در فروع؛ «اصول حسام‌الدین»؛ شرح «ادب القاضی» خصاف؛ شرح «الجامع الصغیر» شیبانی، در فروع فقه حنفی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۰ / ۵)، ایضاح المکنون (۱۲۴ / ۲)، سر النبلاء (۹۷ / ۲۰)، کشف الظنون (۱۹۹۸ ،۱۴۷۱ ،۱۴۳۵ ،۱۴۳۱ ، ۱۴۰۴ ،۱۴۰۳ ،۱۲۲۸ ،۱۲۲۴ ،۱۲۲۲ ،۵۶۹ ،۵۶۳ ،۱۱۳ ،۴۶ ،۱۱)، معجم‌المؤلفین (۲۹۱ / ۷)، النجوم الزاهراه (۲۶۲ / ۵)، هدیه العارفین (۷۸۳ / ۱).

صدر عاملی کاظمی، ابومحمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۴ -۱۲۷۲ ق)، فقیه، اصولی، متکلم، محدث، رجالی و مورخ. در کاظمین، در خانواده‌ای که اصلش از جبل‌عامل و سکونتش در اصفهان و مهاجرتش به عراق بود، به دنیا آمد. وی برادرزاده‌ی آیت‌الله سید صدرالدین عاملی کاظمی بود. در چهارده سالگی صرف و نحو معانی و بیان و بدیع و منطق را فرا گرفت و تحصیل فقه را آغاز کرد در هیجده سالگی به نجف رفت و کلام و حکمت را از محمد تقی گلپایگانی آموخت، فقه خارج استدلالی را از شاگردان صاحب «جواهر» و اصول استدلالی را از شاگردان شیخ انصاری و علم حدیث و رجال و ریاضیات را از بزرگان وقت فراگرفت و قسمتی از علوم غریبه را نزد شیخ عبدالحسین هندی خواند.در ۱۲۹۷ ق از نجف به سامراء رفت و در حوزه‌ی درس میرزای شرازی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. در پایان ۱۳۱۴ ق به کاظمین بازگشت و به تألیف و تدریس پرداخت. سید صدر از مشایخ اجازه در زمان خود بود و جمع کثیری از بزرگان همچون علامه سید محمد مرتضی جنفوری هندی و شیخ مهدی بن شیخ محمد علی ثقه‌الاسلام اصفهانی و آیت‌الله سید صدرالدین صدر و آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی و محدث قمی از وی دارای اجازه بودند. کتابخانه شخصی او یکی از ارزشمندترین کتابخانه‌های عراق بود. سید حسن صدر بیش از صد اثر از خود به جای گذاشت و کتاب «تأسیس الشیعه» خویش را مبتکرانه نگاشت و در این کتاب بر اساس تواریخ و سیر مورد اعتماد، ثابت و روشن نمود که علمای شیعه در تأسیس و تألیف نحو و صرف و عروض و لغت و علوم بلاغت و کلام و فقه و اصول و تفسیر و اخلاق پیشگام بوده و پیش از دیگران به تألیف و تصنیف پرداخته‌اند. مختصر این کتاب «الشیعه و فنون الاسلام» است. از دیگر آثار وی: «نهایه الدرایه»، شرح و «جیزه‌ی» شیخ بهائی، در درایه الحدیث؛ «ذکری المحسنین»؛ «نزهه اهل الحرمین»؛ «وفیات الاعلام من الشیعه الکرام»؛ رساله‌ای در «رد وهابیت»؛ «سبیل الرشاد»، در شرح «نجاه العباد»، در سلوک و بیان طریق عبودیت؛ «سبیل النجاه»، در فقه معاملات؛«تکمله امل الآمل»؛ «جامع اخبار الغیبه»؛ «تبیین الاباحه للمصلین»؛ «تحصیل الفروع الدینیه فی فقه الامامیه»؛ «حدائق الوصول الی علم الاصول»؛ «مجالس المومنین»، در وفیات ائمه معصومین (ع)؛ «مختلف الرجال»؛ «مناقب آل الرسول من طریق الجمهور»؛ «خلاصه النحو»؛ «آداب الحج واسراره»؛ «انتخاب القریب من التقریب»، گردآوری نام محدثانی که ابن‌حجر آنان را شیعه ذکر کرده است؛ «الدرر الموسویه فی شرح العقائد الجعفریه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار الحجه (۲۰۹ / ۱)، الاعلام (۲۴۰ -۲۳۹ / ۲)، اعیان الشیعه (۳۳۰ -۳۲۵ / ۵)، تأسیس الشیعه (مقدمه ۳۵ -۱)، الذریعه (۱۱۴ / ۲۴، ۳۲۰ / ۲۲، ۱۳۷ / ۳، ۳۵۹ / ۲، ۱۶ / ۱)، ریحانه (۴۲۵ -۴۲۴ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۴۹ -۴۴۵ / ۱۴)، علماء معاصرین (۱۷۵ -۱۷۰)، لغت‌نامه (ذیل/ صدر)، معجم المؤلفین (۳۰۰ -۲۹۹ / ۳)، مکارم الآثار (۲۰۱۹ -۲۰۱۵ / ۶).

صدر قزوینی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۸۷ ق)، شاعر. پدرش از سادات و علماء بزرگ قزوین و معلم عباس‌میرزا بود. رد محضر پدر فضل و ادب آموخت و در دولت محمد شاه به صدارت دیوان خانه عدالت منصوب شد و در روزگار ناصرالدین شاه به سفارت دولت روسیه رفت و پس از بازگشت متولی آستانه مقدس رضوی شد. در عزت و احترام زیست تا از دنیا رفت. وی شعر می‌سروده و «دیوان» شعری داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۰۰۵ -۱۰۰۴ / ۲)، الذریعه (۶۰۴ / ۹)، لغت‌نامه (ذیل/ صدر قزوینی)، مجمع الفصحا (۷۰۷-۷۰۶ / ۵).

صدر مشهدی، صدرالدین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از سادات و شاعران مشهد و دخترزاده‌ی میر سید علی و خواهرزاده شیخ بهائی (م ۱۰۳۱ / ۱۰۳۰ ق) بود. در کمال درویشی و آرامش می‌زیست و عهده‌دار منصب احتساب هرات بود و در همان شهر درگذشت. صدرالدین شعر را نیک می‌سرود، اشعار باقی‌مانده‌ی وی گواهی بر آن است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۷۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۱۸ -۱۱۷)، الذریعه (۶۰۵ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۵۴)، مطلع الشمس (۴۳۷ / ۲).

صدر نیشابوری، صدرالدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، مورخ و شاعر. از سادت بزرگ نیشابور و معاصر خوارزمشاهیان بود. در فضل و هنر پایه‌ای عالی داشت و منصب دیوان استیفای نیشابور را عهده‌دار بود. در پایان عمر ترک آن منصب گفت و آن را به فرزند خود واگذاشت و خود به ریاضت و عبادت مشغول شد. سید صدرالدین علاوه بر کتابی که در «تاریخ سلاطین خوارزمشاهیه» نوشته، گاهی شعر نیز می‌سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۹۴ -۶۹۳ / ۲)، تذکره‌ی روز روشن (۴۷۴ -۴۷۳)، الذریعه (۶۰۳ / ۹)، ریاض العارفین (۲۱۹)، فرهنگ سخنوران (۵۵۴)، لباب الالباب (۱۴۴ -۱۴۲ / ۱)، مجمع الفصحا (۸۱۹ / ۲)، مطلع الشمس (۱۸۲ / ۳)، هفت اقلیم (۲۵۶ / ۲).

صدر هندی اصفهانی، صدرالدین محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. از احفاد میراز سلمان جابری بود که در جوانی از راه کابل به هندوستان سفر کرد و مدتی در کشمیر ساکن شد. بعد به شاه جهان‌آباد (دهلی) رفت. از طرف میرزا نجف‌خان ملقب به بخشی‌الملک ذوالفقارالدوله، به واسطه‌ی اختلاف مذهب و مشرب، التفاتی به او نشد و ناچار به لکنهو رفت و در همان جا به سر برد تا درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۰۰۶ -۱۰۰۵ / ۲)، صبح گلشن (۲۵۲ -۲۵۱).

صدر، اسدالله

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن میرزا علی نوّاب خلیفه سلطانی. عالم فقیه، در اصفهان نزد پدر و دیگران تحصیل نموده، به مقام صدارت در دستگاه صفویّه رسیده، در سال ۱۱۱۴ وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

صدر، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ -۱۲۵۸ ق)، عالم دینی، فقیه و مرجع تقلید. معروف به صدر اصفهانی. نسبش به ابراهیم اصغر فرزند امام کاظم (ع) می‌رسد. در اصفهان به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت، در شش سالگی پس از فوت پدر تحت تربیت برادرش، حاج سید محمد علی آقا مجتهد، قرار گرفت و مقدمات را نزد او خواند. بعد از فوت آقا مجتهد، تحت تعلیم شوهر خواهرش، شیخ محمد باقر اصفهانی، صاحب «هدایه المسترشدین»، قرار گرفت و نزد وی فقه آموخت. در ۱۲۸۱ ق به نجف مهاجرت کرد و ملازم بحث شیخ راضی بن محمد آل خضر نجفی و بحث شیخ مهدی بن علی کاشف الغطاء گشت. سپس مدتی در خدمت میرزای شیرازی قرار گرفت. و با وی به سامراء مهاجرت کرد و عده‌ای از شاگردان سطح متوسط میرزا را درس گفت و بعد از وفات میرزا یک سال و چند ماه در سامراء ماند و در ۱۳۱۴ ق به کربلا رفت و در انجا به ترویج دین و انجام وظائف مذهبی مشغول شد و مرجع تقلید آن دیار گشت. میرزای نایینی، سید شرف‌الدین عاملی، حاج سید حسین فشارکی، شیخ غلامحسین مرندی حائری و شیخ موسی کرمانشاهی حائری از شاگردان وی بودند. او در کاظمین از دنیا رفت و همان جا دفن شد. در «ریحانه الادب» سال وفات وی ۱۳۳۷ ق ذکر شده است. از آثارش: «انیس المقلدین»؛ حاشیه «نجاه العباد» شیخ محمد حسن صاحب «جواهر»؛ «مفتاح الهدایه»، رساله عملیه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار الحجه (۲۰۸ -۲۰۱ / ۱)، اعیان الشیعه (۴۰۴ -۴۰۳ / ۳)، الذریعه (۱۳۸ / ۵)، ریحانه (۴۲۳ -۴۲۱ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۰ -۱۵۹ / ۱۴)، لغت‌نامه (ذیل/ صدر)، مکارم الآثار (۱۵۶۷ -۱۵۶۵ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۱ ۱۶۰۰ / ۱)، میرزای شیرازی (۱۱۴ -۱۱۳).

صدر، جلال

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلال صدر

محل تولد : محلات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب جلال صدر در سال ۱۳۴۹ در شهرستان محلات متوّلد شدم. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همانجا به پایان رساندم و در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمّیه شدم و از محضر اساتیدی چون سیدطه مقدّسی، معصومی، عظیمی و دیگران بهره بردم. پس از اتمام دوره مقدّمات به شهرستان قم آمدم و در حوزه علمیّه قم ادامه تحصیل دادم و در سال ۱۳۷۹ در مرکز تخصّصی تبلیغ مشغول به تحصیل شدم. درسال ۱۳۸۲ به عنوان روحانی مستقر از طرف سازمان تبلیغات اسلامی به شهرستان بومهن عزیمت نمودم و علاوه بر تبلیغ به تدریس و تحقیق مشغول شدم. در همان سال از طرف امام جمعه بومهن به سمت امام جمعه موقت آن شهرستان برگزیده شدم وهم اکنون در همانجا مشغول تدریس و تحقیق و تبلیغ می باشم.

صدر، سید رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۱۵ –۱۳۳۹ ق)، عالم دینی و فقیه. در مشهد به دنیا آمد و دربیت علم و عزت نشو و نما یافت. او نوه‌ی دختری آیت‌الله حاج آقا حسین طباطبایی قمی است. به همراه پدر به قم مهاجرت کرد. پس از خواندن ادبیات، سطوح را از مدرسین بزرگ حوزه فرا گرفت. سالها از دروس خارج پدرش، آیت‌الله صدر، استفاده نمود و معقول را از آیت‌الله موسوی آموخت. او از محضر درس برخی دیگر از اساتید بهره‌مند شد تا خود به تدریس فقه و اصول و حکمت و اقامه‌ی نماز پرداخت. در ۱۳۸۵ ق بنا به خواسته‌ی آیت‌الله شریعتمداری به تهران آمد و در مسجد حضرت امام حسین (ع) به ترویج دین و اقامه‌ی نماز و تفسیر قرآن پرداخت. آیت‌الله سید رضا صدر برادر بزرگ امام موسی صدر، مرجع و رهبر بزرگ لبنان، است. وی در تهران درگذشت، ماده تاریخ وفاتش (این جهان خرد بود و مرد بزرگ) است. او در جوار حضرت معصومه (س) در قم دفن شد. از جمله آثارش: کتاب «استقامت»؛ کتاب «حسد»؛ کتاب «دروغ»؛ «بانوی کربلا زینب دختر زهراء»، ترجمه‌ی کتاب «زینب» دکتر عائشه بنت الشاطی.[۱]

آقای حاج سید رضا بن العلامه الورع آیت‌اللّه الحاج سید صدرالدین ابن العلامه الکبری و الایه العظمی الحاج السید اسمعیل صدر موسوی از فضلاء و دانشمندان معاصر تهران و دارای مقام حسب و نسب و علم و ادب می‌باشند. وی در حدود سال ۱۳۳۸ قمری متولد شده و در بیت علم و عزت پرورش یافته و در معیت والد ماجدش به قم مهاجرت نموده و پس از خواندن ادبیات سطوح را از مدرسین بزرگ حوزه خوانده و سالها از دروس خارج مرحوم والدش آیت‌اللّه العظمی صدر استفاده نموده و معقول را از آیت‌اللّه العظمی امام خمینی آموخته و از محضر بعض آیات دیگر بهره‌مند شده خود بتدریس فقه و اصول و حکمت و اقامه نماز پرداخته تا در سال ۱۳۸۵ قمری که حسب الاراده آیت‌اللّه شریعتمداری به تهران منتقل و در مسجد حضرت امام حسین علیه‌السلام واقع در میدان (شهناز) تهران به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن و درس اخلاق و غیره اشتغال دارند.

دارای تألیفات عدیده در اخلاق و غیره می‌باشند که از آنها کتب زیر است:

۱– کتاب استقامت

۲– کتاب حسد

۳– کتاب دروغ

و مخفی نیست که معظم له از طرف پدر موسوی و بحضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام منتهی می‌شوند و از طرف مادر طباطبائی و بحضرت امام حسین مجتبی علیه‌السلام متصل می‌گردند. زیرا والده ماجده ایشان صبیه مرحوم مغفور سیدالفقهاء و المجتهدین آیت‌اللّه العظمی آقای حاج آقا حسین طباطبائی قمی که ترجمه‌اش در جلد اول ص ۲۶۴ گذشت می‌باشد و ایشان سبط آن بزرگوار هستند ادام اللّه توفیقه.

برادر ارجمندش جناب استاد و زعیم بزرگوار آقای حاج سید امام موسی صدر مرجع و رهبر بزرگ مردم لبنانست که امروز صوت وصیتش بتمام جهان رسیده و برای شیعیان دنیا آبروی عظیمی گردیده و باید ایران و ایرانی فخر کند که یکی از هم میهنان او باین پایه قدرت و عظمت رسید که زمام دولت و ملت کشور بیگانه را بدست گرفته و با نطق آتشین و بیانات شیرینش بر علیه استعمارگران غربی مبارزه کرد و هم اکنون سرنوشت وی مجهول و نامعلوم است.

فقیه.

تولد: ۹۲ (۱۳۰۰ رمضان ۱۳۳۹ ق.) مشهد.

درگذشت: ۱۱ آبان ۱۳۷۳، قم.

آیت‌الله سید رضا صدر دوران کودکی و نوجوانی را تحت تربیت پدر خود پشت سر نهاد. مقدمات و ادبیات را در مشهد فراگرفت. در سال ۱۳۵۴ ق. به همراه پدر به حوزه‌ی علمیه‌ی قم رفت و سطوح را نزد اساتیدی نظیر حضرات آیات عظام سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی و محقق داماد آموخت. سپس خارج فقه و اصول را در محضر حضرات آیات عظام سید حسن صدر و سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای و سید حسین بروجردی و فلسفه و عرفان را نزد امام خمینی فراگرفت. ایشان پس از وفات آیت‌الله العظمی بروجردی به تدریس فقه و اصول و فلسفه و عرفان پرداخت.

در سال ۱۳۴۶ برای تبلیغ و ارشاد به تهران آمد و مسجد امام حسین را کانون تبلیغات دینی خویش قرار داد و به تدریس، تبلیغ و ارشاد، امامت جماعت، اداره‌ی کلاس‌های معارف دینی، تألیف و پروش شاگردان پرداخت. وی در این مسجد کلاس درس اخلاق، تفسیر و فلسفه نیز برگزار کرد و همچنین به تدریس فقه و اصول هم اشتغال داشت. در سال ۱۳۵۶ به حوزه‌ی علمیه قم بازگشت و به خدمات دینی و مذهبی مشغول شد.

از تألیفات آیت‌الله صدر می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: الاجتهاد و التقلید؛ العدالهٔ فی الفقه؛ تفسیر سوره حجرات؛ تفسیر سوره یوسف (حسن یوسف)؛ استقامت، حسد؛ دروغ؛ فلسفه آزاد؛ الفلسفه العلیا؛ محمد فی القرآن؛ المسیح فی القرآن؛ قرآن‌شناسی؛ بانوی کربلا؛ راه محمد (دو جلد)؛ راه علی (ع) پیشوای شهیدان؛ راه قرآن؛ زن و آزادی؛ زیارتنامه حضرت رضا (ع) سخنان سران کمونیزم درباره خدا؛ مرد وفا (زیر درختان سدر)؛ نشانه‌هایی از او (دو جلد)؛ نگاهی به آثار فقهی شیخ طوسی؛ مقدمه بر نهج الحق و نامه دانشوران. از جمله آثار منتشر نشده وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: أربعون و مأتا مسئلهٔ فقهی؛ تعلیقهٔ بر عروهٔ الوثقی؛ الفقه علی مذهب اهل‌البیت– کتاب الصلاهٔ؛ القواعد الثلاث؛ تجاو؛ فراغ؛ حیلولهٔ؛ رساله در مقدمه واجب؛ شبههٔ العبائیهٔ حکم نجاسهٔ الباطن؛ نفائس الاصول (دو جلد)؛ حاشیه بر اسفار؛ برهان الصدیقین، حاشیه بر منظوم (سه جلد)، دیوان شعر، درست و نادرست، خواجه نصیرالدین طوسی؛ خلیفهٔ رسول‌الله (ص)؛ اسلام ما؛ سبد (کشکول)؛ ترجمه رسالهٔ الحقوق امام سجاد؛ الجهاد و الثورهٔ؛ الکلیم فی القرآن.

آیت‌الله سید رضا صدر در آبان سال ۱۳۷۳ درگذشت و پیکرش در قم در صحن حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۲۰۵ / ۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۰۴ –۵۰۳ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱۷۲ –۱۷۱/ ۳).

صدر، صدرالدین، ابوالرضا محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۳ –۱۲۹۹ ق)، عالم دینی، فقه، مرجع تقلید و شاعر. در کاظمین به دنیا آمد تحصیلات ابتدایی را در سامراء گذراند و ادبیات و ریاضیات را نزد استادان فن فراگرفت و به همراه پدرش به کربلا مهاجرت کرد و در آنجا سطوح را نزد آیت‌الله شیخ حسن کربلایی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی خواند. او تحصیلات عالیه را نزد پدرش شروع کرد و در حدود ۱۳۲۸ ق برای تکمیل تحصیلات به نجف رفت و در حوزه‌ی درس آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و علامه یزدی حاضر و به درس و بحث تحقیقی مشغول شد. سپس به مشهد رفت و چندی در آن شهر توقف کرد و به تدریس و ارشاد و اصلاح حال مسلمانان پرداخت. آن‌گاه به عراق بازگشت و چندی در آن سامان به تدریس و بحث مشغول شد. در ۱۳۴۹ ق بنا به دعوت آیت‌الله حایری به قم رفت و با وی همکاری نمود. پس از وفات آیت‌الله حایری و تا ورود آیت‌الله بروجردی به همراهی آیت‌الله حجت و آیت‌الله خوانساری عهده‌دار سرپرستی حوزه‌ی علمیه‌ی قم بود. آیت‌الله صدر فقیهی اصولی و محدثی رجالی و محققی عمیق النظر و ادیبی ادیب و شاعری ماهر بود. او در مکارم اخلاق و کمالات نفسانی و معنوی از سرآمدان روزگار بود. وی در قم درگذشت و مابین قبر آیت‌الله حایری و آیت‌الله خوانساری دفن شد. از آثار اوست: «خلاصه الفصول»، در علم اصول، کتاب «المهدی (عج)»، درباره‌ی حضرت ولی عصر (عج)؛ «دیوان» شعر مذهبی و اجتماعی، به عربی و فارسی؛ حاشیه «کفایه الاصول»؛ «اصول عقاید»؛ رساله‌ای در «اصول دین»؛ رساله‌ای در «رد شبهات وهابیه»؛ رساله‌ای در «اثبات عدم تحریف کتاب»؛ «مختصر تاریخ الاسلام»، در پنج مجلد؛ «حدیث و اخبار»؛ رساله‌ای در «حقوق زن»؛ «لواء محمد (ص)»، در اخبار خاصه و عامه، در دوازده مجلد، منظومه‌ای در «حج»؛ منظومه‌ای در «صوم»؛ رساله‌ای در «تقیه»؛ رساله‌ای در امر به معروف و نهی از منکر»؛ «سفینه النجاه»، رساله‌ی عملیه؛ «الحقوق»، در بیان شصت دو حق؛ «مدینه العلم»، در اخبار اهل بیت (ع)، در شش مجلد.[۱]

صدرالدین بن (حاج سید) اسماعیل عاملی الاصل از علمای امامیه و مراجع تقلید (و. کاظمین ۱۲۹۹ ه.ق/ – ف. قم ۱۳۳۲ ه.ش.) نسبت به ابراهیم اصغر فرزند موسی ابن جعفر ۴ منتهی میگردید صدر فقیه، اصولی، ادیب و شاعر و در فنون ادب ماهر بود، ادب عرب و علوم ریاضی را از استادان وقت فراگرفت و مدتی در حوزه درس پدر خویش و آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و سید کاظم یزدی تحصیل کرد و به اجازات آنان نایل آمد، و چون به ایران بازگشت مدتی در خراسان اقامت کرد و سپس به قم رفت و به تدریس و رعایت حال طلاب حوزه علمیه آن شهر پرداخت. او راست: اصول دین، حاشیه بر کفایهٔ الاصول، خلاصهٔ الفصول، حکم ماءالغساله، المهدی، رد بعض شبهات و هابیه، مختصر تاریخ‌الاسلام (لغ.)

مرحوم مغفور سیدالفقهاء والمجتهدین و غوث العلماء العاملین حاج سید صدرالدین بن آیهٔاللّٰه العظمی الحاج سید اسماعیل صدر الموسوی العاملی یکی از معاضدین مرحوم آیت‌اللّٰه حایری و زعماء سه‌گانه بعد از آن مرحوم و یکی از دو وصی معظم له است که از فوت مرحوم حایری تا ورود مرحوم آیت‌اللّٰه بروجردی با مساعدت و معاونت دو قرین دیگرش مرحومین آیت‌اللّٰه حجت و خونساری حوزه علمیه قم را در آن شرایط سخت حفظ و نگهداری نموده و از تشویق و نگهداری محصلین و فضلاء آنی غفلت و کوتاهی ننمودند و خود این نگارنده از افرادی هستم که خود را رهین محبتهای آن مرحوم می‌دانم زیرا در آن موقع جز آن مرحوم کسی از آقایان به حقیر عنایتی نداشت.

تولد آن بزرگوار در ماه رجب ۱۲۹۹ قمری در کاظمین واقع شده و ادبیات و ریاضیات را نزد استادان فن فراگرفته تا در سال ۱۳۲۸ برای تکمیل تحصیلات به نجف مهاجرت و در حوزه درس مرحوم آخوند خراسانی و علامه یزدی حاضر شده و در سال ۱۳۳۱ به مشهد مسافرت و چندی توقف نموده و در سال ۱۳۳۷ باز به عراق مراجعت و بعد چندی در مشهد توطن گرفته و در سال ۱۳۴۹ بنابر

دعوت مرحوم حایری رحل اقامت به قم انداخته و با آن مرحوم که توجه خاصی به ایشان داشتند همکاری نموده تا بعد از فوت آن مرحوم که با همکار گرام سابق‌الذکرش قیام به حفظ حوزه نموده تا در صبح روز شنبه نوزدهم ربیع‌الثانی ۱۳۷۳ قمری که داعی حق را لبیک اجابت گفته و در بین قبر مرحوم آیت‌اللَّه حایری و آیت‌اللَّه خونساری ره مدفون گردید و در شب رحلتش حجهٔ‌الاسلام آقا میرزا محمد همدانی که از فضلاء حوزه علمیه است در خواب می‌بیند که وارد مقبره مرحوم حایری شده و در جلوی قبر ایشان همانجائی که الان قبر اوست قبری کنده و آماده است و می‌گویند این قبر آیت‌اللَّه صدر است گفت آمدم نشستم فاتحه بخوانم دیدم هودجی از آسمان به زمین آمده و از میان آن یک بانوی مجلله بیرون آمد و از عقب او چند زن دیگر آمد و به طرف آن قبر رفت با خود گفتم حتماً این بانو حضرت فاطمه زهراء سلام‌اللَّه‌علیها است. دیدم آمد سر قبر و فرمود این قبر صدر من است صدر من هم از دنیا رفت خوب فرزندی بود و تعریف نمود و فرمود جگر گوشه من هم بود و نشست و بنا کرد به گریه نمودن و من از خواب بیدار شدم و صبح آن شب خبر فوت آن مرحوم منتشر گردید.

نگارنده صبح همان روز در خدمت مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالنبی عراقی بودم و فرمود آقا شیخ محمد همدانی الان اینجا بود این خواب را نقل کرد و داشت تعبیر می‌نمود که صدای بلندگوی آستانه به تلاوت قرآن بلند شده و این خبر محنت اثر را به گوش مردم قم رسانید.

آثار ارزنده‌ای از خود گذاشت که از آنهاست ۱- خلاصهٔ الفصول در اصول که به طبع رسیده است ۲- کتاب المهدی درباره حضرت ولی عصر عجل‌اللَّه فرجه الشریف که چندین بار به طبع رسیده و در آن از کتب عامه اثبات وجود ذیجود حضرتش را نموده است ۳- کتبی در فقه و اصول و غیره که مخطوط می‌باشد دارای طبعی روان و ذوقی سرشار بود و اشعار عربی غرائی سروده است که یکی از آن در ذیل ترجمه مرحوم آیت‌اللَّه حایری گذشت مطلعش (عبدالکریم آیهٔ‌اللَّه قضی) و آخرش ماده تاریخ عجیب فوت آن مرحوم (لدی الکریم حلّ ضیفاً عبده) بود.

۳- دیوان اشعار مذهبی و اجتماعی و نصایح و مدایح و مراثی اهل‌بیت علیهم‌السلام ۴- حاشیه‌ی کفایهٔ‌الاصول ۵- اصول عقاید ۶- رساله‌ای در اصول دین ۷- رساله‌ای در رد شبهات وهابیه ۸- رساله در اثبات عدم تحریف کتاب ۹- تاریخ مختصر اسلام در ۵ جلد ۱۰- حدیث و اخبار ۱۱- رساله‌ای در حقوق ۱۲- لواء محمد در اخبار خاصه و عامه ۱۲ جلد- نگارنده گوید که غالب این کتب متأسفانه مخطوط مانده است- یکی از قصائد آن مرحوم که در مرثیه جده‌اش حضرت زهراء علیهاالسلام سروده قصیده زیر است:

یا خلیلی احبسا الجرد مهارا
و ابکیا دارا علیها الدهر جارا
و ربوعا اقفرت من اهلها
و غدت بعدهم قفراً برارا
حکم الدهر علی تلک الربی
فانمحت والدهر لا یرعی زمارا
کیف یرجی السلم من دهر علی
اهل‌بیت الوحی قد شن المغارا
لم یخلف احمد الا ابنهٔ
و لکم اوصی الی القوم مرارا
کابدت بعد ابیها المصطفی
غصصاً لومست الطور لمارا
هل تریهم ادرکوا من احمد
بعده فی آله الاطهار ثارا
غصبوها حقها جهرا و من
عجب ان تغصب الزهراء جهارا
من لحاها اذ بکت والدها
قائلا فلتبک لیلا او نهارا
ویلهم ما ضرهم لو بکیت
بضعهٔ المختار ایاما قصارا
من سعی فی ظلمها من راعها
من علی فاطمهٔ الزهراء جارا
من غدا ظلما علی الدار التی
اتخذتها الانس والجن مزارا
طالما الاملاک فیها اصبحت
تلثم الاعتاب فیها والجدارا
و من النار بها ینجو الوری
من علی اعتابها اضرم نارا
والنبی المصطفی کم جائها
یطلب الاذن من الزهراء مرارا
و علیها هجم القوم و لم

تک لاذت لا و علیها الخمارا
لست انساها و یا لهفی لها
اذوراء الباب لاذت کی توارا
فتک الرجس علی الباب و لا
تسئلن عما جری ثم و صارا
لا تسلنی کیف رضوا ضلعها
و اسئلن الباب عنها والجدارا
و اسئلن اعتابها عن محسن
کیف فیها دمه راح جبارا
و اسئلن لؤلؤ قرطیها لما
انتثرت والعین لم تشکوا حمرارا
و هل المسمار موتور لها
فغدی فی صدرها یدرک ثارا

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۲۱۵ -۲۰۱ / ۱)، آینه دانشوران (۱۶۸ -۱۶۵)، الذریعه (۲۹۰، ۱۸۴ / ۲۰، ۱۹۹ / ۱۲ -۲۳۰، ۴۲ / ۷، ۲۳۲ / ۳)، ریحانه (۴۲۹ -۴۲۷ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۴۹ -۹۴۳ / ۱۴)، علماء معاصرین (۲۱۷ -۲۱۶)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۲۹ -۳۲۶ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ صدر)، معجم‌المؤلفین (۱۷ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۸ -۵۳۷ / ۳).

صدر، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اقتصاد کشاورزی، دانشکده: اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای اقتصاد کشاورزی از آمریکا.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اقتصـاد منـابع در مورد عرضه و تقاضـای زمین، اقتصاد اسـلامی در مورد بانکـداری اسـلامی در بانک کشاورزی، اسـتاد راهنمای ۷ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد، سابقه تدریس در دانشگاههای شیراز و الزهرا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اقتصاد اسلامی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: متعدد، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

اقتصاد اسلامی، اقتصاد منابع طبیعی.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

صدر، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدباقر بن سید حیدر بن سید اسماعیل صدر اصفهانی از مدرسین و اعلام معاصر نجف اشرف است.

وی در سال ۱۳۵۰ قمری در بیت علم و فضیلت چشم به جهان گشوده و در مهد تقوا پرورش یافته و پس از خواندن ادبیات و سطوح متوسـط و عـالی و تکمیـل مبـانی فقه و اصـول از محضـر آیـات عظـام نجـف بالاـخص مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم و زعیم اعظم آیت‌اللّه العظمی خوئی مـدظله فقهـا و اصولا اسـتفاده نموده تا به مـدارج عالیه علم و اسـتادی رسـیده و خود تشکیل حوزه تـدریس خارج داده و عده زیادی از افاضل به درسش شرکت و استفاده نموده و می‌نمایند.

دارای تالیفات ارزنـده‌ای که ذیلا می‌نگارم می‌باشـند ۱- فلسفتناط ۲- اقتصادناط ۳- المدرسه الاسـلامیه ط ۴- فـدک ط ۵- غایه الفکر فی الاصول ط ۶- شرح عروه الوثقی کتاب طهاره و خمس ۷- تعلیقاتی بر اسفار.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

صدر، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید موسـی مشـهور در همه آفاق به (امام موسـی صدر) فرزند برومند آیت‌اللَّه العظمی آقای حاج سـید صدرالدین ابن العالم الجلیل آیت‌اللَّه العظمی حاج سـید اسـماعیل صدر و سـبط آیت‌اللَّه العظمی ازهد الفقهاء والمجتهدین حاج آقا حسین طباطبائی قمی یکی از ستارگـان فروزان و چهره‌هـای درخشـان حوزه علمیه قم است که سالها در مغرب خاوری طلوع نموده و در آسـمان لبنان و سوریه و فلسـطین نورافشانی می‌کنـد آن جناب در حـدود سال ۱۳۴۳ قمری در مشـهد مقـدس به دنیـا آمـده و در سال ۱۳۴۹ در معیت والد خویش به قم مهاجرت و به تحصـیل دروس ابتدائی اشتغال یافته و در بیت علم و شرف پرورش یافته و پس از پایان دروس جدید به تحصـیل علوم عربیه منقول و معقول پرداخته و مقدمات و سـطوح را از مدرسـین حوزه فراگرفته سپس از محضر مرحوم والد ماجد و دیگر آیـات چون آیت‌اللَّه محقق داماد و آیت‌اللَّه العظمی خمینی و آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و دیگران اسـتفاده علوم عقلی و نقلی نموده تا به مدارج عالیه اجتهاد و اتقان رسیده سپس عزیمت به نجف اشرف و چندی هم از محاضر آیات عظام آنجا بهره‌مند شده و پس از رحلت آیت‌اللَّه العظمی حاج سـید عبدالحسـین شـرف‌الدین زعیم و مرجع شیعیان لبنان بنابر دعوت رسمی بیت شرف‌الدین و شیعیـان لبنـان برای زعامت و سرپرستی شـیعیان مهاجرت به لبنان نموده و با آگاهی و کیاست و فراست موهبتی از عهـده مسئولیت سنگین زعـامت به خوبی درآمـده و محبوب‌القلوب مردم عـالی و دانی آن سامـان گردیـد و به اکثریت نزدیـک به اتفاق به ریاست مجلس اعیـان (سـنا) شـیعیان لبنـان انتخـاب و رهبر بزرگ و قائـد اعظـم مردم مستضـعف در آن منطقه گردیـده و خـدمات ارزنـده چشـمگیری نموده وصیت و صوتش به شـرق اقصـی و اوسط و بلاد باختری رسـیده و در ردیف یکی از سیاسـتمداران به نام معاصر درآمـده و محسود حکومت طاغوتی و محمـدرضا پهلوی گردیده که چرا و برای چه یکی از روحانیون و آیت‌اللَّه زادگان قم به این پـایه عظمت و سیاست برسـد که کلیه روسـاء جمـاهیر اسـلامی غربی مصـر و لیبی و مراکش و تونس و سودان و گینه و سـعودی و سوریـا و عراق از او دعوتهای رسـمی نموده و مراسم اسـتقبال و تجلیل را انجام دهنـد و این موقعیت چنان دولت طاغوتی ایران را به وحشت انداخت که برای اسـقاط او از انظار مردم دست به افتراء به وسـیله عوامل ساواک در جرائد و روزنامه‌ها اکاذیبی جعل که از موقعیت معظم‌له بکاهد غافل از آن که به گفته شاعر:

چراغی را که ایزد برفروزد

هر آنکس پف کند ریشه‌اش بسوزد

این نویسـنده که قسـمتی از فعالیتهـای و خـدمات ایشان را در جلـد سوم گنجینه نوشـتم اداره نگارش و عمال روسـیاه سازمان امنیت (باصـطلاح خودشان) کتاب را توقیف که با شرح حال و ترجمه و عکس آقای صدر قابل نشر نیست و چند ماهی مرا اسیر و بالاخره بـا حـذف شـرح زنـدگینامه و آثار معظم‌له کتاب را ناقص و اجازه نشـر داد. خـدا روی همه آنها مخصوصا روحانی‌نما را سـیاه و در دادگاه انقلاب به کیفر اعمالشان گرفتار و مجازات نماید.

باری امام موسـی صدر از مفاخر عالم تشیع معاصر و افتخارات کشور ایران بلکه مسلمین جهان است که با لباس روحانیت (عمامه و عبا و قبا) در عداد بزرگترین شخصیتهای سیاسی جهان و با چندین زبان زنده از عربی و فارسی و فرانسوی و انگلیسی و غیره آشنائی کامل و سخن می‌گوید. و دارای مدارک علمی از اجتهاد و دکترا و غیره می‌باشد.

آثـار و خـدمات و باقیـات الصالحـات این رادمرد علم و سیاست به انـدازه‌ای است که ذکر آن در این مختصـر نگنجـد بلکه کتـاب مستقلی لازم دارد و قسـمتی از آن رد مجلدهای لبنانی و غیره یاد شده است. ولی متاسفانه که دست استعمار امپریالیسم صهیونیستی اسـرائیل و آمریکا و جبهه‌های طاغوتی شـرقی و غربی - راست گرایان و چپ گرایان خخاوری و غیره این نادره دوران را به توسط دولت لیبی (سرهنگ قزافی) به عنوان دعوت رسمی از لبنان به لیبی برده و از ماه رمضان ۱۳۹۸ قمری برابر ۱۹۷۸ میلادی تاکنون که ماه رجب ۱۳۹۹ برابر مه ۱۹۷۹ مسیحی است اثری از ایشان نیست و هرچند تاکنون از لبنان و سوریا و کشورهای اسلامی و بالاخص ایران به لیبی و غیره مراجعه شده ردپائی پیدا نشده و دولت لیبی مدعی است که ایشان به رم رفته‌اند و حال آن که کشور ایتالیا و رم از ورودشان به آن کشور تکذیب می‌کند. خلاصه جهان تشیع در فقدان و هجران این عزیز گمشده خود که برای ریاست جمهوری اسـلامی ایران برازنـدگی و شایسـتگی دارد در سوک و غم فرورفته و همه روز چشم انتظـار دوخته تـا از لیبی و یا کجا ظاهر و پیـدا شود.

نگارنـده که بیش از چهل سال سال است افتخار دوستی و ارادت به بیت جلیل صـدر و بالاخص ایشان را دارم و آخر عهدم با ایشان را فراموش نمی‌کنم در شب جمعه هفـدهم ذی‌حجه ۱۳۹۷ قمری بود در مسـجدالحرام نزدیکی حجراسـمعیل که مرا در آغوش مهر گرفته و ساعتی با هم سخن گفتیم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

صدرا، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۶ ق)، عالم دینی، فقیه و واعظ. در اراک به دنیا آمد و در زادگاه خود مقدمات و قسمت عمده‌ی سطوح را نزد اساتید بزرگ فراگرفت. در اوایل تأسیس حوزه،شانزده ساله بود که به قم رفت و سطوح را در قم تکمیل کرد و از اول دوره‌ی دوم درس اصول آیت‌الله حایری و درس فقه ایشان که «خیارات مکاسب» بود استفاده نمود. همچنین از درس آیت‌الله یثربی بهره برد و سطح و «کفایه» را در خدمت آیت‌الله میراز محمد ثابتی همدانی خواند و مقداری از «فرائد» را خدمت آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری و آیت‌الله میرزا محمد علی شاه آبادی همراه «منظومه‌ی حکمت» خوانده و همچنین «مکاسب» را خدمت این دو استاد استفاده کرد و نیز از محضر آیت‌الله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی مقداری از «منظومه‌ی حکمت» و «رسائل» شیخ را بهره گرفت. وی دارای طبعی موزون و ذوقی کامل بود. از آثارش. تأسیس کتابخانه در مسجد اراکیهای مقیم تهران و جمع‌آوری کتب برای آن بود. از آثار علمی او: «الغرائب» یا «مظهر العجائب فی غرائب الامام علی بن ابی‌طالب (ع)»، در چند مجلد؛ «ابوطالب و فرزندانش»، در اثبات ایمان ابی‌طالب از طرق اهل سنت، دو مجلد؛ «الکعبه و ولیدها»؛ «توشه‌دان گدا»؛ «جهاز عروس و داماد»؛ «ادب گفتار»؛ «ادب کردار»؛ «تناثر النجوم فی ارض الطفوف»؛ «دیوان» شعر؛ «افاضه الحرمین»؛ «سراج الحاج»، منظومه‌ای در عمل حج؛ «منهاج الحاج»، مختصری در حج استدلالی، رساله‌ای در «رد عشره‌ی مبشره»؛ «انقلاب اسلامی قرن ۱۴»؛ «صراط مستقیم کی و کجاست؟».[۱]

حاج شیخ محمدتقی صدراء اراکی از علماء اعلام و مبلغین گرام و وعاظ به نام معاصر است در تهران در حدود سال ۱۳۱۹ ق در اراک متولد شده و در آنجا مقدمات و ادبیات را آموخته و سطوح را در نزد مرحوم سلطان‌العلماء اراکی و آیت‌الله آقانور و علماء دیگر حوزه علمیه حوزه اراک خوانده و پس از انتقال حوزه علمیه از اراک به قم مهاجرت به قم نموده و چندین سال از محضر مرحوم آیت‌الله حایری و آیات دیگر استفاده نموده آنگاه به وطن مراجعت و بالغ بر بیست سال اقامت جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و خدمات دینی و روحی کرده و به واسطه بعضی از جهات و دعوت عده‌ای از مردم اراک مقیم تهران و دیگران مهاجرت کلی به تهران نموده و در خیابان گرگان در مسجد آبرومندی به اقامه جماعت و در هیئت محترم بنی‌فاطمه که از هیئات باعظمت و مجد تهران و مجالس و مسجد دیگر تهران و شهر ری و حومه تهران و روی به منبر رفته و داد سخن داده انجام وظیفه دینی می‌نمایند.

مولف گوید: معظم‌له از وعاظ با فضل و منبری بسیار آموزنده و مفید دارد و عموم طبقات از منابر وی استفاده کرده و بهره‌مند می‌شوند. دارای طبع شعر و ذوق سرشاریست و اشعاری در مراثی و مدایح و مواعظ و نصایح دارد و نیز دارای تالیفاتی می‌باشد که هنوز به طبع نرسیده است.

شیخ محمدتقی بن العالم المجاهد المحامی حاج شیخ محمدباقر از علماء مبرز و خطباء نامی و مبلغین سامی اراکی مطهر تهران است.

ایشان در سال ۱۳۲۶ ق در اراک به دنیا آمده و در زادگاه خود مقدمات و قسمت عمده سطوح را نزد اساتید بزرگ فراگرفته و در سال تاسیس حوزه علمیه قم که آیت‌اللّٰه العظمی حایری یزدی مؤسس و بنیان‌گذار حوزه به اصرار قمین و تهرانین از اراک به قم هجرت کردند و چهل شب تمام ائمه جماعت قم نماز جماعات خود را تعطیل و به ایشان اقتدا نمودند و مواجه با اصرار و ابرام قمیین و تهرانیین شدند که باید در قم توطن فرموده و حوزه علمیه اراک را به قم منتقل فرمائید. و ایشان مردد بودند و استخاره کردند که آیا حوزه علمیه را به قم انتقال دهند یا نه پس تفال به قرآن زدند پس باز قرآن مانند همیشه معجزه کرد از آن معجزه‌هائیکه فراموش شدنی نیست زیرا این آیه آمد (و اتونی باهلکم اجمعین) که یوسف به پدر و برادرت پیام داد که من عزیز مصر شدم و همه با خانواده‌هایتان نزد من بیائید و کسی را باقی نگذارید.

مرحوم آقای حایری هم به مفاد همین آیه برای حوزه علمیه اراک نوشتند که همه‌تان با زن و بچه حرکت کنید.

مترجم ما در آن موقع شانزده ساله بود و والدش راضی به مسافرت نمی‌شد و از مرحوم آیت‌اللّٰه حایری سئوال شده بود ایشان ادامه تحصیل را برای مشتغل واجب عینی می‌دانستند بنابراین تصمیم می‌گیرند که بدون اجازه والدشان به قم بیایند ولی خوشبختانه راضی شده و گریه شوق و رضا نموده پس به قم عزیمت و پس از ورود در سلک مهاجرین الی‌اللّٰه در آمده و سطوح را در قم تکمیل و از اول دوره دوم درس اصول آیت‌اللّٰه حایری و درس فقه‌شان که (خیارات مکاسب) بود حاضر و استفاده نموده و پیش از آن صبح‌ها در درس مرحوم آیت‌اللّٰه یثربی که از مبرزین شاگردان مرحوم آیت‌اللّٰه آقا ضیاءالدین عراقی بوده بهره‌مند شده و سطح کفایه را در خدمت مرحوم آیت‌اللّٰه میرزا محمد ثابتی همدانی خوانده مقداری از فرائد را هم خدمت آیت‌اللّٰه حاج سید محمدتقی خونساری و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا محمدعلی شاه‌آبادی با منظومه حکمت خوانده و همچنین مکاسب را خدمت این دو بزرگوار استفاده نموده و نیز از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی مقداری از منظومه حکمت و رسائل شیخ را استفاده نموده و در سال ۱۳۴۳ ق که آیات عظام نجف (مرحوم اصفهانی و نائینی و غیره که تبعید به ایران و قم شده و شروع به تدریس نمودند نسبت به مرحوم آیت‌اللّٰه اصفهانی ارادتی شدید داشته‌اند...

سلطنت غاصبانه طاغوتی رضاخان (زندیق) پیش آمد و با آنکه همه طلاب امتحان داده و دارای جواز بودند مامورین جهنم اهل بهشت را تا (در بهشت) علی بن جعفر و حتی خود بهشت (که فرمودند یک در بهشت در قم باز می‌شود) تعقیب می‌کردند و چون مامورین که داخل مدرسه فیضیه می‌شدند طلاب از طبقه دوم اطاق‌ها خود را در رودخانه پرتاب می‌کردند.

عوامل جنایتکار رضاخان به دستور وی با بودن آیت‌اللّٰه العظمی حایری و قمی و اصفهانی و سایر آیات کشف حجاب (یا کشف عورت) نموده و حرم حضرت ثامن‌الائمه علیه و علیهم‌السلام را به توپ و تفنگ بسته و هرکس از اهل علم که مأمنی سراغ داشت به آنجا گریخته و مابقی هم در قم در هر دقیقه و ساعتی مواجه با گرگان آدم‌نمای از عمال جنایت‌کار دولت می‌شدند آقای صدرا در آن موقع از روی اضطراب به اراک رفته و به جهت اداره یتیمانی که عهده‌دار مخارج آنها بود به منبر و وعظ پرداخته و از این راه هم خدمت به عائله والدش نموده و هم بهترین خدمات را در ارشاد مردم به شرع بنماید.

سال ۱۳۵۷ شمسی پیش آمد و فرمان اتحاد شکل و پوشیدن کت و شلوار و کلاه پهلوی به سر گذاردن صادر شده و با گذرانیدن از مجلس شوم قانونی کردند و با هزاران دسایس و وسائل عده‌ای از پوشیدن لباس متحدالشکلی به نام محدث مجتهد – مدرس طلبه‌ای واجد یکی از سه رتبه باشد و متصدی امور حسبیه و امام جماعت و هاخام یهود و کشیش نصاری و مرید زردشتی که تمام آنها هم باید جواز مخصوص از وزارت معرف و علوم آن روز داشته باشند.

خلاصه شرح زندگینامه معظم‌له بسیار و در خور کتاب جداگانه‌ای است و تا جائیکه برای نگارنده امکان داشت فشرده آن را انتخاب و اقتباس نموده و در اختیار عموم قرار دادم مترجم گرامی در شهرستان اراک به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تنویر افکار و نشر معارف اسلامی و بالاخص مکتب ولایت پرداخته و خدمات چشمگیری در شهر و حومه آن نموده و آثار خالده‌ای از خود به جا گذارده و پس از آن سفری به تهران نموده و در آنجا روی اصرار و ابرام اراکی‌های مقیم پایتخت اقامت در آن سواد اعظم را اختیار و در مسجد همشهریهای خود به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته و باقیات الصالحاتی از خود مانند تاسیس کتابخانه و جمع آوری کتابهای مختلف سودمند و مفید دینی تا حدود نه مغازه کوچک و بزرگ برای تامین مخارج آب و برق و خادم مسجد و مازاد آن برای امام مسجد ساخته و تا کنون از آن بهره‌برداری می‌شود.

آقای صدرا دارای بیانی جامع و قاطع و آموزنده هستند و بسیاری از گم‌گشتگان دینی از مواعظ و اندرزها و خطابه‌های ایشان به راه آمده و متنبه شده و پابند دین و نماز و مبانی دینی گشته‌اند.

دارای طبعی موزن و ذوقی کامل و جالب و ادیبانه و خردمندانه می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۰۱ –۱۹۴ / ۸ ،۳۸۰ –۳۷۹ / ۲).

صدرالاسلام، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

والدین و انساب : نسب حاجی میرزا سید محمد ملقب به صدر الاسلام متخلص به خاک به امام جعفر صادق (ع) و از جانب مادر به فتحعلیشاه قاجار می رسد . سلسله شجره نامه «صدرالاسلام» یک نسخه درکتابخانه امام رضا(ع) و نسخه ای دیگر درقم در کتابخانه حضرت معصومه (ع) موجود می باشد .اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدرسید محمد صدرالاسلام ، حاجی میرزا عبدالحسین نایب صدرقزوین و پدربزرگش میرزا سید عبدالله صدر دیوان خانه تهران بود که درزمان سلطنت ناصر الدین شاه درسال ۱۲۷۸ ه.ق دروزارت عدلیه ضیاءالملک متصدی شغل صدارت دیوانخانه عدلیه تهران بود . صدر دیوانخانه ازمشاغل مهم دوره قاجاریه بود . کسی که در منصب این شغل قرار می گرفت درحقیقت رییس محکمه یا دادگاه وزارت عدلیه محسوب می شود و رسیدگی به امور ملکی و شرعیات را انجام می داد و اجداد صدر الاسلام پشت اندر پشت لقب صدارت وسمت خطابت و حضور درمجالس بزم و سرور دربار قاجار را داشته اند .تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید محمد صدرالاسلام پس از آنکه دربار قاجار راترک گفت در قزوین و مدرسه حاجیه آقاسی درخیابان دولت خانه صفویه مشغول تحصیل علوم رسمی مقدماتی شد . بعد از این مقطع به تحصیل فقه و اصول پرداخت و سپس درصدد تحصیل علوم غریبه برآمد .او دراین سالها به تهران ، کرمانشاه ، همدان ، کربلا ، نجف، مکه سفر نموده و برتجربیات خود افزود . او همچنین مدتی نیز به تحصیل الهیات پرداخت .استادان و مربیان : سید محمد صدرالاسلام درالهیات حاجی میرزا ابوالقاسم تفرشی بود .همسر و فرزندان : سید محمد صدرالاسلام بانورسته خانم دختر میرزا مسعود شیخ الاسلام ازدواج نمود او ۷ پسر داشت ۵ تن از پسران او هرگز دارای اولاد نشدند ویکی از آنها که احد نام داشت ازدواج نکرد و بعدها مفقود اثر شد . فقط یکی از پسران اوبه نام آمیر مهدی دارای ۴ فرزند شد که پس از فوت او فرزندانش تحت نکاست و سرپرستی صدرالاسلام درآمدند.وقایع میانسالی : درجریان انقلاب مشروطه سید محمد صدرالاسلام از مخالفین سرسخت مشروطه به شمار می رفت درهنگام مشروطه عده ای از رجال و اعیان قزوین طی تلگرافی به محمد علی شاه خواستار برچیده شدن بساط مشروطیت شدند که امضای صدر الاسلام نیز درزیر این تلگراف به چشم می خورد . در جنگ جهانی دوم که رس ها قزوین را به اشغال خود درآورده بودند ، روزی به باغ صدرالاسلام ریختند و کلیه جواهرات و عتیقه جات قدیمی او را به تاراج بردند . این حادثه تاثیر ناگواری برروحیه او به جای گذاشت و به همین نظر ۷ سال پایانی عمر خودرا درپریشانی خیال گذراند.زمان و علت فوت : سید محمد صدرالاسلام درسال ۱۳۲۷ ه.ش درسن ۸۶ سالگی درگذشت و درخانقاه خودبه خاک سپرده شد .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید محمد صدرالاسلام درابتدای جوانی به تبعیت از شغل اجدادی ، مدتی خطیب حضورمخصوص ناصر الدین شاه جهت خواندن خطبه خاص ساعت تحویل سال نو بود . او این سمت را بعدها ترک گفت و به تحصیل کمالات معنوی همت گماشت . او اگر چه یکباره دیگر درزمان غیبت برادر بزرگش حاجی میرزا علی نایب صدر به دربار ناصر الدین شاه راه یافت . لیکن پس از قتل این شاه قاجار به ناچار ترک خدمت نموده و به کشاورزی پرداخت .فعالیتهای آموزشی : سید محمد صدر الاسلام درخانقاه الهیه به تدریس فقه .اصول ،منطق و طب پرداخت .مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سید محمد صدر الاسلام خانقاهی به نام الهیه را جهت فعالیت های آموزشی و دستگیری از فقیران دایرکرد و او همچنین خانقاهی دیگردر خارج از شهرقزوین ایجادکرد و این خانقاه اگرچه امروز درداخل شهرقرار دارد ولی آثاری از آن به جای نمانده است .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سید محمد صدرالاسلام مدتی عضو انجمن بلدیه بود . این انجمن دردوره مشروطه ازمیان اصناف و سرشناسان شهرانتخاب می شد و وظیفه امور شرعی رسیدگی به خواربار را عهده دار بود . اما فعالیت این انجمن به دلیل فقدان بودجه کار موثری را به انجام نرساند .صدرالاسلام به پرورش گل نیز علاقه بسیار دشاات و در وسط باغ باصفا و پرگل و درخت خو د،

استخری قرار داده بود و دوستانش برای او از خارج تخم گل می آوردند . آثار : دیوان صدرالاسلام ، شرح الصدور فی حقایق الامور ،قانون الریاضه فی سبیل الهدایه ، منظومه زور عشق

منابع زندگینامه :مشاهیر قزوین ، پژوهش و تالیف : مهدی نورمحمدی ،قزوین : سایه گستر .سال ۱۳۸۱، ص ۱۸۷ـ۱۹۱

صدرالاشرافی، مهریار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: اقتصاد کشاورزی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترا در رشته اقتصاد کشاورزی و اقتصاد توسعه.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

سیستم جدید قیمت‌گذاری و اثر آن بر سطح زیر کشت، اثر تغییر قیمت خرید چغندر بر سطح زیرکشت و راندمان، سیاست قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی و مقایسه آن با کشورهای پیشرفته دنیا، تدریس دروس اقتصاد خرد، مدیریت کشاورزی، روش تحقیق، سیاست کشاورزی و اقتصاد توسعه، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

اصول مدیریت و مدیریت کشاورزی، مدیریت حسابداری و بازاریابی، اقتصاد کشاورزی و تعاون.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

تجارت بین‌المللی محصولات کشاورزی، مدیریت مزارع و مینیمم کردن هزینه‌ها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

صدرالذاکرین، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۰ –۱۲۵۱ ق)، عالم، خطیب، ادیب و شاعر، متخلص به واله. در شهر و دیارش به صدرالذاکرین معروف بود. وی یکی از مشاهیر وعاظ و خطیبان بزرگ و از اهل فضل و ادب و کمال بود. از صدرالذاکرین آثار مفید و سودمندی باقی است که همگی دلالت بر گستردگی دانش و مهارتش دارد. در شعر نیز صاحب ذوق و ماهر بود.از آثارش: «توان روان» یا «چهل حدیث در فضائل امیرالمؤمنین (ع)»، به نظم، فارسی؛ «الدیباجه الموضونه فی تضمین الآیات المؤذونه»؛ «دیوان» شعر یا «دیوان» واله افشار، به فارسی و مرتب بر اساس حروف الفبا.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۲۵۵ / ۹، ۴۷۵ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۶۶ / ۱۴)، علماء معاصرین (۸۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۹۶۲ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰۸–۳۰۷ / ۴).

صدرالشریعه

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ع. صدرالشریعه بخش ۲) برهان‌الدین محمود بن صدرالشریعه احمد بن جمال‌الدین عبیداللّه محبوبی بخاری حنفی دانشمند معروف (قر. هفتم ه.). ظهور او در حدود سال ۶۳۰ ه.ق. بود. اوراست: وقایهٔ الروایهٔ فی مسائل الهدایهٔ که آن را شروح مفصل است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

صدرالشریعه بخاری، جمال الدین عبیدالله

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۷ ق)، فقیه حنفی، محدث اصولی مفسر حکیم طبیعیدان، نحوی، لغوی و ادیب. مشهور به صدرالشریعه اصغر یا صدرالشریعه ثانی. در خانواده‌ای دانشور به دنیا آمد. علوم متداول و مجد و بزرگی را از جدش تاج الشریعه و او نیز از پدر خود صدرالشریعه‌ی اول فرا گرفت. او در حکمت و طبیعیات و اصول فقه و علوم دینی از علمای عصر خویش به حساب می‌آمد. در بخارا درگذشت. وی آثار نفیس جدش، تاج‌الشریعه، را تنقیح کرد. ازآثار اوست: «تعدیل العلوم»؛ «تنقیح الاصول»، در اصول فقه، و شرح آن «التوضیح فی حل غوامض التنقیح»؛ «شرح الوقایه»، شرح کتاب جد خود «وقایه الراویه فی مسائل الهدایه»، در فقه حنفی؛ مختصر «الوقایه»، به نام «النقایه فی مختصر الوقایه»، به نام «النقایه فی مختصر الوقایه»؛ «الوشاح»، در علم معانی و بیان؛ شرح «فصول الخمسین»، در نخو.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۵۴ / ۴)، ریحانه (۴۳۴ -۴۳۳ / ۳)، کشف الظنون (۲۰۲۱ ،۱۲۷۰، ۲۰۱۱، ۱۰۴۷، ۴۹۶، ۴۱۹)، الکنی و الالقاب (۴۱۵ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ عبیدالله)، معجم المؤلفین (۲۴۶ / ۶)، هدیه العارفین (۶۵۰ -۶۴۹ / ۱).

صدرالشریعه، محمد صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۵ ق)، عالم دینی، فقیه و شاعر. معروف به علامه شهریاری. پدرش، صدرالعلمای طالقانی، در زمان خودش از مجتهدین و زهاد، و صاحب حواشی بسیار برکتب ادبی و فقهی و اصولی، و شاگرد مبرز و داماد علامه میرزا محمد تنکابنی صاحب «قصص العلماء» بود. مادر شیخ محمد صادق، دختر علامه تنکابنی و از زنان دانشمند و صاحب حواشی بر کتب ادبی و «شرح لمعه» بود. محمد صادق در سلیمان‌آباد تنکابن به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا «شرح لمعه» و «قوانین»، در تنکابن فرا گرفت. آن‌گاه به قم رفت و سطوح را در خدمت مدرسین حوزه تکمیل و معقول و سایر علوم را از محضر آیت‌الله موسوی و آیت‌الله آقا میرزا محمد علی شاه‌آبادی و آیت‌الله شیخ مهدی پائین شهری استفاده کرد و در درس خارج آیت‌الله حایری و آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله حجت کسب فیض نمود. وی دارای اجازاتی از اساتید و بخصوص ثقه‌المحدثین محدث قمی بود. او برای خدمات دینی و تبلیغ احکام در شهریار اقامت گزید. صدر الشریعه در سرودن اشعار دستی توانا داشت و در هر مقوله اشعاری سروده است. از آثارش: «دیوان» شعر، نزدیک به پنج هزار بیت، با تقریظ جامعه و کاملی از آیت‌الله مرعشی نجفی که روشنگر مقام علمی و ادبی صاحب عنوان است؛ ترجمه‌ی «شرح منظومه حدیث قدسی»، در ده هزار بیت؛ ترجمه و شرح منظوم «مناجات الهیات» موسوم به «افاضات النجفیه و مناجات العلویه»؛ «مولوی نامه» در رد مولوی؛ رساله‌ی منظوم در «جبر و تفویض»؛ کتاب «مراثی»؛ قصایدی در جواب بعضی از سائلین در علم ائمه طاهرین، کتاب «صدر الوقایع»، در واقعات هر روزی از روزهای ماه؛ «تفسیر» فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۴۸۸ -۴۸۵ / ۷، ۶۷۴ / ۴).

صدرالعلماء، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی صدرالعلماء متولد ۱۲۸۱ ق متوفی ۱۳۶۱ ق

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

صدرالعلماء، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌اللّٰه مرحوم سید محمد بن العلامه حاج سید نورالدین سبط العلامهٔ المحقق میرزا ابوالقاسم قمی صاحب قوانین در سال ۱۳۰۲ قمری متولد و پس از طی مقدمات و اکمال سطوح سالها از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حایری استفاده کرده و پس از ورود آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی غالبا در منزل معظم له رفته و در مجالس بحث خصوصی و استفتاءات شرکت می‌نمود تا در ۲۳ ماه جمادی‌الاولی ۱۳۷۲ قمری بیست روز پس از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه حجت بدرود حیات گفته و در ایوان طلائی حضرت معصومه علیهاالسلام مدفون گردیده است از نفایس کتابخانه آن مرحوم دیوان اشعار عربی و فارسی به خط و امضاء (ابوالقاسم بن الحسن الجیلانی) جدامی آن مرحوم است که فرزندان وی از این جهت شهرت به میرزائی دارند و در آن قصیده‌ای در رد انکار و مکابره ابن‌حجر ناصبی عسقلانی است وجود ذیجود حضرت ولی عصر عجل‌اللّٰه فرجه الشریف را که طعن بر شیعه زده و می گوید:

ما آن للسرداب ان يلد الذى
سميتموه بزعمكم انسانا
پس مرحوم میرزای قمی جدامی مترجم ما در پاسخ آن مردود فرموده:
اف لكم و لقولكم بتعنت
فی جحد نور انور هذيانا
ان الاله قد اختفی سبحانه
عمن غدا لظهوره عميانا
هل ينكر النور البهی وانه
حرم الوطاوط دركه نقصانا
ام يمنع المزن المهيدب فيضه
لابل يضیء علی الوری لمعانا
فی ترك حق و اقتناء ضلالة
فقضيتم استبعادا استحسانا
انسيتم خضرا و نوحاً والمسيح
و بجهلكم ارضيتم الشيطانا
متم بجهل فی امام زمانكم
عشنا بعلم فيه والايمانا
عشتم و نورالحق خلف ظهوركم
متناوب من نورنا تلقانا
فبقولكم فی الجاهلية بالهدی
انسيتم العنقاء والغيلانا
مولای روح روحنا بظهوركم
عجل بروحك روحنا مولانا
خلص عبيدك عن اذی العدی
واجعل عنيدك خاسئا لهفانا
يا رب فاملاء ارضنا بالعدل
من بعد ما فيها طغوا عدوانا
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

صدراللهی، حسن

قرن:۱۵
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن صدرالهی
محل تولد : دامغان
شهرت
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی

ایجانب حسن صدراللهی در سن ۸سالگی به مدرسه ابتدای رفتم و در روستای صالح آباد و وکلاء محمد آباد دوران ابتدائ را سپری کردم وچند سالی در محیط روستا (حاجی آباد)مشغول کارهای روستای شدم در همان ایام اشعاری را سرودم .اشتیاق زیادی به طلبه شدن داشتم و بارها مطرح می کردم ولی موافقت نمی کردند تا اینکه روزی اشعاری در رابطه با حضرت امام حسین (ع)و حضرت مسلم سرودم شب امام را در خواب دیدم به من فرمود:اگر می خواهی موفق به طلبگی شوی برو در اخر مفاتیح دعای حاجت را عمل کن ،صبح که بیدار شدم نمی دانستم مفاتیح چه کتابی است از روحانی محل به نام آقای راسخی سئوال کردم فرمودند:همین کتاب دعا است .مفاتیح تهیه کردم درآخر آن دعائی است که هر کس حاجتی دارد بنویسد ودر رقعه ای از گل بگذارد ودر آب جاری بیاندازد خداوند حاجت اورا روا می کند .

آنچه در مفاتیح دستور داده شده عمل کردم ،پس از مدتی پدرم بر اساس اصرار بنده رفت خدمت یکی از علماءشهر ،به نام خدائی استخاره کرد آن عالم فرمود آیه علم آمده سریع اقدام کن ،پدرم دست مرا گرفت ودردست آن عالم فاضل گذاشت .مدت چهار سال در دامغان مدرسه حاج فتحعلی بیک مشغول تحصیل شدم آن عالم خیلی به بنده احترام می گذاشت .پس از دوسال روانه قم شدم ودرمدرسه حجّتیه در پارک ۸اطاق ۷۳با آقای رفیعی که از طلاب فاضل ومتدین بود هم حجره شدم .در واقع او مربی خوبی برای من بود شخصیت طلبگی من درآن زمان شکل گرفت .خاطرات خوشی از آن دوران دارم خداوند جزای خیر به آقای رفیعی دهد.

زمـانیکه در قم بـودم دوران پرفرازو نشیبی داشـتم گـاه مریضـی وگـاه بی پولی ،تـا جـائی که برای امرار معـاش در تهران بعضـی از تعطیلات کارگری می کردم .وایام هفته درقم درس می خواندم .روزگار سـختی بود.در دوران قبل از انقلاب شور خاصی در رابطه با نشـر احکام اسلامی داشتم لذا در قم وشهرستانها کلاسهای قرآن . عقائد سیاسی برگزار می کردم همین امر باعث شد که ساواک مرا تعقیب کنـد در کرمانشاه، دزفول، دامغان مورد تعقیب قرار گرفتم تا اینکه در یزد خدمت شـهید محراب صدوقی رفتم مشـکل را بیان داشـتم که امنیت نـدارم ایشان پرونده ای ترتیب داد که طلبه یزد هسـتم این کار در واقع راه گم کردن برای ساواک بود وهمین کار باعث شد که ساواک نتواند مرا دسـتگیر کند در این دوران خاطرات تلخ و شیرینی دارم که مجال نوشتن نیست .پس از پیروزی انقلاب احساس می شـد که وضـعیت تغییر کرده .دیـدگاههای انحرافی به وجود آمـده وروزبه روز رشـد می کنـد .لذا به فکر افتادم مطالعه عمیقی راجع به کمونیسم واصطلاحات سیاسی داشته باشم .این کار انجام گرفت .دفترهای مخصوصی در این زمینه ها نوشتم درسالهـای اول انقلاب ،موسـسه در راه حق یک گروه هفتاد نفره به نام گروه (دال)گزینش کردنـد که دوران بسیار خوبی بود. تا حدودی با ادبیات فارسـی ،تحلیل مسائل سیاسـی ،اقتصاد،جامعه شناسی ،حقوق،فلسفه غرب اشنا شدم .با دیدن این دوره وتکمیل ان با مطالعه ، وارد عرصه تحلیل مسائل سیاسـی ،اقتصاد،جامعه شناسـی ،حقوق وغیره شـدم .وهمین مطالعات باعث شـد به دانشـگاه راه پیدا کنم .

مدّت ۱۳سـال در دانشـگاه حقوق ،فقه ،اصول ،ادبیّات عرب تـدریس کردم تا این که در سال ۷۸همسـرم دچار عارضه قلبی شد لذا نتوانسـتم به دانشگاه ادامه دهم .د رحوزه مشغول تحقیق شدم وبعضی از نقدهای اینجانب به دیدگاها در حوزه نشر شد.تا اینکه دفتر حضـرت آیت الله فاضـل لنکرانی (محمـد جـواد فاضـل)از بنـده دعوت کرد که بخشـی درمرکز فقهی راه انـدازی کنم تحت عنوان شبهات فقه واصول .

این کار ابتکاری را شـروع کردم شـبهات ابواب فقه بر اساس کتاب شـرایع جمع اوری شد به اضافه شبهات جدید .شبهات در اختیار دانش پژوهـان قرار میگیرد .پس از بررسـی خلاـصه جواب به نـام محقق ثبت می شود وهم اکنون عضو گروهی هسـتم که در زمینه های علمی فعّالیّت دارند ودر کنار جامعه مدرسین هستم .

صدرالمعالی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بخش ۲) (سـید) حسـین حایری بن (سید) رضا حسینی (مجتهد) شیرازی دانشمند آزادیخواه ایرانی (ف. تربت حیدریه ۱۲۹۶ ه.ق.) وی به سـبب مسافرت پدرش به کربلا و اقامت در آنجا، تحصـیلات ابتدایی را در آن شـهر انجام داد و سـپس به هندوستان مسافرت کرد و زبانهای انگلیسـی و اردو و علوم جدیـد را در آن کشور آموخت و بعـد به کربلا بازگشت و پس از چندی به ایران آمد و در زمان صـدارت میرزا علی اصـغرخان اتابک به وسـیله اعتمادالسـلطنه وزیر انطباعات به ناصـرالدین شاه معرفی شد و پس از اندکی به لقب صـدرالمعالی مفتخر و به مقام سـرتیپ اول در وزارت خارجه نایل آمـد. در سال ۱۳۰۷ ه.ق. که ناصـرالدین شاه به فرنگ سفر کرد، به امر آن پادشـاه هر یـک از مترجمـان انطباعـات کتـابی را ترجمه و تألیف کردنـد تا پس از مراجعت شاه تقـدیم وی نماینـد. حـایری که اصـل داسـتان «بوسه عـذرا» را در دست داشت و آن بـا افکـار آزادیخواهـانه‌اش کاملا وفق می‌داد با تصـرفاتی در اصل، ترجمه کرد و «بوسه عذرا و کشف الاسـرار» نامید. در زمان محمدعلی میرزا کتاب مزبور به چاپ رسـید ولی از انتشار آن جلوگیری کردند و حایری نیز زندانی گردید و افراد خانوداه وی از ترس جان ناگزیر شدند که آثار قلمی او را- که از جمله آنها تاریخ مفصل افغانسـتان بود که وی در دست ترجمه و تألیف داشت- در چاه آب ریزند و از بین برند. پس از برقراری مجدد مشروطیت حایری از زنـدان آزاد شـد. وی به ریاست عدلی قاینات منصوب گردید ولی بعدها از ای کار استعفا کرد و چندی نیز از طرف وزارتخانه‌های عـدلیه، معـارف و و اوقـاف و فوایـد عـامه سـمت نماینـدگی در بعضـی شـهرها (از جملـه تربـت حیـدریه) داشـت، و در همین شـهر درگذشت و بدانجا مدفون شد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

صدرالممالک، محمد صالح

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۰۹۰ ق)، نویسـنده و شاعر. ملقب به صـدرالممالک. وی در مشـهد مقـدس رضوی نقیب اشـراف رضویه بود. از مآثر وی «مـدرسه صالحیه» است که به مدرسه نواب شـهرت دارد. از اثار قلمی وی «دقائق الخیال»، مشـتمل بر رباعیات فارسـی است. صاحب «الذریعه» تذکره‌ای به نام «لطائف الخیال» را به او نسبت می‌دهد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۱۵ -۳۱۴ / ۱۸)، ریحانه (۴۳۴ / ۳)، فرهنگ سخنوران (۵۴۲).

صدرایی اشکوری، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۰ ق)، فقیه، خطیب و واعظ. سبط سید محمد صدرایی حسینی است. در نجف به دنیا آمد. در ۱۳۴۵ ق به اتفاق پدرش از نجف به ایران آمـد و در شـهر لنگرود ساکن شـد. بعـد از آن به قم رفت و ادبیات را نزد شـیخ محمـد رضا اعمی و شـیخ ابوالقاسـم نحوی خوانـد و سـطوح را از آقـا شـیخ عباس تهرانی و آقا نور خمینی و ادیب تهرانی و آیت‌الله مرعشـی نجفی و آیت‌الله حاج شـیخ عباسـعلی شـاهرودی آموخت. معقول را خـدمت امام خمینی و سـطوح عالی را در خـدمت آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله سـید محمد تقی خواسـناری و آیـت‌الله سـید احمـد خوانسـاری و میرزا محمـد همـدانی و «اسـفار» و «خلاصـه الحسـاب» را خـامت شـیخ ابراهیم نجف‌آبادی و تفسیر را نزد اشراقی بزرگ و حاج سید تقی اصفهانی و رجال و حدیث را نزد شیخ عبدالرحیم فصول خواند. سپس به تدریس ادبیات و سطوح پرداخت. دروس خارج را از محضر آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری فرا گرفت و مـدت یـک سال در حوزه‌ی درس فقه و اصول آیت‌الله بروجردی شـرکت نمود تا به مـدارج عالیه علم و اجتهاد رسـید. صـدرایی از مراجع بزرگی همچون آیت‌الله اصـفهانی و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله صـدر اجازه‌ی اجتهاد گرفت، آن‌گـاه بـه مـوطن خـود گیلاـن بـازگشت و بـه خـدمات دینی و تبلیغـات مـذهبی پرداخت. از آثـارش: «حقـایق اسـلام»، مجمـوعه سخنرانیهـای صـدرایی در رادیو تهران؛ «وظائف ایرانیان در موقع انتخابات»؛ کتاب «معارف اسـلام»؛ «پرتو حق در زنـدگانی علی بن ابی‌طـالب (ع)»؛ رسـاله‌ای در «رد مـذهب و مرام کمونیسم و عقایـد کـارل مـارکس و لنین ومکتب دیالکتیـک مارتیـالیست»؛ تفسـیر «سوره‌ی یس»؛ «روح اسـلام»؛ «رساله نبویه»، در رد اعتراضات مسـیحیان به دین اسلام؛ «سفر نامه‌ی مکه»؛ «بوستان اسلامی»؛ «دیوان» شعر به نام «گلزار احمدی»؛ «هفته نامه‌ی طلوع اسلام».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۳۸۲ -۳۸۰ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۹۵ -۲۹۴ / ۴).

صدرزاده افشار، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حقوق خصوصی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی حقوق (قضائی) از دانشکده حقوق دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۴ و دکترای دولتی حقوق از دانشگاه پاریس.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۰ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آئین دادرسی مدنی و بازرگانی، ادله اثبات دعوی و کلیات حقوق و سایر مسائل حقوقی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ادله اثبات دعوی (حقوقی).

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۶، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

مصونیت قضائی قضات و وکلای دادگستری، سلب مالکیت به سبب منافع عمومی، وظائف دادسرا در امور مدنی در فرانسه، قاضی تحقیق و نقش او در دادرسی مدنی فرانسه و وضع حقوقی اطفالی که خارج از نکاح تولد یافته‌اند.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

صدرزاده، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌اکبر صدرزاده که در جلد پنجم ص ۱۱۹ ترجمشان گذشت ولی عکس ایشان نبود در اینجا تدارک نمودم.

ولادت ایشان در یکی از دهات دامغان واقع ولی معرضا عنه به مشهد مقدس مهاجرت و سطوح اولیه را از محضر آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم دامغانی و علامه محدث حاج شیخ محمود حلبی و اعلام دیگر به پایان رسانیده و مدت ۱۶ سال منحصرا از فقه و معارف عالم ربانی و آیت‌اللّه سبحانی استاد العلماء العارفین و الفضـلاء الکاملین آیت‌اللّه حاج میرزا مهـدی غروی اصـفهانی اسـتفاده نموده و از

خرمن علوم و عرفـان معظم‌له استفاده سـرشار و فراوان بوده و رديف شاگردان مبرز و ممتاز آن مرحوم درآمـده و خود حوزه درس اخلاق و معارف و غيره گذارده تا پس از چهل سال اقامت در مشـهد در سال ۱۳۸۴ قمری كه بنابر تقـدير الهی به تهران منتقل و در كوچه دردار غربی (كوچه حمـام نواب) كوی بيـدل ساكن و در مسجد آنجا به اقامه جماعت و ارشاد مردم اشـتغال دارنـد (و ايشان درك درس مرحوم ميرزا عبدالجواد اديب و آقازاده كفائی (بزرگ) و آيت‌اللّه قمی را ننمودند).

علی‌اكبر صـدرزاده دامغانی از علماء اعلام اين شـهر و فعلاً مقيم تهران می‌باشد. وی در يكی از مضافات دامغان متولد شده و در آن سامان مقدمات را خوانده و آنگاه مهاجرت به ارض اقدس رضوی نموده و متون فقه و اصول را از علماء بزرگ مشـهد چون مرحوم ميرزا عبـدالجواد اديب نيشـابوری و مرحوم مـدرس رضوی و مرحوم آيت‌اللّه آقـا محمـد آقـازاده كفائی و آيت‌اللّه العظمی حاج آقا حسـين قمی و بالاخص مرحوم مبرور عـالم ربـانی و مـدرس صـمدانی و آيـهٔ سـبحانی آيت‌اللّه فی العـالمين آقا ميرزا مهـدی غروی اصـفهانی استفاده كامـل نموده و از اقيـانوس علم و عرفـان آيت‌اللّه غروی غرفه‌هـا و جام‌هـا نوشـيده و به مراتب عاليه فضل و كمال ارتقاء يافته و خود به تـدريس سـطوح عالی مكاسب و رسائل و غيره پرداخته مخصوصاً حوزه درس اخلاقش در مـدرسه نواب مربی نفوس و مزكی اخلاق و مهـذب قلوب بود و خود نگارنـده در سال ۱۳۶۴ قمری كه در مشـهد اشـتغال به تحصيل در مدرسه مزبور داشـتم از مجـالس پرشور و انقلاب درس اخلاق و دعاء و توسل معظم له بهره‌منـد گشـته و روح ديگری در خود احساس می‌كردم آقای صدرزاده تا سال ۱۳۸۲ قمری در مشهد اقامت داشت و پس از آن به تهران منتقل و تااكنون در مركز كشور به وظائف دينی و روحی اشتغال دارد.

نگارنـده گويـد: معظم له عـالمی متين و دانشـمندی بـا معنويت و صـفاء بـاطن و متقی می‌باشـد داماد ارجمنـدش جناب ثقهٔالاسـلام والمسـلمين آقای آقا شيخ محمدحسين بروجردی نجل مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمين آقا شيخ محمدحسن بروجردی از فضلاء اهل منبر تهرانست كه پس از دوره تحصيلی و خواندن متون فقهی و اصولی از راه منبر به خدمات دينی پرداخته و تهران را برای سكونت و تبليغات خويش اختيار نموده و تا هم‌اكنون مشغول می‌باشند.

برگرفته از كتاب :گنجينه دانشمندان (جلد هفتم)

صدرنبوی، رامپور

قرن:۱۴

جنسيت:مرد

مليت:ايران

دكتر رامپور صـدر نبوی در سـال ۱۳۱۶ در شـهر كاشـمر بدنيا آمد.ايشان دارای مدرك دكتری رشـته اقتصاد از دانشگاه هايدلبرگ آلمـان در سال ۱۳۴۷ می باشـد. وی پس از بازگشت به ايران در دانشكده جامعه شناسـی دانشـگاه فردوسـی مشـهد مشـغول به كار گرديـد و پس از طی مراتـب و مـدارج علمی از اسـتادياری بـه دانشـياری و اسـتادی و در سـال ۱۳۸۵ به افتخار بازنشسـتگی نائل آمد.گروه : علوم انسانی رشـته : جامعه شناسی گرايش : اقتصاد والدين و انساب : پدر رامپور صدر نبوی حاج سيد مهدی فخر العلما است كه به سـبب ملاحضـاتی نـام خـود را به توصـيه و ابلاـغ مرحـوم احمـد قوام السـلطنه به صـدر العلمـا تغيير دادنـد.ايشـان بشـغل كشـاورزی و تجـارت شـتغال داشـتند كه بعلت گرايش شديـد فلسـفی و عرفانی تاجر خوبی نشدنـد.ايشان از اولاد سـيد امير اسـتحق هسـتندكه شجره آنها به سادلات قائن جمله احمدی ها ،مصطفوی ها ، مجتهدی ها ،مرحوم دكتر مجتهد زاده (استادمعارف اسلامی) می رسد و طبق اظهار خود آن مرحوم نسل سـی و شـشم تا امام زين العابدين(ع) می باشد. مادر رامپور صدر نبوی دختر حاج رستم قره باغی از تجار بزرگ مشـهدبا گرايشـهای مشـروطه خواهی بوده اند. مادر دكتر صدری نبوی بهمراه برادران و پسر عموهايش به شهرت باقرف در قفقاز بخصوص در قره باغ به فعاليت اقتصادی و سياسـی مشـغول بوده ند. پدربزرگ دكتر صدر نبوی ،حاج رستم باقرف به سبب وقايع ۱۹۱۷ روسيه به ايران پناهنده شد و با تابعيت ايران در مشهد زندگی كرد.خاطرات كودكی : رامپور صدر نبوی از خاطرت دوران كودكی خود چنين می گويد": مادر بزرگ پدرم نا بينا شده بود و ما در سايه وجود ايشان در يك خانواده شـش نفره زنـدگی می كرديم.پـدرم و مـادرم احـترام ايشـان را به نهـايت داشـتند.روزی قرار بـود برادرم رضـا كه–هم اكنـون اسـتاد روان پزشكی دانشگاه فردوسی مشهد می باشد– دست مادر بزرگم را گرفته و ايشان را به خانه عمو جانم كه ديوار به ديوار منزل ما بود ببرد.منزل عمو جان و پدرم بزرگ بودو درخت فراوان داشت. برادرم كه بچه بازيگوش و سـربه هوايی بودايشان را در ميان درختان رهـا كرده و خود بـدنبال بچه گنجشـكی كه از آشـيانه زود پريـده بودرفته بود. پـدرم در همين احوال سـر رسـيده و مـادر بزرگم را سرگشـته در ميان درختان ديـده بود. يادم هست دست مادر بزرگ در دست پـدرم بود در حاليكه از شدن غضب و عصـبانيت فرياد ميزد " اين رضای پـدر سوخته كجاست "وقتی برادرم را پيـدا كردنـد او را به فلك كشـده و تنبيه مفصـلی شد از آنجايی كه برادرم فرياد مكشيد مادربزرگم با داد و فرياد و گريه متوقف شـدن تنبيه را از پدرم خواست با اين كار مادربزرگم يك سـكوت عميقی بر محيط خـانواده حـاكم شـد".اوضـاع اجتماعی و شـرايط زنـدگی : پـدر و مادر رامپور صـدر نبوی هر دو دارای گرايش های سـنتی ،اخلاقی و مـذهبی نسبتا محكمی داشـتند. پـدرش به كشاورزی اشـتغال داشت و گاه و بيگاه به تجارت نيز می پرداخت . ولی بعلت عقايـد و باورهای مـذهبی و مطالعات فلسـفی توفيق چندانی در اين حرفه بدست نياورد.تحصـيلات رسـمی و حرفه ای : رامپور صدر نبوی تحصيلات ابتدايی و سـيكل اول متوسـطه را در كاشمر گذرانيد. او برای ادامه تحصيل در سيك دوم متوسطه به مشهد رفت و سال چهارم و پنجم متوسطه را در مشهد گذراندو ديپلم را در دبيرستان بامداد تهران اخذ كرد.ايشان پس از اخذ ديپلم به المان رفت و در رشـته اقتصاد و جامعه شناسـی به تحصـيل پرداخت و پس از ده سال و انـدی با مـدرك دكتری اقتصاد از دانشگاه هايـدلبرگ آلمان در سال ۱۳۴۷ به ايران بازگشـتند.خاطرات و وقايع تحصـيل : يكی از خاطرات مهم دوران تحصيل رامپور صدر نبوی محاوره ای بود كه در كنگره جـامعه شـناسان كه در شـهر هـادلبرگ بين پوپرو هربرت ماركوزه درباره ديالليك اتفاق افتاد.فعاليتهای ضـمن

تحصیل : رامپور صدر نبوی در کنار تحصیل به تدریس و تحقیق و مدیریت گروه جامعه شناسی می پرداخت.استادان و مربیان : پرفسور رولف.واگن فور،پروفسور هانس هالر ،پروفسور هانس هلر ،پروفسور ویلکه و غیره از اساتید رامپور صدر نبوی می باشند.هم دوره ای ها و همکاران : دکتر جواد شیخ الاسلامی،هلموت کل ،دکتر علی شریعتی ،دکتر حاتری ،دکتر غلامحسین یوسفی ،دکتر سیروس سهامی ،دکتر برادران رفیعی ،دکتر منوچهربیات مختاری ،دکتر منوچهر آشیانی غیره از همدوره ایها و همکاران رامپور صدر نبوی می باشند.همسر و فرزندان : رامپور صدر نبوی متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم فرشته رفعت متولی است ایشان دارای دو فرزند دختر بنامهای نازنین (متخصص داخلی) ،فاطمه (دانشجوی دکتری جامعه شناسی) و یک فرزند پسر بنام محمد (دکتری داروسازی) می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : رامپور صدر نبوی عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه فردوسی مشهد بودند.وی همچنین عضو هیئت تحریریه مجله دانش و توسعه دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد می باشد.رامپور صدر نبوی عضو هیئت رئیسه کمیته ویژه توسعه سومین جشنواره ملی طلای سرخ قاینات میباشد.فعالیتهای آموزشی : رامپور صدر نبوی سابقه بیش از سی سال تدریس در دانشگاههای ایران و آلمان را دارد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : رامپور صدر نبوی از پایه گذاران رشته جامعه شناسی و رشته مدیریت در خراسان و عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد می باشد.چگونگی عرضه آثار : – تعدا مقالات منتشر شده در مجلات داخلی : ۳۰ مقاله – تعداد پایان نامه کارشناسی راهنمایی شده : ۱۱۱ رساله – تعداد پایان نامه کارشناسی ارشد راهنمایی شده : ۳۱رساله آثار : انسان شناسی فلسفی ویژگی اثر : ترجمه– ۱۳۵۰۲ بزرگان جامعه شناسی ویژگی اثر : تالیف– ۱۳۵۴۳ تاریخ جامعه شناسی ویژگی اثر : ترجمه– ۱۳۵۲۴ جامعه شناسی حق طبیعی ویژگی اثر : تالیف–۱۳۵۴۵ جامعه شناسی کار و مشاغل ویژگی اثر : تالیف–۱۳۷۱۶ جامعه و تمدن ویژگی اثر : ترجمه و نگارش– ۱۳۵۱۷ فرد و جامعه ویژگی اثر : ترجمه و تالیف–۱۳۷۰۸ کار و مشاغل با تکیه بر اشتغال زنان ، گفتارهایی در علوم اجتماعی ویژگی اثر : کتاب حاضر به سبب تفاوت و گستردگی مطالب «گفتارهایی در علوم اجتماعی» نام دارد، از پنج فصل تشکیل شده است. فصل اول آن را مقالات و تحقیقاتی مربوط به جامعه شناسی کار، شغل و جامعه شناسی صنعتی، خانواده و اهمیت آن برای جریان تولید، انسانی شدن کار و موارد مشابه تشکیل می دهد. در فصل دوم، نظریه نقش اجتماعی با تکیه بر نظریات نام آوران این رشته در نظریه های جامعه شناسی مورد بررسی قرار گرفته است. فصل سوم، به انواع جوامع بشری و نظریه های جامعه شناسی اختصاص یافته که بخشی از آن ترجمه قسمتی از کتاب دانشمند صاحب نام آلمانی «لئوپلدفن ویزه» تحت عنوان «دانش روابط انسانی» است. فصل چهارم هم به بررسی اهمیت حسد به عنوان یکی از عوامل مهم اجتماعی پرداخته که در واقع نوعی جامعه شناسی و روانشناسی حسد است. در فصل پنجم کتاب، مسأله حق طبیعی از نظر مکاتب مختلف اروپایی مانند کاتولیسیسم، مارکسیسم و ناسیونال سوسیالیسم مطرح شده است. این کتاب توسط انتشارات ۵۹ به چاپ رسیده است–۱۳۸۵

صدرنژاد، خطیب‌الاسلام

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۳۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی متالورژی، دانشکده: مهندسی متالورژی، دانشگاه: صنعتی شریف

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی متالورژی از دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۵۳، دکترای مهندسی مواد از دانشگاه M.I.T آمریکا در سال ۱۳۵۷، فوق تخصصی مهندسی مواد از دانشگاه M.I.T آمریکا در سال ۱۳۵۸ و رتبه اول پژوهش در دومین جشنواره خوارزمی در سال ۱۳۶۷.

مرتبه علمی:

استادیار مهندسی متالورژی در دانشگاه صنعتی اصفهان و صنعتی شریف از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۵، و دانشیار مهندسی متالورژی دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۶۵.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی سینتیک فرآیندهای تشویه و احیاء مولیبد نیت، تولد فولاد میکروآلیاژی، ذوب آهن اسفنجی برای تولید چدن و فولاد، فسفرزدایی و گوگردزدایی از آهن مذاب، ترمودینامیک و سینتیکی خروج فلزات ناخالص ازمات مس مذاب، تدریس دروس ترمودینامیک پیشرفته مواد، انجماد فلزات پیشرفته، شیمی فیزیک مواد، ترمودینامیک جامدات، ترمودینامیک متالورژی، سینتیک متالورژی، کنترل فرآیندهای متالورژیکی، احیاء مستقیم کانه‌های آهن، فولادسازی و آزمایشگاه، سوخت و انرژی و استخراج آهن در دانشگاههای صنعتی شریف، تربیت مدرس و تهران و برنده رتبه اول پژوهش در سومین جشنواره خوارزمی در سال ۱۳۶۷.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

فرآیندهای سینیتکی در مهندسی مواد و متالورژی، حرارت و حرکت در مواد و فرهنگ لغات علمی اصطلاحات متالورژی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

فولاد آمیخته (اهمیت، انواع و موارد مصرف)، تشویه و احیاء کنسنترات مولیبد نیت مجتمع مس سرچشمه، تاثیر فسفر برخواص فولاد، فسفرزدائی و گوگردزدائی از فولاد، فولاد میکروآلیاژی و انادیوم و نایوبیوم دار، کاربرد آهن اسفنجی در تولید چدن و فولاد، نوع و شکل و تاثیر ترکیبات گوگرد در فولاد، چگونگی ذوب آهن اسفنجی در کوره‌های فولادسازی و نقد و بررسی روشهای تولید آهن و فولاد در ایران.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

صدقی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۰۱ ق)، خطاط. از خوشنویسان زبردست بود. از آثار وی: دو قطعه در مرقعی از کتابخانه‌ی خزینه‌ی اوقاف استانبول است که به قلم سه دانگ و دو دانگ و کتابت عالی نوشته، با رقم: «کتبه المذنب صدقی غفرالله سبحانه ذنوبه و ستر عیوبه فی سنه ۱۰۰۱».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۲۹ / ۲).

صدقی استرآبادی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۲ ق)، شاعر، متخلص به صدقی. اصل وی از استرآباد بود و در کاشان مسکن گزید. صدقی در شعر استاد محتشم کاشانی و از دانشمندان روزگار خود به شمار می‌رفت. وی در سرودن اقسام شعر، بویژه قصیده توانا بود. در کاشان درگذشت و همان جا دفن شد. در تذکره‌ی «صبح گلشن» نام او به خطا، صدری ضبط شده است. از آثارش: «دیوان» شعر؛ شرح «مطالع الانوار» ارموی؛ «ساقی نامه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۹۰ / ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۹۳ / ۵)، تاریخ نظم و نثر (۶۵۳)، تحفه سامی (۸۱ -۸۰)، تذکره‌ی پیمانه (۲۷۶ -۲۶۲)، الذریعه (۱۰۹ / ۱۲ ،۶۰۵ / ۹)، صبح گلشن (۲۵۲)، فرهنگ سخنوران (۵۵۵)، لغت‌نامه (ذیل/ صدقی)، هدیه العارفین (۲۴۰ / ۲)، هفت اقلیم (۱۱۶ -۱۱۵ / ۳).

صدقی زهابی، جمیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۴ ش)، شاعر. اصل وی از زهاب است. در بغداد به دنیا آمد و با اکراد و اعراب معاشرت داشت. نزد پدرش تحصیل کمال کرد و از تمام معلومات پدر بهره برد. وی به علت این که با ایرانیان معاشرت کمی داشته و خارج از ایران بوده، نتوانسته از عهده‌ی شعر به زبان فارسی خوب برآید، اما اشعار عربی او بسیار شیوا و فصیح است. چنان که وی یی از شعرای بزرگ عراق و بلکه جهان عرب می‌باشد.او در بغداد درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۰۰۷ -۱۰۰۶ / ۲)، یادگار (س ۳، ش ۹، ص ۶۷ -۶۴).

صدقی کرمانی، صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، صوفی و شاعر، متخلص به صدقی. ملقبت به صدق علیشاه. وی در طریقت خدمت فخرالعارفین میرزا محمد تقی مظفر علیشاه رسید و به سیر و سلوک پرداخت. آقای دکتر نوایی صاحب عنوان را همان میرمحمد صادق صدق علیشاه محلاتی، جد مادری آقاخان محلاتی، می‌داند. از آثار وی «دیوان» شعر است. از اوست:

گر از پیمانه‌ی ما باده دادی جمله را ساقی

ز عقل و هوش در عالم نماندی ذره‌ای باقی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۰۰۷ / ۲)، الذریعه (۶۰۶ -۶۰۵ / ۹)، ریاض العارفین (۲۶۷)، طرائق الحقائق (۲۰۹ / ۳)، لغت‌نامه

(ذیل/ صدقی کرمانی).

صدقی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: آبیاری، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته مهندسی زراعی با احراز رتبه اول از دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد و دکترای مهندسی در هیدرولوژی از دانشگاه سوربن پاریس.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آبیاری و زهکشی، مهندسی هیدرولوژی، ارزیابی پارامترهای طراحی سازه‌ها و هیدرولوژی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۲ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

هیدرولوژی، هیدرومتئورولوژی، فرهنگ هیدرولوژی، هوا و اقلیم‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

روشهای عملی محاسبه دبی اوج سیلاب، استهلاک سیلاب در مخازن سدها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

صدقی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۵، مرتبه علمی: استاد، رشته: مدیریت بازرگانی، دانشکده: علوم اداری و مدیریت بازرگانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی حقوق قضائی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۷، کارشناسی مدیریت بازرگانی از دانشگاه کالیفرنیا برکلی در سال ۱۳۳۱، کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی از دانشگاه کالیفرنیای جنوبی در سال ۱۳۳۲، دکترای اقتصاد از دانشگاه کالیفرنیای جنوبی در سال ۱۳۳۶، دیپلم برنامه‌ریزی از دانشگاه آکسفورد انگلستان در سال ۱۳۴۰ و دیپلم مدیریت مالی از دانشگاه استانفورد آمریکا در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی نحوه توزیع منابع مالی بانکها در ایران، بررسی علل اقتصادی علوم گسترش اتحادیه پایاپای آسیا، بررسی سیستم حسابداری ارزی نظام بانکی، بررسی نقش سرمایه‌گذاریهای بانک صنعت و معدن در توسعه صنایع بنیادی بعد از انقلاب و تدریس دروس مالیه عمومی و سیاست مالی، پول و بانک، مدیریت سرمایه‌گذاری، اقتصاد و بازرگانی ایران و تئوریهای اقتصادی در دانشگاه تهران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

اصول بانکداری، مالیه عمومی و سیاست مالی، مؤسسات پولی و مالی بین‌المللی، مدیریت مالی مؤسسات بازرگانی، مسائل سیاستهای پولی و مالی، تجزیه و تحلیل مالی شرکتهای بیمه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:–، تعداد مقالات بزبان خارجی:–

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

صدقیانی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی صدقیانی در سال ۱۳۰۲ در شهر سبزوار دیده به جهان گشود .پس از طی دورهٔ تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۲۵ موفق به دریافت دانشنامهٔ لیسانس در رشتهٔ زبان و ادبیات انگلیسی از آن دانشگاه گردید.ایشان در دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد و بعد در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت.وی در سال ۱۳۶۲ دعوت حق را اجابت کرد و به سرای جاوید شتافت. ترجمه کتاب "شیوه‌های نقد ادبی " مرحوم محمد تقی صدقیانی ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات انگلیسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدتقی صدقیانی پس از طی دورهٔ تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۲۵ موفق به دریافت دانشنامهٔ لیسانس در رشتهٔ زبان و ادبیات انگلیسی از آن دانشگاه گردید.زمان و علت فوت : محمدتقی صدقیانی در سال ۱۳۶۲ دعوت حق را اجابت کرد و به سرای جاوید شتافت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدتقی صدقیانی از سال ۱۳۲۵ با سمت دبیر تاریخ و ادبیات انگلیسی در فرهنگ خراسان استخدام شد. سپس از سال ۱۳۳۱ در دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه مشهد و از سال ۱۳۴۷ در دانشگاه تهران به تدریس زبان انگلیسی پرداخت.جوائز و نشانها : ترجمه کتاب "شیوه‌های نقد ادبی " محمد تقی صدقیانی ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : مرحوم صدقیانی به تاریخ و ادبیات و گرامر زبان انگلیسی تسلّط کامل داشت. جزوات گرامر انگلیسی که بوسیلهٔ ایشان تهیه و تدوین شده بود گویای این مدّعاست. کارهای ترجمه آن مرحوم بیشتر به صورت پراکنده موجود است و به ندرت چاپ و منتشر شده است. مهمترین اثر ترجمه‌ای نامبرده ترجمه کتاب شیوه‌های نقد ادبی است که با همکاری و مساعدت دوست دانشمند خود دکتر غلامحسین یوسفی آن را به اتمام رسانید. آثار : شیوه‌های نقد ادبی ویژگی اثر : ترجمه–با همکاری و مساعدت دکتر غلامحسین یوسفی آن را به اتمام رسانید–این کتاب در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.

صدوقی الوندی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : سلطان محمد صدوقی الوندی متولد سال ۱۳۲۹ ه.ش دارای مدرک دکتری آمار از دانشگاه کمبریج انگلستان در سال ۱۳۵۷و عضو هیئت علمی دانشکده ی علوم دانشگاه شیراز با مرتبه ی علمی دانشیاری می باشد.

گروه : علوم پایه

رشته : آمار

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سلطان محمد صدوقی الوندی دارای مدرک کارشناسی آمار از دانشگاه لندن درسال۱۳۵۲، کارشناسی ارشد آمار از دانشگاه لندن در سال ۱۳۵۸، دکترای آمار از دانشگاه کمبریج انگلستان درسال ۱۳۵۷ می باشد .

خاطرات و وقایع تحصیل : اخذ مدرک دکترای آمار از دانشگا کمبریج انگلستان در سال ۱۳۵۷ از مهمترین وقایع علمی زندگی سلطان محمد صدوقی الوندی می باشد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : سلطان محمد صدوقی الوندی درحین تحصیل به مطالعه و تحقیق پیرامون موضوعاتی چون بررسی مقایسات چندگانه، مدلهای رگریسونی با خطا درمتغیرها، فرضهای آزمون پذیر نمونه گیری با احتمالات متناسب با اندازه پرداخته است.

وقایع میانسالی : سلطان محمد صدوقی الوندی پس از اخذ مدرک دکترای آمار ازدانشگاه کمبریج انگلستان درسال ۱۳۵۷ به ایران آمد و به عنوان عضو هیئت علمی دانشکده ی علوم دانشگاه شیراز استخدام شدو مرتبه علمی دانشیاری را کسب نمود.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سلطان محمد صدوقی الوندی از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ استادیار دانشگاه شیراز و از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۸ استادیار مدعو دانشگاه وایومینگ آمریکا و از سال ۱۳۶۸ تا کنون دانشیار دانشگاه شیراز میباشد.

فعالیتهای آموزشی : سلطان محمد صدوقی الوندی در دانشکده ی شیراز و فرایومینگ به تدریس دروس مدلهای خطی ، نظریه احتمال آنالیز چند متغیر پیوسته ، نمونه گیری با احتمالات نابرابر پرداخته است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سلطان محمد صدوقی الوندی درکنار تدریس به مطالعه و تحقیق و تالیف موضوعاتی چون بررسی مقایسات چندگانه، مدلهای اگریسونی با خطا در متغیرها، فرضهای آزمون پذیرنمونه گیری با احتمالات متناسب با اندازه پرداخته است.

آرا و گرایشهای خاص : سلطان محمد صدوقی الوندی از جمله متخصصان رشته ی ریاضی و آماری می باشد که درموضوعاتی

چـــون آمـــار و احتمالاـــت، نظریـــه احتمـــال، مـــدلهای صـــید و دوبـــاره صـــید دارای تخصـــص می باشـــد.

آثار :

۱ آمار و احتمالات

۲ بررسی مقایسات چندگانه

۳ نظریه احتمال

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

صدوقی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم اسلامی.

تولد: ۱۲۸۷(۱۳۲۷ ق.)، یزد.

شهادت: ۱۱ تیر ۱۳۶۱، یزد.

آیت‌الله محمـد صـدوقی، از احفاد شیخ صـدوق صاحب من لا یحضره الفقیه، در کودکی پـدر و مادر خود را از دست داد و تحت سرپرستی آیت‌الله حاج شیخ محمد کرمانشاهی (پسر عموی وی) قرار گرفت. تحصیلات مقدماتی و قسمتی از سطوح را نز اساتید آن شهر فراگرفت و در سال ۱۳۴۸ ق. به اصفهان رفت و در آنجا مدتی به تحصیل مشغول شد. سرمای تاریخی ۱۳۴۸ ق. اصفهان باعث شد از اصفهان به یزد رود و مجددا در ذی‌الحجه سال ۱۳۴۹ ق. برای پایان تحصیل بـا خانواده‌ی خود به قم حرکت نمود. اساتیـد سطوح عالیه وی عبارت بودنـد از آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، آیت‌الله سید حسن صدر، آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای. وی پس از اتمام دروس سطح و مقارن با شروع مدارج عالیه و نیل به درجه اجتهاد، شروع به تدریس اصول فقه و سایر دروس پرداخت. همچنین سرپرستی حوزه را از حیث امور مالی حوزه و رتق و فتق امور متفرقه طلاب را به عهده داشت. آیت‌الله صدوقی در دورانی که فدائیان اسلام مبارزه خود را آغاز کردند، از آنها حمایت نمود و حتی سید مجتبی نواب‌صفوی و سید عبدالحسین واحدی را در منزل خود پناه داد. در سال ۱۳۷۱ ق. بعد از پایان تحصیل جهت دیدار خانواده خود به یزد عزیمت نمود و همان جا ساکن شد.

از جمله خدمات آیت‌الله صدوقی ایجاد مراکز فرهنگی و خیریه‌ای مانند مسجد حظیره، کتابخانه سریزدی مدرسه عبدالرحیم خان، مدرسه صدوقی در مشهد و مؤسسات خیریه در قم و اماکن دیگر است.

مجموعه اطلاعیه‌ها، پیام‌ها و سخنرانی‌های ایشان توسط مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تحت عنوان مجموعه اطلاعیه‌های سومین شهید محراب حضرت آیت‌الله صدوقی از قبل از انقلاب اسلامی تا زمان شهادت در سال ۱۳۶۲ به چاپ رسدیده است.

آیت‌الله صدوقی، در یازدهم تیر ۱۳۶۱ (برابر با دهم رمضان ۱۴۰۲ ق.) پس از ادای نماز جمعه در یزد و در میان مردم به دست منافقین شهید شد.

آقای حاج شیخ محمد صدوقی بن العالم الجلیل میرزا ابوطالب بن العلامه میرزا محمدرضا مجتهد کرمانشاهی اول عالم و دانشمند معاصر یزد می‌باشد.

پدران این عالم بزرگوار که از احفاد صدوق‌الطائفه جناب ابی‌جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق صاحب من لایحضره الفقیه و صدها کتاب دیگر همگی از دانشمندان میرز و علماء زبردست شیعه بوده‌اند.

جد دوم ایشان مرحوم آیت‌اللّه آخوند ملا محمدمهدی فرزند آخوند ملا محمد کرمانشاهی در زمان فتحعلیشاه قاجار از کرمانشاه مهاجرت به یزد نموده و خاندان صدوقی یزد را تشکیل داده است.

تاریخ ورود ایشان به یزد در دست نیست ولی سال فوت به موجب لوح قبری که در مزار بزرگ یزد معروف به (جوی هرهر) است از این قرار است.

هذا مغرب شمس الهدایه و الکمال و مغیب بدر الحکمه و الافضال قطب فلک العرفان و نقطه دائره المعرفه و الایقان مجمع الخصوصیات العلیه و منبع الافاضات السنیه جامع مراتب الحکمه و الاجتهاد و حاوی مسالک الهدایه و الرشاد افضل الفضلاء السابقین و اعلم العلماء اللاحقین فی بیضه الاسلام والدین و محکم احکام رب العالمین الذی کان فی مقام التحقیق نطوق کیف و هو من نجل الصدوق عمده المحققین و زبده المدققین الواصل الی جوار رحمه‌اللّه الملک الغنی مولانا ملا محمدمهدی الکرمانشاهی اعلی‌اللّه مقامه فی شهر جمادی‌الثانیه من شهور ۱۲۳۶:

و در سفرنامه مرحوم آیت‌اللّه آقا محمدعلی بن آیت‌اللّه علی الاطلاق آقا محمدباقر وحید بهبهانی این جمله قید شده است که در یزد وارد بر آقای آخوند ملا محمدمهدی کرمانشاهی شده و شرح مفصلی در خصوص یزد و اخلاق اهالی آن نگاشته است.

خلاصه مترجم معظم ما در هشتم صفر سال ۱۳۲۶ قمری در یزد متولد و تحصیلات مقدماتی و قسمتی از سطوح را در نزد اساتید آن شهرستان تلمذ نموده و در سال ۱۳۴۸ به اصفهان عزیمت و چندی در آنجا در خدمت استادان آن سامان درس خوانده و سرمای تاریخی زمستان و طاقت فرسای سال ۴۸ که در اسفهان و سایر شهرستانهای ایران حکمفرما شده ایشان را مجبور کرد که از اصفهان به یزد مراجعت و مجددا در ذی‌الحجهٔ ۱۳۴۹ ق برای پایان تحصیل با عائله خود به قم حرکت نموده و اساتید سطوح عالیه را درک

و از محضـر و درس مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه صدر و آیت‌اللّه حجت قدس‌اللّه اسرارهم استفاده نموده و هم سـطوح عالیه را تدریس تا در سال ۱۳۷۱ ق برای دیـدن ارحام به یزد عزیمت نموده و با اسـتقبال کم‌نظیری وارد یزد و پس از چند روزی تصادفا پدر همسـر ایشان مرحوم حجهٔالاسـلام آقا میرزا محمد کرمانشاهی که از علماء و ائمه جماعت یزد بودند وفات و به درخـواست و اصـرار مردم یزد عزم رحیلش بـدل به اقـامت گردیـده و تـا حـال تحریر مرجع بزرگ و مطلق امور دینی مردم یزد و حومه آن می‌باشند.

نگارنـده گویـد: آیت‌اللّه صـدوقی از دانشـمندان کم‌نظیر معاصـر ما در فضل و اخلاق و علم و عمل و تقوی و دیانت و پاکـدامنی و اصالت خانوادگی و دارای محامد آداب و محاسن اخلاق و صفات حمیده و فضائل نفسانی می‌باشند و اکنون سرپرستی حوزه علمیه یزد را به عهده دارند و به عموم محصلین مدارس یزد ماهیانه و شهریه می‌پردازند.

آثار و باقیات الصالحات بسیاری در یزد و نقاط دیگر دارند که به آنها اشاره می‌شود.

۱- مسجد حظیره که با طرز جالب و زیبائی تعمیر نموده و اکنون در آن در ظهر و شب اقامه جماعت می‌نمایند.

۲- کتابخانه سریزدی مدرسه عبدالرحیم‌خان

۳- تجدید بناء و تعمیر و توسعه مدرسه مزبور که در شرف ویرانی بود.

۴- مدرسه صدوقی در مشهد مقدس رضوی

۵- موسسات خیری در شهرستان قم و اماکن دیگر.

دارای فرزند برومند فاضلی به نام ثقهٔالاسلام و زبده الفضلاء الکرام آقای آقا شیخ محمدرضا صدوقی می‌باشد که از جمله محصلین مهذب حوزه علمیه قم و در روحیات و فضائل اجتماعی نسخه ثانی آن پدر بزرگوارند.

و نیز دامادهای دانشمند چندی دارند که در میان آنان حضرت مستطاب حجهٔالاسلام و عمادالاعلام آقای حاج شیخ محمود جعفری تبریزی مشـهور همگان و در میان اصحاب و خواص یاران آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری در فضل و تقوا و پاکدامنی مشارالیه بالبنان می‌باشند.

نگارنده گوید: جناب آقای جعفری که بیش از سـی سالست ایشان را می‌شناسم و در زمان حیات و ریاست مرحوم آیت‌اللّه العظمی حجت ره از خواص اصـحاب و ملازمین آن مرحوم بودند و به درس فقه و اصول ایشان شـرکت داشـتند از همان تاریخ موصوف به تقـوا و متـانت بودنـد و هیـچ مکروهی از ایشـان ندیـده و نشـنیده‌ام و پس از فوت مرحـوم آیـت‌اللّه حجـت بنـابر خواسـته آیـت‌اللّه شریعتمـداری متصـدی بعضـی از کارهـای معظم‌له گردیـده و تـاکنون موفق و مورد توجه و علاقه عموم محصـلین و زعماء و مراجع حوزه علمیه و بالاخص زعیم روشن و مرجع بزرگواری چون آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری مدظله العالی می‌باشند.

(۱۳۶۱ -۱۲۸۷ ش)، عـالم دینی و فقیه. گوینـد اجـدادش از فرزنـدزادگان شـیخ صـدوق، محمـد بن علی بن حسـین بن بـابویه قمی بوده‌انـد. در یزد به دنیا آمد و تحصـیلات مقدماتی و قسـمتی از سـطوح را در مدرسه عبدالرحیم‌خان نزد اساتید زمان تلمذ نمود. در ۱۳۴۸ ق به اصفهان رفت و چندی در خدمت استادان آن شهر درس خواند. زمستان همان سال از اصفهان به یزد مراجعت کرد و در ۱۳۴۹ ق برای تکمیـل تحصـیلات بـا خانواده‌ی خود به قم رفت و اساتیـد سـطوح عالیه را درک و از محضـر درس آیت‌الله حائری و آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله صدر و آیت‌الله حجت استفاده نمود و همچنین سطوح عالی را تدریس کرد. ساله مقسم شهریه آیت‌الله صـدر و آیت‌الله بروجردی بـود. از ۱۳۷۱ ق در یزد اقـامت گزیـد و مرجـع امور دینی مردم گشت. وی پس از ایراد خطبه‌هـای نمـاز جمعه یزد بر اثر انفجار نارنجک به شـهادت رسـید. از آثار وی: تعمیر مسـجد حظیره، احـداث کتابخانه‌ی مـدرسه‌ی عبدالرحیم‌خان؛ تجدید بناء و تعمیر و توسـعه مدرسه‌ی عبدالرحیم خان، احداث مدرسه‌ی صدوقی در مشـهد مقدس رضوی؛ ایجاد موسـسات خیریه در شهرستان قم و اماکن دیگر. از آثار علمی‌اش: «حدیث کساء»؛ «قصد السبیل»، در امر بین الامرین.[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۳۹۳ -۳۹۱ / ۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴۵ -۴۴۲ / ۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۷ -۵۳۶ / ۵).

صدوقی، مهرانگیز

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زیست‌شناسی جانوری، دانشکده:-، دانشگاه: آزاد اسلامی نجف‌آباد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد زیست‌شناسی جانوری از کشور فرانسه، دکترا در رشته جنین‌شناسی از کشور فرانسه.

مرتبه علمی:

اسـتادیار دانشـکده علوم دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۴۴، دانشـیار دانشـکده علوم دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۵۲ و دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

رشـد و نمـو، تولیـدمثل، جنین‌شناسـی، بافت‌شناسـی، زیست‌شناسـی جـانوری، اثرات داروهـای شـیمیائی، راهنمـایی ۱۲ پایان‌نـامه کارشناسی و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

زیست‌شناسی نمو، جنین‌شناسی، تولیدمثل.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

زیست‌شناسی، نموجنینی، اثرات عوامل مختلف داروئی، ناهنجاریهای جنینی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

صدیق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای حاج شیخ علی محمد صدیق از فضلاء تلامذه و شاگردان مخصوص آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی دارای مقام فضل و کمال و علم و عدالت است در سال ۱۳۴۳ قمری متولد گردیده و دروس مقدمات و سطوح عالی را نزد مدرسین بزرگ حوزه مخصوصا آیت‌الله العظمی بروجردی هم حاضر شده و پس از فوت آن مرحوم منحصرا به درس فقه و اصول آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله و تا هم اکنون حاضر می‌شود و مورد وثوق و اعتماد معظم‌له می‌باشند. و از طرف آن جناب سرپرست و متصدی مدرسه مؤمنیه آیت‌اللهی است که با اخلاصی وافر این خدمت را انجام داده و مدرسه را متظم نموده و تربیت محصلین آنجا را می‌نماید ادام‌الله توفیقاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

صدیق اعلم، عیسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۳ ش)، مؤسس دانشگاه تهران، استاد دانشگاه، مترجم و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رساند و در ۱۲۹۰ ش عازم فرانسه شد و در ۱۲۹۷ ش دوره‌ی دانشسرای و رسای را به اتمام رساند و از دانشگاه پاریس، دانشنامه‌ی لیسانس در رشته‌ی ریاضی گرفت. چندی نیز در دانشگاه کمبریج به مطالعه و تدریس پرداخت. در ۱۲۹۷ ش به ایران مراجعت کرد و تا ۱۳۰۹ ش مشاغل مختلفی را به عهده داشت، از جمله: بازرس مدراس متوسطه و عالی، ریاست فرهنگ گیلان، ریاست تعلیمات عالیه، معلمی دارالفنون و دارالمعلمین مرکزی و مدرسه‌ی حقوق، و مدتی نیز مدیر داخلی روزنامه‌ی «مرد آزاد» بود. در ۱۳۰۹ ش به دعوت دانشگاه کلمبیا برای مطالعه‌ی فرهنگ آمریکا به نیویورک رفت و از آن دانشگاه موفق به اخذ درجه‌ی دکترا در فلسفه گردید و پس از بازگشت به ایران مأمور تأسیس دانشگاه تهران شد و تا ۱۳۱۹ ش ریاست و استادی دانشسرای عالی، دانشکده‌ی ادبیات و دانشکده‌ی علوم به عهده‌ی وی بود. او چندین بار به وزارت فرهنگ انتخاب شد. وی سرانجام در تهران درگذشت. از آثارش: «اصول تدریس حساب و حل مسائل فکری»؛ «اصول تعلیم و تربیت»، ترجمه، «تاریخ فرهنگ اروپا از آغاز تا عصر حاضر»؛ «حقوق بین‌الملل»؛ «شرح حال و شخصیت و آثار فردوسی»؛ «صنایع ایران در گذشته و در آینده»، ترجمه؛ «یکسال در آمریکا».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۹۰ / ۱۵ ،۱۷۹ / ۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۰۵ - ۲۰۰ / ۴)، فهرست کتابهای چاپی (۳۴۵۱ / ۲ ۲۵۱ ۲۴۹، / ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۷)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۴ - ۶۵۰ / ۴).

صدیق جهانبان، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی صدیق جانبهان

محل تولد : بستان آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۲

زندگینامه علمی

آقای مصطفی صدیق جانبهان مشهور به صدیق در سال ۱۳۳۱ در شهرستان بستان آباد در خانواده ای آگاه به مسائل مذهبی، دوستدار خاندان نبوت و امامت دیده به جهان گشود پس از سپری کردن تحصیلات ابتدائی به خاطر عشق وافر، تشویق پدر در سال ۱۳۵۵، سالی که نهایت ظلم از طرف حکومت خاندان پهلوی بر مردم و روحانیت روا می‌شد و شدیدا حوزه علمیه را تحت نظر و کنترل داشتند و از سویی دیگر جو اختناق و ترس را حاکم کرده بودند وارد حوزه علمیه گردید . از محضر بزرگان حوزه علمیه چون آیت الله پایانی ، موسوی تبریزی، بنی فضل بهره های علمی ، اخلاقی برد، در کنار تحصیل به تدریس در دانشگاههای مختلف کشور پرداخت و در کنار تدریس هیچ وقت از تبلیغ معارف ناب الهی ، اسلامی و شیعی غافل نبود و در این زمینه تلاشهای فراوانی به انجام رساند.

صدیق سروستانی، رحمت الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر رحمت اله صدیق سروستانی استاد گروه جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. ایشان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد را در رشته عمران ملی –گرایش جامعه شناسی روستایی– در دانشگاه شیراز گذرانده اند.در سال ۱۹۷۹ م در رشته جامعه شناسی – گرایش جامعه شناسی شهری از دانشگاه اهایو آمریکا درجه کارشناسی ارشد را اخذ کردند و سپس با ادامه تحصیل در دوره دکتری در همان رشته و دانشگاه، در سال ۱۹۸۴م. به اخذ درجه دکتری جامعه شناسی نائل شدند. گروه : علوم انسانی رشته : جامعه شناسی گرایش : جامعه شناسی شهریتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر رحمت اله صدیق سروستانی دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد را در رشته عمران ملی –گرایش جامعه شناسی روستایی– در دانشگاه شیراز گذرانده اند. عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد ایشان «بررسی ارتباط بین قشربندی اجتماعی و آرزوهای شغلی دانشجویان دانشگاه پهلوی»بوده است(سال ۱۳۵۴). در سال ۱۹۷۹ م. با دفاع از پایان نامه شان با عنوان «بررسی تأثیر همسایگی بر نگرش نسبت به ناآرامی های مدنی» در رشته جامعه شناسی – گرایش جامعه شناسی شهری از دانشگاه اهایو آمریکا درجه کارشناسی ارشد را اخذ کردند و سپس با ادامه تحصیل در دوره دکتری در همان رشته و دانشگاه، در سال ۱۹۸۴م. به اخذ درجه دکتری جامعه شناسی نائل شدند. عنوان پایان نامه دوره دکتری ایشان «بررسی نگرش دانشجویان آمریکایی نسبت به مسلمین بوده است.» وقایع میانسالی : دکتر صدیق سروستانی از سال ۱۳۶۳ تاکنون عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران هستند و از سال ۱۳۸۳ به درجه استادی رسیده اندمشاغل و سمتهای مورد تصدی : رحمت اله صدیق سروستانی در حوزه خدمات علمی و اجرایی نیز دارای مسئولیت های متعدد بوده اند از جمله: – عضوشورای ارزشیابی وزارت علوم(۱۳۶۶–۱۳۶۴ و ۱۳۷۴–۱۳۷۰) – عضو کمیسیون ارزشیابی وزارت علوم(۱۳۶۴ تاکنون) – رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران(۱۳۶۵–۱۳۶۴) – عضو شورای عالی پژوهش کمیته ملی المپیک(۱۳۷۲ تاکنون) –عضو گروه جامعه شناسی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه(۱۳۷۱–۱۳۶۶) – عضو دائرهٔ المعارف بزرگ فارسی (۱۳۷۵–۱۳۷۲) – معاون پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران(۱۳۷۷–۱۳۷۵) – سرپرست مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی(۱۳۷۷–۱۳۷۵ و ۱۳۶۵–۱۳۶۴) – عضو کمیسیون اجتماعی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی(۱۳۸۳ تا کنون) – رئیس کمیته داوری معاونت فرهنگی مرکز مطالعات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام. عضویت ها : – انجمن جامعه شناسی ایران (ISA) – انجمن جامعه شناسی آمریکا(ASA) – انجمن جمعیت شناسی ایران – انجمن ایرانی تعلیم و تربیت آرا و گرایشهای خاص : زمینه های پژوهشی مورد علاقه رحمت اله صدیق سروستانی: جامعه شناسی ، بررسی مسائل اجتماعی، آسیب شناسی اجتماعی، جامعه شناسی صنعتی، قشر بندی و نابرابری اجتماعی، جامعه شناسی صنعتی، روش تحقیق کمی، روش تحقیق کیفی. آثار : ۱ The Status of Girls and Women in Kurdistan ویژگی اثر : ترجمه ، یونیسف۱۳۷۷۲ آسیب شناسی اجتماعی(جامعه شناسی انحرافات اجتماعی) ویژگی اثر : تالیف،سمت۱۳۸۷۳ آسیب‌شناسی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی) ویژگی اثر : تالیف،آن ۱۳۸۳و۱۳۸۵و۱۳۸۶۴ تاریخچه جامعه‌شناسی ویژگی اثر : تالیف،سمت ۱۳۷۳۵ راهنمای مدیریت ورزشی ویژگی اثر : ترجمه ، کمیته ملی المپیک۱۳۸۰۶ روش تحقیق در تربیت بدنی ویژگی اثر : ترجمه ، سمت۱۳۸۶۷ رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی ویژگی اثر : ترجمه ، دانشگاه تهران۱۳۸۲و۱۳۸۳و۱۳۸۶۸ فراتر از پیروزی ویژگی اثر : ترجمه ، کمیته ملی المپیک ۱۳۷۹و۱۳۸۲و۱۳۸۵۹ ما و دختران امروز(رویکردی جامعه شناختی ویژگی اثر : تالیف،آموزش و پرورش ۱۳۸۳۱۰ مبانی جامعه‌شناسی ویژگی اثر : تالیف،سمت ۱۳۷۳۱۱ مدیریت و رهبری در ورزش ویژگی اثر : تالیف،کمیته ملی المپیک ۱۳۷۴ و ۱۳۷۶۱۲ نیازها، نظرها و آرمان‌های جوانان ویژگی اثر : تالیف،شهرداری تهران ۱۳۷۴۱۳ واژه‌نامه علوم ورزشی ویژگی اثر : ترجمه ، کمیته ملی المپیک۱۳۷۶

صدیق، فضل‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۲ ش)، پزشک، استاد دانشگاه و نویسنده. تحصیلات متوسطه را در دارالفنون گذارند و در ۱۳۰۹ ش به فرانسه رفت. تحصیلات پزشکی را تا آخر سال دوم در بوردو و بقیه را در پاریس به پایان رساند. او پس از نگارش پایان‌نامه خود درباره‌ی

«نگاهداری و اصلاح نژاد انسانی» به اخذ درجه‌ی دکتری نایل شد. سپس در رشته‌ی بهداشت و بیماری کودکان مدت یکسال و نیم تحصیل کرد و گواهینامه تخصصی از آموزشگاه پرورش کودکان پاریس دریافت نمود. پس از آن از طرف دولت انلگستان برای تحقیق، بـه الجزیره رفت و پس از شش ماه توقف در آن کشور، در ۱۳۱۷ ش به ایران بازگشت و به سمت دانشیاری بهداشت کودکان در دانشسرای عالی منصوب شد. وی بعدها بـه دانشیاری کرسی بهداشت و پس از آن بـه سمت استادی بی‌کرسی دانشکده‌ی پزشکی انتخاب گردید. از آثار وی: «بهداشت غذایی،بهداشت نسل»؛ «فن بچه‌داری».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی (۲۴۶۷ / ۲ ،۵۴۰ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۶۰ -۸۵۹ / ۴).

صدیقی بلخی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. ملقب به خواجه میرک و شیخ‌الاسلام. صدیقی در جوانی پس از مرگ پدر منصب شیخ الاسلامی بلخ یافت. از سمت وی چنان برمی‌آید که در علوم دینی مهارت داشته است. صدیقی اقسام مختلف شعر، بویژه غزل را نیک می‌سرود. وی در چهل سالگی وفات یافت و در جوار پدرش در همان شهر بلخ دفن شد. از سروده‌های او قصیده‌ای است، در استقبال قصیده‌ی «دریای ابرار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۲۷ -۶۲۶).

صدیقی نخجوانی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۹ ش)، شاعر. در تبریز به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در مدرسه‌ی توفیق به پایان رسانید و چندی نیز به تحصیل علوم ادبی و عربی پرداخت ولی به علت جشم‌دردی که در طفولیت بر او عارض شده بود نتوانست به تصحیلات بیشتری ادامه دهد. وی از اوان کودکی به حفظ اشعار و مطالعه‌ی دواوین میل وافری داشت و به سرودن اشعار می‌پرداخت. اساتیدش در صرف و نحو و منطق، میراز علی اکبر قاری و شیخ علی اکبر اهری، و در فقه و تفسیر، آقا میراز رضی تبریزی بود. صدیقی از طرف پدر، نسبتش به حکیم لعلی، شاعر معروف، می‌پیوندد. از آثارش: «خیام پنداری»؛ «صد و یک ترانه»، رساله‌ی اسلام در نظر دانشمندان غرب» که ضمیمه کتاب «الهیئه و الاسلام» به چاپ رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۲۲۶۹ -۲۲۶۴ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۵۵۵)، مؤلفین کتب چاپی (۱۷۴ / ۳).

صدیقی یار، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود صدیقی یار

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۹/۴

زندگینامه علمی

پس ازگرفتن مدرک سیکل به دروس علوم دینیه مشغول وتادرسیوطی درمدرسه امام صادق (ع)ورامین مشغول به تحصیل شدم تا در زمان جنگ جهت نگهداری ازپدرم هشت ماهی در دروسم فاصله افتاد ولطما تی را دیدم و به پیشنهاد یکی ازدوستانم به مدرسه عبدالعظیم واقع درشهرری رفتم واز عوا مل فی النحومجدداً دروس خودراآغازکردم وبعد ازاتمام ادبیات عرب وشروع به تحصیل اصول وفقه به تدریس دردروس پایه مانند صرف ،تصریف ،صرف ساده وعوامل فی النحومشغول شدم تا اینکه با مشکلات جدیدی مواجه شدم و یکسالی ازدروس حوزه دورافتادم واین وضع به خاطر جبران عقب ماندگی ها وتکمیل دروس و.... وبدون هیچ شهریه ای به قم امدم وبا داشتن یک فرزند وهمسر وبا سختی امتحانات خودرابه صورت متفرقه دادم وشهریه خودرا وصل نمودم و در کنار آن در مؤسسه ای که قبل از وصل شهریه درآن کارمی کردم مشغول کار تحقیقات رجالی وحدیثی بودم که بعداز مدتی از آنجا بیرون آمدم ودرجای دیگری که هم کار علمی درآن به چشم میخورد وهم از لحاظ مادی با تعداد چهار فرزند تأمین می شدم درکناردروس خود مشغول شدم وحتی دردروس تخصصی تبلیغ دو سال مشغول بودم وبه خاطر لطمه خوردن دروس اصلی حوزه ام

که ناقص مانده بود انصراف دادم والان مشغول به کار درمجله مبلغان هستم وهم مشغول به تحصیل، و سطح ۲ حوزه را دارا هستم .

صدیقی، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم صدیقی

محل تولد : کرج

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۷ پس از اخذ دیپلم در رشته ریاضی فیزیک وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه حقانی تحت اشراف آیت الله قدوسی و آیت الله بهشتی مشغول به تحصیل شدم .

همزمان با پایان دوره سطح و ورود به درس خارج فقه و اصول در دوره تربیت مدرس شرکت کردم و در سال ۱۳۷۲ از پایان خود آن تحت عنوان « عیسی مسیح از دیدگاه قرآن و انجیل » به راهنمایی دکتر احمد بهشتی با نمره ۱۹ و درجه عالی دفاع کردم در سال ۱۳۷۴ وارد دانشگاه آزاد اسلامی شدم و در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دوره تخصصی دکتری (ph.d) را شروع کردم و در سال ۱۳۸۰ از پایان نامه خویش تحت عنوان « مقایسه و بررسی آراء اصولی شیخ طوسی و علامه حلی» به راهنمایی دکتر ابوالقاسم گرجی با درجه عالی و نمره ۱۹ دفاع کردم و به عنوان عضو هیات علمی در سال ۷۴ در دانشگاه آزاد اسلامی مشغول خدمت هستم.

صدیقی، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل صدیقی

محل تولد : خشکبیجار رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب اسماعیل صدیقی متولد ۱۳۴۳ در شهر خشکبیجار رشت به دنیا آمدم و از سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیّه شدم و مشغول تحصیل در حوزه ،پس از اتمام سطح به مدّت ۷ سال در دروس خارج محضر آیات عظام تبریزی ، فاضل لنکرانی ، سبحانی ، مکارم شیرازی حفظهم الله شرکت کردم و تا حال ۶ کتاب تألیف نموده ام در انتشاراتی های مختلف قم به چاپ رسیده است .

صدیقی، اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اصغر صدیقی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اصغر صدیقی در سال ۱۳۳۴ در شهرزیبا و با صفای اصفهان دیده به جهان گشود و در خانواده ای متوسط رشد کرد . سالهای ابتدایی ، راهنمایی و دبیرستان را با موفقیت پشت سر گذاشت . پس ازاتمام سربازی در جلسات و هیئت های مذهبی شهر اصفهان چه به صورت پنهان و چه به صورت آشکار شرکت می جست که اینگونه جلسات خمیرمایه متدین شدن او را فراهم ساخت ، وی در روند شکل گیری انقلاب اسلامی حضور چشمگیری داشت .پس از پیروزی انقلاب به مدت یکسال و نیم در سپاه پاسداران

انقلاب اسلامی اصفهان و سیستان و بلوچستان خدمت کرد و در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه مبارکه قم شد و دروس حوزوی را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشت ، در خلال این مدت از توفیق شرکت در جبهه های حق علیه باطل بی نصیب نماند در مجموع بیش از یکسال و نیم (۱۹ ماه) از عمر خود را در کنار رزمندگان عزیز اسلام گذراند ، وی در سال ۱۳۶۴ در یکی از دوره های مرکز تربیت مربی شرکت جست و با علاقه بسیاری مراحل ابتدایی و عالی این رشته را طی نموده و به عنوان یکی از شاگردان نمونه آن مرکز شناخته شد ، دوره های مهارتهای تدریس ، روان شناسی عمومی ، ادبیات کودک ، روانشناسی کودک ، سیره عملی پیامبر(ص) و ائمه ، تاریخ اسلام ، بحث داستان و داستانگویی و ... از جمله دوره هایی بود که در این مدت گذراند ، ضمن ادامه تحصیلات حوزوی و شرکت در دروس مراجع عظام و اساتید حفظهم الله در زمینه های تخصصی تربیت مربیان کودک و نوجوان مهارتهایی کسب کرد و در استانهای هرمزگان ، مازندران ، قم ، فارس ، تهران و سیستان و بلوچستان به آموزش و تربیت مربیان کودک و نوجوان پرداخت ، نامبرده ضمن تداوم دروس حوزوی ، مربی گری خویش و همکاری صمیمی با مرکز تربیت مربی دفتر تبلیغات ، از سال ۱۳۷۶ تا کنون با مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (قسمت اینترنت) همکاری می نماید ، انشاء الله تاکنون مورد رضایت خداوند تبارک و تعالی بوده باشد

صدیقی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس، جامعه شناسی، محقق.

تولد: آذر ۱۲۸۴، تهران.

درگذشت: ۹ اردیبهشت ۱۳۷۰.

غلامحسین صدیقی، فرزند حسین اعتضاد دفتر، تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در تهران در مدارس علمیه، آلیانس و دارالفنون گذراند و سپس در سال ۱۳۰۹ برای ادامه‌ی تحصیل جزو دومین گروه دانشجویان اعزامی به اروپا به فرانسه رفت. در آنجا پس از گذراندن دوره‌ی دانشسرای سن‌کلو و دانشگاه پاریس به اخذ لیسانس و دکترای ادبیات در رشته‌ی فلسفه و جامعه‌شناسی نایل آمد. رساله‌ی دکترای او با عنوان جنبش‌های دینی ایرانی در قرن‌های دوم و سوم هجری در سال ۱۹۳۸(۱۳۱۷) به زبان فرانسوی در پاریس به چاپ رسید (این کتاب در سال ۱۳۷۲ در تهران به چاپ رسیده است). در سال ۱۳۱۶ به ایران بازگشت و با درجه‌ی دانشیاری در دانشگاه تهران به تدریس تاریخ فلسفه‌ی قدیم و جامعه‌شناسی پرداخت، مدتی بعد هم به مقام استادی دانشکده‌های ادبیات معقول و منقول (الهیات و معارف اسلامی) نایل آمد. چندی نیز مدیر کل دانشگاه و چند دوره نماینده‌ی دانشکده‌ی ادبیات در شورای دانشگاه بود. او همچنین در تأسیس انجمن آثار ملی مؤثر بود، و بعدها به ریاست انجمن رسید. او عضو کمیسیون ملی یونسکو و کنگره هزاره ابن سینا بود، و از ۱۳۲۶ الی ۱۳۲۹ در تنظیم مدخل‌های حروف «پ» و «ث» لغت نامه دهخدا فعالیت کرد، در واقع او یکی از پنج نفری بود که همراه خان بابا بیانی، ذبیح‌الله صفا، محمد معین و عبدالحمید اعظمی زنگنه پس از تصویب ماده واحده مربوط به چاپ لغت نامه در چاپخانه مجلس شورای ملی در اواخر ۱۳۲۴ به همکای با دهخدا انتخاب شد.

وی در سال ۱۳۳۰ در هیئت دولت دکتر محمد مصدق به عنوان وزیر پست و تلگراف منصوب شد و پس از مدتی تا سال ۱۳۳۲ وزیر کشور این هیئت دولت بود. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دستگیر گردید و مدت پانزده ماه در زندان به سر برد. اما پس از آزادی چهار بار دیگر هم به زندان افتاد.

از جمله فعالیت‌های وی در زمینه‌ی فرهنگی تأسیس مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی در سال ۱۳۳۷ است. این مؤسسه در سال ۱۳۵۱ به دانشکده‌ی علوم اجتماعی تبدیل شد.

دکتر غلامحسین صدیقی همچنان در طول سال‌های عمر خود چندین بار نماینده ایران در کنفرانس‌های بین‌المللی تعلیم و تربیت و یونسکو انتخاب شد. تألیفات وی از این جمله است: از طائیس تا سقراط، گزارش سفر هند (۱۳۲۶)؛ چاپ متن عربی رساله‌ی سرگذشت ابن سینا و چند رساله‌ی دیگر منسوب به ابن‌سینا. وی همچنین مقدمه‌ای بر کتاب اصول حکومت آتن (تألیف ارسطو و با ترجمه و تحشیه‌ی باستانی پاریزی) نوشته است.

دکتر غلامحسین صدیقی پس از تحمل یک دوره بیماری در نهم اردیبهشت ۱۳۷۰ درگذشت.

از فلاسفه و دانشمندان و استادان مسلم دانشگاه است. در ۱۲۸۴ ش تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی و فقه و اصول و ادبیات در تهران به اخذ دیپلم نائل آمد و از طرف دولت برای ادامه‌ی تحصیلی به فرانسه اعزام شد و در رشته‌ی فلسفه لیسانس و دکترا اخذ کرد. پس از مراجعت به ایران به دانشیاری و سپس استادی دانشکده‌ی ادبیات برگزیده شد و سالیان دراز در آن دانشکده تدریس می‌نمود. در ۱۳۳۰ در کابینه‌ی دکتر محمد مصدق،ابتدا وزیر پست و تلگراف و بعد وزیر کشور بود و تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در آن سمت باقی ماند. پس از سقوط مصدق، دو روزی به حال اختفاء می‌زیست تا اینکه به اتفاق مصدق و شایگان، خود را به حکومت جدید معرفی کرد، چند روزی در باشگاه افسران، سپس در زندان لشکر ۲ زرهی زندانی بود. همزمان با محاکمه‌ی مصدق در دادگاه نظامی او هم محاکمه شد و چندی در زندان بود و او را از کار دانشگاهی اخراج کردند ولی مجددا به کار خود بازگشت و شغل استادی را تا سنین بازنشستگی ادامه داد. ریاست گروه فلسفه و روانشناسی با او بود.

دکتر غلامحسین صدیقی مردی به تمام معنی صدیق و متقی و دانشمند و در عین حال سختگیر و بدون گذشت بود. در وطن‌خواهی و علاقه‌ی او به کشور هیچ‌کس تردید ندارد. او عضویت جبهه ملی را پذیرفت و تا پایان عمر بدان عقیده باقی ماند. در اواخر دوران حکومت شاه هر موقع سخن از نخست‌وزیر ملی می‌شد، نام صدیقی مترادف آن بود. شاه در روزهای سقوط به او متوسل شد تا

سکان شکسته‌ی کشتی حکومت را به دست او بسپارد ولی روی شرایط پیشنهادی توافق نشد. شاه در خاطرات خود اشاره می‌کند که شرایط او مورد قبول واقع نشد لیکن واقعیت مطلب این است که صدیقی از زیر بار مسئولیت فرار کرد. زیرا اوضاع و احوال روز خواستار عدم قبولی او بود. وی صاحب تالیفاتی در رشته‌ی تخصصی خود می‌باشد. در سال ۱۳۷۱ در تهران درگذشت و از طرف مردم تشییع جنازه‌ی باشکوهی به عمل آمد.

(۱۳۷۰ -۱۲۸۴ ش)، نویسنده و استاد دانشگاه، رییس انجمن آثار ملی. در تهران به دنیا آمد. پس از به پایان رساندن تحصیلات متوسطه در مدرسه‌های آلیانس و دارالفنون در ۱۳۰۸ ش به فرانسه اعزام شد. او پس از اخذ دیپلم ادبیات از دانشسرای عالی سن کلود، تحصیلات دوره‌ی دکترا را در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه سوربن آغاز کرد و با تقدیم رساله‌ی خویش تحت عنوان «جنبش‌های دینی ایرانیان در قرن‌های دوم و سوم هجری» دوره‌ی دکترای خویش را به پایان برد. به ایران بازگشت و به خدمت دانشگاه درآمد و عهده‌دار مشاغل مختلفی شد: معلم جامعه‌شناسی و تاریخ فلسفه، نماینده‌ی دانشکده‌ی ادبیات و دانشسرای عالی در شورای دانشگاه، عضو هیأت نمایندگی ایران در کنفرانس بین‌المللی تلعیم و تربیت در ژنو و بعد با همین سمت در لندن، عضو هیأت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در هندوستان، ریاست نمانیدگی در سومین کنفرانس سازمان تربیتی و علمی یونسکو به جهت شایستگی علمی و فرهنگی مدتها عضو هیئت تحقیقی انجمن آثار ملی را بر عهده گرفت. از آثار وی: «از طالس تا سقراط»؛ «گزارش سفر هند». دکتر صدیقی برای مدتی هم با علی ابکر دهخدا همکاری علمی و فرهنگی نمود و تألیف و تنقیح دو جزء «لغت‌نامه» را بر عهده گرفت به پایان رساند. او همچنین در تصحیح تألیفات فارسی منسوب به ابن‌سینا شرکتی فعال داشت.[۱]

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۱۷، ش ۴ -۱، ص ۱۷۳ -۱۶۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۰ -۶۷۹ / ۴).

صدیقی، کریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۹، مرتبه علمی: استاد، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ریاضی از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۴، کارشناسی ارشد ریاضی از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۶، دکترای ریاضی از دانشگاه ایندیانا آمریکا در سال ۱۳۶۰.

مرتبه علمی:

استادیار مدعو کالج KNOX آمریکا از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۶۱، استادیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۶۳ تا سال ۱۳۶۷، دانشیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۶۷ و ارتقاء به درجه استادی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مسئله زیر فضاهای پایا، شعاع طیفی و جبرباناخ، اندازه‌های متعامد، عملکردهای توپلیتز زیرنرمال، انتقال یک جانبه و شبه همانندی، فضاهای برگمن، نگاشتهای طیفی، جبرهای داگلاس، بردارهای دوری در فضای دیریشله، تدریس دروس پایه ریاضی، معادلات دیفرانسیل، آنالیز مختلف، عملکرد زیرنرمال فضاهای هاردی در دانشگاههای ایندیانا آمریکا، کالگری کانادا، شیراز و کالج KNOX آمریکا، برنده جایزه بهترین محقق جشنواره خوارزمی در سال ۱۳۶۸.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

فضاهای برداری با بعد متناهی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۴

زمینه علمی مقالات:

روشهای هندسی توپولوژی در آنالیز، روشهای آنالیز تابعی در آنالیز مختلط و مقالاتی چند در زمینه ریاضی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

صدیقین، حسین علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد اسماعیل بن محمد ربیع. عالم فاضل زاهد متقی، از علمای پرهیزکار که به زهد و تقوا معروف خاص و عام، و مورد وثوق و احترام کلیه‌ی طبقات بود.

در اصفهان خدمت جمعی از اکابر درس خوانده، و مراتب عرفان را خدمت حاج محمد جواد عارف بیدآبادی تکمیل نموده، و سال‌ها به ریاضت و تصفیه‌ی باطن گذرانیده، تا جامع مراتب صوری و مقامات معنوی شد. الحق ملکی بود به صورت بشر. در مسجد در کوشک امامت و در مدرسه آن تدریس می‌نمود. از طرف مرحوم آیهٔ الله آقاابوالحسن اصفهانی نماینده‌ی تام الاختیار بود.

در شب جمعه دوم صفر سال ۱۳۶۸ به سن متجاوز از هفتاد وفات یافته، در یکی از حجرات تکیه‌ی کازرونی مدفون گردید.

از آثار ایشان حواشی مختصری بر تذکرهٔ القبور است.

تذکر: در این اطاق چند نفر از فضلا و دانشمندان معروف اصفهان مدفون می‌باشند که ذیلا به نام آنها اشاره می‌شود:

۱ – آقا میرزا محمد باقر فقیه ایمانی

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

صدیقین، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای آقا شیخ محمدتقی بن المرحوم آقا محمدعلی صدیقین اصفهانی از علماء بزرگوار و فضلاء عالیقدر و مبرزین شاگردان مرحوم زعیم اعظم آیت‌الله العظمی بروجردی دارای مقام علم و کمال و واجد مراتب اجتهاد و فقاهت و مورد وثوق مراجع حاضر و گذشته است. وی در تاریخ ۱۳۴۲ خورشیدی در اسفهان متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح به قم مهاجرت نموده و از محضر آیات عظام چون مرحوم آیت‌الله حاج سیدمحمد محقق داماد و آیت‌الله العظمی خونساری و زعیم اعظم آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده کامل نموده و در درس آن مرحوم صحبت می‌کرد و مرحوم آیت‌الله توجه کامل به اشکالات و شبهه‌های ایشان نموده و با متانت قبول و یا رد می‌کرد و بعد از آن مرحوم به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارند.

از آثار علمی معظم‌له که به طبع رسیده است کتب زیر می‌باشد:

۱- الاجماع و الاخبار ۲- تفسیر آیه جلباب ۳- حسین علیه‌السلام و پذیرش دعوت و اما آثار مخلوط.. ۱- کتاب طهارت شرح بر طهارت شرایع ۲- رساله‌ای در امر به معروف و نهی از منکر ۳- رساله‌ای در ولایت فقیه.

معظم‌له پس از فوت مرحوم آیت‌الله کمالوند سه سال سرپرستی حوزه علمیه خرم‌آباد را به عهده داشتند و در آن سامان خدماتی علمی و روحی نموده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

صراحی آرتیمانی، محترم النساء

قرن:۱۰

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(وف قبل از ۱۰۲۲ ق)، شاعر، متخلص به صراحی. معروف به محترم النساء. وی زوجه‌ی میر مرتضی آرتیمانی بود. با اینکه نا او در بسیاری از تذکره‌ها آمده است اما به احوال وی نپرداخته‌اند. جز بیت زیر، از او اشعاری باقی نمانده است:

صراحی گر غمی داری ز بخت سرنگون خود

قدح را همدم خود ساز و خالی کن درون خود[۱]

پیش از ۱۰۲۲ ق، محترم‌النساء از زنان شاعر. وی دختر ملا علی مشهدی و همسر میر مرتضی ارتیمانی بود. مطلع زیر از اوست:

صراحی گر غمی دارای ز بخت سرنگون خود

قدح را همدم خودساز و خالی کن درون خود

برخی تذکره‌ها از او به محترم و پنجه نیز یاد کرده‌اند.[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تذکره‌ی روز روشن (۴۷۴)، حدیقه‌الشعراء (۲۱۷۱ / ۳)، الذریعه (۹۷۱ / ۹)، زنان سخنور (۱۹۷ / ۱۰۷،۳ / ۱)، مشاهیر زنان (۱۴۳).

[۲] منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره دهم، ۳۵؛ تذکره‌ی حسینی، ۳۲۳؛ حدیقهٔالشعراء، ۲۱۷۱ / ۳؛ الذریعه، ۹۷۱ / ۹؛ روز روشن، ۴۷۴؛ ریاض‌العارفین، ۳۹۱ / ۱ زنان سخنور، ۱۰۷ / ۱؛ صحف ابراهیم، حرف م، ش ۳۷۳؛ عرفات العاشقین، گ ۵۱۷.

صراف اصفهانی، محمد حسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، صوفی و حکیم. در زمان شاه عباس اول می‌زیست و از رهگذر پیشه صرافی زندگی خود را می‌گذرانید.

محمد حسین دارای مشرب تصوف بود. وی از ذوق و استعداد شاعری بهره‌مند بود و اشعاری از او در تذکره‌ها نقل شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۷۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۹۴)، الذریعه (۶۰۶ ،۲۵۰ /۹)، فرهنگ سخنوران (۲۶۲)، نشتر عشق (۳۹۲/۲).

صراف تبریزی، حاجی رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۵ ق)، شاعر، متخلص به صراف. در آغاز به تجارت و سپس به صرافی و در اواخر عمر به بنکداری اشتغال داشت. وی از دانشوران آذربایجان و در تبریز مقیم بود و همان جا درگذشت. انجمن ادبی لنکرانی غالب اوقات در خانه او تشکیل می‌یافت. صراف «دیوان» شعری داشت که پس از وفاتش پسرانش آن را به طبع رسانیدند. او در صنعت غزل ماهر بود. اثر دیگر وی مثنوی «تهذیب الاخلاق» است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره شعرای آذربایجان (۴۸۶ -۴۷۹ / ۳)، دانشمندان آذربایجان (۲۳۰)، الذریعه (۶۰۶ / ۹)، سخنوران آذربایجان (۴۸۶ -۴۸۵)، شرح حال رجال (۱۰۴ / ۶)، فرهنگ سخنوران (۵۵۶)، مؤلفین کتب چاپی (۱۷۵ -۱۷۴ / ۳).

صرام هروی، ابوالفضل احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۹۹ ق)، حافظ، محدث و فقیه. معروف به ابن ابی‌عمران. وی شیخ‌الحرم و مجاور مکه بود. از کسانی همچون خیثمه بن سلیمان اطرابلسی و محمد بن احمد محبوبی مروزی و احمد بن بندار و دعجل سجزی و ابوالقاسم طبرانی و دیگران حدیث شنید. او حدیث بسیاری در مکه روایت کرد. ابویعقوب قراب و ابونعیم اصفهانی و علی بن محمد حنائی و ابوعلی اهوازی و ابوالفضل بن بندار رازی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. بسیاری از مردم مغرب زمین که بدنبال حدیث بودند از او اخذ حدیث کرده‌اند. وی با محمد بن داوود دقی مصاحبت داشت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۱۱۲ -۱۱۱ / ۱۷)، شذرات الذهب (۱۵۳ / ۳)، العبر (۱۹۵ -۱۹۴ / ۲).

صرامی، سیف الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیف الله صرامی

محل تولد : خمینی شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی با دیپلم ریاضی فیزیک وارد حوزه علمیه اصفهان مدرسه ذوالفقار شدم. تا حدود شش ماهی که در آنجا بودم مقدمات را از سیوطی و المنطق که در فاصله دو سال آخر دوره دبیرستان به آن رسیده بودم تا مغنی و اصول استنباط رساندم. اواخر سال ۶۰ توفیق حضور در حوزه علمیه قم ، مدرسه امام صادق(ع) را یافتم. در آنجا حدود یک سال بقیه مغنی، مختصر المعانی و تا اواسط شرح لمعه و اصول فقه را تمام کردم.

تا اواخر سال ۶۶ دروس مقدمات و سطح را تقریبا به اتمام رساندم و توفیق متناوب و البته جسته و گریخته ای در تدریس همان دروس تا سطح شرح لمعه را داشتم. از اواسط سال ۶۸ شاگرد درس خارج فقه و اصول بودم، در حالی که در خلال دروس مقدمات و سطح چند دور درس فلسفه را هم تجربه کرده بودم بدایه الحکمه، نهایهٔ الحکمه و شرح منظومه اسفار را هم در حد ج ۱ و ۶ در سال های ۶۷ تا ۶۹ خواندم.سال ۶۹ دوره فوق لیسانس تربیت مدرس دانشگاه قم را در الهیات و معارف اسلامی آغاز کردم که در سال ۷۳ به پایان رسانیدم.از سال ۶۹ با شرکت در تهیه برخی فیش های بحار الانوار برای تدوین نرم افزار های مربوط در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی همکاری خود را با مرکز تحقیقاتی، با پیش زمینه ای در برخی از کارهای تحقیقاتی شخصی آغاز کردم. پس از مدت کوتاهی با تشکیل معاونت اندیشه اسلامی مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری محترم به آن پیوستم. حاصل کار با آن معاونت تا سال ۶۷ غیر از مدیریت گروه فقه دو کتاب احکام حکومتی و مصلحت و احکام مرتد از

دیدگاه اسلام و حقوق بشر بود.

از سال ۷۵ همکاری با پژوهشکده فقه و حقوق مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (ابتدا با عضویت در شورای علمی آن و از سال ۷۶ تاکنون به عنوان مدیر گروه مسائل فقهی حقوق آن) را آغاز کردم .

از اساتید حوزوی بیش از همه از محضر حضرت آیت الله استاد شیخ جواد تبریزی (مد ظله العالی) و پس از ایشان حضرت آیت الله استاد سید کاظم حائری (مد ظله العالی) بهره برده ام. از محضر اساتید گرانقدر حضرت آیت الله مددی و حضرت حجه الاسلام و المسلمین آقای شیخ مهدی گنجعلی نیز در درس هایی با روش مباحثه و گفتگو بهره های فراوان برده ام. توفیق تدریس دروس سطح را نیز به تناوب و البته به شکل خصوصی داشته ام.

صرصر قزوینی، محمد علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. از قزوین برای تجارت به یزد رفت و در آنجا ساکن شد. در ابتدا به تحصیل مقدمات مشغول شد و گاهی هم تجارت می‌کرد. اواخر عمر را در مزرعه‌ی خانقاه میبد که شرکتی داشت ساکن و مشغول زراعت شد. وی معاصر وامق یزدی، صاحب تذکره‌ی «میکده»، بود. صرصر اشعار ترکی و فارسی در مناقب و مراثی ائمه اطهار می‌گفت. او در یزد درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۰۰۸ / ۲).

صرفی پور، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی صرفی پور

محل تولد : قم

شهرت : صرفی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۰ وارد حوزه علمیه قم (مدرسه کرمانیها) شد. اگر چه قبل از ورود رسمی به حوزه نزد پدرش تا لمعه تحصیل نمود . بعد از دوران مقدمات رسمی وارد دروس فقه و اصول شده و نزد آقایان آیهٔالله اشتهاردی، اعتمادی، ستوده سطح را تمام نمود. دروس خارج را از دروس آیات عظام مکارم، تبریزی و فاضل بهره برد. تاکنون در حوزه های علمیه شهرستانهای اندیمشک، اسدآباد، مینودشت و صحنه وپلدختردروس حوزه را تا لمعه و اصول ورسائل ومکاسب تدریس نموده است.

همچنین مسائل اخلاقی و اعتقادی و تاریخی و سیره ائمه را در این شهر ها برای گروه های مختلف مردم تبیین نموده است. ودر دانشگاه آزاد نیز تدریس داشته اند.تاکنون ۲۷ جلد کتاب تالیف نموده و بیش از ۵۰ جلد کتاب اماده نشر می باشد. وتقریبا بیست مقاله آماده عرضه دارند همچنین بیش از سیصد جلسه رادیویی در رادیو لرستان ازایشان به عنوان کارشناس دینی برنامه های معارف اسلامی ضبط و پخش و یا برای پخش منظور شده است.

صرفی ساوجی، صلاح‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۹۹ ق)، شاعر. مشهور به صرفی ژولیده‌موی. در ساوه به دنیا آمد. پس از نشو و نما، از یران به هند رفت و مدتی در گجرات و لاهور به سر برد و در سلک شاعران دربار جلال‌الدین اکبر درآمد. پس از چجندی، در ۹۹۹ ق، با فیضی به دکن رفت و در آنجا وفات یافت. صرفی از شاگردان محتشم کاشانی بود و با مولانا وحشی و غیتی مصاحبت داشت. او مردی درویش مسلک بود و قصیده و غزل را نیکو می‌سرود. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۴۱ -۱۱۳۷ / ۳)، تاریخ نظم و نثر (۴۳۲)، تذکره‌ی شعرای پنجاب (۲۱۹)، الذریعه (۶۲۴، ۶۰۶ / ۹)، ریحانه (۴۴۲ / ۳)، کاروان هند (۷۲۹ -۷۱۷ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ صرفی)، مآثر رحیمی (۷۲۱ -۶۹۷ / ۳)، مجمع الخواص (۲۷۹ -۲۷۸، ۲۲۲)، هفت اقلیم (۵۳۰ -۵۲۸ / ۲).

صعلوکی نیشابوری، ابوسهل محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۶۹ -۲۹۶ ق)، فقه شافعی، مفسر، ادیب، نحوی، صوفی و شاعر. شیخ خراسان در زمان خود بود. در اصفهان به دنیا آمد. وی به بصره رفت و چندین سال در آن شهر تدریس نمود و چند سال نیز در اصفهان اقامت داشت. سرانجام در ۳۳۷ ق به نیشابور آمد و سپس خانواده‌ی خود را به آنجا منتقل کرد. او بیش از سی سال کرسی درس و فتوی نیشابور را در اختیار داشت. صعلوکی از ابن‌خزیمه و ابوالعباس سراج و احمد ماسرجسی و احمد محمدآبادی و ابن ابی‌حاتم و ابن‌انباری و محاملی و بسیاری دیگر حدیث شنید. پسرش، ابوطیب، و فقهای نیشابور در محضر وی فقه آموختند. ابوسهل مصاحب ابواسحقاق مروزی بود و گفته‌اند که از وی فقه آموخت. گویند که او شبیلی را نیز درک کرده بود. نسوی وی را پیشگام علم تصوف می‌داند. ابوبکر صیرفی گوید که اهل خراسان همچون ابوسهل را هرگز نخواهند دید و صاحب بن عباد گفت که ما همچون ابوسهل ندیده‌ایم و خود او نیز مانند خودش را ندیده است. به هر حال او در شریعت و طریقت یگانه‌ی روزگار خود بود. وی در نیشابور درگذشت. ثعالبی اشعار بسیاری را به او نسبت داده است. «الفوائد» روایتهایی از اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اسرار التوحید، تعلیقات (۶۵۸)، الاعلام (۲۰۷)، الاعلام بوفیات اعلام (۲۵۳ / ۱)، انساب سمعانی (۵۴۰ -۵۳۹ / ۳)، ریحانه (۴۴۶ -۴۴۵ / ۳)، سیر النبلاء (۲۳۹ – ۲۳۵ / ۱۶)، شذرات الذهب (۷۰ -۶۹ / ۳) طبقات الصوفیه هروی (۵۸۵)، العبر (۱۳۲ / ۲)، الکنی و الالقاب (۴۱۷ -۴۱۶ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ صعلوکی)، النجوم الزاهره (۱۴۱ -۱۴۰ / ۴)، نفحات الانس (۳۱۸ -۳۱۷)، الوافی بالوفیات (۱۲۵ -۱۲۴ / ۳)، وفیات الاعیان (۲۰۵ -۲۰۴ / ۴).

صعلوکی نیشابوری، ابوطیب احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۳۷ ق)، حافظ، محدث، فقیه و لغوی. پدرانش حنفی و خود شافعی و مذهب بود و از بزرگان آنها. از یحیی بن محمد ذهلی و علی بن حسن دارابجردی و محمد بن عبدالوهاب فراء و محمد بن ایوب رازی و عبدالله بن احمد بن حنبل و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. او در نیشابور به تدریس فقه و حدیث مشغول بود. برادرزاده‌اش،ابوسهل صعلوکی، و ابوعبدالله اخرم از وی حدیث روایت کرده‌اند. حاکم نیشابوری گوید که از وی حدیثی شنیدم. او رد فقه و لغت از پیشگامان بود و در حدیث صاحب تصنیف.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات اعلام (۲۳۱ / ۱)، انساب سمعانی (۵۴۱ -۵۴۰/ ۳)، سیر النبلاء (۳۹۱ / ۱۵)، معجم المؤلفین (۱۰۸ / ۲)، الوافی بالوفیات (۳۹۶ / ۷).

صعلوکی نیشابوری، ابوطیب سهل

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۰۴ / ۳۸۷ ق)، محدث، فقیه، متکلم و ادیب شافعی. مفتی نیشابور بود و پدرش نیز قبل از او این سمت را داشت. علم و فضل و دیانت او را ستوده‌اند و گفته‌اند که مرجع فقهای نیشابور بود. فقه را از پدرش، ابوسهل محمد بن سلیمان،و حدیث را از ابوالعباس اصم و ابوعلی رفاء آموخت. سپس مجلس درس آراست. در مجلس او افزون بر پانصد دوات برای نگارش بیانات او فراهم می‌کردند. حاکم نیشابوری و ابوبکر بیهقی و ابونصر محمد شادیاخی از وی روایت کرده‌اند. از آثارش: «الفوائد» که گردآوری مسموعات اوست؛ «المذهب فی ذکر شیوخ المذهب»، که همان طبقات شافعیه است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۰ / ۳)، الاعلام بوفیات الاعلام (۲۷۳ / ۱)، انساب سمعانی (۵۴۰ / ۳)،روضات الجنات (۹۴ / ۴)، ریحانه (۴۴۵ / ۳)، سیر النبلاء (۲۰۹ -۲۰۷ / ۱۷)، شذرات الذهب (۱۷۳ -۱۷۲ / ۳)، طبقات الصوفیه هروی (۵۸۵)، العبر (۲۰۸ / ۲)، کشف الظنون (۱۶۴۵)، الکنی و الالقاب (۴۱۷ -۴۱۶ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ سهل)، معجم المؤلفین (۲۸۴ / ۴)، نفخات الانس (۳۱۸)، الوافی بالوفیات (۱۳ -۱۲ / ۱۶)، وفیات الاعیان (۴۳۶ -۴۳۵ / ۲)، هدیه العارفین (۴۱۲ / ۱).

صغانی، رضی‌الدین، ابوالفضائل حسن

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۵۰ -۵۷۷ ق)، فقیه حنفی، محدث، نحوی و لغوی. اصل وی از صغان یا چغان مرو از ولایات ماوراءالنهر است که در لاهور به دنیا

آمـد و در غزنه نشوونمـا یـافت.به بغـداد رفت و سـفری به یمن نمود و سـرانجام تـا پایان عمر در بغـداد مانـدگار شـد. او در مکه از ابوالفتوح نصـر بن صـحری و در یمن از قاضـی خلف حسن‌آبادی و در بغـداد از سـعید بن محمـد بن رزاز حدیث شـنید. او در زبان عربی سرآمد همعصران خود بود، و از مشاهیر فقها و محدثین به شمار می‌رفت. در اکثر علوم ریاست علمی داشت. حوزه‌ی درس او مرجع اسـتفاده‌ی افاضل زمان بود. صـغانی از مشایخ اجازه‌ی روایتی سید احمد بن طاووس و فرزندش سید عبدالکریم بن طاووس و علامه‌ی حلی است. از آثـار وی: «مجمع البحرین»، در لغت، در چنـدین مجلـد؛ «العباب»، معجمی در لغت که برای ابن‌علقمی، وزیر مسـتعصم نگـارش کرده است؛ «الشوارد»، درلغت؛ «الاضـداد»؛ «مشـارق الانوار»، در حـدیث، که برای مستنصـر عباسـی تألیف کرده است، شرح «صحیح» بخاری بطور مختصر؛ «التکمله علی الصحاح» یا تکمله الصحاح»؛ «در السحابه فی مواضع وفیات الصحابه»؛ «بیان الاحادیث الموضوعه» یا «الدررالملتقطه فی بیان الاحادیث الموضوعه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۳۲ / ۲)، ایضاح المکنون (۴۳۳ / ۲)، روضات الجنات (۹۱ -۸۹ / ۳)، ریحانه (۴۰۹ -۴۰۷ / ۳)، سیر النبلاء (۲۸۴ -۲۸۲ / ۲۳)، شذرات الذهب (۲۵۰ / ۵)، العبر (۲۶۵ / ۳)، کشف الظنون (۱۹۸۰ ،۱۸۳۲ ،۱۸۰۸ ،۱۷۷۶ ،۱۷۰۵ ،۱۶۸۸ ،۱۵۹۹ ، ۱۴۶۱ ،۱۴۳۸ ،۱۴۲۴ ،۱۳۹۴ ،۱۳۹۲ ،۱۲۵۰ ،۱۱۲۱ ،۱۰۷۲،۱۰۸۷ ۱۰۶۷ ،۱۰۶۵ ،۷۳۱ ،۵۵۳ ،۳۹۵ ،۲۵۱ ،۱۱۶ ،۸۷)، الکنی و الالقاب (۳۱۸ -۴۱۷ / ۲)، لغت‌نـامه (ذیل/ حسن)، معجم الادباء (۱۹۱ -۱۸۹ / ۹)، معجم المؤلفین (۲۷۹ / ۳)، النجوم الزاهره (۲۷ -۲۶ / ۷)، الوافی بالوفیات (۲۴۳ -۲۴۰ / ۱۲).

صغیر اصفهانی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۹ -۱۲۷۴ / ۱۲۷۳ ش)، صوفی و شاعر، متخلص به صـغیر. وی در اصـفهان به دنیا آمد و به شـغل نساجی روزگار می‌گذرانید. صغیر از اعضای انجمن ادبی شیدا بود و تا آخرین روزهای زندگی شیدا با وی همدم و همراز بود. مدتی ریاست انجمن ادبی کمال را نیز عهده‌دار بود. وی در نزد میرزا عباس صابر علیشاه نیز مدتی کسب فیض کرد. صغیر اصفهانی طبعی روان داشته است. سرانجام در اصفهان درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر؛ «وداد بشر»، شعر؛ «مصیبت‌نامه»، شعر؛ «فضائل الائمه»، شعر؛ «خطبه‌الغدیر»، شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تـذکره‌ی خوان نعمت (۲۲۲ -۲۲۰ / ۱)، تذکره‌ی شـعرای معاصـر اصفهان (۳۰۸ -۳۰۶)، دویست سـخنور (۱۹۵ - ۱۹۲)، الذریعه (۶۰۸ -۶۰۷ / ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۰۸ -۲۰۶ / ۴)، سخنوران نامی معاصر (۲۲۷۴ -۲۲۷۰ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۵۵۶) مؤلفین کتب چاپی (۷۷۱ -۷۶۹ / ۲).

صفااصفهانی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: فیزیک، دانشگاه: صنعتی اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی در زمینه فیزیک، دکترای فیزیک حالت جامد از دانشگاه دور هام انگلستان در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده فیزیک دانشگاه صنعتی اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی خواص مغناطیسی و فرومغناطیسی بلورها، روش توپوگرافی پراش پرتوهای X، استفاده از روش مذکور در تجزیه و تحلیل در رفتگی‌هـای بلورین و تعیین نوع و مشخصه‌های نقائص بلوری، مشاهـده دیواره‌های مغناطیسـی و پادفرو مغناطیسـی بلورها، مطالعه و بررسـی مکانیسم‌هـای مربوط به رشـد بلور و سـمتگیری اسپین‌هـای الکترونهـای مواد مغناطیسـی و ارتبـاط آنهـا با میـدان مغناطیسـی خارجی به کمک روش پراش پرتوهای X و توپوگرافی، مطالعه گدازهای فرومغناطیسی و پادفرومغناطیسی برحسب دما با استفاده از توپوگرافی پرتوهـای ایکس حاصـل از مولـدهای متـداول پرتو X و پرتوهـای سینکروترون، طرح تهیه و مطـالعه خواص مغناطیسـی نمونه‌های ابر رسانای گرم YBa۲ cu۳ O۷ + x، بررسی و تعیین ساختار بلورین مواد به کمک پراش پرتوهای اشعه X.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مبانی فیزیک نوین و فیزیک حالت جامد.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

خواص مغناطیسی و پادفرومغناطیسی مواد، توپوگرافی پراش پرتوهای ایکس، مشاهده دیواره‌های حوزه‌های مغناطیسی و پادفرومغناطیس بلورها، تجزیه و تحلیل در رفتگیهای بلوری و ابررسانائی گرم.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

صفار بخاری، ابواسحاق ابراهیم

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۳۴ -۴۶۰ ق)، زاهد، متکلم و فقیه حنفی. معروف به زاهد صفار. وی در خرده‌گیری به پادشاهان دلیر بود. به همین دلیل به فرمان سلطان سنجر از بخارا به مرو تبعید شد. اما مجددا به بخارا بازگشت. از آثارش: کتاب «السنه و الجماعه»؛ «صک الجنه»، به فارسی؛ «تخلیص الزاهد»؛ «تخلیص الادله لقواعد التوحید».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۵۴۸ / ۳)، ایضاح المکنون (۲۷۰ / ۱)، کشف الظنون (۱۰۸۰، ۴۷۲)، هدیه العارفین (۹ / ۱)، معجم المؤلفین (۱۳ / ۱).

صفار بخاری، ابونصر اسحاق

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۴۰۵ ق)، فقیه، ادیب و شاعر. اهل بخارا بود. او در ادبیات عرب، در شناخت نکات و دقائق آن، و همچنین در فقه و حدیث یگانه‌ی زمان خود بود. ابوسعد سمعانی در «تاریخ مرو» و حاکم نیشابوری در «تاریخ نیشابور» و خطیب بغدادی در «تاریخ بغداد» به شرح حال او پرداخته‌اند. او احادیث بسیاری در انواع علوم فراگرفت و در ۴۰۵ ق، در سفر حج، در بغداد، از نصر بن احمد بن اسماعیل کنانی، صاحب جبرئیل سمرقندی، حدیث روایت کرد. ابوعلی حسن بن علی بن مذهب بغدادی از شاگردان و راویان صفار است و استادش را بسیار ستوده است. صفار در اواخر عمر به حجاز رفت و ساکن طایف شد و قبر وی در آنجاست. صفار شعر را نیکو می‌سرود. او در لغت و ادبیات تصانیفی دارد که از آن جمله است: «المدخل الی سیبویه»، در نحو؛ «المدخل الصغیر»، در نحو؛ «الرد علی حمزه فی حدوث التصحیف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۵۴۸ -۵۴۷ / ۳)، تاریخ بغداد (۴۰۳ / ۶)، ریحانه (۴۵۲ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ اسحاق)، معجم الادباء (۶۹ -۶۶ / ۶)، معجم المؤلفین (۲۳۰ / ۲).

صفار قمی، ابوجعفر محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۹۰ ق)، فقیه، محدث و عالم امامی. وی از بزرگان علماء و ثقات محدثین امامیه قم و از مشایخ روایت صدوق، ابن‌بابویه قمی، بود. حضور حضرت امام حسن عسکری (ع) را درک کرده و از آن حضرت روایت نموده است. گفته‌اند که او بسیار جلیل‌القدر و دارای کمترین لغزش در نقل روایات بوده است. راوی جمیع کتب و روایات او شاگردش، محمد بن حسن بن ولید، است. وی در قم درگذشت. از آثارش: «الاشربه»؛ «الایمان والنذور و الکفارات»؛ «بصائر الدرجات»؛ «الجنائز»؛ «الحدود»؛ «الصلوه»؛ «الوضوء»؛ «فضل القرآن»؛ «الجهاد»؛ «المثالب»؛ «الملاحم»؛ کتاب «المومن»؛ کتاب «الرد علی الغلاه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۳۴۱، ۳۳۷، ۳۳۶، ۳۲۸، ۳۰۹، ۲۸۷، ۲۶۸، ۱۹۹/ ۲، ۱۸۵ / ۱) الذریعه (۱۴۹ / ۵، ۱۲۴ / ۳، ۵۱۶ / ۲)، رجال الطوسی (۴۳۶)، رجال النجاشی (۲۵۳ -۲۵۲ / ۲)، ریحانه (۴۵۳ / ۳)، الفهرست للطوسی (۲۸۹ -۲۸۸)، الکنی و الالقاب (۴۱۸ / ۲)، معجم المؤلفین (۲۰۸ / ۹)، هدیه العارفین (۲۴ / ۲).

صفار نیشابوری، ابوبکر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۶۸ ق)، محدث و فقیه شافعی. وی مفتی نیشابور بود. از ابونعیم اسفراینی مهارجانی و ابوالحسن علوی و ابوعبدالله حاکم

نیشابوری حدیث شنید. به گفته ابوسعد سمعانی، نزد ابومحمد جوینی فقه آموخت و چون جوینی به حج رفت در حلقه درس جانشین او گشت. ابوعاصم عبادی دقت‌نظر صفار را در فتوا ستوده است. زاهر شحامی و وجیه شحامی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۴۳۸-۴۳۷ / ۱۸)، شذرات الذهب (۳۳۱ / ۳)، العبر (۳۲۵ / ۲)، الکامل (۱۲۳ / ۸).

صفار نیشابوری، مجدالدین، ابوسعد عبدالله

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۰۰-۵۰۸ ق)، اصولی، فقیه و محدث شافعی. از جد مادریش، ابونصر ابن قشیری، و پدرش، علامه عمر بن احمد، و عمه‌اش، عائشه، و جده‌اش، دردانه خواهر عبدالغافر، و هبه‌الله سیدی و سهل بن ابراهیم مسجدی حدیث شنید. وی «صحیح» مسلم را از فراوی و «سنن» دارقطنی را از فضل بن حمد ابیوردی و «سنن کبیر» را از زاهر بن طاهر و «سنن» ابی‌داوود را از عبدالغافر و «سنن» و «الآثار» را از عبدالجبار خواری استماع کرد. پسرش، قاسم بن ابی‌سعد صفار، و بدل تبریزی و نجم‌الدین خیوقی و ابورشید غزال و اسماعیل بن ظفر و گروهی دیگر از وی حدیث شنیدند. عبدالرحمان بن ابی‌عمر و ابن‌بخاری از وی اجازه‌ی روایت داشتند. او را از پیشگامان فقه و حدیث و عالم به اصول به شمار آورده‌اند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (۴۰۴ / ۲)، سیر النبلاء (۴۰۴-۴۰۳ / ۲۱)، العبر (۱۲۹ / ۳)، النجوم الزاهره (۱۶۶ / ۶).

صفارزاده، طاهره

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

طاهره صفارزاده را بیشتر به عنوان یک شاعر می شناسیم. مخاطبان شعر در دهه ۴۰ او را با شعر «کودک قرن» به خاطر می آورند و در دهه ۵۰ با کتاب «سفر پنجم».شعرهای قدیمی اش یادآور سال های گلوله و فریاد است.علاوه بر شعر، در ترجمه و پژوهش هم استادی بی همتا است.

▪طاهره صفارزاده شاعر، نویسنده ، محقق و مترجم ،متولد ۱۳۱۵ سیرجان

▪لیسانس ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران

▪ادامه تحصیل در انگلستان و سپس آمریکا در دانشگاه آیووا

▪کسب درجه MFA

▪استخدام در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) در سال ۱۳۴۹

▪رئیس دانشگاه شهید بهشتی و دانشکده ادبیات

▪دکترا در رشته نقد تئوری و عملی ادبیات جهان

▪برگزیده شدن در «فستیوال بین المللی داکا» در سال ۶۷ به عنوان یکی از ۵ عضو بنیانگذار کمیته ترجمه آسیا،

«▪استاد نمونه» سال ۷۱ از سوی وزارت علوم و آموزش عالی

«▪خادم القرآن» پس از انتشار ترجمه «قرآن حکیم »، سال ۸۰

سرپرستی و ویراستاری ۳۶ کتاب زبان تخصصی برای رشته های مختلف دانشگاهی

▪قصه ، پیوندهای تلخ، ۱۳۴۱

▪شعر ، رهگذر مهتاب، ۱۳۴۱

Brella the Red um (سروده هایی به زبان انگلیسی)، آیووا ۱۹۶۷م.= ۱۳۴۷ش.

طنین در دلتا [و دفتر دوم]، سد و بازوان، ۱۳۵۰ ، سفر پنجم، ۱۳۵۶ ، حرکت و دیروز، ۱۳۵۷ ، بیعت با بیداری، ۱۳۵۸ ، مردان منحنی ، دیدار صبح، ۱۳۶۶ ، در پیشواز صلح، ۱۳۸۵ ، گزیده ادبیات معاصر، ۱۳۷۸ ، هفت سفر، ۱۳۸۴ ، روشنگران راه، ۱۳۸۴ ، اندیشه در هدایت شعر، ۱۳۸۴

●اصول ترجمه، نقد ترجمه، ترجمه

▪اصول و مبانی ترجمه: تجزیه و تحلیلی از فن ترجمه ضمن نقد عملی آثار مترجمان، از ۱۳۵۸

ترجمه های نامفهوم، ۱۳۸۴

▪ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید (فارسی و انگلیسی)، ۱۳۷۹

▪ترجمه قرآن حکیم (سه زبانه - متن عربی با ترجمه فارسی و انگلیسی)، ۱۳۸۰

▪ترجمه قرآن حکیم (دو زبانه متن عربی با ترجمه فارسی)، ۱۳۸۲

▪ترجمه قرآن حکیم (دو زبانه متن عربی با ترجمه انگلیسی)، ۱۳۸۵

▪لوح فشرده قرآن حکیم (سه زبانه – متن عربی با ترجمه فارسی و انگلیسی)، ۱۳۸۳ (نشر دوم) کامل وجزء ۳۰.

▪دعای عرفه (دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه (متن عربی با ترجمه فارسی)، ۱۳۸۱

▪دعای ندبه و دعای کمیل (متن عربی با ترجمه فارسی)، ۱۳۸۳

▪مفاهیم قرآنی در حدیث نبوی: گزیده ای از نهج الفصاحه با ترجمه فارسی و انگلیسی، ۱۳۸۴

دعای جوشن کبیر، ۱۳۸۵

طاهره صفارزاده را بیشتر به عنوان یک شاعر می شناسیم. مخاطبان شعر در دهه ۴۰ او را با شعر «کودک قرن» به خاطر می آورند و در دهه ۵۰ با کتاب «سفر پنجم».شعرهای قدیمی اش یادآور سال های گلوله و فریاد است.علاوه بر شعر، در ترجمه و پژوهش هم استادی بی همتا است.صفارزاده نخستین مترجم قرآن کریم به ۳ زبان زنده دنیا است. صفارزاده شاعر، نویسنده ، محقق و مترجم به سال ۱۳۱۵ در سیرجان در خانواده ای متوسط چشم به جهان گشود.اجدادش از عرفای مقید به مقابله با ظلم و عدالت پروری بوده اند.پدر و خواهرش هم اهل تصوف بودند . در خانواده، برپایی مجالس ذکر و دعا بویژه در اظهار ارادت به حضرت علی علیه السلام متداول بود.خانواده اش پیشینه عرفانی داشتند وهمین امر سبب شد که او از همان آغاز نگاهی ویژه به پیرامونش داشته باشد.قبل از آنکه به مدرسه برود تجوید و قرائت و حفظ قرآن کریم را در مکتب محل آموخت و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کرمان گذرانید.

از کودکی ذوق نویسندگی و عشق به مطالعه آثار ادبی داشت ودر دبستان به عنوان شاعر شناخته شده بود.در این زمینه آموزگاران و بعد دبیران او را بسیار تشویق می کردند.

نخستین شعر را در ۱۳ سالگی سرود که در روزنامه دیواری مدرسه به ثبت رسید و نخستین جایزه شعر را که یک جلد دیوان جامی بود در سال چهارم دبیرستان به پیشنهاد دکتر باستانی پاریزی که آن زمان از دبیران دبیرستان بهمنیار بود، از رئیس آموزش و پرورش استان دریافت کرد.

در ششم ادبی شاگرد اول شد و با جرأت در امتحان ورودی دانشگاه در رشته های حقوق و ادبیات فارسی و زبان و ادبیات انگلیسی که مناسب آن دیپلم بود شرکت کرد و در هر سه قبول شدو چون تردید در انتخاب داشت خانواده اش به استخاره رجوع کردند و در نتیجه در زبان و ادبیات انگلیسی لیسانس گرفت . مدتی به عنوان مترجم متون فنی در شرکت نفت کار کرد و چون به دنبال یک سخنرانی در اردوی تابستانی فرزندان کارگران مجبور به ترک کار شد، برای ادامه تحصیل به انگلستان و سپس به آمریکا رفت .در دانشگاه آیووا ، هم در گروه نویسندگان بین المللی پذیرفته شد و هم به کسب درجه MFA نایل آمد.MFAدرجه ای مستقل است که به نویسندگان و هنرمندانی که داوطلب تدریس در دانشگاه باشند اعطا می شود و نویسندگان به جای محفوظات و تاریخ ادبیات به آموختن نقد به صورت تئوری و عملی و انجام طرح های ادبی متنوع به مطالعات وسیع درباره آثار نویسندگان و شاعران می پردازند.دوره آن یک سال بیش از فوق لیسانس است و استخدام دارنده این مدرک در دانشگاه های آمریکا با پایه دکتری انجام می پذیرد.در زبان عربی استعداد خاصی داشت و چنانکه در مقدمه «ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید»گفته است: «در دوره دبیرستان و به تشویق یک استاد دلسوز و دانشمند، عربی پایه را خوب فرا گرفتم و هرگز رابطه ام با آموختن آن زبان قطع نشد چه کلاس های عادی و چه درس خصوصی را در محضر استادانی تلمذ می کردم که قرآن شناس بودند .خودم بر این عقیده هستم که بروز و شکوفایی استعداد من در زبان عربی به دلیل این بود که تجوید و قرائت قرآن کریم را در کودکی در سن ۶ سالگی آموخته بودم .»

طاهره صفارزاده برای دروس اصلی «شعر امروز جهان »، «نقد ادبی» و «نقد عملی ترجمه » را انتخاب کرد و در بازگشت به ایران اگرچه به دلیل فعالیت های سیاسی در خارج، مشکلاتی برای استخدام داشت اما چون در کارنامه اش از ۴۸ واحد درسی ۱۸ واحد ترجمه ثبت شده بود و کمبود و نبود استاد ترجمه برای رشته های زبان خارجی موجب گله مندی گروه های زبان بود، در سال ۱۳۴۹ با استخدام او در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) موافقت شد. دکتر طاهره صفارزاده پایه گذار آموزش ترجمه به عنوان یک علم و برگزارکننده نخستین «نقد عملی ترجمه » در دانشگاه های ایران محسوب می شود.دانشگاه آیووا بنا به درخواست شاعران و نویسندگان «کارگاه نویسندگی »، نخستین مرکزی بود که به گنجاندن این درس در برنامه آموزشی رشته های زبان و ادبیات اقدام کرد. صفارزاده حدود ۳ سال بعد در کنار نویسندگان دانشجو به بهره مندی هایی از این آموزش جدید دست یافت .صفارزاده از ابتدای تدریس خود در ایران متدی مبنی بر شناخت و تطابق مفهومی ، دستوری و ساختاری دو زبان مبدأ و مقصد ابداع کرد و این شیوه پیشنهادی در درسی که سابقه تدریس قانونمند نداشت نزد بسیاری از همکاران وی الگو قرار گرفت .پس از انقلاب اسلامی تعیین کتاب «اصول و مبانی ترجمه »اثر وی به عنوان کتاب درسی در زمینه شناخت نظریه ها و نقد عملی ترجمه به ویژه برای دانشجویان رشته «ترجمه » مفید افتاد.

دکتر طاهره صفارزاده به عنوان کارشناس ترجمه معتقداست: «در ترجمه دانستن موضوع یا مطلب مورد ترجمه مقدم بر دانستن زبان مبدأ و مقصد است .این خطر بزرگی است که متخصص رشته علوم انسانی ، حتی رشته مهندسی متن پزشکی را و بالعکس یک پزشک متن جامعه شناسی را ترجمه کند ، چون که اصطلاحات خاص مجموعاً زبان علمی یک رشته را تشکیل می دهند. » بر اساس این فکر دو تمرین «ترجمه تخصصی »و «معادل یابی برای واژگان تخصصی» در کتابهای زبان برای رشته های دانشگاهی به پیشنهاد او گنجانده شد.

طاهره صفارزاده در زمینه شعر و شاعری نیز به دلیل مطالعات و تحقیقات ادبی به معرفی زبان و سبک جدیدی از شعر با عنوان شعر «طنین» توفیق یافت که در آغاز بسیار بحث برانگیز شد زیرا شعر مقاومت و طنز سیاسی ، حکومت پسند نبود.سرانجام در سال ۵۵ به اتهام نوشتن شعر مقاومت دینی از دانشگاه اخراج و برای دومین بار به خانه نشینی و فراغت اجباری رفت.و در ایام تنهایی و مشاهده پاره ای خیانت های سیاسی و اجتماعی، درون مذهبی او بیش از پیش متوجه حمایت خداوند گردید و تحولی شدید در وی ایجاد شد آن گونه که در زمان خانه نشینی، تمام وقت خود را وقف خواندن تفاسیر و مطالعات قرآنی کرد.

کتاب «سفر پنجم» او که دربرگیرنده اشعار مقاومت با مضامین دینی است در سال ۵۶ در دو ماه به سه چاپ با شمارگان سی هزار رسید. از مجموعه شعرهای او می توان به : رهگذر مهتاب، ۱۳۴۱ brelld the Red um (سروده هایی به زبان انگلیسی)، آیووا ۱۹۶۷م. ۱۳۴۷ش.

طنین در دلتا [و دفتر دوم]، سد و بازوان،سفر پنجم، حرکت و دیروز، بیعت با بیداری، مردان منحنی، دیدار صبح، در پیشواز صلح،گزیده ادبیات معاصر، هفت سفر، روشنگران راه و اندیشه در هدایت شعر، اشاره کرد.

اشعار صفارزاده با نظر به مسائل سیاسی و اشاره به وقایع مهم جهان دارای خط فکری خاصی است.در همه آثارش به جریان های سیاسی ایران و جهان نظر دارد.صفارزاده با استفاده از زبان محاوره، اصطلاحات عامیانه، حتی مطرح کردن شعارها، تلاش می کند به شعر و زبان مردمی نزدیک تر شود.شاید به همین دلیل، از آوردن واژه ها و اسامی، از زبان های بیگانه خودداری می کند.

شعر صفارزاده دارای اندیشه های شکل یافته است که در قالب کلمات عرضه می شود.در شعر صفارزاده، فرصت ها گرانبهاترند و خواننده با شاعری مواجه می شود که اسلوب را در زبانی فشرده و با بار بیشتر از لحاظ اندیشه و تفکر می بیند.او با استفاده از تعابیر مذهبی و قصص و آیات قرآن کریم به صورت تلمیح و جهان مداری و سیاست محوری، رنگ و بوی خاص به اشعارش بخشیده است.خودش می گوید: شعر مقاومت و طنز سیاسی هیچ وقت حکومت پسند نبوده است.

صفاری لاهیجانی، فتح الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۱ –۱۲۸۸ ش)، شاعر. در خانواده‌ای معروف و اصیل در رشت به دنیا آمد در کودکی پدرش را از دست داد و تحت سرپرستی مادر قرار گرفت. پس از فرا گرفتن علوم مقدماتی چندی نیز به تحصیل علوم قدیمی پرداخت و از افاضل زمان کسب فیض کرد. در آموزشگاه اختصاصی وزارت پست و تلگراف دوره‌ی تخصصی را گذراند و به استخدام این اداره درآمد. وی سالها در انجمن ادبی ساری فعالیت داشت و در همان جا از دنیا رفت. از آثارش: «دیوان» شعر متجاوز از پنج هزار بیت؛ «شکوفه‌هایی از ادبیات مازندران» که شامل سروده‌های شعرای مازندران به زبان فارسی و محلی است.[۱]

شاعر.

تولد: ۱۲۸۸، لاهیجان.

درگذشت: ۱۳۶۱، ساری.

فتح‌الله صفاری، فرزند میرزا موسی‌خان، معروف به «منشی»، در کودکی پدر خود را از دست داد و تحت سرپرستی مادرش قرار گرفت. وی پس از فراگرفتن علوم مقدماتی، چندی نیز به تحصیل علوم قدیمه پرداخت. از آن پس در آموزشگاه اختصاصی وزارت پست و تلگراف ثبت نام نمود و پس از گذراندن دوره تخصصی و اخذ گواهینامه به استخدام آن وزارتخانه درآمد و آخرین موقعیت شغلی او در ساری، معاونت اداره پست و تلگراف بود. وی سرانجام پس از سی و دو سال خدمت بازنشسته گردید.

فتح‌الله صفاری اوقات خود را پس از دوران بازنشستگی بیشتر به مطالعه‌ی کتاب و سرودن شعر می‌گذراند و سال‌ها در انجمن ادبی شهر ساری با سمت منشی و پس از آن ریاست انجمن خدمت کرد. آثارش در جراید و مجلات «باغ صائب»، «کتاب بزرگ سبز» و «ارمغان» انتشار یافته است. دیوانش متجاوز از پنج هزار بیت است که به چاپ نرسیده و نیز کتابی به نام شکوفه‌هایی از ادبیات مازندران تألیف کرد و شامل سروده‌های شعرای مازندران به زبان فارسی و محلی بود. وی بیشتر غزل می سرود.

فتح‌الله صفاری در سال ۱۳۶۱ در ساری بدرود زندگی گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] سخنوران نامی معاصر (۲۳۳۳ –۲۳۲۹ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۵۵۹ –۵۵۸)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۸).

صفاری، رحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۶ ش)، شاعر و مترجم. در رشت به دنیا آمد و در کالج آمریکایی تهران تحصیل کرد. او طبع شعر نیز داشت و در حدود هزار و پانصد بیت شعر سروده است. اثر وی: «بدبختی روشنفکران»، ترجمه.[۱]

تولد: ۱۲۹۶، رشت.

درگذشت: آبان ۱۳۶۹، تهران.

رحیم صفاری مدرسه‌ی کالج آمریکایی را گذرانیده بود و چندی در امور سیاسی و اجتماعی با جنبه‌های ملی فعالیت داشت. از نوشته‌های چاپ شده‌ی او ترجمه‌ی بدبختی روشنفکران اثر اشتفان زوایک است (تهران، ۱۳۲۸). چند نوشته رساله‌ی سیاسی هم

منتشر کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی (۴۷۰ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱۴ -۱۱۳ / ۳).

صفاری، سعدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعدی صفاری

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۹/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سعدی صفاری در سال ۱۳۴۷ هجری شمسی در روستای تسمکلایه از روستاهای منطقه الموت قزوین در خانواده‌ای ساده و متدین به دنیا آمدم، تحصیلات دوره ابتدایی و راهنمایی را در همان روستا گذراندم. سپس وارد حوزه علمیه قزوین شدم (۱۳۶۳) یکسال در حوزه علمیه صالحیه درس خواندم و همان سال عازم جبهه شدم. همزمان با درس حوزه دروس دبیرستان را نیز به صورت متفرقه ادامه دادم، سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم. چون مدتی از سال قبل را در جبهه بودم و بخشی از آن سال را نیز مشغول درس‌های دبیرستان بودم درس‌های حوزه را از اول شروع کردم.پس از اتمام دیپلم اقصاد و سال چهارم حوزه ازدواج کردم و همزمان در کنکور دانشگاه شرکت کردم و در رشته ادبیات فارسی دانشگاه کِلان قبول شدم اما به دلیل دوری مسافت یک ترم مرخصی گرفتم و بعد از آن از رفتن به دانشگاه منصرف شدم و درس‌های حوزه را ادامه دادم، ولی به دلیل مشکلات اقتصادی ناچار شدم به منطقه الموت برگردم و مشغول کارهای تبلیغی باشم. اما شوق ادامه تحصیل مرا وادار کرد دوباره به قم برگردم و تا جایی که ممکن است ادامه دهم پس از پایان دهم در دروه کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس نیز شرکت کردم و همزمان با دروس خارج حوزه در کارشناسی ارشد مدرسی الهیات مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم فارغ التحصیل شدم.در طول این مدت ماه‌های مبارک رمضان محرم و ایام تابستان را در مناطق مختلف کشور بالاخص ستاد مشترک سپاه در تهران مشغول به تبلیغ بوده‌ام. پس از پایان کارشناسی ارشد تربیت مدرس با اخذ مجوز تدریس از نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه به تدریس در دانشگاه آزاد تفرش مشغول شدم، قابل ذکر است که قبل از آن در حوزه علمیه صدوق قم نیز تدریس می‌کردم و در حال حاضر نیز به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور بوئین زهرا هفته‌ای سه تا چهار روز در آن دانشگاه تدریس دارم و در کنار تدریس گاهی مقالاتی را نیز می‌نویسم که یکی از آنها به چاپ رسیده است.

صفای اصفهانی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۲ / ۱۳۰۹ -۱۲۶۹ ق)، شاعر. وی در اصفهان به دنیا آمد. بعد به خراسان رفت و به تحصیل پرداخت. وی با ادیب نیشابوری مصاحب بود. صفای حافظه‌ای قوی و به علوم ادبی و عربی تسلط داشت از فسلفه و کلام و تفسیر بی‌بهره نبود. وی چندی در وادی عرفان پا نهاد و تا پاین عمر مجرد زیست. وی در مشهد درگذشت. منتخبی از اشعار او به کوشش دکتر مظاهر مصفا با نام «برگی از دیوان صفای سپاهانی» چاپ و منتشر شده است. از آثار او: «دیوان» شعر که به اهتمام احمد سهیلی خوانساری طبع و نشر شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ارمغان (س ۷، ش ۶ و ۷، ص ۴۱۷ -۴۰۳)، سخنوران نامی معاصر (۲۲۸۱ -۲۲۷۵ / ۴)، لغت‌نامه (ذیل/ صفای اصفهانی)، مؤلفین کتب چاپی (۷۷۱ / ۲).

صفای تبریزی، فضلعلی مولوی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۹ / ۱۳۳۷ -۱۲۷۸ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، ادیب و شاعر، متخلص به صفا. پدرش ملاباشی آذربایجان بود. وی در تبریز به دنیا آمد. به تحصیل مقدمات و صرف و نحو و معانی و بیان و بدیع و عروض و قافیه و تجوید و قرائت و حساب و نجوم نزد آقا میر علی زنوزی پرداخت. سپس فقه و اصول را فرا گرفت. استادان وی در فقه و اصول میرزا محمد حسن زنوزی و حاج میرزا محمد علی ملاباشی آذربایجان، برادرش، بودند. او تفسیر و کلام را نزد پدرش آموخت. سپس برای تکمیل تحصیلات عالیه به عتبات سفر کرد و در محضر علمای بزرگ حاضر شد و سرانجام به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از فاضل شرابیانی و فاضل ایروانی و ادرکانی و شیخ

زین‌العابدین مازندرانی نائل گردید. در ۱۳۰۷ ق به تبریز بازگشت و به تدریس فقه و اصول و تفسیر پرداخت. در ۱۳۲۴ ق از طرف مردم تبریز به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. وی در ۱۳۳۶ ق برای معالجه به اروپا رفت اما اقامت طولانی وی مفید واقع نشد و در برلین درگذشت و در گورستان مسلمین آنجا دفن شد. فرزندزادگان وی به نام مولوی مشهورند. از آثارش: «احکام الاراضی الخراجیه»؛ «استصحاب»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ «حدایق العارفین»، در جمع آیات و اخبار کتب اربعه؛ شرح «قصیده‌ی عینیه» سید حمیری؛ «مصباح الهدی فی حقیقه التقیه و البداء»؛ «کلید دانش»، در صرف فارسی؛ «ریاض الازهار»؛ «سفرنامه»؛ «دیوان» شعر، به عربی و فارسی؛ قصیده‌ی «لامیه السفر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۲۹۹ -۲۹۸)، الذریعه (۱۰ / ۱۴، ۲۷۱ / ۱۲، ۶۰۸ / ۹، ۲۸۹ / ۶)، ریحانه (۴۵۱ -۴۴۸ / ۳)، علماء معاصرین (۱۲۱ -۱۲۰)، فرهنگ سخنوران (۵۵۷)، مکارم الآثار (۲۱۹۶ -۲۱۹۲ / ۶)، یادگار (س ۳، ش ۶ و ۷، ص ۱۱۶ - ۱۱۰).

صفای تفرشی، عبدالحمید

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به صفا. اصل وی از تفرش است. قصیده را خوب می‌سرود و به کمالات معنوی آراسته و سرعت قلم او بر همه مسلم بود. چنان که هر شبانه روز، هزار بیت کتابت می‌کرد و از این طریق امرار معاش می‌نمود. او در تاریخ تألیف «گنج شایگان»، در ۱۲۷۴ ق، هنوز می‌زیسته است. از آثار وی: «اکسیر الحکماء»، (گنج دانش در پند حکماء)؛ «دیوان» شعر. لازم به ذکر است که صاحب «مجمع الفصحا»، «دیوان» وی را مفقود شده می‌داند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۷۱ / ۲)، المآثر و الآثار (۲۰۵)، الذریعه (۶۰۸ / ۹)،حدیقه الشعراء (۱۰۱۵ -۱۰۱۴ / ۲)، گنج شایگان (۳۳۱ -۳۲۸)، لغت‌نامه (ذیل/ صفای تفرشی)، مجمع الفصحا (۶۹۹ -۶۹۴ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۷۸۰ -۷۷۹ / ۳).

صفای شهمیرزادی، ذبیح‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۸ -۱۲۹۰ ش)، محقق، مترجم، مصحح، نویسنده، ادیب، شاعر و استاد دانشگاه. وی در شهمیرزاد سمنان به دنیا آمد، تحصیلات ابتدایی و متوسطه در همان جا و بابل گذراند، سپس به تهران آمد و تحصیلات خود را در تا درجه‌ی دکترا ادامه داد و به استادی دانشگاه ادبیات رسید و با نوشتن مقالات ادبی و تاریخی در مجلات «مهر» «ایران امروز» و «تعلیم و تربیت» و غیره استعداد خود را نشان داد. وی مدیریت سال اول مجله‌ی «سخن» و مدیریت سال پنجم و هفتم مجله‌ی «مهر» را نیز بر عهده داشته و تأسیس روزنامه‌ی «شباهنگ» نیز از اقدامات اوست. او مدتی دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو در ایران و زمانی رییس دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران بود. دکتر صفا در سالهای آخر عمر در شهر لوبک (آلمان) می‌زیست.از آثارش: «تاریخ ادبیات در ایران»، در پنج جلد؛ «حماسه‌سرایی در ایران»؛ «تاریخ علوم عقلی»، در تمدن اسلامی تا قرن پنجم هجری؛ «مزداپرستی در ایران قدیم»، ترجمه؛ تصحیح «دیوان عبدالواسع جبلی»؛ «جشن‌نامه‌ی ابن‌سینا»؛ «آیین سخن در معانی بیان»؛ «تربیت معلمین روستایی»، ترجمه؛ «شاهکارهای ادبیات فارسی»، در جند مجلد؛ «فلسفه لایب نیتس»؛ «گنج سخن»؛ «مرگ سقراط»، ترجمه؛ «نگهبانان ایران»؛ «یادنامه‌ی خواجه نصیر»؛ «مادر دیوانه»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :چهره‌های آشنا (۳۶۸ -۳۶۷)، سخنوران نامی معاصر (۲۳۰۰ -۲۲۹۵ / ۴)، فهرست کتابهای چاپی (۳۴۴۳، ۲۸۴۸ ، ۲۷۰۰ / ۲، ۱۲۲۱ / ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۸)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴ -۸۰ / ۳).

صفای شیرازی، ابراهیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. وی از بزرگان شیراز و از سلسله سادات دشتکی و از احفاد غیاث‌الدین منصور دشتکی بود. در اواخر سلطنت نادر شاه افشار (م ۱۱۶۱ ق)در شیراز درگذشت. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۵۷ -۴۵۵ / ۳)، الذریعه (۶۰۸ / ۹)، ریحانه (۴۴۸ / ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۵۰۸ -۱۰۵۷ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۵۵۸ -۵۵۷)، لغت‌نامه (ذیل/ صفا)، مرآت الفصاحه (۳۶۰ -۳۵۹)، مصطبه‌ی خراب (۱۱۸)، نتایج الافکار (۴۲۴ -۴۲۳)، نگارستان دارا (۲۱۷ -۲۱۶).

صفای شیرازی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۵۱– ز ۱۳۱۳ ق)، قاضـی و شاعر، متخلص به صفا. معروف به شیخ‌الاسلام. در شیراز به دنیا آمد. پس از تحصیل مقدمات، در محضـر پـدر و حاج شـیخ مهـدی کجوری و آخونـد ملا محمـد علی محلاتی فقه و اصول و تفسـیر و حـدیث را فراگرفت. به حج و امـاکن مشـرفه عراق رفت و به شـیراز بـازگشت. سالهـا منصب شیخ‌الاسـلامی در خـانواده‌ی ایشـان بود و نسـل به نسل این سـمت را داشـتند و صفا نیز مدتی عهده‌دار این منصب بود. بعد از وفات پدرش به قضاوت مشغول شد و پسرش حاج شیخ محمد باقر متخلص به وفا نیز در علوم شـرعی کامل بود و گاه به جای پدر بر مسـند قضاوت می‌نشسـت. صـفا در تفسـیر و فقه کرسـی تدریس داشت و اشـعار عارفانه نیز می‌سرود. وی «دیوان» شعر مرتبی داشته و فرصت شیرازی در «آثار عجم» (تالیف شده ۱۳۱۳ ق) ابیاتی را به نام او ضبط کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۱۱ –۵۱۰)، حدیقه الشعراء (۱۰۲۰ –۱۰۱۵ / ۲)، دانشـمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۵۴ / ۳)، الذریعه (۶۰۹ / ۹)، ریحانه (۴۴۸ / ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۲۳ / ۲)، مرآت الفصاحه (۳۵۸ –۳۵۶)، مکارم الآثار (۱۴۰۲ / ۴).

صفای قمی، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۴ ش)، شاعر متخلص به صـفا. ملقب به صـفاعلی و مشهور به ناظم. وی در قم به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در مدرسه‌ی خان آن شهر به تحصیل علوم عربی پرداخت و صرف و نحو منطق و معانی و بیان را از اساتید فن آموخت. وی به علت علاقه به نوباوگان، دبسـتانی را تاسیس کرد و مدت دوازده سال به کار آموزش و پرورش کودکان اشتغال ورزید. وی چندی نیز در طریق سیر و سلوک قدم نهاد و با ارباب حال و تصوف درآمیخت و به اعتزال و گوشه‌گیری پرداخت. از اوست:

هر چند صفا غرق گناه است خدا

وز کرده‌ی خویش رو سیاه است خدا

افزون بود از ز کوه جرم و گنهش

پیش کرمت چو پر کاه است خدا

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۲۲۹۴ –۲۲۹۱ / ۴).

صفای لواسانی، علی محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۹ –۱۲۲۱ ق)، خطـاط و شـاعر، متخلص به صـفا. معروف به حسن خلق. وی برادر کوچـک میراز محمـد جعفر ملقب به حکیم الهی است. این سلسـله پیوسـته در ایران به فضـل و کمـال و جاه و جلال معروف و پـدران ایشان نزد سـلاطین افشاریه و قارجاریه به عزت موصوف بوده‌اند. میرزا علی محمد در آغاز جوانی به تحصـیل کمالات کوششها کرد و رنجها برد تا مجمع هنر و مخزن کمال شـد. او مـدتها در تهران و کرمـان به سـر برد و اکتسـاب کمالات کرد و به طریقه‌ی شـیخ احمـد احسایی مایل بود. صـفا را در خط نستعلیق ستوده‌اند، در حالی که خط شکسته و تحریر او نیز دست کم از نستعلیق ندارد. صفا در تهران درگذشت و در جوار مزار حر بن یزیـد ریـاحی در عتبـات به خـاک سپرده شـد. از آثـار وی: «دیوان» شعر؛ «نصایـح الامین»؛ یک نسـخه از «وجیزه‌ی» حاج میرزا آقاسی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «کتبه العبد... علی محمد بن حسین علی اللواسانی النظامی... سنه‌ی ۱۲۶۱»؛ یک نسخه «نصایح» سعـدی، به قلم کتـابت خوش، با رقم: «از روی خط استاد بابا شاه اصـفهانی... علی محمـد اللواسانی... ۱۲۷۶»؛ یـک حکایت، به قلم کتابت خوش، با رقم: «از جلـد اول و صاف نقل شـد... علی محمد اللواسانی غفر ذنوبه ۱۲۵۰»؛ یک نسـخه از «شرح شمسیه»، به قلم کتابت جلی خوش، با رقم: «تمت... سنه‌ی ۱۲۶۴،... انا العبد علی محمد اللواسانی غفر له و الوالدیه». دیگر آثار خطی وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۸۴ –۴۸۱ / ۲)، اطلس خط (۶۲۵)، حدیقه الشعراء (۱۰۲۵ –۱۰۲۳ / ۲)، الذریعه (۶۱۰ / ۹)، طرائق الحقائق (۶۴۰ / ۳)، فرهنگ سخنوران (۵۵۸)، لغت‌نامه (ذیل/ صفای لواسانی)، المآثر و الآثار (۱۹۹)، مجمع الفصحا (۷۰۹ –۷۰۷ / ۵)، مکارم الآثار (۷۳۲ –۷۳۰ / ۳)، یادگار (س ۳، ش ۵، ص ۳۹).

صفای محلاتی، محمد رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۲۱ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به صفا. ملقب به سلطان الکتاب. او از کاتبان خوشنویس بود که در دربار ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه قاجار سمت لشکرنویسی داشت و بسیاری کتاب به خط او چاپ شده است، از جمله: یک نسخه «اوصفا ناصری»، به قلم کتابت جلی خوش، با رقم: «کاتبه... ابن حاجی میراز حبیب‌الله متخلص بخاقانی شیرازی‌الاصل، حاجی میرزا محمد رضای متخلص بصفا»؛ یک سنخه «دیوان» مجمر، به قلم کتابت و دو دانگ خوش، با رقم: «کتبه الحقیر الفقیر محمد رضا متخلص بصفای محلاتی الملقب بسلطان الکتاب ۱۳۱۲»؛ یک نسخه «دیوان» حکیم سوری، به قلم کتاب خوش، با رقم: «کتبه العبد حاجی صفای سلطان الکتاب... سنه‌ی ۱۳۲۱». سه اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۳۱ -۷۳۰ / ۳)، الذریعه (۶۱۰ / ۹).

صفای نایینی، محمد باقر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۸۵ / ۱۰۸۲ / ۱۰۸۰ ق)، شاعر، متخلص به صفا. از شاعران و عالمان برجسته نایین بود که نسب وی با چند واسطه به خواجه عبدالله انصاری می‌رسید. صفا از بیشتر علوم روزگار خود بهره داشت و از تعلقات دنیوی بدور بود. در جوانی درگذشت. از آثار وی: «مفتاح الافق»، در اصول خمسه‌ی دین؛ دیباچه‌ای بر «دیوان»شعر خود؛ چندین رساله‌ی دیگر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۹۸ -۱۹۷)، الذریعه (۶۱۰ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۵۸).

صفایی اصفهانی، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۳۰ ق)، خطاط، موسیقیدان و شاعر، متخلص به صفایی. وی در علم سیاق و موسیقی مهارت داشت به زبان عربی مسلط بود. در شعر نیز به قصیده‌سرایی متمایل بود و بر نظم و نثر تسلطی تمام داشت. صفایی اکثر خطوط را خوش می‌نوشت و به دسترنج کتابت امرار معاش می‌کرد. شاهکار صفایی، قطعه‌ی مفصلی است معروف به «ارزنیه» که آن را در شرح ارزن طلبیدن خود از کسی و ابای او از آن گفته است.[۱]

اصفهانی (ملا) محمد بن (ملا) سبزعلی شاعر ایرانی (ف. پس از ۱۲۲۵ ه.ق.). وی از گویندگان فاضل و ماهر عهد فتحعلی شاه قاجار است، ولی شهرتی به دست نیاورده. صفایی در موسیقی و حساب سیاق ماهر بود و خط را نیز نیکو می‌نوشت در شعر به قصیده سرایی اقبال داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۶۳۹ / ۳)، حدیقه الشعراء (۱۰۲۶ -۱۰۲۵، ۱۰۱۱ -۱۰۱۰ / ۲)، الذریعه (۶۱۱ / ۹)، سفینه المحمود (۴۴۰ -۴۳۹ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۵۵۹)، لغت‌نامه (ذیل/ صفائی اصفهانی)، مجمع الفصحا (۵۶۵ -۵۶۴ / ۵)، نگارستان دارا (۲۲۳ -۲۲۲)، یادگار (س ۳، ش ۹، ص ۳۲ -۲۷).

صفایی اعرجی خوانساری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۲۹۰- ح ۱۳۶۰ ق)، عالم دینی و فقیه. با بیست و نه واسطه نسبش به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. در خوانسار به دنیا آمد. نزد علامه شیخ میرزا حسین خوانساری علوم ادبی و متون فقهی را تکمیل کرد. پس از آن به اصفهان رفت و سطوح عالی را نزد علمای آن شهر خواند و دروس خارج فقه و اصول را خدمت آیت‌الله هاشم چهارسوقی خوانساری، مؤلف «اصول آل الرسول» و «مبانی الاصول» و «رساله‌ی احکام الایمان»، و آیت‌الله شیخ محمد تقی نجفی مسجد شاهی و آیت‌الله سید محمد باقر درچه‌ای، استاد آیت‌الله بروجردی، و علامه آیت‌الله شیخ ابوالمعالی کلباسی و شیخ محمد علی ثقه‌الاسلام و آقا میرزا حسن بن آقا میرزا ابراهیم و آیت‌الله شیخ ابوالمعالی کلباسی و شیخ محمد علی ثقه‌الاسلام و آقا میرزا حسن بن آقا میرزا ابراهیم و آیت‌الله میرزا حسن نجفی و آیت‌الله شیخ محمد باقر فشارکی، صاحب «عنوان الکلام»، فرا گرفت و پس از آن به نجف رفت و در مباحثات مراجع نجف: علامه طباطبایی یزدی و علامه خراسانی و آیت‌الله میرزا حسین خلیلی و آیت‌الله شریعت اصفهانی حاضر شد و استفاده‌ها نمود. پس از نیل به مدارج عالی علم و مرتبه اجتهاد به خوانسار بازگشت و به خدمات دینی پرداخت. در خوانسار از دنیا رفت و در همان شهر به

خاک سپرده شد. از آثارش: «کشف الاستار عن وجه الکتب و الاسفار» یا «کشف الحجب عن لاسفار و الکتب»، به ترتیب «کشف الظنون»، در حالات مؤلفین شیعه و مؤلفات آنها؛ کتاب در «الاستصحاب»؛ کتاب «التعادل و التراجیح»؛ کتاب در «حجیه الظن»؛ کتاب در «مسالهی ولایت»؛ کتاب در «معاطاه»؛ کتاب در «بیع الوقف»؛ «تاریخ بلدهی خوانسار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار الحجه (۲۹۳ -۲۹۱ / ۲)، الذریعه (۲۷ ،۱۱ / ۱۸)، ریحانه (۴۵۱ / ۳)، علماء معاصرین (۱۸۴)، گنجینهی دانشمندان (۵۳ -۵۱ / ۵).

صفایی بوشهری، غلامعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامعلی صفائی بوشهری

محل تولد : بوشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۳۸ در بوشهر به دنیا آمدم ، پدر و مادری مهربان و متدین متکفل تربیت بنده بودند که با تمام تلاش به این مهم پرداختند و هم اینک در جوار حق آرمیده اند. دوران ابتدائی در مدرسه باقری دبیرستان در دبیرستان سعادت سپری کردم. از کودکی با حضور در مسجد و آشنائی با مبانی دین و ولایت خاندان پیامر علیهم السلام بافت روحی مذهبی در وجودم شکل گرفت به همین جهت در تمامی مراسم در مسجد حضور فعال داشتم و با شکل گیری شکوهمند انقلاب اسلامی به فعالیتهای انقلابی از قبیل تشکیل گروه مطالعه و آموزش و پخش اعلامیه های حضرت امام ره نوارهای سخنرانیهای ایشان ، ایجاد نمایشگاه کتاب و عکس و همراهی با نیروهای انقلابی اصیل به رهبری روحانیت و شکل دهی به راهپیمائیها پرداختم و بعد از پیروزی انقلاب با خدمت در جهاد سازندگی و اندکی در کمیته انقلاب اسلامی توفیق داشتم و به تشخص نیاز انقلاب و منطقه و علاقه وافری که به تحصیل در حوزه داشتم در سال ۱۳۶۱ به قم و تحصیل مشغل شده ام ، با جدیت و تلاش وافر به تحصیل پرداختم و با دقت به این مهم مشغول شدم به طوری که در سال سوم دعوت به تدریس شدم و تا کنون به این موهبت الهی اشتغال داشته و در همه سطوح تدریس کرده ام ، قریب به هفده سال در مدارس سپس در مدرسه دارالشفاء به آموزش معارف و علوم اسلامی مشغولم درهمین اوان متأهل و دارای دو دختر و یک پسر میباشم . با آشنائی با اساتید تزرگ معارف و اخلاق اسلامی با مبانی اصیل عرفانی و اخلاقی پرداختم و از اساتید عالی مقالم حوزه علمیه حظ وافر بردم سالها تدریس ادبیات ، اصول و فقه داشته و دروس اخلاق و صحیفه سجادیه در مدارس ، مرکز تربیت مدرس حوزه و منزل از دیگر توفیقات اینجانب است. پس از چندی از طرف دفتر تدوین و نشر متون حوزه جهت تالیف کتب آموزشی حوزه دعوت به همکاری شده و کتب آموزشی حوزه مثل آموزش صرف ، بدایه النحو ، نهایه النحو ،مغنی الادیب و طراحی جدید آموزش ادبیات عرب را آغاز و به سرانجام رساندم . هم اینک مشغول تدریس خاج اصول و معارف اخلاقی و صحیفه سجادیه میباشم خداوند همه ما را عاقبت به خیر نماید.

صفایی تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۶ ق)، شاعر و خطاط. در تبریز نشوونما یافت و بعدها به علت تصرف شهر تبریز توسط رومیان به قزوین گریخت. وی در فقه استاد و در قرائت قرآن دست داشت و خط نسخ را بسیار خوب مینوشت. صفایی غزل را استادانه میسرود. وی در قزوین درگذشت و همان جا دفن شد. از آثار «دیوان» شعر میباشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۰۰)، تحفه سامی(۳۱۷)، تذکرهی شعرای آذربایجان (۳۹۵ -۳۹۴ / ۲)، تذکرهی میخانه (۹۰۱ - ۹۰۰)، دانشمندان آذربایجان (۲۳۱ -۲۳۰)، الذریعه (۶۱۲ -۶۱۱ / ۹)، سخنوران آذربایجان (۴۹۱ -۴۹۰)، فرهنگ سخنوران (۵۵۹).

صفایی خراسانی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، شاعر. معروف به صفایی کاردگر. از شاعران خراسان و از نزدیکان و معاصران جامی (م ۸۹۸ ق) بود. صفایی

از خراسان به یزد رفت و مدت مدیدی در آن سامان زیست تا آن جا که صاحب «جامع مفیدی» او را در شمار بزرگان آن سامان ذکر کرده است. صفایی بیشتر از راه کاردگری امرار معاش می‌کرد و در کنار آن نیز شعر، بویژه غزل، می‌سرود. در پایان عمر به خراسان بازگشت و در همان سامان درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۲۸۷)، جامع مفیدی (۴۵۶ / ۳)، الذریعه (۶۱۱ / ۹)، صبح گلشن (۲۵۳ –۲۵۲)، فرهنگ سخنوران (۵۵۹)، لغت‌نامه (ذیل/ صفائی).

صفایی خوانساری، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۱ ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. در خوانسار به دنیا آمد و همان جا نشوونما یافت و مقدمات را از آقا سید علی خوانساری، دایی خویش، فرا گرفت. سطوح را نزد پدرش آموخت. در ۱۳۴۰ ق به قم رفت و در حوزه‌ی درس آیت‌الله حایری حاضر شد و چندین دوره فقه و اصول را نزد ایشان خواند و مقام اجتهاد و استنباط را حائز شد. وی از آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله نایینی، آن مدتی که آن دو در قم بودند، بهره‌مند گردید. همچنین مدتی از آیت‌الله قمی و آقازاده‌ی خراسانی و آقا رضا مسجد شاهی و میرزا محمد صادق اصفهانی استفاده کرد. با ورود آیت‌الله بروجردی به قم از اصحاب استفتاء و خواص حواریون ایشان گشت و به تدریس فقه و اصول اشتغال یافت. او از نوزده تن از مراجع عظام نجف و قم و مشهد و اصفهان و تهران اجازه اجتهاد و روایت داشت. وی در قم درگذشت و در مسجد بالای سر حضرت معصومه (ص) دفن شد. او دارای تصنیفات و تألیفات بسیاری است که از آن جمله: «الدیانه الاسلامیه و معتقدات الامامیه»، در اصول اعتقادات؛ «تقریرات» درس آیت‌الله حایری، رد اصول و صلاه و نکاح و مکاسب؛ «الجواهر المودعه»؛ رساله‌هایی در تفسیر آیات «مبداء و معاد».[۱]

عالم علوم دینی.

تولد: ربیع‌الاول سال ۱۳۲۱.

درگذشت: ۲۴ مهر ماه ۱۳۷۱.

حضرت آیت‌الله حاج سید مصطفی صفایی خوانساری، فرزند آیت‌الله حاج سید احمدحسین صفایی صاحب کتاب کشف الاستار عن وجه الکتب و الاسفار، بود. مقدمات و سطوح و مقداری از فلسفه و حکمت را نزد دایی و پدرش و دیگر اساتید خوانسار فراگرفت. در سال ۱۳۴۰ ق. به شوق فراگیری علوم اسلامی به قم آمد و در درس آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری حضور یافت و چندین دوره فقه و اصول را در محضر ایشان فراگرفت. همزمان در محضر حضرت آیت‌الله سید ابوالحسن رفیعی قزوین، کتاب اسفار را و در محضر حضرت آیت‌الله شاه‌آبادی، کتاب مصابح الانس و شرح فصوص قیصری را فراگرفت. از اساتید دیگر ایشان می‌توان از آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی و میرزا حسین نایینی (که در توقف هشت ماه آنان در قم از حضورشان بهره برد)، میرزا محمد آقازاده، حاج شیخ مرتضی آشتیانی، حاج شیخ محمدرضا مسجدشاهی، میرزا محمدصادق احمدآبادی اصفهانی نام برد.

آیت‌الله خوانساری از آیت‌الله حائری اجازه اجتهاد و از حضرات آیات عظام، حائری، اصفهانی، بروجردی، آقا ضیاء عراقی، آشتیانی، ابوالمجد مسجدشاهی، شیخ محمدتقی خوانساری، میرزا محمد فیض، محدث قمی، میرزا محمد عسگری تهرانی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، مرعشی نجفی، سید عبدالحسین شرف‌الدین و میرزا رضی تبریزی و برخی دیگر اجازه‌ی روایات دریافت کرده است.

از آثار وجودی ایشان کتابخانه‌ای بزرگ– که دارای صدها نسخه خطی است– و بنای مسجدی در خوانسار و مسجدی در قم را می‌توان نام برد. تألیفات وی عبارتند از: حاشیه بر وسیلهٔ النجاهٔ، تقریرات درس فقه و اصول آیت‌الله حائری، حاشیه بر دررالاصول، رسائل، مکاسب، کفایه، قوانین و شرح لمعه، الدیانهٔ الاسلامیهٔ (در اصول عقاید)، الجواهر المودعهٔ، تفسیر مبدأ و معاد و...

حضرت آیت‌الله صفایی خوانساری صبح روز جمعه بیست و چهارم مهر ۱۳۷۱ (هیجدهم ربیع‌الثانی ۱۴۱۳) در نود و دو سالگی چشم از جهان فرو بست و در مسجد بالا سر حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۲۹۳ –۲۹۱، ۷۷ –۷۶ / ۲)، آینه‌ی دانشوران (۲۳۷ –۲۳۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۳۹ –۱۳۸ / ۲).

صفایی سمنانی، محمود علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، صوفی و شاعر. به واسطه‌ی صدای نیکو، سالها به مدیحه‌خوانی اشتغال داشت. در آخر کار در زمره‌ی فقرای صفی علیشاهی درآمد و بعد سرپرست خانقاه سنگسر شد. وی از طریق عکاسی روزگار می‌گذراند. از آثار وی: «اسرار تصوف»، شعر؛ «توحید عشق»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۹۶۴، ۱۹۶ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱۳ –۱۱۲ / ۶).

صفایی قاینی، علیرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۸ ق)، خطاط، نقاش، طبیب و شاعر، متخلص به صفایی. از سادات حسینی قاین بود که در اصفهان سکونت داشت. وی شعر می‌گفت و نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت. صفایی در نقاشی نیز دست داشت و در شیوه‌های ایرانی و فرنگی نقش می‌آفرید. از آثار وی: «دیوان» شعر؛ یک نسخه غزلیات و، به قلم نستعلیق و شکسته نستعلیق خوش، با رقم: «بجهه تقدیم... علی‌رضا الحسنی القایینی الطبیب المتخلص به صفائی... سنهٔ ۱۳۰۸»؛ جلد روغنی مثنوی زیبایی که خط آنرا برادرش،محمد علی قاینی به این رقم نوشته است: «رقم کمترین اقل السادات علیرضا بن محمد اسمعیل الحسنی القاینی». مولف «احوال و آثار نقاشان» قلمدانی از وی دیده است که در روی آن، تصویر کالسکه‌ای است، با رقم: «کمترین علیرضا الحسینی القاینی سنه ۱۲۰۵»، که احتمالا صحیح این تاریخ ۱۳۰۵ ق است. در «الذریعه» و «بزرگان قائن» تخلص صاحب عنوان، صفا ذکره شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۶۳ / ۲)، احوال و آثار نقاشان (۳۸۴ / ۱)، بزرگان قائن (۲۷۹ -۲۷۷)، الذریعه (۶۰۹ / ۹).

صفایی قمی، شاطر غلامحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۳ ق)، شاعر. در قم به دنیا آمد. از ده سالگی به تهران آمد و مقیم شد.صفایی نزدیک به بیست هزار بیت شعر سروده است.

از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (۹۹)، الذریعه (۶۱۲ / ۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۰ / ۴).

صفایی قمی، محمد صفی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۱۵ -۱۱۵۹ ق)، شاعر. علوم را نزد پدر و استادان عصر خود آموخت. پس از درگذشت پدر ترک وطن کرد و به هندوستان مهاجرت نمود. مدتی را در لکهنو در خدمت نواب آصف‌الدوله بهادر گذراند و با دختر میرزا علی‌خان، برادر نواب سالار جنگ، ازدواج کرد و به علت این وصلت به مصایب زیادی دچار گردید. صفایی در سرودن شعر مهارت داشت. او اشعار بسیاری سروده است. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۶۱۲ / ۹)، صبح گلشن (۲۵۳)، فرهنگ سخنوران (۵۵۹)، لغت‌نامه (ذیل/ صفائی)، هدیه العارفین (۳۵۳ / ۲).

صفایی کرمانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی اصلا از کرمان بود. گویند شعر بسیار داشته و در فتنهٔ کرمان و قتل عام آن سامان (۱۲۰۹ ق) که به حکم آقا محمدخان قاجار اتفاق افتاد از میان رفته. از اوست:

نه به خاک سر کویت دل غمناک نشست

هر که آمد به سر کوی تو بر خاک نشست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۰۲۷ -۱۰۲۶ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۵۶۰ -۵۵۹)، مصطبه خراب (۱۱۷).

صفایی ملایری، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۶ / ۱۲۹۲ ش)، مورخ، روزنامه‌نگار، نویسنده و شاعر. وی در ملایر به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود و دوره‌ی متوسطه را در مدرسه‌ی آمریکایی همدان به پایان رسانید. وی پس از اتمام دوره‌ی دبیرستان به فراگرفتن علوم مقدماتی عرب همت گماشت و رموز فن شعر را از آزاد همدانی و وحید دستگردی در تهران آموخت و از آن پس به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. وی در ۱۳۱۵ ش در اهواز با روزنامه «خوزستان» همکاری داشت. سپس به تهران آمد و به نشر هتفه نامه‌ی «عسس» پرداخت. از آثارش: «اسناد سیاسی دوران قاجار»؛ «اسناد مشروطه»؛ «اسناد نویافته»؛ «برگ‌های تاریخ»؛ «دادگری و دادرسی در ایران»؛ «رهبران مشروطه»؛ «نکته‌های برگزیده تاریخ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۴۱۷ -۴۱۶ / ۲)، الذریعه (۶۱۲ / ۹)، سخنوران نامی معاصر (۲۳۲ -۲۳۱۶ / ۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۵۴۳ ،۱۸۰۱ -۱۷۹۷ / ۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۹ -۲۲۸)، مؤلفین کتب چاپی (۷۱ -۶۹ / ۱).

صفایی یزدی، محمد علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۴ / ۱۲۳۴ ق)، شاعر. اهل یزد بود. وی چندی در خدمت شاهزاده محمدعلی میرزا دولتشاه بود. میرزا محمد علی با وامق یزدی، صاحب تذکره‌ی «میکده»، معاصر و معاشر بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره سخنوران یزد (۱۹۰ -۱۸۹)، حدیقه الشعراء (۱۰۳۱ / ۲)، الذریعه (۶۱۳ / ۹)، سفینه المحمود (۴۳۹ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ صفائی یزدی)، مجمع الفصحا (۶۷۳ / ۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۱۸)، مکارم الآثار (۱۲۲۱ / ۴)، نگارستان دارا (۲۲۳).

صفایی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۲ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. پدرش آیت‌الله حاج شیخ محمد علی حایری قمی صاحب حاشیه بر «کفایه» بود. در سامراء به دنیا آمد و تحصیلات خود را بیشتر در محضر پدر فرا گرفت و در بیست سالگی به درجه اجتهاد رسید. او همچنین از حوزه‌ی درس آیت‌الله حایری یزدی بهره‌ها گرفت. بعد از پدر در مسجد نو قم به انجام خدمات دینی مشغول شد و تا آخر عمر به تدرس و تألیف اشتغال داشت. از آثارش: «تاریخ شخصیت و صفات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله»، در دو جلد؛ «تاریخ زندگانی امیرالمومنین علی علیه‌السلام»، در سه جلد: جلد اول در ایام خلفا، جلد دوم از خلافت تا شهادت در دو بخش: جمل و صفین، جلد سوم شرح فضایل و مناقب آن حضرت؛ کتابی درباره «زندگانی امام حسین (ع)»؛ «تاریخ سیدالشهداء»، در دو جلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار الحجه (۵۶ -۵۵ / ۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۹۰ -۱۸۹ / ۲ ،۳۳۶ / ۱).

صفائی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین نخبه العلماء العاملین آقای حاج شیخ عباس بن العلامه الکبری و آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمدعلی حایری قمی (صاحب حاشیه بر کفایه) از علماء اعلام و دانشمندان عظام شهرستان قم معروف به فضل و کمال موصوف به علم و تقوا در سال ۱۳۲۲ ق در شهر سامرا متولد شده و تحصیلات خود را بیشتر نزد والد بزرگوار خود خوانده و هم از محضر آیت‌الله العظمی حایری استفاده نموده و بعد از فوت مرحوم والدش در سال ۱۳۵۸ ق به جای آن مرحوم در (مسجد نو) واقع در خیابان شیخان به اقامه جماعت و ترویجات دینی قیام نموده و تاکنون که نزدیک هفتاد سال از سن شریفش می‌گذرد به تدریس و تالیف و سایر خدمات دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

صفائی حائری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌اللّه علی صفائی حائری در سال ۱۳۳۰ ه . ش (۱۳۷۰ ق) در بیت علم و تقوا و در مهد دانش، در شهر مقدس قم چشم به جهان

گشود.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : پدرعلی صفائی حائری ، حضرت آیت‌اللّه آقای حاج شیخ عباس صفایی حائری (ره) از افاضل علمای زمان خود به شمار می‌رفت. پدر بزرگش مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حاج شیخ محمد علی صفایی حائری قمی (ره) ، از فحول علمای نجف بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی صفائی حائری پس از اتمام تحصیلات ابتدایی، به فراگیری علوم اسلامی پرداخت.وی ادبیات و بخشی از سطح را نزد مرحوم حاج شیخ نصرت میانجی و آیت‌اللّه جلیلی آموخت. شرح لمعه را نزد شهید محراب، مرحوم آیت‌اللّه مدنی و آیت‌اللّه میرزا ابوالفضل موسوی تبریزی و آیت‌اللّه موسوی اردبیلی، کتاب رسائل را نزد حضرت آیت‌اللّه آقای حاج سید مهدی روحانی و مکاسب و کفایه را نزد آیت‌اللّه ستوده (ره) ، آیت‌اللّه میرزا حسین نوری و آیت‌اللّه فاضل لنکرانی فرا گرفت.مرحوم صفایی از استعدادی فوق العاده و هوشی سرشار برخوردار بود؛ به همین جهت در مدتی کوتاه توانست مدارج ترقی را پیموده، دروس سطح را با فراست و دقت پشت سر گذاشته و به درس خارج فقه و اصول راه پیدا کند. اساتید او در درس خارج فقه و اصول، حضرات آیات عظام آقایان: مرحوم محقق داماد؛ و حاج آقا مرتضی حائری؛ و مرحوم پدرش آیت‌اللّه حاج شیخ عباس صفایی حائری بودند. وی مراحل عالی فقه و اصول را با کنجکاوی و ذکاوت خاص خود در محضر پدر طی نمود، تا آن جا که به حلقه مباحثات علمی ایشان راه پیدا کرد. شوق زاید الوصف او در فراگیری علوم و عشق و علاقه‌اش به راهی که انتخاب کرده بود، از عواملی بودند که لحظه‌ای او را آرام نگذاشتند و هیچ مانعی باعث نشد که او از فراگیری دانش و معرفت غافل شود. او لیاقت خود را در درک عمیق و صحیح مبانی فقه و اصول به همگان نشان داد و به عنوان یکی از اساتید صاحب نام و طراز اوّل حوزه علمیه، درخشید و در عنفوان جوانی به مقام شامخ اجتهاد نایل آمد.استادان و مربیان : از استادانی که علی صفایی حائری درمحضرشان کسب فیض نموده به شرح زیر است: حاج شیخ نصرت میانجی و آیت‌اللّه جلیلی، مرحوم آیت‌اللّه مدنی ، آیت‌اللّه میرزا ابوالفضل موسوی تبریزی ، آیت‌اللّه موسوی اردبیلی،حضرت آیت‌اللّه آقای حاج سید مهدی روحانی ، آیت‌اللّه ستوده (ره) ، آیت‌اللّه میرزا حسین نوری ، آیت‌اللّه فاضل لنکرانی ، مرحوم محقق داماد، حاج آقا مرتضی حائری و عمده‌ترین استاد او در این مقطع، مرحوم پدرش بود.زمان و علت فوت : علی صفائی حائری سرانجام این مشعل فروزان در سحرگاه روز سه شنبه بیست و دوم تیر ماه ۱۳۷۸ در حالی که طبق عادت همیشگی با تنی چند از دوستان و شاگردان خود عازم زیارت مرقد مطهر حضرت ثامن الائمه (ع) بود، در سانحه تصادف جان به جان آفرین تسلیم کرد.پیکر آن فقید سعید به قم منتقل شد و روز پنجشنبه بیست و چهارم تیرماه پس از اقامه نماز توسط حضرت آیت‌اللّه آقای حاج سید مهدی روحانی، در میان موجی از غم و اندوه و بر روی دوش دوستان و شاگردانش با حضور جمعی از علما، فضلا، اساتید حوزه علمیه و اقشار مردم قم از حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) تا گلزار شهدای قم با شکوه تمام تشییع و در جوار قبر فرزند شهیدش محمد صفایی به خاک سپرده شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی صفایی حائری در حمایت از نظام مقدس اسلامی تا بدانجا پیش رفت که در این راه فرزندش نیز به شهادت رسید. آیت‌اللّه صفایی حائری در سال ۵۹ طرح حمایت ازنظام را مطرح می‌کردند و در مقابل دوستانی که اعتراض می‌کردند این چه حکومت اسلامی است که در یک سو بازرگانی است که ملی گراست و دیگران به صورت دیگر؟! ایشان می‌فرمودند: وقتی اهداف مقدس است، باید کمک کرد.» و این عبارت قصار معروف ایشان است که:«تضعیف خیانت است، توجیه حماقت است و تکمیل رسالت. با کمبودها باید ساخت. اگر نیرو نیست، تربیت کن؛ اصلاً خود تو نیروی خوبی باش...»شاگردان : علی صفائی حائری در انتقال معارف کسب کرده خود هیچ بخلی به خرج نمی‌داد و آنچه را که خود آموخته بود، در کمال اخلاص همواره به دیگران نیز می‌آموخت و از این رهگذر شاگردان زیادی را تربیت کرد. روش او در تربیت شاگردان، سنّت فراموش شده علمای سلف را زنده کرد، او با اقتدا به شیوه پر بار گذشته حوزه‌های علمیه، افرادی را تربیت کرد که از ابتدایی‌ترین مراحل تحصیلی تا دروس ادبیات و سطح را به آنها آموخت و همگام با آنان و در کنارشان تا آن جا این روش را ادامه داد که درس‌های خارج حوزه را با آنها به مباحثه نشست و نه تنها در کارهای علمی که در همه امور زندگی در کنار آنها بود و به حل مشکلاتشان پرداخت.آثار : آرامش (مجموعه شعر) از زلال ولایت (بررسی چهل حدیث از سخنان امام حسین (ع)) چاپ انتشارات مسجد جمکران قم. از معرفت دینی تا جامعه و حکومت دینی (در دست چاپ) استاد و درس و روش تدریس استاد و درس، ادبیات، هنر و نقد انسان در دو فصل (اشاره به دو دوران قبل از بلوغ و بعد از بلوغ) انفاق (نگاهی به بحث انفاق و اثرات سازنده آن) ای قامت بلند امامت (تحلیلی کوتاه از مسأله انتظار در زمان غیبت) بررسی (مباحث این کتاب عمدتاً به نقد مکتب مارکسیسم می‌پردازد و ضمن بیان مسائلی درباره تاریخ، طبیعت، آزادی، زن، حجاب و مالکیت اسلامی، پاسخ‌های لازم را در مورد این زمینه‌ها بیان می‌کند.) بشنوازنی (بحثی در مورد دعا، زیارت و شرحی بر دعای ابوحمزه ثمالی) پاسخ به پیام نهضت آزادی / انتشارات هجرت. پنج نامه بلند به فرزندانش قبل از بلوغ. پیروز (مجموعه شعر) تابوت (مجموعه شعر) تطهیر با جاری قرآن، جلد تفسیر سوره توحید تطهیر با جاری قرآن، جلد (۴) تفسیر سوره نصر تطهیر با جاری قرآن، جلد (۵) تفسیر سوره کافرون تطهیر با جاری قرآن، جلد (۶) تفسیر سوره کوثر تطهیر با جاری قرآن، جلد (۷) تفسیر سوره‌های همزه، فیل، قریش و ماعون تطهیر با جاری قرآن، جلد تفسیر سوره‌های فلق و ناس تطهیر با جاری قرآن، جلدتفسیر سوره تبت تفسیر سوره‌های بقره، انعام، آل عمران، لقمان، مدثرو علق (دنباله مباحث تطهیر با جاری قرآن که آماده چاپ است.) تقریرات درس اصول تقریرات درس فقه دفتر اول: تعریف انقلاب اسلامی و آرمان انقلاب دفتر پنجم: میزان دفتر چهارم: مسئله انتظار دفتر دهم: موارد تقیّه و احکام تقیّه دفتر دوازدهم: قیام دفتر دوم: بینات دفتر سوم: بینش و آگاهی دفتر ششم: ولایت فقیه دفتر نهم: ضرورت تقیّه دفتر هشتم: مفهوم تقیّه دفتر هفتم: عمل در ارتباط با معرفت و محبت دفتر یازدهم: ائمه و تقیّه ذهنیّت و زاویه دید (این اثر به نقد ادبیات داستانی معاصر می‌پردازد و در آن مجموعاً ۱۱ اثر از نویسندگانی چون: حسن عابدینی، سیمین دانشور، محمود دولت‌آبادی، رضا براهنی، اسماعیل فصیح، شهرنوش پارسی‌پور، تقی مدرسی و گابریل گارسیامارکز مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است. این کتاب از طرف انتشارات کوبه در تهران با نام علی حائری در سال ۱۳۶۹ و در تیراژ ۵۵۰۰ نسخه انتشار یافته است.) ، رشد (دیداری با سوره والعصر) ، روش برداشت از قرآن ، روش نقد، جلد (۱) نقد هدف‌ها و مکتب‌ها ۴۱ روش نقد، جلد (۲) نقد مکتب‌ها، آرمان آزادی ، روش نقد، جلد (۳) نقد مکتب‌ها، آرمان آگاهی و عرفان، روش نقد، جلد (۴) نقد مکتب‌ها، آرمان تکامل، مارکسیسم ، روش نقد، جلد (۵) نقد مکتب‌ها،

آرمان تکامل، اگزیستانسیالیزم ، شعرهای شهادت (مجموعه شعر) ، صراط (دیداری با سوره حمد) ، طرحی در زمینه روحانیت، مسائل حوزه و تبلیغ. ، طرحی در زمینه مسائل فقه. عاشورا (نگاهی به مسأله قیام امام حسین (ع) ، غدیر (بحثی فشرده در زمینه مسأله ولایت و رهبری) ، فریاد (شعری بلند در زمینه توحید و خداشناسی) ، فقر (مباحثی در زمینه اقتصاد اسلامی) ، مسئولیت و سازندگی ، نزدیک به ۳۰۰ نوارکاست و ویدیویی از سخنرانی‌های مختلف او درباره مباحث کلامی، اخلاقی، تاریخی، تفسیر و فقه ، نوشته‌ای در ۴۶ صفحه دست نویس که قبل از رفتن به جبهه در سال ۱۳۶۵ نوشته و طرح‌های کلی و آراء و عقاید خود را در آن بیان داشته است. ، وداع (مجموعه شعر) ، وصیت نامه او

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱kz - /www.hawzah.net

صفائی خوانساری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

السید احمد حسینی صفائی خوانساری والد ماجد آیت‌اللّه حاج سید مصطفی خوانساری مقیم قم از علماء ابرار قصبه خوانسار است و نسب شریفش با ۲۹ واسطه به حضرت حسین الاصغر بن امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد.

تولدش در حدود ۱۲۹۰ قمری در خونسار واقع شده و پس از رسیدن به سن هفت سالگی در خونسار نزد مرحوم علامه شیخ میرزا حسین خونساری علوم ادبیه و متون فقهیه را تکمیل و پس از آن مهاجرت به اصفهان و سطوح عالیه را نزد اساطین و علماء آن شهر به پایان رسانیده و دروس خارج فقه و اصول را خدمت مرحوم آیت‌اللّه آمیرزا هاشم چهارسوقی خونساری مؤلف (اصول آل الرسول و مبانی‌الاصول و رساله احکام الایمان) و آیت‌اللّه آقای حاج شیخ محمد تقی نجفی مسجد شاهی و آیت‌اللّه آقا سید محمدباقر درچه‌ای «استاد آیت‌اللّه العظمی بروجردی» و علامه زاهد آیت‌اللّه الشیخ ابوالمعالی کلباسی و شیخ محمدعلی ثقةالاسلام و آقا میرزا حسن بن آقا میرزا ابراهیم و آیت‌اللّه میرزا حسن نجفی و علامه فقیه آیت‌اللّه حاج شیخ محمدباقر فشارکی صاحب (عنوان الکلام) تکمیل و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف و در مباحثات مراجع بزرگ نجف اشرف علامه طباطبائی یزدی و علامه خراسانی و آیت‌اللّه حاج میرزا حسین خلیلی و آیت‌اللّه شریعت اصفهانی حاضر و استفاده نموده و پس از نیل به مدارج علم و عمل و مرتبه اجتهاد مطلق به وطن مراجعت و به وظائف روحی و دینی پرداخته و در خوانسار و حومه آن مرجعیت عامه و ریاست تامه پیدا نموده و در مدت چهل سال اقامت در خوانسار و ضمن خدمات دینی تألیفات نافعه‌ای از خود به یادگار گذاشته‌اند که فهرست آنها را می‌نگارم:

۱- کشف الاستار عن وجه الکتب والاسفار در حالات مؤلفین شیعه و مؤلفات آنها

۲- کتاب فی الاستصحاب

۳- کتاب التعادل والتراجیح

۴- کتاب فی حجیة الظن

۵- کتاب فی مسئلة الولایه

۶- کتاب فی المعاطاة

۷- کتاب فی بیع الوقف.

۸- تاریخ بلده خوانسار. و غیر اینها از رسائل رجالی و فقهی و اصولی و ادبی و متجاوز از یکصد جلد از کتب فقهی و حدیثی و تفسیری و رجالی شیعه امامیه را به خط شریف خود نوشته‌اند. و جمع کثیری از افاضل معاصرین از تلامذه و شاگردان آن مرحوم می‌باشند. در سال ۱۳۵۹ قمری از دنیا رفته و مقبره‌اش در خونسار مورد توجه مردم آن حدود است.

از آثار ایشانست مسجد بزرگ محله پاتخت خونسار که در شب و روز در آن اقامه جماعت می‌شود فرزند ارجمندش جناب حجةالاسلام والمسلمین آیت‌اللّه حاج سید مصطفی خونساری از علماء بزرگ حوزه علمیه است که ترجمه‌اش در جلد دوم ص ۱۳۸ گذشت دارای تألیفات و حواشی بسیاری بر مکاسب و رسائل و دررالفوائد و کفایه و شرح لمعه و قوانین می‌باشد که بعضی از آنها را در ذیل ترجمه‌اش یاد کردیم وی از نوزده نفر از مراجع عظام و مشایخ کرام معاصر نجف و قم و مشهد و اصفهان و تهران اجازه اجتهاد و روایتی دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

صفائی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: حقوق مدنی و تطبیقی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

صفائیه، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی متالورژی، دانشکده: مهندسی صنایع، دانشگاه: صنعتی شریف

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

صفت گل، منصور

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر منصور صفت گل،عضو هیئت علمی و دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تهران است.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : منصور صفت گل عضو هیات علمی وابسته پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران و. عضو هیات تحریریه مجله تاریخ، عضو هیات علمی وابسته پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران، عضو هیات تحریریه مجله رشد تاریخ سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، عضوافتخاری موسسه فرهنگ‌های شرقی دانشگاه توکیو و عضو گروه نویسندگان مجموعه: Abstracta Iranica: Paris, France برای تاریخ ایران از قرن دهم تا سیزدهم قمری است

آرا و گرایشهای خاص : دکتر منصور صفت گل، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تهران است که زمینه های پژوهش وی «تاریخ ایران در عهد صفویان با تاکید بر تحولات اندیشه‌ای و موسسات مدنی»، «تاریخ‌نویسی و تاریخ‌نگاری در ایران به ویژه ایران عهد صفویه و پس از آن» و «نهادها و تحولات اقتصادی در ایران از سده دهم هجری تا سده دوازدهم» است.

جوائز و نشانها : دکتر منصور صفت گل پیش از این کتاب «دین و دولت در عصر صفوی»را انتشار داد که عنوان رساله برگزیده دانشجویی را در مقطع فوق لیسانس از آن نویسنده کرد.

چگونگی عرضه آثار : از منصور صفت گل که مقالات بسیاری در مقوله تاریخ از وی در مجلات پژوهشی داخل و خارج از کشور چاپ شده، تا به حال کتاب‌های «ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی»، ترجمه «برآمدن و فرمانروایی تیمور» بئاتریس فوربز منز، تصحیح «مرآت واردات: تاریخ سقوط صفویان و فرمانروایی ملک محمود سیستانی»، و تصحیح «شجرة الملوک؛ تاریخ منظوم سیستان از کهن‌ترین روزگاران تا آغازین سال های فرمانروایی قاجاران» منتشر شده است. تعداد مقالات : بیش از ۵۴ مورد تعداد شرکت در کنفرانسها : ۱۱ مورد ---

آثار :

۱ برآمدن و فرمانروایی تیمور

ویژگی اثر : تالیف بئاتریس فوربز منز. ترجمه منصور صفت‌گل. رسا. تهران ۱۳۷۷.

۲ تاریخ شناسی

ویژگی اثر : منصور صفت‌گل و دیگرمؤلفان. دفتر برنامه‌ریزی و تالیف کتب درسی. وزارت آموزش و پرورش. تهران ۱۳۸۲.

۳ تاریخ نویسی در ایران عصر صفوی. دوران شاه عباس یکم.

ویژگی اثر : تألیف شعله کویین. ترجمه منصور صفت‌گل. (آماده برای انتشار

۴ ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی

ویژگی اثر : چاپ اوّل. انتشارات رسا. تهران ۱۳۸۱.

۵ شجرة الملوک؛ تاریخ منظوم سیستان از کهن‌ترین روزگاران تا آغازین سال های فرمانروایی قاجاران

ویژگی اثر : تصحیح- منصور صفت‌گل. مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب. تهران (در دست انتشار)

۶ قم در قحطی بزرگ سال ۱۲۸۸ قمری

ویژگی اثر : جان گرنی و منصور صفت‌گل. انتشارات کتابخانه بزرگ حضرت آ یت الله مرعشی نجفی. قم. (در دست انتشار)

۷ مرآت واردات: تاریخ سقوط صفویان و فرمانروایی ملک محمود سیستانی

ویژگی اثر : تالیف محمد شفیع طهرانی (وارد) . مقدمه و تصحیح و تعلیقات. منصور صفت‌گل. نشر میراث مکتوب. تهران ۱۳۸۳.

صفر شاه، خلیفه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از خوشنویسان معاصر سلطانعلی مشهدی است و با این که از بیشتر خوشنویسان عصر خود خوشتر می‌نوشته، هیچ یک از تذکره نویسان ترجمه‌ی احوالش را نیاورده‌اند. از آثار وی: یک نسخه «کلیات» خواجوی کرمانی، با رقم: «تمت الکلیات من کلام افصح الشعراء... ابوالعطا محمود الملقب و المشتهر بخواجو الکرمانی... سنه‌ی سبع و عشرین و تسعمائة، کتبه العبد الفقیر خلیفه صفر شاه...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۳۰ / ۲).

صفر علیزاده، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: گیاه‌پزشکی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: ارومیه

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی کشاورزی از دانشکده کشاورزی تبریز در سال ۱۳۴۶، کارشناسی ارشد رشته آسیب‌شناسی حشرات از دانشگاه علوم و فنون مونپلیه در سال ۱۳۵۸ و دکترای آسیب‌شناسی حشرات (گیاه‌پزشکی) از دانشگاه علوم و فنون مونپلیه فرانسه.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه بوعلی سینا همدان از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۶۸، استادیار دانشگاه ارومیه از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۷۰، دانشیار دانشگاه ارومیه از سال ۱۳۷۰.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی تاثیر مواد تولیدی باکتری B.TH سزوییت ۱۴ بر روی لارو پشه‌ها، بررسی خصوصیات بیواکولوژیکی شپشک ریشه گندم و تدریس دروس حشره‌شناسی و دفع آفات، آفات مهم درختان میوه، اصول مبارزه با آفات، بندپایان زیان‌آور انسان و دام، جانورشناسی، آسیب‌شناسی حشرات و مبارزه بیولوژیک در دانشگاههای همدان و ارومیه، استاد راهنمای ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

معرفی گونه جدیدی از آفات گندم بنام شپشک ریشه گندم، امکان مبارزه میکروبیولوژیک بالیسه درختان میوه، بررسی تاثیر باکتری. B.TH بر روی لارو پشه‌ها، بررس خصوصیات بیواکولوژیکی لیسه درختان میوه و بررسی تاثیر باکتری.B.TH بر روی حشره برگخوار درختان بلوط.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

صفرزاده، قنبرعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حجت‌الاسلام آقا شیخ قنبرعلی صفرزاده فرزند مرحوم قربانعلی نجف‌آبادی در تاریخ ۱۳۰۲ شمسی متولد شده و از سن ده سالگی اشتغال به تحصیل علوم دینیه در مدرسه جده بزرگ اصفهان داشته و دروس مقدمات و سطوح را در خدمت عالمان بزرگ اصفهان به پایان رسانیده و هم از دروس خارج آیات عظام آنجا بهره‌مند و از طرف مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا ابوالحسن شهید شمس‌آبادی و بعضی آیات دیگر متصدی پرداخت و تقسیم شهریه طلاب حومه اصفهان گردیده تا در روز شنبه ۱۳۵۴/۱۲/۱۶ شمسی مفقود و بعد از شهادت مرحوم شمس‌آبادی در پنجم خردادماه ۱۳۵۴ شمسی جنازه‌اش در چاهی از اطراف نجف‌آباد کشف و پس از تحقیقات معلوم گرید که آن مرحوم هم مانند آیت‌اللَّه شمس‌آبادی و بعضی دیگر به دست طرفداران ضد ولایت مقتول و شهید گردیده است. پس از انقلاب در دهه اول انقلاب مشخص شد قاتل وی نیز از عوامل مهدی هاشمی معدوم بوده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

صفرعلی پور، حشمت اللّه

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حشمت الله صفرعلی پور

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

دوران ابتدائی و راهنمایی از محضر پدر روحانی آیت الله سیدمجتبی میبدی (که خداوند درجات ایشان را متعالی فرماید) بهره‌ها گرفتم و قبل از انقلاب از امام خمینی(ره) تقلید می‌نمودیم دو رساله بدون جلد ایشان را داشتیم. دوران دبیرستان که مصادف با انقلاب بود به صورت پاره‌وقت در حوزه علمیه امام خمینی کرمانشاه از محضرات آیات و از جمله آیت الله اشرفی اصفهانی شهید محراب در معارف و اخلاق و تفسیر بهره‌مند می‌شدم و در سال ۱۳۶۰ ه . ش به طور رسمی تحصیل علوم حوزوی را در قم آغاز نمودم و تمامی کتابهای درسی اصلی سطح و جنبی مرسوم در حوزه را نزد اساتید برجسته و مشهور فراگرفتم و در ادبیات از مدرس افغانی و صنایع بدیع و منحصر المعانی و مطول از حاج آقای علوی گرگانی و ادیب دوم حجت هاشمی (به مدت شش ماه در مشهد مقدس) تلمذ نمودم و در منطق و فلسفه بدایهٔ الحکمه و منطق مظفر و حاشیه را نزد آیت الله ربانی گلپایگانی و نهایهٔ الحکمه و شرح منظومه را نزد آیت الله ممدوحی آموختم و باب حاوی عشر را تلمذ نموده و شرح تجرید را مطالعه و گاهی بحث می‌نمودم و تابستانها گاهی به تدریس ادبیات و اصول اشتغال داشتم و در تفسیر از محضر آیت الله جوادی آملی، معارف و نهج‌البلاغه از آیت الله مکارم شیرازی و در دروس اخلاق از محضر آیات عظام همچون آیت الله بهاء الدینی(ره) و آیت الله مظاهری بهره می‌گرفتم. شرح لمعه را نزد آیت الله شب زنده‌دار، محامی، استادی و سید احمد خاتمی آموختم و رسائل و مکاسب و کفایه را نزد آیت الله اعتمادی، پایانی و استادی فراگرفتم. رجال و ملل و نحل و درایه را نزد آیت الله سبحانی و علم حدیث و سیره رانزد آیت الله سید احمد خاتمی بهره گرفتم. در سال ۶۶ به دست آیت الله بهجت حفظ الله ملبس شدم و در این میان به صورت تبلیغی در جبهه‌های نبرد غرب و جنوب حضور پیدا می‌نمودم. دروس خارج فقه و اصول را بیشتر از محضر آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و وحید خراسانی تلمذ نمودم برقی از کتابهای مباحث خارج فقه و اصول را نزد آیت الله شیخ جواد تبریزی(ره) و آیت الله جوادی آملی استفاده نمودم.از سال ۷۰ با مراکز تحقیقاتی قم همکاری داشتم و در کنار دروس حوزه به تحقق و تألیف در زمینه عقائد و امامت و ولایت پرداختم و آثاری را تألیف و به چاپ رسانیدم و در زمینه کتاب‌شناسی اختصاصی امام حسین(ع) به صورت گزارشی، تخصصی و کاربردی بیش از دو سال در کتابخانه‌ها و مراکز تخصصی تحقیق نمودم و کتاب «کتابشناسی اختصاصی امام حسین(ع) را تدوین و در اختیار علاقمندان و محققان قرار دادم و ثواب معنوی آن را هدیه به مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای نمودم. پایان‌نامه سطح سوم به عنوان معادل فوق لیسانس در موضوع خیار عیب در سال ۷۳ و پایان‌نامه سطح سوم به عنوان مدرک رسمی کارشناسی ارشد در موضوع نقش علم اجمالی در اصول را در سال ۸۱ به پایان رسانیدم و هم اکنون پایان‌نامه مقطع دکتری و سطح چهارم در دست تدوین دارم. در ضمن چند سال در ایام تبلیغ از طرف نهاد رهبری در دانشگاهها توفیق حضور در جمع دانشجویان دانشگاههای دولتی و آزاد مختلف تهران و شهرستاها را پیدا نموده‌ام و از معاونت امور اساتید در دانشگاهها مجوز تدریس دارم.

صفرعلیزاده، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن صفرعلیزاده ، متولد ۱۳۲۱ه.ش است . او دارای دکتری اسیب شناسی حشرات (گیاه پزشکی) از دانشگاه علوم و فنون مونپلیه فرانسه است.او پس از اتمام تحصیلات ازسال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۸ به عنوان استاد یار دانشگاه بوعلی سینا همدان به تدریس مشغول شد و همچنین از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۰ با رتبه علمی استاد یاری در دانشگاه ارومیه به تدریس پرداخت نامبرده هم اکنون بارتبه علمی دانشیار در دانشگاه ارومیه به تدریس و تحقیق مشغول است.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدحسن صفرعلیزاده دارای کارشناسی کشاورزی از دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۶، کارشناسی ارشد رشته آسیب شناسی حشرات از دانشگاه علوم وفنون مونپلیه در سال ۱۳۵۸ ودکتری اسیب شناسی حشرات (گیاه پزشکی) از دانشگاه علوم و فنون مونپلیه فرانسه است.وقایع میانسالی : محمدحسن صفر علیزاده پس از اتمام تحصیلات ازسال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۸ به عنوان استاد یار دانشگاه بوعلی سینا همدان به تدریس مشغول شد و همچنین از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۰ با رتبه علمی استاد یاری در دانشگاه ارومیه به تدریس پرداخت وی هم اکنون بارتبه علمی دانشیار در دانشگاه ارومیه به تدریس و تحقیق پیرامون بررسی مواد تولیدی باکتری B.TH سزوپیت ۱۴ بر روی لاروپشه ها و خصوصیات بیواکولوژیکی شپشک ریشه گندم و غیره .. می پردازد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدحسن صفرعلیزاده عضو هئیت علمی و دانشیار گروه گیاهپزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه ارومیه است. عضویت در کمیته های تخصصی و اجرایی محمدحسن صفر علیزاده به قرار زیر است : ـ نمایندگی تحصیلات تکمیلی در جلسات دفاع پایان نامه ـ عضویت در کمیته های تخصصی و اجرائی در سطح استان ـ عضویت در کمیته های تخصصی و اجرائی در سطح دانشگاه ـ نماینده گروه در شورای پژوهشی دانشکده و نماینده گروه در کمیته تحصیلات تکمیلی دانشکده و نماینده دانشکده در شورای انتشارات دانشگاهفعالیتهای آموزشی : محمدحسن صفرعلیزاده پس از بازگشت به ایران تدریس را از سال ۱۳۵۸ با رتبه علمی استاد یاری در دانشگاه بوعلی سینا همدان آغاز کرد . او همچنین در دانشگاه ارومیه با همین رتبه علمی (استادیار) به تدریس پرداخت و هم اکنون با رتبه علمی استادی در دانشگاه ارومیه مشغول به تدریس و تحقیق است. تدریس دروس : حشره شناسی و جانور شناسی عمومی در دوره کارشناسی و تدریس دروس : مبارزه بیولوژیکی ـ مورفولوژی حشرات در دوره کارشناسی ارشد از سال ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۹ در دانشگاه ارومیه از سال ۱۳۶۸ تا ادامه دارد. تدریس دروس : حشره شناسی عمومی

ـ جانور شناسی ـ آفات درختان میوه ـ اصول مبارزه با آفات در دوره کارشناسی و تدریس دروس : مبارزه بیولوژیک ـ کنه شناسی تکمیلی ـ سیناماتیک حشرات در دوره کارشناسی ارشد از سال ۱۳۷۱ سوابق تدریس در در دانشگاهها : در دانشگاه همدان از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۶۷ تدریس دروس : حشره شناسی و جانور شناسی عمومی در دوره کارشناسی و تدریس دروس : مبارزه بیولوژیکی ـ مورفولوژی حشرات در دوره کارشناسی ارشد از سال ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۹ دانشگاه ارومیه از سال ۱۳۶۸ تا ادامه دارد. تدریس دروس : حشره شناسی عمومی ـ جانور شناسی ـ آفات درختان میوه ـ اصول مبارزه با آفات در دوره کارشناسی و تدریس دروس : مبارزه بیولوژیک ـ کنه شناسی تکمیلی ـ سیناماتیک حشرات در دوره کارشناسی ارشد از سال ۱۳۷۱چگونگی عرضه آثار : محمدحسن صفرعلیزاده در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق وتالیف آثاری پیرامون اصول مبارزه با آفات و ....می پردازد.او همچنین استاد راهنمای بیش از ۲ پایان نامه کارشناسی ارشد بوده است. ایشان دارای بیش از ۵ مقاله به زبان فارسی و خارجی پیرامون موضوعات حشره شناسی و دفع آفات بررسی خصوصیات بیواکولوژیکی لیسه درختان میوه و بررسی تاثیر باکتری B.TH بر روی حشره برگخوار درختان بلوط دارد.

آثار: امکان مبارزه میکروبیولوژیک با لیسه درختان بررسی تاثیر b.th بر روی حشره برگخوار درختان بلوط بررسی تاثیر تولیدی باکتری b.th سزوپیت ۱۴بر روی لارو پشه ها بررسی خصوصیات بیواکولوژیکی شپشک ریشه گندم منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

صفری فروشانی، نعمت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نعمت الله صفری فروشانی

محل تولد : خمینی شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۵ هجری شمسی در شهرستان خمینی شهر وارد حوزه علمیه شدم، سال ۵۹ به حوزه علمیه اصفهان وارد شدم و تا سال ۶۳ دروس سطح دانی را به پایان بردم. از سال ۶۴ تا کنون در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل می باشم و در دروس فقه، اصول، تفسیر و فلسفه از اساتیدی همچون آیات ستوده، اعتمادی، مؤمن، محقق داماد(سید علی)، اسماعیل پور، قمشه ای، مکارم شیرازی، وحید خراسانی، جوادی آملی و فاضل گلپایگانی بهره بردم در سال ۱۳۶۷ در امتحانات حوزه علمیه قم نفر اول پایه ششم و در امتحانات پایه نهم حوزه در سال ۶۸ رتبه دوم را کسب کردم هم زمان با ادامه دروس حوزوی در سال ۱۳۷۴ در رشته معارف و الهیات موفق به دریافت مدرک کارشناسی از دانشگاه قم (تربیت مدرس) شدم و در سال ۱۳۷۷ در رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران، دانشکده الهیات در مقطع دکتری پذیرفته شدم و در آذر ۱۳۸۵ از پایان نامه خود با عنوان(ارزیابی منابع مکتوب امامیه در مورد زندگانی ائمه(ع)از آغاز تا پایان نیمه اول قرن پنجم هجری دفاع کردم. از سال ۱۳۶۹ وارد کارهای پژوهشی شدم و با موسسات و مراکز مختلف همچون پژوهشکده فقه و حقوق دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز معجم فقهی، سازمان اوقاف، صدا و سیما،دار الحدیث، و پژوهشکده تاریخ و سیره دفتر تبلیغات همکاری داشتم. همچنین در همین مدت شروع به نگارش مقالات و کتب نمودم که حاصل آن حدود سی مقاله منتشر شده در مجلات تخصصی و همایش ها و چهار کتاب و مشارکت در تألیف پنج کتاب است که در همین راستا موفق به دریافت هشت تقدیر نامه از مراکز معتبر همچون کتاب سال جمهوری اسلامی، کتاب سال حوزه، کتاب سال دانشجویی، کنگره دین پژوهان، پژوهش و فرهنگی سال و جشنواره فرهنگی اشراق شده ام. نوشته های اینجانب در حوزه های مختلف همچون فقه، تاریخ اسلام، کلام و حدیث ،می باشد. همچنین تاکنون چند مدخل مانند جابربن یزید جعفی،حربیه و خاندان جعفی برای دانشنامه جهان اسلام به نگارش درآورده ام. اینجانب از سال ۱۳۷۸ تاکنون در برنامه ریزی های مربوط به رشته تاریخ اسلام در مراکزی همچون مرکز جهانی علوم اسلامی، سازمان مدارس خارج از کشور، رشته تخصصی تاریخ اسلام حوزه علمیه قم و حوزه علمیه خواهران شرکت فعال داشته ام. که این برنامه ریزی ها در دو سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد در گرایش های مختلف تاریخ اسلام انجام گرفته است . از سال ۱۳۷۸ تاکنون مدیر گروه تاریخ اسلام مدرسه عالی امام خمینی (ره) وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی می باشم که دارای سه عضو هیأت علمی و حدود چهل استاد مشغول به تدریس در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد می باشند. همچنین مدتی مدیریت گروه تاریخ اسلام واحد تاریخ و سیره پژوهشکده تاریخ و سیره دفتر تبلیغات را به عهده داشتم. در سال ۱۳۸۲ دردوره اول انتخابات تاریخ پژوهان حوزه علمیه قم به عنوان یکی از اعضای هیأت مدیره انتخاب شدم و مدیریت بخش پژوهش این انجمن را به عهده گرفتم. همچنین اینجانب از سال ۱۳۷۸ تاکنون ارزیابی نوشته ها اعم از کتب و مقالات تاریخی را برای مراکز، موسسات ، مجلات و جشنواره های مختلف انجام داده ام. ضمنا اینجانب از سال ۱۳۷۹ تا کنون در مراکز مختلف حوزوی و دانشگاهی همچون دانشکده الهیات دانشگاه تهران،دانشگاه مفید قم،مدرسه عالی امام خمینی(ره)وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی،جامعهٔ الزهرا،موسسه آموزش و پژوهش امام خمینی(ره)مجمع جهانی اهل بیت(ع) مرکز تخصصی مهدویت،پژوهشکده مهدویت و مرکز تخصصی تاریخ حوزه علمیه قم به تدریس دروس مختلف

تاریخی،حدیثی و فرقه شناسی اشتغال داشته ام.

صفریان، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۱۴، همدان.

درگذشت: شهریور ۱۳۷۲، تهران.

اسماعیل صفریان متخلص به «نافذ همدانی» در نوجوانی به تهران آمد و تا پایان عمر در این شهر به سر برد. «نافذ همدانی» به کسب و تجارت- در بازار تهران- اشتغال داشت. وی همچنین اهل شعر و شاعری بود و کتابخانه‌ای کوچک داشت و از مطالعه‌ی آثار ادبی بهره می‌برد. وی از همان دوران جوانی به بعد با استادانی چون مهرداد اوستا، کیوان سمیعی، محمدرضا حکیمی و مشفق کاشانی ارتباط داشت و در انجمن‌ها و محافل ادبی شرکت می‌کرد. آنچه می‌سرود در قالب غزل، قصیده و مثنوی بود. از این شاعر مجموعه‌ای شعر به یادگار بر جای مانده است.

اسماعیل صفریان در شهریور ۱۳۷۲ درگذشت و در کنار مهرداد اوستا، مجتبی مینوی، کیوان سمیعی و محمدحسین مشایخ فریدنی به خاک سپرده شد.

(بهشت زهرا، حجره‌ی ۹۵۳).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

صفوت الملک مشرقی، اسدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به مشرقی و صفوت. وی نواده‌ی فتحعلی خان تنکابنی، رییس دفتر وزارت خارجه بود. صفوت طریقه‌ی ذهبیه را اختیار کرد و ارادت وی به حاج محمد زمان جلایر کلاتی، متخلص به حکیم، بوده است. اثر وی:«وسیله النجاه فی مناقب الائمه الولاه و مصابیح الهداه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۹۱ / ۲۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۶۲ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵۵۷ -۵۵۶ / ۱).

صفوت، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۶ -۱۲۹۸ ق)، نویسنده، محقق، ادیب و شاعر. ملقب به صفوت. وی در تبریز به دنیا آمد. علوم ادبی و عربی، فقه، اوصل، منطق و حکمت را از محضر علما و دانشمندانی چون سید علی یزدی، میرزا علی لنکرانی، میرزا نصیر قره‌باغی، آقا ضیاء عراقی، سید ابوالحسن اصفهانی و سید کاظم عصار فرا گرفت و به درجه اجتهاد رسید. سالهای جوانی در سلک روحانیت بود و در ضمن به وعظ می‌پرداخت. بعد از مدتی از لباس روحانیت خارج شد و به استخدام فرهنگ درآمد و در مشاغل مختلفی مثل ریاست اوقاف، کفیل اداره‌ی کل فرهنگ آذربایجان و سرپرست دانشسرای تبریزی انجام وظیفه کرد. صفوت پس از چهل سال فعالیتهای فرهنگی، مجاورت شهر قم را برگزید و اوقاتش در این شهر، مصروف تألیف آثار ادبی و تاریخی و اخلاقی می‌شد. او سرانجام در همان شهر در گذشت. از آثار وی: «منابع الحکم»، در اخلاق؛ «دانش و پرورش نیازمند هوش و سنجش است»؛ «دسته گل»، منتخب از دیوان عبرت؛ «تاریخ فرهنگ آذربایجان»؛ «مرآت الاعتبار فی احوال رجال الاعصار»؛ «داستان و دوستان» یا «تذکره‌ی ادباء و شعرای آذربایجان»؛ «نعم الرفیق» یا «خل شفیق لارائه الطریق»؛ «چهارده معصوم- تربیت در اسلام»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۳۴ / ۲۴، ۱۶۱۳ / ۹، ۱۷۱ / ۸) زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۰۹ / ۴)، سخنوران نامی معاصر (۲۳۳۷ - ۲۳۳۴ / ۴)، شرح حال رجال (۲۴۴ / ۶)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰۲ -۲۹۹ / ۴).

صفوی استرآبادی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. اهل استرآباد است. دارای طبع شعری خوب بود و در فن انشاء نیز مهارت داشت. این مطلع از اوست:

نیست در هجر توام ضعف ز بیماری دل

ترسم آزرده شود طبع تو از زاری دل

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۶۲۱ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۶۶)، لغت‌نامه (ذیل/ صوفی)، مجالس النفائس (۲۶۰ ،۸۶).

صفوی اصفهانی نجفی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۰ -۱۲۸۳ ق)، عالم دینی و فقیه. معروف به محرر. چون در نجف اشراف از خواص آیت‌الله آقا سید محمد کاظم یزدی بود و محرر ایشان، مشهور به محرر شد. سید مهدی بحرانی وی را از مشایخ خود شمرده و یادآور شده که صفوی از سید میرزا محمد هاشم چهار سوقی روایت کرده است. وی در صحن «جامع الرسائل العملیه» است که فتاوای علامه یزدی و دیگران را در آن جمع کرده است. از دیگر آثارش: «ابواب الجنان»، در اعمال شب و روز، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۷۴ / ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۹ / ۱۴).

صفوی صدرالدین، موسی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۹۴ -۷۰۴ ق)، صوفی و شاعر. وی به موجب وصیت پدرش در سی و یک سالگی تصدی مسند ارشاد یافت. اهتمام او در بنای گنبد مرقد شیخ صفی نیز که گویند ده سال طول کشید به خانقاه او اهمیت بیشتری بخشید. وی در منازعات بین امراء محلی آذربایجان غالبا نقش وساطت داشت و از مشایخ و اساتید شاه قاسم انوار بود. ملک اشرف چوپانی که در اوایل نسبت به وی اظهار تکریم و ارادت می‌کرد، چون مثل دیگر امراء از دایره‌ی نفوذ او نگرانی یافت، در صدد مسموم کردن وی برآمد که موفق نشد و بین آنها کدورت ایجاد شد. یکبار دیگر وی به امر ملک اشرف در تبریز دستگیر شد ولی پس از مدتی آزاد گردید و بار دیگر نیز که قصد جان وی کرده بود شیخ صدرالدین به گیلان گریخت و تا پایان حکومت ملک اشرف بازنگشت. پس از گرفتار شدن ملک اشرف به دست جانی بیگ ازبک، شیخ صدرالدین خواست از او شفاعت کند ولی دیگران مانع شدند. وی در اواخر عمر به اردبیل بازگشت و به ارشاد مریدان و اداره‌ی خانقاه پرداخت و در همان جا درگذشت.[۱]

(شیخ) موسی بن (شیخ) صفی‌الدین عارف معروف ایرانی (و. ۷۰۴ ه.ق. - ف. ۷۹۴ ه. ق.). وی در سن ۳۱ سالگی جانشین پدر شد و تا ۵۰ سال به راهنمائی مریدان اشتغال داشت. به واسطه توسعه دایره نفوذ شیخ در اردبیل، صدرالدین مورد سوءظن متنفذان اطراف واقع شد، چنانکه ملک اشرف او را به تبریز برد و قریب سه ماه در آن شهر تحت‌الحفظ نگاه داشت و سپس او را مرخص کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ نظم و نثر (۷۶۷)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۷۸ -۷۶ / ۱)، حبیب السیر (۴۲۳ -۴۲۰/ ۴)، دانشمندان آذربایجان (۲۲۹ -۲۲۸)، دایره‌المعارف فارسی (۱۵۶۱ -۱۵۶۰ / ۲)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (۶۷ -۶۵)، الذریعه (۶۰۲ / ۹)، سخنوران آذربایجان (۴۱ -۴۰)، عالم‌آرای عباسی (۱۶ -۱۴ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ صدرالدین)، نفحات الانس (۹۱۱).

صفوی نائینی، صفی الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر صفی الدین صفوی نائینی در سال ۱۳۳۰ در تهران به دنیا آمد.ایشان دارای Ph.D (دکتر مهندسی) در رشتهٔ مهندسی برق (تخصص در زمینه مایکروویو وسیستمهای رادار) در سال ۱۳۵۸ از دانشگاه ایلی نویز آمریکا می باشد.وی پس از بازگشت به ایران در دانشکدهٔ فنّی دانشگاه تهران با سمت استادیاری به کار پرداخت.دکتر صفوی نائینی مقالاتی را در زمینه رشته تخصصی خود به رشته تحریر در آورده است که تعدادی از آنها درمجلات علمی داخلی و خارجی به چاپ رسیده است. همچنین ترجمه کتاب "سمینارهای مخابرات الکترونیکی " صفی الدین صفوی نائینی ، در دوره دوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی برقگرایش : مایکروویو وسیستمهای رادارتحصیلات رسمی و حرفه ای : صفی الدین صفوی نائینی پس از پایان تحصیلات دبیرستانی و ورود به دانشگاه، در سا ل۱۳۵۳ با درجهٔ لیسانس مهندسی برق الکترونیک از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. سپس برای ادامهٔ تحصیلات به آمریکا رفت و در دانشگاه ایلی نویز مشغول تحصیل شد و در سالهای ۱۳۵۴ و ۱۳۵۸ به اخذ درجات .M.S (معادل فوق لیسانس) و Ph.D (دکتر مهندسی) در رشتهٔ مهندسی برق (تخصص در زمینه مایکروویو وسیستمهای رادار) نایل آمد و سپس به ایران مراجعت نمود.مشاغل

و سمتهای مورد تصدی : صفی الدین صفوی نائینی پس از بازگشت به ایران در دانشکدهٔ فنّی دانشگاه تهران با سمت استادیاری به کار پرداخت. در سالیان اخیر در کنار کار دانشگاهی، در پروژه های مختلف تحقیقی و کاربردی که با همکاری دانشگاه و صنایع الکترونیک ایران و گروه تحقیقات و گسترش صنایع دفاعی نیروی دریایی و نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران انجام می گرفت به عنوان مشاور تحقیقی، طراح و مسئول پروژه همکاری داشته است.جوائز و نشانها : ترجمه کتاب" سمینارهای مخابرات الکترونیکی " صفی الدین صفوی نائینی ، در دوره دوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : صفی الدین صفوی نائینی در زمینه مهندسی برق و مایکروویو وسیستمهای رادار مقالاتی را به رشته تحریر در آورده است که برخی از آنها را در ژورنالهای بین المللی داخلی و خارجی منتشر کرده است. ۱- سه مقاله علمی در مجله IEEE (سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۰) ۲- یک مقالهٔ علمی در مجله Radio Science ۳- چهارمقاله علمی در سمینارهای بین المللی IEEE/AP/S=URSI در آمریکا طی سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹

آثار : سمینارهای مخابرات الکترونیکی ویژگی اثر : ترجمه- این کتاب به عنوان برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی در دوره دوم کتاب سال معرفی شده است.-آشنایی با کتاب «سیستم های مخابرات الکترونیک»، جلد اول مخابرات الکترونیکی در دهه های اخیر به صورت یکی از گسترده ترین و پیشرفته ترین شاخه های مهندسی برق در آمده است. توسعه شگرف تکنولوژی و سیستم های مخابراتی الکترونیکی و پیشرفت های همه روز ?آن ناشی از تأثیر عمیق این رشته در زندگی مردم و در تمام عرصه های فعالیت فرهنگی و اجتماعی است. با توجه به این نکته و نیز نیاز شدید به معرّفی این شاخه از صنعت، مترجمان اقدام به ترجم ?این کتاب به زبان فارسی کرده اند. ویژگی اصلی این کتاب زبان روشن و ساده و دقیق آن از نظر علمی و نیز جامعیت و تنوع موضوعات آن است که در برگیرند ?اهم مسائل اساسی این رشته می باشد. ترجم ?فارسی کتاب در دو جلد صورت گرفته است. جلد اول، شامل فصول ۱ تا ۱۰ می باشد. فصلهای ۱ و۲ دربرگیرند ?مفاهیم کلی سیستم مخابراتی نظیر اطلاعات، فرستنده و گیرنده،کانال، مدولاسیون و... می باشد. در فصل سوم پاره ای از مدارهای الکترونیکی خاص سیستم های مخابراتی بررسی شده است. فصلهای ۴ تا ۷ روشهای مدولاسیون دامنه (AM) و مدولاسیون فرکانس (FM) و باند جانبی تکی (SSB) و سیستمهای گیرند ?مربوط به روشهای فوق را مورد بررسی قرار میدهند. در فصلهای ۸ و ۹ و ۱۰، اصول، روشها و سیستمهای انتقال، تشعشع و انتشار امواج الکترومغناطیس نظیر خطوط انتقال فرکانس بالا، تشعشع و انتشار موج در فضای اطراف زمین و آنتنها مورد مطالعه قرار می گیرند. تمام فصلهای کتاب با مسائل و تمریناتی که پاسخ آنها داده شده و پرسشهایی برای خودآزمایی، که خواننده را در فهم مطالب یاری می کند همراه است. جلد دوم این کتاب که فصول ۱۱ تا ۱۷ را در بر می گیرد، اصول و ابزار سیستم های مخابراتی طول موج بسیار کوتاه (ماکروویوولوزی)، سیستم های مخابراتی پالسی و تلویزیون تشریح می شود. در ترجم ?این کتاب به سبب فقدان اصطلاحات مناسب فارسی، تمامی اصطلاحات فنّی علمی به زبان انگلیسی همراه با برگردان فارسی آنها در متن ترجمه آورده شده است. علاوه بر این در مواردی که متن اصلی کتاب نارسا بوده توسط مترجمان اصلاح و تکمیل شده است. منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

صفوی، اسماعیل

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۳۰ -۸۹۲ ق)، شاعر و خطاط. معروف به شیخ شاه. از نوادگان شیخ صفی بود. مادر شاه اسماعیل، حلیمه خاتون، دختر اوزون حسن پادشاه آق قویونلو بود. دو برادر بزرگتر اسماعیل، به نامهای علی و ابراهیم، پس از مرگ پدرشان، شیخ حیدر، پی‌درپی جانشین او در مسند ارشاد طریقه‌ی صفوی شدند و بعد از درگذشت آنان مسند ارشاد به وی رسید و شیخ طریقه صوفیه شد. چون شیخ صفی‌الدین در طریقه‌ی تصوف جانشین شیخ ابراهیم زاهد گیلانی شده بود، پیروان شیخ زاهد از ایشان حمایت کردند. شاه‌اسماعیل در ۳۸ سالگی درگذشت و در بقعه‌ی جدش شیخ صفی‌الدین اردبیلی دفن گردید. شاه‌اسماعیل در سرودن شعر ترکی آذربایجان توانا بود و خطایی تخلص می‌کرد. وی یکی از نخستین کسانی است که به این زبان شعر گفته است، و دیوان اشعار وی یکی از مهمترین آثار ادبی این زبان است. گاهی هم به زبان فارسی شعر می‌گفته و چند بیت از او باقی مانده و «ده نامه‌ای» نیز در ۱۴۰۰ بیت نظم کرده است وی را در جزو خوشنویسان و هنرمندان خط نیز آورده‌اند. از آثار وی: چهار صفحه از مرقع دوازده امام، به خط ثلث چهاردانگ جلی خوش به زر و لاجورد با رقم: «حرره اسمعیل بن حیدرالحسین غفرالله له»؛ یک صفحه مذهّب ثلث جلی متوسط، بار رقم: «حرره اسمعیل بن حیدرالحسینی غفرالله له».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۵۸ -۵۷/ ۱)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۴۵/۴)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۴۶ -۳۹/ ۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۹ -۱۳۶/ ۱۴)، تاریخ نظم و نثر (۴۸۴ -۴۸۲)، تحفه‌ی سامی (۱۱ -۸)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۵۷ -۵۳/ ۱)، حبیب السیر (۴۳۷ -۴۳۶، ۴۰۹ -۴۰۸/ ۴)، دانشمندان آذربایجان (۱۳۷ -۱۳۶)، الذریعه (۲۹۸/۹)، روضهٔ السلاطین (۷۰ -۶۷)، ریحانه (۱۳۸/۲)، سخنوران آذربایجان (۲۹ -۲۷)، صبح گلشن (۱۵۲)، عالم آرای عباسی (۴۴/۱)، لغت‌نامه (ذیل /اسماعیل صفوی)، مجمع الفصحا (۳۹ -۳۸/ ۱).

صفوی، افسانه

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۳۴، مرتبه علمی: استاد، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای شیمی در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه شیراز در سال ۱۳۶۰، درجه دانشیاری در سال ۱۳۶۸، درجه استادی در سال ۱۳۷۲، برنده جایزه دوم تحقیق در چهارمین جشنواره خوارزمی، برنده جایزه دانشمند جوان در رشته شیمی (جایزه Twas از کشور ایتالیا) در سال ۱۳۷۰، برنده بورس هالبوت از کشور آلمان در سال ۱۳۷۱.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ساخت دستگاههائی از قبیل آشکارساز فتومتری شعله‌ای برای اندازه‌گیری گازهای حاوی سولفور و فسفر و گازهای سمی (برای اولین بار در دنیا)، ساخت دستگاه Flow Injection Analayzer (برای اولین بار در ایران) و اندازه‌گیری مقادیر مختلف مواد توسط آن، ساخت لیزر نیتروژن، استفاده از روشهای مختلف تجزیه‌ای برای اندازه‌گیری مقادیر کم عناصر و ترکیبات و تعیین مکانیزم برخی واکنشها. استاد راهنمای ۱۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۵ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

نقش لیزر در شیمی تجزیه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴۷

زمینه علمی مقالات:

زمینه‌های مختلف شیمی تجزیه.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

صفوی، بدیع‌الزمان

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۴ ق)، شاعر. نوه‌ی شاه اسماعیل بود. در سال ۹۶۵ ق شاه طهماسب حکومت سیستان را به وی داد و تیمورخان استاجلو را که از اعیان دربارش بود به عنوان پیشکار وی منصوب کرد. پس از جلوس شاه اسماعیل دوم، به فرمان او، تیمورخان، بدیع‌الزمان و پسر خردسالش بهرام میرزا را کشت. وی مردی دانش‌دوست و ادب‌پرور بود و شعر را نیکو می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۵۴)، عالم‌آرای عباسی (۱۳۷ -۱۳۶ /۱).

صفوی، بهرام میرزای، ابوالفتح

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۵۶ /۹۵۵ -۹۲۳ ق)، خطاط، نقاش، موسیقیدان و شاعر. متخلص به بهرام و بهرامی. ملقب به ظهیرالدین. وی برادر کهتر شاه طهماسب اول و شاهزاده‌ای دانشمند و هنرمند و هنرپرور بود که در شیوایی کلام و شعر و معما سررشته داشت. از هنر نقاشی و موسیقی نیز بهره‌مند بود و از خطوط، نستعلیق را خوش می‌نوشت. بهرام میرزا، مدتی از جانب برادر حکمرانی همدان را داشت و در جوانی، در حالی که بیش از سی و سه سال نداشت، درگذشت. از آثار وی: یک قطعه نستعلیق سه دانگ جلی خوش، که عنوان یک تصویر است، با رقم: «برای فقیرالحقیر ساخته شد، العبد بهرام الحسینی»؛ یک قطعه به قلم دودانگ خوش، با رقم: «کتبه بهرام بن اسمعیل الحسینی، نقل از خط سلطان محمد نور»؛ یک عنوان تصویر دیگر، با رقم: «... کتبه العبد بهرام بن اسماعیل حسینی بدارالسلطنه تبریز فی سنه‌ی ۹۳۴»؛ قطعه‌ای در یک مرقع، به قلم نیم دودانگ خوش، با رقم: «کتبه بهرام»؛ قطعه‌ای در یک مرقع به قلم دودانگ و نیم دودانگ خوش، با رقم: «مشقه بهرام الصفوی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۴۹/۱)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۴ -۱۰۳ /۱)، احوال و آثار نقاشان (۱۰۶/۱)، پیدایش خط و

خطاطان (۱۰۲ -۱۰۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۹/۴)، تاریخ موسیقی (۳۹۱/۱)، تاریخ نظم و نثر (۸۲۷، ۴۵۵-۴۵۴)، تحفه سامی (۱۲ -۱۱)، تذکره‌ی روز روشن (۱۲۳)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۹۸ -۹۷ /۲)، دانشمندان آذربایجان (۷۳ -۷۲)، الذریعه (۱۴۷/۹)، روضهٔالسلاطین (۷۳ -۷۱)، الذریعه (۱۴۷/۹)، روضهٔالسلاطین (۷۲ -۷۱)، عالم آرای عباسی (۱۱۰، ۹۹، ۷۴، ۷۳، ۷۲، ۶۰، ۵۸، ۴۴ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۴۹ -۱۴۸)، کاروان هند (۹۷۳ -۹۷۲ /۲)، گلستان هنر (چهل و یک، ۱۳۹ -۱۳۸)، لغت‌نامه (ذیل/ بهرام میرزای صفوی)، مجمع‌الخواص (۲۲)، مجمع‌الفصحا (۳۰/۱).

صفوی، حسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۵ ق)، شاعر. برادر بزرگتر شاه عباس بود و قبل از سلطنت پدر و برادر در زمان سلنت شاه اسماعیل دوم از سوءظن او در خطه‌ی ری متوطن شد. آخرالامر شاه مذکور جمعی را به گرفتن و کشتن او مامور کرد و بعد از جنگ و گریز بسیار گرفتار شد و او را به قتل رساندند. حسن صفوی در سرودن شعر شهرت داشت. رباعی زیر از اوست:

رویت که ز باده لاله می‌روید از او

وز تاب شراب ژاله می‌روید از او

دستی که پیاله‌ای ز دست تو گرفت

گر خاک شود پیاله می‌روید از او

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احسن التواریخ (۷۱۸)، عالم آرای عباسی (۲۱۲ ،۱۲۶ /۱)، فرهنگ سخنوران (۲۵۸)، لغت نامه (ذیل/ حسن صفوی)، مجمع الخواص (۲۶)، مجمع الفصحا (۳۸ -۳۷ /۱).

صفوی، حسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطاط. از کاتبان گمنام بود. از آثار وی: یک نسخه «دیوان» بابا فعانی، به قلم کتابت جلی خوش، با رقم: «کتبه العبد المذنب میر حسین الصفوی غفر ذنوبه و ستر عیوبه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۵۶ / ۱).

صفوی، خان میرزا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی معاصر شاه طهماسب صفوی بود و از جانب او حکومت کاشان را داشت. خان میرزا از علوم متداول زمان خود بویژه فقه مطلع بود و از استادان او در این زمینه می‌توان به ابوالحسن بن احمد ابیوردی اشاره کرد. خان میرزا غزل را نیک می‌سرود. اثر وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۸/۵)، تاریخ نظم و نثر (۶۹۷، ۵۰۰)، دانشمندان آذربایجان (۱۳۲)، الذریعه (۲۸۷ -۲۸۶ /۹)، سخنوران آذربایجان (۲۷ -۲۶)، فرهنگ سخنوران (۲۹۹)، مجمع الخواص (۶۴ -۶۳)، هفت اقلیم (۲۵۷/۳).

صفوی، زین‌العابدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از شاهزادگان خاندان صفوی که در سرودن غزل توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۹۸)، گلزار جاویدان (۵۸۳ -۵۸۲ /۱).

صفوی، سلطان بانو

قرن:۱۰

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. او خط را نزد دوست محمد هروی فراگرفت. در اصفهان درگذشت و جنازه وی پس از وفات، در مقبره شاه علاءالدین محمد به عنوان امانت سپرده شد و سپس در سال ۱۰۱۳ ق در اعتاب مقدس دفن شد. از آثار وی: قطعه‌ای از مرقع بهرام میرزا، به قلم نیم دو دانگ متوسط، با رقم: «کتبته سلطان بنت اسمعیل الحسینی الصفوی».[۱]

قرن دهم هجری، از زنان نیکوکار و خوشنویس. وی دختر شاه اسماعیل اول صفوی (۹۳۰ -۹۰۷ ق) بود. به نوشته گلستان هنر، وی خوشنویسی را از دوست محمد هروی فراگرفت. دو قطعه از مرقع بهرام میرزا به خط وی در کتابخانه خزینه اوقاف است به قلم نیم دو دانگ متوسط با رقم «کتبته سلطانم بنت اسمعیل الحسینی الصفوی». به نوشه تذکرةالقبور جنازه وی پس از وفات در مقبره شاه علاءالدین محمد (بقعه شهان) به عنوان امانت سپرده شد و سپس در سال ۱۰۱۳ ق در عتبات مقدسه دفن گردید.[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۲۶۷/۱)، تذکره القبور (۳۴ -۳۳)، گلستان هنر (۹۹)، مشاهیر زنان (۱۲۵)، هنر عهد تیموریان (۵۸۲).

[۲] منابع: احوال و آثار خوشنویسان، ۲۶۷؛ تذکرةالقبور، ۳۴ -۳۳؛ گلستان هنر، ۵۱.

صفوی، مراد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از احفاد شاه اسماعیل اول (۹۳۰ -۹۰۵ ق) بود. در ۱۰۰۲ ق همراه پدر و سه برادر دیگر خود به دربار اکبرشاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) رفت. صاحب «کاروان هند» از قول «مآثر الامرا» می‌گوید: مراد در عهد جهانگیرشاه (۱۰۳۷ -۱۰۱۴ ق) به خطاب خانی و مناصب دولتی رسید و مورد عنایت شاه قرار گرفت. وی در زمان شاهزاده شاه جهان (۱۰۶۹ -۱۰۳۷ ق) مدتی در خدمت پادشاه بود. در ۱۰۵۲ ق از ملازمت روی برگرداند و مدتها در پتنه روزگار به فراغت و آسودگی گذراند. در حاشیه‌ی «کاروان هند» آمده که تقی‌الدین اوحدی به اشتباه تولد مراد میرزا را در هند می‌داند. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۲۶/ ۹)، صبح گلشن (۳۹۹)، فرهنگ سخنوران (۸۳۱)، کاروان هند (۱۲۷۴ -۱۲۷۲/ ۲).

صفوی، مصطفی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۴ ق)، شاعر. مادرش از طایفه‌ی گرجی بود. مصطفی با وجود آنکه چشمی کم نور داشت همواره کتب فقهی را مطالعه می‌کرد. گفته‌اند که وی مردی پرهیزگار بود و به مستحبات نیز عمل می‌نمود. او در نظم و نثر مهارت داشت و در اشعار شعرای قدیم و متأخر زمان تتبع می‌کرد و دارای طبعی لطیف بود. وی عاقبت در بیست سالگی، چند ماه پس از مرگ شاه طهماسب به امر برادر خود شاه اسماعیل دوم، توسط پیره محمد خان استاجلو، به قتل رسید. نعش وی را به آستانه‌ی مقدسه امامزاده حسین، در قزوین، بردند و دفن کردند. بعضی از تذکره‌ها به اشتباه او را فرزند سلطانعلی میرزا، برادر مادر وی، می‌دانند. در «تاریخ سلطانی» تولد وی در ۹۶۰ ق ذکر شده است که در این صورت مدت زندگانی او بیش از بیست سال خواهد بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ سلطانی (۵۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۰)، دانشمندان آذربایجان (۳۴۸ -۳۴۷)، الذریعه (۱۰۵۵ -۴۶۱/ ۹)، صبح گلشن (۴۲۲)، عالم آرای عباسی (۲۰۶ -۲۰۵، ۱۳۴ -۱۳۳/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۸۵۰ -۸۵۰)، مجمع الخواص (۲۸ -۲۷)، مجمع الفصحا (۵۹/ ۱) .

صفی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۳۴ ق)، خطاط. از آثار وی: شش دفتر «مثنوی»، جلد ساغری مشکی ضربی و مذهب مرصع، به خط نسخ کتابت نزدیک به غبار عالی، با رقم: «... صفی بن کریم بن ابراهیم... تم الجلد الخامس من کتاب المثنوی... سنه اربع و ثلثین و الف من الهجره...» (۱۰۳۴).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۸۶ / ۴).

صفی اردبیلی، ابوالفتح، صفی‌الدین اسحق

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۳۵ ق)، عارف و شاعر. ملقب به شمس‌الدین و معروف به صفی و شیخ صفی. موصوف به برهان‌الاصفیا و قطب‌الاقطاب و شیخ‌العارفین وی اهل آذربایجان بود و نسبت وی به بیست بطن به حضرت امام موسی کاظم (ع) می‌رسد. وی جد سلاطین صفویه است که صفوی منسوب به او است در کودکی موفر و عزلت گزین و محترز از بازی بود. در همان روزگار کودکی توجه خاصی به امور مذهبی نشان می‌داد و به مشاهده‌ی ظهورات غیبیه و عوالم غیر مرئیه توفیق یافت. شیخ پس از بلوغ گاهی در مزار شیخ فرج ادربیلی و گاه در مرقد شیخ ابوسعید اردبیلی مشغول عبادت می‌شد و چون در اردبیل مرشدی صاحب حال نمی‌دید میل به زیارت شیخ نجیب‌الدین بزغش شیرازی کرد. ولی زمانیکه به شیراز رسید شیخ فوت کرده بود. وی در شیراز غالب اوقات با رکن‌الدین بیضاوی و رضی‌الدین مالیغی و شیخ سعدی شیرازی و امیر عبداللّه همنشین بود و صحبت می‌داشت. بعد بنا به توصیه امیر عبداللّه به عزم زیارت شیخ کبیر زاهد گیلانی از شیراز به اردبیل رفت و پس از چهار سال به خدمت شیخ رسید و از او پذیرائی کامل دید. در این وموقع شیخ زاهد شصت سال داشت، بیست و دو سال بقیه عمر او را شیخ صفی در خدمتش به سر برد. شیخ زاهد، صبیه خود بی‌بی فاطمه را به شیخ صفی داد نتیجه‌ی این ازدواج سه پسر بود که یکی صدرالدین است که بعدها رتبه‌ی ارشاد یافت و جانشین شیخ زاهد شد و تا دویست سال شهر اردبیل از انفاس قدسیه آن بزرگوار دارالارشاد بوده و به آن عنوان مشهور شده است. شیخ صفی مذهب سنی داشت. وی ابیاتی به زبان گیلانی و فارسی سروده است. در اردبیل وفات یافت و همان جا دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۶۷/۳)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۳۴ -۲۹ /۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۹۳ -۱۲۹۲، ۱۹۸، ۱۹۷، ۱۸۷، ۱۸۵، ۱۷۴ -۱۷۳، ۳۳ /۳)، تاریخ گزیده (۷۹۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۱۱)، دانشمندان آذربایجان (۲۳۵ -۲۳۱)، دایرهٔالمعارف فارسی (۵۲۳/۲)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (۶۵ -۶۰)، الذریعه (۶۱۴/۹)، ریاض العارفین (۱۰۱ -۱۰۰)، ریحانه (۴۵۹ -۴۵۸ /۳)، سخنوران آذربایجان (۵۵ -۴۱)، صبح گلشن (۲۵۴)، فرهنگ سخنوران (۵۶۰)، لغت نامه (ذیل/ صفی‌الدین اردبیلی)، مجمع الفصحا (۸۱۹/۲)، هفت اقلیم (۲۵۳ -۲۵۲ /۳).

صفی اصفهانی، صفی‌الدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. وی از شاعران نکته‌پرداز و از عالمان بی‌مانند بود که علاوه بر تحصیل مراتب علوم مختلف، شعر نیز می‌سرود. محمد عوفی (م بعد از ۶۳۰ ق) او را دیده و در کتابش «لباب الالباب » وی را ستود است. از اوست:

ای آتش عشق یار دل سوزی کن

وی باد هواش آتش‌افروزی کن

دردی است که درمانش هم از درد کند

یا رب تو از آن درد مرا روزی کن

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریاض العارفین (۲۱۹ -۲۱۸)، فرهنگ سخنوران (۵۶۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۷۷۹ / ۲)، لباب الالباب (۴۰۵ -۴۰۴ / ۲).

صفی الدین ارموی، ابوالمفاخر عبدالمومن

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۹۳ -۶۱۳ ق)، موسیقی‌دان، خطاط و ادیب. اصلش از بلخ بود، اما خاندانش در ارومیه به سر می‌بردند و او رد همان جا به دنیا آمد. در کودکی به بغداد رفت و در آنجا نشوونما یافت. وی در مدرسه‌ی مستنصریه به تصحیل عربی و علوم دینی و ادب و ریاضی پرداخت و در نظم اشعار و علم انشا و تاریخ و حسن خط شهرت یافت و در علم و عمل موسیقی بی‌مانند شد. در آخرین سال خلافت مستعصم (م ۶۵۶ ق) ندیم و عودنواز و کتابدار و کاتب او بود و بعدها به خدمت هلاکو درآمد. به قول بعضی از محققین، در خط همپایه‌ی یاقوت مستعصمی و ابن‌مقله بود، اما در موسیقی، پس از اسحاق موصلی، کسی به پایه‌ی او نرسیده است. صفی‌الدین یکی از سه موسیقی‌دان بزرگ ایران و عالم اسلام است، که نخستین ایشان، ابونصر فارابی و دیگری، خواجه عبدالقادر غیبی مراغه‌ای است. صفی‌الدین پیشقدم نظریه‌ی معروف (فرضیه‌ی منتظم) است که در آن گامها به هفده فاصله تقسیم می‌شود. وی سازی به نام مغنی اختراع کرد که ترکیبی‌از قانون و رباب و نزهه بود، حتی برخی اختراع ساز نزهه را هم به او نسبت داده‌اند. صفی‌الدین شاگردان بنامی تربیت کرده است که از آن جمله‌اند: شیخ شمس‌الدین سهروردی، علی ستایی و حسین زامر. وی در سالهای پایان عمر به زندان افتاد و همان جا درگذشت. از آثار وی: «رساله الایقاع»، به فارسی، در پنج فصل؛ «الادوار فی حل الاوتار»، که جمعی از دانشمندان و علمای فن به ترجمه یا شرح آن به زبان فارسی پرداخته‌اند؛ «رساله فی علوم العروض و القوافی و

البدیع»؛ «رساله الشرفیه فی النسب تألیفیه»، که به عربی و به نام شرف‌الدین‌هارون، فرزند خواجه شمس‌الدین صاحب دیوان جوینی، نوشته شده است و اختصارا «کتاب الموسیقی» خوانده می‌شود.[۱]

ارموی، عبدالمؤمن بن یوسف بن فاخر دانشمند و موسیقی‌دان ایرانی (و. ارومیه حدود ۶۱۳ ه.ق. – ف. ۹۶۳ ه.ق.) در کودکی وی را به بغداد بردند و او در آن شهر به تحصیل پرداخت و پس از آموختن فقه شافعی به روزگار مستنصر به مستنصریه پرداخت و به سبب خوشنویسی در کتابخانه خلیفه به خطاطی مشغول شد. سپس به نواختن عود پرداخت و به سبب مهارتی که در این راه یافت ملازم و ندیم مستعصم آخرین خلیفه عباسی گردید و مالی فراوان به دست آورد و بیشتر آن را صرف عشرت خویش و احسان بر یاران کرد. هنگامی که هولاکو بغداد را فتح نمود صفی‌الدین نزد او رفت و به سبب هنر موسیقی در دستگاه‌خان مغول احترامی یافت. سپس به ریاست دارالانشاء علاءالدین عطاملک جوینی رسید. آنگاه به تبریز شد و به دستور شمس‌الدین محمد جوینی صاحب دیوان پسرش شرف‌الدین هارون را تعلیم موسیقی داد و رساله «شرفیه» را به نام وی تألیف کرد. زندگانی او در پایان عمر آشفته گردید و به سختی روزگار می‌گذرانید و به سبب وام بسیار به حکم قاضی به زندان افتاد و در سن ۸۰ سالگی درگذشت. وی در عربیت و نظم شعر و انشاء و تاریخ و خلاف و موسیقی مهارت داشت و خط منسوب را کسی مانند او نمی‌نوشت. از آثار او رساله «شرفیه» و «کتاب ادوار» (هر دو به عربی) مشهور است. رساله‌های او در روزگار خود وی به فارسی ترجمه شده و در سال ۱۹۳۷ م. «بارون اولانژه» آنها را به فرانسوی ترجمه و طبع کرده است. موسیقی‌دانان ادوار بعد از رسایل وی استفاده بسیار بردند. او را مخترع سازی به نام «مغنی» دانسته‌اند و گویند آن ترکیبی از «قانون» و «رباب» و «نزهه» بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] استادان موسیقی (۳۵ –۳۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۷۲ –۲۷۱ / ۳)، تاریخ برگزیدگان (۵۵۳ –۵۵۲)، تاریخ موسیقی (۱۸۸ –۱۸۲ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۷۳۲، ۱۴۷ –۱۴۶)، تاریخ هنرهای ملی (۷۵۱ –۷۴۹ / ۲)، حبیب السیر (۱۰۷ / ۳)، دانشمندان آذربایجان (۲۳۷ –۲۳۶)، دایرهالمعارف فارسی (۱۵۷۴ –۱۵۷۳ / ۲)، دستور الوزراء (۲۷۰)، کارنامه‌ی بزرگان (۶۴ –۶۲)، معجم المولفین (۱۹۸ / ۶)، هدیه العارفین (۶۳۰ / ۱).

صفی شیرازی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۴ ق)، شاعر، متخلص به صفی. از شاعران مهاجر است که در نیمه‌ی دوم قرن دهم هجری از موطن خود به هندوستان رفت و در شهر گلکنده در سلک ملازمان ابراهیم قطب شاه درآمد و به حرفه‌ی محاسبی و منشیگری اشتغال یافت. صفی در همان سامان درگذشت. خواجه شیخ محمد نه تنها سخن‌سنج و بافضل و بذله‌گوی بود که در علم ریاضی نیز استاد بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۶۱۶ / ۹)، صبح گلشن (۲۵۴)، فرهنگ سخنوران (۵۶۱)، کاروان هند (۷۳۶ –۷۳۵ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ صفی)، هفت اقلیم (۲۳۷ / ۱).

صفی کاشفی سبزواری، فخرالدین، علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۳۹ –۸۶۷ ق)، عارف و شاعر، متخلص به صفی. وی در سبزوار به دنیا آمد و در هرات می‌زیست. فخرالدین همانند پدرش از واعظان و مؤلفان و شاعران نام‌آور روزگار خود بود. وی با خاندان سعدالدین کاشغری نسبت داشت، یعنی از دو دختر خواجه محمد اکبر معروف به خواجه کلان، یکی در حباله‌ی نکاح صفی کاشفی و دیگری در عقد مولانا جامی بود. وی در ابتدا نزد پدر خویش به تحصیل و در طریقه‌ی نقشبندیه به ریاضت و سلوک پرداخت و پس از پدر به جای او نشست و وعظ و تذکیر را تا عهد دولت صفوی و و در گیرودار حملات ازبکان بر هرات و خراسان ادامه داد. صفی پس از رهایی هرات از محاصره‌ی یک ساله، به غرجستان نزد شاه محمد سلطان رفت و «لطائف الطوائف» را به نام او تألیف کرد. وی در غرجستان درگذشت و جنازه‌اش را به هرات بردند و در آن شهر به خاک سپردند. درباره‌ی او گفته‌اند که مثل پدر بر مذهب تشیع بوده است ولی اعتقادش به سلسله‌ی نقشبندیه این امر را بعید می‌نماید. از آثارش: «رشحات عین الحیات»، در شرح احوال مشایخ و بزرگان طریقه‌ی نقشبندیه؛ «لطائف الطوائف»، در قصص و حکایات لطیف از طبقات مختلف؛ «انیس العارفین»، در نصایح و مواعظ؛ «حرز الامان من فتن الزمان»، در علم اسرار حروف؛ منظومه‌ای به نام «محمود و ایاز».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۹۸ / ۸)، ایضاح المکنون (۴۰۴ / ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۳۷ –۵۳۴ / ۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۴۸ –۲۴۷)، تعلیقات مزارات هرات (۱۵ –۱۳)، دایرهالمعارف فارسی (۱۸۴۶ / ۲)، الذریعه (۳۹۶ / ۲۲، ۱۹۸ / ۱۱، ۸۱۳ –۸۱۲ / ۹، ۳۹۳ –۳۹۲ / ۶، ۴۶۲ –۴۶۱ / ۲)، رشحات عین الحیات (۱/ مقدمه ۹۹ –۶۵)، ریحانه (۳۰۴ –۳۰۳ / ۴)، صبح گلشن (۳۱۳)، فرهنگ سخنوران (۶۹۲)، کشف الظنون (۹۰۴ –۹۰۳)، لغت‌نامه (ذیل/ صفی، علی)، معجم المولفین (۷۶ / ۷)، منظومه‌های فارسی (۳۷۰).

صفی نژاد، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد صفی‌نژاد در نهم شهریور ۱۳۰۸شمسی در شهر ری متولد شد. او در شهر ری تحصیلات خود به پایان رسانید و به اخذ دیپلم موفق شد. در سال ۱۳۳۲ در رشته تاریخ و جغرافی دانشگاه تهران پذیرفته شد و در سال ۱۳۳۶ درجه لیسانس را دریافت کرد و از آنجا که استعداد و پشتکار چشمگیری از خود نشان داده بود، تعهد دبیری خود را لغو کرد و به راهنمایی دکتر گنجی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران استخدام شد. در سال ۱۳۴۰ بود که کارشناسی ارشد خود را در رشته علوم اجتماعی با ارائه پایان نامه ای درباره اماکن مقدسه شهری دریافت داشت. در سال ۱۳۴۵ به مناسبت گسترش روزافزون بخش مطالعات روستایی، بخش مطالعات عشایری از آن جدا شد و صفی نژاد به اتفاق دو تن از همکارانش به سرپرستی دکتر نادر افشار نادری بخش مطالعات و تحقیقات عشایری را مستقلا "پایه‌گذاری کردند. استاد صفی نژاد در سال های اولیه دهه اخیر به افتخار بازنشستگی نائل آمد.گروه : علوم انسانیرشته : علوم اجتماعیوالدین و انساب : نیاکان جواد صفی نژاد از لرهای بختیاری بودند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : جواد صفی نژاد در شهر ری تحصیلات خود به پایان رسانید و به اخذ دیپلم موفق شد. در سال ۱۳۳۲ در رشته تاریخ و جغرافی دانشگاه تهران پذیرفته شد و در سال ۱۳۳۶ درجه لیسانس را دریافت کرد و از آنجا که استعداد و پشتکار چشمگیری از خود نشان داده بود، تعهد دبیری خود را لغو کرد و به راهنمایی دکتر گنجی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران استخدام شد. از سال ۱۳۳۷ همکاری خود را با موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران آغاز کرد. او ابتدا در گروه جامعه شناسی شهری و سپس مطالعات روستایی این موسسه مشغول به کار شد. در سا ل۱۳۴۰ بود که کارشناسی ارشد خود را در رشته علوم اجتماعی با ارائه پایان نامه ای درباره اماکن مقدسه شهری دریافت داشتوقایع میانسالی : جواد صفی نژاد در سال ۱۳۴۵ به مناسبت گسترش روزافزون بخش مطالعات روستایی، بخش مطالعات عشایری از آن جدا شد و صفی نژاد به اتفاق دو تن از همکارانش به سرپرستی دکتر نادر افشار نادری بخش مطالعات و تحقیقات عشایری را مستقلا "پایه‌گذاری کردند. با آغاز این کار بخش مطالعه میدانی گروه به قلمرو ترکمن ها و سپس مناطق عشایرنشین شاهسون گسترش یافت. از سال ۱۳۴۶ پژوهش های عشایری استاد صفی‌نژاد در قلمرو کهگیلویه و به خصوص بویراحمد آغاز گردید که تا به امروز ادامه دارد. ایشان در سال ۱۳۷۰(۱۹۹۱) به مدت یک سال به همکاری با موسسه شرق شناسی دانشگاه مونیخ/ آلمان در بخش ایران شناسی پرداخت و در دانشگاه مونیخ تدریس کرد. حاصل این امر اثری است با همکاری آقای کامران هاشمی که مجموعه ای از ۶۰ سند تاریخی از کشاورزی سنتی ایران را شامل می شود.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فعالیت های حرفه ای جواد صفی نژاد به قرار زیر است: ۱۳۳۷: همکاری با موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ابتدا در گروه جامعه شناسی شهری و سپس مطالعات روستایی ۱۳۴۵: همکاری در تاسیس وعضو کادر موسسه مطالعات و تحقیقات عشایری همکاری با موسسه شرق شناسی دانشگاه مونیخ در بخش ایران شناسی ۱۳۷۳-۴: همکاری با پژوهشکده مردم شناسی سازمان میراث فرهنگی ۱۳۷۳-۳: همکاری با سازمان مسکن انقلاب اسلامی همکاری با گروه انسان شناسی دانشگاه تهران فعالیتهای آموزشی : جواد صفی نژاد تاکنون به تدریس دروسی چون مبانی جغرافیای انسانی ، جامعه‌شناسی ایلات و عشایر ، مردم‌شناسی ایران با تکیه بر ایلات و عشایر ، زمینه‌ها و شیوه‌های همیاری، مسائل کوچ نشینی ، انسان و محیط، منابع و ماخذ جغرافیا و نظام های آبیاری در ایران به طور عمده در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشکده ادبیات و دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، گروه جغرافیای دانشگاه تهران و نیز دانشگاه علامه طباطبایی به تدریس پرداخته است. از فعالیت های پژوهشی استاد صفی نژاد در طی این سال ها می توان به مطالعات میدانی در میان ترکمن ها و شاهسون ها و مناطقی از کهگیلویه و بویراحمد، سبزی کاری و سبزی کاران شهری، پیشینه جغرافیایی و تاریخی شمال خراسان، انجام منوگرافی متعدد، کار بر روی موضوعاتی چون قنات، بنه، نظام های زراعی، نظام های آبیاری و اسناد عشایری در ایران اشاره کرد. ایشان در زمینه های فوق جز متخصصین منحصر به فرد به شمار می رود. آرا و گرایشهای خاص : جواد صفی نژاد درباره علاقه خود به تحقیق درباره ایران می گوید: « همه آثار من، تحقیقی است و در حوزه وطن عزیز ما ایران است. من جز راجع به مناطق روستایی و عشایری، وارد حوزه های دیگر نشدم. در کتابخانه شخصی من، ۹۰٪ از آثار متعلق به پژوهش های ملی است. اگر بشنوم در دره گز کتابی راجع به دره گز چاپ شده می روم آن را تهیه می کنم. این قدر علاقه مندم که کتابهای مربوط به مناطق مختلف کشور را داشته باشم» چگونگی عرضه آثار : - تعداد مقالات متشر شده در مجلات معتبر علمی : ۳۸ مورد - تعداد طرح های تحقیقاتی : ۱۳ مورد - نگارش مقدمه : ۴ مورد - راهنمایی و مشاوره پایان نامه دانشجویان : ۲۱ مورد آثار : پهنه جهان: [تلخیص و بازنویسی کتاب حدود العالم من المشرق الی المغرب از نویسنده‌ای ناشناخته] ویژگی اثر : تالیف قرن چهارم هجری، زیرنظر اکبر ایرانی، علیرضا مختارپور؛ تهران: اهل قلم، مصور، جدول، نمونه این کتاب در کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، دی و بهمن، ص مورد برسی قرار گرفته است. ۲ آبیاری در روستاهای بیابانی کاشان ، آبیاری سنتی در کاشان ، گل و گلاب در کاشان ویژگی اثر : به همراه حسین دستمالچی،مسعود مهدوی، تهران: دانشگاه تهران، مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران، ۱۳۶۸، ۱۰۴ صفحه،تصویر، جدول، نمودار، نقشه، کتابنامه ۳ اسناد بنه ها ویژگی اثر : تهران، دانشگاه تهران : دانشکده علوم اجتماعی وتعاون، ۲۵۳۶ [۱۳۵۶]، جدول جلد اول این کتاب اسنادبنه های شهری (غار و فشاپویه) را مورد بررسی قرار می دهد. ۴ اطلس ایلات کهگیلویه برای سازمان عمران کهگیلویه ویژگی اثر : تهران : دانشگاه تهران ، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ، گروه عشایری , شهریور ۱۳۴۷، هفت + ۲۲۳ ص . مجدول . نمودارها. نقشه ها. -(با نادر افشار نادری، عزیز رخش خورشید، حسن پارسا، هوشنگ کشاورز)۵ بررسی اقتصادی و اجتماعی سی سخت بویر احمد ویژگی اثر : (از مجموعه مونوگرافی های کهگیلویه)، گزارش شماره ۱۲، دانشگاه تهران ، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ، گروه عشایری، ۱۲۰ ص، شهریور ۱۳۴۷ ۶ بنه ویژگی اثر : [تهران] : دانشگاه تهران - موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ـ بخش تحقیقات انسان شناسی,[۱۳۵۱] ، ۱۵۵ ص ، نقشه ها، مجدول، نمودار؛ ویرایش

جدیدی از این کتاب در سال ۱۳۵۳ با نام «بنه: نظام های تولید زراعی جمعی ، قبل و بعداز اصلاحات ارضی» در تهران توسط انتشارات توس در دوازده + ۲۷۲ + ۳ ص. و همراه با جدول، نمودار و نقشه به چاپ رسید. این کتاب باردیگر در سال ۱۳۶۸ توسط انتشارات امیرکبیر در ۵۸۴ صفحه با عنوان « بنه : نظامهای زراعتی سنتی در ایران» به چاپ رسید. ۷ تحلیل و تفسیر طومار و آبیاری قرن هشتم شهر قزوین ویژگی اثر : تهران: وزارت نیرو: موسسه گنجینه ملی آب ایران، ص. مصور، نقشه، جدول ۸ تحلیل و تفسیر مجموعه اسناد روستایی و عشایری ایران (متنی در شناخت روستاها و مزارع) ویژگی اثر : تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، مدیریت پژوهشهای مردم‌شناسی: آتیه، جلد. (بیست و پنج،ص)مصور، نقشه، جدول، نمودار. –جلد اول این کتاب شامل دو کتاب است : کتاب اول: ولایت تربیت حیدریه (ه.ق –) کتاب دوم: سرشماری ولایت طبس (ه.ق). ص. جلد دوم کتاب نیز دارای دو کتاب است: کتاب سوم: طومار دشمن زیاری. ص. کتاب چهارم: اسناد زراعی ورامین. ص تعاونی های عشایری سررود بویراحمد علیا ویژگی اثر : تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، گروه تحقیقات عشایری، ۱۵۷ص، اردیبهشت ۱۳۶۳ –(با شاهرخ ترغیبی و هیبت الله غفاری) ۱۰ جمعیت و شناسنامه ایلات کهگیلویه ویژگی اثر : (بخش بویراحمد علیا ، سفلی و گرلیه) (مشخصات کتابشناختی این اثر به دست نیامد) ۱۱ جهان‌نامه ویژگی اثر : –این کتاب بازنویسی کتاب جهان‌نامه اثر محمدبن نجیب بکران می‌باشد. کتاب حاضر در ماه تاریخ و جغرافیا، ش ، دی و بهمن، ص مورد بررسی قرار گرفته است. ۱۲ خان نامه ویژگی اثر : تحقیق درعشایر کهگیلویه و بویراحمد (در دوره خان خانی)، مجله دانشکده، نشریه مرکزی دانشگاه تهران (فرهنگ و علوم انسانی)، سال اول، شماره ۲، ۱۳۵۵ ۱۳ سد زیرزمینی قنات و زوان– میمه اصفهان، به همراه بیژن دادرس ویژگی اثر : تهران: وزارت نیرو، موسسه گنجینه ملی آب ایران، ص، مصور(بخشی رنگی)، جدول، نمودار، نمونه. این کتاب به مناسبت اولین همایش بین‌المللی قنات که در اردیبهشت در یزد برگزار شد، منتشر گردید و در کتاب ماه هنر، شماره ، خرداد و تیر ، مورد نقد و بررسی قرار گرفت. ۱۴ سفرهای سلیمان سیرافی از خلیج‌فارس تا چین ویژگی اثر : تهران : موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران ، ۳۰ص. ،مصور، نقشه ۱۵ سوق طیبی از مجموعه مونوگرافی های کهگیلویه ویژگی اثر : تهران، دانشگاه تهران ، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ، گروه عشایری، ۱۳۴۷، ۵۶ ص – (با نادر افشار نادری، و هوشنگ کشاورز)۱۶ شناسنامه جامعه عشایری ویژگی اثر : دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، جزوه درسی مربوط به درس مردم شناسی عشایر ایران، ۹۴ ص، ۱۳۶۱۱۷ عشایر مرکزی ایران ویژگی اثر : تهران: امیرکبیر، ۸ ۶ ۳ ۱، بیست و سه + ۶ ۳ ۷ص.، مصور، نقشه، جدول، عکس –این کتاب در فصلنامه مطالعات ملی: عشایر و هویت ایرانی،۸ مورد بررسی قرار گرفته است۱۸ غارت ویژگی اثر : درآمد مستمر خان در دوره خان خانی، مجله دانشکده، نشریه مرکزی دانشگاه تهران (فرهنگ و علوم انسانی)، سال دوم، شماره ۶، ۱۳۵۵ ۱۹ کشاورزی سنتی ایران براساس اسناد جنوب تهران (دروان قاجاریه) ویژگی اثر : تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، ص.نقشه، جدول، نمودار –(با ابرهارد کروگر) ۲۰ کهن شهرها [تلخیص و بازنویسی کتاب مسالک الممالک اثر ابواسحاق ابراهیم‌بن محمد فارسی اصطخری] ویژگی اثر : به‌کوشش جواد صفی‌نژاد؛ زیرنظر اکبر ایرانی، علیرضا مختارپور؛ تهران: اهل قلم، ص.مصور، نقشه، جدول، نمودار ۲۱ کوششی در آموزش خط سیاق ویژگی اثر : تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران: بنیاد ایران‌شناسی، ص. ۲۲ گاو چاههای فارس با تکیه بر گاو چاههای جهرم ویژگی اثر : تهران: وزارت نیرو، موسسه گنجینه ملی آب ایران، ص. مصور، جدول، عکس (رنگی) ۲۳ لرهای ایران لر بزرگ، لر کوچک ویژگی اثر : تهران: آتیه، مصور، جدول، نمودار ۲۴ مبانی جغرافیای انسانی ویژگی اثر : تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ، بیست و یک ص. مصور، نقشه، جدول. (چاپ اول این کتاب سال ها قبل منتشر شده بود) ۲۵ مجموعه تفضیلی مآخذ عشایر ایران ویژگی اثر : تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی و معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶ –(با شاهرخ ترغیبی و علی پاینده)۲۶ مردم شناسی ایران با تکیه بر ایلات و عشایر ویژگی اثر : جزوه درسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دانشگاه علامه طباطبایی، جدول ، نقشه ، نمودار، ۲۴۲ ص، ۱۳۶۴ ۲۷ مقدمه‌ای بر دو روزنامه شرف و شرافت ویژگی اثر : نگارش جواد صفی‌نژاد؛ به خط غلامحسین امیرخانی، فرهنگسرا: (یساولی)، ۲۸ مونوگرافی ده طالب‌آباد ویژگی اثر : تهران، انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، یازده ص. مصور، نقشه، جدول، نمودار ۲۹ نان سنگک: مطالعه‌ای مردم شناختی، مولف داود روغنی ویژگی اثر : به گردآوری جواد صفی نژاد، تهران: اختران، ۱۳۸۵، ۲۱۶ ص، مصور (رنگی)، نقشه این کتاب در مقاله ای با عنوان « سفر ساله کتاب نان سنگک : نگاهی به کتاب خاطرات شاطر داوود روغنی » نوشته غلامرضا معصومی منتشره در روزنامه جام‌جم ، اردیبهشت ، مورد بررسی قرار گرفت. ۳۰ نظام سنتی آبیاری در نائین ویژگی اثر : تهران، کمیته ملی آبیاری و زه کشی، ۵۹۴ ص، ۱۳۸۴ این کتاب درمصاحبه‌امیرهوشنگ انوری با نولف تحت عنوان «آبنامه‌ها راز قنات‌ها را فاش می‌کنند: گفتگو با دکتر جواد صفی‌نژاد درباره کتاب نظام‌های آبیاری در نایین (» منتشره در کتاب هفته ،دوره جدید، شماره ، مهر :مورد بررسی قرار گرفته است.۳۱ نظامهای آبیاری سنتی در ایران ویژگی اثر : تهران، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۹ ۵ ۳ ۱، سه، ۲ ۸ ۲ ص. مصور، جدول، عکس، نمودار. این کتاب در سال ۱۳۶۸ با تغییراتی در دو جلد در مشهد توسط موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، به چاپ رسید. ۳۲ واحدهای اندازه‌گیری در روستاهای ایران ویژگی اثر : همراه با حسین ملک، تهران ، دانشگاه تهران ، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ، ۱۳۴۹، ۹۵ صفحه ، جدول ، نقشه۳۳ واژه‌نامه قنات، همراه با عبدالوحید آغاسی ویژگی اثر : : شرکت سهامی آب منطقه‌ای یزد ص. مصور، جدول این کتاب به‌مناسبت اولین همایش بین‌المللی قنات که در اردیبهشت در یزد برگزار شد، منتشر گردید. کتاب حاضر در کتاب ماه هنر، شماره خرداد و تیر مورد بررسی قرار گرفت. ۳۴ وصف خلیج‌فارس در نقشه‌های تاریخی ویژگی اثر : همراه با محمدحسن گنجی، محمدباقر وثوقی و با همکاری فاطمه فریدی‌مجید امیر هوشنگ انوری ؛ مقدمه، تدوین و بازبینی نهایی حسن حبیبی، تهران: بنیاد ایران‌شناسی

صفی نور بخش رازی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۶۷ ق)، عارف و شاعر. وی از سادات صوفیه‌ی طریقه‌ی نوربخشی بود که به مزید فضل و تهذیب اخلاق مشهور آفاق بود. پس از آن که برادرش، شاه قوام‌الدین،به قصاص خون امیدی، کشته شد انزوا اختیار کرد و به زیارت خانه خدا مشرف شد. صفی در سرودن شعر مهارت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۰۸۹ -۱۰۸۸ / ۳)، تاریخ نظم و نثر (۶۱۸)، تحفه سامی (۳۷ -۳۶)، جامع مفیدی (۱۰۶ -۱۰۵ / ۳)، الذریعه (۶۱۷ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۶۱)، لغت‌نامه (ذیل/ صفی)، هفت اقلیم (۴۶ -۴۴ / ۳).

صفی یزدی، صفی‌الدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، عارف و شاعر. از شاعران یزد است که با طغان شاه بن مؤید سلجوقی (۵۸۱ -۵۶۹ ق) معاصر بود و سلطان به وی به سبب کمال و توانش در شاعری ارادت می‌ورزید. از اوست:

نه یکی روز ز وصل تو نشان یافته‌ام

نه یکی شب ز فراق تو امان یافته‌ام

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۷۶)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۱۸۵ -۱۸۴)، الذریعه (۶۱۵ / ۹)، ریاض العارفین (۱۰۱)، فرهنگ سخنوران (۵۶۲)، لباب الالباب (۲۷۹ -۲۷۸ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ صفی‌الدین یزدی)، مجمع الفصحا (۸۲۱ / ۲، هفت اقلیم (۱۴۹ / ۱).

صفیا اصفهانی، صفی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۸ ق)، شاعر، متخلص به صفی. در اصفهان به دنیا آمد و در همان شهر به تصحیل علم سیاق و حساب و فراگیری خط شکسته پرداخت. در شاعری نیز مهارت یافت و متوجه سرودن غزل و رباعی عارفانه عاشقانه شد. از ایران به هندوستان سفر کرد و پس از مدتی سیر و سیاحت در آنجا، از مقربان مهابت‌خان شد و به روزگار اکبر پادشاه گورگانی کار او بالا گرفت. وی در کابل درگذشت. از او اشعاری در حدود چهارده هزار بیت باقی مانده است. صفی صاحب «ساقی نامه»ای مشتمل بر هشتاد و پنج بیت است و «مثنوی»های دیگری در بحر «خسرو و شیرین» نظامی و «مثنوی» مولوی و جز آن سروده است. وی در غزل سبک متحولی، مابین مکتب وقوع و شیوه‌ی اصفهانی، دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۰۷ -۱۰۰۳ / ۵)، تاریخ نظم و نثر (۶۸۴)، تذکره‌ی میخانه (۴۳۶ ،۴۲۹)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۰۵)، تذکره‌ی روز روشن (۴۷۵)، دویست سخنور (۱۹۸ -۱۹۶)، الذریعه (۱۰۹ ،۱۲ ،۶۱۴ -۶۱۳ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۶۲)، کاروان هند (۷۳۵ -۷۲۹ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ صفیا)، مآثر رحیمی (۱۶۵۵ -۱۶۵۳ / ۴)، هفت اقلیم (۴۳۳ -۴۳۲ / ۲).

صفیری قزوینی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اهل قزوین بود و شعر می‌گفت. صاحب تذکره‌ی «روز روشن» وی را فرزند ملا ملک ذکر کرده است. از اشعار اوست:

ز پیام من جوابی‌نشنیده قاصد اما

دهدم به این تصلی که ندیده‌ام هنوزش

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۹۳ / ۳)، تذکره‌ی روز روشن (۴۷۸)، فرهنگ سخنوران (۵۶۳)، لغت‌نامه (ذیل/ صفیری)، مینو در (۴۸۳ / ۲).

صلاحی، عمران

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عمران صلاحی در دهم اسفندماه ۱۳۲۵ در امیریه تهران بدنیا آمد.مادرش متولد سمنان و پدرش از اردبیل بود. تحصیل را در ۷ سالگی در دبستان صنیع الدوله(قم) آغاز کرد و پس از آن در سال ۱۳۳۵ در دبستان قلمستان(تهران) وسپس در سال ۳۷ در دبستان شهریار و دبیرستان امیر خیزی(تبریز) ادامه داد. نخستین شعر خود را در مجله ی اطلاعات کودکان در سال ۱۳۴۰چاپ کرد. پدر خود را در همین سال از دست داد.

اما بهتر است این دوران را از زبان خودش با عنوان (چه روزگار خوشی داشتیم) بشنویم:

"نامم عمران است و فامیلم صلاحی. نام کوچکم را عمویم مراد انتخاب کرده است؛ از قرآن و سوره آل عمران. ترک ها به من می گویند عیمران و فارس ها گاهی با کسره و اکثرا با ضمه صدایم می کنند. ناشران و مترجمان گاهی گیج می مانند که هرکس هرطوری دوست دارد بنویسد و بخواند.نامم را به لاتین با اِ بنویسند یا با اُ.

... دهم اسفند ۱۳۲۵ در تهران متولد شده ام؛ چهارراه گمرک امیریه. البته نه وسط چهارراه اگر چه گفته اند خیرالامور اوسطها.و اما زندگی ادبی و هنری من. قدیم ترین شعر و نوشته ای که از خودم پیدا کرده ام، تاریخ پنج شنبه ۳۰/۱۱/۱۳۳۷ را دارد. برخلاف تصور خواننده، خیلی غم انگیز است. بخشی از آن را بخوانیم؛ «از تهران حرکت کردیم و پس از یک روز به تبریز رسیدیم... در خیابان چهارم اردیبهشت، دربند کیوان، یک اتاق کوچک کرایه کردیم به ۲۶ تومان. هفت نفر بودیم. بعد از چهار روز، خواهر کوچکم پروین به یک مرض سخت دچار شد... در روز چهارشنبه ۲۹/۱۱/۱۳۳۷ پروین در بستر مرگ بود. صبح روز پنج شنبه به سختی نفس می کشید. بعدازظهر همان روز بعد از آنکه ناهار را خوردیم، من در بیرون توپ بازی می کردم. ناگهان پسر همسایه مان به من خبر داد که مادرت چنان گریه می کند که نمی تواند روی پاهای خودش بایستد. با عجله دویدم تا به خانه رسیدم. دیگر کار از کار گذشته بود. نفس پروین بند آمده بود و چشم هاش باز بود...» دیگر بقیه اش را نمی آورم. به قول ایرج میرزا؛ ببند ایرج ازین گفتار غم دم / که غمگین می کنی خواننده را هم. بعد از این نوشته سوزناک چند بیت هم شعر گفته بودم که بیت اولش این بود؛ کجا رفتی ای پروین / می خندیدی چه شیرین.اولین شعرم پاییز سال ۱۳۴۰ در مجله اطلاعات کودکان چاپ شد، به نام «باد پاییزی» که یک مثنوی بود و اینطور شروع می شد؛ باد پاییزی بریزد برگ گل / بلبلان آزرده اند از مرگ گل. هنوز آن مجله را دارم. در صفحه جدول و سرگرمی همان مجله مسابقه ای گذاشته بودند و سوالاتی طرح کرده بودند که هرکس به آنها پاسخ درست می داد جایزه می گرفت. یکی از سوالات این بود؛ «فرستنده باد پاییزی کیست؟» که منظور فرستنده شعر باد پاییزی بود. من این باد را از تبریز فرستاده بودم! در آخر شعر آورده بودم؛ ای خدا راضی مشو این باد بد / برگ گل های مرا پرپر کند، که همین طور هم شد یا نشد! آخر پاییز، پدرم به سفری همیشگی رفت. من آن وقت ۱۵ ساله بودم".

تحصیل در دبیرستان وحید(تهران) در سال ۱۳۴۱ و پس از آن در سال ۴۵ به همکاری با روزنامهٔ توفیق پرداخت و همانجا با پرویز شاپور آشنا شد. در سال ۱۳۴۷ چاپ اولین شعر نیمایی در مجلهٔ خوشه به سردبیری احمد شاملو را به همراه داشت. در سال ۴۹ کتاب "طنز آوران امروز ایران" با همکاری بیژن اسدی پور ــ فوق دیپلم مترجمی از دانشگاه تهران ــ را منتشر کرد.در سال ۱۳۵۰ به خدمت نظام وظیفه در تهران ، تبریز ، کرمانشاه ، مراغه رفت.

در زندگی خود نوشت صلاحی در مورد این سالها آمده است:

"بعد از مرگ پدر، به تهران آمدیم و ساکن جوادیه شدیم. با دوچرخه قراضه ای از جوادیه به دبیرستان وحید در خیابان شوش می رفتم. روزی دوچرخه ام پنچر شد. سر راهم در جوادیه دوچرخه سازی بود. برای پنچرگیری به آنجا رفتم. دیدم در و دیوار پر از شعر است. از دوچرخه ساز پرسیدم شعرها مال کیست؟ گفت مال خودم. دوچرخه ساز، شاعر بود و اسمش رحمان ندایی. با هم دوست شدیم و رفت و آمد پیدا کردیم. به خانه هم می رفتیم و شعر می خواندیم؛ هم از خودمان و هم از دیگران. او به انجمن ادبی صائب می رفت. از طریق او، خلیل سامانی (موج) دعوتنامه ای برای من فرستاد. او دبیر انجمن بود و استاد عباس فرات رئیس انجمن. جلسات انجمن هفته ای یک بار تشکیل می شد؛ در ایستگاه اناری نواب کوچه ماه. اولین بار که به انجمن رفتم در بسته بود و هنوز هیچ کس نیامده بود. دیدم از سر کوچه پیرمردی با کلاه لبه دار و بارانی و کیفی چرمی دارد می آید. پیرمرد آمد و دم در ایستاد و از من پرسید «با کی کار داشتی؟» گفتم؛ «با آقای موج.» خودش را معرفی کرد و گفت؛ «من فرات هستم. فرات بی موج نمی شود. الان موجش هم می رسد.» دو دقیقه بعد «موج» هم آمد. سامانی برای اینکه نشانی را فراموش نکنیم، آن را در دو بحر می خواند؛ «کوچه ماه، پلاک سی وسه» و «کوچه ماه، کاشی سی وسه». که هنوز به یاد من مانده است. این هم از تاثیرات وزن است. از همان انجمن صائب پایمان به انجمن های دیگر باز شد. یک شب که از انجمن آذرآبادگان واقع در امیرآباد می آمدم با حسین منزوی آشنا شدم. جوانی لاغر که دانشجوی دانشگاه تهران بود و در خانه عمویش در جوادیه زندگی می کرد و چه عموهای نازنینی، مثل پدر منزوی. از آن به بعد همه در انجمن های ادبی من و منزوی را با هم می دیدند. یک شب که پول نداشتیم از کلبه سعد تا جوادیه پیاده آمدیم و من این بیت را سرودم؛ با منزوی پیاده روی می کنیم ما / خود را بدین وسیله قوی می کنیم ما! کاظم سادات اشکوری می فرماید؛ دستت چو نمی رسد به عمران / دریاب حسین منزوی را! روزی یکی از بچه های شیطان جوادیه با سنگ، زد یکی از پره های دوچرخه ام را شکست و پا به فرار گذاشت. من شعری نوشتم از زبان بچه جوادیه و با همان امضا فرستادم برای روزنامه فکاهی توفیق. روزنامه را نمی خریدم. از روزنامه ای که توی جوی آب پیدا کرده بودم، نشانی اش را نوشته بودم. یک روز که از مدرسه به خانه آمدم، نامه ای به دستم دادند. حسین توفیق نوشته بود شعر و کاریکاتورت در فلان شماره

چاپ شده است هرچه زودتر خودت را به ما برسان. یک روز عصر با همان دوچرخه قراضه از مدرسه رفتم به اداره توفیق در خیابان استانبول. از سال ۱۳۴۵ عضو هیات تحریریه روزنامه توفیق شدم و در آن مکتب پرورش یافتم. اسامی مستعارم در توفیق، بچه جوادیه، ابوطیاره، ابوقراضه، مداد، زرشک، زنبور و چند امضای دیگر بود. من خود را خیلی مدیون برادران توفیق می دانم. چه روزگار خوشی داشتیم.در توفیق با پرویز شاپور آشنا شدم. از طریق شاپور با اردشیر محصص آشنا شدم. دوستی من با شاپور تا آخر عمر او ادامه داشت. سال ۴۵ در زندگی هنری من نقطه عطفی بود؛ سرودن شعر نو به فارسی و ترکی، همکاری با توفیق، آشنایی با شاپور".

در سال ۵۲ به همکاری با گروه ادب امروز رادیو به دعوت نادر نادرپور پرداخت و به استخدام رادیو تهران در آمد.در سال ۵۳ انتشار کتاب "گریه در آب"را داشت و در همان سال با هایده وهاب‌زاده ازدواج کرد.در سال ۱۳۵۵ کتاب "قطاری در مه" را منتشر کرد. سال ۵۶ انتشار کتاب "ایستگاه بین راه" را داشت. نمایشگاه مشترک کاریکاتور با پرویز شاپور و بیژن اسدی‌پور در نگارخانه تخت جمشید و شعر خوانی در ۱۰ شب کانون نویسندگان ایران نیز از کارهایی است که عمران صلاحی در همان سال به همراه داشت.

اولین فرزند او به نام یاشار در سال ۵۷ به دنیا آمد. انتشار کتاب "هفدهم" و سفر به ترکیه ، یونان ، بلغارستان از وقایعی است که در سال ۵۸ با آن مواجه بود.دومین فرزندش به نام بهاره در سال ۶۱ بدنیا آمد و در همان سال کتاب "پنجره دن داش گلیر" را به ترکی منتشر کرد. در سال ۶۷ گشایش صفحهٔ "حالا حکایت ماست" در مجله دنیای سخن و مسئولیت نگارش در آن قسمت را به عهده گرفت. در سالهای ۷۰ ،۷۳ و ۷۴ به ترتیب انتشار کتاب " رویاهای مرد نیلوفری"، انتشار ویژه نامهٔ مجلهٔ "عاشقانه" در آمریکا و انتشار کتاب "شاید باور نکنید" در سوئد را در کنار سایر دست آوردهایش همراه داشت.سال ۷۵ پس از بازنشستگی از صدا و سیما به همکاری با گل‌آقا و همکاری با شورای عالی ویرایش پرداخت.

از خود صلاحی کوتاه درباره ی دوران بعد از سربازیش بشنویم:

"بعد از اینکه از سربازی آمدم، به دعوت نادر نادرپور، به همکاری با گروه ادب رادیو تلویزیون پرداختم. در رادیو با محمد قاضی، رضا سیدحسینی، حسینعلی هروی و دیگران آشنا شدم. در گروه ادب امروز، بخش های طنز را می نوشتم. برنامه مستقلی هم داشتم به نام «زیر دندان طنز». از نادرپور هم خیلی آموخته ام. یادش گرامی باد. برنامه های ماهانه گروه ادب هم با حضور مشاهیر ادبیات جلوه و جذابیت خاصی داشت.شب های شعر کانون نویسندگان که در باغ گوته برگزار می شد برای من فراموش نشدنی است. من در شب دوم شعر خواندم و خیلی تشویق شدم.از سال ۱۳۶۴ با چند نفر از دوستان شاعر و نویسنده جلساتی داشتیم که سه شنبه ها به ترتیب الفبا در منازل تشکیل می شد. جلسات سه شنبه تقریبا ۱۱ سال به طول انجامید. از سال ۶۵ با شاعران ترک زبان بیشتر آشنا شدم. دوشنبه ها در قهوه خانه ها جمع می شدیم و شعر می خواندیم البته به ترکی. دیگر از چه بگویم و از که بگویم. از منوچهر آتشی بگویم که حقی بزرگ به گردن من دارد، از حمید مصدق بگویم که همیشه «از ما به مهربانی» یاد می کرد، از سیمین بهبهانی بگویم که مثل مادرم دوستش دارم و به او افتخار می کنم. واقعا نمی دانم از که بگویم. خوبان همه جمع اند بروم و کمی اسفند دود کنم".

او در سال ۷۷ کتاب های " یک لب و هزار خنده" و "حالا حکایت ماست"و در سال ۷۸ گزینهٔ اشعار را به چاپ رساند. همچنین در این سال در ۶ شهر کشور سوئد سخنرانی هایی را ایراد کرد. وی در سال ۷۹ کتابهای " آی نسیم سحری"،"ناگاه یک نگاه"،"ملا نصرالدین"، از گلستان من ببر ورقی" و " باران پنهان" و در سال ۸۰ ،کتاب‌های "هزار و یک آینه" و "آینا کیمی" به ترکی را منتشر کرد. وی همچنین قرار بود" تفریحات سالم"، "طنز سعدی در گلستان و بوستان "و" زبان‌بسته‌ها ("منتخبی از قصه‌های حیوانات به نظم) را منتشر کند.

و بالاخره عمران صلاحی در شب ۱۱ مهر ۱۳۸۵ دار فانی را وداع گفت.

در مراسم تشییع پیکر او جواد مجابی درباره ی او می گوید ": عمران هیچ از مرگ نمی گفت. همواره از زندگی می گفت و می سرود... ورای شیرینی کلامش زهری جریان داشت که از واقعیت ناگزیر می تراود و او چرب دستانههر دو منظر را یکجا به ما نشان می دهد... او همچون ذات زندگی، دیگران را در خود ایمن و شاد می خواست. نمی میرند کسانی که چونعمران عین شادی اند. عمران تمام عمرش را با مردم کوچه زیست".

همچنین در این مراسم محمود دولت آبادی گفت " :او خود زندگی بود. درخشان و دل زنده ... چه بی مهر شده است اینزندگانی غمبار ما و این آژنگ های نشسته بر پیشانی آدمیان که انگار به عادت سخت وسمج در آمده است که انگار حس شوخی و شاد زیستن – آنگونه که عمران – رفتاری نابهنجارمی نماید. در این هنجار، آری عمران انسانی متفاوت بود"...

صلاحی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم سیاسی، دانشگاه: اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای علوم سیاسی و تحصیلات در زمینه اقتصاد.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فلسفه و اندیشه‌های سیاسی در غرب، مسائل اقتصاد سیاسی بویژه در کشورهای در حال توسعه، حدود ۱۶ سال تدریس در سیاست و اقتصاد، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۴ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

سیاست به مثابه علم.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

اروپای ۱۹۹۳، پروستریکا.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

صلایی اردستانی، جلال‌الدین حسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۰ / ۱۰۱۵ ق)، شاعر. از بزرگان شهر اردستان بود و به روزگار شاه عباس اول می‌زیست. وی از طبعی روان در شعر بهره‌مند بود. از اوست:

صد سال بهر کسب شرف از وجود تو

امکان کشیده بر در تقدیر انتظار

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۶۱۷ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۶۳)، هفت اقلیم (۴۱۴-۴۱۳ / ۲).

صلایی اسفراینی، حسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۹۵۵ ق)، شاعر. مولد و منشا او اسفراین است و چون چندی در کاشان زیسته، به کاشانی معروف شده است. او در زمان اکبر شاه به هندوستان رفت و در ۹۹۹ ق به مکه مشرف و دو سال بعد به هندوستان بازگشت. وی «دیوان» شعری دارد که در آن اشعاری در مدح ائمه (ع) سروده و نسخه‌های بسیاری از آن را با خط و تذهیب خوب فراهم آورده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۸۵)، تذکره‌ی روز روشن (۴۷۸)، الذریعه (۶۱۷ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۶۳)، کاروان هند (۷۳۹-۷۳۶ / ۱).

صلح جو، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی صلح جو ، متولد سال ۱۳۲۳ در قزوین ، از ویراستاران و مترجمان باتجربه و خبره و از معلمان ویراستاری در دوره های آموزش ویرایش است .گروه : علوم انسانی رشته : زبان شناسی عمومی گرایش : ویراستاری تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی علی صلح جو به قرار زیر است: - کارشناسی رشته زبان و ادبیات انگلیسی،مدرسه عالی ادبیات و زبانهای خارجی،۱۳۵۴ - کارشناسی ارشد رشته زبانشناسی همگانی،دانشگاه تهران،۱۳۵۹همسر و فرزندان : علی صلح جو متاهل و دارای چهار فرزند می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای علی صلح جو به قرار زیر است: - نمونه خوان،موسسه انتشارات فرانکلین از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۴ - ویرستارفموسسه انتشارات فرانکلین از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۸ - ویراستار موسسه دایره المعارف فارسی مصاحب از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۴ - ویراستار دانشگاه آزاد اسلامی از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۸ - ویراستار مرکز نشر دانشگاهی از سال

۱۳۵۹ تـا ۱۳۸۲ – ویراسـتار مجله پیـام یونسـکو از سـال ۱۳۶۵ تـا ۱۳۷۰ – دبیر اجرایی مجلـه زبـان شناسـی از سـال ۱۳۶۶ تا۱۳۸۰ – ویراستار دانشگاه پیام نور از سال ۱۳۷۳ تا کنون – عضو هیئت تحریریه مجله مترجمفعالیتهای آموزشـی : فعالیت های آموزشی علی صلـح جـو بـه ترتیـب زیر اسـت: تـدریس دروس ، زبـان شناسـی،ترجمـه ،ویرایش از سـال ۱۳۶۲ تـا کنون در دانشـگاههای شـیهید بهشتی،آزاد اسـلامی،پیام نور،جهاد دانشـگاهی دانشـگاه تهران،مرکز نشر دانشگاهی دانشکده حدیث و انتشارات سروش .چگونگی عرضه آثـار : علی صـلح جو از ویراسـتارانو مترجمین و مولفین در پیرامون زبـان،فرهنگ و تارخ و غیره است که از ایان تا کنون ۱۲ مقاله منتشـر شده است.آثار : ۱ آموزش بـدمینتون ۲ (رشـته تربیت بـدنی و علوم ورزشـی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: آذر آقایاری، علی صـلح جو (ویراسـتار)، ژاله معماری (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور – ۲۷ اسفند، ۱۳۸۶ ۲ آموزش بسکتبال (۱) (رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسن محمدزاده جهتلو، علی صلح جو (ویراستار)، خلیل نسودی رضایی (ویراستار) ناشـر: دانشگاه پیام نور – ۳۱ اردیبهشت، ۱۳۸۴ ۳ اصول آموزش تنیس روی میز ۱ (رشـته تربیت بدنی و علوم ورزشی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: محمدرضا رمضانپور، علی صـلح جو (ویراسـتار)، بهمن تاروردی زاده (ویراسـتار) ناشـر: دانشگاه پیام نور – ۱۵ اسفند، ۱۳۸۶ ۴ اصول آموزش فوتبال (۱): رشـته تربیت بدنی و علوم ورزشـی ویژگی اثر : پدیدآورنده: قدرت الله باقری راغب، علی صلح جو (ویراسـتار)، ابوالفضـل فراهانی (ویراسـتار) ناشـر: دانشگاه پیام نور – ۱۴ آبـان، ۱۳۸۶ ۵ پژوهش و نگـارش ویژگی اثر : پـدید آورنده :علی صـلح جو،نشر آگاه ۱۳۶۸۶ تاریخ زبان فارسـی (رشـته زبان و ادبیات فارسـی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: مهری باقری، علی صلح جو (ویرایشگر)، حسن انوری (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور – ۲۷ اسفند، ۱۳۸۶ ۷ ترجمه متون ادبی (رشـته مترجمی زبان انگلیسی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: محمود علی محمدی، علی صلح جو (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور – ۱۴ آبان، ۱۳۸۶ ۸ چگونه تحقیق کنیم؟ (رشته های کارشناسی ارشد علوم انسانی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: لورن بلکستر، کریستینا هیوز، ملکم تایت، ابوالفضل فراهانی (مترجم)، عیسـی ابراهیم زاده (مترجم)، محمدرضا سـرمدی (مترجم)، علی صلح جو (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور – ۱۲ شهریور، ۱۳۸۵ ۹ خواهر وسطی ویژگی اثر : پدیدآورنده:میریام میس،مترجم(علی صـلح جو)،ابن سینا ۱۳۴۶۱۰ درآمدی به اصول و روش ترجمه ویژگی اثر : پدیدآورنده: کاظم لطفی پورساعدی، علی صـلح جو (ویراسـتار) ناشر: مرکز نشر دانشگاهی – ۱۲ تیر، ۱۳۸۵ ۱۱ راهنمـای آمادگی جسـمانی برای زنـدگی سالم ۱ (رشـته تربیـت بـدنی) ویژگی اثر : پدیدآورنـده: مت رابرتس، بهروز ژاله دوست ثانی (مترجم)، ابوالفضل فراهانی (مترجم)، محمدرضا اسد (مترجم)، علی صـلح جو (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور – ۱۱ مهر، ۱۳۸۵ ۱۲ رشـد و تکامل حرکتی (رشـته تربیت بـدنی و علوم ورزشـی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسن خلجی، علی صلح جو (ویراستار)، مریم سیف نراقی (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور – ۲۲ مهر، ۱۳۸۶ ۱۳ روشها و فنون در آموزش علوم، برای کارشـناسان و معلمان علوم تجربی ویژگی اثر : پدیدآورنده: مهتاش اسـفندیاری، علی صـلح جو (مترجم) ناشـر: مدرسه – ۱۳۸۲ ۱۴ زبان شناسی نوین:نتایج انقلاب چامکسی ویژگی اثر : پدیدآورنده :دیردری ویلسن،مترجم(علی صلح جو–ترجمه مشترک)۱۳۶۷۱۵ زبـان و ذهن ویژگی اثر : پدیدآورنـده: نوآم چامسـکی، کوروش صـفوی (مـترجم)، علی صـلح جو (ویراسـتار) ناشـر: هرمس – ۱۷ خرداد، ۱۳۸۴ ۱۶ زبـان و زبـان شاسـی ویژگی اثر : پدیدآورنـده: الکسانـدر کنـداتف،مـترجم(علی صلح جـو)،ایران یـاد ۱۳۶۳۱۷ فرستادگان نـور ویژگی اثر : پدیدآورنـده: امیـده صـدارت، جیمز تـوئیمن، علی صلح جو (مـترجم)، مریم بیـات (مـترجم)، مرجـان انصاری (مترجم) ناشر: سخن – ۱۳۸۲ ۱۸ فرهنگ اصطلاحات انگلیسی – فارسی و چگونگی کاربرد آنها ویژگی اثر : پدیدآورنده: علی صـلح جـو، حسـین وثـوقی ناشـر: رهنمـا – ۱۳۸۲ ۱۹ فرهنـگ انـدیشه نـو(مقالاـت زبانشناسـی) ویژگی اثر : پدیدآورنـده :مازیار،مترجم(علی صلح جو) فن مطالعه ویژگی اثر : پدیدآورنده: لیندافریل انیس، علی صلح جو (مترجم)، احمد سمیعی(گیلانی) (ویراسـتار) ناشـر: مرکز نشر دانشگاهی – ۰۶ آذر، ۱۳۸۶ ۲۱ گفتمان و ترجمه ویژگی اثر : پدیدآورنـده: علی صـلح جو ناشـر: نشـر مرکز – ۰۵ اسـفند، نظریه های ترجمه در عصـر حاضـر ویژگی اثر : پدید آورنده :هرمس ،مترجم(علی صلح جو) ۱۳۸۰۲۳ نکته ای ویرایش ویژگی اثر : پدیدآورنده: علی صلح جو ناشر: نشر مرکز – ۲۷ اسفند، ۱۳۸۶ ۲۴ نمادها و نشانه ها ویژگی اثر : پدیدآورنده: آلفرد هوهنه گر، علی صـلح جو (مترجم) ناشـر: وزارت فرهنگ و ارشـاد اسـلامی، سازمان چاپ و انتشارات – ۰۸ آبان، ۱۳۸۶ ۲۵ نمونه هـای نـثر سـاده انگلیسـی (رشـته مترجمی زبـان انگلیسـی) ویژگی اثر : پدیدآورنـده: علی صـلح جو (ویراسـتار)، محمود علی محمدی (ویراستار)، بهروز عزبدفتری (گردآورنده) ناشر: دانشگاه پیام نور – ۱۹ اسفند، ۱۳۸۶

صلحی خراسانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یـازدهم ق)، شـاعر. از شـاعران مثنوی‌سـرایی است که از ایران به هندوسـتان مهاجرت کرده و از جمله شاعرانی است که داسـتان «وامق و عذرا» را در قالب مثنوی به نظم کشیده است و در دیباچه‌ی آن، اکبر شاه (م ۱۰۱۴ ق) سلطان سلیم، سلطان مراد (م ۱۰۰۷ ق) و دانیال (تو ۹۷۹ ق) را ستوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :منظومه‌های فارسی (۳۷۱ –۳۷۰).

صلواتی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود صلواتی

محل تولد : خمینی شهر اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۵ پس از اتمام تحصیلات ابتدایی به تحصیل علوم اسلامی پرداختم . پس از اتمام دروس مقدمات برای ادامه تحصیل از اصفهان به قم آمدم. درسهای فقه و اصول و منطق و فلسفه را در قم آموختم. در سال ۱۳۵۱ بازداشت و به سربازی اعزام شدم آنگاه به زندان افتادم در سربازی و زندان مطالعات و تحقیقات خود را ادامه دادم بیشترین رشد علمی من در زندان بود که یک دوره کتابهای ملاصدرا را مباحثه کردم به صورت منظم روی قران و نهج البلاغه کار کردم و آنها را برای هم زندانیان تدریس کردم. آشنایی با علوم روز مطالعه تاریخ اسلام، تاریخ ایران، تاریخ جهان و ... رجعون ایام فراغت دوران زندان بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی مراکز تحقیقات عقیدتی سیاسی سپاه را در قم راه اندازی کردم که وظیفه آن تهیه جزوات آموزشی برای سپاه در سراسر کشور بود و در این ایام کتابها و جزوات بسیاری تدوین و منتشر شد ، کتاب روش تحلیلی مسائل سیاسی ، تداوم انقلاب بر اساس ایمان ، هجرت ، جهاد. شرح بسیاری از خطبه های نهج البلاغه ، رمضان ماه خدا، و ... در سال ۱۳۵۹ مدرسه رسول اکرم و آنگاه امام باقر و سپس دارالشفاء را زیر نظر آیت الله العظمی منتظری راه اندازی کردم که بیش از دو هزار طلبه در این مدارس به تحصیل مشغول شدند. در کنار کارهای اجرایی به پژوهش و تالیف پرداختم. که هشت مجله سیاسی فقهی حکومت اسلامی، تقریر و ترجمه درسهای استاد بزرگوار آیت الله منتظری نتیجه این دوره از زندگی است. ترجمه قران و صحیفه سجادیه را از زندان آغاز کردم با شیوه ای نوین (مسجع و موزون) آنگاه به ویرایش و تکمیل آن پرداختم تا به چاپ رسید.هم اکنون نیز با یاری خداوند متعال به پژوهش و تدریس مشغولم و با مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم همکاری دارم.

صمدی شاه آباد، اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اکبر صمدی شاه آباد

محل تولد : تفت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۴/۱۷

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ وارد حوزه علیمه یزد شدم پس از گذراندن مقدمات و مقداری از سطح در سال ۱۳۵۸ به حوزه علمیه قم مشرف شدم و نزد اساتید ذکر شده بهره مند شدم. از آنجا که از ابتدا به امر منبر و تبلیغ علاقه زیادی داشتم به این امر مقدس روی آوردم که به لطف خداوند در این زمینه موفق بودم به گونه ای که در شهرهای مختلف کشور منبر رفته و می روم و گاهی ایام تبلیغی را از یکسال قبل وعده می دهم . در قم نیز در بیوت رهبری ، آیت الله فاضل و مکارم نیز گاهی منبر رفته و می روم ۰ سفرهایی به خارج از کشور مثل امارات بحرین جهت تبلیغ رفته ام۰ سفرهایی از طرف بعثه مقام معظم رهبری به عربستان و سوریه جهت تبلیغ رفته ام . در کار تالیف نیز علاقه دارم که تا کنو ۵ جلد کتاب و ده ها مقاله نوشته ام و تالیفاتی نیز در دست دارم

صمیمی، جلال

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: فیزیک، دانشگاه: صنعتی شریف

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

صمیمی، غلامحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسین صمیمی

محل تولد : کریر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

از دست آوردهای بزرگ انقلاب اسلامی رهایی دانش از بند استبداد بود که سالیانی دراز چون دیگر فضایل انسانی در سایه حکومت ستم شاهی ، ناچیز و بی ارزش بود و پس از آن در تلالوء فجر پیروزی در لوای معارف بلند اسلام رخ نمود و امید در دل مشتاقان گشود و در همین افق بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه کاشمر شدم و چون پیش از آن در حزب جمهوری اسلامی که در آن دوران تشکلی زنده و مؤثر در برابر تبلیغات انحرافی گروهکهای التقاطی و ضد اسلامی مشعولیتی داشتم و فرصتی برای دروس و مطالعه نداشتم به پیشنهاد یکی از دوستان دور که از حوزه علمیه یزد به کوشه ای بی توشه و آماده از برای کسب دانش و مطالعه نام می برد بدانجا رفتم و درسها را از آغاز پی گرفتم ولی باز همان دل مشغولیتهای پیش به اضافه عضویت غیر رسمی در سپاه و بدین گونه بود تا پس از سه سال که چندی هم در مناطق جنگی و بویژه در محورهای عملیاتی کردستان سپری شد به قم آمدم و در مدرسه شهابیه ساکن شدم و در درس معالم آقای قاسمی کاشانی که اخلاق و منش به عنوان نخستین استاد در قم در من تأثیری ژرف داشت داشت شرکت جستم و ماهی چند خود نیز برای چند دانش آموز مقطع دبیرستان که آشنایی اتفاقی داشتیم در حرم حضرت معصومه (س) به تدریس شرح امثله و سپس صرف میر پرداختم. این کلاس تقریباً هر وقت از منطقه جنگی به قم می آمدم ادامه می یافت. و بدین گونه توفیقی آمد تا از جامع المقدمات کتابی چند مانند شرح امثله و صرف میر و شرح تصریف ، و الموذج تدریس شد .

سالیان بعد نیز در کنار فراگیری کتابهای سطح منطق کبری و شرح باب حادی عشر را تدریس نمودم .همراه با دروس خارج فقه و اصول و فلسفه و آیات الاحکام و تفسیر قرآن کریم هم در زمینه تاریخ که از خردسالی بدان علاقه داشتم به کاوش پرداختم. این پژوهش که اکنون ۱۲ ساله است غالباً در سده نخست اسلام بوده است و چهار سالی است که روزانه بین چهار تا پنج ساعت است کـه بهره اش ۵۸۰ فیش تحقیقاتی و ۳۶۰ ورق آچار است و روزهای پنج شنبه نیز در مسجد امام زین العابدین(ع) برای روحانیون تدریس سیره دارم سیره سیاسی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حدود چهل مقاله هم در نشریات گوناگون.

صناری خوارزمی، ابوالحسن علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۳۹ ق)، فقیه، مفسر، نحوی و لغوی. ادبیات را نزد شیخ ابوعلی ضریر نیشابوری آموخت و فقه را در خوارزم نزد ابوعبدالله وبری فراگرفت. آن‌گاه به بخارا رفت و فقه خویش را در محضر فقهای آن دیار تکمیل نمود. سپس به جرجانیه (خوارزم) بازگشت و سرانجام در قریه‌ی مذانه از قرای خوارزم سکنی گزید و عهده‌دار امور مذهبی‌آنجا گشت و در مسجد جامع آنجا هر صبح جمعه وعظ می‌گفت. او لغات غریب و اشعار مشکل بسیاری را در حفظ داشت. وی در مذانه درگذشت. از آثارش کتاب «شماریخ الدرر»، در تفسیر قرآن مجید می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۲۸ / ۵)، ریحانه (۴۷۰ -۴۶۹ / ۳)، کشف الظنون (۱۰۱۹ ،۴۴۷)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم الادباء (۶۴ -۶۳ / ۱۴)، معجم المولفین (۱۴۹ / ۷).

صندلی غزنوی، مجدالدین ابوالسحر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. سدیدالدین عوفی او را در شمار شاعران دروه‌ی سلجوقی آورده و بسیار ستوده است و هدایت در «مجمع الفصحا» از او به حکیمی حکمت‌مآب و ندیمی شیرین خطاب تعبیر می‌کند. کنیه‌ی وی در تذکره‌ی «روز روشن» ابوسنجر و در «الذریعه» ابوالشجری ذکر شده است. از آثار او: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۸۰)، الذریعه (۶۱۸ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۶۴)، لباب الالباب (۳۳۶ -۳۳۴ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ صندلی غزنوی)، مجمع الفصحا (۸۲۱ / ۲).

صندلی نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۸۹ / ۴۸۴ ق)، متکلم، واعظ و فقیه حنفی معتزلی. از اهالی نیشابور بود. با سلطان طغرل بیگ به بغداد رفت، سپس به نیشابور بازگشت و به زهد و سلوک روی آورد و از دیدار سلاطین روی برتابید. روزی ملک شاه سلجوقی در مسجد جامع نیشابور او را دید و از او به علت عدم رفت‌وآمد به دربار گله کرد. صندلی در جواب گفت: عرض ما آن است که شما با زیارت علماء از اخیار ملوک باشید نه این که ما با زیارت ملوک از اشرار علماء. از آثارش «تفسیر القرآن» را می‌توان نام برد. در «هدیه العارفین» صندلی به صورت صیدلی و در «معجم المولفین» به صورت صندیلی ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اسرار التوحید، تعلیقات (۷۰۷)، الاعلام (۸۲ -۸۱ / ۵)، ریحانه (۴۷۰ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم المولفین (۶۷ / ۷)، هدیه العارفین (۶۹۳ / ۱).

صنع کاشانی، ملا صنع‌الله

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۴۴ ق)، طبیب و شاعر. از شاعران و طبیان کاشان است که مدتها در تبریز به امر طبابت مشغول بود. ملا صنع‌الله نه تنها در طبابت حاذق بود بلکه در سرودن شعر، بویژه ماده تاریخ مهارت داشت. او را قصیده‌ای است درباره‌ی «فتح شیروان»، در ۹۴۴ ق، که هر مصراع آن در بردارنده ماده‌ی تاریخ فتح شیروان است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۸۷ -۸۶)، الذریعه (۶۱۹ / ۹).

صنعانی اصفهانی، ابراهیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم و فاضل، و واعظ کامل، در بسیاری از علوم و فنون صاحب نظر بوده، در اصفهان مردم را موعظه می‌فرموده، در ۱۱۵۰ در شهر صنعاء یمن ساکن شده، و هم در این شهر وفات یافته است.

قبرش در جنوبی شهر صنعاء زیارتگاه است

مادّه تاریخ وفاتش را ادیب احمد بن حسین الرکیحی گفته است:

هذا صریح الواعظ المتقی

علاّمهٔ العصر فصیح اللسان

ناداه رضوان بتاریخه

یا خلد ابراهیم اسنی الجنان

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

صنعت شیرازی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۰ ق)، شاعر، متخلص به صنعت. مشهور به میرزا آقا ساعت‌ساز. در شیراز به دنیا آمد. شغلش ساعت‌سازی بود. فرصت‌الدوله که او را دیده درباره‌اش گوید: از ظرفای شیراز، صیت مزاح و خوش‌طبعی‌های او گوشزد جهانیان است و آوازه‌ی شوخی‌هایش مشهور تمام ایران. در شیراز وفات یافت و در دارالسلام دفن شد. از وی «دیوان» شعری به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۶۱)، الذریعه (۶۱۸ / ۹)، ریحانه (۴۷۱ / ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۶۸ -۴۶۴ / ۳)، فرهنگ سخنوران (۵۶۵ -۵۶۴)، مرآت الفصاحه (۳۶۲ -۳۶۱).

صنعت لاری فداغی

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۴ ق)، شاعر، متخلص به صنعت. وی دختر یکی از کدخدایان محل لارستان فارس بود که سواد زیادی نداشت. وی چون در صنایع دستی زنانه مهارت داشت در اشعار خود صنعت تخلص می‌کرد.[۱]

۱۲۶۴ ق، از زنان شاعر. پدرش کدخدای قریه فداغ لار بود. به نوشته مولف حدیقةالشعراء وی بیسواد بود ولی از روی قریحه شعر می‌گفت. به واسطه مهارتی که در هنرها و صنایع زنانه داشت تخلص صنعت را برای خود برگزید. از اشعار اوست:

هر کس که دید جلوه و طور و ادای تو

گر خود ملک بود بشود مبتلای تو

جز سجده بتان نکند تا به روز حشر

زنار زلف هر که بدید از قفای تو

گفتی سر تو بر سر این کار می‌رود

ای خاک بر سری که نگردد فدای تو

بر لوح تربتم ننویسند غیر از این

رفت و نرفت از سرش آخر هوای تو

داروی درد چشم تو «صنعت» حکیم گفت

خاک منازلی که بود نقش پای تو[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۶۱۸)، حدیقه الشعراء (۲۱۷۲ -۲۱۷۱ / ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۶۸ / ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۵۱۵ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۵۶۵).

[۲] منابع: حدیقةالشعراء، ۲۱۷۲ -۲۱۷۱ / ۳؛ دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ۴۶۸ / ۳؛ الذریعه، ۶۱۸ / ۹؛ فارسنامه‌ی ناصری، ۱۵۱۵ / ۲.

صنعتگر، خلیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلیل صنعتگر

محل تولد : کامو

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و از محضر برجسته اساتید مدرسه امثال حضرات حج اسلام، خراسانی،حسینی،بار فروش تحصیل نمودم.در سال ۱۳۵۷ در نیمه دوم آن وارد حوزه علمیه قم شدم بعد از پیروزی انقلاب از محضر اساتید بزرگواری چون آیت الله نورانی،ستوده ، علوی گرگانی،محفوظی، سطح را به اتمام رساندم و در ادامه جهت درس خارج از محضر بزرگانی چون حضرات آیات عظام مکارم شیرازی،سبحانی،نوری همدانی،تلمذ نموده ام و همچنین دو سال متوالی از درس تفسیر ارزشمند حضرت آیت الله جوادی کسب فیض نموده ام .در کنار درس اصلی حوزه آشنایی با مبانی اهل سنت و حوزه تخصصی مذاهب اسلامی را گذرانده که به علت بعضی تغییرات در حال طی نمودن مقدمات پایان نامه آن می باشم .دوره زبان عربی را در سال ۱۳۶۰ و انگلیسی را در سال ۱۳۷۲ گذرانده ام.

صنعتی مشهدی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از شاعران خراسان است که در مشهد اقامت داشت و از رهگذر صنعت قالب‌تراشی روزگار می گذرانید. صنعتی در سرودن شعر نیز توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۶۱۹ / ۹)، لغت‌نامه (ذیل/ صنعتی)، مجمع الخواص (۲۹۳).

صنعی رشیدپور دزفولی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۶ -۱۲۳۹ ش)، شاعر. پس از تحصیلات مقدماتی برای تکمیل معلومات عربی در مدرسه‌ی حاج‌آقامحمد به تحصیل پرداخت.

پس از پایان تصحیل جزو منشیان درباری درآمد و در حکومت سپهسالار با سمت منشی به همدان رفت، ولی پس ازاندک زمانی به تهران بازگشت و پس از چندی به عتبات رفت و لباس و کلاه را به جبه‌ی فقر تبدیل کرد و به طریقه‌ی شاه نعمت‌اللهی گروید. در تهران وفات یافت، و در قبرستان چهارده معصوم دفن شد. در «الذریعه» سال تولد وی ۱۲۲۹ ش ذکر شده است.از آثارش «دیوان» شعر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۶۱۹ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۶۵)، مؤلفین کتب چاپی (۵۵۷ -۵۵۶ / ۲).

صنعی نیشابوری، میر صنعی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۶ ق)، خطاط، نقاش و شاعر. از سادات نیشابور بود. صادقی کتابدار از شاگردان صنعی در فن شعر است و در محضر وی رسائل شعر را آموخت. او در فن علاقه‌بندی استاد بود و از زنگ و افشان کاغذ و همچنین از سرنج و سفیداب و لاجوردشویی نیز اطلاع داشت و همه خطوط، بویژه نستعلیق را خوب می‌نوشت. مؤلف «فرهنگ سخنوران» صنعی را از شاگردان میر عبدالحی استرآبادی می‌داند و با «آتشکده‌ی آذر» سال فوت وی را ۹۷۲ ق نوشته‌اند. در «آتشکده‌ی آذر» نام وی میر صفی‌الدین آمده و شاید به این دلیل او را صفی نیشابوری هم گفته‌اند. صنعی در تبریز درگذشت و قبرش در جوار مسجد جهانشاه است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۹۵ -۶۹۴ / ۲)، احوال و آثار خوشنویسان (۳۳۱ / ۲)، احوال و آثار نقاشان (۲۸۷ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۲)، تحفه سامی (۳۸۳ -۳۸۲ ،۷۵)، تذکره‌ی روز روشن (۴۸۰)، الذریعه (۶۱۹ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۶۵ ،۵۶۲)، لغت‌نامه (ذیل/ صنعی، صفی)، مجمع الخواص (۸۷ -۸۶ ،۷۶ -۷۴)، مطلع الشمس (۱۸۲ / ۳ ،۴۳۷ / ۲).

صنوبری قزوینی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر فرزند آخوند میرزا جانی قزوینی معروف به صنوبری از علماء مبارز و مجاهد شهرستان قزوین بوده است تولدش در دیال آباد از مضافات قزوین در سال ۱۲۹۰ قمری اتفاق افتاده و در بیت ورع و تقوای پدر روحانیتش مرحوم آخوند میرزا جانی پرورش یافته و مقدمات را در قزوین خوانده و نیز سطح فقه و اصول را در این شهرستان از مدرسین و علماء بزرگ به پایان رسانیده و پس از آن در سال ۱۳۱۸ قمری عزیمت به نجف اشرف کرده و حدود ده سال تا ۱۳۲۸ هجری قمری اقامت فرموده و از محضر آیات عظام آن سامان چون حضرت آیت‌اللّه العظمی آخوند خراسانی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدهادی تهرانی و آیت‌اللّه حاج شیخ ملا فتح‌اللّه شریعت اصفهانی و دیگران استفاده نموده و پس از آن به وطن خود قزوین مراجعت و به خدمات دینی از قبیل اقامه نماز جماعت و نشر معارف اسلامی و تبلیغ دین و مبارزه با ستمگران و منحرفین از ولایت خاصه مرام کثیف بهائیت و بابیت پرداخته و غالب خود لباس رزم پوشیده و در خط مقدم با آنان جنگیده و مبارزه می‌نمود.

آن مرحوم حدود دویست آبادی را در منطقه ساوج بلاغ تا تاکستان قزوین و نیز بخشی از قزوین را در زیر پوشش تبلیغی خود داشت و امور شرعی مردم این سامان را به عهده داشت و به خاطر مبارزه با طاغیان زمان و خشونت با دشمنان و شدت در امر به معروف و نهی از منکر مشهور و زبانزد همه بود و جدا مجاهدی نستوه بود در زمان خود و دائما برای دفاع از حریم اهل‌بیت علیهم‌السلام و عوامل حکومت مستبد آن زمان مبارزه می‌نمود و با این اوصاف مردی متعبد و عالمی متهجد و اهل حال و اهل مستحبات و ساعی در قضاء حوائج بندگان خدا بود.

اجازات چندی از آیات عظام نجف اشرف دارند کمه نزد این نگارنده موجود و عبارات و عنایات آنان را نسبت به آن مرحوم می‌نگارم و از نقل تمام آن پوزش و معذرت می‌خواهم.

۱- آیت‌اللّه العظمی آخوند ملا محمدکاظم خراسانی صاحب کفایه درباره ایشان چنین فرموده چون جناب مستطاب عمده العلماء الاعلام آقای آقا شیخ محمدباقر قزوینی سلمه‌اللّه تعالی که سالها در نجف اشرف مقیم و مشغول تحصیل علم و کمالات نفسانیه بوده و به کمال صلاح و سداد آراسته و به مدارج علم و کمال نائل می‌باشند و سزاوارند که ترویج دین و شریعت سید المرسلین صلی اللّه علیه و آله نمایند...

۲- آیت‌اللّه حاج شیخ محمد هادی طهرانی نجفی درباره ایشان گوید: مخفی بر عموم اخوان ایمانی و اخوان روحانی وفقهم اللّه تعالی نیست که جناب مستطاب علم الاعلام رکن الفقهاء عین العلماء قدوه المحققین و عمده المدققین العالم العامل و المحقق الکامل سرکار شریعتمدار آقای آقا شیخ محمدباقر سلمه‌اللّه تعالی نجل مرحوم مبرور آخوند ملا میرزاجان طاب ثراه...

۳- آیت‌اللّه مرحوم شریعت اصفهانی قدس‌اللّه سره بعد از حمد و ثناء الهی و درود بر حضرت رسالت پناهی درباره معظم‌له فرماید: و بعد فان العالم العامل و الفاضل الفاصل الباذل اباالفضائل والفواضل صاحب القریحه القویمه و السلیقه المستقیمه الورع المهذب الصفی والتقی النقی الزکی المولی محمدباقر القزوینی.

۴- آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی الحسینی القزوینی شهیر به سید آقا قزوینی رحمه‌اللّه در شان ایشان فرماید:

چون جناب مستطاب شریعتمدار عمده العلماء العظام العالم العلام المحجه المسدد زین الفقهاء الکرام آقای آقا شیخ محمدباقر سلمه‌اللّه تعالی بکمال سداد آراسته...

از باقیات الصالحات او فرزند ارجمند و پرهیزکاری وی حاج میرزا ابوالفضل صنوبری برادر خوانده این نگارنده است که جدا به زیور ورع و تقوا آراسته و به محامد آداب و محاسن اخلاق متصف می‌باشد زیرا که وی سالها از محضر و بیانات حکیمانه عابد صالح مرحوم آقا شیخ رجبعلی خیاط استفاده کرده و خاطرات سازنده و آموزنده از آن مرحوم دارد که برای نمونه یکی از آنها را می‌نگارم.

وی برای نگارنده نقل نمود که مسجد خیابان اکباتان سابق (ملت) امام جماعتی داشت سید و عالم که به زیور تقوا و ورع آراسته و بسیار بزرگوار بود که من گاهی موفق به شرکت نماز او شده و به وی اقتدا می‌کردم. او مریض شد و از دنیا رفت و من در مجلس فاتحه و یادبود او شرکت کردم و چون چند روزی از درگذشت او گذشت روزی در یکی از خیابانهای آن منطقه (سعدی) دیدم که او در حاشیه آن خیابان می‌آید تعجب کردم با خودم گفتم این آقا که از دنیا رفته بود آیا رجعت کرده و زنده شده پس به سوی او رفتم که از او سوال کنم از من گذشت دیگر او را ندیدم.

پس به منزل آمده و پس از خوردن غذا خوابیدم در عالم خواب به منزل جناب شیخ رجبعلی رحمه‌اللّه رفتم و پس از تعارفات به او گفتم فلان سید را می‌شناسید فرمود خدا رحمتش کند سید خوبی بود از دنیا رفت گفتم می‌دانم ولی امروز چیز عجیبی دیدم فرمود چه دیدی گفتم او را دیدم در پیاده‌رو فلان خیابان می‌آید رفتم به سوی او که بپرسم شما رجعت کرده‌ای به او نرسیدم.

فرمود: ابوالفضل باید یک سور (یعنی ولیمه و غذا) بدهی گفتم چرا گفت آقا امام زمان روحی فداه بوده.

پس از خواب برخاستم و به سوی منزل جناب شیخ رفتم و چون به منزل او رسیدم دیدم آماده است که به جائی برود. گفتم داداش فلان سید پیش نماز مسجد اکباتان را می‌شناسید. فرمود خدا رحمتش کند سید خوبی بود از دنیا رفت گفتم می‌دانم ولی امروز چیز عجیبی دیدم فرمود چه دیدی گفتم او را دیدم زنده شده و در فلان خیابان راه می‌رفت. گفت ابوالفضل باید یک سور بدهی گفتم چرا گفت او آقا امام زمان روحی فداه بود باید به صورت آن آقا دیدی.

پس خواب خود را با بیداری و گفتار او را در خواب بیداری مطابق یافتم.

حفید آن مرحوم آقا حاج اسمعیل صنوبری در حال حاضر قائم مقام آقای ری شهری تولیت آستانه مبارکه حضرت عبدالعظیم حسنی است که در حال حاضر افتخار خدمتگذاری به آستانه را دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

صنیع

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

درگذشت: ۱۴ اسفند ۱۳۶۶.

ملک صنیع از خوشنویسان و نقاشان و علاقه‌مند به شعر و ادب بود، او مردی روشن ضمیر بود و گاهی به هر یک از اعضای کانون، اثری از خط و نقاشی خود را به عنوان یابود، هدیه می‌داد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

صنیعی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی صنیعی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پشت سر گذاشتن دوره تحصیلات ابتدایی در مدرسه سنایی قم، مشغول تحصیل در مدرسه راهنمایی امام موسی صدر شدم.سال او تحصیلات دوره متوسطه را در دبیرستان صدر و سال دوم را در رشته ریاضی فیزیک در دبیرستان حکیم نظامی و سال سوم دبیرستان را در تابستان سال ۱۳۶۰ هجری شمسی گذراندم.پس از دریافت مدرک دیپلم ریاضی فیزیک در خرداد ماه ۱۳۶۱، در اولین دوره آزمون ورودی دانشگاهها پس از انقلاب اسلامی شرکت کرده و همزمان در چندین مرکز آموزش عالی پذیرفته شدم و از طرف دولت، پیشنهاد تحصیل در خارج از کشور را به صورت بورسیه دریافت کردم.سرانجام در مهرماه ۱۳۶۲ در دانشگاه شیراز در رشته پتروشیمی با رتبه بالا پذیرفته شده و مشغول به تحصیل شدم.شوق به تحصیل در حوزه علمیه، مانع از ادامه تحصیل در دانشگاه شد و در همان ماه اول ورود به دانشگاه، درخواست انصراف دائم دادم و علی رغم ممانعت جدی از سوی مسوولان وقت دانشگاه شیراز خود را در آغوش گرم حوزه علمیه قم قرار دادم.با ورود به حوزه علمیه قم در سال ۱۳۶۲ دوره مقدمات علوم

حوزوی را در مـدرسه مبارکه رضویه به پایان رسانـدم و سـطوح بعـدی را در خدمت اساتید بزرگواری که نام آنها در لیست اساتید آمده است تلمذ کردم.همزمان با تحصیلات حوزوی ، در سال ۱۳۶۶ در آزمون ورودی دانشگاهها شرکت کرده و پس از پذیرش در دانشگاه تهران در رشته الهیات و معارف اسلامی – گرایش علوم قرآن و حدیث – مشغول تحصیل شده و در تیرماه ۱۳۷۰ فارغ التحصیل گردیدم. (در مقطع کارشناسی)

پس از گذرانـدن دوران سطح در حـوزه علمیـه قـم و همزمـان بـا شـرکت در دروس خـارج فقـه و اصـول، از سـال ۱۳۷۵ در رشـته تخصصـی علم کلام ، سطح جهار مشغول تحصیل و در سال ۱۳۷۹ این دوره را به پایان رساندم.از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۴ به مدت پنج سال در کانون اندیشه جوان وابسته به پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی مشغول ارزیابی و کارشناسی آثار بودم.تدریس در مباحث اعتقادی حوزه علمیه قم نیز از فعالیت های علمی اینجانب است.

والسلام.

صوتی یزدی، علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۸۰ ق)، شـاعر. ملقب به میر صوتی. از شـاعران عهـد شـاه عبـاس ثانی و شاه سـلیمان صـفوی است که در نزد آنان محترم و مکرم بود. این ملازمت دربار سلاطین به علت مهارت وی در هنر شاعری و فن موسیقی بود. گویند به شیوه باربد شعر می‌سرود و می‌نواخت. از وی حدود سیصد رباعی به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (۳۴۸ / ۱)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۱۸۸ -۱۸۷)، جامع مفیدی (۴۴۱-۴۴۰ / ۳)، الذریعه (۶۲۰ / ۹)، ریحانه (۴۷۳ / ۳)، فرهنگ سخنوران (۵۶۶)، کاروان هند (۷۴۰ / ۱).

صورتگر، لطفعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۸ -۱۲۷۹ ش)، شاعر، نویسنده، مترجم، استاد دانشگاه. جد وی، آقا لطفعلی از نقاشان هنرمند و چیره‌دست قرن سیزدهم هجری بود که کارهـای او در موزه‌هـای پـاریس و لنینگراد موجود است و بهـای گزافی دارد. صورتگر در شیراز به دنیـا آمـد. تحصـیلات ابتدایی را در شیراز به پایان رسانید، سپس به هند رفت و تحصیلات متوسطه را در آنجا به پایان رسانید سپس به ایران بازگشت و به خدمت ادارات دارایی و فرهنگ درآمد و مجله «سپسده‌دم» را در شیراز تاسیس کرد. در ۱۳۰۶ ش باری ادامه تحصیل به لندن رفت و در رشـته‌ی زبـان و ادبیـان انگلیسـی دکـترا گرفت. صورتگر پایان‌نـامه‌ی دکـتری خود را دربـاره‌ی «نفوذ ادبیـات ایران در ادبیـات انگلسـتان در قرن پـازدهم و شازدهم میلادی» نوشت. بعـد از بازگشت به تـدریس ادبیات فارسـی و انگلیسـی پرداخت و چنـدی نیز ریاست دانشگاه شـیراز را عهده‌دار بوده وی چندی نیز مدیر مجله‌ی «آموزش و پرورش» بود و عضو فرهنگستان. صورتگر سفرهایی به کشورهای روسـیه، آمریکا، پاکسـتان کرده و به مـدت یک سال در دانشـگاه کلمبیا سـمت اسـتادی داشـته است. تا این که وفات یـافت و در شـیراز به خـاک سپرده شـد. از آثارش: «عشاق ناپل»، ترجمه؛ «سـخن سـنجی»؛ «تاریـخ ادبیات انگلیسـی»؛ «علم اقتصاد»؛ «دیوان» شعر؛ «ادبیات توصیفی ایران»؛ «ادبیات غنایی ایران»؛ «برگهای پراکنده»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :ادبیات معاصـر (۶۸ -۶۷)، تاریـخ جراید (۳۰ -۲۸ / ۳ ،۲۷۴ / ۱)، چشـمه‌ی روشن (۵۳۳ -۵۲۰)، دانشـمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۸۳ -۴۶۸ / ۳)، الذریعه (۶۲۰ / ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۱۸ -۲۱۷ / ۴)، سخنوران نامی (۳۴۸ -۳۴۱ / ۲)، سـخنوران نامی معاصر (۲۳۶۹ -۲۳۶۴ / ۴)، سواد و بیـاض (۵۸۶ -۵۸۳)، شخصـیت‌های نامی (۲۹۱ -۲۹۰)، صدف (۵۱۰ - ۴۹۷)، فرهنگ سـخنوران (۵۶۶)، کتابنـامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۳۱)، گلزار معانی (۴۳۲ -۴۲۵)، مؤلفین کتب چـاپی (۱۳۲ - ۱۳۰ / ۵)،یغما (س ۲۲، ش ۷، ص ۴۱۲ -۴۱۱).

صورتی اصفهانی، علی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر و بازیگر. وی از بازیگران و نقش‌آفرینان شـهر اصـفهان بود که به نمایش صور ملائکه و عاصـیان و شرح روز محشر، در میـدان مرکزی اصـفهان، مشـغول بود لـذا به او علی معرکه‌گیر هم گفته‌انـد. صورتی در سـرودن شـعر نیز دست داشت. اورا مرثیه‌ای است در سوگ فرزندش رضا:

پسری داد ایزدم ز قضا

هم قضا نام او نهاد رضا

عاقبت هم قضا رضا را برد
چکنم داده‌ام رضا به قضا
بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۸۱)، الذریعه (۶۲۰ / ۹)، هفت اقلیم (۴۳۷ / ۲).

صوفی اردستانی

قرن:۱۱
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شاعر و ادیب خوش طبع، و از معاصرین مؤلف «تحفه‌ی سامی» است. و صوفی مازندرانی، نامش محمد، و در ۱۰۰۸ در هند وفات یافته. و صوفی همدانی، طالب علم بوده، در اصفهان تحصیل نموده، و هم در این شهر وفات یافته.
بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

صوفی الله یاری

قرن:۱۱
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز ۱۱۱۲ ق)، شاعر. وی از صوفیان مثنوی‌پرداز است که ابتدا در دربار شاهان زمان خود به سر می‌برد و پس از آن به فرقه دربار شاهان زمان خود به سر می‌برد و پس از آن به فرقه نقشبند به پیوست و تحت‌تأثیر ارشادات پیر خود، در ۱۱۱۲ -۱۱۱۱ ق، به سرودن مثنویی به نام «مسلک المتقین» پرداخت.
بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :منظومه‌های فارسی (۳۷۲ -۳۷۱).

صوفی آملی مازندرانی، محمد

قرن:۱۱
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ۱۰۳۵ ق)، شاعر و صوفی، متخلص به محمد. وی در آمل تولد یافت و در جوانی بنای جهانگردی گذاشت. چندی در شهرهای ایران به سیاحت گذرانید و در کازرون از محضر شیخ ابوالقاسم کازرونی، از مشایخ صوفیان مرشدیه‌ی آن روزگار، بهره‌مند شد. بعد از آن قصد حج کرد و گویند پانزده سال در مکه ماند و سپس به هند رفت. تقی‌الدین اوحدی و ملا عبدالنبی فخر الزمانی قزوینی او را در هند ملاقات کرده‌اند و نظیری نیشابوری با وی معاشر بوده است. در هند جلال‌الدین صدر متخلص به رضایی، از میان رجال و مشاهیر هند، بیشتر با وی انس داشت و از وی کسب فیض می‌کرد، ولی با این حال او در هند مسافرتهای بسیار کرده و ظاهر در احمدآباد گجرات از دنیا رفته است. از جمله آثارش: «بت خانه»، که جنگی از شعر شاعران پیشین است؛ «دیوان» شعر، حدود هزار و پانصد بیت؛ «ساقی‌نامه».
بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۵۱۴ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۵۵ -۱۰۴۷ / ۵)، تاریخ نظم و نثر (۵۳۸ -۵۳۷)، تذکره‌ی میخانه (۴۹۲ -۴۷۶)، الذریعه (۹۹۹ -۶۲۱ / ۹)، ریاض العارفین (۱۳۶ -۱۳۵)، صبح گلشن (۳۷۹ -۳۷۸)، فرهنگ سخنوران (۵۶۷)، کاروان هند (۱۲۴۲، ۱۲۳۳، ۱۲۲۲ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ صوفی)، مجمع الفصحا (۷۸ -۷۷ / ۴)، هفت اقلیم (۱۳۲ -۱۲۸ / ۳).

صوفی سیاوش، رشید

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: دامپروری، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تبریز
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی دامپروری از دانشگاه شیراز، کارشناسی ارشد در رشته علوم دامی از انگلستان در سال ۱۳۵۲، دکترا در رشته تغذیه دام از آمریکا در سال ۱۳۶۱.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه در زمینه تغذیه طیور، گذراندن فرصت مطالعاتی در کانادا.

ابداع:

جداول تغذیه‌ای طیور منطبق با شرائط ایران مورد استفاده در صنعت مرغداری.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تغذیه دام.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

تغذیه دام.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

صوفی سیاوش، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای شیمی از دانشگاه دیژون فرانسه در سال ۱۳۳۸.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه تهران از سال ۱۳۳۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شیمی فیزیک، شیمی عمومی، شیمی عمومی آلی، شیمی تجزیه.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

شیمی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

صوفی شیرازی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، طبیب و شاعر. معروف به حکیم صوفی. از طبیبان حاذق و بازرگانان بنام شیراز بود که در سرودن شعر نیز مهارت داشت. از اوست:

ز زخم تیغ تو آگه شدند مدعیان

فغان که بخیه‌ام آخر به روی کار افتاد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۸۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۳۴)، الذریعه (۲۱، ۶۲۳ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۶۷)، مرآت الفصاحه (۳۶۳-۳۶۲).

صوفی کرمانی، محمد علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به صوفی. اصلش از کرمان است اما بیشتر ایام عمر را در شیراز به سر برد. صوفی طبعی لطیف داشت و در سرودن رباعی ماهر بود. او در کرمان درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۱۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۸۵ -۴۸۳ / ۳)، الذریعه (۶۲۲ / ۹)، صبح گلشن (۲۵۶)، فرهنگ سخنوران (۵۶۷)، لغت‌نامه (ذیل/ صوفی شیرازی).

صوفی مراغه‌ای، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۸۷۶ ق)، خطاط. از آثار وی: مرقع تمام بریده «صد کلمه‌ی حضرت امیر (ع)»، از رشیدالدین وطواط، به همه‌ی اقلام و به خطوط مختلف خوش و متوسط، با رقم: «تم الکتاب بعون اللّٰه تعالی... العبد... محمد بن سیدی احمد بن علی الصوفی المراغی فی سنهٔ ۸۷۶».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۹۷/ ۴، ۸۳۶/ ۳).

صوفی یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

درگذشت: ۱۳۷۳.

دکتر یحیی صوفی استاد بازنشسته دانشکده‌ی علوم دانشگاه تهران بود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

صوفی یزدی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از سادات بنام یزد بود که در سرودن شعر مهارت داشت. از سروده‌های اوست:

در مجلس خاصت ره خار و خس نیست
محروم از این بهشت جز ناکس نیست
خضر خرد تواست در خور می ناب
می آب بقاست در خور هر کس نیست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۲۶)، الذریعه (۶۲۲، ۶۲۰ / ۹)، لغت‌نامه (ذیل/ صوفی).

صوفی، یحیی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از شاگردان احمد رومی است که نزد مبارک شاه زرین قلم نیز تعلیم خط گرفته است. وی صوفی مشرب بود و کتابت بعضی کتیبه‌های ابنیه‌ی نجف به خط اوست.

پیر یحیی در خدمت امیر چوپان سلدوز (مقتول در ۷۲۲ ه) از امرای ابوسعید بهادر، و بعضی از امرای آل مظفر می‌زیست و سلسله‌ی شاگردی خوشنویسان عراق به او می‌رسد.

قرآن سلطانی کوچک مذهب ممتاز. نسخ یاقوتی نیم دو دانگ ممتاز در هر صفحه سه سطر ریحان سه دانگ جلی ممتاز و سر سوره‌ها ثلث سه دانگ عالی با رقم: «کتبه یحیی الصوفی حامدا للّٰه تعالی علی نعمه و مصلیا علی نبیه و محمد و آله مسلماً فی سنهٔ تسع و ثلثین و سبعمئهٔ» (۷۳۹) در موزه‌ی اسلامی ترک.

-قرآن (دو جزو در دو مجلد) رحلی جلد میشن، دو صفحه‌ی اول تمام مذهب عالی. این نسخه در زمان حکومت شیخ ابواسحق در شیراز کتابت و از طرف تاس خاتون زوجه‌ی وی وقف مضجع شاه‌چراغ شده است. ثلث کتابت جلی عالی تماما بزر تحریردار نوشته شده است با رقم: «... پیر یحیی الجمالی الصوفی...» سال ۷۴۵۰۴۶ در موزه‌ی پاریس.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

صوفی‌زاده ذهنی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اوست: قرآن وزیری کوچک نسخ کتابت خفی خوش با رقم: صوفی‌زاده ذهنی کوتاهیه‌ای ۱۲۶۲» در موزه‌ی اسلامی ترک. صریر لجی‌زاده- محمد نجیب.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

صهبا قمی، تقی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۹۱ ق)، شاعر، متخلص به صهبا. اصل وی از دماوند بود. در قم به دنیا آمد و به اصفهان رفت و در آنجا مسکن گزید. صهبا از معاصران آذر و میرمشتاق بود و گویا تخلص شعری خود را نیز از مشتاق گرفته است. در شیراز درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر، مشتمل بر حدود سه هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دویست سخنور (۲۰۴ -۲۰۲)، الذریعه (۶۲۳ / ۹)، ریحانه (۴۸۰ / ۳)، سفینه المحمود (۴۲۴ -۴۲۳ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۵۶۵)، لغت‌نامه (ذیل/ صهبا)، مجمع الفصحا (۷۰۰ -۶۹۹ / ۵)، نگارستان دارا (۲۲۵ -۲۲۴).

صهبا، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۷ -۱۲۹۱ / ۱۲۹۰ ش)، استاد دانشگاه، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به صهبا. در یکی از روستاهای تربت‌حیدریه به دنیا آمد. پدرش از خوانین و مالکین بود که بر اثر ناملایمات و رنجهای فراوان زادگاهش را ترک گفت و به بیرجند کوچ کرد. هصبها تصحیلات ابتدایی و قسمتی از متوسطه را در مدرسه‌ی شوکتیه بیرجند فراگرفت و مدت یک سال هم در آنجا تدریس کرد. برای ادامه‌ی تحصیل به تهران آمد و در دارالفنون مشغول تحصیل گردید، وارد دانشکده افسری شد و ضمن فراگرفتن فنون نظامیگری، سرودهای نظامی و تصانیف فکاهی می‌سرود پس از اتمام تحصیلات به تبریز منتقل گردید و از آنجا به شیراز رفت و پس از سه سال توقف در آن دیار رهسپار تهران شد و به تدریس در دانشکده‌ی افسری پرداخت در ۱۳۲۴ ش وارد وزارت دارایی شد. ول الوین فعالیت مطبوعاتی خود را با روزنامه فکاهی «بابا شمل» آغاز کرد و اشعارش را با نام مستعار شیخ سرنا و ابرام سرپا منتشر می‌کرد. در همین روزنامه بود که با شاعرانی چون رهی معیری و گلچین معانی آشنا گردید و مناظراتی بین آنها ردوبدل شد. صهبا از موسیقی نیز بهره‌مند بود و تار می‌نواخت. از آثارش: «دفتر صهبا»؛ «ساغر صهبا»؛ «انسان و شعر و ماه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۲۳۷۵ -۲۳۷۰ / ۴)، شخصیت‌های نامی (۲۹۲)، صد سال شعر خراسان (۳۶۵ -۳۶۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۳۱).

صهبایی چشتی، عبدالباقی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به صهبایی. وی از احفاد قطب‌الدین مودود چشتی و از شاعران و ملازمان شاه جهان و عالمگیر (۱۱۸ -۱۰۶۹ ق)، پادشاهان هند، بود و در مدح عالمگیر قصاید بسیار دارد. صهبایی خوشنویس ماهری بود و غالب خطوط را خوش می‌نوشت. در مرقعی از کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی مشهد، قطعه‌ای است به قلم سه دانگ خوش و آن قطعه شعری از شاعری است به نام عبدالباقی و در صدر آن نوشته است: «لراقمه». از صهبا «دیوان» شعری نیز باقی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۶۵ / ۲)، الذریعه (۶۲۳ / ۹)، صبح گلشن (۲۵۸ -۲۵۷)، فرهنگ سخنوران (۵۶۶).

صهرشتی، نظام‌الدین ابوعبدالله، سلمان

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، فقیه و عالم امامی. فقیهی موجه و متدین از شهرهای دیلم بود. وی از شاگردان نجاشی و شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) و سید مرتضی و دیگر بزرگان بود. شیخ منتجب‌الدین از طریق پدر و جدش از وی روایت کرده است. رجال‌نویسان در اسم و کنیه و اسم پدر و اسم جد او اختلاف نظر دارند. از آثارش: «اصباح الشیعه بمصباح الشریعه»؛ «التبیان فی عمل شهر رمضان»؛ «التنبیه» یت «تنبیه الفقیه»؛«قبس المصباح» که تلخیص «مصباح المتهجد» شیخ طوسی است و حموی این کتاب را به ابوالفرج محمد بن حسن صهرجتی نسبت داده است؛ «المتعه»؛ «النفیس»؛ «النوادر»؛ «نهج‌المسالک الی معرفه المناسک».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۹۷ / ۷)، الذریعه (۴۲۴، ۱۸۶ / ۲۴ ، ۳۰ / ۱۷ ، ۳۳۲ / ۳ ،۱۱۹ -۱۱۸ / ۲)، روضات الجنات (۱۴ -۱۲ / ۴)، ریحانه (۴۸۱ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۸ / ۵)، فهرست منتجب‌الدین (۸۶ -۸۵)، الکنی و الالقاب (۴۳۵ -۴۳۴ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ صهرشتی)، معجم البلدان (۴۹۵ / ۳)، معجم المؤلفین (۲۵۸ / ۴)، هدیه الاحباب (۱۹۰)، هدیه العارفین (۳۹۷ / ۱).

صیدلانی نیشابوری، ابوصادق محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۱۵ ق)، فقیه، مسند و ادیب. از نوادگان شاذان نیشابوری است. از ابوالعباس اصم و ابوعبدالله بن اخرم و ابوبکر صبغی حدیث شنید. بیهقی و رییس ابوعبدالله قاسم بن فضل ثقفی و علی بن احمد موذن از وی حدیث روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۴۰۱ / ۱۷).

صیدلانی، ابوسعد محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۶۳ ق)، شاعر، ادیب و دانشمند. وی از شاعران ذولسانین عهد خود بود که برخی از اشعار عربی وی در «دمیه القصر» باخرزی مضبوط است. از شعر فارسی وی نیز نشانی در «لغت فرس» اسدی طوسی می‌توان جست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۶۴ / ۷)، شاعران بی‌دیوان (۵۴۵)، لغت‌نامه (ذیل/ صیدلانی).

صیدلانی، محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ع.) محمد بن عبدالرحمن گرگانی مکنی به ابوسعد، شاعر ادیب و دانشمند (ف. ۴۶۳ ه.ق.) وی مؤلف «دمیهٔ القصر» است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

صیدی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(میر) شاعر ایرانی (ف. هندوستان ۱۰۸۳ ه.ق.). وی از مردم تهران است، و در عهد شاه سلیمان صفوی نشأت یافت و به هندوستان رفت و مورد احترام شاه جهان قرار گرفت و شاهزاده خانم جهان‌آرا بیگم جایزه‌ای بزرگ به وی داد. دیوانش شامل ۴۰۰۰ بیت است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

صیدی بواناتی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۳ ق)، شاعر. در قریه‌ی شیدان بوانات فارس به دنیا آمد و در همان سامان رشد و نمو یافت. وی نواده‌ی مولانا حسنعلی مفتی، شاعر و از معاصران و مریدان عرفی شیرازی بود. صیدی در ۱۰۲۳ ق از عراق به هندوستان مهاجرت کرد و در برهانپور اقامت گزید و در سلک ملازمان حاکم آنجا درآمد. صیدی غزل را نیک می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کاروان هند (۷۴۲ -۷۴۰ / ۱)، مآثر رحیمی (۱۱۳۳ -۱۱۲۹ / ۴).

صیدی طهرانی، علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۶۹ ق)، شاعر. در تهران به دنیا آمد، به اصفهان رفت و در آن شهر به تحصیل دانش و شاعری پرداخت. چون در آنجا شعرش مورد قبول نیفتاد مانند دیگر شاعران آن روزگار به هندوستان رفت. در ۱۰۶۵ ق ملازم شاه جهان شد و با سرودن قصایدی در ستایش او و دخترش مورد عنایت شاه جهان و جهان‌آرا بیگم قرار گرفت. وی سرانجام در هندوستان درگذشت و در مشهد رضوی دفن شد. از آثار او: «دیوان» شعر که بیشتر قصیده است؛ «مثنویی» در تعریف کشمیر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۰۹۲ -۱۰۸۹ / ۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۲۷ -۱۲۲۳ / ۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۵۹ -۳۵۸)، الذریعه (۶۲۴ -۶۲۳ / ۹)، ری باستان (۳۱۲ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۵۶۸)، کاروان هند (۷۴۷ -۷۴۲ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ صیدی)، نتایج الافکار (۴۱۹ -۴۱۸).

صیرفی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از شاعران مثنوی‌پرداز است که مثنویی تحت عنوان «گلزار صفا»درباره‌ی کاغذگری و رنگ‌آمیزی، در حدود ۴۰۸ بیت، در ۹۵۰ ق، سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :منظومه‌های فارسی (۳۷۳).

صیرفی قمی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به صیرفی. وی از شاعران قم است که با حکیم شفایی معاصر بود و سخت مورد عنایت و لطف او. تخلص صیرفی وی از آن روی بود که پدرش پیشه‌ی صرافی داشت. صیرفی در سرودن شعر توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۲۸۲)، الذریعه (۸۶۵ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۶۹).

صیرفی کور تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. معروف به صیرفی کور. چون یک چشمش عیب داشته به کور شهرت یافته است. از نجیب‌زادگان شهر تبریز بود در میدان کشتی گاه به صرافی اشتغال داشت. وی پیشوای شاعران آن شهر بوده و با میر صنعی نیشابوری، مولانا فانی و معروف تبریزی معاشر بوده و در شعر نیز از سبک آصفی پیروی می‌کرده است. وی در تبریز درگذشت و در چرنداب به خاک سپرده شد. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۲۱۸ -۵۲۷)، تحفه سامی (۲۶۱)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۳۹۹ -۳۹۷/ ۲)، دانشمنان آذربایجان (۲۴۱ -۲۴۰)، الذریعه (۶۲۴ / ۹)، سخنوران آذربایجان (۴۹۵ -۴۹۳)، فرهنگ سخنوران (۵۶۹ -۵۶۸)،لغت‌نامه (ذیل/ صیرفی)، مجمع الخواص (۲۷۰ -۲۶۹).

صیرفی همدانی، قاسم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به صیرفی. وی در همدان به صرافی روزگار می‌گذرانید و به همین جهت صیرفی تخلص می‌کرده است. او مردی شجاع و کمان‌گیر بود. صیرفی از غزل‌سرایان بنام روزگار خود بود که در شاعری از امیر شاهی و کاتبی ترشیزی پیروی می‌کرد. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۷۷ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۲۳)، الذریعه (۶۲۴)، فرهنگ سخنوران (۵۶۹)، لغت‌نامه (ذیل/ صیرفی)، مجمع الخواص (۲۴۸).

صیرفی، عبدالله

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمود تبریزی و شاگرد سید حیدر گنده‌نویس است که او نیز شاگرد یاقوت مستعصمی بود. عبدالله در کتیبه‌نویسی و کاشی‌تراشی تسلط و قدرت تمام داشت و بسیاری از کتیبه‌های عمارات تبریز از جمله عمارت معروف «استاد و شاگرد» از بناهای امیر سلدوز چوپانی به خط او بوده است. وی معاصر اولجایتو سلطان محمد خدابنده (۷۱۶ -۷۰۳) بوده و سلسله‌ی خطاطان خراسان به وی می‌رسد. علاوه بر آن کتابهٔ مدرسه‌ی «دمشقیه» از بناهای «دمشق خواجه» به سر امیر چوپان به قلم او است. و در راه تبریز مسجدی قریب به قلعه‌ی سلیمانیه بوده که کاشیکاری آن کار عبدالله صیرفی بوده است.

قرآن سلطانی کوچک مذهب جلد سوخت عالی. متن نسخه کتابت یاقوتی جلی خوش سر سوره‌ها ثلث ثلث سه دانگ جلی- آخر رقاع سه دانگ خوش با رقم: «تمت المصحف کلام الله الملک الودود علی یدی اضعف عبادالله عبدالله الصیرفی فی غره‌ی شهر ربیع‌الاول سنهٔ اربع و اربعین و سبعمائهٔ (۷۴۴)» در موزه‌ی اسلامی ترک.

قرآن مزین بهترین تذهیب و ترصیع و تماماً حواشی تشعیرسازی- خط ثلث جلی ممتاز تمامی به قلم زر تحریر یافته نوشته شده بدون رقم و تاریخ تحریر نسخه به اختیار عبدالرحیم بن محمد بیرم خان بوده و این مطالب را نوشته است.

«در سنه‌ی نهصد و هشتاد و دو این مصحف نفیس که در عالم مثل خود ندارد چنانچه خط ملا عبدالله صیرفی و تحریر ملایاری و جلدهم از استادان معتبر مجزا شده اوراق جدا جدا دید و به دست این امیدوار مراحم الهی افتاد و در سال هزار و چهار فرموده شد که ترتیب نمایند و حواشی و قلمکاری گردید. اگر چه چنانچه دل می‌خواست نیامده و امید است که باز شناخته شود. اما جلد را زردوزی فرموده شد و بهبود تمام کرده و آنچنان شد که دل می‌خواست جانب درون جلد قدیم را به حال خود داشت جانب بیرون که مندرس شده بود به جای آن زردوزی وصل کرده شد و در سال سنه‌ی هزار و هجده که متوجه فتح ممالک دکن بود تمام نموده در نظر درآورند و به امید که مبارک شود و به برکت قرآن مجید و صدقه‌ی دوستان پروردگار کرم فتوحات نصیب شود و از تلاوت در این ثوابهای عظیم حاصل شود بمنه و لطفه و حرره عبدالرحیم ابن محمد بیرم عفی عنهما». نسخه در دست شاه جهان آمده و یادداشت دارد و عرضهای متعدد دارد که آخرین آن تاریخ ۱۰۹۷ در زمان عالمگیر است در مجموعه‌ی مهدوی.

(وف ۷۵۳ ق)، خطاط. از شاگردان سید حیدر کنده‌نویس است که او نیز شاگرد یاقوت مستعصمی بود. صیرفی در کتیبه‌نویسی و کاشی‌تراشی تسلط و قدرت تمام داشت و بسیاری از کتیبه‌های عمارات تبریز از جمله عمارت معروف «استاد و شاگرد» از بناهای امیر سلدوز چوپانی به خط اسوت. وی معاصر اولجایتو سلطان محمد خدابنده (۷۱۶ - ۷۰۳ ق) بوده و سلسله‌ی خطاطان خراسان به وی می‌رسد. علاوه بر آن، کتابت مدرسه‌ی «دمشقیه» از بناهای «دمشق خواجه»، پسر امیر چوپان، به قلم اوست. خواهرزاده صیرفی، حاج محمد بندگیر تبریزی، و خیرالدین مرعشی از شاگردان وی بوده‌اند. مدفن وی در چرنداب تبریز است. از دیگر آثار وی: «رساله»ای در قواعد خط صلث به زبان فارسی، در کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی؛ قرآن سلطانی کوچک مذهب، جلد سوخته عالی، متن نسخ کتابت یاقوتی جلی خوش، سر سوره‌ها ثلث سه دانگ جلی، آخر رقاع سه دانگ خوش، با رقم: «تمت المصحف کلام الله... عبدالله الصیرفی... سنه اربع و اربعین و سبعمائه (۷۴۴)»؛ یک صفحه از مرقع ثلث دو دانگ جلی خوش، با رقم: «کتبه عبدالله الصیرفی»؛ یک صفحه از مرقع نسخ و رقاع کتابت خوش، با رقم: «کتبه... عبدالله الصیرفی حامدا الله تعالی...». شش اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.[۱]

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۹۱ -۱۰۹۰ / ۴)، اطلس خط (۳۲۲ -۳۲۱)، تاریخ هنرهای ملی (۷۹۴ -۷۹۳ / ۲)، دانشمندان آذربایجان (۲۳۹ -۲۳۸)، خوشنویسان و هنرمندان (۱۱۶، ۲۴، ۵)، گلستان هنر (۲۴)، مناقب هنروران (۱۱۴، ۴۱ -۴۰، ۳۹).

صیقلانی رشتی، محمد رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۸ ق)، عالم دینی. اصل وی از صیقلان از توابع خمیران رشت است. به نجف رفت و در درس و بحث آیت‌الله میرزا حبیب‌الله رشتی مدت زیادی شرکت کرد و «تقریرات» درسها و بحثهای وی را نگاشت. وی در ملجس درس دیگر علمای نجف نیز حاضر شد. سپس به موطن خویش بازگشت و به انجام وظایف دینی پرداخت. او در اواخر عمر برای زیارت عتبات مجددا به عراق رفت و در نجف درگذشت و در همان شهر به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۲۹/ ۱۴).

صیقلی بروجردی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۰۲ ق)، شاعر. وی اهل بروجرد بود و در عنفوان شباب یک چند به هندوستان رفت و پس از چندی، در ۱۰۰۲ ق، به زادگاه خود بازگشت. وی در سرودن شعر به گویش لری در روزگار خویش مشهور بوده و اشعاری چند از وی در تذکره‌ها به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۲۷)، الذریعه (۶۲۴ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۶۹)، کاروان هند (۷۵۱ -۷۴۷ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ صیقلی)، مجمع الخواص (۲۶۷).

صیمری، ابوعبدالله حسین

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۳۶ -۳۵۱ ق)، محدث، قاضی و فقیه حنفی. اصلش از صیمر خوزستان و شیخ حنفیه در بغداد بود. مدتی قضاوت مدائن و در پایان قضاوت کرخ را بر عهده داشت. از ابن‌شاهین و هلال بن محمد و ابوبکر مفید جرجائی و ابوالفضل زهری و ابوبکر بن شاذان و ابوحفص کتانی و ابوعبیدالله مرزبانی و عیسی بن علی بن عیسی وزیر حدیث روایت کرده است. خطیب بغدادی و عبدالعزیز کتانی و قاضی ابوعبدالله دامغانی و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند. صیمری در بغداد درگذشت و در منزلش در درب زرادین به خاک سپرده شد. از آثارش: «اخبار ابی‌حنیفه و اصحابه»،که کتابی حجیم است؛ شرح «مختصر الطحاوی»، در فروع حنفیه، در چندین مجلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۶۷ / ۲)، انساب سمعانی (۵۷۶ / ۳)، تاریخ بغداد (۷ -۷۸ / ۸)، سیر النبلاء (۶۱۶ -۶۱۵ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۵۶ / ۳)، العبر (۲۷۲ / ۲)، الکامل (۴۱/ ۸)، کشف الظنون (۱۸۳۷، ۱۶۱۸)، معجم البلدان (۴۹۹ / ۳)، معجم المؤلفین (۳۵ / ۴)، النجوم الزاهره (۴۰ / ۵)، هدیه العارفین (۳۰۹ / ۱).

صیمری، ابوعنبس محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۷۵ ق)، منجم، ریاضیدان، ادیب و شاعر. از آثار وی «اصل الاصول»، در هیأت و نجوم است که متضمن بسیاری از اقوال ایرانیان در مسایل نجومی می‌باشد. او شاعری توانا بود. به بغداد رفت و ندیم متوکل شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۵۷۷ / ۳)، تاریخ علوم و فلسفه‌ی ایرانی (۴۹۲)، النجوم الزاهره (۸۶ / ۳).

صیمری، مفلح

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۸۷۳ ق)، فقیه و شاعر امامی. نسبتش به صیمر نزدیک خوزستان می‌رسد. او پدر حسین صیمری محدث است. با محقق کرکی معاصر و از تلامذه‌ی ابوالعباس احمد بن فهد حلی، صاحب «عده الداعی» بوده و از وی روایت کرده است. شیخ سلیمان بحرانی او را با صفت فقیه علامه توصیف نموده است. از آثارش: «غایه المرام فی شرح مختصر شرایع الاسلام »؛ «کشف الالتباس»، در شرح «الموجز» استادش، ابوالعباس احمد بن فهد حلی؛ «التبیینات فی الارث و التوریثات»؛ «التنبیه علی غرائب من لا یحضره الفقیه »؛ «جواهر الکلمات فی العقود و الایقاعات »؛ «مختصر الصحاح »؛ «منتخب الخلاف»؛ «تلخیص الخلاف» یا «تلخیص الخلاف» که انتخابی‌از کتاب «خلاف» شیخ طوسی است؛ اجازه‌ای به ناصر بن ابراهیم بویهی در ۸۷۳ ق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۶ / ۸)، اعیان الشیعه (۱۳۳ / ۱۰)، ایضاح المکنون (۳۷۹، ۳۲۶ / ۱)، الذریعه (۴۰۰/ ۲۲، ۲۱ -۲۰ / ۱۸ ، ۲۰ / ۱۶ ، ۸۸ / ۱۱ ، ۱۰۸۶ / ۹ ، ۲۷۹ / ۵ ، ۴۳۸ / ۴)، روضات الجنات (۱۶۱ -۱۵۹ / ۷)، ریحانه (۴۸۴ -۴۸۳ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه

(قرن ۱۳۸ -۱۳۷ / ۹)، فوائد الرضویه (۶۶۶)، لغت‌نامه (ذیل/ صیمری)، معجم المؤلفین (۳۱۷ -۳۱۶ / ۱۲)، هدیه العارفین (۴۶۹ / ۲).

صیمری، نصیرالدین حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۳۳ ق)، عالم امامی، محدث، فقیه و زاهد. اخلاقی پسندیده داشت و بسیار اهل عبادت بود و بر مستحبات مواظبت می‌نمود بطوری که او را مستجاب الدعوه می‌دانستند. نزد پدرش فقه آموخت و از محقق کرکی با اجازه حدیث روایت می‌کرد. شیخ یونس مفتی اصفهان و شیخ یحی بن حسین از شاگردان وی می‌باشند. در سنی متجاوز از هشتاد در قریه سلماباد درگذشت و ر همان جا دفن شد. از آثارش: «الایقاظات فی العقود و الایقاعات »؛ «محاسن الکلمات فی معرفه النیات»؛ «المنسک الکبیر» یا «النسک الکبیر» یا «مناسک کبیر» یا «مناسک الحج» که شامل فواید بسیاری است؛ «الاسئله الصیمریه»، مسائلی که برای محقق کرکی فرستاده و جواب گرفته است؛ «جواز الحکومه الشرعیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۷۵ -۱۷۴ / ۶)، ایضاح المکنون (۴۴۰، ۱۴۱ / ۲)، الذریعه (۱۲۸ -۱۲۷/ ۲۰، ۲۴۳، ۲۰۴ / ۵، ۵۰۸، ۸۹ / ۲)، روضات الجنات (۱۶۱ / ۷)، ریاض العلماء (۱۸۰ -۱۷۸ / ۲)، ریحانه (۴۸۳ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۶ / ۱۰)، فوائد الرضویه (۱۶۱)، لغت‌نامه (ذیل/ حسین)، معجم المؤلفین (۶۳ / ۴).

ضابط اصفهانی، محمد ابراهیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. وی از شاعران معاصر حزین لاهیجی (م ۱۱۸۰ ق) است که همو درباره‌اش می‌نویسد: «به موزونی طبیعت و کثرت صحبت مربوط به سخن شد. بعض ابیاتش را سلاست و لطافت بود.» بعضی از تذکره‌ها صاحب عنوان را تحت نام ضابط گیلانی آورده‌اند. از اوست:

مطلع خورشید رخسار تو را ای مه سرشت

بر بیاض دیده می‌باید به خول دل نوشت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۸۸)، تذکره المعاصرین (۳۷۵، ۲۱۹)، الذریعه (۶۲۵ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۷۱).

ضابط پور، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا ضابط پور کاری

محل تولد : بابلسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۷۶ پس ازاتمام دوم دبیرستان وارد حوزه علمیه قم شدم .درمدرسه حقانی به مدت سه سال ادبیات را گذراندیم و وارد مدرسه امام امام باقر (ع) شدیم .سال ۱۳۷۱ همزمان با دروس فقه واصول دوره دبیرستان را ادامه دادم و سال ۱۳۷۳ موفق به اخذ دیپلم شدم . سپس درکنکور سراسری شرکت کردم و دردانشگاه باقر العلوم (ع) دررشته علوم سیاسی پذیرفته شدم همزمان دروس دانشگاهی و حوزوی را ادامه دادم و پس از اخذ لیسانس علوم سیاسی دروس سطح حوزه را نیز به پایان بردم و در سال ۱۳۷۷ درارشد شرکت کردم و پذیرفته شدم که همزمان با دروس ارشد درس خارج فقه واصول را نیز ادامه دادم سال ۱۳۸۰موفق به اخذ فوق لیسانس شدم وپس از ۴ سال وقفه درمقطع دکتری شرکت کرده و درسال ۱۳۸۴ مقطع دکتری در دانشگاه باقر العلوم در رشته علوم سیاسی پذیرفته شدم وهم اینک مشغول تحصیل می باشم .

ضابطی پور، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد ضابطی پور

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد گرانقدر آقای احمد ضابطی پور در سال ۱۳۳۸هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت علیهم السلام در مشهد مقدس به دنیا آمد. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش، با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه فراوان خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۱ و در اوج خفقان حاکم بر کشور از سوی حکومت ستمگر و ظالم شاهنشاهی خصوصا بر حوزه های علمیه بدون هیچ ترس و واهمه ای وارد حوزه علمیه مشهد مقدس شد تا پاسدار دین خویش و اقتداگر مولای خود باشد. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه حاضر شد پس از اتمام دوران سطوح عالی و شاگردی اساتید مبرزی چون آیت الله شاهرودی، فاضل لنکرانی و میرزا علی آقای فلسفی در سال ۱۳۵۷ سال پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به حلقه درس خارج راه یافت و از محضر بزرگانی همچون آیت الله وحید و آیت الله لنگروی کسب فیض کرد واز دامن ستارگان پر فروغ حوزه علمیه مشهد مشغول خوشه چینی گشت و تا کنون در این زمینه از هیچ کوششی دریغ نکره است.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه و کلام اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۶از دانشگاه آزاد اسلامی مشهد فارغ التحصیل گردید و باموفقیت از پایان نامه خویش باعنوان" ارشاد در فقه اسلامی و قانون مدنی "دفاع کرد. ایشان ضمن تدریس در دانشگاه فردوسی، آزاد اسلامی مشهد و مراکز آموزش عالی علمی کاربردی به تحقیق و پژوهش مشغول می باشد که مقالاتی مانند" وظایف متقابل نهاد حاکمیت و مردم" ، "جستاری در دموکراسی دینی "و ولایت فقیه ، فقه تاریخ یا کلام"در مجلات معتبر کشور به چاپ رسانده است.

ضحاک شیبانی، ابوبکر احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۸۷ -۲۰۶ ق)، حافظ، محدث، فقیه و قاضی. معروف به ابن ابی‌عاصم. ظاهری مذهب بود و قیاس به کار نمی‌برد. وی از مشاهیر محدثین بود که به دنبال حدیث در کوفه و بصره و بغداد و دمشق و مصر حجاز از محدثین بسیاری چون جد مادری‌اش، موسی بن اسماعیل، و ابوولید طیالسی و ابوعمر حوضی و شیبان بن فرخ و ابراهیم بن محمد شافعی و دیگران حدیث شنید. دخترش ام‌ضحاک عاتکه و قاضی ابواحمد عسال و عبدالرحمان بن محمد بن سیاه و احمد بن محمد بن عاصم و احمد بن بندار و ابوعبدالله محمد کسائی از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن ابی‌عاصم پس از وفات صالح بن احمد بن حنبل به مدت شانزده سال، از ۲۸۲ -۲۶۹ ق، در اصفهان قضاوت می‌کرد. حدود سیصد تصنیف او، در فتنه‌ی صاحب الزنج، در بصره به یغما رفت و او از حفظ، پنجاه هزار حدیث را بازنوشت. آثار به جا مانده از او: «الدیات»، که در قاهره چاپ شده؛ «المسند الکبیر»، شامل پنجاه هزار حدیث؛ «الآحاد و المثانی»، شامل بیست هزار حدیث؛ «السنه»؛ «الاوائل».[۱]

(ع. بخش ۱) ابوبکر احمد بن محمد بن عمر شیبانی (ف. ۲۸۷ ه.ق.). وی ۱۶ سال منصب قضای اصفهان داشت و کتب او در فتنه زنج به بصره از میان رفت، ولی مقدار ۵۰۰۰۰ حدیث از حافظه خود نوشت. ضحاک مذهب ظاهری داشت و قیاس را منکر بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۸۲ -۱۸ / ۱)، انساب سمعانی (۴۸۶ / ۳)، تذکره القبوره (۳۹۲ -۳۹۱)، الجرح و التعدیل (ج ۱ ق ۶۷ / ۱)، ریحانه (۷ / ۴)، سیر النبلاء (۴۳۹ -۴۳۰/ ۱۳)، شذرات الذهب (۱۹۶ -۱۹۵ / ۲)، العبر (۴۱۴ -۴۱۳ / ۱)، الکنی و الالقاب (۴۳۵ / ۲)،لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (۳۶ / ۲)، النجوم الزاهره (۱۳۷ / ۳)، الوافی بالوفیات (۲۷۰ -۲۶۹ / ۷).

ضرابی‌شیرازی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۵ ش)، شاعر، متخلص به ضرابی. وی علوم قدیمه را آموخت و زبان انگلیسی را خوب می‌دانست. وجه تسمیه نام خانوادگی و تخلصش این است که جدش رئیس ضرابخانه فارس بود. وی بیشتر عمر خود را صرف تدریس در مدارس جدید کرد و چندی صاحب امتیاز روزنامه «عدالت» و مدیر مجله‌ی «جهان‌نما» بو.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۱۸۶ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۸۷ -۴۸۵ / ۳).

ضعیف اصفهانی، محمد اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۵ ق)، شاعر، متخلص به ضعیف. در اصفهان به دنیا آمد. روزگار به کفاشی می‌گذراند و از اعضاء انجمن ادبی شیدا بود. از اوست:

تا ابد مهر تو بیرون نرود از دل ما

دل ازل شد چو ز عشق تو سرشته گل ما

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۳۲۱).

ضعیفی

قرن:۱۰

جنسیت:زن

ملیت:ایران

از زنان شاعر قرن نهم و دهم هجری. وی از اهالی نیشابور و معاصر آرزوی سمرقندی بود. ضعیفی همسر سالخورده‌ای داشت که با او مشاعره و مطایبه می‌کرد. رباعی مطایبه‌آمیز زیر از اوست:

ای مرد ترا به مهرانگیزی نیست

هم پیر و ضعیفی و ترا چیزی نیست

با اینهمه می‌دهی نهیبم به زدن

خود قوت آن ترا که برخیزی نیست

بیت زیر نیز از اوست:

در دلم بود آرزویت پیش از هر آرزو

دیدم آن روی و فزون شد آرزو بر آرزو

به نوشته تذکره عرفات‌العاشقین وی آخرالامر از لوندی توبه کرد و با پای لنگ به سفر حج رفت و در بازگشت بیت زیر را گفت:

چو سر به حلقه زلف بتان درآوردم

سری به عالم دیوانگی برآوردم

تذکره حسینی او را جزو مردان شاعر نام برده و بیت فوق را به او منسوب کرده است.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره سوم، ۴۹؛ از رابعه تا پروین، ۱۶۲ -۱۶۱؛ تذکرةالخواتین، ۱۵۰؛ تذکره حسینی، ۱۳۹؛ جواهرالعجایب، ۳۰۰ ،۱۳۷؛ حدیقه عشرت، ۳۷؛ الذریعه، ۶۲۵ / ۹؛ ریاحین‌الشریعه، ۳۷۱ / ۴؛ زنان سخنور، ۳۰۵ / ۱؛ صحف ابراهیم، حرف ض، ش ۲۰؛ عرفات‌العاشقین، گ ۳۱۹؛ مخزن‌الغرایب، ۲۱۸ / ۳؛ نشتر عشق، ۹۰۶.

ضعیفی سمرقندی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. مشهور به بی‌بی ضعیفی. وی از اهالی نیشابور و معاصر آرزوی سمرقندی و حکیم آذری طوسی (م ۸۶۶ ق) بود. در «عرفات العاشقین» آمده که او در پایان عمر از لوندی توبه کرد و با پای لنگ به حج رفت. از اوست:

در دلم بود آرزویت بیش از هر آرزو

دیدم آن روی و فزون شد آرزو بر آرزو

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از رابعه تا پروین (۱۶۲ -۱۶۱)، الذریعه (۶۲۵ / ۹)، ریاحین الشریعه (۳۷۲ -۳۷۱ / ۴)، زنان سخنور (۳۰۵ / ۱)، صبح گلشن (۲۵۸)، فرهنگ سخنوران (۵۷۱)، مشاهیر زنان (۱۴۵).

ضمیر اصفهانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به ضمیر. از شاعران اصفهان بود که از ایران به هندوستان مهاجرت کرد و در آنجا به جمع‌آوری ثروت پرداخت و پس از چندی به وطن خود بازگشت. ضمیر در سرودن شعر توانا بود و بیشتر در قالب غزل طبع‌آزمایی می‌کرد. از اوست:

بیستون را چون در خیبر به زور تیشه کند

عشق رنگ حیدری بر بازوی فرهاد بست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۱۹)، الذریعه (۶۲۶ / ۹)، صبح گلشن (۲۵۸)، فرهنگ سخنوران (۵۷۲)، کاروان هند (۷۵۲ / ۱).

ضمیری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کمال‌الدین حسین اصفهانی از شاعران ظریف طبع ایرانی (ف. ۹۷۳ ه.ق.). وی معاصر شاه طهماسب صفوی بود. او را شش مثنوی است به نام: نام و نیاز، جنهٔالاخیار، بهار و خزان، وامق و عذرا، لیلی و مجنون، اسکندرنامه. وی دیوانهای متعدد به نامهای مختلف داشته و علاوه بر آنها چهار دیوان برابر طیبات و بدایع و خواتیم و غزلیات قدیم سعدی مسمی به طاهرات و صنایع و بدایع الشعر و نهایهٔ السحر گفته و عیون الزلال را برابر دیوان حافظ پرداخته و کتب متعدد به مقابله شاعران دیگر گفته است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ضمیری اصفهانی، کمال‌الدین حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۳ ق)، شاعر، متخلص به ضمیری. ملقب به خسرو ثانی. وی از شاعران بزرگ اصفهان بود. از روزگار جوانی به سبک دانش و ادب پرداخت و در محضر میر غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی دانش آموخت و طب و ریاضی نجوم را فراگرفت و در رمل مهارت یافت و از همین راه به خدمت شاه طهماسب و خاندان شاهی راه یافت و تا آخر عمر به همین شغل روزگار گذراند. مولانا کمال‌الدین در آغاز شاعری به مناسبت شغل پدرش، باغبان تخلص می‌کرد و بعد از آن تخلص ضمیری را اختیار کرد و به همین نام شهرت یافت. او با شاعران معروف زمان خود مانند شرف و محتشم و حسابی معاشر بود. ضمیری از شاعران پرکار عهد خود و در قصیده و غزل و مثنوی توانا و از این جهت با امیر خسرو دهلوی همانند بود و به همین سبب است که او را خسرو ثانی می‌نامند. وی در اصفهان فوت کرد و در همان جا مدفون شد. از آثارش: شش مثنوی به نامهای: «ناز و نیاز»، «بهار و خزان»، «لیلی و مجنون»، «وامق و عذرا»، «جنه الأخیار» یا «حسنه الاخبار»، «اسکندرنامه»، هفت دیوان به نامهای: «سفینه‌ی اقبال»، «صورت حال»، «کنز الأقوال»، «عشق بی‌زوال»، «صیقل ملال»، «عذر مقال»، «قدس خیال» یا «قدس خصال»، «مجموعه‌ی اجلال»، شامل چهار دیوان، در برابر غزلیات سعدی، به نامهای: «طاهرات»، «صنایع»، «بدایه الشعر»، «نهایه السحر». ضمیری همچنین «عیون الزلال» را در جواب خواجه حافظ شیرازی، «آینه جمال» را در جواب بابا فغانی، «معراج الآمال» را در جواب مولانا جامی و «انیس اللیالی» را در جواب لسانی نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۶۳ -۹۵۸ / ۳)، ایضاح المکنون (۶۹۱ / ۲، ۳۶۹، ۱۹۸ / ۱)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۸۸ / ۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۰۰ -۶۹۴ / ۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۱۰ -۸ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۴۴۶)، تحفه سامی (۲۲۴ -۲۲۳)، تذکره القبور (۳۰۰ -۲۹۹)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۰۵ / ۲)، الذریعه (۳۳۱، ۳۱۶، ۲۷۹، ۱۵۹، ۱۴۹، ۱۲۹، ۱۱۵، ۱۹ / ۳۹۴، ۱۹ / ۱۸، ۶۲۷ -۶۲۶ / ۹، ۲۶۱ -۲۶۰ / ۷)، ریحانه (۸۵ / ۵)، عالم‌آرای عباسی (۱۷۹ -۱۷۸ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۵۷۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ضمیری)، مجمع الخواص (۱۳۷ -۱۳۶)، مجمع الفصحا (۷۱۱ -۷۰۹ / ۵)، معجم المؤلفین (۳۱۵ / ۳)، مکتب وقوع (۳۱۵ -۲۹۶)، هدیه العارفین (۳۲۰ -۳۱۹ / ۱)، هفت اقلیم (۴۲۱ -۴۱۷ / ۲).

ضمیری همدانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اصل وی از قم بود، ولی چون در همدان تولد یافت و در همان جا بالید به همدانی مشتهر شد. ضمیری شاعری درویش‌نهاد و وارسته و بی‌التفات به مادیات و خوش‌محاوره بود. زمانی قصیده‌ای در نزد شاه اسماعیل ثانی (۹۸۵ -۹۸۴ ق) خواند و چون اشعارش توهین به اهل مجلس تلقی شد شاه فرمان داد تا روی او را سیاه کنند و در شهر بگردانند. ضمیری در علم رمل و اسطرلاب نیز مهارت داشت. از آثار وی: «شمع و پروانه»؛ «ناهید و بهرام».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۷۹ -۲۷۷ / ۱)، تحفه سامی (۲۲۵ -۲۲۴)، صبح گلشن (۲۵۹ -۲۵۸)، فرهنگ سخنوران (۵۷۳ -۵۷۲)، کشف الظنون (۱۹۲۳، ۱۰۶۴)، لغت‌نامه (ذیل/ ضمیری)، مجمع الخواص (۱۷۹ -۱۷۸).

ضمیری، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمدجواد ضمیری در سال ۱۳۲۷ در شهرستان نیریز فارس متولد شد.وی دارای دکترا رشته ی فیزیولوژی تولید مثل از دانشگاه کوئینترلند استرلیا (در سال ۱۳۵۸)است.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه شیراز بامرتبه ی علمی دانشیاری می باشد.کتاب"تولید مثل در گاو "ترجمه ،محمد جواد ضمیری ، در دوره دوازدهم (در سال ۱۳۷۲) کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : کشاورزی

رشته : دامپروری

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدجواد ضمیری پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه درهمان شهر در سال ۱۳۴۶ وارد دانشگاه شیراز شد و در رشتهٔ مهندسی کشاورزی به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۴۹ در مقطع کارشناسی فارغ التحصیل گردید سپس برای ادامهٔ تحصیل به استرالیا رفت و در سال ۱۳۵۳ به اخذ درجهٔ کارشناسی ارشد از دانشگاه کوئینزلند در رشتهٔ تولید مثل و در سال ۱۳۵۸ به اخذ درجه دکتری از همان دانشگاه در رشتهٔ فیزیولوژی تولید مثل نائل آمد. و پس از آن نیز دورهٔ فوق دکتری را در دانشگاه یاد شده در ارتباط با هورمون شناسی ابتدای آبستنی باموفقیت گذراند.

خاطرات و وقایع تحصیل : محمدجواد ضمیری از سفر به کشور های استرالیا ،آمریکا ،هندوستان ،مالزی ،سنگاپور و تایلند خاطرات خوبی را به یاد دارد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : محمدجواد ضمیری در کنار تحصیل به یادگیری زبان انگلیسی مبادرت می ورزید.

وقایع میانسالی : محمد جواد ضمیری پس از اتمام تحصیلات و بعد از احراز دکتری در رشته فیزیولوژی در دانشگاه شیراز به تدریس مشغول شد . ایشان هم اکنون با رتبه علمی دانشیاری به تدریس و تحقیق در زمینه های بررسی خصوصیات تولیدی مرغهای بومی استان فارس و بررسی تاثیر بتا آگونیستها ب ترکیب لاشه گوسفندان ایرانی و غیره .. می پردازد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد جواد ضمیری عضو هیئت علمی و دانشیار و رئیس بخش – معاون پژوهشی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز است.

فعالیتهای آموزشی : محمد جواد ضمیری به تدریس دروس تشریح و فیزیولوژی دام (کارشناسی)،فیزیولوژی تولید مثل (کارشناسی)،پرورش گاو شیری (کارشناسی) ،هورمون شناسی (کارشناسی ارشد) ،فیزیولوژی شیر دهی (کارشناسی ارشد) و تغذیه دام (کارشناسی) در دانشگاه شیراز می پردازد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد جواد بیش از ۲۰ پایان نامه دکتری و کارشناسی ارشد را راهنمایی و مشاوره و نظارت کرده است که می توان به چند مورد از آنها اشاره کرد: – بررسی امکان افزایش دو یا چند قلو زایی با استفاده از hcG و فتوباربیتال ،کارشناسی ارشد ۱۳۷۰ – برسی تغییرات غلظت ریبوفلاوین در تخم مرغهای بومی و رابطه آن با بارداری ،کارشناسی ارشد ۱۳۶۵ – بررسی تولید و ترکیب شیر در گوسفندان قزل ،کارشناسی ارشد ۱۳۶۹ – بررسی تاثیر سالبیوتامول بر ترکیب بدن خوکچه هندی ،کارشناسی ارشد ۱۳۷۳ – بررسی تغییرات استروئید های جنسی پس از زایش در گاومیش ،کارشناسی ارشد ۱۳۷۳ – بررسی اثر تداوم HCG برچند قلوزایی در گوسفند،۱۳۷۵

جوائز و نشانها : – کتاب"تولید مثل در گاو "ترجمه ،محمد جواد ضمیری ، در دوره دوازدهم (در سال ۱۳۷۲) کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. – انتخاب دکتر محمد جواد ضمیری به عنوان پژوهشگر و مترجم نمونه دانشگاه.

آثار :

۱ آنزیمهای گلایکولیز در رحم گوسفند

ویژگی اثر : biol.reprod انگلیسی ۱۹۷۹

۲ اثرات سلنیوم دوتیامین بر گوسفندان ایرانی

ویژگی اثر : hran.agric.res انگلیسی ۱۹۹۶

۳ بررسی خصوصیات شیر دهی گوسفندان قزل و مهربان

ویژگی اثر : Small rum.res انگلیسی ۱۹۹۷

۴ پرورش گاو شیری

ویژگی اثر : گرد آوری و تدوین ،دانشگاه شیراز فارسی ۱۳۷۵

۵ تاثیرات کمبود غذا بذ تولید مثل موش

ویژگی اثر : Aust.j.biol.sic انگلیسی ۱۹۷۸

۶ تولید مثل در گاو

ویژگی اثر : ترجمه دانشگاه شیراز ،انگلیسی ۱۳۷۲،این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «تولید مثل در گاو»: تولید مثل در گاو؛ آ. ر. پیترز— ب. جی. بال؛ ترجم ?دکتر محمدجواد ضمیری؛ شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۷۲. «تولید مثل در گاو» جنبه های فیزیولوژیکی و کاربردی تولید مثل در گاو را براساس پژوهشها و تجربه ها به گونه ای فشرده اما فراگیر و مفید بیان میکند. هدف این کتاب،

نگرشی همه جانبه بر تولید مثل گاو است که همراه با تغییرات ناشی از به کارگیری روشهای فارماکولوژیکی، تکنولوژیکی و مدیریتی، با در نظر داشتن بازده تولید مثل، شرح داده می شود؛ بنابراین، کتاب برای افرادی نوشته شده است که نیازمند پیش دانشی پایه ای در زمینه های مختلف تولید مثل گاو هستند. استفاده از تحقیقات و اطلاعات علمی که حاصل سالها صرف وقت و سرمایه است مسلماً از یک طرف به افزایش سطح علم کارشناسان و از طرف دیگر به کارگیری نظارت آن در عمل به افزایش سطح تولید کمک می نماید. کتاب مشتمل بر پانزده بخش است. در انتهای مطالب، واژه نام ?فارسی – انگلیسی و نیز انگلیسی – فارسی گنجانیده شده است

۷ رابطه بین وزن و ابعاد دنبه در قزل و مهربان

ویژگی اثر : Small rum.res انگلیسی ۱۹۹۷

۸ فیزیولوژی گوارش در نشخوارکنندگان

ویژگی اثر : مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام ،فارسی ۱۳۷۵

۹ مبانی هورمون شناسی پزشکی

ویژگی اثر : ترجمه ،دانشگاه شیراز انگلیسی ،زیر چاپ

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

منابع زندگینامه : ۱www.ketabesal.ir۲تهرانی زاده، محسن، شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور، ج اول، دفتر شورای جذب نخبگان، تهران:۱۳۷۳، صص۵۹-۴۵۸۳غریبی حسین ، بانک اطلاعت محققین و متخصصین کشور شماره ۴ چاپ ۱۳۷۶ صص ۳۵۶-۳۵۷

ضیاء اصفهانی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۵ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به ضیاء اجدادش از فضلا و علما بودند که در زمان نادرشاه می‌زیستند و صاحب رسالات و تصانیف بودند، از طرف مادر نیز نسبش به میرزا مهدی‌خان منشی، صاحب «جهانگشای نادری» می‌رسید. ضیاد از معاصران دوره‌ی فتحعلی‌شاه و محمدشاه قاجار بود و در علوم ظاهری و هیئت و نجوم و هندسه و حساب مهارت داشت و از مداحین منوچهرخان معتمدالدوله به شمار می‌رفت. او هفت خط را خوش می‌نوشت و در شکسته و نستعلیق مهارت بسزایی داشت. وی بیشتر اوقات خود را با ادبا و شعرا می‌گذراند و اشعارش در برخی تذکره‌های معاصر آمده است. وی در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد به خاک سپرده شد. صاحب «الذریعه» به نقل از «مدایح معتمدی»، وفات وی را ۱۲۶۳ ق ذکر کرده است. از آثارش: دو قطعه به خط نسخ کتابت جلی خوش، با رقم: «... محمد حسین ضیاء»؛ تعلیقات، به خط نسخ و رقاع کتابت جلی خوش، با رقم: «... محمد حسین متخلص بضیاء الارجانی سنه ۱۲۵۰...»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۶۱ / ۴)، تاریخ اصفهان (۱۹۴ -۱۹۳)، تذکره القبور (۳۹۳)، حدیقه الشعراء (۱۰۷۹ - ۱۰۷۴ / ۲)، الذریعه (۶۲۸ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۷۳).

ضیاء السلطنه قارجار

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(ز ۱۲۶۵ ق)، شاعر و خطاط. ملقب به ضیاءالسلطنه. وی خواهر محمود میرزا، مؤلف تذکره‌ی «نقل مجلس» و «سفینه المحمود» و دیگر کتب است. مادرش مریم‌خانم، زنی یهودی بود که پس از ازدواج با شاه مسلمان شد. ضیاء تحت‌نظر مهدعلیا، مادر شاه، پرورش یافت و بسیار مورد توجه شاه بود. فنون شعر و ادب را مدتی نزد برادر خود فراگرفت. خط شکسته و کتابت را خوش می‌نوشت و در هنر خیاطی و نقاشی نیز استاد بود. شاه‌بیگم به دلیل فضایل و کمالاتی که دارا بود از طرف پدر لقب ضیاءالسلطنه یافت و مسئولیتهای مهمی از جمله تصدی قرائت و تحریر نامه‌های محرمانه را بر عهده گرفت. وی صاحب طبعی موزون و اشعاری لطیف بود و به خواهش او، محمود میرزا تذکره‌ی «نقل مجلس» را نوشت. از آثار وی: قرآن رحلی، جلد ساغری، دو صفحه‌ی افتتاح و متن و حاشیه مذهب مرصع، نسخ و رقاع کتابت خفی متوسط، با رقم: «... ضیاءالسلطنه... بنت... فتحعلیشاه...» سال ۱۲۶۵ ق، در آستانه‌ی حضرت معصومه‌ی قم؛ «دیوان» شعر.[۱]

ز ۱۲۶۵ ق، شاه بیگم از زنان خوشنویس، هنرمند و شاعر. وی دختر فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) و خواهر سلطان و محمود میرزا مؤلف تذکره نقل مجلس و مادرش مریم خان، زنی یهودی بود که پس از ازدواج با شاه مسلمان شد. شاه بیگم تحت نظر مهد علیا، مادر شاه، پرورش یافت و پس از مرگ مهد علیا همه اموالش به او منتقل شد. فتحعلی شاه علاقه فراوانی به شاه بیگم داشت و بسیار مورد توجه او بود. ساختمان مسکونی شاه بیگم در اندرون نزدیک ساختمان پدرش بود. به نوشته محمود میرزا شاه بیگم فنون شعر و ادب را مدتی نزد وی فراگرفت. خط شکسته و کتابت را خوش می‌نوشت و در هنر خیاطی و نقاشی نیز استاد بود. قرآنی رحلی به خط نسخ و رقاع، کتابت خطی متوسط از او در کتابخانه حضرت معصومه (س) موجود است که رقم «...ضیاءالسلطنه...

بنت فتحعلیشاه...» و تاریخ ۱۲۶۵ ق را دارد. بـه دلیـل فضـل و کمـالی کـه داشت فتحعلی شـاه بـه او لقب ضیاءالسـلطنه داد و مسئولیت‌های مهمی به او سپرد. خوانـدن و نوشـتن نامه‌های محرمانه فتحعلی شاه که وارد و صادر می‌شد و نوشـتن اشـعار فی‌البداهه شاه و نگهـداری لباس‌هـا و صـندوق‌های جواهرات سـلطنتی و عرض حـال زنـان شـاه بر عهـده‌ی او بود. ضیاءالسـلطنه پس از مرگ پـدرش و در زمان سـلطنت محمـد شاه (۱۲۶۴ -۱۲۵۰ ق) و در سـن سـی و هفت سـالگی به عقـد ازدواج میرزا محمـود، وزیر امـور خارجه درآمـد. وی طبعی موزون و اشـعاری لطیف داشت و به خواهش او محمود میرزا تـذکره نقل مجلس را نوشت. مثنوی زیر از اوست:

ای عاقل فاضل خردمند

بشنو تو ز من نصیحتی چند

دنیاست نه جای عیش و شادی

دنیاست مکان نامرادی

زنهار از این عجوزه زنهار

خود را ز فریب او نگهدار

شه گرچه مرا ز راه اکرام

کرده است ضیاءالسلطنه نام

از سلطنتش مرا چه حاصل

زان رو که ز جمله کنده‌ام دل

هستم ز چراغ آبنوسی

قانع به پلاسی و سپوسی

یا رب تو به عز و جاه زهرا

بر معصیت ضیاء ببخشا

یا رب تو به حق شاه کونین

می‌دار شهم تو شاه دارین[۲]

از اوست: قرآن رحلی، جلد ساغری منگنه. دو صفحه‌ی افتتاح و متن و حاشیه مذهب مرصع نسخ و رقاع کتابت خفی متوسط با رقم: «... ضیاءالسلطنه... بنت... فتحعلیشاه...» سال ۱۲۶۵ در آستانه‌ی حضرت معصومه‌ی قم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :[۱] احوال و آثـار خوشـنویسان (۱۰۸۶ / ۴)، از رابعـه تـا پروین (۱۶۴ -۱۶۳)، تاریـخ عضدی (۲۷ -۲۵)، حدیقه الشعراء (۱۵۹۴ / ۳ ،۲۲۲ / ۱)، الذریعه (۶۳۰ / ۹)، زنان سخنور (۳۱۰ -۳۰۶ / ۱)، کارنامه‌ی زنان مشـهور (۹۳ -۹۲)، مشاهیر زنان (۱۴۷ -۱۴۶)، مصطبه‌ی خراب (۱۱۹ -۱۱۸).

[۲] منابع: احوال و آثار خوشـنویسان، ۱۰۸۶؛ از رابعه تـا پروین، ۱۶۴ -۱۶۳؛ تاریخ عضدی، ۲۷ -۱۳؛ حدیقهٔالشعراء، ۱۶۹۴، ۱۵۹۴، ۲۲۲ / ۱؛ خرابات، ۱۱۵ ،۱۱۳، الذریعه، ۶۳۰ / ۹؛ کارنامه‌ی زنان مشهور، ۹۳ -۹۲؛ مصطبه‌ی خراب، ۱۱۹ -۱۱۸؛ نقل مجلس، گ ۲۸ -۲۳.

ضیاء تباراحمدی، خالق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی آبیاری، دانشکده: علوم کشاورزی، دانشگاه: مازندران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسـی کشاورزی از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۲، کارشناسـی ارشد مهندسـی کشاورزی از دانشـگاه ایالتی کلرادو آمریکا در سال ۱۳۵۵، دکترای مهندسی کشاورزی گرایش آبیاری از دانشگاه ایالتی یوتا آمریکا در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم کشاورزی دانشگاه مازندران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زهکشـی اراضـی، تدریس دروس: آبیاری عمومی، رابطه آب و خاک و گیاه، اصول زهکشی، زهکشی تکمیلی، رابط آب و خاک و گیـاه تکمیلی، آبیـاری بـارانی، هیـدرولوژی مهندسـی، هیـدرولیک، سیسـتم‌های انتقـال آب، فیزیک خاک، ساختمانهای انتقال و توزیع آب بهره‌برداری از آبهای زیرزمینی، مکانیک سیالات و ریاضیات، استاد راهنمای ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ترجمه: آبیاری برنج، آبیاری بارانی و آبیاری قطره‌ای.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

آبیاری و زهکشی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ضیاء حسینی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولـد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشـته: آموزش و پرورش، دانشـکده: ادبیـات فارسـی و زبانهـای خـارجی، دانشـگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی در رشته آموزش و پرورش.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه علامه طباطبائی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پژوهش و پی بردن بـه فرضـیه تعـدیلی زبان‌شناسـی مقـابله‌ای بـه نـام Contrastive Analysis Hypothesis The Moderate Version Of، دستور تطبیقی انگلیسی- فارسی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی تألیفات:

زبان‌شناسی مقابله‌ای، زبان‌شناسی همگانی و روش تدریس.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

زبان‌شناسی مقابله‌ای، روش تدریس، تهیه مطالب درسی و کاربرد زبان‌شناسی در تفسیر ادبی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ضیاء شهابی، پرویز

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پرویز ضیاء شهابی متولد ۱۳۲۲ در تهران است. تحصـیلات متوسطه را در همین شهر به پایان برده و پس از آن در رشته علوم تربیتی دانشـگاه تهران پذیرفته شده است.شـهابی مدرک کارشناسـی اش را در رشـته فلسفه و علوم تربیتی در سال ۱۳۴۴ از دانشگاه تهران گرفته وپس از وقفه ای چنـدساله کارشناسـی ارشـد را نیز در رشـته فلسـفه دنبال می کنـد. شـهابی مدرک کارشناسـی ارشد خود را درسال ۱۳۵۰ در رشـته فلسفه از دانشگاه تهران گرفته است.او همچنین در۲ رشـته اصلی و فرعی یکی فلسفه در رشته اصلی و تاریخ ادیـان و اسـلام شناسـی دررشـته فرعی دکترا گرفته است.شـهابی در خلال این سـال هـا تـدریس را نیز به جـد دنبال کرده و از سال ۱۳۵۲به عضویت هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد در آمده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : ـ پایان تحصـیلات متوسـطه در تهران ـ دریافت مدرک کارشناسـی در رشـته فلسفه و علوم تربیتی از دانشگاه تهران سال ۱۳۴۴ ـ دریافت مدرک کارشناسی ارشد در رشته فلسفه از دانشگاه تهران سال ۱۳۵۰ ـ دریافت مدرک دکترای فلسفه در رشته اصلی و تاریخ ادیان و اسلام شناسی دررشته فرعی

استادان و مربیان : پرویز ضیاء شهابی از شاگردان احمد فردید بوده و از محضر این استاد بهره‌های فراوان برده است.

فعالیتهای آموزشـی : پرویز ضـیاء شهابی عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد از مرداد۱۳۵۲ تا اول مهر ۱۳۸۲ و استادیار واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی از اول مهر ۱۳۸۲ نیز بوده است

آرا و گرایشهای خاص : «هایدگر وجود را تعریف ناپذیر می داند. پرویز ضیاء شهابی معتقد است باید میان «وجود» و «موجود» تفاوت گذاشت. او این تفاوت را تفاوت «آنتولوژیک» می نامد. هایدگر در کتاب «نظر افلاطون درباره حقیقت» پیش از شروع، در مطلبی میان آموزه متفکر و گزاره های علمی تفاوت گذاشته است. هایدگر در یک نیم سال تحصیلی و در۴ واحد دانشگاهی تفسیر جمله به جمله افلاطون در رساله سوفسطایی را موضوع درس خود قرار داد، زیرا او در این دوران به آثار سوفسطایی و افلاطون توجه داشت. هایدگر پس از افلاطون می گوید: آیا می دانیم که هر گاه لفظ موجود را به کار می بریم در حقیقت چه می خواهیم؟ او می گوید، به هیچ رو پاسخی نداریم و باید پرسش از معنای وجود را از نو آورد. بدین رو در شروع و مقدمه رساله «وجود و زمان» می گوید: کسانی که از مابعدالطبیعه دم می زنند از وارد شدن به بحث اصلی آن باز می مانند. ارسطو کلیت وجود را ورای کلیت جسمی می دانست. هایدگر وجود را تعریف ناپذیر می داند و معتقد است باید میان وجود و موجود فرق گذاشت. او این تفاوت را تفاوتی «آنتولوژیک(هست شناسی)» می نامد. وجود پیش از هر موجود است، هر چه هست از وجود هست. به بیان دیگر از وجود تعریفی نمی توان ارائه کرد و قابل پرسش نیست. او معتقد است هر کس که لفظ وجود را به کار می برد، معنای آن را می فهمد. هایدگر سپس به توضیح ساختار و صورت هر پرسش می پردازد و سؤال می کند که لازمه ذات هر پرسش چیست؟ که هر پرسش جست وجویی است و در این میان جست وجو، باید از آن چه که مقصود است، هدایت گرفت، هر پرسش، پرسشی است درباره چیزی. هایدگر برای آن ۳ جزء قائل می شود که در فارسی بیان دوتای آن مشکل ندارد: مسئول (کسی که از او می پرسند) و مسئول عنه (چیزی که از او می پرسند). در پرسش از معنای وجود، باید دید از چه کسی باید پرسید؟ در میان موجودات، موجودی است که به داشتن فهم از دیگران ممتاز است و شاید آن موجود که خودمان هستیم، سزاوارتر برای «مسئول» بودن است، برای شنیدن پاسخ موجود از او.«دازاین» در آلمانی به معنی وجود یا واقعیت است. هایدگر خود می گوید، جان کلمه در وجود و زمان و «او» میان آنهاست. وجود عبارت است از زمان و آن زمانی که از آن فهم داریم. هایدگر عقیده دارد از وجود اکنون، زمان را فهمیده اند و معلوم می شود اصل آن زمان مندی است.«پرسش وجود» نزد هایدگر مهم بود. پرسش وجود نزد او از نحوه وجود انسان منفک نبوده است»... شاید بسیاری از اهالی اندیشه رابا این شرح مختصر بتوان با حوزه علایق و گرایش های شهابی در فلسفه نیز آشنا کرد.نخستین نشانه این آشنایی را می توان از گرایش او به هایدگر و تأثیر روشن از اندیشه های فردید بازشناسی کرد. شهابی از شاگردان احمد فردید بوده اما جست وجوهای او در حوزه اندیشه به این گرایش مختصر نشده و دامنه وسیع تری بخصوص در مباحث پدیدار شناسی یافته است.

چگونگی عرضه آثار : پرویز ضیا شهابی مؤلف و مترجمی بسیار آگاه به فلسفه و مسلط بر زبان های فارسی و آلمانی است. ویژگی هایی که در کمتر اهل این حوزه یکجا گرد آمده است.بی شک پرویز ضیاء شهابی در افق پیش رو توانایی تألیف و ترجمه آثاری مهم تر و اثرگذاری جدی تر در فلسفه ایران امروز را دارد. برخی از مقاله های او در حوزه فلسفه عبارتند از : ـ تهیه مقدمات آشنایی با منطق جدید، مجله دانشکده الهیات مشهد ۱۳۷۶ ـ تالس تولد فلسفه، مجله دانشکده الهیات مشهد ۱۳۷۸ ـ پا به پای ارسطو به جست وجوی دانش برین، مجله برهان و عرفان پیش شماره نخست ـ هست شناسی ،دانشی که باید جست،مجله برهان و عرفان شماره دوم زمستان ۱۳۸۳ --

آثار :

۱ درآمدی پدیدار شناسانه به فلسفه دکارت

ویژگی اثر : به وسیله نشر هرمس به چاپ رسید. درآمدی پدیدار شناسانه به فلسفه دکارت عنوان مهم ترین اثر پرویز شهابی در حوزه اندیشه است.تسلط او به زبان آلمانی و در نتیجه در اختیار داشتن منابع دست اولی برای تحقیق در کنار دقت نظر و نگاه ایتومولوژیک به متن،اثر شهابی را ممتاز و بسیار قابل توجه کرده است.این نگاه ظریف را می توان از جای جای متن کتاب دریافت کرد و بر دقت نظر شهابی در تألیف ،صحه گذاشت. به طور نمونه در مقدمه کتاب دغدغه دقت به خوبی نمایان است:«صفت رئال از اسم res به معنی چیز، جوهر، ماهیت ساخته شده است و آن را باید به جوهری یا ماهوی ترجمه کرد. اگر رئال را از روی معنای جدیدش به واقعی یا حقیقی ترجمه کنیم – که مترجمان می کنند– در فهم مقصود امثال دکارت و بخصوص کانت (به طور مثال آن جا که گفته است وجود محمولی رئال نیست) [که منظور او همین جاست] با اشکال های حل نشدنی مواجه می شویم. » شهابی اینجا نیز نقبی به هایدگر می زند و می گوید: هایدگر مهم ترین جمله بخش نخست کتاب« سنجش خرد ناب» را جمله نخستین آن می داند که در آن کانت بر داده بودگی خود اشیا انگشت گذاشته است.

۲ راه هایی به تفکر فلسفی

ویژگی اثر : ترجمه، نوشته یوزف ماری بوخنسکی ، انتشارات پرسش در اصفهان ، ۱۳۸۱

۳ راه هایی به تفکر فلسفی درآمدی به مفاهیم بنیادین

ویژگی اثر : این کتاب حاصل گفت وگوها و گفتارهایی است درباره «چیستی فلسفه» که بوخنسکی در یک سری برنامه ها و مصاحبه های رادیویی عنوان کرده بود و به دلیل اهمیت مباحث مطرح شده دراین برنامه ها، این مباحث به صورت کتاب درآمد و بنابر موضوع گفتار با عنوان های قانون، فلسفه، شناخت، حقیقت، تفکر، ارزش، انسان، وجود، جامعه و مطلق تنظیم شد. بسیاری از کتاب های قطور فلسفی هستند که انبوهی از اطلاعات فلسفی را در خود گنجانده اند، اما خواننده پس از مطالعه آنها کمتر قادر است تا خود فلسفی بیندیشد و فلسفه ورزی کند، زیرا فلسفه آموختن و فلسفه آموزاندن به غیر از فلسفه ورزی و فلسفی اندیشی است. می توان انبوهی از اطلاعات فلسفی را در ذهن انبار کرد، اما در مواجهه با مسائل گوناگون، فلسفی نیندیشید. مترجم فاضل کتاب، ضیاء شهابی به درستی به این موضوع اشاره دارد: «درمیان آوردن این پرسش که «فلسفه چیست؟»، ... درآمد فلسفه ورزی است که آن را با فلسفه آموزی (در ? معنای تعلّم فلسفه و تعلیم آن) نباید یکی گرفت. بایسته فلسفه ورزی پُرسندگی است. فلسفه آموزی فراگیری پاسخ هایی است به پرسش هایی بی آن که حال پرسندگی، مقام فراگیرنده گردد.» کتاب راه هایی به تفکر فلسفی

به جای آن که خواننده تازه کار را با انبوهی از نام ها و فلسفه ها گیج کند، می کوشد تا در موضوعات و صفحاتی محدود و با زبانی ساده و منطقی خواننده را درگیر پرسش های بنیادین فلسفی کند و دلایلی بر رد و اثبات برخی نظرگاه های فلسفی بیاورد. بوخنسکی ?? موضوع زیر را برای منظور خود برگزیده است.ـ ?: قانون– ?، فلسفه– ?، شناخت– ?، حقیقت– ?، تفکر– ?، ارزش، – ?انسان ـ ?، وجود– ?، جامعه و–?? مطلق. یکی از مهم ترین فصل های کتاب، فصل فلسفه است. نویسنده در ابتدای این فصل ادعایی می کند که شاید برای افراد ناآشنا به فلسفه غریب بنماید. او می گوید که فلسفه از اموری نیست که تنها به اهل فن، یعنی فیلسوفان و فلسفه دوستان، اختصاص داشته باشد. کم و بیش هر کس در زندگی خود بارها پرسش هایی فلسفی از خود کرده است. از همین روست که پرسش «فلسفه چیست؟»، پرسشی است که به همه ما مربوط می شود. با این حال این پرسش، یکی از دشوارترین پرسش های فلسفی است. کمتر کلمه ای وجود دارد که مانند فلسفه بر این همه معناهای گوناگون دلالت کند. فلسفه به نظر راسل مفهومی است جمعی که دلالت دارد بر هر آن چه که نتوان آن را به شیوه علمی بررسی کرد. راسل و دیگر پوزیتیویست ها معتقدند که در نزد ارسطو فلسفه هم معنای علم بود. پس از ارسطو، علوم خاص مانند پزشکی و فیزیک (طبیعیات)، روانشناسی و منطقِ صوری از آن جدا شدند. بنابراین فلسفه در حال حاضر به نظر اینان شامل اموری می شود که نمی توان به طور علمی در باره آنها سخن گفت. مؤلف کتاب می کوشد تا نظر راسل را از نزدیک بنگرد و شک هایی در درستی آن بیندازد.

۴ سرآغاز کار هنری

ویژگی اثر : ترجمه، نوشته مارتین هایدگر ، نشر هرمس به چاپ دوم رسید

۵ فلسفه هنر به نزد هایدگر

ویژگی اثر : ترجمه ، نوشته فن هرمن، فرید ریش

۶ فلسفه و بحران غرب

ویژگی اثر : ضیاء شهابی از جمله مترجمان کتاب «فلسفه و بحران غرب» نیز هست که ? سال پیش به وسیله نشر هرمس و با همکاری جمعی از مترجمان فلسفه منتشر شد. علاوه بر انتشار این آثار،شهابی مقاله های ارزشمندی نیز در دهه گذشته به نگارش درآورده که در نشریات دانشگاهی به چاپ رسیده و مورد توجه دانشجویان و علاقه مندان و جویندگان مباحث نظری فلسفه در ایران نیز قرار گرفته است.از آن جمله است مقاله مقدمات آشنایی با منطق جدید، تالس تولد فلسفه، پا به پای ارسطو به جست وجوی دانش برین، هست شناسی دانشی که باید جست و ... که بیشتر آنها در دوران حضور او در دانشگاه فردوسی مشهد در نشریه دانشکده ادبیات به چاپ رسیده است...

ضیاء نخشبی بدایونی، ضیاءالدین محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۵۱ / ۷۵۰ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به نخشبی یا ضیاء نخشبی. از مردم نخشب (نسف) سمرقند بود. به روزگار جوانی از ایران به هندوستان رفت و در آن سامان به یادگیری زبان سانسکریت پرداخت و آثاری چند از آن زبان به فارسی ترجمه کرد. او شاگرد نظام‌الدین اولیاء بود و با پادشاهان خلجی هندوستان رابطه‌ی نزدیکی داشت. ضیاءالدین برخی از آثار خود را به نام قطب‌الدین مبارکشاه خلجی تألیف کرده است. او مردی زاهد و صوفی‌مشرب بود و در بعضی از آثارش نشانهایی از فکار صوفیانه دیده می‌شود. وی در دهلی درگذشت. از آثارش: «سلک سلوک»؛ «طوطی‌نامه»؛ «کلیات و جزویات»، که مجموعه‌ای از مقالات آمیخته از نثر و نظم درباره‌ی جسم آدمی است؛ داستان «گلریز»، کتابی است در سرگذشت معصوم شاه و دختری به نام نوشابه، که از جمله‌ی کتب بسیار معروف ضیاء شمرده می‌شود؛ «لذه النساء»؛ «عشره‌ی مبشره».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۹۶ –۱۲۹۳ / ۳)، تاریخ مغول (۵۲۸)، تاریخ نظم و نثر (۱۸۵)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۰۶ / ۲)، الذریعه (۲۹۸ / ۱۸، ۱۱۷۹ / ۹)، ریحانه (۱۵۴ –۱۵۳/ ۶)، سبک‌شناسی (۲۵۷ / ۳)، صبح گلشن (۵۱۱)، فرهنگ سخنوران (۹۲۶)، مؤلفین کتب چاپی (۵۶۴ –۵۶۳/ ۳)، هدیه العارفین (۴۲۹ / ۱).

ضیاءالدین یوسف

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۱۹ –۸۸۲ ق)، دانشمند. وی اهل جام و از شاگردان علامه تفتازانی بود و در علوم معقول و منقول زمان خود استادی و مهارت داشت. در تبریز درگذشت و در آنجا به خاک سپرده شد. ضیاءالدین در خوشنویسی نیز دست داشت و خط نستعلیق را به شیوه‌ی میرعلی هروی خوش می‌نوشت. پدرش، جامی، کتاب «بهارستان» و رضی‌الدین لاری شرح خود بر کتاب «نفحات الانس» را برای خواجه ضیاءالدین یوسف نوشته‌اند.[۱]

یوسف بن عبدالرحمن جامی (شاعر معروف) (و. ۸۷۳ ه.ق.). جامی شرحی را که بر کافیه ابن صاحب در نحو نوشته و معمولا به «شرح جامی» معروف است به اسم همین فرزند خود ضیاءالدین به «الفوائد الضیائیهٔ» نامزد کرده و نیز تحفهٔالاحرار خود را خطاب به همین فرزند– که در آن هنگام چهار سال داشت– به نظم درآورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۹۷۲ / ۳)، از سعدی تا جامی (۷۷۴، ۷۶۳) بهارستان جامی (مقدمه/ ۱۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۱۵، ۴۷۰ / ۴)، حبیب السیر (۳۸۶ / ۳)، رشحات عین الحیات (۲۸۵ -۲۸۳ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ضیاءالدین)، نفحات الانس (مقدمه/ شانزده چهل و دو).

ضیاءالدینی، محمدجمیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۰۴(۱۳۴۴ ق.)، سنندج.

درگذشت: ۱۳ اسفند ۱۳۶۲، سنندج.

شیخ محمدجمیل ضیاءالدینی، فرزند شیخ محمد شریف بن شیخ محمد سلیم «سالم» بن شیخ احمد مردوخی، در دو سالگی پدرش را از دست داد و تحت تربیت و تعلیم عمویش شیخ احمد ضیاءالدینی قرار گرفت و تحصیلات خود را در مکتب‌ها و مدرسه‌های دینی تا حدی به انجام رسانید و پس از آن به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و تا زمان بازنشستگی مشغول به تدریس بود.

محمدجمیل ضیاءالدینی به ادبیات عشق می‌ورزید و خود نیز از ذوق شعری برخوردار بود و «جمیل» تخلص می‌کرد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ضیای اصفهانی، نورالله

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۵۲ ق). شاعر. از قریه‌ی کفران از توابع اصفهان بود و به همین جهت به ضیای کفرانی مشهور است. او از جمله بزرگان اصفهان و در روزگار شاه عباس از کاتبان دیوان بود. وی طبع خوشی داشت و در سرودن شعر توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۶۶ -۹۶۳ / ۳). تذکره‌ی روز روشن (۴۹۰). تذکره القبور (۳۹۴). تذکره‌ی نصرآبادی (۹۰ -۸۹). عالم‌آرای عباسی (۱۶۶ / ۱). لغت‌نامه (ذیل/ ضیاء). مجمع الفصحا (۷۱۳ -۷۱۱ / ۵).

ضیای سنجری، ضیائی‌الدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق). شاعر. ملقب به فخرالشعراء. وی از شاعران دوران سلجوقی بود. گویا «دیوان» شعری نیز داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۵۷۴). لباب الالباب (۴۲۸ -۴۲۶ / ۲). لغت‌نامه (ذیل/ ضیاءالدین،سنجری).

ضیای قزوینی، محمد یوسفا

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. متخلص به ضیاء. وی اهل قزوین و در بین مردم محبوب بود. ابتدا دستورنویس بود و بعد از آن مستوفی موقوفات کشور شد. ضیاء با فرزندان خود روانه هندوستان شد و همان جا درگذشت. ضیاء در ۱۰۳۲ ق آن‌گاه که شاه عباس عازم عراق بود ابیاتی به عنوان ماده تاریخ سرود. وی دارای «دیوان» شعر است. لازم به ذکر است که صاحب «مینودر» ضیای قزوینی صاحب «دیوان» را از ضیای قزوینی ضابطه‌نویس جدا کرده و برای هر یک شرح حالی جداگانه ذکر کرده است. در «فرهنگ سخنوران» نام صاحب عنوان میرزا یوسف کاتب ذکره شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۸۸). الذریعه (۶۳۱ / ۹). صبح گلشن (۲۵۹). عالم‌آرای عباسی (۹۹۸ / ۲). فرهنگ سخنوران (۵۷۵). کاروان هند (۷۵۳ -۷۵۲ / ۱). مواد التواریخ (۷۳۲. ۶۷). مینودر (۴۸۴ / ۲).

ضیای کاشانی، ضیاءالدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند آخوند نور رازی. (وف ۱۰۲۵ / ۱۰۲۴ ق). صوفی و شاعر. متخلص به ضیاء. اصل وی از ری بود و در کاشان به دنیا آمد و در همان جا نشوونما یافت. او و پدرش هر دو از عالمان شهر کاشان بودند. ضیاءالدین نزد مولانا ابوالحسن دانشمند درس خواند و صحبت و درس مولانا حبیب‌الله باغ نوی شیرازی. معروف به میرزاجان.را نیز درک کرد. ضیاء کاشانی که از معاصران شاه طهماسب صفوی بود مدتی کوتاه به هندوستان سفر کرد و بعد از بازگشت روانه زیارت خانه خدا شد و از آنجا به عتبات‌عالیات رفت و مدت هفت سال در آن سامان مسکن گزید و به امور علمی مشغول شد. به گفته تقی کاشانی «ضیاءالدین در اقسام علوم معقول و تمامی فنون منقول سرآمد علمای زمانست و پیشوای دانشمندان دوران» و در سرودن شعر نیز توانا بوده است. وی به قولی در کاشان درگذشت و به روایتی در اجمیر هندوستان. که قول نخست صواب‌تر می‌نماید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۶۱). حدیقه الشعراء (۱۰۸۰ -۱۰۷۹ / ۲). الذریعه (۶۳۱ / ۹). ریاض العارفی (۱۰۱). ریحانه (۱۱ / ۴).. فرهنگ سخنوران (۵۷۵). کاروان هند (۷۵۶ -۷۵۳ / ۱). لغت‌نامه (ذیل/ ضیاء). هفت اقلیم (۴۶۴ / ۲).

ضیایی اردوبادی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۲۷ ق). شاعر. متخلص به ضیایی. از سخن‌سرایان آذربایجان و از معاصران سلطان حسین بایقرا و یعقوب میرزای آق قویونلو بود. برای تحصیل به هرات رفت و در آنجا مورد توجه امیر علیشیر قرار گرفت. وی به دقت ذهن و حدت فهم شهرت یافت و اکثر قصایدش در لغز و معما است. در اواخر دوره‌ی گورکانیان. ضیایی به تبریز بازگشت و در ۹۰۲ ق قصیده‌ای در جلوس احمد بیگ بن اغورلو محمد بن اوزون حسن پادشاه آق قویونلو گفت. مدفن وی در تبریز است. در تذکره‌ی «مجالس النفائس» شرح حال او تحت عنوان ضیای تبریزی آورده شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۰۴ -۱۰۳ / ۱). احسن التواریخ. توضیحات (۶۶۴ -۶۶۳). تاریخ نظم و نثر (۳۱۸). تحفه سامی (۲۱۲). تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۸۷ / ۱). حبیب السیر (۶۰۹ / ۴). دانشمندان آذربایجان (۲۴۲ -۲۴۱). الذریعه (۶۳۲ .۶۲۸ / ۹). فرهنگ سخنوران (۵۷۶). لغت‌نامه (ذیل/ ضیاء). مجالس النفائس (۲۳۸ -۲۳۷ .۶۵ -۶۴).

ضیایی بیگدلی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حقوق، دانشکده: علوم اقتصادی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی الهیات از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳، دکترای تخصصی حقوق بین‌الملل عمومی از دانشگاه مونپلیه فرانسه در سال ۱۳۴۹.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبایی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

حقوق سیاسی فرد در اسلام، تدریس دروس حقوق بین‌الملل عمومی، اسلام و حقوق بین‌الملل، حقوق اساسی، کلیات حقوق در دانشگاههای شهید بهشتی، علوم قضایی، امام صادق و علامه طباطبایی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مقررات حقوقی شورای، حقوق بین‌الملل عمومی و دیدگاه اسلام نسبت به حقوق بین‌الملل.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تحول حقوق کیفری شوروی، بحثی در حقوق فضا، نگرشی اجمالی به حقوق جنگ، حقوق جنگ و رفتار با اسیران جنگی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ضیایی دزفولی، محمد رشید

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۴۷- ح ۱۳۳۲ ق). فقیه. ادیب و شاعر. متخلص به ضیایی. تحصیلاتش را در دزفول گذراند. سپسی به نجف رفت و تحصیلات خود را در آنجا در محضر شیخ انصاری و میرزای شیرای چندین سال ادامه داد. پس از گرفتن اجازه‌ی اجتهاد به دزفول مراجعت نمود و به تدریس مشغول شد. چندی هم در خرم‌آباد و بروجرد اقامت کرد. سپس به عراق رفت و بعد از ۱۳۰۰ ق مجددا به دزفول بازگشت و به تدریس و ترویج علوم اسلامی و انجام وظایف شرعی پرداخت. او بسیار زاهد و پرهیزگار بود به حدی که هیچ‌گاه از وجوه خیراتی استفاده نکرد و از دست‌رنج و کسب و کار خود روزگار می‌گذراند. میراز هادی دزفولی از شاگردان اوست. وی در مقبره‌ی استاد خود سید حسین بن عبدالکریم گوشه در دزفول دفن شد. از آثار وی: «دیوان» شعر که به نام «اشعار ضیایی دزفولی». در ۱۳۰۴ ق در بمبئی به چاپ رسیده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۸۰ / ۹). الذریعه (۶۳۲ / ۹). طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۲۵-۷۲۴ / ۱۴). مؤلفین کتب چاپی (۱۲۶ / ۳).

ضیایی شیرازی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف قبل از ۱۳۲۸ ش). حکیم، فقیه، طبیب و شاعر، متخلص به ضیایی. از سادات حسینی بهبهان بود که در شیراز سکونت داشت. به آورده‌ی تذکره‌ی «شعاعیه» وی از جوانی در تحصیل حکمت الهی کوشید و در فقه شاگرد آیت‌الله آقا سید کاظم یزدی بود و اجازه‌ی اجتهاد از ایشان داشت. بعدها قاضی دادگستری شد و سپس به سمت ریاست دادگستری مازندران ارتقاء یافت. اثر وی: «دیوان» شعر که نسخه‌ای از آن در کتابخانه ملی ملک موجود است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۶۲ -۵۶۱). حدیقه الشعراء (۱۰۸۴ -۱۰۸۳ / ۲). دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۹۷ -۴۹۴ / ۳). الذریعه (۶۳۳ / ۹). فرهنگ سخنوران (۵۷۴). مرآت الفصاحه (۳۶۶ -۳۶۵).

ضیایی فر، سعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید ضیائی فر

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۹ دروس حوزوی را همراه با سال چهارم دبیرستان در کاشان آغاز کرد، پس از اخذ دیپلم ریاضی در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه قم شد. دروس سطح را سال ۱۳۴۶ به اتمام رسانید و به مدّت ۱۲ سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت کرد و چند سالی نیز از این سال ها را به تحصیل کلام و فلسفه پرداخت تدریس در حوزه دانشگاه از زمره فعالیت های علمی اوست و اکنون نیز در برخی مراکز به تدریس اشتغال دارد و مهمترین برنامه علمی وی تحقیق است که از سال ۱۳۷۰ آغاز و تاکنون ادامه دارد به علاوه از سال ۱۳۷۷ تاکنون مدیر گروه پژوهش «فلسفه فقه و حقوق اسلامی» پژوهشکده فقه و حقوق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات حوزه علیمه قم و عضو هئیت علمی و شورای پژوهشی این پژوهشکده است. همچنین راهنمایی و مشاوره برخی از پایان نامه‌ها را بر عهده داشته است.

ضیایی مرندی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۲ -۱۲۷۵ ق)، مترجم، مفسر، شاعر، متخلص به ضیایی. ملقب به ناظم الملک. در تهران به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات و

فراگیری فنون شعر و ادب از استادان زمان خود. وارد خدمات دولتی گردید و در وزارت خارجه به خدمت اشتغال ورزید و با زبان فرانسه آشنایی کامل یافت. ضیایی در اواخر عمر به قم مهاجرت کرد و در آنجا مقیم شد و تا پایان عمر در این شهر زندگی کرد. وی را در روضه‌ی حضرت معصومه (س) دفن کردند. از آثار وی: «حقیقت‌نامه»، شعر، ترجمه‌ی وصیت‌نامه‌ی امیرالمومنین (ع) به امام حسن (ع)؛ «دیوان»؛ «سیاست نامه»، شعر، که ترجمه‌ی عهدنامه‌ی امیرالمومنین (ع) به مالک اشتر است؛ «قصیده‌ی مولودیه»؛ «وصیت‌نامه‌ی حضرت رسول (ص) به امیرالمومنین (ع)»، شعر؛ تفسیر «سوره العصر»، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۲۴۲). الذریعه (۶۳۳ / ۹ .۳۳۸ / ۴). ریحانه (۱۲۴ -۱۲۳ / ۶). زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۴۰ / ۴). سخنوران نامی معاصر (۲۳۷۹ -۲۳۷۶ / ۴). شرح حال رجال (۲۸۵ / ۱). فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۶۵ .۲۵۵۰ .۲۰۵۳ / ۲ .۱۵۴۶ -۱۵۴۵ .۱۱۹۶ / ۱). مؤلفین کتب چاپی (۴۴۸ -۴۴۷ / ۲).

ضیایی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین ضیایی نجف آبادی

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در استان خوزستان، شهرستان آبادان در یک خانواده کارگری متولد شدم، در سال ۱۳۳۵ (پدر ۵ کلاس سواد ـ مادر ۲ کلاس قرآنی) دوران دبستان، راهنمایی و دبیرستان (در رشته ریاضی) را با تلاش و کوشش بسیار و با موفقیت پشت سر گذاردم در سال ۱۳۵۶ به خدمت نظام رفتم و یک سال بعد به فرمان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی پادگان را ترک کردیم و پس از پیروزی انقلاب شکوه‌مند اسلامی به فرمان امام دوباره به پادگانها برگشتیم و به پاس این لبیک‌گویی به فرمان امام(ره) یک سال تشویقی گرفته و از خدمت نظام بیرون آمدم. و چندی بعد به فرمان امام(ره) وارد «جهاد سازندگی» شدم ۲۷/۳/۵۸ و با عشق و علاقه خدمت به روستائیان در این نهاد انقلابی به خدمت مشغول شدم در سال ۱۳۶۱ پس از شکسته شدن حصر آبادان به اصفهان هجرت نمودم و در کنار کار به تحصیل در مدرسه علمیه ذوالفقار اصفهان (دروس حوزوی) مشغول به تحصیل شدم و پس از تمام کردن جامع المقدمات به مدرسه علمیه صدر بازار رفته و «سیوطی» را فراگرفتم و در سال سوم به مدرسه علمیه امام صادق(ع) رفته و «مُغنی» (باب اول و باب رابع) را فراگرفتم. در سال ۱۳۶۴ تصمیم گرفتم وارد دانشگاه شوم در رشته علوم انسانی ثبت نام نموده و با تلاش و کوشش بسیار موفق شدم در دانشگاه علامه طباطبایی تهران قبول شوم و از مهرماه سال ۱۳۶۵ مشغول به تحصیل در رشته علوم تربیتی با گرایش تکنولوژی آموزشی شدم. در سال ۱۳۶۹ (بهمن ماه) مقطع کارشناسی را با معدل ۷۵/۱۶ به پایان رساندم و تصمیم گرفتم به حول و قوه الهی در مقطع کارشناسی ارشد نیز شرکت کنم، سرانجام پس از دوبار شرکت در کنکور سراسری موفق به قبولی در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی در رشته برنامه‌ریزی آموزشی شدم. از مهرماه سال ۱۳۷۲ مشغول به تحصیل شدم و در تاریخ ۷۵.۳.۲۵ این مقطع تحصیلی را نیز با معدل ۱۷.۷۷ به لطف خدا پشت سر گذاشتم. (شایان ذکر است در زمان تحصیل، همکاری فعال با انجمن اسلامی دانشگاه، بسیج دانشجویی و جهاد دانشگاهی داشتم). با توکل بر خدا تصمیم گرفتم آخرین قدم را نیز بردارم و در مقطع دکترا وارد شوم که متأسفانه رشته تحصیلی مرا در داخل نداشتند و باید در خارج از کشور ادامه می‌دادم که به دلیل شرایط زندگی (با داشتن سه فرزند) عملاً نتوانستم وارد این مقطع شوم. تصمیم گرفتم با تقویت زبان انگلیسی، در آزمون وزارت علوم جهت عضویت در هیأت علمی دانشگاهها شرکت کنم که با لطف و عنایت خدا و تلاش شبانه‌روزی موفق شدم در سال ۱۳۷۷ در امتحان مربوط به عضویت در هیأت علمی دانشگاهها، موفق شدم و از آن سال به عضویت هیأت علمی موسسه آموزشی عالی علمی ـ کاربردی وزارت جهاد کشاورزی درآمدم. در این سالیان علاوه بر تدریس دروس عمومی و تخصصی به انجام طرح‌های تحقیقاتی، مقاله‌نویسی و تألیف کتاب نیز پرداخته‌ام و در کنار آن مسئولیتهای اجرایی نیز داشته‌ام که به حول و قوه الهی توانسته‌ام به تکالیف و وظایف محوله به خوبی عمل کنم. همواره عشق به یادگیری مطالب بیشتر در زمینه تخصصم و علوم دیگر در وجودم زبانه می‌کشد و از خداوند سبحان می‌خواهم این عشق و علاقه را همواره در وجودم مستدام بدارد و بتوانم در وهله اول برای خود ، خانواده و فرزندانم و در وهله بعد جامعه‌ام (محیط کاری و دانشجویان دختر و پسری که با آنها سر و کار دارم) مفید و مثمر ثمر باشم.

ضیائی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای دکتر ضیائی از فضلاء معاصر است در آستانه.

وی سالهای متمادی در قم اقامت داشته و از آیات عظام گذشته چون مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده و پس از پایان تحصیلات به گیلان مراجعت و در آستانه رحل اقامت افکنده و تاکنون بخدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

وی از اعضاء موثق انجمن ضـد بهائیت است و در این رشـته مطالعات بسـیاری دارد و افراد زیادی از مبتدیها و حتی افراد متعصبی را ارشاد و از انحراف نجات و براه هدایت رهبری و از خرافات و موهومات بهائی گری خلاص و رهائی بخشیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ضیائی بلخی، ضیاءالدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س شـشم ق)، شاعر. وی از واعظان و شاعران بنام بلخ بود که در همان شـهر مسـکن داشت و به امر موعظه مشغول بود. به آورده‌ی «مجمع الفصحا»، عوفی (م بعد از ۶۳۰ ق) او را ملاقات کرده و فاضل خوانده است. ضیای بلخی در سرودن شعر نیز مهارت داشت و مبین این امر «دیوان» شعر او می‌باشد. از اوست:

زهی در شأن تو منزل همه آیات سلطانی

بدیده عقل در دست تو رایات جهانبانی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۶۲۹ / ۹)، لغت‌نامه (ذیل/ ضیاءالدین)، مجمع الفصحا (۸۴۵ / ۲).

ضیائی خجندی، ضیاءالدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۲۲ ق)، شاعر، متخلص به فارسـی. اصل او را از شـیراز دانسـته‌اند و گفته‌اند در جوانی از آن شـهر به خراسان رفت و رد شهر خجند اقامت گزید. ضـیائی مداح ملکشاه سـلجوقی بود. نسب وی به سـلمان فارسـی می‌رسد و بدین سبب فارسی تخلص می‌کرد. وی از شاگردان امام فخرالـدین محمـد بن عمر رازی و معاصـر شـمس خاله بوده است. در هرات درگذشت. از آثار وی: شـرحی بر کتاب «المحصول» امام فخر رازی؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۸۳۳ -۸۲۷ / ۲). تاریـخ نظم و نثر (۱۶۵). الذریعه (۶۳۰ -۶۲۹/ ۹)، ریحانه (۸ / ۴). صبح گلشن (۲۵۹)، لغت‌نامه (ذیل/ خجندی و ضیاءالدین). مجمع الفصحا (۸۴۵ -۸۴۲ / ۲). مرآت الفصاحه (۳۶۵ -۳۶۴).

ضیائی سقزی، عبدالرؤف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم.

تولد: ۱۲۷۲، سقز.

درگذشت: ۱۳۶۵، سقز.

ملا شـیخ عبدالرؤف ضـیائی متخلص به «عاشق» فرزند حاج شیخ مصطفی نقشبندی (قطب طریقه نقشیه سقز)، تحصیلات مقدماتی را نزد جد پدری آموخت و بعدها در محضر اساتید و علمایی چون ملا صالح فخرالعلما و ملا عبدالعظمی مجتهد و حاج شیخ محمود و ملا عبـدالعزیز مفتی سـقز، و ملا صالـح امامزاده و اسـتاد ملا عبـدالقادر مـدرس بیاره به پایان رسانید و اجازه‌نامه‌ی معمول فراغت از تحصـیل را دریـافت کرد و شـروع به تـدریس نمود. در ابتـدای جوانی به زراعت در ملک موروثی و شخصـی سـرگرم بود. در سال ۱۳۰۱ رییس اوقاف و صـنایع مستظرفه شهرستان سقز شد .و در سال ۱۳۰۳ قاضی شرع دادگاه‌های سقز شد. در سال ۱۳۰۸ مسئولیت ریـاست اداه فرهنگ و اوقـاف را قبـول نمـود و پس از مـدتی به ریـاست اداره دارایی و دخانیـات سـقز منصوب و آخرین سـمت او معاونت اداره حوالجات در خزانه‌داری کل بود. و چون سـنوت خدمتی او به حد نصاب قانونی رسـید با داشتن آخرین رتبه و مدارج اداری بازنشسته شد.

ملاـ ضـیائی به زبان‌های فارسـی و کردی شـعر می‌سـرود و آثاری از اشـعارش به جای مانـده است که منتشـر نشـده است. در فقه نیز دارای رسالاتی است. از جمله آثار به چاپ شده وی می‌توان به یادداشت‌هایی از کردسـتان اشاره نمود که پس از فوت وی در سال ۱۳۶۷ به اهتمام عمر فاروقی به چاپ رسید.

پیکر ملا شیخ عبدالرؤف ضیائی در سقز تشییع و در آرامگاه خانوادگی در کنار مرقد پدرش دفن گردید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ضیائی کازورنی شیرازی، ضیاءالدین محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق). شاعر. وی از سادات کازرون بود که در شیراز سکونت یافت و از فضلا و مدرسین آن شهر شد. وی با رضا قلی‌خان هدایت. صاحب «مجمع الفصحا» دوستی تمام داشت. اثر وی «دیوان» شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۰۸۴ / ۲). الذریعه (۶۳۳ / ۹). فارسنامه‌ی ناصری (۱۴۴۶ / ۲). لغت‌نامه (ذیل/ ضیائی). مجمع الفصحا (۷۱۴ -۷۱۳ / ۵). مرآت الفصاحه (۳۶۸ -۳۶۷).

ضیائی کرمانی، ضیاءالدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۹۸۸ ق). شاعر، متخلص به ضیائی. از مردم هرات بود. پدرش خواجه علاءالدین. برادر خواجه الفضل‌الدین محمد کرمانی بود که سالها وزارت پادشاه داشت. شاه ضیاءالدین از جانب مادر. برادر امیر سلطان ابراهیم امینی هروی. شاعر معروف. بود. وی در فن سیاق و علم شعر مهارت داشت و در روزگار شاه محمد خدابنده در اصفهان وزارت داشته و در همان شهر به دست یوسف‌خان افشار کشته شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۶۴). تذکره‌ی شاعران کرمان (۳۴۴). حبیب السیر (۳۶۰ / ۴). الذریعه (۶۳۱ / ۹). ریاض العارفین (۱۰۲). ستارگان کرمان (۲۶۰). لغت‌نامه (ذیل/ ضیاء).

ضیائی، عبداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبداللّه ضیایی از چهره‌های برجسته‌ای بود که علاوه بر دروس حوزه، دروس عالیه دانشگاهی را آموخت و در حقیقت جامع علوم دینی و کلاسیک بود. معظم له در سال ۱۳۰۲ ش در روستای دریاکنار شهرستان لنگرود از شهرهای قدیمی استان گیلان، در بیت سیادت و فضیلت پای به عرصه وجود گذاشت. گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : سید حسین، پدر بزرگوار سید عبداللّه ضیایی مردی متدین و شب زنده‌دار بود و به همان شیوه نیاکان و اسلاف گرامی‌اش به کشاورزی (برنج‌کاری) و نوغان داری (پرورش کرم ابریشم) مشغول بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیدعبدالله ضیایی در سن پنج سالگی برای آموختن قرآن به مکتب رفت و چند سالی را در آنجا نزد معلمان طالقانی - که از طالقان برای تعلیم و تربیت اطفال بدان نواحی می‌آمدند - قرآن و برخی از کتب متداول آن زمان، همانند «احسن المراسلات»، «سید الانشاء نوظهور»، «کلیله و دمنه» و «بوستان سعدی» و همچنین طرز نوشتن سندِ اجاره و فروش و انواع نامه نگاری، را فرا گرفت. او به دلیل نبوغ و استعداد ذاتی و سرشارش، در مراکز تجمع همانند مسجد، میدان کُشتی‌گیریِ گیل مردان حاضر می‌شد تا معلم مکتب خانه از حافظه و استعداد او در فراگیری قرآن و درس، برای جذب اطفال اهالی آن سامان در مکتب خانه استفاده نماید. آیت اللّه دکتر ضیایی پس از تحمل سختی‌های فراوان موفق به اخذ پایان نامه کلاس ششم ابتدایی از مدارس دولتی شد و آن گاه در سال ۱۳۲۳ ش عازم حوزه علمیه قم گردید. دکتر ضیایی هر قدر که برای فراگیری علم و دانش تلاش می‌کرد، به همان اندازه نیز متخلّق به آداب و اخلاق نبوی و سیره عملی معصومین (ع) بود. او علم و تعهد و معنویت را با هم آمیخته بود.آیت اللّه دکتر ضیایی، پس از اقامت در قم، به درس خارج آیت اللّه بروجردی و نیز به درس فلسفه و حکمت حضرات: علامه طباطبایی و امام خمینی حاضر و تنها از این بزرگواران بهره‌مند شد.اقامت آیت اللّه ضیایی در قم، چندان دوامی نیافت و پس از چندی به ناچار به تهران رفته، در مدرسه علمیه مروی تهران به تحصیل خود ادامه داد و در درس خارج «کفایه»و «رسائل» و «مکاسبِ» آیات عظام: حاج سید احمد خوانساری، حاج عمادالدین غروی رشتی، آقا باقر آشتیانی و آقا میرزا هاشم آملی۴ شرکت جست. وی در این باره می‌نویسد:«من نیز دروس آیات عظام: خوانساری، غروی رشتی - که شاید در علم اصول بی‌نظیر بود - ، آقا میرزا هاشم آملی و آقا باقر آشتیانی را فرا گرفته و در مدرسه شیخ عبدالحسین سمت مدرسی داشتم و نیز به دعوت آیت اللّه خوانساری در جلسه استفتای معظم له حضور می‌یافتم. تا این که پس از چند سالی به اتفاق عده زیادی از فضلای تهران و قم - که از آن جمله شهید مطهری بود - در امتحان تصدیق مدرسی، که برای اولین بار تشکیل شده بود، شرکت کردیم.»خاطرات و وقایع تحصیل : سید عبداللّه ضیایی درباره مسافرت خود به حوزه علمیه قم می‌نویسد:«من به همراه عدّه‌ای که عازم کربلا بودند، با مختصر اثاثیه زندگی مجرّدی و مبلغ ۳۵۰ تومان، که شاید ۷۰ تومان هم خودم داشتم، به طرف قم حرکت کردیم. اما از رشت تا قم دو شب و یک روز طول کشید تا وارد قم شدیم.در سال ۱۳۲۳ ه . ش بود. فردای آن روز، وارد یکی از حجرات مدرسه فیضیه، که سه نفر از طلاب گیلان سکونت داشتند، شدیم. با آنها در آن حجره بودیم و مشغول درس شدیم. تا یکی از روزها بعضی از بزرگان علما از من دیدن کردند و پس از چند سؤال از صرف

میر و امثله از ما چند نفر، خطاب به حاضرین کرده و فرمودند: هر چه زودتر برایش لباس روحانیت تهیه کنید تا در نرود!». دکتر محمدضیایی در مورد تحصیل در آن دوران اینگونه می گوید که: «تمام افرادی که با من بودند، استخدام شدند و من جرأت دخول در جرگه ظلمه را نداشتم و شبهه رکون به ظالم و معاونت ظلمه در نزد من قوی بود و زندگی برای من بسیار سخت شده بود. روزی از آیت اللّه خوانساری پرسیدم که طلبه‌ای چنین و چنان است و می‌گوید اگر در دستگاه دولتی قرار بگیرم ممکن است داد مظلومی و یا جای یک بهایی یا کمونیست را بگیرم، آیا جایز است؟ فرمودند: «این همه، وسوسه‌های شیطانی است و شیطان قوی است.» و قصه‌ای نقل کردند که شیطان از طریق حمایت از دین مرجعی را گول زد و دیگر راه جبران نداشت که شرحش مفصل است. «و بعد فرمودند: «اگر روزگار خیلی سخت می‌گذرد، چرخ دستی بگیرید و سیب زمینی بفروشید.» بالاخره به مدت دو تابستان در روستای ما، درياكنار لنگرود، مشغول پرورش کرم ابریشم شدم؛ اما چون نابلد بودم خیلی بر من سخت گذشت، به پای خداوند متعال محسوب داشتم.»دکتر ضیایی با همه سختی‌ها و گرفتاری‌های زندگی، لحظه‌ای از کسب علم و دانش غافل نماند. ایشان بعد از اخذ مدرک لیسانس، به تحصیلات دانشگاهی ادامه داد تا موفق به اخذ دکترا در رشته علوم تربیتی از دانشگاه تهران شد. وی در این باره خاطره‌ای نقل می‌کند:«در دوره دکترا مبصر کلاس بودم، آخر سال‌ها بود، یعنی در حدود سال ۱۳۳۵ ش، که مرحوم «آقای مشکاة» حُسن ظنّی به من داشت، در حضور جمعی از اساتید از من خواست که استخدام شوم؛ اما من این کار را حرام می‌دانستم، به تعلّل متوسل شدم. بالاخره استدلال آنها قوی بود و من جرأت نمی‌کردم که بگویم من حرام می‌دانم. تا آنجا که مستأصل شدم، گفتم استخاره می‌کنم. قرآن گرفتم و استخاره کردم. از باب اعجاز قرآن، این آیه در اول صفحه دست راست قرآن، بعد از گشودن، نوشته شده بود: (اهم یقسمون رحمهٔ ربّک نحن قسمنا بینهم معیشتهم.)وقتی این آیه را دیدند، کانّه علی رؤوسهم الطیر!! در مورد عدم قبول استخدام دولتی خیلی حرف‌ها خوردم؛ اما همه را به پای خدا محسوب داشتم که ان شاء اللّه همان طور که در دنیا پاداش مضاعف داده، در آخرت نیز عطا فرماید.»استادان و مربیان : از استادانی که سید عبداللّه ضیایی در محفلشان کسب فیض نمود می توان به : آیت الله بروجردی، طالقانی، حاج سیداحمد خراسانی، حاج عماد الدین غروی رشتی، آقا باقر اشتیانی، میرزا هاشم آملی، علامه طباطبایی و امام خمینی اشاره کرد.وقایع میانسالی : با توجه به سابقه طولانی و خدمات بی‌نظیر سید عبداللّه ضیایی، مردم منطقه به محض اطلاع از رحلت ایشان، جامه عزا به تن کردند و همه جا را سیاهپوش نمودند. مجالس مختلف و متعددی در همه شهرها، بخش‌ها و روستاهای کوچک و بزرگ منعقد گردید. مجالس متعددی نیز از سوی بزرگان در تهران، قم و... منعقد شد.فرزندان آیت اللّه ضیایی نقل کرده‌اند که: در شب وفات، حالت بیهوشی به آن مرحوم دست داد ؛ به طوری ما خیال کردیم از دنیا رفته است. لذا شروع به گریه و زاری کردیم؛ ولی پس از چندی، ایشان به هوش آمدند و فرمودند: چرا مرا برگرداندید؟ آن گاه فرمودند: من نماز نخوانده‌ام. سپس با همان حالت ضعف و ناراحتی تیمّم نمودند، نماز به جا آوردند و با خنده فرمودند: گلاب بپاشید، مگر نمی‌بینید؟! و چندین بار این جمله را تکرار کردند. ما نیز این کار را انجام دادیم. در این هنگام نیم قامت برخاستند و در حالی که می‌خندیدند و کلماتی زیر لب زمزمه می‌کردند، چشم از جهان فرو بستند و ما به یاد جمله امیرالمؤمنین (ع) افتادیم که فرمود:یا حار هَمْدانِ مَنْ یَمُتْ یَرَنی مِنْ مُؤْمِنٍ اَوْ مُنافِقٍ قُبلًازمان و علت فوت : سید عبداللّه ضیایی، که به امراض معده و سرطان مبتلا شده بود و پس از معالجات ممتد در ایران و خارج (اتریش و انگلیس) در شب شام غریبان حضرت ابی‌عبداللّه (ع) در بیست و سوم مرداد ۱۳۶۸ ش دار فانی را وداع گفت و به عالم بقا شتافت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید عبداللّه ضیایی ، بعد از اخذ مدرک دکترا و اخذ اجازات اجتهاد از آیات عظام، به امر مراجع تقلید، تهران را به قصد توطن در گیلان ترک کرد و در آستانه اشرفیه رحل اقامت افکند. وی به مدت ۱۷ سال، یعنی از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ ش، به امر آیات عظام، بویژه حضرت امام خمینی (ره) ، مأمور به امامت جماعت مسجد جامع و مدیریت حوزه علمیه جلالیه آستانه اشرفیه گردید.دکتر ضیایی مبارزه را از هنگام ورود به دانشگاه آغاز کرد و با مباحث و مناظرات علمی با چهره‌های منحرف و وابسته به رژیم طاغوتی و استخدام نشدن در دوائر دولتی – که نشانه مشروع ندانستن حکومت طاغوت بود – ، در عرصه‌های مختلف به مصاف طاغوت و اندیشه‌های منحرف رفت. زمانی که به آستانه اشرفیه بازگشت، باز هم از مبارزه باز نایستاد و در منابر و سخنرانی‌ها، در مناسبت‌های مختلف، به شدت از رژیم طاغوتی انتقاد می‌کرد؛ به طوری که یک سال قبل از انقلاب ممنوع المنبر شد و چند ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، منزل او به دست عوامل مزدور ساواک به آتش کشیده شد که بر اثر آن، بسیاری از نوشته‌ها، کتب و تقریرات درسی مربوط به حوزه و دانشگاهش از بین رفت. او بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان یکی از خبرگان از استان گیلان به منظور تدوین قانون اساسی انتخاب گردید و سپس به طور موقت به تهران رفته، پس از چندی هم در قم مقیم شد. ایشان علاوه بر تدریس در حوزه، در شورای مدیریت حوزه علمیه قم در سمت دبیر شورا هم انجام وظیفه می‌کرد.فعالیتهای آموزشی : مرحوم سید عبداللّه ضیایی از جمله شخصیت‌های برجسته و شاخصی بود که با توجه به تحصیلات دانشگاهی و تسلط و احاطه بر مبانی مسلک‌ها و شناخت عناصر منحرف و عقاید آنان، منزل خود را پایگاه پاسخ‌گویی به سؤالات علمی و شبهات گوناگون اساتید دانشگاه‌ها، فرهنگیان، گروههای مختلف از قبیل توده‌ای‌ها، بهایی‌ها، کمونیست‌ها و جوانان مسلمان دانشجو و... قرار داده بود. او نقش به سزایی در روشن شدن اذهان مردم در برابر این انحرافات داشت. او کانون توجه و مراجعه روشنفکران بود.وعظ و خطابه او باعث بیداری نسل جوان در برابر تهاجمات و خطرات فکری، فرهنگی، عقیدتی، علمی و... می‌شد ؛ در یک کلمه، گرچه او در شهر کوچک آستانه اشرفیه سکونت داشت، ولی در حقیقت مرکز هدایت فکری و فرهنگی تمام گیلان و غرب مازندران به شمار می‌رفت و در این راستا با عده‌ای از واعظان و نویسندگان منطقه، همانند مرحوم آیت اللّه احسان‌بخش، آیت اللّه قربانی و...، همکاری داشت. به همت ایشان و جمعی از بزرگان حوزه علمیه و مدرسین عالی مقام، نخستین برنامه جهت ساماندهی و قانون‌مندی دروس و امور مربوط به طلاب تدوین شد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سید عبداللّه ضیایی جزو معدود عالمانی بود که توفیق یافت منشأ خدمات اجتماعی و سیاسی و آثار و برکات معنوی گردد؛ از جمله خدمات وی است:.۱ بازسازی و احیای حوزه علمیه جلالیه آستانه اشرفیه، با تجهیزات کامل..۲ تربیت و پرورش صدها نفر طلبه که بسیاری از آنان در سمت امامت جمعه و جماعت و مناصب دولتی و قضایی به نظام اسلامی خدمت می‌کنند..۳ احیای مسجد جامع آستانه اشرفیه با

گنبدی بسیار زیبا..۴ احداث بیمارستان در آستانه اشرفیه..۵ احداث و مرمت مساجد و حسینیه‌های فراوان در منطقه..۶ احداث پمپ بنزین..۷ احداث ساختمان‌های فراوان وقفی از قبیل حمام و... .. ۸ اعزام مبلغ به روستاهای گیلان و مازندران، یکی از روش‌های پسندیده و موفق وی در این باب بود.از آنجا که ایشان با روحیه و آداب و رسوم مردم منطقه کاملاً آشنایی داشت، اول ماه محرم یا رمضان، مبلغان اعزامی از قم و مشهد وقتی وارد استان گیلان می‌شدند، ابتدا به منزل وی در آستانه می‌آمدند. ایشان در منزل از آنان امتحان منبر به عمل می‌آورد و بعد به تناسب نوع سخنرانی و لحن و معلومات طلبه، می‌فهمید که او را به کدام محل بفرستد تا هر دو راضی باشند. مردم منطقه از این روش همواره رضایت کامل داشتند و از او به نیکی یاد می‌کنند.چگونگی عرضه آثار : سید عبداللّه ضیایی از طبع شاعرانه هم بی‌بهره نبود و اشعاری از ایشان به یادگار مانده است. از باب نمونه، غزلی را که ایشان به سال ۱۳۵۴ ش در مدح حضرت بقیهٔ اللّه الاعظم – عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف – سروده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱kz – www.hawzah.net/

ضیغمیان، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد حسین ضیغمیان

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در فروردین ماه سال۱۳۴۴به دنیا آمدم .مرحوم والد از روحانیون کرمانشاه بودند.پس از طی دوران ابتدائی و راهنمائی که مصادف با انقلاب شکوهمند اسلامی بود و بعد دفاع مقدس که دراین زمان بود به علّت حضور در جبهه حق علیه باطل وقفه ای چند ساله در راه تحصیل اینجانب گردید. که خداوند را شاکرم توفیق حضور هر چند کم ارزش در کنار رزمندگان اسلام را داشتم.پس از ایام دفاع مقدس و بعد از قبول قطعنامه از آنجائی که علاقه ای وافر به حوزه داشتم وارد حوزه علمیه امام خمینی (ره) (حوزه حضرت آیت الله بروجردی)کرمانشاه گردیدم.

همزمان دروس دبیرستان را هم تا مقطع دیپلم علوم انسانی گذراندم . و پس از اتمام لمعتین به قم هجرت نمودم .در قم نیز از اساتیدی همچون حجج الاسلام آقایان علوی.ابراهیمی .نکونام .موسوی تهرانی .ربانی .حسینی قزوینی .الهی زاده .عزیزالهی .بهره مند گردیدم .و در دروس خارج آیات عظام مکارم .سبحانی و دکترعابدی بهره مند شدم. وهم اکنون در درس آیت الله مکارم حضور دارم. اینجانب وقتی در دوره راهنمائی تحصیل می نمودم سه جزوه پیرامون مسئله دروغ .چگونه بید بود وغیره با امکانات تکثیر مدرسه نوشتم و در بین دانش آموزان توزیع کردم.

در سالهای اخیر چند زندگینامه علماءومقالاتی برای ستارگان حرم نوشتم . و یک جلد کتاب پیرامون موانع استجابت دعا وکتاب لاله های زاگرس پیرامون زندگی چهار تن از شهدای اطلاعات عملیاتی نبی اکرم(ص)و کتابی هم در رابطه با علماء و کرامات آنها در دست تألیف دارم که هنوز در مراحل اولیه چاپ قرار دارد. وهمچنین مقاله ای هم تحت عنوان عید قربان دردست چاپ می باشد.

طاحونی، شاپور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهندس شاپور طاحونی در سال ۱۳۳۴ خورشیدی در شهر تهران دیده به جهان گشود.ایشان دارای مدرک کارشناسی ارشد مهندسی راه و ساختمان از دانشکده فنی دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۸ می باشد.مهندس طاحونی پس از فراغت از تحصیل به فعالیتهای علمی و فرهنگی پرداخت. وی از سال ۱۳۶۱ تا کنون به کار تدریس و تحقیق در دانشگاه صنعتی امیرکبیر تهران اشتغال دارد.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه مذکور می باشد. کتابهای تالیفی " تحلیل سازه‌ها(" با همکاری مهندس لیل‌آبادی")،طراحی سازه‌های بتن مسلح "و کتاب های ترجمه ای " اصول مهندس ژئوتکنیک ج۱ "و دستنامه اجرای بتن (باهمکاری آقای دکتر رمضانپور و آقای مهندس پیدایش) ،مهندس شاپور طاحونی به ترتیب در سالهای ۱۳۶۵،۱۳۶۶،۱۳۷۳، ۱۳۸۴ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شدند.همچنین کتاب " دستنامه اجرای بتن " به عنوان برگزیده جشنواره مهندسی عمران انتخاب شد.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی راه و ساختمانوالدین و انساب : شاپور طاحونی فرزند مرحوم مرسل طاحونی و سرکار خانم حوا درویش آقاجانی است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : شاپور طاحونی دورهٔ تحصیلات دبستان و دبیرستان (هدف شماره ۱ تهران) را در تهران به انجام رسانید و سپس جهت تحصیلات عالیه به دانشگاه راه یافت و در سال ۱۳۵۸ موفق به دریافت مدرک کارشناسی ارشد مهندسی راه و ساختمان از دانشکده فنی

دانشگاه تهران گردید.همسر و فرزندان : مهندس شاپور طاحونی متاهل و دارای سه فرزند می باشد.همسر ایشان سرکار خانم حکیمه غفار نژاد و فرزندان اسدالله،محمد امین و نازنین فاطمه نام دارند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : شاپور طاحونی پس از فراغت از تحصیل به فعالیتهای علمی و فرهنگی پرداخت. وی از سال ۱۳۶۱ تا کنون به کار تدریس و تحقیق در دانشگاه صنعتی امیرکبیر تهران اشتغال دارد و هم اکنون به عنوان استادیار در دانشگاه مذکور مشغول به فعالیت است. از دیگر مشاغل و سمتهای وی می توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- عضو انجمن ایرانی مهندسان محاسب ساختمان و چند سال عضویت در هیئت مدیره آن. ۲- عضو کمیته آیین‌نامه زلزله (استاندارد ۲۸۰۰). ۳- عضو کمیته آیین‌نامه بتن ایران. ۴- عضو کمیته آیین‌نامه بارگذاری مقررات ملی ایران (مبحث ۶). ۵- عضو انجمن مهندسین عمران و انجمن مهندسین راه و ساختمان. ۶- عضو انجمن بتن ایران. ۷- عضو کمیته مبحث بیست و یکم مقررات ملی ایران (پدافند غیرعامل) ۸- مسئول کمیته مبحث دهم مقررات ملی ایران (طرح و اجرای ساختمانهای فولادی) جوائز و نشانها : مهندس شاپور طاحونی در کنار فعالیت های تخصصی خود دارای تالیفات و ترجمه های می باشد که از میان آنها چهار کتاب وی -دو کتاب تالیفی و دو کتاب ترجمه- در دوره های مختلف انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران (از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) به عنوان کتاب سال برگزیده شده است. - انتخاب کتاب" تحلیل سازه‌ها "تالیف شاپور طاحونی ،(با همکاری مهندس لیل‌آبادی) در سال ۱۳۶۵ به عنوان کتاب سال در علوم کاربردی - انتخاب کتاب "طراحی سازه‌های بتن مسلح"تالیف شاپور طاحونی ،در سال ۱۳۶۶ به عنوان کتاب سال در علوم کاربردی - انتخاب کتاب" اصول مهندسی ژئوتکنیک ج ۱ "ترجمه شاپور طاحونی ،در سال ۱۳۷۳ به عنوان کتاب سال - انتخاب کتاب" دستنامه اجرای بتن " ترجمه شاپور طاحونی (باهمکاری آقای دکتر رمضانپور و آقای مهندس پیدایش)، در سال ۱۳۸۴ به عنوان کتاب سال - انتخاب کتاب فوق به عنوان کتاب برگزیده در نخستین جشنواره دو سالانه گرامیداشت برگزیدگان مهندسی عمران ایران (بهمن ماه سال ۱۳۸۶)چگونگی عرضه آثار : مهندس طاحونی بیش از ۹ مقاله بزبان فارسی و بیش از ۲ مقاله بزبان انگلیسی به رشته تحریر در آورده و در نشریات معتبر علمی داخلی و خارجی به چاپ رسانده است. فعالیتهای مهندسی ،شاپور طاحونی به قرار زیر است: ۱- طراحی و نظارت براجرای ساختمانهای بلند مرتبه. ۲- طراحی خطوط لوله آبرسانی. ۳- طراحی مخازن بتنی آب (از ظرفیت ۱۰۰۰ تا ۷۰۰۰۰ مترمکعب). ۴- طراحی سایتهای تصفیه‌خانه آب. ۵- طراحی پلها و آبگذرها. ۶- طراحی و نظارت ایستگاههای متروی تهران. ۷- طراحی اسکله دریایی و آبگیرها. (اسکله فولاد قشم، اسکله آلومینیوم المهدی، اسکله تخلیه نفت پالایشگاه هشتم اسکله و اسکله آهن بندرامام). ۸- طراحی ساختمانهای صنعتی. ۹- طراحی سیلوها و ذخیرسازهای صنعتی. ۱۰- طراحی بندهای انحرافی و سازه‌های هیدرولیکی. ۱۱- طراحی و نظارت براجرای پل ولایت واقع در تقاطع چمران — نیایش. ۱۲- طراحی و نظارت براجرای پل شیرین‌شهر به روش طره آزاد با دهانه میانی ۱۴۶ متر. ۱۳- طراحی و ساخت دستگاه پلساز (۱۴ .(Bridge Builder- طراحی و نظارت براجرای طرح فولاد آذربایجان. ۱۵- طراحی و نظارت بر اتوبان و پل روگذر دسترسی سربندربه بندرامام. ۱۶- طراحی ساختمانهای صنعتی پتروشیمی بندرامام. ۱۷- طراحی و نظارت براسکله ۱۵۰.۰۰۰ تنی به علاوه تعمیرات اسکله های ۱ تا ۶ بندر امام. ۱۸- طراحی و نظارت بر اسکله های ۲ تا ۷ خرمشهر.

آثار : ۱ آبرسانی و بهداشت روستایی ویژگی اثر : با همکاری آقایان دکتر هرمز پازوش و مهندس سالار قباد۲ آیین‌نامه اتصالات در سازه‌های فولادی (نشریه ۲۶۴ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور) ویژگی اثر : تالیف و تهیه استانداردها۳ آیین‌نامه فولادی LRFD برای دفتر مطالعات وزارت مسکن ویژگی اثر : ترجمه،(انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی)۴ آییننامه طراحی سیلوهای بتنآرمه (نشریه ۲۳۵ سازمان مدیریت و برنامهریزی کشور) ویژگی اثر : تالیف و تهیه استانداردها۵ اتصالات در سازه‌های فولادی ویژگی اثر : تالیف: شاپور طاحونی، امیرپیمان زندی ناشر: دهخدا - ۱۳۸۳ ۶ اجزای محدود برای تحلیل سازه ها ویژگی اثر : تالیف: شاپور طاحونی (مترجم) ناشر: علم و ادب - ۰۴ اردیبهشت، ۱۳۸۶ معرفی کتاب: به گفته مولفان کتاب، روش اجزای محدود بهترین روش موجود برای تحلیل عددی محیطهای پیوسته است و گرچه دارای کاربردهایی در رشته‌های مختلف است، این کتاب فقط مختص تحلیل جامدات است. کسی که مایل به فراگیری مطالب کتاب است باید دروس پایه مهندسی و ریاضی را در سطح کارشناسی گذرانده باشد و در زمینه تحلیل و طراحی سازه‌ها به یکی از زمینه‌های مهندسی عمران، مکانیک و هوافضا علاقمند باشد. هم‌چنین باید با جبر ماتریس‌ها و برنامه‌نویسی کامپیوتر آشنا باشد. فهرست کتاب: فصل ۱: مقدمهای بر اجزای محدود فصل ۲: تنشها و کرنشهای صفحهای فصل ۳: رابطهسازی ایزوپارامتریک فصل ۴: حالت عمومی اجسام جامد فصل ۵: اجسام جامد با تقارن محوری فصل ۶: خمش ورقها فصل ۷:پوستهها (حالت عمومی) فصل ۸: پوستههای دوار فصل ۹: ارتعاش سازهها فصل ۱۰: تحلیل ناپایداری پیوست ۷ اصول مهندسی ژئوتکنیک ویژگی اثر : جلد اول مکانیک خاک (برنده جایزه کتاب برگزیده در سال ۱۳۷۳). (انتشارات اندیشکاو) . مؤلفان: براجا داس، شاپور طاحونی (مترجم) ناشر: پارس آیین - ۱۴ آبان، ۱۳۸۶ ۸ اصول مهندسی ژئوتکنیک ویژگی اثر : جلد دوم مهندسی پی تالیف : براجا داس، شاپور طاحونی (مترجم) ناشر: (انتشارات اندیشکاو) ۹ تحلیل سازه‌ها ویژگی اثر : تالیف–با همکاری مهندس لیل‌آبادی -این کتاب در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. (انتشارات جهاد دانشگاهی امیرکبیر)۱۰ تدوین آیین‌نامه جوشکاری ساختمانی (نشریه ۲۲۸ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور) ویژگی اثر : تالیف و تهیه استانداردها۱۱ تدوین آیین‌نامه طراحی سازه‌های فولادی به روش حدی (نشریه ۱۶۹ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور) ویژگی اثر : تالیف و تهیه استانداردها۱۲ تدوین آیین‌نامه طراحی مخازن بتنی ذخیره آب (نشریه ۱۲۳ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور) ویژگی اثر : تالیف و تهیه استانداردها۱۳ تدوین استاندارد طراحی سازه‌ای بندهای انحراف (نشریه ۱۹۸ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور) ویژگی اثر : تالیف و تهیه استانداردها۱۴ تدوین استاندارد طراحی مجاری آب زیرزمینی (نشریه ۱۸۵ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور) ویژگی اثر : تالیف و تهیه استانداردها۱۵ دستنامه اجرای بتن ویژگی اثر : تالیف: جوزف دوبروولسکی، جوزف وادل، علی اکبر رمضانیان پور (مترجم)، شاپور طاحونی (مترجم)، منصور پیدایش (مترجم) ناشر: علم و ادب - ۲۲ آذر، ۱۳۸۴ برنده کتاب برگزیده

در سال ۱۳۸۴۱۶ دینامیک سازه ها و تعیین نیروهای زلزله (تئوری و کاربرد در مهندسی زلزله) ویژگی اثر : تالیف: انیل چوپرا، شاپور طاحونی (مترجم) ناشر: علم و ادب – ۱۹ آذر، ۱۳۸۵ ۱۷ راهنمای آیین‌نامه فولاد ویژگی اثر : تالیف،(انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی)۱۸ راهنمای جوش و اتصالات جوشی ویژگی اثر : تالیف: شاپور طاحونی(انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی) ۱۹ راهنمای جوش و اتصالات جوشی در ساختمان های فولادی ویژگی اثر : تالیف: شاپور طاحونی (تهیه و تنظیم) ناشر: توسعه ایران – ۲۳ آبان، ۱۳۸۶ ۲۰ راهنمای طراحی اتصالات سازه‌های فولادی ویژگی اثر : تالیف،(انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی)۲۱ راهنمای کامل و تشریح مسایل مکانیک خاک ویژگی اثر : تالیف: براجا داس، شاپور طاحونی (مترجم)، شاهرخ رفیعی (به اهتمام) ناشر: آزاده – ۲۱ اسفند، ۱۳۸۴ ۲۲ طراحی پل، پل های بتن مسلح، فولادی و پیش تنیده ویژگی اثر : تالیف: شاپور طاحونی ناشر: دانشگاه تهران – ۱۳۸۱ ۲۳ طراحی روسازی کف های صنعتی و باراندازها برای بارهای سنگین ویژگی اثر : تالیف،(انتشارات علم و ادب)۲۴ طراحی ساختمان های بنایی ویژگی اثر : تالیف: رابرت اشنایدر، شاپور طاحونی (مترجم)، آرش نیری (مترجم) ناشر: علم و ادب – ۲۶ اردیبهشت، ۱۳۸۴ ۲۵ طراحی ساختمانهای بتن مسلح: بر مبنای آیین نامه بتن ایران (آبا) ویژگی اثر : تالیف: شاپور طاحونی ناشر: دانشگاه تهران – ۱۶ مهر، ۱۳۸۶ ۲۶ طراحی سازه های فولادی بر مبنای آیین نامه فولاد ایران (مبحث ۱۰ از مجموعه مقررات ملی ایران) ویژگی اثر : تالیف: شاپور طاحونی ناشر: علم و ادب – ۳۰ آبان، ۱۳۸۶ ۲۷ طراحی سازه‌های بتن مسلح ویژگی اثر : تالیف،(جلداول)– (انتشارات دهخدا) .این کتاب در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب :«طراحی سازه‌های بتن مسلح»: این کتاب مشتمل بر سیزده فصل است و با هدف آموزش رفتار سازه‌های بتن مسلح و متناسب با برنامهٔ فعلی آموزش درس بتن مسلح در دانشکده‌های مهندسی ایران تدوین شده است. مؤلف ضمن بهره‌گیری از تجارب خود در تدریس این درس و نیز آیین‌نامه‌های معتبر در این زمینه، برای بیان روشهای طرّاحی، مثالهای فراوانی ارائه کرده است. ۲۸ طراحی سازه‌های بتن مسلح ویژگی اثر : تالیف، (جلددوم). (انتشارات اندیشکاو)۲۹ طراحی سازه‌های فولادی ویژگی اثر : (چاپ ششم – انتشارات دهخدا)۳۰ طراحی سازه‌های فولادی با اتصالات جوشی ویژگی اثر : ترجمه،(انتشارات دهخدا)۳۱ طرح پل ویژگی اثر : تالیف،(دردوجلد)– انتشارات دانشگاه تهران.۳۲ طرح و محاسبه سازه ای ساختمان های صنعتی فولادی ویژگی اثر : تالیف: شاپور طاحونی، امیر عشیری (مترجم)، سهیل مجیدزمانی (مترجم)، لیلی ارشاد (مترجم) ناشر: وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن – ۱۳۸۳ ۳۳ عضو کمیته بازنگری آیین‌نامه بتن ایران ویژگی اثر : تالیف و تهیه استانداردها۳۴ عضو کمیته مبحث بیست و یکم (پدآفند غیرعامل) از مقررات ملی ساختمان و تهیه کننده متن اولیه ویژگی اثر : تالیف و تهیه استانداردها۳۵ عضو کمیته مبحث ششم (بارگذاری) از مقررات ملی ساختمان و مشارکت در تهیه آن ویژگی اثر : تالیف و تهیه استانداردها۳۶ عضوکمیته بازنگری آیین‌نامه بارگذاری پل ایران ویژگی اثر : تالیف و تهیه استانداردها۳۷ عضوکمیته تدوین آیین‌نامه زلزله ایران (استاندارد ۲۸۰۰) ویژگی اثر : تالیف و تهیه استانداردها۳۸ مسئول کمیتهٔ مبحث دهم (ساختمانهای فولادی) از مقررات ملی ساختمان و مشارکت در تهیه آن ویژگی اثر : تالیف و تهیه استانداردها۳۹ مشخصات فنی خصوصی مخازن آب (نشریه ۱۲۴ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور) ویژگی اثر : تالیف و تهیه استانداردها۴۰ مشخصات فنی عمومی و اجرایی سازه و معماری سیلو (نشریه ۱–۲۳۵ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور) ویژگی اثر : تالیف و تهیه استانداردها۴۱ مقاومت مصالح ویژگی اثر : تالیف: فردیناندپیر بیر، الوودراسل جانستون، ایگور پوپوف، شاپور طاحونی (مترجم) ناشر: (انتشارات اندیشکاو) ۴۲ مکانیک مهندسی ویژگی اثر : ترجمه،در دو جلد (استاتیک و دینامیک). (انتشارات دانا)۴۳ مهندسی خطوط لوله انتقال آب ویژگی اثر : تالیف: شاپور طاحونی، شاهرخ طاحونی، محمدرضا عسکری (مترجم)، محمدرضا اخوان لیل آبادی (مترجم)، ایرج رحمانی (مترجم)، علیرضا سرابی (مترجم)، شهرام طاحونی (مترجم)، علی حسن خانی (مترجم) ناشر: دانشگاه تهران – ۱۳۸۳ منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

طارمی زنجانی، جواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۵ –۱۲۶۳ ق)، عالم، فقیه امامی، اصولی، متکلم و نحوی. در آب‌بر، از نواحی طارم، به دنیا آمد. وی ابتدا در زنجان به تحصیل پرداخت، سپس به قزوین رفت و در خدمت علامه‌ی وقت سید علی قزوینی، صاحب حاشیه‌ی «قوانین». مقدمات و مراتب علمی را فرا گرفت. برای تکمیل تحصیلات به عتبات مشرف شد. در حوزه‌ی درس حاج سید حسین کوه‌کمری و فاضل ایروانی و فاضل مامقانی و میرزای شیرازی حاضر شد و از ایشان اجازه اجتهاد دریافت کرد. در حالی که از بزرگان علماء شده بود. به زنجان بازگشت و به تدریس و تألیف و امامت جماعت پرداخت. وی رد زنجان درگذشت و در جوار سید ابراهیم به خاک سپرده شد. از آثارش: «الاصول الجعفریه». در عقاید، به فارسی؛ «افضل المجالس فی المواعظ و المصائب»، که مقتلی است به فارسی؛ «تکمیل الایمان نی اثبات وجود صاحب الزمان». به فارسی؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ مرتضی انصاری؛ حاشیه‌ی «قوانین الاصول»؛ «ربیع المتهجدین»، در نماز شب؛ «الارث» و «الدیات»، به فارسی؛ «شرح الاحتشام»، در شرح «نهج‌البلاغه»؛ «مشکل الرجال فی منتهی المقال»؛ «شرح الصمدیه»؛ «منتخب العلوم». در صرف و نحو؛ شرح «الدره» سید مهدی بحرالعلوم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۷۹ / ۴). الذریعه (۲۸۵ / ۸ .۴۱۸ / ۴ .۲۵۹ .۱۸۰ –۱۷۹ / ۲ .۴۴۳ / ۱). ریحانه (۳۸۶ –۳۸۵ / ۲). طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۳۹ / ۱۴). علماء معاصرین (۸۹). معجم المؤلفین (۱۶۸ –۱۶۷ / ۳). مکارم الآثار (۱۷۱۷ / ۵).

طارمی زنجانی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۱ -۱۲۹۵ ق). فقیه، اصولی و شاعر. اهل طارم سفلی. بین قزوین و زنجان، است. پس از فراگیری مقدمات در ۱۳۱۷ ق به نجف رفت و از محضر شیخ‌الشریعه اصفهانی و آخوند خراسانی و علامه یزدی استفاده نمود. تا عالمی فرزانه گشت. آن‌گاه به زنجان بازگشت و باری مدتی مرجع امور دینی مردم شد. وی در تهران از دنیا رفت و در جوار حضرت عبدالعظیم حسنی در شهر ری دفن شد. از آثارش: «قاعده لاضرر»؛ کتاب «منجزات المریض»؛ «کتاب فی الاصول»؛ «کتاب الوقف»؛ «نتیجه الحیاه»؛ «دیوان» شعر به عربی و فارسی؛ «ذخیره الممات»، در مواعظ و مصائب.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۱۳ -۱۰ / ۱۲ / ۱۴). معجم المؤلفین (۶۲ -۶۱ / ۵).

طارمی، باب دوست

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(سد دهم ق)، شاعر، متخلص به طارمی. معروف به بابادوست. وی از اهالی طارم بود و در فضل و دانش سرآمد. مدت دوازده سال در آستان قدس رضوی به خدمت مشغول بود. سپس از ایران به هندوستان رفت و در آنجا به خدمت همایون پادشاه (۹۶۳ -۹۳۷ ق) رسید و مدت‌ها از مصاحبان و مخصوصان او بود. بعضی از تذکره‌ها نام صاحب عنوان را میردوست آورده‌اند. از اوست:

فریاد که با اهل وفا یار جفا کرد

افسوس که قطع نظر از صحبت ما کرد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۶۳۶ / ۹). صبح گلشن (۲۶۰). فرهنگ سخنوران (۵۷۹). کاروان هند (۷۵۷ -۷۵۶ / ۱). هفت اقلیم (۲۰۲ / ۳).

طارمی، علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۳ / ۹۸۱ ق). دانشمند و شاعر. متخلص به طارمی. اهل طارم و برادرزاده ملا صادق محدث بود. در ابتدای عمر و در زمان جلال‌الدین محمد اکبر به هندوستان رفت. چندی در آنجا بود. سپس به عربستان رفت و نه سال. در اماکن شریفه. کسب علوم متداوله و حدیث کرد و مجددا به هندوستان بازگشت و در آن دیار با عزت زیست تا درگذشت. در تذکره‌ی «روز روشن». شرح «مشکاه المصابیح» و شرح «فقه اکبر» از آثار وی دانسته شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۳۸۰ / ۲). تاریخ نظم و نثر (۵۴۸). تذکره‌ی روز روشن (۴۹۲). فرهنگ سخنوران (۵۷۹). کاروان هند (۷۵۸ -۷۵۷ / ۱). هفت اقلیم (۲۰۲ / ۳).

طاعتی خوانساری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از مشایخ بزرگ خطه خوانسار بود که علاوه بر مقام شیخی، شعر نیز می‌سرود و رباعیاتی چند از وی به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای خوانسار (۱۵۰ -۱۴۹). هفت اقلیم (۴۸۶ -۴۸۵ / ۲).

طاعتی رشتی، عبدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۷ -۱۲۹۷ ش)، نویسنده، شاعر و روزنامه‌نگار. وی در رشت به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آن شهر به پایان رسانید و سپس به تهران آمد و در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی وارد دانشسرای عالی گردید و به دریافت لیسانس نائل شد و از آن

پس به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و به عنوان دبیر ادبیات به رشت عزیمت کرد و پس از پنج سال به تهران بازگشت و ضمن تدریس در دبیرستان‌ها، دوره‌ی دکتری ادبیات را به پایان رسانید. وی مدتی اشعارش را در روزنامه‌ها و جراید به چاپ رسانید و مدتی نیز سردبیری روزنامه‌ی «سازمان» را به عهده داشت و از همکاران دهخدا در تألیف «لغت‌نامه» بود. از آثارش: رساله‌ی «دینداری، دکانداری نیست»؛ «حدیث سعدی»؛ «دفاع اتسالینگراد/ لنینگراد»؛ تصحیح لغت‌نامه‌ی «صحاح الفرس»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۹۳۶ / ۹ .۳۸ / ۸). سخنوران نامی‌معاصر (۲۳۹۱ -۲۳۸۷ / ۴). کتاب گیلان (۵۸۰ / ۲). مؤلفین کتب چاپی (۸۸۷ -۸۸۶ / ۳). نامها و نامدارهای گیلان (۳۱۱ -۳۱۰).

طالب آملی مازندرانی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۳۶ / ۱۰۳۵ ق). خطاط و شاعر. تخلص به طالب. معروف به طالبا. در آمل ولادت یافت و در همان جا تحصیل دانش و ادب کرد و از جوانی به شاعری روی آورد. در حدود بیست و شش سالگی مدح حکمران آمل گفت. در سال ۱۰۱۰ ق از مازندران بیرون رفت و چندی در اصفهان اقامت کرد و با تقی‌الدین اوحدی ملاقات داشت. از آنجا به کاشان رفت و بعد از توطن در کاشان در آنجا تأهل اختیار کرد. سپس از آن شهر به زادگاه خود و از آنجا به خراسان رفت و در مروشاهجان ملازم بکتش‌خان استاجلو، حاکم آنجا، شد و مثنویی به وزن «خسرو و شیرین» به نام او ساخت. از آنجا به هندوستان رفت و چندی در هند سرگردان بود و به قندهار برگشت و ملازم غازی‌خان ترخان شد و به ستایش او پرداخت. وی بعد از مرگ ممدوح‌خان ترخان شد و به ستایش او پرداخت. وی بعد از مرگ ممدوح خود به هندوستان رفت و در اگره با مؤلف تذکره‌ی «میخانه» دیداری کرد. پس از سفر به شهرهای مختلف هندوستان. سرانجام در لاهور با شاپور تهرانی دیدار نمود و بوسیله او به اعتمادالدوله وزیر معرفی شد و آن وزیر. طالب را به درگاه جهانگیر رسانید. از آن پس طالب به سرعت پای در مدارج ترقی نهاد و در سال ۱۰۲۸ ق به مرتبه ملک‌الشعرایی رسید و بعد از آن در همان جا درگذشت. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر. وی در نگارش اقسام خط نیز توانا بود و جمله‌ی خطوط را خوش می‌نوشت. از خطوط او، یک صفحه از مرقعی است، به قلم کتابت متوسط، با رقم:«لراقم، بنازم ار بفلک، عیب من مکن طالب ».[۱]

(بخش ۱) ملک‌الشعراء محمد آملی شاعر اوایل قرن یازدهم هجری (ف. ۱۰۳۶ ه.ق./ ۱۶۲۶ م.). وی در آغاز در مازندران به سر می‌برد و همانجا به سرودن شعر پرداخت. سپس از آمل به کاشان و از آنجا به مرو رفت، و پس از چندی به هندوستان شتافت و در دبار جهانگیر به سال ۱۰۲۸ ه.ق/ ۱۶۱۸ م. سمت ملک‌الشعرایی یافت ولی در جوانی بدرود زندگی گفت. ستی‌خانم (ه.م.) خواهر او بعد از مرگ برادر سرپرستی فرزندان او را بر عهده گرفت. طالب شاعری لفظ تراش و معنی آفرین است. در گفتار او تشبیهات و استعارات و ترکیبات ابداعی همراه تخیلات دقیق مشهود است. وی علاوه بر دیوان قصاید و غزلیات دارای منظومه‌ای به بحر متقارب موسوم به «جهانگیرنامه» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۹۰۳ -۸۷۰ / ۲). احوال و آثار خوشنویسان (۳۳۳ / ۲). تاریخ ادبیات ایران. براون (۱۷۱ -۱۶۹ / ۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۶۸ -۱۰۵۶ / ۵). تاریخ موسیقی ۴۹۷ -۴۹۵ / ۲). تذکره‌ی میخانه (۵۷۰ -۵۴۵). تذکره‌ی نصرآبادی (۲۲۵ -۲۲۳). دایره‌المعارف فارسی (۱۶۱۰ / ۲). دویست سخنور (۲۰۹ -۲۰۷). الذریعه (۱۶۷ / ۱۹ .۶۳۷ -۶۳۶ / ۹). ریحانه (۱۸ / ۴). سبک‌شناسی (۲۵۵ / ۳). شخصیت‌های نامی (۳۰۳). فرهنگ سخنوران (۵۸۰ -۵۷۹). کاروان هند (۷۸۳ -۷۵۸ / ۱). گنج سخن (۹۱ -۸۵ / ۳). لغت‌نامه (ذیل/ طالب آملی). منظومه‌های فارسی (۳۷۶ -۳۷۴).

طالب بیدختی، ناصر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصر طالب بیدختی سال ۱۳۳۱ در شهر سمنان بدنیا آمد. وی دارای فوق دکترای مهندسی راه و ساختمان و محیط زیست از دانشگاه ایالتی اورگان و واشنگتن آمریکا است. هم اکنون در دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز در مرتبه استادی مشغول خدمت است.وی برنده جایزه کتاب سال جمهوری سال ۱۳۶۸ در رشته فنی و مهندسی با کتاب" طراحی سازه های توربسنگی "است.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی راه و ساختمانگرایش : مهندسی راه و ساختمان و محیط زیستوالدین و انساب : ناصر طالب بیدختی فرزند محمد حسین طالب بیدختی و مادر محترمشان سرکار خانم صغری همتی است.خاطرات کودکی : بخاطر اهمیت زیاد آب در کشاورزی و باغداری در سمنان و اهمیت ان در سمنان که در محدوده کویری است ناصر طالب بیدختی همواره مشتاق یادگیری در این زمینه بوده است و این اشتیاق را از کودکی به خاطر دارد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر بزرگ ناصر طالب بیدختی فردی روشنفکری بوده است و در زمینه توزیع و پخش آب در سمنان نقس اساسی داشت که بعد از وی عمو های وی این مهم را انجام دادند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : دیپلم ریاضی در دبیرستان صفائی سمنان سال ۱۳۵۰ کارشناسی مهندسی آبیاری و آبادانی دانشگاه تهران سال ۱۳۵۳ کارشناسی ارشد و دکترای مهندسی راه ساختمان و محیط زیست دانشگاه ایالتی اورگان آمریکا

۱۹۸۰ و ۱۹۸۴ فوق دکترا و تخصص در دانشگاههای ایالتی اورگان و دانشگاه ایالتی واشنگتن امریکا ۱۹۹۲ و ۲۰۰۱فعالیتهای ضمن تحصیل : فعالیت به عنوان کمک استاد در زمینه ها آموزشی بویژه در دوره های کارشناسی ارشد و دکترا و شرکت در پروژه های حرفه ای، بازدیدهای صحرائی در گروههای علمی ، چاپ نشریه علمی از فعالیتهای ضمن تحصیل ناصر طالب بیدختی است.استادان و مربیان : از استادان ناصر طالب بیدختی میتوان یه دکتر میراب زاده ، دکتر مسعودی و دکتر مقصود نام برد و از استادان خارج کشور به پروفسور پیت کلینگمن Pete Klingeman، داوید بلا David Bellaاشاره داشت.همسر و فرزندان : همسر ناصر طالب بیدختی سرکار خانم ژیلا پور حمزه میباشد که وی را در پیشرفت تحصیلات و پروش فرزندان یاری رسانده است. ایشان دارای دو فررزند به نامهای نیما دانشجو دوره کارشناسی ارشد برق و الکترونیک دانشگاه ایلاتی اورگان، و پویا دانشجوی سال آخر کارشناسی برق و الکترونیک در دانشگاه آریزونا میباشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مهندس پروژه های تحقیقاتی در دوران دانشجویی در کشور آمریکا، و در ایران مسئولیتهایی از قبیل معاون دانشجویی دانشکده مهندسی دانشگاه شیراز ریاست بخش مهندسی راه ساختمان، معاون پژوهشی دانشکده مهندسی، عضو شورای علمی مرکز نشر دانشگاه، رئیس مرکز تحقیقات محیط زیست و توسعه پایدار داننشگاه شیراز، عضو گروه واژگان مهندسی عمران آکادمی علوم کشور، سردبیر مجله تخصصی مجله علمی و پژوهشی علوم و فنون ایران به زبان انگلیسی ، سردبیر علمی پژوهشی آبخیزداری ایران، عضو هیئت تحریریه مجله های علمی پژوهشی منابع آب ایران و آب و آبخیز، آب و فاضلاب و شریف و رئیس انجمن آبخیزداری ایران را ناصر طالب بیدختی بر عهده داشته است. وی همچنین عضو هیئت امنا برگزاری کنگره های مهندسی عمران ایران و عضو کمیته تخصصی فرسایش و مرسوب وابسته به یونسکو و عضو کمیته تخصصی ارتقاء دانشکده مهندسی و عضو شورای پژوهشی آب و فاضلاب استان فارس و کار گروه محیط زیست استان فارس نیز هست.فعالیتهای آموزشی : ناصر طالب بیدختی تدریس دروس هیدرولیک و منابع آب و محیط زیست در دوره کارشناسی ،کارشناسی ارشد و دکترا در دانشگاههای امریکا، ایران (دانشگاه شیراز، علوم پزشکی، آزاد اسالامی) بویژه دروس مکانیک سیالات، هیدرولیک، بناهای آبی و محیط زیست، هیدرولیک رسوب، سازهای هیدرولیکی، مدیریت مواد زائد جامد، مکانیک سیالات عالی/ف مندسی رودخانه و ... را در کارنامه دارد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : - مرکز تحقیقات محیط زیست و توسعه پایدار دانشگاه شیراز - انجن توسعه سبز که انجمن مردمی است و هدف آن ارتقائ فرنگ زیست محیطی جامعه میباشد - انجمن هیدرولیک و انجمن منابع اب و انجمن آبخیز داری ایران که انجمن های علمی هستند - انجمن مهندسین عمران و انجمن مهندسین راه و ساختمان ،انجمن متخصصان محیط زیست سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : تدریس، تحقیق و پژوهش، بررسی مقالات، پروژه های مشاورتی، مشاوره دانشجویان و فعالیتهای زیست محیطی از دیگر فعالیتهای ناصر طالب بیدختی هستند.آرا و گرایشهای خاص : ناصر طالب بیدختی معتقد است حفظ محیط زیست و گام برداشتن در راستای توسعه پایدار باید در تمامی شون مهندسی عمران برجسته باشد. ارتقائ فرهنگ زیست محیطی گامی برای توسعه پایدار کشور بشمار میرود.جوائز و نشانها : برنده جایزه کتاب سال جمهوری سال ۱۳۶۸ در رشته فنی و مهندسی با کتاب "طراحی سازه های توریسنگی ، برنده بهترین مقاله در شورای پژوهشهای علمی کشور و پزوهشگر نمونه دانشگاه شیراز از جوائز ناصر طالب بیدختی است. وی چندین سال متوالی برنده بهترین مقاله در چهارمین کنگره ملی عمران بوده است.چگونگی عرضه آثار : چاپ بیش از ۱۰۰ مقاله علمی و پژوهشی و ۸ جلد کتاب از اثار ناصر طالب بیدختی است که به زبانهای انگلیسی و فارسی نشریافته است. آثار : آنالیز و طراحی سازه ای تورینگی ویژگی اثر : کتاب سال ۱۳۶۸، این کتاب حاصل تلاش ۴ نفر از اساتید فن میباشد که آنالیز و طراحی سازه های توریسنگی در زمینه های متعدد حفاظت و پایداری سواحل و شیب ها برای دانشجویان و اساتید این رشته میتواند مفید ایده باشد.این کتاب در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.۲ روشهای سنتی استحصال آب در ایران و منطقه ویژگی اثر : به زبان انگلیسی ، از ویژگیهای عمده این اثر تشریح جزئیات این سازه ها بزبان انگلیسی و شناساندن فرهنگ مهندسی و علمی ایران و منطقه به جهانیان می باشد.۳ فرهنگ تخصصی فرسایش و رسوب ویژگی اثر : حاصل تلاش چندین محقق که واژه های فرسایش و رسوب و زمینه های مرتبط را جزئیات ارائه نموده است. منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

طالب تبریزی، طالب

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازهم ق)، شاعر. اهل تبریز و ساکن عباس‌آباد اصفهان بود. میرزا طالب علاوه بر تبحر در بیشتر علوم زمان. طبع شعری قوی نیز داشت. از آثار وی: «ساقی‌نامه»ای در بحر «ساقی‌نامه» ظهوری؛ «مثنویی» در جواب «تحفه العراقین» خاقانی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۴۰۲ -۴۰۱ / ۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۲۷ -۱۲۵)، تذکره القبور (۳۹۴)، دانشمندان آذربایجان (۲۴۵ -۲۴۴)، الذریعه (۹۱ / ۱۹ ،۱۱۰ / ۱۲ ،۶۳۷ / ۹)، سخنوران آذربایجان (۴۹۹ -۴۹۵).

طالب جاجرمی، محمد طالب

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۵۴ ق). شاعر. از شاگردان شیخ آذری و شاعران بنام خراسان و از کدخدازادگان آن دیار بود که در جوانی به فارس رفت و در شیراز شهرت یافت. وی مثنوی «گوی و چوگان» را به نام سلطان عبدالله بن ابراهیم شاهزاده‌ی تیموری. نوه‌ی شاهرخ. سرود و سی سال در شیراز ماند و در همان شهر درگذشت و در جوار مزار حافظ، در مصلی، دفن شد. جز مثنوی «گوی و چوگان»، «دیوان» غزلیات او نیز معروف بوده است.[۱]

(بخش ۱) جاجرمی، شاعر و ادیب (ف. شیراز ۸۸۴ ه.ق.). وی از کدخدا زادگان جاجرم و شاگرد آذری بود. در آغاز حال سفر کرد و در شیراز اقامت جست و قبول تمام یافت. مثنوی «مناظره گوی و چوگان» را در شیراز به نام سلطان عبداللّٰه بن ابراهیم بن شاهرخ گورکان به نظم درآورد و از او وصله گرفت و نوازش یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۲۸۲ / ۱)، از سعدی تا جامی (۶۳۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۰۱)، تذکره الشعراء (۴۸۰ -۴۷۸)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۱۰ / ۲)، الذریعه (۲۷۳ / ۱۹، ۲۵۳ / ۱۸، ۶۳۸ / ۹)، ریاض العارفین (۲۱۹)، ریحانه (۳۷۷ -۳۷۶ / ۱)، صبح گلشن (۲۶۰)، فرهنگ سخنوران (۵۸۰)، لغت‌نامه (ذیل/ طالب جاجرمی)، مجالس النفائس (۱۹،۱۹۳).

طالب شیرازی، ابوطالب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۸ ق)، شاعر، ادیب و خطاط. در علوم ادبی مهارت و در علوم عربی دست داشته است. خط شکسته را پاکیزه و شیرین می‌نوشت. در چند سال آخر عمر به صدارت دیوان خانه‌ی عدلیه‌ی فارس منصوب شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۰۸۹ -۱۰۸۸ / ۲).

طالب شیرازی، عبداللّٰه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۹ / ۱۳۰۶ ق)، شاعر، متخلص به طالب. اصلش از گرجستان است. وی در شیراز ساکن بود و به شعرسرایی در قهوه‌خانه‌ها می‌پرداخت. طالب در همان شهر از دنیا رفت و در بیرون درب حافظیه به خاک سپرده شد. از وی «دیوان» شعری باقی مانده است. از اوست:

مصور آمد و چشم تو را به ناز کشید

چو شام هجر تو زلف تو را دراز کشید

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۶۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۱۲ -۵۱۱ / ۳)، الذریعه (۶۳۸ / ۹)، ریحانه (۱۸ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۵۸۰)، مرآت الفصاحه (۳۶۸).

طالب گیلانی، یحیی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۶۷ ق)، شاعر. اصلش از لاهیجان است. از دانش طب سررشته و در صنایع و فنون شعری نیز مهارت داشت. وی در قزوین درگذشت. از آثارش: «رساله»، در صنایع شعری؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۴۱ -۸۴۰ / ۲). تحفه‌ی سامی (۸۸). الذریعه (۶۳۸ / ۹). لغت‌نامه (ذیل/ طالب گیلانی، طالب لاهیجانی). مجمع الخواص (۲۸۳). نامها و نامدارهای گیلان (۶۱۷).

طالب هروی، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۹۱۸ ق)، شاعر. وی از شاعران نامی دربار سلطان حسین گورکانی بود. سالها ملازم سلاطان بدیع الزمان میرزا و منصب صدارت او را داشت و چون از خدمت او دست کشید به دستگاه ظهیرالدین محمد بابر رفت و نزد او مقرب بود تا سال ۹۱۸ ق که در جنگ میان بابر و عبیداللّٰه‌خان ازبک در ماوراءالنهر کشته شد. در سرون اقسام شعر، بویژه فن معما، مهارت داشت. از آثار وی:

«رساله»ای، در معما.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۳۳)، الذریعه (۱۰۰۰ / ۹)، مجالس النفایس (۲۵۰، ۷۵).

طالب، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر مهدی طالب استاد و مدیر گروه توسعه روستایی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است.ایشان دارای مدرک دکتری رشته جامعه شناسی از دانشگاه میرال فرانسه می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : جامعه شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : مهدی طالب مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران ، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه میرال فرانسه و نیز در رشته جغرافیای انسانی از دانشگاه دانیل فوشه – میرال تولوز فرانسه و دکتری را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه میرال فرانسه اخذ نموده است. عنوان رساله وی در دوره کارشناسی ارشد «بررسی مقایسه ای منابع معیشت در سه روستای ایرانی با خصوصیات طبیعی مختلف» و در دوره دکتری بوده است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در خصوص سوابق خدمات علمی و اجرایی آقای دکتر طالب می توان مواردی همچون «معاون آموزشی دانشکده»، «مدیر گروه تعاون و رفاه اجتماعی»، «رئیس توسعه تحقیقات تعاونی» و «سرپرست تحصیلات تکمیلی دانشکده» را نام برد. فعالیتهای آموزشی : موارد تدریس مهدی طالب «اصول اندیشه های تعاونی»، «تامین اجتماعی»، «تامین ورفاه اجتماعی» و «زمینه ها و شیوه های همکاری درجا» (در مقطع کارشناسی) و «رهبری ومدیریت»، «روش تحقیق درتوسعه و رفاه اجتماعی»، «مدیریت روستائی»، «تحولات جامعه روستایی ایران»، «روش تحقیق درتوسعه»، «سازمانهای مشارکتی روستائی»، «سیستم های اطلاعاتی مدیریت»، «طرح تحقیق»، «مدیریت روستائی» و «مطالعه تطبیقی تجارب توسعه درکشور» (در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری) است. چگونگی عرضه آثار : مهدی طالب مولف کتب «چگونگی انجام مطالعات اجتماعی» (۱۳۶۹)،«روش تحقیق در علوم اجتماعی»(۱۳۷۰)، «مدیریت روستایی در ایران»(۱۳۷۱)، «جامعه شناسی اعتبارات روستائی در ایران»(۱۳۷۳)، «اصول و اندیشه های تعاونی»(۱۳۷۶)، «مدیریت روستایی در ایران»(۱۳۷۶)، «کتاب تامین اجتماعی»(۱۳۷۸)، «شیوه‌های علمی مطالعات اجتماعی (روش تحقیق عملی)»(۱۳۸۰) و «جامعه شناسی روستایی: ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران»(۱۳۸۴) و مقالات «مسائل و موانع جامعه شناختی توسعه روستایی در ایران»، «عوامل موثر در تقطیع اراضی زراعی »، «شیوه های همیاری در جامعه روستایی ایران»، «واحدهای بهره برداری خانوادگی»، «اهمیت مفاهیم و اصطلاحات در علوم اجتماعی»، «عوامل اجتماعی مهاجرتهای روستایی»، «نقش واحدهای بهره برداری خانوادگی در توسعه کشاورزی»، «مسائل و مشکلات توسعه در ایران»، «طرحی برای مدیریت روستائی در ایران»، «فرهنگ شورائی و تاملاتی در مدیریت شهری»، «شوراهای اسلامی روستائی»، «فلسفه تعاونیهای مصرف»، «فلسفه قیمت گذاری در تغاونی مصرف»، «همیاری در ازدواج در ایران»، «قومیت و جنسیت: مطالعه موردی گروههای قومی در سیستان و بلوچستان»، «دلایل ناکامی نظام برنامه ریزی توسعه در ایران عصر پهلوی دوم»، «جایگاه رشته های مختلف علوم اجتماعی در مطالعات روستایی» و «بررسی جایگاه و نقش مطالعات بین رشته ای در مطالعه جوامع روستایی با تاکید بر ایران» است. علاوه براین، مقالاتی نیز با موضوعات «مقاله ماهیت مشارکت و مشارکت در منابع طبیعی »، «نقش تعاونی ها در صنعت روستا »، «عوامل اجتماعی موثر بر مهاجرت در ایران »، «شیوه های همیاری در جامعه روستائی ایران »، «علوم اجتماعی در کتب درسی »، «ترویج و واحدهای بهره برداری خانوادگی »، «جنبه های جامعه شناختی ترویج »، «لزوم تشکیل مشاع ها در کشور وزارت کشاورزی »، «نقش واحدهای بهره برداری در توسعه کشاورزی »، «استراتژی توسعه در فقر زدائی »، « نقش تعاونی ها در توزیع در ایران »، « مسائل و مشکلات تحقیقاتی اجتماعی در ایران »، « نگاهی دیگر به مقوله مسکن در ایران »، « بحران در خانواده »، « بررسی جامعه شناختی موانع بازگشت مهاجرین جنگ تحمیلی »، « اولویت های پژوهش فرهنگی در جامعه مدنی »، « نقش اعتبارات خرد در تامین عدالت اجتماعی »، « چالش های اساسی بازتولید سرمایه اجتماعی »، « اسلام و تکنولوژی سیردگرگونیهای اجتماعی و الزامات تکنولوژیک »، « اعتیاد و خانواده »، « Rural people participation in reconstruction of the quake struck region »، و ... را در سمینارها و همایشهای مختلف ارائه نموده اند . مسئولیت طرحهای تحقیقاتی مختلفی از جمله «نقش اعتماد اجتماعی در میزان کارآیی شوراهای اسلامی»(۱۳۸۶)، «بررسی عوامل موثر بر توسعه توریسم (مطالعه موردی: روستاهای بخش سامان از توابع شهرستان کرد)»(۱۳۸۵، «بررسی مدلهای توسعه در تبلیغات انتخاباتی کاندیداهای مجلس: مطالعه موردی هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در شهر تهران»(۱۳۸۶)، «انجام مطالعات اقتصادی اجتماعی در زمینه شیلات کشور و تعاونیهای صیادی»، «سرپرست بخش آموزش کمیته فرعی مقابله با حوادث طبیعی (زلزله) و انجام پروژه های مطالعاتی»، «طرح بسیج توان فنی کشور برای مقابله با زلزله با مشارکت UNDP در ایران»، «مدیریت بخش تحقیقات اجتماعی و اقتصادی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و مدیریت پروژه مطالعاتی مدیریت روستائی در ایران»، «مسئول شورای پژوهشی وزارت مسکن و شهرسازی و انجام مطالعاتی در زمینه مسکن و شهرسازی»، «مسئول شورای بررسی اقتصادی و اجتماعی وزارت مسکن و شهرسازی به مدت ۴ سال و انجام مطالعات در زمینه مسکن و مسائل شهرسازی»، «مسئول شورای علمی مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری و بررسی پروژه در دست اجرای مرکز مزبور»، «بررسی اقتصادی اجتماعی روستاهای مشهد»، «بررسی اقتصادی-اجتماعی روستاهای ایلام»، «بررسی اقتصادی-اجتماعی روستاهای سبزوار»، «بررسی-اقتصادی اجتماعی روستاهای بیرجند»، «بررسی-اقتصادی اجتماعی روستاهای نیشاپور»، «بررسی-اقتصادی اجتماعی روستاهای قاین»، «بررسی اقتصادی-اجتماعی روستاهای اراک»، «تک نگاری میکائیل آباد خلخال»، «تک نگاری (مونوگرافی) ده نو اراک»،

«تک نگاری (مونوگرافی) ابراهیم آباد نیشابور با همکاری پروفسور موریو انو استاد ژاپنی»، «بررسی اقتصادی-اجتماعی روستاهای خلخال»، «بررسی تعاونیهای روستائی تهرانی»، «تک نگاری ساعتلو ارومیه (رضائیه) با همکاری پروفسور موریوانو»، «بررسی تعاونیهای تولید کنندگان مرکبات شمال»، «بررسی تعاونیهای ساوه»، «بررسی تعاونی تولید کنندگان پسته رفسنجان»، «بررسی تعاونی اعتبار کارگری اصفهان»، «بررسی ادغام خدمات روستائی در سه ده»، «بررسی تعاونیهای صنایع دستی اصفهان»، «بررسی تعاونیهای مسکن استان تهران»، «مشارکت در انجام طرح سطح بندی روستاهای کشور یکی از محققان»، «طرح جامع شیلات در ایران توسط موسسه مطالعاتی Cofrapeche»، «تراکم جمعیتی در شهرهای کشور » و «سامانـدهی نظام آبیاری در ساوه و گرمسار»را نیز بر عهده داشته‌اند. آثار : ۱ «اصول و اندیشه های تعاونی»(۱۳۷۶) ویژگی اثر : تالیف۲ «جامعه شناسی اعتبارات روستائی در ایران»(۱۳۷۳) ویژگی اثر : تالیف۳ «جامعه شناسی روستایی: ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران»(۱۳۸۴) ویژگی اثر : تالیف۴ «روش تحقیق در علوم اجتماعی»(۱۳۷۰) ویژگی اثر : تالیف۵ «شیوه‌های علمی مطالعات اجتماعی (روش تحقیق عملی)»(۱۳۸۰) ویژگی اثر : تالیف۶ «کتاب تامین اجتماعی»(۱۳۷۸) ویژگی اثر : تالیف۷ «مدیریت روستایی در ایران»(۱۳۷۱) ویژگی اثر : تالیف۸ «مدیریت روستایی در ایران»(۱۳۷۶) ویژگی اثر : تالیف۹ چگونگی انجام مطالعات اجتماعی» (۱۳۶۹) ویژگی اثر : تالیف

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

طالبلو، وحید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شناسنامه :

نام کامل : وحید طالب لو - متولد : ۵ خرداد ۱۳۶۵ - سن:۲۷ سال - زادگاه تهران، ایران - قد ۱۸۵ سانتی متر وضعیت کنونی :

باشگاه کنونی : استقلال تهران - شماره پیراهن: ۱ - پُست : دروازه بان(فوتبال) باشگاه‌های جوانان :

۱۳۷۶-۱۳۸۲ - استقلال تهران باشگاه‌های حرفه‌ای :

۱۳۸۲ تا کنون - استقلال تهران تیم ملی :

۱۳۸۵ - تا کنون ۱۰ بازی ملی آغاز محبوبیت :

او در بازی اول تیم فوتبال استقلال تهران در فصل ۸۴-۸۵ لیگ برتر فوتبال ایران با مهار ضربه پنالتی علی دائی که ان زمان در صباباطری بازی می‌کرد ، از محبوبیت خاصی نزد هواداران استقلال برخوردار شد. زیرا هواداران استقلال معتقدند که علی دائی هیچ وقت در طول دوران فوتبالش نتوانسته‌است به این تیم گل بزند و پنالتی‌ای که وحید طالب لو از وی گرفت، مهم ترین شانس علی دائی برای رسیدن به این مهم بوده‌است، هر چند علی دائی بعدها با ذکر این که در یکی از تیم‌های سابقش در لیگ‌های قبل از لیگ آزادگان به استقلال تهران گل زده‌است، ادعای هواداران استقلال را رد کرده‌است.البته این ادعای دایی توسط عده زیادی از اهالی فوتبال من جمله گزارشگران این رشته پرطرفدار رد شد. آن بازی نهایتا با نتیجه ۴ بر یک به سود استقلال تهران به پایان رسید.

بهترین پنالتی‌گیر :

او در فصل ۸۴-۸۵ لیگ برتر فوتبال ایران با مهار سه ضربه پنالتی در طول فصل به عنوان بهترین پنالتی گیر ایران معرفی شد. او در فصل ۸۵-۸۶ نیز با مهار ضربه پنالتی مهرزاد معدنچی در دیدار با پرسپولیس تهران بر محبوبیت خود نزد هواداران استقلال افزود.

او در فصل ۸۶-۸۷ و در مسابقات جام حذفی کشور در مسابقه استقلال-ذوب آهن از مرحله یک شانزدهم نهائی جام حذفی که به ضربات پنالتی کشیده شده بود ، با مهار ۳ ضربه از ۴ ضربه پنالتی بازیکنان ذوب آهن، باعث صعود تیمش به مرحله بعدی شد. او در مرحله بعدی این مسابقات و در مصاف استقلال با راه آهن نیز که با نتیجه مساوی ۲ بر ۲ به ضربات پنالتی کشیده شد، با مهار ۳ ضربه پنالتی باعث صعود استقلال به مرحله نیمه نهائی جام حذفی شد. در مرحله نیمه نهائی نیز بازی تیم‌های استقلال تهران و فولاد خوزستان پس از تساوی ۱-۱ در وقت قانونی و اضافی به ضربات پنالتی کشیده شد و باز هم وحید طالب لو با مهار ۲ پنالتی از بازیکنان فولاد خوزستان توانست باعث پیروزی تیم استقلال و رساندن این تیم به فینال این مسابقات شود.

محبوبیت در نزد پرسپولیسی‌ها

او از معدود بازیکنان استقلال است که تا حدی در نزد هواداران پرسپولیس محبوبیت دارد.

عابدزاده دوم

بسیاری از کارشناسان فوتبال پس از موفقیت دو ساله وحید طالب‌لو از سال ۸۴ تا سال ۸۶ در مسابقات داخلی و ملی فوتبال او را با احمدرضا عابدزاده اسطوره دروازه بانی فوتبال ایران مقایسه می‌کردند و او را عابدزاده دوم می‌نامیدند.

قهرمانی با استقلال تهران

او در فصل ۸۴-۸۵ با درخشش خود در دروازه تیم استقلال تهران یکی از عوامل قهرمانی این تیم در آن سال شمرده می‌شود. او در بازی سی‌ام استقلال تهران با برق شیراز که در حضور ۱۰۰ هزار هوادار استقلال تهران برگزار شد و به برد ۴ بر ۱ استقلال تهران و هم چنین قهرمانی این تیم برای اولین بار در لیگ برتر فوتبال ایران منجر شد، با مهار ضربه پنالتی محسن پاک نیت در دقیقه ۸۳ بر محبوبیت خود نزد هواداران استقلال افزود و همچنین اسم خود را به عنوان یکی از بازیکنان تأثیر گذار بر این قهرمانی به ثبت رسانید.

لیگ برتر فوتبال ایران فصل ۸۶–۸۷

او که به عنوان یکی از برترین دروازه‌بانان ایران شناخته می‌شود در لیگ برتر فوتبال ایران فصل ۸۶–۸۷ دچار افت شدیدی شد که بسیاری از کارشناسان فوتبال علت این افت را عدم حضور رقیبی در حد وحید طالب‌لو در کنار او و همچنین عدم آرامش او می‌دانند. لازم به ذکر است که اشکان نامداری دروازه بان سابق تیم صنایع اراک ذخیره وحید طالب لو در استقلال تهران است. بسیاری از کارشناسان اشکان نامداری را نه تنها رقیب جدی برای وحید طالب لو نمی‌دانند بلکه او را در حد تیم استقلال تهران نیز نمی‌دانند.

تنبیه طالب‌لو توسط سرمربی

وحید طالب‌لو پس از بازی با تیم صنعت نفت آبادان که با باخت ۳ بر ۲ تیمش در تهران پایان گرفت، با انتقاد فیروز کریمی سرمربی این تیم مواجه گردید و فیروز کریمی او را به همراه تنی چند ار بازیکنان به نشانه تنبیه بعد از پایان بازی در زمین دواند.دروازه‌بان تیم فوتبال استقلال تهران، پس از انتقاداتی که از سوی فیروز کریمی نسبت به وی صورت گرفت و تنبیه انجام شده، اعلام کرد دیگر به این تیم باز نخواهد گشت. فیروز کریمی کار خود را از پسندیده ترین کارهای ممکن نام برد. او پس از صحبت با فتح‌اللهزاده مدیر عامل باشگاه استقلال از تصمیم خود منصرف شد و پس از یک روز عدم حضور در تمرینات تیم استقلال، به این تیم بازگشت.

افتخارات :

قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ایران ۸۵–۸۴ به همراه تیم استقلال تهران

قهرمانی در جام حذفی ۸۷–۱۳۸۶ به همراه تیم استقلال تهران

قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ایران ۸۸–۸۷ به همراه تیم استقلال تهران

طالبه مجد، مجدالدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم و هفتم ق)، صوفی و شاعر. از صوفیان هرات و اهل عسکر بود. وی معاصر امام فخر رازی (م ۶۰۶ ق) بوده و پیوسته با هم ملاقات داشته‌اند. در تعلیقات «مزارات هرات» آمده است که لقب سلطان، به این علت به مجدالدین داده شده که وی سید بوده است. مجدالدین در هرات درگذشت و مزار وی در اندرون شهر کهنه در وسط محله‌ی خواجه عبدل مصری بین درب خوش و درب فیروزآباد واقع است. مجد غزل را استادانه می‌سرود. اشعاری از وی در تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۵۰)، تعلیقات مزارات هرات (۲۱ –۲۰)، ریاض العارفین (۲۳۱)، فرهنگ سخنوران (۷۹۹)، مزارات هرات (۳۸ –۳۷)، نفحات الانس (۳۶۰).

طالبی نیا، سعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید طالبی نیا

محل تولد : خوی

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۲۴

زندگینامه علمی

اینجانب هنگامی که در کلاس چهارم در رشته ریاضی فیزیک نظام قدیم درس می خواندم شیفته حوزه علمیه شدم و در سال ۱۳۷۲ قدم در آن نهادم مقدمات را در حوزه علمیه بناب در محضر اساتیدی همچون

استاد صدر کریمی (صرف و نحو) استاد آتش زر (منطق) استاد طباطبایی (فقه) استاد سیدی (اصول) و استاد معظم بنابی (اخلاق و شرح لمعه) به پایان رساندم. آنگاه در مهر ماه سال ۱۳۷۸ عازم حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح را در محضر بزرگانی همچون آیت الله احمدی میانجی، آیت الله استادی، استاد حسینی بوشهری، استاد سید احمد خاتمی، استاد لطفی کاشانی، استاد علیدوست، استاد سجادی امین، استاد در گاهی تبریزی و ... به پایان رساندم و از دروس خارج حضرات آیات بهجت، وحیدخراسانی، مکارم شیرازی، جعفر سبحانی ،نوری همدانی و فروغی اردبیلی بهره بردم. در کنار دروس رایج حوزه، در مقطع کارشناسی ارشد رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن نیز تحصیل کرده ام. هم اکنون یکی از مدیران رادیو معارف هستم.

طالبی، حیدرعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر حیدرعلی طالبی تحصیلات دانشگاهی خود را در مقطع کارشناسی رشته مهندسی الکترونیک در دانشگاه مشهد آغاز کرد و در سال ۱۳۶۷ به پایان رسانید.وی کارشناسی ارشد خود را در همان رشته از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۰ و دکتری مهندسی الکترونیک و کامپیوتر را از دانشگاه کونکوردیا،کانادا در سال ۱۳۷۶ اخذ کرد.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه صنعتی امیرکبیر می باشد.

گروه : فنی و مهندسی

رشته : مهندسی الکترونیک

تحصیلات رسمی و حرفه ای : حیدرعلی طالبی تحصیلات دانشگاهی خود را در مقطع کارشناسی رشته مهندسی الکترونیک در دانشگاه مشهد آغاز کرد و در سال ۱۳۶۷ به پایان رسانید.وی کارشناسی ارشد خود را در همان رشته از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۰ و دکتری مهندسی الکترونیک و کامپیوتر را از دانشگاه کونکوردیا،کانادا در سال ۱۳۷۶ اخذ کرد.ایشان دوره فوق دکتری خود را در رشته مهندسی الکترونیک و کامپیوتر از دانشگاه وسترن اونتاریو کانادا (در طی سالهای ۱۳۷۸ تا سال ۱۳۷۹) دریافت داشت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای اداری و مدیریتی حیدرعلی طالبی به قرار زیر است: عضو انجمن IEEE دانشیار دانشگاه امیرکبیر از سال ۱۳۸۲ تا کنون پژوهشگر مهندسی الکترونیک کامپیوتر،دانشگاه کونکوردیا،کانادا از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۸۶ پژوهشگر مهندسی الکترونیک و کامپیوتر،دانشگاه وسترن اونتاریو کانادا از سال ۱۳۸۳ تا سال ۱۳۸۵ رئیس گروه سیستمهای کنترل مهندسی الکترونیک دانشگاه امیرکبیر از سال ۱۳۸۱ تا سال ۱۳۸۳ استادیار دانشگاه امیرکبیر از سال ۱۳۷۸ تا سال ۱۳۸۲ پژوهشگر و مربی دانشگاه کونکوردیا،کانادا مهندسی الکترونیک و کامپیوتر از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۶ مهندس طراح و محقق در کنترل سیستم،مرکز تحقیقات مهندسی طراحی ،تهران از سال ۱۳۶۷ تا سال ۱۳۷۱ داور ژورنالهای مختلف در زمینه مهندسی الکترونیک کامپیوتر،روباتیک در سالهای ۱۳۸۵،۱۳۸۴،۱۳۸۳،۱۳۸۲،۱۳۷۹،۱۳۷۷ عضو کمیته برنامه ریزی فنی کنفرانس مهندسی الکترونیک ایران در سالههای ۱۳۸۷،۱۳۸۲،۱۳۸۱ عضو کمیته فارغ التحصیلان دانشکده مهندسی الکترونیک ،دانشگاه امیرکبیر از سال ۱۳۸۱ تا سال ۱۳۸۳ عضو کمیته پژوهش دانشکده مهندسی الکترونیک ،دانشگاه امیرکبیر از سال ۱۳۸۱ تا سال ۱۳۸۳ و از سال ۱۳۸۶ تا کنون عضو کمیته انتخاب کتاب دانشکده مهندسی الکترونیک ،دانشگاه امیرکبیر از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۸۱

جوائز و نشانها : کاندیدای بهترین مقاله سال ۱۳۸۳،استرالیا برنده جایزه بهترین مقاله دانشجویی در کنفرانس سال ۱۳۸۲ ،ژاپن

چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی دکتر طالبی به ترتیب زیر است: ۲۲ مورد استاد راهنمای پایان نامه دانشجویی ۸ مورد مقاله منتشر شده در ژورنالهای معتبر علمی ۴۰ مقاله ارائه شده در کنفرانسهای علمی منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

طالبی، علی اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اصغر طالبی در سال ۱۳۴۰ در شهر تفت- یزد بدنیا آمد. ایشان دارای دکتری رشته حشره شناسی از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۷ می باشد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تربیت مدرس می باشد.گروه : کشاورزیرشته : حشره شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی علی اصغر طالبی به قرار زیر است: کارشناسی-تهران- گیاهپزشکی- ۱۳۶۷ کارشناسی ارشد- تربیت مدرس -حشره شناسی کشاورزی-۱۳۷۱ دکتری- تربیت مدرس -حشره شناسی کشاورزی- ۱۳۷۷ همسر و فرزندان : دکتر علی اصغر طالبی متاهل است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای مورد تصدی علی اصغر طالبی به ترتیب زیر است: مربی-دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران (از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۷) استادیار-دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران (از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۳) دانشیار-دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران (از سال ۱۳۸۳ تا ....۱۳) عضو انجمن حشره شناسان ایران داوری مجلات علمی ۱) مجله انجمن حشره شناسی ایران ۲) مجله علمی کشاورزی(دانشگاه شهید چمران اهواز) ۳)مجله علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی (دانشگاه صنعتی اصفهان) ۴) مجله علوم کشاورزی و منابع طبیعی (دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان) ۵-پژوهشنامه علوم کشاورزی (دانشگاه گیلان) ۶- آفات و بیماری‌های گیاهی(مؤسسه تحقیقات آفات و بیماری‌های گیاهی) ۷-مجله علوم کشاورزی ایران (دانشگاه تهران) ۸- دانش کشاورزی (دانشگاه تبریز) فعالیتهای آموزشی : دروس تدریس شده توسط علی اصغر طالبی به قرار زیر است: کارشناسی حشره شناسی تکمیلی ، اصول رده بندی حشرات ، کارشناسی ارشد مرفولوژی حشرات ، سیستماتیک حشرات ، مبارزه بیولوژیک با حشرات دکتری آنتموفاژها, اصول و قوانین نامگذاری و رده بندی حشرات مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : علی اصغر طالبی موزه حشره شناسی در دانشکده کشاورزی را تاسیس کرده است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سایر فعالیت های علی اصغر طالبی به شرح زیر است: - تهیه چهار فیلم علمی در مورد حشرات و پخش آنها از سیمای جمهوری اسلامی ایران - تدریس درس آفات گیاهان زینتی برای دانشجویان دانشگاه جامع علمی و کاربردی از طریق سیمای جمهوری اسلامی در ۳۴ برنامه (۱۳۸۲-۱۳۸۱) همفکران فرد : علی اصغر طالبی از همفکری نزدیکی با دکتر کریم کمالی ،دکتر سعید محرمی پور،دکتر یعقوب فتحی پور برخوردار است. آرا و

گرایشهای خاص : زمینه های مورد علاقه تحقیقاتی علی اصغر طالبی : ۱) کنترل بیولوژیک آفات ۲) رده بندی حشرات ۳) گرده افشانی گیاهان توسط حشرات چگونگی عرضه آثار : – تعداد مقالات علمی چاپ شده در مجلات علمی و پژوهشی :۱۹ مقاله – تعداد مقالات ارائه شده در مجامع علمی : ۵۲ مقاله – تعداد پایان نامه های کارشناسی ارشد تحت راهنمایی : ۶ پایان نامه – تعداد پایان نامه های کارشناسی ارشد تحت مشاوره : ۹ پایان نامه – تعداد پایان نامه های دکتری تحت مشاوره : ۲ پایان نامه آثار : کنترل بیولوژیک حشرات ویژگی اثر : در دست نوشتن۲ مطالعه حشرات (راسته پروانه ها) ویژگی اثر : در دست نوشتن منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

طالبی‌زنجانی، عبدالله

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از مثنوی‌سرایان ایران در روزگار صفویه است که از ایران به عثمانی رفت و در آنجا مثنویی در بحر «لیلی و مجنون» نظامی به نام «بحر المعاد فی ارشاد العباد» پرداخته است، طالبی این مثنوی را به نام سلطان سلیمان عثمانی در سال ۹۵۵ ق سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۰۸ –۷۰۷)، منظومه‌های فارسی (۳۷۸)، لغت‌نامه (ذیل/ طالبی).

طالع کازرونی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۳ ق)، طبیب، خطاط و شاعر، متخلص به طالع. پدرش در کارزون ساکن بود و پس از چندی در شیراز منزل گزید و مشغول طبابت شد. میرزا محمد به قدر امکان علم صرف و نحو و معانی و بیان و منطق و کلام تحصیل کرد. خط نستعلیق و شکسته را خوب می‌نوشت و به شیوه‌ی شعرای قدیم شعر می‌سرود و همانند پدر در شیراز طبابت می‌کرد. وی در جوانی از دنیا رفت و پیکرش را به عتبات حمل نمودند. اثر وی «دیوان» شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۶۲)، حدیقه الشعراء (۱۰۹۵ –۱۰۹۰ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۱۵ –۵۱۴ / ۳)، الذریعه (۶۳۹ / ۹)، مرآت الفصاحه (۳۶۹ –۳۶۸).

طالع همدانی، عبداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبداللّه طالع همدانی هنرشناس نامی ایران به سال ۱۲۹۲ شمسی در همدان متولد شد، تحصیلات خود را در مدارس آلیانس و تائید انجام داد که به زبانهای فرانسه و انگلیسی تسلط یافت. نخستین جلوه‌های ذوق ادبی او از دوازده سالگی ظاهر شد و در بیست سالگی به عضویت انجمن ادبی همدان درآمد. همزمان با فعالیت در این امور چون صاحب صوتی خوش و طبع شعر روانی بود به موسیقی نیز علاقه یافت و در اندک مدتی که نزد تقی‌خان شایگان (ویلونیست زبردست آن زمان در همدان) به فراگیری ویولن پرداخت به کلیه دستگاهها و گوشه‌های موسیقی سنتی آشنا گردید.

او از نخستین تصنیف‌سازان نسل بعد از عارف و همزمان با محمدعلی امیر جاهد و از معدود کسانی می‌باشد که کلام و آهنگ تصانیف را تواماً ساخته است. طالع همدانی نخستین تصنیف خود را به سال ۱۳۱۰ شمسی با نام (باد خزان) در سن ۱۸ سالگی ساخت و مورد توجه ابوالقاسم عارف قزوینی (که در آنزمان ساکن همدان بود) واقع شد. پس از آن به طور جدی کار تصنیف‌سازی، نواپردازی و اجرای موسیقی را با منظومه‌سرائی ادامه داد تا مدتی که در همدان اقامت داشت افتخاراً کنسرتهائی به نفع امور خیریه با خوانندگان مشهور آن زمان در همدان چون اباذری– سید رضا عطار– سید رضا فرشچی اجرا کرد.

کنسرتهائی که در آنها شخص طالع گاه سراینده کلام، سازنده آهنگ– نوازنده ویولن و خواننده بود. طالع همدانی از صدائی بس پرقدرت و پرطنین و رسا بهره‌مند بود او صلابت لطیف حنجره خود را تا حدود هفتاد سالگی حفظ کرد و اکنون نیز که ۷۸ بهار از عمر وی می‌گذرد دارای صدائی گرم و پخته می‌باشد. در سال ۱۳۱۰ با شادروان استاد مرتضی‌خان نی‌داود و خانم قمرالملوک وزیری که برای افتتاح سینما الوند به همدان آمده بودند آشنا شد و این دوستی تا آخر عمر با آن دو هنرمند بزرگ ادامه یافت. طالع در ثناء و رثای این دو بزرگوار مشهور اشعار بسیاری سروده که برای نمونه بیتی از غزلی است که بر سنگ مزار شادروان قمرالملوک وزیری در مقبره ظهیرالدوله نقر گردیده است:

تنها نه قمر بود هنرمند بعالم

روح ملکی بود که از جسم بشر رفت

طالع همدانی در سال ۱۳۲۳ با عنوان (خواننده گمنام) به توصیه آقای ابراهیم سپهری رئیس رادیو به رادیو وارد و افتخاراً به اجرای برنامه پرداخت. نوای ساز و صدای آواز وی مدتی از رادیو گاه و بیگاه در خانه‌های مردم تهران طنین‌انداز بود و چندین تصنیف از ساخته‌های او را خوانندگانی چون قمرالملوک وزیری- ملوک ضرابی کاشانی و عزت روحبخش و داریوش رفیعی در رادیو می‌خواندند. اما بعد از مدتی چون هنرمندان دیگر، رادیو را ترک و به شغل اصلی خود به تجارت پرداخت ولی همواره در کار هنر علاقمند و کوشا بود و در اواخر سالهای ۱۳۲۵ چند صفحه از صدای ساز و آواز رسای او پر شد.

طالع با وجود مشغله زیاد و عهده‌داری خدمات گسترده و سنگین برای امور اجتماعی و خیریه هیچگاه دامان هنر را رها نکرد و همواره در این راه کوشا بوده است. از آن جمله برگزاری کنسرتهای بسیار جهت امور خیریه، همکاری با خوانندگان و نوازندگان موسیقی ایرانی برای خلق آثار بدیع و سرودن بیش از هفت هزار بیت نظم پارسی و کلام بسیاری تصانیف دیگر به زبان راجی (که زبان کلیمیان مقیم همدان و کاشان و اصفهان و خوانسار است) می‌باشد. تسلط به علوم زبان و زبانهای متعدد برای اهداف فرهنگی وی مفید واقع شده و همواره یار و دوستدار گشاده‌روئی برای محققین موسیقی ایرانی است.

شرح زندگی و آثار عبداللّه طالع همدانی در تذکره و مجلات مختلف بارها به چاپ رسیده است دیوان اشعارش به همراه نت آهنگها، کلام آنها و شرح زندگانی وی در مرحله چاپ و انتشار می‌باشد کتاب دیگری نیز در زمینه لغات و اصطلاحات زبان راجی از مشارالیه در دست تهیه است. بزرگترین خصوصیت برجسته طالع، تعهد او به صفای خصایل انسانی و صفای باطن است وی در زمانی که رسیدن به نام و نان از راه هنرفروشی به راحتی میسر بود هنر را با تجارت نیامیخت و همواره اصل و فاخر بر مقامگاه خود باقی ماند.

طالع نمونه‌ای از اخلاق خوش و صفای نفس روی گشاده همراه با مراتب درویش مسلکی در عین برخورداری از فضل و ادب و هنر است که در میان هنرمندان امروزه چنین نمونه‌هائی بسیار کمیاب است. نمونه معتبری از وحدت هنر و انسانیت که با اشعارش، تصانیفش صدای ساز و آوازش و خدمات انسانی‌اش همواره در حافظه تاریخ موسیقی معاصر ایران عزیز و گرامی خواهد ماند.

(تو ۱۲۹۲ ش). موسیقیدان. خواننده و شاعر، متخلص به طالع. در همدان به دنیا آمد و تحصیلات خود را در مدارس آلیانس و تأیید ادامه داد و به زبانهای فرانسه و انگلیسی تسلط یافت. سپس به تهران آمد و در رشته ادبیات و زبان فارسی فارغ‌التحصیل شد. وی علاوه بر عضویت در انجمن ادبی همدان و داشتن طبع شعر، به موسیقی هم علاقه‌مند بود و در نزد تقی شایگان به فراگیری ویولن و دستگاههای موسیقی پرداخت. او از نخستین تصنیف‌سازان نسل بعد از عارف است که کلام و آهنگ تصانیف را توأم ساخته است. وی اولین تصنیف خود را به نام «باد خزان» در هجده سالگی ساخت و مورد توجه عارف قزوینی واقع شد. او با رادیو تحت عنوان خواننده‌ی گمنام همکاری داشت و در کنسرتهایی که به نفع امور خیریه اجرا می‌شد، شرکت می‌جست. از وی «دیوان» شعری به همراه نت آهنگها به چاپ رسیده و کتاب دیگری نیز در زمینه‌ی لغات و اصطلاحات زبان راجی (زبان یهودیان مقیم همدان و کاشان و اصفهان و خوانسار) تألیف نموده است.[۱]

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ تحول ضبط موسیقی (۱۸۹)، سخنوران نامی معاصر (۲۳۹۶ -۲۳۹۲ / ۴) سیمای هنرمندان (۶۲ ،۵۹ -۵۸ ، ۴۲ -۳۸)، مردان موسیقی (۱۶۴ -۱۵۸/ ۲).

طالعی یزدی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به طالعی. وی در دوره‌ی جلال‌الدین محمد اکبرشاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) از یزد به هندوستان رفت و در اکبرآباد (آگره) ساکن و به صحافی مشغول شد. طالعی نستعلیق را خوش می‌نوشت و شعر نیز می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۳۳ / ۲)، تذکره‌ی روز روشن (۴۹۵)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۲۰۳ -۲۰۲)، فرهنگ سخنوران (۵۸۲)، کاروان هند (۷۹۰ -۷۸۸ / ۱).

طالقانی اصفهانی، عبدالوهاب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالوهاب طالقانی اصفهانی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید عبدالوهاب طالقانی سال ۱۳۳۵ شمسی وارد دانشکده الهیات (علوم منقول و اصول) شدم سال ۷-۱۳۶۷ با گرفتن

بورس تحصیلی به دانشگاه آمریکایی سروت au.b وارد شدم و مدت یکسال تحصیلی روانشناسی بر دولتی و سایر دروس مربوطه را گذراندم و برگشتم. سال ۱۳۳۹ از الهیات فارغ التحصیل شدم و بکار تدیس و ریاست یک گروه فرهنگی اشتغال دارم.

طالقانی اصفهانی، هدایت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید هدایت الله طالقانی اصفهانی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۵/۲۸

زندگینامه علمی

اینجانب سید هدایت الله طالقانی اصفهانی در ۲۸/۵/۱۳۳۱ در اصفهان متولد شدم. در خرداد ۵۰ دیپلم ریاضی از دبیرستان حکیم سنائی اصفهان گرفتم و در همان سال مهر ۵۰ وارد دانشگاه ملی سابق (شهید بهشتی) رشته فیزیک شدم و لیسانس فیزیک دریافت نمودم و مقداری دبیر دبیرستانها سپس مدرس مرکز تربیت معلم بودم. دروس حوزوی را در اواخر دوران دبیرستان در اصفهان شروع کردم سپس بطور جدی در مهر ۶۳ دروس را در اصفهان پی گرفتم و از سال ۶۵ در حوزه علمیه قم مشغول بوده ام. پس از گذراندن ۱۳ سال درس خارج و دریافت مدرک سطح چهار از مهر ۷۹ پای درسی شرکت ننمودم و صرفاً به کارهای تحقیقاتی پرداختم.

طالقانی کجوری مازندرانی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۱۴ ق)، عالم دینی و نویسنده. از آثار وی: «کشف الشکوک عن الشاک و المشکوک»، به عربی، که در زمان حیات مؤلف، در ۱۳۱۴ ق، به چاپ رسید؛ «الرساله فی قاعده الضمان»، به عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۰ / ۱۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۸ / ۱۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲۶۳ / ۱).

طالقانی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۵۰ ق)، عالم دینی و فقیه. از فرزندزادگان امامزاده سید نصرالدین است که در یکی از روستاهای طالقان به دنیا آمد. وی پس از خواندن دروس ابتدایی به تهران آمد و مقدمات و سطوح را در تهران خواند. آن‌گاه به عتبات مهاجرت کرد و در حوزه‌ی درس میرزای شیرازی در سامرا شرکت نمود و پس از ایشان نزد آیت‌الله سید اسماعیل صدر به تحصیل پرداخت. در ۱۳۱۷ ق به حج رفت و در مراجعت،به تهران آمد و مقیم گشت و تا پایان عمر به انجام وظائف شرعی و دینی مشغول بود. پس از درگذشت، پیکرش به نجف حمل و در وادی السلام دفن شد. از آثارش: «کیمیای هستی»؛ «مقاله‌ی اثنی‌عشریه»؛ «محاکمه الحجاب»؛ «السیاسه الحسینیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۳۷ / ۲۰، ۲۰۲ / ۱۸، ۲۷۱ / ۱۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۳ / ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۱۰-۵۰۹ / ۴).

طالقانی، ابوالخیر، احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۹۰-۵۱۲ ق)، قاری، محدث، واعظ و فقیه شافعی. در قزوین متولد شد. در هفت سالگی قرآن را حفظ کرد. از ملکداد عمرکی و محمد بن یحیی نیشابوری و ابوعبدالله فراوی و عبدالغافر فارسی و عبدالجبار خواری و زاهر شحامی و ابن‌قشیری و ابن‌بطی در قزوین و نیشابور و بغداد فقه و حدیث آموخت. مدتی ساکن بغداد بود و در نظامیه و جامع قصر تدریس می‌کرد. موفق‌الدین عبداللطیف و ابن‌القرشی و رافعی از شاگردان وی بودند. با ابن‌جوزی واعظ مشهور، به نوبت، هر کدام یک روز، مجلس وعظ منعقد می‌نمودند.

خلیفه وقت در مجلس موعظه حاضـر و پس پرده می‌نشـست و جمع زیادی از مردم در مجلسش ازدحام می‌کردند. روز عاشورایی بر منبر بود، مردم از وی خواسـتند که بر یزیـد لعن کنـد و او امتناع ورزیـد، لـذا مطرود آنان گشت و به قزوین بازگشت و در همان جا درگـذشت. وی تصـنیفات مختصـر و مفصل بسیاری در تفسیر و حدیث و فقه دارد. از آثار وی: «التبیان فی مسائل القران»، ردی بر حلولیه و جهمیه؛ «خصائص السواک»، که در «معجم المؤلفین» «خصائص السوال» آمده است؛ «حظائر القدس».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۹۳/۱)، ریحانه (۹۳/۷)، سیر النبلاء (۱۹۳ -۱۹۰ /۲۱)، کشف الظنون (۳۴۱،۷۰۵)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، المسـتفاد من ذیل تاریـخ بغداد (۴۸ -۴۶ /۱۹)، معجم المـؤلفین (۱۶۸ -۱۶۷ /۱)، نـامه‌ی دانشوران (۳۰۳ -۲۸۷ /۸)، هدیه العارفین (۸۸/۱).

طالقانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سـید احمد بن العلامه السـید محمدتقی بن السـید الجلیل السید احمد بن السید العلام السید محمد بن السید احمد حسینی اوزانی طالقانی تهرانی یکی از مشاهیر علماء معاصر و مراجع امور دینی مردم تهران بودند در گذر قلی خیابان (خیام).

وی در سال ۱۳۰۲ ق در تهران متولد شده و در بیت مجد و شـرف پرورش یافته و مقدمات را از فضلاء عصر خود فراگرفته آنگاه از محضـر جماعتی از علماء اعلام تهران ماننـد علامه آقا سـید هادی طالقانی و دیگران از مدرسـین مـدرسه مروی اسـتفاده نموده و در سال ۱۳۲۵ ق که والـدش آیت‌اللَّه آقـا سـید محمـدتقی وفـات نمود در مسـجد پاچنار بجای ایشان به اقامه جماعت و مرجعیت امور پرداخته تا سال ۱۳۸۲ قمری که بدرود زندگی گفتند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طالقانی، خلیل اللّه

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از افاضل اصـحاب ایقان، و مسـتغرق بحر عرفان، مدت چهل سال یا کم و بیش در یک خرقه، و شبانه روزی به یک دو لقمه چربش اکتفـا نموده. علوم ظاهر و باطن را جامع، و نور شـهود از سـیمای او لامع بود، گوشه‌ی عزلت در اصـفهان اختیار کرده، و از آنجا در حدود سال ۱۱۲۰ (۱۱۱۴) وفات یافته، در بقعه‌ی شیخ علی بن سهل در قبرستان طوقچی مدفون گردید.

از آثارش: ۱- دیوان اشعار ۲- رساله در علم مناظر و مرایا ۳- زاد السبیل، در آداب سلوک ۴- نظم کافیه‌ی ابن‌صاحب می‌باشد. خطوط را زیبا می‌نوشته، و مجموعه‌ی کتب خویش را بر طلبه‌ی علوم وقف نموده بود.

از اشعار اوست:

ما باده کشان شنبه و آدینه نداریم

جز جام شراب و دل بی‌کینه نداریم

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

طالقانی، عارف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضـل مراغی در (المأثر والاثار) ص ۲۲۳ گویـد. میرزا عـارف طالقـانی در تهران کتب حکمت و کلام طب و منطق و ریاضـیات را تکمیـل می‌کرد و از چنـد سـال قبـل جنـاب مسـتطاب حسـنعلی خان امیر نظام کروسـی او را به سـمت ملاباشـی‌گری فرزنـد خود به دارالسلطنه تبریز احضار نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طالقانی، عبدالمجید

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شـاعر ادیب خطـاط شکسـته نویس معروف. در کسوت درویشـی، سیرت پادشـاهی داشـته؛ وی یکی از ارکـان اربعه‌ی مخـترعین و خوشنویسان عالم است. در سنین جوانی به سال ۱۱۸۵ در اصفهان وفات یافته، در قبرستان کوچک مقابل تکیه‌ی میر مدفون است.

در بدایع و نوادر گوید: غالب به مالاریا مبتلا بوده.

از اشعار اوست:

جز دام تو جای دیگرم نیست

حاجت به شکستن پرم نیست

آه از شب هجران تو و روز قیامت

کان را شبی از پی نه و آن را سحری نیست

در شعر «خموش» تخلص داشته، و در فن شکسته نویسی به حدی ترقی کرد که رونق خط شفیعا را شکسته.

حاجب شیرازی درباره‌ی او گوید:

ای گشته مثل ز خوشنویسی ز نخست

مفتاح خزاین هنر خامه‌ی توست

تا کرده خدا لوح و قلم را ایجاد

ننوشت کسی شکسته را چون تو درشت

آذر مؤلف «تذکرهٔ الشعراء» در ماده تاریخ وفات او گوید:

«شده ایوان جنان منزل درویش مجید» (۱۰۸۵)

دیوان اشعار او در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه طهران موجود است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

طالقانی، علی محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۲ -۱۲۳۳ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در نوجوانی به نجف رفت و چند سال در درس و بحث شیخ محمد حسن نجفی، صاحب «جواهر»، شرکت کرد. سپس به زادگاهش بازگشت و پس از چندی برای بار دوم به نجف رفت و در محضر شیخ انصاری و ملا آقای دربندی و شیخ راضی نجفی حاضر شد تا به مدارج عالی فقه و فقاهت دست یافت و در ایام غیبت شیخ انصاری به جای او اقامه‌ی نماز کرد. در ۱۲۸۸ ق به ایران بازگشت و ساکن تهران شد و به تدریس و انجام سایر وظائف دینی پرداخت و تا پایان این عمر به تدریس و تصنیف مشغول بود. از آثارش «تقریرات» بحث استادانش صاحب «جواهر» و شیخ انصاری می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۱۹ -۱۶۱۸ / ۱۴).

طالقانی، محمد صائب

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن نیم‌ربعی، جلد روغنی عالی، نسخ کتابت متوسط و رفاع خفی متوسط با رقم: «تم الکلام الحمید و الفرقان المجید فی رابع عشر شهر جمادی‌الاول بید المستغفر... ابن محمد نصیر. محمد صائب الطالقانی» «فی عام اربع و ثلثین و مائة بعدالالف من الهجرهٔ» ۱۱۳۴ در کتابخانه‌ی سلطنتی.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

طالقانی، محمد کاظم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید حسین. عالم زاهد فاضل، متوفی به سال ۱۱۱۷، قبرش در خارج تکیه‌ی میرزا رفیعا بوده؛ و اکنون جزو اراضی فرودگاه می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

طالقانی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدتقی بن السید العلامه السید احمد ابن العلامه الجلیل السید محمدتقی می‌باشد.

وی در سال فوت مرحوم جدش علامه سید محمدتقی ۱۳۲۵ ق در تهران متولد و لذا بنام جدش موسوم گردیده است والده

ماجده‌اش خواهر زاده علامه بزرگوار تهرانی مرحوم آیت‌اللّه آقا شیخ آقا بزرگ صاحب (الذریعه الی تصانیف الشیعه) بوده است.
(وف ۱۳۲۵ ق)، عالم دینی و فقیه. نسبش به امامزاده سید نصرالدین از فرزندزادگان امام باقر (ع) می‌رسد. در نجف از محضر شیخ انصاری و علامه سید حسین کوه کمری و دیگران استفاده نمود و از جمعی از علمای بزرگ همچون علامه سید مهدی قزوینی و علامه کوه‌کمری و فاضل ایراوانی و علامه شیخ زین‌العابدین مازندرانی و شیخ محمد حسین کاظمی و علامه سید علی، مؤلف «البرهان» و دیگران به دریافت اجازه نایل شد. وی در حدود ۱۳۰۰ ق به تهران بازگشت و به انجام وظائف دینی پرداخت تا درگذشت. او در مسجد ماشاءالله شهر ری جنب قبرستان ابن‌بابویه مدفون شد. از آثار وی «المظاهر العقلیه»، در اصول دین و اجتهاد و تقلید و فروع فقهی است. بر این کتاب اجازه‌ی فاضل ایروانی و سید محمد تقی قزوینی، در ۱۲۹۵ ق، مکتوب است.[۱]
السید محمدتقی بن السید احمد بن السید محمد بن السید احمد الحسینی اوزانی طالقانی والد مرحوم سید احمد آنف الذکر که نسبش بامامزاده جلیل‌القدر سید نصیرالدین مدفون در خیابان (خیام) امروز منتهی و از آن بزرگوار بامامزاده واجب التعظیم و لازم التکریم حضرت سلطان علی بن الامام الهمام ابی‌جعفر محمد الباقر علیه‌السلام مدفون (در اردهال) کاشان و معروف به مشهد قالی منتهی میشود.
وی در نجف اشرف از محضر شیخ انصاری و علامه سید حسین کوهکمری و دیگران استفاده نموده و از جمعی از علماء بزرگ مانند علامه سید مهدی قزوینی و علامه کوهکمری و فاضل ایروانی و علامه شیخ زین‌العابدین مازندرانی و شیخ محمدحسن کاظمی و علامه سید علی مولف (البرهان) و دیگران بدریافت اجازه اجتهاد و غیره نائل شده و حدود ۱۳۰۰ ق به تهران مراجعت و قیام بوظائف دینی نموده تا در محرم سال ۱۳۲۵ ق وفات و در مسجد ماشاءاللّه شهر ری در جنب قبرستان ابن‌بابویه مدفون گردیده است.
دارای تألیفات عددیه مبسوطه که از آنها است (المظاهر العقلیه) می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۶۴ / ۲۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۴۴ -۲۴۳ / ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۰۶ -۵۰۵ / ۴).

طالقانی، محمدجعفر

قرن:۱۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ملا محمدجعفر طالقانی از بزرگان علماء عصر خود بوده است فرزند آن مرحوم ملا محمد معروف به فرشته است که در برغان مرحوم شده و قبر شریفش جنبه مزاریت دارد.
ملا محمد فرشته دارای سه پسر بوده‌اند ۱- آیت‌اللّه حاج ملا محمدتقی ۲- آیت‌اللّه حاج ملا محمدصالح ۳- حجهٔ‌الاسلام حاج ملا علی.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طالقانی، محمدحسن

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محمدحسن طالقانی بن العالم الجلیل آخوند ملا عبداللّه طالقانی از مشاهیر علماء و معاریف دانشمندان تهران بودند. در سال ۱۲۸۷ ق متولد شده و در سن ده سالگی باتفاق والد ماجدش به تهران منتقل و در مدرسه حاج رجبعلی خان مشغول بتحصیل شده و پس از خواندن مقدمات واجبات در سن ۱۶ سالگی باصفهان مسافرت نموده و در آنجا از محضر و درس مرحوم آیت‌اللّه حاج محمدباقر درچه‌ای (استاد مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی) و آیت‌اللّه ابوالمعالی کرباسی و دیگران استفاده نموده و دروس عقلی و فلسفی را از مرحوم میرزا جهانگیرخان حکیم قشقائی و مرحوم حجهٔ‌الاسلام آخوند ملا محمد کاشی بهره‌مند شده و بعد از بیست سال توقف در آن سامان برای دیدار والدین مسافرتی به تهران نموده سپس مراجعت به اصفهان و بعد از چند سال توقف ثانی و تدریسی و تدرس در اوائل مشروطیت به تهران رحل اقامت افکنده و در مدرسه دارالشفا و محمودیه مشغول بتدریس فقه و اصول گردیده و در مسجد سیف‌الدوله که اکنون به مسجد طالقانی معروف است در خیابان شاه‌آباد به اقامه جماعت و ترویجات دینی پرداخته تا در سال ۱۳۷۱ ق که دعوت حق را در سن ۸۴ سالگی لبیک گفته و جنازه‌اش با تجلیل فراوان حمل بقمر و در مسجد بالا سر در جوار حضرت معصومه علیهاسلام بخاک سپرده شدند.
نگارنده گوید: مرحوم آیت‌اللّه طالقانی مجسمه تقوا و فضیلت و پیکره زهد و پارسائی و دارای ملکات فاضله و اخلاق حسنه و در تهران بالاخص محیط شاه‌آباد محبوبیت خاصی داشته و مورد توجه و علاقه مردم بودند.
از آثار علمی ایشان رساله‌ای در لباس مشکوک و رساله‌ای در غصب بیادگار مانده است.
(۱۳۷۱ -۱۲۸۷ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در ده سالگی به اتفاق پدر به تهران آمد و در مدرسه‌ی حاج رجبعلی‌خان مشغول تحصیل شد و پس از خواندن مقدمات،در شانزده سالگی به اصفهان رفت و از محضر درس آیت‌الله محمد باقر درچه‌ای، استاد آیت‌الله بروجردی، و آیت‌الله ابوالمعالی کرباسی و دیگران استفاده‌ها نمود. دروس عقلی و فلسفی را از میرزا جهانگیرخان حکیم قشقایی و حجه‌الاسلام آخوند ملا محمد کاشی بهره‌مند شد. بعد از بیست سال توقف در آن سامان، برای دیدار والدین به تهران

آمـد. سـپس به اصـفهان مراجعت کرد و بعـد از چنـد سال تـدرس و تدرس به تهران بازگشت و در مدرسه‌ی دارالشـفاء و محمودیه مشـغول به تدریس فقه و اصول گردید و در مسـجد سیف‌الدوله (طالقانی) نیز به اقامه‌ی جماعت و ترویجات دینی پرداخت. فضائل اخلاقی وی مورد توجه خاص و عام بود. پس از درگـذشت، پیکرش در مسجد بالاسر قم در جوار حضـرت معصومه (ع) به خاک سپرده شد. از آثارش: رساله‌ای در «لباس مشکوک»؛ رساله‌ای در «غصب».[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۵۰۷ -۵۰۶ / ۴).

طالقانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجت‌الاسـلام والمسـلمین آقای حاج سـید محمـدرضا آل محمد طالقانی از علماء اعلام قم و قدماء حوزه علمیه است که به فضل و کمـال موصـوف و سالهـاست در قـم بـه اقـامه جمـاعت و خـدمات دینی و روحی اشتغال دارد نسب این بزرگـوار به امـامزاده سید نصـرالدین مـدفون در تهران در خیابان خیام دارای قبه و بارگاه می‌باشد می‌رسد و آن جناب با مرحوم آیت‌الله حاج سید ابوالحسـن طالقـانی و مرحوم آیت‌الله حـاج سـید احمـد طالقـانی و کلیه اعلاـم طالقـان که در تهران و نقاط دیگرنـد بنی‌اعمام و از یک سلسله می‌باشند.

ولادت ایشان حدود ۱۳۳۰ قمری در طالقان واقع شـده و پس از رشد و طی مقدمات به تهران و از آنجا به قم مهاجرت نموده و پس از تکمیـل سـطوح از آیـات عظام و مدرسین والامقام حوزه به درس مرحوم آیت‌الله حایری و پس از وی به درس مرحومین آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونسـاری و بعـد بـالغ بر هیجـده سال از ابحاث علامه الکبری و زعیم الاعلی آیت‌الله العظمی بروجردی رحمهم‌الله استفاده نموده و ضمنا در محل خود به ترویج دین و اقامه جماعت و غیره اشتغال دارند.

نسب شـریف ایشـان و کلیه سـادات طالقـانی تهران و قم منتهی به امـامزاده سـید نصـرالدین تهران و از او به امامزاده واجب‌التعظیم و لازم‌التکریم جناب ابوالحسن سـلطان علی بن امام الهمام ابی‌جعفر محمدالباقر علیه‌السـلام مدفون در مشهد قالی کاشان شهید در روز هفـدهم مهرماه (هفـدهم پائیز) می‌شود و همه ساله در روز مـذکور ده‌ها هزار نفر از اطراف بلاد در آن محل حاضـر شـده و مراسـم خاصی را از برداشتن قالی و غیره انجام می‌دهند و نگارنده چندین مرتبه در آن مراسم شرکت داشته و ناظر بوده‌ام.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

طالقانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۵۸ -۱۲۸۹ ش)، عـالم دینی، مفسر، فقیه، محقق و نویسـنده. در قصـبه گلیرد طالقان به دنیا آمـد. تحصـیلات مقـدماتی را در تهران گذراند و در ۱۳۰۵ ق به قم مهاجرت کرد و چندین سال از محضر اساتیدی جون آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خوانسـاری بهره برد. او آن‌گـاه در مـدرسه‌ی سـپهسالار (شـهید مطهری فعلی) به تـدریس پرداخت. در ۱۳۱۸ ش بر اثر مخـالفت با دولت پهلـوی به شـش مـاه زنـدان محکوم گشت. پس از درگـذشت اسـتادش، آیت‌الله حـایری، و پـدرش، آیت‌الله سید ابوالحسـن طالقـانی، در تهران مقیـم گشت و در مسـجد هـدایت به تفسیر قرآن و ترویـج دین و انشـتار مقالاـت مـذهبی و دیگر وظـایف دینی مشغول شد. در ۱۳۲۰ ش اولین مقاله‌ی خود را در مجله‌ی «دانش‌آموز» پیرامون اوضاع تاریک مسلمین نوشت. پس از جنگ جهانی دوم به طور جـدی و ارد فعالیتهـای سیاسـی شـد و تـا پایـان عمر از زنـدانی به زنـدانی رفت و بیش از ده بـار زنـدانی شـد. او عالمی روشـنفکر و مبارزی بیداردل بود. در ۱۳۳۴ ش با نوشـتن ترجمه و شـرح کتاب «تنبیه الامه و تنزیه المله» علامه نایینی، دروان خفقان پس از کودتای ۲۸ مرداد را پیش‌بینی و خاطرنشـان کرد که، با وجود اسـتبداد، رشـد علمی و اخلاقی ممکن نیست. آیت‌الله طالقانی در ۱۳۵۷ ش از طرف امـام خمینی بـه ریـاست شـورای انقلاـب و در ۱۳۵۸ ش به سـمت اولین امـام جمعه تهران- بعـد از انقلاـب- منصوب و با رأی مردم به نمایندگی مجلس خبرگان انتخاب شد. آیت‌الله طالقانی در ۱۹ شهریور از دنیا رفت و در کنار شهدای ۱۷ شهریور در بهشت زهرا (س) اقامت جاوید گزید. از آثار وی: «اسـلام و مالکیت»؛ ترجمه‌ی «الامام علی بن ابی‌طالب (ع)» عبدالفتاح عبـدالمقصود؛ «بسوی خـدا می‌رویم (با همه به حـج می‌رویم)»؛ «پرتوی از قرآن»، تفسیر جزء سـی‌ام قرآن و سوره‌ی حمـد و بقره و آل‌عمران؛ ترجمه و شرحی بر «نهج‌البلاغه»؛ «مبعث، وحی، غار حرا»؛ «گفتارهای دینی، اجتماعی، اخلاقی، فلسفی، تربیتی».[۱]

آقای حاج سید محمود بن العلامه الورع آیت‌اللّه حاج سیـد ابوالحسن طالقانی از افاضل علماء و مجاهدین دانشـمندان عصـر حاضـر تهرانست تولدش حدود سال ۱۳۳۰ قمری در تهران واقع شـده و در حجر تربیت والد ماجدش پرورش یافته و تحصـیلات خود را در تهران شـروع و پس از آن مهاجرت به قم و چنـدین سال از محضر اساتید حوزه مخصوص مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه حجت کوهکمری و آیت‌اللّه حـاج سیـد محمـد تقی خونساری اسـتفاده نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه حایری و والـد خود به طهران آمده و در مسـجد خیابان اسلامبول (مسجد هدایت) اقامه جماعت و تنویر افکار جوانان و غیره نموده و در راه هدف خود حوادث و بلیاتی را تحمل نموده است.

نگارنده گوید: علامه طالقانی معاصر عالمی مبارز و دانشمندی مجاهد است بسهم خود خدمات ارزنده‌ای نموده و موجب هدایت و

ارشاد بسیاری از جوانان و روشن فکران گردیده و نیز آثار عدیده آموزنده‌ای بطبع رسانیده است که از آنهاست:
۱- پرتوی از قرآن چهار مجلد، دو جلد از اول قرآن و دو جلد از آخر قرآن که تفسیر بسیار زیبائی است از جهت مطلب و قلم ۲- ترجمه و مقدمه کتاب عبدالفتاح بنام طلوع خورشید.

محقق، عالم اسلامی، مجتهد.

تولد: ۱۲۸۲، یکی از روستاهای اطراف طالقان.

درگذشت: ۱۹ شهریور ۱۳۵۸، تهران.

آیت‌الله سید محمود طالقانی تحصیلات خود را در قزوین شروع کرد و دوره سطح را در تهران به پایان رسانید. اساتید ایشان آیت‌الله محمدحسن اصفهانی، آیت‌الله میرزای شیرازی و آیت‌الله سید حسن صدر بودند. در قم نیز استادان وی آیات عظام کوه‌کمره‌ای و خوانساری بودند. پس از سال‌ها تحصیل در قم از آیت‌الله العظمی حائری یزدی بنیانگذار حوزه‌ی علمیه‌ی قم اجازه‌ی اجتهاد گرفت. آیت‌الله طالقانی در مدرسه‌ی سپهسالار به آموزش علوم اسلامی پرداخت. در حدود سال ۱۳۱۸ الی ۱۳۲۰ به تفسیر قرآن در مسجد قنات‌آباد پرداخت. اولین بار به سبب دفاع از یک زن محجبه در سال ۱۳۱۸ زندانی شد. بعد از شهریور ۱۳۲۰ دست به تشکیل کانون اسلام در خیابان امیریه زد که در آن یک سلسله سخنرانی‌هایی ایراد می‌شد. همچنین در این کانون مجله‌ای به نام «دانش‌آموزان» منتشر می‌شد. از جله همکاران این مجله مهندس مهدی بازرگان بود که اساس دوستی آن دو و همچنین دکتر عزت‌الله سحابی از همین جا آغاز شد. در همین دوره است که انجمن اسلامی دانشجویان با همکاری مهندس بازرگان و دکتر سحابی تشکیل می‌شود. آیت‌الله طالقانی در تشکیل و تأسیس اتحادیه مسلمین هم نقش فعالی داشت.

علاوه بر این فعالیت‌ها، در ترجمه و تدوین موضوعی نهج‌البلاغه با آقای حاج میرزا خلیل کمره‌ای همکاری نزدیک داشت. وی بعد از واقعه آذربایجان در سال ۱۳۲۵، از طرف اتحادیه مسلمین و جامعه روحانیت آن روز برای سرکشی به حوادث آذربایجان به آنجا سفر می‌کند و گزارشی تهیه می‌نماید.

در دوره‌ی ملی شدن صنعت نفت در مبارزات مردم شرکت داشت و در انتخابات دوره‌ی هفدهم مجلس شورای ملی از طرف مردم شمالی نامزد نمایندگی مجلس شد که مورد پشتیبانی مردمی قرار گرفت ولی انتخابات آن ناحیه مانند بعضی از نواحی دیگر انجام نگرفت و به دستور دولت برای جلوگیری از اخلالگری‌ها انتخابات آنجا تعطیل شد. بعد از کودتای بیست و هشت مرداد مبارزه را به صورت پنهانی در نهضت مقاومت ملی ادامه داد و همچنان در منبر و جلسات مسجد هدایت برای مردم سخن می‌گفت.

در سال ۱۳۳۴ فدائیان اسلام مدتی در منزل طالقانی پنهان شدند تا این که مأموران طنین می‌شوند ولی چند ساعت قبل از اینکه مأموران به خانه بریزند، نواب و دوستانش از منزل طالقانی خارج می‌شوند و بعد از آن مأموران سر می‌رسند و وی را دستگیر می‌کنند که مدتی در بازداشت بود ولی چون مدرکی علیه او وجود نداشت، آزاد می‌شود، مجددا در سال‌های ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ نیز بار دیگر سید مجتبی نواب‌صفوی، از اعضای فداییان اسلام را، در اطراف دهات طالقان مخفی می کند.

در سال ۱۳۳۶ نیز توسط ساواک دستیگر شد که بیش از یک سال در زندان به سر برد . با آیت‌الله مرتضی مطهری همکاری نزدیک داشت و در تابستان سال ۱۳۳۹ در انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی به جبهه ملی دوم پیوست، جلسات وی در مسجد هدایت توسط حکومت تعطیل می‌شود و بعد از مدت کوتاهی آن جلسات در منزل احمد علی بابایی به مدت ده شب در دهه‌ی آخر ماه صفر ادامه پیدا می‌کند و همراه با آیت‌الله مطهری به تحلیل مسایل اجتماعی و سیاسی و روشنگری و افشاگری حقایق می‌پردازد.

در بیست و دوم خرداد ۱۳۴۲ دوباره دستگیر شد. پس از مدتی در شانزدهم دی ۱۳۴۲ او را به ده سال زندان محکوم کردند. فعالیت‌های او در زندان عبارت بود از برقراری جلسات قرآن، نهج‌البلاغه و تاریخ اسلام بود. آیت‌الله طالقانی همچنین توانست نخستین نماز جماعت در زندان را برپا نماید.

ایشان در کنفرانس‌هایی در کشورهای اسلامی به عنوان نماینده آیت‌الله کاشانی یا آیت‌الله بروجردی شرکت می‌کرد.

در عید سعید فطر سال ۱۳۴۸ به مسئله‌ی فلسطین پرداخت و پس از خطبه‌ها مردم به پیروی از او گروه گروه به طرف محراب رفتند و فطریه خود را برای کمک به فلسطین هدیه کردند. روز عید فطر ۱۳۵۰ دستگیر و به زابل تبعید شد. آیت‌الله طالقانی دو سال بدون محاکمه، شکنجه‌های روحی و جسمی را در زندان تحمل کرد. در سال ۱۳۵۶ سه سال را در بدترین شرایط در زندان گذراند. سرانجام در پاییز ۱۳۵۷ همراه با دیگر زندانیان سیاسی از زندان آزاد گردید.

در محرم سال ۱۳۵۷ برابر با یازده آذر پیامی برای مردم ایران فرستاد. ایشان همچنین به پیروی از امام در دهم بهمن ۱۳۵۷ پیامی برای ارتشی‌هایی که با ملت همدل بودند فرستاد. در تشکیل مجلس خبرگان به عنوان نماینده اول مردم تهران انتخاب شد. وی همچنین امام جماعت نخستین نماز جمعه در پنج مرداد ۱۳۵۸ بود. ایشان هفت نماز جمعه برگزار کرد که آخرین آن در بهشت زهرا در شانزده شهریور ۱۳۵۸ بود.

آیت‌الله طالقانی برای پایان یافتن درگیری‌های کردستان به همراه آیت‌الله سید محمدحسین بهشتی و حجت‌الاسلام علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی به آنجا سفر کردند.

از جمله آثار اوست: پرتوی از قرآن (۱۳۴۲، تنظیم شده در زندان قصر)؛ مقدمه، توضیح و تعلیقه بر تنبیه الامهٔ و تنزیه الملهٔ؛ اسلام و مالکیت (۱۳۳۰)؛ ترجمه جلد اول کتاب امام علی بن ابیطالب (نوشته عبدالمفتاح عبدالمقصود، ۱۳۳۵)؛ به سوی خدا می‌رویم؛ با هم به حج می‌رویم (۱۳۳۲)؛ پرتوی از نهج‌البلاغه؛ آینده‌ی بشریت از نظر مکتب ما؛ آزادی و استبداد؛ آیه حجاب؛ مرجعیت و فتوا؛ مبحث وحی؛ غار حرا (۱۳۶۸ ق.)؛ درسی از قرآن؛ درس وحدت؛ گفتارهای دینی، اجتماعی، اخلاقی، فلسفی، تربیتی (گفتارهای رادیویی وی در سال‌های ۱۳۲۵ و ۱۳۲۷ ،۱۳۲۶)، روزها و خطابه‌ها، خطبه‌های نماز جمعه، مقدمه‌ای بر انجیل برنابا (ترجمه سردار کابلی)؛ مقالات منتشره در مجلات مختلف.

آیت‌الله سید محمود طالقانی در ساعت یک و چهل و پنج دقیقه بامداد دوشنبه نوزدهم شهریور ۱۳۵۸ جان سپرد و در بهشت زهرا به

خاک سپره شد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۲۶۹ -۲۶۸ / ۲)، آینه‌ی دانشوران (۵۱۴ -۵۱۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۷۷ -۵۷ / ۸)، مستدرکات اعیان (۲۱۹ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۱ -۵۰ / ۶).

طالقانی، محی‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محی‌الدین طالقانی بن السید الجلیل سید کاظم از علماء با فضل و تقوای معاصر تهران بودند که در یکی از قراء طالقان بدنیا آمده و از بدو عمر اشتغال بتحصیل علوم دینیه داشته و پس از طی مقدمات در محل در سن شانزده سالگی به تهران آمده و ادبیات و سطوح را از مرحوم میرزا طاهر تنکابنی و ابوالزوجه خود مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید ابوالحسن طالقانی مذکور خوانده و در سال ۱۳۴۲ قمری مهاجرت به قم نموده و مدت ۹ سال از محضر مرحوم آیت‌اللَّه خونساری و آیت‌اللَّه العظمی حایری بهره‌مند گردیده علم اصول و اخلاق را از مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ مهدی حکمی قمی فراگرفته و در شوال ۱۳۵۱ ق بنابر تقدیر الهی که مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید ابوالحسن طالقانی وفات نمود برای انجام وصیت ایشان به تهران آمده و پس از انفاذ وصیت مجددا معاودت به قم نموده و در آن موقع جماعتی از محترمین محله قنات آباد تهران به قم آمده و از مرحوم آیت‌اللَّه حایری تقاضای ایشان را نموده و آن مرحوم هم وی را ملزم برفتن تهران نمودند و ایشان پس از ورود به آنسامان تا آخر عمر به انجام وظائف دینی و روحی پرداخته و در مسجد مقدس اقامه جماعت نموده و نشر معارف اسلام و مذهب جعفری نموده است.

از آثار ایشان است: ۱- شرح زیارات وارث ۲- شرح دعاء ندبه ۳- رساله مفتاح السعاده ۴- رساله در اثبات افضلیت مومنین عجم بر عرب.

(س چهاردهم ق)، عالم دینی. در یکی از روستاهای طالقان به دنیا آمد. از کودکی به تحصیل علوم دینی پرداخت و پس از طی مقدمات در طالقان، در شانزده سالگی به تهران آمد و ادبیات و سطوح را از میرزا طاهر تنکابنی و آیت‌الله سید ابوالحسن طالقانی، پدر همسر خود، فراگرفت. در ۱۳۴۲ ق به قم مهاجرت کرد و مدت نه سال از محضر آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله حایری بهره‌مند گردید. علم اصول و اخلاق را از آیت‌الله شیخ مهدی حکمی قمی فراگرفت. برای مدت کوتاهی به تهران آمد ولی دوباره به قم بازگشت.اما به درخواست مردم قنات‌آباد تهران و الزام آیت‌الله حایری، مجددا به تهران آمد و در محله قنات‌آباد به انجام وظائف دینی پرداخت. از آثارش: شرح «زیارت وارث»؛ شرح «دعاء ندبه»؛ رساله‌ی «مفتاح السعاده»؛ رساله در «اثبات افضلیت مؤمنین عجم بر عرب».[۱]

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۵۱۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۱۲ -۵۱۱ / ۴).

طالقانی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ مرتضی طالقانی قدس اللَّه روحه از علماء ابرار و مدرسین اخبار حوزه علمیه نجف و تا آخر عمر به تجرد گذرانیده و مقیم مدرسه سید یزدی صاحب عروةالوثقی بودند و در همانجا در سال ۱۳۶۴ قمری دار فانی را وداع گفتند.

وی در حدود ۱۲۸۰ قمری در طالقان قزوین به دنیا آمده و در محیط آرام و باصفای کوهستانی طالقان پرورش و پس از خواندن قرآن و فارسی در مکتب‌خانه آنجا به تهران و بعد از چندی به اصفهان عزیمت نموده و از محضر علماء بزرگ آنجا مانند آیت‌اللَّه ابوالمعالی کرباسی و حکیم قشقائی و آخوند ملا محمد کاشی و دیگران استفاده نموده سپس مهاجرت به نجف اشرف و از محضر مرحوم علامتین آخوند خراسانی و علامه یزدی حاج سید محمد کاظم مرحوم شریعت اصفهانی و آیت‌اللَّه العظمی میرزا محمدتقی شیرازی و دیگران استفاده نموده و به تهذیب نفس و به تکمیل روح پرداخته و به کمالات معنوی و روحی رسیده و جداً معرض از دنیا گردیده و به تدریس و پرورش عده‌ای از محصلین مهذب و بارع پرداخته است.

نگارنده گوید: یکی از علماء ربانی را که در دوره زندگانی خود ملاقات نمودم این بزرگوار بود.

در سال ۱۳۶۲ قمری که در نجف اشرف اقامت داشتم گاه‌گاهی از محضر وی استفاده نموده و از منظر و سیمای نورانی او که آخرت را به یاد انسان می‌آورد بهره‌مند می‌شدم.

بسیاری از مراجع و دانشمندان بزرگ معاصر از محضر و تدریس او استفاده نموده و عده‌ای از پرورش یافتگان درس اخلاق و عرفان ایشانند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طالقانی، مسیح

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا مسیح طالقانی از علماء مبرز و مدرسین ممتاز مدرسه خان مروی تهران بوده و بسیاری از علماء بزرگ تهران مانند مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا عبداللّه سعید تهرانی و مرحوم حجهٔ‌الاسلام حاج شیخ مرتضی زاهد (حمام گلشنی) و دیگران از آن مرحوم استفاده نموده‌اند.

آن مرحوم در سال ۱۳۲۷ قمری از دنیا رفته و در قبرستان ابن‌بابویه در ایوان مقبره فیلسوف بزرگ و حکیم سترک سید المتالهین میرزا ابوالحسن جلوه اصفهانی مدفون گردیده و ماده تاریخ وفاتش آیه کریمه‌ی (لن یستنفک المسیح ان یکون عبداللّه) می‌باشد

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طالقانی، نظر علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۶ –۱۲۴۰ ق)، فقیه اصولی، متکلم، حکیم، حافظ، محدث و واعظ. او از شاگردان صاحب «جواهر» و شیخ انصاری بود. پس از تکمیل مبانی علمی در نجف به تهران آمد و در مدرسه‌ی مروی مقیم گشت و به تدریس و تألیف پرداخت و به مواعظ منبری اشتغال ورزید. او در کلام و فروع و اصول ماهر و در معقول و منقول صاحب نظر بود. در مشهد رضوی درگذشت و در جوار امام رضا (ع) دفن شد. از وی آثار سودمندی به عربی و فارسی باقی است که از آن جمله: «کاشف الاسرار»؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ «مناط الاحکام»، مشتمل بر دو فن: فنی در فروع و ظواهر و فنی در بواطن و سرائر؛ رساله در «حجیت خبر واحد»؛ رساله در «اشتراط الحس فی قبول الشهاده»؛ «اجتماع الامر و النهی»؛ «طراز المصائب»، در مقتل؛ رساله‌ای در «فنا».[۱]

ملا نظرعلی طالقانی عالمی فاضل و فقیهی کامل و حکیمی متکلم و اصولی متبحر و محققی مدقق و عابدی زاهد و واعظی ناصح و حافظ قرآن. مقیم تهران در عصر ناصرالدین شاه قاجار و مدرس مدرسه مروی و مایه فخر اسلامیان و حاوی فروع و اصول و جامع معقول و منقول از اکابر علماء امامیه و از تلامذه صاحب جواهر و بعد از وی از شاگردان شیخنا الانصاری قدس اللّه اسرارهم بوده است.

وی بعد از تکمیلات مبانی علمی به تهران آمده و در مدرسه مروی اقامت و به تدریس و تألیف کتب مفید پرداخته تا در سال ۱۳۰۶ ق که در مشهد رضوی از دنیا رفته و در جوار حضرت رضا علیه الصلوهٔ والسلام مدفون گردیده است.

از تألیفات ارزنده ایشان کتب زیر است ۱– اجتماع الامر والنهی ۲– اشتراط الحس فی قبول الشهاده ۳– حاشیه بر رسائل شیخ انصاری ۴– حجیهٔ الخبر الواحد ۵– رساله‌ای در فنا ۶– کاشف الاسرار که مکرر بطبع رسیده است ۷– مناط الاحکام.

مرحوم آیهٔ‌اللّه حاج میرزا هادی خراسانی که از علماء مجاورین کربلاء معلی بوده در کتاب (کرامات و معجزات) خود می‌نویسد که مرحوم حاج ملانظر علی طالقانی در هنگامی که در مدرسه خان مروی اقامت و اشتغال به تدریس داشتند وقتی چنان در مضیقه مالی قرار می‌گیرد که حتی چند روزی گرسنه مانده و چیزی که سد جوع و گرسنگی او را نماید به وی نمی‌رسد.

پس شبی با خود فکر می‌کند که صبر کردن با این فقر و پریشانی و عسرت کاری بس مشکل و به حدیث نبوی (کاد ان یکون کفرا) چه کنم نامه‌ئی به آیهٔ‌اللّه حاج ملا علی کنی مجتهد بزرگ و زعیم اعظم روحانیت تهران بنویسم و از حال خود اطلاع دهم مناعت طبع او وی را منع نموده و می‌گوید او هم‌نوع تو است نباید آبرو را نزد هم نوع خود ریخت.

نامه‌ای به شاه وقت بنویسم باز عقل و تقوای او نهی نموده و می‌گوید تو که آخوند درباری نیستی می‌خواهی حیثیت و ارزش روحانی خود را از دست بدهی و خود را در اختیار دولت و حکومت بگذاری نامه‌ای برای حضرت علی (ع) بنویسم باز با خود می‌گوید از حضرت علی (ع) باید علم و معرفت و تقوا و سعادت خواست نه دنیا زیرا خود آن بزرگوار دنیا را سه طلاقه نمود و وقتی برادرش حضرت عقیل چیزی زیادتر از جیره و حق خود طلبید دستش را با آهن گرم داغ کرد.

بالاخره پس از مدتی فکر می‌گوید هیچ بهتر از این نیست که نامه‌ای برای خدا بنویسم که همه جا حاضر و شاهد و قادر برای رفع حوائج بدون منت می‌باشد. پس نامه‌ای به این مضمون می‌نویسد از بنده گنهکار نظر علی طالقانی به پیشگاه حضرت باری تعالی جلت عظمته.

نامه‌ی طالقانی به خدا

بسم اللّه الرحمن الرحیم

پس از تقدیم حمد و سپاس و درود فراوان بر حضرت رسالت و خاندان طاهرین او معروض می‌گردد این بنده مبتلا به فقر و پریشانی گشته و در کمال مضیقه قرار گرفته‌ام و حوائج و نیازمندیهای ضروریم از این قرار است.

۱– منزل شخصی آبرومند اعیانی با تمام لوازم و مایحتاج آن.

۲– همسر جوان زیبا و قشنگی که در تهران کم‌نظیر باشد.

۳– یک نوکر زرنگ و یک کلفت و آشپز خوب و امین.

۴– یک کالسکه عالی و راننده آن برای رفت و آمدم.

۵– یک ده شش دانگی که تامین مخارج و معاشم را نماید.

۶– یک باغ زیبا در شمیران که در فصل تابستان در آنجا بسر برم.

۷– فلان مقدار پول نقد که قروض خود را ادا و آبروی خویش را حفظ نمایم

آدرس– مدرسه خان مروی دست چپ حیاط کوچک طبقه فوقانی.

حجره دوم نظرعلی طالقانی

پس نامه را در هنگام سحر برداشته و می‌برد لای درب مسجد شاه که در نزدیکی مدرسه مروی می‌باشد می گذارد.

و متوکلا علی اللّه برگشته و بعد از انجام وظائف دینی خود در حجره به روی خود بسته و می‌خوابد اتفاقا همان روز ناصرالدین شاه به عزم شکار از تهران خارج شده و به سوی شکارگاه سلطنتی که در قسمت شرقی تهران و بالای قریه (مسگرآباد) واقع است می‌رود که ناگاه باد تندی وزیده و طوفانی برخاسته و مانع حرکت کالسکه شاه می‌شود پس شاه دستور توقف می‌دهد تا باد ساکت و گرد و غبار نشسته و بتواند به مسیر خود ادامه دهد که گرده‌بادی رسیده به کالسکه شاه می‌خورد پس شاه چشم خود را بسته که خاک در او نرود احساس می کند چیزی روی دامان او گذارده شده فوراً دست فرابرده آن را می گیرد و می‌بیند که نامه‌ای می‌باشد. پس باد ایستاده و گرد و غبار نشسته شاه نامه را مطالعه می‌کند و می‌بیند که کسی برای خدا نوشته است فوراً شکر خدا نموده و فرمان برگشت به شهر داده و یکسره به منزل رئیس‌الوزراء وقت آمده و دستور احضار وزرا را می‌دهد.

وزرا در حالی که همگی ناراحت از انصراف شاه از شکار رفتن بودند به سرعت شرفیاب شده و تعجب می‌کردند که چرا شاه از رفتن شکار منصرف و به شهر برگشته‌اند پس چون همگی حاضر شدند شاه گفت بحمداللّه به شکارگاه نرسیده به صید خود رسیدیم و به بهتر از آنچه می‌خواستیم از شکار عایدمان گردد به فضل پروردگار بزرگ نائل شدیم.

پس نامه را از جیب بغل خود درآورده و جریان وزیدن باد تند و آوردن نامه را توضیح می‌دهد و می گوید ندانم بچه زبان و بیانی شکر و حمد خدا را بجا آوردم که بنده شرمنده خود ناصر را لایق دید و نامه بنده محتاج خود را به او رسانید تا رفع حوائج و نیازمندیهای او را بنماید.

پس (آجودان) و پیشکار مخصوص خود را با کالسکه سلطنتی به آدرس مزبور به مدرسه مروی فرستاده و آقای حاج ملا نظر علی طالقانی را می‌طلبد.

تمام طلبه‌ها تعجب نموده و خود شیخ به وحشت افتاده که شاه مرا برای چه می‌خواهد آیا کسی از طلبکاران شکایت مرا بشاه نموده است وقتی این تشریفات مخصوص را می‌بیند قدری تسکین او می‌شود تا بحضور شاه رسیده و در کنار مبل شاه جائی قبلا آماده شده بود به امر شاه می‌نشیند.

پس شاه می گوید اسم شما چیست می گوید.

– نظر علی.

– اهل کجائی.

– طالقان.

آیا نامه‌ای برای کسی و جائی نوشته‌ای بعد از مدتی می گوید آری برای خدا دیشب نامه‌ای نوشتم نامه‌ات را کجا گذاردی می گوید سحرگاه لای درب مسجد شاه گذارده‌ام.

پس شاه‌نامه را درآورده می گوید آیا این است نامه تو می گوید آری پس باز شکر خدا نموده و به وزرا می گوید کیست که در رفع حوائج ایشان شرکت نماید.

پس یک یک از حوائج مرقومه در نامه را می‌خواند.

۱– منزل شخصی خود شاه دستور می‌دهد یکی از منازل سلطنتی را با لوازم و آنچه در آنست بنام وی ثبت و مقرر نمایند.

۲– همسر جوان زیبا– یکی از وزراء عرض می کند قبله‌گاها با کسب اجازه از حضور اعلیحضرت این بنده دختری با این صفات دارم به ایشان تزویج نمودم.

۳– یک نوکر و یک کلفت یکی دیگر از وزراء معروض می‌دارم این دو را هم من تقبل نمودم.

۴– یک کالسکه... سومی می گوید این را هم من تقبل نمودم.

۵– یک ده شش دانگی... نخست‌وزیر می گوید اعلیحضرتا فلان قریه را که در شهریار دارم تقدیم شیخ نمودم.

۶– یک باغ زیبا... یکی از وزراء بعرض می‌رساند باغی در شمیران دارم اهداء نمودم.

۷– فلان مقدار پول نقد... خود شاه فوراً پرداخته و خلاصه آشیخ را که تا یک ساعت قبل فاقد همه‌چی بود دارای همه چیز می کند و مستقیماً از آنجا به منزل عالی سلطنتی می‌برند و دختر آن وزیر را هم ازدواج می‌کند و غیر از او چند عیال دیگر اختیار می‌نماید ولکن از هیچ کدام فرزندی نصیبش نمی‌شود تا در سال ۱۳۰۶ ق در مشهد رضوی از دنیا می‌رود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۷۸ / ۲۲ ،۲۳۴ / ۱۷ ،۱۵۹ / ۱۵ ،۶۲ / ۱۶ ،۲۶۹ / ۱)، علماء معاصرین (۲۸ –۲۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۷ –۱۳ / ۶)، المآثر و الآثار (۱۷۴)، مکارم الآثار (۱۱۲۹ / ۴).

طالقانی، نورالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید نورالدین بن مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محی‌الدین طالقانی از علماء دانشمندان معاصر تهران است. تولدش در تهران واقع شده و پس از پرورش در بیت علم و سیادت و خواندن مقدمات به قم مهاجرت نموده و چندین سال از محضر بزرگان و مراجع و مدرسین حوزه کسب علم و فضیلت نموده آنگاه به تهران مراجعت و بخدمات دینی و روحی پرداخته و در جای مرحوم والدش نیز

اقامه جماعت و رهبری مردم آن محیط را بعهده دارند، دارای تألیفات عدیده و آثار بسیاریست.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طالقانی، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا هادی عبادی طالقانی بن العلامه الایه الحاج شیخ محمدحسن طالقانی از افاضل این خاندان و داماد معظم مرحوم آیت‌اللَّه العظمی صدر بودند تولدش در تهران واقع و پس از خواندن دروس جدید تا حدود متوسطه برای تحصیلات علوم دینی به قم مهاجرت و ادبیات و سطوح را از مدرسین حوزه فراگرفته آنگاه بدرس خارج مرحوم آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه صدر و آیت‌اللَّه العظمی بروجردی قدس اللَّه اسرارهم شرکت نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی به تهران آمده و از طریق جلسات و مباحثات دینی خدماتی در حدود خود انجام داده تا در سال ۱۳۸۸ قمری که در سنین جوانی بدرود حیات گفته جنازه‌اش حمل به قم و در مقبره شیخان بخاک سپرده شده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طالقانی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج آقا یحیی عبادی طالقانی بن العالم الجلیل آیت‌اللَّه مرحوم حاج شیخ محمدحسن طالقانی از علماء بنام و افاضل کرام معاصر تهرانست در سال ۱۲۹۵ شمسی در تهران متولد شده و پس از خواندن دروس جدید تا پایه سیکل اول متوسطه شروع بتحصیل علوم عربی و دینی نموده و مقدمات را در تهران خوانده و برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۵۳ قمری بامر مرحوم والدش مهاجرت به قم نموده و ادبیات را خدمت مرحوم میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و سطوح را محضر مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید میرزا آقای ترابی دامغانی و آیت‌اللَّه العظمی مرعشی و آیت‌اللَّه حاج سید احمد زنجانی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید احمد لواسانی تکمیل نموده آنگاه بدرس خارج مرحوم آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللَّه صدر حاضر شده و چند سالی هم از فقه و اصول مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی استفاده کرده تا بدرجات سامیه علم رسیده و در سال ۱۳۷۱ قمری به تهران مراجعت و پس از فوت مرحوم والد در مسجد آن مرحوم که در خیابان ظهیرالاسلام شاه‌آباد واقع است به اقامه جماعت و ترویجات دینی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب حجهٔالاسلام آقای عبادی از دانشمندان باتقوا و متانت و مانند والدش بملکات فاضله اخلاقی و کمالات نفسانی و معنوی متصف و موصوف می‌باشند.

آثار علمی ایشان از اینقرار است ۱- رساله‌ای در جبر و تفویض ۲- اثبات امر بین‌الامرین ۳- تقریرات و دراسات مرحوم آیت‌اللَّه حجت مباحث الفاظ در اصول و لباس مشکوک در فقه.

آثار خیر آن جناب بسیار من جمله ۱- تعمیر اساسی مسجد طالقان ۲- تعمیر مسجد کوچک سراج‌الملک واقع در خیابان ملت ۳- تکمیل مسجد حسین‌آباد لویزان ۴- مساعدت به تأسیس دبستان اسلامی کنی در حسین‌آباد مزبور.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طاووس یمانی، ابوعبدالرحمان طاووس

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۶ -۳۳ ق)، مفسر، قاری، فقیه، محدث، زاهد و صوفی. اصلش ایرانی است، در یمن به دنیا آمد. ابن‌جوزی اسم او را ذکوان و لقب او را طاووس آورده و گوید از آنجا که او طاووس القراء بود به طاووس مشهور شد. او از بزرگان تابعین و از راویان ابن‌عباس و ابوهریره و فقیهی گرانمایه به شمار می‌آید. مجاهد و عمرو بن دینار از وی حدیث روایت کرده‌اند. در و عظ خلفا و سلاطین بسیار بی‌باک بود. ابن‌عیینه گوید: سه تن، از سلاطین به دور بودند: ابوذر، طاووس و ثوری. گفته‌اند که او چهل مرتبه حج کرد و چهل سال نماز صبح را با وضوی نماز عشاء خواند. شیخ طوسی او را از جمله اصحاب امام سجاد (ع) ذکر کرده، زیرا که وی راوی بعضی از ادعیه آن حضرت است. ابن‌قتیبه در «المعارف» به تشیع وی تصریح کرده و صاحب «روضات الجنات» او را در عداد فقهای شیعه شمرده، اما محدث نوری در «مستدرک الوسائل» آن را رد کرده و گوید که از هیچ یک از علما مطلبی دال بر شیعه بودن وی نقل نشده است. طاووس در مراسم حج، روز ترویه، درگذشت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۲۲ / ۳)، اعیان الشیعه (۳۹۶ -۳۹۵ / ۷)، التاریخ الکبیر (ج ۲ ق ۳۶۵ / ۲)، تهذیب التهذیب (۱۰ -۹ / ۵)، الجرح و التعدیل (ج ۲ ق ۵۰۱ -۵۰۰ / ۱)، حلیه الاولیاء (۲۳ -۳ / ۴)، رجال طوسی (۹۴)، روضات الجنات (۱۳۹ -۱۳۶ / ۴)، ریحانه

(۲۳ –۲۱ / ۴)، سیر النبلاء (۴۹ –۳۸ / ۵)، شذرات الذهب (۱۳۴ –۱۳۳ / ۱)، طبقات ابن‌سعد (۷۰ –۶۶ / ۶)، العبر (۹۹ / ۱)، الکنی و الالقاب (۴۴۱ –۴۳۹ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ طاووس)، المعارف (۲۶۸)، النجوم الزاهره (۳۳۱ / ۱)، وفیات الاعیان (۵۱۱ –۵۰۹ / ۲).

طاووسی، جلال‌الدین یعقوب

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، عالم و ریاضیدان. از دانشمندان و ریاضیدانان مشهور عهد خویش بود. وی را استاد شرف‌الدین علی یزدی (م ۸۵۰/ ۸۳۰ ق) می‌دانند. شرف‌الدین نیز در کتاب «کنه المراد فی علم الوفق والاعداد» خود از او نام برده و در اثنای بسیاری از مربعاتی که برای استخراج عدد مطلوب ذکر کرده جمله‌ی (عمل جلال‌الدین یعقوب بن محمد) را آورده است. بعضی از تذکره‌ها کتابی به نام «کنه المراد» و خلاصه‌ی آن در وفق اعداد را، در سه لوح و مقدمه و خاتمه، به وی نسبت می‌دهند. در «تاریخ نظم و نثر» آمده که وی کتابی به نام «کنه المراد فی وفق الاعداد» تألیف کرده و سپس «رساله‌ی حساب» خود را، به فارسی، از آن استنباط نموده است. صاحب «تاریخ ادبیات در ایران» نیز آورده که یعقوب طاووسی درباره‌ی «حساب العقود» کتاب فارسی مشروحی در یک مقدمه و سه لوح و یک خاتمه تألیف کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۷/ ۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۶۹)، الذریعه (۱۷۷ –۱۷۶/ ۱۸)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۵۲ –۱۵۱/ ۹)، کشف‌الظنون (۱۵۲۱)، لغت‌نامه (ذیل/ یعقوب).

طاها، منیره

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

منیره طاها، فرزند حسین طاها به سال ۱۳۰۹ خورشیدی در شهرستان تبریز متولد گردید و پس از طی تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی وارد دانشگاه شد و در رشته ادبیات به تحصیل پرداخت و موفق به اخذ دکترای ادبیات گردید.

وی یکی از بانوان فاضل و ادب‌دوست و شاعره و غزلسرایی بنام است و مانند استاد شهریار که از مردان بزرگ و شعرای نامدار خطه آذربایجان است وی نیز از زنان بزرگ و شعرای نامدار آن سامان است.

«تو کردی»

مرا عاشقی شیدا فارغ از دنیا تو کردی (۲ مرتبه)

مرا عاقبت رسوا، مست و بی‌پروا تو کردی (۲ مرتبه)

نداند کس جانا چه کردی چه‌ها کردی با ما چه کردی (۲ مرتبه)

دو چشمم را دریا در افشان گوهرزا تو کردی (۲ مرتبه)

روان از چشم ما گوهرها دریاها تو کردی (۲ مرتبه)

نه یکدم از جورت فغان کردم

نه دستی سوی آسمان کردم

منم اکنون چون خاک راهی

غباری در شام سیاهی

اگر مهری رخشد تو آن مهری

اگر ماهی تابد تو آن ماهی

اگر هستی باید تو هستی

اگر بودی باید، تو بودی

بی‌لطف و صفا باشدی به خدا

بی‌تو هستی‌ها

از دیدارت از رخسارت

پیدا کنم سرمستی‌ها

مشکی، عودی، منیر بزم‌آرایی

چنگی، رودی، (۲ مرتبه)

«بهار من»

ای بهار من ای نگار من

بیا بیا بنشنی ببرم– که بی‌تو از خود بی‌خبرم تو راحت جانی

می بجام تو– غم بکام تو

بساغری بنشان شررم– بیا بیا بنشین ببرم– بعهد و پیمانی

می‌سوزد همه پیکر من- بنشان با لبت اخگر من- بشکن ساغر و می بسر من
که نشنوی فریاد مرا- چو برکنی بنیاد مرا- بجور و بیدادی
چو جام جانم را شکنی- اگر نظر بر ما فکنی- چه جای فریادی
ای ساقی گل سیما- بنما کرمی با ما- یک جرعه شرابی ما را
مست از می نابم کن- از پیاله خرابم کن- پرکن قدح مینا را
ماییم و گدای خانه می
شد ای دل ما ویرانه می
بنگر به دل بشکسته ما
در پای خود ای مستانه می
با ما... مستی... با ما مستی‌ها تا کی
بیا بیا بنشین ببرم- که بی‌تو از خود بی‌خبرم- تو راحت جانی
بساغر می بنشان شررم- بیا بیا بنشین ببرم بعهد و پیمانی
برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

طاهایی میبدی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

درگذشت: ۱۳۶۲.

سید محمد طاهایی میبدی صاحب کتابی است به نام جلوه محبوب یا دیوان مجذوب، شامل اشعار عرفانی است که به سال ۱۳۵۲ با مقدمه محمود شاهرخی در تهران به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

طاهر ابیوردی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. اهل ابیورد بود و از شاعران نامی خراسان در قرن نهم هجری. طاهر در روزگار سلطان بایسنقر میرزا (۸۳۸ -۸۰۲ ق) می‌زیست و بیتشر غزل می‌سرود. وی از شاگردان عصمت بخاری و از معاصران بساطی سمرقندی و خیالی بخارایی (م ۸۷۰ ق) بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۲۸۷ / ۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۰۶)، تذکره‌ی روز روشن (۴۹۵)، تذکره الشعراء (۵۳۱، ۴۰۳)، الذریعه (۶۴۰ / ۹)، لغت‌نامه (ذیل/ طاهر).

طاهر اردبیلی، محمد کاظم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۸۵ ق)، شاعر، متخلص به طاهر. روزگار به زرگری می‌گذراند و از قدرت شعر نیز بهره‌مند بود. در اصفهان درگذشت. از آثار وی «دیوان» شعر، که نسخه‌ای از آن در کتابخانه‌ی ملک موجود است، مشتمل بر حدود هفتصد بیت شعر در قالب‌های مثنوی، غزل و رباعی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۸۹ -۸۷ / ۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۲۷ -۳۲۶)، دانشمندان آذربایجان (۲۴۹ -۲۴۸)، الذریعه (۶۵۴ / ۹)، سخنوران آذربایجان (۵۷ -۵۶).

طاهر اصفهانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط. از کتیبه‌نویسان زبردست و توانا بود. از آثار وی، کتیبه‌های سردر رباط شیخعلی‌خان، در اصفهان، بنا شده

در ۱۰۹۸ ق، است که به خط نستعلیق خوش نوشته شده است، با رقم: «عمل استاد طاهر ولد استاد رضا الاصفهانی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۶۴۸ -۶۴۷).

طاهر اصفهانی، طاهر

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۸۶ ق)، قاری و شاعر. معروف به استادالقراء اصفهانی. از آثار وی: قصیده‌ی «طاهریه» در قراآت دهگانه به روایت شاطبیه؛ «نظم الجواهر» قصیده‌ای در«اختلافات الآیات»، بر وزن شاطبیه «نظم الجواهر»، قصیده‌ای در رؤوس آیات. آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی در «طبقات اعلام الشیعه» و جای جای «الذریعه» و به تبع ایشان صاحب «تذکره القبور»، صاحب عنوان را تحت نام طاهر بن عرب بن ابراهیم اصفهانی، ملا-فخرالدین ابوالحسن معروف به حافظ طاهر در ذیل علمای سده‌ی نهم قمری ذکر کرده و او را از شاگردان محمد بن محمد جزری و استاد نجم‌الدین محمد سعدی حموی شمرده و کتابهای بسیاری از جمله «الدر فرید»، در قواعد تجوید و «تجوید القرآن»، به فارسی را بدو نسبت داده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۳۹۶ -۳۹۵)، الذریعه (۶۹ -۶۸ / ۸ ،۳۶۹ -۳۶۸ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۱ / ۹)، کشف الظنون (۱۹۶۱ ،۱۳۴۳ ،۱۳۴۱)، معجم المؤلفین (۳۸ / ۵)،هدیه‌العارفین (۴۳۱ / ۱).

طاهر اصفهانی، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۱۱۴۹ / ۱۱۲۹ ق)، شاعر. ملقب به التفات‌خان و ملتفت‌خان. از منشیان زبردست دربار صفویه بود که در عهد اورنگ زیب به همراه برادر خود به هندوستان رفت و ملازمت آن شاه را اختیار کرد و مصنب فوجداری یافت. در شاه جهان آباد (دهلی کهنه) به دست دزدان کشته شد. وی نه تنها در نثر توانا و مستعد بود بلکه در سرودن شعر نیز مهارت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۶۴۱ / ۹)، سرو آزاد (۱۴۵ -۱۴۴)، فرهنگ سخنوران (۵۸۲)، کاروان هند (۷۹۱ / ۱).

طاهر اصفهانی، محمد طاهر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، عالم و شاعر. پدرش فرزند حوابیگم، دختر شاه عباس اول، بود. به تصریح مؤلف تذکره‌ی «نصرآبادی» (ز ۱۰۸۳ ق) در سرودن شعر مهارت داشته است. طاهر گویا در اصفهان می‌زیسته و در همان شهر وفات یافته است. از آثار وی: « تقویم الصلاه، مجدول» که به خط محمد جواد شریفی، چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۳۹۷ -۳۹۶)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۳)، الذریعه (۶۴۰ / ۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۳ / ۳).

طاهر بخاری

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۶۹ ق)، شاعر. معروف به شیخ‌زاده. از شاعران سده نهم است. در زمان سلطان ابوالقاسم بابر تیموری به هرات رفت. مولانا طاهر در سرودن شعر، بویژه غزل، مهارت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۰۶ -۳۰۵)، تذکره الشعراء (۵۳۱ -۵۳۰)، الذریعه (۶۴۱ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۸۲).

طاهر تفرشی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از درباریان شاه عباس بود که به همراه سفیر ایران به روزگار جلال‌الدین محمد اکبر شاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به هند رفت. از اوست:

پنداشتمت مهر و وفایی داری

همچون دل من صدق و صفایی داری

چون هندوی مشتبه به اهل اسلام

بیگانه دل دوست‌نمایی داری

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۸۵)، تذکره‌ی روز روشن (۴۹۶)، الذریعه (۶۴۱ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۸۲)، کاروان هند (۸۰۲ / ۱).

طاهر تویسرکانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از خاندان بزرگ تویسرکان و پدرش از وقایع‌نویسان دربار شاه عباس بزرگ (۱۰۳۸ -۹۹۶ ق) بود. بنا به نقل نصرآبادی، طاهر مردی دانا و در فنون علم بویژه ریاضی و نجوم و هندسه مهارت داشت. گاهی نیز شعر می‌سرود. میرزا طاهر دو «منظومه»، در قالب مثنوی، داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۸۱ -۲۸۰ / ۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۸۳)، الذریعه (۶۴۱/ ۹)، صبح گلشن (۲۶۲ - ۲۶۱)، فرهنگ سخنوران (۵۸۲).

طاهر چغانی، ابوالحسن طاهر

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۸۱ / ۳۷۷ ق)، شاعر. او از امیران آل‌محتاج چغانیان است. وی معاصر و پسر عم امیر ابوالمظفر فخرالدوله احمد بن محمد چغانی، ممدوح منجیک و دقیقی، و چندی با او در حال جنگ بود تا در ۳۸۱ ق از پسر عم خود شکست خورد و فراری و کشته شد. این امیر مانند پسر عم خود مردی شاعردوست بود و منجیک را قصائدی در مدح اوست. عوفی می‌گوید: «او را اشعار لطیف آبدار است»، و چند بیت از اشعار او را نقل کرده که همه آنها دلیل مهارت گوینده آنهاست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۴۲۹ -۴۲۸ / ۱)، الذریعه (۶۴۱ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۸۲)، لباب الالباب (۲۹ -۲۷ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ طاهر، ابوالمظفر)، مجمع الفصحا (۸۴۷ -۸۴۶ / ۲).

طاهر خرسندی، عسگر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عسگر طاهر خرسندی

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای عسگر طاهر خرسندی در سال ۱۳۴۲هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهررشت دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه شهرستان رشت گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. پس از مدتی تحصیل در حوزه علمیه رشت به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیها رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۲ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله سبحانی، مرحوم آیت الله فاضل ،آیت الله جوادی آملی، مرحوم آیت الله جواد تبریزی و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

وی پس از طی تحصیلات جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون در دانشگاه دولتی گیلان و دانشگاه آزاد واحد رشت به امر تدریس اشتغال دارد. وی درطول حیات علمی خود به امرنگارش و پژوهش پرداخته است و آثاری از قبیل" مقایسه آرای تطبیقی فارابی و بوعلی سینا و دانشمندان غربی"و" مفاهیم قرآن"را به رشته تحریر در آورده است.

طاهر خوشنویس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۶۷ ش)، خطاط. معروف به میراز طاهر خوشنوس. در تبریز، در یک خانواده‌ی روحانی، به دنیا آمد. تحصیلاتش را از هفت سالگی نزد پدر آغاز کرد و در محضر وی به قرائت قرآن پرداخت. سپس صرف و نحو و فقه را نیز فراگرفت و چون علاقه وافری به هنر خوشنویسی داشت، در اثر پشتکار و تمرین بسیار توانست به اصول و قواد هنر خط پی ببرد. مرتبه‌اش در هنر خوشنویسی به درجه‌ای است که استادان این فن به مهارت او در خط نسخ معترف‌اند. از آثار خطی وی، کتابت: «جامع المقدمات»؛ «شرح جامی»؛ «کتاب رجال»؛ «نهج‌البلاغه»؛ «صحیفه‌ی سجادیه»؛ «کفایه الاصول»؛ «مکاسب»؛ «منتهی الآمال»؛ «مفاتیح الجنان» و قرآنهای متعدد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اطلس خط (۳۷۰)، تذکره خوشنویسان معاصر (۱۱۷ -۱۱۵).

طاهر محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «شرح گلشن راز»، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «تمت... بطخ عبدالضعیف النحیف طاهر محمد هلالی، غفر ذنوبه و ستر عیوبه، سنه‌ی ۹۵۹».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۳۴ / ۲).

طاهر مشهدی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی در مشهد رضوی به شغل عطاری اشتغال داشت. به نقل صاحب تذکره‌ی «نصرآبادی» از شاگردان امتی تربتی (م ۱۰۱۹ ق) بود. وی در جوانی از دنیا رفت. از اوست:

از فریب باغبان غافل مباش ای عندلیب

پیش از این من هم در این باغ آشنایی داشتم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۴۷۰ / ۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۰۵)، الذریعه (۶۴۲ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۸۳)، لغت‌نامه (ذیل/ طاهر)، مطلع الشمس (۴۳۷ / ۲).

طاهر نایینی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۰ ق)، شاعر. وی یکی از شاعران خوش طبع و لطیف خیال نایین بوده که گویا به علت اشتباهی، شاه عباس وی را تأدیب کرده است. صاحب «نتایج الافکار» وی را تحت عنوان ظاهری اصفهانی آورده است. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۶۶ / ۳)، تذکره‌ی روز روشن (۴۹۸ -۴۹۷)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۲۰۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۹۶)، حدیقه الشعراء (۱۰۹۵ / ۲)، الذریعه (۶۴۲ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۸۳)، لغت‌نامه (ذیل/ طاهر)، نتایج الافکار (۴۴۷).

طاهر همدانی، محمد طاهر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطـاط و شـاعر، متخلص به طـاهر. وی خط شـکسته را خوش می‌نوشت و در فن انشاء هم تسـلط داشت. شـعر نیز می‌سرود و به غزلسرایی متمایل بود. وی تا ۱۲۶۰ ق در قید حیات بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۰۹۶ -۱۰۹۵ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۵۸۴).

طاهر، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا طاهر در سال ۱۳۰۷ شمسـی در قمشه (شهرضای کنونی)متولد شد. وی در رشته معقول و منقول دانشگاه تهران با مدرک لیسانس فارغ التحصـیل شـد. وی ضـمن تـدریس در مدارس شـهرضا، به مطالعه و تحقیق و ترجمه متون از عربی به فارسـی پرداخته. آثـاری نیزبه طبع ونشـر رسانـد در انـدک مـدتی به عنوان محققی دقیق در جامعه دانشـگاهی مطرح شـد.گروه : علوم انسانی رشـته : الهیات و معارف اسـلامی گرایش : تصـحیح تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : غلامرضا طاهر پس از تحصـیلات مقدماتی . متوسطه . رشـته معقول و منقول را به عنوان تحصیلات دانشگاهی برگزید و درسال ۱۳۳۷ موفق به اخذ مدرک لیسانس از دانشگا ه تهران شد .هم دوره ای هـا و همکـاران : غلامرضا طاهر توسط دکتر خانلری به کار در بنیاد فرهنگ ایران دعوت شـد واوبه فعالیت دراین بنیاد مشـغول گردید . اسـتاد ایرج افشار یزدی نیز در تهیه اکثر نسخ خطی و تسهیل مراحل چاپ مصححات استاد طاهر ،کمک شایانی به وی نمود. وقـایع میانسـالی : غلامرضا طاهر در تاریـخ ۲۹ شهریور ۱۳۷۷ دچـار عارضه سـکته مغزی شـد و این مساله باعث شـد که زبـانش از تکلم افتـاده و دست راست و پـای چپش نیز تحرک خودرا از دست دهـد . در این ایـام و در بستر بیماری اسـتاد طاهر جز مطـالعه قرآن کریم ،حوصـله مطـالعه کتاب و نشریات دیگر نـداشت . مشاغل و سـمتهای مورد تصـدی : غلامرضا طاهر علاوه بر از تدریس در دبیرسـتان های شـهر رضا ، از سال ۱۳۵۳ به دانشگاه اصـفهان دعوت شد و تا سال ۱۳۵۷ با آن دانشگاه همکاری کرد. پس از تاسـیس دانشـگاه آزاد اسـلامی ایشان در دانشگاه های واحد دهاقان ،نجف آباد ،شـهرضا و دانشگاه پیام نور شهرضا فعالیت علمی و آموزشی خود را ادامه داد. فعالیتهای آموزشی : غلامرضا طاهر پس از اخذ درجه لیسانس از دانشگاه تهران به مدت ۳۰سال دبیر دبیرسـتانهای شـهرضا بود . سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : نقـدهای دقیق و مقالات علمی غلامرضا طاهر همواره درمجلاتی چون یغما و راهنمای کتاب و یاد نامه های بزرگان و پس از انقلاب اسلامی در مجلات آینده و پژوهشنامه آستان مقدس رضوی به چاپ می رسـید . شهرت او باعث گشت تا دکتر خانلری شرایط انتقال وی را از آموزش و پرورش به بنیاد فرهنگ ایران فراهم آورد ولی او تنها دو روز در آن بنیاد به سـر برد و چون روحیه خود را با حال و هوای تهران مساعـد ندید آن جا را ترک کرد و به زادگاه خود برگشت . آثـار : تـالیف فرهنـگ لغـات طبی یونانی در کتاب های فارسـی ویژگی اثر : این اثر در سال ۱۳۷۴ توسط مرکز نشر دانشگاهی به چاپ رسید .۲ ترجمه پنـج داسـتان کوتاه ویژگی اثر : این اثر از زبان عربی ترجمه شـده و در نشـریه یغما از سال ۲۲تا سال ۳۱ آن منتشـر شده است .۳ ترجمه رمـان اللقـاد ویژگی اثر : اثر میخاییل نعیمه که به فارسـی ترجمه شـده است .۴ ترجمه رمان الیوم الاخیر ویژگی اثر : اثری از میخاییل نعیمه که به فارسـی ترجمه شـده است .۵ تصـحیح قانون ادب لغت عربی به فارسی ویژگی اثر : این اثر تـالیف حبیش تفلیسـی از دانشـمندان قرن شـشم است و تصـحیح انجـام شـده در سه جلـد توسـط بنیـاد فرهنگ ایران در سالهای ۱۳۵۰و ۱۳۵۱ شمسی منتشر شد.۶ تصحیح لطایف الحقایق ویژگی اثر : تالیف خواجه رشید الدین فضل الله همدانی است که در سال ۱۳۵۵ توسط کتابخانه مرکزی دانشـگاه تهران در دو جلد منتشر شد.۷ حـدود چهل مقاله و نقد ویژگی اثر : این آثار عمدتا در نشریه های مختلف ادبی و یادنامه ها به چاپ رسیده است.

منابع زندگینامه :نگاهی به المختارا ت من المرسائل ،مسعود تاکی ،کتاب ماه ادبیات و فلسفه مهر ماه ۱۳۷۹ شماره ۳۶

طاهری انارکی، منصور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی شیمی، دانشکده: مهندسی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته مهندسی پالایش از دانشکده نفت آبادان، کارشناسی ارشد از Technology case Instute Of، دکترا از دانشگاه ایالتی پنسیلوانیای آمریکا.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده مهندسی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

کنترل آلودگی هوا، بهینه جهت پنجره‌ها برای حـداکثر اسـتفاده از انرژی خورشـیدی، کنترل آلودگی هوا در کارخانجـات سـیمان، تبـادل حرارت در سـیلوهای گنـدم، انتقـال گرمـا در محیطهـای متخلخل، تـدریس در موضوعات: انتقال حرارت، پدیـده‌های انتقال،

مهندسی محیط، تاسیسات گرمایشی و سرمایش، استاد راهنمای ۷ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مهندسی محیط از تأسیسات گرمایشی و سرمایشی، کنترل آلودگی هوا.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۰

زمینه علمی مقالات:

کنترل آلودگی هوا، شناخت ذرات میکروسکپی و کنترل آنها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

طاهری آزاد، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر طاهری آزاد

محل تولد : بردسیر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد باقر طاهری آزاد در سال ۱۳۳۵ در بردسیر کرمان متولد شده و پس از گذراندن تحصیلات کلاسیک در سال ۱۳۵۲ وارد حوزه علمیه شدم و در سال ۱۳۶۰ شروع به درس خارج نمودم که از محضر اساتید حضرات آیات وحیدخراسانی ، فاضل لنکرانی، و مکارم شیرازی بهره جستم .

طاهری خرم آبادی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی طاهری خرم آبادی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۳/۳

زندگینامه علمی

در سال ۶۲ پس از اتمام دوره راهنمایی تحصیلی وارد حوزه علمیه شدم و تا سال ۷۰دوره سطح را به اتمام رساندم . از سال ۷۱تا۷۵ در دروس خارج فقه و اصول شرکت کردم . سال ۶۸ وارد موسسه در راه حق شده و سپس از سال ۷۳تا۷۸ دوره تخصصی (کارشناسی ارشد) فلسفه را در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به اتمام رساندم.

در سال ۷۷ در آزمون ورودی کارشناسی ارشد دانشگاهها شرکت و در رشته فلسفه غرب دانشگاه تهران قبول گردیدم سال ۷۹ این دوره را به اتمام رسانده و بلا فاصله قبولی در دوره دکتری . تحصیلات خود را در همان رشته فلسفه غرب ادامه دادم . در تیر ماه ۸۶ دوره دکتری را به اتمام رساندم . از سال ۷۹ در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به تدریس و تحقیق اشتغال داشته و از سال ۸۳ تاکنون عضو هیات علمی این موسسه می باشم .

طاهری خرم‌آبادی، ابوطالب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید ابوطالب طاهری خرم‌آبادی از علماء مبرز و مشهور این شهرستان بوده است که پس از آنکه سالها در بروجرد و نجف اشتغال به تحصیل داشته به خرم‌آباد مراجعت نموده و سالیان درازی در آن سامان به ترویج و تبلیغ احکام مشغول بوده‌اند.
معظم له نفوذ کلام عجیبی در میان عشایر و خوانین لرستان داشته‌اند به طوری که خوانین و عشایری که از حکومتهای وقت حساب نمی‌بردند از ایشان حساب برده و در فرمانش بودند چه بسیار اختلافات شدیدی که با دخالت ایشان به آسانی حل گشته و از عواقب وخیم آن جلوگیری به عمل می‌آمد و عمده عاملی که این نفوذ و تاثیر کلام را در ایشان بوجود آورد مقامات معنوی و روحانی ایشان بوده که در هرکس که یافت شود کم و بیش آثارش در جهات گوناگون دیده خواهد شد. مردی بود در کمال بی‌اعتنائی به دنیا و در روزگاری که به آسانی می‌توانست املاک و ثروت زیادی از طریق مشروع و از غیر وجوه شرعیه بدست آورد ولی به خاطر زهد و پارسائی و بی‌اهمیت بودن مظاهر مادی در نظرش قدمی در این راه برنداشت و یکی از علل معنویت وی علاقه عجیب او به ائمه‌ی اطهار و اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام و بکاء شدید او در هنگام وعظ و تبلیغ و یا شنیدن مصائب آنان به او دست می‌داد عمری را در راه انجام وظیفه و تبلیغ و ارشاد مردم به پایان رسانیده و در سنه ۱۳۶۳ قمری از دنیا رفته و به اجداد گرامش پیوست.
از باقیات الصالحات ایشان فرزند برومند وی جناب ثقة‌الاسلام و عمادالاعلام دانشمند گرام آقای حاج سید محمدصالح طاهری می‌باشد که اکنون در قم اشتغال به تحصیل و در مواعظ وعظ و تبلیغ ماه رمضان و محرم و صفر در شهرهای مختلفی که دعوت می‌شوند انجام وظیفه می‌نمایند. گوینده‌ی توانا و خطیبی ارجمند می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

طاهری خرم‌آبادی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی طاهری خرم‌آبادی فرزند مشهدی طاهر از فضلاء معروف و بنام حوزه علمیه قم است.
تولد ایشان در سال ۱۳۴۲ ق در یکی از مضافات خرم‌آباد واقع شده و والدش که از کشاورزان و متقین آن حومه است.
و اکنون حدود یکصد و پنج سال از عمر او می‌گذرد وی را تربیت و پس از خواندن دروس فارسی به خرم‌آباد آمده و مقدمات را در آنجا خوانده و در سال ۱۳۶۲ ق به بروجرد رفته و قسمتی از سطوح را در آنجا خواند.
سپس در سال ۱۳۶۵ ق مهاجرت به قم نموده و سطوح را از محضر آیت‌اللَّه العظمی آقای نجفی مرعشی مدظله و اساتید دیگر فراگرفته و به درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی شرکت و استفاده کامل نموده و پس از فوت آن مرحوم از محضر و درس آیت‌اللَّه العظمی شریعتمداری و آیت‌اللَّه العظمی مرعشی نجفی کسب فیض می‌نماید.
آثارشان از اینقرار است:
۱- رساله‌ای در ایمان و اوصاف مؤمنین.
۲- رساله‌ای در فضائل امیرالمؤمنین و سایر ائمه علیهم‌السلام که غالب آن از کتب عامه است.
۳- رساله‌ای در امور متفرقه.
۴- رساله‌ای در تقریرات آیت‌اللَّه العظمی بروجردی.
۵- رساله‌ای در تقریرات درس خمس ایشان
۶- رساله‌ای در قضاء و شهادت تقریرات آن مرحوم که تاکنون مخطوط مانده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

طاهری شاهرودی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدباقر فرزند عالم جلیل مرحوم حاج شیخ محمدحسن طاهری شاهرودی (امام جمعه) شهرستان شاهرود از افاضل دانشمندان آن سامان و مدرسین حاضر حوزه علمیه قم می‌باشند.
ایشان در تاریخ ۱۳۱۱ شمسی برابر ۱۳۵۰ قمری بـه دنیا آمده و در بیت علم و دانش پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات در شاهرود به قم عزیمت نموده و سطوح وسطی و نهائی را از اساتید حوزه علمیه به پایان رسانیده و برای تکمیل مبانی علمی مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام و مدرسین کرام آن سامان بالاخص مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقای حکیم و آیت‌اللَّه العظمی خمینی و آیت‌اللَّه العظمی آقای حکیم و مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی فقها و اصولا و نیز آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظله استفاده نموده.
و بعد از رحلت والد ماجدش در سال ۱۳۳۷ قمری به شاهرود آمده و پس از مدت کوتاهی توقف باز به نجف و ادامه به تحصیل داده و جمعا حدود بیست و دو سال در شاهرود و قم و نجف اشرف جدیت و کوشش در راه علم و دانش نموده تا به مدارج عالیه رسیده و پس از آن به وطن مالوف برگشته و به انجام وظائف دینی و روحی از قبیل اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین و تدریس فقه و اصول پرداخته و پس از پیروزی انقلاب و تبدیل حکومت شاهنشاهی به جمهوری اسلامی به سمت امام جمعه‌ای شاهرود منصوب گردیده و تا حال تحریر و تألیف این کتاب به خدمات یاد شده اشتغال دارند و ضمنا از سال ۱۴۰۸ قمری برابر

۱۳۶۶ شمسی برای تدرس به حوزه‌ی علمیه قم آمده و جز روزهای پنجشنبه و جمعه و ایام تعطیل که باید در شاهرود ایفاء وظیفه کند در قم در مدرسه علمیه آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی به تدریس سطح عالی و خارج مشغول می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

طاهری شاهرودی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن طاهری محمودی (معروف به شیخ محمدحسن حاجی) در یکی از روستاهای شاهرود که اکنون بخش مهمی است به نام میامی در بیت علم به دنیا آمده و مرحوم پدرش حاج ملا علی‌اصغر میامئی روحانی بود که از راه نماز استجیاری و زراعت و کشاورزی زندگی می‌کرد و در شاهرود در یکی از مساجد شهر اقامه جماعت می‌نمود و به کثرت عبادت و تلاوت قرآن و ملازمت مستحبات معروف بود و کارهای شرعی مردم را رسیدگی و اسناد شرعیه‌ای به امضاء ایشان در دست مردم هست نسبتا متمکن بود و از راه زحمت کشی در میامی و شاهرود املاکی در میامی و شاهرود داشت در حدود سن نود سالگی از دنیا رفت و طبق وصیت جنازه‌اش به نجف اشرف حمل و در وادی السلام در جنب حضرت هود و صالح علیهماالسلام مدفون گردید.

عموی بزرگ آقای طاهری (برادر مرحوم حاج شیخ علی‌اصغر میامی) نیز ملا و روحانی با نفوذ بوده و در مشهد به نام حاج ملا غلامحسین بوده است و پدران ایشان هم تا چند پشت روحانی بوده‌اند.

اما مرحوم حاج شیخ محمدحسن طاهری در کودکی همراه پدرش از میامی به شاهرود آمدند و در شهر ساکن گردیدند تحصیلات اولیه و سطوح آن زمان را نزد علماء شهر که از آن جمله مرحوم حاجی مدرس و حاج شیخ محمدتقی مدرس و حاج شیخ احمد شاهرودی بودند انجام داده و پس از سفری به مشهد به عراق مهاجرت کرده و از محضر مرحومین علمین آیتین آخوند خراسانی و علامه یزدی استفاده نموده و قسمتی از تقریرات مرحوم آخوند را در اصول مباحث الفاظ به رشته تحریر درآورده و با اجازاتی از آن دو بزرگوار به وطن برگشتند و به وظائف روحانی خود از اقامه جماعت و تدریس ادبیات و رسیدگی به امور شرعیه مردم در عقد و نکاح و معاملات مشغول شدند.

مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ احمد شاهرودی که ریاست روحانیت آن روز شاهرود را داشتند ایشان را مشاور و ملازم خود انتخاب کردند و در امور مردم با ایشان مشورت و کارهای زیادی را به ایشان واگذار می‌کردند. آن مرحوم مدت چند سالی هم در مشهد اقامت داشته و در مدرسه فاضل‌خان تدریس می‌کردند و در ضمن تدریس هم از محضر و درس مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقای حاج آقا حسین قمی استفاده نموده بودند.

مرحوم طاهری دانشمندی خوش قریحه و با ذوق و حاضر جواب و حافظ اشعار زیادی بودند و مجالس علماء به وجود ایشان گرم و بانشاط بود. و خلاصه آن مرحوم عالمی مهربان و سخی و منیع‌الطبع و خوش اخلاق بود و با مناعت طبع و بزرگواری زندگی می‌کرد و درب خانه‌اش به روی همه و بخصوص اهل علم باز و از آنان به گرمی پذیرائی می‌کرد. آن جناب مبارزاتی بر علیه حکام جور قاجار و مامورین رژیم منفور دو پهلوی داشتند و در عصر تحمیل مشروطه نیز برای مشروطه مشروعه مبارزاتی نموده و جزو علماء مجاهد مانند مرحوم شهید نوری حاج شیخ فضل‌اللَّه در منطقه شاهرود بودند و بعد از ماجرای مسجد گوهرشاد و اتحاد شکل و منزوی شدن روحانیت ایشانهم کم‌کم منزوی شده و همه املاک خود را فروخته و به زندگی شرافتمندانه خود ادامه دادند. و فرزندان خود را بزرگ کردند تا در سال ۱۳۶۵ قمری و ۲۵ شمسی که همسرشان از دنیا رفتند (و او علویه محترمه صبیه مرحوم آیت‌اللَّه میرمطلب بسطامی و تنها یار و یاور ایشان بودند).

پس مترجم محترم ما برای تحصیل به قم آمده و برادرشان آقای دکتر طاهری به تهران منتقل شدند و یکی از دخترانشان به همسری آیت‌اللَّه حاج سید محمد حسینی شاهرودی فرزند آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی درآمده و به نجف اشرف هجرت نموده و دو دختر بزرگ دیگر نیز در شاهرود در خانه شوهرانشان بودند و آن مرحوم تک وتنها شدند و در شدت تنگدستی با آن عفت نفس و مناعت طبع زندگی سخت طلبه‌گی و سخت‌تر از آن را می‌گذراندند و در عین حال قلب ذاکر و لسان شاکر و بدنی بر بلاها صابر داشتند و همواره خدا را شکر می‌کردند و ذکر می‌گفتند و تهجد داشتند و بالاخره در ایامی که فرزندانشان در شاهرود نبودند غریبانه در سن ۸۶ سالگی در ماه جمادی‌الثانیه سال ۱۳۷۴ هجری قمری برابر با ۱۳۳۲ شمسی پس از شصت سال خدمت بدین و مردم دنیا را وداع گفته و در مزار شاهرود به خاک رفتند و اغلب مردم شهر شاهرود و بسطام و حومه در تشییع آن مرحوم شرکت و تا چندین روز مجالس عزا برپا نموده و ابراز تاسف و تاثر می‌کردند و مرحوم آیت‌اللَّه العظمی شاهرودی هم سه شب متوالیا در نجف اشرف در مدرسه بزرگ آخوند خراسانی مجلس فاتحه برقرار که عموم آیات و مراجع و روحانیت نجف شرکت نمودند رحمه‌اللَّه علیه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

طاهری قمی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ میرزا احمدعلی طاهری سبط علامه آخوند ملا محمدطاهر قمی از فضلاء معاصر است در بردسیر کرمان ایشان در حدود ۱۳۴۲

قمری در بلده طیبه قم به دنیا آمده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و پس از خواندن دروس ابتدائی بتحصیل علوم و عربی پرداخته و مقدمات و ادبیات را از اساتید قم مانند مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم نحوی و حجهٔالاسلام حاج میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و دیگران فراگرفته و سطوح وسطی و نهائی را از مدرسین بزرگ چون آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی و مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّه العظمی خمینی و غیرهم فراگرفته و پس از پایان به درس خارج آیات نظام مخصوص آیهٔ‌اللّه العظمی بروجردی شرکت و استفاده‌ی کامل نموده و به امر معظم له عزیمت به (بردسیر کرمان) و تا حال تحریر که نزدیک بیست سالست که در آن سامان به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ارشاد انام اشتغال دارند.

آنجناب همسر سبط مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی (مؤسس) حوزه علمیه قم و داماد آیت‌اللّه حاج شیخ محمد تویسرکانی (و شوهر خواهر حجهٔالاسلام والمسلمین حاج شیخ احمد غروی سبط حایری می‌باشد) و به تقوا و فضل و متانت موصوف و در بردسیر و میناب و منطقه استان کرمان خدمات تبلیغی بسیار نموده و منشأ آثار بزرگی شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طاهری قمی، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۹ ش)، عالم دینی و فقیه. در قم به دنیا آمد و پس از فراغت از تحصیلات مقدماتی در ۱۳۰۴ ش به تصحیل علوم دینی پرداخت و حدد سیزده سال سطوح وسطی و نهایی را در خدمت آیت‌الله مرعشی نجفی و آیت‌الله موسوی و آیت‌الله شیخ مهدی مازندرانی و ادیب تهرانی و آیت‌الله آقا سید کاظم گلپایگانی و آیت‌الله سید احمد خوانساری و دیگران به پایان رسانید. او مدت سه سال از دروس خارج آیت‌الله حایری و آیت‌الله آقا سید محمد حجت و آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری و آیت‌الله فیض استفاده‌ها نمود. در ۱۳۲۰ ش بنا بر دعوت جمعی از مردم ورامین به آن شهر رفت و سالها در مسجد بزرگ ورامین به اقامه جماعت و تبلیغ احکام دینی پرداخت. از آثارش: تأسیس مسجد بزرگ در ورامین و تشکیل حوزه‌ی علمیه در آنجا. از آثار علمی‌اش: «جامع التفاسیر»؛ «راهنمای مبلغین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۶۸۲ –۶۸۱ / ۴).

طاهری قمی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدتقی طاهری قمی نیز از افاضل مبلغین و فضلاء حوزه علمیه قم می‌باشند که اکنون از طرف آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی در (قروه کردستان) اقامت و به انجام وظائف دینی اشتغال دارند تولد ایشان نیز در قم واقع و سالیان دراز از محضر آیات عظام بروجردی و مرعشی نجفی و گلپایگانی و غیرهم استفاده و برای تبلیغ مسافرتها به کویت و بحرین و پاکستان و هندوستان و غیره نموده است در مرم سال ۱۳۸۸ قمری ایشان را در کراچی ملاقات و در انجمن ایرانیان آنجا از طریق منبر و موعظه مردم را ارشاد و تبلیغ می‌نمودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طاهری قهدریجانی، فخرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فخرالدین طاهری قهدریجانی فرزند شیخ محمدتقی که خلفا عن سلف از خانواده علم و فضیلت بودند.

در سال ۱۳۰۲ شمسی در قهدریجان نجف‌آباد اصفهان به دنیا آمده و پس از طی دروس ابتدائی در زادگاه خود برای فراگرفتن علوم دینی به حوزه علمیه اصفهان وارد شده ولی بیش از دو ماه نگذشت که پدرش از دنیا رفت و چهار پسر باقی گذارد که مرحوم طاهری بزرگترین آنها بود و پس از فوت پدر با مشکلات سختی مواجه شده بود از طرفی سرپرستی و تامین امور معاش برادران خردسال خود از طرفی هم مشکل ادامه تحصیل.

اما نامبرده با توکل بر خدا و تائیدات الهی استقامت کرده و هم ازدواج نمود و هم با تحمل فشارهای گوناگون زندگی به تحصیلات خود ادامه داد و علوم مقدمات و ادبیات را نزد اساتید اصفهان به انجام رسانیده و عزیمت به قم نموده و دروس سطح را از محضر اساتید بزرگ چون مرحوم صدوقی یزدی و حاج شیخ عبدالرزاق قائینی فراگرفت و پس از طی دروس سطح از درس خارج حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و آیت‌اللّه گلپایگانی و آیت‌اللّه بروجردی استفاده نموده و هم مدتی از دروس فقه و اصول امام راحل بهره‌مند شده و در تعطیلات ماه مبارک رمضان و ایام عاشوراء محرم و ماه صفر برای تبلیغ دین و ترویج احکام مسافرت به اصفهان و حومه آن و نقاط دیگر نموده و از طریق سخنرانی و منبر نسبت به خاندان رسالت بالاخص سالار شهیدان حضرت

حسین علیه‌الصلوه والسلام که علاقه مفرطی داشت انجام وظیفه می‌نمود که سرانجام در بازگشت از ماموریت تبلیغاتی خود در جاده قم به اصفهان در تاریخ چهارم صفرالمظفر ۱۴۰۰ قمری برابر با ۴ دی ماه پنجاه و هشت شمسی در سن پنجاه و شش سالگی به شهادت رسید و در گلستان شهداء اصفهان در جوار شهداء انقلاب اسلامی ایران به خاک سپرده شد و برخی از دانشمندان اصفهان در ماده تاریخ رحلت او چنین سروده‌اند:

طاهری آن یگانه حامی دین

فخر دین افتخار دین مبین

حافظ شعر و حجت اسلام

واعظ خلق و پیر و آئین

پیک حق را بجان اجابت کرد

شد به پاکان راه دوست قرین

بود از دست دوستان دلتنگ

از جهان شد سوی بهشت برین

چهارم ماه از صفر براه سفر

شد شهید از تصادف ماشین

دل به تاریخ او بگفتا وه

قد نجا الطاهری و فخرالدین

۱۴۰۰ قمری

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

طاهری هروی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، شاعر. اهل هرات بود. در زمان سلطان حسین بایقرا (م ۹۱۱ ق) می‌زیست. او در هرات درگذشت. از اوست:

چو سایه بیخود اگر در پی تو می‌افتم

زمن مبین که مرا هیچ اختیاری نیست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۹۸)، الذریعه (۶۴۴ -۶۴۳ / ۹)، صبح گلشن (۲۶۲)، فرهنگ سخنوران (۵۸۵)، لغت‌نامه (ذیل/ طاهری مروی).

طاهری یزدی، عبدالغفور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۶ -۱۲۷۲ ق)، تذکره‌نویس و شاعر، متخلص به طاهری. از شاعران و دانشمندان سرشناس یزد در دوره‌ی اخیر است که صاحب آثار منظوم و منثور متعددی است. از آثار وی: «مصابیح الانوار»، در تفسیر؛ «لؤلؤ منثور»، در حکمت؛ «تذکره الواعظین»، برای اهل وعظ و خطابه؛ «تذکره السلاطین»، تاریخ عمومی از آفرینش تا رویدادهای ۱۳۱۴ ق با مقدمه‌ای در جغرافیای جهان و خاتمه‌ای در سرگذشت پیامبر (ص) و امامان (ع)؛ تذکره‌ی «جلالی»، که به نام جلال‌الدوله سلطان حسین میرزا، پسر ظل‌السلطان، فرمانروای یزد، در وصف شهرها و شاهان ایران نگاشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۲۰۱ -۲۰۰)، الذریعه (۳۸۶ / ۱۸ ،۵۲، ۳۴ / ۴)، فهرست‌واره‌ی کتابهای فارسی (۵۹۶، ۱۸۳ / ۱).

طاهری، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم طاهری

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابوالقاسم طاهری در سال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه رستمکلا شدم و در سال تحصیلی ۱۳۵۶-۱۳۵۷ وارد حوزه علمیه قم شدم و سطح حوزه را در محضر اساتیدی چون آقایان و آیات عظام حبیب الله طاهری ، صالحی مازندرانی ، بنی فضل ، ستوده ، اعتمادی و ... به پایان بردم.

درس خارج حوزه را در محضر اساتیدی همچون آیات عظام فاضل لنکرانی ، بهجت ، وحید خراسانی ، سید جعفر کریمی ، جوادی آملی ، سبحانی و ... فرا گرفتم و هم اکنون نیز در درس خارج فقه آیات عظام وحید و کریمی شرکت میکنم.از سال ۱۳۶۶ با مرحوم حجه الاسلام دشتی تحقیق پیرامون نهج البلاغه را آغاز و تا هم اکنون آن راه ادامه دارد و از سال ۱۳۷۶ در دانشکده ها و دانشگاههای نام برده تدریس و همکاری دارم ۱. دانشکده شهید محلاتی قم ۲. دانشگاه الزهراء تهران ۳. مجتمع آموزش عالی قم (وابسته به دانشگاه تهران) ۴. مراکز آموزشی سپاه قم ۵. جامعه الزهراء قم واز سال ۱۳۷۶ تألیف کتاب و مقاله را آغاز کردم که برخی از آنها در صفحه وضعیت آثار پژوهشی ارائه شده است و هم اکنون کارهای دیگری در دست تألیف دارم.

طاهری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید احمد طاهری برادر مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید حیدر و عمو و پدر همسر فاضل ارجمند آقای حاج سید حسن مذکور است وی چندین سال در قم تحصیل نموده و با مرحوم آیت‌اللَّه بافقی مانند برادرش ارادت تامی داشت و مورد توجه مخصوص آن مرحوم بود و پس از مهاجرت قهری ایشان به خرم‌آباد برگشته و تا هم‌اکنون به اقامه جماعت و تبلیغ دین و احکام شرع مبین اشتغال دارد.

نگارنده گوید مترجم معظم از روحانیون وارسته و بزرگوار خرم‌آباد و دارای محامد اخلاق و محاسن آداب می‌باشد ادام اللَّه توفیقاته و کثر اللَّه اقرانه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

طاهری، احمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد علی طاهری

محل تولد : قم

شهرت : طاهری قمی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۴/۱/۱

زندگینامه علمی

احمد علی طاهری قمی فرزند آیه الله العظمی آخوند ملامحمد طاهر اشعری قمی اعلی الله مقامه شریف می باشم درسن ده سالگی پدرم را ازدست دادم و تحت کفالت مادرم به درس خواندن خود ادامه دادم .تحصیلات ابتدائی را درمکتبی که متعلق به مرحوم سید هاشم میر شجاعی قمی رحمته الله علیه بود به سر بردم سپس در مدرسه رشدیه چند سالی نزد پیر معارف مرحوم حاج میرزا حسن رشدیه تحصیلات کلاسیک را فرا گرفتم آنگاه اساتید بنده درتکمیل دروس مقدماتی صرف و نحو و منطق و معنی بیان و هیئت و گاهنامه عبارتند از(که درصفحه بعد به انها اشاره شده است)ازبرخی ازاین بزرگان تقریراتی درفقه و اصول نوشته ام که اگر توفیق نصیب شود آنها را تنظیم نموده و به چاپ خواهم رساند

طاهری، جلال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا جلال طاهری اصفهانی از علماء مجاهد و مبرز معاصر اصفهان است تولد ایشان در حدود سال ۱۳۴۷ قمری در حسین‌آباد اصفهان که اکنون جزو شهر شده است واقع شده و دروس فارسی و مقدمات و ادبیات را در اصفهان خوانده و در عصر مرحوم

آیت‌اللّه العظمی بروجردی به قم مهاجرت نموده و سطوح عالی را از مدرسین بزرگ حوزه فراگرفته و به درس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی نایب‌الامام آقای خمینی شرکت و از محاضر و دراسات نامبردگاه و بعضی دیگر استفاده کامل نموده و چون در میان اقران خود به ذکاوت و خوش‌فهمی معروف بوده از بعضی همگنان گوی سبقت ربوده و در حوزه علمیه جلسات بحث و تدریس گذارده تا بعد از تبعید نایب‌الامام که به اصفهان مراجعت و به اقامه جماعت و تدریس و مبارزه با بیدادگران و رژیم طاغوتی پرداخته و چندین بار گرفتار عمال جنایتکار شاه مخلوع و به زندان افتاده و آزاد گردیده تا در سال گذشته (۱۳۹۸ ق) که منزلش مورد حمله مامورین و سربازان مغولی و چنگیزی (محمدرضا پهلوی) سواللّه وجهه- گردیده و گرفتار آن جلادان شده که این بار مردم اصفهان قیام و دولت را محکوم و پشتیبانی خود را به روحانیت و امام ملت اعلام و آزادی ایشان را خواسته و حتی قربانیها داده و خونهای جوانان عزیز و رزمندگان خود را اهداء و او را آزاد نمودند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

طاهری، حبیب الله

قرن:۱۵
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حبیب الله طاهری
محل تولد : نکاء
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۱/۱

زندگینامه علمی
او در روستایی به نام آکرد، واقع در هزار جریب از توابع شهرستان نکاء در مازندران در خانواده‌ای روحانی درشهریور ۱۳۲۸ متولد شدم. و در سن پنج سالگی قرآن را در مدت دو ماه در محضر پدرش شیخ حسین طاهری فرا گرفت، و سپس به خواندن کتب فارسی در نزد پدر ادامه داد.
تا اینکه در تیرماه ۱۳۴۲ پدرش به رحمت ایزدی پیوست. او به همت مادرش در ۲۳ آذر همان سال به حوزه علمیهٔ شهرستان نکاء در مازندران که زیر نظر حضرت آیهٔ الله حاج شیخ علی لیموندهی بود، رفت و در سال ۴۳ به حوزهٔ علمیهٔ کوهستان رفته و در سال ۴۵ به حوزه علمیه مشهد و از سال ۴۸ به حوزهٔ علمیه قم وارد شده که تاکنون در آنجا هست.
اساتید فقه و اصول: در سطوح عالیه در قم بسیارند از جمله آنها: آقایان: صلواتی اعتمادی، فاضل لنکرانی و نوری همدانی و.... و در خارج آیات عظام:میرزا هاشم آملی سید محمد رضا گلپایگانی، محمد فاضل لنکرانی، ناصر مکارم شیرازی و......
اساتید فلسفه و عرفان: آقایان: انصاری شیرازی، مصباح یزدی، جوادی آملی، حسن زاده آملی و......
در دانشگاه: در سال ۱۳۶۷ موفق به اخذ دکترا رتبه: استاد یاری شدم.و در همان سال به عنوان عضو هیأت علمی در دانشگاه تهران برگزیده شدم و در ۲۵ اسفند ۱۳۸۳ موفق به اخذ و دانشیاری از دانشگاه تهران شدم.
تدریس: علاوه بر تدریس به صورت خصوصی از همان اوایل طلبگی، در سال ۱۳۶۷ در حوزه علمیه قم به صورت عمومی به تدریس فلسفه و اصول (کتابهایی مانند نهایهٔ الحکمه علامه طباطبایی و شرح منظومه سبزواری و رسائل شیخ انصاری) مشغول شدم و سپس مکاسب شیخ انصاری در فقه و کفایهٔ الاصول آخوند خراسانی را مکرر تدریس کردم و همچنان این تدریس ادامه دارد.در دانشگاه نیز گرایشهای مختلف علوم انسانی مانند(عقاید، تاریخ اسلام، فقه، قواعد فقه اصول فقه، منطق، تفسیر، علوم قرآنی، اخلاق، انقلاب و ریشه‌ها و...) را تدریس می‌کنم.

طاهری، حبیب‌اللّه

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حبیب‌اللّه طاهری گرگانی از علماء و ائمه جماعت معاصر گرگانست.
وی در گرگان متولد شده و مقدمات و ادبیات را در آنجا آموخته آنگاه به قم عزیمت و به تحصیل سطوح پرداخته و متون فقه و اصول را از اساتید و مدرسین حوزه به پایان رسانیده و پس از آن از دروس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیات دیگر بهره‌مند و به نجف مهاجرت و از محضر دروس آیت‌اللّه العظمی شاهرودی و آیت‌اللّه العظمی خوئی و آیات دیگر استفاده نموده پس از آن به وطن مراجعت و به اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج احکام و غیره اشتغال و منشأ آثار و خدمات بزرگی در گرگان گردیده‌اند و ایشان افتخار مصاهرت با آیت‌اللّه حاج سید سجاد علوی را نیز دارا می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طاهری، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن طاهری

محل تولد : خرم‌آباد

شهرت : طاهری خرم آبادی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۷/۱/۱

زندگینامه علمی

حضرت آیت الله سید حسن طاهری خرم‌آبادی در روز اول خرداد ماه ۱۳۱۷ هجری شمسی در خرم‌آباد به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج سید حیدر طاهری خرم‌آبادی از شاگردان برجستهٔ مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و از دوستان نزدیک حضرت امام(ره) و آیت‌الله گلپایگانی(ره) بود که پس از سالها تحصیل و بهره بردن از محضر عالمان بزرگ حوزه علمیه اصفهان، مشهد و قم با درخواست مردم شریف خرم آباد به زادگاه خود بازگشت و تا آخر عمر به رتق و فتق امور مردم همت گماشت. از ویژگیهای بارز مرحوم حاج سید حیدر برخورداری از محبوبیت فراوان بین مردم و علمای شهر، حلم و بردباری و عدم علاقه به زخارف دنیا و مادیات بود. آیةالله سید حسن طاهری خرم آبادی که شیفتگی زائدالوصفی به پدر داشت، در سن ۹ سالگی مجبور به بردوش کشیدن داغ هجرت پدر شد و این یتیمی زودهنگام در پرورش و استواری آیندهٔ او تأثیر بسزایی داشت. وی از خاطرات شیرین همراهی با پدر، خاطره سفر به عتبات عالیات را ذکر می‌کند که در آن، ضمن باریابی به حرم ملکوتی ائمهٔ هدی، به محضر علمای بزرگ آن دیار نیز شرفیاب شدند. مادر او نیز که زنی پاکدامن و از طائفهٔ اشعریون قم بود، در حدود سال ۱۳۶۰ شمسی دار فانی را وداع گفت. آیةالله طاهری خرم آبادی تحصیلات خود را در یکی از دبستانهای خرم آباد آغاز کرد. وی اصرار داشت که با لباس روحانیت به مدرسه برود؛ اما بسیاری از معلمان شدیداً با این مسأله مخالف بودند که پشتیبانیهای مرحوم حجةالاسلام والمسلمین حاج سید احمد طاهری، عموی ایشان، آنها را وادار به سکوت می‌کرد. وی در همان دورهٔ دبستان، با دیگر شاگردان مدرسه به مناظره در باره مسائلی چون علم و ثروت می‌پرداخت و گاهی که نماز جماعت برپا می‌شد، امامت آن را به عهده می‌گرفت. با پایان یافتن دوره ابتدایی، به مدرسه علمیه کمالیه رفت و طی دو سال جامع المقدمات و سیوطی را فرا گرفت. سپس به همراه مادر خود، به قم عزیمت کرد تا تحصیلات حوزوی خود را در آن دیار عالم پرور ادامه دهد. در نخستین روز سکونت در قم، به حرم مطهر حضرت معصومه(س) آمد و در کنار صحن بزرگ، مشغول وضو گرفتن شد که ناگاه چهره‌ای ملکوتی، او را به خود جلب نمود که در حال بازگشت از حرم بود. بی اختیار از یکی از طلاب پرسید: این آقا کیست؟ و او پاسخ داد: حاج آقا روح الله خمینی! بدین ترتیب از همان آغاز ورود به قم، شیفته امام(ره) شد و بعدها، به سبب رفاقت نزدیک امام(ره) با پدرش، مورد تفقد و عنایت ویژه ایشان قرار گرفت. در همان سال اول ورود به قم، مغنی، حاشیه ملاعبدالله و مقداری از سیوطی که باقی مانده بود فرا گرفت. در سال بعد معالم الاصول و شرح شمسیه و در دو سال بعد از آن، لمعه، قوانین و مطول را آموخت و در سال پنجم رسائل و مکاسب شیخ انصاری را آغاز کرد. ظرف سه سال آن کتابها را به همراه جلد اول کفایه به پایان برد و جلد دوم کفایه را هم زمان با رفتن به درس خارج امام(ره) شروع نمود. مقداری از درس خارج قضا را در محضر آیةالله العظمی بروجردی فرا گرفت که به دلیل فوت ایشان، از ادامهٔ آن باز ماند. هم زمان در درس بیع امام شرکت می‌جست و پس از تبعید امام نیز به درس مرحوم آیةالله داماد و آیةالله حاج آقا مرتضی حائری یزدی رفت. حضرت آیةالله طاهری خرم آبادی در دورهٔ تحصیل خود از محضر استادان و عالمان برجسته‌ای کسب فیض نمود که حوزه‌های علمیه خاطرهٔ مبارزات و مجاهدتهای آنان را هرگز از خاطر نمی‌زداید. وی با ورود به قم، حاشیه ملاعبدالله را نزد آقای هاشمی رفسنجانی فرا گرفت. برای تحصیل معالم الاصول و مطول به نزد آقای شب زنده‌دار رفت و لمعه را نزد مرحوم حاج آقا حسین جزایری از فضلای خرم‌آباد، آقایان باقری کنی و ستوده خواند و رسائل شیخ انصاری را نزد آقایان مکارم شیرازی، شب‌زنده‌دار، مشکینی و سبحانی فرا گرفت و برای آموختن مکاسب محرمه با آقای حاج سید علی محقق داماد به مباحثه پرداخت کتاب بیع را نیز نزد آیةالله خزعلی فرا گرفت. کفایةالاصول را نیز در محضر مرحوم شیخ عبدالجواد اصفهانی (جبل عاملی) و مرحوم سلطانی (طباطبایی) آموخت. برای تحصیل درس خارج، به درس مرحوم آیةالله بروجردی و مرحوم امام خمینی رفت. ایشان در باره ویژگی علمی امام(ره) می‌فرماید: «بحث ایشان، شاگرد پرور بود و فکر را به کار می‌انداخت. تنها نقل عبارت دیگران نبود. درس ایشان تفاوت زیادی داشت با کل درسهایی که ما تا آن موقع در حوزه دیده بودیم. الان هم معتقدم که نوشته‌های فقهی و اصولی ایشان قابل طرح و استفاده و درخور دقت است. البته نمی‌خواهم بگویم که نظری فوق نظرات ایشان نیست. شاگردان ایشان همان موقع به نظرات ایشان اشکال می‌گرفتند و خود ایشان هم مشوّق بود؛ اما نظرات ایشان در همهٔ ابعاد به قدری عمیق و دقیق است که همیشه قابل طرح و بحث خواهد بود. از نظر علمی می‌توان گفت که حضرت امام در ابعاد مختلف فقهی، اصولی، فلسفی و عرفانی در عصر خویش فقیه و اندیشمندی استثنایی بود. حضرت امام از یک نبوغ و استعداد بالایی برخوردار بود. بدون هیچ گونه مبالغه‌ای می‌توانم بگویم بعد از معصومین(ع) حضرت امام یک انسان استثنایی بود». آیةالله طاهری خرم آبادی، پس از تبعید امام، در درس آقایان گلپایگانی، شیخ مرتضی حائری و داماد شرکت نمود و از محضر مرحوم حاج آقا حسن فرید اراکی بهره‌های فراوان برد. در بخش فلسفه نیز، ایشان منظومه ملاهادی سبزواری را نزد مرحوم آیةالله حاج آقا مصطفی خمینی و آیةالله امینی آموخت. اشارات و الهیات شفا را نزد آیةالله جوادی آملی و مقداری از اسفار را نزد مرحوم علامه طباطبایی فرا گرفت. بخشی از اسفار را نیز در محضر آیةالله شهید مطهری خواند. ایشان در دوره سطح با آقایان سید احمد مرعشی، سید علی محقق، عمید زنجانی به مباحثه می‌پرداخته است و از هم مباحثه‌ایهای دورهٔ تحصیل درس خارج، از آقایان مؤمن، حسینی کاشانی، ربانی املشی و حاج حسن تهرانی نام می‌برد. آیةالله طاهری خرم آبادی، در سالهای متمادی حضور در حوزه علمیه قم، خدمات

علمی و فرهنگی شایانی را به این حوزهٔ سترگ تقدیم داشته است. در بخش تدریس، ایشان بسیاری از کتب دوره سطح را به نوآموزان حوزه درس داده است و هم اکنون نیز به تدریس درس خارج فقه و اصول مشغول است و طلاب و فضلای بسیاری را به جامعهٔ علمی و فقهی کشور ارزانی داشته است. در کنار تدریس، از سالهای پیش از انقلاب تاکنون، در نشریات گوناگونی، مقاله‌های جامع علمی و سیاسی خود را به چاپ رسانده است که برخی از آنها به صورت کتاب منتشر شده است.برخی از کتب ایشان در دست چاپ است که از آنها می‌توان به کتابی در ردّ شبهات وهابیهٔ و کتابهایی چون منابع مالی اسلام در حکومت اسلامی و کتاب الخمس و ذبایح اهل کتاب و کتاب ولایهٔ الفقیهٔ اشاره کرد. زندگی عالمان مجاهد در عصر ما، همواره با مبارزه با رژیم منحوط پهلوی همراه بوده است. آیهٔالله طاهری خرم آبادی نیز، چون دیگر عالمان عصر خویش و مانند پیر و مراد و مقتدای خویش، حضرت امام خمینی(ره) حکومت ننگین پهلوی و سکوت در مقابل ستمهای آن را برنمی‌تابید و روز و شب را به مبارزه با آن می‌گذراند. سخنرانیها، نامه‌ها و اعلامیه‌ها، به زندان رفتنها و شکنجه شدنهای وی نقش مهمی را در پیشبرد انقلاب و پیروزی آن ایفا می‌کرد که ذکر نمونه‌ها و شرح آن، در این مختصر نمی‌گنجد. در سال ۱۳۴۱، شاه و عوامل آن، لوایح ششگانه‌ای را با ظاهر اصلاحات و ایجاد رفاه برای مردم تدوین کردند و می‌خواستند آن را به رفراندوم بگذارند. امام(ره) که به خوبی از حیله‌ها و عوامفریبی‌های شاه اطلاع داشت، مخالفت خود را با لوایح اعلام نمود و به آیهٔالله طاهری خرم آبادی نیز دستور داد که به خرم آباد برود و مسائل مطرح شده را با علما و مردم آن دیار در میان بگذارد. تلاش آیهٔالله طاهری خرم آبادی در آن روزگار برای رساندن پیام امام(ره) و گرد هم آوردن علمای خرم آباد و تصمیم‌گیری برای مسائل پیش آمده، نقطهٔ عطفی در مبارزات ایشان می‌باشد. همچنین ایشان پس از مدتی به قم رفت و گزارش مذاکرات علما و جریانهای پیش آمده در شهر را به اطلاع امام(ره) رساند. وی در اوایل سال ۱۳۴۲ به منظور تبلیغ و در آستانه ماه محرم، تصمیم به عزیمت به کاشان گرفت و آن را با امام(ره) در میان گذاشت. امام(ره) موافقت فرمودند و پیامهایی برای علمای کاشان با موضوعیت جریانهای پیش آمده و ضرورت مبارزه با رژیم شاه، دادند. وی ضمن رساندن این سخنرانیهای مهم و افشاگرانه‌ای را در ایام ماه محرم انجام داد که شور عجیبی در مردم کاشان ایجاد کرد و ساواک و عوامل رژیم پهلوی را هراسناک ساخت. همچنین سخنرانی وی پس از حادثه پانزدهم خرداد در حرم مطهر حضرت معصومه(ع) در حمایت از امام(ره) و محکوم کردن جنایات رژیم، در کارنامه مبارزاتی او می‌درخشد. در طول سالهای مبارزه، آیهٔالله طاهری خرم آبادی، بارها و بارها مورد تعقیب ساواک قرار گرفت و بارها تبعید یا زندانی شد. اما بینش صحیح وی از انقلاب و همچنین اطاعت محض از امام(ره) و علاقهٔ وافر به ایشان، تبعید و زندان و... را بر ایشان هموار می‌ساخت. ایشان هدف امام خمینی(ره) از نهضت را اینگونه بیان می‌کند: «از پای درآوردن حکومت سلطنتی در حد ساقط کردن آن و یا ضعیف کردن آن، به عنوان هدف میان مدت برای همه روشن بود. اما هدف نهایی نمی‌خواهم بگویم برای همه، ولی برای بسیاری از مبارزان نیز مجهول بود. به هر حال تا قبل از مطرح شدن مباحث ولایت فقیه حضرت امام، بحثی در مورد نظام جایگزین رژیم شاهنشاهی نشده بود. مباحث امام افق مبارزه را وسیع‌تر کرد و یک هدف مشخص و روشن را برای نهضت ترسیم کرد و آن، حکومت اسلامی و مسأله ولایت فقیه بود». آیهٔالله طاهری خرم آبادی، در حدود سال ۵۶ به عضویت رسمی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم درآمد، هر چند پیش از آن نیز در فعالیتهای مبارزاتی با اعضای این مرکز همکاری داشت. فعالیتهای سیاسی آیهٔالله طاهری خرم آبادی به پیش از انقلاب محدود نیست. ایشان پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی نیز در مسؤولیتهای گوناگون به ایفای نقش پرداختند و خدمات ارزشمندی را در عرصه‌های گوناگون به انجام رساندند

طاهری، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین طاهری

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۲

زندگینامه علمی

آقای سید حسین طاهری شهرت طاهری وحدتی در سال ۱۳۳۸ در خانواده‌ای مؤمن و پای بند به مسائل دینی در مشهد به دنیا آمد. در سال ۱۳۵۴ به دنبال اشتیاق فراوان به تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه مشهد شد. ادبیات عرب را از محضر حجهٔالاسلام آقایان رضوانی و حجت هاشمی آموخت. سطح را در محضر اساتید مبرز مشهد از جمله مرحوم بنی هاشمی، مرتضوی و رضازاده سپری کرد و خارج فقه و اصول را نزد آیات علم‌الهدی، زنجانی و مرحوم فلسفی تلمذ کرد. عشق ایشان به بارگان ملکوتی امام رضا(ع) مانع از آن شد تا به حوزه‌ای علمیه و دیگر شهرها از جمله قم وارد شود و لذا در همان جا در حین تحصیل به تدریس علوم دینی و غیردینی پرداخت و در این رهگذر شاگردان بارزی جهت خدمت به انقلاب و مردم و... را تربیت کرد.

طاهری، حیدر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید حیدر طاهری از علماء و ائمه جماعت موجه خرم‌آباد بوده که در اوائل تأسیس حوزه علمیه به قم آمده بعد از اینکه سالها تحصیلات خود را در اصفهان به پایان رسانیده بودند.

در قم از حواریین و اصحاب و رفقای خاص مرحوم آیت‌اللّٰه مجاهد حاج شیخ محمدتقی بافقی بوده و از محضر آیت‌اللّٰه العظمی حایری هم استفاده می‌نموده تا پس از چند سالی از تبعید مرحوم بافقی مراجعت به خرم‌آباد نموده و به خدمات دینی و اقامه جماعت پرداخته تا سال ۱۳۶۶ قمری که از دنیا رفته و در همانجا مدفون گردیده است. آن مرحوم عمده تحصیلاتش در اصفهان بوده و بعد در قم خدمت مرحوم آیت‌اللّٰه حایری و از آن مرحوم و نیز آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی اجازه اجتهاد داشتند و در خرم‌آباد در ساختمان و بناء مدرسه کمالیه با مرحوم آیت‌اللّٰه کمالوند همکاری و تشریک مساعی نموده است وی دارای اخلاق پسندیده مخصوصاً صفت حلم بوده و در این خصلت ضرب‌المثل بوده است وفاتش در ۲۲ شعبان‌المعظم هزار و سیصد و شصت و شش (۱۳۶۶) قمری واقع شده است.

از باقیات‌الصالحات اوست فرزند ارجمندش جناب ثقةالاسلام و مصباح‌الظلام نویسنده و گوینده والامقام آقای حاج سید حسن طاهری خرم‌آبادی که از فضلاء جوان حوزه علمیه و نویسندگان بنام مجله وزین مکتب اسلام و مکتب تشیع و سایر مجلات دینی حوزه علمیه قم می‌باشند وی بالغ بر بیست سال است که در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل علم و تکمیل مبانی فقه و اصول و موصوف به فضل و تقوا می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

طاهری، عبدالغفور

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ عبدالغفور طاهری از معمرین و علماء بزرگ و بنام یزد بوده و در شب پنجشنبه ۱۵ مهرماه ۱۳۱۶ شمسی از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

طاهری، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۹ ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و مدرس. در شیراز به دنیا آمد و در بیت علم و عزت پروزش یافت. دروس مقدمات و سطوح را در شیراز خواند، آنگاه به نجف مهاجرت کرد و از محضر آیت‌الله نایینی و آیت‌الله عراقی و آیت‌الله اصفهانی و دیگران استفاده نمود تا به مقام اجتهاد رسید. وی در نجف پس از چندین مرتبه گفتن درس سطوح عالی «کفایه» و «مکاسب» و «فرائد»، به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت. از آثار وی احداث سه مدرسه‌ی علمی در نجف برای طلاب است. از آثار علمی‌اش: «عمده الوسائل فی شرح الرسائل»، در مباحث قطع و ظن، در چهار مجلد؛ حاشیه بر «عروه‌الوثقی»؛ «منجزات المریض»؛ «رفع الحاجب فی الاجره عن الواجب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۴۲ / ۱۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۷۵ / ۷، ۴۵۴ / ۵).

طاهری، عبداللّٰه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبداللّٰه بن العالم النبیل آیت‌اللّٰه آقا سید محمدطاهر مجتهد شیرازی از مشاهیر علماء معاصر نجف اشرف می‌باشند.

وی در حدود ۱۳۱۸ ق در شیراز متولد شده و در بیت علم و عزت پرورش یافته و دروس مقدمات و سطوح را در شیراز خوانده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه نائینی و آیت‌اللّٰه عراقی و آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی و دیگران استفاده نموده تا به مقام منیع علم و اجتهاد رسید.

و پس از گفتن چندین بار درس سطوح عالی کفایه و مکاسب و فرائد به تدریس خارج فقه و اصول پرداخته و تا حال تحریر در حوزه علمیه هزار ساله نجف اشرف اشتغال به تدریس خارج و یکی از مراجع و مجتهدین بزرگ شیعه محسوب می‌شوند.

تألیفات عدیده‌ای در فقه و اصول و غیره دارند که بعضی بطبع رسیده و برخی هم مخطوط مانده است و انشاءاللّٰه در جلد ششم در ذکر نجف خدمات و آثار معظم له خواهد آمد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

طاهری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ علی طاهری لرستانی از فضلاء بنام حوزه علمیه قم است تولدش در حومه‌ی خرم‌آباد منطقه لرستان واقع و به قم مهاجرت نموده و از آیت‌الله العظمی بروجردی و آیات عظام مرعشی نجفی و شریعتمداری استفاده نموده و هم‌اکنون از شرکاء درس علمین آیتین شریعتمداری و نجفی می‌باشد دارای مقام فضل و کمال و متعبد و موفق به جماعت و با استعداد و در مباحثات متکلم گاهی موید و گاهی متشکل می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

طاهری، فخرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید فخر الدین بن آیت‌اللّه حاج سید محمد جعفر بن العالم الجلیل السید محمد طاهر طاهری شیرازی از علماء و ائمه جماعت معاصر شمیرانست و در مسجد دزایشیب به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

ایشان در شیراز تولد و در بیت علم پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح به قم مهاجرت و سالها از مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده آنگاه بنا بر دعوت عده‌ای از مؤمنین شمیران و تصویب آیت‌اللّه بروجردی بشمیران منتقل و در مسجد مزبور ایفاء وظیفه مینماید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طاهری، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محسن بن العالم الجلیل الشیخ طاهر طاهری قمی از علماء محترم معاصرند در شهر ورامین، وی در سال ۱۲۸۹ شمسی در شهر مذهبی قم متولد شده و پس از رشد و فراغت از دوره تحصیلات فارسی در سال ۱۳۰۴ شمسی درسن ۱۵ سالگی مشغول بتحصیل علوم دینیه گردیده و حدود ۱۳ سال سطوح وسطی و نهائی و غیره را در خدمت آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی و آیت‌اللّه العظمی موسوی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مهدی مازندرانی و مرحوم آقای ادیب تهرانی و آیت‌اللّه آقا سید کاظم گلپایگانی و آیت‌اللّه العظمی حاج سید احمد خونساری و غیره به پایان رسانیده و مدت سه سال از دروس خارج آیت‌اللّه العظمی حایری و آیت‌اللّه عالم ربانی آقا سید محمد حجت و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّه فیض و دیگران استفاده نموده و در سال ۱۳۲۰ شمسی بنابر دعوت و اصرار جمعی از مردم متدین و اصناف شهر ورامین مهاجرت باین شهر نموده و تاکنون که مدت سی و سه سالست در مسجد بزرگ ورامین (مسجد خاتم‌الانبیاء) به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام اشتغال دارد.

آثار آن جناب از این قرار است:

۱- تأسیس مسجد بزرگ که در آن اقامه جماعت می‌نمایند.

۲- تشکیل حوزه علمیه

۳- جامع التفاسیر

۴- راهنمای مبلغین و غیره

ایشان از غالب مراجع گذشته و حاضر دارای اجازه روایتی و امور حسبیه می‌باشد

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طاهری، محمدجعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدجعفر بن العالم الجلیل آقا سید محمدطاهر و مجتهد شیرازی از علماء محترم معاصر شیراز است.

وی در سال ۱۳۱۶ ق در شیراز متولد شده و پس از تحصیل مقدمات و سطوح در اوائل تأسیس حوزه علمیه به قم آمده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی (موسس) حوزه استفاده نموده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر و درس مرحوم آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی در مدت هفت سال فقهاً و اصولا استفاده نموده و پس از تحصیل اجازه به شیراز برگشته و به تالیف و تصنیف کتب علمی و مطالعه پرداخته و مورد توجه غالب مردم شیراز و مرجع و ملجاء

آنان گردیده است.

تالیفات ارزنده عدیده دارند که از نظر ارباب فضل می‌گذرانم.

۱- ازالهٔ الشکوک فی لباس المشکوک که در سال ۱۳۲۶ شمسی بطبع رسیده است.

۲- مجموعه مقالات اجتماعی و دینی (در دو جلد که در شیراز چاپ شده است)

۳- الهدایه در شرح کافیه نیز در شیراز چاپ شده است.

از باقیات الصالحات معظم له فرزندان متقی و دانشمندیست بنام حجتی‌الاسلام آقای حاج سید فخرالدین و حاج سید نورالدین طاهری شیرازی که از افاضل علماء مقیم شمیران تهرانند و ترجمه اجمالی آنان در ص ۶۵۸ ج چهارم گذشت.

(تو ۱۳۱۶ ق)، عالم دینی و فقیه. در شیراز به دنیا آمد و پس از تحصیل مقدمات و سطوح در اوائل تأسیس حوزه‌ی علمیه به قم رفت و از محضر آیت‌الله حایری یزدی استفاده نمود و پس از آن به نجف رفت و از محضر درس آیت‌الله نایینی و آیت‌الله عراقی و آیت‌الله اصفهانی مدت هفت سال در فقه و اصول بهره برد. پس از کسب اجازه به شیراز بازگشت و به تألیف و تصنیف کتب علمی و تحقیقی پرداخت.وی مرجع امور دینی مردم شیراز بود. از آثارش: «ازاله الشکوک فی لباس المشکوک»؛ مجموعه مقالات اجتماعی و دینی، در دو جلد؛ «الهدایه»، در شرح «الکفایه».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۴۵۴ -۴۵۳ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۳۲۷ -۳۲۶ / ۲).

طاهری، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن طاهری محمودی شاهرودی که در جلد پنجم فهرستی از ترجمشان گذشت در اینجا تفصیل آن تدارک می‌شود معظم‌له که سبط مرحوم آیت‌اللّٰه آقا میرمطلب بسطامی هستند.

در سال ۱۳۱۱ شمسی در شاهرود به دنیا آمده و پس از پایان تحصیلات مقدماتی ابتدائی شروع به دروس عربی نموده و چهارسال در شاهرود تحصیل نموده و پس از آن به قم عزیمت و سطوح را در خدمت اساتید و مدرسین سطوح قم به پایان رسانیده و بعد از آن از مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیت‌اللّٰه العظمی امام خمینی و مرحوم محقق داماد یزدی استفاده نموده و بعد از هشت سال اقامت در قم به نجف اشرف مهاجرت و مدت پنج سال در خدمت مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللّٰه حکیم و آیت‌اللّٰه حاج شیخ حسین حلی و آیت‌اللّٰه العظمی خوئی مدظله و آیت‌اللّٰه بجنوردی تحصیل دروس خارج فقه و اصول نموده سپس به ایران مراجعت و باز چندی در قم توقف و از محاضر آیات عظام بهره‌مند شده تا بعد از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه بروجردی به شاهرود بازگشت و در مسجد مصلی به اقامه جماعت و درس تفسیر قرآن و وعظ و تبلیغ و در منزل به تدریس فقه و فلسفه و ادبیات اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

طاهری، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمود طاهری

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب اردیبهشت سال ۱۳۴۸ به دنیا آمدم. دروس جدید را تا سوم راهنمایی به اتمام رسانده و در سال ۱۳۶۲ هجری شمسی وارد حوزه علمیه رستم کلای (بوشهر) شدم و سالها از محضر حضرت آیت الله ایازی استفاده کردم. در سال ۱۳۷۰ برای ادامه تحصیل وارد حوزه علیمه قم شدم و بعد از اتمام دوره سطح حوزه، اکنون هفت سال است که به درس خارج مشغول می باشم.اساتیدی در دوره درس سطح حوزه قم از آنها استفاده بردم عبارتند از: ۱- آیت الله العظمی علوی گرگانی ۲- آیت الله العظمی صافی گلپایگانی ۳- حجت الاسلام حبیب الله طاهری.اساتیدی که در درس خارج از آنها بهره برده و می برم عبارتند از:۱- آیت الله العظمی علوی گرگانی ۲- آیت الله العظمی صافی گلپایگانی ۳- آیت الله احمدی یزدی ۴-آیت الله مصطفوی ۵- آیت الله سبحانی اکنون نیز به مدت تقریبا ۱۵ ماه است که سردبیری ماهنامه طوبی را به عهده دارم.

طاهری، نورالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید نورالدین بن آیت‌اللّٰه حاج سید محمد جعفر طاهری (مجتهد) شیرازی برادر دانشمند طاهری مذکور است، وی نیز در شیراز متولد و پس از خواندن اولیات و سطوح وسطی به قم عزیمت نموده و غالبا شریک تحصیل برادر خویش بوده و سطوح عالی را از مدرسین بزرگ مانند مرحوم آیت‌اللّٰه محقق داماد و آیت‌اللّٰه مرعشی و دیگران بپایان رسانیده و چند سالی از محضر مرحوم زعیم اعظم حضرت آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده دروس خارج نموده و بنا بر تقدیر و تقاضای جماعتی از مردم متدین تجریش و امریه حضرت آیت‌اللّٰه بروجردی مهاجرت به آن سامان نموده و تا هم‌اکنون در مسجد تکیه (پائین) به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طاهریا سمنانی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

طنزپرداز، شاعر.

تولد: ۱۵ آذر ۱۳۰۸، سمنان.

درگذشت: تیر ۱۳۶۶، سمنان.

محمدعلی طاهریا، متلخص به «طاهر» معروف به طاهر سمنانی، فرزند حاجی طاهرخان، پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در سمنان در وزارت فرهنگ به کار مشغول گردید و سال‌ها به عنوان آموزگار در دامغان و سمنان به تدریس اشتغال داشت. وی همچنین از عارفان طریقه نعمت‌اللهی سلطان علیشاه بود. در سال‌های آخر خدمت، رییس اداره‌ی آموزش و پرورش سنگسر سمنان شد. در سال ۱۳۵۸ از خدمت برکنار گردید و تا پایان عمر در سمنان به مطالعه و دستگیری درویشان نعمت‌اللهی گنابادی اشتغال داشت.

در زمینه شعر، در ابتدای جوانی به سرودن شعر سمنانی علاقه‌مند بود و چند شعر به گویش سمنانی از او منتشر شده است. سپس به کارهای طنز و فکاهی روی آورد. اشعار فکاهی وی در مطبوعات طنز تهران با امضاهای «قرتی الشعرا» و «طاهریا» به چاپ می‌رسید. پس از این بود که به سوی تصوف گرایش یافت و به تحقیق در آثار عرفانی و تحقیقی پرداخت.

فهرست آثار وی به شرح زیر است: بخوان و بخند (۱۳۳۷)؛ ترانه‌ها و فولکلور دامغان (۱۳۴۴)؛ تذکره‌ی شعرای دامغان (۱۳۳۷)؛ شجره‌ی خانواده‌ی طاهری سمنان (۱۳۴۷)؛ دروازه هزار سال شاهنشاهی و ارونـد رود (۱۳۴۷)؛ ایران، جهان باستان و کوروش کبیر (۱۳۴۹)؛ زندگی شجاع لشگر دامغانی و قتل امیر اعظم (۱۳۴۹)؛ و برخی رساله‌های دیگر.

محمدعلی طاهریا سرانجام به سال ۱۳۶۶ در سمنان زندگی را بدرود گفت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

طاهریان، جلیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلیل طاهریان

محل تولد : سمنان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی اینجانب جلیل طاهریان در سال ۱۳۴۰ در خانواده ای مذهبی در جنوب شهر دیه به جهان گشودم. پدر بزرگوارم جهت کسب روزی حلال به کفش دوزی و والده مکرمه‌ام به پخته نان در منازل مشغول بودند. که هر دو از دنیا رفته و روحشان شاد باد. بعد از دوران ابتدائی پدرم مرا به حوزه علمیه صادقیه سمنان هدایت نمود. که دوره مقدمات و سطح یک و دو را گذراندم. آنگاه جهت درس خارج نزد استاد حضرت آیةالله عالمی که به درجه اجتهاد نائل شده بودند، رفته و همزمان درس کلاسیک را در شبانه و دانشگاه ادامه دادم. تا سال ۱۳۷۱ از دانشگاه آزاد اسلامی موفق به کارشناسی ارشد در رشته فقه و مبانی حقوق در آمده و در سال ۱۳۷۲ عضو هیئت علمی ساعتی در دانشگاه آزاد اسلامی فعالیت علمی و پشتکار باعث گردید. که در سال ۱۳۸۰ امام جماعت نمونه کشور در سال ۱۳۸۱ پژوهشگر برتر در حوزه فرهنگ و دین و در سال ۱۳۸۲ نیروی فرهنگی ممتاز از سوی نهاد نمایندگی ولی فقیه و همچنین در سال ۱۳۸۴ مبلغ برتر از سوی صدا و سیما حوزه علمیه دفتر تبلیغات و سازمان تبلیغات اسلامی شده و همچنین در سال ۱۳۸۵ پژوهشگر برتر از دانشگاه آزاد اسلامی انتخاب شده، و در حال حاضر مدیریت حوزه علمیه و تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی را دارم. اولین مقاله‌ای که نوشتم درباره نقش ورزشکاران در احیاء نماز بود که مورد پذیرش قرار گرفت و

این خود عاملی بود که دست به قلم زده و کتاب رازها و رمزها نماز را که با رهنمود استادم که درس خارج فقه را بر عهده داشتند. تحریر نموده و بحمدالله مورد پذیرش قرار گرفتند کار مطالعاتی و تحقیقاتی را استمرار داده. که آخرین تحقیقات حقیر پیرامون تهی کردن دین از بصیرت ترویج خرافه پرستی. و ترویج ابتذال تحت عنوان آزادی و مدعیان دروغین در ارتباط با حضرت ولی عصر بوده اخیراً گوشه‌آی از فعالیت‌های علمی را که من جمله درباره حضرت معصومه(س) با عنوان بانوی مهر و همچنین مقالات چاپ شده در ارتباط با اتحاد ملی و انسجام اسلامی و موعود باوری عاملی در ایجاد اتحاد ملی و انسجام اسلامی بود در حوزه علمیه صادقیه که در زمان بازدید استاندار سمنان صورت گرفت به نمایش گذاشتند که موجب تعجب علماء و طلاب گردیده بود. انجام امور پژوهشی و تحقیقاتی و چاپ مقالات متعدد باعث گردید که اجرای برنامه‌های زنده در صداوسیما را به عهده حقیر گذاشتند و بحمدالله با ارائه بحث‌های جدید علمی من جمله ازدواج– آفات زندگی – سنگ صبور بحث حوزه و دانشگاه جایگاه علمی خوبی را پیدا نموده و عضو پژوهشگران کشوری شدم و در نمایشگاه پژوهشگران راه یافتم. همچنین با شناختی که مسئولین پیدا نموده برگزاری همایش‌های بزرگ از قبیل عفاف و حجاب، مدیریت و رهبری، تولید علم و نهضتف، نرم‌افزاری و برگزاری نمایشگاه نغمه دل که ویژه نماز بود به حقیر محول نموده که آقای قداستی بصورت مکتوب این جمله را نوشتند که اولین کار علمی در کشور به صورت نمایشگاه مجازی به ثمر رسید و قدردانی نمودند.

طاهریان، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد طاهریان

محل تولد : کاشمر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۳

زندگینامه علمی

آقای محمد طاهریان در سال ۱۳۳۷هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان کاشمر دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۴۸ که سالهای خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود و حوزه های علمیه از طرف رژیم منحوس پهلوی به شدت تحت فشار بودند وارد حوزه علمیه کاشمر گردید و در مدرسه حاج آقا سلطان مشغول تحصیل گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد اما شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام الله علیها او را راهی حوزه علمیه قم گردانید و به مدرسه علمیه حجتیه رفت. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه قم ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام الله علیها با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیار حاضر شد و پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۵۸ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل حورزوی از محضر بزرگانی چون آیت الله مشکینی، آیت الله سعیدی، استاد شریعت، استاد فرقانی، استاد مدرس و... کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته علوم تربیتی در مقطع کارشناسی در سال ۱۳۶۰ از مدرسه عالی تربیتی قم فارغ التحصیل گردید. پس از مدتی تحصیل در قم دوباره به مشهد بر گشت و بر کرسی استادی تکیه زد و در دانشگاههای فردوسی، علوم پزشکی و... به امر تدریس پرداخت که حاصل زحمات ایشان پرورش دانشجویان فراونی می باشد. وی در زندگی سراسر علمی خود از امر تحقیق و نگارش و تألیف غافل نماند و ضمن پژوهش در بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی کتب" معاد در افق نهج البلاغه "، "رستاخیز از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه "و" درسهایی از نهج البلاغه " را به رشته تحریر در آورده است.

طایر جهرمی، مرتضی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۷۷ ق)، شاعر، متخلص به طایر. از سادات جهرم بود که در اوایل عمر مدتی تحصیل علوم مختلفی کرد و مدتی به سیر و سیاحت پرداخت و سی سال آخر عمر را در جهرم مسکن گزید. از آثار وی «مختارنامه» است که مؤلف «حدیقه الشعراء» تا بیست هزار بیت آن را، در ۱۲۷۷ ق، دیده بود که طایر قصد اصلاح آن را داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان جهرم (۳۴۲ –۳۳۹)، حدیقه الشعراء (۱۰۹۹ –۱۰۹۶ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۹۸ –۴۹۷ / ۳)،

فارسنامه ناصری (۱۲۸۶ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۵۸۵)، مرآت الفصاحه (۳۷۴ -۳۷۳).

طایر شیرازی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۴۴ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به طایر. وی جزو خانـدان حاج ابراهیم‌خان اعتمادالدوله بود و به فرمان فتحعلی‌شاه نابینا شد. در جوانی، چندی به اصـفهان تبعید شد و در آن شهر به تحصیل کمالات پرداخت. بعد از مدتی به خدمت شاهزاده محمد علی میرزا دولتشاه درآمد و سمت ندیمی یافت.

طایر شعر می‌گفت و خط نستعلیق را خوش می‌نوشت. حکایت کرده‌انـد که وی در بـازی شـطرنج، بـا وجـود نابینـایی، مهـارت بخصوصـی داشت. او در کرمانشاه درگذشت. اثر وی «دیوان» شعر می‌باشد. لازم به ذکر است صاحب «احوال و آثار خوشـنویسان» نام صاحب عنوان را حسین علی‌خان آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشـنویسان (۱۶۰ -۱۵۹ / ۱)، حدیقه الشعراء (۱۱۰۲ -۱۰۹۹ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۰۷ -۴۹۸ / ۳)، الذریعه (۶۳۵ / ۹)، روشندلان جاوید (۲۷۶ -۲۶۲)، سفینه المحمود (۵۳۴ -۵۲۵ / ۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۶۲ - ۹۶۱ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۵۸۵)، مجمع الفصحا (۷۲۸ -۷۲۵ / ۵)، مرآت الفصاحه (۳۷۳ -۳۷۰)، مصطبه‌ی خراب (۱۲۴ -۱۲۳)، نگارستان دارا (۱۱۱ -۱۰۹).

طایر گلپایگانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سـیزدهم ق)، شاعر. هدایت می‌نویسد: «نام شیریفش آقا سید محمد از فضلای آن بلد، سیدی با ذوق و عرفان و با شوق و ایمان بوده. در سفر مکه معظمه رحلت نمود». اثر وی «دیوان» شعر می‌باشد. از اوست:

اگر گویم که عشق گل فغان‌آموز بلبل شد

خطا باشد که این نسبت بود بی‌اصل و بی‌مبدا

نه بلبل عاشق گل شد نه گل معشوق بلبل شد

گل و بلبل شده هر یک به رویی واله و شیدا

هر آن کس زنگ بزداید ز مرآت ضمیر خود

ببیند جمله هستی به ذکر ایزد یکتا

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۱۰۲ / ۲)، الذریعه (۶۳۵ / ۹)، مجمع الفصحا (۷۱۹ -۷۱۸ / ۵).

طایر ناییینی، حسنعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۶۷ ق)، شاعر، متخلص به طایر. وی از شاعران نایین و از معاصـران دیوان بیگی، صاحب «حدیقه الشعراء» است که در انشاء و خط نیز ماهر بود و مدتی در یزد به کار دیوانی مشغول بود و بعد از آن به اصفهان رفت. در سردون شعر توانا بود. وی به درخواست دیوان بیگی، صاحب «حدیقه الشـعراء»، رساله‌ای مشـتمل بر خصوصـیات نایین نوشت به نام تذکره‌ی «نایین» که در آن شـرح حال و اشعال خود را نیز آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۳۹۲ -۳۸۹ / ۱)، حدیقه الشعراء (۱۱۰۵ -۱۱۰۳ / ۲).

طایر، حاج طایر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سـیزدهم ق)، سازنده‌ی ساز و شاعر، متخلص به طایر. از صـنعتکاران دارالصنایع و از نظر زمانی بر استاد فرج الله، مقدم بود. وی سازهـای مختلفی می‌سـاخته و از میـان کارهـای او سه‌تارهایش ممتاز و معروف است. حاجی طایر تعمیرکار ماهری بود و سه‌تارهای یحیای اول را سرمشق کار خود قرار می‌داد و اهل ذوق و شعر نیز بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (۶۹۴ / ۲)، سرگذشت موسیقی (۱۶۹ / ۱)، مردان موسیقی (۳۳۸، ۳۲۴ / ۲).

طایر، محمدهاشم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، خطاط. وی به غیر از اقلام شش‌گانه، نستعلیق و شکسته را نیز خوش می‌نوشت. از آثار وی: یک نسخه «صحیفه‌ی سجادیه» که متن آن به قلم نسخ و ترجمه‌ی آن نستعلیق و حواشی آن شکسته‌ی خوش است، با رقم: «کتبه هذه الصحیفه و متنا وهامشا، محمد هاشم الشهیر بالطایر، فی ۱۱۰۲»؛ ترجمه‌ی ادعیه‌ی نیم ربعی با جلد روغنی عالی و سرلوح مرصع عالی، به خط نسخ کتابت خوش، با رقم: «کتبه العبد الاقل محمد هاشم الشهیر بالطایر، فیس ۱۱۰۳».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۰۸ / ۴، ۸۶۰ / ۳).

طائی شمیرانی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۸ ش)، شاعر، متخلص به طائی. در کاشانک نیاوران به دنیا آمد و پس از طی تحصیلات مقدماتی به کار درودگری پرداخت. وی از کودکی به سرودن شعر روی آورد و در انجمن‌های ادبی تهران شرکت داشت و با بهره‌مندی از استادان. با فنون و رموز شعر آشنایی یافت. اشعار او بیشتر در قالب‌های کلاسیک بود و در انواع قالب‌های شعری مهارت داشت. از آثار وی: سه مجموعه شعر به نامهای: کلیات «غزلیات». کلیات «قصاید» و « خاطرات یک شب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۲۳۸۳ -۲۳۸۰ / ۴). مؤلفین کتب چاپی (۱۴۲ -۱۴۱ / ۶).

طب همدانی، یوسف

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۳۵ ق)، شاعر. در همدان به دنیا آمد. پدر و نیای میرزا یوسف، همگی در همدان دارای منصب شیخ‌الاسلامی و صاحب فتوا و متصدی قضا بوند. خود وی نیز چون پدرانش عهده‌دار مصنب شیخ‌الاسلامی بود. ابتدا علوم عقلیه را فراگرفت سپس در اصفهان تحصیل علوم دینی و اصول فقه کرد و آن‌گاه به تهران آمد و مورد توجه حکام وقت قرار گرفت و مدتی معلم شاهزاده محمود میرزا، مؤلف «سفینه المحمود»، بود. بعد به همدان بازگشت و مورد لطف و نوازش محمد علی میرازی دولتشاه قرار گرفت. وی در حوالی قزوین درگذشت. اثرش «دیوان» شعری مشتمل بر سه هزار بیت می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۱۱۷ -۱۱۱۶ / ۲)، الذریعه (۶۴۶ / ۹)، سفینه المحمود (۲۵۷ -۲۵۴ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۵۸۸)، لغت‌نامه (ذیل/ طرب همدانی)، مجمع الفصحا (۷۲۹ / ۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۲۵)، نگارستان دارا (۱۱۲ -۱۱۱).

طباخ هروی، عبدالله

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۸۰ ق)، خطاط، نقاش و شاعر. در هرات به دنیا آمد. بدان جهت به او طباخ گفته‌اند که پدرش شغل آشپزی داشت و عبدالله در دکان پدر مشغول کار بود. اغلب تذکره‌نویسان او را در اقلام سته شاگرد جعفر تبریزی دانسته‌اند. در خط نستعلیق نیز مهارت داشت و در خط ثلث پیروی یاقوت می‌کرد. به قول مؤلف «گلستان هنر» وی در زرافشانی و وصالی نیز دست داشته و اکثر کتیبه‌های عمارات هرات، خصوصا گازرگاه و مشهد به خط اوست. گویند وی ابتدا در هرات به تحصیل علوم پرداخت، آن‌گاه به بغداد رفت و چون در آنجا نیز از کسب معلومات فراغت یافت به هندوستان رفت و در خدمت پادشاه زمان و وزرا مقامی عالی یافت و در شعر نیز قصیده‌سرا بود. مرگ عبدالله در هرات اتفاق افتاد. از شاگردان او، حافظ فوطه‌ای، محمود کاتب و عبدالله بیانی معروف به خواجه مروارید درخور ذکرند. از آثار او: یک قطعه به قلم نستعلیق کتابت متوسط، در ضمن سایر اقلام،با رقم: «مشقه العبد الراجی عبدالله هروی، فی سنه ست و اربعین و ثمانمائه...»؛ یک قطعه از مرقع بایقرا- طهماسب، به خط ریحان دو دانگ جلی و رقاع دو دانگ جلی و نسخ کتابت خفی عالی، با رقم: «کتبه... عبدالله الهروی.. سنه تسع و خمسین و ثمانمائه بدارالملک سمرقند...»؛ یک نسخه

ادعیه، با عنوان «حفظ الآیات» در ضمن سایر اقلام، چند صفحه به قلم کتابت متوسط، با رقم: «خدم بکتابه هذه الدعوات... عبدالله الهروی... سنه ست و ستین و ثمانمائه بدارالملک هراه...»؛ یک قطعه از مرقع، به خط نسخ نیم دو دانگ جلی خوش، با رقم: «مشقه عبدالله الطباخ»؛ یک قطعه از مرقع ثلث سه دانگ جلی ممتاز و توقیع کتابت جلی و نسخ کتابت خفی عالی، با رقم: «مشقه العبد... عبدالله الهروی.. سنه ست و ستین و ثمانمائه...» (۸۶۶) و چندین اثر دیگر که در «احوال و آثار خوشنویسان» به آنها اشاره شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۹۵ -۱۰۹۳، ۱۰۸۱ / ۴، ۳۶۴ -۳۶۰ / ۲)، احوال و آثار نقاشان (۳۱۲ -۳۱۱ / ۱)، اطلس خط (۳۲۷ -۳۲۶)، پیدایش خط و خطاطان (۱۳۸ -۱۳۷)، تاریخ نظم و نثر (۳۴۱)، تاریخ هنرهای ملی (۸۰۱ -۸۰۰ / ۲)، حبیب السیر (۱۹ / ۴)، خوشنویسان و هنرمندان (۲۶)، ریحانه (۴۸ / ۱)، گلستان هنر (۲۷)، مناقب هنروران (۱۱۴ ،۴۴)، هنر عهد تیموریان (۷۸۵، ۵۹۷، ۵۹۰ -۵۸۹، ۵۸۶، ۴۹۷).

طباطبا، ابی الحسن محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اجله‌ی سادات، ادیب و شاعر، در معجم الادباء و دیگر کتب، وی را به فضل و ادب و جلالت مقام و علم و تحقیق یاد کرده‌اند. مرزبانی گوید: «شیخ من شیوخ الادب» کتب زیر از اوست: ۱ - تعریض (تقریظ) الدفاتر ۲ - تهذیب الطبع ۳ - دیوان اشعار ۴ - سنام المعانی ۵ - الشعر و الشعراء ۶ - العروض ۷ - عیار الشعر ۸ - کتاب فی المدخل، در معرفت معما و غیره.

در اصفهان متولد و در ۳۲۲ وفات یافته، مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

طباطباوکیلی، وحید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر وحید طباطبا وکیلی در سال ۱۳۲۶ در شهر تهران به دنیا آمد.پس از اخذ درجه کارشناسی رشتهٔ مهندسی برق و الکترونیک از دانشگاه صنعتی شریف تهران ،برای ادامهٔ تحصیلات عالیه، راهی کشور انگلستان شد و در رشته مهندسی مخابرات به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۵۶ به دریافت درجهٔدکترا از دانشگاه برادفورد توفیق یافت. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه علم و صنعت می باشد. ترجمه کتاب"مهندسی ارتباطات دور، "در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : فنی و مهندسی

رشته : مهندسی الکترونیک

گرایش : مخابرات

تحصیلات رسمی و حرفه ای : وحید طباطبا وکیلی تحصیلات ابتدایی را در تهران و خرم آباد و تحصیلات متوسطه را در شهر تبریز به پایان برد و در سال ۱۳۴۹ به اخذ درجه لیسانس در رشتهٔ مهندسی برق و الکترونیک از دانشگاه صنعتی شریف تهران نایل آمد. وی برای ادامهٔ تحصیلات عالیه، راهی کشور انگلستان شد و در سال ۱۳۵۳ به اخذ درجه فوق لیسانس رشتهٔ مهندسی مخابرات از دانشگاه منچستر و در سال ۱۳۵۶ به دریافت درجهٔدکترا از دانشگاه برادفورد توفیق یافت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر طباطبا وکیلی بعد از طی مدارج عالی دانشگاهی به میهن بازگشت و به کار تدریس و تحقیق پرداخت. مشاغلی که ایشان از سال ۱۳۵۷ به بعد عهده‌دار آن بوده‌اند، استادیاری گروه مهندسی برق دانشکدهٔ فنی دانشگاه تبریز، مشاورت فنی وزارت برنامه و بودجه، استاد مدعو دانشگاه تهران، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، دانشگاه آزاد اسلامی تهران و مجتمع فنی و مهندسی تهران بوده است و از سال ۱۳۶۴ تا کنون به عنوان استادیار و مدیر گروه مخابرات دانشکدهٔ برق دانشگاه علم و صنعت ایران به فعالیتهای آموزشی و پژوهشی خود ادامه می‌دهند.

فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریس وحید طباطباوکیلی در دانشگاه علم و صنعت به قرار زیر است: پردازش سیگنالهای دیجیتالی مخابرات II

آرا و گرایشهای خاص : دکتر طباطباوکیلی در زمینه مخابرات و پردازش سیگنالهای دیجیتالی مقالات متعددی به رشته تحریر در آورده است.

جوائز و نشانها : ترجمه کتاب"مهندسی ارتباطات دور، "در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

آثار :

۱ سیستمهای مخابراتی - جلد اول آنالوگ

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، سال ۱۳۷۳

۲ مهندسی ارتباطات دور

ویژگی اثر : این کتاب توسط دکتر طباطبا وکیلی به فارسی برگردانده‌شده است و توسط مرکز نشر دانشگاهی در سال ۱۳۶۵ به چاپ رسیده است-این کتاب در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی شده است-آشنایی با کتاب «مهندسی ارتباطات دور» این کتاب، تألیف راجون، یکی از مهندسین ارشد و مجرب III است که مشتمل بر دوازده فصل در باب مباحث نظری و عملی مهندسی مخابرات می‌باشد. در این کتاب، سیستم‌های مختلف ارتباطات دور از قبیل روشهای انتقال تلفنی، ادغام فرکانسی، سیستم‌های HF و مایکروویو، سیستم های پراکندگی تروپوسفری و ایستگاه زمینی، انتقال امواج میلیمتری، سیستم‌های کابلی، سیستم‌های PCM و روشهای انتقال تصویر مورد بحث و بررسی قرار گرفته، با ترتیبی منطقی تشریح شده است. این کتاب به عنوان کتاب مرجع برای درس سیستم‌های انتقال در رشتهٔ مهندسی برق دانشگاههای ایران به کار رفته، همچنین با توجه به نکات فنی و علمی مطروحه در آن، می‌تواند مورد استفاده مهندسین مخابرات در قسمتهای مختلف صنعت مخابرات کشور قرار گیرد

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

طباطبایی اردکانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب، محقق.

تولد: ۱۲۸۱(۱۳۱۵ ق.)، اردکان (قریه گزلازقرا، سفلای اردستان).

درگذشت: ۱۳ مهر ۱۳۷۲، تهران.

سید محود طباطبایی اردکانی دارای درجه‌ی کارشناسی در رشته‌ی فرهنگ اسلامی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳ است. وی سپس به تحصیلات خود ادامه داد و در رشته‌ی فرهنگ اسلامی در سال ۱۳۴۷ موفق به اخذ دکتری شد.

وی از سال ۱۳۵۳ عضو هیئت علمی دانشگاه ابوریحان بیرونی شد. در دانشگاه علامه طباطبایی (در رشته‌ی ادبیات) و دانشگاه تهران نیز تدریس می‌کرد. سرپرستی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده‌ی ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی نیز به عهده وی بود.

از آثار ایشان است: فرهنگ جامع اردکان؛ بررسی گویه و ویژگی‌های فرهنگی زبان اردکانی؛ تاریخ تحلیلی اسلام؛ گزیده و شرح تاریخ بلعمی.

دکتر طباطبایی اردکانی هنگام تدریس در کلاس درس دار فانی را وداع گفت.

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فرهنگ اسلامی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: علامه طباطبائی

زندگینامه

دکتر شادروان سید محمود طباطبائی اردکانی در سال ۱۳۱۵ دیده به جهان گشود. بعد از اتمام تحصیلات متوسطه، در سال ۱۳۴۳ موفق به اخذ کارشناسی در رشته فرهنگ اسلامی از دانشگاه تهران شد. سپس به ادامه‌ی تحصیلات عالی پرداخت. و سرانجام در سال ۱۳۴۷ در رشته فرهنگ اسلامی موفق به اخذ مدرک دکترا گردید. وی در سال ۱۳۵۳ به عضویت هیئت علمی دانشگاه ابوریحان بیرونی نائل آمد و سرانجام به مرتبه دانشیاری دانشگاه علامه طباطبائی ارتقاء یافت.

آقای دکتر طباطبائی اردکانی در تمام دوران دانشگاهی خود به پژوهش در فرهنگ و ادب عامیانه و گویش اردکانی پرداخت. از ایشان ۵ جلد کتاب در زمینه‌های ادبیات فارسی و تاریخ اسلام به جای مانده است. از وی حدود ۷ مقاله درباره‌ی ادبیات و علوم انسانی و تاریخ اسلام در مجلات معتبر داخلی به چاپ رسیده است.

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فرهنگ اسلامی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته فرهنگ اسلامی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد و دکترا در رشته فرهنگ اسلامی در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

عضویت در هیات علمی دانشگاه ابوریحان سابق در سال ۱۳۵۳، پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه علامه طباطبائی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پژوهش در فرهنگ و ادب عامیانه و گویش اردکان، استاد راهنمای ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ادبیات فارسی و تاریخ اسلام.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

ادبیات و علوم انسانی، تاریخ اسلام.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

طباطبایی بروجردی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در روزهای پایانی صفر ۱۲۹۲ ق . خانه حجهٔ الاسلام حاج سید علی بن سید احمد طباطبایی با تولد نوزادی که ((حسین)) نام گرفت. غرق درذکر و سپاس پروردگار شد.

سید حسین اندک اندک بالید، جامع المقدمات ، سیوطی ، منطق و گلستان سعدی را در مکتب آموخت و سپس در مدرسه نوربخش به تکمیل اندوخته ها و تهذیب نفس پرداخت . نحو، صرف ، بدیع ، عروض ، منطق ، فقه و اصول بخشی از دستاورد سالهای مدرسه نور بخش شمرده می شد. سالهایی که سید حسین سخت کوشید و در پناه عنایتهای ویژه الهی به پیشرفتی چشمگیر دست یافت .

آنگاه عزم اصفهان سپاهان کرد و پس از جلب رضایت پدر سمت آن سرزمین دانش خیز به راه افتاد. آقا نوح الدین ، پسر عمو سید حسین ، در مدرسه صدر روزگار می گذراند؛ دانشجوی سخت کوش بروجرد یکسره نزد پسر عمویش شتافت و در حجره او اقامت گزید. رابطه پسر عموهای بروجردی بسیار نیک بود. آقا نوح الدین در روزهای آغازین به سید حسین گفت : اگر می خواهی در دانش اندوزی و تدریس کامروا شوی باید در محافل علمی سخن بگویی و در درس اشکال کنی و گرنه تا پایان عمر چون من گمنام می مانی .

زیر باران

سید حسین نخست در درس استاد گرانقدر آقا سید محمد باقر درچه ای شرکت جست .

دانشور درچه ای ، که نورالهی در دیدگان داشت ، بزودی گوهر یگانه بروجرد را باز شناخت ، او را به خود نزدیک کرد و از عنایات ویژه خویش برخوردار ساخت . حضرت آیهٔ الله ملا محمد کاشی ، مجتهد وارسته میزار ابوالمعانی کلباسی ، دانشور گرانمایه سید محمد تقی مدرس و حکیم برجسته میرزا جهانگیر قشقایی از دیگر استادان ستاره تابناک بروجرد شمرده می شدند.

استادان گرانپایه ای که هر یک به گونه ای سید حسین را از عنایت خویش بهره مند ساختند و در شکل گیری شخصیت گوهر گرانبهای خاندان طباطبائی دخالت داشتند. سید دانش پژوهان بروجردی در بامداد یکی از روزهای ربیع الاول ۱۳۱۴ سرمست از باده دانش و حکمتی که استادان نامور حوزه سپاهان در کام روانش می ریختند، در برابر حجره اش نشسته بود که پیکی نامه پدر را به وی سپرد.

هر چند نامه پدر سید حسین را در شادی فرو برد ولی این سرور دیری نپایید زیرا پدر او را به وطن فرا خوانده بود. ستاره بروجرد با این اندیشه که شاید پدر می خواهد او را به نجف گسیل دارد رنج سفر و بریدن از درس را به جان خرید و به زادگاهش برگشت ولی پدر اندیشه ای دیگر در سر داشت . او با پای فشاری بر خواسته خویش مقدمات ازدواج فرزند را فراهم آرد. بدین ترتیب دانشجوی جوان بروجردی در ۲۲ سالگی ازدواج کرد. دو یا سه ماه در زادگاهش ماند و سپس با خانواده سمت اصفهان رهسپار شد.

نامه سرنوشت

۱۳۱۹ ق . برای گوهر یگانه بروجرد سال تحول بود. نامه پدر به دستش رسید و او را آماده سفر ساخت . پدر چنان نوشته بود که می خواهد وی را به نجف گسیل دارد. بنابراین پس از نه سال زندگی سراسر تلاش و پژوهش در اصفهان به زادگاهش بازگشت . اندکی در آن سامان توقف کرد و سپس همراه برادر کوچکش ، سید اسماعیل ، رهسپار نجف شد.

برادران بروجردی در ۱۳۲۰ به حریم پاک امیر مومنان علیه السلام گام نهادند. سید حسین ، که ۲۸ سال داشت و مجتهدی جوان شمرده می شد، به درس حضرت آیهٔ الله العظمی محمد کاظم خراسانی شتافت و خود را در برابر تابش مستقیم آفتاب دانش آن مرجع وارسته جای داد. بزودی نظرهای بجا و قابل تاءمل دانشو تازه وارد توجه استاد بزرگ حوزه نجف را جلب کرد و میان آنها پیوندی ناگسستنی پدید آورد. به گونه ای که اگر پس از درس آخوند خراسانی ، سخنی بر زبان نمی آورد، استاد وی را مخاطب قرار می داد و می فرمود: آقا نظری ندارید؟

اندک اندک ارج سید حسین بر شاگردان محفل آخوند نیز آشکار شد. آنها از او خواستند تا پس از خروج استاد از محفل ، درس وی را با شرح و توضیح فزونتر بازگو کند. بدین ترتیب یکی از برنامه های مجتهد بروجردی تقریر درس استاد شد.

آن بزرگمرد هشت سال در حریم حضرت علی علیه السلام اقامت گزید. علاوه بر آخوند خراسانی از بزرگانی چون حضرات آیات شیخ الشریعه اصفهانی و سید محمد کاظم یزدی بهره کافی برد، گروهی از دانشجویان را از درس فصول (در علم اصول) خویش کامروا ساخت ، سر انجام در اواخر ۱۳۲۸ به اصرار پدر راه بروجرد پیش گرفت و در ۱۳۲۹ با استقبال پرشور مردم به زادگاهش گام نهاد.

او بر آن بود که پس از اقامتی کوتاه در وطن دیگر بار سمت نجف بال گشاید و به آستان مقدس علوی پناهنده شود. ولی بیماری و مرگ پـدر سفرش را به تاءخیر انـداخت . در این سوگ نامه صاحب کفایهٔ الاصول سبب تسـلای خاطرش شـد. آخونـد خراسانی ضمن تسلیت وفات حاج سید علی از اشتیاق وافر خویش برای دیدار مجتهد بروجرد پرده برداشته بود.

این نامه مهرآمیز سید دانشوران بروجرد را بر آن داشت که امور خانواده را سامان دهد و به نجف شتابد. چند ماه بعد همه چیز برای سفر آماده بود که خبر رحلت استاد گرانقـدرش وی را در انـدوه فرو برد. آن بزرگمرد پیوسته می گفت : مرگ دو پـدر در مـدت کوتاه کمتر از ۶ ماه بسیار بر من سنگین و ناگوار بود.

خبر مرگ استاد اشتیاق سفر را در وجودش میرانـد. زنـدگی در نجف بی حضور استاد خراسانی برایش دشوار بود. پس اندیشه هجرت از سر بردن کرد و در بروجرد بساط تدریس و ارشاد مردم گسترد. اندک اندک مؤ منان شهر ارج ستاره خاندان طباطبایی دانستند و زمام امور معنوی خود را به وی سپردنـد. ارادت حضرت آیهٔ الله حاج محمـد رضا دزفولی به سید مجتهـدان بروجرد بر شهرت و اعتبارش افزود. پس از رحلت فقیه دزفولی انبوه مقلدانش به آن مجتهـد وارسته رجوع کردند و مرجعیت آن بزرگمرد در منطقه گسترش یافت .

در برابر شب

در این سالها تبلیغ بهایی گری از سوی برخی از مسؤ ولان شهر و اهانت آشکار آنها مقدمات دینی مردم سرور مجتهدان بروجرد را در نگرانی فرو برد. او بـا تهران تمـاس گرفت ، وضـعیت نـامطلوب برخی از ادارات را بـا پـایتخت نشینان در میـان نهاده ، خواسـتار برکناری مسؤ ولان دین ستیز شد و چون بی اعتنایی سران دولت را مشاهده کرد معترضانه شهر را ترک گفت .

پیروان پاکدل آن مرجع روشن بین در مسجدها گرد آمدنـد، سـخنرانان بر منبرهـا جـای گرفتنـد و همه یکصـدا به حمایت از مرجع دلاور بروجرد پرداختند. مسؤ ولان شـهر که توان رویارویی با مردم را در خویش نمی دیدند خواسته فقیه طباطبایی را اجابت کردند و آن راهبر توانا در میان ابراز احساسات پرشور مؤ منان به شهر بازگشت .

سفر سبز

از رخدادهای مهم دیگر این سالها وفات دخت گرانقدر مرجع پارسای بروجرد بود. استاد پس از این حادثه ناگوار راه خراسان پیش گرفت تا در پناه آفتاب توس دمی از رنج هستی بیاساید.

چون توقف آن فقیه فرزانه در مشـهد به درازا کشـید نماینـدگان مردم بروجرد نزدش شـتافتند و او را بـدان دیار خواندنـد. دانشـمند فروتن طباطبایی خواسته آنها را اجابت کرد، پس از سیزده ماه رهسپار زادگاهش شد و پس از توقفی کوتاه در قم و تهران در میان استقبال پر شور مؤ منان به بروجرد گام نهاد.

او سپس راه عراق پیش گرفت ، مدتی در نجف ماند و با بزرگانی که به استقبالش شـتافته بودند، دیدار کرد. آنگاه رهسـپار حجاز شد، پس از به جای آوردن مراسم حج به عراق بازگشت ، چندی در حریم امیرمؤ منان توقف کرد و سپس روانه ایران شد.

در بند دژخیم

همزمان با اوج گیری اعتراضهای مؤ منان علیه رضا خان و هجرت اعتراض آمیز روحانیان کشور به قم ، سرور فقیهان بروجرد به مرز ایران گـام نهـاد. مزدوران دربـار، که از پیوسـتن او به مهاجران و رسانـدن پیام مراجع نجف به معترضان می هراسـیدند در مرز قصـر شیرین وی را دستگیر کردند و به پایتخت بردند.

در تهران رضاخان به دیدارش شـتافت . او که در پی یافتن فردی برای رویارویی با شیخ عبدالکریم حائری بود با سید مهربانی کرده ، گفت : چیزی از من بخواه .

فقیه بروجردی اظهـار بی نیـازی کرد ولی در برابر پافشـاری شـاه ناگریز لب گشاده ، فرمود: وقتی در ارکان حرب بودم مقـدار جیره غذایی سربازان را ناکافی دیدم ، اگر می خواهید کاری کنید فرمان دهید جیره آنها فزونی یابد.

آنگاه در پاسخ رضا خان ، که مساءله نادیـده گرفتن جایگاه آیهٔ الله العظمی حائری و پیروی دولتیان از مجتهـد بروجردی را مطرح کرد، فرمود: خیر، شما با ایشان تماس بگیرید، من هم اگر کاری داشتم از طریق آن جناب با شما در میان می نهم .

آنگـاه وی را به همراهی بـا روحانیت و عمل به دسـتورات الهی فرا خوانـده ، چون می دانست اجازه سـفر به قم و بروجرد به او نمی دهند، فرمود برآنم به مشهد سفر کنم .

انـدکی پس از خروج رضـا خـان تیمورتـاش پنجـاه هزار تومان نزد آن مرجع وارسـته آورد. فقیه بروجردی از پـذیرش هـدیه درباره خودداری کرد و بامداد روز بعد راه خراسان پیش گرفت .

دیدار بزرگان

مدتی پس از بازگشت سید به زادگاهش ، ورود حاج آقا حسین قمی به تهران و پیشنهادهای وی به دولت بار دیگر آن رادمرد را به عرصه تلاشـهای سیاسـی آشـکار کشانـد. او که چون آیهٔ الله العظمی قمی به لزوم پیروی از دسـتورات الهی می اندیشـید بر آن شـد سمت تهران رهسپار شود ولی بستگان ، وی را از این کـار بـاز داشـتند. فقیه روشن بین از رؤ سـای عشـایر خواست بـا تهران تماس گرفته ، حمایت عشایر از پیشنهادهای حاج آقا حسـین قمی را به پایتخت گزارش دهنـد. البته آن بزرگوار خود نیز به تهران تلگراف زد که ، اگر دولت سخن آیهٔ الله قمی را نپذیرد به پایتخت خواهد رفت و مسؤ ولیت فرجام چنین اقدامی تنها به عهده دولت است .

در سایه تلاشـهای آن راهبر سـخت کوش سـرانجام دربار خواسـتهای حاج آقا حسـین را پذیرفت و آن بزرگوار سمت عراق رهسپار شد. فقیه بروجردی در ملایر به دیدار آن دانشور برجسته شتافت و یک ساعت با وی گفتگو کرد.

هجرت

بیماری استاد فقیهان بروجرد را باید در شـمار دیگر رخدادهای مهم سالهای زندگی آن مرجع وارسته در زادگاهش به شمار آورد. بیماری دشواری که سرانجام با عمل جراحی و استراحت هفتاد روزه در بیمارستان فیروزآبادی تهران مهار شد.

چون او از بنـد بیماری رهایی یافت ، با دو پیشـنهاد روبرو شـد: از یک سو نمایندگان بروجردیان برای بازگرداندنش پیاپی به تهران

می شتافتند و از سوی دیگر دانشوران ساکن قم او را به زندگی در حریم حضرت معصومه علیه السلام فرا می خواندند. استاد برای اقامت در قم با قرآن به رایزنی پرداخت . آیهٔ سوره مؤ منون چراغ سبز الهی به این نیت پاک بود. پس همراه دانشمندان قم راه آن دیار پیش گرفت و در میان استقبال مردم و بزرگان حوزه بدان سرزمین آسمانی گام نهاد.

بدین ترتیب آفتاب رخشان فقاهت در چهاردهم محرم ۱۳۶۴ ق .از افق قم بر آمد و جهان را از نور دانش گرمای معنویت خود سرشار ساخت .

در تابش آفتاب توس

مدتی پس از اقامت در قم ستاره تابناک مرجعیت رهسپار توس شد تا در پناه خورشید ولایت جام وجودش را از امدادهای سبز پیشوای هشتم شیعه آکنده سازد. در این سفر دانشور وارسته حضرت آیهٔ الله حاج شیخ علی اکبر نهاوندی جایگاه نماز خویش در مسجد گوهرشاد را به وی سپرد و از آن بزرگمرد خواست ، ماه مبارک رمضان در آن مکان نورانی اقامه جماعت کند.

استاد بزرگ حوزه پس از ماه مبارک رمضان به قم شتافت و دیگر بار به وظایف سنگین خویش روی آورد.

مرجع موید

با رحلت مرجع بزرگوار حضرت آیهٔ الله العظمی سید الوالحسن اصفهانی مرجعیت گوهر یگانه بروجرد فراگیر شد و مؤ منان از هر سو به آن فقیه وارسته مراجعه کردند.

ناگفته پیداست که عنایات و تاءییدات الهی در رویکرد عمومی به آن فقیه وارسته نقشی سبز داشت . خاطره ها و سخنان بر جای مانده از دانشوران آن روزگار نشان می دهد که آفتاب رخشان سلسله طباطبایی زیر باران پیوسته امدادها و عنایتهای فرامادی قرار داشت . برای مثال حضرت آیهٔ الله حاج شیخ علی اکبر نهاوندی ، که خود از بزرگان روحانیت شیعه بشمار می آمد، پس از وا نهادن مجراب خویش به مرجع بروجردی به نجف شتافت .

مرجع شیعیان جهان ، حضرت آیهٔ الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی ، که از بیماری رنج می برد، جناب نهاوندی را ماءمور اقامه جماعت کرد. شیخ نهاوندی دنباله این ماجرا را چنین بیان کرده است :

شب اولی که به جای ایشان برای خواندن نماز جماعت رفتم ، وقتی بر سجاده قرار گرفتم ، آوایی شنیدم که گفت ((عظمت ولدی عظمتک)) - فرزندم را بزرگ داشتی من نیز تو را بزرگ داشتم - برگشتم ، به همه سو نگاه کردم ، مردم در صفهای جماعت نشسته بودند، کسی جز من پیام غیبی را در نیافته بود.

علاوه بر گفتار دانشمند گرانمایه حضرت شیخ علی اکبر نهاوندی کردار آن مرجع وارسته بویژه در سالهای زندگی قم دلیل روشنی بر معنویت و همراهی پیوسته تایید الهی با فقیه فروتن بروجردی است . کرداری که شاگردانش از آن پرده برداشتند و برای همیشه در سینه تاریخ به یادگار نهادند:

۱- همسر یکی از دانشجویان باردار بود. هنگام زایمان او را نزد پزشکی به نام اسماعیل موسوی برد. پس از زایمان ، پزشک به پدر نوزاد گفت : این پسرت را من نجات دادم ، اگر من نبودم می مرد، دوست دارم نامش را اسماعیل بگذاری .

دانشجوی جوان نیز نام کودک را اسماعیل نهاد ولی دریغ که نوزاد از نخستین روز تولد در بیماری و درد فرو رفت . تلاشهای شبانه روزی پدر و مادر و مراجعه به پزشکان گوناگون سودمند واقع نشد و کودک میان دنیا و برزخ سرگردان ماند. دانشجو، که دستش از همه جا کوتاه می نمود، نزد استاد وارسته حوزه حضرت آیهٔ الله العظمی بروجردی سفره دل گشاد و گفت : آقا، خداوند نوزادی به من داده که از نخستین روز تولد تا کنون پیوسته بیمار است ، نمی دانم چه کنم :

استاد مهربان فرمود: نامش را عوش کنید خوب می شود.

دانشجو، که هرگز داستان سفارش پزشک و نامگذاری نوزاد را برای استاد نگفته بود، شگفت زده به خانه رفت ، نام کودک را ((امیر)) نهاد و او را برای همیشه از بیماری و رنج رهایی بخشید.

۲- دانشجویی دیگر داستان دلدادگی اش به استاد را چنین باز گفته است :

وقتی تازه به قم آمده بودم ، آقا برایم شهریه فرستاد. من نپذیرفتم و گفتم : زمینی در شمال دارم که در آمدش مراکافی است .

پس از چندی خشک سالی شمال را در بر گرفت . من برای گذران زندگی به قرص روی آوردم . چون میزان بدهی ها زیاد شد، ناگزیر فرشهای خانه را جمع کردم و یکی از بازاریان را به خانه بردم تا آن را بخرد. مرد بازار بهایی اندک برای فرش بر زبان آورده ، بهایی که برای پرداخت بدهی هایم کافی نبود. بازاری دیگری را به خانه بردم ، اما او بهایی کمتر از اولی پیشنهاد کرد.

من سرگردان و مردد بودم که ناگهان صدای در مرا به خود آورد، شتابان سمت در دویدم ؛ حاج احمد، خادم استاد، پشت در بود. او پاکتی به من سپرد و گفت : این را آقا برای شما فرستاده .

به پاکت نگریستم ، اثری از پول در آن نبود. چون گشودم چکی در آن یافتم . چکی که مبلغ آن درست به اندازه بدهی ام بود. شگفتی وجودام را فراگرفت زیرا جز من و خداوند هیچ کس از میزان کامل بدهی ام خبر نداشت .

سالهای درخشان

حضور فقیهی با چنین معنویت و تاءیید الهی حوزه مقدس قم را که ، زیر ضربات پیوسته عوامل رضاخان ناتوان شده بود، جانی تازه بخشید. اینک همه چیز برای گسترش حوزه و مستحکم ساختن بنیادهای علمی و اقتصادی آن آماده بود. پیروان مؤ من فقیه بروجردی انبوه وجوه شرعی و هدایای خویش را نزد مرجع وارسته شان گسیل می کردند و دانشجویان از گوشه و کنار کشور برای بهره گیری از دریای دانش آن بزرگمرد به قم می شتافتند.

مرجع پاکدلان با روشن بینی خاص خویش آستین همت بالا زد و در کنار تدریس روزانه به اصلاحات اساسی دست یازید.

سامان دادن به وضعیت درسی حوزه .

رسیدگی به مسایل مالی دانش پژوهان ، بر قرار ساختن ارتباط با دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه و محافل رسمی برادران اهل سنت برای ایجاد وحدت میان گروههای مسلمان ،گسیل کردن نمایندگانی به اروپا و امریکابرای شناساندن اسلام واقعی به مردم آن

مناطق بخشی از اقدامات آن آفتاب فروزان به شمار می رود.

ناگفته پیداست که فقیه فرزانه ای چون وی هرگز نمی توانست در برابر رویدادهای داخلی بی تفاوت باشد. او چنان می اندیشید که ((اگر مردم عالم شوند و دین هم بطور صحیح و معقول به آنها تعلیم گردد، هم دانا خواهند شد و هم متدین)) پس در کنار رسیدگی به وضع دانشجویان علوم دینی و حوزه ها دبستانها و دبیرستانهای دولتی را نیز از کمکهای نقدی خویش بهره مند ساخت و در رونق آنها کوشید.

او پیوسته مراقب بود تا بیگناهی به زندان اتهام نیفتد و مؤ منی ناخواسته در دام اهریمنان جای نگیرد. بنابراین چون از مساءله متهم شدن یک مسلمان بی گناه به قتل فردی بهایی آگاه شد در نگرانی فرو رفت .

چند بهایی یکی از همکیشان خود را کشته ، با نیرنگ جوانان مؤ من را به قانون سپردند. یکی از این جوانان به اعدام محکوم شد و حکم باید درروز نیمه شعبان به اجرا در می آمد. این خبر مرجع پارسای قم را در نگرانی فرو برد. بی درنگ نامه هایی خطاب به شاه ، نخست وزیر و آیهٔ الله بهبهانی نوشته ، به تهران گسیل داشت ، سپس به هر که سودمند می دانست تلفن زده ، قضیه را دنبال کرد تا سرانجام نیمه شب خبر لغو حکم اعدام را به وی رساندند. با شنیدن این خبر اشک از دیدگانش روان شد و پروردگار را بسیار سپاس گفت : در این لحظه یکی از نزدیکان به اتاقش آمد و پرسید: شما هنوز بیدارید؟

مرجع بزرگ شیعه پاسخ داد: خیلی مهم بود ولی به خیر گذشت . هر وقت فکر می کردم خون مسلمان بی گناهی ریخته می شود، همه بدنم می لرزید و متحیر می ماندم که فردای قیامت جواب خداوند عالم را چه بگویم .

آنچه گذشت در کنار خدمات رفاهی فقیه بروجردی به مسلمانان سراسر جهان ، که تاءسیس بیش از هزار مسجد، مدرسه ، بیمارستان ، کتابخانه ، گرمابه و دبستان در ایران ، عراق ، لبنان ، آفریقا و اروپا، نمونه کوچکی از آن شمرده می شود، مرجع شیعیان را از محدوده مرزهای کشور فراتر برد و به شخصیتی جهانی تبدیل کرد. شخصیتی که شاعران و نویسندگان اهل سنت در شعرها و مقاله های خویش وی را می ستودند. شاهان شیعه و سنی برایش هدیه فرستادند. برای مثال زمانی ملک سعود، پادشاه حجاز، یک چمدان بزرگ حاوی پانزده نسخه قرآن کریم ، قطعاتی از پرده خانه خدا و چیزهای گرانبهای دیگر نزد آن دانشمند وارسته گسیل داشت .

سرور فقیهان شیعه تنها قرآنها و پرده کعبه را پذیرفت و باقی را همراه نامه ای به ملک سعود بازگرداند و گفت چون هدیه نمی پذیرم . این را نیز نمی توانم قبول کنم ولی ناگزیر قرآن و پرده کعبه را می پذیرم و باقی را به رسم هدیه به شما باز می گردانم تا هنگام دعا به یادم باشید.

دانشور جامع

یکی از نکات مهم و قابل توجه در شخصیت آیهٔ الله العظمی بروجردی جامعیت علمی آن بزرگوار بود. استاد فقیهان شیعه را نمی توان تنها یک فقیه به شمار آورد. او از علوم دیگر روزگار به اندازه ای آگاهی داشت که موجب شگفتی صاحبنظران می شد. دو خاطره ای که تاریخ در این باره ثبت کرده است می تواند دلیل روشنی بر درستی این سخن باشد:

۱. وزیر فرهنگ وقت همراه مسعودی ، رئیس روزنامه اطلاعات ، نزد ایشان شتافت . کسی که آنها را خدمت آقا برده بود دست مبارکش را بوسید، در پی او وزیر فرهنگ نیز چنین کرد ولی مسعودی از این کار سرباز زد. پس از معرفی ، آقا درباره تاریخچه روزنامه ، نگاری ، اهداف آن ، اولین روزنامه نگار و... سخن گفت .

آنگاه پرسشی جغرافیایی مطرح کرد و چون وزیر فرهنگ از پاسخ باز ماند خود به تبیین پاسخ و توضیح آن پرداخت .

هنگام خداحافظی مسعودی پیش از همه دست آقا را بوسید و پس از بیرون آمدن گفت : آقا چنان پیرامون روزنامه نگاری صحبت کرد که گویا یک روزنامه نگار است .

۲. روزی دیگر سرتیپ رزم آرا خدمت گوهر یگانه دریای فقاهت شتافت تا قبله نمای اختراعی خویش را به وی بنمایاند. آقا درباره نجوم و ریاضی مطالبی بیان کرد. سرتیپ پس از خروج گفت : من خیال می کردم آقا تنها در فقه و اصول مجتهد است ولی معلوم می شود در هر فنی تخصص دارد چون مطالبی که امروز اظهار داشت از مسایل دقیقی است که حتی بسیاری از استادان از آن آگاهی ندارند.

میراث ماندگار

مرجع روشن بین شعیه در کنار تدریس و کارهای روزانه به تحقیق نیز می پرداخت و نتایج پژوهشهای خویش را ثبت می کرد. آن بزرگوار در پاسخ علاقه مندانی که در پی بهره گیری از نگاشته هایش بودند فرمود: زیاد چیز نوشته ام ... بعضی از آنها بر اثر نقل و انتقال از بروجرد به قم مفقود شده است .

ذکر نام بخشی از آثار علمی آن دانشور وارسته می تواند نشانه تلاش فراوان وی در این راه باشد:

۱. تجرید اسانید الکافی

۲. تجرید اسانید التهذیب

۳. اسانید کتاب من لایحضره الفقیه

۴. اسانید رجال کشی

۵. اسانید استبصار

۶. اسانید کتاب خصال شیخ صدوق

۷. اسانید کتاب امالی

۸. اسانید کتاب علل الشرایع شیخ صدوق

۹. تجرید فهرست شیخ طوسی

۱۰. تجرید رجال نجاشی

۱۱. حاشیه بر کفایه الاصول

۱۲. حاشیه بر نهایه شیخ طوسی

۱۳. حاشیه بر عروهٔ الوثقی

۱۴. حواشی و مستدرکات فهرست شیخ منتجب الدین رازی

۱۵. حواشی کتاب مبسوط

۱۶. رساله ای درباره سند صحیفه سجادیه

۱۷. اصلاح و مستدرک رجال طوسی

۱۸. بیوت الشیعه

۱۹. جامع احادیث الشیعه

آن بزرگوار از سالهای زنـدگی در بروجرد همواره در اندیشه نگارش مجموعه ای بود که فقیهان را در اسـتنباط احکام یاری دهد و آنها را از مراجعه به کتابهای روایی متعـدد بی نیاز سازد. چون به قم گام نهاد. و شاگردانی خبره تربیت کرد این اندیشه را با آنها در میان گذاشت و به یاری گروهی از آنان در مدت هشت سال اثر بیست جلدی ((جامع احادیث الشیعه)) را آماده چاپ ساخت .

فقیـه یگـانه جهـان اسـلام در کنـار تلاشـهای علمی و اجتمـاعی فراوان بـه پاسـداری از میراث دانشـوران پیشین نیز ارج می نهـاد در فرصـتهای گونـاگون آثـار علمی مخطوط و کمیـاب را به چـاپ می رسانـد. کتابخـانه هـای کوچـک و بزرگ بنیـاد می نهاد و آثار دانشـمندان را از این راه در اختیـار جوینـدگان دانش می گـذاشت . کتابخـانه بزرگ آن فقیه نسـتوه در کنار مسـجد اعظم قم نشانه توجه مرجع شیعه به این امر خداپسندانه است . دربار و مرجعیت

دربار از مشـکلات پیوسـته فقیه پاکرای‌ بروجرد به شـمار می آمد. تبلیغات پر حجم وزنامه ها و مجلات وابسته در راه دین زدایی و دور ساختن مردم از فرهنگ اصیـل اسـلامی مرجع بیدار شـیعه را رنج می داد. بنابراین گاه بر می آشفت و خشمگینانه به شاه هشدار می داد. روزی به اقبال ، نخست وزیر وقت ، گفت : پـدرش (رضا خان) بی سواد بود ولی یک مقـدار شـعور داشت . اما این شـعور هم ندارد و چیزی ملتفت نمی شود.

گاهی از پذیرش او خودداری می کرد و می فرمود: حتما می خواهد همانطور که چند تا عکس با زنش در این مسافرت گرفته است بیاید با من هم عکس بگیرد.

و زمانی به شدیدترین وجه ممکن در برابر نقشه های او می ایسـتاد. برای مثال وقتی شاه مساءله تغییر خط ایران از فارسـی به لاتین را مطرح کرد. در این راه تبلیغات فراوان انجام داد، مرجع دلاور شیعه چون سدی آهنین در برابر دربار ایستاد و گفت :... من تا زنده ام اجازه نمی دهم این کار را عملی کنند به هر جا که می خواهد منتهی شود.

منابع موجود نشان می دهد که آن پیرفرزانه در کنار کمک به انقلابیون مؤ من سیاسـی بسـیار دقیق داشت . او چنان می اندیشـید که مردم برای تحمـل دشواریهـا آمـادگی ندارنـد و اگر با فشار نیروهای دولتی روبرو شونـد مرجعیت را تنها می نهنـد. بنابراین زمان را برای رویارویی مستقیم با دربار مناسب نمی دید. از سوی دیگر رها کردن شاه و راندن کامل وی را موجب فرو غلتیدن فزونتر او در دامـان بیگانگان می دانست پس گاه با وی مـدارا می کرد تا آن جوان مغرور جای پای خود را سـست نبینـد و برای حفظ خویش به بیگانگان پناه نبرد.

فصل سوگ

انـدک انـدک شوال ۱۳۸۰ ق . فراسـید و بیماری بر پیکر مرجع نود و سه ساله جهان اسـلام پنجه افکنـد. بیماری دشواری که با دیگر رنجوریهای استاد فقیهان تفاوت داشت . در چنین روزهایی گروهی از ارادتمندان به عیادتش شتافتند.استاد، که بسیار اندوهگین می نمود، سـربلند کرد و گفت : خلاـصه عمر مـا گـذشت ما رفتیم و نتوانستیم چیزی برای خود از پیش بفرستیم و عمل با ارزشـی انجام دهیم . یکی از حاضران گفت : آقا، شما دیگر چرا؟ بحمدالله این همه آثار نیک از خود بر جای نهاده اید شاگردان پرهیزگار تربیت کرده اید، کتابهای پرارزش به رشته نگارش کشیده اید. مسجدها و کتابخانه ها ساخته اید. ما باید چنین سخنی بر زبان رانیم .

فقیه پارسـای شـیعه فرمود: خلص العمل فان الناقـد بصـیر بصـیر. (بایـد کردارت را خالصانه برای خـدا انجام دهی زیرا او به همه چیز بیناست و از انگیزه های بشر آگاه است .)

این سخن حاضران را بسیار تحت تاءثیر قرار داد.

چند روز پس از این گفتگو پیکر استاد رنجورتر شد و سرانجام در سیزدهم شوال ۱۳۸۰ ه ق برابر با دهم فروردین ۱۳۴۰ ه ش ، برای همیشه چشم از جهان فروبست و در مسجد اعظم قم ، که خود بنیاد نهاده بود، به خاک سپرده شد.

طباطبایی پور، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علیرضا طباطبایی پور

محل تولد : مهدی شهر سمنان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۷/۲۲

زندگینامه علمی

سیدعلی طباطبائی در ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۸۶ ه . ق برابر با ۲۲/۷/۱۳۴۵ در مهدی شهر سمنان در یک خانواده مذهبی و زحمتکش به دنیا آمدم تا سال ۱۳۶۰ همراه با تحصیلات، مشغول کار و تلاش و فعالیت بودم، در نیمه دوم سال ۱۳۶۰ به لطف الهی وارد حوزه علمیه شدم. چند ماهی در حوزه سمنان ماندم بعد به حوزه تهران منتقل شدم پنج سال در تهران بودم در این مدت مقدمات و سطح را گذراندم و از آنجایی که تهران مرکز مسائل سیاسی بود آن هم در آن زمان حساس این پنج سال برایم یک دوره آموزش سیاسی اجتماعی محسوب می‌شد ولی هرگز مسائل سیاسی اجتماعی مرا از درس غافل نمی‌کرد.

در فروردین ۱۳۶۶ به قم آمدم بعد از اتمام سطح درس خارج اصول را خدمت آیت الله حاج شیخ جواد تبریزی گذراندم و خارج فقه را همواره در محضر مبارک حضرت آیت الله جوادی آملی دامت برکاته توفیق حضور داشتم.

بر اساس کلام نورانی حضرت امام سجاد(ع) (هَلَکَ مَنْ لیس له حکیم یرشده) از ابتدای تحصیل به این حقیقت پی بردم که بدون راهنما و هادی، این مسیر رفتی نیست و خطرهای گوناگون انسان را تحدید می‌کند لذا از همان زمانی‌که به قم آمدم (بلکه علت اصلی آمدنم به قم) گمشده خویش را در وجود عالم ربانی، حکیم مرشد الهی حضرت آیت الله علامه جوادی آملی دامت برکاته یافتم و دست بیعت به او دادم و همواره راهنمایی‌های ایشان چراغ فروزان زندگی من بوده و هست.

در ابتداء ورود به قم فرمودند باید چهار درس رسمی داشته باشید فقه، اصول، تفسیر و معقول، لذا در کنار درس فقه و اصول حدود هشت سال از درس پرفروغ تفسیر قرآن ایشان استفاده کردم که واقعاً شبستان مسجد اعظم در این دوران برایم بیت المعمور بود.

در معقول آن حکیم فرزانه اصرار داشتند که قبل از فلسفه باید یک دوره کلام ببینید لذا کتابهای که در این رشته خوانده شد عبارت بود از: باب حادی عشر بعد شرح تجرید بعد بدایهٔ الحکمهٔ بعد نهایهٔ الحکمهٔ این کتاب را خدمت استاد بزرگوار آیهٔ الله مصباح یزدی استفاده کردم، خواندن این کتاب یک سرفصل دیگری در مسائل فلسفی برایم بود، آنگاه آن مربی الهی فرمودند قبل از حکمت متعالیه باید یک دوره حکمت مشاء ببینید لذا کتاب عظیم الشأن شرح اشارات را خدمت بزرگ حکیم و عارف دوران حضرت آیت الله الحق جناب آقای حسن‌زاده آملی دامت برکاته خواندیم با خواندن این کتاب نزد آن حکیم متأله دنیای دیگری به سوی ما باز شد و تحوّل اساسی در زندگی برایم به وجود آورد، در دفتری گفته‌ام:

اشارات شمع شب‌های پرسوز من اشارات شاهد دردهای دلسوز من

نمط‌های او کسب و کار هر روز من مقامات او باعث ناله‌های جگرسوز من

چه خوش، وقت درسش وقت هر روز من که شب‌های تارم شده روز من

با ارشارات حضرت استاد فقط خواندن کتاب نبود هم مباحثه بسیار قوی و معنوی داشتم هم تقریرات درس نوشته می‌شد آن هم با یک روش درست و با راهنمایی آن بزرگوار، یادداشت‌های شرح اشارات یکی از مهم‌ترین و پرثمرترین ذخیره در آثار علمی ماست.

بعد از اتمام شرح اشارات وارد دریای عظیم اسفار شدیم امور عامه اسفار را خدمت استاد عظیم الشأن آیت الله حسن‌زده آملی خواندم اگرچه خیلی از مباحث کلیدی اسفار را دوبار درس گرفتم یعنی بار دوم خدمت استاد متأله آیت الله جوادی آملی دامت برکاته استفاده کردم، الهیات اخص و سفر نفس اسفار را هم خدمت همین بزرگوار درس گرفتم، از آنجایی که درسها بر اساس برنامه و طی مقدمات لازم خوانده می‌شد هیچ‌گاه در مباحث متحیّر نبودم بلکه مباحث کتابها را رصد می‌کردم و همراه هر کتابی چندین جزوه و یادداشت به لحاظ موضوعات گوناگون داشتم وقتی مرحله ششم اسفار یعنی بحث علت و معلول تمام شد (جلد دوم اسفار) فرمودند باید کتاب تمهید القواعد صائن الدین علی بن تُرکه را ببینید که اولین کتاب درسی در عرفان نظری می‌باشد این کتاب عزیز الوجود را خدمت خود ایشان یعنی آیت الله جوادی آملی دامت برکاته درس گرفتیم واقعاً آن دوران خوش برایم لیلهٔ‌القدر بود، بعد از اتمام تمهید القواعد کتاب گرانقدر فصوص یعنی شرح جناب علامهٔ قیصری بر فصوص الحکم محیی الدین عربی را در محضر انور عارف مستقیم آیت الله حسن‌زاده آملی دامت برکاته از اول تا آخر استفاده کردیم بعد کتاب مصباح الأنس یعنی شرح جناب ابن فناری بر مفتاح غیب الجمع و الوجود صدر الدین قونوی که سومین کتاب درسی عرفان نظری می‌باشد خدمت همان بزرگ عارف دوران خوانده شد. در ابتدا کتاب مصباح الانس یک خاطره شیرین نوشته‌ام که عین آن خاطره را در این‌جا می‌آوریم:

«در سحر روز جمعه ۱۴ جمادی الاول ۱۴۱۲ برای مشرف شدن خدمت حضرت آیت الله حکیم متأله، عالم ربانی، عارف مستقیم جناب آقای حسن‌زاده آملی دامت برکاته از محضر قرآن کریم به قصد استجازه استخاره نمودم این آیه آمد (و نادیناهُ من جانبِ الطُّور الأَیمن و قربناهُ نجّینا) (مریم: ۵۲) ساعت ۱۰ صبح همان روز خدمت آن جناب رسیدم فرمودند ما کتاب مصباح الأنس را شروع کرده‌ایم شما هم شرکت کنید و این آیه در استخاره برای دعوت به این درس بوده است و ما از شما دعوت می‌کنیم، بعد فرمودند این را به عنوان خاطره بنویسید».

به حول و قوه الهی حدود ۱۵ سال است که مشغول تدریس فقه، فلسفه، منطق و کلام در حوزه علمیه قم هستم و هم‌اکنون یعنی سال ۱۳۸۵ مشغول تدریس شرح اشارات و نهایهٔ الحکمهٔ (دوره دوم) شرح منظومه (دوره دوم) می‌باشم و تفسیر موضوعی نهج البلاغه را نیز چهار سال است شروع کردم.

از آنجایی که معرفت نفس در سرنوشت و سعادت انسان نقش اساسی دارد و تا انسان خود را نشناسد و حیات انسانی را درک نکند نمی‌تواند زندگی هدفمند داشته باشد و زندگی بدون هدف مردگی است و تحصیلات بدون هدف دوام و لذت نخواهد داشت و اشتغال علمی بدون هدف متعالی و جهت مشخص ثمره‌ای جز سرگردانی و حیرت ندارد لذا یکی از کارهای مهمی که به عنایت الهی در حوزه علمیه قم انجام دادیم تدریس معرفت نفس بوده است.

اگرچه بسیاری از بزرگان علم و اندیشه پیرامون معرفت نفس کتابها نوشته‌اند ولی آثار استاد اعظم ما در معارف الهی حضرت آیت الله حسن‌زاده آملی دامت برکاته در این موضوع حقیقتاً بدیع و کم‌نظیر است بر این اساس همراه درسهای معقول و منقول ابتدا

کتاب شریف دروس معرفت نفس در جمع عده‌ای اهل صفا و معنویت تدریس شد بعد از آن کتاب دروس اتحاد عاقل به معقول تدریس شد و آنگاه کتاب بی‌نظیر عیون مسائل النفس و هم‌اکنون دوره دوم معرفت نفس را هم مشغول هستیم، تدریس این سه کتاب پیرامون معرفت نفس در طول هم هدف اصلی ماست و حضرت استاد هم چند بار به ما اصرار فرمودند که عیون مسائل النفس را در حوزه علمیه قم تدریس کنید در تأسیس و ترویج این رشته درسی تأیید، تشویق و دعای آن استاد بی‌بدیل، بدرقه راه ما بوده و هست.

هر کسی به حسب حال خود در زندگی، خوشی و تلخی دیده و در مسیر زندگی با فراز و نشیب‌های گوناگون روبرو می‌شود من نیز به نوبه خود با حوادث سرد و گرم زندگی دست و پنجه نرم کرده‌ام در خورد و خواب و لوازم دیگر زندگی به حداقل ضروری قناعت نموده بقیه را به درس و مطالعه می‌پرداختم، امدادهای الهی را در زندگی بسیار دیده‌ام که مرا از پرتگاه خطر نجات داده است، خاطرات آموزنده، و گفتنی‌های در زندگی فراوان دارم ولی با نقل یک خاطره این اوراق را ختم می‌کنم.

در اوائل ورودم به حوزه مطالب علمی را دیر می‌فهمیدم و فهمیده‌ها را هم زود فراموش می‌کردم از طرفی کسی را هم نداشتم تا مرا راهنمایی کند و یا بار اندازه روحی من باشد ولی این را می‌دانستم و اعتقاد داشتم که این خانه را صاحب خانه‌ای است به امید او به حوزه آمده بودم تا این‌که با آن وضعیت، کاسه صبرم لبریز شد از بی‌کسی دلِ شکسته داشتم روزی درب حجره را از پشت بستم و در یک توسل جدی و سرنوشت ساز محضر مبارک ولیعصر(عج) به آن حضرت عرض کردم من جای دیگر و کس دیگر ندارم یا اجازه فرمایید دفتر عمرم بسته شود یا توفیق فهم و درک معارف را به من عنایت فرمائید، از آن روز عنایت فرمائید، از آن روز عنایت حضرت شامل حال ما شد و در حقیقت تولد دیگر یافتم و دوران تحصیلم آغاز شد خدا را سپاسگذارم از آن روز تاکنون از درس و بحث علمی خسته نشدم و هر چیز غیر از مسائل علمی برایم قسری می‌باشد.

من به سرچشمه خورشید نه به خود بردم راه ذره‌ای بودم و مهر تو مرا بالا برد
من خس بی‌سروپایم که به سیل افتادم او که می‌رفت مرا هم بدل دریا برد

طباطبایی خاقانی، محمود

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۴۷ ق)، خطاط. از آثار وی: یک رقعه کوفی دو دانگ جلی و رقاع کتابت جلی متوسط، با رقم: «مشقه العبد الاقل الاقلین ابن محمدرضا الشریف الموسوی، محمود طباطبایی»؛ دو رقعه رقاع کتابت خوش، با رقم: «... و انا ابن المرحوم... محمدرضا الشریف الموسوی الصفوی...، محمود الطباطبایی الخاقانی... ۱۱۴۷ من الهجرهٔ المقدسهٔ النبویهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۱۱/ ۴).

طباطبایی علوی، آمنه

قرن:۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س پنجم و ششم ق)، محدث و مدرس شیعی. وی دختر عباد بن علی بن حمزه‌ی طباطبایی علوی بود و در اصفهان سکونت داشت. و از امام ابومحمد رزق اللّه تمیمی استماع حدیث کرد. در شهر اصفهان حوزه‌ی درس داشت و جمعی از فضلا در محضر وی حاضر می‌شدند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریاحین الشریعه (۳۲۳/ ۳)، مشاهیر زنان (۱۰).

طباطبایی فر، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عباس طباطبایی فر

محل تولد : نطنز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید عباس طباطبایی فر درسال ۱۳۴۱درروستای اوره از شهرستان نطنز درخانواده ای روستایی به دنیا آمدم ودرسال ۱۳۵۹

از دبیرستان امام خمینی نطنز دیپلم گرفتم ویک سال بعد با مشورت بعضی بستگان روحانی ام (که بین سپاه پاسداران و حوزه مردد بودم) عازم قم شدم یک سال بطور آزاددرس خواندم یرا هنوز حوزه مدیریت منسجم نداشت سال بعدمدارس حوزه وطلاب تحت پوشش مدیریت حوزه قرارگرفت ومن نیزدرمدرسه مبارکه رضویه مشغول شدم وپس ازاتمام مقدمات وشروع سطح ،دردرس اساتیدی مانند آیت الله راستی کاشانی (شرح لمعه) وجدانی فخر – محامی– واستاد علوی سرشکی(خصوصی) بهره بردم وعلم اصول را نیز نزد آقایان هادوی تهرانی وصالحی مازندرانی وسپس مکاسب رانزد مرحوم آیت الله پایانی شروع کردم ورسائل را نزد آیت الله راستی وپس ازبیماری وتعطیلی درس ایشان از اساتید دیگرازجمله استاد محمدی خراسانی استفاده نمودم ودرکفایه آیت الله قدیری شرکت نمودم وضمناً برای اینکه ازتعطیلات سود برده باشم بعضی از قسمتهای رسائل کفایه ومکاسب را ازطریق نوار مرحوم آیت الله ستوده استفاده وبا دوستان بحث میکردیم .درس خارج رانیز یک سال اصول آیت الله مکارم شیرازی شرکت نمودم وبا ورودبه رشته تخصصی کلام که عصرها بزگزار می شد از درس ایشان محروم شدم لذا مدتی اصول آیت الله وحید رفتم ومقداری نیزآیت الله سبحانی وحدود هفت سال فقه آیت الله مکارم ویک سال آیت الله سبحانی نیز شرکت کردم سه سال نیز از بحث خارج اصول استاد علوی سرشکی استفاده نمودم (نصف دوره)که بسیار برای من پربهره بود اما ایشان فقه واصول را رها نمودند وبه مباحث فلسفی وکلام جدید پرداختند واین درس نیز تعطیل شد اما بحث خارج ایشان (هفته ای یک جلسه)دارند که شرکت مینمایم وبحث ها نوشته وچاپ میشود .ضمناً ازپایه چهارم درایام تبلیغی خصوصاً محرم ورمضان به امر تبلیغ میپردازم درزمان جنگ برای تبلیغ به جبهه ها نیزرفتم که امیدوارم خداوند توفیق تبلیغ دین را برایم حفظ نماید .مدتی پس از اتمام تخصصی کلام تدریس مباحث اعتقادی درمدارس را شروع کردم وچند سالی است (هفت یا هشت سال)که این برنامه را دارم والان نیز درجامعهٔالزهرا(سلام الله علیها)به تدریس مباحث کلامی مشغولم .

طباطبایی قمی ، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌اللّه حاج آقا حسین طباطبایی قمی در سال ۱۲۴۳ش (۲۸ رجب سال ۱۲۸۲ ق) در شهر قم دیده به جهان گشود. ایشان تحصیلات ابتدایی خود را در یکی از مکتب‌خانه‌های قم شروع کرد و پس از آن، درس‌های مقدماتی از قبیل صرف و نحو و منطق را فراگرفت. حاج آقا حسین قمی پس از آن برای ادامه تحصیل راهی تهران شد و از استادانی همچون میرزا ابوالحسن جلوه، شیخ فضل اللّه نوری، میرزا محمد حسن آشتیانی، شیخ علی مدرس یزدی و میرزا محمود قمی بهره برد. آیت اللّه قمی سپس طی دو بار سفر به عتبات عالیات از محضر عالمان نامداری همچون: میرزا محمد حسن شیرازی، میرزا حبیب‌اللّه رشتی، آخوند خراسانی و علامه سید محمدکاظم یزدی و آخوند ملاعلی نهاوندی استفاده کرد. وی همچنین تهذیبِ اخلاق را در محضر علامه سید مرتضی کشمیری و علم حدیث را در محضر علامه میرزا حسین نوری فراگرفت. ایشان ضمناً به حوزه درس میرزا محمد تقی شیرازی رفت و عمده شاگردی خود را نزد وی به انجام رساند به طوری که مورد توجه خاص استاد واقع شد و میرزا، برای مرجعیت و تقلیدِ بعد از خود، او را معین کرد. آیت اللّه قمی پس از نزدیک به بیست سال اقامت در نجف به مشهد بازگشت و حوزه درس خود را تشکیل داد و مرجعیت مردم را نیز عهده‌دار شد. وی در واقعه قیام خونین مسجد گوهرشاد مشهد در اعتراض به کشف حجاب اعتراض خود را مطرح ساخت که به تبعید ایشان به عراق انجامید. ایشان از مراجع وارسته‌ای بود که در مقاطع مختلف به‌خصوص در دوران خفقان رضاخانی به پا خاست و شجاعانه به ستیز با دشمن پرداخت و دخالت عملی در سیاست را با حضور در صحنه‌های مختلف سیاسی بخوبی نشان داد که به حق می‌توان او را" قامت قیام "نامید. آیت اللّه قمی از مشایخ حدیث و اجتهادِ زمان خود بود که بعد از شیخ الشریعه اصفهانی، ریاست و زعامت شیعه به او منتهی شد. از ایشان آثار متعددی بر جای مانده که حاشیه بر عروهُ‌الوثقی، حاشیه بر رساله ارث و نَفقات، مختصَرُ الاحکام، طریقُ النجاهْ، مناسک حج و... از آن جمله‌اند. این فقیه عالی مقام و عالم نستوه سرانجام در هفدهم بهمن ۱۳۲۵ ش برابر با چهاردهم ربیع‌الاول ۱۳۶۶ق در هشتاد و دو سالگی رحلت کرد و پس از تشییعی باشکوه در صحن امام علی(ع) دفن گردید.

برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

منابع زندگینامه :تقویم تاریخ

طباطبایی کاشانی، ابوطالب

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از شاعران معروف روزگار خود بود و از سرایندگان نام‌آور شهر کاشان.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۴۷).

طباطبایی نایینی، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. وی شکسته‌ی نستعلیق و شکسته‌ی تعلیق را خوش می‌نوشت. از آثار او، مرقعی است مشتمل بر هفت رقعه، به قلمهای نیم دو دانگ و کتابت که سه رقعه‌ی آن به خط شکسته و چهار رقعه به تلعیق خوش است، با رقم: «... سنه‌ی ۱۲۸۳... العبد الاقل المذنب الحقیر العاصی محمد حسن الطباطبائی نائینی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۶۹ / ۴).

طباطبایی نژاد، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمود طباطبائی نژاد

محل تولد : اردستان

شهرت : طبائی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمود طباطبایی نژاد در سال ۱۳۵۶ پس از اخذ سیکل وارد حوزه علمیّه قم شدم شرکت در برنامه ها و تظاهرات انقلاب و سپس حضور در جبهه در کنار درس ادامه یافت ضمنا در همین دوران دیپلم خود را نیز گرفتم از جمله استادان عالیمقام من مرحوم مدرس افغانی مرحوم وجدانی و حضرت آیات اشتهاردی، فاضل و تبریزی، زنجانی، مددی ،شهیدی، مصباح یزدی و جوادی آملی بوده اند در سال ۱۳۷۱ به عنوان محقق جذب دارالحدیث گردیدم و هم اکنون مسئول گروه سیره و تاریخ در این موسسه می باشم

طباطبایی نسب، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد رضا طباطبائی نسب

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد رضا طباطبائی فرزند شهید حجت الاسلام و المسلمین حاج سید حسن طباطبایی نسب که در تاریخ ۱/۱۲/۶۴ همراه با شهید آیت الله محلاتی به شهادت رسیدند. ایشان بعد از شهادت پدر بزرگوارش در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شده، دوره مقدماتی را در مدارس علمیه رضویه و المهدی گذرانید. دوره سطح را در محضر اساتید برجسته همچون حضرات آیات: احمدی میانجی، کریمی جهرمی، اعتمادی ، وجدانی، شیخ احمد عابدی، سید احمد خاتمی بهره های فراوان برد. دوره عالی حوزه ، دروس خارج فقه و اصول را به مدت ۱۰ سال در محضر حضرات آیات عظام: خامنه ای ، وحید خراسانی، میرزا جواد تبریزی، مکارم شیرازی، هاشمی شاهرودی دنبال نمود و هم اینک در درس خارج فقه مقام معظم رهبری اشتغال به تحصیل دارد، در همین راستا از سوی کمیته علمی معاونت امور حوزوی دفتر مقام معظم رهبری (طی نامه شماره ۲۰۱۳/۳۰ مورخ ۳۱/۶/۱۳۸۰) مقرر گردید ایشان پیرامون موضوع « حکمت جعل قوانین جزائی» کاری علمی و تحقیقی تدوین نمایند که بعد از تحقیق و تکمیل ، پذیرفته و مورد تأیید آن معاونت محترم قرار گرفت.

در عرصه تحقیقات و تألیف کتاب از ایشان تا به حال ۳۵ عنوان در موضوعات مختلف در تیراژ صدها هزار جلد توسط مؤسسه فرهنگی نورالائمه علیهم السلام منتشر گردیده است که از آن جمله می توان به کتابهای (برکرانه ها جلد ۱ و ۲ ، پرسش از خدا، حج میثاق بندگی، سیمای امام مهدی علیه السلام، جلوه هائی از نور، چشمه های معرفت پیرامون زندگانی ائمه معصومین علیهم السلام اشاره کرد و در خصوص موضوعات علمی و حوزوی تا به حال چندین اثر تدوین شده از جمله شرح رسائل ـ آشنایی با

ابواب فقه (شرح لمعه) و ... که هنوز منتشر نگردیده است. در عرصه فرهنگی با تأسیس و مدیریت مؤسسه فرهنگی و تحقیقاتی نورالائمه علیهم السلام تا کنون ۱۹ طرح عظیم فرهنگی را برای بیش از صدها هزار نفر بویژه جوانان با همکاری دستگاههای مختلف فرهنگی برگزار نموده است که گزارش آن کتباً به استحضار مقام معظم رهبری رسید و معظم له نیز طی نامه ای شماره ۸۱۶۱۳۴ مورخه ۵/۳/۱۳۸۳ اقدامات و خدمات این مؤسسه را مورد عنایت ویژه و تقدیر قرار دادند.

طباطبایی نوری، عبدالغفار

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم و سیزدهم ق)، نقاش. از سادات طباطبایی نایین بود که در رشته‌ی آبرنگ و رنگ و روغن و تصاویر پشت شیشه‌ای مهارت داشت. از آثار وی: تصویر دخترانی که دست در دست همدیگر نهاده و به رقص و پایکوبی سرگرم هستند، و چنین رقم دارد: «رقم کمترین قاضی نائینی عبدالغفار طباطبائی نوری ۱۲۰۰»؛ تصویر رقاصه‌ای در رنگ و روغن که لباسهای دوره‌ی زندیه را بر تن کرده و به زر و زیور و جواهرات گوناگون آراسته شده است، و رقم آن به خط نستعلیق چنین است:«رقم کمترین عاصی نائینی عبدالغفار طباطبائی نوری ۱۲۰۱».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۳۴۲ / ۱).

طباطبایی یزدی، محمد کاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۷ -۱۲۵۶/ ۱۲۴۷ ق)، عالم دینی، فقیه، اصلوی، لغوی، شاعر و مرجع بزرگ. در کسنویه از قراء یزد به دنیا آمد. مقدمات و سطوح را نزد علمای اصفهان فراگرفت و تحصیلات خود را نزد علمای اصفهان فراگرفت و تحصیلات خود را نزد علمای طراز اول آنجا همچون صاحب «روضات الجنات» و شیخ محمد باقر بن محمد تقی اصفهانی نجفی و میرزا محمد هاشم چهار سوقیان ادامه داد، تا به درجه‌ی اجتهاد رسید. سپس برای تکمیل معلومات به نجف رفت و در حوزه‌ی درس شیخ راضی نجفی و میرزای بزرگ شیرازی حاضر شد، پس از درگذشت میراز به تدریس علوم اسلامی پرداخت و سالها حوزه‌ی درسش از مهمترین حوزه‌های نجف بود. علامه یزدی در سرودن شعر به فارسی و عربی مهارتی تمام داشت. او در نجف درگذشت در جنب در طوسی صحن علوی به خاک سپرده شد. از آثارش، احداث ابنیه خیریه و مدارس و مساجد است. مدرسه سید در نجف از جمله‌ی آثار او است. از آثار علمی‌اش: «العروه الوثقی»، که رساله‌ای است فتوایی، مشتمل بر سه هزار و دویست و شصت مسأله که در عراق و ایران و هندوستان به چاپ رسید و حاج شیخ عباس محدث قمی آن را به فارسی ترجمه نموده و «غایه القصوی» نامیده و بسیاری از مراجع تقلید بر آن حواشی نوشته‌اند؛ رساله‌ای در «اجتماع امر و نهی» و «تعادل و تراجیح»، حاشیه بر «متاجر» یا «مکاسب» شیخ انصاری؛ رساله‌ای در «احکام ظن»؛ رساله‌ای در «منجزات المریض»؛ «السؤال و الجواب»، در فقه؛ «الاستصحاب»؛ «الصحیفه الکاظمیه»؛ «بستان نیاز و گلستان راز»، در مناجات، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۳۴ / ۷)، الذریعه (۲۵۲ / ۱۵ ،۱۰۸ / ۳ ،۲۵ / ۲)، ریحانه (۳۹۳ -۳۹۱ / ۶)، شرح حال رجال (۲۵۱ -۲۵۰ / ۶)، علماء معاصرین (۱۱۴ -۱۱۳)، فوائد الرضویه (۵۹۷ -۵۹۶)، لغت‌نامه (ذیل/ یزدی)، معجم المؤلفین (۱۵۶ / ۱۱)، مکارم الآثار (۱۳۲۴ -۱۳۲۱/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰ -۲۶ / ۵).

طباطبایی، ابوالحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از هنرمندان دوره‌ی قاجار بود. از آثار او: یک قطعه نسخ و رقاع نیم دودانگ عالی، با رقم: «حرّره الراجی ابوالحسن الطباطبایی فی سنهٔ ۱۲۶۴ من الهجرهٔ المحترمهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۱۷/۴).

طباطبایی، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالفضل طباطبائی

محل تولد : بابلسر

شهرت : طباطبائی اشکذری

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

جناب آقای سیدابوالفضل طباطبائی مشهور به طباطبائی اشکذری پس از طی تحصیلات ابتدائی و راهنمایی در شهرستان بابلسر، در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه شهر فریدونکنار شد و تحصیلات مقدماتی تا رتبه اول سطح را زیر نظر حضرت آیت الله باکویی از اساتید بزرگ حوزه علمیه به اتمام رسانده پس از آن جهت تکمیل تحصیلات حوزوی خویش رهسپار قم گردید. این هجرت در سال ۱۳۶۷ اتفاق افتاد و سپس در قم دوره سطح عالی را در محضر اساتیدی همانند آیت الله وجدانی فخر، اعتمادی، تهرانی و... در مدت ۳ سال سپری نمود و در سال ۱۳۷۰ رسماً تحصیلات خارج را شروع کرد که به مدت ۵ سال در درس خارج آیت الله مکارم شیرازی و ۱۳ سال در درس خارج آیت الله وحید خراسانی شرکت کرد. در کنار فقه و اصول برخی علوم دیگر را نزد آیت الله جوادی آملی و معرفت آموخت و در سال ۱۳۷۲ در رشته تخصصی تفسیر و علوم قران فارغ التحصیل گردید آغاز به کار تحقیقات و پژوهش از سال ۱۳۷۰ در قالب همکاری با مؤسساتی چون مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر(عج) شروع گردید، محصول این همکاری‌های تألیفات فراوانی در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی می‌باشد.

طباطبایی، احمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط. در «شاه جهان نامه» آمده که صاحب فهم و دانش است و خط شکسته و غیره را به روش خاندان خود خوش می‌نویسد. میراز احمد در فیض‌آباد با مؤلف «شاه جهان نامه» ملاقات داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۵۰ / ۴).

طباطبایی، امیرمحمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر امیرمحمد طباطبایی به سال ۱۳۲۷ شمسی در تهران متولّد شد.ایشان در سال ۱۳۵۶ مدرک دکتری رشته مهندسی راه و ساختمان را از دانشگاه ایلی نوی اخذ کرد.وی در حال حاضر دانشیار گروه مهندسی عمران دانشکده فنی دانشگاه تهران می باشد. کتابهای" روسازی راه "و" مکانیک خاک ج ۱ "امیر محمد طباطبایی ، در دوره چهارم و پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتابهای سال برگزیده شده است.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی راه و ساختمانتحصیلات رسمی و حرفه ای : امیر محمد طباطبایی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را به سال ۱۳۴۵ در تهران به پایان رسانید. و در سال ۱۳۵۰ موفق به دریافت دانشنامهٔ مهندسی راه و ساختمان از دانشکدهٔ فنّی دانشگاه تهران گردید. و سپس برای ادامه تحصیل رهسپار آمریکا شد و در سال ۱۳۵۶ به افتخار درجه دکتری در رشته مهندسی راه و ساختمان از دانشگاه ایلی نوی نایل آمد.فعالیتهای ضمن تحصیل : امیر محمد طباطبایی طی سال تحصیلی ۵۷ ـ ۱۳۵۶ در دانشگاه ایلی نوی و طی سال ۵۸ ـ ۱۳۵۷ در دانشگاه صنعتی لوئیزیانای آمریکا به تدریس و تحقیق در رشته مذکور اشتغال داشت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : امیرمحمد طباطبایی در سال تحصیلی ۵۷-۱۳۵۶ در دانشگاه ایلی نوی و همچنین ۵۸-۱۳۵۷ در دانشگاه صنعتی لوئیزیانای آمریکا به تدریس و تحقیق در رشتهٔ مذکور اشتغال داشت.ایشان علاوه بر عضویت در چند انجمن علمی و مهندسی داخلی و خارجی اخیراً به عضویت کمیتهٔ مهندسی ژئوتکنیک زلزله و انجمن بین المللی مکانیک خاک و پی سازی برگزیده شده است.فعالیتهای آموزشی : امیرمحمد طباطبایی از سال ۱۳۵۸ تاکنون به تدریس در دانشکدهٔ فنی دانشگاه تهران اشتغال داشته و در سال تحصیلی ۶۲-۱۳۶۱ سمت معاونت آموزشی آن دانشکده را عهده دار بوده است. ایشان در حال حاضر دانشیار گروه مهندسی عمران دانشکده فنی دانشگاه تهران است.جوائز و نشانها : کتابهای" روسازی راه "و" مکانیک خاک ج ۱ "امیر محمد طباطبایی ، در دوره چهارم و پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتابهای سال برگزیده شده است. آثار : ایمنی در محل پلهای کم عرض. بررسی خرابی روسازی شهر تهران بررسی عملکرد انواع درزها در رویه‌های بتن سیمانی فرودگاهها تحلیل درزها و ترک‌ها در روسازیهای بتنی به روش اجزاء محدود ویژگی اثر : (انگلیسی) با همکاری بارنبرگ۵ تحلیل رانش خاک و دیوارهای حایل تحت اثر زمین لرزه تحلیل‌سازه ای سیستم روسازیهای بتنی ویژگی اثر : (انگلیسی) با همکاری بارنبرگ۷ روسازی راه ویژگی اثر : این کتاب برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره چهارم کتاب سال می باشد-آشنایی با کتاب

روسازی راه این کتاب که در ۱۲ بخش تألیف شده به منظور آشنایی به اصول طرح و محاسبه، اجرا و نگهداری روسازی های راه براساس جدیدترین اطلاعات و پیشرفته ترین تکنیکهای موجود در دنیا و با توجه به شرایط خاص اقلیمی ایران تدوین شده است ۸ طرح و اجرای راه در مناطق سست و باتلاقی. کاربرد خاک و مصالح تثبیت شده با آهک در راهسازی کاربرد گوگرد در روسازی های آسفالتی معیارهای طرح مهندسی راهها و تقاطع ها ویژگی اثر : در ۴ جلد با همکاری: بهنیا، اویسی، نقش تبریزی.۱۲ مکانیک خاک ویژگی اثر : جلد ۱ و ۲ با همکاری بهنیا.-این کتاب در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی شده است–آشنایی با کتاب: «مکانیک خاک ج ۱» بحث پیرامون اصول نظری و تجربی مکانیک خاک و بررسی قوانین رفتاری خاک در شرایط مختلف پایداری تودههای خاکی، تحلیل مسایل مربوط به وجود آب در خاک و جریانهای آن، بررسی نشست خاک، بررسی نحوهٔ توزیع تنشها در خاک، مقاومت برشی خاک و تعادل خمیری آن از جمله موارد مطرح شده در این کتاب هستند. ۱۳ واژه‌نام ?فارسی ـ انگلیسی ـ فرانسه مکانیک خاک و مهندسی پی ویژگی اثر : با همکاری بهنیا، رضوان منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

طباطبایی، آقابیگم

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۳ ق)، فقیه و محدث. از زنان عابد و زاهد و صالح و با تقوی. وی همسر سید علی طباطبایی بروجردی و مادر آیت‌اللَّه حاج‌آقا حسین بروجردی بود و در مسائل فقهی تبحر داشت. او فقیه، محدث، عالم و از زنان سخنور عصر خویش بود. وی در بروجرد درگذشت، پیکرش را به نجف اشرف منتقل و در وادی السلام دفن کردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :خاندان آیت‌اللَّه بروجردی (۱۳۲)، مشاهیر زنان پارسی گوی (۵).

طباطبایی، نورالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در یکی از روزهای سال ۱۳۱۹ ه . ش در خانواده روحانی و مبارز، حاج میرزا علی آقا طباطبایی، در این آبادی با صفا، کودکی دیده به جهان گشود که پدر نام سید نور اللّه را برایش برگزید. این غنچه نو رسته از همان آغازین روزهای حیات، تحت تربیت پدری متدین و فاضل و پرورش مادری پاکدامن، دانش دوست و علاقه‌مند به خاندان رسالت بالندگی یافت.چون فضای خانه‌ای که سید نور اللّه دوران طفولیت را در آن می‌گذارنید به علم و ایمان و پارسایی آراسته بود، از همان اوان شیرخوارگی، دانش‌طلبی در پرتو معنویت، با جان این نوباوه عجین گشت و تا آخر با او بود. او پویش علمی و عمل صالح را از پدری عالم و عامل و مادری فضیلت پرور، در کلاس تربیت خانوادگی آموخت و بی آن که پایش بلغزد، در طریق صلاح و فلاح گام نهاد و از پی تحصیل معرفت و مکارم به حریم مردان خدا، راه یافت.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : نام پدر سید نورالله طباطبایی ، حاج میرزاآقا است. حاج میرزا علی طباطبایی در عمل، اخلاق و تقوا انسانی نمونه بود و در منطقه اردستان با فرقه ضالّه بهائیت به مبارزه برخاست، مردمان این سامان پس از سال‌ها که از غروب آن ستاره فروزان می‌گذرد، زحمات وافر و تلاش‌های ارزشمند آن مرد بزرگ را در راه نشر معارف اسلامی و قلع و قمع تبه کیشان تبه ساز و خدمت به مردمان محروم روستاها، از یاد نبرده‌اند و خود را رهین کوشش‌های او می‌دانند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید نوراللّه طباطبایی آموزش قرآن و مقدمات علوم دینی را نخست نزد پدر فاضل و خوش‌نامش آموخت.پس از تحصیلات ابتدایی برای افزایش دانسته‌ها و آشنایی هر چه بیشتر با معارف قرآن و عترت (ع) به توصیه پدر، ظفرقند (زفرقند) را به قصد اقامت در شهر مقدس قم ترک کرد و در سنین نوجوانی رهسپار این دیار شد. در آنجا نزد مدرسان خبره و استادان برجسته، با ادبیات عرب، فقه، اصول، حکمت، فلسفه و تفسیر قرآن آشنا شد. اخلاص این نوجوان به همراه صفای خانواده موجب آن گردید که خداوند لطفش را شامل حال او کند و از استعدادی سرشار و ذوقی عالی و همتی وافر، بهره‌مندش سازد؛ در نتیجه دوره مقدمات و سطح را در مدتی کوتاه و با سرعت فرا گرفت و از عهده کلیه امتحانات به خوبی برآمد.پس از پشت سر نهادن این دوره‌ها به دوره خارج فقه و اصول راه یافت و این لیاقت را به دست آورد تا به محضر پرفیض حضرت آیت اللّه العظمی گلپایگانی (ره) راه یابد. وی با کوششی پی‌گیر، عزمی استوار و اراده‌ای خستگی‌ناپذیر، مراحل علمی را در چنین محفلی طی کرد و به کمالات علمی دست یافت.در آن زمان، آیت اللّه گلپایگانی با تلاشی مجدّانه روح فقاهت را در کالبد شاگردانی چون سید نوراللّه می‌دمید و امثال او را به عنوان پیشتازان فکری و طلایه‌داران اندیشه‌های دینی پرورش می‌داد. وی در ضمن فراگیری علوم نزد آن فروغ فقاهت، موفق گردید بیش از گذشته بذر مکارم و فضایل را در مزرعه وجود خویش بیفشاند و با احترام به آراء بزرگان بر کشتی نقد و پژوهش نشسته و اقیانوس معارف غنی تشیع را به غواصی پرداخته و صید گوهرهای ثمین و دُرهای گرانبها، به دست آورد.شهید سید نوراللّه طباطبایی نژاد به محفل نورانی عالم ربانی، متفکر شهید و فیلسوف عالیقدر، آیت اللّه مرتضی مطهری (ره) راه یافت. انس وی با این دانشمند به خون خفته، سرچشمه‌ای مهم در برنامه‌های درسی، پژوهشی و نیز تحولی شگرف در شیوه‌های تبلیغی، رفتاری و اخلاقی او به حساب می‌آید.به برکت این ارتباط علمی، شهید طباطبایی‌نژاد (ره) در حراست از مرزهای عقیدتی، حفاظت از حصن حصین اسلام، التقاط زدایی و زدودن

خرافه‌ها از فرهنگ مردم، نقش ارزنده‌ای را ایفا کرد. آن شهید با مبانی فکری و آراء فلسفی شهید مطهری آشنا شد و در کنار فراگیری فقه و اصول، آموختن مضامین فلسفی و حکمی را پی گرفت و در این بوستان از خرمن دانش آیت اللّه مطهری (ره) خوشه‌ها چید.فعالیتهای ضمن تحصیل : سید نورالله طباطبایی (ره) به موازات بیست سال تحصیل و تدریس و در اثنای این تلاش‌ها از کاوش و تتبع در منابع قرآنی غافل نشد. چه شب‌های زیادی، که آنها را با بحث و تحقیق در آیات قرآنی احیا می‌کرد! ویژگی‌ها، ضرورت‌ها و تقاضاهای آن عصر، مسائلی را طرح می‌نمود که نشان می‌داد از پیدایش مسائل جدید و مفاهیم تازه در عرصه زندگی افراد، سرچشمه می‌گیرد. شهید طباطبایی نژاد (ره) از آن دسته روحانیانی بود که این مسائل و تحولات را درک کرد و با احساس وظیفه فهمید، نمی‌توان در برابر این دگرگونی‌ها خاموش و بی‌تفاوت نشست و با بدگویی از زمانه، فقط بر اوضاع تأسف خورد یا در انزوا فرصتی طلایی را انتظار کشید.استادان و مربیان : از استادان سید نورالله طباطبایی بعد از پدرش می توان به آیه الله العظمی گلپایگانی و آیه الله مرتضی مطهری اشاره کرد.همسر و فرزندان : از سید نورالله طباطبایی چهار فرزند باقی مانده که فرزند کوچکش در زمان شهادت وی چهار ساله بود.زمان و علت فوت : سیدنورالله طباطبایی در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ه.ش به همراه سالار شهیدان انقلاب اسلامی در کربلای سرچشمه به شهادت رسید و پیکر پاکش را در شیخان قم دفن گردید.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید نورالله طباطبایی (ره) از وقتی که به حوزه علمیه قم راه یافت با اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) آشنا گردید و در پرتو افکار تابناک آن روح قدسی، ستیز با استبداد و نفی هر گونه ستم را یکی از مهم‌ترین برنامه‌های خود قرار داد. وی از هیچ تهدید و خطری نهراسید و هر چه شب‌پرستان تاریک دل و خفاش صفت محیط فعالیت را برایش تنگ کرده و او را از سنگری محروم می‌نمودند، به عرصه دیگری می‌شتافت و چون آذرخش، کویر جهل انسانها را روشن کرده و آنها را از خواب غفلت بیدار می‌ساخت. خطابه‌های آموزنده این شهید برفراز منبر و نیز سخنان روشنگرش در جمع دوستان و جلسات خصوصی، ضمن بیان حقایقی از تعالیم اسلامی و ترسیم فضیلت‌ها، در اوج فصاحت و شیوایی بر دل‌ها می‌نشست. سخنرانی‌های وی این خصوصیت را داشت که با ارائه نمونه‌ها، اشاره به مصادیق و تطبیق اختناق رژیم پهلوی با دوران خفقان عباسیان و امویان، فساد و تباهی اعوان و انصار استبداد را برملا می‌کرد. هر کجا رژیم شاه حرکتی را بر ضد باورهای مذهبی مردم مرتکب می‌گردید، با افشای آن، استوار و فداکارانه خشم و نفرت خود را از تبهکاری‌های ستمکاران بروز می‌داد.آن شهید سعید همواره در ایام تبلیغی در نقاط مختلف کشور به هدایت و ارشاد مردم می‌پرداخت. ایشان در راه به ثمر رساندن انقلاب شکوهمند اسلامی بارها در قم و منطقه اردستان و زواره مورد ضرب و شتم دشمنان اسلام قرار گرفت. در آن دوران خفقان چندین مرتبه اتفاق افتاد که بعد از نماز مغرب و عشاء، در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) در قم، وقتی سخنان و بیانات امام خمینی (ره) را برای مردم تشریح می‌کرد و برای آن مرد بزرگ، دست به دعا بر می‌داشت، به دست مأموران پهلوی مورد هتک و شتم قرار می‌گرفت؛ ولی این فشارها نه تنها هیچ گونه تأثیر منفی در اراده استوارش - که از قلبی لبریز از ایمان و تقوا نشأت می‌گرفت.- نمی‌نهاد؛ بلکه او را در راه هدف جدی‌تر هم می‌ساخت و برای وارد آوردن ضربات کوبنده‌تر به ریشه پوسیده استبداد بیش از پیش توان خویش را به کار می‌گرفت.در منطقه اردستان و زواره، اطلاعیه‌های حضرت امام (ره) را با شگرد خاص خود توزیع می‌کرد و در ضمن مبارزه شدید، تقیه را هم در نظر داشت، تا بتواند به کمک این سلاح سازنده، راه خویش را در جهت محو ستم ادامه دهد. او در واقع مأموران ساواک و عوامل رژیم را که با مراقبت دائمی، می‌خواستند سر از کارش درآورند، غافل می‌ساخت. مثلاً ایشان، ماشین حامل اعلامیه امام (ره) را با فاصله‌ای نسبتاً طولانی، از مسجد یا محل دیگر که می‌خواست آنها را در آنجا توزیع کند، پارک می‌کرد؛ سپس از کوچه‌های فرعی به حالت کاملاً-عادی، طوری که شک مأموران را برنینگیزد، به آن مجلس وارد می‌شد و اطلاعیه‌ها را به افرادی می‌سپرد تا آنها خود، آن را پخش کنند. ایشان در شهر زواره، از دست طرفداران شاه به تنگ آمده بود؛ زیرا هر وقت او را می‌دیدند با بدگویی از مبارزان و مخالفان رژیم، بدترین نوع توهین‌ها را نسبت به حامیان امام (ره) و نهضت اسلامی، روا می‌داشتند؛ اما او با حفظ مصلحت‌های لازم ضمن تعریف از مبارزین، مراقب بود تا بهانه‌ای دست این افراد ندهد، برای این که مبادا برای آنان زحمتی ایجاد کنند؛ یا در فعالیت‌های سیاسی این نیروها اختلال بوجود آورند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیدنورالله طباطبایی در سال ۱۳۴۹ ش، در آن بحبوحه که مجلس فرمایشی رژیم پهلوی، هر روز قوانینی جدید در مخالفت با اسلام و تشیع و معارضت با قرآن و عترت وضع می‌کرد، شهید طباطبایی‌نژاد (ره) با قاطعیت تمام در یکی از مجالس عمومی و بر فراز منبر، نمایندگان آن روز را نوکر اجانب خواند. به دنبال این افشاگری، در منطقه اردستان و توابع ممنوع المنبر گشت و با پرونده‌ای حجیم که مأموران امنیتی برایش تنظیم کرده بودند، به ساواک مرکزی اصفهان منتقل گردید. با این همه پس از آزادی، مجدّداً به تلاش‌های روشنگرانه خود ادامه داد و در جهت تنویر افکار عمومی و تغذیه فکری نسل جوان لحظه‌ای آرام نگرفت تا آن که در سال ۱۳۵۶ ش، به دست عوامل رژیم دستگیر و روانه زندان شد؛ اما در روز بیست و ششم دی ماه در سال ۱۳۵۷ که مقارن با فرار شاه مخلوع بود، از زندان رهایی یافت.در حدود سالهای ۱۳۵۱ یا ۱۳۵۲ ش بود که حضرت حجهْ الاسلام و المسلمین کرباسی - روحانی اعزامی از قم - در مسجد پامنار زواره (واقع در شمال اردستان) به مناسبت سالروز ولادت با سعادت حضرت مهدی (عج) جشنی بر پا کرده بود. شهید طباطبایی‌نژاد در این مراسم سخنرانی کرد. حداقل در منطقه اردستان و زواره ایشان بود که برای نخستین بار از رهبر و قائد نهضت اسلامی ایران، به عنوان «امام خمینی» اسم برد.آرا و گرایشهای خاص : سید نورالله طباطبایی (ره) از همان اوان کودکی، در مکتب پدر و اساتید وارسته خود، با فضایل و مکارم آشنا گشت و خود نیز با تزکیه نفس، عبادت و ارتباط با خداوند در جهت کسب خوی عالی و نیل به خوبی‌ها کوشید و به صفات نیک و خصال پسندیده آراسته گردید، از مهم‌ترین خصوصیت‌های اخلاقی او، فروتنی بود که در لحظه‌های متفاوت زندگی او نشانه‌های آن را می‌توان دید. وقتی می‌خواست در مجلسی بنشیند، هر کجا را که جا بود، انتخاب می‌کرد؛ با هر کسی که روبرو می‌شد، در سلام کردن از او پیشی می‌گرفت؛ در گفتگوهایش، اهل جدال نبود؛ دوست نداشت او را به تقوا و ایمان بستایند. اگر از کسی بدی می‌دید، تا آنجا که به خودش مربوط می‌شد، با عفو و نیکی، از آن چشم می‌پوشید؛ اما اگر آن عمل خلاف، به بهای هتک ارزشها تمام می‌شد؛ یا اگر با از بین بردن آبروی مؤمنی ملازم بود؛ به شدت بر افروخته می‌شد. در واقع خشم و عصبانیت این شهید سعادتمند، در احیای فضایل و میراندن رذائل تجلی می‌کرد. اگر کسی انتقادی

نسبت به رفتار او یا برخی مسائل دینی داشت، او را به نحوی متقاعد می‌کرد که آن طرف مقابل، آن مسائل را نه به عنوان جواب انتقاد بلکه به عنوان حقایقی روشن در کام می‌کشید. آن شهید فروتنی در مقابل اهل کبر و غرور را روا نمی‌دید؛ مخصوصاً نسبت به افراد وابسته به طاغوت سعی می‌کرد با این گونه اشخاص، از موضع صلابت و قدرت رفتار کند. یکی از اعضای شورای شهر اردستان (در زمان رژیم گذشته) حاج آقا نوراللّه طباطبایی (ره) را کاملاً ـ می‌شناخت. طباطبایی‌نژاد (ره) به علت برخورداری از مواهب الهی، از خشونت روحی بیزار؛ و اهل صفا و صمیمیت بود. از آنجا که او خویش را از زندان «خود» و «نفس» رهانیده بود، بر اساس مهر و محبتی که داشت، به راحتی با دیگران پیوند قلبی بر قرار می‌کرد؛ اما این عاطفه و احساسات، هم با ایمان تلطیف شده و هم به کمک دیگر فضایل، از جمله تقوا، جهت دار و دارای مقاصد الهی گشته بود. همین ویژگی موجب جذب افراد به سوی او گردید و سبب می‌شد اظهارات و توصیه‌هایش ثمر بخش گردد. نگارنده که از دوران نوجوانی و جوانی، با شرکت در محافل عمومی و برخی جلسات خصوصی، افتخار آشنایی، با حالات اخلاقی آن شهید را داشته، ناظر صفا، صداقت و اخلاص آن شهید بزرگوار بوده است. من به خوبی می‌دیدم که چگونه حرارت و نورانیت وی، حاضران را به تحرك و جوشش وا می‌داشت، آنان را برای گوش دادن به سخنان آموزنده‌اش مهیا می‌کرد.این سید بزرگوار، با آن که با استفاده از میراث خانوادگی، می‌توانست زندگی مادی مناسبی را برای خود فراهم کند؛ اما در نهایت ساده زیستی و اکتفا به تأمین حداقل مایحتاج خانواده، روزگار می‌گذرانید. طباطبایی‌نژاد ضمن آن که خود را به صداقت آراسته بود، عقیده داشت مسؤولان نظام اسلامی همه باید بر این اساس انتخاب شوند و بر این باور بود که جامعه بدون صداقت نمی‌تواند در خط سعادت پیش برود.چگونگی عرضه آثار : سیدنوراللّه طباطبایی با هوشیاری کامل این خلاء فکری و اجتماعی را دریافت و تصمیم گرفت آن را به شکلی صحیح پر کند و از چشمه‌ای حیات بخش و جاویدان، جرعه‌هایی جانبخش در کام نسل تشنه و عطشان جامعه بریزد؛ لذا با وجود گرفتاری‌ها و اشتغالات بسیار و نیز اختناق سیاه در رژیم شاهی ناگهان به عنوان روزنه امیدی، به فکر او و برخی از دوستان فاضلش رسید تا به همراه سایر پژوهشگران با اخلاص و آگاه، زیر نظر حضرت آیت اللّه مکارم شیرازی (مدّ ظلّه) نگارش و تفسیر نمونه را آغاز نمایند. تلاش شبانه روزی آنان در مدت کوتاهی به ثمر نشست و بسیار زودتر از آنچه تصور می‌گردید، جلد اولش به طبع رسید. این تفسیر به دلیل شیوایی نثر، محتوای مفید و پاسخگویی به نیازها و سؤالات نسل جوان و رفع برخی اشکالات و ایرادهایی که در خصوص اصول و فروع دین مطرح می‌گردید، با استقبال فوق العاده‌ای مواجه شد؛ و به زودی برای تدوین کنندگان فاضل این مجموعه، مشخص گشت که عطش جامعه به تفسیری که در عین سادگی عبارات مباحث فراگیر علمی، کلامی، اجتماعی و توأم با مسایل روز و طرح موضوعات مستحد باشد، تا چه اندازه شدید است؛ لذا کوشیدند تا تمام توان خود را به پای تکمیل آن مباحث بریزند. شهید سید نور اللّه طباطبائی‌نژاد (ره) تا جلد یازدهم با تلاش زیاد و همه جانبه برای نگارش این اثر ارزنده و آموزنده، همکاری داشت.

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱kz – /www.hawzah.net

طباطبایی، نوراللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در یکی از روزهای سال ۱۳۱۹ ه . ش در خانواده روحانی و مبارز، حاج میرزا علی آقا طباطبایی، در این آبادی با صفا، کودکی دیده به جهان گشود که پدر نام سید نور اللّه را برایش برگزید. این غنچه نو رسته از همان آغازین روزهای حیات، تحت تربیت پدری متدین و فاضل و پرورش مادری پاکدامن، دانش دوست و علاقه‌مند به خاندان رسالت بالندگی یافت.چون فضای خانه‌ای که سید نور اللّه دوران طفولیت را در آن می‌گذارنید به علم و ایمان و پارسایی آراسته بود، از همان اوان شیرخوارگی، دانش‌طلبی در پرتو معنویت، با جان این نوباوه عجین گشت و تا آخر با او بود. او پویش علمی و عمل صالح را از پدری عالم و عامل و مادری فضیلت پرور، در کلاس تربیت خانوادگی آموخت و بی آن که پایش بلغزد، در طریق صلاح و فلاح گام نهاد و از پی تحصیل معرفت و مکارم به حریم مردان خدا، راه یافت.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : نام پدر سید نوراللّه طباطبایی ، حاج میرزاآقا است. حاج میرزا علی طباطبایی در عمل، اخلاق و تقوا انسانی نمونه بود و در منطقه اردستان با فرقه ضالّه بهائیت به مبارزه برخاست، مردمان این سامان پس از سال‌ها که از غروب آن ستاره فروزان می‌گذرد، زحمات وافر و تلاش‌های ارزشمند آن مرد بزرگ را در راه نشر معارف اسلامی و قلع و قمع تبه کیشان تبه ساز و خدمت به مردمان محروم روستاها، از یاد نبرده‌اند و خود را رهین کوشش‌های او می‌دانند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید نوراللّه طباطبایی آموزش قرآن و مقدمات علوم دینی را نخست نزد پدر فاضل و خوش‌نامش آموخت.پس از تحصیلات ابتدایی برای افزایش دانسته‌ها و آشنایی هر چه بیشتر با معارف قرآن و عترت (ع) به توصیه پدر، ظفرقند (زفرقند) را به قصد اقامت در شهر مقدس قم ترک کرد و در سنین نوجوانی رهسپار این دیار شد. در آنجا نزد مدرسان خبره و استادان برجسته، با ادبیات عرب، فقه، اصول، حکمت، فلسفه و تفسیر قرآن آشنا شد. اخلاص این نوجوان به همراه صفای خانواده موجب آن گردید که خداوند لطفش را شامل حال او کند و از استعدادی سرشار و ذوقی عالی و همتی وافر، بهره‌مندش سازد؛ در نتیجه دوره مقدمات و سطح را در مدتی کوتاه و با سرعت فرا گرفت و از عهده کلیه امتحانات به خوبی برآمد.پس از پشت سر نهادن این دوره‌ها به دوره خارج فقه و اصول راه یافت و این لیاقت را به دست آورد تا به محضر پرفیض حضرت آیت اللّه العظمی گلپایگانی (ره) راه یابد. وی با کوششی پی‌گیر، عزمی استوار و اراده‌ای خستگی‌ناپذیر، مراحل علمی را در چنین محفلی طی کرد و به کمالات علمی دست یافت.در آن زمان، آیت اللّه گلپایگانی با تلاشی مجدّانه روح فقاهت را در کالبد شاگردانی چون سید نوراللّه می‌دمید و امثال او را به عنوان پیشتازان فکری و طلایه‌داران اندیشه‌های دینی پرورش می‌داد. وی در ضمن فراگیری علوم نزد آن فروغ فقاهت، موفق گردید بیش از گذشته بذر مکارم و

فضایل را در مزرعه وجود خویش بیفشاند و با احترام به آراء بزرگان بر کشتی نقد و پژوهش نشسته و اقیانوس معارف غنی تشیع را به غواصی پرداخته و صید گوهرهای ثمین و دُرهای گرانبها، به دست آورد.شهید سید نوراللّه طباطبایی نژاد به محفل نورانی عالم ربانی، متفکر شهید و فیلسوف عالیقدر، آیت اللّه مرتضی مطهری (ره) راه یافت. انس وی با این دانشمند به خون خفته، سرچشمه‌ای مهم در برنامه‌های درسی، پژوهشی و نیز تحولی شگرف در شیوه‌های تبلیغی، رفتاری و اخلاقی او به حساب می‌آید.به برکت این ارتباط علمی، شهید طباطبایی‌نژاد (ره) در حراست از مرزهای عقیدتی، حفاظت از حصن حصین اسلام، التقاط زدایی و زدودن خرافه‌ها از فرهنگ مردم، نقش ارزنده‌ای را ایفا کرد. آن شهید با مبانی فکری و آراء فلسفی شهید مطهری آشنا شد و در کنار فراگیری فقه و اصول، آموختن مضامین فلسفی و حکمی را پی گرفت و در این بوستان از خرمن دانش آیت اللّه مطهری (ره) خوشه‌ها چید.فعالیتهای ضمن تحصیل : سید نورالله طباطبایی (ره) به موازات بیست سال تحصیل و تدریس و در اثنای این تلاش‌ها از کاوش و تتبع در منابع قرآنی غافل نشد. چه شب‌های زیادی، که آنها را با بحث و تحقیق در آیات قرآنی احیا می‌کرد! ویژگی‌ها، ضرورت‌ها و تقاضاهای آن عصر، مسائلی را طرح می‌نمود که نشان می‌داد از پیدایش مسائل جدید و مفاهیم تازه در عرصه زندگی افراد، سرچشمه می‌گیرد. شهید طباطبایی نژاد (ره) از آن دسته روحانیانی بود که این مسائل و تحولات را درک کرد و با احساس وظیفه فهمید، نمی‌توان در برابر این دگرگونی‌ها خاموش و بی‌تفاوت نشست و با بدگویی از زمانه، فقط بر اوضاع تأسف خورد یا در انزوا فرصتی طلایی را انتظار کشید.استادان و مربیان : از استادان سید نورالله طباطبایی بعد از پدرش می توان به آیه الله العظمی گلپایگانی و آیه الله مرتضی مطهری اشاره کرد.همسر و فرزندان : از سید نورالله طباطبایی چهار فرزند باقی مانده که فرزند کوچکش در زمان شهادت وی چهار ساله بود.زمان و علت فوت : سیدنورالله طباطبایی در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ه.ش به همراه سالار شهیدان انقلاب اسلامی در کربلای سرچشمه به شهادت رسید و پیکر پاکش را در شیخان قم دفن گردید.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید نورالله طباطبایی (ره) از وقتی که به حوزه علمیه قم راه یافت با اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) آشنا گردید و در پرتو افکار تابناک آن روح قدسی، ستیز با استبداد و نفی هر گونه ستم را یکی از مهم‌ترین برنامه‌های خود قرار داد. وی از هیچ تهدید و خطری نهراسید و هر چه شب‌پرستان تاریک دل و خفاش صفت محیط فعالیت را برایش تنگ کرده و او را از سنگری محروم می‌نمودند، به عرصه دیگری می‌شتافت و چون آذرخش، کویر جهل انسانها را روشن کرده و آنها را از خواب غفلت بیدار می‌ساخت. خطابه‌های آموزنده این شهید برفراز منبر و نیز سخنان روشنگرش در جمع دوستان و جلسات خصوصی، ضمن بیان حقایقی از تعالیم اسلامی و ترسیم فضیلت‌ها، در اوج فصاحت و شیوایی بر دل‌ها می‌نشست. سخنرانی‌های وی این خصوصیت را داشت که با ارائه نمونه‌ها، اشاره به مصادیق و تطبیق اختناق رژیم پهلوی با دوران خفقان عباسیان و امویان، فساد و تباهی اعوان و انصار استبداد را برملا می‌کرد. هر کجا رژیم شاه حرکتی را بر ضد باورهای مذهبی مردم مرتکب می‌گردید، با افشای آن، استوار و فداکارانه خشم و نفرت خود را از تبهکاری‌های ستمکاران بروز می‌داد.آن شهید سعید همواره در ایام تبلیغی در نقاط مختلف کشور به هدایت و ارشاد مردم می‌پرداخت. ایشان در راه به ثمر رسانیدن انقلاب شکوهمند اسلامی بارها در قم و منطقه اردستان و زواره مورد ضرب و شتم دشمنان اسلام قرار گرفت. در آن دوران خفقان چندین مرتبه اتفاق افتاد که بعد از نماز مغرب و عشا، در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) در قم، وقتی سخنان و بیانات امام خمینی (ره) را برای مردم تشریح می‌کرد و برای آن مرد بزرگ، دست به دعا بر می‌داشت، به دست مأموران پهلوی مورد هتک و شتم قرار می‌گرفت؛ ولی این فشارها نه تنها هیچ گونه تأثیر منفی در اراده استوارش - که از قلبی لبریز از ایمان و تقوا نشأت می‌گرفت.- نمی‌نهاد؛ بلکه او را در راه هدف جدی‌تر هم می‌ساخت و برای وارد آوردن ضربات کوبنده‌تر به ریشه پوسیده استبداد بیش از پیش توان خویش را به کار می‌گرفت.در منطقه اردستان و زواره، اطلاعیه‌های حضرت امام (ره) را با شگرد خاص خود توزیع می‌کرد و در ضمن مبارزه شدید، تقیه را هم در نظر داشت، تا بتواند به کمک این سلاح سازنده، راه خویش را در جهت محو ستم ادامه دهد. او در واقع مأموران ساواک و عوامل رژیم را که با مراقبت دائمی، می‌خواستند سر از کارش درآورند، غافل می‌ساخت. مثلاً ایشان، ماشین حامل اعلامیه امام (ره) را با فاصله‌ای نسبتاً طولانی، از مسجد یا محل دیگر که می‌خواست آنها را در آنجا توزیع کند، پارک می‌کرد؛ سپس از کوچه‌های فرعی به حالت کاملاً ـ عادی، طوری که شک مأموران را برنینگیزد، به آن مجلس وارد می‌شد و اطلاعیه‌ها را به افرادی می‌سپرد تا آنها خود، آن را پخش کنند. ایشان در شهر زواره، از دست طرفداران شاه به تنگ آمده بود؛ زیرا هر وقت او را می‌دیدند با بدگویی از مبارزان و مخالفان رژیم، بدترین نوع توهین‌ها را نسبت به حامیان امام (ره) و نهضت اسلامی، روا می‌داشتند؛ اما او با حفظ مصلحت‌های لازم ضمن تعریف از مبارزین، مراقب بود تا بهانه‌ای دست این افراد ندهد، برای این که مبادا برای آنان زحمتی ایجاد کنند؛ یا در فعالیت‌های سیاسی این نیروها اختلال به‌وجود آورند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیدنورالله طباطبایی در سال ۱۳۴۹ ش، در آن بحبوحه که مجلس فرمایشی رژیم پهلوی، هر روز قوانینی جدید در مخالفت با اسلام و تشیع و معارضت با قرآن و عترت وضع می‌کرد، شهید طباطبایی‌نژاد (ره) با قاطعیت تمام در یکی از مجالس عمومی و بر فراز منبر، نمایندگان آن روز را نوکر اجانب خواند. به دنبال این افشاگری، در منطقه اردستان و توابع ممنوع المنبر گشت و با پرونده‌ای حجیم که مأموران امنیتی برایش تنظیم کرده بودند، به ساواک مرکزی اصفهان منتقل گردید. با این همه پس از آزادی، مجدّداً به تلاش‌های روشنگرانه خود ادامه داد و در جهت تنویر افکار عمومی و تغذیه فکری نسل جوان لحظه‌ای آرام نگرفت تا آن که در سال ۱۳۵۶ ش، به دست عوامل رژیم دستگیر و روانه زندان شد؛ اما در روز بیست و ششم دی ماه در سال ۱۳۵۷ که مقارن با فرار شاه مخلوع بود، از زندان رهایی یافت.در حدود سالهای ۱۳۵۱ یا ۱۳۵۲ ش بود که حضرت حجهٔ الاسلام و المسلمین کرباسی - روحانی اعزامی از قم - در مسجد پامنار زواره (واقع در شمال اردستان) به مناسبت سالروز ولادت با سعادت حضرت مهدی (عج) جشنی بر پا کرده بود. شهید طباطبایی‌نژاد در این مراسم سخنرانی کرد. حداقل در منطقه اردستان و زواره ایشان بود که برای نخستین بار از رهبر و قائد نهضت اسلامی ایران، به عنوان «امام خمینی» اسم برد.آرا و گرایشهای خاص : سید نورالله طباطبایی (ره) از همان اوان کودکی، در مکتب پدر و اساتید وارسته خود، با فضایل و مکارم آشنا گشت و خود نیز با تزکیه نفس، عبادت و ارتباط با خداوند در جهت کسب خوی عالی و نیل به خوبی‌ها کوشید و به صفات نیک و خصال پسندیده آراسته گردید، از مهم‌ترین خصوصیت‌های اخلاقی او،

فروتنی بود که در لحظه‌های متفاوت زندگی او نشانه‌های آن را می‌توان دید. وقتی می‌خواست در مجلسی بنشیند، هر کجا را که جا بود، انتخاب می‌کرد؛ با هر کسی که روبرو می‌شد، در سلام کردن از او پیشی می‌گرفت؛ در گفتگوهایش، اهل جدال نبود؛ دوست نداشت او رابه تقوا و ایمان بستایند. اگر از کسی بدی می‌دید، تا آنجا که به خودش مربوط می‌شد، با عفو و نیکی، از آن چشم می‌پوشید؛ اما اگر آن عمل خلاف، به بهای هتک ارزشها تمام می‌شد؛ یا اگر با از بین بردن آبروی مؤمنی ملازم بود؛ به شدت بر افروخته می‌شد. در واقع خشم و عصبانیت این شهید سعادتمند، در احیای فضایل و میراندن رذائل تجلی می‌کرد. اگر کسی انتقادی نسبت به رفتار او یا برخی مسائل دینی داشت، او را به نحوی متقاعد می‌کرد که آن طرف مقابل، آن مسائل را نه به عنوان جواب انتقاد بلکه به عنوان حقایقی روشن در کام می‌کشید. آن شهید فروتنی در مقابل اهل کبر و غرور را روا نمی‌دید؛ مخصوصاً نسبت به افراد وابسته به طاغوت سعی می‌کرد با این گونه اشخاص، از موضع صلابت و قدرت رفتار کند. یکی از اعضای شورای شهر اردستان (در زمان رژیم گذشته) حاج آقا نوراللّه طباطبایی (ره) را کاملاًـ می‌شناخت. طباطبایی‌نژاد (ره) به علت برخورداری از مواهب الهی، از خشونت روحی بیزار؛ و اهل صفا و صمیمیت بود. از آنجا که او خویش را از زندان «خود» و «نفس» رهانیده بود، بر اساس مهر و محبتی که داشت، به راحتی با دیگران پیوند قلبی بر قرار می‌کرد؛ اما این عاطفه و احساسات، هم با ایمان تلطیف شده و هم به کمک دیگر فضایل، از جمله تقوا، جهت دار و دارای مقاصد الهی گشته بود. همین ویژگی موجب جذب افراد به سوی او گردید و سبب می‌شد اظهارات و توصیه‌هایش ثمر بخش گردد. نگارنده که از دوران نوجوانی و جوانی، با شرکت در محافل عمومی و برخی جلسات خصوصی، افتخار آشنایی، با حالات اخلاقی آن شهید را داشته، ناظر صفا، صداقت و اخلاص آن شهید بزرگوار بوده است. من به خوبی می‌دیدم که چگونه حرارت و نورانیت وی، حاضران را به تحرک و جوشش وا می‌داشت، آنان را برای گوش دادن به سخنان آموزنده‌اش مهیا می‌کرد.این سید بزرگوار، با آن که با استفاده از میراث خانوادگی، می‌توانست زندگی مادی مناسبی را برای خود فراهم کند؛ اما در نهایت ساده زیستی و اکتفا به تأمین حداقل مایحتاج خانواده، روزگار می‌گذرانید. طباطبایی‌نژاد ضمن آن که خود را به صداقت آراسته بود، عقیده داشت مسؤولان نظام اسلامی همه باید بر این اساس انتخاب شوند و بر این باور بود که جامعه بدون صداقت نمی‌تواند در خط سعادت پیش برود.چگونگی عرضه آثار : سیدنوراللہ طباطبایی با هوشیاری کامل این خلاء فکری و اجتماعی را دریافت و تصمیم گرفت آن را به شکلی صحیح پرکند و از چشمه‌ای حیات بخش و جاویدان، جرعه‌هایی جانبخش در کام نسل تشنه و عطشان جامعه بریزد؛ لذا با وجود گرفتاری‌ها و اشتغالات بسیار و نیز اختناق سیاه در رژیم شاهی ناگهان به عنوان روزنه امیدی، به فکر او و برخی از دوستان فاضلش رسید تا به همراه سایر پژوهشگران با اخلاص و آگاه، زیر نظر حضرت آیت اللّه مکارم شیرازی (مدّ ظلّه) نگارش و تفسیر نمونه را آغاز نمایند. تلاش شبانه روزی آنان در مدت کوتاهی به ثمر نشست و بسیار زودتر از آنچه تصور می‌گردید، جلد اولش به طبع رسید. این تفسیر به دلیل شیوایی نثر، محتوای مفید و پاسخگویی به نیازها و سؤالات نسل جوان و رفع برخی اشکالات و ایرادهایی که در خصوص اصول و فروع دین مطرح می‌گردید، با استقبال فوق العاده‌ای مواجه شد؛ و به زودی برای تدوین کنندگان فاضل این مجموعه، مشخص گشت که عطش جامعه به تفسیری که در عین سادگی عبارات مباحث فراگیر علمی، کلامی، اجتماعی و توأم با مسایل روز و طرح موضوعات مستحد باشد، تا چه اندازه شدید است؛ لذا کوشیدند تا تمام توان خود را به پای تکمیل آن مباحث بریزند. شهید سید نور اللّه طباطبائی‌نژاد (ره) تا جلد یازدهم با تلاش زیاد و همه جانبه برای نگارش این اثر ارزنده و آموزنده، همکاری داشت.

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علماwww.hawzah.net/ – ۱kz

طباطبائی

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

۱۳۲۳ ق، از زنان فقیه، محدث، سخنور، عابد و زاهد. مقدمات علوم اسلامی و ادبیات عرب را از علمای آن زمان فراگرفت سپس نزد مردان دانشمند خانواده‌اش فقه آموخت. زمانی که به سن رشد رسید او را به ازدواج سید علی طباطبایی بروجردی درآوردند و از او پسری آورد به نام سید حسین (آیت‌اللّٰه عظمی بروجردی مرجع تقلید عصر) (۱۳۸۰ ق/ ۱۳۴۰ ش).

خانواده آغابیگم از خاندان‌های بزرگ علم و فضیلت در بروجرد بود و از میان آنها مردان و زنان بزرگی برخاستند.

آن مرحومه در بروجرد درگذشت و برحسب وصیتش، پیکرش را به نجف اشرف منتقل کردند و در وادی‌السلام به خاک سپردند.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات)، ۸ / ۴، خاندان آیت‌اللّٰه بروجردی، ۱۳۲؛ دایرةالمعارف تشیع، ۱۲۰ / ۱.

طباطبائی ابرقوئی، زین العابدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم زاهد فاضل متقی، و محدث خبیر، ادیب شاعر، از اجله‌ی شاگردان آقا سید محمد باقر درچه‌ای، و آخوند کاشی، و آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی، و جمعی دیگر از فحول دانشمندان بود.

مردی خلیق و مهربان، و از جمله کسانی بود که عملاـ درس دین و اخلاق به مردم می‌آموخت، مستحبی را از مستحبات ترک نمی‌کرد، و مکروهات را عملا جزو محرمات می‌دانست.

در هشتم ماه صفر سال ۱۳۷۲ به سن متجاوز از هفتاد سال وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید.

کتب و رسائل عدیده نوشته، از آن جمله: ۱- تریاق اعظم ۲- ولایهٔ المتقین، در تقوی و فضائل امیرالمؤمنین علیه‌السلام به طبع رسیده.

از اشعار اوست:

جز صبر از هجوم بلا نیست چاره‌ای

غیر از رضا به سر قضا نیست چاره‌ای

خواهی اگر نجات ز امواج حادثات

جز التجا به آل عبا نیست چاره‌ای

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

طباطبائی بروجردی، علینقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۴۹ -۱۱۸۸ ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. از علمای امامیه قرن سیزدهم و از شاگردان محقق قمی بود. فرزندش، سید میرزا محمود طباطبائی، در حاشیه‌ی شرحی که بر «منظومه‌ی» بحرالعلوم نگاشته درباره‌ی پدرش گوید که او با دانش فراوانی که داشت هیچ‌گاه فتوائی نداد و قضاوتی نکرد گر چه پاره‌ای از علما مردم را به رجوع به او سوق می‌دادند. او در بروجرد درگذشت و در کنار قبر پدرش به خاک سپرده شد. از آثار وی: حاشیه بر «زبده الاصول فی اصول الفقه» شیخ بهایی؛ حاشیه بر «قوانین الاصول فی اصول الفقه» میرزای قمی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۶۷ / ۸)، الذریعه (۱۷۸، ۱۰۳ / ۶)، ریحانه (۳۰ / ۴)، لغت‌نامه (ذیل/ طباطبایی)، معجم المؤلفین (۲۵۵ / ۷)، مکارم الآثار (۱۳۴۲ / ۴).

طباطبائی بروجردی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید عبدالکریم بن سید مراد طباطبائی اصفهانی بروجردی.

علامه‌ی فقیه زاهد محقق بارع مصنف، خواهرزاده‌ی علامه ملا محمد باقر مجلسی، و جد پنجم مرحوم آیهٔ‌الله حاج آقا حسین بروجردی. در اصفهان متولد شده، و در این شهر و نجف تحصیل نموده، سال‌ها در کرمانشاه ساکن بوده، و قبرش در بروجرد زیارتگاهی معروف است.

وفاتش بنا به نوشته‌ی مجله‌ی المرشد در ۱۲۰۰ روی داده است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- اثبات عصمهٔ الائمهٔ از آیه‌ی (و اذ ابتلی ابراهیم ربه) ۲- الاحباط و التکفیر ۳- تحفه الغری، در معنی و تحقیق در اسلام و ایمان ۴- رساله‌ی رضاعیه ۵- رساله در رد ایراد وحید بهبهانی بر شهید ثانی ۶- رساله در اسرار اشکال خاصه به حروف تهجی ۷- رساله در رد صدوق و قائلین به سهو النبی صلی الله علیه و اله و سلم ۹- رساله در فضل مسجد کوفه ۱۰- رساله در طالع ولادت و زایجه ۱۱- رساله درباره‌ی شهادت زنان ۱۲- رساله درباره‌ی روزه‌ی روز عاشورا ۱۳- رساله در این که آیا فجر از روز است یا از شب؟ ۱۴- رساله در امر و بیان از مباحث اصولی ۱۵- شرح زیارت جامعه‌ی کبیره ۱۶- شرح مفاتیح ۱۷- موالید النبی و الائمهٔ؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

طباطبائی تبریزی حائری، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۲ -۱۲۸۶ ق)، عالم دینی. مشهور به علامه. در تبریز به دنیا آمد. در ۱۳۰۰ ق به همراه پدر به عراق رفت و از علمای بزرگ کربلا کسب علم کرد. در حرم حضرت سیدالشهداء، اقامه جماعت می‌نمود و مجلس درس و بحثی در منزلش برپا کرده بود برادرانش علم‌الهدی و مفید نیز از او بهره می‌گرفتند. برادر دیگر ایشان سید محمد فقیه بود که تمامی آنان از علمای تبریز بودند. علامه طباطبائی در اواخر عمر به نجف رفت و همان جا درگذشت و در صحن علوی دفن شد. از آثارش: «اکلیل الرشاد فی تحقیق المعاد»؛ «دلائل الغیب»، در استخاره؛ «لسان الغیب»، در استخراجات نجومی؛ «انیس الادباء»؛ «منهج الرشاد»، در شرح «نجاه العباد»؛ «الوجیز»، در فقه؛ «الاستصواب»، در استصحاب؛ «الریحانه»، در احتیاط و برائت؛«اکلیل الاصول»؛ «لمعات الهدایه»، در اصول؛ «تقویم الاصول»؛ «کرائم القرآن»؛«نفائس الدعوات»؛ «النوامیس الالهیه»، در احکام فقهی؛ «انموذج العلوم»؛ «مشجره‌ی علمای امامیه»؛

«الاشراقات»؛ رساله عملیه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۴۷، ۳۴۲ / ۱۸ ،۱۵۱، ۱۰۴ / ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۸ –۶۶ / ۱۴)،مؤلفین کتب چاپی (۲۶۷ –۲۶۶ / ۱).

طباطبائی فشارکی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد طباطبائی فشارکی معروف به (سید استاد) بن امیر سید قاسم طباطبائی از اساتید بزرگ و اعاظم علماء و مجتهدین و مدرسین عالیمقام و شاگردان برجسته و میرز مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقای میرزا محمدحسن مجدد شیرازی و بنابر نقل بزرگان اعلم وافقه و اورع تلامذه میرزاء بزرگ بوده است.

مراجع بزرگ و آیات عظامی چون مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری و آیت‌اللَّه العظمی آقا میرزا حسین نائینی و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدرضا مسجد شاهی اصفهانی و امثالهم از شاگردان او بوده‌اند.

آن بزرگوار بـا آن مقـام علمی و فقـاهت که داشت معرض از ریاست و مرجعیت بود و هرچه از شاگردان و تلامذه او مانند مرحوم آیت‌اللَّه حایری یزدی و آیت‌اللَّه حاج سید محمدرضا یثربی کاشانی و دیگران به ایشان اصرار می‌کردند که رساله بنویس و فتوا بده قبول نمی‌کرد.

مرحوم آیت‌اللَّه آقا میرزا سید علی یثربی کاشانی از مرحوم والدش و آیت‌اللَّه حایری نقل کرد که روزی در خدمت آن مرحوم از درس برمی‌گشتند و در راه به ایشان می‌گفتند چرا رساله نمی‌نویسید و چرا خود را در معرض قرار نمی‌دهید مگر از اقران خود کمتر هستید تا رسیدند درب منزلشان آن مرحوم وارد منزل شده و برگشت دو طرف درب منزل را گرفته و گفت شیخ عبدالکریم و سید محمدرضا و... خودم را از رفقایم اعلم و... می‌دانم.

ولی در خود را معرض ریاست و مرجعیت قرار نمی‌دهم زیرا خداوند فرموده (تلک الدار الاخرهٔ نجعلها للذین لا یریدون علواً فی الارض و لا فساد او العاقبهٔ للمتقین) پس وارد منزل شده و در را بست.

مرحوم آیت‌اللَّه حاج آقا حسن فرید محسنی از قول مرحوم حجهٔالاسلام آقا شیخ محمدرضا ازقدانی اراکی نقل کردند که وقتی مرحوم آیت‌اللَّه العظمی میرزاء بزرگ شیرازی در سامره وفات کرد همه یقین داشتند که سید استاد بر جنازه میرزا نماز خواهد خواند و مرجعیت او مسلم خواهد بود.

پس دیدند سید نیست هرچه تفحص کردند سید را نیافتند و چند ساعت جنازه را معطل عاقبت مأیوس شدند و بر جنازه نماز خواندند و حرکت دادند برای نجف پس دیدند سید پیدا شد در حالی که آنقدر گریسته که چشمانش سرخ شده گفتند آقا کجا بودید و چرا نیامدید که بر جنازه میرزا نماز بخوانید و تکلیف معلوم شود.

گفت من خود این حساب را کرده بودم و دیدم دلم هم بدش نمی‌آید از اینکه من رئیس شوم.

پس رفتم در جائی و به حضرت ولی عصر عجل اللَّه فرجه توسل جستم و قسمش دادم که این هوا از سرم برداشته شود پس لطف فرمودند و پذیرفتند حالا هر که می‌خواهد مرجع و رئیس باشد باشد.

آثار علمی معظم له وجود شاگردان بزرگواری مانند آیت‌اللَّه العظمی حایر یزدی (مؤسس حوزه علمیه قم) و آیت‌اللَّه حاج سید محمدرضا یثربی کاشانی و دهها نفر دیگر است مضافاً دارای دو فرزند دانشمند و متقی.

۱– بنام مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید علی‌اکبر طباطبائی (داماد مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ مرتضی آشتیانی).

۲– آیت‌اللَّه حاج سید عباس طباطبائی (داماد آیت‌اللَّه حاج میرزا احمد آشتیانی) می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طباطبائی قمی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی بن آیت‌اللَّه العظمی حاج آقا حسین طباطبائی قمی از علماء معروف معاصر کربلا و اکنون مقیم لبنان می‌باشند.

معظم له در حدود سال ۱۳۳۰ قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و پس از پرورش در بیت علم و تقوا به تحصیل علوم عربی و ادبی پرداخته و در مصاحبت والد معظمش از نجف اشرف به مشهد رضوی مسافرت و متون فقه و اصول را از مدرسین عالی خراسان فراگرفته و پس از آن از درس خارج مرحوم والدش و دیگران بهره‌مند گردیده و در سال ۱۳۵۳ قمری به اتفاق والد گرامی و کلیه بستگان اخراج به عراق و در کربلای معلی اقامت نموده و به تکمیل مبانی علمی از والدش و دیگران اشتغال یافته تا پس از فوت آن مرحوم در ربیع ۱۳۶۶ قمری که بجای ایشان در صحن مطهر حسینی به اقامه جماعت و تدریس پرداخته تا در چند سال اخیر که به واسطه ضعف مزاج و ناامنی عراق به لبنان عزیمت و مردم آن سامان از وجودش مستفیض می‌گردند ادام اللَّه ظله و توفیقه.

دارای فرزندان برومندی می‌باشند که از آنها جناب حجهٔالاسلام آقای حاج آقا هادی طباطبائی قمی از دانشمندان و ائمه جماعت معاصر تهرانند و اکنون در مسجد میدان قزوین به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین و معارف اسلامی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طباطبائی نائینی، سعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن نصرالله بن سعید، کتابفروش، عالم فاضل، از خدمتگزاران واقعی علم و دین، که پس از تحصیلات در اصفهان اقدم به تأسیس مدرسه و چاپخانه گلبهار نموده، و کتب زیادی به طبع رسانیده، در اواخر عمر در مشهد ساکن شده، و جهت مسجد گوهرشاد ایجاد کتابخانه‌ای نموده، و قسمتی از کتاب‌های خود را بر آنجا وقف کرده، و هم [در روز جمعه ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۷۸] در آنجا وفات یافته و مدفون شد.

چندین مجلّد کتاب جهت مدارس جدید تألیف و چاپ کرده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

طباطبائی نجف‌آبادی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جعفر طباطبائی متخلص به هاشمی از علماء و ائمه جماعت و روحانیون خدوم معاصر شهرستان نجف‌آباد می‌باشند. ایشان در سال ۱۳۲۹ قمری هجری در یکی از روستاهای کرون نجف‌آباد به نام احمدرضا چشمه به دنیا آمده و از سن چهار سالگی در مکتب خانه‌ای مشغول به تحصیل شده و تا سن چهارده سالگی دروس فارسی و قرآن را آموخته آنگاه با تشویق جدشان مرحوم آقا سید اسداللّه رحمه‌اللّه برای تحصیل علوم عربی به اصفهان آمده و در مدرسه جده بزرگ سکونت و خدمت مدارس آن مرحوم حجةالاسلام حاج شیخ محمد حسن عالم نجف‌آبادی سطوح متوسط فقه و اصول را خوانده آنگاه به عللی به زادگاه خود مراجعت و پس از چند سال مجددا برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه شهرستان نجف‌آباد مهاجرت نموده و در خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ ابراهیم ریاضی نجف‌آبادی مشغول به تکمیل مبانی علمی گردیده و رسائل و ریاض و کفایه‌الاصول را خوانده و از محضر آن بزرگوار استفاده اخلاقی و تربیتی نموده است.

در حال حاضر ایشان در مسجد صفای نجف‌آباد به اقامه جماعت و تبلیغ دین و ارشاد مردم و خدمات دینی و اجتماعی اشتغال دارند. و مورد توجه خاص و بسیاری از مردم این منطقه می‌باشند که در اجراء عقود شرعیه به ایشان مراجعه می‌نمایند دارای تألیفات مطبوع و مخطوط می‌باشند.

۱- ارکان دین درباره اصول عقاید (توحید، نبوت، عدل، امامت، معاد) که در سال ۱۳۶۳ به طبع رسیده است.

۲- باغستان که کشکولی است از احادیث و روایات مختلفه که مخطوط مانده است.

۳- دیوان شعر بنام دیوان هاشمی.

۴- دیوان انقلابی هاشمی که هر دو به طبع رسیده است.

۵- کلیات دیوان هاشمی

جناب آقای حاج سیدجعفر طباطبائی خاطرات آموزنده‌ای دارند که اگر به رشته تحریر آوردند به صورت کتاب مفید و سازنده‌ای خواهد بود.

دارای هفت فرزند می‌باشند که سه تن آنان در حوزه علمیه اشتغال به دروس خارج فقه و اصول دارند و یکی از فرزندانشان به نام سید محمدعلی در عملیات محرم به فیض شهادت رسیده‌اند و آقازادگان مقیم حوزه علمیه قم نامبردگان زیرند:

۱- جناب آقا سید محمدرضا

۲- جناب آقا سید محمدباقر

۳- جناب آقا سید محمدصادق حفظهم اللّه تعالی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

طباطبائی یزدی، صدرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید صدرالدین فرزند عالم جلیل و سید نبیل حاج سید احمد مهریزی یزدی یکی از چهره‌های درخشان استان یزد و حوزه علمیه قم می‌باشند که در دوره دوم مجلس جمهوری اسلامی نماینده محترم مردم استان یزدند، تولد ایشان در روز جمعه نهم دی‌ماه ۱۳۲۲ شمسی در مهریز یزد واقع شده و پس از رشد و تربیت در سال ۱۳۳۵ شمسی در مدرسه مصلی مشغول به تحصیل گردیده و پس از یکسال در سال ۱۳۳۶ شمسی مهاجرت به قم نموده و ضمن فراگرفتن درسهای حوزه تحصیلات جدید را تا دریافت دیپلم ادامه داده و با آغاز انقلاب به رهبری آیت‌اللّه خمینی در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی فعالیتهای سیاسی خود را شروع کرده و بارها مورد تعقیب

رژیم گذشته قرار گرفته و در رابطه بـا انقلاب اسـلامی در سال ۱۳۴۵ شمسی مخفیانه به عراق مسافرت و به نجف اشرف مشرف گردیـده و پس از بـازگشت به قم در همـان سال به حـوزه درس خـارج فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّه محقق دامـاد شـرکت و ضـمنا فعالیتهای سیاسـی خود را از طریق سخنرانی و سرود اشعار و تنظیم و تکثیر اعلامیه دنبال کرده و در آذر سال ۱۳۵۷ شمسی سفری به پاریس نموده و به محضر امام راحل راه یافته و نامه‌ها و اعلامیه‌هائی که همراه داشت تقدیم ایشان نموده و بعد از چند روز به منظور رسانیدن پیام انقلاب از پاریس به شـهرهای لندن و هامبورگ و قاهره و دمشق و عمان مسافرت و از اردن با لباس مبدل و ناشناس به فلسطین اشـغالی رفته و از شـهرهای بیت‌المقـدس و قدس خلیل و بیت‌اللحم دیدن نموده و طی تماس با جوانان فلسـطینی به تشـریح مواضع انقلاب اسـلامی پرداخته و پس از آن مسـافرت به عربسـتان و عمره مفرده بجـا آورده و در ۱۹ بهمن ۱۳۵۷ شمسی از طریق ترکیه به ایران برگشـته و مـدت چنـدین ماه در دفتر امام راحل در قم مشـغول رسـیدگی به برخی از مراجعات بوده و در طول اقامت خود در قم گذشته از اشتغال به تدریس به تألیف و ترجمه آثاری توفیق یافته که برخی از آنها به چاپ رسیده و آنها را می‌نگارم.

۱- حماسه جاوید

۲- فرهنگنامه حج و عمره دو جلد

۳- پرچم پیروزی حق

آقای طباطبائی به زبان عربی تسلط و به زبان انگلیسـی آشـنائی دارد و نیز چندین مسجد و حسینیه و کتابخانه و غیر آنها از آثار خیر را بنا و باقیات الصالحاتی از خود به یادگار گذارده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

طباطبائی یزدی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر طباطبائی یزدی مقیم تهران و صاحب تالیفات عدیده مطبوع و غیره.

مانند کتاب خلاصه از دین اسلام که در سه مجلد مکرر به طبع رسیده است.

معظم‌له شجره و نسبنامه خود را در کتاب مذکور چنین یاد نموده‌اند.

سیـد محمـدباقر فرزنـد حاج سیـد عبدالحی فرزنـد سیـد ابوالقاسم (که صاحب کرامات و مقامات بوده) فرزند سـید سامع فرزند سـید حسن فرزنـد سـید سامع عالی فرزند امیر غیاث فرزند امیر محمد مومن فرزند سـید نورالدین فرزند سـید مرادالدین فرزند شاه اسداللّه فرزنـد سـید جلال‌الـدین امیر فرزند سـید حسن فرزند مجدالدین فرزند قوام‌الدین فرزند سـید اسـماعیل فرزند عباد فرزند ابی‌المکارم فرزند ابی‌المجد فرزند عباد فرزند علی فرزند حمزه فرزند طاهر فرزند ابی‌الحسـین علی شاعر فرزند ابی‌الحسن محمد شاعر اصـفهانی فرزنـد احمـد فرزنـد ابی‌جعفر محمـد فرزنـد ابی‌عبـداللّه احمـد رئیس فرزنـد ابراهیم ملقب به طباطبا فرزنـد ابی‌ابراهیم شـریف فرزند اسـماعیل دیباج اکبر فرزند ابراهیم غمر حسـنی حسـینی فرزند حسن مثنی فرزند امام حسن مجتبی علیه‌السلام فرزند حضرت علی بن ابی‌طالب امیرالمومنین علیه‌السـلام و حضرت فاطمه‌زهرا علیهاالسلام فرزند حضرت خاتم‌الانبیاء محمد مصطفی صلی اللّه علیه و آله و سلم...

وی پس از پرورش در بیت علم مقدمات را در یزد خوانده و بعد از آن به مشـهد مقدس مسافرت و پس از خواندن سطوح از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقـا میرزا مهـدی غروی اصـفهانی اسـتفاده نموده و از آنجا به نجف اشـرف مهاجرت و از محاضـر آیات عظام آنجا بهره‌مند شده و پس از پایان تحصیل به تهران منتقل و تاکنون به اقامه جماعت و تبلیغ دین و تألیف کتب سودمند اشتغال دارند.

ایشان ترجمه والد خود را چنین مرقوم داشته‌اند.

حجهٔ‌الاسلام آقای حاج سید عبدالحی عدیل.... آیت‌اللّه بزرگ مرحوم آقاسید محمدکاظم یزدی صاحب عروه‌الوثقی بودند.

و دوره تحصیلات دینی خود را در نجف اشرف به پایان رسانیده چندین ساله به نمایندگی آیت‌اللّه یزدی در شهر رنگون هندوستان مشـغول ترویج بودند. و بعدا به وطن خود یزد مراجعت نموده با کوشـش تامی به ترویج شـریعت مصـطفوی قیام داشته و نفوذ ایشان در مردمـان آن انـدازه بود که حـاکم وقت بـدون اجـازه و امضاء ایشان در امور مهمه جامعه اقـدامی نمی‌کرده با آنکه خود ایشان با اولیاء امور دولتی ابدا خلطه و آمیزشی نداشته‌اند.

و تمام اهالی یزد ایشان را به تقوا و پرهیزکاری می‌شـناخته نماز جماعت پرجمعیت و شکوهی بپا می‌داشتند و علاقه تامی به حضرت سیدالشهداء (ع) داشته‌اند و در سنه ۱۳۴۸ هجری وفات نموده‌اند.

و تـا به حال که متجاوز از سـی سال از وفات ایشان می‌گـذرد آداب و رسوم نیکی از ایشان در یزد باقی و اسم ایشان بر سـر زبانهای اهالی یزد جاریست...

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

طباطبائی یزدی، محمدکاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدکاظم بن سید عبدالعظیم طباطبائی یزدی اعرف معاریف علماء و اشهر مشاهیر فقهاء استان یزد است.

خیابانی در ص ۳۳۴ ج ۴ ریحانةالادب گوید: از فحول و متبحرین علماء امامیه قرن حاضر چهاردهم هجرت که عالمی است متقی و عامل و محقق مدقق و جامع تمامی علوم دینیه فروعیه و اصولیه و سیدعلماء امت و حامل لوای شریعت و از مفاخر شیعه و رئیس مذهبی فرقه محقه و بالخصوص در فقه جعفری به نهایت متبحر و دارای فکری عمیق و نظری دقیق و مرجع تقلید اغلب شیعه و علامه وقت و سرآمد فقهاء عصر و حوزه درس او در نجف اشرف انفع حوزه‌های علمیه و مرجع استفاده اکابر و فحول اساتید بوده و مطالب عالیه فقهیه را با بیانات سهل و ساده و شیوا به سمع حاضرین رسانده و از کثرت احاطه‌ای که داشته غالب مشکلات آن علم شریف را با تقریبات قریب به فهم عموم حل نموده:

باری سید در سال ۱۲۴۷ و یا ۱۲۵۶ هجری در یکی از قراء یزد متولد و بعد از بلوغ به اصفهان رفته و مدتی نزد آقا نجفی شیخ محمدباقر و صاحب روضات‌الجنات و بعضی اکابر دیگر که شرح حال هر یک در محل مقتضی از این کتاب نگارش یافته و از اجلاء فقهاء وقت بوده‌اند تلمذ کرده تا آنکه اجتهاد او مورد تصدیق ایشان بوده.

سپس به نجف اشرف رفته و تمامی اوقات خود را در ادامه تحصیل عالیه علمیه مصروف داشته و به میرزا شیرازی حاج میرزا محمدحسن (سابق‌الذکر) و بعضی از اکابر دیگر تلمذ نموده است.

و بعد از وفات استاد معظم خود به تدریس علوم دینیه پرداخته و بسیار محترم و محل توجه عموم بوده تا در موقع نهضت ملی ایران و تبدیل اصول سلطنت قتل او تصمیم شده ولکن روساء و شیوخ اعراب نجف گرداگرد خانه او را محاصره کرده و در حفظ و حراست وی اهتمام تمام به کار بردند.

تا آنکه که آن غائله هائله رفع و ریاست مذهبی بد و منتهی و مسلم عموم گردیده... تا در شب سه‌شنبه ۲۷ و یا ۲۸ ماه رجب ۱۳۳۷ قمری وفات و در مقبره درب طوسی از صحن مقدس مرتضوی مدفون گردیده و از خود آثار علمی و باقیات الصالحات چندی که ذیلا می‌نگارم به یادگار گذاشتند.

۱- بستان نیاز در مناجات فارسی که در سال ۱۳۳۶ ق به چاپ رسیده.

۲- تعادل و تراجیح که بسیار مبسوط و در تهران چاپ شده.

۳- حاشیه مکاسب شیخ مرتضی انصاری که بهترین حواشی مکاسب است

۴- حجیه‌الظن در عدد رکعات و کیفیت صلوه الاحتیاط که هر دو در تهران به طبع رسیده.

۵- السئوال و الجواب در نجف چاپ شده.

۶- صحیفه کاظمیه در بغداد به طبع رسیده.

۷- العروه‌الوثقی که تاکنون ده‌ها بار در ایران و عراق و هندوستان و بیروت به طبع رسیده و صدها حاشیه و شرح بر آن خورده و در این اواخر تعلیقاتی و در دو مجلد بزرگ به نام (غایه القصوی لمن رام التمسک بالعروه‌الوثقی) آیت‌اللّه العظمی آقا سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی مدظله بر آن نوشته و به طبع رسانیده‌اند.

و این عروه‌الوثقی به واسطه سلاست متن و عباراتش بیش از پنجاه سال است که عنوان درس خارج فقه مراجع بزرگ نجف و قم و غیره می‌باشد.

۸- منجزات مریض که با حاشیه مکاسب در یکجا طبع شده است.

و اما باقیات الصالحات آن جناب مدرسه علمیه بزرگ و زیبائی در نجف اشرف که احسن مدارس نجف است به نام (مدرسه سید) و شیخ علی مازندرانی از شاگردان او در ماده تاریخ بناء آن گفته.

اسسها بحر العلوم و التقی

محمد الکاظم من نسل طبا

نگارنده... گوید: بیت علامه یزدی از بیوتات اصیله و ریشه‌دار علمی نجف اشرف است که در میان آنان دانشمندان بزرگی- چون آیت‌اللّه حاج سید محمد طباطبائی یزدی و آیت‌اللّه حاج سیدعلی طباطبائی یزدی فرزندان سید یزدی بوده و از هر کدام این دو فرع بزرگ علماء برجسته و نویسندگان شایسته و بنامی مانند صاحب (بزم ایران)، و غیره بوده‌اند که شرح آن در خور کتاب مستقلی خواهد بود و ما را مجال بیش از این نیست.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

طباطبائی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند مرحوم حاج سید محمود قمی و برادر آیت‌اللّه حاج آقا حسین طباطبائی قمی است که (ترجمه و شرح احوالش خواهد آمد) صاحب عنوان از شاگردان مرحوم حاج سید محمدکاظم طباطبائی یزدی صاحب (عروةالوثقی) است در سال ۱۳۳۳ در سن کهولت و سالخوردگی از دنیا رفت و در شیخان قم مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

طباطبائی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یکی از پنج پسر مرحوم حاج سید محمود است وی نیز از علماء متقی قم بود و در صحن نو اقامه جماعت می‌نمود در سال ۱۳۳۴ در قم مرحوم و در شیخان مدفون گردید.

یکی از برادران ایشـان مرحوم سیدالعباد آقـای حـاج سـید ابراهیم طباطبائی بود که نگارنـده او را زیارت کرده بودم سـیدی پارسا و متورع و از صلحاء و اخیار قم بود کراراً به مکه و عتبات عالیات مشرف گردیده بود در حدود سال ۱۳۶۰ وفات نمود.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

طباطبائی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن بن آیت‌اللّٰه العظمی حاج آقا حسین طباطبائی قمی از فقهاء گرامی معاصر است.

ولادت معظم‌له در سال ۱۳۲۹ قمری در نجف اشـرف (سال فوت مرحوم علامه آخونـد خراسانی) واقع شده و دوران کودکی را در عتبـات عالیـات گذرانیـده و در خـدمت والـد بزرگوارش به مشـهد آمـده و اولیـات و سـطوح معقول و منقول را در آنجا از علماء و مدرسـین آسـتان قدس رضوی فراگرفته و در سال ۱۳۴۷ هجری به مکه مشـرف و و در بـازگشت در اثر کسالت مـدت شـش ماه به اصـفهان مسافرت و از محضر مدرسین بزرگ آنجا استفاده نموده و پس از آن در سال ۱۳۵۰ به اتفاق والدش عزیمت به عراق و در نجف از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه آقا میرزا حسین نائینی و بعضی دیگر بهره‌مند شده و باز به مشهد مراجعت و از محضر والد بزرگوار استفاده نموده و در سانحه مسجد گوهرشاد در سال ۱۳۵۴ ق در معیت والـدش تبعید به کربلا گردیده و در آنجا نیز از آن مرحوم و اساتید دیگر نجف و کربلا بهره‌مند و ضمنا خود به تدریس سطوح نهائی (مکاسب و کفایه و...) پرداخته تا سال ۱۳۶۸ قمری پس از فوت والدش به قصد اقامت مهاجرت به ارض اقدس رضوی و مشهد مقدس نموده و در مسجد گوهرشاد به اقامه جماعت و تدریس خارج فقه و اصول پرداخته و صدها نفر از فضـلاء و علماء آن سامان از محضـر و درسش استفاده نموده تا سال ۱۳۸۳ قمری که قهرا به کرج آمده و تا حال حاضر در زاویه انزوا اشتغال به عبادت پروردگار دارد.

فرزند ارجمندش محمود طباطبائی از آقازادگان برومند و دانشمند معاصر می‌باشند.

برادران بزرگوارش آیت‌اللّٰه حاج‌آقا مهـدی طباطبائی و مرحوم حاج آقامهـدی طباطبائی و مرحوم حاج‌آقا محمـد طباطبائی (صاحب مسـجد موزه آستانه فاطمیه قم) و حجهٔالاسلام حاج‌آقا باقر و حجهٔالاسلام حاج‌آقا نقی همه از علماء بزرگ موصوف به فضل و تقوا می‌باشند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

طباطبائی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عباس طباطبائی ابن العلامه الاستاذ آیت‌اللّٰه السید محمد طباطبائی فشارکی الاصفهانی از علماء ابرار و دانشمندان اخیار معاصر و داماد آیت‌اللّٰه حاج میرزا احمد آشتیانی می‌باشد.

تولد این بزرگوار و مرحوم برادرش حجهٔالاسـلام و المسـلمین حاج سـید علی‌اکبر طباطبائی داماد مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ مرتضی آشتیانی در سامره بوده و در سـنین کودکی پدر بزرگواری چون علامه فشارکی معروف بسـید اسـتاد را از دست داده و در مهد علم پرورش یـافته و پس از خوانـدن اولیات و سـطوح از محضـر مراجع بزرگ اسـتفاده نموده تا بـدرجه سامیه علم و کمال ارتقاء یافته و مهاجرت به تهران نموده و بتدریس در مدرسه مروی و انجام وظائف دینی و روحی تا هم اکنون اشتغال دارد.

نگارنده گوید: آیت‌اللّٰه طباطبائی دانشـمندی متین و عالمی با معنویت است و در بی هوائی و سادگی و احتراز از سر و صدا و تأسی بمرحوم والدش سید استاد نموده که هر چه شاگردان مبرز وی چون مرحوم آیت‌اللّٰه نائینی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ عبدالکریم حایری و دیگران به وی اصرار می‌کردند که رساله عملیه بنویس و فتوا بده زیرا پس از آیت‌اللّٰه مجدد شیرازی متعین است که شما از دیگران اعلم هستیـد در جـواب میفرمـود: آری من خود را مجتهـد و از اقرانم افضـل می‌دانم ولی رسـاله نمی‌دهم و هرگز خود را در معرض مرجعیت قرار نمی‌دهم زیرا خداونـد می‌فرمایـد: تلـک الـدار الاـخره نجعلهـا للـذین لاـ یریـدون علوا فی الاـرض و لاـ فسادا و العاقبه للمتقین.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طباطبائی، عبدالجی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید عبدالجی طباطبائی بن سید ابوالقاسم بن سید سامع بن سید حسن بن سید سامع بن سید غیاث طباطبائی یزدی عالمی متقی

و فقیهی شایسته و پارسا از آیات عظام یزد بوده‌اند.

وی در یزد متولد شده بعد از پرورش و خواندن مقدمات و سطوح در یزد و غیره مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مراجع بزرگ نجف بالاخص همشهریش آیت‌اللّه العظمی آقاسید محمدکاظم یزدی سالهای متمادی استفاده نموده تا به مراتب سامیه علم و فقاهت رسیده و در شمار افاضل وقت و اجلاء عصر آمده و در ورع و تقوا و صلاح و سداد و حسن اخلاق و تواضع و کمالات نفسانی از معدودین گردیده .

آنگاه به یزد مراجعت و قیام به وظائف دین و خدمات مذهبی از اقامه جماعت و تدریس و غیره نموده تا در ۱۶ محرم‌الحرام ۱۳۴۸ ق به اجداد کرام خویش پیوسته و فرزندان برومندی که از اجلاء و فضلاء نجف و ایرانند و ذیلا می‌نگارم از خود یادگار گذارده است.

۱- حجهٔ‌الاسلام مرحوم آقاسید جعفر طباطبائی یزدی متولد نجف و متوفی در شیراز .

۲- حجهٔ‌الاسلام مرحوم آقاسید مرتضی طباطبائی یزدی.

۳- حجهٔ‌الاسلام مرحوم آقاسید هاشم طباطبائی یزدی مقیم یزد و متوفی شعبان ۱۳۹۵ قمری.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

طباطبائی، عبدالعزیز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالعزیز فرزند مرحوم عالم جلیل حاج سید جواد طباطبائی یزدی (حفید و نوه آیت‌اللّه العظمی آقا سید محمدکاظم طباطبائی یزدی صاحب کتاب عروه‌الوثقی و حاشیه مکاسب و غیره) که در تاریخ بیست و یکم جمادی‌الثانی ۱۳۴۸ برابر با چهارم آبانماه ۱۳۱۸ شمسی در نجف اشرف متولد شده و پس از طی مراحل مقدمات علوم اولیه ادبی را نزد حاج سید هاشم حسینی تهرانی و حاج سید جلیل طباطبائی یزدی و شرح منظومه را خدمت آیت‌اللّه حاج سید عبداالاعلی سبزواری و اسفار را خدمت آیت‌اللّه حاج شیخ صدراء بادکوبه‌ای خوانده و سطوح فقه و اصول را در خدمت حاج شیخ ذبیح‌اللّه قوچانی و حاج میرزا حسین نبوی کاشمری و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید علی علامه فانی اصفهانی و حاج شیخ علی سرابی و حاج شیخ عبدالحسین دشتی و آیت‌اللّه حاج شیخ مجتبی لنکرانی فراگرفته و خارج علم تفسیر و فقه و اصول را از محضر استاذ الاساتید آیت‌اللّه العظمی خوئی دام ظله العالی آموخته و همین طور چند سالی در دروس خارج آیت‌اللّه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه حاج شیخ حسین حلی حاضر شده و استفاده نموده و در این اثناء مدت بیست و پنج (۲۵) سال از محضر پر فیض دو استاد بزرگ مرحوم علامه مجاهد امینی صاحب الغدیر و علامه رازی حاج شیخ آقا بزرگ صاحب الذریعه الی تصانیف الشیعه بهره‌مند گردیده و از تربیت یافتگان مکتب این دو بزرگوار بشمار آمده است.

پس به کمک مرحوم علامه امینی در پیشبرد کتابخانه امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نجف اشرف فعالیتهای موثر و چشمگیری داشته و نوشتن فهرست نسخه‌های خطی آن کتابخانه نیز به عهده ایشان بوده است.

در اسفند ماه ۱۳۴۹ شمسی و ذی‌حجه ۱۳۸۹ قمری برای شرکت در کنگره هزاره شیخ طوسی از طرف دانشکده مشهد مقدس دعوت شده و از نجف به ایران آمده و در کنگره شرکت کرده و بنابر درخواست کتابخانه آستانه قدس حدود یکسال در مشهد مانده و نسخه‌های خطی فقه و اصول و حدیث آنجا را نوشته و باز به نجف بازگشته و تا سال ۱۳۵۶ برابر ۱۳۹۶ قمری در نجف به فعالیتهای علمی و مذهبی خود ادامه داده تا در تاریخ یاد شده به ایران آمده و در قم اقامت نموده و همچنان به فعالیتهای مذهبی و علمی خود ادامه داده است.

و اکنون در حوزه علمیه قم وجود مغتنم و مفیدیست و در مسائل کتابشناسی و نسخه‌شناسی و حدیث و رجال و غیره نویسندگان و مولفان کتب و محققان متون و موسسات علمی و بنیادهای فرهنگی به ایشان مراجعه و از وجودشان استفاده می‌برند و نسبت به همه با گشاده‌روئی و ملاطفت جواب و پاسخ مثبت داده و راهنمائی و کمک می‌نمایند و بالاخص موسسه آل‌البیت قم که یک موسسه تحقیقاتی معروف است روابط بیشتری با ایشان دارند و آن جناب هم به این موسسه کمکهای زیادی می‌نمایند.

مسافرتهای ایشان

مترجم محترم ما به منظور بازدید کتابخانه و استفاده از نسخه‌های خطی و احیاء عکسبرداری از بعضی از آنها علاوه از کتابخانه‌های عمومی و شخصی ایران به کشورهای حجاز و اردن و سوریه و ترکیه و لبنان و انگلستان نیز مکرر سفر کرده و از کتابخانه‌های کشورهای مزبور استفاده‌های شایانی نموده است و در هر یک از مسافرتها خاطراتی را مرقوم داشته‌اند.

تألیفات ایشان

۱- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه امیرالمؤمنین در نجف اشرف.

۲- فهرست قسمتی از نسخه‌های خطی کتابخانه آستان قدس رضوی.

۳- معجم اعلام‌الشیعه

۴- علی ضفاف الغدیر

۵- تعلیقات بر طبقات اعلام الشیعه

۶- مستدرک الذریعه

۷- تعلیقات بر الذریعه

۸- تهذیب الذریعه

۹- مکتبه العلامه الحلی فهرست تألیفات علامه حلی و نسخه‌های خطی آن.

۱۰- المهدی علیه‌السلام فی السیره النبویه

۱۱- اهل البیت فی المکتبه العربیه

۱۲- الحسین والسنه

۱۳- نتایج الاسفار

۱۴- قید الاوابد

تصحیح متون

۱- فهرست شیخ منتجب‌الدین ابن بابویه قمی

۲- فهرست شیخ طوسی

۳- مناقب امیرالمؤمنین علیه‌السلام احمد بن حنبل

۴- الاربعون المنتقی فی فضائل علی المرتضی تألیف ابوالخیر قزوینی مطبوع در سال ۹۲.

۵- ترجمه الحسن و الحسین علیهماالسلام از طبقات ابن‌سعد

۶- مقتل امیرالمؤمنین علیه‌السلام تألیف ابن ابی‌الدنیا مطبوع در سال ۸۶.

۷- رساله ذهبی در حدیث الغدیر

شرکت در کنگره‌های علمی

۱- هزاره شیخ طوسی در مشهد

۲- هزاره نهج‌البلاغه شریف رضی در تهران

۳- کنگره جهانی امام رضا علیه‌السلام در مشهد

۴- کنگره حسین (ع) در لندن

۵- کنگره و هزاره حادثه غدیر خم در لندن

اجازات ایشان

معظم‌له از مرحوم علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌اللَّه میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظله اجازات روایتی و غیره دارند و خود نیز به چندین نفر اجازه روایتی داده‌اند.

فقیه.

تولد: ۱۳۰۸(۲۳ جمادی‌الآخر ۱۳۴۸ ق.)، نجف.

درگذشت: ۸ بهمن ۱۳۷۴(۷ رمضان ۱۴۱۶ ق.)، قم.

آیت‌الله عبدالعزیز طباطبایی یزدی، فرزند آیت‌الله آقا سید جواد طباطبایی، در اوان جوانی پدر خود را از دست داد اما به طلب علم روی آورد و نزد اساتید نجف به تحصیل دانش پرداخت. ادبیات را نزد سید هاشم حسینی تهرانی، منطق را نزد سید جلیل بن سید عبدالحی طباطبایی یزدی، شرح منظومه را نزد آیت‌الله سید عبدالعلی سبزواری و اسفار ملاصدرا را نزد شیخ صدرا بادکوبی مدرس فسلفه در نجف فراگرفت. شرح لمعه را از میرزا حسن نبوی خراسانی کاشمری و آقای حاج شیخ ذبیح الله قوچانی، قوانین را از آیت‌الله سید علی فانی اصفهانی، سطوح عالی را در محضر آیت‌الله شیخ عبدالحسین رشتی و شیخ مجتبی لنکرانی و دروس عالی خارج فقه و اصول را از محضر مدرسان نجف فراگرفت. در فقه نیز از آیت‌الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی استفاده نمود. در فقه و اصول و تفسیر قرآن از محضر آیت‌الله العظمی ابوالقاسم خویی سال‌ها بهره گرفت و در علوم متداول حوزه‌های علمیه استاد شد. وی در این فاصله و پس از آن با دو تن از محققان شیعه یعنی آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه و علامه عبدالحسین امینی صاحب الغدیر آشنا و از محضر هر دو استاد بهره برد. وی در تألیف و تدوین موسوعه‌ی بزرگ شیعی یعنی الذریعه با شیخ آقا بزرگ تهرانی همکاری مستمر داشت. همچنین در کتابخانه‌ی امیرالمومنین نجف که توسط علامه‌ی امینی تأسیس شده بود همکاری داشت و فهرست کتابخانه‌ی آنجا را تهیه نمود. آیت‌الله طباطبایی یزدی در تدوین موسوعه‌ی رجالی شیعه یعنی معجم رجال الحدیث آیت‌الله خویی با وی همکاری داشت. در نجف پس از آیت‌الله سید باقر طباطبایی یزدی متصدی مدرسه‌ی سید در نجف گردید و سال ها در آنجا خدمت کرد. استاد علامه در ۱۳۹۶ ق. نجف را به قصد ایران ترک کرد و در قم سکنی گزید و در قم به تألیف و تحقیق ادامه داد و پس از سوی مدتی مرجع اهل تحقیق شد. مدتی نیز از سوی کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی به همکاری دعوت شد و در آنجا به تألیف فهرستی برای کتب حدیثی و فقهی آن کتابخانه پرداخت. در قم همچنین به یاری مؤسسه‌ی آل‌البیت (ع) شتافت و به کمک شهرستانی و دوستان دیگرش به تأسیس مجله «تراثنا» اقدام نمود.

مشایخ اجازه‌ی ایشان عبارت بودند از شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی و حضرت آیت‌الله العظمی خویی.

کتاب‌های ایشان از این قرار است: اساتید و مشایخ شیخ طوسی؛ اضواء علی الذریعهٔ؛ الشیخ المفید و عطاؤه الفکری الخالد؛ الشیعه و هجمات الخصوم؛ الغدیر فی الثراث الاسلمی (کتابنامه غدیر هم، بیروت، ۱۳۱۴ ق.)؛ الفهرس الوصفی للمنتخب من المخطوطات العربهٔ فی مکتبات ترکیا؛ المهدی (ع) فی السنهٔ النبویهٔ، انباء السماء برزیهٔ کربلا؛ اهل‌البیت علیهم‌السلام فی المکتبهٔ العربیهٔ (معرفی و توصیف کتاب های عربی اهل سنت در فضایل اهل‌بیت، دو جلد)؛ تعلیقات علی طبقات اعلام الشیعهٔ (اولین نوشتار استاد در ۱۳۷۷ ق.)؛ حیاهٔ الشیخ یوسف البحرانی، علی ضفاف الغدیر(چاپ نشده)؛ فهرس المختارات من مخطوطات ترکیا، فهرس المخطوطات العربیهٔ فی مکتبهٔ امیرالمؤمنین (ع) العامهٔ فی النجف الاشرف؛ فهرس المخطوطاعت تبریز؛ فهرس المنتخب من مخطوطات لندن؛ فهرس المنتقی من مخطوطات الحجاز؛ فهرس کتب الحدیث فی مکتبهٔ الامام الرضا (ع)، فهرس کتب الفقهیه فی مکتبهٔ الامام الرضا

(ع)، فهرست کتابخانه علامه طباطبایی دانشگاه شیراز؛ فی رحاب نهج‌البلاغهٔ (کتابنامه نهج‌البلاغه)؛ قید الاوابد و جمع الشوارد؛ ما ینبغی نشره من الثراث (معرفی کتاب های ارزنده مخطوط)؛ مخطوطات اللغهٔ العربیهٔ؛ مستدرک الذریعهٔ، معجم اعلام الشیعهٔ؛ مکتبهٔ العلامهٔ الحلی (که خلاصه آن در مقدمه ارشاد الذهان به چاپ رسیده است)؛ نتائج الاسفار (چاپ نشده). کتاب هایی که به قلم ایشان تصحیح شد؛ از این قرار است: فهرست منتخب الدین رازی؛ الاربعون المنتقی من مناقب المرتضی؛ ترجمهٔ الحسن و الحسین (ع) من کتاب الطبقات لابن سعد؛ مقتل امیرالمؤمنین (ع)؛ الحسین (ع) والسنهٔ (مجموعه سه بخش از آثار اسلامی پیرامون امام حسین (ع)، ترجمهٔ امیرالمؤمنین من تاریخ ابن عساکر، طریق حدیث من کنت مولاه فعلی مولاه (حافظ ذهبی)؛ عقدالدرر فی اخبار المهدی المنتظر (سلمی شافعی دمشقی)؛ فرائد السمطین فی فضائل المرتضی و البتول و السبطین (حموی جوینی)؛ فهرست تصانیف کراجکی (آماده چاپ)؛ فهرست شیخ طوسی، فهرست شیخ منتخب الدین الاربعون المنتهی من مناقب المرتضی (ابوالخیر طالقانی قزوینی)؛ مطالب السئول (زیر چاپ)؛ مناقب امیر المؤمنین (ع) (احمد بن حنبل).

آیت‌الله طباطبایی یزدی در شب هفتم ماه رمضان ۱۳۷۴ به سبب مشکل قلبی و ریوی دار فانی را وداع گفت. پیکر ایشان در صحن حرم حضرت معصومه (س) مدفون است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

طباطبائی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(سید) علی بن محمد علی بن ابوالمعالی اصفهانی دانشمند بزرگ شیعه (و. کاظمین ۱۱۶۱- ف. ۱۲۳۱ ه.ق.). وی شاگرد علامه بهبهانی بود. اوراست: شرح بر مفاتیح که کتاب الصلوهٔ آن از مسوده به مبیضه نقل شده و در آن جمیع اقوال فقها را گرد آورده، شرح بر نافع به نام «ریاض المسائل فی بیان احکام الشرع بالدلائل»، رساله‌ای مختصر در اصول پنجگانه شریعت.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

طباطبائی، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علیرضا طباطبائی زرندی از فضلاء محترم حوزه علمیه قم می‌باشد.

وی در حدود سال ۱۳۴۶ قمری در زرند متولد و پس از خواندن دروس فارسی به قم مهاجرت نموده و به تحصیل عربی صرف و نحو منطق پرداخته و پس از تکمیل آن سطوح وسطی و نهائی را در خدمت مدرسین عالی حوزه علمیه به پایان رسانیده سپس به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه حجت حاضر شده و پس از آن از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و دیگران استفاده نموده و تا حال تحریر از ابحاث علمین و آیتین شریعتمداری و گلپایگانی بهره‌مند می‌باشد و ضمناً خود به مباحثات فقه و اصول اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

طباطبائی، فیض الله

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(امیر) فیض‌اللّه بن غیاث‌الدین محمد طباطبائی قهپائی از علمای شیعه در قر. ۱۱ ه. وی شاگرد مقدس اردبیلی (ف. ۹۹۳ ه.ق.) و استاد محمد تقی مجلسی (ف. ۱۰۷۰ ه.ق.) بود. اوراست: حاشیه بر مبحث الهیات شرح تجرید.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

طباطبائی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۰ -۱۲۸۲ ش)، عالم امامی، حکیم، فیلسوف، مفسر، فقیه اصولی و شاعر. مشهور به علامه طباطبائی و معروف به قاضی طباطبائی. وی در تبریز به دنیا آمد. در پنج سالگی مادر و در نه سالگی پدرش را از دست داد. بعد از درگذشت پدرش به مکتب و پس از آن به مدرسه رفت و مدتی هم زیر نظر معلم خصوصی به تحصیل پرداخت و معلومات ابتدایی را کسب نمود. در ۱۲۹۷ ش به تحصیل علم دینی و عربی مشغول شد و مقدمات را فرا گرفت. آن‌گاه در فقه کتب «شرح لمعه» و «مکاسب»، در اصول کتاب «معالم» «قوانین»، «رسائل» و «کفایه»، در منطق کتب «کبری»، «حاشیه» و «شرح شمسیه»، در فلسفه کتاب «شرح اشارات» و در کلام

کتاب «کشف المراد» را مورد مطالعه قرار داد. وی در ۱۳۰۴ ش برای ادامه‌ی تحصیلات به نجف رفت و در مجلس درس آیت‌الله آقای شیخ محمد حسین اصفهانی حاضر شد و یک دوره خارج اصول و خارج فقه را در نزد وی آموخت و مدتی نیز در مجلس بحث خارج فقه و خارج اصول آیت‌الله نائینی شرکت کرد و همچنین مدتی در بحث خارج فقه آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی حاضر شد. کلیات علم رجال را نیز در محضر آیت‌الله حجت کوه‌کمری آموخت و معارف الهیه و اخلاق و فقه الحدیث را در نزد حاج میراز علی آقا قاضی طباطبائی تبریزی فراگرفت. او چندین سال نیز در زمینه‌ی فلسفه در نزد آقا سید حسین بادکوبه‌ای «منظومه‌ی سبزواری»، «اسفار»، «مشاعر» ملاصدرا، دوره «شفا»ی بو علی سینا، کتاب «اثو لوجیا»، «تمهید» ابن‌ترکه و «اخلاق» ابن‌مسکویه را خواند. علامه طباطبائی یک دوره «حساب احتمالی»، یک دوره «هندسه مسطحه و فضایی» و «جبر استدلالی» را در محضر آقا سید ابوالقاسم خوانساری گذراند. او در ۱۳۱۴ ش به زادگاهش بازگشت و مدت ده سال در آنجا ماند و در ۱۳۲۵ ش از تبریز به قم مهاجرت کرد و در آنجا به تدریس و تألیف و فعالیتهای علمی پرداخت. برخی از شاگردان ایشان عبارت‌اند از:آیت‌الله شهید مرتضی مطهری، آیت‌الله شهید بهشتی، امام موسی صدر، شهید دکتر مفتح، آیت‌الله شهید بهشتی، امام موسی صدر، شهید دکتر مفتح، آیت‌الله ابراهیم امینی، آیت‌الله مصباح، آیت‌الله حسن‌زاده آملی و آیت‌الله عبدالله جوادی آملی. پرفسور هانری کربن، استاد شیعه‌شناس دانشگاه سربن نیز با ایشان مصاحبه‌های بسیار داشت که این مصاحبات به زبانهای فارسی، عربی، فرانسه و انگلیسی انتشار یافت و اولین دوره آن در فارسی تحت عنوان «مکتب تشیع» منشر شد. علامه طباطبائی در خط نستعلیق و شکسته استاد، و در علوم غریبه نیز وارد بود.او همچنین در علم اعداد و حساب جمل مهارت داشت و در شعر نیز توانا بود وی در مسجد بالاسر حضرت معصومه (س) در قم مدفون است. از آثار وی: «تفسیر المیزان»، که ترجمه آن در چهل مجلد آمده است؛ «اصول فلسفه و روش رئالیسم»؛ حاشیه بر «کفایه الاصول»؛ حاشیه بر «اسفار» ملاصدرا؛ «وحی یا شعور مرموز»؛ «شیعه در اسلام»؛ «قرآن در اسلام»، با ترجمه‌های فارسی، انگلیسی و اردو؛ «حکومت در اسلام»، فارسی که به عربی نیز ترجمه شده؛ «سنن النبی) (ص)»؛ و «اصول عقاید»، برای دبیرستانها پنج جلد «بدایه اللحکمه» و «نهایه الحکمه»، در فلسفه، رسائل بسیاری در «مبدا» و «معاد» و «نبوت» و «ولایت»؛ رساله‌ای در «عشق»؛ دو رساله در «ولایت و حکومت اسلامی».[۱]

صدرالحکماء المتالهین آیت‌الله الاستاد حاج سید محمدحسین معروف به علامه طباطبائی از اعاظم علماء و اکابر حکماء و فلاسفه عصر حاضر بود عالمی ربانی و حکیمی سبحانی و آیتی برهانی واجد علم و کمال و جامع کمالات نفسانی و ملکات اخلاقی بود که بیش از صدها نفر از علماء قم و سایر بلاد افتخار تلمذ و شاگردی وی را دارند.

در آخر ذی‌الحجه ۱۳۲۱ قمری در تبریز متولد و در اصیل‌ترین خانواده‌های علمی آن سامان تربیت‌یافته و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح در سال ۱۳۴۴ قمری مهاجرت به نجف نموده و از محضر اساتید بزرگ چون مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله نائینی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی در مدت ده سال استفاده کافی نموده و دروس معقولیه را از مرحوم علامه حاج سید حسین بادکوبه‌ای فراگرفته و در فن فقاهت و حکمت و فلسفه مقام اجتهاد و استادی را حایز گشته تا در سال ۱۳۵۴ قمری مراجعت به ایران و تبریز نموده و ده سال در آنجا توقف و به تدریس فقه و حکمت و تصنیف کتب پرداخته تا در سال ۱۳۶۵ قمری که مهاجرت به مرکز علم و دانش قم را اختیار و رحل اقامت افکند.

و به تدریس معقول و منقول اشتغال یافته و فضلاء حوزه را از بیانات و تحقیقات دقیقه خود در فقه و اصول و تفسیر و حکمت بهره‌مند می‌نماید آثار قلمی ایشان که هر کدام به مورد خود گرانبهاست از این قرار است.

۱- حاشیه بر کفایه ۲- رساله در مبدء و معاد که جمع بین کتاب و سنت و عقل است ۳- تفسیرالمیزان که بیست مجلد است و تاکنون تمام آن طبع و نشر یافته است ۴- اصول فلسفه ۵- جلد به قلم امروز که ۴ جلد آن مطبوع است ۵- رساله‌ای در عشق ۶- سنن‌النبی ۷- شیعه در اسلام ۸- قرآن در اسلام فارسی و انگلیسی وارد و ترجمه و طبع شده ۹- مصاحبات با پرفسور کربن دو جلد یک جلد آن طبع شده ۱۰- وحی یا شعور مرموز ۱۱- اصول عقاید برای دبیرستانها ۵ جلد ۱۲- رساله محمد در آئین اسلام به زبان فارسی و فرانسه طبع شده ۱۳- بدایه الحکمه در فسلفه ۱۴- نهایه الحکمه در فلسفه.

۱۵- ترجمه تفسیرالمیزان معظم‌له در چهل مجلد که بیست و پنج مجلد آن تاکنون به طبع رسیده است و اکثر آن به قلم دانشمند معظم حجه‌الاسلام آقای حاج سید محمد موسوی همدانی است.

عالم.

تولد: ۱۳۱۹(۱۲۸۱ ق.)، تبریز.

درگذشت: ۲۴ آبان ۱۳۶۰، قم.

علامه سید محمد حسین طباطبائی (قاضی)، فرزند سید محمد، در تبریز به دنیا آمد. در همان کودکی پدر (در نه سالگی) و مادر خود را در (پنج سالگی) از دست داد و از سن نه سالگی به مدت تقریبی شش سال به فراگرفتن فارسی و تعلیمات ابتدایی مشغول شد. در سال ۱۲۹۷ وارد رشته‌های علوم دینیه و علوم عربیه شد و تا سال ۱۳۰۴ به قرائت متون سرگرم بود. در این سال عازم حوزه علمیه‌ی نجف گردید و در مدت ده سال تحصیل، به تدریس و تألیف اشتغال ورزید. وی در نجف به درجه اجتهاد در فقاهت نایل آمد.

در نجف در حوزه‌ی درس آیت‌الله آقا شیخ محمدحسین اصفهانی و آیت‌الله محمدحسین نایینی و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای به تکمیل تحصیلات خود در فقه و اصول و رجال پرداخت و فلسفه را نزد آیت‌الله سید محمدحسین بادکوبی در مدت شش سال فراگرفت. علوم غریبه (مانند جفر) و جبر و مقابله و هندسه فضایی و مسطحه و حساب استدلالی و هیئت و علوم ریاضی را در نجف نزد آیت‌الله سید ابوالقاسم موسوی خوانساری تملذ نمود.

در سال ۱۳۱۴ به زادگاه خود تبریز مراجعت کرد و علاوه بر کشاورزی، به تدریس و تصنیف کتاب پرداخت. در سال ۱۳۲۵ نیز متوجه حوزه‌ی علمیه‌ی قم گردید و در آنجا جلسات بحث و درس خود را در رشته‌های مختلف دایر کرد که تا آخر عمر وی ادامه داشت.

پیکر علامه در آستانه حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

از تألیفات متعدد ایشان می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: تفسیر المیزان (بیست جلد به عربی، چهل جلد به فارسی)؛ اصول فلسفه و رئالیسم (پنج جلد)؛ حاشیه کفایهٔ الاصول؛ حاشیه بر کتاب اسفار ملا صدرا؛ وحی یا شعور مرموز؛ شیعه در اسلام (به فارسی)؛ قرآن در اسلام (به فارسی)؛ بدایهٔ الحکه و نهایهٔ الحکمه (کتاب بدایهٔ الحکمه به ترجمه علی شیروانی هرندی و کتاب نهایهٔ الحکمهٔ به ترجمه مهدی تدین منتشر شده است)؛ فرازهایی از اسلام (به فارسی)؛ رسالت تشیع در دنیای امروز؛ حکومت در اسلام (به فارسی)؛ پرسش‌های اسلامی؛ اسلام و انسان معاصر؛ سنن النبی؛ کتاب سلسله انساب طباطبایی آذربایجان؛ مبداء و معاد؛ رسالهٔ الولایهٔ؛ رسالهٔ النبوه و الامامه؛ رساله در مغالطه؛ رساله در برهان؛ رساله در تحلیل؛ رساله در ترکیب؛ رساله در اعتباریات؛ توحید شامل سه رساله (رساله توحید؛ رساله اسماءالله سبحانه؛ رساله در افعال الله)؛ کتاب الانسان (شامل سه رساله انسان قبل الدنیا؛ انسان فی الدنیا؛ انسان بعدالدنیا)؛ رساله وسائط (مجموعه این سه رساله بالا و سه رساله انسان و وسائط در یک جلد شامل هفت رساله جمع‌آوری شده است)؛ رساله در اثبات ذات؛ دو رساله در ولایت حکومت اسلامی (فارسی و عربی)؛ مصاحبه‌های سال‌های ۱۳۴۰ –۱۳۳۸ با هانری کربن مستشرق فرانسوی، رساله در اعجاز.

علامه خطوط نستعلیق و شکسته را به خوبی می‌نوشت و اشعاری عرفانی نیز می‌سرود. نمونه اشعار ایشان در صفحه ۵۱۴ و ۵۱۵ و ۵۱۶ جلد چهارم و ۱۴۶ جلد پنجم نگین سخن تألیف عبدالرفیع حقیقت (رفیع) به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۴۶ –۶۴۵ / ۱۴)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۸، ص ۱۶ –۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۲۷ –۲۲۶ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۶۳ / ۲)، مهر تابان (یادنامه و مصاحبات علامه طباطبائی تبریزی).

طبخی قزوینی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از شاعران عهد شاه طهماسب صفوی (۹۴۸ –۹۳۰ ق) است که پیشه‌ی آشپزی داشته و در ضمن شعر نیز می‌سروده است. وی «دیوان» همایون اسفراینی را جواب گفته و غزل را نیکو می‌سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۶۱)، الذریعه (۶۴۴ / ۹)، عالم‌آرای عباسی (۱۸۸ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۵۸۶)، مجمع الخواص (۱۹۹)، مینودر (۴۸۹ / ۲).

طبرستانی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ محمد علی طبرستانی یکی از علماء ممتاز و محترم معاصر بابل است.

وی نیز سالها از محضر آیات و مراجع بزرگ استفاده نموده آنگاه بوطن خود بازگشت و بانجام وظائف از قبیل اقامه جماعت و تدریس و گفتن تفسیر و غیره تاکنون اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

طبرسی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی بن حمزهٔ بن حسن قمی فاضل جلیل و صاحب تألیف است. در کتب فقهی از او زیاد نقل شده. شهید ثانی در حاشیه‌اش بر ارشاد از فتوای او آورده است. وی به تصریح صاحب ریاض‌العلماء و صاحب روضات الجنات منسوب به تفرش قم است نه طبرستان. سال ولادت و سال وفاتش در دست نیست. (دکتر حسین کریمان).

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

طبرسی، ابوذر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ اباذر بن‌المرحوم العالم الربانی آشیخ محمد طبرسی از علماء اخیار و فضلاء ابرار این شهرستان است و در سال ۱۳۰۰ شمسی تقریبا متولد شده و پس از آموختن تحصیلات ابتدائی و مقدماتی در خدمت والد مرحوم و عم کرام و دائی فاضلش آقای

آقا محمد تقی دانش پژوه در سال ۱۳۲۴ مسافرت بتهران نموده و پس از طی دوره شش ساله مدرسه سپهسالار و دانشکده الهیات با دریافت لیسانس مهاجرت بقم نموده و از محضر مدرسین بزرگ آیه‌الله فکور یزدی و آیه‌الله سلطانی و آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله حاج شیخ مهدی مازندرانی استفاده نموده و در سال ۱۳۴۰ شمسی بعد از مراجعت از سفر بیت‌الله الحرام بوطن خود آمل برگشته و بخدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغات مذهبی و ترویج احکام پرداخته و تاکنون باین سمت افتخار دارد.

مؤلف گوید مترجم معظم از بیوتات اصیله و ریشه‌دار و از خاندان زهد و تقوا و علم و فضیلت است و دارای مقام حسب و نسب میباشد.

والد ماجدش مرحوم حجه‌الاسلام و ملجاءالانام آقای آقای شیخ محمد طبرسی از علماء مبرز آنسامان بوده و در سن ۶۶ سالگی در سال ۱۳۱۶ شمسی از دنیا رفته است و عموی بزرگوار ایشان مرحوم آیه‌الله آقا شیخ عزیزالله طبرسی از علماء موجه و محترم آنسامان بوده و در ۱۳ محرم الحرام ۱۳۸۷ قمری در سن ۸۳ سالگی رحلت نموده است.

دائی فاضل و دانشمندش آقای میرزا محمد تقی دانش پژوه نیز از افاضل شمال است و بعد از فوت والدش چند سالی در قم استفاده نموده تا سال ۱۳۱۰ شمسی که بتهران آمده و فلسفه را از مرحوم آیه‌الله میرزا مهدی آشتیانی فرا گرفته و دوره دانشکده الهیات را هم طی نموده و کرسی استادی را اشغال نموده و هم متخصص در کتاب شناسی در ایران میباشند.

و از این خاندانست مرحوم مبرور دانشمند پارسا و مجتهد فقیه حاج میرزا احمد درکائی بن العلامه میرزا مهدی فقیه که از شاگردان آیه‌الله العظمی میرزا حبیب‌الله رشتی و سالها در آمل مشغول تدریس و ترویج دین بوده و در سن ۸۳ سالگی در ماه رمضاه ۱۳۴۷ قمری بدرود زندگی نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

طبرسی، ابومنصور احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، عالم امامی، فقیه، متکلم، محدث و مورخ. از اهالی ساری مازندران و از ثقات محدثین و علمای بزرگ امامیه بود. او معاصر ابوالفتوح رازی و امین الاسلام طبرسی است. وی از مهدی بن ابی‌حرب حسینی مرعشی، از دوریستی، از شیخ الطایفه، شیخ طوسی، روایت کرده است. شیخ منتجب‌الدین (م ۵۸۵ ق) و ابن‌شهر آشوب (م ۵۸۸ ق) از شاگردان وی بودند. شهید اول در «غایه المراد» فتاوا و نظرات وی را بسیار نقل کرده است. وی در مازندران درگذشت و در روستایی نزدیک علی‌آباد (امام شهر فعلی) که امروز نام آن شیخ طبرسی است، دفن شد. از آثار وی: «الاحتجاج عی اهل اللجاج»، معروف به «احتجاج طبرسی» که سید ابن طاووس بر این کتاب و بر مؤلفش درود فرستاده و اکثر متأخرین از آن اخذ کرده و بارها به چاپ رسیده و از آن ترجمه‌هایی مربوط به قرن دهم باقی است؛ «الکافی»،در فقه؛ «فضائل الزهراء (س)»؛ «مفاخر الطالبیه»؛ «تاریخ الائمه».[۱]

احمد ابن علی بن ابی‌طالب از ثقات محدثان و علمای شیعه در قر. ۶ ه. وی با ابوالفتح رازی و فضل بن حسن طبرسی معاصر بود. شهید اول غایهٔ‌المراد، فتاوی و اقوال او را بسیار نقل می‌کند. اوراست: الکافی در فقه، الاحتجاج (شامل احتجاجاتی که پیامبر ص و ائمه ۴ و یارانشان با مخالفان خود کرده‌اند)، مفاخرالطالبیهٔ، تاریخ الائمهٔ، فضائل الزهراء و غیره. بعض متأخران وی را به ساری منسوب دانسته، شاید منشأ این شبهه آن باشد که وی چندی در آن شهر زیسته است. سال وفاتش معلوم نیست (دکتر حسین کریمان).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۶۹ / ۱)، اعیان الشیعه (۳۰ -۲۹ / ۳)، ایضاح المکنون (۲۵۹، ۱۹۶/ ۲، ۲۱۳، ۳۱ / ۱)، بحارالانوار (۹ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۷۱)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۱۴ / ۲)، الذریعه (۳۱۱ -۳۱۰ / ۲۱، ۲۴۸ -۲۴۷ / ۱۷، ۲۵۸ / ۱۶، ۲۳۶ / ۱۴، ۲۱۳ / ۳، ۲۸۲ -۲۸ / ۱)، روضات الجنات (۷۴ -۷۲ / ۱)، ریاض العلماء (۴۹ -۴۸ / ۱)، ریحانه (۳۵ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲ -۱۱ / ۶)، الکنی و الالقاب (۴۴۵ -۴۴۴/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (۱۰ / ۲)، هدیه الاحباب (۱۹۴)، هدیه العارفین (۹۱ / ۱).

طبرسی، ابونصر حسن

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابونصر حسن بن فضل طبرسی صاحب مکارم‌الاخلاق متوفی حدود ۵۸۰ هجری.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبرسی، احمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد بن علی بن ابیطالب ابومنصور طبرسی صاحب کتاب احتجاج متوفی حدود سنهٔ ۶۵۵ هجری.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبرسی، امین‌الدین، امین الاسلام، ابوعلی فضل

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۴۸ ق)، فقیه، محدث، مفسر، محقق و لغوی امامی. معروف به شیخ طبرسی و صاحب «مجمع البیان». او از برجسته‌ترین پیشوایان مذهب شیعه در قرن ششم هجری است. خودش و پسرش، حسن بن فضل، صاحب «مکارم الاخلاق»، و نوه‌اش، علی بن حسن، صاحب «مشکاه الانوار» و دیگر نزدیکان او همگی از بزرگان علما می‌باشند. وی از شیخ ابوعلی، فرزند شیخ طوسی، و شیخ عبدالجبار قاری رازی، فقیه بزرگ شیعه در ری، روایت کرده و «صحیفه الرضا (ع)» از جمله مرویات اوست. طبرسی از مشایخ روایت پسرش، رضی‌الدین ابونصر حسن بن فضل، و ابن‌شهر آشوب مازندرانی و شیخ منتجب‌الدین و قطب راوندی و شاذان بن جبریل قمی و شیخ عبدالله دوریستی و برخی دیگر از بزرگان علمای شیعه است. در ۵۲۳ ق از مشهد رضوی به سبزوار رفت و تا پایان عمر در سبزوار ماند. صاحبان «ریاض العلماء» و «روضات الجنات» و نیز محدث نوری در «مستدرک» گفته‌اند که وی شهید گشته است. جنازه‌اش را به مشهد انتقال دادند و در محل غسل امام رضا (ع)، مشهور به قتلگاه، دفن کردند. از آثارش: «اعلام الوری باعلام الهدی»، در فضایل ائمه (ع)؛ «الوسیط»، در تفسیر؛ «الوجیز» یا «الکافی الشافی» یا «الکاف الشاف من کتاب الکشاف»، ملخص «کشاف» زمخشری درتفسیر؛ «الوافی»، در تفسیر؛ «تاج الموالید»؛ «الآداب الدینیه»؛ «مجمع البیان لعلوم القرآن»، که شیخ شهید (ره) درباره‌اش گفته که این تفسیری است که مثلش نوشته نشده؛ «جوامع الجامع»، در تفسیر، که آن را بعد از «مجمع البیان» تألیف کرده و در آن لطایف «کشاف» و فواید «مجمع» را جمع نموده است، دکتر گرجی نسخه‌ی آن را تصحیح و بر آن تعلیقاتی نگاشته است؛ «معارج السؤل»؛ «نثر اللئالی»، به سبک «غرر و درر» آمدی؛ «غنیه العابد و منیه الزاهد»؛ «عده السفر و عمده الحضر»؛ «العمده»، در اصول دین و فرائض و نوافل؛ «النور المبین»؛ «الجواهر»، در نحو.[۱]

(ع. معر. تفرشی) ۱– ابوعلی فضل ابن حسن طبرسی ملقب به امین‌الدین و امین‌الاسلام، مفسر و دانشمند معروف شیعه (و. بین ۴۸۰ – ۴۶۸ ه.ق.– ف. ۵۴۸ ه. ق.). شهرتش به تصریح علی بن زید بیهقی دانشمند معاصر و هموطن وی در تاریخ بیهق «طبرسی» (به فتح اول و سکون ثانی و کسر ثالث) منسوب به طبرس معرب تفرش است، بنا به نقل افندی شاگرد مجلسی در ریاض‌العلماء علامه مجلسی و نیز عده‌ای دیگر از علمای همزمان وی طبرسی را به احتمال قوی اهل تفرش میدانستند. منسوب دانستن وی به طبرستان نه سند قدیمی دارد و نه با قانون می‌سازد. باری طبرسی تا سال ۵۲۳ ه.ق. در مشهد مقدس اقامت داشت و در این سال به سبزوار رفت و تا پایان عمر آنجا متوطن بود. مدفنش در مشهد مقدس است. وی از فقه و تفسیر و نحو و لغت و شعر و حساب و جبر و مقابله مشارالیه بود. در فقه فتاوای مخصوص دارد. مشاره تألیفاتش بر بیست بالغ می‌شود. از آن جمله است: مجمع‌البیان (ه. م.) در تفسیر، جوامع الجامع (ه.م.) در تفسیر، الآداب الدینیهٔ للخزانهٔ المعینیهٔ در حکمت عملی، اعلام الوری به اعلام الهدی در تاریخ ائمه، تاج الموالید در تاریخ و انساب، العمدهٔ در اصول دین و فرائض و نوافل، نثر اللآلی در کلمات قصار علی ۴ و غیره. ۲– رضی‌الدین ابونصر حسن بن فضل، فرزند ابوعلی فضل از علمای بزرگ قر. ۶ ه. در فضایل و کمالات مرتبه‌ای بلند داشت و نزد پدرش تلمذ کرد، اوراست: جامع الاخبار (که بعضی آن را منسوب به محمد بن محمد شعیری و دسته‌ای منسوب به جعفر بن محمد دوریستی و عده‌ای از تألیفات ابوالحسن علی حناط دانسته‌اند)، مکار الاخلاق که در مصر و ایران به طبع رسیده. اسرارالامامهٔ (درباره مؤلف این کتاب هم قول بسیار است. سال فوتش به دست نیامده) (دکتر حسین کریمان).

الفضل بن الحسن بن الفضل الطبرسی ره که دشمنان و دوستان وی اعتراف به فضل او دارند.

اوست مفسر جلیل و عالم کامل نبیل و ثقه بزرگوار و فقیه عظیم‌الشأن صاحب تألیفات کثیره و تصنیفات عدیده مانند ۱– مجمع‌البیان در تفسیر قرآن ۲– الوسیط (تفسیر متوسط) ۳– الوجیز (تفسیر مختصر) ۴– جوامع الجامع ۵– الاداب الدینیه للخزانهٔ المعنیه ۶– غنیهٔ العابد ۷– منیهٔ الزاهد ۸– تاج الموالید ۹– کنوز النجاح ۱۰– عدهٔ السفر ۱۱– عمدهٔ الحضر ۱۲– النور المبین ۱۳– الفائق ۱۴– اعلام الوری باعلام الهدی و کتب دیگری که در روضات نسبت به او داده است.

بالجمله این بزرگوار پدر ابونصر حسن بن فضل صاحب مکارم‌الاخلاق و جد ابوالفضل علی بن حسن صاحب مشکوهٔ‌الانوار در ادعیه است.

بیت او از علماء بزرگ بوده‌اند در سال ۵۲۳ قمری از مشهد رضوی به سبزوار منتقل شد و در سال ۵۴۸ قمری از دنیا رفت.

جنازه او را به مشهد مقدس حمل کردند و در قبرستان معروف به قتلگاه که اکنون در خیابان طبرسی که بنام او شهرت گرفته مدفون نمودند.

و آنجا را از این رو قتلگاه گفته‌اند که در اواخر دولت صفویه در آنجا به دستور عبداللّه خان ازبک افغانی قتل عام کردند

صاحب روضات گوید از صاحب ریاض‌العلماء منقولست که میان همه طبقات معروف شده که شیخ طبرسی سکته کرد مردم به گمان اینکه او رحلت نموده او را دفن کردند و چون در قبر بهوش آمد راه بیرون شدن را بر خود مسدود دید در آن حال نذر کرد که اگر حق تعالی او را خلاص بفرماید از آن بلیه کتابی در تفسیر قرآن تالیف نماید پس اتفاق افتاد که یکی از گورکنان بقصد دزدیدن کفن شیخ قبر او را نبش کرد و چون خواست کفن از تنش بیرون کند که ناگاه شیخ دست او را گرفت.

نباش را ترس شدیدی عارض شد شیخ شروع کرد با او تکلم کردن وحشت او زیادتر شد شیخ گفت مترس من زنده‌ام و سکته کرده

بودم الحال بهوش آمدم و چون از کثرت ضعف نیروی راه رفتن ندارم مرا بدوش بگیر به خانه ببر.

پس نباش او را به خانه برد شیخ او را خلعت پوشانید و مال فراوانی داد و نباش توبه کرد بدست شیخ طبرسی و آن کار زشت را ترک نمود به برکت شیخ علیه‌الرحمه

پس آنجناب شروع کرد به تألیف مجمع‌البیان بجهت وفاء به نذر خویش و خداوند او را توفیق اتمام داد

فوائد الرضویه ص ۳۵۲

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۵۳ –۳۵۲ / ۵)، ایضاح المکنون (۴۳۳ / ۲)، اعیان الشیعه (۴۰۱ –۳۹۸ / ۸)، تأسیس الشیعه (۳۴۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۵۹ / ۲)، الذریعه (۲۴ / ۲۰، ۲۴۹ –۲۴۸ / ۵، ۲۴۲، ۲۴۰/ ۲، ۱۸ / ۱)، روضات الجنات (۳۴۹ –۳۴۲ / ۵)، ریحانه (۳۶ / ۴)، شهیدان راه فضیلت (۹۱ –۸۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۷ –۲۱۶ / ۶)، فوائد الرضویه (۳۵۲ –۳۵۰)، کشف الظنون (۱۶۰۲، ۱۲۶)، الکنی و الالقاب (۴۴۴ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ طبرسی)، معجم المؤلفین (۶۷ –۶۶ / ۸)، هدیه الاحباب (۱۹۴–۱۹۳)، هدیه العارفین (۸۲۰ / ۱)، یادداشتهای قزوینی (۲۸۰ –۲۷۷ / ۵).

طبرسی، ثقه لاسلام، ابوالفضل علی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم و هفتم ق)، عالم و فقیه امامی. او نوه‌ی امین الاسلام طبرسی صاحب «مجمع البیان» و از فقهای بزرگ امامیه است. وی صاحب کتاب «مشکاه الانوار فی غرر الاخبار» است، که به عنوان تتمیم کتاب پدرش «مکارم الاخلاق» نگاشته است.او در این کتاب از سید جلال‌الدین ابی‌علی بن حمزه موسوی روایت کرده است. از دیگر آثار وی کتاب «کنوز النجاح»، در ادعیه است، که سید ابن طاووس در کتاب «المجتنی» و کفعمی در «المصباح» از این کتاب نقل کرده‌اند.[۱]

ابوالفضل علی بن حسن طبرسی صاحب مشکوهٔ‌الانوار در ادعیه متوفی بعد از ۶۰۰ هجری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۱۸۴ / ۸)، بحارالانوار (۹ / ۱)، الذریعه (۱۴۶ / ۲۲، ۵۵–۵۴ / ۲۱، ۱۷۶ –۱۷۵ / ۱۸)، ریاض العلماء (۴۰۸ –۴۰۶ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸۳ / ۶، قرن ۱۰۴ / ۷) الکنی و الالقاب (۴۴۴ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۰ / ۴).

طبرسی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا حسن بن العالم العلام والحجهٔ‌الاسلام حاج میرزا محمدتقی مازندرانی قدس اللّه سره.

فاضل مراغه‌ای در (المآثر والاثار) ص ۱۵۵ گوید: حاج میرزا حسین طبرسی از عظماء علماء می‌باشد به جلالت قدر و علو شأن از اقران ممتاز است.

ترویج اصول مذهب جعفری و تشیید بنیان طریقه اثنی عشری و نشر اخبار و آثار اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام را از معاصرین کمتر بقدر او موفق شده‌اند.

در علم حدیث و تفسیر و معرفت احوال رواهٔ و طبقات رجال اسناد و تراجم علماء اسلام همانا امروز نخستین دانای ایرانیان است.

پدر جلیل‌الشأنش میرزا محمدتقی مازندرانی از فحول مجتهدین و مشاهیر رؤساء عهد خاقان مبرور فتحعلیشاه رحمه‌اللّه بود تعرفه نام و اظهار مقام او تحصیل حاصل است مقام تقوی و ورع و عبادت و تقدس این فرزند هنرمندش مسلم مسلمین می‌باشد.

و هم از تبحر نام و تتبع علم در مصنفات علماء اسلام با علی مقام رسیده وصیت فضل و وثاقت و درجه استعداد و لیاقتش برای هرگونه تعظیم و اکرام و توقیر و احترام تا همه جا کشیده است.

تصنیفات سودمند دارد.

منها ۱– نفس الرحمن فی ترجمه سلمان ۲– دارالسلام فیما یتعلق بالمنام ۳– النجم الثاقب فی احوال الامام الغالب ۴– الکلمهٔ الطیبه ۵– رساله میزان السماء ۶– الصحیفهٔ الرابعه ۷– جنهٔ‌المأوی ۸– مستدرک الوسائل در سه مجلد تا آنجا که گوید این عالم عامل و فقیه فاضل و محدث کامل در حضرت حجهٔ‌الاسلام ثقهٔ الانام مجدد الاحکام نائب الامام (ع) حاج میرزا محمدحسن بسیار موثق و معتمد و مؤتمن است.

نگارنده گوید: مرحوم حجهٔ‌الاسلام حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه که از شاگردان آن مرحوم بوده در قسم دوم از جزء اول طبقات از ص ۵۴۳ تا ص ۵۵۵ حدود ۱۲ صفحه ترجمه آن بزرگوار نوشته و وفات او را در شب چهارشنبه ۲۸ جمادی الثانیه ۱۳۲۰ ق ذکر نموده است.

(حاج) میرزا حسین بن محمد تقی نوری از ثقات علمای شیعه در اوایل قر. ۱۴ ه. (ف. ۱۳۲۰ ه.ق.). وی را ثالث مجلسین دانسته‌اند، و از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و حاج ملا علی کنی و حاج میرزا محمد حسن شیرازی است. تألیفاتش بسیار است، از آن جمله: مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل در احادیث و اخبار، فصل‌الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب، حاشیه منتهی المقال ابوعلی در علم رجال، النجم الثاقب و غیره (دکتر حسین کریمان).

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبرسی، رضی‌الدین، ابونصر حسن

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، عالم، فقیه و محدث. از علمای بزرگ قرن ششم هجری بود که در مکتب پدرش امین الاسلام طبرسی، صاحب «مجمع البیان»، تربیت یافت. ابونصر طبرسی از راویان پدرش می‌باشد و شیخ مهذب‌الدین حسنی بن ابی‌الفرج نیلی از ابونصر روایت کرده است. وی صاحب کتاب مشهور «مکارم الاخلاق» است. او در این کتاب بااستفاده از کتاب پدرش «الآداب الدینیه» و طرح پاره‌ای ازاداب به سبک محدثین شیعه ان را در دوازده باب مرتب ساخت. این کتاب در ایران و مصر و لبنان چاپ شده است. از دیرباز از این کتاب ترجمه‌هایی به فارسی انجام شده و باقی مانده است. پسرش شیخ ابوالفضل علی بن حسن طبرسی در ابتدای کتاب «مشکاه الانوار» خود گوید: چون پدرم کتاب «مکارم الاخلاق» را نگاشت، مورد تحسین اهل آفاق شد، پس تصنیف کتاب دیگری که در برگیرنده‌ی «سایر اقوال و محاسن احوال» باشد آغاز کرد، گرچه به اتمام آن موفق نشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۲۳ / ۵)، بحارالانوار (۹ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۷۱)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (۴۲۰ / ۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۱۴ / ۲)، الذریعه (۱۴۹ -۱۴۶ / ۲۲ ،۴۱ / ۲)، ریحانه (۴۰۰ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۵ / ۶)، الکنی و الالقاب (۴۴۴ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ طبرسی)، معجم المؤلفین (۲۶۹ / ۳)، هدیه الاحباب (۱۹۴).

طبرسی، زین‌العابدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زین‌العابدین بن مسلم بارفروش مازندرانی حایری از اعاظم علماء و اکابر مجتهدین عصر خود از شاگردان آیت‌اللّه سعید العلماء مازندرانی و صاحب ضوابط و شیخ انصاری و از مراجع تقلید آن زمان بوده و در سال ۱۳۰۹ ق وفات و در مقبره شخصی خود در صحن شریف حسینی نزدیک درب قاضی‌الحاجات مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبرسی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۵ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، متکلم و رجالی. پدرش از بزرگان و علمای قزوین بود. خود صاحب عنوان از شاگردان علامه ملا محمدتقی هروی اصفهانی بود. وی در بارفروش مرجع امور شرعی مردم بود و تا لحظه‌ی وفات مرجعیت داشت. در مقبره بارفروش دفن است. او دارای تالیفات و تصنیفات سودمند بسیاری است. از آثارش: «نتیجه المقال»، در علم رجال، که تلخیص شده‌ی کتاب «رجال» استادش شیخ محمدتقی هروی است؛ «حدیقه الشیعه»، در اخلاق و مواعظ؛ «حدیقه العارفین»؛ «سراج الامه»، در شرح «شرح اللمعه»، در چند مجلد؛ شرح «التصریف» ملا سعدالدین تفتازانی؛ حاشیه بر «فرائد الاصول» شیخ انصاری، در دو مجلد؛ رساله‌ی عملیه‌ی «صراط النجاه». حدث قمی در «فوائد الرضویه» او را به عنوان شاگرد صاحب «جواهر» آورده و نظم «تتمیم الدره فی صلاه الجمعه» را به وی نسبت داده است.[۱]

شیخ محمد حسن بن صفر علی بارفروشی مازندرانی معروف به شیخ کبیر از اکابر علماء امامیه عصر گذشته ماکه عالم عامل فاضل کامل متبحر محقق مدقق جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول بوده و در فقه و اصول و رجال و کلام و اخلاق و غیر آنها تألیفات نافعه بسیاری دارد که محل استفاده افاضل میباشد.

۱- حاشیه رسائل شیخ مرتضی انصاری که در میان دیگر حواشی آن کتاب ممتاز است ۲- حاشیه شرح تصریف ملاسعد تفتازانی ۳- حدیقه الشیعه در اخلاق و مواعظ فارسی ۴- حدیقه العارفین در مناقب و مصائب ۵- سراج الامه فی شرح اللمعه ۶- شرح تصریف ملاسعد ۷- نتیجه المقال فی علم الرجال و اکثر آنها در تهران بطبع رسیده غیر از دومی و ششمی. در ماه شوال ۱۳۴۵ قمری وفات نموده و در مقبره خود که معروف است در وسط شهر بابل مدفون گردید و در جنب قبر او مقامی بنام حضرت صاحب‌الزمان عجل‌الله فرجه میباشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۱۵۹/۹)، الذریعه (۵۰/۲۴، ۱۴۹/۱۳، ۱۵۶/۱۲، ۳۸۷، ۱۵۶/۶)، ریحانه (۳۳۱/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۰۴/۱۴)، فوائد الرضویه (۴۵۲)، المآثر و الآثار (۱۷۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۳ -۵۸۲ /۲)، معجم المؤلفین (۱۹۵/۹).

طبری آملی، ابوالقاسم علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، عالم امامی، محدث و فقیه. در کتب رجالیه او را ثقه‌ای جلیل‌القدر و محدث و فقیهی بزرگ توصیف کرده‌اند. فرزندش، شیخ عمادالدین ابوجعفر طبری، در کتاب ارزشمند «بشاره المصطفی» از وی روایت کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :خاتمه مستدرک الوسائل (۱۵ / ۳)، الذریعه (۱۱۷ / ۳)، روضات الجنات (۲۳۲ / ۶)، فوائد الرضویه (۵۸۲).

طبری بصری، ابوعمرو عثمان

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۸۲ / ۲۸۱ ق)، حافظ، محدث و فقیه. وی ساکن انطاکیه بود و عالم آن شهر. از عفان بن مسلم و قره بن حبیب و عمرو بن مرزوق و ابوولید طیالسی و سعید بن عفیر و یحیی بن بکیر و یحیی حمانی و ابراهیم بن حجاج سامی و احمد بن جناب احمد بن یونس و امیه بن بسطام و بکار بن محمد سیرینی و حکم بن موسی و سهل بن بکار و شیبان بن فروخ و سلیمان بن نبت شرحبیل و ابی‌معمر مقعد و عبیدالله بن عائشه و عمرو بن عون واسطی و محمد بن سنان عوقی و مسدد حدیث شنید. وی شنیده‌های خویش را جمع‌آوری و تصنیف و تألیف کرد. نسایی و ابوحاتم رازی و ابوعوانه در «صحیح» خود و محمد بن منذر هروی و حاجب ارکین و احمد بن جابر رملی و ابوالحسن بن جوصا و علی بن حسن بن عبد بصری و ابوبکر محمد بن احمد بن محمویه اهوازی و محمد بن اسماعیل فارسی و هشام بن محمد بن جعفر کندی از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابوالقاسم طبرانی از او اجازه‌ی روایت داشت. ابن ابی‌حاتم رازی گوید که عثمان بن خرزاد رفیق پدرم در کتابت حدیث در جزیره و شام بود. ابن‌محمویه اهوازی گوید که عثمان بن خرزاد پرحافظه‌ترین فردی است که دیده‌ام. همچنین حاکم او را ستوده و مورد اعتماد توصیف کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تهذیب التهذیب (۱۱۷ –۱۱۶ / ۷)، (سیر النبلاء (۳۸۱ –۳۷۸ / ۱۳)، شذرات الذهب (۱۷۷ / ۲)، طبقات الحفاظ (۲۶۹)، العبر (۴۰۴ / ۱).

طبری گرگانی، ابولیث

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم و پنجم ق)، شاعر. عوفی در «لباب الالباب» وی را از شاعران دربار آل‌سبکتکین می‌داند. ابوریحان بیرونی در «آثار الباقیه» و ثعالبی در «یتیمهٔ الدهر» و عبدالجبار عتبی در «تاریخ یمینی» او را در شمار شاعران مداح قابوس بن وشمگیر آورده‌اند. ابوریحان در کتاب مذکور می‌گوید که قابوس هنگام دادن عطا در نوروز و مهرگان به شاعران، توزیع آن را بر حسب درجات به ابواللیث محول می‌کرد. از اشعار وی ۵۹ بیت به دست آمده که شامل دو قصیده و دو قطعه است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :لباب الالباب (۶۶ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۹۹ –۵۹۸ /۱)، الذریعه (۲۶۳ /۹)، فرهنگ سخنوران (۳۴)، گنج سخن (۱۵۲ –۱۵۱ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابولیث)، مجمع الفصحا (۲۰۵ –۲۰۴ /۱)، هفت اقلیم (۱۰۲ /۳).

طبری، ابوطیب طاهر

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۵۰ –۳۴۸ ق)، قاضی، محدث، فقیه، اصولی، ادیب و شاعر شافعی. در آمل به دنیا آمد. چهارده ساله بود که فقه آموخت. در آمل از ابوعلی زجاجی و در گرگان از ابواحمد بن غطریف و در نیشابور از ابوالحسن ماسرجسی و در بغداد از دارقطنی و علی سکری و شیخ ابوحامد اسفراینی حدیث شنید. ساکن بغداد شد و در آنجا به تدریس و افتاء و قضاوت مشغول گردید. ابواسحاق شیرازی که از شاگردان اوست گوید که در تحقیق و اجتهاد و فکر و نظر بالاتر از ابوطیب ندیده است و خطیب بغدادی گوید که استاد ما ابوطیب شخصی پرهیزگار، عارف به اصول و فروع، محقق و خوش‌برخورد بود. گویند که او و برادرش فقط یکدست لباس داشتند و هرگاه یکی از آن دو از منزل خارج می‌شد دیگری مجبور می‌شد در منزل بماند. در بغداد درگذشت و در مقبره‌ی باب حرب دفن شد. اغلب اشعارش به طریقه‌ی فقه و مسائل فقهی می‌باشد. وی در اصول و مذهب و علم خلاف و جدل کتابهای بسیاری تألیف کرد.از آثارش: شرح «مختصر» المزنی، در یازده جزء، در فقه شافعی؛ شرح «فروع» ابن‌حداد مصری؛ کتابی‌در «طبقات الشافعیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۲۱ / ۳)، انساب سمعانی (۴۷ / ۴)، تاریخ بغداد (۳۶۰ -۳۵۸ / ۹)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۱۵ / ۲)، روضات الجنات (۱۴۶ -۱۴۵ / ۴)، ریحانه (۴۶ -۴۵ / ۴)، سیر النبلاء (۶۷۱ -۶۶۸ / ۱۷)، العبر (۲۹۶ / ۲)، الکامل (۸۷ / ۸)، کشف الظنون (۱۶۳۸، ۱۶۳۵، ۱۲۵۷، ۱۱۰۰، ۴۲۴) ، لغت‌نامه (ذیل/ طاهر)، معجم المؤلفین (۳۷ / ۵)، النجوم الزاهره (۶۵ / ۵)، الوافی بالوفیات (۴۰۴ -۴۰۱ / ۱۶)،وفیات الاعیان (۵۱۵ -۵۱۲ / ۲)، هدیه العارفین (۴۲۹ / ۱).

طبری، ابوعبدالله حسین

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۹۸ -۴۱۸ ق)، مفتی، محدث و فقیه شافعی. مفتی و محدث مکه بود. در آمل به دنیا آمد. در ۴۳۹ ق «صحیح» مسلم را از ابوالحسین فارسی شنید، و «صحیح» بخاری را از عبدالغافر بن محمد روایت کرد. از ابوحفص بن مسرور و ابوعثمان صابونی و نیز از کریمه مروزی حدیث شنید، و از ناصر بن حسین عمری مروزی فقه آوخت. مدتی ملازم شیخ ابواسحاق شیرازی بود تا از بزرگان اصحاب وی گشت. قبل از غزالی در نظامیه بغداد درس گفت. اسماعیل تیمی و رزین عبدری و قاضی ابوبکر بن عربی و وجیه شحامی و احمد بن محمد عباسی و ابوطاهر سلفی و دیگران از وی حدیث شنیدند. وی از بزرگان شافعیه بود و او را امام الحرمین می‌خواندند، زیرا که در حدود سی سال مجاور مکه بود و در آنجا به تدریس و فتوا اشتغال داشت. عده‌ای در مکه نزد وی فقه آموختند. طبری فقیه در مکه درگذشت. از آثارش: «العده»، در پنج جزء ضخیم؛ شرح «الابانه» عبدالرحمان فورانی مروزی، در فروع فقه شافعی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۲۰۴ -۲۰۳ / ۱۹)، شذرات الذهب (۴۰۸ / ۳)، العبر (۳۷۷ / ۲)، کشف الظنون (۱)، معجم المؤلفین (۲۹ / ۴)، الوافی بالوفیات (۱۶ / ۱۳).

طبری، ابوعلی حسن

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۰۵ ق)، متکلم، اصولی و فقیه شافعی. در بغداد سکنی گزید و فقه را نزد ابوعلی بن ابی‌هریره فراگرفت و پس از استادش به تدریس پرداخت و کتاب «المحرر فی النظر» را که اولین کتاب در خلاف مجرد است، تصنیف کرد که در «کشف الظنون»به نام «المجرد فی النظر» نیز آمده است. از دیگر آثارش: کتاب «الافصاح»، در فروع فقه شافعی، که شرح «مختصر المزنی» است؛ «الایضاح»، در فروع فقه شافعی؛ کتاب «العده»، در فقه، در ده جزء؛ کتابی در «جدل»؛ کتابی در «اصول الفقه». خطیب بغدادی در «تاریخ» خود نام وی را حسین و تاریخ وفات وی را ۳۵۰ ق ذکر کرده است، و در «الاعلام» دو مدخل یکی به نام حسن و دیگری به نام حسین با اشتراکات و اختلافات آورده شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۷۴، ۲۲۷ / ۲) تاریخ بغداد (۸۷ / ۸)، رجال الطوسی (۳۷۴)، روضات الجنات (۵۶ / ۳)، ریحانه (۴۵ / ۴)، سیر النبلاء (۶۳ -۶۲ / ۱۶)، کشف الظنون (۱۶۳۵، ۱۶۱۲، ۱۵۹۳، ۲۱۱)، الکنی و الالقاب (۴۴۶ -۴۴۵ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن)، معجم المؤلفین (۲۷۰ / ۳)، الوافی بالوفیات (۲۰۵ -۲۰۴ / ۱۲)، وفیات الاعیان (۷۶ / ۲)، هدیه العارفین (۲۷۰ / ۱).

طبری، احسان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، شاعر، مؤلف.

تولد: ۱۲۹۵، ساری.

درگذشت: ۹ اردیبهشت ۱۳۶۸، تهران.

احسان طبری، فرزند فخر طبری ملقب به فخرالعارفین، در شش سالگی به مکتب سید عبدالمجید رفت و قرآن را تعلیم گرفت و خواندن و نوشتن آموخت. نصاب‌الصبیان و کتاب‌های جودی و جوهری را نیز خواند. در هفت سالگی به مدرسه‌ی احمدیه رفت و پس از پایان دوره‌ی ابتدایی به علت تبعید پدرش به تهران به اتفاق مادرش به آن شهر عزیمت کرد و دوره‌ی دبیرستان را هم به انجام رسانید، آنگاه به دانشکده‌ی حقوق راه یافت و فارغ‌التحصیل شد. در خلال تحصیل در دانشکده‌ی حقوق به فراگرفتن علوم ادبیه و عربیه پرداخت و در مدرسه‌ی سپهسالار نزد اساتید کسب دانش کرد و با فلسفه و علوم عقلی نیز آشنایی یافت.

در سنین جوانی به سبب آشنایی با تقی ارانی به مارکسیسم گروید و در سال ۱۳۱۶ همراه با ۵۲ تن دیگر به زندان رضاشاه افتاد و همزمان با تبعید رضا شاه به جزیره موریس، از زندان رهایی یافت، سپس در فعالیت‌های حزب توده شرکت داشت، مدتی سردبیری روزنامه‌ی (رهبر) به صاحب امتیازی ایرج اسکندر را در تهران به عهده داشت (۱۱ بهمن ۱۳ -۱۳۲۲ آذر ۱۳۲۵)؛ پس از چندی به

اراک تبعید شد و در سال ۱۳۲۵ در کنگره‌ی نویسندگان در تهران شرکت کرد. در پس ترور نافرجام شاه در سال ۱۳۲۷ و اعلام غیر قانونی بودن حزب توده، در سال ۱۳۲۸ به اعدام محکوم شد، ناگزیر از ایران خارج شد و به اتحاد جماهیر شوروی گریخت و در آکادمی مسکو به تحصیل پرداخت و فارغ‌التحصیل گردید و به مقام استادی رسید، در این مدت وی در رادیو مسکو کار می‌کرد و سرانجام پس از نه سال فعالیت در این کشور به آلمان شرقی رفت و در شهر لایپزیک اقامت گزید. در برلین دوره‌ی آکادمی علوم اجتماعی را گذراندن و به دریافت مقام علمی «دکتر هانیل» در فلسفه دست یافت و سال‌ها در دانشگاه‌های آلمان به تدریس اشتغال داشت. وی با زبان‌های عربی و پهلوی و روسی و آلمانی و انگلیسی و فرانسوی و ترکی آذری و ترکی اسلامبولی آشنایی داشت و در تخصش در زمینه‌ی تاریخ فلسفه و ادبیات بود.

در سال ۱۳۵۷ همزمان با اوج‌گیری قیام مردم و انقلاب اسلامی به ایران آمد و فعالیت‌های سیاسی خود را با بازگشایی حزب توده از سر گرفت. در سال ۱۳۶۲ بنا به تشخیص مصادر امور، فعالیت حزب توده مغایر مصالح جمهوری اسلامی شناخته و به اتفاق کادر رهبری حزب دستگیر و زندانی شد. وی در زندان به اشتباهات خود و حزب اعتراف کرد و کتاب کژراهه (خرداد ۱۳۶۶) را در این زمینه نوشت.

احسان طبری در روزهای پایانی عمر خود نیز مشغول به نگارش اثری موسوم به آورندگان اندیشه‌ی خطا بود که حاوی کنکاشی است در اندیشه‌های احمد کسروی، صادق هدایت و سید حسن تقی‌زاده اما این امر با بسته شدن کتاب عمر وی به سبب نارسایی کلیوی در سال ۱۳۶۸ به انجام نرسید و نیمه تمام ماند.

احسان طبری همچنین به داستان نویسی نیز می‌پرداخت. افسانه‌های تمثیلی وی با نثر شبه کلاسیک آن و با استفاده از اساطیر ایرانی و اروپایی در خدمت تبلیغ مرام سیاسی خاصی است. از جمله داستان‌های او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: شکنجه و امید (۱۳۲۶)؛ مجموعه‌ای از قطعات ادبی او و در دوزخ (۱۳۲۷)؛ خدایان از بند رسته (با امضای طباطبا که ظاهرا از اوست، ۱۳۳۱)؛ حماسه‌ی گئومات (چاپ شده در کشورهای اروپایی شرقی، نمایشنامه تاریخی منظوم)؛ فرهاد چهارم (داستان، استکهلم، ۱۹۷۷ ۱۳۵۶)؛ خانواه برومند (داستان)؛ چشمان قهرمان باز است (مجموعه داستان)؛ پنجامه (مجموعه داستان)، چهره خانه (داستان)؛ دهه نخستین (داستان)؛ رانده ستم (داستان).

از احسان طبری سه مجموعه شعر به نام‌های از میان ریگ‌ها و الماس‌ها و دریچه پاییز و در سال ۱۳۶۰ مجموعه شعری به نام ترانه‌ی خوابگونه (مجموعه شعر نو) طبع و نشر کرد.

علاوه بر آثار فوق می‌توان به عنوان‌های دیگری نیز اشاره نمود: آنتی دورینگ (فردریک انگلس)؛ الفبای مبارزه (استکهلم، ۱۹۷۷ ۱۳۵۶)؛ انسان و پراتیک اجتماعی و رفتار فردی وی (در زمینه اخلاق)؛ ایران در دو سده‌ی واپسین (مجموعه‌ای از دو کتاب بنیاد آموزش انقلابی و بررسی‌ها درباره برخی از...، ۱۳۶۰)؛ برخی بررسی‌ها درباره‌ی جنبش‌ها و جهان‌بینی‌های اجتماعی در ایران (چاپ شده در کشورهای اروپای شرقی، ۱۹۷۰ ۱۳۴۸)؛ برخی مسائل حاد انقلاب ایران؛ بررسی چند مسئله‌ی اجتماعی؛ بررسی‌های اجتماعی و تاریخی؛ بنیاد آموزش انقلابی (چاپ شده در کشورهای اروپای شرقی، ۱۹۷۱ ۱۳۵۰)؛ جامعه ایران در دوران رضاشاه (یک تحلیل عمومی، چاپ شده در کشورهای اروپای شرقی، ۱۹۷۷ ۱۳۵۶)؛ جامعه و جامعه شناسی؛ چهره‌ی یک انسان انقلابی (برخی از مسائیل اخلاقی و انسان‌شناسی، ۱۳۶۰)؛ دانش و بینش (در زمینه عرصه های نوین علمی)؛ درباره منطق عمل، دو مقاله درباره‌ی تبلیغات (۱۳۶۱)؛ دو هفته در اتحاد جماهر شوروی (با همکاری نورالدین کیانوری)؛ دوزخ شغالشاه رؤیای چینی (۱۳۲۷)؛ رد تئوری همگرایی (سیاسی)؛ زایش و تکامل تئوری انقلابی؛ فروپاشی نظام سنتی و زایش سرمایه‌داری در ایران از آغاز تمرکز قاجار تا آستانه‌ی انقلاب مشروطیت (چاپ شده در کشورهای اروپای شرقی، ۱۹۷۵ ۱۳۵۴)؛ سفر جادو؛ سیمای یک انقلابی؛ شناخت و سنجش مارکسیسم (۱۳۶۸)؛ شمه‌ای درباره‌ی شناخت ایران و جهان؛ گفتگو با یک روشنفکر مأیوس (نمایشنامه)؛ نوشته‌های فلسفی و اجتماعی.

(۱۳۶۸ –۱۲۹۵ ق)، استاد دانشگاه، نویسنده، مترجم و شاعر. در ساری به دنیا آمد. قبل از هفت سالگی به یادیگری علوم دینی پرداخت. دوران دبستان را در ساری گذراند. بعد از تبعید پدرش به تهران، او نیز به تهران آمد و دوره دبیرستان را به انجام رسانید، آن‌گاه به دانشکده حقوق رفت و فارغ‌التحصیل شد. وی در همان وقت به فراگرفتن علوم ادبی و عربی پرداخت و در مدرسه‌ی سپهسالار نزد استادان فن کسب دانش کرد و با فلسفه و علوم عقلی نیز آشنایی کامل یافت. در ۱۳۱۶ ش به همراه گروه پنجاه و سه نفر یاران دکتر تقی آرانی زندانی شد. بعد از آزادی به حزب توده پیوست و از برجسته‌ترین اعضای آن حزب شد. وی به علت تبلیغات کمونیستی از جانب رژیم پهلوی به اعدام محکوم شد و ناگزیر به شوروی پناه برد و در آنجا به تحصیل پرداخت. پس از آن به برلین رفت و در آنجا موفق به کسب دکترای فلسفه شد و سالها در دانشگاههای آلمان به تدریس پرداخت. وی به زبانهای روسی، آلمانی، انگلیسی، فرانسه و ترکی تسلط کافی داشت. بع داز انقلاب بهمن ۱۳۵۷ به ایران بازگشت. در ۱۳۶۲ دستگیر و زندانی شد. احسان طبری از بزرگترین نظریه‌پردازان مارکسیسم در ایران و جهان بود. از حافظه و استعداد شگرف برخوردار بود، و در زمینه‌ی شعر کلاسیک و نو و داستان و رمان و تحقیقات فلسفی و بررسیهای لغوی و فرهنگ عامیانه و مسایل سیاسی و اجتماعی اطلاعات عمیقی داشت. از آثار وی: «فروپاشی نظام سنتی و زایش سرمایه‌داری »؛ «شناخت و سنجش مارکسیسم»؛ «خانواده برومند»؛ «روشنفکر مأیوس»؛«زایش و تکامل تئوری انقلابی»؛ «رانده‌ی ستم»؛ «دهه نخستین»؛ «کژراهه»؛ «حماسه گئومات»؛ «از میان ریگها و الماسها»، مجموعه‌ی شعر؛ «ترانه خوابگونه»، مجموعه‌ی شعر؛ «آنتی دورینگ»، ترجمه؛ «شکنجه و امید»؛ «در دوزخ»؛ «رویای چینی».[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] سخنوران نامی معاصر (۱۵۵ –۱۴۸ / ۱)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۲، ص ۵۶)، مازندران، شرح حال رجال معاصر (۱۴۸ –۱۴۷ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳۱۴ –۳۱۳ / ۱).

طبری، ضیاءالدین، ابوعلی، ابومحمد هارون

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، عـالم امامی. از علمای بزرگ قرن هشتم و از شاگردان علامه حلی (م ۷۲۸ ق) بود. طبری «قواعـد» علامه حلی را با خط خود نوشت و آن را نز استاد خواند. استادش در ۷۰۱ ق، در پشت جلـد «قواعد»، او را با القابی می‌ستاید و از او به عنوان فقیه فاضل نام می‌برد، آن‌گاه روایت «الوقاعد» و تمامی مصنفات خود را در علوم عقلی و نقلی به وی اجازه می‌دهد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۴۷ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۳۵ / ۸)، لغت‌نامه (ذیل/ هارون).

طبری، عمادالدین، ابوجعفر محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۵۱۸ ق)، عالم و فقیه امامی. پدرش ابوالقاسم علی بن محمد محدثی جلیل‌القدر و مورد اعتماد بود. وی از شاگردان شـیخ ابوعلی فرزند شیخ طوسی است. او در کتابش «بشاره المصطفی» که تألیف آن از ۵۰۳ تا ۵۱۸ ق به طول انجامیده از مشایخش پدرش، علی بن محمد، و ابوعلی فرزند شـیخ طوسـی و فقیه حسـکا، حسن بن حسین بن بابویه، و محمد بن احمد بن شهریار خازن و شریف عمر بن ابراهیم علوی زیـدی و سـعیدی ثقفی و ابوطالب یحیی بن حسن جوانی، صاحب «جریـده طبرسـتان»، و حـدقه، ابومحمـد جبار بن علی، و ابوعبـدالله حسـین بن احمـد بغـدادی روایت کرده است. شـاذان بن جبرئیـل قمی و قطب راونـدی (م ۵۷۳ ق) از وی روایت کرده‌انـد. از آثـارش: «بشـاره المصـطفی لشـیعه المرتضـی»، در هفـده جزء؛ «الفرج فی الاوقات و المخرج بالبینات او النیات»؛ «شـرح مسائل الذریعه»؛ کتاب «الزهد و التقوی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بحارالانوار (۱۴۱ / ۱۰۵)، خاتمه مستدرک الوسائل (۱۷ -۱۳ / ۳)، الذریعه (۱۵۶ / ۱۶، ۶۶ / ۱۲، ۱۱۸ -۱۱۷/ ۱۳ / ۳)، روضات الجنات (۲۳۴ -۲۳۱ / ۶)، ریحانه (۲۰۲ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۸، ۲۴۲ / ۶)، فهرست منتجب‌الدین (۱۶۴ - ۱۶۳)، فوائد الرضویه (۵۸۲)، الکنی و الالقاب (۴۴۳ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ عمادالدین)، معجم المؤلفین (۴۲۰ -۴۱۹ / ۱۳).

طبری، عمادالدین، عماد الاسلام حسن

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۶۹۸ ق)، عالم امامی، محـدث، فقیه، اصولی و متکلم. معروف به عماد طبرسـی یا عماد طبری. از علمای بزرگ امامیه در قرن هفتم و از معاصـرین محقق حلی و خواجه نصـیرالدین طوسـی (م ۶۷۲ ق) است. در فقه و حـدیث و تحقیـق حقـایق اصول مـذهب و دیگر فنون تصنیفات سودمندی دارد. فتاوای وی در کتب فقهی متأخرین نقل شده است. در ۶۷۰ ق مناظره‌ای- در تنزیه خداوند از تشبیه- با اهل بروجرد کرد. در ۶۷۲ ق به دستور وزیر خواجه بهاءالدین محمد از قم به اصفهان رفت و هفت ماه در اصفهان اقامت گزید و علمای اصـفهان و شـیراز و ابرقو و یزد و شـهرهای آذربایجان بر گردش جمع شدنـد و علوم دینی را نزد وی تکمیل کردنـد. از آثار وی:«الاربعون حـدیثا فی فضائل امیرالمومنین (ع) و اثبات امامته» یا «اربعین بهائی »؛ «کامل السـقیفه» یا «کامل بهائی»، که در ۶۷۵ ق تألیف شـده و دوازده سال جمع‌آوری آن به درازا کشـیده است. چون این دو کتابه به خواهش و نام وزیر بهاءالـدین محمد بن وزیر شمس‌الـدین محمـد جوینی معروف به صـاحب دیوان تـألیف شـده بهـائی نام گرفته است. از دیگر آثارش: «اسـرار الائمه» یا «اسـرار الامامه» یا «الاسرار فی امامه الاطهار»، که در ۶۹۸ ق تألیف شـده؛ «جوامع الدلائل»؛ «الکافیه فی الامامه»؛ «تحفه الابرار»؛ «العمده»، در اصول دین و فروع آن؛ «المنهـج»، در فقه عبادات و ادعیه؛ «معارف الحقائق»؛ «نهـج الفرقان الی هدایه الایمان »؛ «نقض معالم التنزیل» فخر رازی؛ «عیون المحاسن»؛ «بضاعه الفردوس».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۱۴ -۲۱۲ / ۵)، تاریخ نظم و نثر (۷۳۴، ۱۵۳)، الذریعه (۲۵۳ -۲۵۲ / ۱۷، ۳۳۳ / ۱۵، ۴۰۵ / ۳، ۴۱ - ۴۰ / ۲، ۴۱۴ / ۱)، روضات الجنات (۲۶۰ -۲۵۶ / ۲)، ریاض العلماء (۲۷۴ -۲۶۸ / ۱)، ریحانه (۱۹۹ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۱ / ۷)، فوائد الرضویه (۱۱۷ -۱۱۱)، الکنی و الالقاب (۴۴۳ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن و حسین طبری)، معجم المؤلفین (۲۶۲ - ۲۶۱ / ۳)، هدیه العارفین (۲۸۲ / ۱).

طبری، محیی‌الدین عبدالقادر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۳۳ -۹۷۶ ق)، عـالم و ادیب شـافعی. در مکه به دنیـا آمـد. در دوازده سـالگی قرآن کریم و «الفیه» ابن‌مالک و «اربعین» نووی را حفـظ کرد و در پـانزده سـالگی شـروع به تحصـیلات علمی نمـود. ادبیـات، فقه، تفسـیر، حـدیث، طب، منطق، هیئت و حکمت را از بزرگان زمان خویش فراگرفت. طبری نظم و نثر نیکویی داشت و خطیب و مفتی مکه بود. وی در مکه درگذشت. از آثارش: «عیون المسائل من اعیان الرسائل »؛ «الاساطین فی حـج السـلاطین»؛ شـرح «المقصوره الدریـدیه» به نام «الآیات المقصوره/ الرایات المنصوره علی الابیـات المقصوره»؛ «کشف النقـاب عن انساب الاربعه الاقطاب»؛ «افحام المجاری فی افهام البخاری»؛ «حسن السـریره فی حسـن السیـره»، در سیره پیـامبر (ص)؛ «سـل السـیف علی حـل کیف»؛ «کشف الخـافی من کتاب الکافی»، در علم عروض و قافیه؛ «عرائس الابکار و غرائس الافکار»، در تفسیر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۶۸ / ۴)، ایضاح المکنون (۶۴۶، ۳۷۹، ۳۶۸، ۳۵۹،۱۳۵، ۱۱۹، ۹۷، ۲۲ / ۲، ۴۰۴، ۱۰۸، ۶۸، ۷ / ۱)، ریحانه (۴۶ / ۴)، الکنی و الالقاب (۲۰۵ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالقادر)، معجم المؤلفین (۳۰۳ / ۵)، هدیه العارفین (۶۰۰ / ۱).

طبسی حایری، علینقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیـد علینقی فرزنـد مرحوم حجت‌الاسـلام حـاج سید کاظم حایری طبسـی از علماء و ائمه جماعت معاصر مسـجد گوهرشاد مشـهد می‌باشـند وی در کربلاـ متولـد و پس از خوانـدن مقـدمات و سـطوح و درس خـارج در خـدمت علمـاء و آیـات عظام کربلا و فوت مرحوم والدش به مشـهد مهاجرت و اقامت نموده و به امامت در مسجد مزبور موفق و دارای آثاری مطبوع و مخطوط می‌باشند که از آنها دانستنیهای سودمند یا کشکول طبسی در دو مجلد کرارا به طبع رسیده و مورد استفاده و استقبال عموم طبقات می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

طبسی خراسانی حائری، محمد علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۰ ق)، عالم امامی. اصـلش از طبس خراسان است که به هند مهاجرت کرد و ساکن حیدرآباد دکن شد. مدتی طولانی در آنجا مشغول به تدریس و تألیف و ارشاد و انجام سایر وظائف مذهبی بود. او در کربلا وفات یافت. از آثارش کتاب «انوار الابصار»، به فارسـی است در رتبه پیـامبر (ص) و ائمه اطهـار (ع) و اثبـات برتری مقـام امـامت پیـامبر (ص) بر مرتبه نبوت آن حضـرت، که در ۱۳۰۲ ق از تـألیف آن فـارغ شـده است. بر این کتـاب میرزای بزرگ شـیرزای و همچنین آیت‌الله میراز حبیب‌الله رشتی و سـید میرزا ابوالقاسم حجت طباطبائی و ملا محمد فاضل شرابیانی تقریظهایی نوشته‌اند. از دیگر آثار طبسی کتاب «اثبات النبوه الخاصه»است که با کتاب «انوار الابصار» در ۱۳۰۸ ق در حیـدرآباد به چاپ رسـید. اثر دیگر وی کتاب «المسائل النثاریه» است که در جواب سوالات سید نثار حسین عظیم‌آبادی نگاشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۷۱ / ۲۰، ۴۱۴ / ۲، ۱۰۱ / ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۰۷ / ۱۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰۳-۳۰۲ / ۴).

طبسی واعظ، محمد صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۱۲ ق)، عـالم دینی، فقیه و خطیب. معروف به مسـأله‌گو. از مشاهیر اهل منبر در تهران و مورد توجه خاص و عام، به ویژه نیکـان و اهـل تقـوی، بـود. از آثـارش: ترجمه‌ی «الطرائـف فی مـذهب الطوائف» سید ابن طـاووس؛ ترجمه‌ی «کشف المحجه لثمره المهجه»، سـید ابن طـاووس؛ «منهـج السـداد»، در ترجمه «نجـاه العبـاد» شـیخ محمـد حسن نجفی، صاحب «جواهر»، با حواشـی شـیخ مرتضی انصاری و میرزای شیرازی و میرزا محمد حسین شهرستانی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۹۱ / ۲۳، ۱۳۰ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۵۵ / ۱۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۶-۴۹۵ / ۳).

طبسی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم طبسی از علماء معاصر شهرستان طبس می‌باشد وی در نجف از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای آسید ابوالحسن اصفهانی ره و آیات دیگر استفاده و در زمان حیات استادش به طبس آمده و تا اکنون به اقامه جماعت و خدمات دیگر روحی و دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبسی، ابوحسین، ابوالحسن احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۵۸ ق)، فقیه و محدث. وی شیخ شافعیه و شاگرد امام ابواسحاق مروزی بود. در نیشابور از ابن‌خزیمه و در عراق از ابومحمد یحیی بن صاعت و دیگران روایت کرده و حاکم نیشابوری از وی روایت کرده است. از آثارش «تعلیقه» بزرگی است در مذهب که حدود هزار جزء دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۵۰ –۹۴ / ۴)، سیر النبلاء (۱۱۲ / ۱۶).

طبسی، احمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۶ ق)، عالم و مترجم. وی از علمای اوایل قرن دهم هجری است که کتاب «الدر النظیم فی خواص القرآن العظیم» را به فارسی، به خواست برخی از سروران خود، در ۹۲۶ ق ترجمه کرده است و در آن یادآور شده که طبق مذهب اهل حق بسم‌الله جزئی از سوره به حساب می‌آید، مگر در سوره‌ی برائت، و در پایان متذکر شده که ملا عبدالعلی بیرجندی این کتاب را در ۹۰۱ ق شرح کرده است.[۱]

ملا احمد بن حاج محمد طبسی سکاکی مترجم کتاب الدر النظیم در خواص قرآن عظیم که در سال ۹۳۶ هجری بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۸۵ / ۸،۱۰۱ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳ / ۱۰)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۰ / ۶).

طبسی، عبدالواحد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالواحد و فرزند فقیه او آقا میرزا محمد رحیم معروف به (آقا میرزا) که مردی فقیه و اصولی و حافظ و حکیم و قاضی و بزرگوار و مهربان و نوع‌دوست بوده و دارای چهار فرزند دانشمند به اسامی زیر بوده است.

۱– آقا محمدعلی مشهور به (آقا بزرگ) که فقیهی حکمی و اصولی و حافظ بوده است.

۲– آقا محمدرضا مشهور به (آقا میانه) که وی نیز مردی فقیه و فیلسوف و متکلم و خطیب سخنوری بوده و در سال ۱۳۷۶ وفات نموده است.

۳– شیخ بزرگوار علامه معروف به (آقای مشارق).

۴– عالم فاضل آقا شیخ ذبیح‌اللّه مشهور به (آقای شیری) بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبسی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدرضا بن عباس بن علی بن الحسن بن عبدالله الطبسی الخراسانی از آیات عظام و فقهاء کرام و مصنفین والامقام عالم تشیع و مجتهدین مسلم الاجتهاد حوزه علمیه نجف و قم می‌باشند عالمی عامل و فاضلی کامل و بسیار خلیق و متواضع و دارای ملکات فاضله اخلاقی می‌باشند. در ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ قمری در مشهد رضوی علی من تشرفها السلام متولد شده و پس از نشو و نما در میان خانواده متدین و شریف خود و طی مبادی اولیه در طب در سن ۱۸ سالگی سنه ۱۳۴۰ ق به مشهد آمده و سطوح اولیه را از مرحوم ادیب نیشابوری و علامتین سید محمد حسین شهرستانی و سید محمدباقر مدرس و سید مرتضی یزدی استفاده نموده و پس از آن مسافرت به قم و فقه و اصول را از علمین آیتین مرحوم حاج سید محمدتقی خونساری و آمیرزا سیدعلی یثربی کاشانی استفاده نموده و حکمت و معقول را از مرحوم میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی و آیت‌الله میرزا محمدعلی شاه‌آبادی خوانده و مدت ۷

سال از محضر آیت‌الله العظمی حایری استفاده نموده و خلال این مدت مسافرتی به عراق و عتبات عالیات نموده و مراجعت به قم کرده و پس از مدتی مهاجرت به نجف اشرف کرده و از محضر علامه کبیر حاج شیخ محمدجواد بلاغی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و بالاخص آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله نائینی قدس‌الله اسرارهم فقها و اصولا و تفسیرا و کلاما استفاده کافی و وافی نموده و از خواص اصحاب مرحوم آیت‌الله اصفهانی و مورد توجه مخصوص آن جناب گردیده و تا فوت آن مرحوم ۱۳۶۵ قمری از اعضاء رئیسه مجلس استفتاء ایشان بوده تا بعد از رحلت آن جناب که ملازم منزل خود گردیده و به تدریس و تالیف کتب مفیده اشتغال دارند.

مراتب اجتهاد و مقامات علمی معظم‌له مورد گواهی و تصدیق آیات عظام قم و نجف اشرف است از جمله آیت‌الله العظمی اصطهباناتی درباره وی مرقوم فرموده لایخفی ان ولدنا الروحانی حجه‌الاسلام الحاج الشیخ محمدرضا الطبسی النجفی مجتهد عادل یتبع اقواله کثرالله فی العلماء العالمین امثاله ۱۵ شهر ربیع‌الثانی ۱۳۷۸ ق محل امضاء مبارک- و مرحوم آیت‌الله العظمی حاج سید عبدالهادی شیرازی لایخفی ان جناب الشیخ المعظم له دامت برکاته قد بلغ درجه الاجتهاد والله ولی التوفیق ۲۳ ذی‌القعده ۱۳۷۸ محل امضاء شریف.

معظم‌له تا ذی‌القعده ۱۳۹۱ قمری در مرکز ولایت علوی نجف اشرف به وظائف دینی و روحی اشتغال داشت ولی در تاریخ مزبور روی فشار دولت شویم بعثی عراق با ده‌ها هزار نفر مردم شرافتمند و نجیب ایرانی مقیم عراق از روحانین محترم و طبقات دیگر به ایران اخراج و به حکم ضرورت و علاقه به روضه منوره فاطمه معصومه علیهاالسلام رحل اقامت به قم انداخته و به تالیف و تصنیف و مباحثات علمی اشتغال دارند و آیات عظام قم و زعماء حوزه علمیه از تجلیل و احترام نسبت به مقام شامخ علمی آن جناب کوتاهی نمی‌نمایند.

و اما تالیفات مطبوع و مخطوط ایشان از این قرار است.

۱- الشیعه و الرجعه دو جزء در احوالات حضرت حجت عجل‌الله فرجه و رجعت ائمه علیهم‌السلام که مکرر طبع شده است.

۲- و در الاخبار فیما یتعلق بحال الاحتضار که در نجف به طبع رسیده است.

۳- ذرایع البیان فی عوارض اللسان دو جزء که در نجف چاپ شده است.

۴- المنیه فی حکم الشارب و اللحیه در نجف و بصره به طبع رسیده است.

۵- الدر الثمین فی التختم بالیمین در بیروت چاپ شده.

(گوهر وزین در ترجمه آن به قلم این نویسنده که در قم چاپ شده است).

۶- حاشیه طریق النجاهٔ به طبع رسیده است.

۷- النجعه فی الرجعه به طبع رسیده است.

۸- عقد الفراید فی اصول العقاید به طبع رسیده است.

۹- مصباح الظلام فی هدایه الانام به طبع رسیده است.

۱۰- القول الفصیح فی اصول الدین الصحیح به طبع رسیده است.

۱۱- تبصره المتعلمین فی اصول الدین به طبع رسیده است.

۱۲- ذخیره الصالحین فی شرح تبصره المتعلمین ۸ جلد غیر مطبوع.

۱۳- حاشیه وسیله النجاه غیر مطبوع.

۱۴- حاشیه انیس المقلدین ۱۵- حاشیه‌ای بر تبصره علامه من اوله الی آخره.

و تالیفات دیگری کمه به آن اشتغال دارند.

فرزندان برومند و نجبائی دارند که سرآمد آنان در علم و کمال و قلم مرحوم ثقه‌الاسلام آقا شیخ محمدعلی مشهور به نورالدین طبسی بودند و در سنین جوانی در تهران بدرود حیات گفته و در قبرستان وادی السلام قم مدفون و پدر پیر خود را برای همیشه داغدار نمود و دیگر آقا عمادالدین طبسی و سوم آقا نجم‌الدین طبسی که به درس و بحث دینی اشتغال دارند و نیز فرزندان دیگری که بعضی به رشته کار و بعضی به تحصیلات مقدماتی مشغولند و فقهم الله تعالی لمرضاته و جعلهم من عسا کرولیه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

طبسی، محمد ابراهیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ابراهیم بن محمد علی طبسی از شاگردان میرزا محمد بن عبدالنبی اخباری مقتول در سال ۱۲۳۲ قمری بوده چنانچه در آخر جمله‌ای از رسائل استادش که بخط خود نوشته است تصریح نموده در مجموعه‌ای که نزد مرحوم محدث جلیل حاج شیخ علی‌اکبر نهاوندی بوده است و آن رسائل عبارتست از:

۱- المجالی و شرح آن ۲- نجم الولایه ۳- شمس الحقیقه ۴- حقیقهٔ الاعیان ۵- المطمر ۶- حقیقهٔ الشهود. علامه تهرانی در ج ۲ ص ۲۱ طبقات او را یاد نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبسی، محمدباقر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علامه فقیه ملا شیخ محمدباقر طبسی وی برادر علامه فقیه ملا میرزا محمد ابراهیم طبسی می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبسی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدحسین طبسی فقیهی بزرگوار از مراجع تقلید زمان خود و محور تقوا و علم و مجسمه فضل و علم بوده است.

وی در خدمت مررحوم آیت‌اللّه ملا میرزا محمدابراهیم طبسی تلمذ نمود و بعد از آن مجتهدا مهاجرت به سامرا و از محضر و درس مجدد شیرازی میرزاء بزرگ استفاده نموده و پس از آن از محضر سید استاد سید محمد اصفهانی فشارکی و شیخ محمد کاظم آخوند خراسانی بهره‌مند شده و بعد از وفات میرزاء شیرازی به طبس برگشته و به ریاست و زعامت و مرجعیت این سامان رسیده و بسیاری از اعلام که از ایشان است ملا محمد بن ملا علی‌اکبر طبسی و علامه بزرگوار آیت‌اللّه حاج شیخ محمدرضا طبسی نجفی استفاده نموده‌اند.

وی در ۱۸ شعبان ۱۳۵۹ قمری بدون اولاد از دنیا رفت دارای کتابخانه نفیس و ارزنده‌ای در علوم مختلفه بود که پس از اندکی از دست عیالش بیرون رفت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبسی، محمدصادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدصادق طبسی قبل از سال ۱۳۵۱ ق بوده و کتابی بنام (منهج السداد در ترجمه نجاه‌العباد) داشته چنانچه وی را صاحب الذریعه در طبقات ج ۱ ص ۸۵۵ یاد نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبسی، محمدعلی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدعلی بن محمد بن محمود بن مولانا علی طبسی صاحب کتاب (تکمله زبدهٔالبیان) که در سال ۱۰۸۴ ق فراغت یافته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبسی، محمود

قرن:۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود بن غلامعلی طبسی ره شیخ حر عاملی ره در امل‌الامل گوید. مولانا سلطان محمود بن غلامعلی طبسی مردی فاضل و فقیه و عارف به عربیت و بزرگوار و قاضی در مشهد معاصر ما بوده است. کتاب مختصر در شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید و رساله‌ای در اثبات رجعت و رساله‌ای در عروض و غیر اینها دارد.

علامه نوری وی را از شاگردان امام مجلسی علیه‌الرحمه شمرده و گفته چهل و ششم المولی الفاضل الصالح الفالح المتوقد الذکی الالمعی مولانا محمود بن غلامعلی طبسی ره.

علامه طبسی گوید. و این شخصیت جلیل‌القدر از علماء شهر ما (طبس) است که شهریست قدیمی و در سابق بزرگان از علماء برای تحصیل علم به سوی آن مهاجرت می‌کردند و مؤید این وجود مدارس علمیه‌ای مانند مدرسه میرزا رفیع و مدرسه دو منار و مدرسه بزرگی که به آن حسینیه هم گفته می‌شود و غیر آنها چنانچه علماء و دانشمندان بزرگی از آن برخاسته‌اند که به آنها اشاره می‌شود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبعی اصفهانی، عبداللّه

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از شاعران سده یازدهم اصفهان بود که در بدو امر عبدی تخلص می‌کرد، سپس به طبعی تغییر داد. صاحب تذکره‌ی «روز روشن» مثنوی « آدم و پری» را به او نسبت داده و گوید که آن را به نام شاه طهماسب صفوی (۹۴۸ –۹۳۰ ق) سروده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۵۳۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۲۰)، الذریعه (۱۰۶ / ۱۹ ،۷۰۴، ۶۴۴ / ۹)، صبح گلشن (۲۶۲)، لغت‌نامه (ذیل/ طبعی).

طبعی اصفهانی، عنایت‌الله

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۴ ق)، شاعر و طبیب. معروف به حکیم خباز. وی از پزشکان نام‌آورد روزگار خود بود که علاوه بر مهارت در پزشکی، در سرودن غزل نیز توانا بود. از اوست:

شمع ما را تاب پرافشانی پروانه نیست

جانفشانی از برون انجمن خواهیم کرد

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۸۵)، تحفه سامی(۸۶)، تذکره‌ی روز روشن (۴۹۸)، الذریعه (۶۴۴ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۸۶).

طبعی رازی، اسماعیل

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۳۶ ق)، شاعر، متخلص بـه طبعی. وی در کنـد (کـن) و سولقـان بـه دنیـا آمـد. در قزوین نشوونما یافت. در آغاز جوانی به هندوستان سفر کرد و از شهرهای مختلف هندوستان دیدار نمود. تا ۱۰۲۶ ق وی دو بار به هند سفر کرد. در ۱۰۳۶ ق باری بار سوم به هندوستان رفت و دو سال در خدمت آصف‌خان ثانی از ارکان دولت جهانگیر پادشاه بود. وی به نقل تذکره‌ی «نصرآبادی» از شاگردان و مصاحبان حکیم شفایی اصفهانی است. صاحب تذکره‌ی «میخانه»، در ضمن سفر هند، در ۱۰۲۶ ق، او را دیده و می‌نویسد که «ساقی نامه نگفته بود و دیوانی ترتیب نداده ولکین قریب به سه هزار بیت از پرده‌ی خیال بر روی کار آورده بود».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۹۵ –۱۱۹۴ / ۳)، تذکره‌ی روز روشن (۴۹۸)، تذکره‌ی میخانه (۸۵۳ –۸۵۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۰۵ –۳۰۴)، الذریعه (۶۴۴ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۸۶)، کاروان هند (۸۰۶ –۸۰۳ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ طبعی)، مینو در (۴۹۰ –۴۸۹ / ۲).

طبعی سیستانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از بزرگ‌زادگان سیستان و از اقران ملا زمانی یزدی (م ۱۰۲۱ / ۱۰۱۷ ق) بود که در سرودن شعر مهارت داشت. از اوست:

زود از برم چنین گله‌آلود برمخیز

باقی نمانده جز نفسی زود برمخیز

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۴۲۳ / ۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۱۲ –۳۱۱)، الذریعه (۶۴۴ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۸۶)، لغت‌نامه (ذیل/ طبعی).

طبیانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: برق، دانشکده: مهندسی برق، دانشگاه: صنعتی شریف

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی برق از دانشکده برق دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۵۲، کارشناسی ارشد از دانشگاه M.I.T در سال ۱۳۵۵، دکترا از دانشگاه M.I.T در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه صنعتی اصفهان، دانشیار دانشکده برق دانشگاه صنعتی شریف. زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پردازش سیگنال، پردازش صحبت، مخابرات فیبرنوری، حافظت از ایستگاه رادار، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۱ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۳ پایان‌نامه دکترا.

ابداع:

۲ اختراع در زمینه شبکه مخابرات نوری.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مخابرات فیبرنوری، پردازش صحبت.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳۶

زمینه علمی مقالات:

پردازش سیگنال، پردازش صحبت، مخابرات فیبر نوری.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

طبیب احمد آبادی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مشهور به «ناصر حکمت» فرزند میرزا محمّد علی بن حاج محمّد.

عالم فاضل، و حکیم جامع، و طبیب حاذق، عابد زاهد ورع متقّی، از اطبّای مشهور، و مدّرسین طبّ قدیم در اصفهان به شمار می‌رفت. در تداوی امراض، مهارت و حذاقتی داشت و معالجات غریبه‌ای از او نقل می‌شود.

در نزد میرزا عبدالعلی هرندی، و میرزا ابوالقاسم مدّرس رشتی، و حاج میرزا محمد باقر حکیم باشی، و میرزا ابوالحسن پاقلعه‌ای، و مدّت زمانی نزد آخوند کاشی و جهانگیر خان قشقائی تلمّذ نموده، و در دوشنبه دوّم ربیع الثانی سال ۱۳۷۱ بسنّ نود و سه سالگی در اصفهان وفات یافته، در تکیه مادر شاهزاده مدفون گردید.

رساله «افیونیّه» از تألیفات او است که به فارسی تألیف نموده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

طبیب اصفهانی، زین‌العابدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر و طبیب. صاحب تذکره‌ی «اختر» درباره‌ی او نوشته است: ۳ «سیدی است عزیز و طبیبی مشفق و مسیحادم. از سادات دارالسلطنه‌ی اصفهان از حمله رفقای قدیم فقیر رو در حسن اخلاق بی‌نظیر. بسیار شکسته‌حال و درست آشنا. با نهایت وارستگی و کمال استغناء». وی از معاصران هدایت صاحب «مجمع الفصحا» می‌باشد که علاوه بر دانش پزشکی در شاعری نیز دست داشته است. اثر وی «دیوان» شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۳۹۹)، حدیقه الشعراء (۱۱۰۵ / ۲)، الذریعه (۶۴۵ / ۹)، مجمع الفصحا (۷۲۱ / ۵).

طبیب اصفهانی، عبدالباقی موسوی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۷۱ / ۱۱۶۸ ق)، شاعر و طبیب. از سادات موسوی اصفهان بود. نیاکان وی در روزگار شاه عباس اول صفوی از فارس به

اصفهان کوچیدند و در آن شهر مسکن گزیدند. پدرش حکیم‌باشی شاه سلطان حسین صفوی بود و خود او نیز طبیب و ندیم نادرشاه افشار. بعد از نادرشاه، کلانتر اصفهان شد و پس از چندی این کار را به برادرش میرزا عبدالوهاب واگذاشت و خود با شاعران و ادیبان اصفهان، هاتف، عاشق، آذر، مشتاق و صهبا به معاشرت پرداخت. طبیب در سرون غزل توانا بود. از آثار وی: «دیوان» شعر، مشتمل بر قصاید و غزلیات و قطعات و رباعیات؛ مثنوی «محمود و ایاز»، در حدود ۳۰۰۰ بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ارمغان (س ۷، ش ۲ و ۳، ص ۱۰۱)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۸۶ / ۴)، تذکره‌ی روز روشن (۴۹۹)، تذکره القبور (۳۹۹ -۳۹۷)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۱۸ / ۲)، دویست سخنور (۲۱۵ -۲۱۴)، الذریعه (۶۴۵ -۶۴۴ / ۹)، سفینه المحمود (۲۵۴ -۲۵۲ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۵۸۶)، لغت‌نامه (ذیل/ طبیب اصفهانی)، مجمع الفصحا (۷۲۱ -۷۱۹ / ۵)، منظومه‌های فارسی (۳۸۰ -۳۷۹)، مواد التواریخ (۳۸۸)، نگارستان دارا (۲۲۷)، یغما (س ۱۸، ش ۴، ص ۲۱۲).

طبیب اصفهانی، نصیرالدین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۹۱ ق)، اشعر و طبیب. وی در جهرم به دنیا آمد و در اصفهان به تحصیل پرداخت و به سبب اقامت طولانی در آن شهر به اصفهان مشهور شد. به علت جامع الاطراف بودن در علم، به نصیرالدین ثانی یا نصیرالدین محمد ثانی شهرت یافت. وی جد بزرگ فرصت شیرازی و طبیب و ندیم خاص کریم‌خان زند بود. نصیرالدین طراح مسجد وکیل و تعیین‌کننده‌ی قبله آن بود. از جمله آثارش: «اساس الصحه»، در طب، به عربی؛ «جام گیتی‌نما»، در حکمت، به فارسی؛ «حل التقویم»، در نجوم، به فارسی؛ «دیوان» شعر. مشهورترین اثر وی مثنوی «پیر و جوان» است که نام اصلی آن «بهار و خزان» بوده و به نام «بهاریه» نیز مشهور است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۱۰۷ -۱۰۵)، بزرگان جهرم (۳۷۲ -۳۵۴)، تذکره القبور (۵۲۴ -۵۲۳)، دویست سخنور (۲۱۷ -۲۱۶)، الذریعه (۱۲۰۰، ۱۱۹۷ / ۹، ۶۷ / ۷، ۲۶ / ۵)، ریحانه (۱۸۸ -۱۸۶/ ۶)، سفینه المحمود (۳۳۰ -۳۲۷ / ۱)، صبح گلشن (۷ /۵۲۴) فرهنگ سخنوران (۹۳۶)، لغت‌نامه (ذیل/ نصیر)، مجمع الفصحا (۱۰۳۷ -۱۰۳۶ / ۶)، منظومه‌های فارسی (۳۷۹ -۳۷۸)، نگارستان دارا (۲۶۶ -۲۶۴).

طبیب بخاری، عبدالحکیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، پزشک و شاعر. وی از پزشکان نام‌آور روزگار خود بود که دانش پزشکی را نزد پدرش آموخت. او علاوه بر مهارت در پزشکی، درس سرودن غزل نیز توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۳۴ -۶۳۳).

طبیب بروجردی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، طبیب. از اهالی بروجرد بود. برای تحصیل به کردستان رفت و مدتی در آن دیار حکیم‌باشی امان الله‌خان والی آنجا بود و بعد از مدتی به بروجرد مراجعت کرده و مشغول خدمت محمد تقی میرزا شد و در همان شهر درگذشت. از اوست:

ز باده دوش چنان مست کرد باده فروشم

که تا به صبح قیامت خراب باده‌ی دوشم

چمن اگر همه باغ بهشت بی تو نخواهم

شراب اگر همه آب حیات بی تو ننوشم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۱۰۶ -۱۱۰۵ / ۲)، سفینه المحمود (۲۶۳ -۲۶۲ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۵۸۷)، مصطبه‌ی خراب (۱۲۵ -۱۲۴)، نگارستان دارا (۲۲۶).

طبیب شرابی، رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اعیان اصفهان و طبیب مسیحا نفس، از شاگردان میرزا نصیر [اصفهانی و آقا محمد بیدآبادی] بوده، در سال ۱۲۳۸ وفات یافته، شاعر و ادیب بوده، و در شعر «منصور» تخلص می‌نموده، دارای دیوان اشعار است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

طبیب شیرازی، عبدالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، طبیب، شاعر، متخلص به طبیب. در شیراز به دنیا آمد و علوم عقلی را نزد ملا احمد یزدی و حکمت طبیعی را از حاج میراز سید رضی فراگرفت. او با عارفان معاشرت داشت. وی از معاصران رضا قلی‌خان هدایت بود، ولی چند سال پیش از تألیف کتاب «مجمع الفصحا» درگذشت. برخی از تذکره‌ها در سال مرگ وی اختلاف دارند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۱۰۷ -۱۱۰۶ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۲۱ -۵۱۹ / ۳)، الذریعه (۶۴۵ / ۹)، ریاض العارفین (۲۶۸ -۲۶۷)، طرائق الحقائق (۳۳۷ -۳۳۶ / ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۷۴ -۱۱۷۳ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۵۸۷)، مجمع الفصحا (۷۲۱ / ۵)، مرآت الفصاحه (۳۷۶ -۳۷۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۲۱).

طبیب شیرازی، نجم‌الدین محمود

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۶۹۰ ق)، طبیب، نویسنده و شاعر. وی از خاندان معروفی از پزشکان شیراز بود که مورد توجه خاص رشیدالدین فضل الله همدانی قرار داشت و در طب و فقه صاحب نظر بود. وی ریاست بیمارستان دروازه درب سلم شیراز را بر عهده داشت. در شیراز درگذشت و در محله‌ی باغ نو دفن شد. طبیب شعر فارسی را نیک می‌سرود و آثار به دو زبان فارسی و عربی تألیف کرده است که برخی عبارتند از: «الحاوی فی علام التداوی»؛ «غیاثیه»، در طب به فارسی؛ «مختصر»، در طب؛ «لطایف الرشیدیه»؛ «تحفه الحکماء»؛ «اسرار النکاح».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ علوم و فلسفه ایرانی (۶۹۷)، الذریعه (۷۳ / ۱۶، ۲۳۶ / ۶)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۵۲ -۱۱۵۱ / ۲)، کشف الظنون (۶۲۸).

طبیب یزدی، محمد باقر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط.از آثار وی: قرآن وزیر، جلد میشن مذهب اندرون سوخته تحریر، دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مذهب مرصع و صفحه‌های تماما یک حاشیه تشعیرسازی مذهب دارد، به خط نسخ کتابت خفی متوسط، با رقم: «محمد باقر متطبب یزدی» ۱۰۷۰ ق.[۱]

اثر اوست: قرآن وزیری. جلد میشن مذهب اندرون سوخت تحریر. دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مذهب مرصع. صفحه‌ها تماماً یک حاشیه تشعیرسازی مذهب دارد. نسخ کتابت خفی متوسط با رقم: «محمدباقر طبیب یزدی» سال ۱۰۷۰ در موزه‌ی ایران باستان.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۵۱ / ۴).

طبیب، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل ادیب شاعر، و طبیب کامل، در اصفهان ساکن، و در سال ۱۳۱۸ وفات یافته، نزدیک بقعه‌ی آقا محمد بیدآبادی مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش این است:

گفت دانش برای تاریخش

از جهان شد ارسطوی ثانی

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

طبیبی کاشانی، مظفر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۳۰ ق)، شاعر و طبیب. وی از طبیبان حاذق بوده و غزل را نیکو می‌سروده است. از اوست:

آمد رقیب و طره‌ی جانان من گرفت

گویا اجل رسید و رگ جان من گرفت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۸۵)، تذکره‌ی روز روشن (۴۹۹)، فرهنگ سخنوران (۵۸۷).

طبیبی، حشمت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده: علوم اجتماعی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی علوم معقول و منقول از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۹، کارشناسی ارشد و علوم اجتماعی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۱، دیپلم سیکل سوم در اقتصاد اجتماعی از دانشگاه پاریس فرانسه در سال ۱۳۴۸، دکترا در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه سوربن پاریس.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مردم‌شناسی فرهنگی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۷ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، مبادی و اصول جامعه‌شناسی، تاریخ و جغرافیای کردستان موسوم به تحفه ناصری، مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

طبیبیان، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اقتصاد، دانشکده: صنایع، دانشگاه: صنعتی اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای علوم اقتصادی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده صنایع دانشگاه صنعتی اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

حمل و نقل، انرژی، برنامه‌ریزی سیستم‌ها، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اقتصاد کلان، اقتصاد خرد پیشرفته.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

مشکلات نظام بودجه‌ریزی ایران و پیشنهادهای اصلاحی، ملاحظات اقتصادی- اجتماعی انتقال تکنولوژی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

طبیعی طبسی، طبیعی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی از شاعرانی بوده که در موسیقی نیز مهارت داشته و از اهالی طبس بوده است. از او «دیوان»ی برجاست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۶۴۵ / ۹)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۲۳).

طحانی، ولی‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی برق، دانشکده: مهندسی برق، دانشگاه: صنعتی اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی برق و متخصص سیستم‌های کنترل.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه صنعتی اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

سیستمهای کنترل، طراحی سیستمهای کنترل خطی، غیر خطی، دیجیتال و فازی، بکارگیری منطق فازی در پردازش اطلاعات و بازیافت در سیستمهای اطلاعاتی، طراحی سیستم کنترل یک وسیله متحرک بر اساس شبکه‌های عصبی، طراحی و تعیین هویت یک بازوی مکانیکی بر اساس منطق و کنترل کننده‌های فازی، طراحی سیستم کنترل وضعیت عمودی یک وسیله غوطه‌ور در آب، طراحی سیستم کنترل وضعیت عمودی یک وسیله متحرک در آب، استاد راهنمای ۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

کاربرد منطق فازی در سیستم‌های اطلاعاتی، چگونگی ارتقاء سطح تحقیقات در دانشگاه و طراحی سیستم‌های کنترل کلاسیک و فازی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

طراز یزدی، عبدالوهاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۱ -۱۲۲۴ ق)، خطاط و شاعر. پدر وی از زردتشتیان یزد بود که مسلمان شده بود. طراز در یزد به دنیا آمد و از کودکی به تصحیل پرداخت و در جوانی به خط و شعر و سواد معروف شد. وی در خوشنویسی به چندین قلم سمت استادی داشت. میرزا عبدالوهاب پس از گندی به شاعری روی آورد و سپس به تهران آمد و به دربار محمد شاه قاجار راه یافت، اما مورد بی‌مهری حاج میرزا آقاسی صدر اعظم قرار گرفت و میرزا عبدالوهاب نیز به هجو وی پرداخت و بعد از مدتی چون احساس خطر کرد به یزد

گریخت اما مورد ضرب و جرح مأموران صدر اعظم قرار گرفت. وی در یزد درگذشت و در همان شهر دفن گردید. طراز در فنون مختلف شعر و ادب مسلط بود و اشعاری در حقیقت امامان دین (ع) سروده است. در تذکره‌ی «سخنوران یزد» و «الذریعه» تارخی وفات او ۱۲۲۱ ق ذکر شده است. اثر وی «دیوان» شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۱۹۹ -۱۹۴)، حدیقه الشعراء (۱۱۱۰ -۱۱۰۷ / ۲)، الذریعه (۶۴۶ -۶۴۵/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۲۴۱۱ -۲۴۰۷ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۵۸۸)، مجمع الفصحا (۷۱۹ / ۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۲۳ -۱۲۲)، مکارم الآثار (۷۸۴ -۷۸۳ / ۳).

طرازی بغدادی نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۲ ق)، مسند، محدث، فقیه و ادیب حنبلی. مسند خراسان و از بزرگان نیشابور بود. از ابوالعباس اصم و ابوحامد احمد بن علی بن حسنویه و ابوبکر محمد بن مؤمل و ابوعمر و بن مطر و دیگران حدیث شنید. ابوبکر خطیب بغدادی و صاعد بن سیار و ابوسعد علی بن عبدالله بن ابی‌صادق و دیگران از وی حدیث شنیدند. ابونعیم حافظ از او اجازه روایت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (۲۸۴ / ۱)، سیر النبلاء (۴۱۰ -۴۰۹ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۲۵ / ۳)، العبر (۲۴۸ / ۲).

طرب اصفهانی، ابوالقاسم محمد نصیر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۰ -۱۲۷۶ ق)، خطاط، نقاش و شاعر، متخلص به طرب. ملقب به ملک الشعراء. وی پدر استاد جلال‌الدین همایی است. او را متو افهانی شیرازی گفت، چرا که محل تولد و نشوونما و مدفن او در اصفهان بوه و به این اعتبار اصفهانی است، اما به رعایت نسب و نژاد پدر و اسلافش، اصلش شیرازی است. طرب چهارده ساله بود که پدرش درگذشت و عنقا، برادر بزرگتر وی، تعلیم و تربیت او را بر عهده گرفت. در حدود ۱۳۱۳ ق به تهران آمد و عضو انجمن ادب شد و در یکی از قصاید خود که آن را «قصیده‌ی انجمنیه» نامیده، نام شاعران آن زمان تهران را که عضو انجمن بوده‌اند، آورده است. از استادان وی می‌توان، آخوند ملاـ محمد کاشانی، میرزا محمد باقر چهارسویی و میرزا ابوالحسن جلوه را نام برد. او در خط شاگرد میراز عبدالرحیم افسر بود، اما در شیوه‌ی خط مدتها از روی خط میرعماد و محمد صالح و آقا محمد باقر سمسوری و رضا قلی ادیب شیرازی مشق می‌کرد، تا خود صاحب شیوه‌ای ممتاز گردید. در کتیبه‌نویسی هم مهارتی بسزا داشت و نمونه‌ی کتیبه نویسیهای او در مسجد رکن‌الملک تخت فولاد و مسجد آخوند ملا محمد حسین کرمانی و سرای ملک در بازار شاه اصفهان و غیره به یادگار مانده است و از خطوط چاپی او هم دو اثر باقی است: یکی «ترجیع بند» عرفانی خود اوست و دیگر چند قصیده و قطعه، از خود او که در اثناء و پایان «دیوان» پدرش، همای شیرازی ، در ۱۳۳۰ ق به چاپ رسیده است. طرب علاوه بر کتابت گوناگون، در مرکب‌سازی و ساخت جوهر قرمز دانه و حل‌کاری و طلاسازی و زرافشان کردن کاغذها و نیز در شناختن خطوط اساتید نستعلیق و تقویم قطعات و مرقعات و کتب نفیسه مهارت بسیار داشت و از وی «دیوان» شعری به جای مانده است. وی در اصفهان وفات یافت و در صحن امامزاده احمد، در جوار مزار پدرش، به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار ملی اصفهان (۵۹۳، ۴۱۱ -۴۱۰)، احوال و آثار خوشنویسان (۸۵۶ -۸۵۳ / ۳)، احوال و آثار نقاشان (۱۰۹۳ / ۳)، اطلس خط (۵۸۰)، تاریخ اصفهان (۱۰۴ -۱۰۳)، تذکره القبور (۴۰۰ -۳۹۹)، حدیقه الشعراء (۱۱۱۲ -۱۱۱۰ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۲۴ -۵۲۱ / ۳)، دویست سخنور (۲۲۰ -۲۱۷)، الذریعه (۶۴۶ / ۹)، شرح حال رجال (۱۲ -۱۱ / ۶)، فرهنگ سخنوران (۵۸۸)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۸۳۵، ۸۱۶ -۸۱۲، ۸۱۰ -۸۰۸، ۶۷۶)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۱ -۶۰۰ / ۶).

طرب مرودشتی شیرازی، محمد رفیع

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۲ ق)، شاعر، متخلص به طرب. وی پس از پدر ضابط مرودشت شد و در طول حیات حکومت آن حدود را داشت و مدتی نیز ممیز کازرون شد. از اوست:

ز بیم انتقام وصل یار از هجر خشنودم

که نتواند فلک یک لحظه هرگز با منت بیند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۱۱۴ -۱۱۱۲ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۲۸ -۵۲۴ / ۳)، الذریعه (۶۴۶ / ۹)، سفینه المحمود (۵۳۵ -۵۳۴ / ۲)، فارسنامه ناصری (۱۵۵۳ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۵۸۸)، مجمع الفصحا (۷۲۹ -۷۲۸ / ۵)، مرآت الفصاحه (۳۷۸ -۳۷۷)، مصطبه‌ی خراب (۱۲۱ -۱۲۰)، مکارم الآثار (۱۶۹۵ -۱۶۹۴ / ۵).

طرب نایینی اصفهانی، محمد جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. در اصفهان به دنیا آمد. وی در نزد ملا محد علی عقدایی یزدی علوم عربی و ادبی و تفسیر آموخت و علوم عقلی را نزد ملا اسماعیل واحدالعین تحصیل کرد و از محضر ملا ولی‌الله هزار جریبی و آقا محمد کاظم واله نیز تحصیل کمالات کرد. در ۱۲۲۵ ق به تهران آمد و کتابی بر سیاق «تاریخ وصاف» یا «وصاف الحضره» نوشت. سپس از ملازمان محمد ولی میرزا، پسر فتحعلی شاه، حکمران یزد، شد و در دیوان انشاء وی ریاست یافت. آثار وی: «دیوانی» مشتمل بر نظم و نثر عربی و فارسی و ترکی موسوم به «خزینه‌ی طرب» که در سه حقه است و هر حقه محتوی پنج عقد که به تقلید «گنجینه‌ی» نشاط اصفهانی ترتیب داد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۲۱۱ -۲۰۳)، تذکره القبور (۳۹۹)، حدیقه الشعراء (۱۱۱۶ -۱۱۱۴ / ۲)، الذریعه (۶۴۶ / ۹ ، ۱۵۹ -۱۵۸ / ۷)، لغت‌نامه (ذیل/ طرب نایینی)، مجمع الفصحا (۷۱۷ -۷۱۴ / ۵).

طرزی افشار

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۶۰ ق)، شاعر. اصل وی از طرزلو قریه‌ای در دو فرسخی ارومیه بود و از شاعران عهد شاه‌صفی اول و شاه عباس ثانی (۱۰۷۷ - ۱۰۵۲ ق). طرزی در سخنوری طرز خاصی داشت، بدیعه‌گو و ظرافت جو بود و در اشعار خود مصادر و ترکیب‌های جعلی به کار می‌برد. طرزی سفرهایی به قم، اصفهان، ترکستان، عراق، عربستان و مازندران داشته است. به گفته‌ی بعضی تذکره‌نویسان در ۱۷ ربیع‌الاول ۱۰۶۰ ق، روز تولد رسول اکرم (ص)، در نجف بوده است. از سال و محل مرگ او اطلاعی نیست.از جمله آثارش: «دیوان» شعر.[۱]

شاعر ایرانی (قر. ۱۱ ه.) و معاصر شاه صفی و شاه عباس دوم، وی از ایل افشار و مولدش قریه طرزلو (ارومیه رضائیه) بود و در دربار مقامی ارجمند داشت. طرزی به اصفهان عربستان، ولایات شمال قفقاز و غیره سفر کرد و گویا سفری به روم و ممالک فرنگ هم کرده (در ربیع‌الاول ۱۰۶۰ ه.ق. در نجف بوده). در سخنوری سبکی خاص داشت، و بدیع گو و ظرافت جو بود. در اشعار خویش مصدرها و صیغه‌های جعلی بسیار استعمال کرده. دیوانش به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تذکره‌ی روز روشن (۵۰۰)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۳۵۸ -۳۵۰ / ۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۰۹ -۴۰۸)، دانشمندان آذربایجان (۷ / ۲۴۶ -۲۴۵) دایره‌المعارف فارسی (۱۶۲۳ / ۲)، الذریعه (۶۴۷ / ۹)، ریحانه (۵۰ -۴۹ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۵۸۸)، مجمع الفصحا (۴۵ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۵ -۵۹۴ / ۳).

طرزی شیرازی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۲ ق)، شاعر. معروف به میر طرزی طراح. وی از جمله سادات شیراز بود که به تصویرگری اشتغال داشت و دکانش مجمع شعراء بود. در شعر از طریقه‌ی بابافغانی پیروی می‌کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۵۰۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۲۸ / ۳)، الذریعه (۶۴۷ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۸۸)، مرآت الفصاحه (۳۸۰ -۳۷۹).

طرسوسی اصفهانی، ابوجعفر محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۹۵ -۵۰۲ ق)، مسند، محدث و فقیه حنبلی. وی از ابوعلی حداد و یحیی بن منده و محمد بن طاهر و محمد بن عبدالواحد دقاق و محمود بن اسماعیل اشقر و ابی‌نهشل عبدالصمد عنبری حدیث شنید. ابوموسی عبدالله بن عبدالغنی و یوسف بن خلیل و گروهی

دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. او به احمد بن ابی‌الخیر اجازه روایت داد. در «العبر»، صاحب عنوان تحت نام طرطوسی آمده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۲۴۶ –۲۴۵ / ۲۱)، شذرات الذهب (۳۲۱ –۳۲۰ / ۴)، العبر (۱۱۲ / ۳)، النجوم الزاهراه (۱۳۸ / ۶).

طرفه، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی طرفه

محل تولد : دشت آزادگان

شهرت : طرفی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۷/۱۰

حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی طُرفه مشهور به شیخ علی طُرفی ۱– نسب ۲– معرفی نیای پدری ۳– زندگینامه ۱– نسب شیخ علی طرفی حاتم طایی شخصیت معروف تاریخ که به بخشش و کَرَم مشهور است از دیار یمن است. و از عشیره بزرگ طِیّ. فرزند او عدی بن حاتم از یاران خاص پیامبر اسلام و امیرالمومنین بود. عدی سه پسر داشت به نام های طُرفه، طارف و طریف که هر سه در جنگ صفین در رکاب امام خود به دست سپاه معاویه به شهادت رسیدند. داستان ایمان آوردن عدی، تعریف کم نظیر پیامبر از او و همچنین داستان هایی که از فداکاری ها و ارادت او و فرزندانش نسبت به خاندان عصمت و طهارت خبر می دهند بسیار است. خانواده عدی پس از اسلام آوردن به خدمت پیامبر مکرّم اسلام به مدینه آمدند و پس از دوره حیات ظاهری ایشان و در دوره حکومت امیرالمومنین به کوفه هجرت کردند. عشیره بزرگ بنی طُرُف که از بنی طِیّ هستند اکنون در یمن، عراق و جنوب خوزستان زندگی می کنند. حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی طُرفی (طُرفی) فرزند مرحوم آیت الله حاج شیخ عیسی طرفی از همین عشیره اند. از افتخارات این خانواده همین بس که همه اجداد آنان از بزرگان و علمای مخلص و مجاهدند و به ارادت به اهلبیت و مردمی بودن شهره اند.. ۲– همه قبیله من عالمان دین بودند... حاج شیخ علی طرفی فرزند شیخ عیسی فرزند شیخ سالم فرزند شیخ محمد... آیت الله حاج شیخ عیسی طرفی از فقهای مجاهد و بزرگ خوزستان است. ایشان در جوانی به عشق معارف اهلبیت علیهم السلام به نجف اشرف هجرت کردند و نزدیک به۲۰ سال از عمر پر برکتشان را صرف تحصیل علوم حقه شیعه کردند. آیت الله طرفی پس از کسب اجازه اجتهاد و به درخواست مردم دیار خود و دستور مراجع عظام نجف به ایران بازگشتند و به ارشاد اهالی خوزستان پرداختند. ایشان از سال ۴۱ با حضرت امام آشنا شده و به نهضت پیوستند. حاج شیخ عیسی طرفی نماینده حضرت امام و اولین امام جمعه دشت آزادگان و امام جمعه موقت آبادان بودند. محبوبیت ایشان میان مردم عرب و عجم خوزستان زبانزد است. شیخ سالم پدربزرگ حجت الاسلام شیخ علی طرفی از بزرگان و عالمان مجاهد و مردمی بوده است که در واقعه معروف جهاد عشایر بنی طرف علیه غاصبان انگلیسی حضور داشته است. شیخ محمد پدر شیخ سالم از علمای بزرگ و مخلص و صاحب کرامت بوده است. در سفری که به زیارت حضرت امام رضا علیه السلام میرفته، به سختی بیمار می شود و حضرت را در راه زیارت کرده و از ایشان شفا می گیرد. و با مرکبی که حضرت به ایشان عطا فرموده بودند راه طولانی مشهد را در اندک زمانی با طیّ الارض می پیماید. مقبره ایشان در دشت آزادگان واقع در همیلی نزدیک مقبره سید خلف است. ۳– نگاهی کوتاه به زندگی روحانی مبارز و رزمنده بسیجی، نماینده امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (دام ظله) و امام جمعه دشت آزادگان (سوسنگرد، بستان و هویزه) ما زنده از آنیم که آرام نگیریم موجیم که آسودگی ما عدم ماست حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی طُرفی (طُرفه) دهم مهرماه سال ۱۳۲۸ دیده به جهان گشود. پدرش علامه مجاهد حضرت آیت الله حاج شیخ عیسی طُرفی از علمای خوزستان و یاران حضرت امام بودند که از ابتدای نهضت حضرت امام (ره) ضمن ارتباط مستمر با ایشان، به مبارزه با رژیم شاهنشاهی پرداختند و بارها از سوی ساواک مورد بازجویی قرار گرفتند. پس از انقلاب از سوی حضرت امام خمینی(ره) به عنوان نماینده در آبادان، سوسنگرد، بستان و هویزه انتخاب شدند. حاج شیخ عیسی طُرفی دوشادوش رزمندگان اسلام در خط مقدم جبهه حاضر می شدند و با سخنرانی های پرشور خود در دل های بسیجیان شوق مجاهدت و ایثار در راه خدا را افزون می کردند. ایشان سرانجام در سال ۶۱ بر اثر عارضه قلبی به ملکوت اعلی پیوستند و به وصیت خودشان در میان شهدای جنگ در گلزار شهدای اهواز به خاک سپرده شدند. حجت الاسلام حاج شیخ علی طُرفی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را تا دوم دبیرستان در آبادان سپری کرد و سال های پایانی دبیرستان را در سوسنگرد به آخر رساند. از خاطرات شیرین ایشان در سنین نوجوانی، ملاقات با حضرت امام خمینی (ره) به همراه پدرشان است. در این باره چنین می گویند: اولین بار سال ۴۱ به همراه مرحوم والد با حضرت امام رضوان الله تعالی علیه در بیت ایشان واقع در محله یخچال قاضی قم ملاقات کردم. چهره امام و بیان ایشان چنان جذاب و زیبا بود که مجذوب ایشان شدم. من در آن زمان ۱۳ساله بودم و همان ملاقات در روح و جان من تأثیر عمیقی گذاشت به طوری که عاشق امام و سخنان و خط مشی انقلابی ایشان شدم. به گفته حجت الاسلام طُرفی، از همان زمان که مرحوم آیت الله حاج شیخ عیسی طُرفی با امام در شهر مقدس قم ملاقات کردند، خانه ایشان کانون گرم انقلاب و سیره امام، الگوی جاویدان زندگانیشان شد. این سیره عملی از آغاز نهضت مقدس حضرت امام تا مرحله پیروزی و تا به امروز تداوم دارد. وی پس از اخذ دیپلم، برای گذراندن دوره نظام وظیفه به شهرهای تهران، کرمان و شیراز اعزام شدند و پس از طی دوران خدمت سربازی، حدود سال ۱۳۵۰ جهت تحصیلات حوزوی به

شهر مقدس قم هجرت کرد. اوج فعالیت انقلابی حجت الاسلام طُرفی از زمان شروع نهضت و در دوران طلبگی در شهر مقدس قم متبلور گردید. در آن زمان ضمن تماس و ملاقات با عده ای از پیروان و شاگردان حضرت امام و منتسبین به بیت شریف ایشان از جمله: آقای اعرابی داماد امام، به مبانی نهضت امام آگاهی یافته و خود یکی از مبلّغین و مروّجین آن شد و با شرکت در راهپیمایی ها و پخش اعلامیه و... به انجام وظایف انقلابی پرداخت. در سال های ۵۶ و ۵۷ به منظور آگاهی بخشی به مردم مانند رساندن اعلامیه و نوار سخنرانی های انقلابی، به صورت مستمر به شهرهای خوزستان به ویژه آبادان سفر می کردند و در مساجد، مجالس، محافل و نشست های سرّی با ایراد سخنرانی، آخرین مواضع انقلاب را تبیین می کردند. اهم فعالیت های ایشان در سال های قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی را مرور می کنیم: · شرکت در راهپیمایی ها، از جمله شرکت در اولین راهپیمایی انقلابی ۱۹ دی قم. · تهیه نوارهای سخنرانی و اعلامیه های انقلابی و ارسال آن ها به آبادان و سایر شهرها. · تهیه وسائل تکثیر اعلامیه و ارسال آن به آبادان · تشکیل جلسات آموزش قرآن کریم برای جوانان در در آبادان و آگاهی بخشی انقلابی در خلال جلسات. · سخنرانی های انقلابی در مساجد و محافل مردمی. · سازماندهی و راه اندازی راهپیمایی در مناطق شهری و روستایی. · تسخیر رادیو تلویزیون آبادان در ابتدای انقلاب. حجت الاسلام طُرفه پس از انقلاب وظایف انقلابی خود را پی گرفت. برخی از این فعالیت ها چنین است: · تشکیل ستاد عشایر آبادان و نظارت بر کمیته های محلی که مشتمل برکمیته های مهم مرزی اروندرود بود. · حل مشکلات اجتماعی و اختلافی با تشکیل کمیته ای به نام کمیته حل اختلاف که جایگزین برخی از شعب دادگستری به صورت موقت بود. · مبارزه با قاچاق. · مبارزه با گروهک های منافق و کمونیست و انهدام پایگاه های آنان که به عناوین مختلف از قبیل چریک های اقلیت و اکثریت در آبادان فعالیت داشتند. · مدیریت رادیو نفت ملی آبادان. · تشکیل مجمعا لخطبای آبادان. · تشکیل مجمعا لشعرای آبادان. · تأسیس مرکز الثقافی (مرکز فرهنگی) آبادان. · راه اندازی محافل شعر و ادب انقلابی به زبان عربی و ضبط و پخش آن از صدا و سیما. حاج شیخ علی طُرفی در مدت هشت سال دفاع مقدس و غیورانه از مرزهای ایران عزیز، دوشادوش رزمندگان حضوری آگاهانه داشتند. پارها ی از فعالیت های ایشان در سال های دفاع و پس از آن چنین است: · حضور در جبهه ها از اولین روز شروع جنگ تحمیلی تا پایان آن به عنوان نیروی رزمی و فرهنگی در رادیو و کمیته انقلاب اسلامی · بیش از ۱۲ سال نماینده حضرت امام و رهبری و امام جمعه دشت آزادگان (سوسنگرد، بستان و هویزه). · تهیه سلاح و مهمات جنگی و تدارک نیازمندی های جبهه رزمندگان عشایر آبادان. · حضور مستمر درخطوط مقدم نبرد. · رئیس ستاد پشتیبانی جنگ دشت آزادگان و تهیه و ارسال کمک های مردمی برای رزمندگان اسلام. · نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سوسنگرد، بستان و هویزه. · نماینده جامعه روحانیت در بنیاد مسکن. · رئیس جمعیت هلال احمر دشت آزادگان. · رییس ستاد اعزام روحانیون به جبهه دشت آزادگان. · سرپرست امور فرهنگی جهادسازندگی آبادان در دوران جنگ. سایر سوابق و مسئولیت های علمی، فرهنگی و سیاسی حجت الاسلام طُرفی: · بیش از ۳۰ سال تحصیل و تدریس در حوزه های علمیه و همچنین افتخار تلمذ سطوح نزد استادانی چون: مدرس افغانی، تهرانی، سید علی علوی، شیخ حسین قطیفی، بحث خارج نزد آیات عظام مرحوم میرزا جواد تبریزی، مکارم شیرازی، سید کاظم حایری. · بنای بیش از ۴۰ باب مسجد و بنای حوزه علمیه و مصلای دشت آزادگان. · مسئول بخش عربی رادیوهای استان خوزستان. · مسئول بخش عربی صدای سپاه پاسداران استان خوزستان. · سرپرست اداره اوقاف و امورخیریه آبادان. · رئیس شورای حل اختلاف دادگستری آبادان. ایشان صاحب تألیفات متعددی هستند که از آن جمله کتاب «آبادان در تاریخ اسلامی» و «مساجد آبادان» به چاپ رسیده است. و تألیفات دیگرشان از جمله «طیّ قبیله المؤمنه»، «نامه ی امام جعفر صادق علیه السلام به دولتمردان» ، «الزرع و الزراعه» و «الاخلاق الاسلامی»، «دیوان اشعار عربی و فارسی» در شرف چاپ هستند. و آخر دعوانا أن الحمد لله ربّ العالمین و الصّلاهٔ و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا أبی القاسم محمّد و علی أهل بیته الطّیبین الطّاهرین المعصومین المنتجبین و اللّعن الدّائم علی أعدائهم أجمعین إلی یوم الدین.

طرفه‌ی محلاتی، فرج‌الله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به طرفه. ملقب به خازن الاشعار. اصلش شیرازی و برادر بزرگ حبیب‌الله خاقانی است. در طفولیت، پدر آنها از شیراز به محلات رفت و متوطن شد. میراز فرج‌الله در آنجا به کسب علم و هنر پرداخت و از علوم متداول زمان خود بهره‌ها برد و در خط نستعلیق سرآمد گردید. پس از چندی به تهران آمد و هنگامی که بهمن میرزا به ایالت آذربایجان می‌رفت، به ملازمت او گماشته شد و عهده‌دار دیوان رسایل گردید. سپس به تهران بازگشت و جزو مداحان ناصرالدین شاه شد چون اشعار شاه را به خط خوش گردآورد ملقب به خازن‌الاشعار گردید. وی هنگام تألیف «مجمع الفصحا» (۱۲۸۸ ق) هنوز می‌زیست و در زمان تألیف «المآثر و الآثار» (۱۳۰۶ ق) در گذشته شود. از آثار وی: تذکره‌ای به نام «خازن الاشعار» که به دستور ناصرالدین شاه کتابت کرده است؛ «دیوان» شعر و قطعه‌ای به قلم چهار دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم: «مشقه العبد فرج‌الله» که احتمالا به خط او است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۶۹ / ۲)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۲۱۹ -۲۱۴ / ۱)، حدیقه الشعراء (۱۱۲۱ -۱۱۱۸ / ۲)، الذریعه (۶۴۸ / ۹)، شرح حال رجال (۱۷۸ -۱۷۷ / ۶)، فرهنگ سخنوران (۵۸۹)، گنج شایگان (۷ /۳۳۹ -۳۳۱) لغت‌نامه (ذیل/ طرفه‌ی محلاتی)، المآثر و الآثار (۲۰۶ -۲۰۵)، مجمع الفصحا (۷۱۸ -۷۱۷ / ۵)، مرآت الفصاحه (۳۸۱ -۳۸۰)، مؤلفین کتب چاپی (۸۰۵ / ۴).

طرقی اصفهانی، ابوالعباس احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۲۱ ق)، فقیه، اصولی، حافظ و محدث. وی از اهالی طرق از روستاهای اصفهان است. در فقه و اصول و ادب و نویسندگی مهارت داشت. وی در اصفهان از عبدالوهاب بن منده و مطهر بن عبدالواحد بزانی و عثمان بن محمد محمی و در هرات از ابواسماعیل انصاری و در بغداد از ابوالقاسم بن بسری و در بصره از ابوعلی تستری و در اهواز ابوسعید اهوازی و همطبقه آنان حدیث شنید. ابوالعلاء احمد بن محمد اصفهانی و ابوالفرج عبدالخالق بن احمد از وی حدیث شنیدند. او را تصانیف نیکوئی بوده است. سمعانی گوید گه وی در «قدم ورح» تصنیفی داشته است. ابن‌النجار کتاب «اللوامع فی اطراف الصحیحین» را از جمله کتابهای زیبای وی ذکر کرده است. ابن‌حجر کتاب «اطراف الکتب الخمسه» را از جمله تصنیفات وی می‌داند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۶۳ / ۴)، سیر النبلاء (۵۲۹ -۵۲۸ / ۱۹)، لسان المیزان (۲۱۴ -۲۱۳ / ۱)، معجم المؤلفین (۱۸۱ / ۱)، الوافی بالوفیات (۲۸۲ / ۶).

طریقه دار، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالفضل طریقه دار

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

به سال۱۳۳۷ شمسی در قم به دنیا آمد تحصیلات خود را در رشته ادبیات تا پایان دبیرستان در همین شهر به پایان رساند در مهر ماه سال ۱۳۵۷ در رشته ی فلسفه به دانشگاه شهید بهشتی (ملی سابق) راه یافت و یک سال هم در دانشگاه تهران به تحصیل مشغول شد و از محضر اساتیدی همچون دکتر محمد علی شیخ ، دکتر غلامرضا اعوانی، دکتر حسین الهی قمشه ای ، دکتر رضا داوری ، دکتر عبد الکریم سروش، دکتر ابراهیمی دینانی سود برد. حدود چهار سال در دبیرستان های علوم و معارف اسلامی تدریس کرد. در سال۱۳۶۳ علوم دینی را در حوزه علمیه قم به طور آزاد و از سر علاقه آغاز کرد و از محضر اساتیدی چون آیت الله مدرس افغانی ، آیت الله شیخ علی صفائی و اساتید دیگر بهره برد. آشنایی با علوم دینی و چگونگی استنباط احکام از منابع ، شناخت حدود مرزها، تاریخ تطور و ضرورت فایده دانش های دینی مثل منطق ، اصول فقه ، رجال ، درایه ، فقه و حدیث و غور و بررسی منابع و چگونگی حجیت آنها برای ایشان جذاب بود لذا با مطالعات پی گیر در طول دو سال موضوع متدلوژی اجتهاد را پی گیری و ثمره کار خود را در اثری به نام «آشنایی با روش اجتهاد» گرد آوری کرد. وی در کنار مطالعه و پژوهش به کار نگارش و ویرایش همت گماشت و از طریق مرکز نشر دانشگاهی در تهران با ویرایش فنی آشنا شد. در این فن از محضر اساتیدی همچون احمد سمیعی (گیلانی) ، پرویز شیخ کریمی ، بهاء الدین خرمشاهی و ابوالحسن نجفی بهره برد در سال ۱۳۶۶ به ویرایش آثار «موسسه در راه حق» پرداخت سپس در سال ۱۳۶۷ سر ویراستار انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم گردید آنگاه به پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی آمد و از سال ۱۳۶۸ تا۱۳۸۵به مدت هفده سال سر ویراستار آنجا بود. اکنون سر ویراستاری موسسه چاپ و انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی (موسسه بوستان کتاب) را بر عهده دارد. کتاب «انواع ویرایش» در ۴۰۰ صفحه وزیری و «شیوه نامه بوستان» در ۲۰۰ صفحه حاصل تجربه و تدریس ایشان در مقوله ویرایش است. وی به آموزش و تربیت ویراستاران زیادی در حوزه علمیه قم همت گماشته که معمولاً در مراکز پژوهشی قم به کار مشغولند. ایشان غیر از ویرایش به پژوهش نیز علاقه ی فراوان دارد و کتاب های مختلفی در زمینه معارف اسلامی از ایشان منتشر شده است

طسوجی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۳۲ / ۱۲۲۹- شهادت ۱۲۵۸ ق)، عالم دینی، مفسر، محدث، ادیب و شاعر. نسبتش به طسوج آذربایجان می‌رسد. در کربلا به دنیا آمد. مادرش دختر علی مرادخان زن بود. نیای بزرگش ملا عبدالنبی طسوجی از نوابغ علما در دولت زندیه بود. در کربلا نشوونما یافت و مقدمات علوم را فراگرفت. در ۱۲۵۴ ق برای تحصیل، سفری به اصفهان کرد و در ۱۲۵۷ ق به نجف بازگشت و در محضر

بحث و درس شیخ انصاری حاضر شد. وی از دانشمندان بزرگ از شاگردان بنام شیخ مرتضی انصاری بود. او در قضیه‌ی نجیب شاپا در کربلا شهید شد. در شهادتش مرثیه سروده شد و ماده تاریخش «شد شهید اشقیا افسوس وی» بود.از آثار وی: کتاب «کشکول»؛ حواشی متفرقه بر «ریاض»؛ «تفسیر»، ناتمام؛ حاشیه بر «تفسیر» بیضاوی؛ «الرحله الی الحجاز» یا «سفرنامه‌ی حجاز»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشعیه (۳۹ / ۳)، ریحانه (۵۶ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۷ / ۱۳)، مکارم الآثار (۸۵۹ / ۳).

طسوجی، جلیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجهٔالاسلام والمسلمین آقای حاج سید جلیل ملکی طسوجی از افاضل علماء معاصر حوزه علمیه قم می‌باشند ایشان تحصیلات سطوح را در طسوج در خدمت برادر بزرگوارش آقای آقا سید علی‌اکبر و در شبستر در خدمت مرحوم حاج میرزا کاظم آقا شبستری انجام داده و سپس به قم مهاجرت و تا حال حاضر از محضر آیت‌اللّه شریعتمداری استفاده می‌نماید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طسوجی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین موسوی طسوجی دارای پنج فرزند عالم به نامهای زیر که از علماء و دانشمندان معاصر حوزه علمیه قم محسوب می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طسوجی، عبدالنبی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۰۳ –۱۱۱۷ ق)، فقیه، اصولی، ریاضیدان، ادیب و شاعر. پدر وی بنا به روایتی اوجاق قلی از نوادر عهد شاه سلطان حسین صفوی بود. ملاعبدالنبی در خوی متولد شد. علوم عقلیه، فنون عربیه و ادبیه را در لاهیجان نزد سید محمد لاهیجانی فراگرفت. به مشهد رفت و نزد ملارفیع گیلانی علوم فقه و اصول و ریاضی و معقول را تکمیل نمود. سپس به نجف رفت و در آنجا ساکن شد. میرزا حسن در فوت او ماده تاریخی سروده بود. از جمله آثار وی: «تفسیر قرآن»؛ «شرح نهج‌البلاغه»؛ «حاشیه‌ی تفسیر تونی»؛ «شرح معانی الاخبار»؛ «الردعلی نواقض الرافض»؛ «تحفهٔ السالکین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۲۶ /۸)، دانشمندان آذربایجان (۲۶۷)، الذریعه (۱۳۴، ۱۴/ ۷۲، ۱۴/ ۲۳۳، ۱۰/ ۲۸۱، ۴/)، ریحانه (۵۷ –۵۶ /۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۴ /۶)، معجم المؤلفین (۲۰۱ /۶)، مکارم الآثار (۱۵۱ –۱۵۰ /۱).

طسوجی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی طسوجی از علماء و دانشمندان متقی و پارسای معاصر مقیم مشهد مقدس‌اند. در حدود ۱۳۲۵ قمری در یکی از روستاهای طسوج به نام دیزج متولد شده و پس از پرورش مقدمات را در شهر طسوج خوانده سپس مهاجرت به مشهد رضوی نموده و در آنجا از محضر و درس آقایان که از آنها مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حبیب‌اللّه ملکی تبریزی استفاده نموده و پس از چند سال به زادگاه خود مراجعت و مدتی در شهر طسوج به اقامه نماز جماعت و سایر خدمات دینی و روحی پرداخته و چندی هم در شهرستان خوی اقامت نموده و بعداً مشرف به نجف اشرف و از آیات عظام آن سامان چون مرحوم آیت‌اللّه حکیم و آیت‌اللّه خوئی و آیات دیگر استفاده نموده تا در سال ۱۳۹۴ قمری که برای کسالت و پاره‌ای از جهات به ایران برگشته و اقامت مشهد مقدس را انتخاب و اکنون در جوار سلطان سریر ارتضا حضرت امام ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه‌السلام انتخاب و به افاضه و افاده و استفاضه از مراحم رضوی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

طسوجی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد موسوی طسوجی عالم مطلق آن سامان و مورد توجه دولت و ملت و دارای برادری به نام آقا سید مرتضی موسوی مقیم اسلامبول بوده است.

مرحوم آقا سید محمد دو فرزند به نام آقا سید آقا موسوی و حاج سید عبداللَّه داشته که هر دو از علماء بزرگ عصر خود بوده‌اند.

اما- حاج سید عبداللَّه مرحوم که دانشمندی بزرگوار بود دارای سه فرزند عالم به اسامی زیر بوده است.

۱- مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید حبیب که از شاگردان میرزاء بزرگ شیرازی و رفقاء درس و بحث مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری یزدی بوده.

۲- مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین آسید هاشم که از علماء بزرگ شهرستان خوی و دارای تالیفات عدیده بوده که در باب خوی در جلد پنجم ذکرش گذشت.

۳- مرحوم ثقهٔالاسلام آقا سید مهدی که در جوانی در شهرستان مرند در ضمن اشتغال به تحصیل دار فانی را وداع نمود اما مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین آقا سید آقا که عالمی جلیل‌القدر و مسلط در فروعات فقهیه بوده دارای پنج فرزند به نامهای زیر:

۱- آقا سید احمد ۲- آقا سید اسداللَّه (که دارای کرامات باهرات بوده) ۳- آقا سید محمد ۴- آقا سید علی ۵- آقا سید حسین که اهل منبر و وعظ بوده و برادران مذکورش تمامی از علماء محترم و ائمه جماعت بنام طسوج بوده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طسوجی، ملک

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ملک موسوی که جامع معقول و منقول و دارای علوم غریبه بوده و در حدود سال ۱۳۵۲ قمری در طسوج وفات نموده و اکنون قبرش مزار مردم آن سامانست.

سید ملک ملکی (طسوجی) از علماء و ائمه جماعت معاصر شیراز است.

وی در بیت علم و فضیلت دیده به جهان گشوده و پس از پرورش و خواندن اولیات و مقدمات و قسمتی از سطوح به قم مهاجرت و سطوح را از مدرسین حوزه تکمیل و به درس خارج آیات عظام حوزه بالاخص آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه. العظمی شریعتمداری و آیت‌اللَّه العظمی خمینی شرکت و از خرمن علوم آنان استفاده و بهره‌های کافی برده و پس از رحلت آیت‌اللَّه بروجردی منحصراً از درس و بحث آقای شریعتمداری بهره‌مند شده تا در سال ۱۳۹۴ قمری که حسب‌الامر معظم له به شیراز عزیمت و در مسجد امام حسین (ع) (خیابان شاه شیراز) به اقامه جماعت و گفتن درس تفسیر و سایر خدمات دینی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب آقای ملکی که داماد عموی گرامش حجهٔالاسلام والمسلمین حاج سید عباس ملکی طسوجی است. از افاضل وارسته این بیت است مرحوم والدش آیت‌اللَّه آقا سید ملک موسوی طسوجی از علماء بزرگ و بنام طسوج بودند و در حدود سال ۱۳۵۲ قمری وفات و اکنون قبرش مزار مردم آن سامانست.

و برایش مقبره‌ای بنا و فرزند برومند و بزرگش آیت‌اللَّه آقای حاج سید محمد جمال که از علماء اعلام نجف و شاگردان مبرز مرحوم آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و غیرهما می‌باشند مرتجلا در مدفن والد ماجد خود دوبیتی انشاد نموده و به کاشی بالای درب مقبره‌اش کتیبه شده است که در اینجا می‌نگارم.

زر جمال‌الدین فی هذا المقام

فهو للاسلام قد کان امام

فاراد اللَّه ان یرفعه

فزهی کالنجم فی وادی‌السلام

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طغانشاه

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. ملقب به عضدالدین. وی از حاکمان خراسان بود که پس از سلطان سنجر سلجوقی بر خراسان مستولی شد و از سال ۵۶۹ تا ۵۸۱ ق در نیشابور حکمرانی کرد. کافرک و ظهیر فاریابی از معاصران وی بودند و ظهیر وی را مدح گفت.[۱]

ابن مؤید آی‌آبه (آی‌آبه). وی بعد از سلطان سنجر بر خراسان استیلا یافت (۵۵۱ -۵۶۹ ه.ق) مقر فرمانروایی او نیشابور بود. باید دانست که او از خاندان سلجوقی نبوده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۷۵۴، ۷۵۳، ۷۵۲، ۷۵۱ / ۲)، تذکره‌ی روز روشن (۵۰۱)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۲۵ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۵۸۹)، لباب الالباب (۴۸ -۴۶ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ طغانشاه).

طغرای مشهدی، طغرا

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر و نویسنده. وی از شاعران و نویسندگان پرکار و خوش فکر عهد صفویه است که از ایران به هندوستان مهاجرت کرد و چندی ملازم شاه جهان (۱۰۶۹ -۱۰۳۷ ق) بود. در نثرنویسی دستی توانا داشت و شیوه‌ای خاص ابداع کرد که مورد پسند فارسی‌زبانان هندوستان قرار گرفت و رسایل منثور او مدتها جزو کتاب‌های درسی دبستانی آن سامان بود. ایراد عمده‌ی وارد بر وی این است که بدون دلیل به هجو شاعران خوشنام زمان خود زبان گشوده. طغرا با شاهزاده محمد مراد در ۱۰۵۷ ق در معرکه‌ی بلخ و تسخیر آن همراه بود و بعد به کشمیر رفت و در آنجا ساکن شد. وی آخر عمر در کشمیر عزلت گزید تا درگذشت و در مزار الشعرا در جوار کلیم به خاک سپرده شد. از آثارش: «دیوان» شعر، قریب ده هزار بیت؛ منشآت شامل: «فردوسیه»؛ «تاج المدایح»؛ «الهامیه»؛ «مرآه الفتوح»؛ «تجلیات»؛ «کنز المعانی»؛ «مرتفعات»؛ «مجمع الغرایب»؛ «معایر الادراک»؛ «چشمه‌ی فیض»؛ «وجدیه»؛ «پریخانه»؛ «کلمه الحق»، که اغلب آنها چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۷۴ -۱۷۷۰ / ۵)، تذکره‌ی پیمانه (۲۸۹ -۲۷۷)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۴۰۳ -۴۰۲ / ۲)، تذکره‌ی شعرای کشمیر (۷۶۶ -۷۳۰ / ۲)، تذکره‌ی میخانه (۸۲۴)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۴۰ -۳۳۹)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۲۶ / ۲)، الذریعه (۳۲ -۳۱ / ۲۳ ،۶۴۹ / ۹)، فهرست‌واره‌ی کتابهای فارسی (۱۸۷ / ۱)، کاروان هند (۸۱۸ -۸۱۳ / ۱)، گلزار جاویدان (۸۵۱ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ صغرا)، مطلع الشمس (۴۳۷ / ۲)، منظومه‌های فارسی (۳۸۰)، نتایج الافکار (۴۴۲ -۴۴۱).

طغرایی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. اصلش قزوینی است و شهرت وی به طغرایی از آن روست که طغرای مناشیر و احکام را بسیار خوب می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گلستان هنر (۴۴).

طغرایی اصفهانی، ابواسماعیل حسین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۵۳- شهادت ۵۱۸ / ۵۱۵ / ۵۱۳ ق)، شاعر، ادیب و نویسنده. ملقب به مؤیدالدین، عمید فخر الکتاب. معروف به طغرایی. وی از استادان بزرگ شعر و ادبیات عرب است که در خانواده‌ای که نسب خود را به ابوالاسود دؤلی می‌رسانید، در اصفهان تولد یافت. نسبت طغرایی به جهت اشتغال او به منصب طغرانویسی یا نگارش فرمان‌های رسمی حکومتی بود. ابتدای امر در نزد خواجه نظام‌الملک به سر برد و در قصاید خود او را مدح گفت. در ۵۰۵ ق دیوان طغرا و انشاء سلطان مسعود بن محمد بن ملک شاه سلجوقی به وی واگذار شد و در همین سال به سبب گرفتاری که در بغداد برای او پیش آمد، قصیده‌ی معروف «لامیه العجم» را سرود و همین قصیده از اسباب عمده اشتهار او در ادب عربی است. طغرایی در جنگی که میان سلطان مسعود با برادرش سلطان محمود، در نزدیکی همدان درگرفت، اسیر و به دست وزیر سلطان محمود به ناحق کشته شد. از دیگر آثار وی: «ارشاد الاولاد»؛ «ترکیب الانوار»؛ «جامع الامرار»؛ «حقایق الاستشهادات»؛ «ذات الفوائد»؛ «الرد علی ابن سینا»؛ «مفاتیح الرحمه و مصابیح الحکمه»؛ «دیوان» طغرائی.[۱]

(ع.) ابواسماعیل مؤیدالدین حسین بن علی اصفهانی از جمله فاضلان و ادیبان دوره سلجوقی (و. ۴۵۳- مقت. بین ۵۱۳ و ۵۱۶ ه.ق). وی وزارت مسعود بن محمد بن ملکشاه را داشت و مشیر و صاحب تدبیر او بود. او را دیوان شعری به عربی بوده است که قصیده معروف «لامیهٔ العجم» از جمله قصاید آن دیوان است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۶۸ -۲۶۷ / ۲)، اعیان الشیعه (۱۳۰ -۱۲۷ / ۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۳۹ -۱۰۳۸ / ۲)، تاریخ ادبیات زبان عربی (۵۲۴)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۲۶ / ۲)، الذریعه (۳۰۳ -۳۰۲ / ۲۱ ،۲۷۲ -۲۷۱ / ۱۸ ،۱۱۹ -۱۱۸ / ۱۷ ،۲۷۵ - ۲۷۴ / ۱۳ ،۶۴۹ -۶۴۸ / ۹)، روضات الجنات (۱۸۳ -۱۸۱ / ۳)، ریحانه (۵۹ -۵۷ / ۴)، سیر النبلاء (۴۵۵ -۴۵۴ / ۱۹)، شذرات الذهب (۴۳ -۴۱ / ۴)، شهیدان راه فضیلت (۸۷ -۸۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۰ / ۶)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۲۷)، کشف الظنون (۱۷۵۵ ،۱۵۳۷ ،۸۳۸ ،۸۲۱ ،۷۹۸ ،۶۷۲ ،۵۳۴ ،۳۹۴ ،۶۸)، الکنی و الالقاب (۴۵۰ -۴۴۹ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ حسین طغرائی، طغرائی، فخر الکتاب)، معجم الادباء (۷۹ -۵۶ / ۱۰)، معجم‌المؤلفین (۳۶ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۲۰ / ۲)، النجوم الزاهره (۲۲۰ / ۵)، الوافی بالوفیات (۴۳۹ -۴۳۱ / ۱۴)، وفیات الاعیان (۱۹۰ -۱۸۵ / ۲)، هدیه العارفین (۳۱۲ -۳۱۱ / ۱).

طغرائی، محمود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(امیر) محمود بن (امیر) یمین‌الـدین شاعر (ف. ۷۶۹ ه.ق). پـدر وی ترک بود و در روزگار سلطان محمد خدابنده در قصبه فریومد املاکی خریـد و متوطن شـد. فرزنـدش محمود در همانجا متولـد گردیـد. طغرائی معاصـر ملک معزالـدین ابوالحسن محمـد کرت و خواجه وجیه‌الـدین مسعود سربدار بود. آثـار او عبـارت از مجموعه مقطعـاتی است که غالب آنها دارای معانی فلسفی و اخلاقی و عرفانی است که به سال ۱۸۶۵ در کلکته به چاپ رسیده. در اشعار وی بدبینی خاصی مشاهده می‌شود.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

طغرل اصفهانی، علی محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۷ ق)، شاعر و خطاط. وی برادرزاده‌ی تاج الشعراء شهاب بود. صاحب «فرهنگ سخنوران»، تخلص شهاب را، تخلص اولیه طغرل ذکر کرده و شهاب اصفهانی را با طغرل اصفهانی یکی می دانـد. وی در همان اوایل جوانی پـدر و عمویش رااز دست داد. پس از آن چنـدی به مسافرت پرداخت و مدتی در شیراز و سپس در تهران اقامت گزید. او مدتی هم در اصفهان در دیوان خانه‌ی عدلیه در خدمت میرزا سلمان‌خان رکن الملک منشی بود. قمستی از اشعار وی در «حدیقه الشعراء» آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۱۲۲ -۱۱۲۱ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۵۸۹).

طغرل سلجوقی، رکن‌الدین ابوطالب

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۰۰ -۵۶۴ ق)، شاعر. وی آخرین پادشاه سلاجقه‌ی عراق است که بعـد از وفات پدر به سعی اتابک جهان پهلوان، در ۵۷۱ ق، به سلطنت رسید و تـا او زنـده بود منطقه قزوین در امن و رفاه بود. وی سـرانجام در جنـگ بـا سـلطان تکش کشـته شـد. در تـذکره‌ها آورده‌اند که طغرل طبع شعر داشته و اشعار فراوانی سروده که ابیاتی از آن در تذکره‌ها نقل شده است. از اوست:

دیروز چنان وصال جان افروزی

و امروز چنین فراق عالمسوزی

افسوس که در دفتر عمرم ایام

این را روزی نویسد آن را روزی[۱]

نهمین و آخرین پادشاه سلسله سلجوقیان (جل. ۵۷۳ ه.ق./ ۱۱۷۷ م.- ۵۹۰ ه.ق./ ۱۱۹۴ م.). با مرگ این پادشاه سلسله وی به دست خوارزمشاهیان منقرض شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر، (۷۳ / ۱)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۲۶ / ۲)، الذریعه (۶۴۹ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۹۰ - ۵۸۹)، لباب الالباب (۴۲ -۴۱ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ طغرل)، مجمع الفصحا (۷۴ -۷۳ / ۱).

طغرل قاجار، محمد ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۱ / ۱۲۴۰ ق)، شاعر، متخلص به طغرل. ملقب به ظهیرالـدوله. وی پسرعمو و پسر خوانده و داماد فتحعلی‌شاه بود. پس از چنـدی خدمت در دبار، مأمور حراست راههای فارس و اصفهان شد. سپس حاکم بلوچستان و کرمان گردید و تا پایان عمر حاکم کرمان باقی مانـد. اودر یزد شیخ احمد احسایی را دیدار کرد. وی در تهران درگذشت. در اکثر کتابها سال و محل مرگ پدرش را به اشتباه به وی نسبت داده‌اند. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۱۲۵ -۱۱۲۳ / ۲)، الذریعه (۶۴۹ / ۹)، ریحانه (۵۹ / ۴)، سفینه المحمود (۴۵ -۴۴ / ۱)، شرح حال رجال (۲۱ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۵۹۰)، مجمع الفصحا (۷۶ / ۱)، مصطبه‌ی خراب (۱۱۹)، نگارستان دارا (۳۷).

طفیلی تبریزی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر، متخلص به طفیلی. پیشه‌ی دستاربندی داشت. طفیلی از بندگان جهانشاه پادشاه قراقویونلو (۸۷۲–۸۳۹ ق) بوده است. طبیعی روان داشته و اشعاری سروده که در تذکره‌ها نقل شده است. از اوست:

در باغ ناشکفته نه آن غنچه‌ی گل است

بر چوب کرده گل سر خونین بلبل است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۲۵۳)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۴۰۴–۴۰۳ / ۲)، دانشمندان آذربایجان (۲۴۶)، الذریعه (۶۴۹ / ۹)، سخنوران آذربایجان (۵۰۷)، فرهنگ سخنوران (۵۹۰)، لغت‌نامه (ذیل/ طفیلی).

طفیلی جلایر، امیر حسن، حسین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۲۵ ق)، شاعر، متخلص به طفیلی. از شاعران معاصر سلطان حسین بایقرا بوده و قصایدی در مدح وی سروده است. طفیلی با امیدی شاعر، مکاتباتی داشته و بر خلاف پدرش که از درباریان بوده وی طریق زهد و عرفان پیموده است. از آثار وی:«دیوان» شعر. از اوست:

سرو قدت جلوه کرد قد صنبور شکست

لعل لبت خنده کرد قیمت گوهر شکست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۴ / ۱)، تحفه سامی(۳۴۳–۳۴۲)، تذکره‌ی روز روشن (۵۰۲)، الذریعه (۶۵۰ / ۹)، ریحانه (۴۱۷–۴۱۶ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۵۹۰)، مجالس النفائس (۱۰۹–۱۰۸).

طفیلی لاهیجی، حکیم طفیلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی از طبیبان و شاعران عهد صفویه بوده که علاوه بر حذاقت در طب، شاعر و منشی زبردستی نیز بوده است. نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) که از معاصران وی است می‌نویسد که افزون بر «دیوان» شعر، از وی «منشآتی» نیز به نظر رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۵۱–۵۰)، الذریعه (۶۵۰–۶۴۹ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۹۰)، نامها و نامدارهای گیلان (۳۱۸).

طلاکوب اصفهانی، رمضان

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، خطاط. مشهور به استاد رمضان. از هنرمندان کتیبه‌نویس است. از آثار وی کتیبه‌هایی در آرامگاه سید حجه‌الاسلام در اصفهان است که این کتیبه‌ها اشعاری است به خط نستعلیق طلایی بر زمینه‌ی مشکی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آثار ملی اصفهان (۸۰۱)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۷۸۸–۷۸۷).

طلاکوب، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حسین ادیب و شاعر، متوفّی در یکشنبه ۲۳ رمضان المبارک سال ۱۳۷۲ قمری.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

طلائی، محمد حسن

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد ملا محمّد خراسانی. عالم فاضل، و فقیه کامل، در کیمیا رنجها کشیده و کتابها تألیف نموده که از آن جمله است: ۱- شرح رساله جابر بن حیان ۲- شرح شذور الذهب ۳- شرح مفتاح جلدکی؛ و غیره.

در سال ۱۱۲۹ وفات یافته، در مقبره آب بخشان مدفون گردید.

پدرش ملّا احمد خراسانی هندی نیز از فضلا معدود بوده، و در سال ۱۱۱۰ وفات یافته، و در آب بخشان مدفون بوده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

طلحه، ابوالحسن شهاب‌الدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س شـشم ق)، شاعر. وی از اهالی مرو و معاصـر سـلطان سـنجر و از شاعران دربار او بود. در لطف طبع یگانه و در وفور هنر نادره‌ی زمانه بود. وی عمدتاً رباعی می‌سرود. از اوست:

تا از دل یکدگر خبر یافته‌ایم

از کینه و مهر هر دو دل تافته‌ایم من

در طلب رضا و او در پی خشم

انصاف بده که موی بشکافته‌ایم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۵۷ -۶۵۶ /۲)، لباب الالباب (۱۵۶ -۱۵۳ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۹۲ -۶۹۰ /۲)، تذکره‌ی روز روشن (۵۰۳ -۵۰۲)، الذریعه (۵۵۵/۹)، هفت اقلیم (۱۶ -۱۴ /۲).

طلعت اصفهانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی به تجارت اشتغال داشت و در اصفهان زندگی می‌کرد. از آثارش: «دیوان» شعر که حدود پنج هزار بیت می‌باشد.

وی بیشتر به سرودن غزل تمایل داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۱۲۷ -۱۱۲۶ / ۲)، الذریعه (۶۵۰ / ۹)، سفینه المحمود (۲۶۱ -۲۵۹ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۵۹۱)، مجمع الفصحا (۷۲۸ / ۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۲۰)، نگارستان دارا (۲۲۶ -۲۲۵).

طلوعی اراکی، فخرالدین هاشمی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۹ -۱۳۲۰ ق)، شـاعر، متخلص به طلوعی. در اراک به دنیـا آمـد علوم مقـدماتی را در زادگاه خویش به پایان رسانیـد و سـپس رهسپار قم شد و علوم نقلیه را از افاضل حوزه‌ی آن شهر فراگرفت و تا درس خارج از سطح پیش رفت. به درس آیت‌الله حاج شیخ عبـدالکریم حـایری یزدی مؤسـس حوزه‌ی علمیه قم راه یافت و از محضـر او کسب فیض کرد. سـپس به اراک بازگشت ولی طولی نکشید که به تهران آمد و در وزارت کشاورزی مشغول شد. وی سرانجام در اراک درگذشت. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۶۵۰ / ۹)، سخنوران نامی معاصر (۲۴۲۷ -۲۴۲۴ / ۴).

طلوعی خوانساری

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهـم و یـازدهم ق)، شـاعر. وی مـدتها در دسـتگاه امیرخـان سـوکلن قورچی‌باشـی (ز ۱۰۳۶ ق) بـود. او بعـد از فـوت امیرخـان درگذشت. از اوست:

خون هزار بلبل زارم به گردن است

در پای هر گلی که نشتسم به یاد تو

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۵۰۳)، تذکره‌ی شعرای خوانسار (۱۵۱ -۱۵۰)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۱۸ -۳۱۷)، فرهنگ سخنوران (۵۹۱).

طنبوره، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، نقاش، شاعر و نوازنده. از نوازندگان خوب طنبور در عصر شاه عباس اول است. مولدش در فارس بود و در قزوین نشوونما یافت. در اوایل جوانی، در ۱۰۱۴ ق راه هندوستان پیش گرفت و از ملازمان خواجه ویسی همدانی، از وزیران هندوستان، شد. پس از مدتی به دستگاه جهانگیر پادشاه گورکانی هند راه یافت و در سلك نقاشان دربار او قرار گرفت و در ۱۰۲۸ ق به شغل نقاشی مشغول شد. وی علاوه بر استادی در فنون نقاشی و موسیقی، در سرودن شعر نیز مهارت داشت. از آثار وی «دیوان» شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (۳۳۷ / ۱)، تذکره‌ی میخانه (۹۱۶ -۹۱۴)، فرهنگ سخنوران (۸۱۵)، مینو در (۴۹۱ -۴۹۰ / ۲).

طواری، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ عباس طواری فرزند آقا محمد طواری یزدی یکی از فضلاء معاصر یزدی حوزه علمیه قم است که در حدود سال ۱۳۱۰ ش در یزد متولد شده و در سال ۱۳۲۵ شمسی در سن ۱۵ سالگی وارد تحصیل علوم دینیه شده و مقدمات و ادبیات و سطوح را در خدمت مدرسین یزد مانند آیت‌اللّه آقا شیخ محمد علومی و آقا شیخ احمد علومی و آقایان مدرسی‌ها آقای حاج سید محمد و مرحوم آقا سید احمد و آقا میرزا آقا و آیت‌اللّه حاج سید علیرضا مدرسی خوانده و پس از آن در سال ۱۳۳۵ شمسی مسافرت به نجف اشرف نموده و از محاضر آیات عظام آقای خوئی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ حسین حلی و آیت‌اللّه حاج سید یحیی مدرسی و آمیرزا حسن و غیر آنان استفاده نموده و در سال ۱۳۳۹ شمسی به ایران مراجعت و در قم اقامت و از محاضر و دراسات آیات عظام امام خمینی و آقای مرعشی نجفی و آقای گلپایگانی و آقای شریعتمداری و آقای داماد استفاده نموده تا در سال ۱۳۵۵ شمسی که به وطن و زادگاه خود پس از سی سال تحصیل بازگشت و به تدریس سطوح عالی در حوزه علمیه یزد پرداخته و جز این رشته به هیچ شغلی دیگر مانند امامت و یا منبر را اختیار ننموده است.

آقای طواری در موقع اقامتش در نجف اشرف شاهد معجزه‌ای از حضرت علی امیرالمؤمنین علیه‌السلام بوده که برای اهل ولاء ذکر آن بی اجر و ثواب نیست. گویند: که روزی شخص گنگی که به کلی لال بود و یک کلمه نمی‌توانست سخن بگوید متوسل به حضرت علی علیه‌السلام شد و آن بزرگوار وی را شفا داده و قادر بر حرف زدن نمود و چون این معجزه مشهود شد مردم در بازار جشن بزرگی گرفته و چراغانی کردند.

تألیفات و آثار قلمی مترجم ما از اینقرار است.

۱- نهایت‌التذکره در شرح تبصره علامه از اول تا آخر در پنج جلد عربی.

۲- شرح مختصر نافع ملفق در دو جلد عربی.

۳- شرح مبسوط شیخ طوسی در طهارت و صلوت در دو جلد عربی.

۴- اقامه‌الشهود در شرح الجمل و العقود شیخ طوسی در دو جلد.

۵- شرح بیان شهید اول یک جلد عربی.

۶- حاشیه استدلالی بر عروۀالوثقی علامه طباطبائی یزدی در سه جلد عربی.

۷- حاشیه بر کفایه آخوند خراسانی در یک جلد عربی.

۸- حاشیه بر شرح حادی عشر فاضل مقداد یک جلد عربی.

۹- بزرگترین سعادت بشر در علم اخلاق یک جلد فارسی.

۱۰- انوارالسماء در برتری رسول اکرم (ص) بر انبیاء فارسی.

۱۱- آیت‌الکبری در برتری حضرت امیر (ع) بر تمام انبیاء غیر از نبی اکرم (ص).

۱۲- الکلمات‌النفیسه در پند و اندرز و سخنان حکمت‌آمیز.

۱۳- تربیت اولاد در یک جلد فارسی که در سال ۱۳۷۸ به چاپ رسیده.

۱۴- جامع‌المنابر در سخنان و منابر ایشان است یک جلد فارسی.

۱۵- معجزات و کرامات ائمه و اولادشان که در قرون اخیر دیده شده و به چاپ رسیده.

۱۶- الحکایات و الفکاهیات در داستانهای دانشمندان فارسی.

۱۷- کشکول در متفرقات.

۱۸- زنبیل در متفرقات در دو جلد.

۱۹- سعادت‌الآفاق در علم اخلاق.

۲۰- هدایت‌الانام در علم کلام.

۲۱- طریقهٔ‌الصواب در رد یهودی و نصرانی و غیر آن.

۲۲- گل و ریاحین در اشعار و فکاهیات.

۲۳- سرگذشت زندگانی مؤلف از آغاز تا پایان.

۲۴- تقریرات دروس مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد.

۲۵- روش آموزش و پرورش در اسلام که به چاپ رسیده.

۲۶- الصحاح من الآثار فی فضایل النبی و الائمهٔ الاطهار.

۲۷- جامع فضائل اهل البیت از طریق اهل سنت.

۲۸- عظمت اسلام و اسلامیان از نظر دانشمندان غیر اسلامی.

۲۹- اخلاق انسانی در علم اخلاق.

۳۰- گناه و آثار آن در پیرامون گناهان و آثار مترتبه بر آن.

۳۱- جامع‌الشتات در اخبار متفرقه در پنج جلد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

طوبی دزفولی، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، شاعر. وی دارای «دیوان» شعر است که در ۱۳۰۴ ق در بمبئی ضمن «مخزن الدرر» به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۲۵ / ۲۰ ،۶۵۱ / ۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۴ / ۲).

طوبی کاشانی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۱۵ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به طوبی. از کاتبان معاصر است که شعر نیز می‌سرود. از آثار چاپی وی، یک نسخه «دیوان» هلالی جغتایی است که به قلم کتابت متوسط نوشته و تاریخ ۱۳۱۵ ق دارد و چنین رقم نهاده: «این عبدمذنب...شیخ محمد حسین تاجر کاشانی المتخلص بطوبی...». از دیگر آثارش: کتابت «شرح دعای جوشن و صباح»؛ «شرح منظومه»؛ «یوسف و زلیخا»؛ «دیوان حسین بن حسن کاشانی»؛ «شرح حکمه الاشراق»؛ «اسرار الحکم» و چندین اثر دیگر. از کتابتهای خطی او، ترجمه‌ی فارسی یک نسخه قرآن به خط علی عسکر ارسنجانی است، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «طوبی تحریر کرد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۰۲-۷۰۱ / ۳).

طوبی نایینی، محمدثانی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۴ ق)، شاعر و ادیب. در مدتی که پدرش کار وزارت یا انشاء می‌کرد، او نیز نیابت نایین و سرحد داری بلوچ و راهداری را در دست داشت. طوبی مردی ادیب و صاحب قلم بود. اشعار عربی و فارسی وی در زمان حیاتش بالغ بر سی هزار بیت بود که به دلیل عدم جمع‌آوری خود در زمان حیات، بعد از مرگش فقط توانستند در حدود دو هزار بیت از اشعار وی را جمع‌آوری کنند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۱۳۲-۱۱۲۹ / ۲).

طوبی، ابراهیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۷۴ ق)، حکیم، ادیب، مورخ، هیوی و شاعر، متخلص به طوبی. از منجمان و ادیبان بنام روزگار خود بودکه در سخنوری توانا و در علم هیأت استاد بود. طوبی در اصفهان درگذشت و در بقعه‌ی امامزاده اسماعیل به خاک سپرده شد. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۴۳)، الذریعه (۶۵۱ / ۹)، ریحانه (۶۲ / ۴).

طوبی، هاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، خطاط. از هنرمندان کتیبه‌نویس است که در اصفهان می‌زیست. از آثار وی: کتیبه‌ی سردر مسجد و مدرسه‌ی رکن‌الملک در اصفهان، به خط ثلث و با رقم: «... العبد الاقل الآثم سید هاشم المتخلص بطوبی ۱۳۲۰».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آثار ملی اصفهان (۶۲۹)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۸۰۸).

طوسی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوجعفر محمد بن حسن ملقب به شیخ‌الطائفه، از بزرگترین علمای دینی شیعه (و. طوس ۳۸۵– ف. نجف ۴۶۰ ه.ق.). وی در ۴۰۸ ه.ق. از طوس به بغداد رفت و چهل سال بعد به نجف شد. تحقیقات او در حدیث و تفسیر و فقه و رجال و کلام و ادب مرجع علمای شیعه میباشد. او صاحب تألیفات مهم در مسایل مذهبی شیعه است که از جمله آنهاست: کتاب تبیان (ه.م.)، استبصار (ه.م.)، تهذیب الاحکام، العدهٔ فی اصول الفقه، کتاب الرجال، کتاب الغیبهٔ، فهرست کتب الشیعهٔ و اسماء المصنفین، النهایهٔ، کتاب الخلاف، کتاب الجمل والعقود، کتاب یوم دلیلهٔ، تلخیص شافی، المفصح در امامت، مناسک الحج، مقتل الحسین، اخبار مختار و غیره.

(۴۶۰ –۳۸۵ ق)، فقیه، عالم، مولف دو کتاب از کتب اربعه شیعه و بنیانگذار حوزه‌ی علمیه‌ی نجف. معروف به شیخ‌الطائفه و امام الفرقه بعد الائمه (ع). در ۴۰۸ ق در بیست و سه سالگی از خراسان وارد عراق شد. پس از چهل سال از بغداد به علت ترس از فتنه‌ای که در آن زمان (۴۴۸ ق) در بغداد درگرفته بود و کتابهای شیخ و خانه‌ی او را طعمه‌ی آتش خویش کرده بود، به نجف اشرف مهاجرت کرد. او بر کرسی کلام می‌نشست و جوابگوی خاص و عام در تمامی مسائل حتی در امامت بود. آن کرسی از جانب خلفاء به او عرضه شده بود و مخصوص یگانه‌ی دوران بود. شیخ طوسی بنیان‌گذار حوزه‌ی علمیه‌ی نجف است که بیش از هزار سال از عمر آن می‌گذرد. وی شاگرد شیخ مفید و ابن‌غضائری و ابن‌عبدون و ابن ابی‌جید قمی و سید مرتضی و علی بن شبل بن راشد و حسین بن قاسم علوی و احمد بن ابراهیم قزوینی و هلال بن محمد حفار و احمد بن محمد اهوازی و جعفر بن حسین قمی و ابوعلی بن شاذان و بسیای دیگر از اساطین علم و دین است. شاگردان دانشمند و مجتهد وی متجاوز بر سیصد تن از شعیه و بی‌شماری از عامه بودند. فرزندش شیخ ابوعلی حسن بن شیخ، صاحب کتاب «المجالس»، از شاگردان و راویان او است. در میان شاگردان او آدم بن یونس نسفی، ابوصلاح حلبی، شیخ‌الاسلام حسن بن بابویه قمی، محی‌الدین حسن همدانی، ابومحمد حسن جبهانی، حسین بن فتح واعظ جرجانی، ابوصمصام حسینی، سلمان بن حسن صهرشتی، ابوالصلت محمد بن عبدالقادر، سعدالدین ابن‌براج، شیخ علی سبزواری، شیخ عبیداللّه بن بابویه قمی، غازی بن احمد سامانی، کردی بن عکبری فارسی، ابوالحسن دیباجی، محمد وراق، شیخ ابوجعفر حلبی، ابوسعد منصور آبی، جمال‌الدین محمد طبری، ناصرالدین رضی حسینی، محمد بن حسن فتال و بسیاری دیگر را می‌توان نام برد. در هفتاد و پنج سالگی در نجف درگذشت و در منزل خویش که اکنون مزار معروفی است به خاک سپرده شد. خانه‌اش و مسجدش که یکی از معروفترین مساجد نجف است و همچنین آثار باقی مانده از او، تاکنون برجاست. از آثار علمی وی: در تفسیر: «التبیان»؛ «الجامع لعلوم القرآن»؛ در حدیث: «تهذیب الاحکام» یا «التهذیب»؛ «الاستبصار»؛ در فقه: «المبسوط»؛ «الخلاف»؛ «الایجاز»، در فرائض؛ «الجمل و العقود»، در عبادات؛ «الاقتصاد»، در عقاید و عبادات؛ «النهایه»؛ در علم اصول و رجال: «العده» که ملا خلیل آن را شرح کرده است؛ «الفهرست» که در آن «اصول» و نگارشهای اصحاب و تصانیف آنها آورده شده «و شیخ سلیمان ماحوزی آن را مرتب و شرح کرده و «معراج الکمال الی معرفه الرجال» نامیده است؛ «الابواب» که به نام «رجال شیخ» یا «رجال الطوسی» معروف است؛ «اختیار رجال الکشی» یا «اختیار معرفه الرجال». از دیگر آثار او: «التلخیص للشافی» و «المفصح»، هر دو در کلام و امامت؛ «هدایه المسترشد و بصیره المتعبد»؛ «کتاب الغیبه»؛ «مناسک حج»؛ «المجالس»، در اخبار که «امالی» اوست؛ مقتل الحسین (ع)»؛ «اخبار مختار»؛ «مصباح المتهجد»، در اعمال سال.[۱]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۱۵/ ۶)، اعیان الشیعه (۱۶۷ –۱۵۹/ ۹)، ایضاح المکنون (۷۲۲، ۵۷۳، ۴۵۴، ۴۲۴، ۳۳۵، ۲۸۶، ۲۷۶ ، ۲۶۶، ۲۱۲، ۹۵/ ۲، ۶۰۴، ۳۱۴، ۳۱۸، ۲۲۳/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۵۸/ ۲)، تاریخ برگزیدگان (۲۶ –۲۵)، تاسیس شیعه (۳۱۳)،

تاریخ علم کلام در ایران و جمان اسلام (۲۵۹ -۲۵۶)، خدمات متقابل اسلام و ایران (۴۸۵ -۴۸۳)، دایرةالمعارف الاسلامیه (۳۷۸ - ۳۷۶/ ۱۵)، دایرةالمعارف فارسی (۱۶۳۴/ ۲)، الذریعه (۲۳۵/ ۷، ۱۴۵/ ۵، ۳۳۱ -۳۲۸/ ۳، ۴۸۶، ۲۶۹، ۱۴/ ۲، ۳۶۵/ ۱)، رجال ابن‌داود (قسم ۳۰۶/ ۱)، رجال النجاشی (۳۳۳ -۳۳۲/ ۲)، روضات الجنات (۲۳۱ -۲۰۱/ ۶)، ریحانه (۳۲۸ -۳۲۵/ ۳)، سیر النبلاء (۳۳۵ -۳۳۴/ ۱۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۲ -۱۶۱/ ۵)، طبقات خلفاء و اصحاب ائمه و علماء و شعرا (۳۹۴)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۲۹)، فقهای نامدار شیعه (۷۹ -۶۷)، فوائد الرضویه (۴۷۳ -۴۷۰)، الفهرست للطوسی (۱۶۱ -۱۵۹)، قرآن پژوهی (۱۷۵ -۱۷۳)، قصص العلماء (۴۱۶ -۴۱۴)، الکامل (۱۰۶/ ۸)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۲۲ -۱۲۱)، کشف الظنون (۱۹۷۳، ۱۵۸۱، ۴۵۲)، الکنی و الالقاب (۳۹۷ -۳۹۴/ ۲)، لسان المیزان (۵۲/ ۶)، لغت نامه (ذیل/ ابوجعفر طوسی)، مؤلفین کتب چاپی (۴۰۶ -۴۰۲/ ۵)، مجالس المومنین (۴۸۲ -۴۸۰/ ۱)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۴۶۰)، معجم المؤلفین (۲۰۲/ ۹)، معجم رجال الحدیث (۲۴۷ -۲۴۳/ ۱۵)، منتخب التواریخ (۱۹۰ -۱۸۹)، الوافی بالوفیات (۳۹۴/ ۲)، وقایع السنین و الاعوام (۲۶۸)، هدیه الاحباب (۹)، هدیه العارفین (۷۲/ ۲).

طوسی بتارکانی، علاءالدین علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۷۷ ق)، حکیم، فقیه حنفی، اصولی و مدرس. در سمرقند به دنیا آمد. علوم عقلی و نقلی را در ایران تکمیل کرد و آن گاه به روم شرقی رفت و مدتی در قسطنطنیه ساکن شد و مورد تکریم سلطان عثمانی قرار گرفت. ابتدا از طرف سلطان مرادخان به تدریس در مدرسه بروسه منصوب و پس از آن از طرف سلطان محمد فاتح تدریس مدرسه زیرک بدو تفویض شد. مدتی بعد به تبریز و از آن جا به ماوراءالنهر رفت و از تمامی مشاغل دنیوی منصرف شد و در خدمت مشایخ صوفیه پا به دایره سیر و سلوک گذاشت. طوسی در سمرقند درگذشت. برخی از شرح‌حال نویسان گویند که وی در خراسان یا در تبریز درگذشت. در سال وفات او نیز از ۸۶۰ ق تا ۸۸۷ اختلاف نظر وجود دارد. از آثارش: «الذخیره»، در محاکمه بین دو کتاب « تهافت الفلاسفه» غزالی و «الحکماء» ابن‌رشد که به خواهش سلطان عثمانی نوشت؛ حاشیه بر «التلویح» تفتازانی، در اصول؛ حواشی بر «شرح المواقف»؛ حاشیه بر شرح عضد بر «مختصر المنتهی»؛ حواشی بر «حاشیه الکشاف» سید شریف جرجانی؛ حاشیه بر «لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۶۲ / ۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۲ / ۴)، ریحانه (۱۶۰ -۱۵۹ / ۴)، کشف الظنون (۱۸۹۲، ۱۸۵۶، ۱۷۱۶، ۱۴۷۹، ۱۱۴۴، ۸۲۵، ۵۱۳، ۴۹۷)، لغت‌نامه (ذیل/ علاءالدین)، معجم المؤلفین (۱۸۵ / ۷)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰۴ -۳۰۳ / ۴)، هدیه العارفین (۷۳۷ / ۱).

طوسی خراسانی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. از جمله‌ی شاعران خراسان بود در مثل گویی کم‌رقیب. طبع شعر خوبی داشت. مورد لطف سلطان میرزا ابوالقاسم بابر بود و در مدح آن پادشاه قصیده‌ای گفته بود. طوسی به آذربایجان و عراق سفر کرد و نزد امیر جهانشاه قراقویونلو (۸۷۲ -۸۳۹ ق) و پسرش پیر بوداق خدمت کرد. در این مدت در شیراز زندگی می‌کرد و سرانجام در عراق عجم درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۵۰۴)، تذکره الشعراء (۵۲۳ -۵۱۵)، الذریعه (۶۵۱ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۹۲)، لغت‌نامه (ذیل/ طوسی)، مجالس الفنائس (۱۹۲ / ۱۸).

طوسی مشهدی، قاسم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۵ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به ارسلان. وی معاصر مؤلف «تذکره‌ی مذکر الاحباب» بود که در ماوراءالنهر نشو و نما یافت و به هندوستان رفت و در دربار اکبرشاه تقرب یافت. وی بیش از آنکه در شعر توانا باشد در خطشناسی و خوشنویسی استاد بود. از آثار وی: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۸۶۳ /۹)، فرهنگ سخنوران (۵۴)، کاروان هند (۴۴ -۳۸ /۱)، لغت نامه (ذیل/ قاسم ارسلان)، منتخب التواریخ (۱۸۰ -۱۷۸ /۳)، هفت اقلیم (۲۱۸ -۲۱۷ /۲).

طوسی مشهدی، محمد باقر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۱۶ ق)، شاعر. وی خواهرزاده‌ی خواجه حسین ثنایی مشهدی، شاعر معروف این دوره، بود و چون ثنایی در هندوستان می‌زیست و در آنجا کارش بالا گرفت، وی نیز بدانجا رفت. باقر طوسی در لاهور وفات کرد و جنازه‌ی او را به مشهد مقدس انتقال دادند و در آنجا به خاک سپردند وی شاعر غزلسرا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۲۶)، تذکره‌ی روز روشن (۹۸)، الذریعه (۱۲۲/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۱۹)، کاروان هند (۱۵۰/۱)، لغت‌نامه (ذیل/ باقر)، مجمع الخواص (۲۶۱).

طوسی، ابوبکر محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۷۰)، محدث و فقیه شافعی. وی از علی بن احمد بن اخرم و نصرالله خشنامی و فضل بن عبدالواحد تاجر حدیث شنید. او «چهل حدیث» دارد که علی بن عمر طوسی آن را تخریج کرده است. عثمان بن ابوبکر خبوشانی و محمد بن ابی‌طاهر عطاری و ابوحامد محمد بن محمد سمنانی و حسن بن عبیدالله قشیری و حره ناز زینب شعریه و دو فرزند این خانم، مؤید و بی‌بی، و همچنین عبدالقادر رهاوی و چند تن دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۶۵ / ۲۱)، النجوم الزاهره (۶۹ / ۶).

طوسی، ابونضر، ابونصر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۳۴۴ -۲۵۰ ق)، زاهد، عابد، حافظ، محدث و فقیه شافعی. مفتی خراسان. در طلب حدیث به عراق و شام و مصر و حجاز سفر کرد و از عثمان بن سعید دارمی و حارث بن ابی‌اسامه و اسماعیل قاضی و علی بن عبدالعزیز بغوی و فضل بن عبدالله بن خرم یشکری هروی و احمد بن موسی کوفی حمار و محمد بن عمرو قشمرد حرشی و محمد بن ایوب بن ضریس و احمد بن سلمه حافظ و حسین بن محمد قبانی و تمیم بن محمد حافظ و محمد بن نصر مروزی فقیه و دیگران حدیث شنید. بیشتر ملازم محمد بن نصر مروزی بود و اکثر شنیده‌هایش از اوست. طوسی شنیده‌هایش را جمع‌آوری و تألیف کرد و کتبی به سبک مسلم نگاشت. وی شب را به سه قسمت تقسیم کرده بود: جزئی برای تصنیف، جزئی برای خواب و جزئی برای تلاوت قرآن. او حدود هفتاد سال مرجع امور دینی مردم بود و فتوی می‌داد. بیشتر ایام سال را روزه‌دار بود و آنچه زیاده بر قوت روزانه‌اش بود صدقه می‌داد از امر به معروف و نهی از منکر غفلت نداشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۸۰ / ۴)، تاریخ نیشابور (۱۸۶)، سیر النبلاء (۴۹۲ -۴۹۰ / ۱۵)، شذرات الذهب (۳۶۸ / ۲)، طبقات الحفاظ (۳۳۶)، العبر (۶۸ / ۲)، النجوم الزاهراه (۳۵۸ -۳۵۷ / ۳)، الوافی بالوفیات (۲۱۰ / ۱).

طوسی، اسدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسدالله طوسی

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر آموزش قرآن کریم را نزد پدر بزرگوارم آموختم آنگاه برای تحصیل وارد مدرسه ابتدایی واقع در محل تولدم در یکی از روستاهای ییلاقی در مناطق جنگلی و خوش آب و هوای مازندران , بخش هزار جریب ساری شدم تا پایه سوم ابتدایی را گذراندم سپس توسط برادر بزرگوارم جناب حجت الاسلام شیخ محمد علی طوسی به شهر مقدس قم آمدم از پایه چهارم ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در این شهر مشغول به تحصیل بودم خرداد سال ۱۳۶۲ موفق به اخذ دیپلم شدم و سال بعد یعنی ۱۳۶۳ به حوزه علمیّه قم وارد شدم . شروع به تحصیلات حوزوی از برکات زندگی حقیر بود . آشنایی با مراکز علمی حوزوی و اساتید و کارشناسان

حوزوی و افتادن در وادی علم و تحصیل و تحقیق برای بنده بسیار مغتنم بود .

سال ۱۳۶۷ یعنی وقتی مشغول به گذراندن سطح ۴ حوزه بودم وارد بخش آموزش مؤسسه در راه حق شدم که بعدها به بنیاد باقر العلوم (ع) و سپس به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) تغییر نام یافت . پس از اتمام دوره عمومی در سال ۱۳۷۱ دوره تخصصی در رشته تربیتی را آغاز کردم . پس از اتمام دوره تخصصی در سال ۱۳۷۶ از پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته علوم تربیتی با عنوان روش های تربیتی انذار و تبشیر در قرآن با نمره عالی ۵/۱۸ دفاع کردم . فراغت از تحصیلات دوره های مؤسسه همزمان بود با درخواست های برخی دوستان و نیز اساتید برای فعّالیّت در بخش های مختلف آموزشی و پژوهشی که حقیر با فعالیت در مراکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیّه قم موافقت کردم و بعنوان مسئول گروه تربیت و مشاوره ادامه داشت . همزمان به اتفاق یکی از دوستان دست به ترجمه مجموعه مقالات تخصصی علوم تربیتی از یکی از منابع خارجی شدیم به صورت کتاب با عنوان گامی به سوی نظریه پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی چاپ و منتشر گردید .

با افتتاح واحد تربیت مربی اخلاق در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به سرپرستی و هدایت حضرت استاد حاج آقای دکتر تهرانی ، حقیر جذب آنجا شدم و از اولین گروه آموزشی آن واحد بودم سال بعد از آن خود نیز بنا به درخواست و لطف و عنایت استاد وارد فعّالیّت های واحد شده و سپس به عنوان مسئول واحد تربیت مربی اخلاق تا کنون مشغول به انجام وظیفه هستم .

همزمان با فعال بودن در واحد تربیت مربی اخلاق فعالیت هایی نیز در حوزه آموزش و پرورش داشتم.

طوسی، دختران شیخ

قرن:۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری، از زنان دانشمند شیعه. آنها فنون ادب و فقه و حدیث را از محضر پدرشان، شیخ طوسی (۴۶۰ – ۳۸۵ ق) و برادرشان، شیخ ابوعلی حسن طوسی (پس از ۵۱۵ ق) فراگرفتند و در این رشته‌ها ترقی شایانی کردند. مادرشان، دختر شیخ مسعود بن ورام نیز از زنان دانشمند زمان خود بود. این دو دختر از علمای عصر خود، از جمله پدر یا برادرشان دارای اجازه بودند. دختر بزرگ، همسر محمد بن احمد بن شهریار، متولی و خازن حریم امیر مؤمنان علی (ع) بود. شیخ ابوطالب حمزه، فرزند آن دو. نوه شیخ طوسی است. دختر کوچک نیز ازدواج کرد. ابن ادریس، صاحب کتاب السرائر، و سید بن طاووس، از نوادگان او هستند.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: اعیان‌الشیعه، ۲۷۵ / ۲؛ دایرةالمعارف تشیع، ۴۲۴ / ۳؛ هزاره‌ی شیخ طوسی، ۲۲.

طوسی، شهاب‌الدین، ابوالفتح محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۹۶ –۵۲۲ ق)، محدث، فقیه و عالم اشعری شافعی. معروف به شهاب طوسی. از ابوالوقت سجزی حدیث روایت کرده است. سفری به بغداد کرد و مورد احترام بسیاری قرار گرفت و داماد قاضی القضاه ابوالبرکات ابن‌الثقفی شد. آن‌گاه حج به جا آورد در ۵۷۲ ق به مصر رفت و ابتدا در خانقاه سعید السعداء در قاهره منزل کرد. وی در جامع مصر وعظ گفت و مذهب اشعری را آشکار کرد. او در منازل العز درس می‌گفت، فقهاء و محدثین بر گردش جمع شدند و از محضرش بهره جستند. تقی‌الدین عمر بن شاهنشاه برایش مدرسه‌ای در منازل العز بنا کرد او در نزد عام و خاص عزیز و محترم بود. گویند که وی مدار فتوی در مذهب شافعی در زمان خود بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۳۸۹ –۳۸۷ / ۲۱)، شذرات الذهب (۷ /۳۲۸ –۳۲۷ / ۴) العبر (۱۱۷ –۱۱۶ / ۳)، النجوم الزاهره (۱۴۲ / ۶)، الوافی بالوفیات (۹ / ۵).

طوسی، ضیاءالدین، ابومحمد عبدالعزیز

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۰۶ ق)، فقیه شافعی. اصل وی از طوس بود و در دمشق ساکن، و هم در این شهر در مدرسه نجیبیه تدریس می‌نمود و در همین شهر نیز از دنیا رفت و در مقابر صوفیه دفن شد. برزالی و ابن‌حبیب مراتب فضل و دانش وی را ستوده‌اند. از آثارش: «مصابح الحاوی و مفتاح الفتاوی»، که شرح «الحاوی الصغیر» عبدالغفار قزوینی است، در فروع فقه شافعی، در چهار مجلد؛ «کاشف الرموز و مظهر الکنوز»،در شرح «منتهی السول و الامل فی علمی الاصول و الجدل» یا «مختصر» ابن‌حاجب،در اصول.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زنـدگینامه :الاعلام (۱۵۱ / ۴)، شـذرات الذهب (۱۴ / ۶)، کشـف الظنون (۱۸۵۵ ،۱۳۶۸ ،۶۲۵)، معجم المـؤلفین (۲۶۰ / ۵)، النجوم الزاهره (۱۷۷ / ۸)، الوافی بالوفیات (۵۵۶ / ۱۸)، هدیه العارفین (۵۸۱ / ۱).

طوسی، محقق

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد معروف به خواجه نصیرالدین طوسی جهرودی‌الاصل، شیخ حر عاملی در کتاب امل‌الامل می‌نویسد: وی مردی فاضل و مـاهر و عـالم و متکلم محقق در عقلیـات او را کتبی است که از جمله آنها کتب زیر است ۱- کتاب «تجرید الاعتقاد» ۲- تذکره «در هیئت» ۳- تحریر کتاب اقلیدس ۴- تحریر مجسطی ۵- شرح اشارات ۶- «فصول نصیریه» ۷- «فرائض نصیریه» ۸- «آداب المتعلمین» ۹- رساله اسطرلاب ۱۰- رساله جواهر ۱۱- نقد المحصل ۱۲- رساله معینیه در هیئت به فارسی ۱۳- شرح آن به فارسی ۱۴- رساله خلق اعمال ۱۵- شرح ساله العلم میثم بحرانی ۱۶- اخلاق ناصری ۱۷- اوصاف الاشرف و غیر اینها، روایت می‌کند از او علامه حلی که در اجازه بنی‌زهره نوشته است این شیخ افضل اهل زمان خود در علوم عقلیه و نقلیه و از برای اوست مصنفات بسیاری در علوم حکمیه و احکام شرعیه بر مـذهب امامیه وی بزرگترین کسی است که ما دیـده‌ایم که نورانی کنـد خـدا خوابگاه او را. من، الهیات شفای ابوعلی سینا و بعض کتاب تذکره را در هیئت که از تصانیف خود اوست نزد وی خواندم سپس درک نمود او را اجل محتوم قدس اللّه‌روحه.

نگارنـده گویـد: خواجه در حمله دوم مفعول موقعی که هلاکوخان نوه چنگیز بقعله «میمون دژ» مرکز و پناهگاه اسـماعیلیان واقع در الموت قزوین لشکر کشید و آنجا را تسخیر کرد از حبس آن فرقه ضاله آزاد و همراه هلاکو به بغـداد آمد سپس هلاکو را بعد از قتـل آخرین خلفـاء بنی‌عبـاس و ابن‌حـاجب از جنگ و تخریب بقیه بلاد اسـلامی منصـرف و به مراغه آذربایجان آورد و به عمران و آبادی و تشویق اهل فضل و احیای علوم عقلی تشویق نمود و خود با تأسیس رصدخانه بزرگ مراغه که آکادمی علوم عقلی و نقلی بود و با داشـتن ریاست اوقاف و مقام علمی، جان مردم مسلمان خاصه علماء نامی ما را از خطر نابودی و انهـدام حفظ کرد و از این راه بزرگترین خدمت را به دین اسلام و ملت ایران نمود- و حقاً خواجه یکی از بزرگترین دانشـمندان جهان و نابغه عالیقدر شیعه و فیلسوف نامی اسلام است. ولادتش در طوس در ج ۱ سال ۵۹۷ ه.ق واقع و در روز عیـد غدیر سال ۶۷۲ در بغداد از دنیا رفت و در قسـمت بالا سـر حضـرت امام همام باب الحوائج موسی بن جعفر علیهماالسلام در مکانی که برای ناصر عباسی مهیا کرده بودند دفن شد در ماده تاریخ وفات او به فارسی گفته شده:

«نصیر ملت و دین پادشاه کشور فضل

یگانه‌ای که چه او مادر زمانه نزاد

بسال ششصد و هفتاد و دو بذی‌الحجه

بروز هیجدهمش درگذشت در بغداد

ابوجعفر نصیرالدین محمد بن حسن طوسی (و. ۵۹۷- ف. ۶۷۲ ه.ق) از علمای بزرگ ریاضـی و نجوم و حکمت ایران در قرن هفتم و نیز از وزراء آن عصـر است. مـدتی در دسـتگاه اسـماعیلیه بود و هنگـام حمله‌ی هلاکوخان مغول به ایران برای نجات مسـلمانان از خونریزیهای آن مرد سفاک به خـدمت او درآمـد و با تـدابیر خاصـی از خرابی شـهرها و کشـتار دسـته‌جمعی مردم به دست هلاکو جلوگیری کرد. این دانشـمند که در ضمن یکی از فقهای مذهب تشیع است هلاکوخان را به ایجاد رصدخانه در مراغه و ترتیب زیج جدیـدی که بعـداً به زیـج ایلخانی مشـهور گردیـد و خود تصـدی این کار را برعهـده گرفت تشویق کرد. گویند تمام اوقاف نیز در سراسـر ممالک مفتوحه مغول در تحت نظر او بود. از خواجه تألیفات متعـددی در رشـته‌ی علوم ریاضـی، نجوم، منطق، علوم طبیعی، حکمت الهی، و مجسـطی بـاقی مانـده اسـت. او یکی از شارحـان و مفسـران کتـاب «اشـارات» ابـوعلی سـینا اسـت. از مشـهورترین تألیف‌هـای او در عربی شـرح اشـارات ابن‌سـینا و در فارسـی کتـاب «اخلاـق ناصـری» است که در غایت نیکویی سـخنان افلاطون و ارسطو را در حکمت عملی جمع کرده و آراء متقدمین را شرح و شبهات متأخرین را رد نموده است. دیگر کتاب «تجریدالکلام فی تحریر عقایدالاسـلام» و این تجریـد که در الهیـات است طرف تـوجه عـده‌ی کـثیری از شـراح و صاحبـان رسائـل کلامیه است و نیز «تذکره‌ی نصیریه» در هیئت و «اساس الاقتباس» در منطق و «اوصاف الاشراف» در عرفان و رسالات و کتبی به زبان عربی در منطق و هیئت و هندسه از او باقی است.

(۶۷۲ -۵۹۷ ق)، دانشـمند، نویسـنده، منجم، فیلسوف، ریاضـیدان و شاعر. ملقب به استاد البشر و عقل حادی عشر. مشهور به خواجه نصیرالدین و خواجه نصیر طوسی. اصل وی از جهرود ساوه یا قم است. در طوس به دنیا آمد و به همین علت به طوسی مشهور شد. پئرش از فقهـا و علمـای طوس بود. نصیرالدین علوم نقلی را نزد پـدر و علوم عقلی را نزد دایی خود فراگرفت. در آغاز جوانی برای تکمیـل معلومـات به نیشابور رفت. در آنجا به محضـر فریدالـدین عطار نیشابوری رسـید و گوینـد حکمت مشاء را نزد وی آموخت. ریاضـیات را از کمال‌الـدین محمـد حاسب و فقه را نزد معین‌الـدین سالم بن بدران مصـری و کمال‌الدین میثم بحرانی فراگرفت و از محضـر درس دانشـمندانی چون کمال‌الـدین بن یونس موصـلی، ابوالسـعادات اصـفهانی، اسـعد بن عبدالقاهر اصـفهانی و نجم‌الدین محقـق حلی اسـتفاده کرد. بـا صدرالـدین قونیـوی معاصـر و معاشـر بوده است. اعتمادالسـلطنه در «مطلع الشـمس»، سـید غیاث‌الـدین عبدالکریم بن طاووس و قطب‌الدین محمود بن مسعود شیرازی و جمال‌الدین حسن بن یوسف، ملقب به علامه حلی، را از شاگردان وی می‌شـمرد. او چنـد سـال پس از واقعـه‌ی حملـه‌ی چنگیز، بـه قلاـع اسـماعیلیه پنـاه برد و بـه خـدمت ناصـرالدین عبـدالرحیم بن ابی‌منصور، محتشم قهستان رسـید و به خواهش او کتاب «الطهارهٔ» ابوعلی مسکویه را به فارسـی ترجمه کرد که بعدها آن را اساس

تألیف «اخلاق ناصری» قرار داد. سپس به دعوت علاءالدین محمد، فرمانروای اسماعیلیان، به قلعه‌ی میمون دژ رفت. وی پس از غلبه‌ی هلاکوخان به قلاع اسماعیلیه در ۶۵۴ به خدمت او پیوست و همواره در ملازمت وی بود. در مورد تصمیم به ساختن رصدخانه، گویند منگوقاآن، که از پادشاهان مغول است، هنگام فرستادن هلاکو به ایران، دستور داد که خواجه نصیر را به دربار او روانه کند تا در مغولستان این رصدخانه تأسیس شود، اما هولاکو صلاح دید که این کار به امر او باشد و رصدخانه در ایران بنا شود. بعد از فتح بغداد، خواجه در ۶۵۷ ق از جانب هلاکو مأموریت یافت تا رصدخانه‌ی مراغه را ترتیب دهد. او هم جماعتی از ریاضیدانان بزرگ مانند: مؤیدالدین عرضی، از دمشق، و فخرالدین مراغی، از موصل، و فخرالدین اخلاطی، از تفلیس، و نجم‌الدین دبیران قزوینی را گرد آورد و کار احداث رصدخانه‌ی مراغه را در همان سال آغاز کرد. خواجه با این کار عالمان بزرگ زمان را که پراکنده بودند، گرد آورد و همچنین کتابخانه‌ای عظیم در محل رصدخانه مراغه احداث کرد و کتابهایی را که از بغداد، شام و الجزیره و اطراف و اکناف ایران فراهم آمده بود و به تصریح الکتبی، بیش از چهارصد هزار مجلد می‌شد، در آنجا جمع کرد. عمر خواجه از این پس در خدمات علمی گذشت. خواجه وزارت هولاکو را نیز به عهده داشت و با تقرب خود در نزد هلاکو، از قتل گروهی از بزرگان عهد خویش پیشگیری کرد. نصیرالدین یکی از بزرگترین بنیان‌گذاران کلام شیعه و پیشاهنگ بزرگ فلسفه‌ی مشاء بود. در حکمت و فلسفه بزرگترین کار او تأیید و تسجیل حکمت ابوعلی سینا است و برای این کار به شرح مشکلات «اشارات» ابوعلی سینا و اثبات مباحث آن همت گماشت. خواجه اولین دانشمندی بود که حالات ششگانه را در مثلث کروی قائم‌الزاویه بیان کرد و آن را در کتاب خود به نام «الشکل القطاع» شرح داد. وی در شانزدهمین سال تأسیس رصدخانه وفات یافت و عمل رصد و زیج ناتمام ماند. اگر چه صدرالدین، پسر بزرگ او و بعد از وی، اصیل‌الدین عهده‌دار تکمیل آن شدند، اما به تدریج رصدخانه، متروک گشت تا این زمان که تنها نامی از آن باقی مانده است. نصیرالدین در بغداد درگذشت و جنازه وی را در کاظمین به خاک سپردند. از دیگر آثار وی: «تجرید الکلام» یا «تجرید العقائد» یا «تجرید الاعتقاد» یا «تحریر العقاید»، در اصول دین؛ «زیج ایلخانی»، به فارسی؛ «اوصاف الاشراف»، در اخلاق به فارسی؛ «اساس الاقتباس»، در منطق؛ «تحریر اصول اقلیدس»، در هندسه؛ «تحریر مجسطی»، در هیئت؛ «تذکره‌ی نصیریه»، در هیئت؛ شرح «اشارات» ابوعلی سینا؛ «سی فصل»، در نجوم؛ «رسالهٔ فی اثبات الفرقهٔ الناجیهٔ»؛ «رسالهٔ فی حصر الحق بمقالهٔ الامامیهٔ»، به فارسی؛ «الاثنی عشریهٔ»؛ «تحریر اکرمانالاوس» یا «تحریر کتاب مانالاوس فی الاشکال الکرویهٔ»؛ «تجرید المنطق»؛ «البارع فی التقویم و احکام النجوم»؛ «آداب المتعلمین»؛ «التجرید فی الهندسه»؛ «معیار الاشعار»، در عروض فارسی؛ «زبدهٔ الادراک فی هیئت الافلاک»؛ «جامع الحساب فی التخت والتراب» یا «جوامع الحساب بالتخت والتراب»؛ «ظاهرات الفلک»؛ «بیست باب»، در معرفت اسطرلاب؛ «دیوان» شعر. به قول صاحب «زندگینامه‌ی ریاضیدانان دوره‌ی اسلامی»، بروکلمان فهرست پنجاه و نه عنوان و سارتن فهرست شصت و چهار عنوان از آثار نصیرالدین را آورده و آنها را به چندین رشته‌ی مختلف تقسیم کرده‌اند.[1]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] الاعلام (۲۵۸ -۲۵۷/ ۷)، اعیان‌الشیعه (۴۲۰ -۴۱۴/ ۹)، ایضاح‌المکنون (۳۵۳ -۳۵۲/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۰۵ -۱۱۹۸، ۲۷۱ -۲۵۷، ۲۵۴، ۲۵۲ -۲۳۱، ۲۲۹/ ۳)، تاریخ علوم عقلی (صفحات متعدد)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۴۴۱ -۴۱۷)، تاریخ گزیده (۷۰۶ -۷۰۵)، تاریخ نجوم اسلامی (۲۴۶، ۵۲، ۴۷، ۴۵)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه (۴۶۷ -۴۶۵)، دائرةالمعارف بستانی (۳۵۹/ ۱۱)، دایرةالمعارف فارسی (۳۰۳۳/ ۲)، الذریعه (۲۶۵/ ۱۳، ۱۱۹۹ -۱۱۹۸، ۹۸۹، ۶۵۱، ۳۰۶/ ۹، ۳۵۳، ۳۵۲ -۳۴۸/ ۳، ۶ -۵ / ۲، ۲۶ / ۱)، روضات‌الجنات (۲۹۷ -۲۷۸ / ۶)، ریاض‌العارفین (۲۳۵ -۲۳۴)، ریاض‌العلما (۱۶۴ -۱۵۹ / ۵)، ریحانه (۱۸۲ -۱۷۱ / ۲)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۵۰۶ -۴۸۶)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۳۵۷ -۳۴۲)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۷۰ -۱۶۸/ ۷)، العبر (۳۲۶/ ۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۰۹ -۵۰۷)، فرهنگ سخنوران (۹۳۷)، فلاسفه‌ی شیعه (۵۲۳ -۴۹۰)، فوات الوفیات (۲۵۲ -۲۴۶/ ۳)، فواید الرضویه (۶۱۲ -۶۰۲)، کشف‌الظنون (۱۶۴۴، ۱۴۳۶، ۹۶۹، ۹۵۰، ۳۹۱، ۳۵۷، ۳۵۲، ۳۵۱ -۳۵۱، ۳۴۶ -۱۴۲، ۱۳۹)، الکنی والالقاب (۲۵۲ -۲۵۰/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ نصیرالدین طوسی)، مجالس المؤمنین (۲۱۰ -۲۰۱/ ۲)، مجمع‌الفصحا (۱۴۰۷ -۱۴۰۶/ ۳)، مطلع‌الشمس (۲۳۱ -۲۱۹/ ۱)، معجم‌المؤلفین (۲۰۸ -۲۰۷/ ۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۴۴ -۷۳۰/ ۵)، نتایج‌الافکار (۷۰۹ -۷۰۸)، الوافی بالوفیات (۱۸۳ -۱۷۹/ ۱)، هدیهٔ‌الاحباب (۱۹۶ -۱۹۵)، هدیهٔ‌العارفین (۱۳۱/ ۲).

طوسی، منصور

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۵۴ ق)، شاعر. معروف به خواجه منصور قرابوقه. از اعیان ولایت طوس در عهد شاهرخ تیموری (۸۵۰ -۷۷۹ ق) بود که به ملازمت شاهزاده علاءالدوله، پسر بایسنقر میرزا، درآمد و به منصب فرمانداری ولایات بزرگ رسید. او از شعرا و فضلا حمایت می‌کرد و همواره با آنها مصاحبت داشت. وی با مولانا عبدالوهاب طوسی معاصر و معاشر بود. منصور بعد از فوت شاهرخ، صاحب دیوان امیر محمد خدایداد شد و در کارهای مهم با وی مشارکت می‌کرد. امیر محمد بعد از مدتی به او بدبین شد و او را زندانی کرد و مبالغی از او به مصادره گرفت. سرانجام خواجه منصور به بیماری سختی دچار شد و بر اثر آن بیماری درگذشت. او به فارسی و ترکی شعر می‌سرود و اشعاری از وی در تذکره‌ها ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ الشعراء (۵۱۵ -۵۱۲)، الذریعه (۱۱۰۹/ ۹)، صبح گلشن (۴۵۹)، فرهنگ سخنوران (۸۸۱)، هفت اقلیم (۲۰۶/ ۲).

طوسی، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم زاهد عابد، از علمای اخیار، و فضلای ابرار، و مورد وثوق عموم طبقات بوده، در نجف اشرف متولد شده، و در نجف و اصفهان تحصیل نموده، عمده‌ی تحصیلات او در خدمت آقا سید محمد باقر درچه‌ای و آخوند کاشی [و سید ابوالقاسم دهکردی و آخوند فشارکی] در اصفهان بوده.

در ۲۵ ربیع الاول سال ۱۳۷۹ به سن قریب به هشتاد وفات یافته، و در تکیه‌ی مجاور تکیه‌ی کازرونی مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش این است:

گفت برنا از پی تاریخ او

(یوسف دین رفتی از مصر فنا)

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

طوطی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بخش ۱) (مولانا) شاعر ترشیزی الاصل (ف. ۸۶۶ ه.). وی مورد توجه میرزا ابوالقاسم بابر بود و در جوانی درگذشت.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

طوطی تبریزی، عبدالحمید ملک

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۴ -۱۲۶۴ ش)، طبیب و شاعر، متخلص بـه طوطی. وی در تبریز به دنیا آمد و پس از تحصیلات مقدماتی به تحصیل طب پرداخت و برای تکمیل آن به تهران آمد و بعد از پنج سال تحصیل به تبریز بازگشت و در آنجا به مداوای بیماران پرداخت، باز به تهران آمد و تا زمان رحلتش در این شهر بود. مجموعه‌ی اشعار وی شامل دو هزار بیت می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۲۴۳۲ -۲۴۲۸ / ۴).

طوطی ترشیزی، شهاب‌الدین علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۶۷ / ۸۶۶ ق)، شاعر و طبیب، متخلص به طوطی. وی از شاعران خراسان در عهد ابوالقاسم بابر تیموری و از نزدیکان امیر علیشیر نوایی به شمار می‌رفت. شهاب‌الدین علاوه بر مهارت در سخنوری از پزشکان معروف زمان خود به حساب می‌آمد. طوطی بیشتر ایام عمر خود را در هرات سپری کرد و در جوانی در همان سامان درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۹۵)، تذکره الشعراء (۵۲۷ -۵۲۶، ۴۹۲، ۲۳)، حبیب السیر (۶۱ / ۴)، الذریعه (۶۵۲ / ۹)، ریحانه (۶۴ / ۴)، صبح گلشن (۲۶۳)، فرهنگ سخنوران (۵۹۲)، لغت‌نامه (ذیل/ طوطی)، مجالس النفائس (۳۱)، هفت اقلیم (۳۱۰ -۳۰۹ / ۲).

طوطی جوانشیر قره‌باغی، ابوالفتح

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۵۵ ق)، شاعر، متخلص به طوطی. وی از امراء و بزرگ‌زادگان طایفه جوانشیر آذربایجان بود. در نظم و نثر نیز به لطافت طبع شهره‌ی آفاق بوده است. اثر وی:«دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۱۳۳ -۱۱۳۲ / ۲)، دانشمندان آذربایجان (۲۴۷)، الذریعه (۶۵۲ / ۹)، سفینه المحمود (۶۶۴ / ۲)، مجمع الفصحا (۷۲۹ / ۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۲۲ -۱۲۱)، مکارم الآثار (۱۵۰۲ / ۵)، نگارستان دارا (۱۰۹ -۱۰۸).

طوطی همدانی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۶ –۱۲۹۰ ش)، شاعر، متخلص به طوطی. وی در همدان به دنیا آمد و پس از فراگیری علوم مقدماتی به خیاطی پرداخت و پس از چندی به تهران آمد. و طوطی در سرودن اشعار و قصاید و غزلیات و مثنویات عرفانی خصوصا در نظم «الهیات» و «مناجات‌نامه» مهارت داشت و آثار چندی به نظم و نثر از خود به جای گذاشته از آن جمله: «مناجات‌نامه» یا کلید دوستی با خدا (مفتاح المحبه)»، شعر، در دو جلد؛ «دیوان» شعر؛ «شکرستان»، در مدح و منقبت چهارده معصوم علیهم‌السلام؛ «گواهی‌نامه»، در سیر و سلوک به وزن «مخزن الاسرار»؛ «شیطان‌نامه» یا «مناظره با ابلیس پر تلبیس». لازم به ذکر است که تاریخ تولد وی در «مؤلفین کتب چاپی»۱۳۱۷ ق ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۶۵۲ / ۹)، سخنوران نامی معاصر (۲۴۳۹ –۲۴۳۳ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱۵۹/ ۱).

طوفان هزار جریبی مازندرانی، طیب

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۹۰ ق)، شاعر. مشهور به میرزا طیب. در هزار جریب مازندران به دنیا آمد. وی که از معاصران لطفعلی بیگ اذر بود، در جوانی سفری به عراق عجم کرد و در اصفهان به هجوگویی‌های رکیکی پرداخت. ولی در پایان عمر دست از هجوگویی برداشت و به عراق عرب رفت و در نجف دفتر هجویات خود را با آب شست و در منقبت امامان (ع) شعر سرود. طوفان در نجف درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۰۲ / ۷)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۳۵ / ۲)، الذریعه (۶۵۳ –۶۵۲ / ۹)، ریحانه (۶۴ / ۴)، سفینه المحمود (۶۲۷ –۶۲۵ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۵۹۳ –۵۹۲)، لغت‌نامه (ذیل/ طوفان مازندرانی)، مجمع الفصحا (۷۲۵ –۷۲۱ / ۵)، نگارستان دارا (۲۲۸ –۲۲۷).

طوفی تبریزی، طوفی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از شاعران مکتب وقوع است که ابتدا پیشه‌ی سراجی داشت و سپس به زرگری روی آورد و آن‌گاه در پی کیمیاگری رفت و همه‌ی دارایی خود را به سر این کار نهاد. طوفی علاوه بر «رساله»ای که در فن کیمیاگری نوشته، گویا «تذکره»ای هم در احوال شاعران پرداخته است. وی در سرودن غزل مهارت داشته و در این فن از ضمیری اصفهانی (م ۹۷۳ ق) پیروی می‌کرده است. از دیگر آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۳۰ –۱۲۹ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۲۵ / ۵)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۹)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۴۱۱ –۴۰۵ / ۲)، دانشمندان آذربایجان (۲۴۸ –۲۴۷)، الذریعه (۶۵۳ / ۹)، سخنوران آذربایجان (۵۱۳ –۵۰۸)، فرهنگ سخنوران (۵۹۳)، مجمع الخواص (۱۷۱ –۱۷۰)، مکتب وقوع (۳۲۴ –۳۱۶)، هفت اقلیم (۲۴۹ –۲۴۸ / ۳).

طوقانی، لطف الله

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مولانا) لطف‌اللّه حسن توقاتی، عالم و شاعر ترک (مقت. ۹۰۰ ه.). وی به کتابداری ابوالفتح سلطان محمدخان پرداخت و در زمان سلطان بایزیدخان به مدرسی برخی از مدارس گماشته شد. لطفی اشعاری سروده و کتابهایی نوشته که از آن جمله‌اند: «المطالب الالهیهٔ»، «تلخیص التلخیص» و ترجمه‌ی «الفرج بعدالشدهٔ» نوشته‌ی ابوعلی تنوخی به زبان ترکی.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

طهرانی عسکری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۱ -۱۲۸۱ ق)، فقیه اصولی و محدث. در تهران به دنیا آمد. بعدها مقیم سامرا گشت و تحت نظر میرزا محمد حسن شیرازی تربیت یافت. وی اجازه‌ی اجتهاد خود را از میرزا محمد تقی شیرازی دریافت کرد و بیش از شصت سال در سامراء به تحصیل و تدرس و تألیف مشغول بود. ابتدا کتاب «مصابیح الانوار» را، در فهرست ابواب مجلدات «بحارالانوار»، نگاشت. سپس به تصنیف «مستدرک بحارالانوار» پرداخت و در بسیاری از ابواب به استدراکاتی دست یافت و تصنیفات خود را در این زمینه به چندین مجلد بزرگ رسانید. از دیگر آثار وی «الصحیفه المهدویه»، حدود شصت دعاء، از ادعیه حضرت حجت (عج)، که از انشاآت آن حضرت می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۸۶، ۴ / ۲۱، ۲۴ / ۱۵)، علماء معاصرین (۲۸۳ -۲۷۷).

طهرانی، محمد ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۱۴ ق)، خطاط. مشهور به میرزا عمو. از خوشنویسان زبردست دوره‌ی ناصرالدین شاه قاجار و شاگرد میرزا غلامرضای اصفهانی بود. او در تحریر خط نستعلیق، از خفی و جلی توانا بود و در کتیبه‌نویسی نیز مهارت بسزایی داشت. از آثار وی: قطعه‌ای به قلم دو دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم: «العبد محمد ابراهیم طهرانی ۱۲۹۱»؛ کتیبه‌ی سر در ورودی صحن کهنه‌ی آستانه‌ی حضرت معصومه (ع)، در شهر قم، به قلم پنج دانگ کتیبه‌ی خوش، با رقم: «راقمه میرزا عمو، چو شد ز هجر نبی کیهزار و سیصد و یک»؛ کتیبه‌ی دو در سیمین حرم آستانه‌ی مزبور، به قلم سه دانگ کتیبه‌ی خوش، با رقم: «... میرزا ابراهیم الطهرانی الشهیر بمیرزا عمو ۱۳۱۴»؛ کتیبه‌ی مدخل حرم امامزاده طاهر (در صحن حضرت عبدالعظیم) به قلم کتیبه‌ی یک دانگ خوش، با رقم: «محمد ابراهیم طهرانی، مشهور به میرزا عمو ۱۳۰۸».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۹ -۱۸/ ۱)، اطلس خط (۵۸۷)، تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (۲۷ -۲۶)، تربت پاکان (۷۴ -۷۳/ ۱)، گنجینه‌ی آثار قم (۵۱۰/ ۱).

طهماسبی کاشانی، حیدر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، اشعر. از شاعران کاشان در عهد صفویه بود که به دلیل تبعیت از شاه طهماسب (۹۸۴ -۹۳۰ ق) و اوامر او به طهماسبی معروف شد. طهماسبی غزل را نیکو می‌سرود و در آن مهارت داشت. اشعاری از وی در تذکره‌های نقل شده است. صاحب «الذریعه» دیوان شعری به او نسبت می‌دهد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۷۴)، تذکره‌ی روز روشن (۲۲۳)، الذریعه (۲۶۹ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۹۲).

طهماسبی نیک، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اشرف طهماسبی نیک

محل تولد : کوهدشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۷/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی خود را از سال ۱۳۴۵ در شهرستان کوهدشت لرستان آغاز نمودم و تا سال دوم دبیرستان را در همین شهرستان مشغول تحصیل بودم آنگاه دوره تربیت معلم را در دانشسرای مقدماتی شهرستان بروجرد در سال ۱۳۵۴ آغاز و درسال ۱۳۵۶ موفق به اتمام دوره با رتبه اول در استان محل تحصیل شدم و سال بعد کار تدریس در مقطع ابتدایی را به صورت پیمانی آغاز نمودم ، ولی بخاطر درگیری با حراست و ساواک در زمان رژیم پهلوی از محل کار تبعید شدم . ابتدای سال ۱۳۵۷ محل را مخفیانه ترک و عازم قم شدم چرا که اولین جرقه و بارقه انقلاب اسلامی در شرف آغاز بود و از آنجا که مرحوم امام راحل (ره) دستور داده بودند

که سربازها پادگان ها را ترک کنند بنده که دفترچه آماده به خدمت وظیفه دریافت نموده بودم از رفتن به خدمت سربازی رژیم سابق امتناع نمودم و در قم به جرگه نیروهای انقلاب پیوستم و تا پیروزی انقلاب در قم ماندم و دروس حوزوی را هم جسته و گریخته آغاز نمودم.

پس از پیروزی انقلاب به محل تولد خود بازگشتم و مدتی را با بسیج و سپاه همکاری نمودم و در کنار آن کار تدریس در مقطع متوسطه را در دروس بینش دینی و فلسفه و منطق و تاریخ اسلام آغاز نمودم تا سال ۱۳۶۳ که به همراه خانواده به قم مهاجرت نمودم و همزمان با تحصیل در دانشگاه (مجتمع آموزش عالی قم) در رشته حقوق کار تحصیل دروس حوزوی را نیز رسما آغاز نمودم و پنج پایه اول سطح حوزه را یکجا در سال ۱۳۶۵ امتحان دادم و قبول شدم و از آن پس بیشتر وقت را صرف تحصیلات حوزوی نمودم . در سال ۱۳۶۸ در مقطع لیسانس حقوق از دانشگاه تهران (مجتمع آموزش عالی قم) فارغ التحصیل شدم و در دروس حوزوی متمرکز شدم تا اتمام دروس سطح از حدود سال ۱۳۷۴ تحصیلات حوزوی را در مقطع خارج با شرکت در دروس اعلامی همچون آیات عظام مومن، تبریزی، و شبیری زنجانی آغاز نمودم ضمن اینکه در تمام این مدت با استاد محبوب خود یعنی مرحوم آیت الله حاج شیخ علی صفائی حائری مرتبط بودم و از مجلس درس و بحث و وعظ و مباحث تربیتی و عقیدتی ایشان بهره مند می شدم.

در سال ۱۳۷۴ همزمان ، کار تحصیل دانشگاهی در مقطع کارشناسی ارشد در رشته حقوق جزا و جرم شناسی در دانشگاه قم را آغاز و در اسفند ۱۳۷۶ در همین مقطع با رتبه اول فارغ التحصیل گشتم و سپس از آن کار تحقیق و فیش برداری و نوشتن را آغاز نمودم .

طهماسبی، اردشیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر اردشیر طهماسبی در سال ۱۳۲۹ در لاهیجان متولد شد.ایشان دارای دکتری مهندسی متالوژی و مواد از امپریال کالج دانشگاه لندن (در سال ۱۳۵۶) می باشد.ایشان تا به امروز، علاوه بر تدریس در چندین دانشگاه، سرپرستی دانشکدهٔ مهندسی متالوژی دانشگاه صنعتی اصفهان، مدیریت تحقیقات صنعتی و آموزش کارخانجات ریخته گری و ... را برعهده داشته است. کتاب"اصول مهندسی و علم مواد "ترجمه اردشیر طهماسبی (یکی از مترحمین)، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : فنی و مهندسی

رشته : مهندسی مواد

تحصیلات رسمی و حرفه ای : اردشیر طهماسبی درسال ۱۳۵۲ لیسانس مهندسی از دانشگاه صنعتی شریف، و سال ۱۳۵۶ دکتری مهندسی متالوژی و مواد را از امپریال کالج دانشگاه لندن دریافت کرد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : اردشیر طهماسبی تا به امروز، علاوه بر تدریس در چندین دانشگاه، سرپرستی دانشکدهٔ مهندسی متالوژی دانشگاه صنعتی اصفهان، مدیریت تحقیقات صنعتی و آموزش کارخانجات ریخته گری و نورد آلومینیم پارس، مدیریت پروژهٔ نورد، معاونت مدیر کل امور فنی کلیهٔ پروژه های مختلف طرح صنایع جنبی مس، ریاست هیئت مدیرهٔ شرکت ریخته گری، ماشینکاری ایران کاسر، و مشاور تکنولوژی در چندین کارخانهٔ تولیدی ــ صنعتی را عهده دار بوده است.

جوائز و نشانها : کتاب"اصول مهندسی و علم مواد "ترجمه اردشیر طهماسبی (یکی از مترحمین)، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

طهماسبی، سامان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سامان طهماسبی چهاردهم مردادماه ۱۳۶۴ در سنندج به دنیا آمد. از ۱۵ سالگی کشتی را زیر نظر جمشید خیرآبادی شروع کرد. تنها پسر خانواده در حالی وارد دنیای ورزش شد که هیچ کدام از افراد خانواده او ورزشکار نبودند.

سامان در ابتدای حضورش در کشتی با حضور در مسابقه های مختلف توانست به مقام های قابل قبولی دست پیدا کند و پس از آن به دعوت حسن یوسفی افشار به تیم ملی نوجوانان دعوت شد.

حضور او در تیم جوانان و پس از آن کشتی های قابل قبول سامان باعث شد که او به یکی از مهره های خوب وزن ۸۴ کیلوگرم تبدیل شود. او اکنون با المپیکی شدن خود را در ابتدای راه می داند و قصد دارد با حضور در میدان های بزرگ افتخارهای زیادی را برای ایران به دست بیاورد.

فهرست افتخارات

-۲۰۰۶ قهرمانی جهان، گوانگ ژو، برنز

-۲۰۰۶ عضو تیم ملی در بازی های آسیایی دوحه

–۲۰۰۷ قهرمانی آسیا، قرقیزستان، طلا

–۲۰۰۷ قهرمانی جهان، باکو، برنز

– ۲۰۰۸ کاپ آزوماش، اوکراین، برنز

– ۲۰۰۸ المپیک پکن ( )

به دنبال مدال المپیک

سامان طهماسبی با دعوت محمد بنا به اردوی جوانان آمد. او خیلی زود توانست پله های ترقی را طی کند و در تیم بزرگسالان جای ثابتی پیدا کند. اکنون با ۲۳ سال سن یکی از مهره های اصلی تیم کشتی فرنگی برای کسب مدال در بازی های المپیک محسوب می شود.

البته با درخششی که این فرنگی کار در سالیان گذشته داشت باید امیدوار بود که این کشتی گیران به یکی از سکوهای المپیک دست پیدا می کند.

کسب سهمیه در اولین مرحله

در مسابقات جهانی باکو که مرحله نخست گزینشی ها بود، سامان طهماسبی با غلبه بر ماتسوموتو(ژاپن)، نناد زوگاج(کرواسی)، فالکون آسترادا(کوبا)، جان فیشر(آلمان)، کیم جانگ ساب(کره جنوبی) و یک شکست مقابل برادلی ورینگ(امریکا) روی سکوی سوم ایستاد تا سهمیه المپیک را بگیرد.

برنامه مسابقات

۲۳ مرداد:

بعد از ظهر، سامان طهماسبی در ۸۴ کیلوگرم کشتی فرنگی، وزن کشی خواهد کرد تا حریفانش را در جدول بشناسد.

۲۴ مرداد:

در آخرین روز از مسابقات کشتی فرنگی المپیک ۲۰۰۸، سامان طهماسبی در استادیوم دانشکده کشاورزی پکن، روی تشک زرد خواهد رفت.

حریفان اصلی

نظمی آولوجا کاپیتان تیم ملی کشتی فرنگی ترکیه، آلکسی میشین کاپیتان تیم ملی کشتی فرنگی روسیه، برادلی ورینگ(امریکا)، بدری خاسایا(گرجستان)، دنیس فوروف(ارمنستان)، آرا آبراهامیان(سوئد)، ملونین نومونوی(فرانسه)، شینگو ماتسو موتو(ژاپن) و ...

تذکر: این مطلب ازگزارش روزنامه ایران ورزشی دوشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۸۷ تلخیص شده است

- رئیس هئیت کشتی کردستان می گوید برکناری او غیر قانونی است
- تمجید رئیس هیات کشتی کردستان از نامه احمدی نژاد
- انتقاد مربی کردستانی از نتایج کشتی فرنگی ایران در المپیک
- حذف کشتی‌گیر کردستانی از بازیهای المپیک پکن در دومین دیدار
- طهماسبی تنها المپیکی کردستان در کاروان ورزشی ایران

طیان مرغزی، ابوالعباس احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم و پنجم ق)، شاعر. از معروفترین شاعران هجوگوی و هزال پیش از سوزنی سمرقندی (م ۵۶۲ ق) است و مطایبه‌ها و هجوی‌های وی آنچنان شهرت داشته که به طیان ژاژخای ملقب شده است. طیان مرغزی غیراز طیان بمی کرمانی است و نباید این دو را با هم اشتباه گرفت. در «الانساب» سمعانی در باب وی می‌نویسد که او در آخر توبه کرد و دهان و زبان به گفتار شعر نیالود و چون به صنعت بنایی آشنا بود بدان پیشه اشتغال ورزید گویند مناره‌ای که بر در جامع مدینه و جامع قریه‌ی شیخ (تصحیف شیج)/ سنج برپاست از بناهای اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۹۴ –۹۳ / ۴)، دایرهالمعارف فارسی (۱۶۳۹ / ۲)، شاعران بی‌دیوان (۳۲۱ –۳۰۹)، فرهنگ سخنوران (۵۹۳)، لغت‌نامه (ذیل / طیان).

طیب اصفهانی، سید عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۰ ق)، مفسر، فقیه و مدرس. نسب وی به چهل واسطه به امیرالمومنین (ع) می‌رسد. در اصفهان به دنیا آمد و پس از پرورش در خانواده علم و تقوا و فراگرفتن ادبیات و متون فقه و اصول، از محضر و درس آیت‌الله سید محمد باقر درچه‌ای و آیات دیگر اصفهان استفاده‌ی کامل نمود و سپس به تدریس فقه و اصول و تفسیر قرآن پرداخت و در مدرسه صدر اصفهان تشکیل حوزه داد و جماعت بسیاری از فضلاء و علمای اصفهان از محضرش استفاده بردند. از آثارش: «کلیم الطیب»، در اصول دین، به فارسی، سه

جلد؛ «طیب البیان فی تفسیر القرآن»، در چندین جلد؛ «العمل الصالح»، در ایمان و تقوا.[۱]

حجه‌الاسلام والمسلمین و سیدالعلماء والمفسرین آقای حاج سید عبدالحسین طیب ابن العالم الجلیل آیه‌الله حاج سید محمد تقی از علماء و مدرسین ممتاز معاصر مدرسه صدر اصفهانست.

معظم‌له در حدود سال ۱۳۱۰ قمری هجری در اصفهان متولد گردیده و پس از پرورش در بیت علم و تقوا و فرا گرفتن ادبیات و متون فقه و اصول از محضر و درس مرحوم آیه‌الله حاج سید محمد باقر درچه‌ای (استاد مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی) و آیات دیگر اصفهان استفاده کامل نموده سپس بتدریس فقه و اصول و تفسیر کلام‌الله مجید پرداخته و در مدرسه صدر تشکیل حوزه داده و جماعت بسیاری از فضلاء و علماء اصفهان از محضرش استفاده نموده و مینمایند.

آثار ارزنده علمی بسیاری دارد که بعضی از آن مطبوع و از آنها کتب زیر است.

۱- کلم‌الطیب در اصول دین فارسی ۳ جلد.

۲- طیب البیان فی تفسیر القرآن فارسی ۴ جلد بطبع رسیده و بقیه آماده‌ی طبع است.

۳- العمل الصالح در ایمان و تقوا بطبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۰۶ -۱۰۰ / ۳).

طیب نیا، محمدصالح

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صالح طیب نیا

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۶/۸

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۴ در رشته مهندسی آبیاری در دانشگاه صنعتی اصفهان پذیرفته شدم. از همان زمان علاقه زیادی به علوم اسلامی بویژه مباحث کلامی و اعتقادی داشتم. در دوران تحصیل کتب شهید مطهری و برخی از کتب فلسفی را مطالعه می کردم.

در همین ایام در محضر یکی از اساتید مبرز حوزه علمیه المنوق منظومه سبزواری و سپس نهایهٔ الحکمه را گذراندم. در اواخر سال ۱۳۷۷ همزمان با تحصیل در دانشگاه دروس حوزوی را نیز شروع نمودم و تا سال ۱۳۷۹ نیز به تحصیل در دروس حوزوی ادامه دادم. (در سال ۱۳۷۸ از دانشگاه فارغ التحصیل گشتم.)

بخاطر علاقه ایجاد شده به فلسفه در سال ۱۳۸۱ذ در رشته فلسفه و کلام اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه قم پذیرفته شدم.

علیرغم آنکه رشته کارشناسی بنده علوم انسانی نبود اما دانشجوی ممتاز و رتبه اول گروه بودم و در سال ۱۳۸۳ با معدل ۹۸/۱۸ فارغ التحصیل شدم. موضوع پایان نامه ؛ خدا در آینه خود آگاهی بود که در واقع تبیین فلسفی و دینی از روایت شریف (من عرف نفسه فقد عرف ربه) بحساب می آید.

بلافاصله بعد از فارغ التحصیلی ، تدریس دروس معارف اسلامی را آغاز کردم و با اخذ مجوزهای لازم به تدریس در دانشگاه جامع علمی – کاربردی و سپس آزاد نجف آباد پرداختم و سرانجام در سال ۱۳۸۵ در دانشگاه صنعتی اصفهان به عنوان هیأت علمی گروه معارف مشغول شدم.

در سال ۱۳۸۳ به همت برخی از اساتید دانشگاه اصفهان و سایر دوستان ، مرکز مطالعات و تحقیقات حیات طیبه را راه اندازی نمودیم که تا پایان سال ۱۳۸۴ مدیریت مجموعه را بر عهده داشتم.

طیبه قاجار

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۵ ق)، شاعر. طیبه خواهر حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس و همسر امیر محمد قاسم‌خان متخلص به شوکت بود. او طبعی نیکو داشته و با دوستان مکاتبه می‌کرده است. اشعارش در مواعظ و نصایح و مراثی بود. وی چندی تحت تعلیم میراز محمد حسن‌خان اعتمادالسلطنه قرار داشت. از اوست:

طیب آمد و عاجز شد از علاج دلم

علاج درد دلم را بگو حبیب کند[۱]

ز ۱۳۰۵ ق، از زنان شاعر، وی سومین دختر فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) و خواهر تنی حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس و حسنعلی میرزا والی خراسان و همسر امیر محمد قاسم متخلص به شوکت بود. به نوشته محمود میرزالو خواندن و نوشتن را فراگرفت و با دوستان خود مکاتبه داشت و دارای طبعی نیکو بود. اشعار وی در مواعظ، نصایح و مراثی است. میرزا محمد حسن خان

اعتمادالسلطنه نیز چندی معلم او بود.

ابیات زیر از اوست:

اگر به درد دل من نمی‌رسی ز تغافل

برم ز دست تو بر درگه امیر شکایت

طبیب آمد و عاجز شد از علاج دلم

علاج درد دلم را بگو حبیب کند

آخر که عیان سازد این دیده‌ی خون افشان

در دل غم هجرانت مستور نمی‌ماند

ز عارض شرم مهر و ماه باشم

کنیز کمترین شاه باشم[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از رابعه تا پروین (۱۶۷ -۱۶۶)، حدیقه الشعراء (۲۱۷۹ -۲۱۷۸ / ۳)، زنان سخنور (۳۲۲ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۵۹۳)، مشاهیر زنان (۱۵۰ -۱۴۹).

[۲] منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره ششم، ۵۲؛ از رابعه تا پروین، ۱۶۷ -۱۶۶؛ حدیقهٔالشعراء، ۲۱۷۹ -۲۱۷۸ / ۳؛ خیرات حسان، ۱۵۰ / ۲؛ نقل مجلس، گ ۱۰ -۹.

طیبی رهنی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمـد طیبی رهنی پس از اتمـام تحصـیلات بتـدایی و متوسـطه،تحصـیلات دانشگاهی خود را در رشته مهندسـی هوا فضا در دانشگاه تگزاس آمریکا شروع کرد و در سال ۱۳۵۹ فارغ التحصیل گردید.ایشان در این رشته تا مقطع دکتری به تحصیل پرداخت و موفق به اخذ مدرک دکتری همان رشته از دانشگاه ایلینویز آمریکا در سال ۱۳۷۴ شد.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشـگاه صـنعتی شـریف می باشد.گروه : فنی و مهندسیرشـته : مهندسـی هوا- فضاتحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی محمد طیبی رهنی به ترتیب زیر است: کارشناسی رشته مهندسی هوا فضا از دانشگاه تگزاس آمریکا در سال ۱۳۵۹ کارشناسی ارشد رشته مهندسی هوا فضا از دانشگاه تگزاس آمریکا در سال ۱۳۶۱ دکترای رشته مهندسی هوا فضا از دانشگاه ایلینویز آمریکا در سال ۱۳۷۴مشاغـل و سـمتهای مورد تصـدی : محمـد طیبی رهنی عضو هیئت علمی و دانشـیار دانشـکده مهندسـی هوا و فضـای دانشـگاه صنعتی شـریف می باشـد.وی همچنین مدیر گروه تخصصـی مهندسـی هوا فضا واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسـلامی را نیز برعهده دارد.او نیز سـردبیر و عضو هیئت تحریریه فصلنامه علمی پژوهشی مکانیک و هوافضا است. فعالیتهای آموزشی : مهدی طیبی رهنی عضو هیئت علمی و دانشـیار دانشـگاه صـنعتی شـریف می باشـد. عنوان دروس ارائه شده توسط ایاشن به قرار زیر است: برنامه نویسـی رایـانه و الگوریتم،اسـتاتیک،دینامیـک،مکانیک سـیال،آزمایشـگاه مکانیک سـیال،ارائه هواوفضای تکنیکی،زبان هوا وفضـا تکنیکی،ایرودینامیـک ۱و۲، مکانیـــک پرواز ۱،معرفی محاســبات دینامیــک ســیال ۱و۲،،ایرودینامیـک مـادون سـرعت،جریان متلاطم،جریان برشـی مطلاطم،شبیه سازی اشـفتگی،سمینار کارشناسی ارشدآرا و گرایشهای خاص : زمینه های مطالعاتی و پژوهشی محمــد طیـبی رهنی بـه قرار زیر اسـت: کــاربرد محاســبات دینامیـک ســیال ۱-جریـان متلاـطم ،۲-ایرودینامیک،۳- جریانـات فـاز چندگانه۴-مخلـوط در سـیالات به صورت بهینه۵-ماشـین آلات توربو۶-مشـکلات جریان معکوس۷-حرکـت یـا ثبـات در جریانات مرزی۸-جریانات اتمسفری۹-قـابلیت ارتجـاعی در هواچگونگی عرضه آثـار : از محمـد طیـبی رهنی بیش از ۵ مقـاله را در مجلات معتبر علمی به چاپ رسانیده است.

آثـار : تئوری و تحلیـل مسائـل آیرودینامیـک ویژگی اثر : پدیدآورنـده: محمـد طیبی رهنی، هـادی مهرابیـان، اشـکان رسولی، فواد ظهوری ناشـر: دانشگاه صـنعتی شریف، انتشارات علمی - ۱۰ خرداد، ۱۳۸۵ ۲ مقـدمه ای بر آیرودینامیـک ورودی هـا ویژگی اثر : پدیدآورنده: آرش طاهری، محمدرضا سلطانی (مترجم)، محمد طیبی رهنی (مترجم) ناشر: پژوهشکده هوافضا - ۱۳۸۳

ظاهری اصفهانی، ابوبکر محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۹۷ -۲۵۵ ق)، فقیه، محـدث، ادیب و شاعر. مـذهب ظاهری بـدو و به پـدرش منسوب است. پـدرش پیشوای دینی بود. اصـلش از اصـفهان است امـا در بغـداد به دنیـا آمـد و در آنجا نشوونما یافت. چون نحیف و رنگ‌پریـده بود به او گنجک لنـدوک می‌گفتنـد. ابن‌حزم گویـد که در هفت سـالگی قرآن را از بر کرد و در ده سـالی قـادر به مـذاکره‌ی شـعر و ادب بود. با ابوالعباس بن سـریج در محضـر علی بن عیسـی وزیر مناظره و مشاعره داشت. بعـد از پـدر متصـدی کرسـی فتوا شد گر چه عده‌ای او را برای این مقام جوان می‌دانسـتند اما او شایسـتگی خو را اثبات کرد. در مجلس درس او چهارصـد قلمـدان مشاهـده می‌شد. او از پدرش و عباس دوری و

ابوقلابه رقاشی و احمد بن ابی‌خیثمه و محمد بن عیسی مدائنی حدیث روایت می‌کرد. نفطویه و قاضی ابوعمر محمد بن یوسف از شاگردان وی می‌باشند. از آثار وی: «الزهره»، در ادبیات و غرائب و نوادر، که آن را زیر نظر پدرش نگاشت؛ «الانذار»؛ «الاعذار»؛ «التقصی»، در فقه؛ «الوصول الی معرفه الاصول»؛ «الایجاز»؛ «اختلاف مصاحف الصحابه» یا «اختلاف مسائل الصحابه»؛ «الفرائض»؛ «المناسک»؛ «الانتصار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۵۵ / ۶)، انساب سمعانی (۱۰۰ / ۴)، ایضاح المکنون (۶۲۰ / ۱)، تاریخ بغداد (۲۶۳ -۲۵۶ / ۵)، تذکره القبور (۳۱۷)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵۵۹ -۵۵۷ / ۳)، ریحانه (۷۱ / ۴)، سیر النبلاء (۱۱۶ -۱۰۹ / ۱۳)، شذرات الذهب (۲۲۶ / ۲)، العبر (۴۳۳ / ۱)، الفهرست لابن الندیم (۳۰۵، الکامل (۱۳۷ / ۶)، کشف الظنون (۲۰۱۴ ۱۴۲۳، ۱۳۹۹، ۱۳۹۴، ۹۶۲، ۱۷۳)، الکنی و الالقاب (۴۵۴ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌داوود)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۲۹۷)، مروج الذهب (۶۸۹ / ۲)، معجم المؤلفین (۲۹۷ -۲۹۶ / ۹)، النجوم الزاهره (۱۹۰ / ۳)، الوافی بالوفیات (۶۱ -۵۸ / ۳)، وفیات الاعیان (۲۶۱ -۲۵۹ / ۴).

ظاهری اصفهانی، ابوسلیمان داوود

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۲۷۰ -۲۰۱ ق)، فقیه و محدث. ملقب به ظاهری. پیشوای اهل ظاهر بود و فرقه ظاهریه بدو منسوب است. این گروه چون ظاهر کتاب و سنت را اتخاذ و از هر گونه تأویل و رأی و قیاس پرهیز می‌کردند به ظاهری معروف شدند، و داوود بن علی اولین کسی بود که این فکر را علنی کرد. اصل وی از اصفهان بود و اهل کاشان. در کوفه به دنیا آمد و در بغداد ساکن شد. در ابتدا فقه شافعی آموخت و شدیدا نسبت به شافعی تعصب داشت، و دو کتاب در «مناقب» او نوشت، اما ترک مذهب شافعی گفت و خود رد فقه، بر اساس بینش خویش، کتابی نگاشت. او از سلیمان بن حرب و ابوثرو فقیه و عمرو بن مرزوق و قعنبی و محمد بن کثیر عبدی و مسدد حدیث شنید، آن‌گاه از بغداد به نیشابور رفت و در محضر اسحاق بن راهویه «المسند» و «التفسیر» را استماع کرد. سپس به بغداد بازگشت. ریاست علمی بغداد به او منتهی می‌گشت گفته‌اند که در مجلس او چهارصد قاضی و خطیب ردای سبزپوش حضور داشتند. فرزندش، محمد، و زکریا ساجی و یوسف بن یعقوب داوودی و عباس بن احمد مذکر از شاگردان وی بودند. ظاهری گردآوریهای خویش را در قالب کتابهای بسیاری عرضه کرد. ابن‌ندیم در «فهرست» خویش حدود دو صفحه به اسم کتابهای وی اختصاص داده است. از جمله‌ی آثار وی: «الایضاح»؛ «الافصاح»؛ «الدعوی و البینات»؛ «الاصول»؛ «الحیض»؛ «الطهاره»؛ «الزکوه»؛ «الصیام الفرض»؛ «المناسک»؛ «النکاح»؛ «البیوع»؛ «الجهاد»؛ «الوصایا»؛ «القضاء»؛ «الدعاء»؛ «المسائل الاصفهانیات»؛ «المسائل الخوارزمیات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۸ / ۳)، الاعلام بوفیات الاعلام (۱۹۲ / ۱)، انساب سمعانی (۱۰۰ -۹۹ / ۴)، تاریخ بغداد (۳۷۵ -۳۶۹ / ۸)، الجرح و التعدیل (ج ۱ ق ۴۱۱ -۴۱۰ / ۲)، روضات الجنات (۲۹۱ -۲۸۹ / ۳)، ریحانه (۷۱ -۷۰ / ۴)، سیر النبلاء (۱۰۸ -۹۷ / ۱۳)، شذرات الذهب (۱۵۹ -۱۵۸ / ۲)، طبقات الحفاظ (۲۵۸ -۲۵۷) العبر (۳۹۰ -۳۸۹ / ۱)، الفهرست لابن الندیم (۳۰۵ -۳۰۳)، الکامل (۵۷ / ۶)، کشف الظنون (۱۸۳۹ / ۲)، الکنی و الالقاب (۴۵۴ -۴۵۳ / ۲)، لسان المیزان (۲۷ -۲۳ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ داوود)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۲۷۰)، معجم المؤلفین (۱۳۹ / ۴)، النجوم الزاهره (۶۰ / ۳)، الوافی بالوفیات (۴۷۷ -۴۷۳ / ۱۳)، وفیات الاعیان (۲۵۷ -۲۵۵ / ۲)، هزار مزار (۱۴۴)، هدیه العارفین (۳۵۹ / ۱).

ظاهری، خلیل

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۹۳ -۸۷۲ ق)، فقیه، مفسر، مورخ، ادیب و شاعر. ملقب به عرس‌الدین و معروف به ابن‌شاهین. پدرش شاهین برده‌ی سلطان ملک ظاهر سیف‌الدین بود، لذا ظاهری نام گرفت. وی در بیت‌المقدس به دنیا آمد و در قاهره تعلیم یافت. وی در بیت‌المقدس به دنیا آمد و در قاهره تعلیم یافت چون به سن رشد رسید نظارت ضرابخانه‌ی مصر بدو سپرده شد. در ۸۴۰ ق امیرالحاج شد. او در طرابلس درگذشت. در حدود سی تألیف و تصنیف از او بجای ماند. از جمله آثاری وی: «کشف الممالک»و خلاصه آن به نام «زبده کشف الممالک فی بیان الطرق و المسالک» درباره‌ی مصر، که در پاریس چاپ شده است؛ «الاشارات فی علم العبارات»، تعبیر رویا در دو مجلد؛ «الکوکب المنیر فی اصول التعبیر»؛ «المواهب فی اختلاف المذاهب»؛ «المنیف فی الانشاء الشریف»؛ «الدره المضیئه فی السیره المرضیه»؛ «دیوان» شعر،در چندین مجلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۶۷ / ۲)، ایضاح المکنون (۵۹۶ / ۲ ،۴۶۰ / ۱)، ریحانه (۴۴ / ۸)، کشف الظنون (۱۵۲۳، ۱۴۹۶، ۹۵۳، ۳۰۵، ۹۷)، معجم المؤلفین (۱۲۰ / ۴).

ظروفی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات آلمانی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فنی از آلمان غربی، کارشناسی در رشته زبان و ادبیات آلمانی از دانشگاه تهران، دکترای زبان آلمانی از دانشگاه مونیخ آلمان.

مرتبه علمی:

استادیار تمام وقت دانشگاه تهران رد سال ۱۳۴۸، دانشیار در سال ۱۳۵۳ و ارتقاء به درجه استادی دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان و ادبیات آلمانی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تاریخ فرهنگ آلمان، فرهنگ اصطلاحات زبان آلمانی، حروف ربط و حروف اضافه در زبان آلمانی، ترکیبات فعلی در زبان آلمانی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۹، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

بررسی حروف اضافه در زبان آلمانی، ادبیات انقلابی در آلمان، صومعه‌نشینی و گسترش آن در اروپا، ترجمه اشعاری از گوته، واژه‌سازی در زبان آلمانی، پیدایش هومانیسم، سخنی درباره رمان سنتی و رمان نوین، خاطرات ایرلند، نگاهی کوتاه به داستان کوتاه آلمانی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ظریف اصفهانی، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به ظریف. از اعیان اصفهان و با بسمل، مؤلف تذکره‌ی «دلگشا»، دوستی داشت. وی از منشیان نظام‌الدوله محمد حسین‌خان صدر اصفهانی به شمار می‌رفت و در نوشت خط شکسته مهارت داشت و بعضی قرآنهای خط میرزا احمد نیریزی، تراجم و خواص الآیات به خط اوست. ظریف شعر را نیز نیکو می‌سرود. از وی «دیوان» شعری بجای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۶۲ -۱۲۶۱ / ۴)، حدیقه الشعراء (۱۱۳۴ / ۲)، الذریعه (۶۵۵ -۶۵۴ / ۹)، سفینه المحمود (۴۹۹ -۴۹۸ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۵۹۵)، مجمع الفصحا (۷۳۰ / ۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۲۵)، نگارستان دارا (۲۲۸).

ظریفی تبریزی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. تخلص وی در تذکره‌ی «روز روشن» ظرفی قید شده است. از شاعران عهد صفویه بود که در تبریز به خرده‌فروشی روزگار می‌گذرانید. ظریفی در سرودن شعر توانا بود و اشعاری از وی در تذکره‌های آن دوره نقل شده است. از اوست:

نه به گریه رحمت آید نه به جامه پاره کردن

مه من، نمی‌توام به تو هیچ چاره کردن

چو اسیر توست این دل، به دگر بتان چه بندم

منم و دلی که نتوان به هزار پاره کردن

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۳۱۶)، تذکره‌ی روز روشن (۵۰۶)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۴۱۱ / ۲)، دانشمندان آذربایجان (۲۴۹)، الذریعه (۶۵۵ / ۹)، سخنوران آذربایجان (۵۱۴ -۵۱۳)، فرهنگ سخنوران (۵۹۵)، هفت اقلیم (۲۵۱ / ۳).

ظریفی تونی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، شـاعر. از شـاعران خراسان است که در تون (فردوس) زاده شـد و بیشتر ایام عمر خود را در همان سامان زیست. ظریفی در سرودن شعر، بویژه قصیده، استاد بود. از اوست:

جهان اگر چه به اسباب بی‌شمار خوش است

ز هر چه هست به عالم، وصال یار خوش است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۶۵۵ / ۹)، مجالس النفائس (۱۶۳).

ظریفی ساوجی، محمود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شـاعر. وی در سـاوه به دنیـا آمـد و در همـان شـهر نشوونمـا یافت. در روزگار شاه طهماسب به کاشان رفت و پس از چندی از آنجا رهسپار هندوستان شد و قریب شانزده سال در آن سامان از ملازمان اکبر شاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) بود. در اواخر عمر به زیارت خانه خدا شـتافت و در همان مکان مقدس درگذشت. مولانا شـریفی شاعری شـیرین کلام بوده که در سرودن غزل و قصیده مهارت داشته و گویا از مشرب صوفیانه نیز برخوردار بوده است. در برخی از تذکره‌ها نام وی محمد بیگ و در پاره‌ای از آنها تحت عنوان طریقی ساوجی آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشـکده‌ی آذر (۱۱۴۳ -۱۱۴۲ / ۳)، تاریـخ نظم و نـثر (۶۵۴، ۵۳۶، ۴۲۱)، الذریعه (۶۵۵، ۶۴۸/ ۹)، صبح گلشن (۲۶۴ -۲۶۳)، کاروان هند (۸۱۳ -۸۰۶ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ظریفی)، مجمع الخواص (۳۰۹)، مکتب وقوع (۶۶۱، ۲۸۲)، هفت اقلیم (۵۲۷- ۵۲۸ / ۲).

ظفر کرمانی، کاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا محمد تقی مظفر علیشاه کرمانی.

(س سـیزدهم ق)، طبیب و شـاعر. ملقب به ظفر علیشـاه. وی در جوانی به مطـالعه علوم متـداوله پرداخت و در حکمت طبیعی که فن موروثی او بود ماهر و قادر گردیـد. وی از آغاز جوانی طالب مطالب عرفانی شد و با ارباب کمال از جمله میرزا محمد حسـین رونق کرمانی معاشـرت داشت. میرزا کاظم همعصـر قاآنی شـیرازی و شاهزاده حسنعلی میرزای شجاع السلطنه بود.از وی «دیوان» شعری به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :چهارصـد شاعر برگزیده‌ی پارسـی گوی (۶۱۹)، حدیقه الشـعراء (۱۱۳۶ -۱۱۳۵ / ۲)، الذریعه (۶۵۵ / ۹)، ریاض العارفین (۲۶۸)، ستارگان کرمان (۲۷۲ -۲۷۰)، طرائق الحقائق (۲۰۹ -۲۰۸ / ۳)، مجمع الفصحا (۷۳۰ -۷۲۹ / ۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۲۶)، لغت‌نامه (ذیل/ ظفر).

ظهور، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۳ مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: مهندسی مکانیک، دانشگاه: صنعتی شریف

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسـی ارشـد پیوسـته در مهندسـی مکانیک از دانشـگاه شـیراز، کارشناسـی ارشد در مهندسـی هسـته‌ای، دکترا و فوق دکترا در مهندسی مکانیک از دانشگاه پردو آمریکا.

مرتبه علمی:

مربی و اسـتادیار دانشـگاههای شیراز، پردو صنعتی شریف، دانشیار و استاد دانشگاه صنعتی شریف، استاد مدعو دانشگاه نیومکزیکو، استاد نمونه سال ۱۳۷۲.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مهندسی پزشکی (طراحی و ساخت سوکت)، رباتها، مکانیزمها، مهندسی پزشکی (بیومکانیک)، استاد راهنمای ۳۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

ابداع:

جعبه دنده با تغییرات بی‌نهایت.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

۴ جزوه درسی در زمینه دینامیک ماشین، طراحی مکانیزمها، طراحی و ساخت بکمک کامپیوتر.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۶

زمینه علمی مقالات:

مهندسی پزشکی (بیومکانیک)، آموزش عالی در ایران، مکانیزمها، ترمودینامیک (گازها)، انتقال حرارت، رباتها، آموزش از راه دور در ایران.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ظهوری

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۰۲ ق)، خطاط. وی غیر از نورالدین محمد ظهوری ترشیزی شاعر است که نزدیک یک قرن پیش از او می‌زیسته است. از آثارش: یک نسخه «کلیات» عبدالرحمان جامی، به قلم کتابت متوسط و با رقم: «کتبه ظهروی، تمت الکتاب بعون الملک الوهاب، بتاریخ شهر شوال سنه‌ی اثنی و تسعمائه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۳۷ / ۲).

ظهوری تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۱۰ ق)، شاعر. از شاعران و دانشمندان مستعد عهد صفویه بود. صادقی کتابدار در تذکره‌ی خود، «مجمع الخواص»، که در ۱۰۱۰ ق تنظیم یافته، از او نام برده و او را به نیکی ستوده و اشعاری از وی نقل کرده است. از اوست:

چه رشک می‌بری ای دل به کشتگان غمش

تو هم به مقصد خود می‌رسی شتاب مکن

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۳۰ / ۱)، دانشمندان آذربایجان (۲۴۹)، الذریعه (۶۵۶ / ۹)، سخنوران آذربایجان (۵۱۵ -۵۱۴)، فرهنگ سخنوران (۵۹۶)، لغت‌نامه (ذیل/ ظهوری)، مجمع الخواص (۲۵۹).

ظهوری ترشیزی، نورالدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۶ -۱۰۲۴ ق)، شاعر و نویسنده، متخلص به ظهوری. ملقب به ملک الشعراء. وی در قریه‌ی جمند، از توابع ترشیز، به دنیا آمد. جوانیش به کسب ادب و دانش در خراسان گذشت، سپس به یزد رفت و در آنجا به شیوه‌ی شاعری مشغول شد و با گروهی از اهل ادب معاشرت نمود در همان دیار با وحشی بافقی آشنایی و مصاحبت یافت. پس از آن چندگاهی به شیراز عزیمت کرد و در آنجا با درویش حسین سالک شیرازی، شاعر و نقاش و مذهب معروف، دوستی و ملازمت یافت. سپس قصد هند کرد و وارد دکن شد و در بیجاپور به درگاه عادل شاهیان رسید و ملازمت عادل‌شاه ابراهیم ثانی را یافت و او را مدح گفت. آشنایی ظهوری با ملک قمی هم در همین ناحیه‌ی دکن و ظاهره در بیجاپور حاصل شد و به مواصلت ظهوری با دختر ملک انجامید و از آن پس دو شاعر با یکدیگر به سر بردند و در ایجاد بعضی اثرها با هم همکاری داشتند. ظهوری پس از چندی آهنگ حجاز کرد و در بازگشت به هند در احمدنگر پایتخت نظامشاهیان به خدمت عبدالحریم‌خان خانان رسید. وی در نظم و نثر دست داشت بطوری که

در هند به شهرت رسید. از جمله آثارش: مجموعه منشآت به نامهای: «دیباچه‌ی نورس»، که مقدمه‌ای است بر کتاب «نورس خیال» اثر ابراهیم عادل‌شاه؛ «گلزار ابراهیم»، در ستایش ابراهیم عادل‌شاه؛ «خوان خلیل»، که با مشارکت ملک قمی به نام ابراهیم عادل‌شاه تصنیف کرد؛ «پنج رقعه»؛ «دیوان» شعر؛ «ساقی‌نامه»، حدود چهار هزار و پانصد بیت که به نام برهان ثانی نظامشاه سرود.[۱]

نورالدین محمد، ترشیزی شاعر مشهور اوایل قر. ۱۱ ه. (ف. ۱۰۲۵ ه.ق./ ۱۶۱۶ م.) وی مدتی در خراسان و عراق و فارس به سر برد و با عمال و بزرگان و شاعران آن نواحی مصاحبت داشت و سپس به مکه و از آنجا در سال ۹۸۰ ه.ق./ ۱۵۷۲ م. به هند رفت و در آنجا کسب مقامات بلند کرد. دیوان ظهوری شامل مثنوی‌ها، قصیده‌ها و غزلهای بسیار است و سه دیباچه وی به نثر فارسی بر مجموعه‌های او (نورس، گلزار ابراهیم، خوان خلیل) به نام «سه نثر ظهوری» شهرت بسیار دارد و جزو کتب درسی هندوستان و پاکستان به شمار می‌رود، و بر آن شروحی نوشته‌اند. شهرت ظهوری در هند بیشتر از ایران است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۲۷۱ -۲۶۶ / ۱)، ایضاح المکنون (۵۱۵ -۴۴۰ / ۱)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۶۹ / ۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۸۸ -۹۷۷ / ۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۴۶ -۴۴۵)، تذکره‌ی میخانه (۴۱۲ -۳۶۳)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۴۸ / ۲)، الذریعه (۳۲ / ۲۳ ،۶۵۷ -۶۵۶ / ۹)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۳۲)، فرهنگ سخنوران (۵۹۷ -۵۹۶)، کاروان هند (۸۳۸ -۸۲۳ / ۲)، گنج سخن (۸۰ -۷۷ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ظهوری)، مآثر رحیمی (۴۴۶ -۳۹۳ / ۳)، منظومه‌های فارسی (۳۸۱ -۳۸۰)، مؤلفین کتب چاپی (۵۵۱ -۵۵۰ / ۵)، نتایج الافکار (۴۵۱ -۴۴۷).

ظهوری شیرازی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از شاعران شیراز است که در اوایل دروه صفویه می‌زیست. ظهوری از معاصران و شاگردان وحشی بافقی (م ۹۹۱ ق) بود. اشعاری از وی در تذکره‌های همان دوره نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۵۰۷)، الذریعه (۶۵۷ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۹۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ظهوری)، مجمع الخواص (۲۰۸ -۲۰۷)، مرآت الفصاحه (۳۸۶ -۳۸۵).

ظهیر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بخش ۱) حسن بن ظئر مکنی به ابوعلی فارسی، فقیه و لغوی و نحوی (ف. قاهره ۵۹۸ ه.ق). مولد اودهی به نام نعمانیه بود و از آنجا به شیراز رفت و به فارسی شهرت یافت. وی در فنون علوم و قراات عشره و تفسیر قرآن عالم و در فقه و حدیث و کلام و منطق و حساب و هیئت و طب مبرز و در لغت و نحو و عروض و قوافی و روایت اشعار عرب چیره‌دست بود و در هر فنی از این فنون کتابی را از برداشت. اوراست: کتابی در شرح الصحیحین، اختلاف الصحابهٔ و التابعین و فقهاء الانصار که به پایان نرسیده.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ظهیر استرآبادی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی از سادات استرآباد بود که پس از تحصیل علم و کسب دانش، از رهگذر سرودن شعر و نقالی روزگار می‌گذرانید. نصرآبادی اشعاری از وی نقل کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۱۴)، الذریعه (۶۵۷ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۹۷).

ظهیر اصفهانی، ظهیرالدین ابراهیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط و شاعر. وی خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و شعر نیز می‌سرود. امین احمد رازی آورده که: «میرزا ابراهیم خط نستعلیق را در غایت جودت تحریر می‌نموده و گاه‌گاه به شیوه‌ی جد و روش هزل بیتی یا رباعیی انشاء می‌کرده». برخی از اشعار وی به اشتباه در «دیوان» ظهیر فاریابی وارد شده است. از او «دیوان» شعری بر جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۶۵۷ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۹۷)، هفت اقلیم (۴۰۱ / ۲).

ظهیر اصفهانی، ظهیرالدین عبدالله

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. از شاعران اصفهان و از نزدیکان شرف‌الدین شفروه (س ششم ق) و صوفی مشرب بود. از وی حدود دویست و سیزده بیت شعر بجای مانده که در متن و تعلیقات «لباب الالباب» عوفی نقل شده است. ظهیرالدین در «ریحانه الادب» تحت عنوان شقروه آمده و از شعرای هندوستان دانسته شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۶۷ -۹۶۶ / ۳)، ارمغان (س ۷، ص ۹۳)، چهارصد شاعر برگزیده پارسی‌گوی (۶۱۸)، الذریعه (۶۵۹ -۶۵۸ / ۹)، ریاض العارفین (۱۰۴)، ریحانه (۷۴ / ۴)، صبح گلشن (۲۶۴)، لباب الباب (۲۷۴ -۲۷۳ / ۱)، هفت اقلیم (۳۶۶ / ۲)، یادگار (س ۵، ش ۶ و ۷، ص ۱۱۶ و ۱۱۷).

ظهیر تفرشی، ظهیرالدین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۱۰۳ ق)، شاعر. وی از نویسندگان و دانشمندان عهد صفویه است که پس از تحصیل علم و ادب از زادگاهش به گرجستان مهاجرت کرد. در آنجا علاوه بر شاعری، سمت پیش‌نمازی نیز داشت. حزین لاهیجی (تو ۱۱۰۳ ق) گوید که از مجلس ظهیر تفرشی با پدرش ابوطالب استفاده برده است. از آثار وی: «فرهنگ نایاب»؛ «شرح شبنم شاداب»؛ «نثر شبنم شاداب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره المعاصرین (۲۴۹، ۲۴۷، ۱۱۹ -۱۱۸)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۷۱ -۱۷۰)، الذریعه (۶۵۸ / ۹)، ریحانه (۷۳ / ۴)، صبح گلشن (۲۶۵)، فرهنگ سخنوران (۵۹۷)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۲ -۶۱۱ / ۳).

ظهیر فاریابی، ظهیرالدین، ابوالفضل طاهر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۹۸ ق)، شاعر، متخلص به ظهیر. از معروفترین شعرای عصر خویش و اصلا از مردم فاریاب، از بلاد خراسان، بود. در جوانی به کسب علوم و اطلاعات مختلف علمی و ادبی در فاریاب و نیشابور پرداخت. در نیشابور مدح عضدالدین طغانشاه بن مؤید آی ابه را گفت. وی علاوه بر ادب به تحقیق در مباحث نجومی نیز پرداخت و پیش‌بینی منجمان را در وقوع طوفان در ۵۸۲ ق، با تألیف رساله‌ای رد کرد. اما مطلقا مورد توجه پادشاه طغانشاه بن میود قرار نگرفت. در ۵۸۲ ق ناگزیر نیشابور را ترک کرد و به اصفهان به خدمت صدرالدین خجندی رفت و قصایدی در مدح وی گفت. در ۵۸۵ ق از اصفهان به مازندران و آذربایجان رفت و در آنجا به مداحی عده‌ای از افراد و وزراء و رجال همچون اصفهبد اعظم حسام‌الدوله والدین ابوالحسن اردشیر، از مشاهیر ملوک آل باوند، پرداخت. از دیگر ممدوحان ظهیر، طغرل بن ارسلان آخرین پادشاه سلجوقی، قزل ارسلان بن ایلدگز، اتابک نصره‌الدین ابوبکر ایلدگز و دیگر اتابکان آذربایجان هستند. بیشتر در تبریز زیست و با خاقانی شروانی، شیخ نظامی، میجرالدین بیلقانی و جمال‌الدین اصفهانی معاصر بود. در پایان عمر ترک ملازمت سلاطین گفت و به طاعت و کسب علم مشغول گشت. در تبریز فوت کرد و در قبرستان سرخاب نزدیک قبر خاقانی مدفون گردید. ظهیر صاحب «دیوان» شعر مشتمل بر چهار هزار بیت است.[۱]

(بخش ۱) طاهر بن محمد فاریابی ملقب به ظهیرالدین و مکنی به ابوالفضل، شاعر معروف ایرانی (ف. تبریز ۵۹۸ ه.ق.). اصل او از فاریاب است. وی از جوانی به تحصیل علوم و شعر و ادب پرداخت و ادب عرب و حکمت و نجوم بیاموخت و در خراسان و مازندران و آذربایجان سفر کرد. در روزگار اتابک قزل‌ارسلان به عراق و آذربایجان رفت. از ممدوحان وی حسام‌الدین اردشیر بن علاءالدوله حسن از طبقه ملوک آل باوند، طغانشاه حاکم نیشابور، محمد بن ایلدگز، قزل ارسلان و نصرةالدین ابوبکر از اتابکان آذربایجان را باید نام برد. وی با خاقانی و جمال‌الدین عبدالرزاق معاصر بود. جمال‌الدین مذکور ترکیب بندی مفصل و شیوا در مدح ظهیر دارد و ظهیر در ستایش جمال‌الدین اشعاری دارد. دیوان وی مکرر به طبع رسیده. قصاید او که غالبا در مدح شاهان و بزرگانست محکم و متین و غزلهایش مطبوع است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] بهارستان (۱۱۴ -۱۱۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۶۴ -۷۵۰ / ۲)، تاریخ ادبی ایران (۵۶۵ / ۱)، تاریخ طبرستان (۱۲۱ -۱۲۰)، تاریخ گزیده (۷۳۸ -۷۳۷)، تاریخ نظم و نثر (۱۰۷ -۱۰۶)، تذکره الشعرا (۱۲۸ -۱۲۲)، چهارصد شاعر برگزیده پارسی‌گوی (۶۱۷ -۶۱۴)، حبیب السیر (۵۵۹ -۵۵۸ / ۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۴۸/ ۲)، دویست سخنور (۲۲۲ -۲۲۰)، الذریعه

(۶۶۰ -۶۵۹ / ۹)، رباعی و رباعی‌سرایان (۱۲۵ -۱۲۴)، ریاض العارفین (۲۲۰ -۲۱۹)، ریحانه (۷۶ -۷۵ / ۴)، شخصیت‌های نامی (۳۱۰ -۳۰۹)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۳۳ -۳۳۲)، فرهنگ سخنوران (۵۹۸)، گنج سخن (۶۲ -۵۱ / ۲)، لباب الالباب (۳۰۷ -۲۹۸ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ طاهر، ظهیر)، مجالس النفائس (۳۴۱ -۳۳۹)، مجمع الفصحا (۸۶۳ -۸۵۲ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۶ / ۳)، هفت اقلیم (۸۲ -۷۷ / ۲)، یغما (س ۳، ش ۷ ۲ ص ۱۰۲ -۹۶).

ظهیر کازرونی، علی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۱۱- ح ۶۹۷ ق)، عالم، فقیه، ریاضیدان، مورخ، لغوی و شاعر. از رجال دوران مغول بود که در عراق زندگی می‌کرد. خط نیکویی داشت و متصدی کارهای بزرگ دولتی بود. کتب بسیاری تألیف و تصنیف کرد که از آن جمله: «روضه الاریب»، در تاریخ بغداد، در بیست و هفت بخش؛ «کنز الحساب» یا «وکر الحساب»، در حساب؛ «الملاحه فی الفلاحه»؛ «النبراس المضیء» یا «نبراس المفتی»، در فقه شاعفی؛ «الذروه العلیا فی سیره المصطفی (ص)»؛ منظومه «الاسدیه»، در لغت؛ «التنزلات» کازرونی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۵ / ۵)، ایضاح المکنون (۷۱۵ ۷۱۴ / ۲ ،۳۲۸ / ۱)، ریحانه (۷۶ / ۴)، کشف الظنون (۱۹۲۳ ،۱۰۱۳ ،۹۲۳ ،۴۹۴)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم المؤلفین (۲۳۲/ ۷)، هدیه العارفین (۷۱۵ / ۱).

ظهیر کرمانی، ظهیرالدین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۶۲ ق)، شاعر. از مشاهیر شعرای متأخر ایران می‌باشد که منظومه‌ای موسوم به «مجموعه البحرین» یا «مجمع البحرین» را در ۱۱۶۲ ق نوشته است. در «فرهنگ سخنوران»، به اشتباه، وی زنده در ۱۲۶۲ ق ذکر شده است. از آثارش «دیوان» شعر است. صاحب «الذریعه» تحت عنوان ظهیر کرمانی، ظهیرالدین حسن بن ناصرالدین یحیی خطیب کرمانی را نیز جداگانه معرفی می‌کند و به او نیز «دیوانی» نسبت می‌دهد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شاعران کرمان (۳۶۴)، الذریعه (۶۶۰ / ۹)، ریحانه (۷۷ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۵۹۸)، منظومه‌های فارسی (۳۸۱- ۳۸۲).

ظهیر نهاوندی، ظهیرالدین محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از سادات نهاوند است که در دربار صفوی به وقایع‌نویسی مشغول بود و در ضمن شعر هم می‌سرود. از اوست :

از آتش دل دماغ ما می‌سوزد

چون لاله همیشه داغ ما می‌سوزد

رخساره‌اش از عرق بر افروخته است

از روغن گل چراغ ما می‌سوزد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۹۲)، الذریعه (۱۰۰۶ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۹۹ -۵۹۸).

ظهیر همدانی، میرزا سید ابراهیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۰۲۶ ق)، عالم امامی، متکلم، حکیم متأله، ادیب و شاعر. پدرش میرزا قوام‌الدین حسین در عهد شاه طهماسب در همدان عهده‌دار منصب قضاوت و متصدی امور شرع بود، بدین جهت میرزا ابراهیم به قاضی‌زاده نیز مشهور است. وی به همراه پدرش مدتی در قزوین بود لذا توانست در محضر میر فخرالدین سماکی تلمذ کند و علوم عقلی را فراگیرد. چون به همراه پدر به اصفهان رفت، شاگرد میرزا مخدوم اصفهانی شد. وی تحصیلات را در فقه و ادب و حکمت و کلام و بلاغت ادامه داد تا سرآمد شد. مراتب علمی او با زهد و تقوی توأم بود. حدیث را از شیخ بهائی فراگرفت و از او اجازه‌ی روایت دریافت کرد. در سفری که به مکه رفت

با شیخ محمد بن احمد دریافت کرد. در سفری که به مکه رفت با شیخ محمد بن احمد بن نعمت‌الله عاملی ملاقات کرد و از او نیز اجازه‌ی روایت دریافت کرد. او بعد از وفات پدر قاضی همدان شد، لیکن اکثر اوقات خود را در درس و مطالعه و مباحثه می‌گذراند. شیخ بهایی او را بر میرداماد ترجیح می‌داد و مکاتباتی بین آن دو جریان داشت. ظهیر همدانی از دانشمندان بزرگ عصر خود بود و جمع کثیری از علمای زمان از محضر وی استفاده کردند. مجلسی اول، علامه ملا محمد تقی، از وی اجازه‌ی روایت گرفت. او تألیفات و تصنیفات بسیار دارد که از آن جمله است : رساله‌ی «اثبات الواجب»؛ حاشیه بر «اثبات الواجب» جلال‌الدین دوانی؛ حاشیه بر «الهیات شفا»؛ «انموذجه الابراهیمیه»، تلعیقات بر دو کتاب «شفا» و «نجاه» ابن‌سینا؛ حاشیه بر «شرح اشارات» خواجه نصیر؛ حاشیه بر «شرح جدید تجرید»؛ حاشیه بر «کشاف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۹ / ۱)، اعیان الشیعه (۱۲۹ -۱۲۸ / ۲)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۱۳ -۲۰۹ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۴)، الذریعه (۱۱۳ ،۱۱۰ ،۱۱ / ۶ ،۴۰۹ / ۲)، روضات الجنات (۴۳ -۴۲ / ۱)، ریاض العلماء (۱۳ -۹ / ۱)، ریحانه (۷۴ -۷۳ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴ -۱۲ / ۱۱)، فوائد الرضویه (۵)، الکنی و الالقاب (۵۱ -۵۰ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابراهیم)، معجم المؤلفین (۲۳ / ۱)، هدیه العارفین (۲۹ / ۱).

ظهیرالدوله قاجار، علی دولو

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۲ -۱۲۸۱ ق)، صوفی، شاعر، متخلص به صفا. مشهور به ظهیرالدوله و ملقب به صفا علیشاه. در جمال‌آباد شمیران به دنیا آمد. وی داماد ناصرالدین شاه و شوهر فروغ‌الدوله بود و در دوره‌ی ناصرالدین شاه سمت وزیر دربار داشت. در جوانی به سلسله‌ی نعمت‌اللهی پیوست و در سلک مریدان صفی علیشاه درآمد و لقب صفا علیشاه گرفت و در ۱۳۱۶ ق که حاج میرزا حسن صفی علیشاه درگذشت. علی‌خان ظهیرالدوله بنا به وصیت صفی علیشاه به جانشینی او منصوب شد و بعد از انتصاب به این مقام، با اجازه مظفرالدین شاه، انجمنی، به نام اخوت، در خانه‌ی خود واقع در خیابان فردوسی با عضویت صد و ده نفر به عدد نام مولی علی (ع) دایر کرد. وی طرفدار مساوات بود و در انجمن اخوت او از وضیع و شریف برابر می‌نشستند. البته لازم به ذکر است که ظهیرالدوله قبل از تأسیس انجمن اخوت سفری به اروپا کرد و مدتی که در آنجا اقامت داشت و وارد مجمع فراماسونری شد و پس از بازگشت به ایران خواست که در ایران هم لژی ترتیب دهد. از این رو افکار فراماسونری خود را به صورت انجمن اخوت درآورد. در ۱۳۲۳ ق مجله‌ای به نام «مجموعه‌ی اخلاق» را انتشار داد. از آنجایی که انجمن اخوت از مشروطه‌خواهی طرفداری کرد بعد از پیشامد قضیه‌ی به توپ بستن مجلس در ۱۳۲۶ ق خانه ظهیرالدوله نیز در تهران به توپ بسته شد و اموالش به غارت رفت. ظهیرالدوله در تهران درگذشت و در بین راه امامزاده قاسم و تجریش که امروز به قبرستان ظهیرالدوله یا سر قبر ظهیرالدوله معروف است مدفون گردید. از آثار اوست: «دیوان» شعر؛ چند رساله منظوم به نامهای «سبحه‌ی صفا»؛ «رعنا و زیبا»؛ «مجمع الاطوار» و یاد داشتهای او ر باب اقنلاب مشروطیت نیز متضمن نکات دقیقی است.[۱]

علی‌خان ملقب به صفاعلی شاه (لقب طریقتی) ابن ظهیرالدوله بزرگ از رجال عهد ناصرالدین شاه و عارف معروف (و. جمال‌آباد شمیران ۱۲۸۱- ف. ۱۳۴۲ ه.ق./ ۱۳۰۲ ه.ش.). وی در سن ۱۶ سالگی به دامادی ناصرالدین شاه مفتخر شد و سپس وزیر تشریفات خاصه همایونی (در زمان ناصرالدین شاه) گردید. مدتی نیز حکومت تهران را داشت. در سال ۱۳۰۳ ه.ق. در سلک مریدان صفی علی‌شاه درآمد و از جانب او دستگیری میکرد. پس از فوت صفی‌علی شاه (۲۶ ذی‌قعده ۱۳۱۶ ه.ق.) به امر ناصرالدین شاه، وی جانشین او گردید. ظهیرالدوله مؤسس «انجمن اخوت» (که هنوز دایر است) و از طرفداران مشروطه و آزادیخواه بود، و به همین سبب به امر محمدعلی شاه به هنگام بمباران مجلس، منزل و خانقاه او را به توپ بستند و اثاثه گرانبهای آنها را به غارت بردند. وی یکی از نخستین مؤسسان گاردن پارتی و کنسرت در دوره مشروطه می‌باشد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۱۹۱ -۱۹۰ / ۴ ،۷۹ -۷۶ / ۱)، چهارصد شاعر برگزیده پارسی گوی (۶۲۰)،دایره‌المعارف فارسی (۱۶۴۸ / ۲)، الذریعه (۱۲۶ / ۱۲ ،۶۰۹ / ۹ ،۱۸ / ۲۰)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۸۶ -۲۸۳ / ۴)، سخنوران نامی معاصر (۲۲۸۶ - ۲۲۸۲ / ۴)، سیری در تصوف (۱۶۶ -۱۵۲)، شرح حال رجال (۳۷۰ -۳۶۷ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۹۷ -۲۹۶ / ۴).

ظهیرالدین شیرازی، عبدالرحمان

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۱۶ / ۷۱۴ ق)، عارف و شاعر. وی از بزرگان طریقه سهروردیه بود، که پس از پدرش مصنب خلافت داشت. اولین خرقه‌ای که به تن کرد شیخ شهاب‌الدین سهروردی برای مادرش فرستاده بود. با شیخ صفی‌الدین اردبیلی و سعدی معاصر بود. در ایام حیات پدر به مکه مشرف شد و بعد از خوابی که در شب عرفه دید، به روایت کردن حدیث پرداخت. وی در شعر نیز دست داشت.

ظهیرالدین در شیراز درگذشت و همان جا دفن شد. از آثارش کتاب ترجمه‌ی «عوارف»می‌باشد که مؤلف «شیرازنامه» کتاب «عوارف» را در نزد وی خوانده و از او اجازت دریافت کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۴۷ -۷۴۶)، تذکره‌ی هزار مزار (۳۷۶ -۳۷۵)، شیرازنامه (۱۹۱)، مجمل فیصحی (ذیل/ سال ۷۱۴)، نفحات الانس (۴۷۶).

ظهیری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا حسن ظهیری امام جماعت مسجد سیمان ری از علماء و دانشمندان این شهر است ولی تولدش در تهران و بعد از خواندن مقدمات و اولیات به عراق مهاجرت نموده و مدتها در نجف و کربلا اقامت و از محضر آیات عظام آن سامان فقها و اصولا استفاده کرده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی در سال ۱۳۶۶ قمری مراجعت به تهران و در مدرسه مروی بتدریس و مباحثات پرداخته تا در حدود سال ۱۳۷۶ قمری که برای امامت مسجد مزبور انتخاب و تاکنون در آنجا از طریق محراب و منبر به تزویج دین و تبلیغ احکام اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

ظهیری، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس ظهیری

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۹ در اصفهان به دنیا آمدم و پس از سپری کردن درسهای کلاسیک در سال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه شدم البته در مدرسه ذوالفقار اصفهان. در سال ۱۳۶۱ درس خارج را شروع کرده و از محضر حضرات آیات عظام تبریزی، وحید خراسانی، بهجت و فلسفه و تفسیر را نیز در محضر اساتید معظم آیات جوادی و حسن زاده کسب فیض نمودم و در حین تحصیل به تدریس فقه و اصول و تفسیر در مراکز مختلف مشغول بودم و در عین حال به تالیف نیز پرداخته ام که نام آنها را در صفحه آثار نوشته ام .

ظیهر نسوی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. از دانشمندان و عالمان نام‌آور نسا بود.عوفی (م بعد از ۶۳۰ ق) او را ملاقات کرده و در تذکره خود، وی را به مزید فضل و دانش ستوده است و نوشته که: «در نسا مصاحبت او دریافتم». عوفی از اشعار وی یک رباعی و یک قطعه یازده بیتی نقل کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۶۶۱ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۹۸)، لباب الالباب (۲۴۴ -۲۴۳ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ظهیرالدین)، هفت اقلیم (۳۳/ ۲).

عابد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. در سال ۱۰۶۴ ق منظومه «اساس الاسلام» را سرود. این منظومه به احتمال، شرح حدیث «بنی‌الاسلام علی خمس...» است، در پنج باب: ۱- ایمان مجمل ۲- نماز ۳- روزه ۴- زکات ۵- حج، و در هر باب چند فصل با دید اهل سنت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :منظومه‌های فارسی (۳۸۲).

عابد بیرمی لاری

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. مشهور به شاه زنده. اهل بیرم لار و از سرشناسان فارس و از دانشمندان و عارفان زمان خود بوده که در سرودن شعر مهارت داشته است. در تذکره‌ها اشعاری از وی نقل است. در بعضی از تذکره‌ها نام صاحب عنوان را زین‌العابدین ذکر کرده و در بعضی او را مشهور به شاه زند یا شاه زندان دانسته‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۰۸ ،۱۸۰)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۳۷ -۵۳۶ / ۳)، الذریعه (۶۶۲ / ۹)، ریاض العارفین (۱۱۰)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۵۱۶ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۰۱ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ عابد)، مرآت الفصاحه (۳۸۷ -۳۸۶)، مجمع الفصحا (۸۶۷ / ۲).

عابدزاده، احمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمدرضا عابدزاده (زاده ۴ خرداد ۱۳۴۵ در آبادان) دروازه‌بان سابق تیم ملی فوتبال ایران و باشگاه پرسپولیس تهران و باشگاه استقلال تهران است. احمدرضا عابدزاده هم اکنون به عنوان مربی دروازه بانان باشگاه پرسپولیس تهران مشغول به فعالیت است. سالهای اولیه دهه ۶۰ در تیم هلال احمر اصفهان بازی می‌کرد.و پس از آن سال ها در تیم تام اصفهان زیر نظر حسین چرخابی بازی کرد.. پنج بار اسمش از منتخب جوانان خط خورد ولی سماجت وی باعث شد تا سال ۱۳۶۴ جوانان اصفهان همراه با عابدزاده بازی کنند. ۱۸ سال بیشتر نداشت که به اردوی تیم ملی جوانان دعوت شد و در اواخر همین سال عضو ثابت تیم ملی گردید. در ۱۳۶۸ به تهران آمد و پیراهن استقلال تهران را به تن کرد وی در همین سال ازدواج کرد. وی سپس به تیم سپاهان اصفهان رفت و بعد به تیم پرسپولیس تهران منتقل شد و از دوم دی ماه ۱۳۷۳ رسما به حفاظت از دروازه پرسپولیس تهران پرداخت. وی دارای ۷۸ بازی ملی و۵۲ گل خورده می‌باشد که از این جهت یک رکورد جالب توجه‌است. وی در بازی‌های مقدماتی جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه یکی از ارکان موفقیت تیم ملی فوتبال ایران در راه صعود به جام جهانی بود. اوج شهرت احمد رضا در بازی‌های آسیایی ۱۹۹۰ پکن اتفاق افتاد که با وجود آسیب دیدگی از ناحیه ی انگشتان دست، با مهار ۳ پنالتی در فینال مسابقات در برابر کره شمالی ایران را به قهرمانی آسیا رساند. چاپ کتاب زندگی‌نامه: زندگی‌نامه احمدرضا عابدزاده در قالب یک کتاب با نام زندگی‌نامه حرفه‌ای عقاب آسیا در دست انتشار است. این کتاب زندگی‌نامه ورزشی و شخصی احمدرضا عابدزاده، دروازه‌بان افسانه‌ای فوتبال ایران است. که به عقاب آسیا معروف بود. این کتاب نوشته محمد ناصری است.

عابدی، رحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و استاد دانشگاه. در ۱۳۱۲ ش با آخرین گروه دانشجویان اعزامی به فرانسه، به آن کشور عزیمت نمود و در دانشگاه شهر بوردو به اخذ مهندسی شیمی نایل شد و دکترای خویش را در همین رشته از مدرسه‌ی پلی‌تکنیک برلین اخذ کرد. وی در ۱۳۱۹ ش به ایران مراجعت کرد و مدتی ریاست هنرستان رنگرزی را به عهده داشت و چندی نیز ریاست اداره‌ی آموزش وزارت پیشه و هنر با او بود. در ۱۳۲۴ ش به سمت استادی دانشگاه رسید و بعدها به معاونت دانشکده‌ی فنی منصوب شد. از آثار وی: «پتروشیمی»؛ «شیمی آلی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۴۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱۵ -۱۱۴ / ۳).

عابدی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد عابدی

محل تولد : کندوان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

بسمه تعالی

تولد و تحصیلات

در سال ۱۳۵۲ ش در روستای کندوان از توابع شهرستان میانه در استان آذربایجان شرقی متولد شدم پدرم بنا و مادرم خانه دارو از خانواده اهل علم بود. از جمله آیت الله شیخ نصرت الله بناروانی که دایی آنان شمرده می شد. بعد از چند سالی به میانه نقل مکان کردیم و دوره ابتدایی، راهنمایی و اول دبیرستان را همان جا خواندم و وارد حوزه علمیه میانه شدم و به فاصله کمتر از چند ماه در سال ۶۹ به حوزه علمیه مسجد الدوله تهران رفتم. در تهران در مدارس ایلچی بیک (شهید باهنر) و رضائیه و در نهایت مروی هم تحصیل کردم و تا لمعتین را در این مدارس خواندم. استادان دوره مقدمات آقایان میرحسینی، فاضل، عبدالمجید رشیدپور (استاد اخلاق) و... بودند لمعه را هم با اساتیدی چون مرحوم پاکتچی، تقوایی و ... خواندم.ظاهرا در سال ۷۳ به حوزه علمیه قم آمدم. در مدرسه فیضیه و آنگاه دارالشفا ساکن شدم با حضرات اساتید اعتمادی، وجدانی فخر، موسوی تهرانی، دریاباری، رمضانی، و.... دروس را تا سطح خارج ادامه دادم. در سال ۸۱ وارد رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن شدم. و از محضر اساتیدی چون آیت الله معرفت، بهشتی، و آقایان فاضل گلپایگانی، عبدالهی (همکار تفسیر نمونه) دکتر رضایی اصفهانی، نصیری و نعمتی پورفر و .... در دروس مختلف تفسیر استفاده بردم همزمان به درس خارج آیات مکارم و سبحانی حاضر شدم و ۲ سال به درس خارج ادامه دادم. ۲.۵ سال هم درس خارج جناب استاد سروش محلاتی حاضر شدم و درس خارج فقه امر به معروف و نهی از منکر و بخشی از قصاص را خواندم.آنگاه به درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی حاضر شدم و درس تفسیر قرآن آیت الله جوادی آملی هم توفیق حضور یافتم.و اینک هم در دروس آیات مکارم، وحید و جوادی توفیق حضور دارم.در طی سالهای حضور در حوزه به امر تبلیغ هم اهتمام دانسته ام و در داخل و خارج قم به تبلیغ پرداخته ام. و همزمان فعالیتهایی در حوزه کتاب و مطبوعات هم داشته ام.

عابدی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا عابدی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه مقدّسه قم شدم. ابتدا مقدّمات را به طور آزاد و در ادامه در مدرسه مبارکه رضویه در حضور اساتید؛ حضرت حجهٔ الاسلام آقای کاشانی، حاج آقا هادوی تهرانی، حاج آقا علوی و... استفاده نمودم. معالم، رسائل و مکاسب را در محضر اساتید محترم؛ استادی، اعتمادی، مرحوم حاج آقا پایانی و در ادامه در محضر استاد حاج آقا حضرت آیهٔ الله عبدالله جوادی آملی دام عزّه در کلاس درس استاد، محضر قرآن بودم و در خارج فقه کتاب صوم و مکاسب تلمذ نموده ام. در زمینه تخصصی نسبت به فراگیری اصول و روش تربیت کودکان و نوجوانان در دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم بخش مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان در محضر اساتید محترم؛ حاج آقا محمّد حسن راستگو سعد آبادی، مهاجرانی، یحیی کبیر و.... اشتغال داشته و دارم. در این زمینه به مدّت ۱۵ سال با سایر دوستان محقق و نویسنده در تهیه و تدوین کتاب های ره توشه راهیان نور ویژه دو مقطع ابتدایی و راهنمایی تحصیلی فعّالیّت و همکاری نزدیک دارم. هم چنین در گروه های تخصصّی بخش تحقیقات مرکز کودکان و نوجوانان از جمله؛ گروه های تحقیقی اخلاق، قرآن، معارف و ... شرکت جسته و سرگروهی گروه اخلاق را به عهده دارم. با تحقیق و پژوهش و نویسندگی در زمینه کودکان و نوجوانان، در زمینه ی اخلاق اسلامی ویژه کودکان و نوجوان چه در ره توشه راهیان نور و چه به طور مجزا فعّالیّت های نوشتاری داشته ام. در گروه قرآن هم در طول سالیان متمادی به بررسی آیات قرآنی از جزء اول تا جزء ۳۰ قرآن نسبت به طرح استفاده کودکان و نوجوانان از معارف قرآنی به زبان آنان به بررسی و طرح آیات قرآنی به صورت ۴ گزینه ای فعّالیّت نمودم. البته این فعّالیّت در قالب گروهی بوده که با مهارت های مختلف ارائه شده است. جزء اول این فعّالیّت به صورت کتاب منتشر شده است و ۶ جزء دیگر آن به صورت آماده و قابل چاپ و در مراحل نهایی می باشد و مابقی اجزاء قرآن در حال بررسی و آماده سازی نهایی است.

عابدی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمود عابدی در سال ۱۳۲۳ ش در چادگان – یکی از روستاهای آن روز شهرستان فریدن – به دنیا آمد.ایشان دارای دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی می باشد.ایشان اکنون استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت معلم تهران است.کتاب "کشف‌المحجوب "تصحیح وی ، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمود عابدی تحصیلات ابتدایی و بخشی از متوسطه را در زادگاه خود- فریدن- به انجام رساند و پس از طی دورهٔ دانشسرای مقدماتی در سال ۱۳۴۲ به استخدام آموزش و پرورش درآمد. ضمن خدمت در آموزش و پرورش، دورهٔ کارشناسی زبان و ادبیات فارسی را در سال ۱۳۵۴ در دانشگاه اصفهان به پایان برد و مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا را در سالهای ۱۳۵۴ - ۱۳۶۳ در دانشگاه تهران پشت سر گذاشت.پایان‌نامهٔ دکترای وی تصحیح انتقادی نفحات‌الانس جامی بود که در سال ۱۳۷۱ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی شناخته شد.

استادان و مربیان : محمود عابدی از محضر استادان بزرگی چون: دکتر سیدجعفر شهیدی، دکتر زرین‌کوب، دکتر پرویز خانلری، دکتر خلیل خطیب رهبر، دکتر احمد مهدوی دامغانی و دکتر مظاهر مصفا و ... بهره‌ها برد و در کارهای پژوهشی‌اش همواره به تأثیر نفس و عظمت تحقیقات استادان یاد شده می‌اندیشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمود عابدی هم اکنون استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت معلم تهران است

جوائز و نشانها : پایان‌نامهٔ دکترای محمود عابدی تصحیح انتقادی نفحات‌الانس جامی بود که در سال ۱۳۷۱ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی شناخته شد. همچنین کتاب"کشف‌المحجوب "تصحیح وی ، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار : محمود عادبذی افزون بر سخنرانیها و مقالات متعدد در زمینه‌های تصوف و عرفان، بخصوص حافظ و شعر او، دارای آثار گرانسنگی است. ---

آثار :

۱ ترجمهٔ کهن عهدنامهٔ مالك اشتر

ویژگی اثر : تصحیح

۲ تکلمهٔ نفحات‌الانس

ویژگی اثر : تصحیح

۳ جستجویی در نهج‌البلاغه

ویژگی اثر : ترجمه

۴ خردنمای جان‌افروز

ویژگی اثر : تصحیح

۵ درویش گنج بخش

ویژگی اثر : تالیف

۶ علم و علم‌آموزی در اسلام

ویژگی اثر : تالیف

۷ کشف‌المحجوب

ویژگی اثر : تصحیح،این کتاب ، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب کشف‌المحجوب کشف‌المحجوب / تألیف علی بن عثمان هجویری؛ مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمود عابدی. - تهران: سروش، ۱۳۸۳. هفتاد و چهار، ۱۱۵۶ ص. کشف‌المحجوب اثر کم نظیر ابوالحسن علی بن عثمان هجویری یکی از ارزشمندترین متون صوفیانه فارسی است که در سدهٔ پنجم هجری به رشتهٔ تحریر درآمده است. این اثر علاوه بر شرح بسیاری از اصول تصوف و آداب صوفیان، در گزارش فرق صوفیه و کشف حقایق بعضی از احکام و آداب دینی و آیینی صوفیان فصولی دارد که در نوع خود بی سابقه و در میان منابع اصلی تصوف بی مانند است. افزون بر اینکه وسعت دایرهٔ واژگان در این اثر به اندازه‌ای است که برای محققان گونه‌های زبان فارسی حوزهٔ حیات مؤلف و عصر او، بررسی و مطالعهٔ آن امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. از کشف‌المحجوب دست نوشته‌های متعددی در کتابخانه‌های تاشکند، لاهور، هند و برخی از کشورهای دیگر جهان موجود است و این امر از فراوانی خوانندگان و علاقه‌مندان این کتاب حکایت دارد. این اثر نخستین بار به سال ۱۳۸۳ ه . ق در شهر لاهور چاپ و پس از آن نیز بارها به طبع رسیده است که از میان آنها طبع لنینگراد با تصحیح والنتین ژوکوفسکی، مدرس زبان فارسی دارالفنون سن پترزبورگ قابل ذکر می‌باشد و همین چاپ نیز بارها در ایران به صورت افست منتشر شده است. تصحیح جدید این اثر به همت جناب آقای دکتر محمود عابدی بر اساس نسخه‌های معتبر و قابل توجه، همراه با مقدمه و تعلیقات ارزشمند و رفع کاستیهای چاپهای پیشین این کتاب، صورت گرفته است و تلاش مصحح محترم برای ارائه تصحیحی دقیق و سودمند از این اثر قابل ستایش می‌باشد

۸ کلمات علیهٔ غرا

ویژگی اثر : تصحیح

۹ مطلوب کل طالب

ویژگی اثر : تصحیح

۱۰ نفحات‌الانس

ویژگی اثر : تصحیح

۱۱ نهج‌البلاغه از کیست

ویژگی اثر : ترجمه

عابدی، مهرداد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۷ مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی برق، دانشکده: مهندسی برق، دانشگاه: صنعتی امیرکبیر

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته برق از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹، کارشناسی ارشد از امپریال کالج لندن در سال ۱۳۵۲، دکترا از دانشگاه نیوکاسل انگلستان در رشته مهندسی برق در سال ۱۳۵۴.

مرتبه علمی:

استاد ممتاز دانشگاه صنعتی امیرکبیر در سال ۱۳۷۰، دانشیار دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی امیرکبیر.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مدل‌سازی ماشینهای الکتریکی و سیستمهای قدرت در حالت ماندگار، گذرا و دینامیک، الکترونیک قدرت، اصول ماشینهای الکتریکی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ماشینهای الکتریکی و سیستمهای قدرت. کتاب (اصول ماشینهای الکتریکی با کاربردهائی از الکترونیک قدرت) کتاب برگزیده دانشگاههای کشور از سوی دانشگاه تهران.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳۰

زمینه علمی مقالات:

مدل‌سازی ماشینهای الکتریکی و سیستمهای قدرت در حالت ماندگار، گذرا و دینامیک.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

عابدین درکوسن، سعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۳۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اقتصاد، دانشکده: اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته اقتصاد از دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۵۲، کارشناسی ارشد و دکترا در رشته اقتصاد از دانشگاه کالیفرنیای جنوبی آمریکا در سالهای ۱۳۵۴ و ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اقتصاد شهری از قبیل مسکن، حمل و نقل، اقتصاد منطقه‌ای، استاد راهنمای ۷ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اقتصاد شهری.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

اقتصاد شهری (مسکن و مهاجرت) و اقتصاد منطقه‌ای.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

عابدین، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر علیرضا عابدین ، تحصیلات دانشگاهی خود را در مقطع کاردانی علوم سیاسی، در لورکلمبیا کالج، لانگ ویو، واشنگتن آغاز و در سال ۱۳۶۰به پایان برد.ایشان تحصیلات خود را در دانشگاه ایسترن واشنگتن، چینی، واشنگتن تا مقطع کارشناسی ارشد در رشته روانشناسی بالینی ادامه داد و در سال ۱۳۶۵ موفق به اخذ مدرک فوق گردید.نامبرده همچنین مدرک دکترای روانشناسی بالینی، را از دانشگاه روانشناسی حرفهای کالیفرنیا، برکلی، کالیفرنیا، در سال ۱۳۷۴دریافت کرده است.وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه روانشناسی, دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی می باشد. گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی گرایش : روانشناسی بالینی تحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی دکتر علیرضا عابدین به ترتیب زیر است: دکترای روانشناسی بالینی، دانشگاه روانشناسی حرفهای کالیفرنیا، برکلی، کالیفرنیا، ۱۳۷۴. متخصص مشاوره بیماران معتاد، کالج اسپکن فالز، اسپکن، واشنگتن، ۱۳۶۶. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه ایسترن واشنگتن، چینی، واشنگتن، ۱۳۶۵. کارشناسی جامعه شناسی و علوم سیاسی، دانشگاه ایسترن واشنگتن، چینی، واشنگتن، ۱۳۶۳. کارشناسی روانشناسی، دانشگاه ایسترن واشنگتن، چینی، واشنگتن، ۱۳۶۲. کاردانی علوم سیاسی، لورکلمبیا کالج، لانگ ویو، واشنگتن، ۱۳۶۰. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری و مدیریتی علیرضا عابدین به قرار زیر است: . سرپرستی کلینیک تخصصی خانواده و کودک دانشگاه شهید بهشتی تاریخ: ۱۳۸۴ – تاکنون معرف: دکتر مظاهری وظایف: نظارت فعالیتهای روانشناسی کلینیک شامل روان درمانی و آزمونهای روانشناختی؛ تدریس کلاسهای روانشناسی و بین رشتهای ۲. مدیرعامل افقهای نوین تحول تاریخ: ۱۳۸۳ – تاکنون معرف: هیأت امناء موسسه وظایف: مشاوره، تحقیق و توسعه و اجرای برنامههای آموزشی و تجربی در راستای مدیریت سازمانها با تاکید بر بعد انسانی ۳. سرپرست روانشناسی درمانگاه شماره ۱، انستیتو روانپزشکی تهران تاریخ: ۱۳۸۱ - ۱۳۸۴ معرف: دکتر مجد وظایف: نظارت فعالیتهای روانشناسان و انترنها شامل تستهای روانشناسی و خدمات درمانی، آموزش تعداد کلاسهایی مانند آسیبشناسی، روانشناسی رشد، خانواده و گروه درمانی و مصاحبه تشخیصی ۴. رئیس کامیونیتی ساپورت نت ورک، سانتارزا، کالیفرنیا تاریخ: ۱۳۷۲ – ۱۳۷۹ معرف: هیأت امناء سی اس ان وظایف: پیشبرد برامههای بالینی، طرح و اجراء بودجه، جذب، رشد و همکاری با هیأت امناء، مدیریت پرسنل ۵. درمانگر سرپایی پتلوما هلت سنتر، بیمارستان راس، پتلوما، کالیفرنیا تاریخ ۱۳۷۳ – ۱۳۷۵ معرف: دکتر استیو هیوبرت وظایف: آموزش و پیشگیری از سوء استفاده مواد مخدر، مداخله و درمان از طریق تشخیص و مصاحبه (خانواده، گروه، فردی) و مشاوره سوء استفاده مواد مخدر ۶. مشاوره سرپایی فمیلی سرویس ایجنسی سان متیو کانتی، برلین گیم، کالیفرنیا تاریخ: ۱۳۷۰ – ۱۳۷۱ معرف: دیوید فیشر وظایف: مشاوره ازدواج، خانواده، کودک، فردی و گروهی ۷. درمانگر سرپایی مرکز سلامت روان بخش سان متیو، گروه تشخیصهای همبودی، کالیفرنیا تاریخ: ۱۳۶۹ – ۱۳۷۱ معرف: دکتر گیفین و دکتر ولکاو وظایف: مدیریت موردهای بالینی، آزمونهای روانشناختی، خدمات آسیب شناسی انفرادی و گروهی برای بیماران بزرگسال و کودکان بزهکار ۸.درمانگر سرپایی نیوپرسپکتیوز مرین، لارکسپر، کالیفرنیا تاریخ: ۱۳۶۸ – ۱۳۶۹ معرف: دکتر پاول گود وظایف: آموزش پیشگیری از مواد مخدر، مداخله و درمان نوجوانان ۹.معاونت درمان و پیشگیری از سوءاستفاده مواد مخدر، نیوهرایزن کرسنتر، اسپکن، واشنگتن تاریخ: ۱۳۶۴ – ۱۳۶۸ معرف: هال لتزنهیسر وظایف: اشغال ۹۰٪ ماتریکس تختهای درمان، ناظر کادر درمان، همکاری و مشارکت با دیگر سازمانها، طرح و اجرا بودجه ۱۰. درمانگر کامیونیتی منتال هلت سنتر (مرکز سلامت روان)، استیت منتال هلت (مرکز ایالتی سلامت روان)، واشنگتن تاریخ: ۱۳۶۴ – ۱۳۶۵ معرف: دکتر سالتراپ و گیل برگهارد وظایف: مداخله در بحران و درمان بالینی ۱۱. دستیار بخش روانشناسی، دانشگاه ایسترن واشنگتن، چینی تاریخ: ۱۳۶۴ – ۱۳۶۶ معرف: دکتر فیل انست و دکتر گیل هیکس وظایف: حمایت و هدایت دانشجویآن سال اول کارشناسی ارشد، همکاری در تدریس کلاس‌هایی مانند آمار پیشرفته، فیزیولوژی، آسیبشناسی دارای گواهینامه های تخصصی: کارشناس حرفهای سلامت روانی کارشناس مشاوره الکل و مواد مخدر کارشناس توانبخشی اجتماعی سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شرکت در فعالیتهای پیوسته حرفه ای : انجمن روانشناسی آمریکا کمیته تعلیمات اینلند ایمپایر سازمان مبارزه با اعتیاد به الکل عضو سای کای سازمان توانبخشی اجتماعی کالیفرنیا سازمان بین المللی توانبخشی روانشناسی نظام روانشناسی و مشاوره ایران

عابدینی، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالفضل عابدینی

محل تولد : مرند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابوالفضل عابدینی استادیار دانشگاه تهران، دانشکده الهیات، در سال ۱۳۲۹ در مرند (آذربایجان شرقی) متولد شده و

تحصیلات ابتدایی را در آن شهر گذرانده سپس به تبریز هجرت کردم و در مدرسه طالبیه تبریز (حوزه علمیه) تحصیلات حوزوی را شروع کردم و در ضمن دروس جدید را هم ادامه دادم. (۱۳۴۲) سپس به شهر قم رفتم، منطق و اصول و لمعتین و رسائل و مکاسب را پیش اساتید بزرگ جناب آقای پایانی و جناب آقای سبحانی خواندم (تا پایان سطح) در کنار علوم دینی، دروس جدید را هم تا دیپلم ادبی و سپس در سال بعد دیپلم تجربی را پشت سر گذاشتم (۲ دیپلم گرفتم ادبی و تجربی). در سال ۱۳۵۳ در دانشگاه تهران در رشته تاریخ قبول شدم یکی دو سال از قم به تهران تردّد می‌کردم و سرانجام به قول طلبه‌ها سلب توفیق شده و ناچار از قم بریدم و برای همیشه ساکن تهران شدم. در سال ۱۳۵۵ لیسانس گرفتم ـ مجدداً دوره فوق‌لیسانس را در همان دانشگاه ادامه دادم. به انقلاب و انقلاب فرهنگی خورد ـ مدتی دانشگاه‌ها تعطیل شد. سرانجام در سال ۱۳۶۴ فوق لیسانس گرفتم.در سال ۱۳۶۹ از طریق اعزام دانشجو به خارج، از طریق وزارت علوم به کشور فرانسه برای اخذ دکترا، اعزام شدم ۲ سال در فرانسه بودم، بنا به دلایل سیاسی و فرهنگی نتوانستم در آنجا ادامه تحصیل بدهم، ناتمام برگشتم. مجدداً برای دکترا امتحان دادم و در دانشگاه شهید بهشتی ادامه تحصیل دادم و سرانجام از آن دانشگاه دکترا گرفتم. و هم اکنون به کار تدریس و تحقیق و پژوهش مشغول هستم.

عابدینی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد عابدینی

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب احمد عابدینی فرزند یدالله متولد ۱۳۳۸ در نجف آباد اصفهان در خانواده ای کشاورز متولّد شدم از طرف مادرم نسبم به مرحوم آیهٔالله میر سیّدعلی آیت نجف آبادی می رسد. به همین جهت مادر و دایی هایم که نوادگان مرحوم میر سیّدعلی بودند به درس خواندن من اصرار داشتند، از جهت دیگر کشاورزی و رسیدگی به اموری از این قبیل مطرح بود به همین جهت معمولاً درس خواندن منحصر به مدرسه بود و بیشتر وقت خارج از مدرسه به کمک پدر در امر کشاورزی می گذشت معمولاً شبهای زمستان را در جلسات قرآن و حضور در مسجد و خواندن مقدمات صرف کردم. در سال ۱۳۵۶ دیپلم گرفتم و در کنکور شرکت کردم و پس از قبولی در دانشگاه در رشته فیزیک به تحصیل پرداختم. در همان تابستان اولین کلاس آموزش قرآن را تشکیل دادم و تمامی دوستانی که با هم درس می خواندیم و دیپلم گرفتیم در آن کلاس شرکت کردند و روخوانی قرآن را فرا گرفتند. پس از ورود به دانشگاه نیز بنده خود را به دفاع از قرآن و اسلام می دانستم. جو خاص آن زمان و وجود جوانان فراوانی که کمونیست شده بودند و بنده و دوستانم با آنان بحث می کردیم و نا توانی از پاسخ به شبهات آنان، نیاز به خواندن فلسفه را برایمان یقینی ساخت ولی مبارزه با شاه به شکلهای گوناگون از جمله تشکیل نمایشگاه های کتاب در شهرهای مختلف از جمله شهرهای استان چهارمحال و تدارک تظاهرات و نیز درسهای دانشگاه فرصت پرداختن به فلسفه را از ما گرفت با پیروزی انقلاب و افتادن بیشتر دانشگاه ها به دست کمونیستها و التقاتیها به منظور انقلاب فرهنگی، دانشگاه تعطیل شد و بنده فرصت را برای فلسفه خواندن غنیمت شمردم با چند تن از دوستان خدمت مرحوم آیهٔالله ایزدی امام جمعه نجف آباد که از شاگردان خاص مرحوم آیهٔالله علامه طباطبائی و از هم دوره ای های مرحوم شهید مطهری بود رسیدیم و تقاضای فلسفه کردیم و ایشان نپذیرفت و فهم فلسفه را منوط به خواندن منطق دانست.

از روی ناچاری به قم رفتیم که روز ورود به قم مصادف شد با حمله عراق به ایران. در درسهای فلسفه نظیر منظومه شرکت می کردیم ولی کامل نمی فهمیدیم، یکی از استادان حاضر شد تنها پنجشنبه ها چهار ساعت برایمان فلسفه بگوید که باز مناسب نبود و ذهنمان کشش نداشت. شروع جنگ و بی برنامگی ما و تعطیل شدن هر روزی درسهای حوزه و بی پولی و ... دوباره ما را به نجف آباد کشاند این بار استاد حاضر شد برای ما بدایهٔ الحکمه بگوید و ما نیز تصمیم به خواندن منطق گرفتیم و منطق مظفر را شروع کردیم. کم کم برای فهمیدن درست عربی به خواندن کتابهای مقدماتی صرف و نحو مشتاق شدیم و کم کم دروس حوزوی را به سبکی که طلاب می خواندند شروع کردیم، ولی بنده با سرعت بیشتر و اشتیاق فراوان آنها را بسیار زودتر از دیگران به پایان بردم. برخی کتابها را با استاد خواندم و برخی را خودم مطالعه کردم، برخی را با مباحثه و برخی را ضمن تدریس فرا گرفتم.

از جمله اساتیدمان مرحوم شیخ محمّدعلی صفر نورالله بود که هدایه، عوامل ملامحسن، مقداری سیوطی و مغنی و مقداری تحریرالوسیله را نزد او خواندم. در عرض این دروس، بدایهٔالحکمه، منطق مظفر، مقداری اصول فلسفه و روش رئالیسم با مقداری نهایهٔالحکمه را نزد مرحوم آیهٔالله ایزدی فرا گرفتم. نجف آباد برایم بسیار مناسب و خوب بود زیرا برخی درسها را که نمی توانستم شرکت کنم دوستانم برایم نوار می گرفتند و آن را گوش می دادم هرگاه خبردار می شدیم که عملیات است و جبهه رفتن لازم است با توافق یکدیگر درس را تعطیل می کردیم و پس از بازگشت از جبهه از همانجا شروع می کردیم.

در سال ۱۳۶۱ دوباره به قم وارد شدم و در ایام تحصیل با عشق و علاقه به درس خواندن پرداختم. بقیه اصول و لمعه را نزد آقایان کوه کمره ای، احمدی میانجی، محامی، و مرحوم وجدانی فخر خواندم و در همان زمان سیوطی و هدایه را تدریس کردم و بعد به

رسائل و مکاسب مشغول شدم و از درسهای آقایان اعتمادی تهرانی و مرحوم پایانی و مرحوم ستوده استفاده کردم و کفایتین را تنها نزد مرحوم آیةالله ستوده خواندم. در طی این مدت تلاش کردم در درس منظومه آیةالله انصاری شیرازی و صبح های زود در درس اسفار جلد ۹ آیةالله جوادی شرکت کنم.

زمانی که در نجف آباد بودم گاهی در درس تفسیر آیةالله ایزدی شرکت می کردم ولی این شرکت مرتب نبود اما در قم پس از اینکه حضرت آیةالله جوادی آملی تفسیر قرآن را در مسجد محمدیه شروع کردند در آن شرکت کردم، کم کم جمعیّت زیاد شد و درس به مسجد اعظم انتقال یافت و بنده همچنان در آن شرکت می کردم. بالاخره در خرداد ۱۳۶۵ دروس سطح کاملًا تمام شد و در امتحان کفایه شرکت کردم در واقع شروع رسمی طلبگی بنده اواخر شهریور ۱۳۵۹ بود که تا خرداد ۱۳۶۵ که حدود ۶ سال میباشد طول کشید. بنده علاوه بر درسهای رسمی حوزه که امروزه طی ۱۰ سال می خوانند مقدار زیادی فلسفه و تفسیر نیز اندوخته داشتم و با طلاب مباحثه کرده بودم.

از خاطرات به یاد ماندنی آن دوران یکی آنکه شبی هنگام مباحثه کفایه به دوستان گفتم هرجا مطلب مشکل است و خود صاحب کفایه نمی فهمد می گوید خالی از دقت نیست، دقت کن و ... در اثر همین توهین به ایشان یک مرتبه تیز فهمیم از بین رفت و فردای آن روز هرچه کردم متن کفایه را نمی فهمیدم. فردا شب در سر مباحثه پیش دوستان خود به گناه خود اعتراف کردم و در حرم حضرت معصومه (س)نیز توبه و انابه کردم تا مقداری از آن فهم و حافظه برگشت ولی خوب روشن است که پارچه کثیفِ شسته شده هیچ گاه مثل پارچه نظیف نیست. از آن زمان تصمیم گرفتم به علما و بزرگان اهانت نکنم و به جای اتهام به آنان فهم خود را مورد اتهام قرار دهم.

از خاطرات آن دوران اینکه گروهی بودیم که در تمام درسها تلاش می کردیم قبل از درسها پیش مطالعه کنیم و به همین جهت تنها خارج درس را گوش میدادیم و نیازی نمی دیدیم که تطبیق مطالب با متن را گوش دهیم و به همین جهت از درس خارج می شدیم، روزی مرحوم آیةالله پایانی در ضمن توضیح خارج مکاسب به برخی غلطهای چاپی کتاب اشاره کرد و فرمود می خواهم کسانی که تطبیق با متن را نمی نشینند به دردِ سر نیفتند از اینکه استاد کار مارا به رسمیت شمرده بود خوشحال بودیم. در تابستانها و ایام تعطیل دروس، برنامه های دیگری داشتیم. تابستان ۱۳۵۶ قبلًا بیان شد. تابستان ۱۳۵۷ را در شهر کرد صرف کردیم. در آن وقت و در ایام تعطیل دانشگاه در جاهای مختلف نمایشگاه کتاب می زدیم. تابستان ۱۳۵۸ را در جهاد سازندگی استان چهارمحال و بختیاری شهرستان جونقان و روستاهای اطراف آن به سر بردم و به کارهای فرهنگی و عمرانی اشتغال داشتم. تابستان سال ۱۳۵۹ در بخش اردل و نوقان و روستاهای آن به کارهای فرهنگی و عمرانی اشتغال داشتم. پس از شروع جنگ بیشتر تابستانها یا ایام تعطیل یا ایّام عملیات در جبهه می گذشت.

تابستان سال ۱۳۶۰ به سر پل ذهاب رفتیم ، خوب به یاد دارم که صبح زود هوا هنوز تاریک بود و ما سه نفر طلبه در کوچه های کرمانشاه قدم می زدیم تا به ستاد اعزام نیرو برسیم که خبر شهادت ۷۲ تن را از رادیو شنیدیم و خبر شهادت رجائی و باهنر را نیز در سر پل ذهاب و قبل از عملیّات معروف بازی دراز شنیدیم. تلاش می شد اوقاتمان در جبهه به بطالت نگذرد ، مباحثه تحریر الوسیله، حفظ قرآن، خواندن کتابهایی نظیر پرواز در ملکوت از امام امت محصول تلاش آن دوره است. اگرچه اکنون که به گذشته ها می نگرم باز بسیار وقت تلف کرده ام که امکان بهره برداری بهتر از آنها وجود داشت.

در تابستان ۱۳۶۴ کلاسهایی از سوی شورای سرپرستی طلاب خارجی گذاشته شد و بنده در آن کلاسها شرکت کردم و در امتحان نمره خوبی آوردم و روزی در حظور استادهای عربی و محضر مرحوم استاد آیةالله ایزدی به عربی سخن گفتم که اثر شادابی آن به خوبی در چهره استادانم ظاهر بود. به همین جهت و برای کامل شدن تکلم به عربی در تابستان ۱۳۶۵ و اتمام دروس سطح، چهار نفر از آن کلاس به لبنان فرستاده شدیم، ورود ما به لبنان مصادف بود با شروع درگیری های حرکت امل و فلسطینیان. مدرسه رسول اکرم در حومه جنوبی بیروت و در سر راه فرودگاه که محل استقرار ما بود درست در منطقه وسط درگیری بود و خمپاره های طرفین از بالای مدرسه عبور می کرد و چندین مرتبه به مدرسه اصابت کرد.

همه فکر آن جمع چهار نفری این بود که در ضمن کار و فعالیت، تمرین زبان کنیم. از جمله آن کارها ایجاد نمایشگاه کتاب بود که یکی از آنها در جلوی مسجد امام رضا(ع)(محل اقامه نماز توسط آیةالله سید محمدحسین فضل الله) به مدت ۱۰ روز برگذار شد.

هرهفته بنده جدا از دوستان به جنوب لبنان، حوزه صدیقین می رفتم و با طلاب آنجا جلسه داشتم و گاهی به روستاهای اطراف نیز می رفتم، در ضمن برخی دروس را برای طلاب تدریس می کردم.پس از پایان تابستان مسئولان مدرسه از بنده و یکی از دوستان خواستند که برای تدریس آنجا بمانیم و خودشان با ایران هماهنگ کردند و زن و فرزندانمان را به لبنان آوردند و یک سال تحصیلی در آنجا ماندیم.

در آنجا صبح ها خدمت آیةالله سید محمدحسین فضل الله درس خارج فرا می گرفتم و بقیه روز را به تدریس مشغول بودم روزهایی که درگیری شدید بود و یا روزهای یکشنبه که تعطیلی رسمی لبنان بود و اساتید در دروس خود حاضر نمی شدند من خودم را موظف می دانستم درس آنان و یا درسی جایگزین را تدریس کنم، گاهی اوقات تدریسها به ۱۱ عدد می رسید که ۲ تا ۳ تا از آنها در مدرسه خواهران بود که همسرم مسئولیتش را بر عهده داشت و یکی از آنها درس عدل الهی بود که پس از نماز مغرب و عشا برای دانشجویان می گفتم.

بله از امور بسیار جالب در لبنان این بود که یک کلاس برای دانشجویان هفته ای سه شب گذاشته بودم و کتاب عدل الهی استاد مطهری را توضیح می دادم. حدود ۳۰ تا ۴۰ دانشجو در آن کلاس شرکت می کردند این مقدار دانشجو در آن شرایط بد امنیتی و استمرار آن، چشم همه افراد را خیره کرده بود و می گفتند این گونه کلاسها با این تعداد دانشجو بی سابقه است.

در بین تمامی این برنامه ها از برنامه برای ایرانیان قافل نشدیم و محرم در آنجا منبری گذاشتیم و جلسه ای به زبان فارسی، سخنرانی و مداحی به سبک ایرانی برای مجموع ایرانیهای موجود در بیروت اعم از سفارتی ها یا غیر از آنها داشتیم که بسیار جالب بود و

مورد استقبال واقع شد. شب شام غریبان دسته عزاداری به سبک ایرانی با شمع و ... به راه انداختیم و با نوحه سرائی به زبان فارسی به پشت درهای مسجد امام رضا(ع) و سپس مسجدی که مرحوم شمس الدین در آن اقامه جماعت می کرد رفتیم. هر دو مسجد بسته بود و کسی در آنجا نبود، اما جالب اینکه بنده در طول راه زنان بی حجاب زیادی را دیدم که می آمدند روسری از یکی از خانم ها قرض می گرفتند و به سر می کردند و مقداری دسته عزاداری را همراهی می کردند و سپس روسری را تحویل می دادند و می رفتند. این نشان می داد که بی حجابها ضد دین نیستند بلکه علاقه زیادی به دین دارند و شرایط زندگی، آنان را به این وضع در آورده است.

اوایل تابستان ۶۶ لبنان را به قصد ایران ترک کردیم تا دوباره اوایل مهر به آنجا بر گردیم ولی دیگر توفیق یار اینجانب نشد. پس از چند ماهی از ورود به ایران با گروه تفسیر دفتر تبلیغات آشنا شدم و به کار تحقیق در قرآن پرداختم و یکی از پژوهشگران تفسیر راهنما گشتم که بحمدالله در ۲۰ جلد به چاپ رسیده است. از آن زمان تا سال ۷۷ به مدت ۱۲ سال در تفسیر راهنما بودم و گاهی اوقات بخصوص تابستانها روزها یا هفته ها می گذشت که تنها قرآن و تفسیر مطالعه می کردم و خداوند را بر این نعمت بزرگ شاکرم. در این مدت درسهای خارج زیادی از مراجع معظم قم را شرکت کردم.نوارهای درسهای اصول و رجال را گوش دادم و مباحثه کردم نوارهای جلدهای ۶و ۷و ۸ اسفار را گوش دادم و مباحثه کردم،دو دوره رسائل و زیادی از مکاسب را تدریس کردم و ....

در سال ۷۰ با باز شدن دوباره راه خانه خدا و شروع مجدد حج در امتحان زبان دانها شرکت کردم و پس از قبولی ، در همان سال به حج مشرف شدم_ البته پول حج را خودم پرداخت کردم و در واقع امتحان، اولین سفر را بی نوبت کرد_در مسیر بین مکه و مدینه اتومبیل حامل ما به سختی تصادف کرد و چند نفر از زبان دانان شهید و بنده نیز به شدت از ناحیه پاها ضربه دیدم. پس از مراجعه به ایران و بدتر شدن روز به روز کوفتگی پا، مجبورم کرد که چند ماهی در خانه بمانم و هیچ راه نروم این زمان فرصت خوبی بود برای شروع به نوشتن که اولین مقاله عربی در مورد طهارت اهل کتاب نوشته شد. پس از خوب شدن و فعالیتهای دوباره بیرون از خانه، دیگر نوشتن رها نشد و در هر فرصتی قلم بر کاغذ رفت و مقاله های متعدد نوشته شد که از سال ۷۴ یکی پس از دیگری در مجله کاوشی نو در فقه و سایر مجلات به چاپ رسید که لیست ناقصی از آنها تهیه شده است.

در دوره چهارم تربیت مدرس دارالشفاء شرکت کردم و مدرک کارشناسی ارشد دریافت کردم و در همان زمانها و شروع اعطای مدارج علمی از سوی مدیریت حوزه قم در آنجا نیز امتحان دادم و مدرک سطح چهار گرفتم. در سال ۷۷ با به پایان رسیدن تقریبی کار تفسیر راهنما از رفتن به آنجا خود داری کردم و پس از چند ماهی توفیق راه اندازی «مرکز تحقیقات طب اسلامی امام صادق(ع)» نصیب این جانب شد و توفیق یار شد تا یک دور کتب اربعه حدیثی شیعه را با دقت بخوانم که برایم بسیار مفید بود و نزدیک است که مسیر آینده تحقیقات و تألیفاتم را رقم بزند.

در تابستان ۸۱ و تقریباً تمام شدن دور فیش برداری از کتب اربعه و اصرار خوانواده برای ترک قم و هجرت به اصفهان و بسیار خوب بودن استخاره های فراوان در این رابطه علی رغم میل باطنی، راهی اصفهان شدم و از اوّل مهر ۸۱ در اصفهان به تدریس در حوزه پرداختم تا خداوند چه بخواهد. برخی از مراجع معظم تقلید بنده را با ورقه اجتهاد، وکالت و امثال آن مورد لطف قرار دادند.

تا کنون شش جلد کتاب از این جانب به چاپ رسیده است و امیدوارم بتوانم مقاله های چاپ شده ام را با اصلاح و اکمال برای چاپ آماده سازم، زیرا اکثر مقالات از نوآوری بهره مند است، بویژه مقالات فقهی که شرطش نوآوری همراه با استدلالهای محکم است و به همین جهت برخی از آنها در جشنواره ها برنده شده و جایزه ای نظیر عمره برایم به ارمغان آورده است. برخی مکرر در جاهای مختلف چاپ شده و برخی دستمایه محققان برای طرح های تحقیقاتی گشته است. و خداوند را برای همه این نعمتها شاکرم.

و اکنون نیز به طرحی پیرامون احادیث اهل بیت می اندیشم.

شاید بتوان روحیه نو آوی این جانب را – اگر واقعاً موجود باشد– ناشی از دانشجو بودن قبل از انقلاب و برخورد با افکار مختلف در دانشگاه و نیز سفر به لبنان در سخت ترین شرایط و برخورد و تضارب آرا با اکثر گروه های موجود در صحنه و بودن در حوادث گوناگون دانست. از ناکامی های این جانب نداشتن هم مباحثه دائم است، در دوران جنگ با هرکسی هماهنگ و هم طراز شدم تا با هم پرواز کنیم به جبهه رفت و به پروازی دیگر مبادرت ورزید. پس از آن نیز هم مباحثه ها، تدریس در دانشگاه ها،ورود به ارگانها و ...را بر طلبگی صرف و کمی امکانات ترجیح دادند و به همین جهت کارهای تحقیقاتی این جانب به تنهایی انجام می پذیرد و به همین جهت از نظر کیفیت و کمیت روند مطلوبی که خودم آن را می پسندم ندارد و به ویژه که گاهی ویراستاران نیز به ویرانگری می پردازند و غلط گیران نیز بی دقتی می کنند و ناگهان مقاله ای منتشر می شود که ... .

از خداوند منان عاجزانه تقاضا دارم که توفیقی عنایت کند که مجموعه حدیثی مورد نظر بدون هر اشکالی به پایان رسد. از مهر ماه ۸۳ شروع به تدریس ترتیبی قرآن مجید و نوشتن آن به عربی کردم که الحمدلله اکنون یک جزء از قرآن به اتمام رسیده و بیش از دو جلد دست نویس تفسیر موجود است که امید است با توفیق خداوند بتوانم یک دوره تفسیر را به آخر برسانم و در معرض نظر علاقه مندان قرار دهم.

عابدینی، منصور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۳۶، دکترا در رشته شیمی معدنی از دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا در سال ۱۳۴۲، دوره مطالعاتی و تحقیقاتی در انستیتو تکنولوژی تولید ژاپن در زمینه شیمی آلی فلزی در سال ۱۳۴۹، بورس تحقیقاتی در دانشگاه ایالتی میشیگان در زمینه شیمی سطوح سایلیل دار شده.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده علوم دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

سنتز و شناسائی ترکیبات معدنی، شیمی آلی فلزی، شیمی سطوح سایلیل دار شده، مطالعه ترکیب شیمیائی فیروزه ایران، بررسی آزمایشگاهی تولید لاجورد، راهنمائی، مشاور و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۹

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شیمی عمومی، والانس و ساختمان مولکولی، اصول طیف سنجی مولکولی، شیمی معدنی، نامگذاری در شیمی معدنی، شیمی فلزات، شیمی نافلزات و عناصر نیمه رسانا، تئوری گروه و تقارن در شیمی و شیمی آلی فلزی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۵

زمینه علمی مقالات:

سنتز مشتقات نیتروژن‌دار و فلوئوردار دی سیلان، مطالعه فیروزه ایران، تهیه کمپلکس دو هسته‌ای کبالت، تهیه لاجورد، بررسی سینتیکی ایزومری شدن.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

عاجز

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. وی از مثنوی‌پردازن عصر خود بود که منظومه‌ی صوفیانه‌ای به نام «شورش‌نامه» در بحر «مثنوی» مولوی سروده است. این مثنوی در برگیرنده حکایتها و تمثیلهای زیبا است که چهار بخش دارد: «شورش الارشاد»؛ «شورش دیوان»؛ «شورش مشتاق» و «شورش اسرار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :منظومه‌های فارسی (۳۸۳ -۳۸۲).

عاجزی

قرن:۱۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

از زنان شاعر. وی دختر میر خلیل سردار ارس خان و از اهالی فیروکوه بود. در کودکی خواندن و نوشتن آموخت و پس از آنکه به سن رشد رسید به ازدواج امیر اقبال درآمد. آن دو سپس به هرات رفتند و در آنجا سکونت کردند. امیر اقبال با همسرش بدرفتاری می‌کرد و زندگی را بر او تلخ می‌نمود که بالاخره موجب مرگ زودرس او گردید. عاجزی طبع شعر داشت و اشعار سلیس و روانی می‌سرود که اغلب آن نعتیه می‌باشد. از آن جمله است:

برده ای دل و دینم وه چه دلربا هستی

خنجر جفا برکش بهر قتل ما هستی

میل دلبری دارد دلربا چرا هستی

دردمند و مسکینم معدن شفا هستی

بر سرم فکن سایه سایه خدا هستی

عارضت هویدا کن شوکت پری بشکن

رخ نما و دل بستان رسم تاجری بشکن

لب به گفتگو بگشا سحر سامری بشکن

داوران عالم را رسم داوری بشکن

گرچه شاه خوبانی مایل گدا هستی

سر ز پرده بیرون کن رونق قمر بشکن
پرویلان دستارت از قفای سر بشکن
جلوه کن سوی بالا از همای پر بشکن
رف رف و بر افت شد دامن از کمر بشکن
وقت رفتن و گفتن وه چه خوش نما هستی
رهنمود هفت افلاک شهسوار او ادنی
فخر اول و آخر صدر عالم بالا
ماه مشرق و مغرب شمع مجلس اقصی
مفتی رواج دیدن شاه یثرب و بطحا
نسل زبده‌ی آدم نور کبریا هستی
از کمان ارویت ماه نو ظفر دارد
لاله از غم دوری داغ بر جگر دارد
وز خدنگ دلجویت جان من حذر دارد
نرگس از فراق تو دیده‌های تر دارد
عاشق تو بسیار است چون تو کم نما هستی
«عاجزی» که در نعتت ذکر و گفتگو دارد
کس مباد در عالم طالعی که او دارد
از سگان کوی تو کمتر آبرو دارد
این کنیز اولادت فکر جستجو دارد
چون کند نمی‌داند ماه من کجا هستی

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره دهم، ۳۷ –۳۶.

عادل خلعتبری، فخر عظمی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۹ –۱۲۷۷– وف ۱۳۴۵ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به فخری. در تهران به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و سالها به تدریس اشتغال داشت. وی به زبان فرانسه و انگلیسی مسلط بود.او روزنامه «نامه بانوان ایران» را منتشر کرد و علاوه بر آن در شاعری و در نقاشی و موسیقی نیز مهارت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات نوین (۲۵۷)، اندیشه‌نگاران زن در شعر مشروطه (۱۱۹ –۱۱۷)، تاریخ جراید (۲۶۳ / ۴)، زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند (۱۶۰ –۱۵۸)، زنان سخنور (۳۷ –۳۳ / ۲)،سخنوران نامی معاصر (۲۵۹۵ –۲۵۹۳ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۶۹۲)، کارنامه‌ی زنان مشهور (۱۲۰ –۱۱۸).

عادل، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر مرتضی عادل در سال ۱۳۳۸ در تهران بدنیا آمد.ایشان پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد حقوق خصوصی از دانشگاه شهید بهشتی ، در آزمون اعزام دانشجو به خارج شرکت کرده و قبول شد .او در سال ۱۳۷۲ به انگلستان ،دانشگاه منچستر برای تکمیل معلومات دانشگاهی عزیمت کرد و در سال ۱۳۷۷ دکترای رشته حقوق بین الملل خصوصی را اخذ نمود.وی از همان سال تا کنون در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران به خدمت است.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

گرایش : حقوق بین الملل خصوصی

والدین و انساب : پدر مرتضی عادل،حسین نام داشت او از کارخانه داران و صنعت گران قدیم تهران بود که به دلایلی سرمایه خود را از دست داده و به کارگری (صنعتی) مشغول شد.مادرش هم خانه دار و فردی مذهبی بود.بطوری که مرتضی از همان کودکی در دامان ایشان با مفاهیم و مجالس مذهبی آشنا شد.

خاطرات کودکی" : دوران کودکی من همراه با سختی هایی بود که عمدتا معیشتی بودند.ناچار بودم در تعطیلات تابستان به کاری مشغول شوم تا هزینه سال بعد را فراهم نمایم.ایام خوشی نیز داشتم که عمدتا مربوط به رفت و آمدهای خانوادگی و مراوده با

دوستان و هم محلی های خوب و صمیمی است".

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : مرتضی عادل در خانواده ای با شرایط مادی متوسطی بدنیا آمد ".تعداد چهار برادر و دو خواهر از خودم دارم که همیشه پشتیبان و حامی من بوده و بـا حمـایت هـای و محبت هایشـان من را در راه کسب علم و تحصـیل تشویق نموده اند. در دوران کودکی جایزه های آنان برای موفقیت های تحصیلی من بسیار در روحیه و پشتکار من موثر بود"

تحصیلات رسمی و حرفه ای : مرتضی عادل مقطع ابتدایی را در مدرسه خصوصی عراقی و متوسطه را در دبیرستان ذوقی یک به پایان رساند. در سال ۱۳۶۱ در دانشکده علوم قضایی در رشته حقوق پذیرفته و در سال ۱۳۶۵ با رتبه اول فارغ التحصیل گردید.در سال ۱۳۶۸ نیز از دانشگاه شهید بهشتی (ملی سابق) در رشته حقوق خصوصی–مقطع کارشناسی ارشد–فارغ التحصیل شد.ایشان در همان سال در آزمون اعزام به خارج شرکت کرده و در رشته حقوق بین الملل خصوصی رتبه اول را کسب کرد.در سال ۱۳۷۲ جهت ادامه تحصیل در مقطع دکتری به انگلستان–دانشگاه منچستر – عزیمت کرد و در سال ۱۳۷۷ مدرک فوق را اخذ نمود.

خاطرات و وقایع تحصیل : مرتضی عادل، از تشویق ها و جوایزی که در دوران تحصیل در مدرسه از والدین و خواهر و برادران دریافت می کرد خاطرات خوبی بیاد دارد.وی در ادامه خاطرات خود می گوید ":رقابتی که در سال آخر دبستان با همکلاسی خود برای نفر اول شدن داشتم نیز جالب بود و در نهایت توانستم نفر اول شوم و ایشان نفر دوم کلاس شد".

فعالیتهای ضمن تحصیل : مرتضی عادل در ضمن تحصیل به فراگیری خوشنویسی و دروس اسلامی و حوزوی می پرداخت.او در تابستانها در فراغت از تحصیل به کار اشتغال می یافت و به کسب درآمد روی می آورد.او در دروس اسلامی تا پایان مقطع سطح تحصیل کرده است.

استادان و مربیان : مرتضی عادل از دوران تحصیل در دوره های ابتدایی و متوسطه ،مرحوم آقای نوش آبادی(مدیر دبستان عراقی)،آقای قاسمی(دبیر فیزیک) و آقای مولوی(دبیر فارسی) را بیاد دارد و یاد آنها را گرامی می شمارد.

همسر و فرزندان : مرتضی عادل در سال ۱۳۶۲ ازدواج کرد که ماحصل این ازدواج دو فرزند می باشد.فرزند بزرگترش،دختر و دیگری پسر می باشد.همسرش دارای مدرک کارشناسی هنرهای زیبا از انگلستان و دو فرزندش هم در حال حاضر مشغول تحصیل می باشند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : – عضو هیئت علمی و استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران – عضو گروه حقوق خصوصی اسلامی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران – رئیس موسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران

فعالیتهای آموزشی : مرتضی عادل در حوزه حقوق قراردادها،قراردادهای تجاری بین المللی،حقوق بین الملل خصوصی،حقوق مصرف کننده،متون حقوقی به زبان انگلیسی ،حقوق تطبیقی به امر تدریس می پردازد.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : مرتضی عادل یکی از بانیان انجمن حمایت از حقوق مصرف کننده(در شرف تشکیل) و انجمن حقوقدانان تطبیقی(در دست تاسیس) می باشد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مرتضی عادل در کنار تدریس ،تحقیق و پژوهشی به ارائه خدمات مشاوره ای حقوق به کسانی که نیاز به مشاوره دارند ،می پردازد. او همچنین از برنامه های ورزشی و تفریحی غافل نمی شود.

جوائز و نشانها : دکتر عادل برنده رتبه اول گروه حقوق اولین دوره جشنواره بین المللی فارابی به دلیل تالیف کتاب "حقوق بیم بین المللی:با مطالعه تطبیقی "باتفاق چندین همکاران می باشد. --

آثار :

۱ حقوق بیم بین المللی:با مطالعه تطبیقی

ویژگی اثر : تالیف،باتفاق چند تن از همکاران

۲ فرهنگ لغات فارسی –انگلیسی و انگلیسی–فارسی

ویژگی اثر : تالیف

عادلی پیش بیجاری، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: جنگل‌داری، دانشکده: منابع طبیعی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

عادلی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: منابع طبیعی، دانشکده: منابع طبیعی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

عادلی، اسماعیل

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۸۵ -۹۴۲ ق)، شاعر، متخلص به عادلی. وی فرزند بزرگ شاه طهماسب صفوی است که شاهزاده‌ای شارع و خوش ذوق، لیکن بی‌باک و سفاک بود و از این روی پدرش او رابه مدت بیست سال در قلعه قهقه زندانی کرد. وی پس از مرگ پدر بر تخت نشست و مدت کوتاهی حکومت کرد. عادلی در سرودن شعر بویژه مثنوی مهارت داشت. از او مثنوی «استخلاصیه» بر جای مانده، که شاعر این مثنوی را در ایام بند سروده و در آن از پدر اظهار انقیاد نموده است به این امید که پدر او را آزاد کند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی میخانه (۲۰۵ -۲۰۴)، حبسیه در ادب فارسی (۱۰۲ -۱۰۱)، دایره‌المعارف فارسی (۱۴۶ / ۱)، الذریعه (۶۶۳ / ۹)، علام‌آرای عباسی (صفحات متعدد) فارسنامه‌ی ناصری (۴۱۷، ۴۱۲، ۶۸ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ عادلی، اسماعیل)، مجمع الخواص (۱۲ -۱۰)، مجمع الفصحا (۷۹ / ۱)، منظومه‌های فارسی (۳۸۳)، نتایج الافکار (۴۶۷ -۴۶۶).

عارف اردبیلی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، شاعر. اهل آذربایجان بود. نخست در دربار سلطان اویس جلایر و سپس به دعوت شروان‌شاه کیکاوس بن کیقباد (۷۷۴ -۷۴۵ ق)، به شروان رفت و آموزگار پسر وی شد. عارف در آنجا شروع به سرودن مثنوی «فرهادنامه» در وزن خسرو و شیرین نظامی کرد و تا سال ۷۷۱ ق آن را به پایان رسانید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۶۹)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۹۶ -۹۴ / ۱)، دانشمندان آذربایجان (۲۵۲ -۲۵۱)، الذریعه (۲۵۷ / ۱۹، ۶۶۵ / ۹)، سخنوران آذربایجان (۶۳ -۶۲)، فرهنگ سخنوران (۶۰۳)، لغت‌نامه (ذیل/ عارف اردبیلی).

عارف اصفهانی، ابراهیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به عارف. از تبریزیان ساکن محله‌ی عباس‌آباد اصفهان بود. او در ضمن تحصیل علم و دانش، شاعری نیز می‌کرد و بیشتر غزل می‌سرود. عارف اشعار بسیاری در خاطر داشت و مردی درویش مسلک بود. وی مدتی قبل از ۱۰۸۳ ق سفری نیز به هندوستان کرد و از آن جا به زیارت خانه‌ی خدا شتافت و بعد از بازگشت به وطن، درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۳۲ -۴۳۱)، دانشمندان آذربایجان (۱۸ -۱۷)، الذریعه (۶۶۶ / ۹)، صبح گلشن (۲۶۸)، کاروان هند (۸۳۹ / ۲).

عارف ایگی، سراج‌الدین حسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۳۵ -۹۷۶ ق)، شاعر، متلخص به عارف. وی در ایگ از توابع داراب گرد فارس به دنیا آمد. مدتها در شیراز به تحصیل حکمت طبیعی پرداخت. سپس به زادگاه خود بازگشت. بعد از مرگ پدر، برادر اثیرالدین حسن به جای پدر بر مسند کلانتری ایگ نشست و چون با سراج‌الدین سر ناسازگاری گذاشت، در نتیجه سراج‌الدین از وطن آواره شد و ناچار به سیر در شهرها پرداخت. مدتی در کرمان و یزد به سر برد و آن‌گاه از راه سیستان به هند رفت. در آنجا به مجلس جهانگیر پسر اکبرشاه راه یافت. ولی بعد از مدتی حاسدان در نزد شاه از او بدگویی کردند و شاه او را به مدت دو سال به زندان انداخت. سرانجام پس از رهایی از زندان، مجددا جهانگیر را مدح کرد. ولی بعد از مدت پنج سال بی‌اجازه از نزد جهانگیر گریخت. و در آگره اکبرشاه را مدح گفت. بعد از مرگ اکبرشاه در ۱۰۱۴ ق از آگره هم خارج شد و در گلکنده، محمد قلی قطب شاه را ملازمت کرد و از آنجا به وطن بازگشت و مدت پنج سال در ایگ به سر برد. مجددا از وطن خارج شد و پس از گشت و و گذار در خراسان باز به هند رفت و ملازم جهانگیر پادشاه شد. عارف در هندوستان با مؤلف تذکره‌ی «میخانه» ملاقات کرد و شرح حال خود را برای او تعریف نمود. سرانجام در شهر بنگاله درگذشت. از آثارش: «دیوان» مثنوی «اندرزنامه»، در دو هزار و سیصد بیت، در بحر «شاهنامه»؛ «ساقی‌نامه»؛ «مثنویی»در بحر «مخزن الاسرار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۰۰ -۹۹۲ / ۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۳۹)، تذکره‌ی میخانه (۶۴۰ -۶۲۸)، دانشمندان و

سخن‌سرایان فارس (۵۴۰ -۵۳۸ / ۳)، الذریعه (۱۲۱/ ۱۹ ،۱۱۱/ ۱۲ ،۶۶۷ -۶۶۶/ ۹)، ریحانه (۷۹ / ۴)، صبح گلشن (۲۶۷)، کاروان هند (۸۵۰ -۸۳۹/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ عارف ایگی)، منظومه‌های فارسی (۳۸۴)، هفت اقلیم (۱۷۱ -۱۶۹/ ۱).

عارف بخارایی، بایزید

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. در بخارا به دنیا آمد. وی مداح عبیدالله‌خان ازبک (م ۹۴۶ ق)بود. «دیوان» او به هفت هزار بیت می‌رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۵۱۰)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۲۲)، الذریعه (۶۶۴ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۰۴).

عارف تبریزی، عبدالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم و سیزدهم ق)، شاعر. وی در آغاز جوانی به هند مسافرت کرد و با میرزا محمد علی فروغ (م ۱۲۱۰ ق) مشاعره داشت. پس از چندی ترک دنیا گفته، به کسوت درویشی درآمد و در بنارس سکونت اختیار کرد و همان جا درگذشت. حاجی عبدالله در سرودن شعر توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۵۰۹)، دانشمندان آذربایجان (۲۵۳)، الذریعه (۶۶۸ -۶۶۷ / ۹).

عارف شیرازی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۱ ق)، شاعر. در جوانی از شیراز به عتبات عالیات رفت و به تحصیل انواع علوم پرداخت و از آنجا به هندوستان عزیمت نمود و سرانجام در لکنهو اقامت گزید. اما از نصرالدین حیدر، پادشاه آن سامان، سودی ندید. ولی بعد از آن محمدعلی شاه، سلطان اود، مقرری برای وی در نظر گرفت، با این حال عارف زندگی را به عسرت می‌گذراند تا در همان شهر از دنیا رفت. اثر وی «دیوان» شعر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۱۴۸ -۱۱۴۷ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۵۰ -۵۴۸ / ۳)، الذریعه (۶۶۹ / ۹)، ریحانه (۸۰ / ۴)، صبح گلشن (۲۶۹ -۲۶۸)، فرهنگ سخنوران (۶۰۵)، لغت‌نامه (ذیل/ عارف شیرازی)، مکارم الآثار (۱۶۵۹ / ۵).

عارف عجمی، فتح الله

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۶۹ ق)، شاعر و مورخ. از شاعران عهد سلطان سلیمان‌خان عثمانی قانونی و شاهنامه‌چی او بود. اشعار بسیاری درباره‌ی سفرها و جنگها و مدح وی سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۸۰ / ۴)، لغت‌نامه (ذیل/ عارف عجمی).

عارف قزوینی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شادروان عارف قزوینی، مردی آزادیخواه، شاعر، ترانه‌سرا، و خواننده و موسیقی‌دان بزرگ ایران که قسمتی از شرح حال وی در جلد اول کتاب «مردان موسیقی سنتی و نوین ایران» آمد، راجع به خود در دیوان اشعارش چنین می‌گوید:

«اسمم ابوالقاسم تولدم در قزوین پدرم ملا هادی وکیل، می‌توانم بگویم نطفه من به بدبختی بسته شده است. برای این که از زمان طفولیت که در کنف حمایت و تربیت پدر و مادر زندگی می‌کردم به جهت خصومتی که مابین پدر و مادرم از اول عمر بوده است من و سایر برادرهای بدبختم همیشه مثل این بود که در میان دو ببر خشمگین زیست و زندگی می‌کنیم، چون می‌دانم بیشتر پدر و

مادرها در ایران به واسطه آشنا نبودن از بدو زناشوئی اخلاقشان به همدیگر، همه در یک ردیف هستند اولادهای زیر دست این پدر و مادرها را هم چون با خود شریک و همدرد می‌دانم از شرح آن خودداری کرده واگذار به درد دل و ذوق ایشان و خوانندگان می‌کنم.

یاد ندارم تاکنون اسم پدرم را به خیر و خوبی برده یا این‌که از برای او طلب آمرزش کرده باشم و تمام بدبختی‌های خود را در دوره زندگانی از او می‌دانم.»

باید یادآور شد که این شاعر و تصنیف‌ساز بلندآوازه، به قدری حساس و آزاده بود و به قدری به ایران و ایرانی عشق می‌ورزید که بسیاری از تصانیف و غزل‌های او راجع به وطن و جوانان وطن می‌باشد. و همیشه می‌گفت: «من همیشه می‌خواهم یک ایرانی پاک باقی بمانم، بگذار در گمنامی بمیرم، اما می‌خواهم هموطنانم نیرومند و سربلند و کشورم شکوفا باشد». به همین مناسبت در سال ۱۳۳۸ در یک کنسرت قطعه شعری را که به «یاد وطن» سروده بود، در «ابوعطا» اجرا کرد که مورد استقبال فراوان قرار گرفت.

هر وقت ز آشیانه‌ی خود یاد می‌کنم

نفرین به خانواده صیاد می‌کنم

یا در غم اسارت جان می‌دهم بباد

یا جان خویش از قفس آزاد می‌کنم

شاد از فغان من دل صیاد و من بدین

دلخوش که یکدلی بجهان شاد می‌کنم

جان می‌کنم چو کوهکن از تیشه‌ی خیال

بدبختی از برای خود ایجاد می‌کنم

شد سرد آتش دل و خشکید آب چشم

ای آه آخر از تو ستمداد می‌کنم

با حرقه‌ای که پیر خرابات ننگ داشت

وامش کند بباده، من ارشاد می‌کنم

گه اعتدال و گاه دمکرات من بهر

جمعیت عضو و کار ستبداد می‌کنم

با زلف یار تا سر و کارم بود چه غم

بی‌کار اگر بمانم افساد می‌کنم

تصانیف او اکثراً دارای اشعاری مهیج و محرک است که با آهنگ‌های زیبا و مطلوبی که می‌ساخت و روی آن‌ها می‌گذاشت، با صدای خوش و آواز دلنشین خود در کنسرت‌ها که اغلب در سالن گراند هتل اجرا می‌شد به همراهی شکری تارزن که بسیار مورد علاقه عارف بود برپا و برگذار می‌گشت.

از تصنیف‌های زیبایی که اغلب عارف می‌خواند، تصنیفی بود که به یاد کلنل محمدتقی خان پسیان دوست جوان و ناکام خود ساخته بود و مقدمه آن چنین بود:

«گریه کن که گر، سیل خون گری ثمر ندار، ناله‌ای که ناید ز نای دل برون، اثر ندارد».

ناگفته نماند که این تصنیف از قطعات مهم و مؤثری می‌باشد که با صدای قمر الملوک وزیری در همان اوان جوانی با صدای خوب و رسا و پر طنین این هنرمند، همراه با ساز مرتضی خان نی‌داود ضبط گردیده است.

من بی‌خبر ز خانه‌ی خود چون سر خری

بر هر دری، که مملکت آباد می‌کنم

اندر لباس زهد چو ره می‌زنم بروز

با رهزنان شب ز چه ایراد می‌کنم

سرشارم هر شب از می و لیک از خماریش

هر بامداد ناله و فریاد می‌کنم

درس آنچه خوانده‌ام همه از یاد می‌رود

یاد هرگه از شکنجه استاد می‌کنم

شاید رسد بگوش معارف صدای من

زانست عارف، این همه بی‌داد می‌کنم

«نمی‌دانم چه در»

نمی‌دانم چه در- نمی‌دانم چه در- پیمانه کردی جانم

تو لیلی‌وش مرا- تو لیلی‌وش مرا- دیوانه کردی جانم

دیوانه کردی خدا خدا- دیوانه کردی جانم

چه شد اندر دل من جا گرفتی جانم- مکان در خانه ویرانه کردی جانم

ویرانه کردی خدا خدا- ویرانه کردی جانم

ای تو تمنای من- یار زیبای من- تویی لیلای من

مرا مجنون صفت- دیوانه کردی جانم- دیوانه کردی جانم- دیوانه کردی خدا خدا

همان‌طور که اشارت رفت، عارف علاوه بر غزل از تصنیف‌سازان و ترانه‌سرایان بزرگ ایران است که کارهای او، راهگشای

آینـدگان در تصـنیف‌سازی شد. و در این ترانه‌ها و تصانیف درد و مفاسد اجتماع را بیان می‌کرد، زشتی‌ها و نامرادی‌ها را می‌گفت، خیانت‌ها و جنایت‌های هیأت حاکمه وقت را برای مردم وطن خود افشاگری می‌کرد سیزده سالگی نزد حاجی صادق خرازی رفت و خواننـدگانی را نزد وی آموخت و بـا صـدای گرم و ملیـح خـود تصـانیف و آهنگ‌هـای سـاخته خـویش را به خـوبی اجرا می‌کرد. ابوالقاسم عارف قزوینی در دوم بهمن ماه ۱۳۱۲، پس از چندین بار که به بیماری مالاریا مبتلا شده بود و این سبب ضعف و ناتوانی جسـمی و روحی او گردیـده بود و از طرفی از وضع مادی خوبی هم بهره‌منـد نبود دار فانی را وداع گفت و در حیاط بوعلی سینا به خاک سپرده شد.

خداوند روحش را قرین رحمت خویش فرماید.

(ع. بخش ۱) ابوالقـاسم بن (ملاـ) هادی قزوینی شاعر و تصـنیف‌ساز معروف (و. قزوین ۱۳۰۰ ه.ق.– ف. همـدان ۱۳۵۲ ه.ق./ ۱۳۱۲ ه.ش.). هنر عـارف در ساختن تصـنیف بود. تصنیفهای وی علاوه بر محسـنات موسیقی از نظر اشـتمال بر وقایع زمان و تهییـج حس وطن‌پرستی در دلها بسیار مؤثر می‌افتاد. با وجود تندخویی و غمناکی و گوشه‌گیری، اهل ذوق را به دیدار او اشتیاقی تام بود و وقتی پیش می‌آمـد که مجلس را از شور تصـانیف خود چون محفل سـماع عارفان در وجـد و طرب می‌افکنـد. در سالهای آخر عمر غم و انـدوه او شـدت گرفت و در همـدان انزوا گزیـد و در همانجا بدرود حیات گفت. قبر وی در صـحن آرامگاه ابن سـیناست و سـنگ مرمری بر سر قبر او نصب کرده‌اند که این بیت بر آن منقوش است:

عمرم گهی به هجر و گهی در سفر گذشت

تاریخ زندگی همه در دردسر گذشت.

(ح ۱۳۵۲ –۱۳۰۰ ق)، موسـیقیدان، تصـنیف‌ساز، خواننـده، خطـاط و شـاعر، متخلص به عارف. در قزوین چشم به جهان گشود. وی تحصـیلات قـدیم را در زادگـاه خود فراگرفت و به دو هنر خـط و موسـیقی اهتمام بیشتری ورزیـد و به شـهرت رسـید. اساتیـدش در خوشنویسـی، آقا محمدرضا کتاب‌فروش، آقا شیخ محمدرضا شالی خوشنویس و آقا شیخ علی شالی، معروف به سکاک، بودند. فن موسـیقی را نزد حاجی صادق خرازی آموخت. در جوانی به رشت رفت و با رفعت علیشاه آشنا شد. سپس به تهران آمد. او پس از انقلاب مشـروطیت، طبع شعر خود را در راه دفاع از آزادی و مشروطه و بر ضد مظالم طبقه‌ی حاکم به کار گرفت. هنگام قیام محمد تقی‌خـان پسیان، به خراسـان رفت و در تئاتری به قاجـاریه ناسـزا گفت، به همین سب، ایرج‌میرزا منظومه‌ی «عارفنامه» را در هجو او سرود. عراف بیشتر اوقات متواری ودر حال سـمافرت بود. در ایام مهاجرت، او به نواحی غرب و بغـداد و کرمانشاهان و اسـتانبول نیز مسـافرت کرد و بـا آزادیخواهـان آن شـهرها همکـاری داشت. وی اواخر عمر را در تنگـدستی در همـدان گذرانیـد و همـان جا درگذشت و در جوار مقبره‌ی ابوعلی دفن شد. کار بزرگ عارف تحول عظیمی بود که در ترانه‌سرایی پدید آورد. شهرت و حیثیت ملی وی برای تصـنیفهای وطنی اوست که در مواقعی حسـاس سـروده و بـا ملت ایران همـدلی کرده است. دیگر از امتیازهای بزرگ تصـنیفهایش آن است که او خود هم شـاعر و موسـیقیدان و هم آوازه‌خوان بود و تصـنیف را با مهارت و اسـتادی فوق‌العاده‌ای برای بیان مقاصد و مضامین ملی به کار می‌برد. وی در غزلهای خود از سعدی و حافظ پیروی کرده است. اثر او «دیوان» شعر است.[۱]

شادروان ابوالقاسم عارف در شهرسـتان قزوین متولد و دیری نپایید که اسـتعداد سرشار و بخصوص لطف صدای او، وی را به مجامع مختلف اعیان و اشراف وقت کشانید.

ابوالقـاسم عارف، چون سـری پرشور و طبعی آزاده داشت به کمک صـدای دلنشـین خود، محبوبیت و معروفیت بسـیار یافت و چون ارزش هنر خـود را شـناخته بـود در سن ۱۳ سـالگی به دنیـای موسـیقی وارد و تحت تعلیم «حـاجی صـادق خرازی» به تعلیم صـدا و فراگرفتن اصول علمی موسـیقی پرداخت و در این راه با سـرعتی عجیب و قابل ملاحظه پیشرفت تا آنجا که تقریبا در هنر موسیقی به نسبت تحصـیل و مطالعه رشد سـریعی نمود و به ساختن تصنیف پرداخت. عارف اولین کسی است که شعر و موسیقی را به صورت «تصـنیف» بـا مضـامین بکر اجتماعی تؤام ساخت و با این ابتکار که از نظر روح حساس و محـدودیتهای محیط و اجتماع بسایر شایان توجه و قابل اهمیت بود به انعکاس افکار خویش پرداخت و بـدین ترتیب طبع سـرکش و دمکرات خود را در هدایت جامعه و آشـنا ساختن مردم به حقوق اجتماعی به کار واداشت.

عارف سفری هم به بغداد و استانبول رفت که بعد از دیدن «دارلالحان» ترک تصمیم گرفت به محض بازگشت به ایران با استفاده از مشاهـدات خود آموزشـگاهی جهت تعلیم موسـیقی در ایران به وجود آورد. ولی از آنجـا که چنین کـاری با وضع محیط و موقعیت بخصـوص عـارف مطـابقت نـداشت در اجرای ایـن تصـمیم تـوفیقی حاصـل نکرد. ولی همیشـه رایـج نبـودن «نت» و عـدم اطلاع موسیقی‌دانان ایرانی را به اصول علمی موسیقی، بزرگترین مصیبت برای موسیقی ایران می‌دانست. از عارف بیست و چهار تصنیف و چند مارش و سرود به جای مانده است که اشعار آنها در دیوانش به چاپ رسیده، تصنیف «آواز بهاری» را او در سال ۱۲۸۶ شمسی ساخته و به واسطه‌ی عشق و علاقه‌ای که «حیدر عمو اوغلی» به آن آهنگ داشت، آن را به نام وی کرد.

پس از آن که ندای مشروطه‌خواهی، از هر سو بلند شد، عارف که خود ستم‌ها دیده و روحی آزاده داشت، به آزادیخواهان پیوست او بیشتر از هرکس در تنویر افکار و روشن نمودن اذعان توده‌ی مردم، در زمان مشروطیت و آزادیخواهی ملت ایران اثر گذاشت.

در سالهـای آخر عمر، غم و انـدوه او شـدت گرفت و در همـدان انزوا گزیـد و در همانجـا بـدرود حیـات گفت. قبـر وی در صـحن آرامگاه بوعلی سینا است و سنگ مرمری بر سر قبر او نصب کرده‌اند که این بیت بر آن منقوش است:

عمرم گهی به هجر و گهی در سفر گذشت

تاریخ زندگی همه در دردسر گذشت

زنده‌یاد جواد بدیع‌زاده که یکی از مفاخر موسیقی ملی ایران است در مورد عارف در یکی از یادداشتهای خود می‌نویسد: «عارف را در بسیاری از مجالسـی که در منزل نظام‌الـدوله خواجه نوری برپا بوده می‌دیـدم، با پدرم دوستی نزدیکی داشت و مرا آقاجواد صدا می‌کرد. با وجودی که از هنر هیچکس تعریف و تمجیـد نمی‌کرد، شاید از صدای من که بسیار جوان بودم بدش نمی‌آمد، چون در این مجالس به پـدرم می‌گفت: «به آقا جواد بگو کمی هم او بخوانـد». و عارف به اصـرار میزبانش نظام‌الدوله خواجه نوری که منت

زیـادی بر او داشت و عـارف هم متقابلا احترام زیادی به او می‌گـذاشت شـروع به خوانـدن می‌کرد. او حتی تصـنیفی در مایه سه‌گاه دارد به نام «افتخارالسـلطنه» که همسـر رسمی خواجه نوری و دختر ناصرالدین شاه قاجار بود ساخته که مطلع آن چنین است: «افتخار همه آفاقی و محبوب منی»، با وجودی که خوانندگان دیگری که در آن مجلس حضور داشتند از آواز و صدایی بسیار بهتر و قوی‌تر نسبت به عارف برخوردار بودند ولی عارف در آن مجالس به واسطه‌ی این که با شور و التهاب و انقلابی دو چندان می‌خواند بیشتر گل می‌کرد.

به هر حال پس از چنـدی عارف را در هیچ مکان و یا مجلسـی ندیدم تا این که در حدود سال ۱۳۱۰ شمسی با عده‌ای از دوستان به همـدان سـفر کرده بـودیم و در یکی از روزهـا برای تفریـح و تفرج به دره عباس‌آبـاد رفته بودیم و در قهوه‌خـانه‌ای کنـار جوی آبی نشسته بودیم و نوازنده‌ای به نام حسین ذوقی که بسیار خوب تار می‌زد در کنار ما بود. کمی دورتر بر روی فرشی پیرمردی را دیدیم که به حال خود مشغول بود. حسین ذوقی ساز را برداشت و شروع به نواختن کرد، «شور» و «دشتی» می‌زد و من هم به مقتضای زمان غزلی از حافظ را می‌خوانـدم و توجهی به آن پیرمرد نداشـتم. پس از چنـدی صاحب آن قهوه‌خانه نزدیک ما آمد و گفت آن آقایی که آنجا نشسته خواهش کرده به شما بگویم اگر میل دارید چند دقیقه‌ای پیش او بنشینید، ما قبول کردیم و به طرف آن مرد مجهول رفتیم، ولی در فاصله دو سه متری وی که رسـیدیم تشخیص دادم که عارف است، در کنارش نشستیم، پیرمردی بود که چهره‌اش پر از چین و چروک و سـر و وضـعی درهم ریخته داشت به طوری که واقعا شـناخته نمی‌شـد. او همان عارف، شاعر آزادیخواه و آزاده بود که به این روز افتاده بود.

عارف که زمانی بلند بالا و کمی زشت‌منظر ولی خوش‌لباس بود و در تهران بود عمامه‌ای سـفید بر سـر داشت و پوتین بندداری به پا می‌کرد و عبایی هم بر دوش می‌انـداخت اکنون حال و هوا و روزگار دگر داشت. عارف اظهار داشت: «عالم دیگری پیـدا کردم که آواز و ساز و حتی شـعر مناسبی از حافظ شنیدم و ادامه داد که اخیراً هم چند تا صفحه برای من آورده‌اند که یکی دو تا آواز ضربی در بین آنهـا بود که بـد نبود و سـپس از دو صـفحه‌ای که در آن زمـان خوانـدم یکی «گرایلی» و دیگری ضـربی «دشتی» بنـام «جـانا هزاران آفرین» و گفت نمی‌دانم بدیع‌زاده کیست که این آواز ضـربی را خوانده و در این لحظه حسـین ذوقی بالاخره طاقت نیاورد و بی‌محابا گفت: «آقا ایشان همان بـدیع‌زاده است» و من بعـد از آن مجبور شدم خود را به او معرفی کردم و به او گفتم: «شـما هم مرا می‌شناسـید، با عمامه‌ی سـفید و عبا شـما را در تهران می‌دیـدم و با پدرم آشـنایی داشتید و حتی با دایی من مرحوم «سـعیدالواعظین» آشـنا و دوست بودید، من جواد پسر بدیع‌المتکلمین هستم، عارف یکباره برافروخته شد و گفت: «تو فرزند آقا بدیع هستی؟!» در این هنگام بلند شدم و صورت و دست او را بوسـیدم و به او گفتم تا شـما را از نزدیک دیدم شـناختم ولی خواهشـی دارم، شـما تصنیفی داریـد در مایه دشتی و من آهنگ آن را کاملا با ضـرب مخصوص نمی‌دانم، اگر ممکن است یک بند آن را بخوانید و او بلافاصله خواهش مرا پذیرفت و شروع به خواندن بند اول این تصنیف کرد که چنین است:

گریه کن که گر سیل خون ثمر ندارد

ناله‌ای که ناید زنای دل اثر ندارد

این تصـنیف را او برای کلنل محمـدتقی‌خان پسیان ساخته و در مشـهد کنسـرت داده بود. بعـد از آن عارف نگاه سوزنـده و مأیوس کننده‌ای به من کرد و گفت: «عارف مرده و من همان «شـیخ ابوالقاسم قزوینی» هسـتم. و من آن بحث را قطع کردم و حسین ساز را برداشت و باز هم در مایه «شور» و «دشتی» غزلی از حافظ با این مطلع خواندم:

خوشتر ز عیش و صحبت و باغ و بهار چیست

ساقی کجاست کو سبب انتظار چیست

بعـد از اتمام آواز از او خـداحافظی کردیم و رفتیم و دیگر او را ندیدم تا در سال ۱۳۱۲ در روزنامه‌ها خواندم که عارف مرده است. ولی من در همان سال او را مرده دیدم».

آواز بهاری

آهنگ و شعر از: ابوالقاسم عارف

هنگام می و فصل گل و گشت (جانم گشت و خدا گشت و چمن گشت)

دربار بهاری تهز ای زاغ و (جانم زاغ و خدا زاغ و) زغن شد

از ابر کرم خطه‌ی ری رشک ختن شد

دلتنگ چون من مرغ (جانم مرغ) قفس بهر وطن شد

چه کج رفتاری ای چرخ چه بدکرداری ای چرخ سر کین داری ای چرخ

نه دین داری نه آیین داری (نه آیین داری) ای چرخ

از خون جوانان وطن لاله دمیده

از ماتم، سر و قدشان سرو خمیده

در سایه گل بلبل از این غصه خزیده

گل نیز چو من در غمشان جامه دریده

چه کج‌رفتاری ای چرخ چه بدکرداری ای چرخ سر کین داری ای چرخ

نه دین داری نه آیین داری (نه آیین داری) ای چرخ

از اشک همه روی زمین زیر و زبر کن

مشتی گرت از خاک وطن هست به سر کن

غیرت کن و اندیشه ایام تبر کن

اندر جلو تیر عدو سینه سپر کن

چه کج رفتاری ای چرخ چه بدرفتاری ای چرخ سر کین داری ای چرخ

نه دین داری نه آیین داری (نه آیین داری) ای چرخ

عارف ز ازل تکیه بر اندام ندادست

چز جاه به کس دست چه خیام ندادست

دل جز به سر زلف دلارام ندادست

صد زندگی ننگ به یک نام ندادست

چه کج رفتاری ای چرخ چه بدکرداری ای چرخ سر کین داری ای چرخ

نه دین داری نه آیین داری (نه آیین داری) ای چرخ

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات معاصر (۷۰ -۶۹)، از بهار تا شهریار (۲۴۰ -۲۲۸ / ۱)، از صبا تا نیما (۱۶۸ -۱۴۶ / ۲)، تاریخ تحول ضبط موسیقی (۲۵۴ -۲۵۲)، تاریخ موسیقی (۴۷۶ -۴۶۹ / ۲)، چشمه‌ی روشن (۴۰۴ -۳۹۵)، چون سبوی تشنه (۶۵ -۶۳)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۵۱ / ۲)، دویست سخنور (۲۲۸ -۲۲۶)، الذریعه (۶۶۹ / ۹)، زندگی‌نامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۰۳ -۲۸۹ / ۴)، سخنوران نامی (۲۲۸ -۲۰۴ / ۱)، سخنوران نامی معاصر (۲۴۶۱ -۲۴۵۶/ ۴)، سرگذشت موسیقی (۴۲۷ -۴۱۱ / ۱)، شخصیتهای نامی (۳۱۲ -۳۱۱)، شرح حال رجال (۴۲۷ -۴۱۱ / ۱)، شخصیتهای نامی (۳۱۲ -۳۱۱)، شرح حال رجال (۶۰ -۵۹ / ۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۳۶ -۳۳۵)، فرهنگ سخنوران (۶۰۵)، قزوین در گذرگاه هنر (۳۱۹ -۳۱۳، ۲۶۱)، لغت‌نامه (ذیل/ عارف قزوینی)، مردان موسیقی (۲۵ -۲۰ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۶۵ -۲۶۴ / ۱)، مینو در (۵۰۷ -۴۹۳ / ۲).

عارف کازرونی، عابد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۵۸ ق)، شاعر، متخلص به عارف. در کازرون به دنیا آمد و در شیراز ساکن شد و به تحصیل علوم و معارف پرداخت. وی سالها در تحصیل مراتب علم عرفان کوشید، به طوری که کمالش را اهل حال می‌پسندیدند. وی خط شکسته را نیکو می‌نوشت. صاحب «حدیقه الشعراء» وفات وی را در ۱۲۵۰ ق ذکر کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۱۴۹ -۱۱۴۸ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۵۴ -۵۵۳ / ۳)، طرائق الحقائق (۲۷۹ / ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۴۴۷ -۱۴۴۶ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۰۶ -۶۰۵)، مرآت الفصاحه (۳۹۱ -۳۹۰)، مصطبه‌ی خراب (۱۳۱)، مکارم الآثار (۱۵۷۰/ ۵).

عارف کاشانی، عبدالحسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۸۳ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به عارف. از سادات حسینی کاشان و معاصر و مصاحب میرزاطاهر نصرآبادی بود. جز نستعلیق، نسخ را نیز خوب می‌نوشت و با اجرت کتابت مصاحف، امرار معاش می‌کرد. مدتی در اصفهان بود، سپس به کاشان بازگشت و هنگام تألیف تذکره‌ی «نصرآبادی»، در ۱۰۸۳ ق، در کاشان می‌زیست. از آثار وی «دیوان» شعر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۷۱ -۳۷۰۰ / ۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۶۹ -۳۶۸)، الذریعه (۶۷۰ / ۹)، صبح گلشن (۲۶۹).

عارف کرمانی، اسماعیل

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، نقاش و شاعر، متخلص به عارف. وی اهل کرمان بود در آنجا به صحافی اشتغال داشت. صوفی‌مشرب بود و در نقاشی و کاسه‌گری مهارت داشت. عارف قصیده‌ای در مدح حضرت علی (ع) سروده که مطلعش این است :

جهان و هر چه درو هست از صغار و کبار

شیمم خلق تواند ای گل همیشه بهار

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۸۲)، صبح گلشن (۲۶۶)، فرهنگ سخنوران (۶۰۶).

عارف کشفی، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جعفر عارف کشفی

محل تولد : استهبان فارس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۳/۱۵

زندگینامه علمی

آقای سید جعفر عارف کشفی در سال ۱۳۳۴هجری شمسی در خانواده ای پاک، باصفا، متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان استهبان استان فارس دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۶ که سال های خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود وارد حوزه علمیه شیراز گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۴ به حلقه دروس خارج راه یافت و از محضر درس بزرگان آن دیار همچون مرحوم آیت الله فلسفی، آیت الله صالحی ، آیت الله حسن آیت اللهی و... بهره ها برد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۶۹از دانشگاه فردسی مشهد تهران فارغ التحصیل گردید . و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان" مقایسه آراء شیخ طوسی و ابن ادریس در احکام قضاۀ " دفاع کرد. ایشان ضمن تبلیغ تدریس در دانشگاه فردوسی، دانشگاه امام صادق تهران ، دانشگاه پیام نور تهران ، دانشگاه آزاد قسمت جنوب ، دانشگاه علامه طباطبائی تهران ، دانشگاه آزاد مشهد ، دانشگاه پیام نور مشهد ، دانشگاه شیراز و.... را در کارنامه خود دارد.

ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که کتاب های " پیرامون سیره رسول خدا و اهل کتاب " ، " اولیاء بنی اسرائیل " ،" آثار اهل کتاب در آثار اسلامی "و... از جمله آثار ایشان است.

عارف، عبدالوهاب

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، صوفی و شاعر، متخلص به عارف. وی از مشایخ صوفیه در ماوراءالنهر و از تربیت‌شدگان خلفای پدرش بود. طریقه‌ی ایشان به احمد یسوی می‌رسیده است. او از مریدان امیر عبدالله برزش آبادی و مولانا حسین خوارزمی بود و خود نیز به تدریس شاگردان اشتغال داشت. وی پس از عمری سلوک در سرزمین نسا در روستای سفرزان یا اسفرزان از دنیا رفت و در آن جا به خاک سپرده شد. وی به دو زبان فارسی و ترکی بخوبی شعر می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۴۰ –۶۳۹).

عارف، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۳۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی برق، دانشکده: برق و کامپیوتر، دانشگاه: صنعتی اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی برق از دانشکده فنی دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۴، کارشناسی ارشد برق از دانشگاه استانفورد آمریکا در سال ۱۳۵۵، دکترای مخابرات از دانشگاه استانفورد در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده برق و کامپیوتر دانشگاه صنعتی اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تئوری اطلاعات بخصوص محاسبه ظرفیت کانالها و شبکه‌ها، سیستم‌های رمزنگاری و شکستن رمز، پردازش سیگنال، تئوری تخمین، فشرده‌سازی اطلاعات، پردازش سیگنالهای صحبت و تصویر، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۷ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تجزیه و تحلیل سیستم‌ها و سیگنال‌ها، سیستم‌های مخابراتی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

تئوری اطلاعات، رمزنگاری، پردازش سیگنال در رادار، پردازش سیگنال صحبت، تخمین و آشکارسازی هدف.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

عارف، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمدرضا عارف در سال۱۳۳۰ ه.ش در یزد بدنیا آمد.وی دارای مدرک دکتری مخابرات از دانشگاه استانفورد درسال۱۳۵۹ است .نامبرده عضو هیئت علمی و استاد دانشکده های برق و کامپیوتر دانشگاه صنعتی شریف می باشد.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی برقگرایش : تئوری اطلاعات و رمزنگاریوالـدین و انساب : پـدر محمدرضا عارف میرزا احمد عارف و نام مادر محترمشان مرحومه صـدیقه آبیار است.تحصیلات رسـمی و حرفه ای : محمـدعارف دارای مـدرک کارشناسـی برق از دانشـکده فنی دانشگاه تهران در سـال ۱۳۵۴ و کارشناسی ارشـد برق از دانشـگاه اسـتانفورد آمریکا درسال۱۳۵۵و دکتری مخابرات از دانشگاه اسـتانفورد درسال۱۳۵۹می باشـد.خاطرات و وقایع تحصـیل : اخذ مدرک دکترای مخابرات از دانشگاه استانفورد آمریکا درسال۱۳۵۹ از مهم ترین مقاطع زندگی علمی محمدرضا عارف می باشد.فعالیتهای ضـمن تحصیل : محمدرضا عارف در حین تحصیل به مطالعه تحقیق تـالیف آثـاری در پیرامـون فشـرده سـازی اطلاعـات، پردازش سـیگنالهای صـحبت و تصـویر، تئوری تخمین پرداخته است.همسـر و فرزندان : محمد رضا عارف متاهل و داری همسر بنام دکتر حمیده مروج فرشـی(عضو هیئت علمی دانشکده پزشکی دانشگاه شهید بهشـتی) اسـت .کـه ماحصـل ایـن ازدواج سـه فرزنـد پسـر بنـام هـای حمیـد رضـا عـارف(دانشـجوی دکـتری روابـط بیـن الملـل - فلوریـدا)،وحیـد عـارف (دانشـجوی کارشناسـی ارشـد مخابرات-دانشـگاه صـنعتی شـریف) و سـعید عارف (دانش آموز مقطع پیش دانشـگاهی) می باشـد.وقایع میانسالی : محمـدرضا عارف پس از اخذ دکتری از آمریکا، به ایران آمد و به عنوان عضو هیئت علمی دانشـکده برق و کامپیوتر دانشـگاه صـنعتی اصـفهان اسـتخدام شد و به مرتبه علمی اسـتادی رسـید.مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : سوابق علمی و اجرایی محمدرضا عارف به شـرح زیر است: سوابق علمی : -اسـتاد دانشـگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۷۶تا کنون. - اسـتاد دانشـگاه صـنعتی اصفهان از ۱۳۷۴-۱۳۷۶ - دانشـیار دانشـگاه صـنعتی اصـفهان از ۱۳۷۰-۱۳۷۴ - اسـتادیار دانشـگاه صنعتی اصفهان از سال ۱۳۶۱-۱۳۷۰ سوابق اجرایی: - معاون طرح و توسعه شرکت مخابرات ایران از سال ۱۳۵۹-۱۳۶۰ - معاون دانشجویی وزارت فرهنگ و آموزش عالی از سال ۱۳۶۰-۱۳۶۱ - معاون آموزشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی از سال ۱۳۶۱-۱۳۶۲ - قائم مقـام و معـاون همـاهنگی وزارت فرهنگ و آموزش عالی از سال ۱۳۶۲-۱۳۶۳ - معـاون آموزشـی وزارت فرهنگ و آموزش عالی ازسال ۱۳۶۸-۱۳۶۹ - رئیس دانشگاه تهران ازسال ۱۳۷۳-۱۳۷۶ - وزیر پست وتلگراف و تلفن ازسال ۱۳۷۶-۱۳۷۹ - معاون رییس جمهور و رئیس سازمان مدیریت برنامه ریزی کشور از سال ۱۳۷۹-۱۳۸۰ - معاون اول رئیس جمهور از سال ۱۳۸۰-۱۳۸۴ فعالیتهای آموزشـی : محمدرضا عارف در دانشـگاههای صـنعتی اصـفهان ،خواجه نصـیرالدین طوسـی ،تهران،صنعتی شریف، تربیت مدرس و مالک اشتر تدریس می کند. دروسـی که ایشان در مقاطع کارشناسـی و تکمیلی تدریس میکند به شرح زیر است: کارشناسی: مدار های الکترونیکی ۱- مـدارهای الکترونیکی ۲ -تجزیه و تحلیـل سیسـتم ها- مخابرات ۱ مخابرات ۲ تحصـیلات تکمیلی: فرآیندهای تصـادفی -پردازش سـیگنالهای دیجیتـالی - اصول رمزنگاری -تئوری اطلاعات - تئوری کـدینگ-تئوری تخمین و آشـکارسازی - اصول مخابرات طیف گسترمراکزی که فرد از بانیان آن به شـمار می آید : محمدرضا عارف دوره های کارشناسـی ارشد برق را در دانشـگاه صـنعتی اصـفهان ،دکتری برق دانشگاه صنعتی اصفهان و دکتری برق دانشگاه تربیت مدرس را راه اندازی کرده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمدرضا عارف در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق، تالیف آثاری پیرامون تجزیه و تحلیل سیسـتم ها و سـیگنالها ، رمزنگاری، تخمین و آشـکار سازی هدف، پردازش سـیگنال در رادار می پردازد.آرا و گرایشـهای خاص : محمدرضا عارف از جمله مهندسین برق است که به موضوعاتی پیرامون پردازش سیگنال صحبت، تخمین و اشکار سازی هدف، تئوری تخمین فشرده سازی اطلاعات، پردازش سیگنالهای صحبت و تصویر علاقمند است.چگونگی عرضه آثار : محمدرضا عارف سرپرستی بیش از ۷۰ پایان نامه دکتری و کارشناسی ارشد را بر عهده داشته است.ایشان همچنین بیش از ۱۲۱ مقاله را تالیف و ترجمه کرده است.

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

عارفچه، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمـد علی عارفچه، واعظ فاضل صالـح، و ادیب شاعر، از فضـلای اهل منبر، و از مرثیه خوانان و مـداحین خانـدان نبوت بود. عمری به زهد و قناعت گذرانید.

در شب جمعه ۱۹ ذی قعدهٔ الحرام سال ۱۳۸۰ به سن متجاوز از هشتاد وفات یافته، جنب پدر مدفون گردید.

کتب زیر از اوست که همه‌ی آنها مطبوع می‌باشد:

۱ – تحفهٔ المعصومین ۲ – دیوان اشعار ۳ – زبدهٔ القصاید ۴ – صد قصیده و زیارات ۵ – منتخب کبیر، در ادعیه و زیارات ۶ – هدیهٔ المعصومین؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عارفی سرخسی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از سادات موسوی زورآباد سرخس است. تحصیلات مقـدماتی را در ناحیه جام به انجام رسانیـد. از آنجا به مشـهد رفت و در این شـهر با قدسی و نظیری مشهدی مصاحبت داشت. مدتی نیز ملازم حاکم سرخس بود و پس از چندی به همراه پـدر خود به هندوسـتان رفت. فخرالزمـان قزوینی، صـاحب تـذکره‌ی «میخانه»، او را در آن سامان ملاقات کرده و اشـعرای از وی در «تذکره‌ی» خود که تألیف آن را در ۱۰۲۸ ق به پایان برده، آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی میخانه (۹۰۸ –۹۰۷)، کاروان هند (۸۵۵ / ۲).

عارفی هروی، محمود

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۵۳ / ۸۵۰ –۷۹۲ ق)، شاعر. در هرات ولادت یافت. وی از شاعران مشـهور عهد شاهرخ بن تیمور و از سـتایندگان خاص وزیر او، خواجه پیر احمد بن اسـحاق، بود. چون به سـبک سـلمان ساوجی شـعر می‌سرود و مهارتی خاص در سخنوری داشت به سلمان ثانی معروف بود. عـارفی در طریقه‌ی حنفی تعصب داشت. در هرات درگـذشت و همـان جا به خاک سپرده شـد. وی در سـرودن غزل و مثنوی مهـارت داشت. از آثـارش: «دیوان» غزلیـات، مثنوی «حالنامه»، یا «گوی و چوگان»؛ «جواهر الاسـلام»، مثنوی اخلاقی و دینی؛ «ده‌نامه»، که به نام خواجه پیر احمد بن اسحاق سروده است.[۱]

هروی شاعر قر. نهم ه. (و. ۷۹۱ ه.ق.) طرفداران وی او را «سـلمان ثانی» لقب داده بوند زیرا از یک سو به سبک سلمان ساوجی شعر می‌گفته و از سوی دیگر– چنانکه امیر علیشـیر نوائی در مجالس النفائس گفته– هر دو شاعر از مرض رمد (چشم) در عذاب بوده‌اند. مهمترین اثر وی منظومه‌ای صوفیـانه و تمثیلی است که به درستی آن را «حال‌نامه» نامیـده و آن مشـتمل است بر ۵۰۰ بیت که به طبع رسـیده و این منظـومه غالبـا در افـواه، به مناسـبت موضوع آن، به مثنوی «گو و چوگـان» معروفست و شـاعر آن را در مـدت دو هفته تصنیف کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از سعدی تا جامی (۷۲۰ –۷۱۸)، بهارستان جامی (۱۲۲ –۱۲۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۵۸ –۴۵۷ / ۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۰۳ –۳۰۲)، تذکره الشعراء (۴۹۶)، حبیب السیر (۱۸ / ۴)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۵۱ / ۲)، الذریعه (۲۷۳، ۱۵۶ / ۱۹ ، ۲۵۳ / ۱۸ ،۶۷۱ / ۹)، فرهنگ سـخنوران (۶۰۷)، لغت‌نـامه (ذیـل/ عارفی)، مجالس النفائس (۱۹۴ ،۲۰)، منظومه‌های فارسـی (۳۸۸ – ۳۸۵)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳ –۵۲ / ۶).

عازم زنجانی، نوروز علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۶ –۱۳۰۲ ق)، شاعر. در زنجان به دنیا آمد. شغلش کلاهدوزی بود. او «دیوان»شعری به فارسی و ترکی دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۶۶۳ / ۶).

عاشق اصفهانی، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۸۲ / ۱۱۸۱ -۱۱۱۱ / ۱۱۰۱ ق)، شاعر. از اهالی اصفهان و با هاتف و آذر معاصر بود. او به خیاطی روزگار می‌گذراند و در ضمن شاعری بود درویش‌مسلک. هدایت و تشویق مشتاق اصفهانی- از پیشگامان نهضت ادبی اول در عهد کریم‌خان- به پیروی سبک کلام استادان قدیم، بسیاری از سرایندگان جوان آن زمان از جمله عاشق را به بازگشت ادبی کشاند. عاشق در غزلسرایی طرزی دلپسند و عاشقانه داشت و همه‌ی معاصرین او غزلیاتش را به شیرینی و شیوایی ستوده‌اند. وی در اصفهان درگذشت. از آثارش : «دیوان» شعر.[۱]

(بخش ۱) آقا محمد اصفهانی شاعر (و. اصفهان ۱۱۱۱ ه.ق./ ۱۶۹۹ م.- ف. اصفهان ۱۱۸۱ ه.ق./ ۱۷۶۷ م.). وی از شاعرانی است که که در قرن ۱۲ ه. به مخالفت با طرز شاعری قرن دهم و یازدهم- که معروف به سبک هندی است- برخاسته و سبک شاعران قدیم خراسان و عراق را تجدید کرده‌اند. دیوان غزلیاتش مشهور است، و او در غزل پیرو شاعران قرنهای هفتم و هشتم هجریست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۱۳ / ۱)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۵۱ / ۲)، دویست سخنور (۲۳۰ -۲۲۸)، الذریعه (۶۷۲ / ۹)، ریحانه (۸۱ -۸۰ / ۴)، سفینه المحمود (۴۰۳ -۳۸۷ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۰۷)، گنج سخن (۱۴۲ -۱۳۸ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ عاشق اصفهانی)، مجمع الفصحا (۷۳۸ -۷۳۲ / ۵)، مواد التواریخ (۳۸۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵۵۴ -۵۵۳ / ۵)، نگارستان دارا (۲۳۲ - ۲۲۹).

عاشق سمرقندی، کمال‌الدین، ابوالخیر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۷ ق)، شاعر. از دانشمندان و شاعران عهد تیموری بود که در هرات می‌زیست و مورد عنایت سلطان حسین بایقرا قرار داشت. عاشق در سرودن شعر توانا بود و شماری از رباعیات وی باقی مانده است. او در ماوراءالنهر درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۵۴)، الذریعه (۶۷۲ / ۹)، ریحانه (۸۰ / ۴)، صبح گلشن (۲۷۰)، فرهنگ سخنوران (۶۰۸)، لغت‌نامه (ذیل/ عاشق سمرقندی)، هفت اقلیم (۳۷۶ / ۳).

عاشق کرمانشاهی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. ملقب به وکیل شرعیات. از علمای کرمانشاه بود. به طواف مکه مشرف و پس از ان به حاجی وکیل معروف شد. صاحب «حدیقه الشعراء» که با وی ملاقات داشته گوید: «در علوم ادبیه خیلی خوب است و نظمش مطلوب و نثرش مرغوب.خطش بد نیست شعر بسیار می‌گوید». اشعار او به طور پراکنده در تذکره‌ها موجود است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۱۵۴ -۱۱۴۹ / ۲).

عاشقی تربتی، امیر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۵ ق)، شاعر. از شاعران غزلسرای ایران در سده دهم هجری بوده است. وی با این که خواندن و نوشتن نمی‌دانسته، در سرودن شعر توانا بوده و اشعار بسیاری سروده است. عاشقی در تربت‌حیدریه درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر، در حدود پانزده هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۸۵)، تحفه سامی (۵۵)، تذکره‌ی روز روشن (۵۱۴ -۵۱۳)، الذریعه (۶۷۳ / ۹).

عاشقی خراسانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از ولایت خراسان است. شاعری پاکیزه‌گو و بسیار فقیر و کم‌سخن بود. دارای دیوان غزلی است و قصیده‌ی خوب هم دارد. از اوست:

گفتی به باغ آرم گذر، بشنید سرو این را مگر

کاز شوق دیدار تو سر بر کرده از دیوارها

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۴۲۴ -۴۲۳ / ۱)، تحفه سامی (۲۵۶ -۲۵۴)، تذکره‌ی روز روشن (۵۱۴)، الذریعه (۶۷۳ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۰۸)، هفت اقلیم (۳۰۰ / ۱).

عاشور، عبدالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم و سیزدهم ق)، خطاط. وی از مردم رنان اصفهان و از مشاهیر خوشنویسان نسخ در آغاز دوره‌ی قاجار و به کثتر کتاب معروف بود. چنان که جز قطعات و ادعیه و کتابهای متفرقه‌ی فراوان، صد و یکمین قرآنی را هم که نوشته، دیده شده است. عاشور به اشاره‌ی فتحعلی‌شاه قاجار آثار گرانبهایی کتابت کرده است. از آثار وی قرآن نیم‌ربعی، با جلد روغنی، دو صفحه‌ی اول و آخر مذهب، نسخ کتابت خفی عالی، با رقم: «قد فرغ من تسوید هذا القرآن... عبدالله بن عاشور... ۱۲۰۱»؛ قرآن جلد روغنی، نسخ کتابت خفی نزدیک به غبار عالی، با رقم: «... انا العبد الاقل... عبدالله بن عاشور الاصفهانی فی سنه ۱۲۲۷»؛ «زادالمعاد» وزیر، ساغری مذهب، درون سوخته عالی، دو صفحه‌ی اول متن و حاشیه مذهب عالی و نسخ کتابت عالی، با رقم: «حسب الامر نواب... عبدالله خان... حرره العبد الاقل... عبدالله بن عاشور رنانی الاصفهانی، سنه‌ی ۱۲۳۵». شش اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۹۳ -۱۰۹۱ / ۴)، اطلس خط (۳۵۷)، تاریخ اصفهان (۱۴۱-۱۴۰)، تاریخ هنرهای ملی (۹۵۸ / ۲)، تذکره القبور (۴۲۳)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۹۷)، گلستان هنر (بیست).

عاشور، عبداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از مردم «رنان» اصفهان و از مشاهیر خوشنویسان نسخ در آغاز دوره‌ی قاجار بود و به کثرت کتاب معروف می‌باشد چنانکه جز قطعات و ادعیه و کتابهای متفرقه فراوان که به خط وی موجود است صد و یکمین قرآنی را هم که نوشته دیده‌ایم. وی هیچگاه از اصفهان بیرون نیامد ولی به اشاره‌ی فتحعلی شاه قاجار آثار گرانبهایی را در کتابت به وجود آورد و نزد شاه فرستاد که موجود است. عبداللّه تا سال ۱۲۳۵ می‌زیسته است ولی تاریخ وفاتش معلوم نشد و اینکه از قول سپهر در ج ۳ ص ۲۵۵ آمده یا مربوط به عبداللّه زمانی دیگری است. یا تاریخ وفات آن درست نیست.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

عاصم سنندجی، عبدالعزیز

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. پس از کسب علوم مقدماتی در سنندج، به بغداد رفت و در آنجا به تحصیل پرداخت و در همان جا ماندگار شد. صاحب «حدیقه الشعراء» او را در ۱۲۹۷ ق در بغداد ملاقات کرده که به نوشتن نامه‌های فارسی اشتغال داشته و از وی ذکر ملا محمد فیض و پسرش جمیل صدقی زهابی را شنیده است. وی ترکی و عربی را خوب می‌دانست و گاهی اوقات شعر هم می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۶۵ / ۲)، حدیقه الشعراء (۱۱۵۷ -۱۱۵۵ / ۲)، یادگار (س ۳، ش ۹، ص ۶۵).

عاصی رشتی اصفهانی، محمد محسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۰ -۱۲۷۰ ق)، عالم و شاعر، تخلص به عاصی. پدرش صاحب «جواهر الاصول» بود. وی در گیلان نشوونما یافت و برای تکمیل تحصیلات به اصفهان رفت. شیخ محمد محسن نیز در اصفهان برآمد. او محققی کثیرالتألیف و شاعری ادیب و زاهدی عارف بود. در اواخر عمر به تهران آمد و در این شهر وفات یافت. جنازه‌اش به نجف منتقل شد و در آنجا دفن شد. شمار تألیفاتش،

از کتاب و رساله، متجاوز از یکصدو شانزده مجلد می‌شود. از جمله آثارش: «جامع المصائب»،در دو مجلد؛ «وسیله النجاه فی رفع المهلکات»، به فارسی، در جبر و تفویض که در ۱۲۶۹ ق آن را به خواهش دوستش حاج محمد علی قزوینی نگاشته؛ «اربعین»؛ «بنیان الاصول»؛ «کشف المقال»؛ «القواعد و الفوائد»؛ «مجمع الاذکار»؛ «مجمع المعانی»؛ «مرجع الضمایر»، در دو مجلد؛ «منهاج‌الدین»، در اصول دین؛ «دیوان»شعر؛ «نظم المجالس»؛ مثنوی «شش دفتر»؛ مثنوی «شور و شیرین»، نظیر «نان و حلوا»؛ «معراج الشهاده»، نظیر «حمله حیدری». در «ریحانه الادب» و «نامها و نامدارهای گیلان» نام صاحب عنوان به اشتباه محمد حسن ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۳۴۲ -۳۴۱)، الذریعه (۹۰، ۶۷ / ۲۵، ۲۲۹، ۱۴۶ / ۲۴، ۱۹۶ / ۲۲، ۳۰۲، ۲۹۴ / ۲۰، ۱۴۲، ۶۳، ۲۷، ۲ / ۱۸، ۲۰۳، ۱۹۳ / ۱۷، ۱۰۰۴، ۶۷۴ -۶۷۳ / ۹، ۱۰۷، ۸ / ۷۱ -۷۰ / ۵)، ریحانه (۸۳ -۸۲ / ۴)، لغت‌نامه (ذیل/ عاصی)، نامها و نامدارهای گیلان (۵۱۵).

عاقلانی طالقانی، محمد تقی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به عاقلا. وی در عهد صفوی می‌زیست و بسیار پرشور بود و این حالت در اشعارش نمود پیدا کرده است. در عهد شاه عباس ثانی (۱۰۷۷ -۱۰۵۲ ق) فوت شد. از جمله آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۲۹۳ -۲۹۲)، الذریعه (۶۷۴ / ۹)، ریحانه (۸۴ / ۴).

عاقل‌خان رازی هندی، علی عسکر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۰۸ ق)، شاعر، متخلص به رازی. ملقب به عاقل‌خان. از شاعران خطه ری و در سرودن مثنوی توانا بوده است. اصل او از سادت خواف بود و به همین علت در بعضی از تذکره‌ها تحت عنوان عقال خوافی آمده است. از او چندین مثنوی به جای مانده: «مرقع»، مثنوی عرفانی به تقلید «مثنوی معنوی» حدد ۳۵۰۰ بیت؛ «مهر و ماه» یا «مدهومالت و منوهر» یا «نغمات العشاق»، در بحر هزج مسدس محذوف؛ «شمع و پروانه»، در شرح دلدادگی دو عاشق هندی به نامهای پدماوت و رتن؛ «نهر بحر معنوی»، گزیده‌ای از «مثنوی معنوی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۱۴، ۲۲۷ / ۱۹، ۶۷۵ -۶۷۴ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۱۰)، منظومه‌های فارسی (۳۹۲ -۳۸۸)، نتایج الافکار (۲۷۵ -۲۷۴).

عاقلی، باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

باقر عاقلی متولد ۱۳۰۸ قزوین و دارای مدرک دکترای علوم سیاسی از دانشگاه تهران و دکترای تاریخ از دانشگاه میشیگان امریکا است. وی دارای تألیف ده ها مقاله و تألیف ۲۵ جلد کتاب در حوزه های تاریخی و سیاسی است.گروه : علوم انسانیرشته : علوم سیاسیوالدین و انساب : پدر باقر عاقلی حاج شیخ محمد فقیه - روحانی مجتهد بوده است که اداره مدرسه علمیه التفاتیه را به عهده داشته .تحصیلات رسمی و حرفه ای : باقر عاقلی تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش شروع کرده و به پایان می رساند و بعد از اخذ مدرک ابتدایی به منظور ادامه تحصیل به تهران می آید و در مدرسه دارالفنون مشغول به تحصیل می شود. وی در سال ۱۳۲۷ دیپلم ادبی می گیرد و در رشته های «حقوق و علوم سیاسی» و «ادبیات» دانشگاه تهران پذیرفته می شود. - اخذ مدرک دیپلم ادبی در سال ۱۳۲۷ از مدرسه دارالفنون. - اخذ مدرک لیسانس علوم سیاسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۰. - اخذ مدرک لیسانس حقوق قضایی از دانشگاه تهران، ۱۳۳۱. - اخذ مدرک فوق لیسانس علوم اداری از مدرسه علوم اداری، ۱۳۳۷. - اخذ مدرک دکترای علوم سیاسی از دانشگاه تهران، ۱۳۳۸. چند سال پیش هم می کوشد مدرک دکترایی دیگر و از دانشگاه میشیگان دریافت کند. او با ترجمه ۵ کتاب خودش به انگلیسی و ارائه آنها به دانشگاه مذکور، در واقع به عنوان رساله دکترا پذیرفته شده و مسؤولان دانشگاه میشیگان، وی را به عنوان مورخ ارزیابی کرده اند. - اخذ مدرک دکترای تاریخ از دانشگاه میشیگان در سال ۱۳۸۰.خاطرات و وقایع تحصیل : باقر عاقلی پدرش - حاج شیخ محمد فقیه - روحانی مجتهد بوده که کتابخانه ای داشته و فرزند کتابخوان خانواده هم عمدتاً کتاب های مذهبی و تاریخی متعددی همچون «دره نادری» و آثار ابن سینا را مطالعه کرده است. قبل از خرید روزنامه توسط برادرانش، او هم به مطالعه روزنامه های آن روزگار می پردازد. نوشته های ابراهیم خواجه نوری با عنوان بازیگران عصر

طلایی که در اوایل دهه ۱۳۲۰ به چاپ می رسیده از نظر او دلچسب و جذاب بوده است. خواجه نوری در آثار و نوشته هایش زندگینامه و بیوگرافی ۱۱ تن از نخبگان آن دوران همچون داور، تیمورتاش و دشتی را به چاپ می رساند و باقر عاقلی هم بعد از مدتی می کوشد که از نزدیک با خواجه نوری آشنا شود و این آشنایی باعث می شود که به زعم عاقلی «دست راست» خواجه نوری شده و گاه طرف مشورت او باشد. مطالبی هم در زمینه های سیاسی و اجتماعی می نویسد و آنها را برای روزنامه هایی چون «جوانمردان»، «شعله ور» و «مهر ایران» فرستاده و به چاپ می رسد. علاقه به مطالعه کتاب او را به وادی ای می کشاند که به شدت به خرید کتاب روی می آورد. به یاد می آورد که نطق های دکتر محمد مصدق لیدر اقلیت مجلس شورای ملی را هم مطالعه کرده و از مضمون آنها باخبر گشته است. از جمله خاطرات تلخ و ناگوار عاقلی در دوران دانشگاه ، ترور دکتر زنگنه توسط یکی از دانشجویان بوده است. زمانی که عاقلی مشغول مطالعه کتاب بوده است، آن دانشجو، رئیس دانشکده را جلوی ساختمان دانشکده به قتل می رساند.استادان و مربیان : از جمله معلمان سرشناس باقر عاقلی در دارالفنون آقای تربتی بوده که مدیر روزنامه «پر» بوده و امیر پرویز هم که تحصیلکرده فرانسه بوده تاریخ تدریس می کرده. وی نزد پدرش که اداره مدرسه علمیه التفاتیه را به عهده داشته درس شرایع و صرف و نحو را گذرانده است. از جمله استادانش در دوره لیسانس دکتر عمید، آیت الله سنگلجی، آیت الله شهابی، دکتر نصیری بوده اند و همچنین دکتر متین دفتری که عاقلی بعدها کتابی در مورد او هم می نویسد.در زمان تحصیل در رشته قضایی، در محضر آیت الله باریک بین هم حضور پیدا می کند و مسائل حقوقی را از ایشان می پرسیده. تاریخ از دید باقر عاقلی امری دوست داشتنی است و یکی از کسانی که حس تاریخ نگاری را در او تشویق کرده، خواجه نوری بوده است.هم دوره ای ها و همکاران : از جمله همشاگردی های باقر عاقلی در مدرسه دارالفنون آقای کاتوزیان بوده که هم اینک از حقوقدانان برجسته ایران است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : از سال ۱۳۳۳ تا سال ۱۳۳۷ به عنوان کارمند اداره حقوقی بانک ملی در دوره آموزشی مدرسه علوم اداری شرکت می کند. در سال ۱۳۴۰ مأمور به خدمت در بانک جدید التأسیس رفاه کارگران می شود و متصدی امور اداری می شود و بانک رفاه را در اصفهان هم تشکیل می دهد و همزمان مدتی هم مدیریت کارخانه ریسندگی و بافندگی ریسباف را به عهده می گیرد. در اواسط دهه ۱۳۴۰ به بعد عضو هیأت مدیره شرکت واحد می شود و در سال ۱۳۴۹ هم مدیرعامل آن می شود. از جمله اقدامات رفاهی که در دوره مدیریت او در این شرکت راه اندازی شده تأسیس ده ها گرمابه در تعمیرگاه های شرکت واحد بوده است و دست اندرکاران حمل و نقل این شرکت از جمله رانندە ها می توانسته اند در مواقع ضروری استحمام کنند. فعالیتهای آموزشی : تدریس در مدرسه عالی بازرگانی (۵۸–۱۳۴۰) و دانشگاه تربیت معلم از فعالیتهای آموزشی باقر عاقلی بوده و از جمله دروسی که در دانشگاه تربیت معلم و مدرسه عالی بازرگانی ارائه نموده «حقوق اداری» و «تبلیغات بازرگانی» بوده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : باقر عاقلی مدتی هم سردبیری برخی نشریات همچون «صدای مردم» را عهده دار می شود و مؤسسه خبرگزاری هم راه اندازی کرده و تهیه خبر یکی از فعالیت های این مؤسسه بوده است. وی در چهار سال قبل هم در زمان تأسیس کتابخانه وزارت خارجه از تجربه و تخصص او در زمینه شناسایی کتاب های معتبر و مهم بهره می گیرند و وقتی بدانیم که حدود ۵۰۰ هزار جلد کتاب معتبر شناسایی شده می توان قدر مشاوره عاقلی و دیگر استادان دست اندرکار را دانست. باقر عاقلی را به جرأت می توان گفت که در زمینه شناسایی عکس رجال، نخبگان و افراد سرشناس و مشهور معاصر ایران نسبت به اقران خود از تخصص بسیار بیشتری برخوردار است و بی دلیل نیست که او به مدت ۲۰ سال به عنوان مشاوره امور عکس شناسی به مؤسسه مطالعات معاصر ایران یاری رسانده است. به بیان دیگر می توان گفت که باقر عاقلی این توانمندی را به دست آورده که اسم هزاران نخبه، فرد سرشناس و معروف معاصر را با دیدن عکس آنها به سرعت نام ببرد و کمتر کسی از افراد معروف و شناخته شده از دوره قاجاریه به بعد است که باقر عاقلی نتواند نامش را تشخیص بدهد.چگونگی عرضه آثار : تألیف ده ها مقاله و تألیف ۲۵ جلد کتاب در حوزه های تاریخی و سیاسی از آثار باقر عاقلی است.آثار : از رؤیای پادشاهی تا زندان رضاشاهی ، تبلیغات بازرگانی ، تیمورتاش در صحنه سیاست ایران ، حقوق اداری ، خاطرات حاج عزالممالك اردلان ، خاطرات دکتر متین دفتری ، خاطرات مسعود انصاری ، خاندان های حکومتگر ایران (جلد) ، داور و عدلیه ، ذکاءالملك فروغی ، رضاشاه و قشون متحدالشکل ، روزشمار تاریخ معاصر ایران ویژگی اثر : شاخص ترین فعالیت های تحقیقی و تألیفی او، تألیف و انتشار روزشمار تاریخ معاصر در دو جلد است که از نظر دقت، گستردگی، مستند بودن و مشتمل بودن بر ده ها عکس تاریخی از رجال و مشاهیر ایران معاصر، بسیار باارزش و کم نظیر است. گردآوری عکس های این اثر بسیار دشوار بوده و در کنار هم قرار گرفتن عکس های تاریخی و مطالب تاریخی، یادگیری و تداعی موضوعات تاریخی را در ذهن محققان و کتابخوانان تسهیل می کند.۱۳ زندگینامه ساعد ، شرح حال قوام السلطنه ، مشاهیر و رجال ، نخست وزیران ایران

منابع زندگینامه :بنیاد ایرانشناسی

عاقلی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا عاقلی

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا عاقلی فرزند اکبر دارای پرونده در حوزه مبارکه ۱۳۷۳۴ پس از اخذ دیپلم در سال ۶۳ ـ ۶۲ در کنکور همان سال شرکت کرده و در رشته فنی مهندسی (مخابرات و الکترونیک) قبول شدم، اما از آنجا که علاقه وافری به فراگیری دروس حوزوی داشتم، علیرغم فشار اطرافیان، حوزه مقدسه را مقدم بر دانشگاه دانسته و حاضر به ورود به دانشگاه نشدم، لذا با همان مدرک قبولی کنکور وارد حوزه مقدسه علمیه شدم که این را از الطاف حفیه الهی می‌دانم، در بدو ورود به مدت دو سال (به علت عدم پذیرش حوزه علمیه قم از داوطلبان شهرستانی) در حوزه علمیه یزد (مدرسه امام خمینی(ره)) درس حوزه را آغاز و پس از دو سال به قم عزیمت نموده، پس از امتحان ورودی در مدرسه المهدی(عج) حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی(ره) به ادامه تحصیل دروس حوزه پرداختم که بحمدالله به مدت ۱۰ سال دوران سطح را با موفقیت به پایان رسانده، سپس در دروس خارج حوزه ادامه دادم.

در اثناء، دوره تخصصی تفسیر را بحمدالله سپری نموده، و در آزمونهای متعددی که از طریق نهادها و ارگانها من جمله: آزمون حج، که لطف خاص الهی شامل حال این حقیر شده و بحمدالله هر ساله در خدمت زائرین بیت الله الحرام می‌باشم.

همچنین در آزمون نهاد ولی فقیه در دانشگاهها شرکت کرده، و در گرایش تاریخ اسلام شرکت کرده که بحمدالله بعد از موفقیت در آزمونهای کتبی، شفاهی و مصاحبه، به عنوان استاد در گرایش تاریخ اسلام پذیرفته شده، که مدرک آن نیز موجود می‌باشد.

و به زودی به دانشگاه آزاد اسلامی واحد گلپایگان مسئول واحد فرهنگی آن دانشگاه، کار خودم را شروع خواهم کرد انشاء الله.

در طول سفرهای تبلیغی نیز لطف الهی شامل این حقیر بوده، که در چندین جا با یاری مردم و همکاری آنان چند باب مسجد و حسینیه بنا گردیده مِن جمله: در یکی از روستاهای رفسنجان، در یکی از روستاهای بخش گلباف، در یکی از روستاهای مرکزی شهرستان کهنوج، چندین مرتبه سپاه پاسداران کرمان از این حقیر جهت همکاری دعوت به عمل آورده، اما از آنجا که علاقه‌ام به درس و بحث بیش از کارهای اجرایی است حاضر به قبول آن نشدم و نیز عدم قبول امامت جمعه برای یکی از شهرستانهای کرمان، که خداوند لطف نمود که از پذیرش آن استنکاف ورزم.

عالم نجف آبادی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم زاهد فقیه مجتهد عادل، از مدّرسین و ائّمه جماعت اصفهان، و مورد وثوق و احترام کلّیه طبقات، از تلامذه حاج میرزا بدیع درب امامی، و آخوند ملا محمّد حسین کرمانی، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و آخوند کاشی، و جهانگیر خان قشقائی و جمعی دیگر بوده، سالها در مدرسه جدّه تدریس می‌فرمود و جمعی کثیر از مستعدّین از محضرش مستفید می‌شدند.

کتب و رسائلی در فقه و اصول از تقریرات اساتید خود نوشته، و ضمناً کتابی به نام «فضیلهٔ السیادهٔ» درباره سادات و اهمّیّت مقام آنان، و احادیث وارده در این موضوع تألیف فرموده و به چاپ رسیده است.

در شب ۳ شنبه ۱۸ ربیع الاول سال ۱۳۸۴ به سنّ متجاوز از نود و هفت سالگی وفات یافته، در بقعه تکیه کازرونی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عالم هروی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر، متخلص به عالم. وی اهل هرات و از دانشمندان روزگار خود بود که به جهت کثرت دانایی به عالم تخلص می‌کرد. او در اوایل سلطنت اکبر شاه (۱۰۱۴ –۹۶۳ ق) بـه هندوستان مهاجرت کرد و در آن سامان به تعلیم پرداخت. در تذکره‌ی «شام غریبان» به اشتباه نسبت وی یزدی و در تذکره‌ی «روز روشن» کابلی ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۵۱۶)، الذریعه (۶۷۵/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۱۱)، کاروان هند (۸۵۶ –۸۵۵/ ۲).

عالم‌زاده، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

عالم‌زاده، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فرهنگ و تمدن اسلامی، کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد فلسفه و علوم تربیتی از دانشسرای عالی تهران، دکترای فرهنگ و تمدن اسلامی از دانشگاه تهران، تدریس در دانشگاههای فردوسی مشهد، تهران، تربیت مدرس و شهید بهشتی از سال ۱۳۵۳.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تاریخ اسلام، تاریخ تشکیلاتی اسلامی، تاریخ هنرهای اسلامی، تاریخ فرق و مذاهب، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۴ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تاریخ اسلام، تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تاریخ و تمدن ملل اسلامی (تاریخ اسلام، تشکیلات و سازمانهای حکومتی، هنرهای اسلامی)

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

عالمی داربگردی، سهراب

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۵ ق)، شاعر. وی در عهد شاه طهماسب، در شیراز اقامت داشت و در همان شهر از دنیا رفت. عالمی مردی خوش‌صحبت بود و غزلهای شورانگیزی می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۱۰۳)، تاریخ نظم و نثر (۴۷۰)، تذکره‌ی روز روشن (۵۱۷ -۵۱۶)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۶۴ / ۳)، الذریعه (۶۷۶ / ۹)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۳۱۵ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۱۱)، مجمع الخواص (۲۴۵ -۲۴۴)، مرآت الفصاحه (۳۹۷-۳۹۶).

عالمی دامغانی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم دامغانی از اعلام علماء گذشته و از تلامذه بزرگ شیخنا الانصاری و شیخ راضی نجفی و علامه شیخ مهدی آل کاشف‌الغطاء بوده است.

مرحوم استادش شیخ مرتضی انصاری در اجازه‌ای که برای ایشان نوشته تعبیر فرموده (علامهٔ العلماء و عمدهٔ الفضلاء حاوی الفروع والاصول و لدنا الا عز الشیخ ابوالقاسم الدامغانی...)

آن بزرگوار پس از رسیدن به مقامات عالیه علم و کمال در سال ۱۲۸۰ قمری به ایران برگشته و چندی در تهران توقف آنگاه به دامغان وطن خویش آمده و به خدمات دینی و انجام وظائف روحی خویش پرداخته تا در ماه شوال ۱۳۳۶ قمری که از دنیا رفته و در مقبره (بکیر بن اعین) مدفون گردیده است و ماده تاریخ وفات وی (مغفوری) است

دارای تألیفات علمی به نامهای زیر می‌باشد

۱- ضیاء الانوار

۲- رساله در اصول دین

۳- حاشیه‌ای بر معالم

۴- تقریرات و غیره.

معظم له دارای چهار فرزند برومند و عالم بوده‌اند به نامهای زیر.

۱- حجهٔالاسلام آقا شیخ محمد عالمی والد ماجد حاج حسین آقای عالمی مقیم (شهر ری) متوفی ۱۳۱۹ شمسی.

۲- حجهٔالاسلام آقا شیخ میرزا علیرضا معروف به حاج میرزا آقای عالمی متوفی ۱۳۹۰ قمری.

۳- حجهٔالاسلام آقا میرزا خلیل عالمی متوفی ۱۳۷۰ قمری.

۴- ثقهٔالاسلام میرزا محمدتقی مشهور به مدیر عالمی متوفی ۱۳۴۹ قمری.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

عالمی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۸ ش)، نویسنده و استاد دانشگاه. در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه و مدرسه حقوق، در ۱۳۱۱ ش به فرانسه اعزام و در آنجا به دریافت لیسانس حقوق و درجه‌ی دکتری در رشته‌ی اقتصاد و حقوق عمومی نایل شد. عالمی در ضمن تحصیل حقوق، مدرسه‌ی علوم سیاسی پاریس را نیز طی کرد و پس از آن به ایران مراجعت نمود و در ۱۳۲۰ ش تدریس علم اقتصاد به وی محول گردید. اثرش: «علم مالیه»، برنامه سال اول دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۳۴۰ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۷۴ -۷۳ / ۱).

عالمی، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم عالمی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۵/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از مدتی در تشکیل کلاسهای تعلیم قرآن کریم در سمنان اقدام کردم و از سال ۱۳۶۰ وعظ و تبلیغ و منبر را درسمنان آغاز کردم و تا سال ۱۳۷۳ در سمنان در ایام تبلیغی سفر کردم و از آن تاریخ تا کنون در شهر مقدس قم به وعظ و خطابه مشغول هستم . کتاب نامه‌ها و ملاقاتهای امام حسین ع به قلم اینجانب و با همکاری جناب حجت الاسلام و المسلمین نظری مفرد و کتاب ۴۰ حدیث در ۴۰ مجلس از آثار قلمی اینجانب است ، صبح ها دو ساعت در دفتر آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی دامت برکاته مشغول به پاسخ به سوالات تلفنی و مشاوره اشتغال دارم و مقداری هم به کارهای تحقیقاتی در بنیاد معارف اسلامی وقت صرف میکنم.

عالمی، خلیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلیل عالمی

محل تولد : اهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۲ وارد حوزه علمیه قم شده ام و دو سال در مدرسه امام مهدی موعود(عج) واقع در میدان توحید، سه سال در مدرسه امام محمد باقر(ع) و سه سال در مدرسه حسینه گذراندم. دروس سطح را در سال ۱۳۸۰ در مدت ۸ سال به پایان رساندم همزمان در سال ۱۳۷۷ (ع) وارد مؤسسه امام خمینی(ره) شدم و در رشته حقوق کارشناسی گرفتم و در ادامه در سال ۱۳۸۳ وارد تحصیلات تکمیلی در رشته حقوق عمومی ادامه تحصیل می دهم. الان در حال گذراندن ترم آخر کارشناسی ارشد این رشته هستم از سال ۱۳۸۰ در دروس خارج فقه مرحوم آیت الله تبریزی و اصول فقه حاج شیخ صادق لاریجانی شرکت نمودم. و از همان سال در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت نموده ام که همه اینها جز درس آیت الله تبریزی ادامه دارد.

تقریباً از سال ۱۳۷۹ در واحد حقوق و سیاست مرکز مطالعات و پژوهش فرهنگی حوزه همکاری مستمر داشته ام و در پاسخ به سئوالات محاله به این واحد شرکت کرده دستورات دیگری را پاسخ داده ام. و این همکاری هنوز هم ادامه دارد.که تاکنون سه مقاله از اینجانب به چاپ رسیده است.

عالمی، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا بن شیخ اسداللّٰه عالمی ادیب در شیراز بوده و تالیفاتی مانند کتاب (بصیرالسعداء) در شهادت سیدالشهداء (ع) و (عقود الدار النضید) در مناقب حسین شهید (ع) داشته که با هم چاپ شده و در حدود ۱۳۴۰ ق وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

عالمی، محمدضامن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ضامن عالمی

محل تولد : سراب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱۲/۱۴

زندگینامه علمی

اینجانب محمد ضامن عالمی متولد ۱۴/۱۲/۴۸ در یک خانواده متدین و مذهبی متولد شدم به خاطر علاقه وافر پدرم و توجیه ایشان به روحانیت به درس حوزوی توجه خاص پیدا کردم که در سال ۶۳ با ورود به حوزه علمیه امام هادی (ع) درس حوزوی رسماً آغاز و بنده به عنوان طلبه مشغول فراگیری دروس حوزوی شدم.

بعد از مدتی به خاطر ادامه تحصیلی راهی جمهوری اسلامی ایران شدم و در ابتدا ورود به حوزه علمیه صادقیه سمنان رفتم که با راهنمای دلسوزانه و پدرانه جناب استاد نصیری در پذیرش سال ۶۸ که از طرف مرکز جهانی علوم اسلامی برگذار شد شرکت کردم و در مرحله اول قبول شدم و بعد از این سال درسهایم جدی تر شروع شد و با علاقه شدید که داشتم در مدتی بسیار کوتاهی دروس سطح تمام شد و یک سال درس خارج خوانده بودم که از طرف مرکز جهانی سازمان مدارس خارج از کشور و مجمع روحانیون غزنی به عنوان مدرس عازم افغانستان شدم و از سال ۷۳ تا اواخر ۷۵ مشغول تدریس و نظارت بر مدرسه و حل دعاوی مردم بودم و در سال ۷۶ دوباره به حوزه مقدسه قم برگشتم و درسها کمافی السابق با جدیت شروع شد و سال دوم خارج را با درسهای فقه آیهٔ الله العظمی تبریزی قدس سره الشریف و اصول آیهٔ الله وحید خراسانی آغاز گردید.

و همزمان با درسهای که می رفتم کارهای تحقیقاتی در موسسه دارالصدیقهٔالشهیدهٔ که زیر نظر آیهٔ الله العظمی تبریزی اداره می شد شروع کردم. و در سال ۱۳۸۴ با معرفی مرکز جهانی به موسسه عالی علوم انسانی فعلاً مشغول تحصیل آخرین ترم از روانشناسی می باشم. این بود اجمالی از گذشت روزهای که در آن مشغول به تحصیل بوده ام که بطور فشرده و خلاصه خدمت تقدیم شد شاید بتوان گفت زندگی علمی.

این شعار هر مسلمانی است که به عزت اسلامی می اندیشد. خدایا این یگانه آرزوی ما است تا انقلاب مهدی از نهضت خمینی محافظت بفرما خامنه ای رهبر به لطف خود نگهدار. آمین یا رب العالمین.

عالمی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی بن العالم الجلیل الشیخ جواد عالمی دامغانی از علماء محترم معاصر است در شهر سمنان.

وی در شب نیمه ماه مبارک رمضان سال ۱۳۰۶ شمسی در قریه حجاجی دامغان متولد شده و پس از پرورش و دوران تحصیلات ابتدائی از شهریور سال ۱۳۲۲ خورشیدی در دامغان به تحصیل مقدمات علوم اسلامی پرداخته آنگاه مهاجرت به همدان نموده و در نزد اساتید بزرگ آنجا چون حجهٔالاسلام حاج میرزا محمدعلی دامغانی‌زاده و حجهٔالاسلام حاج شیخ ابوالقاسم شاهنجرینی و حجهٔالاسلام حاج میرزا اسداللّٰه شریعتمدار غروی سطح را به پایان رسانیده و یک سال هم از محضر درس آیت‌اللّٰه آقای آخوند ملا علی استفاده نموده و بعد از آن در سال ۱۳۳۰ شمسی به قم آمده و مدت دوازده سال از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّٰه العظمی موسوی فقها و اصولا بهره‌مند شده و علوم عقلی فلسفه و تفسیر کلام‌اللّٰه را از محضر

علامه طباطبائی کامیاب شده.

و در سال ۱۳۴۲ شمسی حسب‌الامر حضرت آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی به سمنان منتقل و تا اکنون به اقامه جماعت و گفتن درس تفسیر و اصول و اعتقادات و تدریس فقه و پرورش طلاب علوم اشتغال دارند.

دارای تألیفات عدیده به شرح زیر می‌باشند.

۱- پیغمبر و یاران پنج مجلد بطبع رسیده است.

۲- جوانان چه می‌پرسند بطبع رسیده است.

۳- شاگردان مکتب امام بطبع رسیده است.

۴- صحنه‌های قیامت از دیدگاه قرآن ترجمه شاهد القیامه سید قطب مخطوط

۵- نهضتهای مقدس مخطوط

۶- تاریخ اجمالی ائمه علیهم‌السلام مخطوط

۷- مناظرات مأمون در امر فدک مخطوط

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

عالی بخارایی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از اهالی بخارا بود. و در همان شهر به تحصیل علوم متداول زمان پرداخت و پس از آن بساط تعلیم گسترانید و به نثر دانشهای زمان مشغول شد. عالی، شعر نیز می‌سرود و اشعار چندی از وی به جای مانده است. به گفته‌ی نصرآبادی در ۱۰۸۳ ق در بخارا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۳۳)، الذریعه (۶۷۶ / ۹)، صبح گلشن (۲۷۵)، فرهنگ سخنوران (۶۱۱).

عالی شیرازی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۲۱ ق)، نویسنده، طبیب و شاعر، متخلص به عالی. ملقب به نعمت‌خان و بعد مقرب‌خان و سرانجام دانشمندخان. وی در هندوستان به دنیا آمد و در کودکی به همراه پدر خویش به شیراز رفت و در آن جا به تحصیل پرداخت. پس از چندی به هندوستان بازگشت و در خدمت ملاـ شفیعای یزدی به تلمذ پرداخت. عالی که از طب و دیگر دانشهای زمان سررشته داشت، در بدو امر، حکیم تخلص می‌کرد ولی به اشاره استاد خود، ملا شفیعا، عالی تخلص نمود. وی در نظم و نثر نیز توانا بود و به سفارش بهادرشاه، فرزند اورنگ زیب، به تحریر «شاهنامه» مشغول شد، ولی اجل مهلتش نداد که آن را به اتمام برساند. از آثارش: «مثنوی من و سلوی»،به فارسی، در اخلاق؛ مثنوی «سخن عالی»، در ۴۲۰۰ بیت؛ تفسیر «نعمت عظمی»؛ به فارسی؛ «روزنامه محاصره‌ی حیدرآباد»؛ «جنگ‌نامه‌ی» اعظم‌شاه و بهادرشاه، دو فرزند اورنگ زیب؛ منشآت «حسن و عشق»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای پنجاب (۲۳۲ -۲۳۱)، تذکره‌ی شعرای کشمیر (۲۵۵ -۲۵۲ / ۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۷۳ -۵۶۴ / ۳)، الذریعه (۲۳۳ / ۲۴ ،۱۵۳ / ۲۳ ،۲۰۳ ،۹۲ / ۱۹ ،۲۷۰ / ۱۱ ،۶۷۷-۶۷۶ / ۹ ،۱۷ / ۷ ،۱۶۹ / ۵)، فرهنگ سخنوران (۶۱۲ -۶۱۱)، لغت‌نامه (ذیل/ عالی شیرازی)، منظومه‌های فارسی (۳۹۳ -۳۹۲)، نتایج الافکار (۴۹۰ -۴۸۵).

عالی شیرازی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۶ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به عالی. اهل شیراز و از احفاد می‌رسید شریف علامه بود. پدرش قبل از حاجی ابراهیم‌خان، کلانتر شیراز بود و لقب صاحب اختیاری داشت. تولیت آستانه‌ی احمدیه در زمان نادرشاه در دست این خاندان بود.وی مردی ادب‌دوست و محلفش مجمع ادبا و فضلا بود. خط نستعلیق را خوب می‌نوشت و و بیشتر اشعارش غزل بود. «دیوان» شعری وی حدود هفت هزار بیت است. صاحب «مجمع الفصحا» وفات وی را ۱۲۳۶ ق نوشته است، اما از قطعه‌ای که وصال شیرازی برای فوت او سروده، معلوم است که وی در ۱۲۴۳ ق در قید حیات بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۴۴۶)، احوال و آثار خوشنویسان (۶۸۹ -۶۸۸ / ۳)، حدیقه الشعراء (۱۱۶۱ -۱۱۵۷ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۷۷ -۵۷۴ / ۳)، الذریعه (۶۷۶ / ۹)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۴۴ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۱۱)، لغت‌نامه (ذیل/

عالی شرف)، مجمع الفصحا (۷۴۴ –۷۴۲ / ۵)، مرآت الفصاحه (۳۹۹ –۳۹۸)، مصطبه‌ی خراب (۱۲۸)، نگارستان دارا (۲۴۰ –۲۳۹).

عالی کردستانی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۱ ق)، شاعر، متخلص به عالی. اهل سنندج بود. مدتی به مباشری و پیشکاری محمد، پدر رونق سنندجی، مؤلف تذکره «حدیقه‌ی امان اللهی»، مشغول بود.بعد از چندی طریقه‌ی درویشان در پیش گرفت و سالها به مسافرت و سیاحت پرداخت و به زیارت کعبه مشرف شد و. وی در ارومیه وفات یافت. عالی گویا بیش از سه هزار بیت شعر سروده است. اثرش «دیوان» شعر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۲۹۶ / ۱)، حدیقه‌ی امان‌اللهی (۴۰۱ –۴۰۰)، حدیقه الشعراء (۱۱۶۴ –۱۱۶۳/ ۲)، الذریعه (۶۷۷ / ۹)، لغت‌نامه (ذیل/ کردستانی)، مجمع الفصحا (۷۴۲ / ۵).

عالیخانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم سیاسی، دانشکده:-، دانشگاه: آزاد اسلامی زنجان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی و دکترا در رشته علوم سیاسی.

مرتبه علمی:

تدریس در دانشگاههای مختلف ایران، دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی زنجان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

دیپلماسی خاورمیانه، سیاست، حقوق بین‌الملل، استاد راهنمای یک پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

علمی، سیاسی، حقوقی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

سیاسی، حقوقی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

عالیشاهی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد عالیشاهی

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۸۸/۸/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال۱۳۵۳وارد حوزه علمیه مشهد شدم و دروس سطح مانند ادبیات عرب و بخشی از تفسیر قرآن و کلام و فقه و اصول را در آنجا ادامه دادم و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸وارد حوزه علمیه قم شده ام تا الان در این حوزه مقدسه مشغول درس و تدریس و تحقیق می باشم.

مراحل فراگیری علوم حوزوی را از ابتداء با دروس خارج فقه و اصول در صفحه مخصوص این مطالب یاد آور شدم

اما تدریس بنده عبارتند از: بخشی از ادبیات عرب در حوزه علمیه مشهد و یکسال تدریس دروس سطح در حوزه علمیه دامغان

(۱۳۶۴تا۱۳۶۵)و سه سال تدریس در حوزه علمیه مسجد سلیمان (۱۳۶۹تا۱۳۷۰)از ادبیات عرب با دروس رسائل و مکاسب مشغول بوده ام و حدود سه سال در بخش حوزه علمیه خواهران مربوط به دفتر تبلیغات در قم دروس فقه و اصول را تدریس نمودم (۱۳۷۷تا ۱۳۸۰)و از سال ۱۳۷۲تا ۱۳۸۰در مرکز جهانی بخشی از دروس فقه و تفسیر و علوم قرآن طلاب خارجی را به عهده داشتم .

البته خداوند عنایت نمود که از سال ۱۳۷۲تا اوائل سال ۱۳۷۵قرآن کریم را هم حفظ نمودم و مباحثه حفظ ما همچنان ادامه دارد.در ایام تبلیغی هم بنده از سال ۱۳۵۷که ملبس به لباس مقدس روحانیت شده ام تا الان برای تبلیغ معارف دینی به جاهای مختلف کشور اعم از ارگانها وغیر آن حضور پیدا کردم و می کنم و از سال ۱۳۷۵به این طرف غالبا به دانشگاههای مختلف کشور از طریق دفتر اعزام مبلغ رهبری در دانشگاهها اعزام شده ام و در سالهای ۱۳۶۴و۱۳۷۰در تبلیغات خارجی حج هم به مکه و مدینه اعزام شدم ،جهت تبلیغ حجاج خارجی از سا ل۱۳۷۶به این طرف در شبکه حج به عنوان روحانی کاروان در خدمت زا ئران حج وعمره بوده ام .

عالیشوندی، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسعود عالیشوندی

محل تولد : فراشبند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۴/۱

زندگینامه علمی

اینجانب درسال ۱۳۵۷در اوایل پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ملت ایران به رهبری امام خمینی (ره) برای تحصیل علوم دینی به قم عزیمت نمودم و در امتحانات ورودی مدارس حقانی و رسالت که در آن زمان از بهترین و منظم ترین و مطابق نیازهای جامعه برنامه ریزی شده بودند، شرکت نمودم و در هر دو مدرسه با رتبه خوب(۱۹ و ۱۶) قبول گردیدم. ولی چون مدرسه رسالت زودتر نتایج خود را اعلام نمود در آن مدرسه ثبت نام نمودم و تا پایان سال تحصیلی ۶۱–۱۳۶۰ به مدت سه سال در آن مدرسه حضور داشتم و دوره مقدمات را که مطابق برنامه جدید حوزه پایه ۴ محسوب می شود به پایان رساندم. از تاریخ اول مهرماه ۱۳۶۱ در مدرسه امام حسن مجتبی (ع) زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی که عصرها برنامه های فوق برنامه همچون کشف المراد (شرح تجرید) علامه، درس تفسیر قرآن، نهج البلاغه، اصول فلسفه و روش رئالیسم که توسط اساتید مجرب از جمله حضرت آیت الله مکارم تدریس می گردید، شرکت میکردم.

در حوزه نیز به صورت آزاد دروسی همچون شرح لمعه و اصول فقه مظفر و باب هادی عشر و... را به مدت دو سال نزد اساتیدی همچون مرحوم وجدانی فخر، صالحی افغانی و سید مرتضی مهری تحصیل نمودم. سپس به مدت سه سال دروس رسائل و مکاسب را نزد اساتید معروف حوزه از جمله آقای حاج شیخ مصطفی اعتمادی و... خواندم. سپس به مدت دو سال کفایتین آیت الله آخوند خراسانی (ره) را نزد مرحوم آیت الله ستوده تحصیل نمودم. در این مدت در دروس جنبی نیز شرکت می نمودم، از جمله اصول عقاید را نزد آیت الله مصباح یزدی، نهج البلاغه را نزد آیت الله مکارم شیرازی، رجال را نزد آیه الله سبحانی تبریزی خواندم و همه این دروس را امتحان داده و تا سال تحصیلی ۶۸–۱۳۶۷ به پایان رساندم و دوره سطح به مدت ۱۰ سال به اتمام رسید. از سال ۶۹–۱۳۶۸ در درس خارج فقه و اصول آیات، فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، سبحانی تبریزی و... به مدت ۱۵–۱۴ سال شرکت نموده ام.

در سال ۱۳۷۶ در کنار درس خارج فقه و اصول در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآنی حوزه علمیه شرکت نمودم و به مدت ۴ سال دوره سطح ۴ تفسیر و علوم قرآنی را در سال تحصیلی ۸۰–۱۳۷۹ به پایان رساندم. پس از اتمام سطح ۴ حوزه در رشته فوق، در رشته تخصصی تازه تاسیس کلام، گرایش مهدویت شرکت نمودم و پس از ۴–۳ سال این دوره را به عنوان اولین گروه در سال ۱۳۸۳ به پایان رساندم. از آن پس تا شهریور ۱۳۸۴ در مرکز تخصصی مهدویت و پژوهشکده مهدویت در موضوعات و مباحث مهدوی به تحقیق و مطالعه مشغول بودم و در فصل نامه انتظار موعود وابسته به مرکز تخصصی مهدویت از شماره ۴ تا ۸ در موضوع (کلام جدید و مهدویت) مباحثی را تنظیم نمودم که به چاپ رسید، همچنین در واحد پاسخ گویی به پرسشها در پژوهشکده مهدویت مشغول بودم. همچنین از سال ۱۳۷۹ تا تابستان۱۳۸۴ در بخش تحقیقات و تهیه جزوات در مرکز مشاوره حوزه علمیه قم ساعاتی به امر تحقیق مشغول بودم که حاصل آن تهیه جزوات متعددی بود که توسط آن مرکز به چاپ رسیدند. از سال تحصیلی ۸۵–۱۳۸۴ تاکنون نیز در دانشکده علوم قرآنی به تدریس دروس تفسیر و علوم قرآنی مشغول بوده ام. همچنین در سال۱۳۸۵ در دانشگاه آزاد زاهدان و دانشگاه دولتی سیستان و بلوچستان به تدریس دروس مختلف از جمله متون عرفان عربی، تاریخ قرآن و نظامهای اقتصادی صدر اسلام مشغول بوده و هستم.

عامری شهرابی، هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی عامری شهرابی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب هادی عامری شهرابی درسال ۱۳۴۶ درتهران متولد شدم. پس ازاتمام تحصیلات کلاسیک درسال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه شدم وازاساتید بزرگوار حوزه کسب فیض نمود م، همراه با دروس رسمی حوزه دررشته تخصصی کلام نیز مشغول شدم و درسال ۱۳۸۰ فارغ التحصیل شدم وپایان نامه خود را با موضوع اثبات خلافت بلافصل حضرت علی علیه السلام ارائه دادم. همزمان باتحصیل به تالیف نیز پرداختم که فهرست آثار درصفحات بعد آمده است.

عامل تهرانی، شرف‌الدین جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۷ –۱۲۴۶ ق)، عالم امامی، فقیه، شاعر و ادیب. در نجف به دنیا آمد. در همان جا نشوونما یافت. مبادی و مقدمات را فراگرفت، و در فقه و اصول از محضر شیخ مهدی آل‌کاشف الغطاء استفاده نمود تا از علمای بزرگ گردید، و داماد شیخ اسدالله کاظمی شد. آن‌گاه به تهران آمد و مدتی ماند. سپس به کرمانشاه رفت و در آنجا ساکن شد و در همان جا درگذشت. از آثار وی: حاشیه بر «قوانین الاصول»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۹۶ / ۹ ،۱۷۶ –۱۷۵ / ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۴۳ / ۱۳)، معجم المؤلفین (۱۳۷ –۱۳۶ / ۳).

عاملای بلخی، عامل

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. پدر وی از واقعه‌نویسان حاکم بلخ بود و او نیز مدتی مانند پدر به واقعه‌نویسی مشغول بود. پس از آن به هندوستان رفت و از آنجا به اصفهان بازگشت، گویا در همین شهر با صائب تبریزی (م ۱۰۸۶ ق) دیدار کرد و مدتی نیز شاگردی وی نمود. سپس از اصفهان به شیراز رفت و در تکیه‌ای که محمد زمان‌خان برای او ساخت مقیم شد تا در همان شهر درگذشت. از اشعاری که به نام وی در تذکره‌ها آمده، لطف طبع او آشکار است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۱۱ –۴۱۰)، الذریعه (۶۷۸ / ۹)، صبح گلشن (۲۷۵)، فرهنگ سخنوران (۶۱۲).

عاملی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ع. منسوب به جبل عاملی) ابوجعفر محمد بن جبل عاملی مشهور به شیخ حر عاملی و معروف به صاحب رسائل، فقیه و محدث مشهور شیعی (و. مشغر) از قرای جبل عامل (۱۰۳۳– ف./ مشهد ۱۱۱۴ ه.ق.). وی نزد عم خود شیخ محمد حر و جد مادرش شیخ عبدالسلام و نیز نزد شیخ زین‌الدین نوازه شهید ثانی و گروهی دیگر تحصیل کرد و پس از ۴۰ سالگی به مشهد رفت و مجاور گردید و چند بار نیز به زیارت کعبه شتافت. مدفن وی در مشهد در صحن عتیق قرب مدرسه میرزا جعفر است. اوراست: رسائل (که در آن اخبار کتب اربعه شیعه را گردآورده)، اثبات الهدایة، هدایة الامة، جواهر السنیة (احادیث شیعه)، نزهة السماع (در حکم اجماع)، بدایة الهدایة، فصول المهمة، (در اصول ائمه)، رساله (رد بر صوفیه)، رساله (در تواتر قرآن)، رساله (در رجال)، رساله (در احوال صحابه)، الآمل (ترجمه احوال علمای جبل عامل). دیوان شعر.

محمد ابن علی بن حسن بن علی بن حسن مشغری (و. مشغر جبل‌عامل ۱۰۳۳ ه.ق.– ف. مشهد ۱۱۰۴ ه.ق.). وی تا سن چهل سالگی در سوریه و جبل‌عامل نزد استادان شیعی تعلیم یافت و دو بار به حج رفت و سپس به عراق و خراسان رهسپار گردید و به منصب شیخ‌الاسلامی و قاضی‌القضاتی مشهد منصوب شد و دوبار نیز از آنجا به حج رفت. آثار او عبارتند از: اثبات الهداة بالنصوص و

المعجزات، الاثنا عشریهٔ فی رد الصوفیه، الاجازات، احوال الصحابهٔ، اربعین حدیث، ارجوزهٔ در زکات، ارجوزهٔ در هندسه. پس از وفات او را در صحن آستانه قدس نزدیک در مدرسه میرزا جعفر دفن کردند.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عاملی اصفهانی، زین الدین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عمه زاده‌ی سید عباس بن علی بن نور الدین عاملی مؤلف کتاب «نزههٔ الجلیس» بوده. عالم فاضل محقق ادیب و شاعر بوده، و در رجب ۱۱۳۱ زنده بوده است، و مؤلف اعیان الشیعهٔ احتمال داده که این دو شیخ زین الدین یک نفر باشند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

عاملی رنانی، سعیدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر سعیدرضا عاملی رنانی دانشیار گروه ارتباطات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی، رئیس دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران (۱۳۷۱) و مدرک کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه دابلین ایرلند (۱۳۷۴) و مدرک دکترای را در رشته ارتباطات از دانشگاه Royal Holloway University of London (۱۳۸۰) اخذ نموده است.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیگرایش : ارتباطاتتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر سعیدرضا عاملی مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران (۱۳۷۱) و مدرک کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه دابلین ایرلند (۱۳۷۴) و مدرک دکترای را در در رشته ارتباطات از دانشگاه Royal Holloway University of London (۱۳۸۰) اخذ نموده است. عنوان رساله وی در دوره کارشناسی ارشد، « ارتباط بین تلویزیون و باورها و رسومات مذهبی» و رساله دوره دکترا « تاثیر جهانی شدن بر هویت مسلمانان بریتانیا» می باشدمشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری و مدیریت سعیدرضا عاملی رنانی به قرار زیر است •: موسس و عضو هیئت امنای کالج اسلامی مطالعات پیشرفته ـ لندن از ۱۹۹۷ تا به حال • موسس و رئیس موسسه ی مطالعات اسلامی ـ لندن ۱۹۹۷ـ ۱۹۹۹ • موسس و عضو هیئت امنای موسسه ی اسلامی حقوق بشر ـ لندن از ۱۹۹۷ تا به حال • عضو کمیته ی بین المللی مطالعات جهانی ـ لندن از ۲۰۰۲ تا به حال • عضو هیئت علمی دانشکده ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران ـ گروه ارتباطات از ۲۰۰۱ تا به حال • موسس و رئیس موسسه مطالعات امریکای شمالی و اروپا از مهرماه ۱۳۸۳ تا کنون • عضو هیئت علمی و دانشیار دانشکده ی علوم اجتماعی ـ دانشگاه تهران • عضو هیات تحریریه" دانشنامه علوم اجتماعی,"دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۸۳ • عضو هیات تحریریه" پژوهشنامه جهانی شدن,"مرکز ملی مطالعات جهانی شدن ۱۳۸۶ • معاون طرح و برنامه دانشگاه تهران,سازمان مرکزی دانشگاه تهران دفتر طرح و برنامه ۱۳۸۷ • سرپرست دانشکده مطالعات جهان,دانشکده مطالعات جهانفعالیتهای آموزشی : موارد تدریس سعیدرضا عاملی رنانی : ارتباطات وفرهنگ، جهانی شدن ارتباطات، سمینارمسائل سیاسی واستراتژی معاصر، فلسفه رسانه های جمعی، مطالعات فضای مجازی، نقدوتفسیرومقاله درمطبوعات (مقطع کارشناسی). سمینار ، قوم شناسی و ساختار حکومتی و قانون اساسی، ارتباطات وفرهنگ، جامعه شناسی جهانی شدن ، جهانی شدن وفرهنگ، جامعه شناسی ارتباطات بین فرهنگی، جهانی شدن وفرهنگ، مسائل رسانه ای ایران وجهان، مطالعات فضای مجازی ، مقدمه ای بر مطالعات آمریکای شمالی(مقطع کارشناسی ارشد و دکترا) است.چگونگی عرضه آثار : تعداد راهنمایی پایان نامه دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد به ترتیب ۱ و۲۴ تعداد طرحهای تحقیقاتی:۱۴ مورد تعداد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی:۱۳ مورد تعداد مقالات چاپ شده در مجلات خارجی:۷ مورد تعداد مقالات ارائه شده در همایشها در ایران: ۱۹ مورد تعداد مقالات ارائه شده در همایشها در خارج از کشور : ۴۱ موردآثار۱nbsp Dual Citizenship: British, Islamic or Both: Obligation, Recognition, Respect and Belonging, London, IHRC, – co- authors, Saied R. Ameli Arzu Mirali ویژگی اثر : بزبان خارجی–۲۰۰۴۲ Globalization, Americanization and British Muslim Identity, London, ICAS Press ویژگی اثر : بزبان خارجی–۲۰۰۲۳ Secular or Islamic? What Schools do British Muslims want for their children?, London, IHRC, Co-authors, Saied R. Ameli , Alya Azam, Arzu Mirali ویژگی اثر : بزبان خارجی –۲۰۰۵۴ Social Discrimination: Across the Muslim Divide, London, IHRC, Saied R. Ameli, Manzur Elahi Arzu Merali ویژگی اثر : بزبان خارجی–۲۰۰۴۵ ارزیابی فضای مجازی ایرانی ویژگی اثر : تالیف–۱۳۸۶۶ دین و رسانه ویژگی اثر : تالیف–۱۳۸۵

عاملی صغیر، زین الدین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌علی بن محمد بن حسن بن شیخ زین الدین شهید ثانی عاملی اصفهانی.

در ظهر روز سه شنبه ۱۸ ذی حج ۱۰۷۸ متولد، و در حدود ۱۱۰۰ در جوانی وفات یافته. او را شیخ زین الدین صغیر گویند، و عم بزرگوارش شیخ زین الدین محمد را اوسط، و شهید ثانی را کبیر گویند.

فاضل صالح بوده، و پدرش در کتاب «درالمنثور» مجملی از شرح حال او را نوشته، گوید: در اصفهان متولد، و هم در این شهر وفات یافته، در مشهد مقدس مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

عاملی موسوی اصفهانی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۷۴ –۱۲۳۹ ق)، عالم و فقیه امامی. مادرش جان‌جان خاتون دختر شیخ جعفر کاشف الغطاء، مجتهد و مرجع بزرگ شیعه بود. آقا سید محمدعلی از جمله‌ی نوابغ شمرده می‌شد زیرا طبق روایتهای متعدد دوازده ساله بود که کتاب «البلاغ المبین فی احکام الصبیان والبالغین» را نوشت و چندان مورد اعجاب و تحسین سید محمدباقر شفتی قرار گرفت که بر اجتهاد نویسنده‌ی آن گواهی داد. و از آن پس به آقا مجتهد معروف شد و شفتی دختر خود را به همسری وی درآورد. او علاوه بر تبحر در فقه و اصول، به عرفان و تصوف نیز دلبستگی داشت و به زبانهای فارسی و عربی شعر می‌گفت و متخلص به عارف بود. وی در ۳۵ سالگی به علت مسمومیت در اصفهان درگذشت و در نجف در یکی از آرامگاه‌های صحن امیرالمومنین (ع) در کنار پدرش مدفون گردید. آثار وی: «احیاء التقوی»، شرح بخشی از «الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه» تألیف شهید اول؛ «العلائم فی شرح المراسم»، شرح بخشی از «المراسم العلویهٔ والاحکام النبویهٔ» سلّار بن عبدالعزیز دیلمی؛ منظومه‌ای در وقف؛ منظومه‌ای ناتمام در میراث؛ الفیّه‌ای ناتمام، در نحو؛ «فرائد الفوائد» در اصول؛ «نفائس الفرائد» که مختصر «فرائد الفوائد» است؛ «دیوان» شعر فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرة القبور (۱۵)، تکملة امل‌الامل (۳۸۸ –۳۸۵)، الذریعه (۱۳۹ /۲۳ ،۳۰۸ /۱۵ ،۱۴۱ /۳ ،۳۰۸ –۳۰۷ /۱)، ریحانه (۵۷ /۱)، معجم المؤلفین (۵۱ –۵۰ /۱۱)، مکارم الآثار (۱۰۹۷ –۱۰۹۵ /۴).

عاملی، بهاءالدین محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۲۸ ق)، خطاط. از خوشنویسانی بود که خطوط مختلف را خوش می‌نوشت. از آثار وی: دو قطعه به قلمهای ثلث دو دانگ، نسخ کتابت، رقاع کتابت، شکسته نستعلیق کتابت جلی، توقیع کتابت و نستعلیق کتابت خوش با رقم: «ذره‌ی بی‌مقدار تحریر نمود. بهاءالدین محمد عاملی، فی سنه ۱۱۲۸».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۵۸/۴، ۷۸۵/۳).

عاملی، صدر الدین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم آقا سید صدر الدین محمّد بن سید صالح عاملی از اکابر فقها و مجتهدین شیعه، در فقه و اصول و حدیث و رجال و ادب و دیگر علوم از اساتید به شمار می‌رود.

در ۱۱۹۳ متولّد، و در نزد سید جواد عاملی و حاج سید مهدی بحر العلوم طباطبائی و شیخ جعفر کاشف الغطاء - پدر زن خود - و بسیاری از علمای زمان تحصیل نموده، و عدّه‌ای کثیر در نزد او درس خوانده و یا اجازه داشته‌اند که از آن جمله است مرحوم آقا سید محمّد حسن مجتهدی موسوی اصفهانی.

مرحوم آقا سید صدر الدین سالها در اصفهان در محلّه ی آب بخشان ساکن بوده، و مورد احترام قاطبه ی علمای این سامان بالاخص سیّد حجهٔ الاسلام بوده، و سرانجام در شب جمعه ۱۴ محرّم سال ۱۲۶۲ در نجف وفات یافته، ودر یکی از حجرات مدفون شد.

کتاب‌های زیر از اوست:

۱- اسرهٔ العتره، در فقه استدلالی ۲- حاشیه ی تسهیل ابن مالک ۳- حاشیه ی منتهی امل الادیب تألیف ابن ملّا، در نحو ۴- حاشیه ی منتهی المقال ۵- حاشیه ی نقد الرجال ۶- حجّیّهٔ الظنون ۷- قرّهٔ العین، در نحو [مطبوع] ۸- القسطاس المستقیم، دراصول فقه ۹- قوت لا یموت، رساله عملیّه ۱۰- مجال الرجال ۱۱- المستطرفات ۱۲- منظومه رضاعیّه [و شرح آن مطبوع].

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عاملی، عبدالحسیب

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالحسیب محمّد، عالم فاضل محقّق کثیر التألیف، نواده میر داماد.

حزین در تذکره خود، [فرزند] وی را در عداد علمای شعرای معاصر خود نام می‌برد.

در سال ۱۱۲۱ وفات یافته، قبرش در تخت فولاد، جنب پدر بزرگوار خودمی باشد، و آثار قبر ظاهر نیست.

کتب زیر از اوست:

۱- تقدیس الانبیاء ۲- الجواهر المنثوره ۳- سدرهٔ المنتهی. (عرفانی فارسی در معارف و اصول دین، در ۱۰۶۲ از تألیف آن فراغت حاصل نموده، و آن را جهت حکیم محمّد داود تألیف نموده است).

۴- شرح دعای سیفی ۵- شرح بر دعای صباح ۵- صراط الزاهدین، در اعمال ماهها ۷- عرش سماء التوفیق، در تفسیر فارسی ۸- الفطرهٔ الملکوتیّهٔ، در شرح اثنی عشریّه [شیخ بهائی] ۹- مسلک النجاهٔ ۱۰- مناهج الشارعین، در اصول دین؛ و غیره از اشعار اوست:

آن ماه دو هفته دلبر جانی من

آن یار عزیز یوسف ثانی من

یک روز نکرد فکر شبهای غمم

یک بار نگفت پیر کنعانی من

وی را سه فرزند برومند است:

۱- میر محمّد اشرف (بعداً بنام و شرح حالش اشاره خواهد شد).

۲- صدر الدین زین العابدین که او نیز عالم و فاضل بوده است.

۳- میرزا صدر الدین محمّد.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عاملی، عبداللطیف

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۵۰ ق)، عالم امامی، فقیه و محقق. بعد از درگذشت پدرش، شیخ علی بن احمد، که از اکابر شاگردان شهید ثانی است، به خلف‌آباد رفت. وی از علمای بزرگ قرن یازدهم و از شاگردان شیخ بهایی و شیخ حسن بن شهید ثانی، صاحب «معالم»، و سید محمد بن علی بن حسین عاملی، صاحب «مدارک الاحکام»، و دیگر بزرگان می‌باشد و از آنها اجازه داشته است. در «ریاض العلماء» و «امل الآمل» ذکر شده که وی از بزرگترین شاگردان شیخ بهائی بوده است. سید علی‌خان حویزی از شاگردان عاملی است. بین او و شیخ علی، سبط شهید ثانی مساءلت (پرسش و پاسخ) بوده است. از آثار وی: «جامع الاخبار فی ایضاح الاستبصار»، که شرحی است بر «استبصار» شیخ طوسی؛ کتاب «الرجال»، در شش طبقه که آن را به صورت مقدمه‌ای بر «جامع الاخبار» تألیف کرده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۵ -۴۴ / ۸)، الذریعه (۱۳۰ -۱۲۸ / ۱۰ ،۳۸ -۳۷ / ۵)، روضات الجنات (۲۲۲ -۲۲۰ / ۴)، ریاض العلماء (۲۵۶ / ۳)، ریحانه (۹۱ / ۴)، لغت‌نامه (ذیل/ عبداللطیف).

عاملی، غیاث الدین احمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صدر الدین محمّد را فرزندی است به نام غیاث الدین احمد که اهل شعر و ادب بوده، عالم فاضل متقّی بوده، و در شعر «خیال» تخلّص داشته.

در ریاض العارفین (: ۳۲۸) به اشتباه، وی را نوه ی پسری میر داماد، و داماد آقا جمال خوانساری معرّفی می‌کند. گوید: در غلبه افغان در اصفهان وفات یافت.

از اشعار اوست:

از ازل تا به ابد بینش هر بینایی

همه یک بینش و در پرده بینایی تست

جز تماشای جمال تو، تماشایی نیست

هر که حیران جمالی است. تماشایی تست

(هدایت در نسب او اشتباه کرده است)

وفات سید عبدالحسیب را به سال ۱۱۳۳ نیز نوشته‌اند، و چون تألیف سدرهٔ المنتهی به سال ۱۰۶۲ می‌باشد و اگر در این سال پانزده ساله باشد نامبرده حین الفوت حداقل ۸۶ سال داشته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عاملی، لطف‌الله

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند عبدالکریم بن ابراهیم بن علی بن عبدالعالی میسی.

عالم فاضل صالح فقیه متبحر، جلیل القدر، عظیم المنزلهٔ، در نزد شاه عباس کبیر صفوی در نهایت عزت و احترام، و مورد تکریم و تعظیم علمای زمان بوده، و شاه نامبرده مسجد و مدرسه‌ای در قسمت شرقی میدان نقش جهان در میدان شاه به نام او بنا کرده که مدرسه از بین رفته، و مسجد از شاهکارهای معماری، و از آثار باستانی اصفهان است.

شیخ لطف‌الله در میس از قرای شام متولد شده، در اوایل جوانی به ایران آمده، در خراسان مدتی در خدمت ملا عبدالله شوشتری تحصیل نموده، چندی در قزوین، و اخیرا به اصفهان مهاجرت نموده، به درس و بحث و اقامه‌ی جماعت پرداخته.

رسائل عدیده در مسائل مختلفه نوشته و قائل به وجوب عینی نماز جمعه بوده و در مسجد مرقوم، آن را اقامه می‌فرموده.

در اوایل سال ۱۰۳۲ در اصفهان وفات یافته.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

عاملی، محمد معصوم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد مهدی اعتماد الدوله بن حبیب الله صدر عاملی موسوی. عالم فاضل [حکیم] محقق جلیل القدر، شیخ الاسلام بوده، و در سال ۱۰۹۵ در اصفهان وفات یافته است، و نصرآبادی وفاتش را در ۱۰۸۱ می‌نویسد. [وی به مصطفی الحکماء معروف بوده].

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

عامی شیرازی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ح ۱۲۵۰ ق)، شاعر، متلخص به عامی. وی از خواندن و نوشتن بی‌بهره بود و به پیله‌وری روزگار می گذراند. عامی به مکه مشرف شده و خدمت بزرگان طریقت را نیز دریافته بود. از اوست:

در همه عالم مرا حاصل نیامد نیم دوست

دوست خود ناممکن است ای کاش بودی آشنا

من حسین وقت و نااهلان یزید و شمر من

روزگارم جمله عاشورا و عالم کربلا

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۱۶۵ / ۲)، مرآت الفصاحه (۴۰۱).

عامی نهاوندی، عامی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از شاعران نهاوند است که از ایران به هندوستان مهاجرت کرد و در آن سامان به سر برد تا درگذشت. عامی در ساختن قصیده توانا بوده است. در تذکره‌ی «روز روشن» از او با نام عارفی نهاوندی یاد شده است که با توجه به منابع دیگر خطا به نظر می‌رسد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۵۱۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۸۶)، الذریعه (۶۷۸ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۱۲)، کاروان هند (۸۵۸-۸۵۹ / ۲).

عامی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۶۶ ش)، فرهنگ‌نویس و شاعر، متخلص به عامی. وی رییس دادگاه عالی انتظامی قضاوت وزرات دادگستری بود. از آثار وی: «خرده فرهنگ یا لغت منظوم»، فارسی و فرانسه؛ «سرآغاز»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۹۵۰ / ۲ ،۱۲۵۸ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۸ / ۱).

عامی‌اصفهانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۶ ق)، شاعر. از شاعران اصفهان است که در اوان جوانی از ایران به هندوستان رفت و در آنجا مال و مکنت بسیار اندوخت. عامی بیشتر ایام عمر را در دکن سپری کرد. تقی اوحدی او را، در ۱۰۲۶ ق، در اردوی جهانگیری در احمدآباد دیده و اشعاری از وی نقل کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کاروان هند (۸۵۷ -۸۵۶ / ۲).

عامی‌اصفهانی، محمد باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح س سیزدهم ق)، شاعر از مردم اصفهان است. به کرباس‌فروشی روزگار می‌گذرانید و با این که سوادی نداشت شعر می‌گفت. نمونه‌ای از شعر او در «حدیقه الشعراء» آمده است. اثر وی «دیوان» شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ارمغان (س ۷، ش ۲ و ۳ ص ۱۰۱)، حدیقه الشعراء (۱۱۶۴ / ۲)، الذریعه (۶۷۸ / ۹)، سفینه المحمود (۴۰۸ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۱۲)، لغت‌نامه (ذیل/ عامی اصفهانی)،مجمع الفصحا (۷۳۱ / ۵)، نگارستان دارا (۲۳۷).

عامی‌کاشانی، آقاسی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح س سیزدهم ق)، شاعر. اهل کاشان بود و به تجارت زندگی می‌گذراند. در شعر به قصیده‌سرایی تمایل داشت. به گفته‌ی صاحب «حدیقه الشعراء» وی ده هزار بیت شعر گفته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۱۶۶ -۱۱۶۵ / ۲)، سفینه المحمود (۴۰۴ -۴۰۳ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۱۲).

عبادی حویزی، عبدالقاهر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۰۰ ق)، فقیه، اصولی، متکلم، نحوی، عالم امامی و شاعر. اصل وی از آبادان بود لذا به عبادی مشهور است و چون ساکن حویزه بوده شهرت حویزی نیز داشته است. او از علمای بزرگ اواخر قرن یازدهم یااوایل قرن دوازدهم است. شیخ حر عاملی در «امل الآمل» چند شعر از او نقل کرده و سپس گوید که وی را در حدود ۱۱۰۰ ق در مشهد رضوی ملاقات کرده است. از آثار وی: حاشیه بر «تفسیر»بیضاوی؛ «الفرائد الصافیه علی الفوائد الوافیه»، در نحو، که حاشیه بر «شرح» جامی است؛ «ریاض الجنان و حدائق الغفران»، در فقه؛ «المستمسکات القطعیه الیقینیه»، در کلام؛ «خبر/ خیر الزائر المبتلی بالبلاء فی طریق النجف و کربلا»؛ «صفو صفوه الاصول و نفی هفوه الفضول»، در اصول فقه؛ «العقائد الدینیه»، با براهین عقلی؛ «رفع الغوایه لشرح الهدایه»؛ رساله «النیلوفریه»؛«دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۲ / ۸)، ایضاح المکنون (۱۸۳، ۱۰۳، ۶۸، ۲۶ / ۲ ،۵۸۰، ۴۴۱ / ۱)، الذریعه (۴۳۸ / ۲۴، ۱۴ / ۲۱، ۱۳۸ / ۱۶، ۲۸۳، ۵۱ / ۱۵، ۲۲۷ / ۱۲، ۳۲۱، ۲۴۳ / ۱۱، ۶۹۲ / ۹، ۱۳۸ / ۷، ۴۳ / ۶)، روضات الجنات (۲۱۶ -۲۱۵ / ۴)، ریحانه (۹۳ -۹۲ /

۴)، فوائد الرضویه (۲۳۸)، لغت‌نامه (ذیل / عبدالقاهر)، معجم المؤلفین (۳۱۰ -۳۰۹ / ۵)، هدیه العارفین (۶۰۷ / ۱).

عبادی طالقانی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۵ ش)، عالم دینی و فقیه. در تهران به دنیا آمد و پس از فراگیری دروس جدید، اقدام به تحصیل علوم عربی و دینی نمود و مقدمات را در تهران فرا گرفت،سپس برای ادامه‌ی تحصیل در ۱۳۵۳ ق به امر پدرش به قم رفت و ادبیات را در خدمت میرزا محمد علی ادیب تهرانی و سطوح را در محضر آیت‌الله سید میرزا آقای ترابی دامغانی و آیت‌الله مرعشی نجفی و آیت‌الله سید احمد زنجانی و آیت‌الله سید احمد لواسانی تکمیل نمود. آن‌گاه در درس خارج آیت‌الله حجت و آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری و آیت‌الله صدر حاضر شد و چند سالی هم از فقه و اصول آیت‌الله بروجردی بهره برد، تا به درجات بلند علمی رسید. در ۱۳۷۱ ق به تهران بازگشت. پس از درگذشت پدر در مسجد خیابان ظهیرالاسلام به اقامه جماعت و ترویج امور دینی اشتغال ورزید. از مآثر وی: تعمیر اساسی مسجد طالقان، تعیمر مسجد سراج الملک؛ تکمیل مسجد حسین‌آباد لویزان و تأسیس دبستان در آنجا. از آثار علمی‌اش: رساله‌ای در «جبر و تفویض»؛ «اثبات امر بین الامرین»؛ «تقریرات و دراسات» آیت‌الله حجت: مباحث «الفاظ»، در اصول و «لباس مشکوک»، در فقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۵۰۹ -۵۰۸ / ۴).

عبادی محبوبی بخاری، جمال‌الدین، ابوالفضل عبیدالله

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۳۰ ق)، فقیه حنفی. شیخ حنفیان در زمان خود بود. وی در نزد علامه عمادالدین عمر بن بکر زرنجری و فخرالدین حسن بن منصور قاضی‌خان اوزجندی فقه آموخت. او از پدرش، ابراهیم بن احمد، و ابن‌مازه و نیز از فخرالدین حسن بن منصور قاضی‌خان و ابوالمظفر ابن‌سمعانی حدیث شنید. سیف‌الدین سعید بن مطهر باخرزی و شرف‌الدین محمد بن محمد عدوی و جمال‌الدین محمد بن محمد حسینی و علامه حافظ‌الدین محمد بن محمد بن نصر بخاری و دیگران در محضر وی فقه آموختند. وی در هشتاد و چهار سالگی در بخارا درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۳۴۶ -۳۴۵ / ۲۲)، شذرات الذهب (۱۳۷ / ۵)، العبر (۲۰۷ / ۳).

عبادی مروزی، قطب‌الدین، ابومنصور مظفر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۴۷ -۴۹۱ ق)، واعظ، فقیه و محدث. ملقب به امیر و معروف به امیر قطب‌الدین یا قطب عبادی. در روستای سنج عباد، از قراء مرو، به دنیا آمد و بدین جهت به عبادی مشهور شد. وی از نصرالله خشنامی و عبدالغفار شیروی و عده‌ای دیگر حدیث شنید. او از طرف سلطان سنجر به بغداد رفت و مدت سه سال در جامع قصر و در دارالسلطنه به وعظ پرداخت و مردم بر گردش ازدحام می‌نمودند. او در جامع قصر املای حدیث می‌کرد. ابن‌اخضر و حمزه بن قبیطی و محمد بن مکرم از وی حدیث روایت کرده‌اند. نیکویی و حسن وعظ وی ضرب‌المثل بود. ابن‌جوزی گوید که او زیبا کلام بود و از مواعظ او مجلداتی گردآوری کرده‌اند. ابوسعد سمعانی گوید که از او رساله‌ای در «شرب الخمر» دیده است. عبادی در عسکر خوزستان درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۱۲۴ -۱۲۳ / ۴)، ریحانه (۹۳ / ۴)، سیر النبلاء (۲۳۲ -۲۳۱ / ۲۰)، لغت‌نامه (ذیل/ ابومنصور)، معجم المؤلفین (۲۹۸ -۲۹۷ / ۱۲)، النجوم الزاهراه (۲۹۱ / ۵)، هدیه العارفین (۴۶۳ / ۲).

عبادی هروی، ابوعاصم محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۵۸ -۳۷۵ ق)، محدث، فقیه و قاضی شافعی. در هرات به دنیا آمد. وی از احمد بن محمد بن سهل قراب و دیگران حدیث شنید. از قاضی ابومنصور محمد بن محمد ازدی در هرات و از ابوعمر بسطامی در نیشابور فقه آموخت، تا این که در فقه پیشگامی صاحب نظر شد. سپس در شهرهای بسیاری گشت و خلق کثیری از اساتید و مشایخ را ملاقات کرد و از هر یک بهره‌ای گرفت. قاضی

ابوسعد هروی از وی فقه آموخت و اسماعیل بن ابی‌صالح مؤذن از وی حدیث شنید. پسرش ابوالحسن عبادی نیز در مکتب پدر پرورش یافت. از آثارش: «ادب القضاء» یا «ادب القاضی»؛ «المبسوط»، در فروع فقه شافعی، در حدود سی مجلد؛ «الهادی الی مذهب العلماء»؛ «طبقات الشافعیین» یا «طبقات الفقهاء»؛ کتاب «المیاه»؛ کتاب «الاطعمه»؛ کتاب «الزیادات»، در فروع؛ «زیادات الزیادات»؛ «الزیادات علی زیادت الزیادات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۶ / ۶)، انساب سمعانی (۱۲۳ / ۴)، ایضاح المکنون (۲۶۹ / ۲)، سیر النبلاء (۱۸۱ -۱۸۰ / ۱۸)، شذرات الذهب (۳۰۶ / ۳)، العبر (۳۰۹ -۳۰۸ / ۲)، کشف الظنون (۲۰۲۶، ۱۵۸۲، ۱۵۸۱- ۱۱۰۰، ۹۶۴، ۴۷)، معجم المؤلفین (۱۰ / ۹)، الوافی بالوفیات (۸۳ -۸۲ / ۲)، وفیات الاعیان (۲۱۴ / ۴)، هدیه العارفین (۷۲ -۷۱ / ۲).

عبادی، جلیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلیل عبادی

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۷ وارد حوزه علمیه تبریز شدم پس از تحصیل مقدمات مشغول تحصیل در شرح لمعه شدم در عین تحصیل از تدریس مقدمات شروع کرده و به تدریج به تدریس‌های خود اضافه نمودم بعد از چهار سال به مدرسه باهنر در تهران رفتم در آن مدرسه ضمن تحصیل مشغول تدریس صرف و نحو بودم بعد از یک سال و اندی جهت ادامه تحصیل وارد قم شدم در قم بعد از اتمام سطح وارد درس خارج شدم و در ضمن تحصیل سطوح، کتاب اصول فقه، شرح لمعه و صرف میر و صمدیه و کتابهای دیگر ادبیات را تدریس نموده و هم اکنون تدریس در فقه و اصول و ادبیات ادامه دارد. پس از شروع جنگ توفیق حضور در جبهات جنگ نصیب ما شد و در اثر اصابت ترکش حدود یک سال و نیم در خانه و بیمارستان بستری بودم. بعد از بهبودی نسبی و خاتمه جنگ تحمیلی از نهادهای مختلف جهت همکاری و کارهای اجرائی و تبلیغی دعوت شدم ولکن اینجانب تحقیق و تدریس در حوزه را به همه مناصب وکارهای دیگر ترجیح دادم و مشغول تحصیل و تدریس و تالیف شدم و حاصل کوشش‌های فراوان در طی این مدت تدریس در مقاطع مختلف و همچنین تالیف بعضی از کتابها می‌باشد. از جمله: شرح اسقحاب رسائل شیخ انصاری که تقریباً کامل شده است، شرح تعادل و تراجیع کتاب جرائد الاصول شیخ الانصاری و شرح مباحث الفاظ کتاب کفایهٔ الاصول می‌باشد با اینکه اینجانب سعی داشتم که محور فعالیت حوزه باشد ولکن در سالهای اخیر با بعضی از مراکز دانشگاهها نیز همکاری می‌کنم و وقتی وارد محیط دانشگاه شدم احساس نمودم به کتابهای درسی عقاید نیاز دارند و کتابهای حاضر جوابگوی نیاز آنها نمی‌باشد به این جهت تصمیم گرفتم کتابهای درسی برای دانشگاهها تالیف نمایم و بحمدالله این کتابها در دست تالیف است ولکن هنوز مقداری از مباحث آنها ناقص است. از جمله این کتابها می‌توان اندیشه اسلامی جلد یک و اندیشه اسلامی جلد دو نام برد و هم‌اکنون تدریس در حوزه و دانشگاه برقرار است و امیدوارم خداوند خودش ما را در جهت خدمت به فرهنگ اسلامی یاری کند و آخرین کلام حمد خداوند می‌باشد.

عبادی، رحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حشره‌شناسی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: صنعتی اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای حشره‌شناسی و جانورشناسی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پیاز، جایگزینی شکر در تغذیه زنبور عسل با ترکیبات ارزان قیمت، کنترل کرم موم‌خوار و شناخت بیولوژی آن در ایران، مرفولوژیک توده‌های مختلف زنبور عسل ایران و مقایسه آن با یکدیگر، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

بیماریها و آفات و شکارچی‌های زنبور عسل، پرورش زنبور عسل.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

یافته‌های ایمونولوژیک در درماتولوژی طب اطفال.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

عبادی، رحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رحیم عبادی متولد ۱۳۲۶ در اصفهان است.وی دارای مدرک دکترای حشره شناسی و جانورشناسی از دانشگاه دیوس دانشگاه کالیفرنیا در سال ۱۳۵۸ است. نامبرده عضو هئیت علمی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان با مرتبه ی علمی دانشیاری می باشد.گروه : کشاورزیرشته : حشره شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : رحیم عبادی دارای دکترای کشاورزی در رشته ی حشره شناسی و جانورشناسی است.همسر و فرزندان : رحیم عبادی متاهل و دارای یک فرزند دختر و یک فرزند پسر است.وقایع میانسالی : رحیم عبادی پس از اخذ مدرک دکترای کشاورزی درگرایش حشره شناسی به عنوان عضو هئیت علمی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان استخدام شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : رحیم عبادی عضو هئیت علمی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان پس از طی مرحله ی استادیاری به مرحله ی علمی دانشیاری این دانشکده رسید. از دیگر سمتهای ایشان می توان به موارد زیر اشاره کرد: سردبیر پورنال (علو و تکنولوژی در کشاورزی و منابع طبیعی از سال ۱۳۷۱ تا کنون رئیس بخش حفاظت از گیاهان دانشگاه صنعتی اصفهان (دانشکده کشاورزی) از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ رئیس دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰ قائم مقام پژوهشی دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵ رئیس بخش حفاظت از گیاهان دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۳ قائم مقام ریاست دانشگاه صنعتی اصفهان از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۶ مسئول کتابخانه مرکزی دانشگاه صنعتی اصفهان ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۴فعالیتهای آموزشی : رحیم عبادی درگروه کشاورزی دانشکده ی صنعتی اصفهان به تدریس دروس رشته کشاورزی پرداخته و راهنمایی و مشاوره بر نظارت بر بیش از ۴پایان نامه کارشناسی ارشد و دکترا را بر عهده داشته است.جوائز و نشانها : تقدیر نامه از ریاست جمهوری اسلامی ایران – دکتر احمدی نژاد در سال ۱۳۸۶ تقدیر نامه وزیر علوم وتحقیقات و فناوری تقدیر نامه از وزیر جهاد کشاورزیچگونگی عرضه آثار : رحیم عبادی در کنارتدریس به مطالعه و تحقیق و تالیف آثاری پیرامون بیماریها و آفات و شکارچی های زنبورهای عسل ، پرورش زنبور عسل، یافته های ایمونولوژیک دردرماتولوژی طب اطفال ، کنترل کرم موم خوار و شناخت بیولوژی آن در ایران، پیازجایگزینی شکر در تغذیه زنبور عسل با ترکیبات ارزان قیمت، مرفولوژیک توده های مختلف زنبور عسل ایران و مقایسه آن با یکدیگر می پردازد. ایشان دارای ۴۵ مقاله به زبانهای فارسی و خارجی است. آثار : امراض آفات وانگلهای زنبور عسل ویژگی اثر : انتشارات راه نجات – فارسی – اصفهان۲ فرهنگ زنبور عسل ویژگی اثر : انتشارات ارکان –فارسی – اصفهان۳ لغت نامه برای اصلاحات نگهدارندگان زنبور ویژگی اثر : وزارت جهاد سازندگی مرکز پژوهشی حیوانات منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

عباس زاده، سعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید عباس زاده

محل تولد : اهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱۰/۵

زندگینامه علمی

در دی ماه سال ۱۳۴۵ در شهرستان اهر متولد شدم و درس ابتدایی و راهنمایی را در زادگاه خود فرا گرفتم و سال ۶۱ به تبریز منتقل شدم و همزمان با دوره دبیرستان وارد مدرسه دینی تبریز شدم. مدت ۸ سال در مدرسه دینی طالبیه تبریز ماندگار شدم و با وقفه هایی که به جهت حضور در جبهه ها پیش آمد در این مدت سطح حوزه را به اتمام رساندم.

در سال ۷۰ به شهرستان قم رفتم و دروس حوزه را در حوزه علمیه قم ادامه دادم و موفق شدم یک دور خارج فقه و یک دور خارج اصول را در محضر اساتید بزرگ فرا بگیرم. در سال ۷۲ همزمان با تحصیل فعالیت های پژوهشی را نیز آغاز کرده و مدت ۱۴ سال با مرکز تحقیقی همچنان همکاری دارم و آثار متعدد از جمله نزدیک به ۶۰ مقاله در زمینه های متعدد ثمره این سال ها بوده است.

عباس زاده، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدجواد عباس زاده

محل تولد : خرم آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۶ در خرم آباد و مشغول تحصیل شدم و در کنار تحصیل به کار ادامه دادم در سال ۱۳۶۴ به علت علاقه به تحصیل درمراکز دینی وارد حوزه علمیه کمالیه شدم و نزد اساتید مبرز آن حوزه مشغول شدم و تاکنون سال ۱۳۸۷ ادامه دارد. از اساتید بزرگواری همچون حضرت آیت الله صادقی رئیس حوزه علمیه و استاد اصول و فقه استفاده نمودم. همچنین جناب حجهٔ الاسلام و المسلمین دکتر حمید عیدی – حاج آقا سید شکرالله طاهری – حاج آقا ساکی و سایر اساتید استفاده نمودم و هم اکنون بعنوان مسئول آموزش حوزه علمیه در خدمت طلاب هستم و در ضمن با کمیته امداد در بحث احیای زکات همکاری می نمایم بعنوان مسئول اجرایی ستاد احیای زکات و بعنوان مبلغ در محافل و مساجد مشغول هستم و در مراکز آموزش عالی به تدریس و تبلیغ و اقامه نماز جماعت مشغول می باشم و امیدوارم خداوند توفیق خدمت به اسلام را عنایت فرماید.

عباسپور، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد عباسپور

محل تولد : خرم آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تحت تأثیر اقامت پیشین حضرت امام (ره) در فرانسه در سال ۵۸ برای ادامه تحصیل به فرانسه رفتم ولی به دلیل عدم تناسب فرهنگی پس از حدود دو ماه به کشور بازگشتم و مدتی در جهاد سازندگی به امور فرهنگی مشغول شدم پس از آن به حوزه علمیه قم آمدم و به تحصیلات حوزوی مشغول شدم، در کنار دروس رسمی حوزه به مدت ۴ سال در مؤسسه در راه حق دوره معارف اسلامی را گذراندم سپس در سال ۷۰ به پژوهشگاه حوزه و دانشگاه وارد شده و پس از طی دروس آموزشی در رشته روانشناسی از مقطع کارشناسی تا کارشناسی ارشد و اخذ مدرک کارشناسی ارشد در سال ۷۹ از آن مرکز و نیز در همین زمان مدرک کارشناسی علوم تربیتی را از دانشگاه پیام نور ساوه دریافت کردم.سپس از همان زمان به امر پژوهش در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه مشغول شدم و کتبی را به صورت گروهی به اتمام رسانیدیم، و اکنون نیز پژوهشی در زمینه اضطراب با نگاه دینی در دست اجرا دارم. ضمناً در خلال انجام کارهای پژوهشی از کلاسهای آموزشی نظیر دوره های متعدد کامپیوتر و زبان انگلیسی و نیز کارگاههای متنوع آموزشی و شرکت در سمینارها بهره بردهام. اینجانب عضو سازمان نظام روانشناسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشم، و مدتی با مرکز مشاوره مرکز جهانی علوم اسلامی همکاری داشته‌ام، و در این مرکز و جامعهٔ الزهراء و دانشگاه مفید و دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیهٔ قم به تدریس دروس مختلف روانشناسی پرداخته‌ام و در مقاطعی هم در سپاه پاسداران تهران به تدریس در کلاسهای محوله مشغول بوده‌ام.

عباسی اصفهانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به عباسی. از بزرگان سادات و شاعران زبان‌آور و مقربان دربار شاه‌عباس اول بود. وی پس از مرگ شاه‌عباس به هندوستان رفت و مدتی از همراهان قاسم‌خان جوینی (۱۰۴۱ -۱۰۳۸ ق)، حاکم بنگاله، شد. صاحب «صبح صادق» وی را ملاقات کرده و می‌نویسد که طبعی لطیف داشت و هم به عهد قاسم‌خان درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :صبح گلشن (۲۷۵)، فرهنگ سخنوران (۶۱۳)، کاروان هند (۸۶۰ / ۲).

عباسی فردویی، غلامعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه علمی

اینجانب غلامعلی عباسی فردویی درسال ۱۳۳۴شمسی در یکی از روستاهای قم به نام فردو به دنیا آمده و پس از اتمام تحصیلات ابتدائی در سال۱۳۵۱به حوزه علمیه وارد شده و د ر مدرسه حضرت آ یت الله العظمی گلپایگانی به تحصیل مشغول شدم. سطح را در محضر حجج اسلام و آیات بزرگوار چون :میر احمدی معروف به طالقانی ،حججی ،نکونام ،حاج آقاحسن تهرانی ، صلواتی ، حاج شیخ مهدی بیگدلی ،امینیان ، مقتدائی ،رضا استادی ،اعتمادی و ستوده به پایان رساندم. فلسفه را نزد اساتید معروف حکمت و فلسفه حضرات آیات :انصاری شیرازی،مصباح یزدی ،صالحی مازندرانی ،و امینی فرا گرفتم .و نیز از سال ۶۴در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات :فاضل لنکرانی ،مکارم شیرازی ،و جعفر سبحانی شرکت نمودم. د رسال ۱۳۶۰موفق به اخذ مدرک کارشناسی شده و در سال ۱۳۷۱با ارائه پایان نامه خود باعنوان(سیر علم کلام تا قرن سوم) مدرک کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی را از دانشگا ه تربیت مدرس دریافت نمودم.

از فروردین ۱۳۷۳تا آغاز مهر ۸۵ به عنوان مدیر مسئول فرهنگی آستانه مقدسه به خدمت مشغول و از آغاز مهر سال ۸۵ به عنوان مدیریت پژوهشی این آستان مشغول به خدمت در این عرصه نورانی هستم. دو سال تبلیغ سیار در مناطق عشایری استان فارس از سال ۵۸-۵۹ از ارزشمندترین سنوات عمر اینجانب بوده است . و نیز د وسال ازسال ۶۱تا ۶۲در منطقه شازند به عنوان کارشناس امور تربیتی در آموزش و پرورش به خدمت مشغول بودم.

تا کنون موفق به تالیف :فروغ آفتاب ،تاریخ علم کلام تا قرن چهارم ،قم در عصر حضور ائمه ،تذکره مشایخ قم ،فلسفه بست و بست نشینی، در پرتو مکتب زهرا (س) و مشروطیت و عبرتها شده ام . امید است با توجها ت حضرت ولی عصر (عج)بتوانم دراین عرصه خدماتی را داشته باشم.

عباسی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی عباسی

محل تولد : سربند اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی عباسی در سال ۱۳۶۱ پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه اراک شدم . مدت یک سال در اراک تحصیل نمودم و در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم . دوره سطح را در سال ۱۳۷۰ به پایان رساندم . از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۱ به مدت ۱۱ سال در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات وحید خراسانی , تبریزی , فاضل لنکرانی و هاشمی شاهرودی شرکت نمودم . در سال ۱۳۶۷ همزمان با تحصیلات حوزوی به تحصیل در رشته فیزیک در دانشگاه تهران پرداختم و در سال ۱۳۷۱ مدرک کارشناسی فیزیک با گرایش اتمی دریافت نمودم . از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۷ نیز دوره کارشناسی ارشد فیزیک را در رشته فیزیک ذرات بنیادی در دانشگاه تربیت معلم تهران گذراندم . از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۳ دوره دکترای فلسفه تطبیقی را در واحد تربیت مدرس دانشگاه قم طی نمودم و در حال حاضر رساله دکترای خود را تحت عنوان ماده در فلسفه و فیزیک زیر نظر آقایان دکتر اعوانی و دکتر گلشنی , آماده دفاع کردم . در سالیان آغازین طلبگی به تدریس ادبیات و منطق و فقه و اصول اشتغال داشتم . اکنون عمده فعالیت علمی من , تدریس مباحث فلسفی و کلامی در مراکز و مدارس حوزه است . تدریس فلسفه اسلامی , فلسفه غرب , تاریخ فلسفه غرب , کلام اسلامی , کلام جدید , انسان شناسی , معرفت شناسی , شبهات کلامی در مرکز جهانی علوم اسلامی , موسسه آموزشی و پژوهشی

امام خمینی(ره) , مرکز تخصصی تبلیغ و برخی مراکز دیگر از این جمله است . از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۰ به پژوهش در مباحث حدیثی در مؤسسه دارالحدیث اشتغال داشتم . حاصل این دوره , جمع آوری و تدوین و بیان نگاری بیش از ۵۰ کلاسور است که در مباحث مختلف به ویژه مباحث کلامی در دارالحدیث آماده نشر است . گمان می کنم مجموعه " العمل فی الکتاب و السنه "به تنهایی بیش از ۵ مجلد خواهد شد . از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ نیز همکاری پژوهشی نیمه وقتی با پژوهشکده حوزه و دانشگاه داشتم . در سالهای اخیر راهنمایی و مشاوره و داوری پایان نامه های متعددی را در حوزه علمیه قم و مرکز جهانی علوم اسلامی و مؤسسه امام خمینی (ره) و دانشگاه مفید بر عهده داشته ام که تعداد آنها متجاوز از ۴۰ مورد است. از سال ۱۳۸۱ در مرکز جهانی علوم اسلامی معاونت پژوهشی این مرکز و مدیریت گروه فلسفه و کلام را نیز بر عهده دارم . یکی از محصولات معاونت پژوهش نشریه اطلاع رسانی پژوهه است که اینجانب به عنوان مدیر مسئول و عضو شورای علمی آن فعالیت دارم .مسئولیت گروه حکمت فاطمی دانشنامه حضرت زهرا (س) که پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه در حال تدوین آن است نیز برعهده اینجانب است .

عباسی، فرج الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرج الله عباسی

محل تولد : هشترود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب فرج الله عباسی فرزند اسلام در سال ۱۳۵۰ در روستایی به نام داش بلاغ از توابع شهرستان هشترود استان آذربایجان شرقی به دنیا آمده ام پدرم در خانه افتخار معلمی قرآن کریم را بر بچه های تحصیل نکرده و نیز ابتدائی تمام کرده ها داشت و خود نیز تا به امروز از افرادی است که همیشه قرآن می خواند هرچند به برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی و اهمیت دادن به قرآن کریم، دیگر دانش آموزان نیاز چندانی به گذراندن روخوانی قرآن را ندارند. بنابراین تولدم در یک خانواده مذهبی و خانه ی قرآنی بود که روحانیتم را مدیون دعاهای مادری و صوت دلربای قرآنی پدری می دانم. تحصیلات ابتدائی را در همان روستا و راهنمایی را در روستای همجوار به نام آق زیارت به پایان رساندم و با صلاحدید پدر قرآنیم در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه امامزاده شهرستان مراغه شده و ادبیات را نزد اساتید بزرگوار حج اسلام آقایان قدسی و نجفی گذراندم و در سال ۱۳۶۹ به حوزه علمیه قم وارد شده و منزلی در مدرسه مومنیه مرحوم آیۀالله العظمی نجفی مرعشی تهیه کرده و در نزد اساتید حوزه علمیه مرحوم آیه الله وجدانی فخر و نیز آیه الله اشتهاردی به تحصیل شرح لمعه و معالم الاصول را نزد حجه الاسلام مومنی و اصول فقه را در محضر حجۀالاسلام شفیعی به پایان رساندم و در سال ۷۲ با به پایان رساندن سطح یک حوزه و در سن ۲۲ سالگی تشکیل خانواده دادم و به ادامه درس مشغول شدم.سطح دو را نزد اساتیدی چون حج السلام صالحی مازندرانی و طاهری خرم آبادی و علیدوست به تحصیل پرداخته و کفایه را از محضر استاد نکونام استفاده نمودم. و در سال ۷۸ درس های سطح ۳ را تمام کرده ولی امتحان پایه دهم به ۷۹ ماند و با توجه به اینکه در آن سال در فلسفه قبول نشدم در نتیجه قبولی امتحانات کتبی و شفاهی پایه دهم در سال ۸۱ به پایان رسید.با توجه به تمام شدن تحصیل سطح سه در سال ۷۸-۷۷ برای شرکت در درس خارج فقه در درس نکاح حضرت استاد آیه الله مکارم شیرازی تابه امروز و نیز سه سال در فقه حضرت استاد آیه الله نوری همدانی که پس از درس حضرت مکارم شروع می شد و در مسائل روز، قضا و ... از سال ۸۰ تا ۸۲ شرکت نمودم.برای خارج اصول اول در محضر حضرت استاد آیه الله سبحانی بهره بردم ولی از سال بعد یعنی ۷۹ با صلاحدید برخی از اساتید به درس خارج حضرت استاد آیه الله وحید خراسانی رفته و تا سال ۸۳ استفاده نمودم.در کنار دروس حوزوی و در سال ۷۱ به روش تدریس و تجوید قرآن دوره تربیت معلم که سازمان تبلیغات اسلامی قم برگزار می کرد شرکت نمودم و کارنامه دوره مقدماتی را در سال ۷۲ اخذ کردم. ازسال ۷۸ در مقطع کارشناسی ارشد تربیت محقق و نویسندگی علوم قرآنی دفتر تبلیغات به مدت دو سال و نیم به تحصیل پرداخته ولی متاسفانه موفق به نوشتن پایان نامه نشدم. و با توجه به رشته قرآنی به مطالعه درباره موضوعات قرآنی علاقه مند گشته و موضوعاتی به عنوان تحقیق در کلاس و بعد از پایان دوره نیز جمع آوری کردم از جمله: ۱. بررسی ترجمه سوره مد در ترجمه های موجود و نگاهی به روش های ترجمه؛۲. سیمای دانشمندان در قرآن و بررسی آیات اولوالالباب و موضوعات مطرح شده در ذیل این آیات؛ ۳. آیات مربوط به صراط مستقیم و جمع آوری آیاتی که به مشخصات صراط مستقیم مرتبط بودند؛ ۴ . رمز عشق و زنگ نفرت: آیاتی که می رساند خداوند به افرادی محبت ورزیده و از عده ای به خاطر کارهای ناشایست نفرت دارد. در سال ۸۵ ازسوی معاونت تبلیغ حوزه علمیه قم در یک دوره کوتاه مدت آشنائی با تصوف شرکت کردم و از سال ۸۴ در رشته کلام و دین شناسی در سطح کارشناسی ارشد در موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی مشغول به تحصیل شده و در اسفند ۸۶ به پایان رسید که مقاله تحت عنوان اجمالی از تاریخ تحول علم کلام برای تحقیق در کلاس و نیز مقاله ای ۲۶ صفحه با عنوان کرامت در نظام حقوقی اسلام در ارتباط با غیر مسلمانان برای همایش کرامت نوشته ام که در روزنامه قدس چاپ می شود.در کنار اینها به تحقیقات دیگری نیز پرداخته و در سال ۸۳ به دفتر تبلیغات قسمت نشر رسانه دو مقاله ۱۰ صفحه ای نوشتم تحت عنوان: ۱. اقتدار جامعه اسلامی و راه کارهای قرآنی ؛ ۲. راه کارهای

فقرزدایی که در سال ۸۴ در روز نامه کیهان به چاپ رسید.همچنین از سال ۸۳ تاکنون در مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه علمیه مشغول پاسخ گویی کتبی به پرسشها در دو گروه ادیان و مذاهب، قرآن و حدیث می باشم که بیش از ۲۸۰ مقاله سه و چهار صفحه ای به این مرکز ارائه داده و حدود ۱۱ نمونه نیز در سایت اندیشه قم وابسته به این مرکز آمده است که در موضوعات مختلفی همچون بهائیت، اهل حق، ماتریدیه، قادیانیه، اسماعیلیه، و ... می باشند. علاوه بر مقاله های مزبور کتابی نیز با یکی از محققین برجسته در نقد مبانی و اندیشه های یکی از فرقه ها را آماده کرده ایم که در آینده نزدیک چاپ خواهد شد.از دی ماه ۸۵ نیز به عنوان همکار گروه قرآن و حدیث در همین مرکز فعالیت کرده و به مقالات محققان که در پاسخ پرسش ها آماده می کنند؛ نظارت دارم. برای سطح ۳ حوزه علمیه نیز پایان نامه ی آسیب شناسی جامعه منتظر در آئینه روایات نوشته ام که در حال نظارت استاد راهنما برای تایید به دفاع می باشد که در همین جا لازم می دانم از اساتید راهنما و مشاور کمال تشکر را بنمایم. در کنار تحصیل و تحقیق برای بیان معارف و احکام در ایام دهه محرم و ماه رمضان به مناطق دیگر هجرت نموده و از سال ۱۳۷۲ به تبلیغ و انجام وظیفه در مناطق مختلف مشغول انجام وظیفه بوده ام و دو سال نیز در طرح هجرت تابستانی به شهرستان مراغه رفته و در قم نیز با پایگاه مسجد و بسیجیان فعالیت های دینی و تبلیغی دارم. و به خاطر اشتغال در تحقیقات و درس کلام و دین شناسی در سال ۸۵ و ۸۶ در درس خارج نکردم ولی از سال ۸۷ در درس اصول آیه الله العظمی سبحانی و فقه آیه الله العظمی مکارم موفق به اشتغال شده ام . باشد که خداوند خدمت در سنگر پاسخ گویی به شبهات را مورد قبول و لطف خویش قرار دهد و از زحمات پدر و مادرم خود تشکر نماید که ما عاجز از انجام وظیفه کامل در این مسیریم و کوتاهی ما را به کرم خویش ببخشد. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

عباسی، فرخ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر فرخ عباسی متولد ۱۳۱۸ ش تهران دارای دکترای رشته گیاهپزشکی عضویت هیئت علمی دانشگاه اولترا با درجه دانشیار باشد. وی دارای تحقیقات وآثار پیرامون تاثیرشته های مخرب بر ذرت علوفه ای میباشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر فرخ عباسی دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه فردوسی مشهد کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه فردوسی مشهد دکترای رشته گیاهپزشکی از دانشگاه کالیفرنیا میباشدخاطرات و وقایع تحصیل : تحصیل در رشته گیاهپزشکی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر فرخ عباسی بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر فرخ عباسی د ر کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : دکتر فرخ عباسی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاهپزشکی به عضویت هیئت علمی گروه گیاهپزشکی در دانشکده کشاورزی دردانشگاه اولترا در آمد وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر فرخ عباسی عضوهیئت علمی و دانشیار گروه گیاهپزشکی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه اولترا است.فعالیتهای آموزشی : دکتر فرخ عباسی سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه گیاهپزشکی در دانشگاه اولترا به تدریس دروس تخصصی رشته گیاهپزشکی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر فرخ عباسی در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : دکتر فرخ عباسی از جمله گیاه پزشکانی است که تحقیقات و پژوهشهای علمی و عمیق وسیعی درباره تاثیر شته های مخرب محیط زیست بر ذرت علوفه ای انجام داده است.

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

عباسی، مراد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مراد عباسی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ورود به حوزه سال ۱۳۶۰ ه- ش، اتمام سطح در سال ۱۳۶۸ و از سال ۱۳۶۹ در دروس خارج حوزه شرکت نمودم در سال ۱۳۷۱ در رشته حقوق وارد دانشگاه قم شدم و بعد از اتمام دوره کارشناسی به لحاظ علاقه به رشته تفسیر به مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی وارد و بعد از چهار سال در مقطع سطح چهار از آن مرکز فارغ التحصیل شدم.همچنین جهت ادامه تحصیل در رشته حقوق در سال ۱۳۸۴ در دانشگاه مازندران در رشته حقوق خصوصی پذیرفته شدم و در حال حاضر مشغول نوشتن پایان نامه در رشته مورد نظر می‌باشم.

عباسی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۷ ش)، شاعر، متخلص به افسر. در بروجن به دنیا آمد، در مکاتب قدیم تحصیل مختصری کرده. گاهی شعر می‌سرود. از اوست:

ریخت خون دل عشاق کسی کو ز ازل

تیغ خونریز دو ابروی تو پیوست به هم

شد پریشان سر زلف تو و دلها بگرفت

به یکی تار دو صد سلسله‌شان بست به هم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۸)، فرهنگ سخنوران (۷۲).

عباسی، یعسوب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یعسوب عباسی علی کمر

محل تولد : اردبیل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۱۴ در روستای علی کمر از توابع اردبیل بدنیا آمده‌ام تحصیلات اولیه در زادگاهم بوده سپس عازم حوزه‌های علمیه اردبیل، قم، مشهد و تا سطح عالی (کفایتین از دروس حوزوی از اساتید بزرگوار بهره‌مند شدم و مدت ۶ ماه از درس خارج فقه مرحوم آیت الله میلانی استفاده کردم در سال ۱۳۴۵ به اخذ دیپلم درسی رشته منقول و در سال ۱۳۵۱ دیپلم ادبی نائل آمدم در سال ۱۳۵۲ وارد دانشگاه شدم در سال ۱۳۵۶ به اخذ کارشناسی ارشد ادبیات عرب و در سال ۱۳۶۴ کارشناسی ارشد فقه و مبانی اسلامی از دانشگاه فردوسی نائل گردیدم از سال ۱۳۶۴ کار تحقیق و پژوهشی را در گروه حدیث بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی زیر نظر مرحوم استاد شانه‌چی شروع و حاصل فعالیتم ترجمه کتاب الفتره وسائل الشیعه شیخ قرّ عاملی به نام (آداب معاشرت از دیدگاه معصومین(ع) به اتفاق مرحوم محمدعلی فارابی بوده که فعلاً به تجدید چاپ دهم رسیده است.

عبد مشیانی، سیروس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زراعت و اصلاح نباتات، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

عبدالجلیل

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ع. بنده خدای بزرگوار) نصیرالدین ابوالرشید رازی دانشمند شیعه (قر. ۶ ه.) وی مؤلف کتاب النقض (نقض) است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عبدالحسینی پور فرد، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسعود عبدالحسینی پورفرد

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۳/۲۱

زندگینامه علمی

دوره ابتدایی ، راهنمایی و متوسطه را در شهرستان آبادان و اخذ دیپلم ریاضی و فیزیک . در سال ۱۳۵۷ همزمان با انقلاب اسلامی در بخش فرهنگی ارگان های انقلابی مانند جهاد سازندگی و کمیته عشایر خوزستان و ... همکاری نمودم . در سال ۶۲ وارد مدرسه رضویه شدم و سرانجام دروس خارج را نزد آیت الله صالحی مازندرانی (ره) ، استاد هادوی و آیت الله وحید خراسانی فرا گرفتم .تحصیلات کلاسیک را در رشته علوم سیاسی در موسسه آموزش عالی باقر العلوم (ع) شروع کردم و از سال ۱۳۸۳ به عنوان دانشجوی دکترای علوم سیاسی در دانشگاه تربیت مدرس تهران مشغول به تحصیل شدم و اکنون پژوهشگر و عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی می باشم .

عبدالرحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک قطعه طلاانـدازی و رقاع کتابت خوش، با رقم: «... انا العبد المذنب الاقل... ابن‌محمد تقی، عبدالرحیم... سنه ۱۲۷۸ ثمان و سبعین و مأتین بعد الالف...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۰۰ / ۴).

عبدالعظیمی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مرتضی بن آیت‌اللّه آقاسید محمدتقی شاه عبدالعظیمی مقیم طویرج و متوفی حدود ۱۳۸۸ ق.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

عبدالعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از خوشنویسان دوره‌ی فتحعلی‌شاه قاجار بود که خطوط وی از ۱۲۱۶ تا ۱۲۳۸ ق موجود است. از جمله: یک رقعه از مرقع نسخ کتابت خوش، با رقم:«کتبه تراب... عبدالعلی فی سنه ۱۲۳۷ من الهجزه الشریفه النبوه»؛ یک رقعه طلااندازی نسخ و کتابت عالی، با رقم: «... عبدالعلی... سنه ۱۲۲۵ من الهجره الشریفه»؛ یک صفحه مذهب، به نسخ کتابت عالی و با رقم: «کتبه الداعی... عبدالعلی فی سنه ۱۲۳۷ من الهجره».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۰۳ / ۴).

عبداللّه

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اوست: قرآن وزیری جلد سوخت مرقع جواهرنشان نسخ کتابت جلی ترکی عالی: با رقم: «کتبه العبد الفقیر الی غایـة ربه القـدیر السید عبداللّه رضی عنه مولاه بایر السلطان... احمد خان بن... محمدخان... لسنهٔ اربع و عشرین و مائهٔ و الالف فی بلدهٔ القسطنطنیهٔ» در اونیورسیته‌ی اسلامبول.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

عبدالله آبادی، سلیمان

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سلیمان عبدالله آبادی

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۵۲ وارد حوزه علمیه قزوین شدم و نزدیک به دو سال که در آن حوزه بودم علم صرف و نحو را آموختم و در سال ۱۳۵۴ به حوزه علمیه قم آمدم و دروس سطح را نزد اساتیدی چون استاد باکویی استاد لمعه و مرحوم عرفانیان (اصول فقه) و اعتمادی (رسائل) و مرحوم ستوده (مکاسب و کفایه) و ممدوحی (بدایه الحکمه) و انصاری شیرازی (شرح منظومه) فرا گرفتم و در حدود سال ۶۳ وارد درس خارج فقه و اصول آیت الله شیخ جواد تبریزی شدم و در حدود ۱۵ سال به درس خارج ایشان رفتم و در کنار درس خارج کتاب اسفار و بعد از آن کتاب تمهید القواعد و مصباح الانس را نزد استاد انصاری شیرازی فرا گرفتم. در سال ۱۳۷۶ رسما وارد حوزه تحقیقات شدم که تحقیقات انجام شده را در بخش وضعیت آثار پژوهشی توضیح خواهم داد. لازم به تذکر است که در کنار خواندن دروس تدریس هم داشتم، کتاب هایی که تدریس کردم عبارتند از صرف ساده (دو دوره) خلاصه المنطق (دو دوره) منطق مظفر (یک دوره) بدایه الحکمه (پنج دوره) اصول استنباط (یک دوره) روش تحقیق (یک دوره) و همچنین در ایام تبلیغ به مناطق مختلف کشور برای تبلیغ می رفتم و هم اکنون ۱۰ سال است که پشت سر هم از طرف نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه ها در ایام تبلیغ به دانشگاه می روم.

عبدالله، عبدالحسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «برهان قاطع» نیم ورقی مجدول مذهب،به خط نسخ تحریر خفی متوسط و عناوین ثلث و رقاع نیم دو دانگ خوش، با رقم: «... تمام شد... بتاریخ بیست و هشتم ماه شوال... سال هزار و شصت و سه هجری (۱۰۶۳)... کاتبها عبدلحسین عبدالله...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۹۷ / ۴).

عبداللهی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین عبداللهی

محل تولد : ماکو

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در تاریخ ۱۰ / ۷ / ۱۳۴۵ در روستای قره تپه از توابع شهرستان ماکو استان آذربایجان غربی چشم به جهان گشودم .تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در زادگاه خود، و دبیرستان را تا سوم نظری در شهر ماکو به اتمام رساندم . مدت دو سال در جبهه های حق علیه باطل در کنار یاوران خمینی کبیر (ره) به جهاد مشغول بودم و در این مدّت دو بار از چند ناحیه ی بدنم مجروح شدم و جانباز ۴۰٪ هستم .پس از برقراری صلح در سال ۱۳۶۷ تحصیلات حوزوی را از مدرسه ولی عصر (عج) تبریز شروع کردم.

در سال ۱۳۷۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس ده ساله حوزه را در مدت شش سال به اتمام رساندم. یک دور کامل درس خارج اصول فقه و مدتی درس خارج فقه را از افاضات علمی حضرت آیت الله فاضل لنکرانی ، شیخ جواد تبریزی ، جوادی آملی و جعفر سبحانی استفاده نمودم . نیز دوره چهار ساله سطح ۴ تخصصی علم کلام را به پایان رساندم و رساله سطح ۳ حوزه را در موضوع قاعده لا ضرر و لا ضرار با موفقیت دفاع کردم .

در سال ۱۳۷۷ در امتحانات کتبی اجتهاد مجلس خبرگان رهبری با معدل ۵/۱۷ قبول شدم .مدتی است تحقیقات گسترده ای در موضوع علم رجال انجام داده ام و اکنون مشغول تالیف کتابی در موضوع تحول در علم رجال هستم .ویژگی بارز این کتاب این است که با شواهد و دلائل محکم ثابت می کند اقوال رجالیون (توثیقات و تضعیفات آنها) شرایط حجیت را دارا نیستند و ایرادات و

اشکالاتی بر آنها وارد است به طوری که بی اساس بودن عقیده طرفداران علم رجال آشکار است . و هم چنین این حقیقت را روشن می کند که وجود روایت در یکی از کتب معتبر قدماء اصحاب بی اشکال بودن آن از جهت سند را می رساند و دیگر نیازی نیست که اسناد آن روایت با عنایت به اقوال رجالیون بررسی شود .

عبداللهی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد عبداللهی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد عبداللهی متولد سال ۱۳۵۵هجری شمسی متولد یکی از روستاهای شهرستان شاهرود بنام حسین آباد کالپوشاز توابع خش میامی هستم. تحصیلات اینجانب درمقطع راهنمائی ومحل مذکور و سپس به دبیرستان و از آنجا راهی حوزه قم شدم وهم اکنون در درس خارج استاد آیه الله سبحانی شرکت نموده و از تفسیر حضرت آیه الله جوادی بهره جسته همچنین از محضر آیه الله استادی، استاد علیدوست، استاد حسینی قزوینی..... نیزاستفاده نموده ام. ضمن اینکه در مقطع کارشناسی رشته علوم تربیتی موسسه امام خمینی(ره) نیز مشغول می باشم.

در بخش کودک و نوجوان نیز اینجانب مربی این بخش می باشم و دراین زمینه کتابهایی به صورت شعر کودک تالیف نموده ام که به عللی هنوز به چاپ نرسانده ام .اینجانب درموسسه قرآن و نهج البلاغه در بخش آموزش و برنامه ریزی و تحقیقات مشغول و به حفظ قران کریم و نهج البلاغه خدمت می کنم کتابهای به چاپ رسیده در بخش تحقیقات این موسسه راه روشن ج ۱/۲است که توسط گروه تحقیقی این موسسه در بخش حکمتهای نهج البلاغه به چاپ رسیده است.

عبداللهی، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر عبداللهی

محل تولد : اردستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده محمدباقر عبداللهی فرزند رمضانعلی به سال ۱۳۳۵ در خانواده ای متوسط و کشاورز در روستای نیسیان برزاوند اردستان به دنیا آمدم. پدرم کشاورزی خداشناس و دینداری بصیر بود، که به خاطر کردار حکیمانه و رفتار خردمندانه اش مورد تکریم و اعتماد اهالی محل بوده رویاهای صادقه و نمازهای عارفانه اش اسراری بود که کمتر آن را ابراز می کرد یا کسی از آن خبر داشت، مادرم سیده طباطبایی مریم بیگم معلم قرآن بود که از پدر و مادرش که آنها نیز از سلسله جلیله روحانیت و سادات و دارای درجات و کمالات بودند به ارث برده بود.در سال ۱۳۵۳ پس از پایان دوره متوسطه و دبیرستان در رشته ریاضی، برای آغاز دور جدید زندگی و سرنوشت، وارد حوزه علمیه قائم(عج) در ...... تهران به اشراف روحانی عالی مقام حاجی سید علی اصغر هاشمی شدم و در آنجا با اساتید بزرگوار علم و اخلاق و مبارزه همچون شهید مفتح، شیخ علی اندرزگو، حاج شیخ مصطفی ملکی و... آشنا شدم و پس از مدت کوتاهی اقامت برای ادامه تحصیل به قم مهاجرت نمودم.در این زمان، قرآن‌واسلام و روحانیت بسیار غریب و مظلوم و منزوی بودند. چون از طرفی مکتب الحادی مارکسیستی، کمونیستی پرچم مبارزه علیه استکبار جهانی را بلند کرده بود و خود را طرفدار طبقه محروم و مستضعف قلمداد می کرد و خدا را ساخته ذهن بشری و دین را افیون جامعه معرفی می کرد که ساخته و پرداخته زورمداران می باشد، و از سوی دیگر استکبار جهانی و رژیم طاغوت مانع مهم و سد اصلی در برابر خود را برای چپاولگری منابع ملت ایران را اسلام و روحانیت می دانست. لذا به انواع ترفندها و به هر بهانه ای حوزه و روحانیت را تضعیف می کرد، تا با خاطری جمع و فراغ بال به اهداف استکباری خود جامه عمل بپوشاند. در چنین شرایطی طلبه شدن و به حوزه آمدن یک جهاد بزرگ بود که شهامتی عظیم و ایمانی قوی می طلبید. به هر صورت درسهای حوزه را با حفظ روحیه مبارزه ادامه دادم. درسهای

لمعه، اصول، رسائل، مکاسب، کفایه را نزد اساتیـدی بزرگواری همچون وجدانی فر، فاضل هرندی، بنی فضل، اعتمادی، پایانی، آل عصـفور، رضازاده و... تلمـذ کردم. دروس خارج اصول و فقه را در پای کرسـی تدریس آیات عظام فاضل لنکرانی، میرزا جواد آقا تبریزی، وحیدخراسانی و فقه القضای اردبیلی و... زانو زدم.و از درسـهای تفسـیر اسـتاد جوادی آملی توشه ها برگرفتم و از درسهای اسـفار و مصباح الانس اسـتاد ذوالفنون حسن زاده آملی نیز خوشه ها چیدم. البته در حاشیه درسهای حوزه به حسب نیاز و ضرورت زمـان، مطالعـات جـانبی و پی گیر و فشـرده ای در زمینه های اعتقادی، کلامی، فلسـفی، اجتماعی و غیره داشـته ام و ضـمناً علاوه بر اتمـام دروس کلاسـیک دوره عـالی زبان خارجی (انگلیسـی) را گذرانـده ام. در کنار دروس حوزه، دروس تخصصـی تبلیغی را در گرایش ادیـان شناسی به پایـان بردم، و در سـال ۱۳۸۴ از رسـاله علمی سـطح چهـار خود بـا امتیـاز خوب دفاع کردم.کار تحقیقی و پژوهشی خود را از سال ۱۳۷۶ با چندین سوال شـروع کردم که ضروری ترین و فوری ترین آنها که باید پاسخ داده می شد این بود که: چرا ملتی که اعتقاد به خـدا یگانه با چنین اسـمای حسـنایی دارد و پیامبری همچون محمد امین(ص) و رهبران معصومی همچون علی(ع) و فرزنـدانش دارد از نظر اجتماعی، اخلاقی، روابط خانوادگی و... در سـطح ملتهای کفر و شـرک یا کمتر از آنها باشد. لذا در این زمینه پژوهش و تحقیقی چندین ساله برای یافتن ریشه و علل آن انجام گرفت که نمره آن کتاب ۵۳۰ صفحه ای به نام «بهانه راز» پیرامون ذکر و نقش فردی و اجتماعی آن شـد. البته ذکر به معنای قرآنی آن، یعنی حضور و توجه دائمی به خدای متعال، که با این معنی خود قرآن، نماز، پیامبر(ص) و همه چیز می تواند ذکر باشد و انسان را به خدا توجه دهد و به دنبال این کتاب تحقیقی، ده جلـد کتاب پالتویی با چشم انـداز اعتقادی اخلاقی تألیف گردیـد که ویژه ائمه جماعات می باشد که ترتیب و تنسیق آنها بر حسب معیارهای حساب شده و دقیق چینش یافته اند که به شرح ذیل می باشند.

۱. صبای وصال (نماز)

۲. گنجی پنهان (آشنایی و دولتی با خدای مهربان)

۳. مراد دل (در جستجوی حق تعالی)

۴. عیار (به معیار و میزان ایمان می پردازد)

۵. طلعت یار (که جهان همه طلعت و جلوه و چهره اوست می پردازد)

۶. محک تجربه (ادعای اسلام و ایمان موقعی سودمند است که در مرحله عمل با احکام پنجگانه به اثبات برسد، می پردازد).

۷. رندان بلاکش (مؤمن بیدار و هوشیار و دورنگر، همیشه در تاب و تب و بی قراری است).

۸. جاودانگی و خلود (بزرگترین دغدغه و آروزی انسان، فرار از نابودی و رسیدن به جاودانگی است).

۹. جـان عبـادات (ذکر به معنی قرآنی که حضور و توجه دائمی به خـدای عزوجـل می باشـد، جان و روح تمامی عبادات و کارهای مؤمن است)

۱۰. سـنتهای الهی (به بیش از چهـل سـنت و قوانین ثـابت و فراگیر و تبـدیل و تحویل ناپـذیر الهی که در همه زمانها، مکانها و اقوام جاری و ساری است می پردازد).

سه کتاب اول چاپ شده اند و هشت مجلد دیگر آن انشاء الله حداکثر تا دو ماه دیگر به زینت طبع آراسته خواهند شد.

ضمناً مقالات و جزوه های دیگری نیز آماده و یا در حال تألیف می باشـند که انشاء الله امیـد است تا پایان سال جاری به مرحله طبع سپرده شوند.

عبداللهی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی عبداللهی

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۶ در نیشابور به دنیا آمدم در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه نیشابور شدم و در سال ۱۳۶۱ به حوزه علمیه مشهد رفتم پس از فراگیری ادبیات عرب ، معانی و بیان، منطق و مقداری اصول و فقه در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم در سال ۱۳۶۷ پس از اتمـام سـطح به درس خارج فقه و اصول راه یافتم و به مـدت ۸ سـال پیوسـته از درس اصول آیت الله وحیـد خراسانی و فقه آیت الله جواد تبریزی اسـتفاده کردم . همزمان با تحصیل فقه و اصول در مقطع سطح به تحصیل فلسفه اسلامی پرداختم، کتابهای بدایه، نهایه و منظومه را درس گرفتـم و جلـد اول اسـفار را نزد آیت الله جـوادی آملی خوانـدم. در سـال ۱۳۷۱ از طریـق آزمون سراسـری وارد دانشگاه تهران شدم و در رشته فلسفه غرب به تحصیل پرداختم در سال ۱۳۷۷ کارشناسی ارشد فلسفه غرب را از دانشگاه تهران اخذ کردم و بلافاصله وارد دوره دکتری شدم و اکنون در رشته فلسفه غرب در دانشگاه تهران مشغول نوشتن پایان نامه دکتری هستم

عبداللهی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود عبداللهی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

حجةالاسلام‌والمسلمین عبداللهی در سال ۱۳۲۶ در اصفهان در خانواده‌ای متدین و دوستدار خاندان پاک پیامبر اسلام(ص) چشم به جهان گشود. حجةالاسلام‌والمسلمین عبداللهی پس از طی کردن دورهٔ دبستان، برای کسب علوم دینی به قم آمد. مشوق اصلی او در این راه، مادر وی بود و نیز برادران وی در کسوت روحانیت به سر میبردند. او با ورود به قم، به مدرسه علمیه علوی رفت. آن مدرسه متعلق به بیت‌آیةالله العظمی گلپایگانی(ره) و با سرپرستی و اشراف آیةالله شهید بهشتی و مرحوم آیةالله ربانی شیرازی اداره می‌شد. وی در آنجا به تحصیل دروس دورهٔ مقدمات پرداخت و پس از آن برای آموختن دروس دورهٔ سطح در درس استادان مشهور دورهٔ خود حاضر شد.

با اتمام دورهٔ سطح نیز به درس خارج علمای بزرگ حوزه علمیه قم راه یافت. حجةالاسلام‌والمسلمین عبداللهی در سالهای تحصیل خود از استادان برجسته‌ای بهره‌مند شد. او که سیوطی و مغنی را نزد آیةالله شیخ حسن تهرانی و حجةالاسلام والمسلمین یثربی فراگرفته بود در درس منطق استاد نحوی حاضر می‌شد و مختصر را نزد آیةالله دوزدوزانی آموخت. شرح لمعه را نزد آیةالله صلواتی فرا گرفت. رسائل را نزد آیةالله شاه‌آبادی، آیةالله اعتمادی و آیةالله العظمی نوری همدانی و نیز مکاسب را نزد آیةالله ستوده آموخت و در درس کفایهٔ الاصول آیةالله العظمی فاضل لنکرانی حاضر شد. همچنین او در بخش علوم عقلی، فلسفه را نزد آیةالله شهید مفتح، شهید استاد مطهری و اسفار را نزد آیةالله جوادی آملی و کلام را از محضر آیةالله شیخ محمد شاه آبادی فرا گرفت. با پایان یافتن دروس دورهٔ سطح، به درس خارج آیات عظام شیخ مرتضی حائری، شریعتمداری، منتظری، اراکی و میرزاهاشم آملی رفت اما بطور عمده در حدود دوازده سال از محضر آیةالله شیخ مرتضی حائری بهره برد.

در طی این سالها از شرکت در درسهای تفسیر نیز غافل نماند و در درس تفسیر حضرت آیةالله خزعلی شرکت جدی داشت. حجةالاسلام‌والمسلمین عبداللهی دارای فعالیتهای علمی و فرهنگی بسیاری است. او ضمن تدریس کتب دوره سطح، سالها به تدریس تفسیر برای دوره‌های عمومی حوزه اشتغال داشته و نیز در مرکز تخصصی تفسیر و تبلیغ، به آموزش تفسیر موضوعی پرداخته است. همچنین وی در دانشگاهها فعالیتهای علمی بسیاری از خود برجا نهاده که از جمله آنها تدریس او در دانشکده‌های شهید بهشتی و شهید محلاتی (سپاه پاسداران) را می‌تواند نام برد. حجةالاسلام‌والمسلمین عبداللهی از کسانی است که در تدوین تفسیر نمونه همکاری داشته است. تفسیر نمونه تفسیری است که در طول سالیان دراز و با اشراف علمی آیةالله مکارم شیرازی و با همکاری بسیاری از استادان و فضلای حوزه علمیه قم تدوین و نگاشته شده است و امروزه در اختیار بسیاری از مردم و جوانان کشور قرار دارد.

همچنین وی تاکنون کتابهای بسیاری نگاشته که از جمله آنها می‌توان به «توحید و توسل» «اخلاق برای همه»، «۲۵ داستان»، در سالهای پیش از انقلاب و نیز کتاب «مبانی فقهی اقتصاد اسلامی» که از جمله تألیفات وی در سالهای اخیر به شمار می‌رود، اشاره کرد. از وی مقالات بسیاری در زمینه‌های گوناگون در مجله نور علم به چاپ رسیده است. همچنین مباحث متعددی در موضوعات عقیدتی که به صورت تفسیر موضوعی در قالب جزوه‌های درسی تهیه و در اختیار دانش پژوهان قرار گرفته است. حجةالاسلام‌والمسلمین عبداللهی در سالهای پیش از انقلاب و پس از آن همواره از فعالیتهای سیاسی غافل نمانده است. از فعالیتهای سیاسی وی در پیش ازانقلاب می‌توان به همکاری او با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم اشاره کرد. او در شهرهای مختلف ایراد سخنرانی کرد.با حضور در فعالیتها و حرکتهای سیاسی به اطلاع رسانی و توزیع رساله و بیانیه‌های حضرت امام پرداخته که از این رو در یکی از سفرهای تبلیغی دستگیر و بازداشت گردید.

عبداللهیان، حمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر حمید عبداللهیان در سال ۱۳۳۶ در شهرستان شاهرود متولد شد.ایشان دارای مدرک دکتری رشته جامعه شناسی تاریخی و ارتباطات از دانشگاه کارلتون –کانادا در سال ۱۳۷۵ است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشار دانشگاه تهران می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیگرایش : جامعه شناسی تاریخی و ارتباطاتوالدین و انساب : پدر حمید عبداللهیان علی اصغر عبداللهیان کارمند اداره ثبت احوال شاهرود و نام مادر محترمشان خانم طاهره قریشی خانه دار است.خاطرات کودکی : دوران کودکی حمید عبداللهیان در میان طبیعت شهر شاهرود سپری شد او در دوران نوجوانی به فوتبال علاقه مند بود . از بدترین خاطره ایشان از دست دادن پدرش در سن هشت سالگی اش بود.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر حمید عبداللهیان کارمند اداره ثبت احوال بودو بعد از فوت ایشان وضعیت مالی خانواده حمید عبداللهیان مناسب نبود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات

رسمی حمید عبداللهیان به ترتیب زیر است: – دوران ابتدایی را در دبستان خاقانی – در سال ۱۳۵۵ دوره متوسطه را در دبیرستان شاهپور (دکتر شریعتی فعلی) – مهر ۱۳۵۶ تا بهمن ۱۳۶۳، دانشجوی کارشناسی در دانشگاه تهران (پژوهشگری) – بهمن ۱۳۶۳ تا بهمن ۱۳۶۶، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی در دانشگاه تهران – ژانویه ۱۹۹۰ تا آبان ۱۹۹۶، دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی در دپارتمان جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی دانشگاه کارلتون کانادا – ژانویه ۲۰۰۳ تا ژانویه ۲۰۰۴، فرصت مطالعاتی و استاد مهمان در بخش جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی دانشگاه کارلتون در اتاوا، کانادا. عنوان پایان‌نامه دکتر عبداللهیان : موانع تاریخی در راه توسعه تولیدات کشاورزی در مناطق روستایی پیش از سرمایه‌داری در ایران؛ مطالعه موردی مالکیت غیابی. استاد راهنما : پروفسور بروس مک فارلین، دانشگاه کارلتون، اوتاوا، کاناداخاطرات و وقایع تحصیل : در دوران دانشجویی حمید عبداللهیان در دانشگاه تهران در گیر جنبش دانشجویی بود و در سال ۱۳۵۷ نیز وقایع انقلاب اسلامی را تجربه کرد.فعالیتهای ضمن تحصیل : حمید عبداللهیان در کنار تحصیل به فعالیت های سیاسی می پرداختند و در سن ۱۹ سالگی ازدواج کرده و اولین فرزندش در سن ۲۲ سالگی وی بدنیا آمد.استادان و مربیان : دکتر توسلی ، دکتر ساروخانی ، دکتر عسگری ، دکتر محمد میرزایی ،دکتر انصاری ، دکتر وثوقی ، دکتر ازکیا ، دکتر طالب ،دکتر بورس مک فارلین ، دکتر ژاک شوالیه ،دکتر مجید الجح ، دکتر پادوگفسکی ،دکتر جان میلز ،دکتر یوسفی زاده ، جواد صفی نژاد و آلن استیوز از اساتید دکتر عبداللهیان می باشند.هم دوره ای ها و همکاران : دکتر دهقان ،دکتر آزاد ارمکی ،دکتر اباذری ،دکترحسینی زاده ،دکتر ناهید مطیع ،دکتر پریچه ابراهیمی و دکتر یحی علی بابایی از همدوره ایهای و همکاران حمید عبداللهیان می باشند.همسر و فرزندان : حمید عبدالهیان دارای همسر و سه فرزند می باشد .همسرش سرکار خانم فاطمه محبی نژاد خانه دار و فرزندانش بنامهای علیرضا (دانشجویی عمران در کشور کانادا) محمد که در سن ۱۸ سالگی بعلت مبتلا به تومور مغزی در سال ۱۳۸۱ فوت کردو آرش (دانش آموز مقطع متوسطه) عبداللیهان می باشد.وقایع میانسالی : از وقایع تلخ دوره میانسالی حمید عبداللهیان فوت پسر دومش بعلت مبتلا به تومور مغزی بود که در سال ۱۳۸۱ دار فانی را وداع گفت .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : – اردیبهشت ۱۳۶۴ تا آذر ۱۳۶۸ مدیر دفتر پیمایش افکار عمومی، مؤسسه روزنامه کیهان، تهران، ایران. – اسفند ۱۳۷۷ تا آبان ۱۳۷۸ معاون آموزشی، دانشکده علوم اجتماعی – آبان ۱۳۷۸ تا بهمن ۱۳۸۱ معاون پژوهشی و رئیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران. – آبان ۱۳۷۸ تا بهمن ۱۳۸۱ عضو شورای پژوهشی دانشگاه تهران — دانشگاه تهران — ایران. – خرداد ۱۳۷۸ تا بهمن ۱۳۸۱ عضو کمیته ارزیابی برای برنامه‌های دوره دکترا — دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران. – اردیبهشت ۱۳۸۳ تا اردیبهشت ۱۳۸۵ مدیر گروه ارتباطات، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران. – ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۵ عضو انجمن جامعه‌شناسی ایرانی. – ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۵ عضو انجمن جمعیت شناسی ایران – ۱۳۸۵ –۱۳۸۸ ,سر دبیر مجله جهانی رسانه,دانشکده علوم اجتماعی – ۱۳۸۴ ,سردبیر نشریه جهانی رسانه,دانشکده علوم اجتماعیفعالیتهای آموزشی : عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط حمید عبداللهیان به قرار زیر است: – فوریه ۱۹۹۱ تا مارس ۱۹۹۶ دستیار استاد در بخش جامعه‌شناسی و انسان شناسی در درسهای قدرت (یک ترم)، تئوریهای کلاسیک جامعه‌شناسی (یک ترم)، دیدگاههای مقایسه‌ای در جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی (۵ ترم). – مهر ۱۳۷۷ تا خرداد ۱۳۷۸ تدریس روش تحقیق (در دو بخش عملی و نظری)، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی. – مهر ۱۳۷۸ تا خرداد ۱۳۷۹ تدریس در سه درس روش تحقیق، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی. – مهر ۱۳۷۹ تا خرداد ۱۳۸۰ تدریس در سه درس روش تحقیق، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی. و درس جامعه شناسی تاریخی در دوره دکترای جامعه شناسی – مهر ۱۳۸۰ تا خرداد ۱۳۸۱ تدریس در سه درس روش تحقیق، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی. و تدریس جامعه شناسی تاریخی در دوره دکترای جامعه شناسی و روش تحقیق برای کارشناسی ارشد ارتباطات – مهر ۱۳۸۱ تا بهمن ۱۳۸۱ تدریس روش تحقیق در سطح کارشناسی ارشد ارتباطات و جامعه‌شناسی تاریخی در سطح دکترا. –بهمن ۱۳۸۱تا بهمن ۱۳۸۲ فرصت مطالعاتی در دانشگاه کارلتون، کانادا. – بهمن ۱۳۸۲ تا خرداد ۱۳۸۳ تدریس در سه درس روش تحقیق، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی در سطح کارشناسی. و تدریس روش تحقیق برای کارشناسی ارشد ارتباطات – مهر ۱۳۸۳ تا خرداد ۱۳۸۴ تدریس در سه درس روش تحقیق، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی. تدریس روش تحقیق در سطح کارشناسی ارشد و دو درس جامعه‌شناسی تاریخی و روابط بین فرهنگی در سطح دکترا. – مهر ۱۳۸۳ تا خرداد ۱۳۸۴ تدریس در سه درس روش تحقیق، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی در سطح کارشناسی. – مهر ۱۳۸۳ تا خرداد ۱۳۸۴ تدریس روش تحقیق در کارشناسی ارشد ارتباطات و روش تحقیق کیفی در کارشناسی ارشد مطالعات زنان. و تدریس سمینار پایان‌نامه در سطح کارشناسی ارشد. – مهر۱۳۸۴ تا بهمن ۱۳۸۴ تدریس روش تحقیق (نظری و عملی)، نظریه‌های علوم اجتماعی، مبانی جامعه‌شناسی در سطح کارشناسی و دروس روش تحقیق در ارتباطات و روش تحقیق در مطالعات فرهنگی و رسانه و سمینار کارشناسی ارشد در سطح کارشناسی ارشد. –بهمن ۱۳۸۴ تا خرداد ۱۳۸۵ تدریس نظریه های علوم اجتماعی، رسانه ها و حوزه عمومی، روش تحقیق در سطح کارشناسی تدریس قدرت و فرهنگ، سمینار پایان‌نامه در سطح کارشناسی ارشدمراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : – ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۵ مؤسس انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، این انجمن در آبان ۱۳۸۳ تأسیس شد. – بانی مجله جهانی رسانه – راه اندازی دوره کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی و رسانه – راه اندازی دوره دکتری ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران شاگردان : دکتر لاجوردی ،دکتر عباس کاظمی ،خانم زهرا اجاق ، خانم مریم اصغری ،آقای اباذر توکلی و دکتر عبدالهی از دانشجویان و دانش آموختگان حمید عبداللهیان می باشند.همفکران فرد : حمید عبداللهیان با دکتر دهقان ،دکتر جوادی یگانه و دکتر سعیدی دارای همفکری نزدیکی است.آرا و گرایشهای خاص : زمینه و گرایشهای خاص حمید عبدالهیان به قرار زیر است: – روابط ترکیبی شیوه های فرهنگی – جامعه شناسی تاریخی،روانشناسی – روش تحقیق در ارتباطات و مطالعه فرهنگی و جامعه شناسیچگونگی عرضه آثار : – تعداد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی : ۱۰ مقاله – تعداد مقالات چاپ شده در مجلات خارجی : ۶ مقاله – تعداد مقالات ارائه شده در همایشها : ۵ مقاله – تعداد مقالات چاپ شده در همایشها : ۱۱ مقاله – تعداد طرحهای تحقیقاتی به پایان رسیده : ۶ طرح – تعداد پایان نامه های

راهنمایی شده کارشناسی : ۲ رساله – تعداد پایان نامه های راهنمایی شده کارشناسی ارشد : ۸ رساله – تعداد پایان نامه راهنمایی شده دکتری : ۲ رساله آثار : ۱ Conceptualization of reality in Historical Sociology; Narrating Absentee Landlordism ویژگی اثر : تهران: انتشارات سایه روشن–تابستان ۲۰۰۴۲ جزوه: نظریه تضاد ویژگی اثر : محل انتشار: دانشکده علوم اجتماعی تاریخ انتشار: ۳۱/۰۱/۱۳۸۵ تاریخ تجدید نظر: ۱۵/۰۷/۱۳۸۶ عنوان درس: نظریه های علوم اجتماعی ملاحظات: این جزوه در واقع ترجمه بخشی از کتاب دن مارتینـدیل است ۳ دین و رسانه ویژگی اثر : تالیف کتاب و چاپ توسط سایر مراکز نشر –ناشر: دفتر پژوهشهای رادیو تاریخ انتشار: ۲۲/۰۷/۱۳۸۶ محل انتشار: تهران– ایران ملاحظات: این کتاب مجموعه ای از مقالات را چاپ کرده است و ما دو نفر علاوه بر اینکه مقاله داریم کار ویرایش و آماده سازی و چاپ آنرا به عهده داشته ایم

عبدالمجید

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح س سیزدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک قطعه نسخ کتابت متوسط، با رقم: «کتبه الجانی و الفانی عبدالمجید».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۰۸ / ۴).

عبدمنافی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد عبدمنافی از ائمه جماعت و مروجین دین و خدمتگذاران مذهب و ولایت اهل بیت عصمت علیهم‌السلام میباشد.

تولـد ایشان در تهران واقع و در آنجا از محاضـر دانشـمندان و علماء اعلام کسب فیض و کمال نموده و بنا بر درخواست و اراده حق تعالی رحل اقامت بزرگنـده افکنده و در مسجد آنجا به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد، دارای اخلاق حمیده و صـفات پسـندیده و مورد توجه مردم زرگنده و قلهک میباشـند، فرزند برومند ایشان ثقةالاسـلام آقا سید محسن عبدمنافی از محصلین بارع و مودب حوزه علمیه‌اند که بتحصیل علم و کمال اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

عبدوس ساتر، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: مهندسی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسـی مهندسـی مکانیک از دانشـگاه لاف‌بورد انگلستان در سال ۱۳۴۶ و دکترای مهندسـی مکانیک از دانشـگاه لاف‌بورد در سال ۱۳۴۹.

مرتبه علمی:

اسـتادیار، دانشـیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۴۹ تـا سال ۱۳۵۹، اسـتاد دانشـگاه میدوگوری نیجریه از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۶، استاد ICTVTR داکا بنگلادش از سال ۱۳۶۶ تا سال ۱۳۶۹ و استاد دانشگاه شیراز از سال ۱۳۶۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مهندسـی مکانیک و طراحی در مهندسـی و تدریس دروس نقشه‌کشـی، آزمایشـگاه، دینامیک ماشین، ارتعاشات، کنترل اتوماتیک، روشـهای تولید طراحی اجزاء، روشـهای طراحی در مهندسـی، طراحی مکانیزمها، اندازه‌گیری، ارتعاشات پیشرفته، دینامیک پیشرفته، موتورهـای احتراق داخلی، اتومکانیک، حرارت مرکزی و تهویه مطبوع در دانشگاه شـیراز و اسـتاد راهنمای ۷ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی.

ابداع:

ماشین حصیربافی و ماشین سنگ‌تراشی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:–

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

مهندسی مکانیک.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:–، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴۰

زمینه علمی مقالات:

مهندسی مکانیک

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

عبدویی نیشابوری، ابوالحسن احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۸۵ ق)، محدث، فقیه و زاهد. پدر ابوحازم عبدویی است. وی از ابوالعباس سراج و ابن‌خزیمه و حاتم بن محبوب و دیگران حدیث شنید. پسرش ابوحازم و حاکم نیشابوری و ابوسعد کنجرودی و دیگران از وی حدیث روایت می کنند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۱۳۴ / ۴)، تاریخ الاسلام (حوادث ۹۱ / ۴۰۰ –۳۸۱)، سیر النبلاء (۵۰۴ / ۱۶).

عبده بروجردی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ق)، استاد دانشگاه و نویسنده. در بروجرد به دنیا آمد. دارای تحصیلات قدیمه معقول و منقول بود و در مدرسه‌ی آلیانس، زبان فرانسه را آموخت.از دانشگاه تهران دکتری حقوق گرفت. مشاغلی را که وی عهده‌دار آنها بوده عبارتند از: معلمی عربی در دبیرستان ثروت و مدرسه‌ی آلمانی، ریاست محکمه‌ی عالی انتظامی، استادی حقوق مدنی و اصول محاکمات حقوق در دانشکده‌ی حقوق و مستشار دیوان عالی تمیز. از آثارش: «اصول الفقه»، عربی؛ «اصول قضایی (جزایی)دیوان عالی کشور»؛ «اصول قضایی (حقوقی) دیوان عالی کشور»؛ «حقوق مدنی»؛ «کلیات حقوق اسلامی»؛ «مبانی حقوق اسلامی یا مختلف الاصول».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :زندگی‌نامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۱۰ –۳۰۹ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۱ –۵۹۰ / ۵).

عبدی ابرقوهی، عبدی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از مردم ابرقوه بود و معاصر شاه طهماسب صفوی (۹۴۸ –۹۳۰ ق) که به قول صاحب «هفت اقلیم» به لطف طبع و صفای ذهن اتصاف داشته شاعر شیرین کلام بوده از حیثیت خوش‌طبعی و نکته‌سنجی قدوه‌ی اماثل و اقران است».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۷۰)، صبح گلشن (۲۷۷)، فرهنگ سخنوران (۶۲۲)، هفت اقلیم (۱۶۶/ ۱).

عبدی اسکوئی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: الزهرا (س)

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

عبدی اصفهانی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۷۲ ق)، شاعر، متخلص به عبدی. از شاعران اصفهان بود که دیوانی به نام «درر المصائب» دارد مشتمل بر هزار بیت که در ۱۳۶۸ ق چاپ شده است. وی در اصفهان درگذشت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۳۳۰)، الذریعه (۷۰۴ / ۹)، مؤلفین کتب چاپی (۷۴۶ –۷۴۵ / ۳).

عبدی بیگ نویدی شیرازی، زین‌العابدین علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۸۸ ق)، مورخ و شاعر، متخلص به عبدی. از دبیران و شاعران دربار شاه طهماسب صفوی (۹۴۸ -۹۳۰ ق) بود. اغلب تذکره‌نویسان مولد وی را شیراز نوشته‌اند،اما صاحب تذکره‌ی «روز روشن» او را اصفهانی دانسته و نسبت شیرازی وی را به جهت کثرت اقامتش در آن شهر می‌داند. عبدی بیگ در جوانی به فراگیری ادب و علم و سیاق و ترسل پرداخت و در این رشته‌ها بویژه، سیاق و حساب بزودی نام‌آور و عهده‌دار منصب استیفاء شد. نویدی در سرودن مثنوی مهارت بسیار داشت و مثنوی‌های بسیاری پرداخته است. از جمله آثارش «بوستان خیال» است که به تقلید از «بوستان» سعدی، به همان وزن و به نام شاه‌طهاسب نوشته شده. از دیگر آثار وی بنا بر گفته‌ی سام‌میرزا، سه خمسه در جواب «خمسه‌ی» نظامی‌است. خمسه‌ی اول: «مظهر اسرار»؛ «جام جمشیدی»؛ «مجنون و لیلی»؛ «هفت اختر»؛ «آیین اسکندری». خمسه‌ی دوم: «جوهر فرد»؛ «دفتر درد»؛ «فردوس العارفین»؛ «انوار تجلی»؛ «خزائن الملوک» یا «خزائن الملکوت». خمسه‌ی سوم: «روضات الصفات»؛ «دوحه الازهار»؛ «جنه الاثمار»؛ «زینه الاوراق»؛ «صحیفه الاخلاص». دکتر صفا منظومه‌ی «خزائن الملکوت» را جدا از «خزائن الملوک» دانسته و آن را مثنویی مذهبی مشتکل از هفت بخش یا خزانه در برابر «حدیقه الحقیقه» سنائی به نام «سبعه‌ی عبدی» ذکر کرده است. سبعه‌ی مذکور شامل: «صحیفه‌ی لاریب»؛ «لوح مسطور»؛ «بحر مسجور»؛ «منشور شاهی»؛ «مروج الاسواق»؛ «مهیج الاشواق»؛ «نهایه الاعجاز». عبدی بیگ کتابی در تارخ عهد خود به نام «تکمله الاخبار» نیز نوشته و آن را در ۹۷۸ ق به پایان رسانده است. کتاب «صریح الملک»، در شرح املاک و عمارتها و بناهای بقعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی نیز از آثار اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۷۵۴ -۷۴۶ / ۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۵۵۶ -۵۵۵/ ۲ ،۱۶۹ ،۱۵۷ -۱۵۶ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۶۸۹)، تحفه سامی (۹۶ -۹۵)، تکمله الاخبار (۳۱ -۱۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۵۰ -۷۴۶ / ۵)، الذریعه (۱۲۳۷ -۱۲۳۶ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۶۰ -۹۵۹)، منظومه‌های فارسی (۴۱۸ -۳۹۷)، هفت اقلیم (۲۳۷ -۲۳۶ / ۱).

عبدی پور، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم عبدی پور

محل تولد : کوهدشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر محل تولد خود گذراندم و در سال ۶۰ در رشته علوم تجربی به عنوان شاگرد اول شهرستان خود فارغ التحصیل شدم بعلت تعطیلی دانشگاهها ابتدا وارد مراکز تربیت معلم شدم و در کنار آن مطالعات خود را در زمینه علوم اسلامی آغاز کردم در سال ۶۵ در رشته حقوق قضایی وارد دانشگاه شدم و لیسانس خود را در سال ۶۹ از مجتمع آموزش عالی قم (وابسته به دانشگاه تهران) اخذ نمودم و همزمان با آن بقیه دروس ادبیات و سطح حوزه را از محضر اساتید حوزه علمیه قم استفاده نمودم در سال ۶۹ تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته حقوق خصوصی ادامه دادم و همزمان با آن در مباحث درس خارج فقه و اصول اساتید معظم حوزه شرکت نموده و به تحقیقات خود در فقه و حقوق اسلامی ادامه دادم در سال ۷۹ رساله دکتری خود را با عنوان مبانی حقوقی التزام به عقد با درجه عالی دفاع نموده و موفق به اخذ دکتری تخصصی حقوق خصوصی از دانشگاه تهران شدم از سال ۷۲ تا کنون در مراکز آموزش عالی به تدریس دروس حقوقی مشغول هستم.

عبدی شروانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۵ / ۹۷۵ ق)، شاعر، خطاط و صفوی. معروف به عبدی خوشنویس. وی در شطرنج مهارت داشته و غزل را به سبک اهلی شیرازی استادانه می‌سرود. عبدی در تبریز درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۰۱)، دانشمندان آذربایجان (۲۶۹ -۲۶۸)، الذریعه (۷۰۴/ ۹)، هفت اقلیم (۲۹۸ -۲۹۷ / ۳).

عبدی قاجار، عبدالعلی میرزا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۳۰ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به عبـدی ملقب به احتشام الملک، احتشام‌الدوله و معتمد الدوله. وی نواده‌ی فتحعلی‌شاه قاجـار بود و به مشاغل دولتی و حکومت ولایات اشـتغال داشت. ولی بعـدها خانه‌نشـین شـد. عبـدی در ادبیات و شـعر و موسـیقی و ریاضـیات مهارت داشت و در حکمت متعالیه و فنون ریاضـی و تصوف، شاگرد میرزا محمـد علی قاینی و میرزا محمـدرضا قمشه‌ای بـود. از خطـوط نیز،جز نسـتعلیق، شکسـته را هم خـوش می‌نـوشت. وی همچنین تـار را نیکـو می‌نـواخت. از آثـار وی «دیـوان» شـعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۰۴ / ۲)، تاریخ موسیقی (۳۷۲ / ۱)، الذریعه (۷۰۵ / ۹)،شرح حال رجال (۲۷۳ -۲۷۰ / ۲)، طرائق الحقائق (۴۴۶ / ۳)، فرهنگ سخنوران (۶۲۳)، المآثر و الآثار (۱۹۱).

عبدی قزوینی تبریزی، محیی‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۶۶ ق)، دانشـمند. نخست در قزوین سـکونت داشت و سپس به تبریز رفت. وی در حیـات پـدر به عثمـانی رفته به راهنمـایی ابن‌المؤیـد از دانشـمندان عثمـانی که او نیز از آذربایجان مهاجرت کره بود به دربار سـلطان بایزیـد راه یافت. قزوینی در طول اقامت خود در عثمانی دارای مناصب و مشاغل متعدد بود، از آن جمله: منصب قضای دمشق و حلب، تولیت مدرسه مصطفی پاشای وزیر و مدرسه مغنیسا. وی در ادبیات عرب و علوم دینی و مخصوصا در انشای عربی و فارسـی و ترکی دست داشت ولی بیتشر اهتمام او در آوردن محسنات لفظی بود و همه‌ی خطوط را بسیار خوب می‌نوشت. از آثارش: «راسله فی قطع الید»؛ حاشیه بر «فرایض» سجاوندی؛ حواشی بر «امور عامه مواقف» عضدالدین ایجی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۹۱).

عبدی گنابادی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شـاعر. از مردم گنابـاد بود. در برخی از کتابها به خطا تخلص وی را عهـدی ضـبط کرده‌انـد. عبـدی به سـلطان ابراهیم میرزا (م ۹۸۴ ق)، شاهزاده‌ی معروف صـفوی، متخلص به جاهی، بسـیار نزدیک بود و از شاعران متعصب در طریقه‌ی تشـیع به شمار می‌رفت. بیشتر اشـعارش در مدح ائمه‌ی شیعه است. از میان قالب‌های شعر فارسی بیشتر به غزل و مثنوی گرایش داشت. از آثار وی: مثنوی «گوهر شاهوار»، در بحر «مخزن الاسرار» نظامی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشـکده‌ی آذر (۲۷۷ -۲۷۶ / ۱). تاریـخ نظم و نثر (۴۷۰)، تـذکره‌ی روز روشن (۵۳۲)، الذریعه (۷۰۴ / ۹)، صبح گلشن (۲۷۷)، فرهنگ سخنوران (۶۲۲ / ۲)، مجمع الخواص (۱۸۵ -۱۸۴)، منظومه‌های فارسی (۴۱۸)، هفت اقلیم (۳۱۴ -۳۱۳ / ۲).

عبدی نیشابوری، عبدالله

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطـاط و شـاعر، متخلص به عبـدی. از خوشـنویسان ملازم دربار شاه‌طهماسب اول صـفوی بود که ظاهرا در دربار شاه اسـماعیل نیز به امر کتابت اشـتغال داشـته و به همین مناسـبت شاهی رقم می‌کرده است. متقدمین خط کتابت عبدی را سـتوده و او را کاتب بی‌بدل خوانده‌اند، ولی در خط مشق و جلی نیز آثار شـیوایی دارد. وی از شاگردان سلطانعلی مشهدی بود و شاگرد برسجته‌ی خود او، شـاه‌محمود نیشـابوری است. از آثـار او: «دیوان» شـعر؛ یـک نسـخه «حالنامه‌ی» عارفی،به قلم کتابت خوش، با رقم: «تمت... علی ید الضعیف عبدی نیشابوری»؛ دو قطعه از مرقع شاه‌اسماعیل، به قلم دو دانگ و نیم دو دانگ و کتابت خفی خوش، با رقمهای: «مشـقه... عبـدی بن حسن قلندر ۹۹۶» و «مشـقه الفقیر المـذنب، عبـدی النیشـابوری...» و قطعـات مختلف دیگر که در «احوال و آثار خوشنویسان» به آنها اشاره شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منـابع زنـدگینامه :احوال و آثار خوشـنویسان (۴۲۶ -۴۲۴ / ۲)، تحفه سـامی (۱۳۴)، الذریعه (۷۰۵ -۷۰۴ / ۹)، گلسـتان هنر (۸۷)،

مجالس النفائس (۱۴۸)، هنر عهد تیموریان (۷۴۶ -۷۴۵، ۶۳۵، ۵۹۷، ۵۸۳، ۵۴۱، ۵۰۰).

عبدی، حمزه

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمزه عبدی

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمییه قم شدم، در آن سال ۱۸ سال داشتم یعنی متولد ۱۳۵۰. در مدرسه کرمانیها دروس حوزوی خود را آغاز کردم، سال چهارم حوزه را در مدرسه امام صادق نیروگاه ادامه دادم. پایه ششم را در مدرسه رضویه ادامه دادم، سالهای پایانی درس تا پایه ۱۰ را خارج از مدرسه خواندم.اکثر اساتیدم که بیشترین بهره را بردم، آقایان حجج اسلام پرنده غیبی، موسوی گرگانی، حسینی خراسانی، موسی تبریزی.درس سطح را نیز در محضر آقایان حسنی خراسانی، سید احمد خاتمی، هادوی تهرانی، علی دوست.درس خارج : آیت الله شیخ جواد تبریزی و آیت الله سید احمد مددی.در سال ۱۳۷۶ وارد موسسه امام خمینی شدم. در سال ۱۳۸۰ در رشته روان شناسی مدرک کارشناسی اخذ کردم.در سال ۱۳۸۲ کارشناسی ارشد رشته روان شناسی قبول شدم و هم اکنون مشغول پایان نامه هستم.از سال ۱۳۷۵ تاکنون با موسسه دارالحدیث همکاری داشتم و الآن همکار بخش (روان شناسی و حدیث) پژوهشکده دارالحدیث هستم.محصول این همکاری چند مقاله و طرح تحقیقی بوده است که ۲ مورد از آن در گزارش مقاله ها آمده است.

عبدی، صادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صادق عبدی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۹/۱

زندگینامه علمی

زندگینامه علمی بنده بازگشت به سه دوره دارد

الف) دوران تحصیلی قبل از ورود به حوزه: اینجانب که در سال ۱۳۴۲ در روستایی پایین کلا-از توابع شهرستان بابل استان مازندران متولد شده ام، دروان ابتدایی را از سال ۵۴ ـ ۱۳۴۹ در محل تولد به پایان رساندم پس دوران راهنمایی را در یکی از روستاهای همجوار به نام پایین کتاب به فاصله ۷ کیلومتر از سال ۱۳۵۷ ـ ۱۳۵۴ به اتمام رسانده ام بعد از آن برای ادامه تحصیل در دروه دبیرستان عازم شهرستان بابل شده و در دبیرستان های این شهر از سال ۱۳۶۱ ـ ۱۳۵۷ مشغول به تحصیل شده ام که در سال ۱۳۶۱ موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی فیزیک شده ام.

ب) دوران تحصیلی دروس حوزوی:

بعد از اخذ دیپلم همانند بسیاری از جوانان دیگر به دلیل وجود انقلاب عظیم اسلامی و زنده شدن روح معارف خواهی و انگیزه، یاد گیری دانش و علوم اسلامی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیّه مشهد مقدس شده و در مدرسه سلیمانیه به تحصیل مشغول شدم. بخشی از دروس مقدماتی و ادبیات عرب را (جامع المقدمات سیوطی، مطول، مغنی) در آن مدرسه به اتمام رسانده ام.

اساتید این مدرسه از میان طلبه های ورودی بنده و دو نفر دیگر را به دلیل آنکه فکر می کرده اند ما می توانیم پیشرفت بیشتری داشته باشیم، از جمع سایر طلاب جدا کرده و بطور خصوصی تدریس می کرده اند که از جمله سال های با برکت از جهت پیشرفت تحصیلی برای بنده بوده است. در کنار اساتید مدرسه از درس های استاد معروف ادبیات عرب آقای حجت هاشمی به طور همزمان بهره می بردم. پس از آن در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شده ام و تا سال ۱۳۷۰ دوران سطح را به اتمام رسانده ام در طی این دروان در نزد اساتیدی چون محمد خراسانی، استاد پایانی، استاد عراقی و استاد اعتمادی زانوی تلمذ زده ام. و از سال ۱۳۷۰ به بعد تا سال ۱۳۷۶ در دروس خارج فقه و اصول شرکت می نمودم و محضر اساتیدی چون حضرت آیت الله جوادی آملی، حضرت آیت

الله فاضل لنکرانی، حضرت آیت الله وحیدی خراسانی، و حضرت آیت الله شاهرودی را درک کرده ام.

ج) دوران تحصیل در دانشگاه:

در سال ۱۳۷۰ همزمان با تحصیلات حوزوی در دانشگاه سراسری در رشته علوم انسانی شرکت نموده و با رتبه عالی در رشته حقوق در دانشگاه تهران مجتمع آموزش عالی قم قبول شده ام و در سال ۱۳۷۴ موفّق به ا خذ کارشناسی شده ام. در همین سال بطور همزمان در دوره کارشناسی ارشد و وکالت شرکت نمودم و در هر دو مقطع قبول شدم.

دوره کارشناسی ارشد را در دانشگاه قم در سال ۱۳۷۷ با دفاع از پایان نامه ام تحت عنوان مبانی فقهی، حقوقی شرط عدم مسئولیت قرار دادی سپری نموده ام و در همین سال بعنوان دانشجوی نمونه انتخاب گردیده ام. در سال ۱۳۷۴ همزمان با ادامه تحصیل در دوره کارشناسی ارشد با معاونت پژوهشی مجتمع آموزش عالی قم مشغول به همکاری شده ام و این همکاری تا سال ۱۳۷۸ یعنی سال ورود به حرفه وکالت ادامه داشته است که حاصل این دوره تالیف کتاب نکات مهم حقوق قرار دادها، و نوشتن مقالات و سایر کارهای تحقیقی بوده است، در همین دوره بوده است که با وزارت فرهنگ و آموزش عالی بخش پژوهشگاه علوم انسانی بعنوان یکی از ارزیابان کتب علوم انسانی در رشته حقوق همکاری داشته ام

عبدی، عبدالستار

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۱۵ ق)، شاعر، متخلص به عبدی. از احوال او اطلاع چندانی در دست نیست جز اینکه از او مثنویی به نام «غوث‌نامه» به جای مانده که این مثنوی را در ۱۰۱۵ ق در حالات و آموزه‌های شیخ عبدالقادر جیلانی، غوث اعظم، در بحر رمل مسدس سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :منظومه‌های فارسی (۳۹۷).

عبرت نائینی، محمد علی مصاحبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۱ -۱۲۴۷ ش)، شاعر، متخلص به عبرت. ملقب به عارفعلی. در نایین به دنیا آمد. صرف و نحو را نزد شیخ محمد اعمی آموخت و بیان و بدیع و منطق و مقدمات حکمت را از محضر ملا محمد کاشی استفاده کرد و رموز خط را از یکی از بستگان خود آموخت تا جایی که از خوشنویسان زمان خود گردید. وی هفده سال از عمرش را به سیر و سیاحت گذراند و به نقاط مختلف ایران سفر کرد و به خدمت مشایخ صوفیه درآمد. آن‌گاه به زادگاه خود بازگشت و به سختی از رهگذر استنساخ کتب زندگی می‌کرد. بعد به تهران آمد و تا پایان عمر در این شهر زندگی کرد. او در ابن‌بابویه مدفون است. از آثارش: «دیوان» شعر، که منتخبی از آن در تهران در ۱۳۱۳ ش به چاپ رسیده؛ «مدینه الادب» یا «نامه‌ی فرهنگیان»، مشتمل بر شرح حال ۳۵ شاعر معاصر خود. در «سخنوران نامی معاصر» اثر فوق دو کتاب مستقل از هم در یک زمینه معرفی شده است.[۱]

(بخش ۱) نایینی، (میرزا) محمدعلی مصاحبی متخلص به عبرت، شاعر و عارف (و. نایین ۱۲۸۵ ه.ق.- ف. تهران ۱۳۲۱ ه.ش.). وی پس از تکمیل تحصیلات نزد شیخ محمد اعمی و ملا محمد کاشی، در نقاط مختلف ایران سفرهای بسیار کرد و در سال ۱۳۲۲ ه.ق. به تهران آمد. او در شعر به غزل تمایل داشت و غزل‌های عارفانه وی دلکش است و منتخب غزلیاتش به طبع رسیده. در نوشتن انواع خط نسخ مهارت داشت و غالبا از راه استنساخ کتب امرار معاش میکرد. تذکره مبسوطی از شاعران معاصر به نام «مدینهٔ الادب» تدوین کرده و کتاب دیگری به نام «نامه فرهنگیان» دارد که نسخه خطی هر دو در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۳۳۳ -۳۳۱)، دویست سخنور (۲۳۳ -۳۲۱)، الذریعه (۲۴ / ۲۴، ۲۵۱ / ۲۰ ، ۷۰۵/ ۹)، سخنوران نامی (۳۶۲ -۳۵۱ / ۲)، سخنوران نامی معاصر (۲۴۸۲ -۲۴۷۸/ ۴)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۴۵)، گلزار معانی (۴۵۰ -۴۴۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۱۸ -۳۱۷ / ۴).

عبری فرغانی، برهان‌الدین عبدالله

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۳ ق)، متکلم، حکیم، فقیه و قاضی شافعی. در تبریز به دنیا آمد. وی قاضی تبریز بود. چند بار به بغداد سفر کرد و در همان شهر نیز درگذشت. از آثارش شرح اکثر آثار و مصنفات بیضاوی از جمله: «المنهاج الوصول الی علم الاصول» و «الغایه القصوی فی درایه الفتوی» و «المصباح الارواح» و «طوالع الانوار» است. از دیگر آثار وی: «الایضاح»، در کلام؛ «معتمد الخلائق فی علم الوثائق»؛ «شرح «المصباح» مطرزی، در نحو.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۷۱ / ۴)، ایضاح المکنون (۵۰۸ / ۲)، کشف الظنون (۱۸۷۹، ۱۷۳۲، ۱۷۰۹، ۱۷۰۴، ۱۱۹۲، ۱۱۱۶، ۲۱۳)، معجم المؤلفین (۱۳۶ / ۶).

عبشمی‌اصفهانی، مخلص‌الدین، ابوعبدالله محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۰۳ –۵۲۰ ق)، فقیه، محدث، نحوی و ادیب. معروف به ابن‌فاخر. پدرش او را به مضحر فامطه جوزدانیه برد تا از او حدیث استماع کند. او همچنان از جعفر بن عبدالواحد ثقفی و اسماعیل اخشید و ابن ابی‌ذر صالحانی و اسماعیل مؤذن و زاهر شحامی حدیث شنید. او به مذهب شافعی کاملا آگاه بود و در نحو و حدیث دستی قوی داشت و محتشم و مورد احترام مردم بود. به بغداد رفت و در آنجا املای حدیث کرد. ابن‌خلیل و ضیاء و ابوموسی ابن‌حافظ و گروهی دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن‌درجی و ابن‌بخاری از وی دارای اجازه بودند. در شیراز درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (۴۰۶ / ۲)، سیر النبلاء (۴۲۹ –۴۲۸ / ۲۱)، شذرات الذهب (۱۱ / ۵)، العبر (۱۳۵ / ۳)، النجوم الزاهره (۱۷۱ / ۶).

عبقری، تقی مجد الملک

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۸ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به عبقری. ملقب به مجدالملک. از اهالی مازندردان بود و نسب خود را به ابوصلت هروی می‌رسانید. وی در ابتدا مشغول تحصیل علوم ادبی شد، سپس هنگامی که مدرسه‌ی مشیریه به ریاست صنیع‌الدوله در تهران تشکیل شد، در آن مدرسه به تحصیل علوم جدید پرداخت. در ۱۲۹۹ ق از طرف ناصرالدین‌شاه به لقب مجدالملک ملقب گردید.او در ۱۳۰۰ ق رئیس اداره‌ی وظایف و اوقاف شد و او در دوره‌ی اول مجلس (۱۳۲۴ ق)، از طرف اعیان تهران نماینده گردید و بعد در کابینه‌ی میرزا احمدخان مشیرالسلطنه وزیر تجارت شد. در حدود ۱۳۳۲ ق، به همراه محمد حسن میرزای ولیعهد به تبریز رفت و پس از مدتی به تهران بازگشت. عبقری شعر را نیک می‌سرود و از علوم معقول منقول و ریاضیات نیز بهره‌مند بود. او جز نستعلیق، خطوط دیگر، بویژه شکسته را بسیار خوش می‌نوشت در نقاشی و نقاری و حکاکی نیز دست داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۵۹، ۴، ۱۱۰ / ۱)، شرح حال رجال (۲۲۲ –۲۲۱ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۶۲۳)، المآثر و الآثار (۱۸۷).

عبودیت، عبدالرسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرسول عبودیت

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

عبدالرسول عبودیت در سال ۱۳۳۳ در شهر اصفهان به دنیا آمد،او پس از گذراندن تحصیلات ابتدائی و متوسطه در اصفهان سال ۱۳۵۲ در دانشگاه صنعتی شریف پذیرفته شد،در سال۱۳۵۸ فارغ التحصیل گردید،آنگاه سالهای ۵۸ و ۵۹ را در اصفهان به خواندن ادبیات و فقه و اصول گذراند درسال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شد و به ادامه تحصیل در فقه و اصول مشغول شد،در کنار دروس فقه واصول به یاد گیری فلسفه در موسسه در راه حق همت گماشت و پس از چند سال شرکت در دروس خارج آیات عظام بهجت ، تبریزی ، منتظری و مدت کمی آقای وحید و آقای فاضل لنکرانی به طور تخصصی به فلسفه مشغول گردید

عبهری غزنوی، عبدالمجید

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. ملقب به جمال الشعراء. وی از شاعران دانشمند و حکیمان روزگار سلاجقه و ملازم آلب‌ارسلان و ملک‌شاه سلجوقی بود و با زبان آوران آن عهد چون حکیم سنایی (م ح ۵۳۵ ق) و ادیب صابر و سوزنی (م ۵۶۲ ق) مصاحبت داشت.اشعاری از وی در تذکره‌های نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۷۰۶ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۲۳)، لباب الالباب (۲۹۵ / ۲)، مجمع الفصحا (۸۶۵ -۸۶۴ / ۲).

عبید زاکانی، نظام‌الدین، نجم‌الدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۷۲ / ۷۷۱ -۷۰۰ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به عبید. وی از خاندان زاکانیان، تیره‌ای از اعراب بنی‌خفاجه، است که در قزوین به دنیا آمد در همان شهر نشوونما یافت. در ابتدای امر در شمار وزیران بود. در زمان شیخ جمال‌الدین ابواسحاق اینجو به شیراز رفت و وزیرش رکن‌الدین عمیدالملک را مدح گفت. عبید همچنین سلطان اویس جلایر و شاه شجاع را نیز مدح گفت. مدتی هم در بغداد به همراه سلمان ساوجی به سر برد. عبید علاوه بر این که در سرودن شعر در قالبهای مختلف استاد بود، از قوی‌ترین طنزپردازان ایران به شمار می‌رود که با تازیانه انتقاد و طنز اوضاع اخلاقی و سیاسی عصر خود را به زبان هزل و طنز نکوهش کرده است. عباس اقبال آشتیانی نخستین کسی است که به اهمیت آثار عبید از لحاظ جامعه‌شناسی پی برد و آن را در مقدمه‌اش بر «کلیات عبید زاکانی» متذکر شد. از آثار وی: منظومه‌ی «موش و گربه» که سراسر طنز و انتقاد است؛ رساله‌ی «فالنامه‌ی بروج»؛ رساله‌ی «دلشگا»، در حکایات به زبان عربی و فارسی؛ «الاخلاق الاشراف»؛ «صد پند»؛ «ریش‌نامه»؛ مثنوی «عشاق‌نامه»؛ «دیوان» شعر.[۱]

زاکانی. ناظم‌الدین عبداللّه، شاعر و نویسنده قر. ۸ ه. (ف. حدود ۷۷۲ ه.ق.). وی اصلا از مردم قزوین بود ولی در رسایل خود غالبا اهالی آن شهر را نکوهش کرده. عبید چندی در شیراز می‌زیسته (در زمان شیخ ابواسحاق اینجو) و بدان شهر علاقه‌مند بود. طبع وی به هزل و مسخره تمایل داشته و این رشته را دنبال کرد تا نوشته‌ها و گفته‌های او با ذوق بزرگان زمان مناسب افتد. از اشعار او پیداست که غالبا به تهیدستی و وامداری روزگار می‌گذرانیده. عبید مدتی تحت حمایت سلطان اویس جلایر در بغداد و تبریز به سر می‌برد. از جمله آثار اوست: دیوان اشعار که در تهران به طبع رسیده، اخلاق الاشراف، (به نثر)، ریش‌نامه (نظم و نثر) رساله صد پند(به نثر)، تعریفات یا ده فصل (به نثر)، اشعاری به انواع مختلف از هزل و تقلید از اساتید دیگر، رساله دلگشا که قسمتی به عربی و قسمت دیگر به فارسی است مشتمل بر نوادر حکایات و لطایف، مثنوی فکاهی موش و گربه (که بسیار معروف است)، فالنامه، عشاق‌نامه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۱۱۹۸ -۱۱۹۵ / ۳)، از سعدی تا جامی (۲۸۶)، اعیان الشیعه (۱۳۴ / ۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۷۴ -۱۲۷۰، ۹۸۵ -۹۶۳ / ۳)، تاریخ گزیده (۸۰۶ -۸۰۴)، تاریخ مغول (۵۵۲ -۵۵۰)، تاریخ نظم و نثر (۲۰۲ -۲۰۱)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۷۹ -۱۶۷۸ / ۲)، دویست سخنور (۲۳۶ -۲۳۳)، الذریعه (۹۸ / ۱۷، ۲۶۴ / ۱۵، ۷۰۶ / ۹)، ریحانه (۳۵۵ - ۳۵۲ / ۲)، شخصیت‌های نامی (۳۲۶ -۳۲۵)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۳۹ -۳۳۸)، فرهنگ سخنوران (۶۲۴)، الکنی و الالقاب (۲۸۷ -۲۸۶ / ۲)، کلیات عبید زاکانی (مقدمه)، لغت‌نامه (ذیل/ زاکانی)، مؤلفین کتب چاپی (۳۷ -۳۴ / ۴)، مینو در (۵۱۵ -۵۱۳ / ۲)، هفت اقلیم (۱۶۸ -۱۶۴ / ۳).

عبیدی، شمس‌الدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم و هشتم ق)، عالم و ریاضیدان. وی از علمای ریاضی دوره‌ی غازان‌خان. (۷۰۳ -۶۹۴ ق) بود که آثاری از خود به یادگار گذشت. از آثار وی: «متن اقلیدس»؛«رساله‌ی حساب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۱۹۱ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ شمس‌الدین).

عتابی بخاری، زین‌الدین، أبونصر، أبوالقاسم احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۸۶ ق)، مفسر و فقیه حنفی. اهل عتاب بخارا بود و در همان جا نیز وفات یافت. عتابی از بزرگان حنفیه بود که دارای تصنیفات و آثار چندی است. از آثارش: «جوامع الفقه»، معروف به «الفتاوی العتابیه»، در چهار مجلد؛ «تفسیر القرآن» یا «تفسیر

العتابی»؛ شرح «الجامع الکبیر» و شرح «الجامع الصغیر» و شرح «الزیادات» شیبانی، همگی در فروع فقه حنفی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۹ / ۱)، کشف الظنون (۹۶۴، ۹۶۳، ۶۱۱، ۵۶۸، ۵۶۷، ۵۶۳، ۴۵۳)، معجم المؤلفین (۱۴۰ / ۲)، الوافی بالوفیات (۷۴ / ۸)، هدیه العارفین (۸۷ / ۱).

عتابی تکلو، حسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۲۵ –۹۷۳ ق)، شاعر، متخلص به عتابی. وی از اویماق تکلو است که در هرات به دنیا آمد و به روایتی در قزوین و به قولی در ری نشوونما یافت. در دانش و فقه مهارت داشت و در آغاز شاعری به اصفهان رفت و ملازمت شاه‌عباس را اختیار کرد و به دستور شاه مثنوی به نام «منظر الابرار»، در بحر «مخزن الاسرار»، سرود و صله‌ای گرانبها دریافت کرد. عتابی در ۱۰۱۳ ق به همراه میرمحمد مصعوم بکری، سفیر جلال‌الدین اکبرشاه به هندوستان رفت و به پایمردی وی به دربار اکبرشاه راه یافت. پس از سیر و سیاحت در سرزمین هندوستان به اصفهان بازگشت و پس از مدتی اقامت مجددا به هندوستان سفر کرد و سرانجم در لاهور درگذشت. عتابی در سرودن غزل، قصیده و مثنوی مهارت داشت این امر از اشعار و آثاری که از وی به جای مانده آشکار است. از دیگر آثار وی: «خمسه»ای در مقابل خمسه‌ی نظامی؛ «سام و پری»؛ «ایرج و گیتی»؛ «حدائق الازهار»؛ «مجمع البحرین»؛ «فرهاد و شیرین»؛ «ساقی‌نامه»؛ «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۹ –۷۸ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۹۲ –۹۸۹ / ۵)، تذکره‌ی میخانه (۴۵۲ –۴۳۷)، فرهنگ سخنوران (۶۲۴)، کاروان هند (۸۷۱ –۸۶۵ / ۲)، نتایج الافکار (۴۷۴).

عتابی نجفی، سید محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از ایرانیان ساکن عراق بود، در نجف به دنیا آمد و همان جا نشوونما یافت. پس از چندی به ایران آمد و مدتی شاگرد میر حضوری قمی، شاعر معروف آن دوره بود. سپس از ایران به هندوستان مهاجرت کرد. در آن جا مدتی در دربار علی عادلشاه، پادشاه دکن، به سر برد و پس از مرگ وی به دربار اکبرپادشاه (۱۰۱۴ –۹۶۳ ق) رفت و در آن جا به دلایلی برای مدتی طولانی به زندان افتاد. عتابی در سرودن شعر به دو زبان فارسی و عربی مهارت داشت و در فن انشاء و خط نیز توانا بود. اشعاری از وی در برخی تذکره‌ها نقل شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۳۳ –۴۳۲)، فرهنگ سخنوران (۶۲۴ / ۲)، هفت اقلیم (۱۲۲ –۱۱۸ / ۱).

عتبی اسعد، ابوابراهیم

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۴۰۴ ق)، عالم و شاعر. منشی عهد سلجوقیان و غزنویان بود و تا آخر ایام نظام الملک در قید حیات بود. وی در مدرسه‌ی بیهقیه‌ی نیشابور که امام ابوالحسن محمد بن شعیب، فقیه شافعی بنا کرد، ساکن شد و در مدرسه‌ی منیعی همان شهر که ابوعلی حسان بن سعد از بزرگان نیشابور ساخته بود، تدریس می‌کرد و مجلس املاء داشت. از آثار علمی وی: «تاج الرسائل»؛ «درّة التاج».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۲۶۴ /۱)، ریحانه (۱۰۹ –۱۰۸ /۴)، لغت‌نامه (ذیل/ اسعد)، معجم الادباء (۱۰۰ –۹۶ /۶)، معجم المؤلفین (۲۴۹ –۲۴۸ /۲).

عتبی، ابوابراهیم اسعد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(منسوب به عتبهٔ بن غزوان قبیله‌ای از عرب) ابوابراهیم اسعد بن مسعود بن علی بن محمد بن حسن عتبی. عالم، شاعر و منشی دوره سلجوقیان و غزنویان بود. به سال ۴۰۴ ه.ق. متولد شده و تا اواخر ایام نظام‌الملک می‌زیسته و تاریخ وفاتش به درستی معلوم نیست.

بر گرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عتکی نیشابوری، ابویحیی سهل

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۶۷ ق)، قاضی، محدث و فقیه حنفی. شیخ اهل رأی در خراسان و قاضی هرات بود، و مدتی نیز قاضی طرسوس. در طلب حدیث سفرها نمود و از یزید بن‌هارون و شبابه بن سوار و جعفر بن عون و عبدالرحمان بن قیس و واقدی و عبیدالله بن موسی و عده‌ای دیگر بن محمد بن سفیان فقیه و محمد بن سلیمان بن فارس و احمد بن شعیب فقیه و محمد بن علی بن عمر مذکر و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند.حاکم نیشابوری گوید که عدالت او برای عده‌ای زیر سوال بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۳۳-۳۲ / ۱۳)، لسان المیزان (۴۴۱-۴۴۰ / ۳).

عتیقی تبریزی، جلال‌الدین محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۱ / ۷۱۸ ق)، واعظ و شاعر. وی از خطیبان و واعظان برجسته‌ی ایرانی در دوره‌ی ایلخانان مغول است که با خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی مصاحبت داشت.عتیقی در فصاحت و بلاغت مقامی بلند داشت و غالبا در مدرسه‌ی غیاثیه تبریز وعظ می‌کرد. جلال‌الدین به مانند پدرش در سرودن شعر توانا بود و گویا هر دو، عتیقی تخلص می‌کرده‌اند. از آثار وی: «دیوان» شعر.[۱] (بخش ۱) جلال‌الدین عتیقی تبریزی بن قطب‌الدین عتیقی، دانشمند و خطیب و واعظ (ف. ۷۱۸ یا ۷۴۱ ه.ق.). وی مصاحب خواجه رشیدالدین فضل‌اللّه بود. در فصاحت و بلاغت مقامی بلند داشت و غالبا در غیاثیه تبریز (که از ابنیه غیاث‌الدین محمد بن خواجه رشیدالدین بود) وعظ میکرد. فرزندان وی نیز معزز و محترم بوده‌اند. عتیق به انوع فضایل و کمالات آراسته بود. دیوان بزرگی از او که در سال ۷۴۴ ه.ق. استکتاب شده در کتابخانه استانبول موجود است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ گزیده (۷۴۵)، تذکره‌ی روز روشن (۵۳۵-۵۳۴)، دانشمندان آذربایجان (۲۷۱-۲۶۹)، الذریعه (۷۰۷ / ۹)، سخنوران آذربایجان (۵۲۴-۵۱۹)، فرهنگ سخنوران (۶۲۵)، مجالس النفائس (۳۲۹)، هفت اقلیم (۲۲۷-۲۲۶ / ۳).

عثمان، حافظ

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از سرآمدان کتابت قرآن مجید و حافظان بوده است. در «آستانه» ولادت و نشو و نما یافت و از کودکی به خط علاقه‌مند شد و نزد استاداني چون درویش علي و دیگران به تعلیم و فراگرفتن آن پرداخت تا اجازه‌ی استادی گرفت و در سال ۱۱۰۶ به سمت استادی و تعلیم سلطان مصطفی خان ثالث و سلطان احمد خان ثانی انتخاب شد. بالغ بر ۲۵ قران نوشته که برخی به چاپ رسیده است وی در ۱۱۱۰ قمری درگذشت و در رباط رجه مصطفی پاشا مدفون شد. آثار خطی او از رقعه‌ها و قطعات فراوان است.

چند مرقع به قلمهای مختلف ثلث سه دانگ و نسخ کتابت عالی با رقم: «کتبه المذنب عثمان المعروف به حافظ القرآن» در موزه‌ی اسلامی ترک.

– قرآن وزیری نسخ کتابت و ثلث رقاع عالی با رقم: «کتبه الفقیر السید عثمان المعروف یک توقیع قدیم و نسخ کتابت خفی عالی با رقم حرره الحقیر عثمان المعروف به حافظ القرآن... و کان کتابتی فی زمن الصدر العالی. عزت محمد پاشا... فی یوم الجمعهٔ العاشر من جمادی الاولی سنهٔ سبع و ثمانین و مائهٔ و الف» (۱۱۸۷) در موزه‌ی اسلامی ترک.

– دو قطعه ثلث دو دانگ نسخ کتابت عالی با رقم: «کتبه الفقیر عثمان المعروف یک قطعه توقیع قدیم و نسخ کتابت خفی عالی با رقم: «حرره الحقیر عثمان المعروف به حافظ القرآن» در سلیمانیه‌ی اسلامبول. به حافظ القرآن سنه‌ی ۸۴(۱۰) ه» در سلیمانیه‌ی اسلامبول.

– مرقع مفردات، نسخ کتابت جلی عالی با رقم: «کتبه الفقیر عثمان المعروف به حافظ القرآن غفر اللّه ذنوبه و ستر عیوبه. در اونیورسیته‌ی اسلامبول.

– مرقع ده قطعه ثلث دو دانگ جلی و نسخ و رقاع کتابت جلی عالی با رقم «مشقه الفقیر عثمان» طریق المشق و الادمان سنهٔ ۱۰۹۸ و «مشقه عثمان المعروف به حافظ القرآن». در اونیورسیته‌ی اسلامبول.

– یک مرفع ثلث دو دانگ و نسخ کتابت جلی عالی با رقم «کتبه اضعف عباالرحمن عثمان المشتهر به حافظ القرآن غفراللّه ذنوبه و ستر عیوبه سنهٔ ۱۰۹۴» در اونیروسیته‌ی اسلامبول.

قرآن (یک جزو آخر از عم یتسائلون تا آخر) قطع نیم‌ربعی خشتی، کاغذ فستقی مجدول مذهب. یک سر لوح و سر سوره‌ها مذهب، جلد میشن عنابی ضربی مذهب. نسخ کتابت خوش با رقم: «کتبه العبد المذهب عثمان المشتهر به حافظ القرآن. حامداً اللّه تعالی و مصلیاً علی نبیهٔ محمد و آله الطاهرین اجمعین» در مجموعه‌ی آقای سلطانی القرائی. عثمان. حافظ.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

عجزی تبریزی، حسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از سرایندگان نامی زمان خود بود، با صبوری تبریزی و وقوعی تبریزی (م ۱۰۱۸ ق) معاشرت داشت و «دیوانی» در جواب «دیوان» بابافغانی گفته است. از اوست:

شادم ز طعن خلق که مرغان باغ عشق

شاخی که سنگ می‌رسدش آشیان کنند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۳۱ -۱۳۰ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۱۲)، دانشمندان آذربایجان (۲۷۲ -۲۷۱)، الذریعه (۷۰۸ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۲۶ -۶۲۵)، مجمع الخواص (۱۹۱-۱۹۰).

عجلی اصفهانی، منتخب‌الدین، ابوالفتوح اسعد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۰۰ -۵۱۵ ق)، زاهد، واعظ و فقیه شافعی. در اصفهان به دنیا آمد و همان جا نشوونما یافت و تا پایان عمر در آنجا باقی ماند. از فاطمه جوزدانیه «معجم صغیر» و «معجم کبیر» را استماع کرد و نیز از اسماعیل بن محمد حافظ و غانم بن احمد و ابن‌بطی و گروهی دیگر حدیث شنید. ابونزار ربیعه یمنی و حافظ ضیاء و ابن‌خلیل از وی روایت کرده‌اند.ابن ابی‌خیر و ابن‌بخاری از وی اجازه‌ی روایت داشتند. او املای حدیث می‌کرد و وعظ می‌گفت و شیخ شافعیه در اصفهان و صاحب فتوا بود. وی زاهدی بود که از دست رنج خویش روزگار می‌گذرانید بدین ترتیب که به استنساخ کتب می‌پرداخت و حاصل کار خویش را به فروش می‌رسانید. زمانی ترک وعظ گفت و به تألیف کتاب پرداخت. از جمله آثارش: «آفات الوعاظ»؛ شرح مشکلات «الوسطی» و «الوجیز» غزالی؛ «تتمه التتمه»، در فقه شافعی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۹۴ / ۱)، تذکره القبور (۸۴)، روضات الجنات (۹ -۷ / ۲)، سیر النبلاء (۴۰۳ -۴۰۲ / ۲۱)، کشف الظنون (۲۰۰۸، ۲۰۰۲، ۱۹۱۳، ۱۳۱)، معجم المؤلفین (۲۴۸ / ۲)، النجوم الزاهره (۱۶۶ / ۶)، هدیه العارفین (۲۰۴ / ۱).

عجلی رازی، ابوالفضل عبدالرحمان

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۵۴ -۳۷۰ ق)، قاری، ادیب و شاعر. معروف به ابن‌بندار و مشهور به شیخ‌الاسلام.در مکه به دنیا آمد و قرآن را بر ابوعبدالله مجاهدی و علی بن داوود دارانی و ابوالحسن حمامی قرائت کرد. عجلی حدیث را در مکه و بغداد و دمشق و بصره و کوفه و حمص و مصر و اصفهان و ری و تستر و فساء و نیشابور و نساء و گرگان از محدثین بزرگ فراگرفت. مستغفری و ابوبکر خطیب و ابوصالح موذن و نصر شیرازی و ابوعلی حداد و محمد دقاق و ابوسهل بن سعدویه و فامطه بنت بغدادی حدیث از وی روایت کرده‌اند. عجل یدر یک شهر مدت طولانی اقامت نمی‌کرد و به شهرهای بسیاری سفر می‌نمود و در هر شهر در مسجد خراب آن سکنی می‌کرد و چون شناخته می‌شد به مکانی دیگر می‌رفت. وی سرانجام در نیشابور درگذشت. او اشعاری در زهد سروده است. از آثارش: «جامع الوقوف»؛ کتابی در «فضائل القرآن». پاره‌ای از رجال‌نویسان وی را همان ابوالفضل رازی، عبدالرحمان بن حسن، صاحب کتاب «اللوامح»، در قراآت، می‌دانند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۶۵ / ۴)، ری باستان (۳۱۸ / ۲)، سیرالنبلاء (۱۳۸ -۱۳۵ / ۱۸)، العبر (۳۰۲/ ۲)، کشف الظنون (۱۲۷۷)، معجم المؤلفین (۱۱۶ / ۵).

عجلی مروزی، ابوسعد عثمان

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۲۶ -۴۳۵ ق)، محدث و فقیه شافعی. چون پدران وی سازنده‌ی گاری بودند به عجلی مشهور شده است. وی ملازم قاضی حسین بود. در فقه تبحر یافت و از ابومسعود احمد بجلی و سعید بن ابی‌سعید عیار و قاضی حسین حدیث شنید. ابوسعد سمعانی وی را به

زهـد و تقوی سـتوده است و گویـد که در محضـر او احـدی قـادر به غیبت و پشت سـر دیگران صـحبت کردن نبود. وی در پنـج ده مرورود خراسان درگـذشت. از آثار وی «تعلیقات» بر «الحاوی» ماوردی، در فروع. در «معجم البلدان» کنیه وی ابوسـعید و نام جدش شرف ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۷۳ -۳۷۲ / ۴)، انساب سمعانی (۱۶۰ / ۴)، سیر النبلاء (۶۳۳ -۶۳۲ / ۱۹)،معجم البلدان (۱۲۴ / ۵)، هدیه العارفین (۶۵۳ / ۱).

عجمی، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید عجمی (متولد: ۱۳۴۱ خورشـیدی؛ تهران، قلهک فرزند حاج هدایت الله عجمی) طراح گرافیک؛ خوشـنویس نسـتعلیق و ایجاد کننده خط معلی است.

اساتید و فراگیری نستعلیق

وی از پانزده سالگی نستعلیق را نزد استاد غلامحسین امیرخانی و کیخسرو خروش در انجمن خوشنویسان ایران آموخته است.

خط معلی

خط معلی توسط حمید عجمی در سال ۱۳۷۸ ابجاد و ثبت گردید. وی به واسطه ی این خط مورد تقدیر فرهنگستان هنر قرار گرفت.

مسئولیت ها و فعالیت ها

عضو رسمی فرهنگستان هنر

عضو رسمی مجمع هنرمندان حوزه هنری

عضو و مدیر مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری

مدیر موئسسه فرهنگی هنری فردآ

نمایشگاه ها

حمیـد عجمی تا کنون ۲۱ نمایشـگاه انفرادی و چنـدین نمایشـگاه و جشـنواره گروهی داشـته که در آن ها آثاری را به خط معلی و نستعلیق به نمایش گذاسته است که از مهم ترین آن ها می توان به این ها اشاره کرد:

جشنواره خوشنویسی جهان اسلام؛ تهران؛ فرهنگستان هنر؛ ۱۳۷۶(جمعی)

نمایشگاه سواد اعظم؛ تهران؛ خانه هنر های ایرانی؛ مهر ماه ۱۳۸۲ (انفرادی)

نمایشـگاه بـام بهشت؛ ۱۱۴ اثر بـا عنـوان کلّی تجلی بسـم الله در صـور قرآنی؛ تهران؛ مرکز فرهنگی هنری صـبا؛ بهمـن مـاه ۱۳۸۴ (انفرادی)

نمایشگاه یونسکو؛ پاریس؛ یونسکو، فوریه ۲۰۰۲ (انفرادی)

نمایشگاه اساتید خوشنویسی جهان اسلام؛ دانشکده هنر های زیبای بیروت؛ لبنان؛ آوریل ۲۰۰۲ (جمعی)

تألیفات

کتاب میرزا محمدرضا کلهر

شرح عرفانی آداب‌المشق میرعماد حسنی

برگرفته از کتاب :ویکی پدیا

عجیب مازندرانی، محمد خلیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۹ / ۱۲۸۰ ق)، شاعر، متخلص به عیجب. وی در روزگار محمـدشاه با پـدرش از مازنـدران به تهران آمـد. از همان دوران جوانی به مدح محمدشاه پرداخت و بعد از چندی به دربار ناصرالدین‌شاه قاجار راه یافت. اثر وی «دیوان» شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :حدیقه الشـعراء (۱۱۸۷ -۱۱۸۴ / ۲)، الذریعه (۷۰۸ / ۹)، فرهنگ سـخنوران (۶۲۶)، گنـج شایگان (۳۴۵ -۳۳۹)، مجمع الفصحا (۷۴۱ -۷۴۰ / ۵).

عجیبی گرگانی، شمس‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شـاعر. وی از مـداحان سام‌میرزا صـفوی (م ۹۷۴ ق) بود و قصیـده‌ای در صـفت سیب در مـدح او گفته است. عجیبی

اقسام مختلف شعر را نیک می‌سرود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۰۴ / ۲)، تاریخ نظم و نثر (۶۸۶)، تذکره‌ی روز روشن (۵۳۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۹۲)، الذریعه (۷۰۸ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۲۶)، مجمع الفصحا (۸۶۶ -۸۶۵ / ۲).

عدالت، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی شیمی، دانشکده: فنی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد در رشته مهندسی شیمی از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد در زمینه انتقال جرم (دیفیوژن) از دانشگاه ایلی نویز آمریکا، دکترا در زمینه ترمودینامیک تعادل فازها از دانشگاه ایلینویز آمریکا.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده فنی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

نیروگاههای اتمی (بررسی و آنالیز حرارتی نیروگاههای اتمی)، انتقال سیالات دو فازی (مکانیک سیالات دو فازی)، طراحی خطوط لوله، طراحی واحدهای عملیاتی، ترمودینامیک، انجام در طرح تحقیقاتی تحت عناوین

Removal of dispersed oil from sea water

استاد راهنمای ۱۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

طراحی واحدهای عملیاتی مهندسی شیمی.

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۱

زمینه علمی مقالات:

ترمودینامیک، انتقال حرارت، توزیع و انتقال گاز، طراحی.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

عدالتی شعرباف، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی در زمینه‌های نجوم، ریاضی و دکترای فیزیک.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

کار روی ستارگان دوتائی گرفتی نزدیک و داده‌های مربوط به آنها که شامل شدت (Intensity) و زاویه (Phase) که از طریق مشاهـده و دیـدن و بـا اسـتفاده از روش کوپـال (Frequecncy Domain) و روش تصــــحیحات جزئی (Differential Correction) آنالیز آنها و در نتیجه بدست آوردن شعاع دو ستاره، تابندگی، دما و سایر عناصر فیزیکی و هندسی دو ستاره و بخصوص جرم آنها، با داشتن جرم دو ستاره می‌توان به سیر تحولی ستارگان که هدف اصلی است، رسید. انجام طرح مسئله رویت هلال ماه، استاد راهنمای یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

فیزیک- نجوم، جغرافیای ریاضی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

ستارگان دوتائی گرفتی، جغرافیای ریاضی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

عدل، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به منصورالسلطنه، در ۱۲۶۱ در تبریز تولد یافت. پدرش حاج ابراهیم خلیل از معاریف و بزرگان تبریز بود و به شغل قضاوت اشتغال داشت. مدتی ریاست دیوانخانه خراسان با او بود. عدل تحصیلات ابتدائی و مقدماتی را در تبریز انام داد و سپس عازم مصر شد و دوره‌ی متوسطه را در آنجا گذرانید. بعد در پاریس در رشته‌ی حقوق ثبت‌نام نمود و درجه‌ی لیسانس گرفت. در ۱۲۸۲ به ایران بازگشت و در وزارت امور خارجه استخدام شد و اولین ماموریت او نایب سومی سفارت ایران در مصر بود. بعد با سمت نایب دوم مامور تفلیس گردید و چندی در آنجا انجام وظیفه کرد تا سرانجام به تهران احضار و معاونت دارالترجمه وزارت امور خارجه را به او سپردند. در ۱۲۸۶ به وزارت عدلیه انتقال یافت و سمت قضائی گرفت و کتابی تحت عنوان حقوق اساسی نوشت، به استادی مدرسه‌ی علوم سیاسی برگزیده شد. عدل در وزارت عدلیه مراحل ترقی را پیمود و به معاونت آن وزارتخانه رسید. در کودتای ۱۲۹۹ در کابینه‌ی صد روزه‌ی سید ضیاءالدین طباطبائی به کفالت وزارت عدلیه منصوب شد. در این سمت قوانین مهمی مانند قانون ثبت اسناد و قانون مرور زمان را تهیه و به تصویب رسانیده، مورد اجرا قرارداد ولی پس از سقوط کابینه‌ی سید ضیاءالدین، مدتی بیکار ماند، به تدریس در مدرسه‌ی عالی حقوق پرداخت. در تشکیلات نوین عدلیه که در سال ۱۳۰۶ علی‌اکبر داور بنیاد نهاد، عدل به خدمات قضائی دعوت شد و با رتبه‌ی ۹ قضائی مدیرکل تهیه قوانین و احصائیه شد و در تهیه و تصویب قوانین مهمی که در آن تاریخ ضرورت کامل داشت، تلاش بسیار نمود و قریب ۸ سال در این سمت باقی و برقرار بود.

در ۱۳۱۴ از وزارت عدلیه به وزارت امور خارجه انتقال یافت و سمت وزیرمختاری ایران در ژنو و نمایندگی دائمی در جامعه‌ی ملل به او تفویض شد و در همین سمت ریاست صدمین دوره‌ی اجلاسیه شورای جامعه‌ی ملل را عهده‌دار گردید. در ۱۳۱۶ به ایران بازگشت و به سمت معاونت وزارت امور خارجه منصوب و چندی نیز عهده‌دار کفایت آن وزارتخانه شد. در ۱۳۱۷ به وزیرمختاری ایران در ایتالیا تعیین گردید و تا مهرماه ۱۳۲۰ ش (۱۹۴۱ م) در آن سمت انجام وظیفه می‌کرد. پس از اشغال ایران از طرف قوای متفقین و قطع رابطه‌ی سیاسی ایران و ایتالیا به تهران احضار شد و از طرف دکتر عیسی صدیق وزیر فرهنگ وقت، به جای علی‌اکبر دهخدا به ریاست دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصاد برقرار گردید. وی دکتر عبدالله معظمی را به معاونت خویش به جای دکتر علی شایگان برگزید.

در اسفند ۱۳۲۰ در آخرین ترمیم کابینه‌ی ذکاءالملک فروغی به وزارت فرهنگ معرفی شد ولی با استعفای فروغی، کابینه سقوط نمود. جانشین فروغی، علی سهیلی بود که در کابینه‌ی خود، عدل را در وزارت فرهنگ تثبیت کرد.

در نخست‌وزیری دوم علی سهیلی در ۱۳۲۲، عدل وزیر مشاور کابینه شد. در سال بعد همان سمت را در کابینه‌ی محمد ساعد مراغه عهده‌دار گردید. در آذر ۱۳۲۳ در کابینه‌ی مرتضی قلی بیات (سهام‌السلطان) به سمت وزیر دادگستری تعیین و به مجلس شورای ملی معرفی شد.

در کابینه‌ی اول ابراهیم حکیمی و کابینه‌ی محسن صدر، وزیر مشاور گردید. در ۱۳۲۴ با سمت ریاست هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس سانفرانسیسکو شرکت نموده ، نطق مفصل و بلیغی به زبان فرانسه در مورد تخلیه‌ی ایران و پرداخت خسارات ناشی از جنگ ایراد نمود و بعد در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک حضور به هم رسانیده، درباره‌ی حقانیت ایران و حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور تلاش بسیار نمود.

در سال ۱۳۲۶ در کابینه‌ی احمد قوام، ابتدا وزیر دادگستری و بعد وزیر مشاور شد. در سال ۱۳۲۷(۱۹۴۸ م) در نخست‌وزیری عبدالحسین هژیر و محمد ساعد مراغه‌ای، سمت وزارت مشاور داشت.

در سال ۱۳۲۸ پس از تاسیس مجلس سنا در ایران از طرف شاه به سناتوری آذربایجان انتخاب شد. تا اینکه در سال ۱۳۲۹ به بیماری سرطان درگذشت. او دوبار وزیر فرهنگ، دو نوبت وزیر دادگستری و ۷ بار وزیر مشاور در کابینه‌های ایران بوده است.

مصطفی عدل علاوه بر استادی و ریاست دانشکده‌ی حقوق یکی از علما و حقوقدانان ایران بود و در تمام کمیسیونهائی که برای تهیه‌ی قوانین تشکیل می‌شد عضویت داشت. پس از تصویب قانون مدنی ایران وی شرحی از قانون مزبور تهیه و انتشار داد. این کتاب علاوه بر تدریس در دانشگاه مورد استفاده قضات دادگستری نیز واقع می‌شد و قریب نیم قرن کتاب مزبور از بهترین منابع حقوق مدنی ایران بود و به دفعات تجدید چاپ شد. عدل در جوانی به مصاهرت میرزا رضاقلی‌خان هدایت (نیرالملک) درآمد. نیرالملک نیز از بزرگان علم و ادب بود و علاوه بر وزارت معارف چندی ریاست دیوان عالی تمیز را داشت. از عدل حین‌الفوت یک پسر و چهار دختر باقی ماند. ناصر ذوالفقاری، دکتر محسن مظاهر، دکتر طاهر ضیائی دامادهای او بودند.

(بخش ۱) (سید) مصطفی بن (حاج) میرزا ابراهیم خلیل رکن‌العدالهٔ طباطبائی تبریزی ملقب به منصورالسلطنه (و. ۱۲۵۸ ه.ش.- ف. بیست و دوم تیرماه ۱۳۲۹ ه. ش.) حقوقدان ایرانی و از رجال دوره رضا شاه پهلوی. وی سمتهای دولتی مختلفی یافت از جمله در

سال ۱۲۸۳ ه.ش. نایب دوم سفارت ایران در مصر گردید و در سال ۱۲۸۸ ه.ش. مدعی العموم استیناف مرکز شد و در سال ۱۲۸۹ ه.ش. به معاونت وزارت عدلیه برگزیده شد. در ۱۲۹۰ ه.ش. مدیریت کل معارف را بر عهده گرفت و در سال ۱۲۹۹ ه.ش. کفیل وزارت عدلیه گردید. در سال ۱۳۱۶ ه.ش. نماینده ایران در مجمع اتفاق ملل بود که به ریاست یک صدمین دوره اجلاسیه شورای جامعه انتخاب شد. چندی هم وزیر کشاورزی بود. در سال ۱۳۲۰ ه.ش. به مقام استادی دانشکده حقوق نایل آمد. از آثار او «حقوق مدنی» است که در تهران به چاپ شده.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عدنانی سادات، عبدالمالک

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدعبدالمالک عدنانی ساداتی

محل تولد : سادات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر به سنه ۱۳۴۴ در روستایی محروم به نام سادات از توابع استان چهار محال و بختیاری و در خانواده ای بسیار ساده و مذهبی که مذهبیت خود را چون سیادت خویش نسل به نسل از اجداد گرامی از شجره مبارکه محمد و آل محمد(ص) به ارث برده اند به دنیا آمده و پس از شش سال دوران کودکی تحصیلات خود را (جهت محرومیت منطقه و نبودن امکانات مدرسه دولتی) در مکتب خانه سنتی آغاز نموده و پس از مدت دو سال و آمدن سپاه دانش وارد دوره ابتدایی شدم و پس از کلاس دوم ابتدایی به سبب زلزله ای بسیار شدید در سال ۱۳۵۴ که باعث تخریب روستا و پراکندگی مردم و نیامدن معلم و محرومیت محسوس، منجر به چهار سال ترک تحصیل شد ولی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ به برکت بیداری مردم و بینش دینی مجددا در شهرستان بروجن ادامه تحصیل داده و پس از پایان دوران ابتدایی در سال ۱۳۵۹ وارد مدرسه صاحب الزمان شهرستان شهرضا شدم و مقدمات دروس علمیه را شروع نموده و پس از چهار سال جهت ادامه تحصیل در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علیمه قم گردیده که ابتدا در مدرسه المهدی واقع در خیابان صفاییه که زیر نظر حضرت آیت الله گلپایگانی اداره می شد از محضر اساتیدی گرامی چون آیت الله سید محمد حسین دیباجی و ربانی گلپایگانی و ... بهره مند شده و پس از سپری کردن دروس مدرسه وارد نظام حوزوی شدم که در این مقطع دروس سطح را از محضر اساتیدی بزرگواری چون حضرت آیت الله رضا استادی و آیت الله وجدانی فر و صالحی افغانی و محسن دوزدوزانی و آیت الله اعتمادی استفاده نمودم و پس از اتمام سطوح مدونه، دروس خارج حوزوی را از محضر آیات عظام آیت الله سبحانی ، آیت الله مکارم شیرازی ، آیت الله فاضل لنکرانی، و آیت الله جوادی آملی بهره وافر برده و هم اکنون که سال ۱۳۸۶ را سپری می کنم از افتخار شاگردی مکتب نورانی این عزیزان برخوردار بوده و هستم و امیدوارم خداوند سایه بلند ایشان را طولانی قرار دهد تا بتوان از خرمن پرفیض ایشان بهره کامل گرفت.

و لازم به تذکر است که از سال ۱۳۶۱ همزمان با تحصیلات حوزوی به امر تبلیغ که همان رسالت انبیا عظام است پرداخته که به لطف الهی در زمینه منبر و سخنوری رتبه یکم را به خود اختصاص داده به شماره پرونده ۸۷۴۷ در دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم مثبوت است و در این جهت نوار کاست و سی دی هایی هم وجود دارد که امید است مورد استفاده دوست داران اهل بیت(ع) قرار گیرد.

و با توجه به مطالبی که ذکر شد و به واسطه فیض و عنایات خاصه دائمی امام زمان(عج) بیش از ۲۵ سال سابقه تبلیغی در شهرهای مختلف کشور که حتی همین شهرستان مقدس قم از جمله آنها به امر تبلیغ و انجام وظیفه می پردازم و با توجه به اهمیت موضوع تدوین کتبی چند که نتیجه تجربه چندین ساله است پرداخته که این توفیقات را منحصرا از ناحیه پروردگار علیم و رحیم می دانم امیدوارم آنچه که انجام شد و می شود مورد توجه خاص ولی الله الاعظم روحی له الفداء گردد. و همه سعی و کوشش ما مورد تایید امضای سبز و نورانی حضرت واقع شود و خداوند تمام اعمال و کردار و گفتار و رفتار و حرکات و سکنات ما را مورد رضای خویش قرار دهد.

عذری بیگدلی، اسحاق

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۸۵ ق)، تذکره‌نویس و شاعر، متخلص به عذری. وی برادر آذر بیگدلی و از تذکره‌نویسان و شاعران غزل‌سرای ایران است که در جوانی درگذشت. عذری تذکره‌ای به نام تذکره‌ی «اسحاق» در چهار قمست قصاید، مقطعات، غزلیات و رباعیات تألیف کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۱۸۳ -۱۸۲ / ۱)، دویست سخنور (۲۳۸ -۲۳۷)، الذریعه (۷۰۹ / ۹)، ریحانه (۱۱۷ / ۴)، سفینه المحمود (۴۱۱ -۴۰۹ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۲۷ -۶۲۶)، نگارستان دارا (۲۳۷ / ۱).

عذری تبریزی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی مدتی در شهر یزد به طلب علم پرداخته و در زمان شاه‌عباس (۱۰۳۸ -۹۹۶ ق) به اصفهان پیشه‌ی زرگری را وجه معیشت خود ساخته بود. از اوست:

آمد بهار و گل شد و نوروز هم گذشت

گرد سرت نگشتم و این روز هم گذشت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۳۱ / ۱)، تذکره‌ی روز روشن (۵۳۶)، دانشمندان آذربایجان (۲۷۲)، فرهنگ سخنوران (۶۲۷).

عراقی همدانی، فخرالدین ابراهیم

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۸۸ / ۶۸۶ -۶۱۰ ق)، عارف و شاعر، متخلص به عراقی. از عارفان و شاعران ایرانی است که در قریه کمجان همدان به دنیا آمد و در همدان به فراگیری علوم متداول و ادبیات پرداخت. دیری نگذشت که در ایام جوانی به تدریس در مدرسه‌ی شهرستان همدان منصوب شد ولی با دیدن جماعتی از قلندران حال وی دگرگون شد و در پی ایشان به راه افتاد و به هندوستان رفت و در آنجا به خدمت بهاءالدین زکریای مولتانی رسید و مرید وی شد و خرقه از او دریافت کرد و دختر شیخ خود را به همسری برگزید و صاحب فرزندی به نام کبیرالدین شد. پس از مرگ شیخ، هندوستان را ترک گفته به حج رفت و از آنجا رهسپار آسیای صغیر شد. در قونیه به خدمت صدرالدین قونیوی رسید. از جمله مریدان شیخ در قونیه معین‌الدین پروانه بود. معین‌الدین به اشاره‌ی مولانا جلال‌الدین پروانه بود. معین‌الدین به اشاره‌ی مولانا جلال‌الدین برای شیخ خانقاهی در شهر توقات بنا نمود و عراقی در آن خانقاه به ارشاد پرداخت. وی بعد از مرگ معین‌الدین به مصر رفت ولی در آن جا زیاد توقف نکرد و به شامات بازگشت و سیزده سال پس از وفات پروانه در دمشق درگذشت و در جبل صالحیه (قاسیون) نزدیک مقبره محیی‌الدین عربی دفن شد. از آثار وی: «دیوان» شعر شامل: قصاید، غزلیات و دیگر قالب‌های شعری؛ مثنوی «عشاقنامه» یا «ده‌نامه»، بر وزن «حدیقه‌ی» سنایی؛ «لمعات».[۱]

فخرالدین (و. ۶۱۰ ه.ق./ ۱۳۱۳ م.- ف. ۶۸۸ ه.ق./ ۱۲۸۹ م.) از عارفان و شاعران نام‌آور قرن هفتم است. در همدان متولد شد. آغاز جوانیش در همدان به تحصیل ادبیات و علوم گذشت. سپس در هیجده سالگی به مولتان هندوستان روی نهاد و در خدمت شیخ بهاءالدین زکریا از کبار مشایخ آن سامان آغاز سلوک کرد و چند سال بعد به عربستان و آسیای صغیر رفت و در قونیه به مجلس شیخ صدرالدین قونیوی از پیروان محیی‌الدین بن العربی صوفی بزرگ راه یافت و کتاب لمعات را در آن شهر تحت تأثیر فصوص الحکم ابن العربی تألیف نمود. سپس به مصر و شام سفر کرد و در دیار اخیر درگذشت و در جوار قبر محیی‌الدین ابن العربی در دمشق مدفون گشت. وی علاوه بر مثنوی کوتاهی به نام عشاق‌نامه در بیان مراتب عشق و حالات عاشقان دارد. کتاب لمعات او را نورالدین عبدالرحمن جامی به نام اشعهٔ اللمعات شرح کرده است. کلیات آثار او را مرحوم سعید نفیسی با مقدمه‌ای در احوال و آثارش به سال ۱۳۳۵ شمسی در تهران منتشر کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۷۱)، از سعدی تا جامی(۱۸۱ -۱۷۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۹۸ -۱۱۹۶، ۵۸۴ -۵۶۷ / ۳)، تاریخ گزیده (۷۳۸)، تاریخ نظم و نثر (۱۶۵ -۱۶۳)، تذکره‌ی میخانه (۵۶ -۲۷)، حبیب السیر (۲۵۶ -۲۵۵ / ۳)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (۱۴۹ -۱۴۳)، الذریعه (۸۱۲، ۷۱۰ -۷۰۹ / ۹)، ریاض العارفین (۱۰۷ -۱۰۵)، ریحانه (۱۱۹ -۱۱۷ / ۴)، سیری در شعر فارسی (۳۴۷ - ۳۴۶)، طرائق الحقائق (۳۵۹، ۳۵۸،۳۵۷، ۳۵۶، ۳۱۷ / ۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۴۲ -۳۴۱)، فرهنگ سخنوران (۶۲۷)، کشف الظنون (۱۵۶۳)، گنج سخن (۱۸۳ -۱۷۵ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ فخرالدین)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۶۸۶)، مجمع الفصحا (۸۶۹ - ۸۶۸ / ۲)، معجم المؤلفین (۳۸ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۶ -۷۴ / ۱)، نفحات الانس (۶۰۲ -۵۹۹)، هفت اقلیم (۵۳۹ -۵۳۴ / ۲)، یادگار (س ۴، ش ۶، ص ۶۸ -۵۶).

عراقی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا ابراهیم. عالمی جلیل و غیور بوده، و در نهی از منکر و رفع ظلم، و اشتغال به تدریس و امور شرعیّه، و طریقه زهد و

تقوی ممتاز، و مسجد سلام بوده که جهت او بنا کرده‌اند.

وفاتش در ۱۳۲۳ روی داده، قبرش در تکیه شهشهانی در تخت فولاد.

در نجف از شاگردان حاج میرزا حبیب اللّه رشتی بوده و تقریرات استاد را نوشته، و در اصفهان نیز خدمت آقا میرزا محمّد باقر چهار سوقی و دیگران تلمّذ نموده، و مجاز از چهار سوقی است.

در مدرسه صدر تدیس می‌نموده و جماعتی کثیر از محضرش مستفیض می‌شدند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عراقی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۹ ش)، خطاط. از سادات حسینی سلطان‌آباد اراک بود. وی در جوانی از اراک به هرات رفت و همان جا ساکن شد. در خط شکسته و تعلیق مهارت داشت. میرزا حسین در تکیه‌ی میرزاخان به درس اطفال می‌نشست و ترسل و انشاء و مشق خط شکسته تعلیم می‌داد. وی هنگام مرگ بیش از هشتاد سال داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۸).

عراقی، صابر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علامه رازی در اعلام الشیعه قسم دوم از جزء اول ص ۸۵۰ گوید: وی شیخ آغا صابر بن مولی محمد حسین کوهرودی سلطان آبادی عالمی بارع و فاضل و جلیل، از معاصرین است فقه و اصول و غیر آنرا در نزد عده‌ای از علماء و رجال فضل و اعلام دین خوانده و بعد بوظائف دینی از اقامه جماعت و ترویج و نشر احکام و غیر آنها پرداخته است، و او از علماء موجه و موثق شهرستان اراک بوده است.

نگارنده گوید: مسجد وی در اراک بنام مسجد حاج آقا صابر از مساجد معموره اراک است که اکنون سلیل و فرید ایشان آقای صابری در آن اقامت جماعت و ترویج دین مینمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

عراقی، ضیاء

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۱ -۱۲۷۸ ق)، فقیه و مدرس بزرگ امامی. ملقب به ضیاءالدین. در سلطان‌آباد اراک به دنیا آمد. علوم مقدماتی را در زادگاهش نزد پدر و اساتید دیگر فراگرفت. آنگاه به اصفهان و از آنجا به نجف رفت و در محضر آقا سید محمد فشارکی حضور یافت. پس از وی نزد حاج میرزا حسین خلیلی و آخوند خراسانی و آقا سید محمدکاظم یزدی و شیخ الشریعه‌ی اصفهانی درس خواند. او از شاگردان فاضل و برجسته‌ی آخوند خراسانی شمرده می‌شد و در تدریس سطوح مقام والایی داشت. پس از وفات آخوند خراسانی حوزه‌ی درس خارج تشکیل داد و بسیاری از شاگردان آخوند را به مجلس خود جذب کرد. از این پس او مرجعیت یافت و به عنوان استاد مسلم اصول و مجدّد این علم به حساب آمد. وسعت مشرب وی سبب شد که مجلس درسش پذیرای طلاب فاضلی باشد که هر یک از آنان از مراجع بنام عالم تشیع شوند. از جمله آنان: سید محمدتقی خوانساری و سید عبدالهادی شیرازی و سید ابوالقاسم خویی و سید محسن حکیم و سید علی یثربی کاشانی و شیخ محمدتقی آملی و شیخ عبدالنبی عراقی و میرزا حسن بجنوردی و شیخ محمدتقی بروجردی و بسیاری دیگر می‌باشند. شیخ محمدتقی بروجردی تقریرات درس اصول او را نوشته است. از آقا ضیاء عراقی آثاری باقی مانده است که از جمله‌ی آنها: «الحاشیهٔ علی بیع المکاسب»؛ «الحاشیهٔ علی العروهٔ الوثقی»؛ «مقالات الاصول»؛ «شرح تبصرهٔ المتعلمین» علامه؛ کتاب البیع؛ «رسالهٔ فی استصحاب العدم الازلی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۹۳ -۳۹۲ /۷)، الذریعه (۳۸۹ /۲۱، ۱۳۵ /۱۳، ۲۱۹ /۶)، ریحانه (۵۶ -۵۵ /۱)، علماء معاصرین (۱۹۰ - ۱۸۹)، فوائد الرضویه (۲۱۷).

عراقی، ضیاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای آقا ضیاءالدین عراقی نابغه علم اصول و فقه در عصر اول نگارنده که صیت و صوتش مستغنی از توصیف و تعریف ماست و بعد از مرحوم استادش آیه‌الله العظمی آقای آخوند ملامحمد کاظم خراسانی حوزه درسی مانند حوزه وی نیامده و بلکه قبل از مرحوم آخوند هم یا نبوده یا کم بوده است، در ماه ذی‌الحجه ۱۳۵۹ ق در نجف اشرف از دنیا رفته و در صحن مطهر مقبره شخصی مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

عراقی، عبدالنبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌الله شیخ الفقهاء و المجتهدین مرحوم حاج شیخ عبدالنبی عراقی رحمه‌الله از آیات عظام و فقهاء کرام حوزه علمیه نجف و قم بوده‌اند ولادتش در روز ۲۷ رجب ۱۳۰۸ ق در اراک واقع شده و پس از رشد به همدان مسافرت و دو سالی توقف و تحصیل نموده و از آنجا مراجعت به اراک و حدود چهار سال تحصیل سطوح را نموده و دو سالی از درس مرحوم آیت‌الله آقای آقا نورالدین عراقی بهره‌مند و در سال ۱۳۲۷ مهاجرت به نجف نموده و دو سالی از اصول مرحوم آخوند و چند سالی از فقه مرحوم علامه یزدی استفاده کرده و پس از ایشان از آیات عظامی چون مرحوم شریعت اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی و آقا شیخ علی قوچانی و آقا شیخ مهدی مازندرانی و هشت سالی از فقه و اصول مرحوم آیت‌الله نائینی استفاده نموده و در پایان جنگ بین‌الملل دوم به ایران آمده و ۵ ماهی توقف در اراک آنگاه مراجعت به نجف و هیجده سال دیگر توقف و به تدریس خارج فقه و اصول در مسجد هندی و مسجد شیخ مرتضی نموده تا سال ۱۳۶۸ ق به عزم زیارت حضرت ثامن‌الحجج علیه‌الصلوه والسلام به ایران آمده و بنابر حکم تقدیر و تقاضای جماعتی از فضلاء اراک و غیره رحل اقامت انداخته و به تدریس خارج پرداخته تا سال ۱۳۸۷ که در سن هشتاد سالگی تقریبا در بیمارستان فیروزآبادی شهر ری وفات نموده و جنازه‌اش با تجلیل فراوان استقبال و تشییع شده و در مسجد بالاسر در قبری که حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله برای خود تهیه دیده بودند آن را تفویض به آن مرحوم ننمودند در نزدیکی قبر مرحوم آیت‌الله حایری مدفون گردیده‌اند دارای ۶۵ جلد تالیفات مفید و ارزنده می‌باشند که حدود بیست جلد آن به طبع رسیده و الباقی مخطوط می‌باشد.

تشرف آن مرحوم خدمت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه

بعضی از ثقات از اهل علم و غیر اهل علم حکایت کردند از آن مرحوم که می‌فرمود ۱۴ مسئله در نظرم غامض و مشکل بود می‌خواستم از حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف سوال کنم پس یک اربعین شب چهارشنبه بر طبق معمول و متداول در نجف اشرف به مسجد سهله مشرف شده و نماز خوانده و التماس کردم تا شب چهارشنبه چهلم که از مسجد بیرون آمدم شخصی آمد و گفت: می‌خواهی حضرت ولی‌عصر علیه‌السلام را ببینی گفتم آری گفت با من بیا از عقب او رفتم تا درب منزلی رسید که درب کوتاهی داشت وارد منزل شد و پس از چند دقیقه آمد و به من گفت داخل شو پس وارد شدم منزل کوچکی بود و ایوانی داشت و تختی در آن دیوان بود دیدم وجود مقدس حضرت صاحب‌الزمان علیه‌السلام را که روی آن تخت نشسته‌اند پس سلام کرده چنان مرعوب و مجذوب حضرتش شدم که مسائل را فراموش کردم و سوالات دیگر کرده و بیرون آمدم و قدری که رفتم به یاد مسائلم افتاده برگشتم درب منزل را زدم همان شخص بیرون آمد و گفت چه می‌خواهی گفتم مسائلی دارم که می‌خواهم از آقا سوال کنم گفت آقا تشریف بردند لکن نایب آقا هستند گفتم پس از نایب آقا می‌پرسم پس با اجازه وارد شدم دیدم مرحوم آیت‌الله العظمی آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی جای حضرت روی تخت نشسته‌اند پس مسائل را سوال کرده جواب دادند و بیرون آمدم و با خود گفتم آیت‌الله اصفهانی که نجف بودند چه وقت آمده‌اند پس شبانه به نجف برگشتم و صبح قبل از آفتاب درب منزل آیت‌الله رفتم گفتم بگوئید عبدالنبی عراقی است پس اجازه داده وارد شدم دیدم مشغول نمازند پس از فراغت فرمودند چه می‌خواهی دیگر جواب مسائلت را ندادم ثانیا پرسیدم عین همانکه در کوفه داده بودند جواب دادند پس دانستم موقعیت او و اتصال آن مرحوم را به حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

عراقی، عزت‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر عزت‌الله عراقی در سال ۱۳۱۹ ش در شهر کرمان به دنیا آمد.ایشان دارای مدرک دکترای رشته حقوق از کشور فرانسه است .وی از سال ۱۳۴۹ ش در دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران مشغول خدمات فرهنگی و علمی هستند. کتاب" حقوق بین‌المللی کار "عزت الله عراقی ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عزت‌الله عراقی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خویش به پایان رساند و پس از آن در سال ۱۳۴۲ ش. موفق به اخذ درجهٔ لیسانس در رشتهٔ حقوق از دانشگاه تهران شد و با دریافت بورسیه از همان دانشگاه به کشور فرانسه عزیمت کرد و در رشتهٔ حقوق به اخذ درجهٔ دکترا نایل گردید

استادان و مربیان : عزت‌الله عراقی ضمناً از محضر بزرگانی چون: مرحوم آموزگار، مرحوم آیةالله سیدالعراقین (والد ایشان) و مرحوم آیةالله فقیه استفاده کرده‌اند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عزت الله عراقی از سال ۱۳۴۹ ش در دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران مشغول خدمات فرهنگی و علمی هستند.

جوائز و نشانها : کتاب" حقوق بین‌المللی کار "عزت الله عراقی ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ---

آثار :

۱ حقوق بین‌المللی کار

ویژگی اثر : این کتاب در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «حقوق بین‌المللی کار»: این کتاب که موضوع آن برای نخستین بار در ایران مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته، در چهاربخش سامان یافته است. مؤلف ابتدا چگونگی پیدایش سازمان بین‌المللی کار و نقش آن را در ایجاد حقوق بین‌المللی کار بررسی نموده، آن گاه مبانی و هدفهای حقوق بین‌المللی کار و نیز موضوع این حقوق، یعنی قواعد و معیارهای بین‌المللی کار را تجزیه و تحلیل می‌کند و در آخر، کیفیت اجرای این قواعد و نظارتی را که بر اعمال آنها صورت می‌گیرد، مورد مطالعه قرار داده است.

۲ نظام‌های بزرگ حقوق معاصر

ویژگی اثر : (با همکاری دو نفر از اساتید)

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

عراقی، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا عراقی

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای غلامرضا عراقی در سال ۱۳۴۷هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان آمل دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و شوق ادامه تحصیل در قم، زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیها از سوی دیگر وی را رهسپار قم و درسال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت(ع) با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۵ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله مکارم، آیت الله جوادی آملی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته علوم سیاسی در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۷از دانشگاه آزاد تهران مرکزی فارغ التحصیل گردید و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان"مکتب سیاسی فارابی" دفاع کرد . وی پس از سالها تلاش و علم اندوزی در قم، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون علاوه بر مدیریت گروه معارف دانشگاه چالوس، در این دانشگاه به تدریس دروس معارف اسلامی مشغول می باشد. وی درطول حیات علمی خویش از امرنگارش و پژوهش غافل نمانده است و آثاری از قبیل" انقلاب اسلامی ایران "و" نقش طبقه متوسط در انقلاب اسلامی ایران " را به رشته تحریر در آورده و به زیور طبع آراسته است.

عراقی، مجتبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج آقا مجتبی بن العلامه الزاهد الحاج آقا محمد العراقی الملقب بزین‌الدین متوفی ۲۸ صفر ۱۳۵۸ ق ابن العلامه الزاهد الورع (صاحب تصنیفات العدیده) الاخوند ملا محمدباقر العراقی الکرهرودی الشهیر بالکبیر متوفی ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۳۱۵ هجری قمری که از طرف مادر به سادات صحیح النسب و جلیل القدر حسینی و از طرف جده امی به مرحوم آخوند ملا محمود میثمی عراقی طاب ثراه (صاحب کتاب دارالسلام و کتب جوامع و قوامع و لوامع در فقه و اصول مفصل) منصوب می‌باشند.

در سال ۱۳۲۳ ق در قریه کرهرود عراق متولد و در سن ۱۴ سالگی به متابعت مرحوم والد (طبق تقاضای اهالی و امریه علماء عصر) به قصبه کنگاور که در دوازده فرسخی کرمانشاه و هیجده فرسخی همدان است جهت اقامت مهاجرت نموده و تحصیلات ابتدائی و مقداری از سطح را خدمت پدر تلمذ و در سال ۱۳۴۹ قمری به منظور تکمیل به وطن اصلی بازگشته و مدت چهار سال در محضر اساتید فن و حجج اسلام مانند مرحوم آسید محسن هفته‌ای و محقق مدقق آقا شیخ محمدسلطان العلماء تلمذ نموده و در سال ۱۳۵۳ مهاجرت به قم و از آیات عظام حوزه بالاخص مرحوم آیت‌الله حایری و پس از وی از آیت‌الله مرحومین خوانساری و حجت استفاده نموده و تقریرات و دراسات فقه و اصول آنان را به رشته تحریر آورده و در ۲۸ صفر ۱۳۵۸ ق به واسطه فوت مرحوم والد به کنگاور مراجعت و تا هشت سال به ترویج دین و اقامه جماعت پرداخته و مسجد بزرگی با تمام جهات در مدت کوتاهی بنا نموده و ضمنا به تالیف کتابهائی که ذیلا ذکر می‌شود پرداخته تا در ۱۶ محرم‌الحرام ۱۳۷۰ قمری که ثانیا به شهر قم مهاجرت نموده و بنابر مصلحت و امریه مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی رحل اقامت انداخته و به جلسات درس و بحث آن مرحوم حاضر و حسب‌الامرشان در جلسه استفتاء وی شرکت نموده و در ماه رجب ۱۳۷۷ دفاتر و پرونده‌های مربوط به نظام وظیفه آقایان طلاب و مدیریت کتاب خانه فیضیه قم و تولیت مدرسه مهدی قلی‌خان سابق و مدرسه آیت‌الله بروجردی امروز بـه معظم‌له واگذار و حقا خدمات شایانی بالخصوص نسبت به کتابخانه نموده است.

کتابخانه فیضیه قبل از سرپرستی ایشان در مدت ۴۰ سال از تاسیس آن فقط دارای چهار هزار کتابهای فقهی مندرس و مکرر در قفسه‌های چوبی نیمه تمام به انضمام چند قطعه ذیلوهای رنگ و رو رفته بود، ولی بعد از مدیریت ایشان در مدت کوتاهی رقم کتب به بیست هزار جلد کتاب در فنون مختلف رسید که در قفسه‌های فلزی و وترین مخصوص برای کتب خطی و تا سر حد امکان وسیله آسایش فکری آقایان مراجعه‌کنندگان آماده گردید.

معظم‌له مسافرتهای تاریخی و مذهبی مهمی نموده است از جمله در سال ۱۳۷۷ قمری به رهبری صدها نفر از مردم متدین تهران به سوریه برای حمل ضریح مطهر رقیه بنت‌الحسین علیه‌السلام نموده که شایان اهمیت بوده است، و نیز مسافر فی در معیت و مصاحبت سیدنا الاستاد مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدتقی خونساری به همدان نموده که تصادف با فوت آن مغفور له شده و جنازه را با آن عظمت فوق‌العاده و تجلیل عظیم به قم آوردند

و اما آثار آن جناب به قرار زیر است:

۱- دومین بشر یا علی بن الحسین الاکبر کتابی است مشتمل بر رجال نامی بنی‌ثقیف و قضایای تاریخی شیرین و در فن خود بی‌نظیر است.

۲- وقایع الایام با سبک نوین.

۳- لیله‌القدر در ذکر دلیل و براهین در اینکه شب قدر شب بیست و سوم ماه رمضان است.

۴- شرح زندگانی آیت‌الله مرحوم حاج سید محمدتقی خونساری در سی‌صفحه که در مجله حکمت طبع شده است.

۵- فهرست کتب کتابخانه مدرسه فیضیه در دو مجلد که در سالهای ۷۸ و ۱۳۷۹ به طبع رسیده است.

از اغلب مراجع گذشته و حاضر دارای اجازات روایتی و اجتهاد و غیره می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

عراقی، محسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مآثر و آثار گوید: حاج آقا محسن عراقی که جامع ما بین منقول و معقول است بریاست و ثروت و مزایای دیگر بر اقران تقدم دارد و از این جهت محسود بوده و خواهد بود.

نگارنده گوید: معظم‌له سرسلسله خاندان جلیل محسنی اراکی است، ریاست علمی و دینی اراک باوی بوده و فرزندان بسیاری داشته که در میان آنها مرحوم آیه‌الله حاج آقا مصطفی و آیه‌الله حاج آقا احمد و آقای حاج آقا اسمعیل از علماء آنسامان بوده‌اند و ایشان بودند که از مرحوم آیه‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی رحمه‌الله دعوت کردند که به اراک آمده و تشکیل حوزه دهد و آنمرحوم دعوت آنان را پذیرفته و در سال ۱۳۳۲ قمری که از کربلا باراک آمده و تا سال ۱۳۴۰ قمری در آنجا تدریس و تربیت فضلاء اعلام نموده آنگاه در سال مزبور بقم مهاجرت نموده و تأسیس حوزه علمیه قم را فرمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

عراقی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیه‌الله حاج آقا حسن فرید محسنی مزبور فرزند علامه حاج آقا محسن عراقی است. مرحوم آیه‌الله فرید میفرمود جدم آقای حاج آقا محسن یکی از حکماء و فقهاء نامی ایران در عصر خویش بوده و تولد او ۱۲۴۸ قمری و در سال ۱۳۲۵ قمری در گذشت و در شهر اراک مدفون گردیده و مقبره او مشهور است نوشتجاتی از او در فقه و اصول در دست است که قسمتی از آنها در نزد حقیر میباشد تلمذ او در بروجرد نزد علماء آنجا بوده است و مرحوم حاج سید شفیع در کتاب رجال خویش از ایشان بخوبی یاد کرده است.

پدر بزرگوار این جانب مرحوم حاج آقا مصطفی در ربیع‌الاول ۱۲۹۲ قمری در شهر اراک متولد و پس از تکمیل مقدمات و سطح در سال ۱۳۱۱ قمری بعتبات عالیات مشرف و عمده تحصیل ایشان خدمت مرحوم آیه‌الله خراسانی بوده و مختصری هم درک محضر مرحوم آقا سید محمد فشارکی و مرحوم آیه‌الله میرزا محمد تقی شیرازی را نموده در قسمت معقول هم از مرحوم آقا شیخ احمد شیرازی استفاده نموده پس از سفر مختصری باراک در سال ۱۳۲۴ مجددا بنجف اشرف عزیمت نموده و در آنجا اقامت کرده و جزو نامیان و شاگردان درجه اول آیه‌الله خراسانی بشمار میآمده است. پس از آن مراجعت و بافاده و تدریس مشغول و در ۲۷ رجب ۱۳۷۱ قمری برحمت ایزدی واصل و جسد شریفش بنجف اشرف حمل و در وادی السلام در مقبره شخصی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

عراقی، نورالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ریاست حوزه علمیه اراک قبل از مرحوم آیه‌الله حایری باوی بوده و آنمرحوم از بیت مرحوم آیه‌الله حاج آقا محسن یعنی برادرزاده و داماد آنمرحوم دانشمندی بزرگوار و مرجعی عالیقدر و فقیهی شایسته و بمحاسن اخلاق و ملکات فاضله علم و حسن خلق و تواضع موصوف و معروف بوده است در حدود پنجاه سالگی مرحوم و قبرش مزار مردم عراق میباشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

عرب ابوزیدآبادی، عبدالرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرضا عرب ابوزید آبادی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۷/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در منطقه ابوزید اباد کاشان گذراندم و در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم مقدمات و سطح را در مدرسه علمیه معصومیه گذراندم و از محضر اساتید فرهیخته حوزه بهره بردم از جمله حجج اسلام اقایان مسعودی رضوانی حسینی قزوینی منتظری مقدم نائینی یغمایی و ...

رسائل ومکاسب را نزد استاد علیدوست و کفایه را نزد استاد محسن غرویان فرا گرفتم و چندی در درس خارج اقایان لاریجانی و واعظی شرکت کردم در سال ۱۳۷۵ وارد موسسه امام خمینی شدم و دوران کارشناسی معارف اسلامی را در ۵ سال سپری کردم که علاوه بر فلسفه ومعارف اسلامی با علوم انسانی نیز اشنا شدم

سپس در سال ۱۳۸۰ وارد گرایش تاریخ اسلام در موسسه امام خمینی شدم و از محضر اساتید فرهیخته تاریخ همجون استاد یوسفی غروی مهدی پیشوائی یعقوب جعفر ی صادق آیینه وند امامی میر سپاه سید حمید روحانی و لک زائی بهره گرفتم و در سال ۱۳۸۵ پایان نامه فوق لیسانس خود را دفاع نمودم و از همان زمان به تحقیق و پژوهش در زمینه تاریخ اسلام مشغول شدم که حاصل آن انتشار ۶ مقاله علمی تحقیقی در نشریات و فصلنامه های تخصصی است علاوه بر این به تدریس تاریخ اسلام و تاریخ و فرهنگ ایران ' تاریخ امویان و تاریخ عباسیان در مرکز جهانی علوم اسلامی و جامعه الزهرا مشغول هستم و هم چنین با گروه تاریخ مدرسه عالی فقه ومعارف اسلامی (مدرسه حجتیه) همکاری می کنم و دبیر اموزشی گروه تاریخ این مدرسه هستم

مدتی نیز با معاونت پژوهشی موسسه امام خمینی همکاری تحقیقاتی و پژوهشی داشتم و در پروژه مقتل جامع امام حسین مطالبی را تهیه کردم .

عرب زاده، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالفضل عرب زاده

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۳/۱/۱

زندگینامه علمی

ابوالفضل عرب زاده د رخانواده مذهبی و متوسط الحال شهرستان قم در سال ۱۳۱۳شمسی تولد یافت .دوران کودکی را از مکتب میرزا محمود مدیر استفاده کرده و ابتدائی را در مدرسه سنائی آموخته ،ادبیات و سطح را از حجج الاسلام مرحوم حاج شیخ علی توکلی، و حاج شیخ محمد رضا نظری استفاده نموده است .او در سال ۱۳۴۸شمسی با افتتاح کتابخانه دارالتبلیغ اسلامی قم به مدیریت آیهٔ الله حاج شیخ مهدی حائری تهرانی ، معاونت کتابخانه را داشته و کتب کتابخانه را تنظیم ،رده بندی و فهرست نموده است .از سال ۱۳۵۱با مهاجرت آیهٔ الله حائری به تهران ،تا سال ۱۳۶۱،مدیر مسئول کتابخانه مذکور بوده است .با فراز و نشیبهای سال ۱۳۶۱همزمان مسئولیت تنظیم ،رده بندی و فهرست نگاری چند کتابخانه را داشته .من جمله کتابخانه مدرسه حقانی ،کتابخانه مدرسه امام صادق (ع)(حضرت آیهٔ الله العظمی حاج سید صادق روحانی) کتابخانه مبارکه بنیاد فرهنگی امام مهدی (عج)(حضرت آیهٔ الله العظمی حاج شیخ مهدی حائری تهرانی)که به صورت قفسه باز اداره می شود و کتابخانه آیهٔ الله سبحانی و کتابخانه مجمع جهانی اهل البیت و کتابخانه دارالعلم مدرسه آیهٔ الله بهبهانی(مجتهد زاده)اهواز و.....همچنین بنیانگذار کتابخانه آیهٔ الله العظمی گلپایگانی که هم اکنون در خدمت کتابخانه فوق الذکر می باشد .

عرب زاده تالیفات وآثاری دارد که برخی ازآنها به این شرح است :

۱–معرفی بعضی مخطوطات نفیس کتابخانه آیهٔ الله العظمی گلپایگانی (مجله رسالهٔ القرآن)

۲–معرفی نسخه ای کهن از نهج البلاغه (اوائل قرن ششم)در مجله رسالهٔ القرآن

۳– معرفی نسخه رسائل ومسائل مرحوم نراقی (کنگره نراقی)

۴–فهرست ۱۰۳۶۰نسخه خطی کتابخانه آیهٔ الله العظمی گلپایگانی چاپ ۱۳۷۸/۸۵۰صفحه ،ناشر :دارالقرآن

۵–طرحی نو در نظام کتابداری (روشی که اکنون با برنامه رایانه در بعضی کتابخانه های قم معمول است)ناشر:انتشارات اسلامی قم .

اشعاری هم داردبه خصوص درسرودن ماده تاریخ از ان جمله است مصرع دوم قصیده معجزیه از مرحوم ناطق که شصت ودوبیت است .عدد تمام حروف مصرع اول قصیده ۱۲۱۸ماده تاریخ سال تذهیب گنبد حضرت معصومه (س) از مرحوم ناطق ،وعدد تمام حروف مصرع دوم ۱۴۲۵ماده تاریخ تعمیر وتذهیب اخیر گنبد ازعرب زاده است که در فضائل حضرت معصومه (س)ومدح حضرت ولی عصر نیز می باشد .

ودیگر ماده تاریخ زایر سرای امام صادق (ع)در مشهد مقدس که در ذیل می آوریم .در سفری که به زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیهٔ والثناءمشرف بودم ود رزائر سرای امام صادق (ع)سکونت داشتم د رتابلو کاشی کاری معرق زائر سرا تاریخ تجدید بنا را به شمسی نوشته بودند وحیفم آمد که سال قمری نداشته باشد به نام امام هشتم هشت بیت شروده شد وسطری که ماده تاریخ تجدید بناست به حساب ابجد هم سال قمری محسوب می شود وهم سال شمسی واین ازالطاف الهی است .یعنی عدد ابجدی حروف از نام بنا ونام بانی با هشت بگوی بنای آنرا،۱۳۷۳می شود که سال بنا به تاریخ شمسی است به طریق دیگر

عرب شیرازی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. در شیراز تحصیل کرد و به اصفهان رفت و در آنجا با شاعران و بزرگان آن شهر مانند لطفعلی‌بیگ آذر حشرونشر داشت. پس از مدتی به هندوستان مهاجرت کرد و در همان سامان درگذشت. در سرودن شعر توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۲۰۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۸۹ / ۲)، الذریعه (۲۱۹ / ۹)، کاروان هند (۸۷۲ – ۸۷۱ / ۲).

عرب محفوظی، محمدمهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی عرب محفوظی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۰/۳/۲۴

زندگینامه علمی

اینجانب محمدمهدی عرب محفوظی در سال ۱۳۷۴تحصیلات حوزوی خود را در مدرسه علمیه ابا صالح(عج) آغاز کردم و از همان سالهای آغازین تحصیل، به تدریس علوم حوزوی از ادبیات عرب گرفته تا منطق و...پرداختم. همچنین به خاطر علاقه قبلی به ادبیات فارسی در کلاسهای درس استاد سیدابوالقاسم حسینی شرکت کردم و دست به قلم بردم. در طول این سالها در برخی نشریات داخلی مدرسه قلم زدم و چند شماره از نشریه قلم را نیز به همکاری دوستان منتشر کردم. در سالهای پس از مدرسه در ضمن ادامه جدی فقه و اصول در محضر اساتید فن به موسسه امام صادق رفتم و به تحصیل در علم کلام پرداختم و این رشته تخصصی را تا انتهای سطح سه در سال ۱۳۸۵دنبال نمودم و در سال تحصیلی ۱۳۸۵–۸۶ به سمت استادی در این موسسه انتخاب شدم. همچنین به مدت یک و نیم سال در موسسه تربیت مدرس حوزه تدریس نمودم و همچنان در برخی از مدارس حوزوی اشتغال به تدریس دارم. در طول این سالها مقالات و نوشته های متعددی را ویرایش نمودم و در زمینه مباحث اعتقادی و کلامی و ادبی تحقیقاتی انجام دادم و مقالاتی نگاشتم و اکنون نیز مقالاتی در دست نگارش دارم.

والسلام علیکم و رحمه الله

عرب یعقوبی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: مهندسی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای مهندسی مکانیک.

مرتبه علمی:

استادیار بخش مهندسی مکانیک دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۷، دانشیار دانشگاه شیراز در سال ۱۳۶۵، ارتقاء به درجه استادی در سال ۱۳۷۱، استاد برجسته دانشکده مهندسی دانشگاه شیراز در سال تحصیلی ۱۳۷۰ –۱۳۷۱.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اندازه‌گیری تابش خورشید و تهیه مدلها برای تخمین تشعشع، مشابه‌سازی سرمایش غیر فعال ساختمانهای مسکونی، مشاهده جریان هوا از اطراف ساختمانهای گنبدی و ساده، انتقال همزمان حرارت و جرم به صورت آرام و متلاطم از اطراف اشکال مختلف هندسی، مدلسازی گرمایش و سرمایش شیپورها، مطالعه آموزش مهندسی در بعضی از کشورهای توسعه یافته، استاد راهنمای ۹ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی تألیفات:

انتقال حرارت در مهندسی، روشهای محاسباتی در مهندسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵۱

زمینه علمی مقالات:

انتقال حرارت، جریان باد اطراف ساختمانها، سرمایش غیر فعال ساختمانها، مدل‌سازی انجماد، انرژی خورشیدی، انتقال حرارت و جرم در جریانهای آرام و متلاطم، مشاهده جریان سیال آزاد و اجباری.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

عربانی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد از شاگردان میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی معروف به (عربانی) بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

عربشاه یزدی، عمادالدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، شاعر و صوفی. وی از دانشمندان و شاعران عهد آل‌مظفر بود و با شاه‌یحیی (مقتول ۷۹۵ ق)، فرزند شرف‌الدین مظفر، ارتباط داشت. عمادالدین، شاه یحیی مظفری و دو پسرش را در مقدمه‌ی منظومه‌ی خود موسوم به «مونس العشاق» ستوده است. این منظومه در حدود یک هزار بیت و بر وزن «لیلی و مجنون» نظامی است. عربشاه یکی از رسایل شیخ اشراق درباره عشق و کیفت حدوث و مبادی و مراحل آن به طریق رمز و اشاره را با مهارتی بسیار و در کلامی استادانه و ممتاز به نظم آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۰۵ -۱۰۹۳ / ۳)، تاریخ نظم و نثر (۷۴۵).

عربکرلو، حسنعلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. وی از قورچیان شاه طهماسب و پدرش نیز وزیر قورچیان بود. خطی خوش داشت و دارای کمال استعداد بود و قطعه‌نویسی می‌کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گلستان هنر (۴۹).

عرشی اکبرآبادی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۹۱ ق)، عارف، خطاط، شاعر، متخلص به عرشی. ملقب به نادرالعصر و مشهور به عرش‌الله. پدر وی از خوشنویسان معروف و از مشایخ نعمت‌اللهیه بود و وصفی تخلص می‌کرد. عرشی در اکبرآباد هند به دنیا آمد و همان جا نشوونما یافت. نسبش به چند واسطه به شاه نعمت‌الله ولی می‌رسد. عرشی از معاصران شاه جهان گورکانی بود و از سوی وی به نادرالعصر ملقب و در میان مریدان به عرش‌الله مشهور بود. داراشکوه بن شاه‌جهان او را به تعلیم فرزند خود، سلیمان شکوه، گماشت اما پس از چندی وی از خدمت کناره گرفت و به گوشه‌گیری میل کرد. از آثار وی: «دیوان» شعر؛ منظومه‌ی «مهر و فا»؛ «شاهد عرشی»؛ «مناقب‌نامه‌ی مرتضوی»، که بعضی تألیف این اثر اخیر را به برادرش، میر صالح کشفی هم نسبت داده‌اند. از خطوط او: یک قطعه به قلم سه دانگ جلی و نیم دو دانگ عالی، با رقم: «الفقیر الحقیر محمد مؤمن الحسینی... ۱۰۷۳».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۴۲ / ۳)، ایضاح المکنون (۶۰۹، ۴۰ / ۲، ۵۱۷ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۱۶ - ۱۳۱۰ / ۵)، الذریعه (۷۱۰ / ۹)، ریحانه (۱۲۲ -۱۲۱ / ۴)، صبح گلشن (۲۸۰ -۲۷۹)، فرهنگ سخنوران (۶۲۸)، منظومه‌های فارسی (۴۲۱- ۴۲۲).

عرشی تبریزی، طهماسب

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر، متخلص به عرشی. وی از شاعران عهد شاه‌طهماسب صفوی (۹۸۴ -۹۳۰ ق) است که قصایدی در مدح میرمیران سروده است. در بعضی تذکره‌ها او را از مردم یزد نوشته‌اند، ولی در تذکره‌ی «نصرآبادی» آمده که اصلشس ترک است و دارای «دیوان» شعری قریب به ده هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۰ -۷۹ / ۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۶۷ -۲۶۶)، جامع مفیدی (۴۴۷ -۴۴۵ / ۳)، الذریعه (۷۱۱ - ۷۱۰ / ۹)، ریحانه (۱۲۲ -۱۲۱ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۶۲۸)، مجمع الخواص (۶۲ -۶۱).

عرفان تهرانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اصل وی از تهران بود. به اصفهان رفت و در آن شهر به کتاب‌فروشی مشغول شد و از این طریق امرار معاش می‌کرد. عرفان در سرودن شعر نیز دست داشت و اشعاری لطیف می‌سرود.

از اوست:

تا قیامت لب خمیازه گشاید چو کمان

یک بغل هر که ترا تنگ در آغوش کشید

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۰۹)، الذریعه (۷۱۱)، صبح گلشن (۲۸۰)، فرهنگ سخنوران (۶۲۸).

عرفان شهرستانی، عبدالله

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به عرفان پدرش خواهرزاده‌ی شاه‌عباس صفوی بود. شاه صفی (۱۰۵۲ -۱۰۳۸ ق) او و پدر او را کور نمود. از مردم شهرستان از توابع اصفهان بود که از علوم زمان خود چون منطق، صرف و نحو، نجوم و تاریخ سررشته داشت. نصرآبادی می‌گوید: «طبعش در ترتیب نظم نهایت لطف دارد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۵۳۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۴ -۱۳)، الذریعه (۷۱۱، ۶۹۷ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۲۸ / ۹)، مجمع الفصحا (۸۰ / ۱).

عرفان، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در سال ۱۳۳۶ در خانواده ای مذهبی در شهرضا چشم به دنیا گشودم پدرم یک خیاط مذهبی و مادرم سیده ای از تبار سادات طبائیان(طباطبائی)بود.

شش کلاس ابتدایی را در مدرسه خیام به پایان بردم و سپس به حسینیه سادات رفتم تا دروس دینی را بیاموزم در محضر حجج اسلام حاج سید محمد علی طبائیان (طباطبائی)زارعان، محمدحسین رهایی، حاج شیخ علی تاکی و ... زانو زدم.

سپس به اصفهان رفتم و از استادانی چون حاج آقا حسن امامی و آقای ابراهیمی و آقای فقیهی بهره گرفتم، آنگاه به قم آمدم از فروغ علم گسترانی چونان حضرات اعلام: طالقانی، تهرانی، مدرس افغانی، کریمی جهرمی، استادی، ابطحی، زاهدی، اعتمادی، خسرو شاهی، پیشوایی تهرانی و آیت الله اسماعیلپور و آیت الله شیخ جواد تبریزی پرتوهایی نه در خور آنان که همساز با فانوس کورسوز خویش برگرفتم.

سالیانی چند ادبیات فارسی، حاشیه، مغنی، معالم، مختصر، مطول، لمعه، مکاسب، و کاربرد علوم بلاغی در قرآن را با سروران مدارس رسالت، کرمانی ها، رضویه، حقانی و موسسه امام خمینی رحمهٔ الله علیه باز گفته ام.

چندین پایان نامه را به مشورت و یا به اصطلاح راهنمایی نشسته ام .

تاکنون به عربستان،عراق،سوریه، سوئد، امارات سفر زیارتی و تحقیقی و تبلیغی داشته ام و تحقیقاتی در دست سامان بخشی دارم از همسر سیده ام پنج فرزند دارم دو پسر و سه دختر، علیرضا در مدرسه کرمانی ها درس می خواندو امیر محسن در مدرسه شهیدین.

کتب:

کرانه ها / سه مجلد

شرح جواهر البلاغه / دو مجلد

شرح و ترجمه تهذیب البلاغه

فرهنگ غلط های رایج

پژوهشی در اعجاز قرآن

خاطر و خاطره

آفت ها و لطافت های جنسی

زبان آگاهی

پدر و مادر در فرهنگ اسلامی

درمان نازائی. مقالات:

ازلابلای متون / حدیث زندگی ۳

رمز و راز شادابی و نشاط در جوانی/ گفت و گو /دیدار آشنا ۲۳

موفقیت و شانس / حدیث زندگی ۳

زبان آگاهی پیامبر (ص) و امامان(ع)/علوم حدیث ۱۲

عفت در اندیشه، گفتار و رفتار /حدیث زندگی ۶

عرفانی، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسـمعیل عرفـانی فرزنـد میرزا ابوطـالب خـان عرفـانی است. خود ابوطـالب خان در رودبار متولـد شـده است. او پس از پایان گرفتن تحصـیلاتش در شاهزاده عبدالعظیم (شـهرری)، برای مطالعه و آشـنایی با روشـهای نوین آموزش و پرورش به قفقاز رفت و در آنجا مدرسه ای برای ایرانیان مقیم قفقاز تاسیس کرد. پس از آن راهی سمرقند شد و در آنجا نیز به تاسیس مدرسه برای فرزندان ایرانیان مقیم آن شهر همت گماشت. شادروان ابوطالب عرفانی پس از انقلاب اکتبر، مانند بسیاری از ایرانیان مهاجر، به میهن بازگشت و در بندر انزلی دست به تاسیس مدرسه ای زد که اسمعیل و برادرش ابراهیم از نخستین شاگردان آن بودند. سپس برای اینکه فرزندانش به دانشگاه راه یابند در سال ۱۳۰۹ به تهران آمد. ابوطالب خان عرفانی از یاران و همرزمان میرزا کوچک خان بود و مدتی را همراه سردار جنگل در اقامتگاه او سپری کرد و در همانجا همسر و یکی از فرزندانش را از دست داد.

در کتاب سـردار جنگل، نوشـته ابراهیم فخرایی نیز از او به نام میرزا ابوطالب یاد شده است. از آن زمان به بعد چون پیشینه سیاسی و مبـارزاتی وی بـا اوضـاع و احوال سیاسـی آن زمان سازگار نبود، کوشـید تا زنـدگی خود را در گمنامی بگذرانـد. ابوطالب عرفانی، خـدمتگزار فرهنگ این مرز و بوم سـرانجام در پی چهـل سـال تلاش در راه ایجاد مـدارس جدیـد و تصـدی مشاغلی چون ریاست فرهنگ انزلی، کفالت فرهنگ گیلان و ریاست مدرسه ناصرخسرو سرانجام در سال ۱۳۲۵ چشم از جهان فروبست. اسمعیل عرفانی فرزند سوم از چهار فرزند نخستین ازدواج پدر در سال ۱۲۹۵ در بندر انزلی بدنیا آمد، تحصیلات مقدماتی خود را در مدرسه ای که پـدر تاسیس کرده بود، در انزلی به پایان رسانیـد و بعـد برای ادامه تحصـیل به رشت رفت و دوره متوسطه را در آن شـهر گذراند. درآن زمـان دانش آموزان می توانسـتند در صورت برخورداری از اسـتعداد و توانایی تحصـیلی چشـمگیر چنـد کلاس را در یکسال بگذرانند و اسمعیل عرفانی نیز با استفاده از این حق و به اتکای استعداد وظرفیت خارق العاده اش توانست در سن ۱۵ سالگی به اخذ دیپلم کامـل متوسـطه و پس از سه سـال در ۱۸ سـالگی به دریـافت درجه لیسـانس حقوق نایل آیـد. او پس از پایان دوره دانشـکده حقوق به اسـتخدام بانک ملی ایران درآمد و دوسال بعد، در سال ۱۳۱۵ همراه نخستین گروه اعزامی از سوی بانـک ملی ایران برای تحصـیل در رشـته حسابداری به انگلستان رفت، و این دوره را که مدت آن هشت سال بود در پنج سال به پایان رسانید و با موافقت بانـک ملی ایران دو سـال نیز در مـدرسه اقتصاد لنـدن به تحصـیلات عالی در رشـته اقتصاد پرداخت و در این رشـته موفق به دریافت درجه فوق لیسـانس شـد. بـازگشت اسـمعیل عرفـانی به میهن، تا پایان جنگ جهانگیر دوم به طول انجامیـد. در این زمان او نخستین حسابـدار خبره ای بود که به ایران برگشت و در بانـک ملی ایران به خـدمت ادامه داد و به دسـتور مـدیر عامـل وقت این بانـک، به بررسی و بازنگری سازمان بانک یاد شده ماموریت یافت. اسمعیل عرفانی، با کمال تاسف، در سال ۱۳۲۶؛ یعنی در سن ۳۰ سالگی، در جریان مسافرت به شـمال کشور، در اثر تصادفی شدیـد هنگام رانندگی از ناحیه کمر به شدت آسیب دید و از هر دوپا فلج شد. این حادثه تاثیری ناگوار بر روحیه او نهاد و افسـردگی شدیـدی بروی عارض کرد تا آنکه از سوی بانک ملی ایران به منظور معالجه برای مدت ۶ مـاه به انگلسـتان فرسـتاده شـد. منتها معالجات نتیجه ای در پی نـداشت، اما چون این مـدت را در میان معلولان جنگی جنـگ جهانگیر دوم به سـر برد، از مشاهـده روحیه امیـدوار و فعالیت و تحرک آنان روحیه اش بکلی دگرگون شـد و از آن پس به مدت ۲۷ سال روی صـندلی چرخـدار با نهایت جدیت و امیدواری به فعالیتهای علمی و فرهنگی خود ادامه داد. به گفته دکتر فضـل ا ...اکبری:"بخش درخور توجه عمرشـان که زمان بعـد از تصادف را دربر می گرفت، روی تحت و در یک اتاق در طبقه زیر زمین بانک ملی و سپس بانک مرکزی سپری کردند".

در این زمـان مبـارزات مردم ایران در راه ملی کردن صـنعت نفت آغـاز شـده بـود و او بـا همـان وضـعی که داشت به این مبـارزات پیوست و در همان حال در اجتماعات حضور می یافت و در راه پیماییها شـرکت می کرد. افزون بر این با انتشار مقاله های اقتصادی در روزنامه های کیهان و اطلاعات نظریه های جدیـدی برای سازمانـدهی اقتصاد بدون اتکا به درآمد نفت ارائه کرد که مورد توجه دکتر محمـد مصـدق قرار گرفت و او را در شـمار مشاوران اقتصادی خود برگزید و هفته ای چند بار با وی به مشورت می پرداخت. در همیـن زمـان بـود که گروهی از نماینـدگان مجلس شـورای ملی به تحریـک دشـمنان نهضت، به شـدت برعلیه دکـتر مصـدق به مخالفت برخاسـتند. اسـمعیل عرفانی از طریق یکی از دوستانش توانست فهرست اسامی سهامداران ایرانی شرکت سابق نفت انگلیس را که از شـمار مخالفـان مصـدق بودنـد به دست آورد و این فهرست را در روزنـامه هـا منتشـر ساخت و آشـکار شـد وکلایی که به سرکردگی جمال امامی با اقدامات دکتر مصدق مخالفت می کردند، از سـهامداران شرکت نفت بوده اند. این اقدام او سبب شد که از شدت مخالفتها کاسـته شود و دکـتر مصدق نیز وی را مورد تشویق قرارداد. او در همین زمان به عنوان رییس هیئت عالی بازرسـی شرکت ملی نفت در جریان خلع یـد از شـرکت انگلیسـی منصوب شـد و به همراهی دوست و همکار همیشـگی اش زنـده یاد اسـتاد حسن سـجادی نژاد به اسـتقرار نظام مالی صـنعت نفت یاری رسانید. اسمعیل عرفانی از بنیانگذاران دانشکده حسابداری و علوم مالی شرکت ملی نفت ایران است. دکـتر فضـل ا... اکـبری در این بـاره می گویـد: "ایشـان به لحـاظ وضـع جسـمانی خـود نمی توانستند درکارهای اجرایی فعالیت یا حتی تدریس کنند، مرحوم سجادی نژاد دانشکده یاد شده را پایه گذاری کردند و ریاست آنرا برعهده گرفتنـد، منتها در همه حال از یاری و همراهی مرحوم اسـمعیل عرفانی بهره منـد بونـد". غلامرضا حیدر خویی از شاگردان اسـمعیل

عرفانی فضای جلسه اعلام موافقت با به رسمیت شناختن مقاطع تحصیلی مدرسه عالی حسابداری و علوم مالی را به وسیله استاد چنین توصیف کرده است: "آن جثه رنجور به کمک یاران صمیمی اش برروی صندلی چرخدار پشت تریبون قرار گرفت و موافقت مسئولان وقت را با صدایی آرام، نگاهی نافذ و تبسمی حاکی از احساس رضایت به آگاهی مشتاقان حاضر در جلسه رسانید. سکوتی ژرف فضای جلسه را فرا گرفت و با جدا شدن صندلی چرخدار از تریبون بود که حاضران به احترام به پا خاستند و با کف زدنهای ممتد استاد و پشتیبان خود را ستودند". او پیش از این نیز مدرسه حسابداری بانک ملی ایران را که گواهینامه دانشگاهی نمی داد، تاسیس کرده بود و نخستین کتاب حسابداری و حسابرسی خود را برای آموزش در این مدرسه تالیف کرد. اسمعیل عرفانی تا آنجا که توانست به تدریس پرداخت و همراه آن به تالیف کتابهایی در رشته حسابداری، از جمله سه جلد کتابهای حسابداری مدیریت و کتاب حسابرسی همت گماشت. کتابهای پیشگفته معتبرترین منبع مطالعه در زمینه حسابداری مدیریت و حسابرسی تا سالهای اخیر و انتشار کتابهای جدید در این رشته بود. عملکرد شغلی و رفتار حرفه ای او درخور توجه بسیار است. ذکر داستانی در این مورد خالی از لطف نیست. زمانی که عرفانی رییس هیئت عالی بازرسی شرکت نفت بود، آگاه شد تعدادی از اعضای هیئت مدیره این شرکت ـ برخلاف قانون ـ در شرکتهای نفت خارجی سهم دارند. نخست در آمریکا و پس از توفیق نیافتن در این باره در کتابخانه پارلمان کانادا به جستجو پرداخت و موفق به دستیابی به مدارک مورد نیاز جهت اثبات موضوع شد و اعضای مورد نظر را در موقعیتی قرار داد که ناگزیر بودند یا از سهام خود در شرکتهای پیشگفته صرفنظر کنند یا آنکه از عضویت هیئت مدیره شرکت نفت استعفا دهند. زمانی دیگر با خبر شد برخی از شرکتهای نفتی در قراردادهای خود با یکی از کشورهای بحرین یا کویت امتیازهای درخور توجهی را برای این کشورها در نظر گرفته اند در حالی که در موارد مشابه، همان امتیازها را از ایران دریغ داشته بودند و وجود چنین امتیازاتی را در قرارداد با سایر کشورها نیز انکار می کردند. او درصدد اثبات موضوع برآمد، تا آنکه به منظور بررسی سیستمهای مالی شرکتهای نفتی خارجی به آمریکا اعزام شد. در آنجا کوشید تا در کتابخانه معروف کنگره به قراردادهای موردنظر دست یابد، اما رییس قسمت خاورمیانه کتابخانه یادشده، از هرگونه همکاری در این زمینه، به دلیل محرمانه بودن اسناد مذکور خودداری کرد. اسمعیل عرفانی با وضعیت جسمی خود رنج سفر را برخود هموار کرد و فاصله دو هزار کیلومتری واشینگتن تا کانادا را طی کرد اما بازهم به نتیجه نرسید. به شیکاگو که قراربود سیستمهای مالی شرکتهای استاندارد اویل و ایندیانا را در آنجا مطالعه کند، بازگشت و سرانجام با کوششها و پیگیریهای وصف ناپذیر و هوشمندانه و در پرتو شناخت و آگاهی که از مناسبات و سیستمهای اداری و اطلاعاتی آن شرکتها داشت به اسناد مورد نظر دست یافت و امکان دسترسی به امتیارات مورد انتظار را در مذاکرات بعدی فراهم ساخت. زمانی نیز موفق به کشف تقلب و حساب سازی در حسابهای کنسرسیوم شد، اما مدیران کنسرسیوم با اتکا به پشتیبانی دربار به گزارشهای او وقعی نگذاشتند. اسمعیل عرفانی آنان را تهدید کرد که در صورت نپرداختن حقوق کامل شرکت ملی نفت ایران، آنان را به دلیل رعایت نکردن قوانین مالیاتی آمریکا درخود آن کشور تعقیب خواهد کرد، همین تهدید سبب شد که کنسرسیوم جبران خسارتهای وارد شده به ایران از این بابت را بپذیرد. مدعای عرفانی نزدیک به ۵۰ میلیون دلار بود، اما دکتر امینی نخست وزیر وقت که برای وصول این مطالبات به خارج رفته بود، در آنجا کل خسارت را به ۲۰ میلیون دلار مصالحه کرد و این موضوع باعث رنجش عرفانی شد که معتقد بود، حق با ایران بوده و می توانسته اند تمامی خسارت را مطالبه کنند. در اواخر خدمتش در شرکت نفت به علت اختلافهایی که بین او و دکتر اقبال به خاطر گزارشهای او در مورد تخلفات شرکتهای خارجی بروز کرده بود، ناگزیر شد، شرکت نفت را ترک کند و به بانک مرکزی بازگردد. در آنجا فعالیت خود را به عنوان معاون مطالعاتی این بانک ادامه داد، یک سال هم در این سمت بود که بازنشسته شد و در سال ۱۳۵۲، در سن ۵۷ سالگی به علت نارسایی کلیه درگذشت. به گفته دکتر فضل ا... اکبری "...اصطلاحهای حسابرس و حسابرسی و برای نخستین بار مرحوم اسمعیل عرفانی به کار بردند. پیش از این که ایشان این اصطلاحها را پدید آورند، واژه های ممیز و ممیزی به کار می رفت که صرف نظر از مفهوم کلی، در عرف مردم بیشتر به رسیدگی از دید و برای تشخیص مالیات اطلاق می شد".

اسمعیل عرفانی پیشگام تاسیس تشکلهای حرفه ای در ایران بود، دکتر اکبری در این باره گفته است: "علاقه ایشان به پیشرفت حرفه و توسعه و تشکل آن به حدی بود که به رغم مشکلات جسمی و گرفتاریهای شغلی برتمامی فعالیتها نظارت می کردند و خودشان نیز پا به پای دیگران در تمام کارها مشارکت می جستند. در واقع دلیل پیشرفتهای درخور توجه حرفه در دوره فعالیت ایشان همین بود".

نخستین انجمن حسابداران ایران در سال ۱۳۴۲ به ثبت رسید. دکتر اکبری گفته است:".... بانی تاسیس این انجمن مرحوم اسمعیل عرفانی بودند و جلسات نیز در دفتر ایشان تشکیل می شد و پیگیری و پایه گذاری آنرا خود ایشان برعهده داشتند".

جنبه دیگر شخصیت اسمعیل عرفانی، وجه فردی، رفتاری و فرهنگی اوست. دکتر اکبری در این باره گفته است: "... شخصیت ممتازی بودند و دفترشان مرکز تجمع حسابداران برجسته وصاحبنظران آن زمان بود و سمت پیشکسوتی داشتند. نقش چشمگیر ایشان در تاسیس انجمن حسابداران و تالیف کتابهای حسابداری و حسابرسی بر همگان روشن است. در واقع هر کار و کوششی از دفتر ایشان آغاز می شد". دکتر اکبری همچنین گفته است: "دو صفت تیزهوشی و جدی بودن را بیش از سایر ویژگیهای ایشان به خاطر دارم و فکر می کنم این صفات با کیفیتی که در مرحوم اسمعیل عرفانی وجود داشت، در کمتر کسی یافت می شود، بویژه در شرایطی که ایشان به فلج مبتلا بودند و پیامدهایی که این بیماری برای ایشان داشت. با این حال چنان فعال بودند که بندرت می توان فردی این گونه فعال سراغ کرد". در میان طیف گسترده علائق و دلبستگیهای او مانند فعالیتهای حرفه ای، فعالیتهای اجتماعی، تالیف و تدریس و متشکل ساختن حرفه و تاسیس دانشگاه و جز آن، شعر نیز از امتیاز چشمگیری نزد او برخوردار بود. در میان شعرای ایرانی، به اشعار سعدی و حافظ و بیش از همه به مولانا دلبستگی داشت و به مطالعه و بررسی عرفان علاقمند بود. به مسافرت و گذران در طبیعت و مناطق کوهستانی علاقه بسیار داشت و پیش از آنکه آن حادثه دردناک، شیوه دلخواهانه زندگی را از او دریغ نماید، از هر فرصتی برای اقامت همراه دوستان و بستگانش در طبیعت کوهساران بهره می جست. برای افراد درستکار و صادق و کوشا احترام بسیار قائل بود و از دروغ و ریا و شنیدن حرفهای نسنجیده و ناروا برآشفته می شد. بسیار صریح بود و ناخرسندی

خود را از دیگران به آسانی با آنان در میان می نهاد. روابط او با دیگران دوستانه و همراه با احترام بود، درستکار و دقیق و سختکوش بود و با دیگران مناسباتی جدی، صمیمانه، ملاطفت آمیز و مهربان داشت. در عین حال در مواردی که ادامه روابط خود را با دیگران مناسب نمی دانست، بسیار صریح نظر خود را ابراز می داشت و در منتهای خونسردی و احترام بتدریج با آنان قطع رابطه می کرد. از ورود به حوزه شخصی زندگی افراد به شدت پرهیز می کرد و به دیگران نیز اجازه نمی داد که به مسائل شخصی او بپردازند. با دانشجویانش صمیمی و حمایتگرانه و در عین حال با انضباط و جدی رفتار می کرد. ساده و بی پیرایه می زیست، قانع و از تجملات بیزار بود، معاشرت با دوستان و بستگانی را که ساده زندگی می کردند بسیار دوست داشت و تا حد امکان از حضور در مراسمی که با تشریفات و تجملات همراه بود، پرهیز می کرد، اما از مشارکت در امور اجتماعی به هر شکلی که ممکن بود، از جمله به صورت اهدای کمکهای مالی موثر استقبال می کرد. بالاترین آرزویش این بود که مردم خوب و درست کارکنند و کار به کاردان سپرده شود و دیگر اینکه، مگر روزی بهبود یابد و از رنج بیماری وارهد.

خانواده اسمعیل عرفانی برایش احترام بسیار قایل بودند، کوششهای او را تقدیر می کردند و وی را موجب مباهات خود می دانستند. اسمعیل عرفانی معتقد بود: "اگر واقعاً سیستم حسابداری و حسابرسی درستی در مملکت نداشته باشیم، هیچگاه اصلاحات اقتصادی به جایی نمی رسد".

عرفانی، فاضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل عرفانی

محل تولد : عراق- کربلا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۴۳ در شهر مقدس کربلا می‌باشم، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر اهواز گذراندم و از همان سنین نوجوانی و دوره راهنمایی جذب جلسات مذهبی و علمی شدم و در سال ۱۳۵۷ رتبه نخست قرائت قرآن در مقطع مدارس راهنمایی استان خوزستان را کسب کرده و برای مسابقات کشوری به شهر مقدس مشهد اعزام شدم. در سال ۱۳۵۸ پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی وارد حوزه علمیه اهواز شدم. سپس در سال ۱۳۶۰ در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل شده و از اساتید حوزه بهره‌مند شدم در مقطع سطح از اساتیدی همچون حضرات آقایان: پایانی، ستوده، اعتمادی، دوزدوزانی، صالحی مازندانی بهره بردم. و در دوره خارج از حضرات آیات: وحید خراسانی، میرزا جواد تبریزی، فاضل لنکرانی، صافی گلپایگانی.دروس معقول را نزد حضرات آقایان: انصاری شیرازی، مصباح یزدی، حسن‌زاده آملی گذراندم.در اولین دوره چهار ساله تخصصی علم کلام زیر نظر آیت الله جعفر سبحانی شرکت کردم و با معدل ۱۹/۲۵ با رتبه ممتاز در سال ۱۳۷۴ فارغ التحصیل شدم.

عرفانی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی عرفانی

محل تولد : حومه بویین زهرا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۱ مقابل مدرسه مرحوم آیت الله نجفی مرعشی پس از تظاهرات دستگیر شدم و به شهربانی (خیابان باجک) انتقال یافتم و چندین ماه در زندان بودم. بعد از دو ماه تعداد دیگری از طلاب و دانشجویان را دستگیر کردند و به زندان آوردند، سپس به شیراز و شهر کازرون منتقل کردند، بعد از چهار ماه به آباده شیراز آوردند. مدت یک سال و هشت ماه در ضد اطلاعات و گردان آباده شیراز تحت نظر بودم. در قزوین دستگیر شدم، به سازمان امنیت بردند، لکن آزاد شدم. اسلام‌شهر تهران، جلسات هفتگی دعوت داشتم، به علت سخنرانیهای سیاسی و انقلابی تحت تعقیب بودم و فراری. سال ۵۶ و ۵۷ سخنرانی در راهپیمایی‌ها (روی ماشینها و پشت بام‌ها وتحت تعقیب و فراری). مستقر نمودن کمیته‌های بعد از پیروزی و جهاد سازندگی و خدمات فرهنگی. شرکت در

خطوط مقدم جبهه (چهار حمله) رزمی و تبلیغی. تدریس در دانشگاه‌های اصفهان، تهران، استان فارس (آباده)، قزوین، تفرش و... تألیف کتب متعدد و جزوات درسی جهت تدریس در دانشگاه‌ها. آموزش اسلحه‌شناسی به اعضای کانون ارشاد. تأسیس کانون ارشاد و پرورش فکری جوانان...

عرفانی، یونس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید یونس عرفانی یکی دیگر از چهره‌های درخشان و دانشمندان مبارز و فعال معاصر است در تهران. ایشان در سال ۱۳۱۳ شمسی برابر ۱۳۵۴ قمری در طوالش به دنیا آمده و در سال ۱۳۲۷ شمسی برای تحصیل به اردبیل رفته و پس از خواندن ادبیات و مقداری از سطوح در سال ۱۳۲۹ شمسی مهاجرت به قم نموده و سطوح عالی را از آیت‌اللّه سلطانی و آیت‌اللّه حاج میرزا علی مشگینی و بعضی دیگر بـه پایـان رسانیـده سـپس از درس خـارج مرحـوم آیـت‌اللّه العظمی بروجردی و آیـت‌اللّه العظمی شـریعتمداری و نایب‌الامـام آیت‌اللّه العظمی خمینی فقهاً و اصولاً اسـتفاده کامل نموده و در سال ۱۳۴۳ شمسـی اوائل تبعید و گرفتاری امام به تهران منتقل و در منطقه غرب تهران خیابان هاشـمی رحل اقامت افکنده و در مسـجد حضـرت سیدالشهداء آنجا به اقامه نماز جماعت و تبلیغ احکام و تنویر افکار و نشـر معارف اسـلامی پرداخته و خـدمات چشـمگیر و شایانی نموده و آثار گرانقـدری از قبیل تأسیس کتابخانه و تهیه کتب سودمنـدی برای مطـالعه عموم و بالاـخص نسـل جوان از خود به یادگار گـذارده است آقای عرفانی علاوه بر این وظائف برای خدمت بیشتری مکرر به کشورهای پاکسـتان و مصـر و لبنان و حجاز مسافرت نموده و در کنفرانسـها و مؤتمرهای اسلامی شرکت و سخنرانیهای جالبی ایرد نموده که مورد اعجاب و تجلیل دانشـمندان و روشنفکران و دانشجویان عالی قرار گرفته است و بالاخص در سفر اخیرشان به لبنان از طرف آیت‌اللّه العظمی شـریعتمداری برای شـرکت در مجلس یادبودی که از طرف دانشمندان و دانشجویان لبنانی برای مرحوم مبرور اسـتاد مرتضـی مطهری شـهید تشـکیل شده بود سخنرانی عجیب و مهمی نمودند که در جرائد آن کشور و غیره منعکس گردید.

خلاـصه معظم له یکی از سـتاره‌های فروزان و مجاهـدین فـداکار است که شب و روز قولا و فعلا مشـغول پیکار و مبارزه و خـدمات دینی می‌باشند که شرح آن خود کتابی خواهد بود که متاسفانه اینجا مجال آن نیست.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

عرفی شیرازی، جمال‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۹۹ -۹۶۳ ق)، شاعر، متخلص به عرفی. در شیراز به دنیا آمـد و در زادگاهش به تحصـیل علم و دانش پرداخته، و به قدر توان در موسـیقی و خط نسخ مهارت بدست آورد. از جوانی به سرودن شعر تمایل داشت، دیری نپایید که در شیراز شهرت یافت و به محافل ادبی آن شـهر، چون محفل ادبی که در دکان طراحی میرمحمود طرحی شیرازی برگزار می‌شـد، راه پیدا کرد و در آنجا با شاعرانی چون غیرتی شیرازی، عارف لاهیجی، قیدی شیرازی، تقیای شوشتری و تقی‌الدین اوحدی بلیانی آشنایی یافت. در اوان جوانی از راه دریـا بـه هندوسـتان مهـاجرت کرد و بـا فیضـی دکنی برخـورد کرد و مصـاحبت وی را اختیـار نمـود و سـپس توسـط وی بـا حکیم مسیح‌الدین ابوالفتح گیلانی آشـنا شد و در قصـیده‌ای مدح او را گفت. ابوالفتح گیلانی نیز او را به عبدالرحیم خانخانان، سـهپسالار ادب‌پرور جلال‌الدین اکبرشاه، معرفی کرد و از آنجا در سلک مداحان ویژه‌ی اکبرشاه در لاهور درآمد. عرفی همچنان در لاهور به سر برد تا درگـذشت. پس از چنـدی پیکرش را به نجف منتقل کردنـد. شـهرت او در قصـیده‌سازی است و آن به چنـد سـبب است: نخست به علت توانـایی در تتبع شـیوه‌ی اسـتادان پیش از خود، دو دیگر برای آوردن سـخن روان به همراه نازک‌خیالی‌ها و همچنین برای گنجانـدن اندیشه‌های علمی و نکته‌هایی که از آن می‌توان اسـتخراج کرد. عرفی در قالب‌های دیگر شـعر نیز طبع‌آزمایی کرده، امـا مهـارت او در قصیده، دیگر سـروده‌های وی را تحت‌الشعاع قرار داده است. «کلیـات» اشـعار عرفی مشـتمل بر چهارده هزار بیت شامـل قصـیده و ربـاعی و مثنوی و قطعه است. جمال‌الـدین دو مثنوی به نامهای «مجمع الابکار» و «فرهاد و شـیرین» و رساله‌ای به نثر درباره‌ی تصوف به نام «نفیسه» نیز نگاشته است.[۱]

(ع. ف. منسوب به عرف) جمال‌الـدین محمـد بن بدرالدین شـیرازی شاعر معروف ایرانی (و. شـیراز ۹۶۳ ه.ق/ ۱۵۵۵ م.- ف. لاهور ۹۹۹ ه.ق/ ۱۵۹۰ م.). وی به کسب علوم و ادبیات پرداخت و در جوانی به هنـد رفت و به دربار اکبر شاه راه یافت و بیشتر عمرش در هندوسـتان گـذشت. عرفی در سـرودن قصایـد و غزلیـات و قطعـات وترجیع و ترکیب مهـارت داشت. مخصوصـا غزلهای او از حیث اشـتمال بر تـأثرات قلبی شاعر و غمزدگی و نومیـدی و همچنین مضامین جدیـد قابل توجه است، و او یکی از بهترین شاعران سـبک هندی است. عرفی به تقلید مخزن‌الاسـرار و خسرو و شیرین نظامی دو مثنوی ساخته و رساله‌ای صوفیانه نیز به نام «نفیسه» دارد. دیوان اشعار او هم به طبع رسیده.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ایضـاح المکنون (۵۱۸ / ۱)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۶۵ -۱۶۳ ،۱۶۲ -۱۶۱ / ۴)، تاریـخ ادبیات در ایران

(۸۱۴ -۷۹۹ / ۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۸۲۳ ،۷۶۹ / ۲)، تاریخ نظم و نثر (۴۱۸ -۴۱۷)، تذکره‌ی میخانه (۲۳۴ -۲۱۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۲۲ -۶۰۶ / ۳)، دایره‌المعارف فارسی (۱۷۲۹ / ۲)، الذریعه (۷۱۴ -۷۱۲ / ۹)، ریحانه (۱۲۴ -۱۲۲ / ۴)، سیری در شعر فارسی (۳۷۶ -۳۷۵)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۷۵ -۱۱۷۴ / ۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۴۳)، فرهنگ سخنوران (۶۲۹)، کاروان هند (۸۹۰ -۸۷۲ / ۲)، کشف الظنون (۱۵۹۶، ۸۰۱)، گنج سخن (۵۲ -۴۳ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ عرفی)، مآثر رحیمی (۳۵۴ -۲۹۳ / ۳)، مجمع الخواص (۱۵۱ -۱۵۰)، مرآه الخیال (۸۲ -۸۱)، مرآت الفصاحه (۴۰۹ -۴۰۷)، منظومه‌های فارسی (۴۲۵ - ۴۲۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۱ -۶۱۰ / ۵)، نتایج الافکار (۴۷۳ -۴۶۸)، هفت اقلیم (۲۴۶ -۲۳۸ / ۱).

عرفی کمانگر تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. معروف به عرفی کمانگر. وی از شاعران دربار شاه‌طهماسب صفوی (۹۸۴ -۹۳۰ ق) و مداح وی بود. از جمله آثارش: «دیوان» شعر؛ مثنوی «گوی و چوگان»، در بحر هزج مسدس اخرب مقبوض.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۵۴)، تحفه سامی (۳۱۱ -۳۱۰)، دانشمندان آذربایجان (۲۷۳ -۲۷۲)، الذریعه (۷۱۲ / ۹)، ریحانه (۱۲۲ / ۴)، صبح گلشن (۲۸۱)، فرهنگ سخنوران (۶۲۹ -۶۲۸)، کاروان هند (۱۱۹۶ / ۲)، منظومه‌های فارسی (۴۲۵)، هفت اقلیم (۲۴۸ -۲۴۷ / ۳).

عریان، شهربانو

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زیست‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته بیولوژی از دانشگاه تربیت معلم تهران، دکترا در رشته فیزیولوژی غدد درون‌ریز در پستانداران (موش) و ماهیها در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

استادیار زیست‌شناسی دانشگاه ابوریحان بیرونی از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۶۲، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده علوم دانشگاه تربیت معلم تهران در سال ۱۳۶۵.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فیزیولوژی جانوری، فیزیولوژی غدد درون‌ریز در پستانداران و ماهیها، درد و بی‌دردی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۲ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

فیزیولوژی غدد درون‌ریز و فیزیولوژی غشاء سلولی، مباحث آندوکرینولوژی و نورو آندوکرینولوژی، فیزیولوژی تولیدمثل پیشرفته انسان.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

فیزیولوژی غدد درون‌ریز و مباحث آندوکرینولوژی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

عریضی خراسانی، جمال‌الدین، سید حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عالم. از بزرگان علمای امامیه در قرن سیزدهم و از مجاورین حائر شریف حسینی بود. از تألیفات وی: «اصول جوامع العلم» یا «جوامع العلم»، در چهار مبحث: شناخت رب و شناخت نفس و شناخت احکام و شناخت چیزهایی که انسان را از

دین خارج می‌کند، که در ۱۲۴۰ ق تألیف شده؛ «الفواد الحائریه فی فقه الامامیه»، در شرح مبحث سوم «اصول جوامع العلم» ، در معرفت احکام. او این کتاب «فوائد» را در ۱۲۴۷ ق وقف اولادش کرده است. صاحب ترجمه همان است که شیخ احمد احسائی رساله‌ی «العلم» را در جواب او نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۳۲ / ۱۶ ،۱۸۰ / ۲)، ریحانه (۱۲۵ / ۴).

عریضی یزدی، محمدرفیع

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرفیع حسینی عریضی یزدی صاحب کتاب خاتم سلیمانی که در ادعیه نوشته و آداب نماز شب را در آن شرح داده و دیگر کتاب شمس‌العارفین که مشتمل بر عمل سه ماهه و اختیارات ایام و وقایع شهور است دیگر مرآت‌العبادات که در عمل شب جمعه و روز جمعه است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

عزت شیرازی، باقر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به عزت. وی از بازرگانان معروف بود که در ضمن تجارت به هندوستان رفت و در آنجا با بسیاری از بزرگان شعر و ادب ملاقات داشت. آزاد بلگرامی (م ۱۲۰۰ ق) می‌گوید: «دیوان» عزت به خط او قریب پنج هزار بیت از قصیده و غزل و رباعی حاضر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۴۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۲۸ -۶۲۶ / ۳)، الذریعه (۷۱۴ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۳۱)، کاروان هند (۸۹۵ -۸۹۱ / ۲)، نتایج الافکار (۴۹۱).

عزت قاجار، سلیمان

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۲۰ -۱۱۸۳ ق)، شاعر، متخلص به عزت. ملقب به اعتضادالدوله. معروف به خال اوغلی. در شیراز به دنیا آمد. وی پسر دایی آقا محمدخان قاجار بود و در به قدرت رساندن خان‌قاجار نقش داشت. عزت‌قاجار در سلطنت آقا محمدخان و فتحعلی شاه عهده‌دار کارهای مهم حکومتی بود و حکومت گیلان و آذربایجان را به عهده داشت. خاندان امیرسلیمانی بازمندگان او هستند. لازم به ذکر است که صاحب «الذریعه» وفات وی را ۱۲۵۲ ق ذکر کرده است. از آثارش «دیوان» شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ عضدی (۱۷۷)، تذکره‌ی پیمانه (۲۹۹ -۲۹۶)، حدیقه الشعراء (۱۱۹۱ -۱۱۹۰ / ۲)، الذریعه (۷۱۴ / ۹)، سفینه المحمود (۴۶ -۴۵ / ۱)، شرح حال رجال (۱۲۴ -۱۱۸ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۳۱ -۶۳۰)، مجمع الفصحا (۸۱ / ۱)، مکارم الآثار (۶۷۸ -۶۷۶ / ۳)، نگارستان دارا (۳۸).

عزت، مصطفی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاگرد «یساری افندی» و خود و برادرش «حافظ تحسین» دو تن خطاط مشهور آستانه‌ای بودند که از آنها مجموعه‌ی مشقی به نام «مجموعه‌ی خطوط عثمانیه» چاپ و منتشر گردیده که محتوی ثلث و نسخ و رقه و فارسی (ظ. نستعلیق) و دیوانی است. این دو در ترکیب خط دارای ذوق سلیم بوده‌اند.

از خطوط او دیده‌ام: دو قرآن ربعی وزیری، نسخ کتابت خفی عالی با رقم: «مصطفی عزت ۱۲۸۸ و ۱۲۵۹» در موزه‌ی اسلامی ترک.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

عزمی تبریزی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۰ ق)، شاعر. از شاعران عهد صفویه بود که در تبریز به تجارت اشتغال داشت. عزمی قصاید بسیاری در ستایش حضرت رسول (ص) و خاندان وی سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۰۱)، دانشمندان آذربایجان (۲۷۴)، الذریعه (۷۱۷ / ۹)، سخنوران آذربایجان (۵۳۲).

عزیز لاهیجی، یوسف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به عزیز. از اشراف گیلان بود. مقدمات علوم را در گیلان کسب کرد. سپس برای تکمیل تحصیلات به تهران آمد و به دربار راه یافت و پیشخدمت و کتابخوان فتحعلی‌شاه، بیشتر اوقات را در شیراز زندگی می‌کرد و خانه‌اش در شیراز محفل ادیبان بود. در شعر به غزلسرایی تمایل داشت. خط را نیز خوب می‌نوشت. اثر وی «دیوان» شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۱۹۴ -۱۱۹۳ / ۲)، الذریعه (۷۱۹ / ۹)، سفینه المحمود (۶۴۵ -۶۴۴ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۳۲)، مجمع الفصحا (۷۳۹ -۷۳۸ / ۵)، نامها و نامدارهای گیلان (۳۳۵)، نگارستان دارا (۱۱۸).

عزیزاللهی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا عزیزالهی

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم. عشق به تحصیل بر تمامی مشکلات زندگی غالب گردید و از ابتدا به تحصیل جدی علوم دینی پرداختم. در سال ۱۳۶۸ در کنار تحصیل و تدریس دروس حوزوی به تحصیل علم حقوق در مجتمع آموزش عالی قم وابسته به دانشگاه تهران پرداختم. در سال ۱۳۷۲ لیسانس گرفتم و در سال ۱۳۷۴ در همانجا به فوق لیسانس مشغول شدم و در سال ۱۳۷۶ فوق لیسانس در رشته حقوق خصوصی گرفتم. در کنار آن پس از اولین سالی که وارد حوزه شدم از سال دوم تدریس در حوزه به تدریس جامع المقدمات شروع کردم و سپس سیوطی و حاشیه و معالم در مسجد فاطمیه به صورت عمومی داشتم و حتی به خاطر دارم که مسجد از طلاب پر می شد. سپس تدریس رسائل و مکاسب و اکنون مشغول تدریس خارج بیع میباشم. در ضمن تالیف یک دوره فقه برای کتب درسی نیز در برنامه کاری می باشد. در سال ۱۳۷۹ در رشته دکتری فقه و حقوق خصوصی در مدرسه عالی شهید مطهری پذیرفته شدم در سال ۱۳۸۴ با دفاع از پایان نامه خود تحت عنوان «بیع متقابل از دیدگاه فقه و حقوق» فارغ التحصیل شدم.

عزیزکیا، غلامعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامعلی عزیزکیا

محل تولد : بندر آباد یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۴/۲۳

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی را در دبستان همام روستای بندر آباد در ۳۰ کیلومتری یزد گذراندم سپس در مدرسه راهنمایی طراز یزد و یکسال نیز در دبیرستان ۱۷ شهریور یزد تحصیل نمودم. در مهر ۱۳۵۷ به حوزه علمیه یزد وارد شده و مدت دو سال دروس مقدمات

ادبیات و منطق را نزد استادان حوزه از جمله مفیدی فر، حجهٔ الاسلام علاقه بند، میر حسینی، مفیدی، معالی، عجمین فرا گرفتم. در مهر ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و باقیمانده دروس مقدماتی و سطح عالی را گذراندم. در این دوران از اساتیدی چون آقایان اشتهاردی، عبایی، صالحی افغانی، اعتمادی، موسوی تهرانی، ستوده، علوی گرگانی محقق، طاهری حسن آبادی بهره بردم. از سال ۱۳۶۱ هم زمان با دروس حوزوی از برنامه های علمی موسسه در راه حق نیز بهره بردم و از درس های آیهٔ الله مصباح مدظله و دیگر استادان آنجا از جمله آقایان فیاضی، رجبی، میرسپاه استفاده کردم در این سال ها به طور متناوب در درس اخلاق جناب آیهٔ الله مظاهری نیز شرکت می کردم.

در سال ۱۳۶۷ در درس خارج فقه آیهٔ الله میرزا جواد آقا تبریزی(ره) حاضر شده و بیش از هفت یا هشت سال از محضر ایشان بهره بردم. هم زمان طی ۶ سال یک دوره خارج اصول جناب آیهٔ الله مکارم مدظله را درک نمودم، در همین ایام(از ۱۳۶۷– ۱۳۷۳) در دوره تخصصی تفسیر و علوم قرآنی بنیاد فرهنگی باقرالعلوم(ع) شرکت کردم و با معدل ۳۳/۱۸ از پایان نامه حوزه با موضوع آثار اجتماعی دین از دیدگاه قرآن دفاع نمودم.

پس از آن در مؤسسه پژوهشی حوزه دانشگاه طرح پژوهش روش شناسی تفسیر قرآن را با همکاری استادان آن مؤسسه اجرا نموده (در سال ۱۳۷۹ این کتاب منتشر شد.) سپس طرح مکاسب تفسیر را ارائه که با همکاری جناب استاد بابایی اجرا شد(بنده در این طرح حدود پنج مقاله کوتاه و بلند ارائه کردم که در جلد اول مکاسب تقریر در مقاله کوتاه آن منتشر شد و بقیه در آینده منتشر خواهد شد.در سال ۱۳۷۸ در مؤسسه امام خمینی(ره) طرح پژوهشی زن در فرهنگ و اندیشه اسلامی را اجرا نمودیم که حاصل آن یک جلد کتاب جستاری درهستی شناسی زن در سال ۱۳۸۲ منشر شد. در سال ۱۳۷۹ در آزمون ورودی دوره دکترای علوم و قرآن و تفسیر موسسه، شرکت و به این دوره راه یافتم و اکنون در حال تدوین رساله پایان نامه این مقطع به عنوان نقش حدیث در تفسیر قرآن هستم. در طی سال های گذشته آثار ناچیزی در زمینه تفسیر و علوم قرآنی به صورت مقاله نگاشته ام. هم چنین دو اثر از مباحث جناب آیهٔ الله مصباح یزدی دام ظله را تحقیق و تدوین نمودم و در زمینه اعجاز قرآن/ مبانی و قواعد تفسیری/روایات تفسیری/متون تفسیری در مؤسسه، مرکز جهانی، جامعهٔ الزهرا، مرکز تحقیق تفسیر،مرکز سید الشهداء در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد تدوین نمودم. نه شکوفه ای نه برگی نه ثمر نه سایه دارم متحیرم که دهقان به چه کار کشت ما را

عزیزه، بی‌بی

قرن:۸

جنسیت:زن

ملیت:ایران

پیش از ۷۹۱ ق، از زنان شایسته و نیکوکار. او فرزندان مردم مسلمان را بدون چشمداشت کمک، تعلیم می‌داد و بخشنده و بردبار بود. وی در شیراز درگذشت و در همانجا دفن شد. گویند که شب‌ها از قبر او نور بیرون می‌آمد.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: تذکره‌ی هزار مزار، ۲۱۴؛ شدالازار، ۱۶۵.

عزیزی سیفی ابهری قزوینی، عزیزالله

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۸ ق)، شاعر، متخلص به عزیز. اصل وی از سادات حسنی ابهر بود که در قزوین به دنیا آمد. عزیزی در زمان اکبرشاه از قزوین به هند رفت و چندی عهده‌دار شغل دیوانی بود. در پایان کارش به حبس و شکنجه انجامید. او در فن سیاق و انشاء مهارت داشت، علوم غریبه را می‌دانست و در شعر استاد بود. از آثارش: «دیوان» شعر؛ «گل و مل»؛ «وجه القناعه»؛ «رساله‌ی منظوم رمل»؛ «صحیفه العشاق »؛ «شهرآشوب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۳۰)، تحفه سامی (۵۱ –۵۰)، تذکره‌ی روز روشن (۵۴۳)، الذریعه (۷۱۹ / ۹)، صبح گلشن (۲۸۴)، فرهنگ سخنوران (۶۳۲)، کاروان هند (۸۹۷ / ۲)، منظومه‌های فارسی (۲۴۶)، مینودر (۵۲۰ / ۲)، هفت اقلیم (۱۷۷ / ۳).

عزیزی قنادی، قدیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر قدیر عزیزی قنادی در سال ۱۳۲۷ شمسی در شهرستان اردبیل متولد شد .تحصیلات دانشگاهی خود را با ورود به دانشکدهٔ پلی تکنیک تهران با درجهٔ مهندسی الکتروتکنیک در سال ۱۳۴۹ به انجام رساند. وی به سال ۱۳۵۳ جهت ادامهٔ تحصیلات راهی کشور فرانسه گشت و توانست دکتری مهندسی الکترونیک را از دانشگاه پلی تکنیک تولوز اخذ کند.نامبرده همچنین از سال ۱۳۶۱ تاکنون به صورت پاره وقت در دانشگاههای تهران – صنعتی شریف و مدرسهٔ تربیت مدرّس فعالیت آموزشی خود را ادامه می دهد. ترجمه کتاب" الکترونیک قدرت "قدیر عزیزی قنادی ، در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : فنی و مهندسی

رشته : مهندسی الکترونیک

تحصیلات رسمی و حرفه ای : قدیر عزیزی قنادی تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در همان شهرستان به سال ۱۳۴۵ به پایان رساند و سپس تحصیلات دانشگاهی خود را با ورود به دانشکدهٔ پلی تکنیک تهران با درجهٔ مهندسی الکتروتکنیک در سال ۱۳۴۹ به انجام رساند. وی به سال ۱۳۵۳ جهت ادامهٔ تحصیلات راهی کشور فرانسه گشت و در نتیجه در سال ۱۳۵۴ با دریافت درجه فوق لیسانس در رشته الکترونیک و در سال ۱۳۵۵ با اخذ درجه فوق لیسانس در رشتهٔ الکتروتکنیک و الکترونیک صنعتی و همچنین با موفقیت در طی دوره دکتری مهندسی از پلی تکنیک تولوز فارغ التحصیل گردید

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : قدیر عزیزی قنادی بعد از کسب افتخارات علمی به ایران بازگشت و فعالیتهای آموزشی خود را آغاز کرد که از آنجمله است: عضویّت در هیئت علمی دانشگاه امیرکبیر تا سال ۱۳۶۱ – تدریس دروس مختلف در دانشکدهٔ مهندسی برق – اشتغال به عنوان کارشناسی شرکت بین المللی مهندسی ایران (ایرتیک) وابسته به وزارت معادن و فلزّات که هم اکنون سرپرستی واحد برق و کنترل فرآیندها را در این شرکت عهده دار می باشد.

فعالیتهای آموزشی : قدیر عزیزی قنادی همچنین از سال ۱۳۶۱ تاکنون به صورت پاره وقت در دانشگاههای تهران – صنعتی شریف و مدرسهٔ تربیت مدرّس با تدریس دروس ماشینهای الکتریکی – الکترونیک صنعتی و الکترونیک قدرت فعالیت آموزشی خود را ادامه می دهد.

جوائز و نشانها : ترجمه کتاب" الکترونیک قدرت "قدیر عزیزی قنادی ، در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

آثار :

۱ اصول ماشینهای الکتریکی

ویژگی اثر : (جزوه درسی)

۲ الکترونیک صنعتی

ویژگی اثر : (جزوه درسی)

۳ الکترونیک قدرت

ویژگی اثر : ترجمه –این کتاب در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است–آشنایی با کتاب الکترونیک قدرت این کتاب توسط هانس رودی بولر تألیف شده و شامل ۱۶ فصل است که کارکرد انواع مبدّلهای الکترونیکی انرژی الکتریکی مورد استفاده در صنعت را با ترتیبی منطقی تشریح می کند. این کتاب به عنوان کتاب مرجع جهت درس الکترونیک صنعتی و الکترونیک قدرت انتخاب شده است.

۴ ماشینهای الکتریکی

ویژگی اثر : (جزوه درسی)

۵ مبانی مهندسی برق

ویژگی اثر : (جزوه درسی)

۶ محاسبه آلترناتورها و موتورهای القایی

ویژگی اثر : ترجمه–آماده چاپ

منابع زندگینامه : www.ketabsal.ir

عزیزی، حبیب الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حبیب الله عزیزی

محل تولد : مراغه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

ایشان نقش آفرینی نغمه های نورانی ، نظریه مدیریت عارفانه (رویکرد اشراقی مدیریت)، همکاری با مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی با ارائه طرح احیای معاونت امور تربیتی وزارت آموزش و پرورش ، تدوین طرح جامع آموزش قرآن وزارت آموزش و پرورش و با همکاری اساتید بزرگ قرآن : شهیدی ، علامی، حاج ابوالقاسمی ادیب زاده، مدیریت تدوین طرح تربیت داوران فنون قرائت ، حفظ و معارف قرآن در دو سطح عمومی و تخصصی را در کارنامه خود دارد.

یکی از خدمات ارزنده ایشان به جامعه قرآنی دو سال تلاش حقوقی برای احیای قانون اعطای مدرک کارشناسی و بالاتر به حافظان قرآن می باشد (ابطال تبصره های مغیر با این قانون توسط دیوان عدالت اداری در شهریور ۱۳۸۳) ایشان هم اکنون علی رغم بعضی نامهربانی ها پیگیر شکل گرفتن معاونت امور قرآنی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می باشد.

عزیزی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: فیزیک، دانشگاه:–

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای فیزیک شاخه جامدات.

مرتبه علمی:

دانشیار گروه فیزیک.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

نوارهای انرژی در فلزات، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

فیزیک حالت جامد، ترجمه کتاب نیمه رساناها اثر پولیاکوف.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:–، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

حالت‌های الکترونی در فلزات.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

عزیزی، خداداد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خداداد عزیزی (زاده ۱۳۵۰ در محله طلاب مشهد) بازیکن سابق تیم ملی فوتبال ایران و مدیر فنی کنونی تیم پیام خراسان است. او ۴۷ بازی ملی برای تیم ملی فوتبال ایران انجام داده و ۱۱ گل نیز به ثمر رسانده‌است.[۱] او در سال ۱۹۹۶ به عنوان بازیکن برتر کنفدراسیون فوتبال آسیا و در همان سال به عنوان ارزشمندترین بازیکن جام ملت‌های آسیا انتخاب شد و نقش مهمی در صعود ایران به جام جهانی ۱۹۹۸ داشت.عزیزی فوتبال را با تیم ابومسلم آغاز کرد، با درخشش در لیگ دسته اول کشور در سال ۱۳۷۱ در فوتبال ایران مطرح شد و سال بعد به پاس تهران رفت. از سال ۱۳۷۴ به بهمن پیوست و پس از درخشش در ترکیب تیم ملی فوتبال ایران در جام ملت‌های آسیا ۱۹۹۶ و انتخاب به عنوان ارزشمندترین بازیکن این مسابقات و چندی بعد کسب عنوان بهترین بازیکن سال کنفدراسیون فوتبال آسیا به تیم فوتبال کلن در دسته اول بوندس لیگا آلمان پیوست. خداداد تا سال ۲۰۰۰ در این تیم بازی کرد و پس از آن یک فصل در سن‌خوزه ارثکوئیکز در ام‌اس‌ال لیگ حرفه‌ای فوتبال آمریکای شمالی و یک فصل در النصر در لیگ امارات بازی کرد و در سال ۱۳۸۰ به تیم سابق خود پاس بازگشت. اختلاف او با میروسلاو بلاژویچ سرمربی تیم ملی باعث شد تا از ترکیب تیم ملی برای مقدماتی جام جهانی ۲۰۰۲ کنار گذاشته شود. او پس از آن در سال ۱۳۸۴ برای تیم دسته اولی عقاب و در نیم‌فصل دوم لیگ ۱۳۸۵ برای تیم راه‌آهن توپ زد و پس از آن از بازیکنی فوتبال خداحافظی کرد.عزیزی پس از خداحافظی از فوتبال توسط تیم ابومسلم به عنوان رئیس سازمان فوتبال انتخاب شد و بعد به مربیگری و در نهایت سرمربیگری تیم رسید، اما اختلافات او با مدیران باشگاه، صراحت لهجه و نتایج ضعیف تیم موجب شد تا در ابتدای لیگ ۸۶ از سرمربیگری تیم اخراج شود. یکی از عجیب‌ترین اقدامات او در دوران هدایت ابومسلم بیرون آوردن یکی از بازیکنان از ترکیب و ده‌نفره کردن تیم بود. عزیزی در همان سال در اولین دوره المپیاد ایرانیان دوباره به زمین چمن بازگشت و به عنوان کاپیتان تیم استان خراسان رضوی برای این تیم به میدان رفت. او پس از آن مدیر فنی تیم دسته اولی پیام خراسان شد و توانست این تیم را به لیگ برتر کشور بیاورد، او در هفته‌های آغازین فصل ۸۷–۸۸ مربیگری این تیم را برعهده داشت که به دلیل مشکلات مالی تیم از فعالیت خود کناره گرفت.

غزال تیز پای آسیا: در بازی با تیم ملی استرالیا، پس از یک ماراتن طولانی برای رسیدن به جام جهانی ۹۸ فرانسه، خداداد عزیزی برای تیم ملی ایران گلزنی کرد و از آن تاریخ به بعد لقب غزال تیز پای آسیا را گرفت.هرچند که نتیجه بازی ۸ آذر ۱۳۷۶

خورشیدی با تساوی ۲–۲ خاتمه یافت، ولی به علت صعود تیم ایران به جام جهانی برای خیلی از ایرانیها از برد شیرین تر بود و باعث شادی و پایکوبی در سطح شهرهای ایران شد.

عزیزی، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۴ ش)، استاد دانشگاه و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در مدرسه‌ی دارالفنون گذراند. بعد برای تکمیل تحصیلات به اروپا رفت و مدت ده سال در فرانسه در رشته‌های مختلف تحصیل کرد و موفق به اخذ لیسانس از دانشگاه پاریس شد و بعد از آن دوره‌ی دانشکده‌ی ادبیات پاریس و مدرسه‌ی جغرافیایی آنجا را گذراند و رساله‌ی خود را نیز درباره‌ی «اوضاع اجتماعی ایران در زمان اسلام» نوشت. در ۱۳۱۷ ش به ایران مراجعت کرد و با رتبه‌ی یک دانشیاری در دانشگاه استخدام و مشغول تدریس شد. از دیگر آثارش: «تاریخ عقاید سیاسی»، از افلاطون تا ماکیاول؛ «جغرافیای اقتصادی»؛ «تاریخ دیپلماسی عمومی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۴۶)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۷ –۲۳۶ / ۵).

عزیزی، نصر

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، ریاضیدان. از زندگانی وی آگاهی درستی در دست نیست، جز این که در قرن چهارم می‌زیسته است. بنابر گفته‌ی خودش کتابی برای کتابخانه‌ی الملک المنصور، که به احتمال قوی همان عضدالدوله دیلمی (۳۷۲ –۳۳۸ ق) می‌باشد، تألیف کرده است. وی صاحب آثار چندی در زمینه‌ی ریاضی است، از جمله: «رساله فی ان الاشکال کلها من الدائره»؛ «رساله فی تطع الناقض»؛ «رساله‌ای» در تعیین سمت قبله، به زبان عربی، که ترجمه‌ی آن به انگلیسی در ۱۹۸۲ م به چاپ رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ علوم و فلسفه ایرانی (۵۶۷ –۵۶۶).

عزیزیان، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۳۹، تحصیلات تکمیلی شیمی و مهندسی شیمی از انستیتو تکنولوژی توکیو ژاپن در سال ۱۳۴۷، دکترای شیمی آلی از انستیتو تکنولوژی توکیو ژاپن در سال ۱۳۵۰، فوق تخصص شیمی آلی فلزی از برایتون انگلستان در سال ۱۳۵۷ و فوق تخصص شیمی آلی فلزی از دانشگاه امیکس انگلستان در سال ۱۳۶۴.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده علوم دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه و بررسی سنتز ۷ ،۶ ،۲ تری اکسا (۲ ،۲ ،۲) اکتانل، مطالعه و بررسی سنتز ترکیبات جدید اورگانوژرمانیوم، مدیفای کردن COLOPHONIUM و تبدیل آن به رزینهای مقاوم نوری و حرارتی، نشاندار کردن گلبولهای سفید خون با TC، تدریس شیمی آلی پیشرفته و شیمی آلی در دانشگاههای شهید بهشتی و شهید چمران اهواز.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

شیمی رادیکال آزاد.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:–، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

شیمی رادیکال آزاد.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

عسال اصفهانی، ابواحمد محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۴۹ -۲۶۹ ق)، قاضی، حافظ، محدث، قاری، مفسر، فقیه و مورخ. از شیوخ خود: پدرش و ابومسلم کجی و محمد بن ایوب بن ضریس رازی و ابوبکر بن ابی‌عاصم و محمد بن اسد مدینی و حسن سری و ابراهیم حلوانی و بکر بن سهل دمیاطی و همچنین از شیوخ شهرهای اصفهان و همدان و بغداد و کوفه و بصره و حرمین و واسط و ری و خوزستان حدیث شنید. قرآن را بر استاد ابوعبدالله محمد بن علی اصفهانی تلاوت کرد. پسرش ابوعامر عبدالوهاب که از بزرگان اصفهان بود بر پدر خود ابواحمد عسال تلاوت نمود. عسال سفری به بغداد رفت و در آنجا حدیث گفت. فرزندان محدثش به نامهای: ابوجعفر احمد و ابواسحاق ابراهیم و ابوالحسین عامر و ابوبکر عبدالله از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن‌عدی و ابن‌مردویه و ابن‌منده و ابن‌مقری نیز از راویان او هستند. او را یکی از پیشگامان حدیث توصیف کرده‌اند. خودش گفته که در قراآت قرآن پنجاه هزار حدیث در حفظ داشته است. گفته‌اند که او «تفسیر» بزرگی را از حفظ املاء کرد، و همچنین در اردستان چهل هزار حدیث را از حفظ املا کرد و چون به شهر خویش بازگشت و مقابله کرد املای خویش را صحیح یافت. ابن‌منده گوید که دوبار دور دنیا را گشته اما مانند عسال ندیده است. او مدتی عهده‌دار منصب قضای اصفهان بود. از آثارش: «تفسیر القرآن»؛ «التاریخ»؛ «المعرفه فی السنه»؛ «الامثال»؛ «مسند الابواب»؛ «الابواب»، در «غریب الحدیث»؛ «احادیث مالک»؛ «الرقائق»؛ «کرامات الاولیاء»؛«معجم الشیوخ»؛ «غسل الجمعه»؛ «القراآت».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۱ / ۶)، انساب سمعانی (۱۹۰ -۱۸۹ / ۴)، تاریخ بغداد (۲۷۰ / ۱)، سیر النبلاء (۱۵ -۶ / ۱۶)، شذرات الذهب (۳۸۱ -۳۸۰ / ۲)، طبقات الحفاظ (۳۶۳ -۳۶۲)، العبر (۸۲ / ۲)، معجم المؤلفین (۲۲۶ / ۸)، الوافی بالوفیات (۴۱ / ۲)، هدیه العارفین (۴۳ / ۲).

عسبلی حنفی، علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اوست: قرآن رحلی عظیم مذهب عالی بدون جلد، ریحان سه دانگ و نیم دو دانگ و رقاع نیم دو دانگ عالی با رقم: «تشرفت بکتابهٔ هذه الختمهٔ المکرمهٔ... العبد الفقیر الراجی عفو ربه القدیر علی المدعو بابی الحسن بن علی العسیلی الحنفی عامله اللّه بلطفه الخفی و کان الفراغ من کتابتها یوم الجمعهٔ المبارک الخامس من شهور سنهٔ ست و سبعین و تسعمائهٔ (۹۷۶) ختمت بالخیر و صلی اللّه علی سیدنا محمد و علی آله و اصحابه و سلم و تسلیماً دائماً» در موزه‌ی اسلامی ترک.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

عسجدی مروزی، ابونظر عبدالعزیز

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۴۳۲ ق)، شاعر. وی از شاعران برجسته دربار غزنویان بود که با عنصری و فرخی و فردوسی معاشرت داشت و از شاگردان عصنری بود. عسجدی از مداحان سلطان محمود غزنوی بود و قصیده‌ای در فتح سومنات سرود که معروف است. وی علاوه بر محمود، فرزندان او را نیز خدمت کرده و گویا تا روزگار سلطنت سلطان مودود بن مسعود (۴۴۰ -۴۳۲ ق) در قید حیات بوده است. بعضی از تذکره‌ها او را مروزی قزوینی و بعضی هروی دانسته‌اند. اشعاری از او در تذکره‌های متقدم نقل شده است.[۱]

(منسوب به عسجد بخش ۱) ابونظر عبدالعزیز بن منصور مروزی، شاعر ایرانی نیمه دوم قر. ۴ و نیمه اول قر. ۵ ه. (ف. پس از سال ۴۳۲ ه.ق.). وی معاصر محمود غزنوی و مداح او بود و قصیده‌ای که در فتح سومنات وی گفته معروف است. اشعار عسجدی در تذکره‌ها و کتب ادبی پراکنده است، و از آنها کمال قدرت وی در سخن پردازی و صنایع شعری آشکار است. معزی قصیده‌ای از عسجدی را اقتفا کرده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۶۵۹ -۶۵۷ / ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۸۰ -۵۷۷ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۶)، تذکره‌ی روز روشن (۵۴۴ -۵۴۳)، تذکره الشعراء (۵۴)، دایره المعارف فارسی (۱۷۳۳ / ۲)، الذریعه (۷۲۰ / ۹)، ریحانه (۱۳۵ -۱۳۴ / ۴)، سخن و سخنوران (۱۵۳ -۱۵۲)، فرهنگ سخنوران (۶۳۴ -۶۳۳)، الکنی و الالقاب (۴۶۸ / ۲)، گنج سخن (۱۳۹ -۱۳۷ / ۱)، لباب الالباب (۵۳ -۵۰ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ عسجدی)، مجمع الفصحا (۸۷۳ -۸۷۰ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۶۸ / ۳)، هفت اقلیم (۱۱ -۹ / ۲).

عسقلانی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ع.) ابن حجر ابوالفضل شهاب‌الدین احمد بن علی عسقلانی (و. ۷۷۳ ه.ق/ ۱۳۷۲ م.- ف. ۸۵۲ ه.ق/ ۱۴۴۹ م.). محدث و فقیه و مورخ مصری شافعی. پدرش از علما و دانشمندان عهد خود بود. ابن حجر در سال ۸۲۷ منصب قاضی القضاتی یافت و با این حال پیوسته به تدریس و وعظ اشتغال داشت. بیش از یک صد و پنجاه تألیف داشته و از آن جمله است: الاصابهٔ فی تمییز الصحابهٔ، فتح الباری فی شرح البخاری.

بر گرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عسکر زاده، لطفی علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

لطفی علی‌عسکرزاده (لطفی زاده، لطفی عسکرزاده، لطفی ع. زاده) استاد دانشگاه برکلی در کالیفرنیا و بنیان‌گذار نظریهٔ منطق فازی (Fuzzy Logic) است. در بخش یادکرد منابع اکثر متون فنی مربوط به منطق فازی نام او به صورت «Zadeh» ذکر می‌شود.

تولد و تحصیل

وی در سال ۱۹۲۱ میلادی در شهر باکو در جمهوری آذربایجان متولد شد. پدرش روزنامه نگاری ایرانی و اهل اردبیل و مادرش اهل روسیه بود. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران (دبیرستان البرز) و تحصیلات عالی را در دانشگاه تهران انجام داد. لطفی زاده در امتحانات کنکور سراسری، مقام دوم را کسب نمود. در سال ۱۹۴۲ رشته الکترونیک دانشگاه تهران را با موفقیت به پایان رساند و در طی جنگ دوم جهانی برای ادامه تحصیلات به دانشگاه فنی ماساچوست (ام.آی.تی) در آمریکا رفت و در سال ۱۹۴۶ بود که درجه کارشناسی ارشد را در مهندسی برق دریافت کرد. در ام.آی.تی و دانشگاه کلمبیا به تحصیل ادامه داد.

پژوهش تخصصی

وی در دانشگاه کلمبیا با تدریس در زمینه «تئوری سیستم‌ها» کارش را آغاز کرد. سپس به تدریس در چند دانشگاه معتبر امریکا پرداخت. در سال ۱۹۵۹ به برکلی رفت تا به تدریس الکتروتکنیک بپردازد. از سال ۱۹۶۳ ابتدا در رشته الکتروتکنیک و پس از آن در رشته علوم کامپیوتر کرسی استادی گرفت.

بازنشستگی

پروفسور لطفی زاده به طور رسمی از سال ۱۹۹۱ بازنشسته شده است، وی مقیم سانفرانسیسکو است و در آنجا به پروفسور «زاده» مشهور است. پروفسور لطفی زاده به هنگام فراغت به سرگرمی محبوبش عکاسی می‌پردازد. او عاشق عکاسی است و تاکنون شخصیت‌های معروفی همچون رؤسای جمهور آمریکا، ترومن و نیکسون، رو به دوربین وی لبخند زده‌اند. سرگرمی دیگر پروفسور لطفی زاده HI FI است. او در اتاق نشیمن خود بیست و هشت بلندگوی حساس تعبیه نموده تا به موسیقی کلاسیک با کیفیت بالا گوش کند. سوابق و افتخارات

پروفسور لطفی زاده دارای بیست و پنج دکترای افتخاری از دانشگاه‌های معتبر دنیاست، بیش از دویست مقاله علمی را به تنهایی در کارنامه علمی خود دارد و در هیأت تحریریه پنجاه مجله علمی دنیا مقام «مشاور» را داراست. وی یکی از پژوهشگرانی است که دارای بیشترین یادکرد (Highly-Cited) در مقالات علمی دنیا می‌باشد. با توجه به نقش منطق فازی در پیشرفت‌های نظری و عملی علم، نام پروفسور زاده در کنار فیلسوفان تاریخ علم ازجمله ارسطو (بنیانگذار منطق صفر و یک) و افلاطون ثبت شده است.

عسکرآبادی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی عسکرآبادی

محل تولد : حسن‌آباد نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۷/۳

زندگینامه علمی

در سپیده دم روز مبارک جمعه سوم مهر ماه ۱۳۵۸ خورشیدی در روستای حسن‌آباد سرتپه ازدهات خاک پاک نیشابور (متبرک و مزیی به وجود مبارک و قدوم نازنین ثامن الحجج مولا امام علی بن موسی الرضا المرتضی علیه السلام) در خانواده‌ای متدین و زحمتکش با چشمی گریان و قلبی شادمان پا به عرصه‌ی فانی و دنیای دانی نهادم.

طفولیت را در آب و هوای فرحبخش و دلنواز روستا با فعالیت‌های جانکاه پدر و مادر عزیزم در قالیبافی، کشاورزی، شبانی، بنایی و کار در کوره‌های آجرپزی و... به پایان رسانده و پایه‌های ابتدایی درس و مدرسه را در شهر مقدس مشهد الرضاعلیه‌السلام فراگرفتم. دوران نوجوانی و جوانی حقیر با شرکت در جلسات قرآنی منازل و مساجد و مدارس (تعلیم و تعلم و اداره جلسات) و فعالیت در انتظامات و انجمن اسلامی مدارس و نیروی مقاومت بسیج و نیروهای امر به معروف و امور فرهنگی (کتابخانه‌ای، مسجدی،...) و... مزین بود.

در سن هفده سالگی بعد از گذراندن مقداری از دروس مقطع متوسطه، به توفیق الهی و عنایات ائمه معصومین علیهم السلام و به امید تهذیب نفس وارد حوزه مقدسه علمیه شدم. مدت سه سال در مدرسه مبارکه امام محمدباقر علیه‌السلام (به مدیریت حجهٔ‌الاسلام والمسلمین دیانی حفظه‌الله) و همان جا در امتحان شهریه شرکت نموده و سپس جهت کلاسهای رسائل و مکاسب و کفایه دو سال در مدرسه علمیه حضرت آیهٔ‌الله العظمی خویی رحمهٔ الله علیه و مفتخر به تعمم به لباس مقدس قطب عالم امکان حضرت مهدی موعود ارواح العالمین(عج) لباس مقدس روحانیت در نیمه شعبان ۱۳۷۸ شمسی شدم. به برکت ورود به مدرسه مبارک حضرت آیت الله العظمی خویی رحمهٔ الله علیه با برنامه‌های آموزشی دفتر تبلیغات اسلامی خراسان آشنا شدم و همزمان دو رشته تخصصی مکالمه و ترجمه عربی و رشته تخصصی علوم و معارف قرآنی (که سه سال طول کشید) را آغاز نمودم. و پایان‌نامه علوم قرآنی را با موضوع «تقدیم و تأخیر در قرآن کریم از منظر علامه طباطبایی و جلال الدین سیوطی» ارائه دادم. در سال ۱۳۸۱ توفیق ورود به حوزه مبارکه قم مقدسه و همجواری کریمه اهلبیت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها نصیبم شد و علاوه بر شرکت در دروس خارج فقه و اصول علماء عظام (همچون حضرت آیهٔ‌الله العظمی وحید خراسانی، حضرت آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی، حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی، حضرت آیت الله العظمی میرزا محمدحسین احمدی فقیه یزدی، حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی، حضرت حجهٔ‌الاسلام حاج احمد عابدی مدظلهم) در دوره یکماهه تربیت مربی قرآن کریم (تحت نظر واحد تهذیب حوزه)،مدیریت مسجد، (با مسئولیت حجهٔ‌الاسلام تقی قرائتی) دوره شش ماهه اندیشه‌های امام خمینی رضوان الله علیه (واحد آموزش مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) ، دوره دو ماهه آشنایی با فرقه‌ی تصوف (سفیران هدایت)، دوره تخصصی سه ساله تفسیر و علوم قرآن حوزه علمیه قم شرکت نمودم. و هم اکنون مشغول به نگارش پایان نامه تخصصی تفسیر با عنوان «تحلیل شبهات تفسیر المنار رشید رضا در تفسیر شریف المیزان علامه طباطبایی رحمهٔ‌الله) می‌باشم.

ناگفته نماند در مشهد مقدس از محضر علماء اعلام و فضلاء کرام همچون حضرت آیهٔ‌الله العظمی مرحوم میرزا حسنعلی مروارید، حضرت آیت الله العظمی مرحوم سید صادق فقیه سبزواری، حضرت آیهٔ‌الله العظمی سید مهدی عبادی رضوان الله علیهم، حضرت آیت الله العظمی سید محمد موسوی شاهرودی، حضرت آیهٔ‌الله العظمی جوهری، حضرت آیهٔ‌الله العظمی دهشت، حضرت آیهٔ‌الله العظمی سید جعفر سیدان، حضرت حجهٔ‌الاسلام والمسلمین میرزا جواد مروارید، حضرت حجهٔ‌الاسلام و المسلمین نوقانی، حضرت حجهٔ‌الاسلام و المسلمین سید مرتضی حسینی شاهرودی، حضرت حجهٔ‌الاسلام والمسلمین علی سائلی حفظهم الله تعالی مستفیض گردیدم. ضرورت می‌دانم نهایت تشکر و سپاسگزاری خویش را نسبت به والدین عزیزم اداء کنم که با بذل جان خویش امکانات تحصیل حقیر را فراهم آوردند و نیز از همسر محترم خویش قدردانی می‌نمایم که محیط خانه را فضای مساعد برای مطالعه حقیر قرار داده است.

عسکری پاشایی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عسکری پاشایی سال ۱۳۱۸ در شهر ساری به دنیا آمده است. دوران ابتدایی و دبیرستان را در زادگاهش – ساری – گذراند، در سال ۱۳۳۸ وارد دانشسرای عالی تهران شد و در آنجا مشغول به تحصیل در رشته فلسفه و علوم تربیتی شد. در سال ۱۳۴۱ فارغ التحصیل شد. گفتن و نوشتن از آثار و ترجمه های ع. پاشایی کاری بس سخت است. ترجمه های متنوع و بسیار خوانده اش خوانندگان را برآن می دارد که دیگر اثرهایش را با دقت بیشتری بخوانند. حضور او به عنوان مترجمی توانا در تاریخ ادبیات ایران به ثبت خواهد رسید. باشد که از او در سالهای بعد ترجمه های دیگری ببینیم.گروه : علوم انسانیرشته : علوم تربیتیاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : عسکری پاشایی در دامان مادری غمخوار و پدری مهربان. او آخرین فرزند خانواده بود و در کنار دو برادر و یک خواهر با آرامش یک خانواده حقیقی ایرانی رشد کرد و همین آرامش را می توان در آثارش نیز دید و به وضوح دریافت کرد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : عسکری پاشایی دوران ابتدایی و دبیرستان را در زادگاهش – ساری – گذراند، در سال ۱۳۳۸ وارد دانشسرای عالی تهران شد و در آنجا مشغول به تحصیل در رشته فلسفه و علوم تربیتی شد. در سال ۱۳۴۱ فارغ التحصیل شدخاطرات و وقایع تحصیل : در آن دوره برای مقطع کارشناسی پایان نامه ای در نظر نمی گرفتند اما باید مقاله ای تهیه می کردند، عسکری پاشایی نیز به پیشنهاد دکتر هومن مقاله ای درباره آیین بودا – که بسیار مورد علاقه اش بود و در طی سه سال دانشسرا مشغول به خواندن آن بود – نوشت و بعدها در حدود ۱۰ کتاب در همین زمینه از پاشایی به صورت تألیف و ترجمه به جامعه ادبی و هنر دوست عرضه شده که این کتاب ها در نوع خود کتاب های کامل و خوبی هستند و برای کسانی که به این آیین علاقه مندند یا تحقیق و پژوهشی در این زمینه دارند بسیار ارزشمند است.استادان و مربیان : پاشایی در دانشسرای عالی دکتر هومن را تنها استاد خود می داند.فعالیتهای آموزشی : عسکری پاشایی بعد از آن به مدت یازده سال در شهر ساری مشغول به تدریس در دبیرستان های ساری بود اما بعد از مشکلاتی که ساواک برایش به وجود آورد دیگر ممنوع التدریس و از نظر اداری به تهران تبعید شد و همین امر سبب شد که بعد از آن تمام وقت خود را صرف نویسندگی، ترجمه و ویراستاری بکندچگونگی عرضه آثار : در زمینه کتاب

شناسی پاشایی باید آثار عسکری پاشایی را به سه سمت ویرایش، ترجمه و تألیف تقسیم کرد؛ ابتدا ترجمه های او که خود چند زمینه دارد: ۱- درزمینه آیین بودا ۲ - ذن، از آیین بودا ۳- هند ۴ - چین ۵ - ژاپن ۶ - سرخ پوستان ۷- شعر هند و جهان. در زمینه آیین بودا آثار پاشایی مانند فرهنگی است که برای ورود به دنیای بودا هر یک از آن تألیفات و ترجمه ها می تواند گامی مؤثر محسوب شوند دراین زمینه می توان به کتاب های زیر اشاره کرد: «بودا»، «هینه یانه - از تاریخ آیین بودا» و ... و در بخش دیگر آثار ترجمه پاشایی در زمینه ذن از آیین بودا نیز می توان به : «ذن چیست؟»، «روش ذن»، «ذن در هنر کمان گیری» و ... اشاره کرد در زمینه ژاپن نیز می توان به کتاب هایی؛ «هایکو شعر ژاپنی»، «صد هایکوی مشهور»، «لاک پوک زنجره»، «تاریخ فرهنگ ژاپن»، «جان ژاپنی» و «ژاپن: روح گریزان» اشاره کرد. . یکی از جنبه های تحقیقی پاشایی بررسی آثار شاملو است. در زمینه شعر شاملو کتاب های «از زخم قلب...»، «انگشت و ماه» و «نام همه شعرهای تو» (دوجلد) حاصل پژوهش های ع. پاشایی است. آثار :«چیق مقدس ویژگی اثر : ترجمه، درزمینه سرخ پوستان۲ آشوکا و تمدن هند ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه هند۳ آیین بودا ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه آیین بودا۴ از زخم قلب ویژگی اثر : : «از زخم قلب...» گزینه ای از شعرها و خوانش شعر احمد شاملو - شاعر معاصر - است که شامل شعر و زبان، خوانش شعر، پدیده شناسی و نمونه هایی از خوانش شعرهای از زخم قلب آمال جان، از زخم قلب ...، مرگ نازلی، تقابل گفتن و خاموشی، ماهی، ماهی یقین میلاد، باغ خیال های اسطوره ای و دردآگاهی، هنوز در فکر آن کلاغم، بررسی لحن در هنوز در فکر آن کلاغم، خاطره، زنجیر مسخ آوازهای درد و نمونه اشعار. در پیشگفتار این کتاب می خوانیم: «هر خواننده آغازگر شعر بی گمان و به ناگزیر در راه خواندن شعر پرسش هایی دارد که را با آنها آغاز می کند، پرسش هایی از این گونه: چرا شعر می گویند؟ چرا زبان شعر این همه با زبان آشنای معمولی فرق دارد؟ و... برای پاسخ دادن به این پرسش ها است که این کتاب نوشته شده است. هم در دو گفتار شعر و زبان و خوانش شعر. در سراسر کتاب می کوشیم به این پرسش ها پاسخ دهیم، آن هم در عمل، نه به طور نظری. خوانش شعر در این کتاب به معنی درک روح و فرم شعر است و برای رسیدن به این مقصود راه پرسش از خود و سعی در پاسخ به آن پرسش ها را در پیش گرفته ایم و در این راه یک شیوه ثابت را در نظر نداشته ایم. ۵ انگشت و ماه ویژگی اثر : : کتاب «انگشت و ماه» از دیگر آثار تألیفی ع. پاشایی محسوب می شود که در راستای تحقیقات او پیرامون خوانش اشعار شاملو صورت گرفته است. این کتاب خوانش نه شعر را در برمی گیرد که نخست در سوئد با عنوان فرعی نظاره هشت شعر شاملو - چاپ شده بود اما پاشایی تصمیم به بازخوانی مجدد می کند و با دستکاری در برخی فصل ها و رعایت شیوه جدید تر کتابت و نکات تازه به خوانش نه شعر مرگ ناصری، هنوز در فکر آن کلاغم، ترانه آبی، باران، صبح، رستاخیز سلاخی می گریست، شبانه اقدام کرده است. این اثر در واقع نظاره ای در نه شعر شاملو است همراه با یکی دو مقاله، پس نمی تواند شناخت شاملوی شاعر باشد و درواقع می تواند شرایطی را فراهم آورد که خواننده علاقه مند شود تا دیگر آثار شاملو را مورد مطالعه قرار دهد.۶ بودا ویژگی اثر : «بودا» از جمله آثار ترجمه در زمینه بودا است که راه گشای ورود به اندیشه بودا است. این کتاب متن هایی است که از کتاب بسیار کهن بودایی از مجموعه معروف به سه سبد یا به اصطلاح بوداشناسان اروپایی، کانون پالی، درباره بودا، آیین او و انجمن کهن رهروان بودایی فراهم آورده و از زبان انگلیسی به فارسی برگردانده شده است. این کتاب درواقع گزارش تاریخی آیین بودا نیست. در این کتاب که به دو بخش تقسیم شده در بخش اول دفتر اول: آیین، دفتر دوم: زندگی بودا و دفتر سوم انجمن رهروان آشنا می شویم و در بخش دوم؛ متن های بودایی، نمونه هایی از کانون پالی، انجمن رهروان در کانون پالی را مشاهده می کنیم. ۷ بی دلی در ذن ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه ذن، از آیین بودا۸ بیداری ایمان در ماهایانه ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه آیین بودا۹ تاریخ فرهنگ ژاپن ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه ژاپن۱۰ تاریخ فلسفه چین ویژگی اثر : تاریخ فلسفه چین باستان، چوجای و وینبرگ جای نیز یکی دیگر از آثار ترجمه پاشایی در زمینه چین است. این کتاب راهنمای ساده و خواندنی در حوزه مجذوب کننده ولی پیچیده است، برای آنانی که با فلسفه آشنا نیستند. در این کتاب ابتدا گزارش کوتاه زندگی هر فیلسوف آورده شده است دوم بحثی درباره تعلیم های او با تأکید مهمترین ویژگی آن. سوم بررسی تأثیرهای اجتماعی و سیاسی مؤثر در او و جهان نگری او در آخر مقایسه او با فیلسوفان بزرگ دیگر - تا ببینیم که فرزانگان گوناگون که با آنها رقیب بوده اند چگونه در همان حال مکمل یکدیگر نیز بوده اند و چگونه اندیشه ها و نوشته های گذشتگان و یکدیگر را به کار می برند و در پایان برآورد تأثیر فیلسوف مورد بحث در شکفته شدن اندیشه چینی. مترجم کتاب اظهار می دارد: فلسفه چینی آمیزه ای از (مفهوم های) ایده آلیستی و واقع بینانه، اخلاقی ولی متافیزیکی است این تا حدی از تماس میان دو دستگاه بزرگ اندیشه چینی، دبستان دائو، دبستان کنفوسیوسی، پیدا شده است اگر برآن باشید که فلسفه چینی را بفهمید باید این روح ترکیب را در اندیشه داشته باشید. ۱۱ جان ژاپنی ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه ژاپن۱۲ دائو رابطه ها ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه چین۱۳ دائو؛ راهی برای تفکر ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه چین۱۴ دعوت به تمرین ذن ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه ذن، از آیین بودا۱۵ ذن چیست ویژگی اثر : «ذن چیست؟» کتابی است که راهگشای ورود به دنیای ذن است. در پیشگفتار این کتاب می خوانیم: «با جناب احمد شاملو کتابی درباره هایکو - که قسمتی شعر کوتاه ژاپنی است - آماده می کنیم از آنجا که هایکو سرشار از اندیشه ها و جهان نگری بودایی ذن است، خواننده برای فهمیدن این شعرهای کوتاه - و نیز به طور کلی فهم هنرهای ژاپنی و چینی - لازم است که به طور کلی با ذن آشنا شود. از این رو این کتاب فراهم آمد تا روزنی باشد گشوده به بخش بنیادی جهان نگری چینیان و ژاپنیان ذن که به چینی چن خوانده می شود - در طی قرن ها به آرامی در راه و رسم زندگانی چینی و ژاپنی چنان عمیق ریشه دوانده است که اکنون بی آشنایی به آن آگاهی به فرهنگ این دو ملت کاری ناممکن است.» پاشایی در بیان «ذن چیست» زبانی ساده وقابل فهم را انتخاب کرده است و کوشیده که از بیان فنی ذن دور شود تا طیف وسیع تری بتوانند از این کتاب استفاده کنند. در این کتاب با مطالبی چون از هند به چین - ذن منطق گریز - ذن چیست؟ - ساتوری یا ندانستگی - شناسایی شهوری - یگانگی با طبیعت - کو - آن - ذندو و راه و رسم رهروی نظر کلی به فرهنگ هنری ژاپن - مراحل کمال معنی ده تصویر گاو و گاوچران و در پایان فهرست نام ها و مفهوم ها روبرو می شویم. ۱۶ ذن در هنر کمان گیری ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه ذن، از آیین بودا۱۷ ذن در هنر گل آرایی ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه ذن، از آیین بودا۱۸ ذن و فرهنگ ژاپنی ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه ذن، از آیین بودا۱۹ راه آیین

ویژگی اثر : «راه آیین» نیز از سری کتاب های نگاه معاصر درباره بودا است که با همت پاشایی ترجمه و تألیف شده است. این کتابها از متن بسیار معروف بودایی است.۲۰ راه بودا ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه آیین بودا۲۱ روش ذن ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه ذن، از آیین بودا۲۲ ژاپن: روح گریزان ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه ژاپن۲۳ سخن بودا ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه آیین بودا۲۴ صدهایکوی مشهور ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه ژاپن۲۵ فراسوی فرزانگی ویژگی اثر : «فراسوی فرزانگی» نیز از سری کتابهای آیین بودایی است که درواقع عرفان بودا را به تصویر کشیده است. این کتاب پژوهشی است در کهن ترین سوتره ها یا سوره های عرفانی بودایی هند که به سوره های پرکیا پارمیتا که به کمال فراشناخت معروف است این سوره ها هسته و نوراندیشه های بنیادی مهایانه را در خود دارند و مادر مکاتبی چون ذن به شمار می آیند.۲۶ کلیدهای ذن ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه ذن، از آیین بودا۲۷ گوزن سیاه سخن می گوید ویژگی اثر : ترجمه، درزمینه سرخ پوستان۲۸ لاک پوک زنجره ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه ژاپن۲۹ ماه نو و مرغان آواره ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه هند۳۰ نام همه شعرهای تو ویژگی اثر : در زمینه احمد شاملو۳۱ نگارگری و معماری بودایی ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه آیین بودا۳۲ نیلوفر عشق ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه هند۳۳ هایکو، شعر ژاپنی با همکاری احمد شاملو ویژگی اثر : هایکو، شعر ژاپنی، از آغاز تا امروز» نیز عنوان دیگری از تألیفات ع. پاشایی است که با همکاری احمد شاملو انجام شده است. در این کتاب سعی برآن آمده مخاطب بیش از هر چیز با فرهنگ ژاپنی و حساسیت های شعری مردم ژاپن آشنا شود. در مقدمه مؤلف می خوانیم: هایکو به دو معنی است. مثلاً وقتی می گوییم هایکو دارای چنین و چنان صفات است منظور ما همان شعرهای هفده هجایی است که امروزه گاهی کمتر از هفده هجاهم دارد. معنای دوم آن اشاره است به گرایش یا حالت شاعرانه جان شاعران هایکو سرا که این خود راه زندگی آنهاست، طریقت آنها است. ذن، از نظر پیوندش با شعر، با مفهوم آغازین مانای پلی نزیایی همانند است.۳۴ هستی بی کوشش ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه هند۳۵ هند و همسایگانش ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه هند۳۶ هندوئیسم ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه هند۳۷ هینه یا نه ویژگی اثر : ترجمه، در زمینه آیین بودا

عسکری حسنی سمنانی، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عالم، فقیه و محدث. معروف به میرزا عسکری. از علمای نیک و نیکان صالح بود. در پی درگیری با حاکم سمنان و اخراجش از شهر، و خوابی که فتحعلی‌شاه در این زمینه دید، دستور شاه مسجدی بزرگ، مشهور به مسجد شاه سمنان، به جهت تکریم او ساختند، و تولیت آن را به او و فرزندانش واگذار کردند. وی دارای تألیفات چندی است که از جمله آنها: «منهاج العارفین و معراج العابدین»، در ادعیه، که آن را در ۱۲۴۸ ق به اسم شاهزاده بهمن میرزای قاجار، فرزند فتحعلی‌شاه، تألیف کرده است؛ «منیر القلوب و کاشف الکروب»، در اصول دین و مذهب و فضائل الائمه (ع)، که در ۱۲۴۹ ق آن را به خواست بهمن‌میرزا و به اسم فتحعلی‌شاه تألیف کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۷۳ / ۹)، الذریعه (۲۱۲، ۱۶۷ / ۲۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۳۳ / ۱۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۳۴ / ۲).

عسکری کاشانی، میرحسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۸ ق)، شاعر، متخلص به عسکری. از بزرگ‌زادگان کاشان بود. وی در جوانی به تجارت پرداخت، ابتدا به روم سفر کرد و بعد از بازگشت به هندوستان رفت و در دکن با بسیاری از شاعران ایرانی مهاجر چون ملک قمی و ظهوری ترشیزی دیدار کرد و تمام عمر خویش را در هندوستان در ملازمت شاهان و حاکمان آن سامان به سر برد. صاحب تذکره‌ی «میخانه» او را در ۱۰۲۸ ق در اجمیر در ملازمت شاه‌جهان دیده و از وی «ساقی‌نامه»‌ای نقل کرده است. عسکری «دیوان» شعری داشته، در حدود سه هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای کشمیر (۸۷۷ -۸۷۵ / ۳)، تذکره‌ی میخانه (۷۳۱ -۷۱۹)، الذریعه (۱۱۱ / ۱۲، ۷۲۰ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۳۴)، کاروان هند (۸۹۹ -۸۹۸ / ۲).

عسکری، ابواحمد حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۸۲ -۲۹۳ ق)، فقیه، لغوی، نحوی و ادیب. در عسکر مکرم از نواحی اهواز به دنیا آمد. در آنجا نشوونما یافت و سپس به بغداد منتقل شد. او سفرهایی به بصره و اصفهان و دیگر شهرها داشت. از عبدان اهوازی و احمد تستری و ابوالقاسم بغوی و محمد بن

جریر طبری و ابوبکر بن درید و ابراهیم نفطویه و عباس بن ولید اصفهانی و همطبقه‌ی آنان روایت کرده است. بزرگان حدیث به سویش می‌آمدند تا از او کسب روایت کنند. ریاست عالیه‌ی تحدیث و املاء و تدریس در شهرهای خوزستان در عصر وی بدو منتهی می‌شد. وی در عسکر و تستر و شهرهای اطراف آن نواحی املای حدیث می‌کرد. ابوسعد مالینی و ابوبکر یزدی اصفهانی و ابوالحسن نعیمی و ابوالحسین محمد اهوازی و ابوعلی حسن اهوازی و ابونعیم اصفهانی حافظ و عبدالواحد باطرقانی و احمد بن محمد بن زنجویه و محمد بن منصور تستری و علی بن عمر ایذجی و ابوسعید حسن بن علی تستری سقطی از وی حدیث روایت کرده‌اند. برخی ابوهلال عسکری را خواهرزاده و شاگرد ابواحمد عسکری می‌داند. در «ریاض العلماء» آمده است که عسکری از مشایخ شیخ صدوق است و صاحب «اعیان الشیعه» این را دلیل بر تشیع عسکری دانسته، و بعلاوه شوق صاحب بن عباد را برای دیار وی و رثاء گفتن صاحب را در مرگ او تاکیدی بر تشیع وی آورده است. عسکری در علوم مختلف و فنون گوناگون متبحر بود. همگان زیبایی تألیف و تصنیف وی را ستوده‌اند. از آثارش: «تصحیفات المحدیثن»؛ «الحکم و الامثال»؛ «راحه الارواح»؛ «الزواجر و المواعظ»؛ «المختلف و المؤتلف»؛ «التفصیل بین بلاغتی العرب و العجم»؛ «تصحیح الوجوه و النظائر»؛ «المصون»، در ادب؛ «صناعه الشعر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۱ / ۲)، الاعلام بوفیات الاعلام (۲۶۰ / ۱)، اعیان الشیعه (۱۴۸ -۱۴۵ / ۵)، انساب سمعانی (۱۹۳ / ۴)، ایضاح المکنون (۳۳۲ / ۲)، الذریعه (۶۰ / ۱۲)، روضات الجنات (۶۰ -۵۷ / ۳)، ریاض العلماء (۲۰۱ -۲۰۰ / ۱)، سیر النبلاء (۴۱۵ - ۴۱۳ / ۱۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۸ / ۴)، العبر (۱۶۱ / ۲)، کشف الظنون (۱۶۳۷، ۱۴۶۴، ۱۴۰۴، ۹۵۶، ۸۰۱، ۶۷۵، ۴۱۱، ۲۳۳)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن)، معجم الادباء (۲۵۸ -۲۳۳ / ۸)، معجم البلدان (۱۴۰ -۱۳۹ / ۴)، معجم المؤلفین (۲۴۰-۲۳۹ / ۳)، النجوم الزاهره (۱۶۶ / ۴)، الوافی بالوفیات (۷۷ -۷۶ / ۱۲)، وفیات الاعیان (۸۵ -۸۳ / ۲)، هدیه العارفین (۲۷۳ -۲۷۲ / ۱).

عسکری، ابوهلال حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۹۵ ق)، ادیب، لغوی، نحوی و شاعر. وی از مردم عسکر خوزستان بود. نزد دایی خویش، حسن بن عبدالله بن سعید عسکری، کسب علم کرد. از آثار وی: «الصناعتین فی النظم و النثر»؛ «التفضیل بین بلاغه العرب و العجم»؛ «جمهره الامثال»؛ «معانی الادب»؛ «تفسیر العسکری»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۲ -۲۱۱ / ۲)، اعیان الشیعه (۱۴۸ / ۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۳ / ۱)، روضات الجنات (۶۰ -۵۷ / ۳)، ریحانه (۳۰۵ -۳۰۴ / ۷)، کشف الظنون (۱۹۸۰، ۱۸۲۳، ۱۵۴۸، ۱۴۶۸، ۱۴۶۴، ۱۴۶۰، ۱۰۸۲، ۶۹۱، ۶۰۶، ۴۷۹، ۴۵۳، ۲۹۳، ۲۳۳، ۲۰۰ -۱۹۹)، الکنی و الالقاب (۱۸۴ -۱۸۲ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن، عسکری)، معجم الادباء (۲۶۷ -۲۵۸ / ۸)، معجم البلدان (۱۴۰ / ۴)، معجم المؤلفین (۲۴۰ / ۳)، هدیه العارفین (۲۷۳ / ۱).

عسکری، حسن

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن بن محمد عسکری معروف به میرزا عسکری حسنی سمنانی عالمی جلیل از علماء اخیار و اتقیاء ابرار صاحب کرامات بوده است.

گویند وقتی ذوالفقار خان حاکم سمنان بر او غضب کرد و او را از شهر سمنان تبعید نمود فتحعلی شاه قاجار خواب عجیبی در بزرگواری و جلالت قدر سید دید پس حاکم را عزل و از سید تجلیل شایان نموده و عذرخواهی کرد و مسجد شاه سمنان را برای اقامه جماعت وی بنا نمود و تولیت آن را با او و فرزندان او سید ابراهیم و سید تقی و سید حسن ثانی و سید محسن و سید علی‌اکبر و در زمان ما با فرزندان مرحوم سید علی‌اکبر مرحوم میرزا مسیح و برادرش سید جواد مقیم تهران بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

عسکری، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، عالم دینی و نویسنده. مشهور به علامه‌ی عسکری. در سامراء نشوونما یافت و ازین جهت به عسکری مشهور شد. از مضحر بزرگان سامراء و نجف کسب فیض کرد. سالها به امر آیت‌الله حکیم در بغداد اقامت و وکالت مطلقه از وی داشت و به انور دینی، اقامه جمعت و تألیف مشغول بود. چندین بار مورد حمله و اعتراض دولت بعثی عراق واقع شد، تا در ۱۳۹۱ ق اجبار به ایران مهاجرت کرد و در تهران سکونت گزید و به تصنیف و تألیف و همچنین نقد و انتقاد کتب عامه اشتغال ورزید. از آثارش:

«عبدالله بن سبا»، دو جلد؛ «احادیث عایشه» به عربی؛ «خمسون و مائه صحابی مختلق» یا «۱۵۰ صحابی ساختگی»، دو مجلد.[۱]
سید مرتضی عسکری بن آیت‌اللّه حاج سید محمد شیخ الاسلام ساوجی از علماء مبرز و نویسندگان متبحر و ممتاز معاصر شمیران است.
وی در سامرا نشو و نما یافته و از این جهت به عسکری شهرت یافته و از محضر آیات عظام سامرا و نجف اشرف استفاده نموده و سالها بامر آیت‌اللّه العظمی حکیم در بغداد اقامت و وکالت مطلقه از معظم له داشته و بخدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تألیف کتب مفیده و ارشاد مردم شیعی بغداد نموده و کرارا مورد حمله و اعتراض دولت شوم بعثی عراق واقع شده تا سال ۱۳۹۱ ق که مجبورا به ایران مهاجرت و در شمال تهران (نزدیک تجریش) سکونت و بتألیف و نقد و انتقاد کتب عامه اشتغال دارند.
از آثار ارزنده آن جناب که بطبع رسیده کتب زیر است:
۱- عبداللّه بن سبا ج ۱- این کتاب در نجف و قاهره و بیروت و تهران و هند و پاکستان طبع شده.
۲- عبداللّه بن سبا ج ۲- این کتاب به (عربی) در تهران چاپ گردیده است.
۳- احادیث عایشه ج ۱- این کتاب بعربی در تهران و به (اردو) در پاکستان چاپ شده.
ترجمه فارسی کتاب مزبور، بقلم محمد صادق نجمی و هاشم هریسی در قم و تهران چاپ شده.
۴- خمسون و مائه صحابی مختلق ج ۱- این کتاب به (عربی) در بیروت و بغداد چاپ شده.
۵- خمسون و مائه صحابی مختلق ج ۲- آماده برای طبع میباشد.
نگارنده گوید: علامه شهیر آقای حاج سید مرتضی عسکری شهرت خدمات و آثارش در عراق و ایران باندازه ایست که دوست و دشمن را بتقدیر و تحسین واداشته و شروع خدمات ایشان بیک کتاب یا رساله مستقلی نیازمند است.
نوشته‌ها و تألیفات معظم له مورد توجه دانشمندان بزرگ مصری و غیره میباشد از جمله علامه بزرگ مصری استاد محقق شیخ محمود ابوریه تقریظ مبسوطی بکتاب احادیث عایشه ایشان نوشته که شایان اهمیت است و ترجمه آن در مقدمه کتاب عایشه در دوران (علی علیه‌السلام) بطبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)
منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۶۶۰ -۶۵۹ / ۴).

عسگری خانقاه، اصغر

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر اصغر عسگری خانقاه در سال ۱۳۱۷ در خلخال متولد شد.پس از اتمام دوره های ابتدایی و متوسطه ،در لنگرود و رشت ،و بعد از پایان دوره پارازینولوژی و مالاریا لوژی از دانشکده بهداشت دانشگاه تهران، به عنوان میکروسکپیست در آزمایشگاههای وزارت بهداری در شهرستانهای رشت، هشتپر، لاهیجان، رودسر، رامسر و چالوس شروع به کار کرد. سالها بعد برای ادامه تحصیل در رشته داروسازی به کشور بلژیک رفت و سپس به عنوان نماینده شرکتهای بزرگ دارویی همچون رون پولنگ (اسپسیا) و ساندوز، در ایران مشغول کار شد و در ضمن کار به تحصیل در رشته روزنامه نگاری و مطبوعات پرداخت و در سال ۱۳۵۰ از دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی فارغ التحصیل شد و بعد دوره دو ساله مدیریت و برنامه ریزی اجتماعی را در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران به اتمام رساند. ایشان در سال ۱۳۵۲ به کشور فرانسه رفت و از دانشگاه پاریس موفق به اخذ دکترا در انسان شناسی زیستی شد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه تهران می باشد. گروه : علوم انسانیرشته : انسان شناسی گرایش : انسان شناسی زیستیوالدین و انساب : نام پدر: اوسط تحصیلات رسمی و حرفه ای : اصغر عسگری خانقاه دوره تحصیلات ابتدایی را در شهرستان انزلی در دبستان سعدی گذراند. دو سال اول دبیرستان را در دبیرستان داریوش لنگرود و سالهای بعد را در دبیرستان شاهپور رشت به اتمام رساند. بعد از پایان دوره پارازینولوژی و مالاریا لوژی از دانشکده بهداشت دانشگاه تهران، به عنوان میکروسکپیست در آزمایشگاههای وزارت بهداری در شهرستانهای رشت، هشتپر، لاهیجان، رودسر، رامسر و چالوس شروع به کار کرد. سالها بعد برای ادامه تحصیل در رشته داروسازی به کشور بلژیک رفت و سپس به عنوان نماینده شرکتهای بزرگ دارویی همچون رون پولنگ (اسپسیا) و ساندوز، در ایران مشغول کار شد و در ضمن کار به تحصیل در رشته روزنامه نگاری و مطبوعات پرداخت و در سال ۱۳۵۰ از دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی فارغ التحصیل شد و بعد دوره دو ساله مدیریت و برنامه ریزی اجتماعی را در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران به اتمام رساند. در سال ۱۳۵۲ به کشور فرانسه رفت و از دانشگاه پاریس موفق به اخذ دکترا در انسان شناسی زیستی شد. فعالیتهای ضمن تحصیل : اصغر عسگری خانقاه ،ضمن تحصیل، در اداره فرهنگ عامه (وزارت فرهنگ و هنر) شروع به کار کرد.فعالیتهای آموزشی : اصغر عسگری خانقاه بعد از بازگشت به ایران از سال ۱۳۵۸ در دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی به تدریس و تحقیق اشتغال شد. در خلال این سال ها عسگری خانقاه در دوره کارشناسی، انسان شناسی زیستی، تاریخ اندیشه های مردم شناسی، زیست شناسی عمومی، محیط شناسی انسانی و مردم نگاری تدریس کرده و در دوره کارشناسی ارشد و دکترا نیز روش تحقیق و سنجش و زیست شناسی درس داده است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : اصغر عسگری خانقاه در عین آنکه مردم شناس و پژوهنده شاخص علوم اجتماعی است تاریخ نگاری این علم در ایران را نیز با جدیت دنبال می کند. جوائز و نشانها : همایش فرهنگ ومحیط زیست به پاس یک عمر تلاش های علمی دکتر اصغر عسگری خانقاه ، در روز دوشنبه ۶ خرداد ۱۳۸۷ در تالار ابن خلدون دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار شده است..این همایش که به همت هسته علمی انسان شناسی این دانشکده برگزار شده است.چگونگی عرضه آثار : اصغر عسگری

خانقاه در طی این سالها در کنار تدریس مدام، کار پژوهش را نیز با جدیت دنبال کرده و شماری از مهمترین تحقیقاتش را در دوره مسؤولیت خود بر نشریه نامه، در آن به چاپ رسانده است. او از سال ۱۳۷۴ به سردبیری مجله «نامه علوم اجتماعی» منصوب شد و مقالاتی چون فرهنگ مردم شناسی بیشه نشینان آفریقا و مشکلات تغذیه، سهم آل احمد در شکل گیری پژوهشهای فرهنگی و اجتماعی گروههای انسانی در ایران، ریشه های تاریخی و سنتهای فرهنگی و اجتماعی مسلمانان آفریقا و... را در آن به چاپ رساند. از دیگر فعالیت های وی ،نگارش مقالات متعدد در حوزه مردم شناسی و تار یخ از آن جمله است: زبان در معبر زبان شناسی و مردم شناسی ، ریشه های تاریخی و سنتهای فرهنگی و اجتماعی مسلمانان آفریقا ، انسان شناسی خطوط پوستی در جمعیتهای ایرانی، چهارشنبه سوری در روستای جوپشت، بوم شناسی روستایی ایران، مردم شناسی و فرهنگ سکونت و... آثار : «ایرانیان ترکمن،پژوهشی در مردم شناسی وجمعیت شناسی » ویژگی اثر : انتشارات اساطیر، ۲ انسان شناسی زیستی ویژگی اثر : (جلد)۳ انسان شناسی عمومی شرق شناسی (شرقی که آفریده غرب است) ویژگی اثر : ترجمه۵ فرهنگ مردم شناسی (فرانسه ، انگلیسی ، فارسی) ویژگی اثر : اثر میشل پانوف) ، ? نشر ویس، ۶ مردم شناسی ویژگی اثر : (روش ، بینش ، تجربه) نشرشب تاب، ۷ مردم شناسی روستای قاسم آباد گیلان

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

عسگریان، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم تربیتی، دانشکده: علوم تربیتی، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای علوم تربیتی.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده علوم تربیتی داشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

علوم تربیتی با تأکید بر مدیریت آموزش، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش و منابع انسانی، برنامه‌ریزی و سازماندهی نیروی انسانی، ارزشیابی مشاغل، بکارگیری نظریه‌های ایجاد انگیزش در نیروی انسانی، برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، مدیریت نیروی انسانی، ایام فراغت جوانان، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۷ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مدیریت نیروی انسانی، مدیریت آموزشی، مدیریت بازاریابی، مدیریت اسلامی و علوم تربیتی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

تربیتی، مدیریت، آموزش.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

عشاقی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین عشاقی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۵/۸ زندگینامه علمی

از حدود سال ۱۳۴۷ همراه با گذراندن دوره دبیرستان وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و در آنجا حدود سه سال به ادبیات و سپس تا پیروزی انقلاب به سطوح پایه در منطق، فقه، اصول و کلام و بعد از آن تا سال ۶۴ به سطوح عالی اصول فلسفه و فقه مشغول بوده ام درسال ۶۴ برای تکمیل تحصیلات مخصوصا فراگیری عرفان به حوزه علمیه قم هجرت نمودم و در نزد اساتیدی همچون آیات جوادی آملی، حسن زاده آملی، وحید خراسانی، تبریزی، و شاه آبادی ادامه تحصیل داده و حدود ۹ سال در درس خارج فقه وا

صول آن بزرگان شرکت نمودم.علاوه بر تحص
یلات بخش عمده وقتم به تدریس سطوح مختلف مخصوصا علوم عقلی صرف شده است و کتب رایج حوزه را همچون نهایه الحکمه ، شرح منظومه ، شرح اشارات، شوارق الالهام را به طور مکرر و غیر مکرر تدریس نمود ه ام و اینک چند سالی است به تدریس در سطوح عالیه فلسفه و عرفان مشغولم.در مراکز تحقیقاتی نیز همکاری علمی داشته ام مثل استخراج محتوای متون فلسفی جهت کامپیوتری کردن آنها ، و اصطلاح یابی و مقاله نویسی جهت دائرهٔ المعارف علوم عقلی و غیره

عشرت

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۱۲۴۰ ق، از زنان شاعر. وی در شیراز زندگی می‌کرد. مولف تذکره دلگشا می‌نویسد که در مجلسی، جواب غزل مشکلی از وی خواسته شد و او فی‌البداهه غزل را گفت و برخاست. عشرت، حسینعلی میرزا فرمانفرما را مدح می‌گفت و از او صله دریافت می‌داشت. وی با علم رمل نیز آشنا بود.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: تاریخ تذکره‌های فارسی، ۲۲۵ / ۱؛ تذکره دلگشا، ۴۱۱؛ مصطبه‌ی خراب، ۱۳۲.

عشرت تویسرکانی، علی محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۴ -۱۲۵۷ ق)، شاعر.اهل همدان بود. تحصیلات خود را نزد پدر آغاز کرد و در بیست سالگی به تهران، شیراز، خراسان، اصفهان و کرمانشاه مسافرت کرد. ابتدا شوقی تخلص داشت و به تقاضای حسینقلی‌خان سلطانی، که او را در اشعارش ستوده است، به عشرت تغییر تخلص داد. عشرت مقدمه‌ای منظوم بر «باغ فردوس» اثر الهامی کرمانشاهی نگاشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۱۹۷ -۱۱۹۶ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۳۴).

عشرت شیرازی، محمد شفیع

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۸ -۱۲۵۵ ش)، خطاط و شاعر، متخلص به عشرت. وی منسوب به یکی از بزرگترین خاندانهای شعر و ادب شیراز (وصال شیرازی) است. در شیراز به دنیا آمد. در شش سالگی پدرش را از دست داد واز آن پس تحت سرپرستی عمویش، یزدانی، قرار گرفت. ادبیات فارسی و عربی و فنون شعر را بـه خوبی آموخت. خط نسخ را نزد برادرش همت فراگرفت و آن را به زیبایی می‌نوشت. سفری هم به عتبات کرد و چندی در خدمت میرزای بزرگ شیرازی بود. در اواخر عمر در تهران اقامت کرد و سرانجام در شیراز وفات یافت. مزارش در جوار بقعه‌ی شاه داعی‌الله، قرار دارد. اثر وی «دیوان» شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۳۶۳)، از سعدی تا جامی(۴۲۲ -۴۲۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان (۶۳۹-۶۳۶ / ۳)، الذریعه (۷۲۱ / ۹)، ریحانه (۳۳۸ / ۶)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۲۱ - ۱۰۲۰ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۳۴)، مرآت الفصاحه (۴۱۴ -۴۱۲).

عشرت فراهانی، محمد مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۷۰ / ۱۲۶۰ -۱۱۸۲ ق)، خطاط، شاعر، متخلص به عشرت. ملقب به ملك الکتاب. وی تحصیلات مقدماتی خود را در فراهان عراق و بروجرد فراگرفته و بـا مـایه‌ای نسبتا کـافی از ادبیت و عربیت به تهران آمـده و بر اثر معاشرت بـا فضـلا و دانشـمندانی چون فتحعلی‌خان ملك‌الشعرا، میرزا صادق وقایع‌نگار مروزی و محمدتقی علی‌آبادی، متخلص به صاحب، و مهمتر از همه کار کردن در زیردست میرزا بزرگ قائم‌مقام- که عشرت پسر عمو و داماد وی نیز بود- نواقص خود را تکمیل نمود. او در نوشتن انواع خط استاد و به شیوه‌ی درویش عبدالمجید می‌نوشت. سرعت کتابت او به قدری بود که در هفت ساعت هزار بیت می‌نوشت. میرزا محمد شعر هم می‌سرود. اثر وی «دیوان» شعر می‌باشد. از اوست:

در میان من و معشوق نهان رازی هست

که نیازی ز من و گاه از او نازی هست

بال بشکسته و پر بسته و تن خسته و باز

در گمانی که مرا قوت پروازی هست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۱۹۹ -۱۱۹۷ / ۲)، الذریعه (۷۲۱ / ۹)، سفینه المحمود (۴۰۶ -۴۰۵ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۳۵ - ۶۳۴)، مجمع الفصحا (۷۳۰ / ۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۳۰)، مکارم الآثار (۱۶۳۵ / ۵)، یادگار (س ۴، ش ۸ ص ۲۴ -۲۲).

عشرت فسایی، عبدالرحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۳ -۱۲۱۰ ق)، صوفی و شاعر، متخلص به عشرت. وی در قریه‌ی ششده فسا به دنیا آمد و در شیراز به کسب علم پرداخت. گویا وی ابتدا دانش تخلص می‌کرده و بعدها تغییر تخلص داده است. وی در صفای باطن و ریاضت کشیدن نیز می‌کوشیده است. از او اشعاری بجای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۲۰۱ -۱۱۹۹ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۴۲ -۶۴۰ / ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۳۹۹ - ۱۳۹۸ / ۲)، مرآت الفصاحه (۴۱۷ -۴۱۶)، مکارم الآثار (۳۹۱ -۳۸۵ / ۲).

عشرت قاجار، عبدالباقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۸۰ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به عشرت. در ابتدای سلطنت محمدشاه قاجار،که پدرش حکومت همدان را داشت، به دنیا آمد. در جوانی مقدمات علوم را فراگرفت و در ادبیات سرآمد شد. در نزد میرزا ابوالفضل ساوجی هم تحصیل علم کرد، هم تعلیم خط گرفت و در نستعلیق مهارت یافت. عبدالباقی علاوه بر خوشنویسی، شعر نیز می‌سرود و اشعارش بیشتر، قصیده و غزل و رباعی و مقطعات است. ناصرالدین شاه وی را محترم می‌داشت و عبدالفاضل می‌نامید و او را چندی مأمور فارس کرد و سپس حکومت لارستان را بدو تفویض نمود. در «المآثر و الآثار» نیز تحت عنوان عبدالفاضل ذکر وی آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۶۶ -۳۶۵ / ۲)، حدیقه الشعراء (۱۲۰۴ -۱۲۰۱ / ۲)، طرائق الحقائق (۴۲۱ / ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۲۰ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۱۴)، گنج شایگان (۷۴ -۶۶)، المآثر و الآثار (۲۰۱)، یادگار (س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۱۴۴ -۱۴۳).

عشرت نائینی، عبدالحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی از سادات نایین بود، معاصر صاحب «حدیقه الشعراء» بوده و با وی دیداری داشته است. از اوست:

به سر زلف سیاه تو که از هجر رخت

روز من همچو سر زلف سیاه تو شب است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۲۰۵ -۱۲۰۴ / ۲).

عشرتی فروشانی اصفهانی، علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. معروف به ملا۔عشرتی. وی از مردم قریه‌ی ورنو سفادران اصفهان است. طبع وی خالی از لطف نبود. او معاصر میرزا محمد طاهر، صاحب تذکره‌ی «نصرآبادی»، (ز ۱۰۸۳ ق) است. مدتی نزد مولانا حسنعلی، فرزند ملا عبدالله شوشتری، تحصیل کرد و طب را نیز نزد حکیم شفایی (م ۱۰۳۷ ق) فراگرفت و از ایران، همراه آقا محمد پیشکش‌نویس، به هندوستان رفت و به خدمت نواب‌میزا رستم، فدایی صفوی، راه یافت. اما پس از چندی به وطن مراجعت کرد و در مشهد مقدس به خدمت حاجی محمدجان قدسی مشهدی رسید و در همان شهر درگذشت. از آثارش:«دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۶۸ -۹۶۷ / ۳)، تذکره‌ی روز روشن (۵۴۶)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۳۹ -۳۳۸)، الذریعه (۷۲۱ / ۹)، ریحانه (۱۳۹ / ۴)، صبح گلشن (۲۸۶)، کاروان هند (۹۰۰ -۸۹۹ / ۲).

عشرتی گیلانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از شاعران گیلان‌زمین است که در تحصیل حکمت تلاش فراوان کرد و مدتی در اصفهان در مدرسه‌ی شیخ لطف‌الله به تحصیل مشغول بود. از ایران به هندوستان رفت و به خدمت عالیجاه محمد امین‌خان (م ۱۰۶۵ ق) فرزند میرجمله، رسید. وی در همان سامان درگذشت. عشرتی در سخنوری مهارت داشته و اشعاری از او به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۲۰۴)، الذریعه (۷۲۱ / ۹)، کاروان هند (۹۰۱ / ۲).

عشرتی یزدی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۳۷ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به عشرتی. از سادات و بزرگان یزد و از شاعران عهد صفویه بود. در عهد محمد قلی قطبشاه به گلنکده رفت و مورد توجه میرمحمد مؤمن استرآبادی قرار گرفت. وی در حسن خط، بویژه نستعلیق، مشهور بود و شعر نیز می‌سرود. او دارای «دیوان» شعر است و برخی از اشعارش در تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۳۰ / ۲)، تاریخ نظم و نثر (۴۷۰)، تذکره سخنوران یزد (۲۱۹ -۲۱۸)، جامع مفیدی (۴۶۸ / ۳)، الذریعه (۷۲۲ / ۹)، صبح گلشن (۲۸۶)، فرهنگ سخنوران (۶۳۵)، کاروان هند (۹۰۱ / ۲).

عشقی خوافی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از شاعران درجه دوم سده دهم هجری و از مردم خواف خراسان است که از ایران به هندوستان مهاجرت کرد و در آن سامان به شاعری پرداخت و در شعر معارض ابوالفیض فیضی، ملک‌الشعرای دربار اکبرشاه، بود. وی در اعتراض به فیضی، قصیده‌ی سستی سروده و در انتها اکبرشاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) را مدح گفته است. از وی «دیوان» شعری به جای مانده است. عشقی رباعیات «شهرآشوبی» نیز دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۶۳۶)، کاروان هند (۹۰۳ -۹۰۲ / ۲).

عشقی کاشانی، عزیزالدین محمود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۶۵ / ۹۶۰ ق)، شاعر، متخلص به عشقی. وی در سنین بالا به تحصیل پرداخت و از شاگردان میر مقبول قمی بود و در کاشان می‌زیست. عشقی در ابتدا به عامی تخلص می‌کرد ولی بعد تخلص عشقی را برگزید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۷۰)، تحفه سامی (۲۸۵ -۲۸۴)، تذکره‌ی روز روشن (۵۴۸)، الذریعه (۷۲۳ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۳۶، ۶۱۲).

عشقی کرمانشاهی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به عشقی. از سادات حسینی و اصل آنها از عراق عرب بود. عشقی با آن که بی‌سواد بود، به گفته صاحب «حدیقه الشعراء» طبع موزون و مضمون ساز خوبی داشت. نخست بابا تخلص می‌کرد. حسینقلی خان سلطانی به خواهش

صاحب «حدیقه الشعراء» تخلص او را به عشقی تغییر داد و به تربیتش کوشید و اشعار او را تصحیح کرد. از اوست:

این شور رستخیز که افتاده در جهان

ز آشوب حسن آن صنم سرو قامت است

ای ساربان مهار شتر را نگاه دار

ما را به کوی دوست هوای اقامت است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۲۰۷ -۱۲۰۶ / ۲).

عصار تبریزی، شمس‌الدین محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۹۲ / ۷۸۳ ق)، دانشمند، شاعر و نحوی، متخلص به محمد. وی در تبریز به دنیا آمد، در علوم ریاضی، فلکیات، رمل و اسطرلاب دانا و باتصوف آشنا بود. سلطان اویس جلایر را مدح می‌گفت. بیشتر در انزوا و خلوت می‌زیست و به شاعری می‌پرداخت و در شعر به صنعت اغراق توجه خاص داشت. آثار وی: مثنوی «مهر و مشتری»، که در بعضی از تذکره‌ها به اشتباه نام آن را «مهر و ماه» بیان کرده‌اند، و در «ریحانه» از هر دو نام برده شده است؛ رساله‌ی «الوافی فی تعداد القوافی»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۳۲ -۱۳۱ / ۱)، بهارستان (۱۱۷ -۱۱۶)، تاریخ نظم و نثر (۲۰۳)، دانشمندان آذربایجان (۲۷۶ - ۲۷۵)، الذریعه (۱۶ / ۲۵، ۳۱۵، ۳۱۴ / ۱۹، ۱۰۰۰، ۷۲۴ / ۹)، روضات الجنان (۳۶۶ -۳۶۳ / ۱)، ریحانه (۱۴۰ -۱۳۹ / ۴)، سخنوران آذربایجان (۵۴۴ -۵۳۳)، صبح گلشن (۲۸۷ -۲۸۶)، فرهنگ سخنوران (۶۳۷)، لغت‌نامه (ذیل/ عصار)، مجالس النفائس (۳۵۴)، هفت اقلیم (۲۲۹ -۲۲۷ / ۳).

عصار لواسانی، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۵ / ۱۳۰۱ ق)، عالم و مدرس. در کاظمین به دنیا آمد. در حالی که یک سال داشت، پدرش او را به تهران آورد. وی مقدمات و ادبیات را در تهران گذرانید و در ۱۳۲۳ ق به اصفهان رفت و در آن جا به تحصیل فلسفه مشغول شد. بعد از مدتی به تهران بازگشت و نزد اساتید این شهر فلسفه و عرفان و فقه آموخت. در ۱۳۳۰ ق به عتبات رفت و پس از بهره‌گیری از عالمان آن جا به دریافت اجازه نایل گردید. در ۱۳۴۰ ق مجددا به تهران بازگشت و به تدریس فلسفه در مدرسه عالی سپهسالار (شهید مطهری فعلی) مشغول شد. عصار در نزد پدرش و شریعت اصفهانی و میرزا محمدتقی شیرازی و آقا ضیاء عراقی تلمذ نموده است. وی مدتی در اروپا به سر برد و به زبان فرانسه تسلط داشت. از آثار وی: «تفسیر سوره‌ی حمد»؛ کتاب درسی «علم الحدیث».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گلزار معانی (۴۶۸ -۴۶۰)، مؤلفین کتب چاپی (۳۱ -۳۰ / ۵).

عصار لواسانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۶ / ۱۳۵۵ -۱۲۶۴ ق)، فقیه اصولی، مفسر، حکیم و شاعر، متخلص به عصار. در ابتدا آشفته تخلص می‌کرد و سپس عصار را برگزید و لقب شعری او نظام بود. اصل وی از مازندران و ساکن لواسان تهران بود. پس از فراگیری سطوح و خارج فقه، در تهران، در ۱۲۸۹ ق، به عراق رفت و از آن جا سفری به مکه نمود و در بازگشت،در ۱۲۹۶ ق، به سامراء مهاجرت کرد و تا ۱۳۰۱ ق در آن جا ماند و در این سال به تهران بازگشت. در اواخر عمر، در ۱۳۴۰ ق، به مشهد مهاجرت کرد و در همان جا ساکن شد. او با کهولت سن و از دست دادن یک چشم و کمی دید چشم دیگر، غالبا به تألیف اشتغال داشت. عصار در مشهد درگذشت و در ایوان صحن رضوی دفن شد. از آثار وی: «التأملیات»، در بیان وجه تأملات «مکاسب» شیخ انصاری؛ حاشیه‌ی «القواعد الکلیه الاصولیه و الفرعیه»، شهید اول؛ حاشیه‌ی «کشف الریبه فی احکام الغیبه» شهید ثانی؛ «فقاهه الرضویه»، فقه استدلالی، در دو مجلد؛ حاشیه بر «کشف الفوائد» علامه حلی، در شرح «قواعد العقائد» خواجه نصیرالدین طوسی؛ «ناسخ التفاسیر»، در تفسیر فارسی، در سه مجلد که قسمتی از آن به خط شاگردش میرزا احمد بن صالح بادکوبه‌ای است؛ «رساله‌ی رجالیه»؛ «توحید کمالی»؛ «اخلاق کمالی»؛ «الحجج الرضویه فی تأیید الهدایه المهدویه و الرد علی البابیه»، به فارسی؛ «المواهب الرضویه فی رفیع الشبهات المقوله و المنویه»، در نبوت خصاء و در جواب تشکیکات مسیحیان، بابیان، بهائیان و قادیانیان، به فارسی؛ «آداب السلوک للرعیه و الملوک»، منظوم، به فارسی؛ «التحفه المدنیه»، در عروض جامع بین عربی و فارسی و قافیه عربی و قافیه فارسی، که در ۱۲۹۰ ق در مدینه تألیف کرد؛

«بیان الغیب»، دیوان شعر، در استقبال از «دیوان» خواجه حافظ»؛ «لسان الغیب»؛ «نیاح الغیب»؛ «دیوان عصار»؛ «منظومه‌ی خیر الرسائل» یا شرح «دیوان گلشن راز».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۱۲ / ۷)، اعیان الشیعه (۵۵ / ۱۰)، الذریعه (۵ / ۲۴، ۲۳۹، ۱۱۵ / ۲۳، ۳۰۹ / ۱۸ ، ۲۷۰ / ۱۳ ، ۱۰۰۰، ۷۲۴ / ۹ ، ۱۸۶ ، ۱۷۳ / ۶ ، ۴۸۵ / ۴ ، ۴۶۸ ، ۳۰۲ ، ۱۸۳ / ۳ ، ۳۷۷ -۳۷۶ ، ۲۰ / ۱)، ریحانه (۱۴۰ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۶۳۷)، معجم المؤلفین (۳۱۸ / ۱۱)، مکارم الآثار (۱۷۶۶ -۱۷۶۵ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۸ -۵۹۶ / ۵).

عصار، محمدعلی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از آثار اوست: قرآن نیم‌ربعی جلد روغنی عالی دو صفحه‌ی اول مذهب مرصع. کاغذ ترمه مجدول مذهب کمندوار. بین‌السطور طلااندازی. سر سوره‌ها مذهب خط نسخ کتابت خفی خوش با رقم: «کتبه محمدعلی الشهیر بعصار الاصفهانی سنهٔ ۱۲۲۵» رمضانی.

- قرآن روغنی نیم‌ربعی مذهب مزین نسخ کتابت خفی و رقاع خوش با رقم: «حسب‌الفرمایش... امیرالامراء العظام اللّه ویردی خان سمت تحریر یافت. کتبه العبد الخاطی محمدعلی الاصفهانی الشهیر به عصار فی خامس عشرین شهر رجب‌المرجب سنهٔ احدی و تسعین و مأته بعدالالف من الهجرهٔ... سنهٔ ۱۱۹۱».

بر گرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

عصری دامغانی، غفور

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از شاعران دانشمند بود که در جوانی در زمان جهانگیر پادشاه (۱۰۳۷ -۱۰۱۴ ق) رهسپار هندوستان شد. فخرالزمانی قزوینی او را در لاهور دید. وی پس از دو سال به کشمیر رفته و ملازم صفدرخان گردید. اشعاری از وی در تذکره‌ها نقل شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای کشیمر (۸۸۰ -۷۸۹ / ۲)، تذکره‌ی میخانه (۹۱۳)، کاروان هند (۹۰۴ -۹۰۳ / ۲).

عصمت بخاری، فخرالدین عصمت‌اللّه

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۴۰ / ۸۲۹ ق)، شاعر، متخلص به عصمت. از دانشمندان و شاعران اوایل عهد تیموری است. نسب وی به جعفر بن ابی‌طالب می‌رسید اجدادش در بخارا شهرت و حرمت داشتند و مورد توجه ملوک آن دیار بودند. خود نیز در این شهر به دنیا آمد و تحصیلات علمی خود را آن جا به پایان رسانید. در بیشتر علوم عصر خود سرآمد بود در مجلس درس وی خواص و طالبان علم حضور داشتند مثل: سراج‌الدین بساطی سمرقندی، خیالی بخاری، خواجه رستم خوریانی و طاهر ابیوردی. از آثارش: «دیوان» شعر.[۱]

(بخش ۱) (خواجه عصمهٔ‌اللّه) بخاری، شاعر ایرانی در عهد تیموری (ف. ۸۲۹ ه.ق.). وی در نظم اشعار پیرو امیر خسرو دهلوی بود و مضامین و معانی او را عینا در اشعار خود نقل می‌کرد. یکی از فاضلان درباره او چنین گفته:

«میر خسرو را علیه‌الرحمه- شب دیدم به خواب- گفتمش: عصمت تو را یک خوشه‌چین خرمن است.»

«شعر او چون بیشتر از شعر تو شهرت گرفت ؟ گفت: باکی نیست، شعر او همان شعر من است.»

عصمت قصیده‌ای در رثای امیر تیمور ساخته به مطلع ذیل:

«ای فلک خرگاه ویران کن که سلطان غایبست- »

«تخت گو بر خاک بنشین، چون سلیمان غایبست.»

میرزا خلیل سلطان به جهت این قصیه او را انعام و احسان فراوان کرد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۲۹۳ -۲۸۶ / ۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۹۶)، تذکره‌ی روز روشن (۵۵۱ -۵۵۰)، تذکره الشعراء (۴۰۸ -۳۹۸)، حبیب السیر (۵۵۰ / ۳)، دایره‌المعارف فارسی (۱۷۴۰ / ۲)، الذریعه (۱۲۰۰، ۷۲۶ / ۹)، ریحانه (۱۷۰ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۳۸)، لغت‌نامه (ذیل/ عصمت)، مجالس النفائس (۱۲)، مرآت الخیال (۶۲ -۶۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸ -۶۷ / ۴)، هفت اقلیم (۴۳۴ -۴۳۲ / ۳).

عصمتی خوافی

قرن:۱۰

جنسیت:زن

ملیت:ایران

پیش از ۹۶۲ ق، از زنان عابـد، فاضل و شاعر. وی از ولایت خواف بود و برادر او نیز حاکم آنجا بود و دیوان شعرش در میان مردم آوازه داشت. مولف تـذکره‌ی مرآت‌الخیـال می‌نویسـد که معاصـران عصـمتی بر کمـال فضل، بلاغت، عصـمت و صـلاح او اعتراف داشـتند و می‌افزایـد که وی ازدواج نکرد و تخلص عصـمتی را به نشانه پاکـدامنی خود برگزیـد. تذکره‌ی شـمع انجمن او را معاصـر سلطان حسین بایقرا (۹۱۲ -۸۷۵ ق) می‌داند. بیت زیر از اوست.

از پاشکستگان طلب کعبه مشکل است

آن کعبه‌ای که دست دهد کعبه‌ی دل است

برخی تذکره‌ها از او به بی‌بی عصمتی و یا اشتباها حاکمی خوافی نیز یاد کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره دهم، ۳۷؛ جواهرالعجایب، ۲۹۷ ،۱۳۲؛ حدیقهٔالشعراء، ۲۱۸۲ / ۳؛ حدیقه عشرت، ۳۸؛ خیرات حسان، ۱۸۴ / ۲؛ شمع انجمن، ۳۰۸؛ مرآت‌الخیال، ۳۳۸.

عصیری، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مجتبی عصیری

محل تولد : آران و بیدگل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیدمجتبی عصیری فرزنـد سید محمـد متولـد اول مرداد ماه سال ۱۳۴۹ ه . ش در خـانواده‌ای مـذهبی و از نظر اقتصادی متوسط، در منطقه بیـدگل کاشان می‌باشم که در سن ۵ سالگی به همراه خانواده پدری جهت سکونت به شهرستان کاشان عزیمت نموده و تحصیلات ابتدائی و راهنمـایی خود را در این شهر آغـاز نمودم. از همان اوان طفولیت که همزمان با تحصیل در مدرسه ابتدائی بود به علت جوّ خانواده و حرمت و قداستی که در آن نسبت به مقام شامخ روحانیت و این کسوت وجود داشته و همچنین علاقه و ارادت وافری که والدین این جانب، بالاخص پدر که خود به شغل معماری ساختمان مشغول بود توجهم به این سوی جلب گردیـد. در دومین سال تحصیلی در مقطع راهنمایی بود که فکر روی آوردن به دروس حوزوی به طور جـدی به فکرم خطور نمود امـا بـا توصیه بعضـی از دوسـتان جهت تکمیـل مقطع راهنمـایی مجدداً به ادامه تحصیلات روز مشغول گردیـدم و در پایان مقطع راهنمـایی چـون جهت شـرکت در جبهه‌هـای نبـرد حق بر علیه باطـل اعزام گردیـده بودم تـا حـدودی از فکر حوزه دور گردیـدم و همزمـان بـا حضور در جبهه‌ها تحصیلات دبیرستان را آغاز نمودم. تا اینکه در سال دوم دبیرسـتان و دومین حضور در جبهه به طور جدی عزم خود را جزم نموده و تصمیم خود را گرفته و در سال ۱۳۶۶ ـ ۱۳۶۷ رسماً وارد حوزه علمیه مقدسه قم گردیدم و در کنار تحصیلات حوزوی دیپلم علوم انسانی و سپس تحصیلات دانشگاهی در مقطع کارشناسی و نیز کارشناسی ارشد را در رشته زبان و ادبیات عرب اخذ نمودم. سپس برای مدت سه سال در دانشگاه به تدریس مشغول گردیدم. اما پس از آن خود را متمرکز و ممحّض در دروس حوزه نموده و پس از پایان دروس سطح حوزه در سال ۱۳۷۷ وارد دروس خارج فقه و اصول گردیـده و تا این زمان نیز به این مهم اشتغال دارم و در کنار آن به بعضـی از کارهای قلمی و تألیفی نیز اشتغال دارم که از خداونـد متعال مزیـد توفیقاتش را مسئلت دارم.

عضد، جلال‌الدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشـتم ق)، شاعر، متخلص به جلال. تولد وی در شـهر یزد و از شاعران معروف دربار آل‌مظفر بود. پدرش، سـید عضد، وزارت امیر مبارزالدین محمد بن مظفر را داشت. جلال از کودکی مورد توجه پادشاهان این سلسله واقع شد و در شـیراز سکوت گزید و به مداحی امرا و پادشاهان شـهر اشـتغال ورزید. از ممدوحان وی: امیر پیرحسـین، پسر امیرمحمود، امیر غیاث‌الدین کیخسرو و شاه شیخ ابواسحق اینجو است. شیوه وی در شاعری به روش شاعران قصیده‌گوی آغاز قرن هفتم و در غزلسرایی به سبک سعدی است. از وی

«دیوان» شعری مشتمل بر قصاید و غزلیات و رباعیات در حدود ۱۶۰۰ بیت، باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران (۹۳۵ -۹۲۵ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۰۳)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۷۷ -۷۶)، تذکرهٔ الشعراء (۳۳۱ -۳۲۸)، جامع مفیدی (۱۵۴ -۱۵۲ /۳)، سرآمدان فرهنگ (۲۵۸/۱)، الذریعه (۲۰۰/۹)، ریحانه (۴۱۶ -۴۵۱ /۱)، صبح گلشن (۱۰۲)، لغت‌نامه (ذیل/ جلال) هفت اقلیم (۱۵۰/۱).

عضدالدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بازوی کیش و آیین) ایجی، (مولانا) عبدالرحمن بن احمد، دانشمند ایرانی قر. ۸ ه. (و. ۷۰۱- ف. ۷۵۶ ه.ق./ ۱۳۵۵م.). وی در قصبه ایج (فارس) پایتخت قدیم ولایت شبانکاره متولد شد. او به یک واسطه شاگرد ناصرالدین محسوب می‌شد. پس از پایان تحصیلات در فارس مسند قضاوت یافت و او از فقهای مشهور شافعی است و به قول خواجه حافظ از پنج تنی است که فارس در عهد شاه شیخ بواسحاق اینجو به وجود آنان مزین بود. عضدالدین دارای مشرب تصوف بود و در حکمت و کلام و مذهب و اخلاق مهارت داشت. مهمترین تألیف او «مواقف» است. او در دستگاه سلطان ابوسعید و خواجه غیاث‌الدین محمد رشیدی و شاه شیخ ابواسحاق و ملوک فارش و شبانکاره بسیار محترم بود و در عهد ابوسیعد منصب قاضی القضاتی کل ایران را داشت و در سلطانیه مقیم بود. شاه شیخ ابواسحاق اینجو او را سخت احترام می‌کرد و در کارهای ملکی از او مشورت می‌نمود چنانکه وی در سال ۷۵۳ ه.ق. از جانب شاه شیخ به رسالت نزد امیر مبارزالدین محمد مظفری رفت تا او را از حمله به شیراز منصرف سازد، امیر قانع نشد ولی از وی پذیرایی کرد و سه روز در مولد عضدالدین- قصبه ایج- به افتخار وی ضیافتی ترتیب داد و سپس او را مأمور کرد که کتاب المفصل زمخشری را- که در نحو است به فرزندش شاه شجاع بیاموزد، سپس عضدالدین را با احترام به شیراز برگرداند. قاضی در ضمن محاصره شیراز از طرف امیر مبارزالدین از آنجا خارج شد و به شبانکاره رفت، ولی در آنجا امیر شبانکاره با قاضی نساخت و او را در قلاع شبانکاره محبوس کرد و دانشمند مزبور تا سال ۷۵۶- که سال فوت اوست- محبوس بود اوراست: مواقف در علم کلام که متن آن را به نام خواجه غیاث‌الدین محمد تألیف کرده، فوائد غیاثیه، شرح مختصر ابن حاجب (هر دو به نام خواجه غیاث‌الدین محمد) منظور از کتاب اخیر کتابی است در اصول که ابن حاجب از کتاب دیگر خود که منتهی الوصول نام دارد مختصر کرده و این مختصر را گروهی شرح کرده‌اند که از آن جمله است عضدالدین ایجی (تاریخ مغول. اقبال. چا. ۱۱ -۵۱۰ :۲).

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عطار نیشابوری، فریدالدین، ابوحامد محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۵۴۰ -۵۱۲ وف ۶۳۷ -۶۱۶ ق)، صوفی و شاعر، متخلص به عطار وی از پیشروان جلال‌الدین مولوی در نظم مثنوی عرفانی است. در کدکن از آبادیهای قدیم نیشابور به دنیا آمد و سپس به نیشابور رفت. او مانند پدر خود، عطار بوده است. درباره‌ی سبب علاقه‌ی او به فقر و تصوف مطالبی نقل کرده‌اند که اساس درستی ندارد. انتساب او به طریقه‌ی کبرویه محل تردید است. شیخ عطار در مدارج سلوک از معنویت شیخ ابوسعید ابوالخیر بهره جسته بود. عطار گذشته از طب و ادویه، در حکمت و نجوم و ادب و علوم دینی نیز بصیر بوده ولی بیشتر به عرفان نظر داشته است. در سفرها و ملاقاتهایی که داشت به خدمت حجد الذین بغدادی نیز رسید. مولانا او را قدوه‌ی عشاق دانسته، او را به منزله‌ی روی و سنائی را چون چشم او معرفی کرده است. اکابر او را شیخ‌الاولیا و متأخرین عرفا وی را سلیمان ثانی خواندند. درباره‌ی نحوه‌ی وفات او مشهور آن است که در نیشابور به دست مغولان کشته شده است. تاریخ‌های متعددی بدرای وفاتش ذکر کرده‌اند که محل تردید است. مزار عطار در شهر نیشابور، نزدیک مزار عمر خیام، از قدیم مورد توجه بوده است و در قرن نهم ق توسط امیر علیشیر نوائی تجدید بنا شده است. وی دارای آثار متعددی است و در تعداد آنها نیز روایات تذکره‌نویسان مبالغه‌آمیز است. از ۴۵ تا ۱۹۰ کتاب به او نسبت داده‌اند. قاضی نورالله شوشتری ۱۱۴ کتاب و رساله به او منسوب می‌داند. از آثار او: «الهی‌نامه»؛ «اسرارنامه منطق الطیر»؛ «مصیبت‌نامه»؛ «تذکره الاولیاء»؛ «مختارنامه».[۱]

(بخش ۱) نیشابوری، فریدالدین ابوحامد محمد ابن ابوبکر ابراهیم بن اسحاق عطار نیشابوری شاعر و عارف معروف ایرانی در قرن ششم و آغاز قرن هفتم (و. حدود ۵۴۰- ف. ۶۱۸ ه.ق.) گفته‌اند که پدر او عطار (دارو فروش) بود و فریدالدین کار او را دنبال کرد، و در داروخانه خود سرگرم طبابت بود. وی را در همان اوان انقلابی باطنی دست داد، و چون سرمایه‌ای بزرگ از ادب و شعر اندوخته بود، اندیشه‌های عرفانی خود را به نظم درآورد. عطار را مرید مجدالدین بغدادی و رکن‌الدین اسحاق و قطب حیدر دانسته‌اند. به هر حال عطار قسمتی از عمر خود را به رسم سالکان طریقت در سفر گذراند و از مکه تا ماوراءالنهر بسیاری از مشایخ را زیارت کرد و در همین سفرها و ملاقاتها بود که به خدمت مجدالدین بغدادی نیز رسید. وی آثار بسیار به وجود آورده که از آن جمله است: تذکرهٔ الاولیاء (ه.م.) به نثر، دیوان اشعار که به طبع رسیده، منطق الطیر (ه.م.)، اسرارنامه (ه.م.)، خسرونامه و غیره. گفته‌اند که وی به دست مغولی کافر کشته شده. مقبره عطار قرب شهر نیشابور باقی است. (آرامگاه عطار) سخن عطار با سوز و شوق و عشق همراه است و از این جهت کلام او را «تازیانه سلاک» نامیده‌اند. برای بیان معانی عالی عرفان سخنان بی‌پیرایه و روان

را برگزیده که در عین حال به فصاحت و بلاغت و انسجام متصف است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۷۰۵ -۶۹۵ / ۲)، با کاروان حله (۲۲۳ -۲۰۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۷۱ -۸۵۸ / ۲)، تاریخ گزیده (۷۴۰)، تاریخ نظم و نثر (۱۱۵ -۱۱۳)، تذکره الاولیاء (مقدمه)، تذکره‌ی روز روشن (۵۵۳ -۵۵۲)، تذکره الشعراء (۲۱۳ - ۲۰۷)، جستجو در آثار و احوال عطار، جستجو در تصوف (۲۷۱ -۲۵۸)، الذریعه (۷۳۰ -۷۲۹ / ۹، ۲۰۰ / ۳)، ریحانه (۱۵۰ -۱۴۵ / ۴)، سبک‌شناسی (۴۰۸، ۳۶۸ -۳۵۸ / ۱)، شرح احوال و آثار عطار، طبقات اعلام الشیعه (قرن هفتم/ ۱۴۸ -۱۴۷)، طرائق الحقائق (۶۳۷ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۴۰)، کشف الظنون (۱۸۶۴، ۱۷۱۲، ۳۸۵)، الکنی و الالقاب (۴۷۴ -۴۷۲ / ۲)، گنج سخن (۱۲۵ - ۱۰۸ / ۲)، لباب الالباب (۳۳۹ -۳۳۷ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ عطار)، مبانی عرفانی و احوال عارفان (۴۷۶ -۴۶۶)، مجالس النفائس (۲۰۷)، مختارنامه (یازده، شصت و چهار)، معجم المؤلفین (۲۰۹ / ۸)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۷ -۲۵۱ / ۵)، نفحات الانس (۵۹۸ - ۵۹۶)، هدیه الاحباب (۲۰۰ -۱۹۹)، هفت اقلیم (۲۴۰ -۲۲۶ / ۲)، یادداشتهای قزوینی (۴۲ / ۶).

عطار همدانی، زین‌الدین محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۷۲۷ ق)، شاعر. از شاعران مثنوی‌پرداز است که از او چندین مثنوی به جای مانده است. از جمله: «مفتاح الفتوح»؛ «ترجمه الاحادیث»، که ترجمه‌ی منظومی از احادیث نبوی است؛ «کنز الحقایق»؛ «کنز الاسرار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۲۶ -۱۱۲۵ / ۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۱۹ -۲۱۸).

عطارد سوادکوهی، عباس

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. عطارد ساکن تبریز و در زمره‌ی منشیان دیوان بود و قسمتی از نامه‌ها را به مقداری از اشعار خود که در حواشی آن نوشته به چاپ رسانید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۲۰۸ -۱۲۰۷ / ۲)، شعرای مازندران و گرگان (۱۸۵).

عطاردی، عزیزاللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عزیزاللّه عطاردی قوچانی از دانشمندان محقق و نویسندگان متتبع معاصر است. وی حدود سال ۱۳۵۲ قمری در شهرستان قوچان دیده به جهان گشود.

پس از پشت سر گذاشتن دوران کودکی اولیات و ادبیات را در قوچان سپس در مشهد مقدس و نقاط دیگر سطوح متوسط و عالی را به پایان رسانیده و از محضر پر فیض آیات عظام مرحوم آقای میلانی و دیگران استفاده کامل کرده و در فکر به دست آوردن مواریث علمی و تراث بزرگان قدماء دینی افتاده و برای نیل به آن هدف مسافرتهای عدیده‌ای به کشورهای آسیائی پاکستان و هندوستان و کشمیر و غیره نموده و از کتابخانه‌های بزرگ نظام حیدرآباد و موزه سالار جنگ در حیدرآباد دیدن و از کتابخانه‌ای علامه سید حامد حسین صاحب عبقات در لکنهو بازدید و مبالغ بسیاری از ذخایر علمی به دست آورده و در این راه تلاشهای فراوانی کرده و متحمل شداید بسیاری گردیده و در بسیاری از کنگره‌ها و هزاره‌ها شرکت نموده و به تحقیق و تتبع پرداخته و از خود یادگارهای ارزنده‌ای گذارده که برخی از آنها را می‌نگارم:

۱- زندگانی حضرت عبدالعظیم حسنی حیاته و مسنده یک جلد که به طبع رسیده.

۲- مسند امام رضا علیه‌السلام در دو مجلد که به چاپ رسیده است.

جناب آقای عطاردی از نویسندگان پرتلاش و کاوشگران پرجوش است که همواره با پشت کار طاقت فرسائی در سفر و حضر به کار و رشته تحقیقات خود تداوم داده و آثار ارزنده‌ای مطبوعا و مخطوطا از خود به یادگار گذارده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

عطارزاده، حسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطاط. از خطوط وی: یک مرقع ثلث دو دانگ جلی و نسخ کتابت عالی، با رقم: «کتبه العبد المذنب حسین الشهیر عطارزاده ۱۱۵۸».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۶۱/۴).

عطارهروی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۸۸.

درگذشت: ۱۳۷۲.

از آثار خوشنویسی محمدعلی عطار هروی است: هنر آینه‌نگاری قرآن کریم: انواع خطوط کتیبه‌های کهن/ نوشته و متن و شرح اصطلاحات محمدمهدی هراتی (تهران، ۱۳۷۵).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

عطاری طوسی، مجدالدین، ابومنصور محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۷۳ / ۵۷۱ -۴۸۶ ق)، فقیه، اصولی و واعظ شافعی. معروف به حفده. اصلش از طوس است و در نیشابور برآمد. از ابوبکر محمد بن منصور سمعانی در مرو و از ابوحامد غزالی در طوس و از محیی السنه ابومحمد حسین بن مسعود بغوی در مرورود فقه آموخت. از بغوی دو کتابش «معالم التنزیل» و «شرح السنه» را شنید و کتابت کرد. در بخارا نزد علامه برهان‌الدین عبدالعزیز بن مازه حنفی تحصیل نمود. سپس به مرو بازگشت و در آنجا ملجس وعظ آراست و مدتی در آنجا مقیم شد تا در فتنه‌ی غز (۵۴۸ ق) به عراق و از آنجا به آذربایجان و جزیره سفر نمود و به وعظ و تذکار پرداخت و مورد توجه قرار گرفت و به علت حسن وعظش همه بر گرد او جمع شدند. ابوسعد سمعانی گوید: او فقیه و واعظ و فصیح بود واز عبدالغفار شیروی و حافظ ابی لفتیان رواسی و نصار بن احمد عیاضی حدیث شنیده بود. من هم در مرو و نیشابور از او حدیث نوشتم. ابواحمد بن سکینه و ابن‌الاخضر و شمس‌الدین عبدالغفور بن بدل تبریزی بزوری و ابوالمواهب بن صصری و قاضی بهاءالدین یوسف بن شداد و ابوالمجد محمد بن حسین قزوینی از وی حدیث شنیده‌اند. وی در تبریز درگذشت. در «شذرات الذهب» نام وی به غلط عطاردی ذکر شده است. از آثارش: «اجویه مسائل»، در فقه و تصوف، که در جواب سؤالهای یوسف بن مقلد دمشقی نگاشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۶ / ۶)، سیر النبلاء (۵۴۰ -۵۳۹ / ۲۰)، شذرات الذهب (۲۴۰ / ۴)، العبر (۶۱ / ۳)، معجم المؤلفین (۵۰ / ۹)، النجوم الزاهره (۷۱ / ۶)، الوافی بالوفیات (۲۰۳ -۲۰۲ / ۲)، وفیات الاعیان (۲۳۹ -۲۳۸ / ۴).

عطای ناکوک رازی، عمید ابوالعلاء عطاء

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، شاعر. معروف به عمید عطاء، عطاء یعقوب و ناکوک. وی معاصر سلطان ابراهیم غزنوی (۴۹۲ -۴۵۱ ق) بوده و در دستگاه غزنویان مقامات عالی داشته است. سلطان ابراهیم بر اثر رنجشی که از او یافت بود وی را از مشاغلی که داشت بر کنار کرد و به هندوستان شهربند فرستاد، او بیش از هشت سال در لاهور در زندان بود. در برخی منابع سال وفات وی ۴۷۱ ق ذکر شده است و منابع قدیم‌تر ۴۹۱ ق را سال مرگ وی ذکر کرده‌اند. رازی در دو زبان عربی و فارسی دارای «دیوان» مشهور است. از دیگر آثار معروف او: «برزو نامه»؛ «بیژن‌نامه»؛ «دیوان»ناکوک.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۴۸۳ -۴۷۷ / ۲)، تاریخ نظم و نثر (۴۳)، الذریعه (۱۱۶۴، ۷۲۷ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۳۹)، لباب الالباب (۷۵ -۷۲ / ۱)، مجمع الفصحا (۸۷۶ -۸۷۳ / ۲).

عطایی چهرودی شیرازی، حیدر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط و شاعر. از مردم چهرود فارس بود. از ایران به هندوستان رفت و در آن جا به سپاهیگری روزگار می‌گذرانید. عطایی خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و مدت بیست سال به کتابت روزگار می‌گذرانید. او در برهانپور ملازمتخان خانان عبدالرحیم‌خان (۱۰۳۶ -۹۶۴ ق) را اختیار کرد و به مدح او پرداخت. عطایی در سرودن شعر توانا بود. «فرهنگ سخنوران» صاحب عنوان را تحت عطایی چهروذی آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۷۳ -۱۷۲ / ۱)، کاروان هند (۹۰۶ -۹۰۵ / ۲)، مآثر رحیمی (۱۵۳۵ -۱۵۲۷ / ۴).

عطایی کوزانی، عنایت

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عنایت عطایی کوزانی

محل تولد : فومن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عنایت عطائی فرزند محمّد دوران متوسطه را در رشته ریاضی فیزیک، در سال ۱۳۷۱ به پایان رساندم، و در سال ۱۳۷۲ وارد حوزه علمیهٔ قم شدم، که تا کنون مشغول تحصیل فقه، اصول و فلسفه هستم.

عطری کاتب، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: قطعه‌ای از یک مرقع، به قلم دو دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رق: «کتبه الفقیر المذنب محمد الشهیری بعطری الکاتب، غفر ذنوبه و ستر عیوبه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۸۷ / ۳).

عطری، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زیست‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: بوعلی‌سینا

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترا در رشته زیست‌شناسی گیاهی، گذراندن دوره‌های تخصصی اکولوژی گیاهی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه بوعلی سینای همدان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بوم‌شناسی و جامعه‌شناسی گیاهی (اکو-فیتوسوسیولوژی)، ریخت‌زائی گیاه، ارگانوژنز و مورفوژنز، تشریح بافت گیاهی، تاثیر قطع بریسته ریشه بر ارگانوژنز و مورفوژنز گیاهی، پوشش‌های گیاهی، تدریس در زمینه بافت و تشریح گیاهی و ارگانوژنز و مورفوژنز به مدت ۱۲ سال، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ارگانوژنز (اندام‌زائی)، مورفوژنز (ریخت‌زائی)، اصول و مبانی، تجزیه و تحلیل داده‌ها، فرهنگ جامع زیست‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

ارگانوژنز، مورفوژنز، پوشش گیاهی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

عظیمای نیشابوری، عظیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۱۱ ق)، شاعر. از شاعران نیشابور در عهد صفوی است. وی مثنوی «فوز عظیم»را در قندهار بعد از مرگ پدرش (۱۰۶۴ ق) در نعت پیامبر (ص) و ستایش امیرالمؤمنین و ائمه اطهار (ع) سروده و در مقدمه‌ی آن شاه‌عباس دوم و میرزا سعدالدین راقم، وزیر خراسان، را مدح گفته است. از دیگر آثار او: منظومه‌ی «گفت و گفتمش»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۱۶)، الذریعه (۲۵۹ / ۱۹، ۲۰۹ / ۱۸، ۳۷۰ / ۱۶، ۷۳۱ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۴۲)، منظومه‌های فارسی (۴۳۳)، نتایج الافکار (۴۸۴ -۴۸۳).

عظیمی تبریزی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: باغبانی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

عظیمی زواره‌ای، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: دی ۱۲۹۹، اصفهان.

درگذشت: ۱۱ دی ۱۳۷۴، تهران.

احمد عظیمی زواره‌ای از دانشسرای عالی تهران به دریافت لیسانس ریاضی نایل آمد. وی بنیانگذار انتشارات نیل و گروه فرهنگی آذر بود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

عظیمی، پرویز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: سیستان و بلوچستان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ریاضی از دانشکده علوم دانشگاه تهران، دانشنامه مدرسی ریاضیات از موسسه ریاضیات دانشگاه تربیت معلم تهران، دکترای ریاضی از دانشگاه کاتولیک آمریکا شهر واشنگتن.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه سیستان و بلوچستان زاهدان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

هندسه فضاهای باناخ، بررسی حل بعضی مسائل در فضاهای باناخ (Banach Spaces)، استاد راهنمای یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی تألیفات:

آنالیز مختلط، هندسه دیفرانسیل.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:–، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

آنالیز تابعی (Functional Analysis)، فضاهای باناخ (Banach Spaces) و هندسه فضاهای باناخ.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

عظیمی، شمس الدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید شمس الدین عظیمی

محل تولد : بروجرد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱ زندگینامه علمی

از روحانیون قبل از انقلاب و طلاب مدرسه حقانی (به مدیریت شهید قدوسی) و بعد از آن مؤسسه مرحوم آیت الله گلپایگانی (المهدی فعلی) بوده و همان زمان در کنار دروس حوزوی به تدوین و نوشتاری و مقاله‌نویسی مبادرت می‌نمودم به کتب آن زمان استاد محقق و آیت الله فعلی مکارم شیرازی و مدرس آن موقع حوزه و آیت الله فعلی نوری همدانی علاقه زیادی داشتم روش رئالیسم مرحوم مطهری و ماتریالیسم و دیالکتیک استاد آیت الله فعلی جعفر سبحانی را مطالعه می‌نمودم به مراکز مختلف اعم از روستاها و شهرهای کشور نیز جهت انجام خدمات تبلیغی مهاجرت می‌نمودم دروس سطح را قبل از انقلاب اتمام نموده مدتی در کرمانشاه در درس خارج فقه مرحوم آیت الله میبدی شرکت می‌کردم یک دوره شرح تجدید نزد مرحوم حقی سرابی در مسجد فاطمیه گذرخان (قبل از انقلاب) تلمذ نمودم. سه سال بحث مسیحیت را نزد استاد عبدالقائم شوشتری (الأن از ائمه جمعه هستند) برادر وزیر سابق دادگستری تعلیم گرفتم نزد ایشان دو سال هم تصوف خواندم، یکسال هم مبحث بهائیت و ردّ آن را نزد استاد قدرت الله نجفی خواندم پیوسته از شاگردان ممتاز استاد شوشتری بودم الان بسیاری از شاگردان آن موقع و همدرسان حقیر از مسئولین طراز اول نظام هستند اوائل انقلاب به تهران هجرت نمودم مدتی درس خارج فقه جواهر مرحوم حقی سرابی در مدرسه و مسجد امام حسین(ع) فعلی شرکت نمودم آنگاه در میدان بهارستان (دبیرستان شریعتی روزانه) به تدریس عربی و دینی چهارم دبیرستان و در دبیرستان شهید رجائی و شبانه ابتدایی پاسداران به همان دروس پرداختم مدتی در مرکز نشر دانشگاهی زیر نظر دکتر پورجوادی مصحح کتب و مقابله کتب دینی و غیردینی بودم همان زمان از سری دوازده گانه کتب محمدعلی دخیل از علمای نجف جلد اول آن یعنی الأمام امیرالمؤمنین علی(ع) را به فارسی ترجمه کردم و به بنیاد بعثت تحویل دادم سپس وارد ارتش شدم و ضمن قبول مسئولیت عقیدتی سیاسی بیشتر به تدریس اصول عقاید و ماتریالیسم و ریشه‌های انقلاب و خدمات متقابل اسلام و ایران اشتغال داشتم از اساتید مرکز آموزشهای هوایی بودم پس از ارتش به سپاه رفتم و آنجا نیز ضمن داشتن مسئولیت عقیدتی سیاسی بیشتر مربی و مدرس بودم یکسال ورامین، یکسال نقده، یکسال سقزّ بودم و سپس به خدمت در سازمان تبلیغات اسلامی درآمدم در دانشگاه خواجه نصیر استاد اخلاق و ریشه‌های انقلاب شدم امام جماعت نیز بودم در سازمان هم ضمن داشتن مسئولیت به نوشتن مقاله و همکاری فرهنگی و تبلیغی ادامه دادم.

پس از ۲۰ سال متارکه رسمی دروس حوزوی مجدداً به قم برگشتم و ضمن انتقال کار اداری از تهران به طور موقت به قم شروع به تجدید و مرور به دروس قبل از انقلاب نمودم سطح ۲ و سطح ۳ را گرفتم و چون فرصت خوبی برایم پیش آمد و تدریس در دانشگاه‌ها هم نیاز به مجوز پیدا کردم مبادرت به امتحان و مصاحبه علمی معاونت اساتید معارف دانشگاه‌ها را نمودم و موفق به اخذ دو مجوز تدریس اخلاق اسلامی و معارف (اندیشه ۲) گردیدم هم اکنون در تهران در دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی طی ۱۲ ساعت در هفته (بعد از ظهرها) اشتغال به تدریس دارم هفته‌ای سه روز یعنی روزهای یکشنبه و دوشنبه و سه‌شنبه در درس خارج فقه (مکاسب محرمه) مقام معظم رهبری شرکت می‌کنم تدوین پایان‌نامه با عنوان (حکمت الهی در ادیان توحیدی) دارم که قائل ارائه می‌باشد جزوه دیگری آماده چاپ تحت عنوان ۱۴ درس اخلاق برای دانشجویان که تقریباً تدریس برای یک ترم دانشگاهی است دارم با هیئت رزمندگان اسلام در تهران در بخش فرهنگی آن همکاری فرهنگی دارم که مصاحبه اخیر حقیر در مجله ماهانه آنها چاپ می‌گردد با مرکز مشاوره جناب دکتر افروز در ارتباط هستم و بیش از ۵ سال است که به بصورت تجربی و روانشناسی و دعا درمانی اسلامی و سنتی خانواده‌ها را سرویس‌دهی مشاوره‌ای می‌نمایم و اخیراً با مرکز مشاوره جهت اخذ مجوز ارتباط برقرار نموده‌ام ناشر نیز هستم تحت عنوان انتشارات مهرویان و کتاب شرح کامله کلیله و دمنه را که بیش از هزار صفحه و در یک مجلد و تألیف ۱۴ ساله حجت الاسلام دکتر موسوی و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب می‌باشد حدود ۵ الی ۶ ماه است که چاپ و نشر نموده‌ام و آماده عرضه می‌باشد و در پایان باید بگویم که هم‌اکنون در تهران و قم (بیشتر تهران) اشتغال به کار اجرایی، مشاوره، دعا درمانی، شرکت در درس خارج فقه رهبر انقلاب، تدریس در هفته در دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی و... دارم.

عظیمی، فخرالدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فخرالدین عظیمی در سال ۱۳۳۲ در شهر تهران به دنیا آمد. وی تحصیلات تکمیلی خود را بعد ازدانشگاه تهران در لندن پی گرفت و در سال ۱۹۸۵ موفق به اخذ دکترای تاریخ از دانشگاه آکسفورد لندن گردید او هم اکنون در دانشگاههای کانتیکات آمریکا مشغول تدریس است. دکتر عظیمی از اندیشمندان پرمایه تاریخ نگاری معاصر ایران است.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

گرایش : تاریخ معاصر ایران

تحصیلات رسمی و حرفه ای : – ورود به دانشگاه تهران و تحصیل دررشته حقوق و علوم سیاسی این دانشگاه – اخذ مدرک لیسانس با رتبه نخست از دانشکده حقوق و علوم سیاسی – عزیمت به لندن و تحصیل در رشته علوم سیاسی دانشگاه لندن – اخذ دکترای تاریخ از دانشگاه آکسفورد لندن ۱۹۸۵

فعالیتهای آموزشی : فخرالدبن عظیمی از سال۹۱ در دانشگاه کنتیکت آمریکا مشغول به تدریس است و دانشیار گروه تاریخ دانشگاه کانتیکات آمریکا از سال ۱۹۹۵ است.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : فخرالدین عظیمی از پایه گذاران رشته ایران شناسی در دانشگاه کلمبیا است.

آرا و گرایشهای خاص : فخرالدین عظیمی درباره مناقشات فکری و کارایی فلسفه در جامعه ایران معتقد است: «در ایران جذبه و رعبی که نسبت به فلسفه وجود دارد نسبت به شاخه های دیگر معرفت وجود ندارد. شاید یکی از پیامدهای این وضع این است که در ایران برخی از اهل فلسفه معنای پیشین خود را از دست داده است و شاخه های مختلف علم از جمله علوم اجتماعی ــ انسانی پدید آمده اند و بسیاری تبیین های جالب، پرسشهای اساسی و نظریه های کارآمد در حوزه های علوم اجتماعی و انسانی مطرح می شود و نه در حوزه فلسفه. گذشته از این فلسفه بیش از آنکه پاسخ های قانع کننده پدید آورد پرسشهای استوار و اساسی در میان می نهد و راههای گوناگون پاسخ دادن به این پرسشها را بررسی می کند. اگر پاسخ معینی به عنوان تنها پاسخ ممکن مطرح شود و جای پرسش و گفت وگوی بیشتر نباشد دیگر کار چندانی برای اهل فلسفه باقی نمی ماند. این سخنان به هیچ وجه به معنای انکار اهمیت فلسفه و نقش اساسی آن در کمک به تعمق فکری و روشنگری نیست. هر دانشجوی جامعه و تاریخ باید به فلسفه به عنوان مهمترین یاور درک و طرح پرسشهای اساسی بنگرد. البته از نظر من آن مشربهای فلسفی که فهم مسائل پیچیده اجتماعی ــ سیاسی و فرهنگی و شیوه تحلیل این مسائل را تسهیل نکنند یا امکان طرح پرسشهای مهم مربوط به زندگی اجتماعی را فراهم نسازند و به پرورش ذهنی نقاد و ورزیده کمک نکنند، در خور توجه زیاد نیستند. متأسفانه در ایران برداشت برخی کسان از فلسفه و از راهیابی مشکلات جامعه موجب شده است خیال کنند کلید فهم و حتی حل مسائل کشور را مثلاً باید در فلسفه هگل یا فیخته یا فیلسوفان دیگر دید ولی به گمان من این شیوه نگرش به فلسفه و به مسائل ایران نگران کننده و مایه شگفتی است.» عظیمی در عین حال نقش دانشگاهها را در پیشبرد فلسفه در جامعه ایرانی مورد انتقاد قرار می دهد: «متأسفانه دانشگاههای ما نقش قاطعی در نضج بینش تحلیلی و گسترش دانش فلسفی در کشور ایفا نکرده اند و حتی بهترین ترجمه های متون فلسفی هم اغلب در خارج از حوزه دانشگاهها انجام شده است. دوم اینکه فلسفه دانان این کشور اغلب از دانشهایی مانند تاریخ وانسان شناسی که برای مباحثات و کاوشهای فلسفی خلاق اهمیتی اساسی دارند، غفلت کرده اند. به گمان من میزانی از اعتقاد به موجبیت فرهنگی معقول و تلطیف شده و توجه به زمینه تاریخی و فرهنگی اندیشه ها، برای تفکر فلسفی بسیار مهم است. البته در اروپا نیز برخی از فیلسوفان از توجه به نقش تاریخ و فرهنگ غافل مانده اند و طبعاً برخی هم راه افراط پیموده اند و مثلاً کارایی مفاهیم را تنها محدود به حوزه فرهنگی خود آنها دانسته اند. شاید بتوان گفت کمابیش اغلب فیلسوفان نسبت به فرهنگ و چارچوب تاریخی ــ فرهنگی اندیشه ها و مفاهیم بی توجه بوده اند و گمان کرده اند که می توان اصولی انتزاعی را یافت که به همه فرهنگها و سرزمین ها قابل تسری باشد و ریشه در هیچ فرهنگ و سرزمینی هم نداشته باشد. این بی تفاوتی درباره تفاوتهای فرهنگی به همان اندازه در خور سرزنش است که تقلیل کارایی همه مفاهیم و مقولات به زمینه فرهنگی خاص و به حوزه زبانی که آنها را پدید آورده است.»

جوائز و نشانها : فخرالدین عظیمی که از سال۹۱ در دانشگاه کنتیکت آمریکا مشغول به تدریس است، برنده جایزه تحقیقات عالی و نیز عضو برگزیده انستیتو پژوهش های علوم انسانی آن دانشگاه نیز هست و به راستی که از اندیشمندان پرمایه تاریخ نگاری معاصر ایران است.

چگونگی عرضه آثار : فخرالدین عظیمی علاوه بر مقالات متعدد در زمینه های تاریخ تحلیلی معاصر و علوم سیاسی، در کار تألیف نیز سابقه درخشان دارد و گرچه کتب تألیفی اش را به زبان انگلیسی می نگارد اما از ترجمه آن به زبان فارسی نیز دریغ نمی کند و علاوه بر مخاطبان بین المللی کنجکاو در مسائل خاورمیانه و تاریخ معاصر ایران، نظر مخاطبان و دانشجویان و استادان ایرانی را نیز به آثار خویش معطوف داشته و نظر آنان را نیز جلب کرده است. کتاب «بحران دموکراسی در ایران» او از جمله این آثار است. فخرالدین عظیمی همچنان که به کار تألیف آثار خویش می پردازد، از کار مؤلفین دیگر نیز بی خبر نمی ماند و در نقش مخاطب و حتی منتقد آثار مولفین دیگر در حوزه تاریخ نیز حضوری پررنگ دارد. نمونه این حساسیت او را می توان در نقد جامعی که بر کتاب «جمهوری سوسیالیستی شورایی در ایران» نوشته خسروشاکری نگاشته دنبال کرد. وی که سالهاست تحقیقات تاریخی خود را بر روی سیاست، اجتماعی و فرهنگ اجتماع مدرن ایران متمرکز کرده، چندسالی است که به تاریخ و فرهنگ سیاسی ایران در میان دوانقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی می اندیشد و در این حوزه می نگارد و می اندیشد. ----------------------------

----

آثار :

۱ بحران دموکراسی در ایران

ویژگی اثر : تالیف دکتر فخرالدین عظیمی به زبان انگلیسی ترجمه توسط عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری سال ??توسط نشر البرز در تهران منتشر شد.

۲ حاکمیت ملی و دشمنان آن

ویژگی اثر : الیف دکتر فخرالدین عظیمی به زبان انگلیسی ترجمه به فارسی در سال ????توسط نشر نگاره آفتاب. دکتر عظیمی»، در کتاب خود کوشش کرده است تصویری از تلاشهایی به دست دهد که از یک سو برای به کرسی نشاندن حاکمیت ملی ایران و از سوی دیگر برای دست نیافتنی کردن این هدف و برانداختن دولت «مصدق» صورت گرفت. او همچنین به بررسی نیروهای درگیر، اهمیت نسبی آنها و پیوندهای ستیزه گران بومی و بیگانه پرداخته و جنبه هایی از کارنامه سیاسی دولت «مصدق» را نیز بررسی نموده است. بررسی نقش، ترکیب و انگیزه های یاران «مصدق» و بویژه مخالفان او، ارزیابی قلمرو یا حوزه اقتدار و امکانات و دشواریهای گوناگونی که وی در روزگار نخست وزیری پیش رو داشت، از جمله مباحث دیگری هستند که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است. نویسنده برای تدوین این کتاب، از تازه ترین سندها و منابعی که از آرشیوهای انگلستان و آمریکا یا از منابع ایرانی به دست آمده استفاده کرده است و از برشمردن نکاتی که بارها درباره آنهانوشته شده پرهیز کرده است.

عفاف

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن سیزدهم هجری، از زنان دانشمند، خوشنویس و شاعر. وی همسر شاهزاده حیدرقلی میرزا، فرزند فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ – ۱۲۱۲ ق) بود و خط شکسته را خوش می‌نوشت، با علوم غریبه آشنا بود و شعر نیز می‌سرود. ابیات زیر از اوست.

من آن مرغم که اندر دام صیاد

تفاوت نیستم با مرغ آزاد

به کوی عشق ای دل با خبر باش

که آنجا رهزنان اندر کمینند

چه نالی فصل گل ای بلبل زار

که گل را نیست پروای غم تو

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره دهم، ۵۴؛ از رابعه تا پروین، ۱۶۹ –۱۶۸؛ حدیقةالشعراء، ۲۱۸۳ –۲۱۸۲ / ۳؛ خیرات حسان، ۱۸۴ / ۲؛ نقل مجلس، گ ۳۲ –۳۱؛

عفاف قاجار

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر و خوشنویس. وی همسر شاهزاده حیدر قلی میرزا (تو ۱۲۱۴ ق) فرزند فتحعلی‌شاه قاجار بود. خط شکسته را خوش می‌نوشت، با علوم غریبه آشنا بود و طبع شعر نیز داشت. از اوست :

به کوی عشق ای دل باخبر باش

که آنجا رهزنان اندر کمین‌اند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :از رابعه تا پروین (۱۶۹ –۱۶۸)، تاریخ عضدی (۲۲۶)، حدیقه الشعراء (۲۱۸۳ –۲۱۸۲ / ۳)، زنان سخنور (۳۳۰ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۶۴۲)، مشاهیر زنان (۱۶۶ –۱۶۵).

عفت قاجار

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عارف، خطاط و شاعر، متخلص به عفت. ملقب به نواب متعالیه و معروف به خانم خانمان. وی از علوم نجوم و مقدمات عربی بهره داشته خط نستعلیق و شکسته را خوب می‌نوشت. وی بیشتر به اشعار مولوی علاقه داشت و سبک او را در مثنوی پیروی می‌کرد.[۱]

قرن سیزدهم هجری، همایون سلطان خانم مشهور به خانم خانمان از زنان عارف، شاعر و خوشنویس. وی نخستین دختر فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ –۱۲۱۲ ق) و خواهر تنی حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس و حسنعلی میرزا والی خراسان و همسر ابراهیم خان

ظهیرالدوله بود. به نوشته محمود میرزا در تذکره نقل مجلس، عفت از علوم نجوم، هیئت و مقدمات عربی بهره داشته، خط نستعلیق و شکسته را خوب می‌نوشت و شعر را نیز نیکو می‌سرود. چون عارف مسلک بود غالبا مثنوی مولوی می‌خواند و اشعاری نیز به سبک مثنوی می‌سرود. محمود میرزا به او تخلص عفت داد.

اشعار زیر از اوست:

میل خاطر می‌کشد تازه به آن

تازنو آرم حدیثی در میان

هست در شهر محبت تازه‌ها

در کتاب دوستی شیرازه‌ها

غیر عشقم هیچ در تقریر نه

دل زیاد عشق هرگز سیر نه

تشنگان را نیست لذت غیر آب

خستگان را نیست راحت غیر خواب

غرقه در دریا نخواهد جز کنار

در زمستان هر کسی جوید بهار

هر که را باشد بهاری در جهان

عشق می‌باشد بهار عاشقان[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از رابعه تا پروین (۱۷۳ –۱۷۲)، حدیقه الشعراء (۲۱۸۶ / ۳)، زنان سخنور (۳۳۷ / ۱)، طرائق الحقائق (۳۲۹ / ۳)، فرهنگ سخنوران (۶۴۲)، مشاهیر زنان (۶۶).

[۲] منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره ششم، ۵۱ –۵۲؛ از رابعه تا پروین، ۱۷۳ –۱۷۲؛ تاریخ عضدی، ۳۱۶؛ حدیقهٔالشعراء، ۲۱۸۶ / ۳؛ خیرات حسان، ۱۸۵ / ۲؛ زنان سخنور، ۳۳۷ / ۱؛ طرایق‌الحقایق، ۳۲۹ / ۳ ناسخ‌التواریخ، دوره کامل تاریخ قاجاریه، ۳۲۵؛ نقل مجلس، گ ۱۸ –۱۶.

عفت نسابه شیرازی، سکینه

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(۱۱۹۰– بعد از ۱۲۵۰ ق)، شاعر، متخلص به عفت. وی اهل شیراز و زنی با کمال و استعداد بود و تعلیم و تربیت زنان حسینعلی میرزا فرمان‌فرما را بر عهده داشت.وی معاصر نشاط، فتحعلی خان صبا و مجمر اصفهانی بود و از آنان الهام می‌گرفت. عفت، فتحعلی‌شاه را مدح کرده است. لازم به ذکر است که صاحب «فارسنامه‌ی ناصری»و صاحب «از رابعه تا پروین»، تولد وی را به اشتباه ۱۲۹۲ ق ذکر کرده‌اند. اثرش «دیوان» شعر می‌باشد.[۱]

۱۱۹۲ / ۱۱۹۰– پس از ۱۲۵۰ ق، سکینه از زنان ادیب و شاعر. وی دختر میرزا عبدالله نسابه و اهل شیراز و زنی باکمال و استعداد بود. به نوشته مولف تذکره دلگشا، عفت با آنکه محضر اساتید بزرگ شعر و ادب را درک نکرد با این وجود طبعی توانا داشت و اشعار نغزی می‌سرود و سرآمد زنان شاعر عصر خود بود. حسینعلی میرزا فرمانفرما، حاکم شیراز که از دانش و کمال او آگاهی یافت، وی را به اندرون حرمش دعوت کرد و تعلیم و تربیت زنان و دخترانش و ثبت و ضبط امور اندرون را به او سپرد عفت، عزت و احترام خاصی نزد فرمانفرما داشت. پس از فرمانفرما به خانه خود رفت. وی تا پایان عمر ازدواج نکرد.

عفت معاصر شعرای بزرگ چون فتحعلی خان صبا، میرزا عبدالوهاب نشاط و مجمر اصفهانی بود و از آنان الهام می‌گرفت. وی فتحعلیشاه (۱۲۵۰ –۱۲۱۲ ق) را مدح کرده است. از اشعار او است:

ساقی ماهرو یکی ساغر لعل فام دو

از کف و لعل او ستان بوسه یکی و جام دو

حال من و نگار من جسم دواست و جان یکی

هست فسانه‌ای عجب شخص یکی و نام دو

این دل و جان خسته را همره نامه کرده‌ام

قاصد نیک پی ببر نامه یکی پیام دو

گوشه چشم او نگر خال سیاه مشک بو

نافه به دشت چین یکی آهوی خوش خرام دو

زلف تو بهر مرغ دل دام فکنده از دو سو

آه که مشکل آمده صید یکی و دام دو

محتسب است و شیخ و من قصه عشق در میان

از چه کنم مجابشان پخته یکی و خام دو

به نوشته رکن‌زاده آدمیت بهائیان بیت آخر این شعر را به قرهٔالعین نسبت داده‌اند ولی درست نیست و عبدالحسین آیتی (از مبلغان

سابق و تائب بهائیت) در الکواکب الدریه در شرح حال و اشعار منسوب به قرةالعین، اشاره‌ای به این بیت نکرده است. بیت آخر را نیز به امهانی منسوب کرده‌اند.

از نعتیات اوست:

ای که به عرصه جهان شد به تو ختم سروری

جانب خستگان غم نیست روا که بنگری

خواجه خواجگان تویی بنده بندگان منم

شکر چرا نمی‌کنی بنده چرا نمی‌خری

روز و شب است نام تو ورد زبانم ای صنم

هیچ اگر چه از کرم نام مرا نمی‌بری

باز سپاه ناز را تاخت به شهر بند دل

ملک خراب چون کند با سپه ستمگری

از مژه بهر قتل من بسته ز هر کناره صف

این دل خسته چون کند مانده میان لشکری

از پی بزم شه کنون در کف ساقیان مگر

جام چو مجمر و در آن راح نموده اخگری[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از رابعه تـا پروین (۱۷۲ -۱۶۹)، حدیقه الشعراء (۲۱۸۵ -۲۱۸۳ / ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۴۹ - ۶۴۷ / ۳)، الذریعه (۷۳۱ / ۹)، طرائق الحقـائق (۲۳۵ / ۳)، فارسنامه ناصری (۱۰۶۴ -۱۰۶۳ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۴۲)، مشاهیر زنان (۱۶۷ -۱۶۶)، مصطبه‌ی خراب (۱۲۹).

[۲] منـابع: از رابعه تـا پروین، ۱۷۲ -۱۶۹؛ بزرگان شیراز، ۳۴۴؛ حدیقةالشعراء ۲۱۸۵ -۲۱۸۳ / ۳۰ دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ۶۴۹ -۶۴۷ / ۳؛ الذریعه، ۷۳۱ / ۹؛ طرایق‌الحقایق، ۱۰۵ / ۳؛ فارسنامه‌ی ناصری، ۱۱۰ / ۱؛ مصطبه‌ی خراب، ۱۲۹.

عفتی اسفراینی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. تذکره‌ها او را از اهالی اسـفراین و برخی نیز از اهالی سـمرقند دانسته‌اند. در بعضی از تذکره‌ها نام او عشقی ذکر شده و در پاره‌ای از آنها هر دو نام آمده است. عفتی از شاگردان یا خدمتکاران شیخ آذری (م ۸۶۶ ق) بوده و به نوشته‌ی تذکره‌ی «روز روشن» وی «دیوان» شعری داشته که به غارت رفته است. از اوست:

قامت سرو که در آب نمودار شده

کرده دعوی به قد یار و نگونسار شده[۱]

قرن نهم هجری، از زنان شاعر. تذکره‌ها او را از اهالی اسـفراین و سـمرقند نیز دانسته‌اند. عفتی از خدمتکاران یا کنیزان شیخ آذری (۸۶۶ ق) و زنی زاهـد و پرهیزگـار بود. به نوشـته تـذکره روز روشن وی دیوان شـعری داشـته که به غـارت رفته است. رباعی زیر از اوست:

قامت سرو که در آب نمودار شده

کرده دعوی به قد یار و نگونسار شده

مست بودم به می غفلت و ساقی دیشب

دو سه جامیم عطا کرده و هشیار شده[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از رابعه تـا پروین (۱۷۲)، تـذکره‌ی روز روشن (۵۵۵)، حدیقه الشعراء (۲۱۸۶ / ۳)، الذریعه (۷۳۲ -۷۳۱ / ۹)، ریحانه (۱۵۱ -۱۵۰ / ۴)، زنان سخنور (۳۳۸ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۶۴۲)، مشاهیر زنان (۱۶۸ -۱۶۷).

[۲] منابع: آتشکده آذر، ۳۵۹؛ «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره ۵۰؛ از رابعه تا پروین، ۱۷۲؛ جواهرالعجایب، ۳۰۲ - ۱۳۹؛ حدیقةالشعرا، ۲۱۸۷ -۲۱۸۶ / ۳؛ خیرات حسان، ۱۸۶ -۱۸۵ / ۲؛ الذریعه، ۷۳۲ -۷۳۱ / ۹؛ روز روشن، ۵۵۵؛ زنان سخنور، ۳۳۸ / ۱؛ قاموس‌الاعلام، ۳۱۶۲ / ۴.

عفتی، قدرت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قدرت الله عفتی

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۴/۹

زندگینامه علمی

۹ تیر ۱۳۴۵ در خانواده ای مذهبی، متدین و کشاورز در روستای سرسبز مریج محله از توابع آمل استان مازندران، دیده به جهان گشودم.

در همان روستا دوره ابتدائی را به پایان بردم، برای ادامه تحصیل بایـد به شهر می رفتیم و به دور از خانواده زندگی می کردیم تا درس بخوانیم، به همین منظور به فریدونکنار رفتم، راهنمایی و دبیرستان را در آنجا گذراندم و در سال ۱۳۶۴ موفق به اخذ دیپلم شدم.

مهر ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه آمل «مسجد هاشمی» شدم یک سال از محضر اساتید ارزشمند آقایان مرحوم موسوی و ابراهیمی بهرمند گردیدم.

مهر ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم، دروس مقدمات را به مدت سه سال از محضر اساتید برجسته ای همچون آقایان: درویش، درخشان پور، مرحوم مهدی زاده و ... بهرمند گردیدم.

دروس سطوح عالی را نزد اساتید بزرگ حوزه آقایان محمدی، علی دوست، طالقانی، اعتمادی، نکونام، دریاباری ، خاتمی، مرحوم وجدانی فخر، مرحوم شیخ علی پناه اشتهاردی و ... کسب فیض نمودم.

مهر ۱۳۷۲ (معمولاً درس های حوزه علمیه قم، هر ساله از اواسط شهریور شروع می شد) در پی استادی برای درس خارج بودم که بتوانم مطالب ایشان را به خوبی درک کنم، برای همین منظور کلاس های مجتهدین بزرگ و برجسته را می رفتم تا اینکه در فروردین ۱۳۷۳ در کلاس خارج فقه وخارج اصول فقه مرحوم آیت الله العظمی صالحی مازندرانی (قدس الله سره الشریف) وارد شدم و تا سال ۱۳۷۹ از محضرشان فیض می بردم در این سال روح بلندشان به ملکوت اعلی پرواز کرد و ما از فیض وجودش بی بهره شدیم.

از سال ۱۳۷۴ در کلاس خارج فقه حکیم متاله آیت الله جوادی آملی بهرمند شدم و تاکنون (۱۳۸۸) از وجود پر برکتش بهرمند هستم.

مهر ۱۳۷۷ در کنار دروس حوزوی وارد دانشگاه شدم و در سال ۱۳۸۰ موفق به کسب مدرک کارشناسی گردیدم. همراه با وظایف طلبگی، از فروردین ۱۳۸۱ تاکنون (۱۳۸۸) از محققان دانشنامه امام خمینی در موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) هستم.

عفیف‌الدین، محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عفیف‌الدین محمد بن یعقوب در پرهیزکاری و پاکدامنی سرآمد اقران خود بوده و بنابر نوشته مجمل فصیحی در سال ۷۵۳ که مسجد جامع کرمان به امر امیر مبارزالدین محمدمظفر بنا شد و به اتمام رسید. شاه مولا اعظم امام ربانی مولانا عفیف الملة والدین محمد بن یعقوب را درخواست کرد از یزد به کرمان آمده و در روز جمعه با امامت خود مسجد را افتتاح نماید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

عقاب شوشتری خراسانی، شهاب‌الدین عبدالله

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(شهادت ۹۹۷ ق)، عالم، متکلم و فقیه امامی. معروف به شهید ثالث. از علمای عهد شاه‌طهماسب صفوی بود. وی در شوشتر به دنیا آمد. در جوانی در شیراز به تحصیل علوم عقلی پرداخت، سپس به شامات رفت و در نزد عده‌ای از علماء و فقهای جبل‌عامل درس خواند تا به مدارج عالی رسید. آن‌گاه به ایران بازگشت و در خراسان سکنی گزید. شهاب‌الدین از ابراهیم بن علی بن عبدالعالی میسی روایت کرده و نظام‌الدین ابوالفتح عامر بن فیاض جزایری مشهدی و ابومحمد علی بن عنایت‌الله مشهور به بایزید بسطامی و تاج‌الدین حسین صاعدی از شاگردان و راویان عقاب می‌باشند. مدتی در مشهد به موعظه و امر به معروف و نهی از منکر قیام نمود تا در ۹۹۷ ق به دستور ازبکان که در آن زمان بر خراسان استیلا یافته بودند دستگیر شد و به بخارا فرستاده شد، تا با علمای عامه مناظره نماید. او با علمای آنجا بحث نمود و چون از مقابله با وی درماندند به عبدالله‌خان ازبک گفتند که باید از گفتگو با او دوری کرد، مبادا که عامه‌ی مردم فریب خورند و بشورند، پس او را با چاقو و خنجر کشتند و جسد پاکش را در میدان بخارا به آتش کشیدند. از آثارش: کتابی در «امامت»؛ کتاب «الاربعین فی فضائل امیرالمومنین (ع)».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۷۹ / ۴)، اعیان الشیعه (۵۰ / ۸)، تکمله امل الآمل (۸۲)، الذریعه (۴۲۱ -۴۲۰، ۲۰۶، ۱۶۱/ ۱)، روضات الجنات (۲۲۸ -۲۲۴ / ۴)، ریاض العلماء (۲۵۳ -۲۴۸ / ۳)، ریحانه (۱۵۲.۴)، شهیدان راه فضیلت (۲۸۱ -۲۷۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۹ -۱۲۸ / ۱۰)، عالم‌آرای عباسی (۱۵۵ -۱۵۴ / ۱)، فوائد الرضویه (۲۵۶)، معجم المؤلفین (۱۴۷ -۱۴۶ / ۶).

عقل آرا، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر حسن عقل آرا متولد سال ۱۳۱۷ در تبریز است.ایشان در سال ۱۳۴۷ مدرک دکتری در رشته الکترونیک را از دانشگاه استراسبورگ – فرانسه با موفقیت اخذ کردو از سال ۱۳۴۸ به عنوان عضو هیات علمی در گروه حالت جامد و الکترونیک دانشکده فیزیک دانشگاه تبریز مشغول خدمت شد. ایشان هم اکنون با رتبه علمی،دانشیاری در گروه آموزشی حالت جامد و الکترونیک دانشگاه تبریز فعالیت می کند.

گروه : فنی و مهندسی

رشته : مهندسی الکترونیک

تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسن عقل آرا تحصیلات ابتدایی را در دبستان منوچهری به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۳۹از دبیرستان فردوسی اخذ کرد ایشان مدرک کارشناسی در رشته فیزیک را از دانشگاه تهران و کارشناسی ارشد الکترونیک را در سال ۱۳۴۵ از دانشگاه استراسبورگ – فرانسه دریافت نمود و در سال ۱۳۴۷ مدرک دکتری در رشته الکترونیک را از دانشگاه استراسبورگ – فرانسه با موفقیت اخذ کرد. ایشان دارای مدرک کارشناسی ارشد از دانشگاه تهران نیز می باشند. عنوان پایاننامه : الف – کارشناسی ارشد: ۱– طرح و ساخت دستگاه اندازه گیری میزان مواد رادیواکتیو و کشف منابع آن ۲– طرح و ساخت مدارهای کوانسیدانس و آنتی کوانسیدانس برای استفاده در آزمایشگاههای فیزیک هسته ای ب – دکتری: طرح و ساخت یک دستگاه با مدارهای مجتمع (IC) به منظور پردازش سیگنالها در یک سیستم شمارش فیزیک هسته ای

وقایع میانسالی : حسن عقل آرا در سال ۱۳۴۷ مدرک دکتری در رشته الکترونیک را از دانشگاه استراسبورگ – فرانسه با موفقیت اخذ کردو از سال ۱۳۴۸ به عنوان عضو هیات علمی در گروه حالت جامد و الکترونیک دانشکده فیزیک دانشگاه تبریز مشغول خدمت شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای اجرایی و مدیریتی حسن عقل آرا به قرار زیر است: قبلی : رئیس مرکز علمی دوره های شبانه – رئیس کتابخانه دانشکده علوم – مدیر گروه فیزیک حالت جامد و الکترونیک دانشگاه تبریز فعلی:عضو هیئت علمی و دانشیار گروه آموزشی حالت جامد و الکترونیک دانشگاه تبریز

فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی دکتر حسن عقل آرا به قرار زیر است: تدریس: ۱–دوره کارشناسی : الکترونیک نظری و عملی ۱ ،الکترونیک نظری وعملی ۲ ، فیزیک پایه ۲ ۲– تحصیلات تکمیلی: مدارهای دستگاه های اندازه گیری

چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی : تعداد مقاله های منتشرشده : ۵ مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها : ۶ مورد تعداد کتابهای ترجمه شده : ۵ مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد : ۷ مورد

آثار :

۱ الکترونیک (۲)

ویژگی اثر : ترجمه

۲ الکترونیک (۳)

ویژگی اثر : ترجمه

۳ الکترونیک (۴)

ویژگی اثر : ترجمه منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرحیم عقیقی بخشایشی

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۲/۱/۱

زندگینامه علمی

عبدالرحیم فرزند حاتم، معروف به «عقیقی بخشایشی»، در سال ۱۳۶۱ ه.ق (مطابق با ۱۳۲۰ ه.ش) در قصبه «بخشایش» (زادگاه مادر پروین اعتصامی، شاعره نامدار) در ۶۵ کیلومتری شرق تبریز، در یک خانواده کشاورز پا به عرصه حیات نهاد. با داشتن علاقه وافر به تحصیل، زادگاه خویش را به عزم تبریز ترک گفته و در مدرسه طالبیه دروس ادبی و مقدماتی را فرا گرفت؛ تا اینکه درسال ۱۳۷۸ ه .ق به قصد ادامه تحصیل، رهسپار حوزه علمیه قم گردید. در آن حوزه مبارکه، از محضر اساتید معروف روز، بهره مند شد. دروس سطح را از اساتید هم زبان خویش، آقایان حجج اسلام: شیخ احمد پایانی، حاج میرزا یدالله دوز دوزانی، و استاد جعفر سبحانی و دروس عالیه فلسفه و حکمت و فقه را از محضر اساتید بزرگوار، شادروان علامه طباطبایی و معلم شهید مرتضی مطهری و آیت الله

سلطانی، اصول فقه را از محضر امام خمینی (ره) و خارج فقه را از محضر آیت الله العظمی گلپایگانی و برخی دیگر از مراجع معروف و دروس اخلاق و معارف عالیه را، ازمحضر آیت الله العظمی آخوند ملا علی معصومی همدانی، کسب نمود، و از محضر ایشان موفق به اجازه روایتی در مسیر اجازات حاج آقا بزرگ تهرانی گردید.

هم زمان با تحصیلات حوزوی، در دروس دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، شاخه فقه و مبانی حقوق اسلامی، و دروس دارالتبلیغ اسلامی قم شرکت جست، تا درسال ۱۳۹۱ ه.ق (۱۳۴۹ ه.ش) موفق به دریافت لیسانس از دانشگاه تهران و پایان نامه تحصیلی از این موسسه اسلامی گردید. پس از کسب تحصیلات عالیه حوزه و دانشگاه، زندگی او در دو کلمه خلاصه میشود: قلم و قدم،با توجه به شوق و علاقه خاصی که در خود میدید، رشته نویسندگی و خلق آثار قلمی را تعقیب نمود و تاکنون لحظه ای قلم را ترک نگفته است. این رشته را رسما از سال ۱۳۴۰ ه . ش با جراید معروف آن روز، مانند هفته نامه ندای حق، وظیفه، مجله نور دانش و ... آغاز کرده و نخستین تالیفات خود، «نظری به انجیل و تعلیمات مسیحیت» و «همسران رسول خدا (ص) » را در سال ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ نگاشت و در جلسات اسلام شناسی زیر نظر دکتر مفتح به چاپ رسید تا اینکه در سال ۱۳۵۰ ه. ش به عضویت هیات تحریریه نخستین مجله اسلامی حوزه علمیه قم، «درسهایی از مکتب اسلام» برگزیده شد و مقالات مختلفی در زمینه های اجتماعی و فرهنگی و اخلاقی منتشر ساخت.

محصول این همکاری، پدید آمدن خمیر مایه آثار چاپی متحددی است که تعداد آنها، هم اکنون به ۱۱۰ جلد بالغ می شود.که برخی از این آثار به زبانهای زنده جهان، مانند انگلیسی، عربی، فرانسه و اردو و ترکی نیز ترجمه و منتشر شده اند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حدود ۱۲ سال، در دانشکده های مختلف کشور، به ویژه دانشگاه آزاد اسلامی، در مرحله کارشناسی ارشد تدریس داشته و هم اکنون عضو هیات علمی دانشگاه تهران و مدرس دروس معارف اسلامی می باشد. اخیرا در پی نگارش کتاب «دیداری با مسلمانان جمهوری آذربایجان»، موفق به دریافت درجه «دکترا» از آکادمی علوم آن جمهوری گردیده که از طریق سفارت ایران به صورت رسمی به ایشان اعطا شده است. او در تعدادی از کنگره های بزرگ علمی و ادبی شرکت جسته و مقالاتی را ارائه داده است. ازآن میان کنگره عاشورا، کنگره اوحد الدین مراغه ای و کنگره شیخ شهاب الدین اهری را می توان نام برد. نویسنده کتاب، بر این اعتقاد است که فلسفه وجودی افراد و زکات حیات و بقای آنان، آثار خیر و باقیات صالحاتی است که ازآنان به یادگار می ماند، و اگر جامعه بشری چنین انگیزه ای را در خود حس ننماید، زندگی او بهره روحی و نشاط معنوی نخواهد داشت.

از این رو، به برکت انقلاب اسلامی و خونهای گرانبهای شهیدان، و با همکاری مردم خوب و متدین و فداکار، چند اقدام عملی و قدم خیر فرهنگی و عمرانی را با فضل الهی به مرحله عمل درآورده است، که محض تشویق دیگر عزیزان، در این وجیزه مبادرت به درج آنها می گردد: ۱. احداث دو باب دبیرستان ۱۲ کلاسه به نام دبیرستان امام امیرالمومنین (ع) با همکاری مردم، در سال ۱۳۶۶ ه. ش، در زادگاه خویش، بخشایش که اکنون با فضل الهی جمعی از فارغ التحصیلان آن به دانشگاه راه یافته اند. ۲. احداث یک دستگاه پل بزرگ، به طول صد متر (۱۰ دهنه)، به نام «پل عباسیه» در سال ۱۳۷۰ ه. ش بر روی رودخانه «اوجان چای» در زادگاه خویش، با هزینه بالغ بر یکصد میلیون ریال آن روز، که مسیر عبور بخش نو، جانقور، شیخ رجب تا جاده اهر را تامین می نماید. ۳. احداث و مرمت جاده شوسه ۱۴ کیلومتری در مسیر بخشایش به جاده اهر، در سال ۱۳۶۷ که هم اکنون مورد بهره برداری می باشد. ۴. فراهم آوردن مقدمات جاده کشی ۱۲ کیلومتری راه کردکندی، اشتلق علیا و سفلی و تازه کند، به بخشایش، در محور جاده سراب و اردبیل که در عبور و مرور مردم آن منطقه تاثیر بسزایی دارد. ۵. خرید زمین، به مساحت ۴۰۰۰ متر و پی ریزی دبیرستان ۸ کلاسه به نام «دبیرستان صدیقه طاهره ع» در بخشایش جهت تحصیل دختران، که هم اکنون از سوی اداره کل نوسازی آموزش و پرورش آذربایجان شرقی، مشغول تکمیل آن می باشند. ۶. ایجاد و احداث یک باب مسجد به نام مسجد عباسیه (ع) در آذربایجان غربی، در محوطه نیروی انتظامی پادگان جلدیان در حومه نقده، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی. ۷. اداره انتشارات «نوید اسلام» در قم که تا کنون حدود ۲۵۰ عنوان کتاب در عرصه های تاریخی، اجتماعی،آموزشی فرهنگی، تربیتی و دروس حوزوی، چاپ و نشر داده است و اخیرا مجهز به چاپخانه ای با همان نام (نوید اسلام) گردیده است. ۸. مفروش نمودن حرم مطهر و نوبنیاد حضرت رقیه (س) در سوریه، به عنوان روحانی کاروان، از طریق جلب کمکهای زایران، در سفرهایی که به آن کشور داشته است. ۹. توجه دادن جمعی از مردم شریف جمهوری آذربایجان، به احکام دینی و وظایف الهی و فرایض مذهبی، در سفرهای متعددی که به آن کشور آزاد شده از چنگال کمونیسم داشته است. و چاپ بیش از ۱۵ عنوان کتاب تربیتی و معرفی ائمه اطهار(ع) به زبان کریل نیز داشته ام.

عقیلی بخاری، شرف‌الدین، ابوحفص عمر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۷۶ ق)، متلکم و فقیه حنفی. از آثارش: «منهاج التفاوی»، در فقه؛ «الهادی، در علم کلام.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۲۳ / ۵)، کشف الظنون (۲۰۲۷، ۱۸۷۷)، معجم المؤلفین (۳۱۶ / ۷)، هدیه العارفین (۷۸۴ / ۱).

عقیلی تبریزی، محمد امین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، خطاط و شاعر. از اولاد عقیل بن ابی‌طالب بود و خاندان وی در رستمدار مازندران بوده‌اند. پدرش همراه سام‌میرزا صفوی، به اردبیل رفت و محمدامین در آن شهر به دنیا آمد و همان جا کسب علم و هنر کرد. او در زمان حمزه میرزا صفوی، کتابدار اسمی خان‌شاملو (اسماعیل قلی‌بیگ) شد و حمزه‌میرزا او را صاحب السیف و القلم خطاب می‌کرد. وی پس از مرگ حمزه‌میرزا منزوی شد و به مشق و کتابت اکتفا نمود و گاهی شعر ترکی می‌گفت. عقیلی از شاگردان محمد حسین تبریزی بود و خط جلی و خفی را خوش می‌نوشت. صاحب «گلستان هنر»، در ۱۰۱۵ ق او را در قزوین ملاقات کرده است. سپهر تاریخ وفاتش را در ۱۰۲۸ ق آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۴۹ -۶۴۸ / ۳)، گلستان هنر (۱۲۴ -۱۲۳).

عکاشه، بهرام

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: استاد، رشته: ژئوفیزیک، دانشکده: مؤسسه ژئوفیزیک، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای فیزیک با تخصص در زلزله‌شناسی و ژئوفیزیک.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران مؤسسه ژئوفیزیک از سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۵۴، دانشیار دانشگاه تهران مؤسسه ژئوفیزیک از سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۶۶، استاد دانشگاه تهران مؤسسه ژئوفیزیک از سال ۱۳۶۶.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زلزله‌شناسی، تخمین خطر زلزله در ارتباط با ساختمان کارخانه‌ها، پل‌ها، سدها، شهرکها، جابجائی کردن شهرک و روستاها و تونل‌ها، مهندسی زلزله، ساختمان داخل زمین، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و یک پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اکتشافات ژئوفیزیکی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۵

زمینه علمی مقالات:

زلزله‌شناسی، لرزه زمین ساخت و تخمین خطر زلزله.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

عکاشه، جلال‌الدین فریدون

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، شاعر و ادیب، متخلص به عکاشه. وی به دستگاه جلال‌الدین مسعود اینجو (م ۷۴۳ ق) و برادرش شاه شیخ ابواسحاق اینجو اختصاص داشت. او در شعر فارسی و عربی و نظم قصاید مصنوع و موشح دست داشت. از آثارش: قصاید «ربیعیه» و «رحیقیه»؛ مجموعه‌ی «منشآت»، که به چاپ رسیده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۹۱ / ۳)، تاریخ نظم و نثر (۷۶۵،۲۱۴).

علاء اسمندی سمرقندی، علاءالدین ابوالفتح محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۶۳ / ۵۵۲ -۴۸۸ ق)، متکلم و فقیه حنفی. معروف به علاء عالم. در اسمند از نواحی سمرقند به دنیا آمد. او از ابن‌مازه بخاری

حدیث روایت کرده و ابوالبرکات محمد بن علی بن محمد انصاری، قاضی اسیوط، از وی روایت کرده است. اما ابوسعد سمعانی گوید که چون علاء شرب‌خمر می‌کرد. از وی روایت نکردم. علاء از بزرگان فقه حنفی و از چیره‌دست‌ترین متکلمان زمان خود بود. او به بغداد رفت و با علمای آنجا به مناظره نشست، و در «خلاف» تصنیفاتی نمود. از آثار وی: «مختلف الروایه»، در خلاف؛ «التعلیقه»، در چند مجلد به نام «العالمی»؛ «بذل النظر»، در اصول؛ «الهدایه»، در کلام؛ شرح «الجامع الکبیر» شیبانی، در فروع؛ «حصر المسائل و قصر الدلائل»، در شرح «منظومه» نسفی، در خلاف، و گفته شده که این کتاب در شرح «عیون المسائل» ابی‌لیث سمرقندی است؛ «الفوائد العلائیه»؛ «میزان الاصول فی نتائج العقول».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۵۸ / ۷)، ایضاح المکنون (۱۷۵ / ۱)، کشف الظنون (۲۰۴۰، ۱۸۶۸، ۱۶۳۶، ۱۱۸۷، ۵۶۹)، لسان المیزان (۲۶۹ -۲۶۸ / ۶)، معجم المؤلفین ۱۳۱ -۱۳۰ / ۱۰)، النجوم الزاهره (۳۵۹ / ۵)، الوافی بالوفیات (۲۱۸ / ۳)، هدیه العارفین (۹۲ / ۲).

علاء اودی، علاءالدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۹۹۸ ق)، موسیقیدان و شاعر، متخلص به علاء. از مردم خراسان بود لذا به خراسانی نیز مشهور است. او به هند رفت و در سرزمین اود ساکن شد. وی از مشایخ معروف زمان خود و صاحب مقامات عالیه و کرامات بود در موسیقی نیز دست داشت. او غزل را نیکو می‌گفت و ترجیع‌بند معروفی مشهور به «مامقیمان»، به سبک ترجیع‌بند عراقی، سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۴۳ -۶۴۲)، تذکره‌ی روز روشن (۵۵۷ -۵۵۶)، الذریعه (۷۳۳ / ۹)،ریاض العارفین (۲۲۰)، فرهنگ سخنوران (۶۴۳)، کاروان هند (۸۶۹ / ۲)، نتایج الافکار (۴۶۸ -۴۶۷)، هفت اقلیم (۳۸۱ / ۱).

علاء شاشی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. از دانشمندان و بزرگان سمرقند در زمان الغ‌بیگ (م ۸۵۳ ق) و معاصر میرعلیشیر نوایی بود. وی گذشته از احاطه‌ای که در علوم متداول زمان خود داشت، در شعر و معما نیز استاد بود. در فن معما او را قرینه‌ی مولانا شرف‌الدین علی یزیدی می‌دانستند. وی در سمرقند درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۲۹)، الذریعه (۷۳۴ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۴۳)، مجالس النفائس (۲۰۲ -۲۰۱، ۲۷).

علاء کرمانی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، ریاضیدان و منجم. اصل وی از کرمان بود ولی در سرزمین عثمانی به سر می‌برد. علاء در ریاضی و نجوم مهارت داشت. از آثار وی رساله‌ای است در «تصنیع اسطرلاب» که آن را به نام سلطان بایزید دوم، پادشاه عثمانی (۹۱۸ -۸۸۶ ق)، تألیف کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۷۲).

علاءالدوله سمنانی، رکن‌الدین، ابوالمکارم احمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۳۶ -۶۵۹ ق)، عارف و شاعر. وی در خانواده‌ای از اعیان و محتشمان سمنان در قریه‌ی بیابانک به دنیا آمد. پدرش در دستگاه مغول وزارت داشت. علاءالدوله نیز در جوانی به خدمت دستگاه مغول درآمد ده سال در دستگاه آنان بود تا این که در اثر تحول روحی که در او بوجود آمد، ترک خدمت گفت و به سمنان بازگشت و روی به آموختن شریعت آورد. در سمنان از درویشی به نام اخی شرف‌الدین سعدالله که از صوفیه کبروی بود تلقین ذکر یافت و چندی بعد به تشویق او به بغداد رفت و صحبت شیخ نورالدین عبدالرحمان کسرقی اسفراینی را دریافت و به اشارت وی به عزلت نشست و پس از چندی به زیارت خانه‌ی خدا رفت و در بازگشت مجددا در بغداد در عزلت زیست. بعد از مراجعت به سمنان در خانقاه سکاکی مدتی به عزلت نشست ولی این بار به

ارشاد طالبان طریقت پرداخت. علاءالدوله قسمت عمده‌ای از املاک خود را بر صوفیه وقف کرد. وی سرانجام در صوفی‌آباد سمنان وفات یافت و در برج احرار دفن شد. رکن‌الدین سمنانی از منکران سرسخت وحدت وجود ابن‌عربی بود و از مشایخ برجسته طریقه‌ی کبرویه که تمایلاتی شیعی داشت. بین او و شیخ عبدالرزاق کاشانی که از معاصرانش بود مشاجرات بسیاری جریان داشت. از وی آثاری چند به جای مانده که بیانگر دیدگاه مستقل او در باب عرفان و تصوف است.از جمله: «ملفوظات» یا «چهل مجلس»، مجموعه کلمات او، که توسط شاگرد و مریدش امیراقبال سیستانی جمع شده است؛ «العروه لاهل الخلوه و الجلوه»؛ «دیوان» شعر مختصری که توسط مرید وی خواجوی کرمانی گردآوری شده است؛ تتمه‌ای بر «تفسیر» نجم‌الدین دایه رازی؛ «نجم القرآن فی تاویلات القرآن»؛ «مناظر المحاضر للناظر الحاضر»، درباره‌ی واقعه غدیر خم و شرح آیه تبلیغ؛ «فضل الشریعه» یا «فضل الطریقه»؛ «قواعد العقائد» یا «فوائد العقائد»؛ «سربال البال فی اطوار سلوک اهل الحال»؛ «آداب الخلوه».[1]

سمنانی رکن‌الدین احمد بن محمد بیابانکی مکنی به ابوالکارم، عارف و دانشمند (و. ۶۵۹– ف. ۳۷۶ ه.ق.). وی شاگرد عزیزالدین فاروبی و رشیدالدین ابوالقاسم بوده و خرقه تصوف را از شهاب‌الدین ابوحفص گرفته. علاءالدوله به بغداد رفت و خدمت نورالدین عبدالرحمن کسرقی رسید و نیز سفری به حجاز کرد و بیشتر عمر وی در خانقاه سکاک سمنان به عبادت و تقوی و ارشاد مردم گذشت و قریب ۲۷۰ چله در این خانقاه به جای آورد. سلسله طریقت وی به مجدالدین بغدادی می‌رسد. مدفن او در صوفی‌آباد سمنان است. از آثار اوست: مکاشفات، آداب الخلوهٔ، موارد الشوارد، نجم القرآن، شقائق الحدائق، حدائق الحقائق و غیره.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[1] آتشکده‌ی آذر (۴۱۲ –۴۰۹ / ۱)، اعیان الشیعه (۸۷ / ۳)، ایضاح المکنون (۲۰۵ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۸۹ ،۸۱۶ –۷۹۸ / ۳)، تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (۵۶۳ –۵۵۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۸)، تذکره الشعراء (۲۸۱ –۲۸۰)، حبیب السیر (۲۲۰ / ۳)، دایره‌المعارف فارسی (۱۷۵۵ / ۲)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (۱۷۸ –۱۶۸)، الذریعه (۲۳۷ / ۲۰ ،۲۵۱ / ۱۵ ،۷۳۴ – ۷۳۳ / ۹)، رشحات عین الحیات (۲۹۷ / ۱)، ریحانه (۱۵۸ –۱۵۷ / ۴ ،۷۷ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰ / ۸)، فرهنگ سخنوران (۶۴۳)، کشف الظنون (۱۹۳۰ ، ۱۶۴۰، ۱۲۹۹، ۱۱۳۳، ۱۰۵۶، ۴۲)، الکنی و الالقاب (۴۷۶ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ علاءالدوله سمنانی)، مجالس المؤمنین (۱۳۶ –۱۳۴ / ۲)، مجمع الفصحا (۸۶۹ / ۲)، معجم المؤلفین (۲۹۱ / ۶ ،۶۹ / ۲)، نتایج الافکار (۴۵۹ –۴۵۸)، نفحات الانس (صفحات متعدد)، هدیه الاحباب (۲۰۱ –۲۰۰)، هدیه العارفین (۱۰۸ / ۱)، یاد داشتهای قزوینی (۴۵ / ۶).

علاءالدین گلستانه، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۰۰ ق)، عالم دینی، محدث و زاهد. معروف به میرزا علاءالدین گلستانه. وی بزرگ سادات گلستانه اصفهان بود و نسب به اما حسن مجتبی (ع) میرساند. گفته‌اند که او عالمی عابد و محققی جلیل‌القدر و از ثقات محدثین بود. وی تمام عمر را در عبادت به سر برد و دارای اخلاق و خصال نیکو و جامع علوم عقلی و نقلی بود. دو مرتبه به او صدارت را پیشنهاد و تکلیف نمودند، لیکن از کثرت عقل و زهد قبول ننمود. تصنیفات او در اثبات تبحر علمی او در زمینه‌های گوناگون کافی است. از آثارش: «حدائق الحقائق فی شرح کلمات کلام الله الناطق » و «بهجه الحدائق»، در شرح «نهج‌البلاغه»؛ «منهج الیقین» شرحی بر «رساله‌ی» وصیت حضرت صادق (ع) که آن حضرت برای اصحاب خویش نگاشته و آنان را در نمازخانه منزلشان قرار داده بودند و چون از نماز فارغ می‌شدند در آن نگریستند، این رساله در کتاب «بحارالانوار» ج ۷۵ آمده است؛ «روضه الشهداء»؛ «روضه العرفاء» یا «کاشف الاسماء»، در شرح «الاسماء الحسنی»؛ «ترتیب مشیخه من لا یحضره الفقیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۶۱ / ۹)، بحارالانوار (۲۲۴ –۲۱۰ / ۷۵)، الذریعه (۴۲۷ / ۲۴ ،۲۰۱ –۲۰۰ / ۲۳ ،۱۷۰ ،۱۴۵ / ۱۴ ،۲۲۶ – ۲۲۵ ،۲۱۴ ،۸۹ / ۱۳ ،۳۰۰ –۲۹۹ ،۲۹۵ / ۱۱ ،۲۸۵ –۲۸۴ / ۶ ،۷۰–۶۹ / ۴ ،۱۶۱ / ۳)، ریحانه (۱۶۵ –۱۶۳ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۸۸ –۴۸۶/ ۱۲)، الکنی و الالقاب (۴۷۷ / ۲)، مواد التواریخ (۲۰۸)، هدیه الاحباب (۲۰۱).

علاءالدین محمد، علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اوست: قرآن رحلی عظیم مهذب بدون جلد. متن ریحان نیم دو دانگ و سر سوره‌ها ثلث دو دانگ عالی. آخر رقاع نیم دو دانگ خوش با رقم: «کتبه العبد الفقیر الی الله الغنی علاءالدین محمد بن شمس‌الدین محمد بن امیرعلی النقیب الحسنی غفرالله له و لوالدیه اجمعین. حرره فی سابع شهر ربیع‌الاول سنهٔ سبعین و تسعمائهٔ» (۹۷۰) در موزه‌ی اسلامی ترک.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

علاءالدین، سیامک

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر سیامک علاءالدین متولد ۱۳۱۸ ش دارای دکترای رشته باغبانی عضویت هیئت علمی دانشگاه یوتای امریکا با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات وآثار پیرامون آبیاری هوشمند مطابق با فصول و موقعیت خورشید می باشد.

گروه : کشاورزی

رشته : باغبانی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر عبدالرضا ستیغ دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه فردوسی مشهد کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه فردوسی مشهد و دکترای باغبانی از دانشگاه یوتای امریکا میباشد

خاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته باغبانی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر عبدالرضا ستیغ بوده است.

فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر عبدالرضا ستیغ د ر کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.

وقایع میانسالی : دکتر عبدالرضا ستیغ پس از اخذ مدرک دکتری در رشته باغبانی به عضویت هیئت علمی گروه کشاورزی در دانشکده کشاورزی دردانشگاه یوتای امریکا درآمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر عبدالرضا ستیغ عضوهیئت علمی و دانشیار گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه یوتای امریکا است.

فعالیتهای آموزشی : دکتر عبدالرضا ستیغ سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه باغبانی در دانشگاه یوتای امریکا به تدریس دروس تخصصی رشته باغبانی و کشاورزی می پرداز‌د.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر عبدالرضا ستیغ در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.

آرا و گرایشهای خاص : دکتر سیامک علاءالدین از جمله دانشمندان علم باغبانی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره آبیاری هوشمند مطابق با فصول و موقعیت خورشید انجام داده است. آثار :

۱ تولید میوه های مقاوم برای یخچالهای کانتینر ی در کشتی های صادرات

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

علاف شیرازی، حافظ

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۸۲۱ ق)، شاعر. وی از شاعران متصوف سده نهم است که «تذکره‌الاولیاء» عطار را در طی شش سال در ۲۴ هزار بیت به نام «ولی‌نامه» به نظم آورده و در ۸۲۱ ق آن را به پایان برده است. این مثنوی در بحرسریع سروده شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۲۰)، الذریعه (۱۴۶ / ۲۵)، منظومه‌های فارسی (۴۳۴ -۴۳۳).

علاقه‌بند، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آموزش و پرورش، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی علوم تربیتی از دانشگاه ابوریحان بیرونی در سال ۱۳۴۷، کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی از دانشگاه ایلینویز جنوبی آمریکا در سال ۱۳۵۰ و دکترای آموزش و پرورش از دانشگاه ایلینویز جنوبی آمریکا در سال ۱۳۵۲.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه علامه طباطبایی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فلسفه آموزش و پرورش، مدیریت آموزشی، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش و ارزشیابی آموزش، استاد راهنمای ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مقدمات مدیریت آموزشی، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، اصول مدیریت آموزشی و مدیریت رفتار سازمانی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

مبانی رفتاری مدیریت آموزشی، ضرورت و اهمیت مدیریت آموزشی، تمرکز و عدم تمرکز سازمانی در آموزش و پرورش.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

علامه

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(علامه دوم) محمد باقر بن محمد اکمل، معروف به آقای بهبهانی، استاد اکبر، سید البشر، محقق ثالث، از بزرگان علمای امامیه (و. اصفهان ۱۱۱۶ یا ۱۱۱۷ یا ۱۱۱۸ ه.ق.- ف. ۱۲۰۵ یا ۱۲۰۶ یا ۱۲۰۸ ه.ق.). وی از شاگردان سید صدرالدین قمی بود، و مدتی در بهبهان سکونت گزید و اواخر عمر را در کربلا گذرانید.اوراست: ابطال القیاس، الاجتهاد والاخبار در رد اخباریان، احکام العقود، الاستصحاب، اصالهٔ البراءهٔ اصول الاسلام والایمان، الامامهٔ.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

علامه حایری، محمدصالح

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدصالح بن العلم العلام الحاج الشیخ میرزا فضل‌اللّه مجتهد حایری مازندرانی متوفی (۱۳۴۶ ق) از مشاهیر علماء و معاریف مجتهدین معاصر ما بوده‌اند که در شهر ساکت و آرام سمنان چون یوسف (ع) و چاه کنعان بسر می‌بردند.

وی در سال هزار و دویست و نود و هفت قمری در کربلا متولد شده و در مهد علم و کمال پرورش یافته و مرحوم والدش در ماده تاریخ ولادت این فرزند برومند گفته (بالخلف الصالح قولوا مرحبا).

علامه حایری ره در دامن پرمهر مادر عفیفه و صالحه‌ای که دختر مرحوم آیت‌اللّه حاج ملا محمدیوسف استرآبادی صاحب کتاب (صیغ‌العقود) و کتب دیگر تربیت شده و مقدمات را از محضر آخوند ملا عباس اخفش و آخوند ملا علی سیبویه استفاده کرده و در همان اوقات الفیه‌ی ابن مالک را تخمیس نموده و پس از مقدمات به خواندن سطح فقه و اصول پرداخته و به نجف اشرف عزیمت نموده و از سال ۱۳۱۲ تا سال ۱۳۲۴ قمری در باب مدینه علم از محضر مرحوم علامه خراسانی صاحب کفایه و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی فقه و اصول را استفاده نموده و معقول را از حاج ملا اسماعیل بروجردی حائری فراگرفته و در اوائل بلوغ بسر حد اجتهاد رسیده و پس از تکمیل مبانی فقه و اصول و علوم عقلی در مدت دوازده سال به واسطه کسالت ضعف چشم به ایران آمده و مدتی در تهران به معالجه پرداخته و پس از آن به بارفروش (بابل) فعلی رحل اقامت افکنده و مرجع تقلید جماعتی گردیده و از آنجا اجباراً به سمنان منتقل و تا سال ۱۳۹۱ قمری به اقامه جماعت و تدریس و تألیف اشتغال داشتند و در سال مزبور در سن نود و شش سالگی وفات نموده و جنازه‌اش با تجلیل حمل به مشهد مقدس و در جوار سلطان سریر ارتضا علیه آلاف التحیهٔ والثناء مدفون گردیده است.

مرحوم علامه سمنانی در قدرت ادبی به عربی و فارسی وحید عصر و فرید دهر خود بود و تمام بزرگان و ادباء عراق و ایران او را به استادی تعظیم و تکریم نموده و به نبوغ می‌ستودند بیش از سیصد مجلد تألیف از کتاب و رساله دارد که همه در کتابخانه شخصی ایشان آماده برای چاپ می‌باشد.

فهرست تألیفات و تصنیفات این فقیه اصولی و متکلم رجالی و ادیب اریب و شاعر ماهر و حکیم ربانی در فنون مختلف در کتب تراجم مانند ریحانهٔ‌الادب والذریعه و علماء معاصر و غیره مذکور است.

علامه حایری در فن سرودن قصائد عربی متبنی عصر خود و در سرودن قصائد غزلیات فارسی سعدی زمان بود در انشاد مدایح و مراثی اهل‌بیت (ع) ید طولائی داشت بلکه از جهاتی بی‌نظیر بود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

علامه شهریاری

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

وی در حدود سال ۱۳۲۵ ق متولد شده و پس از خواندن فارسی و مقدمات در زادگاه خود و تهران در اوائل تاسیس حوزه علمیه قم مهاجرت به دارالعلم قم نموده و سطوح را در خدمت مدرسین حوزه تکمیل و معقول (شرح منظومه) و غیره را از محضر آیت‌اللّه

العظمی موسوی و مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدعلی شاه‌آبادی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مهدی پائین شهری استفاده و در درس خارج آیات عظام مرحوم آیت‌اللّه حایری و مرحوم آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه حجت و غیرهم حاضـر و کسب فیض نموده آنگاه برای خـدمات دینی و اجتماعی و تبلیغ احکام مراجعت و در علیشاه عوض مرکز شـهریار اقامت و تاکنون بانجام وظائف دینی و غیره اشتغال دارند.

دارای اجازات روایتی و غیره از مرحوم ثقهٔالمحدثین حاج شیخ عباس قمی و دیگران می‌باشند.

نگارنده گوید: آقای علامه شهریاری عالمی بصیر و فاضلی روشن ضمیر و دارای طبع روان و ذوق فراوان و خوش مجلس و محاوره می‌باشـند. دیوان اشعاری در مدایح و مراثی و نصایح و مواعظ دارند که بنظر آیت‌اللّه العظمی و العلامه الکبری آقای مرعشی نجفی مـد ظله رسـیده و تقریظ جامع و کاملی که مقام علمی و ادبی مترجم معظم را معرفی می‌کننـد بر آن مرقوم فرموده‌انـد ولی متاسـفانه تاکنون بطبع نرسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

علامه، میرحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر سـید میر حسـین علامه در سال ۱۳۵۲ در اصـفهان بـدنیا آمد.وی دارای دکتری تاریخ اسـلام و عضو هیئت علمی دانشـگاه هنر اصفهان است.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

گرایش : تاریخ اسلام

والدین و انساب : پدر سـید میر حسـین علامه ،حضـرت ایه الله سید ضیا ءالدین علامه فرزند حضرت آیه الله سید حسن فانی یزدی و مولف بیش از ۵۰ جلد کتاب است. نام مادر محترمشان خانم اعظم دکتر مجدی است.

تحصـیلات رسمی و حرفه ای : سید میر حسین علامه علاوه بر درجه اجتهاد دارای کارشناسی مهندسی کامپیوتر -نرم افزار و دکتری تاریخ اسلام می باشد.

اسـتادان و مربیان : از استادان و مربیان سید میر حسین علامه می توان به چند تن از آنها اشاره کرد: حضرت آیه الله علامه – حضرت آیه الله فاضل لنکرانی– حضـرت آیه الله جوادی تبریزی –حضـرت آیه الله صافی –حضـرت آیه الله مکارم شـیرازی –حضـرت آیه الله مظاهری– حضرت آیه الله امامی – حضرت آیه الله جوادی آملی – دکتر نعمت بخش و دکتر آئینه وند

همسـر و فرزندان : سـید میر حسین علامه متاهل و دارای همسر به نام آزاده السادات داوری و دارای فرزند بنام سیده زهرا علامه می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید میر حسین علامه مدیر گروه دانشگاه هنر اصفهان و مدیر مرکز تحقیقات علوم اسلامی و رایانه می باشد.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شـمار می آید : سید میر حسین علامه بنیاد فرهنگی آل یاسین (ع) را پایه گذاری کرد. ---

آثار :

۱ بلوزالیسم دینی و نقد آن

ویژگی اثر : تالیف

۲ تاکتیکهای قرآنی پیرامون روابط اجتماعی

ویژگی اثر : تالیف

۳ جوان ،پاکدامن و تمناهای کاذب

ویژگی اثر : تالیف

۴ شرایط الخیار فی الفقه اسلامی

ویژگی اثر : تالیف

۵ فرآیند تکامل شیعه در قرن سوم هجری (ری – بغداد – قم و خراسان)

ویژگی اثر : تالیف

۶ فروغ ضیاء

ویژگی اثر : تالیف

۷ مدیریت جذب نبوی بر اساس آموزه های قرآنی

ویژگی اثر : تالیف

۸ نفس در قرآن

ویژگی اثر : تالیف

۹ هنر خوبا‌وری

ویژگی اثر : تالیف

۱۰ وجدان اخلاقی

ویژگی اثر : تالیف

۱۱ ویژگیهای هنر ازدیدگاه قرآن

ویژگی اثر : تالیف

منابع زندگینامه :

۱تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر سید میر حسین علامه بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی –زمستان ۱۳۸۵

علامی هشترودی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد علامی بن العلم العلام آقا شیخ محسن علامی از فضلاء آذربایجان مقیم قم می‌باشد.

وی در سال ۱۳۰۲ شمسی در سراسکند که از محال هشترود می‌باشد و در سن پانزده سالگی به تبریز آمده و بتحصیل علوم دینی پرداخته و در سن بیست سالگی مکاسب را از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا فتاح شهیدی صاحب کتاب (هدایه الطالب الی اسرار المکاسب) و کتاب فرائد را محضر مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا محمود دوز دوزانی خوانده و ضمنا بتدریس مطول و لمعه اشتغال داشته و در سن ۲۵ سالگی در سال ۱۳۲۷ شمسی به قم آمده و کفایه را از محضر مبارک آیت‌اللَّه العظمی آقای مرعشی نجفی مد ظله آموخته و به درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه العظمی برجرودی شرکت نموده و استفاده کامل کرده و بتدریس رسائل و مکاسب پرداخته و چند سالی است که در تهران رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت در مسجد امام حسین (کوچه شیخ مهدی) ترویج دین اشتغال دارد. معظم له حکمت و فلسفه را هم از محضر آیت‌اللَّه حاج سید ابوالحسن رفیعی و علامه بزرگوار آقای طباطبائی آموخته است.

دارای آثار علمی میباشد که از آنها است:

۱- ایضاح المطالب فی شرح المکاسب که بطبع رسیده است.

۲- جلد دوم غایه الایضاح که دارای پنجاه ماده است.

۳- رساله‌ای در اصول‌الدین که تحقیقی و اجتهادی و استدلالی نوشته‌اند.

۴- کتاب جامع الروایات والمطالب.

۵- تقریرات درس طهاره مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی.

۶- تقریرات بحث بیع مکاسب مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حجت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

علامی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علامی

محل تولد : هشترود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مقدمات را تا مغنی و مطول پیش آقای انصاری که مدرس برجسته مقدمات در حوزه تبریز بود خواندم. مغنی و مطول را از محضر آقای شیخ علی اکبر ادیب معروف و متخصص فن و لمعتین را از محضر آیت الله آقای حاج سید مهدی انگجی فرا گرفتم و مکاسب را از محضر حضرت آیت الله آقای حاج میرزا فتاح شهیدی (ره) صاحب کتاب «هدایه الطالب الی اسرار المکاسب» که مجتهد معروف حوزه علمیه تبریز بود و فرائد را محضر حضرت آیت الله مرحوم آقایی حاج میرزا محمود آقا دوزدوزانی خواندم و آن زمان از اساتید معروف مطول و مغنی بودم جمع کثیری در درس مطولم حاضر می شدند چون عبارات را صحیح و با دقت می خواندم الان هم تدریسم در حوزه علمیه قم از نظر خوب عبارت خواندن مورد تحسین فضلای حوزه است و فضلا بارها گفته اند عبارت خواندن شما در مقام تدریس بی نظیر است.

کفایتین را از محضر حضرت آیت الله آقای مرعشی نجفی (ره) استفاده کردم ، منظومه حکمت و اسفار را از محضر حضرت آیت الله علامه طباطبایی (ره) فرا گرفتم دوازده سال حکمت خوانده ام به منظومه حکمت شرح نوشته ام درعلم حکمت خیلی کار کرده ام فضلای حوزه می گویند درس حکمت در حوزه شروع کنید بی میلی نیستم اگر توفیق رفیق شد درس حکمت در حوزه شروع کنم انشاء الله در درس خارج فقه حضرت آیت الله العظمی آقای بروجردی و حضرت آیت الله آقای حجت کبیر پانزده سال شرکت

و استفاده کامل نموده ام بعد از وفات این دو بزرگوار باقی دوره درس خارج را از محضر مبارک امام رضوان الله تعالی علیه و آیت الله گلپایگانی و آیت الله داماد تکمیل نموده ام بیش از بیست سال درس خارج فقه خوانده ام.

علامی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدجواد علامی تبریزی از فضلاء و ائمه جماعت معاصر کرمانشاه است وی در تبریز متولد و پس از خواندن مقدمات و ادبیات در مدرسه طالبیه تبریز به قم مهاجرت و سطوح را تکمیل و به درس خارج آیت‌اللّٰه العظمی شریعتمداری حاضر و حدود ده سال استفاده نموده و مورد توجه مخصوص آنجناب گردیده تا سال ۱۳۹۴ قمری که پس از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدحسن علامی مذکور به تقاضای اهالی مسجد آن مرحوم و حسب‌الامر آیت‌اللّٰه شریعتمداری به کرمانشاه مهاجرت و تااکنون به اقامه جماعت در مسجد ترکها و ارشاد مردم و تبلیغ احکام اشتغال دارند

نگارنده گوید: آقای علامی فاضلی ظریف و خوش‌مجلس و محاوره و دارای محاسن اخلاق و محامد آداب و صفا و صداقت می‌باشند

و در مسجد مزبور کتابخانه‌ای برای جوانان تأسیس و شبها جلسه پاسخ به پرسشها بعد از نماز مغرب و عشا دارند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علامی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدحسن علامی فرزند آقا محمدصادق تاجر اصفهانی از مشاهیر علماء عصر و مجتهدین بزرگ و اساطین علمی معاصر کرمانشاه بوده‌اند

معظم له در سال ۱۳۰۵ قمری هجری در کرمانشاه متولد شده و پس از تحصیل مقدمات و ادبیات در زادگاه خود به نجف اشرف عزیمت نموده و دو سال در درس مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی آخوند ملا محمدکاظم خراسانی حضور یافته و بقیه تحصیلات خود را در نزد آیت‌اللّٰه محقق استاد المتأخرین آقای آقا ضیاءالدین عراقی ادامه داده و در میان تلامذه آن مرحوم مشار بالبنان گردیده و بعداً به کرمانشاه مراجعت و در حوزه علمیه کرمانشاه به تدریس مشغول بوده و در مسجد ترکها اقامه جماعت می‌نموده تا در محرم ۱۳۹۴ قمری در سن ۹۰ سالگی به رحمت حق پیوسته و حسب‌الوصیه‌اش در یکی از حجرات مسجد ترکها مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علائی، محمدابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدابراهیم علائی از فضلاء اهل منبر و دانشمندان خطباء معاصر می‌باشد.

وی در حدود سال ۱۳۴۲ ق در اراک متولد شده و پس از پرورش صحیح و خواندن دروس جدید تا درجه دیپلمی به تحصیل علوم ادبیه و عربیه پرداخته و مقدمات و ادبیات را از مدرسین اراک آموخته و متون و خارج فقه و اصول را از محضر آیت‌اللّٰه آقای گلپایگانی و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج آقا حسن فرید و دانشمندان دیگر آن سامان فراگرفته و هم به بعضی از زبانهای زنده روز کاملا آشنا شده و بواسطه مطالعه در علوم و فنون مختلفه اطلاعات وسیعی در علوم روز کسب نموده و با اینکه فرهنگ اراک و غیره می‌خواست با دادن حقوق زیادی از مقام استادی وی برای تدریس دبیرستانها استفاده کند معظم له نپذیرفته و رشته منبر و سخنرانی را انتخاب و از این راه در اراک و غیره خدمات بارزی به دین نموده و بسیاری از نسل جوان و روشنفکر آن را ارشاد و از انحراف و مسیر غلط گردانیده است.

جناب آقای علائی از سال ۱۳۹۰ ق منتقل به تهران شده و تا حال حاضر از طریق منبر و وعظ در هیئت محترم (فاطمیون) تهران و مساجد و مجالس دیگر به انجام وظائف دینی اشتغال دارند.

مؤلف گوید: قریب سی سالست که معظم له را از نزدیک می‌شناسم دانشمندی وارسته و واعظی شایسته و ادیبی فرزانه و خطیبی پرمایه و فاضلی خلیق و دوستی صدیق می‌باشد. بیانی ملیح و منطقی صریح دارد.

منبرش اخلاقی و آموزنده و در بحث ولایت و فضائل خاندان رسالت بسیار ارزنده می‌باشد. از خداوند بزرگ موقعیت و پیروزی امثال ایشان را خواسته و برادران دینی را به قدردانی از این گونه خدمتگذاران که زبان گویای شیعه و خلفاء رسول ص هستند توصیه می‌نمایم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علم الهدایی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : سید حسن علم الهدایی در سال ۱۳۳۴ در شهر مشهد بدنیا آمد. دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه و کارشناسی ریاضی را در زادگاهش گذراند. وی بعد از گذراندن دوره مدرسی ریاضی در دانشگاه تربیت مدرس برای ادامه تحصیل در رشته آموزش ریاضیات وارد دانشگاه گلاسکو گردید و در سال ۱۳۷۵ موفق به اخذ مدرک PhD در این رشته گردید.

گروه : علوم پایه

رشته : آمار وریاضی

گرایش : آموزش ریاضی، روان شناسی یادگیری ریاضیات

والدین و انساب : پدر بزرگ سید حسن علم الهدایی مرحوم آیت ا... حاج سید محمد رضا علم الهدی بروجردی از علمای بزرگ مشهد و از سلسله سادات نور بخش بروجرد به حساب می آید که جد بزرگ ایشان سید محمد مومن از عالمان بزرگ بروجرد بود و در عین حال از منسوبین مرحوم حضرت آیت ا... العظمی حاج سید حسن بروجردی مرجع بزرگ شیعیان به شمار می آیند. مادر پدر سید حسن علم الهدایی نیز دختر مرحوم آیت ا... سید علی شوشتری جزایری از سادات و علمای با کرامت دوران پهلویی اول به حساب می آمد. پدر ایشان نیز آیت ا... حاج سید مجتبی علم الهدی بروجردی در حال حاضر از علمای مشهد مقدس میباشند و به فعالیتهای علمی و دینی و اقامه نماز جماعت مشغول میباشند.

خاطرات کودکی : سید حسن علم الهدایی از خاطرات آن دوران خود سفر های مکرر به عتبات عالیات کشور عراق ، سوریه ،اردن ، و فلسطین و دیدن از اماکن مقدس چون مسجد الاقصی، قبه الصخره، قبور حضرت ابراهیم (ع) و حضرت یوسف و زیارت مرحوم آیات عظام حکیم ،شاهرودی اشاره میکند. و نیز در دوران دبستان شرکت در نماز جماعت آیت ا... حاج سید جواد خامنه ای در بازار بزرگ مشهد مسجد ترکها و در جلسات قرآن و احکام آن از خاطرات وی است.« دو سه ماهی از سال تحصیلی گذشته بود که پس از گیرو داری به دلیل کمبود سنم بالاخره موفق به حضور در مدرسه شدم. درست به خاطر دارم که زنگ کلاس ها خودره بود و من نا آشنا و به تنهایی به مدرسه آمده بودم. ظاهرا کلاس سوم و چهارم را انتخاب کردم و چون جایی برای نشستن در میان شاگردان نیافتم پشت میز عسلی معلم و صندلی وی که خالی بود رفتن و جا خوش نمودم. جالب است که بچه ها بدون تمسخر کردنم متوجه مشکل شدند و من را به کلاس اول هدایت کردند. البه یک سقوط از پشت بام و یک غرق شدن در حوض آب – که آن زمان معمول بود – هم از دیگر خاطراتم می باشد که به خیر گذشت.»

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : سید حسن علم الهدایی در این خصوص می گوید:« خانواده من یک خانواده روحانی و معتقد هشتند و ما از کودکی در فضای آمیخته با باورهای دینی و اسلامی پرورش یافتیم. مادرم نیز بانویی سیده و از خانواده ریف کهربایی به حساب می آید که در رشد باورهای اعتقادی و انجام فرایض به ویژه در دوران کودکی و نوجوان د رمن موثر بود است. هر چند بخشی از دوران تحصیلم در زمان رژیم گذشته بود ولی پدرم به عنوان یک عالم دینی با این امر مخالفتی نداشت.»

تحصیلات رسمی و حرفه ای : پایان دوره دبیرستان در دبیرستان علوی مشهد در سال ۱۳۵۲، گذراندن دوره دبیری ریاضی در دانشگاه مشهد و دوره کارشناسی ریاضیات در دانشگاه تربیت مدرس سال ۱۳۶۵ و اخذ مدرک PhD در رشته آموزش ریاضی Math Education با گرایش روان شناسی یادگیری ریاضیات در دانشگاه گلاسکو انگلیس در سال ۱۳۷۵.

خاطرات و وقایع تحصیل : از خاطرات این دوران سید حسن علم الهدایی محرومیت از یک ترم تحصیلی در دانشگاه به دلیل شرکت در اعتراضات و اعتصابات دانشجویی در خرداد ۱۳۵۴ و بازداشت ایشان و پدرشان از سوی ساواک مشهد به دلیل فعالیتهای سیاسی در بهمن ۱۳۵۶ میتوان اشاره کرد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : تشکیل انجمن کتاب و اداره انجمن اسلامی و ارائه کنفرانس ها در زمینه فرهنگی و اجتماعی به مناسبتهای مختلف در دبیرستان، تالیف کتاب" همه درپی کودکی او "در زمینه خدا شناسی در سن ۱۵ سالگی و ویراستاری کتاب فراز و نشیب در اسلام تالیف ابوالحسن الندوی ترجمه دکتر سیدی علوی و آماده برای چاپ از فعالیتهای علم الهدایی در دوران تحصیل دبیرستان وی است. و نیز در دوران پس از انقلاب در سال ۱۳۵۸ نیز مقالات و یادداشتهایی در روزنامه جمهوری اسلامی می نوشت و در دانشگاه گلاسکو نیز ضمن همکاری با انجمن اسلامی دانشجویان در اروپا بیشتر سخنرانی های مذهبی و فرهنگی مرکز اسلامی الهدی در شهر گلاسگو می پرداخت و حتی مدتی نیز در غیاب امام جمعه پاکستانی مرکز به عنوان امام جمعه موقت و به زبان انگلیسی برای شرکت کنندگان عرب و پاکستانی اقامه نماز و خطبه مینمود.

استادان و مربیان : از جمله استادان سید حسن علم الهدایی میتوان به مرحوم پروفسور تقی فاطمی در دانشگاه مشهد، دکتر غلامحسین دنیایی در حوزه و دانشگاه تربیت مدرس، پروفسور جان استون در دانشگاه گلاسکو، دکتر بهمن مهری استاد دانشگاه صنعتی شریف، مرحوم آیت ا... سید حسن میردامادی (نجف آبادی) و حجه الاسلام و المسلمین حاج سید جعفر علم الهدی و پدرم اشاره کرد.

هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره ایهای سید حسن علم الهدایی میتوان به دکتر محمد مهدی زاهدی وزیر فعلی علوم، دکتر محمد منتظری رئیس سابق جهاد دانشگاهی، دکتر محمد رضا راه چمنی نماینده سابق سبزوار و رئیس قبلی بهزیستی، دکتر حسن مرادی نماینده اراک ، دکتر علی اصغر هندی دادستان سابق دیوان محاسبات، دکتر محمد سیاری معاون سابق وزیر علوم و بهداشت و ... اشاره داشت.

همسر و فرزندان : سید حسن علم الهدایی دارای همسر و چهار فرزند دو پسر و دو دختر به نامهای سید محمد حسین دانشجوی

تخصصی رادیولوژی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، سیده نرجس دانشجوی کارشناسی ارشد رشته شیمی الی، و بقیه در حال تحصیلات اولیه هستند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : –رئیس دانشگاه تربیت معلم سبزوار ۷۲–۱۳۶۷، –رئیس سازمان پژوهش های علمی و صنعتی خراسان ۸۰–۱۳۷۸، –مشاورزه رئیس دانشگاه فردوسی مشهد و مسوول کمیته بهروری و تحول اداری دانشگاه ۸۱–۱۳۷۷، –معاون اموراجتماعی سازمان بهزیستی کشور ۸۴–۱۳۸۱، – بازرس انتخاباتی شورای نگهبان در استان خراسان در انتخابات مجلس دوم ۱۳۶۲، –مسوول آموزشهای عقیدتی سیاسی در دایره سیاسی ایدئولوژیک لشکر ۷۷ پیروز خراسان ۶۱–۱۳۵۹، –مشاور عای رئیس دانشگاه فردوسی مشهد در امور فرهنگی اجتماعی ۱۳۸۴، –مدیر شبکه علمی کشور در استان خراسان ۸۰–۱۳۷۹، –رئیس پارک علم و فناوری خراسان ۱۳۸۵،

فعالیتهای آموزشی : – عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد با درجه دانشیاری، – عضو انجمن ریاضی ایران و عضو شورای ملی معلمان ریاضی آمریکا(NCTM)، – دبیر کمیته علمی پنجمین کمنفرانس آموزشی ریاضی ایران ۱۳۷۹،– دبیر کمیته علمی دومین یاد.اره استاد شهید چمران تیر ۱۳۸۱،–عضو شورای برنامه ریزی آموزشی ریاضی کشور، –عضو کمیته آموزشی ریاضی ستاد ملی سال جهانی ریاضی ۷۹–۱۳۷۸، –عضو هیئت علمی پاره وقت موسسه پژوهشی برنامه ریزی درسی و نو آوری های آموزش و پرورش ۸۴–۱۳۸۳، –عضو و مسوول کمیته علمی آسیب های اجتماعی سازمان ملی جوانان ۸۴–۱۳۸۲، – عضو ستاد تحول اداری استان خراسان ۸۱–۱۳۷۹، عضو شورای پژوهش و فناوری استان خراسان ۸۰–۱۳۷۹، –عضو هیئت علمی در شورای فرهنگی دانشگاه فردوسی مشهد ۸۴ تا کنون، – نماینده وزیر علوم در هیئت نظارت دانشگاه فردوسی مشهد ۸۴ تا کنون، – عضو هیئت تحریریه مجله نشریه اتحادیه انجمن های علمی و آموزشی معلمان ریاضی ایران.

آرا و گرایشهای خاص : سید حسن علم الهدایی می گوید:« به لحاظ سیاسی فردی مستقل هتم و وابستگی گروهی و حزبی خاصی ندارم. اسلام، مردم و رهبری خطوط قرمزی هستند که به آنها معتقدم و خدمت به مردم و نظام اسلامی را فارغ از هر نوع گرایشی یک ضرورت جدی می دانم و اصولا فردی عملگرا میباشم. از منظر علمی معتقد به روان شناسی شناختی میباشم.»

آثار :

۱ راهبردیهای نوین در آموزش ریاضی

ویژگی اثر : چاپ ۱۳۸۱

۲ همه در پی او

ویژگی اثر : چاپ ۱۳۵۱ و ۱۳۵۷ در زمینه خداشناسی است و در سن ۱۵ سالگی دکتر علم الهدایی آنرا تالیف کرده است.

۳ یادداشتهایی بر مهارت های خوب زندگی کردن ج۱و ۲

ویژگی اثر : در دست چاپ

علم الهدی شیرازی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج سید علی اکبر واعظ طباطبائی یزدی است که در ۱۳ رجب ۱۲۹۷ متولد گردید، و در شب ۵ شنبه ۱۷ جمادی الثانیه‌ی این سال وفات یافته، جنازه به شیراز منتقل گردیده، در شاه چراغ مدفون گردید.

عالم جلیل، و فقیه محدث، و ادیب جامع، و شاعر کامل بود، و سال‌ها در اصفهان ساکن، و محضرش مجمع افاضل و اماثل بوده، در اخلاق و ملکات نفسانی و قدرت حفظ، عدیم النظیر بود.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

علم الهدی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محسن علم الهدی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

درسال ۱۳۵۰ در۲۵ رجب درخانواده معمولی متولد وازآن جایی که پدرخانواده انگیزه های دینی بسیار زیادی داشت با اینکه خود کاسب معمولی بود نسبت به شغل وحرفه خود نزد فرزندان تبلیغ وترویجی نداشت بلکه نسبت به روحانی شدن فرزندان تبلیغ زیادی داشت .بعد از گذراندن دوران ابتدایی وراهنمایی وارد حوزه علمیه شدم ،چند سالی درتهران وبعد چند سال دیگری رادرقم و

بازسپس درتهران ونهایت بعد ازگذراندن اکثر دروس دوره مقدماتی وسطح را درقم مشغول تحصیل بودم وهم زمان مختصر تدریسی در حوزه داشتم ودر زمانهایی که درتهران تحصیل حوزوی داشتم به امر پراهمیت تبلیغ مشغول بودم درواحد فرهنگی مسجد سلمان فارسی وبرنامه های تابستانی متعددی تدریس قرآن ،روخوانی ،حفظ،و احکام ومباحث اخلاقی اعتقادی را داشتم وحدود ۳سال درهمکاری با نهاد نمایندگی رهبری دردانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی درخوابگاه‌های دانشجویان درتهران کارهای تبلیغی را ادامه دادم وحدود۵/۱ سال به عنوان نماینده نهاد رهبری دربیمارستان آموزشی طرفه تهران کارهای مذهبی درکنار تحصیلات حوزوی ادامه دادم ودرسالهای دوران تحصیل سطح درقم با امورفرهنگی بنیاد جانبازان قم همکاری زیادی داشتم وبرنامه های فرهنگی فرزندان جانبازان قم را داشتم وکلاسهای هفته ای وبرنامه های تابستانی و اردوهای فرهنگی را برنامه ریزی واجرا کردم.درسالهای بعد ازدوره مقدما تی حوزه همزمان با تحصیل وکارهای فرهنگی فوق که درفن خطابه ومنبر درمساجد وهیئات مشغول بودم .وازسال ۷۸ به بعد که مراجعت دوم به قم داشتم سال آخرتحصیل ودرس خارج فقه واصول را درنزد اساتید بزرگ به قم ادامه دادم وهمچنان درایام محرم وصفر ورمضان وفاطمیه درتهران فن خطابه ومنبر رابه لطف خدا درسطح بالایی ادامه دادم .

علماء، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید رضای قمی معروف به علماء از افاضل دانشمندان و قدماء حوزه علمیه و ائمه جماعت شهرستان مذهبی قم است.

تولدش در قم واقع شده و سطوح را از مدرسین حوزه بالاخص حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله فراگرفته و بالغ بر ۱۸ سال از ابحاث زعیم اعظم شیعه آیت‌الله بروجردی استفاده کرده و بعد منحصرا به درس خارج آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی حاضر شده و می‌شود.

عالمی ظریف و دانشمندی لطیف و خوش اخلاق و محاوره است همواره چهره‌اش گشاده و لبانش متبسم و در اکثر بحثها و دروس سیدنا الاستاد فقیه اهل البیت علیهم‌السلام آقای مرعشی نجفی سلمه‌الله با ما شرکت داشته و دارند.

برادر ایشانست ثقه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج‌آقا حسین علماء که نیز از شرکاء درس آیت‌اللهی مرعشی نجفی هستند و از طرف معظم‌له در هفته یکشنبه یا دوشنبه در مسجد جمکران اقامه جماعت نموده مردم را در پیرامون ولایت مستفیض و بهره‌مند می‌نمایند و نیز در شهر قم از طریق منبر ارشاد مردم نموده و بیان احکام و معارف اسلام می‌نمایند و همه روزه ظهر و شب در نماز جماعت آیت‌الله مرعشی شرکت نموده و استفاده می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

علم‌الهدی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابراهیم بن سید محمدحسین معروف به (علم‌الهدی) سبزواری از فضلاء اصحاب حضرت آیت‌اللَّه العظمی میلانی مد ظله العالی و علماء اعلام معاصر مشهد مقدسند.

وی از طرف پدر منتهی میشود سلسله اجدادش به امام چهارم حضرت علی بن الحسین زین‌العابدین (ع).

قسمتی از نیاکان وی در قوچان زندگی میکردند و پس از زلزله‌های متوالیه که موجب ویرانی قسمتی از آن شهر گردیده یکی از اجدادش بنام میرزا ابراهیم با خویشان نزدیک خود از آنجا به سبزوار هجرت نموده و آنجا را برای خود وطن اتخاذ کرده است و مرحوم پدر و جدش در سبزوار از مزرعه‌ای که بنام کلاته خواجه علی داشتند اعاشه می کردند.

وی با اشتیاق بسیار مفرط پس از خواندن دروس فارسی به مدرسه حکیم بزرگ مرحوم حاج ملاهادی سبزواری وارد و مقدمات و ادبیات را خدمت مرحوم حاج میرزا محمد مهدی که از ادباء و معاریف سبزوار و مرحوم آقا شیخ نظام‌الدین رضوان‌اللَّه تعالی علیه که از اعلام و اکابر نیز به شمار می رفت تلمذ کرده و مقداری از منطق و مختصری از فلسفه را خدمت مرحوم آقای فاضل هاشمی ره خوانده و در سن بیست سالگی پس از از دست دادن مرحوم مرحوم والدش با رنج و زحمت فراوان و کمال مشقت عزیمت به عراق نموده و مدتی در کربلا معلی در زمان ریاست مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج‌آقا حسین قمی به تحصیل پرداخته و سطح کفایه را از محضر آیت‌اللَّه العظمی میلانی استفاده نموده و مقداری از رسائل را در خدمت مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید زین‌العابدین کاشانی و مقداری از مکاسب را از محضر مرحوم آیت‌اللَّه آقا میرزا مهدی شیرازی فراگرفته و بعد از چند سالی به نجف مشرف و سطوح نهائی کفایه و مکاسب را در خدمت مرحوم آیت‌اللَّه آقا میرزا باقر زنجانی و آیت‌اللَّه حاج شیخ علی‌محمد بروجردی و مرحوم آیت‌اللَّه آقا سیدعلی مدرس نوری و آیت‌اللَّه العظمی خوئی مد ظله استفاده نموده و پس از چندی در اثر ابتلا به کسالت دوباره به کربلا مراجعت و به درس خارج آیت‌اللَّه العظمی میلانی شرکت و استفاده نموده و پس از تشرف معظم‌له به مشهد و آمدن آیت‌اللَّه خوئی به کربلا و مجلس درس گذاشتن به درس ایشان حاضر و از درس اصول معظم‌له استفاده نموده تا آیت‌اللَّه میلانی مراجعت به کربلا-و آقای خوئی به نجف بازگشته ایشان به درس آقای میلانی حاضر شده و فقها و اصولا کسب فیض نموده و در خدمت

آیت‌اللّه میلانی به کربلا برگشته و از کلیه ابحاث آن جناب در فقه و اصول و تفسیر بهره‌مند شده و دراسات ایشان را به رشته تحریر برآورده تـا هنگـام مهاجرت آیت‌اللّه میلانی به ارض اقـدس ایشان هم بعـد از ۱۷ سـال توقف در اعتـاب عالیات به اشاره معظم‌له به مشهد آمده و تا حال حاضر که حدود ۱۸ سالست از محضر ایشان استفاده نموده و کلیه افادات ایشان را مرقوم داشته‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

علم‌الهدی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد بن العالم الجلیل الحاج السید علی بن الحسین معروف بعلم الهدی خراسانی از علماء اعلام و وعاظ کرام معاصر تهران است.

وی در سال ۱۳۴۸ ق تقریبا در مشـهد مقـدس متولـد شـده و پس از خوانـدن مقدمات و ادبیات (در خدمت آقای ادیب نیشابوری و محقق نوغانی) قسـمتی از سـطوح را از مرحوم حاج میرزا احمـد مـدرس یزدی فراگرفته آنگاه به قم مهاجرت و پس از تکمیل متون فقـه و اصـول از محضـر و دروس خـارج آیـت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه موسوی و مرحـوم آیت‌اللّه محقـق دامـاد و آیت‌اللّه العظمی گلپایگـانی اسـتفاده نموده و در مـاه محرم و صـفر و ماه رمضان برای تبلیغ احکام و تنویر افکار بنا بر دعوت به شهرسـتانها و بالاخص بمرکز و عاصمه تشیع (تهران) مسافرت و از راه منبر و بیان خدماتی انجام داده و مورد توجه بسیاری از مردم متدین و دانا و روشن فکر قرار گرفته که از ایشـان برای اداره مسـجد (صـاحب الزمـان) انتهای خیابان شاهپور دعوت و از سال ۱۳۹۰ ق تاکنون در مسجد مزبور به اقامه جماعت

و گفتن تفسیر قرآن و مواعظ حسنه اشتغال دارند و در مجالس بسیار دیگری از هیئات مذهبی انجام وظیفه می‌نمایند.

نگارنـده گویـد: آن جنـاب دارای منطقی گویـا و بیـانی شـیوا و محامـد آداب و محـاسن اخلاـق و موصوف بفضل و تقوا و با برادر ارجمندش که ترجمه‌اش ذیلا خواهم نوشت سـتاره درخشان از آسـمان علم قم و خراسان می‌باشند که در محیط تهران به نورافشانی و روشن کردن دلها و افکار روشنگران فروزندگی دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

علم‌الهدی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۲ ق)، عـالم امامی. در کربلا به دنیا آمـد و در مهـد علم و شـرافت پرورش یافت. به اتفاق پـدرش به ایران آمـد و به مشـهد رضوی رهسپار شد. مقدمات و مقداری از سـطوح را از محضـر معین‌الغرباء تحصـیل نمود و در بعضی از حوزه‌های درس خارج آن روز مشـهد شـرکت کرد و در اثر تتبع و جدیت به مقام اجتهاد رسـید و از آیت‌الله سـید محمد عصار به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نایل شد. پس از پدر، به اقامه جماعت در جامع گوهرشاد پرداخت. چند سال بعد برای ادامه‌ی تحصیل به نجف رفت و از محضر آیت‌الله نـایینی و آیت‌الله سـید محمـد فیروزآبـادی و آیت‌الله آقـا سـید ابـوالحسن اصـفهانی بهره‌هـا برد و به دریـافت اجـازه‌ی اجتهـاد از آن بزرگواران نیز نایل شـد و به مشـهد بازگشت. از آثارش: کتاب «رساله الوضوء»، عربی؛ «رساله المیاه»، عربی، در احکام آبها؛ «رایت رهنما»، در چهار جلد، در اصول عقاید، امامت و اثبات آن و نقل معجزات ائمه اطهار (ع)؛ کتاب «عدل و معاد»؛ کتاب «نهج‌الخطابه» که جلـد اول آن به خطب پیـامبر اکرم (ص) و جلـد دوم به خطبه‌هـای حضـرت امیرالمؤمنین (ع) و جلـد سوم به خطبه‌های سایر ائمه اطهار (ع)به ضمیمه خطبه‌های حضرت فاطمه زهرا (س) و خطبه‌های حضرت زینب (س) پرداخته است؛کتاب «مناظرات».[۱]

سید علی بن العالم الجلیل السـید محمدحسـین نجفی بن السـید الاجله عماد التولیه معروف به علم الهدی از علماء ابرار و دانشـمندان اخیار مشهد مقدس و آستان قدس رضوی علیه آلاف التحیه و الثناء می‌باشد.

وی در نهم مـاه شـعبان المعظم سـال ۱۳۱۲ قمری هزار و سیصد و دوازده قمری (سـال فـوت زعیـم اعظـم و پیشـوای معظم شـیعیان آیت‌اللّه العظمی میرزا محمـدحسن مجـدد شـیرازی) در کربلاـ متولـد شـده و در مهـد علم و شـرافت پرورش یافته و به اتفاق مرحوم والدش به ایران و مشهد مقدس آمده و در مسیر راه (همدان و غیره) مورد استقبال و احترام مردم واقع گردیده و چندی توقف سپس وارد ارض اقـدس شده و پس از گذرانیدن دوران طفولیت وارد مرحله تحصیل و در کسوت مقدس روحانیت درآمده و مقدمات و مقداری از سـطوح را از محضر استاد بزرگ مرحوم معین الغرباء تحصیل نموده و در بعضی از حوزه‌های درس خارج آن روز مشهد شرکت و در اثر تتبع و حـدیت به مقام رفیع اجتهاد رسـیده و از مرحوم آیت‌اللّه سـید محمد عصار که از علماء بزرگ ایران بود نائل به اخذ اجتهاد گردیده و در آن اوقات کتابی در مرد استنباط احکام وضوء بنام رساله الوضوء نگاشت.

در سال ۱۳۳۹ قمری والـد معظمش که از علماء بنام خراسان بود و در خصوص اسـتخاره شـهرت بسـرائی داشت از دنیا رفت و راتبه اقـامه جماعت آن مرحوم در جامع گوهرشاد به ایشان محول گردیـد و در عین حال پس از دو سه سال برای ادامه تحصـیل مهاجرت به نجف نموده و از محضـر مرحوم آیت‌اللّه نـائینی و آیت‌اللّه حـاج سـید محمـد فیروزآبـادی و آیت‌اللّه العظمی آقا سـید ابوالحسـن اصـفهانی اسـتفاده نموده و پس از مدتی با دریافت اجتهاد از آن بزرگواران به مشهد مراجعت و تا هم اکنون به ارشاد مردم و تألیف و تصنیف کتاب اشتغال دارند.

آثار قلمی معظم‌له از این قرار است.

۱- کتاب رساله الوضوء عربی مخطوط ۲- رسالت المیاه عربی در موضوع احکام آبها ۱ مخطوط.

۳- رایت رهنماج ۱- (فارسی) دو مرتبه طبع شده است این کتاب در اصول عقاید و اثبات توحید و دفع شبهات مادیین و طبیعین و گفتگو درباره نبوت عامه و نبوت خاصه.

۴- رایت رهنماج ۲ در موضوع امامت و اثبات خلافت بلا فصل امیرالمومنین (ع) و امامت امام حسن مجتبی و امامت امام حسین علیه‌السلام و فلسفه نهضت آنجناب مطبوع.

۵- رایت رهنماج ۳ و ۴ درباره اثبات امامت و نقل معجزات سایر ائمه اطهار علیه السلام و دفع شبهات کیسانیه و واقفیه و مدعیان مهدویت و فرقه ضاله و مضله بهائیت و فلسفه غیبت و رمز طول عمر حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء.

۶- کتاب عدل و معاد درباره تشریح جهان آخرت و عالم پس از مرگ و عالم برزخ و سوال نکیرین و سیر ارواح و بعث و نشر در روز رستاخیز و بهشت و دوزخ از طریق روایات و آیات و دفع عموم شبهات و اشکالات وارده در این موارد و نیز درباره اثبات امر بین‌الامرین جبر و تفویض (مطبوع).

۷- کتاب نهج‌الخطابه در خطب النبی والائمه علیهم‌السلام فارسی و عربی ج ۱ در نقل کلیه خطبه‌های پیغمبر صلی اللّٰه علیه و آله و سلم و اخبار معراجیه و وصایای آن حضرت به امیرالمؤمنین (ع) و ابوذر به ضمیمه ترجمه.

۸- نهج‌الخطابه ج ۲- خطبات مولی الموحدین امیرالمؤمنین (ع) که در نهج‌البلاغه موجود نیست- مخطوط.

۹- نهج‌الخطابه ج ۳- خطبات سایر ائمه اطهار علیهم‌السلام به ضمیمه خطبه‌های حضرت صدیقه کبری فاطمه سلام‌اللّٰه علیهاسلام.

۱۰- کتاب مناظرات درباره نقل برخی از مناظراتی که خود ایشان با افراد خارج از دین نموده‌اند به ضمیمه نقل چند مورد از مناظرات قدماء و صحابه.

نگارنده گوید آقای علم‌الهدی مضافا بر آن آثار فرزندان دانشمندان و مروج چندی دارند که از باقیات‌الصالحات ایشانست و آنها از این قرار است.

۱- سید الاعلام آقای حاج سید کاظم علم‌الهدی مقیم مشهد از وعاظ و محدثین معاصر مشهد می باشند.

۲- حجهٔ‌الاسلام آقای حاج‌آقا محمد علم‌الهدی مقیم تهران و امام مسجد الزهراء خیابان آب منگل.

۳- حجهٔ‌الاسلام آقای حاج‌آقا جواد علم‌الهدی مقیم تهران و امام جماعت مسجد صاحب الزمان خیابان شاهپور.

۴- ثقهٔ‌الاسلام آقای آقاسید احمد علم الهدی مشهد که از فضلاء و خطباء بلیغ اکنون مقیم تهران میباشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۶۶۴ -۱۶۶۳ / ۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۴۷ -۱۴۴ / ۷).

علم‌الهدی، قیصر، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قیصر، محمد بن (حاج میرزا) معصوم رضوی خراسانی مشهور به سید قیصر، از فقهای متأخر شیعه (ف. ۱۲۵۵ ه.ق.) اوراست: اعلام الوری، کتاب رجال، حاشیه معلم الاصول، مصابیح الفقه.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

علمی عراقی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای شیخ محمود علمی از علماء محترم و دانشمندان معظم و قدماء مکرم حوزه علمیه قم‌اند که به محامد آداب و محاسن اخلاق و متانت موصوف و و به فضل و تقوا معروف می‌باشند. در ربیع‌المولود ۱۳۲۳ قمری در اراک متولد شده و پس از طی مقدمات در سال ۱۳۴۰ قمری به قم مهاجرت نموده و سطوح را از مرحوم میرزا محمد ثابتی همدانی و آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی و مرحوم آیت‌الله صدر استفاده کرده و به درس و بحث مرحوم آیت‌الله حایری شرکت نموده و پس از فوت آن مرحوم از محضر آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و بالغ بر هیجده سال از مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و چندین سال تصدی امور مدارس فیضیه و دارالشفاء از طرف آن مرحوم با ایشان بوده است و پس از آن مرحوم به آیت‌الله العظمی شریعتمداری پیوسته و تا هم اکنون به مباحثه معظم‌له شرکت می‌نمایند.

حکایت کردند برای نگارنده که در ماه شوال ۱۳۹۲ ق شبی در خواب دیدم که حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه الشریف ظهور کرده‌اند پس شرفیاب شدم حضورشان دیدم عده‌ای از آقایان هستند محضرشان که در میان آنها جناب آقای قاضی طباطبائی حاج سید حسین و آقای حاج سید مرتضی برقعی واعظ معروف بود و می‌خواستند قبل از قیامشان منبر بروند پس آقای قاضی گفتند منبر آقا را مقابل قبله بگذارند آقای برقعی گفتند منبر آقا را رو به کشور ترکیه بگذارید که آقا با مردم ترکیه صحبت کنند پس منبر را به سمت ترکیه گذاردند و آقا به منبر رفتند و من از خواب بیدار شدم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

علمی قزوینی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۰۰ ق)، شاعر. هـدایت وی را در زمره‌ی اهل طریقت و حکمت دانسته و می‌گوید که او سالکی مجذوب و طالبی مطلوب بود. وی از جمله سادات قزوین بوده است. از اوست:

با ناله‌ی ما سموم را سودایی است

در آتش ما جحیم را مأوایی است

بر سینه‌ی ماست هر کجا کوه غمی‌است

در دیده‌ی ماست هر کجا دریایی‌است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۲۱۵ / ۲)، ریاض العارفین (۱۱۰).

علمی لاری، شمس‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۷ / ۹۷۵ ق)، شاعر. برادر صدرالـدین محمد کلامی، از امرای دکن، بود. چون در طرشت ری قاضـی بود، لذا می‌بایست از مردم لار حوالی تهران باشـد. او به زیارت حرمین رفت و از آنجا رهسپار هندوستان شـد و مدتی در سـرزمین بهکر و چندی نیز در دکن زیست. علمی لاری در سرودن شعر توانا بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۴۵)، فرهنگ سخنوران (۶۴۵)، کاروان هند (۹۰۶ / ۲)، هفت اقلیم (۲۵۸ / ۱).

علومی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد علومی فرزند آیت‌اللَّه آخوند ملاحسین اردکانی از علماء بزرگ و معروف معاصر یزد بوده‌اند.

وی در ماه رمضان ۱۳۱۹ ق در یزد متولـد شده و پس از تحصـیل مقدمات و فراغت از سـطوح مهاجرت به نجف اشـرف نموده و از محضـر اساتید بزرگ و مراجع عالیقدر آن عصـر چون مرحوم آیت‌اللَّه آقا میرزا حسین نائینی و آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه آقـا سـید محمـد فیروزآبـادی و آیت‌اللَّه حاج میرزا سـید آقای اصـطهباناتی و دیگران مـدت هشت سال اسـتفاده نموده تا به درجه‌ی رفیعه اجتهـاد نائل و با دریافت گواهی و اجازات به ایران مراجعت و چنـدی در قم توقف و در زمان مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری یزدی به تدریس پرداخته و سـپس در اثر انقلابات داخلی و سیاسـی به وطن اصـلی خود یزد بازگشت و اساس حوزه یزد را پی‌ریزی نموده و بـا شور و علاـقه خاصـی در توسـعه و گسـترش آن کوشـش و بر حسب مقـدرات الهی در سـال ۱۳۱۴ ش به مشـهد مقدس مشرف و با خاندان حاج میرزا عبدالرسول درانیان که از وعاظ نامی مشهد بودند وصلت و دارای شش فرزند می‌شوند که چهار نفر آنها ذکور و هر یک از آنها در رشته‌های مختلف علمی روحانی پزشکی و اقتصادی و مشاور علمی از فضلاء ممتاز می‌باشند.

مرحـوم آیت‌اللَّه علـومی پس از سـی سـال سـرپرستی حوزه علمیه یزد و تـدریس علوم دینی و امـامت در سن ۷۴ سـالگی دار دنیا را بدرود و دعوت حق را لبیک اجابت گفتند. اما آثار ایشان از این قرار است:

۱- چند رساله مختصر در مسائل فقه در اوقات صلوه و صلوه مسافر و زکوه.

۲- حواشی بر قطع فرائدالاصول و مکاسب شیخ مرتضی انصاری.

۳- حواشی مختصر بر کفایه‌الاصول مرحوم آخوند ملا محمدکاظم خراسانی.

۴- شرح قصیده شیخ محمد بوصیری معروف به قصیده برده در مدح حضرت رسول (ص).

۵- شرح قصیده بائیه و قصیده عینیه ابن ابی‌الحدید معتزلی در مدح حضرت امیر (ع)

۶- المغنی عن المغنی که تلخیص کتاب مغنی ابن‌هشام است در علم ادبیات.

(۱۳۱۹- ح ۱۳۹۳ ق)، عالم دینی و فقیه. در یزد به دنیا آمد. پس از تحصیل مقدمات و فراغت از سطوح به نجف اشرف سفر کرد و از محضر اساتید بزرگی همچون آیت‌الله میرزا حسین نایینی و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله آقا سید محمد فیروزآبادی و آیت‌الله میرزا سیـد آقای اصـطهباناتی و دیگران مـدت هشت سال اسـتفاده نمود، تا به درجه‌ی اجتهاد نایل شد وبا دریافت اجازه به ایران مراجعت کرد. چنـدی در قم توقف نمود و در زمـان آیت‌الله حـایری یزدی به تـدریس پرداخت. سـپس به وطن خویش بـازگشت، و حوزه‌ی علـوم دینی یزد را پی‌ریزی نمود. در ۱۳۱۴ ش به مشـهد رضوی رفت و با خانـدان حاج میرزا عبدالرسول درانیان وصـلت نمود. وی مـدت سـی سـال حوزه‌ی یزد را سـرپرستی و در آن تـدریس کرد. از آثـارش: چنـد رساله در مسائل فقه: در «اوقات صـلاه»، «صـلاه مسافر» و «زکات»؛ حواشی بر «قطع» «فرائد الاصول» و «مکاسب» شیخ مرتضی انصاری؛ حواشی بر «کفایه الاصول» آخوند ملا محمد کـاظم خراسانی؛ شـرح «قصـیده‌ی» شـیخ محمـد بوصـیری، معروف به «قصـیده‌ی برده»، در مـدح حضـرت رسول اکرم (ص)؛ شـرح

«قصیده‌ی بائیه» و «قصیده‌ی عینیه» ابن ابی‌الحدید معتزلی در مدح امیرالمؤمنین (ع)؛ «المغنی عن المغنی» که تلخیص کتاب «مغنی» ابن‌هشام، در ادبیات است.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴۱ – ۴۴۰ / ۷).

علومی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی علومی نویسنده و محقق معاصر است . او اهل کرمان بوده و در مورد مسائل فرهنگی به تحقیق و تفحص می پردازد . وی صاحب آثار چندی است که به چاپ رسیده اند . علومی ابتدا معلم بوده و سپس به فعالیت درمطبوعات پرداخت . وی بعد از آن دراداره ارشاد کرمان مشغول شده است .گروه : علوم انسانی رشته : علوم سیاسی خاطرات کودکی : محمد علی علومی در محله ای نزدیک به ارگ بم دوران کودکی راطی نمود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد علی علومی پس ازطی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۵۸وارد دانشگاه تهران شدو دررشته علوم سیاسی به تحصیل پرداخت.وقایع میانسالی : تحصیل دردانشگاه تهران، زمینه مهاجرت محمد علی علومی را به سوی تهران فراهم نمود. شرایط سخت زندگی ابتدا او را وارد عرصه کار و تلاش نمود، چنانکه برای تامین معاش به کارهای مختلف روی آورد و درروستاهای جیرفت ، مدتی به کار خدماتی دراداره سیم کشی ساختمان ، معلمی و سرانجام فعالیت مطبوعاتی مشغول شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد علی علومی مدتی به کار معلمی و مطبوعات اشتغال داشت. پس ازآن وارد اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی کرمان شد و به امور فرهنگی این اداره اشتغال ورزید.فعالیتهای آموزشی : مهمترین فعالیت آموزشی محمد علی علومی کارمعلمی بود که دیری نپایید به اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی منتقل شد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد علی علومی یک فیلم نامه کودک براساس پیوند زندگی واقعی مردم ، با افسانه ها ، مجموعه ای از داستان های کوتاه (مندرج درماهنامه های ادبی) ، نوشته های خود او وهمچنین بعضی نوشتهها که او شبیه به شعر می نامد ،چاپ کرده است . ازاو مقالات متعددی نیز درمعرفی ادبیات کهن و داستانهای شاهنامه و معرفی نحوه نگاه و طرز داستان نویسی کهن چاپ گردیده است.آرا و گرایشهای خاص : محمد علی علومی ،آزادی درمعنای عالی آن را باعث تغییر و تبدیل اندیشه می داند. او آزادی به معنای معمول راباعث بصیرت فرد می دانسته و معتقد است که آزادی مانع می شود که انسان بنده انسان دیگر باشد . وی براین باوراست که وقتی هنر با سرشت و گوهر عرفان بیامیزد، می تواند در جهت سیر وسلوک برای کشف حقیقت باشد . این مسیر نیست مگر آنگاه که از ذهنیات خو د، بت نسازیم و ابراهیم تبرداری راهنمایان باشد. آثار : آذرستان ، آوردگاه آفتاب ویژگی اثر : دراین کتاب شرح اساطیری بخشی از تاریخ ایران آمده است.۳ شاهنشاه درکوچه دلگشا ، فرهنگ عوام دارالامان ویژگی اثر : این اثر مجموعه ای از داستانهای کوتاه طنز است .۵ هفت حکایت

علوی بروجردی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدحسین علوی طباطبائی فرزند حجهٔالاسلام و المسلمین مرحوم حاج سید ابوالقاسم علوی دومین داماد آیت‌اللّه العظمی بروجردی و از بنی اعمام ایشان از خاندان طباطبائی بروجرد هستند. جد ایشان مرحوم حجهٔالاسلام حاج سید محمدحسین از علماء بزرگ بروجرد و حوزه علمی ایشان در عصر خودش از حوزه‌های بزرگ بروجرد بوده است.

و نیز جد بزرگ او مرحوم حاج سید ابوتراب از بزرگان سلسله طباطبائی در جود سخا و حسن خلق زبانزد خاص و عام بوده است. مقبره‌اش در نجف اشرف در بقعه مرحوم بحرالعلوم علیه‌الرحمه است.

مترجم گرامی ما در سال ۱۳۰۴ شمسی در بروجرد متولد شده و در دبستان و دبیرستان آن شهر تحصیلات خود را تا دیپلم ادامه داده و بعد از تشرف مرحوم آیت‌اللّه فقید به قم بفاصله شش ماه به قم مشرف و شروع بتحصیل علوم دینی نموده و بعد از فراغت از سطوح در نزد اساتید معظم حوزه هفت سال در محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی حاضر و از خرمن فضیلت آن مرد بزرگ خوشه‌ها چیده و در سال ۱۳۲۸ شمسی بمصاهرت آن بزرگوار مفتخر و پس از فوت آن مرحوم مهاجرت به تهران نموده و در مسجد فخریه تهران بعد از فوت مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر بحرالعلوم تهرانی به اقامه جماعت و ترویج دین و نشر احکام شرع مبین و تنویر افکار جوانان و روشنفکران پرداخته و تا هم‌اکنون به این خدمات اشتغال دارد.

نگارنده گوید: آقای علوی علاوه بر تحصیلات جدید و قدیم بزبان انگلیسی نیز تسلط دارند و دانشمندی ادیب و آشنای به ادبیات عربی و فارسی می‌باشند و در نویسندگی نیز توانا هستند.

از آثار مطبوع ایشان کتاب خاطرات زندگانی حضرت آیت‌اللّه العظمی بروجردی است که در بیست و پنج هزار نسخه منتشر گردیده.

و دیگر از آثار وی تأسیس حسینیه علوی در خیابان فرهنگ نزدیک به خیابان امیریه می‌باشد که پایگاه و مرکز حساسی برای نشر معارف اسلامی است و در روزهای جمعه از اول آفتاب تا قریب بظهر خطباء و گویندگان بزرگ برای صدها نفر مردم مرکز موعظه نموده و سخنرانی می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

علوی تهرانی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج سید محمدباقر بن سید الاعلام السید علی بن السید حسین علوی مسجد حوضی تهران از علماء معروف تهران بودند و در مسجد حوض واقع در خیابان سیروس نزدیک محله سرپولک اقامه جماعت می‌نمودند و در میان علماء و اهالی تهران بسیار محترم و مکرم و مورد وثوق قاطبه مردم بودند و با مرحوم آیت‌اللّه بهبهانی صداقت تام و رفاقت تمامی داشتند.

وی در سال ۱۳۰۵ قمری هجری در تهران متولد و در کودکی قرآن و تجوید را از آخوند ملاعلی فراگرفته و در مدرسه ادب تحصیلات جدید را آموخته و فقه و اصول را نزد آقا میرزا کوچک ساوجی که از علماء مشهور عصر و مدرس مدرسه صدر بودند خوانده و معقول را نزد حکیم دوران و فرید زمان آیت‌اللّه حاج عبدالنبی نوری طاب ثراه آموخته و پس از فراغ از تحصیل مسافرت به نجف اشرف نموده و مدت یکسال از محضر مرحوم آیت‌اللّه شریعت اصفهانی و دیگران استفاده کرده و نائل به درجه اجتهاد شده آنگاه مراجعت به تهران و در مدرسه عبداللّه خان واقع در بازار بزرگ مشغول تدریس گشته و احکام تجارت و مکاسب را برای تجار بیان نموده و عده‌ای از بازرگانان از محضرش کسب فقه و معارف اسلامی نموده تا در ماه شعبان‌المعظم سال ۱۳۸۶ ق در تهران وفات و جنازه‌اش حمل به نجف اشرف و در جوار جد گرام خویش حضرت علی علیه‌السلام مدفون گردیدند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

علوی تهرانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمد رضا بن الایه حاج سید محمدباقر علوی آنف‌الذکر از علماء محترم معاصر تهران است.

وی در سال ۱۳۴۳ ق در تهران تولد یافته و در مهد علم و سیادت پرورش نموده و پس از خواندن دروس عالیه جدید، ادبیات و سطوح وسطی را در تهران آموخته و در سال ۱۳۶۴ ق مهاجرت به قم نموده و سطوح نهائی را از مدرسین بزرگ قم فراگرفته و از دروس خارج مرحومین آیتین علمین آقای حجت و آقای خونساری استفاده نموده و پس از رحلت ایشان از محضر آیت‌اللّه العظمی زعیم اعظم آقای بروجردی و آیت‌اللّه شریعتمداری و آیت‌اللّه گلپایگانی و علامه معاصر آقای طباطبائی بهره‌مند شده و در سال ۱۳۸۶ ق پس از فوت مرحوم والدش به تهران مراجت و در مدرسه سپهسالار قدیم و مسجد حضرت امیر علیه‌السلام به اقامه جماعت و در مدرسه‌ی مزبور بتدریس و ترویج دین پرداخته و هم از محضر مرحوم وحید عصر آیت‌اللّه شعرائی حاج میرزا ابوالحسن قدس اللّه سره هیئت و نجوم و ریاضیات را آموخته و تا حال حاضر بانجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

علوی حسنی نیشابوری، ابوالحسن محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۰۱ ق)، مسند، محدث و فقیه. وی رییس‌السادات و شیخ‌الاشراف و مسند خراسان زمان خود و سیدی بزرگوار و نیکوکار بود. او برادر بزرگتر ابوعلی محمد بن حسین علوی حسنی نیشابوری است. از محمد بن اسماعیل بن اسحاق مروزی و ابوحامد بن شرقی و برادرش عبدالله بن محمد و همچنین محمد بن عمر بن جمیل و ابونصر محمد بن حمدویه غازی و ابوبکر بن دلویه دقاق و محمد بن حسین قطان و عبیدالله بن ابراهیم بن بالویه و دیگران حدیث شنید. حاکم و ابوبکر بیهقی و محمد بن قاسم صفار و ابوعبید صخر بن محمد و ابوالقاسم اسماعیل بن زاهر و محمد بن عبیدالله صرام و عثمان بن محمد محمی و عمر بن شاه مقری و شبیب بن احمد بستیغی و احمد بن محمد بن مکرم صیدلانی و موسی بن عمران انصاری و ابوصالح احمد بن عبدالملک مؤذن و فاطمه دختر ابوعلی دقاق و بسیاری دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. حاکم گوید: وی صاحب همتی عالی بود و ظاهری نورانی داشت. پیوسته از او خواسته می‌شد تا حدیث گوید اما نمی‌گفت. دست آخر من مجلس املائی برپا ساختم و هزار حدیث برایش برگزیدم. در آن مجلس هزار قلمدان شمارش شد و او سه سال املای حدیث کرد. ابوالحسن علوی به سکته درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (۲۷۱ / ۱)، سیر النبلاء (۹۹ -۹۸ / ۱۷)، شذرات الذهب (۱۶۲ / ۳)، العبر (۱۹۹ / ۲)، الوافی بالوفیات (۳۷۳ / ۲).

علوی حسینی تبریزی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۱ -۱۳۲۰ ق)، عالم دینی و فقیه. در تبریز به دنیا آمد. پس از خواندن سطوح از محضر آیت‌الله حاج سید علی مولانا و آیت‌الله حاج میرزا ابوالحسن انگجی استفاده نمود. آن‌گاه به مشهد رضوی مهاجرت کرد و از محضر آقازاده کفایی و آیت‌الله آشتیانی بهره برد. پس به انجام وظائف دینی پرداخت، تا در ۱۳۸۱ ق برای معالجه به تهران آمد و در تهران درگذشت. پیکرش در مشهد رضوی در یکی از حجره‌های صحن عتیق به خاک سپرده شد. از آثارش: «الحجاب»؛ «الرباء»؛ «الغناء»؛ «هدیه الاخوان»، در اثبات اسلام، به فارسی؛ «هدایه المسترشدین الی معارف‌الدین المبین»، در سه مجلد: «توحید»، «نبوت عامه و خاصه» و «امامت و معاد».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۰۵، ۱۹۴ / ۲۵، ۴۵۶ / ۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۴۳ / ۷)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰ -۵۹ / ۶).

علوی حسینی، علی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اوست: سه جزو از قرآن سلطانی رحلی عظیم، ریحان سه دانگ جلی به زر محرر خوش بلکه عالی- نسخ ریحان دو دانگ خوش: با رقم: «کتب هذا الجزء المبارک من اصل ثلاثین جزءاً و ما قبله و ما بعد العبد الفقیر الی اللّه تعالی علی بن محمد بن زید بن محمد بن زید بن محمد بن عبیداللّه العلوی الحسینی و کان الفراغ من کتابته فی رجب سند عشر و سبعمائهٔ» (۷۱۰) تارخی خط. در پشت صفحه‌ی اول به قلم ثلث دو دانگ خوش: هذا امر امر بکتابهٔ مقرباً الی اللّه مولانا السلطان الاعظم... خدابنده محمد بن ارغون خان بن اباقاخان بن هلاکوخان بن تولی خان بن چنگیز خان خلد اللّه دولتهٔ... علی ید المولیین الوزیرین الاعظمین سلطانی وزراء العالم... اصحاب السیف والقلم خواجه رشیدالحق والدین و معدالحق و الدولهٔ والدین اعزاللّه انصارهما...» «کتبه العبد الفقیر الی اللّه تعالی علی بن محمد علی بن محمد ابن زید بن محمد بن زید بن محمد بن محمد بن زید بن احمد بن محمد بن محمد بن عبیداللّه بن علی بن عبیداللّه بن علی بن عبیداللّه بن الحسین بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب و کان الفراق منه فی یوم الاربعاء سادس جمادی‌الاولی من سنهٔ عشر و سبع مائه (۷۱۰) به مدینهٔ الموصل غفراللّه سالف خطیاته به محمد و آله...» در موزه‌ی اسلامی ترک.

-قرآن (یک جزو) رحلی کوچک- جلد تیماج مشکی منگنه، صفحه‌ی اول دارای پیشانی و ذیل مذهب. ثلث جلی به زر تحریر یافته‌ی خفی متوسط با رقم: «علی بن محمد بن زید بن محمد بن زید بن عبداللّه العلوی الحسینی...» سال ۷۱۰. در آستانه‌ی شاه نعمهٔ اللّه ماهان کرمان.

بر گرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

علوی خوئی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابراهیم علوی خوئی بن السید الجلیل حاج سید مهدی که در آذربایجان و مقامهای بزرگ مملکتی خانواده‌شان معروف به سادات مقبره به خاطر مزار جد اعلی‌اش عالم تقی المعی صاحب کرامات سید یعقوب طاب ثراه می‌باشند با بیست و دو فاصله آبائی به حضرت سیدالساجدین علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب سلام اللَّه علیهم اجمعین نسبش می‌رسد در سال ۱۳۳۳ ق هجری در دارالمؤمنین خوی متولد و در هشت سالگی به مکتب اعزام و قرآن کریم را پیش آقای حاج شیخ ابوالفتح واعظ شاهانقی ختم و ادبیات فارسی را از آقای میرزا محمدحسین کارگر و آقا غلامرضا کشاورز و آقای میرزا یوسف کارگر اخلاق و سیاق را از آقای حاج میرزا یحیی فرقانی شرعیات و دستور زبان فارسی را از آقای حاج میرزا محمدعلی موحد و رسم را از آقای سید محسن هدایت و قرائت و تجوید را از آقای کربلائی تقی و آقای حاج میرزا ابراهیم قاری تلمذ نموده است.

ادبیات عربی از علماء اعلام آقای حاج ملا محمدحسین محصلی و آقای شیخ محمد حقیر چهرقانی و آقای شیخعلی اسلام‌پرست و آقای آخوند ملاحسین محسنی و آقای حاج میرزا علی زائر و آقای میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و آقای حاج سید مهدی کشفی و منطق را از آقای حاج میر شفیع تهامی و آقای شیخ علی‌اکبر محققی و آقای شیخ محمدحسین تنکابنی و کلام را از حضرت آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی خوانساری و حکمت مشاء را از حضرت آیت‌اللَّه فخرالحکماء الهیین آقای حاج شیخ مهدی مازندرانی و حکمت اشراق و عرفان را از آن معظم له و آیت‌اللَّه و سیدالحکماء المتأخرین امام خمینی و آقای حاج میرزا خلیل کمره‌ای و آقای حاج میرزا محمدعلی شاه‌آبادی و اصول را از حجهٔالاسلام والمسلمین حاج میر شفیع تهامی و آقای حاج میرزا موسی مرجعی و آقای حاج سید کاظم گلپایگانی و آقای میرزا محمد همدانی و آیات عظام آقای حاج سید محمدتقی خوانساری و آقای شیخ محمدعلی قمی و آقای سید کاظم شریعتمداری و آقای سید محمد حجت و فقه را از حجهٔالاسلام آقای شیخ قاسم واعظ مهاجر و آقای میر شفیع تهامی و آقای حاج میرزا ابوالفضل زاهدی و آیات عظام آقای حاج سید کاظم شریعتمداری و آقای میرزا محمد همدانی و آیت‌اللَّه العظمی آقای سید محمد حجت و آقای حاج شیخ عبدالکریم حایری تلمذ کرده است

اجازه اجتهاد از آیات عظام و مراجع عالیقدر عالم تشیع از آقای سید ابوالحسن اصفهانی و آقای سید محمد حجت و آقای حاج سید محسن حکیم دارد.

تصدیق فلسفه و عرفان از آیت‌اللّه العظمی و استاد الفلاسفه والعرفان آقای امام خمینی دارد.
و در تاریخ ۱۳۴۹ قمری به بلده طیبه قم برای تکمیل تحصیل مشرف گردیده و در سال ۱۳۵۵ موفق به دریافت تصدیق مدرسی شده و در سال ۱۳۵۷ با اجازه اجتهاد به خوی عودت نموده است.
مدرسه علوم دینیه نمازی خوی که از تاریخ ۱۳۵۳ قمری تا ورود ایشان به خوی خالی از سکنه و به صورت خرابی افتاده بود با اقدام ایشان و راهنمائی و معاضدت حضرت حجهٔ‌الاسلام والمسلمین آقا شیخ قاسم واعظ مهاجر از نو اصلاح و تعمیر و به جمع‌آوری طلاب اقدام و در سال ۱۳۶۰ شهریه به طلاب برقرار و امتحان رسمی اعلام و تا تاریخ این نوشته از اول شعبان شروع و به فضلائی که به مقام شایستگی لباس روحانیت به تدریج می‌رسیدند روز ولادت با سعادت حضرت بقیهٔ‌اللّه امام زمان عجل اللّه تعالی فرجه که جشن مدرسه و روحانیت است در تحت نظر رئیس روحانیت وقت ملبس به لباس روحانیت می‌شوند.
توضیح اینکه آنجا بالخصوص لباس روحانیت را پوشیدن پس از طی مدارج علمی و گواهی اساتید به شایستگی طرف منوط می‌باشد دفتر نمرات دروس و املاء و انشاء و قرائت و تجوید و اخلاق طلاب از تاریخ ۱۳۶۰ قمری تا حال منظماً دائر در تحت سرپرست طلاب است و به اضافه شهریه برق و آب و وسائل زمستانی و دوا و معالجه از طرف سرپرست روحانیت الی آلان مرتباً دائر است.
لاـ یخفی اینکه از تاریخ ۱۳۱۶ شمسی که امتحانات طلاب علوم دینیه از رسمیت در مرکز ساقط گردید اولین مدرسه دینیه در آذربایجان پس از غائله بیستم شهریور ۱۳۲۰ شمسی موفق به دریافت اعتبار رسمی بودن تصدیق اساتید و بهره‌مندی از مزایای آن شده مدرسه نمازیه خوی با جدیت و مساعی معظم له بود در تاریخ ۱۳۲۴ شمسی که ناچار به مهاجرت به تهران در اثر فشار متجاسرین توده گردید
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

علوی سبزواری، ابراهیم

قرن:۱۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ابراهیم بن السید اسماعیل بن سید عبدالغفور علوی سبزواری معروف به شریعتمدار عالمی فقیه و مدرسی بزرگ و زعیمی جلیل‌القدر بوده است در سبزوار از آثار اوست مدرسه شریعتمدار که مسکن طلاب و محصلین علوم دینیه می‌باشد.
وی از شاگردان علامه فقیه حاج شیخ محمدحسن صاحب (جواهر) بوده و در مشهدالرضا (ع) از میرزا حسن و ملا محمدتقی و ملا علی داماد صاحب (قوانین) استفاده کرده آنگاه به اصفهان مسافرت و از محضر حجهٔ‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدابراهیم کلباسی بهره‌مند شده و پس از آن به نجف مهاجرت نموده و از ابحاث صاحب جواهر و صاحب (انوارالفقاههٔ) و علامه انصاری و ملازین العابدین گلپایگانی استفاده وافی نموده و بعد به سبزوار مراجعت و به رتق و فتق امور پرداخته و ریاست تامه و مرجعیت عامه در آن نواحی پیدا نموده و صاحب ثروت فراوان و نفوذ کلام و قدرت کم‌نظیری گردیده و شهرتش به تمام ایران رسیده و با این ثروت و موقعیت از اولاد عقیم و محروم بوده است تا در سال ۱۳۱۴ و یا ۱۵ وفات یافته و در مقبره‌ای که در ضلع جنوبی مدرسه شریعتمدار واقع است مدفون شده و تاکنون قبرش مورد احترام اهالی می‌باشد.
وی عالمی مدبر و روشن‌ضمیر و عمری طولانی را با کمال عزت و جلالت طی نموده است.
آثار خیری که از آن مرحوم باقی مانده است از این قرار است.
۱- مدرسه صلوات معروف به مدرسه شریعتمدار در سبزوار که ظاهراً در سال ۱۳۰۵ قمی از مال شخصی خود ساخته است و مورد استفاده است و مدرس بزرگ و باشکوهی دارد.
۲- موقوفاتی که وقف بر طلاب مدرسه مزبوره و زوار ارض اقدس و اطعام در مجلس تعزیه حضرت سیدالشهداء (ع) نموده است.
۳- حمامی در جنب مدرسه مزبوره واقع در بازار قدیم سبزوار که فعلا مخروبه است.
۴- کاروانسرای مشهور به سرای آقا.
۵- آثار خیری در کاشمر و خیرات دیگر.
(وف ۱۳۱۶ -۱۳۱۴ ق)، فقیه، مدرس، مرجع و نیکوکار. معروف به شریعتمدار. در مشهد رضوی از محضر میرزاحسن و ملا محمدتقی و ملا علی، داماد صاحب «قوانین»، استفاده کرد. سپس به اصفهان رفت و از محضر حاج شیخ محمد ابراهیم کلباسی بهره‌مند شد. آن‌گاه به نجف مهاجرت کرد و از مجالس بحث صاحب «جواهر» و صاحب «انوار الفقاهه» و علامه انصاری و ملا زین‌العابدین گلپایگانی استفاده کامل نمود. علوی پس از تکمیل علوم و دریافت اجازه‌ی اجتهاد از صاحب «جواهر» به سبزوار بازگشت و ریاست و مرجعیت مردم را بر عهده گرفت و صاحب ثروت و شهرت فراوان گردید. او در سبزوار درگذشت. و در مقبره‌ای که در ضلع جنوبی مدرسه‌ی شریعتمدار واقع است دفن شد. از آثار وی: مدرسه صلوات، معروف به مدرسه‌ی شریعتمدار، در سبزوار که گویا در ۱۳۰۵ ق از اموال شخصی خود هزینه کرده است؛ حمامی در جنب مدرسه شریعتمدار؛ کاروانسرای مشهور به سرای آقا؛ آثار خیری در کاشمر.[۱]
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹ / ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۰۵ -۳۰۴ / ۵).

علوی سبزواری، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیـد میرزا ابوالقـاسم بن سیـد حسن بن اسـماعیل بن سیـد عبـدالغفور علوی سبزواری عـالمی جلیل و دانشـمندی بزرگوار و مرجعی عالیقـدر در سبزوار و برادرزاده مرحوم شـریعتمدار و مورد وثوق عموم مردم بوده و در محرم سـال ۱۳۵۵ ق در سبزوار وفـات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

علوی سبزواری، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیـد میرزا حسـن بـن سیـد اسـماعیل بن عبـدالغفور علـوی عریضـی سـبزواری عـالمی بزرگ و فقیهی جلیل‌القـدر و متقی و مرجعی بزرگوار بوده و در سال ۱۲۵۵ قمری در سبزوار متولد شده و مهاجرت به نجف اشـرف و مدت بیست سال اقامت و از محضـر علامه شیخ مرتضـی انصاری و علامه سیـد حسین کوه‌کمری و دیگران استفاده نموده و پس از آن به سبزوار مراجعت و در آنجا به ریاست تامه و مرجعیت عامه رسـیده و دو مرتبه به حـج مشرف و در سـفر دوم در ۴ محرم ۱۳۳۲ قمری در نزدیکی مـدینه شـهید و در بقیع مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

علوی سبزواری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۳ / ۱۳۵۲ -۱۲۶۸ ق)، فقیه، محدث، حکیم، متکلم و شاعر. در هفده سالگی با اجازه حاج ملا هادی سبزواری در مجلس درس آن حکیم حاضـر شـد و کتـاب «اسـفار» را نزد آن اسـتاد تحصـیل نمود. آن‌گـاه به عراق رفت و در محضـر درس فاضـل اردکانی و میرزای شـیرازی حضـور یـافت. بعـد از وفـات جلوه چنـد ماهی در مـدرسه‌ی سپهسالار (شـهید مطهری فعلی) به تـدریس ریاضـی و حکمـت پرداخـت. پس از آن به سـبزوار بـازگشت و در آن شـهر مرجعیت و ریـاستی تمـام یـافت. به او در قبـال حـاج میرزاحسـین سبزواری، میرزا حسین کبیر لقب دادند. آیت‌الله نجفی مرعشی از وی دارای اجازه بود. سید عبدالله برهان المحققین سبزواری و حاج میرزا علی‌اکبر نوقانی از شاگردان وی بودند. در سبزوار درگذشت و در مقبره‌ی استادش دفن شد. از آثار وی:«الارجوزه فی الفلسفه العـالیه»؛ حاشـیه بر «فرائـد» شـیخ انصـاری؛ «کتـاب الطهـاره»؛ «کتاب الصوم»؛ «کتاب النـذر»؛ «مشـکاه الضـیاء»، در بـداء؛ تفسـیر «آیه الخلافه»: (انی جاعل فی لارض خلیفه...).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۵۶ / ۶، ۴۹۱ / ۱)، ریحانه (۱۹۱ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۷۰ -۵۶۹ / ۱۴)، المآثر و الآثار (۱۷۲)، مکارم الآثار (۱۸۹۷ -۱۸۹۶ / ۶).

علوی سبزواری، محمد مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۰ -۱۳۲۶ ق)، عالم دینی و نویسنده. در سبزوار به دنیا آمد. به کاظمین رفت و در آن شهر نشوونما یافت و از محضر شیخ علی شاهرودی و دیگران استفاده نمود. وی در زمان حیات پدرش، در جوانی، در سبزوار از دنیا رفت. از آثارش: کتاب «تاریخ طوس» یا «تاریخ مشهد الرضوی» که در ۱۳۴۶ ق در بغداد به چاپ رسید؛ رساله‌ای در «زندگانی علامه سید هبه‌الدین شهرستانی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۶ / ۷)، الذریعه (۲۶۳ / ۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۴۴ / ۷).

علوی شهیدی، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج میرزا محمّد باقر علوی شـهیدی عالم فاضل زاهد، از ائمّه جماعت اصـفهان که به جای پدر در مسـجد مقابل مدرسه نیم آورد اقامه جماعت می‌فرمود.

از شاگردان پدر خود، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و آقا سید مهدی درچه‌ای، و میرزا حسین همدانی، و آخوند کاشی بود.
در شب ۲۵ محرم سال ۱۳۸۵ بسنّ متجاوز از هفتاد و پنج وفات یافته، در تخت فولاد جنب فاضلان مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

علوی شیرازی، محمدهاشم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۱۶۲ / ۱۱۶۰ –۱۰۸۱ ق)، طبیب و شاعر. ملقب به معتمدالملوک و حکیم علوی‌خان. جدش سید مظفرالدین حسین خراسانی از اطبای خراسان بود که به شیراز رفت و در آنجا ساکن شد. میرزا محمدهاشم در شیراز به دنیا آمد و پس از کسب علوم و تحصیل علم پزشکی به هندوستان رفت و در دربار اورنگ زیب عالمگیر تقرب یافت. در هنگام یورش نادر به آنجا به همراه او به ایران آمد و به قولی از میان راه گریخت و به هندوستان بازگشت. علوی در آن جا درگذشت و در جوار مزار خواجه نظام‌الدین اولیاء دفن شد. او در سرودن شعر نیز دست داشت. از آثار وی: «مطب»؛ «جمع الجوامع» یا «جامع الجوامع»؛ «تحفه العلویه»؛ شرح موجز بر «قانون» و «مجسطی» و «عشره‌ی کامله».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۵۵۹ –۵۵۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۶۴ –۶۶۳ / ۳)، الذریعه (۷۳۸ –۷۳۷ / ۹، ۴۸ / ۵)، فرهنگ سخنوران (۶۴۵)، کاروان هندن (۹۰۷ –۹۰۶ / ۲)، مرآت الفصاحه (۴۲۶ –۴۲۵).

علوی فرد، یحیی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یحیی علوی فرد

محل تولد : بجنورد

شهرت : عموعلوی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۹/۲۱

زندگینامه علمی

یحیی علوی فرد

یحیی علوی فرد در سال ۱۳۵۲ در روستای باغچق از توابع شهرستان بجنورد به دنیا آمد . سال های ابتدائی مدرسه را در روستای محل زندگی گذراند و در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه بجنورد شد . او بعد ها به مشهد رفت و در سال ۱۳۷۴ وارد حوزه علمیه قم شد . علوی فرد از همین زمان به صورت جدی وارد عرصه شعر کودک و نوجوان شد . او در جلسات هفتگی شعر مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان با مدیریت آقای تقی متقی شرکت کرد . علوی در سال ۱۳۷۷شروع به درس خواندن در رشته روان شناسی در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) کرد . همچنین در همین سال همکاری خود را با مطبوعات کودک و نوجوان آغاز کرد . نتیجه کار او تا کنون چاپ صد ها قطعه شعر ، نقد ادبی و نثر در مجلات کودک و نوجوان است . علوی برخلاف بیشتر شاعران کودک و نوجوان سعی می کند به قالب چهارپاره بسنده نکند و در قالب های غزل و شعر نیمایی نیز فعالیت دارد . او همچنین به صورت پراکنده شعر بزرگسال نیز می گوید که در نشریات مختلف به چاپ رسیده است . عناوین و افتخارات علوی در سال ۱۳۸۰ در پنجمین جشنواره دو سالانه مطبوعات کودک و نوجوان در رشته شعر رتبه اول را به دست آورد . همچنین در سال ۱۳۸۱ در جشنواره شعر دانشجویان شاهد رتبه دوم شعر بزرگسال را کسب کرد . او در سال ۱۳۸۲ لیسانس روان شناسی گرفت . همچنین در این سال یکی از شش نامزد دریافت جایزه در ششمین جشنواره مطبوعات کودک و نوجوان بود . در سال ۱۳۸۳ از سوی سازمان صدا و سیما، نویسنده برگزیده گروه کودک و نوجوان معرفی شد . در سال ۱۳۸۷ در مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه قم قبول شد و در این سال در جشنواره هنر آسمانی (طلاب سراسر کشور) در بخش کودک و نوجوان مقام اول را به دست آورد. از شاعران برگزیده شعر فجر در استان قم بود . همچنین کتاب نوآوری این است برگزیده ششمین جشنواره کتاب فصل در سال ۱۳۸۷شد. فعالیت ها علوی در کنار سرودن شعر ، نقد ادبی را جدی ترین فعالیت خود می شمارد . او در این زمینه با مجلاتی مثل کتاب ماه کودک و نوجوان و ماهنامه سلام بچه ها همکاری جدی تری دارد که بعضی از این نقد ها با اسم مستعار (ی. باغچقی) به چاپ می رسد . او مقالات آموزشی در زمینه شعر و نثر ادبی را در مجلات انتظار نوجوان و ماهنامه ملیکا با اسم مستعار (عموعلوی) ارائه می کند . کتاب های چاپ شده از او عبارتند از : فصل ها زیبایند۱۳۸۵

بهار ماندنی ۱۳۸۷ (تقدیر شده اولین جشنواره آخرین منجی)

نوآوری این است ۱۳۸۷(برگزیده ششمین دوره کتاب فصل)

محمد دوباره می آید (زیر چاپ)

و...

یکی از جدی ترین فعالیت های علوی در کنار سرودن شعر و نقد ادبی ، تدریس زیبا نویسی ، مخاطب شناسی در ادبیات کودک و نوجوان، سرود دانش آموزی، و اداره جلسات نقد کارگاهی ادبیات کودک و نوجوان در قم می باشد . سابقه تدریس او در مراکز زیر صورت گرفته است : تدریس و نقد شعر در انجمن ادبی شاهد استان قم از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲

تدریس و نقد شعر در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره در سال ۱۳۸۲

تدریس سرود دانش آموزی در دانشگاه قم در سال تحصیلی ۱۳۸۲-۱۳۸۳

تدریس و نقد شعر کودک و نوجوان در مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶

تدریس و نقد شعر کودک و نوجوان در حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی قم در سال ۱۳۸۵

و...

او هم اکنون در مقطع فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی مشغول به تحصیل است . عضو تحریریه ماهنامه سلام بچه هاست از سال ۱۳۸۴ دبیر بخش ماهنامه انتظار نوجوان است و به مدت ۵ سال سردبیر ماهنامه قاصدک بود . (ماهنامه قاصدک در مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما برای برنامه سازان کودک و نوجوان به چاپ می رسد .)

علوی فریدنی، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد تقی علوی فریدنی

محل تولد : قم

شهرت : علوی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان دوره دبیرستان و گذراندن دوره ناظم وظیفه به حوزه علمیه وارد و در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی قدس سره شورع به تحصیل ادبیات عرب نمودم و تا پایان لمعه در همان مدرسه بودم در سال ۱۳۶۱رسائل را در محضر آیت الله اعتمادی و مکاسب محرمه را با آیت الله علوی گرگانی و بحث بیع و خیارات مکاسب را در دروس مرحوم آیت الله ستوده شرکت نمودم. و نیز از کفایهٔ الاصول مرحوم آیت الله پایانی استفاده کردم.

خراج اصول را در درس آیت الله مکارم شیرازی و نیز قسمتی از خارج فقه بحث مکاسب محرمه ایشان شرکت کردم سپس مدت سه سال در درس حدود مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی شرکت نمودم بعد از فوت ایشان سه سال درس حج آیت الله صافی و دو سال حدود آیت الله مکارم و نیز مدت ۶ سال از درس مرحوم آیت الله تبریزی بهره بردم. و نیز دو سال در درس خیارات آیت الله وحید خراسانی شرکت کردم.

بطور همزمان با درسهای حوزه دوره موسسه در راه حق شامل دروس تفسیر و فلسفه و... را گذرانده و در دوره تخصصی اقتصاد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی شرکت نموده و دروس مختلف را در دانشگاه گذرانده و از موسسه به دریافت کارشناسی ارشد اقتصاد تامل گشتم ضمناً از سال ۱۳۶۸ تا ۷۲ در دفتر استقنائات مرحوم آیت الله گلپایگانی به پاسخ گویی سؤالات اشتغال داشتم تنظیم دو جلد از مجمع المسائل ایشان و آماده سازی جلد دیگر آن را بهمراه درج حواشی ایشان در مناسک حج محشی بر عهده اینجانب بود و بعد از ایشان نیز با دفتر آیت الله صافی مرکز پژوهشهای حوزه و مرکز فرهنگی نهاد و مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات همکاری پاسخگویی و تحقیق دارم.

علوی فریدنی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین حاج سید مرتضی بن السید موسی علوی از علماء اعلام و قدماء عظام حوزه علمیه است که به زیور علم و کمال و خصال حمیده و ملکات فاضله آراسته‌اند مرحوم والدش آقا سید موسی از سادات و اشراف محال فریدن اصفهان بوده‌اند.

معظم‌له در سال ۱۳۲۸ قمری در فریدن به دنیا آمد و در سن ۱۶ سالگی در سال ۱۳۴۴ مهاجرت به قم نموده و سطوح را از مرحوم آقا سید مهدی کشفی و مرحوم ادیب تهرانی و میرزا محمد همدانی و آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی و آیت‌الله العظمی گلپایگانی استفاده نموده و به درس خارج مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و بالاخص مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر شده و ضمنا تدریس سطوح عالی را هم نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی به مناسبت وصلت با مرجع بزرگوار آیت‌الله

گلپایگانی منحصرا به درس آن جناب حاضر شده و از ملازمین و منقطعین به ایشان می‌باشد ادام‌الله برکاته.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

علوی قزوینی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیـد جواد فرزنـد عـالم جلیل حاج آقا بزرگ علوی قزوینی از علماء و ائمه جماعت معاصـر دارالمؤمنین قزوین است. در سال ۱۳۰۷ شمسـی در بلـده طیبه قم متولـد شـده و تحصـیلات مقـدماتی و سـطوح را در شهرسـتان قزوین نزد والـد بزرگـوارش و سـایر اسـاتید گرانقدر آن سامان عموی آیت‌اللَّه آقا سـید ابوالحسن رفیعی و آقا سید محمد تنکابنی به اتمام رسانیده و در سال ۱۳۳۵ شمسی برابر ۱۳۷۵ قمری عزیمت به قم نموده و از محضـر آیات عظام و اساتیـد بزرگوار آن دیار بهره‌منـد گردیده و بالاخص افتخار شـرکت در درس و محضـر آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه خمینی و نیز حکیم متاله و فیلسوف الهی و مفسـر بزرگ قرآن علامه طباطبائی صاحب تفسیر و زین المیزان و عالم ربانی حاج شـیخ مرتضی حایری و حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و آیت‌اللَّه اراکی و حاج شیخ مرتضـی حایری و حاج شـیخ عباسـعلی شاهرودی و آیت‌اللَّه اراکی و حاج شـیخ محمد فکوری یزدی استفاده نموده و بعد از تکمیل مراتب علمی مراجعت به قزوین و به تدریس علوم مختلفه دینی و اقامه جماعت در مسجد سلطانی (مسجدالنبی- ص) و مسجد محله مسکونی خود (مسجد شیشه‌گرها) پرداخته و تاکنون اشتغال دارند. از آثار علمی ایشان تقریرات اساتید حوزه علمیه قم می‌باشد.

و از باقیات الصالحات معظم‌له:

۱- بنـاء حسـینیه سیدالشـهداء در قزوین است و واقف آن مرحوم آقـا میر عبـدالباقی است که تولیت آن را بـا علمـاء و دانشـمندان از خاندان علوی می‌باشد و این حسینیه مدتها به صورت مخروبه درآمده و تعطیل بود که به همت والای ایشان تعمیر و به صورت عالی و باشـکوهی درآمـده و اکنون مورد اسـتفاده عموم علاقمندان می‌باشد و در آن نشـر معارف اسـلامی و تبلیغ دین و ترویج احکام و تفسیر قرآن و ذکر احادیث و مصائب اهل بیت علیهم‌السلام می‌شود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

علوی قزوینی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیـد علی علوی از دانشـمندان و مسـتخرجین حوزه علمیه قم می‌باشـند وی سالهـا از محـاظر آیـات عظـام مرحوم آیت‌اللَّه حـایری و آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه خونساری و مرحوم والـدش و دیگران فقها و اصولا اسـتفاده نموده آنگاه به قزوین آمـده و پس از چنـدی اقامت مهاجرت به تهران و تا حال تحریر در قسمت غرب تهران به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علوی قزوینی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی علوی قزوینی

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

حجه الاسـلام سیّد علی علـوی قزوینی فرزنـد مرحـوم آیت الله حـاج سیّد جواد علوی قزوینی ره در سـال ۱۳۴۲ هجری شمسـی در شهرسـتان قزوین در یک خانواده اصـیل و ریشه دار علمی متولـد شـد پدر و اجداد نامبرده همگی از علماء و دانشـمندان عصـر خود بشـمار می رفتند، جد پدری وی مرحوم علامه سـید علی موسوی قزوینی (متوفی ۱۲۹۸ ه.ق) از فقها و اصولیین نامدار قرن سـیزدهم هجری، و صـاحب تالیفـات فراوان در فقـه و اصـول می باشـد از جملـه حاشـیه معروف وی بر قـوانین الاـصول میرزای قمی است. او خواهر زاده مرحوم سـید ابراهیم موسوی قزوینی صاحب ضوابط الاصول می باشد. حجه الاسلام علوی پس از اتمام تحصیلات مقطع ابتـدایی و راهنمایی، همزمان با تحصـیل در دوره متوسـطه دروس مقدماتی علوم دینی را در نزد والد بزرگوار خود فرا گرفت و پس از اخـذ دیپلم ریاضـی فیزیک در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیّه قزوین شـد و در نزد اساتیـد آن حوزه به تحصـیل علوم اسـلامی (فقه، اصول، فلسفه) پرداخت.

اهم اساتیـد وی درحوزه علمیّه قزوین در زمینه های فقه و اصول عبارتند از مرحوم آیت الله میرزا عبدالرحیم سامت قزوینی، آیت الله

مرحوم شیخ محمد مظفری، مرحوم آیت الله شیخ محمود شریعت مهدوی و در فلسفه (منظومه سبزواری) نیز از محضر حکیم متاله آیت الله شیخ محمد حسین اویسی قزوینی بهرمند گردید. وی در سال ۱۳۶۳ برای تکمیل تحصیلات خود رهسپار حوزه علمیه قم شد و از محضر آیات و اساتید این حوزه بهره های فراوان برد و بالاخص در درس خارج اصول حضرات آیات سیّد محمّد روحانی (ره)، سیّد محمود هاشمی شاهرودی، وحید خراسانی، و نیز از درس خارج فقه حضرات آیات منتظری، شبیری زنجانی، تبریزی و فاضل لنکرانی بهره مند گردید، همچنین دروس عالی فلسفه و عرفان (اشارات، اسفار، مصباح الانس) را در محضر حضرات آیات: انصاری شیرازی، حسن زاده آملی و حاج آقا محمد شاه آبادی تلمذ نمود.

ایشان از برخی اساتید خود از جمله حضرات آیات شبیری زنجانی، فاضل لنکرانی، و نیز آیت الله سیستانی مفتخر به اخذ اجازه روایت و امور حسبیه است او همچنین به مدت ۸ سال توفیق مراوده و درک محضر عرفانی و اخلاقی عارف کامل مرحوم آیت الله علامه سیّد محمّد حسینی تهرانی را یافت. ایشان همزمان با تحصیلات علوم اسلامی به تحصیلات دانشگاهی نیز همت گمارد و در سال ۱۳۶۲ در مقطع کارشناسی رشته حقوق دانشگاه تهران پذیرفته و در سال ۱۳۶۶ با احراز رتبه ممتاز و اخذ لوح تقدیر فارغ التحصیل شد و در همان سال در مقطع کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته و در اسفند ماه سال ۱۳۶۹ از این دانشگاه فارغ التحصیل گردید، و در سال ۱۳۸۲ دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران ارتقاء یافت نامبرده در سال ۱۳۷۰ به عضویت هیئت علمی دانشگاه تهران (گروه حقوق ـ پردیس قم) در آمد و تاکنون در این دانشکده و نیز دانشگاه مفید قم در رشته های حقوق مدنی، فقه به امر تدریس اشتغال دارند ایشان با برخی مراکز تحقیقاتی از جمله مرکز فقهی تحقیقات قوه قضائیه، پژوهشکده فقه و حقوق دفتر تبلیغات حوزه علمیّه قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، بنیاد دایره المعارف جهان اسلام، دانشگاه مفید و ... همکاری علمی داشته است و نیز مسئولیت مشاوره پایان نامه های تعدادی از دانشجویان کارشناسی ارشد رشته حقوق را نیز بر عهده داشته است. وی با برخی از زبان های خارجی، عربی، انگلیسی، فرانسه نیز آشنایی دارد. مقالات و تحقیقات متعددی نیز از ایشان به چاپ رسیده است.

علوی قزوینی، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی‌اصغر ابوترابی علوی سومین فرزند آن مرحوم و دارای مقام فضل و تقوا و مانند مرحوم والدش متعبد و متقی می‌باشند. تولد ایشان در قم واقع شده و در حجر تربیت چنان پدر بزرگواری پرورش و دوران کودکی را گذرانیده و پس از خواندن دروس فارسی و مقدمات به تحصیل متون فقه و اصول پرداخته و از محضر مدرسین سطوح استفاده نموده و پس از تکمیل آن از دروس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی آقای مرعشی نجفی و آیت‌اللّه العظمی امام خمینی و آیت‌اللّه شریعتمداری و دیگران بهره‌مند شده و در سال ۱۳۸۲ قمری به قزوین وطن اصلی خود منتقل و تاکنون به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علوی قزوینی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد علوی قزوینی از علماء و فضلاء و شاگردان مرحوم آیت‌اللّه حایری یزدی و آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه خونساری مرحوم بودند و در قزوین (زادگاه خود) به خدمات دینی و روحی اشتغال داشتند تا از دنیا رفتند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علوی قزوینی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدباقر بن ابی‌تراب بن مرتضی الحسینی القزوینی عالمی جلیل و دانشمندی متقی و پارسا فقیهی عابد و ناسکی زاهد از علماء محترم حوزه علمیه قم بوده است

وی در سال ۱۲۹۱ ق در قزوین متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح در سال ۱۳۱۹ مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیتین علمین کاظمین علامه یزدی صاحب (عروة) و آخوند خراسانی صاحب (کفایه) استفاده نموده و در سال ۱۳۳۲ مراجعت به قزوین نموده و قیام به وظائف دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و غیره داشته تا سال ۱۳۴۲ ق که به قم منتقل و به امر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حائری (مؤسس) حوزه علمیه در تشیید حوزه همکاری و تشویق محصلین علوم دینیه نموده و در مسجد بالاسر حضرت معصومه و مسجد عشقعلی اقامه جماعت داشته و هم تدریس بعضی از متون فقهی نموده تا در ۲۸ صفر ۱۳۶۴ قمری

بعد از کسالت ممتد بدرود حیات گفته و در مسجد بالاسر نزدیک قبر مرحوم آیت‌اللّه حائری مدفون شده است.

نگارنده گوید: مرحوم آقای قزوینی از عباد و زهاد علمائی بودند که توفیق زیارتشان را یافتم نسبت بحقیر محبتی داشته و همواره تشویقم بتحصیل علم و تهذیب اخلاق می‌فرمودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علوی کاشانی، طاهر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۳۶ ق)، شاعر، متخلص به علوی. وی از شعاری عهد شاه سلیمان صفوی است که نخست در اصفهان می‌زیست و در سال ۱۰۸۳ ق به کشمیر رفت و در همان جا به سر برد تا وفات یافت. از او منظومه‌ای موسوم به «حداد و حلاج» و «دیوان» شعری باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۹۷)، تذکره‌ی شعرای کشمیر (۷۳۰ –۷۲۹ / ۲)، الذریعه (۶۴۲ / ۹)، ریحانه (۱۹۱ / ۴)، صبح گلشن (۲۹۱ –۲۹۰)، فرهنگ سخنوران (۶۴۵)، کاروان هند (۹۰۸ –۹۰۷ / ۲)، منظومه‌های فارسی (۴۳۴)، هدیه العارفین (۳۱۷ / ۲).

علوی گرگانی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حضرت آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید محمد علی علوی حسینی گرگانی : خاندان : پدر بزرگوار ایشان، آیت‌اللّه آقای حاج سید سجاد علوی گرگانی – طاب ثراه – نخستین شخصیت علمی منطقه «گرگان و دشت» و از مشهورترین علمای استان مازندران به شمار می‌رفت. وی در سال ۱۳۲۲ق در یکی از روستاهای گرگان – النگ – در خانه آقا سید قاسم – که مردی دائم الذکر و متهجد و مؤمن و متدین بود و پسر دار نمی‌شد و با توسلات و ادعیه و اذکار فراوان، خداوند این پسر را در ۶۵ سالگی‌اش بدو بخشید و پس از چند سال هم چشم از جهان فرو بست – به دنیا آمد. در حالیکه نوجوان بود، تندباد اجل، گوهر پدر و مادرش را به فاصله سه روز از کَفَش ربود و سرپرستی وی را مرحوم آیت‌اللّه حاج ملا محمد هاشم کبیر کردکویی به عهده گرفت و مقدمات و ادبیات و بخشی از علوم دینی را از او آموخت. در سال ۱۳۴۴ق، به مشهد مقدس عزیمت نمود و نزد اساتید بنامِ حوزه علمیه آن شهر مانند حضرات آیات: میرزا مهدی اصفهانی، ملاـ هاشم خراسانی، فاضل بسطامی و ادیب نیشابوری اوّل، سطوح عالیه را فرا گرفت. در ۱۳۴۷ق به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و در محضر آیات عظام: حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی، حاج شیخ محمد علی حایری قمی، حاج میرزا محمد فیض قمی، حاج شیخ ابوالقاسم قمی، میرزا محمد علی شاه آبادی و میرزا محمد ثابتی همدانی – قدس اللّه اسرارهم – زانوی ادب به زمین زد و فقه و اصول و حکمت و کلام را فرا گرفت در سال ۱۳۵۳ ق، به توصیه استاد بزرگوارش آیت‌اللّه حایری یزدی به نجف اشرف رفت و مبانی علمی خویش را نزد آیات عظام: سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمد کاظم شیرازی، محقق اصفهانی و آقا ضیاء عراقی استوار ساخت و سخت مورد توجه آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی قرار گرفت و همزمان به تدریس سطوح عالیه پرداخت)که از جمله شاگردانش در نجف، حضرات آیات: شیخ محمد ابراهیم و شهید شیخ مرتضی بروجردی – فرزندان آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ علی محمد بروجردی – ، و حاج میرزا علی محدث زاده و حاج میرزا محسن محدث‌زاده – فرزندان محدث بزرگوار حاج شیخ عباس قمی)ره(و مرحوم شهید نواب صفوی بودند(وی، پس از ۱۲ سال اقامت در نجف، بنا به تقاضای فراوان مردم گرگان از آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی و امر معظم له، در ۱۳۶۵ق رهسپار ایران شد و در حوزه علمیه قم رحل اقامت افکند و به تدریس سطوح عالیه فقه و اصول پرداخت)که از جمله شاگردانش مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا شهاب اشراقی بوده است(. پس از چندی، با اصرار مردم متدین گرگان و امرِ آیت‌اللّه العظمی بروجردی، در ۱۳۶۶ق به گرگان بازگشت و به اقامه جماعت و تبلیغ دین)در مسجد جامع(، تدریس علوم دینی)در مدرسه عمادیه(– که از جمله شاگردانش فهرست‌نگار مشهور مرحوم استاد محمدتقی دانش‌پژوه، و فرزندان بزرگوارش، و حضرات آیات: طاهری گرگانی و جناتی شاهرودی بوده‌اند ، بنای حسینیه‌ها و مساجد و امامزادگان)که تعداد آنها به ۲۰۰ بنا می‌رسد(، تفسیر قرآن – که چهار بار آن را به صورت کامل تفسیر نمود – و گره‌گشایی از مشکلات مردم و حلّ و فصل امور عامه پرداخت. وی به واسطه دارا بودن ملکات فاضله اخلاقی و مقام علم و دانش و تقوا، و بیان شیوا در مواعظ و نصایح و تفسیر قرآن، مورد توجه علما و مردم آن منطقه – از شیعه و سنّی – قرار گرفته و در فقه و تفسیر و اخلاق، گوی سبقت را از همگنان ربوده بود. او در پنجم ربیع الثانی ۱۴۰۷ق بدرود حیات گفت و جهانی از علم و معرفت را با خود به خاک برد.(۱) فرزندان ایشان، به غیر از آیت‌اللّه العظمی علوی، حجج اسلام آقایان حاج سید محمدحسن و حاج سید محمد حسین علوی می‌باشند و دامادهای معظم له نیز حضرات آیات: حاج سید حبیب‌اللّه طاهری گرگانی و حاج سید حسن سبط احمدی می‌باشد. والده ماجده معظم له، صبیه مرحوم آقا شیخ علی اصغر مؤیّد الشریعه شاگرد و محرّر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد حجت کوهکمری، داماد مرحوم حجهْالاسلام ملاـ محمود زاهد قمی(۱۳۲۵ – ۱۲۶۶) (۲ق(نماینده مردم قم در اولین دوره مجلس شورای ملّی – در زمان مشروطیت – و همشیره‌زاده مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالفضل زاهدی قمی بوده است. ابوالزوجه آیت‌اللّه العظمی علوی هم، ادیب نامی قم، شارح و ناظم نهج البلاغه و شاعر اهلبیت –

علیهم‌السلام – مرحوم حجهٔ‌الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد علی انصاری قمی(۱۴۰۵ – ۱۳۲۸) (۳ق(– صاحب کتابهای متعدد در دفاع از حریم تشیع – بوده است که او و برادرانش حضرات آیات: حاج شیخ مرتضی، حاج شیخ احمد و حاج شیخ محمود انصاری، همه از مشاهیر علما و خطبای قم و نجف اشرف بوده‌اند. ولادت : آیت‌اللّه العظمی علوی، در خجسته ایّام ولادت با سعادت حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا سلام اللّه علیها در سال ۱۳۵۹ق)خرداد ۱۳۱۸ ش(در نجف اشرف، در بیت فضیلت و تقوا زاده شد. این ولادت، موجی از شادی و سرور در دل پدر بزرگوارش برانگیخت، چه تا آن زمان چند پسر برای وی متولد شده بودند امّا همگی در همان کودکی، از دنیا رفته بودند. لذا وی به ساحت مقدس امیرالمؤمنین علیه‌السّلام متوسل شد و از آن حضرت، درخواست فرزندی عالم و صالح نمود. رویای صادقه : آیت‌اللّه حاج سید سجاد علوی، شبی در عالم خواب به محضر امیرمؤمنان علیه‌السّلام مشرّف شد و حضرت، بدو مژده ولادت پسری را در آینده نزدیک داد و از او خواست تا فرزندش را به نام «علی» نامگذاری نماید. هنگامی که این پسر به دنیا آمد، پدرش برای رعایت استحباب او را بنام «محمد» و برای قولی که به امیرالمؤمنین علیه‌السّلام داده بود، او را به «علی» نامگذاری کرد. پدرش، بارها بدو می‌گفت: محمدعلی! تو با دیگر برادرانت تفاوت خواهی داشت و در آینده به مقامات عالیه خواهی رسید. چون تو را با توسل به ذیلِ عنایت امیرالمؤمنین، از خدا گرفته‌ام. معظم‌له، در دامان پاک پدر و مادرش – رحمهٔ‌اللّه علیهما – بالید و پرورش یافت و بسیاری از مسائل دین و خواندن و نوشتن را در محضر پدرش بیاموخت. تحصیلات : آیت‌اللّه العظمی علوی، هفت ساله بود (۱۳۶۵ق(که همراه پدر بزرگوارش به ایران باز آمد و به قرائت قرآن مجید و آموختن نصاب و حساب و گلستان و پس از آن به یادگیری فنون ادب و علوم عرب نزد ایشان پرداخت. نخست، ادبیات و مغنی و مطوّل و بخشی از شرح لمعه را نزد والدش بیاموخت و در سنّ شانزده سالگی (۱۳۷۴ق(، همراه با معظم له و گروهی از همشهریانش به زیارت عتبات عالیات، بیت اللّه الحرام و بیت المقدس و شامات نائل آمد)و در طول مسیر به بازگویی مسائل شرعی و خواندن کتابهای دینی برای کاروانیان می‌پرداخت(، در بازگشت از سفر حج، قصد ماندن و تحصیل در حوزه علمیه نجف اشرف را داشت که مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم)ره( )در زمانی که به دیدار پدر بزرگوارش آمده بود، و از قصد ایشان آگاه شد(فرمودند: اگر ایشان در حوزه علمیه قم به تحصیل بپردازد بهتر است، چون حوزه قم واجد دو ویژگی است: فنّ تدریس و فنّ سخنوری، شخصی که در آن حوزه تحصیل نماید هر دو را فرا می‌گیرد، هم درس می‌خواند و هم درس می‌دهد و هم به تبلیغ دین می‌پردازد، و لذا رهسپار حوزه علمیه قم شد و در محضر درس اساتید بزرگ همانند حضرات آیات: مجاهدی تبریزی، سلطانی طباطبایی و ستوده اراکی، زانوی ادب به زمین زد و باقیمانده سطوح را فرا گرفت و این همه، ۴ سال به طول انجامید.)که نشانگر استعداد بسیارش در کسب معلومات و ضبط محفوظات است(. اساتید : معظم له، در خلال تحصیل خویش توفیق یافت از دانش سرشار استوانه‌های علم و فقاهت، توشه‌ها برگیرد و مبانی علمی‌اش را استوار سازد. آنان عبارتند از: ۱. زعیم بزرگ شیعه آیت‌اللّه العظمی بروجردی، که سه سال از درس فقه ایشان بهره برد. ۲. رهبر کبیر انقلاب آیت‌اللّه العظمی امام خمینی، که هشت سال از درس اصول ایشان استفاده کرد. ۳. آیت‌اللّه سید محمد محقق احمدآبادی یزدی – مشهور به محقق داماد – که دوازده سال از درس فقه و اصول وی بهره برد. ۴. آیت‌اللّه العظمی سید محمدرضا موسوی گلپایگانی. ۵. آیت‌اللّه حاج شیخ عباسعلی شاهرودی. ۶. آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی اراکی. ۷. آیت‌اللّه حاج آقا مرتضی حایری یزدی – که مدّت ۱۵ سال در درس فقه ایشان شرکت جُست و مورد توجه فراوان معظم له بود. همچنین، معظم له در ایام تعطیل حوزه علمیه قم در فصل تابستان به مدت هفت سال، به نجف اشرف می‌رفت و علاوه بر زیارت عتبات عالیات، به درس علمای بزرگ نجف رفته و از آنان بهره‌ور می‌شد. ایشان عبارتند از آیات عظام: امام خمینی، آقای خویی، آقای شاهرودی و میرزا باقر زنجانی قدّس اللّه اسرارهم. تدریس : استاد معظّم آیت‌اللّه العظمی علوی مدظلّه العالی، عمر پر بار خویش را به تألیف و تدریس و تبلیغ دین گذرانیده است. ایشان از همان اوانِ تحصیل، به تدریس کتب ادبیات و سطوح پرداخت. (۱۳۳۴ش(بارها سیوطی و مغنی و مطوّل، شرح شمسیه و شرح نظّام را تدریس کرد و در همان زمانِ نوجوانی (۱۶ سالگی(کتاب «کشف الغاشیهٔ عن وجه الحاشیه» را تألیف نمود. از سال ۱۳۸۲ ق به تدریس سطوح)معالم، قوانین، شرح لمعه و شرح تجرید(و سطح عالی)رسائل، مکاسب و کفایه و شرح منظومه(پرداخت و گاه روزانه، چهار درس را تدریس می‌کرد و درسهایش، در زمره معروفترین و چشمگیرترین درسهای حوزه علمیه قم بود. یکی از مورخین حوزه علمیه قم – بیش از ۳۰ سال پیش (۱۳۵۰ش(درباره ایشان، نوشت: معظم له از فضلاء و مدرّسین و اساتید سطوح عالی حوزه علمیه است، که به زیور علم و تقوا و متانت و بزرگواری آراسته است.(۴) جناب استاد، در سال ۱۴۰۵ق بود که بنا به تقاضای گروهی از فضلاء تدریس خارج فقه)بر اساس کتاب شرایع الاسلام ابوالقاسم نجم الدین جعفرِ محققِ حلّی(را آغاز کرد و تاکنون کتابهای: طهارت و زکات را به پایان برده و هم اکنون شرح کتاب صلاهٔ را ادامه می‌دهند و همزمان خارج اصول را نیز بر پایه کفایهٔ الاصول آغاز نمود که دوره کامل آن ۱۵ سال به طول انجامید و به پایان رسید و هم‌اکنون دومین دوره آن، آغاز شده است. وی در طول ۴۰ سال تدریس خویش، فضلای بی‌شماری را از سرچشمه زلال علوم اهلبیت علیهم‌السلام، بهره‌مند ساخته که بسیاری از آنان، هم اینک در شهرهای مختلف و سمَتهای گوناگون مانند: تدریس در حوزه و دانشگاه، امامت جمعه و جماعت، قضاوت و نمایندگی مجلس به خدمت به اسلام و مسلمین اشتغال دارند. تبلیغ دین : قرآن مجید، یکی از وظایف فقیهان و عالمانِ دین را انذار مردمان و تبلیغ رسالات خداوند بر می‌شمرد. آیه شریفه «نَفْر» وظیفه یکایک اندیشمندان را تعیین نموده و آن «ابلاغ تکلیف» است. آیت‌اللّه العظمی علوی هم بر طبق عمل به وظیفه خویش، از همان اوان طلبگی‌اش به تبلیغ دین پرداخت و سالیان فراوان در ایام ماه مبارک رمضان و محرّم و صفر بر مسند وعظ و ارشاد تکیه زده و هزاران نفر را با بیان شیوا و سخنان زیبای خویش از آبشخور علوم اهلبیت – علیهم‌السلام – سیراب نموده است و این شیوه پسندیده، حتی پس از مرجعیت معظم له ادامه دارد. ایشان، به جز این ایام، سالیان فراوان، قبل از رسیدن به مرجعیت (۱۸ سال متمادی(در گرما و سرما، در تابستان و زمستان هر پنجشنبه و جمعه به تهران می‌رفت و پیرامون معارف دین در مسجد فاطمیه سخن می‌گفت و در همین راستا، هیئت محترم وحدت فاطمیه و صندوق قرض الحسنه آن را هم تأسیس نمود و همزمان به تدریس شرح منظومه و شرح تجرید و اصول اعتقادات به گروهی از اساتید دانشگاه و دانشجویان محترم می‌پرداخت. شیوه تدریس : درس معظم له از ملاحت گفتار، تتبع اقوال و دقّت و بررسی آنها، تحقیق مبسوط در روایات)فقه

الحدیث(و جمع بین اخبار متعارضه و بررسی رجال حدیث برخوردار است. ایشان، با نظر افکندن در کتابهای متداول و غیر متداول)همانند: غنائم الایام میرزای قمی، وسیلهٔ المعاد ملا اسماعیل عقیلی نوری، جامع المدارک آیت‌اللَّه خوانساری(و نقد و بررسی آنها و کاویدن ادلّه، سرانجام قولی را برگزیده، که گاه این سخن با سخنِ دیگر فقیهان منطبق بوده و گاه متفرّد است. ایشان، به حضور منظّم و بدون تعطیل در ایّام درسی و سرِ ساعت، بدون‌اندکی‌تأخیر – مقیّد بوده، و در روزهای چهارشنبه به شرح و توضیح حدیثی از فرمایشات پیامبر اکرم)ص(می‌پردازد – و اگر روزی چهارشنبه، تعطیل باشد این کار را در روز پیشین آن انجام می‌دهد – و از این رهگذر تاکنون به شرح وصایای رسول خدا)ص(به امیرالمؤمنین علیه‌السّلام، ابوذر غفاری و عبداللَّه بن مسعود توفیق یافته است.)که شرح وصایای پیامبر اکرم)ص(به ابوذر به نام انوار اخلاقی «ره‌توشه پارسایان» چاپ رسیده است(. معظم له در طول درس، به یکایک پرسشها و اشکالات – هر چند سست و بی‌پایه – شاگردان خود گوش فرا داده و با خوشرویی و اخلاق حسنه به پاسخ آنها می‌پردازد و از شاگردان سخت‌کوش خویش به شایستگی تقدیر به عمل می‌آورد و بر فراز منبر تدریس، از آنان احترام می‌نماید. ایشان در خلال درس، نیز به ذکر مطالب مناسب از تاریخ و تفسیر و رجال و مواعظ نیز پرداخته و درسش، آمیزه‌ای از مطالب گرانقیمت و ارزشمند است، که نتیجه سالیان فراوان مطالعات مختلف و تجربه‌های بسیار معظم له می‌باشد. مرجعیّت : معظم له، یکی از چهره‌های مشهور علم و تقوا و فقاهت در حوزه علمیه قم بوده و در زمان مرجعیت آیاتِ عظام و مراجع تقلید پیشین، چشمهای بسیاری به سویش دوخته شده بود، پس از ضایعه وفات آنان بود که بسیاری از مردم مؤمن و متدین – به ویژه اهالی مازندران و گیلان – از جنابش تقاضای رساله عملیه نمودند، که معظم‌له در سال ۱۴۱۲ق، فتاوای خویش را در اختیار همگان قرار دادند – که به زبانهای عربی و اردو نیز ترجمه شده – و بسیاری از مؤمنان در داخل و خارج کشور تقلید ایشان را پذیرفته و بخشی از شهریه طلّاب حوزه علمیه قم، همه ماهه توسط ایشان پرداخت می‌گردد تالیفات : استاد بزرگوار ما، آیت‌اللَّه العظمی علوی به جز تدریس منظّم فقه و اصول)که صدها نوارِ آن موجود است(، تبلیغ و ترویج شعائر دینی، پرورش شاگردان فراوان و راهنمایی مردمان و مقلّدان، دارای تألیفات متعدد فقهی، اصولی، حدیثی و رجالی است، که نام آنها عبارتند از: الف. آثار چاپی: ۱. توضیح المسائل)به اردو ترجمه شده است(. ۲. اجوبهٔ المسائل یا پاسخ به جدیدترین استفتائات (۲ ج(. ۳. مناسک حج.)آداب، اعمال و استفتائات حج(. ۴. منهج الصالحین)رساله توضیح المسائل عربی(. ۵. منهج الناسکین)مناسک حج عربی(. ۶. نورالهدی)تعلیقه بر عروهٔ الوثقی(. ۷. المناظر الناضرهٔ فی احکام العترهٔ الطاهرهٔ)ج ۱. بخشی از کتاب الطهارهٔ(. ۸ . تعلیقه بر تحریرالوسیله (۲ ج، چاپ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی)ره((. ۹. گلچینی از انوار اخلاقی)برگزیده درس اخلاق روز چهارشنبه(. ۱۰. ره‌توشه پارسایان، انوار اخلاقی)ج ۱، شرح وصایای پیامبر اکرم به ابوذر غفاری(. ۱۱. توحید از دیدگاه علم)یکی از سخنرانی‌های معظم له(. ب. آثار غیر چاپی: ۱. المناظر الناضرهٔ)ج ۲ تا ۱۰. شرح مفصّل ابواب طهارت، صلاهٔ و زکات شرایع الاسلام(. ۲. لئالی الاصول (۱۰ جلد. از مباحث الفاظ تا پایان استصحاب(. ۳. زبدهٔ اللئالی – تلخیص کتاب فوق. ۴. القواعد الفقهیهٔ)قاعده‌های: ضمان، لا ضرر، تقیه، عدالت، میسور و اصالهٔ الصحهٔ(. ۵. رساله در فروع علم اجمالی. ۶. رساله در تعادل و تراجیح. ۷. رساله در اجتهاد و تقلید. ۸ . تقریرات درس فقه آیت‌اللَّه العظمی بروجردی)بحث: طهارت و قضا(. ۹. تقریرات درس فقه آیت‌اللَّه محقق داماد)کتاب صلاهٔ وحج(. ۱۰. تقریرات درس فقه آیت‌اللَّه حاج شیخ عباسعلی شاهرودی)کتاب طهارت(. ۱۱. تقریرات درس فقه آیت‌اللَّه اراکی)بحث صلاهٔ الجمعهٔ(. ۱۲. تقریرات درس فقه آیت‌اللَّه حاج آقا مرتضی حایری)کتاب طهارت و خمس(. ۱۳. تقریرات درس اصول آیت‌اللَّه العظمی امام خمینی)از بحث مقدمهٔ واجب تا آخر قطع و ظن(. ۱۴. تقریرات درس اصول آیت‌اللَّه محقق داماد)دوره کامل(. ۱۵. تعلیقه بر وسیلهٔ النجاهٔ. ۱۶. تعلیقه بر منهاج الصالحین. ۱۷. کشف الغاشیهٔ عن وجه الحاشیهٔ)توضیح مشکلات حاشیه ملا عبداللَّه، اولین تألیف معظم له(. ۱۸. نورالبیان فی تفسیر القرآن. ۱۹. طبقات الرجال. ۲۰. ره‌توشه پارسایان انوار اخلاقی)ج ۲ و ۳. شرح وصایای پیامبر اکرم به امیرالمؤمنین و عبداللَّه بن مسعود(. بناهای ماندگار: آیت‌اللَّه‌العظمی علوی، احداث و بنیاد بناهای خیریه و عام‌المنفعه را وجهه همّت خویش ساخته و تاکنون در ساختمان – کلّی یا جزئی – چندین بنای خیر، نقش اساسی و سهم چشمگیر داشته است. معظم له، علاوه بر اجازه مصرف بخشی از وجوه شرعیه برای احداث بناهای عام المنفعه، خود نیز به بنیادِ مسجد، حسینیه، درمانگاه و صندوق قرض الحسنه در نقاط مختلف اقدام فرموده است. تعمیر بخشی از مسجد جامع گرگان، تأسیس و تعمیر چند مسجد در گرگان و روستاهای اطراف، مسجد اعظم(۵) و درمانگاه آیت‌اللَّه حاج سید سجاد علوی در روستای النگ، حسینیه سیّدالشهداء در مهدی شهر سمنان، صندوق قرض الحسنه و هیئت محترم «وحدت فاطمیهٔ» در خیابان هفده شهریور جنوبی)تهران(– از آن جمله است. همچنین دفتر معظم له در قم و مشهد مقدس، در ایّام ولادت و شهادتِ ائمهٔ اطهار – علیهم‌السلام – و روزهای پنجشنبه هر هفته، شاهد برگزاری مجالس معظم و با شکوهی است که خطبا و وعاظ محترم پیرامون معارف شیعی و احیای امر اهلبیت علیهم‌السلام، به سخنرانی می‌پردازند و نام و یاد اهلبیت عصمت و طهارت را گرامی می‌دارند. خداوند بر دوامِ توفیقات و صحّت و خدمات ایشان بیافزاید و به آمال و مقاصدش در اجرای فرامین الهی، جامه عمل بپوشاند.

------------ ۱) آثار الحجهٔ ۳۴۲/۲؛ گنجینه دانشمندان ۴۱۵ – ۴۱۳/۶؛ آینه دانشوران /۲۷۲؛ مجله مسجد، ش ۳۵، ص ۸۷ – ۸۲.

۲) رجال قم/۱۶۲؛ گنجینه دانشوران /۲۰۳؛ گنجینه آثار قم ۳۷۱/۱؛ اختران تابناک، ج ۲، ص ۱۹۶.

۳) گنجینه دانشمندان ۳۴۳ – ۳۳۹/۲؛ اثرآفرینان ۳۲۱/۱؛ سخنوران نامی معاصر ۴۰۴ – ۴۰۱/۱؛ مؤلفین کتب چاپی ۱۹۲/۴؛ الذریعه ۱۰۸/۹ و ۱۰۰۰؛ کتابنامه حضرت زهرا /۲۸ – ۲۳؛ فرهنگ رجال و مشاهیر ۱۸۶–۱۸۵/۲.

۴) گنجینه دانشمندان)شریف رازی(، ج ۲، ص ۲۰۶؛ اختران تابناک)محلاتی(، ج ۲، ص ۱۹۶.

۵) این مسجد عظیم – که در نوع خود بی‌نظیر است و در آن نواحی به سان گوهری‌می‌درخشد – در سال۱۳۵۰ش ساخته شد. ماده‌تاریخ ساختمان آن را مرحوم حجهٔ‌الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمدعلی انصاری قمی چنین سروده است:

این مسجد اعظم که درش بر همه باز است

ستوار چو کعبه که در مُلک حجاز است

از همت مردان خدا طی شد و تاریخ

تا روز جزا قبله‌گه اهل نماز است (۱۳۹۰ق(

علوی گنابادی، سلمان

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید سلمان علوی گنابادی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱۰/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۵۸

ورود به حوزه علمیّه ۱۳۷۳

پس از آشنایی با انجمن شعر و قصّه قم مطالعات ادبی من جلوه جدی تری به خود گرفت. و از آن پس در محافل ادبی سراسر کشور و سمینارها و همایش های شعر دعوت شدم و در کنار استاد بزرگ خودم جناب زکریا اخلاقی به عنوان شاعران حوزوی سعی بر این داشتیم که رسالت حوزوی خویش را از رهگذر شعر و ادبیات در محافل جوان انجام دهیم.

در سال ۸۴–۸۵ خدمت مقام معظم رهبری شرفیاب شدم و به فضل الهی اثری که نزد ایشان ارائه شد مورد تحسین و تأیید معظم له قرار گرفت.

گرچه تا کنون کتاب مستقلی از بنده به چاپ نرسیده لکن در نشریات، و کتاب هایی که گردآوری شده آثار شاعران است، اشعار و مقالات زیادی تا کنون از بنده به چاپ رسیده است.

پس از ورود بنده به مؤسسه امام خمینی (ره) مطالعات من شکل دیگری به خود گرفت و بیشتر در حوزه فلسفه و کلام متمرکز شدم. بالطبع فعّالیّت های ادبی نیز کژدار و مریض ادامه دارد لکن از سال ۸۱ (ورود به مؤسسه) تحقیقاتم را در زمینه فلسفه و کلام جدی تر پی گیری کردم لکن این فعالیت ها و تحقیقات بیشتر جنبه های شخصی داشته که تا کنون در صدد انتشار آنها نبوده ام.

گاهی نیز تحقیقاتی – نه در این دو حوزه – داشته ام که آن نیز جنبه شخصی دارد و در صدد چاپ و انتشارش نبوده ام مثل جایگاه شرکت QI در جوامع بین المللی.

علوی مهر، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین علوی مهر

محل تولد : اهواز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای حسین علوی مهر در تیرماه سال ۱۳۴۲ در شهرستان اهواز در خانواده ای مذهبی به دنیا آمد و در سنین کودکی به بوشهر مهاجرت می کند تحصیلات خود را تا دیپلم در همان شهر گذرانده، سپس با وجود این که در سالهای ۶۱ و ۶۲ در کنکور امتحان داده و پذیرفته می شود اما ترجیح می دهد دروس حوزه را بخواند. وی جهت ادامه تحصیل راهی حوزه علمیه اصفهان شده و ادبیات عرب را در مدت یک سال و نیم در آن حوزه تمام می کند. سپس برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم هجرت میکند. از سال ۱۳۶۳ به ادامه دروس پرداخته و سطوح عالیه را نزد اساتید بارز آن زمان، از جمله آیات وجدانی فخر، اعتمادی، موسوی تهرانی، احمد پایانی، جعفر سبحانی و جوادی آملی به اتمام می رساند. از سال ۱۳۶۸ در درس خارج آیات عظام مکارم شیرازی، وحید خراسانی، و میرزای تبریزی شرکت نموده و در سال ۱۳۷۱ در آزمون ورودی رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن حوزه علمیه قم شرکت نموده و پذیرفته می شوند و در سال ۷۶- ۷۵رتبه ممتاز را کسب می نماید. و با یک سال مرخصی در سال ۱۳۷۷ سطح چهار را به پایان می رساند. ایشان دروس تفسیر را نزد آیات مکارم شیرازی، جوادی آملی، معرفت،شب زنده دار، خزعلی و محقق داماد و اساتید دیگر گذرانده است. پس از اتمام دوره در سال ۱۳۸۴ پایان نامه سطح چهار خود را با نام بررسی تفسیری و کلام

آیات وحی با نمره عالی دفاع نموده و موفق به اخذ مدرک سطح ۴ = دکترا شده است. تاکنون دو کتاب از ایشان با نام روش ها و گرایش های تفسیری و تاریخ تفسیر و مفسران چاپ شده که دو کتاب نیز با نام قرآن و دفاع(مبارزه) و بررسی حقیقت و ارکان وحی آماده چاپ دارند افزون بر آن بیش از بیست مقاله از ایشان در مجلات کشور منتشر شده است.

علوی نیا، سهراب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سهراب علوی نیا در سال ۱۳۲۲ در کاشان به دنیا آمد. وی ابتدا تحصیلات عالی خود را در رشته فنی دنبال کرد ولی دکترای خود را در رشته فلسفه تحلیلی با دریافت بورس از وزارت علوم از دانشگاه ویلز در بریتانیا اخذ کرد. دکتر علوی نیا تز دکترای خود را درباره پایگاه معرفت شناختی قضایای ریاضی تدوین کرد. مطالعات ایشان بطور تخصصی آراء و نظریه‌های ویتگنشتاین را در بر می گیرد. وی به مطالعه روی نظریه مجموعه ها و طبیعت شناسی نظریه ای مجموعه ای علاقه مند است و به کار کردن در فلسفه ریاضی و فیزیک تمایل دارد. وی در مرداد ماه سال ۱۳۸۷ بدرود حیات گفت.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

گرایش : فلسفه تحلیلی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سهراب علوی نیا در کاشان و در رشته ریاضی دیپلم گرفت و بعد به دانشکده فنی دانشگاه تهران راه یافت و در سال ۱۳۴۶ با درجه فوق لیسانس در رشته مهندسی شیمی فارغ التحصیل شد. پس از آن که به عضویت هیات علی دانشگاه تبریز در آمد با بورس وزارت علوم در ۱۳۴۹ به دانشگاه کارل پراگ رفت. اقامت وی در آنجا طولی نکشید و به علت گرفتاریهای شخصی به ایران بازگشت. علوی نیا در سال ۱۳۵۳ برای ادامه تحصیل به دانشگاه لندن رفت و در بدفور کالج آن دانشگاه امتحانات ورودی دوره تحصیلات تکمیلی (qualifying Course) را با موفقیت گذراند. علوی نیا دکترای فلسفه تحلیلی خود را با بورس وزارت علوم از دانشگاه ویلز در بریتانیا گرفت.

خاطرات و وقایع تحصیل : سهراب علوی نیا در مدتی که برای ادامه تحصیلات در لندن اقامت داشت ، به رشته شیمی و شغل مهندسی تمایلی نداشت . تا این که با آشنایی با عرفای اسلام، به گمشده خود رسید. شغل مورد علاقه اش معلمی و رشته مورد نظرش را فلسفه یافت.

استادان و مربیان : سهراب علوی نیا در لندن دانشجو و شاگرد هاورد ماونس بود که خود شاگرد رش ریس (Rush Rhess) دوست و شاگرد وینگشتاین بوده است.

زمان و علت فوت : حضور دکتر علوی‌نیا در انجمن حکمت و فلسفه و گروه فلسفه شهید بهشتی به عنوان استادی فاضل و خوش برخورد و با اخلاق، حضوری فراموش نشدنی است. وی در مردادماه سال ۱۳۸۷ بدرود حیات گفت روحش شاد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سهراب علوی نیا در سال ۱۳۴۶ پس از کسب مرتبه کارشناسی ارشد در رشته مهندس شیمی به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز پذیرفته شد. در اسل ۱۳۴۹ با بورس وزارت علوم به دانشگاه کارل پراگ راه یافت اما به علت گرفتاری های شخصی به ایران بازگشت و در کنسرسیوم سابق نفت و سپس پتروشیمی ایران- ژاپن تا سال ۱۳۵۳ که برای ادامه تحصیل به دانشگاه لندن رفت، مشغول به کار شد.

فعالیتهای آموزشی : وی دکترای فلسفه ریاضی خود را از دانشگاه ویلز انگلستان اخذ کرده بود. مین امر باعث شده بود مرحوم علوی‌نیا به خوبی در حوزه فلسفه علم و فلسفه تحلیلی نسبت‌های خاصی برقرار کند و این در نحوه تدریس و نگاه ایشان به فلسفه تحلیلی قابل مشاهده است. او همچنین به همین خاطر در دانشگاه‌های شریف و امیرکبیر مدتی به تدریس فلسفه علم اشتغال داشت. دکتر علوی نیا از سال ۱۳۶۴ در دانشگاه شهید بهشتی مشغول به تدریس شد و در دانشگاه های تهران، شریف، امیر کبیر و آزاد به عنوان استاد مدعو تدریس کرده است.

آرا و گرایشهای خاص : سهراب علوی نیا به این گفته راس اعتقاد دارد که «فقط کسی می تواند مسائل فلسفی را را درک کند که پایه محکمی در ریاضیات و فیزیک نظری داشته باشد.» دکتر علوی نیا تز دکترای خود را درباره پایگاه معرفت شناختی قضایای ریاضی تدوین کرد. عنوان این رساله «راسل، ویتگنشتاین وکواین در جستجوی حقیقت Russell, Quine and Wittgenstein in Pursuit of Truth» است که به زبان فارسی ترجمه نشده است. دکتر علوی نیا از دو جهت به آرا و نظریه های ویتگنشتاین را پرداخته است. اول به سبب شخصیت مذهبی ویتگنشتاین است و دوم دو وجهی بودن فلسفه ویتگنشتاین است که یک وجه آن متاثر از فرگه وراسل است و وجه دیگر آن نقش شوپنهاور بر فرهنگ و اندیشه اوست. جاذبه دیگر ویتگنشتاین را تعارض فکری این فیلسوف اروپایی با مردان اندیشه دوران حاضر می داند. دکتر علوی نیا فلسفه مذهب و فلسفه اخلاق ویتگنشتاین را نزدیک به کانت می داند. و تمایل اخلاقی وی به کانت و مشابهت هایی که در این میان با کنایات عرفای اسلام می دید، از جذابیت های ویتگنشتاین می داند. دکتر علوی نیا به مطالعه روی نظریه مجموعه ها و طبیعت شناسی نظریه ای مجموعه ای علاقه مند است. و به کار کردن در فلسفه ریاضی و فیزیک تمایل دارد. مرحوم علوی‌نیا اعتقاد داشت تنها صورت مجاز فلسفه، فلسفه تحلیلی است و وقتی فلاسفه از مباحثی همچون وجود و عقول عشره و اتحاد عاقل و معقول و نظایر آن بحث می‌کنند، یا در مقام شهود و تحققند یا نه! اگر در مقام شهودند، عارف محسوب می‌شوند و اگر نیستند پس سخن گفتن در این مقام

نارواست. این فکر البته مقدمه‌اش به آرای راسل برگشت دارد؛ فیلسوفی که در نظر دکتر علوی‌نیا بسیار معتبر بود. اما وجه ممیزه دیگر این استاد فقید فلسفه، روحیه عرفانی وی به‌شمار می‌رفت. او در زندگی شخصی خود سرشار از ذوق و وجد می‌نمود و در گرایش‌های عرفانی خود نیز بسیار به اهل جذبه و اصحاب سکر گرایش داشت و باز از آن میان شیخ فخرالدین عراقی عارف و شاعر قرن هفتم را می‌ستود و دوست داشت، به طوری که در کلاس‌های خصوصی‌شان بارها لمعات عراقی را تدریس کرده بود و مقالاتی نیز درباره عراقی نوشته بود که در مجله عرفان ایران چاپ شده است. برخورد وی با عرفان، عملی و شهودی بود، از سر تصنع نبود و درحقیقت به عرفان عملی عشقی سترگ می‌ورزید.

چگونگی عرضه آثار : دکتر علوی نیا جدای از این تالیفات در حوزه فلسفه تحلیلی که تخصص‌اش بوده است اثر سترگی چون «درآمدی بر فلسفه تحلیلی» اثر جان هاسپرس را نیز ترجمه و تقدیم علاقه‌مندان این حوزه در ایران کرده بود. کتاب‌هایی مثل «معرفت شناسی ریاضی» و ترجمه کتاب« فلسفه اخلاق» نوشته اتکینسون از دیگر آثار این استاد مرحوم است. ---------------
----

آثار :

۱ تالیف کتاب ماهیت بشر از دیدگاه ویتگنشتاین

۲ تالیف معرفت شناسی ریاضی

۳ ترجمه بخش های فلسفه زبان و معرفت شناسی کتاب تحلیل فلسفی جان هاسپرس

ویژگی اثر : این کتاب در سال ۱۳۷۰ ترجمه گردید.

۴ ترجمه درآمدی بر رساله ویتگنشتاین اثر هاوارد ماوس

ویژگی اثر : دکتر علوی تبار هاورد راعالمی توانا در بیان مطالب دشوار می داند. دکتر علوی تبار هاورد را معلمی توانا در بیان مطالب دشوار می داند. و شرح ماونس را ساده ترین شرحی می داند که به رساله منطقی- فلسفی ویتگنشتیان نوشته شده استو آن را برای دانشجویان شیوا و گویا می داند.

۵ ترجمه فلسفه اخلاق پرفسور اتکیشون

۶ ترجمه کتاب درآمدی به رساله ویتگنشتاین

۷ ترجمه کتاب روش های منطق کواین

۸ مقاله در شعر عرفانی فارسی تا قرن نهم

ویژگی اثر : این مقاله در مجموعه تحقیقات اسلامی در سال ۱۳۶۶ (با مقدار زیادی غلط چاپی) بچاپ رسید. منابع زندگینامه :

۱بانک رسانه ها ، روزنامه همشهری ، ۶-۵-۱۳۸۷"، عمری سرشار از ذوق و جذبه"ا

علوی همدانی، ابوتراب

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از مردم همدان بود و به طبابت می‌پرداخت. وی با مولانا حیرتی هروی مصاحب بود ولی در آخر روابط این دو به تیرگی نهاد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۹/ ۳۸)، مجمع الخواص (۸۱ -۸۰).

علوی، بزرگ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۶ -۱۲۸۳ /۱۲۸۲ ش)، مدرس و نویسنده. در خانواده‌ای بازرگان‌پیشه و مشروطه‌خواه به دنیا آمد. پدرش فرزندانش را برای تحصیل به آلمان برد و آقا بزرگ پس از پایان آموزش مقدماتی و عالی در آلمان به ایران بازگشت و به کار نویسندگی و تدریس پرداخت. وی از دوستان نزدیک هدایت و مینوی بود. علوی در سال ۱۳۲۲ ش سردبیری مجله‌ی «پیام نو» را به عهده گرفت. اما بعد از مدتی برای معالجه به اروپا رفت و به علت کودتای ۲۸ مرداد در اروپا ماندگار شد. علوی پس از پیروزی انقلاب به ایران آمد ولی پس از چندی از ایران خارج شد. وی استاد دانشگاه برلین بود که پس از فراغت به پژوهش پرداخت و در برلن درگذشت. از آثار وی: الف- داستان: «دیو»؛ «چمدان»؛ «ورق پارهای زندان»؛ «پنجاه و سه نفر»؛ «نامه‌ها»؛ «چشمهایش»؛ «میرزا»؛ «سالاریها». ب- ترجمه: «دوشیزه‌ی اورلئان»، شیللر؛ «کسب و کار خانم وارن»، برنارد شاو؛ «دوازده ماه»، ساموئل مارشاک؛ «مستنطق» پرستیلی؛ «حماسه‌ی ملی ایران»، نولدکه؛ «باغ آلبالو»، چخوف؛ «افسانه‌ی آفرینش هدایت»، از فارسی به آلمانی؛ «گلهای آبی»، و انداوالیسلوسکایا؛ «دو فریفته»، لوپادوویسکی. ج- نقد و پژوهش: «صادق هدایت»، پیام نو؛ «ناصر خسرو مروزی قبادیانی»، پیام نو؛ «نقد شوهر آهو خانم اثر افغانی»، کاوه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :چون سبوی تشنه (۲۰۲ -۲۰۰)، صد سال داستان‌نویسی (۱ و ۲۳۶ -۲۱۸ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۹ -۱۰۷ /۲)،

نقد آثار بزرگ علوی (۲۶ -۹).

علوی، جلال‌الدین قاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از سادت علوی ماوراءالنهر بود و مردی دانشمند که در آن سامان سمت احتساب و قضاوت داشت. در زمان محمد یارسلطان، قاضی‌عسکر شد و تا ۹۲۶ ق زنده بود. علوی در سرودن اقسام مختلف شعر مهارت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۳۱).

علوی، حمیدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر سید حمیدرضا علوی در سال ۱۳۴۰ در سیرجان به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی خود را در سیرجان آغاز کرد و با قبولی در دانشگاه شهید باهنر کرمان برای ادامه تحصیل به آنجا رفت. با شروع جنگ و تعطیلی دانشگاهها به مدت سه سال در همان فوق دیپلم رشته شیمی ماند و با بازگشایی دانشگاه تغییر رشته به دبیری زیست شناسی ادامه تحصیل داد. کارشناسی ارشد خود را در دانشگاه اصفهان با رشته برنامه ریزی آموزشی ادامه تحصیل داد. با قبولی در دوره دکتری دانشگاه تربیت مدرس عازم تهران شد و تا پایان تحصیل آنجا ماند. وی تدریس در دانشگاههای داخلی کشورمان را آغاز کرد و معاونت آموزشی و پژوهشی دانشگاه آزاد سیرجان را بر عهده دارد. از وی مقالات و کتابهای زیادی در زمینه های مختلف به جا مانده است. با توجه به آثار قوی ایشان بارها بعنوان کتاب و مقاله برگزیده در استان کرمان از ایشان تجلیل به عمل آمده است. گروه : علوم انسانی رشته : علوم تربیتی گرایش : تعلیم و تربیت اسلامی والدین و انساب : پدر سید حمیدرضا علوی، جناب آقای حاج سید عبدالرضا علوی می باشند که آثاری از ایشان از جمله فرهنگ عربی به فارسی به چاپ رسیده است و از طبع شعری نیز برخوردار می باشند که برخی اشعارشان نیز چاپ شده است.مادر او نیز سرکارحاج خانم طاهره مجد رضوی هستند که از جمله کارهای ایشان تدوین مجموعه گلچینی از ضرب المثل های رایج در استان کرمان می باشد.انساب اینجانب غالباً از روحانیون بزرگ استان کرمان بوده اند که آرامگاه برخی از آنان به صورت مجموعه هایی زیارتی در آمده است و مورد استقبال معنوی مردم قرار گرفته اند.خاطرات کودکی : سیدحمیدرضا علوی از خاطرات کودکی خود اینچنین یاد می کند: به یاد دارم که پدرم می فرمودند که در خواب دیدند که بال در آورده اند و در آسمان پرواز می کنند. روحانی محل، خواب ایشان را اینگونه تعبیر نمودند که به زودی مکه مشرف خواهند شد. تقریباً همزمان با تولدم (یکماهه بودم که)ایشان بهمراه مرحوم مادر محترمشان به مکه مشرف گردیدند. پدرم این موضوع را به فال نیک گرفتند و از همان دوران کودکی به من می فرمودند که قدم تو برای ما خیر بوده است. آنگونه که پدر و مادر بزرگوارم تعریف می کنند عشق و علاقه معنوی و دینی اینجانب از همان دوران کودکی بسیار زیاد بوده است که غالباً چنین عشقی در غالب رفتارهای خاص دینی نظیر نماز و قرآن خواندن و یا اذان گفتن و مواردی از این قبیل جلوه گر می شده است. همچنین به یاد دارم در مقطع ابتدایی، صبحگاهان که از خواب برمی خاستیم پروانه وار گرد شمع وجود پدر می نشستیم و ایشان قرآن را با صوت خوش و بلند می خواندند ما هم قرآن را با ایشان تلاوت می نمودیم و مهر قرآن از آن زمان بر قلبم نشست، ایشان محبوبیت داشتند و قرآن می خواندند و لذا قرآن در نزد ما محبوب شد. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : سیدحمیدرضا علوی دررابطه با شرایط زندگی خود اینطور می گوید: خانواده ما از لحاظ معنوی در سطح بسیار بالا و از لحاظ مادی در سطح متوسط بودند براستی فضای حاکم بر خانواده به گونه ای بود که مشوق من به سوی معنویت و دیانت بود. احساس می کردم زمانی از مقبولیت، پذیرش و محبوبیت بیشتری در پیشگاه والدینم برخوردارم که بهترم و به مسائل معنوی و دینی توجه افزونتری از خودشان می دادم. روابط اعضای خانواده با یکدیگر خوب و حسنه بود. پدر و مادرم هر یک برای من به عنوان یک الگو محسوب می شدند. این امر نه تنها در مورد من بلکه در مورد دو خواهر و یک برادرم نیز صادق بود. برادرم از من چهار سال بزرگتر بود و دو خواهرم هر کدام چهار و هشت سال از من کم سن تر بودند.برادرم شاعر و نویسنده می باشند که بعضی از اشعار ایشان به چاپ رسیده است و مجموعه ای را نیز در زمینه شادی و غم در دست تألیف دارند. همچنین ایشان از هنر خوشنویسی در سطح بالایی برخوردارند که مجموعه آثار و تابلوهایی هنری را خلق نموده اند. همچنین یکی از دو خواهرم نیز از طبع شعری بسیار بالایی برخوردارند که تا کنون اشعار مختلفی را سروده اند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیدحمیدرضا علوی تحصیلات رسمی خود را در مقاطع دبستان، راهنمایی و دبیرستان در سیرجان گذراندم.در سال ۱۳۵۸در کنکور شرکت نمود و در رشته شیمی دانشگاه شهید باهنر کرمان پذیرفته شد .در سال ۱۳۵۹ به علت برخورد به انقلاب فرهنگی به مدت حدود ۳ سال دانشگاههای کشور تعطیل گردید. بعد از بازگشایی دانشگاهها در سال ۱۳۶۲ تعدادی واحد درسی (تقریباً در حد فوق دیپلم) در رشته شیمی گذراند. سپس به رشته دبیری زیست شناسی تغییر رشته داد. در سال ۱۳۶۵ در رشته دبیری زیست شناسی از دانشگاه شهید باهنر کرمان دانش آموخته یا فارغ التحصیل گردید. در همان سال در کنکور کارشناسی ارشد شرکت نمود و در رشته برنامه ریزی آموزشی دانشگاه اصفهان پذیرفته شد. در سال ۱۳۶۹ در رشته مذکور از دانشگاه اصفهان فارغ التحصیل شد. در همان سال ۱۳۶۹ در کنکور دکتری دانشگاههای تهران، تربیت مدرس، و اعزام دانشجو به

خارج از کشور در رشته فلسفه تعلیم و تربیت شرکت کرد و در هر سه مورد قبول شد.دانشگاه تربیت مدرس را انتخاب نمود. در سال ۱۳۷۰ تحصیلات خود را در مقطع دکتری آغاز کرد و در سال ۱۳۷۴ در رشته فلسفه تعلیم و تربیت با گرایش تعلیم تربیت اسلامی از پایان نامه دکتری خود دفاع نمود و بدین ترتیب در رشته مذکور از دانشگاه تربیت مدرس فارغ التحصیل گردید. خاطرات و وقایع تحصیل : خاطرات تحصیل سید حمیدرضا علوی به شرح زیر است: از بهترین خاطرات دوران تحصیل، خاطره خوش معلمین و اساتیدی است که با کلام و رفتار شایسته خویش – خصوصاً در مقطع نوجوانی– ما را به سوی حقیقت و معنویت رهنمون می ساختند. نیک به یاد دارم استادی که در مقطع دکتری درس تربیت در نهج البلاغه را به ما می آموخت عبارتی از امیرالمؤمنین علی (ع) را به گونه ای ترجمه نمودند که به نظر من اندکی مغایر با ترجمه صحیح آن عبارت بود. آن استاد بزرگوار چندان نظر من را تأیید ننمودند و خواستار تفحص بیشتر در این مورد گردیدند. اما در جلسه بعد آنگاه که وارد کلاس درس گردیدند با قاطعیت و صراحت اظهار داشتند آنچه دانشجویم در جلسه قبل گفت صحیح بود و آنچه من ترجمه نمودم غلط، و مجدداً زمانی که جمع دانشجویان کلاس درس کامل تر گردید همین عبارت را تکرار نمودند. آن استاد محترم روش تلقین به نفس و تحمیل به نفس را از دیدگاه علی (ع) به ما تعلیم می دادند. طاقت نیاوردم تا زمانی که فارغ التحصیل می گردم این جمله را به استاد نگویم که اگر شما یکصدسال فقط با لفظ و حرف، چنین روشهایی را به ما آموزش می دادید به اندازه آن رفتار زیبا و شایسته شما در کلاس درس بر من تأثیر نمی گذارد. یادم هست چند سال بعد از آن، روزی در منزل تنها نشسته بودم و پایم به سمت تلویزیون دراز بود. ناگهان ایشان را دیدم که بر صفحه تلویزیون ظاهر گردیدند. براستی نتوانستم پایم به سمت تلویزیونی دراز باشد که فردی چون ایشان در آن مشغول حرف زدن بودن و لذا بی اختیار پایم را به ادای احترام جمع نمودم.استادان و مربیان : استادان و مربیان دانشگاهی سیدحمیدرضا علوی– خصوصاً در مقطع دکتری – از چهره های شاخص کشوری بوده اند نظیر جناب آقای دکتر علی شریعتمداری، جناب آقای دکتر سید محمد باقر حجتی، جناب آقای دکتر علی قائمی امیری، جناب آقای دکتر محمود مهر محمدی، جناب آقای دکتر محمد علی طوسی، جناب آقای دکتر عزت ا... نادری، جناب آقای دکتر علیمحمد کاردان و...هم دوره ای ها و همکاران : سیدحمیدرضا علوی در دانشگاه اصفهان و علوم پزشکی اصفهان نیز افتخار همکاری با اساتیدی نظیر حجت الاسلام والمسلمین رسول جعفریان، استاد مبلغ، جناب آقای دکتر منصور کوشا، سرکار خانم هلن اولیائی و... را داشت. همچنین غالب همدوره ای های اینجانب در مقطع کارشناسی ارشد موفق به اخذ مدرک دکتری نیز شدند که هم اکنون در یکی از دانشگاههای کشور به تدریس اشتغال دارند. و بعضی همدوره ای های وی نیز در مقطع دکتری هم اکنون در یکی از دانشگاههای مطرح کشور نظیر دانشگاههای تهران، تربیت مدرس و... به تدریس اشتغال دارند. از جمله همدوره ای های مقطع دکتری می توان از جناب آقای دکتر محمد رضا شرفی، جناب آقای دکتر محسن ایمانی، جناب آقای دکتر هاشم مناف زاده و... نام برد. همسر و فرزندان : همسر سیدحمیدرضا علوی، سرکار خانم مریم کلانتری هستند. نامبرده اهل رفسنجان بوده و مزین به عالیترین صفات و خصوصیات انسانی، اخلاقی، شخصیتی و علمی می باشند. ایشان هم اکنون دانشجوی دکترای رشته شیمی آلی دانشگاه شهید باهنر کرمان بوده و همزمان در دانشگاه مذکور و همچنین دانشگاه پیام نور کرمان مشغول تدریس هستند.دارای دو فرزند به نامهای عرفان و علی هست.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیدحمیدرضا علوی در سال ۷۰ – ۱۳۶۹ معاونت آموزشی و پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سیرجان را عهده دار بود.فعالیتهای آموزشی : سیدحمیدرضا علوی به مدت ۲۱ سال است که در دانشگاههای اصفهان، علوم پزشکی اصفهان، تربیت مدرس تهران، علامه طباطبائی، آزاد اسلامی خوراسگان و تهران مرکزی و کرمان، شهید باهنر کرمان و... در سطوح کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری به تدریس اشتغال داشت، یعنی از آغاز سال ۱۳۶۵ ، که از سال ۱۳۷۴ آن به صورت رسمی تر در دانشگاه شهید باهنر کرمان بوده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سید حمیدرضا علوی در مطالعه و تحقیق، خصوصاً در قالب نوشتن مقالات و کتب علمی، ارائه سخنرانیهای علمی و فرهنگی، و همکاری با برنامه های علمی، فرهنگی و دینی صدا و سیمای جمهوری اسلامی و عضویت در شوراهای گوناگون.آرا و گرایشهای خاص : بالاترین گرایش زندگی سید حمیدرضا علوی به سوی معنویت بوده است که عالیترین مرتبه تجلی آن دانایی و دیانت می باشد.جوائز و نشانها : ۱. تقدیرنامه و لوح یادبود،۱۳۸۴، انتخاب کتاب روش تدریس سخنرانی و پرسش وپاسخ به عنوان کتاب برگزیده علوم تربیتی استان کرمان، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان ۲. تقدیر نامه و لوح تقدیر، ۱۳۸۴ ،انتخاب طرح عوامل موثر بر اعتیاد ومفاسد اجتماعی به عنوان طرح برگزیده استان کرمان، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان ۳. تقدیر نامه و لوح تقدیر،۱۳۸۳، انتخاب مقاله مرگ و شهادت از دیدگاه امیرالمومنین(ع) به عنوان مقاله دینی برگزیده استان کرمان، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان ۴. تقدیر نامه و لوح تقدیر، ۱۳۸۲، انتخاب به عنوان پژوهشگر نمونه دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان،دانشگاه شهید باهنر کرمان ۵. تقدیر نامه و لوح تقدیر،۱۳۸۱، انتخاب کتاب شهید باهنر در قلمرواندیشه و رفتار بعنوان کتاب قابل تقدیر استان کرمان، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان ۶. تقدیر نامه و لوح تقدیر، ۱۳۸۰، انتخاب طرح بررسی رفتارو عملکرددینی دانش آموزان به عنوان طرح برگزیده استان کرمان، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان ۷. تقدیر نامه و لوح تقدیر، ۱۳۷۶،نوشتن ده مجموعه مستقل در مورد سرداران شهید استان کرمان، کنگره بزرگداشت سرداران و هشت هزار شهید استان های کرمان و سیستان و بلوچستان ۸. تقدیر نامه و لوح تقدیر، ۱۳۷۴،احراز رتبه اول مقطع دکترای رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه تربیت مدرس تهران ۹. سپاس نامه و لوح تقدیر، ۱۳۸۴ به پاس ده سال همکاری با صدا وسیمای مرکز کرمان، اداره کل صدا و سیمای مرکز کرمان ۱۰. تقدیرنامه و لوح تقدیر، ۱۳۷۶، نوشتن ده مجموعه مستقل در مورد سرداران شهید استان کرمان، دانشگاه شهید باهنر کرمان ۱۱. دیپلم افتخارو لوح تقدیر، َ۱۳۸۵، احراز عنوان بهترین کارشناس در جشنواره تولیدات رادیویی و تلویزیونی مراکز استان ها در سراسر کشور، سازمان صدا وسیمای جمهوری اسلامی ایران– معاونت مجلس ۱۲. لوح سپاس ۱۳۸۵، کسب عنوان بهترین کارشناس در جشنواره تولیدات رادیویی و تلویزیونی مراکز استان ها در سراسر کشور، نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه کرمان ۱۳. مدالیوم و لوح تقدیر، ۱۳۸۵، پژوهشگر برگزیده، وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری ۱۴. هدیه و نشان تقدیر، ۱۳۸۵، سخنرانی در همایش منطقه ای

ستادهای نماز جمعه استان، امام جمعه و فرماندار سیرجان ۱۵. هدیه و لوح تقدیر، ۱۳۸۵، انتخاب به عنوان پژوهشگر برتر دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشگاه شهید باهنر کرمان چگونگی عرضه آثار : از آثار در حال چاپ و یا چاپ شده سید حمیدرضا علوی به شرح زیر می باشد: ۶مقاله چاپ شده و یا دارای پذیرش چاپ در نشریات ISI ۱۳ مقاله چاپ شده و یا دارای پذیرش چاپ در نشریات بین المللی (علمی- پژوهشی) ۱۰ مقاله چاپ شده و یا دارای پذیرش چاپ در نشریات داخلی علمی- پژوهشی ۳ مقاله چاپ شده و یا دارای پذیرش چاپ در نشریات علمی-ترویجی ۱۸مقاله چاپ شده و یا دارای پذیرش چاپ در نشریات علمی-ادواری ۲ مقاله پذیرفته شده در همایش های علمی خارجی ۱ مقاله علمی کامل چاپ شده در گزارش همایش علمی معتبر ۲خلاصه مقاله علمی کامل چاپ شده در گزارش همایش علمی معتبر ۱ترجمه کتاب ۱۵ گزارشهای علمی طرحهای پژوهشی آثار : ۱ Shared Religious Foundations of Education: Islam & Christianity ویژگی اثر : ۱۳۸۵ (انتشارات بین المللی انصاریان – قم)۲ بررسی تطبیقی آراء و نظریات تربیتی ژان ژاك روسو و اسلام ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان (در حال بررسی)۳ بررسی تطبیقی ترجمه های انگلیسی قرآن کریم ویژگی اثر : در این کتاب، پنج عدد از ترجمه های انگلیسی قرآن کریم که توسط پروفسور آربری، پیکتال، شاکر، اروینگ، و خانم طاهره صفارزاده انجام شده است از لحاظ اصول و قواعد مرتبط با ترجمه متون عربی به انگلیسی با یکدیگر مورد مقایسه قرار گرفته اند.۴ تجلی تعلیم و تربیت در ادب فارسی ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان (پذیرش چاپ)۵ دایره المعارف علوم تربیتی، جلد ۱ ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان (در حال بررسی)۶ روش تدریس سخنرانی و پرسش و پاسخ ویژگی اثر : در این کتاب، روش تدریس سخنرانی و پرسش و پاسخ در قالب تشریح نکات مختلف مرتبط با هر کدام توضیح داده شده اند.۷ شهیدباهنر در قلمرو اندیشه و رفتار (بررسی سیرهٔ نظری و عملی دانشمند شهید دکتر محمد جواد باهنر در زمینه تربیت و اخلاق) ویژگی اثر : ۱۳۸۱ (دفتر نشر فرهنگ اسلامی – تهران)۸ فرهنگ موضوعی مفاهیم تربیتی و اخلاقی گلستان سعدی ویژگی اثر : در این کتاب، حدود دویست عنوان تربیتی و اخلاقی از گلستان سعدی انتخاب شده اند و آنگاه موضوعات متعدد مرتبط با هر کدام از گلستان استخراج شده اند و در ذیل آن عناوین ذکر گردیده اند و در مواردی گلستان تصحیح محمد علی فروغی با گلستان تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی تطبیق داده شده است و آیات و روایات مبین هر دو مفهوم ذکر شده است.۹ نحوه ترجمه قرآن و متون عربی به زبان انگلیسی ویژگی اثر : در این کتاب، با تشریح موضوعات مرتبط با ادبیات عرب، نحوه ترجمه قرآن و متون عربی مستقیماً به زبان انگلیسی توضیح داده شده است.۱۰ نکات اساسی در فلسفه تعلیم و تربیت و مکاتب فلسفی – تربیتی ویژگی اثر : در این کتاب مهمترین نکته ها در خصوص فلسفه، تعلیم و تربیت، و فلسفه تعلیم و تربیت، و همچنین شاخه های هستی شناسی (و انسان شناسی)، شناخت شناسی، و ارزش شناسی، و تأثیرات تربیتی هر کدام در مکاتب ایدالیسم، رئالیسم، پراگماتیسم، اگزیستانسیالیسم، ناتورالیسم، و اسلام تشریح شده اند و سپس موارد مذکور به صورت مختصر با یکدیگر مورد مقایسه قرار گرفته اند.۱۱ نگارش علمی

علوی، سجاد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید سجاد بن آقا سید قاسم علوی گرگانی از علماء مبرز و ممتاز معاصر گرگانست.

معظم له در سال ۱۳۳۲ قمری در قریه (النگ) از قراء کرد کوه گرگان متولد شده و از سن هفت سالگی شروع به تحصیل مقدمات و قرائت قرآن نموده و در سن پانزده سالگی والدین خود را در مدت یك هفته از دست داده و در تحت نظر حجةالاسلام مرحوم ملا محمدهاشم کردکوهی ادامه به تحصیل داده تا سال ۱۳۴۵ قمری که به مشهد مقدس رضوی عزیمت و حدود سه سال در آن سامان از مرحوم فاضل بسطامی و ادیب بزرگ نیشابوری (میرزا عبدالجواد) و آیت‌اللّه حاج شیخ هاشم و سید بحرالعلوم و مقداری مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی استفاده و تکمیل ادبیات سطوح عالی را نموده.

و در سال ۱۳۴۷ ق مهاجرت به قم و مکاسب و رسائل و کفایه را در خدمت مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمد همدانی به پایان رسانیده و طهارت شیخ را هم از مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمد فیض قمی فراگرفته و حکمت و فلسفه را از مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمدعلی شاه‌آبادی استفاده و از درس خارج صلوهٔ مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی و درس اصول آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی حایری قمی استفاده نموده و در سال ۱۳۵۳ قمری با توصیه و تصویب مرحوم آیت‌اللّه حایری (مؤسس حوزه) مهاجرت به نجف و محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه محقق آقا ضیاءالدین عراقی استفاده و هم تدریس سطوح وسطی و عالی نموده تا برحسب تقاضای اهالی استرآباد و بالخصوص اهل وطن خود و امریه مرحوم آیت‌اللّه محقق آقا ضیاءالدین عراقی استفاده و هم تدریس سطوح وسطی و عالی نموده تا بر حسب تقاضای اهالی استرآباد و بالخصوص اهل وطن خود و امریه مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی مراجعت به ایران و چندی در گرگان و زادهگاه خود اقامت و در سال ۱۳۶۶ ق بقصد توطن به قم عزیمت و در حوزه علمیه به تدریس مکاسب و کفایه پرداخته و بعد از چند ماه با اصرار اهالی گرگان و امریه مرحوم آیت العظمی بروجردی به گرگان برگشته و تا حال تحریر در مسجد جامعه به اقامه جماعت و تدریس و خدمات دینی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: آیت‌اللّه علوی گرگانی به واسطه داشتن ملکات فاضله اخلاقی و مقام علم و دانش و قدس و تقوا و بیان شیوا و جامع در مواعظ و نصایح و ملاحت سخن در تفسیر قرآن مورد توجه قاطبه اهالی گرگان و اطراف آن و محبوبیت بخصوص دارد.

دارای فرزندان برومند و دانشمندی می‌باشد که از باقیات الصالحات و مصداق حدیث شریف (او ولد صالح یستغفر له) می‌باشند و آنها از این قرار است.

۱- جناب حجهٔالاسلام حاج سید محمدعلی علوی که از مدرسین و افاضل حوزه علمیه قم می‌باشند و در ج ۲ ص ۲۰۶ ترجمه اجمالی وی گذشت.

۲- ثقهٔالاسلام آقای آقا سید حسن علوی که از محصلین جدی و بارع حوزه علمیه و آینده درخشانی دارند.

۳- ثقهٔالاسلام آقای آقا سید حسین علوی که از محصلین جدی و یا برادر مذکورش در حوزه اشتغال بتحصیل و از دانشمندان بزرگ آتیه خواهند بود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علوی، سلیمان

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید سلیمان علوی

محل تولد : سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۴/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید سلیمان علوی در سن بزرگ‌سالی پس از معاف شدن از سربازی در سال ۱۳۴۹ به طور رسمی در سبزوار تحصیلات حوزوی را آغاز و در سال ۲۲/۶/۱۳۵۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و ادبیات را از جامع المقدمات آغاز نمودم دروس معمول حوزه سطح را گذراندم سپس درس خارج آغاز و تاکنون شرکت در درس فقه و اصول ادامه دارد.و در سال ۱۳۶۵ در امتحان پایه ۹ قدیم حوزه موفق شدم.

کاری علمی:

مدتی با دایرهٔ المعارف قرآن و دائرهٔ المعارف فقه فارسی حضرت آیت الله حاج سید محمود شاهرودی همکاری داشتم.مدتی در نهاد مقام معظم رهبری به سوالات شرعی دانشجویان پاسخ می‌دادم.همچنین به سوالات اینترنتی مرکز اینترنتی حوزه پاسخ کتبی می‌دادم.از سال ۱۳۷۵ وارد دانشگاه آزاد اراک شدم و به عنوان کارشناس از دفتر فرهنگ مشغول و از آن تاریخ تا سال ۱۳۸۰ به تدریس مشغول و نیز از مهرماه سال ۱۳۸۵ دوباره به تدریس متون مشغول شدم.و از سال ۱۳۷۸ تاکنون در دانشگاه شهید بهشتی تهران به طور حق التدریس مشغول تدریس می‌باشم.

تالیف:

تاکنون به لطف الهی موفق کتابی با نام «آوای ملکوتی» تفسیر چهل پیام از زیارت عاشورا تألیف نمایم که در سال ۱۳۸۵ به چاپ رسیده است.

علوی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی مشهور به (حاج آقا بزرگ) علوی موسوی بن العلم العلام میر سید محمدباقر بن العلامهٔ السید علی قزوینی صاحب (حاشیه بر قوانین) که ذکرش گذشت از علماء اخیار معاصر قزوین بودند. نسب آن مرحوم منتهی می‌شود به امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام.

نسب کمثل الشمس اشرف نوره

فاضائت الاقطار بالنور الجلی

من حیث جدهم النبی محمد (ص)

و ابوهم الکرار حیدرهٔ علی

وی در سال ۱۲۸۱ شمسی در قزوین متولد شده و در بیت علم و سیادت پرورش یافته و مقدمات علوم را در آنجا فراگرفته آنگاه به قم عزیمت و پس از تکمیل سطوح از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی استفاده نموده و بعد از تکمیل دراسات و مبانی علمی مراجعت به قزوین نموده و به انجام وظائف دینی و روحی از اقامه جماعت و تدریس و تربیت طلاب و محصلین علوم دینیه و ترویج دین پرداخته است.

از خصایص و مزایای آن جناب این بود که از وجوه شرعیه مصرف و اعاشه نمی‌کرد و آن وجوه را در کارهای خیر مصرف می‌نمود مانند بناء مساجد و اعانت به اهل علم و رفع حوائج آنان و صاحبان فضیلت و غیر آنان از آنچه را که رضای امام (ع) را در آنست و برای خود و خاندان خود چیزی ازاین وجوه نمی‌گذاشت حتی وقتی از دنیا رفت چیزی از مال برای ورثه خود اندوخته نکرده و نداشت با اینکه مرجع اموال مردم بود.

و کان رحمه‌اللّه حافظاً لدینه فی حوادث دهره و داعیا الی اللّه بقوله و فعله و صائنا لنفسه عن بعض ما یفتخر به الناس حفظاً لدینه و

تقویهٔ لعقائد الناس و کان موته ثلمهٔ فی الاسلام.
وی روز اربعین ۱۳۹۴ قمری از دنیا رفته و در تشییع جنازه‌اش بسیاری از مردم قزوین از عموم طبقات شرکت و حمل به قم نموده و در قبرستان نو. مرحوم حایری دفن نمودند.
دارای آثاری در مواعظ و اخلاق بوده‌اند که تاکنون بطبع نرسیده است. از باقیات الصالحات ایشانست فرزند ارجمندش جناب حجهٔالاسلام آقای آسید جواد موسوی علوی که در رشته‌ی اسلاف و نیاکان خود و بجای والد مبرورش به خدمات دینی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علوی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمود بن میرزا یوسف بن حاج میرزا فتاح (توتونچی) بن حاج میرزا یوسف بزرگ از علماء و ائمه جماعت مسجد گوهرشاد بودند.
وی در تبریز متولد شده و پس از پرورش و خواندن سطوح از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید علی مولینا و آیت‌اللَّه حاج میرزا ابوالحسن انگجی استفاده نموده آنگاه مهاجرت به مشهد و از محضر مرحوم آقازاده کفائی و آیت‌اللَّه آشتیانی استفاده نموده و در شبستا اول مسجد به اقامه جماعت اشتغال داشته تا در سال دهم ربیع‌الاول ۱۳۸۱ قمری که بر اثر کسالت برای معالجه به تهران رفته ولی اجل محتوم رسید و در آنجا به رحمت ایزدی پیوسته و جنازه او را با احترام تمام وارد به مشهد و با تشییعی عظیم در یکی از حجرات صحن عتیق مدفون نمودند.
آثار مطبوع ایشان از این قرار است.
۱- الحجاب ۲- الرباء ۳- الغناء ۴- هدیه الاخوان فی تعالیم الاسلام ۵- کتابی در توحید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

علوی، موسی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید موسی علوی

محل تولد : دایکندی

شهرت

تابعیت : افغانستان

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی
اینجانب سید موسی علوی فرزند سید کاظم در سال ۵۱ در کشور افغانستان استان دایکندی مرکز نیلی در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم. پس از فراگرفتن سواد خواندن و نوشتن فارسی و قسمت از ادبیات عرب در زادگاهی خودم در سال ۷۰ برای ادامه تحصیلات وارد حوزه علمیه مقدسه قم و مشول درسهای مستداول حوزه شدم و تا سال ۷۹ موفق به اتمام سطوح عالی حوزه شدم و از سال ۸۰ تا حالا مشغول درسهای خارج فقه و اصول می باشم البته با انجام ۵ سال مصاحبه درس خارج از نظر مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی فارغ التحصیل هستم.
از محضر اساتید مرحوم وجدانی فخر، حسینی میانجی، علی محمدی، حسینی بوشهری، نظری میانجی و حضرات آیات مکارم شیرازی و حید خراسانی ، جعفر سیبحانی و جوادی املی دامت برکاتهم استفاده کردم.
در ضمن درسهای معمولی حوزه در رشته فلسفه و کلام در سطح کارشناسی ارشد در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام صادق (ع) تحصل نموده ام در این رشته از استاد علی ربانی گلپایگانی در کلام قدیم و جدید و از استاد خسرو پناه در معرفت شناسی و فلسفه غرب استفاده نمودم.

علوی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی و دکترا در رشته شیمی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس شیمی حالت جامد، کریستالوگرافی، شیمی معدنی، روشهای دستگاهی آنالیز مواد، کنترل کیفی و کمی مواد جامد، شیمی عمومی، شیمی فیزیک و بلورشناسی، طرحهائی در زمینه تعیین سن بناهای تاریخی با استفاده از استاندارد کردن کاتیون‌های متشکله لعاب‌های قدیمی، بررسی و مطالعه شیمیائی کریستال‌های ولفونیت معدن نخلک انارک، مطالعه شیمیائی سنگ آهن ذوب آهن اصفهان و مقایسه با سایر سنگ آهن‌ها به منظور مرغوب کردن آن، تهیه آزمایشگاهی فروفریت، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

کریستالوگرافی، شیمی حالت جامد و شیمی عمومی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

مواد مغناطیس، مطالعه لعاب‌های سرامیکی سنتی، مطالعه و بررسی ساختمان کریستال‌ها، شناسائی کمی و کیفی مواد با استفاده از روشهای دیفراکتومتری و فلورسانس اشعه X، نفوذ فلزات در پیرو گرافیت.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

علوی، نادر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نادر علوی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱۰/۱

زندگینامه علمی

درسال ۵۷دیپلم در رشته ریاضی گرفتم در همان سال در مدرسه عالی ترجمه تهران قبول شدم امّا بعد از انقلاب انصراف دادم وعازم خدمت سربازی شدم درسال۶۳وارد حوزه علمیّه قم شدم ودر طول پنج سال سطح را به پایان رساندم ودرسال۶۸ازدرسهای مرحوم میرزا جواد تبریزی ووحید خراسانی بهره مند شدم تا حال .در طول در س از خارج از درس اساتیدی چون جوادی آملی سیّد محمد روحانی ،شبیری زنجانی، فاضل وسبحانی نیز استفاده کردم همزمان بـا درس خارج دوره زبانهای خارجه دفتر ، کامپیوترICDL، در وههای کلام جدید (مباحث استاد سروش)را طی کردم ودر سال ۷۰شروع به تحقیقات علمی راجع به تاریخ وتاریخ معاصر ایران نمودم به مدّت ۸سال ودر سال۷۸موفق به اخذ کارشناسی ارشد از علوم سیاسی علامه طباطبایی شد.در مراکز علمی – پژوهشی مختلف کارهای تحقیقاتی انجام دادم ازجمله معاونت پژوهشی مرکز اسناد انقلاب اسلامی قم ، مرکز تحقیقات مرکز تبلیغات ، مرکز پژوهشهای مجلس ع معاونت فرهنگی ارشاد تهران ، نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها ومرکز علمیّه حوزهای خواهران و....

علویان، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی علویان

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۴/۱

]زندگینامه علمی

اینجانب مرتضی علویان در سال ۱۳۶۴ دیپلم خود را در رشته اقتصاد با معدل کتبی ۰۶/۱۶ در یکی از دبیرستانهای اخذ نمدم که در سال ۱۳۶۵ علیرغم پذیرفته شدن در دانشگاه مازندران رشته اقتصاد ، دانشگاه رضوی مشهد وهمچنین مراکز دیگر راهی حوزه علمیه قم شدم و درس حوزه را آغاز نمودم که تا سال ۱۳۷۱ دروس سطح را با میانگین بالایی از نمره طی نمودم .

از سال ۱۳۷۳ همزمان با شرکت در درس خارج تحصیلات دانشگاهی در رشته علوم سیاسی را نیز آغاز کرده و با گذراندن کارشناسی و همچنین کارشناسی ارشد علوم سیاسی را دانشگاه باقرالعلوم ع اخذ نمودم. در کنار فعالیتهای علمی از سال ۷۷–۱۳۷۶ مشغول تدریس در دانشگاههای تهران، بین المللی امام خمینی ، علامه و مازندران شدم که البته از مهر ۱۳۸۱ به عنوان هیات علمی دانشگاه مازندران مشغول بکار شدم. در کنار مطالعات حوزوی و دانشگاهی دارای تالیفات و مقالاتی در موضوعات مختلف می باشم

علویجه‌ای، عباس علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند غلام‌رضا. عالم فاضل، و فقیه جامع، در غره‌ی شعبان ۱۲۸۳ در علویجه از بلوک عربستان اصفهان متولد گردید، در اصفهان مقدمات علوم را فراگرفته، در ۱۳۰۸ به نجف اشرف مهاجرت نموده، به درس حاج میرزا حسین خلیلی و جمعی دیگر حاضر شده، و به آیهٔالله صفهانی اختصاص یافته؛ در حسن خلق و تقوی و زهد معروف بوده.

سرانجام در ۷ شعبان ۱۳۵۵ وفات یافته، در وادی‌السلام مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

علویه

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۱۳۱۳ ق، از زنان هنرمند. وی نقاش و خطاط ناخنی باذوقی بود که خطوط را به شیوه ناخنی می‌نوشت و نقوش تزیینی را نیز به شیوه ناخنی به آن می‌افزود. از آثار امضاء دارش، مرقعی به خط نستعلیق شش دانگ نستعلیق بود که به شیوه ناخنی عمل آورده و حواشی صفحات را با ترسیمات ساده‌ای به شیوه‌ی ناخنی تزیین نموده و رقم نهاده بود: «علویه ۱۳۱۲». اثر دیگرش که در حراج کریستی ۱۱ آوریل ۱۹۸۹ و لندن به فروش رسید مرقعی به خط نستعلیق شش دانگ بود که به خط ناخنی کتابت نموده و ترسیمانی نیز به آن علاوه کرده و به خط ناخنی رقم نهاده بود: «در ارض اقدس قم تحریر شد. کتبته علویه فی سنهٔ ۱۳۱۳».[۱]

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، نقاش و خطاط. از زنان هنرمند عصر خود به شمار می‌رفت. نقاش و خطاط ناخنی با ذوقی بود که خطوط را به شیوه‌ی ناخنی کتابت می‌کرد و نقوش تزییناتی را نیز در همان شیوه آرایش می‌داد. از آثار وی: مرقعی به خط نستعلیق شش دانگ، که به شیوه‌ی ناخنی عمل آورده و حواشی صفحات را با ترسیمات ساده‌ای به شیوه‌ی ناخنی تزیین کرده و رقم نهاده: «علویه ۱۳۱۲»؛ مرقعی به خط نستعلیق شش دانگ که به خط ناخنی کتابت کرده و ترسیماتی نیز به آن اضافه کرده و به خط ناخنی رقم نهاده: «در ارض اقدس قم تحریر شد. کتبه علویه فی سنه ۱۳۱۳».[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] منبع: احوال و آثار نقاشان قدیم ایران، ۱۴۷۱ / ۳.

[۲] احوال و آثار نقاشان (۱۴۷۱ / ۳).

علی اکبری، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین علی اکبری

محل تولد : بیرجند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

به سال ۱۳۳۲ در روستایی به نام تقی آباد، از توابع شهر بیرجند (مرکز استان خراسان جنوبی) در خانواده ای مذهبی به جهان دیده برگشودم. پدرم کشاورز و مادرم خانه دار است. دوران کودکی را در مهد مهر و محبت مادر و سایه رافت پدر گذراندم و پس از آن برای فراگیری علم و ادب اجتماعی قدم به دبستان نهادم. به لحاظ اینکه در آن زمان بسیاری از روستاهای کشور ما از جمله روستای ما فاقد دبستان بود، هر روزه دوره ابتدایی را از طی مسافت شش کیلومتر، فاصله تا دبستان را در فصل سرما و گرما ناگزیر بودم. پس از پایان مقطع یاد شده مقدّمات ورود به حوزه علمیّه فراهم گردید و علیرغم همه وسوسه ها و موانع با عنایت الهی حدود سال ۱۳۴۵ هجری شمسی به حوزه علمیّه شهرستان بیرجند راه یافتم و ادبیات عرب و اخلاق را در کنار حوزه مقدّسه از محضر استاد فرزانه حضرت آیت الله شیخ جواد عارفی (ره) فرا گرفتم. سرانجام بعد از قریب پنج سال تلمذ با استیذان و مشورت از استاد به منظور ادامه تحصیل عازم شهر مقدس قم گردیده به حوزه مقدّسه قم راه یافتم. البته در آغاز ورود به حوزه مشکل حجره و شهریه وجود داشت که پس از مهمانی یک ماهه در مدرسه فیضیه و موفّقیّت در آزمون خوابگاه، حجره ای در مدرسه مؤمنیه حضرت آیت الله نجفی مرعشی(ره) به بنده و یکی از دوستانم تحویل و مشکل حجره برطرف گردید، چنانکه موضوع شهریه نیز، پس از یک سال کوشش و تلاش و شرکت در آزمون و موفقیت درآن مرتفع شد گر چه به حق در آن یک ساله خدا یار بود و نه تنها در آن ایام بلکه پیش از آن کمک هزینه تحصیل فراهم گردید. حدود پنج سال در مدرسه یاد شده سکونت داشته و هر روز آن را صبح و شام، برای حضور در حوزه های درسی و تلمذ از محضر اساتید، با پای پیاده، مسافت تا حرم مطهر حضرت معصومه (س) را می پیمودیم و به وقت آمدن به حجره با خستگی از راه و درس و بحث می بایست به تهیه غذا بپردازیم. زیرا بر خلاف این زمان و امکانات آن در آن روزها نه چیزی از آشپز و آشپزخانه در مدارس بود نه از ماشین لباسشویی و غیره. البتّه جد و جهد و تهجد، مباحثه های از پیش مطالعه و جدی حتی گاهی پیش از اذان صبح بود حرم و زیارت شب های جمعه و تشرف به مسجد جمکران با پای پیاده از یاد نرفته ترک نمی شد.

چنانکه امروزه هم برای بسیاری از طلاب حوزه علمیّه بحمد الله آن شور و نشاط و اخلاص و گرایش به تزکیه و طهارت هست. به هر حال در این مقطع تحصیلی، در معانی و بیان از محضر استاد گرانمایه، امین شیرازی، در اصول از اساتید بزرگواری همانند استاد عرفانی و سلیمی و در فقه از محضر اساتیدی همچون استاد گرانقدر فاصل هرندی و عندلیب شیرازی و در منطق نیز از محضر استاد ارزشمند دیگری چون جناب استاد فقیهی بهره وافر بردم. پس از گذر از این مرحله به حوزه فقه و اصول استدلالی راه یافته مکاسب و رسائل را در محضر اساتیدی فرهیخته حضرات آیات سیّد علی محقق داماد و شیخ علی کرباسی فرا گرفتم.

در تفسیر قرآن کریم پای کرسی فرزانه زمان حضرت آیت الله جوادی آملی زانوی ادب زدم و در عرفان و کلام و فلسفه از اساتید کم نظیر و یا بی بدیل فرهیخته ای همچون آیت الله علامه حسن زاده آملی و انصاری شیرازی بهره ها و نکته ها آموختم و به اندیشه و جانم حیات بخشید. و هم اکنون که بیست و ششمین سال از انقلاب شکوهمند اسلامی را پشت سر می گذاریم، می توان گفت بیست و پنجمین سالی است که در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات، آیت الله العظمی وحید خراسانی، و شیخ جواد تبریزی و برخی دیگر از اساتید حضور داشته و از محضر پر فیض و دانش بی کران آن برجسته فرزانگان عرصه علم و تقوی همواره روح تشنه ام را سیراب می کنم.

شایان ذکر است که در همه مقاطع تحصیلی جز چند سال نخست آن امر مهم تبلیغ را به یاد داشته، ایفای مسئولیت کرده ام همچنان که از حضور در عرصه تحقیق و پژوهش غفلت نورزیده آن را وظیفه ای در راه جبران کاستی های حوزه های علمیّه شیعی و پاسخگویی به نیازهای فرهنگی جامعه، بلکه جوامع بشری می دانسته ام.

از همین رو است که از سال ۱۳۷۰ فعّالیّت خویش را در این حوزه نیز آغاز کرده، تا سال ۱۳۷۴ به فیش برداری از منابع اوّلیه حول موضوع تاریخ و سیره اهل بیت اشتغال داشته و پس ازآن با عنایات الهی و قرین شدن توفیق، قلم برداشته، ـ هر چند با بضاعت اندکی علمی ـ در پاره ای از موضوعات صفحاتی را به رشته تحریر درآورم.

علی الاعلی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۸۱۴ ق)، صوفی و شاعر. ملقب به خلیفه‌الله و وصی‌الله. وی اهل دستگرد اصفهان بود در نوزده سالگی به خدمت فضل‌الله حروفی رسید و دیری نگذشت که با دختر وی ازدواج کرد و بعد از کشته شدن فضل‌الله، جاشنین او شد و برای تبلیغ طریقه‌ی وی به خاک آناطولی (روم شرقی) رفت و در آن جا ساکن شد. علی الاعلی نیز همانند مراد خود جان بر سر تعالیم و اهداف خود گذاشت و مثل فضل‌الله به قتل رسید. او اسرار «جاودان‌نامه»؛ «عرش‌نامه» و «محبت‌نامه»، سه اثر فضل‌الله، را کشف کرد و «جاودان‌نامه» را به نظم کشید. وی درباره طریقه حروفیه چند مثنوی سروده است: «بشارت‌نامه»، به بحر رمل و وزن «مثنوی» مولانا در حدود ۸۰۳ ق بپایان رسیده؛ «کرسی‌نامه»، به همان وزن که در ۸۱۰ ق تمام کرده؛ «قیامت‌نامه»، بحر هزج که در ۸۱۴ ق بپایان رسانیده؛ «توحیدنامه»، به وزن «مثنوی» مولوی. از او کتابی به نثر به نام «محشرنامه»، باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۹۱ -۷۹۰)، حروفیه در تاریخ (۴۸ -۴۴)، دنباله جستجو در تصوف (۵۸)، منظومه‌های فارسی (۴۳۴).

علی آذری، جمال الدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ جمال الدین علی آذری (حمزه بن علی ملك هاشمی آذری طوسی بیهقی اسفراینی) مروزی از بزرگان و شعرای قرن هشتم و متخلص به آذری بود. وی پس از کسب علم در حکمت و حدیث عازم سفر حج و حلب در سوریه شد. سپس به حلقه مریدانشاه نعمت الله ولی پیوست و به همراه او تا هندوستان رفت و در بازگشت به ایران تا آخر عمر در اسفراین گوشه ای اختیار کرد و در ۸۶۶ه.ق در گذشت گروه : علوم انسانی ر شته : الهیات و معارف اسلامی گرایش : عرفان اسلامیوالدین و انساب : پدر شیخ جمال الدین علی آذری، مردی به نام علی ملك هاشمی بود که با نامهای آذری، طوسی، بیهقی، اسفراینی و مروزی مشهور بود که نشان از مهاجرتهای پی در پی خاندان و اجداد او دارد.خاطرات و وقایع تحصیل : شیخ جمال الدین علی آذری مقدمات علوم را در شهرهای خراسان از جمله در طوس، بیهق، اسفراین و مرو آموخت سپس سفری به حج و شهر حلب در شام (سوریه) کرد و پس از بازگشت به ایران، در حلقه مریدان شاه نعمت الله ولی کرمانی در آمد.فعالیتهای ضمن تحصیل : سفر کردن در سرزمینهای گوناگون از امور مورد علاقه صوفیان و از جمله شیخ جمال الدین علی آذری بوده است.استادان و مربیان : مهمترین استاد شیخ جمال الدین علی آذری در زمینه عرفان اسلامی، شاه نعمت الله ولی کرمانی بنیان گذار طریقت صوفیانه نعمت اللهیه بوده است.هم دوره ای ها و همکاران : شاه خلیل الله جانشین و فرزند شاه نعمت الله ولی همانند شیخ جمال الدین علی آذری سلوك معنوی در طریقت نعمت اللهیه را نزد شاه نعمت الله ولی پیمود.وقایع میانسالی : شیخ جمال الدین علی آذری پس از بازگشت از حج و حلب، به حلقه مریدان شاه نعمت الله ولی کرمانی در آمد وبه همراه وی به هندوستان سفرکرد. و با دربار شاهان بهمنی فلات دکن آشنا شد و حتی کتبی از جمله معنوی بهمن نامه را به نام آنان تصنیف کرد و پس از بازگشت به ایران تا پایان عمر در اسفراین در عزلت زیست.زمان و علت فوت : شیخ جمال الدین علی آذری در سال ۸۸۶ه. ق/ ۱۴۶۱.م در اسفراین به سبب کهولت سن در گذشت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : شیخ جمال الدین علی آذری چنانکه شیوه صوفیان است، علاقه ای به مناصب دولتی و فساد ناشی از آن نداشت، از این رو همانند سایر صوفیان بیشتر به سفر و سلوك می پرداخت.فعالیتهای آموزشی : درباره فعالیت های آموزشی شیخ جمال الدین علی آذری اطلاعاتی در منابع وجود ندارد اما می دانیم که آثار عرفانی وی در میان صوفیان نعمت اللهی پس از وی اهمیت خاصی داشته است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شیخ جمال الدین علی آذری در کنار زهد و عبادت بسیار، به مطالعه آثار صوفیانه، صوفیان پیش از خود به ویژه آثار مذهبی درزمینه حکمت و حدیث علاقمند بوده است.همفکران فرد : بسیار از خلفا و شاگردان شاه نعمت الله ولی کرمانی به ویژه فرزنداو شاه خلیل الله کرمانی، همانند شیخ جمال الدین علی آذری از مشایخ طریقت نعمت اللهیه بوده اند.آرا و گرایشهای خاص : شیخ جمال الدین علی آذری از جمله حکیمان و متشرعانی بود که به تصوف به ویژه تصوف شیعی علاقه خاصی داشت و تصوف را مستلزم گمراهی از دین نمی دانست.آثار : جواهر الاسرار ویژگی اثر : کتاب جواهر الاسرار اثر شیخ جمال الدین آذری درباره علم حروف است. علم حروف چنانکه میان صوفیان مرسوم بود و در قرون نهم هجری به نهضت حروفیه کشیده شد، دانشی از علوم غربیه بود که به خاصیت های نمادین و جادویی حروف رمز اعتقاد داشت و به آنها می پرداخت.۲ سفی الصفا ویژگی اثر : با توجه به اینکه آذری خو دصوفی بود وبه مناسك حج معنای نمادین ویك از اعمال آن آگاه بود و نیز با توجه به اینکه خو دسفری به حج کرده بوده است، این کتاب را در راهنمایی زایران کعبه نگاشته است.۳ طغرای همایون ، غرایب الدینا و عجایب الاعلا، مثنوی امامیه ، مثنوی بهمن نامه ویژگی اثر : این مثنوی که در قاب حماسه است، شباهتهایی با شاهنامه فردوسی دارد و از این نظر از آن تقلید کرده است. محتوای این اثر تاریخ خاندان بهمنی، پادشاهان فلات دکن در هندوستان بوده است.۷ مفاتیح الاسرار

منابع زندگینامه :کتر ابوالفتح حکیمیان ، فهرست مشاهیر ایران، ج ۲، تهران : انتشارات دانشگاه ملی ایران ،۱۳۵۷،ص۸۵.

علی بابایی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد علی بابایی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۸/۲۱

زندگینامه علمی

اینجانب احمد علی بابائی در تاریخ ۲۱/۸/۱۳۴۴ در تهران به دنیا آمدم. پس از گذراندن تحصیلات جدید در سال ۱۳۶۱ به عنوان بسیجی به جبهه اعزام شدم. فضای آنجا مملو از معنویت و از خود گذشتگی و ایثار بود، مرا وارد مرحله جدیدی در زندگیم نمود. از این رو پس از بازگشت از جبهه در شهریور همان سال وارد حوزه علمیه حاج ملا محمد جعفر(مجتهدی) شدم و تا سال ۱۳۶۴ دروس مقدمات را فرا گرفتم. روزهای پنج شنبه و جمعه نیز با چند تن از دوستان در درسهای باب حادی عشر و تبصره المتعلمین مرحوم علامه شرکت می کردم. در این سالها از محضر استاد اخلاق حضرت آیت الله مجتهدی بهره های فراوانی بردم.

از ابتدای ماه رمضان سال ۱۳۶۴ ش به مدت چهل روز در کنار بارگاه ملکوتی حضرت علی بن موسی الرضا(ع) اقامت گزیدم و از

محضر آیت الله میرزا علی آقا تنکابنی(فلسفی) بهره های اخلاقی فراوانی بردم. همچنین از محضر آیت الله میرزا جوادآقا تهرانی و آیت الله حاج شیخ حسنعلی مروارید استفاده نمودم.

از ابتدای سال تحصیلی ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و از محضر استاد طالقانی در ادبیات و استاد احمد امین شیرازی در فن معانی و بیان و استاد هادوی تهرانی در درس "معالم الاصول " بهره جستم. همچنین در بعضی دروس از محضر استاد ادیب، مدرس افغانی استفاده بردم. جلدین " اصول فقه "را نزد آیت الله هادوی تهرانی و " شرح لمعتین "را در محضر مرحوم آیت الله وجدانی فخر آموختم.در این سالها سعی من بر این بود که درسها را بنویسم و به عنوان شرح و توضیح آن کتاب برای چاپ و نشر آماده نمایم.

از سوی دیگر، علاقه به مطالعه و تحقیق در یک موضوع خاص مرا بر آن داشت تا از کتابهای موجود در کتابخانه شخصی ام فهرست موضوعی مبسوطی تهیه کنم. از آنجا که قرآن، کتاب آسمانی ما مسلمانان، تمام نیازهای امروز و فردای بشر را بیان کرده است و خود کتاب بسیار جامعی در موضوعات مختلف است، تفسیر قرآن را انتخاب کردم و برای سهولت و سرعت کار از " تفسیر نمونه "آغاز کردم. در میان راه به فکر افتادم تا این فهرست را به طور مستقل برای این تفسیر به چاپ برسانم. از این رو با نویسنده آن آیت الله مکارم شیرازی موضوع را در میان گذاردم که با استقبال ایشان روبرو شدم.

این کتاب زیر عنوان "فهرست موضوعی تفسیر نمونه "در سال ۱۳۶۷ به چاپ رسید و تاکنون پانزده بار تجدید چاپ شده است.بهترین دوران زندگی جوانی من همان روزهایی بود که تفسیر قرآن را برای تهیه فهرست موضوعات آن می خواندم. این توفیقی بود که یک دوره کامل تفسیر قرآن را مطالعه نمایم. همین موضوع سبب شد که آیات روحبخش قرآن آرامش خاصی به من می بخشید.کتاب " رسائل "را نزد آیت الله حاج شیخ مصطفی اعتمادی، کتاب "مکاسب "وجلد اول "کفایه الاصول "را نزد آیت الله حاج شیخ احمد پایانی و جلد دوم "کفایه الاصول "را نزد آیت الله سید رسول موسوی تهرانی خواندم.در نیمه شعبان سال ۱۳۶۹ ش با صبیه استاد معظم آقای حاج شیخ محمد حسن رئوفی ازدواج نمودم و اکنون چهار فرزند دارم.پس از چاپ " فهرست موضوعی تفسیر نمونه "این انگیزه در من بسیار قوی شد که درسهایی را که در آن شرکت می کنم به طور مبسوط نوشته و سپس به عنوان شرح آن کتاب برای چاپ آماده نمایم. از این رو هنگامیکه در درس " مکاسب "شرکت می کردم، همه مطالب بیان شده توسط استاد را از توضیحات خارج درس تا تطبیق عبارات می نوشتم. با پیشنهاد یکی از دوستان نوشته های " مکاسب محرمه "را در اختیار وی قرار دادم تا برای چاپ آماده نماید. وی تنها سه جلد از آن را زیر عنوان " در کلاس درس مکاسب "به چاپ رساند. سپس اطلاع یافتم یکی از هم درسی های سابق قصد دارد شرح خیارات مکاسب را به چاپ برساند. در محضر استاد پایانی با وی قرار گذاشتیم شرح مکاسب محرمه و بیع را به طور مشترك منتشر سازیم به این صورت که نوشته ها از من باشد و او با متن اصلی مطابقت دهد. و آنها را برای چاپ آماده نماید. متاسفانه او پس از آنکه دفاتر را از من گرفت، مطالب را به سرقت برد و با فروش آن به یکی از ناشران کار را به نام خود و زیر عنوان " در محضر شیخ انصاری "چاپ و منتشر نمود و حقوق مرا پرداخت نکرد.از سال ۱۳۷۰ در درس خارج اصول آیت الله مکارم شیرازی شرکت کردم و با تجربه ای که در تهیه " فهرست موضوعی تفسیر نمونه" داشتم، به ایشان پیشنهاد کردم"تفسیر نمونه "را خلاصه نمایم. این کار زیر نظر ایشان به دست چهل تن از طلاب رشته تخصصی تفسیر در حال انجام بود و به من فرمودند شما مسئولیت جمع آوری مطالب را به عهده بگیرید.نوشته ها را تحویل گرفتم ولی بیشتر آنها ناقص بودند و بعضی مجلدات اصلا کار نشده بود و متاسفانه در میان نوشته ها اغلاط املایی فراوانی یافت می شد. از این رو به هیچ عنوان قابل استفاده نبود و من پیشنهاد کردم این کار را از ابتدا خودم انجام دهم. همان روز شروع کردم و سوره حمد و چهل آیه از سوره بقره را خلاصه نمودم.

بدین ترتیب که آیات قرآن سپس ترجمه و بعد شرح مختصری از آیه را می آوردم و از میان تفاسیر، یک تفسیر که نویسنده آن را از میان اقوال مختلف پذیرفته بود درج می کردم.سرانجام پس از سه سال کار شبانه روزی این کتاب زیر عنوان "برگزیده تفسیر نمونه "به جمع کتب قرآنی و تفسیر پیوست و بحمدلله از سوی تمام اقشار جامعه مورد استقبال قرار گرفت. این کتاب شانزدهمین چاپ خود را پشت سر گذاشت. و از آنجا که در بسیاری از کلاسها که تفسیر قرآن جزء مواد درسی آنهاست، به عنوان کتاب و متن درسی انتخاب گردید، ترجمه این کتاب به زبانهای دیگر نیز مورد توجه قرار گرفت.این کتاب توسط آقای فائق ولی اوغلی به زبان ترکی آذری ترجمه و تا کنون دو جلد از آن چاپ و منتشر شده است. ترجمه انگلیسی توسط آقای مهندس منصور امینی و در پنج جلد چاپ و منتشر شده است.

ترجمه عربی توسط اینجانب با بهره گیری از کتاب "الامثل "که ترجمه تفسیر نمونه است تهیه شده و به زودی در اختیار علاقمندان قرار خواهد گرفت.این رویکرد و استقبال مرا بر آن داشت تا در سال ۱۳۸۰ بار دیگر آن را مورد مداقه و تجدید نظر قرار دادم و روش اعراب گذاری آیات آن را تغییر دادم، همچنین ترجمه آیات را طبق آنچه به عنوان ترجمه قرآن از آیت الله العظمی مکارم منتشر شده اصلاح کردم و نیز در مقدمه تفسیر آیات، ترجمه و شرح واژه ها را افزودم و اصلاحات فراوانی در متن اصلی نمودم.از سال ۱۳۷۷ در درس خارج فقه آیت الله العظمی تبریزی شرکت کردم و تا کنون ده ها کتاب را تصحیح و ویرایش نمودم که همگی به چاپ رسیده است.امیدوارم تا زنده ام خداوند این توفیق را نصیبم گرداند که به مکتب اهل بیت عصمت و طهارت(ع) خدمت نمایم و شفاعت آن بزرگواران شامل حال من گردد.

علی پور، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین علی پور

محل تولد : فردوس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین علی پور فرزند علی اکبر در سال ۱۳۳۱ در شهرستان فردوس متولد شدم و در سال ۱۳۴۹ پس از دوران تحصیلات ابتدایی در محل تولد به قصد زیارت بارگاه رضوی (علیه السلام) به مشهد مقدس شرفیاب شدم و تحصیلات حوزوی را در جوار ملکوتی حضرت ثامن الحجج علیه السلام آغاز نمودم. در سال ۱۳۵۲ برای تکمیل دروس حوزوی به حوزه علمیه قم در جوار کریمه اهل بیت (علیهم السلام) آمده و تا سال تحصیلی ۱۳۵۵ سطح را با تلاش شبانه روزی به اتمام رساندم و از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۸۰ توفیق حضور در درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی را داشته ام.

علی پور، مسیح

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسیح علی پور

محل تولد : کهگیلویه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۸ در روستایی از توابع استان کهکیلویه و بویراحمد به نام کفش کنان و در خانواده ای مذهبی متولد شدم . در سال های قبل و بعد از انقلاب تحصیلات خویش را در مقاطع ابتدایی راهنمایی و تا سال دوم دبیرستان در همین روستا و روستاهای اطراف سپری نمودم . در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شده و همزمان علاوه بر حضور در جبهه های جنگ تحصیلات حوزوی و رسمی را نیز دنبال نمودم . در سال ۱۳۶۹ وارد دانشگاه شهید بهشتی تهران شده و تا سال ۱۳۷۳ در رشته فلسفه غرب تحصیل نمودم در سال ۱۳۷۶ نیز در مقطع کارشناسی ارشد فلسفه از دانشگاه علامه طباطبایی فارغ التحصیل شدم . در ایام تحصیل در دانشگاه دروس حوزه را نیز مطالعه و مباحثه می کردم حدود ۳ سال در دروس خارج آیات عظام ، مکارم شیرازی ، صانعی ، سبحانی و گرامی شرکت می نمودم . در این اثنا مدتی نیز دروس دانشگاهی را در دانشگاه های پیام نور و علامه تدریس کرده و به کارهای پژوهشی اشتغال داشتم . از سال ۱۳۷۸ مسئول واحد پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و دبیر شورای پژوهشی بودم . در این سال ها راهنمایی و نظارت بر ده ها پروژه علمی اجتماعی و فرهنگی را به عهده داشته و خود نیز مجری پروژههای میدانی فرهنگی و اجتماعی بودم . در سال های اخیر سردبیر نشریه فرهنگی- پژوهشی نامه قم بودم که تا کنون ۲۹ شماره از آن منتشر شده است . همین طور در سال های گذشته سه سال به عنوان پژوهشگر برتر و نمونه استانی معرفی شدم و یک بار نیزبه عنوان کارشناس نمونه استانی.

علی حسینی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی علی حسینی

محل تولد : رفسنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه شدم دروس حوزوی را تا پایان سطح تا سال ۱۳۷۴ به پایان رسانیدم و امتحانات جتبی و شفاهی را به طور کامل پشت سرگذاشته وازآن سال دردرس خارج شرکت کرده ام.ازسال۱۳۷۰تا ۱۳۷۱ به مدت دو سال زبان انگلیسی را به

صورت تخصصی کار کردم و در سال ۱۳۷۳ دوره ایر فروک که اموزش زبان انگلیسی سیستم نیروی هوایی است را پشت سر گذاشتم.در سال ۱۳۷۵ دوره کارشناس علوم سیاسی را آغاز و در سال ۱۳۷۹ به پایان رساندم. همان سال در کنکور کارشناسی ارشد شرکت کرده و موفق به ورود به دوره فوق لیسانس شده و در سال ۱۳۸۲ از پایان نامه خود با نمره عالی ۶۰/۱۹ دفاع کردم. در سال ۸۳ در کنکور دوره دکتری دانشگاه تهران شرکت کردم و موفق به ورود به این دوره شدم و دوره اموزشی دکتری به پایان رسیده و اکنود در مرحله پژوهشی آن یعنی پایان نامه دکتری هستماز سال ۸۲ تا کنون در رشته علوم سیاسی در دانشگاه مفید و برخی مراکز خارج از این دانشگاه مشعول به تدریس دروس علوم سیاسی هستم . علاوه بر آن به عنوان پژوهشگر و کارشناس تحقیقات سیاسی در معاونت پژوهشی دانشگاه مفید مشغول به همکاری و فعلیت هستم.برخی مقالات تا کنون به رشته تحریر در آورده ام و در برخی از مجلات به چاپ رسیده . رخی نیز در حال انتشار است و برخی دیگر در دست تالیف

در برخی از همایش های علمی شرکت داشته ام و به ارایه مقاله پرداخته ام.

دو دوره دبیر کمیته علمی علوم سیاسی همایش های دانشجویی بوده ام و در سال ۸۵ به عنوان دبیر همایش اخلاق به فعالیت پرداخته ام.

علی شیرین پورفرخاد، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فیزیک از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۴۱، کارشناسی ارشد فیزیک از دانشگاه بردو فرانسه در سال ۱۳۴۲، دکترای فیزیک- الکترونیک از دانشگاه بردو در سال ۱۳۴۵.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری علوم دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ابررساناها، تدریس دروس ترمودینامیک، الکترونیک ۱، فیزیک الکترونیک، الکترونیک ۲، الکتریسته و مغناطیس در دانشگاه تبریز، استاد راهنمای یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

ابداع:

مدولاسیون جدید با لیزر.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

انرژی، کشف کیهان، پدیده‌های ارتعاش و انتشار.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

لیزر و کاربرد آن، محاسبه چگالی انرژی در فلزات ایران، مطالعه فرمینگ در مس و آلومینیم.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

علی عسکر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک رقعه از مرقعی، به خط نسخ کتابت خوش، با رقم: «مشقه الاقل الاحقر علی عسکر، فی سنه ۱۱۸۹».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۲۰ / ۴).

علی عسکری، سعیدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید رضا علی عسگری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از دیپلم در سال ۱۳۶۳ و پس از ترمیم برخی مجروحیتها دوران دفاع مقدس و مسائل جبهه و جنگ در آبانماه سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه شدم و دروس مقدماتی را آغاز کردم در سال ۱۳۷۰ به دلیل احساس نیاز و تعهد به مسائل فرهنگی وارد جامعه مدرسین حوزه علمیه و فعالیت در بخش سیاسی فرهنگی را آغاز کردم و در نشریه گزیده ها به مدت دوسال ونیم فعالیت داشتم در سال ۱۳۷۳ جهت کار پژوهشی حدیثی وارد دارالحدیث شدم که تا سال ۱۳۸۳ ادامه داشت در سال ۱۳۷۴ جهت تحصیل و ارتقای سطح دانش ادبیات عرب وارد دانشگاه مجتمع آموزش عالی (پردیس) و در سال ۱۳۷۸ فارغ التحصیل شدم در سال ۱۳۸۲ در رشته کارشناسی ارشد ادبیات عرب وارد دانشگاه آزاد اسلامی شدم و سال ۱۳۸۴ فارغ التحصیل شدم پایان نامه اینجانب راجع به؛ بازخوانی و جنبش جدید کتاب مقاییس اللغه در سال ۱۳۸۵ و با رتبه عالی نمره ۵/۱۹ مورد قبول واقع شده است

علی کرمانی، علیرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. از طایفه‌ی ذوالعلاء یا ذوالقدر و ساکن قلعه عسکر بردسیر کرمان بود. صاحب «ریاض العارفین» (م ۱۲۸۸ ق) که از نزدیک با او ملاقات داشته، او را از طایفه‌ی ذوالعلاء دانسته است. وی از اهل طریقت و در خدمت رونق علیشاه بود. اشعار او بیشتر رباعی است و مضمون عرفانی دارد. اثر وی «دیوان» شعر می‌باشد. از اوست:

یاری که به نیرنگ و فسون مشهور است

و از دیده‌ی اهل حس رخس مستور است

کوران نشناسند جمالش ورنه

صاحب نظران را همه جا منظور است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شاعران کرمان (۳۷۲ -۳۷۱)، حدیقه الشعراء (۱۲۱۹ / ۲)، الذریعه (۷۵۸ / ۹)، ریاض العارفین (۲۶۹)، ستارگان کرمان (۲۷۷ -۲۷۶)، طرائق الحقائق (۲۰۶ / ۳).

علی محمدی، کریم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کریم علی محمدی

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۲/۲۵

زندگینامه علمی

آقای کریم علی محمدی در سال ۱۳۴۰ در خانواده ای با نشاط ، دوستدار خاندان امامت و نبوت در تبریز دیده به جهان گشود. پس از اتمام تحصیلات ابتدائی در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه تبریز شد تا ازمعارف ناب الهی سیراب شود و عطش چندین ساله خود را برطرف سازد غافل از اینکه این عطش او را به دیار قم کشاند پس از ورود به قم ضمن انس با بارگاه ملکوتی کریم اهل بیت حضرت معصومه به جدیت در امر تحصیل حوزوی پرداخت و در سال ۱۳۶۸ به پای درس خارج بزرگان آن زمان نشست و از محضر اساتید معزز حضرات آیات جوادی آملی، مکارم شیرازی و خرازی بهره های علمی ، اخلاقی فراوان برد. در کنار تحصیل از تدریس و پژوهش غافل نماند و آثاری از قبیل شرح خطبه دوم حضرت زهرا سلام الله علیها و پیامبر و عکس العمل مردم در برابر آن را به زیور طبع آراست.

علی مدد، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی علی مدد : در آذرماه ۱۳۱۵ در تهران در خانواده ای متوسط متولد شدم. پدرم، مرحوم ابوالقاسم علی مدد متخلص به قطره، نانوا بود و در عین حال، در مدح و در رثای پیامبر، ائمه و معصومین، مدیحه و مرثیه می سرود و چند کتاب مدایح و مراثی حاصل کار او است. دوران دبستان و دبیرستان را در تهران و در مدارس دولتی گذرانیدم و در سال ۱۳۳۴ دیپلم ریاضی گرفتم. در سال ۱۳۳۷ در مؤسسه علوم اداری دانشگاه تهران پذیرفته شدم و در سال ۱۳۳۹ گواهینامه عالی حسابداری گرفتم. در سال ۱۳۴۳ در مؤسسه عالی حسابداری به ادامه تحصیل در رشته حسابداری پرداختم و در سال ۱۳۴۷ لیسانس گرفتم. در مهر ۱۳۴۷ در دوره فوق لیسانس دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران در رشته اقتصاد مالی پذیرفته شدم و در بهمن ۱۳۴۸ دوره را تمام کردم. در سالهای ۵۷– ۱۳۵۱ به تناوب به انگلستان رفتم و مطالعاتی را انجام دادم که به مدرکی نینجامید. در سال ۱۳۳۵ به عنوان کارمند در بنگاه عمران دهات مشغول به کار شدم و سه سال را در دهات گرمسار کار کردم. در سال ۱۳۳۷ به تهران منتقل شدم و تا سال ۱۳۴۶ مشاغل مختلفی را به عهده داشتم که آخرین آن معاون حسابداری بود. در این سال اداره امور کمکهای اهدایی به طرحهای عمرانی دهات به من محول شد که تا اوایل سال ۱۳۴۷ در بنگاه عمران و سپس در وزارت آبادانی و مسکن ادامه داشت. در اواسط سال ۱۳۴۷ به وزارت علوم و آموزش عالی منتقل شدم و در سمت معاون مدیرکل مالی تا سال ۱۳۵۰ خدمت کردم. در این سال به سمت مدیرکل طرحها و بررسیهای وزارت علوم منصوب شدم که تا سال ۱۳۵۳ ادامه داشت. در این سال با عنوان معاون و قائم مقام رئیس دانشگاه بلوچستان در کار تأسیس و شروع به کار دانشگاه مزبور خدمت کردم که تا سال ۱۳۵۷ ادامه داشت. در سال ۱۳۵۸ به سمت معاون اجرایی وزارت علوم منصوب شدم که تا سال ۱۳۵۹ ادامه یافت و در این سال بازنشسته شدم. در سالهای ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۲ در موسسه عالی حسابداری، مدرس دروس مختلف حسابداری بودم و از آن پس تا سال ۱۳۵۳ در دانشگاه تربیت معلم مامازن و دانشکده مدیریت گیلان به طور پاره وقت تدریس کردم. در سال ۵۷–۱۳۵۶ در دانشکده مهندسی دانشگاه بلوچستان اقتصاد مهندسی درس می دادم. از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۹ در دانشکده حسابداری شرکت نفت، دانشگاه امام صادق و دانشکده تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد، مدرس پاره وقت بودم و از آن سال تا کنون در دوره فوق لیسانس مؤسسه عالی بانکداری ایران سیستمهای حسابداری و حسابداری بانکها را درس می دهم. در سالهایی که در طرح و بررسیهای وزارت علوم کار می کردم بنا به نوع کار، کارهای پژوهشی مختلفی را سرپرستی کردم و در طول سالهای خدمت در بلوچستان مطالعاتی در زمینه وضعیت اقتصادی ـ اجتماعی منطقه و همچنین مطالعاتی در زمینه برنامه ریزی آموزش عالی از دیدگاه توسعه منطقه ای انجام دادم که در تهیه طرح جامع آموزشی آن دانشگاه مورد استفاده قرار گرفت. پس از بازنشستگی از خدمت دولت در سال ۱۳۵۹ از اوایل سال ۱۳۶۰ به عنوان پژوهشگر پاره وقت در مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی به کار پاره وقت پرداختم که تاکنون ادامه دارد. فهرست کتابها

اصول حسابداری ـ جلد ۱، با آقای نظام الدین ملك آرایی، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، سازمان حسابرسی، ۱۳۶۸، سیزدهمین چاپ، ۱۳۸۰

اصول حسابداری ـ جلد ۲، با آقای نظام الدین ملك آرایی، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، سازمان حسابرسی، ۱۳۷۰، هشتمین چاپ، ۱۳۸۰

مبانی و روشهای عمومی حسابداری، با آقای نظام الدین ملك آرایی، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، سازمان حسابرسی، ۱۳۷۴، پنجمین چاپ، ۱۳۸۰

حسابداری پیمانکاری، با آقای نظام الدین ملک آرایی، ویرایش اول ۱۳۶۳، ویرایش دوم ۱۳۷۸، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، سازمان حسابرسی، هشتمین چاپ، ۱۳۸۰

بررسی تحلیلی یا استفاده از تجزیه و تحلیل در حسابرسی، با آقای دکتر فضل الله اکبری، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، سازمان حسابرسی، ۱۳۷۹

اوراق مشارکت: سوابق، مقررات و حسابداری، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، سازمان حسابرسی، ۱۳۸۰

حسابداری استهلاک، با آقای دکتر فضل الله اکبری، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، سازمان حسابرسی ۱۳۷۲، پنجمین چاپ، ۱۳۷۸

گزیده ای از قوانین و مقررات تجاری برای مدیران و حسابداران، با آقای نظام الدین ملک آرایی، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، سازمان حسابرسی، ۱۳۶۴

اقتصاد ایران، تألیف جولیان باری یر، ترجمه، با آقایان تقوی، تیموری و نفیسی، مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی، ۱۳۶۳

استاندارد بین المللی حسابداری شماره ۱، افشای رویه های حسابداری، ترجمه، با آقایان دکتر تقوی و عالی ور، مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی، ۱۳۶۰

استاندارد بین المللی حسابداری شماره ۵، اطلاعاتی که باید در صورتهای مالی افشا شود، ترجمه، با آقایان دکتر تقوی و عالی ور، مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی، ۱۳۶۱

استاندارد بین المللی حسابداری شماره ۹، حسابداری فعالیتهای تحقیق و توسعه، ترجمه، با آقایان گودرزی و تیموری، مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی، ۱۳۶۱

استاندارد بین المللی حسابداری شماره ۱۰، وقایع احتمالی و رویدادهای بعد از تاریخ ترازنامه، ترجمه، با آقای ارباب سلیمانی،

مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی، ۱۳۶۱

استاندارد بین المللی حسابداری شماره ۱۱،حسابداری پیمانکاری، ترجمه، با آقایان ملک آرایی و عالی ور، مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی، ۱۳۶۱

استاندارد بین المللی حسابداری شماره ۱۶، حسابداری اموال ماشین آلات و تجهیزات، ترجمه، با آقایان عالی ور و ملک آرایی، مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی، ۱۳۶۱

استاندارد بین المللی حسابداری شماره ۱۸، شناخت درامد، ترجمه، با آقای ارباب سلیمانی، مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی، ۱۳۶۲

استاندارد بین المللی حسابداری شماره ۲۱، حسابداری آثار تغییرات نرخ ارز، ترجمه، با آقای عباس ارباب سلیمانی، مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی، ۱۳۶۳

استاندارد بین المللی حسابداری شماره ۳۰، موارد افشا در صورتهای مالی بانکها و مؤسسات مالی مشابه، ترجمه، با آقای عباس ارباب سلیمانی، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، سازمان حسابرسی، ۱۳۸۱

رهنمودهای بین المللی حسابرسی: شامل رهنمودهای مقدمه، هدف و دامنه حسابرسی صورتهای مالی، موافقتنامه حسابرسی، اصول بنیادی حاکم بر حسابرسی و گزارش حسابرسی، ترجمه، با آقای عباس ارباب سلیمانی، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، سالهای ۷۰ـ۱۳۶۴

استانداردهای بین المللی حسابرسی: شامل استانداردهای مقدمه، مبانی نظری و قرارداد حسابرسی، ترجمه، با آقای عباس ارباب سلیمانی، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، سازمان حسابرسی، سالهای ۷۶ـ۱۳۷۳

حسابداری کالای امانی، با آقای نظام الدین ملک آرایی، انتشارات پیام، ۱۳۵۳، ویرایش دوم، انتشارات پیشبرد، ۱۳۷۰

اشتباهات و اصلاحات، با آقای نظام الدین ملک آرایی، انتشارات پیام، ۱۳۵۴

جریان وجوه نقد، با آقای نظام الدین ملک آرایی مدرسه عالی مدیریت گیلان، ۱۳۵۴

بخش عمومی و اقتصاد ایران، ۱۳۵۴ منتشر نشده

فهرست اهم مقالات

فرهنگ اصطلاحات حسابداری ، میراث استادان فقید ،مجله حسابرس ، شماره ۲۸،بهار ۱۳۸۴

درآمدی بر اخلاق و آئین رفتار حسابداران حرفه ای ،مجله حسابرس ،شماره ۲۷،زمستان ۱۳۸۳

نگاهی به شیوه تالیف زنده یاد دکتر عزیز نبوی ،مجله حسابرس ،شماره ۲۲،زمستان ۱۳۸۲

استانداردهای حسابداری و نقد حسابداری و گزارشگری مالی در بانکهای ایران، مجله حسابرس ، شماره۲۱ ، پائیز ۱۳۸۲

پژوهشی در ضوابط تجدید ارزیابی دارائیهای ثابت در جهان و مقررات و تجارب تجدید ارزیابی در ایران – مجله حسابرس– شماره ۱۶ – مهر و آبان ۱۳۸۱

شورای جامعه حسابداران رسمی ایران و چالش پیش رو، مجله حسابرس، شماره ۱۲، پاییز ۱۳۸۰

مروری تاریخی بر شکل گیری جوامع حسابداری، مجله حسابرس، شماره ۳، آبان ۱۳۷۸

نگاهی به مبانی نظری، ضرورتها و الزامات تجدید ارزیابی داراییها، حسابداری برق شماره های ۱۹، ۲۰ و ۲۱، بهار، تابستان و پاییز ۱۳۷۸

بحثی کارشناسانه درباره اوراق مشارکت و مسائل آن، مجله پیام امروز، شماره های ۲۶ و ۲۷ مهر و آبان ۱۳۷۷

مروری اجمالی بر روشها و تکنیکهای تحلیل مالی، حسابداری برق، شماره های ۱۲ و ۱۳، تابستان و پاییز ۱۳۷۶

اوراق مشارکت، سرمایه های کوچک برای طرحهای بزرگ، مجله پیام امروز، شماره ۱۵، دی ۱۳۷۵

نگاهی به مبانی نظری سیستمها در توضیح کارکرد سیستم حسابداری، حسابرس: مجموعه مقالات شماره ۲، انتشارات سازمان حسابرسی، زمستان ۱۳۷۳

نگاهی به عوامل نارسایی در بیان اطلاعات حسابداری، حسابرس: مجموعه مقالات، شماره ۱، انتشارات سازمان حسابرسی، تابستان ۱۳۷۲

در تعریف سیستمی سیستم حسابداری، مجله حسابدار، شماره ۸۴–۸۳ نوروز ۱۳۷۱

حسابداری و قانون در ایران، مجله حسابدار، شماره ۸۰ـ۷۹، شهریور و مهر ۱۳۷۰

جوایز علمی

کتاب اصول حسابداری جلدهای ۱ و ۲ تألیف مشترک با آقای نظام الدین ملک آرایی به عنوان کتاب سال ۱۳۷۱ دریافت تقدیرنامه و جایزه از رئیس جمهور

کتاب بررسی تحلیلی یا استفاده از تجزیه و تحلیل در حسابرسی تألیف مشترک با آقای دکتر فضل الله اکبری در نوزدهمین دوره انتخاب کتاب سال به عنوان کتاب درخور تقدیر در سال ۱۳۷۹

دریافت تقدیرنامه و جایزه به مناسبت پژوهشها و خدمات انجام شده از مراجع مختلف از جمله سازمان حسابرسی و وزارت نیرو

عضویت در مجامع حرفه ای

پذیرش در اولین دوره، به عنوان حسابدار رسمی در سال ۱۳۸۰

عضویت در هیئت عالی انتظامی جامعه حسابداران رسمی ایران

علی نقی پور، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد علی نقی پور

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

این جانب احمد علی نقی پور نجف آبادی فرزند محمد حسین ش ش ۴۶۵ ت ت ۱۳۴۱ نجف آباد. در سال ۱۳۸۵ وارد حوزه علمیه نجف آباد شدم و پس از گذراندن بعضی کتاب های مقدماتی در سال ۱۳۵۹ به حوزه علمیه قم راه یافتم و دروس سطح را نزد اساتیدی چون حضرت آیت اله ستوده، وجدانی فر، نظری میانجی و... به پایان رساندم و همراه با درس رسمی حوزوی در درس تفسیر آیت اله جوادی آملی شرکت نمودم و در زمینه فلسفه نیز کتاب های بدایهٔ الحکمه ونهایهٔ الحکمه را نزد آیت اله گرامی و فیاضی خوانده و سپس در درس شرح منظومه حضرت آیت اله انصاری شیرازی وارد شدم و تا پایان آن نزد ایشان شرح اسفار را نیز شاگردی کردم.

پس گذارندن دوره سطح به درس خارج حضرات آیات منتظری، وحید، تبریزی و فاضل وارد شدم و از آنان استفاده کردم در کنار درس های حوزه به خاطر عشق و علاقه ای که به نویسندگی و ادبیات فارسی داشتم دوره هایی در حوزه از طرف دفتر تبلیغات و غیره گذاشته می شد شرکت می کردم و تا حدودی اصول و روش نوسیدگی را آموختم و همواره از هنگام شروع درس خارج به تحقیق در مسائل قرآنی و علوم قرآنی پرداختم.

علیاری تبریزی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۸ -۱۲۶۶ ق)، عالم. وی در روستای علیار تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری علوم عقلی و نقلی، علم رجال، درایه و ریاضیات در نزد پدرش علامه حاج ملاعلی مجتهد علیاری، برای ادامه و تکمیل تحصیلات در ۱۲۹۷ ق به نجف رفت.وی در نجف در نزد فاضل ایروانی و فاضل شرابیانی و آقا میرزا محمدعلی رشتی و حاج‌ملا احمد شبستری و حاج میرزا ابوالقاسم حایری و آقا میرزا لطف‌الله مازندرنی و آقا میرزا محمدعلی حکیم الهی مرندی تلمذ نمود. او از فاضل شرابیانی و ملا احمد شبستری و میرزا ابوالقاسم حجت حایری و میرزا محمدعلی رشتی و آقا ضیاءالدین عراقی و آقت سید ابوالحسن اصفهانی اجازه اجتهاد و روایت گرفت و به تبریز بازگشت. از آثار وی: «احقاق الحق»؛ «نظم البرهان»، در تفسیر قرآن؛ «مجمع المعارف»، در تعیین مواقف، در دو جلد؛ «مشکاه الانوار فی اصول الدین»، در دو جلد؛ «مشکاه الوصول الی علم الاصول»، در پنج جلد؛ «عقاید الایمان»، در شرح «دعای عدیله»؛ «صراط النجاه»؛ «محجه البیضاء»؛ «مواهب السنیه»، در دو جلد؛ «حبل المتین»؛ «جامع السعاده»، در سه جلد؛ «زلال المقال»، در دو جلد؛ «بدائع الاسلام»، در شرح «شرایع الاسلام»؛ «اللآلی المخزونه»، در تفسیر «انا اعطیناک الکوثر»؛ «کنز الغرائب»؛ «مصائب الابرار»،در دو جلد؛ «دلائل الشهاده»، در سه جلد؛ تعلیقات بر «الریاض» و «الرسائل» و «المکاسب» و «القوانین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۶۴ / ۲۱ ،۱۴۰ ،۱۳۹ / ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۱۶ / ۱۴)، علماء معاصرین (۱۸۱ -۱۸۰)، مکارم الآثار (۱۸۲۴ -۱۸۲۳ / ۶).

علیاری تبریزی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۷ -۱۲۳۶ ق)، عالم، فقیه، اصولی، محدث، متکلم، حکیم، ریاضیدان، ستاره‌شناس، ادیب و شاعر. وی در روستای سردرود تبریز به دنیا آمد. پس از فراگرفتن علوم و فنون معموله و متداوله در نزد استادانی چون میرزااحمد آقا مجتهد شبستری و حاج میرزا لطفعلی و میرزا محمد آقای مجتهد به نجف رفت و در آن جا در نزد پنج تن از مشایخ وقت چون: شیخ مرتضی انصاری و میرزای بزرگ شیرازی و حاج سید حسین کوه‌کمری و شیخ راضی و شیخ مهدی تلمذ نمود و به اجازه‌ی اجتهاد و روایت از هریک از ایشان نایل آمد. وی پس از فراگیری علوم به تبریز بازگشت و بی وقفه به تدریس و تألیف و تصنیف مشغول شد. او ریاضیات و «قانون» ابوعلی سینا را علاوه بر درسهای جاری تدریس می‌کرد. شاگردش شیخ محمد حسن سردرودی رساله‌ای در شرح حال استاد خود در ۱۳۳۳ ق نگاشته است. از آثار وی: «بهجه الآمال فی علم الرجال»، که شرحی است بر «زبده‌ی المقال» و «منتهی

الآمـال»، در علم رجال، در پنـج مجلـد؛ «ایضاح الغوامض فی تقسیـم الفرائض»؛ «مشـکاه الوصول فی علم الاصول»، در شـش مجلـد؛ «مناهـج الاحکام فی اصول الفقه»، شـرح مزجی بر «معالم»، در پنـج مجلد؛ «منهاج المله فی تعیین الوقت و القبله»؛ «دلائل الاحکام فی شرح شرایع الاسلام»، در پنج مجلد؛ «ریاض المقاصد»، در شرح قصیده‌ی حسن بن راشد حلی، در مدح صاحب الزمان (عج)؛
شرح «دعـای سـمات»؛ «نهـج الاعلان فیمـا یثبت به دخول رمضـان»؛ «الوافیه»، در شـرح «لغز الکـافیه» شـیخ بهایی؛ «هـدایه الطالبین»، رساله‌ی عملیه؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۸۲ / ۸)، الذریعه (۱۷ / ۲۵ ،۴۱۰ / ۲۴ ،۶۴ / ۲۱ ،۲۵۰ / ۱۳ ،۷۶۰ / ۹ ،۱۶۰ –۱۵۹ / ۳ ،۴۹۶ / ۲)، ریحانه (۱۹۳ –۱۹۲ / ۴)، سخنوران آذربایجان (۱۲۲ –۱۲۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۷۹ –۱۴۷۶ / ۱۴)، علماء معاصرین (۹۷ – ۹۶)، لغت‌نامه (ذیل/ علی علیاری)، معجم المؤلفین (۱۴۰ / ۷).

علیان، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین علیان

محل تولد : فریدن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۷/۲

زندگینامه علمی
در یکی از دهکده های شهرستان فریدن در یک خانواده کارگر متولد شدم و تا کلاس پنجم ابتدائی در آنجا مشغول تحصیل بودم و در سن چهارده سالگی وارد حوزه علمیه نجف آباد اصفهان شدم مقدمات و سیوطی و مغنی و معالم و حاشیه را به اتمام رسانیدم. و سپس در سال ۱۳۴۵ وارد حوزه علمیه شهر مقدس قم گردیدم.
در حوزه علمیه قم در امتحان حوزه در رتبه یک در امتحانات مـدرسه آیهٔ الله گلپایگانی شـرکت کرده و قبول شدم و بعد از دو سال در رتبه دوم نیزشرکت کردم و قبول شدم.
در امتحان رتبه سوم بعـد از شـرکت در امتحان کتبی در فاجعه مرحله دوم مـدرسه فیضـیه بـدست دژخیمان شاه دسـتگیر و به زندان اوین در تهران همراه گروه زیادی از طلاب منتقل شدیم .
بعـد از انقلاب اسـلامی با جهاد سازندگی شهرسـتان فریدن همکاری داشـتم. و همینطور حدود دو سال در تهران با عقیدتی سیاسـی ارتش در پادگان لویزان و پادگان حر در تـدریس همکاری داشتم بعـد از آن مشـغول به تحقیقات در رابطه با فقه آل محمد (ص) شدم و تاکنون حدود شانزده جلد کتاب مقاله با هشت مذهب نوشته ام.

علیان، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین علیان

محل تولد : فریدن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۷/۲

زندگینامه علمی
در یکی از دهکده های شهرستان فریدن در یک خانواده کارگر متولد شدم و تا کلاس پنجم ابتدائی در آنجا مشغول تحصیل بودم و در سن چهارده سالگی وارد حوزه علمیه نجف آباد اصفهان شدم مقدمات و سیوطی و مغنی و معالم و حاشیه را به اتمام رسانیدم. و سپس در سال ۱۳۴۵ وارد حوزه علمیه شهر مقدس قم گردیدم.
در حوزه علمیه قم در امتحان حوزه در رتبه یک در امتحانات مـدرسه آیهٔ الله گلپایگانی شـرکت کرده و قبول شدم و بعد از دو سال در رتبه دوم نیزشرکت کردم و قبول شدم.

در امتحان رتبه سوم بعد از شرکت در امتحان کتبی در فاجعه مرحله دوم مدرسه فیضیه بدست دژخیمان شاه دستگیر و به زندان اوین در تهران همراه گروه زیادی از طلاب منتقل شدیم .

بعد از انقلاب اسلامی با جهاد سازندگی شهرستان فریدن همکاری داشتم. و همینطور حدود دو سال در تهران با عقیدتی سیاسی ارتش در پادگان لویزان و پادگان حر در تدریس همکاری داشتم بعد از آن مشغول به تحقیقات در رابطه با فقه آل محمد (ص) شدم و تاکنون حدود شانزده جلد کتاب مقاله با هشت مذهب نوشته ام.

علیانسب، ضیاءالدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ضیاءالدین علیانسب

محل تولد : آذربایجان شرقی

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای سیدضیاءالدین علیانسب در سال ۱۳۴۵ در خانواده ای پاک، با صفا، مخلص و متعهد در سراب دیده به جهان گشود. پس از پایان موفقیت آمیز تحصیلات متوسطه، به خاطر شوق وافر و تشویق خانواده در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه تبریز شد. پس از مدتی تحصیل در آنجا به حوزه علمیه تهران رفت و در نهایت در حوزه علمیه قم سکنی گزید و در سال ۱۳۷۳ به حلقه درس خارج راه یافت. وی در مدت تحصیل در حوزه علمیه از آسمان پرفیض و برکت حوزه علمیه از ستارگانی همچون مرحوم آیت الله معرفت، مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله سبحانی استاد احمد عابدی کسب فیض علمی و اخلاقی نمود و پس از مدتی تحصیل در قم به زادگاه خویش برگشت و در آن دیاربه تدریس دانشگاهها پرداخت تا مصداق حدیث زیبای «زکات‌العلم نشرها» گردد.و هیچ وقت از امر پژوهش هم غافل نماند و در این راستا آثاری به چاپ رسانده است که کتابهای «صحابه در قرآن» و «جریان شناسی انجمن حجتیه» از جمله این آثار است.

علی‌آبادی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی اهل علی‌آباد مازندران بود، که گاهی شعری می‌سرود. از او است:

شد باز خبردار ز حال من محزون

ای سینه بکش آه که وقت اثر آمد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سفینه المحمود (۶۴۳/۲)، فرهنگ سخنوران (۳۷۲ -۳۷۱).

علی‌آبادی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اساتید و دانشمندان درجه اول علم حقوق در ایران است. او در ۱۲۷۷ در تهران متولد شد. پس از فراگرفتن مقدمات زبان و ادبیات فارسی و علم حقوق، برای ادامه‌ی تحصیل به روسیه رفت و از دانشگاه مسکو درجه‌ی دکترا در حقوق جزا گرفت. سپس عازم فرانسه شد و از دانشگاه پاریس نیز درجه‌ی دکترا در حقوق مدنی دریافت کرد. بعد از مراجعت به ایران، کار خود را از دادگستری آغاز کرد. سالها ریاست اداره فنی و ریاست اداره حقوقی با او بود و مدتی نیز مستشار و رئیس شعبه تمیز شد. در ۱۳۳۰ هنگام خلع ید از شرکت سابق نفت، عضو هیئت مدیره خلع‌ید بود. دکتر علی‌آبادی سرانجام به دادستانی کل کشور منصوب گردید و قریب ده سال در آن سمت باقی ماند تا اینکه در ۷۵ سالگی بازنشسته شد. وی استاد دانشگاه تهران و صاحب تالیفات متعددی در علم حقوق مخصوصا حقوق جزا و حقوق جنائی می‌باشد. سالها در دانشکده‌ی حقوق تهران و دانشکده‌ی پلیس و دانشگاه ملی و دبیرستان دارائی تدریس می‌نمود.

دکتر عبدالحسین علی‌آبادی بحق استاد و حقوقدان بود. در کار قضا بی‌نهایت دقیق و باحوصله و بی‌طرف بود. در زمان دادستانی

کشور خیلی خوب کـار کرد و جلوی بسیاری از تعـدیات و قانون‌شـکنیها را گرفت. اساسا وزرای دادگستری را تحویل نمی‌گرفت. دائما در حال مطالعه و قرائت پرونـده‌ها در روز و شب بود. چون همسـری انتخاب ننموده و تنها زندگی می‌کرد، بیشتر علاقه‌ی او بر محور شـغلش قرار داشت. از مال دنیا بهره‌ای نبرد. در نهایت صـرفه‌جوئی زنـدگی می‌کرد. وی جثه‌ای کوچک و لاغر داشت. برادر وی محمد سـروری مدتها رئیس دیوان عالی کشور بود. در ۱۳۶۶ در تهران درگذشت. در روزهای پایانی سـلطنت محمدرضاشاه به عضویت شورای سلطنت تعیین گردید.

(تو ۱۲۸۱ ش)، نویسنده و استاد دانشگاه. در تهران به دنیا آمد. پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد مدرسه‌ی علوم سیاسی شد. بعـد از پایان تحصـیلات خود در آن مدرسه با اولین دسـته‌ی دانشـجویان اعزامی به خارج به فرانسه رفت و موفق به اخذ لیسانس در رشته‌ی حقوق خصوصی و اقتصاد شد. پس از آن به تحصیل فلسفه پرداخت. سپس به انگلستان مسافرت کرد و در دانشگاه لندن به فراگیری زبـان و ادبیـات انگلیسـی پرداخت و به ایران مراجعت کرد و در دانشـکده‌ی حقوق و دبیرسـتان دارایی به تـدریس اشـتغال ورزید. بعد در وزارت دادگستری به سمت مشاور عالی قضایی اشتغال یافت. اثر وی: «حقوق جنایی».[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۵۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۴۷ -۷۴۶ / ۳).

علی‌آبادی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۸ ش)، مدرس، شاعر و نویسـنده. وی در تهران به دنیا آمد. دوره‌ی متوسـطه را در دبیرسـتان دارالفنون به پایان رسانید و در رشـته‌ی حقوق و علوم سیاسـی به تحصـیل پرداخت و موفق به اخـذ لیسانس شد و دوره‌ی دکترای همین رشـته را در پاریس به اتمام رسانید و به ایران بازگشت. چندی به سمت مستشار استیناف در اصفهان به خدمت اشتغال ورزید و مدتی نیز در کرمان انجام وظیفه کرد و سـپس به تهران منتقل شد و در وزارت دادگستری در سـمتهای مختلف به کار پرداخت و بعد به دانشیاری دانشکده‌ی حقوق منصوب گردید و در همان سال به اسـتادی دانشـگاه تهران انتخاب شد. وی غیر از مقالات و نوشـته‌هایی که در روزنامه‌ها و مجلات به چاپ رسانـده، چند اثر دیگر بطور جداگانه تألیف کرده است که می‌توان «علل شـکست جامعه ملل» را از آن جمله نام برد. شـعر «خاکستر» او نیز شهرت تمام دارد.[۱]

فرزنـد حبیب‌الله، در ۱۲۸۸ ش متولد شد. تحصـیلات ابتدائی را در دبسـتان شـرف و تحصـیلات متوسطه را در دبیرستان دارالفنون به پایان رسانید و سـپس وارد مدرسه‌ی عالی حقوق شد و در سال ۱۳۱۱ در رشته‌ی حقوق قضائی فارغ‌التحصیل گردید. در همان سال از طرف دولت برای ادامه تحصـیلات به اروپا اعزام شد و در رشـته‌ی حقوق و علوم سیاسی ادامه‌ی تحصیل داد و سرانجام در ۱۹۳۹ موفـق بـه اخـذ دکـترای حقـوق پـاریس شـد. پس از بـازگشت به ایران، به اسـتخدام دادگسـتری درآمـد و اولین شـغل قضـائی وی، مسـتشاری استیناف اصفهان بود. پس از چندی با همان سمت به کرمان انتقال یافت و سرانجام دادستان شهرستان کرمان شد. پس از انتقـال به تهران به ریاست اداره حقوقی وزارت دادگستری منصوب گردیـد. در ۱۳۲۳ به عنوان دانشـیار در دانشکده‌ی حقوق تعیین گردید و در ۱۳۲۸ مقام استادی گرفت.

دکتر علی‌آبادی در کابینه‌ی دکتر محمـد مصـدق به معاونت پارلمانی نخست‌وزیر تعیین گردید ولی پس از مدت کوتاهی مستعفی شـد. تالیفات مهمی در رشـته‌ی تخصصـی خود نداشت و رشـته‌ی تدریسـی وی در دانشـکده‌ی حقوق (تاریخ حقوق) و در رشـته‌ی اقتصاد (پول و بانک) بود که آن هم به صورت جزوه‌ای تهیه و سـر کلاس تـدریس می‌کرد. روی‌هم‌رفته اسـتادی سـختگیر و لجوج بود. دکتر محمدحسـین علی‌آبادی علاوه بر تحصـیلات حقوقی، یکی از شعرای خوش‌قریحه معاصر بود و اشعار زیادی از وی انتشار یافت که از جمله آنها قطعه‌ی معروف خاکستر می‌باشد. در سال ۱۳۷۴ در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] چشمه‌ی روشن (۶۷۵ -۶۶۵)، سخنوران نامی معاصر (۲۵۳۱ -۲۵۲۵ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۲۳ -۸۲۲ / ۲).

علیجانی، بهلول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر بهلول علیجـانی در سـال ۱۳۲۵ در تبریز متولـد شـد. تحصـیلاتش را در رشـته جغرافیـا آغـاز کرد از آنجـایی که او دانشـجوی مستعدی بود برای ادامه تحصـیل به آمریکـا عزیمت کرد و موفق شـد دورهٔ فوق لیسانس رشـته جغرافیای طبیعی و دورهٔ دکترا رشـته آب و هواشناسی سینوپتیک را در دانشگاه ایالتی میشیگان به پایان برساند او در سال ۱۳۶۰ به ایران بازگشت و همزمان با بازگشائی دانشگاه ها، در دانشسـرای عالی یزد مشـغول تدریس شد. کتاب"مبانی آب و هواشناسـی "تالیف بهلول علیجانی ، در دوره یازدهم کتـاب سـال جمهـوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنـگ و ارشـاد اسـلامی به عنـوان کتـاب سـال برگزیـده شـد.گروه : علـوم انسانیرشـته : جغرافیاگرایش : رشـته آب و هواشناسـی سینوپتیکتحصـیلات رسمی و حرفه ای : بهلول علیجانی در مهر سال ۱۳۴۸ در رشـتهٔ جغرافیای طبیعی دانشسـرای عالی تهران پذیرفته شد و در سال ۱۳۵۲ مـدرک لیسانس جغرافیا را دریافت کرد. پس از دو سال تدریس در دبیرسـتان های فیروزکوه، در سال ۱۳۵۴ در امتحان اعزام دانشسـرای عالی تهران قبول شد و در خرداد ۱۳۵۵ جهت ادامهٔ

تحصیل در دانشگاه ایالتی میشیگان به آمریکا رهسپار شد. دورهٔ فوق لیسانس را در جغرافیای طبیعی و دورهٔ دکترا را در آب و هواشناسی سینوپتیک به پایان رسانید و در سال ۱۳۶۰ به ایران بازگشت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : بهلول علیجانی پس از اخذ مدرک دکتری آب و هواشناسی سینوپتیک،از آمریکا در سال ۱۳۶۰ به ایران بازگشت. همزمان با بازگشائی دانشگاه ها، در دانشسرای عالی یزد مشغول تدریس شد. مشاغل ایشان در طی این مدت، عبارت بوده است از: تدریس در دانشگاه یزد، معاونت دانشسرای عالی یزد، مدیریت گروه جغرافیا در دانشگاه یزد، تدریس در دانشگاه تربیت مدرس، تدریس در دانشگاه تربیت معلم، معاونت پژوهشی دانشکدهٔ ادبیات، عضویت در هیئت تحریریه مجله و فصلنامهٔ تحقیقات جغرافیائی آستان قدس رضوی و مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تربیت معلم، دبیر اجرائی اولین سمینار بررسی مسائل آموزش جغرافیا در ایران (سال ۱۳۷۲)؛ عضویت در کمیتهٔ جغرافیای سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، عضویت در کمیتهٔ برنامه ریزی جغرافیای شورای عالی برنامه ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی. جوائز و نشانها : کتاب"مبانی آب و هواشناسی "تالیف بهلول علیجانی ، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : ایشان علاوه بر این تألیفات و اجرای چندین طرح تحقیقاتی _ همچون طرح تحقیقی مطالعه اقلیم نوار مرزی با گروه جغرافیای دانشگاه امام حسین و طرح پژوهشی نقش ارتفاعات البرز در توزیع بارندگی _ مقالاتی نیز نوشته و انتشار داده اند که به قرار ذیل است:(بیش از ۱۰ مورد) – علیجانی، ب، ۱۳۷۱، عوامل سینوپتیک، بارش های ایران، مجله دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت معلم تهران. – علیجانی، ب، ۱۳۶۶، رابطهٔ پراکندگی مسیرهای سیکلونی خاورمیانه با سیستمهای هوایی سطح بالا، فصلنامهٔ تحقیقات جغرافیایی شمارهٔ ۴. – علیجانی، ب، ۱۳۶۷، آب و هوا و برنامه ریزی فعالیتهای نظامی، فصلنامهٔ تحقیقات جغرافیایی شمارهٔ ۱۰. – علیجانی، ب، ۱۳۶۹، چگونگی تشکیل فرابار سیبری و اثر آن بر اقلیم شرق ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیائی، شمارهٔ ۱۷. دکتر علیجانی بیش از ۷ مقاله را در سمینارهای داخلی و خارجی ارائه کرده است. وی همچنین دارای دو طرح تحقیقاتی می باشد.

آثار : آب و هوای کر ?زمین ویژگی اثر : جلد دوم، منطق ?برون حاره (ترجمه)؛ سمت (زیرچاپ).۲ اصول عکس های هوائی ویژگی اثر : (تألیف)؛ انتشارات دانشگاه پیام نور۳ درآمدی بر روش ها و فنون میدانی جغرافیا ویژگی اثر : (ترجمه)؛ انتشارات وزارت کشاورزی.۴ مبانی آب و هواشناسی ویژگی اثر : تالیف،این کتاب در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.

علیدوست، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم علیدوست

محل تولد : ابرکوه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابوالقاسم علیدوست در تاریخ ۱۳۴۰ در شهرستان ابرکوه (از توابع استان یزد) متولد شدم.

در سن هفت سالگی به مدرسه رفتم. دوران دبستان را در پنج سال به پایان رساندم. حدود سه الی چهار ماه قبل از پایان یافتن دوران تحصیل در دبستان شوق عجیبی به طلبه شدن و ورود به حوزه علمیه در من پیدا شد. در تابستان همان سال روزی در عبور از مجلس روضه ای به طور اتفاقی با پدرم در آن مجلس شرکت کردیم. واعظ آن مجلس (مرحوم آقای شیخ علی اسلامی) در پایان سخنرانی اظهار داشت که ما تصمیم داریم در شهرستان ابرکوه حوزه ای تشکیل دهیم. در مدرسه ساده ای که به همین منظور ساخته شد ما با ۲۲ نفر دیگر تحصیل را شروع کردیم. (حوزه علمیه ولی عصر عج الله تعالی فرجه الشریف) با توجه به نبود استاد و مدیریت قوی ، عدم مساعدت جو و شرکت برخی افراد بدون ذوق و شناخت، در ادامه از این مجموعه ۱۴ نفر بیرون رفتند و حوزه با ۹ نفر به فعالیت خود ادامه داد. عده ای هم در سال دوم از حوزه بیرون رفتند و در پایان سال دوم ۲ نفر ماندیم. حقیر برای سال تحصیلی ۵۵ –۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه شیراز شدم. در آن جا آیت الله شهید دستغیب (ره) ما را با گرمی پذیرفتند. در مدرسه (ایمانیه) شیراز با مدیریت خود شهید تحصیل را شروع کردم و در درس اخوی ایشان استاد آیت الله سید مهدی دستغیب شرکت کردم. در همان زمان هم نزد حاج آقا سید هاشم (فرزند شهید) در مدرسه حکیم تحصیل می نمودم. با این احوال سال ۱۳۵۵ به شهر مقدس قم مهاجرت کردم. فعالیت سه ساله تحصیلم در ابرکوه و شیراز فقط مرا در سال دوم حوزه علمیه در مدرسه الوندیه از مدارس حضرت آیت الله گلپایگانی نشاند، اما سال ۵۶ –۱۳۵۵ دوم و سوم حوزه و سال بعد چهارم و پنجم و ششم حوزه را جهشی گذراندم. و سه سال مافات گذشته را جبران نمودم. در سال ۵۷ دو جلد شرح لمعه را تمام نمودم و در همان حال ۴۰ تا ۵۰ درصد درسها را خود مطالعه می کردم. دروس رسائل، مکاسب و کفایه را عموما نزد مرحوم آیت الله ستوده تلمذ نمودم و کمی از آن را هم نزد آیات کریمی، جهرمی، و صلواتی گذراندم. که با اتمام سطح همراه بود. سال ۶۰ یا ۶۱ بود که تحصیل دروس خارج را شروع کردم که با ۲ سال درس خصوصی مرحوم آیت الله خاتم یزدی در اصول همراه بود. درس آیات عظام مکارم شیرازی ،

فاضـل لنکرانی ، جـواد تـبریزی و سـبحانی را درک و عمـده دروس خـارج فقـه واصـول را خـدمت حضـرت آیـت الله اسـتاد وحید خراسانی تلمذ نمودم که ۱۱ سال ادامه داشت. فلسـفه را با شـرح منظومه سبزواری خدمت آیت الله گرامی و سپس آیت الله انصاری شیرازی و اسـفار را نزد علمـائی چون مصـباح یزدی، جوادی آملی، حسن زاده آملی، انصاری شـیرازی و محمـدی گیلانی و نکونام تلمذ نمودم. در همان حال بدایه و نهایه راخودم مطالعه نمودم. ابتدای شـروع به تحصـیل ، تدریس را در همان مدارس شـیراز شروع کردم، یعنی کتابی را که تحصیل می کردم، اوایل آن را تدریس می نمودم. این وضع برایم جذابیت خاصـی داشت. بر همین منوال از سال ۶۲ رسـما در مدرسه (المهدی) قم – که زیر نظر حضـرت آیت الله گلپایگانی (قدس سره) اداره می شد تدریس سـیوطی را شروع کردم و این اولین تـدریسم به صورت رسـمی بود. بعـد از آن در مـدارس رسول اکرم (صـلی الله علیه و آله)، رضویه، عترت، معصومیه و . . . درسـهای سـیوطی، مغنی و عموم کتب سـطح را تدریس کرده ام (برخی را ۵ یا ۶ بار) تقریبا ۱۰ سال بعد یعنی سال ۷۱ یا ۷۲ تـدریس رسائل را در مـدرسه حضـرت آیت الله گلپایگانی شـروع کردم و سـپس مکاسب را که تا کنون ۳ دوره تدریس داشته ام. تفسیر را به صورت درس تخصصی از سال ۷۷ در مرکز تخصصـی تفسیر شـروع نمودم. تدریس خارج اصول را در سال ۱۳۷۵ و خارج فقه را در سال ۱۳۸۲ شروع کردم و تا کنون ادامه دارد.

علیزاده سیوکی، امین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آبیاری، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

علیزاده، اکبراسد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اکبر اسد علیزاده

محل تولد : مشکین شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجـانب پس از اتمـام دوره راهنمایی در سال ۱۳۶۱ به حوزه علمیه شهرسـتان اردبیـل وارد شـدم. پس از دو سـال و نیم تحصـیل به جهت موفقیت بیشتر در تحصـیل و اسـتفاده از محضـر اساتیـد مجرب در سال ۱۳۶۴ وارد حـوزه علمیه قم شـدم و دوره سـطوح را از از محضر اساتیدی چون آیات عظام وجدانی فخر، اعتمادی، تبریزی، پایانی و صالحی افغانی بهره بردم.

پس از اتمـام دوره سـطوح در سال ۱۳۷۲در درس خارج فقه و اصول حضـرات آیات مکارم شـیرازی و صالحی مازنـدرانی شـرکت کردم و همزمـان از درس کلام و فلسـفه اسـتاد علامـه جعفر سـبحانی و مصـباح یزدی نیز اسـتفاده می کردم. و در سال ۱۳۷۴ رشته تخصصـی کلام اسـلامی را شروع و در سال ۱۳۷۸ فارغ التحصـیل گردیدم و در حال حاضـر مشغول نوشتن پایان نامه دکترای کلام اسلامی می باشم.

به جهت علاقه فراوان به تألیف و تحقیق، کار تحقیقی خود را از سال ۱۳۷۱ شروع و در حال حاضر بیش از ۶۰اثر تألیفی و تحقیقی اعم از کتاب و مقاله از ما به چاپ رسـیده است. این فعالیت سبب شد در سال ۱۳۸۲ به عنوان پژوهشگر نمونه کشور انتخاب شوم و یکی از کتابهایم (سیاسـتهای فقر زدایی در کلام معصومین علیهم السـلام) در اولین جشـنواره فرهنگی صدا و سیما در سال ۱۳۸۲ به عنوان پژوهش برتر شناخته شود.

علیزاده، عبدالرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرضا علیزاده

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

سال آغازین تحصیل من در هنرستان صنعتی شهر رشت مقارن شد با اعتراض های انقلابی ملت و پس از پیروزی انقلاب و اتمام دوره هنرستان در رشته اتومکانیک با همه علاقه ای که به مباحث مکانیک داشتم و کارنامه های آن دوره گواه آن است ، به فلسفه وتحصیل در علوم حوزوی علاقه مند شدم و در حوزه علمیه رشت که رونق چندانی نداشت به تحصیل پرداختم و به همراه برادر شهیدم (مسعود علیزاده) که از من هم جدی تر و بهتر درس می خواند آغاز کردیم و یک ساله درس های یک سال و نیم حوزه علمیه قم را خواندیم زیرا ما بی وقفه و تعطیلی کار می کردیم ولی وقتی در سال ۱۳۶۲ به حوزه علمیه قم آمدیم دیدیم که ما سیوطی را نباید می خواندیم . ما در رشت جامع المقدمات ، منطق کبری و منطق شهید مطهری ، سیوطی تا باب ابتدا ، کتاب صرف ساده و قسمتی از شرح النظام را در ظرف یک سال خواندیم و آن طور خواندیم که در آنجا جامع المقدمات را تدریس می کردیم . به قم آمدم و چون از جنگ و چند گرفتاری دیگری نمی توانستیم شانه خالی کنیم تا سال ۱۳۶۹ به پایان سطح رسیدم و درس خارج را شروع کردم اما همراه با آغاز تحصیل در دانشگاه دوباره به دروس سطح بازگشتم و قسمتی از مکاسب و کفایه را تکمیل کردم و تعداد درس های حوزوی خود را نیز کم کردم . سال ۱۳۷۱ (حدودا) به درس خارج مشغول شدم (البته غیر از درس هایی که نزد برخی از آقایان به صورت کوتاه مدت گذراندم مانند خارج نکاح نزد آیت الله مشکینی ، خارج قسمت کوتاهی ازاصول نزد استاد آیت الله سبحانی، حدود ۲ سال و اندی در خارج فقه آیت الله سید محمود شاهرودی و ۳ سال درس خارج آیت الله وحید خراسانی و نیز بیش از ۲ سال درس خارج اصول ایشان را شرکت کردم .

از سال ۱۳۶۹ دروس دانشگاهی خود را در رشته حقوق در مجتمع آموزش عالی قم (دانشگاه تهران) شروع کردم و در سال ۱۳۷۳ فارغ التحصیل شدم و سپس در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران به تحصیل فوق لیسانس حقوق خصوصی پرداختم آنگاه وقتی در سال ۱۳۷۶ فارغ التحصیل شدم بلافاصله در دوره دکترای حقوق خصوصی همان دانشگاه پذیرفته شدم و سرانجام رساله دکترای حقوق خصوصی خود را درخصوص حقوق شناسی اجتماعی گذراندم . در سال ۱۳۸۳ فارغ التحصیل شدم و در پردیس قم دانشگاه تهران (همان مجتمع آموزش عالی قم سابق) به عنوان استاد یار حقوق خصوصی استخدام شدم .از سال ۱۳۷۲ در کنار تحصیل حقوق و علوم حوزوی در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه سابق) به تحصیل جامعه شناسی درسطح فوق لیسانس پرداختم و سال ۱۳۷۶ فارغ التحصیل شدم و در آنجا به تحصیل در موضوعات جامعه شناختی پرداختم و حاصل آن شرکت درترجمه کتاب وبر و اسلام (Weber and Islam) و نگارش کتاب جامعه شناسی معرفت بود . کتاب وبردر اسلام در هشتمین دوره کتاب سال دانشجویی رتبه دوم ترجمه را کسب کرد و کتاب جامعه شناسی معرفت تا کنون رتبه تشویقی دبیرخانه دین پژوهان کشور برگزیده کتاب سال دانشجویی (یازدهمین دوره) و نیز برگزیده کتاب سال حوزه به خود اختصاص داده است .

اکنون در گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق پردیس قم دانشگاه تهران رسما به عنوان استادیار حقوق به تدریس دروس اصول فقه (در سطح کارشناس و کارشناسی ارشد) ، مقدمه علم حقوق ، مبانی جامعه شناسی ، جامعه شناسی حقوق ، حقوق کار ، داوری های بین المللی و متون حقوقی به زبان انگلیسی اشتغال دارم .همچنین در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه گروه علوم اجتماعی همکاری دارم و عضو شورای علمی گروه علوم اجتماعی آن پژوهشگاه هستم .در سال های گذشته در مراکزی چون دانشگاه قم ، جامعه الزهراء ، مرکز تخصصی قضا و دانشگاه پیام نور تدریس کرده ام .

علیزاده، غلامحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسین علیزاده

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

اینجانب غلامحسین علیزاده فرزند حجّت بعد از اتمام دوره راهنمایی در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه بابل مدرسه خاتم الانبیاء مشغول به درس شدم و بعد از اتمام ادبیّات عرب و منطق و معالم و قسمتی از کتاب مختصر المعانی در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیّه قم مدرسه المهدی زیر نظر آیه الله العظمی گلپایگانی (قده) به مدت سه سال مشغول به درس بودم بعد از اتمام دو جلد لمعه و اصول فقه در درس رسائل حضرت آیت الله اعتمادی شرکت و در فقه مکاسب حضرت آیت الله بنی فضل و کفایه را از محضر آیت الله فاضل و علوی گرگانی استفاده کردم و درس شرح منظومه از محضر حضرت آیت الله گرامی و فلسفه جلد اول اسفار را از محضر حضرت آیت الله جوادی آملی و شرح اشارات را از حضرت علّامه حسن زاده آملی استفاده کردم . در درس خارج از اساتید معظم حوزه همچون حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی در دوره اصول و در درس خارج فقه در بحث طهاره حضرت آیت الله العظمی تبریزی و همچنین حدود و قصاص و شهادت را از معظم له بهره مند شدم در رجال از محضر حضرت آیت الله زنجانی استفاده

کردم.

در بخشی از الفاظ اصول (خارج) از محضر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی بهره مند شدم . در دوره تخصصی تفسیر زیر نظر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی شرکت کردم و بعد از اتمام و ارائه پایان نامه ، مشغول تحقیق در حوره تفسیر هستم. در ضمن تحصیل و تحقیق همکاری با مؤسسه ولی عصر و مرکز دائره المعارف اسلامی و جامعه الزهراء و دانشگاه آزاد اسلامی برای تحقیق و تدریس داشتم و مقالاتی برای کنگره تمدن دانشگاه علّامه طباطبائی و طرحی برای کنگره اخلاق و عرفان حضرت امام (ره) ارسال نمودم

علیزاده، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن علیزاده

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محسن علیزاده متولد ۱۳۵۲ در شهر اصفهان از دوران دبیرستان در جلسات هفتگی علمی مذهبی شرکت نمودم و کم کم از طریق این جلسات و آشنایی با طلاب حوزه های علمیه اصفهان و قم علاقه به حوزه و طلبگی پیدا کردم – سال ۷۲ وارد حوزه علمیه قم شده و پس از اتمام پایه ۶ حوزوی وارد موسسه امام خمینی شدم و در سال ۸۱ برای مرکز مطالعات و پژوهش های حوزه علمیه قم تا به اکنون پاسخ به سوالات سیاسی و حقوقی داده ام و نیز در طول این سالها مقالاتی را در بازتاب اندیشه به چاپ رسانده ام افزون بر این در سال ۸۱ مدتی به عنوان ویراستار پس از گذراندن دوره های آن در موسسه مشغول شدم و سه سال در کارورزی فقه سیاسی و به مدت حدود شش ماه هم کارورزی معرفی و شناخت اسلام را گذراندم که این دوره ها در تقویت نویسندگی علمی و پژوهشی اینجانب بسیار سودمند بود نیز در سال ۸۵ وارد مقطع کارشناسی ارشد فقه و جزا در موسسه امام خمینی گردیدم و هم اکنون در زمینه پژوهش های مربوط به فقه سیاسی – حقوق زنان و حکومت اسلامی و حقوق جزا مطالعه و تحقیق می نمایم.

علیشاهی، محمدمهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۳۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: مهندسی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی مکانیک از دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۵۶، کارشناسی ارشد مهندسی هوا و فضا از دانشگاه ماساچوست آمریکا در سال ۱۳۵۹ و دکترای مهندسی هوا و فضا از دانشگاه ماساچوست آمریکا در سال ۱۳۶۱.

مرتبه علمی:

استادیار بخش مهندسی مکانیک دانشگاه شیراز از سال ۱۳۶۲، استادیار دانشکده مکانیک صنعتی شریف از سال ۱۳۶۶ تا سال ۱۳۶۷، دانشیار بخش مهندسی مکانیک دانشگاه شیراز از سال ۱۳۶۹ و دانشیار دانشگاه مینه سوتا آمریکا از سال ۱۳۶۹ تا سال ۱۳۷۱.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

حل عددی جریان مافوق صوت غیر خطی در دستگاه مختصات سه بعدی منطبق بر مرز، پیش‌بینی ضرائب آیرودینامیکی اجسام پرنده جبری، شبیه‌سازی آیرودینامیکی تونل بار مافوق صوت، متناوب دمشی، اثرات متقابل جریان سیال تراکم‌پذیر لزج و غیر لزج، تعمیم یک کد کامپیوتری جهت حل جریان پتانسیل کامل مافوق صوت حول ترکیبات بال و بدنه مخروطی، حل عددی جریان پتانسیل حدود صوت حول آیرفویلها، حل عددی معاملات اویلر حول دماغه‌های یخ، شبکه منطبق بر مرز وفق یابنده و کاربرد آن در حل جریان گذر صوتی حول آیرفویلها، تدریس دروس مکانیک سیالات ۱ و ۲، توربو ماشیه، توربین گاز، آیرودینامیک و آیرودینامیک بال و بدنه، مکانیک سیالات عددی پیشرفته، مقاومت مصالح و سیالات قابل تراکم.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

مسائل گوناگون مهندسی مکانیک، ریاضیات، طراحی آیرودینامیک تونل بار مافوق صوت و غیره.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

علیم مروستی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۱ ش)، پزشک، استاد دانشگاه. تحصیلات متوسطه را در کرمان و پزشکی را در ۱۳۱۸ ش در دانشکده پزشکی تهران به باپان رساند و پایان‌نامه‌ی خود را در باب «درمان ذات الجنب چرکی» نگاشت و پس از فراغت از تحصیل وارد خدمت شد و مشاغل ذیل را عهده‌دار گردید. دانشیاری کرسی بیماریهای گوش و حلق و بینی، ریاست بخش بیماریهای گوش و حلق و بینی در بیمارستان امیر اعلم. از آثار وی: «امراض حلق و بینی و حنجره»؛ «اندازه‌گیری شنوایی و فواید آن». وی بیمارستانی در تهران تأسیس کرد که به نام خو او شهرت یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۵۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۴ -۶۸۳ / ۴).

علیمرادیان، عزیزاللَّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عزیزاللَّه بن المرحوم حاج کریم علیمرادیان نهاوندی از علماء اعلام معاصر این شهرستانست.

وی در تاریخ هشتم شوال ۱۳۲۵ قمری در بلده نهاوند متولد شده و پس از تکمیل دروس فارسی و مقدماتی در سال ۱۳۴۳ قمری به قم مشرف شده در حوزه علمیه قم دروس و سطوح اولیه و وسطی و نهائی را در نزد اساتید بزرگ حجج اسلام و آیات عظام چون مرحوم حجهٔالاسلام آقا سید مهدی کشفی و مرحوم حجهٔالاسلام حاج میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ حسن فاضل و مرحوم آیت‌اللَّه آقاشیخ محمدعلی حایری قمی و آیت‌اللَّه حاج سیداحمد خونساری و آیت‌اللَّه آقاشیخ محمدعلی اراکی و آیت‌اللَّه حاج سید محمدرضا گلپایگانی فراگرفته و ۴ سال از درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه مؤسس حاج شیخ عبدالکریم یزدی استفاده نموده.

و پس از فوت معظم‌له از درسهای خارج آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی خونساری و مرحوم آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه صدر استفاده و حظ وافر برده و در سال ۱۳۶۲ به نهاوند مراجعت و متصدی امور شرعیه آن شهرستان شده و تاکنون به انجام وظائف امور دینیه و اقامه جماعت و تعمیر مساجد و امکنه مقدسه من جمله مدرسه علمیه جدید البناء و تربیت عده‌ای از محصلین علوم دینی گردیده و فعلا حدود سی نفر از آنها در حوزه علمیه قم اشتغال به تحصیل دارند و چند نفر از آنها به درجات عالیه علمی نائل و قریب‌الاجتهاد می‌باشند و در علوم رسمی فقه و اصول و غیرها جزواتی به رشته تحریر درآورده‌اند.

مؤلف گوید مترجم معظم از علماء متین و مبرز می‌باشند قریب چهل سالست آشنائی کامل با ایشان دارم از غالب آیات عظام گذشته چون مرحوم آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللَّه خونساری معاصر و گذشته و آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللَّه العظمی مرعشی نجفی و دیگران اجازه اجتهاد و روایتی و غیره دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

علیمردانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشه: خاک‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی کشاورزی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۲، دکترای زمین‌شناسی (خاک‌شناسی) از فرانسه در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده علوم اصفهان از سال ۱۳۴۷ تا سال ۱۳۵۳، دانشیار دانشکده علوم اصفهان از سال ۱۳۵۳ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پژوهشی بر حوضه رسوبی خلیج‌فارس، تدریس دروس رسوب‌شناسی، خاک‌شناسی و رسوب‌شناسی پیشرفته در دانشکده علوم دانشگاه اصفهان.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

مطالعه خاک، زمین‌شناسی رسها و ژئودینامیک از نظر رسوب‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

مطالعه چندین نوع از کانیهای رسوبی، مطالعه رسوب‌گذاری مواد کربنی، بررسی تحول ژئوشیمیایی رسوبات کربنات.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

علینی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علینی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد علینی در سال ۱۳۴۳ در تهران به دنیا آمدم. تحصیلات کلاسیک خود را تا مقطع دیپلم در شهر قم ادامه دادم. با وجود قبولی در دانشگاه تهران و مرکز تربیت معلم لویزان در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شدم. دروس سطح خود را نزد اساتیدی همچون ایوبی، نکونام، عراقچی، علیدوست، و مرحوم پایانی گذراندم. پس از اتمام سطح در درس خارج اصول مرحوم آیت الله صالحی مازندرانی و خارج فقه آیت الله جوادی آملی شرکت نمودم.از سال ۱۳۷۰ به جهت علاقه به کار با کودک و نوجوان که به نظرم زیر بنای کار فرهنگی در جامعه محسوب میشود وارد مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم به ریاست حاج آقا راستگو شدم.

بعد از گذراندن دوره عمومی و تخصصی مرکز وارد گروه تحقیقاتی معارف زیر نظر حاج آقا کبیر شدم و بر روی آثار شهید مطهری کار نمودم. در ضمن وارد گروه تحقیقاتی روان شناسی زیر نظر استاد مهاجرانی شدم و روان شناسی رشد و شخصیت را فرا گرفتم و به تدوین جزوه همراه با سایر دوستان مرکز پرداختم. علاوه بر تحقیق و پژوهش در زمینه های معارف ، روان شناسی ، تعلیم و تربیت، احکام، مسائل اجتماعی و ... به تدریس در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در ایام تابستان در قم و شهرستان ها در مراکز فرهنگی مشغول می باشم.

همچنین در تدوین کتاب های ره توشه راهیان نور در مقطع ابتدایی و راهنمایی با سایر دوستان محقق و نویسنده از سال ۱۳۷۶ همکاری نزدیک دارم و مسئول هیات تحریریه در مرکز تربیت مربی می باشم. در سال ۱۳۷۹ در کنار دروس حوزوی و تحقیق و پژوهش به تحصیل در رشته علوم اجتماعی گرایش پژوهشگری در دانشگاه باقر العلوم علیه السلام پرداختم. علاوه بر تحقیق و پژوهش و نویسندگی در زمینه کودکان و نوجوانان و حضور در درس تفسیر آیت الله جوادی آملی به پژوهش و نویسندگی در زمینه مسائل جامعه شناسی اشتغال دارم که امیدوارم با عنایت ویژه خداوند و اهل بیت عصمت و طهارت بتوانم در خدمت اسلام و جامعه اسلامی باشم. لازم به ذکر است از سال ۱۳۸۴ در مقطع کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام اشتغال به تحصیل دارم. همچنین از ابتدای سال۱۳۸۵ در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی با عنوان پژوهشگری در دفتر مطالعات و تحقیقات فرهنگی و اجتماعی مشغول می باشم.

عماد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بخش ۱) (میر) محمد بن حسین حسنی سیفی قزوینی ملقب به عمادالملک و مشهور به میر، خطاط معروف ایرانی (و. قزوین حدود

۹۶۱- مقت. ۱۰۲۴ ه.ق.). وی مقدمات علوم و خط را در قزوین آموخت و سپس سفری به تبریز و کشور عثمانی و حجاز کرد و آنگاه به ایران بازگشت و در دربار شاه عباس اول به کار مشغول شد. مردی آزادمنش و به امور مادی و مناصب درباری بی‌اعتنا بود. وی را به تسنن متهم کردند و شاه عباس مقصود بیگ مسگر قزوینی- رئیس شاهسونان قزوین را مأمور قتل او کرد و او با گروهی در کوچه‌ای تاریک بر سر میرعماد ریختند و او را قطعه قطعه کردند. جنازه او را در مسجد مقصود بیگ واقع در دروازه طوقچی به خاک سپردند. میرعماد بزرگترین و معروفترین نویسنده خط نستعلیق به شمار می رود.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عماد السلطان جهرمی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، خطاط. وی از دوره‌ی ناصرالدین‌شاه قاجار تا ۱۳۲۰ ق در دفتر استیفا انجام خدمت می‌کرد و جز نستعلیق، شکسته را نیز خوش می‌نوشت و از حسابداری سررشته داشت و خط سیاق را به کمال می‌دانست. از آثار او: یک نسخه منتخبات «گلستان»، به قلم نیم دو دانگ خوش بلکه عالی، با رقم: «در سن ده سالگی... برشته نگارش درآورد... سنه‌ی ۱۳۰۵»؛ یک نسه منتخبات اشعار حافظ، به قلم کتابت خوش، با رقم: «... محمود بن مصطفی الموسوی المستوفی، در سن سیزده سالگی به رشته نگارش درآورد، فی شهر صفر ۱۳۰۷».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۸۳ -۸۸۲ / ۳).

عماد الشریعه، ابوالحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سیّد عباس، از احفاد میر محمّد اشرف که پس از این شرح حالش نگاشته خواهد شد.

عالم فاضل، در خدمت آخوند کاشی، و ملّا عبدالکریم جزی، و آقا سید محمّد درچه‌ای، و آقا سید حسن مشکان طبسی (تولد حدود ۱۲۹۰ فوت شب سه شنبه ۱۸ ربیع الاول ۱۳۶۸ در طهران) و غیره تحصیل نموده، در سال ۱۳۶۱ قمری به سنّ متجاوز از هفتاد در قریه خوزان مولد و موطن خویش وفات یافته، در مقبره امام زاده سید محمّد مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عماد الکتاب، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۵ -۱۲۴۰ ش)، خطاط، نقاش و شاعر. ملقب به عمادالکتاب. در طایفه‌ی سیفی قزوینی، در قزوین به دنیا آمد و بیشتر عمرش را به نوشتن و تعلیم خط گذرانید.وی ابتدا خوشنویسی را با نسخ‌نویسی آغاز کرد و سپس به خط نستعلیق روی آورد و پیرو شیوه‌ی میرزا رضای کلهر شد، طوری که او را به عنوان کامل‌کننده‌ی شیوه کلهر نام می‌برند. عمادالکتاب نه تنها در خط نسخ و نستعلیق استادی توانا بود،بلکه شکسته و ثلث را نیز در کمال زیبایی می‌نوشت و با نقاشی سیاه‌قلم و آبرنگ نیز آشنایی داشت. عماد الکتاب با کمیته‌ی مجازات همکاری داشت و تحریرات بیانیه‌های کمیته به خط او بود. وی قبل از دوره‌ی مشروطیت جزو کاتبان وزارت انطباعات و در دوره‌ی سلطنت احمدشاه قاجار، مدتی در وزارت داخله، منشی و همان اوقات معلم مشق خط سلطان احمدشاه نیز بود. در چند سال اواخر عمر نیز در دربار پهلوی سمت خوشنویسی مخصوص داشت. وی قریحه‌ی شاعری نیز داشت و گاهی شعر می‌سرود. آثار خوشنویسی عماد الکتاب قطعات مختلف سیاه‌مشق است. همچنین یک دوره «رسم المشق» که برای نوآموزان دبستانها و دبیرستانها تألیف کرد و به چاپ رساند. وی شاگردان بسیاری داشت، از جمله علی منظوری، ملک الخطاطین، حسن زرین‌خط، علی‌اکبر کاوه و ابراهیم بوذری که هر یک به مقام استادی رسیده‌اند. عمادالکتاب در تهران می‌زیست و در همان جا درگذشت و در امامزاده عبدالله دفن شد. از دیگر آثار او: کتیبه‌ی سردر مدخل سپهسالار و لوحه‌ای بر آرامگاه فردوسی در طوس؛ یک نسخه «شاهنامه‌ی» فردوسی در ۱۳۳۶ ق؛ یک نسخه «نامه‌ی دانشوران» ناصری در ۱۳۱۸ ق؛ نسخه‌ی نفیس «ترجیع‌بند» هاتف. از دیگر قطعات وی در «احوال و آثار خوشنویسان» به آنها اشاره شده است. از آثار نقاشی وی: تصویر یکی از حواریون حضرت مسیح که به خط شکسته و تعلیق زیبا، با رقم: «در ماه رضمان هزار و سیصد و سی... العبد عماد السیفی قزوینی»؛ تصویر سیاه‌قلمی کریم‌خان زند که کلاه مخصوصی به سر نهاده است؛ تصویر دستی که طرز صحیح قلم به دست گرفتن و خط نوشتن را نشان می‌دهد...، با رقم: «عماد السیفی»؛تصویر خود نقاش به سیاه قلم...، با رقم: «صورت عماد المتاب سیفی که به دست خود ساخته است».[۱]

(ع. تکیه‌گاه کاتبان) (میرزا) محمد حسین سیفی قزوینی، خطاط معروف (و. ۱۲۴۵ ه. ش.- ف. تهران ۱۳۱۵ ه.ش.). وی در کمیته

مجازات عضویت داشت و در آخر عمر به خدمت دربار درآمد. در خط نستعلیق استاد بود و ثلث و شکسته را هم نیکو می‌نوشت و از نقاشی آب و رنگ هم اطلاع داشته و شعر نیز می‌سروده. از آثار او یک دوره «رسم‌الخط» به طبع رسیده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۲] احوال و آثار خوشنویسان (۷۰۰ -۶۹۷ / ۳)، احوال و آثار نقاشان (۷۰۷ -۷۰۶ / ۲)، اطلس خط (۵۹۵ -۵۹۴)، تاریخ برگزیدگان (۴۷۲ -۴۷۰)، تاریخ هنرهای ملی (۱۰۲۳ -۱۰۲۱ / ۲)، تذکره خوشنویسان معاصر (۳۳ -۲۷)، دایرةالمعارف فارسی (۱۷۶۷ / ۲)، شرح حال رجال (۳۸۳ -۳۸۲ / ۳)، قزوین در گذرگاه هنر (۲۵۰ -۲۴۷)، گلستان هنر (بیست و یک).

عماد جوینی، شیخ الشیوخ، ابوالفتح عمر

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۳۶ -۵۸۱ ق)، محدث، فقیه و مدرس. در دمشق به دنیا آمد و در مصر نشوونما یافت. وی از اثیر ابن بنان و شهاب غزنوی حدیث شنید. وی بعد از پدرش عهده‌دار تدریس در قبه شافعی و مشهد الحسین و مشیخه السعدیه یا مشیخه الشیوخ مصر شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۹۹ -۹۷ / ۲۳)، شذرات الذهب (۱۸۱ / ۵)، العبر (۲۲۸ / ۳)، النجوم الزاهره (۲۷۸ / ۶).

عماد خراسانی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عمادالدین حسنی برقعی ، معروف به عماد خراسانی شاعر مشهور خراسان در سال ۱۳۰۰ و در مشهد به دنیا آمد و از دوازده سالگی سرودن شعر را آغاز کرد, در جوانی" شاهین "تخلص می کرد. سپس تخلص " عماد "را برگزید. او زندگی سراسر عاسقانهیی داشت و همین عشق و شوریدگی غزلهای او را بر سر زبانها انداخت. عماد یک بار در زندگیاش ازدواج کرد اما همسرش هشت ماه بعد درگذشت. او از سال ۱۳۳۱ در تهران ساکن شد و تا آخر عمرش تنها زندگی کرد. «مهدی اخوان ثالث» که یکی از دوستان صمیمی عماد بود در مقدمهیی بر کتاب «ورقی چند از دیوان عماد» شرح حال و زندگی کاملی از عماد را نوشته است که این کتاب تاکنون بارها با همان مقدمه تجدید چاپ شده است. پرویز خائفی یکی از غزلسرایان معاصر، عماد خراسانی را یکی از معتبرترین چهرههای غزل معاصر دانسته و گفت: در دورهیی که غزل در ادبیات ما شرایط خاصی داشت و به سکون و سرگردانی رسیده بود، «محمد حسین شهریار» ، «حسن رهی معیری» و «عماد خراسانی» هر کدام با زبان و بیان خاص خودشان در پی غزل اصیل و سنتی رفتند. در ضمن اینکه عماد با حفظ ساختار و استحکام شعر کهن، حالاتی را ارایه میدهد که قابل توجه است و درد جامعه امروز را میشناسد. خائفی درباره زندگی و شعر عماد گفت: نکته مهم در غزل عماد، تجلی دردها، ناراحتیها و سرخوردگیهایی است که او در زندگیاش با آنها روبرو بوده است. او اصالت غزل را حفظ میکرد و هیچ وقت از روی تفنن غزل نگفته است ، بلکه مفهوم غزل یعنی عشق و دوست داشتن را شناخته وبه کار میبرد. خائفی کار عماد را بالاتر از شهریار دانست و گفت: شهریار تراش خاص زبان فارسی را گاهی اوقات رعایت نمیکرد، ولی زبان عماد شفاف و تراش داده شده است. حسین منزوی نیز غزل عماد را غزلی بینابین دانسته و گفت: غزل عماد ضمن اینکه به ارزشهای کلاسیک پایبند است، از برخی فضاها و اصولهای تازه هم خالی نیست. غزل عماد عاشقانه است و کمتر از مضامین فلسفی و اجتماعی استفاده کرده است. منزوی گفت: غزل عماد، غزل و تغزل و حدیث نفس است. البته طبیعی است که در سن و سال پیری مانند همه به شکایت از دنیا و مسائل آن بپردازد، اما غزل او مانند غزل سایه و یا نیستانی نیست که علاوه بر طرح مضامین شخصی و عاطفی، به مشکلات اجتماعی و مسائل زمانه نیز بپردازد. عماد خراسانی شاعر معاصر ایرانی صبح سه شنبه ۲۸بهمن پس از یک دوره بیماری در ۸۲ سالگی در تهران درگذشت. نمونه‌ای از غزل‌های عماد خراسانی ـ غزلسرا و تصنیف‌سرای معاصر: پیش ما سوختگان، مسجد و میخانه یکیست حرم و دیر یکی، سبحه و پیمانه یکی است اینهمه جنگ و جدل حاصل کوته‌نظریست گر نظر پاک کنی، کعبه و بتخانه یکیست هر کسی قصه شوقش به زبانی گوید چون نکو می‌نگرم، حاصل افسانه یکیست اینهمه قصه ز سودای گرفتارانست ورنه از روز ازل، دام یکی، دانه یکیست ره هرکس به فسونی زده آن شوخ ار نه گریه نیمه شب و خنده مستانه یکیست گر زمن پرسی از آن لطف که من می‌دانم آشنا بر در این خانه و بیگانه یکیست هیچ غم نیست که نسبت به جنونم دادند بهر این یک دو نفس، عاقل و فرزانه یکیست عشق آتش بود و خانه خرابی دارد پیش آتش، دل شمع و پر پروانه یکیست گر به سرحد جنونت ببر عشق عماد بی‌وفایی و وفاداری جانانه یکیست

منابع زندگینامه :پایگاه یاد یار

عماد خراسانی، نسرین دخت

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

نسرین دخت عماد خراسانی در سال ۱۳۲۷در تهران متولد شد .ایشان تحصیلاتش را در رشته علوم سیاسی دانشگاه تهران آغاز کرد

.او تحصیلات خود را در رشتهٔ علوم کتابداری در مقطع کارشناسی ارشد در همان دانشگاه ادامه داد و بعد از اتمام تحصیلات برخی دوره های تخصصی سیستم های اطلاع رسانی را نیز در کشورهای ایتالیا و ژاپن گذراند.وی در حال حاضر رئیس بخش اطلاعات وانتشارات مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی در وزارت کشاورزی می باشد. کتاب "فهرستگان کشاورزی ایران" تالیف سیمین دخت عماد خراسانی ، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانی رشته : کتابداری گرایش : سیستم های اطلاع رسانی تحصیلات رسمی و حرفه ای : نسرین دخت عماد خراسانی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در رشتهٔ علوم سیاسی دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت و پس از اخذ درجهٔ کارشناسی، تحصیلات خود را در رشتهٔ علوم کتابداری در مقطع کارشناسی ارشد در همان دانشگاه ادامه داد و بعد از اتمام تحصیلات برخی دوره های تخصصی سیستم های اطلاع رسانی را نیز در کشورهای ایتالیا و ژاپن گذراندمشاغل و سمتهای مورد تصدی : نسرین دخت عماد خراسانی ۲۷ سال است که در وزارت کشاورزی به خدمت اشتغال دارد و علاوه بر آن در مراکز مختلف علمی نیز در دوره های کوتاه مدت، به تدریس کتابداری پرداخته است. وی در حال حاضر رئیس بخش اطلاعات وانتشارات مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی در وزارت یاد شده می باشد.جوائز و نشانها : کتاب "فهرستگان کشاورزی ایران" تالیف نسرین دخت عماد خراسانی ، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.آثار : آموزشهای مذهبی در ادبیات کودکان و نوجوانان ویژگی اثر : (ویژه نامه نمایشگاه بین المللی کتاب)۲ خدمت اطلاع رسانی کشاورزی در ایران: یک تجربه ویژگی اثر : مقاله،(نشر کتابداری دانشگاه تهران)۳ فهرستگان کشاورزی ایران ویژگی اثر : تالیف،این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب:«فهرستگان کشاورزی ایران»: فهرستگان کشاورزی ایران (۵ جلد)؛ زیرنظر نسرین دخت عماد خراسانی؛ تهران: وزارت کشاورزی، مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۷۲. برای هرگونه پژوهش علمی در زمینه های گوناگون کشاورزی، شناخت و ارزیابی پژوهش های انجام شده در گذشته ضروری است. فهرستگان کشاورزی ایران – شامل کلیه منابع فارسی و غیرفارسی، اعم از کتاب، مقاله، پایان نامه و گزارش مربوط به کشاورزی ایران از دوران قدیم تا سال ۱۳۶۹ – با چنین منظوری تدوین شده و برای نخستین بار است که بدین صورت جامع منتشر می شود. این کتاب در پنج مجلد به شرح زیر تنظیم شده است: جلد اول، مقدمه، کتابها، اسناد و مدارک. جلد دوم، کتابها، اسناد و مدارک. جلد سوم؛ مقاله ها و پایان نامه. جلد چهارم؛ آثار کشاورزی به زبانهای غیرفارسی. جلد پنجم؛ نمایه ها. دسته بندی فوق به گونه ای است که هماهنگی و انسجام مطالب را تضمین کرده است. «فهرستگان کشاورزی ایران» در حکم ابزاری مطمئن است که از طریق آن پژوهشگران می توانند به منابع موجود دسترسی یابند.

عماد زوزنی، عمادالدین

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، شاعر. از زبان‌آوران و بزرگان زوزن خواف خراسان بود. وی مدح طغانشاه بن آلب‌ارسلان (م ۴۶۵ ق) می‌گفت و برحسب ارشاد امام محمد غزالی (م ۵۰۵ ق) ترک دنیا کرد و به تصوف گرایید. عمادالدین در سخنوری شاگرد سید حسن عزنوی (م ۵۰۵ ق) بود و با علی باخرزی مشاعره داشت. در «نفحات الانس» و «ریحانه» وی از شعرای قرن هشتم به حساب آمده است. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۳۹۶-۳۹۵ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۲)، تذکره الشعراء (۸۲-۸۱)، حبیب السیر (۵۴۳ / ۳)، الذریعه (۷۶۶ / ۹)، ریحانه (۲۰۲ / ۴)، لغت‌نامه (ذیل / عمادالدین زوزنی)، مجمع الفصحا (۸۹۴-۸۹۲ / ۲)، نفحات الانس (۸۸۲-۸۸۱).

عماد شیرازی، میر عمادالدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از سادات شیراز بود و در خراسان می‌زیست. عمادالدین از نزدیکان سلطان حیدرمیرزا (م ۹۸۴ ق)، پسر شاه‌طهماسب، به شمار می‌رفت و غزل را نیک می‌گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۵۶۷)، تاریخ نظم و نثر (۶۸۶)، تذکره‌ی مرآت الفصاحه (۴۲۷-۴۲۶)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۱۴ / ۳)، الذریعه (۷۶۶ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۵۳).

عماد طاهری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۶۴ ش)، خطاط. در تهران به دنیا آمد. پس از کسب علوم متداول عصر خویش، به نزد محد حسین خوشنویس‌باشی رفت و به تحصیل قواعد و رموز خط نستعلیق همت گماشت. او همچنین این هنر را در نزد استادان دیگر نیز دنبال کرد و در خوشنویسی مهارت کامل یافت. طاهری در جوانی به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در ۱۳۲۲ ش بازنشسته شد. ابراهیم بوذری از جمله شاگردان وی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره خوشنویسان معاصر (۱۰۶ -۱۰۵).

عماد فقیه کرمانی، عمادالدین علی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۷۳ ق)، عارف و شاعر، متخلص به عماد. معروف به خواجه عماد فقیه و ملقب به شیخ الاسلام. وی معاصر حافظ و از مداحان آل‌مظفر و مخصوصا شاه شجاع بود. از جمله آثارش: مثنویهای: «صحبت‌نامه»؛ «محبت‌نامه»؛ «ده‌نامه»؛ «صفانامه» یا «مونس الابرار»؛ «طریقت‌نامه». التبه این مثنویها به همراه قطعات، غزلیات و رباعیات عماد در مجموعه‌ی «کلیات» وی جمع شده است.[۱]

(خواجه) عمادالدین کرمانی متخلص به عماد، فقیه و زاهد و شاعر معروف (ف. ۷۷۳ ه.ق.). وی در عهد امیر مبارزالدین و شاه شجاع در کرمان محترم می‌زیست و هر دو پادشاه نسبت به او اخلاص و ارادت داشتند. عماد در کرمان خانقاهی داشت و به سرودن شعر نیز می‌پرداخت. از آثار او دیوان غزل وی و پنج مثنوی (صحبت‌نامه صاحبدلان، طریقت‌نامه) را باید نام برد. بعضی نوشته‌اند که وی گربه‌ای تربیت کرده بود به طوری چون وی نماز می‌گذارد وی بدو اقتدا می‌کرد و همین مورد توجه خلق و از جمله شاه شجاع و حافظ به تعریض اوست که می‌گوید:

«صوفی نهاد دام و سر حقه باز کرد

آغاز مکر با فلک حقه باز کرد»

«بازی چرخ بشکندش بیضه در کلاه

زیرا که عرض شعبده با اهل راز کرد»

«ای کبک خوش خرام کجا می‌روی؟ بایست

غره مشو که گربه عابد نماز کرد».

ولی صحت این داستان مورد تردید فاضلانست، چه در مدارک قدیم و معتبر این روایت نیامده، و از سوی دیگر «گربه عابد» و «گربه روزه دار» (یا گربه صائم) مثل بوده است. بعضی غزلیات حافظ و عماد نزدیک به یکدیگر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۶۳۲ -۶۲۴ / ۲)، از سعدی تا جامی (۳۴۴ -۳۴۰)، بهارستان جامی (۱۱۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۹۵ -۹۸۵ / ۳)، تذکره الشعراء (۲۸۶ -۲۸۲)، حبیب السیر (۳۱۵ / ۳)، دایره‌المعارف فارسی (۱۷۶۸ / ۲)، الذریعه (۷۶۷ -۷۶۶ / ۹)،ریاض العارفین (۱۱۰ -۱۰۹)، شخصیت‌های نامی (۳۴۴)، طرائق الحقائق (۶۸۱ -۶۸۰ / ۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۵۰)، فرهنگ سخنوران (۶۵۴).

عماد لر، عمادالدین فضلوی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، شاعر. وی از شعرای عصر اباقاخان و از ملازمان خواجه شمس‌الدین صاحب دیوان بود. از طایفه فضلویه از مردم لرستان و یکی از معروفترین شاعران دربار سلجوقیان روم و بیشتر مداح ملک غیاث‌الدین مسعود بن کیکاووس (۶۹۷ -۶۸۱ ق) بوده است. «تاریخ گزیده» رساله‌ای در شکایت اخوان و ذم زمان به او نسبت می‌دهد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۰ / ۱)، تاریخ گزیده (۷۴۱)، تاریخ نظم و نثر (۷۵۱)، حبیب السیر (۱۱۷ / ۳)، الذریعه (۷۶۸ / ۹)، تذکره‌ی روز روشن (۵۶۶)، فرهنگ سخنوران (۶۵۴ / ۲)، مجالس النفائس (۳۴۳).

عماد محلاتی، مسعود

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط. از خوشنویسان اقلام شش‌گانه بود که نستعلیق را نیز نیکو می‌نوشت. از آثار وی: قطعه‌ای به قلم نستعلیق کتابت خوش، با رقم: «العبد... عماد المحلاتی، من بعد سبعین، سنه ۸۹۰».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۴۰ / ۲).

عماد، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی شیمی از هنرسرای عالی تهران در سال ۱۳۳۶، کارشناسی ارشد روش تدریس شیمی از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۴۲، کارشناسی ارشد شیمی از دانشگاه آیداهو آمریکا در سال ۱۳۴۷، دکترای شیمی معدنی از دانشگاه ایالتی مونتانا آمریکا در سال ۱۳۵۰ و فوق تخصص شیمی آلی فلزی از دانشگاه ماساچوست آمریکا در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده شیمی دانشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تهیه TiO_2 از ایلمنیت، تدریس دروس شیمی عمومی، شیمی معدنی، شیمی آلی فلزی در دانشگاههای مشهد و تربیت معلم.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

پیشرفتهای شیمی معدنی و شناسایی ترکیبات شیمی آلی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

کمپلکس‌های مس I، کمپلکس‌های عناصر واسطه، تشکیل و ساختمان مولکولی سیکوپنتادی انیل ایتریوم، تقارن حالتهای الکترونی از روی تقارن اوربیتال‌ها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

عماد، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی عماد

محل تولد : بیرجند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه قم شدم مقدمات و فقه و اصول مقدماتی را در مدسه علمیه رسالت گذراندم در این اثناء بلحاظ ضرورت های انقلاب برای مدتی کوتاه عضو شورای فرماندهی سپاه پاسداران (۱۳۵۸) برضد و عضو مستشار حقوقی (۱۳۵۹) دادگاه انقلاب بیرجند شدم.

سپس تحصیلات حوزوی را در فقه و اصول ادامه دادم در این اثناء به فلسفه و علوم قرآن و تفسیر نیز اهتمام ورزیدم. سال ۱۳۶۴ وارد درس خارج شده و تاکنون نیز به درس و بحث و مطالعه و تحقیق در این رشته می پردازم . چندین سال نیز به عنون تدریس دروس تخصصی گروه علوم قرآن دانشگاه تربیت معلم تبریز به صورت پروازی در دانشکده الهیات آن دانشگاه تدریس داشته ام . مدتی نیز به ضرورت به حوزه مدیریت پژوهش اعم از صف های پژوهش و ستاد پژوهش (معاونت پژوهشی حوزه) سر کسب می کشم.

مهمترین بخش دغدغه های فقهی حقیر گذشته از مطالعه پیرامون سامان یای علوم به چگونگی توسعه و رشد علوم برتر فقه اختصاص می یابد.

طراحی و مطالعه در راستای تدوین کار مجموعه ای فقه القرآن به صورت گسترده وفراگیر نیز بخش قابل توجه مطالعات را در بر می گیرد.

عماد، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۷ -۱۲۸۰ ش)، شاعر، متخلص به عماد. در قم درگذشت و در همان جا مدفون شد. اثر وی: «روح الفؤاد»، شعر که به اهتمام شیخ عبدالمنتظر مقدسیان، در ۱۳۳۸ ش،در تهران به چاپ رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (۸۸۹ / ۶).

عمادالکتاب، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین عمادالکتاب فرزند محمد ،که در سال ۱۲۴۷ شمسی در قزوین متولدگردید. محمدحسین عمادالکتاب فرزند محمد ، در سال ۱۲۴۷ شمسی ، در قزوین متولدگردید. عمادالکتاب از جمله خوشنویسانی است که در زمینه ی « نستعلیق » خود را به مرتبه ی استادی رساند و به عنوان آخرین استاد این نوع خط مطرح گردید. از راه کتابت و تعلیم خط ، امور زندگی خود را اداره می نموده است. او همچنین علاوه بر استادی خط احمدشاه ، در دربار رضاشاه نیز سمت خوشنویس مخصوص و استادی ولیعهد را به عهده داشت. وی آخرین استاد کل خط نستعلیق در ایران است که از کتیبه تا غبار را استادانه می نوشت. این استاد اولین خوشنویسی است که رسم المشق را برای استفاده ی نوآموزان ابداع و چاپ کرد. عمادالکتاب گذشته از کار خوشنویسی ، در دیگر زمینه های هنری نیز طبع آزمایی کرده است. او به کار نقاشی ، تذهیب ، شعر و ادبیات ، موسیقی و عکاسی علاقه داشت. سرانجام استاد محمدحسین عمادالکتاب در ۲۶ تیر ۱۳۱۵ شمسی در سن ۷۵ سالگی به سرای باقی شتافت.گروه : هنررشته : خوشنویسیگرایش : نستعلیقوالدین و انساب : محمدحسین عمادالکتاب فرزند محمد ، از خاندان سیفی قزوین بود ،که در سال ۱۲۴۷ شمسی در قزوین متولدگردید.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمدحسین عمادالکتاب در خانواده ای دیده به جهان گشود که از جهت وضعیت اقتصادی در شرایط بسیار بدی قرار داشت. او این شرایط را اینگونه تشریح می کند : « ... فرزند ارشد شخصی هستم که در وقت نزع روان از تمام علائق و رنگ و بو و داشته های جهان محروم و خوشبختانه دارای یک دینار نبوده و به همین جهت دو پسر و یک دختر خود را به خدای متعال می سپارد و به درود زندگی کرده ، با کمال شرافت و پاکدامنی از این نشاه می رود و فقط آرزوی دیدار آخرین مرا به زیر خاک می برد. »تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدحسین عمادالکتاب از جمله خوشنویسانی است که در زمینه ی « نستعلیق » خود را به مرتبه ی استادی رساند و به عنوان آخرین استاد این نوع خط مطرح گردید.خاطرات و وقایع تحصیل : محمدحسین عمادالکتاب در حالی پدر خود را از دست می دهد که در شهر بادکوبه به سر می برده است ، به همین خاطر پدر در آخرین لحظه از دیدار پسر ارشد محروم گرید و از این زمان به مشکلات عماد بیش از پیش افزوده گردید. خود در این باره چنین تعریف می کند : « پدر مرحومم اسمش محمد و در موقع ارتحال از دیدار فرزند ارشد خود (من) محروم و من بنده (که شانزده سال مرحله از مراحل زندگانی را پیموده بودم) در اولین شهر روسیه (بادکوبه) از فوت پدر بی خبر و گرفتار خدمات طاقت فرسای شخص تاجری از اهالی شیروان بودم و گاه و بی گاه در فراق پدر و مادر اشک حسرت می سودم و بدین منوال تا یک سال بار مشقت به دوش کشیده تا آخرالامر به وطن مالوف بازگشت کرده ، از مرگ پدر آگاه و پس از چندروز پیاده با قافله بی زاد و راحله عازم عتبات عالیات شدم و در کاظمین سه سال رحل اقامت افکنده و امرا معاش خود را به وسیله ی تحریر در کمال عسرت می گذراندم و استطاعت رفتن به کربلا ـ نداشتم. در پایان این مدت ، وسایل حرکت فراهم و با مرحوم آقاسیدمحمدباقر حجه الاسلام به کربلا رهسپار و پنج سال مجاورت اختیار و در منتهای اعسار امرار حیات کردم ، در این مدت که اوان جوانی و عنفوان شباب زندگانی من بود ، غالبا مشغول تحصیل و پیوسته یک ذائقه ی مفرطی به کسب خطوط مختلفه داشتم ... ».استادان و مربیان : محمدحسین عمادالکتاب ، هنر نقاشی را نزد مهدی خان مصورالملک شبیه ساز ماهر دوره قاجاریه که نقاشی های شاهنامه امیر بهادری بـه قلم اوست ، فراگرفته است.همسر و فرزندان : از محمدحسین عمادالکتاب یک دختر به نام « ملوک سیفی » باقی ماند.وقایع میانسالی : محمدحسین عمادالکتاب گذشته از آنکه به عنوان یک استاد مسلم به کار خوشنویسی مشغول بود ، اما نسبت به رویدادهای زمانش بی تفاوت نبود ، چنانکه در سال ۱۳۴۴ قمری به کمیته مجازات پیوست و کار نوشتن بیانیه های کمیته را به عهده گرفت. در سال ۱۳۳۵ پس از دستگیری اعضای کمیته او نیز بازداشت شد ، مدتی زندانی و سپس به قم تبعید گردید.زمان و علت فوت : محمدحسین عمادالکتاب در ۲۶ تیر ۱۳۱۵ شمسی در سن ۷۵ سالگی به سرای باقی شتافت و در سمت جنوبی صحن حیاط امامزاده عبدالله در شهر ری به خاک سپرده شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدحسین عمادالکتاب پیش از دوران مشروطیت ، جزء کاتبان وزارت انطباعات بود و در زمان احمدشاه نیز مدتی به عنوان منشی در وزارت داخله خدمت نمود. وی از سال ۱۳۰۴ شمسی در دفتر مخصوص رضاشاه به سمت فرمان نگار مشغول خدمت شد و مامور تحریر فرامین و نامه ها گردید. در سال ۱۳۱۲ شمسی از طرف انجمن آثار ملی مامور نوشتن کتیبه های آرامگاه فردوسی در طوس شد و بعد از آن ، کتیبه های دارالفنون ، دانشسرای عالی ، مدرسه رضاییه ، دانشگاه تهران و دانشگاه معقول و منقول را نوشت.فعالیتهای آموزشی : محمدحسین عمادالکتاب از راه کتابت و تعلیم خط ، امور زندگی خود را اداره می نموده است. او همچنین علاوه بر استادی خط احمدشاه ، در دربار رضاشاه نیز سمت خوشنویس مخصوص و استادی ولیعهد را به عهده داشت. وی آخرین استاد کل خط نستعلیق در ایران است

که از کتیبه تا غبار را استادانه می نوشت. او اولین خوشنویسی است که روش نقطه گذاری را در آموزش خط ابداع کرد. او نه تنها نستعلیق ، بلکه شکسته و نسخ را هم نقطه گذاری کرد. استاد اولین خوشنویسی است که رسم المشق را برای استفاده ی نوآموزان ابداع و چاپ کرد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمدحسین عمادالکتاب گذشته از کار خوشنویسی ، در دیگر زمینه های هنری نیز طبع آزمایی کرده است. او به کار نقاشی ، تذهیب ، شعر و ادبیات ، موسیقی و عکاسی علاقه داشت.شاگردان : محمدحسین عمادالکتاب در طول زندگی پربار خود در حدود چهارهزار نفر از کودکان را تعلیم داد. بسیاری از فرزندان شاهزادگان و رجال کشوری از شاگردان او بودند. مظفرالدین شاه ، احمدشاه ، محمدحسن میرزای ولیعهد و محمدرضا پهلوی از تعلیم یافتگان محضر او هستند. برجسته ترین شاگردان او که در سطح بالایی تعلیم یافتند ، عبارتند از : حسن زرین خط ، علی اکبر کاوه و مجدالکتاب گرگانی.آرا و گرایشهای خاص : محمدحسین عمادالکتاب در تمام زمینه های خوشنویسی تسلط داشت ، ولی در نستعلیق از کتیبه گرفته تا غبار ، استادی توانا بود. او شیوه ی خاص میرزامحمدرضای کلهر را دنبال می کرد.جوائز و نشانها : محمدحسین عمادالکتاب در سال ۱۳۱۲ شمسی به پاس قدردانی از خدمات صادقانه ، موفق به دریافت نشان درجه یک فرهنگ از وزارت معافی (وزارت ارشاد فعلی) و دریافت یک قطعه مدال نفیس و باارزش از دربار رضاشاه گردید.

آثار : تذکره تلامیذ الشعرا ویژگی اثر : مشتمل است بر شرح حال گروهی از شعرای معروف ایران به انضمام شرح حال خودش که این شرح حال را به شعر درآورده و به خط نستعلیق زیبایی نوشته است.۲ تصویر گل و بوته ویژگی اثر : این اثر با سیاه قلم و هم آب رنگ که شامل یک قطعه دورنمای جنگل و یک تابلو چهره ی خود او با لباس درباری در اوایل سلطنت رضاشاه است که این مجموعه در اختیار تنها دختر وی است.۳ طرح دست و نحوه ی قلم به دست گرفتن صحیح برای خوشنویسی به صورت سیاه قلم ویژگی اثر : این اثر در مجموعه آقای باقر ترقی نگهداری می شود.۴ فرهنگ مختصر عربی به فارسی ویژگی اثر : عمادالکتاب در این اثر تا حرف قاف ، قسمتی از لغات عربی را جمع کرده ، لغات عربی را به نسخ و ترجمه ی آن را به فارسی به خط نستعلیق در زندان نوشته و بقیه ی آن ناتمام مانده است.۵ قطعات ، سیاه مشق ها و نامه ها کتاب تقویت انگیزه در کارکنان ویژگی اثر : کتاب تقویت انگیزه در کارکنان به عنوان پایان نامه در حال چاپ میباشد.۷ کتاب درکوچه های آشتی کنان ویژگی اثر : کتاب درکوچه های آشتی کنان در حال چاپ میباشد.۸ کتاب زندگی فرخی شاعر لب دوخته ویژگی اثر : کتاب زندگی فرخی شاعر لب دوخته به عنوان پایان نامه با مشارکت حسین مسرت که مضمون این کتاب زندگی فرخی یزدی –مبارزات وآثار اوست.۹ کتابت اوصاف الاشراف خواجه نصیر طوسی ویژگی اثر : این کتاب به سال ۱۳۰۶ شمسی در آلمان چاپ شده است.۱۰ کتابت تحفه العراقین خاقانی کتابت ترجیع بند هاتف اصفهانی کتابت حساب موسی خان ویژگی اثر : این کتاب به سال ۱۲۷۴ شمسی چاپ شده است.۱۳ کتابت دیوان ناصرخسرو کتابت سفرنامه استانلی به آفریقا ویژگی اثر : این کتاب در دو جلد است.۱۵ کتابت شاهنامه فردوسی معروف به امیربهادر کتابت صفحه ای حاوی مفردات خطوط هفتگانه ویژگی اثر : این اثر برای پیشرفت خط مظفرالدین شاه تهیه شده با زمینه ی آبی و تذهیب چاپ اروپا که بسیار کمیاب است.۱۷ کتابت قانون اساسی کتابت قرآن نفیس با خط نسخ ممتاز حاشیه دار کتابت نامه ی دانشوران ناصری ویژگی اثر : این کتاب به سال ۱۲۷۵ شمسی چاپ شده است.۲۰ کتابت یک مرقع نفیس کتابی ازمیکروفیلم ویژگی اثر : کتابی ازمیکروفیلم کتاب شاهنامه زاگرپ منتقل شده از کتابخانه سلطنتی کرواسی توسط شخص آقای محمدی.۲۲ کتیبه اطراف صحن و مقبره خانقاه صفی علیشاه کتیبه حدیث (ولایت علی بن ابیطالب و ...)در حضرت عبدالعظیم کتیبه سردر اداره کل ثبت اسناد و املاک کشور کتیبه سردر بیمارستان فیروزآبادی در شهر ری کتیبه سردر دانشسرای عالی تهران (اکنون تربیت معلم) کتیبه سردر ساختمان دارالفنون در خیابان ناصرخسرو کتیبه سردر مسجد سپهسالار کتیبه سردر مسجد ناصریه کتیبه سردر مسجد و مدرسه قنبرعلی خان در خیابان سیروس کتیبه های لوحه ی آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی در طوس منظره زندان انفرادی عمادالکتاب در نظمیه ویژگی اثر : این اثر مربوط به سال ۱۳۳۸ است. اصل تابلو به اندازه ی ۲۷ × ۳۵ سانتی متر و به شیوه ی آب رنگ است و در مجموعه ی آقای باقر ترقی نگهداری می شود.۳۳ منظومه از عطش لبریز ویژگی اثر : منظومه از عطش لبریز انتشار در سال ۷۲ شامل اشعاری به مناسبت های گوناگون از جمله شهادت شهدا تیپ الغدیر–شهید جوکار–شهید صدوقی و مرحوم خاتمی– روز درختکاری –سمینار یزد و سازندگی–همسر وزندگی شخصی.۳۴ نیمرخ عمادالکتاب ویژگی اثر : این اثر به صورت سیاه قلم و به اندازه ی ۱۷ × ۲۴ سانتی متر در کتابخانه ملی ایران نگهداری می شود. منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

عمادزاده، محمدکاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حقوق عمومی، دانشکده: علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی حقوق قضایی از دانشگاه ملی ایران در سال ۱۳۵۳، کارشناسی ارشد حقوق قضائی از کشور فرانسه در سال ۱۳۵۵، دکترای حقوق عمومی از دانشگاه مونپلیه کشور فرانسه در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۵۸ و ارتقاء به درجه دانشیاری در سال ۱۳۷۱.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

حقوق قضایی و حقوق عمومی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

حقوق بین‌الملل عمومی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تفاوت شرکت با اشاعه و شرکت مدنی با شرکت بازرگانی، مفهوم جنگ در حقوق بین‌الملل عمومی، استفاده از حقوق شرط در معاهدات بین‌المللی، مشروعیت توسل به زور از طرق مسلحانه در حقوق بین‌الملل.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

عمادزاده‌ی اصفهانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۹ -۱۲۸۴ ش)،مورخ، مدرس و نویسنده. در اصفهان به دنیا آمد. از همان طفولیت با علم و علما آشنا شد و در حوزه‌ی اصفهان به کسب علم و تلمذ از علمای بزرگوار آن روز، چون آیات عظام سیدعلی نجف‌آبادی، شیخ محمود مفید، میرزا علی شیرازی، شیخ محمد حکیم خراسانی، سید صدرالدین کوهپایه‌ای و حاج‌میرزا رضا کلباسی پرداخته و به کسب اجازات روایتی از علمای بزرگ آن زمان همچون آیات عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی، سید محمد حجت کوه‌کمری، شیخ محمدرضا مظفر، سید یونس اردبیلی و نیز شیخ آقا بزرگ تهرانی و شخصیتهای علمی دیگر نایل آمد. عمادزاده به تدریس در محیطهای آموزشی و دانشگاه رغبت فراوان نشان می‌داد و از ابتدای تحصیلات خود علاقه فراوانی به تألیف و تحقیق و نشر فرهنگ و معارف اسلامی و خدمت به اهل‌بیت (ع) داشت و همواره به دنبال هدف خویش بود. ثمر و حاصل تلاش وی بیش از صد و بیست تألیف درباره‌ی موضوعات مختلف است. از آن جمله: ترجمه و تفسیر قرآن کریم؛ «صحیفه‌ی کامله‌ی سجادیه، زبور آل محمد»؛ «تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم»؛ «زندگانی حضرت رسول (ص) پیشوای اسلام»؛ «تاریخ مفصل اسلام»؛ «معراج»؛ «زندگانی علی بن ابی‌طالب (ع)»؛ «فاطمه الزاهراء (ع)»؛ «شرح خطبه‌ی غدیر»؛ «شرح زندگانی هر یک از حجج معصومین (ع)» یا «مجموعه‌ی زندگانی چهارده معصوم (ع)»؛ «زندگانی حضرت مجتبی (ع)»؛ «زندگانی حضرت خامس آل‌عبا ابی‌عبدالله سیدالشهداء (ع)»؛ «تاریخ عاشورا، عاشورا چه روزیست»؛ «زندگانی حضرت ابوالفضل، قمر بنی‌هاشم (ع)»؛ «زندگانی حضرت علی‌اکبر و علی‌اصغر »؛ «زندگانی زینب کبری»، ترجمه؛ «تاریخ جغرافیایی مکه»؛ «تاریخ جغرافیایی کربلا»؛ «بستان الادب»؛ «جهان اسلام، اسلام در جهان»؛ «مکتب اسلام»؛ «زندگانی علی بن موسی الرضا (ع)»؛ «منتقم حقیقی، مهدی قائم صاحب العصر و الزمان (عج)»؛ مقالات متعدد در روزنامه‌ها و مجلات.[۱]

مؤلف، محقق.

تولد: ۱۲۸۴ (۸ ذی الحجه ۱۳۲۵ ق.)؛ اصفهان.

درگذشت: ۱۲ فروردین ۱۳۶۹، تهران.

حسین عمادزاده‌ی اصفهانی، فرزند حجت‌الاسلام احمد عمادالواعظین، در حوزه‌ی اصفهان از علمای آن روز چون آیات عظام سید علی نجف‌آبادی، محمود مفید، علی واعظ شیرازی، محمد حکیم خراسانی، سید صدرالدین کوهپایه‌ای، محمدرضا کلباسی کسب فیض کرد. وی دارای اجازه‌ی روایتی از علمای آن زمان همچون آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، سید محمد بهجت کوه‌کمره‌ای، محمدرضا مظفر، سید یونس اردبیلی بود.

حسین عمادزاده‌ی اصفهانی دارای آثار بسیاری است که برخی از آنها به شرح زیر است: بستان الاداب (برای سال پنجم و ششم متوسط، ۱۳۰۹)؛ جهان اسلام و اسلام در جهان، ترجمه و تفسیر قرآن کریم؛ تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم (۱۳۳۴)؛ تاریخ مفصل اسلام (جلد اول، ۱۳۳۷)؛ شرح خطبه‌ی غدیر؛ زندگانی حضرت رسول (ص) پیشوای اسلام (۱۳۲۸)؛ تاریخ عاشورا، عاشورا چه روزی است (زندگانی حضرت سیدالشهداء، ۱۳۲۱)؛ زندگانی حضرت ابوالفضل العباس (ع)؛ قمر بنی‌هاشم (۱۳۲۱)؛ زندگانی حضرت علی‌اکبر و علی‌اصغر (۱۳۵۶ ق.)؛ زندگانی زینب کبری (شیخ جعفر نقدی، ترجمه، ۱۳۲۳)؛ زندگانی حضرت خامس آل عبا ابی‌عبدالله- سیدالشهداء (۱۳۷۴ ق.)؛ زندگی حضرت سجاد (۱۳۳۸)؛ زندگانی علی بن ابی‌طالب (۱۳۳۱)؛ زندگانی حضرت مجتبی (۱۳۳۷)؛ زندگانی حضرت علی بن موسی‌الرضا (۱۳۳۵)؛ رجال اسلام (شامل شرح حال قریب بیست هزار نفر از رجال علمی و ادبی اسلام)؛ تاریخ جغرافیایی کربلا (۱۳۲۶)؛ راهنمای حاج، تاریخ جغرافیایی مکه (۱۳۲۷)؛ صحیفه‌ی کامله‌ی سجادیه زبور آل محمد (۱۳۳۴)؛ فاطمهٔ‌الزهراء (۱۳۳۶)؛ مجموعه‌ی زندگانی چهارده معصوم (دو جلد، ۱۳۳۱ -۱۳۳۰) دوره‌های مجله‌ی «خرد».

وی علاوه بر تحقیق و تألیف و نیز تدریس در دانشگاه مقالاتی نیز برای روزنامه‌ها و مجله‌ها می‌نوشت.

وی در سال ۱۳۱۵ در تهران ساکن شد و در پنجم ماه رمضان (دوازدهم فروردین سال ۱۳۶۹) درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۵۲)، کیهان فرهنگی (س ۷، ش ۳، ص ۵۰)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۱ - ۸۲۹ / ۲).

عمادی چاچکامی، کمال الدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید کمال الدین عمادی چاچکامی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۰ در روستای چایکام از توابع شهرستان ساری متولد شدم دوران ابتدایی در روستای خود و روستاهای همجوار طی کردم، برای ادامه تحصیل به ساری هجرت کردم بعد از اخذ دیپلم در سال ۱۳۶۱ وارد دانشکده تربیت معلم در رشته زبان شدم. بعد از مدت ۵ ماه به دلیل علاقه شدید از آن انصراف داده به حوزه علمیه امامیه ساری نزد آیت الله صدوقی مشغول به تحصیل شدم. سال دوم تحصیلی ۱۳۶۲ به قم هجرت نمودم تا سال ۱۳۷۰ مقدمات و سطح را به پایان رساندم از سال ۱۳۷۰ به درس خارج راه یافتم در این مقطع از افاضات آیات عظام صالحی مازندرانی و جوادی آملی و دیگر اساتید بهره بردم به مدت ده سال از خرمن پرفیض اساتید خارج استفاده کردم در این مدت تحقیقات مهم فقهی زیر نظر استادم انجام دادم که مورد عنایت استادم قرار گرفت.در رشته فلسفه ابتدا بدایهٔ الحکمهٔ را نزد آیت الله ممدوحی کرمانشاهی خواندم. سپس منظومه منطق و حکمت را نزد آیت الله طاهری مازندرانی خوانده و در پایان در درس اسفار حکیم عالی‌قدر جوادی آملی شرکت نمودم که بیش از ۲ سال موفق به ادامه آن نشدم. درس عرفان را با اشاره حکیم متاله عارف بزرگ حسن‌زاده آملی آغاز نمودم با آنکه مقدمات را نخوانده بودم به تشخیص استاد در درس مصباح الانس ایشان شرکت نمودم که به مدت دو سال فیض برده‌ام. سپس به دلیل بیماری استاد به امر ایشان نوار درس فصوص را پیگیری نمودم.از ابتدای ورود به حوزه مقدس قم علاقه به تحقیق و نوشن داشتم. لذا در موضوعات گوناگون تحقیقاتی انجام داده‌ام که برخی از آنها چاپ و برخی به صورت مقاله در همایش‌های علمی ارائه گردیده است که لیست تفصیلی آن در ص ۸ ارائه گردیده است.به دلیل شرکت فعال در درس خارج حضرت استاد آیت الله صالحی مازندرانی و تالیف مقالات علمی متعدد زیر نظر آن استاد به دریافت گواهی اجتهاد در سال ۱۳۷۴ نائل شده‌ام.اکنون بیشتر اوقات سرگرم تحقیقات قرآنی و فقهی و کلامی هستم در ضمن تحصیل به تدریس دانشگاهی و همچنین علوم حوزوی پرداختم. کتاب بدایه الحکمه برای جمعی از طلاب دو دوره تدریس نمودم و همچنین کتاب اصول الفقه و مکاسب محرمه شیخ انصاری برای برخی از طلاب تدریس کرده‌ام.

عماره

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بخش ۱: عمارت) ابومنصور بن محمد مروزی، شاعر معروف اواخر سامانی و اوایل غزنوی (قر. ۵ -۴ ه.). او ابوابراهیم اسماعیل بن نوح ملقب به منتصر را رثاء و محمود غزنوی را مدح گفت و همیشه ساکن مرو بوده است. اشعار او در تذکره‌ها و سفینه‌ها پراکنده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عمان سامانی چهار محالی، نورالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۲ -۱۲۶۴)، شاعر. ملقب به تاج الشعرا. وی در قصبه‌ی سامان به دنیا آمد و در خانواده‌ای اهل علم و ادب پرورش یافت. پدربزرگ و پدر و برادرانش نیز شاعر بودند. نورالله پس از فراگیری علوم زمان، در خدمت آقا میرزا محمدهادی به تصوف گرایید. وی مؤلف «تذکره الشعرا»ی ناتمامی است در ذکر احوال و آثار شعرای چهارمحال و بختیاری که بنا به آورده‌ی آقای دکتر نوایی، در «حدیقه الشعراء»، استاد جلال همایی، در مقدمه «دیوان طرب»، آن را «سفینه الدرر» نامیده است و آقای احمد گلچین معانی در

«تاریخ تذکره‌های فارسی» و علامه معلم حبیب‌آبادی در «مکارم الآثار» نیز کتاب فوق را تحت عنوان «مخزن الدرر» ذکر کرده است. در قریه‌ی سامان وفات یافت و در قبرستان وادی السلام نجف مدفون است. در تاریخ تولد و وفات او اختلاف وجود دارد که صاحب «مکارم الآثار» به رفع این اختلافها پرداخته است. از آثار دیگر وی: «دیوان» شعر، شامل قصاید، غزلیات و مقطعات؛ «گنجینه‌الاسرار»، مثنوی بر وزن «زبده‌الاسرار»،در مراثی حضرت سیدالشهدا.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۱۷۶ -۱۷۳ / ۲)، حدیقه الشعراء (۱۲۲۷ -۱۲۲۶ / ۲)، الذریعه (۷۶۹ / ۹)، مکارم الآثار (۱۷۹۰ -۱۷۸۵ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۶۶۰ -۶۵۹ / ۶).

عمان نایینی، مرتضی قلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۲ ق)، شاعر. وی در علوم ادبی و فقه و اصول درانـدک مدت تتبع کامل حاصل کرده و بسیاری از اشعار و امثال و حکایت عرب را حفظ نموده و قصاید عربی و فارسی بسیاری دارد. وی به تهران آمد و منشی صدراعظم شد. از اوست:

دوست در آمد ز در، مدعیان دوست دوست

تا کی پرسی که کیست همنفسان اوست اوست

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۲۲۸ -۱۲۲۷ / ۲).

عمرانی خوارزمی، ابوالحسن علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۵۶۰ ق)، مفسر، عالم، ادیب، لغوی و شاعر معتزلی. ملقب به حجه‌الافاضل و فخرالمشایخ و، به آورده‌ی «هدیه العارفین»، معروف به ابن‌عراق و از خاندان بزرگی در سرخس بود. ادب را نزد محمود بن عمر زمخشری فراگرفت و از نزدیکترین شاگردان و اصحاب وی شد. عمرانی از عمر ترجمانی و حسن بن سلیمان خجندی و قاضی عبدالواحد باقرحی حدیث آموخت. او اشتیاق کامل بـه کسب علـم داشـت. در اواخر عمر آنچنـان سرآمد شـد کـه علمـای بزرگ به محضـرش می‌آمدنـد و دانش خـود را بر او قرائت می‌کردنـد و حـل مشـکلات خـویش را از او می‌خواسـتند. از وی اشـعار زیبـایی به جـای مانـده است. از آثـارش: «تفسـیر القرآن» یا «شماریخ الدرر فی التفسیر الآی و السور»؛ «الاشقاق اسماء»؛ «المواضع و البلدان»، که به نوشته‌ی «کشف الظنون» این دو کتاب یکی است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الاعلام (۱۵۰ / ۵)، روضـات الجنات (۲۴۳ -۲۴۲ / ۵)، ریحـانه (۲۰۶ -۲۰۵ / ۴)، کشـف الظنون (۴۴۶، ۱۰۲)، لغت‌نـامه (ذیل/ علی و ابوالحسن)، معجم الادباء (۶۵ -۶۱ / ۱۵)، معجم المؤلفین (۲۱۵ / ۷)، الوافی بالوفیات (۹۵ -۹۴ / ۲۲)، هدیه العارفین (۶۹۸ / ۱).

عمرانی، ابوالحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالحسن عمرانی

محل تولد : لامرد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۶/۱

زندگینامه علمی

در زمستان سال ۱۳۵۱ در یکی از روستاهای جنوب استان فارس، از مناطق گرم و خشک کشور به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدایی را در زادگاه پشت سر گذاشته و در همین زمان قرائت قرآن را در نزد پدر تعلیم یافتم. در دوره تحصیلات راهنمایی به مدرسه علمیه شهرستان لاجر وارد شدم و برخی از دروس کلاسیک را همزمان با تحصیلات حوزه ادامه دادم.

پس از چنـد سـال به حـوزه علمیه شـیراز وارد و در مـدرسه علمیه قوام به ادامه تحصـیل و از سـال ۱۳۷۰ به تدریس در مواد درسـی

ادبیات عرب (سیوطی) و منطق مشغول گردیدم.در همین سال به نگارش و ترجمه متون عربی روی آورده و در سال بعد شعر را که از چند سال پیش از سر تفنن می‌سرودم و در خانواده ما موروثی بود ـ به صورت جدی‌تر پی گرفتم.برکات معنوی حضرت شاهچراغ(ع) و دیگر امامزادگان مدفون در شهر شیراز به علاوه همجواری با پارسی سرایان ایران در این شهر، بر توفیق این راه افزود و سرودن اشعار فارسی و عربی تا حال ادامه یافته است. در طول این سال‌ها با تشکیل پرونده تحصیلی در مرکز مدیریت حوزه علمیه قم و حضور در موعد امتحانات آخر سال در شهر قم، تدریس را در شیراز به همراه تحقیق و نگارش ادامه دادم.

ترجمه کتاب علی‌بن ابی طالب من المهد الی اللحد (که اجازه ترجمه این کتاب از مؤلف فقیه آن دریافت نمودم) ترجمه علی و الحسین (تألیف برلی سلامه شاعر لبنانی) نگارش، زینب سالار رسالت عاشورا ترجمه کتاب «الم ذل الحسینی» (بزمگاه خون) ـ ترجمه علی لاسواء (فقط علی) ترجمه منظوم قسمتی از صحیفه سجادیه با عنوان «ترجمان عشق» و... سرودن و چاپ مجموعه شعر «دُرّواره‌های عشق) و ... مربوط به این سال‌ها است. در سال ۷۹ – ۷۸ تحصیل دوره خارج را در کلاس آیت الله دستغیب آغاز و در سال ۸۱ با شرکت در آزمون ورودی دانشکده صدا و سیما مصاحبه خصصی و گزینش، در رشته ارتباطات با گرایش تهیه‌کنندگی تلویزیون، در دانشکده صدا و سیمای قم به تحصیل پرداختم.

تحصیل در این دانشکده با هدف ارتباط هر چه قوی‌تر میان مبانی دین و هنر، و ترمیم علمی هنر دینی صورت گرفته و در همین زمان به تحصیلات خارج فقه و اصول در کلاس‌های درس آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله سبحانی ادامه دادم. کتاب «یاس در آتش» در همین سال چاپ و منتشر شد. این کتاب ترجمه کتاب «الحجة الغراء مع شهادة الزهرا» تألیف آیت الله جعفر سبحانی است ه در نقد و رد مقاله‌ای از اهل سنت با عنوان فاطمه زهرا از ولادت تا افسانه شهادت می‌باشد. این کتاب چند ماه به (اواسط سال ۸۲) به وسیله مو سسه امام صادق قم تجدید چاپ گردید. در مدت تحصیل در دانشکده صدا و سیما مجموعه‌های «السفیران نجران، رابطه دینی و سینما» رابطه اسلام و هنرهای زیبا، مهتاب کویر نگارش و نیز «کلیپ حریم عمرش نما، برنامه کوتاه استودیوی» ادبیات تعزیه ساخته شد. هم اینک ضمن تدریس در حوزه علمیه شیراز طرح نگارش، اختران خاک و تکمیل کرانه‌های سرخ و ترجمان عشق و نیز پیش تولید و تولید برخی برنامه‌های تلویزیونی در دست انجام دارم.

تا چه قبول افتد و چه در نظر آید...

عمعق بخارایی، شهاب‌الدین، ابوالنجیب

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۴۳ / ۵۴۲ ق)، شاعر، متخلص به عمعق. ملقب به امیرالشعراء و مکنی به نجیب‌الدین. در بخارا به دنیا آمد و بعد از کسب مهارت در شعر و ادب از بخارا به سمرقند رفت و به دربار آل‌خاقان راه یافت و به شهرت و جاه رسید. عمعق از شاعران ماوراءالنهر و با رشیدی سمرقندی معاصر و معاشر بود، با سلطان سنجر سلجوقی نیز خصوصیت داشته و به درخواست سلطان، در مرگ دخترش مرثیه‌ای سرود. شهاب‌الدین، و به روایتی نجیب‌الدین، با انوری نیز معاصر بود و همو به استادی وی در شعر اقرار کرده است. عمعق در قصیده، سبکی نزدیک به سبک عنصری و مسعود سعد سلمان داشته و از علوم متداوله عصر خود آگاه بوده است. «دیوان» شعر وی مشتمل است بر قصاید و رباعیات و پاره‌ای قطعات که به چاپ رسیده است. ظاهرا وی منظومه‌ای به نام «یوسف و زلیخا» هم داشته که به دو بحر خوانده می‌شود ولی از بین رفته است. در بعضی از تذکره‌ها آمده است که تخلص وی عقعق به معنی مرغی هشیار بوده و بعدها به صورت عمعق که کلمه‌ای بی‌معنی می‌باشد درآمده است.[۱]

(در لغت عربی نیامده (قزوینی. یادداشتها ۵۹ :۶)) امیرالشعراء ابوالنجیب شهاب‌الدین بخارائی، شاعر ایرانی نیمه دوم قر. ۵ ه. مولد و منشأ او بخاراست. وی پس از کسب مهارت در شعر و ادب به سمرقند رفت و به دربار آل خاقان راه یافت و به شرف و افتخار و ثروت رسید. عمعق از ملوک آل خاقان با شمس‌الملک نصر ابن ابراهیم و خضرخان بن ابراهیم و احمدخان بن خضرخان و محمودخان ابن شمس‌الملک نصر و رکن‌الدین ابومظفر طمغاج خان بن مسعود و قدرخان جبرئیل بن عمر و ارسلان خان محمد بن سلیمان و ابوالمعالی حسن تگین قلج طمغاج بن علی و رکن‌الدین محمود بن محمد معاصر بود و آنان را مدح گفت، و از سلاجقه با سنجر رابطه داشت و پس از مرگ دختر سنجر مرثیه‌ای سرود. و عمعق از علوم متداول آگاه بود. قصاید او به انواع هصنایع مشحون است. در تشبیه مهارت دارد. دیوانش به طبع رسیده (از مجموع ۷۰۰۰ بیت که بدو نسبت داده‌اند، در دیوان چاپی فقط ۶۱۴ بیت آمده).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۵۴۷-۵۳۵ / ۲)، تاریخ نظم و نثر (۹۷-۹۶)، تذکره‌ی روز روشن (۵۷۰-۵۶۹)، تذکره الشعراء (۷۶-۷۳)، الذریعه (۷۷۰ / ۹)، ریحانه (۲۳۷-۲۳۶ / ۱)، شخصیت‌های نامی(۳۴۶-۳۴۵)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۵۲ - ۳۵۱)، فرهنگ سخنوران (۶۵۵)، گنج سخن (۳۱۰-۳۰۲ / ۱)، لباب الالباب (۱۹۱-۱۸۱ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ عمعق)، مجمع الفصحا (۸۸۸-۸۷۹ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴۷-۴۴۶ / ۳)، هفت اقلیم (۴۲۰-۴۰۹ / ۳)، یادداشتهای قزوینی (۵۹-۵۸ / ۶).

عمومی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد عمومی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

تولد:۱۳۴۳ دیپلم:۱۳۶۱ ورود به دانشگاه:۱۳۶۲ و ۲ سال تحصیل رشته ریاضی کاربردی دانشگاه صنعتی اصفهان تحصیل دروس حوزوی به صورت متفرقه از سال ۱۳۶۱ اشتغال رسمی به دروس حوزه از سال ۱۳۶۴ اشتغال به خارج فقه و اصول از سال ۱۳۷۱ در اصفهان هجرت به قم در سال ۱۳۷۴ تحصیل در رشته تخصصی فقه و اصول در موسسه بقیه الله از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲ بیش از ۱۸ سال سابقه تدریس در حوزه همکاری علمی پژوهشی با مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه از سال ۱۳۸۰همکاری علمی با پژوهشکده باقرالعلوم(ع) تدریس در برخی از موسسات آموزش عالی و بیش از ۱۳ سال حضور تبلیغی در دانشگاهها موفقیت در آزمون علمی شورای نگهبان برای انتخابات خبرگان و در سال ۱۳۸۵ همکاری علمی و هنری با صدا و سیما در تهیه برنامه های قرآنی را دارم

عمید زنجانی، عباسعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا عباسعلی عمید زنجانی سبط فیلسوف بزرگ و فقیه جامع آیت‌اللَّه میرزا مجید زنجانی از علماء و نویسندگان معاصر تهران است و در مسجد لرزاده به اقامه جماعت و تدریس و ترویجات دینی اشتغال دارد. وی در سال ۱۳۱۶ شمسی در شهرستان زنجان متولد شده و تحصیلات جدید کلاسیک را با مقدمات علوم دینی در آنجا خوانده و در سال ۱۳۷۰ ق مهاجرت به قم نموده و سطوح متوسط و عالی را بطرز خصوصی از محضر اساتید با فضل و کمال حوزه فراگرفته و سپس در حوزه درس خارج آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده و ضمنا علوم هیئت و کلام و فلسفه را از اساتید معروف آموخته و در سال ۱۳۴۰ شمسی مهاجرت به نجف اشرف نموده و در آن سامان از محضر دو نابغه علمی آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظله و آیت‌اللَّه آقا میرزا باقر زنجانی سلمه‌اللَّه بهره‌ها برده و دراسات آن دو استاد بزرگ را برشته تحریر و تقریر درآورده و در مراجعت از نجف اشرف در سال ۱۳۴۷ شمسی افتخار مصاهرت با حضرت آیت‌اللَّه العظمی آقای مرعشی نجفی مد ظله را پیدا و بار دیگر در قم برای ادامه تحقیق و تدریس توقف و شرکت در درس فقه آیت‌اللَّه العظمی مرعشی نموده تا سال ۱۳۹۱ ق که بدرخواست جمعی از مومنین تهران برای امامت مسجد لرزاده که یکی از مساجد حساس و بنام مرکز و از آثار مرحوم مبرور آیت‌اللَّه عالم ربانی حاج شیخ علی‌اکبر برهان است منتقل به تهران شده و تا حال حاضر بانجام وظائف دینی و ارشاد و امامت و تدریس و خدمات اجتماعی اشتغال دارند.

دارای تألیفات ارزنده و آثار آموزنده‌ای می‌باشند که بقسمتی از آنها اشاره میشود:

۱- تحقیق و بررسی در تاریخ تصوف مطبوع از دارالکتب الاسلامیه

۲- اسلام و همزیستی مسالمت‌آمیز مطبوع از دارالکتب الاسلامیه

۳- اسلام و حقوق ملل مطبوع از دارالکتب الاسلامیه

۴- حقوق اقلیتها مطبوع از انتشارات صدر

۵- بنیادهای اصیل مطبوع از کتابخانه بزرگ اسلامی.

۶- اسلام و سیستم بیطرفی.

۷- مبانی تفسیر.

۸- رساله‌ای در نکاح کتابیه.

۹- رساله‌ای در ترتب.

۱۰- المنهاج فی شرح وسیله النجاه.

۱۳ -۱۲ -۱۱- سع جلد در قم برشته تحریر آورده که با همکاری چند تن از فضلاء تألیف و نشر گردیده است.

۱۴- مقالاتی در نشریات ماهیانه حوزه انتشار داده است.

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات حوزوی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

کامپیوتری کردن علوم اسلامی، کامپیوتری کردن قوانین و مقررات، تکنولوژی جدید انفورماتیک، فقه و علوم حدیث، تفسیر و

علوم قرآنی، فلسفه و عرفان اخلاق، ادیان و کلام اسلامی، تاریخ اسلام و سیره، حقوق و قوانین، استاد راهنمای ۳۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

حقوق اسلامی، تفسیر و مبانی آن، فقه، فقه سیاسی، اقتصاد اسلامی، تاریخ تصوف و عرفان، حقوق اقلیتها و مبانی انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵۰، تعداد مقالات بزبان خارجی:–

زمینه علمی مقالات:

مباحث مختلف حقوقی، مباحث فقه سیاسی، مسئولیت بین‌المللی ناشی از جریان سلمان رشدی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

عمید، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسعود عمید

محل تولد : بروجرد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

به سال ۱۳۴۹ در بروجرد در خانواده ای مذهبی چشم به جهان گشودم در سال ۱۳۶۷ در رشته علوم تجربی در مقطع متوسطه فارغ التحصیل شدم. در دوران دبیرستان در فعالیت های اجتماعی سیاسی حضور داشتم و به عنوان معاون آموزش در انجمن اسلامی دبیرستان و عضو فعال بسیج دانش آموزی انجام وظیفه می کردم به سال ۱۳۶۷ پس از اخذ دیپلم با شوقی فراوان به جرگه تشنگان ولایت و اهل بیت در حوزه علمیه قم پیوستم. در دوره سطح عالی از اساتید گرامی آقایان پایانی، محمدی خراسانی و علوی بهره بردم. از سال ۱۳۷۷ با شرکت در درس خارج فقه و اصول آیت الله مهدی هادوی تهرانی از محضر ایشان کسب فیض نموده ام. همچنین مدتی توفیق درک محضر آیت الله شبیری زنجانی را داشتم. به موازات اشتغال به درس خارج در سال ۷۷ مدتی با مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما همکاری داشتم. از سال ۸۳ بنابرعلاقه به موضوعات تقریبی با مرکز تحقیقات علمی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی –قم– همکاری پژوهشی داشته و در کنفرانس سالانه وحدت اسلامی به عنوان عضوی از پیکره تقریب شرکت داشته ام. از سال ۱۳۸۴ تا کنون در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک به تدریس تاریخ اسلام اشتغال دارم. همچنین در خلال این سالها در فن ترجمه متون سنگین ادب و لغت عرب چون قرآن کریم و نهج البلاغه و نیز پاره ای موضوعات فقهی فعالیت داشته ام که برخی به چاپ رسیده است. نیز به ارائه نکات انتقادی با نگرش جوان پسند پرداخته ام که حاصل آن دست نوشته هایی است که هنوز توفیق تنظیم و چاپ آنها را نیافته ام.

در پایان بر این باورم که می بایست از متون اساسی و جاودانه ای چون قرآن و نهج البلاغه هر ده سال یکبار ترجمه ای روز آمد و متناسب با تحولات و ساختار زبانی به جامعه فرهنگ دوست عرضه شود.

عمیدی سمرقندی، رکن الدین، ابوحامد محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۱۵ ق)، متکلم، اصولی و فقیه حنفی. وی در علم خلاف و مناظره ماهر بود و در مباحثه روشی مشهور داشت. او یکی از چهار تن شاگردان معروف رضی‌الدین نیشابوری است که شهرت بسیار داشتند. نظام‌الدین احمد ابن شیخ جمال‌الدین محمود حصیری از شاگردان و ملازمان اوست. گفته‌اند که او دارای حسن اخلاق و تواضع بسیار بود. وی در بخارا درگذشت. از آثارش: «الجست»؛ کتاب «الارشاد»، در علم خلاف و جدل، که گروهی از جمله: قاضی دمشق، شمس‌الدین احمد خویی، و بدرالدین مراغی و اوحدالدین دونی و نجم‌الدین و ابن‌مرندی به شرح آن پرداخته‌اند؛ «الطریقه فی الخلاف و الجدل» یا «الطریقه العمیدیه»؛ «النفائس»،در جدل، که قاضی شمس‌الدین خوبی آن را مختصر کرد و «عرائس النفائس» نامید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۹۸ -۹۷، ۷۷ -۷۶ / ۲۲)، شذرات الذهب (۶۴ / ۵)، العبر (۱۶۷ / ۳)، کشف الظنون (۱۹۶۶، ۱۱۱۳، ۶۹)، معجم المؤلفین (۲۸۷ / ۱۱).

عمیدی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی بن حاج غفار عالمی جلیل و فقیهی بیعدیل بوده از شاگردان مرحوم آیت‌اللّه حاج ملاعلی کنی و نسبش به شیخ بهاءالدین عاملی منتهی می‌شده و در حدود سال ۱۳۲۷ وفات نموده و از آثار باقیه او مسجدی است در گلپایگان.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

عمیری هروی، ابوعبدالله محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۸۹ -۳۹۸ ق)، فقیه، محدث و زاهد. فقه آموخت و در آن پیشگام بود. سماع حدیث را از ۴۰۷ ق آغاز کرد. وی از پدرش، از عباس بن فضل نضروی، و علی بن ابی‌طالب خوارزمی و علی بن جعفر قهندزی و عبدالرحمان بن محمد دیناری و ضمام بن محمد شعرانی و عده‌ای دیگر در هرات و از قاضی ابوبکر حیری در نیشابور و از ابوعلی بن شاذان و اقرانش در بغداد و از محمد بن حسین صنعانی در مکه حدیث شنید. عمیری حج گزارد و به یمن نیز مسافرت کرد. او روایات بسیاری نقل می‌کرد. ابن‌طاهره و مؤتمن و محمد بن ابی‌علی همدانی و ابوالوقت و علی بن حمزه و ابونصر فامی و جنید قاینی از وی حدیث روایت کرده‌اند. او را به عنوان پیشوایی زاهد و مورد اعتماد در حدیث ستوده‌اند. ابوعبدالله دقاق گوید که برای عمیری در خراسان نظیری نبود تا چه رسد به هرات.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۲۴۲ / ۴)، سیر النبلاء (۷۱ -۶۹ / ۱۹)، شذرات الذهب (۳۹۴ / ۳)، العبر (۳۶۱ / ۲)، الوافی بالوفیات (۱۴۱ / ۴).

عمیق، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن عمیق

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب از سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و فعالیت علمی و آموزش حوزوی را شروع کرده و در مدارس معصومیه و الهادی و امام باقر علیه السلام دوران مقدمات و لمعه ها را به اتمام رسانده و رسائل و مکاسب را در محضر اساتیدی همچون محسن وحید خراسانی و حسینی خراسانی و محمدی و .. به اتمام رساندم. و از سال ۱۳۷۴ دروس خارج فقه و اصول آیات عظام وحید خراسانی و مکارم شیرازی و تبریزی و سبحانی ، نوری همدانی و درس تفسیر استاد جوادی آملی شرکت داشته و در سال ۱۳۷۶ دوره تخصصی کلام اسلامی را در مؤسسه امام صادق علیه السلام شروع کرده و در سال ۸۰ فارغ التحصیل شدم و پایان نامه سطح ۴ حوزه در حال دفاع می باشد در این مدت همکاریهایی با برخی از مؤسسات علمی پژوهشی همچون نشر آثار حضرت امام(ره) و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه و ... داشتم و در کتاب تا بحال منتشر شده یکی فلسفه خلقت و دیگر اخلاق زیست محیطی در اسلام و مقالاتی نیز منتشر داشته ام. و از سال ۱۳۸۴ در مرکز جهانی معاونت پژوهش مدارس تخصصی فقه و اصول اشتغال اجرائی و علمی دارم و در کنار حوزه فعالیتهای تبلیغی و تدریس نیز داشته ام .

عمیقیان، جمشید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترا در زمینه انرژی ناهمسان گردی مغناطیس تک بلورهای دقیق نیکل- وانادیوم.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ساخت مواد مغناطیسی فریت‌های نرم و سخت و اندازه‌گیری حلقه پسماند آنها و اندازه‌گیری مغناطیسی جرم آن (emu/ gr)، مغناطوتنکش نیکل و فولادهای ذوب آهن، اندازه‌گیری انرژی ناهمسان گردی مغناطیسی سیلیکان- آهن ماده ارزشمندی در ساخت ترانسفورمرها، روشهائی در صیقل شیمیائی سطح تک بلور و آرایش کریستالوگرافی، بررسی معادن نخلک انارک اصفهان، خواص مغناطیسی و الکتریکی آلیاژهای بلورین و رقیق V- Ni و Ti-Ni، ساخت آهن‌رباهای co,Aln و اندازه‌گیری خواص مغناطیسی آنها، مطالعه و بررسی آهنرباهای فریتی نرم و سخت، استاد راهنمای ۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

آشنائی با فیزیک حالت جامد، فیزیک نوین و مکانیک کوانتومی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

مواد مغناطیسی، بلورشناسی و متالورژی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

عناصری، جابر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جابر عناصری در سال ۱۳۲۴ در شهر اردبیل زاده شد. او از کودکی به تعزیه و شبیه خوانی علاقه مند بود. وی گرچه دکتری خود را در رشته فلسفه از دانش گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی گرایش : تعزیهخاطرات کودکی : علی عناصری(پدر جابر) بدلیل علاقه و ارادتی که به ائمه اطهار علیهم السلام داشت، هر ساله مراسم عزاداری، شبیه خوانی و تعزیه را در منزل خود برپا می نمود. جابر از کودکی به شبیه خوانی و تعزیه علاقه مند بود. و زیر نظر پدر، مراسم شبیه خوانی را آموخت. در زمانی که پدرش مراسم شبیه خوانی را برگزار می نمود، جابر مشق های خود را در پشت نسخه های تعزیه می نوشت.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : جابر عناصری در یک خانواده فرهنگی - مذهبی در اردبیل به دنیا آمد . و بدلیل علاقه پدرش به ائمه اطهار و اجرای مراسم تعزیه و شبیه خوانی در منزل وی، جابر به تعزیه علاقه مند گردید. پدرش نیز یکی از مردان سرشناس اردبیل بود و در نظر مردم بسیار محترم بود. خانه او نیز هر ساله محل برگزای مراسم تعزیه و شبیه خوانی بود. از این رو در همه جای آن آلات و ادوات شبیه خوانی و تعزیه به چشم می خورد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : جابر عناصری تحصیلات ابتدایی و دبیرستان خود را در اردبیل طی کرد و سپس بخاطر عشق به ادبیات عامه، در سال ۱۳۳۹ راهی تهران شد تا ادبیات را در دارالفنون بیاموزد. در سال ۱۳۴۲ تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته فلسفه و علوم تربیتی در دانشگاه تهران آغاز کرد و در این رشته تحصیلات خود را تا دکتری ادامه داد.در سال ۱۳۵۲ برای پژوهش و سبک تخصصی در زمینه ایران شناسی اجتماعی را در دانشگاه لندن به پایان رساند.خاطرات و وقایع تحصیل : جابر عناصری در سیزده سالگی در دوره دبیرستان یک پژوهش فرهنگی را انجام داد و آنرا بصورت روزنامه دیواری ارائه نمود.فعالیتهای ضمن تحصیل : جابر عناصری در ضمن تحصیل به پژوهش در ادبیات و فرهنگ عامه مشغول بود. چنانکه یک تک نگاری درباره روستایی بنام ججین را در سال ۱۳۴۵ انجام داد و در مجله هنر و مردم به چاپ رساند. دکتر عناصری پس از اخذ درجه دکتری از دانشگاه تهران و گذراندن دوره تخصصی مردمشناسی در انگلستان با تکیه بر پژوهشهای قبلی خود، به تحقیق درباره خاورمیانه، جنوب غرب آسیا و بویژه مسائل فرهنگی ترکیه و ایران و افغانستان پرداخت.استادان و مربیان : جابر عناصری ادبیات را در دارالفنون از جلال الدین شریفیان آموخت . اولین استاد وی درباره هنر و ادبیات عامه، پدرش علی عناصری بود.همسر و فرزندان : همسر جابر عناصری کارشناسی ارشد کتابداری است و همواره او را در یافتن اسناد و مدارک و تحقیق و نقد آنها یاری و تشویق نموده است. فرزندان وی نیز همواره از کودکی با کتاب مانوس بوده و بعنوان شاگردان پدر و دستیاران تحقیقاتی و حتی طراحان جلد کتابهای وی،وی را یاری می نمایند.وقایع میانسالی : جابر عناصری از دوره تحقیقات میدانی خود در گوشه و کنار ایران خاطرات تلخ و شیرینی دارد. یکی از آنها ر زمانی رخ داد که وی با یک دوربین عکاسی جدید و مدرن به یکی از روستاهای آذربایجان شرقی رفته بود. در آنجا به پیرمردی که در حال کشاورزی بود برخورد. دکتر عناصری بدلیل اینکه مبادا پیرمرد را ناراحت کند، بدون اینکه از وی عکسی بگیرد بسرعت از کنار وی گذشت و از

چند جوان روستایی که در آن نزدیکی بود عکسهایی تهیه کرد پیرمرد که این صحنه را دید، فریاد زد، عجب روزگاری شده از جوانها عکس می گیرند، ولی از پیرها عکس نمی گیرند.دکتر عناصری نیز از او خواست که هر تعداد عکس می خواهد از او بگیرد. اما پیرمرد آنرا مشروز بر گرفتن عکس دستجمعی با خانواده خود و در لباسهای نو دانست، دکتر عناصری نیز از آنها خواست تا لباس محلی آذربایجان را بپوشند، چند لحظه بعد عکسی زیبا و مردم شناسانه بوجود آمده بود.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : جابر عناصری علاوه بر سابقه تدریس در دانشکده هنرهای دراماتیک(از سال ۱۳۵۶ ه.ش) دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر و دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس، در حال حاضر(۱۳۸۱ ه.ش) سرپرست برخی گروههای تحقیقی مردم شناسی و مسئول تحقیقات ایلی و عشایری می باشند.فعالیتهای آموزشی : جابر عناصری از بیست و یک سالگی در دانشکده هنرهای دراماتیک مشغول به تدریس شد(۱۳۵۶ ه.ش) . وی در سال ۱۳۷۷ درجه استادیاری داشت و تا سالهای اخیر به تدریس مشغول بود.[دکتر محسن تهرانی زاده، اسامی و مشخصات استادیاران کشور، تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیع قوانین و مقررات کشور،۱۳۷۷، ص ۳۱۹]. از این گذشته وی بعنوان استاد تعزیه شناسی در دانشکده هنرهای زیبای تهران، دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر، دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس تدریس نموده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : جابر عناصری در کنار تدریس و مسئولیت های اداری تحقیق در زمینه ادبیات عامه ، شبیه خوانی و تعزیه را ادامه می دهد.همفکران فرد : مرحوم احمد شاملو(نویسنده دایره المعارف کتاب کوچه در باره امثال ایرانی)، دهخدا(نویسنده امثال و حکم) صادق هدایت(گرد آورنده حکایات و مثل های محلی برخی مناطق ایران) در گرد آوری ادبیات عامه پیشگام بوده اند. اما امروزه کسانی چون صادق همایونی، دکتر محمود روح الامینی، مهرداد وحدتی دانشمند، محسن میهن دوست، محمد- احمد پناهی سمنانی و دکتر علی بلوکباشی در ردیف همفکران جابر عناصری قرار میگیرند که با نگاهی مردم شناسانه یا هنری به هنر و ادبیات عامه می نگرد.آرا و گرایشهای خاص : مهمترین علاقه جابر عناصری ادبیات عامه، شبیه خوانی و تعزیه است. وی در این راه اعتقاد کاملی به پژوهش میدانی و مصاحبه دارد. چنانکه وی بیشتر عمر خود را صرف تحقیق در روستاهای گوشه و کنار ایران نموده است. وی این روش را ابزاری برای ارتباط نزدیکتر با واقعایت می داند.جوائز و نشانها : تک نگاری درباره روستای ججین اولین پژوهش چاپ شده جابر عناصری بود که از سوی مجله هنر و مردم بعنوان یکی از تحقیقات نمونه انتخاب شد(۱۳۵۲ ه.ش) هنگامی که دکتر عناصری در انگلستان به سر می برد تحقیقاتی با تکیه بر پژوهشهای قبلی خود درباره خاورمیانه، جنوب غرب آسیا و بویژه مسائل فرهنگی ترکیه ایران و افغانستان انجام داد و در سال ۱۳۵۶ با کسب عنوان دانشجوی برجسته دوره پژوهش به ایران بازگشت.آثار : ویژگی اثر : وی در آثار خود از نگاهی جامعه شناسانه و مردم شناسانه به تئاتر و تعزیه ایرانی می نگرد. [جابر عناصری، مراسم آیینی و تئاتر ، تهران: چهارین فصلنامه تئاتر، ۱۳۵۸، ص جلد]۲ ادبیات نمایشی مذهبی ، تجلی قرآن در قاب آئینه فرهنگ عامه ایران و ... [جابر عناصری، مراسم آیینی و تئاتر، تهران: چهارمین فصلنامه تئاتر، ۱۳۵۸ . و سه مردمشناسی و روانشناسی هنری، تهران:اسپرک،۱۳۶۶. و سه ، شناخت اساطیر ایران بر اساس طومار نقالان، تهران: سروش ،۱۳۷۰. و سه ، شبیه خوانی کهن الگوی نمایشهای ایرانی، تهران: مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲] ، دکتر جابر عناصری تا کنون (۱۳۸۱) ۱۲ تعداد ۱۲۰۰ مقاله و ۳۴ کتاب نگاشته اند، که ۲۰ عنوان از کتابهای پژوهشی می باشند و از آن جمله است: شبیه خوانی کهن الگوی نمایشهای ایرانی(۱۳۷۲) ، شناخت اساطیر ایران بر اساس طومار نقالان(۱۳۷۰) ویژگی اثر : پژوهشی است میدانی درباره داستانهای شاهنامه که توسط نقالان نقل شده است. [جابر عناصری، شناخت اساطیر ایران بر اساس طومار نقالان، تهران: سروش،۱۳۷۰، صص فهرست]۷ مراسم آیینی و تئاتر(۱۳۵۸) ، مردم شناسی و روانشناسی هنری(۱۳۶۶) ویژگی اثر : دکتر عناصری در کتاب مردم شناسی و روانشناسی هنری به جایگاه قصه های عامیانه در هنر ایران، باورهای عامیانه، تاثیر رسانه های جمعی در گسترش هنر، مباحث رنگ شناسی، سمبولیسم رنگ و ارتباط آن با روانشناسی می پردازد. سپس به روانشناسی هنری وارد شده و بحث های هنر درمانی، تئاتر درمانی و نقش تئاتر در درمان کودکان معلول و ... را مطرح می نماید. [جابر عناصری، مردم شناسی و روانشناسی هنری، تهران: اسپرک، ۱۳۶۶، و نیز، سه، جابر عناصری، مردم شناسی و روانشناسی هنری، تهران: رشد، ۱۳۸۰، صص جلد و فهرست]۹ نسیم خاطرات[صارمی، عاشقترین عاشقان فرهنگ، فرهنگ و پژوهش، ص ۲۱] ویژگی اثر : مجموعه مقالات نسیم خاطرات در بردارنده ۱۵۰ مقاله در باره تاریخ شفاهی اردبیل و گریزهایی به فرهنگ محل ایران است. [صارمی، عاشقترین عاشقان فرهنگ، فرهنگ و پژوهش، ص ۲۱]

منابع زندگینامه :جواد عناصری، مراسم آیینی و تئاتر، تهران: چهارمین فصلنامه تئاتر، ۱۳۵۸، ص جلد۲دکتر محسن تهرانی زاده، اسامی و مشخصات استادیاران کشور، تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیع قوانین و مقررات کشور،۱۳۷۷، ص ۳۱۹]۳صارمی، عاشقترین عاشقان فرهنگ، فرهنگ و پژوهش. ص ۲۰و نیز جابر عناصری، شبیه خوانی الگوی نمایشهای ایرانی، تهران: مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،۱۳۷۲، صفحات جلد کتاب]۴کتاب ماه هنر، ویژه هنر عامه۱، شماره ۴۰-۳۹(آذر و دی ۱۳۸۰)، ص ۲. و نیز کتاب ماه هنر (ویژه هنر عامه ۲)، شماره ۴۴-۴۳ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۱)،ص ۲

عنایت اصفهانی، عبدالوهاب

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۳۰ ق)، شاعر، متخلص به عنایت. از سادات بنام اصفهان بود. در فنون مختلف مهارت داشت و بویژه سیاق و حساب را نیک می‌دانست. وی از ایران به هندوستان رفت و در آنجا منصب امیری یافت و چندی صاحب دیوان شاهزاده سلطان پرویز بود. در ۱۰۲۴ ق به خواسته خود از ریاست دیوان آن شاهزاده بازداشته و به ریاست دیوان صوبه‌ی سرهند و غیره مشغول شد. تقی اوحدی در ۱۰۳۰ ق او را در آگره‌ی هند ملاقات کرده است. از آثارش: «مثنوی» در بحر «فرهاد و شیرین» نظامی؛ «دیوان» شعر، دارای

حدود ۵۰۰۰ بیت غزل و قصیده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۵۷۴)، فرهنگ سخنوران (۶۵۶)، کاروان هند (۹۲۱ -۹۱۷ / ۲).

عنایت، حمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد، محقق.

تولد: ۱۳۱۱.

درگذشت: ۳ مرداد ۱۳۶۱.

حمید عنایت فارغ‌التحصیل دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران و دارای درجه‌ی کارشناسی ارشد و دکتری از دانشکده‌ی اقتصاد و علوم سیاسی لندن است. بعد، یک سال در خارطوم به تدریس پرداخت تا این که به ایران بازگشت و در دانشگاه تهران سمت دانشیاری یافت و سپس به مقام استادی رسید. از سال ۱۳۵۹ که دانشگاه آکسفورد مقام استادی در رشته‌ی عقاید سیاسی را به وی پیشهاد کرد، مقیم آنجا شد.

خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۳۳ آغاز کرد و با مجلات ادبی و علمی همکاری داشت. به مناسبت انتشار کتاب سیاسیت ارسطو (۱۳۳۷) به دریافت جایزه‌ی بهترین کتاب سال نایل آمد. از جمله کتاب‌های دیگر او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: فلسفه‌ی هگل (از ت. ستیس، تهران، ۱۳۴۸)؛ عقل در تاریخ (هگل)؛ تاریخ طبیعی دین (دیوید هیوم، ۱۳۴۸)؛ لووی استروس (ادموند لیچ، تهران، ۱۳۵۰)؛ اسلام و سوسیالیسم در مصر (تهران، ۱۳۵۰)؛ سیری در اندیشه‌های سیاسی عرب؛ قیصر و مسیح (از دوره‌ی تاریخ تمدن ویل دورانت، تهران، ۱۳۴۱)؛ بنیاد فلسفه سیاسی در غرب؛ از هراکلیت تاهابز (تهران، ۱۳۴۹)؛ جهان از خود بیگانه (تهران، ۱۳۴۹)؛ اندیشه‌ی سیاسی در اسلام معاصر (ترجمه‌ی بهاءالدین خرمشاهی)؛ سه آهنگساز: موازر، برلیوز، واگنر (رومن رولان، ترجمه، تهران، ۱۳۳۴)؛ انتقام معجزه‌آسا (سه داستان از جرج برناد شاو، گی دوموپاسان، جک لندن، ترجمه، تهران، ۱۳۳۳).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

عنایت‌الله محسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، خطاط. از خوشنویسان زمان شاه‌عباس اول است. از آثار وی: یک نسخه «اخلاق ناصری» خواجه نصیر طوسی، به قلم کتابت خوش و با رقم: «بتاریخ ۲۲ شهر رمضان المبارک سنه‌ی ۱۰۰۰.. راقمه عنایت‌الله محسن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۴۱ / ۲).

عنایتی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجهٔالاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدعلی عنایتی بن مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ جعفر عنایتی از علماء معاصر است در گنبد کاووس.

ایشان در سال ۱۳۱۱ شمسی در قریه «رودبار قانچی» از قراء گرگان متولد شده و پس از پرورش و خواندن قسمتی از مقدمات خدمت مرحوم والدش در سال ۱۳۶۵ قمری برای ادامه تحصیل به مشهد مقدس مشرف گشته و ادبیات و سطوح را در محضر اساتید وقت دانشمند گرانمایه آقای ادیب نیشابوری و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا احمد مدرس یزدی و غیرهما به پایان رسانیده و در سال ۱۳۷۰ قمی به نجف اشرف مهاجرت و در حوزه درس فقه و اصول مرجع عالیقدر آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسن یزدی حاضر و استفاده نموده و یک دوره تقریر درس اصول و قسمتی از درس مکاسب آیت‌اللّه خوئی مدظله العالی را به رشته تحریر آورده و نیز از محضر مرحوم عالم ربانی آیت‌اللّه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه العظمی حکیم بهره‌مند شده و در سال ۱۳۸۰ قمری به ایران مراجعت و در تهران اقامت و به اقامه جماعت و تبلیغ دین پرداخته و در سال ۱۳۸۴ قمری با اصرار جمعی از مؤمنین گنبد کاووس به جهت امامت و تبلیغ دین و ارشاد مسلمین بدانجا آمده و تاکنون به خدمات دینی و انجام وظیفه روحی اشتغال دارد.

از آثار ایشانست بناء مسجد رضوی گنبد که به سعی و اهتمام معظم له و همت مردم خیر گنبد توسعه و تجدید گردیده است.

اکثر اجداد ایشان از علماء زمان بوده است یکی از اجداد ایشان مرحوم حجهٔالاسلام شیخ زین‌العابدین بن شیخ محمدباقر است که تعلیقات سودمندی بر شرایع محقق حلی نوشته و اکنون در حواشی نسخه نفیسی از شرایع که استنساخ آن هم بخط آن بزرگوار

است و در تاریخ هفتم ذی‌الحجه ۱۲۱۷ قمری پایان یافته است در کتابخانه شخصی ایشان موجود است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

عنبری اصفهانی، ابونهشل عبدالصمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۱۷ -۴۲۷ ق)، فقیه و محدث. پدرش از فضلای ادبا بود. ابوالحسین بن فاذشاه به وی اجازه داد و عنبری از او «جزء الزهد» اسد بن موسی و از ابن ریذه «معجم» بزرگ و کوچک طبرانی و ازهارون بن محمد «فضایل القرآن» عبدالرزاق و همچنین «بر الوالدین» ابوالشیخ را شنید. سلفی و ابوموسی مدینی و ابوجعفر محمد بن اسماعیل طرسوسی و مسعود بن ابی‌مصنور جمال و مسعود بن محمود عجلی و عبدالواحد بن ابی‌مطهر صیدلانی از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابوسعد سمعانی گوید که عنبری به وی اجازه روایت داده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۴۸۵ -۴۸۳ / ۱۹).

عنبری اصفهانی، ابوهذیل زفر

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۵۸ -۱۱۰ ق)، فقیه حنفی. معروف به ابوهذیل عنبری. اصل وی از اصفهان بود و در بصره مقیم. ابونعیم حافظ گوید که پدر عنبری، هذیل، والی اصفهان بود. شیخ طوسی او را از اصحاب امام صادق (ع) و ابن‌داوود او را از اصحاب امام صادق (ع)و امام کاظم (ع) شمرده‌اند. ذهبی او را برجسته‌ترین شاگرد ابوحنیفه می‌داند و می گوید که او نزد ابوحنیفه فقه آموخت تا فقیهی کامل گشت. حیدث را بخوبی فهم می‌کرد و خود می‌گفت که قادر به غربال حدیث است. او از حسان بن ابراهیم کرمانی و اکثم بن محمد و ابونعیم ملائی و نعمان تیمی و مالک بن فدیک و اقران آنان حدیث روایت کرده است. ابن‌معین او را محدثی مورد اعتماد توصیف نموده است. او در ابتدا از اصحاب حدیث بود اما تحت تربیت ابوحنیفه به اصحاب الرأی مایل شد، گرچه اوتا زمانی که حدیثی می‌یافت به رأی نمی‌پرداخت. وی مدتها متولی قضای بصره بود، و در همان شهر نیز وفات یافت. عنبری یکی از کسانی است که جامع بین علم و عمل و عبادت بود. تصانیفی چند از وی بجای مانده است که از آن جمله «المقالات» و «مجرد»، در فروع می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۷۸ / ۳)، اعیان الشیعه (۶۱ / ۷)، الجرح و التعدیل (ج ۱ ق ۶۰۹ -۶۰۸ / ۲)، رجال ابن‌داود (قسم ۴۵۴ / ۲)، رجال الطوسی (۲۰۱)، ریحانه (۳۰۱ -۳۰۰ / ۷)،سیر النبلاء (۴۱ -۳۸ / ۸)، شذرات الذهب (۲۴۳ / ۱)، طبقات ابن‌سعد (۳۶۱ / ۶)، العبر (۱۷۶ / ۱)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۳۷۶)، کشف الظنون (۱۷۸۲)، المیزان (۱۳۶ -۱۳۴ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالهذیل)، معجم رجال الحدیث (۲۶۶ -۲۶۵ / ۷)، معجم المؤلفین (۱۸۱ / ۴)، النجوم الزاهره (۴۱ / ۲)، الوافی بالوفیات (۲۰۱-۲۰۰ / ۱۴)، وفیات الاعیان (۳۱۹ -۳۱۷ / ۲)، هدیه العارفین (۳۷۳ / ۱).

عنبرین قلم هروی، عبدالرحیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، خطاط. ملقب به عنبرین قلم و روشن رقم. اصلش از مردم هرات بود. در جوانی از خراسان به هندوستان رفت و به خدمت عبدالرحیم‌خان خانان رسید و بعدهاخان خانان او را به دربار جهانگیر پادشاه (۱۰۳۷ -۱۰۱۲ ق) معرفی کرد و از آن هنگام جز کاتبان دربار درآمد و ملقب به عنبرین قلم و سپس روشن رقم شد. او گاهی نیز جهانگیر شاهی نیز رقم کرده است. از آثار وی: دو قطعه به قلم نیم دو دانگ و کتابت و غبار و دو دانگ و کتابت خوش، با رقمهای: «کتبه الفقیر عبدالرحیم عنبرین قلم» و یکی با تاریخ «سنه‌ی ۹۹۹»؛ پانزده قطعه از مرقعی، به قلمهای چهار دانگ با کتابت عالی و خوش، با رقمهای: «عبدالرحیم»، «عبدالرحیم کاتب»، «عبدالرحیم هروی» که یکی تاریخ ۱۰۰۲ ق دارد؛ یک نسخه «چهل مجلس» علاءالدوله سمنانی، به قلم کتابت جلی خوش، با رقم: «عبدالرحیم روشن رقم ۱۰۲۰»؛ سه قطعه از مرقعی، به قلم دو دانگ و نیم دو دانگ و کتابت خفی خوش، با رقمهای مختلف که یکی رقم «فقیر عبدالرحیم جهانگیر شاهی،فی شهور سنه‌ی ۱۰۳۲» دارد؛ «یک نسخه «جهانگیرنامه»، به قلم نیم دو دانگ خوش، با رقم: «...سنه‌ی ۱۰۳۴، کتبه العبد... عبدالرحیم الهروی عنبرین قلم...». هفت اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۹۱ -۳۸۹ / ۲)، مآثر رحیمی (۱۶۷۸ / ۴)، هنر عهد تیموریان (۷۵۱ ،۶۴۹ -۶۴۸ ،۵۳۲ -

(۴۳۷، ۴۴۱، ۵۳۱).

عندلیب کاشانی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. ملقب به ملک الشعراء ثانی و خان. وی بعد از پدر، کلیددار آستانه‌ی حضرت معصومه (ع) بود. طرز سخن‌سرایی او به طرز شعرای قدیم مثل رودکی و کسای مروی شبیه است و شیوه‌ی گفتار خاقانی و ناصرخسرو دارد و زبانش به لغت فرس بسیار آشنا است. وی در نقاشی و منبت‌سازی نیز متبحر بود. عبدالرزاق دنبلی، بر حسب خواهش محمد حسین‌خان صدر اصفهانی کتاب «نگارستان» خود را که شرح حال شعرا است با صبا شروع کرد (البته بعد از خاقان و فرزندانش) و با عندلیب به پایان برد. اثر وی «دیوان» شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۵۷۵ -۵۷۴)، حدیقه الشعراء (۱۲۳۴ -۱۲۳۰ / ۲)، الذریعه (۷۷۳ -۷۷۲ / ۹)، سفینه المحمود (۳۸۷ -۳۸۵ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۵۷ / ۲)، مجمع الفصحا (۷۷۳ -۷۴۴ / ۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۲۸ -۱۲۶)، نگارستان دارا (۳۰۰ -۲۹۷).

عندلیب کاشی، محمد تقی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، خواننده و موسیقی‌دان. مشهور به عندلیب کاشی بود و در زمان شاه‌سلیمان صفوی (۱۱۰۶ -۱۰۷۷ ق) در اصفهان می‌زیست. حافظ محمد تقی در موسیقی مهارت داشت و آواز را خوش می‌خواند. از آثار وی «دیوان» شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ اصفهان (۲۵۵)، تاریخ موسیقی (۳۳۶ / ۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۰۷ -۴۰۶)، الذریعه (۷۷۲ / ۹)، صبح گلشن (۸۸)، فرهنگ سخنوران (۱۹۰).

عندلیب، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی معروف به (عندلیب) از علماء و ائمه جماعت محترم معاصر مشهد مقدسند.

وی پس از پرورش و خواندن مقدمات و ادبیات در سبزوار و مشهد متون فقه و اصول را از مدرسین بزرگ فراگرفته و از دروس خارج آیات عظام خراسان استفاده نموده و بعد چندین سال در سبزوار به اقامه جماعت و تبلیغ دین و خدمات روحی پرداخته تا در این چند ساله اخیر که بنا بر دعوت حضرت آیت‌اللّه العظمی میلانی مدظله به مشهد منتقل و به وظائف دینی اشتغال و ضمنا غالب شبها در منزل معظم‌له آمده و متصدی قسمتی از کارهای معظم‌له از قبیل جواب استفتاءها و غیره می‌باشند.

آقای عندلیب از دانشمندان روشن و مطلع و مورد توجه مخصوص آیت‌اللّه العظمی میلانی بودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

عندلیب‌زاده، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدحسین بن العالم الخطیب والفاضل الحسیب حاج شیخ محمدتقی عندلیب همدانی از علماء محترم و ائمه جماعت معاصر همدان است که در مسجد حاجی همدان به اقامه جماعت و ارشاد مرحوم و تبلیغ احکام و ترویج دین اشتغال دارد. تولد ایشان در همدان واقع شده و تحصیلات خود را در آنجا و دارالعلم قم به پایان رسانیده آنگاه مراجعت به همدان و به خدمات دینی پرداخته است.

دارای تالیفات سودمندی می‌باشد برادر بزرگوار ایشان مرحوم حجت‌الاسلام حاج شیخ محمدحسن قوام الشریعه تهرانی بودند که در حومه شهر ری سکونت و شاغل وظائف روحی و اجتماعی بودند و در سال ۱۳۸۷ ق مشرف به نجف اشرف شده و پس از زیارت عتبات عالیات در نجف داعی حق را لبیک اجابت گفته و جان بجان آفرین تسلیم و در وادی‌السلام در جوار حضرت هود و صالح نبی علیهاالسلام مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

عنزی جرجانی، ابوعبدالله حسین

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۹۸ ق)، فقیه. معروف به وراق جرجانی. وی در بغداد ساکن بود. او به دنبال حدیث سفرها کرد و شناخت و فهم درستی از آن یافت. از محمد بن حسن بن سیرونه و اسحاق بن ابراهیم جرجانی و احمد بن محمد جرجانی و محمد بن یعقوب اخرم ینشابوری و محمد بن قاسم عتکی نیشابوری و ابوسعید بن اعرابی و اسماعیل صفار و خیثمه بن سلیمان و ابوالعباس اصم و احمد بن ابی‌طلحه فارسی و همطبقه آنان حدیث شنید. ابوعبدالله حاکم و حمزه سهمی و سلیم رازی و علی بن محسن تنوخی و ابومسعود احمد بن محمد بجلی رازی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. در «تاریخ بغداد» صاحب عنوان تحت نام عنبری ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ الاسلام (حوادث ۳۵۶ - ۴۰۰ -۳۸۱)، تاریخ بغداد (۲۸ -۲۷ / ۸)، سیر النبلاء (۶۳ -۶۲ / ۱۷).

عنصر المعالی، کیکاوس

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۴۷۵ ق)، نویسنده و شاعر. یکی از امیران و شاهزادگان آل‌زیار بود که در ادبیات مقامی رفیع داشت. وی به ظاهر، مدتی بر بخشی از کوهستانهای مازندران حکومت داشت و مدتی نیز در دربار سلطان مودود غزنوی سمت ندیمی داشت. سفری به حج کرد. آن چه سبب شهرت و ماندگاری وی شده است، کتاب «قابوس‌نامه» است که آن را در چهل و چهار باب برای فرزند خود گیلان‌شاه در ۴۷۵ ق تألیف کرده است. این کتاب از مهمترین متون نثر فارسی به شمار می‌رود. عنصرالمعالی قریحه شاعری نیز داشته و قطعات و رباعیات متوسط از او باقی مانده است.[۱]

(ع. پایه بلندیها) کیکاوس بن اسکندر ابن قابوس بن وشمگیر بن زیار، از امرای دانشمند آل زیار (قر. ۵ ه.) وی در زمره زیاریانی است که پس از منوچهر بن قابوس، و مخصوصا پس از غلبه ترکمانان سلجوقی بر ایران، حکومت مستقلی نداشته، و تنها به عنوان امیرزاده در قسمتی از طبرستان باقی مانده بودند. پدرش اسکندر دارای دستگاه امارت بود، و کیکاوس او را «امیر ماضی» خوانده، و خود او امارت گونه‌ای داشت، و گویا امیری وی منحصر به قسمت محدودی از گرگان و طبرستان و بسیار ضعیف بود، چنانکه وی خود مدتی دراز بیرون از ولایت خویش میگذرانید، و چون زن او فرزند سلطان محمود غزنوی بود، هشت سال در دستگاه سلطان مودود به سر برد، و چندی به غز و در هندوستان گذراند، و به غز و در سرحدهای روم نیز رفت، و سپس چند سال در گنجه نزد امیر ابوالسوار شاوور بن فضل هم در سفر حج گذرانید. تاریخ وفات او را ابن اسفندیار ۴۶۲ ه.ق. نوشته و بسیاری همین تاریخ را پذیرفته‌اند، ولی بعض محققان به مناسبت تاریخ اتمام قابوسنامه که در برخی نسخ ۴۷۵ آمده این تاریخ را مردود دانند لیکن با مسلم شدن وفات ابن اسفندیار در سال ۴۶۲ ه.ق. تاریخ اتمام قابوسنامه بین سالهای ۴۵۷ و ۴۶۲ به حقیقت نزدیکتر است. وی پسری به نام گیلانشاه داشته و خود کتاب «قابوسنامه» (ه.م.) را به نام او تألیف کرده است. عنصرالمعالی مردی مطلع و دانشمند بود و به زبانهای فارسی و طبری اشعاری متوسط می‌سرود.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۹۰۲ -۸۹۸ / ۲)، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران (۸۹)، تاریخ نظم و نثر (۴۶ -۴۵)، تذکره‌ی روز روشن (۶۸۸ -۶۸۷)، حبیب السیر (۴۴۲/ ۲)، دایره‌المعارف فارسی (۲۳۳۸ / ۲)، الذریعه (۳ / ۱۷ ،۹۰۶ / ۳)، ریحانه (۲۱۵ / ۴)، سبک‌شناسی (۱۸۹ / ۳)، شاعران بی‌دیوان (۵۷۴ -۵۷۰)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۹۱)، قابوس‌نامه (مقدمه/ یز- ۵)، گنج و گنجینه (۱۰۶ -۱۰۰)، لباب الالباب (۳۱ -۳۰/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ عنصر المعالی)، مجمع الفصحا (۱۰۸ -۱۰۷ / ۱)، معجم المؤلفین (۴۱۵ / ۱۳)، هفت اقلیم (۹۹ -۹۷ / ۳).

عنصری بلخی، ابوالقاسم حسن

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۳۱ -۳۵۰ ق)، شاعر. در بلخ در خانواده‌ای مرفه به دنیا آمد و به تحصیل علوم متداول زمان پرداخت. از جوانی به سرودن شعر روی آورد و ابتدا به مدح امیر نصر بن سبکتکین پرداخت و به وسیله‌ی همو به خدمت محمود غزنوی رسید و ردشمار ندیمان وی درآمد. عنصری در غالب سفرهای جنگی همراه محمود بود و برخی از سروده‌هایش در وصف همین جنگها و فتوحات است. او از رهگذر مدحها، صله‌های گران دریافت کرد و چنان توانگر شد که ثروت او زبانزد شاعران فارسی زبان گردید. وی پس از محمود تا پایان عمر در خدمت پسرش، مسعود، بود. عنصری در شعر فارسی و انواع آن، از قصیده و غزل، قطعه، مثنوی توانا بود. از آثار وی: منظومه‌ی «وامق و عذرا»؛ منظومه‌ی «شادبهر عین الحیوه»؛ منظومه‌ی «خنگ‌بت و سرخ‌بت»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۵۶۷ -۵۵۹ / ۱)، تاریخ ادبی ایران (۶۶۵ -۵۶۵ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۸)، تذکره‌ی روز

روشن (۵۷۹ -۵۷۵)، دایره‌المعارف فارسی (۱۷۸۳ -۱۷۸۲ / ۲)، دیوان عنصری (مقدمه)، الذریعه (۳۳۱ / ۱۹ ،۷۷۳ / ۹ ،۲۶۶ / ۷)، ریحانه (۲۱۷ -۲۱۵ / ۴)، شخصیت‌های نامی (۳۴۸ -۳۴۷)، الکنی و الالقاب (۴۸۸ / ۲)، گنج سخن (۱۳۶ -۱۲۷ / ۱)، گنج و گنجینه (۵۴۶ -۵۴۳)، لباب الالباب (۳۳ -۲۹ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ عصنری)، مجمع الفصحا (۹۲۱ -۸۹۷ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵۱۳ - ۵۱۲ / ۲)، نتایج الافکار (۴۶۱ -۴۵۹)، هفت اقلیم (۶۰ / ۲).

عنقا اویسی، صادق، محمد صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۴ ش)، نویسنده و شاعر. وی نواده‌ی ابوالفضل عنقا (۱۳۳۳ -۱۲۶۶ ق) است. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات در رشته‌های ادبیات و معقول و منقول نزد پدر به تکمیل ظاهر و باطن پرداخت. از آثار وی: تذکره‌ی «سیر خرقه»،در تراجم احوال اویسی مشربها از اویس تا قطب‌الدین محمد؛ «دیوان شعر»؛ «عشق و سرنوشت»؛ «دانشمندان ذره‌بینی»؛ «پدیده‌های فکر»؛ «چنته»، شعر با شرح فارسی و عربی؛ «کواکب ادب»، مجموعه‌ی اشعار دو کتاب اخیر به چاپ رسیده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۵۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۷ -۴۹۶ / ۳).

عنقا، قطب‌الدین محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۴۱ -۱۲۶۷ ش)، شاعر و صوفی. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در مدرسه‌ی شرف، وارد دارالفنون شد. پس از اتمام تحصیلات در اداره‌ی حکومتی تهران تا اوایل مشروطه به سمت نویسندگی مشغول خدمت بود. صاحب ترجمه از عرفای نامدار است. از آثار وی: «ادبیات عنقا»، شعر؛ «تجلیات»، مجموعه‌ی شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۶۸ / ۴)، گلزار معانی (۴۸۷ -۴۸۰)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۰ -۶۴۹ / ۵).

عنقا، محمدصادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۹۴، تهران.

درگذشت: ۱۳۶۰ کرج.

محمدصادق عنقا، متخلص به (عنقا)، فرزند میر قطب‌الدین محمد پسر جلال‌الدین علی میرابوالفضل عنقا (اویسی)، پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه از دانشکده حقوق دانشگاه تهران موفق به دریافت لیسانس شد. سپس در وزارت دارایی به کار مشغول گردید و تا بازنشستگی مشاغل مختلفی را بر عهده داشت. وی از شاعران صوفی مشرب معاصر است و بیشتر درباره تصوف و عرفان تحقیق کرده است. از جمله آثار وی در این زمینه می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: چنته (شعر با شرح فارسی و عربی)، کواکب ادبی (مجموعه اشعار، ۱۳۱۵)، نیروان (رساله‌ای پیرو رساله‌ی غربت غریبه شهاب‌الدین سهروردی بر کتاب حی ابن یقظان ابن طفیل)؛ آواز خدایان (این کتاب به زبان انگلیسی و فرانسوی نیز ترجمه شده است)؛ مزامیر حق (مجموعه اشعار عرفانی)؛ منظومه گلزار امید؛ اصول فقر و و تصوف؛ سرالحجر (در صنعت)؛ عشق و سرنوشت؛ پدیده‌های فکر؛ دیوان قصاید و غزلیات؛ از آثار دیگر او تذکره‌ی سیر خرقه در تراجم اویسی مشرب‌ها از اویس تا قطب‌الدین محمد است.

در سال‌های آخر عمر در کرج خانقاهی داشت، سرانجام به سال ۱۳۶۰ زندگی را بدرود گفت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

عنقای اصفهانی، جواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۷۵ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به عنقا. پدرش از اعیان و معاریف اصفهان بود و خود همان جا به دنیا آمد. هنگامی که سلطان محمد میرزا سیف‌الدوله والی اصفهان بود، تعلیم خط از عنقا می‌گرفت. عنقا مدتی بعد همراه سیف‌الدوله به تهران آمد و متوطن شد و در همان شهر درگذشت. وی در خط شکسته مهارت داشت و خط نستعلیق را نیز نیکو می‌نوشت و همچنین در

غزلسرایی، صاحب طبع و سبکش نزدیک به مذاق اهل عرفان بود. از آثار وی: «دیوان» شعر؛ یک نسخه «دیوان» ناصرخسرو، که قسمتی از آن به قلم شکسته و بقیه به نستعلیق نیم دو دانگ خوش است، با رقم: «در عهد... ناصرالدین شاه... عبدالجواد... سنه‌ی ۱۲۶۱».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۶۹ –۳۶۸ / ۲)، حدیقه الشعراء (۱۲۳۶ –۱۲۳۴ / ۲)، الذریعه (۷۷۳ / ۹)، شرح حال رجال (۱۳۱ / ۶)، گنج شایگان (۳۵۰ –۳۴۸)، المآثر و الآثار (۲۰۶)، مجمع الفصحا (۷۴۰ / ۵).

عنقای شیرازی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۸ –۱۲۶۰ ق)، ادیب، خوشنویس و شاعر، متخلص به عنقا. ملقب به ملک الشعراء.در اصفهان به دنیا آمد. مردی درویش‌مسلک بود. وی عموی استاد جلال‌الدین همایی است و بنا به نوشته‌ی او مرگ عنقا بر اثر مسمومیت از قهوه قجری به دنبال مشاجره‌اش با ظل‌السلطان و کتک خوردن از او در ۱۳۰۸ ق روی داده، اما به گفته صاحب «حدیقه الشعراء» عنقا در ۱۳۱۰ ق در اصفهان زنده بوده است. عنقا در اصفهان درگذشت و در تخت پولاد دفن شد. از وی «دیوان» شعری به جای مانده که به همت استاد جلال‌الدین همایی منتشر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۹۸)، حدیقه الشعراء (۱۲۳۸ –۱۲۳۶ / ۲)، الذریعه (۷۷۴ –۷۷۳ / ۹)، شرح حال رجال (۲۲۹ / ۶).

عنقای طالقانی، جلال‌الدین ابوالفضل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۳ / ۱۳۳۲ –۱۲۶۶ ق)، نویسنده، شاعر، متخلص به عنقاء. در قزوین به دنیا آمد. پس از تحصیلات نزد پدر خویش و استادانی چون سید رضی حکیم‌الهی، شیخ محمد صادق بن شهید ثالث از قزوین به تهران آمد و در این شهر نزد استادانی چون آقا علی مدرس که از مشاهیر حکمت بود و نیز حاج ملاهادی مدرس به تحصیل پرداخت و رد سلک دراویش اویسیه درآمد. عنقا از فضایل علمی و ادبی و حسن خط بهره داشت و سالیان دراز با غلام حسین‌خان غفاری صاحب اختیار ارتباط و معاشرت داشت، گویند که بعضی اشعاری که به نام صاحب اختیار شهرت داشته از سروده‌های عنقاست. وی در تهران درگذشت و در ابن‌بابویه دفن شد. از آثارش: رساله‌ی «آئینه‌ی جهانبانی»؛ رساله‌ای در «اثبات نبوت و ولایت»؛ «اشارت حسینیه»، مثنوی؛ «انوار قلوب السالکین»، مثنوی؛ «دیوان» غزلیات؛ «عقاید حقه»، در اصول دین.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره طلعت (۱۶۶ –۱۴۸)، الذریعه (۱۲۱، ۱۱۶ / ۱۹، ۷۷۴ / ۹)، شرح حال رجال (۹ / ۶)، طرائق الحقائق (۵۸۷ –۵۸۵ / ۳)، فرهنگ سخنوران (۶۵۸)، مکارم الآثار (۱۸۳۹ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۱ –۲۱۰ / ۱).

عنقای قاجار، محمد رحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. پدرش مدتی حاکم سبزوار بود. خود وی چندی نیز مأمور به همراهی منوچهرخان معتمدالدوله و حکومت بعضی از شهرها شد. وی اواخر عمر را در تهران سپری کرد. در «حدیقه الشعراء» عنوان دیگری به نام عنقای خراسانی ذکر شده که به نظر آقای دکتر نوایی این دو عنوان یکی هستند. اثرش «دیوان» شعر می‌باشد. از اوست:

خدای را مددی همرهان که ره نبرم من

کنید راهنمایی به کوی باده فروشم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۲۳۹ –۱۲۳۸، ۱۲۳۶ / ۲)، الذریعه (۷۷۴ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۵۸)، مجمع الفصحا (۷۳۹ / ۵).

عوام کردستانی، عبدالله

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۱۲۳۵ ق)، شاعر، متخلص به عوام. پدرش وزارت سنندج را داشت. خود او در زمان امارت و ولایت امان‌الله‌خان والی،

رتبه‌ی وزارت داشت و از جانب فتحعلی شاه مأمور سفارت روسیه شد. وی در آشوبهای سنندج درگذشت. اثرش «دیوان» شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره حدیقه امان‌اللهی (۴۰۳ -۴۰۱)، حدیقه الشعراء (۱۲۳۹ / ۲)، الذریعه (۷۷۵ / ۹)، ریحانه (۲۱۸ -۲۱۷ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۶۵۹)، مجمع الفصحا (۷۴۲ / ۵).

عودی، ستار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر ستار عودی درسوم خرداد ۱۳۳۳ه.ش در بغداد متولدشد. تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در مدارس عراق گذراند. و در پانزدهم اسفند ۱۳۵۰ ه.ش به همراه خانواده، همانند بیش از پانصد هزار ایرانی دیگر توسط حکومت یعنی صدام حسین، از عراق اخراج شدند. وی بین سالهای ۱۳۵۴ـ ۱۳۵۲ ه.ش به انجام خدمت نظام وظیفه با درجه گروهبان درلشکر ۷۷خراسان پرداخت و بعد از انقلاب اسلامی به اشتغال در چند شرکت خصوصی و از سال ۱۳۶۴ه.ش در وزارت راه و ترابری مشغول به کار شد. در فروردین ۱۳۶۷تا کنون ۱۳۸۳ به عنوان مترجم، دبیر و سر دبیر خبر عربی مشغول به کار است. وی دارای مدرک دکترای تاریخ و تمدن اسلامی است.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی گرایش : تاریخ تمدن اسلامی والدین و انساب : ستار عودی در سال ۱۳۳۳ در خانواده مردی ایرانی به نام غلام از زنی به نام سلیمه متولد شد.خاطرات کودکی : ستار عودی که کودکی و نوجوانی خود را در اطراف کاظمین سپری کرد و گرچه خاطرات زیادی از آن روزگار در ذهن ندارد، آنجا را به سبب رونق مراسم های مربوط به عاشورا در آن روزگار همواره به یاد می آورد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر ستار، شغل آزاد و نسبتا مرفه و جزو طبقه متوسط اجتماعی بود. ستار نیز در کنار یک خواهر و پنج برادر خود (به نامهای سهام، جلال، کمال، خالد، سالم و حافظ) تا سال ۱۳۵۰ از زندگی خوبی برخوردار بوده اند . تا اینکه در دیماه ۱۳۵۰ دولت عراق دار اینهای آنان را ضبط کرد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : ستار عودی دیپلم خود را در شهر ری دریافت کردو از سال ۱۳۶۴ دررشته زبان انگلیسی وارد دانشگاه تهران شد، در سال ۱۳۶۹ نیز لیسانس ادبیات فارسی را از دانشگاه پیام نور احراز کرد و در سال ۱۳۷۴ فوق لیسانس تاریخ و تمدن ملل اسلامی و در سال ۱۳۸۰ مدرک دکتری خود را در همان رشته از دانشگاه تهران دریافت کرد.خاطرات و وقایع تحصیل : ستار عودی در کنار تحصیل، به گذراندن یک دوره خبرنگاری و نیز یک دوره دیپلم عالی بازرگانی از لندن (از طریق نامه نگاری) نائل آمده است . در کنار اینها در جاده کرج مشغول به کار بوده است و گاه از فرط خستگی برسر کلاس به خواب می رفته است.فعالیتهای ضمن تحصیل : ستار عودی در حین تحصیل علاوه بر اشتغال و تحصیل در چندین مقطع و رشته، به چندین جلسه علمی در خارج کشور رفت و نیز برای بنیاد دایره المعارف اسلامی بزرگ مقالاتی تهیه می کرد. همچنین مدتی را به فراگیری زبان فرانسه و اسپانیول مشغول بود.استادان و مربیان : خانم دکتر برزگر و دیگر استادان، به ویژه استادان رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی در دانشکده الهیات دانشگاه تهران از استادان ستار عودی بوده اند. از آن جمله اند: استاد دکتر اسعدی، استاد دکتر حسین قره چانلو، دکتر نصیریان، دکتر هادی عالم زاده و دکتر نورالله کسائی.هم دوره ای ها و همکاران : ستار عودی نام همدوره ای ها و همکاران روزگار تحصیل خود را به سبب سپری شدن زمان و وقوع بسیار در زندگی او به خاطر نمی آورد.همسر و فرزندان : ستار عودی در ۱۹ شهریور ۱۳۶۰ه.ش با دختر خاله خود به نام بتول آهنگری ازدواج کرد و حاصل این ازدواج سه فرزند به نامهای علی متولد ۱۳۶۱، حیدر ۱۳۶۴، و محمد ۱۳۷۱ می باشند.وقایع میانسالی : روزگار میانسالی ستارعودی به تحصیل دررشته تاریخ تمدن و ملل اسلامی در دانشکده الهیات دانشگاه تهران و نیز اشتغال در بخش عربی اخبار جمهوری اسلامی ایران، و نیز به عنوان مترجم و دبیر می گذرد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ستار عودی مشاغل گوناگونی چون مدیر امور فروش، مدیریت امور انبارها، استادی زبان انگلیسی درنیروی هوایی، استاد زبان عربی در دانشکده وزارت امور خارجه، استاد در دانشگاه های تهران و دانشگاه امام صادق(ع) و سردبیر خبر بین المللی عربی در خبر گذاری جمهوری اسلامی ایران را تجربه نموده است.فعالیتهای آموزشی : ستار عودی سابقه درخشانی در تدریس داشته است که عبارت است از: استادیار رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی در دانشگاه امام صادق. استادیار رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی در دانشکده فرهنگ اسلامی و ارتباطات (شاخه تاریخ تشیع) . استاد مدعو در دانشکده الهیات دانشگاه تهران از ۱۳۷۸ تا کنون ۱۳۸۳. استاد ناظر بر رساله های دانشجویان در دانشکده خبر عضو هیات علمی بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی . کارشناس امور خبری در بخش بین المللی خبر گذاری جمهوری اسلامی ایران. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ستار عودی در دانشگاههای مختلف در تهران به تدریس و نیز مطالعه و تحقیق مشغول است. و نیز سر دبیری خبر بین المللی بخش عربی را بر عهده دارد.شاگردان : ستار عودی چنانکه خود نوشته است شاگردان بسیاری را طی یک دهه آموزش تربیت کرده است که برخی از آنان مسئولیت های مهمی را عهده دار می باشند.آرا و گرایشهای خاص : تز دکتری ستار عودی تحت عنوان« تاریخ دولت اغلبیان در افریقیه (تونس) در قرن سوم هجری »پس از پنج سال تحقیق صورت گرفته است. وی با توجه به تسلط بر زبانها عربی و انگلیسی و فارسی و دانستن زبانهای فرانسه و اسپانیایی منابع گسترده ای در این باره را شناسایی و مطالعه کرده است.جوائز و نشانها : جایزه بهترین مقاله دایره المعارفی برای مقاله «تاریخ نگاری در شمال آفریقا» ۱۳۸۳/۱۱/۱۵چگونگی عرضه آثار : ستار عودی بیش از ۵۰مقاله علمی به بنیاد دایره المعارف اسلامی تقدیم کرده است که در جلد ششم دانشنامه جهان اسلام هفت مقاله از آن به چاپ رسیده است . از این گذشته وی تعدادی مقاله برای دایره المعارف بزرگ اسلامی نوشته است که در حال چاپ می باشند. و نیز پنج مقاله درباره شخصیتهای عرب قدیم از جمله بشار بن بردو مجله اول در

فرهنگستان زبان وادب فارسی زیر چاپ است . دو مقاله در جمله ماهنامه دینی و یک مقاله در مجله ریحانه و یک مقاله در دایره المعارف زنان، حدود ۱۰۰مدخل برای دایره المعارف جدیدی بر سبک و سیاق دایره المعارف مصاحب دردست چاپ دارد.آثار : ایران یک شریک تجاری ویژگی اثر : این کتاب در رشته بازرگانی و ترجمه ای است از زبان انگلیسی به عربی که در اجلاس سران کشورهای اسلامی به نمایش گذاشته شد و دومین چاپ آن نیز منتشر شده است .۲ تاریخ آل مظفر ویژگی اثر : این کتاب خلاصه ای است به زبان ساده که از کتب پیچیده روزگار پس از ایلخانان استخراج شده و توسط موسسه اهل قلم ـ میراث مکتوب در حال چاپ است.۳ تاریخ دولت اغلبیان در افریقیه (تونس) درقرن سوم هجری ویژگی اثر : عنوان فوق،شامل تز دکتری ستار عودی بود که پس از پنج سال تحقیق و مطالعه بیش از ۷۰۰ منبع به پایان رسیده و در موسسه امیر کبیر در زیر چاپ است.۴ زندگینامه شاه عباس دوم ویژگی اثر : این کتاب خلاصه ای است با نثری روان که برای مخاطبین جوان تهیه شده است این اثر خلاصه ای است از منابع مربوط به عصرصفوی که در موسسه اهل قلم ـ میراث مکتوب در حال چاپ می باشد.۵ سرگرمیهای ریاضی ویژگی اثر : ترجمه کتابی سرگرم کننده در رشته ریاضی است که در موسسه علمی ـ فرهنگی وابسته به وزارت علوم زیر چاپ است.

منابع زندگینامه : اظهارات و نوشته های ستار عودی

عوض بیک

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد صالح بیک. ادیب شاعر، از بزرگان امرای عهد صفوی. دیوان اشعاری دارد موسوم به «سفینهٔ الشعراء». قبرش جنب قبر میر سید علی طباطبائی نائینی در قبرستان ستی فاطمه است.

حزین گوید: عوض‌خان حاکم لار، معدلت شعار، و در کمال سنجیدگی و مردمی است. این شعر از اوست:

دلم را بس که چین جبهه‌ی زاهد غمین دارد

نمی‌خواهم ببینم روی زلفی را که چین دارد

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

عوفی، نورالدین، سدیدالدین محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۶۳۰ ق)، شاعر و تذکره‌نویس. از اعقاب عبدالرحمان بن عوف از صحابه‌ی رسول بود. ولادتش در بخارا بود و تحصیلات وی در همان شهر صورت گرفت و آن‌گاه به سفر پرداخت و بسیاری از بلاد ماوراءالنهر و خراسان و سیستان را دید. در بخارا خدمت امام برهان‌الاسلام تاج‌الدین عمر بن مسعود از ائمه آل‌برهان و امام رکن‌الدین مسعود بن محمد امام‌زاده تحصیل کرد. وی مدتی در قندهار در دربار قلج طمغاج‌خان ابراهیم راه داشت و به خدمت پسرش قلج ارسلان خاقان نصره‌الدین عثمان بن ابراهیم بود و مدتی سمت صاحب دیوانی و انشاء آن شاهزاده را داشت. تا اواخر قدرت سلطان محمد خوارزمشاه وی در خراسان و ماوراءالنهر بسر می‌برد و به جمع‌آوری اطلاعات ذی‌قیمت خود که در کتابهای خویش ثبت کرده است، مشغول بود و در اوان حمله‌ی مغول به بلاد سند رفت و خدمت ناصرالدین قباجه از ممالیک غوریه را اختیار کرد. بعد از شکست ناصرالدین قباجه به خدمت شمس‌الدین التتمش درآمد و به هندوستان رفت و بعد از این تاریخ از زندگانی وی اطلاعی در دست نیست. از آثار مشهور او: «لباب الالباب»، قدیم‌ترین کتاب در احوال و اشعار شعرای ایرانی؛ «جوامع الحکایات و لوامع الروایات»، شامل مطالب تاریخی مهم، که در ۶۳۰ ق به پایان رسیده است.[۱]

(منسوب به عوف) سدیدالدین محمد بن محمد بخاری، نویسنده و دانشمند معروف ایرانی در اواخر قر. ۶ و اوایل قر. ۷ (بین ۵۷۲ ه.ق./ ۱۱۷۶ م.– ۶۳۵ ه.ق/ ۳ –۱۲۳۲ م.). وی از اعقاب عبدالرحمن بن عوص صحابی معروف است. جد عوفی امام ابوطاهر یحیی بن طاهر ابن عثمان از علمای حدیث و معرف انساب عرب بود و خال او شرف‌الزمان مجدالدین محمد بن ضیاءالدین عدنان سرخکتی دانشمند و مؤلف تاریخ ملوک ترکستان (خاقانیان) است. عوفی در نیمه دوم قر. ۶ در بخارا به دنیا آمد و تحصیلات خویش را در همان شهر به انجام رسانید. پس از آن مدتها در بلاد ماوراءالنهر و سیستان و خراسان به سیر و سیاحت و دیدار فضلا پرداخت و تا سقوط خوارزمشاهیان در خراسان به سر می‌برد و گاه به وعظ و تذکیر اشتغال می‌ورزید. مدتی هم صاحب دیوان قلج ارسلان خاقان نصرهٔ‌الدین عثمان بن ابراهیم بود. مقارن حمله مغول عوفی به سند گریخت و به خدمت ملک ناصرالدین قباجه از ممالیک غوری درآمد، و کتاب لباب‌الالباب (ه.م.) را به نام عین‌الملک وزیر این پادشاه تألیف کرد و سپس تألیف جوامع‌الحکایات (ه.م.) را به نام ناصرالدین قباجه آغاز نمود. ناصرالدین در سال ۶۲۵ ه.ق. از شمس‌الدین التتمش شکست خورد و خود را به رود سند انداخت و غرق شد. جمیع خدم و حشم وی به التتمش پیوستند، از آن جمله عوفی بود که به خدمت وزیر التتمش ابوسعد جنیدی مخصوص گردید و جوامع الحکایات را که نخست می‌خوست به نام ناصرالدین قباجه تألیف کند– به نام این وزیر به رشته تحریر درآورد. عوفی «فرج بعد از شدت» (ه.م.) تألیف تنوخی را هم از عربی به فارسی ترجمه کرده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۳۰ -۱۰۲۶ / ۲)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۸۰ -۷۷ / ۲)،تاریخ نظم و نثر (۹۸ -۹۷)، دایره‌المعارف فارسی (۱۷۸۵ / ۲)، الذریعه (۱۰۰۱، ۷۷۵ / ۹ ، ۵۰ / ۵، ۴۵ / ۴)، ریحانه (۲۱۹ / ۴)، سبک‌شناسی (۳۸ -۳۶ / ۳)، فرهنگ سخنوران (۶۶۰)، لباب الالباب (ترجمه مصنف/ یب- که)، لغت‌نامه (ذیل/ عوفی)، مجله‌ی دانشکده‌ی مشهد (س ۳، ص ۹۳ -۸۹)، مجمع الفصحا (۱۱۶۸ / ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۷۷ -۷۷۶ / ۵).

عهدی تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی در سرودن اشعار مصنوع دست داشت و ظاهرا در ماوراءالنهر می‌زیست. قصیده‌ای در مدح سلطان ابوسعید، سلطان اوزبک، گفته که از مصراع‌های اول تاریخ تولد و از مصراع‌های ثانی تاریخ جلوس بیرون می‌آید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۰۲)، دانشمندان آذربایجان (۲۸۲)، الذریعه (۷۷۶ / ۹).

عهدی خراسانی، عبدالرزاق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به عبدی یا عهدی. در زمان اکبرشاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به هندوستان رفت و به توسط قاضی نورالله شوشتری به دربار او راه یافت و منصب قضای کنبایت را به او دادند، ولی پس از چندی دلتنگ شده به خراسان بازگشت. عهدی در سرودن غزل توانا بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۸۶)، تذکره‌ی روز روشن (۵۸۰)، الذریعه (۷۷۶ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۵۹)، کاروان هند (۹۲۳ -۹۲۱ / ۲).

عهدی شهریاری، عهدی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۹۲ ق)، شاعر. از مردم ری و شهریار بود که پس از تحصیل مقدمات علوم و آگاهی از نجوم و عروض و قافیه قدم در وادی شاعری نهاد. در جوانی به هندوستان رفت و در ۹۹۲ ق، در اوایل حکومت خان خانان، به خدمت او رسید و مدتها مدح ایشان گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کاروان هند (۹۲۴ -۹۲۳ / ۲)، مآثر رحیمی (۱۳۱۴ -۱۳۰۵ / ۴).

عهدی شیرازی، عهدی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از شاعران ایرانی است که به هندوستان مهاجرت کرد و مدتی در گجرات با میرزا نظام‌الدین احمد، مؤلف «طبقات اکبری»، به سر برد. عهدی در سرودن غزل و قصیده دست داشت. در برخی از تذکره‌ها نام او را عبدی‌رازی ذکر کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۷۱)، فرهنگ سخنوران (۶۵۹)، کاروان هند (۹۲۵ -۹۲۴ / ۲).

عیار نیشابوری، ابوعثمان سعید

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۵۷ ق)، محدث، فقیه، زاهد، و صوفی. چون در ابتدا به مسلک عیاران سلوک می‌کرد، معروف به عیار شد. در ۳۷۸ ق برای کسب حدیث سفر نمود و «صحیح» بخاری را در مرو، از محمد بن عمر بن شبویه استماع کرد.

او همچنین در نیشابور از ابومحمد مخلدی و ابوطاهر بن خزیمه و ابوالفضل عبیدالله بن محمد فامی و ابوالحسن خفاف و دیگران

حدیث شنید، و در دمشق و اصفهان و نیشابور و هرات و غزنه حدیث گفت. بزرگانی چون محمد بن فضل فراوی و زاهر شحامی و ابوالمعالی محمد بن فضل فراوی و زاهر شحامی و ابوالمعالی محمد بن اسماعیل فارسی و، در اصفهان، غانم بن احمد جلودی و فاطمه بنت محمد بغدادی و حسین بن طلحه صالحانی و عتیق بن حسین رویدشتی و عده‌ای دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. عیار در غزنه درگذشت. ابوبکر احمد بن حسین بیهقی «فوائد»ی، در بیست جزء، برگرفته و برگزیده از «اصول» وی نگاشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (۳۰۳ / ۱)، سیر النبلاء (۸۹ -۸۶ / ۱۸)، شذرات الذهب (۳۰۴ / ۳)، العبر (۳۰۸ -۳۰۷ / ۲)، لسان المیزان (۲۶۷ -۲۶۶، ۲۵۱ -۲۵۰ / ۳)، الوافی بالوفیات (۱۹۸ -۱۹۷ / ۱۵).

عیاشی سمرقندی، ابوالنضر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۳۲۰ ق)، مفسر، محدث، ادیب و فقیه امامی. وی اهل سمرقند از فقهای بزرگ فرقه‌ی اثنی‌عشری در زمان کلینی می‌باشد که در ابتدا مذهب عامه داشت و احادیث آنا را استماع می‌کرد ولی بعد به مذهب شیعه گروید. او از شاگردان شیخ کلینی بود. او از علی بن حسن بن علی بن فضال و عبدالله بن محمد خالد طیالسی و جماعتی از شیوخ کوفه و بغداد حدیث شنید. شیخ کشی صاحب «رجال» از شاگردان عیاشی است. از دیگر شاگردان عیاشی پسرش جعفر بن محمد است که خود از مشایخ ابومفضل شیبانی است. شاگرد دیگر او حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی است که راوی جمیع مصنفات عیاشی است. گفته‌اند که وی محدثی مورد اعتماد و یگانه‌ی زمان خویش بود و از نظر علمی و ادبی و اندیشه و ذکاوت در مشرق نظیر نداشت. او مجلسی برای خواص و مجلسی برای عامه مردم برپا می‌کرد. خانه‌اش همانند مسجد،مملو از افرادی چون قاری و کاتب و نیز محدثین و علما بود که در آن عده‌ای به تألیف و مقابله و گروهی به استنساخ و گروهی نیز به تعلیقه و حاشیه‌نویسی مشغول بودند. در طب و نجوم و رویا تبحر داشت و در زمینه‌ی ابواب فقهی و متجاوز از دویست کتاب تألیف کرد که در نواحی خراسان به اشتهار کامل رسید. در فهرست ابن‌الندیم صد و پنجاه و هفت جلد از آثار او ذکر شده است. از آثار وی: «تفسیر علی بن ابراهیم» است؛ «التوحید الصفه»؛ «الصلاه»؛ «الزکوه»؛ «الصوم»؛ «المناسک»؛ «العالم و المتعلم»؛ «الطب»؛ «التجاره و الکسب»؛ «الضقاء و آداب الحکم»؛ «الملاهی»؛ «الجزیه و الخراج»؛ «الطاعه»؛ «حقوق الاخوان»؛ «محاسن الاخلاق»؛ «دلائل الائمه»؛ «الملاحم»؛ «القول بین القولین»؛ «فضائل القرآن»؛ «الانبیاء الائمه»؛ «النجوم»؛ «الرؤیا»؛ «معاریض الشعر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۱۶ / ۷)، اعیان الشیعه (۵۶ / ۱۰)، الذریعه (۷۷ / ۲۴، ۱۹۵ / ۲۱، ۱۲۵ / ۲۰، ۲۰۹، ۱۴۰ / ۱۷، ۲۰۷، ۱۳۹ ، ۱۳۳ ، ۶۰ / ۱۵، ۴۴ / ۱۲، ۳۰۷ / ۱۱، ۲۳۹ / ۸، ۴۲ / ۷، ۱۰۵ / ۵،۲۹۵ / ۴، ۳۴۸ / ۳، ۳۵۶ / ۲)، رجال الطوسی (۴۹۷)، رجال النجاشی (۲۵۰ -۲۴۷ / ۲)، روضات الجنات (۱۲۳ -۱۲۱ / ۶)، ریحانه (۲۲۱ -۲۲۰ / ۴)، سفینه البحار (۳۰۱ / ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۰۶ -۳۰۵ / ۴)، فوائد الرضویه (۶۴۲)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۶۳ -۳۶۱)، الفهرست للطوسی (۳۷۱، ۳۲۰ -۳۱۷، ۳۰۹، ۱۲۰)، الکنی و الالقاب (۴۹۱ -۴۹۰ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالنضر)، معجم المؤلفین (۲۰ / ۱۲)، هدیه الاحباب (۲۰۵ -۲۰۴)، هدیه العارفین (۳۳ -۳۲ / ۲).

عیانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط و شاعر. از آثار وی قطعه‌ای در مرقع شاه‌اسماعیل است که به قلم نیم دو دانگ خوش نوشته شده و رقم «الکاتبه... العبد المذنب، عیانی» دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۴۳ / ۲).

عیانی تکلو هروی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اصل وی از هرات بود و از ایل تکلو، چون بیشتر ایام در ری می‌زیست به همین جهت به نسبت رازی نیز مشهور شد. عیانی از شاعران مثنوی‌سرایی بود که در اقتفا «خمسه» نظامی گنجوی «خمسه‌ای» سروده است. وی غزل نیز می‌سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۱۹)، الذریعه (۷۷۸، ۷۷۷ / ۹)، مجمع الخواص (۲۳۱).

عیانی جهرمی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. احمدخان را به اسم پدرش نام گذاشتند به سبب آن که هنوز در بطن مادر بود که پدرش درگذشت. وی از مردم جهرم بود و طایفه‌اش در آن سامان حکومت داشتند. عیانی بر خلاف اخلاف و اسلاف خویش به حکومت‌داری التفاتی نداشت و بیشتر به سرودن شعر می‌پرداخت. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۲۴۳ -۱۲۴۱ / ۲)، ریاض العارفین (۲۶۹ -۲۶۸)، فارسنامه ناصری (۱۲۸۵ / ۲)، مرات الفصاحه (۴۳۰ -۴۲۹).

عیانی، سعدالدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر، متخلص به عیانی. وی از شاعران معروف زمان خود بود و غزل را نیکو می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۲۹).

عیدگاهی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن بن العالم الجلیل حاج سید عبدالحسین طباطبائی یزدی از سادات علماء و اجلاء معاصر در عیدگاه سکونت داشت و در مسجد آنجا نماز جماعت می‌خواند و مورد توجه عموم طبقات بود. در سال ۱۳۶۷ به قصد زیارت اعتاب مقدسه از مشهد حرکت کرده و در تهران بیمار شد و در روز دوشنبه چهارم ربیع‌الثانی وفات و در جار حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) در شهر ری مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

عیدگاهی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی واعظ شهیدی عیدگاهی طاب ثراه بن العلامه العلام والحجت الاسلام حاج شیخ عبدالرحیم شهید مدرس رحمه‌اللّه در سال ۱۳۰۳ ق در مشهد مقدس متولد شده و پس از طی مراحل مقدماتی رشته ادبیات را از مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ عبدالجواد ادیب بزرگ نیشابوری خوانده و فقه و اصول را از مرحوم مبرور آیت‌اللّه برسی و آیت‌اللّه‌زاده حاج میرزا محمد آقازاده کفائی و آیت‌اللّه حاج شیخ مرتضی آشتیانی استفاده نموده و معقول و کلام را از مرحوم والدش آموخته و در رشته منبر و فن وعظ و خطابه زحمات فراوان کشیده و سیر اخبار و تواریخ و تفاسیر نموده تا یکی از برازنده‌ترین وعاظ آستان خراسان و آستان قدس گردیده و از این طریق خدمات ارزنده‌ای در حود خود با سلام و مسلمین نموده تا در روز پنجشنبه هفتم ماه ذی‌القعده الحرام ۱۳۹۲ قمری که در سن نودسالگی بدرود حیات گفته و با تجلیل شایان و تشییع فراوان در دارالسلام رضوی مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

عیسی زاده، ولی الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ولی الله عیسی زاده

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ ه . ش وارد دبستان دولتی روستای رزکه از توابع بخش مرکزی شهرستان آمل شدم، و تا پایان دوره ابتدایی که مدرسان و معلمان سپاه دانش مربی ما بودند در همان مدرسه اشتغال به تحصیل داشته و از امتیازات بالایی برخوردار بودم.دوره راهنمایی را همزمان با مبارزات انقلابی مردم آمل در این شهر آغاز کردم و سال سوم راهنمایی را در مدرسه معتمدی (شهید سقاعلیزاده) با موفقیت به پایان رساندم.

دوره متوسطه را در دبیرستان امام خمینی(ره) آمل شروع کردم که با درگیری منافقان در این شهر همزمان بود، سپس در سال ۱۳۶۴ با اخذ مدرک دیپلم در رشته اقتصاد راهی جبهه شدم و در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه مسجد هاشمی آمل شدم.آن‌گاه در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه مقدسه قم شدم و همزمان با تحصیل در حوزه وارد موسسه امام خمینی(ره) شده و دوره عمومی آن را در سال ۱۳۷۸ به پایان رسانده و مدت ۲ سال برای خدمت به طلاب و آشنایانی با اهل سنت به حوزه علمیه منتظریه گنبد کاووسی مهاجرت کردم و در این مدت ضمن مدیریت و تدریس در فعالیت‌های فرهنگی و علمی منطقه فعال بودم و در دانشگاه آزاد شهرستان آزاد شهر تدریس می‌کردم.سپس در سال ۱۳۸۱ به قم مهاجرت کردم و در موسسه اسراء که تحت اشراف حضرت آیت الله جوادی آملی است به تحقیق مشغول شدم و در ضمن فعالیت‌های علمی در موسسه به تالیف کتاب و مقاله و تدوین پایان‌نامه مشغول شدم که همچنان به فضل الهی ادامه دارد.در ضمن در تمامی این مدت (از زمانی که ملبس به لباس مقدس روحانیت شدم ۱۳۷۰) تا به حال در سه مقطع تبلیغی رمضان، محرم و صفر به این امر مهم مشغول هستم. از سال ۱۳۷۵ نیز در خدمت‌گذاری خدمت زائران محترم حرمین شریفین و عتبات عالیات فعال هستم.

عیسی لو، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله عیسی لو

محل تولد : ارومیه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ همزمان با اخذ دیپلم ـ با توجه به اشتیاق فراوان به تحصیل و تبلیغ علوم دینی ـ وارد حوزه علمیه حضرت ولی عصر(عج) تبریز گردیدم و پس از مدت دو سال و اندی تحصیل در آن حوزه مبارکه و آموختن درسهایی از مقدمات علوم دینی، در پاییز سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و نخست در مدرسه علمیه بعثت ساکن و به ناچار شروع به تحصیل در برخی موضوعات درسی که اندکی متفاوت با آنچه که در تبریز فراگرفته بودم بود، کردم؛ و حتی آشنایی‌ام با جناب استاد علی مؤمنی ارموی که سالها در محضر مرحوم مدرس افغانی تلمذ کرده و ادیبی بارع و مدرس فاضل گشته بود. تصمیم به تقویت پایه علمی در زمینه ادبیات عرب و منطق گرفتم (نخست در خدمت استاد ربانی گلپایگانی که در حسینیه آیت الله نجفی مرعشی منطقه مظفر تدریس می‌کرد عمده مباحث آن را فراگرفتم). از این رو در خدمت استاد مومنی تا چندین سال به فراگیری (حاشیه ملا عبدالله) و مطول تفتازانی و سپس مباحثی از اوائل کتاب رسائل شیخ انصاری و پس از آن نمط اول شرح اشارات (طبیعیات) را در خدمت ایشان تلمذ کردیم در این میان در حال حیات مرحوم مدرس افغانی مدتی در درس شرح تصریف ایشان شرکت کردیم و بخشی از کتاب سیوطی را نزد ایشان فراگرفتیم و با توجه به این‌که در سالهای قبل از آن و در زمان سلامت احوال مدرس، درسهای ادبیات را تدر یس کرده بود و در نوارهای کاست ضبط گردیده بود، از آن نوارها هم تا اندازه‌ای بهره بردم. پس از آن‌که مباحثی از طبیعیات شرح اشارات بوعلی را فراگرفتم. درس نمط سوم شرح اشارات را در خدمت استاد علی مؤمنی شروع کرده و در مدت دو سال مباحثی مهم از آن را بهره بردیم.

و به دنبال آن نهایة الحکمه مرحوم علامه طباطبایی را نزد همان استاد (علی مؤمنی ارموی) شروع کردیم که حدود بیش از دو سال طول کشید. و به دلیل همین درس‌ها بود که هنگامی که وارد مرکز تخصصی کلام اسلامی برای شرکت در دوره هشتم سطح چهار گردیدم، در سال اول برایم خسته کننده و تکراری بود و لذا با درخواست از مدیر آموزشی آن مرکز در سال دوم به همراه دوره هفتم به ادامه تحصیل در آن مرکز پرداختم و تنها در امتحانات سال اول به صورت ارتقائی شرکت نمودم. درس‌های سطح حوزه را نیز عمدتاً به صورت آزاد ـ و در نزد اساتیدی از جمله مرحوم استاد پایانی، استاد مسجد ارموی، استاد صلواتی، استاد موسوی تهرانی، استاد مدرس یزدی و... فراگرفتم و به طور مرتب در امتحانات کتبی و شفاهی حوزه علمیه شرکت می‌کردم.

عیسی نیا، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا عیسی نیا

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۷/۱

زندگینامه علمی

رضا عیس نیا،فرزند در مهر ۱۳۴۳ از شهرستان رودسر استان گیلان،در روستای قاسم آباد سفلی واقع در چند کیلومتری دریای خزر و جنگل هـای گیلان،در خانواده ای مـذهبی چشم به جهان گشودم و در دامن پـدر و مادری زحمت کش و پرتلاش و کشاورز و مسلمان مسئول،تربیت یافتم؛دوران تحصیلات ابتدایی و راهنمایی خود را در روستای قاسم آباد سفلی شروع کرده و مدرک ابتدایی را با معدل ۵۲/۱۵ و راهنمایی را با ۱۷ در خرداماه به پایان رسانیده و پس از اتمام تحصیلات دوره راهنمایی برای ادامه تحصیل به خاطر فقر اقتصادی خانواده و تبلیغات زیاد مرکز آموزش کشاورزی در اذهان کشاورزان به رشته کشاورزی پرداختم. دبیرستان را که از سال های ۵۷ تا ۶۱–۶۰ که دوران انقلاب و جنگ بود،را با معدل ۸۸/۱۷ به پایان رساندم و با حضور در جبهه های جنگ بمدت ۱۴ ماه و آشنایی با طلبه های جوان با دعوت آنها مسافرتی به قم کردم که در این سفر بود(سال ۶۲)که تشویق به علم آموزی در حوزه های علمیه شدم مصادف با این پیشنهاد در سطح کشور اعلام شد که حوزه علمیه قم از میان فارغ التحصیلان در مقطع دیپلم طلبه جهت تربیت کادر قضایی می پذیرد بنابر این در امتحان ورودی حوزه علمیه قم جهت گذراندن دوره قضاوت که ۶ سال پیش بینی شده بود شرکت کردیم و از میان داوطبان ۳۰۰ نفر برگزیده شدیم اما متاسفانه پس از چند ماه تحصیل در مدرسه رضویه مسئولین حوزه علمیه اعلام کردند که به خاطر مشکلاتی قادر به ادامه کار خود جهت پرورش قضات نیستند بنابراین پذیرفته شدگان در صورت تمایل می توانند دروس حوزوی را ادامه دهند لذا کسانی که مایل نبودند انصراف دادند،اما بنده دروس مقدمات تا لمعه را در مدرسه رضویه و المهدی به پایان رسانده و در کنار دروس حوزوی وارد دانشگاه باقر العلوم(ع) قم شده و در کنار دروس حوزوی به تحصیل در رشته علوم سیاسی در مقطع کارشناسی پرداخته و این دوره را با معدل ۸/۱۶ به پایان رسانده و سپس کارشناسی ارشد را هم با معدل ۲۶/۱۶ و با ارائه پایان نامه«دو دوره تجربه نواندیشی و نوسازس سیاسی در ایران» با نمره الف، به پایان رساندم پس از فارغ التحصیل شدن در مقطع کارشناسی ارشد با مدرک ۵ سال حضور در درس خارج فقه و کارشناسی ارشد علوم سیاسی و پذیرش در گزینش اساتید قم،برای تدریس دروس عمومی (انقلاب اسلامی)وارد دانشگاه شدم. در کنار تدریس در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی مشغول کارهای تحقیقاتی می باشم.

عیشی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط و شاعر. در هرات می‌زیست و از آنجا به مشهد رفت و در کتابخانه‌ی سلطان ابراهیم‌میرزا صفوی به امر کتابت مشغول شد و همان جا بود تا درگذشت و در آستان حضرت رضا (ع) دفن شد. بعضی وی را تبریزی دانسته‌اند. عیشی از شاگردان محمدقاسم شادیشاه بود و به قول صاحب «گلستان هنر» به روش سلطان محمدنور می‌نوشت. او همچنین در رنگه‌نویسی مهارت داشت و شعر نیز می‌سرود. از آثار وی: صفحه‌ای از یک نسخه‌ی «یوسف و زلیخا»ی جامی، با رقم: «عیشی ۹۴۴»؛ شش قطعه از مرقع امیر غیب‌بیک، به قلم نیم دو دانگ و کتابت و غبار عالی و خوش، با رقمهای: «العبد عیشی» و «کتبه عیشی» و «قائله عیشی» و «لمحرره... سنه‌ی ۹۶۵». چندین قطعه‌ی دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۴۶ –۵۴۵ / ۲)، خوشنویسان و هنرمندان (۴۵)، دانشمندان آذربایجان (۲۸۳)، گلستان هنر (۱۰۵)، مناقب هنروران (۸۵، ۷۱)، هنر عهد تیموریان (۶۰۰، ۵۹۸، ۵۹۵، ۵۷۸).

عیشی اردبیلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۶ ق)، شاعر. در اردبیل به دنیا آمد، پس از نشوونما در همان شهر و کسب مقدمات علوم، در ۱۰۲۶ ق به هرات رفت و پس از مدتی اقامت روانه هندوستان شد. عیشی در سرودن شعر طبعی روان داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۰۳ –۱۰۲ / ۱)، دانشمندان (۲۸۳)، الذریعه (۷۷۹ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۶۱)، کاروان هند (۹۲۸ –۹۲۷ / ۲).

عیشی شیرازی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. معروف به کل عیشی. وی از شاعران معروف شیراز بوده و بیشتر مردم را هجو می‌گفته و اهاجی او معروف بوده است. اوایل عهد شاعری او مصادف بوده با دوران سلطنت خلیل، پسر میرانشاه بن تیمور، (۸۱۴ / ۸۱۲ –۸۰۷ ق). عیشی عمری طولانی کرده و تا زمان سلطنت سلطان حسین بایقرا (۹۱۱ –۸۷۳ ق) حیات داشته است. تاریخ وفات او به دست نیامده است. از وی «ده‌نامه»ای باقی مانده که به «عشرت‌نامه» موسوم است. این منظومه به بحر هزج مسدس است و به اسم سلطان خلیل تیموری سروده شده است. شاعر در این اثر به «ده‌نامه‌ی» اوحدی مراغه‌ای و «مهر و مشتری» عصار تبریزی نظر داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۴۶۱ / ۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۳۹)، تذکره‌ی روز روشن (۵۸۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۲۸ –۷۲۷ / ۳)، الذریعه (۹۱۵ –۹۱۴، ۷۷۹ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۶۱)، مجالس النفائس (۴۰۳)، منظومه‌های فارسی (۴۳۵).

عین القضاه همدانی، ابوالمعالی، ابوالفضائل عبدالله

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۲۵ –۴۹۲ ق)، فقیه، حکیم و عارف. مکنی به ابوالفضائل. معروف به قاضی همدانی. در همدان به دنیا آمد، ولی چون پدر و جدش از میانه بودند به میانجی نیز معروف شده است. قاضی در جوانی در زادگاه خویش به کسب علوم متداول پرداخت و به سرعت در ادب و حکمت و کلام مایه‌ور شد و به سبب مهارتی که در فقه پیدا کرد، به عنوان قاضی و مدرس منصوب گردید و با وجود جوانی شهرت و نفوذ فراوان پیدا کرد و همین امر باعث برانگیخته شدن حسد و رشک فقها و متکلمان شد. فلسفه و کلام، طبع حقیقت‌جوی وی را قانع نساخت و گرفتار بحرانهای روحی شد و همین امر او را دچار شک و شبهه کرد. پس از آشنایی با آثار امام محمد غزالی تا حدی خاطرش آرام گرفت و چندی بعد با احمد غزالی آشنا شد و به او دست ارادت داد و همانند احمد غزالی در بیان عقاید خود بی‌پروا بود. همین صراحت در گفتار باعث بدگمانی متشرعه شد. ابوالقاسم درگزینی که خود اندکی بعد به جرم مذهب اسماعیلی کشته شد، او را دستگیر و روانه بغداد نمود. قاضی مدتی در بغداد زندانی بود و در همین زندان رساله‌ی معروف «شکوی الغریب عن الاوطان الی علماء البلدان» را به زبان عربی، خطاب به علمای عصر نوشت و در آن، که مشحون از نکات عرفانی و فلسفی است، اتهاماتی را که به وی نسبت داده بودند رد کرد و به برخی شبهات نیز پاسخ گفت. اما چندی بعد او را به همدان برگرداندند و بر در مدرسه‌ای که ظاهراً محل تدریس او بود بر دار کردند و سپس جسدش را با نفت و بوریا آتش زدند. از دیگر آثار وی: «تمهیدات»؛ «زبده الحقایق»؛ «نزهه العشاق و نهز المشتاق»؛ «نامه‌های عین القضات همدانی»؛ «رساله‌ی اجمالی».[۱]

(ع. چشم داوران) همدانی، ابوالمعالی عبداللّه بن محمد بن علی میانجی همدانی، از بزرگان مشایخ صوفیه و دانشمندان ربع اول قر. ۶ ه. (و. همدان ۴۹۲ ه.ق/ ۱۰۹۸ م.– مقت. همدان ۵۲۵ ه.ق.). وی شافعی مذهب و در طریقت شاگرد احمد غزالی بود و همچنین از محضر عین‌القضاة– از صحبت باباطاهر– که بعضی نوشته‌اند– درست نیست، زیرا بابا تا زمان او زنده نبود. وی به تحصیل حکمت و عرفان و کلام و ادب عربی پرداخت و نظر به مطالعه بسیار در آثار امام محمد غزالی مع‌الواسطه شاگرد او نیز محسوب می‌شد. احمد غزالی با آن همه عظمت مقام در مکتوبهای خود بدو، او را قرة العین خطاب میکرد. وی بیشتر اطلاعات خود را از راه تحقیق و تتبع شخصی فراهم آورد. افکار و عقاید او در عمر کوتاهش مبین کمال نبوغ اوست. از آثار اوست: یزدان شناخت در مسایل حکمت الهی و علوم طبیعی که در سه باب به نام عزیزالدین مستوفی نوشته شده، رساله جمالی در بیان مذهب سلف خود که به نام جمال‌الدین شرف‌الدوله از شاهزادگان معاصر خویش تألیف کرده، تمهیدات در تمهید ده اصل تصوف که دارای انشایی است مقرون به غلبه شوق و عشق و بسیار گیراست، زبدةالحقائق، رساله‌ای مختصر راجع به علم ذات و صفات خداوندی و ایمان به نبوت و قیامت، لوایح، رساله‌ای مشتمل بر ۲۰۱ فصل در حقایق عشق و احوال و اعراض آن، شکوی الغریب عن الاوطان الی علماء البلدان به زبان عربی (عین القضاة آن را به هنگام حبس خود از بغداد به علمای همدان نوشته) در شکایت مؤلف از محنتهایی که برای او پیش آمده و به اتهام بی‌دینی از همدان دور شده و در بغداد به زندان افتاده. مکاتیب که شامل نامه‌های اوست (نسخه‌های کتابخانه مرادملاـ(ترکیه) و کتابخانه ملی تهران). وی رباعیاتی عرفانی هم به زبان فارسی سروده. عزیزالدین از مستوفیان سلاجقه با عین القضاة دوستی کامل داشت از سوی دیگر عزیزالدین به دشمنی با ابوالقاسم درگزینی وزیر سلطان محمود ابن محمود و سلطان سنجر برخاست.

وزیر اخیر که بسیاری از رجال و بزرگان علم را به حیله و تزویر نابود کرده و خود نیز در پایان به پاداش اعمال زشت خویش به دار کشیده شد، نقشه قتل عین‌القضاة را طرح کرد و با دسته‌ای از عوام‌الناس– که حسودان و بدخواهان عین‌القضاة بودند– توطئه چید و محضری ترتیب داد وی را به کفر و دعوی الوهیت متهم کرد و فقها نیز به قتل این جوان دانشمند فتوی دادند. پس وی را مقید به بغداد فرستادند و از آنجا مجددا به همدان بازگردانیدند و در شب ۷ جمادی‌الاخری ۵۲۵ ه.ق. بر دار کشیدند. نوشته‌های فارسی وی مشحون از تعبیرات نغز صوفیانه است. کلام او پرسوز و گداز است. تصنع و تکلف در آثار او دیده نمی‌شود و در تبیین مسایل عرفانی به تمثیل می‌پردازد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار عین القضاه، ایضاح المکنون (۴۵۳ / ۲)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۸۲ / ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۴۴ -۹۳۶ / ۲)، تاریخ برگزیدگان (۵۸۱)، تاریخ عرفان و عارفانی ایرانی (۴۲۶ -۴۲۵، ۴۲۴)، تاریخ نظم و نثر (۱۱۱)، تصوف اسلامی و رابطه انسان و خدا (۲۰۱ -۱۹۲، ۱۹۰، ۱۸۹، ۱۸۴، ۱۷۶)، تمهیدات (مقدمه/ ۱۰۷ -۱)، جستجو در تصوف (صفحات متعدد)، دانشمندان آذربایجان (۲۸۵ -۲۸۳)، دایره‌المعارف فارسی (۱۷۹۵ -۱۷۹۴ / ۲)، دره الاخبار (۷۴ -۷۳)، دستور الوزراء (۲۰۵)، الذریعه (۲۷ / ۲۴، ۱۶۷ / ۱۵، ۲۴ / ۱۲، ۷۸۱ / ۹، ۲۸۲ / ۸)، ریاض العارفین (۱۰۸ -۱۰۷)، ریحانه (۲۲۶ -۲۲۴ / ۴)، سلطان العشاق (صفحات متعدد)، شذرات الذهب (۷۵ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۶ / ۶)، طرائق الحقائق (۵۷۲ -۵۶۸ / ۲)، العبر (۴۲۶ / ۲)، عین القضاه و استادان او، فرهنگ سخنوران (۶۶۲)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۷۷ -۱۷۵)، کشف الظنون (۹۵۱)، گنج و گنجیه (۱۵۳ -۱۴۸)، لسان المیزان (۳۹۹ -۳۹۸ / ۵)، لغت‌نامه (ذیل/ عین القضاه)، مبانی عرفانی و احوال عارفان (۴۲۵ -۴۱۹)، مجمع الفصحا (۸۶۹ / ۲)، معجم المؤلفین (۱۳۲ / ۶)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۱۲ -۱۰۱۱ / ۳)، نتایج الافکار (۴۵۲)، نسائم الاسحار (۷۶)، نفحات الانس (۴۱۹ -۴۱۸)، هدیه العارفین (۴۵۵ / ۱)، هفت اقلیم (۵۳۴ -۵۳۲ / ۲).

عینی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۸۹ ق)، خطاط. معاصران صاحب «ریحان نستعلیق» بود و هم او گوید که از ملا جمشید تعلیم خط گرفته و بسیار ماهرانه می‌نوشته است. به قولی، وی از هرات بوده و با سلطان حسین میرزا و امیر علیشیرنوایی دوستی داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۴۷ / ۲).

عیوقی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(منسوب به عیوق) شاعر دوره اول غزنوی (اوایل قر. ۵ ه.). وی معاصر سلطان محمود غزنوی (ه.م.) بود و داستان «ورقه و گلشاه» (ه.م.) را به نظم درآورد، و مثنوی دیگری به بحر رمل مسدس و قصایدی نیز داشت.

(س پنجم ق)، شاعر، معاصر با سلطان محمود غزنوی (۴۲۱ -۳۸۹ ق) بود و مثنوی عاشقانه‌ی «ورقه و گلشاه» را به نام او در بحر متقارب به نظم درآورد. وی مثنوی دیگری به بحر رمل مسدس و نیز قصایدی داشته است.[۱]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۶۰۳ -۶۰۱ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۷۲۶، ۴۴)، دایره‌المعارف فارسی (۱۷۹۶ / ۲)، الذریعه (۳۳۱ / ۱۹، ۷۸۲ -۷۸۱ / ۹)، شاعران بی‌دیوان (۴۲۲)، گنج سخن (۱۵۸ -۱۵۳ / ۱).

غارت زند تهرانی، امام قلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۰ ق)، شاعر، متخلص به غارت. وی در تهران زندگی می‌کرد و از بزرگان این شهر بود. اشاعر وی را بسید حسین تفرشی از خویشانش جمع‌آوری کرده است. غارت با صاحب «المآثر و الآثار» جلیس و همنشین بوده و در تألیف کتاب «نامه‌ی خسروان» یا «تاریخ سلاطین عجم» با سلطان جلال‌الدین‌میرزا همکاری داشته است. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ عضدی (۲۱۱ -۲۱۰)، حدیقه الشعراء (۱۲۴۵ -۱۲۴۴ / ۲، ۳۷۲ / ۱)، الذریعه (۲۱ / ۲۴، ۷۸۳/ ۹)، شرح حال رجال (۵۱ -۵۰ / ۶)، فرهنگ سخنوران (۶۶۳)، المآثر و الآثار (۲۲۲).

غازان شاهی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: خاک‌شناسی، دانشکده: مجتمع ابوریحان، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد در رشته مهندسی آبیاری و آبادانی از دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران، دوره تخصصی در رشته خاک‌شناسی

در M.O.T.S.R.O فرانسه، دوره تخصصی و تحقیقاتی برای اخذ درجه دکترا در I.N.R.A و دانشکده علوم کلرمون فران فرانسه.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده مجتمع ابوریحان دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

استفاده از هدایت الکتریکی برای ارزیابی املاح محلول، دینامیک صعودی آب و املاح در خاک، تعدیل PH برای افزایش جذب فسفر در خاکهای شمال ورامین، استاد راهنمای ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شناخت خاک در کشاورزی و فیزیک خاک.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

طبقه‌بندی اراضی خاکهای مناطق گرگان، اصفهان و دشت مغان، شستشو و اصلاح خاکهای شور و قلیائی، تعادل رطوبت در زراعت دیم.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

غازی قلندر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اصلش از اصفهان است ولی در سمنان اقامت و سکونت داشت، لذا او را غازی اصفهانی و غازی سمنانی هم نامیده‌اند. مردی درویش‌نهاد و عاشق‌پیشه بود. به قول صادقی کتابدار: «شعر را هم نامردانه می‌گفت». از وی «دیوان» شعری باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۶۹ -۹۶۸ / ۳)، الذریعه (۷۸۳ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۶۳)، مجمع الخواص (۱۹۵ -۱۹۴).

غافل سیستانی، حمزه، خسرو

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف قبل از ۱۰۸۳ ق)،شاعر، متخلص به غافل. وی از شاعران سیستان است که در اصفهان با نصرآبادی، قبل از تألیف «تذکره» در ۱۰۸۳ ق، ملاقات داشت. غافل مردی باهوش و ذکاوت و در سرودن شعر توانا بود. اثر وی «دیوان» شعر است. در «الذریعه» نام پدر او جلال‌الدین ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۸۳، ۳۷ -۳۶)، الذریعه (۷۸۴ / ۹)، صبح گلشن (۲۹۸)، فرهنگ سخنوران (۶۶۴)، لغت‌نامه (ذیل/ غافل).

غافل مازندرانی، محمد اسماعیل

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به غافل. اهل مازندران بود. وی به هندوستان رفت و به دربار اورنگ‌زیب راه یافت و سمت دبیری مخصوص اورنگ‌زیب را بر عهده گرفت و خطاب به روشن رقم شد. محمد اسماعیل خطوط ثلث و ریحان و رقاع و نستعلیق را خوش می‌نوشت و منشی زبردستی بود. شعر نیز می‌سرود و از او اشعاری در تذکره‌ها نقل شده است. او سفری به مکه کرد و با صاحب «مرآه العالم»مصاحب بود. از آثار وی: یک صفحه از «بیاض» بختاورخان، به قلم کتابت خوش، با رقم: «محمد اسمعیل»؛ یک قطعه از مرقعی، به قلم دو دانگ خوش، با رقم: «العبد محمد اسماعیل، فی شهور سنه احدی و تسعین و الف»؛ سه قطعه‌ی مختلف که یکی دو بیت شعر از خود اوست، به قلم سه دانگ و دو دانگ، با رقم: «فی شهور سنه اربع و تسعین و الف، العبد محمد اسمعیل» و «قد تشرف... محمد اسمعیل، فی سنه ۱۰۹۳»؛ یک قطعه از مرقعی، به قلم پنج دانگ خوش، با رقم: «کتبه العبد روشن رقم ۱۰۹۷»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۳۸ -۶۳۶ / ۳)، الذریعه (۷۸۴ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۶۴).

غالب اصفهانی، محمدحسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. وی از سادات امامیه اصفهان بود و نسب وی به شاهان صفوی می‌رسید. در جوانی به هندوستان رفت او از جانب دولت گورکانی هند به لقب غالب علی خانی ملقب شد. در دوران نادرشاه به ایران آمد و در عهد دولت کریم‌خان زند (۱۱۹۳ -۱۶۳ ق) وفات یافت. از اشعاری که از وی در تذکره‌ها نقل شده لطف طبع او پیداست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۵۸۴)، سفینه المحمود (۵۰۱ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۶۴)، لغت‌نامه (ذیل/ غالب)، نگارستان دارا (۲۴۱ -۲۴۰).

غالب تهرانی، اسدالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۵۵ ق)، شاعر، متخلص به غالب. اصلش از آذربایجان بود. در تهران به دنیا آمد. وی از شاگردان رضا قلی‌خان هدایت بود، غزل را به سبک و سیاق مولوی می‌سرود. از آثارش: «عشق‌نامه»، بر وزن «مثنوی» مولوی؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۲۵۴ -۱۲۴۸ / ۲)، دانشمندان آذربایجان (۲۸۵)، الذریعه (۷۸۴ / ۹)، ریاض العارفین (۲۷۱ - ۲۶۹)، لغت‌نامه (ذیل/ غالب طهرانی)، مکارم الآثار (۱۴۹۶ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۵۵۵ / ۱).

غالب خوزستانی، عبدالله

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، نویسنده و شاعر. از دانشوران بنام خوزستان که با شیخ محیی‌الدین عربی (م ۶۳۸ ق) معاصر و معاشر بود. وی علاوه بر این که در شاعری توانایی داشت، صاحب تصانیف ارزشمندی چون «طراز الذهب»، در فضائل و مناقب ائمه اثنی‌عشر و اثبات حقانیت ایشان، نیز می‌باشد. در «ریاض العارفین» نام او تحت عنوان غالب خوزی و سنب وی به صورت عبدالله بن ابی‌عبدالله منجی ثانی فرزند ابی‌حفص منجی ماضی آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۸۱ / ۲)، الذریعه (۷۸۴ / ۹)، ریاض العارفین (۲۲۳)، ریحانه (۱۴ -۱۳ / ۶)، فرهنگ سخنوران (۶۶۴)، لغت‌نامه (ذیل/ غالب خوزستانی)، مجمع الفصحا (۹۳۰ -۹۲۹ / ۲).

غانمی هروی، ابوالمحاسن مسعود

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۵۳ -۴۶۴ / ۴۲۴ ق)، فقیه، ادیب، محدث، عابد و شاعر. در طوس به دنیا آمد و در نیشابور نشوونما یافت. و نیز گفته شده که در نیشابور به دنیا آمد و در طوس نشوونما یافت. وی از جانب دو صاحب نام: ابوالقاسم قشیری و ابوصالح مؤذن صاحب اجازه بود. از ابواسحاق ابراهیم بن محمد اصفهانی و گروهی دیگر حدیث شنید و «مسند» هیثم شاشی را از ابوالقاسم احمد بن محمد خلیلی استماع کرد. ابن‌عساکر و سمعانی و تاج مسعودی و عبدالرحیم بن سمعانی از او حدیث شنیدند. ابن‌سمعانی همچنین «مسند» شاشی و «رساله‌ی» قشری را از او استماع کرد. ابوسعد سمعانی گوی که او بسایر عابد و زاهد و پرهیزکار بود. بطوری که از سفره‌ی پدرش چون با حاکمان اختلاط داشت پرهیز می‌کرد. غانمی شاعری چیره‌دست بود و اشعار بدیعی می‌سرود. از آثار وی نظم ابیاتی است به نام «السحریه»، یعنی آنچه که مربوط به وقت سحر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۲۷۹ -۲۷۸ / ۴)، سیر النبلاء (۳۶۰ -۳۵۹ / ۲۰).

غایب بروجردی، عباس

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. در «حدیقه الشعراء» آمده است که: «تحصیل فی الجمله کمالی هم کرده و محض این که در شاعری به کلاشی و کدیه معروف نشود، معاش را به شغل شانه‌تراشی می‌گذرانیده. در مجموعه‌ای، قصیده‌ای از او دیده شد که در مدح معتمدالدوله منوچهرخان گفته بود».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۲۵۸ -۱۲۵۷ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۶۵).

غبار رازی، نبی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۲۷۲ -۱۲۳۸ ق)، شاعر، متخلص به غبار. وی در کودکی نابینا شد و در جوانی به قدر امکان تحصیل علوم کرد. حدود دوازده سال به حرفه‌ی عطاری پرداخت و در اواخر عمر به زیارت مشهد مقدس رفت و آنجا مجاور گردید و پس از بازگشت از دنیا رفت. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۲۶۰ -۱۲۵۸ / ۲)، الذریعه (۷۸۵ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۶۵)، لغت‌نامه (ذیل/ غبار رازی)، المآثر و الآثار (۲۰۶)، مجمع الفصحا (۷۸۰ -۷۷۶ / ۵).

غبار همدانی، حسین رضوی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۲ -۱۲۷۰ / ۱۲۶۵ ق)، شاعر، متخلص بعه غبار. از دومان حاج سید صادق امام جمعه‌ی همدان و از سادات کبابی آن دیار بود. وی در همدان قدم به عرصه هستی نهاد. علوم ادبی و عربی را در زاگاهش فراگرفت و با استعداد سرشار و هوش و ذکاوت فوق‌العاده‌ای که داشت در تحصیل دانش، پیشرفت چشمگیری از خود نشان داد و در شمار استادن بنام شعر و ادب همدان قرار گرفت. غبار چندی در طریق عرفان قدم گذشت و به سیر و سلوک در این رهگذر عمر صرف کرد. «دیوان» شعر غبار با این که بیش از هزار بیت نیست، اما مکرر در همدان و اصفهان و تهران طبع و نشر گردیده است. وی در همدان درگذشت و پیکرش را به قم منتقل کرده در صحن حضرت معصومه (س) به خاک سپردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۱۷۸ -۱۶۶ / ۲)، الذریعه (۷۸۵ / ۹)، سخنوران نامی معاصر (۲۵۴۶ -۲۵۴۰ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۷۴۶ -۷۴۵ / ۲).

غبار یزدی، محمد باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۸۷ ق)، شاعر. اصلش از اردکان بود. در یزد به تحصیل پرداخت. به هوش و ذکاوت در میان طلاب معروف بود. گاهی هم شعری می‌گفت. از اوست:

فریاد که در مرحله‌ی عشق تو ای دوست

هر کس که شد او پیشقدم باز پس افتاد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۲۶۰ / ۲).

غباری گیلانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط، نوازنده و شاعر، متخلص به غباری. وی خط غبار را خوش می‌نوشته و به همین جهت غباری تخلص می‌کرده است. غباری از کمانداری روزگار می‌گذراند و در موسیقی دست داشت و ساز را خوب می‌نواخت. او در غزلسرایی نیز استاد بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (۳۲۲ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۳۶)، تاریخ هنرهای ملی (۸۶۸ / ۲)، الذریعه (۷۸۶ / ۹)، لغت‌نامه (ذیل/ غباری)، مجمع الخواص (۳۱۰).

غباری هروی، محمد امین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر و خطاط. از هرات بود و خط را نیک می‌نوشت. غباری از علم هیئت نیز سررشته داشت و در سخنوری هم توانا بود. در «احوال و آثار خوشنویسان» از شخصی به نام محمدامین هروی نام برده شده که دو اثر از خود به یادگار گذاشته است که یکی تاریخ ۹۹۳ ق دارد و ممکن است با صاحب عنوان یکی باشد. این دو اثر عبارت‌اند از: ۱- یک نسخه «یوسف و زلیخا» و «تحفه الاحرار» و «سبحه الابرار» و «خرد نامه‌ی اسکندری»، به قلم کتابت جلی متوسط، با رقم: «... کتبه الفقیر محمد امین الکاتب الهروی... سنه‌ی ۲ ،۹۹۳- قطعه‌ای از یک مرقع، به قلم دو دانگ خوش، با رقم: «مشقه محمد امین الهروی». همچنین در «هنر عهد تیموریان» علاوه بر خطوط مذکور، سه قطعه از وی آمده که چنین رقم نهاده است: «محمد بن ابراهیم المذهب ۹۹۰ ق» و بر یکی از آنها «حرره بمکه فی شهور سنه ۹۹۱» نوشته شده ست. از دیگر آثارش، «دیوان» شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۵۱ / ۳)، احوال و آثار نقاشان (۶۵۳ / ۲)، تاریخ نظم و نثر (۵۲۶)، الذریعه (۷۸۶ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۶۵)، لغت‌نامه (ذیل/ غباری)،مجمع الخواص (۲۶۴ -۲۶۳)، هنر عهد تیموریان (۶۳۸).

غباری، جلال‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از آثار او: قرآن حمایلی، جلد ضربی مذهب، دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مذهب مرصع عالی، نسخ غبار خفی، با رقم: «... جلال‌الدین بن علی الحافظ سبزواری غباری...» سال ۹۲۹.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۵۶/۴).

غباری، یوسف

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن روی یک پرده پارچه حریر، ثلث رقاع چهاردانگ جلی نستعلیق گلزار سه دانگ، رقاع سه دانگ جلی، کوفی تزیینی سه دانگ نسخ کتابت جلی و خفی و غبار با رقم «یوسف غباری...» سال ۹۴۵ «فی ایام الدولهٔ السلطان الاعظم ابوالمظفر شاه طهماسب بهادرخان خلد ملکه. این پرده، نذر ابوالفتح بهرام ابن شاه اسمعیل صفوی برای تقدیم به آستانه‌ی شیخ صفی» در موزه‌ی ایران باستان.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

غبرایی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی غبرایی در سال ۱۳۲۶ در شهر لنگرود به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر گذراند و در رشته کارشناسی علوم سیاسی فارغ التحصیل شد. در دوران نوجوانی بسیار کتاب می خواند. دهه ۴۰ مهدی غبرایی به صورت جدی مطالعه را شروع کرد. اغلب کتاب هایی را که می خواند، از لنگرود تهیه می کرد و گاهی هم به رشت می آمد و تفریحی جز مطالعه کردن نداشت. در دوره دانشجویی بسیار تحت تأثیر آثار «ساعدی»، «رادی» و «بیضایی» بود و آنها در شکل گیری عقاید و افکار او بسیار مؤثر بودند. مدتی در یک وزارتخانه کار کرد و بعد از چند سال عذر او را خواستند و از سال ۶۰ مشغول ترجمه شد. برادرانش فرهاد و هادی مدت ها بود که ترجمه می کردند. «فرهاد» ترجمه ادبی انجام می داد و هادی غیرادبی و ویرایش. نخستین اثرش، بخشی از مجموعه داستان های نویسنده ای روسی به نام «آوای رنج کهنه سرباز» بود که به چاپ رسید. بعدها با برادرش همکار شد و در زمینه ترجمه از راهنمایی های او استفاده کرد. البته به دلیل تحصیل در رشته علوم سیاسی، گهگاه مقاله سیاسی هم ترجمه می کرد مهدی غبرایی، از آن دسته مترجمانی است که آگاهانه ترجمه می کند، زبان مبدأ را می شناسد و به زبان مقصد

مسلط است. در واقع او امانتداری است که آثار را مانند فرزندان خود دوست دارد و برای آنها ارزش قائل است. عشق به ادبیات و سینما در او باعث شده با فضای رمان و داستان مأنوس باشد و وقتی اثری را ترجمه می کند گویی آن را خود نویسنده ترجمه کرده است. گروه : علوم انسانیرشته : علوم سیاسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : ـ گذراندن دوران ابتدایی و دبیرستان در لنگرود ـ دریافت مدرک کارشناسی در رشته علوم سیاسی آرا و گرایشهای خاص : مهدی غبرایی معتقد است: «ترجمه دریچه ای است به جهان. به راستی دریچه ای است که می توانیم جهان پیرامون خود را ببینیم. در مورد این که ترجمه هنر است یا فن، باید بگویم؛ در جایی به هنر پهلو می زند. به ویژه زمانی که سر و کار مترجم با ترجمه ادبی است. ترجمه ادبی باید از لحاظ لحن، کلام و زمان با زبان مبدأ مطابقت داشته باشد، به طوری که اگر نویسنده قرار بود به زبان مقصد بنویسد همان گونه می نوشت که ترجمه شده است. رعایت اصل امانت داری نیز بسیار حائز اهمیت است. در واقع، ترجمه یک کار مکانیکی است و اصل را باید تحت اللفظی یعنی همانطور که نویسنده نوشته به زبان خود ارائه کرد.، تا مخاطب متوجه حضور مترجم در متن نشود. مترجم باید دانشش را به روز کند و همیشه در این امر پیشتاز باشد. باید بسیار مطالعه کند، مطالعه ای روزافزون در رشته ای که کار می کند. مترجم در ترجمه اثر، نقش بسیار مهمی دارد. مترجم در انتقال گنجینه ادبی نویسنده سهیم است و اگر او تسلط لازم را به دو زبان داشته باشد این مهم را بخوبی انجام می دهد. وقتی از او در باب توصیه به جوانان سؤال کردیم او گفت: «من هیچ وقت توصیه نمی کنم و اگر بشود تجربه ام را به نسل جوان منتقل می کنم. یک مترجم باید غنای واژگانی اش را حفظ کند و یکی از کتاب هایی که در ابتدای کار به یک مترجم کمک بسیاری می کند «مبانی یا اصول ترجمه» از خانم طاهره صفارزاده است.» دانستن زبان فارسی و استفاده به موقع از آن نیز در جهت بهبود زبان مترجم مؤثر است. متون ادبی هر کدام دنیای منحصر به فردی هستند که علاوه بر انتقال داستان، فرهنگ آن سرزمین را به خواننده می شناسند، پس مترجمان می توانند سفیر فرهنگی بین ملل محسوب شوند و وظیفه خطیری را در این میان به عهده دارند.» چگونگی عرضه آثار : مهدی غبرایی، از آن دسته مترجمانی است که ویژگی های گفته شده را دارد. او آگاهانه ترجمه می کند، زبان مبدأ را می شناسد و به زبان مقصد مسلط است. در واقع او امانتداری است که آثار را مانند فرزندان خود دوست دارد و برای آنها ارزش قائل است. عشق به ادبیات و سینما در او باعث شده با فضای رمان و داستان مأنوس باشد و وقتی اثری را ترجمه می کند گویی آن را خود نویسنده ترجمه کرده است. مهدی غبرایی، مترجمی منظم است که به نظم و دقت عادت دارد. صبح از ساعت هشت تا دوازده و بعدازظهرها اصولاً از پنج عصر تا نه شب سرگرم کار است. آثار : انتخاب الویرا ویژگی اثر : «انتخابات الویرا» با ترجمه مهدی غبرایی از آثار شاخص اوست که در نوع خود بی همتاست. «الویرا» نام منطقه ای است که از نام دختر یکی از مالکان گرفته شده است. مترجم در ترجمه این اثر سعی کرده با توجه به رعایت اصل امانتداری همان گونه که نویسنده «ناپل» معتقد است و در بیشتر کتاب هایش این موضوع را هم مورد توجه قرار می دهد (حفظ لهجه های اسپانیولی) اثر را به اصلش نزدیک کند.۲ ترجمه بادبادک اثر خالد حسینی ویژگی اثر : «بادبادک باز» عنوان رمانی پر کشش است از نویسنده افغانی مقیم آمریکا، خالد حسینی، که به تازگی با ترجمه مهدی غبرایی به بازار آمده است. در آغاز این رمان که با ترجمه بسیار قوی و به زبان فارسی برگردانده شده، آمده است: خالد حسینی را نه در ایران و نه در آمریکا که مقیم آنجاست، نمی شناسند. او چهل و چند سال پیش در کابل به دنیا آمد. پسر یک دیپلمات است که خانواده اش به آمریکا پناهنده شدند. او بادبادک باز را نوشت، در واقع نخستین رمان اوست... به هر حال، رمان «بادبادک باز» بر خلاف نظر بسیاری کسان که می گویند در هند و افغانستان و چین همه اش صحبت از فقر و فلاکت و بدبختی است و در ایران مخاطب وسیعی نخواهد یافت، مرا به سهم خود شیفته خود کرده است. ۳ ترجمه پیترپن اثر جیم ج.بری ۴ ترجمه خانه ای برای آقای بیسواس اثر و.س. ناپیل ویژگی اثر : این رمان درواقع احتضار طولانی آدمی را به تصویر می کشد که از همان آغاز، حس تعلیق و حادثه سازی را در ذهن مخاطب به وجود می آورد. موضوع فقر و تنگ نظری مردم و مسائل مردم جهان سوم است که متن انگلیسی و در قطع وزیری به فارسی چاپ شده است. این رمان که مدت ها به دلیل شرایط نامطلوب نشر، بدون ناشر بود، با آمدن ناپل به ایران و اضافه شدن چند داستان دیگر، سال ها بعد به نام «خیابان میگل» ترجمه شد. «مشتمالچی عارف» نیز از دیگر آثار ناپل است که مهدی غبرایی ترجمه کرده است. بدعت ناپل در نویسندگی، استفاده از فضای بومی است که با بیانی ساده، زیبایی خاصی به اثر بخشیده است. مهدی غبرایی در مورد شیفتگی اش به آثار «ناپیل» می گوید: فضاسازی داستانی ناپل شبیه فضای دوران کودکی من در لنگرود است، یعنی عناصر مشترک (دریا، کشتزار)، مردمان دل زنده و شاد که با تنگ نظری و تعصبات محلی، خرافات، دعواها، شادی ها و محبت ها ... به ویژه در «خیابان میگل» برای من جذاب بود. از نظر شخصیتی او را انسانی همچون برادرم می دیدم. افتاده و سیاه چرده که با کلاه شاپویش این احساس را در من به وجود می آورد و مورد دیگر که نقطه اشتراک مابود مرگ برادرش «شیوا ناپیل» بود. من هم برادرم «فرهاد» را از دست داده بودم. من آنقدر با فضای داستان های او اخت شده بودم که وقتی ترجمه ام را تمام کردم ده روز در خانه را بستم و جایی نرفتم. طنز تلخ موجود در متن را به خوبی حس کرده بودم. این رمان یادآور دوران تلخ کودکی ام بود. ۵ ترجمه دفترهای مالده لائوریس بریگه اثر راینر ماریاریلکه ویژگی اثر : «دفترهای مالده لائوریس بریگه» اثر «ماریا ریلکه» یکی از آثار برجسته نیمه اول قرن بیستم ترجمه دیگری از مهدی غبرایی است که ترجمه آن سال به طول انجامیده است و چنان که غبرایی می گوید: « سال نثر آن را با دست و جان صیقل داده است.» این متن به سبب دشواری اندیشه های مطرح شده و ژرفای اندیشه و نگرش اش، یکی از کتاب های مطرح در ادبیات محسوب می شود. مهدی غبرایی دفتر های مالده اثر ماریاریلکه، کوری از ساراماگو، خانه ای برای آقای بیسواس از و.س.ناپیل و چنداثر دیگر را از ترجمه هایی می داند که دوستشان دارد و عاشقانه ترجمه اشان کرده است. ۶ ترجمه راهنما اثر ر.ک.نارایان ویژگی اثر : «راهنما» اثر ر. ک نارایان ـ یکی از قدیمی ترین نویسندگان اقلیمی هند ـ به زبان انگلیسی نوشته شده است. آثار این نویسنده به گونه ای مانند آثار «فالکنر» است. او در آثارش سرزمینی را خلق کرده است که همه اتفاق های آثارش در آن سرزمین رخ می دهد.شخصیت اصلی رمان، راهنمای گردشگران و جهانگردان است و در طول یکی از سفرها، عاشق یک زن می شود که در رقص آیینی و دینی کاتاکالی تبحر دارد. در طول داستان اتفاقات جالبی برای این فرد پیش می آید. گفتنی است که براساس این رمان فیلم هایی نیز ساخته شده است، البته به رمان اشاره ای نکردند.۷ ترجمه ساعت ها،

مایکل کانینگهام ، ترجمه سیاهاب اثر جویس کرول اوتس ویژگی اثر : رمان «سیاهاب» از «جویس کرل اوتس» که نویسنده آن یک زن آمریکایی است از دیگر ترجمه های مهدی غبرایی است. این زن آمریکایی در حدود شصت و هشت سالگی بیش از اثر نوشته که رمان در این میان به چشم می خورد۹ ترجمه عشق و مرگ در کشوری گرمسیری، شیوا ناپیل ، ترجمه کوری اثر ژوزه ساراماگو ویژگی اثر : رمان «کوری» از «روژه ساراماگو» با ترجمه مهدی غبرایی یکی از برجسته ترین و پخته ترین آثار او محسوب می شود. این رمان تاکنون به چاپ دهم رسیده است و دو مترجم توانای دیگر، نیز آن را ترجمه کرده اند.۱۱ ترجمه گرما و غبار اثر روت پریور جابوالا ـ، ترجمه لیری ال اثر رومن گاری ، ترجمه موج ها اثر ویرجینیا وولف ، ترجمه هرگز ترکم نکن اثر ایشی گورو ، ترجمه وقتشه که با من زندگی کنی اثر جویس کرول اوتس ویژگی اثر : رمان «وقتشه که با من زندگی کنی» از «کارول اوتس» نیز از دیگر ترجمه های مهدی غبرایی است. از ترجمه های دیگر مهدی غبرایی می توان «ساعت ها» اثر مایکل کاینینگهام را نام برد. ساعت ها، هم بزرگداشت ویرجینیا وولف است و هم مخلوق او، این اثر که تاکنون جوایز بسیاری مانند جایزه پن/ فاکنر ، جایزه پولیتزر ، دو جایزه گولدن گلوب و جایزه اسکار را از آن خود کرده است. در این اثر جاودان نویسنده به قهرمان ادبی خود زندگی بخشیده و درکنار آن، سرگذشت ویرجینیا وولف را به زندگی دو زن معاصر پیوند می زند. وولف یک روز صبح از خواب بیدار می شود، او خوابی دیده که بزودی به رمان خانم دالوی تبدیل خواهد شد. این رمان سه راوی زن دارد. راوی اول ویرجینیا وولف است که داستان از خودکشی او شروع می شود. راوی دوم در واقع بازشناختی از «خانم دالوی» اثر ویرجینیا وولف است. در لس آنجلس در سال ، لورا براون، زنی حامله، تمام تلاشش را می کند تا جشن تولد شوهرش را بگیرد، اما نمی تواند از خواندن کتاب ویرجینیا وولف دست بکشد. زندگی این سه زن با رمان خانم دالوی به هم پیوند خورده است. راوی سوم «لورا براون» تصویر دیگری از خانم دالوی است. او مادر ریچارد است، شاعری که عاشق خانم دالوی می شود و در داستان دوم، سرنوشتش به رشته تحریر درآمده است. مهارت و تجربه مهدی غبرایی در آثارش کاملاً مشهود است. غبرایی با انعکاس توصیف ها و صحنه ها به طور دقیق توانسته آن فضا را در ترجمه هایش به تصویر بکشد. ۱۶ کتاب ریتمها ویژگی اثر : «کتاب ریتم ها» با ترجمه مهدی غبرایی کتابی مصور از «لنگستون هیوز» شاعر آمریکایی است که درباره جست وجوی ریتم در شعر و موسیقی و جلوه های دیگر طبیعت است که برای گروه سنی نوجوانان نوشته شده.

غرای شیرازی، اسدالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۰ ق)، شاعر، متخلص به غرا. از سادات والامقام کازورن است که در شیراز به دنیا آمد و در همان جا نشوونما یافت. علوم عربی و قواعد شاعری را فراگرفت و بیشتر ایام خود را به مصاحبت میرزا سلمان‌خان خلف می‌گذراند و از مواهب او بهره‌مند می‌شد. در سرودن شعر بسیار توانا بود. اوائل هجو می‌گفت ولی در اواخر توبه کرد و مدیحه می‌گفت. شعر «هاشمیه» از اوست. او در دارالسلام شیراز مدفون شد. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۶۵ -۵۶۴)، حدیقه الشعراء (۱۲۶۴ -۱۲۶۰ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵ -۳ / ۴)، الذریعه (۷۸۶ / ۹)، ریحانه (۲۳۱ -۲۳۰ / ۴)، مرآت الفصاحه (۴۳۵ -۴۳۳).

غروی اصفهانی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۱ -۱۲۹۶ ق)، فقیه اصولی، مرجع تقلید، حکیم، ادیب و شاعر، متخلص به مفتقر. مشهور به کمپانی. اصلش از نخجوان است. نیای او پس از سقوط قفقار در برابر روسها به تبریز و از آنجا به اصفهان هجرت نمود، لذا این خانواده به اصفهانی مشهور شدند. شیخ محمد حسین در کاظمین به دنیا آمد و مقدمات را در آنجا خواند و آن‌گاه به نجف رفت و سطوح را نزد شیخ حسن تویسرکانی خواند و از محضر آخوند خراسانی بهره‌ی کامل برد و مدت سیزده سال فقه و اصول را از ایشان و همچنین از آقا سید محمد فشارکی و آقا رضا همدانی بطور کامل فراگرفت. او علوم معقول و فنون فلسفه را از فیلسوف بزرگ حاج میرزا محم باقر اصطهباناتی شیرازی اخذ کرد، تا اینکه مرجع تقلید جمعی از شیعه شد. او علاوه بر مراتب علمی دارای ملکات اخلاقی بود. در نجف اشرف درگذشت و در صحن علوی در مقبره‌ی جنب مناره ایوان طلا دفن شد. از او بیش از بیست کتاب و رساله بر جای مانده است. از جمله آثار وی: «نهایه الدرایه فی شرح الکفایه» آخوند خراسانی، در دو مجلد؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ انصاری؛ «اربع قواعد فقهیه»؛ «الحقیقه الشرعیه»؛ ارجوزه‌ای در «الفلسفه العالیه»؛ ارجوزه‌ای در «الصوم»؛ دو رساله در «المعاد»؛ «الاجتهاد و التقلید و العداله»؛ «الاصول علی منهج الحدیث»؛ «الوسیله فی اهم ابواب الفقه» یا «رساله‌ی عملیه»؛ «انوار القدسیه»، شعر عربی،بیست و چهار قصیده در تاریخ زندگانی پیامبر (ص)، عموهایش و ائمه (ع) و فرزندانشان؛ «تحفه الحکیم»، منظومه‌ای در فلسفه؛ «دیوان» غزلیات حکمت و عرفان؛ «دیوان» شعر، فارسی، در مدائح و مراثی اهل‌بیت (ع).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۲۸۷ -۲۸۶)، الذریعه (۴۰۰ / ۲۴ ۱۰۸۳، – ۱۰۸۱، ۲۴۷ / ۹ ۱۸۷، ۱۴۸، / ۶ ۴۸۳، ۲۷۱، / ۱)، ریحانه

(۹۳ –۹۰ / ۵)، سخنوران نامی معاصر ایران (۲۹۷۷ –۲۹۷۲ / ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۶۲ –۵۶۰ / ۱۴)، علماء معاصرین (۱۹۱ –۱۹۰)، فرهنگ سخنوران (۸۶۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۶۷ / ۷)، مؤلفین کتب چاپی (۷۲۷–۷۲۶ / ۲).

غروی بروجردی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۴ –۱۲۷۵ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مرجع تقلید. در بروجرد به دنیا آمد. مدقمات و سطوح را از استادان همان شهر فراگرفت. بعد از ۱۳۰۰ ق برای تکمیل تحصیلات خود به عراق رفت و در سامراء در محضر درس میرزای بزرگ شیرازی شرکت کرد. او همچنین از بزرگان حوزه‌ی سامراء به ویژه آیت‌الله سید محمد اصفهانی فشارکی و آیت‌الله میرزا محمد تقی شیرازی نهایت استفاده را برد. در ۱۳۱۲ ق پس از وفات میرزای بزرگ شیرازی به نجف رفت و در بحث آخوند خراسانی شرکت کرد، تا این که یکی از شاگردان مبرز ایشان شد. او همچنین از آیت‌الله آقا سید محمد کاظم یزدی نیز بهره برد. غروی بر اثر کسالت به ایران بازگشت و مدتی در تهران به معالجه پرداخت. سپس در بروجرد ساکن شد و زعامت امور دینی مردم آنجا را بر عهده گرفت. او مدت یکسال و چند ماه نیز در مشهد رضوی به تدریس مشغول گشت، اما همان بیماری او را ناچار به بازگشت به تهران و سپس به بروجرد نمود. آقا ابوتراب شیخ الاسلامی و آقا سید ابوالحسن قدغونی و حاج سید ابوالفضل مجاهدی و شیخ حسن کمره‌ای خاتمی و شیخ محمد رضا خاتمی و سید محسن شریعتمداری و شیخ محمود جبرئیلی و بسیاری دیگر از شاگردان وی بودند. او در بروجرد درگذشت و جنازه‌اش به قم منتقل و در قبرستا نو دفن شد.از آثار وی: مجموعه‌ای در «اخلاق»، در شرح صفات و فضائل یک انسان نمونه و حقیقی، متشمل بر نظرات فلاسفه‌ی شرق و غرب از عصر افلاطون تا عصر حاضر و کلمات بزرگان و آیات و اخبار وارده؛ مجموعه‌ای در «فقه استدلالی»، شامل معارف فقهی با ذکر فتاوای علمای مذاهب مختلف؛ مجموعه‌ای در «شرح مصائب سیدالشهداء (ع)».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (۵۷۶ –۵۶۱ / ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۹۶ / ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۹۳ / ۳).

غروی تبریزی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۸– ز ۱۳۶۳ ق)، فقیه و عالم دینی. در نجف اشرف ب دنیا آمد و تا ۱۳۵۰ ق در آنجا به تحصیل علوم پرداخت و از محضر اساتیدی همچون آیت‌الله آقا میرزا باقر زنجانی استفاده کرد، و در همان سال به تبریز و سه سال بعد به قم رفت، و مدت دو سال از محضر آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت در فقه و اصول استفاده نمود. وی دارای اجازاتی از آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله حجت بود. در ۱۳۶۳ ق به تبریز بازگشت و به انجام وظائف دینی و تدریس پرداخت. از آثار وی: «تقریرات» درس آیت‌الله حجت، در اصول فقه؛ کتاب «اسلام و شیعه»، به فارسی؛ کتابی در «امامت حضرت ولی‌عصر (عج)»؛ کتابی در «اخلاق».[۱]

عبدالحسین غروی تبریزی از افاضل دانشمندان و علماء تبریز است.

وی فرزند رکن العلماء الاعلام آیه الله آقا شیخ مرتضی چهره قانی است که در سال ۱۳۲۸ قمری در نجف اشرف تولد یافته و تا سال ۱۳۵۰ در آنجا به تحصیل علوم پرداخته و از محضر اساتید آیه الله آقا میرزا باقر زنجانی استفاده کرده و در سال مزبور به تبریز آمده و تـا سه سال در آن سامان اقامت و در سال ۱۳۵۳ قمری مهاجرت به قم نموده و مدت دو سال درک فیض از محضر آیه الله حایری و آیه الله حجت فقها و اصولا نموده و تا سال ۱۳۶۳ قمری که مراجعت به تبریز و اقامت گزیده و به وظائف دینی و روحانی از قبیل تدریس و اقامه جماعت در مسجد جامع و غیره می‌باشند.

آثار قلمی آن جناب از این قرار است: ۱– کتاب اسلام و شیعه فارسی مطبوع در تبریز.

۲ و ۳– تقریر دروس مرحوم آیه الله حجت اصول و فقه ۴– کتابی در موضوع امامت حضرت ولی عصر عجل الله فرجه.

۵– کتابی در اخلاق. دارای اجازات اجتهاد از مرحوم آیه الله العظمی اصفهانی و آیه الله محقق آقا ضیاءالدین عراقی و سیدنا الاستاد آیه الله حجت قدس الله اسرارهم می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۳۲۰ –۳۱۹ / ۳).

غروی تبریزی، میرزا علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شهید آیهٔالله العظمی میرزا علی غروی تبریزی سال ۱۳۰۵شمسی در خانواده ای متدین وتجارت پیشه در شهر پرآوازه تبریز چشم به

جهان گشود دو ساله بود که غبار دردناک یتیمی برسرش فرو نشست وبدین ترتیب اولین جام بلا را درمیدان زندگی سرکشید. در شش سالگی به فرا گیری علوم دینی روی آورد ومقدمات را در آنجاگذراند سپس رحل سفر را در قم افکند تا در اقیانوس بی کران علم ودانش گوهر کمیاب اجتهاد را صید کند ووجود فرشی اش را به عطر دلربای کلام معصوم عرشی نماید. چندی بعد باکوله باری از علوم اکتسابی از فقیهانی همچون حضرات آیات بروجردی حجت کوه کمره ای خوانساری وشاهرودی از قم به نجف کوچید تا بابهره گیری از حلقه های درس آیةالله العظمی خوئی وشیخ حسین حلی ومحمد باقر زنجانی روح کمال جویش را کمی آرام کند اما او که نیلوفر جان را به دور عمود ایستادگی بالا می برد آنگاه که ذرات درخشان خورشید راستی و حقیقت را در حریم امیرالمومنین ع در آغوش کشید دریافت که در وادی عشق راحتی نیست. لذا پس از درگذشت استادش آیةالله العظمی خوئی بر کرسی تدریس می نشیند وبا شوقی وصف ناپذیر ونظمی کم نظیر به تدریس وتالیف وتحقیق می پردازد تا اینکه طلاب بی شماری که از کوثر کلام گهر بارش سیراب شده بودند اوراچون نگینی ارزشمند در برمی گیرند. عالمی که در نظم وترتیب زبانزد همگان بود وهیچگاه مطالعه وعبادت واقامه نماز در حرم امیرالمومنین ع وپاسخ به استفتائات اورااز رسیدگی به امورمردم غافل نمی کرد. نجوای زیارت عاشورا بر لبهای حق گویش آن هم درهر صباح شعله های عشق رادر دلش روز به روز فروزان تر می کرد وبر افروختگی صورتش رازیباوزیباتر می کرد. او جان رابه زیارت مولا ومقتدایش آقا حسین بن علی ع پرواز داده ودل در کمند گنبد نورانی وحرمی پر حرمت وضریحی که مهبط پر نشاط ملائک است بسته بود. چه بسیار لیالی جمعه ای که در جستجوی پرنده زیبای شهادت رهسپار کعبه دلها می شد تادر قنوتی عارفانه شهادت را به میهمانی دستهایش فرا خواند. سرانجام در شامگاه جمعه ۲۹خرداد ۱۳۷۷ش ۲۴صفر ۱۴۱۹ق دررجوع از زیارت آن حرم باصفا گلوله ای آتشین فراق جانکاه را به وصال دلربا مبدل می کند وعطر وصال را به مشام جان بیدارش می رساند وهمراه با داماد وراننده اش باغروری بهت آور به استقبال شهادت می روند تازنده بودن را برای همیشه تفسیر کنند.

غروی تویسرکانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۹– ز ۱۳۹۱ ق)، عالم دینی و فقیه. جد مادری‌اش آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی بود. در ۱۳۲۹ ق در نجف به دنیا آمد. در ۱۳۳۹ ق به اراک عزیمت کرد و از آنجا به دنیا آمد. در ۱۳۳۹ ق به اراک عزیمت کرد و از آن جا در خدمت آیت‌الله حایری به قم رفت. در ۱۳۴۳ ق پس از مرگ پدر تحت کفالت آیت‌الله حایری درآمد. مقدمات و ادبیات را نزد شیخ ابوالقاسم نحوی خواند و سطوح عالی را از محضر میرزای همدانی و آیت‌الله شیخ محمد علی حایری و آیت‌الله گلپایگانی بهره بود و سالهای متمادی از بحثهای فقه و اصول آیت‌الله حجت استفاده نمود. پس از ایشان منحصرا در درس و بحث آیت‌الله بروجردی شرکت نمود. او چند سالی متصدی مدرسه‌ی فیضیه و دارالشفاء بود. از آثارش: «دراسات» کتاب «طهارت» آیت‌الله حایری و «فقه و اصول» آیت‌الله حجت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۲۰۷ / ۲).

غروی دشتی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۰۱.

درگذشت: ۱۳۶۶.

از آثار اوست: کتاب الطلاق فروع متصیده (قم، ۱۳۶۷).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

غروی علیاری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۲ رمضان ۱۳۱۹ ق.

درگذشت: ۱ اردیبهشت ۱۳۶۷، تبریز.

آیت‌الله العظمی علی غروی علیاری تبریزی، فرزند آیت‌الله میرزا محسن از شاگردان آخوند خراسانی و صاحب رساله‌های متعدد اصولی و فقهی بود. ایشان پس از پشت سر نهادن دوران کودکی و فراگیری خواندن و نوشتن، به تحصیل علوم دینی روی آورد و نزد جدش آیت‌الله شیخ محمدحسن به فراگیری مقدمات و ادبیات و سطوح فقه و اصول و عقاید و کلام پرداخت. پس از تکمیل

سطوح عالیه، در بیست و دو سالگی عازم حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف شد و در مدرسه بخارایی سکونت ورزید و سالیان بسیار در محضر آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدین عراقی، میرزای نایینی، شیخ اسدالله زنجانی، آقا سید ابراهیم اصطهباناتی، سید محمد حجت، سید ابوتراب خوانساری، حاج میرزا علی ایروانی، شیخ ابوالحسن مشکینی، میرزا احمد آشتیانی و جمال السالکین آقا سید علی قاضی به تحصیل فنون، اخلاق، فقه، اصول، کلام، رجال، عرفان، حکمت و فلسفه تا سال ۱۳۵۰ ق. پرداخت. وی در جوانی به دریافت اجازات متعدد روایی و اجتهادی از اساتید معظمش نایل آمد. ایشان در سال ۱۳۵۰ ق. به درخواست جدش آیت‌الله شیخ محمد حسن علیاری به تبریز بازگشت و به تحقیق، تدریس، تألیف، اقامه‌ی جماعت و پرورش شاگردان اشتغال ورزید.

از آیت‌الله العظمی غرویی علیاری تبریزی نوشتارهای فراوانی به جای مانده است که عبارتند از: چهارده جلد تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی آقا ضیاءالدین عراقی در منجزات مریض (چاپ شده)، رهن، وصیت، وقف، رضاع، نکاح، صلح، خیارات، اجاره، قضاء، شروط، مسقطات خیار، غصب، زکات؛ دو جلد تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی میرزای نایینی در صلات، بیع، خیارات؛ دو جلد تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی در طهارت و صلات؛ دو جلد تقریرات درس آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای در صلات و بیع؛ تقریرات درس فقه آیت‌الله میرزا علی ایروانی؛ دو جلد تقریرات درس فقه آیت‌الله شیخ اسدالله زنجانی در خلل صلاة و منجزات مریض؛ توضیح المسائل؛ شرح عروة الوثقی (از طهارت تا وصیت) در پنج جلد؛ شرح استدلالی ملحقات عروةالوثقی؛ ده جلد رساله‌های فقهی در صلح، عدم شرطیت رجوع در مسافر؛ محاذاةالرجل و المرأة فی الصلاة، جواز نقل المیت بعد الدفن، ربا، نماز جمعه، منجسیة المتنجس، لباس مشکوک، حرمان زوجه از عقار، الفروع السنیة، فروع تقلید؛ شرح وسیلة النجاة (سه جلد)؛ کتاب الطهارة؛ کتاب الصوم؛ کتاب الحج؛ مناسک حج (دو جلد)؛ شرح تبصرد المتعلمین؛ شرح مبسوط مکاسب؛ علل الشرایع و الاحکام؛ شرح فوائد الاصول؛ شرح کفایة الاصول؛ رساله در ترتب رساله در وضع؛ رساله در ملازمه حکم عقل و شرع؛ قاعده من ملک (و قواعد دیگر)؛ هفت جلد کتاب تقریرات درس اصول آیات عظام: میرزای نائینی (مباحث الفاظ)، آقا ضیاءالدین عراقی (دوره کامل و قاعده لاضرر)، سید ابوالحسن اصفهانی، سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای (مباحث عقلیه و تعادل و تراجیح)؛ شیخ اسدالله زنجانی میرزا علی ایروانی (اجتماع امر و نهی)؛ اصول عقاید؛ رسالة فی الرجعة؛ تفسیر قرآن (دوازده جلد)؛ مفردات قرآن؛ شرح دعای صباح؛ شرح دعای کمیل؛ شرح دعای سمات؛ شرح دعای افتتاح؛ شرح دعای ابوحمزه ثمالی؛ شرح دعای زیارت جامعه کبیره؛ حل مشکلات الاخبار؛ شرح اربعین حدیث؛ شرح احادیث پیامبر اکرم (ص)؛ شرح احادیث امیرالمومنین در نهج‌البلاغه؛ منهاج الرشاد؛ المواعظ؛ النهجة فی احوال الحجة (ع)؛ الکواکب الحسینیة؛ تقریرات درس آیت‌الله سید ابوتراب خوانساری؛ حاشیه بر رجال وحید بهبهانی.

آیت‌الله العظمی غروی علیاری تبریزی در تاریخ دوشنبه اول اردیبهشت ۱۳۶۷(۱۳ ذیحجة ۱۴۱۷ ق.) در نود و هشت سالگی بدرود حیات گفت و پیکرش پس از تشییع در تبریز، به قم انتقال داده شد و پس از تشییع مجدد و نماز حضرت آیت‌الله بهجت بر آن، در صحن حضرت فاطمه معصومه (س) (بقعه آیت‌الله داماد) به خاک سپرده شد.

علی بن العلامه الحجه المیرزا محسن بن العلامه الکبری الحاج میرزا محمد حسن بن العلامه الکبری الحاج میرزا محمد حسن بن العلامه الکبیر آیه الله العظمی الحاج ملا علی علیاری صاحب کتاب مستطاب (بهجه المقال فی تنقیح الرجال) الغروی العلی یاری از علماء اعلام و مؤلفین کرام معاصر شهرستان تبریز است. وی در صبح جمعه ۱۲ ماه مبارک رمضان سال ۱۳۱۹ قمری هجری در تبریز متولد شده و پس از فراغت از مبادی علوم در خدمت جد امجدش مرحوم آیه الله میرزا محمد حسن سطوح را خوانده و بعد از تکمیل آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محاضر آیات عظام چون زعیم الشیعه آیه الله العظمی اصفهانی و مرحوم آیه الله نائینی و آیه الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیه الله آقا شیخ اسدالله رشتی و آیه الله آقا شیخ اسدالله رشتی و آیه الله آقا سید ابوتراب خونساری و آیه الله میرزا ابوالحسن مشگینی و آیه الله حاج میرزا علی آقا ایروانی و آیه الله اصطهباناتی استفاده کامل نموده و دروس عقلی را از محضر آیه الله حاج میرزا احمد آشتیانی فراگرفته و از آنان به دریافت اجازات اجتهادی و روایتی نائل شده آنگاه به تبریز مراجعت و تا حال حاضر به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و غیره اشتغال دارند.

دارای تألیفات ارزنده عدیده‌ای می‌باشند که بشرح آنها می‌پردازم:

۱- دوره اصول و نصف تقریر بحث آیه الله محقق عراقی

۲- دوره اصول آیه الله میرزا حسین نائینی

۳- اغلب ابواب فقه از تقریرات آیه الله عراقی

۴- تقریرات ابحاث آیه الله العظمی اصفهانی

۵- تقریرات ابحاث آیه الله العظمی حجت کوه کمری

۶- تقریرات ابحاث آیه الله ایروانی (قده)

۷- تقریرات ابحاث آیه الله مشگینی (قده)

۸- شرح دعاء سمات ۹- شرح دعاء صباح ۱۰- شرح اربعین حدیث ۱۱- اصول دین مبسوط فارسی ۱۲- رسائل متفرقه در اصول و فقه ۱۳- رساله در ملازمت ۱۴- رساله در جریان استصحاب در اعدام ازلیه ۱۵- رساله در غیبه ۱۶- رساله در خلل، تقریر بحث آیه الله محقق زنجانی ۱۷- رساله در بعض فروع عروه الوثقی ۱۸- رساله در مواکب الحسینیه ۱۹- رساله در رضاع ۲۰- رساله در منجزات مریض ۲۱- رساله در قاعده من ملک و در قواعد دیگر ۲۲- رساله در قاعده لا ضرر ۲۳- رساله در نجاسه متنجس ۲۴- رساله‌ای در لباس مشکوک و چندین رسائل دیگر.

از باقیات الصالحات دیگر معظم له فرزند ارجمند ایشان جناب حجه الاسلام آقا شیخ محمد جواد غروی علی یاری است که اکنون از علماء و دانشمندان مقیم تهران است. وی در نجف متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح و استفاده از محاضر آیات عظام خوئی و حکیم و دیگران به مشهد رضوی مسافرت و چندین سال اقامت و از محضر آیه الله العظمی میلانی مدظله استفاده نموده آنگاه به قم منتقل و چند سالی از ابحاث و محاضر آیات عظام نجفی مرعشی و شریعتمداری و گلپایگانی استفاده نموده و دو

سالی بنابر دعوت عده‌ای از مؤمنین به تهران عزیمت و رحل اقامت افکنده و در مسجد امام زاده زید بازار و مسجد دیگر به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی اشتغال دارند. آن جناب ترجمه مفصلی از اسره و خاندان علیاری مرقوم داشته‌اند ولی چون در کتب رجالی دیگر مانند علماء معاصر و غیره مذکور بود از ذکر آن خودداری نمودم.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

غروی، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل غروی

محل تولد : باغملک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سن ۷ سالگی احکام دینی و خواندن و نوشتن را در محضر پدر خود فرا گرفتم سپس به مکتب جهت خواندن قرآن و سایر کتاب های دینی مدت ۴ سال مشغول شدم ۲ سال دیگر از محضر پدر استفاده کردم.

در سن ۱۴ سالگی راهی حوزه علمیه اهواز شدم .

مدتی از استادانی مانند سید شمس الدین ، سید عبد الکریم موسوی نجفی ، شیخ مروج (استاد جامع المقدمات امام) سپس از مرحوم سید محمد کاظم آل طیب و از سید اسماعیل مرعشی و مرحوم امامی ، مرحوم علم الهدی و شیخ ابوالحسن انصاری ، مرحوم آیت الله بهبهانی ، آقای شیخ مرتضی انصاری وسایر اساتید محترم مانند مرحوم آیت الله کرمی و... استفاده کردم .

مدتی در حوزه علمیه شوشتر از اساتید بزرگواری از علماء شوشتر مرحوم صاحب قاموس رجال و دیگران بهره وافری بردم .

پس از آن به نیشابوررفتم و مدت چهار سال در نیشابور از اساتیدی مانند مرحوم آقای مروی و ضیائی ، حاج آقا رضا نجفی و آیت الله موسوی نیشابوری استفاده کردم .

بعد از آن به مشهد مقدس رفتم از ادیب خراسانی مرحوم کفایی مرحوم شیرازی میلانی مصباح واعظی مرحوم افتخاری و دیگر اساتید محترمی که در مشهد مقدس بحث داشته اند بهره بردم .

سپس به قم آمدم و از مرحوم آیت الله مرعشی نجفی ، گلپایگانی و مرحوم آیت الله سلطانی هم درس و هم مشی زندگی بهره بردم .

از اساتید فوق الذکر صرف ، نحو ، منطق ، احکام ، اصول ، فقه تا سطح خارج استفاده کردم در قسمت طب از مرحوم والد و از دکتر جزایری و دکتر خراسانی دکتر موسوی و از دکترهای روان شناس استفاده نمودم و در قسمت جامعه شناسی از اساتید بزرگواری استفاده نمودم .

غروی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ احمد بن العالم الجلیل الشیخ محمد توسرکانی و سبط آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی از علماء اعلام و فضلاء کرام حوزه علمیه است که به فضل و کمال موصوف و به متانت و مناعت طبع معروف می‌باشد.

در سال ۱۳۲۹ قمری در نجف اشرف تولد یافته و با والد خود که از اخیار و مقدسین حقیقی و شخص فاضل و متدینی بود و سالها در مسجد نو کربلاـ امامت داشت و از حافظین احادیث اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام (در زمان خود بوده) در سال ۱۳۳۹ قمری عزیمت به عراق و از آنجا در خدمت آیت‌الله حایری به قم مهاجرت نموده و مرحوم والدش در مسجد عشقعلی به امامت و تدریس پرداخته تا سال ۱۳۴۳ قمری که بدرود زندگی گفت و مترجم محترم مستقیما در تحت کفالت و مهد تربیت جدامی خود آیت‌الله حایری درآمده و مقدمات و ادبیات را نزد مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم نحوی خوانده و سطوح عالی را از محضر مرحوم میرزای همدانی و آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی حایری و آیت‌الله العظمی گلپایگانی خوانده و سالهای متمادی از ابحاث فقه و اصول علامه محقق مرحوم آیت‌الله حجت استفاده کامل نموده و بعد از ایشان منحصرا به درس و بحث آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت کرده و چند سالی هم متصدی مدرسه فیضیه و دارالشفا بوده تا سال ۱۳۹۱ که به جهت پاره‌ای از جهات از این کار کناره نموده است.

از نوشته‌های ایشانست دراسات کتاب طهارت مرحوم آیت‌الله حایری و فقه و اصول آیت‌الله حجت قدس‌الله سر هما.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

غروی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد غروی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۱/۱

زندگینامه علمی

سید محمد غروی در سال ۱۳۲۹ در تهران در خانواده‌ای از سلسلهٔ جلیله سادات و اهل علم به دنیا آمد، اجداد او همه از اهل علم و فضل بوده‌اند، و پدر او آیت الله سید محمد رضا غروی از علمای تهران و وکیل مورد اعتماد حضرت امام(ره) و دیگر مراجع بزرگ تقلید بود و هم اکنون در تهران امام جماعت می‌باشد و به تدریس و رتق و فتق امور مردم می‌پردازند. غروی تحصیلات حوزوی خود را در تهران در مدرسهٔ حاج ملا محمد جعفر که به مدرسهٔ آقای مجتهدی معروف است در سال ۱۳۴۱ آغاز کرد او پس از طی دروس مقدمات، دروس سطح را آغاز کرد و تا اواخر رسائل و مکاسب را در تهران خواند و سپس در سال ۱۳۴۸ به قم عزیمت نمود در قم نیز دروس سطح عالی را پشت سر گذاشت، و به درس خارج استادان برجستهٔ حوزهٔ علمیه قم راه یافت، او سالها در درس خارج استادان بزرگ بطور فعّال شرکت می‌جست و هم اکنون خود از اساتید و محققان برجستهٔ حوزه بشمار می‌رود. غروی در دوران تحصیل خود به محضر عالمان و فرهیختگان بسیاری راه یافت، او در تهران دروس مقدماتی از قبیل صرف و نحو و منطق و معانی بیان و بدیع را از اساتیدی چون حضرات حجج اسلام و المسلمین و آیات: حاج شیخ محمدرضا ناصری (امام جمعه فعلی شهرکرد)، حاج شیخ محسن حبیبی، و حاج آقا موسوی تهرانی و حاج آقای طبرستانی، و اخوان حاج سید حسن مصطفوی وحاج سید حسین مصطفوی آموخت، و معالم و شرح لمعه را خدمت حضرات آیات: حاج میرزا علی سعیدیان و حاج شیخ ابوالقاسم تنکابنی و حاج سید هاشم حسینی تهرانی، و دروس رسائل و مکاسب را عمدتا خدمت حضرات آیات: حاج شیخ حسین کنی و حاج آقا مرتضی تهرانی، و حاج آقا تقی قمی، فرا گرفت، با ورود به حوزهٔ علمیه قم در سال ۴۸ باقیمانده رسائل را نزد مرحوم آیت الله حرم پناهی(ره)، و خیارات مکاسب را نزد آیت الله العظمی فاضل لنکرانی آموخت، و پس از آن در درس کفایه آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و آیت الله سلطانی و آیت الله سبحانی شرکت کرد.

با اتمام دوره سطح به درس خارج فقه و اصول آیات عظام حاج سیدمحمدرضا گلپایگانی(ره)، حاج شیخ مرتضی تهرانی، حاج شیخ کاظم تبریزی، حاج شیخ محمد شاه آبادی و حاج سید محمد روحانی، و حاج شیخ حسین وحید خراسانی، و حاج شیخ جواد تبریزی رفت و سالها (حدود سی سال) از محضر آنان بهره‌مند گردید.او در بخش علوم عقلی، شرح منظومه را نزد حضرات آیات: انصاری شیرازی و محمدی گیلانی، شرح اشارات را نزد آیت الله حسن زاده آملی و نهایهٔ الحکمه و فلسفتنا و نقد فلسفهٔ غرب را نزد آیت الله مصباح و شرح تجرید را نزد آیت‌الله حاج سید حسین قاضی طباطبایی و اسفار را نزد حضرات آیات: جوادی آملی و شاه آبادی آموخت. ضمناً دو دوره عرفان (تمهید و شرح الفصوص) و تفسیر را از آیت الله جوادی آملی آموخت،و چند سالی نیز از تفسیر موضوعی و درس اخلاق آیت الله مصباح استفاده نمود. ایشان در خلال چند سالی که در تهران بود (۱۳۴۸ ـ ۱۳۴۱) ضمن استفاده از اساتید مختلف مقدمات و سطوح، به تدریس صرف و نحو و منطق در سطوح مختلف مشغول بود و پس از هجرت به قم در کنار استفاده از دروس اساتید برجسته همواره به تدریس سطح و سطح عالی اصول ، فقه، فلسفه و تفسیر اشتغال داشته است و هم اکنون نیز دارای تدریس خارج فقه می‌باشد، ضمن آنکه چندین سال در مؤسسه امام خمینی(ره) و مرکز تخصصی کلام و تفسیر تدریس می‌نمود، و هم اکنون در مؤسسه امام خمینی(ره) دارای تدریس است.

ایشان در سال ۵۴ ضمن ادامه درس و تدریس در حوزه در اوّلین دوره آموزشی مؤسسه در راه حق شرکت جست و برخی از دروس تفسیر و فلسفهٔ و دیگر دروسی که در حوزه ارائه نمی‌شد، در آنجا گذراند، و پس از پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در سالهای ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ مدتهای زیادی را در شمال و خرمشهر و آبادان و بوشهر به تبلیغ و تدریس معارف در مراکز علمی و نظامی سپری کرد و در خرمشهر و آبادان و بوشهر به عنوان نمایندگی ولی فقیه فعالیّت می‌نمود و پس از آن نیز دو بار دیگر به مناطق جنگی غرب کشور و جنوب کشور برای تبلیغ عزیمت نمود و از آن زمان تا کنون در قم بطور متمرکز مشغول تحقیق و تدریس می‌باشد. در سال ۱۳۶۱ که به امر حضرت امام خمینی(ره) مبنی بر لزوم بازنگری در علوم انسانی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه تأسیس شد (که امروزه با ارتقائی که یافته تبدیل به پژوهشگاه حوزه و دانشگاه گردیده است) و در کنار همه کارهای علمی حوزوی با گروه روانشناسی آن مرکز همکاری داشته و دارد که حاصل آن جزواتی است که در آن زمینه تهیه شده و همچنین تدوین دو جلد کتاب مکتبهای روانشناسی و نقد آن که تمامی نقدهای آن که بیشترین قسمت کتاب را تشکیل می‌دهد از ایشان است و ارائه مشاوره و نظارت جدی علمی بر حدود ده (۱۰) اثر ارزشمند در زمینهٔ روانشناسی، جامعه‌شناسی، تفسیر و... از قبیل دو جلد روانشناسی سلامت انسان از دیدگاه اسلام، روانشناسی اجتماعی، روانشناسی رشد (دو جلد) مکاتب تفسیری و کتاب نابرابری و ستم جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم، روانشناسی تبلیغ تبلیغ، روانشناسی باورهای دینی، خانواده از دیدگاه اسلام با رویکردی روانشناختی و... همچنین نامبرده در مجموعه محققان مؤسسه اسراء در گروه تفسیر جایگاه خاصی دارد و عضو عالی آن مجموعه تلقی می‌شود و تا کنون بازنگری محتوایی حدود بیست (۲۰) جلد اثر تفسیری حضرت آیت الله جوادی (اعم از تفسیر تربیتی تسنیم و دو جلد توحید در قرآن و یک جلد وحی و نبوت و یک جلد تفسیر انسان به انسان) را عهده دار بوده است و نظرات ایشان مورد توجه حضرات استاد قرار گرفته و هم اکنون نیز ادامه دارد. لازم به ذکر است ایشان پس از بازگشایی دانشگاهها از سال ۶۰ تا ۷۹ یک روز در هفته وقت خود را به تدریس در دانشگاههای تهران، شهید بهشتی و... اختصاص داد و در آن مراکز علمی دروس

تخصصی اسلامی از قبیل فقه، اصول، فلسفه، کلام و دیگر معارف اسلامی و انسانی را ارائه می‌نمود. در خلال سالهای اخیر اضافه به تدریس و تحقیق و تألیف و نظارت و مشاوره دادن به کارهای علمی، استاد راهنما یا مشاور و یا داور دهها رساله کارشناسی ارشد و سطح ۳ و ۴ بود، ضمن آنکه مقالاتی در مجله نور علم، حوزه و دانشگاه و معرفت و یا مصاحبه‌های علمی در مجلات حوزوی ارائه نموده است، و اکنون نیز در خلال کارهای علمی و تدریس مدیریت گروه روانشناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مؤسسه امام خمینی(ره) را بعهده دارد. از مسؤولیتهای ایشان عضویت در دو دوره شورای عالی سیاستگزاری حوزه علمیه و عضویت در جامعه مدرسین، عضویت در شورای مدارک علمی حوزه علمیه، و عضو هیأت علمی در گروه تفسیر پژوهشگاه اندیشه و فرهنگ می‌باشد.

غروی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدباقر غروی که سالها در نجف اشرف اقامت و در خدمت مراجع بزرگ و مدرسین عالیمقام و آیات عظام آنجا تلمذ نموده و بعد به امر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقای حاج سید محسن حکیم قدس اللَّه سره به قصر آمده و تاکنون به اقامه جماعت و خدمات دینی در قصر شیرین اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

غروی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدحسن غروی از علماء محترم و ائمه جماعت معاصر لاهیجانست.

وی در آن سامان متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات و ادبیات به قم مهاجرت نموده و متون فقه و اصول را از مدرسین حوزه فراگرفته و به درس خارج آیات عظام چون مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و دیگران شرکت و از خرمن علوم آنان فقها و اصولا ـ خوشه‌ها و توشه‌ها برداشته و پس از آن به لاهیجان مراجعت و تاکنون به اقامه جماعت و خدمات دینی و ترویج و تبلیغ اشتغال دارند.

برادر ارجمندشان مرحوم حجهٔ‌الاسلام حاج شیخ کاظم عترتی کوشالی نیز از علماء و ائمه جماعت لاهیجان بودند و در حدود ۱۳۹۲ قمری به رحمت حق پیوستند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

غروی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین بن العلامهٔ الورع آیت‌اللَّه آخوند ملا محمدعلی رفسنجانی از علماء معاصر رفسنجان برادر بزرگوار مرحوم آیت‌اللَّه نجفی سابق‌الذکر است وی در حدود سال ۱۳۰۸ قمری در رفسنجان متولد شده و در مهد علم و فضیلت پرورش یافته و مقدمات و ادبیات را از والدش فراگرفته و مدتی به اصفهان و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام فیروزآبادی و آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و دیگران بهره‌مند گشته آنگاه مراجعت به وطن نموده و به وظائف دینی و روحی پرداخته و تا هم‌اکنون به اقامه جماعت و ارشاد مردم و تبلیغ احکام اشتغال دارد و در علم و تقوی نمونه بارز برادر بزرگوارش می‌باشد.

محمدحسین غروی برادر مرحوم مبرور آیت‌اللَّه نجفی از علماء اعلام معاصر رفسنجانست

وی در سال ۱۳۰۸ قمری در رفسنجان متولد شده و تا سن ۱۷ سالگی ادبیات و فقه و اصول را از محضر والد ماجدشان که از نوابغ زمان خود بودند و در اکثر علوم تبحری کامل داشتند فراگرفته و سپس عزیمت به اصفهان نموده و در آنجا از محضر اساتید و فحول علمی چون مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمدباقر درچه‌ای و آخوند گزی و آیت‌اللَّه ارباب به تکمیل فقه و اصول و حکمت و هیئت پرداخته و در معیت و مصاحبت مرحوم برادرش به نجف اشرف مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه نائینی و آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه حاج سید محمد فیروزآبادی و دیگران استفاده نموده تا به مدارج عالیه اجتهاد رسیده و با دریافت اجازات اجتهاد در سال ۱۳۴۶ قمری به ایران مراجعت و پس از فوت مرحوم والدشان آیت‌اللَّه آخوند ملا محمدعلی طاب ثراه در رفسنجان توقف نموده و تا حد قدرت و استطاعت مشغول ترویج احکام و تعظیم شعائر مذهبی و پرورش و تربیت طلاب علوم دینی و تأسیس مدرسه علمی به همراهی مرحوم اخوی خود آیت‌اللَّه نجفی گردیده و در ماه رمضان به موعظه و ارشاد مردم پرداخته و تاکنون بحمداللَّه به اقامه جماعت و انجام وظیفه اشتغال دارند.

آثار علمی ایشان از اینقرار است

۱- تقریرات درس مرحوم آیت‌الله نائینی
۲- حکومت عقل در پیرامون خلافت بلافصلی امیرالمؤمنین (ع).
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

غروی، یدالله

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای حاج میرزا یدالله غروی تبریزی از فضلاء مبرز حوزه و اتقیاء اصحاب و تلامذه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی است، وی از تبریز مهاجرت به قم نموده و پس از تکمیل سطوح از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی استفاده نموده است.

از آثار اوست تعلیقات بر من لایحضره الفقیه شیخ بزرگوار صدوق ره که از ثلث مرحوم حاجی اصفهانی به طبع رسیده است.

(س چهاردهم ق)، فقیه و مدرس. وی از فضلای بزرگ و شاگردان آیت‌الله مرعشی نجفی بود. از تبریز به قم مهاجرت کرد و پس از تکمیل سطوح، از محضر آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله مرعشی نجفی استفاده نمود. از آثارش تعلیقاتی بر «من لا یحضره الفقیه» شیخ صدوق است.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۳۲۰ / ۲).

غرویان، محسن

قرن:۱۵
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن غرویان
محل تولد : نیشابور
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱
زندگینامه علمی

محسن غرویان در سال ۱۳۳۸ در نیشابور بـدنیا آمد و پس از اخذ مدرک دیپلم فنی راه و ساختمان در سال ۱۳۵۷ راهی حوزه علمیه قم شـد و در سال ۱۳۵۸ رسـما شـروع به تحصـیل علوم حوزوی نمود. وی دروس مقـدمات و سـطح را به پایان رسانیـد و در دروس خارج فقه و اصول از محضر آیات عظام وحید خراسانی- فاضل لنکرانی – شیخ جواد تبریزی – مکارم شیرازی و جوادی آملی بهره برد تـا اینکه برای کاندیـداتوری در مجلس خبرگان رهبری در دوره سوم در امتحان اجتهاد شـرکت نموده و آن را با موفقیت پشـت سر گذاشت. ایشان در کنار دروس فقه و اصول در موسسه در راه حق و بنیاد فرهنگی باقرالعلوم(ع) و موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) دروس کلام و فلسفه و آشنایی با مکاتب غربی را پشت سر گذاشته و هم اینک عضویت در شورای سردبیری مجله علمی – تخصصی معرفت را با مدیریت آیت الله مصباح یزدی بعهده دارد.

محسن غرویان عضو هیئت علمی و استاد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) است. از ایشان تاکنون بیش از ۴۰ اثر علمی به صورت کتاب بچاپ رسیده است و مقالات کوتاه و بلند ایشان که در مطبوعات مختلف به چاپ رسیده بالغ بر ۵۰۰ مقاله است . موسسه فرهنگی – انتشاراتی «یمین» به همت ایشان تاسیس شده و تاکنون قریب ۲۰ عنوان کتاب منتشر کرده است. محسن غرویان با دو زبـان انگلیسـی و عربی آشـناست و تـاکنون در همایشـها و کنگره های مختلف داخلی و خارجی مقالاتی را به زبانهای فوق ارائه نموده است. ایشـان هم اکنون به تـدریس خـارج اصول و اسـفار ملا صـدرا اشـتغال دارد و در کناراشـتغالاتش در حوزه ، در مجامع مختلف علمی – سیاسـی با ارائه کنفرانس و سـخنرانی به امر تبلیغ می پردازد. وی از سوی بعثه مقام معظم رهبری(دام عزه) به عنوان مبلغ زباندان و عضو هیئت علمی برگزیده شده است. محسن غرویان نویسـنده ای است که مسـتمرا شبهات دینی و فلسفی و اعتقادی را در نشـریات و مطبوعات مطالعه می کند و مورد نقد و بررسی قرار می دهد. مجموعه این پرسش و پاسخها تاکنون علاوه بر چاپ در مطبوعات به صورت چهار جلد کتاب نیز بچاپ رسیده است. وی سفرهای متعدد علمی به کشورهای مختلف جهان داشته است: در سال ۱۳۶۱ برای تبلیغ در مجامع علمی و دانشگاهی به کشورهای فیلیپین- مالزی و هند سفر کرده است .

در سال ۱۳۶۹ برای شرکت در سمینارهای علمی، کلامی و فلسفی به کشور کانادا مسافرت نموده است. چهار سفر بعنوان زباندان و عضو هیئت علمی بعثه مقـام معظم رهبری به حـج اعزام شـده است. علاـوه بر این با سـفر به کشورهای سوریه و عراق با برخی چهره هـای علمی و فرهنگی نشسـتها و گفتگوهـای علمی در بـاب ادیـان و ملـل و نحـل داشـته است. محسـن غرویـان یکی از داوران و صـاحبنظران در گزینش کتاب سال در حوزه دین و فلسـفه است و بعنوان عضو شورای بررسـی کتاب اسـتان قم نیز بر رونـد چاپ و نشـر کتب نظارت داشته است. وی هم اکنون عمدتا به تحقیق و تدریس و تالیف اشتغال دارد. محسن غرویان بخشی از وقت روزانه خـود را صـرف پاسـخگویی به سوالاـت و شـبهات علمی – اعتقـادی می کنـد و بـا شـماره تلفن ۲۹۳۶۰۵۴ به پرسشـهای علاقمندان

بخصوص نسل جوان پاسخ می گوید .

غریب رضا، حمیدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمیدرضا غریب رضا

محل تولد : اهواز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حمیدرضا غریب رضا بعد از گذراندن دوران تحصیلات متوسطه در شهرستان اهواز برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۷۶ به شهر مقدس قم مهاجرت کردم. تحصیلات دوره مقدمات را تا پایه ۶ در مدرسه علمیه معصومیه گذراندم و بعد از پایان تحصیلات مقدمات دوره سطح را در مدرسه آیت الله گلپایگانی و مدرسه فیضیه در خدمت اساتیدی چون حجج الاسلام حیدری ، نور مفیدی، نائینی و عبدالله النمر گذراندم.

در کنار دروس رسمی حوزه به جهت اشتغال و اهتمام به مسائل اعتقادی و مسائل جهان اسلام مطالعات و تحقیقات خود را در محور مباحث فرق به ویژه سلفی گری متمرکز نمودم. همچنین بررسی جریانهای اسلامی و سیاسی و فکری و نواندیشان مسلمان را در دستور کار قرار دادم.

تاکنون مقالاتی را در موضوعات پیش گفته در نشریات منتشر نموده ام. با تاسیس موسسه فرهنگی گفتگوی دینی به دنبال این هستیم که جایگاه اسلام ، تشیع و ایران را در دنیای معاصر به جوان ایرانی معرفی کنیم. همچنین با نخبگان معتدل جهان اسلام بر اساس گفتمان و اسلام ناب و الگوی اندیشه امام راحل(ره) و مقام معظم رهبری حفظه الله ارتباط فکری و فرهنگی برقرار نموده ایم. در طول نزدیک به دو سال فعالیت موسسه با همکاری نهادهای فرهنگی و افراد خیر تاکنون نزدیک به ۸۰ نشست را با حضور اندیشمندان خارجی و داخلی برگزار نموده ایم.

غریبی بلیانی کازرونی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر و نویسنده. وی از دانشمندان و شاعران بنام روزگار خود بود که در علوم غریبه و جفر و اعداد دست داشت. غریبی در سرودن شعر نیز توانا بود. از آثار وی: «رساله‌ی دایره»؛ «ساقی‌نامه»؛ «دیوان» غزلیات.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۱۰)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷ / ۴)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۴۴۷ / ۲).

غریبی کابلی، محمد علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط، موسیقی‌دان و شاعر، متخلص به غریبی. وی برادر میرسعید کابلی بود. غریبی خطوط رائج می‌نوشت و از علم موسیقی بهره‌مند بود و اکثر سازها مانند عود و طنبور و کمانچه و بویژه قانون را خوب می‌نواخت. او همچنین در سرودن شعر طبعی داشت و به دو زبان ترکی و فارسی شعر می‌سرود. غریبی سرانجام در سمرقند کشته شد. از آثار وی «دیوان» شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۷۸۷ / ۹)، مجالس النفائس (۲۲۷، ۵۴-۵۳).

غریبی کاشانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی ملک‌الشعرای دربار خان‌احمد پادشاه، حاکم گیلان، (۹۷۵ -۹۴۳ ق) بود و در گیلان می‌زیست. در غزل از روش لسانی پیروی می‌کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۱۸)، الذریعه (۷۸۷ / ۹)، لغت‌نامه (ذیل/ کاشی، غریبی) مجمع الخواص (۲۲۷).

غریبی، محمد رضا

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(خواجه) محمدرضا بن سلطان حسین هراتی، ملقب به «خیرخواه» و متخلص به غریبی (قر. دهم ه.) وی در زمان شاه طهماسب صفوی ظهور کرد و غالب آثارش در سال ۹۶۰ ه.ق/ ۱۵۵۳ م. یا حوالی آن تألیف شده. او پیرو مذهب اسماعیلیه بود و آثارش حاکی از این معنی است: فصل در بیان شناخت امام (در هند چاپ شده)، رساله‌ی خیرخواه، قطعات خیرخواه (که به ضمیمه‌ی منتخبی از اشعار او توسط ایوانف بطبع رسیده).

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

غزال کرمانی، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به غزال. در جوانی از موطن خود، کرمان، حرکت کرد و به سیر و سیاحت پرداخت و شهرهای بسیاری را زیر پا گذاشت و با اهل علم و فضل مصاحبت کرد. سرانجام به تهران آمد و پس از چندی به اصفهان رفت و در آن شهر اقامت گزید و از مداحان منوچهرخان معتمدالدوله شد. در «مصطبه‌ی خراب» و «فرهنگ سخنوران» نام صاحب عنوان به ترتیب شیخ حسین و میرزا محمد حسین (محمد محسن) و محل اقامت وی تهران ذکر شده است. به آورده‌ی «تاریخ تذکره‌های فارسی»، در کتاب «مدایح معتمدی» درباره‌ی وی و اشعارش توضیحاتی داده شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۲۰۱ -۱۹۱ / ۲)، حدیقه الشعراء (۱۲۶۶ -۱۲۶۵ / ۲)، ستارگان کرمان (۲۸۸ -۲۸۷)، فرهنگ سخنوران (۶۶۷)، مصطبه خراب (۱۳۴).

غزالی بلخی، امیر اسلام

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، طبیب و شاعر. از نوادگان امام محمد غزالی بوده و در علم طب و حکمت مهارت کامل داشته است. امیر اسلام در سرودن قصیده توانا بوده و در آن از انوری اقتفا می‌نموده است. وی در دوره‌ی هزار اسبیان در بلخ بوده و در زمان سلطان ابوسعید گورکانی (۸۷۳ -۸۵۴ ق) در بلخ درگذشته و در همان شهر دفن شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۳۰)، حبیب السیر (۶۲ -۶۱ / ۴)، الذریعه (۷۳ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۶۷)، لغت‌نامه (ذیل/ اسلام)، مجالس النفائس (۱۸۹، ۱۴).

غزالی طوسی، حجه‌الاسلام، زین‌الدین، ابوحامد محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۰۵ -۴۵۰ ق)، فیلسوف، حکیم، عارف و فقیه شافعی. معروف به امام غزالی. در طابران طوس به دنیا آمد و در طوس، جرجان و نیشابور تحصیل کرد. محضر امام الحرمین ابوالمعالی جوینی فقیه و متکلم بزرگ شافعی را دریافت و در بیست و هشت سالگی در بیشتر علوم زمان خود استاد مسلم بود. پس از درگذشت ابوالمعالی به خدمت خواجه نظام‌الملک طوسی رسید و بسیار مورد احترام قرار گرفت. از ۴۸۴ ق در نظامیه‌ی بغداد به تدریس پرداخت و به وعظ و تصنیف نیز اشتغال داشت. وی در سی و نه سالگی دچار تحول روحی شده از دنیا و مقامات دنیوی برید و برادرش را به جانشینی خود برگزید و به قصد سیر و سلوک و ریاضت به سفر رفت و ده سال در شهرهای شام و حجاز و جزیره به سر برد و در ۴۹۸ ق به طوس بازگشت. در ۴۹۹ ق به درخواست سلطان سنجر به نیشابور به جهت تدریس در مدرسه‌ی نظامیه رفت. در ۵۰۰ ق به طوس و خانقاه خود بازگشت و به ارشاد و تعلیم پرداخت و دیگر دعوت سلاطین و رجال را نپذیرفت و ر زهد و قناعت عمر را به پایان رسانید. غزالی در طوس درگذشت و در همان جا دفن

شد. شمار آثار وی بسیار است. اما مشهورترین آثار او عبارتند از: «نصیحه الملوک»؛ «فضاء الانام من رسائل حجه‌الاسلام»؛ «احیاء علوم‌الدین» یا «احیاءالعلوم»؛ «کیمیای سعادت»، که خلاصه و ترجمه‌ای فارسی از کتاب «احیاءالعلوم» است؛ «تهافت الفلاسفه»؛ «المنقذ من الضلال».[۱]

(ع.) (حجهٔالاسلام) محمد بن محمد بن محمد بن احمد طوسی مکنی به ابوحامد و ملقب به حجهٔالاسلام، دانشمند معروف دوره‌ی سلجوقی (و. طابران طوس ۴۵۰ ه.ق/ ۱۰۵۸ م– ف. طابران طوس ۵۰۵ ه.ق/ ۱۱۱۱ م.). وی در فقه و حکمت و کلام سرآمد عصر بود. پدرش مردی متعبد بود و بافندگی پیشه داشت و لقب «غزالی» به مناسبت پیشه‌ی اوست. هنگامی که محمد و برادرش احمد کودک بودند پدرشان درگذشت و آن دو در کنف حمایت ابوحامد احمد بن محمد رادکانی قرار گرفتند و مقدمات علوم دینی را نزد وی آموختند. غزالی پس از مدتی تحصیل در طوس و گرگان به نیشابور رفت و در خدمت امام‌الحرمین ابوالمعالی جوینی (امام‌الحرمین) فقیه به تحصیل فقه و کلام پرداخت، و در همه‌ی علوم دینی عصر خود استاد مسلم گردید و با این حال تا سال فوت امام‌الحرمین همچنان در خدمت وی باقی ماند. سپس در نیشابور به خدمت خواجه نظام‌الملک وزیر رفت و در نتیجه‌ی مناظره‌ای که در مجلس این وزیر ترتیب داده شده بود فضیلت و مقام وی بر خواجه معلوم گردید. پس از ۸ سال– یعنی در سال ۴۸۴ ه.ق/ ۱۰۹۱ م.– نظام‌الملک منصب تدریس مدرسه‌ی نظامیه را به غزالی– که در آن هنگام ۳۵ ساله بود– تفویض کرد. وی ۴ سال (یعنی تا سال ۴۸۸ ه.ق/ ۱۰۹۵ م.) بدین شغل اشتغال داشت که تحولی در روح وی پدید آمد و منصب مدرسی را به برادرش احمد واگذار کرد و در بلاد شام و حجاز به سیر و سلوک پرداخت. پس از ۱۰ سال، به سال ۴۹۸ ه.ق به طوس بازگشت و سال بعد (۴۹۹) بنا به درخواست سلطان سنجر و وزیرش– که فرزند نظام‌الملک بود– در نظامیه‌ی نیشابور به تدریس پرداخت. در سال ۵۰۰ ه.ق به طوس بازگشت و خانقاهی ترتیب داد و به ارشاد خلق مشغول گردید و دیگر مسند تدریس را قبول نکرد و از کسی نیز مالی نپذیرفت و از آن پس در انزوا بسر می‌برد. غزالی با آنکه از مخالفان فلسفه بود، در نتیجه‌ی سفرها و سیر و سلوک مقالات و گفتارش چاشنی عرفان پیدا کرده مورد تکفیر فقیهان قرار گرفت و خلقی به آزارش همت گماشتند. وی در طابران (طوس) درگذشت و همانجا مدفون شد. از او آثار متعددی باقی مانده که مهمترین آنها از این قرار است: کیمیای سعادت (فارسی)، نصیحهٔالملوک (فارسی)، احیاء علوم‌الدین (عربی)، تهافت‌الفلاسفه (در رد بر فیلسوفان، عربی)، مکاتیب، المنقذ من الضلال، جواهرالقرآن، شفاءالعلیل، منهاج‌العابدین، الجام العوام عن علم الکلام، المستصفی من علم الاصول، عقیدهٔ اهل السنهٔ. ضح.– ۱– غزالی: ضح.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۴۸ –۲۴۷ / ۷)، ایضاح المکنون (۱۱ / ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۲۶ –۹۲۰، ۲۷۷، ۲۶۹ –۲۶۸ / ۲)، تاریخ عرفانی و عارفان ایرانی (۴۲۲ –۴۰۷)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۳۰۲ –۲۷۵)، جستجو در تصوف (۱۱۰ –۸۵)، دایره‌المعارف فارسی (۱۸۰۶ –۱۸۰۵ / ۲)، ریاض العارفین (۱۳۲ –۱۳۱)، ریحانه (۲۴۳ –۲۳۷ / ۴)، سیر النبلاء (۳۴۶ –۳۲۲ / ۱۹)، شخصیت‌های نامی (۳۵۸ –۳۵۷)، شذرات الذهب (۱۳ –۱۰ / ۴)، العبر (۳۸۷ / ۲)، فرار از مدرسه، فرهنگ سخنوران (۶۶۸)، الکامل (۲۶۴ / ۸)، کشف الظنون (۱۸۶۹، ۱۵۳۴، ۱۵۳۳– ۵۱۳، ۵۰۹–)، الکنی و الالقاب (۴۹۵ –۴۹۲ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوحامد غزالی)، مبانی عرفان و احوال عارفان (۴۱۴ –۴۰۴)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۵۰۵)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۳۸ –۳۷ / ۱۹)، معجم المؤلفین (۲۶۹ –۲۶۶ / ۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۲۹ –۷۲۴ / ۵)، النجوم الزاهره (۲۰۰ –۱۹۹ / ۵)، نفحات الانس (۳۷۹ –۳۷۶)، الوافی بالوفیات (۲۷۷ –۲۷۴ / ۱)، وفیات الاعیان (۲۱۹ –۲۱۶ / ۴)، هدیه العارفین (۸۱ –۷۹ / ۲)، هفت اقلیم (۱۹۴ / ۲).

غزالی طوسی، مجدالدین، ابوالفتوح احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۲۰ / ۵۱۷ ق)، عارف، واعظ و شاعر. وی که برادر کهتر امام محمد غزالی طوسی است، در طوس دیده به جهان گشود و در اوان کودکی پدر خویش را از دست داد و در نهایت فقر درویشی زندگی را سپری کرد. احمد اگر چه فقه را فراگرفت اما به زهد و تصوف گرایش داشت. در طریقت، شیخ او ابوبکر نساج بود و از برجسته‌ترین شاگردان غزالی، باید از عین القضات همدانی، سنائی غزنوی و ابوالنجیب سهروردی نام برد. وی پس از کناره‌گیری برادرش امام محمد غزالی از تدریس در نظامیه، یک چند به جای او تدریس کرد. غزالی علاو بر این در تصوف نام‌آور بود و صاحب آثار. در وعظ و خطابه نیز استاد بود، مواعظ او در هشتاد و سه مجلس توسط صاعد بن فارس لبانی جمع‌آوری شده است. احمد غزالی به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌سروده است. در قزوین درگذشت. از آثار وی: «سوانح العشاق»؛ «احیاء الاحیاء» یا «لباب الاحیاء»، در تلخیص «احیاء العلوم» برادرش؛ «الذخیره فی علیم البصیره»؛ «بحر المحبه فی اسرار الموده»؛ تفسیر سوره‌ی یوسف؛«تازیانه‌ی سلوک» یا «رساله‌ی عینیه».[۱]

(ع.) احمد بن محمد بن محمد بن احمد طوسی، فقیه و عارف ایرانی (ف. قزوین ۵۲۰ ه.ق) وی مانند برادر بزرگش محمد غزالی (۲– غزالی) پس از فوت تحت تعهد و نگاهداشت احمد رادکانی قرار گرفت و مقدمات تحصیل علوم دینی را در نزد او آموخت. احمد از جمله‌ی فقهای شافعی بود و به وعظ علاقه داشت و مدت ۱۰ سال (از ۴۸۸ تا ۴۹۸ ه.ق) بجای برادر به تدریس در نظامیه‌ی بغداد اشتغال داشت. در طریقت پیرو ابوبکر نساج بود. ذهبیه او را از کبار سلسله‌ی خود می‌دانند. او راست: لباب‌الاحیاء که اختصار احیاء علوم‌الدین است، الذخیرهٔ فی علم البصیرهٔ– بحرالحقیقهٔ، رساله‌ی عشقیه، سوانح العشاق، مکاتیب، کتاب مجالس شیخ احمد، کتاب الحق والحقیقهٔ.

ضح.– بعضی او و برادرش را غزالی منسوب به غزال یا غزاله قریه‌ای از قرای طوس دانند (۲– غزالی).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۰۸ / ۱)، ایضاح المکنون (۴۵۵، ۹ / ۲ ،۵۶۶، ۴۴۰، ۱۹۷ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۳۵ –۹۳۲ / ۲)، تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (۴۲۵ –۴۲۳)، تاریخ گزیده (۶۶۵ –۶۶۴)، تاریخ نظم و نثر (۶۹)، تصوف اسلامی و رابطه انسان و خدا (۱۹۳ ،۱۹۰ ،۱۸۹، ۱۸۴، ۱۸۳)، دایره‌المعارف فارسی (۱۸۰۶ / ۲)، روضات الجنات (۲۸۸ –۲۸۵ / ۱)، شذرات الذهب (۶۴ ،۶۰ / ۴)، العبر (۴۱۳ –۴۱۲ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۱۵۹۰ ،۱۴۱۳، ۱۰۰۹، ۹۸۵، ۹۰۱، ۸۲۵)، الکنی و الالقاب (۴۹۵ / ۲)، لسان المیزان (۴۴۲ ،۴۴۰ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، مبانی عرفان و احوال عارفان (۴۱۸ –۴۱۵)، مجالس النفائس (۳۱۸)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۸۱ –۸۰ / ۱۹)، معجم المؤلفین (۱۴۷ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۰ –۴۲۹ / ۱)، النجوم الزاهره (۲۲۴ / ۵)، نفحات الانس (۳۸۰ –۳۷۹)، وفیات الاعیان (۹۸ –۹۷ / ۱).

غزالی مشهدی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۹۸۰ –۹۳۶ ق)، شاعر. ملقب به ملك الشعراء. وی در شهر مشهد به دنیا آمد و همان جا به تحصیل ادب پرداخت و شاعری را آغاز کرد و شهرتی به سزا پیدا نمود.در اوان جوانی به دربار شاه‌طهماسب راه یافت ولی به الحاد متهم شد و ناگزیر به هند رفت و علی قلی‌خان بن حیدر سلطان ازبك شیبانی او را به خدمت پذیرفت. غزالی منظومه‌ی «نقش بدیع» خود را که به نام شاه‌طهماسب آغاز کرده بود به نام علی قلی‌خان به پایان رسانید. وی نخستین شاعری است که در دولت گورکانی هند مرتبه ملك الشعرایی یافت. او در هند با شیخ فیض دکنی صحبت داشت. عاقبت در احمدآباد گجرات درگذشت. از دیگر آثارش: «گنج اکبری»، حاوی اشعاری در ستایش جلال‌الدین اکبر؛ «آثار الشباب»؛ «اسرار مکتوم»؛ «سنت الشعراء»، که مجموعه‌ایست از قصائد، به نظم الفبایی، با مقدمه‌ای به نثر؛ «اسرار المکنونه»؛«رشحات الحیات»؛ «مرآت الکاینات»؛ «دیوان» شعر.[۱]

مشهدی، شاعر ایرانی (ف. ۹۸۰ ه.ق). وی از مشاهیر زمان شاه طهماسب اول صفوی بود و کلیاتش شامل ۷۰۰۰۰ بیت است و مثنویات متعدد دارد از جمله: «رشحات‌الحیات»، «اسرارالمکتوم»، «نقش بدیع». غزالی به هندوستان سفر کرده و در آنجا با فیضی دکنی صحبت داشته.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۴۷۵ –۴۷۱ / ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۱۳ –۷۰۰ / ۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۱۵ –۴۱۴)، تذکره‌ی پیمانه (۳۱۵ –۳۰۵)، دایره‌المعارف فارسی (۱۸۰۶ / ۲)، الذریعه (۷۸۹ / ۹ ،۵۵ / ۲)، ریاض العارفین (۱۱۹ –۱۱۸)، ریحانه (۲۳۶–۲۳۵ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۴۱۹)، کاروان هند (۹۵۰ –۹۳۲ / ۲)، کشف الظنون (۱۹۷۴)، الکنی و الالقاب (۴۹۵ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ غزالی)، مجمع الخواص (۱۳۹ –۱۳۸)، مجمع الفصحا (۴۸ –۴۷ / ۴)، معجم المؤلفین (۴۰ / ۸)، منظومه‌های فارسی (۴۳۸ –۴۳۶)، هدیه العارفین (۸۱۲ / ۱)، هفت اقلیم (۲۱۵ –۲۱۱ / ۲).

غزالی هراتی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۲ ق)، شاعر. مشهور به جنبك. اصلا از مردم هرات بود و چندی در مشهد می‌زیست. او شاگرد حیدر کلیچه (کلوچه)پز بود. سفری نیز به عراق و هندوستان داشت. در آنجا با مولانا غزالی مشهدی دیدار داشت. غزالی در سرودن غزل توانا بوده است. «مجمع الخواص» وی را تحت عنوان غزالی جنبك آورده است.[۱]

هراتی، شاعر هروی (اواخر قر. ۲۰ ه.). وی معاصر غزالی مشهدی بود و به هندوستان سفر کرد و با غزالی مذکور در خصوص تخلص مباحثات داشته و بر او فایق آمده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۷۷۰ –۷۶۹ / ۲)، تاریخ نظم و نثر (۵۱۱)، تحفه سامی (۳۲۳ –۳۲۲)، الذریعه (۷۸۹ / ۹)، ریحانه (۲۳۷ / ۴)، کاروان هند (۹۳۹ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ غزالی)، مجمع الخواص (۱۸۲ –۱۸۱)، نتایج الافکار (۵۱۲).

غزالی، علی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ع.) علی بن محمد مکنی به ابن ابی‌قصیبه، دانشمند (ف. ۷۲۱ ه.ق). او راست: کتاب میزان الاستقامهٔ لاهل القرب والکرامهٔ (کشف‌الظنون، لغ.)

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

غزنوی کاشانی، جمال‌الدین احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۹۳ ق)، فقیه و اصولی حنفی. از علمای قرن ششم بود که در حلب درگذشت. از آثارش: «روضه اختلاف العلماء»، در اصول فقه؛ «المقدمه الغزنویه» یا «المقدمه المختصره»، در فروع فقه حنفی؛ «روضه المتکلمین فی اصول‌الدین»، در کلام؛ «مختصر روضه المتکلمین»؛ «عقائد الغزنوی»؛ کتاب «الاصول»، در فقه؛ «الحاوی القدسی»، در فروع؛ «النتف فی الفتاوی».[۱]

(ع. منسوب به غزنه: غزنی: غزنین) احمد بن محمد بن سعید، فقیه و اصولی (ف. حلب ۵۹۳ ه.ق/ ۱۱۹۷ م.). او راست: روضهٔ اختلاف الفقهاء، المقدمهٔ المختصرهٔ در فقه، روضهٔ‌المتکلمین در اصول دین.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۰۹ / ۱)، ایضاح المکنون (۵۷۱ / ۲)، کشف الظنون (۱۸۳۸، ۱۸۰۳ -۱۸۰۲، ۹۳۲)، معجم المؤلفین (۲ / ۱۵۶).

غزنوی، اشرف الدین ابومحمد، ابوعلی، ابویعلی حسن

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۵۶/۵۳۵ ق)، شاعر، متخلص به حسن. ملقب به اشرف. وی در دوره‌ی مسعود بن ابراهیم غزنوی (۵۰۸ -۴۹۲)، به شاعری اشتغال داشت و بعد از آن هم در عهد کمال‌الدوله شیرزاد (۵۰۹ -۵۰۸) و سلطان‌الدوله ارسلان (۵۱۱ -۵۰۹) از شاعران بنام دربار بود. وی در عهد خلافت المقتنی لامراللّه (۵۵۵ -۵۳۰) به بغداد رفت و از سلطان غیاث‌الدین مسعود سلجوقی نواخت و احسان دید و از آنجا به همدان سفر کرد و چندی هم در عراق و مدتی در خراسان بوده و به مدح سنجر بن ملکشاه سلجوقی (۵۵۲ -۵۱۱) و ملکشاه بن محمود سلجوقی (۵۴۸ -۵۴۷) و دیگر ارکان مملکت سلاجقه در عراق و خراسان اشتغال داشت. او از علماء و وعاظ بزرگ زمان بوده و در مجالس او قریب هفتاد هزار نفر جمع می‌شدند که چهار هزار تن مرید خاص او بودند. وی در سال ۵۵۵ ناظر جلوس سلیمانشاه در همدان بود و پس از مدح او به خراسان رفته و در قصبه‌ی «آزادوار» از ولایت جوین وفات یافت. از آثار او: «دیوان» است که مشتمل بر قصاید، غزلیات، ترجیعات، قطعات و رباعیات است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۵۴۴ -۵۳۵ /۲)، ارمغان (س ۱۵، ص ۹۰ -۸۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۹۸ -۵۸۶ /۲)، تاریخ گزیده (۷۲۸ -۷۲۷)، تذکره الشعراء (۱۱۹ -۱۱۶)، دیوان سید حسن غزنوی (مقدمه/ صط)، دایرهٔ‌المعارف فارسی (۸۵۰/۱)، الذریعه (۷۸۹/۹)، راحه الصدور (۱۸۷)، ریاض العارفین (۱۸۶ -۱۸۵)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۸۳ -۱۸۲)، لباب الالباب (۲۷۶ -۲۷۰ /۲)، لغت نامه (ذیل/ حسن غزنوی)، مجالس النفائس (۳۳۰)، مجمع الفصحا (۵۲۵/۱)، هفت اقلیم (۳۲۴ -۳۱۸ /۱).

غزنوی، اشرف الدین، حسن

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۰۵/۵۳۵ ق)، شاعر و عارف. از بزرگان اهل سلوک می‌باشد که با حکیم سنایی معاصر بود. در زهد و پرهیزکاری و حسن اخلاق یگانه آفاق و در مقامات سیر و سلوک به مقامی بلند رسید تا مشمول مراحم سلطان وقت بهرام شاه غزنوی گردید لکن عاقبت سلطان بهرام، از کثرت مریدان وی در اندیشه شد. وی بعد از مدتی به حجاز رفت و مشرف به زیارت حضرت رسالت شد و سپس از ادای وظایف زیارت بغداد به خراسان رفت و چند سال بعد در شهر جوین اسفراین درگذشت. از او «دیوان» شعری حاوی پنج هزار بوده که هنوز چاپ نشده است. نسخه‌ی خطی آن در کتابخانه‌ی مدرسه‌ی سپهسالار موجود است. دکتر صفا در «تاریخ ادبیات در ایران» آورده که برخی تذکره‌نویسان نام پدر سید حسن غزنوی متخلص به حسن (مدخل بعدی) را ناصر دانسته و در عین حال از فردی به نام حسن، فرزند ناصر (صاحب عنوان) نام برده است که از شاعران عهد عوفی بوده و هنگام سروده شدن «کارنامه‌ی بلخ» سنایی در غزنین به سر می‌برده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۵۸۷/۲)، ریاض العارفین (۱۸۶ -۱۸۵)، ریحانه (۲۴۴ -۲۴۳ /۴)، مجمع الفصحا (۵۶۱ -۵۲۵ /۱).

غزنوی، سراج الدین عمر

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سراج‌الدین عمر بن اسحاق بن احمد مکنی به ابوحفص، از بزرگان فقهای حنفی (و. ۷۰۴- ف. ۷۷۳ ه.ق). وی دانشمند و استاد در

بحث و بسیار هوشیار بود. مؤلفات بسیاری دارد که از آن جمله است: شرح‌الهدایهٔ، زبدهٔالاحکام، شرح بدیع‌الاصول، شرح‌المغنی، المعزهٔ المنیفهٔ فی ترجیح مذهب ابی‌حنیفهٔ، شرح‌الزیادات.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

غزنوی، ناصر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جمال‌الدین محمد بن ناصر حسینی غزنوی از مشاهیر شعرای دربار غزنویان در قرن ششم هجری و معاصر حکمی سنائی غزنوی بوده و به سال ۵۶۵ ه.ق وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

غزنوی، ناصرالدین تاج الشریعه، ابوعلی عالی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۸۲ / ۵۸۱ ق)، فقیه و مفسر حنفی. وی در حلب ساکن بود. از آثارش: «تقشیر التفسیر»، در دو جلد؛ «مشارع الشارع» یا «مشارع الشرائع»، در فروع فقه حنفی،این کتاب به عمر نسفی نیز منسوب است که در صورت صحت، شرحش به غزنوی مربوط است؛ «المنابع» در شرح «الشمارع»؛ شرح «مقدمه فی النحو» ابن‌بابشاد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵ / ۴)، کشف الظنون (۱۸۰۴، ۱۶۸۷، ۴۶۶)، معجم المؤلفین (۵۳ -۵۲ / ۵)،هدیه العارفین (۴۳۵ / ۱).

غزنوی، یوسف

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. وی مداح و معاصر خسرو ملک (م ۵۸۲ ق) بود و به فارسی و عربی شعر می‌سرود. گویند وی دو «دیوان» شعر به فارسی و عربی داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریه (۱۳۱۹/ ۹)، لباب‌الالباب (۱۰۱ -۹۶/ ۱)، مجمع‌الفصحا (۱۴۵۰/ ۳).

غزی سمرقندی، ابوالحسن علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۴۱ -۳۶۵ ق)، محدث و فقیه حنفی. معروف به ابن‌سختام. در بغداد و شام از پدرش و محمد بن مت اشتیخنی و ابراهیم بن عبدالله رازی بخاری و ابوسعد عبدالرحمان بن محمد ادریسی و منصور بن نصر کاغدی و محمد بن یحیی غیاثی و دیگران حدیث شنید. ابوعلی اهوازی و ابوبکر خطیب و منصور بن عبدالجبار سمعانی و فقیه نصر مقدسی و فید بن عبدالرحمان همدانی و ابوطاهر حنایی و دیگران از وی حدیث شنیدند. گویند که او دارای «ثلاثه اجزاء» در حدیث بوده است. در راه بازگشت از بغداد به سوی خراسان درگذشت. در «شذرات الذهب» او را تحت عنوان غزنی و در «تاریخ بغداد» عربی ذکر کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (۳۴۲ / ۱۱)، سیر النبلاء (۶۰۵ -۶۰۴ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۶۶ / ۳)، العبر (۲۷۹ / ۲).

غضایری رازی، ابوزید، ابویزید محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۶ ق)، شاعر. بعضی لقب شعری او را غضاری ذکر کرده‌اند. در ری به دنیا آمد. پس از تحصیل فنون شاعری در سلک شعرای آل‌بویه درآمد و به مدح بهاءالدوله دیلمی‌پرداخت. تذکره‌نویسان متأخر در شرح احوال غضایری نوشته‌اند که، از ری به عزم خدمت سلطان محمود به غزنه رفت و در خدمت او تقرب یافت، ولی این درست نمی‌نماید، زیرا اولا خود اشاره به دوری از غزنه کرده، ثانیا مسعودسعد سلمان در یکی از اشعار خود به دوری او از غزنین و ارسال قصایدش از ری اشاره می‌کند و ثالثا شیعی بوده

و به آن شـهر هرگز نرفته است. غضـایری همواره با شاعران دربار محمود مکاتبه داشت و قصـیده‌ی معروف «لامیه» خود را در مـدح سلطـان محمود به آن دربـار فرسـتاد. میـان عنصـری و غضـایری همیشه مشـاعره بوده و گویـا به تیرگی نیز انجامیـده است. غضایری «دیوان» شعری نیز داشته است.در «هفت اقلیم» وی تحت عنوان عضایری آورده شده است.[۱]

(ع. غضـائری، منسوب به غضائر، ج. غضاره، گلی که بـدان سـفال سازنـد) رازی، ابوزیـد محمـد ابن علی، از شاعران عراق و مـداح آخریـن امرای آل‌بـویه در ری و نیز مـداح محمـود غزنـوی (و. ۴۲۶ ه.ق). بعضـی او را غضـاری گفته‌انـد. وی شـیعی مـذهب بـود. غضـایری از شـهر ری قصایـدی در مـدح محمود می‌فرسـتاد و صـلات گران می‌گرفت، از جمله‌ی آنهـا قصـیده‌ی لامیه‌ی اوست که عنصـری آن را در قصـیده‌ای به همان وزن و قافیه مورد انتقاد قرار داد و غضایری هم قصـیده‌ی عنصـری را پاسخ گفت. از اشـعار او قصایـد و قطعـاتی در تـذکره‌ها و کتب ادب آمـده. ضـح- اصـح در نسبت به غضاره «غضاری» است. در ترجمان البلاغه غضاری و غضایری هر دو آمده و منوچهری هم او را به نام «غضاری» یاد کرده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشـکده‌ی آذر (۱۱۰۱ -۱۰۹۸ / ۳)، تاریـخ ادبیات در ایران (۵۷۵ -۵۷۰ / ۱)، تاریـخ نظم و نثر (۲۶)، تذکره الشعراء (۴۱ -۳۹)، دایره‌المعارف فارسی (۱۸۱۱ / ۲)، الذریعه (۷۹۰ / ۹)، ریحانه (۲۴۸ -۲۴۷ / ۴)، سخن و سخنوران (۱۲۴ -۱۲۱)، فرهنگ سخنوران (۶۷۰ -۶۶۹)، گنج سـخن (۱۴۱ -۱۴۰ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ غضائری)، مجمع الفصـحا (۹۲۱ / ۲)، مرآت الخیال (۲۳ -۲۲)، هفت اقلیم (۲۱ -۱۹ / ۳).

غضنفر برازجانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۱۳۰۸ ش)، شـاعر، متخلص به غضـنفر. ملقب به غضـنفرالسـلطنه. از خوانین دشتسـتان و شـعراء و آزادیخواهان وطن‌دوست و فداکار معاصـر است. او دارای اشعاری از غزلیات، رباعیات، قطعات، مسمطات ترکیب‌بندها و قصائد بسیار است که تاکنون به چاپ نرسـیده وی «دیوان» شـعری داشـته ملمع از اشـعار فارسـی و عربی که موقعی که کشـته می‌شود، آن «دیوان» به اضـافه مقـدار زیادی جواهر به دست قاتلش می‌افتد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۰ -۷ / ۴).

غضنفر کله جاری، شجاع‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شـاعر. وی از قریه گلجـار میـان قم و کاشـان است و لـذا به غضـنفر گلجاری نیز معروف است. اوبا وحشـی و شاعران نـامبردار کاشـان چون محشـتم و فهمی معاصـر بود و بـا ایشـان مشاعره و معارضه و مناظره داشت. مهاجاتی از او با برخی از شاعران زمـان خود باقی‌مانـده است در پایان عمر به تـدریس و تعلیم اشـتغال داشت. صاحب «هفت اقلیم» به وی سه اثر مثنوی «پیر و جوان»، «دیوان» غزل و «پیش‌آمد احوال، از همه قسم سخنی» را نسبت می‌دهد. صاحبان «لغت‌نامه» و «فرهنگ سخنوران» غضنفر گلجاری را همان غضـنفر قمی می‌داننـد ولی در «تاریخ نظم و نثر» ذیل دو نام آورده شده است. همچنین در «صـبح گلشن» تحت عنوان غضـنفر گلخاری آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۲۷۸ -۱۲۷۵ / ۳)، تاریخ نظم و نثر (۵۱۵)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۲۲۴)، الذریعه (۷۹۰ / ۹ ،۲۰۰ / ۳)، صبح گلشن (۳۰۰ -۲۹۹)، فرهنگ سخنوران (۶۷۰)،لغت‌نامه (ذیل/ غضنفر)، مجمع الخواص (۲۰۷ -۲۰۶)، هفت اقلیم (۵۱۷ - ۵۱۶ / ۲).

غضنفری، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۵- ز ۱۳۹۱ ق)، عالم دینی و فقیه. در خوانسار به دنیا آمـد و پس از پرورش در مهد علم و فراگیری مقدمات، برای تحصـیل و تهـذیب اخلاق و تکیمل مبانی علمی در ۱۳۵۲ ق به قم رفت و سـطوح وسـطی و عالی را در خدمت ادیب تهرانی و آیت‌الله ترابی و آیت‌الله مرعشـی نجفی خواند و پس از تکمیل آناز محضـر آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله صدر اسـتفاده نمود. در ۱۳۶۲ ق به مکه و عتبات رفت. پس از مراجعت چند ماهی از سال در خوانسار و بیشتر آن را در قم مقیم بود. در ۱۳۹۱ ق پس از درگذشت پدرش بنا به تقاضـای مردم خوانسـار به جـای پـدر نشـست و حوزه‌ی علمیه خوانسار را در مـدرسه‌ی میرباقری تشـکیل داد و کتابخانه‌ای به نام مهـدویه تأسـیس کرد. از دیرگ آثـارش: تجدیـد بنـای حسینیه خوانسـار؛ تجدیـد بنـای مسجد دو راه خوانسـار؛ بنـای سـقاخانه در

خوانسار؛ تجدید مقبره‌ی ملا مبین؛ احداث دو پل در خوانسار؛ تجدید بنای دو حمام زنانه و مردانه؛ تعمیر مقبره‌ی دهکردی در زینبیه اصفهان؛ تعمیر بقعه‌ی بابا احمد خمین؛ از آثار علمی‌اش: «جواهر الکلام»؛ «توضیح الکفایه»؛ ترجمه‌ی «منظومه‌ی بی‌الف و همزه» میرزا ابوالقاسم خوانساری، شاگرد علامه‌ی مجلسی؛ خودآموز «لمعه»، در دو جلد؛ شرح؛ «صحیفه الحسینیه».[۱]

آقای حاج سید مهدی بن آیت‌اللّٰه حاج سید محمدتقی غضنفری از علماء معاصر خوانسار است که در سال ۱۳۳۵ قمری در خوانسار متولد شده و پس از پرورش در مهد علم و خواندن مقدمات برای تحصیل و تهذیب اخلاق و تکمیل مبانی علمی در سال ۱۳۵۲ قمری به قم آمده و سطوح وسطی و عالی را در خدمت مرحوم ادیب تهرانی و آیت‌اللّٰه ترابی رحمه‌اللّٰه و آیت‌اللّٰه العظمی مرعشی نجفی مدظله خوانده و پس از تکمیل آن از محضر مرحومین آیت‌اللّٰه خوانساری و آیت‌اللّٰه صدر استفاده نموده و در سال ۱۳۶۲ قمری مشرف به مکه معظمه و عتبات عالیات شده و پس از مراجعت چند ماهی از سال را در خوانسار و بیشتر را در قم اقامت نموده تا در ۲۸ محرم‌الحرام ۱۳۹۱ قمری که والدش آیت‌اللّٰه حاج سید محمدتقی غضنفری فوت نمودند برحسب تقاضای مردم خوانسار بجای آن مرحوم قرار گرفته و حوزه علمیه خوانسار را در مدرسه میرباقری تشکیل و کتابخانه‌ای بنام کتابخانه «مهدویه» تأسیس و برای طلاب آنجا شهریه قرار و به اقامه جماعت و تبلیغات دینی و تدریس و تربیت محصلین خوانسار اشتغال دارند.

در فوت مرحوم والدش انقلاب عجیبی در خوانسار برپا شد که در سالهای اخیر بی‌نظیر بوده است تشییع جنازه‌اش بسیار مهم و بی‌سابقه بوده و حدود ۶۵ مجلس ختم در خوانسار و قم و خمین و گلپایگان و سایر نقاط چون اصفهان و تهران و غیره گرفته شد.

آثار آن مرحوم از اینقرار است:

۱- تجدید بناء حسینیه خوانسار

۲- تجدید بناء مسجد دو راه خوانسار

۳- بناء سقاخانه در خوانسار

۴- ضریح امامزاده (یکی از قراء بر برود)

۵- تجدید مقبره ملامبین (یکی از اجداد مادری مترجم ما)

۶ و ۷- احداث دو پل در خوانسار

۸- تجدید بناء دو حمام مردانه و زنانه در محله دو راه خوانسار

۹- بناء مقبره برای والدشان آیت‌اللّٰه حاج سید هاشم

۱۰- تعمیر مقبره دهکردی در زینبیه اصفهان

۱۱- تعمیر مسجدی در محله سبزی کار خمین

۱۲- تعمیر بقعه بابا احمد خمین

۱۳- توسعه مسجدی در گوشه آقا عظیم خمین.

تألیفات مترجم ما به قرار زیر است ۱- جواهرالکلام ۲- توضیح‌الکفایه ۳- ترجمه منظومه بی‌الف و همزه مرحوم میرزا ابوالقاسم خوانساری شاگرد مرحوم مجلسی ۴- خودآموز لمعه در دو جلد ۵- شرح صحیفةالحسینیه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۶۰ -۵۸ / ۵).

غفاری ساروی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین غفاری ساروی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین ساروی فرزند حسین در سال ۱۳۳۳ در ساری متولد شدم. درسال ۱۳۴۸به دلیل علاقه فراوانی که دروس حوزوی داشتم وارد حوزه علمیه شدم و در آنجا به تحصیل و تحقیق پرداختم ولی کار تحقیقات را به طور جد از سال ۱۳۶۶ آغاز و تاکنون ادامه دارد. هم اکنون نیز در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی مشغول می باشم و در رشته تفسیر قرآن همچنان مشغول فعالیت هستم.

غفاری فر، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن غفاری فر

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسن غفاری فر در سال ۱۳۶۱ دیپلم را اخذ و در سال ۶۱-۶۲ وارد مدارس علوم مقدس دینی شدم . ابتدا مدت کوتاهی را در تهران ، سپس در بابل و نهایتا در سال ۶۷-۶۸ برای ادامه تحصیل وارد شهر مقدس قم شدم ، تقریبا در همان سال تحصیلی ، دروس سطح را به اتمام رساندم ، البته به جهت شهرستانی بودن و عدم ساماندهی فراگیر حوزه های شهرستانها در آن ایام ، امتحانات حوزوی در سالهای بعد به اتمام رسید . از سال تحصیلی ۶۷-۶۸ تا کنون در دروس خارج حوزه شرکت می کنم ، قابل ذکر است تقریبا از سال ۷۸ به بعد تک درس خارج فقه یا اصول را شرکت می کنم . از سال تحصیلی ۷۱-۷۲ وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) شدم. ابتدا دوره پنج ساله عمومی را (طبق طرح قدیم) در سال ۷۵-۷۶ به اتمام رساندم ، سپس از سال ۷۶-۷۷ وارد ارشد جامعه شناسی و طبق طرح قدیم (با سپری نمودن ۸۰ واحد پیش نیاز و بیش از ۳۰ واحد اصلی و دفاع از پایان نامه) در سال تحصیل ۸۰-۸۱ به اتمام رساندم .

قریب به پنج سال در موسوعه فقه اهل بیت(ع) به مدیریت آیت الله شاهرودی در فاصله سالهای ۷۵ -۸۰ همکاری پژوهشی داشتم و قریب به ۶ ماه عضو گروه کارورزی پژوهشی تاریخ معاصر به مدیریت دکتر موسی نجفی در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) اشتغال داشتم .

به صورت متفرقه با قسمت تحقیقات و پژوهش معارف صدا و سیمای جمهوری اسلامی مستقر در قم ، همکاریهای نظارتی بر کتابها می نمایم که تا کنون نیز ادامه دارد، به عنوان ناظر و یا داور رساله های علمی موسسه های علمی زیر مجموعه حوزه علمیه قم همکاری دارم ، قریب به ۶ ماه عضو گروه پژوهش حوزه جامعه شناسی در موسسه انتظار نور وابسته به دفتر تبلیغات بودم.

بیش از ۱۰ عنوان در حوزه های تاریخ اسلام ، تاریخ ایران ، تاریخ تشیع ، مهدویت ، جامعه شناسی ، عقاید ، سیاسی (به ویژه بحث ولایت فقیه) و در مراکز حوزوی ، دانشگاهی و نهادهای انقلابی و گاهی دانش آموزی تدریس نموده ام.

غفاری قزوینی، احمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۵ ق)، شاعر. وی مرد فاضل و نیکوقریحه‌ای بوده و از تاریخ نیز سررشته داشته است. در پایان عمر به زیارت خانه‌ی خدا رفت و در راه بازگشت به سرای باقی شتافت. از آثارش: تاریخ «نگارستان»؛ «تاریخ جهان‌آرا».[۱]

(منسوب به عبدالغفار) (قاضی) احمد بن محمد قزوینی، دانشمند و مورخ (ف. ۹۷۵ ه.ق) وی از اعقاب عبدالغفار قزوینی عالم معروف مؤلف کتاب الحاوی الصغیر بود و پدرش قاضی محمد در شهر ری سمت قضا داشته. احمد مردی فاضل و منشی و شاعر و خوش خط و مورخ بود و در نزد امرا و شاهزادگان صفوی محترم می‌زیست و مدتی در دستگاه سام میرزا مقیم بود و در آخر به عزم حج عازم مکه شد ولی در مراجعت در بندر دیبال سند درگذشت. وی مؤلف دو تاریخ است: تاریخ نگارستان، جهان آرا.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۱۱۵۰ / ۳)، الذریعه (۳۰۹ -۳۰۸ / ۲۴، ۵۹ / ۹، ۲۴۶ / ۳)، عالم‌آرای عباسی (۹۹، ۸۲ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۶۷۰)، هفت اقلیم (۱۷۸ / ۳).

غفاری، ابوالحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالحسن غفاری

محل تولد : کندوان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابوالحسن غفاری درسال۱۳۶۴شمسی در شهرستان سراب موفق به اخذ دیپلم در رشته علوم انسانی شدم وپس ازآن در

حوزه علمیه حاج صفرعلی تبریز مشغول تحصیل شده وهمزمان باآن به تحصیل رشته های دانشگاهی پرداخته ومدرک فوق دینی وعربی را اخذکردم دوسال بعد به حوزه علمیه المهدی سراب رفته وبه ادامه تحصیل پرداخته ودرس فقه را نزدمرحوم حاج آقا رسولی وحاج آقا کمالی امام جمعه محترم سراب خوانده وهمچنین بخشی از فلسفه وشرح منظومه رانزدآقا کمالی خواندم درحین تحصیل دروس ادبیات ومنطق را تدریس نمودم درسال۷۱و۷۲به قم مهاجرت و در درس رسائل آیت اله محمد کوه کمره ای ومکاسب مرحوم آیت اله پایانی شرکت کردم، پس از مکاسب کفایه رادرنزد مرحوم پایانی خوانده وهمزمان باآن دردرس تفسیر حضرت آیت اله جوادی املی ودروس فلسفه دکتر بهشتی وعرفان آقای نکونام شرکت نمودم پس از پایان سطح به درس خارج فقه حضرت آیت اله جوادی املی واصول آیت اله ملکوتی حاضرشده وهم اینک نیز در محضر آنان ودرس فلسفه حضرت آیت اله انصاری شیرازی شرکت دارم از سال ۱۳۷۲وهمزمان باتحصیلات حوزه درکنکورشرکت کرده ودر رشته فلسفه دانشگاه تهران پذیرفته شدم درسال ۱۳۷۶موفق به اخذ مدرک لیسانس شده ودرسال۱۳۷۷پس از موفقیت در امتحان ورودی دررشته فلسفه همان دانشگاه در دوره کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل شده ودرسال۱۳۸۰موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد از دانشگاه تهران شدم ، درسال۱۳۸۴دررشته فلسفه دانشگاه تربیت مدرس تهران شرکت کرده ودردوره دکتری پذیرفته شدم وهم اینک مشغول تحصیل در دوره دکتری درآن دانشگاه هستم. ازسال۱۳۷۷دردانشگاه آزاداسلامی مشغول تدریس دروس فقه، فلسفه، ومعارف شدم واز سال۱۳۸۲درمرکز جهانی علوم اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد دروس فلسفه وکلام ومتون مثل نهایه الحکمه وشرح تجرید وفلسفه غرب را تدریس می نمایم .

غفاری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ حسین غفاری آذر شهری یکی از فضلاء آذربایجان معاصر در تهران بوده است تولد ایشان در حدود ۱۳۳۸ قمری در آذرشهر واقع شده و پس از پرورش و خواندن دروس ابتدائی به تبریز آمده و مقدمات و سطوح اولیه را در مدرسه طالبیه که مرکز انجمن علمی تبریز است آموخته سپس راهی قم شده و سطوح نهائی را از مدرسین بزرگ حوزه‌ی علمیه چون آیت‌اللّٰه العظمی نجفی مرعشی و دیگران فراگرفته و دروس خارج فقه را از محضر آیات عظام مرحوم آقای حجت و آیت‌اللّٰه آقای شریعتمداری و بالاخص نایب‌الامام آقای خمینی مدظله استفاده و پس از فوت مرحوم آقای بروجردی بنا بر دعوت عده‌ای از علاقمندان و دوستان مقیم تهران هجرت به عاصمه تشیع نموده و در یکی از مساجد خیابان تهران به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ارشاد مردم پرداخته و عده‌ای از جوانان را به سوی حق رهبری نموده است.

مرحوم غفاری که نویسنده از نزدیک ایشان را می‌شناختم مردی جدی و فاضل و قاطع و مبارز بود و در امر به معروف و نهی از منکر و جهاد در راه خدا و مبارزه بر علیه امپریالیسم و رژیم منفور طاغوتی سعی بلیغ داشت و از ملامت هیچ ملامت کننده‌ای ترس و وحشت نداشت و ماه یک مرتبه که به قم مشرف می‌شد و حقیر با او ملاقات می‌کردم دلی پر خون از اوضاع داشت و غالباً با مراجع و زعماء حوزه از جنایات هیئت حاکمه و مظالم دستگاه جباره شکایت کرده و از نقشه‌های شوم آنها که ضد خدا و خلق بود هشداری می‌داد..

بالاخص پس از نهضت روحانیت به رهبری زعیم اعظم نایب‌الامام آقای خمینی مدظله بر علیه انجمن ایالتی و ولایتی که منجر به گرفتاری و تبعید امام شد آن مرحوم بیشتر به مبارزه پرداخت و در مجالس و محافل تهران و مسجدش انتقاد از اعمال ضد انسانی و دینی دولت و رژیم شاهنشاهی نموده و چندین بار مورد حمله عوامل ساواک قرار گرفته و به شهربانی و زندان افتاده است.

مرحوم غفاری هیچگاه در مراحل گرفتاریش تسلیم مأمورین نشده و از سخن خود دست برنداشته و بدون تقیه حقایق را افشاء و از جنایات شاه و دژخیمانش پرده برداشته و در آن ایامی که دولت با قراردادهائی با صهیونیست و دیگر اربابانش گوشتهای یخ زده (کودی) را تحمیل بر مردم مستضعف ایرانی نموده و عموم مراجع قم و تهران آن را تحریم و از خرید و فروش آن منع کردند. مرحوم غفاری بر علیه این عمل ضد ایرانی دولت قیام و در همه مجالسش از حرمت آن سخن گفته و مردم را از خرید و خوردن آن بازداشته تا جائی که تبلیغاتش در محیط تهران نو و نارمک و آن منطقه اثر چشمگیری گذاشته و دولت دید با آزاد گذاردن رزمندگانی مانند مرحوم غفاری غفره‌اللّٰه نمی‌تواند خواسته‌های اربابانش را انجام دهد و همه روز این گونه مردان آگاه و مبارز مو دماغ آنها هستند پس به منزل آن مرحوم مانند وحشیان مغولی حمله کرده و آن رادمرد فاضل و مجاهد را گرفته و با فرزندانش به کمیته شهربانی که از زندان قرون وسطائی و وحشی‌های مغولی و افریقائی بدتر بود انداخته و هر چه می‌خواستند او را از مبارزه بازدارند دیدند به هیچ وجهی نه تطمیع و نه تهدید از هدف مقدسش که پیکار با ستمگران است دست بردار نیست او را در زیر شکنجه شهید کردند و می‌خواستند جنازه شریف او را مخفیانه در جای نامعلومی دفن کنند که بعضی از مراجع اقدام و آن را از هیئت حاکمه و مأمورین ساواک گرفته و تسلیم بازماندگان او نمودند. حادثه شهادت مرحوم غفاری در اوائل سال ۱۳۹۴ قمری اتفاق افتاد و دوستان آن مرحوم پس از تحویل جنازه آن شهید خبر به مراجع و حوزه علمیه قم داده و حوزه برای تجلیل از آن عالم فاضل مجاهد تعطیل و با شور و هیجان عجیب و شعار بر علیه دولت تشییع با شکوهی انجام داده و در دارالسلام قم به خاک سپردند. و شهرستان قم ناظر یکی از حملات ناجوانمردانه مأمورین شهربانی و ساواک قم بود که چگونه تشییع‌کنندگان جنازه آن مرحوم و شهید از طلاب و مردم دلسوخته ماتم زده را که در شهادت یکی از بهترین فرزندان ایران و علماء حوزه علمیه قم اشک می‌ریخت و از دل ناله می‌کرد و فریاد می‌زد (غفاری غفاری شهادتت مبارک) با باطوم و سرنیزه زده و به رودخانه قم می‌ریختند اما

به گفته شعر معروف: دیدی که خون ناحق پروانه شمع را آنقدر امان نداد که شب را سحر کند.
آثار آن مرحوم که چشمگیر و مورد توجه است.
تعمیر و تجدید بناء مسجد مرحوم شهید آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ فضل‌اللّه نوری در نزدیکی گلوبندک که اوقاف می‌خواست به کلی آن را ویران و مدرسه بسازد که آن مرحوم با فعالیت و کوشش بسیار آن را گرفته و تجدید بنا نمود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

غفاری، غفور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۰۶، سقز.

درگذشت: ۲۹ مهر ۱۳۶۹، مهاباد.

ملا غفور مشهور به حافظ مهابادی اهل شعر و شاعری بود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

غفاری، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر غلامرضا غفاری دانشیار گروه برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی و معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی و تعاون از دانشگاه علامه طباطبایی (۱۳۶۸)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران (۱۳۷۱) و دکتری را نیز در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران (۱۳۸۰) اخذ نموده است. گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیوالدین و انساب : نام پدر: امراللهتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر غلامرضا غفاری مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی و تعاون از دانشگاه علامه طباطبایی (۱۳۶۸)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران (۱۳۷۱) و دکتری را نیز در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران (۱۳۸۰) اخذ نموده است. عنوان رساله وی در دوره کارشناسی ارشد «بررسی پیوند بین فعالیت های علمی و تکنولوژیکی با نیاز های اجتماعی اقتصادی » و دوره دکتری «تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر مشارکت اجتماعی– اقتصادی سازمان یافته روستاییان» است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در خصوص دیگر خدمات علمی و اجرایی دکتر غفاری می‌توان مواردی همچون «ریاست موسسه تحقیقات تعاونی دانشکده علوم اجتماعی» (۱۳۸۱)، «مسئولیت اداره خدمات آموزشی دانشکده علوم اجتماعی» ، «معاون دانشجویی و فرهنگی دانشکده علوم اجتماعی» ،«معاون دانشجویی و فرهنگی,دانشکده علوم اجتماعی در سال ۱۳۸۲»و«بازرس چهارمین دوره هیات مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران»را نام برد. فعالیتهای آموزشی : موارد تدریس غلامرضا غفاری ،«تغییرات اجتماعی»، «روش تحقیق عملی»، «روش تحقیق نظری»، «سیاست اجتماعی»، «فنون برنامه ریزی اجتماعی»، «کاربرد کامپیوتر در علوم اجتماعی» (در مقطع کارشناسی) است و «روش تحقیق در رفاه اجتماعی» و «روش ها و تکنیک های برنامه ریزی رفاه» (در مقطع کارشناسی ارشد) است. آرا و گرایشهای خاص : از زمینه‌های پژوهشی مورد علاقه وی می‌توان به موضوعات «سرمایه اجتماعی»، «توسعه اجتماعی » و « تحولات اجتماعی » اشاره نمود.وی مسئولیت طرح های تحقیقاتی مختلفی از جمله «سنجش سرمایه اجتماعی در ایران» را نیز بر عهده داشتند. چگونگی عرضه آثار : تعداد راهنمایی پایان نامه ها : الف–پایان نامه های کارشناسی:۱مورد ب– پایان نامه های کارشناسی ارشد:۱۷ مورد تعداد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی:۱۸ مورد تعداد مقالات چاپ شده در مجلات خارجی : ۱ مورد تعداد مقالات ارائه شده در همایشها:۶ موردآثار : اعتماد: نظریه جامعه شناختی ویژگی اثر : پدیدآورنده: پیوتر زتومکا، غلامرضا غفاری (مترجم) ناشر: شیرازه – ۱۱ اسفند، ۱۳۸۶ ۲ توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران ویژگی اثر : پدیدآورنده: مصطفی ازکیا، غلامرضا غفاری ناشر: نشر نی – ۲۶ خرداد، ۱۳۸۶ ۳ جامعه شناسی تغییرات اجتماعی ویژگی اثر : پدیدآورنده: عادل ابراهیمی لویه، غلامرضا غفاری ناشر: آگرا – ۲۳ آبان، ۱۳۸۴ ۴ جامعه شناسی توسعه ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامرضا غفاری، مصطفی ازکیا (مترجم) ناشر: کلمه – ۱۳۸۱ ۵ جامعه شناسی توسعه ویژگی اثر : پدیدآورنده: مصطفی ازکیا، غلامرضا غفاری ناشر: کیهان – ۰۷ مهر، ۱۳۸۷ ۶ جامعه شناسی مشارکت ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامرضا غفاری، محسن نیازی ناشر: نزدیک – ۲۲ خرداد، ۱۳۸۶ ۷ جامعه شناسی نسلی در ایران ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامرضا غفاری، تقی آزادارمکی (مترجم) ناشر: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی – ۱۳۸۳ ۸ جامعه شناسی نسلی در ایران ویژگی اثر : پدیدآورنده: تقی آزادارمکی، غلامرضا غفاری ناشر: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی – ۱۹ شهریور، ۱۳۸۶ ۹ سرمایه اجتماعی ویژگی اثر : پدیدآورنده: جان فیلد، غلامرضا غفاری (مترجم)، حسین رمضانی (مترجم) ناشر: کویر – ۳۰ آبان، ۱۳۸۶

غفاری، مسعود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسعود غفاری در سال ۱۳۳۳، در تهران به دنیا آمد. او پس از اخذ لیسانس علوم سیاسی از دانشگاه شهید بهشتی، به انگلستان عزیمت کرد و مقطع کارشناسی ارشد را در سال ۱۳۷۱ در دانشگاه لیدز انگلستان و درجه دکتری علوم سیاسی را در سال ۱۳۷۶ از دانشگاه برادرفورد انگلستان اخذ نمود. دکتر غفاری پس از اتمام تحصیلات خود، از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۳ به عنوان استادیار دانشگاه تربیت مدرس به امرتدریس اشتغال ورزید. او علاوه بر حضور در مجامع مختلف علمی و تحقیقاتی، همکاری نزدیکی با مجلات و نشریات تخصصی داشته است.گروه : علوم انسانیرشته : علوم سیاسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : مسعود غفاری پس از اتمام تحصیلات متوسطه وارد دانشگاه شهید بهشتی شد و دوره لیسانس علوم سیاسی را در سال ۱۳۶۵ در این دانشگاه به اتمام رساند. پس از آن تحصیلات تکمیلی را در سال ۱۳۷۱ در دانشگاه لیدز انگلستان و درجه دکتری را در سال ۱۳۷۶ از دانشگاه برادرفورد انگلستان اخذ نمود.هم دوره ای ها و همکاران : از همکاران مسعود غفاری به افرادی چون: دکتر رضا رئیس طوسی عضوگروه روابط بین‌الملل دانشگاه تهران ، دکتر حاتم قادری عضو گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیتمدرس، دکتر عباس منوچهری عضو گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیتمدرس و... می توان اشاره کرد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مسعود غفاری علاوه بر تدریس در دانشگاه، سمت هایی چون: ریاست دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیتمدرس را در سال۱۳۸۳ ، عضویت در شورای تخصصی گروه علومسیاسی دانشگاه تربیتمدرس از سال ۱۳۷۷ تا کنون، عضویت در کمیته برنامهریزی علومسیاسی، دفتر گسترش آموزش عالی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مدیر گروه علوم سیاسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیتمدرس ۸۲-۱۳۷۸و... داشته است.فعالیتهای آموزشی : مسعود غفاری پس از اتمام تحصیلات خود، از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۳ به عنوان استادیار دانشگاه تربیت مدرس به امرتدریس اشتغال ورزید. وی در این مدت دروسی چون تحولات سیاست خارجی ایران از قاجار تا ۱۳۲۰ دوره کارشناسی ارشد، مسائل سیاسی و اقتصادی نفت در کشورهای خاورمیانه دوره کارشناسی ارشد، سمینار مسائل سیاسی و اقتصادی در کشورهای جهان سوم دوره کارشناسی ارشد، تحولات سیاسی و اجتماعی ایران ۵۷-۱۳۲۴ دوره کارشناسی ارشد، سمینار انقلاب اسلامی ایران دوره کارشناسی ارشد، مسائل توسعه ایران دوره دکتری، سمینار انقلاب اسلامی و ... دوره دکتری و روابط شمال و جنوب دوره دکتری را تدریس نموده است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مسعود غفاری در مجامع مختلف علمی نظیر کمیته علمی همایش بزرگداشت پرفسور ادوارد سعید (۸۳-۱۳۸۲)، کمیته علمی بزرگداشت یکصدمین سالگرد مشروطیت، دانشگاه تهران (۸۳-۱۳۸۲) ، کمیته علمی همایش هویت ملی و جهانی شدن(۱۳۸۲) انجمن علوم سیاسی ایران و انجمن جامعهشناسی ایران عضویت داشته است. او ضمن داوری مجلات و مقالاتی چون فصلنامه علمی- پژوهشی مدرس دانشگاه تربیت مدرس ، فصلنامه علمی دانشگاه امام صادق، مجله بین‌المللی علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، جشنواره خوارزمی فعالیت زیر را نیز به انجام رسانده است: - اقتصاد سیاسی نفت در ایران پس از انقلاب، مسعود غفاری، مجله بین‌المللی علوم انسانی شماره ۳، جلد ۷، تابستان ۲۰۰۰ م. - نقش نفت در برنامهریزی ایران (۷۹-۱۹۴۵)، مسعود غفاری، مجله بین‌المللی علوم انسانی شماره ۱، جلد ۱۰، تابستان ۲۰۰۳ م - The Impact of Massmedia ICTS and Interpersonal Relationships on the Political Awareness of the Students, The Journal of Humanities, No. and ۴, Vol.۱۰, ۲۰۰۴.

نویسندگان: سردارآبادی، محسنیاراد، سینایی و غفاری فهرست مقالات ارائهشده در مجامع علمی از سوی دکتر غفاری به شرح ذیل می باشد: ۱) بررسی تأثیر نفت بر اقتصاد سیاسی ایران، مسعود غفاری، اولین کنگره سراسری نفت و توسعه پایدار، دانشگاه نفت، آبادان، ۱۳۷۷. ۲) چگونگی شکلگیری دولت- ملت در ایران ۴۱-۱۹۲۱، مسعود غفاری، همایش بررسی زمینه های تاریخی و ریشه های انقلاب اسلامی در ایران، انگلستان (لندن)، ۱۹۹۹. ۳) پارادوکس در شناخت از مسئله فلسطین، مسعود غفاری، همایش بین المللی فلسطین و نگاه ایرانی، تهران، دانشگاه تربیتمدرس، ۱۳۸۰. ۴) علل راهبردی حمله آمریکا به عراق، مسعود غفاری، مرکز تحقیقات و توسعه علومانسانی تهران، ۱۳۸۲. ۵) بررسی نسبت سازمان و آزادی در انقلاب مشروطیت، مسعود غفاری، پیش همایش بزرگداشت یکصدمین سالگرد مشروطیت، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲. ۶) دموکراسی و جهانی شدن در ایران، مسعود غفاری، همایش هویت ملی و جهانی شدن، مرکز تحقیقات و توسعه علوم انسانی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ آرا و گرایشهای خاص : تحقیقات و مطالعات مسعود غفاری عموماً با گرایش بر مطالعات اقتصاد سیاسی (ایران و بین الملل) ، اقتصاد سیاسی نفت، تحولات سیاسی و اجتماعی در ایران بوده است.

غفاری،مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: ارومیه

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فیزیک از دانشگاه ارومیه در سال ۱۳۴۴، اخذ D.E.A فیزیک از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۴۹ و دکترای فیزیک از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۵۲.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه ارومیه.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس هیدرولیک، مکانیک سیالات، فیزیک مکانیک و هیدرودینامیک در دانشگاه ارومیه.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:–

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

مسائل هیدرولیک.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی:–

زمینه علمی مقالات:

کاربرد معادله لاگرانژ در تغییر شکل صفحات دایروی و مطالعه هیدرودینامیک کمک فنر اتومبیل‌ها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

غفاری‌نژاد، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای حاج میرزا حسن بن المولی المیرزا حمید غفاری نژاد تبریزی از افاضل دانشمندان حوزه علمیه قم و خواص تلامذه و اصحاب حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله العالی است.

در سال ۱۳۴۵ قمری در شهرستان تبریز متولد شده و تحصیلات ابتدائی و متوسطه تا سال نهم دیده و به تحصیل علوم قدیمه پرداخته و مقدمات و ادبیات از مرحوم شیخ علی‌اکبر نحوی و آیت‌الله میرزا مهدی انگجی و آیت‌الله میرزا محمود دوزدوزانی و آیت‌الله میرزا ارضی مجتهد تبریزی فراگرفته و هم در جلسه درس مرحوم آیت‌الله حاج میرزا فتاح شهیدی شرکت کرده و در سال ۱۳۶۵ قمری به قم مهاجرت نموده و از محضر اساتید بزرگوار علامه شهیر فقیه جامع آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم علامه محقق داماد استفاده فقه و اصول نموده و از بعد از فوت آیت‌الله بروجردی منقطع به آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی گشته و تا هم اکنون به جلسات درس و استفتاء آن جناب حاضر می‌شود و ضمنا سطوح عالی را هم تدریس می‌نماید آثار علمی ایشان از این قرار است.

۱– حدیث از نظر شیعه ۲– تعیین مبانی المختلفه بین العلمین شیخنا الانصاری و مولینا الخراسانی ۳– کاوشهای علمی که در رجال و اسانید روایات اهل سنت و جماعت بحث می‌کند و این کتاب مطبوع و در دسترس فضلاء و دانشمندان قرار گرفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

غفرانی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد غفرانی

محل تولد : خرم آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۶/۳۰

زندگینامه علمی

اینجانب محمد غفرانی فرزند خیرالحاج جناب آقای حاج حسین غفرانی از معتمدین شهر خرم آباد کرالان مجاور حضرت رضا(ع) هستند در سال ۶۳ عازم شهر مقدس قم شده تا در جوار حرم حضرت معصومه (س) و حوزه کریمه علمیه به تحصیل علوم دینی اشتغال ورزم. تحصیلات مقدماتی را در مدرسه علمیه الهادی تحت اشراف حضرت آیهٔ الله مشکینی رئیس مجلس خبرگان رهبری آغاز کردم. به لحاظ نظارت آیهٔ الله مشکینی بر مدرسه زمینه ارتباط بیشتر با ایشان میسر شده و حضرت آیهٔ الله مشکینی حفظه الله کفایت اخلاقی را نیز از مدّنظر نمی گذراندند و تذاکراتی در خلال ارتباط بیان می فرمودند و می توان گفت ایشان استاد اخلاق سالیان ابتدای تحصیل اینجانب است. کتب سطح را نزد عالمان دینی از جمله استاد عالی قدر حجهٔ الاسلام ابوالقاسم علی دوست ، استاد عالی قدر حجهٔ الاسلام علی نکونام، استاد عالی قدر جناب حجهٔ‌الاسلام حاج آقا موسوی تهرانی، جناب استاد حجهٔ الاسلام فتوحی همدانی، آیهٔ الله استاد عراقچی همدانی، جناب استاد حجهٔ الاسلام هادوی تهرانی به پایان رسانده و درس حدیث شناسی را نزد آیهٔ الله احمدی یزدی و کتب خارج خمس و حج را نزد آیهٔ الله سبحانی و کتب مکاسب ، و حج مختصراً نزد آیهٔ الله گرامی و کتاب قضا و تکمله قضاء را نزد آقایان آیهٔ‌الله سبحانی و گرامی فراگرفتم.در خلال تحصیل پاره ای از کتب مقدماتی و تفسیر را نیز به جمعی از دوستان منتقل کردم.

از جمله علاقه ای که در طول تحصیل داشتم، پژوهش و تحقیق و نوشتن مقالات بود که این امر منجر به تدوین جزوات احکام که

قابل تدریس است گردید. در این میان مقالاتی اخلاقی و حقوقی و اعتقادی از سال ۷۴ تا به حال به رشته تحریر در آمد و در رسانه های کثیرالانتشار چاپ گردید. این مهم با همکاری مرکز پژوهشها و مطالعات حوزه علمیه قم صورت گرفته است. از دیگر فعالیتهای علمی ، همکاری با شبکه سراسری رادیو معارف است که از سال ۸۱ تا به حال ادامه دارد و در برنامه مشکاهٔ هدایت به عنوان کارشناس به تکلیف خود عمل می کنم. تدریس البته الفیه ابن مالک از دیگر کارهای ماندگار است که برای سایت بنیان انجام گرفت. همکاری با سایت اندیشه وابسته به حوزه علمیه قم نیز از دیگر فعالیتها است. مرکز جهانی علوم اسلامی نیز به لحاظ تکمیل بانک سؤالات و نیز ارزیابی طلاب سطح ۲ به عنوان کارشناس جلساتی دعوت نموده که در این جا نیز به اداء تکلیف اقدام شده است.از دیگر خدمات علمی حضور در حوزه علمیه کوتاه مدت است که از سال ۸۱ تا ۸۵ به عنوان استاد ادبیات اشتغال داشتم. و در این مدت مدیر گروه علمی ادبیات بودم. و عضو شورای عالی حوزه علمیه کوتاه مدت از سال ۸۵ به عنوان کارشناس فقه مرکز پاسخ گویی تلفنی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به اداء تکلیف مبادرت می ورزم. مدارسی که به عنوان استاد تدریس داشته ام مدرسه سفیدان، الهادی، معصومیه است.

غفوری، اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اکبر غفوری

محل تولد : بناد کوک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای اکبر غفوری در اول خرداد سال ۱۳۴۱هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان بناد کوک دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه یزد گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد. وی در ایام تحصیل علوم حورزوی در یزد از محضر بزرگانی چون مرحوم آیت الله علومی، آیت الله صمدی، آیت الله مفیدی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه یزد کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته علوم سیاسی در مقطع دکترا در سال ۱۳۸۳از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "مقایسه تطبیقی در خصوص بسیج توده ای در رابطه مشروطیت و نهضت نفت و انقلاب اسلامی "دفاع کرد. استاد در ایام تحصیل از امر تدریس در زادگاه خویش غافل نماند و در مراکزی چون دانشگاه یزد و... به تدریس پرداخت، که حاصل زحمات ایشان پرورش دانشجویان فراونی می باشد. وی در زندگی سراسر علمی خود از امر تحقیق و نگارش و تألیف غافل نماند و آثاری از قبیل" انقلاب اسلامی"و ....را به رشته تحریر در آورده است.

غفوری، حبیب الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حبیب الله غفوری بارجینی

محل تولد : میبد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حبیب الله غفوری بارجینی فرزند محمد علی به شماره شناسنامه ۴۸۷ و متولد سال ۱۳۴۱ دوران تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در روستای بارجین و فیروز آباد میبد به انجام رساندم و از مهرماه ۱۳۵۶ ش در مدرسه قدیری قم که شعبه شماره ۲ مدرسه کرمانیها محسوب می شد شروع به تحصیل علوم دینی نمودم در حالیکه نوجوانی بیش نبودم دروس حوزه را به همراه جریانات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس گذراندم که شرح آن مفصل است تا سال ۷۱ به درس و بحث در حوزه علمیه قم مشغول بودم که در ضمن آن آموزش نظامی ، زبانهای عربی و انگلیسی و دوره دبیرستان را نیز به انجام رساندم. از سال ۷۱ تاکنون توفیق

داشته ام مراکز متعدد و مهم علمی را تاسیس و اداره نمواه ام که بحمدالله ثمره آن دهها طلبه فاضل و توانمند است.
در این مدت کتب حوزوی را تا سائل و مکاسب تدریس نموده ام و دروس اعتقادات و اخلاق دانشگاه را نیز بارها تدریس کرده ام و زبان انگلیسی دبیرستان را نیز در این دوره تدریس نموده ام. با توجه به اصرار رهبر معظم انقلاب مبنی بر ضرورت تحول در نظام آموزشی حوزه های علمیه کشور نمظام آموزشی خاص حوزه ها بر اساس دیدگاهها و نظرات مقام معظم رهبری را با همکاری جمعی از دوستان فاضل و دلسوز طراحی و در مدرسه علمیه علوی قم اجرا نمودیم که بحمدالله ثمره آن تربیت دهها نفر طلبه فاضل و پژوهشگر شده است که امید آینده حوزه علمیه قم می باشند.علیرغم عنایت الهی در داشتن قلمی روان که اساتید معظم همواره مشوق اینجانب بوده اند به علت اشتغال زیاد در امور مدیریتی و اجرایی متاسفانه تاکنون نتوانسته ام از آن بهره مطلوبی ببرم و حاصل کارهای پژوهشی متفرقه اینجانب تعدادی مقاله ، جزوه و ۲ کتاب در دست تالیف است که به صورت نیمه کاره مانده است.

غفوری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد دکتر علی گلزار غفوری نیز یکی از ستارگان فروزان آسمان علم و فضیلت است.

وی در حدود سال ۱۳۴۵ قمری در قزوین متولد شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات و اولیات در زادگاه خود و تهران مهاجرت به قم نموده و سطوح متوسط و عالی را از مدرسین بزرگ حوزه علمیه فراگرفته و پس از آن به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی نایب‌الامام آقای خمینی و دیگران شرکت و از دراسات فقه و اصول معظم له استفاده نموده و چند سالی در گیلان دماوند اقامت و خدمات دینی و روحی نموده سپس منتقل به تهران و به تدریس و مطالعه پرداخته و برای دریافت مقام استادی و دکترا در دانشگاه تهران حضور و نیز به این منظور مسافرتی به اروپا و فرانسه نموده و به واسطه استعداد و نبوغ فکری دوره تخصصی را در مدت شش ماه طی و موفق به گرفتن گواهی‌نامه دکترا شده سپس مراجعت به تهران و به تالیف کتب سودمند عصری برای نسل جوان و روشنفکران گردیده و با اقران خود در وجود آوردن انقلاب و پیروزی آن همکاری داشته و دارد.

نگارنده گوید:

مترجم گرامی ما که از دیرزمانی آشنائی نزدیک با ایشان داشته‌ام در میان دوستان و افاضل حوزه معروف به تقوای و پرهیزکاری و محامد اخلاقی و محاسن آداب و کم‌گوئی و اندیشمندی بوده است.

در شب شنبه دوم تیرماه ۱۳۵۸ برابر بیست و هشتم رجب‌المرجب ۱۳۹۹ قمری مصاحبه تلویزیونی جالبی درباره قانون اساسی جمهوری اسلام نمودند که غالبا مشاهده کردند دارای تألیفات عدیده می‌باشند که قسمتی از آن را که به دست نویسنده رسید یاد نمودم.

۱- سرگذشت و شهادت هشتمین امام شیعیان حضرت امام رضا (ع) چاپ شده.

۲- شناخت اسلام- که با معیت استاد دکتر سید محمد بهشتی و دکتر محمد جواد باهنر نوشته‌اند چاپ شده.

۳- راه و رسم زندگی از نظر امام سجاد علیه‌السلام چاپ شده.

۴- یادداشتهائی درباره نبهیلیسم- نه‌گرائی- پوچ‌گرائی چاپ شده.

۵- با دستورات اسلام آشنا شوید چاپ شده.

۶- بر نام ایمان آورده‌ها از یک تا ۵ چاپ شده.

۷- بیائید این گونه باشیم.

مقالات و جزوات سودمند دیگری دارند که متاسفانه تا حال نگارش به دستم نرسیده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

غفوری، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد غفوری

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد غفوری متولد ۱۳۵۰ و تحصیل کرده حوزه و دانشگاه تحصیلات ابتدائی و راهنمائی را در مشهد گذراندم و پس از آن به قم آمده و دروس حوزه را از اواخر دهه ۶۰ آغاز کردم. پس از پایان دروس مقدمات و سطح نزد اساتید متعدد، در مقطع خارج اشتغال

یافتم. در سال ۱۳۷۹ در کنار دروس حوزه، در رشته تاریخ وارد دانشگاه شدم و پس از اخذ مدرک کارشناسی، در سال ۱۳۸۴ در مقطع کارشناسی ارشد و در گرایش "تاریخ اسلام "پذیرفته شدم و هم اکنون در حال نگارش پایان نامه فوق لیسانس هستم. هم چنین دوره تخصصی تاریخ اسلام را طی دو سال(۱۳۷۹-۱۳۷۷) در مرکز تخصصی تاریخ اسلام حوزه علمیه قم(زیر مجموعه دفتر تبلیغات اسلامی) به پایان بردم.از سال ۱۳۸۰ تا کنون به عنوان پژوهشگر در پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت (ع) پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی مشغول هستم و از سال ۱۳۸۱ مدیریت اجرایی "فرهنگ نامه مولفان اسلامی "را بر عهده دارم. در طی این مدت شخصیت نگاری مولفان پنج قرن نخست هجری به پایان رسیده و قرن ششم در دستور کار قرار دارد و جلد اول فرهنگ نامه شامل مولفان سه قرن نخست هجری آماده انتشار است. علاوه بر نگارش شماری از مقاله ها کنترل علمی و بازخوانی بسیاری از مقالات فرهنگ نامه را هم انجام داده ام.

غلام جمشیدی، محمدصادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صادق غلام جمشیدی

محل تولد : دماوند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد صادق غلام جمشیدی در سال ۱۳۴۰ درخانواده ای متدین، دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام دیده به جهان گشودم. تحصیلات ابتدائی، راهنمائی و متوسطه را در زادگاهم شهرستان دماوند با موفقیت سپری کردم. پس از آن به خاطر عشق فراوان به ذی طلبگی، تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه تهران و مدرسه آیت الله مجتهدی شدم. در محضر اساتید تهران، مخصوصاً آیت الله مجتهدی بهره های علمی و اخلاقی فراوان بردم، شوق زیارت آستان ملکوتی بی بی دو عالم حضرت فاطمه معصومه سلام الله از یک سو و کسب تحصیلات بالاتر از سوی دیگر مرا به قم کشاند.

البته ذکر این نکته لازم است که سال ورودم به حوزه علمیه سال ۵۴ بود سالی که استبداد رژیم شاهنشاهی بیداد می‌کرد، حوزه های علمیه در فشار و اختناق شدید از سوی حکومت بودند اما تنها چیزی که مرا به این سمت کشاند شوق فراوان به دروس دینی بود. مدتی که در قم بودم از محضر بزرگان حوزه علمیه قم آیت الله وحید خراسانی، میزرای تبریزی و فاضل لنکرانی بهره های فراوان بردم. و هم اکنون در تهران مشغول به پژوهش و تدریس در دانشگاههای مختلف تهران هستم که حاصل این زحمات پرورش دانشجویان فراوانی می‌باشد.

غلامحسین، آل آقا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

این شهرت از بیت اصیل و ریشه‌داری است که بالغ بر یکصد و پنجاه سال در عراق و ایران به برازندگی مشهور و معروف می‌باشند و آن منتسب به آیت‌الله العظمی و العلامه الکبری وحید علی الاطلاق مرحوم آقا باقر بهبهانی می‌باشند که در کربلا و کرمانشاه و تهران و قم و نهاوند و سایر نقاط سکونت دارند.

آل آقای کرمانشاه از اولاد مرحوم آیت‌الله آقا محمدعلی بن وحید بهبهانی می‌باشند ترجمه این خاندان را دوست عزیز ما دانشمند فاضل حاج شیخ علی دوانی به نام زندگانی وحید بهبهانی تالیف و طبع نموده است از همین سلسله و بیت است جناب آقای حاج شیخ غلامحسین اکبری معروف به معتمدالعلماء آل آقا کرمانشاهی که در شهر کرمانشاه متولد و در بیت علم آل‌آقا تربیت و پس از طی مقدمات در سال ۱۳۶۳ قمری مهاجرت به قم نموده و از محضر مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله صدر و آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی شریعتمداری و زعماء حاضر دیگر استفاده نموده و می‌نماید از آثار اوست ۱- کتابی در اخلاق و آداب ۲- کتابی در دعوات ۳- تاریخ مختصر ایران ۴- شرح سفرنامه ۵- حدیث شریف کسا به نظم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

غلامعلی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی غلامعلی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۱ از دبیرستان علوم و معارف اسلامی شهید مطهری تهران فارغ التحصیل شدم در کنار دروس دبیرستان ، دروس حوزوی را نیز از اساتید معزز مدرسه عالی شهید مطهری فرا گرفتم . پس از اخذ دیپلم توفیق حضور در حوزه علمیه مروی (تهران) را یافتم و با امتحان سه پایه نخست به من اجازه دادند در درس های پایه چهارم شرکت کنم . بخشی از ادبیات عرب ، معانی و بیان ، شرح لمعه ، اصول مظفر ، منطق ، فلسفه و بخشی از رسائل و مکاسب را از اساتید بزرگوار آن مدرسه آموختم . بعضی از اساتید گرانقدر اینجانب در آن دوران عبارتند از حجج اسلام و آیات اعلام : مرحوم سید ابوالفضل موسوی تبریزی ، مرحوم پاکتچی ، اصطهباناتی ، رجایی ، کثیری ، تقوایی ، شریتعمداری ، جورابچی (قفقازی) و شریف زاده .

در سال ۱۳۷۴ برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم مشرف شدم و تا کنون نیز در حوزه علمیه قم مشغول فراگیری علوم و معارف اهل بیت علیهم السلام می باشم ؛ کتب شریف رسائل ، مکاسب و کفایه را در محضر حضرات آیات و حجج اسلام آقایان مرحوم احمدی میانجی ، نکونام ، اعتمادی ، سید احمد خاتمی ، حسینی خراسانی ، محمدی (فیضیه) و احدی آموخته ام . مدت شش سال است که در دروس خارج فقه آیات عظام آقایان حاج شیخ جواد تبریزی ، حاج محمد فاضل لنکرانی(ره) ، حاج سید احمد مددی و حاج مهدی گنجی (گنجعلی) شرکت می کنم . بدایهٔ الحکمه و نهایهٔ الحکمه را نیز از جنابان حجج اسلام محمدی همدانی، و حاج مرتضی جوادی آملی فرا گرفتم . همچنین از سال ۱۳۷۵ تا کنون در موسسه تحقیقاتی دار الحدیث به مطالعه و پژوهش پیرامون مباحث حدیث مشغول هستم . در این مدت از کلاس ها و کارگاه های علمی حجج اسلام آقایان استاد عبدالهادی مسعودی ، استاد سید کاظم طباطبایی ، استاد محمد کاظم رحمان ستایش و استاد محمد احسانی فر استفاده کرده ام .

در طول مدت حضور در موسسه تحقیقاتی دارالحدیث با گروه های دانشنامه نگاری ، تفسیر روایی ، تاریخ و سیره و مصدریابی همکاری علمی داشته ام و مدخل های متعددی را تنظیم نموده ام.

غمام همدانی، محمد یوسف‌زاده

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۱ -۱۲۵۳ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به غمام. در نجف به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی را تا سیزده سالگی در آن شهر گذرانید. سپس به ایران آمد و در همدان ادبیات فارسی و عربی و فقه را از اساتید آن دیار فراگرفت. بعد از ان مدتی به تجارت و خدمت در ادارات دولتی مشغول شد. در آغاز نهضت مشروطه به شمار آزادی‌خواهان پیوست و به تأسیس انجمن اتحاد و انتشار روزنامه‌ی «اتحاد» و «الفت» همت گماشت. در سرودن غزل مهارت خاصی داشت. وی در تهران از دنیا رفت و در مقبره‌ی خانوادگی جنب شاهزاده حسین در همدان دفن شد. از آثارش: «دیوان» شعر که با مقدمه‌ای از موسی نثری به چاپ رسید. لازم به ذکر است که صاحب «سخنوران نامی معاصر ایران» محل تولد وی را کربلا ذکر کرده است.[۱]

(بخش ۱) همدانی، (سید) محمد بن (سید) یوسف، شاعر و عارف ایرانی (و. نجف ۱۲۹۲ ه.ق– ف. مهرماه ۱۳۲۱ ه.ش). وی سمت ارشاد گروهی از متصوفه را داشت. دیوان غزلیات او در سه جلد چاپ شده. غزلهای غمام عارفانه و به سبک حافظ نزدیک است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات معاصر (۷۷ -۷۶)، تاریخ جراید و مجلات (۲۶۸ -۲۶۶، ۴۶ / ۱)، الذریعه (۷۹۲ / ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۴ -۲۳ / ۵)، سخنوران نامی معاصر (۲۵۵۸ -۲۵۵۳ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۶۷۲)، گلزار معانی (۴۹۸ -۴۹۵).

غمگین اصفهانی، محمد کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۵ -۱۲۸۶ / ۱۲۸۰ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به غمگین. وی نواده‌ی دختری آقا غلامعلی خطاط است. در اصفهان متولد و در خدمت عم بزرگوار خود مرحوم میرزا ابراهیم ساغر تربیت شد. وی در انواع شعر از قصیده و غزل و مثنوی طبع‌آزمایی کرد، قصائدی به پیروی از کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی ساخته است. اشعارش قریب بیست هزار بیت بالغ می‌شود. وی از مؤسسین اولیه انجمن ادبی شیدا و از رؤسا و اساتید آن انجمن بود و در انجمن ادیب نیز شرکت می‌کرد. در اصفهان درگذشت و در تخت‌فولاد دفن شد. از آثار وی «دیوان» شعر می‌باشد. صاحب تذکره‌ی «شعرای معاصر اصفهان» یکی از آثار وی را «سر الاسرار» ذکر کرده

است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۴۵۴)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۳۳۹ -۳۳۸)، الذریعه (۷۹۲ / ۹)، سخنوران نامی معاصر (۲۵۶۳ -۲۵۵۹ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲۶ / ۵).

غنی اسدآبادی، میرزا عبدالغنی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۱۰۱۲ / ۱۰۰۸ ق)، شاعر. وی از مردم اسدآباد و از خانواده‌ای محترم بود. خود نیز در آغاز مثل اجدادش به تجارت پرداخت. در اوایل سلطنت شاه‌عباس چون وضع همدان را مغشوش یافت به عزم تجارت به سوی خراسان رفت و در آن سامان با ملا نظیری نیشابوری رفیق و یار شد و به همراه او به هند سفر کرد. مدتی نزد خاکم کشمیر در عزت زیست. اما پس از تسخیر کشور توسط اکبرشاه به زندان افتاد.در زندان قصاید پرسوز و گدازی سرود ولی بالاخره به امر شاه کشته شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۸۶ -۲۸۴ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۶۸۷ -۶۸۶)، تذکره‌ی روز روشن (۵۸۸ -۵۸۷)، فرهنگ سخنوران (۶۷۲)، کاروان هند (۹۵۸ -۹۵۱ / ۲)، مآثر رحیمی (۱۰۰۴ -۹۷۹ / ۴)، هفت اقلیم (۵۶۹ -۵۶۷ / ۲).

غنی تفرشی، عبدالغنی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. از سادات تفرش و از شاعران فاضل و سرشناس روزگار شاه‌عباس بزرگ (۱۰۳۸ -۹۹۶ ق) و از شاگردان میرابوالقاسم کازرونی بود. به گفته‌ی تذکره‌نویسان به وفور فضیلت و حدت فهم بر اقران رجحان داشت و بنابر موزونی طبیعت و شکفتگی خاطر شعری می‌سرود. تقی اوحدی که با وی معاصر و معاشر بوده است، سال وفات او را ۱۰۰۸ ق ذکر می‌کند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۲۸۱ -۱۲۷۸ / ۳)، تذکره‌ی روز روشن (۵۸۹ -۵۸۸)، تذکره المعاصرین (۱۸۸ -۱۸۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۶۴)، الذریعه (۷۹۲ / ۹)، سفینه المحمود (۵۰۱ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۷۳).

غنی فراهانی، عبدالقیوم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۰۴۲ ق)، شاعر، متخلص به غنی. وی ظاهرا از فراهان به هندوستان رفت و از ملازمان قاسم‌خان جوینی (م ۱۰۴۲ ق) حاکم بنگاله شد. مدتی بعد از وفات قاسم‌خان جوینی، غنی هم در داکا درگذشت. غنی در سرایش شعر توانا بود. تخلص این شاعر در «صبح گلشن» عینی و در تذکره‌ی «روز روشن» عنبی آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۵۷۴)، صبح گلشن (۲۹۸)، کاروان هند (۹۵۸ / ۲).

غنی یزدی، عبدالغنی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۰ ق)، شاعر. مشهور به الله مرکبی. در یزد با پیروان محمود پسیخانی نقطوی آشنایی یافت و به این فرقه گروید و چون نقطویان از طرف شاه‌عباس، مورد تعقیب قرار گرفتند در ۱۰۲۰ ق از بیم جان به هندوستان شتافت و به دربار جهانگیر پادشاه راه یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۶۷۳)، کاروان هند (۹۵۹ -۹۵۸ / ۲).

غنی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: کتیبه‌ی شبستان شرقی مسجد شاه اصفهان، به خط ثلث پنج و چهار دانگ کتیبه‌ی خوش، با رقم: «کتبه الغنی القوی فی ثمان و ثلثین و الف»، (۱۰۳۸)؛ کتیبه‌ی گلونمای شمالی مسجد شاه، به خط ثلث چهار دانگ کتیبه‌ی خوش، با رقم: «حرره محمد غنی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار ملی اصفهان (۶۷۷، ۶۷۶)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۹۱ / ۴)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۴۴۹ -۴۴۶، ۴۳۸).

غنی‌زاده سلماسی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۳ / ۱۳۱۲ -۱۲۵۷ ش)، مترجم، روزنامه‌نگار، مصحح، نویسنده و شاعر. در سلماس به دنیا آمد و در زادگاهش به کسب دانش و ادب پرداخت. وی در اوایل جوانی دورادور با سید جلال‌الدین کاشانی، مدیر روزنامه‌ی «حبل المتین»، مکاتبه داشت و گاهی اوقات مقالاتی برای این روزنامه می‌فرستاد. غنی‌زاده سفری به قفقاز داشت که در این سفر با طالبوف آشنا شد. وی پس از بازگشت از این سفر در ۱۳۲۵ ق روزنامه‌ی «فریاد» را در شهر ارومیه منتشر کرد و در ۱۳۲۶ ق به تبریز مهاجرت نمود و در روزنامه‌ی «شورای ایران» به چاپ مقالات مختلف هست گماشت. مدتی منشی مخصوص ستارخان بود و از طرف او به نمایندگی انجمن ایالتی تعیین شد و با تصویب این انجمن روزنامه‌ای به نام «انجمن» تأسیس شد که اداره‌ی آن را غنی‌زاده و علی‌اکبر وکیلی به عهده داشتند. غنی‌زاده همزمان روزنامه‌ی «محاکمات» را تأسیس و با هفته‌نامه‌ی «شفق» نیز همکاری می‌کرد. وی در ۱۳۲۷ ق روزنامه‌ی «بوقلمون» را منتشر کرد. چون در ۱۳۲۹ ق مأمور تشکیل عدلیه سلماس شد از همکاری با این روزنامه‌ها دست کشید. در ۱۳۳۰ ق که سپاهیان روس وارد تبریز شدند با جمعی از آزادیخواهان آذربایجان به استانبول مهاجرت کرد و در آن شهر علاوه بر نوشتن مقالات و اشعار در روزنامه‌ی «اختر»، که ایرانیان مقیم استانبول انشتار می‌دادند، با زبان و ادبیات ترکی استانبولی آشنا شد. در بحبوبه‌ی جنگ جهانی با تقی‌زاده در تحریر مجله‌ی «کاوه» همکاری داشت. در ۱۳۰۵ ش به ایران بازگشت و در همان سال روزنامه‌ی «سهند» را در تبریز منتشر کرد وی سرانجام در تبریز وفات یافت. از آثارش: مقدمه‌ی «سفرنامه ناصرخسرو»؛ تصحیح «زاد المسافرین»؛ تصحیح «وجه دین»؛ «پالتو»، ترجمه؛ «آدم نامرئی»، ترجمه؛ «دوای خواب»، ترجمه؛ «هیپنوزه یا واهمه»، ترجمه. از آثار منظوم غنی‌زاده جز چند غزل و مثنوی «هذیان» چیزی در دست نیست.[۱]

محمود سلماسی، ادیب و شاعر ایرانی (و. سلماس ۱۲۹۶ ه.ق.- ف. ۱۳۵۳ ه.ق)، وی به استانبول و سپس به برلین رفت و در مجله‌ی کاوه مقالاتی منتشر کرد و بعد به ایران بازگشت و روزنامه‌ی سهند را انتشار داد، او راست: تاریخ آذربایجان، ایرانیان مستعرب. دیوانی از او بنام «آثار منظوم محمود غنی‌زاده» به چاپ رسیده (لغ.).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۱۷، ش ۸ -۵، ص ۵۰۴ -۴۹۹)، از صبا تا نیما (۳۳۲ -۳۲۵ / ۲)، تاریخ جراید (۱۹۴، ۸۰ -۷۸ / ۴، ۷۴ -۷۲، ۴۹ -۴۸ / ۳، ۲۶ / ۲، ۲۸۸ -۲۸۶ / ۱)، الذریعه (۷۹۲ / ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۲ -۳۰ / ۵)، سخنوران نامی معاصر (۲۵۶۷ -۲۵۶۴ / ۴) شرح حال رجال (۲۵۷ -۲۵۶ / ۶)، لغت‌نامه (ذیل/ غنی‌زاده)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹ -۶۸ / ۶)، یادداشتهای قزوینی (۲۱۹ -۲۱۸ / ۸).

غواصی یزدی،عزالدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۶۰ ق)، شاعر. وی از شاعران سرشناس یزد بود که نسب به آل‌مظفر می‌رساند. وی با شاه‌طهماسب صفوی معاصر بود. گرچه در تذکره‌ی «سخنوران یزد»، به غلط، معاصر شاه‌عباس صفوی ذکر شده است. پیشه‌ی معلمی داشت و دواتگری نیز می‌کرد. غواصی در سرودن شعر طبعی روان و سیال داشت. وی کتابهای «کلیله و دمنه»، «قصص الانبیاء»، «تاریخ طبری» و «روضه الشهدا» را به نظم درآورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفی سامی (۳۲۶ -۳۲۵)، تذکره‌ی روز روشن (۵۸۹)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۲۲۶ -۲۲۵)، الذریعه (۱۳۶ / ۱۸، ۱۰۴ / ۱۷، ۷۹۳ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۷۴)، لغت‌نامه (ذیل/ غواصی)، نتایج الافکار (۵۰۹).

غیاث استرآبادی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از شاعران فاضل و سرشناس استرآباد در عهد صفویه بوده که با صاحب «مجمع الخواص» (ز ۱۰۱۰ ق) مصاحبت داشته است. غیاث در سرودن شعر توانا بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۹۱ / ۲)، الذریعه (۷۹۴ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۷۴)، لغت‌نامه (ذیل/ غیاث استرآبادی)، مجمع الخواص (۲۵۱ -۲۵۰).

غیاث حسینی رازی هروی، غیاث‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۹۲۷ ق)، شاعر. اصلش از شکراب ری بود. پدرش در زمان سلطان حسین بایقرا از ری به هرات رفت وی در آنجا تربیت یافت تا به جایی که به منصب صدارت و امارت رسید. خواند میر کتاب «حبیب السیر» خود را با نام او شروع کرد، ولی چون اوضاع هرات بر اثر تسلط عبیدالله‌خان ازبک آشفته شد، تألیف کتاب مدتی به تعویق افتاد تا اینکه بعدها به فرمان کریم‌الدین حبیب‌الله ساوجی نگارش تاریخ خود را به پایان رسانید. غیاث‌الدین به دست امیرخان موصلو ترکمان، حکمران خراسان، کشته شد. وی در شعر فارسی مهارت داشت و لسانی شاعر، او را بسیار مدح گفته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۵۴۴ / ۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۳۰)، رجال حبیب السیر (۲۴۰ -۲۳۵).

غیاث شیرازی، غیاث‌الدین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۴۰ ق)، شاعر. معروف به غیاثای شیرازی و غیاثای حلوایی. در شیراز به دنیا آمد و در همان جا نشوونما یافت. در اواسط عمر از شیراز به اصفهان رفت و در آن شهر سکونت گزید و بسیار مورد توجه ادب‌شناسان قرار گرفت. او از معاصران ملا ملهمی و میرزا نظام دستغیب بود. وی به شیوه‌ی بابا فغانی شعر می‌سرود و از او سه هزار بیت شعر باقی است. غیاثا در اصفهان درگذشت. از آثارش: «دیوان» شعر؛ «ساقی‌نامه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۹۰ -۱۰۸۷ / ۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۳۹ -۲۳۸)، تذکره‌ی پیمانه (۳۲۴ -۳۱۶)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۵ -۱۱ / ۴)، الذریعه (۱۱۲ / ۱۲ ،۷۹۵ ،۲۶۵ / ۹)، ریحانه (۲۵۶ -۲۵۵ / ۴)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۷۵/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۷۵)، لغت‌نامه (ذیل/ غیاث حلوایی)، مرآت الفصاحه (۴۳۷ -۴۳۶).

غیاث شیرازی، غیاث‌الدین علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، نقاش، هنرمند و شاعر. اهل شیراز بود و به قولی از نوادگان سعدی. وی در دوره‌ی شاه‌عباس اول (۱۰۳۸ -۹۹۶ ق) می‌زیست. صاحب «مجمع الخواص» که او را دیده وی را شیرازی و از اولاد سعدی دانسته است. در یزد سکونت داشت و سپس به اصفهان رفت. وی در مخمل و پارچه‌بافی از مشاهیر زمان خود به شمار می‌آمد و پارچه‌های حریر را نقشبندی می‌نمود. او در کمان‌گیری هم استاد بود. غیاث طبع بسیار روانی داشت، چنان که گاهی صد بیت بدیهه پی‌درپی می‌گفت و در غزلسرایی نیز ماهر بود و همه گونه شعر می‌سرود. از آثار وی: زری اطلسی که تصاویری از شتر و کجاوه دارد و ساربانی مشغول هدایت است، با رقم: «عمل غیاث»؛ روپوش زری صندوقی که در حواشی آن ادعیه‌ای به خط ثلث زیبا درج شده و در وسط آن گلهای ختایی استادانه‌ای جلوه‌گر است، با رقم: «غیاث»، بافت یزد؛ زری ابریشمی قرینه‌ی چهارتایی و دو تایی الوان سبز و سفید و گلی که در متن آن، نقوش ترنج مانندی بافته شده، با رقم: «عمل غیاث»، بافت یزد؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۴۱۵ -۴۱۴ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۱۲)، تذکره‌ی روز روشن (۵۹۰ -۵۸۹)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۲۳۴ -۲۲۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۰ -۴۹)،جامع مفیدی (۴۳۱ -۴۲۶ / ۳)، حبیب السیر (۲۸۳ -۲۸۲ / ۳)، الذریعه (۷۹۶ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۷۵)، لغت‌نامه (ذیل/ غیاث نقشبند)، مجمع الخواص (۱۸۸ -۱۸۶)، نتایج الافکار (۵۱۲ -۵۱۱)، هفت اقلیم (۱۶۰ -۱۵۹ / ۱).

غیاث مجلد اصفهانی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط و نقاش. اهل اصفهان و مقیم عثمانی بود. وی در خط نستعلیق نیز مهارت داشت. از آثار وی: یک نسخه «لمعات» عراقی، به قلم نیم دو دانگ متوسط، با رقم: «... غیاث المجلد الاصفهانی... سنه احدی و ثمانین و ثمانمائه بقسطنطنیه»؛ یک نسخه «دیوان» فارسی و ترکی قبولی، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «... غیاث المجلد الاصفهانی بدار السلطنه قسطنطنیه... فی شهور سنه ثمانین و ثمانمائه الهجریه»؛ یک قطعه از مرقع، به قلم نیم دو دانگ جلی و کتابت متوسط، با رقم: «العبد الحقیر غیاث المجلد الفقیر... سنه‌ی ۸۷۹ بقسطنطنیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۶۰ -۵۵۹ / ۲)، احوال و آثار نقاشان (۴۳۴ / ۱).

غیاثی طرزی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضا غیاثی طرزی

محل تولد : راور کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

جناب استاد غیاثی ضمن معرفی کامل خودتان ،آثار برتر ومنتخب خودتان را که طی ۳۰سال گذشته تالیف کرده اید،معرفی نمایید . بسم ا...الرحمن الرحیم ،اینجانب سید محمد رضا غیاثی کرمانی متولد سال ۱۳۳۸در روستای زیبای «طرز»از توابع شهرستان راور کرمان از سال ۱۳۵۴وارد حوزه ی علمیه شده وتا کنون یعنی سال ۱۳۸۷مدت ۳۳سال است که به تحلیل وتالیف وتدریس اشتغال دارم .تا کنون ۷۰عنوان کتاب تالیف کرده ام که ۷مورد از آنها به عنوان کتاب سال وآثار مکتوب برتر وقابل تقدیر ،شناخته شده اند که عبارتنداز : ۱ـ اختران هدایت (سال ۷۲)،۲ـفضیلت های اخلاقی (سال ۷۸)،۳ـ ابومسلم اصفهانی (سال ۷۹)،۴ـ آیات الاحکام (سال ۸۰)،۵ـ صحیفه کاظمیه (ع)(سال ۸۱)،۶ـ پژوهشهای قرآنی علامه شعرانی (سال ۸۶)،۷ـ در محضر علامه شعرانی /پرسش ها وپاسخها ی قرآنی (سال ۸۷) لازم به ذکر است ،کتاب پژوهشهای قرآنی علامه شعرانی دو مرتبه به عنوان کتاب سال برگزیده شده است .یکی در کرمان از سوی اداره کل فرهنگ وارشاد اسلامی ودیگری از سوی کمیته ی انتخاب کتاب سال دانشجویی تهران . ـ استادغیاثی،اگر ممکن است نام کتابهای خود را بفرمایید . چون نام بردن از ۷۰ عنوان اولاًـ در خاطرم نیست ودر ثانی از حوصله یک مصاحبه روزنامه ای خارج وبرای خوانندگان عزیز هم خسته کننده است ولذا از ذکر آنها خودداری می کنم ،ولی لازم است که از روزنامه وزین کرمان امروز که همواره ابراز محبت نموده وبه ویژه سردبیر محترم ومسوول وصاحب امتیاز آن،جناب آقای «فتح نجات»که خود فرهیخته ای خدیم علم ونديم قلم هستند ،تشکر کنم که همواره در مسیر نشر فرهنگ دینی کوشا هستند در فرصتی بیشتر در این باره گفتگو خواهیم کرد ،ان شاءا.....

غیاثی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام حاج شیخ علی بن العلامه الورع الشیخ محمود غیاثی آملی از فضلاء بنام شمال و حوزه علمیه قم است که به فضل و تقوا موصوف می‌باشد، در سال ۱۳۴۸ قمری در قریه غیاث کلا از توابع آمل به دنیا آمده و عمده ادبیات فارسی و عربی را از محضر آیت‌الله آقا شیخ محمود غیاثی والد ماجد خود که از او تا دو رجال متدین و علماء اعلام آن سامان به شمار می‌آید فراگرفته است و پس از سه سال توقف در بابل به قم مهاجرت نموده و از محضر اساتید عظام بالاخص زعیم اعظم فقید آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و در سال ۱۳۷۲ ق به نجف اشرف مشرف شده و از دروس آیات عظام آنجا مرحوم آیت‌العظمی سید عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حکیم و مخصوصا حضرت علامه متتبع وحید عصر آیه‌العظمی خوئی مدظله فقها و اصولا بهره‌مند گردیده و دراسات و تقریرات فقه و اصول معظم‌له را به رشته تحریر آورده در مدت ۸ سال و در سال ۱۳۸۰ به وطن خود مراجعت و در ۱۳۸۲ مجددا به قم مهاجرت و تاکنون به تدریس و تدرس در خدمت مراجع عالیقدر حوزه علمیه قم می‌باشند دارای اجازات عدیده از زعماء و مراجع بزرگ قم هستند و در میان فضلاء مازندران به فضل و کمال مشهور و افتخاری برای محصلین مازندران هستند ادام‌الله عزه و توفیقه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

غیاثی، نقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نقی غیاثی

محل تولد : کبودرآهنگ

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای نقی غیاثی در سال ۱۳۴۰هجری شمسی در خانواده ای کاملا مذهبی در شهرستان کبودر آهنگ دیده به جهان گشود.نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در دیار خویش سپری کرد و در پی تشویق پدر و علاقه خود به فراگیری زبان عربی و علوم دینی به و برای ادامه تحصیل راهی حوزه علمیه همدان شد سپس ایشان به منظور ادامهٔ تحصیل و بهره‌گیری از محضر عالمان و دانشمندان قم، بدانجا روانه شد. از نخستین روزهای سکونت در شهر قم، به جد و جهد، در درس بزرگان حوزه علمیه حاضر شد و ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت علیهم السلام از درس بزرگان آن دیار همچون مرحوم آیت الله ستوده، مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی، مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی و آیت الله وحید خراسانی بهره ها برد. نامبرده پس اتمام تحصیلات دگر بار به زادگاه خویش بازگشت و پس از بازگشت بر کرسی تدریس در دانشگاههای شهر همدان مشهد تکیه زد و در این مدت دانشجویان فراوانی از محضر ایشان بهره های فراوان علمی برده اند.استاد در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیزی دیگری نیندیشیده که مقالات" نقد مستند ذاتی بودن الهی "و" اصحاب و وکلای همدانی "از جمله آثار ایشان است.

غیرت اصفهانی، جعفر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۱۵ ق)، شاعر. وی از سادات موسوی اصفهان بود. غیرت کلامی خوب داشت و ابیات مرغوبی می‌سرود و همواره به تحصیل کمالات دینی و مراتب علمی می‌پرداخت. وی در اصفهان درگذشت. از آثارش «دیوان» شعر می‌باشد. از اوست:

افسوس که تابوی گلی بود به گلشن

صیاد نیاویخت به گلشن قفس ما[۱]

(تد.)- اصفهانی، (سید) میرزا جعفر، شاعر و ادیب (ف. ۱۲۱۵ ه.ق).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تذکره‌ی روز روشن (۵۹۱)، الذریعه (۷۹۷ / ۹)، ریحانه (۲۶۰ / ۴)، سفینه المحمود (۵۰۱ -۴۹۹ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ غیرت اصفهانی)، مجمع الفصحا (۷۷۶ / ۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۳۴ -۱۳۳)، مکارم الآثار (۳۷۳ -۳۷۲ / ۲).

غیرت کرمانشاهی، عبدالکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۵ -۱۲۵۷ ش)، شاعر. در همدان چشم به جهان گشود. نسب وی به شرفاء مکه و حضرت امام حسن مجتبی (ع) می‌رسید. در هفت سالگی به کرمانشاه مهاجرت کرد و علوم ادبی را در مدارس قدیمه آموخت. در هفده سالگی به انجمن ادبی کرمانشاه پیوست. وی با موسیقی آشنا بود. غیرت در اوان پیدایش نهضت مشروطیت جزو آزادیخواهان این نهضت شد و برای روزنامه‌های «کرمانشاه»، «بیستون»؛ «غرب ایران» و «دانش و هنر» فعالت کرد. وی عضو هیأت تحریریه «اخوت» نیز بود و در انواع خط بخصوص نستعلیق مهارت داشت. سرانجام در تهران بدرود حیات گفت و پیکرش به شهر قم انتقال یافت و در آن شهر مدفون گردید. از آثارش: «دل‌نامه»؛ «مجنون‌نامه»، شعر. فرزندش سید محمد سعید غیرت کلیه آثار پدر را تحت عنوان « کلیات آثار عبدالکریم غیرت کرمانشاهی» به چاپ رسانید.[۱]

(تد.)- کرمانشاهی، (سید) عبدالکریم بن عباس، شاعر (ف. ۱۲۷۵ ه.ق). او راست: منظومه‌ی فارسی «دل‌نامه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ مشاهیر کرد (۳۳۴ -۳۳۲ / ۲)، الذریعه (۷۹۷ / ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۴ -۳۳ / ۵)، سخنوران نامی معاصر (۲۵۷۷ -۲۵۷۳ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۶۷۷)، گلزار معانی (۵۰۷ -۴۴۹)، لغت‌نامه (ذیل/ غیرت کرمانشاهی)، مؤلفین کتب چاپی (۹۲۷ -۹۲۶ / ۳).

غیرت همدانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به غیرت/ غیرتی. وی معاصر شاه‌سلیمان صفوی (۱۱۰۵ –۱۰۷۸ / ۱۰۷۷ ق) و از شعرای مسلم وقت خود بود. غیرت در غزل از اقران و معاصران دست کمی نداشت و در دفن موسیقی و علم اصوات نیز استاد بود. وی چند مقام اختراع کرد و چند تصنیف و آهنگ در زمان خود ساخت. از آثارش: «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۸۳ / ۱)، تذکره‌ی روز روشن (۵۹۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۲۲)، الذریعه (۷۹۷ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۷۷)، لغت‌نامه (ذیل/ غیرت همدانی).

غیرتی شیرازی، شرف‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از شاعران و سخنوران سرشناس روزگار خود بود. نام اصلی وی به گفته‌ی مؤلف «کاروان هند» پهلوان شرف کماندار است و در شیوه‌ی کمانداری و پرتاب‌افکنی ماهر بوده است. از شیراز به قزوین رفت و در آن جا صحبت مولانا ضمیری اصفهانی دریافت و سپس از ایران به هندوستان رفت. پس از چهار سال اقامت در هند به ایران بازگشت و چندی در کاشان به سر برد و از آن جا به شیراز رفت. وی در شیراز به دکان میرمحمود طرحی که مسکن شعرا و فصحایی چون عرفی شیرازی و عارف لاهیجی و تقیای شوشتری بود راه یافته و همه روزه غزل طرح می‌کردند. غیرتی، عرفی (۹۹۹ –۹۶۳ ق) را که در این زمان شاعری جوان بود به سرودن اشعار تحریض می‌نمود. از آثار وی: «دیوان» شعر، قریب به پنج هزار بیت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۱ –۱۸ / ۴)، الذریعه (۷۹۸ / ۹)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۷۵ / ۲)، کاروان هند (۹۶۹ –۹۵۹ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ غیرتی شیرازی)، مجمع الخواص (۲۱۹ –۲۱۸)، هفت اقلیم (۲۵۱ –۲۴۹ / ۱).

غیری کرمانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۱۰۱۷ ق)، شاعر. وی از طایفه‌ی ترک کرمان بود و سفر بسیار می‌کرد و در ضمن یکی از سفرها با تقی‌الدین اوحدی ملاقاتی داشت. اوحدی می‌نویسد: «او را ملاقات کردم متتبع احوال عرفا بوده است و مسافرت می‌نمود». از غیری چند رباعی به جای مانده که توانایی او در شاعری را نشان می‌دهد. در تذکره‌ی «شاعران کرمان» تاریخ قتل او به اشتباه ۷۱۱ ق ذکر شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۰۸)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۳۸۳ –۳۸۲)، ریاض العارفین (۱۱۹)، ستارگان کرمان (۲۸۸)، فرهنگ سخنوران (۶۷۸)، لغت‌نامه (ذیل/ غیری کرمانی).

غیور کرمانی، حسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۱۰۰ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به غیور. وی از استادان شکسته‌نویس متقدم است. در مقدمات علمی و شعر و انشاء و فن سیاق مهارتش کامل و در صنایع لطیفیه عرب ممتاز بود. او مدتی به وزارت گرجستان مأمور بود و در مراجعت از این مأموریت اکثر اوقات را صرف سرودن اشعار می‌کرد. میرزا حسن طبعی روان داشت و مهارتش در سرودن مثنوی بود. غیور در خط شکسته شاگرد شفیعای هروی بود.از آثار وی: «مثنوی فی علم السیاق»؛ «دیوان» شعر. از خطوط او: یک نسخه «گلشن راز» شبستری، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «کتبه العبد الحقیر حسن الکرمانی فی سنه ۱۰۶۸»؛ یک قطعه به قلم نیم دو دانگ عالی، با رقم: «... الفقیر میرزا حسن بتاریخ شهر شعبان یکهزار و هشتاد و شش ۱۰۸۶ هجری».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۶۲ / ۴)، اطلس خط (۶۱۵ –۶۱۴)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۳۸۳)، تذکره‌ی المعاصرین (۱۸۱ –۱۸۰)، خوشنویسان و هنرمندان (۱۳۵ ،۸۷)،الذریعه (۲۵۰ / ۱۹ ،۷۹۷ / ۹)، ستارگان کرمان (۲۸۸)، فرهنگ سخنوران (۶۷۸).

غیور همدانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۷ ش)، شاعر. وی در همدان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و قسمتی از متوسطه را در زادگاهش به انجام رسانید و به تهران آمـد و تحصـیلات خود را در آنجا ادامه داد و لیسانس ریاضـی گرفت. آن‌گاه به اسـتخدام وزارت فرهنگ درآمـد. وی از نوجوانی شعر و شاعری را شـروع کرد و اشعارش را در جراید محلی به چاپ رسانید در ۱۳۳۶ ش قسـمتی از اشعارش به نام «رؤیا» طبع و نشر گردیـد. وی از شـاعران نوپرداز است و کمـتر به سـرودن غزل و قصـیده پرداخته و بیشتر اشـعارش را در شـکل دوبیتی عرضه داشـته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :بزرگان و سخن‌سـرایان همدان (۳۸۶ -۳۸۲ / ۲)، سـخنوران نامی معاصر (۲۵۸۲ -۲۵۷۸ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۲ -۸۳۱ / ۲).

غیوری، چمدان اوغلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به غیوری. وی از امرای ترک دربار صفویه در زمان شاه‌طهماسب (۹۸۴ -۹۳۰ ق) و شاه‌عباس اول بود. غیوری به هندوسـتان رفت و از ملازمـان اکبرشـاه گشت و در یکی از جنگهای او کشـته شـد. وی غزل را نیکو می‌سـرود.در «مجمع الخواص» نمونه‌ای از سروده‌های او آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۹۶ -۴۹۵)، الذریعه (۷۹۷ / ۹)، صبح گلشن (۳۰۲)، فرهنگ سخنوران (۶۷۸)، لغت‌نامه (ذیل/ غیوری)، مجمع الخواص (۳۳ -۳۲).

غیوری، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مجتبی غیوری

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۸ ه ش با اخذ دیپلم ریاضـی (در شهرسـتان نجف آباد) به شهر مقدس قم وارد و در مدرسه علمیه عترت (آل محمد) مشغول به تحصیل دروس حوزه گشتم و با عنایت الهی توانستم تا پایان لمعتین را در این مدرسه با معدل ۲۰ به پایان برسانم . علاوه بر آن همزمـان دروس مقــدماتی را تـدریس نمـایم . رسائـل . مکـاسب و کفـایه را در مـدرسه آیـت الله گلپایگـانی در نزد استادانی چون دوزدوزانی . علیدوست و حسینی خراسانی به اتمام رساندم.

از سال ۷۴ دروس خارج فقه و اصول را در مسـجد اعظم نزد اسـتادان وحیـد خراسانی و تبریزی آغاز و در ادامه نزد اسـتادان مکارم شیرازی و سبحانی تلمذ نموده و استفاده‌های وافر از این عزیزان بردم.

همزمان با شرکت در دروس خارج با موسسه صاحب الامر و جعفریه همکاری نموده و به عنوان محقق کارهائی چون مقابله .تخریج . تقویم النهی و مراجعه نهائی را به عهـده گرفتم در ادامه در سال ۷۶ با موسـسه دارالحدیث قرارداد همکاری بسته و در تدوین دائرهٔ المعارف حدیث شیعه تحت عنوان موسوعهٔ میزان الحکمه به فعالیت مشغول شدم . همچنین با قسمت پاسخگوئی به سوالات حدیثی که از اقصـی نقاط کشور از طریق تلفن صورت گرفته پاسخ گفته و در این زمینه مشاوره‌های مقتضی را ارائه داده که در حال حاضر نیز این فعالیتها ادامه دارد . علاوه بر موارد فوق در تـدوین و تحقیق دوموسوعه بزرگ حـدیثی یعنی موسوعهٔ الامام علی بن ابیطالب فی الکتـاب و السنه و التاریـخ بـه زبـان عربی و ترجمـه فارسـی و نیز حکمـت نـامه پیـامبر اعظـم صـلی الله علیه وآله در این موسسه همکاری داشته ام که در لیست کتب گذشت.

در سال ۷۷ ش همکاری با موسـسه فقهی دائرهٔ المعارف فقه اسـلامی را آغاز نمودم در این موسسه نیز در تدوین دائرهٔ المعارف فقه اسـلامی بر طبق مذهب اهل بیت به فعالیت مشغول گردیدم که تا کنون ۸ جلد از آن منتشـر گردیده و هنوز این همکاری ادامه دارد .در کنـار فعالیتهای فوق اینجانب در سال ۸۱ بـا تأسیس و راه انـدازی انتشارات رسول اکرم به کار چاپ کتاب و فعالیتهای فرهنگی پرداختم که در این زمینه دو کتـاب نیز در موضوعات مهـدویت و ادبیات کودک منتشـر نمودم و لکن به دلیل مشـغولیتهای علمی و

کثرت کار متأسفانه فعالیتهای انتشارات را که مانده و در حال حاضر ادامه ندارد . در ضمن حقیر در سال گذشته پایان نامه سطح ۳ خود را با موضوع التنجیم فی الفقه الاسلامی آغاز نمودم که ان شاء الله در آینده نزدیک به پایان خواهد رسید .

فاتح گیلانی، محمد رضی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. مشهور به فاتح. در رشت به دنیا آمد. وی معاصر با حزین لاهیجی (م ۱۱۸۰ ق) بود. در جوانی از گیلان به اصفهان رفت و در آنجا به تصوف گروید و به سیر و سلوک و تزکیه نفس و ریاضت پرداخت و به شاه فاتح مشهور شد. از آن جا به هندوستان رفت و در دهلی مقیم شد. بعد از مدتی قصد زیارت خانه خدا کرد ولی در راه گجرات به دست دزدان به قتل رسید. از او «دیوان» شعری بالغ بر چهار هزار بیت باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۵۹۲)، تذکره المعاصرین (۳۷۱ -۳۷۰، ۲۱۲ -۲۱۱)، الذریعه (۷۹۸ / ۹)، ریاض العارفین (۲۲۶)، فرهنگ سخنوران (۶۷۹)، کاروان هند (۹۷۰ -۹۶۹ / ۲)،کتاب گیلان (۶۶۰ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ فاتح گیلانی)، نامها و نامدارهای گیلان (۳۶۵ -۳۶۴).

فاتحی، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۹ ش)، شاعر، متخلص به فاتحی. مشهور به محمد شفیعی. در اصفهان به دنیا آمد. مدتی در مدارس جدید تحصیل کرد و زمانی نیز به فراگیری علوم قدیمه پرداخت. در شعر طبع خوشی داشت. اشعارش بیشتر فکاهی است. فاتحی آموزگار بود. از آثار وی: «حقیقت‌گویی فاتحی»، شعر؛ «تعلیمات دینی منظوم یا سرود مذهبی»؛ «ضیاء الابصار»، در حالات ائمه اطهار (ع)؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۳۴۳ -۳۴۲)، الذریعه (۷۹۸ / ۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵۶۸ -۵۶۷ / ۴).

فاخری فسائی، محمدجعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدجعفر بن مرحوم فخرالاشراف بن ملاباشی شیخ‌الاسلام فسائی متخلص به فاخری از فضلاء و شعراء و خوشنویسان معاصر می‌باشد در سال ۱۲۹۰ شمسی در فسا متولد شده و پس از تحصیل مقدمات برای تکمیل مبانی علمی خود به شیراز آمده و مدت ده سال در مدرسه منصوریه شیراز در محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ یوسف حدائق تلمذ کرده است. دارای دو اثر مطبوع منظوم بنام چهل قطعه و شاهد و مشهود می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فارابی، ابونصر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۳۹ / ۳۳۸ -۲۶۰ / ۲۵۹ ق)، ریاضیدان، عارف، فیلسوف، دانشمند، حکیم و موسیقیدان. ملقب به معلم ثانی. در فاراب ماوراءالنهر به دنیا آمد. بیشتر عمر خود را در بغداد گذرانید و اکثر کتابهای خود را در آنجا نوشت. فارابی همچنین سفرهایی به شام، مصر، حران و مرو داشت و در آنجا به تعلیم و تألیف مشغول بود. او نزد استادانی چون متی بن یونس و یوحنا بن حیلان فلسفه آموخت. از شاگردان فارابی، یحیی بن عدی می‌باشد. فارابی مانند صوفیان زندگی می‌کرد و از موسیقی علمی نظری اطلاعات زیادی داشت، وی کتابی هم در این فن نوشته است. بیشترین اهمیت او در شرح آثار ارسطو است و به همین سبب او را معلم ثانی نامیده‌اند. وی در دمشق درگذشت. از آثار او: «احصاء العلوم»؛ « آراء اهل المدینه الفاضله»؛ «عیون المسائل»، در منطق؛ «الجمع بین رأیی الحکیمین» افلاطون و ارسطو، در حدوث عالم؛ «اغراض ما بعدالطبیعه»؛ «تحصیل السعاده»؛ «رساله فی (ماهیه) العقل»؛ «السیاسه المدنیه»؛ «رساله فی اثبات المفارقات»؛ «المدخل الی (صناعه) الموسیقی»، که قفطی در «اخبار العلماء» و صفدی در «الوافی بالوفیات» آن را «کتاب الموسیقی» ذکر کرده‌اند و گفته شده که وی این کتاب را به درخواست وزیر ابوجعفر محمد کرخی نگاشته است.[۱]

ابونصر محمد بن محمد، فیلسوف بزرگ اسلام در نیمه‌ی دوم قر. ۳ و نیمه‌ی اول قر. ۴ ه. (و. فاراب ۲۶۰ ه.ق/ ۸۷۴ م.- ف. دمشق

۳۳۹ ه.ق/ ۹۵۰ م.) فارابی از ماوراءالنهر برای تحصیل علوم به بغداد رفت و بعد از آموختن عربی در حلقه‌ی درس ابوبشر متی بن یونس حضور یافت و چندی بعد به حران رفت و از یوحنا بن حیلان بخشی از منطق را فراگرفت و به بغداد بازگشت و به تکمیل فلسفه مشغول شد. فارابی همه‌ی کتب ارسطو را به دقت مورد مطالعه و تحقیق قرارداد و به معانی آنها وقوف تام و در شرح و تفسیر آثار ارسطو مهارتی خاص یافت و بدین جهت او را «ارسطوی ثانی» یا «معلم ثانی» نامیدند. فارابی از بغداد به مصر رفت و از آنجا به خدمت سیف‌الدوله ابوالحسن علی بن عبداللّه بن حمدان تغلبی پادشاه حلب و دمشق و شام درآمد و در کنف حمایت وی به تعلیم و تألیف مشغول گردید تا در سن ۸۰ سالگی درگذشت. فارابی به ثروت و زینت دنیوی بی‌میل بود و به امر مسکن و پیشه توجهی نداشت و غالب اوقات خویش را در تنهایی بسر می‌برد. اهمیت فارابی بیشتر در شرحهای اوست بر آثار ارسطو و به سبب همین شروح هم او را «معلم ثانی» خوانده و در مقام بعد از ارسطو، قرار داده‌اند. فارابی مانند بسیاری از فلاسفه‌ی اسکندریه و خاور نزدیک که می‌کوشیدند بین عقاید افلاطون و ارسطو را التیام دهند، در کتبی که به بحث در اتفاق آراء افلاطون و ارسطو اختصاص داده سعی بلیغ در این راه به کار برده است و کتاب «الجمع بین رأیی الحکیمین: افلاطون الالهی بین رأیی الحکیمین: افلاطون الالهی و ارسطو طالیس» را در این باب تألیف کرده. فارابی در رساله‌ی فصوص‌الحکم برای اثبات توحید بیشتر به اصول و عقاید نو افلاطونیان و عرفا نزدیک شده و در رساله‌ی آراء اهل المدینهٔ الفاضلهٔ تحت تأثیر افلاطون قرار گرفته و سعادت بشر را در ایجاد اجتماع کاملی دانسته است که همانند اجتماع روحانی باشد. فارابی مانند همه‌ی دانشمندانی که در تمدن اسلامی عنوان فیلسوف داشته‌اند از همه‌ی علوم عهد خود مطلع و در آنها صاحب تصانیفی بوده است. اطلاعات وی در ریاضیات خوب ولی در طب متوسط و در موسیقی بسیار بوده است. روش فلسفی او را باید فی‌الحقیقه یک روش نو افلاطونی اسلامی نامید و این همان روشی است که پیش از فارابی به وسیله‌ی کندی شروع شد و بعد از او از طرفی در آثار اخوان‌الصفاء و از طرفی دیگر در کتب ابوعلی سینا به مرحله‌ی کمال رسید. مع‌ذلک فارابی در بعض موارد با کندی و ابوعلی سینا اختلاف دارد و همچنین چون آثار او تحت تأثیر سه روش عمده‌ی افلاطون و ارسطو و فلوطینس واقع است گاه موارد اختلافی در آنها مشاهده می‌شود و وجه اشتراک همه‌ی این آثار با یکدیگر عبارتست از ترکیب عقاید مذکور با اصول دینی اسلامی. به نظر فارابی بی‌سعادت و عظمت مقام فیلسوف در ترک علایق و تجرد و گوشه‌گیری است. حاصل علم و مقدمه‌ی سعادت اخلاق است و عالمی که از مبانی اخلاقی پیروی نکند از سعادت کمال برخوردار نیست. اثر فارابی در فلاسفه‌ی بعد از خود بسیار بوده است و با این حال از انتقادات برخی مانند ابن رشد آسوده نمانده است. ابن‌رشد در چند مورد از کتاب تهافت التهافت بر فارابی تاخته و او را در شمار متکلمان قرار داده است نه در زمره‌ی فیلسوفان. فارابی را در حدود صد تألیف است و مهمترین آنها عبارتند از: رسالهٔ فی مبادی آراء اهل المدینهٔ الفاضلهٔ، مقالهٔ فی معانی العقل، عیون‌المسائل، فصوص‌الحکم، رسالهٔ فی السیاسهٔ، المسائل الفلسفیهٔ، احصاءالعلوم، اغراض ارسطو طالیس فی کتاب ما بعد الطبیعهٔ، رسالهٔ فی اثبات المفارقات.

ابونصر محمد بن طرخان بن اوزلغ و یا محمد بن محمد بن محمد بن طرخان حکیم و فیلسوف ترک معروف به (معلم ثانی).

تولد این دانشمند بزرگ در (فاراب) و شهرتش نیز فارابی از اکابر فلاسفه نامی و حکماء اسلامی قرن چهارم زمان آل‌بویه می‌باشد و چون ارسطوی حکیم مشهور به معلم اول است وی را معلم ثانی گویند.

در میان حکماء کسی به پایه وی نرسیده و در قوه مدرکه دارای اولین درجه بوده و ابن‌سینا با آن همه جلالت و نبوغ علمی که داشته از کتابهای او استفاده شایانی نموده و در مصنفات خود از انوار علمیه‌اش اقتباس می‌کرده است.

از همین جهات است که در کلمات اکابر و بزرگان به استاد الفلاسفه و ملک‌الحکما توصیف شده است و او اولین حکیم و فیلوسفی است که در دوره اسلام ظهور کرده و نام فاراب را به تمام جهان رسانیده.

اجمالا فارابی در زادگاه خود شهر فاراب علوم اولیه را فراگرفته و مسافرت به بلاد ایران نموده و به زبان فارسی و السنه دیگر آشنا شده و مسافرت به بغداد نموده و زبان عربی را هم در آنجا آموخته و با صاحب بن عباد و شیعیان آنجا مصاحبت داشته و پس از تکمیل حکمت و فلسفه در حران و غیره در بغداد به تحصیل ریاضیات و فنون حکمت اشتغال و تمام کتب ارسطو را تتبع و ممارست نموده و گویند وقتی از او پرسیدند تو داناتری یا ارسطو در پاسخ گفت اگر من زمان ارسطو را درک می‌کردم هر آینه بزرگترین شاگردان او می‌شدم.

قاضی نوراللّه شهید شوشتری در مجالس المؤمنین خود او را بسیار ستوده و گوید: وی معلم مقالات اهل یونان و متمم کمالات نوع انسان بوده است.

از آثار فارابی است ۱- آراء اهل المدینهٔ الفاضله والمدینهٔ الجاهله والمدینهٔ الفاسقه والمدینهٔ المبدلهٔ والمدینهٔ الضاله که در مصر و لیدن چاپ شده و مرحوم علامه تهرانی در الذریعه خود در چندین مورد استظهار کرده که فارابی شیعه مذهب و به عصمت ائمه طاهرین علیهم‌السلام معتقد بوده است.

۲- الابانه ۳- ابطال احکام النجوم ۴- احصاء العلوم و چهل کتاب دیگر که جمعاً ۴۴ تألیف می‌شود وفات این نابغه اسلامی در سال ۳۳۷ یا ۳۹ یا ۴۰ و یا ۳۴۴ واقع شده و سیف‌الدوله حکمران شام با جمعی بر وی نماز خوانده است از اشعار فارسی که به او نسبت می‌دهند این رباعی است.

اسرار وجود خام و ناپخته بماند
وان گوهر بس شریف ناسفته بماند
هرکس بدلیل عقل چیزی گفته
آن نکته که اصل بود ناگفته بماند

(خلاصه‌ای از ریحانهٔ‌الادب و غیره)

ابونصر فارابی محمد بن محمد، از همه‌ی علوم عهد خود مطلع و در آنها صاحب تصانیفی بوده است. اطلاعات وی در ریاضیات خوب ولی در طب متوسط و در موسیقی بسیار بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۴۳ -۲۴۲ / ۷) تاریخ ادبیات در ایران (۲۹۹ -۲۹۳ / ۱)، تاریخ الحکماء قفطی (۳۸۳ -۳۷۹)، تاریخ علوم و فلسفه ایرانی (۵۱۱ -۵۰۶)، تاریخ فلاسفه ایرانی (۱۳۰ -۹۸)، تاریخ فلسفه در اسلام (۱۸۲ -۱۶۵ / ۲)، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی (۴۴۸ -۳۹۵)، دایره‌المعارف فارسی (۱۸۲۱ -۱۸۲۰ / ۲)، الذریعه (۲۶۰/ ۲۳ ،۲۹۱ ،۲۴۷ / ۲۰ ،۴۲ ،۴۱ / ۱۹ ،۲۳۵ / ۱۶ ،۳۸۳ / ۱۵ ،۲۷۳ / ۱۲ ،۱۰ / ۱۱ ،۲۵۰ / ۱۰ ،۱۸۳ / ۷ ،۳۹۷ ،۳۹۵ / ۶ ،۲۸۸ ،۲۵۲ ،۱۳۵ ،۱۰۳ ،۱۶ / ۵ ،۵۰۰ -۴۹۹ ،۴۳۷ ،۲۲۷ ،۲۲۴ / ۴ ،۳۹۷ ،۹۱ / ۳ ،۲۵۱ ،۱۲ -۱۱ / ۲ ،۳۸۶ ،۳۷۶ ،۲۸۹ ،۲۶۹ ،۱۰۰ ،۶۶ ،۵۶ ،۳۴ -۳۳ / ۱)، روضات الجنات (۳۱۲ -۳۰۵ / ۷)، ریحانه (۲۶۶ -۲۶۱ / ۴)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۳۴۱ -۳۴۰)، سیر النبلاء (۴۱۸ -۴۱۶ / ۱۵)، شخصیت‌های نامی (۳۶۰ -۳۵۹)، شذرات الذهب (۳۵۴ -۳۵۰ / ۲)، الفهرست لابن الندیم (۳۶۸)، کارنامه‌ی بزرگان (۶۲ -۶۱)، الکامل (۳۳۷ / ۶)، کشف الظنون (۱۲۶۵ ، ۱۰۱۱ ،۵۲)، الکنی و الالقاب (۵ -۴ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابونصر)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۳۳۹)، معجم البلدان (۲۵۵ / ۴)، معجم المؤلفین (۱۹۶ -۱۹۴ / ۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۹۶ -۲۹۱ / ۵)، النجوم الزاهره (۳۴۸ -۳۴۷ / ۳)، الوافی بالوفیات (۱۱۳ -۱۰۶ / ۱)، وفیات الاعیان (۱۵۷ -۱۵۳ / ۵)، هدیه العارفین (۴۰ ،۳۹ / ۲).

فارسانی، کمال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۱ ش)، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به فارسانی. مشهور به مرتضویان. وی از سادات حسینی پاقلعه‌ی اصفهان است که در فارسان از توابع چهار محال اصفهان به دنیا آمد. در ۱۳۱۷ ش در شرکت نفت مسجد سلیمان مشغول به کار شد. وی مدتی روزنامه‌ی «کارگران خوزستان» را منتشر می‌کرد. او در سرودن شعر دارای قریحه‌ی سرشار بود و به زبان انگلیسی و علوم ادبی نیز آشنایی کامل داشت. از آثارش: «اعجب العجائب و اغرب الغرائب»؛ «امثال و واژه‌های محلی»؛ «انتقادات فارسانی»، شعر؛ «اندرزهای فارسانی»، شعر؛ «تأثیر نگاه»؛ «ترانه‌های فارسانی»، شعر؛ «داستانهای امثال»؛ «دوبیتی‌های فارسانی»، شعر؛ «رباعیات فارسانی»؛ «زن‌شناسی»؛ «کمال الصغیر»؛ «مکر زنان»؛ «نفت ملی گشت»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۳۴۶ -۳۴۴)، الذریعه (۷۹۹ / ۹)، مؤلفین کتب چاپی (۹۳ -۹۱ / ۵).

فارسی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خجندی (امام)، ضیاءالدین بن جلال‌الدین مسعود (ف. هرات ۶۲۲ ه.ق) اصل وی از شیراز بود، ولی در جوانی به خراسان رفت و در خجند اقامت گزید و بدین جهت به خجندی معروف شد، اما در اشعار خود «پارسی» تخلص می‌کرد. نسبش به سلمان فارسی می‌رسد. وی از شاعران مشهور قر. ۶ ه. و از شاگردان فخرالدین رازی بود و شرحی بر «الحصول» فخرالدین نوشته است. او ملوک خانیه و خوارزمشاهیان را ستوده است و از جمله‌ی ممدوحانش بیغوملک از آل افراسیاب و علاءالدین محمد بن تکش خوارزمشاه‌اند.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

فارسی ابوالخیر، تقی‌الدین محمد، محمدتقی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۹۴۰ ق)، ریاضیدان، منَجم، ادیب، پزشک و شاعر شیعی، متخلص به فهمی. در شیراز می‌زیست و نزد میر صدرالدین محمد دشتکی شیرازی و فرزد وی میر غیاث‌الدین منصور دشتکی به فراگیری دانش پرداخت. از آثار چاپی او: «آداب السلطنهٔ»، به فارسی؛ «حل التقویم»، به فارسی در نجوم و هیئت. آثار خطی او: «الاحکام الاحکام»، در نجوم به فارسی؛ «اسامی العلوم و اصطلاحاتها» به فارسی در فضیلت علم، حکمت، آداب تعلیم و تعلم، اخلاق و صفات؛ «آغاز و انجام»؛ «طلیعهٔ العلوم»؛ به عربی؛ «بستان الادب»؛ «خلاصه‌ی طلیعهٔ العلوم»، به عربی در علوم ادبی، تفسیر، تصوف و طریقت، حکمت، اخلاق و ریاضیات؛ «انتخاب حل التقویم»؛ «انیس الاطباء»؛ «رساله در هیئت»، به فارسی؛ «رسالهٔ فی حساب القمر»؛ «زبدهٔ الصرف»؛ «شرح رساله‌ی هیئت»؛ «طالع‌نامه»؛ «معرفهٔ سمت القبلهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۰۶/۹)، تاریخ نظم و نثر (۳۸۶)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۹۶/۱)، الذریعه (۱۸۰ ،۱۳۵ /۱۵ ، ۶۷/۷ ،۳۵۹ -۳۵۸ ،۱۰ -۹ /۲ ،۲۹۲ -۲۹۱ ،۳۶ -۳۵ /۱)، ریحانه (۹۴/۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۱/۱۰)، کشف الظنون (۱۱۵)، معجم المؤلفین (۲۵۸/۱۱).

فارسی مهر، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی فارسی مهر

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۷/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۷ دیپلم ریاضی در تهران گرفته در همان سال در دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی بابلسر در رشته اقتصاد قبول شدم . بعد از انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاهها به سپاه پاسدارن پیوستم . در سال ۱۳۶۱ در تهران طلبه شدم و در سال ۱۳۶۳ به قم آمدم، مقدمات و سطح را به پایان رسانده و خارج فقه و اصول را از دروس آقای مکارم شیرازی استفاده کردم و چند سال نیز از درس خارج فقه آقای جوادی آملی و آقای سید محمود هاشمی بهره بردم . در حال حاضر قدرت استنباط از دلائل شرعی را دارم . در سال ۱۳۶۲ کتاب جامع المقدمات را اصلاح و نو نویسی و زیبا کاری کردیم که چاپ شد و تا چاپ ششم هم رفت . و سپس کتاب تجارب و نکات تبلیغی را نوشتم که حاوی تجربیات تبلیغی خود و مبلغین دیگر بود، چون هیچ کس نبود که اشتباه کاریها و قدرتهای تبلیغی آقایان مبلغین را به دیگران منتقل کند . سپس تجارب مبلغان هنرمند را نوشتم و بعد روش مدیریت و تبلیغ در مناطق تسنن را نوشتم زیرا مناطق تسنن، نیازها و مشکلات و ساز و کارهای دیگری را میطلبد . در زمینه معالجات پزشکی از راه طبیعت تجربیات خوبی دارم، در زمینه روان شناسی به اذن خدا کارآمدی بالایی دارم، در زمینه عرفان عملی هم می توانم نیازمندیها را اشباع کنم . کتابهایی که در حال حاضر نیمه تمام دارم در زمینه نماز و عرفان عملی و تجربیات پزشکی و تجربیات روان شناسی و ... می باشد.

فارسی نیشابوری، ابوالحسن عبدالغافر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۲۹ -۴۵۱ ق)، حافظ، محدث، لغوی، ادیب، مورخ و فقیه شافعی. از طرف پدر نوه‌ی شیخ بزرگ ابوحسین فارسی نیشابوری و از طرف مادر نوه‌ی شیخ ابوالقاسم قشیری است. او در نیشابور به دنیا آمد. نزد امام الحرمین جوینی اصول علم حدیث و فقه آموخت و از پدرش، اسماعیل، و مادرش، امرحیم، دختر قشیری و جدش ابوالقاسم عبدالکریم قشیری و جده‌اش، فاطمه دختر ابوعلی دقاق، و دو دایی‌اش ابوسعد و ابوسعید، فرزندان قشیری، و احمد بن منصور مغربی و احمد بن عبدالرحیم اسماعیلی و احمد بن حسن ازهری و خلقی کثیر، احادیث بسیار استماع کرد، و در علوم مذهبی سرآمد گشت و به غزنه و هند و خوارزم مسافرت کرد و بزرگان را دیدار نمود و از ابومحمد جوهری و ابوسعد کنجرودی و ابوبکر محمد طبری اجازه دریافت کرد. ابوسعد عبدالله بن عمر صفار آخرین کسی است که از وی حدیث روایت کرده است. او را فقیهی محقق و فصیحی خوش‌زبان و ادیبی کامل توصیف کرده‌اند. وی خطیب نیشابور گشت و سرانجام در نیشابور درگذشت. از آثارش: «مجمع الغرائب فی غریب الحدیث»؛ «السیاق»، در تاریخ نیشابور که تکمله‌ای بر کتاب «تاریخ نیشابور» حاکم نیشابوری است؛ «المفهم»، شرح «غرایب صحیح مسلم».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۷ / ۴)، روضات الجنات (۲۲ / ۸)، ریحانه (۲۷۳ -۲۷۲ / ۴)، سیر النبلاء (۱۸ -۱۶ / ۲۰)، شذرات الذهب (۹۳ / ۴)، العبر (۴۳۶ -۴۳۵ / ۲)، کشف الظنون (۱۶۰۲، ۱۰۱۱، ۵۵۸، ۳۰۸)، الکنی و الالقاب (۶۷ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالحسن)، معجم المؤلفین (۲۶۷ / ۵)، وفیات الاعیان (۲۲۵ / ۳)، هدیه العارفین (۵۸۷ / ۱).

فارسی نیشابوری، ابوالحسین عبدالغافر

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۴۴۸ -۳۵۰ ق)، محدث و فقیه. وی از ابواحمد محمد بن عیسی بن عمرویه جلودی در ۳۶۵ ق «صحیح» مسلم و از ابوسلیمان خطابی «غریب الحدیث» را استماع کرد و از بشر بن احمد اسفرایینی و چند تن دیگر حدیث شنید و خود حدود پنجاه سال حدیث گفت. نصر بن حسن تنکتی شاشی و ابوعبدالله حسین بن علی طبری و عبیدالله بن ابوالقاسم قشیری و عبدالرحمان بن ابوعثمان صابونی و محمد بن فضل صاعدی فراوی و اسماعیل بن ابوبکر قاری و فاطمه بنت زعبل و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. «صحیح» مسلم را حسن بن احمد سمرقندی حدود سی مرتبه و ابوسعد بحیری حدود بیست مرتبه بر او قرائت کرده‌اند. نوه‌اش عبدالغافر بن اسماعیل فارسی نیشابوری جد خود را مردی مورد اعتماد، صالح و دیندار معرفی کرده است. شیخ ابوالحسین فارسی در نیشابور درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (۲۹۸ / ۲)، سیر النبلاء (۲۱ -۱۹ / ۱۸)، شذرات الذهب (۲۷۸ -۲۷۷ / ۳)، العبر (۲۹۲ / ۲).

فارسی، شجاع

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از کاتبان است. از آثار وی: یک نسخه «دیوان» حسن دهلوی، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «تم الدیوان افصح المتکلمین امیرحسن دهلوی بید العبد الفقیر شجاع الفارسی... فی تاریخ ۹۳۹».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۰۸ -۳۰۷/ ۲).

فارسی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اهل ده علی فارس بود. «الذریعه» نم محل تولد وی را دهمل نوشته است. او به تحصیل علم و زهد و تقوی پرداخت و مدتی به هندوستان رفت و به آورده‌ی نصرآبادی در زمان تألیف «تذکره‌ی نصرآبادی» (۱۰۸۳ ق) به اصفهان سفر کرد.

از وی اشعاری در تذکره‌ها نقل شده است. از اوست:

نعمت الوان شاهان گرچه از خوان گداست

لیک در جو آب شیرین است و در دریاست تلخ

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۲۰۲)، الذریعه (۱۰۰۲ -۱۰۰۱/ ۹)، کاروان هند (۱۲۴۳/ ۲).

فارسیجانی، پرویز

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پرویز فارسیجانی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای پرویز فارسیجانی در سال ۱۳۴۳ در خانواده ای دوستدار خاندان پاک عصمت و طهارت در تهران دیده به جهان گشود، شوق فراوان او به تحصیل علوم دینی سبب گردید تا در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه گردد. در روزهای نخستین ورود به حوزه با جدیت تمام به تحصیل پرداخت و از آسمان آستان حوزه علمیه ستاره ها چید. در درس اخلاق مرحوم آیت الله مجتهدی تهرانی حاضر گردید. شرح تجرید را نزد آیت الله مکارم شیرازی آموخت، از محضر آیت الله صالحی مازندرانی به تحصیل رسائل و مکاسب پرداخت.

در کنار درس، تدریس را نیز فراموش نکرد و در حوزه علمیه آیت الله مجتهدی تهرانی، دانشگاه آزاد تهران و دانشگاه علوم قرآنی تهران دروس مختلفی را تدریس کرد. وی هیچ وقت از امر پژوهش نیز غافل نبوده است و کتابهایی نیز به چاپ رسانده که برخی از آنها عبارتند از: میزان حکمت، نگین هستی

فارغای اصفهانی، محمد ابراهیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی برادر ملا علی عشرتی و قطب‌العارفین حاج اسماعیل است.او اهل ورنو سفادران از قرای اصفهان بود. در عهد شاه جهان (۱۰۶۹ -۱۰۳۷ ق) به سوی هند رفت و با ظفرخان احسن تربتی، حاکم کابل، هم‌صحبت شد. بعد از آن به لاهور رفت و در آن جا بر اثر بیماری درگذشت. پیکر وی توسط ستی‌خانم خواهر طالب آملی با عظمت و احترام به خاک سپرده شد. از

اوست:

یا رب دل شکسته اگر نیست جای تو

پس در کجایی ای همه جانها فدای تو؟

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۳۹)، تذکره‌ی روز روشن (۵۹۶)، الذریعه (۸۰۰ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۸۱ -۶۸۰)، کاروان هند (۹۷۲ -۹۷۱ / ۲).

فارغی شیرازی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به فارغی. برادرزاده‌ی شیخ فتح‌الله شیرازی و پدر میرمرتضی منجم و میرشریف بود. اما به آورده‌ی «کاروان هند» وی برادر شاه فتح‌الله شیرازی و پدر میرتقی منجم و میرشریف است. به هندوستان مسافرت کرد و در خدمت بیرام‌خان خان خانان (م ۹۶۸ ق) قرار گرفت و به درخواست او تخلص فارغی را به فایقی تبدیل کرد. سپس به زادگاهش بازگشت و بر تخلص فارغی شعر گفت. در سفر دوم به هند ملازم اکبرشاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) شد و تا پایان عمر در آنجا ماند. مدفن وی در آگره است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۷ -۴۶ / ۴)، الذریعه (۸۰۷، ۸۰۱ / ۹)، صبح گلشن (۳۰۶)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۷۵ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۸۷، ۶۸۱)، کاروان هند (۹۸۲ -۹۸۰/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ فارغی)، مرآت الفصاحه (۴۴۵ -۴۴۴)، نتایج الافکار (۵۳۳ -۵۳۲)، هفت اقلیم (۲۴۶ / ۱).

فارغی قمی، فارغا

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، شاعر. در عهد اورنگ‌زیب عالمگیر (۱۱۱۸ -۱۰۶۹ ق) به هند رفت و در همان جا تشکیل خانواده داد. وی به کمک میر عبدالجلیل بلگرامی، که از طرف عالمگیر بخشیگر و وقایع‌نگار بود، به دهلی مسافرت کرد و در آنجا به ملازمت سلطان فرخ سیر (۱۱۳۱ -۱۱۲۴ ق) درآمد و عهده‌دار منصب و لقب ناظم‌خان گشت و به نظم «کارنامه‌ی شاهی» یا «شاهنامه‌ی فرخ سیر»ی با همکاری ملا فخرالدین دانای کشمیری مأمور شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۷۹۶)، الذریعه (۸۰۰ / ۹)، صبح گلشن (۱۶۰ -۱۵۹)، فرهنگ سخنوران (۹۱۶، ۶۸۰)، کاروان هند (۹۸۰ -۹۷۹ / ۲).

فارغی هروی، شیخ ابوالوجد، ابوالواحد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۰ ق)، صوفی، عارف و شاعر. وی از مشایخ بنام هرات بود. در عهد سلطنت ظهیرالدین محمد بابر (۹۳۷ -۹۳۲ ق) به اتفاق دایی خود، شیخ زین‌الدین خوافی، به هند رفت و در دربار وی تقرب یافت. پس از او به ملازمت همایون پادشاه رسید و به امیرالشعراء ملقب شد. در اگره درگذشت و در خانقاه شیخ زین دفن شد.وی در سرودن اقسام شعر توانا بود. در «صبح گلشن» وی به اشتباه عموی شیخ زین‌الدین خوافی ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۵۵)، تذکره‌ی روز روشن (۵۹۷ -۵۹۶)، حبیب السیر (۳۵۷ -۳۵۶ / ۴)، الذریعه (۸۰۱ / ۹)، صبح گلشن (۳۰۶ -۳۰۵)، فرهنگ سخنوران (۶۸۱)، کاروان هند (۹۸۵ -۹۸۲ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ فارغی)، مجالس النفایس (۶۹)، هفت اقلیم (۱۵۸ -۱۵۷ / ۲).

فاضل اردکانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محدث قمی در الکنی والالقاب ج ۳ ص ۲۲- گوید: شیخ اجل علامه مولی حسین بن محمد اسماعیل اردکانی حایری عالم جلیل و

مرجع تقلید بوده، و جمعی از مجتهدین از محضر او برآمدند چون علامه جلیل میرزا محمد تقی شیرازی و سید اجل سید محمد اصفهانی (استاد آیه‌الله حایری یزدی) و سید حسن کشمیری و میرزا مهدی شیرازی.

از عموی فاضلش مولی محمد تقی اردکانی روایت میکند که سال ۱۲۶۷ در تهران که ساکن بوده فوت کرده در مدرسه خان تهران مدرس بوده و هم روایت کند که از سید حجه‌الاسلام رشتی اصفهانی.

مولای اردکانی مصنفاتی دارد در طهارت و صلوه و متاجر و غیره و در سال ۱۳۰۵ در کربلا فوت کرده و در مقبره استادش صاحب ضوابط دفن شده است.

علامه شهرستانی حاج میرزا محمد حسین که از تلامذه میرز اوست و بعد از وی ریاست امامیه بوی منتهی گردید در تاریخ وفات او گوید:

و لما ذاب وجدالقلب هما

لموت ولیّ امیرالمؤمنینا

فقم فزعا وارخ بالبکاء

حسین بالثری امسی رهینا

(۱۳۰۵)

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

فاضل استرآبادی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد بن علی بن ابراهیم معروف به فاضل استرآبادی استاد علماء کربلا صاحب منهج‌المقال (رجال کبیر) و رجال صغیر که وحید بهبهانی تعلیقاتی بر آن نوشته و معروف است که در رجال کتابی بهتر از آن نوشته نشده و هم از تصنیفات اوست شرح آیات الاحکام و حاشیه تهذیب و رسائل مفیده دیگر وفات آن بزرگوار در سیزدهم ذی‌قعده ۱۰۲۸ ق در مکه معظمه واقع و در قبرستان معلی نزدیک قبر حضرت خدیجه کبری مدفون گردید و در نخبه ماده تاریخش را چنین گفته.

والاسترآبادی فاضل سنی

له الرجال فوئه رضی

و این بزرگوار از افرادی است که به فیض تشرف و زیارت حضرت ولی عصر روحی له الفداء رسیده چنانکه مجلسی ره در سیزدهم بحار نقل نموده از جماعتی از آن بزرگوار که فرمود شبی در مسجدالحرام طواف می‌کردم بر دور خانه کعبه که جوان خوشروئی را دیدم که مشغول به طواف بوده چون به من رسید دسته گل سرخی به من عطا کرد و این در غیر فصل گل بود پس من از او گرفتم و بوئیدم و پرسیدم که ای سید من این گل از کجاست. فرمود از خرابات این بفرمود و پنهان شد و دیگر او را ندیدم سمعانی در انساب گفته خرابات جزیره‌ای در مغرب است در دریای محیط که از آنست جزیره خضراء.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فاضل ایروانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۶ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی و مجتهد. اصلش از ایروان بود. در چهارده سالگی وارد کربلا- شد و چهار سال نزد صاحب «ضوابط» تلمذ نمود. سپس به نجف مهاجرت کرد و در محضر صاحبان «جواهر» و «انوار الفقاهه» شاگردی کرد، و بعدها از محضر شیخ انصاری استفاده بسیار نمود و بعد از ایشان و علامه کوه‌کمری در ۱۲۹۹ ق به تدریس و تألیف مشغول شد و مرجع تقلید گشت. ریاست دینی و شهرت فراگیرش در ایران و روسیه و ترکیه و هند سبب شد تا عالمان بزرگی بر گردش جمع شده و در محضرش شاگردی نمایند. وی در مدرسه‌ی معروف خودش در نجف اشرف دفن شد. از او تألیفات و رسائل بسیار در فقه و اصول باقی مانده است. از آثار وی: تعلیقه بر «رسائل» استادش، علامه انصاری؛ حاشیه بر «قواعد»؛ حاشیه بر «تفسیر» بیضاوی؛ «رساله‌ی عملیه»، فارسی، در جمیع فقه، مجلد اول در عبادات و دوم در معاملات؛ رساله‌ای در «اجتماع الامر و النهی»؛ «المکاسب المحرمه»؛ کتاب «البیع» استدلالی؛ «اصول الفقه»؛ «الاجتهاد و التقلید»؛ «الاجزاء»؛ «الاستصحاب»؛ «اصاله البرائه»؛ «التعادل و التراجیح»؛ «حجیه المظنه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۱۰ / ۹)، الذریعه (۱۵۱ / ۲۲، ۶۲ / ۱۵، ۲۱۸، ۳۰ / ۱۱، ۲۷۸، ۱۷۳، ۴۳ / ۶، ۲۰۴، ۴ / ۱۹۲، ۳ / ۲۰۹، ۱۱۵، ۲۵ / ۲، ۲۷۴، ۲۷۲، ۲۶۸ / ۱)، ریحانه (۲۷۸/ ۴)، علماء معاصرین (۲۲ -۲۱)، فوائد الرضویه (۶۰۱)، الکنی و الالقاب (۹-۸ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ فاضل ایروانی)، المآثر و الآثار (۱۵۲)، معجم المؤلفین (۱۹۷ / ۱۱).

فاضل بخشایش، جواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد فاضل بخشایش

محل تولد : بستان آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب جواد فاضل بخشایش در سال ۱۳۴۵ در شهر بخشایش از توابع شهرستان بستان آباد واقع در آذربایجان شرقی در یک خانواده روحانی دیده به جهان گشودم تا مقطع سیکل در زادگاه خودم تحصیل کردم پس از اتمام سیکل در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه مدرسه طالبیه تبریز شدم و مقدمات ادبیات عرب و مقداری از فقه و اصول را در آن جا فراگرفتم. سپس در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه قم شدم و به تحصیل فقه و اصول و فراگیری کلام و فلسفه و عرفان از اساتید بزرگواری همچون مرحوم آیهٔ الله پایانی قدس سره، حاج آقا اعتمادی، حاج آقا موسوی تهرانی و استاد اسحاق نیا حفظهم الله تعالی مشغول بوده و هستم.

الان بیشتر فعالیتم آموختن فلسفه و عرفان و تحقیق در نهج البلاغه و تفسیر می باشد. در هر هفته یک روز مدت ۸ سال است که مشغول تدریس تفسیر قرآن برای جوانان هستم. در طول این مدت با دفتر تبلیغات و موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث در تحقیق موضوعات و آثار مختلف اسلامی همکاری داشته و دارم.

فاضل برسی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن از مدرسین بزرگ معاصر و از متنفذین آستان قدس رضوی بود و حوزه درس او از سایر حوزه‌ها با اهمیت‌تر و افاضل طلاب که اکنون از علماء و آیات بزرگ مشهدند از محضرش استفاده می‌نمودند وی در اثر کسالت چندی از مشهد به (برس) رفت و پس از مدتی با عتاب عالیات عزیمت نمود و در آنجا در سال ۱۳۵۳ وفات و در جوار ائمه عراق علیهم‌السلام مدفون گردید.

فرزند ارجمندش مرحوم آقا شیخ عبدالجواد برسی از فضلاء مشهد بودند و چندی در عزلت و انزوا گذرانید تا در روز سه‌شنبه ۲۰ رجب ۱۳۸۲ وفات و در جوار روضه رضویه مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

فاضل بسطامی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حجه‌الاسلام آقا شیخ محمد معروف بفاضل بسطامی از علماء و مدرسین معروف حوزه علمیه مشهد بوده و بسیاری از علماء حاضر مشهد و قم و نجف (۱۳۵۲ شمسی) از وی استفاده و روایت نموده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

فاضل بسطامی، نوروز علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۹ ق)، عالم امامی، فقیه، محدث و واعظ. در بسطام به دنیا آمد. در کودکی به مشهد مهاجرت کرد و در خدمت علمای بزرگ آن زمان تحصیل فقه و اصول نمود تا به درجات بالائی از فضل و کمال رسید. از آثارش: «التحفه الحسینیه»، در بیان حالات حضرت سیدالشهداء (ع) و اهل‌بیت او، در دو مجلد؛ «التحفه الرضویه»، در ذکر حالات و معجزات حضرت ثامن‌الائمه (ع)؛ «سرور العارفین»، در احوال مختار؛ «نجاه لخافقین فی ثواب زیاره الحسین (ع)»؛ کتاب «ذخیره المعاد»، در اخلاق و موعظه و ارشاد؛ کتاب «سراج المتهجدین»، منتخبی از «تحفه الابرار» شیخ حسین اصفهانی؛ کتاب «لولوه البحرین فی ذکر مناقب الحسین (ع)».[۱]

نوروزعلی معروف به (فاضل بسطامی) متوفی ۱۳۰۹ ق عالمی با عمل و فاضلی بی‌بدل از روات اخبار و ناقلین آثار ائمه‌اطهار علیهم سلام‌اللّه الملک الغفار بوده وی در بسطام متولد و از کودکی مهاجرت به مشهد نموده و در خدمت علماء بزرگ آن زمان تحصیل

فقه و اصول نموده تـا به درجـات سـامیه فضـل و کمـال رسـیده و چنـدین کتب تألیف کرده که از آن جمله (تحفه الحسـینیه) در دو مجلـد در بیـان حالات و مراثی حضـرت سیدالشـهداء و اهـل‌بیت طیبـات آن جنـاب و دیگر کتـاب تحفه الرضویه در ذکر حالات و معجزات حضرت ثامن‌الائمه (ع) و کتاب سرورالعارفین در احوال مختار و نجات الخافقین در فضیلت زیارت حضرت سید الشهداء و کتاب ذخیره المعاد و کتاب (سراج‌المتهجدین) و کتاب (لؤلؤة البحرین) و غیره.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۵۸ –۵۷ / ۲۴ ،۳۷۸ / ۱۸ ،۱۷۵ ،۱۶۱ –۱۶۰ / ۱۲ ،۲۱ / ۱۰ ،۴۳۶ ،۴۳۰ / ۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۵۲ –۱۵۱ / ۷).

فاضل جم، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۹ ق)، عـالم، ادیب، خطیب و شـاعر، متخلص به فاضـل. معروف و ملقب به فاضل جم. وی به روسـتای جم وزیر در چهار فرسـخی سـیراف فارس منسوب است. او از شاگردان علامه شیخ مهدی کجوری است که مدتی در شیراز در محضر شیخ حاضر شد و از او کسب اجازه نمود. سپس به عراق مهاجرت کرد و در محضر ملا حسین فاضل اردکانی در کربلا و سید حسین کوه‌کمری در نجف شاگردی نمود تا از سید حسـین کوه‌کمری نیز کسب اجازه نمود. او در بسـیاری از علوم ماهر و دارای خط بسیار خوبی بود. وی اخلاـق نیکویی داشت و شـعر را روان می‌گفت. از آثـار وی: «جام‌جم فی آثار العجم»، کشـکولماننـدی است مشـتمل بر فواید علمی و تـاریخی، از آن جمله ذکر ادوار تـاریخی سـیراف که امروزه به بنـدر طاهری معروف است و همچنین ذکر آثـار برجسـته و قـدیمی، ماننـد مسـجدی که در نزدیکی کوه آنجا بنا شـده و غیره؛ «ریاض المصائب»، مقتل، در مواعظ و تواریـخ و سیر و مصائب؛ «المنشآت اللطیفه» نظم و نثری به فارسـی و عربی است که آن را با سـفرنامه حجش آغاز و در ضمن آن پاره‌ای از اسرار حج را ذکر کرده و در پایان، منظومه‌ی «لیلی و مجنون» را آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۴۵ / ۶)، الذریعه (۲۷ / ۲۳ ،۳۳۷ / ۱۱ ،۲۳ / ۵)، ریحانه (۲۷۹ / ۴)،طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۲۲ – ۶۴۱ / ۱۴)، لغت‌نامه (ذیل/ فاضل جم).

فاضل زرقانی، ملا عبدالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۳ ق)، شاعر، متخلص به شایق. مشـهور به فاضل. در زرقان فارس به دنیا آمد و در شیراز نزد علمای عصر خود شاگردی کرد و با فنون عربی، حکمت الهی، اخبار و احادیث اهل‌بیت (ع) آشـنایی یافت. وی خط نسخ و شکسـته را با مهارت خاصـی می‌نوشت. فاضل گاهی به وعظ و روضه‌خوانی نیز می‌پرداخت. او با صاحب «مرآت الفصاحه» آشنا بود. رباعی زیر از اوست:

هستی چو به خود هست و نمی‌گردد نیست
پس حق خود اوست، ورنه دیگر حق کیست
از حال عدم مپرس و از ماهیت
کاین هر دو به وهم توست، در وهم مایست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۱۳۱)، حدیقه الشعراء (۱۲۷۷ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۸/ ۴)، فرهنگ سخنوران (۶۸۲)، مرآت الفصاحه (۴۴۹ –۴۴۸).

فاضل سمرقندی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، عالم. اهل سمرقند و از علمای زمان سلطان حسین گورکانی بود. از آثار وی حاشیه‌ای بر «شرح شمسیه» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۱۰۴ / ۴)، رجال حبیب السیر (۱۳۹)، کشف الظنون (۱۰۶۴).

فاضل قائینی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد المعروف به فاضل قائینی نجفی رحمه‌اللَّه. وی در یکی از روستاهای قائن در سال ۱۳۰۵ به دنیا آمده و در دامن والد ماجدش مرحوم حجهٔالاسلام آقا شیخ عبدالکریم که از اهل فضل و دانش بودند پرورش یافته و با تشویق و تحریص او به تحصیل علم و کمال پرداخته و مقدمات را از یکی از علماء روستای مجاورش آموخته و بعد از آن مهاجرت به شهر قائن نموده و در مدرسه جعفریه آنجا اشتغال به تحصیل کرده و سطوح عالیه را از علماء قائن فراگرفته و به واسطه اعتراض به حاکم آن سامان که موقوفات را صرف در غیر موردش می‌کرده دستگیر و به بیرجند که مرکز حکومت بوده برده شده ولی حاکم به سبب ایمانی که در معظم‌له دیده عذرخواهی کرده حتی مبلغی زیاد پول تقدیم ایشان نموده ولی وی نپذیرفته و از آنجا مهاجرت به مشهد مقدس نموده و پس از مدت کوتاهی مسافرت به تهران کرده و بعد از چند ماهی مهاجرت به نجف اشرف کرده و در مدرسه بزرگ آخوند اقامت و پص از چندی با صبیه مرحوم آیت‌اللَّه آقا شیخ علی همدانی داماد مرحوم علامه بزرگوار حاج‌آقا رضا همدانی صاحب مصباح الفقیه پیوند همزیستی بسته و مجدا به تحصیل و تکمیل مبانی فقه و اصول و غیره گردیده تا به مدارج عالیه علمی ارتقا یافته و به مرتبه سامیه اجتهاد نائل می‌گردد.

اساتید معظم‌له

۱- مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید میرزا آقا اصطهباناتی شیرازی

۲- آیت‌اللَّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی

۳- آیت‌اللَّه العظمی آقا میرزا حسین نائینی رحمه‌اللَّه علیهم اجمعین.

دارای اجازات جامع اجتهادی و غیره از آیات عظام و اساتید کرام خود بوده و در اجازه‌ای که مرحوم آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی قدس‌اللَّه سره بر ایشان مرقوم داشته‌اند چنین آمده:

فان جناب العالم العامل عماد العلماء العالمین و ملاذ الفقهاء الراشدین جامع المعقول و المنقول حاوی الفروع و الاصول علم الاعلام و رکن الاسلام الشیخ الثقه الجلیل السند و الرکن الامید المعتمد الشیخ محمد القائینی المعروف بالفاضل دامت برکاته قد صرف عمره الشریف خصوصا فی ارض الغری فی تحصیل العلوم الشرعیه حضر لدی الاعلام وجد و اجتهد و وجد ما هو المراده و بلغ درجه الاجتهاد و الاستنباط.

و نیز مرحوم آیت‌اللَّه اصطباناتی (ره) چنین مرقوم نموده‌اند:

فلا یخفی ان الشیخ الجلیل العالم النبیل الهادی المتقی عمده المحققین و صفوه المجتهدین الشیخ محمد القائینی المعروف بالفاضل دامت برکاته...

و نیز از مرحوم آیت‌اللَّه الرجالی الکبیر معروف به سیدابوتراب خونساری متولد ۱۲۷۱ متوفی ۱۳۴۶ قمری دارای اجازه روایتی بوده‌اند.

از امتیازات مرحوم فاضل قائینی (ره) ممارست و جدیت او در حوزه علمیه نجف به تدریس اصول و فقه بوده که در طول ده سال صبح و عصر اشتغال داشته و جمع کثیری از محضر و بیاناتش استفاده نموده‌اند. و در شبهای ماه رمضان و شبهای پنج‌شنبه و جمعه دوره سال تدریس علم کلام داشته‌اند چنانچه در مقدمه (مختصر در الثمین) اشاره فرموده‌اند که من در زمان گذشته چهل سال قبل کتابی در اصول عقاید به فارسی و مکرر در ماه رمضان و شبهای پنج‌شنبه و جمعه دوره سال برای طلاب و مؤمنین مباحثه نموده و آن را بازگو کردم.

بسیاری از صاحبان تراجم مانند علامه تهرانی صاحب الذریعه در طبقات اعلام الشیعه و صاحب معجم رجال الفکر و الادب او غیرهما معظم‌له را در کتب خود یاد و تجلیل نموده‌اند.

تألیفات و آثار علمی آن مرحوم

۱- وجیزه‌ای در علم اصول که در سال ۱۳۵۰ هجری در نجف به طبع رسیده.

۲- درر النجفیه در خمس و زکوه در سال ۱۳۵۴ هجری نیز در نجف منتشر و برای برای دوم در قم به طبع رسیده.

۳- حاشیه بر زاد المقلدین آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدحسین کاشف الغطاء.

۴- حاشیه بر تبصره علامه که در قم طبع شده.

۵- گوهر دین در علم کلام در اصول و فروع دین.

۶- ناظم الشتات که در مطبعه حیدری تهران به چاپ افست رسیده است و برای آن مرحوم تألیفات گرانقدر دیگریست که هنوز به طبع نرسیده و مخطوط مانده است.

در عصر روز جمعه سیزدهم ربیع‌الاول ۱۴۰۵ هجری در قم در منزل فرزند برومندش از دنیا رفته و در باغ بهشت در جوار قبر جناب علی بن جعفر علیهماالسلام مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

فاضل قندهاری، عبداللَّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۳ / ۱۳۱۲ / ۱۳۱۱ -۱۲۲۷ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، محدث، ریاضیدان، مدرس و شاعر، متخلص به وصال. اصلش از قندهار و سکونتش در مشهد بود. نزد پدرش ملا- نجم‌الدین که از علمای معروف افغانستان و از مراجع آن دیار بود، مشغول به

تحصیل گردید و علوم گوناگون از قبیل تفسیر، حدیث، اصول، فقه، کلام، حکمت و اخبار را در نزد وی آموخت، تا به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از وی نایل شد. سپس در محضر حاج سید محمد باقر اصفهانی شفتی معروف به حجه‌الاسلام حاضر شد. پس از آن به نجف رفت و در سلک شاگردان شیخ انصاری درآمد. در بازگشت به ایران در مشهد ساکن شد. او در ۱۲۵۷ ق پس از اشغال قندهار توسط نیروهای انگلیس به کابل رفت و توانست اتحادی بین فرقه‌های شیعه و سنی ساکن آنجا پدید آورد و بر ضد انگلیسی‌ها قیامی تدارک کند. در ۱۲۷۱ ق به مشهد بازگشت و تا آخر عمر در آنجا زیست و به عنوان مرجعی بزرگ و مدرسی توانا کرسی تدریس فقه و اصول و حدیث و تفسیر و کلام و عقاید و حکمت و تاریخ و ادبیات را اداره و شاگردان بسیاری را تربیت کرد. نامبرده علاوه بر این که جامع معقول و منقول بوده، طبع شعر نیز داشته است. در اوایل مهجور تخلص می‌کرد و در اواخر وصال را برای تخلص خویش برگزید. در ده سال آخر عمر زمین‌گیر شد. او در دارالضیافه آستان رضوی مدفون است. از آثار وی: «حل العقال فی خلق الاعمال»؛ «الفرائد البهیه»،در شرح «العقاید» شیخ بهائی؛ «محل الطرف فی علم الصرف»؛ «الهدایه فی تفسیر آیه الولایه»؛ شرح «مشکاه الانوار»؛ «البرهان فی قطع شبه الشیطان» یا رساله‌ی «برهانیه»، در کلام؛ ترجمه‌ی «تفسیر العسکری (ع)»؛ «تحریر الاصول»، در اصول فقه؛ «تذکره العلماء»؛ «دلاله السالکین فی قواعد العارفین»؛ «کشف الغطاء عن مسئله البداء»؛ «خوان الوان»، در متفرقات، به سبک کشکول.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۸۷ / ۸)، الذریعه (۱۸۷ / ۲۵، ۴۵ / ۱۸، ۲۸۵ / ۱۷، ۱۳۴ -۱۳۳ / ۱۶، ۲۵۵/ ۸، ۲۷۵ -۲۷۴، ۷۱ / ۷، ۹۰ -۸۹ / ۴، ۳۷۹، ۹۰ / ۳)، ریحانه (۳۲۱ -۳۲۰ / ۶)، شرح حال رجال (۱۴۶ / ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۱۹ -۱۲۱۸ / ۱۴)، مکارم الآثار (۸۵۰ -۸۴۶ / ۳).

فاضل کاشانی، فاضل

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به فاضل. وی نواده‌ی ملا شانی یا میر شانی بود. مرد درویشی بود که اوقات خود را صرف تحصیل کرد. نصرآبادی در «تذکره»اش (تألیف شده ۱۰۸۳ ق) از او به گونه همعصرش نام می‌برد. از آثارش «دیوان» شعر است متجاوز از صد هزار بیت. از اوست:

برند خلق ز قطع حیات راه به سویش

رهی است عمر که طی می‌کنند تا سر کویش

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۷۴)، الذریعه (۸۰۱ / ۹)، صبح گلشن (۳۰۶)، فرهنگ سخنوران (۶۸۲).

فاضل کاشانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود معروف به فاضل کاشانی فرزند ملا محمد حسین فاضل فرزند ملا علی‌اکبر فاضل از افاضل وعاظ و مشاهیر خطباء و اهل منبر معاصر تهرانست.

وی در سال ۱۳۱۱ شمسی برابر ۱۳۵۲ قمری در دارالمؤمنین کاشان به دنیا آمده و در بیت علم و دانش پرورش یافته و مقدمات و ادبیات را در مدرسه مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا سید علی یثربی خوانده و به دست مبارک آن مرحوم معمم و ملبس به کسوت مقدس روحانیت گردیده و پس از فوت آن بزرگوار در سال ۱۳۸۰ قمری مهاجرت به تهران نموده و سطوح را از مرحوم حاج سید مرتضی لنگرودی امام مدرسه و مسجد حاج ابوالفتوح تهران و حاج شیخ محمدرضا تنکابنی والد جناب آقای فلسفی واعظ استفاده نموده و حدود بیست سال از دروس نهائی و خارج آیت‌اللّه حاج شیخ محمد غروی کاشانی فقها و اصولا و تفسیرا و حدیثا بهره‌مند گردیده و حظ وافری از مقامات علمی و معنوی معظم‌له رحمه‌اللّه برده و بعد به ترویج دین و تبلیغ احکام و نشر معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام گرویده و مورد توجه خاص دانشمندان و اهل ایمان خاصه پیروان قرآن و خاندان رسالت صلوات اللّه علیهم اجمعین گردیده و تا حال تحریر اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

فاضل لاریجانی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۰ -۱۲۹۳ ش)، مترجم، نویسنده و شاعر. تحصیلات ابتدایی را در آمل به پایان رساند و سپس به تحصیلات دینی پرداخت. در ۱۳۱۷ ش با سمت دبیر ادبیات و روان‌شناسی در دانشسرای مقدماتی بابل مشغول خدمت شد. بعد از یک سال برای ادامه‌ی

تحصیلات به تهران آمد و در ۱۳۲۴ ش از دانشکده‌ی الهیات در رشته‌ی فلسفه‌ی فارغ‌التحصیل شد. سپس به سمت مترجمی در وزارت کشاورزی وارد خدمت شد. وی دارای ذوق شعری بود. از آثار وی: «اسرار انهدام اروپا»، ترجمه؛ «افسونکار»؛ «بمب اتمی»؛ «خطبه‌های محمد (ص)»، ترجمه؛ «سخنان علی (ع)»؛ ترجمه؛«دختران محمد (ص) سخن می گویند»، ترجمه؛ «طب و بهداشت در اسلام»، ترجمه‌ی طب النبی»، «طب الصادق»؛ «طب الرضا» و «طب الائمه»؛ «نویسنده»؛ «وفا»؛ «هفت دریا».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۰۶، ۳۳۶۸، ۳۳۲۹، ۲۲۵۴ -۲۲۵۳، ۱۹۴۲/ ۲، ۱۳۵۹، ۵۱۶، ۲۹۷، ۱۹۵ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۰۳ -۳۹۷ / ۲).

فاضل لنکرانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد فاضل لنکرانی در سال ۱۳۱۰ شمسی مطابق با ۱۳۴۹ قمری و ۱۹۳۱ میلادی در شهر قم دیده به جهان گشود. او تحصیلات حوزوی را در حوزه علمیه قم سپری کرد و در سن ۲۵ سالگی به درجه اجتهاد رسید. وی پس از انقلاب اسلامی به عنوان یکی از اعضای مجلس خبرگان رهبری انتخاب شد و بیش از ده سال ریاست عالی شورای مدیریت حوزه علمیه قم را عهده دار بود . آیت الله لنکرانی در کنار تدریس و تربیت طلاب علوم دینی کتابهای بسیاری به رشته تحریر در آورده است . ایشان در خرداد ماه سال ۱۳۸۶ دار فانی را وداع گفتند.گروه : علوم انسانیرشته : علوم اسلامیوالدین و انساب : نام پدر محمد فاضل لنکرانی، عبدالله می باشد.آیت‌الله عبدالله فاضل لنکرانی مجتهد بود.وی با دختر آیت الله سیدعباس فیض برقعی ازدواج کرد که حاصل آن ۴ پسر و ۵ دختر بود و محمد فاضل موحدی لنکرانی چهارمین فرزند او بود.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر محمد فاضل لنکرانی از اساتید و علمای حوزه علمیه قم به شمار می آمد. او در حوزه علمیه قم تحصیلات دینی را پی گرفت . تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد فاضل لنکرانی دوره‌ی ابتدایی را در قم گذراند. پس از پایان دوره‌ی ابتدایی به دلیل علاقه به دروس دینی به حوزه‌ی علمیه‌ی قم رفت ودر مدرسه‌ی فیضیه به تحصیل علوم دینی پرداخت.وی قسمتی از مطوّل و بخشی از شرح لمعه را نزد آیت‌الله حسنعلی منتظری و قسمتی دیگر را نزد شیخ اسدالله نوراللهی نجف‌آبادی خواند، رسایل و مکاسب را نزد چند تن از اساتید حوزه چون، پدرش آیت‌الله فاضل موحدی، آیت‌الله آقا شیخ عبدالجواد جبل عاملی سدهی و آیت‌الله شیخ مرتضی حائری بهره برد. آیت‌الله لنکرانی به دلیل شور و علاقه به تحصیل علوم دینی در زمان کوتاهی دوره‌های ادبیات عربی و سطوح را که معمولاً طلاب دیگردر ۸ یا ۹ سال به پایان می‌رسانند در مدت ۶ سال گذراند، لذا در سن ۱۹ سالگی وارد آخرین مرحله‌ی تحصیلات حوزوی یعنی درس خارج فقه گردید.پس از تشکیل کلاسهای آیت‌الله بروجردی در قم، وی در درس خارج فقه ایشان شرکت جست و این درحالی بود که هنوز قسمتی از کفایه را به اتمام نرسانده بود . به این دلیل صبح‌ها اول وقت در مسجد عشقعلی دروس کفایه را نزد آقا شیخ عبدالجواد می‌خواند و پس از پایان درس همراه استاد در درس خارج فقه آیت‌الله بروجردی شرکت می کردو از جوانترین شاگردان استاد بود. پس ازتشکیل کلاسهای درس اصول امام خمینی، آیت‌الله لنکرانی از همان ابتدا در کلاسهای ایشان حاضر شده و هر روز دو نوبت در درس امام شرکت کرده و مباحث اجتهاد و تقلید را به طور کامل با ایشان گذراند. مبحث طهارت در فقه را نیز نزد امام فراگرفت و مطالب دروس امام را نیز تقریر می کرد. فاضل لنکرانی خیلی زود به درجه اجتهاد رسید. در زمان حیات آیت‌الله بروجردی و سالهای مرجعیت ایشان به تقلید از وی پرداخت. در ۲۵ سالگی به اجتهاد رسید و این امر مورد تأیید آیت‌الله بروجردی قرار گرفت. پس از وفات آیت‌الله بروجردی در ۱۳۴۰ ش. وی در سن ۳۰ سالگی به استنباط خود مسایل دینی را اجتهاد می کرد. ایشان علاوه بر دروس فقه و اصول، در درسهای فلسفه و حکمت علامه طباطبایی نیز شرکت جسته و قسمتی از مباحث منظومه سبزواری و کتاب اسفار ملاصدرای شیرازی را از ایشان آموخت.استادان و مربیان : از استادان محمدفاضل لنکرانی می توان به موارد زیر اشاره کرد: استاد آیت الله عبدالله فاضل موحدی لنکرانی(پدرشان) استاد آیت الله حسنعلی منتظری شیخ اسدالله نوراللهی نجف آبادی علامه طباطبایی شیخ عبدالجواد جبل عاملی آیت الله بروجردی هم دوره ای ها و همکاران : . از هم مباحثه‌ایهای محمدفاضل لنکرانی در مدرسه فیضیه حاج سیدمصطفی خمینی بود که نقش مهمی در پیشرفت علمی ایشان داشت.زمان و علت فوت : محمد فاضل لنکرانی سرانجام پس از مدتی عارضه‌ی قلبی در روز ۲۶ خرداد ۱۳۸۶ دار فانی را وداع گفت و پیکر آن مرحوم روز ۲۸ خرداد مصادف با شهادت حضرت زهرا (س) طی تشییع جنازه‌ی باشکوهی در حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد فاضل لنکرانی پس از انقلاب اسلامی به عنوان یکی از اعضای مجلس خبرگان رهبری انتخاب شد و بیش از ده سال ریاست عالی شورای مدیریت حوزه علمیه قم را عهده دار بود . وی از همان ابتدای مبارزات امام خمینی در دهه‌ی ۱۳۴۰ ش از اقدامات ایشان حمایت می کرد و به عنوان جامعه مدرسین حوزه علمیه قم شناخته گردید. این تشکل روحانیون سیاسی در موارد مختلف به حمایت از امام خمینی پرداخت. او درحمایت از نهضت امام خمینی در اکثر اعلامیه‌هایی که در این باره منتشر می‌شد مشارکت داشت و در این رابطه چند بار توسط ساواک دستگیر و سپس تبعید شد. ابتدا چهار ماه دوران تبعید را در بندر لنگه با تحمل رنج و ناراحتی بسیار گذراند، و پس از آن به مدت دو سال و نیم به یزد تبعید شد. وی در آن شهر با آیت‌الله صدوقی آشنا گردید و با کمک آیت‌الله صدوقی به طور مخفیانه با مردم یزد دیدار داشته ودر روشنگری مردم نقش فعالی ایفا نمود. فاضل لنکرانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مدتی مسئولیت دادگاه انقلاب شهرستان قم را به امر امام خمینی بر عهده گرفت. سپس به عنوان نماینده‌ی استان مرکزی ر نخستین دوره‌ی مجلس خبرگان رهبری حضور یافت. ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی کمتر به فعالیتهای سیاسی روی آورد و بیشتر هم خود را به تقویت نهاد حوزه پرداخت،

لـذا در ارتباط با مراجع تقلیـد به عنوان ارشد شورای مدیریت حوزه علمیه قم مطرح شد و به مدت ده سال ریاست عالی این شورا را بر عهـده داشت. پس از رحلت آیت‌الله اراکی به عنـوان مرجع اعلم، جـامعه روحـانیت مبـارز او را به عنوان یکی از سه مرجع مسلم تقلیـد در کنـار آیت الله خـامنه‌ای و میرزا جوادتبریزی معرفی کرد. همچنین جـامعه مدرسـین حوزه‌ی علمیه‌ی قم ایشان را در زمره‌ی هفت مرجع پیشـنهادی خود به مردم معرفی کرد. آیت‌الله لنکرانی پس از این فقـط در جایگاه مرجعیت تقلیـد قرار گرفت و تـدریس حوزوی را در فعالیتهـای خود قرار داد و دیگر در مـدیریت حوزه و فعـالیت جـامعه مدرسـین نقشـی ایفـا نکرد.فعالیتهای آموزشـی : محمـدفاضل لنکرانی در نخسـتین سالهـای تحصـیل در حـوزه‌ی علمیه قم، در سالهـای سوم و چهـارم، زمـانی که هنوز شـانزده سـال نداشت، ضـمن تحصـیل، تدریس نیز می‌کرد.نخستین تدریس وی مربوط به کتاب حاشیه‌ی ملاعبدالله و معالم بود. بعدها شرح لمعه را شـروع کرد و طلبه‌هـای بیشتری در درس وی حاضـر می‌شدنـد. او لمعه را در دو دوره و کتاب ارث را در سه دوره تـدریس کرد. سپس به تدریس رسائل و مکاسب مشـغول شد. مکاسب را پنج دوره و کفایةالاصول را شـش دوره تدریس کرد. از آخرین دوره‌ی درس کفایةالاصول وی، نوار تهیه شد و طلاب در قم و شهرسـتانهای دیگر از آن بهره می‌بردند. بسـیاری از شاگردانش از نظر سـنی بزرگتر از اسـتاد خود بودند و در بیشتر اوقات صدها نفر در کلاسهای درس ایشان شرکت می‌جستند. آیت‌الله لنکرانی از سال ۱۳۶۰ ش به تدریس درس خارج فقه و اصول پرداختند و در مدت ۲۵ سال گروه کثیری از طلاب از محضر وی بهره‌منده شدند. این درس از رادیو معارف نیز پخش می‌شـد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شـمار می آیـد : محمد فاضل لنکرانی علاه بر تأسـیس مرکز اعزام مبلغ برای ترویج مکتب تشیع و تربیت فقیهان و مجتهدان، مرکز فقهی ائمه اطهار که مرکزی آموزشـی و پژوهشـی است، را تأسیس کرد که در این مرکز علاوه بر آموزش محققان و تألیف کتابها، کتابخانه تخصصـی فقه را راه‌انـدازی کرد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد فاضل لنکرانی در کنار تدریس و تربیت طلاب علوم دینی کتابهای بسیاری به رشته تحریر در آورده است .

ایشان در ۲۶ خرداد ۱۳۸۶ در قم رحلت نمودند و در جوار کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها آرام گرفتند.

آثار : ۱ آیین کشـورداری از دیـدگاه امـام علی (ع) ۰۲ ائمـه اطهـا ر(ع) یـا پاسـداران وحی در قرآن کریم (این دو کتـاب را به همراهی آیةُ الله اشـراقی نگاشته اند) ۰۳ احکام الحج , حاشیه بر کتاب حج تحریر الوسیلة (عربی) ۰۴ احکام عمره ۰۵ استفتاءات حج ۰۶ استفتاءات حول الحج ۰۷ الاحکام الواضحه (فتاوای عربی) ۰۸ القواعد الفقهیهْ (عربی) ۰۹ المسائل المستحدثه (عربی) ۰۱۰ اهل البیت (ع) یا چهره های درخشان د رآیه تطهیر ۰۱۱ تبیان الاصول – تقریرات درسی ایشان – در چهار جلد (عربی) ۰۱۲ تفسیر سوره حمد (عربی) ۰۱۳ تقریرات الاصول – تقریرات درس امام خمینی – در پنـج جلد (عربی) ۰۱۴ تقریرات الاصول – تقریرات درس آیـهٔ الله بروجردی (عربی) ۰۱۵ تقریرات درس خـارج اصول ایشان در هشت جلـد (فارسـی) ۰۱۶ تقیه مداراتی (فارسی) ۰۱۷ جامع المسائل (مجموعه ای از استفتاءات). ۰۱۸ حاشیه بر کتاب الطهارهْ مصباح الفقیه محقق همدانی (عربی) ۰۱۹ حاشیه بر کتاب عروهْ الوثقی (عربی) ۰۲۰ رساله ۰۲۱ رسـاله ای در حکم نماز در لباس مشـکوک (عربی) ۰۲۲ رساله ای در خلل حج و عمره (عربی) ۰۲۳ رساله ای در قاعده فراغ و تجاوز (عربی) ۰۲۴ رساله توضیح المسائل (فارسی) ۰۲۵ شرح فروع (الاجتهاد و التقلیـد) از کتاب العروهْ الوثقی (عربی) ۰۲۶ عصمت انبیاء ۰۲۷ کتاب الصوم (عربی) ۰۲۸ کتاب القضاء (عربی) ۰۲۹ کتاب تفصیل الشریعه (عربی – شرحی است بر کتاب تحریر الوسیله امام خمینی در ۱۳ مجلد) ویژگی اثر : شرحی است عربی بر کتاب تحریرالوسـیله‌ی امام خمینی که ۲۵ جلـد آن چاپ شده و ۵ جلـد دیگر آماده چاپ است. پنج جلد اول این شـرح در زمان تبعیـد آیـت‌الله لنکرانی در یزد نوشـته شـده،اسـت. ایـن کتـاب یـک دوره‌ی کامـل فقـه است و جدیـدترین آراء فقهی در آن آمـده است.۰۳۰ مجمع الفهـارس – مجموعه فهرسـتهای بحارالانوار ء الغـدیر و المیزان ۰۳۱ مختصرالاحکام ۰۳۲ مدخل التفسـیر د رعلوم قرآن (عربی) ۰۳۳ مناسک الحج (عربی) ۰۳۴ مناسک حج (فارسی) ۰۳۵ نهایهْ التقریرات درس آیهْ الله بروجردی د ربحث نماز (عربی – دو جلد)

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

فاضل لنکرانی، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد فاضل لنکرانی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهْالاسلام والمسلمین محمد جواد فاضل لنکرانی در سال ۱۳۴۱ در قم و در میان خانواده‌ای از سلک روحانیت به دنیا آمد. پدرش آیـهْالله العظمی فاضل لنکرانی (ره)است. او پیش از تولد فرزند خود در خواب دیده بود که خدا به او پسری عطا می کند که به بدن او متصـل است که آن را به روحـانی شـدن فرزنـد خود تعبیر کرده بود. مـادر او نیز از سادات مکرّم قمی است که نقش بسـیاری در تربیت و پیشـرفت وی داشته است. حجهْالاسلام والمسلمین محمد جواد فاضل لنکرانی تحصیلات خود را در قم آغاز کرد و تا پنجم ابتدایی به پایان برد. پس از آن به دلیل تبعید پدرش به یزد، دروس خود را در آنجا پی گرفت و سپس به قم باز گشت. او پس از به

پایـان بردن سـال اول دبیرسـتان، بـا مشورت بـا بزرگـان و به دلیـل شوق بسـیار برای تحصـیل علوم دینی به حوزه علمیه قم پـا نهاد و همزمـان دروس دبیرسـتان را نیز پی گرفت تـا موفق به کسب دیپلم شـد. سالهای نخستین تحصـیل او در حوزه علمیه قم با راهپیمایی ملت ایران برای سـرنگونی رژیم شاه مصادف شـده بود و او که از طلاب مدرسه رسالت بود نیز از خیل عظیم ملت ایران باز نماند و هماره با مبارزه همراه بود. او پس از سالهای اندکی دروس دورهٔ سـطح را به پایان برد و به درس خارج فقه و اصول استادان برجسته حـوزه علمیه قم، از جمله پـدر گرامی خود راه یـافت. حجهٔالاسـلام والمسـلمین فاضـل لنکرانی در سالهـای تحصـیل خود به محضـر عالمان بسیاری شـرفیاب شـد. او دروس دورهٔ ادبیات را نزد اسـتاد بیگـدلی که هم اکنون نیز از اسـتادان برجسـته دورهٔ سـطح است، گذرانـد و در رسائـل، به درس آیـهٔالله سـید رسول تهرانی و آیـهٔالله مصـطفی اعتمادی راه یافت. برای فراگیری مکاسب نیز به درس آیـهٔالله پایـانی (ره) رفت. بـا پایـان یافتن دوره سـطح به درس خارج فقه و اصول پـدر گرامی خود ـ حضـرت آیـهٔالله العظمی فاضـل لنکرانی ـ راه یـافت و حـدود ۱۵ سـال از محضـر ایشـان بهره برد. همچنین در حـدود هفت سـال در درس خارج فقه و اصول آیـهٔالله العظمی وحیـد خراسانی و در حـدود دو سال در درس آیهٔالله سیـد کاظم حائری شـرکت کرد. در بخش دروس عقلی نیز اشارات را نزد آیـهٔالله حسن زادهٔ آملی و اسـفار را نزد آیـهٔالله جوادی آملی فرا گرفت. او در طی این سالهـا بـا فضـلای بسـیاری رابطـهٔ دوسـتی داشت و دروس فرا گرفته را بـا آنان مباحثه کرد که از میان آنها می‌توان به شـیخ عبـدالله اسـلامی و شـیخ علی حکیم را می‌توان نام برد. حجهٔالاسـلام والمسلمین فاضل در طول سالهای تحصیل خود هماره به امر تدریس نیز عنایت ویژه‌ای داشت به گونه‌ای که ۵ بار کتاب معالم، ۴ بار کتاب اصول فقه، چند بار کتاب شـرح لمعه، ۳ بار کتاب مکاسب و بیش از ۵ بار کتاب کفایه را تدریس کرد و هم اکنون هشت سال است که به تدریس خارج فقه و اصول اشـتغال دارد. او در طی این سالها مقالات فراوانی در زمینه‌های فقهی و اصول و... نگاشـته که برخی در کنگره‌هایی همچون کنگره شیخ انصاری و مرحوم نراقی و مقدس اردبیلی ممتاز شناخته شده است. همچنین بر کتابهای اصول فقه، مکاسب و کفایه حاشـیه‌هایی نگاشـته که هنوز به چاپ نرسیده است. از فعالیتهای مهم ایشان در این عرصـه، ادارهٔ مرکز فقهی ائمـه اطهـار اسـت که در آن طلاـب و فضـلای بسـیاری به تحصـیل و پژوهش می‌پردازنـد و تـاکنون کتب بسیاری در آنجا به چاپ رسیده است. از کارهای مهم این مرکز برگزاری لجنه‌های فقهی گسترده است که سهم بسزایی در پیشبرد مبـاحث فقهی و اصولی داشـته است. حجهٔالاسـلام والمسـلمین محمـد جواد فاضل، در طول سالهای مبارزه ملت ایران، هماره با آنان همگام بوده است. او در سـنین نوجوانی در روز عاشورا در محفلی مقاله‌ای در باره نهضت امام حسـین (ع) و اهـداف آن خوانـد که در همـان زمـان رئیس سـاواک را که خود در جلسه حاضـر بود، به خشم واداشت. او که در سالهـای تبعیـد بـا پـدر خود همراه بود، همـواره از مسائـل مهم نهضت آگـاه بـود و ظلم رژیم شـاه را به چشم خود می‌دیـد. حجهٔالاسلام‌والمسـلمین فاضـل، پس از پیروزی انقلاـب نیز همـاره مـدافع نظـام وانقلاـب بـود و در سالهـای جنـگ تحمیلی و پس از آن، به حراست از دسـتاوردهای نظـام، اهمیت ویژه‌ای می‌داد. او هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و در شهر قم به تدریس و تربیت طلاب می‌پردازد.

فاضل مازندرانی، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. وی با علیقلی‌خان واله داغستانی (م ۱۱۶۱ ق) به هندوستان رفت و در دهلی درگذشت. از اوست:

به گوش آید فغان العطش باز از لب زخمم

مگر این تشنه تیغ آبداری در نظر دارد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۸۰۲ -۸۰۱ / ۹)، صبح گلشن (۳۰۷ -۳۰۶)، فرهنگ سخنوران (۶۸۲).

فاضل مراغی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۰ ق)، عـالم امامی، فقیه، اصولی، متکلم، ادیب و شاعر. مشـهور به فاضل و فاضل مراغی. اصل وی از مراغه و ساکن تبریز بـود. وی در نجـف از شـاگردان شـیخ مرتضـی انصـاری و حـاج سـید حسـین کوه‌کمری و دیگر بزرگـان بود، و تقریرات اسـتادش، انصاری، را در فقه نوشت. به تبریز بازگشت و به تـدریس فقه و اصول و کلام پرداخت. در تبریز به بیماری وبا درگذشت و پیکرش به نجف منتقـل و در وادی السـلام دفن شـد. از آثـار وی: «التحفه المظفریه»، به فارسـی، در رد حـاج محمـد کریم‌خـان قاجـاری کرمـانی؛ حاشـیه بر «مطـول»؛ شـرح «نهـج‌البلاغه»؛ «صـیغ العقود»؛ حاشـیه بر «تحریر القواعـد المنطقیه فی شـرح الشمسـیه»؛ حاشـیه بر «صـمدیه»؛ حاشیه بر «قوانین الاصول» میرزای قمی؛ «تفسیر قرآن»؛ «نکات القرآن و بیان دقائقه»؛ حاشیه بر «فرائد الاصول» یا «رسائل» شیخ انصاری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۵۱ / ۳)، الذریعه (۱۰۸ / ۱۵ ،۱۱۵ / ۱۴ ،۲۰۲ ،۱۷۴ ،۱۵۳ ،۳۴ / ۶ ،۴۷۰ -۴۶۹ / ۳)، ریحانه (۲۸۲ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۴ / ۱۴)، علماء معاصرین (۴۵)، لغت‌نـامه (ذیل/ فاضل مراغی)، معجم المؤلفین (۳۱۹ / ۱)، مؤلفین

کتب چاپی (۴۳۰ / ۱).

فاضل میبدی، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی فاضل میبدی

محل تولد : میبد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۲

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه قم شدم. اساتید سطح بنده آقایان: باکوبی، دوزدوزانی، موسوی تبریزی و صانعی. اساتید فلسفه آقایان انصاری شیرازی، جوادی آملی بودند. خارج اصول: ۶ سال درس آقای مکارم شیرازی خارج فقه: ۶ سال درس آقای منتظری و تدریس دروس شرح لمعه، حاشیه منطق، بدایهٔ الحکمه، اصول فقه و کفایه را نیز داشته ام.

فاضل هرندی، محی الدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محی الدین فاضل هرندی

محل تولد : هرند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۱۳ شمسی در شهر «هرند» از توابع استان اصفهان در خانواده ای روحانی و مذهبی متولد شدم. پدرم از علمای بنام و مدرسان معروف اصفهان به شمار می آمد و از مجتهدانی بود که در احاطه به فقه و اصول و ادبیات عرب زبانزد علمای اصفهان بود. تا سال ۱۳۲۲ شمی در «هرند» زندگی می کردم و در مدت سه سال، خواندن و نوشتن و قرائت قرآن را در مکتب خانه های هرند فرا گرفتم و از سال ۱۳۲۲ شمسی در پی مهاجرت پدر بزرگوارم به اصفهان مهاجرت کردم و تا سال ۱۳۳۰ شمسی در اصفهان، ادبیات فارسی، دوره ابتدایی و مقدمات را فرا گرفتم و از سال ۱۳۳۰ شمسی به قم عزیمت نمودم و تا سال ۱۳۳۷ شمسی در این شهر مقدس دوره سطح را طی کردم و در همان سال از عهده امتحان رتبه سوم حوزه برآمدم و در درس خارج فقه مرحوم آیت الله العظمی بروجردی «قدس سره» و بحث خارج اصول حضرت امام خمینی «قدس سره» نیز شرکت می نمودم و از سال بعد در بحث خارج فقه حضرت امام خمینی «قدس سره» نیز شرکت کردم و در شمار یکی از شاگردان رسمی خارج فقه و اصول حضرت امام «قدس سره» به حساب می آمدم. هم بحثهای من به ترتیب عبارت بودند از: آیت الله مومن، آیت الله گرامی و آیت الله مقتدایی اصفهانی که حدود ده سال با ایشان هم بحث بودم.

بعد از تبعید حضرت امام «قدس سره» در بحث خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله محقق داماد «قدس سره» شرکت کردم و پس از ارتحال ایشان در بحث خارج فقه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی «قدس سره» و اصول حضرت آیت الله اراکی «قدس سره» شرکت می کردم. به دلیل قریحه سرشار و بیان شیوا، از ابتدای اشتغال در حوزه علمیه به تدریس مقدمات، ادبیات، معانی، بیان، منطق مشغول شدم. در سال ۱۳۴۰ شمسی به تدریس سطح از کتاب شرح لمعه و سپس رسائل و مکاسب مشغول گردیدم. در کنار تحصیل و تدریس به کار تبلیغ نیز اشتغال داشتم و در ایام تبلیغی در شهرهای مختلف ایران از جمله شهر مقدس قم به وعظ و ارشاد مردم اشتغال داشتم.

هم چون پدرم از رژیم پهلوی متنفر بودم و با خاندان ستمگر آن، دشمنی خاصی داشتم و لذا با هر کس که مخالف رژیم بود، دوستی ایجاد می کردم. خصوصا اگر این مخالفت نشأت گرفته از مذهب بود. فعالیتهای من به عنوان ایفای وظیفه نهی از منکر و مبارزه با بدعت صورت می گرفت. براین اساس، بعد از علنی شدن فعالیت گروه مخلص و متعهد فدائیان اسلام به رهبری شهید بزرگوار مرحوم نواب صفوی «قدس سره» رسما به عضویت این گروه مذهبی ـ سیاسی درآمدم و از یاران نزدیک مرحوم «نواب» و «واحدی» قرار گرفتم. بعد از رحلت مرحوم آیت الله العظمی بروجردی «قدس سره» و مسئله انجمن های ایالتی و ولایتی و قضیه رفراندوم شاه و مسئله «کاپیتولاسیون» برای انجام هر کاری در جهت گسترش انقلاب اعلام آمادگی کردم. بعد از تبعید حضرت

امام «قدس سره» و ترور «منصور» برای ادای وظیفه اسلامی گاه از سوی شهدای بزرگوار باهنر و سعیدی، سفرهایی خطیر و پر خطر را انجام دادم. بعد از شهادت مرحوم آیت الله حاج آقا مصطفی خمینی «قدس سره» که مبارزات رنگ دیگری به خود گرفت و نقطه عطفی در انقلاب اسلامی بود. بنده نیز مثل سایر هم سنگران خود به افشاگری علیه رژیم ستم شاهی پرداختم. در نتیجه این فعالیتهای سیاسی و انقلاب در اوائل سال ۱۳۵۷ شمسی دستگیر و زندانی و در تیرماه همان سال به علت خون ریزی شدید از زندان به بیمارستان شماره چهار شهربانی منتقل و پس از آن آزاد گردیدم. در همان سال پس از آزادی از زندان، ماه مبارک رمضان را در شهر «سیرجان» به سر بردم و مبارزات و راهپیمایی مردم را سامان دادم و در روز عید فطر بزرگترین و بی نظیرترین راهپیمایی را در آن شهر رهبری کردم.

در محرم همان سال به اهواز رفتم و به دلیل سخنرانیهای روشن گرانه ام، مرا ممنوع المنبرکردند. از آنجا به سنندج رفتم و به جمع متحصنین در مسجد جامع سنندج که به حمایت از دو طایفه شیعه ـ که دستگیر شده بوند ـ پیوستم. بعد از ورود حضرت امام «قدس سره» به کشور در ستاد استقبال مستقر در مدرسه رفاه با مرحوم آیت الله ربانی شیرازی و مرحوم ربانی املشی همکاری می کردم. به دنبال این همکاریها، در اواخر بهمن ۱۳۵۷ برای تأسیس کمیته های انقلاب اسلامی به شهرهای شمال کشور مسافرت نمودم. در اسفند ماه همان سال، بعد از مراجعت حضرت امام «قدس سره» به قم برای بررسی مسائل کردستان، دو دفعه از جانب حضرت امام «قدس سره» به کردستان سفر کردم. از اوایل سال ۱۳۵۸ شمسی از سوی حضرت امام «قدس سره» به عنوان قاضی شرع شهر قائن منصوب گردیدم که ماههای شعبان و رمضان را در آن جا به سر بردم و بعد از مراجعت به قم به عنوان قاضی شرع و رئیس دادگاه انقلاب اسلامی استان سیستان و بلوچستان منصوب گردیدم. در اواخر همان سال به دنبال محاصره زندان خرم آباد به وسیله گروههایی از مردم سفری به آن شهر کردم و معترضان را به آرامش دعوت کردم و بحمد الله به دست اینجانب غائله ختم گردید. از سال ۱۳۵۹ شمسی که ستاد مرکز هیئت های هفت نفره کار خود را شروع کرد، به نمایندگی ولی فقیه در ستاد مزبور منصوب شدم و تا کنون با حکم مقام معظم رهبری مد ظله العالی در این سمت به خدمت مشغول هستم.

در تیر ۱۳۶۰ به دنبال شهادت مرحوم آیت الله دکتربهشتی به همراه ۲۸ نفر از نمایندگانی مجلس، در انتخابات میان دوره ای از سوی مردم اقلید فارس به نمایندگی مجلس شورای اسلامی انتخاب گردیدم و از بدو ورود به مجلس کار خود را در کمیسیون کشاورزی شروع کردم و طولی نکشید که از سوی اعضای محترم کمیسیون کشاورزی به ریاست کمیسیون برگزیده شدم. در دوره های دوم و سوم مجلس شورای اسلامی هم از سوی مردم شریف اصفهان انتخاب و به مجلس راه یافتم. مجموعا هشت سال به ریاست کمیسیون کشاورزی و یک سال به ریاست کمیسیون امور اقتصاد و دارایی مجلس برگزیده شدم.

در مدت نمایندگی، علاوه بر تصدی ریاست کمیسیونهای مذکور، در کمیسیونهای ویژه مجلس که به صورت اضطراری تشکیل می شد، گاه ریاست آن کمیسیونها را نیز عهده دار بودم از جمله کمیسیون ویژه تدوین و بررسی اساس نامه جهاد سازندگی، کمیسیون خاص ادغام یا تفکیک وظایف وزارت خانه های جهاد سازندگی و کشاورزی، کمیسیون خاص بررسی طرح قانونی بخش تعاون در نظام جمهوری اسلامی را نام برد

فاضل همدانی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۶ ق)، عالم امامی و فقیه. در روستای سلیمان‌آباد همدان به دنیا آمد. در ۱۳۴۲ ق به قم مهاجرت نمود و پس از تکمیل سطوح در ۱۳۴۹ ق در درس آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت شرکت نمود و در تمام دروس آیت‌الله حجت را به رشته تحریر درآورد. او همچنین از محضر و دروس آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله شیخ محمدعلی حایری قمی استفاده کرد و حدود هیجده سال هم در درس آیت‌الله بروجردی و پس از آن دوازده سال در درس آیت‌الله شریعتمداری شرکت کرد و مورد توجه آن آیات بوده و اغلب نوشته‌هایش مورد تحسین آیت‌الله حجت قرار گرفته و برای ایشان استنساخ شده است. از آثار وی: دوره‌ی «اصول» از اول تا آخر «تقریرات و دراسات» آیت‌الله حجت، در دو جلد؛ کتاب «بیع» از اول تا آخر، در سه جلد؛ «صلاه» از اول تا آخر، در دو جلد؛ «قاعده‌ی لا ضرر»؛ «قاعده‌ی لباس مشکوک».[۱]

آقای حاج شیخ یحیی بن المرحوم الشیخ علی‌اکبر همدانی معروف به فاضل از علماء اعلام و قدماء والامقام حوزه علمیه قم است که آراسته به زیور علم و حلم و فضل و کمال و تقوا و متانت است تولدش در هفتم ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ ق در قریه سلیمان آباد سه فرسخی شهر همدان واقع شده و در سن ۱۶ سالگی سال ۱۳۴۲ ق مهاجرت به قم نموده و پس از تکمیل سطوح در سال ۱۳۴۹ ق شرکت در دروس مرحوم آیت‌الله حایری و مرحوم آیت‌الله حجت شرکت نموده و تمام دروس مرحوم سید استاد را به رشته تحریر درآورده و هم از محضر و دروس مرحومین آیتین خونساری و حایری قمی استفاده کرده و بالغ بر ۱۸ سال هم در درس آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده و پس از آن مرحوم تا هم‌اکنون که ۱۲ سال است به درس آیت‌الله العظمی شریعتمداری شرکت می‌کند و مورد توجه کامل معظم‌له و آیات عظام دیگر حوزه می‌باشد.

آثار علمی ایشان به قرار زیر است:

۱– دوره اصول از اول تا آخر تقریرات و در اسارت آیت‌الله حجت– ره– در دو جلد. ۲– کتاب بیع از اول تا آخر در سه جلد

۳– صلوه از اول تا آخر در دو جلد.

۴– قاعده لاضرر.

۵- قاعده لباس مشکوک و کتب و رساله‌های دیگر و غالب جزوات و نوشته‌های ایشان مورد تحسین مرحوم آیت‌الله حجت بوده که برای آن مرحوم استنساخ شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۱۳۰ -۱۲۹ / ۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۱۶ -۲۱۵ / ۲).

فاضل هندی، بهاءالدین محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۳۷ / ۱۱۳۵ -۱۰۶۲ ق)، عالم امامی، فقیه، محدث و مفسر. معروف به بها و تاج الفقها و فاضل اصفهانی. گاهی به جهت تألیف کتاب «کشف اللثام» به او کاشف اللثام گفته‌اند. با این که اصفهانی است، اما چون در اوایل زندگانی با پدرش، ملا تاج‌الدین حسن، به هندوستان رفت و مدتی در آنجا اقامت کرد، بعد از مراجعت به اصفهان به فاضل هندی مشهور شد. در دوازده سالگی از فراگیری علوم عقلی فارغ شد. او از شاگردان ملا محمدباقر مجلسی است. وی به واسطه‌ی پدرش، ملا تاجا، از ملا حسنعلی بن ملا عبدالله از مشایخ علامه‌ی مجلسی است، روایت حدیث کرد. شیخ احمد حلی و محمدعلی کشمیری از شاگران او هستند که از وی دارای اجازه بودند. به هنگام فتنه‌ی افغان در اصفهان درگذشت و در تخت پولاد دفن شد. بعدها حاج ملا محمد نایینی در کنارش به خاک سپرده شد و قبور این دو تن به فاضلان مشهور گشت. از آثار وی: «تفسیر قرآن»؛ «تلخیص الشفا»، در حکمت که ملخص «شفا»ی ابن‌سینا است؛ «کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام»، در فقه، که شرح «قواعد» علامه حلی و از مهمترین تألیفات فاضل هندی است که صاحب «جواهر» و صاحب «ریاض» به آن اعتماد بسیار داشتند و از مدارک کتب ایشان است؛«المناهج السویه النبویه»، در شرح «روضه البهیه»؛ «مناسک الحج»؛ «کلید بهشت»، به فارسی، در اصول دین؛ «النجاه»؛ «احاله النظر»، در قضاء و قدر؛ «التمحیص» یا «ملخص التلخیص»، خلاصه‌ای از «تلخیص المفتاح» خطیب قزوینی دمشقی،در علم بلاغت؛ «چهار آئینه»، به فارسی، در اثبات امور چهارگانه که آن را به نام شاه سلطان حسین صفوی تألیف کرده است؛ «جوابات المسائل الفقهیه»، که بیشتر آن در عبادات است؛ حاشیه بر «شرح المواقف» سید شریف جرجانی؛ حاشیه بر شرح «الهدایه الاثیریه» میبدی؛ شرح؛ العقائد النفسیه»؛ «رساله فی الاحتیاطات اللازمه العمل»، که شاگردش شیخ عبدالحسین بن عبدالرحمان بغدادی آن را از املائات او نوشته است؛ «اللالی العبقریه فی شرح العینیه الحمیریه»؛«الخور البریعه فی اصول الشریعه» و شرح آن؛ «الزبده»، در اصول دین.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۳۸ / ۹)، ایضاح المکنون (۵۹۶، ۵۶۴، ۳۶۶ / ۲، ۵۸۳، ۴۴۰، ۳۰۹ / ۱)، تذکره القبور (۴۵۷ -۴۵۶)، الذریعه (۵۷ / ۲۴، ۳۶۱، ۳۴۵، ۲۷۲، ۲۰۴ / ۲۲، ۲۶۰، ۲۵۹- ۱۳۲، ۵۷، ۵۶- ۱۸ / ۲۳۳، ۱۷ / ۳۶۱، ۱۵ / ۳۷۰، ۱۳ / ۱۶۸، ۳۵، ۳۴- ۱۱ / ۲۵۷، ۱۰ / ۲۷۷، ۲۷۶- ۷ / ۱۳۹، ۱۳۷، ۶ / ۳۱۱، ۲۲۹ / ۵، ۴۳۱، ۴۲۳، ۲۹۶، ۲۶۵ / ۴، ۲۸۰ / ۱)،روضات الجنات (۱۱۲ -۱۰۶ / ۷)، ریحانه (۲۸۵ -۲۸۴ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۷۷ -۵۷۵ / ۱۲)، فوائد الرضویه (۴۸۲ -۴۷۷)، الکنی و الالقاب (۱۱ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ فاضل هندی)، معجم المؤلفین (۲۱۲ / ۹)، هدیه العارفین (۳۱۸ / ۲).

فاضل، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هوالعالم العامل والفاضل العادل از علماء و مجتهدین است که تمام تحصیلاتش در قم بوده ولی به واسطه کثرت ممارست و شدت مداومت و مطالعات از فحول رجال علم گردیده. در فقه و اصول و ادبیات مقامی عالی داشت. با عالم فقر و فاقه و تنگدستی ریاضات شاقه کشید و برای یک لقمه نان منت دو نان نکشید و در اواخر عمر به مرض فلج و رخوه مبتلا و خانه‌نشین و در سنین بیش از هشتاد سالگی از دنیا رفت. غالب تلمذش در قم نزد همنام خودش شیخ محمدحسن نادی و مرحوم حاج سید صادق بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

فاضل، محمدهادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد هادی فاضل

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۸/۱۲

زندگینامه علمی

اینجانب محمد هادی فاضل پس از دوره راهنمائی در سال ۱۳۵۳ وارد حوزه شدم و پس از یک سال تحصیل دروس ابتدائی در نجف اشرف به ایران عزیمت کرده و تا سال ۵۶ در بابل در حوزه مدرسه صدر آن شهر ادامه دادم و از سال ۵۶ وارد حوزه مقدس قم شدم و تا سال ۱۳۵۹ سطح را به پایان رسانده و از آن سال در درس خارج آقای وحید خراسانی شرکت کردم (در فقه واصول) و تا سال ۱۳۷۲ از محضر ایشان استفاده نمودم در کنار این درسها منظومه سبزواری را خدمت آقایان گرامی و انصاری شیرازی خواندم وا شارات را خدمت آقای ممدوحی و مقداری از اسفار را خدمت آقای احمدی یزدی و نیز از نوارهای منطق (برهان شفا) و فلسفه استاد مصباح یزدی (شفا و نهایه و مباحث متفرقه فلسفی دیگر) و استاد جوادی آملی (اسفار جلدهای اول و دوم و سوم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و کتاب شرح فصوص الحکم قیصری و قبل از ان تمهید القواعد ابن ترکه) بهره بردم و در درس مصباح الانس استاد حسن زاده آملی شرکت کردم.

در فقه و اصول حدود ۶ سال در درسهای مرحوم شیخ جواد تبریزی شرکت کردم و سه سال در درس مکاسب (خارج) آقای هاشمی شاهرودی و از سال ۱۳۸۴ تاکنون نیز در درس آقای شبیری زنجانی شرکت می کنم . مطالعات تاریخی، تفسیری، علوم سیاسی، کلامی، اخلاقی و عرفانی نیز داشته و دارم.

بیشتر فعالیتهای اینجانب تدریس کتب حوزوی و درس بوده و از سال ۶۴ تدریس را به طور رسمی از کتب ادبیات و فقه و اصول آغاز نموده و تا به حال همچنان مشغول تدریس سطوح عالی فقه و اصول (مکاسب، کفایتین، جواهر الکلام) و عرفان نظری (شرح فصوص قیصری) هستم. این درسها به طور آزاد و یا در مدارس قم عرضه شده و از سال ۷۲ تا ۷۸ در حوزه فیضیه مازندران واقع در شهر بابل به عنوان مدرسی مشغول بودم و در سال ۸۵ و ۸۶ نیز در امتحانات شفاهی مدارس برای پایه های مختلف سطح یک و دو به عنوان ممتحن خدمت کرده ام.

فاضل، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ مهدی فاضل اندرمانی بن العالم الجلیل ملا علی اندرمانی از علماء متقی شهر ری بوده است.

وی در تاریخ ۱۲۵۵ شمسی متولد شده و در مهد علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات را از مرحوم حجهْالاسلام حاج ملا رضا قلی در شهر ری فراگرفته و سطوح وسطی را در مدرسه سید نصرالدین واقع در خیابان خیام خوانده و سطوح عالیه را در مدرسه مروی از مدرسین بزرگ آنجا چون مرحوم حاج میرزا مسیح طالقانی و حاج شیخ محمدباقر معزالدوله و دیگران آموخته و به مشهد مشرف و از آیات عظام مرحوم حاج شیخ مرتضی آشتیانی و آیت‌اللّٰه حاج میرزا محمد آقازاده کفائی و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمد نهاوندی و ادیب بزرگ نیشابوری استفاده نموده و به تهران و ری مراجعت و در مدرسه بتدریس سطوح و مباحثات علمی پرداخته تا در تاریخ ۲۱ تیر ماه ۱۳۳۲ شمسی برحمت ایزدی واصل و در جوار حضرت امامزاده حمزه جنب مرقد مطهر حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام مدفون و روی سنگ قبرش این بیت نوشته است.

دنیا مثال بحر مهیب است و پر نهنگ

آسوده عارفان که گرفتند ساحلی

نگارنده گوید: مرحوم فاضل اندرمانی عالمی عامل و عارفی کامل بوده و در نهایت سادگی و بی‌آلایشی زندگی و متصدی هیچ یک از مناصب روحانی از اقامه جماعت و غیره جز تدریس و تألیف نشد و شاگردان بزرگی که امروز از رجال کشورند تربیت نمود و آثار علمی در فقه و اصول و ادبیات از خود گذارد که هنوز بطبع نرسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فاضل‌زاده بدیع شیرازی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۴ ش)، نویسنده، مترجم و خطاط. در شیراز به دنیا آمد. در مدرسه‌ی شعاعیه تحصیل کرد. پاره‌ای از مقدمات علوم ادبی و عربی و زبان انگلیسی را در خدمت عم خود، میرزا عبدالصمد بدیع، آموخت. او در هیجده سالگی به عنوان معلم به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. بدیع خط نسخ و شکسته بخصوص نستعلیق را بسیار خوش می‌نوشت و چند جلد کتاب از قبیل: «مثنوی» مولوی و «منتهی الآمال» و غیره را برای چاپ نوشت. او همچنین در دبیرستانهای شیراز معلم زبان انگلیسی بود در ضمن آموزشگاهی برای تعلیم زبان انگلیسی دایره کرده بود. از آثار وی: «اراده‌ی آهنین»، ترجمه؛ «بزرگان ما»، شرح حال و منتخب اشعار فردوسی؛ «دستور زبان انگلیسی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۴۵ -۴۴۴ / ۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۴۲ / ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۴۹۹، ۱۴۸ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۶۶ -۵۵۶ / ۳).

فاضلی کرمانی، فاضلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۱۰۰۱ ق)، شاعر. اهل بم بود و لذا به فاضلی بمی نیز مشهور است. او در خراسان می‌زیست. به گفته‌ی «تاریخ نظم و نثر» ظاهراً از نژاد ترک بود. وی در نزاعی که بین او و پسرعمویش امیر صافی بمی درگرفت کشته شد. از اوست:

عیبم مکن که طاقت دل برقرار نیست

صبر مرا چو وعده‌ی وصلت مدار نیست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۶۹)، تذکره‌ی روز روشن (۵۹۷)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۳۸۳)، ستارگان کرمان (۲۸۹ - ۲۸۸)، فرهنگ سخنوران (۷۱۲، ۶۸۳)، هفت اقلیم (۲۸۳ -۲۸۲ / ۱).

فاضلی نشلی، عطاءالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۰ ق)، شاعر. در قریه‌ی بندپی به دنیا آمد. وی در ده سالگی به فراگیری علوم دینی پرداخت و پس از اتمام تحصیلات مقدماتی، در بابل، به تهران آمد و در مدرسه‌ی سپهسالار مشغول تحصیل شد. از آثار وی: «دسته گل حسینی»، شعر؛ «محرق الاکباد»، شعر؛ «مصائب الفؤاد»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۲۳ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۷۴ -۷۳ / ۴).

فاضلی، ابوطالب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ ابوطالب فاضلی بن حجهٔالاسلام آقا شیخ خلیل بن العلم العلام حاج شیخ عبداللّه بن آیت‌اللّه آخوند ملا ابوطالب از علماء فضلاء معاصر تهران است.

وی در سال ۱۳۴۵ قمری در خوی متولد شده و مرحوم والدش از نظر دوراندیشی که به آینده ایشان داشت مشارالیه را بنام جد بزرگوار خود مرحوم آیت‌اللّه آخوند ملا ابوطالب- ره- موسوم کرده ایشان بعد از فراگرفتن علوم مقدماتی فارسی و عربی و قسمتی از سطح در شهرستان خوی و تبریز جهت تکمیل مراتب عالیه بحوزه علمیه قم وارد و بعد از دادن امتحان از کتابین رسائل و مکاسب (مرحوم شیخ انصاری- ره-) و قبولی از طرف اساتید حوزه مدت ده سال از آیات عظام وقت بالاخص از مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی اعلی اللّه مقامه استفاده نموده بطوری که مباحثی از تقریرات آن مرحوم را در دو قسمت اصول و کتاب صلوه نوشته‌اند بعد در سال ۱۳۷۴ ق بنابر دعوت حضرت بندگان سید الطائفه آیت‌اللّه العظمی خوئی دامت برکاته عازم نجف اشرف و قریب نه سال در آستان ملك پاسبان علوی از مباحثات آیت‌اللّه خوئی بهره‌های شایانی برده و غیر از عنوان استفاده‌های درسی از ملازمین خاص و مورد علاقه شدید آن بزرگوار بوده بطوریکه خاطرات فراوانی از آن شخصیت بزرگ دارند و اکنون چند سالیست که در یکی از مساجد و محله‌های معروف تهران موسوم به گذر مستوفی (مسجد مستوفی) مشغول انجام وظیفه هستند.

و اما آثار علمی ایشان در دو قسمت خلاصه می‌شود:

(تألیفی)

۱- القضاء فی الاسلام (ناتمام).

۲- الآیات المستشهد بها فی الکتب الادبیه (ناتمام).

۳- خاطرات من از استاد حاضر.

(تقریراتی)

۱- اصول یکدوره تمام تقریرات آیت‌اللّه العظمی خوئی

۲- مباحثی از بیع و خیارات تقریرات آیت‌اللّه العظمی خوئی

۳- از اول طهاره الی احکام الاموات تقریرات آیت‌اللّه العظمی خوئی

اجمالی از احوال اسره فاضلی در ذکر اعلام شهرستان خوی در جلد چهارم خواهد آمد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فاضلی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد فاضلی

محل تولد : بیارجمند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۳

زندگینامه علمی

پس از گذراندن دوران کودکی به فراگیری قرآن مجید، ادبیات فارسی و دروس ابتدائی (حساب و هندسه) پرداخت در سال ۱۳۵۱ در سیزده سالگی به حوزه عملیه گرگان (مدرسه علمیه صالحیه) در محضر اساتید وقت از آن جمله آیت الله حاج سیّد علی رئیسی به آموختن ادبیات (صرف میر، تصریف، عوامل) همت برگماشت؛ سپس در سال ۱۳۵۴ به حوزه علمیه قم مشرف شد و سطوح را در محضر حضرات آیات حاج شیخ محمد علی مدرس (ره) (صمدیه و سیوطی) ،حاج شیخ فخر الدین وجدانی (ره) (شرح لمعه و مکاسب شیخ انصاری) ،حاج شیخ مصطفی اعتمادی (معالم و رسائل شیخ انصاری) و آیت الله حاج شیخ محمد تقی ستوده (ره) (کفایتین) را فرا گرفت. و از سال ۱۳۶۳ به درس خارج حضرات آیات عظام حاج شیخ جعفر سبحانی، حاج شیخ میرزا جواد آقا تبریزی (ره)، آیت الله وحیدی خراسانی و حضرت آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی(ره) حاضر شد و از محضر آنان توشه ها برگرفت و در کنار آن به تدریس، تالیف، تحقیق و تأسیس دست یازید.

در ایام تحصیل و تحقیق خود در دانشگاه نیروی انتظامی تهران و پرندک رباط کریم تدریس می کرد؛ دروسی که وی تدریس می کرد عبارت بودند: متون اسلامی، اخلاق، معارف و احکام تخصصی

بیش از ۱۵ سال سابقه تبلغی در ایام محرم و صفر و ماه رمضان که بیش از ۱۴ ماه آن در جبهه های نبرد حق علیه باطل بوده است.

فاضلی، اسداللَّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسداللَّه فاضلی از علماء و ائمه جماعت معاصر سبزوار می‌باشند. وی تحصیلات خود را در سبزوار و مشهد و مجامع علمی دیگر به پایان رسانیده و برای انجام وظیفه و خدمات دینی در سبزوار اقامت و تا حال حاضر به وظائف مقرره دینی و اجتماعی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

فاضلی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی فاضلی فرزند مرحوم علامه العلام والمحقق المدقق حاج شیخ محمد قائینی معروف به فاضل قائینی و سبط العلامه الفقیه حاج آقا رضا همدانی صاحب مصباح الفقیه و حفید علامه الکبیر و المحدث الخبیر میرزا محمد عسکری تهرانی رحمه‌اللَّه.

از دانشمندان و روشنفکران حوزه علمیه قم می‌باشند که از نجف اشرف مهاجرت نموده و در قم رحل اقامت افکنده و اشتغال به انجام وظائف از تدریس و تدرس تعلیم و تعلم و تألیف کتب دینی و علمی دارند. وی در سال ۱۳۶۸ قمری هجری در نجف اشرف متولد شده و در مهد علم و دانش پرورش یافته و دروس مقدماتی و سطوح را در نجف اشرف خوانده و پس از هجرت به قم و تکمیل سطوح عالیه از دروس خارج آیات عظام منتظری و آیت‌اللَّه وحید خراسانی و دیگران استفاده نموده و به تألیف و تحقیق در علوم و فنون پرداخته و اشتغال دارند. آثار و تألیفات ایشان از این قرار است:

۱- معجم مولفوا الشیعه- عربی

۲- علم الاصول تاریخا و تطورا

۳- بحثهائی درباره معاد فارسی مطبوع

۴- امامت و رهبری در اسلام- فارسی

۵- سیره پیامبر اسلام- فارسی

۶- رساله در حکم احتراق- فارسی

۷- فرهنگ معارف و عقاید اسلامی- فارسی

۸- پذیرش نظرهای نوین در علوم اسلامی- فارسی

۹- تحقیق کتاب عقل و جهل و علم و حیات صدیقه طاهره (ع)

۱۰- تحقیق کتاب اقطاب الدوائر

۱۱- تحقیق ارث مرحوم گنجوی

۱۲- تقریرات فقه و اصول عربی و غیر از اینها.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

فاضلی، قادر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قادر فاضلی

محل تولد : هشترود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب قادر فاضلی در سال ۱۳۶۰ دیپلم در رشته الکترونیک را گرفته سپس وارد حوزه علمیه شدم دروس حوزوی را تا درس خارج ادامه داده و به تحقیق و تدریس پرداخته ام . در کنار دروس فقه و اصول به فلسفه و عرفان پرداخته و نزد استادانی چون علامه حسن زاده آملی، جوادی آملی و مصباح یزدی تلمذ کرده ام . وقتی از قم به تهران مراجعه کردم به محضر علامه محمد تقی جعفری شرفیاب شده و مدت قریب ۱۰ سال در موضوعات فقه و دین شناسی از خدمت ایشان استفاده نمودم. از سال ۱۳۶۷ به تدریس در دانشگاهها مشغول شده و هم اکنون نیز ادامه دارد . قریب به ۱۰ سال است که در شبکه های مختلف تلویزیونی برنامه های مختلف داشته و در راستای مسائل دینی و اجتماعی بیش از ۱۰۰ برنامه از اینجانب پخش شده است. بیش از ۳۰ مقاله علمی در مجله های داخل و خارج کشور چاپ و منتشر شده است. تا کنون قریب به ۵۰ جلد کتاب در موضوعات مختلف نوشته ام که تعداد ۲۴ عنوان از آنها به چاپ رسیده است.

فاضلی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا فاضلی

محل تولد : نجف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از به پایان رساندن دبیرستان در رشته ریاضی، فیزیک سال ۶۹ — ۷۰ وارد حوزه شدم و سه سال در مدرسه معصومیه از محضر بعضی اساتید مانند آقایان عاملی، نائینی، حیائی و حسینی ادبیات عربی را فرا گرفتم و سه سال بعد در مدرسه رضویه از محضر اساتیدی چون استاد علی دوست و قاروبی لمعتین را خواندم و اصول مرحوم مظفر را نیز به پایان رساندم. پس از این شش سال با گذراندن دوره سطح وارد درس خارج شدم و خارج اصول را نزد آیت الله کرباسی شروع کردم و دو سال از محضر ایشان بهره بردم در همین سال خارج فقه آیت الله جوادی آملی را نیز شروع کردم و با شرکت در درس ایشان از وجود درس وی نیز بهره بردم. علاوه بر استفاده از محضر این دو استاد درس خارج فقه آیت الله زنجانی نیز در دروسی بود که در دو سال با شرکت در آن درس استفاده لازم از درس ایشان نیز بردم. سال ۱۳۸۴ در درس مرحوم آیت الله العظمی تبریزی حاضر شدم و از وجود با برکت ایشان نیز بهره بردم تا اینکه ایشان به رحمت ایزدی نائل گشت. در این سالها یعنی از سال ۱۳۸۰ تاکنون مشغول انجام کارهای تحقیقی و احیاء آثار بعضی از دانشمندان و بزرگان گذشته شدم و با تصحیح و تحقیق در حدود ۱۰ رساله قرآنی و شرح صحیفه سجادیه شیخ علی اصغر از نوادگان شهید ثانی مشغول فعالیت هستم.

فاطمه بیگم

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ملقّبه به خان آغا بیگم، دختر نوّاب محمّد تقی میرزا خلیفه سلطانی، از زنان شاعره و عالمه و فاضله بوده، و در محلّه گلبهار سکونت می‌نموده، و در صفر سال ۱۳۴۲ وفات یافته، قبرش جنب قبر نوّاب محمّد حسن میرزا در تخت فولاد است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

فاطمی ابهری، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد فاطمی ابهری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۸ با معدل بالایی اخذ دیپلم کردم و در چندین مرکز آموزشی پذیرفته شدم. در نهایت در رشته دکترای دامپزشکی دانشگاه تهران مشغول شدم ولی بعد از حدود دو سال جذابیت علوم حوزوی مرا بر آن داشت که دانشگاه را به طلب حوزه ترک کرده و دروس حوزه را با جدیت دنبال کردم. دروس سطح و ادبیات عرب را در مدرسه امام خمینی (ره) با موفقیت در عرض سه سال به پایان رساندم وسپس دروس خارج فقه و اصول را مشغول شدم، از اساتید بسیار والا مقامی چون استادی، محفوظی، محقق داماد، وجدانی فخر و اعتمادی در سطح استفاده بسیار بردم و در درس خارج از آیت الله وحید و آیت الله تبریزی بهره های وافری بردم. تدریس در دانشگاه را در سال ۱۳۷۵ در دانشگاه تهران، دانشگاه آزاد تهران مرکزی آغاز کردم و در سال ۱۳۷۶ نیزدروس حوزوی را تدریس کردم و تا کنون مشغول به تدریس تفسیر قرآن کریم بر مبنای المیزان و مکاسب و اصول شیخ انصاری می باشم. بیش از ۱۱ سال در زمینه قرآن پژوهش خوبی داشتم و چهار سال در دوره تخصصی تفسیر قرآن کریم شرکت داشتم.

فاطمی جهرمی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر سید ابوالقاسم فاطمی جهرمی پس از اتمام دوره تحصیلات متوسطه و اخذ دیپلم ،تحصلات دانشگاهی خود را در مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات انگلیسی دردانشگاه تهران آغاز و بپایان رسانید.او برای تکمیل معلومات دانشگاهی عازم آمریکا شده و در رشته آموزش زبان انگلیسی مدرک دکترای خود را اخذ نموده است.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی, دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد. گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات انگلیسی گرایش : آموزش زبان انگلیسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی سید ابوالقاسم فاطمی جهرمی به ترتیب زیر است. لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه تهران فوق‌لیسانس آموزش زبان انگلیسی آمریکا دکتری آموزش زبان انگلیسی آمریکا مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری و مدیریتی سید ابوالقاسم فاطمی جهرمی به قرار زیر است: عضو هیات علمی (دانشیار)دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۵۲ تاکنون مدیر گروه زبان و ادبیات انگلیسی به مدت ۱۶ سال معاون آموزشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی به مدت ۸ سال معاون آموزشی دانشگاه به مدت ۴ سال فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریسی و آموزشی سید ابوالقاسم فاطمی جهرمی : زبان‌شناسی، آواشناسی، متون پیشرفتهٔ نثر ادبی، جامعه‌شناسی زبان، روش تدریس، روان‌شناسی زبان، تجزیه و تحلیل کلام، مقاله‌نویسی چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی سید ابوالقاسم فاطمی جهرمی : تعداد مقالات علمی منتشر شده:۱۱ مورد تعداد سخنرانی های علمی : بیش از ۳ مورد تعداد طرح‌های تحقیقاتی خاتمه یافته : ۲ مورد آثار : درک متون انگلیسی Reflections on Reading ویژگی اثر : چاپ دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۷۵ ۲ رهیافتی بر آموزش واجهای انگلیسی به فارسی زبانان A Comprehens Sive Pedagogical Approach to Teaching English Phonemes to Persian Students ویژگی اثر : چاپ دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۵۳ مروری بر آواشناسی انگلیسیA Survey of English Phonetics ویژگی اثر : چاپ دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۷۰

فاطمی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

درگذشت: ۱۳۵۹.

سید احمد فاطمی، فرزند سید حیدر از نوادگان عبدالصمد بود، که مدتی در مدرسه‌ی فیضیه‌ی قم به ادامه‌ی تحصیل مشغول گردید. بعدها موفق به کسب درجه‌ی دکتری از دانشگاه تهران شد و مدتی نیز در دانشکده‌ی الهیات مشهد مقدس سمت ریاست دانشکده و استادی را داشت. از آثار وی است: اصول الفقه.

سید احمد فاطمی سرانجام در سال ۱۳۵۹ دار فانی را وداع گفت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فاطمی، تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۴ -۱۲۸۳ ش)، ریاضیدان. وی در اصفهان به دنیا آمد و پس از تحصیلات مقدماتی در یزد به خدمت آموزش و پرورش درآمد. در ۱۳۰۶ ش با اولین دسته محصلین اعزامی به اروپا برای تحصیل به فرانسه رفت و در دانشسرای عالی پاریس در رشته ریاضیات به تحصیل پرداخت. در ۱۳۱۲ ش به ایران بازگشت و به تدریس ریاضیات پرداخت و در ۱۳۵۰ ش به عنوان دومین استاد ممتاز دانشگاه تهران نائل گشت. وی پس از بازنشستگی در مشهد سکنی گزید و در آن شهر درگذشت. از او تألیفات متعددی در رشته‌ی ریاضیات به جای مانده. از آثارش: «جبر برای سال چهارم و پنجم دبیرستانها»، به مشارکت محمدوحید تنکابنی؛ «جبر برای سال چهارم»، به مشارکت محسن هنربخش و موسی آذرنوش و باقر نحوی؛ «مثلثات»، به مشارکت محمد وحید تنکابنی؛ «مکانیک استدلالی».[۱]

ریاضیدان.

تولد: ۱۲۸۳، اصفهان.

درگذشت: ۱۷ آذر ۱۳۷۴، مشهد.

تقی فاطمی، فرزند حسین، پس از مدتی تعلیم در منزل توسط معلم خصوصی، در دبیرستان صارمیه ادامه‌ی تحصیل داد. در سال ۱۳۰۰ در یزد به خدمت اداره‌ی فرهنگ درآمد و در سال ۱۳۰۶ با اولین دسته محصلین از طرف وزارت جنگ برای ادامه‌ی تحصیل به فرانسه اعزام شد. وی که در امتحان مسابقه‌ی اعزام رتبه‌ی اول را به دست آورده بود و می‌توانست به تمام رشته‌ها راه یابد، معلمی را انتخاب کرد و وارد رشته‌ی آموزش علوم ریاضی شد و در دانشسرای عالی پاریس (اکل نرمال سوپریور) به تحصیل پرداخت.

تقی فاطمی در سال ۱۳۱۲ به ایران بازگشت و تا زمان بازنشستگی به تدریس ریاضیات مشغول بود. ابتدا در دبیرستان نظام تدریس می‌کرد ولی پس از مدتی به تدریس در دانشسرای عالی و مدت‌ها بعد در دانشگاه‌های تربیت معلم، تهران و مشهد پرداخت. وی در سال ۱۳۵۰ به عنوان دومین استاد ممتاز دانشگاه مفتخر شد. در سال ۱۳۶۹ به عنوان استاد ریاضی ایران برگزیده شد و در بیست و دومین کنفرانس ریاضی کشور مورد تجلیل قرار گرفت.

تقی فاطمی برای دوره‌های مختلف دبستان و دبیرستان در مجموعه بیست و شش جلد کتاب نوشته است. از آثار اوست: مثلثات (با مشارکت محمد وحید، ۱۳۲۲)؛ مکانیک استدلالی (۱۳۳۶)؛ کتابی هم درباره‌ی روش تدریس نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۰۲، ۲۸۷۸ / ۲ ،۱۰۱۰ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۱ -۲۳۰/ ۲).

فاطمی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: گیاه‌پزشکی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شیراز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

فاطمی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن فاطمی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۵در شهر قم متولّد شدم. سال ۱۳۶۰پس از اتمام کلاس اول دبیرستان در رشته علوم تجربی، با ثبت نام در مدرسه آیت الله گلپایگانی (امام مهدی فعلی) وارد حوزه علمیّه شدم. تحصیلات را در این مدرسه تا ابتدای شرح لمعه فرا گرفتم و از آن پس به صورت آزاد تحصیلات را ادامه دادم. از حدود سال ۱۳۷۰ در درس خارج حاضر شدم و به مدّت ۵ سال ادامه دادم و از آن پس به فعالیتهای تحقیقی با تدوین مقاله و کتاب روی آوردم. ضمن تحصیلات حوزوی دروس دبیرستان را در رشته فرهنگ و ادب ادامه

دادم. سال۱۳۶۹ بـا معادل لیسانس از حوزه در مقطع فوق لیسانس در رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و مبانی حقوق در دانشگاه آزاد اسلامی اراک پذیرفته شدم. به دلیل رسمیت نداشتن مدرک حوزوی، مقطع لیسانس را نیز در رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش علوم قرآن و حدیث فرا گرفتم. نظر به اینکه با موافقت ریاست کل دانشگاه آزاد واحدهای بیشتر از معمول را می توانستم انتخاب کنم در سال ۱۳۷۲ هر دو مقطع را به پایان رساندم. تا کنون ۴ کتاب وحدود ۱۵۰ مقاله اعم از بی امضاء یا با امضای خودم یا با نام مستعار از اینجانب چاپ شده است.

فاطمی، حسین زاهد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۸۹ ق)، عالم امامی، مدرس، عارف و زاهد. در قم به دنیا آمد و در همان شهر پرورش یافت. سالهای متمادی از مضحر آیت‌الله حاج میرزاجواد آقا ملکی تبریزی و آیت‌الله حایری استفاده نمود. وی از علماء اخلاق حوزه‌ی علیمه‌ی قم بو. بیشتر عمر خود را در تزکیه نفس و ترویج دین و تعظیم شعائر مذهبی و تدریس اخلاق و تربیت نفوس گذرانید. بنابر امر آیت‌الله حجت در مدرسه‌ی حجتیه در روزهای تعطیل درس اخلاق می‌گفت. فاطمی در قم درگذشت و در قبرستان شیخان جنب مقبره‌ی زکریا بن آدم به خاک سپرده شده. از آثارش «درر الاخبار»، در دو جلد می‌باشد.[۱]

حاج آقا سید حسین زاهد فاطمی بن سید الاعلام آقا سید اسحق قمی از علماء و عباد و زهاد معروف قم و از علماء اخلاق حوزه علمیه قم بوده‌اند که کثرت زهد و قدسش او را از معاشرت مردم بازداشته و غالبا در زاویه منزل خود به تزکیه نفس و محاسبه خود پرداخته و عده‌ای را نیز تربیت نموده است تولد آن مرحوم در قم شده و در مهد علم و سیادت و فضیلت پرورش یافته و سالهای متمادی از محضر مرحوم جمال‌السالکین و کمال‌الزاهدین آیت‌الله حاج میرزا جوادآقا ملکی تبریزی و آیت‌العظمی حایری استفاده نموده و اکثر عمر عزیز خود را صرف ترویج دین و تعظیم شعایر مذهبی و اقامه نماز جماعت و تدریس اخلاق و تربیت نفوس گذرانیده و چندین سال بنابر امریه مرحوم آیت‌الله حجت در مدرسه حجتیه در روزهای تعطیل درس اخلاق گفته و تا اواخر عمر عزیز در منزل شخصی خود به گفتن درس اخلاق و نصایح و مواعظ حسنه دلهای محصلین را روشن و صفا داده و در غالب سالها مسافرت به عتبات عراق و مشهد مقدس رضوی مشرف و از انوار عالیه حضرات ائمه علیهم‌السلام کسب نور و فیض نموده و تا ۲۷ ماه شوال ۱۳۸۹ ق دعوت حق را اجابت و در قبرستان شیخان جنب مقبره جناب زکریا بن آدم مدفون گردیده است از تالیفات مطبوع ایشان است دررالاخبار در دو جلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۱۳ -۲۱۲ / ۲).

فاطمی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۰۶، بروجرد.

درگذشت: ۱۴ آبان ۱۳۷۰.

عبدالله فاطمی، متخلص به «الفت»، تحصیلات ابتدایی و دوره‌ی متوسطه را در بروجرد به پایان رسانید. از آن پس برای ادامه تحصیل رهسپار تهران شد و به تحصیل پرداخت، اما به عللی نتوانست به تحصیل خود ادامه دهد و نیمه راه متوقف ماند. آنگاه پس از چندی به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد و به کار اشتغال ورزید.

الفت شعر و شاعری را از دوره‌ی تحصیل در دبیرستان آغاز کرد و در سرودن انواع شعر طبع آزمایی کرد، اما طبعش بیشتر به غزلسرایی مایل بود. از آثار اوست: افق الفت (مجموعه غزلیات)، مثنوی در مکنون (شرح خورشید و ماه، پریشان و پدرام).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فاطمی، عمیدالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عمیدالدین فاطمی از فضلاء و علماء حوزه علمیه قم است. وی در تویسرکان متولد شده و پس از خواندن مقدمات به قم مهاجرت نموده و سطوح وسطی و عالی را از مدرسین حوزه خوانده آنگاه به درس خارج مرحوم آیت الله العظمی آقای آقا سید محمد حجت کوهکمری و مرحوم آیه الله العظمی حاج سید محمد تقی خونساری و حضرت آیت الله العظیم بروجردی بالغ بر ۱۸ سال شرکت نموده و پس از آنان از محضر آیت الله العظمی شریعتمداری و آیت الله العظمی گلپایگانی بهره‌مند و تا هم اکنون در

حوزه علمیه قم اشتغال دارند و نگارنده بالغ بر سی سال است که آن جناب را می‌شناسم (و ما رایت منه الا جمیلا) او را عالمی متین و فاضلی محمود دیده‌ام.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

فاطمی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ -۱۲۸۸ ش)، نویسنده و استاد دانشگاه. در اصفهان به دنیا آمد. پس از گذراندن دوره‌ی ابتدایی و متوسطه در اصفهان و مشهد و اخذ لیسانس از دانشسرای عالی تهران برای ادامه تحصیل از طرف وزارت فرهنگ به فرانسه اعزام شد، و در ۱۳۱۷ ش با اخذ درجه‌ی دکترای علوم طبیعی، در رشته‌ی جانورشناسی، از دانشگاه مونپلیه، به ایران مراجعت کرد. وی در ۱۳۲۳ ش به استادی کرسی جانورشناسی دانشکده‌ی علوم منصوب شد. اثر وی: «جانورشناسی عمومی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۰۰۸ -۱۰۰۷ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۴ / ۶).

فاطمی، نظام

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یکی دیگر از ترانه‌سرایان معروف که ترانه‌های قابل قبولی در دهه‌های ۱۳۳۰ در آشفته بازار وقت ارائه کرد، نظام فاطمی بود، وی فرزند علی‌اصغر خان فاطمی است که خود مردی ادیب و دانشمند و به شعر و موسیقی علاقه‌ای وافر داشت، علی‌اصغر فاطمی در تعلیم و تربیت فرزند خود نظام سعی و کوشش فراوان داشت تا روزی وی بتواند برای کشور خود در هنر و ادبیات کاری انجام دهد و فخرآفرین باشد.

نظام فاطمی، در روستای «آهو» از توابع تفرش متولد شد، دوران کودکی را زیر نظر دقیق و تیزبین پدر فاضل خود سپری کرد و از مکتب پدر فیض فراوان برد و خود در سن شانزده سالگی رغبتی به شعر و شاعری پیدا نمود و اولی غزلی را که ساخت، اولین بیت آن چنین بود:

«خوشا دمی که ز وصل تو شادمانه شوم
ز بحر مایل هجر تو بر کرانه شوم»

نظام فاطمی، علاقه بسیاری به ادبیات و تاریخ و نقاشی دارد، به همین سبب ادبیات را برگزید و در این رشته ادامه تحصیل داد و فارغ التحصیل گشت. وی از سال ۱۳۳۰ همکاری خود را با رادیو آغاز کرد و بیش از سیصد و پنجاه ترانه ساخت و بیشتر آن‌ها از ترانه‌های موفق زمان خود به شمار می‌روند، ترانه‌های: «صدف» با صدای سیمین، «من و آینه»، «عیش و نوش»، «حاصل عشق»، «غروب دهکده»، «جام طلا» با صدای دلکش، «صدای آشنا» با صدای داریوش رفیعی و «گذشت عمر» با صدای پروین. نظام فاطمی، علاوه بر شعر و شاعری در هنر نویسندگی هم دستی دارد و سال‌ها همکار صمیمی مطبوعات و نویسنده سناریوهای: «فردا روشن است» و «بیوه‌های خندان» می‌باشد. یکی از ترانه‌های این شاعر باذوق را در ذیل از نظر خوانندگان گرامی می گذرانم:

«غنچه‌ی نشکفته»

غنچه نشکفته- شب بچمن خفته
بامید لبخند سحر- که گشاید زان خنده، مگر دل تنگ بیمارش را
بگشاید بر خنده لبش- بفزاید بر جان طربش بفروزد در خارش را
تو نوا سحری- همچو غنچه منم
تا بر من ندمی- لبخندی نزنم
ای خورشید جهان- امشب سر نزنی
بر هم خواب خوشم- تا دیگر نزنی
از جور تو دل- بمرادش نرسد
داد از دل تو- که بدادش نرسد
بامید لبخند سحر- که گشاید زان خنده مگر دل تنگ بیمارش را
بگشاید بر خنده لبش- بفزاید بر جان طربش بفروزد در خارش را
گر صد مرغ چمن- گوید نغمه‌زنان- فسانه‌ها در گوشم
من ای صبح طرب- دلتنگم همه شب- برفته از سر هوشم
تا بر من ندمی- لبخندی نزنم- فسرده و خاموشم

«دل رمیده»

به تو رو نکنم ز تو دل بکنم

از آن‌که دیدم مرا تو دیگر نشناسی
دلم از همه کس به تو بستم و بس
دلی چو گوهر ولی تو گوهر نشناسی
تو را گمان بردم که دل شکستن نمی‌توانی
چو دیدم اکنون خلاف آنی دگر چگویم دگر چه دانی
من که دگر رسم تو را می‌دانم
گوهر جان بر تو چرا افشانم
بخدا بخدا از تو گیرم دل و زین پس
بسپارم بدگر کس
که مگر قدر آن بداند– راز آن بخواند– این شکسته دل را از بلا رهاند
برمش چون گوهری
بر صاحب نظری
آه چکنم اگر کسی نیابم
بجهان که دل ز من ستاند
چکنم اگر کسی نباشد
که مرا بسوی خود نخواند
چکنم گر کس دیگر نشناسد مرا
به که تنها شوم و با غم هجران سازم

فیلمنامه‌نویس، کارگردان.

تولد: ۱۳۱۰، آشتیان.

درگذشت: ۳۱ تیر ۱۳۷۳.

نظام فاطمی، فرزنـد علی‌اصـغر، در روسـتای «آهو» از توابع تفرش متولد شد، دوران کودکی را زیر نظر پدرش طی کرد. تحصـیلات متوسـطه را در دبیرسـتان حکیم نظامی قم گذراند. در دوران نوجوانی فعالیت ادبی خود را آغاز کرد و اولین اشـعار خود را در سـن شانزده سالگی سرود، تعدادی از اشعارش در مجله‌های «روشنفکر» و «سپید و سیاه» به چاپ رسید. به موازات آن به نوشتن نمایش و ترانه‌سـرایی برای رادیو (در دهه‌ی ۱۳۳۰ و بیش از سیصد و پنجاه ترانه) نیز پرداخت. از جمله این ترانه‌ها می‌توان به این عنـوان‌ها اشاره نمود: «صدف»؛ «من و آینه»؛ «عیش و نوش»؛ «حاصل عشق»؛ «غروب دهکده»؛ «جام طلا»؛ «صدای آشنا» و «گذشت عمر».

نظـام فاطمی که فارغ‌التحصـیل رشـته‌ی ادبیات از دانشگاه تهران بود در سال ۱۳۳۸ با نوشـتن فیلمنامه‌ی «دو قلوها» فعالیت سـینمایی خود را آغاز کرد و فیلم «بیوه‌های خندان» نخستین فیلمی بود که علاوه بر فیلمنامه کارگردانی آن را بر عهده گرفت. از آن پس تنها به فعـالیت در سـینما پرداخت. در سـال ۱۳۵۵ براسـاس قصه‌هـای هفت پیکر نظـامی گنجوی، به سـاختن یـک مجموعه‌ی تلویزیونی پرداخت که نیمه کـاره رها کرد. تنها فیلم او پس از انقلاب «زنگ اول» (۱۳۶۴) بود. فـاطمی سال‌های آخر عمر را با مطالعه‌ی متون پهلوی، گردآوری ادبیات پندآمیز نظامی در مجموعه‌ای که آن را بوستان نظامی نامیده بود و سرودن شعر می‌گذراند.

عمـده فیلم‌هـای وی بـه ایـن شـرح هسـتند: «فردا روشن است» (نویسـنده، ۱۳۳۹)؛ «بیوه‌هـای خنـدان» (کارگردان، نویسـنده، ۱۳۴۰)؛ «گرگ‌هـای گرسـنه» (نویسـنده، ۱۳۴۱)؛ «مرد میـدان» (نویســنده، ۱۳۴۲)؛ «دهکـده‌ی طلایـی» (کـارگردان، نویسـنده، بـا همکاری اسـماعیل پورسعید، ۱۳۴۳)؛ «کمین‌گـاه شـیطان» (کارگردان، نویسـنده، ۱۳۴۳)؛ «شـیطون بلا» (کارگردان، نویسـنده، تهیه‌کننـده با مشارکت موسـی افشار و جمشـید شیبانی، ۱۳۴۴)؛ «هـارون و قارون» (کارگردان، نویسنده، ۱۳۴۵)؛ «زن‌هـا و شوهرها» (کارگردان، نویسنده ۱۳۴۶)؛ «گردباد زندگی» (کارگردان، نویسنده با همکاری پرویز نوری و جمال امید، ۱۳۴۷)؛ «سالار مردان » (کارگردان، ۱۳۴۷)؛ «مریـد حق» (کـارگردان، ۱۳۴۹)؛ «شوهر پاسـتوریزه» (نویسـنده، ۱۳۵۰)؛ «قصـاص» (کارگردان، ۱۳۵۰)؛ «مهدی مشـکی و شلـوارک داغ» (کـارگردان، ۱۳۵۱)؛ «اسـتوار و پاسبان» (کـارگردان، ۱۳۵۱)؛ «کاکـل زری» (کـارگردان، ۱۳۵۱)؛ «مردان خلیـج» (کـارگردان، ۱۳۵۱)؛ «قربـون هر چی خوشـگله» (کـارگردان، نویســنده، ۱۳۵۲)؛ «دخـتران بلاـ مردان ناقلا» (کـارگردان، ۱۳۵۳)؛ «دروغگـوی کوچولو» (کـارگردان، ۱۳۵۳)؛ «پاشـنه طلا» (کارگردان، ۱۳۵۴)؛ «حسـرت » (کـارگردان، ۱۳۵۴)؛ «راز» (کـارگردان، نویسنده، ۱۳۵۵)؛ «کلام حق» (کارگردان، ۱۳۵۶)؛ «زنگ اول» (کارگردان، ۱۳۶۴).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فاطمی، ولی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ولی فاطمی

محل تولد : قائم شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱۰/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ولی فاطمی در سال ۱۳۵۵ پس از سه ماه در حوزه علمیه بابل در پائیز همان سال به قم مشرف شدم و دروس حوزوی را در نزد اساتید این حوزه مبارکه ادامه دادم . پس از مدّتی که به طور آزاد مشغول تحصیل بودم وارد مدرسه مبارکه رضویه شدم که از افتخارات و اسباب توفیق حقیر، آشنایی با عالم ربانی حضرت آیت الله بدلا قدس سره بود که درحقیقت هدیه معنوی حضرت معصومه سلام الله علیها به حقیر بود که با عالم فرهیخته و مهذبی همچون معظم له آشنا شدم و این آشنایی تا آخر عمر شریف ایشان ادامه داشت و آنچنان با هم مأنوس و معاشر بودیم که عقد اخوت میان من و ایشان خوانده شد. بنده بسیاری از توفیقاتم را در پرتو قرآن و عترت علیهم السلام و توسل به آن ذوات مقدس بویژه امام زمان علیه السلام برایم حاصل شد این ناچیز به همه طالبان علم و معرفت توصیه میکنم که از دامان عترت پیامبر علیهم السلام نکشند و از همنشینی با علمای مهذب و متقی حداکثر بهره برداری را بنمایند.

ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب

فاکر، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا فاکر

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حجۀالاسلام محمدرضا فاکر در سال ۱۳۲۴ در مشهد مقدس و در میان خانواده‌ای متدین و ارادتمند به ساحت بلند علی بن موسی الرضا (ع) چشم به جهان گشود. حجۀالاسلام فاکر به دلیل شغل پدرش، به اتفاق دیگر اعضای خانواده مدتی به اصفهان آمد و در آنجا ضمن طی نمودن دروس دورۀ ابتدایی، با بخشی از دروس دورۀ مقدمات حوزه آشنا شد. سپس به مشهد بازگشت و تحصیلات خود را به صورت جدی در کنار مرقد علی بن موسی الرضا (ع) پی گرفت و پس از چندی دورۀ مقدمات را در خدمت ادیب نیشابوری به پایان برد. او در سال ۱۳۴۳ پس از طی نمودن بخشی از دروس دورۀ سطح به قم آمد. در قم، باقیماندۀ شرح لمعه را خواند و سپس در دروس رسائل، مکاسب و کفایۀ استادان مشهور زمان خود شرکت کرد. سپس به درس خارج رفت و در این میان از شرکت در دروس جنبی، همچون تفسیر نیز غافل نماند. حجۀالاسلام فاکر در طول سالهای تحصیل به خدمت استادان بسیاری شرفیاب شد. او که دروس مقدمات را بیشتر نزد مرحوم ادیب نیشابوری فرا گرفته بود، برای فراگیری شرح لمعه به نزد مرحوم مدرس یزدی رفت و بخشهایی از شرح لمعه را نزد او آموخت. در قم، باقیماندۀ شرح لمعه را نزد حضرات آیات صلواتی و دوزدوزانی آموخت و در درس مکاسب آیۀالله خزعلی و آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی شرکت کرد، ضمن اینکه رسائل را نزد آیۀالله العظمی نوری همدانی می‌خواند. حجۀالاسلام فاکر در درس کفایه الاصول مرحوم آیۀالله سلطانی طباطبایی و آیۀالله العظمی فاضل لنکرانی شرکت کرد و سپس به درس خارج فقه و اصول راه یافت. او در این دوره بیشتر در درس آیۀالله العظمی گلپایگانی (ره) و آیۀالله العظمی وحید خراسانی شرکت کرد. همچنین در زمینۀ تفسیر، به درس آیۀالله مشکینی می‌رفت. او در طی سالهای تحصیل در دروس اخلاق استادان خود نیز شرکت جدی داشت. حجۀالاسلام فاکر در طی سالهای تحصیل خود با طلاب و فضلای بسیاری رابطه دوستی داشت که از آن جمله شهید شیخ عباس شیرازی و حجج اسلام هادی مروی، آقا ضیاء مسجد جامعی و محمد حسین امراللهی را می‌توان نام برد.

حجۀالاسلام فاکر در سالهای تحصیل خود، بسیاری از دروسی را که آموخته بود، تدریس می‌کرد و پس از آن نیز، سالها به این امر مهم در حوزه‌های علمیه اشتغال داشت. او تقریرات دروس خارج را نگاشته و در طول سالهای تحصیل و پس از آن بارها به مناطق مختلف سفرهای تبلیغی و سیاسی کرده است. حجۀالاسلام فاکر از مبارزان خستگی‌ناپذیر سالهای پیش از انقلاب و از مدافعان اصلی انقلاب اسلامی به شمار می‌آید. او مبارزات خود را در دوره‌ای آغاز کرد که در مشهد به خواندن ادبیات مشغول بود. در آن زمان او بسیاری از اعلامیه‌های امام (ره) را در حجرۀ خود تکثیر و یا از روی آن می‌نوشت و سپس آن را به طور مخفیانه بر در و دیوار شهر نصب می‌کرد یا به اطلاع دیگر هواداران انقلاب می‌رساند. او نخستین بار در سال ۱۳۴۱ دستگیر و روانۀ زندان شد و دومین بار در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بازداشت شد و در زندان با حضرت آیۀالله خامنه‌ای، آشنا شد. رژیم شاه آنها را به بیگاری کشیده بود تا آنها ضمن این کارها، تحمل و صبر خود را از دست بدهند. او دیگر بار در اوایل سال ۱۳۵۲ دستگیر و روانه زندان شد. و تا آخر سال ۱۳۵۵ در زندان بسر برد علت آن هم سخنرانی وی در نهاوند بر ضد رژیم شاه و افشاگری عملکرد آن رژیم مزدور و همکاری با گروه ابوذر بود.

رژیم شاه پس از انتقال وی از مشهد به تهران او را روانه زندان کرد. از فعالیتهای مهم حجۀالاسلام فاکر طرح مرجعیت امام (ره) به

همراه بسیاری از استادان و فضلای حوزه علمیه قم، پس از درگذشت آیهٔالله العظمی حکیم(ره) بود. او در این زمینه، تصمیم گرفت طی سفری به خرمشهر و آبادان و زاهدان و... علمای آن دیار را با تصمیم فوق آشنا کند و برای این کار عزم سفر کرد و ضمن ارائه آخرین اطلاعات و اخبار در بارهٔ نهضت مردم ایران، آنان را از تصمیم علمای حوزه علمیه قم آگاه ساخت. فعالیتهای وی به پیش از انقلاب منحصر نماند. پس از انقلاب نیز وی همواره مدافع نظام بود و مدتی نیز به عنوان نمایندهٔ امام (ره) در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به ایفای نقش می‌پرداخت. او چند دوره به نمایندگی از مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی حضور یافت و در سالهای ظهور خط نفاق و لیبرالیسم، همواره به افشای ماهیت پلید آنان می‌پرداخت که از این رهگذر، بارها مورد حمله گروههای به اصطلاح اصلاح طلب قرار گرفت او پس از انقلاب لااقل سه بار مورد سوء قصد ضدانقلاب قرار گرفت که از همه آنها جان سالم به در برد. حجهٔالاسلام فاکر در پیش و پس از انقلاب با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بوده است و امضاء او در زیر بسیاری از اعلامیه‌ها و بیانیه‌های مهم آن مرکز به چشم می خورد

فال اسیری شیرازی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی‌اکبر فال اسیری شیرازی از فقهاء بزرگ و علماء جلیل‌القدر شیراز از شاگردان میرزا حبیب‌اللَّه رشتی بوده و در شیراز قیام به وظائف دینی و روحی نموده تا در ذی‌القعده ۱۳۱۹ ق وفات نموده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

فالی خوزستانی، ابوالحسن، ابوالحسین مؤدب علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۴۸ ق)، محدث، نحوی، ادیب و شاعر. او به فاله از توابع ایذج (ایذه) خوزستان منسوب است. وی در بصره مدتی زیست و در آنجا از ابوعمر هاشمی و ابن‌خربان نهاوندی و ابوالحسین بن نجار/ نجاد و دیگر شیوخ آن زمان حدیث شنید.سپس به بغداد آمد و در آنجا ساکن شد. خطیب در «تاریخ بغداد» و ابوالحسین ابن طیوری و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. او نظم نیکویی داشت. فالی در مقبره‌ی جامع المنصور مدفون است. از آثارش: «کتاب الاستقامه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۳۴۲ / ۴)، ایضاح المکنون (۲۶۶ / ۲)، تاریخ بغداد (۳۳۴ / ۱۱)، ریحانه (۲۹۰ –۲۸۹ / ۴)، سیر النبلاء (۵۵ –۵۴ / ۱۸)، شذرات الذهب (۲۷۸ / ۳)، الکامل (۷۹ / ۸)، کشف الظنون (۱۳۸۹)، الکنی و الالقاب (۱۲ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ علی فالی)، معجم الادباء (۲۳۰ –۲۲۶ / ۱۲)، معجم البلدان (۲۶۴ / ۴)، معجم المؤلفین (۲۱ –۲۰ / ۷)، النجوم الزاهره (۶۱ / ۵)، هدیه العارفین (۶۸۸ / ۱).

فالی شیرازی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد فرزند حاج سید عزیز فالی شیرازی عالمی جلیل و فاضلی نبیل و شاکری جمیل از علماء کربلاء معلی و رانده شده به ایران و ساکن در قم می‌باشد.

تولدشان در بیستم جمادی‌الاول ۱۳۳۴ قمری سالروز ولادت سراسر سعادت حضرت زهرا سلام‌اللَّه علیها در فال شیراز که از مضافات لار است واقع شده و در سن ۱۶ سالگی در سال ۱۳۵۳ قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و مقدمات و ادبیات را اکثرا از مرحوم مدرس افغانی فراگرفته و سپس به کربلا رحل اقامت انداخته و سطوح را در خدمت حاج شیخ یوسف بیارجمندی شاهرودی و حاج شیخ ابوالقاسم خوئی و مکاسب و دروس خارج را از محضر آیت‌اللَّه میرزا مهدی شیرازی و کفایه را از آیت‌اللَّه حاج آقا حسن طباطبائی قمی آموخته، و از محضر درس خارج آیت‌اللَّه حاج‌آقا حسین طباطبائی قمی و میرزا هادی خراسانی استفاده نموده و به تألیف و تصنیف کتب علمی پرداخته و در سال ۱۳۸۴ قمری از طرف دولت بعث عراقی تسفیر به ایران شده و پس از چند ماهی مراجعت سپس اخراج به ایران و باز برگشته و در سال ۱۳۸۷ قمری که اقامت در بلده طیبه قم را اختیار و تا حال تحریر این کتاب با مواجه شدن به مصیبت ناگهانی داغ فرزند برومند و فاضل فعالش مرحوم حاج سید علی فالی و فرزند دیگرش در موقع حمله هوائی عراق به ایران و قم در راه مشهد و شهید شدنشان اشتغال به وظائف روحی و دینی دارند.

تألیفات ارزنده ایشان که به طبع رسیده است از این قرار است:

۱– قاطع البرهان فی الرد علی الجبهان

۲– البهایه حزب لا مبدائیه

۳- الاسلام والثلثات

۴- براهین الشیعه فی دحض الاباطیل الندویه و ابن تیمیه

۵- برای جوانان ۴ جلد

۶- تذکره الشباب ۲ جلد

۷- خلفاء الرسول الاثناعشر ۶ جلد

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

فالی، حسام‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسام‌الدین فالی بن العالم الجلیل السید محمد بن حاج سید علی‌اکبر مجتهد فال اسیری شیرازی از علماء و فقهاء معاصر شیراز و از خاندان علم و دانش است.

در سال ۱۳۱۶ قمری در شیراز متولد شده و پس از تحصیل مقدمات چندی از محضر مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمدصادق استفاده فقه و اصول نموده سپس مهاجرت به نجف اشرف و از محضر آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه العظمی آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدکاظم شیرازی تحصیل کرده و به درجه رفیع اجتهاد رسیده و در سال ۱۳۰۵ شمسی به شیراز برگشته و در مسجد جامع وکیل به اقامه جماعت و خدمات دینی پرداخته و در تعمیر و مرمت مسجد مزبور و سایر مساجد شیراز سعی وافی بجای آورده است.

معظم له اکنون در شیراز به تدریس اشتغال دارد تألیفی بنام «تعلیمات قرآن» دارد و از دانشمندان متقی و زاهد و بی‌اعتناء به امور مادی و دنیوی و با کمال قناعت و مناعت طبع زندگانی می‌نماید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

فامی هروی، ابوصابر عبدالصبور

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۵۲ -۴۷۰)، محدث و فقیه. او تاجری نیکوکار بود که امین نامیده می‌شد. وی «الجامع» ترمذی را از ابی‌عامر ازدی، در بغداد، استماع کرد و از شیخ‌الاسلام و نجیب واسطی و الیاس بن مضر حدیث شنید. در همدان و بغدد در ۵۳۹ ق حدیث گفت. سمعانی و فرزندش عبدالرحیم و ابوالحسن بن نجای واعظ و احمد بن حسن عاقولی از وی روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (۳۷۲ / ۲)، سیر النبلاء (۳۲۹ -۳۲۸ / ۲۰)، شذرات الذهب (۱۶۲ / ۴)، النجوم الزاهره (۳۱۳ / ۵).

فامی‌شیرازی، ابومحمد عبدالوهاب بن محمد بن عبدالوهاب

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۰۰ -۴۱۴ ق)، فقیه، محدث، مدرس و مفتی معتزلی شافعی. از استان فارس و اهل شیراز بود. از طرف خواجه نظام‌الملک، در ۴۸۳ ق، برای تدریس در نظامیه به همراهی ابوعبدالله حسین بن محمد طبری به بغداد رفت، پس هر یک از آنها یک روز در میان درس می‌گفتند، ولی بعد از سالی عزل شدند. فامی از ابوبکر احمد بن حسن بن لیث و عبدالواحد بن یوسف قزاز و لعی بن بندار حنفی و ابوزرعه احمد بن یحیی خطیب شیرازی و حسن بن محمد بن عثمان بن کرامه شیرازی حدیث نوشت. وی در جامع قصر املای حدیث می‌کرد. عبدالوهاب انماطی و ابن‌ناصر از وی حدیث روایت کرده‌اند. فامی در شیراز درگذشت. او از بزرگان فرقه شافعی بود که حدود هفتاد اثر در هیجده شاخه علمی از خود بجای گذاشته است. از آثارش: «تفسیر»ی بزرگ، مضتمن صد هزار بیت؛ «تاریخ الفقهاء»؛ کتاب «الآحاد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۶ / ۴)، ذیل تاریخ بغداد (۳۹۹ -۳۹۰ / ۱۶)، سیر النبلاء (۲۵۲ -۲۴۸ / ۱۹)، شذرات الذهب (۴۱۳ / ۳)، الکامل (۲۴۵ / ۸)، کشف الظنون (۱۱۰۰، ۴۵۱)، لسان المیزان (۵۱۲ -۵۰۹ / ۴)، مدارس نظامیه (۱۴۲)، معجم المؤلفین (۲۲۹ / ۶)، هدیه العارفین (۶۳۷ / ۱).

فامیلی، جلیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: مهندسی نفت، دانشگاه: صنعت نفت

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی در زمینه مهندسی مکانیک.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه صنعت نفت.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پروژه پتروشیمی ایران و ژاپن، توسعه میادین نفتی حوزه‌های نفتی اهواز و مارون، توسعه خطوط لوله انتقال نفت به جزیره خارک و توسعه تلمبه خانه‌های نفت در مناطق نفتخیز، طراحی و گسترش دستگاههای بهره‌برداری نفت، کمانه شدن و ارتعاشات تحت فشارهای داخلی و بار خارجی غیر متقارن، استاد راهنمای یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۲ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مکانیک سیالات و کاربرد آن در مهندسی با استفاده از کامپیوتر، مکانیک برداری.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

مکانیک سیالات و جامدات، کمانه شدن پوسته‌ها و مخازن تحت فشار.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

فانی اصفهانی، رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به فانی. پدر وی از سادات موسوی بود که از هندوستان به ایران مهاجرت کرده و در اصفهان ساکن شده بود. مشخص نیست که سیدرضا در اصفهان به دنیا آمده یا اینکه به همراه پدر از هندوستان به ایران آمده است. ولی آنچه محقق است این که تحصیل انواع علوم کرده سپس به تصوف گرویده و به ریاضات پرداخته. وی طبع شعر داشته است. اثرش «دیوان» شعر می‌باشد. لازم به ذکر است که «دیوان» او را رضا قلی‌خان هدایت مرتب کرده و دیباچه‌ای بر آن نگاشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۲۷۹ -۱۲۷۸ / ۲)، الذریعه (۸۰۲ / ۹)، ریاض العارفین (۲۷۴ -۲۷۳)، طرائق الحقائق (۱۹۷ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ فانی اصفهانی)، مجمع الفصحا (۸۰۷ / ۵).

فانی اصفهانی،علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۱۰ -۱۳۳۳ ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. در اصفهان به دنیا آمد. از ۱۳۴۲ ق شروع به تحصیل مقدمات نمود. سطوح و خارج فقه و اصول را در محضر عده‌ای از علماء بزرگ اصفهان خواند. «قوانین» را نزد شیخ محمد حکیم خراسانی و «فرائد» شیخ انصاری را در خدمت سید مرتضی خراسانی و «متاجر» و دو جزء «کفایه» و قسمتی از خارج را نزد آیت‌الله سید محمد نجف‌آبادی و خارج اصول و فقه و فلسفه و کلام و تفسیر را در خدمت آیت‌الله میر سید علی نجف‌آبادی مدت سیزده سال فراگرفت. بعد از درگذشت استادش، میر سید علی نجف‌آبادی، در ۱۳۶۲ ق، به نجف مهاجرت کرد و در حوزه‌ی علمیه آنجا به تدریس فقه، اصول، تفسیر، کلام، اخلاق و بحث در متن و حواشی «عروه‌الوثقی» پرداخت. در ۱۳۹۳ ق به ایران بازگشت و در قم مقیم شد و به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت. آثار باقیمانده از وی متجاوز از هشتاد جلد می‌باشد که عموما در علوم اسلامی چون فقه، اصول، کلام، فلسفه، تفسیر و غیره نگاشته شده است، که از آن جمله‌اند: «تقریرات»، دوره‌ی کامل اصولی که جزئی از آن به نام «المختار فی الجبر و الاختیار» به چاپ رسیده؛ شرح «شرایع»، در فقه، در دوازده جزء؛ «زکوه» و «خمس» و «صوم» و «اجاره» و «وصایا» و «اجرت بر واجبات» و «قرعه» و «منجزات مریض» و «مکاسب» به روش «مکاسب» شیخ انصاری؛ حاشیه بر «وسیله النجاه» آیت‌الله اصفهانی؛ «قبسات العقول فی الفروع و الاصول»، به فارسی، در شرح «اربعین حدیث»؛ ترجمه‌ی «نصایح الهدی»؛ رساله «توضیح المسائل»، به فارسی، به عربی و اردو؛ ترجمه‌ی «تقویم المحسنین» فیض؛ «مناسک حج»؛ تعلیقه بر «عروه‌الوثقی»؛ «دیوان» شعر، در مواعظ، حکم،

مدایح و مراثی اهل‌بیت (ع)»؛ «فوائد رجالیه»، در بیان احوال اصحاب اجماع و جماعتی از روات؛ «معارف العلویه»، در کلام؛ «غایه البیان فی عم تحریف القرآن»؛ رساله‌ای در «معاصی کبیره»؛ رساله‌ای در «ذباحه»؛ رساله‌ای در «معاملات الربویه»؛ رساله‌ای در «مقدمات التفسیر»؛ رساله‌ای در تفسیر «سوره‌ی جمعه»؛ رساله‌ای در تفسیر «سوره‌ی فاتحه»؛ رساله‌ای در «بداء».[۱]

عالم دینی.

تولد: ۲۹ ربیع‌الاول ۱۳۳۳ ق.، اصفهان.

درگذشت: ۸ خرداد ۱۳۶۸.

آیت‌الله سید علی فانی اصفهانی در سال ۱۳۴۲ ق. شروع به تحصیل مقدمات نمود و سطوح و خارج فقه و اصول را در محضر برخی علمای اصفهان بدین ترتیب خوانده است: قوانین را نزد افرادی چون محمد حکیم خراسانی و فرائد شیخنا الانصاری را خدمت آیت‌الله مرتضی خراسانی و دو جزء کفایه و قسمتی از خارج را خدمت آیت‌الله سید محمد نجف‌آبادی و خارج اصول و فقه و فلسفه و کلام و تفسیر را خدمت آیت‌الله العظمی سید علی نجف‌آبادی، سپس به نجف مهاجرت کرد و به تدریس فقه و اصول پرداخت. در ماه رجب ۱۳۹۳ ق. پس از سی و یک سال توقف در نجف اشرف به ایران مراجعت و دارالمؤمنین قم اقامت گزید و به تدریس خارج فقه و اصول مشغول شد.

از جمله تألیفات ایشان است: تقریرات دوره‌ی کامله اصول که جزیی از آن را در جبر و اختیار به نام المختار فی الجبر و الاختیار در سال ۱۳۷۵ ق. به طبع رسانید و علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی آن را در الذریعه ذکر کرده است؛ شرح شرایع در فقه (دوازده جزء در طهارت و صلوة که جزء اول طهارت آن در سال ۱۳۸۲ ق. و جزء دوم آن در سال ۱۳۵۸ ق. به طبع رسید)؛ زکوة و خمس و صوم و اجاره و وصایا و اجرة بر واجبات و قرعه و منجزات مریض و مکاسب شیخنا الانصاری تا بحث فضولی، حاشیه بر وسیلة النجاة آیت‌الله العظمی اصفهانی و حاشیه بر صراط النجاة در سال ۱۳۸۰ ق. طبع شد؛ قبسات العقول فارسی در شرح اربعین حدیث از اصول و فروع (۱۳۷۵ ق.، علامه تهرانی در الذریعهٔ از آن یاد کرده است)؛ ترجمه نصایح الهدی (آیت‌الله شیخ محمد جواد بلاغی، ۱۳۷۰ ق.، اصفهان)؛ رساله توضیح المسائل فارسی (۱۳۸۲ ق.)؛ رساله توضیح المسائل عربی (۱۳۸۴ ق.)؛ ترجمه تقویم المحسنین فیض (۱۳۶۸ ق.با قرآن به چاپ رسید)؛ مناسک حج عربی (۱۳۸۴ ق.)؛ دستور حج و عمره (۱۳۸۵ ق.)؛ تعلیقهٔ بر عروة الوثقی (۱۳۴۹، ایران)؛ رساله‌های متعدد دیگر در موضوعات مختلف که ازآن‌هاست: رساله در علم امام (ع) دیوانی در مواعظ و حکم و مدایح و مراثی اهل‌بیت؛ توضیح المسائل به زبان اردو و مناسک حج به زبان اردو؛ فوائد رجالیه؛ رساله‌ای در کلام به نام بالمعارف العلویهٔ رساله‌ای در تحقیق عدم تحریف قرآن موسوم به غایهٔ البیان فی عدم تحریف القرآن، رساله‌ای در امر به معروف و نهی از منکر؛ رساله‌ای در معاصی کبیره؛ رساله‌ای در ذباحه؛ رساله‌ای در جوائز سلطان؛ رساله‌ای در معاملات الربوبیه؛ رساله‌ای در احکام خراج؛ رساله‌ای در تفسیر سوره جمعه، رساله‌ای در تفسیر سوره فاتحه؛ رساله‌ای در مقدمات التفسیر، رساله‌ای در بداء.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۴ / ۱۷)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۳، ص ۴۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۱۲ -۲۱۰ / ۲).

فانی تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اهل تبریز و از اشخاص متمول آن شهر در زمان سام‌میرزا (م ۹۷۴ ق) بود. به گفته‌ی «تاریخ نظم و نثر» نزدیک به هزار بیت غزل دارد. او از سبک درویش دهکی پیروی می‌کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۲۸)، تحفه سامی (۲۴۸)، تذکره‌ی روز روشن (۵۹۷)، دانشمندان آذربایجان (۲۹۱)، الذریعه (۸۰۳ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۸۳).

فانی تبریزی، باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۹ -۱۲۴۹ ش)، شاعر. در کرمانشاه به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات خود به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و مدتها مدیریت دبستان صمصامیه را به عهده داشت. وی دارای طبعی روان بود. از آثار او: «گل و بلبل»، شعر؛ «گنج پهلوی» شعر؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۸۰۲ / ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۴۶ / ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۷۲، ۲۷۶۴ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵ / ۲).

فانی خشتی فارسی، غلامعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۳ ق)، شاعر. وی از قصبه‌ی خشت فارس بود، تحصیل انواع علوم کرده و در زمره‌ی حکما و ادباء به حساب می‌آمد. از اوست:

رخش چو ماه، گر او را بدی ز غالیه تاج

قدش چو سرو، گر او را بدی ز نسرین بار

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۲۸۰ -۱۲۷۹ / ۲).

فانی خوارزمی، کمال‌الدین حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۳ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به فانی. وی ظاهرا از مردم قصبه‌ی قسا در خوارزم یا از قاشان ماوراءالنهر بود که نام آن را قاسان هم نوشته‌اند. در خوارزم منصب قضاوت داشت و مردی دانشمند به شمار می‌رفت وی غزل را نیکو می‌سرود. از آثارش: شرح «شواهد مغنی البیب»؛ شرح «شواهد مطول»؛ حاشیه بر «شرح تجرید»؛ شرح «مطالع».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۸۹ -۶۸۸)، تذکره‌ی روز روشن (۶۸۳ -۶۸۲)، فرهنگ سخنوران (۷۶۸).

فانی رازی، محسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. وی در زمان جلال‌الدین اکبرشاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به هند رفت و در بنارس درگذشت. از آثارش مثنوی «شیرین و خسرو» می‌باشد و رباعیاتی نیز از او به جا مانده است. صاحب «صبح گلشن» نام او را تحت عنوان محسن فانی رازی آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۵۸)، صبح گلشن (۳۷۴ -۳۷۳)، فرهنگ سخنوران (۶۸۴)، کاروان هند (۱۲۲۸ -۱۲۲۶ / ۲).

فانی گیلانی، مصطفی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۵ ق)، شاعر، متخلص به فانی. اهل گیلان بود. مدتی در اصفهان به سر برد.در زمان عبدالرحیم‌خان خانان به هندوستان مسافرت کرد و از ملازمان وی گردید. عبدالباقی نهاوندی در «تذکره»اش به نام «مآثر رحیمی» (تألیف شده در ۱۰۲۵ ق) به شرح حال او به عنوان معاصر خود پرداخته است. از اوست:

به سادگی تو هرگز ندیده‌ام فانی

جفاکشی و نرنجی، که اینست شرط وفا

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کاروان هند (۹۸۷ / ۲)، مآثر رحیمی (۱۴۲۶ -۱۴۲۳ / ۴).

فانی یزدی،حسن، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ -۱۲۸۱ ق)، عالم، خطیب، مصنف، ادیب و شاعر، متخلص به فانی. معروف به سید آقایی. وی ساکن اصفهان بود. از جوانی در تحصیل علم و ادب کوشید، سپس روی به خطابه آورد تا در این فن سرآمد شد. او ادیبی شاعر و نویسنده‌ای پر تلاش بود. فانی در اصفهان درگذشت و در تکیه‌ی ملک از تخت پولاد دفن شد. از آثار وی: «اکسیر الاخبار»، در چهار مجلد: جلد اول در توحید و صفات‌الله، جلد دوم در فضائل ائمه اطهار (ع) و نصوص امامت و بعضی از خطب و مواعظ امیرالمومنین (ع)، و دو جلد دیگر در اخلاق و مواعظ؛ «التوفیقات الالهیه»، در مواعظ ماه رمضاه در سی مجلس؛ «حرز المؤمنین»، در احراز و ادعیه و برخی از نمازهای متفرقه؛ «فلاح الایمان»، به فارسی در مواعظ و مصائب؛ «غوث الامه فی اثبات الغیبه»؛ «عقیده الحق»، در شرح «باب الحادی عشر»؛

«هدایه السالکین»؛ «حبیب العاشقین»؛ «درر اللئالی فی اسرار الموالی».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۲۶۰)، الذریعه (۳۰۱ -۳۰۰، ۷۲ / ۱۶، ۳۰۶ / ۱۵۸،۰۴ / ۱۳۳،۹ / ۳۹۴،۸ / ۵۰۰،۶ / ۲۷۸،۴ -۲۷۷ / ۱)، ریحانه (۲۹۰ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۹۴ -۳۹۳ / ۱۴)، معجم المؤلفین (۲۱۷ / ۳).

فانی، کامران

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کامران فانی در سال ۱۳۲۳ ، در قزوین به دنیا آمد. با تحصیل در رشته ادبیات ، به رشته کتابداری نیز علاقمند شد و تحصیلات خود را در این زمینه ادامه داد. او پس از قبولی در رشته کتابداری ، در مرکز خدمات کتابداری که مراکز جدید التاسیس آن دوره وزارت علوم بود ، استخدام شد و در سال ۱۳۶۱ که استادش دکتر محقق دایره المعارف تشیع را تاسیس نمود به عنوان دستیار در خدمت استادش بود و تاکنون نیز همواره بدین کار پرداخته و با سرپرستی سیداحمد صدر حاج سیدجوادی و جمعی از نویسندگان توانسته اند سه جلد از دایره المعارف تشیع را به چاپ برسانند. کتاب"دایره المعارف تشیع"کامران فانی (ویراستار و مؤلف)، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : کتابداریتحصیلات رسمی و حرفه ای : کامران فانی تحصیلات مقدماتی را در قزوین گذراند و با اخذ دیپلم طبیعی در سال ۱۳۴۱ ، وارد دانشکده پزشکی شد. اما پس از گذشت سه سال ، به ادبیات فارسی علاقمند گردید و با ترک تحصیل از رشته پزشکی و موفقیت مجدد در کنکور دانشگاه ، تحصیلات خود را در رشته ادبیات پی گرفت و در سال ۱۳۴۷ موفق به اخذ لیسانس گردید. عشق و علاقه به کتاب سرانجام او را به سوی کتابداری کشاند و توانست وارد دانشکده کتابداری گردد. درسال ۵۲-۱۳۵۰ درمقطع کارشناسی ارشد دررشته کتابداری و در سال ۷۷-۱۹۷۶ درمقطع دکتری دررشته علوم اطلاع رسانی از دانشگاه لاف بارو درانگلستان موفق به کسب این مدارج علمی گردید .خاطرات و وقایع تحصیل : عشق و علاقه به مطالعه درکامران فانی از همان دوران ابتدایی تحصیل وجود داشته ، به شکلی که از همان دوران اول و دوم دبستان ، کتابهای بزرگسالان را مطالعه می کرده او در این باره می گوید: » در آن زمان هنوز ادبیات کودکان رسم نشده بود. ناگزیر کودک کتابخوان همان کتابهایی را می خواند که بزرگسالان می خواندند. در قزوین کتابخانه عمومی وجود نداشت. یکی دو تا مغازه و یا در واقع دکه کتابفروشی بود که کتاب کرایه می دادند ، به شبی « یک قران » که ظاهراً پول کلانی می آمد و همین شد که اجباراً تندخوانی را آموخت. »فعالیتهای ضمن تحصیل : آشنایی کامران فانی با قرآن به سالهای آخر دبیرستان باز می گردد. او در این زمان می توانست به کمک ترجمه های تحت الفظی و زیرنویس قرآن که در آن زمان منحصر به دو ترجمه مرحوم معزی و مرحوم الهی قمشه ای بود ، به فهم ظاهری معانی قرآن برسد.استادان و مربیان : کامران فانی در دوران تحصیل از محضر درس استادانی چون دکتر جعفر شهیدی ، دکتر مهدی محقق ، استاد عبدالحمید بدیع الزمان کردستانی ، امیر حسین یزدگردی و ذبیح الله صفا بهره مند گردید.هم دوره ای ها و همکاران : کامران فانی در دوران تحصیلات دانشگاهی با بهاء الدین خرمشاهی همکلاس بود و این رابطه به دلیل قزوینی بودن هر دو ادامه یافت و همچنان با یکدیگر همکاری نمودند ، چنانکه خرمشاهی در این باره چنین می گوید: « درست نوزده سال پیش بود که در چنین شب یا روزی با جان جانان جناب فانی نشسته بودیم و از هردر سخن می گفتیم ، بحثمان در اطراف داستان « کریستین وکید » نوشته هوشنگ گلشیری بود که به تازگی منتشر شده بود ، به فانی گفتم نقدی بر این کتاب بنویس و... که گفت خود تو چرا نمی نویسی و خلاصه چند ماه بعد به پایمردی فانی این نقد در مجله سخن چاپ گردید.» مهندس حسین معصومی همدانی دکتر سعید حمیدیان ،حسن انوشه ، ملایری ، ثلاثی و اسدپور بیرانفر از جمله دوستان دیگر فانی بودند.وقایع میانسالی : کامران فانی حتی در دوران سربازی از کتاب و ترویج فرهنگ کتاب خوانی دور نماند ، او این موضوع را این گونه تعریف می کند: « در کنار اروند رود و دهانه فاو و در زیر نخلهای بلند کتابخانه کوچکی درست کردم که اولین تجربه من در کتابداری بود. روزهای گرم و بلند تابستان خوزستان به کندی می گذشت و سربازان و گروهبانان و افسران به بطالت وقت کشی می کردند و روز را به شب می رساندند. به اصرار کتاب داستان و شعر به آنها می دادم ، نخست از خواندن ابا داشتند ، آن را امری شاق می پنداشتند. ولی کم کم شیفته مطالعه شدند. به وضوح می دیدم هر انسانی که سواد خواندن داشته باشد بالقوه دوستدار کتاب و کتابخوانی است ، فقط امکان و فرصت آن را نیافته است. نقش کتابخانه در همین است که چنین فرصتی را به سهولت در اختیار همگان می گذارد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : کامران فانی پس از قبولی در رشته کتابداری ، در مرکز خدمات کتابداری که مراکز جدید التاسیس آن دوره وزارت علوم بود ، استخدام شد. او به عنوان دستیار در خدمت استادش دکتر محقق دایره المعارف تشیع را تاسیس نمودبود ، همچنانکه خرمشاهی نیز به این کار پرداخت. اما همکاری با دکتر محقق یک سال بیشتر طول نکشید که دکتر محقق « بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی » را تاسیس نمود اما توصیه و سفارش اکید به فانی و خرمشاهی نمود که این راه را ادامه دهند و تاکنون نیز همواره بدین کار پرداخته و با سرپرستی سیداحمد صدر حاج سیدجوادی و جمعی از نویسندگان توانسته اند سه جلد از دایره المعارف تشیع را به چاپ برسانند. وی عضوهیئت علمی کتابخانه ملی و سرپرست بخش ایرانشناسی کتابخانه ملی می باشد .فعالیتهای آموزشی : کامران فانی پس از اخذ لیسانس به تدریس زبان فارسی پرداخت. او همچنین در سال ۱۳۵۸ به تدریس ترجمه و تفسیر قرآن در مرکز خدمات کتابداری ایران پرداخت ، که مدت دو سال به طول انجامید.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : کامران فانی در سال ۱۳۵۰ سربازی را به اتمام رساند و به انگلستان سفر نمود. شاید آن گونه که خود او بیان می دارد ، برای آموختن زبان انگلیسی این سفر را تجربه نمود. به هرحال پس از آن وی در کنار مشاغل اداری و کار موسسات پژوهشی به کار

ترجمه و تـالیف کتـاب پرداخت.جوائز و نشانهـا : کتـاب "دایره المعارف تشـیع "کامران فانی (ویراستـار و مؤلف)، در دوره سـیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : نزدیک به ۱۵۰ مقاله نیز اعم از تألیف و ترجمه کامران فالنی تاکنون در نشریات و مجلات مختلف از جمله سخن، نگین، رودکی، نگـاه نو، کلـک، بخـارا، نشـر دانش، کیـان، کیهـان فرهنگی، جهـان کتـاب و غیره چاپ شـده است. آثار : ترجمه آدمهای ماشـینی: روباتها ویژگی اثر : نوشته کارل چابک می باشد۲ ترجمه بخشـی از کتاب «تاریخ فلسفه اسلامی» ویژگی اثر : م. م. شریف، بخشی از کتاب «زندگینامه علمی دانشـمندان اسلامی». ۳ ترجمه خطابه پوشـکین ویژگی اثر : نوشـته داستایوسکی می باشد۴ ترجمه کتاب سلوک روحی بتهوون ، ترجمه مرغ دریـایی ویژگی اثر : نوشـته آنتون چخوف می باشـد۶ ترجمه مـوش وگربه ویژگی اثر : نوشـته گونترگراس، نویسـنده آلمانی و برنـده جایزه نوبل ۱۹۹۹. ۷ تریسـتانا ویژگی اثر : ترجمه،نوشـته لوئیس بونوئل، فیلمساز اسپانیایی ۸ جنگ جهانی اول ودوم ، دانشـنامه کودکان و نوجوانان ، دایره المعارف تشیع ویژگی اثر : این کتاب در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است۱۱ رده بندی تاریخ ایران ، رده بندی فلسـفه اسـلامی ، زردشت : سیاسـتمدار یـا جـادوگر ویژگی اثر : این کتـاب نوشـته هنینـگ و ترجمه فـانی می باشـد۱۴ سرعنوانهای موضوعی فارسی ویژگی اثر : سه جلد می باشد۱۵ سه خواهر ویژگی اثر : ترجمه،نوشته آنتون چخوف ۱۶ علم درتاریخ ویژگی اثر : نوشـته جان برنال می باشـد که فانی آنرا ترجمه کرده اسـت۱۷ فرهنـگ موضوعی قرآن مجیـد ویژگی اثر : تالیف،با همکاری آقای بهاءالدین خرمشاهی۱۸ گسترش رده بنـدی تاریـخ ایران ویژگی اثر : تالیف۱۹ لنتس و دیتسک، ویژگی اثر : نوشـته بوفنر، نویسـنده آلمانی ۲۰ مقاله اسـطوره شناسـی ، مقاله بیت الحکمه و دارالترجمه ، مقاله پایان فلسـفه ، مقاله زبان موسیقی ، مقاله زندگی سیدنعمه الله جزایری ، مقاله سـیاحت شـرق ، مقاله شـیوه نقد کتابهای علمی ، مقاله طبقه بندی علوم دراسلام ، مقاله عناوین موضوعی درزبان فارسی ، مقاله فلسفه میرداماد ، مقاله کتب درسی فلسفه درحوزه های علمیه ، مقاله کتب فارسی ابن سینا ، مقاله گفتگوهای تمدنها ، مقاله نقد ادبی

فانی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی فانی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای مهـدی فانی در سال ۱۳۴۲هجری شمسـی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوسـتدار اهل بیت عصـمت و طهارت علیهم السلام در تهران دیده به جهان گشود. نامبرده پس از فراغت از تحصـیل در دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرسـتان در زادگاه خویش، در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه تهران و مدرسه آیت الله مجتهدی گردید. از نخستین روزهـای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشـش فراوان به تحصـیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار و خصوصا مرحوم آیت الله مجتهـدی بهره هـای علمی اخلاقی فراوان برد. وی پس از گذرانـدن سـطوح عالی در سال ۱۳۷۰ به حلقه دروس خـارج راه یافت. و از درس سـتارگان درخشان حوزه های علمیه شـیعه همچون مرحوم آیت الله فاضل، آیت الله مکارم، آیت الله استادی، استاد اعتمادی، اسـتاد پایانی و... بهره ها برد. وی در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته مدرسی معارف در مقطع دکترا سال ۱۳۷۹در دانشگاه علوم حدیث مشغول به تحصیل می باشد.

اسـتاد علاوه بر عضویت هیأت علمی دانشـگاه شهید بهشتی به تدریس در این دانشگاه و دانشگاه آزاد اسلامی تهران، مشغول است. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به امر تبلیغ، تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که مقالات متعددی از جمله اخلاق پرسـتاری، آسـیب شناسـی روابط دختر و پسـر، الگوهای انتخاب همسـر، پیامبر و مکارم اخلاق، اخلاق در مکتب امام حسین (ع) و تنهاترین سردار را به رشته تحریر و زیور طبع آراسته است.

فایز شهرستانی، علاءالدین محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به فایز. اهل شهرسـتان از اعمال اصـفهان بود. نسب وی به دودمان سلاطین صفویه می‌رسد. در اول، اسـم او محمـدصادق بـود کـه از طرف شاهعبـاس اول (۱۰۳۸ –۹۹۶ ق) موسـوم به علاءالـدین محمـد شـد و از طرف صـایب شـاعر اصـفهانی تبریزی متخلص به فـایز گردیـد. از اکثر علوم مخصوصـا فقه، کلام و نجوم بهره‌منـد بود. وی در زمان شاه‌صـفی (۱۰۵۲ – ۱۰۳۸ ق) و به دستور وی کور گردید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۵۵۸ -۵۵۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۳ -۱۲)، الذریعه (۸۰۵ / ۹)، صبح گلشن (۳۰۹)، فرهنگ سخنوران (۶۸۵).

فایز یزدی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۷۹ ق)، شاعر. در دوره‌ی شاه سلیمان صفوی می‌زیست. از زاهدان عصر خود بود که غزل و رباعی می‌سرود. شهرت وی بیشتر در سرودن رباعیات است. خطوط سبعه را می‌دانست و در خط نسخ استاد بود. از اوست:

خوش حریفی است چرخ شعبده‌باز

هر که بازی نمی‌خورد مرد است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۱۷۴ -۱۷۳، ۲۳۵)، جامع مفیدی (۴۴۳، ۴۴۱، ۲۲۶ -۲۲۵ / ۳)، الذریعه (۸۰۵ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۸۵).

فایض ابهری، محمد نصیر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب، شاعر، خدمت بسیاری از اعیان و اذکیا و دانشمندان رسیده، و تخلص از صائب گرفته، در ۱۱۳۴ به سن نود سالگی وفات یافته.

صاحب دیوان اشعار است، از اوست:

مشاطه سرمه می‌کشد آن چشم مست را

تا بیشتر سیاه کند روزگار من

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

فایض اردبیلی، حیدرعلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۸۱ ق)، شاعر، متخلص به فایض. در فن تاریخ‌گویی و نظم رباعی و مخصوصا قطعه توانا بود. در زمینه نوشتن خطوط، از خوشنویسان عصر خود به شمار می‌رفت. در تذکره‌ی «روز روشن» نام وی تحت عنوان میر حیدرعلی اصفهانی ذکر شده است. از اوست:

امشب به من آن ماه که از مهر قرین بود

بزمم ز صفا رشک صنم خانه چنین بود

گمنامیم از آفت شهرت برهانید

کاری که فلک کرد به کام دلم این بود

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۵۹۹)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۸۴ -۴۸۳، ۱۹۱ -۱۹۰)، دانشمندان آذربایجان (۲۹۳)، الذریعه (۸۰۶ -۸۰۵ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۸۵).

فایض گیلانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۵ ق)، شاعر. در ۱۰۲۵ ق از ایران به لاهور رفت. وی همراه آقا طاهر وصلی رازی تهرانی، برادر بزرگ میرزا غیاث‌بیگ (نواب اعتمادالدوله‌ی جهانگیر پادشاه) شعری به اجمیر فرستاد که مورد توجه قرار گرفت. از اوست:

بی تو امشب شمع سان با چشم گریان سوختم

چون چراغ حلقه‌ی ماتم پریشان سوختم

در خور بال و پر ما شمع بزم آتش نداشت

شعله‌ها افروخت گل تا در گلستان سوختم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۵۹۹ -۵۹۸)، فرهنگ سخنوران (۶۸۶)، کاروان هند (۹۸۸ -۹۸۷ / ۲).

فایض نطنزی، حسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. در دوره‌ی جهانگیرشاه (۱۰۳۷ -۱۰۱۴ ق) به هندوستان رفت و در گجرات ساکن شد. وی خط نستعلیق را خوب می‌نوشت. فایض داماد مولانا نظیری بود و بعد از مرگ مولانا، از جانشینان وی شد. از اوست:

به جستجوی تو هر دم ز ناامیدی دل

نفس نفس بنشینم زمان زمان بروم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۱۰۲ / ۲)، تذکره‌ی روز روشن (۵۹۹)، فرهنگ سخنوران (۶۸۶)، کاروان هند (۹۹۰ - ۹۸۸ / ۲).

فایضای اردبیلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از آثار وی: منظومه‌ی عشقی «مهر و فا» که در بحر سریع، در ۱۰۴۳ ق، سروده است. منظومه با حمد خداوند و نعت رسول اکرم (ص) آغاز می‌شود.

شکر که دیباچه مهر و وفا

گشت مشرف به سپاس خدا

سپس شاعر وارد داستان اصلی می‌گردد. نسخه این منظومه در کتابخانه ملی تهران موجود است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :منظومه‌های فارسی (۴۴۵ -۴۴۴).

فایق آشتیانی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۹۵ ق)، شاعر و خطاط. در جوانی در فوج مظفر مراغه بود و در قضیه‌ی مرو به دست ترکمانان اسیر شد و در این واقعه «دیوان» شعر چهار هزار بیتی او مفقود شد. سپس شاهرخ‌خان پسر ابراهیم‌خان قاجار او را آزاد کرد و به خدمت خود درآورد. فایق بعد از کشته شدن شاهرخ‌خان به خدمت محمدشاه وزیر بخارا درآمد و در خدمت او به نگارش مکاتیب می‌پرداخت و در اعیاد قصیده و غزل می‌گفت. سرانجام به ایران بازگشت. وی «دیوانی» هفت هزار بیتی داشته است. لازم به ذکر است که ملاقات فایق با دیوان بیگی در کرمانشاه اتفاق افتاده است. فایق در نوشتن خط ثلث متبحر بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۲۸۵ -۱۲۸۳ / ۲).

فایق لاهیجانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اهل لاهیجان بود. در اوایل زندگی در خدمت مسیب‌خان تکلو،از امرای شاه‌طهماسب، نشوونما یافت. وی مدتها در ولایت گیلان و مازندران در خدمت سلاطین و سادات عالی درجات و ملوک آن دیار به سیر برد. خط نسخ و نستعلیق را بسیار خوب می‌نوشت و در علم موسیقی نیز مهارت داشت. او در قندهار به خدمت میرزاغازی رسید و بعد از فوت وی در خدمت ابول بی ازبک بود. فایق نزد جهانگیرپادشاه (۱۰۳۷ -۱۰۱۴ ق) نیز عزیز و گرامی بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۵۱۵)، کاروان هند (۹۹۲ -۹۹۰ / ۲).

فائز، کریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی برق، دانشکده: برق، دانشگاه: صنعتی امیرکبیر

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی برق از دانشگاه امیرکبیر در سال ۱۳۵۲، کارشناسی ارشد از دانشگاه کالیفرنیا در سال ۱۳۵۶، دکترا در رشته علوم کامپیوتر از دانشگاه کالیفرنیا در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده برق دانشگاه صنعتی امیرکبیر.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طراحی فیلترهای بیضوی به کمک کامپیوتر، ساخت PLC، کنترل گسترده در سیستم دیسپاچینگ، کامپیوتری کردن مرکز ۱۱۸ تهران، سوئیچ ۳۲ کاناله pcm، سخت افزار کنترل دیجیتال سیستم پرنده، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

تلفنهای سوئیچینگ دیسپاچینگ، تولید تصویر، Recognation Pattem.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

فائزی پور، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ علی‌اکبر بن مرحوم حاج محمد مهدی تهرانی از افاضل دانشمندی معاصر مقیم قصبه کن تهران می‌باشند.

وی در سال ۱۳۰۲ شمسی در تهران متولد شده و در کودکی پدر را از دست داده و بتحصیل دروس ابتدائی پرداخته و با شوق مفرطی قدم در سلک روحانیت گذارده و از اوائل بلوغ در خدمت مرحوم حجهٔالاسلام آقا شیخ محمدحسین زاهد امام جماعت مسجد امین‌الدوله که از علماء عاملین تهران بود بخواندن مقدمات و ادبیات پرداخته و در سال ۱۳۲۰ شمسی مهاجرت به قم و در مدرسه فیضیه اقامت و سطوح فقه و اصول را از مدرسین حوزه فراگرفته و در درس خارج مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیات دیگر حاضر شده و استفاده کامل نموده تا به مدارج عالیه علم و کمال رسیده و در میان فضلاء و محصلین تهرانی قم مشار بالبنان گردیده و بتدریس کفایه الاصول و مکاسب اشتغال یافته تا در ماه شعبان سال ۱۳۷۷ قمری که عده‌ای از اهالی کن از حضرت آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی تقاضای یکنفر روحانی دانشمند و با تقوا نموده و معظم له ایشان را برای امورات دینی و سرپرستی مؤمنین قصبه کن و حومه آن انتخاب و اعزام نموده و با تجلیل شایسته بمحل مذکور عزیمت و اقامت نموده و تاکنون در آنجا مشغول به انجام وظائف دینی و روحی می‌باشند.

دارای آثار و تألیفات مفیده و ارزنده میباشند که اشاره به آنها می‌نمایم.

۱- جزوه‌ای در توحید ۲- نبوت عامه ۳- نبوت خاصه ۴- امامت عامه ۵- امامت خاصه ۶- معاد ۷- خاتمیت ۸- جبر و تفویض ۹- جزوه‌ای درباره امام زمان عجل اللّٰه فرجه الشریف.

نگارنده گوید: مترجم محترم ما از افراد برجسته و دانشمندان متقی و پارسائی است که جمع علم و عمل و محامد آداب و محاسن اخلاق نموده و از اول ورودش در قصبه کن (که پنج محل بزرگ بنام ۱- در قاضی ۲- سر آسیاب ۳- میان ده ۴- اسماعیلون ۵- بالون می‌باشد و همواره در میان آنان اختلاف و نزاع بوده که گاهی بقتل و جرح منجر می‌شده) ایجاد اتفاق و اتحاد و برادری انداخته و به آن چند دسته‌گی خاتمه داده و آنجا را یک محل آرام و دینی نموده است مردم قصبه کن و حومه آن علاقه شدید بایشان دارند و چون هر هفته به مسجد یکی از آن پنج محل برای اقامه جماعت می‌روند مردم محل‌های دیگر هم شرکت نموده و از وجود این عالم ربانی استفاده می‌کنند برادر ارجمند ایشان جناب حجهٔالاسلام و عماد الاعلام آقای حاج اصغر آقای تهرانی می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فائزی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد فائزی

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای محمـد فائزی در سال ۱۳۴۱هجری شمسـی در خانواده ای متـدین و کاملا مذهبی در شهرسـتان رودسـر دیده به جهان گشود. نـامبرده دوران ابتـدایی، راهنمـایی و دبیرسـتان را زادگـاه خویش بـا موفقیت سپری کرد. علاقه وافرخویش به فراگیری علوم دینی، تشویق خانواده و اطرافیان او را برای تحصـیل به مشـهد مقـدس کشاند و در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه مشـهد مقدس گردید. وی ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا (ع) از درس بزرگان آن دیار همچون آیت الله علمی اردبیلی، آیت الله شاهرودی و آیت الله رضا زاده بهره ها برد.

اسـتاد در کنار تحصـیل دروس حوزوی از تحصـیلات دانشـگاهی غافل نمانـد و در رشـته زبان در مقطع کارشناسـی در سال ۱۳۷ از دانشگاه فردوسی فارغ التحصیل گردید.

وی پس از سالهـا تلاش و علـم انـدوزی در مشـهد مقـدس، جهـت خـدمت علمی و فرهنگی بـه مردم دیـار خـویش بـه زادگـاهش بازگشت، و هم اکنون علاوه بر مدیریت آموزش و پرورش، در دانشـگاه علوم گیلان، دانشـگاه آزاد رشت و دانشگاه آزاد لاهیجان مشـغول تحصـیل می باشـد. وی در طول حیـات علمی خویش از امرنگـارش و پژوهش غافل نمانـده است و مقالاتی از قبیل (تهاجم فرهنگی، نماز و چرا به فلسفه نیازمندیم) را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

فائق، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ کاظم فائق از علماء اعلام و موصوف به تقوا و ورع تهران بودند و عمری را به قدس و پرهیزکاری و زهد و پارسائی و فضـل و دانش و پاکی قلب و صـفا و سادگی و متانت و انزوا به آخر رسانیـده و بسـهم خود ایفاء وظیفه روحی و دینی نموده و در سال ۱۳۹۳ ق بدرود حیات گفته و در قم در جوار حضرت فاطمه معصومه علیهاسلام مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فائق، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ مصطفی بن المرحوم العالم الجلیل و الفقیه النبیل حاج شیخ کاظم فائق از علماء بارع و ائمه جماعت معاصر تهرانست.

وی در حدود ۱۳۳۸ ق در تهران متولد شده و در حجر علم و فضـیلت تربیت و پس از خواندن ادبیات و قسـمتی از سطوح مهاجرت به قم نموده و سـطوح نهـائی را از مدرسـین حوزه تکمیل و از محضـر آیات عظام چون مرحوم آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه حاج سـید محمـدتقی خونساری و آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و دیگران اسـتفاده نموده و مسافرتهای عدیده بعتبات عالیات کرده و از محضـر و دروس مراجع بزرگ نجف ماننـد آیت‌اللَّه العظمی اصـفهانی و اعلاـم دیگر بهره‌منـد شـده و به تهران بـازگشت و در مسـجد مرحوم والدش بنام (مسجد فائق) واقع در کوچه روحی خیابان عین‌الدوله به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فتاحی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۳۷، اسلام‌آباد غرب.

درگذشت: ۲۴ دی ۱۳۶۶، جبهه دفات مقدس.

محمـدرضا فتاحی بعد از اتمام تحصـیلات متوسـطه، در سال ۱۳۵۶ در رشـته‌ی پزشـکی دانشـگاه مشهد پذیرفته شد. پس از انقلاب

فرهنگی بـا توجه به وقفه‌ای که در امر تحصیل وی روی داده بو، در سال ۱۳۵۶ موفق به اخذ دانشنامه‌ی دکترای در رشته‌ی پزشکی شـد. وی از جمله افرادی بود که در سازمانـدهی تظـاهرات و جنبش دانشـجویی سـهم داشت، در دوره‌ی انقلاب فرهنگی در جهـاد سازنـدگی حضور داشت و در ایجـاد و توسـعه‌ی کمیته‌ی بهـداشت و درمـان در سـطح روسـتاهای اسـتان کرمانشـاه تلاش می‌کرد. همچنین در راه اندازی و گسترش نهضت سوادآمیزی در سـطح اسـتان فعالیت داشت. سپس به جبهه‌های دفاع مقدس رفت و پس از هیجده ماه خدمت به عنوان پزشک در عملیات ظفر پنج در منطقه کردستان در حین انجام وظیفه به شهادت رسید. از وی اشعاری به یادگار مانده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فتال نیشابوری، ابوعلی، ابوجعفر محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س شـشم ق)، فقیه، حافظ، مفسـر، محدث و واعظ. معروف به فتال و فارسی و ابن‌الفارسی. نام و نسب او را گاهی به جهت انتساب به پـدرش، محمـد بن حسن، و گاهی به مناسـبت جـدش، محمد بن علی، و گاهی به ملاحظه‌ی جد عالی‌اش، محمد بن احمد، ذکر کرده‌اند. او از مشایخ ابن شـهرآشوب است. فتال از شـیخ طوسـی و به واسـطه‌ی پدرش از سید مرتضی حدیث روایت کرده است. با زمخشـری صاحب «کشاف» از علمای عامه و ابوالفتوح رازی و فضل بن حسن طبرسـی از مفسـران خاصه معاصـر و هم طبقه بود. در فقه و حدیث اسـتادی توانا بود. دانش و زهد و پارسایی را با هم داشت. سـخنرانی با منطق رسا و کوبنده بود و واعظی که با سخن و عمل پنـد می‌داد. گویش زیبای او باعث شـد که به او فتال یا بلبل گوینـد. ابن‌داوود در کتاب «رجال» گویـد که: فتال عقیده‌شناسـی جلیل‌القدر و فقیهی دانشمند و زاهدی پارسا بود، که عاقبت به دست عبدالرزاق ملقب به شهاب الاسلام، رئیس نیشابور به جرم شیعه بودند شهید شد. از آثارش: «روضه الواعظین و بصیره المتعظین»؛ «التنویر فی معانی التفسیر». ابن شهرآشوب راوی هر دو می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۰۵ / ۱۱ ،۴۷۰- ۴۶۹، ۲۹۷- ۲۹۶ / ۴)، رجال ابن‌داود (قسم ۲۹۵ / ۱)، روضات الجحنات (۲۴۳- ۲۳۴ / ۶)، ریحانه (۲۹۴- ۲۹۱ / ۴)، شـهیدان راه فضیلت (۷۹- ۷۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۵ / ۶)، فوائد الرضویه (۴۶۹)، فهرست منتجب‌الدین (۱۹۱، ۱۶۶)، الکنی و الالقاب (۱۳- ۱۲ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوعلی، فتال)، معجم المؤلفین (۲۰۰ / ۹).

فتح مستوفی، فخرالدین فتح‌الله

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم و هشـتم ق)، شـاعر، متخلص به فتـح. وی برادر حمـدالله مسـتوفی مورخ معروف است وماننـد دیگر افراد خـانواده‌ی خود متصدی مشاغل دولتی بود. به گفته‌ی «تاریخ نظم و نثر» در شـعر اسـتاد بود و از روش اوحدی مراغی (م ۷۳۸ ق) پیروی می‌کرد. بنا به گفته‌ی بعضی تذکره‌ها در سلک نویسندگان خواجه رشیدالدین فضل‌الله و پسرش خواجه غیاث‌الدین محمد بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۷۷ / ۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۲۳)، تاریـخ گزیده (مقدمه/ ط، ۷۴۵- ۷۴۴)، حبیب السیر (۲۲۱ / ۳)، رجال حبیب السیر (۳۱)، لغت‌نامه (ذیل/ فخرالدین)، مینو در (۵۳۲ / ۲)، هفت اقلیم (۱۶۰ / ۳).

فتحای اصفهانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یـازدهم ق)، شـاعر. وی بـه قصـد تجـارت بـه هندوسـتان رفـت. بعـد از مراجعـت بـه وطـن، در زمـان وزارت محمـد قلی‌خـان اعتمادالدوله که با وی آشنایی داشت به عنوان نویسنده عشور (محاسب مالیات) بندرعباس به کار مشغول شد. از اوست:

مطلب تمیز ظالم و مظلوم کردن است

زنجیر عدل بهر تماشا نبسته‌اند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۴۹- ۱۴۸)، الذریعه (۸۰۷ / ۹)، صبح گلشن (۳۱۲)، فرهنگ سخنوران (۶۸۸).

فتحی اردستانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۴۵ ق)، شاعر. اصل وی از اردستان از توابع اصفهان بود. او بیشتر عمر خود را در اصفهان سپری کرد. سپس به دکن رفت و در ۱۰۲۵ ق با تقی اوحدی در اجمیر دیداری داشت. فتحی بعد ز مدتی به وطن بازگشت. از اوست:

فتحی که رنگ این چمن از آب چشم اوست

هرگز به کام خویش گلی بو نمی‌کند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۷۰ -۹۶۹ / ۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۷۶)، الذریعه (۸۰۸)، سرو آزاد (۵۰ -۴۹)، فرهنگ سخنوران (۶۸۸)، کاروان هند (۹۹۶ -۹۹۴ / ۲).

فتحی اندجانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر. در زمان ظهیرالدین بابر می‌زیست از ملازمان و مداحان وی به شمار می‌آمد. از اوست:

منکر عشقند بی‌دردان بحمدالله که من

دردمند عاشقم بی‌درد باری نیستم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۶۰۲)، الذریعه (۸۰۸ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۸۸)، لغت‌نامه (ذیل/ فتحی)، مجالس النفائس (۱۵۸).

فتحی آذر، اسکندر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر اسکندرفتحی آذر در سال ۱۳۲۸ در اردبیل، بدنیا آمد. در سال ۱۳۶۰ مدرک دکتری در رشته آموزش علوم را از دانشگاه ایلینوی – امریکا با موفقیت اخذ کرد. وی از سال ۱۳۵۵به عنوان عضو هیات علمی در گروه علوم تربیتی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تبریز مشغول خدمت شد. نامبرده هم اکنون با رتبه علمی استادی در دانشگاه مذکور مشغول به فعالیت است. گروه : علوم انسانی رشته : علوم تربیتی گرایش : آموزش علوم تحصیلات رسمی و حرفه ای : اسکندر فتحی آذر تحصیلات ابتدایی را در دبستان آزادی به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۴۸ از دبیرستان شاه عباس اخذ کرده اند ایشان مدرک کارشناسی در رشته دبیری زیست شناسی را از دانشگاه تبریز و کارشناسی ارشد آموزش علوم را در سال ۱۳۵۸ از دانشگاه ایلینوی – امریکا دریافت نموده اند و در سال ۱۳۶۰ مدرک دکتری در رشته آموزش علوم را از دانشگاه ایلینوی – امریکا با موفقیت اخذ کرده اند . عنوان پایاننامه : الف – کارشناسی ارشد : Students attitudes toward science in secondar schools ب – دکتری : Analysis of science textbooks used in Iranian upper secondary schools وقایع میانسالی : اسکندر فتحی آذر در سال ۱۳۶۰ مدرک دکتری در رشته آموزش علوم را از دانشگاه ایلینوی – امریکا با موفقیت اخذ کرد. وی از سال ۱۳۵۵به عنوان عضو هیات علمی در گروه علوم تربیتی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی مشغول خدمت شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای اجرایی و مدیریتی دکتر اسکندر فتحی آذر : قبلی : مدیر گروه ، رئیس دانشکده ، مشاور معاون آموزشی فعلی: مدیر امور پژوهش و فناوری دانشگاه تبریز،عضو هیئت علمی و استاد گروه آموزشی علوم تربیتی، دانشگاه تبریز فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی اسکندر فتحی آذر به قرار زیر است: الف: تدریس ۱-دوره کارشناسی : آموزش مبتنی بر سیستمها، روشها و فنون تدریس، برنامه ریزی درسی ، سمینار در برنامه ریزی درسی ، تمرین دبیری ۲- تحصیلات تکمیلی: روشهای تدریس پیشرفته ، روشهای تحقیق ، طرحهای آزمایشی ، آموزش به روش سیستمی ب - برگزاری کارگاه ها : برگزاری کارگاههای روش تدریس برای استادان دانشگاههای مختلف کشور چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی دکتر فتحی آذر به ترتیب زیر است : تعداد مقاله های منتشرشده : ۱۸ مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها : ۱۲ مورد تعداد کتابهای تالیف شده : ۱ مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد : ۳۲ مورد تعداد پایاننامه های دکتری : ۱ مورد تعداد طرحهای تحقیقاتی مصوب : ۶ مورد

فتحی غزنوی، علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. از شاعران و حکیمان بنام عهد سلطان بهرامشاه غزنوی (۵۴۷ -۵۱۲ ق) بود که با مختاری غزنوی و سنایی غزنوی معاصر و معاشر بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۶۰۲)، الذریعه (۸۰۸ / ۹)، ریاض العارفین (۲۲۸)، ریحانه (۲۹۵ –۲۹۴ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۶۸۸)، لباب الالباب (۴۱۴ –۴۱۳ / ۲)، مجمع الفصحا (۹۳۰ / ۲)، هفت اقلیم (۳۳۳ / ۱).

فتحی کلجاهی، جمشید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی شیمی، دانشکده: مهندسی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی شیمی از دانشگاه ایالتی اورگان آمریکا در سال ۱۳۵۳، دکترای حرفه‌ای مهندسی شیمی از دانشگاه بلاکسبرگ آمریکا در سال ۱۳۵۵، دکترای تخصصی مهندسی شیمی از دانشگاه بلاکسبرگ آمریکا در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۵۷، دانشیار دانشکده مهندسی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شبیه‌سازی واحد آمونیاک پتروشیمی رازی و شیراز، جذب گازها در شوینده‌های کانالی، جذب ذرات زیر میکرونی در شوینده‌های کانالی، شرایط تعادلی لیکوریس در فرآیند استخراج، تدریس دروس ترمودینامیک و سنتیک و طرح راکتور در دانشگاه شیراز.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

کروماتوگرافی گازی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۹

زمینه علمی مقالات:

محاسبه توزیع سرعت در لایه مرزی لامینار بر روی صفحه مسطح به روش عددی، بررسی عوامل مختلف بر عملکرد واحدهای تبدیل کننده کاتالیستی نفتاریفرمر پالایشگاه شیراز، مدلسازی واحد تبدیل کاتالیستی پالایشگاه شیراز، تعیین راندمان جذب ذرات زیرمیکرونی در شوینده‌های کانالی و پیش‌بینی آنها با مدل ریاضی و زمان ترانزیشین در فعالیت کاتالیزورها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

فتحی، حجت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجت الله فتحی

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۵ بعد از اخذ دیپلم همزمان در حوزه و دانشگاه قبول شدم و با انتخاب حوزه، در مدرسه امام صادق (ع) حوزه علمیّه قم دروس طلبگی را آغاز کرده و در سال ۱۳۷۲ سطح را به اتمام رساندم. در همین سال با شروع درس خارج فقه و اصول با قبولی در رشته حقوق دانشگاه مفید دروس دانشگاهی را آغاز نمودم و در سال ۱۳۷۶ کارشناسی حقوق را به اتمام رسانده و در همان سال کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی را در دانشگاه مفید آغاز کرده و در سال ۱۳۷۹ این دوره را به پایان رساندم. در طول این سالها در کنار حضور در دانشگاه دروس خارج فقه و اصول را با جدیت پی گرفته و اکنون مشغول تدوین رساله سطح ۴ می باشم. از پاییز ۱۳۷۹ تحقیقات و پژوهشهای فقهی حقوقی را به صورت جدی آغاز نمودم که تا این زمان ادامه دارد. حاصل این سالها دهها مقاله و اثر می باشد که مهمترین اثر این دوران آسیب شناسی فقهی قوانین کیفری است که در ۲جلد به چاپ رسیده است. جلد اوّل این کتاب و بخش عمده ای از جلد دوم این کتاب از آثار حقیر است. همچنین پروژه تحقیقاتی تدوین مواد عمده حدود را در این دوران به اتمام رساندم که آماده چاپ می باشد. در حال حاضر مدیریت گروه حدود مرکز تحقیقات فقهی قوه

قضائیه را بر عهده داشته و در دانشگاه آزاد قم مشغول تدریس می باشم.

فتحی، حمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر سید حمید فتحی متولد شهر ابهر است. وی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه،در رشته مهندسی الکترونیک دانشگاه امیر کبیر پذیرفته و در سال ۱۳۶۳ مدرک فوق را اخذ نمود.ایشان در این رشته را تا مقطع دکتری پی گرفت و توانست دکترای رشته الکترونیک (قدرت) را از دانشگاه نیوکاسل انگلستان در سال ۱۳۷۰ دریافت کند.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه صنعتی امیر کبیر می باشد.

گروه : فنی و مهندسی

رشته : مهندسی الکترونیک

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی و حرفه ای سید حمید فتحی به ترتیب زیر است: مدرک کارشناسی رشته مهندسی الکترونیک از دانشگاه امیر کبیر در سال ۱۳۶۳ مدرک کارشناسی ارشد رشته مهندسی الکترونیک (قدرت) از دانشگاه علوم و تکنولوژی ایران-تهران در سال ۱۳۶۶ مدرک دکترای رشته مهندسی الکترونیک(قدرت) از دانشگاه نیوکاسل ،انگلستان در سال ۱۳۷۰

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای اجرایی و مدیریتی سید حمید فتحی به قرار زیر است: عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی برق(الکترونیک) دانشگاه امیر کبیر از سال ۱۳۷۰ تا کنون عضو جامعه مهندسین الکترونیک و برق(IEEE) عضو جامعه IAEEE رئیس امور تحقیقات دانشگاه امیر کبیر از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۷۱ نایب رئیس امور دانشجویی دانشگاه امیر کبیر در دو نوبت از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۳ و از سال ۱۳۷۸ تا سال ۱۳۸۰ رئیس بخش مهندسی الکترونیک دانشگاه امیر کبیر از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۴ رئیس شعبه تفریش دانشگاه صنعتی امیر کبیر از سال ۱۳۷۴ تا سال ۱۳۷۸ نائب رئیس مرکز تحقیقات علوم و تکنولوژی ایران(IROST) از سال ۱۳۸۲ تا سال ۱۳۸۳ رئیس مرکز تحقیقات علوم و تکنولوژی ایران(IROST) از سال ۱۳۸۳ تا سال ۱۳۸۵ رئیس سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران

فعالیتهای آموزشی : سید حمید فتحی عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه صنعتی امیرکبیر می باشد. عنوان دروس ارائه توسط ایشان به قرار زیر است: الکترونیک صنعتی،ماشینهای الکترونیکی،اندازه گیری الکتریکی ،عکس العملهای کنترل قدرت در سیستمهای برقی ،هارمونی در سیستم های قدرت

چگونگی عرضه آثار : از سید حمید فتحی تا کنون بیش از ۴۷ مقاله در زمینه های تخصصی اش در مجلات معتبر علمی داخلی و خارجی به چاپ رسیده است. ایشان هم چنین بیش از۶ پایان نامه دانشجویی را تحت راهنمایی خود داشته است.

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

فتحی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی فتحی

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱۲/۲

زندگینامه علمی

سال (۱۳۶۵-۱۳۵۹) دوره ابتدایی را در زادگاه خود، روستای قلابرسفلی از توابع زنجان، روستایی با قدمت بیش از هزار سال گذراندم به علت محرومیت روستا، یک سال سال سوم ابتدایی معلم نداشتیم لذا در زمستان همان سال، به مکتب‌خانه رفتم و در مدت ۲ یا سه هفته روخوانی قرآن را یاد گرفته و موفق به ختم قرآن شدم و یک هفته هم به کلاس «تنبیه الغافلین» رفتم بعد استاد گفت شما دیگر لازم نیست به کلاس بیایید.

سال (۶۸-۱۳۶۵) روستای ما، مدرسه راهنمایی نداشت. من با ۴ نفر دیگر به روستای دیگر (نیکه کند ضیائی) در حدود ۲۰ کیلومتر روستای خود رفتیم و آن چهارنفر بعد از مدتی فرار کردند و تنها من ماندم و در این مرحله نفر اول یا دوم مدرسه شبانه روزی بودم. با اصرار و رایزنیهای جدی یکی از دوستان دوره راهنمایی که یکسال قبل از من به قم آمده بود، جناب برادر ارجمند جناب حجهٔ الاسلام عبدالله بهرامی علیرغم میل باطنی، به حوزه علمیه قم آمدم، با آن که برای اولین بار بود که قم و فضای حوزه و مدارس علمیه را میدیدم، مدرسه شهیدین را که با شرایط خاصی، گزینش می‌کرد، برای تحصیل انتخاب کردم. مقدمات و سطح را درمدرسه شهیدن(ره) پایه ششم مدرسه معصومیه با حفظ خوابگاه و موقعیت در شهیدین در این مرحله نیز به لطف الهی نفر اول یا

دوم در برخی از پایه‌ها از نظر معدل بودم.
همزمان دوره‌ی دبیرستان را به صورت متفرقه گذراندم. در سطح دو و سه حوزه را نیز به توفیق الهی جزو ممتازین شدم. (در لیست ممتازان شناسایی شده مرکز خدمات) توفیق شرکت در دوره‌ی عالی فقه و اصول تخصصی با اشراف و نظارت، مدرسه‌ی شهیدین(ره) که مباحث به طور تفصیلی نوشته می‌شد و در محضر استاد ارائه می‌گردید؛ اصول: استاد ارجمند حاج آقای علی عندلیب از اساتید یاد شده دروس فقه آیةالله شبیری زنجانی نیز به مدت یک سال و نیم شرکت داشته‌ام و اخیراً نیز در درس اصول حاج آقای لاریجانی شرکت می‌کنم.
کارشناسی: رشته معارف اسلامی و علوم قرآنی؛ نفر ممتاز گردیده، توفیق تدریس همزمان با تحصیل در سطح کارشناسی تدریس دروس چون حلقات شهید صدر، درایهٔ و علم الحدیث، علوم قرآن و... در جامعهٔالزهرا و مرکز جهانی علوم اسلامی و در سطح کارشناسی ارشد، تدریس متون عربی (کهن و معاصر)؛ اصول و روش ترجمه قرآن، فن ترجمه، زبان قرآن، علوم قرآن و... در جامعهٔالزهرا و دانشکده علوم قرآنی و...
کارشناسی ارشد: نفر اول گروه با معدل ۸۶/۱۸، موضوع پایان‌نامه: معیارشناسی ارتباط الفبایی آیات قرآن کریم، که با عنوان مبانی و معیارهای تفسیر قرآن به قرآن درموسسه امام خمینی با تکمیل و اصلاحات برای چاپ پذیرفته شده است. از جمله اساتید این دوره‌ها، آیهٔ الله معرفت (ره)، حاج آقای محمود رجبی، حاج آقای یوسفی غروی، دکتر نجارزادگان دکتر رفیعی، دکتر جباری، حاج آقای حسن عرفان، دکتر شمالی و...
(ج) دکتری ۸۷ – ۸۶: همزمان با نگارش پایان نامه به توفیق الهی در آزمون دکترای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، رشته علوم قرآن و حدیث پذیرفته شدم. و در حال حاضر مشغول ترم دوم و از محضر اساتیدی چون دکتر معیدی روشن، حاج آقای رجبی، حاج آقای احمد واعظی، حاج آقای بابائی و جاج آقای مهدوی‌راد، استفاده می‌کنیم. خدا عاقبت ما را به خیر گرداند.

فتحی، کورش

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر کورش فتحی واجارگاه ،تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته علوم تربیتی و روانشناسی در دانشگاه اصفهان آغاز کرد و پس از اتمام این دوره در مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی (برنامه ریزی درسی) ـ دانشگاه تربیت معلم تهران به تحصیل پرداخت. وی به تحصیل تا این مقطع اکتفا نکرد و برای تکمیل معلومات دانشگاهی مدرک دکتری رشته علوم تربیتی (برنامه ریزی آموزشی و درسی) را از دانشگاه تربیت مدرس و دوره تخصصی پس از دکتری در خصوص مدیریت پژوهشی و برنامه ریزی آموزش عالی را از دانشگاه کاسل ـ آلمان اخذ کرد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه علوم تربیتی, دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی می باشد. گروه : علوم انسانی رشته : علوم تربیتی گرایش : مدیریت پژوهشی و برنامه ریزی آموزش عالی تحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی کورش فتحی واجارگاه به ترتیب زیر است: ـ لیسانس علوم تربیتی (مدیریت وبرنامه ریزی آموزشی). دانشگاه اصفهان ـ فوق لیسانس علوم تربیتی (برنامه ریزی درسی) ـ دانشگاه تربیت معلم تهران ـ دکتری تخصصی (Ph.D) در علوم تربیتی (برنامه ریزی آموزشی و درسی) دانشگاه تربیت مدرس ـ دوره تخصصی پس از دکتری در خصوص مدیریت پژوهشی و برنامه ریزی آموزش عالی ـ دانشگاه کاسل ـ آلمان – فرصت مطالعاتی در دانشگاه های ساترن کراس و کوئینزلند استرالیا در زمینه مطالعه برنامه درسی در آموزش مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری و اجرایی و مدیریتی کورش فتحی واجارگاه به قرار زیر است: ۱ـ مشاور اداره کل بهبود مدیریت ، وزارت آموزش وپرورش ۲ـ مشاور اداره کل آموزش های ضمن خدمت وزارت آموزش و پرورش ۳ـ مشاور اداره کل تربیت معلم و آموزش نیروی انسانی وزارت آموزش وپرورش ۴ـ مشاور اداره کل ضمن خدمت کمیته امداد ۵ـ مشاور اداره کل برنامه ریزی و تالیف کتب درسی وزارت آموزش و پرورش ۶ـ مشاور اداره کل روابط عمومی معاونت محرومان بنیاد مستضعفان و جانبازان ۷ـ مدیر کل پژوهشی پژوهشکده فرهنگ و معارف ۸ـ معاون پژوهشکده فرهنگ و معارف ۹ـ دبیر کمیته نظارتی طرح های توسعه فرهنگی سازمان مدیریت وبرنامه ریزی کشور ۱۰ـ مشاور اداره کل امور اداری بنیاد شهید انقلاب اسلامی ۱۱ـ عضو شورای پژوهشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش وپرورش ۱۲ـ عضو شورای پژوهش اداره کل برنامه ریزی و تالیف کتب درسی وزارت آموزش و پرورش ۱۳ـ مدیر مرکز چاپ وانتشارات دانشگاه شهید بهشتی ۱۴ـ عضو شورای پژوهشی اداره کل آموزش های فنی حرفه ای وزارت آموزش وپرورش ۱۵– مشاور آموزشی سازمان فنی و حرفه ای کشور ۱۶– معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی ۱۷– مسئول کمیسیون روابط بین الملل انجمن مطالعات برنامه درسی ایران ۱۸ – عضو شورای انتشارات. موسسه پژوهش برنامه ریزی آموزش عالی ۱۹–عضو شورای توسعه علوم انسانی. پژوهشکده مطالعلت فرهنگی–اجتماعی. وزارت علوم تحقیقات و فناوری عضویت در قطب های علمی کشور: عضو قطب پزوهش های خانواده. دانشگاه شهید بهشتی تهران عضو قطب مطالعات برنامه درسی. دانشگاه تربیت معلم تهران عضویت در انجمن های علمی ـ تخصصی انجمن مطالعات برنامه درسی ایران (ICSA) انجمن مطالعات برنامه درسی استرالیا (ACSA) انجمن ایرانی تعلیم و تربیت (IAE) انجمن آموزش عالی ایران (IAHE) انجمن اروپایی تحقیقات آموزشی (EERA) انجمن تحقیق و توسعه آموزش عالی استرالیا (HERDSA) انجمن تحقیقات آموزشی بریتانیا (BERA) عضویت در هیأت تحریریه مجلات علمی ـ پژوهشی سردبیر فصلنامه مدیریت و برنامه ریزی در نظام های آموزشی، دانشگاه شهید بهشتی سردبیر میهمان فصلنامه نوآوری های آموزشی، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

عضو هیأت تحریریه فصلنامه دانشور ـ دانشگاه شاهد عضو هیأت تحریریه فصلنامه مطالعات برنامه درسی، انجمن مطالعات برنامه درسی ایران عضو هیأت تحریریه فصلنامه نوآوری های آموزشی، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی همکاری با مجلات علمی ـ پژوهشی: فصلنامه تعلیم و تربیت فصلنامه پژوهش در مسائل تربیتی فصلنامه علوم انسانی دانشگاه اصفهان فصلنامه علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی فصلنامه علوم انسانی، دانشگاه الزهراء (س) فصلنامه پژوهش در برنامه ریزی آموزش عالی فصلنامه دانش ـ دانشگاه آزاد اسلامی فصلنامه علوم انسانی ـ دانشگاه شیراز فصلنامه مروری بر پژوهش های تطبیقی (CER) دانشگاه شیکاگو ـ آمریکا فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریسی و آموزشی کورش فتحی واجارگاه به قرار زیر است: ۱ـ دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی تهران (درحال حاضر) ۲– دانشیار وابسته مؤسسه مطالعه آموزش عالی (GHIE) دانشگاه گریفیث ـ کوئینزلند ـ استرالیا ۲ـ دارای سوابق تدریس در دانشگاهها در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا – دانشگاه کاشان – دانشگاه پیام نور – دانشگاه الزهراء (س) – دانشگاه آزاد اسلامی – دانشگاه شهید بهشتی – دانشکده مدیریت و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش – دانشگاه اصفهان ۳ـ دارای سوابق تدریس وبرگزاری کارگاههای آموزشی در سازمان ها (برای کارشناسان ، مدیران کل و معاونین آنها : – وزارت آموزش وپرورش – وزارت نیرو – بنیاد شهید – بنیاد مستضعفان – وزارت نفت مرکز آموزش مدیریت دولتی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی دانشگاه شاهد (دوره آموزشی اعضای هیات علمی ، مدیران گروه و روسای دانشکده ها) کمیته امداد سازمان تبلیغات اسلامی سازمان نهضت سواد آموزی گمرک وزارت صنایع شرکت فولاد شیلات پتروشیمی بیمه ایران تدریس در مقاطع مختلف در دروس : ۱ـ برنامه ریزی درسی ۲ـ اقتصاد آموزش و پرورش ۳ـ روشها و فنون تدریس ۴ـ آموزش ضمن خدمات کارکنان ۵ـ آموزش عالی ۶ـ راهنمائی و مشاوره رساله در تحصیلات تکمیلی ب — تدریس در دوره ها ی کوتاه مدت تحصصی : ۱ـ نیاز سنجی (تکنیک ها و روشها) ۲ـ برنامه ریزی درسی (ابتدائی ، متوسطه ، عالی) : الگوها و روش ها ۳ـ توسعه منابع انسانی (آموزش ضمن خدمت) ۴ـ آموزش از راه دور و طراحی متون خود آموز ۵– ارزشیابی ۶ـ روش تدریس جوائز و نشانها : جوایز علمی و لوح های دریافتی کورش فتحی واجارگاه به ترتیب زیر است•: دریافت بورس تحصیلی پس از دکتری، مؤسسه مطالعه آموزش عالی و کار ـ دانشگاه کاسل آلمان• عضو هیأت علمی وابسته (Adjunct Associate Professor) دانشگاه گریفیث کوئینزلند ـ استرالیا ۲۰۰۸–۲۰۰۶• دریافت جایزه مقاله برتر سال رشته علوم تربیتی، پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۳• دریافت پایه تشویقی بواسطه انجام پژوهش های متعدد ـ دانشگاه شهید بهشتی ـ ۱۳۸۴• رتبه اول قطب علوم انسانی. وزارت علوم تحقیقات و فناوری.۱۳۸۶ ـ رتبه اول فارغ التحصیلان لیسانس مدیریت وبرنامه ریزی آموزشی دانشگاه اصفهان ـ رتبه اول آزمون ورودی کارشناسی ارشد دانشگاه های کشور ـ رتبه اول فارغ التحصیلان مقطع کارشناسی ارشد ـ رتبه اول آزمون ورودی دکتری داخل و اعزام به خارج ـ رتبه اول فارغ التحصیلان مقطع دکترای تخصصی چگونگی عرضه آثار : – تعداد مقالات ارائه شده در کنفرانسهای علمی : ۲۳ مورد – تعداد طرحهای تحقیقاتی و پژوهشی :۱۲ موردآثار : ۱ آشنایی با آموزش ضمن خدمت کارکنا ن وزارت آموزش و پرورش ویژگی اثر : ۱۳۷۳ تالیف۲ آموزش مهارت های زندگی در مدارس ویژگی اثر : انتشارات فاخر جلد اول ، ۱۳۸۴۳ آموزش مهارت های شهروندی، ویژگی اثر : انتشارات فاخر ـ جلد دوم. ۱۳۸۴ ۴ ارزشیابی اثربخشی دوره های آموزشی، ویژگی اثر : انتشارات آییژ، ۱۳۸۵۵ اصول برنامه ریزی درسی ویژگی اثر : انتشارات ایران زمین ۱۳۷۷ تالیف۶ برنامه درسی به سوی هویت های جدید (جلد دوم) ویژگی اثر : کتب در حال اتمام برای چاپ–۷ برنامه درسی چیست؟ (مفاهیم، و حدود و ثغور برنامه درسی به عنوان یک رشته تخصصی) ویژگی اثر : کتب در حال اتمام برای چاپ–تالیف۸ برنامه درسی، به سوی هویت‌های جدید، ویژگی اثر : انتشارات مؤسسه پژوهشی برنامه ریزی درسی ونوآوری های آموزشی، زیر چاپ ۹ برنامه ریزی آموزش ضمن خدمت کارکنان ویژگی اثر : انتشارات سمت. ۱۳۸۴۱۰ برنامه ریزی درسی و طراحی درس در آموزش عالی، ویژگی اثر : نوشته رابرت دایموند، ترجمه. مؤسسه کورش چاپ، ۱۳۸۵۱۱ تجربیات و روند آموزش کارکنان در پانزده کشور آسیا و اروپا ویژگی اثر : وزارت آموزش و پرورش . تالیف۱۲ تدریس بر علیه جهانی شدن ویژگی اثر : کتب در حال اتمام برای چاپ–نوشته پیترمک لارن. ترجمه۱۳ تدوین برنامه درسی در آموزش عالی ویژگی اثر : کتب در حال اتمام برای چاپ–نوشته استارک ولاتوکا ۱۴ جامعهٔ مدنی و تربیت شهروندی ویژگی اثر : انتشارات فاخر . ۱۳۸۱ . تالیف۱۵ در آمدی بر برنامه ریزی آموزش ضمن خدمت ویژگی اثر : انتشارات سرآمد کاوش ۱۳۷۶ . تالیف۱۶ در آمدی بر برنامه ریزی درسی دانشگاهی ۱۷ راهنمای آموزش شهروندی در مدارس، ویژگی اثر : انتشارات کتابیران (زیر چاپ) ۱۸ راهنمای تدریس موثر ویژگی اثر : انتشارات تربیت . ۱۳۷۹ ترجمه۱۹ راهنمای علمی مدیریت آموزشی ویژگی اثر : وزارت آموزش و پرورش ۱۳۷۸ تالیف۲۰ راهنمای نظارت بر معلمان تازه کار، ویژگی اثر : انتشارات تربیت . ۱۳۷۸ ترجمه۲۱ روش های پژوهش در برنامه درسی ویژگی اثر : (ترجمه یک فصل از کتاب) زیر چاپ ۲۲ روش های مطالعه و تحصیل (نحوه موفقیت در تحصیل) ویژگی اثر : انتشارات فاخر ۱۳۷۹ ترجمه۲۳ رویکردها و چشم‌اندازها در برنامه درسی، ویژگی اثر : (بصورت همکاری درتدوین بخش‌هایی از کتاب) تالیف و ترجمه.۱۳۸۱۲۴ طراحی و تدوین نظام جامع آموزش کارکنان ویژگی اثر : بنیاد شهید انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۱ تألیف ۲۵ فهم برنامه درسی در بستر آموزش عالی ویژگی اثر : کتب در حال اتمام برای چاپ–تالیف۲۶ مباحث تخصصی در برنامه ریزی درسی ویژگی اثر : انتشارات کتابیران . ۱۳۸۲تألیف و ترجمه۲۷ مبانی برنامه ریزی آموزشی (تحلیل هزینه — فایده) ویژگی اثر : انتشارات نخستین. ۱۳۷۵ . ترجمه۲۸ مبانی مدیریت و برنامه ریزی اردو ویژگی اثر : انتشارات فاخر ۱۳۷۹ تالیف۲۹ مدرسه استاندارد ویژگی اثر : انتشارات فاخر. ۱۳۷۹ تالیف ۳۰ نظام آموزشی در کشورهای مختلف جهان ویژگی اثر : سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ، تالیف۳۱ نقش زنان در حفظ محیط زیست و توسعه پایدار ویژگی اثر : دانشگاه شهید بهشتی ، ۱۳۸۲۳۲ نیاز سنجی آموزشی (الگوها و روش ها) ویژگی اثر : انتشارات کتابیران . ۱۳۸۱ ، تالیف۳۳ نیازسنجی آموزشی پیشرفته ویژگی اثر : کتب در حال اتمام برای چاپ–تالیف۳۴ نیازسنجی برنامه ریزی درسی مدرسه ـ محور (SBCNA). ویژگی اثر : انتشارات مؤسسه پژوهشی برنامه ریزی درسی و نوآوری های آموزشی، زیر چاپ ۳۵ نیازسنجی پژوهشی (الگوها و فنون) ویژگی اثر : انتشارات کتابیران، ۱۳۸۵ ۳۶ نیازسنجی در برنامه ریزی آموزشی و درسی ویژگی اثر : اداره کل تربیت معلم و آموزش نیروی

انسانی. ۱۳۷۳. تالیف

فتوحی شیرازی، فتح‌الله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۰ ق)، شاعر، متخلص به فتوحی. از شاعران شیراز بود که شعر را استادانه می‌سرود. او در شیراز می‌زیست و در همان سامان درگذشت و در دارالسلام دفن گردید. اشعاری از وی در تذکره‌ها نقل است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۶۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۲ -۶۱ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۶۸۹)، مرآت الفصاحه (۴۵۴ -۴۵۳).

فتوحی قزوینی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر رضا فتوحی قزوینی در سال ۱۳۳۳ در قزوین بدنیا آمد. ایشان دارای دکترای رشته بیوتکنولوژی (میوه کاری) از دانشگاه سالفورد انگلستان در سال ۱۳۷۴ است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار پایه ۲۵ دانشکده کشاورزی دانشگاه گیلان می‌باشد.گروه : کشاورزیرشته : باغبانیگرایش : بیوتکنولوژی- میوه کاریوالدین و انساب : پدر رضا فتوحی قزوینی حاج غلامحسین فتوحی، کارمند سابق شرکت نفت قزوین بود. نام مادر محترمشان خانم عشرت توفیقی دارای سواد خواندن قرآنی بود. دکتر فتوحی قزوینی دارای سه خواهر و دو برادر است.خاطرات کودکی : رضا فتوحی قزوینی از دوران کودکی خود خاطراتی به یاد دارد که به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم: - به لحاظ تشویق و ترغیب مادر و پدر در دوران ابتدایی قرآن و ادعیه را به خوبی با تجوید کامل فرا گرفتم. - در دوره دبیرستان برخی از علوم دینی و کمی از دروس حوزوی را نزد آیت الله حاج شیخ هادی باریک‌بین و آقای حجت الاسلام حاج سید جلیل زرآبادی فرا گرفتم. - در سالهای ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ در انجمن اسلامی ناشرین حق قزوین و سپس انجمن اسلامی دانشجویان فعال بودم. در سال ۱۳۴۹ مرحوم استاد مطهری به قزوین آمدند و در مسجد ستوده به سخنرانی پرداختند که من قبل از سخنرانی ایشان چند آیه قرآن تلاوت کردم. - زلزله مهیب بوئین زهرا و قزوین را به خوبی به یاد دارم و حدود ۱۵ روز همه مردم شبها در کنار خیابان می‌خوابیدند.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : رضا فتوحی قزوینی در خانواده‌ای مذهبی و در شرایط وضعیت مالی متوسطی بزرگ شد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : رضا فتوحی قزوینی دوران ابتدایی و متوسطه را در رشته طبیعی در قزوین گذراند. در دوران دبیرستان بخشی از علوم اسلامی و حوزوی را در مدرسه شیخ‌الاسلام به تحصیل پرداختند. تحصیلات دانشگاهی ایشان به ترتیب زیر است: - کارشناسی در رشته مهندسی باغبانی، دانشگاه جندی شاپور (۱۳۵۱- ۱۳۵۵) - کارشناسی ارشد (مدرسی) در رشته باغبانی، دانشگاه تربیت مدرس و تهران، با ارائه رساله در ارتباط با مرکبات (۱۳۶۴- ۱۳۶۲)، - دکترا (Ph.D): دانشگاه سالفورد انگلستان (۱۳۷۴- ۱۳۷۱). رساله دکتری دکتر فتوحی: مقاومت به سرما در مرکبات بود که با روشهای بیوتکنولوژی انجام گرفت و حاصل این کار معرفی لاینهای مقاوم به سرما از رقم پرتقال والنسیا بود که تحویل مؤسسه مرکبات کشور شد.خاطرات و وقایع تحصیل : رضا فتوحی قزوینی از اعتصابهای دانشجویی در دوران تحصیل کارشناسی که معمولا در آذر ماه اتفاق می‌افتاد چنین به یاد دارد: «به علت راه‌اندازی و شرکت در اعتصابها و توزیع آثار شخصیتهای بزرگ مذهبی سیاسی مانند دکتر شریعتی و استاد مطهری یک نوبت در سال ۱۳۵۲ به مدت کوتاه باز داشت شدم» دکتر فتوحی همچنین از دوران کارشناسی ارشد که مسئولیت پیگیری و راه‌اندازی دوره‌های دکتری کشاورزی را طی حکمی که از طرف ریاست وقت دانشگاه (دکتر حبیبی) داشت خاطرات زیادی به یاد دارد.فعالیتهای ضمن تحصیل : رضا فتوحی قزوینی در دوره دکتری مسئول هسته تخصصی بیوتکنولوژی در دانشگاه انگلستان بود و در طی چهار سال اقامت در آنجا چهار سمینار علمی را برگزار کردند، در آخرین سمینار همه ایرانیان از سراسر انگلستان جمع شدند.استادان و مربیان : مربیان در دوران قبل از دانشگاه رضا فتوحی قزوینی به قرار زیر است: آقای حاج شیخ هادی باریک‌بین، حاج سید جلیل زرآبادی، آقایان نوری (دبیر فیزیک)، آقازاده (شیمی)، اسماعیلی (زیست‌شناسی) اساتید دوره کارشناسی: دکتر عظیمی، دکتر کمالی (حشره شناسی)، دکتر اهدایی (اصلاح نباتات). اساتید دوره کارشناسی ارشد: دکتر بهبودیان(فیزیولوژی)، دکتر صدیقی (اصلاح نباتات)، مهندس منیعی (میوه‌های آجیلی)، دکتر طلایی، مهندس یونس ابراهیمی و در انگلستان پروفسور ویلیزر.هم دوره ای ها و همکاران : هم‌دوره‌ای‌های رضا فتوحی قزوینی در مقاطع مختلف تحصیل به شرح زیر است: کارشناسی: پروفسور فلاحی (دانشگاه آیدا هو) کارشناسی ارشد: مرحوم دکتر علی وزوایی، دکتر منصور غلامی دکتری: دکتر محمود اثنی عشری، مرحوم دکتر رحمان دادمان و دکتر یوسف حمید اوغلی از همکاران دکتر فتوحی می‌توان به دکتر نصرت الله ضرغامی، دکتر خوشخوی و دکتر روشن حیدری (دانشگاه لندن، امپریال کالج) اشاره کرد.همسر و فرزندان : همسر رضا فتوحی قزوینی، سرکار خانم مینا محمودی گیلانی است که دارای مدرک کارشناسی ارشد علوم باغبانی از دانشگاه سالفورد انگلستان می‌باشد. ماحصل این ازدواج چهار فرزند به نامهای زیر است: - یک دختر (فرانک) که هم اکنون دانشجوی دکتری رشته مخابرات در دانشگاه براتفورد انگلستان و عضو هیئت علمی دانشگاه قم است. - محمدحسین فتوحی، متاهل و به همراه همسرش دانشجوی مقطع دکتری مخابرات هستند. - محمدعلی متاهل و دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی قدرت

می‌باشد. - محمدجواد دانشجوی کارشناسی رشته برق در دانشگاه تهران است.وقایع میانسالی : توفیق در توسعه کمی و کیفی دانشگاه گیلان، خاطره تلخ درگذشت دوست ارجمندش دکتر دادمان (وزیر راه و ترابری) و درگذشت دوست دیگر دکتر علی وزوایی دانشیار دانشگاه تهران از وقایع و خاطرات رضا فتوحی قزوینی می‌باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فعالیتهای اجرائی رضا فتوحی قزوینی به ترتیب زیر است: ۱- معاون امور جنگ دانشگاه گیلان (۱۳۶۴- ۱۳۶۵) ۲- رئیس دانشکده علوم کشاورزی دانشگاه گیلان (۱۳۶۵ - ۱۳۶۶) ۳- معاون آموزشی و پژوهشی دانشگاه گیلان (۱۳۶۶- ۱۳۷۰ و ۱۳۷۶- ۱۳۸۴) ۴- عضویت یا مسئولیت کمیته‌ها و شوراهای مختلف اداری، فرهنگی، اجرایی و علمی دانشگاه و یا استان ۵- عضو کمیسیون مشورتی بیوتکنولوژی (از خرداد ۱۳۷۶) شورای پژوهشهای علمی کشور ۶- عضو انجمن بیو تکنولوژی ایران ۷- عضو هیئت مدیره انجمن علوم باغبانی ایران ۸- دبیر هیئت ممیزه دانشگاه گیلان (۱۳۸۲-۱۳۸۴) ۹- عضو شورای دبیران پژوهشنامه کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه گیلان ۱۰- عضو شورای دبیران مجله علوم و فنون باغبانی ایران، انجمن علوم باغبانی از ۱۳۸۳ ۱۱- قائم مقام دبیر شورای عالی زیست فناوری ایران و رئیس گروه تخصصی توسعه سرمایه انسانی و مدیریت در دبیرخانه زیست فناوری تا سال ۱۳۸۵فعالیتهای آموزشی : دروس ارائه شده توسط رضا فتوحی قزوینی در دانشگاه گیلان: دوره کارشناسی: ازدیاد نباتات میوه‌های گرمسیری میوه‌های دانه‌ریز دوره کارشناسی ارشد: فیزیولوژی درختان میوه مناطق معتدله اثر تنش‌های محیطی روی گیاهان کشت بافت و ریز ازدیادی دکتری: گلدهی و رشد و نمو میوه‌مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : رضا فتوحی قزوینی تقریبا تمام رشته‌های تحصیلی بویژه کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه گیلان را تا سال ۱۳۸۵ را راه‌اندازی کرده است. وی همچنین آزمایشگاه کشت بافت دانشگاه گیلان را تاسیس کرد وی جهت ایجاد رشته موسیقی و گرافیک در دانشکده هنر و معماری و همچنین راه‌اندازی دانشکده منابع طبیعی دانشگاه گیلان تلاشهای زیادی کشید. دکتر فتوحی در انگلستان جهت اتحاد و انسجام و هماهنگی در تحصیل و تحقیق در رشته بیوتکنولوژی هسته تخصصی بیوتکنولوژی را راه‌اندازی کردند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : رضا فتوحی قزوینی در کنار تدریس به تالیف و تدوین کتب و مقالات علمی در زمینه رشته تخصصی خود می‌پردازد.شاگردان : دکتر کافی، آقایان عسگری و میغانی (دانشگاه کرمان)، رقامی (دانشگاه رفسنجان)، محمدجواد فتاحی و یحیی تاجور (موسسه مرکبات کشور) و خانم تاتاری (موسسه تحقیقات باغبانی کرج) از دانشجویان رضا فتوحی بودند.همفکران فرد : دکتر منصور غلامی، دکتر محمود اثنی عشری (دانشگاه بوعلی سینا)، دکتر علیرضا طلائی، دکتر ضرغام (دانشگاه تهران)، دکتر خوشخوی، دکتر راحمی، دکتر تفضلی (دانشگاه شیراز)، دکتر آرمین (دانشگاه کرمان)، دکتر یوسف حمید اوغلی، دکتر نادر نریمان‌زاده، دکتر مجید متقی طلب، دکتر علی‌اصغر ورسه‌ای، دکتر هفت چناری و دکتر صحراگرد (دانشگاه گیلان) از همفکران رضا فتوحی قزوینی می‌باشند.آرا و گرایشهای خاص : رضا فتوحی معتقد است که اعمال مدیریت علمی بر سرمایه‌های انسانی و طبیعی که ذخایر ارزشمند آن در کشور ما وجود دارد تنها راه پیشرفت است و توسعه رسانه‌های خصوصی، تحمل آراء و نظرات متفاوت و پرهیز از انحصارگرایی اعتبار و شان جمهوری اسلامی را افزایش می‌دهد. چگونگی عرضه آثار : رضا فتوحی قزوینی بیش از ۳۰ مقاله در مجلات علمی پژوهشی داخل و خارج به چاپ رسانده است و حدود ۷۰ مقاله در کنفرانس‌ها و سمینارهای داخل و خارج ارائه کرده است. آثار : پرورش مرکبات در ایران ویژگی اثر : تالیف- انتشارات دانشگاه گیلان (چاپ اول ۱۳۷۸ و چاپ دوم با اضافات ۱۳۸۵)۲ تحقیقات در کشورهای اسلامی ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان (۱۳۷۷)۳ هوهویا در ایران برای بیابان زدایی، صنعتی و بهداشتی ویژگی اثر : تالیف- انتشارات نیلوفرانه

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

فتوحی مروزی، اثیرالدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. ملقب به شرف الحکماء. در مرو به دنیا آمد و در آنجا نشوونما یافت. معاصر سلطان سنجر سلجوقی (۵۵۲ - ۵۱۱ ق) بود و با ادیب صابر دوستی و معاشرت داشت و برای یکدیگر شعر می‌فرستادند. وی همچنین همعصر با حکیم انوری بود که با هم خصومت داشتند و به هجو یکدیگر می‌پرداختند. فتوحی در نظم و نثر استاد بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۹۰ -۶۸۸ / ۲)، تذکره‌ی روز روشن (۶۰۳)، الذریعه (۸۰۹ / ۹)، ریحانه (۲۹۶ -۲۹۵ / ۴)، سخن و سخنوران (۳۶۱)، فرهنگ سخنوران (۶۸۹)، لباب الالباب (۱۵۳ -۱۴۸ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ اثیرالدین)، مجمع الفصحا (۹۳۲ -۹۳۰ / ۲)، هفت اقلیم (۲۰ -۱۶ / ۲)، یادگار (س ۲، ش ۹، ص ۷۵ -۷۴).

فتونی عاملی نباطی اصفهانی، ابوالحسن علی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۰۷۰- ح ۱۱۳۹ ق)، فقیه، اصولی، مفسر و شاعر. معروف به شریف، چون مادرش خواهر میرمحمد صالح خاتون‌آبادی بود. پدرانش همگی از علما بودند. وی در محله‌ی درب امام اصفهان به دنیا آمد. بدین دلیل به او امامی نیز می‌گفتند. در نجف ساکن بود. او شاگرد علامه مجلسی ثانی و از ایشان و از علمای دیگری از جمله احمد بن محمد بن یوسف بحرینی و قاسم بن محمد

کاظمی و محمد حسین بن حسن میسی و صفی‌الدین بن فخرالدین طریحی و عبدالواحد بن محمد بن احمد بورانی و محمد صالح خاتون‌آبادی و محمود میبدی صاحب اجازه بود. فرزندش، ملاـ ابوطالب فتونی، و محمد بن علی بن حیدر عاملی و احمد بن اسماعیل جزائری از شاگردان وی بودند و از او اجازه داشتند. عبدالله ابن کرم‌الله حویزاوی و نصرالله شهید حائری نیز از جانب وی به دریافت اجازه نائل شدند. فتونی جد مادری شیخ باقر، پدر صاحب «جواهر»، است. از آثار وی: شرح «الکفایه» سبزواری؛ «شرح الصحیفه»؛ «شریعه الشیعه و دلائل الشریعه»؛ «الفوائد الغرویه و الدرر النجفیه»، در اصول دین و اصول فقه؛ «مرآه الانوار و مشکاه الاسرار فی تفسیر القرآن» یا «مشکاه الانوار فی تفسیر القرآن»؛ «الرساله الرضاعیه»؛ «الانساب»؛ رساله در «حقیقه مذهب الامامیه»؛ «نصایح الملوک و آداب السلوک»، در شرح «عهدنامه مالک اشتر»؛ «ضیاء العالمین»، در امامت؛ «تنزیه القمیین»؛ «معراج الکمال»؛ «الکشکول»؛ «دیوان» شعر، در مراثی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۴۸۷، ۴۸ / ۲)، اعیان الشیعه (۳۴۳ -۳۴۲ / ۷)، تلامذه العلامه المجلسی (۱۳ -۱۲)، خاتمه مستدرک الوسائل (۵۶ -۵۴ / ۲)، الذریعه (۱۷۱ / ۲۴ ،۲۳۳ -۲۳۲ ،۵۳ / ۲۱ ،۲۶۵ -۲۶۴ / ۲۰ ، ۷۰ / ۱۸ ،۳۵۴ -۳۵۳ / ۱۶ ،۱۲۴ / ۱۵ ، ۱۸۷ ،۳۶ -۳۵ / ۱۴ ،۳۴۶ / ۱۳ ،۱۸۹ -۱۸۸ / ۱۱ ، ۵۰ -۴۹ / ۷ ،۴۵۷ / ۴ ،۳۷۲ -۳۷۱ / ۲ ،۲۴۹ ،۲۲۷ -۲۲۶ ،۱۹۹، ۲۰۸ ،۱۸۲ / ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۷۵ -۱۷۴ / ۱۲)، معجم المؤلفین (۲۰۵ -۲۰۴ / ۷)، هدیه العارفین (۷۶۶ / ۱).

فتوی هروی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به فتوی. برادرزاده‌ی شیخ بهاءالدین محمد عاملی بود و مدتی شیخ الاسلام هرات شد. در نظم و نثر تبحر داشت. وی در هرات درگذشت. از اوست:

وفای وعده همین بس که در دلت گذرد

که این اسیر بلاکش در انتظار من است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۶۰۴ -۶۰۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۹۴)، الذریعه (۸۰۹ / ۹)، صبح گلشن (۳۱۲)، فرهنگ سخنوران (۶۸۹).

فتی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۰۱، تبریز.

درگذشت: ۱۳۶۵.

محمدعلی فتی، فرزند محمود، که تخلص شعری خود را از نام خانوادگی‌اش گرفته است. تحصیلات مقدماتی را در تبریز به پایان رسانید آنگاه به استخدام وزارت راه و ترابری درآمد و در شهرستان‌های مختلف کرمان و بندرعباس و شیراز و اصفهان و یزد و تهران مأموریت یافت و مشاغلی را به عهده داشت.

فتی از پانزده سالگی به سرودن شعر پرداخت و فنون ادب را از محضر مولانا یتیم ، شاعر آذربایجانی آموخت و در اغلب انجمن‌های ادبی تهران عضو بود و به شهرستان‌هایی که مأموریت می‌یافت در مجامع ادبی آن شرکت می‌جست.

از جمله آثار او می‌توان به این کتاب اشاره کرد: تحفه سرمدی (مجموعه‌ای از اشعار شعرای معاصر در مدایح و مراثی ائمه اطهار (ع)، ۱۳۴۷).

محمدعلی فتی در سال ۱۳۶۵ پس از یک بیماری ممتد بدرود حیات گفت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فخار شیرازی، جمال‌الدین حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. به اتابکان منسوب و از خوشنویسان شیراز بود. در انواع خطوط، بخصوص ثلث و نسخ مهارت بسیار داشت. در کتاب «پیدایش خط و خطاطان» وفات وی اواخر سده‌ی هزار هجری ثبت شده است. از آثار وی: یک قطعه از مرقع، نسخ کتابت جلی و خفی عالی، با رقم «کتبه حسین الفخار»؛ یک نسخه «بهجه المباهج»؛ وزیری بزرگ، دو صفحه اول متن و حاشیه مذهب عالی، نسخ کتابت عالی، با رقم: «تمام شد کتاب بهجه المباهج... فی... سنه احدی و خمسنی و تسعمائه.. جمال‌الدین المشهور

بحسین الفخار»؛ یک قطعه از مرقع مالک، ثلث و ریحان سه دانگ جلی و رقاع کتابت جلی ممتاز، با رقم: «مشقه العبد الضعیف حسین الفخار الشیرازی...».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۶۲ / ۴)، پیدایش خط و خطاطان (۱۰۵ -۱۰۴)، گلستان هنر (۳۴).

فخر جهان

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. نقاش. ملقب به فخرالدوله. وی ششمین دختر فتحعلی‌شاه قاجار و خواهر تنی شعاع‌السلطنه و همسر میرزا محمدخان، پسر عمویش، بود. وی در گل‌آرایی و تصویرسازی و کتابت خطوط به شیوه ناخنی مهارت داشت. از آثار او:یک مرقع خطوط و کار ناخنی به خطوط نستعلیق، شکسته تعلیق، نسخ، شکسته نستعلیق خوش و متوسط، با رقم: «حرره اقل خادمه‌الدوله القاهره الباهره، فخر جهان»؛ تصویر ناخنی تمام‌قد محمدشاه قاجار در لباس و کلاه و آرایش سلطنتی، با رقم: «فخر جهان ۱۲۶۰»؛ تصویر ناخنی دسته گل سرخ محمدی که یک گل درشت در وسط آن جلب نظر می‌کند. حواشی اثر، تذهیب طلاکاری دارد و زیر ساقه‌های گل به خط ناخنی رقم «فخر جهان نور جهان» دارد.[۱]

ز ۱۲۶۰ ق، ملقب به فخرالدوله از زنان هنرمند. وی ششمین دختر فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) و خواهر تنی شعاع‌السلطنه بود. وی با میرزا محمدخان، پسر عمویش ازدواج نمود. ولی پس از نه سال زندگی با حالت بکارت طلاق گرفت و دیگر ازدواج نکرد. فخرالدوله نزد پدر و همه‌ی شاهزادگان احترام و تقرب خاص داشت. از آثار هنری او یک مرقع خطوط و کار ناخنی به خطوط نستعلیق، شکسته تعلیق، نسخ، شکسته نستعلیق خوش و متوسط است که چنین رقم دارد. «حرره اقل خادمهٔ الدولهٔ القاهره الباهره، فخر جهان». دیگر تصویر ناخنی تمام‌قد از محمد شاه قاجار (۱۲۶۴ -۱۲۵۰ ق) در لباس و کلاه و آرایش سلطنتی به تاریخ ۱۲۶۰ ق است. تصاویر دیگری از گل و گیاه به سبک ناخنی از او موجود است.[۲]

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۵۶۷ / ۲)، احوال و آثار نقاشان (۵۰۱ / ۲)، تاریخ عضدی (۳۱۷، ۲۱)، خیرات حسان (۲۲ / ۳)، گلستان هنر (پنجاه و یک)، مشاهیر زنان (۱۸۲).

[۲] منابع: احوال و آثار خوشنویسان، ۱ و ۵۶۷ / ۲؛ احوال و آثار نقاشان قدیم ایران ۵۰۱ / ۲؛ تاریخ عضدی، ۲۱؛ خیرات حسان، ۲۲ / ۳؛ گلستان هنر. پنجاه و یک؛ ناسخ‌التواریخ، دوره کامل قاجاریه.

فخر خوارزمی، فخرالدین مبارکشاه

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۰۲ ق)، نویسنده و شاعر شیعی. پدرانش از مشاهیر شعیه خوارزم بودند. وی از رجال و وزرای دربار ملوک غور بود و نزد علاءالدین جهانسوز و پسرش سیف‌الدین محمد غوری و همچنین در دستگاه سلطان غیاث‌الدین غوری تقرب تمام داشت. از وی به عنوان پناه حاجتمندان نامبرده شده است. او دارای کتابی است که به نثر بسیار روان در تاریخ هندوستان نوشته و به شیوه‌ی «شاهنامه» به نظم درآورده است و به نام «تاریخ فخرالدین مبارک‌شاه» معروف است و اطلاعات جالبی درباره‌ی طوایف ترک دارد. به گفته‌ی عوفی در «لباب الالباب» وی دارای قصاید و رباعیات مشهوری است و قصیده‌ای در مدح ملک سیف‌الدین غوری دارد. به گفته‌ی نفیسی وی «منظومه»ای در تاریخ سلاطین غور به بحر متقارب سروده است و کتابی هم به نام «آداب الحرب و الشجاعه» نگاشته که از کتابهای مهم زبان فارسی است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۵۶ / ۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۲ -۱۲۱، ۹۰ -۸۹)، دایره‌المعارف فارسی (۱۸۴۶ / ۲)، الذریعه (۸۱۰ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۹۰)، لباب الالباب (۱۳۳ -۱۲۵ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ فخرالدین)، مجمع الفصحا (۹۳۳ -۹۳۲ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۷۲ -۱۷۱ / ۵).

فخر داعی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(سید) محمدتقی گیلانی ملقب به فخرالمحققین و داعی‌الاسلام نویسنده و محقق ایرانی (ف. تهران آذرماه ۱۳۴۳ ه.ش/ شعبان ۱۳۸۴ ه.ق). وی پس از تحصیل نزد شیخ محمد طالقانی، میرزا حسن کرمانشاهی، میرزا مسیح سمنانی، فاضل تفرشی عازم عراق عرب شد و از محضر آخوند ملاکاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی استفاده کرد و به درجه‌ی اجتهاد رسید. در اوایل نهضت مشروطه با آزادی‌خواهان عراق همکاری کرد. سپس از طرف آخوند ملا کاظم مأمور اداره‌ی انجمن دعوةالاسلام بمبئی گردید.

وی علاوه بر وظایف دینی که به عهده داشت به تحقیق و تتبع مشغول بود و زبانهای انگلیسی و اردو را تحصیل کرد و مدت چهار سال در «کالج ایندور» به تدریس ادبیات فارسی و عربی پرداخت. وی پس مراجعت به ایران در وزارت فرهنگ به خدمت مشغول شد و کتب ذیل را ترجمه و منتشر کرد: تمدن اسلام و عرب تألیف گوستاولوبون، تاریخ ایران تألیف سرپرسی سایکس (دو جلد)، تاریخ عرب و اسلام تألیف امیرعلی، شعرالعجم یا تاریخ منظوم ایران تألیف شبلی نعمانی (پنج جلد)، تفسیر قرآن تألیف سید احمدخان (که سه جلد آن منتشر شده)، تاریخ علم کلام تألیف شبلی نعمانی، مجموعه‌ی مقالات شبلی نعمانی، تاریخ هند تألیف امیرعلی. وی در هشتاد و پنج سالگی درگذشت.

(وف ۱۳۴۳ ش)، عالم و مترجم. ملقب بـه فخرالمحققین و معروف به داعی الاسلام. وی از شاگردان آخوند ملاـ محمد کاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی است که به مقام اجتهاد رسید. در نهضت مشروطه به پیروی از استادانش به حزب آزادیخواهان ایران مقیم عراق پیوست. وی به دستور آخوند ملا محمد کاظم خراسانی به بمبئی رفت و اداره‌ی امور انجمن دعوه الاسلام آن شهر را بر عهده گرفت و معروف به داعی الاسلام شد. او به زبان اردو و انلگیسی مسلط بود. آن گونه که توانست کتابهایی را به زبان فارسی برگرداند. فخر داعی در کالج ایندور به تدریس ادبیات فارسی و عربی پرداخت. در تهران درگذشت و در قم در کنار آرامگاه میرزایوسف مستوفی و مقابل صحن طلا دفن شد. از آثار وی: «تمدن اسلام وعرب» گوستاولوبون، ترجمه؛ «تاریخ عرب و اسلام» امیرعلی، ترجمه؛ «تاریخ هندوستان»، ترجمه؛ «تاریخ علم کلام» شبلی نعمان، ترجمه؛ «تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان» یا «تفسیر قرآن سید احمدخان»، ترجمه؛ «سوانح مولوی» شبلی نعمان، ترجمه؛ «شعر العجم» یا «تاریخ ادبیات منظوم ایران» شبلی نعمان، ترجمه؛ «تاریخ ایران» سرپرستی سایکس، ترجمه.[۱]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۰۸، ۲۰۳۲ / ۲ ۹۳۳، ۹۳۲– ۹۳۳، ۷۶۸، ۷۲۷، ۷۲۶– ۷۲۴، ۶۷۳ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۳ –۲۳۱ / ۲)، نامها و نامدارهای گیلان (۳۷۱).

فخر دهراجی، فخرالدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. اهل دهراج از توابع کاشغر بود. خاندان وی در فضل و کمال در خراسان مشهور بودند و او خود نیز از بزرگان عصر خود بود. از اوست:

مهتر انی که در جهان هستند

همه از جام بخل سرمستند

پای احسان خویش نگشادند

دست امکان ما فروبستند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زنـدگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۶۰۴)، تذکره‌ی شعرای پنجاب (۲۷۴ –۲۷۳)، الذریعه (۸۱۰ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۹۰)، لباب الالباب (۲۸۷ –۲۸۶ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ فخرالدین)،مجمع الفصحا (۹۳۳ / ۲).

فخر رازی، فخرالدین ابوعبدالله، ابوالمعالی، ابوالفضل محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۶۰۶ –۵۴۴ ق)، مفسر، واعظ، مصنف، حکیم، اصولی و عالم اشعری شافعی. مشهور به امام رازی و فخر رازی و امام فخرالدین، معروف به امام المشککین و موصوف به شیخ‌الاسلام و ابن‌خطیب و ابن‌خطیب ری. اصل وی از طبرستان بود و در ری به دنیا آمد. وی شاگرد پدرش، ضیاءالدین عمر، در کلام بود و سلسله‌ی استادانش را،از طریق پدر، به اشعری می‌رساند. در مرند در مدرسه‌ای که قاضی مرند، پدر، پدر محیی‌الدین بنا کرده بود، فقه و حکمت آموخت. وی در علوم عقلی و نقلی، تاریخ، کلام، فقه، اصول، تفسیر، حکمت، علوم ادبی و فنون ریاضی یگانه‌ی عصر خود بود دانشمندان بسیاری از شهرهای دور حاضر حوزه‌ی درس او می‌شدند، و حتی در موقع سواری نیز دهها تن از فقهای شاگردانش به جهت استفاده علمی در رکابش می‌رفتند. فخر رازی به دلیل ژرف‌بینی در اقوال حکمای یونان و تعمق در جرح و تعدیل آنها شک و شبهه در مطالب عقلی و دینی وارد می‌کرد و به گفته‌ی ابن‌حجر گاه شبهات سختی وارد می‌آورد که خود از حل آن در می‌ماند. وی به خوارزم رفت و به جهت مذاکرات دینی که با علمای آنجا نمود محکوم به اخراج از آن سرزمین شد،پس به ماوراالنهر رفت و باز به همان دلیل تبعید شد. وی به ری موطن خود بازگشت و از آن جا به خراسان رفت و مورد عنایت سلطان محمدخوارزمشاه قرار گرفت. سرانجام در هرات ساکن شد و شیخ‌الاسلام آنجا گشت و به دو زبان عربی و فارسی وعظ گفت. او در هرات درگذشت و در دامنه‌ی کوه مزداخان نزدیک هرات دفن شد. از آثار وی: «تفسیر الکبیر» یا «مفاتیح الغیب»، تفسیر قرآن در هشت مجلد؛«تفسیر الفاتحه»؛ «اسرار التنزیل و انوار التأویل»؛ «اساس التقدیس» یا «تأسیس التقدیس»، در علم کلام؛ «تهذیب الدلائل و عیون المسائل»؛ «لباب الاشارات»؛ «لوامع البینات فی شرح اسماء الله و الصفات»؛ «محصل افکار المتقدمین و المتأخرین من العلماء و الحکماء و المتکلمین»؛ «المحصول»؛ شرح «قانون» ابن‌سینا،

در طب؛ شـرح «نهج‌البلاغه»؛ «نهایه الایجاز فی درایه الاعجاز»، در علم بیان؛ «کتاب الهندسه»؛ دائره‌المعارف «جامع العلوم» یا «حدائق الانوار فی حقائق الاسرار» یا «ستینی»، به فارسی در پیرامون شصت علم که در ۵۷۴ ق به نام علاءالدین تکش‌خوارزمشاه تألیف کرده است؛ رسـاله در «اصـول عقایـد»، به فارسـی، در هشت بـاب در توحیـد و نبـوت و معـاد و امـامت و اصول فقه؛ «رسـاله‌ی روحیه»، به فارسـی، در جواب تعزیت نامه‌ای که پادشاه وقت در مرگ پسر فخررازی نوشته بود؛ رساله «الاختیارات العلائیه» یا «الاحکام العلائیه فی الاعلام السـماویه»، به فارسـی، در اختیـارات نجومی، که به نـام سـلطان علاءالـدین محمـد خوارزمشاه در دو مقاله نوشـته است؛ «شعر»، به عربی و فارسی.[۱]

رازی، ابوعبداللّه محمد بن عمر بن حسین بن حسن بن علی طبرستانی رازی مشهور به امام فخر فقیه شافعی و دانشمند علوم معقول و منقول معروف به ابن الخطیب و فخر رازی (و. ری ۵۴۳ یا ۵۴۴- ف. هرات ۶۰۶ ه.ق). وی در عصر خوارزمشاهیان می‌زیست و جاه و منزلت و نفوذ کلام او در نزد سلطان محمد خوارزمشاه بسیار بود. و بین او و بهاءالدین پدر جلال‌الدین مولوی اختلاف ایجاد شد. وی در علم کلام و معقولات سـرآمد عصـر بود، و در فنون مختلف تألیفات مهم دارد. فخر رازی در غالب اصول مسلم فلسفی شک کرده و بر فلاسـفه‌ی مقـدم ایراداتی وارد آورده و حکیمـانی نظیر نصـیرالدین طوسـی و قطب‌الـدین رازی و میرداماد و صدرالـدین شیرازی مدتها سـرگرم جواب دادن به شـبهات او بوده‌اند. به سـبب همین قدرت در تشکیک است که وی را «امام المشککین» لقب داده‌انـد. از آثار اوست: نهایـهٔالعقول، کتاب الاربعین، المطالب العالیـهٔ، محصل افکارالمتقدمین والمتأخرین (ه.م)، البیان والبرهان فی الرد علی اهـل الزیغ والطغیـان، المبـاحث العمادیـهٔ فی المطـالب المعادیـهٔ، تهـذیب الـدلائل و عیون‌المسائل، ارشاد النظار الی لطائف الاسرار، تحصیل الحق، الزبدهٔ، المعالم، مفاتیح الغیب (ه.م)، نهایهٔالاعجاز (ه.م)، المسائل الخمسون (ه.م)، شرح کلیات قانون ابن سینا، ستینی (ه.م)، الملخص (ه.م)، شـرح الاشارات (در این کتاب ایراداتی بر ابن‌سـینا وارد کرده که بعداً نصیرالدین طوسی آنها را جواب داده)، شرح عیون‌الحکمهٔ، مباحث المشرقیه (ه.م).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :[۱] الاعلام (۲۰۳ / ۷)، تاریـخ ادبیـات در ایران (۱۰۱۷ -۱۰۱۶ / ۲)، تاریـخ فلاسـفه‌ی ایرانی (۴۱۳ -۳۸۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۸۴۸ -۱۸۴۷ / ۲)، روضات الجنات (۴۴ -۳۶ / ۸)، ریحانه (۳۰۱ -۲۹۷ / ۴)، ری باستان (۳۷۷ -۳۷۴ / ۲)، سیر النبلاء (۵۰۱ -۵۰۰ / ۲۱)، شخصیت‌های نامی (۳۶۴ -۳۶۳)، شـذرات الذهب (۲۲ -۲۱ / ۵)، فرهنگ ادبیات فارسـی (۳۶۸ -۳۶۷)، الکامل (۳۰۲ / ۹)، کشف الظنون (۲۰۰۲ ،۱۹۸۸ ،۱۹۸۶ ،۱۹۷۳ ،۱۹۰۵ ،۱۸۶۴ ،۱۸۴۰ ،۱۸۱۹ ،۱۷۷۴ ،۱۷۵۶ ،۱۷۲۷ ،۱۷۲۶ ، ۱۷۱۴ ،۱۶۹۷ ،۱۶۱۶ ،۱۶۱۵ ،۱۶۱۴ ،۱۵۷۸ -۱۵۷۷ ،۱۵۶۱ ،۱۴۶۷ ،۱۴۴۵ ،۱۳۱۲ ،۱۱۸۶ ،۱۱۴۱ ،۱۱۱۳ ،۱۰۳۵ ،۹۹۳ ،۹۸۹ ،۹۵۴ ، ۷۶۰ ،۷۳۹ ،۷۳۰ ،۷۲۵ ،۶۳۳ ،۶۰۵ ،۵۶۵ ،۵۱۵ ،۴۵۴ ،۴۴۹ ،۳۵۹ ،۳۵۴ ،۳۳۳ ،۲۶۲ ،۲۲۴ ،۲۰۴ ،۱۲۰ ،۹۴ ،۸۳ ،۶۷ ،۶۱)، الکنی و الالقاب (۱۶ -۱۳ / ۳)، لسان المیزان (۴۳۵ -۴۳۰ / ۵)، لغت‌نامه (ذیل/ فخر رازی)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۶۰۶)، معجم المؤلفین (۸۰ -۷۹ / ۱۱)، منتخب التواریـخ (۴۰۹)، مؤلفین کتب چـاپی (۶۴۴ -۶۴۲ / ۵)، النجـوم الزاهره (۱۷۶ -۱۷۵ / ۶)، الوافی بالوفیات (۲۵۲ -۲۴۸/ ۴)، وفیات الاعیان (۲۵۲ -۲۴۸ / ۴)، وقایع السنین و الاعوام (۳۳۵)، یادداشتهای قزوینی (۹۵ / ۶).

فخر زارع، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین فخر زارع

محل تولد : ورزنه اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۶/۸

زندگینامه علمی

اینجـانب پس از تکمیـل مرحله ابتـدایی و اول راهنمـایی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه اصـفهان شـدم. پس از یک سال تحصـیلی راهی قم شدم و در درسهای ادبیات مرحوم استاد مدرس افغانی بطور جدی شرکت کردم. سال ۱۳۶۵به جبهه اعزام و تا سال ۱۳۶۷ بطور متناوب بمـدت ۵/۱۰ مـاه در جبهه هـا و چنـد عملیات حضور داشـتم که در عملیات کربلای ۵ از نـاحیه کتف مجروح و دچار آسیب جدی شدم. پس از جنگ در اصفهان ماندگار شده و در دروس سطح حضرات آقایان آیهٔ الله سید احمد امامی، آیهٔ الله سید حسن امامی، آیهٔ الله شـیخ علی اکبر فقیه، آیـهٔ الله کلباسـی و ... شـرکت کردم. سال ۱۳۷۱ همزمان با تشـکیل خانواده به قم مشـرف شـدم. و تا سال ۱۳۷۳در دروس سـطح حضـرات آقایان: پایانی، اسـتادی، دوزدوزانی، عنـدلیب، محمـدی و... حضور یافتم. از سال ۱۳۷۵ در دروس خارج فقه واصول آیات عظام تبریزی، وحید، جوادی آملی شرکت کردم. از سال ۱۳۷۹ همزمان با دروس حوزه از دانشگاه رشته علوم اجتماعی را ادامه دادم و سال ۱۳۸۳ در رشـته جامعه شناسی دانشگاه با رتبه خیلی خوب پذیرفته و تحصیلات را تا سال ۸۵ (فارغ التحصیلی) ادامه دادم. عمده مطالعات اینجانب در مورد اسلام و جامعه شناسی اندیشه های بنیادی اجتماعی، جامعه شناسی سیاسی و نیز جامعه شناسی ادبیات می باشد.

فخر گیلانی، فخرالدوله عمیدالدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۹۲ -۷۳۸ ق)، شاعر. اصل وی از دیار دیلمان بود. مدتی به هندوستان رفت و مورد احترام و عزت پادشاهان آنجا قرار گرفت. وی در سرودن شعر مهارت داشت. از اوست:

خواجه بفزود، ولیکن ز روم

گشت مشغول، ولیکن به شکم

میزبان بود، ولیکن به رباط

نانم آورد، ولیکن به درم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۴۱ / ۲)، الذریعه (۸۱۰ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۹۱).

فخرالدین علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن رحلی مذهب عالی و حواشی تشعیرسازی، به خط ریحان و ثلث دو دانگ عالی، و نسخ یاقوتی و رقاع کتابت عالی، با رقم: «کتبه العبد الفقیر... فخرالدین علی بن هدایه الحسینی... قد فرغ... فی الخامس و العشرین من شهر ذی‌الحجه الحرام سنه احدی و تسعین و تسعمائه»؛ قرآن رحلی مذهب عالی، به خط ریحان و ثلث دو دانگ عالی و نسخ کتابت خفی خوش، با رقم: «... فخرالدین علی بن هدایه‌الله الحسینی الکاشانی» صاحب «احوال و آثار خوشنویسان» آثار وی را در دو مدخل جداگانه آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۱۷ / ۴).

فخرالدین یحیی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک قطعه ثلث دو دانگ جلی و نسخ کتابت عالی، با رقم: «کتبه الفقیر فخرالدین یحیی»؛ یک قطعه ثلث دو دانگ جلی و نسخ کتابت عالی، با رقم: «کتبه الفقیر یحیی فخرالدین غفرالله ذنوبه سنه ۱۱۵۶».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۳۰ / ۴).

فخرالزمانی قزوینی، عبدالنبی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۴۱ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به نبی. در قزوین به دنیا آمد و در آنجا نیز نشوونمایافت. پدرش از تجار آن شهر بود که به مرض طاعون درگذشت. عبدالنبی در اوایل کار عزتی تخلص می‌کرد و سپس تلخص خود را به نبی تغییر داد.در «فرهنگ سخنوران» و «هدیه العارفین» تخلص وی را زلالی قزوینی ذکر کرده‌اند.وی در جوانی به زیارت مشهد مقدس رفت و از آن جا به هند مسافرت کرد. سفرهایی به قندهار، لاهور و آگره نیز داشت. در ۱۰۲۲ ق به خاطر خویشی با میرزا نظامی قزوینی، از ملازمان بهادر میرزا امان‌الله، پسر مهابت‌خان و مدتی قصه‌خوان و کتابدار وی شد، بعد از مدتی به علت بیماری به لاهور و از آنجا به کشمیر رفت و تا ۱۰۲۹ ق در پتنه بود. ظاهرا ملا عبدالنبی اولین کسی است که ساقی نامه‌ها را جمع کرد و «ساقی‌نامه‌ی» پرتوی را بهترین ساقی‌نامه قرار داد. از زمان فوت وی اطلاعی در دست نیست، جز این که تا ۱۰۴۱ ق، زمان تألیف «نوادر الحکایات»، زنده بوده است. از آثار وی: «دستور الفصحاء»؛ «نوادر الحکایات و غرایب الروایات» یا «بحر النوادر»، مجموعه‌ای از داستانهای تاریخی پیامبران و امامان و شاهان و شاهزادگان، تذکره‌ی «میخانه»؛ «طراز الاخبار»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۳۹ -۱۷۳۵ / ۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۳۸۰ -۳۷۷ / ۱)، تذکره میخانه (مقدمه/ نه-هفده)، الذریعه (۳۴۶ -۳۴۵ / ۲۴ ،۸۱۱، ۷۱۵ / ۹ ،۱۶۴ / ۸)، کاروان هند (۱۴۲۵ -۱۴۲۱ / ۲)، مینو در (۱۸۸ -۱۸۵ / ۲)، هدیه العارفین (۶۳۲ / ۱).

فخرالکتاب صفیاری، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۰ -۱۲۴۰ ش)، خطاط. ملقب به فخرالکتاب. در آذربایجان به دنیا آمد. تحصیلات متداول زمان را از علمای آن دیار فرا گرفت و در همان وقت به تعلیم خط نیز همت گماشت و از خوشنویسان بنام روزگار خود شد. صفیاری چندی در خدمت لطفعلی‌خان دنبلی ناصرالسلطان خدمت کرد، سپس تا آخر عمر در دستگاه امامقلی میرزا قاجار، سمت منشی‌گری و پیشکاری داشت. وی در شهرستان مرند مدفون است. از آثار او، علاوه بر چند مرقع خطی بسیار زیبا و «گلستان» سعدی، یک نسخه «کلیله و دمنه» بهرامشاهی است که به اشاره‌ی امیر حسنعلی‌خان امیرنظام گروسی به قلم نیم دو دانگ خوش نوشته و با رقم: «قد وقع... علی ید الحقیر محمد باقر منشی التبریزی فی... سنه خمس و ثلاثمائه بعد الالف... هزار و سیصد و چهار هجری».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۵۴ / ۳ ،۹۴ -۹۳ / ۱)، اطلس خط (۶۲۹)، تذکره خوشنویسان معاصر (۸۶ -۸۳).

فخرالمحققین شیرازی، محمد هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۸ ق)، عالم امامی، واعظ، عارف و نویسنده. در اصطهبانات به دنیا آمد و برای فراگیری علوم اسلامی به شیراز مهاجرت کرد. پس از تحصیل معقول و منقول به وعظ و خطابه و تألیف پرداخت. وی به اکثر شهرستانهای ایران برای تبلیغ و نشر مبانی و معارف اسلامی مسافرت کرد. از آثارش: «بستان معرفت» یا «کشکول شیخ‌الاسلامی»، در چند مجلد؛ «دانش‌نامه‌ی شیخ‌الاسلامی»، در اصول معارف، در پنج جلد؛ «فلسفه شهادت» یا «رمز محبت»، به عربی و ترجمه‌ی آن به فارسی.[۱]

شیخ محمدهادی شیخ‌الاسلامی ملقب به فخرالمحققین بن میرزا احمد ملقب به شیخ المحققین اصطهباناتی از فضلاء و عرفا و وعاظ مشهور و نویسندگان معروف معاصر شیراز است.

وی در ۲۵ ذیقعده ۱۳۲۸ ق در اصطهبانات به دنیا آمده و برای تحصیل علم و معرفت به شیراز مهاجرت کرده و پس از تحصیل معقول و منقول به وعظ و خطابه و تالیف پرداخته و با کثر بلاد و شهرستانهای ایران برای تبلیغ و نشر مبانی و معارف اسلامی مسافرت کرده و از راه منبر خدمات ارزنده‌ای نموده است.

تألیفات و آثار عدیده دارد که بعضی مطبوع و برخی مخطوط مانده است و آنها از اینقرار است.

۱- بستان معرفت یا کشکول شیخ‌الاسلامی چند مجلد است که جلد اول آن بطبع رسیده است.

۲- دانش‌نامه شیخ‌الاسلامی (در اصول معارف پنج جلداست و تاکنون دو جلد آن در توحید و نبوت عامه و نبوت خاصه و امامت و معاد است).

۳- فلسفه شهادت یا رمز محبت (به عربی).

۴- ترجمه فارسی فلسفه شهادت.

معظم له برادر ارجمند جناب حاج آقای مجد واعظ شیرازیست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۰۸ / ۱۶)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۵۵ / ۵).

فخرالمحققین، محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ع. موجب نازش محققان) محمد بن حسن (علامه‌ی حلی) ابن یوسف مطهر حلی، مکنی به ابوطالب و ملقب به «فخرالدین» فقیه و متکلم شیعه (ف. ۷۷۱ ه.ق) که بعدها لقب «فخرالمحققین» به وی داده شده. پدرش علامه‌ی حلی در دیباجه‌ی برخی از تألیفات خود وی را ستوده است. این پدر و پسر هر دو در دربار خدابنده محترم می‌زیسته‌اند. فخرالمحققین متون بسیاری از تألیفات پدر را شرح و حاشیه کرده است، و تحصیل النجاة والکافیة در کلام از خود وی می‌باشد. وی در سن ۸۹ سالگی درگذشته است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

فخرالملوک

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۱۳۰۷ ق، متخلص به فخری از زنان شاعر. وی بزرگترین فرزند ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳ -۱۲۶۴ ق) بود. به نوشته اعتمادالسلطنه او آراسته به کمالات نفسانی بود و طبع شعری وقاد، روان، دقیق و نکته‌دان داشت و اشعارش لطیف و بلیغ بود. این

بانو همه ساله در سالگرد تولد پدرش شعری می‌سرود و تقدیم وی می‌کرد و مورد لطف و قبول پدر واقع می‌شد. فخرالملوک اهل خیرات و مبرات بود و از فقرا و مستمندان دستگیری می‌کرد.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: خیرات حسان، ۲۴ / ۳؛ ریاحین‌الشریعه، ۳۶ / ۵.

فخری

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن سیزدهم هجری، از زنان شاعر. به نوشته خیرات حسان وی ظاهراً از دختران فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) و خواهر بزرگ فتح‌اللّه میرزا بود. فنون شاعری را از محمود میرزا مؤلف نقل مجلس آموخت. ابیات زیر منتخب از اشعار اوست:

محبت را بلا گویند یارب

کسی بی این بلا هرگز مبادا

گفتا خیال وصل مرا کن ز دل برون

گفتم گذشتن از سر جان کار مشکلی است

چنین کاین نوجوانان جلوه دارند

به حسرت بایدم مردن به پیری

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره ششم، ۵۱؛ از رابعه تا پروین، ۱۷۹؛ خیرات حسان، ۲۳ / ۳؛ زنان سخنور، ۳۲ / ۲؛ نقل مجلس، گ ۱۹.

فخری قاجار

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(۱۳۱۱ -۱۲۶۳ ق)، نیکوکار و شاعر، متخلص به فخری. معروف به بالاجه خانم و ملقب به فخرالملوک. وی دختر ناصرالدین‌شاه و آراسته به کمالات نفسانی بود و طبع شعری وقاد، روان، دقیق و نکته‌دان داشت و اشعارش لطیف و بلیغ بود. این بانو همه ساله در سالگرد تولد پدرش شعری می‌سرود و تقدیم وی می‌کرد و مورد لطف و قبول پدر واقع می‌شد. فخرالملوک اهل خیرات و مبرات بود و از فقرا و مستمندان دستگیری می‌کرد. در قم درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریاحین الشریعه (۳۶ / ۵)، شرح حال رجال (۱۷۷ -۱۷۶ / ۶)، مشاهیر زنان (۱۸۱).

فخری گرگانی، فخرالدین اسعد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۴۴۶ ق)، شاعر و نویسنده. از داستان‌سرایان بزرگ ایران و معاصر و مداح امیر ابوطالب طغرل بیگ محمد بن میکائیل سلجوقی (۴۵۵ -۴۲۹ ق) بود. از دانشهای روزگار خود آگاهی داشته و زبان پهلوی را نیز می‌دانسته و از ادبیات عربی نیز آگاه بوده است. شهرتش به واسطه‌ی منظومه‌ی عاشقانه‌ی «ویس و رامین» است که به تشویق ابوالفتح مظفر نیشابوری از زبان پهلوی به نظم آورد و به نام او در ۴۴۶ ق به پایان برد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۰۵ -۸۰۴ / ۲)، با کاروان حله (۸۳ -۶۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۸۳ -۳۷۰ / ۲)، تاریخ گزیده (۷۴۳)، تاریخ نظم و نثر (۵۲ -۵۱)، دایره‌المعارف فارسی (۱۸۴۶ / ۲)، الذریعه (۸۱۴ -۸۱۳ / ۹)، سخن و سخنوران (۴۳۸ -۳۶۲)، شاعران بی‌دیوان (۵۳۱ -۵۳۰)، شعرای گرگان و مازندران (۲۲۰ -۲۱۸)، فرهنگ سخنوران (۶۹۳ -۶۹۲)، کارنامه‌ی بزرگان (۵۸ - ۵۷)، کشف الظنون (۲۰۲۵)، گنج سخن (۱۹۱ -۱۸۰ / ۱)، گنج و گنجینه (۵۶۰ -۵۵۷)، لباب الالباب (۲۴۰ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ فخرالدین، فخر گرگانی، فخری گرگانی)، مجمع الفصحا (۹۳۶ -۹۳۴ / ۲)، المعجم فی معابیر اشعار العجم (۸۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵۶۳ / ۱)، هفت اقلیم (۱۰۵ -۱۰۳ / ۳)، یغما (س ۱۰، ش ۹، ص ۴۲۱ ،۴۱۷، ش ۱۰، ص ۴۶۴ -۴۶۱).

فخری هروی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، مترجم و شاعر، متخلص به فخری. در هرات به دنیا آمد و در اوایل عهد شاه‌طهماسب (۹۸۴ -۹۳۰ ق) ب قصد زیارت خانه خدا به سند رفت و در سلک ملازمان میرزا شاه‌حسین ارغون (۹۶۲ -۹۲۸ ق) درآمد و تذکره‌ی «روضه السلاطین» و کتاب «صنایع الحسن» را، در صنایع و بدایع شعری، به نام وی تألیف کرد و پس از درگذشت او و به دربار جلال‌الدین محمد اکبرشاه رفت و تذکره‌ی «جواهر العجایب»را که قبلاـ به نام حاجیه ماه‌بیگم، همسر میرزا شاه‌حسین، تألیف کرده بود با اندک تغییری به ما هم اتکه، دایه جلال‌الدین اکبرشاه تقدیم کرد. از دیگر آثار وی: دو «دیوان» غزلیات به نامهای: «بوستان خیال» و «تحفه الحبیب»؛ «لطایف‌نامه»، ترجمه فارسی «مجالس النفائس»؛ «جواهر العجایب»، در شرح حال بیست و پنج تن از زنان سخنگو؛ «هفت کشور»، در تاریخ و اخلاق و افسانه؛ «روضه السلاطین»، در ذکر هشتاد نفر از سلاطین و امرا.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۰ -۱۲۹ / ۴)، تاریخ تذکره فاسی (۱۲۰ -۱۱۸ / ۲ ،۶۴۹، ۶۴۴- ۴۲۹، ۴۱۷- / ۱)، دایره‌المعارف فارسی (۱۸۴۸ / ۲)، الذریعه (۸۱۴ / ۹)، روضه السلاطین (مقدمه/ ی- یح)، فرهنگ سخنوران (۶۹۳)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۲۴۶۱ -۲۴۶۰/ ۳)، کاروان هند (۹۹۸ -۹۹۶ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ فخری)، مجالس النفایس (مقدمه/ کح- ل)، مؤلفین کتب چاپی (۷۹۶ -۷۹۵ / ۴).

فدای اردستانی، سعید

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۶۶ ق)، شاعر. وی از سادات حسینی اردستان و از نوادگان حکیم‌الملک، بانی مدرسه و مسجد نیماورد اصفهان بود. در اردستان به دنیا آمد. در جوانی برای تصحیل علوم دینی به عتبات رفت و به تحصیل پرداخت. پس از هفت سال به اصفهان بازگشت و در آن سامان به تکمیل علوم ادبی مشغول شد. وی در مدایح ائمه و پیشوایان دین قصایدی می‌سرود. سرانجام به تهران آمد و در دربار فتحعلی‌شاه و محمدشاه تقرب یافت و در مدح آنها قصایدی سرود. اثر وی «دیوان» شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۳۵۴ -۳۵۳)، حدیقه الشعراء (۱۲۹۹ -۱۲۹۶ / ۲۱)، الذریعه (۸۱۴ / ۹)، سفینه المحمود (۴۱۸ -۴۱۷ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۹۳)، لغت‌نامه (ذیل/ فدا)، مصطبه‌ی خراب (۱۳۷ -۱۳۶)، نگارستان دارا (۲۴۴ -۲۴۳).

فدایی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا نصرالله خان، معروف به دولت یار جنگ.

از فضلای هندوستان، و معلم ادبیات و زبان در حیدرآباد بوده، شعر می‌گفته، و در آن «فدایی» تخلص می‌نمود.

از آثارش کتاب «ترکتازان هند» به زبان دری، در چهار مجلد، مطبوع، و دیوان اشعار است.

در حدود ۱۳۰۸ فوت شده است، و ارادت خدمت رحمت علی شاه داشته.

دانشمند فرزانه آقای معلم حبیب‌آبادی در حاشیه‌ی «طرایق» به نقل از «ایضاح المکنون» فوت فدایی را در ۱۳۱۴ می‌نویسد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

فدایی استرآبادی، عمادالدین محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. از سادات استرآباد بود، که همراه پدر خود به زیارت مکه مشرف شد. وی در سرودن شعر توانا بود. در بعضی از تذکره‌ها وی را فدایی تبریزی ذکر کرده‌اند که البته با فدایی تبریزی سده دهم متفاوت است. از اوست:

همیشه روی به دیوار بود مجنون را

که از رقیب بپوشد سرشک گلگون را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۹۲ / ۲)، تحفه سامی (۷۲ -۷۱)، الذریعه (۸۱۵، ۸۱۴ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۹۳)، لغت‌نامه (ذیل/ فدایی)، مجالس النفائس (۲۶۱، ۸۷).

فدایی اصفهانی، نصرالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۰۸ ق)، شاعر، متخلص به فـدایی. ملقب به دولتیار جنگ. وی در حیدرآباد از معلمان زبان فارسی بود. در نامه‌نگاری و سرودن شـعر توانا و با معصومعلیشاه الفتی تمام داشت. از آثار وی: «تاریخ حکمرانان هند» مشهور به «ترکتازان» در پنج جلد به زبان دری؛ «دیوان» غزلیات؛ «دیوان» قصائد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۳۱۱ -۳۱۰ / ۴)، طرائق الحقائق (۵۱۷ -۵۱۶ / ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۸ -۵۷۷ / ۶).

فدایی آستانی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۲ ق)، عالم، فقیه، محقق و شاعر، متخلص به فـدائی. اصل وی از آسـتان از روسـتاهای کزاز است. در زادگاهش، آسـتان، علوم مقـدماتی را فراگرفت. در ۱۲۱۷ ق برای تکمیل معلومات ابتدا به بروجرد و سپس به اصـفهان و همدان رفت، پس از فراگیری علوم و مهـارت در فقه و اصول به زادگاهش بازگشت و به وظایف دینی و خـدمات اجتماعی مشـغول گریـدد. از آثار وی: «الاشـعه البدریه»، در شـرح «الجعفریه» محقق کرکی؛ «اللآلی»، در اصول و اعتقادات؛ «الفیوضات القدسیه فی شرح الرساله المجلسیه»؛ منظومه «العقیـده الوحیـده»، ارجوزه‌ای در کلام؛ «کفـایه الطالب»، در شـرح «مختصـر الاصول» ابن‌حاجب؛ «معیار التمییز فی شـرح الوجیز» یا شرح «وجیزه» مجلسی دوم؛ «دیوان» شعر؛ «کشف الاسرار فی رموز الاشعار»، که شرحی است بر دیوان شعرش.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۷۸ / ۲۱ ،۹۲، ۱۶ / ۱۸ ،۴۱۱ -۴۱۰ / ۱۶ ،۳۰۷ -۳۰۶ / ۱۵ -۱۰۹ / ۲)، مکارم الآثار (۱۶۷۲ -۱۶۷۱ / ۵).

فدایی تبریزی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، شاعر. از خواجه‌زادگان تبریز بود و غزل را استادانه می‌سرود.از اوست:

مردم از حسرت و آن شوخ به من رام نشد

جان به ناکام شد و حاصل از او کام نشد

تا به بدنامیم از عشق برآمد نامی

چه بلاها که نصیب من بدنام نشد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریـخ نظم و نثر (۷۰۲)، تحفه سـامی (۳۱۵)، تـذکره‌ی روز روشن (۶۰۹)، دانشـمندان آذربایجان (۲۹۵)، الذریعه (۸۱۵ / ۹).

فدایی داغستانی، عباسقلی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شـاعر. در دوره‌ی اورنـگ زیب عالمگیر پادشاه (۱۱۱۸ -۱۰۶۹ ق) از وطن به دکن رفت و مـورد احـترام و عزت شاه قرار گرفت و جوایز زیادی از شاه دریافت کرد. در زمان فرخ‌سـیر پادشاه (۱۱۳۱ -۱۱۲۴ ق) در شهر لاهور در کسوت درویشی گوشه‌نشینی انتخاب نمود و مورد احترام نواب عبدالصمدخان قرار گرفت. در یکی از تذکره‌ها تخلص وی فلانی ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۶۰۹)، تذکره‌ی شعرای پنجاب (۲۷۳)، کاروان هند (۹۹۹ / ۲).

فدایی شیرازی، رضاعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۰ ق)، شـاعر، متخلص به فـدایی. وی مـدتی تحصـیل علم کرد و از موسـیقی نیز بهره داشت و از راه روضه‌خوانی گـذران زنـدگی می‌کرد. در بـدو امر ذاکر تخلص داشت. در حـدود پنجـاه سالگی به نجف اشـرف مهاجرت و در آنجا کتابی در «مصائب» تألیف کرد. وی در نجف درگـذشت. صاحب «حـدیقه الشعراء»، «دیوان» شـعر او را دیـده و ابیاتی چنـد از او در تذکره‌ی خود نقل

کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۳۰۳ -۱۳۰۱ / ۲).

فدایی صفوی، رستم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۵۲ ق)، شاعر، متخلص به فدایی. نبیره‌ی شاه‌اسماعیل صفوی بود و مدتها حکومت زمین داور و قندهار را داشت. در ۱۰۰۲ ق به دربار اکبرشاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) رفت و مورد احترام و عزت قرار گرفت و مناصب دولتی به او داده شد. وی در عهد جهانگیرشاه نیز عهده‌دار مشاغل دولتی بود. در عهد شاه‌جهان (۱۰۶۹ -۱۰۳۷ ق)به دلیل بیماری، از ملازمت شاه معاف شد و شاه مقرری برایش تعیین کرد که بتواند به فراغ خاطر زندگی کند. فدایی دارای «دیوان» شعر است و در زمان او بسیاری از شاعران در ملازمتش به سر می‌بردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۸۰ -۴۷۹ / ۱)، تذکره‌ی میخانه (۸۶۹ -۸۶۸)، عالم‌آرای عباسی (۴۸۷ -۴۷۸ / ۱)، کاروان هند (۱۰۰۳ -۹۹۹ / ۲).

فدایی طهرانی، محمود

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به فدایی. از ایل تکلو، طایفه‌ای از قزلباش، و ساکن تهران بود. بعد از مدتی از مناصب دنیایی عزلت گزید و لباس فقر و درویشی پوشید اما به دلیل آزار و فشار خویشاوندان و نزدیکان که درویشی را برای او ننگ می‌دانستند به اصفهان رفت و در خدمت اغورلوخان درآمد. نصرآبادی در «تذکره» خود (تألیف شده ۱۰۸۳ ق) گوید: «درین سال فوت شد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۰۵)، الذریعه (۸۱۵ / ۹)، صبح گلشن (۳۱۴ -۳۱۳)، فرهنگ سخنوران (۶۹۴)، لغت‌نامه (ذیل/ فدائی).

فدایی لاهیجی، احمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۷ / ۹۲۷ ق)، شاعر و صوفی. معروف به شیخ‌زاده. از اکابر سلسله‌ی نور بخشیه. در شیراز به دنیا آمد و در آن جا به تحصیل علوم متداول زمان خود پرداخت. وی همانند پدرش از مشایخ بنام تصوف بود و پس از انقراض سلسله‌ی تیموری (۹۱۳ ق)، از ملازمان شاه‌اسماعیل صفوی (۹۳۰ -۹۰۷ ق) شد و از جانب وی به عنوان سفیر به دربار سلطان محمد شیبانی رفت. سرانجام گوشه‌نشین شد و در شیراز عزلت گزید و همان جا درگذشت. از او «دیوان» شعری باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۴۲ -۸۴۱ / ۲)، تاریخ نظم و نثر (۳۲۲)، تحفه سامی (۱۱۰ -۱۰۹)، تذکره‌ی روز روشن (۶۱۰ -۶۰۹)، الذریعه (۸۱۵ / ۹)، ریاض العارفین (۲۲۶)، فرهنگ سخنوران (۶۹۴)، لغت‌نامه (ذیل/ فدایی لاهیجانی)، مجالس النفائس (۳۸۳)، نامها و نامدارهای گیلان (۳۷۲)، نتایج الافکار (۵۳۲)، هفت اقلیم (۱۴۲ -۱۴۱ / ۳).

فدایی یزدی، یحیی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۲ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به فدایی. وی پس از تحصیل علوم دینی به اقتفای پدر قدم در میدان شاعری گذاشت. وی به مرض وبا وفات یافت. اثرش «دیوان» شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۳۰۵ -۱۳۰۴ / ۲)، الذریعه (۸۱۶ / ۹)، ریحانه (۳۰۴ -۳۰۳ / ۶)، فرهنگ سخنوران (۶۹۴).

فدشکوئی فسائی، کمال

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا کمال‌الدین محمد بن معین‌الدین محمد فدشکوئی فسائی معروف به (میرزا کمالا) از فقهاء و فضلاء قرن یازدهم هجری داماد علامه ملا محمدتقی مجلسی اول بوده و در حدود ۱۱۱۰ قمری وفات نموده است از تألیفات اوست (القیودا الوافیه) فی شرح الشافیه در صرف و نیز شرحی منظوم بر قصیده تائیه دعبل خزاعی که در سال ۱۱۰۳ سروده است و در سال ۱۳۰۷ شمسی در تهران چاپ شده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فدشکوئی فسائی، محمد مسیح

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

۵- در کتاب دانشمندان و سخن‌سرایان فارس ج ۱ ص ۳- گوید مولانا محمد مسیح مشهور به آخوند مسیحا فرزند مولا اسماعیل فدشکوفی فسائی. از فقهاء و شعراء قرن دوازدهم هجریست.

و از شاگردان (علامه) آقا حسین خونساری بوده که به درجه اجتهاد رسیده و چندین سال منصب شیخ‌الاسلامی ایالت فارس را داشت (متوفی ۱۱۲۷).

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فراء همدانی، ابوعمران موسی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، فقیه و محدث. وی از محمد بن اسماعیل صائغ و بشیر بن موسی و یحیی بن عبدالله کرابیسی و ابن‌ضریس و عبدالله بن احمد و محمد بن صالح اشج و همطبقه آنان حدیث شنید. در بغداد حدیث گفت. صالح بن احمد و عبدالله بن ابی‌زرعه قزوینی و ابوبکر بن مقری اصفهانی و ابوالقاسم بن ثلاج (۳۸۷ -۳۰۷ ق) و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (۵۹ / ۱۳)، سیر النبلاء (۳۰۶ -۳۰۵ / ۱۵).

فرات یزدی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۷ -۱۲۷۳ ش)، شاعر، متخلص به فرات. در یزد به دنیا آمد.

تحصیلات ابتدایی را در موطنش به پایان رسانید و برای فراگرفتن فقه و اصول به اصفهان و خراسان و بعد به تهران آمد و دوره دبیرستان را در دارالفنون به پایان رسانید. وی در ۱۲۹۸ ش که انجمن ادبی ایران تأسیس شد سمت منشی انجمن داشت. سپس در انجمن ادبی حکیم نظامی و انجمن ادبی فرهنگستان عضو گردید. چندی نیز به تدریس مشغول و نظامت مدارس را عهده‌دار بود. در ۱۳۰۵ ش به استخدام اداره کل ژاندارمری درآمد. فرات از ۱۳۲۵ ش به نشر قسمتهایی از اشعار خود همت گماشت. وی در تهران درگذشت. فرات در غزلسرایی ماهر بود و قسمتی از اشعار فکاهی او نیز با نام مستعار «ابن‌جنی» در روزنامه‌ها منتشر شده است. از آثارش: «ثمرات»؛ «رشحات»؛ «نغمات»؛ «قطرات»؛ «لمعات»؛ «نفحات»؛ «دیوان» شعر می باشد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (۷۸ -۷۷)، تذکره سخنوران یزد (۶۵۸ -۶۴۴ / ۲)، الذریعه (۸۱۶ / ۹)،زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۵۵ -۵۴ / ۵)، سخنوران نامی (۲۸۹ -۲۸۲ / ۱)، سخنوران نامی معاصر (۲۵۹۹ -۲۵۹۶ / ۴).

فرادی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خوشنویس.

تولد: ۱ شهریور ۱۳۶۰، تهران (هشت گنبد).

درگذشت: ۷ مرداد ۱۳۷۵، تهران.

عبـدالله فرادی پس از گذرانـدن مـدارج ابتـدایی و بالاتر به مدرسه‌ی فرانسوی‌ها رفت. در سال ۱۳۲۵ معقول و منقول را تمـام کرد. سپس به دانشـکده‌ی حقوق دانشـگاه تهران رفت. رشته‌ی قضاء را به اتمام رساند و بعد از طی این دوره توانست به تحصیل ادبیات و زبان فرانسه از طریق انجمن فرهنگی ایران و فرانسه بپردازد و موفق به دریافت مدرک لیسانس از دانشـگاه سربن شود. پس از آن در وزارت دادگستری و وزارت آموزش و پرورش مشغول به کار شد. سرانجام به مستشاری دیوان کیفری رسید. پس از بازنشستگی به همکاری با انجمن خوشـنویسان ایران پرداخت و علاوه بر تدریس و تعلیم عملی آموزش خوشنویسی کلاس‌های نظری انجمن نیز به عهده‌ی وی بود.

وی در کـودکی نزد غلامرضـا خوشـنویس پاکنهـاد شـاگردی کرد، سپس از عمـاد طـاهری معروف بـه عمادالشـریعه بهره برد. وی همچنین از علی مخصوص و نیز علی آقا حسـینی اسـتفاده برد؛ در جوانی هم از محضـر استاد علی‌اکبر کاوه بهره برد. وی سرانجام از محضر سـید حسن میرخانی ملقب به سـراج‌الکتاب بهره‌ها برد. از جمله آثار خوشنویسـی به یاد مانـده از وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: فرمان مالک اشتر، مخزن الاسرار، مرآت العارفین شیخ شاهرودی.

عبدالله فرادی در مرداد ۱۳۷۵ درگذشت و کالبد وی در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فرازی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس فرازی

محل تولد : بیرجند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۴/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه مرحوم آیه الله آیتی در شهرستان بیرجند شدم در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه مشهد مقدس مدرسه علمیه سلمانیه شدم و طی ۷ سال حضور در حوزه مشـهد ضمن شرکت در درسهای مدرسه و استفاده از برنامه های خوب مدرسه از محضـر اسـتاد حجت هاشـمی در ادبیات و اساتید چون اسـتاد سائلی، اسـتاد سـید عباس صالحی، استاد آیه الله فقیه سبزواری، آیه الله صالحی و اسـتاد شیخ جواد مروی آیه الله رضازاده و آیه الله فلسفی بهره بردم و در سال ۷۱ به حوزه علمیه قم مشرف شدم. ابتداء از دروس اخلاق آیه الله اشـتهاردی، احمدی میانجی و اسـتاد خاتمی بهره بردم و در درس فقه واصول حضـرات آیات وحید خراسانی، شیخ جواد تبریزی، مکارم شـیرازی، جعفر سـبحانی و سـید احمد خاتمی شـرکت کردم. و در کنار تحصـیل دروس رسـمی حوزه از دروس تفسـیر آیه الله جوادی آملی و استاد خاتمی بهره بردم و به مدت ۴ سال در رشـته تخصصی تبلیغ شرکت کردم که واقعاً دوره طلائی بود زیرا در موضوعات مختلف از اساتید زبده و جوان مانند اسـتاد کرمی، استاد عابدی، استاد ربانی گلپایگانی، استاد نبوی و اسـتاد دشتی اسـتفاده کردم. پس از هجرت به تهران توفیق حضور در درس فقه مقام معظم رهبری و اصول آیه الله هاشمی شاهرودی را پیدا کردم و پس از هجرت به چالوس به عنوان امام جمعه در حوزه علمیه برادران و خواهران و دانشـگاه آزاد اسـلامی به تدریس دروس حوزه و معارف و اخلاق پرداختم. ضـمناً در کنار تحصـیل و تدریس و تبلیغ همواره در محضـر اساتید و دوستان از خود بهتر به امر تحقیق نیز پرداخته ام که امید وارم خدای مهربان در این میدان بر توفیقات من بیفزاید انشاء الله ...

فراش خلوت، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۹۱ ق)، خطـاط. وی از کاتبـان خوشـنویس دربار ناصـرالدین‌شاه بود و به شیوه‌ی میرزا محمدحسـین کاتب السـلطان شـیرازی کتـابت می‌کرد. از آثـار وی: یـک نسـخه‌ی مزین «سـفرنامه‌ی فرنگسـتان» ناصـرالدین‌شاه، به قلم نیم دو دانگ خوش، با رقم: «غلام خانه‌زاد محمود فراش خلوت، فی شهر ذیقعدهٔ سنه‌ی ۱۲۹۱».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۶۸ -۸۶۷/ ۳).

فراغی قاجار، ابوتراب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به فراغی. وی جوانی معقول، مودب و خوش‌محاوره بود.به قدر حال تحصیل کمال کرده و از علوم عربی و ادبی با اطلاع بود و در شعر نیز دست داشت. نمونه اشعارش در «حدیقه الشعراء» آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۳۰۵ / ۲).

فراغی، مختومقلی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مختومقلی فراغی، شاعر و عارف بزرگ ترکمن، زاده خانواده ای شاعر مسلک و عارف پیشه در سال ۱۱۵۴هجری قمری یعنی ۲۷۰ سال پیش(۱۱۱۲هـش) در روستای حاجی قوشان گنبدکاووس به دنیا آمد. وی بازبان فارسی آشنایی کامل داشته و برای کشور ایران احترام قایل بود . مختومقلی فراغی شاعر و عارف بزرگ و بنیانگذار شعر کلاسیک ترکمن است که در جای جای دیوان اشعارش کلمات قرآنی، گفته های بزرگان و نصایح و مطالب پندآموز دیده می شود. اشعار این شاعر بزرگ که حاوی مضامین اجتماعی، مشحون از مضامین معنوی و دینی است، از جایگاه خاصی در بین ترکمن ها برخوردار است. وی در ۴۴ سالگی و در سال ۱۱۹۸ هجری قمری بدرود حیات گفت.گروه : علوم انسانی رشته : شعروالدین و انساب : جد مختومقلی ،مخدوم قلی یوناجی و پدرش «دولت محمد آزادی» و مادرش «آرازگل» نام داشت.خاطرات کودکی : مختومقلی به جهت تهیدستی پدر آزاده اش ازهمان اوان زندگی با کار و زحمت آشنا شد و مثل پدر و جدش با کد یمین و عرق جبین نان درآورد و چوپانی ، آهنگری ،زرگری و کشاورزی را تجربه کرد .اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدرنام مختومقلی را به دلیل پیمان برادری که با شخص به نام سلیم مختوم بسته بود مختومقلی به معنای «غلام مختوم» گذاشت . مختومقلی سومین فرزند از شش فرزند پدر بود .تحصیلات رسمی و حرفه ای : . مختومقلی ابتدا علم و ادب را نزد پدر فرزانه اش فراگرفت و سپس برای ادامه تحصیل به مدرسه «ادریس بابای» قزل آیاق رفت و از آن جا راهی بخارا شد.در بخارا با استادی به نام «نوری کاظم بن باهر» استادی سوری که برای تدریس به بخارا دعوت شده بود آشنا شد. مختومقلی همراه نوری کاظم برای سیر و سیاحت به کشورهای افغانستان و هندوستان رفت و با کسب علم و تجربیات فراوان دوباره به بخارا برگشت. آنگاه به مدت سه سال درمدرسه شیرغازی (مدرسه معروف خیوه)به ادامه تحصیل پرداخت و سپس از آن مدرسه فارغ التحصیل شد و با بازگشت به سرزمین خویش تا پایان عمر در بین ترکمن ها زیست و در غم ها و شادی های آنان شریک شد و به آموزش و راهنمایی آنان پرداخت.وقایع میانسالی : درواقع کاری که مختومقلی درزبان ترکمنی انجام داد،شباهت به کار دانته درزبان ایتالیایی و کار فردوسی درزبان فارسی است . بدان علت مختومقلی را فردوسی ترکمن می نامند .زمان و علت فوت : مختومقلی درسال ۱۱۶۹ شمسی وفات یافت و در روستای آق توقای ، دفن گردید.روستای آق توقای در۱۶۰ کیلومتری شمال شرقی گنبد کاووس قرار دارد . به عبارت دیگر ،مختومقلی در ۴۲ سالگی و در سال ۱۱۹۸ هجری قمری در کنار چشمه عیاساری در دامنه کوه« سونگی داغ» بدرود حیات گفت. پیکر او را بر شتری سفید نهاده به روستای آق توقای یا همان دشت سفید بردند و در جوار آرامگاه پدرش به خاک سپردند.همفکران فرد : نوری کاظم بن ماهر ، از ترکمنستان سوریه یکی از همفکران مختومقلی بود که پس از آشنایی با هم درمدرسه شیر غازی خیوه به تحصیل پرداختند.آرا و گرایشهای خاص : برتلس درمورد آرا و عقاید فراغی ،مختومقلی را به جام جم تشبیه کرده است . چون جام جم اگر احوال ملک دارا را عرضه می دارد . شعر مختومقلی نیز آیینه تمام نمای زمانه و مردم خویش می باشد . مختومقلی دراشعار خود به موضوعات اجتماعی نظیر انتقاد از چند زنی و توصیف زنان هنرمند و مودب همت گماشته است . وی نام را فدای نان نکرده است . دیوان و اشعار مختومقلی را میتوان در چند جهت مورد بررسی قرار داد: وضع سیاسی و اجتماعی دوران شاعر دیوان مختومقلی، دنیای بزرگی را در برمی گیرد که هم بازتاب آمال و اندیشه های او و هم بیانگر وضع اجتماعی و تاریخی قوم ترکمن است. به همین خاطر دیوان وی را تنها از یک بعد نمی توان نگریست. اشعار وی سرشار از مضامین گوناگون اجتماعی، سیاسی، عرفانی، اخلاقی، عشقی و قومی است. او به یک کلام، شاخص رفتار صحرایی و زبان صحراییان است. بی اعتباری جهان گذران و عشق، دو نوای اصیل و دلنشین شعر وی است. از طرفی دوران پر آشوب مختومقلی مصادف با زمانی است که طوایف مختلف بر سر مراتع و ییلاق، آب و آبیاری با همدیگر منازعه داشته و چون ترکمن ها قدرت مرکزی نداشتند این منازعات مانع پیشرفت اقتصادی و همبستگی آنها می شد. این مسائل در شعرهای او بازتاب می یابد. در شعر فراغی ذهنیت یک قوم را می توان مشاهده کرد. فراغی آرزومند است که هیچ فردی گرفتار فقر و مسکنت نشود. او از برخورد جامعه نسبت به فقرا نالان است و از دنیای بی وفایی ها گلایه ها دارد. او نسبت به مسائل جهان اطراف خویش بی تفاوت نیست. زیرا آگاه به مسائل حقیقی انسان و دلسوز جامعه است. محبت به پیامبر اعظم (ص) و اهل بیت(ع) مختومقلی به پیامبر اکرم(ص) ارادتی خاص داشته است. وی پیام و سنت حضرت محمد(ص) را سرلوحه زندگی خویش قرارداده بود و همچون دیگر بزرگان ادب و عرفان، دیوان خود را با حمد خداوند و نعت رسول او آغاز کرده است. برای نمونه او درشعرهای متعدد به ستایش خدا و پیامبر اعظم (ص) و اخلاص خود در این راستا اشاراتی کرده است. همچنین اشعار مختومقلی فراغی در ستایش از اهل بیت پیامبر اکرم(ص)، بیشمار است. بطوری که محبت مختومقلی به حضرت علی (ع) و فرزندان وی تار و پود اشعار وی را تشکیل می دهد. در شعر گوگگجه کپدری (کبوتر چاهی) شاعر از جوانمردی، خیر، سخاوت، صبر و طاقت علی(ع) سخن می گوید ودر شعر سونمزیارنلار از حضرت فاطمه(س) می گوید. همچنان که در اشعار پرنغز و به یادماندنی از امام

حسن(ع) و امام حسین(ع) یاد می کند و در شعر خویش در غم از دست رفتن امام حسین (ع) به سوگ و ماتم می نشیند. عشق در اشعار اشعار عاشقانه تنها بخشی از اشعار شاعر را دربر می گیرد اما فقط همین کافی است تا به احوالات و سوز عارفانه او در طلب حق پی ببریم. شرایط اجتماعی و فراز و نشیب هایی که در زندگی این شاعر و بویژه برای قوم و اطرافیانش رخ داده موجب شده که این شاعر خود را کنار نکشد و به بیان مشکلات و مسائل اجتماعی و پند و اندرز بپردازد. به این معنی که مختومقلی هم در آتش عشق حق سوخته و گرفتار آن شده، و هم گرفتار عشق به مردم و اجتماعش شده است. می توان گفت که عرفان مختومقلی از میان مردم گذشته است. بی شک یکی از مهمترین مصداق های عشق در اشعار مختومقلی، عشق به مردم و اجتماع است. اشعار عارفانه و عاشقانه مختومقلی بخصوص تصنیف های وی از معشوق را در شعرهای « ای دوست»، «نامه سن»، «اختیاریم قالمازا»، «عشقید ین ایچمک»، «معشوق حقندا»، «یا رسندن» و همچنین وصف حال عرفانی درونی مختومقلی را در دیگر اشعار او می توان مشاهده کرد. مختومقلی دل غمگین و سوخته اش را با خیال معشوق خوش می کند و خودش اعتراف می کند که دل غمگینم را با خیال معشوق گول می زنم، زیرا می داند که غیراز خیالی از معشوق، دیدار آن معشوق حقیقی میسر نیست. عشق به انسان و طبیعت دقیق شدن در شعرها و تنوع تفکرات او گلستان سعدی را به ذهن خواننده می آورد به طوری که دیوان مختومقلی را می توان گلستان زبان ترکمن دانست. در گلستان او عشق، عرفان، انسان، آزادی، جامعه و غم عینیت دارد از طرفی مختومقلی شاعر طبیعت است. در کودکی خود حرفه چوپانی را تجربه کرده و این تأثیر زیادی در روحیات شعری او داشته است. طبیعت در برخی شعرهای او به صورتی زیبا خودنمایی می کند. عناصر اکولوژیکی اعم از ویژگی های طبیعی مانند کوه، دشت، رود، مرتع، حیوانات و خشکسالی ها و عناصر انسانی مانند ساختار ایلی و خانوادگی، عشق به اهل پیامبر(ص)، شکست در عشق زمینی، زورگویی های نادرشاه و حاکمان قاجار، ستمگری خان های محلی ، آشنایی با فرقه نقشبندیه، دوستی با نوری کاظم، تعلیم در مدارسی مانند کوکلتاش و مدرسه خیوه و سرآخر مرگ بستگان نزدیک به همراه موارد دیگر، رویدادهای مؤثر در طرز تلقی او از دنیا و ساختار شعری او را تشکیل می دهد. انسانی که از کوه ها و دشت های ترکمن صحرا صحبت می کند و طبیعت منحصر به فرد آن را با واژگان سحرآمیز خود به تخیلات خوانندگانش القا می کند، صحراهای شگفت انگیز ترکمن و کوهها که هر کدام رازی را در خود پنهان کرده اند در اشعار مختومقلی مانند فیلمی است که تصاویر، مناظر و روایاتی که برای هرکدام از مکان ها در نظرگرفته است قابل رؤیت است. انعکاس رنگ های طبیعت بکر و دست نخورده صحرای ترکمن در شعر او همیشگی است. ادبیات ترکمن و غنای زبانی مختومقلی در تشکیل و گسترش ادبیات کلاسیک ترکمن نقش بسزایی ایفا کرده است. اشعار مختومقلی به دلیل سادگی و روانی در میان مردم ترکمن رواج بسیاری دارد. از نظر زبانشناسی اشعار مختومقلی به زبان کلاسیک ترکمنی و متأثر از ادبیات جغتایی بوده است. در شعرهای مختومقلی می توان وضع فرهنگی و ادبی خلق ترکمن را در سده ?? میلادی به صورت تابلویی گویا مشاهده کرد. این شاعر با فراست دوره کلاسیک،نسخه بی نظیر و زنده ادبیات عامه را با غنای زبانی آموخته و مضامین را با خواسته ها، آمال، آرزوهای مردم در هم می آمیزد. از مختومقلی به عنوان سرآمد و خلیفه شاعران قوم ترکمن یاد می شود که دغدغه فکری او بیش از هرچیز برای تسکین رنج های مردم خود در فوران بود. مضامین اخلاقی دیوان اشعار فراغی کتاب زندگی است. از مسائل و روابط ساده اجتماعی، اخلاقی و بیان آداب و رسوم مردم گرفته تا مفاهیم وسیع و عمیق انسانی را می توان در آن دیوان یافت و آنها را الگوی زندگانی خویش قرار داد. با مطالعه اشعار فراغی در می یابیم که افزون بر فراگیر بودن خصوصیت بارز شعری، از نظر معنا و مفهوم نیز بسیار عمیق بوده و هدف اصلی فراغی تنها شعر نبوده بلکه مقصود بیان مفاهیم فکری و دریافت های درونی برای هدایت و راهنمایی مردم جامعه اش بوده است. فراغی بیانگر معنویت و فرهنگ مردم صحرا برای جهانیان است. ظلم ستیزی در تاریخ ادبیات هر ملتی، شاعرانی بوده اند که شعر را در خدمت آرمان های عقیدتی، فرهنگی و اجتماعی به خدمت گرفته اند. این شاعران به نحوی در دمیدن روح بیداری، آرمان خواهی تأثیر به سزایی داشتند. یکی از این شاعران اندیشمند، مختومقلی فراغی شاعر عارف و متفکر است که کمر به اصلاح جامعه بست و همراه مردم به صلاح و فلاح ملت خویش همت گمارد. فراغی، اندیشه، آرمان و هدفش را به عافیت طلبی خود نیالود چرا که اندیشه او مبتنی بر تعالیم قرآن کریم، احادیث، اخبار و براساس آموزه های دینی بوده است. در نظر گاه او خدا در اوج قدسیت و کمال قدرت قرار دارد. چگونگی عرضه آثار : اشعار مختومقلی در اصل ???بیت بوده ولی فقط ??? بیت آن محفوظ مانده که مواردی از آن در بخارا و حوالی گنبدکاووس به دست آمده است. قالب های شعری در دیوان مختومقلی هم به صورت عمده شامل قصیده، غزل، مسمط، تشبیهات و استعارات است که دفتر شعر فراغی را می توان در پنج بخش عاشقانه وعارفانه، قومی، اخلاقی، اجتماعی، دینی و دنیوی تقسیم کرد. مختومقلی با شعر کلاسیک شرق و از آن جمله با فارسی و آذری هم آشنایی و الفت داشته و شاعرانی چون نظامی، خاقانی و نسیمی تأثیر زیادی بر او داشته اند که به راحتی در برخی از سروده های مختومقلی فراغی قابل تشخیص است. مختومقلی در شعرهایش برای رسیدن به حق به راهبری متوسل می شود و در جای جای اشعارش با عنوان هایی چون قلندر، پدر، مردکامل، مرد حقیقت، از پیر و مراد خود یاد می کند. اشعار مختومقلی به تواضع و قناعت، ریاضت و اخلاص، خرقه، شوق و فقر اشاره دارد و این را می رساند که مختومقلی فراغی با شاعران فارسی زبان آشنایی داشته است. وی که از داستان رستم زال در شاهنامه فردوسی آگاه بوده هنگام سرودن اشعار جنگی و حماسی از قهرمانان شاهنامه یاد کرده است. مختومقلی فقط شاعر ایران نیست بلکه مردم ازبک زبان مناطق قاراقالباق و خوارزم، تاجیک ها، ترک ها و قزاق ها نیز این شاعر شیرین زبان را خوب می شناسند و به اشعار او علاقه دارند. خوانندگان همراه با آهنگ های مختلف اشعار این شاعر را با سازهای موسیقی اجرا می کنند. همچنین مختومقلی شناسی از مضامین اصلی کتب درسی کشور ترکمنستان محسوب می شود. آثار : دیوان مختومقلی فراغی ویژگی اثر : این دیوان یک دایره المعارفی از رنجها ،تاریخ ،زندگی ، غم ها و شادی های ترکمن است هربیت شعر او بیان شادمانی ها ،آزادگی ،عشق و مهری است که نسبت به خداوند و نسبت به مردم داشته است . فقط ابیاتی آن محفوظ مانده که مواردی از آن در بخارا و حوالی گنبدکاووس به دست آمده است. قالب های شعری در دیوان مختومقلی هم به صورت عمده شامل قصیده، غزل، مسمط، تشبیهات و استعارات است که دفتر شعر فراغی را می توان در پنج بخش عاشقانه وعارفانه، قومی، اخلاقی، اجتماعی، دینی و دنیوی تقسیم کرد. مختومقلی با شعر کلاسیک شرق و از آن

جمله با فارسی و آذری هم آشنایی و الفت داشته و شاعرانی چون نظامی، خاقانی و نسیمی تأثیر زیادی بر او داشته اند که به راحتی در برخی از سروده های مختومقلی فراغی قابل تشخیص است.

فراقی تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۳۶ ق)، خواننده، موسیقیدان و شاعر، معروف به حافظ چرگر. وی اهل تبریز و خواننده بود و از همین رو به او چرگر گفته‌اند که به معنی خنیاگر است. فراقی در آواز استاد بود و هجو و غزل نیز نیکو می‌سرود. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۹۵)، تاریخ موسیقی (۳۲۲ / ۱)، دانشمندان آذربایجان (۱۰۳)، تحفه سامی (۱۴۱)، الذریعه (۸۱۶ / ۹).

فرامرزی، عبدالرحمان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۲ -۱۲۷۵ ش)، شاعر، ادیب، نویسنده، مترجم، روزنامه‌نویس. وی در قریه کچویه فرامرزان لار به دنیا آمد. پس از تحصیل علوم مقدماتی در زادگاهش به اتفاق خانواده به بحرین رهسپار گردید و برای تکمیل تحصیلات به چند کشور عربی مسافرت کرد و پس از چندی به بحرین بازگشت و به تدریس در مدرسه‌ی ایرانیان پرداخت. سپس به ایران بازگشت و در تهران به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و به تدریس در دبیرستانهای تهران پرداخت. اما چندی طول نکشید که از این کار دست کشید و به روزنامه‌نگاری روی آورد و بیست سال سردبیری روزنامه «کیهان» را عهده‌دار بود. وی چندین دوره از طرف مردم لار به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. از آثار اوست: «راه زندگی»؛ «داستان دوستان»؛ «مجموعه داستان»؛ «مجموعه‌ی مقالات فرامرزی»؛ «دستور زندگانی»، ترجمه؛ «سرگذشت یک بدبخت»، ترجمه.[۱]

نویسنده‌ی برجسته و روزنامه‌نگار و سیاستمدار معاصر، متولد ۱۲۸۰ ش و فرزند عبدالواحد است. وی تحصیلات خود را در لار و بحرین به اتمام رسانید و در ادبیات فارسی و فقه و اصول و منطق و حکمت صاحب‌نظر شد. از ۲۰ سالگی به خدمات فرهنگی اشتغال ورزید و در مدارس مختلف فارس و تهران به تدریس ادبیات فارسی و عربی مشغول شد. در زمانی که مختار رئیس شهربانی بود، اداره‌ای به نام اداره‌ی راهنمای نامه‌نگاری در شهربانی تاسیس کرد، دشتی ریاست آن اداره را عهده‌دار بود و فرامرزی به ریاست آن اداره منصوب شد و تا شهریور ۱۳۲۰ در انجا خدمت می‌کرد. آن اداره در حقیقت کار سانسور مطبوعات را انجام می‌داد.

بعد از شهریور ۱۳۲۰ فرامرزی به کار مطبوعاتی پرداخت و روزنامه‌ی آینده‌ی ایران را انتشار داد. بعد از چندی، امتیاز روزنامه‌ی کیهان را گرفت و با سردبیری دکتر مصباح‌زاده آن را انتشار داد. در آذرماه ۱۳۲۱ که قوام‌السلطنه امتیاز تمام روزنامه‌ها را باطل کرد، روزنامه‌ی کیهان هم منحل گردید. بعد از مدتی مجددا کیهان به صاحب‌امتیازی دکتر مصباح‌زاده و مدیریت عبدالرحمن فرامرزی انتشار یافت. این روزنامه در اثر تلاش و قلم فرامرزی و چند تن دیگر از دوستان به زودی در محافل مختلف ایران معروف شد و در ردیف بزرگترین روزنامه‌های روز شد. سرمقالاتی که فرامرزی در آنجا می‌نوشت طرفداران زیادی پیدا کرد و مخصوصا انتقادات و حملات فرامرزی به دولتها موجبات گرایش مردم به سوی این روزنامه را فراهم نمود. فرامرزی در حزب دموکرات ایران قوام‌السلطنه وارد شد و روزنامه‌ی بهرام را که طرفدار قوام‌السلطنه بود، اداره می‌کرد.

در انتخابات دوره‌ی پانزدهم، فرامرزی از طرف حزب دموکرات ایران کاندیدای نمایندگی مجلس شد و از لار به پارلمان رفت. فرامرزی در مجلس پانزدهم با ایراد چند سخنرانی جای خود را باز کرد و در زمره‌ی وکلای متنفذ قرار گرفت. در دوره‌ی شانزدهم نیز کرسی نمایندگی را حفظ نمود. در دوره‌ی هفدهم از ایوانکی و ورامین نماینده شد و در دوره‌ی هیجدهم هم وکیل ورامین بود. در انتخابات زمستانی دوره‌ی بیستم که منجر به انحلال مجلسین شد، فرامرزی به عنوان نماینده‌ی مردم بندر لنگه در مجلس عضویت داشت. از آن تاریخ به بعد، دیگر کاری به او ارجاع نشد تا اینکه در ۱۳۵۱ در ۷۳ سالگی در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۸ ش ۶، ص ۳۴۲ -۳۴۰)، سخنوران نامی معاصر (۲۶۰۳ -۲۶۰۰ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۱۶-۸۱۴ / ۳).

فرانکل، ویکتور

قرن:۲۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ویکتور امیل فرانکل (به آلمانی: ۱۹۹۷ – ۱۹۰۵) (Viktor Frankl) روان‌شناس اتریشی، پدیدآورندهٔ لوگوتراپی یا معنادرمانی

زندگی:

ویکتور فرانکل در ۱۹۰۵ در وین به‌دنیا آمـد. او در ۱۹۴۹ از دو دانشگاه وین و آدیتشـنالی موفق به گرفتن درجهٔ دکترای اعصاب و روان شد. در ضمن او از ۱۲۰ دانشگاه در سراسر جهان دکترای افتخاری گرفت.

فرانکـل به علت یهودی بودن در سال‌های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵ به وسیله نازی‌ها ابتدا در آشویتس و سپس در داخائو زندانی شد. تجارب او در این اردوگاه‌ها موجب شد مکتب جدیدی را در روانشناسی بنیان‌گذاری کند که معنا درمانی یا لوگوتراپی نامیده می‌شود.

او پس از پایان جنگ دوم جهانی ریاست بخش اعصاب بیمارستانی در وین را به عهده گرفت و به مقام استادی دانشگاه در رشتهٔ عصب‌شناسی و روان‌پزشکی نایل آمد. در سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳ استاد داشنگاه بین‌اللملی سن دیه‌گو بود و نظریه معنا درمانی‌اش در میان روان‌شناسان و روان‌پزشکان پیروان زیادی دارد.

فرانکل در سپتامبر ۱۹۹۷ در سن ۹۲ سالگی در وین درگذشت.

فرانکـل در جنگ جهانی دوم زمانی که یهودی‌ها و کمونیست‌ها و هم‌جنس‌گرایان توسط حکومت نازی در آلمان که اتریش نیز به آن الحاق شـده بود روانهٔ اردوگاه‌های کار اجباری می‌شدند در سال‌های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵ در آشویتس و داخائو زنـدانی بود نامزدش هرگز پیـدا نشـد و ظاهراً جزو قربانیان این اردوگاه‌ها بود. ویکتور در کتاب خاطرات خود و در کتاب انسان در جستجوی معنا بارها تاکید می‌کند که بازنویسـی کتاب لوگوتراپی انگیزه زنده ماندن او بود. این کتاب را که در مورد نظریه اش درباره معناجویی و معنا درمانی بود در دستگیری وی در اردوگاه به همراه همه لباس هایش از او گرفتند. او با این نظریه توانست خود را در بدترین شـرایط اردوگـاه حفـظ کنـد و نجـات یابـد. در واقع نظریه خود را خود تجربه کرد و می‌توان گفت که این نظریه از بوته آزمایش به توسـط خود او گذشـته است. هر چند خود او در کتاب انسان در جست‌وجوی معنا می‌نویسد: «ما که از بخت خوب یا حسن اتفاق یا معجزه – یا هر آنچه که شما نامش می‌نهید– از این اردوگاهها بازگشته‌ایم، خوب می‌دانیم که بهترین‌های ما برنگشتند.» [۱]

فرانکل اگزیستانسـیالیست (پیروان اصالت وجود، هستی‌گرا) بود. او واژه" هستی نژندی["۲"] را در مورد اختلال عاطفی ابداع کرد و اختلال عـاطفی را حاصل عـدم توانایی فرد در یافتن معنا برای زنـدگی می‌دانست. به نظر فرانکل آزادی به معنای رهایی از سه چیز است: ۱ـ غریزه‌ها ۲ـ خوی‌ها و عادت‌ها ۳ـ محیط[۳] در زمینهٔ نظریه شخصیت فرانکل معتقد است، در آدمی انگیزه‌یی بنیادی وجود دارد و آن «ارادهٔ معطوف به معنا»[۴] است. [۵] مکتب روان‌شناسی لوگوتراپی یا معنا درمانی که ویکتور فرانکل بنا نهاد امروز یکی از مکاتب مطرح روان‌شناسی در جهان است.

اختلاف دیدگاه فرانکل با دیگران:

اختلاف با فروید:

فرویـد روان نژنـدی را حاصـل سـرکوبی کشـش‌های عریزی می‌دانـد که توسط ناخودآگاه به «من» تحمیل شـده است. در حالی که فرانکل این را کافی نمی‌داند و تعارضات روانی را تنها دلیل روان‌نژندی نمی‌شمارد.

اختلاف با آدلر

آدلر روان‌نژنـدی را نـتیجهٔ محـدودیت «مـن» در بـاربر حس مسئولیت بیـان می‌کنـد. روان‌شناسـی فردی آدلر از انگیزهٔ «تلاش برای برتری» سـخن می‌گویـد. امـا فرانکـل انسـان بودن را «آگـاه بودن» و «مسئول بودن» و در جست‌وجوی معنـایی برای زنـده‌گی بودن می‌داند و درواقع دو مکتب فرویدی و آدلری را مکمل هم می‌شمارد.

اختلاف با رفتار درمان‌گران:

فرانکـل اعتقـاد دارد چون رفتار درمان‌گران آدمی را ماننـد حیوانان و به صورت ماشین فیزیولوژیک تحلیل می‌کننـد آزادی اراده و انتخاب را در انسان نادیده می‌گیرند اما در لوگوتراپی به بعد معنوی انسان اهمیت داده می‌شود. آثار:

●۱۹۵۵، پزشـک و روح به انگلیسـی ترجمه و منتشـر شـد. در سال ۱۳۷۷ انتشـارات درسـا ترجمهٔ از این کتاب که توسط فرخ سـیف بهزاد صورت گرفته بود منتشر کرد.

●۱۹۷۵، انسان در جست‌وجوی معنا، معنا درمانی چیست؟، «کتاب انسان در جستجوی معنی ویکتور فرانکل را اکبر معارفی در سال ۱۳۵۴ ترجمه نموده و انتشـارات دانشـگاه تهران منتشر کرده است.تـا سـال ۱۳۷۵ این کتـاب در ۵ نوبت تجدیـد چاپ شـده است.» ترجمه دیگری از این کتاب به فارسی توسط دکتر نهضت صالحیان، مهین میلانی صورت گرفته است و بارها توسط ناشرین مختلف منتشر شده است.

●۱۹۷۷، فریاد ناشـنیده برای معنا، ترجمهٔ مصـطفی تبریزی و علی علوی‌نیا از این کتاب به فارسی در سال ۱۳۷۱ توسط نشر یادآوران منتشر شد.

فراهانی حسینی، ابوالحسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۴۰ ق)، شـاعر. او از سـادات حسـینی فراهـان و از شـعرای دانشـمند و به نام سـده‌ی یازدهم قمری بود. وی پس از تحصـیل دانشـهای متـداول آن روزگار در زادگاه خود به سـبب تنگی معیشت و کسب کمال به اصـفهان رفت و حدود دو سال در نصـرآباد مســکن گزیـد، پس از آن بـه شـیراز رفت و در مـدرسه‌ی میرزا لطفی نزد مولانـا شـیخ علی گیلانـی شـاگردی کرد و در دانشـهای گونـاگون مهـارت یافت. در سـلک ملازمان امام قلیخان، فرزنـد اللّه‌وردیخان، درآمـد و کارش بالا گرفت ولی آخرالامر، بـدگویان درباره‌ی او سعایت کردند و به بهانه‌ی حرکتی نامناسب به فرمان امام قلیخان به قتل رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۲۳۵ –۱۲۲۷ /۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۷۷ –۲۷۶)، الذریعه (۴۰/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۴).

فراهانی کمره‌ای، علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۱۰۰ ق)، متکلم و فقیه شیعی. معروف به آقاشیخ. شاگرد آقاحسین خوانساری بود و از مجلسی حدیث فراگرفت. وی در کاشان سکنی گزید و در همان جا از دنیا رفت. از آثارش: رساله‌ای در «اثبات الحدوث الزمانی للعالم»، که در آن هشتصد حدیث از اخبار معصومین (ع) دال بر حدوث آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۸۹ /۱)، ریاض العلماء (۱۷۵ –۱۷۴ /۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۴۹ /۱۲)، معجم المؤلفین (۱۶۵ /۷).

فراهانی، اسحاق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۷۴ ق)، شاعر. وی برادرزاده‌ی میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام است و به چندین واسطه نسب آنها به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. در کودکی پدر خویش را از دست داد و تحت حمایت پدربزرگ و عمویش تربیت شد و عهده‌دار مشاغل مختلف دولتی گردید. پس از قتل قائم‌مقام از دنیا ملول شد و در قم کنج عزلت گزید. دیوان بیگی در «حدیقه الشعراء» نمونه‌ی شعر او را آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۲۷ –۱۲۶ / ۱)، گنج شایگان (۱۳۶ –۱۳۲).

فراهانی، علی اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، موسیقیدان، نوازنده و شاعر. اهل فراهان و نیای خاندان شهنازی بود. در فن نواختن تار از استادان مسلم موسیقی زمان خود به شمار می‌آمد و تارزن مخصوص ناصرالدین شاه بود. در «سفرنامه‌ی پولاک» و در کتاب «سه سال در ایران» گوبینو، از وی به عنوان بهترین نوزنده‌ی تار یاد شده است. آقا علی‌اکبر فراهانی به عنوان سرسلسله بنیانگذاران ردیف معرفی و شناخته شده است. اهل شعر و ادب بود. شاگرد برجسته او آقا غلامحسین، برادرزاده‌اش، بود که بعد از فوت زودرس آقا علی‌اکبر سرپرستی فرزندان او را به عهده گرفت و به آنها موسیقی و نوازندگی تار را آموخت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :استادان موسیقی (۵۳)، تاریخ ادبیات ایران، دوره بازگشت (۲۱۷، ۲۱۶ /۱)، تاریخ مختصر موسیقی (۱۴۸ –۱۴۶)، تاریخ موسیقی (۵۶۴ –۵۶۰ /۲)، تاریخ هنرهای ملی (۹۶۳ –۹۶۱ /۲، ۶۰۸ –۶۰۴ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۲۱ /۱)، سرگذشت موسیقی (۱۰۵ –۱۰۱ /۱)، شرح حال رجال (۱۶۶ /۶)، شناسایی موسیقی (۱۴۱ /۱)، مردان موسیقی (۲۸ –۲۷ /۲)، هفت اورنگ (۱۴۳ –۱۴۲).

فراهانی، محمدصادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمدصادق حسینی معروف به میرزا صادق خان (ادیب الممالک فراهانی) از شعراء نامی و ادباء سامی ایران منسوب به بخش فراهان مذکور است.

وی از طرف پدر و مادر به مرحوم میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام مذکور می‌رسد زیرا پدرش حاج میرزا حسین داماد مرحوم قائم‌مقام و هم برادرزاده آن مرحوم بوده است. چنانچه در مقدمه دیوانش یاد نموده است.

وی در ۱۴ محرم‌الحرام ۱۲۷۷ قمری متولد شده و در سال ۱۳۳۶ قمری در سن ۵۸ سالگی در تهران وفات و در شهر ری در مقبره آیت‌اللّه آقا سید محمدصادق مجتهد طباطبائی در حجره مروم میرزا ابوالحسن خان قائم‌مقام مدفون گردیده است.

از آثار اوست تنها دیوان شعری که یک بار به طبع رسیده و در حدود ۷۸۰ صفحه می‌باشد و در میان اشعار زبده او تنها قصیده مسمط وی جالب است که در تهنیت ولادت حضرت خاتم‌الانبیاء والمرسلین (ص) سروده و بسیار عالی گفته و حقاً کم‌نظیر و بی‌عدیل است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فراهانی، مریم

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(وف ۱۲۷۷ ق)، شاعر. مادرش دختر میرزا حسن مستوفی الممالک (اول) آشتیانی بود. وی زمانی که خاندان قائم مقام مغضوب محمدشاه بودند، قصیده‌ای سرود که مورد توجه شاه قرار گرفت. از آثارش «دیوان» شعر می‌باشد. از اوست:

تا که توانی به جهان راست باش

راه روان را نزند کج نهاد

معتقد مردم دنیا مباش

آه از این مردم کج اعتقاد[۱]

۱۲۷۷ ق، از زنان شاعر. وی دختر میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام (۱۲۵۱ ق) صدر اعظم سیاستمدار و ادیب محمد شاه قاجار (۱۲۶۴ – ۱۲۵۰ ق) و مادرش دختر میرزا حسن مستوفی‌الممالک آشتیانی بود. به نوشته اعتمادالسلطنه در زمانی که خاندان قائم‌مقام مغضوب محمد شاه بودند، وی قصیده‌ای سرود و نزد شاه فرستاد که سبب بخشش و نجات آنان گردید. رباعی زیر از اوست:

تا که توانی به جهان راست باش

راه روان را نزند کج نهاد

معتمد مردم دنیا مباش

آه از این مردم کج اعتقاد[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از رابعه تا پروین (۲۱۱)، خیرات حسان (۱۹۷/ ۳)، الذریعه (۱۰۳۲/ ۹)، ریاحین الشریعه (۷۱/ ۵)، زنان سخنور (۱۶۹/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۸۳۵)، مشاهیر زنان (۲۱۵).

[۲] منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره ششم، ۵۵؛ از رابعه تا پروین، ۲۱۱؛ خیرات حسان، ۱۹۷ / ۳؛ الذریعه، ۱۰۳۲ / ۹.

فرج زاده، منوچهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر منوچهر فرج زاده اصل در سال ۱۳۴۴، در مراغه به دنیا آمد. او پس از اتمام دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد جغرافیای طبیعی از دانشگاه تبریز، در سال ۱۳۷۴ به اخذ در جه دکترا نائل آمد و در همین سال به عنوان استادیار دانشگاه تربیت مدرس فعالیت خود را آغاز کرد. او ضمن فعالیت آموزشی در انجام طرحهای تحقیقاتی ، تالیف و چاپ مقالات تخصصی اهتمام زیادی ورزیده است.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر فرج زاه پس از اتمام دوره دبیرستان، کارشناسی جغرافیای طبیعی را در سال ۱۳۶۶ و کارشناسی ارشد همین رشته را از دانشگاه تبریز اخذ نمود. او سرانجام در سال ۱۳۷۴ به دریافت درجه دکترا از دانشگاه تربیت مدرس نائل آمد.هم دوره ای ها و همکاران : دکترفرج زاده با دکترشکویی ، دکتر افتخاری و دکترپرهیزکار که از اعضا گروه جغرافیا دانشگاه تربیت مدرس می باشند، همکار می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : از جمله فعالیتهای که دکتر فرج زاده تاکنون تصدی آنها را داشته است عباتند از: –عضو کمیته تخصصی تحصیلات تکمیلی گروه سنجش از دور دانشگاه تربیت مدرس از ۱۳۷۴ تاکنون. – –عضو کمیته تخصصی تحصیلات تکمیلی گروه جغرافیای دانشگاه تربیت مدرس از ۱۳۷۴ تاکنون. – مدیر بخش GIS موسسه بین المللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله در سال ۱۳۷۵. – معاون اداری و مالی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس از ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱ – مدیر گروه سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی دانشگاه تربیت مدرس از ۱۳۷۵ تا کنون. او همچنین عضو انجمن جغرافیدانان ایران ، عضو انجمن و نایب رئیس انجمن سنجش از دور و GIS ایران و عضو انجمن بینالمللی هیدرولوژی می باشد. دکتر فرج زاده علاوه بر فعالیت های یاد شده، سهم قابل توجه ای در اجرای پروژه های زیر داشته است: ۱– مسئول مطالعات اقلیمشناسی طرح لایروبی رودخانه بهمنشیر (۷۰–۱۳۶۹)، شرکت مهندسین مشاور سازهپردازی ایران۲– مسئول مطالعات اقلیمی شناسی و هیدرولوژی طرح لایروبی خور جاسک (۱۳۷۰)، شرکت مهندسین مشاور سازهپردازی ایران۳– مسئول مطالعات اقلیمشناسی طرح احداث موجشکن بندر صلخ (۷۱–۱۳۷۰)، شرکت مهندسین مشاور سازهپردازی ایران۴– مسئول مطالعات منابع پایه در طرح پهنبندی روانگرایی ایران (۷۱–۱۳۷۰) پژوهشگاه بینالمللی زلزلهشناسی و مهندسی زلزله ۵– مسئول تلفیق اطلاعات طرح پهنهبندی لغزه منطقه جاجرود با استفاده از ۱۳۷۳) GIS) پژوهشگاه بینالمللی زلزلهشناسی و مهندسی زلزله۶– مسئول مطالعات منابع پایه طرح ساماندهی سکونتگاههای پراکنده استان کهکیلویه و بویراحمد (۱۳۷۴) بنیاد مسکن انقلاب اسلامی۷– مسئول مطالعات منابع پایه طرح ساماندهی سکونتگاههای پراکنده استان قزوین (۱۳۷۴) بنیاد مسکن انقلاب اسلامی۸– مسئول مطالعات منابع پایه طرح ساماندهی سکونتگاههای روستایی شهرستان تکاب (۱۳۷۵) بنیاد مسکن انقلاب اسلامی۹– مسئول مطالعات منابع پایه طرح ساماندهی سکونتگاههای روستایی شهرستان پیرانشهر (۱۳۷۵) بنیاد مسکن انقلاب اسلامی۱۰– مسئول مطالعات منابع پایه طرح ساماندهی سکونتگاههای روستایی بخش پیشین (۱۳۷۵) بنیاد مسکن انقلاب اسلامی۱۱– مشاور عالی طرح حادثهخیزی استان کرمانشاه (۱۳۷۶) بنیاد مسکن انقلاب اسلامی کرمانشاه۱۲– مشاور عالی

طرح ساماندهی روستایی پاوه و پیرانشهر (۱۳۷۶) بنیاد مسکن انقلاب اسلامی کرمانشاه۱۳- مسئول مطالعات منابع پایه و عضو کمیته راهبری طرح توسعه اقتصادی و اجتماعی استان هرمزگان (۱۳۷۷) استانداری هرمزگان۱۴- مسئول مطالعات اقلیم شناسی طرح پهنهبندی خشکسالی در کشور (۱۳۸۱) مرکز تحقیقات حفاظت خاک و آبخیزداری۱۵- مسئول مطالعات اقلیمشناسی طرح تهیه نقشه دمای دریای خزر با استفاده از تصاویر ماهواره نوا مرکز سنجش از دور ایران۱۶- مدیر علمی و تلفیق برنامه اقدام ملی بیابانزدایی و تعدیل اثرهای خشکسالی در کشور (۸۲-۸۰) سازمان جنگلها و مراتع کشور۱۷- مسئول تلفیق مطالعات مکانیابی تأسیسات کنار راه بزرگراه شهید کلانتری (ارومیه تا تبریز)، ۱۳۸۲ ۱۸- قائم مقام مطالعات طرح مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی کشور، (ادامه دارد) شرکت مهندسین مشاور سازهپردازی ایران فعالیتهای آموزشی : دکتر فرج زاده اصل از سال ۱۳۷۴ تاکنون به عنوان استادیار دانشگاه تربیت مدرس به امر تدریس فعالیت داشته است. او آمار ، اصول و کاربرد سیستم اطلاعات جغرافیایی، هیدرولوژی آبهای سطحی را در مقطع کارشناسی و مدیریت زیست محیطی و مبانی کامپیوتر و برنامه نویسی را در مقطع دکتری تدریس می کند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر فرج زاده ضمن ارائه مقالات متعدد در نشریات تخصصی و کنفرانسهای علمی، داوری مجلاتی چون مجله مدرس علوم انسانی، جشنواره خوارزمی، مجله علمی پژوهشی پژوهشهای جغرافیایی، مجله علمی پژوهشی فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، مجله علمی پژوهشی ، پژوهش و سازندگی ومجله علمی ترویجی رشد آموزش جغرافیا را عهده داشته است. او همچنین راهنمایی و مشاوره پایانامه های بسیاری را به عهده داشته که از جمله به موارد زیر می توان اشاره کرد: عناوین پایان نامه های کارشناسی ارشد راهنمایی شده ۱- نقش کاربری اراضی در ایجاد و تشدید حرکات توده ای جنگل واز (۱۳۷۴) ۲- بررسی اثرات تغییرات ناشی از شهرسازی در مسیل های شمال تهران به منظور ارائه روشهای کنترل و مدیریت سیلاب (۱۳۷۴) ۲- بررسی اثرات تغییرات ناشی از شهرسازی در مسیل های شمال تهران به منظور ارائه روشهای کنترل و مدیریت سیلاب (۱۳۷۴)۳- تجزیه و تحلیل قابلیت رسوبدهی حوضه آبریز آق لاقان چای با استفاده از سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی (۱۳۷۷) ۴- تحلیل هیدروژئولوژیکی دشت دهلران با استفاده از سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی (۱۳۷۷) ۵- مدلسازی هیدروژئولوژیکی دشت مهران با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی. ۶- تحلیل چند متغییره وقوع زمین لغزه با استفاده از سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی (۱۳۷۷) ۷- کاربرد سیستم اطلاعات جغرافیایی در مطالعات باستانشناسی در منطقه شوش ۸- رسوب سنجی و رسوب شناسی مخزن سد اکباتان با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (۱۳۷۷) ۹- مکان گزینی یک لشکر نمونه در عملیات آفندی با استفاده از سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی (۱۳۷۸)۱۰- ارزیابی و تحلیل اثرات ایجاد سد در تغییر پوشش اراضی با استفاده از سنجش از دور و GIS (مطالعه موردی: شهرستان، اهر، سد ستارخان) (۱۳۸۲)۱۱- ارزیابی اثرات هیدرولوژیکی تغییرات کاربری اراضی بر رژیم سیل حوزههای شرقی دامنه شمالی البرز با استفاده از سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی (۱۳۸۲)۱۲- مدیریت و مکانیابی فضاهای آموزشی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) مورد مدارس راهنمایی منطقه ۷ تهران (۱۳۸۱)۱۳- ارزیابی و تحلیل توزیع فضایی کتابخانههای عمومی در شهر تهران (۱۳۸۲)۱۴- ارزیابی ایمنی جادهای با رویکرد مخاطرات محیطی با استفاده از GIS (مطالعه موردی: مسیر سنندج، مریوان) (۱۳۸۱)۱۵- تحلیل تصادفات جادهای با رویکرد اقلیمی با استفاده ا ز GIS ، مطالعه موردی، محور فیروزکوه، ساری (۱۳۸۱)۱۶- کاربرد سنجش از دور و سیستمهای اطلاعات جغرافیایی در تهیه نقشه سایتهای باستانی منطقه میاناب شوشتر، جنوب تهران (۱۳۸۲)۱۷- کاربرد تصاویر سنجنده AVHRP در تهیه نقشه دمای سطح دریا (SST) در منطقه خلیجفارس (۱۳۷۹)۱۸- پهنهبندی خطر زلزله با بکارگیری سنجش از دور و سیستمهای اطلاعات جغرافیایی در شهرستان تبریز (۱۳۷۹)۱۹- مکان گزینی یک لشکر نمونه در یک عملیات آفندی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی و سنجش از دور (مطالعه موردی منطقه زاویه) (۱۳۷۷)۲۰- پهنهبندی قابلیت سیلخیزی حوزه آبخیز رودخانه گاورود در جنوب استان کردستان با استفاده GIS و ۲۱(۱۳۷۸) RS- کاربرد مدل ریاضی و تکنیک ساج (GIS) در ترسیم و تحلیل خطوط همبارش، با تاکید بر دادههای فضایی و مکانی (مطالعه موردی منطقه نهاوند) (۱۳۷۷)۲۲- مدلسازی بهینه کاربری اراضی در منطقه خرمآباد با استفاده از سنجش از دور (۱۳۷۸)۲۳- بررسی عناصر اقلیمی و تاثیر آن بر پرورش زنبور عسل در شهرستان سلماس (۱۳۷۸)۲۴- برآورد جریان سطحی در حوضه آبریز بشار به روش شماره منحنی CN با استفاده از ۲۵(۱۳۷۷) GIS- ارزیابی و مدلسازی روند تغییرات کاربری با استفاده از دادههای ماهوارهای چند زمانه و GIS (مطالعه موردی منطقه مراغه) (۱۳۷۸)۲۶- مدلسازی میزان عملکرد محصول گندم دیم با توجه به پارامترهای اقلیمشناسی کشاورزی در استان آذربایجان غربی (۱۳۷۸)۲۷- امکانسنجی کاربرد عکسهای هوایی در مطالعات باستانشناسی مطالعه موردی: گنبد قابوس (۱۳۷۸)۲۸- برآورد جریان سطحی در حوضه آبریز بشار به روش شماره منحنی (CN) با استفاده از ۲۹(۱۳۷۷) GIS- ناحیهبندی اگروکلیمایی (اقلیم شناسی کشاورزی) استان همدان با استفاده از تکنیک سیستم اطلاعات جغرافیایی با تاکید بر گندم دیم (۱۳۷۷) عناوین رسالههای دکترای راهنمایی شده۱- مدلسازی برنامه محیطی با استفاده از سیستمهای جغرافیایی مطالعه موردی: زیست منطقه طالقان (۱۳۸۱)۲- تحلیل و الگویی مکانی و زمانی نظام بارش در ایران (۱۳۸۲) عناوین مشاورههای پایاننامههای کارشناسی ارشد ۱- تحلیلی بر تاثیر رشته کوه زاگرس روی سیستمهای سینوپتیکی موثر بر اقلیم ایران مرکزی (۱۳۷۸)۲- برنامهریزی توسعه فضائی شهرستان بناب (۱۳۸۲)۳- تحلیل الگوی توزیع مکانی حرارت در شهر تهران با استفاده از دادههای سنجش از راه دور (۱۳۸۰)۴- تجزیه و تحلیل خطر خشکسالی با استفاده از دادههای سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی در استان خراسان (۱۳۸۰)۵- تهیه نقشه پوشش برف با استفاده از تصاویر NOAA/AVHRR و تکنیکهای GIS (منطقه مورد مطالعه: حوضه آبریز رودخانه کرج (۱۳۸۰)۶- بررسی روند تغییرات دما، بارش و ساعات آفتابی در تهران (۱۳۷۹)۷- مدلسازی خطر شیوع بیماری مالاریا در شهرستان کهنوج با استفاده از دادههای ماهوارهای (۱۳۷۹)۸- تعیین شدت سیلخیزی زیر حوضهها و بررسی عوامل موثر بر آن در حوضه آبخیز دماوند۹- مدلسازی برنامهریزی محیطی با استفاده از سیستمهای اطلاعات جغرافیایی مطالعه موردی: زیست منطقه طالقان (۱۳۷۸)۱۰- بررسی امکان استفاده از شاخصهای پوشش گیاهی حاصل از تصاویر چه زمانهای ماهوارهای در طبقه بندی و مطالعه تغییرات زمانی پوشش گیاهی مطالعه موردی : استان اردبیل (۱۳۷۷)۱۱- کاربردهای نظامی مدل ارتفاعی زمین DTM و

تعیین آن در رونـد عملیـات (مطالعه موردی منطقه شـرق تهران) (۱۳۷۷)۱۲- مدلساز ی روند تغییرات کاربری اراضـی با اسـتفاده از دادههای سنجش از دور و سیستمهای اطلاعات جغرافیایی (۱۳۷۷)۱۳- تعیین بارش موثر کشاورزی در منطقه خرم آباد (۱۳۷۸)۱۴- تعیین الگوی توزیع زمانی و مکانی بارشـهای کوتاه مدت در اسـتان تهران (۱۳۷۸)۱۵- بررسـی سینوپتیکی پدیده النینو و تاثیر آن بر روی ناهنجاری بارشهای جنوب و جنوب غرب ایران (۱۳۷۸)۱۶- مدلسازی میزان عملکرد محصول گندم دیم با توجه به پارامترهای اقلیمشناسی کشاورزی در استان آذربایجان غربی (۱۳۷۸)۱۷- النینو و رابطه آن با بارشهای ایران۱۸- طراحی یکپارچهسازی اراضی کشـاورزی با اسـتفاده از سیسـتم اطلاعات جغرافیایی۱۹- مکانیـابی مراکز خـدماترسانی با اسـتفاده از GIS مطالعه موردی: مـدارس متوسطه شهر نفت (۱۳۷۹)۲۰- بحران آب و تنشهای اجتماعی، سیاسی، مطالعه موردی گناباد (۱۳۷۸) عناوین مشاورههای رسالههای دکترا ۱- تحلیل ابعاد فضایی رفاه اجتماعی روسـتایی و ارایه الگوی بهینه آن، مورد اسـتان مرکزی(۱۳۸۰)۲- تحلیل سینوپتیکی تاوه قطبی و اثرها آن در اقلیم ایران (۱۳۷۷)۳- نظیرسازی هیدروکلیماتولوژیکی مدلهای بارش - رواناب در حوضههای آبریز جنوبغربی ایران (منطقه مورد مطالعه: حوضه آبریز رودخانههای خرمآباد و کشکان در استان لرستان) (۱۳۷۷)۴- توسعه پایدار شهری با تاکید بر توانهای محیطی (مورد شهر کاشمر) (۱۳۷۷)۵- بررسـی کارایی استفاده از واحدهای ژئومرفولوژی در ارزیابی فرسایش و رسوب (مطـالعه مـوردی حوضه آبخیز بوحـان) (۱۳۷۸)۶- ارزیـابی قابلیتهـای محیط طبیعی، کشت، گنـدم، دیم بـا تاکیـد بر اقلیم شناسـی کشاورزی مورد: کرمانشاه (۱۳۷۷)۷- نقش هیدروژئوپولیتکی ایران (محدوده مورد مطالعه : غرب ، جنوب غرب) (۱۳۷۷)۸- تحول کـارست و نقش آن در شـناسایی منابع طبیعی با تکیه بر آبهای زیرزمینی (مطالعه موردی ناهمواریهای بیسـتون) (۱۳۷۸)۹- تحلیل و ارائه الگوهای سینوپتیکی حاکم بر بارشهای شدید و فراگیر فصل تابستان ایران (۱۳۷۷)۱۰- امکان سنجی باروری ابرها در ارتفاعات جنوبی کرمـان (۱۳۷۷) آثـار : ۱ Lake management using geographic information system, ۸ th. conference of lake management . ۱۹۹۹ ۲ Liquefaction susceptibility macrozonation of Iran. ۵th the conference of Zonation. France. ۱۹۹۷. ۳ The estimate of soil erosion with MPSIAC model using remote sensing and geographic information system in Aglaganchi basin - northwest of Iran. ۲۷ th . conference of remote sensing . ۱۹۹۸ ۴ ارزیابی منابع بالقوه آبهای زیرزمینی بـا اسـتفاده از سیسـتم اطلاعـات جغرافیایی (منطقه مورد مطالعه: دشت دهلران)، مجله مـدرس علوم انسانی دانشـگاه تربیت مدرس- شماره ۴ - زمستان ۱۳۷۸- ص ۳۹ تا ۵۵ ، الگوهـای فضـایی و زمانی بارش در کشور، مجله مـدرس علوم انسانی، برآورد دبی سـیلاب در حوضـههای آبریز بر مبنای ویژگیهای فیزیوگرافیک (مطالعه موردی: حوضههای آبریز زهره و خیرآباد) ، پهنه بندی زمین لغزه بـا اسـتفاده از سیسـتم اطلاعـات جغرافیایی. مجموعه مقالات سومین کنفرانس سیسـتم های اطلاعات جغرافیایی. انتشارات سازمان نقشه برداری کشور. ۱۳۷۳ ، پهنه بندی فرسایش خاک با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی. چهارمین کنفرانس سیستم هـای اطلاعـات جغرافیایی. انتشارات سازمان نقشه برداری کشور. ۱۳۷۶ ، پهنهبنـدی قابلیت و سایش خاک با اسـتفاده از سـنجش از دور و سیسـتم اطلاعات جغرافیایی - مجله مدرس علوم انسانی دانشـگاه تربیت مدرس - ص ۱۵۰ تا ۱۶۸- دوره دوم - شماره هشتم - پاییز ۱۳۷۷ ، پیشبینی احتمالاتی خشـکسالی در ایران- مجله مدرس علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، ص ۵۵ تا ۶۸ دوره دوم- شماره چهارم - پاییز۱۳۷۶ ، تحول ژئومورفولوژی ولکانو سدیمانترهای سـهند. هشتمین کنگره جغرافیدانان ایران . دانشگاه اصفهان. ۱۳۷۳ ، تغییرات زمـانی و مکـانی خشـکسالی در ایران. اولیـن کنفرانس منطقـه ای تغییر اقلیـم .۱۳۷۴ ، تغییرات کـاربری اراضـی در حـوضه آبریز واز و نقش آن در وقوع حرکـات توده ای. مجموعه مقالات دومین کنفرانس زمین لغزه و کـاهش خسارتهـای آن در ایران. انتشارات موسسه بین المللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله. ۱۳۷۶ ، چشمانداز خطر بیابانزایی و تأثیر آن بر روند توسعه کشور - مجله جنگـل و مرتـع- انتشـارات سازمـان جنگلهـا و مراتـع کشـور- بهـار ۱۳۸۱ ، چگـونگی اسـتفاده از روش تحلیــل عـاملی در ناحیهبنـدی فیزیوگرافیک حوضـههای آبریز - مجله دانشـکده ادبیات و علوم انسانی دانشـگاه تربیت معلم- دوره جدید سال هشـتم- شماره ۳۰ و ۳۱ پاییز و زمستان ۱۳۷۹ ص ۵۵ تا ۶۹ ، خشکسالی در ایران- مجله دانش کشاورزی دانشگاه تبریز، جلد۵ - ص ۳۱ تا ۵۳- شمارههای ۱ و ۲ سال ۱۳۷۴ ، خشکسالی و روشهای مطالعه آن مجله جنگل و مرتع، انتشارات سازمان جنگلها و مراتع کشور - ۱۳۷۵ - ص ۲۲ تـا ۲۹ ، خشـکسالی، از مفهـوم تـا راهکـار (زیر چـاپ) ، زمیـن لغزه در ایران، گسـتردگی و اهمیـت اقتصـادی آن. انتشارات موسـسه بین المللی زلزله شناسـی و مهندسی زلزله . ۱۳۷۴ ، سیسـتم اطلاعات جغرافیائی - فصـلنامه دانشگاه انقلاب - ص ۱۱۵ تـا ۱۲۹ - شـماره ۱۱۱- بهار ۱۳۷۷ ، سیسـتمهای اطلاعـات جغرافیـایی و کاربردهای آن در مسایل زلزله- پژوهشـنامه موسسـه بینـالمللی زلزلـه شناسـی و مهندسـی زلزله - سـال چهـارم - شـماره شـشم و هفتم - ۱۳۷۴ ، کـاربرد سیسـتم اطلاعـات جغرافیایی در توریسم(تحت تألیف) ، کلان پهنه بندی قابلیت روانگرایی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی. مجموعه مقالات اولین کنفرانس سیسـتم های اطلاعات جغرافیایی. انتشارات سازمان نقشه برداری کشور. ۱۳۷۳ ، کلان پهنه بنـدی قابلیت و احتمال روانگرایی ایران. مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین المللی زلزله شناسی و مهندسـی زلزله. انتشارات موسـسه بین المللی زلزله شناسـی و مهندسـی زلزله. ۱۳۷۴ ، مدلسازی میزان عملکرد محصول گندم دیم با توجه به پارامترهای اقلیمشناسـی کشاورزی در اسـتان آذربایجان غربی - مجله مدرس علوم انسانی ، ناحیهبندی اگروکلیمایی استان همدان با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی با تاکید بر گندم دیم + نشریه پژوهشهای جغرافیایی- انتشارات دانشگاه تهران - ص۹۳ تا ۱۰۵- شماره ۴۱-سال ۳۳- اسفند ۸۰

فرج شوشتری، فرج‌الله

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. نزد میر تقی‌الـدین نسابه‌ی شیرازی (م ۱۰۱۸ ق) به فراگیری علم پرداخت. در زمان سلطان عبدالله قطب‌شاه (۱۰۸۳ –۱۰۳۵ ق) بـه حیـدرآباد دکـن رفـت و از ملازمـان وی گردیـد و صـاحب منزلـت و ثروت شـد. او به فارسـی و عربی شـعر می‌سرود. در تذکره‌ی «نصرآبادی» است که «دیوان» شعر وی قریب بر سه چهار هزار بیت بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۳۵ –۳۳۴)، الذریعه (۸۱۸ / ۹)، سـرو آزاد (۹۵ –۹۴)، صـبح گلشن (۳۱۵ –۳۱۴)، فرهنگ سخنوران (۶۹۶)، کاروان هند (۱۰۰۴ –۱۰۰۳ / ۲)، مرآت الفصاحه (۴۶۳ –۴۶۲)، نتایج الافکار (۵۴۳ –۵۴۲).

فرجاد، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آموزش علوم انسانی، دانشکده: علوم انسانی، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسـی فلسفه و علوم تربیتی از دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۴۲، کارشناسـی ارشد مطالعات تحقیقات اجتماعی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴، دکترای جامعه‌شناسی و آسیب‌شناسی اجتماعی از دانشگاه اسلامی علیگره هند در سال ۱۳۵۲، فوق تخصص آموزش علوم انسانی از دانشگاه دولتی کالیفرنیای آمریکا در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علامه و مدرسه عالی بازرگانی از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۵۲، دانشیار دانشگاه تربیت معلم از سال ۱۳۵۲ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسـی علـل اعتیاد در ایران، بررسـی عوارض اعتیاد در ایران، بررسـی علل و عوارض طلاق در ایران، بررسـی علل و عوارض روان اجتماعی اعتیاد، بررسـی رابطه افسـردگی و طلاق، بررسـی علل بازگشت مجـدد به اعتیاد، بررسـی رفتارها و گرایش‌های بیمارگونه معتـادان، تـدریس دروس علـوم اجتمـاعی، آسیب‌شناسـی اجتمـاعی، روان‌شناسـی اجتمـاعی و روش تحقیق در دانشگاههای علامه طباطبائی، تربیت معلم، برنده جایزه بهترین مقاله انجمن جامعه‌شناسان آمریکا در سال ۱۳۵۴.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسـی و سیر تحول جامعه، جامعه‌شناسی پرورشی، جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل اجتماعی، جامعه‌شناسی رشد اقتصادی، آسیب‌شناسـی اجتماعی، روان‌شناسـی و جامعه‌شناسـی جنائی، اعتیاد (علل، عوارض و درمان) مددکاری اجتماعی، مروری بر پرستاری روانی، روان پرستاری در جامعه و بیمارستان، جامعه‌شناسی سیاسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی:–

زمینه علمی مقالات:

علوم اجتماعی، روان‌شناسی و علوم تربیتی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

فرجی سلطان آبادی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اینجانب علی اکبر فرجی سـلطان آباد هشترودی درسال ۱۳۲۶هجری شمسـی درقریه گنجینه کتاب ازتوابه هشترود آذربایجان شرقی دریک خانواده اهل علم به دنیا آمـدم. تمام تحصـیلات علوم دینی من تا لمعتین نزد مرحوم پدرم بود (که ازعلما و وعاظآن منطقه به شمار می رفت) ودرسال ۱۳۴۹به قم منتقل شده وپس ازآشنائی با وضع دروس حوزه همزمان با تحصل مکاسب وکفایه دردارالتبلیغ اسـلامی نیز مشغول تحصیل شدم که درسال ۱۳۵۴سطح راتمام کرده واز دارالتبلیغات اسـلامی فارغ التحصـیل شدم. مدت ۲سال در دارالزهراء مشـغول تدریس دررشـته های تفسـیر قرآن، تاریخ اسـلام وادبیات فارسی بودم. بعدا چون به تحقیق علاقه مند بودم باچند نفر ازرفقا لجنه تحقیقی تشـکیل دادیم وکتاب نفیس وبسـیار ارزشـمند مرحوم سید هاشم بحرانی بنام (غایه المرام وحجه الخصام) را زیر نظر مرحوم آیه الله آقای سید رضا صدر شروع به تحقیق وپاورقی نمودیم ونزدیک به ۴ سال این کار بطول انجامید که الحمد لله الآن ۳جلـد چـاپ شـده وبقیه زیر چاپ است (چاپ اول ۱۴۲۵ق ۱۳۸۳ش نشـر دانش حوزه) مقاله ای ازاینجانب درباره اصـلاحات ارضـی که پاسخی به یک نویسنده بود درروزنامه اطلاعات شنبه ۳۰ فروردین ۱۳۵۹به چاپ رسیده ضمنا چون اینجانب طبع شعر هم دارم اشعار زیادی به آذری وفارسی سروده ام که یکی ازاشعارم بعنوان (البلاءللولاء) درآخرین شماره مجله مکتب اسلام چاپ شده

است البته چون اینجانب واعظ ومنبری هستم فعلا اغلب فعالیتم دراین زمینه است
اللهم وفقنا لما تحب و ترضی علی اکبر فرجی هشترودی
۲۲/۲/۸۶

فرجی، حسین

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: متالورژی، دانشکده: متالورژی، دانشگاه: صنعتی شریف
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
دکترای مهندسی در رشته متالورژی از ایران.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشگاه صنعتی شریف.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
استخراج مس از باطله حاصله از فلوتاسیون مس، استخراج سولفات نیکل و نیکل از باطریهای اتم راکتور، استخراج نیکل از فولادهای نیکل دار، استخراج طلا و نقره از لجن‌های آندی الکترولیزی و استخراج طلا و نقره از مذاب سرب در هنگام پالایش حرارتی، استاد راهنمای ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
روشهای مختلف استخراج از کانه‌های مس، روشهای استخراج نیکل و روی و فرآیندهای مختلف و اقتصادی بودن آن.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱
زمینه علمی مقالات:
استخراج طلا- و نقره از مواد فرعی و نحوه فلوتاسیون از کالکرزین، استخراج فلز کادمیوم (cd) از باطریهای اتم راکتور، استخراج مس از کانه‌های اکسیدی مس.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

فرجیان، مرتضی

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شاعر، طنزپرداز.
تولد: چهاردهم مرداد ۱۳۱۳، تهران.
درگذشت: ۲۳ فروردین ۱۳۷۴، تهران.
مرتضی فرجیان علاوه بر طنزپردازی و تربیت طنزپردازان جوان و تصحیح اشعار شاعران جوان، دبیر بازنشسته‌ی وزارت آموزش و پرورش بود و طی سال‌های پیش از فوت، بیشترین لحظات عمرش با «گل آقا» گذشت. وی سردبیر مجله‌ی «گل آقا» بود. نخستین شعر طنز مرتضی فرجیان در سال ۱۳۲۷ در روزنامه‌ی فکاهی «توفیق» چاپ شد. اما آغاز همکاری مستمر او با آن روزنامه از سال ۱۳۴۲ بود که زمان توقیف «توفیق» بی‌وقفه ادامه یافت. اگرچه فرجیان بیشتر به شاعری شهرت دارد، اما در نثر هم قلمی توانا داشت. آثار او با نام‌های مستعاد «شاگرد تنبل»، «فینگلی»، «سید میرزا»، «گل تویی»، «هدی کوچولو»، «هاله»، «ابوشنبلیله»، «خان داداش» و... در جراید به چاپ رسیده است. علاوه بر «گل آقا» سرپرستی جلسات هفتگی شورای نویسندگان چندین نشریه‌ی طنز دیگر را نیز به عهده داشت.
آثار او به شرح زیرند: خنده بر هر درد بی درمان دواست؛ دیوان فینگلی (با مقدمه‌ی ابوالقاسم حالت)؛ لطفا لبخند بزنید؛ طنزسرایان ایران از مشروطیت تا انقلاب (سه جلد با همکاری محمدباقر نجف‌زاده بارفروش)؛ بیا با هم بخندیم.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فرخ

قرن:۱۳
جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن سیزدهم هجری، از زنان شاعر. پدرش نجفقلی میرزای والی، پسر میرزا حسینعلی فرمانفرما و نوه فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ – ۱۲۱۲ ق) بود. بیت زیر از اوست:

زلف مسلسل به رخ آتشین

ازلفت الجنة للمتقین[۱]

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی از فرزندزادگان فتحعلی‌شاه قاجار و نوه‌ی حسینعلی میرزا فرمانفرما بود. از اوست:

زلف مسلسل به رخ آتشین

ازلفت الجنه للمتقین[۲]

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :[۱] منابع: تاریخ عضدی، ۱۹۲؛ حدیقهٔالشعراء ۲۱۸۷ / ۳.

[۲] حدیقه الشعراء (۲۱۸۷ / ۳)، مشایهر زنان (۱۸۳ –۱۸۲).

فرخ اصفهانی، کلبعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، شاعر. اجدادش از کارمندان جزء دیوانی بوند. وی چندی به سیاحت و پیله‌وری پرداخت ولی پس از مدتی به کارهای دیوانی روی آورد. فرخ در انجمن شعرای اصفهان شرکت می‌جسته و دیوان بیگی او را در ۱۳۰۲ ق در این انجمن ملاقات کرده است. از اوست:

اگر تو تیغ زنی من سپر نیندازم

که طالبان ولا از بلا نیندیشند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۳۰۸ –۱۳۰۷ / ۲).

فرخ خراسانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۶۷(۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۱۴ ق.)، مشهد.

درگذشت: ۲ اردیبهشت ۱۳۶۰، مشهد.

سید محمود فرخ خراسانی متخلص به «فرخ» فرزند سید احمد جواهری متخلص به «دانا»، مقدمات فارسی و عربی را در مدارس قدیمه (مکتبی در مجاورت منزلشان) آموخت، الفبای قرآن را فراگرفت و کتاب‌های موش و گربه و حسنین و عاق والدین و حسین کرد و نصاب الصبیان و گلستان سعدی را خواند، امثله و صرف میر را در یکی از حجره‌های صحن نو از آخوند مکتبداری به نام ادیب‌السلطنه آموخت. فنون ادب را (انموذج و هدایهٔ و مغنی و مطول) از محضر شیخ محمدحسین سبزواری و پدر خود (کتاب گوهر مراد را پیش پدرش خواند) فراگرفت، در هشت سالگی به نظم شعر پرداخت، بیشتر اشعار وی به سبک خراسانی است.

سال‌ها تصدی امور آستان قدس رضوی را بر عهده داشت و چندی نیز کفیل استانداری خراسان بود. وی در همان حال عضویت هیئت مدیره کارخانه‌ی نخ‌ریسی و برق خسروی را نیز داشت. ضمنا دوره‌های دوازدهم و سیزدهم مجلس شورای ملی نماینده‌ی قوچان بود. در سال‌های آخر عمر در مشهد انزوا گزید و به تأسیس انجمن ادبی فرخ اقدام کرد. در سال ۱۳۵۳ دانشگاه مشهد به محمود فرخ مقام استادی افتخاری دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی آن دانشگاه را اعطاء کرد.

فهرست آثار وی به شرح زیر است: تصحیح و چاپ تاریخ مجمل فصیحی خوافی (سه جلد، ۱۳۳۹)؛ مناظرات و اخوانیات، سفینه‌ی فرخ (دو جلد، ۱۳۳۲)؛ دیوان اشعار (شامل چهار هزار بیت که به چاپ نرسیده است)؛ روضه‌ی خلد (۱۳۴۵)؛ مثنوی فروزنده و منتخب آثار و شرح احوال استاد منشی باشی نصرت (۱۳۳۱)؛ خلاصه‌ی احوال و منتخب آثار اوحدی اصفهانی معروف به مراغه‌ای و مثنوی منطق‌العشاق یا ده نامه‌ی احدی (۱۳۳۵). از فرخ چند مقاله تحقیقی و ادبی در مجله‌های «آینده» «یغما» «فرهنگ خراسان» و «یادگار» طبع شده است.

ادیب و شاعر توانای معاصر، فرزند میرزا احمدخان جواهری خراسانی، در ۱۲۷۴ ش در مشهد تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی وارد حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد شد و نزد علمای مشهور آن زمان از جمله ادیب نیشابوری، ادبیات فارسی و عربی را به حد کمال رسانید و به خدمت آستان قدس رضوی درآمد. وی از جوانی در تشکیل انجمنهای ادبی در مشهد و همکاری با مطبوعات پیشقدم بود و اشعار او در بیشتر جراید انتشار می‌یافت. فرخ در ادوار دوازدهم و سیزدهم مجلس شورای ملی که انتخابات هر دو دوره در اوج دیکتاتوری انجام گرفته بود، وکیل شد ولی از آن پس همچنان در آستانه مشغول کار بود. مدتی نیز کفیل آستان قدس رضوی بود و بیشتر وقت او صرف کارهای ادبی می‌شد. وی را باید یکی از شعرای بزرگ معاصر دانست، مخصوصا در

قصیده در زمره‌ی چند استاد معاصر می‌باشد. در سن ۸۴ سالگی در مشهد وفات یافت. تالیفات زیادی از او باقی مانده است.

(۱۳۶۰ -۱۲۷۵ ش)، مصحح و شاعر، متخلص به فرخ. در شهر مشهد به دنیا آمد. پدرش از ادیبان خراسان بود. علوم مقدماتی را در مدارس قدیمه‌ی آن شهر و فنون ادب را در محضر شیخ محمد حسین سبزواری و پدر خود آموخت و در هشت سالگی به نظم شعر پردات. وی دارای مشاغل مختلفی، از جمله: ریاست دفتر آستان قدس رضوی، نمایندگی مردم قوچان در دوره‌های دوازدهم و سیزدهم مجلس شورای ملی بود. فرخ در ۱۳۲۳ ش به ازبکستان سفر کرد. از آثارش: «سفینه‌ی فرخ»؛ تصحیح «مجمل فیحصی»؛ تصحیح کتاب «روضه‌ی خلد»، مجد خوافی؛ «خلاصه‌ی احوال و منتخب آثار اوحدی اصفهانی».[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۷، ش ۴، ص ۳۳۰ -۳۲۱)، ادبیات معاصر (۷۹ -۸۷)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۶۷ -۶۴ / ۵)، سخنوران نامی (۲۹۹ -۲۹۰ / ۱)، سخنوران نامی معاصر (۲۶۲۳ -۲۶۱۸ / ۴)، صدف (۵۴۲ -۵۳۳)، صد سال شعر خراسان (۴۳۱ - ۴۱۸)، فرهنگ سخنوران (۶۹۷)، مؤلفین کتب چاپی (۷۲ -۷۱ / ۶).

فرخ زند، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۱۲۴۳ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به فرخ. مشهور به خانلرخان و معروف به فرخ زند. از نوادگان دختری محمد حسن‌خان قاجار بود. پس از فتح شیراز و قتل‌عام طایفه‌ی زند به دست آغامحمدخان قاجار، به دلیل خویشاوندی نزدیک از قتل رهید و بعدها در دربار آغا محمدخان و فتحعلی‌شاه مقرب شد، تا آنجا که در شورش عباسقلی‌خان، پسر ابراهیم‌خان، در کرمان از طرف فتحعلی‌شاه مأمور شد، که به کرمان رود و عاقبت کار را به او گوشزد نماید. وی سرانجام در هنگام بازگشت از کرمان در منطقه‌ای به نام باغین، در نزدیکی کرمان، توسط افراد عباسقلی‌خان به قتل رسید. در بیشتر مأخذ وفات فرخ در ۱۲۳۷ ق ذکر شده که ظاهرا اشتباه است. از آثار وی «دیوان» شعر می‌باشد. به گفته‌ی محمودمیرزا قاجار در «سفینه المحمود»، فرخ زند بر علوم ریاضی و هندسه نیز مسلط بوده و به حکم فتحعلی‌شاه کتابی در این زمینه تألیف نموده است. همچنین گفته، که فرخ در طبابت نیز دست داشته است. از دیگر آثار وی می توان به مثنوی «جمشید و خورشید» اشاره کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۳۱۲ -۱۳۰۸ / ۲)، الذریعه (۸۱۹ -۸۱۸ / ۹، ۱۳۳ / ۵)، ریحانه (۳۱۸ -۳۱۷ / ۴)، سفینه المحمود (۱۲۳ -۱۱۷ / ۱)، شرح حال رجال (۹۲ / ۵)، مجمع الفصحا (۸۰۷ -۸۰۶ / ۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۴۰ -۱۳۹)، نگارستان دارا (۱۲۰ - ۱۱۸ / ۱).

فرخ قاجار، فریدون

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۷۲ -۱۲۷۰ ق)، شاعر. ملقب به فرمانفرما. در اغلب سفرهای پدرش، عباس‌میرزا، بود. پس از به پادشاهی رسیدن محمدشاه به فرمانفرمایی فارس منسوب شد. سپس ولایت خراسان یافت و به سرکوبی خوانین ترکمان پرداخت و بالاخره در شهر مشهد از دنیا رفت. اثر وی «دیوان» شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۳۱۶ -۱۳۱۲ / ۲)، الذریعه (۸۱۹ / ۹)، شرح حال رجال (۹۴ -۹۲ / ۳)، مجمع الفصحا (۹۵ -۹۰ / ۱).

فرخ، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی فرخ

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۷/۳

زندگینامه علمی

بعد از گرفتن دیپلم طبیعی در سال ۱۳۵۶ شمسی به مدت شش ماه در شروع انقلاب اسلامی در رشته حسابداری صنعتی وارد

انستیتو تبریز شدم و در واقعه ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ که در چهلم شهدای قم اتفاق افتاد در میان تظاهرات بودم بعد از جریان انقلاب یک سال قبل از طلبگی در دو اردویی که در تهران و قم شرکت نمودم با تاریخ عمومی و تاریخ صد ساله اخیر و اساطیر و .... آشنا شدم. بعد در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه شدم . در سال ۱۳۶۵ در دایره درسی استاد بزرگوار حسن زاده آملی در مسجد معصومیه وارد شدم و با ایشان تا سالهای ۱۳۷۰ همراهی داشتم. و درسهایی را از قبیل اشارات و هیئت و مصباح همراه بودم بعداً از نوار درسی فصوص الحکم ایشان استفاده نمودم و همچنانکه به درسهای حوزوی مشغول بودم علاقه شدید به درسهای معارف از جمله تفسیر و عرفان و ... داشتم به این خاطر بعد از چند سالی درس فقه و اصول وارد حلقه درسی استاد عالیقدر جوادی آملی در درس تفسیر شدم که اکنون که در تاریخ دفتر درسی دارم از سال ۱۳۷۶مستمراً با ایشان همراهی نموده ام و احساس می کنم که اگر چیزی از حوزه گرفته ام از پای استاد حسن زاده آملی و جوادی آملی بوده است و تبلیغ را هم البته از جمله وظایف و واجب عینی برای خود و هر طلبه ای می دانم و در سالهای ۱۳۷۴ که دیوان طلوعی گیلانی را تنظیم و چاپ نمودم همراه عده ای از دوستان وارد تصحیح بعضی از کتب و مقالات دارالحدیث شدم که تا چند سال پیش ادامه داشت که نهایتاً به تحقیق درباره زندگی خاندان ملا محمد جعفر شریعتمدار (استر آبادی) تهرانی کشید که تحقیق وسیعی از زندگانی وی و خانواده اش که دارای مجتهدین و فضلای بزرگانی از ۲۰۰ سال پیش تا روزگار ما بوده اند و اکنون هم خانواده اش در تهران معروفند تحقیق کاملی نمودم که حاصل آن تحقیقات اکنون در دست چاپ است که این تحقیق به کمک و یاری خانواده اش صورت گرفت و علاوه بر اینها می توانم تاکید کنم که در علومی همچون ریاضی و فیزیک، برق و الکترونیک و علوم طب قدیم و ... آشنایی نسبی دارم یعنی نسبتاً با علوم جدید آشنایی داریم چون یکی از چیزهایی که در حوزه به آن برخورد می شود این است که طلاب علوم دینی بخاطر اقتضای طلبگی نسبت به علوم متداول روز بیگانه هستند و آشنایی چندانی ندارند.

فرخزاد، فروغ

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

فروغ فرخزاد شاعره معاصر در سال ۱۳۱۳ شمسی در تهران به دنیا آمد. فروغ پس‌از پایان کلاس سوم دبیرستان به هنرستان بانوان رفت و خیاطی و نقاشی یاد گرفت. درشانزده سالگی به پرویز شاپور یکی از بستگان مادرش که پانزده سال از او بزرگتر بود دل باخت و علیرغم مخالفت خانواده با او ازدواج کرد و به اهواز رفت ;ولی کمتر از دو سال‌بعد از همسرش طلاق گرفت و به تهران بازگشت . فروغ شاعری را از هفت سالگی آغاز کرد و نخستین مجموعه شعر او در سال ۱۳۳۱چاپ شد. دومین مجموعه شعر فروغ (دیوار) در بیست و یک سالگی این شاعره چاپ شد و بدلیل برخی گستاخی‌ها و سنت شکنی ها مورد نقد و سرزنش ادبا قرار گرفت. فروغ فرخزاد یک سال بعد علیرغم ملامت شخصیتهای ادبی، سومین مجموعه شعر خود بنام عصیان را چاپ کرد ;این سه مجموعه شعر اشعاری بودند زنانه ، سرکش، رومانتیک وبحث انگیز. فروغ سپس جذب فعالیتهای سینمائی شد و در سال ۱۳۳۸ برای مطالعه و تجربه سینما به انگلستان رفت. وی پس از بازگشت در سال ۱۳۴۱ فیلم مستندی از جذامیان تبریز بنام (خانه سیاه است) تهیه کرد که این فیلم در سال ۱۳۴۲ برنده جایزه بهترین فیلم مستند فستیوال اوبرهاوزن ایتالیا شد. فروغ در روز دوشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۴۵ دراثر سانحه تصادف رانندگی در سن سی ودو سالگی در گذشت. آثار: مهم‌ترین آثار فروغ فرخزاد عبارت است از: اسیر(۱۳۳۱) ،دیوار (۱۳۳۵) ،عصیان(۱۳۳۶) تولدی دیگر(۱۳۴۲) ایمان بیاوریم به‌فصل سرد(۱۳۵۲) برگزیده اشعار(۱۳۵۳) گزینه اشعار(۱۳۶۴) که سه کتاب اخیر پس ازمرگ وی منتشر شدند. منابع زندگینامه :پایگاه یاد یار

فرخنده ساوجی

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، شاعر. وی همسر سیف لشکر خلج بود که در قریه‌ی عبدالله‌آباد نزدیک ساوه زندگی می کرد. فرخنده از کودکی شعر می‌سرود و در اواخر عمر گویا نابینا شد اما این عارضه او را از شعر گفتن باز نداشت. قصیده و غزل را نیکو می‌سرود. ازآثارش: «دیوان» شعر که با مقدمه‌ای از افخم‌السادات سلطانی به چاپ رسید و مشتمل بر سه مجموعه شعر: «ساقی‌نامه»، «گل و بلبل» و «غدیریه» می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از رابعه تا پروین (۱۸۳ -۱۷۹)،اندیشه‌نگاران زن در شعر مشروطه (۹۹)، الذریعه (۸۱۹ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۹۸)، مشاهیر زنان (۱۸۳)، مؤلفین کتب چاپی (۸۱۰ / ۴).

فرخنده، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: صنایع شیر، دانشکده:-، دانشگاه: آزاد اسلامی کرج

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترا در رشته صنایع شیر از انستیتو ناسیونال آکرونومیک شهر پاریس، طی دوره تخصصی در زمینه بهداشت شیر در شهر هلسینکی فنلاند.

مرتبه علمی:

استاد دانشگاه آزاد اسلامی کرج.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بهداشت و صنایع مواد غذائی بویژه شیر و فرآورده‌های آن، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۶۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اصول بهداشت و صنایع شیر، روش‌های آزمایش شیر و فرآورده‌های آن، شیر و بهداشت همگانی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

بهداشت و صنایع مواد غذایی بویژه شیر، دامپزشکی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

فرخی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بخش ۱: فرخ) یزدی، محمـد بن ابراهیم، آزادیخواه و شاعر (و. یزد ۱۳۰۶ ه.ق- ف. تهران ۱۳۱۸ ه.ش). وی مردی مبارز و منتقد و بی‌باک بود. در سال ۱۳۴۰ ه.ق روزنـامه‌ی طوفـان را منتشـر کرد. در دوره‌ی هفتـم از طرف اهـالی یزد به نماینـدگی مجلس شـورا انتخاب شـد. بر اثر افکار سوسـیالیستی محکوم به حبس گردید و در زندان قصـر (تهران) درگذشت. غزلیات تأثرآور و رقت‌انگیزی در زندان ساخته است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

فرخی سیستانی، ابوالحسن علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۹ ق)، شاعر. اهل سیسـتان بود. در جوانی نزد یکی از دهقانان سیسـتان به کار مشـغول شد. سـپس به دربار چغانی درآمد و مورد توجه ابوالمظفر احمـد بن محمد چغانی قرار گرفت. وی بعدها به دربار محمود غزنوی راه یافت. فرخی در سـفرهای جنگی به همراه سـلطان محمود می‌رفت و کشورگشاییهای او را توصـیف می کرد.وی از علوم ادبی و موسیقی اطلاعات کاملی داشت. فرخی در جوانی درگـذشت. اثرش «دیوان» شـعری است مشـتمل بر قصیده، غزل، قطعه و ترجیع‌بند. در تذکره‌ها نام پدر او جولوغ، قلوغ و جولوع ذکر شده است.[۱]

(بخش ۱: فرخ) سیسـتانی، ابوالحسن علی بن جولوغ شـاعر ایرانی (ف. ۴۲۹ ه.ق) پدرش در خدمت امیر خلف بانو صاحب سیسـتان بسر می‌برد. و وی در آغاز در سیستان خدمت دهقانی می‌کرد، پس از ازدواج خرجش بیفزود و از دهقان تقاضای حقوق بیشتر کرد ولی او موافقت ننمود. پس فرخی که صیت شهرت و بخشش ابوالمظفر احمد بن محمد چغانی را شنیده بود به سوی چغانیان رفت با قصیده‌ای به مطلع:

«با کاروان حله برفتم ز سیستان

با حله‌ی تنیده ز دل، بافته ز جان»

و در آن بدین بیت به مدح امیر تخلص کرده بود:

«تا نقش کرد بر سر هر نقش برنوشت

مدح ابوالمظفر شاه چغانیان»

هنگامی که فرخی به چغانیان رسـید، امیر برای داغ کردن کرگان به داغگاه رفته بود. فرخی قصـیده‌ی خود را به خواجه عمید اسـعد پیشـکار امیر، عرضه داشت. عمید اسـعد که مردی شعرشـناس بود او را با کفش و دسـتار سگزی و جامه‌ای مندرس و جبه‌ای پیش و پس چاک دید و شـعر او را بسـیار عالی یافت، باور نکرد که قصـیده از او باشد، امتحان را بدو گفت: امیر در داغگاه است، و آنگاه

وصف داغگاه کرد و او را بفرمود: قصیده‌ای بساز تا تو را به داغگاه، خدمت امیر، برم. فرخی همان شب قصیده‌ی معروف داغگاه را بساخت و روز بعد نزد او برد. مطلع این قصیده چنین است:

«چون پرند نیلگون بر روی پوشد مرغزار

پرنیان هفت رنگ اندر سر آرد کوهسار»

خواجه عمید اسعد فرخی را نزد امیر برد و چنین گفت: «ترا ای خداوند! شاعری آورده‌ام که تا دقیقی روی در نقاب خاک کشیده، کس مثل او ندیده». امیر فرخی را بنشاند و دستور داد قصیده را بخواند. فرخی برپای خاست و با آواز دو قصیده‌ی مذکور را برخواند. امیر او را بفرمود که به میان کرگان رود و از آنها هر قدر تواند بگیرد، او را باشد. فرخی مدتی این سوی و آن سوی دوید و نتوانست آنها را بگیرد. عاقبت دسته‌ای از کرگان به میان رباطی شدند و فرخی مانده شد و بر در رباط بخوابید. واقعه را به امیر اطلاع دادند. صبح روز بعد فرخی را بخواند و همه‌ی آنها را بدو بخشید و کار او بالا گرفت. سپس فرخی به دربار محمود غزنوی رفت و چون محمود او را متجمل دید به همان چشم برو نگریست و مکانت او بیش شد. وی در قصیده‌سرایی چیره‌دست است و در استفاده از افکار و احساسات عادی و بیان آنها به زبان ساده و روان مهارت دارد. جز چند مورد محدود به وی اندوهی از شعر او نمی‌آید. همیشه دلش در گرو عشق خوبان است:

«مرا دلیست گروگان عشق چندین جای

عجبتراز دل من دل نیافرید خدای»

سادگی و صراحت لهجه در ابراز احساسات عاشقانه در غالب اشعار او جلوه‌گر است. او محمود غزنوی و امیرمحمد و مسعود (پسران محمود) را مدح گفته است. دیگر از ممدوحان وی امیر ابوالمظفر چغانی و احمد بن حسن میمندی و ابوسهل حمدوی و ابوسهل زوزنی می‌باشند. فرخی در موسیقی مهارت داشت و این امر علاوه از تصریح نظامی عروضی از اشارات متعدد شاعر نیز برمی‌آید. وی چنگ نیکو می‌نواخت. فرخی یکی از بهترین شاعران قصیده‌سرای ایران است. سخنان وی در میان قصیده‌سرایان به سادگی و روانی و استحکام و متانت ممتاز است، تا آنجا که گفته‌اند سخن سهل ممتنع در عربی خاص ابوفراس حمدانی و در پارسی خاص فرخی است. تغزلات فرخی از حیث اشتمال بر معانی بدیع عشقی و احساسات بی‌پیرایه- که گاه بی‌پرده اظهار شده- مشهور است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۴۴۲ -۴۲۵ / ۲)، با کاروان حله (۵۴ -۴۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۴۶ -۵۳۱ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۹ -۳۸)، تذکره الشعراء (۶۵ -۶۳)، چشمه‌ی روشن (۶۱ -۴۵)، دایره المعارف فارسی (۱۸۶۸ / ۲)، الذریعه (۸۲۰ -۸۱۹ / ۹)، ریحانه (۳۱۸ / ۴)، سخن و سخنوران (۱۳۴ -۱۲۴)، سیری در شعر فارسی (۲۴۷ -۲۴۳، ۲۲ -۲۱)، فرهنگ سخنوران (۶۹۸)، الکنی و الالقاب (۲۰ / ۳)، لباب الالباب (۵۰ -۴۷/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ فرخی)، مجمع الفصحا (۱۱۰۲ -۱۰۵۴ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۳ -۳۳۱ / ۴)، هفت اقلیم (۲۹۳ -۲۸۶ / ۱)، یاد داشتهای قزوینی (۱۰۰ / ۶).

فرخی یزدی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۷- مقتول ۱۳۱۸ ش)، شاعر. در یزد به دنیا آمد. از یک خانواده فقیر برخاست و تحصیلات مقدماتی را در مدرسه مرسلین انگلیسی یزد به پایان برد. استعداد شاعری فرخی از همان پشت نیمکت مدرسه آغاز گردید. پانزده ساله بود که به علت سرودن اشعاری از مدرسه اخراج و چندی به کارگری مشغول شد تا دوران مشروطیت به گروه آزادی‌خواهان پیوست. در نوروز ۱۲۸۹ در مسمطی خطاب به حاکم یزد او را مورد انتقاد قرار داد و در پی آن به دستور حکمران لبان وی را با نخ و سوزن دوختند و به زندانش افکندند، یکی دو ماه بعد به تهران گریخت و به صف مبارزان ملی پیوست. در ۱۳۰۰ ش روزنامه «طوفان» را منتشر کرد ولی این روزنامه تا سال هفتم پانزده بار توقیف شد. تا این که در سال هشتم مجله‌ی هفتگی «طوفان» را جایگزین روزنامه‌ی «طوفان» نمود. در ۱۳۰۶ ش جزو هیاتی برای شرکت در جشن دهمین سال انقلاب اکتبر به روسیه رفت و اشعاری در این زمینه سرود و سفرنامه‌ای هم نوشت. فرخی در دوره هفتم مجلس از طرف مردم یزد نماینده مجلس شد ولی بعدها به دلیل فقدان امنیت جانی به مسکو از آنجا به آلمان گریخت و در برلین که مرکز مهاجران ایرانی بود مقالات تندی در روزنامه‌ی «پیکار» منتشر کرد که باعث اخراج وی از آلمان گردید. فرخی پس از اخراج به خواهش تیمورتاش به ایران بازگشت. ولی پس از مدتی اقامت در ایران دستگیر و زندانی شد و سرانجام در بیمارستان شهربانی تهران درگذشت. وی روزنامه‌نگار و شاعری توانا، ملی و سیاسی بود که خود را عاشق آزادی می‌نامید و در تمام اشعار خود از این عشق مقدس دفاع و حمایت می کرد. اثر وی «دیوان» شعر می‌باشد.[۱]

(میرزا) ابن (میرزا) موسی، از رجال اواخر قر. ۱۳ و اوایل قر. ۱۴ ه. (ف. تهران ۱۳۱۰ ه.ق.). وی در دوره ناصرالدین شاه قاجار وزیر تهران بود و در سنی قریب به ۵۵ سالگی به مرض وبا درگذشت.

فرزند میرزا ابراهیم یزدی، متولد ۱۲۶۷ ش است. تحصیلات خود را مطابق زمان در زادگاه خویش انجام داد، به ادبیات فارسی و فلسفه و سایر علوم متداول روی آورد و در جوانی فضل و سوادی پیدا کرد. زبان فرانسه را هم یاد گرفت. با خواندن بعضی از آثار نویسندگان خارجی سطح فکرش نسبت به زمان خود جلو بود. چون از کودکی طبع شعر داشت و اشعاری می‌سرود، طبعا طرز فکر او کاملا۔ در اشعارش هویدا شد. در جوانی به تهران آمد و تاره مشروطیت در ایران قوام گرفته بود که با مطبوعات شروع به همکاری نمود. اشعارش در چند روزنامه‌ی تندرو چاپ می‌شد. گاهی مقالاتی هم در زمینه‌های مختلف ولی انتقادی و خیلی تند

منتشر می‌کرد. در جوانی مسافرتی به خارج نمود و مدتی در شوروی که در حال انقلاب بود به سر برد و چون بازگشت مستقیما به انتشار روزنامه‌ی طوفان همت گماشت. انتشار روزنامه‌ی طوفان با تغییراتی در ایران مصادف بود. از شماره‌ی اول معلوم شد که طوفان جریده‌ای تندرو و انقلابی و منقد است. فرخی و روزنامه‌اش بدون اینکه وابسته به دسته یا حزبی باشد، به دولتها حمله می‌کرد مخصوصا اشعار نغز و خوبی می‌سرود. رباعی‌های او که هر روز روی مسائل جاری کشور در چهاربیت می‌سرود، فوق‌العاده مورد توجه قرار می‌گرفت و روزنامه‌اش واقعا بین توده‌ی مردم طرفداران زیادی داشت و مقام اجتماعی‌اش یک شاعر ملی و روشنفکر بود. در دوره‌ی هفتم، فرخی از طرف مردم یزد به وکالت مجلس شورای ملی انتخاب گردید. عباس مسعودی در کتاب اطلاعات در ربع قرن درباره‌ی فرخی شرح جامعی تهیه کرده که با توجه به سایر نوشته‌ها اصولی‌تر به نظر می‌رسد. عینا شرح مزبور را در زیر نقل می‌کنیم.

در مجلس هفتم اقلیت کوچکی وجود داشت که در راس آن مرحوم فرخی نماینده یزد و مرحوم محمدرضا طلوع نماینده‌ی لاهیجان بود. این دو نفر اوضاع را سخت انتقاد می‌کردند اغلب جلسات می‌خواستند قبل از دستور صحبت کنند ولی اکثریت موافقت نمی‌کرد در یک جلسه فرخی گفت بگذارید من حرفهایم را بزنم من از حقوق خود استفاده می‌کنم ولی مجلس موافقت نکرد در جلسه دیگری محمدرضا طلوع گفت اینجا مامن آزادی و جای اظهار حقایق است اگر من اینجا حرف نزنم کجا حرف بزنم. ما باید از پشت همین تریبون بگوئیم فلان وزیر حق ندارد مردم را در محبس خصوصی خودش حبس کند (مقصود ناطق سرتیپ بوذرجمهری بود که از کفالت بلدیه تهران به وزارت فوائد عامه منصوب شده بود و در خود وزارتخانه یکی از اعضای وزارتخانه را زندانی نمود) باز اجازه ندادند ناطق حرف بزند زیرا رای به ورود در دستور گرفتند و تصویب شد و فرخی فریاد زد اوضاع شتر گاو پلنگ است مرحوم زوار به او گفت خفه‌شو فرخی فریاد زد و وزیر فوائد عامه آدم حبس می‌کند دیگری فریاد زد سوال کنید دولت را استیضاح نمائید) همهمه وکلاء و زنگ رئیس) مرحوم طلوع و فرخی از جلسه خارج شدند.

مرحوم فرخی به مخالفتهای خود ادامه داد و دامنه آن را وسعت داد روزی از فروش جواهرات سلطنتی برای سرمایه بانک اظهار نگرانی شدید نمود و گفت حیف و میل می‌شود و روزی دیگر باز اعتراض به جریانات کشور می‌نمود و حمله به زمامداران و در لفافه به شاه فقید اعتراض می‌کرد.

این جریان ادامه داشت تا آخر دوره هفتم روزی که فردای آن مجلس خاتمه می‌یافت و مصونیت فرخی تمام می‌شد آن مرحوم ناپدید شد پس از مدتی معلوم شد فرخی بدون پاسپورت از وحشت این که او را دستگیر خواهند کرد راه شوروی را در پیش گرفته و به آن کشور رفته است پس از چند ماهی به آلمان رفت و چند سال در برلن گذرانید تا اینکه مرحوم عبدالحسین تیمورتاش او را در سفر اروپا دعوت به ایران نمود و اطمینان داد که به هیچ وجه نظری نسبت به او نبوده و نیست مرحوم فرخی به ایران آمد و حضور شاه رفت و مورد مهر ملوکانه قرار گرفت. چند سال به این منوال گذشت کسی را با او کاری نبود اما پس از چندی ابتدا مورد تعقیب حقوقی از جانب طلبکاران خود قرار گرفت ولی این رشته دامنه پیدا کرد زیرا خود آن مرحم حاضر نبود با طلبکاران اصلاح نماید می‌گفت نه این دام را برای من گسترده‌اند و می‌خواهم در محبس بمانم و احساسات شدیدی بر علیه اوضاع قبل از گرفتاری و هنگام زندان از خود ظاهر می‌ساخت یک بار در زندان دادگستری تریاک خورد و معالجه شد متاسفانه حبس حقوقی او که بی‌اهمیت بود در نتیجه تعرضاتش گزارشها و پرونده‌هائی مستنطقین بر علیه او تنظیم نمودند به حبس سیاسی تبدیل گردید و از کسانی است که بعد از چندی زندانی در محبس نظمیه دار فانی را وداع گفت.

بدون شک فرخی یزدی یکی از غزلسرایان بزرگ قرن اخیر است غزلیات وی بسیار معروف می‌باشد مخصوصا آن قسمتی که در زندان سروده است از افکار متالم و دردناک شاعر متاثر می‌باشد. او در سال ۱۳۱۸ در ۵۱ سالگی به قتل رسید. درباره‌ی افکار فرخی باید گفت بدون شک عقاید سوسیالیستی رسوخ کامل داشته و نوشته‌ها و آثار او اعم از منثور و منظوم این حقیقت را بیانگر است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۱۷، ش ۸ –۵، ص ۵۲۴)، از نیما تا روزگار ما (۵۰۹ –۵۰۳)، تاریخ جراید و مجلات (۱۸۶ –۱۶۸ / ۳)، تذکره سخنوران یزد (۶۴۳ –۶۳۱)، چون سبوی تشنه (۷۱ –۷۰)، دیوان فرخی (مقدمه)، الذریعه (۸۲۰ / ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۷۴ –۶۸ / ۵)، سخنوران نامی (۳۲۶ –۳۱۳ / ۱)، سخنوران نامی معاصر (۲۶۳۷ –۲۶۳۲ / ۴)، شخصیت‌های نامی (۳۶۹ – ۳۶۸)، مؤلفین کتب چاپی (۶۶۰ –۶۵۹ / ۵).

فرخی، صمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فیزیک و علوم تربیتی از دانشکده علوم دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۶ و دکترای دولتی فیزیک از دانشگاه سوربن پاریس در سال ۱۳۴۴.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه تهران از سال ۱۳۳۶.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق در سیستم خلاء و انـدرگراف مرکز اتمی دانشگاه تهران، مطالعه در جریـان سیالات درون محیطهـای متخلخل، مطالعه اثر نیروهـای اصـطکاک در تخلخـل، تحقیق در ساختـار کبریت و اجزاء تشکیل دهنـده آن، تـدریس دروس مکانیـک فیزیـک، شـتاب دهنده‌های ذرات باردار، تکنیک خلاء و فیزیک پایه یک در دانشگاه تهران، استاد راهنمای ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

فیزیک شتاب دهنده‌ها، خلاءسازی و خلاسنجی، روشهای فوق خلاء، سطح مقطع موثر ذرات $H_2^+D_2^-H^+$ مکانیک برکلی، فرهنگ واژه‌های اتمی و هسته‌ای، کمیت‌ها، یکاها، نهادها و ثابت‌های بنیادی فیزیک.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸ تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تهویه و تبریـد اطاقهـا با استفاده از انرژی آفتاب، روش نو برای بـدست آوردن اجسام با خصوصـیات فیزیکی تازه، ساخت و مطالعه لایه‌های نازک فتوکانداکتیو از CDS، پراکندگی نور در دو قسمت، اصول بقاء در فیزیک، شتاب دهنده واندوگراف.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

فردانش، هاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر هاشم فردانش در سال ۱۳۳۰ در شـهر تهران بدنیا آمد ایشان دارای دکتری رشته روانشناسی و تکنولوژی آموزشی از دانشگاه کالیفرنیای جنوبی، لوس آنجلس آمریکا می باشد. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تربیت مدرس می باشد.گروه : علوم انسـانی رشـته : روان شناسـی گرایش : روانشناسـی و تکنولوژی آمورشـی تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : تحصـیلات دکـتر فردانش به ترتیب زیر است: - لیسانس اقتصاد، دانشگاه شیراز، شیراز ایران - فوق لیسانس تکنولوژی آموزشی، دانشگاه سیراکیوس، سیراکیوس، نیویورک آمریکا - دکترا روانشناسـی و تکنولوژی آمورشـی، دانشگاه کالیفرنیای جنوبی، لوس آنجلس آمریکا مشاغل و سـمتهای مورد تصـدی : سوابق کاری دکتر فردانش به قرار زیر است: دانشـیار (۱۳۷۸ - تا کنون) دانشـکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران ایران. استادیار (۱۳۷۱ - ۱۳۷۸) دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. استادیار (۱۳۷۸ - ۱۳۶۵) سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، وزارت آموزش و پرورش، تهران، ایران. مدیر کل دفتر تکنولوژی آموزشی (۱۳۷۰ - ۱۳۶۹) سازمـان پژوهش و برنـامه ریزی آموزشـی، وزارت آمـوزش و پرورش، تهران ایران. عضـو انجمـن ایرانی تعلیم و تربیت از سال ۱۳۸۱ تا کنون عضو (EARLI (European Association for Research on Learning and Instruction از سـال ۱۳۸۳ تـا کنـون عضـو هیئت تحریریه نـوآوری هـای آموزشی، علمی پژوهشـی عضو هیئت تحریریه دانش و پژوهش علمی ترویجی عضو هیئت تحریریه مطالعات تربیتی و روانشناسـی، علمی پژوهشـی آرا و گرایشـهای خاص : علایق دکتر فردانش به شـرح زیر است: نظریه های آموزشی، طراحی آموزشـی، برنامه ریزی و توسعه آموزشی ، روشهای تدریس ، رویکردهای آموزشی، نظریه های یادگیری ، و تمام عنوان هایی که با تدریس و آموزش مربوط استجوائز و نشانها : دکتر فردانش لوح تقدیر پژوهشگر برتر سال، ۱۳۷۹ را از معاونت پژوهشـی دانشگاه تربیت مدرس دریافت کردند. چگونگی عرضه آثار : - تعداد مقالات منتشر شده در مجلات معتبر علمی : ۱۵ مقاله - تعـداد مقالات ارائه شـده در سـمینارها و کنفرانسـها: ۷ مقـاله - تعـداد رساله های راهنمایی شـده دکتری : ۹رساله - تعـداد رساله های تحت مشاوره دکتری : ۸ رساله - تعداد رساله های راهنمایی شده کارشناسـی ارشد : ۱۱ رساله - تعداد رساله های تحت مشاوره کارشناسـی ارشد : ۱۰ رسـاله آثـار : راهبردها و فنون طراحی آموزشـی (چاپ سوم) ویژگی اثر : ترجمه - ۱۳۷۴، تهران ۲ طراحی نظـام هـای آموزشـی ویژگی اثر : ترجمه - ۱۳۷۹، تهران ۳ مبـانی نظری تکنولوژی آموزشـی (چاپ هفتم) ویژگی اثر : ۱۳۸۲، تهران -تجدید چاب همراه با تجدید نظر ۴ مبانی نظری تکنولوژی آموزشی ویژگی اثر : تالیف-۱۳۷۲ ، تهران۵ یک فصل از کتاب "علوم تربیتی ماهیت و قلمرو آن" ویژگی اثر : تالیف- ۱۳۸۰، تهران

فردوس

قرن:۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س شـشم ق)، شاعر. از زنان شاعر سـمرقند بود و در دوره‌ی سلطان محمد خوارزمشاه (۶۱۷ -۵۹۶ ق) می‌زیست. مطربه زمانی که محمد خوارزمشاه، سلطان غور را شکست داد مطلع زیر را در مدح سلطان سرود:

شاها ز تو غوری به لباسات بجست

مانندهٔ جوژه از کف خات بجست

از اسب پیاده گشت و رخ پنهان کرد

فیلان به تو شاه داد و از مات بجست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ گزیده (۷۵۷، ۴۰۶)، تاریخ نظم و نثر (۲۲۴)، زنان سخنور (۲۰۴ / ۲)، مشاهیر زنان (۱۸۳).

فردوسی مشهدی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی فردوسی مشهدی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۷/۱/۱۷

زندگینامه علمی

اینجانب مهدی فردوسی مشهدی در فروردین ماه ۱۳۵۷ در شهر مشهد متولد شدم. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر به پایان بردم از کودکی در کنار اشتغال به تحصیل در مکتبهای آموزش قرآن شرکت می کردم. استاد هروی که از اساتید بنام در این زمینه هستند روخوانی، تجوید و حفظ قرآن را به من آموزش دادند، از آنجا که در جلسات مذهبی به خواندن دکلمه و بعدها ایراد سخنرانی می پرداختم با اشاره و هدایت استاد حکیم باشی که از اساتید حوزه علمیّه مشهد بودند برای تقویت زبان و ادبیّات عربی و نیز بالاـ بردن سطح علمی مقالاـتی که ارائه می کردم وارد حوزه شدم. ایشان حقیر را به جناب آقای موسوی نژاد که مدرس و صاحب مدرسه ای در یکی از محله های قدیمی شهر مشهد بودند معرفی کردند. سال ورود رسمی ام به حوزه ۱۳۷۳ بود که در مدت ۷ سالی که در مشهد بودم از شخص آقای موسوی نژاد، استاد انصاریان، استاد شاهرودی، استاد مرتضوی، استاد حجت هاشمی، استاد فلسفی، استاد سیدان و استاد مروارید بهره بردم. در سال ۱۳۸۰ وارد حوزه علمیه قم شدم که با شرکت در درس تفسیر استاد جوادی آملی و درس اصول آقای وحید خراسانی به تقویت ضعفهای علمیم همت کردم. در طی ۵ سالی که در حوزه علمیّه قم مشغول هستم با توجه به ضرورت ارتباط علمی با غیر هم زبانان ضعفهای خود در این زمینه را هم تا حدودی رفع کرده ام، شرکت در دو دوره تافل زبان انگلیسی و گذراندن دوره های آموزش زبان انگلیسی مؤسسه باقر العلوم از جمله این فعالیتهاست.

فردوسی، ابوالقاسم

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر حماسه‌سرای بزرگ ایرانی (و. ۳۲۹ یا ۳۳۰ ه.ق- ف. ۴۱۱ یا ۴۱۶ ه.ق) حکیم ابوالقاسم فردوسی در «فاز» یا «پاژ» طوس در دهه‌ی سوم قرن چهارم هجری متولد شد. وی از دهگانان طوس بود و در حدود ۳۶۵ ه.ق (به سن ۳۵ سالگی) نظم شاهنامه را آغاز کرد و پس از ۳۵ سال یعنی در ۷۰ یا ۷۱ سالگی به سال ۴۰۰ هجری آن را به پایان رسانید. شاهنامه شامل سرگذشت پادشاهان سلسله‌های داستانی (پیشدادی و کیانی) و سلسله‌ی تاریخی ساسانی است و در باب سلسله‌ی اشکانی فقط چند بیت دارد. مأخذ عمده‌ی شاهنامه‌ی فردوسی، شاهنامه‌ی منثور ابومنصوری است که در اواسط قرن چهارم به حکم ابومنصور محمد بن عبدالرزاق طوسی فرمانروای طوس تدوین شد و علاوه بر این روایات مختلف شفاهی و کتبی به دست فردوسی افتاد و وی مجموع آنها را در شاهکار جاوید خود جای داد. وزن شاهنامه بحر متقارب «وزن حماسه‌های ایران» است. فردوسی معانی دقیق و مطالب عالی فلسفی و اجتماعی و اخلاقی را در طی داستانهای خود آورده است. وی پس از ختم شاهنامه آن را از طوس به غزنین برد و به محمود غزنوی تقدیم کرد. فردوسی پس از مسافرت به این شهر برخلاف انتظار خود مورد توجه و محبت پادشاه غزنوی قرار نگرفت و با آنکه بنا به روایات سلطان محمود تعهد کرده بود که در برابر هر بیت یک دینار بدو دهد به جای دینار درهم داد و این کار مایه‌ی خشم فردوسی گشت چنانکه بنابر همان روایات همه‌ی دراهم محمود را به حمامی و فقاعی بخشید. اما دلایل اختلاف و کدورت فردوسی و محمود از این قرار بود: ۱- اختلاف مذهبی میان فردوسی که به مذهب تشیع، و محمود به تسنن معتقد بود و هر دو در عقیده‌ی خود راسخ بودند. این معنی از هجونامه‌ای که فردوسی برای محمود سروده است به خوبی برمی‌آید. ۲- اختلاف عقیده‌ی محمود و فردوسی بر سر مسائل نژادی و ملی. فردوسی محققاً ایرانی وطن‌پرستی بوده و در شاهنامه نیز به حکم شرایط حماسه‌ی ملی ناگزیر همواره دشمنان ایران را مانند تازیان و ترکان به بدی یاد کرده است و بالعکس از ایرانیان همواره به نیکی سخن گفته. ۳- خست ذاتی محمود که فردوسی به آن اشاره کرده است، او را از دادن صله‌ی جزیلی که فردوسی توقع داشت مانع شد چنانکه صله و انعامی که در برابر رنج سی ساله‌ی شاعر حقیر می‌نمود به فردوسی داد که به قول شاعر به بهای فقاعی می‌ارزید. به هر حال فردوسی تقریباً در سن ۸۰ سالگی بدرود حیات گفت و مدفن وی در طوس می‌باشد و آرامگاهی که در سال ۱۳۱۳ ه.ش برای او

ساخته‌اند در محل تقریبی مدفن اوست. در شهریور ۱۳۱۳ ه.ش از خاورشناسان و دانشمندان کشورهای مختلف جهان دعوت به عمل آمد که در جشن هزاره‌ی فردوسی شرکت کنند. نخستین جلسه‌ی کنگره‌ی فردوسی به ریاست حاج محتشم‌السلطنه در تهران تشکیل شد که تا هفدهم شهریور ماه همان سال ادامه یافت. سپس هیأت میهمانان به اتفاق رضاشاه به مشهد رفتند و آرامگاه فردوسی را در ۲۰ مهرماه همان سال گشودند (آرامگاه فردوسی). در روی سنگ مرمر قبر فردوسی به خط نستعلیق چنین نوشته شده (به انشای ذکاءالملک فروغی): «این مکان نظر به بعضی قرائن و اطلاعات به ظن قوی مدفن حکیم ابوالقاسم فردوسی ناظم کتاب شاهنامه و داستان یوسف و زلیخا است که در نیمه‌ی اول فاز واقع در جنوب غربی طوس ولادت و ظاهراً در چهارصد و یازده یا چهارصد و شانزده قمری در طوس وفات یافته، و چون جهل و غوغای عوام مانع شد که او را در قبرستان به خاک بسپارند در این مکان که باغ شخصی او بوده است مدفون گردید.»

(۴۱۶ / ۴۱۱ – ۳۳۰ / ۳۲۹ ق)، حکیم و شاعر. در قریه‌ی باژ از ناحیه‌ی طابران طوس در خانواده‌ی دهقانی به دنیا آمد و در طوس نشوونما یافت. وی در ابتدا زندگی مرفه و آسوده‌ای داشت و لی بر اثر گذشت زمان و صرف سرمایه‌ی خویش در راه اتمام «شاهنامه» و ضعف عومی طبقه‌ی دهقانان، در اواخر عمر تنگدست شد. فردوسی بر ادبیات عرب و فلسفه و کلام نیز تسلط داشت. وی سراسر عمر را در وطن خویش طوس گذراند و جز یکی دوبار به سفر نرفت. او علاقه‌ی وافری به ایران و ایرانیان داشت لذا به محض آگاهی از کار ناتمام دقیقی طوسی که به کار نظم «شاهنامه» پرداخته بود. درصدد برآمد که آن را به انجام برساند. فردوسی در سرودن «شاهنامه» گذشته از روح وطن‌خواهی و احساسات میهنی، کمابیش مشوقانی داشته است که بعضی از آنها را نام می‌برد. وی پس از ختم «شاهنامه»، به احتالی، خود آن را از طوس به غزنین برد و به سلطان محمود تقدیم کرد، تاهم از این راه آسایشی در اواخر زندگی خود بیابد و هم از رهگذر نام محمود و نفوذ او، نثر کتابش با تفویق بیشتر همراه باشد و از گزند حوادث در امان بماند. ولی بر خلاف انتظارش مورد توجه و محبت محمود قرار نگرفت. شاید به دلایل اختلاف مذهب شاعر و شاه و حسد و سعایت شاعران درباری بود که پادشاه غزنوی چنین رفتاری با شاعر نمود. فردوسی بعد از ملاقات محمود غزنوی عمر زیادی نکرد و زندگی را بدرود گفت. قبر وی در طوس مشهد است. او با سرودن «شاهنامه» زبان فارسی را مستحکم کرد و «شاهنامه» را شناسنامه‌ی قوم ایرانی قرار داد. «شاهنامه» حدود پنجاه هزار بیت و بزرگترین حماسه‌ی تاریخ بشر و یکی از گنجهای پرارزش فرهنگ و ادب فارسی است که در مدت سی سال سروده شده و بی‌شک اکثر منظومه‌های تاریخی و حماسی بعد از آن از «شاهنامه» متأثر شده‌اند. در مورد نام، نام پدر، کنیه، لقب، سال تولد و وفات وی در تذکره‌ها اقوال متفاوتی به چشم می‌خورد که به آورده‌ی دکتر صفا کهن‌ترین قول همان است که ذکر شد.[۱]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۴۹۰ –۴۷۵ / ۲)، با کاروان حله (۴۵ –۳۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۲۱ –۴۵۸ / ۱)، تاریخ ادبی ایران، براون (۱/ صفحات متعدد)، تاریخ گزیده (۷۴۳)، تاریخ نظم و نثر (۴۱ –۳۹)، تذکره الشعراء (۶۲ –۵۷)، چشمه‌ی روشن (۴۴ –۲۷)، چهارصد شاعر پارسی گوی (۷۰۴ –۶۸۵)، حماسه‌سرایی در ایران (۲۸۶ –۱۸۳)، دایره‌المعارف فارسی (۱۸۷۳ –۱۸۷۲ / ۲)، الذریعه (۳۴۸ –۳۴۷/ ۱۹ ، ۲۰ –۱۶ / ۱۳ ،۸۲۳ –۸۲۱ / ۹)، روضه السلاطین (۱۲ –۱۱)، ریاض العارفین (۲۲۵ –۲۲۳)، ریحانه (۳۲۳ –۳۱۸ / ۴)، سخن و سخنوران (۱۱۲ –۴۴)، شاعران بی‌دیوان (۴۰۲ –۳۹۹)، شخصیت‌های نامی ایران (۳۷۱ –۳۷۰)، شرح حال رجال (۲۴۷ –۲۳۵)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۷۲ –۳۷۱)، فرهنگ سخنوران (۷۰۱ –۶۹۹)، کشف الظنون (۱۰۲۶ –۱۰۲۵)، الکنی و الالقاب (۲۲ –۲۰ / ۳)، گنج سخن (۱۱۱ –۸۱ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ فردوسی)، مجالس المؤمنین (۶۰۹ –۵۸۴ / ۲)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۴۱۶)، مؤلفین کتب چاپی (۲۷۱ –۲۶۸ / ۱)، وقایع السنین و الاعوام (۲۴۹)، هدیه الاحباب (۲۱۱ –۲۱۰)، هفت اقلیم (۲۰۲–۱۹۸ / ۲)، یادداشتهای قزوینی (۱۹۹ –۱۹۲ / ۵)، یادگار (س ۴، ش ۱۰ –۹، ص ۸۸ –۸۶).

فردوسی، محمدعلی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. به گفته‌ی «الذریعه» او نسب خود را به فردوسی طوسی می‌رساند. از ملازمان نادرشاه (۱۱۶۰ –۱۱۴۸ ق) بود و همراه وی به هند رفت و منظومه‌ای حماسی سرود و آن را «نادر شاهنامه» یا «شاهنامه نادری» نام نهاد که در ذکر احوالات نادرشاه و شرح پیروزیهای او می باشد. این کتاب توسط احمد سهیلی خوانساری، در ۱۳۳۹ ش، در پنج هزار و سیصد و سیزده بیت به چاپ رسید. دکتر صفا، اثر وی را تحت عنوان «منظومه‌ی نادری»، در هفت هزار و پانصد بیت ذکر می کند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۵۸۴ –۵۸۳ / ۵)، حماسه‌سرایی در ایران (۳۶۹)، الذریعه (۳ / ۲۴ ،۱۰۰۱ / ۹)، منظومه‌های فارسی (۴۴۷)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۴ –۳۳۳ / ۴).

فردی اردبیلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۸۹ ق)، شاعر، متخلص به فردی. اهل اردبیل بود و در آن جا تعلیم و تربیت یافت. مدت بیست سال عمر خود را میان شعرا و

فضـلا و دانشـمندان گذراند. در سرودن شعر طبعی لطیف داشت و در شاعری او را با قیدی شیرازی همطراز می‌دانند. فردی در ۹۸۹ ق برای تکمیل علوم قصد شیراز کرده بود به کاشان رسید و مدتی در میان شخصیتهای علمی آنجا به سر برد. از اوست

در کوی ملامت ز پی دیداری

شادم به جفای بی‌سبب آزاری

صد شکر که از دولت جان سختی خویش

شرمنده نیم ز محنت او باری

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منـابع زنـدگینامه :تاریـخ نظم و نثر (۷۰۲)، تـذکره‌ی روز روشن (۶۱۶)، تذکره‌ی شـعرای آذربایجان (۱۰۷ -۱۰۴ / ۱)، دانشمندان آذربایجان (۲۹۶)، الذریعه (۸۲۳ / ۹)، سخنوران آذربایجان (۷۳ -۷۱)، فرهنگ سخنوران (۷۰۱).

فردی تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شـاعر، متخلص به فردی. وی علاقه‌بنـد بود و به معمـا و شـعر نیز می‌پرداخت. در اواخر عمر شـغل علاقه‌بنـدی را کنار گذاشت و از علایق دنیایی نیز فارغ شد و سر و پا برهنه می‌گشت. از اوست:

سواد خط تو دیوانه‌ام بدین سان کرد

سیه بهار، دماغ مرا پریشان کرد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :آتشـکده‌ی آذر (۱۳۳ / ۱)، تاریـخ نظم و نـثر (۷۰۲)، تحفه سـامی (۲۵۹)، تـذکره‌ی روز روشن (۶۱۶)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۴۹۸ -۴۹۷ / ۲)، دانشمندان آذربایجان (۲۹۶)، الذریعه (۸۲۳ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۰۱).

فردی شیرازی، صفرعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سـیزدهم ق)، شـاعر، متخلص به فردی. وی از اعیـان زنـدیه و مردی با کمال بود که به طریقه‌ی درویشـی درآمـده بود. صاحب «نگارستان دارا» با وی معاصر و همصحبت بوده است. اثر وی «دیوان» شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۹۲ / ۴)، سفینه المحمود (۴۱۷ -۴۱۵ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۰۲ -۷۰۱)، مجمع الفصحا (۸۰۵ / ۵)، مرآت الفصاحه (۴۶۷ -۴۶۶)، مصطبه‌ی خراب (۱۴۲ -۱۴۱)، نگارستان دارا (۲۴۳).

فردید، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۳ -۱۲۹۱ ش)، استاد دانشگاه، فیلسوف. اصل وی از یزد بود. فردید از دانشگاه سوربن موفق به اخذ دکتری فلسفه شد و پس از بازنشسـتگی به مـدت چنـد سال در انجمن حکمت و فلسـفه به تـدریس اصول و مبانی فلسـفه پرداخت. دکتر فردیـد با زبانهای عربی، فرانسه و آلمانی آشـنا بود و اصـطلاح معروف غربزدگی که بسـیار شایع شـده است از اوست. از آثار وی: «روابط حکمت اشـراق و فلسفه ایران باستان»، ترجمه، به مشارکت عبدالحمید گلشن.[۱]

استاد.

تولد: ۱۲۹۱، یزد.

درگذشت: ۲۵ مرداد ۱۳۷۳.

دکتر سـید احمد فردید دارای درجه‌ی دکتری از دانشگاه سـربن در رشته‌ی فلسفه بود. استاد فلسفه و حکمت معنوی دانشگاه تهران بـود و پس از بازنشسـتگی نیز چنـدین سـال بـه آمـوزش و تـدریس مبـانی فلسـفه در انجمـن حکمـت و فلسـفه می‌پرداخـت. وی بر واژه‌شناسـی زبان‌هـای سانسـکریت، لاـتین، آلمانی، عبری، و عربی تسـلط داشت و از برخی از زبان‌های دیگر نیز تا انـدازه‌ای اطلاع داشت. وی از لحاظ فلسـفی تحت تأثیر اندیشه‌های فلسـفی مارتین هایدگر قرار داشت. نوارهای بخشـی از کلاس‌های ایشان در بنیاد علامه‌ی طباطبایی موجود است. مقالاتی از وی در مجله‌ی «سخن» به چاپ رسیده است.

از آثار وی است: روابط حکمت اشراق و فلسفه ایران باستان (هانری کربن، ترجمه با همکاری عبدالحمید گلشن، ۱۳۲۵).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۷۵۲ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۲ -۴۳۱ / ۱)، نشر دانش (س ۱۵، ش ۱ و ۲،

ص ۸۲).

فرزاد، مسعود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۰ –۱۲۸۵ ش)، شاعر، نویسنده، محقق، مترجم، استاد دانشگاه و مصحح. در سنندج به دنیا آمد. در کئدکی به اتفاق خانواده از کردستان بـه تهران مهـاجرت کرد و در ایـن شـهر سـکونت اختیـار نمـود. پس از اتمـام تحصـیلات ابتـدایی، دوره‌ی متوسـطه را در دارالفنون به انجـام رسانیـد و بـا زبان انگلیسـی آشـنایی کامل یافت. فرزاد از آن پس به اسـتخدام وزارت دارایی درآمـد و به عنوان مترجم مشـغول کار شد و در ۱۳۰۸ ش همراه سایر محصـلین اعزامی به اروپا به لندن رفت و در رشـته‌ی اقتصاد به تحصیل پرداخت. سپس بـه ایران مراجعـت کرد و در وزارت خـارجه بـه عنـوان مـترجم به خـدمت مشـغول شـد و در ضـمن در دانشـکده‌ی افسـری و دارالفنون به تـدریس زبـان انگلیسـی پرداخت. فرزاد یکبـار دیگر به لنـدن سـفر کرد و در آغـار جنـگ بین‌الملل دوم از طرف بنگاه رادیو لنـدن برای بخش فارسـی و ادبی آن موسـسه برگزیـده شـد و چندین سال در آن جا سـخنگو بود. پس از بازگشت به ایران به عنوان استاد دانشگاه شیراز به تدریس مشغول گردید و سرانجام در ۱۳۶۰ ش که جهت معالجه به لندن رفته بود در آنجا درگذشت. فرزاد بـا صـادق هـدایت دوستی تمـام داشـته و با وی در کتاب «وغ وغ ساهاب» همکاری کرده است. از آثارش: «کوه تنهایی»؛ «بزم درد»؛ «گل غم»؛ «دیوان» شعر؛ «رویای ستاره»، ترجمه؛ «مرتد»؛ «داروی محبت»، ترجمه.[۱]

شاعر، نویسنده، مترجم.

تولد: ۱۲۸۵، سنندج.

درگذشت: ۴ مهر ۱۳۶۰، لندن.

مسعود فرزاد متخلص به «فرزاد» فرزنـد حبیب‌الله فرزاد (انتخاب الملک یا انتخاب‌الـدوله) اصـفهانی‌الاصل و رییس دارایی و گمرک کردسـتان بود. با انتقال پدرش از کردسـتان به تهران توانست تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس تربیت و دارالفنون تهران به پایان رسانیـد. بعـد از گرفتن دیپلم از مـدرسه آمریکایی در وزارت دارایی به عنوان مترجم اسـتخدام شد. سپس با قبولی در کنکور اعزام محصـلین به اروپا، به انگلسـتان رفت و در دانشگاه لنـدن به تحصـیل علم اقتصاد وادبیات همت گذاشت و پس از بازگشت به ایران به خدمت وزارت امور خارجه درآمد. فرزاد مدتی هم به تدریس زبان انگلیسـی در دانشـکده‌ی افسری و دارالفنون پرداخت و در اوایل جنگ جهانی دوم از طرف بنگاه سـخن پراکنی بی‌بی‌سی انگلستان برای بخش ادبی آنجا انتخاب شد و استخدام گردید و چندین سال به این شـغل در رادیو لندن مشـغول به کار بود. اما در اوایل ملی شدن صـنعت نفت چون حاضر نشد مقاله‌های ضد ملی را در رادیو بخواند، از آن بنگاه مستعفی گردید و مترجم سفارت ایران در لندن شد و تا مدت‌ها به همین شغل اشتغال داشت. بعدها در ایران مـدت هشت سـال در رادیو کار می‌کرد. سـپس در سال ۱۳۴۶ به شـیراز رفت و در دانشـگاه آن شـهر به تدریس «عروض» پرداخت. وی موفق شـد که تحقیقات خود را درباره‌ی حافظ در ده جلد تحت نام تصـحیح انتقادی دیوان حافظ به چاپ برساند و به دانشگاه شیراز اهداء نماید و از سوی دانشگاه شیراز دکترای افتخاری به وی اعطاء شد.

از یازده سالگی به سرودن شعر پرداخت. از آثار منظوم او می‌توان از این عنوان‌ها یاد کرد: وقتی که شاعر بودم (تهران، ۱۳۲۱)؛ کوه تنهایی (تهران، ۱۳۲۶)؛ گل غم (لندن، ۱۹۴۶)؛ بزم درد (تهران، ۱۳۳۲)؛ لبخند بدرود (شیراز، ۱۳۵۵)؛ چامه؛ دیوان اشعار. در شیراز از سال ۱۳۴۶ در برخی جلسـات کانون دانش پارس و انجمن هـدایت شـرکت می‌کرد. از تألیفات وی به زبان انگلیسـی بایـد به این عنوان‌ها اشاره نمود: وزن رباعی، ترجمه غزل‌های حافظ، مردی که فکر می‌کنـد، ترجمه انگلیسـی موش و گربه، تفسـیری درباره دو لغت از متن شـکسپیر، شـعر انگلیسـی، الفباء و املاء جهانی:، نقـد ادبیات فارسـی. وی از دوسـتان صادق هـدایت بود و کتاب وغ وغ ساهاب را این دو نویسنده با همکاری هم نوشتند از فعالیت‌های دیگر اوست: ترجمه رؤیا در نیمه شب تابستان (۱۳۳۵)، و هملت (از آثار ویلیام شـکسپیر ۱۳۳۳)، ترجمه کوهولین رسـتم ایرلنـدی (از ویلیـام بـاتلر ییتز)، آمون تیلاد(ادکار آلن پو)، اسب سواری (ویلیام کـاپر)، بریـان خوک (چارلز لام)، پز عالی (هنری)، داروی محبت (هنری)، مرغ حق (داسـتان)، رؤیای سـتاره (چارلز دیکنز)، ریکی تیکی تاوی (ردیار کیپلینگ)، سـرو چه می‌گفت (هانز اندرسن)، قلب رازگو (ادگار آلن پو) محبوس شـیطان (لرد بایرون)، ترجمه با مشارکت جواد شیخ‌الاسـلامی، ۱۳۳۳)، مرتـد (۱۳۳۳)، ماهالابه (ترجمه)، معلم کم‌آزار؛ مهربـانی شـوم، نی‌زن پـاره پـوش (رابرت برونیـگ)؛ یعنی که مصـاحبه؛ آمـاده ساختن پنجاه داسـتان مثنوی مولوی به صورت نمایشـنامه که از رادیو پخش شـد؛ تحقیقات در عروض فارسـی؛ سـیل بجنورد؛ حافـظ– گزارش از نیمه راه (این کتـاب پس از فوت فرزاد به چـاپ رسـید)؛ نوشـتن مقالاتی پیرامون مسائل مختلف ادبی در مجلات کشور از جمله «مهر»، «یغما»، «فرهنگ و هنر»، «تماشا»، «تلاش»، «اطلاعات» و «کیهان».

فرزاد در سال ۱۳۵۵ دچار سکته‌ی ناقص شد و برای معالجه به لندن رفت. پس از بهبودی نسبی به شیراز بازگشت. او در چهارم مهر ۱۳۶۰ برابر با ششم سپتامبر ۱۹۸۱ در لندن درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زنـدگینامه :[۱] آینـده (س ۷، ش ۸، ص ۶۰۱ –۵۸۸)، انجمن‌هـای ادبی شـیراز از اواخر قرن دهـم تـا بـه امروز (۴۵۹ –۴۵۵)، الذریعه (۱۰۳۸ –۸۲۳ / ۹)، زنـدگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۸۳ –۸۲ / ۵)، سـخنوران نامی معاصر (۲۶۴۴ –۲۶۳۸ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۵ –۱۸۲ / ۶).

فرزام، حمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر حمید فرزام در ۱۳۰۲ درکرمان متولد شد . و پس از اتمام تحصیلات ابتدایی ،به تهران آمد و تحصیلات خودراتا درجه دکتری ادبیات دردانشگاه تهران ادامه داد . سپس بعنوان استاد در دانشگاه اصفهان به تدریس مشغول شد و پس از بازنشستگی درسال۱۳۵۹ به تهران آمد و به تدریس دردانشگاه تهران ، دانشکده اقتصاد و دانشگاه امیر کبیر پرداخت و در همان سال به عضویت فرهنگستان زبان و ادب فارسی درآمد . وی در کنارتدریس به تحصیل در ادبیات عرفانی ایرانی بویژه دراحوال و آثار شاه نعمت الله ولی مشهور است .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ادبیات فارسی

والدین و انساب : حمید فرزام ،پدرش را درشش سالگی ومادرش را درسیزده سالگی ازدست دادو از طرف مادر بزرگ عموو بستگان حمایت شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات ابتدایی فرزام درکرمان سپری شد . وی دارای دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران است . پایان نامه تحصیلی وی درمقطع دکترا ،به راهنمایی استاد فروزانفر و درباره احوال و آثار شاه نعمت الله ولی بوده است .

خاطرات و وقایع تحصیل : حمید فرزام دردوران نوجوانی ،حساس ،زود رنج و بسیار پرتوقع بود ،اما حافظه خوبی داشت .

فعالیتهای ضمن تحصیل : فرزام زمانی که دانشجو دوره دکترا بود ، در دبیرستانی درباغ فردوس ، ادبیات فارسی و عربی درس می داد . علاوه برآن ،ضمن درس از نهج البلاغه و آیات و قرآن کریم هم استفاده می کرد و همزمان ،ابیاتی از مولانا و حافظ می خواند و حالی عجیب و عرفانی پیدا می کرد و اشک درچشمانش حلقه می زد و این حال او ، دانش آموزان را تحت تاثیر قرار می داد که این امر درزمان تحصیل او فعالیت ویژه ای بود .

استادان و مربیان : استادان معروف حمید فرزام عبارتند از : ملک الشعراء ، استاد بهمنیار ، استاد جلال همایی ، استاد عبد العظیم قریب ،استاد اقبال آشتیانی ، استاد سید محمد کاظم عصار و استاد فروزانفر ، استاد معین ، استاد محمد باقر هوشیار . او با استاد بهمنیار نسبت و رابطه خویشاوندی دوری داشت . استاد راهنماییش نیز دردوره دکترا مرحوم فروزانفر بود . ولی بهترین استادی که از جنبه معنوی داشته است شیخ رجبعلی نکوگویان بود که از محضر پرفیض ایشان کسب فیض فراوان کرده است .

همسر و فرزندان : دکتر حمید فرزام دراین باره نقل می کند که : « دراوایل ازدواجم یک روز سرسنگین وبدون خداحافظی با همسر م تقریبا به حالت قهر از خانه بیرون رفتم .آن زمان رییس دبیرستان صبا ء در تجریش بودم . هنگام غروب با چند نفر از دوستان وضو گرفتیم و برای نماز مغرب و عشاء آماده شدیم وبه اتاق جناب شیخ نکوگویان رفتیم هنوز یک ربع ساعتی به اذان مغرب مانده بود . جناب شیخ هم وضو گرفتندو آمدند وهمین که نگاهشان به من افتاد با حالت تعجب گفتند :قهر می کنی ؟ باید تحمل داشت زود از میدان در می روی و بلافاصله شعر مناسبی از حافظ خواندند .

وقایع میانسالی : فرزام درسن ۳۰ یا ۳۱ سالگی از ضربان قلب و درد آن ناراحت بود . بدان علت از طریق آقای گویا به استادش شیخ رجبعلی نکوگویا خیاط پیغام فرستاد که من قلبم ناراحت است و مثل اینکه باید مرخص شوم . «وقتی که این حرف به گوش شیخ رسید . گفت که از جانب من به فرزام بگویند ناراحت نباش ، موهای سرو صورتت هم سفید می شود یعنی به سن هفتاد و هشتاد هم می رسی و من می بینم .» این سخن شیخ به واقتیت پیوسته و فرزام هشتاد ساله است .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر فرزام استاددانشگاه اصفهان و سپس استاد دانشگاه تهران بود. او دردانشکده اقتصاد دانشگاه امیر کبیر نیز تدریس می کرد ه است . وی عضو فرهنگستان زبان وادب فارسی نیز می باشد.

فعالیتهای آموزشی : تدریس دردبیرستان باغ فردوس درتهران ، دانشگاه اصفهان ، دانشگاه تهران ،ونیز در دانشکده اقتصاد دردانشگاه امیر کبیر از فعالیتهای آموزشی دکتر فرزام بوده است .

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : استاد فرزام در کنار تدریس در دانشگاه به تحقیق و تالیف و تصحیح متون ادبیات و عرفان ایرانی و فارسی پرداخته است .

شاگردان : دکتر فرزام شاگردان بسیاری داشت . بعضی از شاگردان او ۷۵ ساله هستند او با بعضی از آنها نیز ارتباط می داشت . یکی از آن دانشجویان سید محمد خاتمی می باشد که به منصب ریاست جمهوری ایران رسیده است .

همفکران فرد : یکی از همفکران فرزام ،دکتر گویا بود که درروان تدریس درباغ فردوس با هم آشنا شدند . این دوبه حافظ و مولوی عشق می ورزیدند وبه شیخ رجبعلی خیاط ارادت خاصی داشتند .

آرا و گرایشهای خاص : استاد فرزام ادبیات فارسی را دربعد عرفان اسلامی و ایران مورد بررسی قرارداده و نظری تخصصی برعرفان نعمت الهیه وشیخ نعمت الله ولی دارد .

چگونگی عرضه آثار : بیشتر آثار استاد فرزام از سوی فرهنگستان زبان وادب فارسی و نیز دانشگاه اصفهان منتشرشده است . -----
----

آثار :

۱ احوال وآثار شاه نعمت الله ولی

ویژگی اثر : احوال وآثار شاه نعمت الله ولی کرمانی عنوان پایان نامه دکتری استاد فرزام است که تحت نظر استاد فروزانفر دفاع شده است .

۲ شعر افسانه زندگی

۳ شعری درباره فلسطین

۴ شعری درجواب سلمان رشدی

۵ کتاب تحقیق دراحوال ونقد آثار و افکار شاه نعمت الله ولی

۶ کتاب تعلیم و تربیت دراسلام، اصول اخلاقی اسلامی

ویژگی اثر : این کتاب اثری مشترک است از دکتر علی شریعتمداری (بخش اول کتاب) و دکتر حمید فرزام که توسط انتشارات کانون علمی و تربیتی جهان اسلام منتشر شده است .

۷ کتاب روابط معنوی شاه نعمت الله ولی با سلاطین ایران وهند

ویژگی اثر : این کتاب ضمیمه دوره سلسله ازآثار شاه نعمت الله ولی توسط انجمن کتابخانه ای عمومی اصفهان وابسته به وزارت فرهنگ و هنر منتشر شده است .

۸ کتاب شاه ولی ودعوی مهدویت

ویژگی اثر : این کتاب که ضمیمه ای بنام رساله مهدیه اثر شاه نعمت الله ولی دارد که درسال ۱۳۸۱ منتشر شده است .

۹ کتاب نکته ها و نقد ها

ویژگی اثر : عنوان مجموعه مقالاتی است که شامل (۵۵مقاله ادبی وعرفانی ، تاریخی و مذهبی ،تربیت و اجتماعی و انتقادی است بامقدمه دکترمهدی محقق که در ۱۳۸۰ توسط مطالعات اسلامی دانشگاه تهران و دانشگاه مک گیل کانادا چاپ شده است .

۱۰ مسافرت های شاه نعمت الله ولی و ارزش آن از جهات تربیت اجتماعی وسیاسی

ویژگی اثر : این کتاب توسط شخص استاد فرزام (ناشر ـمولف) دراصفهان به چاپ رسیده است . ----------------------
----

منابع :

۱[شهلا پروین زاده،نگاهی به آثار استاد حمید فرزام ، کیهان فرهنگی ، ص۲۹]۲مقام عشق وعرفان ،یادنامه جناب شیخ رجبعلی خیاط نکوگویان ، درگفت و گو با دکتر حمید فرزام ، ماهنامه کیهان فرهنگی ، سال بیستم ، شهریور ۱۳۸۲ ، پیاپی ۲۰۳ ، ص۱۷

فرزان، مسعود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ریاضیدان.

تولد: ۱۳۲۲، شهرکرد.

درگذشت: ۲۵ آبان ۱۳۶۸، تهران.

مسعود فرزان دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در لرستان سپری کرد. سپس به دانشگاه تهران راه یافت و با اخذ درجه‌ی لیسانس ریاضی از دانشکده‌ی علوم فارغ‌التحصیل شد و درجه‌ی فوق لیسانس خود را از دانشگاه تربیت معلم دریافت کرد و سپس عازم کشور انگلستان شد و دوره‌ی دکتری را در رشته‌ی نظریه‌ی مونوگراف گذراند و بعد از بازگشت به کشور در سال ۱۳۵۹، با شروع انقلاب فرهنگی به امر ترجمه و پس از آن به تدریس در دانشگاه پرداخت.

مهمترین آثار دکتر فرزان فبارتند از: ترجمه‌ی جبر خطی؛ ترجمه نخستین درس در جبر مجرد (جان ب. فرالی، این کتاب در هفتمین دوره‌ی کتاب سال در سال ۱۳۶۸ به عنوان اثر برتر انتخاب شده است)؛ ترجمه‌ی جبر خطی مقدماتی (با همکاری دکتر علی اکبر عالم‌زاده).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فرزان، یعقوب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۴، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی عمران، دانشکده: فنی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی راه و ساختمان از دانشکده فنی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۶، کارشناسی ارشد مکانیک کاربردی از دانشکده علوم پاریس در سال ۱۳۴۴، دکترای مهندسی عمران از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده فنی دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

سازه، بتن آرمه، بررسی رفتار دالهای اریب از بتن آرمه، انتقال حرارت بوسیله تشعشع در کوره‌ها، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۵

پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

سازه و بتن آرمه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

سازه و بتن آرمه.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

فرزانگان، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

درگذشت: ۱۳۷۳.

دکتر صادق فرزانگان استادیار دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیت دانشگاه تهران بود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فرزانه پور، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین فرزانه پور

محل تولد : گناباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۷/۳

زندگینامه علمی

آقای حسین فرزانه پور در سال ۱۳۴۴هجری شمسی در خانواده ای متدین و کاملا مذهبی در شهرستان گناباد دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتـدایی، راهنمایی و دبیرسـتان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی تشویق خانواده و اطرافیان و علاقه فراوان خـویش به فراگیری علـوم دینی در سـال ۱۳۶۲ وارد دانشـگاه امـام صادق(ع) تهران گردیـد تا در کنار دروس دانشـگاهی به تحصـیل در دروس حوزوی هم بپردازد. از نخستین روزهـای ورود به دانشگاه امام صادق علیه السـلام با تلاش و کوشـش فراوان به تحصـیل پرداخت و از محضـر درس اساتیدی همچون آیت الله علم الهدی، آیت الله سـید حسن مصـطفوی، آیت الله عمید زنجانی و حجت الاسلام عابدی بهره ها برد. استاد پس از فارغ التحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه امام صادق علیه السلام در سال ۱۳۸۳ در مقطع دکترای علوم سیاسی از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی فارغ التحصیل گردید و از رساله دکترای خویش با عنوان" تساهل و مـدارا در انـدیشه سیاسـی اسـلام "دفاع کرد. ایشان ضـمن تبلیغ سالهای متمادی است که به تدریس در دانشـگاه آزاد بیرجند، دانشگاه پیام نور بیرجند، دانشگاه علوم پزشـکی بیرجند مشـغول است و هم اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه بیرجند می باشـد. نامبرده در زندگی سراسـر علمی خود جز به تدریس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشـیده است.

فرزانه، حافظ

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حافظ فرزانه

محل تولد : لیلان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حافظ فرزانه متولد ۱۳۵۰ در شهر لیلان از توابع استان آذربایجان شرقی به دنیا آمدم. بعد از آتش بس جنگ ایران و عراق بنا بر اینکه به فضای جبهه و بسیجیها عادت کرده بودم و با آنها مأنوس بودم و در آن روز هیچ جا مثل حوزه فضای معنوی را نداشت و تنها حوزه بود که فضای جبهه را تداعی می کرد، بنا بر این در سال تحصیلی ۱۳۶۸-۱۳۶۹ با تشویق حضرت استاد باقری بنابی مسئول حوزه ولیعصر بناب وارد همان حوزه شدم و در مدت ۵ سال موفّق به اتمام شرح لمعه (پایه شش) شدم. بلافاصله در همان سال وارد حوزه علمیّه قم شدم، مکاسب را در محضر حضرت استاد وجدانی و رسائل را در محضر استاد حسینی تهرانی تلمذ کردم. بعد از اتمام آنها کفایه را در محضر استاد اعتمادی که آخرین دوره تدریس کفایه ایشان بود به اتمام رساندم، بعد از پایه نهم و هم عرض دیگر دروس در مرکز تربیت محقق و نویسنده در گرایش تاریخ اسلام پذیرفته شدم. در دو سال موفق به فارق التحصیلی از آن مرکز شدم، بنا بر علاقه ای که به نهج البلاغه داشتم ۳ سال تمام بدون تعطیلی تابستان و دیگر مناسبتها در محضر استاد صدر کریمی به تلمذ نهج البلاغه پرداختم و از بوستان گل و دریای در نشان حضرت امیر(ع) و کلمات گهربار ایشان خوشه چینی کردم. در این سه سال موفق به اتمام این کتاب نورانی شدم به طوری که با تلاش استاد به سبک و سیاق و لحن کلام امیر سخن حضرت علی (ع) آشنا شدم. ضمن حفظ دو سوّم نهج البلاغه می توانستم کلمات نهج البلاغه و احادیث حضرت علی (ع) را در بین کلمات و احادیث دیگر تشخیص دهم بنا بر این با تشخیص استاد خود به تحقیق در جوانب مختلف نهج البلاغه پرداختم مخصوصاً نقد تاریخی خطبه شقشقیه و برخی خطبه ها. به لطف حضرت امیر (ع) مجموعه خوبی در این موضوع به دست آمد و شواهد تاریخی خطبه شقشقیه را جمع آوری کردم که امیدوارم در آینده به چاپ رسد. در طول سالهای تحصیلی ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ به مدت ۴ سال به پیشنهاد و اصرار و تشویق جمعیّت تعاون اسلامی و رئیس هیئت مدیره آن، حضرت آیهٔ الله غیوری در شهرستان بیجار مسئولیت حوزه علمیّه را به عهده گرفتم و بعد از ۴ سال بنا بر علاقه ای که به تحقیق و پژوهش داشتم موفق به برگشت و مراجعت به شهر مقدس قم شدم و در موضوعات تاریخی و مهدویت به تحقیق و پژوهش می پردازم که تا امروز ادامه دارد. بنده مقالات زیادی به چاپ رسانده و دو کتاب در دست چاپ دارم و فرهنگ جامع متمهدین(مدعیان مهدویت و نبوت و امامت) را با همکاری و مشارکت یکی از دوستانم در دست تألیف داریم که امیدوارم با الطاف غیبی حضرت ولیعصر(عج) موفق به اتمام شویم.

فرزانه، فائزه

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: الزهرا (س)

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

فرساد یزدی، محمود مجد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۳ -۱۳۰۹ ق)، عالم امامی، ادیب و شاعر. پدرش، مجدالعلماء، صاحب کتاب «هدیه المهدویه» یا «هدایه المهدویه»، از علمای بزرگ اردکان و استاد علوم مقدماتی آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی بود. شیخ محمود فرساد در صحرای عدن در راه مکه به دنیا آمد. او قسمتی از علوم مقدماتی را در یزد آموخت. در پانزده سالگی به اصفهان رفت، و از محضر شیخ علی مدرس یزدی اصفهانی استفاده نمود. فقه و اصول را در محضر شیخ عبدالکریم درگزی و حاج سید محمدصادق اصفهانی فراگرفت. سپس به نجف رفت و تحصیلات خود را کامل کرد و به درجه‌ی اجتهاد نایل و صاحب اجازه گردید. وی پس از مراجعت به ایران در یزد ساکن شد. پس از دو سال در ۱۳۴۰ ق به قم رفت. و از محضر حاج شیخ عبدالکریم حایری نیز بهره‌مند گردید و در ضمن به تدریس پرداخت، و از مدرسین طراز اول گردید. بسیاری از فضلا از محضرش بهره بردند. امام خمینی نیز «شرح لمعه» و «قوانین» را در نزد او فراگرفت. وی پس از دو سال توقف در قم به یزد بازگشت و تا پایان عمر آنجا ماند. آقای سید علیرضا ریحان یزدی، صاحب «آینه‌ی دانشوران»، از شاگردان اوست که در یزد منطق را از او آموخته است. آیت‌الله شیخ محمود فرساد در خط و انشاء و شاعری توانا بود، و سالها انجمن ادبی یزد تحت ریاستش در منزلش تشکیل می‌شد، و شعرا و ادبای یزد و سایر شهرها از محضرش بهره‌مند می‌شدند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (۲۲۴ -۲۲۳)، تذکره‌ی سخوران یزد (۶۳۰ -۶۲۹)، الذریعه (۸۲۴ / ۹)، سخنوران نامی معاصر (۲۶۵۹ -۲۶۵۵ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۷۰۲).

فرسی شیرازی، عنایت‌الله

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به فرسی. اهل شیدان فارس بود. خط نسخ، ثلث و نستعلیق را خوب می‌نوشت. در زمان اکبرشاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به هند رفت و مورد توجه پادشاه قرار گرفت و در دربار وی نخست به کار کتابت و بعد به منصب کتابداری گماشته شد. در زمان جهانگیر پادشاه (۱۰۳۷ -۱۰۱۴ ق) علاوه بر منصب کتابداری، مکتوب‌خوانی نیز به وی واگذار شد. از او منظومه‌ای به نام «نسب‌نامه قطبشاهی» در ذکر وقایع و سوانح دوران سلطنت محمد قلی قطبشاه (۱۰۲۰ -۹۸۸ ق) و اسلاف وی مشتمل بر پانزده هزار بیت به جا مانده که در ۱۰۱۹ ق آن را به اتمام رسانیده است. از آثار خطی وی: یک نسخه «دیوان» حافظ، به قلم کتابت خفی خوش، با تاریخ و رقم: «۹۸۵ عنایت‌الله شیرازی»؛ یک نسخه «کلیات» سعدی، به قلم کتابت خوش، با تاریخ سال ۹۶۴.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۴۲ -۵۴۱ / ۲)، تذکره‌ی پیمانه (۳۷۱ -۳۶۳)، تذکره‌ی روز روشن (۶۱۷ -۶۱۶)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۹۲ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۷۰۲)، کاروان هند (۱۰۰۸ -۱۰۰۴ / ۲)، مرآت الفصاحه (۴۶۷).

فرشاد، فریدون

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۶ ش)، استاد دانشگاه، مترجم و نویسنده. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه به دانشسرای عالی وارد شد و در ۱۳۱۰ ش به دریافت درجه‌ی لیسانس در علوم طبیعی نایل گردید.برای ادامه تحصیل به فرانسه عزیمت نمود و از دانشگاه پاریس به دریافت دکتری در علوم طبیعی موفق شد. در ۱۳۱۶ ش به ایران بازگشت و به سمت دانشیاری علوم طبیعی، دانشسرای عالی برگزیده شد و عهده‌دار تدریس دیرین‌شناسی گردید. از آثار وی: «چینه‌شناسی»؛ «دیرین‌شناسی»؛ «فسیل‌شناسی مهره‌داران»؛ «نبرد من»، فلسفه ناسیونال سوسیالیسم، ترجمه.[۱]

فرزند میرزا عبدالوهاب مستشار دفتر آشتیانی، متولد ۱۲۸۶ ش است. تحصیلات خود را در دارالمعلمین مرکزی و دانشسرای عالی به پایان برد و درجه‌ی لیسانس علوم ریاضی دریافت کرد. سپس عازم اروپا شد و در دانشکده‌های علوم رن و پواتیه پاریس به تحصیل پرداخت. ابتدا درجه‌ی لیسانس تعلیم و تربیت گرفت و بعد درجه‌ی دکترا در علوم طبیعی و زمین‌شناسی دریافت نمود. در ۱۳۱۶ به ایران مراجعت نمود و به استادی در دانشکده‌ی علوم و دانشکده‌ی فنی مشغول گردید.

در ۱۳۳۰ در حالی که معاونت دانشکده‌ی علوم را برعهده داشت، به معاونت وزارت فرهنگ منصوب شد و در ۱۳۳۹ ریاست دانشکده‌ی علوم را عهده‌دار گردید و در ۱۳۴۳ به معاونت دانشگاه تهران منصوب شد. چند بار نیز کاندیدای ریاست دانشگاه تهران بود ولی توفیقی نیافت.

دکتر فرشاد در رشته‌ی تخصصی خود دارای تالیفات متعددی است که در دانشگاه تدریس می‌شود. وفات او در سال ۱۳۵۶ اتفاق افتاد.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۴۷ -۳۲۴۶، ۲۴۴۵ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۳ -۸۳۲ / ۴).

فرشاد، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی، استاد، رشته: مهندسی عمران، دانشکده: مهندسی، دانشگاه: شیراز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

فرشته خوسفی قائنی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عالم، ادیب، نویسنده، محقق و شاعر، متخلص به فرشته. وی معاصر فتحعلی‌شاه و محمدشاه قاجار بود. فرشته کتابی در مصائب اهل‌بیت (ع)، به نظم فارسی، به نام «ماتمکده» دارد، که مرتب بر چهارده ماتمکده به عدد معصومین (ع) و یک خاتمه است و در آن غیر از سروده‌های خو سروده‌های کسانی چون وصال، جوهری، بیدل، ناجی، هادی و دیگران را نیز آورده است. وی در این کتاب از روایات صحیح و معتبر استفاده کرده و از نقل مطالب نادرست اجتناب نموده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزگان قاین (۳۵۵ -۳۵۴ / ۱)، الذریعه (۱۷ -۱۶ / ۱۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶۳۹ / ۵).

فرشچیان، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود فرشچیان به سال ۱۳۰۸ شمسی در اصفهان ، دیده به جهان گشود . پدرش ، حاج غلامرضا فرشچیان ، از تجار فرش بود و در کار هنر قالی بافی دست داشت . این زمینه مساعد برای پرورش ذوق و شوق او در راه آشنایی با هنر موثر افتاد . از سالهای پیش از مدرسه از روی نقشه های قالی طرح میزد ، تا به تدریج دستش در کار نقش پردازی روان گردید . فرشچیان در طی تحصیلات مقدماتی در محضر استاد میرزاآقا امامی اصفهانی هنرمند چیره دست و پرآوازه دیار اصفهان ، به آموختن نقاشی دلبستگی تمام پیدا کرد و دل در گرو نقشهای زیبا بست . او از کار هنر احساس رضایت و شادمانی داشت . از کلاس هفتم دبیرستان فرشچیان قدم به هنرستان هنرهای زیبای اصفهان گذاشت و چهار سال در آن جایگاه عاشقی ، زیر نظر استاد عیسی بهادری ، استاد نابغه و توانمند نقاشی قالی ، مینیاتور ، نقاشی رنگ و روغن ، به فراگیری اصول و مبانی طراحی نقوش سنتی (نقشه قالی ، تذهیب ، مینیاتور) پرداخت .

بدون شک نقش استاد عیسی بهادری در پرورش و خلاقیتهای محمود فرشچیان نقشی فوق العاده ارزشمند بود .استاد در بیان احساس و تجسم شعرگونه عواطف ، به شیوه ای کاملا جدید موفق به هماهنگی و همگامی میان مضمون و محتوا و شکل و فرم نقاشی هایش گردید و این مشخصه اصلی کار او در نقاشی شد . فرشچیان در جوانی بسیار پرتلاش و خستگی ناپذیر به کار و طراحی نقوش مختلف میپرداخت . او در مطالعه آثار تاریخی شهر اصفهان (چهل ستون ، عالی قاپو ، مسجد شیخ لطف الله و ... طرحهای اسلیمی و ختایی کاشیکاری های بی نظیر آن آثار سر از پا نمیشناخت و چون محققی موشکافانه این نقش ها را مطالعه میکرد . فرشچیان حتی در دوره سربازی نیز دست از قلم و رنگ برنداشات و آثاری دیدنی آفرید که مورد تشویق مقامات قرار گرفت .

گرمای عشق ۱۳۷۸ محمود فرشچیان

سال ۱۳۲۹ بعد از ۶ سال فعالیت و کسب هنر در هنرستان هنرهای زیبای اصفهان ، فرشچیان به کسب دیپلم عالی نائل آمد . آثار سالهای شاگردی ایشان هنوز در مرکز هنرستان ، موجود است . او در طراحی و شناخت و بکارگیری رنگها فوق العاده قدرتمند و قوی است . این قدرت قلم و صلابت و استواری خطوط قلم گیری است که از او هنرمندی پرآوازه و مشهور ساخته است . از نظر محتوا و مضمون ، آثار استاد عمدتا با الهام از ادبیات عرفانی و باورهای مذهبی ساخته و پرداخته شده اند . سخن آخر اینکه امروز استاد فرشچیان از پس نزدیک به پنجاه سال کسب هنر و مهارت در کار نقاشی و خلق نقشهای دلنشین و جشم نواز ، هنرمندی است که به جرآت میتوان او را صاحب سبک جدید در نقاشی ایرانی (مینیاتور) دانست . برخی آثار

«ضامن آهو»: طرحی از شمایل امام رضا

«پنجمین روز آفرینش»: در این تابلو همهٔ مخلوقات زمینی و آسمانی به ستایش پروردگار مشغول‌اند.

«عصر عاشورا»: استاد در مورد نحوه طراحی این اثر جاویدان میگوید:

«سه سال پیش از انقلاب روز عاشورا مادرم مرا نصیحت کرد و گفت: به روضه گوش کن تا چند کلمه حرف حساب بشنوی. و من با ایشان گفتم: من اول در اتاقم کاری دارم بعد خواهم رفت. حال عجیبی به من دست داد. وارد اتاق شدم، قلم را برداشتم و تابلوی عصر عاشورا را شروع کردم. قلم را که برداشتم تابلویی شد که الآن هست بدون هیچ تغییری».این اثر توسط استاد به موزه آستان قدس رضوی اهدا شد.

طراحی ضریح امام رضا

آخرین تابلوی او «کوثر» به نام خانم فاطمه زهرا (س) می‌باشد.

منتخبی از جوایز

۱۳۷۹: انضمام نام هنرمند در فهرست روشنفکران قرن بیست و یکم

۱۳۷۲: نشان درجه یک هنر

۱۳۶۴: تندیس طلایی اسکار ایتالیا

۱۳۶۳: نشان هنر نخل طلایی ایتالیا

۱۳۶۳: تندیس طلایی اروپایی هنر، ایتالیا

۱۳۶۲: دیپلم آکادمیک اروپا، آکادمی اروپا، ایتالیا

۱۳۶۱: دیپلم لیاقت دانشگاه هنر، ایتالیا

۱۳۶۰: مدال طلای آکادمی هنر و کار، ایتالیا

۱۳۵۲: جایزهٔ اول وزارت فرهنگ و هنر، ایران

۱۳۳۷: مدال طلای جشنوارهٔ بین‌المللی هنر، بلژیک

۱۳۳۱: مدال طلای هنر نظامی، ایران

فرصت شیرازی، محمد نصیر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۹ –۱۲۷۱ ق)، نویسنده، نقاش و شاعر، متخلص به فرصت. ملقب به میرزا آقا و فرصت‌الدوله. در شیراز به دنیا آمد. در همان شهر علوم مداوله از جمله صرف و نحو، معانی و بیان و منطق و حکمت را تحصیل کرد و از شیخ مفید بیش از دیگر اساتیدش دانش آموخت. او در شعر و شاعری نیز مشهور بود. وی به زبان انگلیسی و فرانسه و پهلوی آشنایی و در فن نقاشی و موسیقی شهرتی به‌سزا داشت. مدتی از عمر خود را در هندوستان و عراق به سیر و سیاحت گذراند و هنگام بازگشت به شیراز به اتفاق شعاع السلطنه، حاکم فارس، به تهران آمد و نزد مظفرالدین شاه رفت و لقب فرصت‌الدوله یافت. در اوان مشروطیت به سمت نخستین رییس معارف و اوقاف فارس مصنوب گردید. وی تا پایان عمر مجرد زیست. مدفن او در حافظیه شیراز است. از آثار وی: «آثار عجم» یا «شیرازنامه»؛ «اشکال المیزان»، در علم منطق؛ «بحور الالحان»، در علم موسیقی و عروض؛ «جغرافیای هندوستان»؛ «صرف و نحو خط آریا»؛ «دبستان الفرصه»؛ «دیوان» شعر؛ «منشآت» فرصت؛ «مقالات علمی و سیاسی»؛ «دریای کبیر»؛ «شطرنجیه».[۱]

(بخش ۱) شیرازی ملقب به فرصهٔالدوله، شاعر و ادیب و موسیقی‌دان معروف ایرانی. (و. ۱۲۷۱ ه.ق– ف. ۱۳۳۹ ه.ق) از خانواده‌ای ادب‌پرور در شهر شیراز پا به عرصه‌ی وجود گذاشت. از کودکی علاقه‌ی خاصی به تحصیل علوم و فنون مختلف داشت. در آغاز جوانی در صرف و نحو و منطق و حکمت و حساب و هیأت و هندسه و اسطرلاب سرآمد اقران بود و به زبان انگلیسی آشنایی داشت. بنا به نوشته‌ی خود او در سی و دو سالگی به دیدار سید جمال‌الدین اسدآبادی نایل شد و او را در بوشهر ملاقات کرد و دیدارهای بعد موجب دوستی آن دو گردید. پاره‌ای سخنان گرانبهای سید جمال‌الدین در یادداشت‌های او منقول است. هنگامی که شعاع‌السلطنه فرزند مظفرالدین شاه از شیراز به تهران بازگشت فرصت را با خود به دربار آورد و معلم و ندیم خود ساخت و چون در دربار تقرب یافت شاه او را لقب فرصهٔالدوله داد. هنگام انقلاب مشروطیت فرصت در تهران بود و در سازمان جدید وزارت معارف که پس از مشروطیت به وجود آمد او را به ریاست معارف فارس گماشتند و وی در این سمت به خوبی خدمت کرد. بار دیگر هنگام تأسیس دادگستری او را رئیس عدلیه‌ی فارس کردند و سپس دوباره شغل ریاست معارف و فوائد عامه و مدتی هر دو شغل فرهنگ و دادگستری را بدو سپردند. فرصت سراسر منطقه‌ی فارس و بنادر را در مدتی دراز نقطه به نقطه پیمود و اوضاع جغرافیایی هر نقطه را به رشته‌ی تحریر درآورد. نام این اثر خود را «آثار عجم» نهاده است. آثار دیگر فرصت، غیر از «آثار عجم» عبارتند از: ۱– اشکال‌المیزان در علم منطق. ۲– دریای کبیر مشتمل بر علوم مختلف به زبان عربی و فارسی. ۳– بحورالالحان در علم موسیقی و عروض. ۴– منشات نثر. ۵– رساله‌ی شطرنجیه. ۶– مثنوی هجونامه. از همه مهمتر دیوان اشعار او مشتمل بر قصاید، غزلیات، ترجیعات، مسمطات، رباعیات، مثنویات، مراثی، تواریخ و پیوستی از منشات منثور اوست. فرصت بر اثر یک بیماری ۱۳۳۹ ه.ق برابر با اول آبان ماه ۱۲۹۹ ه.ش در خانه‌ی شخصی خود در شیراز چشم از جهان فروبست و بنا بر آرزوی دیرینه‌اش در کنار آرامگاه لسان‌الغیب حافظ به خاک سپرده شد و سنگی را که زیر نظر خود او برای مزارش تراشیده بودند بر گور او نهادند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۵۹۶، ۵۹۴، ۹۱ –۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۲۵ –۹۴ / ۴)، الذریعه (۸۲۴ / ۹، ۵۰ / ۳، ۸ / ۱)، ریحانه (۳۳۰ –۳۲۹ / ۴)، سخنوران نامی معاصر (۲۶۶۶ –۲۶۶۰ / ۴)، شرح حال رجال (۱۵ / ۴)، لغت‌نامه (ذیل/ فرصت)، مرآت الفصاحه (۶۷۱ –۴۶۷)، مکارم الآثار (۲۰۰۰ / ۶)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۳ –۶۰۱ / ۶)، یادداشتهای قزوینی (۲۲۰ / ۸)، یادگار (س ۲، ش ۷، ص ۲۸).

فرصت، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۸۳ ق)، شاعر، متخلص به فرصت. وی از توپچیان شاه‌عباس دوم صفوی بود و به سبب شجاعتش در جنگ بخصوص جنگ قندهار انعامهای فراوانی گرفت. طبع نیکویی داشته و اشعار خوبی می‌سروده است. از اوست:

جلوه دوست به هر دشت که پیدا گردد

لاله ناقوس صنم خانه صحرا گردد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۰ / ۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۹ –۴۸)، الذریعه (۸۲۴ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۰۳ –۷۰۲).

فرقانی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: زمین‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

فرقانی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا فرقانی

محل تولد : رضوانشهر ، اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱۴

زندگینامه علمی

اینجانب تا مقطع دیپلم را در اصفهان سپری نمودم و در سال ۶۰- ۶۱ به حوزه علمیه قم مشرف شدم، دوره ۳ سال اول را در مدرسه مبارکه رضویه گذرانـدم و طی ۶ سال بعد دوره سطح را نزد اساتید گرانقدری مانند استاد نکونام، حسینی بوشهری، مرحوم استاد پایانی و اعتمادی گذرانـدم. سپس درس خارج را طی هشت سال نزد اساتید گرانقدر آیهٔ الله وحید خراسانی، آیهٔ الله فاضل، آیهٔ الله اعتمادی و آیهٔ الله شاهرودی کسب فیض نمودم. همزمان رشته تخصصی قضاء شرکت نمودم و از سال ۱۳۷۶ لغایت ۱۳۸۱ موفق به گذراندن رشته تخصصی قضاء گردیدم. همچنین همزمان تحصیلات حوزوی از سال ۱۳۷۳ لغایت ۱۳۷۶ در رشته حقوق دانشگاه تهران (مجتمع آموزش عالی قم) قبول و دوره کارشناسی را در آن دانشگاه گذراندم. ضمناً از سال ۱۳۶۵ تاکنون در دانشگاههای متعددی به تربیت دانشگاه آزاد ، دانشگاه ابوریحان پاکدشت و دانشگاه تهران به دروسی از قبیل معارف اسلامی، متون اسلامی، اخلاق اسلامی، ادبیات عرب، فقه، اصول فقه، قواعد فقه، مدنی ۵ (حقوق ....)، مهمات ارث، آیین دادرسی مدنی و غیره توفیق تدریس داشته ام. در سال ۱۳۸۱ ابلاغ قضایی دریافت کردم که پس از طی دوره قاضی تحقیق، دادرسی، ابلاغ ریاست شعبه حقوقی دریافت نموده و آرزوی توفیق خدمت به مردم خوب ترین را دارم.

فرقتی جوشقانی کاشانی، ابوتراب بیگ

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۶ / ۱۰۲۵ ق)، شاعر، متخلص به فرقتی. وی نخست کـامی تخلص می‌کرد. در محل تولـد او اختلاف وجود دارد، بعضـی تـذکره‌نویسان به تفـاوت جوشـقان، انجـدان و حتی قزوین نوشـته‌اند. نشوونمای او در کاشان بود. بخش کوتاهی از زنـدگی وی در اردوی شاه‌عبـاس گـذشت. مـدتی منصب وزارت را در دسـتگاه مقصودبیـگ داشت و بقیه دوران جوانی وی در کاشان به فراگیری شعر و ادب سپری شـد و همـان جـا مانـد، به همین دلیـل به کاشـانی بیشتر مشـهور است. وی سـفرهایی به قزوین، کاشـان و خراسان داشت. در هرات با ملک‌الشعرای خراسان، میرزا فصیحی هروی، هم‌صحبت شد. فرقتی خط نستعلیق و شکسته را نیکو می‌نوشت و از علم حساب و سیاق آگاهی داشت. وی در کاشان درگـذشت. از آثارش «دیوان» شـعری قریب به دو هزار بیت که میرزا عبدالکریم کاشـی بر آن مقـدمه نوشـته اسـت. ایـن دیـوان مشـتمل اسـت بر: «مثنـوی»، بر وزن «مخزن الاسـرار»، «قصایـد»، در مـدح ائمـه (ع) و «ساقی‌نامه»، به روش ترجیع‌بند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :آتشـکده‌ی آذر (۱۲۸۷ -۱۲۸۱ / ۳)، تاریـخ ادبیـات در ایران (۹۶۵ -۹۵۷ / ۵)، تاریـخ نظم و نـثر (۵۱۸ -۵۱۷)، تـذکره‌ی روز روشن (۶۱۷)، تـذکره‌ی میخانه (۴۲۸ -۴۱۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۹۷)، الذریعه (۱۱۲ / ۱۲ ،۸۲۵ -۸۲۴ ،۳۷ / ۹)، ریحانه (۳۳۱ / ۴)، سرو آزاد (۳۷)، صبح گلشن (۱۰)، فرهنگ سخنوران (۷۰۳)، لغت‌نـامه (ذیل/ فرقتی)، مجمع الخواص (۲۲۶ - ۲۲۵)، نتایج الافکار (۵۳۸ -۵۳۷).

فرقدی خراسانی، محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س شـشم ق)، شاعر. اهل خراسان و از شـعرای دوران سـلجوقیان بود. در زمان سلطان غیاث‌الدین محمد بن سام (۵۵۹ -۵۳۶ ق) از سلاطین سلسله‌ی آل‌شنسب که زمام امور مملکت غور (در افغانستان کنونی) را به عهده داشت، می‌زیست که به دربار وی راه یافت و به مدح او پرداخت. از وی اشعار اندکی باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریـخ ادبیات در ایران (۷۲۰ -۷۱۸ / ۲)، الذریعه (۸۲۵ / ۹)، رباعی و رباعی‌سـرایان (۹ ۱۲۲، فرهنگ سخنوران (۷۰۳)، لباب الالباب (۳۱۸ -۳۱۲ / ۲)، مجمع الفصحا (۹۴۳ / ۲).

فرمان، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم پایه، دانشگاه: علم و صنعت ایران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فیزیک و تعلیم و تربیت از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۴۰، کارشناسی ارشد فیزیک حالت جامد از دانشگاه کنت انگلستان در سال ۱۳۵۴ و دکترای فیزیک حالت جامد از دانشگاه کنت انگلستان در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۷۰ و دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران از سال ۱۳۷۰ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ترمودینامیک، الکتریسته و مغناطیس و تدریس دروس مختلف فیزیک دبیرستانی، فیزیک، الکتریسته، حرارت، مکانیک پایه و موج.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ریاضیات مهندسی پیشرفته، الکتریسته و مغناطیس، میدانها و امواج، ارتعاشات و امواج، تئوری جریان ترافیک، ترمودینامیک.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

بررسی ساختاری مولکول سیکلو هگزان، بررسی ساختاری فسفر بی‌شکل، انرژی خورشیدی، نتایج مقایسه حالت مایع و جامد مولکول سیکلوهگزان و طرح یک مدل.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

فرمانفرما، حسینعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۵۱ -۱۲۰۳ ق)، خطاط. ملقب به فرمانفرما. وی پنجمین پسر فتحعلی‌شاه است و در ییلاق ده نوار به دنیا آمد. مادرش بدر جهانخانم بود. حسینعلی میرزا از ۱۲۱۴ ق به حکومت فارس رسید و تا ۱۲۵۰ ق، یعنی در حدود سی و هفت سال سلطان بی‌تاج و تخت فارس بود. حسینعلی میرزا خط نستعلیق را خوش می‌نوشت. او در تهران به مرض وبا درگذشت. از آثار وی: یک لوحه به نام فتحعلی‌شاه، به قلم پنج دانگ خوش و با رقم: «زد رقم خامه‌ی فرمانفرما».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۶۰ / ۱)، تاریخ عضدی (۲۲۱ -۲۱۹)، حدیقه الشعراء (۱۳۲۷ -۱۳۱۹/ ۲)، شرح حال رجال (۴۴۲ -۴۳۸ / ۱)، مکارم الآثار (۱۴۹ -۱۴۸ / ۱).

فرمانیان، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی فرمانیان

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱۰/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مهدی فرمانیان اهل کاشان متولد ۱۳۵۲، بعد ازسیکل به حوزه علمیّه قمصر وارد شده و تا سال ۱۳۷۱ در قمصر تا لمعه را خواندم. سال تحصیلی ۱۳۷۱-۱۳۷۲را در مدرسه علمیّه آیت الله یثربی کاشان سپری کردم و از سال ۱۳۷۲ تا کنون در قم اقامت دارم. در سال ۱۳۷۲ به مؤسسه در راه حق وارد شده ولی بیشتر از یک ترم نماندم و آنجا را ترک کرده و به مطالعه شخصی پرداختم

و چند سال به درس خارج رفتم. از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ مسئول کانون فرهنگی در مسجد صفائی کاشان بودم و با بسیج نیز همکاری داشتم. در سال ۱۳۷۶ به مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب وارد شده و در رشته مذاهب اسلامی مشغول به تحصیل شدم که تا سال ۱۳۸۰ ادامه یافت. در سال ۱۳۷۸ در کارشناسی ارشد تربیت مدرس دانشگاه قم رشته فلسفه و کلام شرکت کرده و قبول شده ام و در سال ۱۳۸۱ از پایان نامه خود با عنوان «اندیشه های کلامی قاضی سعید قمی» دفاع کردم. از این سال به بعد جزو هیئت علمی مرکز ادیان و مذاهب شدم که هنوز هم ادامه دارد. از سال ۱۳۸۱ در مدرسه امام خمینی (ره) به تدریس مذاهب پرداخته و در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد سطح دوم و سوّم تدریس کردم. امامیه، تاریخ تشیع، اسماعیلیه، فرق تسنن، وهابیت، زیدیه، گرایشهای فکری جهان اسلام معاصر، فرق نخستین و روش تحقیق در مذاهب را تدریس کرده ام. از سال ۱۳۸۲ در مؤسسه مذاهب اسلامی در سطح سوم به تدریس اسماعیلیه و زیدیه پرداخته و در سال ۱۳۸۳ مذاهب کلامی دیگر همچون خوارج، غلات، وهابیت، قادیانیه، یزیدیان، نصیریه و ... را تدریس کرده ام (تدریس در معاونت تبلیغ: وهابیت). همچنین در مرکز تخصصی تاریخ دفتر تبلیغات، تاریخ تشیع تدریس نموده ام، در مرکز ادیان روش تحقیق در مذاهب، تاریخ فرق اسلامی، فرق نخستین، تاریخ کلام شیعه و فرق تسنن در مقطع کارشناسی ارشد تدریس کرده ام و در حال تدریسم. از سال ۱۳۷۸ به تحقیق روی آورده و مقالات زیادی را تألیف و به چاپ رسانده ام.

فرمند، هوشنگ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: فیزیولوژی جانوری، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی علوم طبیعی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۵، دکترای دولتی در رشته آبخیزداری از دانشگاه سوربن پاریس در سال ۱۳۳۹.

مرتبه علمی:

دانشیار فیزیولوژی جانوری دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۰، استاد فیزیولوژی جانوری دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۵ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فیزیولوژی، پاتولوژی، استاد راهنمای ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

غدد داخلی، تغذیه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

غدد داخلی، تغذیه.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

فرنگیس

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۱۰ محرم ۱۲۶۴ ق، از زنان شاعر. وی دختر محمود میرزا قاجار مؤلف تذکره نقل مجلس و نوه فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) بود. مجموعه یک نوحه و چند غزل او تحت عنوان دیوان محترم در ادامه دیوان محمود قاجار و به شماره ۵۴۴ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. سجع مهر او چنین است:

نشست از لطف شاهنشه چو بلقیس

بر اورنگ سلیمانی فرنگیس

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ۲۵۱۴ / ۳.

فروتن، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، استاد دانشگاه و نویسنده. فروتن در رشته تعلیم و تربیت، تحصیلات عالی داشت و به استادی دانشگاه تهران رسید. از آثار وی: «بقای روح»؛«توافق علم و دین»؛ «چند نکته‌ی تربیتی»؛ «حافظه و طریق تقویت آن»؛ «دانستنیهای مادران و پدران»؛ «ده‌اندرز تربیتی» ؛ «دیانت و مدنیت»؛ «راه تربیت نونهالان»؛ «روح انسانی»؛ «طرز رفتار با کودکان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۱۱۹، ۹۶۲، ۵۱۱ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۳-۵۳۱ / ۴).

فروزان، مسعود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

درگذشت: ۱۳۶۷.

دکتر مسعود فروزان دانشیار دانشگاه تربیت معلم در رشته‌ی ریاضی بود.

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: ریاضی، دانشگاه: تربیت معلم تهران

زندگینامه

مرحوم آقای دکتر مسعود فروزان دانشیار رشته ریاضی دانشگاه تربیت معلم تهران در تمام دوران خدمت خود در دانشگاه، با جدیت و تلاش تمام به تدریس و تحقیق پرداخت و شاگردان زیادی را در رشته ریاضیات تربیت نمود. شادروان دکتر مسعود فروزان در سال ۱۳۶۷ دار فانی را وداع نمود و به ملکوت اعلی پیوست.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

فروزانفر خراسانی، بدیع الزمان محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۲ -۱۲۷۸- وف ۱۳۴۹ ش)، نویسنده، استاد دانشگاه، محقق، مصحح، مترجم و شاعر. در روستای بشریه از توابع طبس خراسان در خانواده‌ای اهل علم به دنیا آمد. نسب وی به ملا احمد تونی، از علمای عصر شاه‌عباس، می‌رسید. وی مقدمات علوم قدیمه را در زادگاه خود آموخت و در ۱۳۳۸ ق به مشهد رفت و محضر ادیب نیشابوری را درک کرد و ادب و منطق را نزد او خواند و مدتی نزد میرزا حسین سبزواری تلمذ کرد و اصول و بعضی از مباحث فقه را از حاج شیخ مرتضی آشتیانی فراگرفت. در ۱۳۴۲ ق به تهران آمد، و یک دوره شرح «اشارات» و «شفا» و «کلیات قانون» را نزد میرزا طاهر تنکابنی خواند و نزد آقا حسین نجم‌آبادی تحصیل فقه و اصول کرد. وی قسمت الهیات کتاب «اسفار» را نزد آقا میرزا مهدی آشتیانی، و «شرح چغمینی» را نزد ادیب پیشاوری فراگرفت. فروزانفر، از آغاز ورود به تهران، با ادیب پیشاوری و شمس‌العلمای گرکانی و میرزا لطفعلی صدرالافاضل و میزا رضاخان نائینی و شاهزاده افسر و ذکاءالملک فروغی و علامه محمد قزوینی مأنوس و محشور بود. در ۱۳۰۵ ش به جای شمس‌العلمای گرکانی در مدرسه دارالفنون به تدریس فقه و اصول مشغول شد و در ۱۳۰۶ ش معلم منطق در مدرسه‌ی حقوق شد و سال بعد معلم زبان عربی و منطق و از ۱۳۰۸ ش معلم زبان و ادبیات فارسی در دارالمعلمین شد. پس از تأسیس دانشکده‌ی علوم معقول و منقول به سمت معاونت آنجا انتخاب و ریاست مؤسسه‌ی وعظ و خطابه را به عهده داشت. از ابتدای تأسیس دانشگاه تهران، استاد تاریخ ادبیات فارسی شد. وی سمت‌های متعددی در دانشکده‌های مختلف داشت. فروزانفر سفرهای متعدد به خارج کشور کرد. از جمله، به دعوت دانشگاه بیروت برای تأسیس کرسی زبان فارسی، به لبنان و برای مشارکت در کنگره اسلامی پاکستان، به لاهور و برای بازدید از مؤسسات فرهنگی و خاورشناسی و زیارت مزار مولانا جلال‌الدین رومی و دیدار از کتابخانه‌های علمی،به ترکیه نیز سفر کرد. وی دانشمندی نکته‌سنج، استادی محقق و مدرسی بی‌نظیر بود. سر انجام بر اثر سکته قلبی در تهران درگذشت. از آثارش: «منتخبات شاهنامه»؛ «سخن و سخنوران»؛ «منتخبات ادبیات فارسی»؛ «رساله در تحقیق احوال و زندگانی مولانا جلال‌الدین محمد»؛ «تاریخ ادبیات ایران»؛ «فرهنگ تازی به فارسی»؛ «خلاصه‌ی مثنوی»؛ «دستور زبان فارسی»؛ «شرح مثنوی شریف»؛ تصحیح «فیه مافیه»؛ «زنده‌ی بیدار (حی بن یقظان)»، ترجمه؛ «قدیمترین اطلاع از زندگی خیام»؛ «احادیث مثنوی»؛ تصحیح «کلیات شمس» یا «دیوان کبیر». لازم به ذکر است که در مجله‌ی «راهنمای کتاب» نام فروزانفر، جلیل ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (۲۹ -۲۷)، از نیما تا روزگار ما (۱۲۶ -۱۲۲)، راهنمای کتاب (س ۱۳، ش ۳ و ۴، ص ۱۶۷ مکرر-۱۷۰ مکرر، ص ۲۶۷ -۲۶۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۹۳ -۹۲ / ۵)، سخنوران نامی معاصر (۵۱۹ -۵۱۲ / ۱)، سواد و بیاض (۶۱۷-۶۱۱)، شرح حال رجال (۳۷ -۳۶ / ۵)، فرهنگ سخنوران (۱۲۸)، کلک (س ۷، ش ۳ -۱، ص ۳۰۶ -۱۸۶)، مجله‌ی

دانشـکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشـگاه تهران (به یاد اسـتاد بدیع‌الزمان فروزانفر)، مسـتدرکات اعیان (۲۲۷ –۲۲۶ / ۳)، مقدمه‌ی مجموعه‌ی مقالات و اشعار فروزانفر (مقدمه/ سیزده– بیست و پنج)، یغما (س ۲۳، ش ۲، ص ۱۲۵ –۱۲۳).

فروشانی سدهی، محمد باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۵ –۱۲۳۵ ق)، عـالم امـامی و فقیه. پس از خوانـدن متون فقه و اصول در اصـفهان، به عتبـات رفت و در نجف از آیت‌الله حـاج شیخ زین‌العابدین مازندرانی و آیت‌الله آقا میرزا ابوالقاسم کلانتر نوری اسـتفاده نمود. وی از اسـتادش، مازندرانی، اجازه‌ی اجتهاد و روایت داشت. بعد از مراجعت به اصـفهان به خدمات دینی و اقامه‌ی جماعت و تدریس و تألیف پرداخت. از آثارش: کتابهای فقهیه در «طهارت»، «صلوه» و «الصوم»؛ رساله‌ای در «منجزات مریض»؛ رساله‌ای در «ارث».[۱]

سید محمدباقر بن مرحوم سلامه‌السادات آسید حسنعلی فروشانی متولد ۱۲۳۵ ق از علماء بزرگ سده بوده‌اند.

آن مرحوم پس از خواندن متون فقه و اصول در اصـفهان مهاجرت به عتبات نموده و در نجف از مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ زین‌العابـدین مازنـدرانی و مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا ابوالقاسم کلانتر نوری صاحب تقریرات شـیخ اسـتفاده نموده و بعـد مراجعت به اصفهان و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تدریس و ترویج احکام پرداخته تا سال ۱۳۲۵ که به رحمت حق پیوسته است.

از آثار او است. کتب فقهیه فی الطهاره و الصلوه و الصوم و رساله‌ای در منجزات مریض و رساله‌ای در ارث و غیره.

از استادش مرحوم مازندرانی اجازه اجتهاد و روایتی داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۳۵۲ –۳۵۱ / ۷).

فروشانی، حیدر علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علمـای بزرگ، در اصـفهان و نجف خـدمت جمعی کثیر از فحول علمـا تلمـذ نموده، و مـدتی به درس شـیخ انصـاری و آقا سـید حسین ترک کوه کمری حاضر شده، به ایران مهاجرت نموده، و در محل تولد خود ساکن شده، ریاست علمی و دینی آنجا را یافته، مورد توجه عموم طبقات بالاخص علما و طلاب واقع شده، حوزه‌ی درسش از هر جهت ممتاز بوده.

در حدود سال ۱۳۰۰ وفات یافته، در قبرستان فروشان مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

فروغ اصفهانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سـیزدهم ق)، شـاعر. وی ز اوان جوانی مشـغول تحصـیل شـد و در طب و نجوم به کمال رسـید. خط نسـتعلیق را بسـیار خوب و خوش می‌نوشت. اثر وی «دیوان» شعر می‌باشد. از اوست:

چشم تو زد راه کاروان سلامت

بر لب لعلت حواله کرد غرامت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۳۲۸ –۱۳۲۷ / ۲)، الذریعه (۸۲۶ / ۹).

فروغ اصفهانی، محمدمهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۳ –۱۲۲۳ ق)، نویسـنده و شـاعر، متخلص به فروغ. معروف به فروغ‌الـدین. وی در تبریز به دنیـا آمـد و با رضا قلی‌خان هـدایت معاصـر بود. در آذربایجان مسـتوفی عباس‌میرزا، ولیعهـد ایران، شـد و پس از فوت او به تهران آمـد و مسـتوفی دیوان محمدشاه شد. چـون او به فریـدون‌میرزا پسـر بزرگ عبـاس‌میرزا و متخلص به فرخ خـدمت می‌کرد خود را فروغ فرخی معرفی می‌کرد. از آثـارش: «تذکره الشـباب»؛ «مکتوبات و قصاید عربی و فارسی»؛ «صحائف العالم»؛ «دیوان» شعر. لازم به ذکر است که در «مکارم الآثار» وفات وی ۱۲۸۹ ق ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی پیمانه (۳۸۰ -۳۷۲)، حدیقه الشعراء (۱۳۳۲ -۱۳۲۹ / ۲)، الذریعه (۸۲۶ -۸۲۵ / ۹)، ریحانه (۲۹۷ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۷۰۴)، لغت‌نامه (ذیل/ فروغ‌الدین)، الماثر و الآثار (۲۰۶)، مجمع الفصحا (۸۴۰ -۸۳۳ / ۵)، مکارم الآثار (۷۷۵ - ۷۷۴ / ۳).

فروغ فسایی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۶ -۱۲۸۸ ش)، نویسنده و شاعر، متخلص به فروغ. در فسا به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش و شیراز به پایان رسانید. سپس به تهران آمد و در رشته‌ی مهندسی نقشه‌برداری به تحصیل پرداخت. فروغ از طرف وزارت امور خارجه مأموریت یافت تا از مرزهای کشور و کمیسونها سرحدی و تحدید حدود با کشورهای همسایه نقشه‌برداری کند. از آثارش: «مرزهای ایران»؛ «نقشه‌برداری علمی و عملی»؛ «نقشه ایران».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۳۱ -۱۲۶ / ۴)، سخنوران نامی معاصر (۲۶۸۲ -۲۶۸۰ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳۹۳ -۳۹۲ / ۴)، یادگار (س ۲، ش ۲، ص ۸۰ -۷۹).

فروغی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(منسوب به فروغ بخش ۱) نام خاندانی است ایرانی که عده‌ای از دانشمندان و رجال از آن برخاسته‌اند (اولین کس از این خاندان که به نام فروغی نامیده شده محمدحسین است) فروغی حاج ملا مؤمن. پشت دهم محمدعلی ذکاءالملک فروغی و وی در عهد سلطنت شاه صفی (۱۰۵۲ -۱۰۳۸ ه.ق) می‌زیسته.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

فروغی اصفهانی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر و ادیب، نامش: میرزا محمد، از حکمای فضلا بوده، و در مجسطی مهارتی کامل داشته، در اواسط عمر به مسافرت پرداخته، با تیمور شاه افغان راه یافته، و ملک الشعرای وی شده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

فروغی اصفهانی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ -۱۲۶۳ ش)، نویسنده، استاد دانشگاه، شاعر، مترجم و روزنامه‌نگار. در تهران به دنیا آمد. پدر ش از رجال دانشمند دوره‌ی ناصری بود. وی علوم مقدماتی را نز پدر آموخت و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه‌ی دارالفنون و آلیانس به پایان برد و زبان فرانسه را به خوبی آموخت، آن‌گاه به فرانسه عزیمت نود. بعد از بازگشت به ایران معلم دارالفنون و مدرسه‌ی علوم سیاسی شد و علاوه بر مترجمی، تدریس جغرافیا و تاریخ و علوم طبیعی را نیز عهده‌دار شد. وی در تربیت دانش‌آموزان سلیقه‌ی خاصی داشت و بدین منظور یک مدرسه عالی به نام «دارالمعلمین» در ۱۲۹۸ ش تأسیس کرد که خود، ریاست آن را به عهده داشت. وی همچنین نظارت و سرپرستی مجله‌ی «اصول تعلیمات» را، که از طرف وزارت معارف منتشر می‌شد، به عهده داشت. فروغی پس از نشر شش شماره از آن مجله نام آن را به «اصول تعلیم» تغییر داد. چندی بعد ماهنامه‌ی «فروغ تربیت» را دایر کرد. وی جمعا چهار سفر به اروپا داشت که سفر آخر او به عنوان وزیر مختار ایران در سویس بود. ابوالحسن فروغی عضو فرهنگستان زبان فارسی و استاد دانشگاه تهران بود. در ادبیات و انشای زبان فرانسه بسیار پرمایه و زبردست و در ادبیات فارسی و عربی هم صاحب مطالعات زیاد بود. نثر را خوب می‌نوشت و شعر نیز می‌گفت. سرانجام در تهران درگذشت. آثار وی: مجموعه‌ی «اشعار»؛ اوراق مشوش»یا «مقالات مختلفه»؛ رساله‌ی «تجدد و ملیت»؛ منظومه‌ی «شیدوش و ناهید»؛ «تاریخ شعرا»، با همکاری محمدعلی فروغی؛ «سرمایه سعادت» یا «علم و آزادی».[۱]

فرزند محمدحسین ذکاءالملک، در ۱۲۶۳ ش (۱۸۸۴ م) در تهران متولد شد. در سن ۶ سالگی تحصیلات مقدماتی را تحت نظارت پدر و محمدعلی فروغی برادر مهترش آغاز کرد و سپس تحصیلات خود را در مدارس دارالفنون و آلیانس فرانسه ادامه داد و

فارغ‌التحصیل شد. آنگاه به زبان و ادبیات فارسی و عربی پرداخت و چون شوق و علاقه‌ای به فلسفه و عرفان داشت، بیشتر وقت خود را صرف فلسفه قدیم و جدید نمود و با مکتبهای فلسفی آشنا شد و در مدرسه‌ی سپهسالار قدیم آن را تکمیل نمود. فروغی در سن ۱۸ سالگی به روزنامه‌ی تربیت که پدرش انتشار می‌داد پیوست و مدیریت داخلی و توزیع روزنامه‌ی مزبور را بر عهده گرفت. پس از تعطیلی روزنامه‌ی تربیت که مقارن طلوع مشروطیت بود، به کار معلمی و تدریس پرداخت و در مدارس علمیه و دارالفنون ساعاتی از وقت خود را تدریس می‌نمود.

فروغی در ۱۲۹۸ ش با کمک برادرش که ریاست دیوان عالی کشور را بر عهده داشت، به تاسیس مدرسه‌ای به نام دارالمعلمین مرکزی پرداخت و برنامه‌ی آن مدرسه عینا از مدارس متوسطه فرانسه اقتباس شده بود و دوره‌ی آن شش سال کامل بود و مدرک تحصیلی آن دیپلم کامل متوسطه بود. همزمان با تاسیس دارالمعلمین مرکزی، نصیرالدوله (احمد بدر) وزیر معارف وقت، مدیریت مجله‌ی اصول تعلیم را که از طرف اداره‌ی بازرسی وزارت معارف منتشر می‌شد به ابوالحسن فروغی طبق حکمی واگذار کرد که با کمک مدرسین و معلمین مدرسه‌ی مزبور، مجله را منتشر سازند. این مجله که هزینه‌ی آن را وزارت معارف تامین می‌نمود، یک مجله‌ی فلسفی و تربیتی و علمی و تاریخی و ادبی بود. فروغی اعضاء هیئت تحریریه‌ی نشریه‌ی مزبور را به این شرح انتخاب نمود: غلامحسین رهنما، ابوالقاسم بهرامی، عبدالعظیم قریب و اقبال آشتیانی. علاوه بر هیئت تحریریه، فروغی در هر شماره دو مقاله‌ی فلسفی داشت. با تمام کوششی که برای ادامه‌ی کار این مجله به عمل آمد، مع‌الوصف شش شماره بیشتر منتشر نشد و در محاق تعطیل قرار گرفت.

پس از تعطیلی مجله‌ی اصول تعلیم، فروغی در سال ۱۳۰۰ مجله‌ی فروغ تربیت را انتشار داد که آن هم دوام زیادی نکرد و از چند شماره تجاوز ننمود. در ۱۳۰۷ ش دارالمعلمین عالی از طرف وزارت فرهنگ تاسیس شد و ابوالحسن فروغی به استادی آنجا منصوب شد.

ابوالحسن فروغی در سال ۱۳۱۲ ش به سمت وزیرمختار ایران در سویس انتخاب شد و یک سال در این ماموریت بود و بعد نمایندگی ایران را در جامعه‌ی ملل برعهده گرفت و سرانجام در ۱۳۱۴ به ایران بازگشت و به استادی دانشگاه تهران و عضویت پیوسته‌ی فرهنگستان منسوب شد و تا پایان عمر در مشاغل فرهنگی بود.

وفات وی در ۶ بهمن‌ماه ۱۳۳۸ ش اتفاق افتاد. ابوالحسن فروغی تالیفاتی به زبان فرانسه و فارسی دارد که عبارتند از: دو جلد در اصول حکمت و فلسفه به زبان فرانسه، سرمایه سعادت، اوراق مشوش و دوره‌های مجله اصول تعلیم و فروغ تربیت. وی طبع شعر داشت و قسمتی از اشعار او به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات معاصر (۸۰ -۷۹)، از نیما تا روزگار ما (۱۵۹ -۱۵۷)، تاریخ برگزیدگان (۳۷۲ -۳۷۱)، تاریخ جراید (۶۹ / ۴ ،۱۹۰ -۱۸۵ / ۱)، الذریعه (۸۲۸ / ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۹۵ -۹۴ / ۵)، سخنوران نامی معاصر (۲۷۰۰ -۲۶۹۷ / ۴)، سرآمدان فرهنگ (۶۱ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۷۰۵)، لغت‌نامه (ذیل/ فروغی)، مؤلفین کتب چاپی (۱۶۲ -۱۶۱ / ۱)، یغما (س ۱۹، ش ۳، ص ۱۷۲، س ۲۱، ش ۱۰، ص ۵۷۶-۵۷۴).

فروغی بسطامی، عباس

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۷۵ / ۱۲۷۴ -۱۲۱۳ ق)، شاعر. در ابتدا مسکین و سپس فروغی تخلص می‌کرد. در عتبات به دنیا آمد و شانزده سال بیش نداشت که پدرش از دنیا رفت. پس از چندی با مادر به ایران آمد و نزد عموی خود دوستعلی‌خان به مازندران رفت و در ساری اقامت گزید. پس از فراگیری خواندن و نوشتن، به مطالعه دیوان شاعران پرداخت و غزلهایی سرود که در آنها مسکین تخلص کرد. پس از چندی عمویش که خزانه‌دار فتحعلی‌شاه بود به تهران آمد و فروغی را نیز با خود آورد و غزلی را که در مدح شاه سروده بود به او ارائه داد و شاه وی را نزد شجاع‌السلطنه به خراسان فرستاد. شجاع‌السلطنه مقام منشیگری به او داد و پس از چندی به علت انتساب به امیرزاده فروغ‌الدوله به فروغی متخلص شد. فروغی در ۱۲۴۹ ق به همراه شجاع‌السلطنه به کرمان و سپس به تهران آمد و تا زمان محمدشاه در تهران بود ولی پس از آن به عتبات رفت. پس از بازگشت به ایران تغییر حال داد و از مردم دوری گزید. در زمان ناصرالدین شاه نیز مورد احترام و علاقه‌ی شاه بود. گویند اشعارش بیست هزار بیت بوده ولی آنچه که به ضمیمه‌ی «دیوان» قاآنی به چاپ رسیده بیش از سه هزار بیت نیست.[۱]

(منسوب به فروغ‌السلطنه) بسطامی (میرزا) عباس بن (آقا) موسی، شاعر غزلسرای ایرانی (و. عتبات ۱۲۱۳ ه.ق/ ۱۷۹۸ م.- ف. ۱۲۷۴ ه.ق/ ۱۸۵۷ م.). او پس از بلوغ از عتبات به ایران آمد و به مازندران رفت و در ساری مقیم شد. وی در آغاز «مسکین» تخلص می‌کرد، ولی بعد به سبب انتساب به دستگاه شاهزاده حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه حاکم کرمان و به مناسبت لقب فرزند شاهزاده- که فروغ‌السلطنه نام داشت- به «فروغی» مشهور گردید. مدتی از اوایل عمر خود را به مدح شاهان و شاهزادگان قاجاری گذرانید، ولی به سبب تمایلات عارفانه باقی عمر وی غالباً مصروف ریاضت و اعتزال و مصاحبه با عارفان شد. غزلیات او روان و فصیح است. توجه او به تصوف باعث شد که غزلیات دلپذیر وی با افکار بلند عارفانه همراه باشد. فروغی یکی از بزرگترین غزلسرایان متصوف دوره‌ی اخیر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۸۶ -۸۲ / ۱)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۱۷ -۲۱۶ / ۴)، حدیقه الشعراء (۱۳۴۸ -۱۳۴۳ / ۲)،

الذریعه (۸۲۷ / ۹)، ریحانه (۳۳۲ -۳۳۱ / ۴)، سخنوران نامی معاصر (۲۶۹۶ -۲۶۹۱ / ۴)، سفینه المحمود ۶۲۹ -۶۲۸ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۰۶)، گنج سخن (۲۱۴ -۲۰۶ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ فروغی بسطامی)، المآثر و الآثار (۲۰۶)، مجمع الفصحا (۸۳۳ -۸۲۹ / ۵)، مکارم الآثار (۴۷۸ -۴۷۴ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۶۹ -۶۶۸ / ۳)، یادگار (س ۵، ش ۲ -۱، ص ۱۴۶ -۱۴۵)، یغما (س ۳، ش ۱۲، ص ۵۳۱ -۵۲۹).

فروغی قزوینی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهـم ق)، شـاعر. اهـل قزویـن بـود و در زمـان شاه‌عبـاس اول (۱۰۳۸ -۹۹۶ ق) می‌زیسـت. از شـاعران مکتـب وقـوع بـود که به هندوستان مسافرت کرد. در قزوین دکان عطاری داشت که عده‌ای از شاعران همه روزه در آنجا جمع می‌شدند و اکثر اشعار، مابین آنان، در همان جا طرح می‌شد. مطربی قزوینی از شاگردان وی بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۹۹ / ۳)، تاریخ ادبیات ایران (۸۸ / ۴)، تاریخ نظم و نثر (۵۳۱ -۵۳۰، ۴۶۱)، الذریعه (۸۲۸۹)، صبح گلشن (۳۱۶ -۳۱۵)، عالم‌آرای عباسی (۱۸۸ -۱۸۷ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۷۰۶)، کاروان هند (۱۰۱۱ -۱۰۰۸ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ فروغی)، مجمع الخواص (۲۸۴ -۲۸۳)، مکتب وقوع (۶۶۶، ۱۸۳)، هفت اقلیم (۱۸۶ -۱۸۵ / ۳).

فروغی نژاد، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله فروغی نژاد

محل تولد : گلپایگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عبـداله فروغی نژاد به ش ش ۶۱ صادره از گلپایگان متولـد سال ۱۳۵۰، پس از اخذ مدرک سیکل در سال تحصیلی ۱۳۶۵ وارد حوزه عملیه گلپایگان شدم. پس از گذراندن بخشـی از سطح حوزه در سال تحصـیلی ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه ولی عصر(عج) شهرستان خوانسار شدم و دروس لمعه و اصول، رسائل و مکاسب و کفایتین را تا سال ۱۳۷۶ به اتمام رساندم. سال ۱۳۷۶ وارد حوزه علمیه قم شـدم و در درس خـارج فقه حضـرت آیـهٔ الله العظمی مکـارم شـیرازی شـرکت نمودم و تا هم اکنون توفیق حضور محضـر ایشان را دارم. در سال تحصیلی ۱۳۸۳-۱۳۸۲ در درس خارج فقه آیهٔ الله جوادی آملی و آیهٔ الله نوری همدانی نیز شـرکت داشتم. و همچنین درس خارج اصول را در محضر آیهٔ الله جعفر سبحانی از سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۸۳ شرکت نمودم. در سال تحصیلی ۱۳۷۹ با قبولی در سطح ۲ مرکز تخصصـی تفسیر و علوم قرآن اشتغال به این رشته تحصیلی پیدا نمودم تا در سال ۱۳۸۲ مقطع کارشناسی آن به پایـان رسـید. و هم اکنون در مقطع کارشناسـی ارشـد مشـغول تحصـیل هسـتم که در ترم پایـانی آن هسـتم. در باب تـدریس، در سالهای ۱۳۶۸و۱۳۶۹ که مشـغول خوانـدن سـیوطی و معالم بودم. درسـهای ادبیات عرب، عوامل فی النحو و هـدایه و صـمدیه را در حوزه علمیه گلپایگـان تـدریس داشـتم. و در حوزه علمیه خوانسار نیز سالهای ۱۳۷۶-۱۳۷۵ به مـدت دو سال. ادبیات عرب: هـدایه، صمـدیه، صـرف ساده و مبادی تـدریس داشـتم. در زمینه تبلیغ نیز خداوند توفیق مرحمت نمود تا از سال ۱۳۷۰ به تبلیغ معارف دین بپردازم و بحمـداله تـاکنون این توفیق را داشـتم تا در فصـلهای تبلیغی، ماه مبارک رمضان، دهه محرم، دهه صـفر و ایام فاطمیه را در اقصـی نقـاط میهن عزیزمـان به تبلیغ و بیـان معـارف دین پرداخته که امیـدوارم این توفیق از طرف حضـرت حق جـل جلاله و عنایت خاص ولی عصـر(عج) ادامه داشته باشد. از سال ۱۳۷۹ تا اکنون توفیق تحقیق و پژوهش در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسـلامی داشـتم کاری که در سالهای ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۳ با کمک برادران بزرگوار دیگر مخصوصاً مسئول محترم پروژه حضـرت حجهٔالاسلام ابن الرضا صورت گرفت کار تقطیع و فایل سازی و نمایه موضوعی پیرامون کتاب شـریف الغـدیر یادگار علامه امینی رحمهٔ الله علیه بود و هم اکنون در حال تنظیم و تـدوین درختواره الغـدیر هسـتم که امید است به زودی جامعه بزرگ اسـلام از این کار نو و جدید بهره مند شوند.

فروغی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر حسن فروغی در سال ۱۳۲۳ در شهرستان طبس متولّد شد.وی مدرک دکتری ادبیات فرانسه و تطبیقی را از دانشگاه سوربن فرانسه در سال ۱۳۵۷ دریافت داشته است.ایشان از سال ۱۳۵۸ با درجه استادیاری در دانشکده ادبیات و زبان های خارجی دانشگاه شهید چمران اهواز آغاز و نامبرده درسال ۱۳۷۷ به مرتبه دانشیاری و در سال ۱۳۸۵ به مرتبه استادی نایل گردیده است. دکتر فروغی در حال حاضر با پایه ۳۵ استادی در این دانشگاه مشغول بکار می باشد. گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات فرانسه گرایش : ادبیات فرانسه و تطبیقی والدین و انساب : پدر حسن ،محمد فروغی متولد ۱۲۹۷،از اولین فارغ التحصیلان ششم ابتدایی و از اولین آموزگاران شهرستان طبس و معلم اغلب فارغ التحصیلان دوره های گذشته این شهرستان می باشد.ایشان بادانش و حافظه تاریخی فوق العاده در قید حیات می باشند.مادرش خاندار است. او نیز شش برادر و یک خواهر دارد.خاطرات کودکی " : در منطقه ای محروم ولی در خانواده ای فرهنگی پرورش یافتم. آگاهی فرهنگی پدرم و اقتدار مادرم از ما فرزندانی آگاه ،با پشتکار و موفق آفرید"اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : حسن فروغی در خانواده ای فرهنگی و با شرایط اقتصادی متوسط در طبس بدنیا آمد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسن فروغی در سال ۱۳۳۶ تحصیلات ابتدایی را در دبستان میرطبس و در سال ۱۳۴۲ تحصیلات متوسطه را در دبیرستان شیبانی همان شهرستان به پایان رساند و در سال۱۳۴۲ موفّق به اخذ دیپلم متوسطه در رشته تجربی گردید. ایشان در سال ۱۳۵۲ مقطع کارشناسی رشته زبان فرانسه را در مدرسهٔ عالی ترجمه تهران به پایان رسانید و در سال ۱۳۵۳ (همزمان با گذراندن چندواحد از دروس ادبی برای تبدیل لیسانس مترجمی به لیسانس ادبیات) به دریافت کارشناسی ارشد ادبیات فرانسه از دانشگاه سوربن پاریس و درسال ۱۳۵۷ به دریافت درجه دکتری ادبیات فرانسه و تطبیقی از دانشگاه سوربن پاریس توفیق یافت. دکتر فروغی همچنین در سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۲ دورهٔ کارشناسی علوم اجتماعی را در دورهٔ شبانهٔ دانشسرای‌عالی تهران به صورت ناتمام گذرانده و در طول اقامت خود در فرانسه، در سال ۱۳۵۳ موفّق به اخذ دیپلم مهارت آموزش زبان فرانسه به روش‌های سمعی وبصری و در سال ۱۳۵۶ موفّق به اخذ فوق لیسانس(DEA= دانشوری) جامعه شناسی از مدرسهٔ مطالعات عالی پاریس نیز گردیده است. خاطرات و وقایع تحصیل " : پس از دو سال توقف در پشت کنکور بخاطر اصرار خودم در پذیرفته شدن در رشته های پزشکی یا مهندسی و پس از انجام خدمت سربازی ،استخدام در آموزش و پرورش و علاقه فراوان به شغل معلمی تصمیم گرفتم در رشته های زبان و یا جامعه شناسی تحصیل کنم که تا در سطح تخصص در دانشگاه هم شد"....فعالیتهای ضمن تحصیل : حسن فروغی در حین تحصیل به کار تدریس در آموزش و پرورش اشتغال داشت.استادان و مربیان : در ایران ،خانم ها و آقایان : دکتر بروخیم ،دکتر بارویان،دکتر شاهین ،مهندس پایور،دکتر فولادوند در رشته زبان و ادبیات فرانسه،دکتر غلامعباس توسلی ،دکتر خسروی ،دکتر خوئی ف و غیره در رشته علوم اجتماعی در فرانسه : دکتر ژاک شوئیه،رئیس وقت دانشگاه پاریس سه (سوربن پاریس جدید)و استاد راهمای دکتر حسن فروغی ،دکتر ژاک ورنان ،ریمون آرون در رشته جامعه شناسی هم دوره ای ها و همکاران : همدوره ایهای و همکاران حسن فروغی در مقاطع مختلف تحصیل و اشتغال به قرار زیر است: دانشسرای عالی تهران : آقای محمد نبی حبیبی دانشگاه شهید چمران اهواز : دکتر عبدالله محتشمی ،دکتر سید علاء الدین گوشه گیر،خانم دکتر المیرا داور ،دکتر محمودرضا گشمرری(؟)،دکتر مسعود نذری دوست ،دکتر سید جمال موسوی شیرازی و چند استاد فرانسوی در اوایل انقلاب.همسر و فرزندان : دکتر حسن فروغی متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم زهرا صدقی است. ایشان آموزگار بازنشسته آموزش و پرورش می باشد.ماحصل ازدواج آنها سه فرزند بنامهای مریم (پزشک)،فرامرز(پزشک) و مرجان مهندس کامپیوتر است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در زمینهٔ فعالیت‌های اجرایی، حسن فروغی در دو دوره، از فروردین ۱۳۵۸ تا آذر ۱۳۵۹ و از دیماه ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ مدیر گروه فرانسه، در سال تحصیلی ۱۳۵۸تا ۱۳۵۹، دبیرشورای مدیریت دانشکده زبان‌های خارجی و عضو شورای دانشگاه جندی شاپور، و از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۶، نماینده منتخب اعضای هیأت علمی دانشکده ادبیات در کمیته ارتقاء بوده است. در زمینهٔ فعالیت‌های علمی– پژوهشی دکتر فروغی از سال ۱۳۷۵ تا بهمن ماه ۱۳۷۹، عضو شورای پژوهشی گروه فرانسهٔ سازمان مطالعه وتدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها بوده و در حال حاضر عضو هیأت تحریریهٔ مجله های دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه شهید چمران، مجلهٔ پژوهش دانشگاه تهران، مجلهٔ لقمان در مرکز نشر دانشگاهی و مجله هنرهای نمایشی دانشگاه تهران می باشد. خلاصه ای از فعالیت های اداری و مدیریتی دکتر حسن فروغی به قرار زیر است: عضو شورای پژوهشی گروه فرانسه سازمان سمت از تاریخ ۱/۱/۱۳۷۵ تا کنون ادامه دارد عضو کمیته علمی هفته پژوهش دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز در تاریخ ۱/۱/۱۳۸۲ دبیر شورای مدیریت دانشکده زبانهای خارجی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز از تاریخ ۱/۱/۱۳۵۸تا تاریخ ۱/۱/۱۳۵۹ عضو شورای دانشگاه شهید چمران اهواز از تاریخ ۲/۲/۱۳۵۸ تا تاریخ ۲/۲/۱۳۵۹ مدیر گروه فرانسه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز از تاریخ ۳/۳/۱۳۵۸تا تاریخ ۳/۳/۱۳۵۹ نماینده منتخب دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز در کمیته ارتقاء از تاریخ ۱/۱/۱۳۷۷ تا کنون ادامه دارد عضویت در هیئت تحریریه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز از تاریخ ۱/۱/۱۳۷۹تا کنون ادامه دارد مدیر گروه فرانسه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز از تاریخ ۱/۱/۱۳۸۰ تا کنون ادامه دارد عضو هیات تحریریه مجله دانشکده ادبیات وعلوم انسانی از تاریخ ۱/۱/۱۳۸۲ تا کنون ادامه دارد عضو کمیته تالیف و ترجمه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز از تاریخ ۱/۱/۱۳۸۴ تا کنون ادامه دارد عضو جامعهٔ ادبی قرن ۱۸ فرانسه،(پاریس). عضو بنیان گذار « جامعه ادبی دیدرو»، (پاریس). عضو جامعه ادبی منتسکیو، (پاریس). عضو خزانه دار انجمن علمی مطالعات فرانسوی زبان، (ایران). فعالیتهای آموزشی : فعالیت‌های آموزشی دکتر فروغی از سال ۱۳۵۸ با درجه استادیاری در دانشکده ادبیات و زبان های خارجی دانشگاه شهید چمران اهواز آغاز و نامبرده درسال ۱۳۷۷ به مرتبه دانشیاری و در سال ۱۳۸۵ به مرتبه استادی نایل گردیده است. دکتر فروغی در حال حاضر با پایه ۳۵ استادی در این دانشگاه مشغول بکار می باشند. ایشان بسیاری از دروس مقاطع کارشناسی ،کارشناسی ارشد در رشته ادبیات فرانسه از جمله ادبیات فرانسه ،نقد ادبی،تفسیر متون ادبی ،روش تحقیقی و ادبیات تطبیقی

تدریس می کند. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر حسن فروغی در کنار فعالیت های پژوهشی و آموزشی به ورزش و پیگیری اخبار داخلی و خارجی و غیره می پردازد.شاگردان : دکتر عادل خنیاب نژاد(؟)، و دکتر ابراهیم سلیمی (عضو هیئت علمی گروه فرانسه اصفهان) از دانش آموختگان حسن فروغی می باشند.آرا و گرایشهای خاص : گرایش های ایشان عبارت است از : ادبیات فرانسه، ادبیات تطبیقی، نقد ادبی، روش تحقیق، تفسیر متون ادبی فرانسهجوائز و نشانها : دکتر فروغی در سال ۱۳۸۱ به عنوان مولف و مترجم برگزیده دانشگاه و در سال های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۶ به عنوان پژوهشگر برتر انتخاب شده است.ایشان در سال ۱۳۸۱ به عنوان مولف و مترجم برگزیده دانشگاه شهید چمران اهواز مورد تقدیر قرار گرفته است.چگونگی عرضه آثار : بیش از صد پایان نامهٔ کارشناسی و چندین پایان نامه کارشناسی ارشد توسط دکتر فروغی در سال اخیر راهنمایی شده است.آثار : ترجمهٔ کتاب اسلام وتمدن اسلامی ویژگی اثر : (دوجلد) از آندره میکل، هانری لوران، انتشاراتسمت ، ۱۳۸۱. این کتاب به عنوان یک کتاب مبنایی برای تدریس در بیشتر رشته های دانشکده الهیات به چاپ رسیده است.۲ تفسیر متون ادبی ویژگی اثر : (به زبان فرانسه)، انتشارات سمت، ۱۳۸۱.این کتاب ،کتاب درسی مربوط به سه درس تفسیر متون در دوره کارشناسی ادبیات فرانسه که در این دوره تدریس می شود.۳ فرانسه برای دانشجویان رشته علوم ویژگی اثر : (به زبان فرانسه)، انتشارات سمت، چ اوّل، ۱۳۷۳، (با همکاری دکترعبدالله محتشمی و دکترسید علاء الدین گوشه گیر). ۴ یادداشت برداری و روش تحقیق ویژگی اثر : (به زبان فرانسه)، انتشارات سمت، چاپ اوّل ۱۳۸۰ ، چاپ دوم ۱۳۸۲ ، چاپ سوم ۱۳۸۵–این کتاب از کتابهای درسی دانشگاهی است که در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فرانسه در گروه های آموزشی تدریس می شود.

فروغی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۵ –۱۲۵۵ ق)، ادیب، نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار و شاعر. ابتدا فدایی، سپس ادیب و سرانجام فروغی تخلص نمود. در جوانی تجارت می‌کرد و چون سرمایه‌ی خویش را در راه تجارت هند به خلیج‌فارس از دست داد. مدتی در بندر لنگه، جهرم،فسا و یزد گذرانید و سپس به کرمان رفت و به خدمت حاکم کرمان، محمد اسماعیل‌خان نوری، وکیل‌الملک، درآمد. مدتی نیز در کرمانشاه اقامت گزید و وارد جمع درویشان شد. در آنجا نیز به مدیحه‌سرایی شاهزاده عمادالدله پرداخت و ادیب تلخص می‌کرد. سرانجام به تهران آمد و در دستگاه وزارت انطباعات و دارالترجمه‌ی میرزا محمد حسن‌خان اعتمادالسلطنه به منشی‌گری پرداخت. در ۱۲۹۱ ق از طرف ناصرالدین‌شاه ملقب و متخلص به فروغی شد. مدتی نیز مدیریت دارالترجمه و دارالطباعه دولتی و مترجمی زبان عربی و فرانسه را عهده‌دار بود و روزنامه‌های دولتی «ایران»؛ «اطلاع»؛ «رسمی»؛ «شرف» معمولا با انشای وی نوشته می‌شد. در ۱۳۱۱ ملقب به ذکاءالملک ش وی روزنامه‌ی «تربیت» را در ۱۳۱۴ ق منتشر کرد. با تأسیس مدرسه‌ی عالی علوم سیاسی در ۱۳۱۷ ق به استادی مدرسه و در ۱۳۲۳ ق به ریاست آن منصوب گشت. فروغی در ابن‌بابویه شهر ری مدفون شد. آثار وی عبارتند از: «تاریخ سلاطین ساسانی» یا «تاریخ ساسانیان»، ترجمه، با همکاری فرزندش محمدعلی فروغی؛ تصحیح «یوسف عذرا»؛ «تاریخ ادبیات ایران»؛ «چرا و به این جهت»، ترجمه؛ «سفر هشتاد روزه‌ی دور دنیا»، ترجمه؛ «عشق و عفت»،به نظم، ترجمه؛ تصحیح «عجز بشر»؛ «علم بدیع»؛ «غرائب زمین و عجایب آسمان»، ترجمه؛ «کلبه هندی»، ترجمه. ضمنا از وی «دیوان» شعر به جای مانده است.[۱]

ملقب به ذکاءالملک (اول)، ادیب و نویسنده (و. اصفهان ۱۲۵۵ ه.ش– ف. ۱۲۸۹ ه.ش/ ۱۳۲۵ ه.ق) ابن آقا محمدمهدی ارباب. وی در جوانی به عنوان تجارت عازم هند گردید، اما کشتی دچار طوفان شد، و مال‌التجاره‌ی او در آب غرق گردید. وی در بندر لنگه پیاده شد و به جهرم و فسا و از آنجا به یزد رفت، و در آن شهر زندانی گردید. سپس به کرمان رفت و تحت حمایت وکیل‌الملک حاکم کرمان قرار گرفت و قصایدی سرود. آنگاه به عزم زیارت عتبات به مغرب شتافت. در کرمانشاه با چند تن از مشایخ و عرفا ملاقات کرد و در زمره‌ی اهل سلوک درآمد، سپس به کربلا و نجف رفت. پس از ورود به تهران مورد نوازش صنیع‌الدوله وزیر انطباعات قرار گرفت و به توسط او به دربار ناصرالدین شاه قاجار معرفی گردید، و به فرمان همایونی تخلص «فروغی» را انتخاب کرد و به مدیریت و مترجمی دارالطباعه منصوب گردید. روزنامه‌های «ایران» و «شرف» و «رسمی» و «اطلاع» که دولتی بودند، غالباً به انشای او نوشته می‌شدند. در ۱۳۰۸ ه.ق به موجب فرمان پادشاه به درجه‌ی اول استیفا و ریاست دارالطباعه رسید. در ۱۳۱۱ ه.ق به موجب دستخط همایونی به لقب «ذکاءالملک» مفتخر شد. روزنامه‌ی «تربیت» از سال ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۵ ه.ق به مدیریت او منتشر گردید. در سال ۱۳۱۷ که مدرسه‌ی علوم سیاسی تأسیس شد وی به معلمی ادبیات آن مدرسه انتخاب گردید و چند کتاب ادبی کلاسیک تألیف و منتشر کرد (بدیع و معانی و عروض و قافیه و تاریخ شعرا). در ۱۳۲۳ به مدیریت مدرسه‌ی مذکور منصوب شد. وی به سن ۷۰ سالگی درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۱۲۴ –۱۱۶ / ۲ ،۳۰۶، ۱۹۸ / ۱)، حدیقه الشعراء (۱۳۴۳ –۱۳۳۸ / ۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۶۲ – ۳۶۰)، شرح حال رجال (۳۸۸ –۳۸۴ / ۳)، فهرست کتابهای چاپی (۲۳۳۴ ،۲۳۱۱ / ۲ ،۷۱۲، ۶۶۱ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ فروغی)، مکارم الآثار (۱۴۹۲ –۱۴۹۱ / ۵).

فروغی، نعمت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نعمت الله فروغی

محل تولد : مبارکه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تحصیلات کلاسیک را در شهرستان مبارکه یکی از شهرستانهای استان اصفهان آغاز نمودم و مقارن با انقلاب اسلامی در آن شهرستان موفق به دریافت گواهی نامه دیپلم شدم با مدرک دیپلم وارد حوزه علمیه اصفهان شدم یکی دو سالی در آنجا مقدمات را گذراندم و بعد از آن به شهر مقدس قم هجرت نمودم و در این شهر ادبیات عرب، منطق، فلسفه، فقه و اصول و به تعبیرات حوزوی سطح را در طی چند سال گذراندم و البته همزمان در دانشگاه اصفهان هم تحصیل نمودم و موفق به لیسانس در رشته ادبیات فارسی شدم. حدود ۱۰ سالی است که در دروس خارج آیات عظام شرکت دارم و سال ۸۱ موفق به نوشتن پایان نامه سطح سه در موضوع و نقش تربیتی مساجد در جوامع اسلامی شدم و همچنین یک دوره علمیه قرآن را گذراندم ده سالی است علاوه بر تحصیل، مقالات و آگاهی هم نوشته ام و در بخش آثار آنها را ذکر کرده ام همچنین در مدارس حوزه قم درس آیین نگارش هم تدریس می نمایم.

فروهر، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۹ -۱۲۵۷ ش)، نویسنده و حقوقدان. پس از اتمام تحصیلات در مدرسه‌ی سیاسی تهران به اروپا عزیمت نمود و از دانشکده‌ی حقوق ژنو فارغ‌التحصیل شد. سپس به ایران بازگشت. در ۱۲۸۸ ش وارد خدمات دولتی شد و تا ۱۳۳۳ ش عهده‌دار مشاغل مختلف سیاسی بود. اثر وی: «قانون مجازات عمومی».[۱]

فرزند میرزا محمودخان قوام‌الدوله، متولد ۱۲۶۵. تحصیلات او در تهران در مدرسه‌ی سیاسی انجام گرفت سپس در دانشگاه ژنو رشته‌ی حقوق را ادامه داد و فارغ‌التحصیل گردید. خدمات اداری فروهر از ۱۲۹۲ ش در وزارت امور خارجه آغاز شد. پس از ده سال خدمت در وزارت امور خارجه به عدلیه انتقال یافت و رئیس محکمه‌ی تجارت گردید. در ۱۳۰۶ در تشکیلات جدید دادگستری مستشار دیوان عالی کشور و مدتی نیز مدیرکل سجل احوال و رئیس انجمن شهر تهران بود. در ۱۳۱۳ به معاونت وزارت مالیه برگزیده شد و پس از یک سال وزیر مختار ایران در پاریس گردید.

در آن تاریخ بعضی از مطبوعات فرانسه علیه ایران مطالبی می‌نوشتند که منجر به برکناری و احضار فروهر از پاریس شد و مدتی بیکار ماند تا در کابینه‌ی جم به ترتیب به کفالت وزارت کشور، وزارت پیشه و هنر و وزارت کشور برگزیده شد. در انتخابات دوره‌ی دوازدهم وکیل مجلس بود و در دوره‌ی بعد نیز همان دست را داشت. پس از پایان دوره‌ی سیزدهم به ریاست سازمان اقتصادی محسوب شد و بعد در کابینه‌ی ساعد مدتی وزارت پست و تلگراف و مدتی هم وزارت دارائی را تصدی می‌کرد. دو نوبت نیز سفیرکبیر ایران در سوئیس بوده است. ابوالقاسم فروهر در ۱۳۳۷ به سمت سناتور انتصابی برگزیده شد و در ۱۳۳۹ درگذشت. وی مردی تحصیل‌کرده، مطلع و نجیب و مردمدار بود. هرگز نسبتی به او داده نشده است. حین‌الفوت نیز از مال دنیا چیز قابل توجهی نداشت. یکی از فرزندان او مهندس فیروز فروهر، چند دوره نماینده‌ی مجلس بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۹ / ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۵۲۰ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۷۲ - ۲۷۱ / ۱).

فروئی یزدی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین بن محمدحسین بفروئی یزدی صاحب شواهد ضیائیه که کتاب مزبور در حدود قرن سیزدهم به خط ابوطالب موسوی نوشته شده و در کتابخانه ملک موجود است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

فرهادمعتمد، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد.

تولد: ۱۲۸۱، تهران.

درگذشت: ۱۳۵۸، تهران.

احمد فرهادمعتمد تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران در مدارس قاجار و دارالفنون به پایان رسانید. بدون اجازه‌ی پدرش راهی رشت شد و از طریق دریای خزر عازم برلین شد و تحصیلات عالیه خود را در آنجا و سپس در هایدلبرگ در رشته‌ی پزشکی انجام داد و به سال ۱۳۰۷ از دانشگاه هیدلبرگ به دریافت دانشنامه‌ی دکتری در پزشکی و اجازه‌نامه‌ی رسمی طبابت در آلمان توفیق یافت. پس از این، به مدت چهار سال برای احراز تخصص در رشته‌ی رادیولوژی و شعب مربوط به آن در کلینیک دانشکده‌ی پزشکی فرانکور سورلومن کار کرد.

به سال ۱۳۱۲ به ایران مراجعت نمود و به سمت استاد رادیولوژی در دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه تهران منصوب شد.

دکتر فرهادمعتمد از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۶ به اروپا و آمریکا مسافرت کرد و در این مسافرت که در حدود مدت دو سال به طول انجامید با کلینیک‌های رادیولوژی اروپا و آمریکا و پیشرفت‌های صورت گرفته در این آشنایی یافت. او پس از دکتر حبیب عدل از نخستین کسانی است که دستگاه رادیولوژی را برای کمک تشخیص بیماری‌ها به ایران آورد.

تألیفات ایشان به شرح زیر است: پایان‌نامه‌ی دکتری در باب «تأخیر حرکت دیافراگم در حرمت قسمت‌های مختلف ریه»؛ فیزیک‌شناسی (طبق برنامه‌ای که در دانشکده‌ی پزشکی تدریس می‌شود)؛ مقالات متعدد در باب رادیولوژی که در مجلات آلمانی انتشار یافته است.

دکتر احمد فرهادمعتمد بعدا از استادی کرسی فیزیک به استادی کرسی رادیولوژی تغییر سمت داد و به ریاست دانشگاه تهران و دانشکده‌ی پزشکی نیز رسید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فرهادی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر مرتضی فرهادی در سال ۱۳۲۳ در ملایر دیده به جهان گشود. ایشان دارای دکتری رشتهٔ جامعه شناسی می باشد. فرهادی عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبئی می باشد. نامبرده از سال ۱۳۴۶ همکاری با مطبوعات را شروع کرده و تا کنون به شکل‌های گوناگون آن را ادامه داده است و در حال حاضر، سردبیری فصلنامهٔ «علوم اجتماعی» دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی را به عهده دارد. کتابهای " فرهنگ یاریگری در ایران "و" واره: نوعی تعاونی سنتی کهن و زنانه در ایران "تالیف،وی، به ترتیب در دوره های سیزدهم و بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شدند.گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی تحصیلات رسمی و حرفه ای : مرتضی فرهادی پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه، تحصیلات دانشگاهی را در مقطع لیسانس در رشتهٔ روان شناسی، فوق لیسانس در رشتهٔ ارتباطات اجتماعی و دکترا در رشتهٔ جامعه شناسی به پایان رساند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مرتضی فرهادی از سال ۱۳۴۶ همکاری با مطبوعات را شروع کرده و تا کنون به شکل‌های گوناگون آن را ادامه داده است و در حال حاضر، سردبیری فصلنامهٔ «علوم اجتماعی» دانشکدهٔ علوم اجتماعی می باشدفعالیتهای آموزشی : مرتضی فرهادی از کمی قبل از انقلاب اسلامی تا کنون، در دانشکده‌های مختلف به تدریس دروسی نظیر مبانی مردم شناسی، مردم شناسی روستایی، مردم شناسی ایران، مردم شناسی هنر، مردم شناسی فرهنگی، جامعه شناسی ایلات وعشایر، جامعه شناسی روستایی، تعاونی‌های سنتی، نظریه‌ها و سازمان‌های مشارکتی، روان‌شناسی اجتماعی و ... پرداخته است. نخستین پژوهش میدانی و مردم شناسی وی در سال ۱۳۴۷ انجام و در سال ۱۳۴۸، در نخستین ویژه‌نامهٔ روستایی ایران به نام کتاب روستا به چاپ رسیده است.وی هم اکنون عضو هیئت علمی دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی است.جوائز و نشانها : کتاب موزه‌های درباد ایشان کتاب برجستهٔ هشتمین دورهٔ معرفی کتاب‌های برگزیدهٔ دانشگاه تهران و پژوهش برگزیدهٔ فرهنگی سال ۱۳۷۵ در زمینهٔ مردم شناسی و تاریخ هنر بوده است. کتاب" فرهنگ یاریگری در ایران " وی نیز برندهٔ جایزهٔ نخست نهمین جشنوارهٔ روستایی وزارت جهاد سازندگی، کتاب برجستهٔ هفتمین دورهٔ معرفی کتاب‌های دانشگاهی دانشگاه تهران و کتاب برگزیدهٔ سیزدهیمن دورهٔ کتاب سال جمهوری اسلامی در زمینهٔ علوم اجتماعی شده است. همچنین کتاب"واره: نوعی تعاونی سنتی کهن و زنانه در ایران "تالیف وی ، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : مرتضی فرهادی در حوزهٔ مردم شناسی و توابع آن، رکورددار چاپ مقاله در مجلات علمی ـ پژوهشی وعلمی ـ ترویجی بوده و تا کنون بیش از ۱۰۵ مقالهٔ چاپ اول در سالنامه‌ها، فصلنامه ها، گاهنامه‌ها و ماهنامه‌های علمی ـ تخصصی به چاپ رسانده است. از سال ۱۳۵۷ تا کنون از ایشان هفت جلد کتاب و پژوهشنامه و یک جلد کتاب شعر به چاپ رسیده است. همچنین افزون بر چهل مقاله در موضوعات مختلف جامعه‌شناسی و مردم شناسی درمجلات و نشریات گوناگون از ایشان به چاپ رسیده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: ۱. «گونه شناسی یاوری‌ها و یریگری‌های سنتی در ایران»، نامهٔ علوم اجتماعی، دورهٔ جدید، ش۱ (پاییز ۱۳۶۷)، دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران؛ و کیهان فرهنگی، سال ۲، شمارهٔ ۱۰ (دی‌ماه ۱۳۶۴) ۲. «آیا کشاورزان ایرانی تکرو هستند؟»، فصلنامهٔ تعاون روستایی و کشاورزی، ش ۳ و ۴ (زمستان ۶۷ و بهار ۱۳۶۸). سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران. ۳. «سابقهٔ تاریخی و

معناشناسی نام خمین»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، ش۶ (نیمسال اول ۱۳۶۸)، مرکز نشر دانشگاهی. ۴. «نقش میش در هنرهای کلامی و ادبیات عامیانهٔ عشایر سیرجان و چند شهر پیرامون آن»، فصلنامهٔ هنر، ش۱۱ (تابستان ۱۳۶۵)، وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی. ۵. «دگریاری و خودیاری در جشن میان بهار در اسک لاریجان آمل»، فصلنامهٔ رشد علوم اجتماعی، ش۳ (بهار ۱۳۶۹) دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی. ایشان، همچنین، ده کتاب آمادهٔ چاپ دارند که در آیندهٔ نزدیک، منتشر خواهد شد. آثار : ۱ در فصل‌های خنده دشوار ویژگی اثر : (مجموعهٔ شعر)۲ فرهنگ یاریگری در ایران ویژگی اثر : تالیف،این کتاب در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «فرهنگ یاریگری در ایران»: فرهنگ یاریگری در ایران؛ مرتضی فرهادی؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳. موضوع کتاب فرهنگ یاریگری در ایران، شناخت یاریگریهای سنتی و گونه شناسی آنها و معرفی بهترین مصادیق یاریگری در دو زمین ?آبیاری و کشاورزی (کشتکاری و باغداری) است. مؤلف لزوم بهره گیری از تجربیات تعاونیها و یاریگریهای سنتی در تعاونیهای جدید و همچنین بسیج گسترد ?مردم به منظور مشارکت در امر توسعه را از مهمترین انگیزه های خود برای تألیف کتاب بیان کرده است. اطلاعات ارائه شده در کتاب، بخشی از طریق مسافرتهای مؤلف به نقاط مختلف ایران و تحقیقات میدانی و مصاحبه و بخشی دیگر نیز با استفاده از منابعی که در کتاب هم ذکر شده به دست آمده است. «فرهنگ یاریگری در ایران» می تواند به عنوان یک الگوی پژوهشی، علمی و آموزشی در زمین ?مردم شناسی کاربردی، جامعه شناسی، جغرافیای انسانی، تعاون و... به شمار رود. همچنین توضیح شیوه های مدیریت سنتی و دسته جمعی بر منابع طبیعی و فعالیتهای تولیدی سنتی در ایران بیان تعاریف مشخص و دقیق برای هر یک از موضوعات مطروحه را می توان از دیگر ویژگیهای کتاب برشمرد. کتاب فرهنگ یاریگری در ایران و سه بخش و هشت فصل تدوین شده است ۳ موزه‌های بازیافته ۴ نام ?کمره ویژگی اثر : دو جلد۵ نگاهی به اهمیت و پیشینهٔ کبوترخانه‌های ایران ۶ واره: نوعی تعاونی سنتی کهن و زنانه در ایران ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: واره واره: نوعی تعاون سنتی کهن و زنانه در ایران؛ درآمدی به مردم شناسی و جامعه‌شناسی تعاون و مشارکت مردمی نوشتهٔ مرتضی فرهادی؛ ویراستهٔ غلامحسین صالح‌نسب. ـ تهران: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۰.۶۳۰ ص.: مصور، نوشته، جدول، نمودار. واژه‌نامه. «واره» نوعی سازمان غیر رسمی تعاونی سنتی غالباً زنانه و بسیار کهن، با محور اصلی هم‌یاری از نوع تجمیعی(همگرا) است. در «واره» اعضا بیشتر به یک کاسه کردن تولیدات شیری خود توجه دارند؛ اما در کنار آن، هم به انواع دیگر یاریگری و هم به انواع دیگر مبادله، روی می‌آورند. سازمان واره دارای کارکردهای مختلف اقتصادی، اجتماعی، روانی، آموزشی و تفریحی است و به جهت کارکردهای مهم آن، هزاران سال است که در جامعهٔ سنتی ما و برخی کشورهای همسایه وجود دارد. اثر پژوهشی حاضر که به همت و پشتوانهٔ سه دهه تلاش محقق ارجمند سامان پذیرفته است، یکی از بهترین نمونه‌های پژوهش در زمینهٔ دانش بومی در ایران است. نویسنده با به تصویر کشیدن کلیهٔ خطوط و زوایای پنهان یک سازمان اجتماعی پیچیده در بین زنان روستایی ایران، به خوبی نشان داده است که دانش بومی ما، در عین پیچیدگی، خود، یک ثروت عظیم فرهنگی و اجتماعی است. این کتاب، حاصل کندوکاوی عمیق برای شناساندن ابعاد نا شناخته و ارزشمند دانش بومی و برخی شیوه‌های مشارکتی زنان روستایی این مرز و بوم است. اهتمام مؤلف محترم درتدوین این کتاب که حاصل پژوهش‌های گسترده و مستمر خود اوست، جای تقدیر و ستایش دارد. غالب منابع و ارجاعات، دست اول است. کتاب از آن روی که¬مبتنی بر یک سلسله تحقیقات روشمند و مستند و دقیق و بدیع است، یکی از آثار ارزشمند در حوزه‌های پژوهش‌های مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی روستایی به شمار می‌رود. کتاب شناسی مفصل (شامل کتاب‌ها، پژوهش‌ها، پایان‌نامه‌ها، گزارش‌های تحقیقی و ...) و فهارس نُه گانه (نام اشخاص، نام طوایف و عشایر و اقوام، نام جای‌ها، فهرست اصطلاحات و واژگان محلی و...) بر مزیّت آن افزوده است.

فرهادیان، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا فرهادیان

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۷/۶/۱

زندگینامه علمی

به نقل از کتاب والدین مسئول و کتاب یار مهربان یادمان نخستین جشنواره انتخاب کتاب معلم: مولف در سال ۱۳۲۷ در جوار آرامگاه حکیم و فیلسوف بزرگ شرق شیخ الرئیس ابو علی سینا و شاعر شوریده بابا طاهر در شهر همدان پا به عرصه هستی گذاشت. تحصیلات را در زادگاهش آغاز کرد و پس از اخذ مدرک دیپلم در دانشگاه علم و صنعت تهران در رشته مهندسی مکانیک و دانشگاه تربیت معلم (دانشسرای عالی تهران) در رشته مشاوره و راهنمائی تحصیلی (علمی) قبول گردید به دلیل علاقه مندی به تعلیم و تربیت و معارف اسلامی، دانشگاه تربیت معلم را انتخاب نموده و با طی دوره دانشگاه زمینه برای ورود به آموزش و پرورش و درآمدن به کسوت شریف معلمی فراهم شد و در سال ۱۳۵۲ با استخدام در آموزش و پرورش سالهای پر شور و به یاد

مانـدنی تـدریس و مشـاوره تعلیم و تعلم در زنـدگی فرهنگی او آغـاز شـد. با ارتباطی که با مرحوم شـهید دکتر بهشتی (ره) داشـت جهت فعالیتهـای فرهنگی قبـل از انقلاب در سال ۱۳۵۳ به سـمت مدیر عامل موسـسه آیت فیلم انتخاب گردید. و در اسـفند ماه سال ۱۳۵۷ با تایید و پیشنهاد شهید مرحوم آیت الله مدنی(ره) به سمت مدیر صدا و سیمای استان همدان منسوب گردید و در اسفند سال ۱۳۵۸ به سـمت مـدیر صـدا و سیمای اسـتان کردسـتان منسوب گردید و در سال ۱۳۶۰ به سـبب احسـاس نیاز و علاقمنـدی به علوم اسـلامی وارد حوزه علمیه قم شـد و بـا علاقـه فراوان به فراگیری دروس حوزه پرداخت. وی در طول سالهـای خـدمت در آموزش و پرورش به مطالعه، مشاوره و تحصیل دروس حوزوی اشتغال داشته و ساعاتی به عنوان مشاور و راهنمای دانش آموزان و اولیای آنها نقش مـوثری در پیشـبرد اهـداف تعلیم و تربیت داشـته و مسـئولیت مرکز مشـاوره خـانواده در آمـوزش و پرورش اسـتان قم از دیگر مسئولیتهای وی در آموزش و پرورش بوده است در سال ۱۳۶۷ طی حکمی عضو ستاد تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش گردید و در تدوین فلسفه تعلیم و تربیت و پیش نویس طرح بنیادی تغییر نظام آموزش و پرورش با وزارت آموزش و پرورش مشارکت نمود. در طی این دوران همچنان به دروس حوزه اشـتغال داشـته و به فراگیری درس خارج از اساتیدی چون آیت الله جوادی آملی، فاضل لنکرانی (ره)، مکـارم شـیرازی، وحیـد خراسانی بهره برده است و دوره تخصصـی فلسـفه اسـلامی از منطق منظومه تا فلسـفه و عرفان اسـلامی را گذرانـده است. وی در طول دوره های تحصیل حوزه و خـدمت در آموزش و پرورش در سال ۱۳۶۹ با تاسیس موسسه فرهنگی تربیتی توحیـد در جهت پیشبرد اهـداف تعلیم و تربیت اسـلامی تلاش نموده و حاصـل سالها فعالیت و مطالعه و تجربه مفید آموزشـی و تربیتی، تـالیف بیست جلـد کتـاب و مقالاـت مختلف در مجله پیونـد و تربیت و سـایر روزنامه ها و ویژه نامه های تربیتی وابسـته به آموزش و پرورش اقدام نموده است که برخی از این کتابها بارها به چاپ رسیده است و تجدید چاپ مکرر گردیده است و در حال حاضـر کماکان مـدیر موسسه فرهنگی تربیتی و مجتمع آموزشـی دخترانه و پسرانه توحید می باشـند و با طرح ارزشـیابی توصـیفی، حرکتی نو در جـامعه آموزشـی ایران ایجـاد نموده و اخیرا بـا وزارت آموزش و پرورش در جهت تـالیف کتاب مهارتهای زندگی همکاری مستمر داشته اند. (مهر ۱۳۸۵)

فرهنگ اصفهانی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۹۸ ق)، نقاش، مـذهب، نویسـنده و شاعر، متخلص به فرهنگ. وی شاعری توانا و در انشاء نیز مسـلط بود. در ابتدا بهار تخلص می‌کرد ولی بعدها تخلص خود را به فرهنگ تغییر داد. شغلش تذهیب «کلام‌الله مجید» بود. از آثار امضادار او جلد روغنی مذهب و ممتـازی است که بهترین معرف او در امر طلاکـاری است. رقم این اثر «محمـدعلی مـذهب» و سال اتمام آن ۱۲۹۸ ق است. وی در اصـفهان درگذشت. از آثار قلمی او: «مدایح معتمدی»، در شرح حال شعرایی که معتمدالدوله منوچهرخان گرجی حاکم اصفهان را مدح کرده‌اند؛ تذکره‌ی «یخچالیه»؛ «طرب الاحباب»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :احوال و آثار نقاشان (۹۲۸ -۹۲۷، ۹۱۷، ۲ / ۲)، حدیقه الشعراء (۱۳۶۰ -۱۳۵۹ / ۲ ، ۲۷۱ -۲۶۲ / ۱)، الذریعه (۸۲۹، ۱۴۵ -۱۴۴ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۰۴ -۷۰۳)، لغت‌نامه (ذیل/ فرهنگ اصـفهانی)، المآثر و الآثار (۲۱۳)، مجمع الفصحا (۸۴۰ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۲ / ۴).

فرهنگ شیرازی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۹ -۱۲۴۲ ق)، خطاط، ادیب، نویسـنده و شاعر، متخلص به فرهنگ. وی چهارمین فرزند وصال شیرازی است. در شـیراز به دنیا آمـد. در آغـاز جـوانی به تحصـیل علـوم ادبی و فنون ریاضـی پرداخت. علم جفر و رمـل را نیز فراگرفت و زبـان فرانسه را به تشویق حکیم قـاآنی آمـوخت. فرهنـگ شـاعری توانـا و در آداب سـخنوری اسـتاد بـود. وی هفت اقلیم را خوش می‌نوشت و در خـط ثلث مهارت خاصـی داشت. او در شیراز درگذشت و در حرم سید میرمحمد، برادر شاهچراغ، به خاک سپرده شد.از آثار خطی وی: یک نسـخه «حـدائق السـحر» رشـید وطواط، به خـط نسـخ و شکسـته کتـابت خوش، بـا رقم: «حرره العبـد الاقـل... ابوالقـاسم بن... وصـال الشاعر...سنه ۱۲۷۸ ثمـان و سـبعین و مأتین بعـد الالف». دیگر آثار وی: شـرح «حـدائق السـحر» رشـید وطواط، به طرز چهار مقاله‌ی نظـامی عروضـی، متجـاوز از پـانزده هزار بیت: کتـاب لغتی به نـام «فرهنگ فرهنـگ»، شال لغات مصـطلحه فارسـی، عربی و ترکی؛ رسـاله‌ی «طب البله» یـا «سـکنجبینیه»، در مطایبـات؛ شـرح و ترجمه‌ی کتاب «بارع»، در علم نجوم بالغ بر ده هزار بیت؛ «دیوان» شـعر، نزدیک به دوازده هزار بیت، به فارسی و عربی.[۱]

(بخش ۱) ابوالقـاسم بن (میرزا) محمدشـفیع وصـال، شاعر و نویسـنده‌ی دوره‌ی قاجاریه (و. ۱۲۴۲ ه.ق- ف. ۱۳۰۹ ه.ق). وی برادر وقار، داوری و یزدانی بود. فرهنگ در کودکی نزد پـدر به تحصیل علم و خط پرداخت و پس از پدر نزد وقار برادر بزرگ خویش به تکمیل علوم و ادبیات مشـغول گردید و گذشته از شعر و فنون ادبی در تحصیل رمل و جفر و اسطرلاب رنج بسیار کشید و در این فنون اسـتاد شد در سال ۱۲۷۴ بـا وقار سـفری به تهران کرد و دو سال بعـد با وی به همراهی حسام‌السلطنه به شـیراز بازگشت. سـفر

دیگری پس از مرگ وقار به شیراز نمود (حدود ۱۳۰۰). وی ناصرالدین شاه و حاج معتمدالدوله فرهاد میرزا، حسام‌السلطنه سلطان‌مراد میرزا، حاج معدل شیرازی را مدح نمود و مانند وقار و دیگر برادران نزد ممدوحان خویش اعزاز و احترام بسزا داشته است. فرهنگ در اشعار خویش مانند داوری و وقار یکی از پیروان سبک خراسانیست. مضامین بکر در اشعار او بسیار است و نوعی تجدد از آنها استنباط می‌شود. برخی از قصاید وی مشحون از لغات فرانسه می‌باشد. و شماره‌ی اشعار او را بالغ بر ۲۰۰۰۰ می‌دانند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۳۵۶-۳۵۴)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۲۰ / ۴،۳۴-۳۲ / ۱)، اطلس خط (۵۶۶)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۱۰ -۲۰۸ / ۴)، تاریخ هنرهای ملی (۹۸۸ / ۲)، حدیقه الشعراء (۱۳۷۰ -۱۳۶۰ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۳۵ -۱۳۱ / ۴)، الذریعه (۲۱۳ / ۱۶ ،۱۸۵ / ۱۳ ،۲۰۷ / ۱۲ ،۸۲۹ / ۹)، ریحانه (۳۳۴ -۳۳۲ / ۴)،شرح حال رجال (۱۰ -۹ / ۶)، طرائق الحقائق (۳۸۱ -۳۷۹ / ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۱۴ -۱۰۱۱/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۰۴)، گلستان هنر (بیست)، المآثر و الآثار (۲۰۶)، مجمع الفصحا (۸۱۷ -۸۰۷ / ۵)، مرآت الفصاحه (۴۷۳ -۴۷۱)، مکارم الآثار (۱۱۷۴ -۱۱۷۳ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲۷۳ -۲۷۲ / ۱).

فرهنگ نایینی، زین‌العابدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی از اهالی نایین بود و با میرزا جعفر طرب آشنایی داشته. از آثارش: «دیوان» شعر، شامل بیست هزار بیت، که بیشتر آن قصیده می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۳۷۱ / ۲).

فرهنگ، منوچهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر منوچهر فرهنگ، رئیس انجمن اقتصاددانان ایران و پدر علم اقتصاد ایران ، متولد ۱۲۹۸ در بابل و بزرگ شده گرگان است. وی مدرک دکترای اقتصاد خود را از فرانسه گرفته است. او اولین فردی است که کتاب معروف «نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول» جان مینارد کینز را به فارسی ترجمه کرد. این ترجمه در سال ۱۳۴۸ عنوان جایزه بهترین کتاب اقتصادی سال را از آن خود کرد. گروه : علوم انسانی رشته : اقتصاد والدین و انساب : منوچهر فرهنگ درباره تاثیر پدر و مادرش در زندگی علمی و اجتماعی اش چنین توصیف می کند ":. همین علم دوستی را من از خانواده دارم. پدرم با این که تحصیلات قدیمی داشت ولی فرانسه می دانست و به طور کلاسیک تفکر می کرد ".خاطرات کودکی" : من فرزند بزرگ بودم و جور دیگر برادران را هم کشیدم، چون پدرم بضاعتی نداشت. من به آنها کمک کردم ".دکتر منوچهر فرهنگ که اینک بیش از نود سال سن دارد در شرح زندگی خود میگوید: وطن من گرگان بوده و در سال ۱۲۹۹ در حالی که دو سال داشتم به دلیل شغل پدر به آنجا رفته و در گرگان بزرگ شده و به تحصیل پرداختم. تحصیلات رسمی و حرفه ای : وی دارای مدرک دکترای اقتصاد از دانشکده حقوق و علوم اقتصادی پاریس بوده و بیش از ۱۰۰ کتاب اقتصادی ترجمه و تالیف کرده است. استادان و مربیان : دکتر محمد طبیبیان از شاگردان دکتر فرهنگ و معاون اقتصادی اسبق سازمان برنامه و بودجه با اشاره به تلاش های دکتر فرهنگ در گردآوری فرهنگ علوم اقتصادی گفت: »به یاد دارم که استاد ساعت های زیادی را بدون چشمداشت مالی، برای گردآوری فرهنگ علوم اقتصادی تلاش می کرد و در کار آموزش، ترجمه و تالیف بسیار تلاشگر و کوشا بود. «وی افزود: »باید حقوق استادان بازنشسته و کسانی که به اقتصاد ایران و جامعه ایران خدمت کرده اند را محترم بشماریم تا در تامین معاش و زندگی با مشکل مواجه نشوند و شأن آنها مورد احترام قرار گیرد. «طبیبیان خطاب به دکتر فرهنگ گفت: »از اینکه یک نسل از اقتصاددانان ایران را پرورش داده اید و در خدمت دانشگاه ها و مراکز اقتصادی قرار داده اید از شما سپاسگزاریم و قدردان زحمات شما هستیم و یاد و خاطره دوران آموزش و تلاش های شما را در توسعه علم اقتصاد کشور به یادها خواهیم سپرد. «مشاغل و سمتهای مورد تصدی : منوچهر فرهنگ،از ابتدای تاسیس انجمن اقتصاددانان ایران عضو این تشکل بوده و به غیر از سال اول تاسیس انجمن که مسئولیت برعهده دکتر پیرنیا بوده در ادوار مختلف ریاست انجمن مذکور را برعهده داشته است. بسیاری از اعضای این انجمن اعتقاد دارند استمرار و پایداری انجمن اقتصاددانان ایران در طول سی و اندی سال عمر خود مرهون مدیریت مناسب دکتر فرهنگ بوده است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر فرهنگ اقتصاددان نامی ایران و غریبه‌ای در موطن خویش گرگان زمین در شعر و ادب نیز دستی داشته و اشعار بسیاری سروده که از آن جمله است؛ گر پر و بالم شکنی سربکشم بر آسمان/ ور سر و ساقم بزنی، سایه زنم بر آسمان/ بحرم و بحر موجزا،ابرم و ابر اوج‌گیر/از پی دانشم روان،وز پی دانشم روان. شاگردان : دکتر فرهنگ درباره از بین شاگردان سابق و اساتید کنونی خود چنین می گوید: من همه دانشجویانم را دوست داشته و دارم. جایگاه تدریس من جایگاه محبت و علم بود و دانشجویان نسبت به من محبت و لطف داشتند. به خصوص با این گذشته دور و درازی که داشتم. از آنجمله آنها می توان به آقای دکتر دیهیم اشاره کرد ، چون من زبان چندان گویایی ندارم و به طور صحیحی نمی توانم صحبت بکنم کنار خود می نشانم تا او جلسات انجمن اقتصاددانان ایران را

اداره کند. ایشان اکنون استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران است. شاگردان من زیاد بودند مثلاً آقای دکتر پرویز داودی که اکنون معاون اول رئیس جمهور است شاگرد من بود. دکتر احمد مجتهد عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی و مدیر موسسه پژوهش های پولی و بانکی بانک مرکزی نیز گفت: »تجلیل از دکتر منوچهر فرهنگ، تجلیل از علم اقتصاد و رشد و توسعه اقتصادی در ایران است. منوچهر فرهنگ دانشجویانی را در ۶۰ سال گذشته پرورش داده که استادان دانشگاه های امروز هستند و نسل چهارم دانشجویان ایشان در عرصه دانشگاه ها و فعالیت های اقتصادی حضور دارند. «مجتهد تصریح کرد: »اگر زکات علم به قول پیشوایان دینی، آموزش نسل های بعدی است منوچهر فرهنگ بیشترین زکات علم را تاکنون داده و تعداد زیادی از کارشناسان و دانشجویان و استادان امروز در دانشگاه ها و مراکز اقتصادی، پرورش یافته دکتر فرهنگ هستند. «جوائز و نشانها : شاگردان دکتر منوچهر فرهنگ پدر گرگانی علم اقتصاد ایران از مقام علمی وی و سالها تلاش او در جهت گسترش این رشته تجلیل کردند. در مراسم مذکور که با حضور شاگردان دهه های ۴۰ و ۵۰ استاد منوچهر فرهنگ در دانشکده های اقتصادی کشور که اکثرا اکنون از استادان صاحب نام اقتصاد ایران هستند برگزار شد، به تلاش های این چهره علمی ایران که در طول دوران تدریس خود هزاران متخصص و استاد و دانشجو را تربیت کرده و صدها کتاب، مقاله و تحقیق علمی را به رشته تحریر درآورده است ارج نهاده شد. چگونگی عرضه آثار : اولین کار دکتر منوچهر فرهنگ تالیف کتاب «برنامه گذاری اقتصادی» بود. وی درباره علل تالیف کتاب فوق چنین اذعان می کند":چون من «برنامه ریزی» اقتصادی را مغایر با تعبیر علمی اش می دانستم. «برنامه گذاری» یعنی تهیه و تدوین برنامه های علمی اقتصادی. دراین نوع «برنامه گذاری» ریخت و پاش جایی ندارد در حالی که در «برنامه ریزی» چنان که از نامش پیداست در اسمش ریخت و پاش وجود دارد. این اولین کتاب من بود که در دانشگاه هم تدریس شد. بعدها شاگردان من که به آمریکا رفته بودند گفته بودند که نظیر این کتاب در آمریکا هم پیدا نمی شود. بنابراین بنده جزو اولین کسانی بودم که راجع به «برنامه گذاری» اقتصادی در ایران کتاب نوشتم. این کتاب تالیف خودم بود ".دکتر فرهنگ همچنین کتاب «نظریه عمومی اشتغال ، بهره و پول»تالیف کینز را نیز ترجمه کرد.وی در این باره نیز چنین می گوید":این اولین کتاب من بود که ترجمه کردم. هنوز هیچ ملتی در دنیا نتوانسته کینز را در دنیا به زبان خودش ترجمه کند. آلمانها نتوانستند، اسپانیولی ها نتوانستند، لهستانی ها نتوانستند، روس ها نتوانستند".آثار : توسعه کشاورزی بین المللی ویژگی اثر : پدیدآورنده: کارل ایچر، جان استاتز، منوچهر فرهنگ (مترجم) ناشر: موسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی - ۱۳۸۱ ۲ زبان عمومی و تخصصی مهندسی صنایع: ویژه داوطلبان آزمون کارشناسی ارشد گرایش های: صنایع - سیستمهای اقتصادی اجتماعی - مدیریت سیستم و بهره وری ویژگی اثر : پدیدآورنده: سیداباذر نورحسینی، منوچهر فرهنگ (زیرنظر) ناشر: سنجش (وابسته به موسسه فرهنگی هنری سنجش) - ۱۷ فروردین، ۱۳۸۷ ۳ سرگذشت یک علم، کالبدشکافی نظام آموزش علم اقتصاد در ایران، گفتگو با برگزیدگان سه نسل از ... ویژگی اثر : پدیدآورنده: میکائیل عظیمی، منوچهر فرهنگ (مترجم)، محمد اسمعیل مطلق (مترجم) ناشر: کویر - ۱۳۸۲ ۴ فرهنگ علوم اقتصادی: انگلیسی - فارسی ویژگی اثر : پدیدآورنده: منوچهر فرهنگ ناشر: آسیم - ۳۰ خرداد، ۱۳۸۶ ۵ فرهنگ فشرده علوم اقتصادی: انگلیسی - فارسی ویژگی اثر : پدیدآورنده: منوچهر فرهنگ ناشر: البرز - ۳۰ آبان، ۱۳۸۵ ۶ قدرت و رونق: فزون رشدی کمونیستی و استبداد سرمایه داری ویژگی اثر : پدیدآورنده: مانکر اولسون، منوچهر فرهنگ (مترجم) ناشر: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی - ۱۱ تیر، ۱۳۸۵ ۷ نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول ویژگی اثر : پدیدآورنده: جان مینارد کینز، منوچهر فرهنگ (مترجم) ناشر: نشر نی - ۰۵ آذر، ۱۳۸۷

فرهنگ، ناصرالدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصر الدین فرهنگ

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۴/۳

زندگینامه علمی

اینجانب ناصر فرهنگ (ناصرالدین انصاری قمی) در اول ربیع الثانی ۱۳۸۸ ق- سوم تیرماه ۱۳۴۷ ش- در شناسنامه ۵ مرداد ۱۳۴۶ ثبت است. در بیت علم و فضیلت زاده شدم. پدرم شارح و ناظم نهج البلاغه، و شاعر اهلبیت مرحوم حجهٔ الاسلام حاج شیخ محمد علی انصاری قمی و عمو هایم حجج الاسلام: حاج شیخ مرتضی، حاج شیخ احمد و حاج شیخ محمود انصاری از علمای قم و نجف بوده اند. کودکی را در دامان پدرم پشت سر نهادم و از او درس قرآن و نهج البلاغه و ادبیات آموختم و در ۱۴ سالگی به طلبگی روی آوردم و در اندک مدتی مقدمات را آموختم و به فراگیری سطوح پرداختم. از همان اول به تدریس و تالیف علاقمند بودم و چند بار جامع المقدمات و بعد معالم و شرح لمعه را تدریس کردم، سپس در سال ۱۳۷۷ تدریس نموده ام. از سال ۱۳۶۸ ش، مقالاتم در مجله نور علم و مشکاهٔ به چاپ رسید که تاکنون هم ادامه دارد. از سال ۱۳۶۵ ش، به تبلیغ دین و منبر در شهرها و روستاهای مختلف پرداختم که تا کنون هم ادامه دارد. از سال ۱۳۷۵ ش به امامت جماعت در مسجد شاه خراسان (قم) هر دو وعده اشتغال دارم و از سال ۱۳۷۷ عضو مجلس استفتای آیت الله العظمی علوی گرگانی بوده ام و از سال ۱۳۸۴ به عنوان نماینده طلاب و

فضلای قمی به خدمت اشتغال داشته ام. در سال ۱۳۸۵ ش به عنوان کاندیدای مجلس خبرگان رهبری از استان قم ثبت نام کردم که بعد، انصراف دادم. در کنگره های مختلف با ارائه مقالات و سخنرانیها شرکت داشته ام: ۱. کنگره جهانی امام رضا (ع) – مشهد (۲ بار) ۲. کنگره کتاب و کتابخانه در اسلام– مشهد (۲ بار) ۳. کنگره کتاب میرزا محمد حسن آشتیانی– آشتیان ۴. کنگره سید عبد الله بلادی بوشهری– بوشهر ۵. کنگره سید جعفر اعرجی– ایلام ۶. کنگره شیخ انصاری – قم ۷. کنگره شیخ مفید– قم ۸. کنگره محقق اردبیل– قم۹ . کنگره علامه مجلسی– اصفهان ۱۰. کنگره آقا جمال خوانساری– خوانسار ۱۱. کنگره محقق نراقی– کاشان ۱۲. کنگره فیض الاسلام– خمینی شهر ۱۳. کنگره حضرت عبد العظیم– شهر ری ۱۴. کنگره شیخ خطی– تهران ۱۵. کنگره شیخ فضل الله نوری– نور و دهها همایش و کنگره دیگر ۱۶. کنگره شرف الدین – قم ۱۷. کنگره علامه بلاغی – قم ۱۸. همایش مدرس خیابانی– تهران ۱۹. همایش شیخ محمد تقی آملی– تهران ۲۰. کنگره حضرت زینب – همدان. ضمنا از آیات عظام (مذکور در ذیل) اجازه روایت و امور حسبیه دارم:۱. آیت الله علوی گرگانی (روایت و حسبیه) ۲. آیت الله فاضل لنکرانی (روایت و حسبیه) ۳. آیت الله صافی گلپایگانی (روایت و حسبیه) ۴. آیت الله مظاهری اصفهانی(روایت و حسبیه) ۵. آیت الله سبحانی (روایت) ۶. آیت الله نجومی(روایت) ۷. آیت الله پایانی ادربیلی (روایت) ۸. آیت الله نجفی مرعشی(روایت) ۹. آیت الله گلپایگانی (روایت)۱۰. آیت الله شیخ بشیر نجفی (روایت)

فرهنگی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: الزهرا (س)

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی در زمینه شیمی، متخصص در شیمی معدنی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه الزهرا.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شیمی معدنی، ترمودینامیک پیوند فلز– لیگاند، ترکیبات کوئوردیناسیون در حلال‌های غیرمائی، تدریس دروس مختلف شیمی معدنی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

شیمی معدنی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

ترمودینامیک شیمی کوئوردیناسیون، کریستالوگرافی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

فرهودی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: ساختمانهای آبی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: ارومیه

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای مهندسی ساختمانهای آبی از دانشکده فنی دانشگاه ساوتمپتون انگلستان در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده کشاورزی و دامپروری دانشگاه ارومیه.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آب شستگی در پایاب سازه‌های هیدرولیکی، تاثیر نوسانات نیرو در طراحی حوضچه‌های آرامش تاثیر نوسانات فشار بر روی بلوکهای کف حوضچه‌های آرامش، تدریس دروس هیدرولیک، هیدرولیک. انهار، ساختمانهای انتقال و مدیریت منابع آب در دوره کارشناسی و دروس هیدرولیک مجاری روباز، مدلهای هیدرولیکی و سازه‌های تنظیم آب در دوره کارشناسی ارشد، استاد

راهنمای یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

سازه‌های تنظیم آب و هیدرولیک انهار.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۹، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

هیدرولیک حوضچه‌های آرامش، هیدرولیک رسوب، فشار و نوسانات فشار آب، نیرو و نیروی نوسانی در پایاب سازه‌های آبی و اصول بهره‌برداری از منابع آب.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

فرهودی، قدرت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی معدن، دانشکده: مهندسی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد اکتشاف و استخراج معدن از دانشگاه Clausthal آلمان غربی در سال ۱۳۳۷ و دکترای اکتشاف و استخراج معدن از دانشگاه برلین غربی آلمان در سال ۱۳۴۶.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۴۶ تا سال ۱۳۵۶، دانشیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۵۶ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه اثرات دفن زباله شهر شیراز در آلودگی آبهای سطحی و زیرزمینی، کاربرد رس‌شناسی در تشخیص مناطق، تدریس دروس زمین‌شناسی ایران، چینه‌شناسی ایران، فتوژئولوژی و نقشه‌برداری عمومی معدن در دانشگاه شیراز.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۱

زمینه علمی مقالات:

اکتشافات و استخراج معدن، فتوژئولوژی و نقشه‌برداری عمومی معدن و غیره.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

فرهی آشتیانی، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: فیزیولوژی گیاهی، دانشکده: علوم پایه، دانشگاه: تربیت مدرس

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

فریابی، ابوبکر جعفر

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۰۱ -۲۰۷ ق)، قاضی و محدث. اهل فریاب بلخ و ساکن بغداد بود. برای کسب حدیث سفرهای زیادی کرد و در خراسان و ماوراءالنهر و عراق و حجاز و مصر و شام و جزیره بزرگان و محدثین را ملاقات کرد و از آنان حدیث شنید. چون به بغداد رسید، مورد استقبال قرار گرفت. وی در بغداد سکنی گزید و مجلس درس آراست. در مجلس او گاه در حدود سی هزار نفر شرکت می‌کردند. که در میان آنها سیصد و شانزده نویسنده‌ی حدیث بودند. او در آن جا از هدبه بن خالد و علی بن مدینی و محمد بن

بندار و هیثم بن ایوب طالقانی و ابوقدامه‌ی سرخسی و قتیبه بن سعید بلخی و اسحاق بن راهویه و محمد بن حمید رازی و احمد بن فرات رازی و یونس بن حبیب اصفهانی و عبدالرحیم بن حبیب فریانی و محمد ابن زنجویه و فرزندان ابراهیم دورقی و بسیاری دیگر حدیث روایت کرد. محمد بن مخلد دوری و ابوالحسین بن منادی و ابوبکر شافعی و ابوالقاسم طبرانی و ابواحمد بن عدی و ابوبکر اسماعیلی و ابوبکر جعابی و ابوبکر آجری و ابوالحسین محمد رازی و حسن بن عبدالرحمان رامهرمزی و خلق بسیاری از وی حدیث روایت کرده‌اند. وی در مصر و بغداد روایت حدیث کرد. خطیب بغدادی او را ثقه‌ای مورد اعتماد توصیف کرده است. فریابی مدتی قاضی دینور بود. او را یکی از بزرگان معرفت و فهم و علم خوانده‌اند. وی در بغداد درگذشت و در مقابر باب الانبار دفن شد. از آثار باقی‌مانده از وی: رساله‌ی «صفه النفاق و ذم المنافقین»؛ رساله‌ی «دلائل النبوه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۲۳ / ۲)، انساب سمعانی (۳۷۶ / ۴)، تاریخ بغداد (۲۰۲ -۱۹۹ / ۷)، سیر النبلاء (۱۱۱ -۹۶ / ۱۴)، شذرات الذهب (۲۳۵ / ۲)، طبقات الحفاظ (۳۰۵)، الکامل (۱۴۷ / ۶)، معجم البلدان (۲۹۴ / ۴).

فریار، اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اکبر فریار در سال ۱۳۲۰ در شهرستان اردبیل متولد شد.کارشناسی رشته علوم اجتماعی را از دانشگاه تهران و کارشناسی ارشد رشتهٔ تکنولوژی آموزشی و علوم ارتباطات را از مدرسهٔ عالی تلویزیون و سینما اخذ کرد.نامبرده عضو هیئت علمی دانشگاه علاّمهٔ طباطبایی بود و هم اکنون با رتبه علمی استادیاری در دانشگاه تبریز خدمت می کند.یکی از کتابهای ایشان ، در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : علوم ارتباطاتگرایش : تکنولوژی آموزشی و علوم ارتباطاتتحصیلات رسمی و حرفه ای : اکبر فریار تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود و تهران و تبریز به پایان برد و در سال ۱۳۴۸ به دانشگاه تهران راه یافت و موفّق به دریافت درجهٔ لیسانس در رشتهٔ علوم اجتماعی گردید. وی پس از اتمام خدمت مقدّس سربازی و حدود چهارسال فعّالیّت در مرکز مردم شناسی ایران در سال ۱۳۵۶ با بهره گیری از ارشادات علمی استادانی چون دکتر مجید تهرانیان و پروفسور گاس روت و پروفسور اتیل دوسولاپول و دانیل لرنر به اخذ درجه فوق لیسانس در رشتهٔ تکنولوژی آموزشی و علوم ارتباطات از مدرسهٔ عالی تلویزیون و سینما (دانشکده صدا و سیمای کنونی) نایل آمد.استادان و مربیان : اکبر فریار از محضر درس اساتیدی چون دکتر غلامحسین صدیقی و مرحوم دکتر محمود صناعی در دانشگاه تهران بهره مند شد.از اساتید وی در مقطع کارشناسی ارشد می توان به دکتر مجید تهرانیان و پروفسور گاس روت و پروفسور اتیل دوسولاپول و دانیل لرنر اشاره کرد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : از عمده ترین مشاغل علمی و تحقیقی اکبر فریار می توان از: عضویت در هیئت علمی دانشگاه علاّمهٔ طباطبایی (سال ۱۳۵۶). مدیریت و تدریس در مرکز آموزشی تبریز، همکاری با نهضت سوادآموزی آذربایجان شرقی، تدریس در واحد آموزشی جهاد سازندگی استان مذکور، تدریس در دانشکده های علوم تربیتی و ادبیات دانشگاه تبریز، نام بردجوائز و نشانها : یکی از کتابهای اکبر فریار ، در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.آثار : ابعاد ارتباطی آذربایجان باختری ویژگی اثر : گزارش تحقیقی ۱۳۵۶۲ از خوشنویسی تا چاپ ویژگی اثر : ترجمه مقاله ۱۳۵۶۳ پشتیبانی رسانه ها از توسعه فرهنگی ویژگی اثر : ویراستاری کتاب ۱۳۵۵۴ در تعریف ارتباط ویژگی اثر : ترجمه مقاله ۱۳۵۶۵ سوگنامه ای بر قنات ویژگی اثر : پژوهشی در زمینه قنوات آذربایجان شرقی ۱۳۶۳۶ گزارش زورخانه های شهر تهران ویژگی اثر : ۱۳۵۵۷ گزارش قهوه خانه های شهر تهران ویژگی اثر : ۱۳۵۵۸ گوهری از اعماق دریا ویژگی اثر : گزارشی از صید مروارید ۱۳۶۴۹ ناتوانی های یادگیری ویژگی اثر : ترجمه و نگارش -با همکاری فریدون درخشان ۱۳۶۴

فریب اصفهانی، عبدالغفار

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، طبیب، خطاط و شاعر، متخلص به فریب. پدرش از افاضل اصفهان بود.وی تصحیلات خود را در اصفهان و سپس در تهران به پایان رسانید و در هیجده سالگی جامع علوم ادبی بود. او از علوم معقول و منقول نیز بهره داشت و در علم طب ماهر بود. صاحب «مجمع الفصحا» آورده که: «... از فرط کیاست طرز معالجه جدید اطبای فرهنگ را مزید طب قدیم کرده...». وی قصیده را نیکو می‌سرود و در خط نستعلیق سرآمد اقران خود بود. او ابتدا خطاط و سپس فریب تخلص می‌کرد. از آثار وی: رساله‌ی درباره‌ی «بیماری وبا»، به عربی؛ منظومه‌ای در «تشریح»، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۰۵ -۴۰۴ / ۲)، حدیقه الشعراء (۱۳۷۴ -۱۳۷۲ / ۲)، الذریعه (۹۶ / ۲۳، ۸۲۹ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۰۷ -۷۰۶)، مجمع الفصحا (۸۲۸ -۸۲۰ / ۵).

فرید احول، فریدالدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۶۶۳ ق)، شاعر. معروف به احول. در اسفراین به دنیا آمد به همین علت او را فرید اسفراینی نیز می‌گویند. از اقران امامی هروی بود. پس از کسب معلومات در خراسان به اصفهان رفت و در آن جا به ملازمت آل‌صاعد، که ریاست حنفیان اصفهان را داشتند، درآمد و آنان را مدح گفت و چون مدت زیادی در اصفهان به سر برد به فرید اصفهانی هم معروف شد. بعد از مدتی به شیراز رفت و به درگاه اتابکان سلغری فارس پیوست. وی اگر چه در بارگاه اتابک ابوبکر بن سعد بن زنگی بود، ولی بیشتر فرزند ادب‌دوستش سعد بن زنگی را مدح می‌کرد. بعد از مرگ آنها به مدح دیگر اعضاء این خاندان از جمله اتابک ابش خاتون دختر سعد بن ابی‌بکر (۶۶۳ -۶۶۲ ق) پرداخت. وی معاصر سعدی بود. از ممدوحان معروف فرید احول، شمس‌الدین محمد حوینی صاحب دیوان است. وی غالب قصاید استادان بزرگ پیش از خود را جواب گفته و از عهده‌ی این کار به خوبی برآمده است. از آثار او: «دیوان» شعر، بیش از سه هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۷۶ -۹۷۰ / ۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۱۵ -۴۰۸ / ۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۶۶)، تذکره‌ی روز روشن (۶۲۳)، تذکره الشعراء (۱۹۰ -۱۸۹)، الذریعه (۸۳۰ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۰۷)، مجمع الفصحا (۹۴۳ -۹۳۸ / ۲)، هفت اقلیم (۳۸۸ -۳۸۶ / ۲).

فرید گلپایگانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۸۰.

درگذشت: ۱۳۶۶.

از آثار اوست: اثبات صانع و مراتب توحید (تهران، ۱۳۶۳)؛ تفسیر سور، اسرا، مؤمنون و ملک (۱۳۶۶)؛ تفسیر سور: حدید، صف، تغابن و رساله‌ای در ولایت (تهران، ۱۳۶۴)؛ تفسیر سوره مبارکه جمعه و تفسیر سوره کریمه منافقون (تهران، ۱۳۶۴)؛ رساله فی صلاهٔ الجمعه و ساله فی التقیه (۱۳۶۴)؛ متمم قانون اساسی اسلام (تهران، ۱۳۶۴)؛ مناسک عمره مفرده (تهران، ۱۳۶۴).

حاج شیخ حسن بن العالم الجلیل و التقی الزکی حاج ملا محمد مهدی گلپایگانی از علماء معاصر تهرانست که در جنوب غربی تهران در مسجد علوی واقع در خیابان رباط کریم به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال داشت.

وی در ماه صفر ۱۳۱۹ ق متولد شده و دوره مقدمات را در گلپایگان خوانده و در سال ۱۳۳۶ ق به شهرستان اراک رفته و دوره سطح را در حوزه علمیه آن شهرستان به پایان رسانیده و در سال ۱۳۴۰ ق که آن حوزه ببلده طیبه قم انتقال یافت جزو مهاجرین آن حوزه به قم مهاجرت نموده و معقول را در نزد مرحوم میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی خوانده و تا پایان سال ۱۳۴۵ ق از محضر مبارک و درس فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی طاب ثراه بهره‌مند شده آنگاه برای اطلاع بر مبانی اساتید بزرگ نجف اشرف به آن مرکز علمی مهاجرت نموده و سه سال از محضر آیات عظام و مراجع بزرگ چون آیت‌اللّه حاج میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه استاد محقق آقا ضیاءالدین عراقی و فقیه اهل البیت آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی قدس اللّه اسرارهم استفاده کرده سپس به حوزه علمیه بازگشت نموده تا سال ۱۳۶۵ ق که برای نشر معارف و احکام اسلام باین مرکز تبلیغی تهران انتقال یافته و تا این تاریخ بوظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

دارای آثار و تألیفات ارزنده و آموزنده‌ای می‌باشد که از نظر اهل ادب و دانش می‌گذرانم:

۱- ترجمه مفتاح الابواب یا تاریخ باب و بهاء که در سال ۱۳۳۴ بطبع رسیده و تاکنون مکرر چاپ شده است.

۲- راه بزرگواری که در سال ۱۳۳۶ بچاپ رسیده و برای دومین بار هم بنام روش بزرگواری منتشر شده است.

۳- قانون اساسی اسلام که چاپ اول آن در تاریخ ۱۳۴۹/۵/۲۷ منتشر شد و در تاریخ ۱۳۵۰/۵/۱۰ تجدید طبع شده و مورد توجه دانشمندان و محصلین واقع شده است.

۴- ارمغان فرید که در سال ۱۳۵۰ ق منتشر گردیده است.

۵- دشمنی خویشاوندان یا عداوت خاندان یزید با خاندان حسین شهید علیه‌السلام.

۶- رساله استدلالی در خمس که هنوز بطبع نرسیده است.

۷- ملاحظات الفرید علی فوائد الوحید.

(تو ۱۳۱۹ ق)، عالم دینی و فقیه. دوره‌ی مقدمات را در گلپایگان خواند و در ۱۳۳۶ ق به شهرستان اراک رفت و دوره سطح را در حوزه‌ی علمیه آنجا به پایان رساند. در ۱۳۴۰ ق به قم رفت و معقول را نزد میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی خواند و تا پایان ۱۳۴۵ ق از محضر درس فقه و اصول آیت‌الله حایری یزدی بهره‌مند شد. آن‌گاه به نجف رفت و سه سال از محضر آیت‌الله میرزا حسین نایینی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود. سپس به حوزه‌ی علمیه قم بازگشت. وی در ۱۳۶۵ ق برای نشر معارف و احکام اسلامی به تهران آمد. از آثارش: ترجمه «مفتاح الابواب» یا «تاریخ باب و بهاء»؛ «راه بزرگواری» یا «روش بزرگواری»؛ «قانون اساسی اسلام»؛ «ارمغان فرید»؛ «دشمنی خویشاوندان» یا «عداوت خاندان یزید با خاندان حسین شهید (ع)»؛ رساله‌ی استدلالی در «خمس»؛ «ملاحظات الفرید علی فوائد الوحید».[۱]

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۴۲۶ / ۶ ،۵۲۲ –۵۲۱ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۴ –۶۵۳ / ۲).

فرید محسنی نجفی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۰ –۱۳۱۵ ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس. در نجف به دنیا آمد و در مهد علم تربیت یافت. سپس با پدرش به اراک رفت و پس از تحصیل مقدمات و فراگیری علوم ریاضی و طبیعی در محضر برخی از علماء همچون آخوند ملاـ محمد صابونی و آقا میرزا ابوالحسن کمره‌ای، که از شاگردان برجسته خراسانی بود، و آخوند ملا محمد تقی گلپایگانی استفاده کرد و پس از آن از محضر آیت‌الله شیخ عبدالکریم حایری یزدی که در آن زمان در اراک بودند، در فقه و اصول استفاده‌ها نمود. سپس با وی به قم مهاجرت نمود و تا ۱۳۵۱ ق از بحثهای آن بزرگ بهره جست. آن‌گاه به اراک مراجعت کرد و تا ۱۳۷۵ ق به تدریس فقه و اصول خارج پرداخت و شاگردان فاضلی تربیت نمود. در همان سال برای همیشه به قم رفت و به تدریس استدلالی فقه و اصول پرداخت و عده‌ای از زبده‌ترین محصلین به درسش حاضر می‌شدند. او به بیماری سرطان در تهران درگذشت، و پیکرش به نجف منتقل و طبق وصیتش در جوار امیرالمومنین (ع) به خاک سپرده شد. از آثار وی: «تقریرات و دراسات» آیت‌الله حایری؛ تألیفاتی در فقه و اصول و تفسیر.[۱]

سید آیت‌الله مرحوم حاج‌آقا حسن بن العلامه حاج آقا مصطفی بن العلامه الکبری والایه الله العظمی حاج آقا محسن عراقی از علماء اعلام و آیات عظام حوزه علمیه قم که به فضل و کمال و قدس و مقام موصوف و به دقت‌نظر و هم مناعت طبع و متانت نفس معروف عالی و دانی بودند.

ولادتش در سوم جمادی‌الثانی سال ۱۳۱۵ ق در نجف اشرف واقع شده و در مهد علم و کمال تربیت یافته و با والد مرحومش به اراک آمده و پس از تحصیل مقدمات و مقداری علوم ریاضی و طبیعی به درک فیض محضر بعضی از دانشمندان اراک از قبیل مرحوم آخوند ملا محمد صابونی و مرحوم آمیرزا ابوالحسن کمره‌ای که از فضلاء تلامذه مرحوم خراسانی بوده و مرحوم آخوند ملا محمدتقی گلپایگانی استفاده کرده و پس از آن از محضر مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم یزدی که در آن زمان در اراک بودند استفاده نموده و تا مدتی که در آنجا بودند فقها و اصولا در محضرشان حاضر و پس از مهاجرت آن مرحوم به قم ایشان هم مانند دیگران از اصحاب و شاگردان حایری به قم آمده و تا سال ۱۳۵۱ ق مدت ۱۱ سال از ابحاث آن مرحوم استفاده نموده آنگاه به اراک مراجعت و تا سال ۱۳۷۵ ق در وطن خود به تدریس فقه و اصول خارج پرداخته و فضلائی تربیت نموده و در سال مزبور برای همیشه به قم مهاجرت و در بلده طیبه رحل اقامت افکنده و به تدریس استدلالی فقه و اصول پرداخته‌اند.

و عده‌ای از مبرزین و زبده‌ترین محصلین و فضلاء به درسش حاضر شده تا در ۱۳۹۰ ق که مبتلاـ به کسالت سرطان و در تهران بدرود زندگی گفته و جنازه‌اش طبق وصیتش حمل به نجف اشرف و در جوار مولای متقیان امیرالمومنین علیه‌السلام مدفون گردید نوشته‌های ایشان تقریرات و دراسات آیت‌الله حایری و هم تالیفات در فقه و اصول و تفسیر است که به طبع نرسیده است.

ظرائف عجیبه و حکایات نادره‌ای داشت و بسیار بامعنویت و باصفا بود کمتر در اجتماعات می‌آمد و غالبا در فراغت به تهذیب نفس و تکمیل روح پرداخته و با آفریدگار عزیز راز و نیاز می‌کرد و هم با مولایمان صاحب‌الزمان ارواحنا له الفداء سر و سری داشت و بسیار این بیت را می‌سرود:

به امید طاعت تو همه عمر زنده باشم

چه نباشد این سعادت نه من و نه زندگانی

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۱۸ –۲۱۶ / ۲).

فرید مهاجر، یداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: جغرافیای انسانی، دانشکده: علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی تاریخ و جغرافیا و علوم تربیتی با رتبه اول از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز در سال ۱۳۲۹، دکترای جغرافیای انسانی با درجه عالی از دانشگاه سوربن پاریس در سال ۱۳۴۰.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

نگرش جوانان آذربایجان شرقی در مورد برنامه تنظیم خانواده، هیدرولوژی حوضه هراز، راهنمائی و نظارت بر یک پایان‌نامه

کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

جغرافیای انسانی بویژه مسائل شهری، کاربرد جغرافیا در روش تحقیق شهر و روستا، سیر اندیشه در قلمرو جغرافیای انسانی، بریتانیا و بازار مشترک.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۹، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

جغرافیای انسانی بویژه مسائل شهری، جمعیتی و تغذیه.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

فرید، یدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر یدالله فرید در سال ۱۳۰۸ شمسی در شهر تبریز به دنیا آمد.ایشان تحصیلات عالی (دورهٔ دکترا) رادر دانشکدهٔ ادبیات علوم انسانی دانشگاه سربن پاریس از اول سال تحصیلی ۱۹۵۸ آغاز کرد و به مدت سه سال زیر نظر پرفسور پیرژرژ، استاد دانشمند ومعتبر فرانسه، به تحقیق پرداخت و پس از انجام امتحان مقدماتی، در ۱۶ آوریل ۱۹۶۱ از رسالهٔ خود دفاع کرد و با درجهٔ ممتاز، مدرک دکترای جغرافیایی انسانی با گرایش شهری را دریافت کرد.ایشان عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز بودند که در سال ۱۳۵۸ به افتخار بازنشستگی نائل آمد. بعد از بازگشایی دانشگاه‌ها و لزوم ایجاد دوره‌های تکمیلی و کارشناسی ارشد و دکترا در دانشگاه‌های کشور دوباره به کار دعوت شد و در تاریخ ۱/۸/۶۹ برای بار دوم همکاری خود را بر گروه جغرافیای دانشگاه تبریز ادامه داد. وی از تاریخ ۱/۱/۷۸ تاکنون عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد اهر) درآمد و در یکی از محروم‌ترین نقاط آذربایجان مشغول تدریس و تحقیق است. کتاب" شناخت شناسی و مبانی جغرافیای انسانی "تالیف یدالله فرید، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاگرایش : جغرافیای انسانی با گرایش شهریتحصیلات رسمی و حرفه ای : یدالله فرید تحصیلات ابتدایی، دبیرستانی و دانشسرای مقدماتی را در زادگاه خود به پایان برد و در سال ۱۳۲۶ به اخذ دیپلم ششم ادبی نائل شد. ضمن خدمت، در آموزش و پرورش در سال ۱۳۲۶ در رشتهٔ تاریخ وجغرافیا و علوم تربیتی دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز ثبت نام کرد و بعد از سه سال تحصیل دانشگاهی، در سال ۱۳۲۹ موفق به اخذ لیسانس تاریخ و جغرافیا و علوم تربیتی شد و در رشتهٔ علوم تربیتی رتبهٔ اول آن سال بود. تحصیلات عالی (دورهٔ دکترا) در دانشکدهٔ ادبیات علوم انسانی دانشگاه سربن پاریس از اول سال تحصیلی ۱۹۵۸ آغاز شد و به مدت سه سال زیر نظر پرفسور پیرژرژ، استاد دانشمند ومعتبر فرانسه، به تحقیق پرداخت و پس از انجام امتحان مقدماتی، در ۱۶ آوریل ۱۹۶۱ از رسالهٔ خود دفاع کرد و با درجهٔ ممتاز، مدرک دکترای جغرافیایی انسانی با گرایش شهری را دریافت کرد.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر فرید در جریان تحصیل، به منظور ژرفا بخشیدن به تحقیقات خود، به مدت یک سال در انستیتوی ملی آمار و مطالعات اقتصادی فرانسه دربارهٔ مسایل جمعیتی به تحقیق پرداخت و در تاریخ ۲۷ژوئن ۱۹۶۰ موفق به اخذ گواهی از آن انستیتو شد.استادان و مربیان : پرفسور پیرژرژ، استاد دانشمند ومعتبر فرانسه ،استاد دوره دکتری ،دکتر فرید بوده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : یدالله فرید بعد از پایان تحصیلات در مردادماه سال ۱۳۴۰ به ایران مراجعت کرد.در سال ۱۳۴۳ بعد از انجام امتحان استادیاری در دانشگاه تهران و پذیرش در آن به طور رسمی به خدمت دانشگاه تبریز درآمد و تا سال ۱۳۵۸، علاوه بر تدریس در دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی و تدریس جمعیت شناسی برای دو ترم در برنامهٔ بهداشت سال پنجم پزشکی در سمت‌های مدیریت گروه آموزشی جغرافیا، معاونت و ریاست دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی و مدیریت بخش شهرشناسی و جمعیت شناسی مؤسسهٔ تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی وابسته به دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز انجام وظیفه کرد و در سال ۱۳۵۸ بازنشسته شد. بعد از بازگشایی دانشگاه‌ها و لزوم ایجاد دوره‌های تکمیلی و کارشناسی ارشد و دکترا در دانشگاه‌های کشور دوباره به کار دعوت شد و در تاریخ ۱/۸/۶۹ برای بار دوم همکاری خود را بر گروه جغرافیای دانشگاه تبریز ادامه داد. وی از تاریخ ۱/۱/۷۸ تاکنون عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد اهر) درآمد و در یکی از محروم‌ترین نقاط آذربایجان مشغول تدریس و تحقیق است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : یدالله فرید ، علاوه بر تألیفات در زمینه رشته تخصصی خود ،چند طرح تحقیقاتی دربارهٔ مسائل جمعیتی و تنظیم خانواده، و افزون بر بیست مقاله در زمینه‌های جمعیت و رشد جغرافیایی دارد که حکایت از فعالیت و پشتکار بسیار او دارد.جوائز و نشانها : کتاب" شناخت شناسی و مبانی جغرافیای انسانی "تالیف یدالله فرید، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.آثار : ۱ بریتانیا و بازار مشترک از دیدگاه جغرافیایی ویژگی اثر : (تألیف/ انتشارات چهر، ۱۳۴۸)۲ جغرافیا و شهرشناسی ویژگی اثر : (تألیف/ انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۶۸)؛ (کتاب تشویقی کتاب سال ۱۳۶۹)۳ جغرافیای تغذیه ویژگی اثر : (تألیف/ انتشارات مؤسسهٔ تحقیقات علوم اجتماعی وانسانی وابسته به دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ۱۳۵۱۴

جغرافیای جمعیت ویژگی اثر : (تألیف/ انتشارات مؤسسهٔ تحقیقات علوم اجتماعی انسانی وابسته به دانشکدهٔ ادبیات وعلوم انسانی دانشگاه تبریز، ۱۳۴۶؛ چاپ چهارم، با تجدید نظر کلی در سال ۱۳۸۱)؛۵ سه جلد تاریخ اتّحاد برای دور ?اول دبیرستان‌ها ویژگی اثر : با همکاری مؤلفان (تألیف/ ناشر: کتابفروشی حقیقت، سال‌های ۱۳۳۶ ـ ۱۳۳۸)۶ سه جلد جغرافیای اتّحاد برای دورهٔ اول دبیرستان‌ها ویژگی اثر : با همکاری مؤلفان دیگر (تألیف/ناشر: کتابفروشی حقیقت، ۱۳۳۷)۷ سه جلد علوم اجتماعی اتحاد برای دورهٔ اول دبیرستان‌ها ویژگی اثر : با همکاری مؤلفان دیگر (تألیف/ ناشر: کتابفروشی حقیقت، ۱۳۳۶ ـ۱۳۳۸)۸ سیر اندیشه در قلمرو جغرافیای انسانی ویژگی اثر : (تألیف/ انتشارات موسسهٔ تحقیقات علوم اجتماعی و انسانی وابسته به دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز؛ چاپ اول: ۱۳۵۷، چاپ پنجم: ۱۳۸۰)؛۹ شناخت شناسی و مبانی جغرافیای انسانی ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب:شناخت¬شناسی و مبانی جغرافیای انسانی/ تألیف یدالله فرید. ـ اهر: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهر، ۱۳۷۹. هفت، ۵۵۶ ص.: مصور، جدول، نمودار، نقشه. کتابنامه به صورت زیر نویس. اثر حاضر نخستین کتاب جامع و مفصّلی است که دربارهٔ مبانی نظری جغرافیای انسانی به زبان فارسی تدوین شده است. مؤلف ارجمد که سالیان متمادی در این رشتهٔ تخصصی مشغول تحقیق و تدریس و تألیف است، به منظور رفع کمبودِ منبع درس جغرافیای انسانی در دانشگاه‌ها، به تألیف این کتاب اهتمام ورزیده است. این کتاب در دو بخش و سیزده فصل تنظیم شده است. بخش اول، طی سه فصل، به تعاریف و مفاهیم و شناخت¬شناسی و شناخت شناسی جغرافیای انسانی و جغرافیای کورماتیک، به عنوان نوآوری دیگر شناخت شناسی و روش¬شناسی جغرافیای انسانی می‌پردازد. در فصل نخستین بخش دوم کتاب، تعاریف، مفاهیم و گرایش‌های نو در قلمرو جغرافیای انسانی مطرح شده است و از تحولات اندیشه‌های جغرافیای انسانی ثلثِ آخرِ قرنِ بیستم در کشورهای فرانسه زبان و سوئد، به عنوان پیشتاز نظریه‌های نوین سخن رفته و جغرافیای انسانی نسبت به علوم دیگر به عنوان دانش ترکیب فضایی و روابط همزیستی انسان‌ها مورد بحث قرار گرفته است. در فصول دوم تا پنجم به مبانی فیزیکی، اکولوژیکی، بیولوژیکی و اجتماعی جغرافیای انسانی پرداخته و در فصول ششم تا نهم، جغرافیای روستایی، جغرافیای شهری، جغرافیای اقتصادی و جغرافیای فرهنگی مورد بررسی واقع شده است و در فصل دهم این بخش، از ناحیه به عنوان مناسب‌ترین محدودهٔ فضایی برای تحقیقات جغرافیایی بحث شده است. مؤلف ارجمند در تنظیم مطالب، از آرا و نظریات جغرافی‌دانان معتبر صاحب مکتب خارجی، به ویژه از کشورهای فرانسه زبان، به طور وسیع استفاده کرده و همچنین از افکار واندیشه‌ها و کارهای ارزشمند جغرافی‌دانان کشورمان نیز سود جسته است. استناد به منابع معتبر و دست اول، تحلیل مطالب جدید در حوزهٔ جغرافیای انسانی، همبستگی و انسجام مطالب، تبیین مفاهیم و نظریه‌های دشوار به زبان ساده و رسا و مناسب با موضوع، از ویژگی‌های اثر حاضر است. ۱۰ کاربرد جغرافیا در روش تحقیق شهر و روستا ویژگی اثر : (تألیف/ انتشارات دانشگاه تبریز؛ چاپ اول: ۱۳۷۱، چاپ سوم: ۱۳۸۰)۱۱ مقدمه بر روش تحقیق شهرهای ایران ویژگی اثر : (تألیف/ انتشارات مؤسسه تحقیقات علوم اجتماعی وانسانی وابسته به دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ۱۳۴۹)

فریدنی، محمد جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند شیخ علی اصغر. از فضلا و مدّرسین اصفهان، و ساکن مدرسه عربان بوده، و سطوح فقه و ادبیّات تدریس می‌نمود.

در ۴ شنبه ۱۲ جمادی الاولی سال ۱۳۷۵ وفات یافته، در صحن تکیه آقا سید محمّد لطیف خواجوئی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

فریدنی، محمد صالح

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۸ –۱۲۴۰ ق)، حکیم، عارف و فقیه. در قریه‌ی چادگان فریدن اصفهان متولد شد. مقدمات علوم را در اصفهان آموخت. سپس به سبزوار رفت و از محضر حاجی ملاهادی حکیم سبزواری بهره جست و از شاگردان برجسته‌ی او گردید. چون به کمال رسید به اصفهان بازگشت. وی علاوه بر کمالات علمی در فضایل نفسانی نیز به مقامات والا رسید، و این راه را با کمک آقا محمد کاظم سعادت علیشاه اصفهانی پیمود، و با حاج ملا سلطان محمد گنابادی پیمان بست و سالها در موطن خویش منزوی و به عبادت و ریاضت مشغول بود. ملک‌المتکلمین اصفهانی، خطیب دوران مشروطه، از شاگردان او است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ القبور (۳۸۴ –۳۸۳).

فریدونی، براتعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

براتعلی فریدونی

محل تولد : آزاد شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب دارای تحصیلات حوزوی خارج در حوزه علمیه قم و تحصیلات دانشگاهی در مقطع کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی از دانشگاه تهران می باشم. و در حال حاضر دانشجوی علوم سیاسی در مقطع دکتری دانشگاه تهران می باشم. تحصیلات حوزوی خود را تا سطح اول در مدرسه علمیه امام خمینی کاشان گذرانده و در سال ۱۳۶۶ در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل و ادامه آن گردیده و ادامه دروس سطح و خارج فقه و اصول را در این شهر مقدس گذراندم. در کنار تحصیلات حوزوی در رشته علوم سیاسی ادامه تحصیل داده و فارغ التحصیل علوم سیاسی از دانشگاه تهران می باشم. فعالیتهای پژوهشی اینجانب در گرایش اندیشه سیاسی می باشد که حاصل آن انتشار کتابهای اندیشه سیاسی اخوان الصفا و اندیشه سیاسی ابوالحسن عامری است کتاب اول از طرف پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات به عنوان پژوهش برتر اعلام گردیده و کتاب دوم نیز به عنوان کتاب برگزیده ششمین دوره کتاب سال حوزه معرفی گردید همچنین کتابی با عنوان کتابشناسی اندیشه سیاسی حاصل همکاری مشترک است. پژوهشهای دیگری مانند اندیشه سیاسی ابن خلدون و ابوحیان توحیدی انجام داده ام که هنوز به چاپ نرسیده است. ترجمه ها و مقالاتی نیز با گرایش سیاسی دارم که در مجلات و نشریات به چاپ رسیده است همچنین در سال ۱۳۸۳ به عنوان پژوهشگر نمونه استان قم از سوی فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی گردیده ام. در کنار فعالیتهای پژوهشی و علمی در دانشگاههای مختلف به تدریس اشتغال داشته و هم اکنون نیز در دانشگاه کاشان مشغول تدریس می باشم.

فریدونی، عطاءالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

درگذشت: ۸ تیر ۱۳۶۸.

دکتر عطاءالله فریدونی، شاعر شعرهای روان و ساده بود. فریدونی که پزشک بود و مقیم رشت، فعالیت هنری خود را پس از یک ساعت ممتد با نشریات آغاز کرد. از فریدونی کتاب آوازهای جنگلی منتشر شده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فریشی، ضیاء

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۹۹، یزد.

درگذشت: ۱۰ آبان ۱۳۷۰.

سید ضیاء قریشی، فرزند میرزا حسن، پس از اتمام تحصیلات دبستانی و دبیرستانی در یزد به تهران عزیمت کرد و به تحصیل در رشته‌ی دامپزشکی پرداخت. پس از فراغت از تحصیل به استخدام اداره‌ی کل دامپزشکی درآمد. در سال ۱۳۲۱ در اداره کل دامپزشکی کشور برای خدمت در یزد استخدام گشت و در سال ۱۳۵۸ بازنشسته شد. او عضو انجمن ادبی کتابخانه وزیری بود. قریشی طبعی روان داشت و در اشعار خود «ضیاء» تخلص می‌نمود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فریور همدانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۸ ش)، شاعر، متخلص به فریور. در همدان به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در قزوین و تهران گذراند. آن‌گاه وارد دانشکده‌ی افسری شد و در ۱۳۱۲ ش فارغ‌التحصیل گردید. سپس برای گذراندن دوره عالی پیاده‌نظام به آمریکا رفت و بعد از مراجعت به ایران در ژاندارمری به خدمت پرداخت. فریور همدانی در سلک دراویش نعمت‌اللهی و از مریدان مونس علیشاه ذوالریاستین بود و منصورعلی لقب داشت. اشعار وی در تذکره‌ها موجوداست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۲۷۲۳ -۲۷۲۰ / ۴).

فریوسفی، امیر شاهرخ

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیرشاهرخ فریوسفی درسال ۱۳۴۴ درخانواده ای هنرمند در تهران بدنیاآمد .وی پس از دریافت دیپلم متوسطه ، وارد انجمن خوشنویسان شد و دردوره های متوسط و خوش را تحت نظر استاد کیخسرو خروش گذرانید . و دوره عالی و ممتاز را با راهنمایی استاد محمد علی گرجستانی به پایان رسانید و درخط شکسته از سرمشق های استاد عباس رفیعی فراهانی استفاده کرد . فریوسفی ازهمان دوره ازآثار متنوع استاد محمد باقر آقا میری درنگارگری و تذهیب سرمشق گرفت . وی ازسال ۱۳۷۳ تا کنون مسئولیت معاونت هنرستان هنرهای تجسمی پسران رابر عهده دارد . امیر شاهرخ فریوسفی دارای ده سال سابقه تدریس درهنرستان کمال الملک ،فرهنگسرای اندیشه و چند آتلیه خصوصی است . وی از سال ۱۳۷۶ تا کنون در نمایشگاهها و همایش های متعددی شرکت کرده است . حضور و شرکت در همایش نگارش قرآن و تذهیب یک جزء قرآن مجید دریک روز ، درسال ۱۳۷۹ کسب مقام نخست در چهارمین جشنواره هنر های تجسمی آموزش و پرورش درسال ۱۳۷۹ ،شرکت در نمایشگاه هفته فرهنگی ایران درباکو و خوشنویسی سه عنوان کتاب از دیگر کارهای وی دراین دوره است . امیر شاهرخ فریوسفی درحال حاضر نایب رییس انجمن نگارگری ایران است .

گروه : هنر

رشته : هنرهای تجسمی

گرایش : خوشنویسی

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : استاد فریوسفی درسال ۱۳۴۴ درتهران درخانواده ای هنرمند به دنیا آمد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : امیر شاهرخ فریوسفی ،پس ازدریافت دیپلم متوسطه از دبیرستانهای تهران ،وارد انجمن خوشنویسان شدو دوره های متوسط و خوش را تحت نظر استاد کیخسرو خروش گذراند . و دوره های عالی و ممتاز را با راهنمایی استاد محمد علی گرجستانی به پایان رسانید و درخط شکسته ازسرمشق های استاد عباس رفیعی فراهانی استفاده کرد . فریوسفی از همان دوره ازآثار متنوع استاد محمد باقر آقا میری درنگارگری و تذهیب سرمشق گرفت .

استادان و مربیان : محمد علی گرجستانی ،محمد باقر آقامیری ، عباس رفیعی فراهانی از استادان امیرشاهرخ فریوسفی بوده است .

وقایع میانسالی : استاد فریوسفی پس ازگذراندن دوره های عالی خوشنویسی ، به تدریس در هنرستانهای کمال الملک ،فرهنگسرای اندیشه و چند آتلیه خصوصی پرداخت (باسابقه حداقل ۱۰ سال) ونیز درنمایشگاههای متعدد شرکت می کند .از این گذشته ،در حال حاضر، نایب رییس انجمن نگارگری ایران است .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : معاون هنرستان تجسمی پسران ، معلم خوشنویسی درهنرستان کمال الملک ،فرهنگسرای اندیشه و چند آتلیه خصوصی است و نیز درحال حاضر نایب رییس انجمن نگارگی ایران است .

فعالیتهای آموزشی : تدریس خوشنویسی درهنرستان تجسمی ایران ، هنرستان کمال الملک فرهنگسرای اندیشه ،و چند آتلیه خصوصی از سوابق استاد فریوسفی است .

شاگردان : بسیاری از فارغ التحصیلان رشته های گوناگون هنری از هنرستان کمال الملک ،فرهنگسرای اندیشه برخی آتلیه خصوصی از شاگردان استاد فریوسفی به شمار می روند .

آرا و گرایشهای خاص : استاد فریوسفی عمدتا به خوشنویسی قرآن یا خطاطی چون نستعلیق و شکسته گرایش دارد .

جوائز و نشانها : کسب مقام اول درچهارمین جشنواره هنرهای تجسمی آموزش و پرورش ۱۳۷۹.

چگونگی عرضه آثار : حضورو شرکت درهمایش نگارش قرآن و تذهیب یک جزء قرآن مجید در یک روز ، شرکت درنمایشگاه هفته فرهنگی ایران درباکو . --

----

آثار :

۱ اثری درهمایش نگارش قرآن و تذهیب یک جزء قرآن مجید دریک روز

۲ خوشنویسی سه عنوان کتاب

منابع زندگینامه :،من درمحراب آرامش می یابم ،کیهان فرهنگی ،ص۱۲

فزونی استرآبادی، محمدهاشم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۵ ق)، مورخ و شاعر، متخلص به فزونی. در استرآباد به دنیا آمد و در آن جا نشو و نما یافت. وی از علمای عصر دولت صفوی است که در زمان شاه‌عباس اول (۱۰۳۸ -۹۹۶ ق) می‌زیست. در ایام جوانی به قصد تجارت به سیر و سفر می‌پرداخت. در زمان صفدرخان بن میرزا یوسف‌خان رضوی مشهدی حاکم کشیمر به آنجا سفر کرد. صفدرخان او را در خدمت خود نگاه داشت. بعد از برکناری صفدرخان همراه وی در ۱۰۲۵ ق به هندوستان رفت، در لاهور از او جدا شد و به دکن رفت. از آثار وی: «بحیره» یا «تاریخ البحیره»، به فارسی، در حکایات تاریخی و احوال طبقه وزاء و شگفتیهای حیوانات و کوهها و چشمه‌ها و رودها و ساختمانها

در حدود پنجاه هزار بیت؛ «اللجین الطبریه» یا «البحیره الطبریه»، در تاریخ و مناسبتهای تاریخی؛ «دیوان» شعر؛ «ساقی‌نامه»، که به اسم شاه‌عباس صفوی سرود. در تذکره‌ی «میخانه» نام وی تحت عنوان هاشم‌بیگ آمده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای کشمیر (۱۰۹۳ -۱۰۹۲ / ۳)، تذکره‌ی میخانه (۶۷۹ -۶۷۴)، الذریعه (۲۹۷ / ۱۸ ،۱۱۲ / ۱۲ ،۸۳۲ / ۹ ،۵۱ -۵۰/ ۳)، ریاض العلماء (۲۲۴ / ۷)، ریحانه (۳۴۰ ،۳۳۸-۳۳۷ / ۴)، صبح گلشن (۳۱۷)، فرهنگ سخنوران (۷۰۹)، کاروان هند (۱۰۱۳- ۱۰۱۲ / ۲).

فزونی سبزواری، میرمحمود

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. معاصر تقی الدین اوحدی بلیانی (۱۰۳۰ -۹۷۳ ق) بود.او به هندوستان مسافرت کرد. در شهر کرنال گرفتار جریانی در رابطه به خون ناحق گریدد، لذا مجبور شد که به اصفهان بگریزد. از اوست:

بازآ که دیده‌ها به ره انتظار تو

امیدوار از مژه بیرون نشسته‌اند

در حیرتم که بر در و دیوار چون به هم

بی‌اضطراب لیلی و مجنون نشسته‌اند

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۶۲۶)، ریحانه (۳۴۰ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۷۰۹).

فسایی فارسی، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۰ ق)، طبیب و شاعر. مشهور به میرزا آقای طبیب. اهل فسا و از اطبای معروف زمان خود بود. که در کنار شغل طبابت شعر نیز می‌سرود از اوست:

ز هشیاری نبستم هیچ طرفی

بکن ساقی ز جام باده مستم

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۱۷)، مرآت الفصاحه (۳۲).

فسایی، حسن حسینی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۶ -۱۲۳۷ ق)، مقحق، مفسر، ادیب، صوفی، شاعر و طبیب. از سادات دشتکی شیراز بود. در فسا به دنیا آمد. در کودکی پدر و مادر خویش را از دست داد و تحت سرپرستی مادربزرگ و برادر به کسب علم و ادب پرداخت. در خدمت میرزا ابوالحسن مجتهد فسایی ابتدا علوم را و بعدها «شرح هدایه»، «شرح تجرید» و «معالم الاصول» و «مطول» را فرا گرفت. سپس نزد میرزا محمد علی واحدالعین «مفاتیح الشرایع» فیض کاشانی را، در فقه، خواند. بعد از آن سفری به اصفهان داشت. پس از بازگشت به شیراز مدتی نزد شیخ مهدی کجوری مازندرانی شاگردی کرد و کتب ریاضی را فراگرفت. میرزا حسن علم طب را نیز در خدمت میرزا سید علی نیاز و حاجی میرزا بابا حکیم‌باشی اصفهانی آموخت. وی در ۱۲۷۹ ق سفری به تهران و یزد کرد و پس از بازگشت به شیراز به معالجه‌ی بیماران پرداخت و شهرتی کسب کرد. چنان که پزشک مخصوص سلطان اویس میرزا احتشام‌الدوله پسر فرهاد میرزا معتمدالدوله شد. از آثار وی: «فارسنامه ناصری»؛ «تفسیر حسن»؛ «تحفه احتشامی»، دراندرز و نصایح، به نظم؛ «نقشه مملکت فارس».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۵۷ -۲۵۱ / ۲)، سبک‌شناسی (۳۶۵ / ۳)، سرآمدان فرهنک و تاریخ (۲۸۹ / ۱)، شرح حال رجال (۳۴۲ / ۱)، فارسنامه ناصری (۴۲ -۱۳ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۲۵۸)، المآثر و الآثار (۲۰۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۴۱ -۵۴۰ / ۲)، یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۷۱ -۶۸).

فسایی، عبدالرحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۷۳ ق)، خطاط. وی نستعلیق را خوش می‌نوشت و بیشتر اوقات را در لار می‌گذرانید، سپس به شیراز رفت و در همان شهر درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۹۲ / ۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۴۰۶ / ۲).

فسایی، عبدالصمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۵۷ ق)، شاعر. وی از سادا دشتکی شیراز و از نوادگان امیر غیاث‌الدین منصور و سید علی خان بود. حاج میرزا عبدالصمد در طریقت و سلوک از برادر بزرگترش، میرزا عبدالرحیم عشرت تبعیت می‌کرد. وی شعر می‌گفت و «دیوان»ی نیز داشت. نمونه شعر او در «حدیقه الشعراء» نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۱۷۰ -۱۱۶۹ / ۲).

فسائی، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا ابراهیم بن میرزا محمدحسین بن میرزا مجدالدین محمد بن میرزا سید علی مدنی دشتکی فسائی مجتهد از بزرگان علماء و اکابر دانشمندان این شهر است.

وی در فساء متولد شده و پس از رشد در شیراز علوم ادبی را آموخت آنگاه به ریاضیات و حکمت الهی پرداخت و به تهران رفته سه سال در آن شهر به تحصیل پرداخته و در ۱۲۱۱ ق به عراق مهاجرت نموده و در محضر درس علامه آقا میر سید علی طباطبائی صاحب (ریاض) تحصیل فقه و اصول و سایر علوم دینی کرده تا به درجه اجتهاد رسیده سپس به شیراز مراجعت و بافاده و تدریس مشغول شده و در سال ۱۲۲۳ ق به مکه معظمه مشرف و بعد از بازگشت نیز چند سالی به انجام وظائف اشتغال داشت تا در ماه ربیع‌الاول ۱۲۵۵ ق در شیراز از دنیا رفت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فسونی تبریزی، محمود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۷ ق)، نویسنده، دانشمند، منجم و شاعر. در بعضی از تذکره‌ها او را شیرازی الاصل و در بعضی تبریزی ذکر کرده‌اند. وی از شعرای مکتب وقوع بود و در سرودن غزل مهارت بیشتری داشت، در خط و فن سیاق و علم نجوم توانا بود. در عهد اکبرشاه به هندوستان رفت و در سلک ملازمان وی درآمد و به سمت نویسندگی و منجمی دربار رسید. در زمان جهانگیرشاه منصب استیفای شاهزاده خرم (شاه جهان) را داشت. از آثار وی: «رساله‌ای»، در علم حساب؛ «مفتاح المعانی»، فرهنگ فارسی؛ «دیوان» شعر. از آنجایی که آیتی، صاحب «تاریخ یزد»، فسونی یزدی را نشوونما یافته و در تبریز و سفر کرده به هند می‌داند، مؤلف «فرهنگ سخنوران» نیز فسونی یزدی را با فسونی تبریزی یکی دانسته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۳۴ -۱۳۳ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۱۴)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۲۳۹ -۲۳۸)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۵۱۰ -۵۰۴ / ۲)، دانشمندان آذربایجان (۲۹۷)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۳۹ / ۴)، الذریعه (۸۳۳ -۸۳۲ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۰۹)، کاروان هند (۱۰۱۹ -۱۰۱۳ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ فسونی)، مجمع الخواص (۲۰۴ -۲۰۳)، مکتب وقوع (۳۴۸ -۳۳۷)، هفت اقلیم (۲۴۱ -۲۴۰ / ۳).

فسونی قزوینی، امام قلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۰۳ ق)، شاعر. اصلش از اویماق ذوالقدر و از خویشاوندان یولقلی بیگ انیسی شاملو بود. در قزوین به دنیا آمد. مدتی در کاشان زیست و بعد به قزوین رفت و با شاعران آنجا مصاحبت و معاشرت پیدا کرد و شهرت زیادی کسب نمود. وی در علم

عروض و قافیه توانا بود. از اول سلطنت شاه عباس تا ۱۰۰۲ ق در ملازمت الله وردی‌خان زرگرباشی به سر برد. در ۱۰۰۳ ق به هندوستان رفت و در آنجا درگذشت. صاحب «الذریعه» فسونی قزوینی را به تبعیت از آیتی ذیل فسونی یزدی آورده و او را مدتی دفتردار در تبریز و سفر کرده به هند معرفی کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۶۲۷)، الذریعه (۸۳۳ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۰۹)، کاروان هند (۱۰۲۳ -۱۰۱۹ / ۲)، مجمع الخواص (۱۱۵ -۱۱۴).

فسوی شیرازی، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۵۵ -۱۱۷۳ ق)، فقیه، عالم و شاعر. از سادات محترم شیراز و از احفاد امیر غیاث‌الدین منصور دشتکی بود. در شیراز وفات یافت. از آثار اوست: «بحرالحقایق»، در فقه؛ حاشیه بر «معالم الاصول»؛ حاشیه بر «شرح لمعه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقة الشعراء (۷۰ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۷)، مرآت الفصاحه (۳۲ -۳۱).

فسوی شیرازی، کمال الدین حسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حزین در تاریخ خود و تذکره خویش نامی از او برده و گوید: من در خدمت او تحصیل نمودم و او در هنگام محاصره اصفهان به سال ۱۱۳۴ در سن کهولت وفات یافت، و کتب زیرا را از تألیفاتش نام می‌برد

۱- حاشیه بر معالم اصول ۲- رساله در حل شبهات کاتبی قزوینی ۳- شواهد مطوّل؛ و غیره.

و از اشعار او نیز چند بیتی نقل می‌کند که از آنهاست:

بکش بسوز که عاشق شدن جزاش این است

کسی که دل به تو ظالم دهد سزاش این است

حزین گوید: از افاضل شاگردان علامی مسیح الانام فسائی بود کاشف معضلات اوایل و حلال غوامض مسائل بود در علوم منقوله تتبع کامل و در معقولات قسطی وافر حاصل نمود (محل دفن او معلوم نیست)

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

فشارکی اصفهانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۸ / ۱۳۱۶ -۱۲۵۳ ق)، عالم امامی، فقیه، محقق و مدرس. او در کلمات بعضی از بزرگان معروف به استاد کبیر است. در فشارک از روستاهای قهپایه اصفهان به دنیا آمد. پس از درگذشت پدرش در یازده سالگی برای فراگیری علوم به عتبات رفت و در کربلا ساکن شد. وی از شاگردان حاجی آقا حسین بن سید مجاهد و فاضل اردکانی در فقه و اصول و حاج میرزا محمد حسن شیرازی بود. در زمان حیات استادش، حاج میرزا محمد حسن شیرازی، مرجعیت تقلید و تدریس در سامراء را بر عهده داشت. بعد از درگذشت استادش به نجف مهاجرت کرد و مرجعیت آنجا را بر عهده گرفت و به تدریس در حوزه‌ی علمیه نجف مشغول گشت. حاج میرزا محمد حسین نایینی و حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و آقا شیخ محمدرضا نجفی و حاج شیخ محمد حسین طبسی و آقا میرزا سید علی مدرس یزدی از شاگردان وی بودند. او در نجف درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثار وی: «اصاله البارئه»؛ «الاغسال»؛ «الفروع المحمدیه»، مجموعه رسالاتی در فقه و غیره؛ شرح «اوائل رساله البرائه» شیخ انصاری؛ رساله‌ای در «خلل نماز».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینه دانشوران (۱۳۷ -۱۳۶)، اعیان الشیعه (۳۹ / ۱۰)، تذکره القبور (۱۶۶ -۱۶۵)، الذریعه (۱۸۵ / ۱۶، ۲۵۲، ۱۱۶ - ۱۱۵ / ۲)، ریحانه (۳۴۲ -۳۴۱ / ۴)، معجم‌المؤلفین (۱۲۷ / ۱۱)، مکارم الآثار (۱۴۳۷ -۱۴۳۵ / ۴).

فشارکی، رحمت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ رحمت‌اللّه فشارکی از فضلاء بارع و مدرسین فاضل معاصر حوزه علمیه قم می‌باشد. وی در حدود سال ۱۳۴۸ قمری در فشارك اصفهان متولد و پس از رشد و پرورش دروس جدید و مقدمات را در آنجا و اصفهان خوانده آنگاه مهاجرت به مشهد مقدس نموده و در مدرسه نواب اقامت و به تحصیل سطوح و متون فقه و اصول و تدریس ادبیات پرداخته و پس از چند سال منتقل به قم و از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی امام خمینی و آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری استفاده نموده و نیز تا حال تحریر از محضر آیات عظام و زعماء بزرگ حوزه استفاده نموده و خود به تدریس متون فقه و اصول اشتغال دارد.

نگارنده گوید: جناب فاضل فشارکی عالمی عامل و فاضلی کامل و با تقوا و ورع موصوف و به محامد آداب و اخلاق معروف و به سادگی و بی‌آلایشی و متانت مشهور و مورد احترام تمام مراجع و اساتید و محصلین حوزه می‌باشد و حقیر از هنگام مشهدش تاکنون او را به این صفات حمیده شناخته و مکروهی از وی ندیده و نشنیده‌ام زاداللّه فی توفیقاته و کثر اللّه امثاله.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فشارکی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌الله العظمی محمدحسین فشارکی فرزند ملا جعفر و از علمای بنام اصفهان بوده‌اند.

شرح حال وی به تفصیل در کتب رجال شیعه از جمله اعلام‌الشیعه و مکارم‌الاثار و ده‌ها کتاب دیگر ثبت شده و جمعی کثیر از علما عصر از آن مرحوم روایت می‌کنند و اجازاتی که نوشته بسیار است و ضمنا چند رساله فتوایی را تحشیه فرموده است.

و در محضر استادان نامداری همچون: میرزا حبیب اللّه رشتی، شیخ زین‌العابدین مازندرانی و میرزا محمد حسن شیرازی زانوی ادب زد.

ایشان فرزند:محمدجعفر.متوفی ۱۳۵۳ق.عالم فقیه و از مجتهدین صاحب فتوی.در فقه و اصول استاد و در تقوی و زهد نزد مردم مشهور بود.او در اواخر عمر از علمای با نفوذ ومعروف اصفهان گردید.از شاگردان برجسته ی او می توان به حاج میرزا ابوالحسن تویسرکانی.شیخ محمد باقر قزوینی.شیخ محمود مفید اشاره نمود.از آثار وی:حاشیه بر رسایل و حاشیه بر طهارت شیخ انصاری است.(مهدوی:دانشمندان وبزرگان اصفهان.ص۲۸۵)

آخوند ملا محمد حسین بن محمد جعفر فشارکی از اکابر علمای امامیه نیمه اول قرن چهاردهم است تولد او به سال ۱۲۶۶ اتفاق افتاده ،وی از شاگردان شیخ زین العابدین مازندرانی ،حاج میرزا حبیب الله رشتی ،و حاج میرزا محمد حسن شیرازی بوده است . پس از مراجعت از نجف به اصفهان آمده و بتدریس و ارشاد اشتغال یافت ،در مسجد سلام امامت می نمود محضرش مرکز فضلا و اهل دانش بود و در اواخر عمر مرجعیت تامه پیدا نمود.

مرحوم فشارکی در فقه و اصول استاد بود و در این اواخر مردم اصفهان مسائل خود را از او استفتاء می نمودند، زهد و تقوای او نیز بین مردم این سامان مشهور است ، آخوند فشارکی سرانجام در ۲۳ بهمن ۱۳۱۳ ش برابر با ۸ ذی‌قعده ۱۳۵۳ ق در ۸۵ سالگی درگذشت و در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

تالیفات

از تالیفات اوست:

۱–حاشیه رسائل .

۲– حاشیه طهارت شیخ انصاری

برگرفته از کتاب :پایگاه روستای فشارک

فشارکی، محمد مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم میرزا محمد مهدی مشهور به آقا میرزا عالم فاضل زاهد، مردی خلیق و مهربان و در عین حال ساده بوده، حکایاتی از ساده لوحی او نقل می‌کنند که مجال نقل آنها نیست.

در دوّم جمادی الاولی سال ۱۳۴۰ وفات یافته، در مقبره ی تکیه ی آقا حسین خوانساری پشت سر پدر مدفون گردید. وی داماد آقا میرزا محمّد هاشم چهارسوقی بوده است.

فشارکی: به کسر اول و سکون چهارم منسوب است به قریه ی فشارك از بلوك قهپایه ی اصفهان، و از منسوبین بدانجا است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

فشارکی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آخوند ملا محمدباقر فشارکی بن ملا محمدجعفر از علماء بزرگ و فقهاء و مجتهدین معروف و از مدرسین عالیمقام بوده است. وی در اصفهان متولد شده و نزد حاج شیخ محمدباقر صاحب حاشیه معالم و در نجف خدمت علماء بزرگ تحصیل نموده و پس از مراجعت در مسجد محله نو و مسجد قطبیه اقامه جماعت و تدریس نموده و عده‌ای کثیر از فضلاء بدرس او حاضر شده و از دراساتش استفاده نموده‌اند.

مرحوم فشارکی اول دانشمندی است که در اصفهان احیای شب جمعه را در تخت فولاد رسم نمود. که با جمع زیادی از فضلاء و اصناف در مسجد مصلای آنجا رفته و شب را بقرائت قرآن و نماز و دعاء کمیل و توبه و انابه می‌گذارنید که پس از وی مرحوم شیخ مرتضی ریزی و پس از ایشان دیگران این سنت سنیه را تا هم‌اکنون اجراء می‌نمایند.

و آنمرحوم پس از نماز در مسجد خود منبر رفته و مردم را با بیانات کافیه و مواعظ شافیه ارشاد می‌فرمودند.

تألیفات عدیده‌ای از خود بیادگار گذارده که ذیلًا می‌نگارم:

۱- آداب الشریعه ۲- آداب نماز شب ۳- اعمال سه ماه (رجب- شعبان- رمضان) ۴- اسباب الفقر والغناء والمغفرهٔ ۵- اصول دین ۶- اربعین ۷- تنزیه المؤمنین ۸- حواشی بر شرح لمعه ۹- حواشی بر فرائد ۱۰- حواشی بر قوانین ۱۱- حواشی بر متاجر ۱۲- ذخیرهٔ العباد ۱۳- رساله‌ای در تداخل اسباب ۱۴- رساله در خیار غبن ۱۵- رساله در حیض ۱۶- رساله در رضاع ۱۷- رساله‌ای در شرط ۱۸- رساله در شهرت ۱۹- رساله در صحت عبادت جاهل ۲۰- رساله در طهارت ۲۱- رساله در عدم جواز حق الرجوع ۲۲- رساله در عدم لزوم تقلید اعلم ۲۳- رساله در غناء ۲۴- رساله در قرعه ۲۵- رساله در منجزات مریض ۲۶- رساله در معرفت اسامی چهارده معصوم ۲۷- رساله در اموری که سبب طول عمرو حفظ از امراض می‌شود ۲۸- رساله عملیه ۲۹- عشریهٔ ۳۰- عنوان الکلام که مطبوع می‌باشد.

آنمرحوم در شب یکشنبه ۲۶ رجب سال ۱۳۱۴ ق وفات و در بقعه تکیه محقق خونساری آقا حسین در تخت فولاد مدفون گردید در مآثر و آثارش ۱۸۴ ذکر او گردیده است.

فرزندش مرحوم حجهٔالاسلام میرزا محمدمهدی مشهور به آقا میرزا عالم فاضل و زاهد و خلیق و مهربان و بسیار ساده و با صفا بوده و در دوم جمادی‌الاول سال ۱۳۴۰ ق وفات و در جنب والد مغفورش به خاک رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فشید یزجی نسفی بخاری، ابوعلی حسین

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۸ / ۴۲۵ / ۴۲۴ ق)، قاضی و فقیه حنفی. نسبت وی به شهر فشیدیزه یا فشیدیزج بخارا می‌رسد. وی قاضی بخارا و پیشوای اهل ری بود. به بغداد رفت و فقه آموخت. از ابن‌شبویه و جعفر بن فناکی نیز بهره گرفت. شریف سید مرتضی با او مناظره‌ای داشت. او از ابوالفضل زهری در بغداد حدیث شنید. وی همچنین در بخارا از ابی‌عمرو محمد بن محمد بن صابر حدیث شنید. شاگردانش در هر سو پراکنده شدند. آخرین کسی که از وی حدیث روایت کرده، دخترزاده‌اش علی بن محمد بخاری است. از آثارش: «الفوائد»، در فروع؛ «فتاوی القاضی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۱۵۷ / ۲)، سیر النبلاء (۴۲۶ -۴۲۴ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۲۷ / ۳)،کشف الظنون (۱۲۹۴)، معجم المؤلفین (۲۲۲ / ۳)، الوافی بالوفیات (۳۶۱ / ۱۲)، هدیه العارفین (۳۰۹ / ۱).

فصیح خوافی، احمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۷۷- بعد از ۸۴۵ ق)، مورخ و شاعر. ملقب و مشهور به فصیح. خاندانش اهل روی خواف بودند و خود در هرات به دنیا آمد و همان جا نشوونما یافت. وی در خدمت شاهرخ و پسرش بایسنقر عهده‌دار مشاغل دولتی بود. در ۸۳۶ ق مورد غصب واقع و چندی هم مقید و محبوس شد. فصیح بعد از معزولی و بیکاری، به تألیف کتاب خود «مجمل» پرداخت. سرانجام در ۸۴۵ ق از زندان خلاص شد و به ملازمت شاهرخ تیموری رسید. از آثار وی «مجمل فصیحی» است که به صورت اجمال از هبوط آدم تا تاریخ زمان خود را نگاشته است.[۱]

(بخش ۱) خوافی، احمد بن جلال‌الدین محمد از رجال و نویسندگان نیمه‌ی اول قر. ۹ ه. (و. ۷۷۷- ف. پس از ۸۴۵ ه.ق). از مردم خواف بود و نسبش به ابوامامه صدی بن عجلان بن وهب باهلی صحابی می‌رسد و محل تحصیل و نشو و نمای او ظاهراً هرات بود. در سال ۸۰۷ بعد از مرگ تیمور، شاهرخ او را از هرات با دو تن از امرا به سمرقند برای تحویل گرفتن خزانه‌ی خاصه‌ی شاهرخ از عمر شیخ خازن فرستاد. وی تا سال ۸۱۸ در خدمت یکی از امرای بزرگ علاءالدین علی ترخان کار می‌کرد، و از آن سال به ملازمت شاهرخ درآمد و در سال ۸۱۹ ترقی کرد و منصب «موجه دیوان» بدو ارزانی شد. در سال ۸۲۰ به شرکت دو تن دیگر به تصدی دیوان اعلی (شاهرخ) تعیین شد ولی در ۸۲۱ معزول گردید. باز در ۸۳۴ جهت مهمات دیوانی مأمور کرمان گردید. در ۸۲۷

مراجعت کرد و در بادغیس هرات به حضور شاه شرفیاب شد. در ۸۲۸ موجهی دیوان امیرزاده بایسنغر بدو داده شد، و چند سال در این سمت بود تا در ۸۳۶ به خدمتش خاتمه دادند. بعد از این سال- که معزول و مورد جریمه واقع شد- از احوال او اطلاع دقیقی در دست نیست. در ۸۴۳ مورد غضب گوهرشاد آغازن شاهرخ واقع شد و در خانه‌ی امیربیگ محبوس گردید و پس از چندی آزاد شد و مجدداً در ۸۴۵ در خانه‌ی امیربیگ مقید گردید و بار دیگر خلاص شد. اثر مهم او مجمل‌التواریخ معروف به مجمل فصیحی (ه.م) است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از سعدی تا جامی (۶۱۶ -۶۱۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۹۶ -۴۹۴ / ۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۳۸)، رجال حبیب السیر (۲۷۳ -۲۷۲)، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات (۱۶۸ -۱۶۷)، لغت‌نامه (ذیل/ فصیح خوافی)، محمل فصیحی (مقدمه/ هشت- بیست و یک).

فصیح، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل فصیح در تاریخ دوم اسفند ماه سال ۱۳۱۳ در تهران به دنیا آمد. در سن شش سالگی به مدرسه ابتدایی عنصری رفت ؛ وی از پاییز سال ۱۳۲۶ دوران تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان رهنما آغاز کرد و در سال ۱۳۳۲ موفق به اخذ دیپلم طبیعی شد. در آغاز تابستان سال ۱۳۳۵ از راه استانبول و پاریس به آمریکا رفته و در شهر بوزمن به تحصیل ادامه داد و لیسانس شیمی را دریافت کرد. وی پس از یک سال زندگی در سانفرانسیسکو به ایالت مانتانا بازگشت و طی یک سال از (University of Montana) در شهر میسولا، به اخذ لیسانس ادبیات انگلیسی نائل شد . اسماعیل فصیح پس از بازگشت از آمریکا ، به کار ترجمه برای « موسسه انتشارات فرانکلین » پرداخت. بعد از آن با معرفی نامه ای از طرف صادق چوبک که خود سال ها در شرکت ملی نفت ایران در تهران مشغول بود ، در تابستان ۱۳۴۲ به استخدام رسمی شرکت نفت درآمدو به اهواز یکی از مراکز مهم نفت خیز کنسرسیوم (شرکت بین المللی ساخته و پرداخته محمدرضاشاه پس از مصدق) بود، رفت و در هنرستان صنعتی شرکت نفت مشغول به کار شد. اسماعیل فصیح در یک سفر ماموریتی پژوهشی شرکت ملی نفت ایران به آمریکا ،توانست در دانشگاه میشیگان فوق لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی را اخذ نماید. پس از بازگشت به ایران کار تدریس در دانشکده نفت آبادان (A.I.T AbadanInstitute f Technology( )آغاز کرد. با شروع جنگ ایران و عراق و بسته شدن این دانشکده ، وی در سن چهل و هفت سالگی با سمت استادیار زبان انگلیسی تخصصی مجبور به بازنشستگی شد.گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات انگلیسیاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : زندگی اسماعیل فصیح با جنگ ها و انقلاب های متعدد کشور عجین بوده که در زندگی و کارهای او نیز بی شک آثار عمده نهاده است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : فصیح از مهرماه ۱۳۲۰ ، در سن شش سالگی به مدرسه ابتدایی عنصری رفت ؛ از پاییز سال ۱۳۲۶ دوران تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان رهنما آغاز کرد و در سال ۱۳۳۲ با اخذ دیپلم طبیعی ، تحصیلات این مقطع وی به پایان رسید. در آغاز تابستان سال ۱۳۳۵ از راه استانبول و پاریس به آمریکا رفته و در شهر بوزمن به تحصیل ادامه داد و موفق به دریافت لیسانس شیمی گردید. وی پس از یک سال زندگی در سانفرانسیسکو به ایالت مانتانا بازگشت و طی یک سال از (University of Montana) در شهر میسولا، به اخذ لیسانس ادبیات انگلیسی نائل شد . اسماعیل فصیح در یک سفر ماموریتی پژوهشی شرکت ملی نفت ایران به آمریکا ،توانست در دانشگاه میشیگان فوق لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی را اخذ نماید.خاطرات و وقایع تحصیل : شروع تحصیل اسماعیل فصیح با جنگ جهانی دوم به ایران (۱۳۲۰) مصادف بود . او همچنین در اوج انقلاب ملی دکتر مصدق و آشوب های سال ۱۳۳۱ و حکومت چند روزهٔ احمد قوام السلطنه دوره متوسطه تحصیلی را به پایان رساند.هم دوره ای ها و همکاران : اسماعیل فصیح پس از بازگشت از آمریکا با عده ای از بزرگان اهل قلم آن سال ها از جمله : صادق چوبک ، نجف دریابندری ، مهشید امیر شاهی و دکتر غلامحسین ساعدی آشنا شد.همسر و فرزندان : اسماعیل فصیح در سانفرانسیسکو با دختری اروپایی ازدواج کرد، اما متاسفانه این ازدواج پس از گذشت یک سال با مرگ همسرناکام ماند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : اسماعیل فصیح پس از بازگشت از آمریکا ، به کار ترجمه برای « موسسه انتشارات فرانکلین » پرداخت. بعد از آن با معرفی نامه ای از طرف صادق چوبک که خود سال ها در شرکت ملی نفت ایران در تهران مشغول بود ، در تابستان ۱۳۴۲ به استخدام رسمی شرکت نفت درآمدو به اهواز یکی از مراکز مهم نفت خیز کنسرسیوم (شرکت بین المللی ساخته و پرداخته محمدرضاشاه پس از مصدق) بود، رفت و در هنرستان صنعتی شرکت نفت مشغول به کار شد.فعالیتهای آموزشی : اسماعیل فصیح با اخذ درجه فوق لیسانس از دانشگاه میشیگان ، به ایران بازگشت و به کار تدریس در دانشکده نفت آبادان (AbadanInstitute f Technology(A.I.T)پرداخت. با شروع جنگ ایران و عراق و بسته شدن این دانشکده ، وی در سن چهل و هفت سالگی با سمت استادیار زبان انگلیسی تخصصی مجبور به بازنشستگی شد.آرا و گرایشهای خاص : از اسماعیل فصیح ترجمه های متعددی انتشار یافته که روشنگر دو زمینه از اشتغال ذهنی او به ادبیات جهانی و همچنین به علم جدید تحلیل رفتار متقابل روانشناختی و حالت های شخصیتی فرد منعکس می سازد ، علمی که امروزه تحت نام(Transactional Analysis) یا (TA)در رشته های بسیار گوناگون روانشناسی ، روان درمانی ، آموزش ، مدیریت و بازسازی شخصیت در جهان کاربردهای متعدد و موثر دارد.آثار : ۱ باده کهن ۲ بازی ها ویژگی اثر : نوشته دکتر اریک برن۳ ترجمه استادان داستان ویژگی اثر : این کتاب شامل سی داستان کوتاه از نویسندگان شهیر جهان ترجمه و انتخاب و بصورت ناشر مترجم انتشار یافت.۴ ترجمه هملت ویژگی اثر : اثر ویلیام شکسپیر۵ ترجمه وضعیت آخر ویژگی اثر : نوشته تامس آ. هریس۶

تولـد/عشق/ عقد/مرگ ، ثریا در اغما ۸ خاک آشـنا ، خودشناسی به روش یونگ ویژگی اثر : نوشته دکتر مایکل دانیلز ۱۰ داستان جاوید ویژگی اثر : این کتاب در مایه کیانی آیین زرتشتی پس از شش سال پژوهش و ویراستاری موبد رستم شهزادی (چاپ اول ۱۳۵۳) توسط انتشارات امیر کبیر بیرون آمـد.۱۱ درد سیاوش ، دل کور ، دیدار در هند ، رسـتم نامه ویژگی اثر : این کتاب نوشته پرفسور ام. ویلمونت باکسـتون می باشد. که شامل داستان های جاودانی شاهنامه فردوسی به صورت داستان های کوتاه و پیوسته بی نظیری می باشد که اکنون جزو کتب کلاسیک جهان در غرب است .۱۵ زمستان ۶۲ ، شراب خام ویژگی اثر : این کتاب توسط انتشارات فرانکلین و زیر نظر نجف دریابنـدری و ویراستاری بهمن فرسی انتشار یافت.۱۷ شکسپیر ویژگی اثر : این کتاب شامل زندگی نامه ، مقدمه ای بر کل آثار شکسپیر و همچنین چکیده کلیه سی و هفت نمایشنامه های کمدی ، تاریخی و تراژدی او می باشد.۱۸ شـهباز و جغـدان ، فرار فروهر ، لالـه برافروخت ویژگی اثر : پیش نـویس این رمـان به زبـان انگلیسـی تحت عنـوان Child Martyrs «بچه های شـهید) در مرکز کتب ایرانی دانشگاه آکسفورد زیر نظر دکتر جان گرنی موجود است.۲۱ ماندن در وضعیت آخر ویژگی اثر : نوشته خانم دکتر ام بی. هریس و دکتر تامس آ. هریس۲۲ نمادهای دشت مشوش

فصیح، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد محمـد ولی میرزا. شـاعر و ادیب و نویسـنده‌ی توانـا، متخلص به «فصیح»، در غره‌ی ذی حجه‌ی سال ۱۳۳۳ متولـد، و در روز جمعه ۳۰ ربیع‌الثانی سال ۱۳۷۴ وفات یافته، در تخت فولاد در تکیه‌ی آقا شیخ مرتضی ریزی مدفون گردید.

مدتی در روزنامه‌های اصـفهان به خصوص «باختر» و «عرفان» مقاله می‌نوشت. مردی شوخ و بذله‌گو و حاضر جواب بود، مطالعات و محفوظات عمیق او سبب بود که در مجالس، مورد نظر باشد.

اشعار زیادی سروده که جمع نشده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

فصیحی تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۶ ق)، شاعر، متخلص به فصیحی. در دوره‌ی شاه‌طهماسب صفوی می‌زیست. او معاصر مولانا شریف تبریزی (م ۹۵۷ ق) بلکه مقارن او بود و اکثر غزلهایشان را با هم می‌سرودند. فصیحی معاصر میرزا شرف جهان نیز بود و مصاحبت و معاشرت با شرف جهان باعث شهرت او در میان شعرا شد. وی در تبریز درگذشت. از اوست:

از سوز محبت چه خبر اهل هوس را

این آتش عشق است نسوزد همه کس را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۳۵ –۱۳۴ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۹،۷۰۲)، تحفه سامی (۲۶۰)، دانشمندان آذربایجان (۲۹۸ – ۲۹۷)، الذریعه (۸۳۴ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۱۰)، لغت‌نامه (ذیل/ فصیحی)، مجمع الخواص (۱۷۲)، نتایج الافکار (۵۳۹).

فصیحی گرگانی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، شاعر. از جمله ملازمان عنصرالمعالی کیکاوس بن اسکندر بن قابوس (ز ۴۷۵ ق) بود که مثنوی «وامق و عـذرا» را به نظم درآورد. از اوست:

هر آن کو مردمان را خوار دارد

بدان کو دشمن بسیار دارد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریـخ نظم و نثر (۴۶)، تذکره الشـعراء (۷۹ –۷۸)، الذریعه (۲۴ / ۲۵ ،۳۳۱ / ۱۹ ،۸۳۴ / ۹)، شـعرای مازندران و گرگان (۲۲۳)، فرهنگ سخنوران (۷۱۰)، لغت‌نامه (ذیل/ فصیحی جرجانی)، مجمع الفصحا (۹۴۶ / ۲)، هفت اقلیم (۱۰۶ / ۳).

فصیحی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۹۰، شیراز.

درگذشت: ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۳، شیراز.

حسین فصیحی، متخلص به «شیفته» فرزند شیخ فصیح‌الملک شوریده، از نوجوانی که مشغول تحصیل در مدارس بود، به شعر گفتن پرداخت و فنون ادب را از پدر آموخت و تخلص خود را با توجه به شعر «شوریده»، «شیفته» گذاشت. وی مدتی کوتاه در یکی از ادارات دولتی به کار پرداخت ولی به زودی آن را رها کرد و به کار زراعت اشتغال ورزید که تا آخر عمر از آن روزگار می‌گذرانید. «شیفته» در سرودن انواع شعر توانا بود. طبع او بیشتر مایل به غزل‌سرایی بود و در ساختن ماده‌ی تاریخ مهارت به سزایی داشت. «شیفته» در انجمن‌های ادب فارس و کانون دانش از اعضای فعال و پیوسته بود. اشعارش در روزنامه‌های «پارس»، «استخر»، «بهار ایران»، «اجتماع ملی»، «کشکول» و «افق شیراز» به چاپ می‌رسید و دیوانش در حدود ده هزار بیت شعر دارد که به چاپ نرسیده است.

حسین فصیحی در اردیبهشت سال ۱۳۶۳ در شیراز درگذشت و در مقبره خانوادگی در باغ حافظیه به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فضایلی، حبیب الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد حبیب الله فضایلی در سال ۱۳۰۱ ، در سمیرم دیده به جهان گشود. وی خوشنویسی را که هنر موروثی خانوادگی بود از پدر فراگرفت. شوق آموزش علوم دینی باعث گردید پس از پایان دوره ابتدایی ، به منظور آموزش دورس مورد علاقه خود عازم اصفهان گردد و مدت هشت سال از محضر مدرسان علوم مختلف صرف و نحو و منطق و فقه و اصول استفاده برد. سپس به دروس جدید روی آورد و موفق به اخذ لیسانس ادبیات فارسی از دانشگاه اصفهان شد. حبیب الله فضایلی در سال ۱۳۳۶ در آموزش و پروش اصفهان استخدام گردید و به تدریس تعلیمات دینی و عربی و خط پرداخت. با تاسیس کلاس های خوشنویسی در اصفهان ، تا سال ۱۳۴۸ به تعلیم هنرجویان مشغول گردید. استاد حبیب الله فضایلی در ۱۲ آبان ماه ۱۳۷۶ ، در سن ۷۵ سالگی در اصفهان دیده از جهان فروبست .گروه : هنررشته : خوشنویسیوالدین و انساب : حبیب الله فضایلی فرزند محمد ابراهیم ، در بهار سال ۱۳۰۱ شمسی در یک خانواده روحانی متولد شد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : فضایلی در سیزده سالگی پدر را از دست داد و بدین ترتیب مسئولیت اداره امورخانواده به وی محول گردید. او در این مورد چنین می گوید: « پدرم به سال ۱۳۱۳ به رحمت ایزدی پیوست و مرا با کوهی از مشکلات تنها گذاشت. پس از آن تکفل خانواده ام بر دوش من افتاد و بنده تا دوازده سال از راه مکتبداری و نویسندگی و آموزش خوشنویسی هزینه خانواده خود را فی الجمله تامین کردم. »تحصیلات رسمی و حرفه ای : استاد فضایلی خوشنویسی را که هنر موروثی خانوادگی بود از پدر فراگرفت. شوق آموزش علوم دینی باعث گردید پس از پایان دوره ابتدایی ، به منظور آموزش دروس مورد علاقه خود عازم اصفهان گردد و مدت هشت سال از محضر مدرسان علوم مختلف صرف و نحو و منطق و فقه و اصول استفاده برد. سپس به دروس جدید روی آورد و موفق به اخذ لیسانس ادبیات فارسی از دانشگاه اصفهان شد. خاطرات و وقایع تحصیل : استاد فضایلی در نامه ای به انجمن خوشنویسان اصفهان ، درخصوص چگونگی قرار گرفتن در مسیر هنر خوشنویسی چنین می گوید: « در سمیرم شب نشینی های پدرم برایم بسیار جالب بود که با چندتن از اهل ذوق و سواد به خواندن دیوان اشعار یا شاهنامه می پرداختند و یا در معنی بعضی اشعار به تفحص و بحث می پرداختند و یا در معنی بعضی اشعار به تفحص و بحث می پرداختند. کلیه این امور مرا سخت تحت تاثیر قرار داده و وادار به مشق خط نمود و شوق خواندن کتاب و دیوان اشعار شاعران بزرگ بر من فزونی یافت. پدر که ذوق و علاقه خاص مرا دید سرمشق هایی از اساتید گذشته که بر زمینه های رنگی و زرافشان در خطوط نستعلیق و رقاع و نسخ و شکسته بود در اختیارم گذاشت و من مشغول مشق خط از روی نوشته های بزرگان گذشته خوشنویسی ایران شدم ... »استادان و مربیان : حبیب الله فضایلی هنر خوشنویسی را ابتدا نزد پدر و دایی خود ملا محمدخان عالم فراگرفت. او تحت خوشنویسی پدر چگونگی تراش قلم و ساخت مرکب و دیگر فنون خوشنویسی را آموخت. با از دست دادن پدر به منظور فراگیری علوم حوزوی ، عازم اصفهان شد و در مدت هشت سال از محضر اساتید بزرگی چون : حاج آقا جمال خوانساری ، حاج آقا مقدس ، حاج شیخ عباسعلی ادیب ، سیدحسن مدرس ، حاج شیخ صدیقین ، آیت الله زند کرمانی و آیت الله طبیب در صرف و نحو و منطق و اصول و کلام فقه و تفسیر استفاده های شایانی برد. در زمینه خوشنویسی نیز از میر محمد مهدی خلیقی پور استاد خط نستعلیق ، علی اکبر کاوه و حسن زرین استفاده نمود ، تا اینکه موفق به دریافت گواهینامه از استاد کاوه و از اداره هنرهای زیبا شد.زمان و علت فوت : استاد حبیب الله فضایلی در ۱۲ آبان ماه ۱۳۷۶ ، در سن ۷۵ سالگی در اصفهان جهان را به درود گفت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : استاد فضایلی عضو شورای عالی و هیات امنا و هیات تشخیص انجمن خوشنویسان ایران بود.فعالیتهای آموزشی : حبیب الله فضایلی در سال ۱۳۳۶ در آموزش و پروش اصفهان استخدام گردید و به تدریس تعلیمات دینی و عربی و خط پرداخت. با تاسیس کلاس های خوشنویسی در اصفهان ، تا سال ۱۳۴۸ به تعلیم هنرجویان مشغول گردید.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : استاد حبیب الله فضایلی در سال ۱۳۴۳ کلاس آزاد خوشنویسی را در اصفهان بنیان نهادو به تعلیم هنرجویان پرداخت ، که این کلاس ها تا سال ۱۳۴۸ ادامه داشت و در این سال تحت پوشش و نظارت خوشنویسان مرکز قرار داشت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : استاد فضایلی در ضمن اشتغالات روزمره ، از تحقیق و تالیف برکنار نماند و بیشتر سعی او در پدید آوردن آثار اسلامی و در حول قرآن و احادیث بوده است. وی همچنین بنابر ذوق ادبی و

شرکت در انجمن های شعر ، اشعاری درباره قرآن و مدایح ائمه اطهار نیز سروده است.جوائز و نشانها : کتاب « اطلس خط » استاد فضایلی در یکی از سال های پیش از انقلاب به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

آثار : آیه نور اطلس خط ویژگی اثر : این اثر استاد فضایلی ، از کتب مرجع در زمینه تاریخ خوشنویسی می باشد.۳ بوستان هنر خط تعلیم خط کتیبه های عتبات کربلا ، سامرا ، کاظمین ، امام رضا(ع) ویژگی اثر : استاد فضایلی لوحه ها و کتیبه های بسیاری از سوره های قرآن و آیات قرآن برزمینه کاشی و عیره جهت اماکن مقدسه و مساجد نگارش نموده است.۶ نگارش کلام الله مجید

فضایی همدانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اهل همدان بود. در تذکره‌ی «روز روشن» و «تاریخ نظم و نثر» فضایی از شاگردان ملاـ روحی هروی و ملا کامی سبزواری قلمداد شده و «مثنوی» در بحر رمل به او نسبت داده شده است. فضایی استاد صادقی کتابدار (ز ۱۰۱۰ ق) بود. از اوست:

گلعذار من نه تنها جانب اغیار داشت

هر کجا شاخ گلی دیدم سری با خار داشت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۸۷ –۲۸۶ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۲۳)، تذکره‌ی روز روشن (۶۳۱ –۶۳۰)، الذریعه (۸۳۵ / ۹)، لغت‌نامه (ذیل/ فضایی)، مجمع الخواص (۲۴۷).

فضائلی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی فضائلی

محل تولد : گلپایگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در شهرستان گلپایگان دوران مدرسه را گذراندم و در رشته علوم تجربی در سال ۱۳۵۹ با رتبه ممتاز فارغ التحصیل شدم، این سالها با تعطیلی دانشگاهها مصادف بود پائیز همان سال به خدمت سربازی رفتم در سال ۱۳۶۱ با پایان خدمت حضور داوطبانه خود را در جبهه‌های نبرد علیه تجاوز رژیم بعث عراق به میهن عزیز اسلامی ادامه دادم، سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح را در مدرسه امام خمینی و رضویه گذراندم، همان سال در آزمون ارشد حقوق بین الملل دانشگاه شهید بهشتی با رتبه ۲ پذیرفته شدم. و در سال ۱۳۷۲ با درجه عالی فارغ التحصیل شدم. در آزمون اعزام دانشجو به خارج در مقطع دکتری در مجموعه حقوق رتبه اول را کسب کردم، اما به دلایلی موفق به اعزام نشدم. دروس سطح حوزه را درسال۱۳۷۰ به پایان رساندم و ازآن سال در درس خارج فقه آیت الله وحید خراسانی شرکت می‌کردم. این دوره تا ۱۳۷۷ ادامه داشت درکنار آن از سال ۱۳۷۱ با مرکز مطالعات و تحقیقات علوم اسلامی (وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی) و ساختار منطقی اندیشه سیاسی ترجمه چند کتاب از جمله: تحولات حقوقی جهان اسلام، تاریخ شیعه در هند، و ساختار منطقی اندیشه سیاسی اسلام بوده که به چاپ رسیده است. در سال ۱۳۷۷ در آزمون پذیرش دانشجویی دکتری در دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۴ با درجه عالی فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۸۱ به عنوان دانشجوی نمونه کشوری شناخته شده و از دست وزیر علوم، تحقیقات و فناوری لوح تقدیر و جایزه دریافت کردم. از آغاز سال تحصیلی ۷۶– ۱۳۷۵ به عضویت هیئت علمی دانشگاه قم در آمدم. مقالاتی چند نیز ترجمه و تالیف کرده‌ام که در مجلات مختلف حقوقی مانند حکومت اسلامی، نقد و نظر، پژوهشهای علوم اسلامی، مجله حقوقی (دفتر حقوق اسلامی) به چاپ رسیده است. همچنین در همایش حقوق زن و دانشگاه مازندران (۱۳۸۲ اسفند) مقاله و سخنرانی ارائه کردم که تقدیر نامه و جایزه دریافت نمودم، در همایش بررسی فقهی حقوقی شهادت طلبی (۱۳۸۲ تابستان) سخنرانی داشته‌ام که از شبکه چهار سیما طی دو قسمت پخش شده است. تا کنون دو سفر علمی خارج از کشور(هلند و آلمان در سالهای ۲۰۰۱ و ۲۰۰۴ داشته‌ام) که هر کدام حدود دو ماه بوده است. در حال حاضر کتاب داد رسی عادلانه از اینجانب در دست انتشار است. طرحهایی در زمینه داد رسی عادلانه در اسلام و حقوق بین الملل، و «اصل حکومت قانون در دولت اسلامی» در دست مطالعه دارم.

فضل ایرانی، فضلعلی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. در عهد محمد فرخ‌سیر پادشاه (۱۱۳۱ -۱۱۲۴ ق) به هند رفت و عهده‌دار مشاغل دولتی گردید. وی در عصر محمدشاه نیز مشاغلی داشت. فضلعلی‌خان در تاریخ آمدن نواب آصف‌خان ناظم دکن به دارالخلافه‌ی شاه جهان‌آباد در ۱۱۵۰ ق ماده تاریخی به نظم آورد که مورد توجه قرار گرفت و از نواب هدایا و جوایز فراوانی دریافت کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۸۳۶ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۱۱)، کاروان هند (۱۰۲۵ / ۲).

فضل سمرقندی، فضل‌الله

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر و عالم. او را به واسطه کثرت دانش علم فقه ابوحنیفه ثانی می‌گفتند. وی اعلم علمای سمرقند و شاگرد امیر سید شریف بود و به شعر و معما نیز تمایل داشت. امیر علی‌شیر نوایی (م ۹۰۶ ق) شاگرد او بوده و می‌گوید که خواجه به من چندان التفات داشت که مرا فرزند خود می‌خواند. قبرش در خانقاه اجدادی وی در سمرقند است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۰۷ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۱۲)، مجالس النفائس (۲۸۷، ۲۰۱، ۲۷ -۲۶).

فضل شیرازی، فضل‌الله

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. اهل شیراز بود. به رسم تجارت به استرآباد رفت و در همان جا ساکن شد. وی در بازی شطرنج استاد بود و شعر و معما نیز می‌گفت. از اوست:

سعادت تو فزون باد و دولت تو زیادت

هزار سال بمانی به دولت و به سعادت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۴۳ / ۴)، الذریعه (۸۳۷ -۸۳۶ / ۹)، مجالس النفائس (۲۹۹، ۱۲۱).

فضلی قزوینی، فضل‌الله

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به فضلی. در قزوین به دنیا آمد. در خوشنویسی و خطاطی معروف و در سرودن شعر توانا بود. در زمان اکبرشاه گورکانی (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) همراه پسر خود، مقصود قزوینی به هند رفت و در آگره اقامت کرد و همان جا درگذشت. از اوست:

فضلی چو غنچه خلعت هستی به خود مپیچ

بر چهر چین میفگن و دامن به خون مکش

چون گل شکفته باش و چو سرو از غم جهان

آزاد باش و منت این چرخ دون مکش

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه‌ی سامی (۱۲۹)، الذریعه (۸۳۷ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۱۲)، کاروان هند (۱۰۲۶ -۱۰۲۵ / ۲)، مینو در (۵۳۸ / ۲).

فضلی گلپایگانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از شاگردان حکیم شفایی (م ۱۰۳۷ ق) و از ملازمان سرکار امامقلی‌خان حاکم فارس بود. فضلی در سرودن رباعی و غزل توانا بود و دارای رباعی‌های زیبایی است. از اوست:

خونابه فرستند به هم چشم و دل من

چون کاسه که همسایه به همسایه فرستد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۶۳۳ -۶۳۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۶۴ -۲۶۳)، الذریعه (۸۳۷ / ۹)،فرهنگ سخنوران (۷۱۳ - ۷۱۲).

فضلی هروی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۷ ق)، نقاش و شاعر. اهل هرات و معاصر و معارض با مولانا گلچین در عصر سلطان حسین بایقرا بود. ابتدا نقاشی می‌کرد و در آن تبحر داشت. بعد از مدتی نقاشی را کنار گذاشت و به شعر روی آورد. در «مجالس النفائس» یکبار تحت عنوان فضلی هروی و بار دیگر تحت عنوان فیضی هروی آمده است. از اوست:

زاهد بیار خرقه و رهن شراب کن

بنیاد زهد و خانه تقوی خراب کن

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۸۵۵، ۳۸۷ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۱۳)، مجالس النفائس (۲۵۷ -۲۵۶، ۸۲).

فضه

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ذوالقعده ۱۲۴۹ ق، از زنان عالم، فاضل، ادیب و خوشنویس. پدرش شیخ احمد بلاغی از علما و فقهای فاضل قرن سیزدهم و همسرش شیخ حسن بلاغی (حدود ۱۲۸۰ ق) از فضلای پرهیزگار زمان خود بودند. به نوشته اعیان‌الشیعه، وی قرآن و ادبیات عربی را نزد پدرش و فقه و اصول را نزد علمای خانواده‌اش فراگرفت و از آنان اجازه دریافت کرد. سرپرستی تدریس اصول و فقه و حدیث را برعهده داشت و بعضی از طلبه‌ها به درس او حاضر می‌شدند. بعضی از علما کتاب قوانین میرزای قمی را نزد او خواندند، زیرا که او از میرزا اجازه داشت.

به نوشته حسن صدر در تکمله امل‌الامل، این بانوی فاضل و جلیل خط خوشی داشت و از راه استنساخ کتب، خانواده‌اش امرار معاش می‌کرد و کانت تستخرج المسودات الی البیاض لشدهٔ معرفتها و حسن سوادها... بعضی کتابها را به خط خودش نوشته است که از جمله آنها کشف‌الغطاء (جمعه ۳ ذوالقعده ۱۲۴۹ ق) و کفایه حاج ملا هادی سبزواری است.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات) ۱۶۴ / ۳؛ تکمله امل‌الامل، ۱۵۰؛ ریحانهٔ‌الادب.

فضیلی هروی، ابوعاصم فضیل

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۷۱ -۳۸۳ ق)، فقیه، مسند و محدث. وی از عبدالرحمان بن ابی‌شریح انصاری و ابوعلی منصور بن عبدالله خالدی و ابوالحسین بن بشران معدل و عده‌ای دیگر حدیث روایت کرده است. عبدالسلام بکبره و محمد بن حسین علوی و عبدالاول سجزی و گروهی دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. او مسند هرات بود، و به گفته‌ی ابوسعد سمعانی فقیهی وارسته و راستگویی مورد اعتماد که در طول عمر خود احادیث بسیاری را به آیندگان سپرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (۳۱۲ / ۱)، سیر النبلاء (۳۹۸ -۳۹۷ / ۱۸)، شذرات الذهب (۳۴۱ / ۳).

فطرت بروجردی لرستانی، محمد امین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. اصلش از لرستان و مردی با دانش و کمال بود. در اصفهان به دنیا آمد و به هندوستان سفر کرد. پس از مراجعت، در اصفهان مقیم شد و در همان سامان درگذشت. وی معاصر رضا قلی‌خان هدایت (تو ۱۲۱۵ ق) است. او در هندوستان به کیش جوکیان درآمد. فطرت در سرودن قصیده توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۳۷۸ -۱۳۷۷ / ۲)، الذریعه (۸۳۹ / ۹)، سفینه المحمود (۴۱۴ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۱۴)، مجمع الفصحا (۸۰۵-۸۰۴ / ۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۳۶).

فطرت مشهدی، معزالدین محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۰۱ -۱۰۵۶ / ۱۰۵۰ ق)، شاعر، متخلص به فطرت. اصل وی از سادات قم است. او دخترزاده‌ی میرمحمد زمان مشهدی است که در مشهد به دنیا آمد و در همان جا به کسب علوم پرداخت. سپس به اصفهان رفت و ده سال در حوزه‌ی درس آقا حسین خوانساری به کسب علوم پرداخت. در ۱۰۸۲ ق عازم هندوستان شد و مورد توجه پادشاه آنجا، اورنگ زیب عالمگیر، قرار گرفت و شاه با تزویج دختر شاهنوازخان صفوی به او، وی را مقرب ساخت. او در ۱۰۹۹ ق از طرف آن پادشاه ملقب به موسوی شد و از این به بعد تخلص خود را به موسوی تغییر داد. سال بعد منصب دیوانی مجموع ممالک دکن به او داده شد. او سرانجام در همان شهر درگذشت. از آثار وی:«گلشن فطرت»، مشتمل بر اشعار تازه‌گویان که سرخوش در تدوین «کلمات الشعراء» از آن استفاده کرد؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۴۹۶ -۴۹۱ / ۲)، تذکره المعاصرین (۲۸۷ -۲۸۴، ۱۵۴ -۱۵۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۷۷ -۱۷۶)، الذریعه (۱۱۱۹، ۸۳۹ / ۹)، سرو آزاد (۱۲۸ -۱۲۶)، فرهنگ سخنوران (۸۹۴، ۷۱۴)، کاروان هند (۱۰۲۸ -۱۰۲۶ / ۲)، نتایج الافکار (۶۵۲- ۶۵۸).

فطرت نوایی مازندرانی، چراغعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. اصل وی از قصبه نوای مازندران و از بزرگان آن سامان بود. در دولت فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) اعتبار بسیار داشت. بعد از چندی به وزارت حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس مأمور شد. اثر وی «دیوان» شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۳۷۹ -۱۳۷۸ / ۲)، الذریعه (۸۳۹ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۱۴)، مجمع الفصحا (۸۲۹ / ۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۳۹).

فغانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بابا فغانی شیرازی، شاعر ایرانی اوایل قر. ۱۰ ه. (ف. ۹۲۵ ه.ق/ ۱۵۱۹ م.). وی علاوه بر شیراز، مدتی در تبریز در خدمت سلطان یعقوب آق‌قوینلو گذرانید، و اواخر عمر خود را در خراسان به عزلت سپری کرد. فغانی با ذوق و حالت بسیار و زبان ساده و مضمون‌جویی و نازکی افکار خود سبکی خاص در غزل آورده که در قرنهای ۱۱ و ۱۲ ه. پیروان بسیار داشت.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

فغفور لاهیجی، محمد حسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۳۰ / ۱۰۲۹ ق)، دانشمند، طبیب، موسیقیدان و شاعر، متخلص به فغفور. در ابتدا رسمی تخلص می‌کرد و زمانی که به هند رفت تخلص فغفور را برگزید. وی گاهی میر نیز تخلص می‌کرد. محمد حسین از سادات لاهیجان گیلان بود. دوران جوانی را در همان ولایت به فراگیری دانش و ادب به ویژه دانش پزشکی گذراند.علم طب را نزد دایی خود، حکیم تاج‌الدین حسین، آموخت و بیشتر کتابهای مربوط به علم طب را مطالعه کرد و به همین جهت او را حکیم نیز گفته‌اند. وی در زمینه‌ی ادبیات فارسی و عربی، خط، شطرنج، علم ادوار و موسیقی نیز تبحر داشت. در اوایل عمر به خدمت خان‌احمد گیلانی که خود شاعر و مشوق شاعران و عالمان بود رسید و منظومه «شهر آشوب» را در آن زمان به نظم درآورد. سپس به گرجستان،آذربایجان و اصفهان مسافرت کرد. در اصفهان با حکیم شفایی آشنا شد. در زمان شاه‌عباس مورد توجه علی قلی خان شاملو که دیوان بیگی و ایشیک آقاسی پادشاه بود قرار گفت. وی مسافرتی هم به هند داشت و در اگره مدتی در خدمت حکیم علی گیلانی از پزشکان معروف ایرانی در هند بود. در

هند با خان‌خانان عبدالرحیم‌خان ملاقات کرد و تحت ملازمت وی قرار گرفت و به وساطت وی از مقربان شاهزاده پرویز شد و در مدح او اشعار زیادی سرود. فغفور در الله‌آباد بر سر راه آگره درگذشت. از آثار وی: رسالاتی در «موسیقی»؛ رساله در «حساب اصابع»؛ «دیوان» شعر، در چهار هزار بیت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۴۵ -۸۴۳ / ۲)، احوال و آثار خوشنویسان (۷۰۵ / ۳، ۵۷۶ -۵۷۵ / ۲)، ایضاح المکنون (۵۲۲ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۳۱ -۱۰۲۴ / ۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۱۴)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۴۴ -۲۴۳)، تذکره‌ی میخانه (۴۷۱ - ۵۴۳)، الذریعه (۸۴۱ -۸۴۰، ۳۵۸ / ۹)، سرو آزاد (۳۸ -۳۷)، فرهنگ سخنوران (۷۱۵)، کاروان هند (۱۰۴۴ -۱۰۲۸ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ فغفور گیلانی)، مآثر رحیمی (۹۲۷ -۹۰۱ / ۴)، مجمع الخواص (۲۳۴ -۲۳۳)، نامها و نامدارهای گیلان (۳۷۵).

فقاهتی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی بن العلامه میرزا موسی فقاهتی (برادر بزرگ آیت‌اللَّه حاج میرزا حسین فقیه سبزواری) است.

وی در سال ۱۳۰۵ ق در سامره متولد شده و تا سن ۱۳ سالگی در خدمت والد ماجدش بوده و مقدمات و ادبیات را در سامره و نجف خوانده و در سن ۱۸ سالگی با مرحوم پدرش به سبزوار آمده و پس از تکمیل سطوح فقه و اصول از مرحوم والدش و دیگران و خواندن معقول و منقول در خدمت افتخارالحکماء به درس خارج والدش شرکت کرده و در اثر ذوق و استعداد وافری که داشت (با اینکه از سبزوار بعد از آمدن خارج نشد) به مقام شامخ علمی رسید طبعی موزون داشت و خط نسخ نیکو می‌نوشت در سال ۱۳۶۲ ق به رحمت حق واصل و در مقبره پدر بزرگوارش مدفون شد.

دارای چند فرزند روحانی می‌باشد.

۱- جناب حجهٔالاسلام آقای حاج سید محمدتقی فقاهتی که تحصیلات خود را در سبزوار و مشهد به پایان رسانیده و اکنون از ائمه جماعت سبزوار می‌باشد.

۲- جناب مستطاب شریعت مآب ثقهٔالاسلام آقای حاج سید ابوالفضل فقاهتی که نیز از فضلاء معاصر سبزوار و اکثراً در ارض اقدس رضوی بسر می‌برند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

فقهی زاده، عبدالهادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر عبد الهادی فقهی زاده ،استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران است . او معاون پژوهشی دانشکده علوم و حدیث همان دانشگاه نیز می باشد . از او آثار متعددی درباره دین پژوهی به چاپ رسیده است که هرکدام به نوبه خود جایگاه ویژه ای را دارا می باشند .گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی گرایش : علوم قرآن و حدیث اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : عبد الهادی فقهی دوران کودکی و نوجوانی خود را در بهبهان و در خانواده ای روحانی سپری کرد .تحصیلات رسمی و حرفه ای : فقهی زاده درسال ۱۳۶۵ شمسی وارد دانشگاه تهران شده و تحصیل در رشته علوم قرآن و حدیث را پی گرفت . وی دوره کارشناسی ارشد خود را دراین رشته درسال ۱۳۶۹ در دانشگاه تربیت مدرس گذراند و دوره دکتری خودرا نیز در همان دانشگاه سپری کرد .استادان و مربیان : یکی از استادان عبد الهادی ،استاد عبد الکریم بی آزار شیرازی می باشد .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فقهی زاده درسال ۱۳۷۰ شمسی تدریس دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد الهیات دردانشگاه تهران رابه عهده گرفت و درسال ۱۳۷۵ عضو هیات علمی گروه علوم و حدیث دانشگاه تهران شد . همچنین او عهده دار مسئولیت معاونت پژوهشی دانشکده علو م حدیث می باشد .همفکران فرد : استاد عبدالکریم بی آزار شیرازی ، یکی از همفکران فقهی زاده است .آرا و گرایشهای خاص : فقهی زاده معتقد است که مودت اهل بیت دردل همه وجود دارد . وی براین نظر است که هیچ مسلمانی نیستس که محبت اهل بیت را دردل نداشته باشد .آثار : پژوهشی درنظم قرآن ،درآمدی بر علم رجال، نقش و جایگاه زن درحقوق اسلامی ، وحدت اسلامی ازدیدگاه قرآن و سنت

منابع زندگینامه : مودت اهل بیت (ع) ،محوروحدت مسلمانان / گفتگو با دکتر بی آزار شیرازی ،کیهان فرهنگی ، سال هیجدهم ،بهمن ۱۳۸۰ ، پیاپی ۱۸۴و ص ۱۰

فقهی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد فقه و اصول

تولد ۱۳۰۹ شمسی (شناسنامه ۱۳۱۲) ۵ رجب المرجب ۱۳۴۹ قمری - در شهر علم و هنر، اصفهان فرزند: سید جعفر نوه‌ی مرحوم سید عبدالکریم خواجوئی.

استاد فرزانه جناب مستطاب آقای سید محمود فقهی یکی از برجستگان و مدرسان شهیر حوزه علمیه‌ی اصفهان خاصه در فقه و اصول می‌باشند معظم له از سالهای گذشته تاکنون علی رغم اصرار شاگردان و ارادتمندان از ارائه زندگینامه و تهیه‌ی گزارش و مصاحبه دوری جسته‌اند، تا آنجا که به فراز شاگردان نزدیک ایشان به تولید کنندگان نرم‌افزار مشاهیر ایران، توصیه می‌کردند که: تلاش شماره به جائی نمی‌برد و ایشان به جهت عدم علاقه به اشتهار دعوت شما را اجابت نمی‌کنند ولی به لطف استاد در یکی از روزهای بهار، سال ۱۳۸۵ که به جهت تفرج رد یکی از باغات اطراف اصفهان در محضر ایشان شرف حضور داشتیم توفیقی حاصل شد و ایشان به سؤالات ما با حوصله و بزرگواری پاسخ فرمودند و این موجب خرسندی و مباهات ماست. آنچه در ادامه خواهد آمد حاصل آن گفتگوی کمتر از یک ساعت است که قلمی گردیده است.

جد ایشان مرحوم سید عبدالکریم خواجوئی در عداد شاگردان برجسته مرحوم آخوند ملاـ محمدباقر فشارکی بودند (مرحوم فشارکی شاگرد شیخ اعظم انصاری بوده و ایشان از تکیه‌ی خوانساری در تخت فولاد اصفهان است) هم چنین بسیار مورد احترام مرحوم آقا نجفی بودند و بنابر پدر استاد فقهی مرحوم آقا نجفی در تشییع جنازه‌ی مرحوم سید عبدالکریم شرکت نموده و بسیار متأثربودند.

مرحوم خواجوئی گر چه عمری در طلب علم و دانش بود ولی به جهت بی‌توجهی اهل زمانه به اهل علم و مشکلات شدید مالی چندان رغبتی به طلبه شدن فرزندانش نداشت فلذا پدر استاد فقهی گرچه بسیار متدین بود ولی به کسب و کار مشغول بود و برای فرزندان از مشکلات مالی دوران پدر بسیار گفته بود، مرحوم سید جعفر در میان فرزندان به سید محمود عنایت ویژه‌ای داشت لذا ابتدا وی را به یکی از مکتبخانه‌های قدیمی در محله خواجو، محله‌ی چهارسوق آجری به تحصیل گماشت و پس از مدتی وی به مدرسه‌ی هدایت از مدارس جدید انتقال داد ولی به جهت هوش سرشار و تحصیلات گذشته در مکتبخانه او را در کلاس دوم ثبت نام کرد با این حال سید محمود شاگرد برجسته‌ی کلاس دوم شد درسال ۱۳۲۴ کلاس ششم ابتدائی را به پایان رساند ولی پس از آن تحصیل را ادامه نداد. و سپس وارد بازار کار شد.

در ۱۲ سالگی ابتدا در میدان امام، در یک مغازه‌ی خرازی با حقوق روانه ۷ ریال مشغول گردید و پس از چند سالی مستقلا وارد بازار کار شد و به خرید و فروش سهام مشغول شد در آن مقطع زمانی خرید و فروش سهام کارخانه‌های ریسباف شهرضا، زاینده‌رود و پشم‌باف که از کارخانه‌های ریسندگی و بافندگی اصفهان بودند رایج بود، محل معامله در ابتدایی بازار قیصریه و همچنین قهوه‌ی خانه محمود در میدان امام بود - خواننده‌ی گرامی مستحضر است که در آن زمان قهوه‌خانه‌ها محل گفتگو و معامله بوده و فضای آن با قهوه‌خانه‌های دهه‌های به متفاوت. استاد فقهی هنوز به یاد دارد که شاعر شهیر مرحوم صغیر اصفهانی به آن قهوه‌خانه می‌آمد و گهگاهی قلم و کاغذ از جیب بیرون آورده و قطعه شعری انشاء می‌کرد.

تا سال ۱۳۳۴ فعالیت ایشان در بازار سهام ادامه داشت و اکنون وی به سن ۲۲ سالگی رسیده بود. در آن زمان عالم ربانی و مرد الهی آیهٔالله میرزا علی آقا شیرازی که مورد احترام آیهٔالله العظمی بروجردی بوده و مرحوم شهید علامه مطهری نیز مدتی در اصفهان از محضر ایشان استفاده کرده بودند و اکنون از قبرستان شیخان قم فراز ایشان محل درود و فاتحه‌ی اهل دل است - در مدرسه‌ی صدر اصفهان به تدریس و بیان معارف مشغول بوده، یکی از شاگردان یشان مرحوم استاد حسین شفیعی بود که با سید محمود آشنائی داشت. استاد شفیعی شرحی بر خطبه‌ی همام نهج‌البلاغه نوشته بود و یک نسخه از آن را به سید محمود داد، ایشان پس از یکبار مطالعه بدون سابقه‌ی ذهنی و تحصیلات حرف و نحو آن را به حافظه‌ی خود سپرد روز بعد هنگامی که استاد شفیعی را دید، سید محمود به ایشان گفتند می‌خواهم خطبه‌ی همام را بخوانم - استاد شفیعی گفت: کتاب کو، سید محمود گفت: از حفظ می‌خوانم و پس خطبه را تمام و کمال قرائت نمود. این قدرت حافظه استاد شفیعی را متعجب کرد فلذا گفت: تو باید درس بخوانی و در ابتدا باید یک جامع المقدمات بخری و این ابتدای مسیری تازه در زندگی سید محمود بود.

ایشان جامع المقدمات را به قیمت ۵ ریال ابتیاع نمود و هر روز صبح نزد استاد شفیعی جامع المقدسات را درس گرفت و سپس به بازار می‌آمد. رفته رفته بر فراز کتابهای جامع المقدمات را با استاد شفیعی فرا گرفت و به فراز خود مطالعه می‌کرد سپس تحصیل سیوطی را با ایشان شروع کرد و تا اواسط سیطی را با ایشان و مابقی را مطالعه و تدریس کرد. بدینسان به جهت قوه‌ی تحلیل و حافظه‌ی قوی بسیاری از کتب را بدون آنکه نزد استاد خوانده باشد مطالعه و تدریس می‌کرد.

پس معنی در شرح لهمه را از محضر مرحوم حجهٔالاسلام والهی شیخ مرتضی فقیهی درس گرفت پس از آن فرائد الاصول را از محضر فقیه وارسته و پاک سیرت مرحوم آیت‌الله سید علی مشکوهٔ فرا گرفت و سپس مکاسب محرمه و کفایهٔ الاصول را نزد عالم ربانی مرحوم آیت‌الله شیخ احمد فیاض (استاد شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی) آموخت.

در مقطع دروس عالمی فقه و اصول در حوزه‌ی درس خارج فقه و اصول مرحوم آیهٔالله سید حسین خادمی، فقیه مبارز و مجاهد و پیشگام نهضت روحانیت اصفهان در انقلاب اسلامی حاضر گشت و پس از آن به هنگامی که هر ساله ۶ ماه از سال حوزه‌ی علمیه و شهر اصفهان میزبان فقیه مدقق و محقق اهل بیت و بنا به فرموده‌ی امام خمینی (س) ابوالفقهاء با آیهٔالله العظمی سید علی بهبهانی بود، در محضر ایشان تلمذ می‌نمود که این علم اندوزی ۹ سال دوام داشت. پس از رحلت آیهٔالله العظمی بهبهانی رابطه‌ی ایشان با حوزه‌ی علمیه قطع شده و در پائیز سال ۱۳۶۲ مجددا ایشان به تدریس مشغول گردیدند. استاد فقهی سفرهائی به شهر مقدس قم داشته و دیدارهائی با فراز علماء همچون آیهٔالله العظمی فاضل لنکرانی، آیهٔالله مشکینی، و مرحوم آیهٔالله روحانی داشته‌اند که گفتگوی آن جلسات در این مقال نمی‌گنجد ولی در جای خود شنیدنی است.

جناب استاد فقهی اگر چه بنابر روش و منش خاص خود هیچگاه ملبس به لباس روحانیت نشده‌اند ولی از دید زمان تا بدعی هنگام شاگردان بسیاری از محضر ایشان کسب علم نموده‌اند از جمله جنابان مستطاب آقایان: دکتر جواد اژه‌ای، حجهٔ الاسلام شیخ علی‌اکبر فقیه که حجهٔالاسلام و المسلمین محمد عمومی - شیخ سالک، جناب آقای معصوم زاده، جناب آقای محسن کاظمی،

جناب آقای سید اصغر حجازی و...

معظم له تمام مقاطع دروس سطح حوزه از مقدمات، لمعه، رسائل، کفایه را به دفعات تدریس نموده و پس از به تدریس قواعد فقه – متمسک نموده و پرداخته‌اند و همچنین بنابر درخواست شاگردان به بیان شرح نهج‌البلاغه و به فراز کتابهایی مربوط به مبانی علمی مرحوم بهبهانی پرداخته‌اند و هم اکنون نیز علی‌رغم تنهائی و سن پیری پیوسته به تدریس مشغولند.

محضر ایشان بسیار دوست داشتنی و صراحت لهجه و مطایبه گوئی و بیان تمثیلات خاص، شگفت‌آور و بی‌مانند شهره‌ی حوزویان است و در گذشته‌ی نه چندان دور به فراز مثالهای علمی ایشان از فرط خاص بودن به حوزه‌ی نجف نیز رسیده است.

از خداوند متعال و ائمه اطهار و حضرت سیدالشهداء که مورد ارادت و محبت ایشان است عمر با برکت و صحت و سلامت بر این استاد گرامی و گرانقدر مسئلت داریم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

فقیه امامی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید احمد فقیه امامی (معروف به امامی) فرزند مرحوم آیت‌اللَّه آقای حاج سید عطاءاللَّه فقیه امامی العریضی در سال ۱۳۱۲ شمسی در اصفهان متولد شده و نسب شریفش به جناب علی بن جعفر عریضی فرزند کوچک امام جعفر صادق علیه‌السلام منتهی می‌شود وی تحصیلات ابتدائی خود را در اصفهان گذرانیده و سطح را در اصفهان نزد اساتید ادبیات و والد ماجدش به پایان رسانده است.

در سال ۱۳۳۲ شمسی از اصفهان به قم آمده و بقیه سطوح عالی را در حوزه علمیه قم خدمت آیت‌اللَّه حاج سید محمدباقر سلطانی و آیت‌اللَّه حاج میرزا محمد مجاهدی تبریزی به پایان رسانیده و در ۱۴ صفر ۱۳۳۳ شمسی به درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی رضوان‌اللَّه علیه شرکت نموده و در همین ایام هم مدتی در جلسه درس مرحوم آیت‌اللَّه محقق داماد و مرحوم علامه طباطبائی حاضر و استفاده نموده و در روز چهارشنبه دهم ربیع‌الاول ۱۳۷۶ در جلسه درس خارج مکاسب آیت‌اللَّه العظمی خمینی (که همان روز شروع شده بود) شرکت نموده و نیز از ابحاث خارج اصول معظم‌له استفاده کرده و تقریرات درسهای ایشان را تا روز سه‌شنبه ۱۸ جمادی‌الاولی سال ۱۳۸۴ قمری نوشته است.

در ماه شعبان همین سال به اصفهان مراجعت نموده و اشتغال به تدریس و تبلیغ و اقامه جماعت و تأسیس کتابخانه و تألیف کتب و رتق و فتق امور مردم فرموده و تا حال تحریر این کتاب و این ارقام چهارشنبه چهاردهم صفرالمظفر ۱۴۱۲ قمری موفق می‌باشند. ادام اللَّه توفیقه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

فقیه ایمانی، جلال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جلال فقیه ایمانی (داماد معظم مرجع الشیعه و مدار الشریعه آیت‌اللَّه العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم موسوی خوئی مدظله العالی) از علماء مبرز و دانشمندان فعال و خدمتگذار معاصر اصفهانست.

وی در حدود ۱۳۵۰ قمری در اصفهان متولد شده و در حجر علم و سیادت پرورش یافته و مقدمات و ادبیات و سطوح را در اصفهان نزد والد ماجدش که از علماء نامی اصفهان بودند و دیگران و در قم از مدرسین بزرگ به پایان رسانیده و در عصر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی قده مهاجرت به نجف اشرف نموده و در دروس خارج آیات عظام آنجا بالاخص زعیم بزرگوار آیت‌اللَّه علی الاطلاق آقای خوئی دامت برکاته فقها و اصولا و تفسیرا شرکت و استفاده سرشار نموده و تقریرات و دراسات معظم‌له را به رشته تحریر آورده و به افتخار مصاهرت و دامادی آن جناب نائل شده و پس از چند سال اقامت در نجف در سال ۱۳۸۸ ق به واسطه کسالت مزاجش به امر و اجازه آن بزرگوار به اصفهان وطن خویش مراجعت و به خدمات دینی از اقامه جماعت در دو مسجد و غیره پرداخته و به واسطه حسن عمل و تقوا مورد وثوق و اعتماد مردم اصفهان که اکثرا مقلد آیت‌اللَّه خوئی هستند قرار گرفته و به امر آن زعیم بزرگوار اقدام به کارهای بزرگی که ذیلا می‌نگارم نموده است.

۱– تهیه منازل عدیده‌ای برای عده‌ای از اهل علم اصفهان از معاودین و غیره.

۲– خریداری حدود چهارصدهزار متر زمین برای هزار منزل مدرن جهت علماء و دانشمندان بی‌منزل حوزه علمیه قم از معاودین محترم و غیره به نام (مدینه‌العلم) در شهرستان قم در مسیر راه قم به تهران.

۳– مدرسه بزرگی به مساحت سه هزار متر در همان مکان.

۴– مسجد آبرومند و زیبائی در جنب منازل مذکوره که یکی از مقلدین ایشان با اجازه آیت‌اللهی بنا نموده و در حال اتمام است.

۵– درمانگاه مجهزی در همان مکان برای اهل علم و طلاب علوم دینیه.

۶– تکمیل طبع مجلدات باقیه کتاب نفیس جامع احادیث الشیعه آیت‌اللَّه العظمی بروجردی.

نگارنده گوید: جامع‌الاحادیث نفیس‌ترین کتابیست که مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی با فکر صائب و نظیر دقیق و عمیق خود با صرف

دهها هزار تومان و تشکیل لجنه‌ای از افاضل حوزه علمیه در بیست مجلد تألیف و دو جلد آن را به طبع رسانیده ولی عمر شریفش کفایت به طبع باقی ننمود و در پنج‌شنبه ۱۳ شوال‌المکرم ۱۳۸۰ وفات و از جلد سوم به امر آیت‌اللّه العظمی خوئی و سعی و کوشش معظم‌له مرتبا به طبع رسیده و تاکنون جلد ششم و هفتم آن منتشر و بقیه در تحت طبع می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

فقیه ایمانی، کمال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید کمال‌الدین فقیه ایمانی از علماء محترم و ائمه جماعت معاصر اصفهانند و ایشان نیز تحصیلات خود را از سطح و خارج در اصفهان و قم فراگرفته و پس از آن در وطن خویش به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تدریس و خدمات عام المنفعه و شهریه دادن به طلاب اصفهان اشتغال دارند، تاکنون اقدام به تأسیس چندین بیمارستان نموده و بزرگترین مدرسه‌ی علمیه‌ی اصفهان «دارالحکمه» نیز تحت اشراف وی می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

فقیه ایمانی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم جامع زاهد و فقیه متبحّر کامل آیت اللّه میرزا محمدباقر فقیه‌ایمانی در حدود سال ۱۲۹۰ق. در شهر اصفهان دیده به جهان گشود. پدرش حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسین‌علیشریف، از علمأ و فضلای تهران، بود که با توجّه به مرکزیت علمی اصفهان به ویژه رونق حوزه‌ی علمیّه‌ی این شهر در آن دوران، به اصفهان آمد و

مشغول به تحصیل و تعلیم شد. نامبرده خواهر زاده‌ی دانشمند منجّم مرحوم میرزا عبدالغفار نجم‌الدوله،نجم‌الدوله متوفی ۱۳۲۶ق. بود.

رحلت پدر، همت مادر

میرزا محمّدباقر فقیه‌ایمانی در دوران کودکی، پدر دانشمندش را از دست داد ولی با بهره‌مندی از تربیت مادری علویه و باتقوی و نیز تلاش‌های بسیار در مطالعه و تحقیق توانست مراحل عالی علمی و معنوی را با موفّقیت طی کند و پشت سر گذارد.

ورود به حوزه اصفهان و استادان

وی در نوجوانی و جوانی به آموختن رشته‌ی عربی و منطق و ادبیات پرداخت که از جمله اساتید ادبی ایشان ادیب متبحّر مرحوم سیّد محمود کلیشادی معروف به سیّد مغنی‌گو(متوفی ۱۳۲۴ق.) بود. مرحوم میرزا محمّدباقر شرح لمعه و قوانین را از محضر عارف ربانی آخوند کاشی، (متوفی ۱۳۳۳ه‍'.ق.) فرا گرفت. از جمله اساتید دیگر وی در فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حاج آقا حسین بروجردیطباطبایی ، بود که در ایام اقامت ایشان در اصفهان از مجلس درس ایشان بهره برد. وی فرائد و مکاسب را نزد عالم ربانی و فقیه عالیقدر آخوند ملّا عبدالکریم گزی فرا گرفت.

حاج شیخ محمدباقر فقیه‌ایمانی مراحل عالیه فقه و اصول و نیز علم رجال را از محضر آیت‌اللّه العظمی حاج آقا منیرالدین بروجردی، (۱۲۶۹ – ۱۳۴۲ق.) که از چهره‌های مبرّز علمی زمان خود و پدر عیالش بود بهره برد. همچنین از دروس فقه، اصول و کلام آیت‌اللّه محقّق شیخ عبدالحسین محلّاتی (متوفی ۱۳۲۳ه‍'.ق.) صاحب«مغتنم الدرر» بهره‌برداری نمود. تا این که به مقام اجتهاد رسید و به تألیف و تدریس پرداخت.

خصوصیات عبادی و اخلاقی

از جمله ویژگی‌های ایشان تقیّد به نماز شب و توسّلات به ساحت مقدس ائمه اطهار علیهم‌السلام به ویژه امام عصر علیه‌السلام که ذکر آن خواهد آمد. نسبت به مردم با حُسن خلق و مدارا رفتار می‌کرد و با اهل علم و یا عوام متواضع بود.

اقامه‌ی جماعت در قدیمی‌ترین مسجد اصفهان

مرحوم فقیه ایمانیاز ائمه‌ی جماعت مشهور اصفهان بود که در مسجد امامزاده اسماعیل مسجد امامزاده اسماعیل، واقع در خیابان هاتف اقامه‌ی جماعت می‌نمود. بنا به نوشته‌ی برخی از منابع تاریخی این مسجد(امامزاده اسماعیل) که به مسجد شعیا نیز معروف است اوّلین مسجد بزرگی است که در اصفهان ساخته شده و این مسجد در زمان خلافت امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام بنا شده است. در قرون اوّلیه هجری از مسجد مذکور به جامع خشینان مسجد جامع خشینان، یاد شده است.

عشق به ولایت و اشتیاق به دیدار حجت خدا

آنچه بیش از هر چیز قابل ذکر است، توجّه و علاقه خاصی بود که به اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام در رفتار و گفتار ایشان آشکار بود و در تمام عمرش در انتظار فراق حضرت حجّ بن الحسن العسکری ولی عصر عجل‌اللّه تعالی فرجه‌الشریف سوخته و اشکی ریزان داشت و در منابر و مجالس و هر فرصتی در طول سال مردم را به ساحت قدس آن حضرت توجّه و تنبّه می‌داد و با آن حال معنوی خاصی که در ایشان بود تأثیر خاصی در حال اشخاص می‌گذاشت. مثلاً روزهای جمعه با حال گریه و شور و اشتیاق چند مرتبه دعای ندبه را در طول روز قرائت می‌کرد. عنایت و اهتمام زایدالوصفی به ذکر فضایل و مناقب حضرت بقیّ‌اللّه الاعظم امام

زمان «عجل اللّه تعالی فرجه‌الشریف» داشت چنان که تمام منبرهای او در ایّام مختلف سال چه در مسجد محل اقامه‌ی نماز جماعتش یا مکان‌های دیگر و یا مجالسی که در تمام روزهای سال قبل از ظهر در منزل شخصی خود منعقد می‌نمود به وعظ و ارشاد می‌پرداخت و منحصر به امام زمان –عجل اللّه تعالی فرجه– بود و آغاز و انجامش در شرح زندگی و دیگر شئون حیاتی و امامتی آن حضرت برگزار می‌گردید. و کسانی هم که برای حل و فصل هرگونه مشکل مادی و معنوی از قبیل شفای بیماری، ادای دین و بدهی مالی، پیدا شدن گمشده، رفع دیگر گرفتاری‌های شخصی و اجتماعی به آن مرحوم مراجعه می‌نمودند، جنابش قبل از هر چیز او را به نوعی توسّل‌های ذکری و زیارتی و مالی و نمازی و دیگر طرق مناسب به عنوان توسّل به ساحت قدس حضرت مهدی علیه‌السلام راهنمایی و تشویق می‌کرد وی را با این طرق رهایی از مشکلات می‌داد.

همواره در یاد او

آیت‌اللّه حاج شیخ محمّدباقر فقیه‌ایمانی حتّی در سال‌های آخر عمر که بخاطر ابتلاً به کسالت و ناتوانی قادر به بیرون رفتن از منزل نبود و یا ایام زمستان که به دلیل سردی هوا خانه‌نشین می‌شد دائماً مشغول ذکر و توسّل به آن حضرت بود و یا اشتغال به نوشتن اوراق و مطالبی به ویژه درباره‌ی وجود و برکات و آثار امام عصر علیه‌السلام جست. فرزند ایشان فاضل ارجمند حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقا مهدی فقیه ایمانی می‌گوید: خاطره جالبی از مرحوم والد بنظرم رسید که یکی از اشعار ایشان درباره‌ی حضرت بقیه اللّه الاعظم عجل اللّه تعالی فرجه‌الشریف شعری مندرج در «مطلع‌الانوار» ص ۲۳۵ است بدین مضمون:

لا سیّما امامنا الثانی عشرمَن حاضِرٌ فینا و عنّا مُشتتر

که بیانگر حاضر بودن امام زمان علیه‌السلام در بین مردم و در نزدیکی آنها است، اما بطور نادیدنی و ناشناختنی که حاضرین در خدمتش حضرتش را نمی‌بینند یا نمی‌شناسند.

یکی از علمای تهران که دورا دور مرحوم والد را با ویژگی‌ها و راه و رسم علاقه به آن حضرت و ذکر فضایل و مناقبشان شناخته بود به منزل ایشان در اصفهان وارد شد و با ابراز راه و رسم ایشان درباره آن حضرت، از ملاقات آن بزرگوار سراغ گرفت و با اصرار خواست اگر خاطره‌ی ملاقاتی دارند توضیح دهند. ایشان(آیت اللّه فقیه ایمانی) گفتند: من ادعای ملاقات با آن بزرگوار را ندارم امّا خاطره‌ای برای من پیش آمده که فکر می‌کنم لطف امام شامل حالم شده و بی‌ارتباط با شعری که درباره آن حضرت سروده ام نیست. و قضیه بدین شرح است که در شبی از شب‌های ماه مبارک رمضان(شب پانزدهم) مشغول سرودن شعر فوق و اشعار قبل و بعد از آن بودم، پس کم‌کم دچار خستگی شدم که دیگر نشاط ادامه دادن به شعر و گفتن نداشتم و تصمیم به خوابیدن گرفتم، امّا نتوانستم به خواب بروم، آنگاه متوجه شدم که در شب‌های ماه رمضان غسلش مستحب است و به نظرم رسید به حمّام نزدیک منزل بروم، غسل شب نیمه‌ی ماه رمضان را بجا آورم. پس برخواستم به حمّام نو مجاور مسجد خواجه اعلم نزدیکی سبزه‌میدان(میدان کهنه) رفتم و چون به سمت خزینه‌ی معمولی رفتم متوجه شدم آن قدر آب آن کثیف و آلوده است که نمی‌توانم رغبت به وارد شدن در آن خزینه نمایم. آن گاه به سراغ خزینه کوچکتری رفتم که آبش بسیار تمیز و زلال بود ولی همین که پا را در آن خزینه گذاردم آنچنان احساس حرارت شدید از آب خزینه کردم که دیدم طاقت وارد شدن در آن خزینه و غسل کردن در آن را ندارم. رفتن در آن غیر قابل تحمّل]با آب زلال[پس متحیّر شدم چه کنم که آن خزینه است و چگونه بدون غسل و انجام یک امر مستحب ارزشمند از حمّام خارج شوم. ناگهان متوجّه شدم مرد بزرگواری وارد گرمخانه شد و بطور عادی مستقیماً وارد خزینه‌ی کوچک که از گرمی شدید برخوردار بود شد بدون آن که احساس گرمی نماید. در این موقع من با حالت فراموشی گرمی شدید آن خزینه به دنبال آن مرد بزرگوار وارد خزینه شدم و با احساس ملایمت آب خزینه مشغول غسل شدم ولی ناگهان آن شخص ناشناس از خزینه خارج شد و همین که پا از خزینه بیرون نهاد من

مثل قبل از آمدن آن مرد محترم، که احساس گرمی غیر قابل تحمّل می‌نمودم دیگر قوت و توانایی ماندن در خزینه برای تکمیل غسل نداشتم و با زحمت و سوختن از خزینه خارج شدم و تازه به فکر افتادم مگر نفهمیدی چند لحظه پیش آب خزینه آنقدر گرم و سوزنده بود که پا بیرون نهادی، و این مرد کیست که با وارد شدن در

خزینه آن قدر آبش ملایم شد که بدنم را حال آورد و با بیرون نهادن او، همانند دفعه‌ی اوّل که امتحان نمودم آب خزینه غیر قابل تحمّل گردید. آن گاه به فکر افتادم بروم بیرون گرمخانه، بفهمم آن مرد چه کسی بود، که آمدنش در خزینه و بیرون رفتنش این گونه آب را تغییر داد و چون بیرون رفتم، متوجّه شدم فقط متصدّی حمّام در آن جا است و دیگر کسی نیست. پس سراغ آن شخص را گرفتم، پاسخ داد در حال حاضر کسی غیر از شما در حمّام نیامده و مثلاً یک ساعت قبل فلان کاسب آمد و رفت. در این موقع متحیّر شدم که این شخص کجا رفت و این قضیه چگونه پیش آمد، و به ذهنم خطور کرد که شاید آن بزرگوار، آقا امام زمان علیه‌السلام بودند که با آمدن و رفتن این چنانی خواستند شعری را که من سروده بودم عملاً به تجلّی درآورده و نشان دهند که در محوطه‌ای که هستیم حاضر شده‌اند و من در نزدیکی ایشان قرار گرفتم امّا حضرتش را نشناختم و ترتیب اثری به حضور مبارکش ندادم.

آثار قلمی و تألیفات آیت‌اللّه حاج شیخ محمدباقر فقیه‌ایمانی بیش از هشتاد مورد است که تنها چند جلد آنها به همّت فرزند فاضل ایشان(حاج شیخ مهدی فقیه‌ایمانی) طبع و منتشر گردیده است.

تألیفات ایشان دو دسته عمده است یکی زمینه های مختلف عقیدتی، فقهی، اخلاقی و تاریخی، دیگری تحقیقات و نوشته‌هایی در باره‌ی امام عصر صلوات‌اللّه علیه –

ارتحال و مدفن

تاریخ وفات این عالم جلیل‌القدر در سن حدود هشتاد سالگی و در شب جمعه بیستم ماه ذی قعده سال ۱۳۷۰ه‍.ق. بوده است، قبر

شریفش در اتاق شرقی تکیه‌ی کازرونی است.

در تاریخ فوتش مرحوم میرزا حبیب‌اللّه نیّر، میرزا نیّر(متوفی ۱۳۷۹ق.) سروده است:

لهفی لفقدان ذی علم و ناشره‌فقیه مذهب اسلام و ناصره

محمدباقر راوی الاحادیث‌تألیف سبعین جلداً من مفاخره

زد واحداً ایها النّیر تؤرخه‌توقّف العالم من فقد لباقره(۳۹۸)

بر سنگ قبر مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدباقر فقیه‌ایمانیچنین نگاشته شده است:

قال الصادق علیه‌السلام خیرالناس من بعدنا من ذاکر بامرنا و دعا الناس الی ذکرنا مرقد شریف عالم جلیل و فقیه نبیل، یگانه موالی و مروّج رسم و آثار اهلبیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام مؤلف و نویسنده هفتاد و شش جلد کتاب و رساله‌ی عربی و فارسی بنظم و نثر پیراُمن مسائل علمی و عقیدتی و تاریخی و اخلاقی که بیست و شش جلد آنها در شئوون مختلف حضرت بقیْ‌اللّه الاعظم امام مهدی منتظر عجّل‌اللّه تعالی فرجه اختصاص یافته

مرحوم مغفور جنّت مکان آیْ‌اللّه شیخ محمّدباقر بن شیخ حسینعلی فقیه‌ایمانی بتاریخ ذیقعده سال ۱۳۷۰ه‍‌ٔ.ق. برابر با شهریور سال ۱۳۳۰ ه‍ٔ . ش. دعوت حق را لبیک گفت.

فقیه حبیبی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: رشته: فیزیک، دانشکده: فیزیک، دانشگاه: صنعتی امیرکبیر

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی و دکترای فیزیک.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

حرکت کره‌ای ذرات در آرایش خاص میدان مغناطیسی، تعیین سطح مقطع عناصر در واکنش هسته‌ای در آنالیز مواد، توموگرافی و رادیوگرافی کامپیوتری با نوترون به روش غیر هم زمانی شبیه‌سازی به روش مونت کارلو، بررسی ایجاد باریکه نوترون مناسب برای تروگرافی با بور، همانندسازی ترابرد پرتوها با استفاده از کد مونت کارلو EGS۴ و محاسبه توزیع دوز بر اساس روش کرنل نقطه‌ای در سیستم‌های پرتودهی گاما، تدریس در دانشگاه صنعتی امیرکبیر به مدت ۱۹ سال، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

ریاضیات مهندسی پیشرفته.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

فیزیک و ریاضیات.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

فقیه دزفولی، اسداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسداللّه بن محمدعلی بن عبداللّه بن عبدالکریم بن شاه میر بن محمد مهدی بن سید محمد شفیع بن مرتضی بن سید حبیب‌اللّه ابن سید ولی‌الدین ابن محمد بن احمد بن سید عبداللّه بن سید شمس‌الدین بن محمد بن سید تاج‌الدین ابن سید شرف‌الدین بن سید حسین بن سید عالی بن سید صدرالدین بن سید نظام‌الدین بن سید محمود بن سید جمال‌الدین بن سید محمود بن سید صدرالدین بن سید مظفرالدین ابن سید احمد بن سید عبداللّه بن امام موسی بن جعفر علیهماالسلام از علماء نجف اشرف بودند و با بیست و هفت واسطه به امام هفتم علیه‌السلام منتهی می‌شوند.

وی در سال ۱۳۰۲ قمری در دزفول در بیت علم و تقوی و کمال متولد شده و در حجر والد علامه‌اش تربیت یافته و پس از خواندن اولیات و مقدمات سطوح وسطی و نهائی را از محضر مرحوم والدش و سایر اساتید و علماء دزفول فراگرفته و سپس چند سالی پیش از جنگ بین‌المللی اول مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر و دراسات آیت‌اللّه العظمی مرحوم سید محمدکاظم یزدی که پیوسته مورد توجه خاص و جزو اصحاب معظم له بودند و همچنین در محضر دراسات آیت‌اللّه العظمی شریعت اصفهانی و میرزا

محمدحسین نائینی و سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی رضوان اللّه تعالی علیهم اجمعین استفاده نموده و در ۲۱ رجب‌المرجب ۱۳۶۱ قمری در نجف اشرف دعوت حق را لبیک گفته و برحسب وصیت آن مرحوم در وادی‌السلام نجف اشرف مدفون شدند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فقیه دزفولی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدرضا فقیه دزفولی از علماء محترم و ائمه جماعت مکرم معاصر تهرانست. وی در دزفول متولد شده (و از بیت واسره سادات گوشه‌ی دزفول است) و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام آن سامان مانند مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن قدس اللّه اسرارهم و آیات دیگر استفاده کامل نموده و پس از فوت آن مرحوم به تهران آمده و تاکنون در مسجد خیابان جهان پناه به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: جناب آقای فقیه دزفولی عالمی متین و دانشمندی متقی موصوف بفضل و تقوا و محامد اخلاق و مبادی آداب میباشد. معظم له با حضرت آیت‌اللّه فیض دزفولی قرابت و خویشاوندی دارند.

سید محمدرضا بن آیت‌اللّه مرحوم حاج سید اسداللّه دزفولی اجمالی آنجناب در سال ۱۳۳۷ قمری در نجف اشرف متولد شده و در بیت علم و تقوی پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات سطوح وسطی و نهائی را نزد اساتید بزرگ مانند مرحوم آیت‌اللّه حاج سید علی نوری و خارج را چندی از مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی و آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌اللّه حاج سید میرزا آقا اصطهباناتی و آیت‌اللّه العظمی خوئی استفاده نموده و با دریافت اجازات اجتهاد و روایتی از اساتید نامبرده و غیره به تهران مهاجرت و تاکنون در مسجد مهدوی خیابان جهان پناه به خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فقیه رضوی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌الله حاج سید عباس فقیه مبرقعی رضوی والد ماجد حاج سید مرتضی فقیه مذکور از علماء اعلام و آیات عظام قم بوده‌اند که در خدمت مرحوم حاج ملا غلامرضا معروف به حاج آخوند قمی صاحب حاشیه و مرحوم آقا سید عبدالله برقعی رضوی تلمذ نموده و در مدرسه مهدی قلیخان هم تدریس می‌کرده تا در سال ۱۳۳۵ ق وفات نموده و در ایوان آئینه اتابیکی مدفون شده است، دارای یک پسر به نام حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید مرتضی فقیه مبرقعی و ۴ دختر بوده است که همسر چهار نفر از مفاخر روحانیت عالم تشیع و حوزه علمیه قم و شرفاء می‌باشند.

۱- همسر آیت‌الله العظمی و العلامه الکبری آقا سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی مدظله العالی.

۲- همسر آیت‌الله العظمی مرحوم فاضل لنکرانی.

۳- همسر آیت‌الله آقای حاج شیخ محمد کرمی اهوازی.

۴- همسر آقای آقا سید ابوالفضل لاجوردی.

نسب مرحوم آیت‌الله حاج سید عباس منتهی می‌شود به علامه جلیل سید رشیدالاسلام رضوی قمی که تولیت آستانه بی‌بی‌معصومه علیهاالسلام از طرف شاه طهماسب اول صفوی با آن مرحوم بوده است و قبرش در رواق آئینه در مدخل حرم بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

فقیه زانیانی، مصطفی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم زاهد ورع، از علما و ائمه‌ی جماعت اصفهان. در مسجد تکیه‌ی ظلمات امامت می‌فرمود، و مورد وثوق و اعتماد عموم بود، از شاگردان حاج میر محمد صادق مدرس و حاج سید علی نجف‌آباد و دیگران بوده.

در ۲۶ ربیع الاول این سال وفات یافته، در نزدیک تکیه‌ی ملک، در روی سکویی مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش این است:

الحق بجمع خمسهٔ ارخ و قل

فی الخلد عند المصطفی قد اسکنا

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

فقیه سبزواری، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۶ -۱۳۰۹ ق)، عالم دینی و فقیه. در سامرا به دنیا آمد و در خانواده‌ای اهل علم پرورش یافت. در ۱۳۱۸ ق به همراه پدرش به نجف رهسپار شد و مدت چهار سال در آنجا، تحت نظر پدرش، مقدمات و ادبیات را خواند و در ۱۳۲۲ ق به همراه پدر به سبزوار رفت و چهار سال در آنجا به تحصیل پرداخت. در هفده سالگی با اجازه و امر پدر به مشهد رفت و از محضر ادیب بزرگ نیشابوری و شیخ حسن برسی و سید محمد باقر مدرس استفاده نمود. پس از چندی به خواست پدرش به سبزوار بازگشت و ضمن استفاده از درس خارج پدر و بهره گیری از افتخار الحکماء، در زمینه‌ی معقول، خود به تدریس سطوح پرداخت. در ۱۳۳۷ ق پس از درگذشت پدر به نجف مهاجرت نمود و دو سال از محضر آیت‌الله میرزا محمد تقی شیرازی و آیت‌الله شریعت اصفهانی و آیت‌الله سید محمد فیروزآبادی و آیت‌الله میرزا حسین نایینی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله اصفهانی استفاده نمود و به مدارج عالی فقه و اجتهاد رسید و با دریافت اجازات اجتهاد مطلق از اساتیدش، در ۱۳۴۷ ق، به ایران بازگشت و در مشهد مقیم شد و به تدریس خارج فقه و اصول و امامت جماعت در جامع گوهرشاد پرداخت. او در مشهد درگذشت و در مقبره‌ی باغ رضوان به خاک سپرده شد. از آثار خیرش: بنای کوی طلاب؛ مدرسه‌ی محمدیه؛ تکیه سیدها؛ گورستان و غسالخانه و دیگر آثار خیر او در کتاب «خاطرات زندگانی» وی با شرح آثار آمده است.[۱]

حسین بن العلامه میرزا موسی فقیه سبزواری از آیات عظام و فقهاء فخام معاصر سبزوار (مقیم مشهد مقدس) بوده‌اند.

ترجمه احوال و آثار آن بزرگوار رساله و کتاب جداگانه‌ای لازم دارد که آن هم بحمداللّه به قلم یکی از دانشمندان بنام خاطرات زندگانی آیت‌اللّه فقیه سبزواری بطبع رسیده است و خلاصه آن را نگارنده در اینجا می‌نگارم. وی در سال ۱۳۰۹ قمری در سامره دیده به جهان گشوده و در بیت علم و عزت پرورش یافته و در سال ۱۳۱۸ ق به همراه والد ماجدش به نجف اشرف رهسپار شده و مدت چهار سال در آنجا در تحت نظر والدش مقدمات و ادبیات را خوانده و در سال ۱۳۲۲ ق در معیت پدرش به سبزوار آمده و چهار سال در آنجا به تحصیل پرداخته و در سن ۱۷ سالگی با اجازه و امر پدر به مشهد آمده و از محضر مرحوم ادیب بزرگ نیشابوری و مرحوم آقا شیخ حسن برسی و حجةالاسلام آقای حاج سید محمدباقر مدرس استفاده نموده. و در همان اوان صحنه دلخراش توپ بستن روسها را به آستان قدس رضوی مشاهده می‌کنند و بعد از چندی برحسب امر والدش به سبزوار آمده و ضمن استفاده از درس خارج والدش و استفاده معقول از مرحوم افتخارالحکماء خود به تدریس سطوح پرداخته تا والدش در سال ۱۳۳۷ قمری به رحمت ایزدی واصل و ایشان به نجف اشرف مهاجرت نموده.

و دو سال از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدتقی شیرازی و مرحوم آیت‌اللّه شریعت اصفهانی و آیت‌اللّه حاج سید محمد فیروزآبادی و آیت‌اللّه میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی استفاده نموده و به مدارج عالیه فقه و اجتهاد رسیده و با دریافت اجازات اجتهاد مطلق از آیات نام برده در سال ۱۳۴۷ ق به ایران بازگشت و به سبزوار وارد و بعد از سه ماه به مشهد مقدس عزیمت نموده و روی اصرار علماء و مراجع حوزه مشهد رحل اقامت افکنده و به تدریس خارج فقه و اصول و امامت در جامعه گوهرشاد پرداخته و در خلال توقف در مشهد چندین مسافرت مهم به عتبات عالیات و مکه معظمه نموده که شرح هر یک مفصل خواهد بود.

و در کتاب خاطرات زندگانی وی مذکور می‌باشد. معظم له پس از یک عمر خدمت به دین و مسلمین و آستان ملك پاسبان ثامن‌الائمة المعصومین علیهم صلوات المصلین در شب شنبه ۲۴ شوال ۱۳۸۶ ق شب قبل از شهادت حضرت امام صادق علیه‌الصلوة والسلام در سن ۷۷ سالگی از دنیا رفت و در مقبره باغ رضوان که از باقیات الصالحات اوست مدفون گردید.

آثار خیر مرحوم آیت‌اللّه فقیه سبزواری از اینقرار است.

۱- مدرسه کوچک باغ رضوان

۲- تکمیل بناء درمانگاه رازی

۳- خانه‌های سیل زدگان

۴- مسجد بهار

۵- کوی طلاب

۶- مدرسه محمدیه و آثار خیر دیگر که در کتاب خاطرات زندگانی ایشان با شرح آثار مذکوره موجود است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۵۲ / ۷، ۳۲۳ -۳۲۱ / ۵).

فقیه سبزواری، محمدصادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدصادق فقیه سبزواری چهارمین فرزند روحانی مرحوم آیت‌اللّه فقیه مذکور می‌باشند.

وی در سوم ماه رجب سال ۱۳۴۹ ق در مشهد مقدس متولد و پس از گذشت دوران کودکی و تحصیلات ابتدائی و خواندن دوره مقدمات و ادبیات از آقای ادیب نیشابوری و مرحوم حجةالاسلام حاج میرزا احمد مدرس به حوزه علمیه قم عزیمت نموده و از

محاضـر آیـات عظـام و مراجع بزرگ چـون آیت‌اللّه العظمی گلپایگـانی و آیت‌اللّه شـریعتمداری و آیت‌اللّه العظمی مرعشـی نجفی مدظله استفاده نموده و می‌نمایند.

نگارنده گوید مترجم محترم از فضلاء خراسانی مقیم حوزه علمیه و دارای مقام تقوا و متانت و مورد علاقه زعماء حوزه می‌باشند در خاطرم هست که وقتی مرحوم والدشان در مشهد رحلت نمودند آیت‌اللّه طباطبائی قمی تلگراف تسلیت به حضرت آیت‌اللّه العظمی مرعشـی نجفی زده و ایشان به وسیله حقیر آقای حاج سید محمد صادق فقیه مذکور را خواسته و با مقدماتی خبر وحشت اثر را داده و تسلیت گفتنـد و همان شب در مسجد امام قم مجلس باشکوهی گذاردنـد که عموم آیات و علماء و محصلین و طبقات مختلف اصناف شرکت کردند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

فقیه قمی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۱ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی، در قم به دنیا آمد و در مهد علم و تقوا پرورش یافت. او دخترزاده‌ی آیت‌الله حاج آقا احمد طباطبـائی قمی بـود. پس از طی مقـدمات و ادبیـات، سـطوح را نزد آقـا شـیخ حسـین علامه و آیـت‌الله آخونـد ملا-علی همـدانی و حجت‌الاسـلام شـیخ ابوالقاسم قمی صـغیر و آیت‌الله میرزا محمـد همدانی خواند و خارج «عروه» را از محضـر آیت‌الله فیض اسـتفاده نمود و همچنین مـدتی از محضـر آیت‌الله حـایری بهره‌منـد شـد. وی عمـده دروس تحلیلی خود را از محضـر آیت‌الله حجت اسـتفاده نمـود. بعـد از ورود آیت‌الله بروجردی در شـمار اصـحاب وی درآمـد و حـدود هیجـده سـال از محضـر بحثهـای فقه و اصول ایشـان مسـتفیض شد و دروس معقول را از محضـر آیت‌الله سید ابوالحسین رفیعی قزوینی و امام خمینی بهره‌ها برد. او چندین سال در درس فقه آیت‌الله مرعشی نجفی نیز شرکت کرد. از آثارش: «تقریرات» درس اصول و فقه (مکاسب و خمس) آیت‌الله حجت.[۱]

حاج سـید مرتضـی فقیه بن العلامه الورع حاج آقا عباس برقعی رضوی قمی از علماء حوزه علمیه و شهرستان مذهبی قم سبط مرحوم آیت‌الله حاج‌آقـا احمـد طباطبائی برادر بزرگ مرحوم آیت‌الله العظمی حاج‌آقا حسین طباطبائی قمی و برادر متعلقه حضـرت آیت‌الله العظمی آقا شهاب‌الدین مرعشی نجفی مدظله یکی از سه زعیم معاصر حوزه علمیه است.

آن جناب در سال ۱۳۲۱ ق در قم متولـد شـده و در مهـد علم و تقوا پرورش یافته و پس از رشد و طی مقدمات و ادبیات سـطوح را نزد مرحوم حجه‌الاسـلام آقا شـیخ حسین علامه و آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی و مرحوم حجه‌الاسلام شیخ ابوالقاسم قمی معروف (بـه صـغیر) و مرحـوم آیت‌الله میرزا محمـد همـدانی خوانـده و خـارج عروه را از محضـر مرحـوم آیت‌الله فیض اسـتفاده نمـوده و نیز مقـداری از محضـر مرحـوم آیت‌الله العظمی حـایری بهره‌منـد شـده و عمـده دروس تحلیلی خود را از محضـر سـیدنا الاسـتاد مرحوم آیت‌الله حجت قدس‌الله سـره اسـتفاده نموده و از موقع ورود آیت‌الله العظمی بروجردی نورالله مضـجعه در شـمار اصـحاب آن جناب درآمده و بالغ بر ۱۸ سال از محضـر و ابحاث فقه و اصول آن مرحوم کامیاب و مسـتفیض شده و دروس معقول را از محضر آیت‌الله حاج سـید ابوالحسن رفیعی قزوینی و آیت‌الله العظمی... موسوی مدظله استفاده نموده و هم چندین سال به درس فقه آیت‌الله العظمی مرعشـی نجفی مـدظله شـرکت نموده و در حـال حاضـر با چنـد نفر از علماء حوزه حجه‌الاسـلام والمسـلمین آقای حاج شـیخ عباس مستقیم و حجه‌الاسـلام آقـای حـاج میرزا اسـماعیل رحمت‌خواه تبریزی و حجه‌الاسـلام آقـای حـاج میرزا حسن غفـاری‌نژاد مبـاحثه کمپانی دارند و ظهرها هم در حرم مطهر حضرت معصومه علیهاسلام اقامه جماعت دارند.

از نوشته‌های ایشان است: تقریرات درس اصول و فقه (مکاسب و خمس) مرحوم آیت‌الله العظمی حجه طاب ثراه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۱۲۳ -۱۲۲ / ۲)، آینه‌ی دانشوران (۲۸۲ -۲۸۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۲۰ -۲۱۹ / ۲).

فقیه محمدی، محمدمهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی فقیه محمدی جلالی

محل تولد : آستانه اشرفیه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

نگارنده در هشتم اردیبهشت ۱۳۵۱ ه . ش در خانواده ای مذهبی که بالغ بر سه قرن روحانی و از سرشـناسان شهرستان آستانه اشرفیه بوده انـد بـدنیا آمدم در سال ۱۳۶۸ رسـما وارد حوزه علیمه جعفریه آسـتانه اشـرفیه شده و توانسـتم از محضـر اساتیدی همچون شیخ

موسی کهنسال و استاد حجهٔ الاسلام المسلمین حاج سید جواد میر حسینی خراسان ادیب استفاده نمایم. پس از اتمام مقدمات جهت استفاده بیشتر به حوزه علمیه جامع رشت هجرت نموده و اصول فقه مظفر را نزد آیهٔ الله استاد حاج سید مجتبی رودباری حفظه الله گذرانده و سپس با موفقیت کامل در امتحانات ورودی حوزه علمیه خراسان مجاورت مشهد رضوی را برگزید و از اساتیدی همچون آیت الله سید جواد سبزواری و استاد حجهٔ الاسلام و المسلمین حاج سید جواد میر حسینی خراسانی ادیب کسب فیض نمودم. در مشهد رضوی در کنار دروس حوزه به مکالمه عربی و اردو همت گماشته و در کمتر از ۸ ماه توانست به خوبی مکالمه عربی را فرا گرفته و به زبان اردو آشنا شوم. همچنین در تابستان سال ۱۳۷۳ رسما قلم به دست گرفته و تحقیقات خود را در زمینه بقاع متبرکه آغاز نمودم به گونه ای که شرح حال تمامی امام زادگان خراسان، نیشابور، سبزوار، کاشمر، مشهد را مفصلا همراه شجره نامه آنان بررسی کردم. طبق دعوت نامه ای که اوقاف استان قم بعمل آورد جهت بررسی بقاع متبرکه استان مذکور و جهت استفاده بیشتر از اساتید بزرگ حوزه علمیه قم و استجابت دعوت اداره کل اوقاف قم در سال ۱۳۷۴ به آنجا هجرت نموده و در کمتر از یک سال کتاب تاریخ قم و زندگانی امامزادگان داخل شهر را تحقیق و تالیف نمودم که از سوی مسجد مقدس جمکران به چاپ رسید و مورد استقبال علماء، فقهاء و محققین قرار گرفت. نگارنده شش ماه پس از تالیف کتاب مذکور موفق به دیدار ولی امر مسلمین حضرت آیهٔ الله العظمی سید علی خامنه ای دامت برکاته شد و مورد عنایت معظم له قرار گرفتم و در همان دیدار پس از مباحثه ۲۰ دقیقه ای با معظم له از سوی ایشان لقب محقق گرفته و همین امر باعث شد که در میان طلاب گیلانی به محقق گیلانی شهرت یابم هنوز چند ماهی از دیدار مذکور نگذشته بود که از سوی دفتر مقام معظم رهبری جهت تحقیق در مورد بقعه ای در شهر آمل مامور شده و پس از یک ماه بررسی حول زندگانی حسن بن علی الاطروش مجددا به ملاقات خصوصی آن رهبر فرزانه نایل و مراحل تحقیق را شخصا تقدیم نموده و باز هم مورد عنایت معظم له قرار گرفتم. نگارنده در قم به درس خارج اصول حضرت استاد آیهٔ الله جعفر سبحانی و درس فقه آیهٔ الله العظمی سید محمد صادق روحانی و حضرت آیهٔ الله سید محمد علی میلانی شرکت و از محضر شان استفاده می نماید. طبق دعوتی که آستانه مقدس علی بن موسی الرضاء از ایشان نمود در سال ۱۳۸۰ به مشهد رضوی مهاجرت کرد و در بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی طبق قرار دادی به فعالیت پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی طبق قرار دادی به فعالیت پژوهشی به کار مشغول شدم. نگارنده در کنار تعلم به تحقیق و تالیف اشتغال دارد و تخصص در علم رجال و انساب و تاریخ امام زادگان و شرح حال آنان می باشد. از جمله جوانترین محققان کشور است.

فقیه، رجب علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رجب‌علی فقیه از علماء معاصر نیشابور بوده است.

وی در نیشابور به دنیا آمده و پس از خواندن مقدمات و اولیات به قم مهاجرت و بالغ بر بیست سال اقامت و از محضر آیات عظام حایری یزدی و مرحوم آیت‌اللّه صدر و آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه بروجردی استفاده نموده و در سال ۱۳۷۰ قمری بنا بر دعوت اهالی نیشابور به وطن برگشته و تا سال ۱۳۹۳ قمری به اقامه جماعت در مسجد جامع نیشابور و تبلیغ احکام اشتغال داشت تا در سال مزبور که از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

فقیه، عبدالکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ عبدالکریم فقیه از علماء بزرگ معاصر نیشابور و ائمه جماعت این شهر بوده که تا پایان عمر خود به خدمات دینی اشتغال داشته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

فقیه، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

برخواری، عالم فاضل، از شاگردان آقا سید محمدباقر درچه‌ای و آخوند گزی [و جهانگیرخان] بوده. در شب جمعه ۱۷ ربیع الاول سال ۱۳۸۰ وفات یافته، در تکیه‌ی فاضل سراب مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

فقیه، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن فقیه جـد مادری حجهًالاسـلام سـید مجدالـدین مترجم عزیز ماست، که از مجتهـدین بزرگ شـیراز و از شاگردان آیات عظام میرزا نائینی و آقا ضیاءالدین عراقی بوده و از آنان اجازه اجتهاد داشته، مجلس درس این فقیه گرامی مورد توجه فضلاء بوده است.

مجلهالاسلام که در ایران و کشورهای اسلامی از اول رژیم پهلوی منتشر می‌شد نشانه رشد فکری این فقید بود.

مرحوم حجهًالاسـلام شـیخ جمال‌الـدین اسـلامی و شـیخ کمال‌الدین فقیهی فرزندان ذکور این مرحوم می‌باشـند و خاندان اسـلامی و فقیهی در شیراز از ارحام این مجتهد بزرگند.

مـدفن ایشـان در حرم مطهر حضـرت علی بـن حمزه اسـت. فرزنـدان ایـن دانشـمند بزرگ هـم اکنـون بـه خـدمات ذی‌قیمت دینی و اجتماعی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

فقیهه، فاطمه

قرن:۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

از زنان فقیه و محدث قرن ششم. وی دختر علاءالدین محمد بن احمد سمرقندی (و ۵۴۰ ق) مؤلف کتاب تحفهًالفقهاست. فاطمه نزد عـده‌ای از فقها دانش آموخت و بسیاری نیز از وی کسب دانش کردند. او حلقه درس داشت و گروهی از علما به وی اجازه روایت دادنـد. علاوه بر علـم و فضـل، از زهـد و پارسـایی نیز بهره زیـاد داشت. فـاطمه آثـار بسـیاری در فقه و حـدیث تـألیف کرد که بین دانشـمندان و اهـل فضـل انتشـار یـافت. پـدرش به مناسبت شـرح محققـانه‌ای که علاءالـدین ابـوبکر کاشـانی (و ۵۸۷ ق) بر کتـاب تحفهًالفقها نوشت، فاطمه را به عقد او درآورد.

علاءالـدین نیز که از فقهـا و دانشـمندان زمـان خود بود شب و روزش به حل و فصل مسائل فقهی مصـروف می‌شـد و طرف مراجعه مردم بـود. او بـا تمـام حضور ذهن و تبحری که داشت وقـتی در پاسـخ دادن به مسائل مشـکلی مردد می‌مانـد از همسـر دانشـمندش اسـتمداد می‌طلبید و او بدون درنگ پاسخ کافی و قانع کننده‌ای به همسرش می‌داد. فاطمه به همراه همسر و پدرش در یک خانه در کاشان سـکونت داشـتند و پس از مـدتی به حلب رفته و در آنجا مقیم شدند. وی با ملک نورالدین شـهید معاصـر بود و او مدتها در پـاره‌ای از امـور داخلی کشور بـا این زن مشورت داشت. و برخی از مسائـل فقهی را از او فراگرفت. نورالـدین هواره در حق این زن انعام می‌کرد و او را در کوشش‌هایش یاری می‌نمود. فاطمه در شهر حلب درگذشت.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: اعلام‌النساء، ۹۵ -۹۴ / ۴؛ از رابعه تا پروین، ۱۷؛ تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ۳۷۱.

فقیهی آملی، شکرالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقـای آقـا شـیخ شـکرالله بـن کربلائی جعفر بـن ملاـ فرج‌الله ملقب به فقیه‌نیـا و معروف به فقیهی از علمـاء آمـل میباشـند. در ۱۳۱۴ خورشـیدی در یکی از مضافات آمل بـدنیا آمده و پس از خواندن دروس ابتدائی بشـهر آمل آمده و مدت سه سال در مسـجد جامع آمل تحصـیل سـطوح وسـطی نموده و آنگاه بمشهد مسافرت نموده و چند ماهی توقف کرده و در سال ۱۳۳۴ شمسی بنجف اشرف مهـاجرت نموده و مـدت ده سـال اقامت و از محضـر آیات عظام آنجا بالاخص آیه‌الله العظمی خوئی مـدظله العالی اسـتفاده نموده تا بمدارج عالیه علم و کمال رسـیده و در سال ۱۳۴۴ شمسـی مراجعت بایران و در شهرستان آمل اقامت نموده و در مسجد جامع باقامه جماعت و خدمات روحی و دینی پرداخته است.

دارای تألیفات ارزنده‌ای میباشد که فهرست آنها را مینگارم:

۱- تفسیر قرآن شریف ۲- شـرح اسـتدلالی بر لمعه شهید اول ۳- رساله‌ای در قاعده لاضـرر ۴- شـرح استدلالی تبصره علامه حلی اعلی‌الله مقامه ۴- کشکول فقیه ۵- شرح دعاء سمات

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

فقیهی بروجردی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای حاج میرزا عبدالله فقیهی بروجردی فاضلی کامل و عالمی عامل و خیر و خدمتگذار و در کارهای دینی و خدمات اجتماعی روحی فعال و جدیت در ماه صفر الخیر ۱۳۴۶ قمری در بروجرد در خانواده‌ای پرهیزکار به دنیا آمـده و پس از طی دوران

علوم جدید و مقداری از ادبیات و سطوح وسطی از بروجرد به قم مهاجرت نموده و پس از تکمیل سطوح مدت ده سال از محضر و ابحاث علامه کبری آیت‌الله العظمی بروجردی قدس‌الله سره استفاده نموده و هم از محضر مرحوم آیت‌الله خونساری و آیت‌الله حاج سیخ عبدالنبی عراقی و مرحوم حاج شیخ مهدی مازندرانی بهره‌مند شده و ضمنا تدریس فقه و اصول (مکاسب و رسائل و کفایه) و منظومه و شرح تجرید نموده و در سال ۱۳۲۵ شمسی به نجف اشرف مشرف و مدت پنجسال توقف نموده و از محضر مرحوم آیت‌الله میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله سید جمال‌الدین گلپایگانی و آیت‌الله حاج سید یحیی یزدی و آیت‌الله میرزا حسن بجنوردی و آیت‌الله حاج شیخ علی محمد بروجردی و آیت‌الله میرزا هاشم آملی و آیت‌الله میرزا باقر زنجانی و دیگران استفاده نموده و موفق به دریافت اجازات اجتهاد و روایتی از آیات عظام نجف و قم شده و در سفر مکه با بعضی از علماء اهل سنت مصر و مکه و مدینه و شام و عمان و سامرا و کاظمین ملاقات و درباره تشیع و خلافت بلافصل علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام و اولاد طاهرین آن حضرت بحث و موجب استبصار بعضی از آنان به اصل خلافت و مرام تشیع گردیده است آثار و مولفات ایشان گذشته از تقریرات و دراسات مباحث اساتید معظم به قرار زیر است.

۱- رساله‌ای در حرمت ریش تراشیدن ۲- حاشیه‌ای بر کفایه ۳- کتابی به نام گوشه‌ای از علوم و فنون ۴- شناسائی مرد و زن از نظر روانی و فیزیولوژی ۵- رسائلی در علوم غریبه ۶- رساله‌ای در حقیقت عشق و محبت ۷- کشاف المذاهب العالم او القضاوه بین‌الملل و النحل در ۲ جلد ۸- شرح اسماء الحسنی ۹- الفقه علی المذاهب الخمسه در مباحث طهارت ۱۰- رساله‌ای در حد کرو تطبیق آن با اوزان دنیا ۱۱- تفسیر استعاذه ۱۲- رساله‌ای در ولایت اهل البیت و علم ائمه علیهم‌السلام ۱۳- رساله‌ای در لغز و معما ۱۴- الفوائد المختاره فی علم اصول الفقه ۱۵- رساله‌ای در تفسیر سوره حمد و بقره ۱۶- قواعد الرجال ۱۷- کتابی به سبکی تازه و جدید در علم السند و الحدیث ۱۸- زهره العلوم فی اصول الدین و الکلام و الفقه علی نهج‌الاخبار.

۱۹- رساله‌ای در مختلف العلوم و الفنون ۲۰- اجوبه مسائل الدینیه ۲۱- رساله‌ای در تراجم علماء و رواه.

اما آثار دیگر خدمات دینی و موسسات اجتماعی برای روحانیت و سایر کارهای اجتماعی و دینی.

۱- تاسیس دارالشفاء الثقلین (درمانگاه قرآن و عترت) ۲- کتابخانه قرآن و عترت علیهم‌السلام.

۳- دارالایتام ثقلین ۴- دارالمبلغین الثقلین ۵- مسجد صاحب الزمان علیه‌السلام در سربند دربند شمیران ۶- حسینیه صاحب‌الزمان در همان محل ۷- حسینیه صاحب‌الزمان در پست قلعه دربند ۸- کتابخانه مسجد صاحب‌الزمان علیه‌السلام در سربند ۹- تاسیس مکتب التفسیر و الاحکام ۱۰- تاسیس غسالخانه به وسیله مبلغین دارالثقلین در دهات قم. ۱۱- حمام در قراء قم و ساوه به وسیله مبلغین مزبور ۱۲- تشکیل هیئت دینی در قصبات قم به وسیله مبلغین مذکور ادام‌الله توفیقاته و برکاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

فقیهی بروجردی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا بن مرحوم حاج آقا رضا فقیهی بروجردی از علماء و ائمه جماعت معاصر تهران است. وی در سال ۱۲۹۳ شمسی در بروجرد متولد شده و پس از رشد و خواندن دروس جدید مقدمات را در آنجا خدمت مرحوم حجهٔالاسلام آقا میرزا لطف‌اللّه فقیهی خوانده و در سال ۱۳۵۱ قمری به قم مهاجرت و سطوح را از حضرت آیت‌اللّه العظمی آقا نجفی مرعشی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عباسعلی شاهرودی به پایان رسانیده و در دروس خارج آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّه العظمی آقای حجت و از موقع ورود مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی تا آخر عمر معظم له شرکت نموده و بافتخار مصاهرت و دامادی مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد تقی خونساری نائل شده و پس از فوت مرحوم آقای بروجردی به تهران منتقل و تا اکنون در مسجد (خلیلی) به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال دارد.

از نوشته‌های ایشانست مقداری از تقریرات اصول مرحوم آیت‌اللّه حجت قدس اللّه سره دارای اجازات عدیده از مراجع بزرگ قم و نجف در امور حسبیه و روایتی و غیره می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فقیهی حبیبی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای حاج شیخ محمدرضا حبیبی فقیهی از علماء قدماء حوزه و شاگردان مبرز مرحوم آیت‌الله حجت و آیات دیگر است که در سال ۱۲۹۵ شمسی در گیلان تولد یافته و پس از رشد برای تحصیل علم و کمال مهاجرت به قم نموده و سطوح را نزد اساتید عالیقدر خوانده و ۱۷ سال از محضر و ابحاث آیت‌الله حجت رحمه‌الله استفاده نموده و ۱۸ سال هم از فقه و اصول آیت‌الله العظمی بروجردی بهره‌مند شده و پس از ایشان به آیت‌الله العظمی شریعتمداری اتصال و انقطاع یافت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

فقیهی رشتی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۳۲۱ ق)، فقیه و عالم دینی. در نجف به دنیا آمد. وی ادبیات را در خدمت آقا میرزا عبدالحسین قفقازی و مقدمات را در خدمت میرزا مجید گنجه‌ای و سطوح را نزد آقا شیخ حسین رشتی و شیخ محمد علی کاظمینی و سید علی کازرونی و شیخ علی مازندرانی خواند و دروس فقه و اصول استدلالی را از محضر حاج میرزا علی ایروانی و آیت‌الله شیخ محمد حسین اصفهانی و آیت‌الله نائینی و پدر خود، آیت‌الله شیخ شعبان رشتی، استفاده نمود و علوم اجتماعی را از آیت‌الله شیخ جواد بلاغی فراگرفت. در حدود ۱۳۵۰ ق به قم رفت و در درس آیت‌الله حایری حاضر شد و بعد از ایشان حدود هیجده سال از دروس و بحث آیت‌الله بروجردی استفاده کرد و چند سالی از طرف آیت‌الله بروجردی در موسم حج به مکه و مدینه برای رسیدگی به امور شرعی حجاج ایرانی فرستاده شد. وی برای فضلا به تدریس فقه و اصول نیز می‌پرداخت. از آثارش: شرح بر «کفایه»؛ شرح بر «مکاسب».[۱]

حاج شیخ عبدالحسین بن العلامه الکبری والایه العظمی الحاج الشیخ شعبان رشتی نجفی معروف به فقیهی از علماء اعلام و حجج اسلام حوزه علمیه عالمی کامل و فقیهی عادل از بیت فضل و کمال جامع حسب و نسب است در سال ۱۳۲۱ قمری در نجف اشرف متولد و پس از بلوغ و رشد مقدمات را در خدمت مرحوم میرزا مجید گنجه‌ای خوانده و سطوح را نزد مرحوم آقاشیخ حسین رشتی و شیخ محمدعلی کاظمینی و سید علی کازرونی و شیخ علی مازندرانی و دروس فقه و اصول استدلالی را از مرحوم حاج میرزا علی ایروانی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی و آیت‌الله نائینی و مرحوم والد ماجد استفاده نموده و در سال ۱۳۵۰ قمری به قم مهاجرت و حاضر درس آیت‌الله حایری گردیده و بعد از آن مرحوم ۱۸ سال از دروس و بحث آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده کرده و چند سالی از طرف معظم‌له در فصل حج به مکه و مدینه مسافرت برای رسیدگی به امور شرعی حجاج ایرانی نمود و تاکنون همه ساله این توفیق را داشته و دارد و در حوزه علمیه برای عده‌ای از فضلاء تدریس فقه و اصول می‌نماید دارای تصنیفات چندیست چون شرح بر کفایه و شرح بر مکاسب.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۵۶ / ۲)، آینهٔ دانشوران (۲۲۹ -۲۲۸)، گنیجنهٔ دانشمندان (۲۲۳-۲۲۲ / ۲).

فقیهی قزوینی، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام حاج شیخ علی‌اصغر فقیهی قزوینی از علماء اعلام حوزه علمیه بودند عالمی با فضل و تقوا بود که در سال ۱۳۲۱ قمری در قزوین متولد شده و از کودکی در دامان روحانیت تربیت یافته تا در سال ۱۳۴۴ به قم مهاجرت نموده و در مدرسه حاجی سکونت و مشغول به تحصیل گشته و در ایام تحصیل به اصفهان مسافرت و در مدرسه جده نیز اشتغال داشته و مدت قلیلی هم در نجف در مدرسه صدر توقف و از محضر آیت‌الله خونساری و آیت‌الله فیض حاضر شده و مدت هیجده سال هم از محضر زعیم اعظم شیعه آیت‌الله بروجردی بهره‌مند گردیده و پس از ایشان چند سالی از طرف حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی برای خدمات دینی و ترویج احکام و اقامه جماعت رحل اقامت به تهران افکنده تا سال ۱۳۸۵ که ترک دنیا گفته و به سرای جاودان شتافته است رحمه‌الله علیه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

فقیهی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۹ -۱۲۹۳ ش)، شاعر. در اراک به دنیا آمد و تحصیلات خود را در آن شهر به پایان رسانید. از آن پس مسافرت به کشورهای مختلف مانند عراق، سوریه، لبنان و ترکیه انجام داد و ره‌آورد این مسافرت‌ها را به صورت سفرنامه‌ای نوشت. وی بعد از اقامت در تهران در انجمن‌های ادبی شرکت می‌جست و در سرودن قطعه و غزل مهارت داشت. سرانجام در جاده‌ی شیراز بر اثر تصادف وفات یافت. آثار او در بعضی از جراید و مجلات منتشر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۲۷۲۸ -۲۷۲۴ / ۴).

فقیهی، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدتقی فقیهی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

سید محمدعلی فقیهی فرزند حجهٔ السلام آقا مصطفی فقیهی ازروحانیون محله برزان اصفهان و امام جماعت مسجد امام زاده عبدالله و حسینیه آفاران واقع درخیابان شهیدان. نامبرده نوه دختری مرحوم آیهٔ الله سید علی اصغر ازمجتهدینی که دارای اجازه اجتهاد از آیا ت عظام سید ابوالحسن اصفهانی وآغا ضیاء عراقی ومحمد حسین فشارکی بوده اند. آقای فقیهی داماد مرحوم آیهٔ الله سیدعلی اکبرواعظ است، وی درسادات حسینی که نسب او با ۳۵ واسطه به امام زین العابدین علیه السلام میرسد. وی درسال ۱۳۴۲ شمسی درخانواده ای با ایمان درشهر اصفهان دیده به دنیا گشود، تحصیلات جدید را دراصفهان گذراند وپس ازاخذ دیپلم درسال ۱۳۶۱جهت تحصیل علوم دینی وحوزوی به شهر مقدس قم هجرت نمود ابتدا درمدرسه علمیه رسالت وپس ازآن درمدرسه امام مجتبی (ع) تحت اشراف آیهٔ الله مکارم شیرازی به تحصیل دروس حوزوی مشغول بود دروس سطح را تا سال۱۳۶۹ به پایان رساند ودرتمام مقاطع تحصیلی ازطلاب ممتاز بود وپس ازآن دردرس خارج فقه واصول مراجع عظام شرکت نمود و مدت ۹سال مؤسسه تحقیقاتی بقیهٔ الله (ع) زیرنظر آیهٔ الله طاهری خرم آبادی دررشته تخصصی فقه واصول اشتغال به تحقیق داشته وچند رساله فقهی واصولی درموضوعات مختلف به رشته تحریر درآورده است. ایشان علاوه برفقه واصول در دروس تفسیر عقائد وفلسفه شرکت نموده ودرکنارتحصیل سالیانی به تدریس دروس مختلف ادبیات عرب (صرف ساده- جامع المقدمات – سیوطی – مغنی – تجزیه وترکیب) عقائد (آموزش عقائد آیهٔ الله مصباح بدایهٔ المعارف الالیه) منطق وفقه (شرح لمعه) واصول (رسا ئل–اصول فقه مظفروحلقات شهید صدر) درمدارس علمیه معصومیه ورضویه وشهیدین مشغول بود. درهنگام تدریس با طلاب صمیمی بود وبا آنها به گفتگو می پرداخت وبرای آنان مشاور مطمئنی درامور درسی وغیر درسی بود. ایشان درکنار تدریس وتحصیل وتحقیق تقریرات دروس آیات عظام فاضل لنکرانی، شیخ جواد تبریزی و وحید خراسانی رابه رشتهٔ تحریرآورد.

فقیهی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد رضا فقیهی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد رضا فقیهی در سال ۱۳۳۴در شهر اصفهان متولد شدم و در سال ۱۳۴۹طلبگی را درهمین شهر شروع کردم. پس از دو سال به قم آمده و دروس حوزوی را در قم دنبال کردم در سال ۵۷ در اوج مبارزات مردمی دستگیر و زندانی شدم در پایان بهمن ماه آزاد درس خارج را پس از انقلاب شروع کردم علاقه شدیدی به مباحث قرآنی داشتم سعی کردم قرآن را مباحثه کنم در محضر آیت الله جوادی بیش از ده سال تفسیر را آموختم سپس کار تفسیر گروهی را با متد جدیدی در دفتر تبلیغات شروع کردیم که نتیجه آن ۲۰ جلد تفسیر راهنما می باشد خمیر مایه اصلی این کار تلاش جناب هاشمی رفسنجانی در زندان بود که گروهی کار را بازنگری کردند و نهایتا "پس از ده سال کار به اتمام رسید در کنار آن به درس اخلاق فقه و اصول نیز مشغول بودم وسپس به فعالیت اجرائی فرهنگی مشغول شدم حدود ۱۴سال فعالیت فرهنگی را در دانشگاهها شروع کردم .

فکرت شیرازی، غیاث‌الدین منصور

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۰۹۰ ق)، شاعر، متخلص به فکرت. از طرف پدر به میر غیاث‌الدین منصور دشتکی می‌رسید و از طرف مادر از بستگان میر معز قمی موسوی خان فطرت و علامه میر محمدزمان مشهدی بود. وی در ابتدا منصور تخلص می‌کرد و بعدها تخلص فکرت را برگزید. او از شاگردان صائب تبریزی و معاصر و معاشر با سرخوش، صاحب «کلمات الشعراء» بود. پس از اقامتی چند در اصفهان،

در زمان شاه جهان (۱۰۶۹ -۱۰۳۷ ق)، وارد دهلی شد و در دوره‌ی سلطنت عالمگیر پاشاه به منصب دولتی رسید. به روایت «کلمات الشعرا» او در کشمیر درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۶۳۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۹۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۵۲ -۱۵۰ / ۴)، الذریعه (۸۴۴، ۷۹۵ / ۹)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۴۲ -۱۱۴۱ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۸۸۱، ۷۱۶)، کاروان هند (۱۰۴۵ -۱۰۴۴ / ۲)، کلمات الشعرا (۱۴۵ -۱۴۴)، مرآت الفصاحه (۴۸۲ -۴۸۰).

فکرت لاریجانی، نعمت‌الله

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۲۹ ق)، شاعر. از سادات لاریجان بود و مردی عالم و فاضل، در ابتدای امر به تعلیم شاهزاده علی‌خان، ملقب به ظل‌السلطان، پسر فتحعلی‌شاه مشغول بود. پس از چندی به شیخ‌الاسلامی زادگاه خود منصوب شد. اثرش «دیوان» شعر می‌باشد. از اشعار اوست:

آه از این سوز درون کز خویش ایمن نیستم

تا کشم از دل به آن سوزی که خواهم آه را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۳۸۱ -۱۳۸۰ / ۲)، الذریعه (۸۴۵ -۸۴۴ / ۹)، سفینه المحمود (۶۴۷ -۶۴۵ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۱۶)، مجمع الفصحا (۸۰۴ / ۵)، مصطبه خراب (۱۳۵ -۱۳۴)، نگارستان دارا (۱۲۱ -۱۲۰ / ۱).

فکری اصفهانی، محمدرضا

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۰ ق)، نویسـنده و شاعر، متخلص به فکری. در شـعر از شاگردان مولانا زین‌الـدین مسـعود نیکی و در علم سـیاق و حساب ماهر و معاصـر حکیم شـفایی بود و همیشه بین آنها مباحثات و منازعات و مهاجات واقع می‌شد. سپس وی از اصفهان به هند رفت و بعد از مدتی به شیراز و از آنجا به دکن مسافرت کرد و همان جا درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشـکده‌ی آذر (۹۷۷ -۹۷۶ / ۳)، تـذکره‌ی روز روشن (۶۳۷ -۶۳۶)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۶۹)، الذریعه (۸۴۵ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۱۷)، کاروان هند (۱۰۵۱ -۱۰۴۵ / ۲).

فکری رازی نوربخش

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شـاعر، متخلص به فکری. وی از خویشـان شاه قوام‌الـدین نوربخش و از شاعران دوره‌ی شاه‌طهماسب (۹۴۸ -۹۳۰ ق) بوده که در علم موسیقی نیز مهارت داشته است. ابتـدا سیری تخلص می‌کرد و پس از سـفر به دکن تخلص فکری را برگزیـد. وی گویا با شاه طاهر دکنی نیز معاشرت داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۸۴۵، ۴۸۴ / ۹)، صبح گلشن (۳۲۰ -۳۱۹)، فرهنگ سخنوران (۷۱۷، ۴۸۰)، کاروان هند (۱۰۵۲ -۱۰۵۱ / ۲)، هفت اقلیم (۴۹ -۴۸ / ۳).

فکری فلاح، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر فکری فلاح

محل تولد : لاهیجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۰ هجری شمسی وارد حوزه علمیه شدم و پس از سالهای اولیه تحصیل علاقه مند به پژوهش شدم و در کنار تحصیل به کارهای تحقیقی نیز پرداختم و سرانجام به همکاری با پژوهشگاه علوم اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی و نیز مرکز پژوهشهای اسلامی و نیز به عنوان عضو هیات تحریریه مجله با معارف اسلامی ادامه دادم و این فعالیت علمی و فرهنگی به فضل الهی ادامه دارد و امیدوارم بتوانم منشأ اثری در خدمت به اسلام و مسلمین باشم.

فکری مشهدی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۳ / ۹۷۲ ق)، شاعر، متخلص به فکری. مشهور به میر رباعی. از شعرای سادات مشهد مقدس بود. در زمان اکبرشاه (۱۰۱۴ – ۹۹۶ ق) بـه هندوستان مسافرت کرد. وی به جهت این که بیشتر رباعی می‌سرود، به میر رباعی شهرت یافت. فکری در جونپور درگذشت. در تذکره‌ها نام او را تحت عنوان مشهدی، تربتی، هروی و خراسانی آورده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۵۰۱ / ۲)، اعیان الشیعه (۱۹۹ / ۹)، الذریعه (۸۴۵ / ۹)، ریاض العارفین (۲۲۷ –۲۲۶)، ریحانه (۳۸۲ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۷۱۷)، کاروان هند (۱۰۵۹ –۱۰۵۲/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ جامه‌باف)، نتایج الافکار (۵۳۲ –۵۳۱)، هفت اقلیم (۱۵۹ –۱۵۸ / ۲).

فکور یزدی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین حاج میرزا محمد فکور یزدی از علماء اعلام و حجج اسلام و مدرسین والامقام حوزه علمیه عالمی عامل و فاضلی کامل و فقیهی بارع موصوف به فضل و کمال و مشهور به قدس و تقوا می‌باشد تولد این عالم ربانی و دانشمند سبحانی در سال ۱۳۲۴ قمری واقع شده و پس از طی مقدمات مهاجرت به قم نموده و سطوح را نزد اساتید حوزه چون مرحوم میرزای همدانی و دیگران خوانده و پس از آن حاضر حوزه تدریس آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت گردیده و نیز از محضر آیات دیگر چون آیت‌الله خونساری و آیت‌الله صدر استفاده نموده و حدود ۱۸ سال هم از محضر آیت‌الله العظمی بروجردی بهره‌مند شده و اکنون از مدرسین عالی رتبه حوزه است که به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارند و در استخاره مهارت کاملی دارند و استخاره قرآن ایشان مجرب و شهرت بسزائی دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

فکور، کریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کریم فکور، در تاریخ پنجم اسفند ماه سال ۱۳۰۴ در مشهد متولد شد، دوران کودکی را در خانواده اهل ادب و فاضل خویش طی نمود و همین محیط پربار ادبی خانه موجب گشت تا وی خیلی زودتر از جوان‌های هم سن و سال خود وارد اجتماع گردد.

کریم فکور، شعر و شاعری را از سال سوم دبیرستان آغاز کرد و در سال ششم ادبی دبیرستان پانزده بهمن بود که عضویت ادبی دبیرستان را به عهده داشت و به کارهای هنری مختلفی نظیر: انتشار مجله، جلسات سخنرانی و شعر، ترتیب اجرای نمایشات فرهنگی و هنری و پس از آن نیز همکاری با مطبوعات و وارد عالم روزنامه‌نگاری گردید.

وی تحصیلات خود را تا سال سوم دانشکده حقوق دنبال کرد ولی هرگز خود را به معلومات رسمی دلخوش نکرد، بلکه با مطالعات فراوان شخصی بر وسعت دانش و معلومات خود افزود. وی سالها ریاست اداره انتشارات و آمار و بررسی‌های اقتصادی بانک بازرگانی (تجارت) را بر عهده داشت.

کریم فکور، از سال ۱۳۲۵ همکاری خود را با رادیو آغاز کرد و ضمن همکاری با رادیو، بنا به دعوت مدیران تئاتر تهران، ترانه‌هایی ساخت جهت اجرا در پیش پرده‌های این تئاترها ولی پس از چندی چون از این کار خود راضی نبود آنها را رها ساخت و به ساختن ترانه‌های نشاطانگیز و جدی پرداخت. از ترانه‌های جالب وی که بیش از همه مورد توجه واقع گشت باید از ترانه «یار بی‌وفا» با صدای جمشید شیبانی، با آهنگ مرحوم حسن رادمرد و دیگری به نام «مونس دل» که روی آهنگی محلی گذارده شده بود با صدای علی زاهدی– به طور کلی، کریم فکور حدود پانصد تصنیف و سرود ساخت که مشهورتری آنها: «خوشه‌چین»، «من نمی‌دانم چرا با تو خطا کرد»، «اشک شوق»، «گلنار»، «شب‌های تهران»، «نازنین من نشود رام دیگری»، «ساغر شکسته»، «غوغای

ستارگـان»، «آخرین ترانه»، «گـل میخک» و «نسیم»، می‌باشـد، ترانه «خوشه‌چین» از ترانه‌های دلنشین این شاعر می‌باشـد که از نظر گرامی خوانندگان می گذرد.

«خوشه‌چین»

من که فرزند این سرزمینم
در پی توشه‌ای خوشه‌چینم
شادم از پیشه‌ی خوشه‌چینی
رمز شادی بخوان جبینم
قلب ما بود مملو از شادی بی‌پایان
سعی ما بود بهر آبادی این سامان
خوشه‌چین کجا اشک محنت بدامن ریزد
خوشه‌چین کجا دست حسرت زند بر دامان
ای خوشا پس از لحظه‌ای چند آرمیدن
همره دلبران خوشه‌چیدن
از شعف گهی همچو بلبل نغمه‌خوان
گه از این سو به آن سو دویدن
در کشور سبزه و گل
با شور و شعف نغمه کن ساز
قلب ما بود مملو از شادی بی‌پایان
سعی ما بود بهر آبادی این سامان
خوشه‌چین کجا اشک محنت بدامن ریزد
خوشه‌چین کجا دست حسرت زند بر دامان

«چشم براه»

شد نغمه‌خوان مرغ سحر- چشمان من مانده بدر- قلبم گواهی می‌دهد که او نمی‌آید دگر
ای دل کجا رفته- چرا رفته- ز من راز خود نهفته
شب تا سحر یکدم- ز دست غم- دگر چشم من نخفته
تا نوای مرغ سحر برخیزد- جام صبرم ریزد- طاقت از جان من گریزد
بنامه او گرد فشانم- صد ره آن را خوانم- درد و غم با دلم ستیزد
بآن امیدم- که درآید- بخنده لب بگشاید- تا شاید عقده‌ها گشاید
روی مه بنماید- تا غم سرآید
کاش مه من خنده‌زنان- آنکه بود مونس جان
آید و دل گردد شاد و بی‌تاب- او بتابد بر من به ز مهتاب
بآن امیدم- که درآید- بخنده لب بگشاید- تا شاید عقده‌ها گشاید
روی مه بنماید- تا غمم سرآید
شد نغمه‌خوان مرغ سحر- چشمان من مانده بدر- قلبم گواهی می‌دهد که او نمی‌آید دگر
ای دل کجا رفته- چرا رفته- ز من راز خود نهفته
شب تا سحر یکدم- ز دست غم- دگر چشم من نخفته

«گلنار»

گلنار- گلنار- کجائی که از غمت ناله می کند عاشق وفادار
گلنار- گلنار- کجایی که بی‌تو شد دل اسیر غم دیده‌ام گهربار
گلنار- گلنار- دمی اولین شب آشنائی و عشق ما بیاد آر
گلنار- گلنار- در آن شب تو بودی و عشق و عشرت و آرزوی بسیار
چه دیدی از من- حبیبم گلنار- که دادی آخر- فریبم گلنار
نیابی ای کاش- نصیب از گردون- که شد ناکامی- نصیبم گلنار
بود مرا در دل شب تار- آروزی دیدار
تا به کی پریشان- تا به کی گرفتار
یا مده ترا- وعده وفا- راز خود نگه‌دار
یا بروی من- خنده‌ها بزن- قلب من بدست آر
چه دیدی از من- حبیبم گلنار- که دادی آخر- فریبم گلنار
نیابی ای کاش- نصیب از گردون- که شد ناکامی- نصیبم گلنار
لب خود بگشا- بسخن گلنار- دل زارم را- مشکن گلنار
نشوی عاشق- ز کجا دانی- چه کشد هر شب- دل من گلنار

«عشق‌آفرین»

عشق‌آفرین و فتنه‌گر و نازپروری
از هر کسی که فکر کنی دلرباتری
خوبان بی‌شمار در این شهر دیده‌ام
اما تو نازنین بخدا چیز دیگری
شیرین چو خاطرات دل‌انگیز عاشقان
هر فتنه همچو باده و خندان چو ساغری
اما هزار حیف که با این جمال و حسن
عاشق فریب و حادثه جوی و فسونگری
بگسست قید عالم و رام تو شد فکور
محبوب من، تو با همه عالم برابری

تولد: ۱۳۰۴.

درگذشت: ۷ شهریور ۱۳۷۵.

کریم فکور اهل شعر و آهنگسازی بود. مقالاتی را نیز ترجمه کرده است. پیکر وی در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فکور، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین فکور

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسین فکور در سال ۱۳۵۸ با شروع انقلاب اسلامی در ایران و علاقه به علوم حوزوی وارد حوزه علمیه شدم و به تحصیل پرداختم و مانند سایر محصلین و طلاب حوزه های علمیه به خواندن درسهای سطح پرداخته درا ین بین با شروع جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۱ به مدت یک سال تمام در جبهه ها حضور یافتم پس از آن مجددا به تحصیل ادامه دادم و از اساتیدی همانند آیات عظام سید محسن خرازی، ستوده، پایانی، موسوی تهرانی، اعتمادی و فیاضی در دروس سطح بهره بردم سپس به درس خارج پرداخته و از اساتیدی همانند آیت الله شیخ محمد علی اسماعیل پور شهرضایی، وحید خراسانی، شیخ جواد تبریزی و آیت الله بهجت بهره بردم در این بین در لجنه تحقیقاتی کتاب وزین جامع احادیث الشیعه که به امر آیت الله بروجردی در حال تالیف بود و تا سالیان اخیر نیز ادامه داشت به مدت چند سال شرکت کرده و از این لجنه استفاده فراوانی بردم با توجه به علاقه ذاتی به ادبیات و نویسندگی به مطالعه آثار ادبی نویسندگان بزرگ ایران و جهان پرداخته که این امر در ارتقای مساله نویسندگی در این جانب نقشی اساسی داشت در سالهای بعد با دعوت سردبیر مجلات کودک و نوجوان، پوپک و سلام بچه ها در آنجا به فعالیت پرداختم که این مساله تا کنون ادامه دارد. همزمان به تحصیل دانشگاهی در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه قم نیز پرداختم و در سال ۱۳۸۳ موفق به دفاع از پایان نامه خود با درجه عالی با عنوان خداشناسی در مکتب اهل بیت علیهم السلام شدم.

فکوری یزدی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد فرزند آقا حسین یزدی در سال ۱۳۲۴ه.ق، در احمد آباد اردکان و در خانواده‌ای مذهبی و مستضعف دیده به جهان گشود. پس از گذشت حدود بیست بهار از زندگیش، رهسپار حوزه علمیه قم شد و در مدرسه فیضیه اقامت گزید و با اشتیاق فراوان به تحصیل و تهذیب نفس پرداخت.وی بر اثر تفکّر زیاد در تحقیق مطالب و فهم مسائل، به لقب « فکور» معروف بودند. آن گونه که مشهور است، حضرت آیهٔ‌اللّه حائری(ره) ایشان را به این لقب خواندند» .گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : نام پدر شیخ محمد ، آقا حسین بود. تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ محمد کمتر از ۶سال داشت که جهت فراگرفتن قرآن مجید پای به مکتب گذاشت. به زودی کلام خدا را آموخت. چون درآمد مالی پدرش کفاف مخارج خانواده‌اش نمی‌کرد، نزد شخصی به نام حاج عبدالصمد وکیلی به شاگردی رفته و همزمان با کار، خواندن و نوشتن را نیز فراگرفت.بیشتر شبها با اجازه صاحب مغازه در همان مغازه می‌ماند تا با فراغت بیشتر به مطالعه ادامه دهد.استعداد سرشار و شوق آموختن سبب شد تا سرانجام به مدرسه علمیه اردکان راه بیابد و پس از طی تحصیلات مقدماتی، جهت ادامه تحصیل راهی یزد

شود.بـا مستمری انـدکی که حـاج عبدالصـمد در اختیـارش قرار می‌داد، توانست در مـدرسه عبـدالرحیم خـان یزد که رونق خاصـی داشت، به تحصـیل بپردازد. پس از گـذشت حـدود بیست بهار از زنـدگیش، رهسپار حوزه علمیه قم شد و در مدرسه فیضـیه اقامت گزید و با اشتیاق فراوان به تحصیل و تهذیب نفس پرداخت.استادان و مربیان : طی سالهای متمادی که شیخ محمد فکوری یزدی در حوزه پربرکت قم مشـغول تحصـیل بود، از محضـر استادان زیادی بهره‌مند گردید. بعضـی از آن آیات عظام عبارتند از:-۱حاج شیخ عبـدالکریم حائری یزدی، مؤسـس حوزه علمیه قم-۲سیـد محمد حجت کوه کمری-۳سید محمدتقی خوانساری-۴سید صدرالدین صدر-۵امام خمینی(ره)-۶ محمد علی قمی-۷سید شهاب الدین مرعشی نجفی-۸سید محمدرضا گلپایگانی.-۹سید حسین بروجردی طباطبایی.هم دوره ای ها و همکاران : شیـخ محمد فکوری یزدی در دوران تحصـیل بیشتر اوقات با شـهید محراب آیهٔ‌اللّه حاج شـیخ محمد صدوقی مباحثه می‌کرد.(۵) تا اینکه از مدرسین عالی رتبه حوزه علمیه شد و در صحن بزرگ حضرت معصومه (س)شروع به تدریس کرد.همسر و فرزندان : از شیخ محمد فکوری یزدی تنها یک دختر داشت.زمان و علت فوت : شیخ محمد فکوری یزدی در روز جمعه هشـتم ذیعقده سال ۱۳۹۴دیـده از جهـان فرو بست و در مقبره شـیخان قم، در جوار زکریا بن آدم اشـعری، سـمت شـرقی شیخان، بدن مطهرش به خاک سپرده شد.فعالیتهای آموزشـی : شیخ محمد فکوری یزدی در حدود ۱۸سال از محضر آیهٔ‌اللّه العظمی بروجردی بهره برد و به درجه اجتهـاد نایـل آمـد. وی به امر تـدریس خیلی اهمیت می‌داد. از این روی شـاگردان زیـادی در مکتبش تربیت شدنـد که اکثر آنان هنوز در قیـد حیات و مایه افتخار حوزه‌های علمیه‌انـد. بعضـی از شاگردان ایشان عبارتند از:آیهٔ‌اللّه شـهید حاج آقا مصـطفی خمینی(ره) که بخشـی از دروس فلسـفه و حکمت را از وی فرا گرفت. حاج سـید عباس خاتم یزدی، محمـدتقی مصباح یزدی، شـیخ حسین راستی، غلامرضا رضوانی خمینی و حاج سید جعفر کریمی و...سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شیخ محمد با روش خاصـی برای مراجعین اسـتخاره می‌کرد. نوعا جوابهایش درست بود. بدین سبب نیز شهره آفاق گردید و از خارج و داخل برای همین امر به وی مراجعه می‌کردند.آرا و گرایشـهای خاص : آیهٔ‌اللّه فکور، نسبت به امام خمینی علاقه زیادی داشت. در ایـامی که راه عتبـات عالیـات باز بود، آیـهٔ‌اللّه فکور سالی دو مرتبه به کربلا و نجف مشـرف می‌شـد، آنگاه هم که راه بسـته شـد، با زحمـات زیـادی از بیراهه‌هـا بـا راهنمـایی افراد خاصـی خود را برای زیـارت عتبات عالیات به نجف و کربلا می‌رسانـد و مـدتی هم می‌مانـد.وقتی به حرم اباعبداللّه (ع)مشـرف می‌شد، ساعت‌ها از حرم بیرون نمی‌آمد، به گونه‌ای مجذوب حرم می‌شد که متوجه هیچ کس نمی‌شد.عشق و علاقه‌ای خاص به امام حسـین (ع)داشت. گاه ساعت‌ها در صـحنِ حرم می‌نشـست و گنبد و بارگاه اباعبداللّه را می‌نگریست و نمی‌توانست از آن دل بکنـد و به خانه برگردد.خودش می‌گفت: « دوست روحانی متـدینی داشـتم که مـدتی پیش از دنیـا رفته بود، آرزو داشـتم او را در خواب ببینم و از احوال عـالم برزخ سؤال کنم و خبری بگیرم.این را هم می‌دانسـتم که بر اسـاس روایات: در روز قیامت پیامبر (ص)و ائمه معصومین (ع) و...شـیعیان را شـفاعت می‌کنند و از آن مهلکه‌ها نجات می‌بخشـند.آنچه که خـود آنهـا سـفارش کردنـد، ایـن اسـت کـه برای عـالم برزخ فکری بکنیـد. شـفاعت مـال روز قیـامت اسـت.به این جهت خیلی دلم می‌خواست بـدانم که چه عملی در عـالم برزخ به کـار می‌آیـد و انسـان را نجات می‌دهـد؟ تا اینکه شبی او را در خواب دیـدم؛ جلو رفتم، دسـتش را گرفتم و پرسیدم: در عالم برزخ چه عملی ارزش دارد و سبب نجات انسان می‌شود؟ ابتدا دستش را از من جدا کرد و عقـب عقـب رفـت، دویـدم گریبـانش را گرفتـم و گفتـم تـا جـوابم را نـدهی، رهـایت نمی‌کنم. گفت: « برای عـالم برزخ زیـارت اباعبـداللّه الحسـین (ع)را فراموش نکن» .از دیگر خصوصـیات بـارز ایشـان احترام بسیار به سادات بزرگوار و فرزنـدان اهل بیت (ع) خصوصا اهل علم آنها بود با تعظیم و تکریم زایدالوصفی با آنها روبرو می‌شد.

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱kz - /www.hawzah.net

فکوهی، ناصر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصر فکوهی درسال ۱۳۳۵ در شـهر تهران به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا درجه دکترای در کشور فرانسه در شهر پاریس به پایان رسانید. او همکاری حرفه ای خود را با مطبوعات و نشـریات تخصصـی در حوزه شـهرسازی آغاز کرد و هم اکنون مشـغول تدریس در دانشـگاه علوم اجتماعی دانشگاه تهران می باشد. حضور وی در همایش های داخلی و بین المللی و ارائه مقاله در این همایش ها و میز گرد ها از جمله فعالیتهای وی می باشد.گروه : علوم انسانی رشـته : جامعه شناسـی تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : کارشناسی جـامعه شناسـی، دانشـگاه پـاریس، فرانسـه، ۱۳۵۹ کارشناسـی ارشـد جـامعه شناسـی، دانشـگاه پـاریس، فرانسـه، ۱۳۶۱ دکـترای جدید(nouveau regime) جامعه شناسـی و انسان شناسـی سیاسـی، دانشگاه پاریس، فرانسه، ۱۳۷۳ عنوان رسـاله دکترا: مفهوم سیـاست در مزدیسـنای ساسانی، مصوب ۹ مـاه مه ۱۹۹۴، ارزشـیابی وزارت علوم و فنـاوری به تاریـخ بهمن ۱۳۷۳: دکترا در جـامعه شناسی و انسان شناسی سیاسی پایان‌نامهٔ دکترا برنده جایزه پژوهش بین المللی برگزیده سال، نخستین دوره، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۷۷ همسـر و فرزنـدان : ناصر فکوهی متاهل است.مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : مدیر گروه انسان شناسـی، دانشـکده علوم اجتماعی دانشـگاه تهران، ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵ دانشـیار گروه انسان شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ تا امروز اسـتادیار گروه انسان شناسـی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۳ سـردبیر مجله انجمن انسان شناسی ایران، نامه انسان شناسی، ۱۳۸۱ - ۱۳۸۴ مـدیر آگاهسـازی و پروژه هـای فرهنگی، معاونت امور انرژی وزارت نیرو، ۷۹-۱۳۷۴ همکاری حرفه ای با مطبوعات و نشـریات تخصصـی در حوزه شـهرسازی، فرهنگ، اقتصاد و توسعه، ۱۳۷۴ تـا امروز عضو هیات علمی گروه انسان شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ تا امروز عضو پیوسته گروه ارتباطات دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۱ عضو مؤسـس، عضو هیـات مـدیره و رئیس انجمن انسان شناسـی ایران ۱۳۷۹تا ۱۳۸۵ (دوره ریـاست ۱۳۸۴-۱۳۸۵)

عضـو انجمـن جـامعه شناسـی ایران، ۱۳۷۹ تـا امروز عضـو هیئـت مـدیره انجمـن جـامعه شناسی ایران،۱۳۸۵ تـا امروز عضـو انجمن روانشناسـی اجتماعی ایران، ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ عضـو شـورای علمی و مسئول بخش انسـان شناسـی در گروه علوم اجتمـاعی مرکز بین المللی گفتگوی تمـدن ها، ۸۱-۱۳۷۹ عضو شورای علمی پژوهشـکده مردم شناسـی سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۱ عضو و رئیس کمیسـیون پژوهش های کاربردی، معاونت پژوهشـی دانشگاه تهران، ۸۱-۱۳۸۰ عضو شورای علمی تحصـیلات تکمیلی، بنیاد ایرانشناسی، ۱۳۸۴ تـا امروز عضو شورای علمی مجلـهٔ "فرهنـگ و معماری" ، ۱۳۸۴ تـا امروز دبیری علمی همـایش های داخلی ۱- همایش فرهنگ لر، دانشـکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۲ ۲- نخستین همایش انسان شناسـی فرهنگی و اخلاق شهروندی، مرکز مطالعات فرهنگی شـهر تهران و انجمن جامعه شناسـی ایران، ۱۳۸۵ ۳- نخستین هم اندیشـی انسان شناسی هنر، فرهنگستان هنر جمهوری اسـلامی و انجمن جامعه شناسـی ایران، بهمن ۱۳۸۵. ۴- دومین همایش انسان شناسـی فرهنگی و اخلاق شـهروندی، مرکز مطالعـات فرهنگی شـهر تهران و انجمن جامعه شناسـی ایران، بهمن ۱۳۸۶ ۵- دومین هم اندیشـی انسان شناسـی هنر، فرهنگستان هنر جمهـوری اسـلامی و انجمن جـامعه شناسـی ایران، ۀذر ۱۳۸۶. سـردبیری ویژه‌نامه‌های علمی ۱- نشـریهٔ "خیال" ، شـمارهٔ ویژهٔ انسان شناسـی هنر، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی، زمستان ۱۳۸۴ ۲- نشـریهٔ " فرهنگ مردم"، شـمارهٔ ویژهٔ اسطوره ها و فلکلور شهری، زمستان ۱۳۸۴ ۳- نشریهٔ "اندیشهٔ ایرانشهر"، شمارهٔ ویژهٔ انسان‌شناسی شهری، دفتر پژوهش های فرهنگی، گروه شهر شناسی، زمستان ۱۳۸۶ فعالیتهای آموزشـی : تدریس در دروس کارشناسـی و کارشناسـی ارشد و دکترا را در دانشـگاه های همچون دانشـگاه شـهید بهشتی ،دانشـگاه علامه طباطبایی،دانشـگاه آزاد اسـلامی و دانشـگاه امام صادق را عهده دار بود. - دروس ارائه شده در دانشـگاه ها دوره کارشناسی ۱- مبانی جامعه شناسی، گروه ریاضی و آمار، دانشگاه شهید بهشتی،۱۳۷۴ ۲- جامعه شناسی کار و شغل، دانشکدهٔ علوم اجتمـاعی، دانشـگاه علامه طباطبـائی،۷۸ -۱۳۷۴ ۳- جـامعه شناسـی جهـان سـوم، دانشـکدهٔ علوم اجتمـاعی، دانشـگاه علامه طباطبائی، ۷۸-۱۳۷۴ ۴- مبـانی انسان شناسـی، دانشـکدهٔ علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ تـا امروز ۵- انسان شناسـی سیاسی، دانشکدهٔ علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ تا امروز ۶- انسان شناسـی شهری، دانشکدهٔ علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹ تا امروز ۷- فرهنگ و توسـعه، دانشـکدهٔ علوم اجتماعی ، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹ تا امروز ۸- نظریه های انسان شناسـی، دانشکدهٔ علوم اجتماعی، دانشـگاه تهران، ۱۳۷۸ تـا امروز ۹- تاریـخ انسان شناسـی، دانشـکدهٔ علوم اجتماعی، دانشـگاه تهران، ۱۳۸۱ تـا امروز ۱۰- اصول علم سـیاست، دانشـکدهٔ علوم اجتماعی، دانشـگاه تهران، ۸۲-۱۳۷۹ ۱۱- فرهنـگ و ارتباطات، دانشـکدهٔ فرهنگ، ارتباطات و معارف اسلامی. دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۴ تا امروز دوره کارشناسی ارشد ۱- جامعه شناسی انقلابات، مرکز تحصیلات تکمیلی تهران، دانشـگاه آزاد اسـلامی، ۷۸-۱۳۷۴ ۲- انسان شناسـی سیاسـی، دانشـکدهٔ علوم اجتماعی، دانشگاه تهران،۸۱-۱۳۷۸ ۳- انسان شناسی سیاسی ایران، دانشکدهٔ علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱ تا امروز ۴- نظریه های کلاسیک انسان شناسی، دانشکدهٔ علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۸۱-۱۳۸۰ ۵- نظریه های جدید انسان شناسی، دانشکدهٔ علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹ تا امروز ۶- ارتباطات بین فرهنگی، دانشـکدهٔ علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۸۲-۱۳۸۰ ۷- سمینار مردم شناسی(درس مشترک)، دانشکدهٔ علوم اجتماعی، دانشـگاه تهران، ۸۲-۱۳۸۰ ۸- برنـامه ریزی امور فرهنگی، دانشـکدهٔ علوم اجتمـاعی دانشـگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۳ ۹- انسان‌شناسـی شهری ایران، دانشکدهٔ علوم اجتماعی ، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴ تا امروز ۱۰- مباحث ویژهٔ فرهنگی ، بنیاد ایران شناسی ، ۱۳۸۴ تا امروز دورهٔ دکترا ۱- انسان‌شناسی فرهنگی(پیش نیاز دکترا) ، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۳. مراکزی که فرد از بانیان آن به شـمار می آیـد : ناصر فکوهی موسـس انجمن انسـان شناسـی ایران درسال ۱۳۷۹ تـا ۱۳۸۵ می باشـد.سـایر فعالیتهـا و برنامه های روزمره : از دیگر فعالیتهای ناصـر فکوهی می توان به موارد زیر اشاره کرد : ۲۶ راهنمایی و مشاوره پایان نامه های کارشناسی ارشد در دانشـکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران ۱۷ راهنمـایی و مشاوره پایان نامه های سایر دانشـگاه ها ۸ راهنمـایی و مشاوره پایان نامه هـای کارشناسـی در دانشـکده علوم اجتماعی دانشـگاه تهران فعالیت در ۱۴ کارگـاه آموزشـی دبیری علمی ۵ همـایش های داخلی سردبیری ۳ ویژهنامه های علمیجوائز و نشانها : پایاننامـهٔ دکترا برنـده جایزه پژوهش بین المللی برگزیـده سال، نخستین دوره، وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی شـد.از دیگر افتخارات ایشان می توان به انتخاب کتاب" گستره علوم انسانی "به عنوان کتاب برگزیده سال در دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۳ اشاره کرد.چگونگی عرضه آثار : از آثار ناصـر فکوهی و فعالیتهای او می توان به موارد زیر اشاره کرد: حضـور در ۴۴ سـخنرانی علمی ترجمه ۱۳ اثر بـه صـورت انفرادی ترجمه ۳اثر به صـورت دست جمعی (سـرپرستی ویرایش و ویرایش هـای علمی) ۱۷مقـاله در خصوص مقالـات علمی-پژوهشـی ۱۹ مقالـات بـه زبـان هـای انگلیسـی و فرانسه ۱۳ طرح هـای پژوهشی ۲۸مقـاله در همایش های داخلی ۲۷مقـاله در همـایش های بین المللی ۱۳ نقـد کتاب ۶۸ مقـاله در زمینه مسائل اجتماعی- فرهنگی توسعه و اقتصاد ۵۳ مصاحبه های اختصاصی با مطبوعات ۸ گفت و گوی ناصر فکوهی با اندیشمندان ۲۹ ترجمه مقالات و گفتگوها ۱۴ میزگرد ۱۰۲ مقاله در زمینه انسان شناسی، هنر و فرهنگآثار : از فرهنگ تا توسـعه، مسائل توسـعه سیاسـی، اجتماعی و اقتصـادی در ایران، ویژگی اثر : تهران، انتشـارات فردوس، ۱۳۷۸۲ اسـطوره شناسـی سیاسی، ویژگی اثر : تهران، انتشارات فردوس۳ افسانه های شـرقی، ویژگی اثر : ترجمه، مارگارت یورسـنار، (چاپ نشده) ۴ امپراتوری نشـانه ها، ویژگی اثر : ترجمه، رولان بارت، تهران، نشـر نی، ۱۳۸۳ ۵ انسـان شناسـی سیاسـی، ویژگی اثر : ترجمه، کلـود ریـویر، تهران، نشـر نی، ۱۳۸۲۶ انسان شناسـی شهری، ویژگی اثر : تهران، نشـر نی، ۱۳۸۳.۷ پاره های انسا ن شناسـی، ویژگی اثر : نشر نی، ۱۳۸۵۸ تاریخ اندیشه و نظریات انسان شناسی، ویژگی اثر : تهران، نشـر نی، ۱۳۸۱۹ توسـعه سیاسـی، ویژگی اثر : تهران، نشـر قطره، ۱۳۷۹۱۰ جـامعه مـدنی و جوانان ویژگی اثر : تهران، نشـر قطره، ۱۳۷۸۱۱ حاکمـان، مبـارزه طبقـاتی در شـوروی، ویژگی اثر : ترجمـه، شـارل بتلهـایم، تهران، نشـر نی، ۱۳۸۱ ۱۲ خـاطرات جوانی، ویژگی اثر : ترجمه، رومن رولان، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۶۹۱۳ خشونت سیاسی، نظریات، مباحث، اشکال و راهکارها، ویژگی اثر : تهران، نشر قطره، ۱۳۷۸۱۴ خط قرمز، آزادی و حدود آن، ویژگی اثر : تهران، نشر قطره، ۱۳۷۸۱۵ در آمدی بر انسان شناسـی تصویری و فیلم اتنوگرافیک ویژگی اثر : ترجمه، تهران نشـر نی، (در دست چاپ) ۱۶ در هزارتوهای نظم جهانی، ویژگی اثر : گفتارهـایی در مسائـل توسـعه فرهنگی و اقتصادی، نشـر نی، ۱۳۸۴۱۷ درآمـدی بر انسان شناسـی، ویژگی اثر : ترجمه، کلود ریویر، تهران،نشـر نی، ۱۳۷۹ ۱۸ زن و فرهنگ، ویژگی اثر : در بزرگـداشت مارگارت میـد، تهران، پژوهشـکدهٔ مردم شناسـی

سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۳۱۹ زندگانی تولستوی، ویژگی اثر : ترجمه، رومن رولان، مشهد، انتشارات دانش،۱۳۶۴ ۲۰ سال های گورباچف، مؤخره ویژگی اثر : ترجمه، شارل بتلهایم بر ترجمه فارسی حاکمان و محکومان، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱ ۲۱ فرهنگ انسان شناسی فرهنگی‌واجتماعی، ویژگی اثر : ترجمه، سرویراستارومترجم‌همراه گروه مترجمان، تهران، نشر نی(دردست چاپ) ۲۲ فرهنگ و انسان شناسی (در دست چاپ) قرن روشنفکر ان، ویژگی اثر : تهران، هرمس، ۱۳۷۹۲۴ قوم شناسی سیاسی، ویژگی اثر : ترجمه، رولان برتون، تهران، نشر نی،۱۳۸۰ ۲۵ گستره اسطوره، ویژگی اثر : تهران، نشر هرمس، ۱۳۸۲ ۲۶ گسترهٔ علوم انسانی،ترجمه به همراه جلال الدین رفیع فر و مرتضی کتبی، ویژگی اثر : ترجمه، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲(برنده کتاب سال دانشگاه تهران، ۱۳۸۳) . ۲۷ گفتمان انسان شناسی(در دست چاپ) ، محکومان، مبارزه طبقاتی در شوروی، ویژگی اثر : ترجمه، شارل بتلهایم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱ ۲۹ مفهوم سیاست در مزدیسنای ساسانی، ویژگی اثر : مصوب ۹ ماه مه ۱۹۹۴، ارزشیابی وزارت علوم و فناوری به تاریخ بهمن ۱۳۷۳: دکترا در جامعه شناسی و انسان شناسی سیاسی۳۰ موندو و داستان های دیگر، ویژگی اثر : ترجمه، ج. لوکلزیو، (چاپ نشده) ۳۱ نشانه شناسی سیاسی مزدیسنای ساسانی، تهران، نشر نی، (در دست چاپ) ، همسازی و تعارض هویتی(در دست چاپ) ، هنر و تاریخ، مقالاتی در زیباشناسی، ویژگی اثر : ترجمه، اوکتاویو پاز، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۴ ۳۴ یک نظریه علمی درباره فرهنگ،برونیسلاو مالینوفسکی، ویژگی اثر : ترجمه، ویرایش و مقابله علمی و نگارش مقدمه، تهران، انتشارات آوا، ۱۳۸۰

منابع زندگینامه :تکمیل پرسشنامه توسط دکتر ناصر فکوهی بنا به درخواست واحد آموزش بنیاد ایرانشناسی–زمستان ۱۳۸۴

فگار شیرازی، لطفعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۶ ق)، فقیه، اصولی و شاعر، متخلص به فگار. پس از تحصیل مقدمات در خدمت حاجی محمد حسن قزوینی به تکمیل علم فقه و اصول پرداخت و به درجه‌ی اجتهاد رسید. وی در خوشنویسی و سرودن انواع شعر مهارت داشت. در شیراز از دنیا رفت. اثر وی «دیوان» شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۳۸۳ –۱۳۸۱ / ۲)، الذریعه (۸۴۴ / ۹)، طرائق الحقائق (۳۴۸ –۳۴۷ / ۳)، فارسنامه ناصری (۹۴۲ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۱۸)، مرآت الفصاحه (۴۸۳ –۴۸۲)، مکارم الآثار (۱۸۴۵ / ۵).

فگاری، مراد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به فگاری. در زمان شاه‌طهماسب (۹۸۴ –۹۳۰ ق) می‌زیست و از اعیان دربار وی به شمار می‌رفت. او سرکرده‌ی طبقه‌ی سلطان حیدریان در دربار صفویه بود. به گفته‌ی صادقی کتابدار وی در جوانی به علت پاره‌ای از اعمال نامناسب به چشم‌زخم عجیبی دچار شد، و به توضیح «تاریخ نظم و نثر» وی در زمان شاه‌اسماعیل دوم (۹۸۵ –۹۸۴ ق) به دست پیره محمدخان کور گردید. فگاری به فارسی و ترکی شعر می‌سرود و در انواع آن مهارت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۹۵)، الذریعه (۸۴۴ / ۹)، مجمع الخواص (۳۱ –۳۰).

فلاح تفتی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا فلاح تفتی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

پدرم اصالتا اهل یزدند؛ تفت یزد. اما پیش از انقلاب برای تحصیل علوم حوزوی به قم آمدند و چنین شد که من شدم قمی. ابتدایی را در مدرسه خدیوی و راهنمایی را در مدرسه علامه حلی و دبیرستان را در هدایت گذراندم. سال ۷۶ دیپلم ریاضی گرفتم. معدلم ۹۸/۱۸ بود. دبیران مدرسه تشویقم می کردند که دانشگاه بروم .اما من می خواستم در فضای حوزه رشد کنم.فضای خانواده و بویژه

شخصیت پدرم مرا شیفته حوزه کرده بود. همان سال وارد حوزه شدم و در مدرسه معصومیه درس را شروع کردم.مقررات مدرسه سرعت بیش از حد را اجازه نمی داد ولی با استفاده از تبصره ها و الحاقیه ها پنج ساله دروس مقدمات را گذراندم و سال ۸۱ وارد دروس سطح شدم. سال ۸۴ هم آخرین امتحان شفاهی پایه ده را دادم و از همان سال وارد دروس خارج شدم که این مقطع هم چنان جاری است.

فلاح رزومی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی فلاح رزومی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای علی فلاح رزومی در سال ۱۳۴۳ در خانواده‌ای دوستدار اهل بیت (ع) دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدائی، راهنمایی و متوسطه را در ساری گذرانده و در سن ۲۰ سالگی برای تحصیل علوم دینی به مشهد مهاجرت کردند نامبرده در کنار دروس حوزوی به تحصیل دروس دانشگاهی نیز پرداخت و در سال ۱۳۷۸ در مقطع ارشد رشته فلسفه و کلام از دانشگاه فردوسی مشهد فارغ التحصیل گشته و هم اکنون نیز در مقطع دکترا در حال تحصیل می‌باشند. ایشان همزمان با تحصیل، حوزه درسی را دایر کردند و به تربیت طلاب و دانشجویان پرداختند. ایشان ادبیات عرب را نزد حجت الاسلام و المسلمین رازینی و شرح لمعه را نزد آیت الله صالحی آموختند سپس مکاسب را نزد آیت الله واعظی و کفایه را نزد آیت الله رضازاده تلمذ کردند، پس از آن مدت مدیدی در درس خارج فقه و اصول آیت الله فلسفی شرکت کردند و نامبرده سفرهای متعدد تبلیغی نیز به خارج از کشور داشته‌اند که برخی از آنها را می توان چون عربستان و نامبیا نام برد.

فلاح زاده، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین فلاح زاده

محل تولد : ابرکوه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیّد حسین فلاح زاده متولد سال ۱۳۴۲ شمسی می باشم . دوران نوجوانی و قسمتی از دوران جوانی ام را در زادگاهم گذراندم . به هنگام وقوع انقلاب اسلامی سال سوّم دوره راهنمایی را می گذراندم. بسیاری از شعارهای انقلاب را در آن سالها در همان مقطع یادداشت کرده ام که امیدوارم بتوانم روزی آنها را انتشار دهم. پس از اخذ دیپلم تجربی در سال ۱۳۶۰علیرغم علاقه ای که به علوم فنی و مهندسی داشتم، به سبب آشنایی با چهره های برجسته ای از روحانیت همچون حضرت امام (ره) و شهید بهشتی تحت تاثیر قرار گرفتم و لذا جهت تحصیلات دینی به قم آمدم و به تحصیل دروس حوزوی پرداختم. در کنار آن به سبب پاره ای مطالعات که در علوم انسانی بخصوص تاریخ داشتم، چند سالی را با مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهران همکاری می کردم. پس از آن در سال ۱۳۶۷ پس از شرکت در کنکور سراسری وارد رشته تاریخ دانشگاه تهران شدم. به دنبال اتمام مقطع کارشناسی، در کنار تداوم دروس حوزوی، تحصلات دانشگاهی را نیز ادامه دادم. در سال ۱۳۷۴ کارشناسی ارشد را به اتمام رساندم و در همان سال به عنوان عضو هیات علمی در گروه تاریخ مؤسسه آموزش عالی باقر العلوم (ع) مشغول شدم که تا کنون نیز ادامه دارد. در سال ۱۳۷۹ در رشته تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شهید بهشتی در مقطع دکتری پذیرفته شدم و هم اکنون در مرحله دفاع از پایان نامه و فارغ التحصیلی می باشم. در مؤسسه باقر العلوم (ع) عضو هیات تحریریه فصلنامه تاریخ اسلام نیز هستم و چندین سال مدیریت گروه را برعهده داشته ام. در دانشگاهها و مراکز دیگری چون دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، مرکز تخصصی

تاریخ حوزه علمیّه قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، دانشگاه اهل البیت (ع) نیز در مقطع کارشناسی و ارشد به تدریس اشتغال داشته و پژوهشهایی را انجام داده ام. علاوه بر این از طراحان و مؤسسین انجمن تاریخ پژوهان حوزه نیز بوده ام که خود منشأ شکل گیری انجمنهای علمی دیگری در حوزه گردید. در طراحی و تنظیم واحدها و سرفصلهای مرکز تخصصهای تاریخ حوزه نیز فعال بوده و چندین ترم نیز در آن مرکز پس از راه اندازی تدریس داشته ام. هم اکنون نیز علاوه بر مدیریت گروه تاریخ مؤسسه، مدیر گروههای تاریخ دانش نامه قرآن شناسی و دانش نامه و فرهنگ فاطمی (س) نیز می باشم و با گروه تاریخ پژوهشگاه فرهنگ نیز همکاری دارم.

فلاح زاده، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین فلاح زاده

محل تولد : ابرکوه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۴ ه.ش دروس حوزوی را در مدرسه علمیه حکیم شیراز که زیر نظر شهید محراب، آیت الله سید عبدالحسین دستغیب اداره می شد شروع کردم. یک سال بعد به قم آمدم و در مدرسه منتظریه (معروف به حقانی) که به مدیریت شهید آیت الله قدوسی اداره می شد، مشغول به تحصیل شدم. دروس سطح را خدمت اساتید محترم آن مدرسه و برخی دیگر از اساتید حوزه به پایان رساندم. در سال ۱۳۵۹ دروس دبیرستان را به طور جهشی به صورت شبانه در کنار دروس حوزه امتحان دادم و دیپلم اقتصاد گرفتم. پس از دروس سطح، درس خارج فقه و اصول را به مدت بیش از ده سال خدمت اساتید بزرگ حوزه علمیه قم گذاراندم. در کنار دروس فقه و اصول، علوم حدیث، منطق و فلسفه و کلام را نیز به طور متداول در حوزه خدمت اساتید این فن فرا گرفتم. از سال ۱۳۵۸ تحقیق، بازنگری، بازنویسی و تدریس احکام دین را به صورت تخصصی آغاز کردم، تمام ابواب فقه را به سبک جدید بازنویسی و تنظیم و دسته بندی کردم و در کنار آن تدریس احکام را در مدارس علمیه قم و برخی از دانشگاهها آغاز کردم که این روش جدید آموزشی مورد استقبال قرار گرفت و در نتیجه، نگاشته های خود را برای استفاده بیشتر علاقه مندان به چاپ رساندم که با عنایت الهی تا کنون بیش از ۲۰ نمونه آن منتشر شده و برخی از آنها در تیراژ بسیار گسترده مورد استفاده قرار گرفته است. اکنون نیز به امر تبلیغ و نگارش و نیز تحصیل مسائل دینی مشغول و از خدای بزرگ آرزوی توفیق و قبولی اعمال و حسن عاقبت را دارم. انه ولی التوفیق

فلاح شیروانی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا فلاح شیروانی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر دوره های دبستان و راهنمایی را در شهرک خزانه تهران در مدارس دینی مناسبی گذراندم و دوره دبیرستان را در مدرسه نمونهٔ دولتی رشد (ظاهراً اولین مدرسه نمونه دولتی آن زمان- تأسیس ۱۳۶۴) گذراندم (ورودی دوره اول آن بودم) این مدرسه هم محصول خوبی داشت. و همین تأثیرات چشمگیری روی چند منطقه جنوب شهر گذاشت. پس از دیپلم در سال ۶۸ در رشته مخابرات دانشگاه صنعتی شریف مشغول تحصیل شدم. منتها اندیشه ای که یکبار سال چهارم دبیرستان سر کوبش نموده بودم دوباره سراغم آمد و این بار جدی تر و تحلیلی تر گریبانم را گرفت. به طور جدی به این می اندیشیدم که آیا باید ادامه تحصیل در رشته مهندسی بدهم یا به حوزه بروم. مخالفتها متنوع و همه جانبه بود و موافقین برخی عاطفی برخورد می کردند و برخی تحلیلهایشان ضعیف بود. پس از چند ماه تحقیق و حتی سکونت چند ماهه در قم جهت تحقیقی در این باب بالاخره تصمیم خود را قاطعانه گرفتم و در سال ۷۱ پس از انصراف از دانشگاه وارد حوزه شدم. در عرض سه سال تا چهار سال پایه ده ۱۰ حوزه را گذراندم (سال ۷۴ تخصصی های پایه ده و درسال ۷۵ عمومیها را امتحان دادم. از سال ۷۴ به درسهای خارج سرزدم. از همان سال اول به دروس معقول علاقه ای ویژه داشتم لذا در کنار ادبیات عرب و حلقات شهید صدر المنطق را هم (پس از مطالعه دقیق

آموزش منطق غرویان و مباحثه مفصل آن) تمام کردم و کتاب «آشنایی با فلسفهٔ» شهید مطهری و «علم چیست، فلسفه چیست» را نیز خواندم. تابستان همان سال اول (۷۲) با کتاب در آمدی بر آموزش فلسفه آقای غرویان و در محضر آقای معلمی رسماً دوره فلسفه را شروع کردیم و پس از آن در سال دوم آموزش فلسفه را با ایشان ادامه دادیم و تا انتهای همان سال (۷۲) هر دو جلد را تمام کردیم پس از آن به مطالعاتی در باب فلسفه غرب رو آوردیم که به صورت کامل پیگیری نشد و در سال بعد نهایه را با نظارت جناب استاد فیاضی و برگزاری جلسات مرتب رفع اشکال توسط ایشان گذراندم. پس از آن به جهت فشار دروس اصول و فقه و اصرار بر اتمام سطح ۲ سیر فلسفی مدتی متوقف شد. در سال ۷۶ در کنار دروس فقه و اصول دوره اشارات(حکمت) را با نوارهای آیت الله حسن زاده حفظه الله شروع کردم و پس از آن «اسفار اربعه» را با نوارهای آیت الله جوادی حفظه الله مطالعه کردم. از سال ۷۷ دروس عرفان نظری با کتاب «تمهید القواعد» توسط استاد یزدان پناه حفظه الله شروع شد که توفیق شرکت مستمر در آن و پس از آن «شرح فصوص الحکم» مرحوم قیصری و در کنار آن دروس حکمهٔ الاشراق و جلسات فلسفهٔ بود. دروس فقه و اصول پس از پایهٔ ۱۰ با حضور در کلاسهای آیت الله تبریزی و بهجت حفظهم الله حجهٔ الاسلام و المسلمین مددی و تحریری و همچنین حجهٔ الاسلام شیخ صادق لاریجانی ادامه پیدا کرد؛ تا سال ۸۲ که با پذیرفتن مسؤولیت بخش شهید بهشتی (فارغ التحصیلان دانشگاهی که به حوزه آمده بودند) در مدرسه معصومیه، کلاً برنامه های علمی بنده متوقف شد. پس از استعفا از مسؤولیت آن بخش در سال ۸۴ دوباره برنامه دروس عرفانی و فلسفی و تحقیقات تربیتی پی گرفته شد. همزمان با استعفا از دو گروه پژوهشی اخلاق و تربیت در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی مشغول شدم. سال تحصیلی ۸۶ ـ ۸۷ معاونت پژوهشی مدرسهٔ معصومیه را پذیرفتم و در زمستان همان سال (۸۶) گروه پژوهشی «اخلاق و عرفان» را به کمک تعدادی از دوستان در پژوهشکدهٔ علمی ـ کاربردی باقرالعلوم ع وابسته به سازمان تبلیغات طراحی و تأسیس کردیم. دغدغهٔ ما در این گروه پژوهشی فعال کردن تحقیقات کاربردی در حوزهٔ اخلاق و عرفان توسط پژوهشگران توانمند این عرصه بود.

فلاح نژاد، عبدالحمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحمید فلاح نژاد

محل تولد : خرم آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۷وارد حوزه علمیه کمالیه خرم آباد شدم و دروس مقدماتی را همراه با سال سوم راهنمائی شروع کردم درسال ۵۸ به مدرسه علمیه ولی عصر (عج) بروجرد عزیمت کردم. در سال ۵۹ به حوزه علمیه مقدسه قم منتقل شدم ابتدا در مدرسه امام صادق (ع) و سپس در مدرسه حجتیه مستقر شدم در سال ۶۰ وارد مدرسه آیت الله گلپایگانی شدم و تا لمعتین را در آن مدرسه بودم سپس وارد درسهای عمومی حوزه شده وتا سال ۱۳۶۸ دوره سطح عالی گذراندم. در سال ۶۸ در درس اصول آیت الله فاضل لنکرانی شرکت کردم و ازسال ۶۹ در درس فقه آیت الله تبریزی و به مدت ۲سال در درس فقه و اصول آیت الله مکارم شیرازی و از سال ۷۲ تاکنون دردرس خارج فقه واصول آیت الله وحید خراسانی حضور می یابم. جلد۱اسفار اربعه ملاصدرا را از محضر آیت الله جوادی آملی و مجلات ۲ تا ۹ اسفار را از محضر آیت الله ممدوحی استفاده بردم. در سال ۷۰ به صورت داوطلب آزاد دیپلم فرهنگ و ادب گرفتم در سال ۷۶ در دوره تخصصی تبلیغ حوزه قم شرکت کرده ودر سال ۸۰این دوره را به پایان رساندم ودر حال حاضر مشغول تدوین پایان نامه سطح ۴حوزه تحت عنوان شیوه جدال احسن در تبلیغ دین می باشم. در سال ۸۰ در کنکور دانشگاه آزاد مقطع کارشناسی ارشد شرکت کردم و بارتبه دوم در رشته فلسفه و حکمت اسلامی پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۲ این مقطع را به پایان رساندم و پایان نامه ای تحت عنوان مبانی ولایت از دیدگاه امام خمینی (ره) به نگارش در آوردم . از سال دوم طلبگی تدریس دروس مقدماتی را آغاز کردم و در سال ۷۴ در دانشگاه مشغول تدریس شدم که هم اکنون نیز ادامه دارد در سال ۷۵ در مدارس تحت پوشش حوزه علمیه قم تدریس ادبیات عرب شدم و سپس فقه و اصول را شروع کردم از سال ۸۰ تاکنون نیز دروس سطح عالی حوزه را تدریس می کنم. چند مقاله در موضوعات ارتداد ولایت فقیه امام خمینی و فلسفه تخطئه و تصویب در نظر مذاهب اسلامی به رشته تحریر در آوردم که بعضی از آنها را در اختیار بعضی مجلات قرار داده ام هم اکنون در حال تدریس در حوزه و دانشگاه می باشم.

فلاح، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن فلاح احمد چالی

محل تولد : بابل

شهرت : فلاح بابلی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای حسن فلاح احمدچالی در سال ۱۳۴۲هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان بابل دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۵ و در اوج خفقان حاکم بر کشور از سوی حکومت ستمگر و ظالم شاهنشاهی خصوصا با فشار مضاعف بر حوزه های علمیه وارد حوزه علمیه بهشهر گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. پس از مدتی به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه (سلام الله علیها) رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۲ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله مکارم، مرحوم آیت الله فاضل، آیت الله منتظری، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته عرفان اسلامی در مقطع دکترا از دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات فارغ التحصیل گردید. پس از طی تحصیلات جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت. وی هم اکنون در دانشگاه آزاد اسلامی شهرستان بابل به امر تدریس اشتغال دارد. درطول حیات علمی خویش به امر نگارش و پژوهش پرداخته است و آثاری از قبیل" صبر و استقامات"و"روش تحقیق و تألیف"را به رشته تحریر در آورده است.

فلاح، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد فلاح سلوکلائی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۴

زندگینامه علمی

مشخصات فردی: محمد فلاح سلوکلایی ـ تاریخ تولد ۴/۱/۱۳۴۹ ـ شهرستان ساری

سابقه تحصیلات:

از دبستان تا پایان دبیرستان را در شهرستان ساری گذراندم.

سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه معصومیه سلام‌اللهعلیها مشغول تحصیل شدم.

در سال ۱۳۷۱ ملبس به لباس روحانیت شدم.

در سال ۱۳۷۲ برای انجام خدمت سربازی به خدمت رفتم و به عنوان مربی عقیدتی ـ سیاسی در پادگان ولی‌عصرعجل‌اللهفرجه شهرستان ساری مشغول بودم و در سال ۱۳۷۴ مجدداً به قم بازگشتم.

در سال ۱۳۷۹ دروس سطح را تمام کرده و وارد دروس خارج فقه و اصول شدم.

بعضی از اساتیدی که از محضرشان بهره‌مند شدم: حجج اسلام موحدی، علیدوست، رضوانی و آیات عظام: وحید خراسانی، مکارم شیرازی و صالحی مازندرانی.

در سال ۱۳۷۸ وارد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس‌سره شده و در رشته حقوق مشغول تحصیل شدم و در سال ۱۳۸۳ مقطع کارشناسی را به پایان رساندم.

در همان سال در مقطع کارشناسی ارشد حقوق عمومی در مؤسسه پذیرفته شده و در سال ۱۳۸۸با معدل کل ۲۱/۱۸ فارغ‌التحصیل شدم. موضوع پایان‌نامه «سازوکارهای نظارت بر حکومت در اسلام و لیبرال‌دموکراسی» بود که با نمره ۲۰ دفاع نمودم و به عنوان دانش‌پژوه ممتاز معرفی شدم.

بعضی از اساتیدی که از محضرشان بهره‌مند شدم: آیت‌الله کعبی، آیت‌الله عمید زنجانی، دکتر کدخدایی، دکتر مکرمی، دکتر راعی.

سابقه کار و فعالیت:

در سال ۱۳۶۶ به جبهه اعزام شدم و نزدیک به شش ماه در جبهه حضور داشتم.

از همان سال‌های آغازین طلبگی برای تبلیغ به شهرستان‌های مختلف و نیز به چند دانشگاه اعزام شدم.

در سال ۱۳۸۶ به مدت دو ماه معاون آموزش مرکز تخصصی حقوق و قضای اسلامی بودم. از ۱/۲/۸۷ تا۱/۲/۸۸ نیز به عنوان مدیر آموزش نیمه‌حضوری مؤسسه اشتغال داشتم.

چند سالی هم به عنوان کارشناس در واحد مشاوره معاونت فرهنگی نهاد رهبری در دانشگاه و نیز در مرکز مطالعات فرهنگی حوزه مشغول بوده و به سؤالات مختلف در حوزه حقوق زن، فلسفه احکام، حکومت اسلامی و حقوق و سیاست، پاسخ می‌دادم.

چند ترم هم به تدریس «اخلاق اسلامی» در دانشگاه و نیز «درآمدی بر نظام ارزشی و سیاسی اسلام» در طرح ولایت دبیران و دانشجویی مشغول بودم.

مقالات چاپ شده:

حکمت‌های تفاوت قصاص مرد و زن در اسلام. این مقاله در مجله معرفت شماره ۸۵ چاپ شد؛ این مقاله در همایش حقوق زن در دانشگاه مازندران نیز ارائه شد؛

سیمای کارگزاران دولت اسلامی از منظر امام علی علیه‌السلام. این مقاله در مجله معرفت شماره ۹۳ به چاپ رسید؛

تهاجم فرهنگی و راه‌های مبارزه با آن از منظر قرآن و نهج‌البلاغه. این مقاله در شش شماره در هفته نامه پرتوسخن چاپ شد. (شماره‌های ۱۲۵ به بعد).

فلاحتی رستگار، ماهرخ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: گیاه‌پزشکی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

فلاحتی، احمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمدحسین فلاحی

محل تولد : سربند اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدائی را در زادگاهم در یکی از روستاهای سربند اراک سپری و در سال ۱۳۶۷ با مدرک سیکل وارد حوزه علمیه اراک و همزمان تا دیپلم تحصیلات را ادامه دادم در سال ۱۳۷۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح را در محضر اساتیدی همچون مرحوم شیخ حسن تهرانی، موسوی تهرانی، بیگدلی ، فقیهی، آل غفور و .... گذراندم و در سال ۱۳۷۶ وارد درس خارج و از محضر حضرات آیات: آیهٔ الله سبحانی، مکارم شیرازی، جوادی آملی، وحید خراسانی و سید احمد خاتمی بهره مند شدم. یک دوره درس خارج اصول را از محضر آیت الله سبحانی و ۸ سال خارج فقه آیت الله مکارم و ۲ سال خارج فقه آقای خاتمی و مدتی کمتر از یک سال هم از محضر حضرات آیات جوادی آملی و وحید خراسانی بهره بردم. در سال ۷۶ همزمان با درس خارج وارد موسسه کلام اسلامی شدم و دوره سطح ۴ را در آنجا سپری کردم و از محضر اساتید بزرگواری چون آیت الله سبحانی و ربانی گلپایگانی بهره مند شدم با فارغ التحصیل شدن از آنجا همزمان با تدوین پایان نامه سطح ۴ دوره تخصصی مذاهب اسلامی و اهمیت اطلاعات بیشتر در سطح ۳ گذراندم و مدت دو سال بعنوان پژوهشگر با مرکز مطالعات حوزه و موسسه مذاهب و موسسه تنظیم آثار امام همکاری داشتم. با دفاع از پایان نامه در سال ۱۳۸۵ وارد دانشگاه پیام نور شدم و با عضویت هیئت علمی تاکنون در استان همدان مشغول فعالیت بوده و از حوزه علمیه همدان هم در سطح حوزه مشغول تدریس می باشم.

فلاحتی، رسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رسول فلاحتی

محل تولد : صومعه سرا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب رسول فلاحتی فرزند معصوم متولد سال ۱۳۴۲ شمسی در یکی از روستاهای شهرستان صومعه سرا در سال ۱۳۵۷ با معدل ۱۷ و اندی در دبیرستان بازرگانی رشت سال اول دبیرستان را سپری کردم و با شروع سال تحصیلی ۱۳۵۸ وارد حوزه مقدسه قم شدم و دوم دبیرستان را در این شهر خواندم البته همراه با دروس حوزه. دروس مقدمات را در مدرسه امام صادق (علیه السلام) به اتمام رسانده و شرح لمعه را نزد حضرات آیات وجدانی فخر قدس سره، اشتهاردی و شب زنده دار و اصول فقه را از آیت الله صالحی بهره بردم. رسائل شیخ اعظم را از استاد آیت الله اعتمادی و مکاسب را از حضرات آیات صلواتی، بنی فضل و دوزدوزانی استفاده بردم. کفایه جلد اول را از آیت الله دوزدوزانی، تبریزی و جلد دوم را از حضرت آیت الله ستوده بهره مند شدم. فلسفه را از حضرات آیات جوادی آملی و انصاری شیرازی استفاده کرده ام و درس خارج فقه و اصول را به محضر حضرات آیات فاضل لنکرانی، جوادی، تبریزی، مکارم شیرازی، بهجت، باریافته و استفاده کرده ام که بیشتر این ایام در محضر حضرت آیت الله فاضل سپری گردیده است که مباحث خارج حج و اصول ایشان را به عربی به رشته تحریر درآورده ام. حدود سه سال نیز در مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام با اشراف آیت الله العظمی فاضل لنکرانی کار فقهی تخصصی انجام داده ام که حاصل آن طرح مباحثی پیرامون مسائل مستحدثه حج بود که مجموعه ای بنام نور الفقه تنظیم گردید. از سال ۱۳۶۵ به تدریس سطوح درسی حوزه مانند شرح لمعه و رسائل و مکاسب و کفایه تا کنون مشغول می باشم. البته به صورت خصوصی بدایه الحکمه و نهایه الحکمه علامه طباطبایی را نیز تدریس داشته ام و هم اینک نیز مشغول تدریس سه کتاب رسائل، مکاسب و کفایه هستم.

فلاحتی، ماهرخ

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

دکتر ماهرخ فلاحتی رستگار دارای دکترای رشته گیاه پزشکی و عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد با درجه دانشیار مشغول به خدمت است.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیوقایع میانسالی : دکتر ماهرخ فلاحتی رستگار پس از کسب دکتری گیاهپزشکی خود به عضویت هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد درآمد . وی هم اکنون با رتبه علمی دانشیاری مشغول به تدریس و تحقیق در دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر فلاحتی رستگار عضو هیئت علمی و دانشیار گروه گیاهپزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد است. وی همچنین از سال ۱۳۷۹-۱۳۸۱ مدیر گروه گیاهپزشکی دانشگاه فردوسی مشهد بود.فعالیتهای آموزشی : عنوان دروس تدریس شده توسط دکتر فلاحتی رستگار : مدیریت مبارزه بابیماریهای گیاهی قارچ شناسی گیاهی قارچ شناسی سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر فلاحتی رستگار در کنار تدریس به تحقیقاتی در زمینه تخصصی خود می پردازد.به عنوان مثال عنوان طرح تحقیقاتی پایان یافته دکتر به شرح زیر است: پلاستینه کردن قارچهای ماکروسکپی(حفظ و نگهداری طولانی مدت) آثار : تشخیص بیماریهای گیاهی ویژگی اثر : مترجم: بهروز جعفرپور و ماهرخ فلاحتی رستگار ۳۴۰ صفحه سال انتشار: ۱۳۷۱ انتشارات جهاد خلاصه :روشهای تشخیص بیماری از جمله روشهای ساده تر و کوتاهتر و روشهای ویزه تشخیص بیماریهای غیرپارازیتی و پارازیتی مانند باکتریائی، نماتدها، ویروسی، میکوپلاسمائی، قارچها و گروههای اصلی آنها از سر فصلهای کتاب می باشند.۲ مقالات علمی در نشریه داخلی:مجله علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه صنعتی اصفهان بررسی تفاوت بیماری زایی پاتوتیپ های ۴و۶ قارچ a. rabiei عامل بیماری برق زدگی نخود علوم و صنایع کشاورزی ارزیابی خواص قارچ کشی عصاره برخی از اندامهای گیاهی مجله علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه صنعتی اصفهان تشخیص نژادهای فیزیولوژیک ascochyta rabiei, عامل بیماری برق زدگی نخود، در چند منطقه کشور مجله علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه صنعتی اصفهان تعیین تنوع قارچ عامل بیماری برق زدگی نخود {Ascochyta rabiei(pass.) Lab} ایران با استفاده از مارکرهای مجله علوم کشاورزی ومنابع طبیعی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان تعیین گروه بیماریزایی جدایه های قارچ Ascochyta rabiei در ایران مقالات کامل در گزارش همایشها:بیست و سومین دوره سمینار کارخانه های قند و شکر در استان خراسان روش کاربردی استخراج dna از قارچ بیماریزای rhizoctonia solani در چغندر قند و امکان بررسی تنوع بین ایز چهاردهمین کنگره گیاه پزشکی ایران کنترل بیولوژیکی پوسیدگی ریزوکتونیایی ریشه چغندر قند با قارچ های تریکودرما، گلیوکلادیوم و باکتری باسی چهاردهمین کنگره گیاه پزشکی ایران اتیولوژی پوسیدگی خشک سیب زمینی در استان خراسان چهاردهمین کنگره گیاه پزشکی ایران تعیین نژادهای فیزیولوژیک قارچ tilletia laevis عامل بیماری سیاهک پنهان معمولی گندم در خراسان چهاردهمین کنگره گیاه پزشکی ایران شیوع بیماری رایزومانیا در استان خراسان منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

فلاحتی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین فلاحتی

محل تولد : سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد حسین فلاحتی در سال ۱۳۲۹هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان سبزوار دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۴۱ که سالهای خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور بود ایشان بدون هیچگونه ترس و واهمه ای وارد حوزه علمیه مشهد گردید. پس از ورود به مشهد مقدس ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا (ع) از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار همچون مرحوم آیت الله فاضل، آیت الله مکارم، آیت الله سید جواد سبزواری و آیت الله واعظ طبسی بهره ها برد. و در سال ۱۳۶۷ به حلقه درس خارج ستارگان مشهد پیوست. ایشان ضمن تبلیغ سالهای متمادی است که به امر تدریس در دانشگاه آزاد سبزوار، آموزش و پرورش سبزوار و ... مشغول می باشد.

فلاحی اصل، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین فلاحی اصل

محل تولد : خرم آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۴

زندگینامه علمی

خرداد سال ۱۳۶۲ دیپلم را از دیرستان ۱۳ آبان خرم آباد اخذ و همان ماه به شهر قم آمدم و در مدرسه رسول اکرم (ص) مشغول به تحصیل شدم در سال ۱۳۶۹ سطح ۲ را به پایان برده و وارد درس خارج فقه واصول شدم اصول را ابتدا خدمت آیت الله مکارم شیرازی و سپس با تعطیلی درس اصول ایشان به حوزه درس آیت الله سبحانی منتقل شدم و فقه را در خدمت آیت الله مکارم ادامه دادم. سال ۱۳۷۲ در رشته تخصصی کلام اسلامی (مؤسسه تحقیقاتی امام صادق (ع)) تحت اشراف حضرت آیت الله سبحانی وارد شدم و در سال ۱۳۷۶ از آن فارغ التحصیل گشته و بعد از وقفه ای که در معرفی پایان نامه و شرایط آن عموماً پدید آمد سال ۱۳۷۹ به پایان نامه پرداخته و موضوع" الامر بین الامرین "را با راهنمایی استاد آیت الله هادوی تهرانی نگاشتم و در سال ۸۳ از این پایان نامه دفاع شد و با این حساب مدرک سطح چهار حوزه علمیه را اخذ کرده و همان سال به عنوان عضو هیات علمی دانشگاه لرستان گروه معارف پذیرفته شده و هم اکنون به عنوان استاد در آن دانشگاه مشغول تدریس هستم. ضمناً درس خارج اصول استاد سبحانی را یک دوره و نیم طی کردم و حدود ۸ سال هم درس خارج فقه آیت الله مکارم شیرازی شرکت نمودم.

فلاحی آرزودار، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر علیرضا فلاحی آرزو دار در سال ۱۳۳۲ در تهران بدنیا آمد. وی تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته کارشناسی مهندسی مواد در دانشگاه صنعتی شریف آغاز و در سال ۱۳۵۵ به پایان برد. وی برای تکمیل معلومات دانشگاهی به انگلستان عزیمت کرد و در سال ۱۳۶۵مدرک کارشناسی ارشد رشته مواد و سرامیک را از دانشگاه اومیست و در سال ۱۳۶۹ دکتری رشته مهندسی مواد را از دانشگاه شفیلد انگلستان اخذ نمود. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه صنعتی امیرکبیر می باشد.

گروه : فنی و مهندسی

رشته : مهندسی مواد

گرایش : متالورژی و شکل دهی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : علیرضا فلاحی آرزو دار تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته کارشناسی مهندسی مواد در دانشگاه صنعتی شریف آغاز و در سال ۱۳۵۵ به پایان برد. وی برای تکمیل معلومات دانشگاهی به انگلستان عزیمت کرد و در سال

۱۳۶۵مدرک کارشناسی ارشد رشته مواد و سرامیک را از دانشگاه اومیست و در سال ۱۳۶۹ دکتری رشته مهندسی مواد را از دانشگاه شفیلد انگلستان اخذ نمود.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق اجرایی و مدیریتی علیرضا فلاحی آرزودار به ترتیب زیر است: کارشناس ذوب آهن(۵۷–۵۵) مسئولیت جهاد سازندگی استان سیستان و بلوچستان(۵۹–۵۸) عضو هیئت مدیره و معاون امور متالورژی ماشین سازی تبریز(۶۰–۵۹) عضو هیئت عامل و معاون سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (۶۳–۶۱) عضو هیئت مدیره شرکت ملی فولاد ایران(۶۵) مدیر امور پژوهشی دانشگاه امیرکبیر در سال(۶۶–۶۵) معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس از سال ۱۳۷۰ تاسال ۱۳۷۲ مدیر کل تحصیلات تکمیلی دانشگاه صنعتی امیرکبیر(۸۰–۷۵) مدیر دفتر بررسی های صنایع و معادن مرکز پژوهشهای شورای اسلامی در سال (۸۱) رئیس اداره تحصیلات تکمیلی دانشگاه امیرکبیر از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۸۰ استاد دانشگاه امیرکبیر،دانشکده مهندسی مکانیک از سال ۱۳۶۹ تا کنون رئیس امور پژوهشی دانشگاه امیرکبیر از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۷۶ عضو هیئت مدیره کارخانه ایدرو ،تهران از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۲ مهندسی مواد در ذوب آهن ،بخش مهندسی مکانیک شرکت I.S از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۵۷

فعالیتهای آموزشی : عنوان دروس ارائه شده توسط دکتر علیرضا فلاحی آرزود دار به قرار زیر است: ذوب فلز،علوم مواد،مراحل استخراج و تولید فلز،شکل دهی فلز،خزش،شکست ،استخراج و ذوب فیزیکی فلز

آرا و گرایشهای خاص : سوابق علمی و تحقیقاتی: خواص مکانیکی آلیاژها– متالورژی فیزیکی، شکل دهی و نورد کنترل شده فولاد فریت – مارتنزیتی و بررسی پارامترهای موثر در فرآیند بر خواص مکانیکی، پیش بینی جوانه زنی ترک در آلیاژهای TIAI خستگی و خواص کششی فولادهای پر استحکام و با ساختار فریت ـ مارتنزیتی قابلیت کشایش عمیق فلزات و ارتباط ریز ساختار با رفتار مکانیکی آنها شبیه سازی کامپیوتری و کاربرد آن در مواد فلزی خواص و رفتار مواد دندانی و رفتار نانو و میکرو ـ مکانیکی آلیاژها ۱–تاثیر موقعیت مرزدانه و حالت تنش بر جوانه زنی ترک در مرز دانه های آلیاژی دو فازی ۲ TIAI–پیش بینی جوانه زنی و رشد ترک بر اساس مکانیزم کام دو قلوئی، لغزش و آرایش بلوری و موقعیت مرز دانه ها در آلیاژ دو فازی ۳ TIAI–تحلیل نفوذ پرتابه تغییر فرم پذیر در هدف نیمه ضخیم (بینهایت) ۴–تاثیر کرنش در نورد بر بافت سطحی، تبلور و خواص مس و نیوبیم خالص ۵–بررسی پارامترهای موثر بر سخت کاری شعله ای چدن داکتیل

چگونگی عرضه آثار : فعلیت های پژوهشی دکتر فلاحی آرزو دار به ترتیب زیر است: ۱۴ مورد شرکت در کنفرانسهای علمی ۳ طرح تحقیقاتی (صنعتی) ۴ مورد مقاله ارائه شده در کنفرانیسهای علمی

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

فلاحی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد فلاحی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم. دوره مقدمات را در مدرسه حقانی سپری کردم و دوره سطح را در مدرسه علمیه معصومیه در سال ۱۳۷۲ آغاز نمودم پس از اتمام لمعتین رسائل و مکاسب را در مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی در سال ۱۳۷۵ آغاز کردم و در محضر اساتیدی نظیر موسوی تهرانی، نکونام، حسینی خراسانی و ... کسب فیض کردم. حدودا از سال ۱۳۸۰ در درس خارج آیات عظام شیخ صادق لاریجانی، مکارم، سبحانی و عابدی نجف آبادی شرکت نمودم. همزمان در سال ۱۳۷۵ وارد موسسه امام خمینی (ره) شدم و در سال ۱۳۸۴ دوره کارشناسی ارشد رشته دین شناسی را گذراندم. هم اکنون در موسسه شیعه شناسی به عنوان مدیر ترجمه همکاری می کنم.

فلاحیان، فتح‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: زیست‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زیست‌شناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۲، کارشناسی در اراضی نباتات (فتوپتولوژی) از دانشگاه تهران در سال

۱۳۳۹، دکترای تخصصی در رشته قارچ‌شناسی از دانشگاه سوربن کشور پاریس در سال ۱۳۴۳.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

قارچهای پسته‌های انباری و امکان افلاتوکسین در چند نمونه اسپرژیلوس، استاد راهنمای یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

قارچ‌های سمی خوراکی، خزه‌ها و گلسنگ‌ها، ارتباط سرطان با غذا.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

قارچ‌شناسی، انواع قارچ‌های ایران.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

فلاطوری، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فیلسوف.

تولد: ۱۳۰۴ ق.، اصفهان.

درگذشت: ۹ دی ۱۳۷۵.

عبدالجواد فلاطوری از نوادگان آخوند ملا اسماعیل اصفهانی، استاد فلسفه‌ی حاجی سبزواری، است. فلاطوری از ابتدای جوانی علاوه بر تحصیلات دبیرستانی به کسب معارف اسلامی همت گماشت و در شهرهای اصفهان، تهران و مشهد در محضر استادانی نظیر محمدعلی شاه‌آبادی، مهدی آشتیانی، آیت‌الله محمدتقی آملی، آیت‌الله خوانساری، محمدرضا کلباسی و آیت‌الله هادی کدکنی نیشابوری به شاگردی پرداخت .

در سال‌های ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹ کتاب جواهر را با آیت‌الله محمدرضا کلباسی مباحثه کرد و از محضر وی به اخذ روایت و گواهی درجه‌ی اجتهاد نایل آمد.

فلاطوری در سال ۱۳۳۳ برای تحصیل روانه آلمان شد و در رشته‌ی فلسفه به تحصیل پرداخت. وی در رشته‌ی «کانت‌شناسی» به درجه‌ی استادی رسید. همچنین در آلمان به تحصیل رشته‌های فلسفه، روان‌شناسی علوم تربیتی، علوم اجتماعی، و تطبیق ادیان پرداخت. در همین ایام زبان‌های لاتین و یونانی را نیز فراگرفت و پس از نوشتن مقالات و رسایل کوچکتری به نوشتن رساله‌ی استادی خود پرداخت و آن را درباره‌ی «دگرگونی بنیادی فلسفه‌ی یونانی بر اثر طرز اندیشه اسلامی» نگاشت و به درجه‌ی استادی نایل آمد. دکتر فلاطوری استاد دانشگاه کلن آلمان در رشته‌های فلسفه (به شیوه‌ی تطبیقی) و حقوق و کلام و علوم اسلامی و اسلام معاصر بود.

از جمله فعالیت‌های دکتر فلاطوری، تأسیس مرکز آکادمی کلن در سال ۱۳۵۶ بود که دست به اصلاح کتاب‌های درسی مدارس آلمان زد، و نواقص و کاستی‌های کتاب‌های درسی را در زمینه‌های اسلام و تاریخ اسلام اصلاح کرد و در این ارتباط شش کتاب تألیف شد که به عنوان مرجعی برای نویسندگان کتاب‌های درسی آلمان و دیگر کشورهای اروپا از قبیل فنلاند، فرانسه، پرتغال و اسپانیا شد و خود اروپایی‌ها براساس اقدامات و تألیفات استاد فلاطوری، مطالب کتاب‌های درسی خود را اصلاح بازنویسی کردند.

دکتر فلاطوری برای این که مرکز آکادمی کلن به عنوان یک نهاد علمی جزء دانشگاه قرار بگیرد، آن را از شهر کلن به هامبورگ انتقال داد و از آن پس جزیی از دانشگاه هامبورگ شد. قصد وی این بود که در این مرکز آکادمی، دانشجوی علوم اسلامی تربیت کند و مدرک معتبر نیز بدهد.

دکتر فلاطوری در آلمان به عنوان یک مرجع اسلامی و دانشمند فلسفه و علوم اسلامی مطرح بود. هر زمان که مجلس اروپا در تجزیه و تحلیل و بیان مسایل اسلامی و تفاهم و همفکری و گفت و گوی بین پیروان ادیان اسلام و مسیحیت و یهودیت دچار مشکل می‌شدند، به وی مراجعه می‌کردند و نظرخواهی و راهنمایی می‌خواستند. وی برای ایجاد مباحثه، تفاهم، همفکری، و همکاری بین پیروان ادیان مختلف تلاش می‌کرد. وی در برپایی اجلاسی که پیش از فوتش بین مفکران و اندیشمندان مسلمان، مسیحی و یهودی در یونان برگزار شد، مسئولیت داشت.

از آثار ترجمه‌ی اوست: تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی (تألیف برتولد اشپولر، تهران، ۱۳۴۹).

دکتر عبدالجواد فلاطوری روز یکشنبه نهم دی ۱۳۷۵ هنگام تدریس در کلاس درس بر اثر سکته‌ی قبلی درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فلسفی شیرازی، هدایت‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل ادیب، و نویسنده‌ی توانا، از قضات دادگستری بوده، در شیراز متولد شده، و هم در آن شهر تحصیل علوم دینی و ادبی، از فقه و اصول و ادبیات عربی و فارسی نموده، در سال ۱۳۰۴ خورشیدی روزنامه‌ی «شوش» را در محمره (خرم شهر فعلی) منتشر نموده، سپس به خدمت وزارت عدلیه وارد گردیده، سالها در دادگستری به شغل قضاوت اشتغال داشته، و از قضات پاکدامن و درستکار به شمار می‌رفته.

سرانجام در سال ۱۳۳۸ خورشیدی در ضمن مأموریت اصفهان وفات یافته، در این شهر مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

فلسفی شیرازی، هدایت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۸ ش)، روزنامه‌نگار و قاضی. در شیراز به دنیا آمد و در همان جا علوم دینی، ادبی و عربی را فراگرفت. وی در ۱۳۰۴ ش به خوزستان رفت و روزنامه «شوش» را در خرمشهر تأسیس و منتشر کرد. پس از مدتی به تهران آمد و در وزارت دادگستری مشغول شد. وی در ضمن مأموریت به اصفهان وفات یافت و در آن شهر به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۸۶/ ۳)، تذکرةالقبور (۵۳۹ -۵۳۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۵۴ -۱۵۳/ ۴).

فلسفی شیرازی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یحیی فلسفی مرحوم درویش علی دارابی شیرازی از علماء خدوم و ائمه جماعت معاصر شیرازند که در مرکز استان فارس به خدمات دینی و روحی و اجتماعی اشتغال دارند.

ایشان در سال ۱۳۱۸ شمسی در شهرستان داراب به دنیا آمده و در خانواده‌ای مومن و مسلمان پرورش یافته و پس از تحصیلات ابتدائی به تشویق مرحوم والدش به حوزه علمیه داراب وارد و پس از فراگرفتن مقدمات به همراهی پدر و مادر به شیراز آمده و در مدرسه علمیه خان به ادامه تحصیل پرداخته است.

و مورد توجه و تشویق مرحوم آیت‌اللّه حاج سید نورالدین (نایب‌الامام) شیرازی واقع و در خدمت والدین خود عزیمت به کربلا نموده و حدود پنج سال اقامت کرده و ادبیات و سطوح را در خدمت اساتید و مدرسین کربلا چون حاج شیخ جعفر رشتی و حاج شیخ یوسف بیارجمندی (شاهرودی) فراگرفته و پس از آن به نجف اشرف مهاجرت و سطوح عالیه را در خدمت آیات و مدرسین نجف چون مرحوم آیت‌اللّه حاج سید اسداللّه (شهید) مدنی (امام جمعه شهر تبریز) و نیز مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی سرابی و آیت‌اللّه حاج سید ابوالقاسم کوکبی و دیگران به پایان رسانیده و همدوش اساتید سطح به درسهای خارج فقه و اصول حضرت آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله الوارف و آیت‌اللّه حاج آقا محمد روحانی و آیت‌اللّه خمینی شرکت و استفاده نموده تا در سال ۱۳۵۰ شمسی که از طرف دولت بعث عراق برابر ۱۳۹۰ قمری به تنهائی از بغداد اخراج و به شیراز وطن اصلی خود آمده و رحل اقامت افکنده و چون با استقبال گرم مردم شیراز بالاخص مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ بهاءالدین محلاتی مواجه شدند که محل نماز جماعت خود را به ایشان واگذار فرمودند ایشان با همفکری معظم‌له به ارشاد مردم توصیه و جلسات جامعه روحانیت و کارهای فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و ارشادی بپردازند.

خدمات آقای فلسفی در عراق و ایران

۱- ایشان در ماه ذیقعده ۱۳۸۳ قمری در نجف اشرف به همراهی جمعی از فضلاء نجف اشرف و بزرگان حوزه علمیه دومین مجله ماهنامه فارسی به نام پرتوهائی از اسلام منتشر کردند که متاسفانه بیش از ۱۲ مجله از آن منتشر نشد.

۲- در سال ۱۳۸۵ قمری به نمایندگی حضرت آیت‌اللّه العظمی حکیم رحمه‌اللّه به بغداد جدید آمده و به ارشاد اهالی آن منطقه پرداخته و به خدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تبلیغات و تدریس علوم اسلامی برای طلاب علوم دینی پرداخته تا اینکه موفق شدند مدرسه سلومیه را در بغداد پایتخت کشور عراق تأسیس نمایند که جمعی از طلاب شیعه در آن به تحصیل مقدماتی پرداخته و بعد برای تکمیل به نجف اشرف عزیمت می‌نمودند.

۳- از آثار پر ارج ایشان تألیف دائره‌المعارف القرآنیه است که طبق لغت آیه شروع نموده و سپس به تفسیر آیه مربوط و ارجاع به کلیه تفاسیر می‌گردد که مع‌الاسف این کتاب با کتابخانه ایشان در بغداد مانده است و تاکنون توفیق چاپ آن را نیافته‌اند و آن حدود پنجاه جلد است که جلد اول و دوم آن فقط در حرف الف است.

آثار علمی مطبوع ایشان

۱- قصه الموجود که داستان وجود و فلسفه آن را با سبک رومانی نوشته و در سلسله منابع الثقافه الاسلام به طبع رسیده است. چاپ

بغداد.

۲– جزوه‌های در فلسفه نماز– چاپ بغداد.

۳– فلسفه روزه.

۴– الامام الحسین و الحرکه الفکریه که در بغداد به طبع رسیده است.

اما خدمات اجتماعی و فرهنگی ایشان در شیراز

۱– تأسیس صندوق قرض‌الحسنه در داراب شیراز.

۲– ماهنامه دینی و ادبی پیام مهدی.

۳– صندوق قرض‌الحسنه مهدی موعود.

۴– خیریه مهدی موعود برای اداره جمعی از فقراء و مستمندان.

۵– کانون ازدواج که دفتر خاصی دارد و زیر نظر عده‌ای از خواهران مومن اداره می‌شود.

۶– خدمات مطبوعاتی مهدی موعود.

از آثار علمی ایشان پنج جلد از مستند الرسول الاعظم صلی اللّه علیه و آله به طبع رسیده است و این موسوعه حدود سی مجلد است که معظم‌له مشغول به تألیف آن هستند.

دیگر از آثار ایشان مدرسه علمی است که جمعی از طلاب و محصلین در آنجا اشتغال به درس و بحث دارند و خود ایشان مشغول به تدریس فقه و اصول در آن می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

فلسفی، امیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیر فلسفی درشهر اهواز به دنیا آمد و تا سن ۲۲ سالگی در آن شهر زندگی کرد . او سپس به تهران آمده است . خوشنویس جوانی است که ذهن کنگاشگر و پویایی دارد . او در پهنه خط نستعلیق و خاصه در زمینه مسائل نظری آن ، صاحب اندیشه ونظر است و چون خود به نکویی بربداعت و بداهت آثار و اقوالش آگاه است از این روی خالی از هر گونه تعصب و پیشداوری به نظرات و منزلت خاستگاه های قکریش وقوف دارد . وی می گوید : که در واقع خط برای من یک وسیله است که آن میل به زیبایی شناسی و زیبایی آفرینی و خلاقیت را درمن ارضا می کند .گروه : هنرشته : خوشنویسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : امیر از همان سالهای اول دبستان خط ریز را خوش می نوشت و تقریبا از کلاس سو م و چهارم ابتدایی به بعد مشخص شده بود که او خوش خط است . وی هم بـا تشویقی که هم از طرف آقای بابایی (معلمش) و اولیاء مدرسه و هم از سوی خانواده می شد به کارش ادامه می داد . امیر به جز بابایی معلم خط نداشت . فلسفی تا سالهای دبیرستان هم معلم خط نداشته است .امیر فلسفی دردوران دبیرستان گاها به نقاشی بیشتر معروف بود ، تا خطاطی .هر هفته نقاشی های او را در دبیرستان برای دیدن دانش آموزان به دیوار می زند . کارهای وی بیشتر با خودکار و مداد بود و در واقع سیاه قلم کارمی کرد چونکه او معلمی نداشته و نمی دانست که چه کار باید بکند . وی در سال ۱۳۵۹ دوره ممتاز خوشنویسی را با موفقیت سپری کرده است .استادان و مربیان : آقای ابن علی بابایی ،معلم کلاس اول و دوم دبستان بود . او بود که فلسفی را به خوشنویسی علاقمند کرده است . فلسفی درسال ۱۳۵۵ که به منظور ثبت نام در کلاس زبان به تهران آمده بود ، استاد حسن میرخانی آشنا شده و به کلاس ایشان رفت . اما چون ناچار بود که به شهر خود اهواز برگردد نتوانست بیش از سه ماه ایشان تعلیم بگیرد . حسن امیر خانی به عنوان اولین استاد خط تاثیر فوق العاده ای بر فلسفی داشت چونکه او اولین معلم تخصصی خط فلسفی بود . استاد خروش نیز یکی دیگر از استادان خط فلسفی درانجمن خوشنویسان بود . استاد امیرخانی نیز یکی دیگر از استادان فلسفی بود که تاثیر تعیین کننده ای برروی خوشنویسی امیر فلسفی داشته است .همسر و فرزندان : همسر امیر فلسفی ،همکارش می باشد و در خوشنویسی تبحردارد . او حتی درزمینه نقطه نظرهای خوشنویسی هم یاری گر فلسفی می باشد ، چون به هر حال دید غیر درکار موثر است و چه بهتر که صاحب این دید ،خوشنویس هم باشد .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فلسفی بعد از پایان رسانیدن دوره ممتاز خوشنویسی درسال ۱۳۵۹ ، به عنوا ن معلم در انجمن خوشنویسان مشغول به کار شد . او دو سه سالی نیز در مرکز آمار وزارت آموزش و پرورش کارکرده است . بیشتر مشاغل ایشان آموزش است و مزید بر آن انجام سفارشات و کتابت می باشد .آرا و گرایشهای خاص : امیر فلسفی معتقد است که خوشنویسی از عرفان و عمق روحی وزیبایی شناختی نشات گرفته و به مراحل بالاو والا رسیده است . در ضمن تعریف خاصی از مکتب ، سبک و شیوه ارائه نشده است و گاه سبک و شیوه را با هم اشتباه می گیرند ، توضیح می دهد که مکتب عمده تر از آن دو واژه بوده وحتی ایدئولوژی مشخصی راهم دارا می باشد و او بر این باور است که سبک ، چیزی بین مکتب و شیوه می باشد . فلسفی درنقد خوشنویسی بیان می دارد که فراگیری و نوشتن خط شکسته ، از نستعلیق آسان تر است و البته اجرای خط نستعلیق از همه خطوط مشکل تر است . چون نوشتن خط شکسته ، بیشتر به شکل خط تزئینی در آمده است ، یعنی فاخرتر و مجلل تر از خط نستعلیق است . او خط شکسته را کاری تابلویی و نمایشی می داند .چگونگی عرضه آثار : فلسفی به ایهام درشعر علاقه خاصی دارد . شعرهای گزینه و انتخابی آثار ایشان جنبه های کنایی و مجازی دلپذیری دارند که بر جلوه گر و چشم انداز خطوط دو چندان می افزایند .

آثار : کتابت اشعار بابا طاهر (ص ۱۷۶) کتابت اشعار حسن حسن زاده آملی (ص ۱۷۷) کتابت دیوان اقبال(ص ۱۷۷) کتابت دیوان

حافظ (ص ۱۷۷) کتابت گلستان سعدی ویژگی اثر : این کتابت با همکاری لاله دشتی انجام یافته است . (ص۱۷۷) منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

فلسفی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدرضا تنکابنی معروف به (فلسفی) از علماء اعلام و مدرسین عظام معاصر مشهدند.

ایشان در حدود ۱۳۴۲ قمری در تهران چشم به جهان گشوده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات و اولیات و سطوح را در تهران در خدمت والد علامه‌اش و اعلام دیگر به پایان رسانیده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و چند سالی از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و بالاخص آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظله و بعضی دیگر فقها و اصولا استفاده نموده تا به مدارج عالیه علم و کمال ارتقا یافته و پس از آن در سال ۱۳۷۰ قمری به تهران مراجعت و چند سالی در مسجد لرزاده (مسجد مرحوم آقای برهان) به اقامه جماعت و تدریس و وظائف روحی اشتغال داشته تا سال ۱۳۸۸ قمری که عزیمت به مشهد مقدس نموده و در آنجا مورد توجه و استقبال گرم فضلاء مشهد قرار گرفته و حوزه تدریس خارج فقه و اصول قرار داده و تا حال تحریر در آن سامان به تدریس و انجام وظائف روحی و دینی از قبیل نماز جماعت و غیره اشتغال دارند و ماه رمضان و شبهای شنبه و جمعه را در مسجدشان منبر رفته و با بیانی قاطع و جامع نشر معارف اسلامی نموده و صدها نفر از عموم طبقات و بالاخص اهل علم و طلاب از محضر و بیانشان استفاده می‌نمایند.

نگارنده گوید: جناب آقای حاج میرزا علی آقای فلسفی (برادر ارجمند حضرت مستطاب حجهٔالاسلام والمسلمین لسان الشیعه و سیف الشریعه خطیب شهیر و نویسنده بصیر آقای حاج شیخ محمدتقی فلسفی واعظ بزرگ ایران و خاورمیانه) که ده ها بار کتبا و شفاها مراجعه به جنابشان کردم که عکس و ترجمه خود را مرحمت نمایند ولی پاسخ مثبت ندادند و مرا و دیگران را از این فیض مرحوم داشتند و بنده این چند سطر را بدون اطلاع معظم‌له نوشتم زیرا وجدانم اجازه نمی داد که (گنجینه) از ذکر مثل چنین دانشمندان مهذب و بارعی خالی باشد و از طرفی هم در جلد دوم ص ۳۸۷ برادر ارجمند مذکورشان را نگاشته و در جلد چهارم ص ۴۰۶ هم والد ماجد و برادران دیگرشان را ترجمه و وعده دادم ایشان را هم در ذکر خراسان و مشهد یاد نمایم لذا در اینجا به وعده خویش وفا نموده و این چند جمله را یاد نمودم و امید دارم مورد قبول معظم‌له و دوستان دانش و روحانیت و بالاخص ایشان قرار بگیرد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

فلسفی، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۱۹ –۱۳۲۷ ق)، عالم دینی، خطیب، واعظ، متکلم، مفسر و محدث. در تهران به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات و سطوح را نزد اساتیدی همچون پدرش، آیت‌الله تنکابنی، و آقا شیخ یونس قزوینی و آقا شیخ علی رشتی، و معقول و فلسفه را از میرزا طاهر تنکابنی و آقا میرزا محمود قمی و میرزا مهدی آشتیانی فراگرفت. وی حدود دو سال در زمان آیت‌الله حایری یزدی در قم اقامت داشت و از محضر اساتید حوزه‌ی علمیه بهره‌مند شد.سپس به تهران آمد و به ادامه تحصیل و مطالعه‌ی کتب مختلف و متنوع پرداخت. وی در منبر و خطبه روش نوینی را پایه‌گذاری کرد و تحول عمیقی در فن سخنوری بوجود آورد و شاگردان بسیاری را تربیت کرد. خدمات دینی و اجتماعی او بسیار و مسافرتهای تبلیغی او به کشورهای عربستان، عراق، پاکستان و همچنین به شهرهای مختلف ایران قابل توجه است. در تهران، در پایان جلسه درس، درگذشت و در جوار حضرت عبدالعظیم حسین در کنار عمو و پدر همسرش، آیت‌الله حاج شیخ محمد حسین تنکابنی، دفن شد. آثار علمی و قلمی و منشوری آموزنده با نثری جذاب است. عمده آثار وی که تحت عنوان کلی «گفتار فلسفی» انتشار یافته عبارتند از: «کودک»، از نظر وراثت و تربیت، دو مجلد؛ «جوان»، از نظرعقل و احساسات، دو مجلد؛ «بزرگسال و جوان» از نظر افکار و تمایلات، دو مجلد؛ «آیه‌الکرسی»، پیام آسمانی توحید؛ «اخلاق»،از نظر همزیستی و ارزشهای انسانی، دو مجلد؛ «معاد»، از نظر روح و جسم، سه مجلد؛ «سخن و سخنوری»، از نظر بیان و فن خطابه؛ «شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق»، از صحیفه‌ی سجادیه، سه مجلد.[۱]

حاج شیخ محمدتقی فلسفی بن العلامه العلام و الفقیه القمقام حجه‌المسلمین والاسلام المرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا تنکابنی تهران اعرف خطباء عصر و اشهر وعاظ زمان مایند که خود چندی افتخار توقف حوزه علمیه را داشته و حوزه علمیه هم فخر بر این ثمره مفید و اثر ارزنده خود می‌کند.

این رادمرد بزرگ و این نابغ سترک که صیت و صوتش عالم‌گیر شده و شهرت و ملاحت سخن‌وری و سخنرانیش مستغنی از تعریف ما و جهانی گردیده بخصوص در تحقیقات علمی و دخول و خروجش به مطالب و از مطالب و اداء سخن و حق مطلب دادنش در این زمان بی‌قرین و در قرون گذشته کم‌نظیر بوده و مبالغه نیست اگر بگویم.

انصاف می‌دهم که دلیران و دلبران

بسیار دیده‌ام نه بدین حسن و دلبری

عالمی است محقق و ناطقیست مـدقق مفسـریست خبیر و محـدثیست بصـیر متکلمی است فاضل و واعظی است کامل جامع معقول و منقول حاوی فروع و اصول بسیار خوش محاوره و خوش مجلس منزلش مهبط اهل فضل و محفلش مجمع اهل کمال سینه‌اش باز و دستانش گشاده در قضاء حوائج مومنین و بالاخص روحانیین ساعی و در امور خیر مساعی جمیله دارد و از خدمات دینی و اجتماعی فرونمی‌گذارد.

در سال ۱۳۲۷ قمری هجری در تهران متولـد شـده و در خانـدان علم و فضـیلت و مجـد و شـرافت تربیت یافته و مقدمات و ادبیات و سطوح را نزد اساتیـد بزرگ چون والـد معظم خود و آشـیخ یونس قزوینی و آشـیخ علی رشـتی و معقول و فلسـفه را از مرحوم میرزا طـاهر تنکـابنی و آقـا میرزا محمود قمی و میرزا مهـدی آشتیانی اسـتفاده نموده و حـدود دو سال هم در زمان مرحوم آیت‌الله حایری یزدی در قم توقف و از محضـر اساتید حوزه علمیه بهره‌مند شده و بعد به تهران مراجعت و به ادامه تحصـیل و مطالعه کتب مختلفه و متنوعه عصـری و قـدماء گردیـده و از هر خرمنی خوشه‌هـا چیـده و از هر گلسـتانی گلها به دست آورده و با آن فکر سـرشار و ذوق فراوان و اسـتعدادی که تنها موهبت خداوندیست (و ذلک فضل‌الله یوتیه من یشاء) خریت ادب و تحریر سخنوری گردیده و خاص و عام و جاهل متقدم و متجدد را مجذوب بیان سحرآمیز خود به مضمون (و ان من البیان السحر) نموده است.

من نمی‌گویم که آن شمع جهان

هست پیغمبر ولی دارد بیان

حدود ۶ سال در ماه رمضان و ده شب اول محرم از مسـجد سلطانی با دنیای امروز از اسلام و غیره صحبت کرده و حقایق اسلام را با بیانی بس رسا و ملیح خود به زبان عصـری به وسـیله دسـتگاه فرستنده به مردم جهان رسانیده و این به خدا فخر اسلام و مسلمین و به ویژه شیعیان اثنی‌عشر روی زمین است.

چنـدین سـال متمـادی ظهرهای ماه رمضان در مسـجد حاج سـید عزیزالله تهران صـحبت می‌کردنـد ده‌ها هزار نفر از طبقات مختلف، روحانیین و اساتیـد دانشـگاه و دبیران و آموزگاران و محصـلین جدیـد و قـدیم و تجار و اصـناف برای اسـتماع سـخنرانیهای معظم‌له حاضر می‌شدند و چون صحن مسجد و شبستانها و ایوانها و راهروهای مسجد گنجایش آن همه جمعیت را نداشت.

قسـمت مهمی از مسـتمعین در بازار و سـراهای اطراف مسـجد اجتماع می‌کردند و متجاوز از سی بلندگو که در نقاط مختلف نصب می‌شد صدا را به همه آنها می‌رسانید.

خاطرات آن مجلس باشـکوه فراموش نشدنی است بسیاری از مشکلات دینی در آن مجلس مورد بحث قرار می‌گرفت و حل می‌شد و بسیاری از افراد منحرف با استماع آن سخنان نافذ به راه می‌آمدند و از سقوط و تباهی رهائی می‌افتند.

علامه فلسفی روش نوینی را در منبر پایه‌گذاری کرد و تحول عمیقی را در فن سخنرانی به وجود آورد روایات حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سـلم و ائمه طاهرین علیه‌السـلام را که گوهرهای گرانقدر اسلامی است با منطق علمی روز تشریح و توضیح نموده و در نسل تحصیل کرده اثر بسیار عمیق گذارده و کتابهای ایشان نمونه‌ای از این روش نوین است.

در زمان حیات مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی قدس سره سالهای متمادی به دعوت آن مرجع بزرگ و عالیقدر در دهه آخر صفر به قم می‌رفتنـد صـبح‌ها در منزل معظم‌له و شـبها در صـحن بزرگ قم به دعـوت تـولیت آسـتانه برای جمعیت زیـادی که در صـحن بزرگ و صـحن کوچک و صحن موزه و خیابان مجاور صحن و شیخان گرد آمده بودند سخنرانی می‌کردند سخنان ایشان علاوه بر آثار مفیدی که در افکار تمام مردم می‌گذارد برای فضـلاء طلاب حوزه علمیه که به منبر علاقه داشـتند آموزنده و سـرمشق بود و از روش ایشـان اسـتفاده بسیار می‌کردنـد، کلیه مراجـع بزرگ تقلیـد نجف اشـرف و قم و مشـهد مقـدس از گذشـته و معاصـر عنـایت مخصوص و توجه خاصی به معظم‌له داشته و دارند.

خلاـصه اسـتاد و علاـمه فلسـفی از نوابغ زمـان و از افرادی است که می‌توان دربـاره شخصـیت علمی و اخلاـقی او و مسافرتهایش به کشورهای اسـلامی حجاز و اعتاب عالیات و پاکسـتان و شـهرهای مهم ایران که برای تبلیغ رفته و منبرهای مهیج و منابر معجزه‌آسا و خدمات دینی و اجتماعی و مبارزاتش با منحرفین و گروه‌های ضد اسلامی کتاب مستقلی نوشت.

از آثـار علمی و قلمی ایـن اسـتاد کـه به طبع رسـیده و جهـانی را به خـود متـوجه نمـوده کتب زیر است که برای تربیت کودکـان و راهنمائی نسل جوان بهترین کتاب و آموزنده‌ترین منشوریست که منتشر شده است.

۱- گفتار فلسفی راجع به کودک از نظر وراثت و تربیت در دو جلد که هر جلدی بیش از پانصد صفحه است.

۲- گفتار فلسفی راجع به جوان از نظر عقل و احساسات در دو جلد که هر جلدی بیش از پانصد صفحه است.

۳- گفتار فلسفی آیه‌الکرسی یا پیام آسمانی توحید در چهارصد صفحه.

یکی از شعراء معاصر درباره معظم‌له سروده است

او ستاد اوستادان بلاغت (فلسفی)

آنکه نامش زی فلک از عرشه منبر گذشت

ابن‌جوزی گرچه در یک آیه سالی حرف زد

بودی از امروز گفتی وی زمن برتر گذشت

(فلسفی) تنها نه در نطق و بیان باشد فرید

کلک وی از تیغ مردان دلاور در گذشت

در کتاب کودکش بنگر که خودپیرانه گفت

از یونسکو خود کتاب وی مهین دفتر گذشت

ویژه از بهر جوانان این کتاب تازه‌اش

انقلابی کرده خوش برپا که از اختر گذشت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه دانشوران (۶۵ -۶۴)، بزرگان رامسر (۱۷۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۹۰ -۳۸۷ / ۲).

فلسفی، نصرالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نصرالله فلسفی در سال ۱۲۸۰ ، در تهران متولد گردید. تحصیلات مقدماتی را در مدارس اقدسیه و آلیانس فرانسه و دارالفنون فراگرفت. فلسفی پس از تکمیل معلومات عالیه ، به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد و در سال ۱۳۰۷ چندماهی در وزارت دادگستری به خدمت پرداخت ، سپس به وزارت فرهنگ منتقل گردید. وی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۰ به سمت رایزن فرهنگی ایران در ایتالیا و اسپانیا منصوب و مشغول خدمت شد تا سرانجام در سال ۱۳۴۳ به درخواست خودش بازنشسته و در اروپا ساکن شد. گذشته از سمت های اداری و مشاغلی که متذکر گردیدیم ، وی به امر آموزش نیز پرداخته است. او در سال ۱۳۰۷ در دارالفنون ، دانشسرای عالی و سایر مدارس متوسطه تهران به تدریس تاریخ و جغرافیا و علوم ادبی پرداخت و با تاسیس دانشگاه تهران به عنوان استاد به تدریس تاریخ پیش از اسلام در دانشکده ادبیات مشغول گردید. وی همچنین مدتی نیز استاد مدعو در دانشگاه استراسبورگ فرانسه بود. نصرالله فلسفی علاوه بر نویسندگی و ترجمه ی کتاب های فراوان ، مقالات تحقیقی درباره ی تاریخ و ادبیات ایران در نشریات به چاپ رسانده است. نصرالله فلسفی سرانجام در سال ۱۳۶۰ ، یک ماه بعد از ورود به ایران ، زندگی را بدرود گفت و در شهر ری به خاک سپرده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : نصرالله فلسفی ، فرزند میرزا نصرالله خان سوادکوهی مستوفی (از مستوفیان دربار قاجار) بود که اصل خانواده اش از سوادکوه قزوین است.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : فلسفی شش روز پس از مرگ پدرش به دنیا آمد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : فلسفی تحصیلات مقدماتی را در مدارس اقدسیه و آلیانس فرانسه و دارالفنون فراگرفت.

زمان و علت فوت : نصرالله فلسفی سرانجام در سال ۱۳۶۰ ، یک ماه بعد از ورود به ایران ، زندگی را بدرود گفت و در شهر ری به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فلسفی پس از تکمیل معلومات عالیه ، به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد و در سال ۱۳۰۷ چندماهی در وزارت دادگستری به خدمت پرداخت ، سپس به وزارت فرهنگ منتقل گردید. وی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۰ به سمت رایزن فرهنگی ایران در ایتالیا و اسپانیا منصوب و مشغول خدمت شد تا سرانجام در سال ۱۳۴۳ به درخواست خودش بازنشسته و در اروپا ساکن شد.

فعالیتهای آموزشی : استاد فلسفی در سال ۱۳۰۷ در دارالفنون ، دانشسرای عالی و سایر مدارس متوسطه تهران به تدریس تاریخ و جغرافیا و علوم ادبی پرداخت و با تاسیس دانشگاه تهران به عنوان استاد به تدریس تاریخ پیش از اسلام در دانشکده ادبیات مشغول گردید. وی همچنین مدتی نیز استاد مدعو در دانشگاه استراسبورگ فرانسه بود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : نصرالله فلسفی علاوه بر نویسندگی و ترجمه ی کتاب های فراوان ، مقالات تحقیقی درباره ی تاریخ و ادبیات ایران در مجلات تهران از جمله : تعلیم و تربیت ، مهر ، سخن ، شفق سرخ ، اتحاد ، مرز آزاد ، اطلاعات ، شرق ، یغما ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز ، نشریه کتابخانه ملی تبریز و وحید به چاپ رسانده است. وی به روزنامه نگاری هم می پرداخت که از جمله مجلاتی که توسط وی منتشر شده است ، عبارتند از : مدیریت داخلی مجله آینده (۱۳۰۴) ، کفالت مجله پست و تلگراف (فقط سه شماره ، ۱۳۰۴) ، مجله ایران (نشریه کلوپ بین المللی ایران برای تمبر و مجموعه های دیگر از سال ۱۳۰۱ تای ۱۳۱۱) ، مجله تعلیم و تربیت (وابسته به وزارت معارف ، ۱۳۱۳ - ۱۳۱۴) ، مهر (از ۱۳۱۲ به مدت چهارسال ، دوره ی یک تا چهار) ، مدیریت و سردبیری مجله هفتگی امید (۱۳۲۲ ، مدت سه سال) ، همکاری فکری در نشر مجله اطلاعات ماهانه (در سال های ۱۳۳۰ - ۱۳۳۴) ، مجله ایرانیکا به زبان ایتالیایی در دوره ی رایزنی فرهنگی در ایتالیا. فلسفی گاهی شعر هم می سرود و آثار منظومی از وی به یادگار مانده است ، از آن جمله است منظومه ی « بیچارگان » و قصاید و قطعات دیگر. مجموعه ای از اشعار وی در سال ۱۳۵۱ در تهران چاپ و منتشر شده است.

جوائز و نشانها : نصرالله فلسفی در سال ۱۳۵۴ ، عنوان « استاد ممتاز » دانشگاه تهران را یافت. ---------------------------

---

آثار :

۱ اصول آموزش و پرورش

۲ تاریخ اروپا در قرن ۱۹ و ۲۰

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۰۹.

۳ تاریخ ایران بعد از اسلام

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۱۷.

۴ تاریخ ایران پیش از اسلام

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۱۷.

۵ تاریخ روابط اروپا و ایران در دوران صفوی

ویژگی اثر : انتشار جلد اول در سال ۱۳۱۶.

۶ تاریخ عمومی جهان در قرن های هفدهم تا بیستم میلادی

ویژگی اثر : مشتمل بر دو مجلـــد

۷ تاریخ عمومی در قرن معاصـــر

۸ تاریخ غزنویان ؛ اصول تعلیم و تربیت

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۱۴.

۹ تاریخ و جغرافیا

ویژگی اثر : مشتمل بر دوازده جلد ، برای تدریس در دبیرستان ها با مشارکت علی اصغر شمیم.

۱۰ ترجمه ی اشعار منتخب شاعران رمانتیک فرانسه

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۴۱.

۱۱ ترجمه ی تاریخ انقلاب روسیه

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۰۲.

۱۲ ترجمه ی تاریخ تمدن روم و یونان

ویژگی اثر : تالیف فوستل دوکولانژ ، انتشار در سال ۱۳۱۹.

۱۳ ترجمه ی تاریخ تمدن قدیم

ویژگی اثر : تالیف فوستل دوکولانژ ، انتشار در سال ۱۳۰۹.

۱۴ ترجمه ی تاریخچه ی سلطنت قباد و ظهور مزدک

ویژگی اثر : اثر کریستین سن ، با مشارکت احمد بیرشک ، انتشار در سال ۱۳۰۶.

۱۵ ترجمه ی تهران قدیـم

ویژگی اثر : تالیف فوستل دوکولانژ ، انتشار در سال ۱۳۰۹.

۱۶ ترجمه ی داستان توده ی طلا

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۰۴.

۱۷ ترجمه ی داستان دندان ببر

ویژگی اثر : اثر موریس لبلان ، انتشار در سال ۱۳۰۲.

۱۸ ترجمه ی داستان سر تنگ بلور

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۰۲.

۱۹ ترجمه ی داستان های کوتاه از نویسندگان بزرگ

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۳۳.

۲۰ ترجمه ی داستان هشتصد و سیزده

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۰۲.

۲۱ ترجمه ی راز فلورانس

۲۲ ترجمه ی سرگذشت ورتر

ویژگی اثر : تالیف گوتـــه ، انتشار در سال ۱۳۰۵.

۲۳ ترجمه ی فرهنگ فلسفی ولتر

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۳۷.

۲۴ ترجمه ی منتخب اشعار ویکتور هوگو

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۳۵.

۲۵ ترجمه ی منظومه ی بیچارگان

ویژگی اثر : تالیف ویکتور هوگو ، و به نظم فارسی ، انتشار در سال ۱۳۰۵.

۲۶ جغرافیای مفصل ؛ جغرافیای ممالک بزرگ دنیا

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۱۶.

۲۷ جنگ چالدران

ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۳۲.

۲۸ دوره ی کامل تاریخ ایران

ویژگی اثر : مشتمل بر پنج مجلد برای کلاس های مدرسه های متوسطه.

۲۹ زندگی شاه عباس کبیر

ویژگی اثر : مشتمل بر سه جلد ، انتشار در سال های ۱۳۴۲ ، ۱۳۵۳ و ۱۳۶۴ .

۳۰ شرح حال بزرگان (داریوش و انوشیروان)

۳۱ مجموعه ی هشت مقاله تاریخی

ویژگی اثر : انتشـار در سال ۱۳۳۰. --

منابع :

۱شاعران تهران از آغاز تا امروز ، تالیف : مجید شفق ، ج ۲ ، تهران : انتشارات سنایی ، ص ۸۴۴۲گلزار مشاهیر ؛ زندگی نامه درگذشتگان مشاهیر ایران (۱۳۵۸ – ۱۳۷۶) ، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، ص ۳۱۹

فلسفیان، عبدالمجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالمجید فلسفیان

محل تولد : دهدشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید عبدالمجید فلسفیان با شروع به تحصیل در سالهای اخیر مطالعات خود را به قرآن و نهج البلاغه اختصاص داده ام که در زمینه نهج البلاغه دو کتاب «علی و پایان تاریخ» و «علی و جاری حکمت» را توسط انتشارات مسجد مقدس جمکران و انتشارات لیله القدر ناشر آثار استاد علی صفائی حائری (ع ـ صاد) عرضه شده است که کتاب اول عنوان فرعی آن امام زمان (عج) در نهج البلاغه است و کتاب دوم شرح چهل حکمت از حکمتهای نهج البلاغه می باشد. در زمینه قرآن نوشته هایی همچون پیش زمینه های برداشت از قرآن تفسیر سوره روم، لقمان، قمر و یوسف به رشته تحریر در آمده که هیچکدام به چاپ نرسیده است. و فعالیت دیگری که چند سال اخیر به آن مشغول بوده ام همکاری با دوستان و شاگردان زنده یاد استاد علی صفائی حائری (ع ـ صاد) برای نوشتاری کردن سخنرانیهای ایشان در زمینه های مختلف معارف دینی بالاخص مباحثی در حوزه نهج البلاغه از جمله روش برداشت از نهج البلاغه شرح شقشقیه با عنوان مشکلات حکومت دینی شرح حکمت ۱۴۷ با عنوان خط انتقال معارف و شرح خطبه ۳۲ با عنوان روزگار ستمگر و...

فلکی بلخی، ابومعشر جعفر

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۷۹ /۲۷۲ ق)، منجم و ریاضیدان. در بلخ متولد شد. تحصیلات مقدماتی را در شهر بلخ به انجام رسانید. در اوایل قرن سوم ب عنوان عالمی در علم حدیث به بغداد رفت. بعد روی به تحصیل علم نجوم و احکام نجوم آورد و در این همه‌ی منابع فرهنگی رایج در آغاز خلافت عباسی را از یونانی و هندی و ساسانی و سریانی و عربی پیش از اسلام مورد مطالعه و تحقیق قرار داد. در عراق بود تا در واسط درگذشت. از تألیفات اوست: «المدخل الکبیر»؛ «القرانات»؛ «تحاویل سنی المواليد»؛ «المواليد الصغیر»؛ «الألوف»؛ «الأمطار و الرّیاح و تغییر الأهویه»؛ «سرائر الاسرار»؛ «زیج الهزارات»؛ «المدخل فی علم النجوم».[۱]

جعفر بن محمد بلخی (ف. ۲۷۲ ه.ق.) از شاگردان یعقوب بن اسحاق کندی از بزرگان ریاضی‌دانان قرن سوم هجرت و صاحب تألیفات متعددی است که از آن میان در حدود ۱۲ کتاب اکنون در دست است، از جمله ترجمه فارسی کتابی از او موجود است به نام «رساله در اتصال کواکب و قرانات» اصل عربی این کتاب هم به اسم «قرانات الکواکب» در دست است. دیگر کتاب الادوار و الالوف، کتاب المواليد، احکام تحویل معنی– المواليد، کتاب الاصل، سرائر الاسرار، المدخل فی علم النجوم، احکام تحاویل سنی العالم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۷ /۱)، تاریخ نجوم اسلامی (۱۵۲ ،۱۱۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۱۰۸ –۱۱۰۶ /۸)، دایرةالمعارف فارسی (۳۵ /۱)، روضات الجنات (۲۲۵ –۲۲۴ /۲)، ریحانه (۲۷۴ –۲۷۲ /۷)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۴۹۶)، کشف الظنون (۱۶۴۴ ،۱۶۴۳)، الکنی و الالقاب (۱۶۰ –۱۵۹ /۱)، معجم المؤلفین (۱۵۶ /۹)، نامه‌ی دانشوران (۲۰۹ –۲۰۲ /۲)، وفیات الاعیان (۳۵۹ –۳۵۸ /۱)، هدیة الاحباب (۴۱ –۴۰).

فلکی شروانی، نجم‌الدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۸۷ / ۵۷۷ / ۵۴۰ ق)، حکیم، منجم و شاعر، متخلص به فلکی. در قصبه‌ی شماخی از نواحی شروان به دنیا آمد. در اوایل جوانی به تحصیل نجوم پرداخت و به همین دلیل تخلص فلکی را انتخاب کرد. وی از مداحان شروانشاهان، و بویژه مداح منوچهر

بن فریدون بود و گفته‌اند که توسط وی به ملک‌الشعرایی برگزیده شد. فلکی از معاصران خاقانی و نظامی بود. او شعر و ادب را نزد ابوالعلاء گنجوی فراگرفت. به گفته‌ی صاحب «آتشکده‌ی آذر» تخصص فلکی در قصیده‌سرایی بود و تحت تأثیر سبک خراسانی قرار داشت. او قصاید حبسیه‌ای نیز دارد که مربوط به زمانی است که به تهمت افشای اسرار به زندان شروانشاه افتاده بود. وی در شماخی درگذشت و در آن‌جا نیز مدفون شد. از آثارش «دیوان» شعر؛ «کتابی» در احکام نجوم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۲۰۴ -۱۹۸ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۷۶ -۷۷۴ / ۲)، تاریخ گزیده (۷۴۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۰۶)، تذکره الشعراء (۱۱۵)، حبسیه در ادب فارسی (۲۶۹ -۲۶۷)، دانشمندان آذربایجان (۳۰۲ -۳۰۱)، الذریعه (۸۴۶ / ۹)، ریحانه (۳۵۳ -۳۵۲ / ۴)، سخن و سخنوران (۶۱۱ -۶۰۱)، شخصیت‌های نامی (۳۸۱ -۳۸۰)،صبح گلشن (۳۲۰)، فرهنگ سخنوران (۷۱۹)، گنج سخن (۲۵ -۲۰ / ۲)، مجمع الفصحا (۹۴۸ -۹۴۶/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۶۷ -۶۶۶ / ۵).

فلکی همدانی، ابوالفضل علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۷ / ۴۰۷ ق)، حافظ، محدث، صوفی، رجالی، مصنف و فقیه شافعی. جدش در علم نجوم و حساب سرآمد بود، بدین جهت بـه فلکی مشهور شد و ابوالفضل علی را گاه ابن‌فلکی نیز گفته‌اند. وی برای جمع‌آوری حدیث سفرها کرد و از ابن‌رزقویه و ابولحسین بن بشران و قاضی ابوبکر حیری و به قول شیرویه از تمام مشایخ همدان و عراق و خراسان حدیث شنید. خواجه عبدالله انصاری گوید که بشری را پرحافظه‌تر از فلکی ندیدم. حسنی و میدانی از وی حدیث روایت کرده‌اند. او در نیشابور درگذشت. فلکی کتابهایی تصنیف کرد که از آن جمله طبقاتی است به نام «المنتهفی فی الکمال فی معرفه الرجال» یا «منتهی الکمال فی معرفه الرجال»، در هزار جزء از دیگر آثارش: کتاب «الالقاب» یا «معرفه القاب المحدثین» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۵۰۴ -۵۰۲ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۳۱، ۱۸۵ / ۳)، طبقات الحفاظ (۴۳۱-۴۳۰)، کشف الظنون (۱۸۵۸ ،۱۷۳۹، ۱۳۹۷)، معجم المؤلفین (۷۲ -۷۱ / ۷)، الوافی بالوفیات (۳۴ -۳۳ / ۲۱)، هدیه العارفین (۶۸۷ / ۱).

فنای خوی، میرزا عبدالرسول

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۹ / ۱۲۶۳ ق)، عالم دینی و شاعر، متخلص به فنا. از سخنوران معروف خوی زنوز است. لذا به فنای زنوزی مشهور است. از دوازده سالگی تا هفتاد سالگی مشغول سیاحت بود و در سفر به عثمانی با میرزا سنگلاخ صاحب «تدکره الخطاطین» مصاحب و معاشر بوده و مدتی در کربلا نزد شیخ احمد احسایی و حاجی سید کاظم رشتی تصحیل و در اوایل حال، ذوقی تلخص می‌کرده و اشعاری که سروده بیشتر در مصائب حضرت سیدالشهداء (ع) است. علاوه بر «دیوان» شعر، از دیگر آثار وی می‌توان شرحی بر «شرح الزیاره» شیخ احمد احسایی و شرحی بر «شرح فواید» را نام برد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۳۹۲ -۱۳۸۶ / ۲)، دانشمندان آذربایجان (۳۰۲)، فرهنگ سخنوران (۱۳۹۲ -۱۳۸۶)، مصطبه‌ی خراب (۱۳۵).

فنایی اشکوری، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد فنایی اشکوری

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد فنایی اشکوری در سال۱۳۴۰ در شهرستان رود سر به دنیا آمد، در سال ۱۳۵۵ هجری شمسی وارد حوزه علمیه قزوین شد و ادبیات، منطق و مقداری فقه و اصول را در آنجا در مدرسه صالحیه گذراند. در سال ۱۳۵۹ هجری شمسی بـه قم هجرت کرد و دروس سطح را طی سه سال به پایان رساند، خارج فقه و اصول را نزد آیه الله سید محمود هاشمی شاهرودی فرا گرفت و همزمان دروه چهار ساله مؤسسه در راه حق را به پایان رساند. درسهای فلسفه و عرفان را نزد حضرات آیات جوادی آملی، حسن زاده آملی

و مصباح یزدی بهره برد و به مدت دو سال در گروه تخصصی فلسفه بنیاد باقرالعلوم علیه السلام مشغول بود و همزمان در درسهای فلسفه غرب در دانشگاه تهران نزد اساتید مختلف شرکت کرد. در سال ۱۳۷۱ هجری شمسی به کانادا اعزام شد، کارشناسی ارشد را طی دو سال از مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل در فلسفه و منطق تطبیقی گذراند سپس در رشته فلسفه غرب دوره دکتری را در دانشگاه مک گیل به پایان برد. طی ده سال اقامت در شمال امریکا در دانشگاههای مختلف آمریکا و کانادا سخنرانی داشت و در بسیاری از کنفرانسهای فلسفه و دین مقاله ارائه نمود. در سال ۱۳۸۰ هجری شمسی به ایران برگشت و در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به تدریس فلسفه تطبیقی، فلسفه سیاسی وعرفان پرداخت. تا کنون حدود ده پایان نامه تخصصی در رشته های فلسفه، دین شناسی و عرفان با راهنمائی ایشان به انجام رسیده است.

فنایی خلخالی، احمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۵ / ۹۷۵ ق)، شاعر. از نوادگان ابویزید خلخالی بود و از کسانی چون میر غیاث‌الدین منصور دشتکی شرازی، مولانا احمد ابیوردی، شمس‌الدین خفری و کمال‌الدین لاری کسب فیض کرد. وی به حج رفت و بعد از آن در قزوین مشغول تدریس شد و در همان جا درگذشت. از اوست:

افتاده به پا زلف سمن‌سای تو از چیست؟

دیوانه منم سلسله بر پای تو از چیست؟

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۴۸ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۶۸۷)، تذکره‌ی روز روشن (۶۳۸)، دانشمندان آذربایجان (۳۰۲)، الذریعه (۸۴۸ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۲۰)، هفت اقلیم (۲۵۹ / ۳).

فنایی مشهدی، علی‌اصغر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به فنایی. از سادات و سلسله نقبای مشهد بود که در عهد اکبرشاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به هند رفت. گفته‌اند که او مشهدی نیز تخلص کرده است. در «تحفه سامی» ملا میر علی‌اصغر فنایی تحت نام میرزا اسود، فرزند امیر غیاث‌الدین عزیز، آمده است. در «الذریعه» فنایی مشهدی را تحت نام ملا علی‌اصغر علاف آورده است و فنایی اسود را جدا ذکر کرده است.[۱]

(س دهم ق)، شاعر. در مشهد پیشه علافی داشته و لذا به فنایی علاف نیز مشهور است. در «الذریعه» او با ملا علی‌اصغر فنایی یکی دانسته شده است.[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۴۹۶ / ۲)، تحفه سامی(۴۳ -۴۲)، تذکره‌ی روز روشن (۶۳۹ -۶۳۸)، الذریعه (۸۴۹، ۸۴۷ / ۹)، صبح گلشن (۳۲۲ -۳۲۱)، فرهنگ سخنوران (۸۴۹، ۷۲۰)، کاروان هند (۱۰۶۰ / ۲)، مطلع الشمس (۴۴۰ -۴۳۹ / ۲).

[۲] آتشکده‌ی آذر (۴۹۷ -۴۹۶ / ۲)، تحفه سامی (۳۱۹ -۳۱۸)، تذکره‌ی روز روشن (۶۳۸)، الذریعه (۸۴۹ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۲۰)، مطلع الشمس (۴۴۰ / ۲).

فنایی نعمت سرا، هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی فنایی نعمت سرا

محل تولد : ---

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده از سال ۱۳۶۵ که در دبیرستان مشغول تحصیل بودم به مطالعات دینی پرداختم و همراه با تحولات سیاسی و اجتماعی و پدید آمدن گروههای مارکیستی والتقاطی به مطالعه آثار آنها پرداختم تا در مناظرات با آنها با مشکلی مواجه نباشم، تقریبا مارکسیست را

یک دوره به طور کامل مطالعه کردم و در کنارش آثار فلسفی و کلامی متکلمین و فیلسوفانی را که به زبان فارسی بود مطالعه کردم عطش مطالعات علوم اسلامی مرا وادار نمود که به حوزه علمیه وارد شوم و به صورت فنی بحث را ادامه بدهم، پس از ورود به حوزه علمیه همزمان با دروس کلاسیک حوزه و مطالعات دینی به مطالعه پیرامون آثار روشنفکران مسلمان پرداختم چون گفتمان غالب در مناظرات دهه شصت و هفتاد مباحث روشنفکری بود که به اعتقاد بنده با بیماری مواجه است و نشناختن آن موجبات کج فهمی در داوریها خواهد شد. برای تعمیق بخشیدن این مباحث رشته کلام و فلسفه را به صورت تخصصی در حوزه ادامه دادم و خوشبختانه بیشترین استفاده را در این حوزه برده ام و به برکت اندوخته های همین حوزه امروز در دانشگاهها مشغول تدریس هستم. البته در کنار دروس فلسفه و کلام، دروس حوزه را تا مرحله یک دوره خارج اصول و چند کتاب فقهی به پایان رساندم.

فنایی هروی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از بزرگ‌زادگان هرات بود. مدتها در خراسان به سر برد، عاقبت به هندوستان رفت و در زمان همایون‌شاه (۹۶۳ –۹۳۷ ق) و اکبرشاه (۱۰۱۴ –۹۶۳ ق) در آن‌جا بود. او مداحی هر دو پادشاه را کرده است. از آثار وی «دیوان» شعر، قریب به هشت هزار بیت، مبنی بر مدایح ائمه معصومین (ع) است. در «فرهنگ سخنوران» وی تحت عنوان فنای هروی آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۷۱۹)، کاروان هند (۱۰۶۱ –۱۰۶۰ / ۲).

فنایی هروی، کمال‌الدین حسین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. از شاعران خیال‌پرداز هرات و از معاصران سلطان حسین میرزا تیموری (۹۱۱ –۸۷۳ ق) است. از اوست:

مسلمانان، ندارد درد من جز مرگ درمانی

که تیری خورده‌ام کاری، ز کیش نامسلمانی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۶۳۹)، الذریعه (۸۴۹)، صبح گلشن (۳۲۲)، فرهنگ سخنوران (۷۲۱–۷۲۰).

فنجکردی نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۱۳ / ۵۱۲ / ۵۰۳ –۴۳۳ ق)، ادیب، نحوی و شاعر. ملقب به شیخ‌الافاضل. نسبت وی به فنجکرد از توابع نیشابور می‌رسد. وی معاصر با زمخشری و نزدیک به عصر سید رضی بود و میدانی کتاب «السامی فی الاسامی» را، در لغت، به فارسی، به نام وی تألیف کرده و در سرآغاز کتاب او را در فضل و علم و ادب ستوده است. او را مدون «دیوان» امیر المومنین (ع) می‌دانند. در نیشابور درگذشت. از جمله آثارش:«تاج الاشعار» یا «سلوه الشیعه»، در اشعار حضرت امیرالمومنین (ع)؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۵۶ / ۸)، الذریعه (۸۴۹ / ۹ ،۲۲۳ / ۱۲ ،۲۰۵ / ۳)، ریاض العلماء (۳۵۴ –۳۵۲ / ۳)، ریحانه (۳۵۷ – ۳۵۶ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸۱ / ۶)، فوائد الرضویه (۲۶۹ –۲۶۸)، الکنی و الالقاب (۳۵ –۳۴ / ۳) ، لغت‌نامه (ذیل/ علی فنجگردی)، معجم الادباء (۲۷۲ –۲۷۰ / ۱۲)، معجم المؤلفین (۲۸ –۲۷ / ۷).

فندرسکی، ابوطالب

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(منسوب به فندرسک) میرزا ابوطالب فرزند ابوالقاسم فندرسکی. شاعر و منشی قر. ۱۲ ه. وی از شاگردان علامه مجلسی است و با میرزا عبداللّه افندی صاحب ریاض‌العلماء و نظایر وی معاصر و در یک حلقه‌ی تدریس با آنان به کسب علم مشغول بود. تألیفات او عبارتند از: ترجمه‌ی فارسی شرح لمعه‌ی شهید، حاشیه‌ی تفسیر بیضاوی، حاشیه‌ی خفری بر شرح تجرید قوشچی سامی که منظومه است، غزوات حیدری که نیز منظومه است، المنتهی در نجوم، نگارخانه‌ی چین که حاوی تمامی مکتوبات و منشات عربی و فارسی اوست.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

فواد کرمانی، فتح‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۵۸ -۱۲۷۴ ق)، شاعر، متخلص به فؤاد. پدرش از شعرای نامی کرمان بود. وی در کرمان به دنیا آمد و در هشتاد و پنج سالگی در همان شهر درگذشت و در دامنه‌ی کوه سید حسین در اطراف کرمان دفن شد. از آثار او «دیوان» شعری است به نام «شمع جمع» که مشتمل بر مدح و مراثی ائمه (ع)، غزلیات عرفانی، ترجیع‌بند و رباعیات است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۸۵۰ / ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۶۰ / ۵)، شرح حال رجال (۱۷۴ / ۶)، فهرست کتابهای چاپی (۲۱۶۸ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۷۷۵ -۷۷۴ / ۴).

فوجی نیشابوری، محمد مقیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۵۹ ق)، شاعر، متخلص به فوجی. از اقوام نزدیک ملا نظیری نیشابوری است. در نیشابور به دنیا آمد و در آن جا نشوونما یافت. در «مرآه الخیال» آمده است که اصل وی از شیراز است و لذا به او فوجی شیرازی و مقیما/ مقیم شیرازی نیز گفته‌اند. در زمان شاه جهان (۱۰۶۹ -۱۰۳۷ ق) به هندوستان رفت. او مداح شاهزاده محمد شجاع بن شاه جهان بود و هدایای گرانمایه می‌گرفت. وی بعد از مراجعت به وطن به سفر مکه معظمه مشرف شد و بعد از ادای مراسم حج به وطن بازگشت و در نیشابور درگذشت. احمد گلچین معانی «کلیات» شناخته شده وی را که شامل ماده تاریخهایی تا سال ۱۰۵۹ ق است رویت کرده است. «ساقی‌نامه» در دویست و هفتاد و هفت بیت که در مدح میرزا جان‌بیگ، حاکم اوریسه، است اثر مشهور وی می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۰۶ / ۲)، تذکره‌ی پیمانه (۳۹۳ -۳۸۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۱۷ -۳۱۶)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۵۵ -۱۵۴ / ۴)، الذریعه (۱۱۳ / ۱۲ ،۱۰۹۳، ۱۰۹۲، ۸۵۰ / ۹)، صبح گلشن (۴۴۱، ۳۲۲)، فرهنگ سخنوران (۸۷۱، ۷۲۲)، کاروان هند (۱۰۶۷ -۱۰۶۱ / ۲)، مرآه‌الخیال (۱۶۹)، مطلع الشمس (۱۷۸ / ۳).

فورانی مروزی، ابوالقاسم عبدالرحمان

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۶۳ / ۴۶۱ -۳۸۸ ق)، محدث، فقیه شافعی، اصولی و مصنف. در مرو به دنیا آمد. وی در فقه شاگرد ابوبکر قفال شاشی بود و از او و از علی بن عبدالله تیسفونی حدیث شنید. عبدالرحمان بن عمر مروزی و عبدالمنعم بن ابی‌القاسم قشیری و زاهر بن طاهر و محیی‌السنه بغوی و دیگران از وی حدیث شنیدند. او پیشوای فقهای مرو و شیخ شافعیان بود. وی استاد ابوسعد/ ابوسعید متولی صاحب «التتمه» (یعنی تتمه کتاب «الابانه» که شرح گونه‌ای است بر کتاب استادش) بود. امام الحرمین جوینی در کتاب «النهایه» خویش در باب اذان جمله‌ای در تخفیف فورانی گفته که تمامی علما این مطلب را بر امام الحرمین عیب گرفته‌اند، زیرا که فورانی از ستونهای مذهب به شمار می‌آمده است. او در مرو درگذشت. فورانی دارای مصنفات بزرگ و بسیاری در اصول و خلاف و جدل و ملل و نحل می‌باشد. از آثار وی: «الابانه»، در فقه شافعی؛ «العمده»، در فقه؛ «اسرار الفقه»؛ «کتاب العمل»؛ شرح «الفروع» ابن‌حداد، در مذهب شافعی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۰۲ / ۴)، انساب سمعانی (۴۰۵ / ۴)، سیر النبلاء (۲۶۵ -۲۶۴ / ۱۸)، شذرات الذهب (۳۰۹ / ۳)، الکامل (۱۱۰۸)، کشف الظنون (۱۴۴۱، ۱۲۵۷، ۸۴، ۱)، لسان المیزان (۳۰۳ -۳۰۲ / ۴)، معجم المؤلفین (۹۲ / ۸، ۱۶۹ / ۵)، وفیات الاعیان (۱۳۲ / ۳)، هدیه العارفین (۵۱۷ / ۱).

فوقی یزدی، فوق‌الدین احمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. در زمان شاه‌عباس ثانی (۱۰۷۷ -۱۰۵۲ ق) می‌زیست. وی شاعری بدیهه‌گوی بود و اشعار خود را در قالب طنز و هزل بیان می‌کرد. وی بعد از حکیم سوزنی و عبید زاکانی سومین شاعر هزل‌گوی و معاصر با طرزی افشار است. دوبار به هندوستان مسافرت کرد و با پادشاهان و بزرگان آنجا صحبت داشت و مورد لطف و احترام آنها قرار گرفت. وی در سفر دوم به هند در بندر سورت درگذشت. از آثار وی: کلیاتی مشتمل بر خمسه‌ای در هزلیات شامل منظومه‌های «فرهاد و شیرین»،در حدود

۱۴۰۰ بیت، «لیلی و مجنون»، «ساقی‌نامه»؛ «قصاید و ترجیعات»؛ «مناجات‌نامه»؛ «غزلیات»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی پیمانه (۳۹۶ -۳۹۴)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۲۴۴ -۲۴۲)، جامع مفیدی (۴۵۰ -۴۴۸ / ۳)، الذریعه (۳۹۵ / ۱۸ ،۱۱۳ / ۱۲ ،۸۵۱ / ۹ ،۲۶۲ / ۷)، فرهنگ سخنوران (۷۲۲)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۲۴۷۳ -۲۴۷۲ ،۱۸۸۸ / ۳)، کاروان هند (۱۰۶۹-۱۰۶۷ / ۲)، منظومه‌های فارسی (۴۵۸ -۴۵۶).

فولادوند، عزت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عزت‌الله فولادونـد در سال ۱۳۱۴ ش در شهرستان اصـفهان به دنیا آمد.ایشان تحصیلات دانشگاهی خود را در آمریکا پی گرفت و موفق شد کارشناسی و کارشناسی ارشد فسفله را از دانشگاه کلمبیای نیویورک دریافت کند.ایشان در کنار فعالیت در شرکت ملی نفت ایران و وزارت امور اقتصـادی و دارایی به فعـالیت های فرهنگی نیز می پردازد.از ایشان چنـدین ترجمه به یادگار است. تترجمه کتابهای" فلسفه کانت "و" آگاهی و جامعه "عزت الله فولادوند ، به ترتیب در دوره هشتم و نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

تحصیلات رسـمی و حرفه ای : عزت الله فولادوند بعد از گذراندن تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی جهت ادامه تحصیل عازم کشور امریکا شد و از دانشگاه کلمبیای نیویورک در رشتهٔ فلسفه موفق به دریافت لیسانس و فوق لیسانس گردید.

استادان و مربیان : از اساتیـد برجسته عزت الله فولادونـد می‌توان به «آرتور دانتو»، «رابرت کامینگ» و «سـیدنی مورگن بسر» اشاره کرد.

مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : عزت الله فولادوند از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۹ در سمتهای مختلف در شرکت ملی نفت ایران و وزارت امور اقتصادی و دارایی مشغول به کار بوده است.

جوائز و نشانها : ترجمه کتابهای" فلسفه کانت "و" آگاهی و جامعه "عزت الله فولادوند ، به ترتیب در دوره هشتم و نهم کتاب سال جمهوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شده است. --

آثار :

۱ آگاهی و جامعه

ویژگی اثر : ترجمه، (هـ. استیوارت هیوز)،این کتـاب در دوره نهم کتـاب سـال جمهوری اسـلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسـلامی معرفی و برگزیده شده است.آشـنایی با کتاب: « آگاهی و جامعه»: موضوع اصـلی این کتاب جسـتجوی پاسخی برای این پرسـش است که انسـان چگونه به خود وحیـات اجتمـاعی‌اش آگـاهی می‌یابـد و اصولاً علم انسـان به خود و اجتماعش چگونه ممکن است. این مسـاله در این کتـاب به صورت تاریخی بررسـی شـده است و قصـد نویسـنده روشن کردن این نکته بوده است که چگـونه در میـانه دهـهٔ آخر قرن نوزدهم و دهـهٔ سوم قرن بیسـتم میلادی از برخورد انـدیشه‌ها و نگرشـهای گونـاگون تصور تـازه از آگـاهی بشـری و نگرش جدیـدی به اجتماع و حیات اجتماعی پدیـد آمـد. کتاب آگاهی و جامعه از نمونه‌های خوب و موفق تاریخ فکری است و به همین دلیـل هر چنـد بیش از یک ربع قرن از تألیف آن می‌گـذرد هنوز هم خوانـدنی و آموزنـده است. ترجمه این کتـاب دقت و روشـنی بیـان را با هم در یکجا جمع کرده است و مترجم در انتقال مباحث گوناگون این کتاب به زبان فارسـی کاملاً موفق بوده است

۲ آلبر کامو

ویژگی اثر : ترجمه،(کانر کروز اوبراین)

۳ آیا انسان پیروز خواهد شد؟

ویژگی اثر : ترجمه، (اریش فروم)

۴ امریکایی آرام

ویژگی اثر : ترجمه،(گراهام گرین)

۵ انقلاب

ویژگی اثر : ترجمه،(هانا آرنت)

۶ جامعه باز و دشمنان آن

ویژگی اثر : ترجمه، ۴ ج (کارل پوپر)

۷ خشونت

ویژگی اثر : ترجمه،(هانا آرنت)

۸ رشد سیاسی

ویژگی اثر : ترجمه، (سی. ایچ. داد)

۹ فلاسفهٔ بزرگ

ویژگی اثر : ترجمه، (براین مگی)

۱۰ فلسفه کانت

ویژگی اثر : ترجمه، (اشتفان کورنر) ،این کتاب در دوره هشتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب:«فلسفه کانت» : به گمان بسیاری از اهل نظر کانت بزرگترین فیلسوف اروپایی از زمان ارسطو و شاهکار او «نقد عقل محض»، مهمترین کتاب فلسفی پس از «مابعدالطبیعه» معلم اول بوده است. کتاب فلسفه کانت در واقع مدخلی بر فلسفه کانت به شمار می‌رود و از نظر نظم و دقت و ایجاز و وضوح عبارت و جامعیت کم‌نظیر است. مؤلف توانسته است در کتابی هر چند مختصر، اندیشهٔ کانت را از نظرگاهی جامع و عام بررسی کند و با پاره‌ای از مسائل فلسفه معاصر پیوند دهند. مترجم نیز با سابقهٔ درخشانی که در ترجمهٔ آثار وزین و ارزشمند فلسفی دارند، به خوبی از عهدهٔ ترجمهٔ کتاب برآمده و با انتقال مضامین آن به زبان فلسفهٔ اسلامی، خدمت ارزنده‌ای به جامعهٔ علمی نموده‌اند و در پایان کتاب نیز واژه‌نامهٔ مفید و سودمندی به کتاب افزوده و فایدهٔ آن را فزونی بخشیده‌اند

۱۱ فیلسوفان و مورّخان

ویژگی اثر : ترجمه، (ود مهتا)

۱۲ کاتالونیا

ویژگی اثر : ترجمه،(جرج اروِل)

۱۳ گریز از آزادی

ویژگی اثر : ترجمه،(اریش فروم) برندهٔ جایزه ترجمهٔ ممتاز در علوم اجتماعی پیشرفته از یونسکو (۱۳۴۸)

فولادوند، محمدمهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد محمد مهدی فولادوند فرزند شادروان محمد حسین بختیاری ، در اول دی ماه ۱۲۹۹ در اراک متولد شد . او از سوی مادر ، نوه ی حجت السلام حاجی آقا محسن ادراکی و نبیره ی دختری مرحوم سید محمد علی تهرانی است . پس از طی تحصیلات اولیه و رایج به سبک جدید ، در شهریور ۱۳۲۹ برای ادامه ی تحصیل به ویژه در رشته های شعر و ادب و هنر و زیبایی شناسی ، به پاریس رفت و چهارده سال در آن شهر اقامت و در رشته های دلخواه دانشگاهی و تکمیل زبان و ادب فرانسوی خود تلاش کرد . جناب فولادوند در آبان ماه ۱۳۴۳ (۱۹۶۴ م) به تهران بازگشت و تاکنون که بیش از هشتاد سال از عمر پربار و برکتش می گذرد ، در دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی، مواد مختلف فلسفه ، زیباشناسی ، زبان فرانسه ، تاریخ مذاهب و فرهنگ ایران را تدریس کرده است . او عضو انجمن فلسفه ی ایران و علوم انسانی یونسکو و عضو انجمن شعرای فرانسه و نویسندگان فرانسه زبان است . مجموعه ی آثار فرانسه و فارسی وی قریب به سی جلد است که در حدود پانزده جلد آن به چاپ رسیده است . برخی از آثار چاپ شده ی ایشان از این قرار است :

ـ ترجمه ی [رباعیات] عمر خیام ، پاریس ، مزون نو ، ۱۹۶۰ ، طبع جدید آن با مقدمه و حواشی و « سخنان تازه درباره ی عمر خیام و رباعیات او » به پیوست آن . تهران ، فروغی .

ـ هیدا (در جستجوی زیبایی) ، چاپ فرهنگ و هنر (به فرانسه)

ـ سنفونیها ،چاپ فرهنگ و هنر (به فرانسه)

ـ زن در اندیشه ی خدا (به فرانسه)

ـ دیوان اشعار و نوشته ها (آثار فارسی ـ بخش یکم)

ـ ترجمه ی کتاب المنقذ من الضلال (= زندگینامه ی خود نوشت فکری و فرهنگی غزالی ، عنوان ترجمه ی فارسی اش رهنمای گمراهان ، نشریات محمدی)

ـ نخستین درس زیبایی شناسی . انتشارات دهخدا .

ـ پاسکال ـ ونسی ـ بلندل . مجموعه کتابهای جیبی .

ـ زیباترین اشعار فرانسه (متن فرانسه و فارسی) . انتشارات کندی . در سالهای اولیه ی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ، که بنیاد قرآن تاسیس شد ، استاد فولادوند چند اثر قرآنی از نویسندگان برجسته ی معاصر عرب ، نظیر سید قطب ، به فارسی شیوایی ترجمه کرد که از سوی همان بنیاد منتشر شده است .

برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

فولادی وندا، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد فولادی وندا

محل تولد : گچساران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۶/۲

زندگینامه علمی

در دوم شهریور سال ۱۳۴۲ در خانواده ای مذهبی و ساده روستایی در شهرستان گچساران چشم به جهان گشودم. پس از طی تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، همزمان با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ تحصیلات متوسطه را در هنرستان فنی طالقانی گچساران آغاز نمودم. در این هنرستان و همزمان با فعالیت گروههای سیاسی در اوائل پیروزی انقلاب، به اتفاق یکی از هم کلاسیها، اقدام به تشکیل و راه‌اندازی انجمن اسلامی نمودیم. این انجمن، از معدود انجمنهای فعّال در مبارزه با گروهکهای سیاسی آن روزگاران بود. با آغاز جنگ تحمیلی و در کنار تحصیل، بارها و بارها توفیق حضور در جبهه‌های نور را یافتم. سرانجام، در خرداد ماه سال ۱۳۶۰ علی‌رغم حضور سه ماه مستمر در جبهه در ایام تحصیل، به عنوان شاگرد ممتاز موفق به اخذ دیپلم گردیدم. به دلیل ارتباط منظم با روحانیت و دعوت مستمر از آنان در انجمن اسلامی و اردوهای دانش آموزی، در شهریور همان سال، در حوزه علمیه قم پذیرش و در مدرسه مبارکه رضویه مشغول به تحصیل شدم. به دلیل آشنایی قبلی با مجموعه استادان و طلاب فرهیخته مؤسسه در راه حق، توفیق یافتم که در نزدیکی بارگاه ملکوتی آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) با این عزیزان هم حجره باشم. ارتباط با این مجموعه، نقش بسزایی در تعیین مسیر آینده زندگی من داشت. دروس سطح و خارج را نزد استادان گرانسنگ و بزرگواری همچون، اعتمادی، وجدانی، سبحانی، مکارم شیرازی و... سپری نمودم. علاوه برآن، دوره عمومی مؤسسه در راه حق، و دوره تخصصی بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (علیه السلام) و سپس مؤسسه امام خمینی (ره) را در مقطع کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، با دفاع اولین رساله این رشته در حوزه جامعه‌شناسی در این مؤسسه در سال ۱۳۷۵، موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی شدم.

فولادی، حفیظ الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حفیظ الله فولادی

محل تولد : –

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب دیپلم خود را در سال ۱۳۶۲ در رشته برق اخذ نموده و در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیّه اصفهان (مدرسه ذو الفقار) شدم و بعد از حدودا ۴ ماه در سال ۱۳۶۴ به حوزه علمیّه قم (مدرسه رضویه) مشرف شدم و تا کنون این توفیق نصیب اینجانب بوده است. در سال ۱۳۶۶ وارد مؤسسه در راه حق شده و به استفاده از اساتید معزز آن مجموعه پرداختم. در سال ۱۳۷۰ در مجموعه گروههایی که توسط دفتر همکاری حوزه و دانشگاه جهت آموزشهای تخصصی در رشته های روان شناسی، علوم تربیتی و جامعه شناسی شکل گرفته بود، وارد گروه جامعه شناسی شدم و پس از طی این دوره ها در مقطع کارشناسی ارشد از سال ۷۴ تا کنون در زمینه های مختلف این رشته به تحقیق و پژوهش مشغول هستم. خداوند این توفیق را به بنده داد که از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ در اکثر قریب به اتفاق پالایشگاههای کشور در خدمت مهندسین و مدیران و نیز پرسنل مجموعه صنعت نفت به تدریس در زمینه علوم اسلامی، مدیریّت اسلامی و ... پرداختم.

فولر، رودی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رودی فولر مهاجم سال‌های پیشین تیم ملی فوتبال آلمان یکی از نامدارترین بازیکنان تاریخ فوتبال این کشور است. رودی فولر که نام اصلی او رودولف فولر است تا اواسط دهه ۹۰ میلادی یکی از مهاجمان موفق و درخشان فوتبال آلمان بود. وی از سال ۲۰۰۰ به مدت ۴ سال مربیگری تیم ملی فوتبال آلمان را برعهده داشت. فولر در تاریخ سیزدهم آوریل ۱۹۶۰ در شهر هاناو واقع در ایالت هسن آلمان، در خانواده ای فوتبالدوست چشم به جهان گشود. پدرش که مربیگری تیم جوانان این شهر را برعهده داشت، او را از هشت سالگی همراه خود به تمرین های فوتبال می‌برد. فولر از همان آغاز می‌خواست در خط حمله بازی کند و در این پست از خود استعداد زیادی نشان داد. فولر پانزده ساله بود که توجه مربی تیم دسته دومی کیکرز اوفن‌باخ را جلب کرد. اما مادر فولر

می‌خواست که او در کنار فوتبال حتما دوره‌ی کارآموزی خود را در رشته‌ی بازرگانی اداری به پایان برساند. چنین نیز شد و فولر در همان تیم باشگاهی، دوره‌ی کارآموزی خود را همراه با ورزش فوتبال دنبال کرد.

شانزده ساله بود که برای نخستین بار با بازیکنان حرفه‌ای کیکرز اوفن‌باخ شروع به تمرین کرد. وی به عنوان بازیکن حرفه‌ای روی‌هم ۶۷ بازی برای این تیم انجام داد و ۱۷ گل به ثمر رساند. در سال ۱۹۸۰ به تیم دسته‌ی اولی مونیخ ۱۸۶۰ پیوست. باشگاه مونیخی برای این انتقال هفتصد هزار مارک به باشگاه اوفن‌باخ پرداخت و این رقم نشان می‌داد که فولر در همان زمان بازیکن باارزشی به شمار می‌رفته است.

تیم مونیخ ۱۸۶۰ در نخستین سال پیوستن رودی فولر به این تیم چهره‌ی موفقی نداشت و به دسته‌ی دوم سقوط کرد. با اینکه رودی فولر در نخستین فصل بازی‌ها در دسته‌ی دوم ۳۷ گل برای این تیم به ثمر رساند و آقای گل مسابقه های بوندسلیگای دو شد، اما تیم مونیخ نتوانست به لیگ یک راه پیدا کند. از همین رو فولر در سال ۱۹۸۲ به تیم موفق وردربرمن در بوندس‌لیگا پیوست.

فولر در همان سال به تیم ملی فوتبال آلمان دعوت شد و نخستین بازی ملی خود را در نوامبر سال ۱۹۸۰ در مقابل ایرلند شمالی انجام داد. آلمان در میان شگفتی، آن بازی را با نتیجه‌ی یک بر صفر واگذار کرد. اما این شکست، آغاز راهی پرافتخار بود. فولر در سال ۱۹۸۶ با تیم ملی فوتبال آلمان به مقام نایب‌قهرمانی جهان و چهار سال پس از آن در ایتالیا به مقام قهرمانی جهان رسید. وی با همین تیم در سال ۱۹۹۲ نایب قهرمان اروپا شد. رودی فولر در سطح باشگاهی نیز دوره‌های موفقی داشت. وی در نخستین فصل حضورش در وردر برمن، آقای گل مسابقات بوندس‌لیگا شد و در همان سال به عنوان بهترین بازیکن آلمان برگزیده شد. وی روی‌هم ۱۳۷ بازی برای وردربرمن انجام داد و ۹۷ گل برای این تیم به ثمر رساند.

فولر در سال ۱۹۸۷ به تیم رم پیوست و به مدت پنج سال برای این تیم صاحب‌نام ایتالیایی توپ زد. وی با این تیم یک بار قهرمان جام حذفی فوتبال ایتالیا شد. او ۱۴۲ بازی برای رم انجام داد و ۴۴ گل به نام او ثبت شد.

فولر در سال ۱۹۹۲ به تیم المپیک مارسی فرانسه پیوست و یک سال پس از آن با همین تیم قهرمان باشگاههای اروپا شد.کارنامه فولر در این باشگاه فرانسوی نیز درخشان بود. او در ۵۸ بازی ۲۴ گل وارد دروازه ی حریفان کرد.

فولر در سال ۱۹۹۴ به میهنش بازگشت و این بار در خدمت تیم بایر لورکوزن قرار گرفت. دو سال پایانی فعالیت ورزشی او در این تیم سپری شد و فولر در ۶۲ بازی برای این تیم، ۲۶ بار دروازه‌ی حریفان را فروریخت.

به موازات آن، رودی فولر ۹۰ بار برای تیم ملی فوتبال آلمان انجام داد و ۴۷ گل برای این تیم به ثمر رساند. وی در سال ۱۹۹۴ کفش‌هایش را آویخت، اما این به معنای گسستن پیوندهای او با فوتبال نبود. تیم ملی آلمان در سال ۲۰۰۰ در حالی در چارچوب رقابت‌های جام ملت‌های اروپا شرکت کرد که مقام قهرمانی اروپا را همراه خود یدک می‌کشید. اما این تیم با مربیگری اریش ریبک در همان دور مقدماتی در گروه خود آخر شد و از صعود به دور بعدی بازماند. این برای فوتبال آلمان یک فاجعه و آغاز بحرانی جدی بود.

سرانجام پس از کشمکش‌های فراوان میان مسئولان فوتبال در آلمان، برای تعیین مربی جدید تیم ملی، قرار شد این پست به مدت یک سال در اختیار رودی فولر قرار بگیرد. تیم ملی فوتبال آلمان با مربیگری فولر، توانست بر بحران غلبه کند و در جام جهانی سال ۲۰۰۲ در ژاپن و کره‌ی جنوبی به دیدار نهایی راه یابد. آلمان آن دیدار را در مقابل تیم ملی برزیل با نتیجه‌ی دو بر صفر واگذار و به مقام دومی جهان بسنده کرد. این بزرگ‌ترین افتخار ورزشی رودی فولر در مقام مربیگری بود.

پس از اینکه تیم ملی فوتبال آلمان در مسابقه های جام ملت‌های اروپا در سال ۲۰۰۴ در رقابت‌های گروهی ناموفق ماند و حذف شد، رودی فولر از مقام مربیگری این تیم کناره گیری کرد. فولر پس از آن برای مدت بسیار کوتاهی مربی تیم باشگاه رم و بایر لورکوزن بود. او هم‌اکنون مدیر ورزشی باشگاه بایر لورکوزن است.

فومنی اریب، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالقاسم اریب فومنی از علماء محترم شهرستان فومن می‌باشد. وی در این شهر متولد شده و در بیت سیادت و شرافت پرورش یافته است. اسلاف و نیاکان آنجناب همه از اشراف و اجلاء گیلان و منطقه فومن بوده‌اند. ایشان مقدمات را در فومن و سطوح را در شهرستان رشت خوانده آنگاه به تهران مسافرت و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه آقای حج شیخ محمدرضا تنکابنی (والد ماجد خطیب توانا و واعظ شهیر جناب آقای فلسفی) و مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمد تنکابنی و دیگران استفاده نموده و پس از آن به زادگاه خود مراجعت و بیش از چهل سالست که در فومن به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

نگارنده. در حدود سی سال قبل که برای دیدن یکی از دوستان به فومن مسافرت کردم آنجناب را ملاقات و او را دانشمندی ادیب و مانند شهرتش اریب یافتم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فومنی حایری، محمدجعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدجعفر فومنی حایری از علماء ابرار و دانشمندان اخیار و ائمه جماعت بزرگوار کربلای معلی بوده است. وی در فومن متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح در فومن و رشت مهاجرت به عراق نموده و در نجف و پس از آن در کربلا اقامت و از آیات عظام چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید اسماعیل صدر و آیت‌اللّه العظمی آمیرزا محمدتقی شیرازی و دیگران استفاده نموده و پس از آن به اقامه جماعت و خدمات دینی و توسل به ذیل عنایت سالار شهیدان حضرت ابی‌عبداللّه الحسین علیه الصلوهٔ والسلام پرداخته تا در ۱۳۵۷ قمری که به مولایش ملحق و در جوار حضرتش مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فومنی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ جواد بن العالم الجلیل حاج شیخ محمدجعفر فومنی مذکور از علماء فعال تهران بودند. وی در سال ۱۳۳۰ ق در کربلای معلی متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات سطوح را در آنجا از مرحوم والدش و دیگران فراگرفته و پس از آن به نجف مشرف و از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالحسین رشتی و دیگران استفاده علمی نموده و در سن ۲۷ سالگی در سال ۱۳۵۷ قمری که والد مبرورش فوت نمود به تهران مهاجرت و در خیابان خراسان اقامت و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن در مسجدش و جلسات مذهبی پرداخته و در اثر مبارزات با فحشاء و منکرات مبتلاء به حوادث و طوفانها گردیده و سوانح و خاطرات عجیبی دیده تا در شب بیست و سوم ماه رمضان ۱۳۸۴ قمری در اثر کسالتهای روحی و جسمی بدرود حیات گفته و با تشییع جنازه کم‌نظیری با دوش مردم عالم‌دوست تهران حمل به شهر ری و در صحن مطهر حضرت عبدالعظیم (ع) در مقبره واقع در قسمت شرقی صحن معروف به مقبره (علائی) مدفون گردید.

آثار و باقیات الصالحات آن مرحوم

مرحوم فومنی با فداکاریها و پیگیریها و مجاهدات طاقت‌فرسائی که داشت آثار گرانمایه‌ای از مساجد و دبستانهای اسلامی و مجامع مذهبی از خود به یادگار گذاشت که ذیلا اشاره می‌شود.

۱- مسجد نو واقع در خیابان خراسان (شماره ۱)

۲- کودکستان فومنی در خیابان خراسان

۳- دبستان ملی فومنی در خیابان خراسان (پسرانه)

۴- دبستان ملی فومنی در خیابان خراسان (دخترانه)

۵- مسجد نو شماره (۲) واقع در کوچه نظام

۶- شرکت تعاونی روزی (دهشاهی).

۷- از آثار باقیه وجود فرزندان برومند مخصوص ثقهٔ‌الاسلام والمسلمین آقای آقا شیخ حسین فومنی فرزند ارشد ایشان می‌باشد که اکنون به جای ایشان در مسجد نو خیابان خراسان امامت و به خدمات دینی اشتغال دارند.

ایشان در تهران متولد شده و تحصیلات جدی و مقدماتی را در آنجا خوانده آنگاه به قم آمده و چند سالی به تحصیل سطوح وسطی و نهائی مشغول و پس از فوت مرحوم والدش دیگر نتوانست در قم مانده و ادامه به تحصیل دهد ناچار به تهران برگشته و به خدمات دینی و اداره‌ی مؤسسات مذهبی والدش اشتغال دارد و واقعاً مصداق حدیث نبوی (او ولد صالح یستغفر له) می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فومنی، رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ رضا فومنی رشتی از علماء بزرگ و فضلاء جلیل و معروف به هندی از شاگردان علامه رشتی میرزا حبیب‌اللّه متوفی ۱۳۱۲ ق بوده

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فومنی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی فومنی عالمی بزرگ و فقیهی بزرگوار از بزرگان اهل فضل و خیار ایشان بود سالهای متمادی در نجف اشرف خدمت مشاهیر مدرسین تلمذ نموده و ملازمت آیت‌اللّه العظمی میرزا حبیب‌اللّه رشتی را اختیار و از خواص تلامذه‌ی ایشان گردیده و بسیاری از تقریرات بحث معظم له را به رشته تحریر آورده و در حدود ۱۳۲۶ ق در قضیه مشروطه و استبداد کشته شده است.

صاحب الذریعه: در طبقات قسم ۴ جزء اول می‌گوید سبب شهادت و چگونگی آن را متذکر نمی‌شوم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فهری زنجانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید احمد فهری زنجانی ابن السید الجلیل و العالم النبیل الحاج سید سجاد فهری زنجانی از دانشمندان معاصر تهران می‌باشند. وی در سال ۱۳۰۱ شمسی در زنجان متولد گردید. والد معظم ایشان در مقام منبر (به اعتراف همه شناسایان) شخصیت بارز و منحصر بفرد زنجان بوده و هستند و اکنون اواخر دهه‌ی هشتم یا اوائل دهه نهم عمر را می‌گذرانند.

حجهٔالاسلام سید احمد فهری تقریبا یکسال پس از فوت مرحوم آیت‌اللَّه حائری یزدی به قم مشرف شده و پس از یکسال و اندی توقف در آن دیار و استفاده از درس سطح حضرت آیت‌اللَّه العظمی آقای نجفی مرعشی در سال ۱۳۲۰ شمسی تشرف به نجف اشرف حاصل کرده و از محضر آیات عظام آقای آقا میرزا باقر زنجانی سطحا و خارجا و آیت‌اللَّه العظمی خوئی و مرحوم آیت‌اللَّه سید جمال گلپایگانی استفاده خارج نمود.

و پس از استماع یک دوره و نیم درس خارج اصول حضرت آیت‌اللَّه خوئی در سال ۱۳۳۰ به ایران مراجعت و مدت ۱۴ سال در کرمانشاه اقامت داشته و در مسجد جمعه کرمانشاه اقامه جماعت می‌نمود و ضمنا در زمینه‌ی تبلیغات مذهبی در کرمانشاه که مرکز فرقه‌ی علی‌اللهی‌ها می‌باشد زحمتی فراوان متحمل شدند.

و سپس در سال ۱۳۴۵ به تهران مهاجرت نموده و اکنون نیز در آنجا به انجام وظایف مذهبی اشتغال دارند و در مدت اقامت در تهران آثاری علمی از ایشان به طبع رسیده که ذیلاً می‌خوانید.

۱- کتاب سالار شهیدان در تحلیل انگیزه واقعی امام شهید علیه‌السلام در خروج از مدینه و حرکت بکربلا.

۲- ترجمه‌ی خصال صدوق.

۳- ترجمه‌ی عبداللَّه سبا در دو جلد تألیف آقای حاج سید مرتضی عسکری

۴- اسس المنطقیه.

۵- آهی سوزان بر مزار شهیدان ترجمه‌ی «اللهوف علی قتل الطفوف»

۶- معراج روحانی. معظم له در سال ۱۳۸۵ ه.ش وفات نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فهمی تهرانی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اصل وی از قریه‌ی طرشت بود. به طرز وقوع شعر می‌گفت و در علم عروض و قافیه، نظم و نثر و معما توانا بود. وی به قصد تجارت به هند سفرهایی داشت. در سفری که در ۹۷۲ ق به هندوستان کرد در گجرات با خان‌اعظم میرزا عزیز کوکلتاش، حاکم گجرات، هم‌صحبت شد. او با مولانا سهمی بخاری معاصر بود و با یکدیگر معارضه و مشاعره داشتند و در حق یکدیگر ابیات و اشعار می‌گفتند. تقی‌الدین اوحدی در ذیل ذکر شاعری به نام سهمی روس گوید: «بعضی گویند فهمی تهرانی عبارت از اوست که به روس هم مشهور شده». یک رباعی که، به گفته‌ی خود او، به اسم فهمی تهرانی مشهور بود به نام فهمی روس هم آمده است. با توجه به گفته تقی‌الدین اوحدی احتمالاـ وی سفری نیز به کشور روسیه داشته است. در «کاروان هند» مقداری از اشعار وی آمده است. از دیگر آثار وی «قسمت‌نامه» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۱۱ / ۳)، الذریعه (۸۲ / ۱۷، ۸۵۱ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۲۱)، کاروان هند (۱۰۷۴ -۱۰۷۰ / ۲)، مکتب وقوع (۶۶۸ -۶۶۷)، هفت اقلیم (۸۴ -۸۳ / ۳).

فهمی خبیصی کرمانی، شمس‌الدین، صدرالدین، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۳ ق)، شاعر، متخلص به فهمی. از سادات مورد احترام از قصبه‌ی کرمان بود و علاوه بر علوم شرعی در ریاضی، هیأت، رمل، جوم و ادبیات هم دست داشت. در اکثر تذکره‌ها آمده است که فهمی در زمان شاه‌محمد خدابنده به منصب صدارت رسید.اما در «تاریخ نظم و نثر» آمده است که وی در زمان شاه‌طهماسب منصب قدارت یافت و تا پایان عمر در این مقام بود. وی مردی بخشنده بود و در دوران صدارت خود، عواید اوقاف و نذرها و خمس را که به او می‌رسید به سادات و فقرا و طالبان علم و مستحقان می‌داد. فهمی در رکاب‌شاه محمد خدابنده، وقتی که سلطان مشغول محاصره تبریز بود، بر اثر بیماری درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۳۴ -۶۳۳ / ۲)، تاریخ نظم و نثر (۴۶۳)، تذکره‌ی شعرای کرمان (۴۰۲)، الذریعه (۸۵۲ / ۹)، ستارگان کرمان (۳۰۴ -۳۰۳)، عالم‌آرای عباسی (۳۲۱ ،۲۲۷-۲۲۶ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۷۲۲ -۷۲۱)، مجمع الخواص (۴۶ -۴۵).

فهمی‌استرآبادی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی در زمان جلال‌الدین اکبرشاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به هند سفر کرد و به امر تجارت مشغول شد و سرانجام در دهلی درگذشت. از اوست:

جان به کف نزد تو ای سرو روان آمده‌ایم

تا بدانی که ز هجر تو به جان آمده‌ایم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۵۱)، تذکره‌ی روز روشن (۶۳۹)، شعرای گرگان و مازندران (۲۲۹ -۲۲۸)، فرهنگ سخنوران (۷۲۱)، کاروان هند (۱۰۷۰ / ۲).

فهمی‌کاشانی، موحدالدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از شاعران معروف کاشان بود و بعد از محتشم کاشانی او را برتر از دیگر شاعران می‌دانستند. از طریق تجارت روزگار می‌گذراند و معاصر وحشی بافقی (۹۹۱ ق) و معارض وی بود. در اقسام مختلف شعر دست داشت. بعضی از شاعران معاصرش او را بر مذهب نقطویه دانسته و به او نسبت بی‌دینی و کافری داده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۷۶۵ ،۶۲۹ / ۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۵۹)، الذریعه (۸۵۲ / ۹)، عالم‌آرای عباسی (۱۸۴ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۷۲۱)، لغت‌نامه (ذیل/ کاشی)، مجمع الخواص (۲۰۱ -۲۰۰)، هفت اقلیم (۴۷۱ -۴۷۰ / ۲).

فهیم، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی فهیم

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب روز چهار شنبه ۱۲/۶/۱۳۳۰هجری در کرمان وارد حوزه علمیه آنجا شدم و مشغول تحصیل علوم دینی گشتم، بعد از مدت ۸ سال با اینکه خودم ادامه تحصیل می دادم روزانه حدود ۵ الی ۶ درس به افراد تازه وارد مجوزه می گفتم پس از ده سال تحصیل و اتمام دوره سطح در سال چهل فوت آقای بروجردی وارد قم شدم در قم به درس مرحوم امام خمینی (ره) داماد، حائری یزدی، و دیگران شرکت می کردم و از آن سال به بعد در قم ماندگار هستم و برای رفاه حال طلاب استان کرمان مدرسه کرمانیها را در قم و سپس مدرسه ای در کرمان تأسیس نمودم که هم اکنون مورد بهره برداری و از بهترین مدارس علمی بشمار می روند...

فهیمی هرمزی، فهیم‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۵ ق)، شاعر، متخلص بـه فهیمی. از مردم جزیره هرمز بـود. از ایران به هندوستان رفت و در آنجا چنـدی در ملازمت میرزا

عبدالرحیم خان خانان (۱۰۳۶ -۹۶۴ ق) به سر برد و در مدح وی اشعاری سرود. سپس به وطن خویش بازگشت. فهیمی در آورده‌ی «کاروان هند» در ۱۰۲۵ ق زنده بود است. تقی‌الدین اوحدی گوید:«طبیعتش به قصیده‌گویی بیشتر از اقسام دیگر رغبت و قدرت دارد». در برخی تذکره‌ها تخلص وی را به خطا فهمی نوشته‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۵۹)، تذکره‌ی روز روشن (۶۴۰)، الذریعه (۸۵۲ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۲۲)، کاروان هند (۱۰۷۵ -۱۰۷۴ / ۲)، مآثر رحیمی (۱۴۳۰ -۱۴۲۷ / ۴)، هفت اقلیم (۵۴ -۵۳ / ۱).

فهیمی، عزیزالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عزیزالله فهیمی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

اینجانب عزیز الله فهیمی در سال ۱۳۴۰ در بخش خلجستان قم متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در قم و تهران سپری نمودم و تحصیلات دوره راهنمایی و دبیرستان را در تهران گذراندم. بعد از اخذ دیپلم و خدمت سربازی در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه علمیه امام صادق (ع) مقدمات را گذراندم و سطح ۲ و ۳ و ۴ را از دروس آزاد حوزه استفاده کردم که نام اساتید محترم حوزه را در جدول آتی ذکر کرده ام. از سال ۱۳۷۰ مشغول درس خارج شدم و پس از ده سال درس خارج رساله سطح ۴ خود را با عنوان مبانی و قلمرو اصل حجت در حوزه علمیه قم تدوین نمودم که این رساله در بهار سال ۱۳۸۵ دفاع گردیده است. همزمان با دروس حوزه از زمان اشتغال به سطح ۳ حوزه وارد دانشگاه تهران شدم و در رشته حقوق قضایی در سال ۱۳۷۱ لیسانس گرفتم و در سال ۱۳۷۷ از دانشگاه شهید بهشتی در همین رشته فوق لیسانس گرفته و رساله علمی خود در زمینه ارث اقلیتهای دینی ایران در مقایسه با قوانین اسلام را تدوین نمودم که بعدها به صورت کتاب مستقل چاپ شد. در سال ۱۳۷۷ بعد از فارغ التحصیلی از دانشگاه شهید بهشتی به عنوان عضو هیات علمی در دانشگاه قم مشغول تدریس شدم که منافاتی با تحصیل حوزوی هم نداشت. در سال ۱۳۸۱ برای تکمیل تخصص دانشگاهی وارد دانشگاه امام صادق (ع) تهران شدم و در رشته دکترای حقوق خصوصی مشغول تحصیل شدم که تا کنون ادامه دارد. تا کنون دهها پایان نامه علمی حوزوی و دانشگاهی زیر نظر اینجانب تدوین شده است و دهها مقاله علمی و نشریات معتبر علمی چاپ گردیده است و پایان نامه علمی سطح ۴ اینجانب نیز با عنوان مبانی و قلمرو اصل حجت در معاملات در دست چاپ می باشد. در دانشگاه در رشته حقوق قضایی در سطوح لیسانس و فوق لیسانس در دروس مختلف تدریس داشته ام. در حوزه نیز دروس مختلف فقهی و اصولی مثل لمعه و اصول و مکاسب را تدریس نموده ام.

فیاض سرخه دیزجی زنجانی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۰ -۱۲۸۵ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی و مرجع تقلید. در قریه‌ی سرخه دیزج زنجان به دنیا آمد. مقدمات را نزد پدرش، آخوند ملا محمد سرخه دیزجی، که از شاگردان آخوند ملا علی قارپوزآبادی بود، خواند. سپس به زنجان رفت و متون فقه و اصول را نزد علمای آنجا قرائت کرد، آن‌گاه به تهران آمد و معقول را در محضر میرزا ابوالحسن جلوه اصفهانی و فقه و اصول را در محضر آیت‌الله میرزا محمد حسن آشتیانی و دیگران فراگرفت، تا به درجه‌ی اجتهاد نایل شد. سپس به نجف مهاجرت کرد و نزد علمای آنجا، و به طور عمده در محضر آقا شیخ هادی تهرانی، تلمذ کرد. پس از درگذشت علامه تهرانی در ۱۳۲۶ ق به زنجان بازگشت و به انجام وظائف دینی و تدریس پرداخت، و مرجع تقلید مردم آن دیار شد. وی در زنجان درگذشت و در مقبره‌ی آخوند ملا علی قارپوزآبادی دفن شد.از آثارش: «کتاب الاجاره»؛ کتاب «الخمس»؛ کتاب «الزکاه»؛ «ذخایر الامه»؛ رساله در «ماهیت وجود»؛ تقریر بحث استادش علامه تهرانی؛ «رساله‌ی عملیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۲۲ / ۱)، علماء معاصرین (۱۸۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۵۱ / ۵).

فیاض لاهیجی قمی، عبدالرزاق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۷۲ ق)، عالم امامی، محقق، حکیم، منطقی، متکلم، نویسنده، ادیب و شاعر.اصل وی از لاهیجان است، اما چجون مدت زیادی در شهر قم اقامت داشته و در حوزه‌ی علمیه آنجا تدریس می‌کرده به قمی نیز مشهور شده است. وی شاگرد و داماد صدرالمتألهین ملا صدرا محمد بن ابراهیم بن یحیی شیرازی است. تخلص یا لقب فیاض را استادش به او داده است، چنان که لقب فیض را به دیگر دامادش ملاـ محسن کاشانی. او از بزرگان علمای شیعه و از معروفترین حکیمان و عالمان عصر صفوی و معاصر شاه‌عباس ثانی (۱۰۸۷ –۱۰۵۲ ق) است. وی در مدرسه حضرت معصومه قم تدریس می‌کرد. از جمله شاگردانش فرزندش میرزا حسن لاهیجی صاحب «شمع الیقین» می‌باشد. از دیگر شاگردانش قاضی سعید قمی است. وی در قم درگذشت و همان جا دفن شد. گر چه در برخی از تذکره‌ها تاریخ وفات وی در ۱۰۵۱ ق ذکر شده اما با توجه به تاریخ تألیف «گوهر مراد» و «سرمایه ایمان» نمی‌تواند درست باشد. وی در حکمت و کلام و منطق صاحب تألیفات سودمندی است. از آثار وی: «گوهر مراد»، در اصول عقاید، به فارسی، که برای شاه‌عباس ثانی (۱۰۷۸ –۱۰۵۲ ق)تألیف کرده است؛ «سرمایه‌ی ایمان فی اثبات اصول العقائد بطریق البرهان»، که تلخیص «گوهر مراد» است به فارسی؛ «شوارق الالهام»، در شرح «تجرید الکلام»، خواجه نصیر طوسی، به عربی؛ «حاشیه»‌ای بر «حاشیه» شمس‌الدین محمد خفری بر «الهیات شرح تجرید»، که به درخواست شاگردانش ترتیب داد؛ «حاشیه»‌ای بر «حاشیه» ملا عبدالله یزدی بر «تهذیب المنطق» تفتازانی؛ «حاشیه» بر «شرح الاشارات» خواجه نصیرالدین طوسی؛ «شرح الهیاکل فی حکمه الاشراق»؛ رساله‌ی «حدوث العالم»؛ «مشارق الالهام فی شرح تجرید الکلام»، ناتمام؛ «الکلمات الیبه»، در محاکمه‌ی میان میرداماد و ملاصدرا در اصالت ماهیت میرداماد یا اصالت وجود ملاصدرا، که لاهیجی به نام شاه‌عباس ثانی نگاشته است؛ «دیوان» بزرگ شعر، به فارسی، مجموعه‌ای از قصاید و ترکیب‌بند و ترجیع‌بند در منقبت پیامبر (ص) و ائمه (ع) بویژه امیرالمؤمنین (ع) و در مرثیه‌ی شهیدان کربلا (رض).[۱]

(بخش ۱) لاهیجی، عبدالرزاق بن علی متکلم و حکیم ایرانی (ف. ۱۰۵۲ ه.ق) وی داماد و شاگرد صدرالدین شیرازی بود و در ادب و شعر و کلام دست داشت. از اوست: شوارق دو جلد در شرح تجریدالکلام، گوهر مراد در کلام، سرمایه‌ی ایمان در کلام، شرح فصوص‌الحکم در تصوف (عربی)، شرح فصوص‌الحکم (به فارسی)، دیوان شعر شامل ۵۰۰۰ بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۸۴۹ –۸۴۶ / ۲)، اعیان الشیعه (۴۷۱ –۴۷۰ / ۷)، ایضاح المکنون (۵۹ / ۲)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۶۱ / ۴)، تاریخ علم کلام (۳۲۴ –۳۲۲)، تذکره‌ی پیمانه (۴۱۲ –۳۹۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۶)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۶۸ / ۲)، دنباله جستجو درتصوف (۲۵۴ –۲۵۱)، الذریعه (۲۳۸ / ۱۴ ،۱۶۱ / ۱۳ ،۸۵۳ –۸۵۲ / ۹ ،۱۹۰ / ۴)، روضات الجنات (۱۹۴ –۱۹۲ / ۴)، ریاض العارفین (۲۲۷)، ریحانه (۳۶۳ –۳۶۱ / ۴)، سیر در شعر فارسی (۳۸۴)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۴۰۶ –۴۰۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۱۹ / ۱۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۳۰ –۴۲۹)، فوائد الرضویه (۲۲۹)، فلاسفه شیعه (۳۷۷ – ۳۷۵)، الکنی و الالقاب (۳۷ –۳۶ / ۳)،لغت‌نامه (ذیل/ عبدالرزاق)، معجم المؤلفین (۲۱۸ / ۵)، منتخب التواریخ (۷۴۶)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴۲ –۸۴۱ / ۳)، هدیه الاحباب (۲۱۴ –۲۱۳).

فیاض، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ احمد فیاض فرزند مرحوم حجت‌السلام حاج ملا مصطفی فروشانی سده (همایونشهری) از علماء محترم و مدرسین بزرگ معاصر اصفهانند. معظم له در هفدهم ذی‌قعدهٔ الحرام ۱۳۲۴ قمری تولد یافته و در بیت علم پرورش یافته و مقدمات را در محل و زادگاه خویش تا حدود سیوطی خوانده و در سال ۱۳۴۱ قمری به اصفهان مهاجرت نموده و تا سال ۱۳۶۴ در اصفهان سطوح اولیه و وسطی و دروس خارج فقه و اصول را از اساتید و مدرسین اصفهان مانند مرحوم آیت‌اللّه آقای سید علی نجف‌آبادی و آیت‌اللّه آقا سید مهدی درچه‌ای و آیت‌اللّه حاج میرزا محمد صادق یزدآبادی فراگرفته سپس در سال مزبور مشرف به نجف اشرف شده و حدود پنج سال در حوزه به نجف محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدکاظم شیرازی و آیت‌اللّه حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللّه حاج سید جمال‌الدین گلپایگانی فقهاً و اصولاً استفاده نموده و در سال ۱۳۶۹ قمری مراجعت به اصفهان نموده و تاکنون به اقامه جماعت و به تدریس فقه و اصول و غیره و خدمات دینی اشتغال دارند.

دارای مدارک اجتهادی و روایتی از آیات عظام زیر می‌باشند.

۱– آیت‌اللّه اصفهانی.

۲– آیت‌اللّه آقای سید محمد نجف‌آبادی.

۳– آیت‌اللّه ملاحسین.

۴– آیت‌اللّه آقا سید جمال‌الدین گلپایگانی.

۵– آیت‌اللّه آقا سید عبدالهادی.

۶– آیت‌اللّه حاج میرزا احمد آشتیانی.

۷– آیت‌اللّه حاج آقا بزرگ تهرانی.

۸– آیت‌اللّه آقا سید احمد جزایری معروف به سید آقا.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

فیاض، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۰ -۱۲۷۷ ش)، محقق، مصحح و استاد دانشگاه. قرآن و مقدمات زبان عربی را نزد پدر فراگرفت. سپس علوم قدیمه را در مدارس مشهد نزد بزرگانی چون سید ابوالقاسم ازغندی، میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری، حاج محمدعلی فاضل، آقا بزرگ شیهدی و میرزا محمدباقر مدرس رضوی فراگرفت و در علوم معقول و منقول و ادبیات فارسی و عربی تبحر یافت. در ۱۳۰۷ ش ریاست یکی از دبیرستانهای مشهد و سپس ریاست دانشسرای مقدماتی در مشهد را عهده‌دار شد. پس از گذراندن دوره‌ی لیسانس در دانشگاه تهران، در ۱۳۲۲ ش به دریافت درجه‌ی دکترای زبان و ادبیات فارسی نایل شد. در ۱۳۳۴ ش دانشگاه مشهد را با تأسیس دانشکده‌ی ادبیات بنیان نهاد که بعدها رشته‌های زبان فرانسه، جغرافیا تاریخ و زبان انگلیسی در آن دایر گردید. فیاض در ۱۳۴۳ ش به دانشگاه تهران آمد و مدیر گره ادیان و ماهب در دانشکده‌ی الهیات و عارف اسلامی گردید. وی به زبان و ادبیات فرانسه مسلط بود و با زبانهای روسی، انگلیسی، آلمانی و لاتین نیز آشنایی داشت. او در کنگره‌های بسیاری شرکت کرد و با بزرگانی همچون دکتر قاسم غنی در تصحیح «تاریخ بیهقی» و تألیف «تاریخ عصر حافظ» مشارکت و همراهی داشت. فیاض در مشهد درگذشت و در آستان رضوی به خاک سپرده شد. از آثارش: «محاضرات عن الشعر الفارسی و الحضاره الاسلامیه فی ایران»، به عربی؛ «فهرست کتب منطق در کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی»؛ «تاریخ اسلام»؛ «گزنفن در بازگشت»؛ مقدمه بر رساله‌ی «بحثی در تصوف» دکتر قاسم غنی؛ مقدمه بر «دیوان» ظهیر فاریابی؛ مقدمه بر «مزارات خراسان» کاظم مدیر شانه‌چی؛ مقدمه بر «نوای آگاهی»؛ «نسخه‌های خطی تاریخ بیهقی»؛ مقدمه بر «نوای آگاهی»؛ «نسخه‌های خطی تاریخ بیهقی»؛ مقدمه بر «المظاهر الالهیه» صدرالدین شیرازی. مقالات وی شامل: «دور نمای نقد ادبی»؛ ترجمه‌ی «تابوت‌ساز» پوشکین؛ «خبری از مشهد هزارسال پیش»؛ «ابومسلم خراسانی»؛ «ادبیات زندگی»؛ «ادب شوروی»؛ «شعر فارسی»؛ «شعر امروز خراسان».[۱]

در ۱۲۷۷ در مشهد تولد یافت. پدرش حجت‌الاسلام سیدعبدالحمید از روحانیون و معاریف مشهد بود. فیاض در مدارس علمیه‌ی قدیم مشهد به فراگرفتن علوم قدیمه پرداخت. فقه و اصول و حکمت را خوب تحصیل کرد. مدتی نیز نزد ادیب نیشابوری ادبیات فارسی خواند. از ۱۳۰۷ وارد خدمات دولتی شد. چندی در فرهنگ و مدتی در آستان قدس رضوی شاغل مقاماتی گردید. فضل و دانش و حسن خلق او موجب شد مورد توجه مردم و دولت واقع شود. در انتخابات دوره‌ی دوازدهم که در اوج دیکتاتوری پهلوی بود، از طرف دولت و مردم مشهد وکیل شد. در دوره‌ی سیزدهم نیز این سمت را احراز کرد. وی تحصیلات قدیم و جدید را توام نمود. ضمن تحصیل معارف اسلامی به دانشکده ادبیات تهران وارد شد. پس از اخذ لیسانس در اولین دوره‌ی دکترا ثبت‌نام کرد و دوره‌ی دکترا را گذرانید و همزمان با دکتر معین و دکتر صفا و دکتر خانلری فارغ‌التحصیل گردید و به دانشیاری دانشگاه برگزیده شد. در ۱۳۳۴ ریاست دانشکده‌ی ادبیات مشهد را به عهده گرفت و در ۱۳۳۷ عهده‌دار ریاست دانشکده‌ی الهیات گردید. وفات او در ۱۳۵۰ اتفاق افتاد.

فیاض مردی به تمام معنی دانشمند و ادیب بود. به چندین زبان زنده‌ی دنیا مانند عربی، فرانسه، روسی و انگلیسی تکلم و کتابت می‌کرد. چند سال در دانشگاه‌الازهر مصر و در دانشگاه فولاد اسکندریه به تدریس ادبیات فارسی اشتغال داشت.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ بیهقی (مقدمه/ شش- بیست)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۶۶، ۳۰۳۸، ۲۷۲۷، ۲۱۱۵ / ۲ ، ۶۸۰ ، ۶۶۷ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۳ / ۴).

فیاض، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد فیاض در سال ۱۲۶۱، در همدان متولد گردید. تحصیلات ابتدایی در زادگاه خود پشت سر نهاد و در شهر قم علوم مقدماتی را فراگرفت. سپس به اصفهان رفته و سه سال در آن شهر به تحصیل پرداخت. پس از خاتمه تحصیلات در اصفهان، به نجف اشرف عزیمت کرد و سالهای متمادی در آن دیار به فراگیری علوم مختلف مشغول شد.او پس از بازگشت نجف،در سالهای اقامت خود در همدان بنا به تقاضای اداره معارف و اوقاف همدان در مدرسه نصرت که از مدارس بزرگ آن شهر محسوب می شد، به تدریس ادبیات و عربی پرداخت. پس از آن در اواسط شهریور ماه ۱۳۰۸ ه.ش. به دعوت وزارت معارف و اوقاف به تهران عزیمت کرد و ابتدا به سمت معلمی و مدیریت مدرسه برگزیده شد و پس از تاسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳، به استادی دانشکده معقول و منقول انتخاب گردید. پس از آنکه قسمتی از دانشکده معقول و منقول (در سال ۱۳۱۸) به دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی منتقل گردید برای تدریس به آن دانشکده دعوت شد و مدتی در هر دو دانشکده تدریس کرد،و پس از آنکه دانشکده منقول و معقول (در سال ۱۳۲۱) از دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی مستقل گردید، وی در سمت استادی دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی باقی ماند. استاد محمد فیاض در خرداد ماه ۱۳۵۴ ه.ش دار فانی را بدرود گفته و به رحمت ایزدی پیوست.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : فیاض تحصیلات ابتدایی در زادگاه خود همدان پشت سر نهاد و در شهر قم علوم مقدماتی را فراگرفت. سپس به اصفهان رفته و سه سال در آن شهر به تحصیل پرداخت. پس از خاتمه تحصیلات در اصفهان، به نجف اشرف

عزیمت کرد و سالهای متمادی در آن دیار به فراگیری علوم مختلف مشغول شد. فیاض پس از اشتغال در دانشگاه تهران ، طبق قانون تاسیس دانشگاه سه رساله عربی در معانی و بیان و بدیع و یک رساله در شرح قسمتی از نهج البلاغه به زبان فارسی نگاشت و در نوزدهمین جلسه شورای دانشگاه ، به عنوان دکترای ادبیات شناخته شد.

استادان و مربیان : فیاض پس از اقامت دراصفهان در محضر میرزا جهانگیر خان قشقایی (عالم معروف و جامع علوم معقول و منقول) و آخوند ملاعبدالکریم گزی (سرپرست امور قضایی شهر اصفهان) ، آقا سید محمد باقر درچه ای (از مراجع بزرگ تقلید) به تحصیل مشغول گردید و ضمن آن در درس آخوند کاشی (آخوند ملا محمد کاشانی، حکیم و فقیه و ریاضیدان معروف) و عده دیگری از علمای آن عصر حاضر می شد. پس از سه سال اقامت در اصفهان و نوشتن دو رساله در فقه و اصول در سال ۱۲۸۲ ه.ش (۱۳۲۱ ه.ق) اصفهان را ترک کرد و به موطن خود، همدان، بازگشت. علمایی که فیاض در مجلس درس آنان حاضر می شده عبارت بودند از: آخوند ملاـ محمد کاظم خراسانی(صاحب کتاب معروف کفایت الاصول)، آقا سیدمحمد کاظم یزدی (صاحب کتاب مشهور عروه الوثقی)، میرزا فتح الله نمازی شیرازی معروف به شیخ الشریعه یا شریعت اصفهانی، از مشاهیر علمای آن عصر نجف، شیخ عبدالله مازندرانی از مراجع بزرگ دوره مشروطه، آخوند ملامحمد علی نخجوانی، مرجع تقلید شیعیان قفقاز. آخوند ملاعلی امامی خوانساری از مدرسین معروف نجف.

وقایع میانسالی : فیاض در سالهای آخر تدریس دچار ضعف بینایی شد و با اینکه دانشکده ادبیات در آن ایام در باغ نگارستان (شمال میدان بهارستان) قرار داشت و از محل سکونت ایشان چندان دور نبود، اغلب با کمک فرزندان و دوستان به دانشکده می رفت .

زمان و علت فوت : محمد فیاض در خرداد ماه ۱۳۵۴ ه.ش دار فانی را بدرود گفته، به رحمت ایزدی پیوست.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : استاد فیاض چندی سرپرست حوزه علمی به نام (مدرسه کوچک) گردید. همچنین به مدت پانزده سال در همدان به عنوان امامت جماعت مسجد برگزیده شد.

فعالیتهای آموزشی : محمد فیاض در یکی از حوزه های علمی همدان به نام مدرسه کوچک به تدریس علوم معقول و منقول پرداخت. در سالهای اقامت خود در همدان بنا به تقاضای اداره معارف و اوقاف همدان در مدرسه نصرت که از مدارس بزرگ آن شهر محسوب می شد، به تدریس ادبیات و عربی پرداخت. حاج آقا محمد فیاض اواسط شهریور ماه ۱۳۰۸ ه.ش. به دعوت وزارت معارف و اوقاف به تهران عزیمت کرد و ابتدا به سمت معلمی و مدیریت مدرسه برگزیده شد و پس از تاسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳، به استادی دانشکده معقول و منقول انتخاب گردید. پس از آنکه قسمتی از دانشکده معقول و منقول (در سال ۱۳۱۸) به دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی منتقل گردید برای تدریس به آن دانشکده دعوت شد و مدتی در هر دو دانشکده تدریس می کرد،و پس از آنکه دانشکده منقول و معقول (در سال ۱۳۲۱) از دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی مستقل گردید، وی در سمت استادی دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی باقی ماند. فیاض در دانشکده های یاد شده، نهج البلاغه،بیان و زبان عربی تدریس می کرد و در سال ۱۳۳۰ با تصویب شورای دانشگاه کرسی زبان عربی دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی به ایشان تفویض گردید.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : استاد فیاض هنگام اقامت در همدان، علاوه بر مسجد و مدرسه ، بنا به دعوت مشاتاقان در منازل آنان حضور یافته، ضمن اقامه نماز در اول وقت، حاضرین را با معارف دین و شرایط بندگی و تکالیف شرعی آشنا و با نصایح خود راهنمایی و هدایت می کرد، این دوره ها تا پایان اقامت ایشان در همدان برگزار شد و از آن پس بنا به تقاضا و دعوت مشتقان تهرانی، در تهران برگزار گردید. نام وی در دفاتر انجمن ادبی همدان ذکر شده است و دکتر مهدی درخشان استاد فقید دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، در کتاب « بزرگان و سخن سرایان همدان» در این خصوص نوشته است: « حاج آقا محمد فیاض علاوه بر مقام فقاهت و اجتهاد دارای ذوقی سلیم وطبعی لطیف است، اشعاری نغز و دلنشین سروده است که بسیاری از آنها از میان رفته. وی در سال ۱۳۰۷ ه.ش. از اعضای برجسته انجمن ادبی همدان بود....» ---

منابع :
۱فرهنگ همدان،سال دوم، شماره ۸،زمستان ۱۳۷۵

فیاضی، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا فیاضی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔالاسلام والمسلمین غلامرضا فیاضی در سال ۱۳۲۸ در قم و در میان خانواده‌ای متدین و دوستدار روحانیت و علمای شیعه به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج اسدالله، به بنایی اشتغال داشت و از همان راه روزگار می‌گذراند. حجهٔالاسلام والمسلمین فیاضی پس از اینکه قرآن و بخشی از دروس فارسی را نزد مادر خود و مکتب خانه فرا گرفت، با پدر خود به بنایی ساختمان میرفت. در یکی از

روزها که با پدر خود به منزل روحانی جلیل القدری برای تعمیر ساختمان رفته بود، مورد عنایت آن روحانی جلیل‌القدر قرار گرفت و با عنایت او و رخصت پدر به امر اشتغال در حوزه علمیه قم رو آورد. پس از طی مقدمات، به دروس سطح در نزد استادان مشهور آن روزگار راه یافت و سپس به درس خارج فقه و اصول استادان برجسته حوزه علمیه قم رفت و سالها از محضر آنان بهره‌مند شد. او همزمان با تحصیل فقه و اصول، علوم عقلی را نیز در نزد استادان خبره فرا گرفت، به گونه‌ای که بعدها خود به تدریس آن دروس رو آورد و درس او در زمره بهترین دروس حوزه در علوم عقلی به شمار رفت. حجهٔالاسلام والمسلمین فیاضی در سالهای تحصیل خود به محضر استادان برجستهٔ بسیاری شرفیاب شد. او جامع المقدمات را نزد مرحوم شیخ محمد حسن قاضی‌زاده که همانا مشوق اصلی او برای رو آوردن به تحصیل در حوزه بود، فرا گرفت. سیوطی را نزد حجهٔالاسلام والمسلمین باکویی امام جمعه فریدون کنار و مغنی را هم نزد او و نیز در محضر آیهٔالله شیخ حسن تهرانی و آقای جلیلی آموخت. حاشیه را نزد حجهٔالاسلام‌والمسلمین باکویی و مختصر را نزد آیهٔالله دوزدوزانی و معالم را نزد حجهٔالاسلام والمسلمین فاضل هرندی خواند و سپس به دروس لمعه آقای سید ابوالفضل موسوی تبریزی و آقای تقدیری رفت. استاد او در رسائل آیهٔالله العظمی نوری همدانی و آیهٔالله مؤمن، در مکاسب آیهٔالله شیخ علی پناه اشتهاردی و آیهٔاللهالعظمی فاضل لنکرانی و در کفایه آیهٔالله العظمی نوری همدانی و آیهٔالله العظمی فاضل لنکرانی بود. وی از سال ۵۱ به مدت چهارده سال در دروس خارج حضرات آیات آقایان گلپایگانی، اراکی، حائری، شاه آبادی، شیخ کاظم تبریزی، شیخ جواد تبریزی و وحید خراسانی شرکت کرد. او در بخش علوم عقلی، شرح منظومه سبزواری را نزد آیهٔالله گرامی، بدایه را نزد آیهٔالله جوادی آملی، نهایه را نزد آیهٔالله مصباح یزدی و اسفار را نزد آیهٔالله جوادی آملی فرا گرفت. همچنین او تمهیدالقواعد و شرح فصوص الحکم را نزد آیهٔالله جوادی آملی آموخت. از دوستان او در سالهای تحصیل، حجهٔالاسلام والمسلمین غروی را می‌توان نام برد. حجهٔالاسلام‌والمسلمین فیاضی در سالهای متمادی و ازسالهای آغازین تحصیل به امر تدریس اهتمام ویژه‌ای داشت. او در دروس مختلف دورهٔ مقدمات و سطح را بارها تدریس کرده و سپس به تدریس بدایه، نهایه و شرح اشارات رو آورده است و هم اکنون نیز به تدریس اسفار اشتغال دارد. تبیین زیبا و استوار علوم عقلی از ویژگیهای اوست و دروس و حتی نوارهای تدریس او همواره مورد استفاده طلاب بوده است. از حجهٔالاسلام‌والمسلمین فیاضی تعلیقه‌ای بر نهایهٔ الحکمه علامه طباطبایی به چاپ رسیده است. او از اعضای جامعه مدرسین است و هم اکنون در قم ضمن اشتغال به تدریس، به پژوهش در مؤسسه امام خمینی (ره) می پردازد.

فیروزآبادی شیرازی نجفی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۹ ق)، فقیه اصولی و عالم امامی. پدرش از مراجع تقلید و فقهای بزرگ نجف بود، که بسیاری از مراجع دوره‌ی بعد از او افتخار شاگردی وی را داشتند. سید مرتضی در نجف به دنیا آمد و نشوونما یافت. سطوح را از محضر آیت‌الله میرزا علی ایروانی، صاحب حاشیه بر «مکاسب»، و آیت‌الله میرزاابوالحسن مشکینی،صاحب حاشیه بر «کفایه»، و آیت‌الله شیخ کاظم شیرازی و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود. بعد از فوت آن استاد به تدریس فقه و اصول در سطح و خارج پرداخت و شاگردانی را تربیت نمود.در ۱۳۹۱ ق، به قم مهاجرت و به تدریس خارج فقه و اصول و تألیف و تصنیف کتب علمی اشتغال ورزید.از آثارش: «فضائل الخمسه من الصحاح السته من الکتب العامه»، در سه مجلد؛ «السبعه من السلف من الکتب العامه»، در مطاعن هفت نفر از صحابه؛ «عنایه الاصول»، در شرح «کفایه»،در شش جلد؛ «الفروع المهمه فی احکام الامه»، در سه مجلد؛ «خلاصه الجواهر مع البیان الظاهر»، متن و شرح «منتخب المسائل» از اول طهارت تا آخر زکوه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه دانشمندان (۱۲۴ / ۶، ۲۲۵ -۲۲۴ / ۲).

فیروزآبادی شیرازی، جمال‌الدین، ابواسحاق ابراهیم

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۷۶ -۳۹۳ ق)، فقیه اصولی شافعی، محدث، متکلم، مدرس، عارف و شاعر. در فیروزآباد فارس به دنیا آمد. از ابوعبدالله بیضاوی و عبدالوهاب بن رامین در شیراز و از خزری در بصره فقه آموخت. در ۴۱۵ ق به بغداد رفت و در آنجا ساکن و ملازم قاضی ابوطیب طبری شد و از او بهره‌ها برد تا در فقه سرآمد شد. او از ابوعلی حسن بن شاذان و ابوبکر احمد برقانی و محمد بن عبیدالله خرجوشی حدیث شنید. آنگاه در بغداد و همدان و نیشابور حدیث گفت. او مرجع دانش‌پژوهان و مفتی امت در زمان خود بود و توانمندی او در جدل و مناظره مشهور همگان. ابوبکر خطیب بغدادی و ابوالولید باجی و حمیدی و اسماعیل ابن سمرقندی و ابوبدر کرخی و زاهد یوسف بن ایوب و ابونصر احمد بن محمد طوسی و ابوالحسن بن عبدالسلام احمد بن سهل مسجدی و ابوبکر فارمذی و شیب بن حسین بروجردی از وی حدیث شنیدند. احمد بن نصر بن حمان همدانی آخرین کسی است که از وی روایت کرده است. فیروزآبادی معاصر امام الحرمین و ابوالقاسم قشیری بود. خواجه نظام‌الملک وزیر مدرسه نظامیه‌ی بغداد را در ۴۵۹ ق برای وی بنا کرد و او اولین مدرس آنجا بود. وی در بغداد درگذشت و خلیفه مقتدای عباسی بر پیکرش نماز خواند و در باب ابرز دفن شد. به

روایتی او مدفون در شیراز است. از آثار وی: «التنبیه فی فروع الشافعیه» و «المهذب فی الفروع»، در فقه شافعی که از کتابهای مهم در این زمینه است؛ «طبقات الفقهاء»؛ «اللمع» و «شرح اللمع»، در اصول فقه؛ «المعونه فی الجدل»؛ «التبصره»؛ «الملخص» یا «التلخیص»؛ «النکت فی علم الجدل»؛ «تذکره المسؤلین فی الخلاف بین الحنفی و الشافعی»؛ «الطب الروحانی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۴۵ -۴۴ / ۱)، انساب سمعانی (۴۱۸ -۴۱۷ / ۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۶۴، ۲۳۸ -۲۳۷ / ۲)، روضات الجنات (۱۸۱ -۱۷۹ / ۱)، ریحانه (۱۲ -۱۱ / ۷)، سیر النبلاء (۴۶۵ -۴۵۲ / ۱۸)، شذرات الذهب (۳۵۱ -۳۴۹ / ۳)، صفه الصفوه (۲۸۰ / ۲)، الکامل (۱۳۴ / ۸)، کشف الظنون (۱۹۱۲، ۱۸۱۸، ۱۷۴۳، ۱۵۶۲، ۱۱۰۵، ۱۱۰۰، ۴۸۹، ۳۹۱، ۳۳۹)، الکنی و الالقاب (۸ -۷ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابواسحاق شیرازی)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۴۶ -۴۲ / ۱۹)، معجم البلدان (۴۳۲ / ۳)، معجم المؤلفین (۶۹ - ۶۸ / ۱)، النجوم الزاهره (۱۱۶ / ۵)، الوافی بالوفیات (۶۶ -۶۲ / ۶)، وفیات الاعیان (۳۱ -۲۹ / ۱)، هدیه العارفین (۸ / ۱).

فیروزآبادی یزدی نجفی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۵ -۱۲۷۵ ق)، عالم، فقیه و مجتهد امامی. در فیروزآباد یزد به دنیا آمد. به نجف رفت و در آنجا ساکن شد. او از شاگردان آخوند خراسانی و سید کاظم یزدی است. فیروزآبادی در سامراء درگذشت و در نجف دفن گردید. از آثار وی: «جامع الکلم فی حکم اللباس المشکوک»؛ حاشیه بر «عروه‌الوثقی» سید محمد کاظم طباطبایی؛ «مجموعه الاحادیث الاخلاقیه و المواعظ»؛ رساله‌ای در «مناسک الحج و العمره»؛ کتاب «الطهاره و الصلوه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۶۲ -۶۱ / ۲۰، ۱۴۹ / ۶، ۶۹ / ۵)، ریحانه (۳۶۴ / ۴)، علماء معاصرین (۱۳۸-۱۳۷)، معجم المؤلفین (۱۳۴ / ۱۱).

فیروزآبادی، حبیب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای شیمی از دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا در سال ۱۳۵۳.

مرتبه علمی:

استادیار بخش شیمی شیراز از سال ۱۳۵۳ تا سال ۱۳۵۴، طی مرحله دانشیاری و ارتقاء به درجه استادی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام ۱۵ پروژه تحقیقاتی در زمینه‌های اکسیداسیون، احیاء، سالیلاسیون گروههای متفاوت، استفاده از پورفیرین‌های فلزدار به عنوان کاتالیست و سایر مسائل مربوطه به شیمی، شیمی‌دان برجسته سال ۱۳۶۹، برنده رتبه اول تحقیق در جشنواره خوارزمی سال ۱۳۷۱، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۳ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵۰

زمینه علمی مقالات:

اکسیداسیون، احیاء، سالیلاسیون گروههای متفاوت، ترکیبات سیکلوبوتادین، استفاده از ترکیبات مس در واکنش اولمن، تغییر در واکنش ریتر و استفاده‌های صنعتی آن، استفاده از پورفیرین‌های فلزدار به عنوان کاتالیست، استفاده از اسیدهای لوئیز در تقویت واکنش‌های آلی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

فیروزآبادی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۴۴ -۱۲۵۱ ش)، عالم امامی و نیکوکار. در فیروزآباد از روستاهای ری در خانواده‌ای فلاحت پیشه به دنیا آمد. مقدمات علوم را در تهران فراگرفت و در فقه و اصول از محضر سید علی‌اکبر تفریشی و سید ریحان‌الله کشفی بروجردی و دیگران استفاده برد. سپس به عراق مهاجرت نمود. در نجف از محضر آیت‌الله میرزاحسین خلیلی تهرانی و آخوند خراسانی و در کربلا از آیت‌الله سید اسماعیل صدر بهره‌ها برد. آن‌گاه به ایران بازگشت و در زادگاهش به انجام وظائف دینی مشغول شد. از دوران کودکی در اندیشه خدمت به خلق خدا بود و حتی‌المقدور از آنان دستگیری می‌کرد. در اوایل مشروطیت چهار دوره نماینده‌ی مجلس شورای ملی بود. حضورش در مجلس تنها برای دفاع از حقوق ملت بود چنان که یک ریال از حقوق ماهیانه آنجا را تصرف نکرد و حقوق جمع شده‌ی چندین ساله را با اجازه‌ی مراجع تقلید به بنای بیمارستانی در شهر ری اختصاص داد. وی تا اواخر عمر از رسیدگی به وضع بیماران کوتاهی نمی‌کرد و حتی تا نیمه‌های شب به قسمتهای مختلف بیمارستان سرکشی و از بیماران دردمند بیدار عیادت می‌کرد. وی در مقبره‌ای که در کنار بیمارستان برای خود بنا کرده بود به خاک سپرده شد. از آثار خیرش: بیمارستان هزار تخت‌خوابی، زایشگاه و درمانگاه فیروزآبادی؛ پرورشگاه و دارالایتام؛ مسجد جامع فیروزآبادی؛ مقبره‌ی فیروزآبادی؛ مدرسه‌ی رضائیه؛ مسجدی در فیروزآباد.[۱]

از علمای روحانی معاصر (ف. تهران امرداد ۱۳۴۴ ه.ش). وی از مردان خیر عصر بود و بیمارستان فیروزآبادی در شهر ری به همت وی تأسیس شده.

مرحوم حاج سید رضا بن السید الجلیل السید هاشم بن السید عبدالکریم الحسینی فیروزآبادی عالمی جلیل و دانشمندی خدوم از مشاهیر علماء متقی و خدمتگزار معاصر ما بود که شب و روز خود را مصروف خدمات اجتماعی بالخصوص طبقات بیچاره‌گان و بینوایان قرار داده و شهرت اخلاق کریمانه‌اش بشرق و غرب عالم رفته.

ولادتش در سال ۱۲۸۸ قمری و یا بنابر نقل صاحب (الذریعه) (در قسم دوم از جزء اول) نقباء البشر (۷۷۹) در سال ۱۲۹۰ قمری در قریه فیروزآباد شهر ری واقع شده و در سال ۱۳۸۵ قمری در سن نود و هشت سالگی در شهر ری از دنیا رفته و در مقبر مخصوص خود جنب مسجد جامع فیروزآبادی و بیمارستانش که از آثار اوست مدفون و اکنون از مزارات عموم مردم ری و تهران میباشد.

وی در خانواده متوسط الحال و نجیب و اصیل فلاحت پیشه‌ای پرورش یافته و از دوران کودکی بفکر خدمت بخلق خدا و بیچاره‌گان بود و حتی المقدور از آنها دستگیری می‌کرد. مقدمات علوم و سطوح فقه و اصول را در تهران و ری در خدمت مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید علی‌اکبر تفریشی مدفون در ری و آیت‌اللّٰه آقا سید ریحان‌اللّٰه کشفی بروجردی و غیره خوانده آنگاه مهاجرت به عراق نموده و از محضر آیت‌اللّٰه حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی و آخوند خراسانی در نجف و آیت‌اللّٰه حاج سید اسمعیل صدر در کربلا استفاده نموده سپس مراجعت به ایران و در زادگاه خود (فیروزآباد) به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و تعلیم احکام نموده و در اوائل مشروطیت چهار دوره از مردم ری و تهران انتخاب برای مجلس شوراء ملی گردیده و ایشان جهت دفاع از حقوق ملت و خدمت به مردم به مجلس مزبور رفته ولی یک ریال از حقوق آنجا را تصرف ننموده تا چندین سال که حقوقش در صندوق جمع شد باجازه از مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدتقی بافقی یزدی و بعضی دیگر از مراجع اقدام ببناء بیمارستان در شهر ری نمود و خود تا اواخر عمرش از رسیدگی کردن بوضع بیماران کوتاهی نمی‌کرد و نیمه شب به قسمتهای مختلف بیمارستان رفته و از بیماران عیادت نموده و از آنها تفقد می‌فرمود. آثار بسیاری از این عالم بزرگوار مانده که قسمتی از آنها را می‌نگارم:

۱- بیمارستان فیروزآبادی که اکنون بیش از هزار تخت و سه ساختمان سه طبقه بزرگ دارد.

۲- زایشگاه که نیز مجهز به همه گونه وسائل برای آسایش و زایش بانوانست.

۳- درمانگاه فیروزآبادی.

۴- پرورشگاه و دار الایتام برای اطفال بی پدر و بینوا.

۵- مسجد جامع فیروزآبادی که اکنون فرزند ارجمندش حجهٔالاسلام حاج سید محمد فیروزآبادی در آن اقامه جماعت می‌کنند.

۶- مقبره فیروزآبادی جنب مسجد و بیمارستانش.

۷- مسجدی در قریه فیروزآبادی.

۸- مدرسه رضائیه در خیابان سیروس جنب حسینیه و مسجد تکیه رضاقلی خان.

فرزند سیدهاشم فیروزآبادی است. در ۱۲۵۰ در قریه فیروزآباد متولد شد. از سن ده سالگی به تحصیلات قدیمه نزد علمای عصر در تهران پرداخت و مدتی نیز در نجف اشرف علوم معقول و منقول را فراگرفت و پس از مراجعت به ایران، به تکالیف شرعی پرداخت و حوزه‌ی درس دائر نمود. در دوره‌ی سوم که انتخابات مجلس مصادف با جنگ بین‌المللی اول بود، از طرف مردم شهر ری به وکالت مجلس انتخاب گردید. در ادوار ششم و هفتم نیز وکیل مردم شهر ری در مجلس شورای ملی بود. آخرین بار در دوره‌ی چهاردهم وکیل شد. در مجلس به خاطر سن او که از هفتاد تجاوز نموده بود، سر و صدا شد ولی سرانجام اعتبارنامه‌ی او به تصویب رسید. وی در مجلس از وکلای پر سروصدا شد و با تمام لوایح دولت مخالفت می‌نمود. فیروزآبادی مردی خیر و نیکنام بود و در تمام مدت نمایندگی دیناری از مجلس حقوق نگرفت و آن را اختصاص به تاسیس بیمارستانی در شهر ری داد. ابتدا باغ حرمت‌الدوله را در شهر ری با کمک مردم خیر خریداری کرد و یک بیمارستان صدتختخوابی در آنجا احداث نمود، مجددا یک بیمارستان سیصد تختخوابی در جنب آن بنا کرد و سرانجام بیمارستان را به هزار تختخوابی تبدیل نمود. همچنین یک دانشگاه بزرگ و مدرن و مسجد معظمی جنب بیمارستان ساخت و یک پرورشگاه و دارالایتام نیز پی‌ریزی کرد. وفات او در سال ۱۳۴۴ در سن ۹۴ سالگی اتفاق افتاد. روزی که دار فانی را وداع گفت، از مال دنیا چیزی جز دوازده فرزندش باقی نگذاشت. این مرد خیر غالبا هزینه‌ی شخصی خود را صرف بیمارستان می‌کرد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] شرح حال رجال (۹۸ / ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۸۰ -۷۷۹ / ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶۳۲ -۶۳۱ / ۴)، یاد نامه‌ی آیت‌الله سید رضا فیروزآبادی.

فیروزآبادی، مجدالدین، ابوطاهر محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۱۷ / ۸۱۶ -۷۲۹ ق)، عـالم لغوی، ادیب، مفسـر، قاضـی و فقیه شـافعی. نسـبش به شـیخ ابواسـحاق شـیرازی و به روایتی به ابوبکر صدیق می‌رسـید و لذا او خود را صدیقی معرفی می‌کرد. اصل وی از فیروزآباد شـیراز است، که در کازرون به دنیا آمد و در آن جا در هفت سالگی قرآن را حفظ کرد. در هشت سالگی به شـیراز رفت و از محضـر علمای آنجا اسـتفاده نمود، سـپس به بغداد، مصـر، شام، روم، حجاز، یمن و اغلب سرزمینهای شرقی مانند هند مسافرت کرد. فقه و تفسیر و حدیث و علوم مختلف را از اساتید مکانهای مختلف فراگرفت. در دمشق در محضـر درس ابن‌قیم و تقی‌الدین سبکی و فرضی و شیخ خلیل مالکی حضور یافت. وی مورد عنایت شاه شجاع مظفری، حکمران آذربایجان، و امیر تیمور گورکانی و سلطان بایزیدخان عثمانی بود، بیشتر از همه در دربار ملک اشرف اسـماعیل حکمران یمن تقرب یافت و داماد وی شـد. مـدت بیست سال قاضـی شـهر زبید یمن بود، تا به مقام قاضـی‌القضاتی یمن و درجه‌ی شیخ‌الاسـلامی رسـید. و وی در زبید یمن درگذشت و در تربت شیخ اسماعیل جبروتی دفن شد. شیخ رمضان عطیفی کتابی در شـرح حال فیروزآبادی نگاشـته است. از فیروزآبادی حـدود چهل تصـنیف ذکر کرده‌انـد. از آثارش: «قاموس المحیط و القابوس الوسـیط الجـامع لمـاذهب مـن کلامـا لعرب شـماطیط»، کـه به «قـاموس اللغه» نیز معروف است، در چهـار جزء، که مهمـترین اثر وی می‌باشـد؛ «اللامع المعلم العجـاب الجامع بین المحکم و العباب»، در شـصت مجلـد که پس از آن آنها را در دو مجلـد خلاصه کرد؛ «بصـائر ذوی التمییز فی لطـائف الکتـاب العزیز»، در دو مجلـد؛ «الجلیس الانـیس فی اسـماء الخنـدریس»؛ «المرقـاه الـوفیه فی طبقـات الحنفیه»؛ «البلغه فی تراجم ائمه النحو و اللغه» یا «البلغه فی تاریخ ائمه اللغه»؛ «سفر السعاده»، در حدیث و سیره نبوی؛ «نغبه الرشاف من خطبـه الکشـاف»؛«نزهـه الاذهـان فی تاریـخ اصـفهان»؛ «تحبیر الموشـین فی مایقـال بالسـین و الشـین»؛«الاسـعاد بالاصـعاد الی درجه الاجتهاد»؛ «الـدرر الغالی/ الـدرر الغوالی فی الاحادیث العوالی»؛ «الدرر النظیم المرشد الی مقاصد القرآن العظیم»، در تفسـیر؛ «النفحه العنبریه فی مولد خیر البریه (ص)»؛ «زاد المعاد فی وزن بانت سعاد»؛ شرح «صحیح» بخاری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹ / ۸)، ایضاح المکنون (۱۰۶، ۸۵، ۸۰ / ۱)، دایره‌المعارف فارسی (۱۹۶۱ / ۲)، روضات الجنات (۹۷ - ۹۲ / ۸)، ریحانه (۳۶۸ -۳۶۵ / ۴)، کشف الظنون (۲۰۴۸، ۱۹۳۹، ۱۶۵۷، ۱۴۸۰، ۲۵۳ -۲۵۲، ۱۴۹، ۹۰، ۸۷، ۸۵)، الکنی و الالقاب (۳۹ -۳۷ / ۳)، قاموس المحیط (مقدمه/ ۴۸ -۴۷)، لغت‌نـامه (ذیل/ فیروزآبادی)، معجم المؤلفین (۱۱۹ -۱۱۸ / ۱۲)، هدیه الاحباب (۲۱۳)، هدیه العارفین (۱۸۱ -۱۸۰ / ۲).

فیروزآبادی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

السید محمـد فیروزآبادی یزدی نجفی «والـد ماجد آیت‌اللّه حاج سید مرتضـی فیروزآبادی معاصر و نزیل قم» این بزرگوار در آخر ربیع‌الاول سنه ۱۳۴۵ قمری در سامرا وفات نمود و بدن شریفش را مانند استاد استادش میرزاء بزرگ شیرازی حمل به نجف اشرف نمودند و وی از شاگردان مبرز علامه یزدی صاحب عروةالوثقی و از مراجع تقلید آن زمان بود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

فیروزآبادی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدالعلماء والمجتهدین آیت‌الله آقای حاج سید مرتضی بن العلامه الکبری والایه العظمی السید محمد فیروزآبادی الشیرازی النجفی از علمـاء اعلام و مراجع عظـام معاصر است که در سـال ۱۳۹۱ قمری از طرف حکـومت شـوم بعثی عراق بـا ده‌هـا هزار نفر مردم شرافتمند مقیم عراق و صدها نفر دانشـمندان کرام اخراج به ایران شده و معظم‌له قم را که آشـیانه و حرم امن آل‌محمد علیهم‌السـلام است انتخاب نموده و رحل اقامت افکنده است.

والد ماجدش از مراجع تقلید و فقهاء بزرگ شیعه در نجف اشرف بوده‌اند و بسیاری از مراجع حاضر افتخار شاگردی وی را داشته و استفاده‌ها نموده‌اند.

مترجم ما در سال ۱۳۲۹ قمری در نجف اشـرف متولد شده و در مهد علم و کمال تربیت یافته و سـطوح را از محضر مرحوم آیت‌الله حـاج میرزا علی ایروانی صـاحب حاشـیه معروفه بر مکـاسب و آیت‌الله میرزا ابـوالحسن مشـکینی صـاحب حاشـیه مطبـوع بر کفـایه و مرحـوم آیت‌الله حـاج شـیخ کـاظم شـیرازی و مرحـوم آیت‌الله حـاج شـیخ کـاظم شـیرازی و مرحوم آیت‌الله العظمی سـید ابوالحسـن اصـفهانی اسـتفاده نموده و بعد از فوت آن مرحوم به تدریس فقه و اصول سطحا و خارجا پرداخته و شاگردانی را تربیت نموده تا در سال مـذکور که قهرا به قم مهاجرت و به تدریس خارج فقه و اصول و تالیف و تصـنیف کتب مفیده علمی اشتغال دارند و شبها در

رواق مطهر حضـرت معصومه علیهاالسـلام اقامه جماعت می‌نماینـد و عده‌ای از محصـلین معاودین و بعضـی دیگر که عارف به مقام شامخ علمی و اطلاعات عمیق ایشان دارند از درس و بحث و جماعت ایشان استفاده می کنند.

اما آثار و تالیفات قیمه و مفیده معظم‌له از این قرار است.

۱- فضائل الخمسه من الصحاح السته من الکتب العامه در سه مجلد که مکرر در عراق و ایران طبع شده است.

۲- السبعه من السلف من الکتب العامه در مطاعن هفت نفر از صحابه.

۳- عنایه‌الاصول در شرح کفایه در ۶ جلد که مکرر به طبع رسیده است.

۴- الفروع المهمه در احکام الامه- در سه مجلد مبسوطتر از جواهر در طهاره.

۵- خلاصه الجواهر مع البیان الظاهر متن و شرح منتخب المسائل من اول الطهاره الی آخر الزکاه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

فیروزآبادی، یعقوب

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

۱- محمد بن یعقوب فیروزآبادی متوفی ۸۱۷ و مدفون در یمن صاحب کتاب (قاموس الاعلام) در لغت که چندین شرح و حاشیه بر آن خورده و تمامی مطبوع می‌باشد منسوب به این شهر است.

وی عالمی فاضل و تحریری کامل بوده در ممالک روم و حجاز و غیرها سـفرها نموده و با قبایل عرب مجالسـتها کرده و هشتاد سال عمر نموده است.

شروحی که به کتاب او خورده به اسامی زیر است.

۱- تاج‌العروس فی شرح القاموس ۲- الجاموس ۳- الفانوس ۴- رجل الطاوس و...

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فیروزبخش، کیخسرو

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: مهندسی مکانیک، دانشگاه: صنعتی شریف

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

فیروزکوهی، عبدالرحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۱ ق)، خطاط. از اسـتادان خوشـنویس است. از آثار وی: «شـرح منازل السائرین» عبـدالرزاق کاشانی، به قطع نیم ربعی، نسـخ کتابت خفی متوسط، با رقم:«قـد وقع من تسویـد هـذا الکتاب المسـتطاب اقل الطلبه ابن محمدعلی، عبدالرحیم الفیروز کوهی... سـنه احدی و ثلاثه بعد الالف من الهجره النبویه...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۰۱ -۱۱۰۰ / ۴).

فیروزکوهی، عبدالرسول

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبـدالرسول فیروزکوهی از فقهـاء بزرگ و فضـلاء متبحر از یکی از مضافـات فیروزکوه و مقیم در تهران و از بزرگان تلامـذه علامه میرزا محمدحسن آشتیانی و دارای تصانیف بسیار و آثار ارزنده‌ای بوده که از آنهاست کتب و رساله‌های زیر.

۱- شرح زیارت عاشوراء ۲- رساله‌ای در حرمت شطرنج ۳- رساله‌ای در عقد صغیره ۴- رساله‌ای در ظروف و اوانی ۵- رساله‌ای در تکلیف کفار به قضاء ۶- رسـاله‌ای در حکم وضوء قبل از وقت ۷- رساله‌ای در اعتبار اخلاص در عبادت که تمامی در زنـدگانیش در سال ۱۳۲۱ ق بطبع رسیده و بعضی از آنها را فرزند فاضل و ارجمندش آقا شیخ علی ترجمه به فارسی نموده.

و دیگر از آثار وی تصـحیح کتاب (روض‌الجنان در شـرح ارشادالاذهان) شـهید ثانی است که حواشـی بسیاری بر آن زده مخصوصاً در باب نیت.

فاضـل مراغی در ص ۱۸۲ کتـاب (المـآثر والاثـار) نیز از او اجمالا یاد کرده و گفته ملا عبـدالرسول فیروزکوهی فاضـلی کامل و در

علوم شرعیه به درجات عالیه نائل

آن مرحوم در حدود سال ۱۳۲۳ قمری در تهران وفات نموده است.

(وف ح ۱۳۲۳ ق)، عالم دینی و فقیه. اصل وی از غرفان چاه فیروز کوه، اما در تهران ساکن بود. او از شاگردان بزرگ میرزا محمدحسن آشتیانی بود. در علوم اسلامی به درجات عالیه رسید. در تهران درگذشت. وی دارای تصانیف بسیاری است. از آثارش: شرح «زیارت عاشورا»؛ رساله‌ای در «حرمت شطرنج»؛ رساله‌ای که در «عقد صغیره»؛ رساله‌ای در «ظروف و اوانی»؛ رساله‌ای در «تکلیف الکفار بالقضاء»؛رساله‌ای در «حکم الوضوء قبل الوقت»؛ رساله‌ای در «اعتبار الاخلاص فی العباده». تمامی این کتب در طول حیاتش به چاپ رسید و بعضی از آنها را فرزند دانشمندش دکتر علی عبدالرسولی به فارسی ترجمه کرد. از دیگر آثار فیروزکوهی تصحیح کتاب «روض الجنان فی شرح ارشاد الاذهان» شهید ثانی است و او تعلیقات و حواشی بسیاری بر آن نگاشته است.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۱۵ / ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۲۵ -۱۲۴ / ۶)، المآثر و الآثار (۱۸۲).

فیروزکوهی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌اکبر بن مرحوم ثقهٔالاسلام آشیخ محمدباقر فیرزوکوهی متوفی ۱۳۲۸ شمسی و ۱۳۶۹ قمری از فضلاء معاصر است در حومه آمل- وی در سال ۱۳۴۰ قمری در قریه آسور فیروزکوه متولد شده و پس از رشد اصول عقاید و قرآن و کتب فارسی و غیره را نزد والدش و مکتب‌دار محل فراگرفته و در سال ۱۳۱۱ شمسی داخل دبستان دانش آمل شده و با استعداد زیادی که داشتند دروس فارسی جدید را در مدت کوتاهی به پایان رسانیده و در سال ۱۳۱۴ شمسی مشغول به تحصیل مقدمات گردیده و در سال ۱۳۱۵ شمسی به قم مهاجرت نموده و در ایام تحصیلی در آنجا و ایام تعطیل هم در قصبه آسور به خواندن پرداخته و در قم ادبیات مانند مطول و غیره را از مرحوم حجهٔالاسلام حاج میرزا محمدعلی ادیب تهرانی فراگرفته و شرح لمعه را خدمت آیت‌اللّه العظمی آقای مرعشی نجفی خوانده و چندی هم در آمل توقف و بقیه شرح لمعه را نزد آیت‌اللّه آقای آقا محمد غروی تکمیل نموده و باز به قم آمده و رسائل را از محضر آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و مرحو آیت‌اللّه حاج شیخ ابوالقاسم اصفهانی و مکاسب را خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مهدی مازندرانی استفاده نموده و بعد مشرف به عراق و در کربلای معلی از درس مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج آقا حسین قمی بهره‌مند گردیده ولی بواسطه موانعی از ادامه و اقامت در آنجا محروم و بوطن برگشته و باز به قم آمده و کفایه را از مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد داماد و آیت‌اللّه العظمی حاج سید احمد خوانساری و مقداری مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا روح‌اللّه کمالوند خرم‌آبادی استفاده نموده و بعد به درس خارج حضرت آیت‌اللّه العظمی بروجردی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مهدی مازندرانی و خارج اصول مرحوم آیت‌اللّه آقای داماد و آیت‌اللّه العظمی امام خمینی حاضر شده و از محاضر و خرمن علوم آنان خوشه‌ها چیده و هم درس تفسیر قرآن را از مرحوم شیخ مهدی ذکور و آیت‌اللّه علامه طباطبائی آموخته و نیز درس معقول منظومه را از استاد منتظری و اسفار را از علامه طباطبائی مستفیض شده و بعد از فوت مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی بنابر اصرار عده‌ای از مردم آمل و اهالی محترم محمودآباد که سابقه ممتدی در آنجا داشتند منتقل به محمود آباد شده و از سال ۱۳۴۹ تا حال تحریر در مسجد جامع آنجا به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین اشتغال دارند ادام اللّه توفیقاته

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فیروزمهر، محمد مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدمهدی فیروز مهر

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۶۲ وارد حوزه علمیه امام جعفر صادق (ع) در رستمکلای بهشهر شدم تا سال ۶۴ مقدمات دروس حوزوی را به اتمام رساندم و سال تحصیلی ۶۵ روانه مشهد شدم و تا سال ۶۹ در حوزه مشهد اشتغال به تحصیل داشتم؛ زمستان ۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح حوزوی را ادامه دادم. سال ۷۲ سطح را به اتمام رساندم و به دنبال آن در درس خارج فقه آیت الله فاضل لنکرانی و خارج اصول آیت الله صالحی مازندرانی حضور پیدا کردم و همزمان با آن در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن شرکت کردم که سال ۷۷ دوره چهار ساله این رشته علمی را به پایان رساندم و همزمان با تحصیل در این رشته، سال ۷۶ دوره کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی در دانشگاه قم را آغاز کردم که در سال ۷۹ از پایان نامه این دوره دفاع کرده و مدرک این رشته را اخذ کردم. همزمان با تحصیل در تخصصی تفسیر و علوم قرآن و تحصیل در دانشگاه با مرکز فرهنگ و معارف قرآن به عنوان محقق علوم

قرآنی همکاری می کردم که تا الآن کم و بیش ادامه دارد.

فیروزی شیرازی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به فیروزی. وی از اوایل جوانی به تحصیل علم پرداخت و از هر نوع علمی به قدر حوصله تحصیل کرد و به حج مشرف شد. وی ندیم شاهزاده فیروز میرزا نصرت‌الدوله، حاکم فارس، بود و در اواخر عمر به مشهد مقدس رضوی رفت و همان جا درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۳۹۶ -۱۳۹۵ / ۲).

فیروزی، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۴۵، فسا.

شهادت: ۲۳ خرداد ۱۳۶۷، جبهه‌های دفاع مقدس.

علیرضا فیروزی از همان اوان کودکی به فعالیت‌های هنری علاقه داشت و به نقاشی چهره‌های شهداء و سرودن شعر پرداخت. با آغاز دفاع مقدس، به جبهه‌های نبرد رفت و علاوه بر حضور در جبهه‌ها در تبلیغات جبهه نیز فعال بود. تا اینکه در عملیات والفجر هشت، از ناحیه‌ی دست مجروح گردید که پس از ماه‌ها مداوا و چندین عمل جراحی، سرانجام منجر به قطع دست چپ وی شد. با این وجود علاوه بر پایگاه مقاومت بسیج در جبهه‌های جنگ نیز حضور داشت تا این که در سال ۱۳۶۶ در کنکور سراسری در رشته‌ی پزشکی پذیرفته شد. پس از دو ماه حضور در دانشگاه و فعالیت در انجمن اسلامی به سوی جبهه‌ها عزیمت کرد و در زمینه‌های مختلف تبلیغی به فعالیت پرداخت. در همان زمان بود که به نقاشی چهره‌های فرماندهان شهید پرداخت که در دروازه‌ی ورودی شهرستان فسا نصب گردید. وی در مسابقات جانبازان کل کشور در زمینه‌های شعر و گرافیک مقام‌های اول و دوم را احراز نمود. در سال ۱۳۶۷ در عملیات بیت‌المقدس هفت شرکت نمود و سرانجام به تاریخ بیست و سوم خرداد ۱۳۶۷ به شهادت رسید.

از علیریضا فیروزی اشعاری به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فیض الاسلام، علینقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۶۴ -۱۲۸۴ ش)، عالم دینی، شارح و مصحح. در سال ۱۲۸۴، در چنین خانواده‌ای که به صفای معنوی آراسته بود، کودکی دیده به جهان گشود که سید علی نقی نامیده شد و بعدها به سید علی نقی سدهی اصفهانی آل دیباج مشهور و به فیض الاسلام موسوم گشت. لفظ سده در پسوند نامش، به زادگاهش اشاره دارد که در دوازده کیلومتری شمال غربی اصفهان است و اکنون خمینی شهر نامیده می‌شود. وی دانشمندی پرکار و پرثمر بود، و از آقا سید ابوالحسن اصفهانی، حاج شیخ ضیاءالدین عراقی، آقا شیخ محمد کاظم شیرزای اجازه‌ی اجتهاد داشت و نیز صاحب اجازه‌ی روایتی از آیت‌الله حاج شیخ علی‌اکبر نهاوندی و حاج شیخ عباس محدث قمی بود. وی بیش از چهل سال پیش «نهج‌البلاغه» را به فارسی روان ترجمه و شرح کرد که این کتاب به «نهج‌البلاغه» فیض‌الاسلام مشهور است. از دیگر آثارش: ترجمه و شرح «صحیفه‌ی کامله‌ی سجادیه»، که در ۱۳۷۵ ق منتشر شده؛ «قرآن عظیم»، ترجمه و خلاصه تفسیر، در سه مجلد که مؤلف حدود چهارده سال وقت خود را صرف تألیف این کتاب نموده؛ «اشارات الرضویه»؛ «افاضات الغرویه فی اصول الفقهیه»، عربی؛ «چراغ راه»؛ «رهبر گمشدگان در رجعت»، ردی بر عبدالوهاب فرید.[۱]

سید علینقی مشهور به (فیض‌الاسلام) صاحب ترجمه نهج‌البلاغه که در سده از حیات سلطان دختر شیخ فاضل آقا ملا محمدصادق سدهی به دنیا آمده و تحصیلات خود را در سده و اصفهان و قم و نجف اشرف نموده و بعد رحل اقامت به تهران افکنده و تا حال تحریر در کسوت روحانیت به کار تجارت و تبلیغ دین و تألیف اشتغال و آثار گرانقدری که ذیلاً می‌نگارم از خود به یادگار گذارده است.

۱- ترجمه نهج‌البلاغه در ۶ جزء که در دو مجلد مکرر به طبع رسیده.

۲- ترجمه صحیفه سجادیه. ۳- تفسیر کلام‌اللّه مجید ۴- ترجمه صحیفه علویه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۲، ش ۲، ص ۳۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۰ –۶۰۹ / ۴)، نهج‌البلاغه (مقدمه).

فیض پور، احمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد رضا فیض پور

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب از بدو تحصیل در حوزه علمیه خوانسار در سال ۱۳۶۹ با گرایش و علاقه در زمینه علوم قرآنی و معارف اسلامی با مطالعه در زمینه ادبیات عرب و علم لغت و صرف و نحو و تفسیر و علوم قرآنی با همکاری یکی از اساتید به نام حضرت حجت الاسلام و المسلمین سید صادق حسینی اشکوری در صدد تالیف و تدوین فرهنگ لغت فارسی به عربی برآمدیم که این کار با مشقت ۸ ساله هم اکنون در حال بهره برداری است در سال ۱۳۷۸ ضمن تسلط کافی بر کامپیوتر در کتابخانه تخصصی صاحب الزمان (عج) وابسته به مسجد مقدس جمکران در زمینه کتاب شناسی و تحقیق و اطلاع رسانی جامع پیرامون مهدویت و امام عصر در قالب کتب چاپی نسخ خطی مطالب نشریات و روزنامه ای و آثار هنری و ارسالی به فعالیت مشغول بودم که این فعالیت هنوز ادامه دارد. از سال ۱۳۸۰ در انتشارات مسجد مقدس جمکران به تحقیق و پژوهش به نحو گسترده تر پیرامون حضرت ولی عصر (عج) ادامه دادم و در زمینه های امور فرهنگی و تبلیغی و نیز فعالیتهای نمایشگاهی در حال فعالیت می باشم.

فیض دزفولی، فخرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید فخرالدین بن محمدعلی بن عبداللّه بن عبدالکریم بن شاه میر بن محمد مهدی بن سید محمد شفیع بن مرتضی بن سید حبیب‌اللّه بن سید ولی الدین (گوشه) ابن محمد بن احمد بن سید عبداللّه بن سید شمس‌الدین محمد بن سید تاج‌الدین بن سید شرف‌الدین بن سید حسین بن سید عالی بن سید صدرالدین بن سید نظام‌الدین بن سید محمود بن سید جمال‌الدین بن سید محمود بن سید محمود بن سید صدرالدین مظفرالدین بن سید احمد بن سید عبداللّه بن امام موسی بن جعفر علیهماالسلام از علماء ابرار معاصر تهرانست.

وی که با بیست و هفت واسطه بامام هفتم منتهی می‌شود در حدود سال ۱۳۱۴ قمری در دزفول متولد شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات و سطوح، از محضر علماء اعلام دزفول بالاخص آیت‌اللّه معزی و دیگران استفاده نموده و در سال ۱۳۶۱ قمری به تهران مهاجرت نموده و تاکنون در این عاصمه تشیع به اقامه نماز جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام اشتغال دارد.

از باقیات الصالحات معظم له فرزند برومند ایشان جناب حجهٔالاسلام آقا سید علی فیض از ائمه جماعت معاصر تهرانست. وی در سال ۱۳۴۹ قمری در شهر و بلده دزفول از مرحومه بی‌بی زهرا بیکم صبیه مرحوم آیت‌اللّه آقا سید ابوالقاسم موسوی دزفولی متولد و در معیت والدش به تهران آمده و پس از تحصیلات ابتدائی و خواندن مقدمات عربی به قم مشرف گردیده و از محضر مدرسین حوزه بهره‌مند گردیده و جهت کسالت مزاج پدر گرامیش به تهران برگشته و تاکنون در تهران و حومه آن (و صفنارد) بانجام وظائف دینی اشتغال دارد.

دارای آثار عدیده‌ای می‌باشد که ذیلاً توضیح میدهم.

۱– کتاب کربلا یا کانون انقلاب ۲– مقاله‌ای در بعثت نبی اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم ۳– مقاله‌ای در ارتحال و بزرگداشت مرحوم آیت‌اللّه حجت ۴– مقاله‌ای تحت عنوان سعادت واقعی کدام است ۵– شرح مرحوم ضیائی دزفولی (مولی محمد رشید) و چندین مقاله دیگر.

سید فخرالدین بن العالم الجلیل والفقیه النبیل حاج سید محمدعلی فیض دزفولی ایشان در سال ۱۳۱۱ قمری از مرحومه علویه بی‌بی ساره بیگم صبیه مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین آسید محمدصادق دزفولی فرزند آسید محمدعلی که برادر عالم عامل عارف آسید صدرالدین کاشف دزفولی صاحب تالیفات عدیده در اخلاق و سیر و سلوک بودند متولد شده و پس از تکمیل مقدمات قسمتی از سطوح را در محضر مرحوم آیت‌اللّه آشیخ محمدمهدی بیگدلی دزفولی و مرحوم آیت‌اللّه آقا سید عبدالمهدی داعی دزفولی استفاده نموده و هم از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدرضا معزی دزفولی و آیت‌اللّه آسید ابوالقاسم موسوی دزفولی پسرعموی خود بهره‌مند شده و پس از فوت مرحوم والدش آیت‌اللّه آقا سید محمدعلی بن امر و وصیت آن مرحوم به امامت مسجد و تدریس و تسجیل معاملات و خدمات دینی پرداخته و هم فصل دعاوی و خصومات می‌نمودند که شرح و بسط آن بسیار و موجب اطناب است.

آنجناب سفری به عتبات عالیات جهت زیارت و شرکت در درس آیات عظام و مراجع فخام به نجف و ملاقات برادر ارجمند و بزرگتر خود مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین آیت‌اللّه حاج سید اسداللّه فقیه دزفولی (پدر عیال فرزند گرامیش) که مقیم نجف اشرف بودند نموده و در درس مرحوم آیت‌اللّه فیروزآبادی و مرحوم آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه اصفهانی قدس اللّه اسرارهم شرکت و با دریافت اجازه اجتهاد به دزفول مراجعت نمودند.

معظم له با چند نفر از علماء ربانی که صاحب مقامات معنوی بودند مانند مرحوم آیت‌اللّه آشیخ حسین آستانه‌ای (صاحب مدرسه علمیه در آستانه لاهیجان) و مرحوم حجهٔالاسلام عارف و عالم ربانی دائی پدر خود حاج سید حسین ظهیرالاسلام دزفولی و مرحوم عالم عامل و عابد کامل حجهٔالاسلام حاج شیخ حسنعلی اصفهانی روابط معنوی داشتند.

آن مرحوم مضافاً از مقامات فقهی اطلاعات بسیاری از طب قدیم و گیاه‌شناسی داشت که آن را از دائی خود مرحوم سید محمدعلی سیدالحکماء که قریب پانزده سال در هندوستان به تحصیل طب و گیاه‌شناسی اشتغال داشت فراگرفته بود. و به اذکار و اوراد و توسلات و تزکیه اخلاق اعتقاد تام و اهتمام تمام داشت.

در سال ۱۳۶۱ قمری برای امر خیر برادرش مرحوم حجهٔالاسلام آسید محمدمهدی ضیائیان به تهران آمده و روی جهاتی بنابر توقف و توطن گذارده و قریب ده سال در مسجد حاج ابوالفتح سه راه نایب علی وقع در جنب خیابان مولوی به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته سپس آنجا را ترک و در مسجد حجتیه مقابل منزل خود به امامت مشغول و در این اواخر به واسطه کسالت و ضعف مزاج و ضیق نفس از رفتن مسجد محروم و در زمستان به اهواز مسافرت تا در شب جمعه ۱۲ ذیحجهٔالحرام ۱۳۹۴ قمری داعی حق را لبیک گفته و پس از تشییع عظیمی از دزفول وطن و زادگاهش بنابر وصیتش حمل به قم و در وادی‌السلام در آرامگاه مرحوم حجهٔالاسلام حاج سید محمدمهدی ضیائیان دزفولی دفن گردید

و مجالس عدیده‌ای در قم و تهران و دزفول و اهواز و غیره برای او گذارده شد آن مرحوم از غالب مراجع قم مانند مرحوم آیت‌اللّه بروجردی و آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه خونساری و مرحوم و آیت‌اللّه صدر و دیگران اجازه روایتی و امور حسبیه داشتند. عاش سعیداً و مات سعیداً حشره اللّه مع السعداء والشهداء والصالحین و حسن اولئک رفیقا.

از باقیات الصالحات اوست فرزند ارجمندش حجهٔالاسلام و مروج الاحکام آقای حاج سید علی فیض دزفولی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فیض علیشاه طبسی، عبدالحسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۹۹ / ۱۱۹۷ / ۱۱۹۴ ق)، شاعر. پدرانش اهل قریه رقه‌تون بودند و پدرش امام جمعه‌ی طبس و خود نیز از علمای مشهور خراسان بود. وی در اصفهان به دنیا آمد و در همان جا به تحصیل پرداخت تا این که در علوم ادبی و عربی متبحر شد. پس از چندی به شیراز عزیمت نمود و در خدمت سید معصوم علیشاه به توبه نایل گشت. سرانجام در اصفهان وفات یافت. اثرش «دیوان» شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۴۶۱)، حدیقه الشعراء (۱۰۴۰ -۱۰۳۹ / ۲)، الذریعه (۸۵۳ / ۹)، طرائق الحقائق (۱۸۸ -۱۸۷ / ۳).

فیض کاشانی، محسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۹۱ -۱۰۰۷ ق)، عالم، عارف، محقق، فقیه، محدث، مفسر، حکیم متأله، متکلم، ادیب و شاعر. فیض و پدرش، ملا شاه مرتضی، و فرزندش، محمد علم‌الهدی، و برادرش، ملا عبدالغفور بن شاه مرتضی، و فرزند برادرش، ملا محمد مومن بن عبدالغفور، و برادر دیگرش، نورالدین کاشانی، و فرزند برادرش، ملا محمدهادی یک خانواده علمی جلیل را تشکیل داده‌اند. فیض در قم نشوونما یافت. آن‌گاه به شیراز رفت و در محضر سید ماجد بحرانی علوم شرعی را آموخت و از فلیسوف بزرگ ملاصدرا، صدرالمتألهین، علوم عقلی را فراگرفت و با دختر وی ازدواج کرد. فیض از دو استادش و همچنین از شیخ بهائی و ملا محمد صالح مازندرانی و ملا محمد طاهر قمی و ملا خلیل قزوینی و شیخ محمد فرزند صاحب «معالم» حدیث روایت کرده است. علامه مجلسی و سید نعمت‌الله جزایری از وی اجازه‌ی حدیث گرفتند. گستردگی و احاطه‌ی علمی او تا بدانجاست که عده‌ای نسبت به وی، له و علیه، تعصب ورزیدند و مدح و ذمش نمودند. گرچه عده‌ای از مخالفان آن‌گاه که بر حقیقت مطلع شدند به سویش رفتند و در مقام اعتذار خطاب به او (یا محسن! قد اتاک المسیء) گفتند. فیض در تمام فنون شعری مهارت داشت و اشعار زیبایی از خود به جای گذاشت. او در کاشان درگذشت و قبر و قبه او در آنجا مشهور است. فیض در حدود یکصد و بیست اثر در فنون مختلف دارد، که از آن جمله: «الصافی»، تفسیر قرآن کریم با احادیث، و ملخص آن به نام «الصفی»، و خلاصه‌ی «الاصفی» به نام «المصفی»؛ «الوافی»، در حمع و ترتیب احادیث کتب اربعه، با توضیح و بیان مشکلات آنها؛ «الشافی»، که خلاصه و لباب «وافی» است؛ «مفاتیح الشرایع»، تمامی مهمات احکام و مسائل دوره‌ی فقه؛ «عم الیقین فی اصول‌الدین»، و ملخص آن «المعارف»؛ «عین الیقین فی اصول الدین»؛ «الحق الیقین»؛ «خلاصه الاذکار»؛ «بشاره الشیعه»؛ «المحجه البیضاء فی احیاء الاحیاء»، در علم اخلاق، که در آن «احیاء العلوم» غزالی

را مهـذب کرد و مطالب حقی آن را با اخبار و احادیث معصومین (ع) تاییـد نمود؛ «الحقائق»، که لباب و ملخص «محجه» است؛ «نقد الاصول»؛ «نوادر الاخبار»؛ «سفینه النجاه»؛ شرح مختصر «صحیفه سجادیه»؛ «من لا یحضره التقویم»؛ «تشریح العالم»، در هئیت؛ «دیوان» شعر؛ «مثنویات»؛ «گلزار قدس»، در مراثی و قصائد و رباعیات و غزلیات.[۱]

(فیض) ملا محسن محمد بن شاه ملقب به محسن و معروف به ملا محسن فیض کاشانی از اجله‌ی علمای امامیه‌ی قرن یازدهم هجری قمری و عهـد شـاه عباس دوم صـفوی است که در فقه و حـدیث و تفسـیر و حکمت و ادب و علوم عقلی و نقلی متبحر و اسـتاد بوده است. وی در قم اقامت داشت لیکن برای تحصـیل به شـیراز مسافرت نموده علوم شرعی را از سید ماجد و علوم عقلی را از ملاصدرا و میردامـاد دریـافته و بـا دختر ملاصـدرا نیز ازدواج کرد. آثـارش متجاوز از ۱۲۰ می‌باشـد و از میـان آنهـا میتوان: مثنوی آب زلال، ابواب‌الجنان، الاستقلالیه، اصول‌العقاید، اصول‌المعارف، الامالی، انوارالحکمه، الشافی، حاشیه‌ی صحیفه‌ی سجادیه، شراب طهور، من لا یحضـره التقویم، الوافی، نقـدالاصول الفقهیه، نوادرالاخبار، والصافی را نام برد. وفاتش در سال ۱۰۹۱ ه.ق در کاشان اتفاق افتاد و همانجا مدفون است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ایضاح المکنون (۷۰۱، ۶۷۹، ۶۷۴، ۶۱۳، ۵۸۹، ۵۲۱، ۵۰۸، ۴۵۶، ۴۴۲، ۴۰۰، ۳۹۸، ۳۷۹، ۳۷۸، ۲۲۵،۲۲۶، ۲۱۲ ، ۱۴۸، ۱۳۲، ۱۱۹، ۷۵، ۶۳، ۶۰، ۳۹، ۱۹ / ۲، ۶۰۶، ۵۵۹، ۵۴۳، ۴۳۳، ۴۰۸، ۴۱۰، ۳۶۳، ۳۳۵، ۲۹۰، ۲۸۷، ۱۸۳، ۱۴۳، ۹۳، ۹۱، ۹۰، ۵۴ ، ۳۲ / ۱)، بحارالانوار (۱۲۴ / ۱۰۷)، تاریـخ ادبیـات ایران، براون (۲۶۰ / ۴)، تاریـخ ادبیـات در ایران (۳۳۶ -۳۲۸ / ۵)، تاریخ برگزیدگان(۳۸ -۳۷)، تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (۲۰۱ -۱۹۸)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۵۵۵ -۵۵۱)، تاریخ کاشان (۲۷۸ -۲۷۷)، تذکره‌ی روز روشن (۶۴۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۵)، خاته مستدرک الوسایل (۲۳۶ -۲۳۵ / ۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۹۷۱ / ۲)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (۲۵۸ -۲۵۴)، دویست سخنور (۳۱۳ -۳۱۱)، الذریعه (۲۰۵، ۹۹ -۹۸، ۷۴، ۱۴ -۱۳ / ۲۵، ۳۴۸، ۳۴۴ ، ۲۷۳، ۱۰۳، ۹۸ -۹۷ / ۲۴، ۳۱۷ -۳۱۶ / ۲۳، ۴۳۱، ۴۱۸، ۴۰۶، ۳۷۶، ۳۲۲، ۲۳۲۲۳۱ / ۲۲، ۳۰۳، ۲۸۰ -۲۷۹، ۲۱۰، ۱۸۷ / ۱۳۰، ۶۸ - ۶۷ / ۲۱ ، ۲۶۰ -۲۵۹، ۱۴۶ -۱۴۵ / ۲۰ ، ۲۱۰، ۱۴۳ / ۱۹، ۲۸۶، ۲۸۲ -۲۸۱، ۲۵۷، ۲۱۸، ۱۲۰ -۱۱۹، ۱۱۹، ۱۱۶ / ۱۸، ۷۵ / ۱۷، ۳۹۳، ۳۸۵، ۶۶ -۶۵ / ۱۶، ۳۷۴، ۳۲۶، ۱۲۷، ۵ / ۱۵، ۲۵۲، ۲۴۷ / ۱۴، ۳۵۹، ۴۵، ۴۴، ۱۰ -۹ / ۱۳، ۲۰۳ -۲۰۲، ۱۲۴، ۳ -۲ / ۱۲، ۲۴۵ / ۱۱ ۸۵۴، -۸۵۳، ۶۹۹ / ۹، ۲۸۲ / ۸، ۲۱۱، ۳۸، ۲۸ / ۷، ۱۴۶، ۹۰ / ۶، ۱۹۳، ۱۷۲، ۱۲۵،۱۲۶، ۸۵، ۸۲، ۱۷ -۱۶ / ۵، ۴۸۱، ۴۷۱، ۴۵۹ ، ۴۰۳ -۴۰۰، ۲۳۴، ۲۰۱، ۱۸۹ -۱۸۸، ۱۸۲، ۱۱۷، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۱۰ -۱۰۹، ۱۰۶، ۹۶ / ۴، ۱۱۶ -۱۱۵ / ۳، ۴۸۵ -۴۸۴، ۴۲۵، ۴۰۳، ۳۹۸، ۳۴۹، ۳۱۲، ۲۹۳، ۲۶۱، ۲۴۴، ۲۲۳، ۲۱۲ -۲۱۱، ۱۹۸، ۱۷۹ -۱۷۸، ۱۲۴، ۳۳ / ۲، ۴۲۴، ۴۰۶، ۲۸۴، ۷۷، ۵۳، ۲۴، ۲ / ۱)، روضات الجنات (۹۷ -۷۳ / ۶)، ریاض العارفین (۲۲۶ -۲۲۵)، ریاض العلماء (۱۸۲ -۱۸۰ / ۵)، ریحانه (۳۷۹ -۳۶۹ / ۴)، شخصیت‌های نامی (۳۸۳ -۳۸۲)، شـرح حـال رجال و مشاهیر نامی (۴۰۴ -۴۰۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۹۲ -۴۹۱ / ۱۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۸۶ -۳۸۵)، فرهنگ سخنوران (۷۲۴)، فلاسفه‌ی شیعه (۵۶۰ -۵۵۶)، فوائد الرضویه (۶۴۲ -۶۳۳)، الکنی و الالقاب (۴۲ -۳۹ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ فیض)، مجمع الفصـحا (۴۹ -۴۸ / ۴)، مراقد المعارف (۴۰۵ -۴۰۴ / ۱)، مستدرک اعیان (۳۰۹ -۳۰۸ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۰۸ -۷۹۹ / ۵)، نتایج الافکار (۵۴۱)، وقایع السنین و الاعوام (۵۳۶ -۵۳۵)، هدیه الاحباب (۲۳۳).

فیض کاشانی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدتقی بن آقا محمدمحسن بن محمد سـمیع بن ملا حسـین بن علم‌الهدی بن العلامه محدث فیض کاشانی از علماء و مراجع امور شرعی کرمانشاه بوده و در سال ۱۳۰۸ وفات نموده

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فیض، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: تهران

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

فیض، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا فیض

محل تولد : مشکین شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی رضا فیض پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در ملایر و تهران در سال ۱۳۵۵ در رشته مهندسی صنایع دانشگاه صنعتی شریف مشغول به تحصیل شدم و تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی حدود ۷۰ واحد از این دوره را پشت سر گذاشتم. با پیروزی انقلاب و لزوم فعّالیّت در مؤسسات و نهادهای انقلاب اسلامی در نهاد مقدّس جهاد سازندگی مشغول به کار شدم و تا سال ۱۳۶۱ در این نهاد و نیز ستاد مردمی هیئت های هفت نفره واگذاری و احیاء اراضی کشاورزی فعّالیّت نمودم. تلاش برای به تصویب رساندن قانون و آیین نامه واگذاری و احیاء در اراضی از جمله فعّالیّتهای من در این دو نهاد است. در این زمان به علت علاقه مندی به علوم اسلامی وارد حوزه علمیّه قم شده و تا سال ۱۳۷۲ به سطح و پنج سال خارج و یک سال تخصصی تفسیر و علوم قرآنی مشغول بودم. در این سال از طرف سازمان تبلیغات اسلامی (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی) تا سال ۱۳۷۵ به بلغارستان اعزام و به عنوان نماینده فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مشغول تبلیغ و تدریس بودم. پس از بازگشت به عنوان مدیر مدرسه الهادی (ع) مشغول کار شدم و تا سال ۱۳۷۹ در این مدرسه و نیز برنامه ریزی تحصیلی و نیز ارزیابی تحصیلی مرکز مدیریّت حوزه علمیّه قم مشغول به کار شدم. در این مدت دوره تخصصی تفسیر و علوم قرآنی (سطح ۴) را نیز پشت سر گذاشتم. در سال ۱۳۷۹ پس از طی دوره یک ساله کارآموزی قضایی وارد قوه قضائیه شدم و اکنون به عنوان دادیار در دادسرای عمومی و انقلاب قم مشغول فعالیت می باشم. از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۹ روزانه یک یا دو درس ادبیات و فقه و اصول و اخلاق نیز تدریس نموده ام.

فیض، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی فیض

محل تولد : لاهیجان

شهرت : فیض گیلانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۳/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔ الله محمدعلی فیض گیلانی در سال ۱۳۰۳ هجری شمسی در یکی از روستاهای لاهیجان و در میان خانواده‌ای متدیّن به دنیا آمد. پدرش دروس حوزوی را تا لمعتین به پایان رسانیده بود و به دلیل عارضه لکنت زبان، به کار کشاورزی می‌پرداخت و از همان راه روزگار می‌گذراند. او که به اخلاص و پرهیزگاری مشهور بود مورد اعتماد مردم روستا و مرجع حل مشکلات و اختلافات آنان بود. استاد فیض گیلانی تحصیلات خود را از مکتب خانه شروع کرد و پس از به پایان بردن آن به دبستان رفت. در دبستان به دلیل هوش سرشار و توانایی بسیار، مورد استقبال معلمان قرار گرفت و با تصمیم آنان تحصیلات خود را از سال سوم دبستان آغاز کرد. او سه سال نیز به دبیرستان رفت و پس از آن به تحصیل علوم حوزوی رو آورد. او که تحصیلات حوزوی خود را در سال ۱۳۲۲ آغاز کرده بود، در مدت کوتاهی دروس مقدمات را به پایان رسانید و در محضر استادان بزرگواری دروس دوره سطح را پی گرفت و پس از اتمام سطوح عالی به درس خارج استادان مشهور آن روزگار راه یافت. او در سالهای تحصیل خود، همواره در دروس اخلاق شرکت جدی داشت و می‌کوشید علم خود را با عمل درهم آمیزد و نیز به مطالعه کتابهای جنبی علاقهٔ بسیار داشت. استاد فیض در سالهای تحصیل خود به محضر عالمان بسیاری راه یافت. او مطوّل را در محضر شهید آیهٔ الله مطهری (ره) و سیوطی را نزد شیخ اسدالله اصفهانی آموخت. شرح لمعه را در محضر شهید آیهٔ الله صدوقی (ره) و شیخ حسن علی اصفهانی فرا گرفت. دروس رسائل و مکاسب و کفایه را نیز در نزد آیهٔ الله سلطانی طباطبایی (ره) که از استادان بنام آن روزگار بود آموخت. با پایان یافتن دروس سطح و نیز اندکی پیش از آن، به درس خارج آیهٔ الله العظمی بروجردی (ره) رفت و همزمان در دروس خارج امام خمینی (ره) نیز شرکت داشت. استاد اصلی او در دروس خارج امام (ره) بود؛ اما با تبعید آن مرجع حماسه آفرین، وی مجبور شد در دروس دیگر شرکت کند که از جمله آنان درس آیهٔ الله العظمی محقق(ره) بود. استاد فیض، در طی این سالها در دروس اخلاق امام خمینی (ره) شرکت جدّی داشت و با بسیاری از فضلای آن روزگار، رابطه دوستی داشت و دروس پیش آموخته را مباحثه می‌کرد که از جمله آنان حجهٔ الاسلام و المسلمین امینیان ـ امام جمعه آستانه اشرفیه است. استاد فیض گیلانی در سالهای عمر پربرکت خود، خدمات فرهنگی بسیاری را به انجام رسانیده است، از جمله آن می‌توان به ساخت چند مسجد در مناطق محروم اشاره کرد که خود باعث تحولات عظیمی در آن مناطق شد، او پیش از انقلاب و پس از آن در ایام حجّ در بعثه امام (ره) خدمات بسیاری را برای حجّاج فراهم آورده و در ساماندهی امر حجّ و آشنایی واقعی با احکام و اهداف آن نقش مهمی را ایفا کرده است. او سالها در دانشگاهها به تدریس علوم و معارف اسلامی می‌پرداخته، و مدتی نیز نماینده امام (ره) در دانشگاه الزهرا(س) بوده است. استاد فیض چند کتاب تألیف نموده که هنوز به چاپ نرسیده است؛ از جمله آنان تاریخ و زندگی عالمان لاهیجان است.

استاد فیض گیلانی در سالهای حکومت خاندان پهلوی، فعالیتهای مبارزاتی بسیاری را به انجام رسانیده است. او که خود از شاگردان امام (ره) بود همچون دیگر شاگردان آن مرجع بزرگ و نیز همچون مردم ظلم ستیز ایران در مبارزات و تظاهرات بسیاری شرکت کرده است. او در زمان رژیم طاغوت منزلی را که در قم به تازگی خریده بود، به درخواست اطرافیان امام (ره) در خدمت امام (ره) قرار داد. این قضیه، مدتی پس از تبعید امام(ره) به تهران بود. فعالیتهای سیاسی استاد فیض به پیش از انقلاب محدود نشد. وی پس از انقلاب نیز در عرصه‌های گوناگونی به خدمت پرداخت. او در طول سالهای دفاع مقدس، بارها در جبهه‌های جنگ حضور یافت و ضمن تبلیغ مبانی اعتقادی اسلام، انگیزه و شعف رزمندگان را دو چندان می‌ساخت.

فیض، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای حاج‌آقا مهدی بن العلامه الکبری والایه العظمی حاج میرزا محمد فیض مذکور از علماء محترم و فضلاء مکرم شهرستان قم و حوزه علمیه است که در مسجد امام جای مرحوم والد اقامه جماعت می‌نماید.

تولد ایشان در قم واقع و در مهد علم و کمال تربیت و مقدمات و ادبیات را از مرحوم شیخ ابوالقاسم نحوی و دیگران خوانده و سطوح را خدمت مدرسین بزرگ تکمیل نموده و سالها از محضر آیت‌الله العظمی امام خمینی و زعیم اعظم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله شریعتمداری استفاده نموده و واجد مقام شامخ علم و کمال شده و هم تدریس فقه و اصول نموده و بحمدالله تاکنون به انجام وظائف دینی و روحی و خدمات مذهبی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

فیضی اصفهانی، معزالدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۲ ق)، شاعر، متخلص به فیضی. از سادات اصفهان، که در فقه و سایر علوم اسلامی سرآمد بود. در جوانی به زیارت خانه خدا رفت و بعد از آن مدتها منصب صدارت شاه‌اسماعیل اول را به عهده داشت. سپس در مشهد رضوی به عبادت و طاعت و تدریس مشغول شد. وی در ۹۵۲ ق که عازم حج شد در راه بصره از دنیا رفت و پیکرش را به کربلا انتقال دادند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۸۷)، تحفه سامی (۳۴ -۳۳)، تذکره‌ی روز روشن (۶۴۲)، الذریعه (۸۵۴ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۲۵).

فیضی تربتی، علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، عالم و شاعر. اهل تربت حیدریه خراسان بود. در عهد اکبرشاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به هندوستان رفت و مداح وی بود و هدایای زیادی دریافت می‌کرد. به اکثر شهرهای هند نیز مسافرت کرد. شیخ فیضی دکنی به استادی وی اعتراف داشت. وی دارای «دیوان» غزلیات و قصاید، در حدود پنج هزار بیت، است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۲۱۱)، الذریعه (۸۵۴ / ۹)، ریاض العارفین (۲۲۸)، ریحانه (۳۸۴ / ۴)، صبح گلشن (۳۲۴)، فرهنگ سخنوران (۷۲۵)، مجالس النفائس (۱۴۵).

فیضی شروانی، حسن، حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به فیضی. از سادات شروان بود. اکثر خطوط را خوب می‌نوشت و در فن انشاء مهارت داشت. از اوست:

گفتی توان به آن مه نامهربان رسید

گر بگذری ز خود به خدا می‌توان رسید

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه‌ی سامی (۶۷)، تذکره‌ی روز روشن (۶۴۲)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۱، ۳۰۳ -۳۰۲)، الذریعه (۸۵۵ / ۹)،

فرهنگ سخنوران (۷۲۶)، هفت اقلیم (۲۹۷ / ۳).

فیضی طالب، عزیز

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عزیز فیضی طالب

محل تولد : الشتر لرستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عزیز فیضی طالب در خانواده ای روستایی با آداب و سنن مذهبی سنتی در اسفند ماه ۱۳۴۴ شمسی چشم به جهان گشودم. دوران ابتدایی را همزمان با اعزام سپاه دانش به مناطق روستایی و عشایری کشور در سال ۱۳۵۱ شمسی آغاز نموده و در سال ۱۳۵۵ شمسی تحصیلات ابتدایی را با موفقیت سپری کردم. دوره راهنمایی را با تشویق برادرم آغاز کرده و برای صعود از نردبان ترقی علمی از روستای زادگاه خود مهاجرت نموده و به شهر خرم آباد (مرکز استان لرستان) هجرت نمودم و تا پایان دوران متوسطه در آن دیار به تحصیل مشغول بودم که به علت اوج جنگ تحمیلی به مدت دو سال و چهار ماه در مناطق جنوب مشغول سپری کردن دوران خدمت وظیفه بودم، همین ایام در امتحان ورودی دانشگاه علوم اسلامی رضوی شرکت نموده و در آن آزمون رتبه قبولی کسب نمودم و عملا- در آبان ماه ۱۳۶۷ تحصیل دورس حوزوی را با شیوه جدید در دانشگاه علوم اسلامی رضوی (مشهد مقدس) آغاز کردم و علاوه بر دروس پایه به مکالمه زبان انگلیسی و عربی تسلط نسبی پیدا نمودم. در سال ۱۳۷۲ همزمان با مهاجرت از شهر مشهد مقدس به قم در کنکور سراسری شرکت و در رشته حقوق دانشگاه مفید پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۶ موفق به دریافت دانشنامه کارشناسی گردیدم. پس از یک سال وقفه در سال ۱۳۷۸ در آزمون ورودی کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی پذیرفته شده و در سال ۱۳۸۲ از پایان نامه کارشناسی ارشد که بررسی فقهی ـ حقوقی مبانی ریاست شوهر نام داشت، دفاع کردم. در فاصله ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۲ پایه و اساس تحصیلات، دروس حوزوی بود و فعالیتهای دانشگاهی در وضعیت جانبی قرار داشت. در سال ۱۳۷۹ در آزمون ورودی کانون وکلای مرکز شرکت کردم که پس از موفقیت در آزمون ورودی دوره کارآموزی را سپری کرده و در اختبار کتبی و شفاهی نیز رتبه قبولی دریافت کردم و در ۲۰/۹/۱۳۸۲ پروانه پایه وکالت دادگستری را اخذ نمودم که اکنون با محور قرار دادن دروس حوزوی از پروانه وکالت به عنوان ابزاری برای ارتباط با عالم نظر و عمل بهره می گیرم.

فیضی لرستانی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. از لرهای حسنوند فیلی بود که به کسب علم و ادب پرداخت و شاهزاده محمود میرزا فرزند فتحعلی‌شاه را مدح و ثنا می‌کرد و در آن درگاه بسیار عزیز و گرامی بود. از او قصاید چندی بجای مانده است. اثر وی «دیوان» شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۳۹۹ / ۲)، الذریعه (۸۵۴ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۲۶).

فیوضات، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر سید ابراهیم فیوضیات در سال ۱۳۱۲ در شهر کازرون به دنیا آمد. دوران ابتدایی را بعد از رفتن به مکتب خانه در زادگاهش سپری کرد. وی تحصیلات دوره متوسطه و دبیرستان را در آبادان به صورت متفرقه گذراند زیرا روزها به کارکردن مشغول بود. در سال ۱۳۴۶ بعد از قبولی در کنکور دانشگاه تهران دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد را در رشته زبان انگلیسی به پایان برد. در همه این سالها کارکردن در شرکتهای مختلف را رها نکرد. وی ابتدا با قبولی در بورسیه به انگلیس سفر کرد و پس از یک وقفه یکساله و برگشت به ایران به دانشگاه پاریس رفت و در سال ۱۳۵۷ موفق به دریافت دکترای تخصصی جامعه شناسی سیاسی گردید. گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیگرایش : جامعه شناسی سیاسیوالدین و انساب : وی فرزند سید اسماعیل فیوضات از خاندان سادات حسینی است . سید ابراهیم ۳ یا ۴ ساله بود که پدر را که بازرگانی ساده بود از دست داد. مادرش همسر دوم پدر، کم سواد اما شجاع و پرهیزگار و اهل منطقه دوان بود . بیست ساله بود که مادر نیز از دنیا رفت،پدرش از همسر اول نیز دو پسر به نامهای سید محمد و سید محمد علی و دختری به نام بیگم دارد.خاطرات کودکی : سید ابراهیم فیوضات ۳ یا ۴ ساله بود که پدر را

از دست داد و در همـان ایـام مـادرش او را به مکتب خـانه هـا برای کسب سواد فرستاد وی از آن دوران خاطرات جالب و شـنیدنی دارد": برای اینکه مشغولیتی داشته بـاشم، مادرم مرا از سه سالگی به مکتب خانه شاباجی خانم برد که سواد بیاموزم. پس از مـدتی هم به مکتب خانه حاجی رضا رفتم که ملایی آن را اداره میکرد دست آخر هم از مکتب خانه شیخ عبدالرحیم سر در آوردم. فضای آموزشـی بنـا به عرف رایـج آن زمـان خشن و خشک بود،و ما به خاطر هر اشتباه کوچکی فلک میشـدیم به خاطر دارم یک بار ۵۶ چوب به کف پـایم زدنـد که اثرات منفی این رفتارهـا را پس از گـذشت سالیان دراز هم هنوز با خود دارم. درآن موقع برایم دشوار بود که تصور کنم میتوانم روزی با سواد شوم".اوضاع اجتماعی و شـرایط زندگی : سـید ابراهیم به علت اینکه پدر را در کودکی از دست داده بود مجبور بود برای امرار معـاش خود و خانواده کار کنـد. وی در سن ۱۳ سالگی به علت مشکلات اجتماعی آن دوران به آبادان رفت و اسـتخدام شـرکت نفت در آمـد و به کارآموزی و کارگری مشـغول بود. هم زمان با دوره تحصـیلی به ویژه در ایام تعطیل و تابستان زمانی را صرف یادگیری و تهیه گیوه که تنها پای افزار آن دوران بود میکرد. او در این باره می گوید " :استاد پینه دوز در عوض کـار وجهی کم (توجیبی) میـداد زمانی هم در حجره تاجری به نام زهرایی چای به مشتری ها میـدادم و گاهی هم در مغازه آقای سـید احمد حسینی شاگردی میکردم".تحصیلات رسمی و حرفه ای : اخذ مدرک دیپلم در سال ۱۳۳۸ به صورت متفرقه و قبولی در دانشـگاه تهران در رشته زبان انگلیسی و کسب مدرک کارشناسی در سال ۱۳۴۴ سپس کسب مدرک کارشناسی ارشد در رشـته علوم اجتماعی دانشـگاه تهران و اخـذ مـدرک دکترای جامعه شناسـی از دانشـگاه پاریس ۸ واکـل پراتیـک فرانسه در سال ۱۳۵۷خاطرات و وقایع تحصـیل : در اوایل سال ۱۳۵۰ در یک دوره (بورسـیه) سه ماهه سازمان مذکور برای انگلستان شرکت کرد و پس از پذیرفته شدن راهی دانشـگاه اکسـفورد انگلیس شد و به علت استخدام در سازمان امورادارى و استخدامی کشور در خواست مرخصی وی قبول نشد به ناچار از سازمان استعفا داد و مجددا به انگلیس برگشت و در نهات به این نتیجه رسید که تحصیلات خود را در فرانسه ادامه دهد.فعالیتهای ضـمن تحصـیل : فیوضات در دوره کارشناسی با انجام شش ساعت کار روزانه در امور حسابداری در شـرکت فنی برودت (یخچالسازی) به تحصـیل پرداخت سپس حدود یکسال را با کار در سرکت ایتالیایی سد سازی در هفت تپه خوزسـتان گذرانید و سال بعد در دوره کارشناسـی ارشد پذیرفته شد بعد از آن در سارمان امور اداری و اسـتخدامی کشور به عنوان کارشـناس تشـکیلات به کـار مشـغول شـد.اسـتادان و مربیان : از اسـتادان دکتر فیوضات در دوره های مختلف میتوان به دکتر سـید صادق گوهرین و دکتر آداکلیان در دوره کارشناسـی دکتر غلام حسـینی صـدیقی، دکتر صـناعی، دکترکاروان، دکتر بهنام و ... در دوره کارشناسـی ارشـد و در دوره های بهد دکتر صدیقی و مهنس مدتی اشاره کرد.هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره ایهای دکتر فیوضات، نادر ابراهیمی و اقای سـپانلو در دوره کارشناسی و دکتر هما زنجانی زاده، آقای نقی اصفهانی و دکتر منچهر محسنی در دوره کارشناسـی ارشـد. سـیروس پرهـام و میرصـادقی در حـال حاضـر دکتر سـعید میرزایی،خـانم ممتاز ،دکتر تولایی و ... اشاره داشت.همسر و فرزندان : همسـر دکتر فیوضات، سـرکار خانم پروین وثوقی است که به شـغل پرسـتاری مشـغول است . و فرزند وی پیمان فیوضات علاقه مند به موسـیقی و نوازندگی پیانو و دانشـجوی رشته مهندسی برق است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر سید ابراهیم فیوضات در مسـئولیت های زیر فعالیت داشـته است: مسـئول فروش (تهران) شـرکت کف داروگر ۴۵-۱۳۴۳. کارشناس امور اداری طبقه بنـدی مشاغـل و سازمانـدهی ۴۹-۱۳۴۵. مـدیر گروه علمی جـامعه شناسـی دانشـگاه تهران ۷۴-۱۳۷۰. عضو هیئت تحریریه مجله پژوهش دانشـکده ادبیات دانشـگاه شهید بهشتی ۷۰-۱۳۶۹. عضو انجمن جامعه شناسـی ایران ۷۹-۱۳۷۷. عضو هیئت تحریریه مجله پژوهش اقتصـاد اجتماعی دانشـگاه شـهید چمران اهواز ۱۳۷۸. عضو هیئت تحریریه مجله پژوهشـی اجتماعی دانشـگاه فردوسـی مشـهد. عضو کـارگروه برنـامه ریزی دوره دکتری دانشـگاه شـهید بهشتی ۱۳۸۱. مسئول بخش صـنعت در انجمن جـامعه شناسی ایران از ۱۳۸۲ تـا کنون. عضو هیئت تحریریه مجله تربیت معلم ۱۳۸۴ و مجله دانشـگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.فعالیتهای آموزشـی : دکتر فیوضات تدریس در گروه جامعه شناسی دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه الزهرا و دانشگاه آزاد واحد کرج به مدت ۲ سـال را در دروس مختلف جـامعه شناسـی و اقتصـاد ایران در کارنـامه دارد.مراکزی که فرد از بانیـان آن به شـمار می آیـد : دکتر فیوضـات در تاسیس گروه جـامعه شناسـی صـنعتی (انجمن جـامعه شناسـی ایران) همکـاری داشـته است.سـایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکـتر سـید ابراهیـم فیوضـات غیر از فعـایت هـای آموزشـی بـه طرحهـای پژوهشـی نیز پرداخته است: - برسـی اجتمـاعی و اقتصادی شهرسـتان های دزفول و اندیمشک در خوزسـتان و کرمانشاه شرکت ایران آمایش سال ۶۲-۱۳۶۰ - برری توسعه شهری و روان بخش روسـتایی شـهرهای مینـاب، رودان، سـیریک، جاسـک، و حـاجی آباد هرمزگان، سال ۶۳-۱۳۶۲ - بررسـی تقتصادی - اجتماعی اسـتان آذربایجان شرقی برای طرح توسعه ۲۰ ساله دانشـگاه تبریز (مجتمع مهندسـین مشاور ایران آرک سال ۶۴-۱۳۶۳ - پروژه تحقیقـات آموزشـی نیروی انسـانی در وزارت صـنایع سـال ۱۳۶۵ - نقش کـار در ادب فارسـی شـعر و از طریـق طنز سـال ۱۳۸۴چگونگی عرضه آثار : دکتر سـید ابراهیم فیوضات آثارش در قالب تالیفات، مقالات و ارائه شـخنرانی در سـمینار های مختلف میتـوان تقسـیم کرد. وی بیش از ۳۰ مقـاله در مجلاـت گونـاگون به چـاپ رسانـده است.آثـار : اخلاـق کار و نخبه گرایی در ایران ویژگی اثر : نشـر شادگـان ،تهران، ۱۳۸۳۲ اصـلاح گری و انقلاـب ویژگی اثر : ۱۳۸۴۳ بازتـاب نقش کـار در ادب منظـومه ایرانی ویژگی اثر : در دست چـاپ۴ بررسـی تحولات نظام استـاد - شاگردی در ایران ویژگی اثر : دانشـگاه شـهید بهشتی، ۱۳۷۲۵ توسعه صنعـتی و موانـع آن درایران ویژگی اثر : مجمـوعه مقالاـت، چـاپخش تهران، ۱۳۷۴۶ جـامعه شناسـی صـنعتی ویژگی اثر : انتشارات سازمان سمت، تهران، ۱۳۸۶۷ دولت در عصـر پهلوی ویژگی اثر : چـاپخش، تهران، ۱۳۷۵۸ گسـست های فرهنگی و تاریخی ایران ویژگی اثر : در دست چاپمنـابع : ۱تکمیل پرسشـنامه توسط دکتر فیوضات بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی - زمستان ۱۳۸۵۲کتاب گفت و گو با چهره ها، گفتگو با دکتر ابراهیم فیوضات- به کوشش عمادالدین شیخ الحکمایی انتشارات کازرونیه ۱۳۸۳

فیوضات، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۰۳.

درگذشت: ۱۳۷۱.

از آثار اوست: مبانی برنامه‌ریزی آموزشی (تهران، چاپ‌های مکرر در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۷۴، ۱۳۷۳).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

قاآنی شیرازی، حبیب‌الله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۷۲ / ۱۲۷۰ -۱۲۲۳ / ۱۲۲۲ ق)، حکیم و شاعر، متخلص به قاآنی. ملقب به حسان‌العجم و مجتهدالشعراء. اصلش از طایفه‌ی زنگنه کرمانشاه بود. در شیراز به دنیا آمد. ابتدا حبیب تخلص می‌کرد ولی بعدها حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه تخلص وی را به مناسبت آباقاآن میرزا، فرزند خود، قاآنی نهاد. در جوانی به خراسان سفر کرد و در مشهد مقدس به تحصیل علوم ادبی و عربی و حکمت الهی و هیأت و نجوم و زبان فرانسه پرداخت. سپس به تهران آمد و با آشکار شدن هنر وی در شاعری و سخنوری به دربار راه یافت و از سوی فتحعلی‌شاه مجتهدالشعراء و از سوی محمدشاه حسان العجم لقب گرفت. در قصیده و ترکیب‌بند مهارت داشت. وی با فروغی بسطامی معاصر بود. در تهران درگذشت و مجاور قبر ابوالفتوح رازی در آستانه‌ی حضرت شاه عبدالعظیم به خاک سپرده شد. از آثارش: «دیوان» شعر، حدود هفده هزار بیت، در مدح پیامبر (ص) ائمه و شاهان؛ مقدمه‌ای بر «دیوان فریدون میرزا قاجار»؛ «قصاید قاآنی»؛ «گلستان قاآنی»؛ «پریشان‌نامه»، در مقام معارضه با گلستان؛ رساله‌ای در «علم شانه‌بینی»؛ رساله‌ای در «هندسه‌ی جدید».[۱]

(منسوب به قاآن) (میرزا) حبیب‌اللّه شیرازی متخلص به قاآنی بن (میرزا) محمدعلی گلشن، شاعر ایرانی قر. ۱۳ ه. (و. شیراز حدود ۱۲۲۲ ه.ق/ ۱۸۰۷ م.- ف. ۱۲۷۰ ه.ق/ ۱۸۵۳ م.). اصل خاندان وی از ایل زنگنه بود که در عراق و فارس سکونت کردند. پدرش شاعر بود و گلشن تخلص داشت. وی در جوانی به تحصیل علوم ادبی در شیراز پرداخت و سفری به خراسان کرد، و در آن سامان نیز به ادامه‌ی تحصیل پرداخت و شعر گفتن آغاز کرد و در آن زمان «حبیب» تخلص می‌نمود، و به تدریج شهرتی یافت و در نزد حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه حاکم آن خطه مقرب گردید و قصایدی در مدح او گفت و به دستور وی تخلص خود را به «قاآنی» مبدل کرد، زیرا اسم پسر شجاع‌السلطنه اگتقاآن بود. شاعر مدتی در خراسان و کرمان ملازم شجاع‌السلطنه بود و همین شاهزاده وی را فتحعلی شاه معرفی کرد. قاآنی به تهران منتقل شد و بر شهرت او افزود و در دربار محمدشاه و مخصوصاً در دربار ناصرالدین شاه تقرب بسیار یافت. وی به آموختن زبان فرانسوی آغاز کرد. هنر او در قصیده‌سرایی است. در غزل و مسمط و ترجیع بند نیز دست داشت. قاآنی در انتخاب کلمات خوشایند و خوش‌آهنگ و استعمال آنها در جمله و نیکویی وصف و تتبع قدما کمتر نظیر دارد. به طور کلی در اشعار وی لفظ غالب بر معنی است و معانی اخلاقی و فلسفی در گفته‌های او کمتر دیده می‌شود. وی از شاعران خراسان پیروی کرده، مخصوصاً به منوچهری علاقه نشان داده است. قاآنی مداح شاهان (مخصوصاً ناصرالدین شاه) و شاهزادگان قاجاری و امرای دربار آنها بود. علاوه بر دیوان اشعار- که مکرر بطبع رسیده- کتابی به نثر به نام «پریشان» دارد که به اسلوب «گلستان» سعدی تألیف شده (۱۲۵۱ ه.ق). آرامگاه وی در حضرت عبدالعظیم در جوار قبر ابوالفتوح رازی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۴۳۳ -۴۳۰)، از صبا تا نیما (۱۰۹ -۹۲ / ۱)، اعیان الشیعه (۵۶۱ / ۴)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۱۶ -۲۱۱ / ۴)، حدیقه الشعراء (۱۴۱۱ -۱۴۰۱ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۸۱ -۱۶۳ / ۴)، الذریعه (۲۲۱ / ۱۸، ۸۵۸ -۸۵۷ / ۹، ۱۹۷ / ۳)، ریحانه (۳۹۰ -۳۸۷ / ۴)، سبک‌شناسی (۳۳۳ / ۳)، سخنوران نامی معاصر (۲۷۷۲ -۲۷۶۳/ ۴)، سفینه المحمود (۵۲۴ / ۲)، شخصیت‌های نامی (۳۸۵ -۳۸۴)، شرح حال رجال (۳۰۳ / ۲، ۳۱۰ -۳۰۷ / ۱)، طرائق الحقائق (۳۳۴ / ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۲۹ -۱۱۲۷ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۲۸ -۷۲۷)، الکنی و الالقاب (۴۵ -۴۴ / ۳)، گنج سخن (۲۰۵ -۲۰۱ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ قاآنی)، المآثر و الآثار (۲۰۷ -۲۰۶)، مجمع الفصحا (۸۸۶ -۸۴۴ / ۵)، مرآت الفصاحه (۴۹۱ -۴۸۸)، مکارم الآثار (۷۴۹-۷۴۵ / ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۲ -۴۹۰ / ۲)، یادگار (س ۳، ش ۳، ص ۷۸ -۷۴)، یغما (س ۲، ص ۴۳۷ -۴۳۴).

قاآنی، حبیب‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حبیب‌اللّه قاآنی بن میرزا محمدعلی شیرازی متخلص به گلشن شاعری فاضل و ادیب از معاریف عصر بوده و در سال ۱۳۷۲ وفات نموده و ایشان عموی آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدتقی شیرازی بوده است.

قاآنی قبرش در شهر ری در نزدیکی مقبره ابوالفتوح رازیست. در قصیده و مثنوی‌گوئی استاد عصر خود بوده و از فتحعلی شاه لقب مجتهدالشعراء و از محمد شاه لقب (حسان‌الحجم) داشته است و از اشعار لطیف و ظریف او سخن گفتن پیری گنگ است با طفل زیبای الکن که به جهت تنوع و تفریح دوستان می‌نگارم.

پیر گنگ و طفل الکن
پیر کی لال سحرگاه بطفلی الکن
می‌شنیدم که بدین نوع همی راند سخن
کای ز زلفت صصصبحم شاشاشام تاریک
وی ز چهرت شاشاشامم صصصبح روشن
تتریاکیم و بی شششهد للبت
صصصبر و تاتاتابم رررفت از تتتن
طفل گفتا ممممن را تو تو تقلید مکن
گگگم شو ز برم ای کککمتر از زن
میمیخواهی ممشتی به ککلت بزنم
که بیفتد مممغزت بمیان ددهن
پیر گفتا وو واللّه مممعلوم است این
که که زادم من بیچاره ز مادر الکن
هههفتاد و ههشتاد و سه سالست فزون
که که گنگ و لالالالم ببخلاق ز من
طفل گفتا خخدا را صصصد بار ششکر
که برستم بجهان از مملال مممن
مممن هم گگگنگم مممثل تو تو تو
تو تو تو هم گگگنگی مممثل و ممحن
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

قابل ایروانی، حسنعلی، حسینعلی

قرن:۱۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، شاعر. از قاجاریه‌ی ایروان بود. از جانب خاقان فتحعلی‌شاه مأمور خدمت شاهزاده محمودمیرزا (م بعد از ۱۲۷۱ ق) شد. اثر وی «دیوان» شعر می‌باشد. از اوست:
از دست ستمهای تو دارم گله بسیار
ما را گله بسیار و ترا حوصله بسیار
تنها نه من آشفته‌ی آن زلف درازم
دیوانه چون من هست در این سلسله بسیار
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۴۱۱ / ۲)، الذریعه (۸۵۹ -۸۵۸ / ۹)، سفینه المحمود (۶۸۳ -۶۸۱ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۲۸)، مجمع الفصحا (۸۹۰ / ۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۴۹)، نگارستان دارا (۱۲۲ -۱۲۱).

قابل، هادی

قرن:۱۵
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
هادی قابل
محل تولد : تربت جام
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۴/۵

زندگینامه علمی
مختصر از زندگی علمی و سیاسی آقای هادی قابل (جامی) در پنجم تیرماه ۱۳۳۴ شمسی در خانواده مذهبی و روحانی متولد شد. پدر ایشان از علمای مشهد مقدس و امام جمعه شهرستان فریمان بود. در سال ۱۳۴۹ پس از اخذ مدرک ششم ابتدایی وارد حوزه علمیه مشهد شد. دروس مقدماتی تا شرح لمعه را در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی میلانی گذراند. سپس با هجرت به قم تحصیلات خود را در حوزه علمیه قم ادامه داد تا به درجه اجتهاد رسید. اساتید ایشان در ادبیات، حضرات آیات و حجج اسلام حجت هاشمی، رضوانی، ذاکری، اسلامی (در مشهد مقدس) و منطق، شرح نظام و منظومه، واعظی، آقا شیخ یحیی انصاری، نعیم

آبادی و در اصول، شهید حاج شیخ عباس شیرازی، احمد بهشتی، دوزدوزانی، ستوده، موسوی تهرانی، سید علی محقق و در فقه، فاضل هرندی، علوی گرگانی، ستوده، دوزدوزانی، طاهری خرم آبادی و در خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: منتظری، وحید خراسانی، فاضل لنکرانی، میرزا جواد تبریزی، موسوی اردبیلی و یوسف صانعی بوده اند. همچنین از محضر اساتید بزرگوار، مشکینی، جوادی آملی، شهید حقانی و... دروس تفسیر قرآن، اخلاق و فلسفه را فرا گرفت. از آغاز طلبگی با مبارزات روحانیت به رهبری امام خمینی (ره) آشنا شد. از سال ۱۳۵۳ که منبر و تبلیغ را آغاز کرد به بیان اندیشه های امام و مبارزانی همچون مرحوم طاقانی، آیت الله منتظری، بازرگان و شریعتی پرداخت. در خرداد سال ۱۳۵۴ در مدرسه فیضیه پس از مضروب شدن، توسط مأموران گارد دستگیر و روانه زندان اوین شد. سپس به سربازی اعزام گردید که تا سال ۱۳۶۵ ادامه یافت. پس از مراجعه مجدد به حوزه علمیه و ادامه تحصیل، مبارزات خود را با جدیت بیشتری پیگیری کرد. در زمان اوج گیری مبارزات ملت ایران در سالهای ۵۶ و ۵۷ در شهرهای قم، نایین، تربت جام، فریمان و مشهد، هم پای ملت بزرگ ایران در تمامی صحنه ها حاضر بود.

قاجار، جلال‌الدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۹ /۱۲۸۷ -۱۲۳۴ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به جلال. از شاهزادگان آگاه و دانشمند عهد قاجار بود. او در تحصیل زبان اروپایی کوشش فراوان کرد و از زبانداانان معروف شد. در تشکیل انجمن فراماسونری (فراموشخانه) یا میرزا ملکم‌خان همکاری داشت و از اعضای فعال آن به شمار می‌رفت و مدتها در خانه انجمن تشکیل داد، پس از انحلال فراموشخانه سخت مورد غضب شاه قرار گرفته و خانه‌نشین شد. جلال‌الدین عقیده‌اش بر این بود که باید ایرانی، فارسی سره را در گفتن و نوشتن به کار برد و لغات بیگانه بویژه عربی را کنار بگذارد. اثری که از وی باقی مانده «تاریخ نامه خسروان» است. وی شعر نیز می‌سروده و مقداری اشعار از وی باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ عضدی (۱۶۵)، حدیقهٔ الشعراء (۳۷۲ -۱/ ۳۷۰)، شرح حال رجال (۲۵۵ -۱/ ۲۵۴)، گنج شایگان (۷۷ -۷۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳۶۴ -۲/ ۳۶۳)، مجمع الفصحا (۳۶ -۱/ ۳۵).

قاجار، حبیب‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۸ ق)، خطاط. به خط وی مرقعی به قلم سه دانگ و دو دانگ متوسط در کتابخانه‌ی سلطنتی است، با رقم: «کمترین غلام خانه‌زاد حبیب‌اللّه قاجار، سنه‌ی ۱۳۰۸».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۳۵/۱).

قادر بروجردی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۹۴ ق)، شاعر. فردی درویش‌مسلک و اهل سیر و سیاحت بود. از علم و دانش بهره‌ی چندانی نداشت. اما بسیار نیکو سخن بود و قصیده را با مهارتی تمام می‌خواند. از اوست:

زلف مشکین چون به سر ماه مرا افسر شود

آفتاب از شرم او در نیلگون معجر شود

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۴۱۳ -۱۴۱۲ / ۲).

قادری سهی، بهزاد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بهزاد قادری سهی درسال ۱۳۳۱ در شهر زاهدان دیده به جهان گشود. بعد از کلاس اول ابتدایی در زادگاهش به شهر کرمان رفتند و سه سال در آنجا بودند بعد به شهر بجنورد رفتند و سال پنجم تحصیل خود را در آن شهر سپری کردند.گروه : علوم انسانی رشته :

زبان و ادبیات انگلیسی گرایش : ادبیات نمایشی والدین و انساب : پدر بهزاد قادری سهی اصفهانی و مادرش اهل سیستان بودند.پدرش همردیف بود؛ یعنی در پست مهندسی ارتش و با لباس شخصی مسئولیت فنی موتورهای برق و آب مناطق را بر عهده داشت. مادرش خانه دار است و از طایفه توکلی های سیستان و بلوچستان است.خاطرات کودکی : خاطرات کودکی بهزاد قادری سهی به زبان خودش: شش سال اول زندگی را در زاهدان زندگی کردم. از همان کودکی با پدرم به سفر می رفتم.. شب های کویری و خرگوش هایی که نور چراغ اتومبیل آن ها را چراغی می کرد، وهم شب های کویر و جیغ و زوزه حیوانات و آدم ها. آنچه سخت در ذهنم جا خوش کرده روز اول دبستان بود، در نمی دانم کجای زاهدان.. سرگشته، از کلاسی به کلاسی دیگر می رفتم. در یک کلاس نقشه پلاس جهان بود: می خواستم بدانم من کجای این جهان هستم! دلهره ای همراه ناامیدی اما شیرین. بعد ها، خودم که به کلاس پنجم رسیدم برای درس جغرافی زمین را نقش زدم که معلمم، آقای عبدالرمضانی، خیلی تشویقم کرد. تحصیلات رسمی و حرفه ای : بهزاد قادری سهی بعد از گذران تحصیلات اولیه خود در شهرهای زاهدان ، کرمان و بجنورد، مقاطع تحصیلات لیسانس خود را در رشته زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۵۴گذراند و فوق لیسانس ادبیات آمریکا، دانشگاه شیراز، شیراز، ۱۳۵۷طی کرد، و دکترای ادبیات نمایشی قرن نوزده و سه دههٔ ۱۹۶۰-۱۹۹۰دربریتانیا به اتمام رسانید.خاطرات و وقایع تحصیل : از وقایع تحصیل بهزاد قادری سهی به زبان خود او: آن روز ها رشته پزشکی خیلی طرفدار و اعتبار داشت. من در کنکور که شرکت کردم، انتخاب اولم زبان وادبیات انگلیسی دانشگاه مشهد بود. وقتی هم که از امتحان برگشتم، به مادرم گفتم"، کاسه بشقاب من را آماده کن، دارم میرم مشهد! "ولی وقتی قبول شدم، فوج دوستان پیش پدرم رفتند که نگذارد من در رشته ادبیات انگلیسی درس بخوانم. ولی او گفته بود"، هرچه خودش می خواهد ".خاطره خوشی که از این دوران دارم، به ویژه دوره کارشناسی، بیرون آمدن از کتابخانه دانشکده همراه با رفتگر و در دیر وقت شب هاست. فعالیتهای ضمن تحصیل : بهزاد قادری سهی تنها مطالعه می کرد و در عین حال تدریس هم می کرد. در دوره کارشناسی ارشد، در شیراز، دانشکده اش کنار حافظیه بود .استادان و مربیان : از استادان بهزاد قادری سهی در دوره تحصیلات تکمیلی به شرح زیر است: دوره کارشناسی: دکتر قنادان، دکتر فرخ، خانم شایگی، استاد حدیدی، استاد صدر، استاد برادران رفیعی دوره کارشناسی ارشد: دکتر بالیتاس، دکتر ویلیام هاروی، استاد یارمحمدی، استاد ابجدیان دوره دکتری: راجر هاوارد، پیتر هیوم، الین جوردن، آنجلا لیوینگستن هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره ایهای دکتر بهزاد قادری سهی می توان به دکتر علیرضا امامی، دکتر علیرضا انوشیروانی، دکتر هادی کامیابی، دکتر فارسیان، دکتر جهانبخش لنگرودی اشاره نمود.همسر و فرزندان : بهزاد قادری سهی ازدواج کرده و حاصل این ازدواج چهار فرزند است که: دو پسر (سیاوش و سعید) و دو دختر (مریم و مهردیس). سیاوش در شهریور ۸۶ تخصصش را در رشته پاتولوژی دانشگاه علوم پزشکی تهران تمام می کند؛ سعید کارشناسی ارشد عمران را تمام خواهد کرد؛ مریم در رشته کارشناسی ارشد گیاهپزشکی درس می خواند و مهردیس دارد خودش را برای ورود به مراحل دیگر زندگی آماده می کند.وقایع میانسالی : شهادت برادر بهزاد قادری سهی به نام حیدرعلی قادری سهی، در سوسنگرد در سال ۱۳۶۰. در گذشت پدرم در سال ۱۳۸۲ در شهرستان بجنورد. انتقال از دانشگاه شهید باهنر کرمان به دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۴.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ۱- سرپرستی کتابخانه ملی کرمان در بدو تاسیس ۲-سرپرستی گروه زبانهای خارجی، دانشگاه شهیدباهنر کرمان ۳-معاونت آموزشی دانشکده هنر، دانشگاه کرمان ۴-عضو هیات تحریریه نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی ۵-عضو شورای تخصصی گروه زبان و ادبیات انگلیسی ۶- عضو هیات امنای تئاتر کرمان به مدت دو سال ۷- عضو هیات ممیزه دانشگاه های جنوب شرق ایران ۹-عضو هیات تحریریه نشریه پژوهش زبان های خارجی، دانشکده زبان های خارجی، دانشگاه تهران ۱۰- عضو مرکز ایبسن شناسی دانشگاه اسلو-نروژ فعالیتهای آموزشی : ۱- تدریس دروس نقد ادبی، نمایشنامه، مکتبهای ادبی، اصول و روش ترجمه، شعر، رمان، داستان کوتاه و نثر انگلیسی در دانشگاه کرمان از مهر ماه ۵۷ تا ۸۴. ۲-تدریس همین دروس در دانشگاه آزاد کرمان. ۳- تدریس همین دروس در دانشگاه ولی عصر(عج) رفسنجان (به مدت چهار ترم) ۴- تدریس دروس فوق و نیز دروس کارشناسی ارشد ادبیات انگلیسی در دانشکده زبان های خارجی، دانشگاه تهران ۵- تدریس دروس عصر روشنگری، عصر رمانتیسیسم، و نمایشنامه قرن نوزدهم در مقاطع کارشناسی و کار شناسی ارشد در دانشگاه Essex انگلستان از سال ۱۳۷۲ تا پایان تحقیقاتِ دورهٔ دکتری (۱۳۷۶). ۶- شرکت در تدوین برنامه دوره دکتری زبان و ادبیات انگلیسی در دانشگاه تهرانسایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ۱- پژوهش در زمینه ادبیات نمایشی ۲-ترجمه و تالیف مقاله و کتاب ۳-راهنمایی پایان نامه و تشویق دانشجویان به استخراج مقاله از آن ها شاگردان : ۱-دکتر پیرنجمالدین، دانشگاه اصفهان ۲-دکتر امید طبیبزاده، دانشگاه همدان ۳-دکتر طاهره احمدیپور، دانشگاه ولی عصر (رفسنجان) ۴-دکتر محمد حسن حفیظی، دانشگاه فلوریدا، آمریکا ۵-دکتر محمد شهابی، دانشگاه آزاد کرمان ۶-دکتر آزاد منش، دانشگاه آزاد کرمان ۷-خانم ناهید فخرشفایی، دانشگاه شهید باهنر کرمان ۸-خانم زهرا میهنخواه، دانشگاه شهید باهنر کرمان (مرحوم) ۹-دکتر رضا پاشا مقیمی، دانشگاه آزاد کرمان همفکران فرد : ۱-آقای اکبر رادی، نمایشنامه نویس ۲-آقای جلال ستاری، نویسنده و منتقد ۳-خانم لاله تقیان، نویسنده و منتقد ۴-آقای یدا... آقاعباسی، دانشگاه شهیدباهنر کرمان ۵-دکتر حسین پیرنجم الدین، دانشگاه اصفهان ۶-دکتر محمد مرندی، دانشگاه تهران ۷-دکتر آزبیورن اورشیث، دانشگاه برگن-نروژ ۸-دکتر کنوت برینتسول، دانشگاه اسلو- نروژ ۹-دکتر فروده الان، دانشگاه اسلو-نروژ ۱۰-دکتر ویگدیس استا، دانشگاه اسلو-نروژ ۱۱-دکتر پیتر هیوم، دانشگاه اسکس-انگلیس ۱۲-دکتر توماس برتونیو، دانشگاه دولتی نیویورک ۱۳-دکتر جون تمپلتن، دانشگاه نیویورک ۱۴-دکتر کاری مایزر، دانشگاه پنسیلوانیا آرا و گرایشهای خاص : گرایش به مکتب رمانتیسیسم، شیوه جدلی هگلی و تکیه بر ایبسن به عنوان یکی از جدلی اندیشان دوران مدرنجوائز و نشانها : ۱-استاد نمونه دانشگاه شهید باهنر کرمان در سال ۱۳۷۶ ۲-لوح تقدیر برای ترجمه متون نمایشی در استان کرمان در سال ۱۳۷۸ ۳-نمایشنامه مرد یخین می آید به عنوان ترجمه برتر در نخستین جشن ادبیات نمایشی کانون نمایشنامهنویسان خانه تئاتر، تهران: ۲۶ شهریور ماه ۸۴. ۴-ترجمهٔ مرگ تراژدی به عنوان پژوهش و ترجمهٔ برتر در نخستین جشن ادبیات نمایشی کانون نمایشنامهنویسان خانه تئاتر، تهران: ۲۶ شهریور ماه ۸۴. ۵-لوح سپاس از سوی سفارت نروژ در تهران و مرکز هنرهای نمایشی در سال ۱۳۸۵ برای پژوهش در باره آثار ایبسن. ۶-با چراغ در آینه های

قناس، نوشته بهزاد قادری، نشر قطره، ۱۳۸۴، به عنوان کتاب برتر سال در میان کتب دانشگاهی در سال ۱۳۸۴. چگونگی عرضه آثار : بهزاد قادری سهی بیش از ۱۹ طرح نمایشنامه را ترجمه کرده است و عهده دار ۱۰ترجمه مقاله را داشته، وی ۳۹ مقاله در عنوانهای مختلف ارائه داده است.آثار : ۱ Theatres of the Mind ویژگی اثر : B. Ghaderi Sohi,: Revolutions and British Drama, New Delhi, Bahri Publications, ۲۰۰۲.۲ ایبسن ویژگی اثر : بهزاد قادری: آرمانشهر و آشوب، زیر چاپ۳ با چراغ در آینه های قناس ویژگی اثر : بهزاد قادری، ادبیات نمایشی رمانتیسیسم و تئاتر پسا–مدرن، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۴.۴ گذر از تئاتر ارسطویی به درام پسا–مدرن، کرمان ویژگی اثر : بهزاد قادری، انتشارات دانشگاه شهیدباهنر کرمان، ۱۳۸۲۵ مرگ تراژدی ویژگی اثر : جورج اشتاینر، زیر چاپ. تهران: مرکز هنر های نمایشی. این کتاب بررسی نسبتا جامعی است در باره زوال تراژدی از یونان باستان تا دهه ۶۰ قرن بیستم و یکی از کتب بسیار ارزشمند و مرجع برای دانشجویان و علاقمندان به هنر تئاتر و نمایشنامه نویسی است.۶ هر کسی را اصطلاحی داده اند ویژگی اثر : بهزاد قادری، شش گفتار پیرامون ترجمه متون نمایشی، کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۸۲

قاری تبریزی، محمد جعفر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: «صحیفه‌ی سجادیه» نیم ربعی، جلد روغنی، دو سرلوح مرصع، دو صفحه‌ی اول متن و حاشیه مذهب، نسخ کتابت خفی متوسط، با رقم: «و قد تشرفت بکتابه هذه الصحیفه... محمد جعفر القاری التبریزی... فی سنه‌ی ۱۱۲۳ بتوفیق الملک المعین».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۵۵ / ۴).

قاری مشهدی خراسانی، ابوالقاسم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۸۳ ق)، قاری و شاعر. در مشهد به دنیا آمد و در شیراز سکنی گزید، لذا به او قاری شیرازی نیز گفته‌اند. محمد بن شمس‌الدین قاری کاظمی در شیراز علم قرائت و تجوید را در محضر وی فراگرفته است. سید ابوالقاسم از قاریان مشهور عهد شاه‌عباس صفوی است. از آثار وی: «اللؤلؤئیه» یا «نظم اللئالی»، منظومه‌ای فارسی در «تجوید قرآن»، که در ۱۰۶۱ ق آن را به اسم شاه‌عباس ثانی سرود و مکررا به طبع رسید، و مدرس تبریزی، صاحب «ریحانه الادب» شرحی به نام «نثر اللئالی» بر آن نگاشته است. نسخه‌ای از کتاب «اللؤلؤئیه»، در زمان حیات مؤلف،در ۱۰۸۳ ق، توسط شاهمیر بن عبدالجبار نوشته شده است. اثر دیگر وی «دیوان» شعر است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۲۶ –۲۲۵ / ۲۴ ،۳۷۸ –۳۷۷ / ۱۸ ،۲۲۱ / ۱۱ ،۸۶۰ / ۹ ،۳۶۵ –۳۶۴ / ۳)، ریحانه (۳۹۵ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۵۴ –۴۵۳ / ۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۷۷ / ۱).

قاری هروی، نورالدین علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۶ / ۱۰۱۴ ق) ، فقیه حنفی. معروف به ملا علی قاری. در هرات به دنیا آمد. پس از گذراندن قسمتی از مراتب علمی در هرات به مکه رفت و در همان جا ساکن شد و در نزد مشایخ آنجا به تکمیل مراتب علمی خود اقدام کرد تا آن که آوازه‌اش در همه جا پیچید. او به هر یک از پیشوایان چهارگانه اهل سنت بویژه شافعی باب اعتراض گشود، و به همین جهت مورد بی‌مهری قرار گرفت. قاری در مکه از دنیا رفت. چون خبر درگذشت او به مصر رسید در جامع‌الازهر متجاوز از چهار هزار تن به وی نماز در غیبت خواندند. از آثار وی: «تفسیر القرآن»، در چند مجلد؛ «انوار القرآن و اسرار الفرقان»؛ «الاحادیث القدسیه و الکلمات الانسیه»، چهل حدیث قدسی؛ «الحرز الثمین للحصن الحصین» یا «شرح الحصن الحصین»؛ «الاثمار الجنیه فی اسماء الحنفیه»؛ «الفصول المهمه»، در فقه؛ «بدایه السالک»، در مناسک؛ «مرقاه المفاتیح»، در شرح «مشکاه المصابیح»، در چهار مجلد، فراگیر همه شروح و حواشی؛ «شرح مشکلات الموطأ»؛ «توضیح المبانی»،در شرح «مختصر المنار»، در اصول؛ «ضوء المعالی»، در شرح قصیده‌ی «بدء الأمالی»، در توحید؛ «منح الروض الازهر فی شرح الفقه الاکبر»؛ «تذکره الموضوعات»؛ شرح «شمائل النبی (ص)» ترمذی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۶۷ –۱۶۶ / ۵)، ایضاح المکنون (۶۶۱ ،۶۴۴ ،۶۰۷ ،۵۷۷ ،۵۵۵ ،۵۵۳ ،۴۹۵ ،۴۹۴ ،۴۸۰ ،۴۶۴ ،۴۴۸ ،۴۰۲ ، ۲۱۴ ،۱۹۱ ،۱۸۷،۱۸۴ ،۱۳۹ –۱۳۸ ،۱۰۳ ،۸۷ ،۵۵ ،۴۳ ،۲۱ / ۲ ،۶۱۲ ،۵۷۸ ،۵۶۹ ،۵۵۸ ،۵۴۱ ،۴۶۰ ،۲۹۸ ،۲۶۴ ،۲۴۱ ،۲۰۹ ،۱۴۵ ،۹۳ ،

۹۰، ۲۱ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۹۵ -۳۹۴)، ریحانه (۳۹۸ -۳۹۷ / ۴)، کشف الظنون (۲۰۳۴، ۱۹۷۲، ۱۹۰۱، ۱۸۹۷، ۱۸۰۲، ۱۷۰۰، ۱۵۴۵، ۱۳۶۴، ۱۳۶۰، ۱۳۵۰، ۱۳۳۵، ۱۲۸۷، ۱۲۶۴،۱۲۳۲، ۱۱۵۹، ۱۱۴۹، ۱۰۶۰، ۱۰۵۰، ۸۸۳، ۷۴۳، ۶۷۱، ۶۷۰، ۶۶۰، ۵۵۸، ۴۵۴، ۴۴۵، ۶۰، ۲۴)، لغت‌نامه (ذیل/ قاری)، معجم المؤلفین (۱۰۱ -۱۰۰ / ۷)، هدیه العارفین (۷۵۳ -۷۵۱ / ۱).

قاری یزدی، نظام‌الدین محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. در شیراز می‌زیست و معاصر قاسم انوار (م ۸۳۷ ق)، خواجه عصمت بخارایی (م ۸۲۹ ق)، کاتبی، خیالی بخارایی و شیخ آذری (م ۸۶۶ ق) بود. او صاحب سبک مخصوصی در شعر است که پیروی از سبک ابواسحاق اطعمه می‌باشد، با این تفاوت که ابواسحاق به ذکر اطعمه پرداخته و قاری در شعر نام لباسها و پارچه‌ها را آورده است و به همین جهت «دیوان» خود را «دیوان البسه» نام نهاده که این «دیوان» شامل: دیباچه‌ی منثور؛ قصیده‌ای موسوم به «آفاق و انفس»،جنگ نامه‌ای بین جامه‌های موپین و کتانی؛ منظومه‌ای موسوم به «اسرار ابریشم»؛ «اشعاری»، در استقبال شعراء و متقدمین و متأخرین مانند اوحدی و خواجو و سعدی و حافظ و دیگران؛ «اشعار»، به لهجه‌های محلی؛ و چندین رساله چون: «مناظره بین اطعمه و البسه»؛ «رساله آرایش‌نامه» و چندین رساله دیگر و در پایان مجوعه «فرهنگی» در وصف اصطلاحات فن خیاطی. میرزا حبیب اصفهانی این «دیوان» را به همراه «دیوان» عبید زاکانی و ابواسحاق اطعمه در استانبول چاپ کرده و هر سه را به یک شکل و قطع و با اسلوب واحد به طبع رسانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (۴۷۲ -۴۶۷)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۶۱ -۱۶۰ / ۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۲۰)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۲۵۵ -۲۵۰)، الذریعه (۱۲۰۵، ۸۶۱، ۸۹ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۳۰)، مؤلفین کتب چاپی (۶ -۵ / ۶).

قاری، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن حاج میرزا محمّد مهدی قاری اصفهانی از دانایان به علم تجوید و قرائت و از خطّاطین معروف اواخر قرن سیزدهم است. یک نسخه از کتاب «تحفه حکیم مؤمن» به خطّ زیبای او در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار موجود است. در اصفهان در محلّه مسجد حکیم سکونت داشته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قاسم انوار، معین‌الدین، صفی‌الدین علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۳۸ / ۸۳۷ / ۸۳۵ -۷۵۷ ق)، صوفی، عارف و شاعر، متخلص به قاسم یا قاسمی. معروف به شاه قاسم انوار. وی از خانان سادات حسینی و تبریز و از پیروان خاندان شیخ صفی‌الدین اردبیلی بود. در سراب به دنیا آمد. در جوانی به تبریز برای کسب علم رفت و در حلقه‌ی مریدان شیخ صدرالدین موسی، پسر و جانشین شیخ صفی‌الدین، درآمد. قاسم انوار از او به عنوان صدر ولایت یاد می‌کند. سپس به گیلان رفت و روابط دوستانه‌ای با جانشینان شیخ زاهد گیلانی برقرار کرد. در ادامه سفرش، به خراسان رفت و در هرات مستقر شد و شهرت و مریدان بسیار یافت. در ۸۳۰ ق به تهمت سیاسی از هرات به سمرقند تبعید شد و چند سال بعد به خراسان مراجعت نمود و در قریه خرجرد جام یا به قولی در قصبه‌ی لنگر از توابع نیشابور ساکن شد و در همان جا وفات یافت. بنایی به دستور امیر علیشیر نوایی بر مزارش ساخته شده است. گفته‌اند که چهار سفر پیاده به حج رفته که دو دفعه آن پابرهنه بوده است. از آثارش: «کلیات» شامل مثنویهای: «انیس العارفین»، ۵۸۳ بیت به بحر رمل مسدس، «صد مقام» یا «مقامات العارفین» یا «مقامات السالکین» یا «تذکره الاولیاء»، در بیان مقامات و اصطلاحات صوفیه، «بیان واقعه دیدن امیر تیمور» و همچنین «غزلیات» و «مقطعات» و «ملمعات» گیلکی و ترکی و «رباعیات»؛ «رساله‌ی سؤال و جواب»؛ «رساله در بیان علم»؛ مثنوی «انیس العاشقین» یا «رساله الامانه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۱ -۱۰۹ / ۱)، از سعدی تا جامی (۷۰۸ -۶۹۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۶۴ -۲۵۲ / ۴)، تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (۶۱۴ -۶۱۲)، تاریخ نظم و نثر (۲۹۲ -۲۹۱)، تذکره الشعراء (۳۹۲ -۳۸۵)، حبیب السیر (۱۱ -۱۰ / ۴)، دانشمندان آذربایجان (۳۰۴)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (۲۰۶ -۲۰۰)، الذریعه (۳۳۰، ۳۰۴، ۲۴۵، ۱۲۳ -۱۲۲ / ۱۹، ۸۶۲، ۸۶۱- / ۹ ۴۶۲، / ۲)، رشحات عین الحیات (۴۲۵-۴۱۷ / ۲)، روضات الجنات (۳۳۲ / ۱)، ریاض العارفین (۱۲۴ -۱۲۲)، ریحانه (۴۰۱ -۳۹۹ / ۴)، شخصیت‌های نامی (۳۹۲ -۳۹۱)، طرائق الحقائق (۳۲۳، ۳۱۱ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۳۱ -۷۳۰)، الکنی و الالقاب (۴۷ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ قاسم انوار)، مجالس المؤمنین (۴۷ -۴۴ / ۲)، مجالس النفائس (۱۸۴ -۱۸۳ ،۷ -۶)، مرآه‌الخیال (۶۵ -۶۳)، منظومه‌های فارسی (۳۳۲ -۳۳۰)، مؤلفین کتب چاپی (۸۹۱ -۸۹۰ / ۴)، نتایج الافکار (۵۵۹ -۵۵۷)، نفحات الانس (۵۹۳ -۵۹۰)،

هدیه الاحباب (۲۱۴)، هدیه العارفین (۷۳۱ / ۱)، هفت اقلیم (۲۱۶ –۲۱۵ / ۳)، یادگارنامه‌ی دکتر فرشیدورد (۱۵۵ –۱۴۱).

قاسم آقایی، ناصر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصر قاسم آقایی در سال ۱۳۳۰ در شهر اصفهان بدنیا آمد.و دوره ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش گذراند. پس از کسب دیپلم توسطه در رشته ریاضی دانشگاه اصفهان شروع به تحصیلکرد و در آخر دکترای رشته علوم کامپیوتر در سال ۱۳۵۵ از دانشگاه برادفورد انگلیسس در سال ۱۳۶۶ اخذ کرد وی هم اکنون عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۵۶ با مرتبه دانشیاری است.

گروه : فنی و مهندسی

رشته : مهندسی کامپیوتر

گرایش : علوم کامپیوتری

والدین و انساب : پدر ایشان در سال ۱۳۸۳ در سن ۸۱ سالگی دار فانی را وداع گفت و مادر محترمشان در قید حیاتند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : – اخذ دیپلم متوسطه از دبیرستان ادب اصفهان – کارشناسی ریاضی از دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۵۱ – کارشناسی ارشد و علوم کامپیوتر در سال ۱۳۵۵ از دانشگاه جورجیا تک آمریکا – دکترا در علوم کامپیوتر سال ۱۳۶۶ از دانشگاه برادفورد انگلستان

خاطرات و وقایع تحصیل : یکی از خاطرات دکتر قاسم آقائی اینست که :« بعد از پایان کارشناسی ارشد از آمریکا به ایران آمدم سال ۱۳۵۵ و در دانشگاه اصفهان مشغول به تدریس شدم. قرار شد بلافاصله به ادامه تحصیل دوره دکترا از یکی از دانشگاه های خارج کشور پذیرش بگیرم اینجانب از دانشگاه مک گین شهر مونترال کانادا پذیرش گرفتم که به دوران انقلاب اسلامی برخورد نمود . چند سال پذیرشم را تجدید نمودم تا اینکه قرار شد جزء اولین گروه دانشجوی بورسیه دولت جمهوری اسلامی اعزام شوم به دانشگاه مک گین نامه نوشتم آنها گفتند مخارج و شهریه شما از کجا پرداخت میشود که به آنها نوشتم توسط دولت جمهوری اسلامی آنها پاسخ دادند : We do not have any chair that you si on that نامه آنها هنوز هست و اینجانب از دانشگاه در کشور اینگلیس پذیرش گرفتم.»

استادان و مربیان : از مربیان دوره دبیرستان دکتر قاسم آقائی میتوان به آقای برجیس و اُریزی مدیران دبیرستان و آقای گوهری دبیر ریاضی و آقای احمدی دبیر شیمی و در دانشگاه اصفهان مرحوم پروفسور هشترودی اشاره کرد.

هم دوره ای ها و همکاران : دکتر رضا انشائی همدوره کارشناسی ارشد استاد دانشگاه اصفهان و عضو هیئت موسس موسسه آموزش عالی اشرفی اصفهانی از همدوره ایهای دکتر قاسم آقایی است.

همسر و فرزندان : همسر دکتر قاسم آقائی سرکار خانم زهره ترابیان دبیر بازنشسته آموزش و پرورش هستند وی دارای چهار فرزند به نامهای رضا قاسم آقائی دانشجوی کارشناسی ارشد کامپیوتر دانشگاه اوتاوا کانادا . مریم قاسم آقائی دانشجوی کارشناسی مدیریت دانشگاه اصفهان. زهرا قاسم آقائی دانشجوی کارشناسی رشته فناوری اطلاعات دانشگاه شیخ بهایی. علی قاسم آقائی دانش آموز سوم راهنمایی امام جعفر صادق.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مسئول جهاد دانشگاهی و قائم مقام رئیس دانشگاه اصفهان در جهاد دانشگاهی ۶۱–۱۳۵۸ مدیر گروه کامپیوتر دانشگاه اصفان ۷۳–۱۳۶۶ معاون تحصیلات تکمیلی و پژوهشی دانشکده مهندسی دانشگاه اصفهان ۸۱–۱۳۷۶ و سال ۱۳۸۳ تا کنون عضو کمیته تخصصی مهندسی کامپیوتر شورایعالی برنامه ریزی ۷۵–۱۳۶۷ عضو شورای دانشگاه اصفهان ۷۸–۱۳۷۶ عو شورای اعطای نشان دانشگاه اصفهان ۱۳۷۷ سرپرست کمیته تخصصی گروه فنی و مهندسی هیئت ممیزه دوره پنجم تاهشتم تا کنون عضو هیئت ممیزه دانشگاه اصفهان دوره های پنجم تا هشتم تا کنون

فعالیتهای آموزشی : تدریس در دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۵۶ تا کنون و دانشگاه اوتاوا کانادا در سال ۷۴–۱۳۷۳ برای دروس رشته علوم کامپیوتری در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا از فعالیتهای دکتر قاسم آقائی میباشد.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : دکتر قاسم آقائی عضو هیئت موسس،موسسه آموزش عالی شیخ بهایی است. این مرکز با همکاری ۹ نفر دیگر از همکاران از سا ل ۱۳۷۵ شروع به فعالیت نمده در حال حاضر بیش از ۲۴۰۰ دانشجو در ۱۳ رشته کارشناسی و یم رشته کاردانی دارد همچنین در ۵ رشته در مقطع کارشناسی ارشد از دو سال قبل دانشجو گرفته است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عضویت در هیئت امنا موسس آموزش شیخ بهایی و هیئت موسس دانشگاه شیخ بهایی که اخیرا موسسه آموزش شیخ بهایی در بین موسسات غیر انتفای دیگر رتبه نخست را کسب کرده و در حال تبدیل به دانشگاه است. از سایر فعالیتهای دکتر قاسم اقائی است وی همچنین از سال ۱۳۶۷ عضو تیم بسکتبال دانشگاه اصفهان است و یک روز در هفته به بازی بسکتبال مشغول است.

همفکران فرد : دکتر قاسم آقائی همه اعضای هیئت موسس دانشگاه شیخ بهایی از جمله دکتر جعفر زعفرانی، دکتر عمادزاده، دکتر فیض، دکتر علی دانائی و ... را از همفکران خود نام برده است.

جوائز و نشانها : پژوهشگر برگزیده جشنواره شیخ بهایی خرداد ۱۳۷۷ توسط شرکت علمی و تحقیقاتی اصفهان وزارت علوم جایزه بهترین مقاله کنفرانس طراحی و کاربرد ریز پردازنده سال ۱۳۶۸ دانشگاه صنعتی امیر کبیر فارغ التحصیل ممتاز دوره کارشناس ۱۳۵۲ دانشگاه اصفهان دبیر اولین کنفرانس بین المللی کامپیوتر در علوم فنون و پزشکی در سال ۱۳۷۰ (بهترین کنفرانس سال از طرف وزارت فرهنگ و آموزش عالی شناخته شد)

چگونگی عرضه آثار : ارائه بیش از ۷۰ مقاله در مجلات و کنفرانسهای بین مللی و چندین کتاب از آثار دکتر قاسم آقائی است.

آثار :

۱ شبیه سازی سیستم های پیوسته

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه اصفهان سال ۱۳۷۰

۲ کتاب ویژوال بیسیک

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه اصفهان سال ۱۳۷۵ تجدید چاپ دوم سال ۱۳۷۹

۳ گزارش اولین کنفرانس بین المللی کامپیوتر

ویژگی اثر : تدوین دانشگاه اصفهان ۱۳۷۰

۴ گزارش خلاصه مقالات کنفرانس بین المللی کامپیوتر

ویژگی اثر : تدوین دانشگاه اصفهان ۱۳۷۰

۵ نخستین درس در علم کامپیوتر

ویژگی اثر : ترجمه دانشگاه مرکز نشر دانشگاهی چاپ اول ۱۳۷۷، چاپ دوم ۱۳۸۴

قاسم زاده، قاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ -۱۲۶۷ ش)، حقوقدان، استاد دانشگاه و نویسنده. در بادکوبه به دنیا آمد.وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آن شهر گذراند و تحصیلات حقوق را در دانشکده‌ی حقوق پتروگراد به پایان رساند. سپس به پاریس عزیمت نمود و در رشته‌ی حقوق دکترا گرفت. در ۱۳۰۹ ش به تهران آمد و در دانشکده‌ی حقوق به تدریس پرداخت. یو چند سال ریاست دانشکده‌ی حقوق را به عهده داشت و پس از مدتی به عنوان مشاور حقوقی در وزارت خارجه به خدمت مشغول شد. سرانجام در تهران وفات یافت و در باغ طوطی‌شاه عبدالعظیم دفن شد. آثار وی: «حقوق اساسی»؛«حقوق اساسی فرانسه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۱۸۵ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۹۰۰ -۸۹۹ / ۴).

قاسم شادیشاه، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۵۵ ق)، خطاط و شاعر. اهل خراسان بود و در عصر سلطان ابوسعید گورکانی می‌زیست. از شاگردان سلطان محمد نور بود و در خدمت سلطان محمد خندان نیز مشق می‌نمود. نستعلیق را به مهارت می‌نوشت، ولی دیرنویس بود. بین او و میرعلی هروی همیشه معارضه جاری بود که اغلب به گستاخی شادیشاه منجر می‌شد. میرمحمد حسین هروی از شاگردان او است. در «پیدایش خط و خطاطان» قطعه‌ای از وی آورده شده که تاریخ ۹۵۵ ق دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :پیدایش خط و خطاطان (۱۵۰ -۱۴۹)، خوشنویسان و هنرمندان (۴۲ -۴۱)، فرهنگ سخنوران (۴۸۶)، گلستان هنر (۹۰ -۸۹)، مناقب هنروران (۶۶).

قاسم، قاسم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. وقتی که همایون پادشاه گورکانی هند به ایران آمد، قاسم ملازم و منشی وی شد و با او به هند رفت و بعد از مرگ همایون (۹۶۳ ق) یک چند نیز در ملازمت فرزند او، شاه‌جلال‌الدین اکبر گذراند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گلستان هنر (۴۹ -۴۸).

قاسم‌زاده، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی شیمی، دانشکده: فنی، دانشگاه: علم و صنعت ایران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی و دکترای حرفه‌ای مهندسی شیمی از دانشکده فنی تهران در سال ۱۳۴۵، دکترای تخصصی متالوژی فرایند از امپریان کالج انگلستان در سال ۱۳۵۲.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۶۸، دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران از سال ۱۳۶۸ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس متالورژی عمومی، متالورژی تخصصی، مصالح مهندسی، سوختهای صنعتی، انتقال حرارت، پدیده‌های انتقال، گروههای صنعتی، شیمی تجزیه دستگاهی، شیمی تجزیه و ترمودینامیک پیشرفته در دانشگاه علم و صنعت ایران، استاد راهنمای ۱ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

کوره کوپل، کوره قوس الکتریکی، کوره القائی، گازها در فولادها، سرباره‌ها و مواد نسوز، و پاتیل‌ها، سوختهای فسیلی، کوره‌های صنعتی، اصول متالورژی، پدیده انتقال حرارت در متالورژی، طراحی و اصول کار کوره‌های صنعتی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

مصرف انرژی در ریخته‌گری، الگوی ریاضی برای انتخاب دیرگداز، روشهای جدید ذوب فولاد، بهینه‌سازی جریان مذاب و ریخته‌گری مداوم کوره‌ها و بهینه‌سازی آنها با برقراری بیلان جرم و حرارت.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

قاسملو خویی، یعقوب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یعقوب قاسملو خویی

محل تولد : خوی

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

حقیر در شهرستان خوی از توابع آذربایجان غربی متولد شدم وپس از دوران کودکی در مدرسه بابالو شهانق تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را به اتمام رساندم با توجه به اینکه در سوم راهنمایی شاگرد ممتاز شده بودم برادرانم پشنهاد دادند که در رشته ریاضی فیزیک مشغول تحصیل شوم ولی برادر بزرگم چون فنی بود و در رشته برق استاد بود به من گفت که در هنرستان شهید رجایی خوی مشغول تحصیل شوم بنده نیز حرف او را گوش دادیم و در رشته برق در هنرستان مشغول شدم و در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ دیپلم فنی شدم با توجه به اینکه برادرم در سال ۱۳۶۴ به فیض شهادت نایل شده بود و مادر مرحومه ام همیشه به من می گفت که تو باید راه برادرت را ادامه بدهی این فرمایش او همیش در ذهنم بود وهنوز هم هست. باعث شد که ما جذب حوزه علمیه بشویم ابتدا تا پایه ششم در حوزه علمیه تبریز مشغول تحصیل شدیم از اساتید بنده در تبریز می توانم حجه الاسلام والمسلمین پور محمدی و حجه الاسلام وثوقی را نام ببرم که هردو آدمهای اخلاقی و ملایی بودند. سپس در سال ۱۳۷۷ وارد حوزه علمیه قم شدم و همزمان در دانشگاه مفید مشغول تحصیل در رشته فلسفه محض شدم و دانشگاه از محضر اساتیدی همچون حجج الاسلام دیوانی، انتظام، کاملان و ادیب بهره های فراوانی بردم و در رسائل و مکاسب از محضر استاد بزرگوار حجه الاسلام ولمسلمین محمد باقری شاهرودی بهره بردم و کفایه را نیز از محضر آیت الله اعتمادی بهره بردم سپس در سال ۱۳۸۵ به قصد تبلیغ در وزارت دفاع مشغول شدم همزمان در درس خارج فقه حضرت آیت الله خامنه ای و در خارج اصول حضرت آیت الله شاهرودی به مدت دو سال استفاده های معنوی و علمی بردیم و با توجه به اتمام ماموریت در وزارت دفاع به قم باز گشتم و به امر تبلیغ و تالیف و تحصیل مشغول هستم اینجانب دارای تالیفات زیر می باشم. ۱. دین و آزادی ۲. طبیب عاشقان (خاطرات و اشعار علامه طباطبایی) ۳. فروغ دانایی (خاطرات علامه جعفری) ۴. خلاصه الغدیر ۵. گامی به سوی تدوین منشور وحدت اسلامی ۶. مقاله در زمینه اشعار علامه طباطبایی در کتاب مرزبان وحی چاپ د فتر تبلیغات اسلامی.

قاسمی اردستانی، قاسم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به قاسم یا قاسمی. از سادات اردستان و از معاصران تقی‌الدین اوحدی بود که شاه‌عباس اول (۱۰۳۸ – ۹۹۶ ق) را مدح گفته است. او مردی صوفی‌مشرب و گوشه‌نشین بود. گاهی به اصفهان نیز مسافرت می‌کرد. از آثار وی: «دیوان» شعر؛ مثنوی «انیس العارفین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۷۸ –۹۷۷ / ۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۴۶ –۷۴۱ / ۵)، تاریخ نظم و نثر (۶۴۳ / ۱)، تذکره‌ی روز روشن (۶۴۸ –۶۴۶)، الذریعه (۱۲۳ / ۱۹ ،۸۶۵ ،۸۶۴ ،۸۶۱ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۳۳ ،۷۳۰)، لغت‌نامه (ذیل/ قاسمی اردستانی)، هفت اقلیم (۴۴۵ –۴۴۴ / ۲).

قاسمی تونی، قاسم

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، صوفی و شاعر، متخلص به قاسمی. چون در آتشدان حمام روزگار می‌گذراند به تونی مشهور شد. او از خلق بریده و به حق پیوسته بود. با صاحب منصبان نشست و برخاست نداشت و در بند نام و شهرت نبود. از اوست.

بازم به جعد زلف تو دل پای بند شد

مرغ هوا به دام اسیر کمند شد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۰۴)، تذکره‌ی روز روشن (۶۴۸)، تذکره الشعراء (۵۱۰ –۵۰۹)، الذریعه (۸۶۵ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۳۳).

قاسمی خوافی، مجدالدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر و نویسنده. اهل خواف بود. مدتی در هرات می‌زیست بعد از آن به سیستان رفت. وی معاصر و معارض ولی دشت بیاضی (م ۱۰۰۲ / ۹۹۹ ق) بود. قاسمی در فراه درگذشت. از آثار وی کتاب «روضه‌الخلد»، در برابر «گلستان»سعدی است. از اوست:

پیوسته به یاد لعل شیرین فرهاد

می‌کرد ز تلخکامی خود فریاد

جان داد و نیافت کام دل از شیرین

شیرین می‌گفت و جان شیرین می‌داد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۳۹۶ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۶۵۶)، الذریعه (۲۹۳ / ۱۱ ،۸۶۵ / ۹)، صبح گلشن (۳۲۸)، فرهنگ سخنوران (۷۳۳)، لغت‌نامه (ذیل/ قاسمی خوافی)، هفت اقلیم (۱۷۶ / ۲).

قاسمی طوسی، محمداسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد اسماعیل قاسمی طوسی

محل تولد : نکاء

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۳/۳

زندگینامه علمی

آقای محمد اسماعیل قاسمی طوسی در دوم خرداد سال ۱۳۴۳هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت

عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان نکا دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه شهرستان بهشهر گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. پس از مدتی تحصیل در حوزه علمیه بهشهر به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام الله علیها رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۸ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله مکارم، مرحوم آیت الله فاضل، آیت الله صالحی مازندرانی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته علوم سیاسی در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۸از دانشگاه باقر العلوم (ع) فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان جایگاه و نقش مردم در نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه امام دفاع کرد. وی پس از طی تحصیلات جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون در دانشگاه مازندران و ساری به امر تدریس اشتغال دارد. وی درطول حیات علمی خود به امر نگارش و پژوهش پرداخته است و آثاری از قبیل انسان معاصر، باید ها و نبایدها را به رشته تحریر در آورده است.

قاسمی گنابادی، قاسم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۸۴ / ۹۸۲ -۹۳۰ ق)، شاعر، متخلص به قاسمی. از سادات گناباد و در سرودن شعر، خصوصا مثنوی، و همچنین در معما توانا بود. کلانتری گناباد به خاندان او اختصاص داشت و بعد از پدر، وی به این مقام رسید. ولی این شغل را به برادر خود، میرزا ابوالفتح، واگذاشت. قاسمی در شعر و ادب شاگرد هاتفی بود و در دانش عقلی از محضر غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی بهره برد. وی به دربار شاه‌اسماعیل و شاه‌طهماسب راه پیدا کرد و دو مثنوی برای آنها سرود، ولی چون شاه‌طهماسب در برابر آنها چیزی به او نپرداخت دربار صفوی را رها کرد و به دیار بهکر رفت و به خدمت محمودخان، والی دیار بهکر، درآمد. در اواخر عمر بیشتر با اهل دانش و ادب سر می‌کرد و به عبادت و ریاضت مشغول بود و هر چه در تملک داشت وقف بارگاه امام علی بن موسی الرضا (ع) نمود. در سخن قاسمی تأثیر مستقیم پیروان نظامی به ویژه جامی و هاتفی آشکار است. قاسمی در منظومه‌های خود کوشش کرده تا تاریخ پادشاهی و جنگهای سه تن از پادشاهان سده نهم و دهم را به نظم آورد. تعداد مثنویهای او را برخی از تذکره‌ها چهار و بعضی هفت و بیشتر دانسته‌اند. او به رسم مثنوی‌سازان، منظومه‌های پنج‌گانه نظامی را جواب گفته اما عدد مثنویهایش از پنج تجاوز کرده و در برابر اسکندرنامه منظومه‌های دیگر بر آنها افزوده است. از اختصاصهای مثنویهایش، آوردن ابیات بسیار در توحید و نبوت و امامت است. از آثار وی «شاهنامه» یا «شهنشاه‌نامه» یا «شاهنامه‌ی قاسمی»، که عده‌ای آن را به دو دفتر جداگانه‌ی «شاهنامه ماضی» یا «شاه اسماعیل نامه» و «شاهنامه‌ی نواب عالی» تقسیم کرده‌اند؛ «لیلی و مجنون»؛ «خسرو و شیرین»؛ «کارنامه» یا «گوی و چوگان»، در وصف گوی‌بازی؛ «عاشق و معشوق»؛ «شاهرخنامه»؛ «زبده الاشعار»؛ «عمده الاشعار»، در صفت کعبه و مدینه؛ «ساقینامه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۲۸۰ -۲۷۸ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۲۹ -۷۱۷ / ۵، ۱۹۲ / ۴)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۸ -۵۰۷)، تحفه سامی (۴۲ -۳۹)، تذکره‌ی پیمانه (۴۳۲ -۴۱۶)،تذکره‌ی میخانه (۱۸۰ -۱۶۹)، حماسه‌سرایی در ایران (۳۶۳ -۳۶۰)، الذریعه (۲۷۹، ۲۷۴۲۶۷- ۲۶۶، ۲۵۱- ۲۵۰، ۲۴۳، ۲۲۰- ۲۱۹، ۲۱۷، ۱۹۵، ۱۹۴- ۱۶۸، ۱۹ / ۲۵۴- ۲۵۳، ۱۸ / ۲۳۰، ۱۷ / ۲۰۵- ۲۰۴، ۱۵ / ۱۶، ۲۰ / ۱۳، ۱۱۴- ۱۱۳، ۱۹- ۱۸ / ۱۲، ۸۶۷- ۸۶۶، ۸۶۴ / ۹، ۱۶۱ / ۷)، صبح گلشن (۳۲۷ -۳۲۶)، فرهنگ سخنوران (۷۳۴، ۷۳۳، ۷۳۲)، کشف الظنون (۱۰۲۶، ۱۰۲۵)، لغت‌نامه (ذیل/ قاسم جنابذی، قاسمی گنابادی)، مجالس النفائس (۱۴۰ -۱۳۹)، مجمع الخواص (۱۴۰ -۱۳۹)، منظومه‌های فارسی (۴۷۷ -۴۶۷)، مؤلفین کتب چاپی (۹۰۱ / ۴)، هفت اقلیم (۳۱۳ -۳۱۱ / ۲).

قاسمی هنری، طاهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: مؤسسه ریاضیات مصاحب، دانشگاه: تربیت معلم تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

قاسمی، بوذرجمهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: اصفهان

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

قاسمی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین قاسمی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین قاسمی متولد شهرستان کاشان، پس از گذراندن تحصیلات کلاسیک در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه مرحوم آیت الله یثربی در کاشان شدم و پس از طی مقدمات و سطوح ابتدائی حوزه در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه قم شدم و از آن زمان تاکنون سطوح مختلف حوزوی را گذرانده و اکنون در مقطع خارجی سطح مشغول به تحصیل هستم. البته در کنار دروس حوزوی در زمینه‌های فلسفی و کلامی مطالعاتی در رشته و دارم و در ضمن تألیفاتی نیز در هر دو حوزه فقهی و فلسفی داشته‌ام.

قاسمی، علی محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی محمد قاسمی

محل تولد : نیک آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

حدود سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه قم شدم قستمی از دوره سطح را در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی و قسمتی دیگر را بطور آزاد در محضر اساتید بزرگواری همچون آیت الله ستوده، آیت الله اعتمادی، آیت الله پایانی و آیت الله فاضل گذارندم پس از پیروزی انقلاب و اتمام تقریبی سطح از درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام، وحید خراسانی و تبریزی بیشترین استفاده را کردم و قبل از آن از محضر آیات عظام آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله جوادی آملی نیز بهره مند شدم، کنار درسهای فقه و اصول و همزمان با شروع درس خارج دوره آموزشی مؤسسه در راه حق و بنیاد فرهنگی باقر العلوم را با موفقیت گذراندم (بین سالهای ۶۸-۶۱) و در بنیاد باقر العلوم، در کنار برنامه آموزشی شروع به کارهای تحقیقاتی بطور دسته جمعی نمودیم. در کنار کارهای تحقیقاتی و همزمان با گذراندن دوره آموزشی کارشناسی ارشد موفق به اخذ کارشناسی ارشد از مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شدم. خدای متعال توفیق داد که بیش از ۱۵ سال در مدرسه عترت (ع) مشغول تدریس اصول و کلام شدم که هم اکنون نیز ادامه دارد و از سال ۷۷ تا کنون نیز در مؤسسه امام خمینی (ره) قبل از آن در مؤسسه در راه حق و گاهی در برخی مؤسسات همانند جامعهٔ الزهرا، مرکز جهانی علوم اسلامی و... اشتغال به تدریس دروس معارف و تفسیر موضوعی قرآن دارم. حدود پنج سال است که عضو هیئت علمی مؤسسه امام خمینی (ره) مشغول تدریسم. و در ساعاتی که فراغتی باشد مشغول تهیه معجم موضوعی معاد و توحید هستم.

قاسمی، فرهاد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی صنایع، دانشکده: مهندسی صنایع، دانشگاه: صنعتی شریف

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

قاسمی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شیمیدان. در تهران از دانشسرای عالی در رشته‌ی شیمی فارغ‌التحصیل شد. سپس به فرانسه عزیمت نمود و در دانشگاه برد و به تکمیل تحصیلات پرداخت. آثار وی: «شیمی»، سال سوم متوسطه؛ «شیمی تحلیلی»؛ «شیمی صنعتی»؛ «شیمی عمومی»؛ «صنایع شمیی معدنی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۲۲۸، ۲۱۹۹، ۲۱۹۸، ۲۱۹۴ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۴۶ -۱۴۵/ ۶).

قاسمی‌کازرونی، ابوالقاسم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به قاسم. از شاگردان میرزا جان باغنوی شیرازی، خواجه افضل‌الدین محمد ترکه و وجیه‌الدین سلیمان قاری فارسی بود. وی معاصر با تقی‌الدین اوحدی بلیانی (۱۰۳۰ -۹۷۳ ق) است. در کازرون درگذشت. از آثار وی: «سلم السموات»؛ «دیوان» شعر، بالغ بر سه هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۷ -۲۶)، الذریعه (۲۲۱ / ۱۲، ۸۶۵ / ۹)، فارسنامه ناصری (۱۴۴۷ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۳۳)، لغت‌نامه (ذیل/ قاسمی کازرونی)، مرآت الفصاحه (۴۹۲ -۴۹۱، ۳۸ -۳۷).

قاصر زهانی قاینی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، عالم، ادیب، نویسنده و شاعر. مشهور به قاصر. اصل وی از زهان قاین است. تحصیلات خود را در زهان قاین و مشهد به پایان رساند. وی در ایام اقامت خویش در مشهد در مدرسه‌ی خیراتخان با شاعر مرثیه‌سرا عبدالجواد جودی (م ۱۳۰۲ ق) آشنا شد. از آثارش: «تذکره الباکین»؛ «دیوان» شعر؛ کتابت و ترمیم نسخه‌ای از «مثنوی» مولوی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۴۲۲ -۴۲۰).

قاضی اصفهانی، ابوطالب محمود

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۸۵ ق)، مدرس، خطیب، محدث و فقیه شافعی. نزد محیی‌الدین محمد بن یحیی شهید فقه آموخت، و در خلاف نامی شد، و در این طریقه «تعلیقه»ای نگاشت که گویای فضل و برتری وی بر بسیاری از همگنان اوست. او بین فقه و تحقیق جمع کرد. در تدریس یکی از اعجوبه‌ها به شمار می‌آمد. او مدتی در اصفهان تدریس کرد.در وعظ و خطابه نیز چیره‌دست بود. از آثارش «تعلیقه» و «طریقه»، در خلاف است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۲۹۹ / ۱)، سیر النبلاء (۲۲۷ / ۲۱)، شذرات الذهب (۲۸۴ / ۴)، معجم المؤلفین (۱۸۲ / ۱۲)، وفایت الاعیان (۱۷۴ / ۵)، هدیه العارفین (۴۰۴ / ۲).

قاضی الحرمین نیشابوری، ابوحسین

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۵۱ ق)، فقیه و قاضی حنفی. نزد ابوالحسن کرخی و ابوطاهر بن دباس فقه آموخت و در فقه سرآمد شد. ابواسحاق در «طبقات الفقهاء» گوید: که علمای نیشابور از وی و ابوسهل زجاجی فقه آموختند. ابوبکر ابهری که خود شیخ الفقهاء بود گوید: که

فقیه‌تر از ابوحسین نیشابوری در خراسان وجود ندارد. او شیخ حنفیان در زما خود بود. بیش از ده سال متولی قضاوت حرمین بود. سپس به نیشابور رفت و به قضاوت در آن شهر پرداخت. او از ابوخلیفه جمحی و حسن بن سفیان و گروه دیگری حدیث شنید. مدتی نیز متولی قضای موصل و رمله بود. حاکم نیشابوری از وی حدیث روایت کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نیشابور (۱۵۱)، سیر النبلاء (۲۶ -۲۵ / ۱۶)، شذرات الذهب (۸ -۷ / ۳)، العبر (۸۷ / ۲).

قاضی القضاه همدانی اسدآبادی، ابوالحسن، ابوالحسین عبدالجبار

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۱۵ / ۴۱۴ ق)، عالم امامی، قاضی، متکلم، مفسر، فقیه شافعی و اصولی معتزلی. وی شیخ معتزلیان در روزگار خود بود و آنان وی را به لقب قاضی القضات ملقب ساخته بودند. از علی بن ابراهیم بن سلمه قطان قزوینی و از عبدالله بن جعفر بن فارس اصفهانی در اصفهان استماع حدیث کرد و همچنین از زبیر بن عبدالواحد اسدآبادی حفاظ و عبدالرحمن بن حمدان حدیث شنید. در بازگشت از حج به بغداد رفت و در آن جا حدیث گفت. ابوالقاسم تنوخی و حسن بن علی صیمری فقیه و ابویوسف عبدالسلام قزوینی مفسر و جماعتی دیگر از وی حدیث شنیدند. او از استادان سیدرضی و با یک واسطه از مشایخ روایت خطیب بغدادی است. مناظره‌ی شیخ مفید با او در موضوع حدیث غدیر و اصحاب جمل مشهور است که در پایان مفید را به جای خود بر مسند نشاند و گفت حقا که تو مفیدی. او به دعوت صاحب بن عباد و وزیر از بغداد به ری آمد و به تدریس مشغول شد و همچنین عهده‌دار مقام قضاوت ری و تمام توابع آن بود و در همان جا نیز درگذشت. مصنفات بسیاری در مذهب اعتزال بدو منسوب است و گویند که هزاران ورق بوده است. از آثار وی: «تنزیه القرآن عن المطاعن»؛ «علم الکیمیا»؛ «العمده فی اصول الفقه»؛ «تفسیر القرآن»؛ «دلائل النبوه»؛ «امال» یا «الامالی»، در حدیث؛«طبقات المعتزله»؛ «المجتبی فی القرآآت».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۴۷ / ۴)، انساب سمعانی (۱۳۷ -۱۳۶ / ۱)، ایضاح المکنون (۴۳۰ / ۲ ،۴۷۸، ۳۲۹ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۹، ۲۷۹ / ۱)، تاریخ بغداد (۱۱۵ -۱۱۳ / ۱۱)،روضات الجنات (۱۸ -۱۶ / ۵)، ریحانه (۴۱۶ -۴۱۵ / ۴)، سیر النبلاء (۲۴۵ - ۲۴۴ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۰۳ -۲۰۲ / ۳)، العبر (۲۲۹ / ۲)، الکامل (۳۱۵ / ۷)، کشف الظنون (۱۱۰۷)، الکنی و الالقاب (۵۳ / ۳)، لسان المیزان (۲۱۳ -۲۱۱ / ۴)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالجبار)، معجم المؤلفین (۷۹ -۷۸ / ۵)، الوافی بالوفیات (۳۴ -۳۱/ ۱۸)، هدیه العارفین (۴۹۹ -۴۹۸ / ۱).

قاضی بهجت افندی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علامه تهرانی در (الذریعه) در ج اول طبقات اعلام‌الشیعه ص ۲۳۵ گوید:

قاضی محمد بهلول بهجت افندی ابن قاضی محمد مشهور به سعادهٔ بن قاضی محمد مؤلف (بغیهٔالفقیه) ابن قاضی سنان رومی نسبش منتهی می‌شود به ابی‌ایوب انصاری صحابی مشهور عالمی متبحر و مصنفی منصف می‌باشد.

در زنگه زور که شهری بین ترکیه و ققفاز است در ۱۲۸۸ متولد شده و چندی در آنجا قاضی بوده و پدرانش از حنفی مذهبها بودند و خودش نیز حنفی بوده تا اینکه نور ولایت به قلبش تابیده و مستبصر می‌گردد و کتاب تاریخ آل محمد یا «تشریح و محاکمه» را می‌نویسد و آن بلغت ترکیه به طریق فلسفی بوده که در آن شرح داده سیره آنان را و ادیب اریب سید میرزا مهدی تبریزی آن را به فارسی ترجمه کرده و فاضل جلیل شیخ میرزا علی قمشه‌ای آن را به عربی ترجمه نموده.

دارای تألیفات دیگری بنام دمأئهٔ یوم) در واقعه صفین و (الارشاد الحمزوی) و کتاب (حجر بن عدی) و (الحقوق الارثیه) و (آثار آذربایجان) می‌باشد.

و چون کتب مذکوره مخصوصاً تاریخ آل محمد او منتشر شد سنیان متعصب وی را به جرم تشیع کشتند رحمه‌اللّه‌علیه و حشر اللّه مع امیرالمؤمنین و اولاده المعصومین علیهم صلوات المصلین.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

قاضی تبریزی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای آقا سید حسین بن العلامه حاج سید احمد قاضی طباطبائی تبریزی از علماء بزرگوار قم و افاضل اصحاب و مبرزین تلامذه مرحوم آیت‌الله حجت می‌باشند. در سال ۱۳۱۷ قمری در تبریز متولد شده و مدتی از محضر مرحوم حاج میرزا علی‌اصغر ملکی و آیت‌الله انگجی استفاده نموده و بعد به نجف مشرف و از مباحثات مرحوم حاج شیخ احمد کاشف‌الغطاء و

مرحوم ایروانی و آقا ضیاءالدین عراقی و آقا سید ابوتراب خونساری استفاده کرده آنگاه به مشهد رضوی مشرف و به دروس مرحوم آیت‌الله قمی و آقازاده خراسانی و میرزا مهدی اصفهانی حاضر شده و در تاریخ ۱۳۵۴ قمری به قم مشرف و یکسال از مرحوم آیت‌الله حایری بهره‌مند گردید و پس از آن مرحوم منحصرا از مرحوم آیت‌الله حجت استفاده و تاکنون که به تدریس فقه و اصول اشتغال دارند آثار علمی ایشان رساله‌های زیر است.

۱- رساله‌ای در رباء ۲- رساله‌ای در جمع اخبار طینت و خلقت از ارواح و ابدان آن جناب در شب سه‌شنبه ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۹۳ وفات نموده و در قبرستان حایری در مقبره مرحوم والدش به خاک رفت حشره الله مع اولیائه

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

قاضی جرجانی، ابونعیم فضل

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۹۳ ق)، حافظ، محدث و قاضی. از قتیبه بن سعید و همطبقه‌ی آنان در خراسان،و عیسی بن حماد و ابوطاهر بن سرح در مصر، و محمد بن مصفی و هشام بن خالد در شام حدیث شنید. ابوجعفر عقیلی و زبیر بن عبدالواحد و ابواحمد بن عدی و ابوبکر اسماعیلی و دیگران از وی حدیث شنیدند. حمزه سهمی در کتاب «تاریخ جرجان» وی را جزء علمای گرگان شمرده و شرح حالش را آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۵۷۴ -۵۷۳ / ۱۳).

قاضی حسین مرورودی، ابوعلی حسین

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۶۲ ق)، فقیه شافعی. معروف به قاضی. از ابوبکر قفال مروزی فقه آموخت و از ابونعیم سبط ابی‌عواه حدیث روایت کرد. عبدالرزاق منیعی و ابومحمد حسین بن مسعود فراء بغوی از وی حدیث روایت کرده‌اند. او چهره‌ای شناخته شده در مذهب شافعی است و از پیشگامان این مذهب به شمار می‌آید. عده‌ای به او لقب حبرالامه داده‌اند. او پیوسته به تدریس، افتاء و قضاوت بین مردم مشغول بود. گویند که امام الحرمین از قاضی حسین فقه آموخت. در مرورود از دنیا رفت. وی در اصول و فروع و خلاف دارای تصانیفی است. از آثار وی: «التعلیقه الکبری»، در فقه؛ «الفتاوی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۷۸ / ۲)، سیر النبلاء (۲۶۲ -۲۶۰ / ۱۸)، شذرات الذهب (۳۱۰ / ۳)، العبر (۳۱۳ -۳۱۲ / ۲)، کشف الظنون (۵۱۷ -۴۲۴)، وفیات الاعیان (۱۳۵ -۱۳۴ / ۲).

قاضی رئیس نسوی، ابوعمرو، ابوعمر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۷۸ -۳۷۸ ق)، قاضی، فقیه، محدث، مفسر، مدرس، مفتی، ادیب و شاعر. در نسای خراسان به دنیا آمد و در آنجا نشوونما یافت، و از قاضی حسن دامانی نسوی فقه آموخت. سپس به عراق و مصر و شام و مکه مسافرت کرد و تحصیل علم نمود و از ابو بکر حیری و ابواسحاق اسفراینی در نیشابور و ابوذر هروی در مکه و ابن‌نظیف در مصر و ابوالحسن علی بن موسی سمسار در دمشق و ابومعمر اسماعیلی در گرگان حدیث شنید.او مجالس املای حدیث برپا کرد و درباره‌ی احادیث سخن گفت.ابوعبدالله فراوی و عبدالمنعم قشیری و دیگران از وی روایت کردند. وی مورد اعتماد سلجوقیان بود و در رسالت‌های مهم از وی استفاده می‌کردند. امیر طغرل بیگ او را به دارالخلافه‌ی بغداد فرستاد و وی از جانب ملک‌شاه سلجوقی مأموریت یافت تا دختر خلیفه را خواستگاری کند. القائم بامرالله او را عهده‌دار امر قضاوت خوارزم کرد و به وی لقب أقضی القضات بخشید. اهل خوارزم از وی حدیث روایت کرده‌اند. او دارای آثاری در زمینه‌ی «فقه» و «تفسیر» بود. وی در ادبیات نیز مهارت داشت و شعر می‌گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۶۴ / ۷)، سیر النبلاء (۴۷۸ -۴۷۷ / ۱۸)، طبقات المفسرین الداوودی (۱۸۱ -۱۷۸ / ۲).

قاضی زاده، کاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کاظم قاضی زاده

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات دبستان و دبیرستان را به سرعت طی کرد و در سال ۱۳۵۶ (۱۶ سالگی) به دانشگاه و در رشته فیزیک مشغول تحصیل شد. همراه با انقلاب فرهنگی به حوزه علمیه قم آمد دروس سطح را نیز در حدود شش سال فرا گرفت و ازسال ۱۳۶۶ به درس خارج اساتید حوزه حاضر شد. وی تا سال ۱۳۸۰ (به مدت ۱۵ سال) از دروس خارج حوزه بهره برد. اهم اساتید وی به ترتیب استفاده زمانی بیشتر عبارتند از: آیت الله تبریزی، آیت الله سید کاظم حائری، آیت الله منتظری، آیت الله سید محمود هاشمی، آیت الله جوادی آملی (در تفسیر)، آیت الله سید موسی شبیری، آیت الله محمد فاضل لنکرانی و آیت الله وحید خراسانی. گرچه وی اقدامی جهت اخذ مدرک رسمی از حوزه علمیه نکرده است اما در امتحان کتبی و شفاهی مجلس خبرگان در سال ۱۳۷۷ که در سطح تایید تجربی در اجتهاد داوطلبان شرکت و در نامزدی مجلس خبرگان رهبری برگزار می شد شرکت کرده و با درجه عالی موفق به قبولی در امتحانات مربوطه شد. وی درسال ۱۳۷۱ همزمان با تحصیلات فردی در دوره کارشناسی ارشد تربیت مدرس قم تحصیل کرد و با ادامه آن در مقطع دکتری علوم قرآن و حدیث در این رشته نیز موفق به اتمام شد. اهم فعالیتهای علمی وی تدریس در حوزه و دانشگاه بوده است. از سال ۱۳۶۰ تدریس حوزوی را با تدریس ادبیات و منطق شروع کرد و در ادامه با تدریس فقه و اصول ادامه داد. در آغاز مدارس رضویه و رسالت محل تدریس وی بود ولی در سطوح عالی حوزه در مدرسه آیت الله گلپایگانی، مسجد امام زین العابدین و مدرسه آیت الله بروجردی مشغول به تدریس بوده و هست. هم اکنون پنج سال است که به تدریس خارج فقه اشتغال دارد. از سال ۱۳۸۰ نیز تدریس در دانشگاه را آغاز کرد و هم اکنون در مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد به تدریس تفسیر و علوم قرآن، حدیث و رجال نیز اشتغال دارد.

قاضی زاهدی، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم قاضی زاهدی

محل تولد : گلپایگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابراهیم فرزند مرحوم آیت الله حاج آقا علی قاضی زاهدی متولد سال ۱۳۳۳ شمسی تحت تربیت والد معظم پرورش یافته پس از خواندن دروس ابتدائی و اولیه در گلپایگان برای تحصیل علوم دینیه در سال ۱۳۴۹ شمسی به قم هجرت نموده و مقدمات و سطوح وسطی را در مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی قدس سره در خیابان تهران نزد جمعی از فضلاء و علماء خوانده و بعد از چند سال به مدرسه خان مدرسه آیت الله العظمی مرحوم بروجردی قدس سره رفته و سطوح نهائی فقه واصول را از آیات عظام و حجج الاسلام مرحوم آیت الله ستوده اراکی و سید ابوالفضل موسوی نیریزی (ره) و صلواتی و فاضل لنکرانی و نوری همدانی و سبحانی به تکمیل رساندم و سپس شرکت در درس خارج مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی قدس سره و مرحوم آیت الله شیخ مرتضی حائری یزدی قدس سره و نجفی مرعشی تا پایان عمر شریفشان از ابحاث فقهی مستضعفین و اکنون از دراسات آیت الله وحید خراسانی مدظله العالی استفاده و تقریرات ایشان را به رشته تحریر در آورده و از غالب نامبردگان اجازات روایتی و غیره دریافت نموده و اکنون به عنوان یک واعظ نامی کشور در اکثر شهرهای ایران منبر می روم و مورد تشویق مؤمنین در مجالس سنگین ادای وظیفه اسلامی نمایم و از طریق منبر و خطابه خدمات ارزنده و چشمگیری نموده چند سالی هم در یکی از حجرات صحن تدریس لمعه و مکاسب داشتم و کتابهای خطی نوشتم که امید است بتوانم آنها را به چاپ برسانم.

قاضی زاهدی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم بن الشیخ عباس بن ملاعلی که دانشمندی فعال و مبلغی نامدار بوده برادر آخوند ملاعلی و عم حجتین حاج میرزا

محمدمهدی و میرزا عباسعلی و صهر آیت‌اللّه العلامه آخوند ملا زین‌العابدین مشهور به حجهٔالاسلام بوده و عمر صدساله را در راه ترویج دین گذرانیده مقبول‌القول در نزد خاص و عام بوده در سیزدهم شوال ۱۳۴۷ از دار دنیا رفته و در یکی از حجرات شرقی صحن هفده تن به خاک رفته وی دارای چهار فرزند روحانی بوده.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قاضی زاهدی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم علام فهام حجهٔالاسلام والمسلمین رضا قاضی زاهدی فرزند حاج میرزا ابوالقاسم مذکور و سبط آیت‌اللّه آخوند ملا زین‌العابدین (حجهٔالاسلام) می‌باشد. قسمتی از تحصیلات معظم‌له در گلپایگان بوده و از اساتید ایشان است. مرحوم آیت‌اللّه آخوند ملاـ زین‌العابدین نخعی و آیت‌اللّه حاج ملاعلی عمیدی بالجمله پس از سالها تدریس و تدرس در گلپایگان منتقل به دارالعلم اصفهان گردید و مدتها از اساتید بزرگ آن حوزه استفاده نموده بحیث صار صاحب الاجازات ثم رجع الی وطنه و اشتغل بالتدریس و ترویج الدین و اقامت الجماعهٔ و اصلاح ذات البین و کان محتاطا فی دینه.

و بالجمله آن مرحوم دارای اخلاق حمیده و صفات پسندیده و ملکات فاضله و زهد و ورع بوده و از این روی محبوبیتی همگانی داشت و در شب جمعه هفتم ماه رجب ۱۳۸۴ ق دار فانی را بدرود گفت و با تشییع جنازه بی‌نظیری در یکی از حجرات جنوبی صحن هفده تن به خاک سپرده شده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قاضی زاهدی، عباسعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا عباسعلی قاضی زاهدی ابن علامه متبحر آیت‌اللّه آقای آخوند ملا علی قاضی زاهدی گلپایگانی اعلی اللّه مقامهما به شرح زیر می‌باشد معظم له درسال ۱۲۸۵ هجری قمری در شهر مذهبی گلپایگان قدم به عرصه وجود نهاده و تا سن بلوغ در نزد والد معظم خود که یکی از اوتاد و مجتهدین تراز اول عصر خود بوده و معمرین کرامتهای زیادی از ایشان نقل نموده و می‌نمایند مقدمات و اولیات را فراگرفته و پس از رحلمت اب معظم خود به اصفهان مهاجرت و در نزد علماء و اساتید وقت همچون آیت‌اللّه حاج آقا نوراللّه اصفهانی و مرحوم درچه‌ای و دیگران تلمذ نموده و مدت هشت سال هم خود مستقیماً در مدرسه صدر به تدریس علوم شرعیه اشتغال داشته‌اند و سپس به اتفاق جمعی از علماء اعلام مخصوصاً حضرت آیت‌اللّه آقا سید جمال‌الدین گلپایگانی که یکی از مراجع بزرگ عالم تشیع بوده‌اند به نجف اشرف مهاجرت و از محضر علماء عالی‌قدر چون علامه خراسانی و سید محمد کاظم یزدی و دیگران استفاده‌های علمی شایان نموده و به درجه رفیعه اجتهاد و اخذ آن از مرحومین آیتین علامه خراسانی و میرزا محمدحسین نائینی نائل و مدت چند سالی هم در حوزه نجف اشرف به تدریس طلاب علوم دینه اشتغال داشتهاند تا اینکه در سال ۱۳۱۲ هجری طبق فرموده خودشان به مرض حصبه مبتلا و تا مدت سه روز در حال اغماء و بیهوشی بوده‌اند و پس از بیهوشی جریان عالم رؤیای خود را در مدت نقاهت چنین بیان فرموده‌اند.

پس از مبتلا به حصبه رختخواب خود را در روی دریای آب مشاهده و مدتی

در حال تحیر بسر بردم و در اطراف خود جز دریای مواج آب چیزی نمی‌دیدم ناگاه احساس ترشح آبی به گوش رسید تا اندازه‌ای به خود آمده و شبهی را به فاصله‌ای در کنار خود مشاهده نمودم که با عجله به سویم می‌آید در او خیره بودم تا به من نزدیک شد سلام کرد و گفت مامورم و سه تقاضا از شما می‌پذیرم ملهم شدم که او حضرت عزرائیل است و جعبه‌ای آهنین همراه داشت ادای احترام نمودم و گفتم شهر شیراز و رفقای خود را که در آنجا اشتغال به تدریس و تعلیم دارند مایلم ملاقات نمایم فوراً جریان آب معدوم و شهر زیبای شیراز آشکار و در سر پشتبام یکی از حوزه‌های علمیه قرار گفته و بعضی از رفقا که مشغول مطالعه و مباحثه بودند زیارت کردم حاجت دوم این بود که شهر اصفهان و رفقای آنجا را نیز مایل به زیارتشان هستم فوراً سر پشتبام صدر اصفهان قرار گرفتم و اکثر رفقا که مشغول درس و بحث بودند نیز ملاقات نمودم عرض کردم که گلپایگان خودمان را هم مایلم ببینم تبسمی کردند و مانند وحله اول رختخواب خواب خود را بر روی دریای آب دیدم و در این موقع دوازده درخت سبز و بسیار زیبا که سر به فلک کشیده بود در نظرم رسید که در هر دقیقه یکی از آنها در آب سقوط می‌کرد تا دوازدهمین آن و منزلی که در آن بستری بودم در نزدیکی حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین (ع) واقع بود و ساعت صحن مطهر ساعت ۱۲ ظهر را اعلام می‌نمود و آنگاه به خود آمدم و صدای زنگ ساعت را استماع نمودم و متوسل به ذیل عنایت مولای خود حضرت امیرالمؤمنین (ع) شدم و تقاضای تجدید حیات نمودم ناگاه حضرت قابض‌الارواح دست خود را در جعبه‌ای که همراه داشت برده و موی بسیار نازکی را به من ارائه نمود و فرمود فاصله عمر تو از این موهم نازکتر و کوتاهتر بود لکن به واسطه توسلی که نمودی و شفاعتی که حضرت مولا از شما نموده از این تاریخ تا چهل سال دیگر در این دنیا خواهی بود ناگاه

به هوش آمدم و جمع کثیری از علماء اعلام را در اطاق خود حاضر و ناظر دیدم که به قرائت سوره مبارکه انعام و از اذکار مشغول بودند و از به هوش آمدنم مشعوف و خرسند گردیده دیگر احساس هیچگونه کسالت و مرض در خود ننمودم و همان موقع جریان

ماوقع را یادداشت نمودم و پس از مدتی اندک به تقاضای اهالی شهر گلپایگان و خوانسار در معیت جمعی از رفقای روحانی که به عنوان مشایعت ملازم بودنـد به گلپایگان موطن اصلی عزیمت و بقیه عمر را در راه ترویج و تبلیغ احکام مقدس شرع نبوی (ص) و اجرای حـدود الهی حتی‌الامکان به سر برده این مطالب و وقایع را معظم له در دوران تجدید حیات خود به کسی اظهار نفرمودند تا یک هفته قبل از فوتشان به این کیفیت که روزی جناب مستطاب عمـده الواعظین ثقهٔالاسلام آقای آقا شیخ محمدحسن مثنوی که یکی از روحانیون محترم خونسار (قریه تیـدجان) می‌باشند و برای عیادت فقیـد سعید از خوانسار آمده بود هنگام خداحافظی آقا به ایشان و جمعی از بستگان نزدیک مکاشفات خود را عیناً نقل فرمودند و گفتند بنابراین شما چند صباحی دیگر نزد من بمانید و شما در روز جمعه آینـده تا نزدیکی ظهر از اعمال تغسیل و تکفین و تجهیز بنده فارغ خواهید شد آقای آقا شیخ حسن مثنوی که اکنون در قید حیات می‌باشند و ناظر جریان ماوقع می‌باشند در آن ماندند و حتی در شب فوت به وسیله ایشان برای داروئی استخاره و آیه شریفه این بود که (الیس الصبح بقریب) تا اینکه در صبح جمعه اول ماه رمضان ۱۳۶۴ هجری قمری داعی حق را لبیک اجابت گفته و به دار باقی رحلت نمودند و با تشییع جنازه بی‌نظیر در معیت حضرت آیت‌اللّه آقای آخوند ملا محمد جواد صافی رضوان اللّه علیه و سایر علماء اعلام در یکی از حجرات شرقی امامزاده‌های واجب التعظیم (هفـده تن) گلپایگان مدفون و مضـجع معظم له زیارتگاه انام است– آیت‌اللّه قاضـی زاهدی گذشته از معنویت و روحانیت در میان همکنان خود به حسن خطوط مختلفه از نسخ و نستعلیق و رقاع و ثلث و شکسته مشهور و آثار ایشان در اکثر خانه‌های اهالی موجود است و مشمول این حدیث شریف نبوی (ص) می‌باشند که خط حسن جمال مرء ان کان لعالم فاحسن– معظم له تا زمانی که در شهر گلپایگان مقیم بودنـد تا آنجا که قـدور و میسور بود اجرای حـدودات الهی را می‌نمودنـد و متصدی امورات شرعیه بوده‌انـد مقررات و کتابهـای خطی و آثـار ایشـان که از فقیـد سـعید باقیمانـده بود در سال ۱۳۶۵ هجری بوسیله اولاد ذکور منحصر به فرد ایشان جناب آقای آقا محمـد قاضـی زاهدی که خود یکی از خدمتگزاران و مروجین مذهب جعفری در تهران می‌باشند و در این راه از هیچگونه فداکاری و خدمتی دریغ ندارند و نیز به حسن خط و معروف هستند که به قم منتقل و به طور رایگان در اختیار آقایان علماء و فضلاء حوزه علمیه قم (مدرسه فیضیه) گذارده شده – شعراء زیادی در رثاء ایشان شعر سروده‌اند رحمه اللّه علیه و علی والدیه و علی جمیع المؤمنین و المؤمنات

اجمالی از ترجمه ایشان و خاندانش را در ج ۶ ص ۵۱۴ گذشت ولی چون در این تفصیل فایده‌ای بود ذکر شد.

عباسعلی بن آخوند ملاعلی سالها در اصفهان اشتغال به تحصیل داشته و از اساتید بزرگ آنجا استفاده نموده و پس از آن به نجف اشرف هجرت و سالها مشغول به تدریس و تحصیل بوده و پس از پایان تحصیلات به وطن بازگشته و اقامت گزیده و پس از فوت برادرش در مسجد قاضـی زاهدی و مساجد دیگر امامت می‌نمود و متصدی امورات شرعیه بوده تا در اوائل ماه رمضان ۱۳۶۲ قمری دار فانی را بدرود گفته و در یکی از حجرات شرقی اطراف صحن امامزاده‌های هفده تن به خاک سپرده شد و آن مرحوم پدر عیال حاج‌آقا علی قاضی زاهدی می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

قاضی زاهدی، محمدمهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدمهـدی بن آخونـد ملاعلی مـذکور عالمی جلیل و دانشـمندی جلیل و مرجع امورات شرعیه بوده و بعـد از مرحوم والـدش در مسجد او که مشهور است به مسجد قاضـی زاهدی اقامه جماعت می‌نموده و چون در هفتم محرم ۱۳۳۴ ق بـدرود حیات گفته در بقعه امامزاده هفده‌تن مدفون گردیده و ایشان اکبر اولاد آخوند ملاعلی بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قاضی سعید، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۰۳ –۱۰۴۹ ق)، حکیم، ادیب، عارف، مفسر، محدث، محقق، قاضـی و عالم امامی. معروف به قاضـی سـعید و ملا سـعید قمی و ملقب به حکیم کوچک. از دانشـمندان بزرگ شیعه و از مفاخر حدیث و حکمت و عرفان و ادبیات بود. وی از شاگردان ملا محسن فیض کاشانی و ملاـ عبـدالرزاق لاـهیجی و ملاـ رجبعلی تبریزی بود. او بسیار مورد توجه و تجلیـل شاه‌عباس دوم و درباریانش بود. مدتی عهده‌دار منصب قضاوت قم بود و این خود حاکی از تبحر وی در شرعیات می‌باشد. در قم درگذشت. از آثار وی: شرحی بر کتاب «توحید» صدوق، در چند مجلد؛ «اسرار الصنایع»، در صناعات خمسه‌ی قیاسیه منطقیه: شعر، خطابه، برهان، جدل و مغالطه که از «صناعیه» میرفندرسکی الهام گرفته است؛ «شرح حدیث بساط»، که در ۱۰۹۹ ق، در اصفهان، از تألیف آن فراغت یافت؛ رساله‌ی «کلید بهشت» در اشتراک لفظی اسماءالله، به فارسی؛ حاشیه بر «اثولوجیا»ی ارسطو؛ حاشیه «شرح اشارات خواجه»؛ «الاربعون حدیثا»، شرح چهـل حـدیث در معـارف که سراسر تحقیقـات علمی است؛ رساله‌ی «الاربعونیات لکشف الأنوار القدسـیات»، چهل رساله، در چهل باب از معارف که هر یک از آنها را به اسـمی خاص نامیده است، رساله اول «روح الصـلاه»، که آن را به اسـتادش ملا محسن فیض کاشانی اهداء نموده و دیگری «حقیقه الصلاه» و دیگری «فوائد رضویه» و دیگری «الحدیقه الوردیه و السوانح المعراجیه» و...

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۴۴ / ۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۰ -۳۳۶ / ۵)، الذریعه (۱۳۲ / ۱۸ ،۳۴۱ -۳۴۰ / ۱۶ ،۱۵۴ -۱۵۳ / ۱۳ ،۴۹ / ۷ ،۳۹۱ ،۱۱۱ ،۱۲ / ۶ ،۴۷۹ / ۴ ،۵۱ / ۲ ،۴۳۷ -۴۳۶ ،۴۱۸ -۴۱۷ / ۱)، روضات الجنات (۱۲ -۱۰ / ۴)، ریاض العلماء (۲۸۵ -۲۸۴ / ۲)، ریحانه (۴۱۳ -۴۱۲ / ۴ ،۵۹ / ۲)، الکنی و الالقاب (۵۲ / ۳)، معجم المؤلفین (۳۸ / ۱۰).

قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: حقوق عمومی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی حقوق از دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد و دکترای حقوق از دانشگاه ژنو سوئیس، دوره عالی در مدرسه ملی اداری پاریس E.N.A با بورس سازمان ملل متحد، دوره حقوق بشر و توسعه اقتصادی در چند کشور اروپائی.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس: مبانی و کلیات حقوق اساسی، حقوق اساسی تطبیقی، نظامهای انتخابات، مبانی حقوق عمومی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

حقوق اساسی، حقوق عمومی، جامعه‌شناسی سیاسی، مبانی علم سیاست، جامعه‌شناسی حقوق، تاریخ و ادبیات.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

حقوق و علوم سیاسی.

فرزند سیدهادی، در ۱۳۱۰ در سمنان متولد شد. بعد از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه وارد دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران شد و درجه‌ی لیسانس در حقوق قضائی گرفت و برای ادامه‌ی تحصیل به سوئیس رفت و دکترای علوم سیاسی از دانشگاه ژنو گرفت. پس از بازگشت به ایران، وارد سازمان برنامه شد و اولین شغل وی کارشناسی ارشد بود، بعد به معاونت دفتر نیروی انسانی سازمان منصوب گردید. در ۱۳۴۸ به وزارت کشور انتقال یافت و مدیرکل بودجه و تشکیلات آن وزارتخانه شد. در ۱۳۴۵ به عنوان دانشیار در دانشکده‌ی حقوق تهران اشتغال ورزید و چندی هم معاونت دانشکده‌ی حقوق را عهده‌دار بود. از دیگر مشاغل وی باید معاونت آموزشی دانشگاه ملی (شهید بهشتی) و معاونت اجتماعی وزارت کشور را نام برد.

دکتر قاضی در اواخر مهرماه ۱۳۵۷ از طرف شریف‌امامی به کابینه دعوت شد و به وزارت علوم و آموزش عالی منصوب گردید. وی این سمت را مشروط بر عدم مداخله‌ی فرمانداری نظامی در دانشگاه پذیرفت، ولی متاسفانه نظامیان در روز ۱۳ آبان به دانشگاه تهران هجوم بردند و دانشجویان را مجروح و مقتول ساختند و فیلم آن نیز از تلویزیون پخش شد. دکتر قاضی به عنوان اعتراض به عمل دولت، از کابینه کناره‌گیری کرد.

صاحب ترجمه، تالیفات و ترجمه‌های زیادی دارد که از تالیفات او حقوق اساسی، نهادهای سیاسی و قانون اساسی بهتر را می‌توان نام برد. از ترجمه‌های او جامعه‌شناسی، اصول علم سیاست، جامعه‌شناسی حقوق و شهروند و دولت مورد استفاده دانش‌پژوهان می‌باشد. دکتر قاضی شریعتمداری در سال ۱۳۷۶ در تهران به بیماری سرطان درگذشت.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

قاضی صاعد استوایی نیشابوری، ابوالعلاء صاعد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۳۲ / ۴۳۱ -۳۴۳ ق)، قاضی، فقیه حنفی، محدث و شاعر. ملقب به عمادالاسلام. در استوا، یکی از روستاهای نیشابور، به دنیا آمد. شیخ حنفیان و رئیس آنان و قاضی نیشابور بود و ریاست اصحاب رأی خراسان به وی منتهی می‌شد. چون چهره‌ای زیبا داشت به ماه نیشابور ملقب شد. علوم ادبی را در نزد پدر آموخت، سپس از محضر ابوبکر خوارزمی استفاده نمود. فقه و حدیث را از ابوعمرو اسماعیل بن نجید نیشابوری و بشر بن احمد اسفراینی و عبدالله بن محمد بن علی زیاد نیشابوری شنید. در جوانی حج گزارد و به

عراق رفت و در کوفه از علی بن عبدالرحمان بکائی حدیث شنید. خطیب بغدادی و قاضی صاعد بن سیار و ابوالحسن علی بن محمد شعری از وی حدیث شنیدند. قاضی صاعد مقام فقاهتی و قضایی والایی داشت و در حوزه‌ی درس او اغلب علمای عصر شرکت می‌کردند. او افزون بر فقه و حدیث در شعر و ادب نیز تبحر داشت و در این رشته جانشین ابوبکر محمد عباسی خوارزمی بود. به آورده‌ی بیهقی وی استاد مسعود و محمد غزنونی است و بعدها پس از به حکومت رسیدن مسعود بسیار مورد توجه او قرار گرفت. در نیشابور درگذشت. از آثار وی کتاب «الاعتقاد» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اسرار التوحید، تعلیقات (۷۰۶ -۷۰۵)، الاعلام (۲۷۲ / ۳)، انساب سمعانی (۱۳۵ -۱۳۴ / ۱)، تاریخ بغداد (۳۴۵ - ۳۴۴ / ۹)، سیر النبلاء (۵۰۸ -۵۰۷ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۴۸ / ۳)، العبر (۲۶۴ / ۲)، کشف الظنون (۱۳۹۳)، معجم المؤلفین (۳۱۹- ۳۱۸ / ۴)، هدیه العارفین (۴۲۱ / ۱).

قاضی طباطبایی، باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۶ -۱۲۸۵ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و مجتهد امامی. در تبریز به دنیا آمد و مقدمات و مبادی فقه و اصول و کلام و معقول را از علمای زادگاهش همچون آقا میرزا محمود اصولی و حاج میرزا محمدعلی قراجه‌داغی و آقا سید علی یزدی تحصیل کرد. در ۱۳۰۸ ق برای تکمیل تحصیلات به عتبات عالیات رفت و در محضر میرزای بزرگ شیرازی در سامراء حضور یافت، سپس وارد نجف شد و در حوزه‌ی درس آیت‌الله حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و فاضل شرابیانی و آقا شیخ محمد باقر اصطهباناتی و آخوند ملا اسماعیل قراباغی شرکت کرد. درس اخلاق را نزد آخوند ملا حسینقلی همدانی فراگرفت. سرانجام به تبریز بازگشت و بعد از چند سال اقامت به نجف عودت نمود و از درس و بحث آیت‌الله آقا سید محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی استفاده کرد، تا در ۱۳۲۴ ق به تبریز مراجعت نمود. به مدت چهل سال در نهایت عزت و احترام به خدمات دینی مشغول بود. قاضی طباطبائی از آیت‌الله علامه‌ی یزدی و فاضل شرابیانی اجازه‌ی اجتهاد داشت و از آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی روایت می‌کرد. وی در تبریز وفات یافت و در قم دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری، به نام «مخزن الفوائد فی حاشیه الفرائد»؛ «الدرر الغرویه فی الفوائد العلمیه»؛ حاشیه بر «فصول الاصول»؛ «التقریرات» اساتیدش: میرزای رشتی، سید یزدی طباطبائی و شیخ الشریعه اصفهانی؛حواشی بر «مکاسب»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۵۳۴ -۵۳۳ / ۳)، الذریعه (۲۲۸ / ۲۰، ۱۲۸ / ۸، ۱۶۵ / ۶، ۳۷۱ / ۴)، ریحانه (۴۰۵ -۴۰۴ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۷ / ۱۴)، علماء المعاصرین (۲۴۰)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۲۶ -۳۲۵ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ قاضی)، معجم المؤلفین (۳۶ / ۳).

قاضی طباطبایی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۴ -۱۲۹۰ ش)، استاد دانشگاه، مورخ و مصحح. قاضی از ۱۳۳۴ ش متصدی کرسی زبان عربی در دانشکده‌ی ادبیات تبریز شد. تسلط وی به تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام زبانزد اکثر دانشگاهیان بود. از آثار وی: تصحیح و تحشیه «تجربه الاحرار و تسلیه الابرار»، عبدالرزاق بیگ دنبلی؛ حواشی و تعلیقات بر «تجارب السلف». از وی مقالات بسیاری در نشریه‌های کتابخانه‌ی ملی تبریز و دانشکده‌ی ادبیات تبریز به چاپ رسیده که از آن جمله: «به یاد مرحوم سید هادی سینا»؛ «کتاب و اهمیت آن در جامعه‌ی امروزی»؛ «محضر و محضرهای تاریخی»؛ «داستان یک مناظره‌ی ادبی»؛ «اشتباهات تاریخی تجارب السف»؛ «خاطراتی چند از استاد عبدالرسول خیامپور»؛ «حکم استیناف ضیاءالعلماء» را می‌توان نام برد.[۱]

ادیب، مدرس.

تولد: ۱۲۹۵.

درگذشت: ۱۸ اسفند ۱۳۶۴، تهران.

سید حسن قاضی طباطبایی از سال ۱۳۳۴ متصدی کرسی زبان عربی در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تبریز شد. وی بیش از چهل سال به تدریس در دبیرستان‌ها و دانشگاه تبریز مشغول بود و مقالات تحقیقی و انتقادی وی در نشریه‌ی «دانشکده‌ی ادبیات تبریز» و «کتابخانه‌ی ملی تبریز» چاپ می‌شد. از جمله آثار اوست: تعلیقات و حواشی تجارب السلف (۱۳۵۱) و تجربهٔ الاحرار و تسلیهٔ الابرار (اثر عبدالرزاق بیک دنبلی در دو جلد، ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] نشر دانش (س ۶، ش ۳، ص ۸۸).

قاضی طباطبایی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم ربانی.

تولد: ۱۲۸۹(۱۳۳۱ ق.)، تبریز.

شهادت: ۱۰ آبان ۱۳۵۸، تبریز.

آیت‌الله محمدعلی قاضـی طباطبایی، فرزند سید باقر از علمای آذربایجان، تحصیلات مقدماتی علوم دینی در مدرسه‌ی طالبیه تبریز و نیز پدر و عمویش اسدالله قاضی طباطبایی گذراند.

ایشـان در سال ۱۳۴۷ ق. مقـارن بـا قیـام مردم تبریز به سبب شـرکت در مبارزات به دسـتور رضاشاه به همراه پـدرش از تبریز اخراج گردیـد، مـدت دو ماه در تهران سـکنی گزیـد و پس از آن محل تبعیـد آنها به مشـهد تعویض گردیـد و پس از یک سال اقامت در مشـهد به آذربایجان مراجعت نمود و به بحث و خدمات دینی دیگر مشغول شد. وی در سال ۱۳۵۹ ق. برای تکمیل درس خود به قم رفت و از محضـر اساتید حوزه‌ی علمیه‌ی قم اسـتفاده برد از جمله فلسفه و خارج علل اصول را از امام خمینی (ره) فراگرفت. پس از آن تکمیـل متون فقه و اصول و علم و علم درایه و رجال را نزد آیت‌الله سید محمـدرضا گلپایگانی و آیت‌الله سـید محمـد حجت کوه‌کمره‌ای فراگرفت. در همین زمان مدتی نزد آیت‌الله سید حسن صدر به تحصیل پرداخت.

آیت‌الله محمـدعلی قاضـی طباطبـایی با تکمیل سـطوح در قم، در سال ۱۳۲۷ عـازم حوزه‌ی علمیه‌ی نجف گردیـد. پس از سه سـال تحصـیل نزد آیت‌الله حکیم، آیت‌الله عبدالحسین رشتی، علامه محمد حسین کاشف الغطاء آیت‌الله میرزا باقر زنجانی و آیت‌الله حسن بجنوردی به ایران بازگشت به تبریز رفت.

در تبریز، در کنار فعالیت تحقیق و تألیف و امامت دو مسـجد، به فعالیت سیاسـی به ویژه در فاصله ۱۳۳۱ تا ۱۳۴۱ در تبریز به فعالیت علیه رژیم پرداخت. فعالیت‌هـای سیاسـی وی همزمان با قیام مردم در سال ۱۳۴۲ ابعـاد دیگری یافت. در سـیزدهم آبان همان سال به عنوان رهبر نهضت مذهبی در آذربایجان دسـتگیر و ابتدا به پادگان زرهی تهران فرسـتاده شد و سپس در زندان قزل قلعه‌ی تهران به مدت دو ماه و نیم زندانی گردید. پس از آن به سلطنت‌آباد تهران منتقل شد. پس از چند روز با ضمانت برادرش آزاد شد که آزای وی بـا قیـد ممنوع‌الملاقـات توأم بود و مـأموران سـاواک در اجرای این امر نظـارت داشـتند. پس از چهار ماه به قم می رونـد تا امام خمینی (ره) را در این هنگام آزاد شده بود ملاقات کند.

وی پس از دیـدار با امام خمینی به مشـهد رفت و از آنجا که هنوز در تبعیـد بود بی‌اجازه رژیم تهران را ترک گفت و به تبریز رفت در تبریز مورد اسـتقبال مردم قرار گرفت و به همین سـبب همـان شب در منزلش دسـتگیر و به سـلطنت‌آباد تهران منتقل شـد. بعـد از مدتی با وساطت آیت‌الله سید محمدهادی میلانی آزاد شد. سپس به تبریز مراجعت کرد اما این آزادی وی مدت زیادی طول نکشید زیرا پس از چند روز اقامت در تبریز دسـتگیر شد و به تهران منتقل گردید. در تهران به سـبب کسالت مدت شـش ماه در بیمارسـتان مهر بستری و در عین حال تحت مراقبت شـبانه‌روزی ساواک بود. پس از مرخصـی از بیمارسـتان در یازدهم آذر ۱۳۴۳ پس از یک سال تبعید و دستگیری‌های مکرر به عراق تبعید شد.

مـدت تبعید در نجف فرصتی پیش آورد تا بیشتر به تحصـیل بپردازد و همچنین در این مدت با امام خمینی که مدتی قبل از ایشان به عراق تبعید گردیده بود ارتباط نزدیک داشـته باشد. آیت‌الله قاضـی طباطبایی پس از یک سال و نیم اقامت اجباری در عراق به ایران و تبریز مراجعت نمود امـا مبارزه خود را علیه نظام پهلوی به ویژه در مساجـد مقبره و شـعبان تبریز ادامه داد تا اینکه در روز عیـد فطر سال ۱۳۴۷، یعنی سـی‌ام آذر، به جرم مخالفت با رژیم و اظهار مطلبی علیه رژیم اشـغالگر قـدس دسـتگیر و به بافت کرمان به مـدت شش ماه تبعیـد گردید. پس از پایان مدت تبعید از مراجعت آیت‌الله قاضـی جلوگیری و مجددا در تیر ۱۳۴۸ به زنجان تبعید شد. اما وی بـدون توجه به دسـتور تبعید به سوی تبریز رفت که در روز یازدهم تیز به بوسـتان‌آباد در شـصت کیلومتری تبریز رسـیده بود که رژیم خبردار شـد و ایشـان را به زنجـان بازگردانـد. محـل اسـتقرار ایشـان در زنجـان منزل امام جمعه‌ی وقت بود. ایشان همچنان در زنجان تحت نظارت ساواک قرار داشت. مدت تبعید ایشان در زنجان فقط چهار ماه طول کشـید و با وساطت علمای بزرگ از تبعید آزاد و در تاریخ بیست و نه آبان ۱۳۴۸ به تهران و سپس در تاریخ ششم آذر ۱۳۴۸ به تبریز مراجعت کرد. در تبریز در کنار تدریس و تـألیف همچنـان به مبـارزه ادامه داد و در عین حـال دائما تحت نظر ساواک قرار داشت. در این سال‌ها منزل وی یکی از محل‌های توزیع بیانیه‌هـا، نوارها و رساله‌های امام بود. در سال ۱۳۵۶ در تظاهراتی در بیست و نه بهمن به مناسبت چهلم شهدای نوزده دی قم برگزار شـد که در آن رهبری آیت‌الله قاضـی و نفوذ وی در میـان راهپیمایان آشـکار بود. ایشان در مـدت یک سال پیش از انقلاب فعالیت‌های مستمری علیه رژیم پهلوی داشت.

با پیروزی انقلاب اسلامی، از سوی رهبر انقلاب به امامت جمعه تبریز منصوب و به عنوان نماینده حضرت امام (ره) در تبریز انتخاب شد.

عنوان‌هـای برخی از نوشـته‌های ایشـان بـه ایـن شـرح است: الاجتهـاد و التقلیـد (عربی و خطی)؛ الفوائـد (فقهی و تـاریخی)؛ خانـدان عبدالوهاب (فارسـی، خطی)؛ کتاب فی علم الکلام (عربی، خطی)؛ فصل الخطاب فی تحقیق اهل الکتاب (عربی خطی) ؛ السعاده فی الاهتمام علی الزیارهٔ (عربی، خطی)؛ اجوبهٔ الشـبهات الواهیه (فارسـی، خطی)، رسالهٔ فی اثبات وجود الامام (ع) فی کل زمان (عربی، خطی)؛ سـفرنامه بافت (فارسـی، خطی)المباحـث الاصولیه (عربی، خطی)؛ حاشـیه بر رسائل و مکاسب شـیخ مرتضی انصاری و کفایهٔ الاصول محمـدکاظم بن حسـین آخونـد خراسانی؛ تقریرات اصول آیت‌الله سـید محمـد حجت کوه‌کمره‌ای؛ تاریـخ قضاء در اسـلام؛ صـدقات امیرالمؤمنین و صـدیقه طاهر علیهماالسـلام؛ حدیقهٔ الصالحین؛ رساله در دلالت آیه تطهیر بر اهل‌بیت (علیهم‌السـلام)، رساله در اوقات نماز؛ رساله در نماز جمعه، رساله در مباهله، رسالـهٔ فی مسألهٔ التربت؛ تعلیقات بر کتاب فردوس اعلی تألیف شـیخ کاشـف الغطاء (عربی و مطبوع)؛ تحقیق درباره روز اربعین حضـرت سیدالشهداء (ع) (فارسی و مطبوع)؛ تعلیقات بر کتاب انوار نعمانیهٔ تألیف

آیت‌الله جزایری (عربی و مطبوع)؛ مقدمه مفصل، تعلیقات و مؤخره بر تفسیر جوامع الجامع (عربی و مطبوع)؛ تعلیقات بر کتاب اسلام صراط المستقیم (فارسی و مطبوع)؛ آثار تاریخی آیت‌الله طباطبایی حکیم قدس سره (فارسی ومطبوع) تعلیقات بر کتاب کنزالعرفان (عربی و خطی)، مقدمه بر کتاب صحائف الابرار کاشف الغطاء (ره)، مقدمه بر تنقیح الاصول مرحوم متوفی، مقدمه بر کتاب مرآت الصلوهٔ، پیشگفتار بر علم امام علامه طباطبایی؛ مقدمه بر کتاب معجزه و شرایط آن تألیف محمد آصفی؛ مقدمه بر کتاب جنهٔ الماوی اثر کاشف الغطاء؛ اللوامع الالهیهٔ فی المباحث الکلامیهٔ اثر علامه حلی؛ مقدمه، تصحیح و تعلیق بر انیس الموحدین اثر علامه حاج مهدی نراقی؛ تحقیق در ارث زن در دارایی شوهر (تنظیم از بیانات ایشان) به کوشش محمد آصفی؛ علم الامام (ع) به زبان عربی (ترجمه به فارسی از محمد آصفی)؛ مقدمه بر العقائد الوثنیه فی الدیانهٔ النصرانیه اثر محمد طاهر التنیر، چاپ بیروت (این کتاب در سال ۱۳۹۱ ق. در تهران افست گردید)؛ ترجمه مسائل قندهاریهٔ (اثر شیخ محمد حسین کاشف‌الغطاء)؛ مقالات متعدد و کثیر در مجلات عربی در صیدا (لبنان).

اجازه روایت ایشان را افراد زیر امضا نموده‌اند: آیت‌الله مرتضی چهرگانی؛ پدر ایشان، آیت‌الله محمدباقر طباطبایی؛ بانو علویه هاشمیه؛ آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای؛ آیت‌الله سید صدرالدین صدر موسوی؛ علامه محمدحسین کاشف الغطاء آیت‌الله سید محسن طباطبایی حکیم؛ آیت‌الله سید محمد جواد طباطبایی تبریزی؛ آیت‌الله سید محمد هادی میلانی؛ امام خمینی (ره)؛ علامه آیت‌الله حسن بجنوردی آیت‌الله العظمی گلپایگانی؛ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی؛ آیت‌الله محمد حسینی شاهرودی؛ آیت‌الله عبدالنبی عراقی؛ علامه سید محمدحسین طباطبایی تبریزی؛ آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی.

آیت‌الله قاضی طباطبایی در دهم آبان ۱۳۵۸ توسط گروه فرقان ترور شد و به شهادت رسید و در مسجد مقبره به خاک سپرده شد.

سید محمد علی قاضی طباطبائی ابن العلامه العلام حاج میرزا باقر آقای قاضی بن السید الجلیل و الفقیه النبیل آیه الله حاج میرزا محمد علی بن العلامه الکبری آقا سید میرزا محسن آقای قاضی طباطبائی که ابا عن جد از علماء و اساتید بزرگ تا بحضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام بوده و شرح سلسله نسب ایشان در کتاب خاندان (عبدالوهاب) مشروحا بیان شده است.

وی در سال ۱۳۳۳ قمری در تبریز متولد و در مهد علم و شرف نمو یافته و پس از رشد و تربیت در حجر مرحوم والد ماجد خود و استفاده خصوصی از ایشان و عم گرامش مرحوم آیه الله حاج میرزا اسدالله قاضی طباطبائی متوفی ۱۳۴۸ قمری وارد مدرسه طالبیه تبریز شده و مقدمات و ادبیات و سطوح اولیه و وسطی را با سطوح عالی نزد مرحوم والد مکرم خوانده و در سال ۱۳۵۷ در موقع انقلاب و شورش اهالی تبریز به اتفاق والدش تبعید به تهران و پس از چند ماه توقف در تهران و ری مراجعت به تبریز نموده تا سال ۱۳۵۹ که برای تکمیل مبانی علمی به حوزه قم مشرف شده و از محضر اساتید بزرگ حوزه چون آیه الله گلپایگانی بقیه متون فقه و اصول را خوانده و معقول را از محضر آیات دیگر فراگرفته و پس از آن از محضر مرحوم آیه الله حجت فقها و اصولا و هم درایه و رجال و غیر این‌ها را استفاده نموده و هم از محضر آیه الله صدر و پس از ورود آیه الله بروجردی پنج سالی هم از دروس آن جناب بهره‌مند شده تا سال ۱۳۶۹ قمری که مشرف به نجف گردیده و در آنجا از محضر آیه الله حکیم و آیه الله حاج شیخ محمد حسین کاشف الغطاء استفاده‌های متنوع از فقه و اصول و حکمت و غیره نموده تا اواخر سال ۱۳۷۲ که روی بعضی از دسایس دشمنان دین مراجعت به تبریز و به انجام وظائف و خدمات و مجاهدات و مبارزات با بیدادگران و اقامه جماعت و غیر آن پرداخته است.

آن جناب از غالب مراجع عظام و مشایخ کرام عصر حاضر از اساتید و غیر هم دارای اجازات جامع روایتی و غیره می‌باشد که برای اختصار از درج آن خودداری می‌نمایم.

تألیفات و آثار قلمی ایشان از مطبوع و غیره بقرار ذیل است:

۱- رساله فارسی در ترجمه آخوند ملا عبدالرزاق لاهیجی صاحب گوهر مراد ۲- تقریرات اصول آیت الله حجت. ۳- تقریرات فقه آن مرحوم. ۴- تاریخ قضاء در اسلام بفارسی ۵- کتاب صدقات امیرالمؤمنین و صدیقه طاهره علیهماالسلام بفارسی ۶- حدیقه الصالحین که در ج ۶ کتاب الذریعه الی تصانیف الشیعه ص ۳۷۸ ذکر شد ۷- تقریرات دروس اساتید نجف ۸- المقالات مجلدیست مشتمل بر مقالات عربی که تدریجا در مجله (الفرمان) مطبعه صید المنان منتشر شده. ۹- خاندان عبدالوهاب تراجم انساب خود آن جناب. ۱۰- رساله در شرح و تحقیق درباره حدیث شریف (من صام یوما فی سبیل الله تعالی کان کعمل سنه یصومها) ۱۱- الاجازات که مشتمل بر اجازه علماء و فوائد بسیاریست ۱۲- ترجمه مسائل قندهاریه از تصانیف آیه الله کاشف الغطام مد ظله رحمه الله.

۱۳- کتابی درباره تحقیق از هر کتاب که عبادت از کدام طوائف‌اند و راجع بنجاست اهل کتاب و راجع بانبیاء از نظر اسلام.

۱۴- تعلیقات بر انوار نعمانیه طبع تبریز در ۴ جلد.

۱۵- تعلیقات و اضافات بر کتاب انیس الموحدین علامه نراقی که بطبع رسیده است

۱۶- کتابی درباره تعیین اربعین حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام

۱۷- رساله بسیار لطیفی عربی در اثبات وجود امام علیه‌السلام در هر زمان.

۱۸ سفرنامه بافت.

۱۹- الفوائد در مطالب علمی و فوائد فقهی و تفسیری و رجالی و غیره در جلد بزرگی.

(۱۳۳۳- شهادت ۱۳۹۹ ق)، فقیه، عالم امامی و شاعر. نسب وی به حضرت امام حسن (ع) می‌رسد. در تبریز به دنیا آمد. از محضر پدرش، میرزا باقر، و عمویش، حاج میرزا اسدالله قاضی طباطبایی، استفاده نمود. در مدرسه‌ی طالبیه‌ی تبریز مقدمات و ادبیات و سطوح اولیه و وسطی یا سطوح عالی را نزد پدرش خواند. در ۱۳۵۷ ق به هنگام انقلاب و شورش اهالی تبریز به همراه پدرش به تهران تبعید شد و پس از چند ماه توقف در تهران و ری مجددا به تبریز بازگشت. در ۱۳۵۹ ق برای تکمیل مبانی. علمی به حوزه‌ی قم رفت و در محضر استاتیدی چون آیت‌الله گلپایگانی فقه و اصول را خواند و معقول را از محضر آیات دیگر فراگرفت. پس از آن از محضر آیت‌الله حجت در فقه و اصول و درایه و رجال و از محضر آیت‌الله صدر و همچنین به مدت پنج سال از محضر آیت‌الله بروجردی استفاده نمود. در ۱۳۶۹ ق به نجف رفت و از محضر آیت‌الله حکیم و آیت‌الله حاج شیخ عبدالحسین رشتی و آیت‌الله آقا میرزا باقر زنجانی و آیت‌الله بجنوردی و آیت‌الله حاج شیخ محمد حسین کاشف الغطاء در فقه و اصول و حکمت و غیره استفاده

نمود، و از اساتیدش صاحب اجازه بود. در ۱۳۷۲ ق به تبریز بازگشت، و به وظایف دینی و اقامه جماعت مشغول شد. از آثار وی: «تقریرات اصول» آیت‌الله حجت؛ «تقریرات فقه» آیت‌الله حجت؛ «تاریخ قضاء در اسلام»، به فارسی؛ «حدیقه الصالحین»؛ «المقالات»، مجلدی مشتمل بر مقالات عربی؛ ترجمه‌ی «مسائل قندهاریه» آیت‌الله کاشف الغطاء؛ «الفوائد»، مشتمل بر «مطالب علمی و فوائد فقهی و تفسیری و رجالی؛ تعلیقات و اضافات بر کتاب «انیس الموحدین» علامه نراقی؛ «تحقیق درباره‌ی روز اربعین حضرت سیدالشهداء (ع)»، که در تألیف آن از بیش از چهارصد و پنجاه عنوان کتاب استفاده شده است.[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۸۸ –۳۸۷ / ۶)، کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۸ ص ۴۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۲۵ –۳۲۲ / ۳).

قاضی طباطبایی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمود قاضی طباطبایی دانشیار گروه جمعیت شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته علوم سیاسی از دانشگاه ملی ایران(۱۳۵۴)، کارشناسی ارشد را در رشته علوم سیاسی از دانشگاه میشیگان غربی امریکا (۱۳۵۷) و دکتری را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه ایالتی یوتا امریکا (۱۳۶) اخذ نموده است.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمود قاضی طباطبایی مدرک کارشناسی را در رشته علوم سیاسی از دانشگاه ملی ایران(۱۳۵۴)، کارشناسی ارشد را در رشته علوم سیاسی از دانشگاه میشیگان غربی امریکا (۱۳۵۷) و دکتری را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه ایالتی یوتا امریکا (۱۳۶) اخذ نموده است. عنوان رساله وی در دوره کارشناسی ارشد « شخصیت سیاسی محصول زمان یا خصوصیات فردی» و دوره دکتری «تطابق محیطی بزهکاری: آزمون طولی تئوری» است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در خصوص دیگر خدمات علمی و اجرایی دکتر قاضی طباطبایی می‌توان مواردی همچون «معاون پژوهشی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی (۱۳۷۸ –۱۳۸۴) را نام برد. فعالیتهای آموزشی : موارد تدریس وی «آمار در علوم اجتماعی» (در مقطع کارشناسی)، «آمارپیشرفته»، «تکنیک های تحقیق »، «روش تحقیق » و «روش های تحقیق پیشرفته» و «روش تحقیق پیشرفته» و «روش های تحلیل آمار پیشرفته» و «نرم افزار» (در مقطع دکتری) است. آثار : ۱ بررسی پدیده خشونت خانگی علیه زنان: از جلد ۲ تا جلد ۱۷ و از جلد ۱۹ تا جلد ۲۸ ویژگی اثر : تالیف ۱۳۸۳۲ روشهای پیشرفته آماری ویژگی اثر : تالیف ۱۳۸۵

قاضی طباطبائی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید احمد قاضی طباطبائی عابدی عالم و زاهدی کامل بود که در تبریز سکونت داشت و از اجتماع کناره گرفته و در گوشه منزل خود به انزواء و تزکیه نفس و تهذیب روح و اخلاق خود پرداخته بود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

قاضی عسکر، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی قاضی عسکر

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۳/۵

زندگینامه علمی اینجانب سید علی قاضی عسکر در روز پنجم خرداد ماه یک هزار و سیصد و سی و سه شمسی برابر با ۲۳ رمضان المبارک ۱۳۷۳ هجری قمری در یک خانواده مذهبی در خیابان مسجد سید اصفهان متولد شدم. تحصیلات دوره ابتدایی را در دبستان جعفری وابسته به تعلیمات اسلامی که در محله بیدآباد اصفهان واقع شده بود سپری کردم و دوره راهنمائی را نیز در مدرسه احمدیه که مدیریت آن را یک نفر روحانی به نام حجت الاسلام آقای سید ابوالحسن بدری بعهده داشت گذراندم. پدرم آقای حاج سید مصطفی قاضی عسکر که کارمند کارخانه صنایع پشم اصفهان و از مقلدان حضرت امام خمینی (ره) بود بسیار علاقه داشت تا یکی از فرزندان خود را به حوزه فرستاده تا دروس حوزوی بخواند، از این رو در سن ۱۵ سالگی وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و جامع المقدمات را آغاز کرده از اساتید بزرگوار آن حوزه بهره مند شدم. سپس با گذشت یک سال به دلیل آوازه و شهرتی که قم داشت تصمیم گرفتم به قم آمده و در حوزه کهن قم ادامه تحصیل دهم در قم به ترتیب در مدرسه مومنیه واقع در خیابان چهارمردان، مدرسه آیت الله نجفی مرعشی واقع در خیابان ارک قم، مدرسه فیضیه و سپس در مدرسه حجتیه سکونت داشتم.

دروس مقدماتی را از محضر اساتید بزرگواری از جمله مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای کافی اصفهانی، مرحوم شهید حجت الاسلام و المسلمین آقای سید حسن بهشتی طاب ثراه امام جمعه موقت اصفهان پس از انقلاب که به دست منافقین به شهادت رسیدند، حجت الاسلام و المسلمین آقای حجازی اصفهانی، مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای یحیی سلطانی و ... فرا گرفتم. سپس به درس مرحوم آیت الله ستوده، آیت الله خزعلی، آیت الله انصاری شیرازی حاضر شدم و مکاسب را در درس آیت الله حاج شیخ یوسف صانعی و کفایه را در محضر حضرت آیت الله فاضل لنکرانی بهره گرفتم. و سپس در دروس خارج آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله منتظری، آیت الله حاج شیخ جواد تبریزی حاضر شده سالها از محضر این اساتید بهره مند شدم در دروس تفسیر و اخلاق از محضر آیت الله مشکینی استفاده کردم در دروس تخصصی مرحوم شهید آیت الله مرتضی مطهری که در مسجد ارک قم برگزار میشد شرکت داشتم و بخشی نیز از محضر آیت الله جوادی آملی استفاده کرده ام و بر اساس تاییدیه مکتوبی که از اساتید بزرگوار و اعزه همچون حضرت آیت الله فاضل لنکرانی، حضرت آیت الله سبحانی، حضرت آیت الله خاتم یزدی، حضرت آیت الله محمد حسن قدیری و ... دارم بیش از ده سال از دروس خارج حوزه استفاده کردم. بنده از ابتدای تکلیف مقلد حضرت امام خمینی (ره) بودم و از آنجا که پدرم درحادثه ۱۵ خرداد در قم حضور داشت و شاهد حمله کماندوهای رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه و شهادت و مجروحیت طلاب و روحانیون حوزه علمیه بود و با روحانیون مبارزه و تلاشگر مانوس بود بطور طبیعی اینجانب از همان سال اول تحصیل با قیام حضرت امام همراه شدم، در همان سال اول طلبگی در مدرسه ملا عبدالله گاهی شبها نوارهای کاست که از نجف ارسال شده بود را همراه با تنی چند از طلاب آن روز مدرسه که حاوی سخنرانیهای امام خمینی (ره) بود استماع و در توزیع اعلامیه های ایشان مشارکت داشتم، و پس از آنکه به قم آمدم این فعالیتها ادامه یافت و با اکثر چهره های انقلابی حوزه آشنا و همراه شدم.

قاضی عسکر، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به داور پناه. عالم فاضل، و محقق جلیل، در خوانسار متولد گردیده، و در محل تولد خود و اصفهان و نجف تحصیل کرد، مجتهدی عالی مقدار، و مدرسی کامل بود. در فقه و اصول و ادبیات در حدود سطوح و خارج تدریس می‌فرمود، و در کشف معضلات علوم، ید بیضا می‌نمود. سال‌ها در مدرسه‌ی درکوشک، فرائد و متاجر و کفایه مباحثه می‌نمود، جمعی از افاضل این شهر خدمت او تحصیل نموده‌اند.

از بدو تشکیل مدارس جدید به خدمت فرهنگ وارد شده، و بدین جهت مقامات علمی مشارالیه مجهول ماند، و آن طور که باید و شاید از ایشان استفاده نگردید.

در ارتش سال‌ها به عنوان قاضی عسکر خدمت می‌نمود.

نگارنده مدتی از محضر ایشان در علوم عربیت استفاده نموده است.

در رجب سال ۱۳۸۲ به سن متجاوز از هشتاد وفات یافته، در این تکیه در بقعه‌ای مخصوص مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قاضی فضل خنجی اصفهانی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌روزبهان معروف به باشا و ملقب به امین.

فقیه ادیب ناصبی [؟] متعصب. وی را کتب و رسائلی است، از آن جمله است:

۱- ابطال الباطل، در رد نهج‌الحق علامه‌ی [حلی] و آن را علامه‌ی فقیه شهید قاضی نورالله شوشتری رد نموده، و آن را احقاق الحق نامید ۲- المقاصد در علم کلام] ۳- شرح صلوات بر چهارده معصوم]؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قاضی کمره‌ای، جعفر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل محقق، استاد علمای زمان، و مرجع فتوی و احکام بوده، در خدمت آقا حسین خوانساری، و ملا محمدباقر سبزواری، و ملا محمدتقی مجلسی تلمذ نموده، و سال‌ها منصب قضاوت اصفهان را داشته؛ بر بسیاری از کتب حواشی و شرح نوشته، از آن جمله است:

۱ - حواشی و تعلیقات بر شرح لمعه ۲ - حواشی بر کفایه‌ی سبزواری ۳ - رساله در اصول دین، فارسی ۴ - ذخائر العقبی، در تعقیبات ۵ - وجیزه، در حکم ولایت وصی بر نکاح صغیر؛ و غیره.

وفاتش در ۱۱۱۵ در مسافرت حج در عراق روی داده است، و در نجف مدفون گردیده.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قاضی لاغر سیستانی، احمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۸ ق)، قاضـی و شـاعر. وی از شـاعران مشـهور زمان خود و اهل سیسـتان بود که در آن جا منصب قضاوت داشت. چون در سیسـتان قاضی دیگری بود که فربه بود قاضی احمد به قاضی لاغر مشهور شد و گفته‌اند که وی ب علت نحیف بودن بدنش به لاغر تخلص می‌کرده است. گویا از حاکم سیسـتان رنجیده خاطر می‌شود و به قندهار مسافرت می‌کند. میرزا سنگلاخ نسخه‌ای از «دیوان» وی را به خط مختاربیگ قزوینی و نسخه‌ای دیگر را به خط ابوتراب اصفهانی دیده است. از اوست:

خوبان گل گلشن حیات‌اند همه

شکرلب و شیرین حرکاتند همه

از آدمیان غرض همین ایشانند

بگذار که باقی حشراتند همه

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۴۲۲ / ۱)، تحفه سـامی (۱۱۵ -۱۱۴)، تـذکره الخطاطین (۲۷۳ ،۷ / ۲)،الذریعه (۹۳۸ ،۸۷۱ / ۹)، ریحانه (۱۱۹ / ۵)، صبح گلشن (۳۵۱)، فرهنگ سخنوران (۷۳۵)، لغت‌نامه (ذیل/ قاضی لاغر، لاغر)، هفت اقلیم (۳۰۰ -۲۹۹ / ۱).

قاضی لاهیجانی گیلانی، یحیی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۳ / ۹۵۲ ق)، شاعر. وی برادرزاده‌ی قاضـی عبدالله یقینی و مردی دانشـمند و از مشایخ نوربخشیه لاهیجان به شمار می‌رفت. وی به هندوسـتان مسـافرت کرد و در آنجا به دربار همایون محمـدشاه بابری راه یافت و به منصب کتابـداری شاه جهان، پادشاه هند رسید. بعد از مدتی دوباره به ایران بازگشت و در کاشان درگذشت. او در غزلسرایی استاد بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۶۳ -۸۶۱ / ۲)، تاریخ نظم و نثر (۵۱۱)، تحفه‌ی سامی (۱۲۷)، تذکره‌ی روز روشن (۹۴۳ -۹۴۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۴۳ -۲۴۲)، الذریعه (۸۷۳ / ۹)،ریاض العارفین (۲۳۸)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۲)، کتاب گیلان (۶۸۸ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ قاضـی یحیی)، مجمع الخواص (۱۸۴)، نامه و نامداران گیلان (۳۸۵)، نتاریج الافکار (۷۸۸ -۷۸۷)، هفت اقلیم (۱۴۴ -۱۴۳ / ۳).

قاضی منصور، تاج‌الدین، ابوعبدالله عبدالله

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۹۹ ق)، عـالم حنفی. اهـل سیسـتان بود. از آثـار وی: «البحر الجـاری فی الفتـاوی»، حاوی فتاوای مـذاهب اربعه‌ی اهل سـنت؛ «المختـار»، در علم فقه، که در «کشـف الظنـون» نظم «المختـار» مجدالـدین موصـلی را به وی نسبت داده است؛ «نظم السـراجیه»، که کتاب «سراجیه»، در فرائض، را به نظم درآورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۴۲۵ / ۴)، کشف الظنون (۱۶۲۳ ،۲۲۴)، لغت‌نامه (ذیل/ تاج‌الدین، قاضی منصور).

قاضی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن شیخ عبدالرحیم، از خاندان محقّق سبزواری، عالمی جلیل، و پدر زن مرحوم حاج آقا مجلس (فرزند آقا سید ابوجعفر بن علّامه سید صدر الدین عاملی) بوده، و در سال ۱۳۱۷ قمری وفات یافته است.

مشـارالیه بـانی ساختمـان شبسـتان بزرگ مسجد علی قلی آقـا است که خود را در آنجـا اقـامه جمـاعت می‌نموده است. تاریـخ بنای شبستان مرقوم، سال ۱۲۹۷ می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قاضی، باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید باقر بن العالم الجلیل آقا میرزا محمد علی متوفی ۱۳۱۲ بن الایه العظمی آقای حاج میرزا محسن آقای قاضی طباطبائی در سال ۱۲۸۵ در تبریز متولد و مقدمات و مبادی فقه و اصول و کلام و معقول را از علماء و فضلاء تبریز مثل آقا میرزا محمد و اصولی و حاج میرزا محمد علی قراچه داغی و آقا سید علی یزدی صاحب رسائل مظفری و معاصرین دیگر ایشان تحصیل نموده و در سال ۱۳۰۸ به عتبات عالیات مشرف و بعد از درک حضور امام مجدد شیراز در سامری وارد نجف و در حوزه درس آیه الله حاج میرزا حبیب الله رشتی و فاضل شربیانی و آقا شیخ محمد باقر اصطهبانی و صاحب الکرامات آخوند ملا اسمعیل قراباغی و در اخلاق در حوزه آخوند ملا حسینقلی همدانی حاضر بودند و به جهت بعضی دواعی و پیشامدها به تبریز مراجعت و بعد از دو سه سال باز توفیق رفیق گشته معاودت به نجف نموده و به بحث آیه الله آقا سید محمد کاظم یزدی و استاد کل شیخ الشریعه اصفهانی حاضر شده تا در سال ۱۳۲۴ ق به تبریز مراجعت فرمودند.

وی اجازاتی از مرحوم آیت الله یزدی و فاضل شربیانی داشته و از بعضی از معاصرین خود چون آیت الله العظیم اصفهانی روایت می‌کنند.

تألیفات آن مرحوم عبارت است از حاشیه بر رسائل شیخ انصاری و حاشیه بر فصول و حواشی بر مکاسب و کتابی در اصول آداب تقریرات اساتیدشان می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

قاضی، جعفر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از مشایخ بلده کمره بوده، و از اعاظم تلامذه استاد العلماء آقا حسین خوانساری، و جامع فنون علوم بود، و در مدرس او جمعی کثیری از افاضل استفاده می‌کرده‌اند. مشارالیه از شاگردان علّامه مجلسی و آقا حسین خوانساری و ملّا محمد باقر سبزواری بود.

در الذریعهٔ (۶:۱۰) به نقل از تاریخ امیر اسماعیل خاتون آبادی گوید: شیخ جعفر بن عبداللّٰه بن ابراهیم در سال ۱۱۱۵ در سفر حج قبل از رسیدن به نجف وفات یافته، در جنب علّامه حلّی مدفون گردید.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱– حاشیه بر کفایه سبزواری.

۲– ذخائر العقبی، در تعقیبات نماز.

در روضات الجنات گوید: آن را بر حسب امر شاه سلطان حسین صفوی تألیف نموده است.

۳– رساله در طبیعی و الهی [=تحفه سلطانی]

۴– حاشیه بر روضهٔ البهیهٔ.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قاضی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آناتومی دام، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دامپزشکی و متخصص آناتومی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده دامپزشکی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس جنین‌شناسی، آناتومی پایه، آناتومی مقایسه‌ای به دانشجویان دوره دکترای عمومی و دروس مربوط به آناتومی پیشرفته حیوانات اهلی، جنین‌شناسی پیشرفته، تکنیکهای آناتومی و آناتومی کاربردی به رزیدنتهای دوره تخصصی علوم تشریحی دامپزشکی و رزیدنتهای دوره تخصصی جراحی دامپزشکی، تحقیق در مورد آناتومی عروق رحمی تخمدان شتر، آناتومی جفت شتر، آناتومی عروق کرونر قلب شتر، آناتومی سیستم هدایتی قلب شتر، تعیین ضریب رشد آلومتریک نخاع شوکی نسبت به ستون فقرات در مراحل جنینی، نوزاد و بالغ گوسفند، مطالعه نتیجه رشد آلومتریک نخاع شوکی نسبت به ستون فقرات در شتر بالغ، استاد راهنمای ۲ پایان‌نامه دکترا و ۲ پایان‌نامه دوره تخصصی و داور ۲۰ پایان‌نامه دکترای عمومی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

جنین‌شناسی حیوانات اهلی، مکانیسم‌های رشد تکاملی و ناهنجاریها.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

متابولیسم استروئیدها در جنین و مادر در گوسفند، آناتومی عروق رحم و تخمدان در شتر ماده، آناتومی جفت یا پلاسنتا در شتر ماده.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

قاضی، زاهدی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سرسلسله قاضی زاهدیها مردی بزرگوار و فقیهی پرهیزکار و از نامداران روزگار بوده از طرف سلاطین صفویه برای قضاوت شرعی بین مردم گلپایگان و نواحی آن منصوب گردیده و شیخ‌الاسلام عهد و زمان خود بوده و چون در زهد و علم و ورع و تقوا به پایه اعلی رسیده مشهور به قاضی زاهد گردیده.

بیت چند صدساله او بیت علم و تقوا و فضیلت است و از باقیات الصالحات اوست مقبره و پل قاضی زاهد.

حضرت آیت‌اللَّه العظمی مرعشی مدظله می‌فرمودند معظم‌له از رجال برجسته علم و فضیلت و دارای مؤلفانی بوده و من شرح احوال او را دیده‌ام.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قاضی، عبدالوهاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند شیخ محمّد، از سلسله مشایخ بیدآباد، عالم فاضل محقّق بوده، و در سال ۱۲۰۶ وفات یافته، در پشت بقعه آقا محمّد بیدآبادی مدفون گردیده است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قاضی، علی آقا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید علی آقا قاضی فرزند حاج سید حسین قاضی است. ایشان در سیزدهم ماه ذی الحجهٔ الحرام سال ۱۲۸۲هـ.ق. از بطن دختر حاج میرزا محسن قاضی، در تبریز متولد شد و او را علی نام نهادند، بعد از بلوغ و رشد به تحصیل علوم ادبیه و دینیه مشغول گردید و مدتی در نزد پدر بزرگوار خود و میرزا موسی تبریزی و میرزا محمد علی قراچه داغی درس خواند.

در ایشان، سید حسین قاضی، انسانی بزرگ و وارسته بود که از شاگردان برجسته آیت الله العظمی میرزا محمد حسن شیرازی بود و از ایشان اجازه اجتهاد داشت.

درباره ایشان گفته اند زمانی که قصد داشت سامرا را ترک کند و به زادگاه خویش تبریز باز گردد استادش میرزای شیرازی به وی فرمود در شبانه روز یک ساعت را برای خودت بگذار.

یک سال بعد چند نفر از تجار تبریز به سامرا مشرف می شوند و با آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی ملاقات می کنند؛ وقتی ایشان احوال شاگرد خویش را جویا می شود، می گویند:

« یک ساعتی که شما نصیحت فرموده اید، تمام اوقات ایشان را گرفته، و در شب و روز با خدای خود مراوده دارند. » تحصیلات سید علی قاضی از همان ابتدای جوانی تحصیلات خود را نزد پدر بزرگوار سید حسین قاضی و میرزا موسوی تبریزی و میرزا محمد علی قراچه داغی آغاز کرد.

پدرش به علم تفسیر علاقه و رغبت خاص و ید طولایی داشته است، چنانکه سید علی آقا خودش تصریح کرده که تفسیر کشاف را خدمت پدرش خوانده است. همچنین ایشان ادبیات عربی و فارسی را پیش شاعر نامی و دانشمند معروف میرزا محمد تقی تبریزی معروف به «حجهٔ الاسلام» و متخلص به « نیر» خوانده و از ایشان اشعار زیادی به فارسی و عربی نقل می کرد و شعر طنز ایشان را که

هزار بیت بود از بر کرده بود و می خواند.

ایشان در سال ۱۳۰۸هـ.ق. در سن ۲۶ سالگی به نجف اشرف مشرف شد و تا آخر عمر آن جا را موطن اصلی خویش قرار داد.

آیت الله سید علی آقا قاضی از زمانی که وارد نجف اشرف شد، دیگر از آنجا به هیچ عنوان خارج نشد مگر یک بار برای زیارت مشهد مقدس حدود سال ۱۳۳۰هـ.ق به ایران سفر کرد و بعد از زیارت به طهران بازگشت و مدت کوتاهی در شهرری در جوار شاه عبدالعظیم اقامت گزید. اساتید

ایشان در نجف نزد مرحوم فاضل شرابیانی، شیخ محمد حسن مامقانی، شیخ فتح الله شریعت، آخوند خراسانی، عارف کامل حاج امامقلی نخجوانی و حاجی میرزا حسین خلیلی درس خواند و مخصوصاً از بهترین شاگردان این استاد اخیر به شمار می آمد که در خدمت وی تهذیب اخلاق را تحصیل کرد.

آقازاده سید علی آقا قاضی نقل می کند:

« ... میرزا علی آقا قاضی بسیار از استادش میرزا حسین خلیلی یاد می کرد و او را به نیکی نام می برد و من ندیدم کسی مثل این استادش او را در شگفتی اندازد و هر وقت نام این استاد نزدش برده می شد به او حالت بهت و سکوت دست می داد و غرق تأملات و تفکرات می شد! »

ایشان از سن نوجوانی تحت تربیت والد گرامی، آقا سید حسین قاضی بود و جوهره حرکت و سلوک ایشان از پدر بزرگوارشان می باشد و بعد از آن که به نجف اشرف مشرف شدند، نزد آیت الله شیخ محمد بهاری و آیت الله سید احمد کربلایی معروف به واحد العین و به کسب مکارم اخلاقی و عرفانی پرداخت و این دو نیز از مبرزترین شاگردان ملاحسینقلی همدانی(ره) بودند.

درباره ملاحسینقلی همدانی حکایات هـای بس شگفت آوری نقل شده، که گویای عظمت، روح بلند و نفوذ معنوی ایشان می باشد. او با عشق و همت بی نظیر زمان زیادی از عمرش را به تربیت مستعدین سپری کرد تا این که توانست ۳۰۰ نفر را تربیت کند که هر یک از آنها یکی از اولیای الهی شدند، مانند شیخ محمد بهاری، مرحوم سید احمد کربلایی، مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی و ... .

سلسه اساتید ملاحسینقلی همدانی به حاج سید علی شوشتری و سپس به شخصی به نام ملاقلی جولا می رسد.

آقا سید علی قاضی در عراق به خدمت جمعی از اکابر اولیاء رسید و از آن جمله سالهایی چند در تحت تربیت مرحوم آقا سید احمد کربلایی معروف به واحدالعین، قرار گرفت و از صحبت آن بزرگوار به درجات اولیاء أبرار ارتقاء گزید، چندان که در تهذیب اخلاق شاگردان و مریدان و ملازمان چندی را تربیت کرد.

آقا سید علی آقای قاضی درباره این استادش می فرماید:

« شبی از شبها را به مسجد سهله می گذارنیدم- زاده الله شرفاً- به تنهایی به نیمه شب یکی در آمد و به مقام ابراهیم علیه السلام مقام کرد و از پی فریضه صبح در سجده شد تا طلوع خورشید. آنگاه برفتم و دیدم عین الانسان و الانسان العین آقا سید احمد کربلایی بکاء است، و از شدت گریه، خاک سجده گاه گل کرده است! و صبح برفت و در حجره نشست و چنان می خندید که صدای او به بیرون مسجد می رسید. »

آیت الله شیخ علی سعادت پرور نقل می کند:

« وقتی مرحوم آقا سید علی قاضی جوانی بیش نبود، پدر مرحومش آقا سید حسین قاضی که خود از دست پروردگان مرحوم عارف کامل حاج امامقلی نخجوانی بود به آقای قاضی سفارش کرده بود که هر روز به محضر استاد مشرف شده و چند ساعتی در محضرش بنشیند، اگر صحبت و کلامی شد که بهره گیرد و گرنه به صورت و هیئت استاد نظاره نماید. در آن روزها، مرض وبا در نجف غوغا می کرد، فرزندان مرحوم آقا امامقلی نخجوانی یکی پس از دیگری در اثر مرض وبا رحلت می کردند و ایشان بدون هیچ ناراحتی و انزجار قلبی به شکرگزاری مشغول بود. وقتی از وی علت این عمل را جویا شدند فرمود:

قباله های زمین را دیده اید که وقتی کسی صاحب یکی از آنها شد، هر کاری که دلش خواست با زمین اش انجام می دهد؛ حالا هم خدای سبحان صاحب و مالك اصلی این فرزندان و همه چیز من است و هر کاری که بخواهد با آنان انجام می دهد و کسی را حق سوال و اعتراض نیست! » درجه اجتهاد

پس از اقامت در نجف اشرف، تحصیلات حوزوی خود را نزد اساتیدی از جمله فاضل شربیانی، شیخ محمد مامقانی، شیخ فتح الله شریعت، آخوند خراسانی و... ادامه دادند و سرانجام کوشش های خستگی ناپذیر مرحوم آیت الله قاضی در راه کسب علم، کمال و دانش، در سن ۲۷ سالگی به ثمر نشست و این جوان بلند همت در عنفوان جوانی به درجه اجتهاد رسید. جامعیت علمی

آقا سید هاشم حداد از شاگردان ایشان می فرمود:

« مرحوم آقا (قاضی) یك عالمی بود که از جهت فقاهت بی نظیر بود. از جهت فهم روایت و حدیث بی نظیر بود. از جهت تفسیر و علوم قرآنی بی نظیر بود. از جهت ادبیات عرب و لغت و فصاحت بی نظیر بود، حتی از جهت تجوید و قرائت قرآن. و در مجالس فاتحه ای که احیاناً حضور پیدا می نمود، کمتر قاری قرآن بود که جرأت خواندن در حضور وی را داشته باشد، چرا که اشکالهای تجویدی و نحوه قرائتشان را می گفت... »

آیت الله خسروشاهی از علامه طباطبائی نقل می کردند که:

کتابهای معقول را خواندم ولی وقتی خدمت سید علی آقا قاضی رسیدم فهمیدم که یك کلمه هم نفهمیدم!

مرحوم قاضی در لغت عرب بی نظیر بود، گویند: چهل هزار لغت از حفظ داشت. و شعر عربی را چنان می سرود که اعراب تشخیص نمی دادند سراینده این شعر عجمی(غیر عرب) است. روزی در بین مذاکرات، مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالله مامقانی(ره) به ایشان می گوید:

من آن قدر در لغت و شعر عرب تسلط دارم که اگر شخص غیر عرب، شعری عربی بسراید من می فهمم که سراینده عجم است، اگرچه آن شعر در اعلی درجه از فصاحت و بلاغت باشد. مرحوم قاضی یکی از قصائد عربی را که سراینده اش عرب بود شروع به

خواندن می کند و در بین آن قصیده، از خود چند شعر بالبداهه اضافه می کند و سپس به ایشان می گوید: کدام یک از اینها را غیر عرب سروده است؟ و ایشان نتوانستند تشخیص دهند.

مرحوم قاضی در تفسیر قرآن کریم و معانی آن ید طولائی داشت و علامه طهرانی از قول مرحوم استاد علامه طباطبائی می فرمودند: « این سبک تفسیر آیه به آیه را مرحوم قاضی به ما تعلیم دادند و ما در تفسیر {المیزان}، از مسیر و روش ایشان پیروی می کنیم. ایشان در فهم معانی روایات وارده از ائمه معصومین علیهم السلام ذهن بسیار باز و روشنی داشتند و ما طریقه فهم احادیث را که « فقه الحدیث» گویند از ایشان آموخته ایم. » شاگردان

آیت الله قاضی طی سه دوره، اخلاق و عرفان اسلامی را با کلام نافذ و عمل صالح خویش تدریس فرمودند و در هر دوره شاگردانی پرورش دادند که هر کدام از بزرگان وادی عرفان و اخلاق محسوب می شوند؛ و البته فقط نام تعدادی از آن ها بر ما معلوم است و این که ایشان در حقیقت چه کسانی را تا قله های بلند عرفان و معنویت بالا کشیده و از شراب گوارای معرفت بر کامشان ریختند، برای ما بصورت کامل و دقیق آشکار نیست. اما به تعدادی از آن ها که مبرز و شناخته شده هستند، اشاره می کنیم:

آیت الله شیخ محمد تقی آملی(ره)

آیت الله سید محمد حسین طباطبائی(ره)

آیت الله سید محمد حسن طباطبایی(ره)

آیت الله محمد تقی بهجت فومنی(حفظه الله)

آیت الله سید عباس کاشانی(حفظه الله)

آیت الله سید عبد الکریم کشمیری(ره)

آیت الله شهید سید عبدالحسین دستغیب(ره)

آیت الله علی اکبر مرندی(ره)

آیت الله سید حسن مصطفوی تبریزی

آیت الله علی محمد بروجردی(ره)

آیت الله نجابت شیرازی(ره)

آیت الله سید محمد حسینی همدانی

آیت الله سید حسن مسقطی(ره)

آیت الله سید هاشم رضوی کشمیری(ره)

حاج سید هاشم حداد(ره)

و ... در پی محبوب

ایشان از جوانی به دنبال تزکیه و تهذیب نفس و کسب معنویت و معارف بلند اسلام بود و در این راه چهل سال صبر و مجاهده کرد و چهل سال درد طلب و عشق، آرام و قرار و خواب و خوراک را از وی ربوده بود.

ضمیر الهی اش او را به عالم قدس می خواند و او که قصد کوی جانان را در سر دارد، می خواهد به هر نحو شده از این خاکدان طبیعت به عالم نور و ملکوت پا گذارد.

می داند که جانب عشق عظیم است و نباید به راحتی از دستش بدهد و فرو بگذاردش، برای همین چهل سال است که مشغول مجاهده است.

چهل سال است که آداب عبودیت می آموزد و هنوز معشوق به حضور خود راهش نداده است!

خود ایشان می گوید:

« نزد هر کس احتمال می دادم از او چیزی بفهمم، می نشستم اگر مطلبی را می فهمیدم، که خود خدا نعمت داده بود و اگر نمی فهمیدم دیگر به آن شخص مراجعه نمی کردم. » تقیّد تام به آداب شرع

برای همین آن قدر خود را به ضوابط و آداب شرع و رعایت مستحبات و ترک مکروهات ملزم ساخته بود تا امری از محبوب فرو نماند و آن قدر بر آن اصرار می کند که به حسب طاقت بشری هیچ مستحبی از او فوت نمی شود تا آن جا که بعضی از مخالفان و معاندان می گویند:

« قاضی که این قدر خود را مقیّد به آداب کرده شخصی ریایی و خودنماست. »

و عده ای دیگر هم با وجود مخالفت باز نمی توانند تحسینش نکنند.

یکی از مخالفین ایشان می گوید:

« من سفر بسیار کردم، با بزرگان عالم اسلام محشور بوده ام و از احوال بسیاری از آنان بالمشاهده آگاهم اما حقیقتاً هیچ کس را همانند قاضی تا بدین حد مقید به آداب شرع ندیده ام. »

خود ایشان می گوید:

« چون بیست سال تمام چشمم را کنترل کرده بودم، چشم ترس برای من آمده بود، چنان که هر وقت می خواست نامحرمی وارد شود از دو دقیقه قبل خود به خود چشم هایم بسته می شد و خداوند به من منت گذاشت که چشم من بی اختیار روی هم می آمد و آن مشقت از من رفته بود. »

و ایشان نا امید نمی شود، می داند که طلب حقیقی جدا از مطلوب نیست زیرا که شنیده است:

« اذا تقرب الیّ شبراً تقربت الیه ذراعاً:

و هرگاه به اندازه یک وجب به من نزدیک شود به اندازه زراعی به او نزدیک شوم.»

این قدم ها باید برداشته شود و آن نزدیکی باید حاصل گردد تا زمانی که عاشق به معشوق برسد و پرده ها کامل برداشته شود و

وصال صورت گیرد و البته معلوم است که معشوق خود در همه جا پیشقدم و مشتاق تر است.

« او نیز اطمینان دارد که باز نشدن در روحانیت، نه از ناحیه بی التفاتی معشوق است بلکه اگر در، بی موقع باز شود صد در صد خام از کار در آید! »

و بعدها آیت الله قاضی که خود چهل سال پشت در مانده، و صادق بودن خود را در آن عشق و محبت به محبوب و معبود ازل ثابت کرده، درس استقامت و صبوری را به شاگردانش هم می آموزد و چنین می گوید:

« اگر به جستجوی آب زمین را کندی، نباید خسته و ناامید شوی، اگر وقتش باشد به آب می رسی، وگرنه ناامید مشو که بالاخره به آب می رسی و حتی آ برایت فوران می کند. »

آیت الله نجابت از قول ایشان می گوید:

« چهل سال است دم از پروردگار عالم زدم. چند مرتبه خواستند مرا بکشند، آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی نگذاشت و خدا هم کمکم کرد! در این مدت نه خوابی دیدم، نه مکاشفه ای، نه رفیقی، نه همدردی، چهل سال است که در را می کوبم و خبری نیست. » صبر و استقامت چهل ساله

بیت زیر از اشعار ایشان می باشد:

و لا تکن کمثل من ان فتح الباب خرج

والزم و کن کمثل من ان فتح الباب ولج

اگر دری باز شد، تو بیشتر استقامت به خرج بده؛ بگو خدایا! افزونش کن؛ باید در عبودیت استقامت ورزید، یعنی صبور شد؛ اگر خواستند بکشندش، بگوید من از خدا دست بر نمی دارم؛ اگر نان و آبش را قطع کردند، استقامت کند، و حتی اگر دنیا جمع شود و بگویند بیا صرفنظر کن بگوید صرفنظر نمی کنم.

و آیت الله قاضی به این زودی ها خسته نمی شود.

و می گوید:

« هر چه بادا باد، در بحر جنون پا می زنم، امشب کشفی نصیبم شد شد، نشد نشد، امشب خوابی دیدم دیدم، ندیدم ندیدم، من کشف نمی خواهم تمام این مدت چهل سال آن هم برای زرق و برق و کشف و کرامتی چند، نه! من معرفت خودش را می خواهم، من خودش را می خواهم. »

اسم اعظم را استقامت بر وحدانیت خدای جل و علا می داند و می گوید:

« اگر شخص در طلب، استقامت پیدا کرد، اسم اعظم در روح او جا پیدا می کند و آن وقت لایق اسرار ربوبی می گردد. »

و خود چون استقامت دارد، سرانجام صدای فرشتگان را می شنود که:

« ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکه الا تخافوا و لا تحزنوا و ابشروا بالجنه التی کنتم توعدون:

آنان که گفتند پروردگار ما الله است و بر این ایمان پایدار ماندند، فرشتگان بر آن ها نازل شوند که دیگر هیچ ترسی و حزن و اندوهی نداشته باشید و شما را به همان بهشتی که وعده دادند بشارت باد. سوره فصلت آیه ۳۰ ». فتح باب

آیت الله قاضی همیشه نماز مغرب و عشاء را، در حرمین شرفین امام حسین علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام به جا می آورد، و چون به حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام می رسد، با خود می اندیشد که تا به حال در مدت این چهل سال هیچ چیز از عالم معنا برایم ظهور نکرده، هر چه دارم به عنایت خدا و به برکت ثبات است.

در راه سیّد ترک زبانی که دیوانه است، به طرف او می دود و می گوید؛ سیّد علی، سیّد علی، امروز مرجع اولیاء در تمام دنیا حضرت ابوالفضل علیه السلام هستند، و او آن قدر سر در گریبان است که متوجه نمی شود آن سید چه می گوید! به حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام می رود. اذن دخول و زیارت و نماز زیارت می خواند و می خواهد که مشغول نماز مغرب شود.

آیت الله نجابت می گوید:

« تکبیره الاحرام را که می گوید، می بیند که وضع در اطراف حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام به طور کلی عوض می شود، آن گونه که نه چشمی تا به حال دیده و نه گوشی شنیده و نه به قلب بشری خطور کرده است. قرائت را کمی نگه می دارد تا وضع تخفیف یابد و بعد دوباره نماز را ادامه می دهد، مستحبات را کم می کند و نماز را سریع تر از همیشه به پایان می رساند. به حرم امام حسین علیه السلام نمی رود و به دنبال جایی خلوت به خانه رفته و برای این که با اهل منزل هم برخورد نکند به پشت بام می رود. آن جا دراز می کشد و دوباره آن حال می آید و بیشتر می ماند. تا اهل منزل سینی چای را می آورد، آن حال می رود. نماز عشاء را می خواند و دوباره آن وضع بر می گردد؛ چیزی که تا به حال حتی به گفته خودش یک ذره اش را هم ندیده است و حالا که دیده نه می تواند در بدن بماند و نه می تواند بیرون بیاید. دوباره که شام را می آوردند، آن حال قطع می شود و نیمه شب دوباره بر می گردد و مدت بیشتری طول می کشد. »

آری و بالاخره درهای آسمان برایش گشوده و فتح باب می شود.

می گوید:

« آن چه را می خواستم، تماماً بدست آوردم و امام حسین علیه السلام در را به رویم گشود. ابن فارض یک قصیده تائیه برای استادش گفته؛ من هم یک قصیده تائیه برای امام حسین علیه السلام گفته ام نمره یک! که کار مرا ایشان درست کرد و در غیب را به نحو اتم برایم باز کرد. »

« او در اثر طلب حقیقی و استقامت به خانه که نه، به خود صاحبخانه رسیده است و یار او را به درون خانه راه داده؛ او از حصار تنگ دنیا که خیال و سرابی بیش نبوده و حقیقی ندارد، گذشته و به عالم روح و مجردات پیوسته است و چون فهمیده که از عالم خیال چیزی نصیبش نمی شود، باب خیال برایش بسته می شود. »

آیت الله نجابت نقل می کند:

دفعه اولی که ما آیت الله قاضی را دیدیم، خیلی با ما گرم گرفتند و ما را تحویل گرفتند. در اثر این التفات زیاد، من زبانم باز شد و گفتم: آقا این وضع اهل معرفت به خیال است یا به حقیقت؟ ناگهان ایشان چشمهایش درشت شد و گفت:

« ای فرزندم من چهل سال است با حضرت حق هستم و دم از او می زنم این پندار و خیال است؟! » رحلت

به هر حال، میرزا علی آقا قاضی پس از سالها تدریس معارف بلند اسلامی و تربیت شاگردان الهی، در روز دوشنبه چهارم ماه ربیع المولود سال ۱۳۶۶ مطابق هفتم بهمن ماه در نجف اشرف وفات کرد و در وادی الاسلام نزد پدر خود دفن شد.

مدت عمر شریف ایشان هشتاد و سه سال و دو ماه و بیست و یک روز بوده است.

ایشان در سال های آخر عمر عطش و بی تابی، جسم و روحش را با هم می سوزاند و او مرتب آب می خواهد و می گوید:

« در سینه ام آتش است ساکت نمی شود. »

و دائم با خود تکرار می کند:

گفت من مستسقی ام آبم کشد

گر چه می دانم که هم آبم کشد

طبیبش به وی می گوید:

« آقا من طبیب شما هستم، به شما می گویم در این ماه رمضان روزی ۳-۲ لیوان آب بخورید. »

و او که می داند این آب آن آتش را خاموش نمی کند تا آخر روزه هایش را کامل می گیرد و می گوید:

« رها کن تا که چون ماهی گدازان غمش باشم »

لحظات احتضار سخت ترین لحظات برای زمین و زیباترین لحظات برای عارف است.

آیت الله کشمیری می فرمودند:

هنگام احتضار، خودش با اشاره به بدن خود می فرمود:

« این دارد می رود. »

و هنگام غسل مشاهده شد که صورتش باز و لبانش خندان بود.

باز آیت الله کشمیری فرمودند:

« بعد از وفاتش خواستم بفهمم مقام ایشان چقدر است، در رؤیا دیدم از قبر آقای قاضی تا به آسمان نور کشیده شده است، فهمیدم خیلی مقام والایی دارد. »

سید عبدالحسین قاضی نوه ایشان جریان شب رحلت آقای قاضی را این طور بیان می کند:

« ایشان مدتی بیمار بودند. یک شب به پدرم که در آن زمان ۲۰ ساله بودند می گویند که امشب نخواب و بیدار باش. پدرم هم متوجه نمی شود که جریان چیست.

ایشان نقل می کند که ساعتی از نیمه شب آقای قاضی او را صدا می زنند و رو به قبله دراز می کشند و می گویند من در حال مرگ هستم و به او سفارش می کنند که همسر و بچه های دیگرشان را بیدار نکند و تا صبح بالای سرشان بنشیند و قرآن بخواند.

پدرم می گوید علی رغم این که اگر کسی بداند که پدش در حال مرگ است و هیچ نگوید، سخت است، اما من این موضوع را با کمال آرامش پذیرفتم و به کسی هیچ نگفتم و پیش او نشستم.

آقای قاضی به من فرمودند که دارم راحت می شوم و این راحتی از طرف پاهایم شروع شده و به طرف بالا می آید. سپس فرمودند فقط قلبم درد می کند بعد فرمودند که رویم را بپوشان، من هم روی صورتشان را پوشاندم و ایشان از دنیا رفتند.

من بدون هیچ دغدغه و اضطراب تا صبح پیش ایشان نشستم و قرآن خواندم تا آن که هنگام اذان صبح شد و خانواده آمدند و پرسیدند که جریان چیست و من هم گفتم که پدر فوت شده است و فریاد و سر و صدا از اهل خانه بلند شد و در آن لحظه تازه متوجه تصرف او شدم و فهمیدم چه اتفاقی افتاده است و از مرگ پدرم بسیار متأثر شدم. »

او که عمری با عشق و سر سپردگی به مولایش امام حسین علیه السلام سر کرده، غریب نیست اگر حضرتش، کریمانه، خود کسی را سراغش بفرستد تا کارهای دفن و کفن او را بجا آورد. آقا یحیی هرگز آقای قاضی را نمی شناخته ولی از طرف امام حسین علیه السلام در حالت خواب یا مکاشفه برای این امر مأموریت پیدا می کند و تمام کارهای کفن و دفن ایشان را انجام می دهد.

آیت الله بهجت می فرمودند:

« شب قبل از وفات آقای قاضی، کسی خواب دیده بود که تابوتی را می برند که رویش نوشته شده بود « توفی ولیّ الله » فردا دیدند آقای قاضی وفات کرده است. » تناثر نجوم در رحلت ایشان

مرحوم علامه آقا سید عبدالعزیز طباطبائی یزدی نقل نمود که از استادم مرحوم آیت الله العظمی خوئی شنیدم که فرمود:

« در ایام وفات استاد اخلاق آقا سید علی قاضی تبریزی تناثر نجوم رخ داد و این به جهت رفعت مقام آن مرحوم بود.

مرحوم طباطبائی یزدی نقل کرد که ما گفتیم: این اصلاً محال است که ستاره ها به خاطر کسی ریزش کنند و سقوط نمایند ولی استادمان آقای خوئی تأکید نمود، شما انکار کنید من که خودم این واقعه شگفت انگیز را با چشمان خود دیدم و نمی توانم چیزی را که در پیش من یقینی است، انکار نمایم. »

قاضی، قاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: علوم تربیتی، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فلسفه و علوم تربیتی با رتبه اول از دانشگاه تهراندر سلا ۱۳۳۶، دکترای فلسفه و گواهینامه روانشناسی در سال ۱۳۳۶، دکترای آموزش و پرورش پیش‌دبستانی و کسب دیپلم تخصصی روان‌شناسی مشاوره از آمریکا در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۱، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۱.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

روان‌شناسی مشاوره، تعلیم و تربیت کودک و نوجوان، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳۴ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

روان‌شناسی و علوم تربیتی (مشاوره، تربیت کودک، بازی، آموزش پیش‌دبستانی و دبستانی).

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۹، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

روان‌شناسی مشاوره و تعلیم و تربیت.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

قاضی، قاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر قاسم قاضی در سال ۱۳۱۲ درشمیران متولد شد. وی در سال ۱۳۳۳ وارد رشتهٔ فلسفه و علوم تربیتی دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران شد. در سال ۱۳۳۶ ، با رتبهٔ شاگرد اولی و اخذ مدال درجه یک علمی فارغ التحصیل گردید. در همان سال در رشته دکتری فلسفه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران پذیرفته شد و به اخذ روشها و تنامه در روان شناسی و طبقه شناسی نایل آمد.ایشان همچنین در سال ۱۳۴۰ برا ی ادامه تحصیل به کشور انگلستان اعزام شد. پس از دریافت دو مدرک دیپلم آموزش و کارشناسی ارشد تعلیم و تربیت به ایران مراجعه کرد و به دانشگاه تهران انتقال یافت. پس از ۳ سال خدمت در دانشکدهٔ روان شناسی و علوم تربیتی برای دریافت درجهٔ دکتری عازم کشور آمریکا شد. پس از ۳ سال تحصیل در دانشگاه ایالتی بال ، در رشتهٔ تعلیم و تربیت و تخصص در رشتهٔ روان شناسی مشاوره در سال ۱۳۵۰ به ایران بازگشت. از آن تاریخ به بعد به ترتیب مدارج استادیاری، دانشیاری و استادی را طی کرد.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی گرایش : آموزش و پرورش پیش دبستانی تحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر قاسم قاضی تحصیلات دبستان و دبیرستان خود تا پنجم دبیرستان را در دبیرستان شاهپور تجریش که آن زمان هر دو دوره را دربر می گرفت، گذرانید. ششم دبیرستان را در دبیرستان علمیه و در رشته ادبی به پایان رسانید و در سال ۱۳۳۳ وارد رشتهٔ فلسفه و علوم تربیتی دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران شد. در سال ۱۳۳۶ ، با رتبهٔ شاگرد اولی و اخذ مدال درجه یک علمی فارغ التحصیل گردید. در همان سال در رشته دکتری فلسفه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران پذیرفته شد و به اخذ روشها و تنامه در روان شناسی و طبقه شناسی نایل آمد. در سال ۱۳۴۰ برا ی ادامه تحصیل به کشور انگلستان اعزام شد. پس از دریافت دو مدرک دیپلم آموزش و کارشناسی ارشد تعلیم و تربیت به ایران مراجعه کرد و به دانشگاه تهران انتقال یافت. پس از ۳ سال خدمت در دانشکدهٔ روان شناسی و علوم تربیتی برای دریافت درجهٔ دکتری عازم کشور آمریکا شد. پس از ۳ سال تحصیل در دانشگاه ایالتی بال ، در رشتهٔ تعلیم و تربیت و تخصص در رشتهٔ روان شناسی مشاوره در سال ۱۳۵۰ به ایران بازگشت.همسر و فرزندان : دکتر قاضی متأهل،و دارای دو فرزند است.وقایع میانسالی : دکتر قاضی پس از کسب دکتری در رشته آموزش و پرورش کودکان به عضویت هیئت علمی دانشکده روانشاسی و علوم تربیتی دانشگاه در آمد وی هم اکنون با رتبه علمی استادی مشغول به تدریس است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر قاضی عضو هیئت علمی و استاد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران است. تجارب مدیریتی از آذرماه ۱۳۵۸ تا اردیبهشت ۱۳۵۹ سرپرست دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. از آبان‌ماه ۱۳۵۲ تا مهرماه ۱۳۵۶، سرپرست گروه آموزشی روش‌ها و برنامه‌های درسی دانشگاه تهران. مدیر گروه آموزشی کارشناسی ارشد روان‌شناسی مشاوره در دانشگاه آزاد اسلامی (واحد رودهن) ۱۳۷۱ تاکنون. سرپرست مرکز مشاوره و خدمات روانشناسی در دانشگاه آزاد اسلامی (واحد رودهن) ۱۳۷۱ تاکنون کارآموزی معلمی در مدارس مدرن انگلستان به مدت یک ترم- ۱۳۶۳ میلادی. سرپرست گروه مشاوران راهنمایی مدارس گروه فرهنگی هدف— ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۳. سرپرست گروه مشاوران راهنمایی و دبیرستان نظام تهران- ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷. عضو کمیته عالی برنامه‌ریزی برنامه خانواده در سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران ۱۳۵۲. عضو هیئت داوران هفتمین و هشتمین فستیوال فیلم‌های کودکان و نوجوانان (تهران) ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲. عضو آموزشی کلینیک خواندن و مرکز مواد خواندنی- دانشگاه ایالتی بال- امریکا ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۲. عضو هیئت تحریریه مجله روانشناسی و علوم تربیتی- دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه

تهران، از ۱۳۵۱ تاکنون. ویراستار بین‌المللی مجله انجمن بین‌المللی روان‌شناسی آموزشگاهی. مدیر دفتر مشاوره و راهنمایی کودک و خانواده (دفتر خصوصی) از ۱۳۵۲ تاکنون. عضو انجمن روان‌شناسی ایران (قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران) عضو انجمن بین‌المللی روان‌شناسی آموزشگاهی (ISPA) از ۱۹۷۲ میلادی تاکنون عضو انجمن ایرانی تعلیم و تربیت عضو انجمن بین‌آلمللی میزگرد برای پیشبرد مشاوره(irfac) عضو (سابق) انجمن روان‌شناسی امریکا (APA) عضو شورای دانشجویان خارجی دانشگاه ایالتی بال در سال تحصیلی ۷۲-۱۹۷۱ میلادی. عضو هیآت امنا کتابخانه و موزه ملک، تهران ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰. عضویت افتخاری انجمن ملی حمایت از کودکان در ایران ۱۳۷۵. رئیس کمیته تخصصی روان‌شناسی مشاوره ـ بخش روان‌شناسی مشاوره انجمن روان‌شناسی ایران، از ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۷. تقدیرنامه از طرف قائم مقام وزیر آموزش و پرورش برای بنیان‌گذاری نظام جدید آموزش متوسطه (دبیرستانهای نظام جدید)، شماره ۴۴۰۰/۴۰۰ تا تاریخ ۸/۵/۱۳۷۴ عضو هیئت مدیره انجمن روان‌شناسی ایران، ۱۳۷۹، به مدت ۲ سال فعالیتهای آموزشی : قاسم قاضی پس اخذ مدرک کارشناسی، از خدمت دبیری وزارت آموزش و پرورش درآمد و در سال ۱۳۴۰ برا ی ادامه تحصیل به کشور انگلستان اعزام شد. پس از دریافت دو مدرک دیپلم آموزش و کارشناسی ارشد تعلیم و تربیت به ایران مراجعه کرد و به دانشگاه تهران انتقال یافت. پس از ۳ سال خدمت در دانشکدهٔ روان شناسی و علوم تربیتی برای دریافت درجهٔ دکتری عازم کشور آمریکا شد. پس از ۳ سال تحصیل در دانشگاه ایالتی بال ، در رشتهٔ تعلیم و تربیت و تخصص در رشتهٔ روان شناسی مشاوره در سال ۱۳۵۰ به ایران بازگشت. از آن تاریخ به بعد به ترتیب مدارج استادیاری، دانشیاری و استادی را طی کرد. دکتر قاسم قاضی پس از اخذ تخصص در رشتهٔ روان شناسی مشاوره ، به موازات تدریس در دانشگاههای تهران، شهید بهشتی، علامه طباطبایی و علوم بهزیستی و توانبخشی به کار مشاوره و روان درمانی با افراد و خانواده ها مشغول بوده است که حاصل تجربه های خود را در کتاب های مختلف و به طور اختصاصی در کتاب آورده است. عنوان دروس ارائه شده توسط ایشان به قرار زیر است: دروس :روشهای مشاوره و مصاحبه - روانشناسی مشاوره و راهنمایی - نظریه های مشاوره و روان درمانی- آموزش و پرورش پیش دبستانی و دبستانی در دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران دروس : اصول و فنون مشاوره و راهنمایی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. دروس : نظریه های پیشرفته مشاوره و روان درمانی دانشگاه اسلامی رودهن دروس : تمرین و کارورزی مشاوره در دانشگاه آزاد اسلامی و دانشکده روانشناسی رود هن. جوائز و نشانها : - فارغ‌التحصیل رتبه اول دوره کارشناسی رشته فلسفه و علوم تربیتی دانشگاه تهران. دریافت مدال درجه ۱ علمی. مهرماه ۱۳۳۶. - دریافت بورس تحصیلی و مأموریت علمی از طرف وزارت آموزش و پرورش از ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۴. - دریافت بورس تحصیلی و مآموریت علمی از طرف دانشگاه تهران از آبان‌ماه ۱۳۴۸تا فروردین‌ماه ۱۳۵۱. -دریافت بورس تحصیلی از دانشگاه ایالتی بال از نوامبر ۱۹۶۹تا مارس ۱۹۷۲. چگونگی عرضه آثار : دکتر قاضی استاد راهنمای بیش از ۱۰ پایان نامه کارشناسی ارشد بوده است. وی همچنین دارای ۲۰ مقاله به زبان فارسی و ۳ تالیف و ۴ ترجمه است. قابل ذکر است که دکتر قاسم قاضی در تألیف و ترجمهٔ آثار زیر شرکت داشته است : ۱ ـ آموزش و پرورش پیش دبستانی و دبستانی، نوشته بازرسان سلطنتی انگلستان، چاپ جهاد دانشگاهی تهران، ۱۳۷۳ ۲ ـ نظریه ها و روشهای مشاوره و روان درمانی، چاپ چهارم، جهاد دانشگاهی تهران، ۱۳۷۸. ۳ ـ سه گفتار و یک آزمون ، چاپ انتشارات سپهر، ۱۳۶۸. ۴ ـ بازی تفکر کودک است ، نوشتهٔ اولین شارپ، انتشارات سپهر، چاپ چهارم، ۱۳۶۹. ۵ ـ روان شناسی انسان سلطه جو، نوشتهٔ اورت شوستر و م، انتشارات سپهر، چاپ چهارم، ۱۳۶۹.آثار : آموزش و پرورش پیش دبستانی و دبستانی ویژگی اثر : ترجمه جهاد دانشگاهی - دانشگاه تهران فارسی ۱۳۷۵۲ بازی تفکر کودک است ویژگی اثر : نوشتهٔ اولین شارپ، انتشارات سپهر، چاپ چهارم، ۱۳۶۹۳ در آمدی بر انسان شده ویژگی اثر : ترجمه- دانشگاه آزاد اسلامی- فارسی ۱۳۶۹۴ روانشناسی انسان سلطه جو ویژگی اثر : ترجمه- انتشارات سپهر- فارسی ۱۳۷۲۵ روشها و تکنیکهای مشاوره و روان درمانی ویژگی اثر : تالیف - جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران - فارسی ۱۳۷۰۶ زمینه مشاوره و راهنمایی ویژگی اثر : تالیف- موسسه انتشارات دانشگاه تهران- فارسی ۱۳۷۳۷ سه گفتار و یک آزمون ویژگی اثر : تالیف- انتشارات سپهر - فارسی ۱۳۶۹۸ مورد پژوهی در مشاهده روان درمانی ۹ نظریه ها و روشهای مشاهده و روان درمانی ویژگی اثر : چاپ چهارم، جهاد دانشگاهی تهران، ۱۳۷۸

قاضی، محسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن طباطبائی قاضی بن العالم الجلیل میرزا عبدالجبار قاضی از اعاظم علماء تبریز و در زهد و ورع و تقوا و علم و عمل بی نظیر و همیشه مشغول عبادت و طاعت و دائم المطالعه و التدریس بوده و با نظر مرحوم محمد علی شاه قاجار و وزیرش حاج میرزا آغاسی اخذ علم از علماء دار الخلافه تهران نموده و در سایر مراکز علم نیز مشغول تحصیل گردید و به خدمت بسیاری از اعاظم رسیده و با مرحوم حاج ملا هادی حکیم سبزواری صاحب منظومه ارتباط کامل داشته است.

ولادتش در سال ۱۲۳۶ ق و وفاتش در روز دوشنبه سوم جمادی الاخر ۱۳۰۶ واقع شده و مرحوم ادیب ماهر حاج میرزا کاظم طباطبائی تبریزی ملقب به اعتضاد الممالک و معروف به حاج وکیل در کتاب شجره سادات عبدالوهابیه ساکنین آذربایجان در ترجمه آن مرحوم گوید: حاج میرزا محسن قاضی شخصی بزرگوار طیب الاعراق حسن الاخلاق بود و فحایل سیادت و بزرگواری را بر وجه اتم داشت مخصوصا الی غیر النهایه مهمان دوست و بشاش و گشاده ابرو بود و در خانه او لیلا و نهارا بر وارد و صادر باز و محفل ایشان مجمع عمومی بود.

در مقبره جد بزرگوارش حاج میرزا مهدی قاضی جنب مسجد مقبره روبروی راسته بازار مدفون گردید و از آثار باقیه آن مرحوم احداث حمامی است در حوالی همین مقبره که به حمام قاضی اشتهار دارد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

قاضی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد قاضی در سال ۱۲۹۲ در شهر مهاباد دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود و تحصیلات متوسطه و دانشگاهی را در تهران در رشته حقوق در سال ۱۳۱۸ به پایان رسانید. در طول سا لهایی که به مشاغل مختلف مشغول بود به شعر گفتن و ترجمه می پرداخت. از سال ۱۳۵۲ با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان همکاری و به ترجمه کتابهایی در این زمینه پرداخت.نخستین ترجمه قاضی , کلود ولگرد اثر ویکتور هو گو در سال ۱۳۱۷ منتشر شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

گرایش : ترجمه

والدین و انساب : پدر قاضی ملا و پیشنماز بود و به گفته خودش مادری سخت متعصب و مقید به سنن آباء و اجدادی داشت. نام پدرش , میرزا عبد ا لخالق قاضی , فرزند حاجی شیخ جلال , امام جمعه شهر مهاباد بود و مادرش آمنه دختر عموی پدرش بود.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : قاضی درپنج سا لگی پدر خود را از دست داد و مادرش نیز پس از مرگ همسر , او و تنها خواهرش را ترک کردو با یکی از خوانین منطقه به نام فیض الله بیگی , ازدواج کرد. محمد دوران کودکی را ت حت سرپرستی مادر بزرگش در روستای چاغرلو گذراند ولی از هفت سالگی به مهاباد رفت وتحت سرپرستی قاضی علی , پدر زنده یاد قاضی محمد -قهرمان قرار گرفت.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد قاضی در دبستان سعادت مهاباد به تحصیل پرداخت. او در سال ۱۳۰۷ , دبستان را به پایان رساند وشاگرد اول شد, اما چون در آن زمان مهاباد دارای دبیرستان نبود , برای مدتی از تحصیل باز ماند. در سال ۱۳۰۸ به نزد عمویش دکتر جواد قاضی آمد و در دبیرستان دارالفنون به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۱۵ دیپلم خود را در رشته ادبی دریافت کرد و در همان سال وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد. قاضی در سال ۱۳۱۸ در همین رشته فارغ التحصیل شد.

خاطرات و وقایع تحصیل : قاضی علا قمند بود که برای تحصیل به دانشکده ادبیات رفته و در آنجا نام نویسی کند , لیکن این امر به دلیل مخالفت عمویش تحقق نیافت و وی ناچار وارد دانشکده حقوق شد. از جمله خاطرات خوش قاضی در دوران دانشجویی و افسری ارادت و آشنایی گرمی بود که با شاعره ارجمند خانم پروین اعتصامی داشت.

فعالیتهای ضمن تحصیل : قاضی در مهاباد شاگردعبد الرحمن گیو که از کردستان عراق به مهاباد آمده بود شد تا نزد او به کاری مشغول شود. به گفته خود قاضی , پایه های فن ترجمه زبان فرانسه و عشق به ترجمه در کنار گیو , در نهادش جان گرفت.

همسر و فرزندان : در فروردین سال ۱۳۴۲ قاضی با دختری گیلانی به نام فاطمه ازدواج کرد ولی او همیشه وی را ایران صدا می کرد.

وقایع میانسالی : قاضی در روز چهارم تیر ماه سال ۱۳۴۲ برای معالجه قلب همسرش عازم لندن شد و این عمل با موفقیت انجام شد ولی پزشکان از انجام عمل دیگری بر قلب همسرش در آینده خبردادند که حداقل می بایست با یک فاصله چند سا له از عمل اول انجام می گرفت , در سال ۱۳۴۷ برای انجام عمل دوم آماده اعزام به لندن بود که همسرش بدرود حیات گفت. در تابستان ۱۳۴۵ به اتفاق برادران مادریش سفری به اروپا کرد که در این سفر به یاد ماندنی او با نویسنده مشهور آن زمان , بزرگ علوی که در برلین زندگی می کرد , ملاقات نمود. و در سفر به آلمان در سال۱۳۵۴ برای معالجه سرطان حنجره‌اش وقتی پروفسور بیمارستان خطاب به او می‌گوید: سه ماه دیر آمده‌ای و سه ماه زود. قاضی می‌پرسد چطور ممکن است، هم زود آمده باشم و هم دیر. پاسخ می‌شنود که سرطان حنجره شما بسیار پیشرفته است، زود آمدی. اگر سه ماه دیگر دیر می‌کردی، ممکن بود غده سرطانی راه تنفس را می‌گرفت و خفه می‌کرد و دیر آمدی؛ اگر سه ماه زودتر می‌آمدی، ممکن بود سرطان به تارهای صوتی نمی‌رسید و شما قدرت حرف زدن را از دست نمی‌دادید. حالا اگر راضی به عمل جراحی هستید، باید بدانید که پس از عمل قادر به تکلم نخواهید بود و قاضی می‌گوید: «هیچ مهم نیست که من بعداً خواهم توانست حرف بزنم یا نه، مهم این است که من زنده بمانم». پروفسور که از خونسردی بیمارش در مقابل از دست دادن توان حرف زدن تعجب کرده بود، می‌پرسد چطور محروم شدن از نیروی تکلم برای شما مهم نیست؟ قاضی می‌گوید: «در نظام شاهنشاهی کشور من، حرف‌زدن قدغن است.»

زمان و علت فوت : محمد قاضی در سال ۱۳۷۶ در ۸۴ سالگی درگذشت و در گورستان مهاباد که در تپه‌ای باصفا و مشرف به منظره شهر واقع شده، به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : قاضی همزمان با تحصیل در دانشگاه تهران , در اداره بایگانی وزارت امور خارجه به صورت پاره وقت مشغول به کار گردید و پس از به پایان رساندن خدمت سربازی همزمان با ورود متفقین به ایران و فرار رضا شاه , در اداره بودجه اقتصادی وزارت دارایی به کار پرداخت. در اداره تصفیه املاک واگذاری به سمت رییس دفتد دکتر رضا کاویانی مدیر کل کارگزینی وزارت دارایی منصوب گردید و بعد از آن مامور اداره جیره بندی قند و شکر و چای تهران شد. همچنین چند ماهی نزد دوستش محمد علی مفرح در بانک صادرات کار کرد و پس از آن به عنوان مترجم در شرکت کامپاکس نزد آقای انوشیروان به فعالیت پرداخت.

فعالیتهای آموزشی : در اواسط سال ۱۳۵۲ به پیشنهاد سیروس طاهباز مدیر انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

همکاری با این کانون را شروع کرد و به ترجمه کتابهایی در این زمینه پرداخت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : قاضی علاوه بر کارهای اداری به شعر گفتن و ترجمه نیز می پرداخت ولی خود اومعتقد بود که ؛؛ من پیش از پرداختن به کار ترجمه , شعر هم می سرودم, اما صادقانه این احساس به من دست داده بود که من هر چه شعر بگویم , هیچ وقت یک شاعر طراز اول نخواهم شد , این امید را داشتم که اگر بهترین مترجم نیز نشوم روزی در صف مترجمان خوب و عامه پسند قرار خواهم گرفت و من مترجم خوب و بنام بودن را بر شار بد و یا حتی متئسط بودن ترجیح می دادم.

جوائز و نشانها : به ابتکار دکتر خانلری مدیر مجله ادبی سخن , هر ساله مسابقه ای برای تعیین بهترین تالیف و ترجمه ترتیب می یافت و قاضی با ترجمه کتاب ؛؛ جزیره پنگوئن ها ؛؛ که تازه از زیر چاپ در آمده بود در آن شرکت کرد و مقام دوم را بعد از ترجمه شجاع ا لدین شفاء کسب کرد . کتاب ؛؛ دن کیشوت ؛؛ توانست جائزه نخست را در سال ۱۳۳۶ کسب کند.

چگونگی عرضه آثار : محمد قاضی مترجم نامدار که قریب ۷۰ کتاب ارزشمند ترجمه و در فرهنگ جامعه به یادگار گذاشته است، یک انسان بزرگوار و دوست‌داشتنی بود که صبر و تحمل او در برابر سختی‌ها و ناکامی‌ها حیرت‌انگیز و شگفتی‌آور است. کتاب «خاطرات یک مترجم» مملو از تلاش بی‌وقفه یک انسان در برابر ناملایمات زندگی است که با همت والای خود و با گذر از فراز و نشیب‌های زمان به موفقیت‌های بزرگی نائل می‌شود. ---

----

آثار :

۱ آ.ولکوف

۲ آنا ماریا ماتوته

۳ آناتول فرانس

۴ آنتوان دوسنت اگزوپری

۵ ا.ج.دمیب نیک

۶ ابراحیم احمد از عراق

۷ امین مالوف از لبنان

۸ ایلیا ارنبورگ

۹ اینیا تسیو سیلونه

۱۰ ایوان اولبراخت از چکوسلواکی

۱۱ بلز ساندرا

۱۲ پیرل باک

۱۳ تارله

۱۴ جان اشتاین بک

۱۵ جرزی کوزینسکی از لهستان

۱۶ جزیره پنگوئنها

۱۷ جک لندن

۱۸ چالز دیکنز و چارلی چاپلین

۱۹ داستایوفسکی

۲۰ در آغوش خانواده یا با خانمان اثر هکتور ما لو

۲۱ دن کیشوت

ویژگی اثر : در مجله راهنمای کتاب , جمال زاده شرحی بر دن کیشوت نوشته بودند به این شرح؛؛...اگر سروانتس فارسی زبان بود و می خواست شاهکار خود , دن کیشوت را به فارسی بنویسد زیباتر از این نمی شد که مترجم دن کیشوت آورده است... ؛؛

۲۲ دی براون

۲۳ رومن رولان

۲۴ ژاک سرون

۲۵ ژلو بوفسکا یا

۲۶ ژول رومن

۲۷ ساده دل اثر ولتر

۲۸ شازده کوچولو اثر آنتوان دوسنت اگزوپری

۲۹ شاهزاده و گدا اثر مارک تواین

۳۰ فرانتز و رفل از اتریش

۳۱ فنلن واتین کابه

۳۲ کایل آنستوت

۳۳ کری ولف

۳۴ کلود ولگرد اثر ویکتور هوگو

۳۵ گی دو مو پاسان

۳۶ لئون برتن

۳۷ مارسل پانیول

۳۸ مارسل نیدر گانگ از آلمان

۳۹ ماریان دوبوزی

۴۰ ماکسیم گورگی

۴۱ مالاپارته و بوکاچیو

۴۲ میگل دو سروانتس سا وهدرا

۴۳ نیکلای هایتوف و ایولن وازوف

۴۴ نیکوس کازانتراکیس و گوستاس تاکتیس

۴۵ هاروهی واسرمن

۴۶ هانس کریستین اندرسون از دانمارک

۴۷ هراند پارسور ماجیان از ارمنستان

۴۸ واتر گوستاو فلوبر

۴۹ واسیلی نیکیتین

۵۰ ویژگیهای ترجمه

ویژگی اثر : ویژگی مهم ترجمه هـای قاضـی این است کهخواننـده به هیـچ عنوان گمـان نمی برد که دست واسـطه ای در کـار بوده است و فراموش می کنـد که متنی را که مطالعه می کنـد از زبان دیگری برگردانـده شده است. نثر ترجمه های او چنان شـیوا و رسـا است که آثار او را به واقع سرمشقی برای دیگر مترجمان ساخته است.

۵۱ ویکتور هوگو

۵۲ ویلادیمیر پوزنز

قاضی‌خان اوزجندی فرغانی، فخرالدین، ابوالمحاسن حسن

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۹۲ ق)، فقیه حنفی از ظهیرالـدین حسن بن علی بن عبـدالعزیز و ابراهیم بن عثمان صـفاری حـدیث شـنید. وی مجالس املای حدیث بسیاری داشت. علامه جمال‌الدین محمود بن احمد حصیری، یکی از شاگردان قاضی‌خان است که از او روایت کرده است. از آثـارش: «الفتـاوی»، در چنـد مجلـد؛ «الامـالی»، در فقه؛ «الواقعـات»، در فروع؛«المحاضـر»؛ «شـرح الزیـادات» شیبانی، در فروع فقه حنفی؛ شـرح «الجـامع الصـغیر» و «الجـامع الکبیر» شـیبانی، در فروع فقه حنفی؛ «شـرح ادب القضـاء» خصاف؛ که در «کشف الظنون» تحت عنوان «ادب القاضی علی مذهب ابی‌حنیفه» آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زنـدگینامه :الاعلام (۲۳۹ –۲۳۸ / ۲)، سیر النبلاء (۲۳۲ –۲۳۱ / ۲۱)، کشـف الظنون (۱۴۵۶، ۱۲۲۷، ۹۶۲، ۵۶۲، ۱۶۵، ۴۷)، معجم المؤلفین (۲۹۷ / ۳)، هدیه العارفین (۲۸۰ / ۱).

قاضی‌زاده کرهرودی، علاءالدین عبدالخالق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یـازدهم ق)، عـالم امامی، متکلم، محقق، صوفی و شاعر. معروف به قاضـی‌زاده یا قاضـی علای کرهرودی. نسـبت وی به کروهرود از روسـتاهای مابین همـدان و اصـفهان می‌رسـد. وی از شاگردان شـیخ بهائی و مدتی عهده‌دار منصب قضاوت قم بود. در مجلس شاه‌عبـاس اول (۱۰۳۸ –۹۹۶ ق) بـا قاضـی‌زاده‌ی خـوارزمی منـاظره کرد و کتـابی در همین بـاب به خـواست شاه‌عبـاس اول نوشت. از آثـارش: «الامـامه»، کتـابی بزرگ در مبحث امـامت؛ «التحفه الشـاهیه»، به فارسـی، مشـتمل بر منـاظرات وی؛ «الاعتقـادیه»؛ حاشیه بر «اثبات الواجب» جلال‌الدین دوانی؛ حاشیه بر «الشرح الجدید للتجرید»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۵۸ / ۷)، تحفه‌ی سامی (۸۴)، روضات الجنات (۳۷۶–۳۷۵ / ۱)، الذریعه (۸۷۱ / ۹ ،۱۱۵ –۱۱۴ ،۱۱ / ۶ ،۴۴۴ –۴۴۳ / ۳ ،۳۲۸ ،۲۲۸ / ۲)، ریـاض العلماء (۹۱ / ۳)، ریحانه (۴۱۱ / ۴)، طبقات اعلام الشـیعه (قرن ۴۵۶ / ۱۱)، کشف الظنون (۸۴۲)، الکنی و الالقاب (۵۰ –۴۹ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ قاضی‌زاده گرهرودی)، هدیه الاحباب (۲۱۵).

قاضی‌زاده‌ی اردبیلی، ظهیرالدین کبیر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۹۳۰ ق)، عالم، ادیب، فقیه و شاعر. پس از جنگ چالدران سلطان سلیم در بازگشت از تبریز وی را به همراه اسیران با خود به روم برد. وی در نزد او مقام و رتبتی یافت و «وفیات الاعیان» ابن‌خلکان را برای وی به فارسی ترجمه کرد. قاضی‌زاده در انشاء، شعر و خط توانا بود. چون به عقاید شیعه‌ی امامیه گرایشی پیدا کرد او را گرفتند و کشتند و سرش را بر دروازه‌ی زویله قاهره آویختند. از آثارش: ترجمه «وفیات الاعیان»، که در «معجم المؤلفین»، «مختصر وفیات الاعیان» ذکر شده؛ «تاریخ سلطان سلیم»؛ «دیوان» شعر. در «کشف الظنون» اظهرالدین اردبیلی و کبیر بن اویس لطیفی، مشهور به قاضی‌زاده، با احتمال این که یکی باشند جدا از هم ذکر شده‌اند. در «شذرات الذهب» و «معجم المؤلفین» ظهیرالدین قاضی‌زاده اردبیلی بدون ذکر نام و نام پدر آمده است.[۱]

اردبیلی، ظهیرالدین، دانشمند اوایل قر. ۱۰ ه. (مقت. ۹۳۰ ه.ق). وی تا هنگام تصرف تبریز توسط سلطان سلیم عثمانی در آن شهر به تدریس مشغول بود و همراه سلطان مذکور به استانبول رفت و در آنجا برای وی مقرری تعیین شد. سپس به مصر رفت و در سرکشی احمد پاشا به هواداران او پیوست و همراه وی کشته شد. در شعر و انشاء و خوش‌نویسی دست داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] دانشمندان آذربایجان (۲۵۰ -۲۴۹)، الذریعه (۸۷۰ -۸۶۹ / ۹)، شذرات الذهب (۱۷۳ / ۸)، فرهنگ سخنوران (۷۳۵)، کشف الظنون (۲۰۱۹)، لغت‌نامه (ذیل/ قاضی‌زاده اردبیلی)، مجالس النفائس (۳۹۷ -۳۹۶)، معجم المؤلفین (۴۸ / ۵).

قاضی‌زاده‌ی اصفهانی، باقر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، شاعر. در عباس‌آباد اصفهان به دنیا آمد و از اعیان زمان خود بود. در اکثر علوم ماهر و به فضایل ظاهری و باطنی موصوف بود. وی از شاگردان محمد باقر سبزواری خراسانی (م ۱۰۹۰ ق) و میر قوام‌الدین شمرده می‌شد. میرزا باقر در بکار بردن صنایع شعری در اشعار خود مهارت داشت. صاحب «تذکره‌القبور» قاضی‌زاده عباس‌آبادی را از شاگردان آقا حسین محقق خوانساری (م ۱۰۹۸ ق) نیز شمرده است لیکن شاگردی این استاد در «الذریعه» و «دانشمندان آذربایجان» و «فرهنگ سخنوران» به وجدان تبریزی میرزا باقر قاضی‌زاده نسبت داده شده و علی‌رغم اشتراک اسم و احتمال اتحاد در هیچ جا قید نشده که این دو نفر یکی می‌باشند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۱۵۶ -۱۵۵)، تذکره المعاصرین (۱۳۳ -۱۳۲)، الذریعه (۸۷۰ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۳۵).

قاضی‌زاده‌ی خوارزمی، شمس‌الدین احمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۸۸ -۹۱۸ ق)، قاضی، فقیه، ادیب، محقق، مدرس، حکیم، متکلم و ریاضیدان. در قسطنطنیه به دنیا آمد. وی شاگرد جوی‌زاده و سعدی جلبی و ملازم ملا قادری بود.در ۹۶۳ ق به قضاوت حلب، در ۹۷۱ ق به قضاوت استانبول و در ۹۷۴ ق به قضاوت عسکر روم ایلی منصوب شد. سپس به ادرنه رفت و در دارالحدیث آنجا به تدریس پرداخت. پس از درگذشت پسرش به استانبول رفت، و در اوایل سلطنت سلطان مرادخان سوم به مقام شیخ‌الاسلامی رسید. در ۹۸۳ ق به صدارت روم ایلی نامزد شد، و در ۹۸۵ ق مفتی رسمی گردید. در قسطنطنیه درگذشت و در نزدیکی جامع سلطان‌محمد فاتح دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ حاشیه بر «الهیات شرح تجرید الکلام» قوشچی؛ حاشیه بر «مفتاح العلوم» سکاکی؛ حاشیه بر «اثبات الواجب» جلال‌الدین دوانی؛ «نتایج الافکار فی کشف الرموز و الاسرار»، در تکمله‌ی «فتح القدیر» ابن‌همام، در فروع فقه؛ حاشیه بر «التلویح»، شرح «تنقیح الاصول» تفتازانی؛ شرح «هدایه الحکمه» شیخ اثیرالدین ابهری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۷۲۱، ۶۲۰ / ۲)، روضات الجنات (۳۷۸ -۳۷۵ / ۱)، ریحانه (۴۰۹ -۴۰۸ / ۴)، شذرات الذهب (۴۱۵ -۴۱۴ / ۸)، کشف الظنون (۲۰۳۴، ۲۰۳۰، ۲۰۲۲، ۱۷۶۶، ۴۹۸، ۳۴۸)، الکنی و الالقاب (۴۹ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ قاضی‌زاده‌ی افندی)، معجم المؤلفین (۱۷۱ / ۲)، هدیه الاحباب (۲۱۵).

قاضی‌مقدم، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی شیمی، دانشکده: فنی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۵، کارشناسی ارشد مهندسی شیمی از دانشگاه فنی وین در سال ۱۳۴۰، دکترای

شیمی از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۴۳.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده فنی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شیمی و شیمی عمومی، شیمی چوب و تدریس دروس عمومی ۱ و ۲ و شیمی آلی عمومی و شیمی چوب در دانشگاههای تهران و آزاد اسلامی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شیمی و شیمی دوره عمومی دانشگاه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

شیمی چوب، پیلهای سوختی، بررسی پخش و انتشار نور در محلولهای سیلیکات پتاسیم، الکترونیک مولکولی- یک روش عددی برای حجم‌های مولکولی جزیی در محلول رقیق نمکهای قلیائی، بررسی تغییرات SO_2 و SO_3 در سوخت‌ها.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

قاطع روزبهانی، منصور

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(اوایل س نهم ق)، قاطع. وی معاصر دوران بایسنقر میرزا بود و گویا در کتابخانه آن شاهزاده، به هنر قطاعی اشتغال داشته است. او در خط توقیع نیز صاحب قلم بود. از آثار وی قطعه خطی در یکی از مرقعات است که جمله‌ای را به خط رقاع نوشته و رقم «کتبه اقل عبادالّله الغنی منصور القاطع الروزبهانی» دارد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۲۱۵/ ۳).

قاطع، عبدالله

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، قاطع. در هرات به دنیا آمد و همان جا نشوونما یافت و شهرت فراوان پیدا کرد. وی در هنر قاطعی و برشکاری ماهر بود و از یاران هنرمند سلطانعلی مشهدی به شمار می‌آمد. از آثار وی قطعه نستعلیق استادانه‌ای است که به مهارت و استادی تمام بریده و رویه‌ی آن را به رنگهای گوناگون آرایش داده است و رقم نهاده: «قاطعها شیخ عبدالله».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۳۱۲ / ۱)، مناقب هنروران (۱۰۳).

قاطعی هروی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۰۲۴ ق)، نقاش و شاعر، متخلص به قاطعی. اهل هرات بود و به همین نام شهرت داشت. وی در تذهیب و حل‌کاری و رنگ‌آمیزی و جلدسازی استاد بود و در قطاعی و برش کاغذ و چرم مهارت داشت و شعر نیز می‌سرود. او از هرات به آگره رفت و به دربار نورالدین جهانگیر پادشاه گورکانی (۱۰۳۷ -۱۰۱۴ ق) راه یافت و در کتابخانه آن پادشاه مشغول به کار شد. وی شاگرد مولانا قاسم کاهی میانکالی بود و صنعت قطاعی را نزد او فراگرفت. قاطعی نزدیک به یکصد و پنج سال زندگی کرد و در هند وفات یافت. از آثار وی تذکره‌ای است به نام «مجمع الشعرای جهانگیر شاهی»، که قسمتی از کتاب بزرگ «شرح احوال» است. این تذکره مشتمل بر احوال متوسطین و متأخرین از شعرایی است که جهانگیر شاه را مدح کرده‌اند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۵۳۰ / ۲)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۱۴۳ -۱۴۲ / ۲)، کاروان هند (۱۰۸۶ -۱۰۸۵ / ۲).

قافی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین قافی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۴ با مدرک سیکل وارد حوزه علمیّه قم شدم و از سال ۶۵ به همراه خانواده به شهر یزد عزیمت نموده و تحصیلات خود را تا سال ۷۲ در حوزه علمیّه آن شهر ادامه دادم و اکثر دروس صرف و نحو و معانی و بیان و دوره مقدّماتی فقه و اصول را نزد اساتید مبرز حوزه یزد گذراندم در کنار تحصیلات حوزوی از سال ۶۸ به صورت متفرقه در امتحانات دوره متوسطه شرکت کرده و در سال ۷۲ موفّق به اخذ دیپلم علوم انسانی گردیدم. در همان سال در کنکور سراسری دانشگاه شرکت نموده و در همان سال در رشته فلسفه دانشگاه شهید بهشتی تهران و نیز رشته های حقوق و فلسفه دانشگاه مفید قم (به صورت نیمه متمرکز) پذیرفته شدم. در نتیجه از بهمن ماه ۷۲ به قم مراجعت نموده و همزمان با تحصیلات حوزوی در رشته حقوق دانشگاه مفید مشغول به تحصیل شدم و دوره لیسانس را ظرف سه سال و نیم به پایان رساندم. قابل ذکر است که کلاسهای دانشگاه نوعا عصرها برگزار می گردید و صبح ها به دروس حوزوی اشتغال داشتم. در سال ۷۶ پس از اخذ مدرک لیسانس در کنکور کارشناسی ارشد شرکت نموده و در رشته حقوق خصوصی دانشگاه مفید پذیرفته شدم و در سال ۷۹ موفّق به دریافت مدرک کارشناسی ارشد گردیم. از سال ۷۴ تا کنون در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام تبریزی، وحید، شبیری، سبحانی و قافی یزدی (ابوی محترم) دامت برکاتهم شرکت داشته ام. از الطاف بزرگ خداوند نسبت به اینجانب، این بوده که در تمام مراحل تحصیلی جزء ممتازین بوده ام به گونه ای که موفّق به احراز رتبه اول پایه دهم حوزه و نیز رتبه اول فارغ التحصیلان رشته حقوق دانشگاه مفید (سال ۷۶) گردیدم. در حال حاضر چندین سال است که به پژوهش و تحقیق در زمینه مسائل حقوق، فقهی و اصولی و نیز تدریس در این زمینه ها اشتغال دارم و با مراکز پژوهشی و آموزشی همچون پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، بنیاد دائره المعارف اسلامی، دانشگاه یزد و دانشگاه قم همکاری دارم.

قافی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی قافی

محل تولد : تفت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۶/۳

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۲ پس از گذراندن کلاس سوم راهنمائی وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه علمیه ابوالصدق مشغول به فراگیری دروس حوزوی شدم ادبیات عرب (صرف و نحو) منطق معانی و بیان اصول الفقه (معالم) و فلسفه (بدایه الحکمه) همچنین احکام و اخلاق از جمله دروسی بود که طی سه سال از آنها بهره مند شدم از مهرماه ۱۳۶۵ با اتمام دوران تحت برنامه دروس حوزوی وارد دروس آزاد فقه (لمعتین) و اصول (اصول فقه مظفر) شدم و ضمن تدریس برخی دروس مقدماتی به تحصیل مشغول بودم و تا سال ۱۳۶۹ کلیه دروس باقیمانده سطح شامل رسائل مکاسب و کفایه را نزد اساتیدی همچون حضرات آیات: اعتمادی، پایانی، طاهری خرم آبادی، قدیری، اصفهانی، گنجی، استادی و مصلحی اراکی تلمذ نمودم و از سال تحصیلی ۱۳۷۰-۱۳۶۹ از درس خارج حضرت آیت الله العظمی سید موسی شبیری زنجانی مبحث اجتهاد و تلمذ آیت الله سید کاظم حائری مبحث خمس و درس خارج، خارج اصول حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی بهره بردم همچنین بصورت متفرقه دروس دبیرستانی را در رشته علوم انسانی تا اخذ مدرک دیپلم پی گرفتم. از سال ۱۳۷۲ مدتی در مدرسه علمیه خاتم الانبیاء (ص) واقع درمدرسه الهادی در قسمت آموزشی در خدمت طلاب غیر ایرانی بودم. سپس در مؤسسه فرهنگی دارالحدیث مشغول به فعالیت تحقیقی در زمینه موضوعات اخلاقی در آیات و روایات گشتم و تا سال ۱۳۷۴ قریب به ۱۲ عنوان از عناوین اخلاقی کتاب میزان الحکمه توسط اینجانب مورد تحقیق قرار گرفت و حجم مطالب هر عنوان قریب به سه برابر با عنوان بندی جدید گردید از سال ۱۳۷۴ به مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره) رفتم و به تدوین کتاب طهارهٔ کبیر مرحوم حاج سید مصطفی خمینی (ره) مشغول شدم از سال ۱۳۷۸ به تدریس در دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی پرداختم و از مهر سال ۱۳۸۳ در دانشگاه تربیت مدرس به فعالیت فرهنگی و همزمان تدریس در دانشگاه علوم پزشکی ایران مشغول شدم.

قالیبافیان، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی عمران، دانشکده: فنی، دانشگاه تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی راه و ساختمان با رتبه اول از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۸، دکترای مهندسی عمران در سال ۱۳۴۳ از دانشگاه پاریس، از سال ۱۳۴۴ در دانشگاه تهران مشغول به تدریس و فعالیت در خارج از دانشگاه به عنوان طراح سازه‌های صنعتی سنگین و کارشناس بهسازی سازه‌های آسیب دیده.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده فنی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تهیه مشخصات فنی برای کاربرد پانلهای ساندویچی> ایران پانل، <تهیه پالت با استفاده از چوبهای محلی ایران، ارزیابی اثر بتن کششی در قطعات خمشی بتن آرمه.

ابداع:

روش ساخت تیرچه‌های بتن آرمه مجوف با استفاده از روش مکش (خلاء).

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

مهندسی ساختمان، سازه‌های بتن آرمه، سازه‌های فولادی و بهسازی سازه‌های آسیب دیده.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

مهندسی ساختمان، سازه‌های بتن آرمه، سازه‌های فولادی و بهسازی سازه‌های آسیب دیده.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

قامتی گیلانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به قامتی. وی گویا قامتی بلند داشته به همین دلیل به قامتی معروف و متخلص بود. در گیلان روزگار می‌گذرانید. از اوست:

گر می‌توانی یک دو روز،ای دل مکن پروای او

شاید که بی‌پرواییت کم سازد استغنای او

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۵۰ / ۲)، تاریخ نظم و نثر (۵۲۱)، تذکره‌ی روز روشن (۶۴۹)، الذریعه (۸۷۳ / ۹)، لغت‌نامه (ذیل/ قامتی)، مجمع الخواص (۲۳۷ -۲۳۶).

قانع جهرمی فراسی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۵۶ ق)، شاعر، متخلص به قانع. پدرش از علماء بحرین بود. در جهرم به دنیا آمد و در شیراز نشوونما یافت و در همان جا به تحصیل پرداخت. خادم امامزاده اسماعیل بود و سرانجام در شیراز وفات یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان جهرم (۳۰۸ -۳۰۳)، حدیقه الشعراء (۱۴۱۵ -۱۴۱۴ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۹۳ / ۴)، الذریعه (۸۷۴ / ۹)، طرائق الحقائق (۳۳۵ / ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۲۸۶ -۱۲۸۵ / ۲)، مرآت الفصاحه (۴۹۵ -۴۹۴)، مصطبه‌ی

خراب (۱۴۹ –۱۴۸).

قانع گلپایگان، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی به شغل نساجی مشغول بود. او قصیده و غزل را نیکو می‌سرود. از آثارش: «دیوان» شعر، حدود چهار هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۴۱۵ / ۲)، الذریعه (۸۷۴ –۸۷۳ / ۹)، سفینه المحمود (۴۶۰ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ قانع جرفادقانی)، مجمع الفصحا (۸۹۱ –۸۹۰ / ۵).

قانع، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد قانع مبارکه

محل تولد : خاتم – یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد قانع مبارکه مشهور به قانع در سال ۱۳۴۷هجری شمسی در خانواده ای متدین وکاملاـ آگاه به مسائل مذهبی در هراورجان دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۹ وارد دانشگاه امام صادق (ع) تهران گردید تا در کنار دروس دانشگاهی به تحصیل در دروس حوزوی هم بپردازد. ازنخستین روزهای ورود به دانشگاه امام صادق علیه السلام با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از محضر درس اساتیدی همچون آیت الله بجنوردی، آیت الله مرعشی و دیگر اساتید آن دانشگاه بهرهها برد. وی در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه امام صادق علیه السلام در رشته حقوق خصوصی در سال ۱۳۷۶ فارغ التحصیل شد و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان حمایت از حقوق خانواده در میثاق بین المللی مدنی سیاسی و مقایسه با حقوق اسلام دفاع کرد. استاد سالهای متمادی است که به تدریس در دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، و جامع علمی کاربردی تهران مشغول است. وی درطول حیات علمی خویش از امرنگارش و پژوهش غافل نمانده است و آثاری از قبیل عنصر مادی و معنوی جرم در دستگاههای حکومتی و حقوق خانواده در اسلام و حقوق بشر را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

قانعی راد، محمدامین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر سید محمد امین قانعی راد متولد سال ۱۳۲۴در شهر ری ، نویسنده، پژوهشگر و استاد دانشگاه دارای دکتری جامعه شناسی از دانشگاه تهران در سال۱۳۶۸ و عضو هئیت علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور .گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیوالدین و انساب : دکترسید محمد امین قانعی راد از جمله سادات صحیح و نسب شهر ری می باشد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر محمدامین قانعی راد دارای مدرک لیسانس پژوهشگری اجتماعی ، درسال۱۳۶۴فوق لیسانس جامعه شناسی ۱۳۶۸ و دکتری همین رشته از دانشگاه تهران می باشد.خاطرات و وقایع تحصیل : اخذ دکتری در رشته جامعه شناسی از وقایع مهم در زندگی علمی دکترسید محمد امین قانعی راد می باشد.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر سید محمدامین قانعی راد در کنار تحصیل به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری پیرامون رابطه جامعه شناسی و علم درایران می پرداخت.آرا و گرایشهای خاص : دکتر سید محمدامین قانعی راد از جمله جامعه شناسانی است که به رابطه ی علم و جامعه شناسی و نیز به جامعه شناسی به دیده تخصصی می نگرد.آثار : تبار شناسی عقلانیت مدرن ، تعاملات و ارتباطات در اجتماع علمی ، جامعه شناسی تولید و کاربرد دانش در ایران ، جامعه شناسی رشد و افول علم در ایران ، گلیس فرهنگی صنعت ، ناهمزمانی دانش

قانعی طوسی، بهاءالدین احمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۶۷۲ ق)، شاعر، متخلص به قانعی. مشهور به ملک‌الشعراء او سمت ملک‌الشعرا و عنوان امیر را بعد از ورود به خدمت سلاطین سلجوقی آسیای صغیر یافت. در خراسان به دنیا آمد. وی در زمان حمله مغول به خراسان، در ۶۱۷ ق، در آنجا بود و چون جان سالم بدر برد به هندوستان گریخت، ولی آنجا نماند و رهسپار عدن، صنعا، مکه، مدینه و بغداد شد. سپس بدون درنگ از بغداد به بلاد روم رفت و در آسیای صغیر مداح علاءالدین کیقباد سلجوقی (۶۳۴ –۶۱۷ ق) شد و از این راه در سراسر روم مشهور گشت. او همچنین غیاث‌الدین کیخسرو ثانی و عزالدین کیکاوس را مدح گفت. قانعی در زمان فوت مولانا جلال‌الدین مولوی رومی، در ۶۷۲ ق، مرثیه‌ای برای او گفت. از آثارش: منظومه‌ی «سلجوقنامه» به روش «شاهنامه» در وقایع پادشاهان سلجوقی؛ نظم «کلیله و دمنه»، به خواست عزالدین کیکاوس ثانی، «دیوان» شعر.[۱]

طوسی، ملک‌الشعراء بهاءالدین احمد بن محمود، شاعر قر. ۷ ه. اصل وی از طوس بود و او از مقابل سیل هجوم مغول در سال ۶۱۷ ه.ق از راه دریا گریخت و به عدن و مکه و مدینه و سپس به بغداد رفت و از آنجا راه بلاد روم (آسیاس صغیر) را که در این عهد پناهگاه فاضلان فراری بود– پیش گرفت و تحت حمایت علاءالدین کیقباد سلجوقی درآمد. قانعی دو تن از جانشینان آن شاه– یعنی غیاث‌الدین کیخسرو و عزالدین کیکاوس– را مدح گفت و مدت ۴۰ سال مداح خاندان ایشان بود و کتابی به نام «سلجوقنامه» در وقایع سلطنت سلجوقیان روم به نظم درآورده بالغ بر ۳۰ مجلد و شامل ۳۰۰۰۰۰ بیت، و علاوه بر آن کلیله و دمنه را به نام عزالدین کیکاوس در بحر متقارب سروده. وی تا سال ۶۷۲ در قونیه بوده و در مرگ جلال‌الدین مولوی مرثیه گفته است (لغ.).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از سعدی تا جامی (۱۵۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۰۶ –۴۸۷ / ۳)، تاریخ مغول (۵۳۷ –۵۳۶)، تاریخ نظم و نثر (۱۶۱)، الذریعه (۱۳۵ / ۱۸ ،۸۷۴ / ۹)، سبک‌شناسی (۲۵۲/ ۲)، شخصیت‌های نامی (۳۹۳)، فرهنگ سخنوران (۷۳۷)، لغت‌نامه (ذیل/ قانعی طوسی)، مناقب العارفین (۲۲۱ / ۱).

قایقران، سیروس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیروس قایقران : محل تحصیلات : بندر انزلی – شغل پدر : کارمند تربیت بدنی – شغل مادر : خانه دار – دارای ۴ برادر به اسامی آقایان عبدا... ، ناصر ، نادر و حسین و دارای ۲ خواهر – فرزند وی راستین قایقران متولد ۶/۱/۱۳۶۹ ، در حادثه رانندگی فوت نمود. همسر وی خانم افسانه اسدان می باشند. عضو باشگاههای : ملوان و استقلال انزلی ، الاتحاد قطر و کشاورز تهران مربیان وی در گیلان : بهمن صالح نیا ، احمد صومی ، غفور جهانی ، مجید جهانپور ، نصرت ایراندوست مربیان وی در تیم ملی : مرحوم پرویز دهداری ، مهدی مناجاتی ، علی پروین ، ناصر ابراهیمی ، بهمن صالح نیا ، رضا وطنخواه سابقه ملی : وی در ۱۰۰ مسابقه شرکت داشت که ۴۳ بازی ، رسمی بوده است. در ۲۱ بازی کاپیتان تیم ملی بوده و ۱۴ گل برای تیم ملی به ثمر رسانده است که بهترین آنها به تیم کره جنوبی در نیمه نهایی بازیهای آسیایی ۱۹۹۰ پکن بود. اولین بازی ملی را در ۳۰ دی ماه ۱۳۶۳ برابر یوگسلاوی و آخرین بازی ملی را در ۲۶ فروردین ۱۳۷۲ برابر بوسنی انجام داد. اولین کاپیتانی تیم ملی را در ۱۱ آذر ۱۳۶۷ برابر قطر به عهده گرفت. سابقه مربیگری : کشاورز تهران (با این تیم به مقام سوم لیگ کشور رسید) – مسعود هرمزگان افتخارات : قهرمان جام حذفی کشور و گروه مقدماتی آسیا با ملوان – نایب قهرمانی لیگ استانی قدس با منتخب گیلان – مقام سومی در جام ملتهای آسیا ۱۹۹۸ – قهرمان بازیهای آسیایی پکن ۱۹۹۹ زندگینامه : زنده یاد سیروس قایقران در اول بهمن ماه ۱۳۴۰ در محله کلویر بندر انزلی پا به عرصه هستی نهاد. سیروس از همان ابتدای کودکی به فوتبال در زمینهای خاکی کلویر روی آورد و با استعداد درخشانش به عضویت تیم فوتبال منتخب آموزشگاهها در آمد. وی در سن ۱۶ سالگی در سال ۱۳۵۶ موفق شد به عنوان یکی از مهرهای اصلی در تیمهای نوجوانان و جوانان ملوان استعدادهای خود را به نمایش بگذارد و با مهارتهای منحصر به فردش ملوان را به رتبه قهرمانی باشگاههای گیلان رساند. وی در سالهای ۵۷ تا ۶۳ افتخارات زیادی را برای ملوان و گیلان به ارمغان آورد مانند دو گلی که وارد دروازه پرسپولیس کرد و یا گل زیبایی که وارد دروازه تیم منتخب مازندران نمود. در این دوران وی به عنوان یک بازیکن استثنایی با ویژگیهای اخلاقی عالی و منش پهلوانی در میان عموم مردم محبوب گردید. وی آنقدر متواضع و افتاده بود که همه افراد به او علاقمند بودند . لبخندهای صمیمی اش هیچگاه از لبان او دور نمی شد و قلبش مانند دریا پاک و بی آلایش بود. سیروس در سال ۱۳۶۳ به تیم ملی دعوت شد و در سال ۶۶ تنها فوتبالیست شهرستانی بود که شادروان دهداری بازوبند پرافتخار کاپیتانی تیم ملی ایران را به بازوان او بست. در سال ۶۷ در جام ملتهای آسیا در قطر ، تیم ملی ایران با رهبری سیروس به مقام سومی دست یافت و در سال ۶۹ تیم ایران را با گلهای زیبایش پس از ۲۰ سال به قهرمانی در بازیهای آسیایی پکن رساند. سیروس در آن دوران نه تنها در ایران بلکه در آسیا و اروپا هم به عنوان یک بازیکن استثنایی مطرح گردید و با وجود داشتن پیشنهاد از تیمهای آلمانی به الاتحاد قطر پیوست. سیروس در اوج شهرت هرگز مغرور نشد و اصالت خود را فراموش نکرد و بعد از مدتی بازی در قطر ، مجددا به تیم اول خود ملوان پیوست و این تیم را قهرمان جام حذفی و راهی مسابقات آسیایی کرد. سیروس در سال ۷۲ به عنوان بازیکن و سپس مربی به تیم کشاورز تهران پیوست و نتایج قابل توجهی بدست آورد. وی سپس به تیم دسته دومی مسعود هرمزگان پیوست و مدتی در آنجا مشغول به مربیگری شد . در سالهای ۷۶ و ۷۷ سیروس بارها تمایل خود را برای بازگشت به ملوان به عنوان بازیکن یا مربی

اعلام کرد. اما در اوایل سال ۷۷ که وی برای تعطیلات نوروز همراه خانواده اش به انزلی آمده بود در بازگشت و در حالیکه همراه فرزنـد، همسـر و برادر همسـرش در اتومبیـل رنوی خود عـازم تهران بود در حوالی امـامزاده هاشم با کامیون خاور تصادف نمود که منجر به فوت وی و فرزنـدش گردیـد. روحشان شاد و قرین رحمت باد. قایقران چرا محبوب شد : وی الگوی جوانمردی و کمک به نیازمندان بود. تنها کاپیتانی که در شـرایط آن زمان که همگان شهرستانیها را مورد تمسخر و آزار و اذیت قرار می دادند با خلاقیتها و مهارتهـای خـود به کاپیتـانی تیم ملی رسـید. مردی که در عین بزرگی همچنـان افتاده و متین بود و درد مردم بینوا را می فهمیـد. مردی که بسیار پنهانی صدقه می داد و در کارهای خیر شـرکت می کرد. وی شبها در تاریکی محض سراغ بینوایان را می گرفت و نانی در سـفره شان می گـذاشت تا در شبهای بنـدر هیـچ کس گرسـنه نخوابد. مردی که چهره سیه چرده اش همیشه با گلخنده ای همراه بود. مردی که به اروپـا نرفت تا ثابت کنـد به عشق صـیادانی که هر غروب با پاهای ورم کرده از دریا برمی گشـتند انزلی را با دنیا عوض نمی کند. سیروس هیچگاه غرور جلوی چشمانش را نگرفت و خاکی ماند. سیروس عشق خاصی به انزلی و ملوان داشت. خودش می گفت : بهترین مطلبی که دربـاره من در مطبوعـات نوشته شـده این است " عجب قـایقرانی دارد این ملوان . " سـیروس سالها به عشق قوی سپیـد با یک پیراهن خیس در باتلاق انزلی دویـد و اصـلا به این فکر نکرد که جز سـفید رنگهای دیگری هم در این دنیا هست. او در سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۳ یک چمـدان افتخار برای ملوان کسب کرد و مهره مار انزلی چیها در میدانهای دوزخی لقب گرفت.سیروس در ۲۳ سالگی به تیم ملی دعوت شـد و سه سال بعـد بازوبنـد کاپیتانی تیم ملی را به بازوی خود بست تا به مرد مورد اعتماد دهداری در مستطیل سبز بدل شود. او در مسابقات جام ملتهای آسیا با تیم ملی روی سکوی سوم آسیا ایستاد و ۲ سال بعد هم در پکن با گل زیبایش پرنده خوشبختی را روی شانه های تیم ملی نشاند تا ایران قهرمان آسیا شود. سیروس با غرور بیگانه بود و پس از بازگشت از چین پیشنهادات چرب و نرم ژرمنها را جـدی نگرفت و به آن سوب آبها رفت تا مـدتی دشداشه پوشـهای قطری را بـا آرپیچی های خود به هوا کنـد. قایقران فوتبال ایران پس از بازگشت از قطر دوباره پیراهن سـفید عزیز را به تن کرد تا با دیگر ملوانان ، قهرمان جام حـذفی ایران شود و اینگونه خزر را عاشـقتر کنـد. و حالا چندین سال است که او زیر خاک نمناک بندر خفته است امـا هنوز عکسـش روی دیوار تمـام مغـازه هـای شـهر و یـادش در قلب تمـام آدمهای نجیب شـمال مانـدگار شـده است. خاطرات آنان که با سـیروس بودنـد : پرویز قایقران (پدر) : آیا ورزشـکار تا زمانی که زنده است عزیز است ؟ هیچکس از تهران و مرکز اسـتان نیامـده که حالی از ما بپرسـد یا کمکی به ما بکند. او اولین فرزندم بود. غروب موقع اذان به دنیا آمد. اولین سالی که به تیم ملی دعوت شـد با محمود فکری به تهران رفت و دو روز بعـد با گرمکن و بی پول برگشت. چیزی به ما نگفت اما چند روز بعد فهمیدیم که لباسـهای آنها را در اردو زدند تا آنها دیگر در تمرینات حاضـر نشوند. اخلاقش عالی بود. او از نظر مالی کمکی به من نکرد ولی بعـدها متوجه شدم که پولها را به مردم نیازمند می داد. دوسـتان دورو نگذاشـتند که در دوران بازیگری و مربیگری ، آب خوش از گلویش پـایین برود. خـدا او را بیامرزد. محمـد احمـدزاده : اغلب دوران ورزشـی ام را در کنار سـیروس بودم. از نوجوانان ملوان گرفته تا اردوی تیم ملی. ضـمن آنکه با هم از ملوان جدا شدیم و به تهران رفتیم.سیروس بچه خونگرمی بود و هیچوقت لبخند از لبانش دور نمی شد. سـیروس برای بزرگتر همه چیز داشت اما خودش یک مقدار سـهل انگاری می کرد. متاسـفانه نسبت به همه چیز بی تفـاوت بود. او بچه خـاکی و بـا صـداقتی بود و فکر می کرد همه مثل خودش صاف و ساده انـد. آخرین بار ۲۰ روز قبل از فوتش او را دیـدم. برایم خیلی عجیب بود که متحول شـده ، حسـرت جوانی اش را می خورد و تـازه متوجه دوستیهـای خود با این و آن و اطرافش شـده بود. می خواست متحول شود و به فوتبـال بـازگردد. خـدا بیـامرز پاسـهای دقیق و شوتهـای سـنگینی داشت. او با کاپیتان شدنش حق من و همه شهرستانیها را گرفت. ظاهر و باطنش یکی بود. انزلی را با هیچ شهری عوض نمی کرد. یکسال به تیم ملی دعوت شدم و در اردو خیلی عذاب کشیدم. رقابت سنگین بود و شهرستانیها پشتیبانی نداشتند، تازه فهمیدم که غفور و سیروس چه کشـیده انـد. اگر آقـای گـل لیـگ نمی شـدم مرا دعوت نمیکردنـد. آنهـا مـا را به زحمت تحمل می کردنـد. سـیروس همیشه با خونسـردی و جوانمردی بـا همه رفتـار می کرد. یـادش بخیر و روحش شاد. بهمن صالـح نیا : من همیشه به نام ملوان افتخار می کنم چرا که نام ملوان عامل شـناسایی بندر انزلی در سـطح کشور شده است و این امر با زحمات و تلاش بازیکنان بزرگی چون سـیروس محقق شـده است. از افتخـارات دیگر انزلی راهیـابی چنـد بـازیکن از این خطه به تیم ملی بوده است که بـا توجه به اوضاع آن زمان برای شهرسـتانی ها بسیار ارزشمند بود. من همیشه قایقران را مثل فرزندم دوست داشتم. او با آن چهره خندان و سیه چرده خود به ما پیوست بچه بسـیار محجوب و خجـالتی بود.او افتخار زیادی برای ما آفریـد اما متاسـفانه هرگز از تمام توان خود اسـتفاده نکرد. به او گفتم تهران نرو. آنجـا آدم ها همـدیگر را نمی شناسـند و رقابت ناجوانمردانه زیاد است. پیشـنهاد کردم به لیگ ترکیه برود.من نمی بخشم آنهـایی را که بـا راه انـداختن تیمهای کـذایی و بی هویتی چوان کشاورز و بانک تجارت و... باعث از هم پاشـیدگی تیمهای اصیل شدند. آرزو دارم جوانان امروز از سوابق و افتخارات سیروس الگو بگیرند . او وقتی تمرین شوت انجام می دادیم توپهایمان را بـا شوتهـایش پـاره می کرد. مرحوم دهـداری (معلم اخلاق) همیشه می گفت اگر سیروس کمی منظم تر باشـد می توانـد یکی از بهترینهای فوتبال ما باشـد. دهـداری توجه خاصـی به نظم و اخلاق داشت. بحث من و دهـداری با بقیه همیشه این بود که ورزشـکار باید از هرجهت الگو باشد راه رفتن، صحبت کردن و... . حتی یکبار مرحوم دهداری قصد نداشت مرحوم قایقران را به اردو ببرد که من مانع شدم. او می گفت این جوان خیلی بی تفاوت است. من سـیروس را به اتاقم بردم و ساعتها با او صـحبت کردم. سـیروس هم در نظم و انضـباط همانی شـد که می خواستیم و بازوبنـد کاپیتانی را بـدست آورد. سـیروس در زمان پروین به دلایل غیر فنی از تیم ملی خط خورد. او را جلوی مغازه مرحوم طلاکار دیدم. گفتم سیروس تو به ما کمک کن ، نه من به تو. تازه از قطر آمده بود گفتم بیا ملوان برای تو برنامه تنظیم می کنم. دوست دارم دوباره تو را در تیم ملی ببینم. سـیروس به من قول داد . هرروز صبح خودم به او در کنار دریا تمرین میدادم و شبها به خانه اش سر می زدم. او خیلی در این ایام به ملوان کمک کرد. بهترین خاطره ام ۲ گل زیبایی است که در این دوران به پرسپولیس در انزلی زد . او دوباره به تیم ملی دعوت شد و آن گل زیبا را به کره زد. بعدها در بندر عباس او را دیدم. مدتی بعد پیغام داد که میخواهم به ملوان بیایم و با شما کار کنم که موافقت کردم اما من سال بعد به چوکا پیوستم و .... خـدا رحمتش کند و به خانواده اش صبر بدهد. گزیده ای از بیانیه جمعی از هواداران ملوان : سـیروس جان ، ظهر روز خاکسـپاریت

در استادیوم انزلی همه داد زدند " سیروس بیا اینجا ؛ " ولی اینبار تو درون جعبه چوبی و روی دست مردم به پیش آنها رفتی. وقتی احمدرضا عابدزاده خودش را به تو رساند و بغلت کرد و اشک ریخت همه داد زدند " قایقران،قایقران . " سیروس جان ، هنوز هم هواداران با شعار " قایقران ، روحت شاد " پشت تمام حریفان را می لرزانند. سیروس جان، آسوده بخواب. ملوان تو هنوز سرپاست. تمامی مطالب بر گرفته شده از کتاب طلوع و غروب یک قهرمان می باشد...

قایلی گیلانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۳۶ ق)، هیوی و شاعر. با حکیم همام گیلانی معاصر بود. علم هیئت را خوب می‌دانست. به هند مسافرت کرد و در ۱۰۳۶ ق با میرزا محمدصادق مینا ملاقات داشت. از اوست:

هرگز ز باده چهره‌ی ما لاله‌گون مباد

لبریز جام عشرت ما جز به خون مباد

هر ناله رشک صحبت صد ساله عشرت است

خالی دلی ز نعمه‌ی این ارغنون مباد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۵۱ -۸۵۰ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۳۷، ۷۲۸)، کاروان هند (۱۰۸۷-۱۰۸۶ / ۲)، نامها و نامدارهای گیلان (۳۸۵)، هفت اقلیم (۱۵۲ / ۳).

قایمی آملی مازندرانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. در اوایل و اواخر عمر در امل بود. سیر و سیاحت بسیار می‌کرد. در دوره‌ی اکبرشاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به بیشتر شهرهای هند مسافرت کرد و به زیارت حرمین شریفین نیز مشرف شد. وی به علم شعر و صنایع و بدایع شعری آگاهی داشت و در فن معما و لغز از شعرای زمان خود استادتر بود. در شاعری از سبک ابن‌یمین بهره می‌گرفت و از سبک وی در اشعار خود استفاده می‌کرد. در «کاروان هند» صاحب عنوان با قاسم مازندرانی و قاسمی مازندرانی یکی دانسته شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۶۴۵)، فرهنگ سخنوران (۷۳۸، ۷۳۴، ۷۳۲)، کاروان هند (۱۰۸۹ -۱۰۸۷ / ۲)، هفت اقلیم (۱۳۲ / ۳).

قاینی اصفهانی، خلیل، محمد خلیل

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۳۶ ق)، فقیه، فیلسوف، مدرس، متکلم و حکیم. در اصفهان از حوزه‌ی درس آقا رضا خوانساری و برادرش، آقا جمال‌الدین خوانساری استفاده نمود. وی مدتی در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان فلسفه، کلام، کتب ابن‌سینا و کتب خواجه نصیر را تدریس کرد. سید اسدالله بن علی رضا حسینی و سید نعمه‌الله جزائری و امیرمحمد صالح قزوینی از شاگردان وی بودند. پس از فتنه‌ی افغان در ۱۱۳۴ ق به قزوین مهاجرت کرد و در همان جا درگذشت و کلمه‌ی الظهر ماده تاریخ وفاتش می‌باشد. از آثار وی: «الآلهیه» یا «نور البصر بحل مسأله الجبر و القدر»، شرح رساله «نفی الجبر و التفویض و اثبات الامر بین الامرین» امام هادی (ع) مذکور در «تحف العقول»؛ «شرح حدیث عمران الصابی»؛ «الرد علی النصاری»؛ «البداء»؛ حاشیه بر «شرح الاشارات» خواجه نصیر طوسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۱۸۷ -۱۸۰)، بهارستان آیتی (۲۵۳ -۲۵۲)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (۱۹۹ / ۲)، الذریعه (۳۶۴ / ۲۴ ،۲۰۴ -۲۰۳ / ۱۳ ،۲۳۲ / ۱۰ ،۱۱۱ / ۶ ،۵۵ -۵۴ / ۳ ،۲۸۵ -۲۸۴ / ۲)، ریحانه (۴۲۸ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۴۴ -۲۴۳ / ۱۲)، فوائد الرضویه (۱۷۴)، لغت‌نامه (ذیل/ قاینی).

قاینی بیرجندی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۵ ق)، خطاط، نویسنده و دانشمند. وی در علوم فلسفی و هیئت و نجوم و ریاضیات استاد بود و جز خط نستعلیق، شکسته تعلیق و شکسته نستعلیق را نیز استادانه می‌نوشت. این استاد بیشتر عمر خود را در اصفهان گذراند، سپس به تهران آمد و در این دیار سکنی گزید. سلطان اویس میرزا احتشام‌الدوله مدتی نزد وی تلمذ کرده است. به گفته‌ی اعتمادالسلطنه، او یک نسخه «مثنوی» مولانا را به مدت سی سال کتابت کرده و به حاج فرهاد میرزا معتمدالدوله اهدا نموده است. وی در تهران درگذشت و در جوار امامزده یحیی به خاک سپرده شد. از آثار او: یک نسخه «مثنوی» مولانا، که ظاهرا همان نسخه‌ای است که ذکر آن در «المآثر و الآثار» آمده است، به قلم کتابت خفی عالی، با رقم: «این کتاب مستطاب... محمدعلی بن محمداسماعیل الحسینی القاینی... قد شرع فی کتابته یوم الاحد خامس شهر شعبان فی ۱۲۶۶»؛ یک نسخه «نهایهٔ الایضاح»، در هندسه، تألیف خود وی، به قلم کتابت خفی نزدیک به غبار خوش، با رقم: «و قد اتفق جفاف القلم،... سنهٔ اربعهٔ و سبعین و مأتین بعد الالف... ابن‌محمد اسمعیل الحسینی محمدعلی البیرجندی القاینی و صلی اللّه...»؛ یک نسخه «تحریر اقلیدس»، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «سمت اختتام پذیرفت و انا العبد... ابن محمد اسمعیل الحسینی، محمدعلی البیرجندی القاینی... فی عشر آخر، شهر ربیع المولود من شهور سنه‌ی ۱۲۷۴ من الهجرهٔ النبویهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۹۷ -۷۹۵/ ۳)، الذریعه (۳۹۶/ ۲۴)، شرح حال رجال (۲۴۰/ ۶)، المآثر و الآثار (۲۰۰).

قاینی خراسانی، ابوطالب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۳۰- شهادت ح ۱۲۹۳ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، رجالی، متکلم و مصنف. در قائن به دنیا آمد. مقدمات و علوم اولیه را همراه ملا محمد حسن قاینی نزد علمای قاین فراگرفت. آن‌گاه به مشهد رفت و از محضر استادانی چون آیت‌الله سید محمد رضوی، معروف به قصیر خراسانی، و آیت‌الله شیخ محمد رحیم بروجردی استفاده برد و به اخذ اجازه‌ی اجتهاد و افتاء از سوی آنان نائل آمد. سپس به حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان رفت، و با ملا حمزه قاینی در بحث حجه‌الاسلام حاج محمد حسن کرباسی شرکت کرد. پس از چندی از فرزندش، آیت‌الله شیخ ابراهیم کرباسی کاخکی، اجازه‌ی اجتهاد و لقب مصباح الشریعه گرفت. آن‌گاه به نجف رفت و از محضر فقیه مشهور شیخ محسن خنفر بهره برد و تقریرات درس او را نوشت و مدتها در ملازمت آن استاد بود و از وی نیز اجازه‌ی اجتهاد گرفت. پس از آن به قائن بازگشت و مرجع خاص و عام گردید و در ضمن انجام امور شرعی مردم و تدریس در حوزه‌ی علمیه‌ی قائن، به تصنیف کتب باارزشی همت گماشت. آیت‌الله شیخ محمد باقر گازاری (قاینی) بیرجندی و ملا محمد بن ملا عبدالحسین قاینی و نجف بن علی‌اکبر بیرجند و محمد حسین قاینی کاخکی از شاگردان او بودند. وی هنگامی که به حج مشرف شد در کراچی پاکستان توسط افراد امیر علم‌خان، حاکم قاین، به شهادت رسید و همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش: «الدره الباهره»، در توحید؛ «الدره»، در معارف خمسه؛ «ینابیع الولایه»، رساله‌ای در احکام ولایت قانونی و اقسام آن؛ «الکواکب السبعه» یا «سبعه‌ی سیاره»، در هفت مساله اصولی؛ «فوائد الغرویه»، در درایه و رجال؛ «ماحی الضلاله و الغوایه»، در رد کتاب «شمس الهدایه و قالع الضلاله» خان ملاخان، معروف به ملا شمس مفتی هرات؛ «الدروس»، تقریرات درس استادش شیخ خنفر؛ «المکاسب»؛ «مناسک الحج»؛ «رساله فی صلاه المسافر»؛ «السؤال و الجواب»، به فارسی و عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۶۴ / ۲)، بزرگان قائن (۹۱ -۷۳)، بهارستان آیتی (۲۸۲ -۲۸۱)، الذریعه (۲۹۱ -۲۹۰ / ۲۵ ،۲۵۴ - ۲۵۳ ،۱۵۰ / ۲۲ ،۲۸۸ / ۲۰ ،۱۸ -۱۷ / ۱۹ ،۸۳ / ۱۵ ،۲۴۲ / ۱۲ ،۱۴۴ ،۹۰ ،۸۸/ ۸)، ریحانه (۴۲۸ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۲- ۴۰ / ۱۳)، فوائد الرضویه (۴۱۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۳۳ -۱۳۲ / ۶)، معجم المؤلفین (۲۹ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۳ -۱۸۲ / ۱).

قاینی خراسانی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۰ ق)، فقیه، عالم امامی، مجتهد، مدرس، نویسنده و محقق. او دوران تحصیلی خود را در قاین و اصفهان و نجف گذراند و با جمعی از بزرگان دوران خود مصاحب بود. وی معاصر و هم‌دوره‌ی شیخ مرتضی انصاری بود، و از محضر اساتیدی چون شریف العلماء و سید شفیع چاپلقی استفاده نمود و از سید شفیع چاپلقی صاحب اجازه بود. او در قاین حوزه‌ی درس خوبی داشته و از استادان شایسته‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی این شهر بوده است. از شاگردان وی ملا محمد حسن قاینی، پدر شیخ محمد باقر گازاری، و دیگری محمد حسن بن ملا محمد قاینی که در ۱۳۰۰ ق نزد وی تلمذ نموده است. از آثارش: «الابداع»، در اصول فقه؛ «القصوی فی المنطق»؛ «الابصار فی أصول الفقه»؛ «وثائق الاصول» یا «الوثائق فی اصول الفقه»، در فقه استدلالی. در «بزرگان قائن» نام پدر صاحب عنوان سید احمد بن سید محمد ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۱۴۹ -۱۴۵)، بهارستان آیتی (۲۸۲)، الذریعه (۲۶ -۲۵ / ۲۵ ،۱۰۸ / ۱۷ ،۶۵ ،۶۴/ ۱)، طبقات اعلام

الشیعه (قرن ۳۵۴ -۳۵۳ / ۱۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۳۳/ ۶).

قاینی، ابوالحسن محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم و ششم ق)، عالم امامی، فقیه، محدث و متکلم. از دانشمندان قرن پنجم و ششم هجری است. او در رجال و حدیث مردی مورد اطمینان و وثوق می‌باشد و کتاب وی به نام «السابقین فی اعتقاد اهل البیت الطاهرین» مورد قبول علمای شیعه است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۵۰۰)، الذریعه (۹۹ / ۱۲)، ریاض العلماء (۱۵۶ / ۵)، ریحانه (۴۲۸ / ۴)، فهرست منتجب‌الدین (۱۹۱).

قاینی، ابوالقاسم جنید

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۴۷ -۴۶۶ ق)، محدث، فقیه و صوفی. پدرش محمد بن علی قاینی از بزرگان علم و دانش و یکی از معدود محدثانی است که به خوبی و دانش زیاد شهرت داشته است. وی شیخ صوفیه بود. ایام تحصیل را در اصفهان به سر برد، سپس ساکن هرات شد. در طلب حدیث سفرهای بسیار نمود. از حسن بن اسحاق تونی، در قاین، و از ابوبکر بن ماجه و سلیمان حافظ، در اصفهان، و از ابوالفضل محمد بن احمد عارف و دیگران، در طبس، و از محمد بن علی عمیری و نجیب بن میمون، در هرات، و از ابوالمظفر منصور بن محمد سمعانی، در مرو، حدیث شنید و از وی فقه آموخت. پدر جنید، محمد بن علی، بر محمد بن منصور سمعانی سمت استادی داشت، و ابوسعد عبدالکریم بن محمد بن منصور سمعانی از شاگردان جنید بود. وی همچین از سعد مهینی فقه آموخت. ابن‌ناصر و ابن‌عساکر و ابوالمعمر مبارک بن احمد انصاری و ابوبکر مبارک بن کامل خفاف و سعید بن موفق نیشابوری و حافظ ابوالقاسم علی بن حسن بن هبه‌الله و به گفته‌ی ذهبی، زنکی مروزی و ابوروح هروی و عبدالرحیم سمعانی از وی حدیث شنیدند. در هرات درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۴۳۷ / ۴)، بزرگان قائن (۱۱۰)، سیر النبلاء (۲۷۳ -۲۷۲ / ۲۰)، الوافی بالوفیات (۲۰۴ -۲۰۳ / ۱۱).

قاینی، ابوتراب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۲۸ ق)، فقیه، دانشمند، ادیب و شاعر، متخلص به انوار. وی در نجف در محضر آقا سید حسین کوه‌کمری تلمذ نمود. پس از تکمیل دروس و رسیدن به درجه‌ی اجتهاد به قائن بازگشت و در آن جا مرجع امور دینی و سیاسی شد. در اواخر عمر به مشهد رضوی رفت و در آنجا درگذشت و در جوار تربت پاک امام هشتم (ع) در دارالسیاده دفن شد. وی در سرودن شعر مهارت داشته و اشعار زیادی از او بجای مانده است. از آثارش: «اسرار التوحید»، به فارسی، در تفسیر سروه توحید است، که در ۱۳۱۸ ق، به همراه کتاب «لؤلؤه الغالیه» پدرش، به چاپ رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۰۹ / ۲)، بزرگان قائن (۵۷ -۵۶)، بهارستان آیتی (۳۲۲ -۳۱۹)، الذریعه (۲۱۸ / ۲۶ ،۴۳ / ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۵۸ / ۱۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱۹ / ۱).

قاینی، ابوشریف محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۳۹ ق)، عالم امامی، فقیه، محدث، مفسر، مدرس، متکلم، فیلسوف و خوشنویس.چون در مناظرات علمی کسی را یارای سخن گفتن با او نبود به سلطان‌العلماء مشهور شد. در چهارده سالگی به تحصیل روی آورد. دوران تحصیلات عالیه خود را در اصفهان به پایان رساند. در حوزه‌ی علمیه‌ی قاین، به تدریس فقه و فلسفه می‌پرداخت و گاه به نقاط دیگر جهت مباحثات علمی سفر می‌کرد، که سفر ۱۱۱۵ ق او به هرات و مباحثه او با علمای اهل سنت از آن جمله است. سرانجام در ماه رمضان درگذشت و (بماه رمضان) ماده تاریخش گشت. سلطان محمد پدر قطب‌الدین قاینی عالم ریاضی است. از آثارش: «تهذیب الامه»، تفسیر مفصلی بر قرآن؛ «تطهیر الائمه (ع)»؛ «الامامه»؛ «رساله فی الوجود»، شامل مباحث و فوائد فلسفی درباره‌ی وجود؛ «ام الوسائل فی ام المسائل»، تفسیر سوره‌ی حمد و برگرفته از تفسیر مفصل، به زبان عربی؛ حاشیه بر «الشرح الجدید للتجرید»؛ کتابت «ضیاء القلوب»، در حدیث،

به خط نستعلیق.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۵۳۷ -۵۳۱)، الذریعه (۳۶ / ۲۵ ،۱۱۶ -۱۱۵ / ۶ ،۳۲۷ -۳۲۶ / ۲)، ریحانه (۶۰ -۵۹ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۱۷ -۳۱۶ / ۱۲).

قاینی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۵۶ ق)، عالم امامی و فقیه. به آورده‌ی «مکارم الآثار» معروف به مدرس و به آورده‌ی «بهارستان» آیتی معروف به مجتهد، و ممکن است که چون پـدرش به هر دو لقب ملقب بوده است. وی در امر به معرف و نهی از منکر نهایت تلاش و کوشـش را داشت. از آثـارش: شـرح «اشـارات» کلباسـی؛ رسـاله‌ی «لـب المعـارف»، در اصـول دیـن،کـه ایـن کتـاب را بـه امر محمـد ولی میرزا، فرزند فتحعلی‌شاه، تألیف نمود. پس از مرگش سیصد و چهل جلـد کتاب او بنابر وصـیتش به مـدرسه‌ی بیرجنـد هدیه شد. در «بهارسـتان» آیتی، اهدای سیصد و چهل جلد کتاب به پدرش نسبت داده شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :بزرگان قائن (۴۱)، بهارسـتان آیتی (۲۶۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۸ / ۱۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۳۳ / ۶)، مکارم الآثار (۱۵۲۳ / ۵).

قاینی، جلال‌الدین جلال

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۳۸ ق)، عالم دینی، فقیه، واعظ، محـدث و مدرس. وی از احفاد نجم‌الدین عمر نسـفی است. به گفته‌ی مؤلف «بزرگان قائن» نامش را به اشـتباه جلال‌الـدین محمـد بن ابن عبـدالله قاینی، محمد بن محمد قاینی، جلال‌الدین ابومحمد بن نجم‌الدین محمد قاینی، جلال‌الـدین محمـد بن عبـدالله قاینی و غیره ذکر نموده‌انـد. در قاین به دنیا آمد. به بخارا رفت و در آنجا مدتی به تحصـیل پرداخت. وی شاگرد شـمس‌الدین ابوالخیر محمـد بن محمد جزری و محمد بن جلال عبدی و خواجه عبدالله سـمرقندی بود و از آنها اجازه‌ی روایـت داشـت. پس از گذرانـدن دوران تحصـیل بـه هرات رفـت و در دانشگاه و در مقصـوره‌ی جـامع آنجـا به تـدریس پرداخت. فصـیح‌الدین محمـد بن محمد قاینی و محمد بن شـیخ محمد جامی، صاحب «ریاض الناصـحین»، و جلال‌الدین یوسف اهل، مورخ و محدث سده‌ی نهم هجری، و حسـین ابن جمال قهسـتانی، صاحب «شرح قصیده‌ی ابن‌سینا»، از شاگردان او بودند. وی علاوه بر وعظ و تـدریس مـدتی نیز منصب احتساب شـهر هرات را عهـده‌دار بود. در هرات به بیماری طاعون درگـذشت و در مدرسه‌ی جغرتان به خـاک سپرده شـد. از آثار وی: مـدرسه‌ی علمیه‌ی جغرتان، که امروزه به صورت مسـجد درآمـده، و به جامع جغرتان معروف است؛ کتابخانه‌ی بزرگ. از آثار علمی وی: «تبیان الکبائر»؛ «اربعین»، مشـتمل بر چهل حدیث؛ «مفتاح الفرائض»؛ «شـعب الایمان»، در ادیان و جامعه‌شناسی دینی؛ شرح «نصاب»؛ «اجازات»؛ «نصایح شاهرخ شاهی».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :بزرگان قائن (۱۲۰ -۱۱۳)، بهارستان آیتی (۱۹۴)، تاریـخ نظم و نثر (۷۸۵)، حبیب السیر (۱۳ / ۴)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۸۳۸)، مزارات هرات (۹۰ -۸۹).

قاینی، زین‌العابدین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۳۱ ق)، عالم امامی، فقیه، محـدث، مـدرس، زاهـد و نویسـنده. وی از مراجع تقلید شـهر قاین و از مدرسان مشـهور حوزه‌ی علمیه‌ی آنجـا بود. وی از محضـر سـید علی طباطبایی، صاحب «ریاض»، اسـتفاده نمود. محمـد حسن قائنی از شاگردان او بود. وی با میر سـید محمد قاینی از علمای قاین همعصـر و با وی مراوده داشت. در روسـتای درخش درگذشت و در همان جا دفن شد. از آثار وی: «مصباح النجاه» یا «اصول‌الدین»، به فارسی که نگارنده در آن وعده کرده که بخش دوم را در فروع دین بنگارد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۱۹۵ -۱۹۴)، الذریعه (۱۸۸ / ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۹۴ / ۱۳).

قاینی، سبحانعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۶۵ / ۱۲۶۰ ق)، فقیه، متکلم، فیلسوف، ریاضیدان، طبیب، محقق، نویسنده و شاعر. معروف به فاضل سبحانعلی‌خان. وی در شهر لکنهو ساکن و از امیران و مراجع علمی، سیاسی و اجتماعی این شهر بود. او علاوه بر امر تدریس به امور سیاسی نیز می‌پرداخت. مدتی وزیر و مشاور حیدر پادشاه بود و سایر حکام هند، همچون یمین‌الدوله سعادت علی‌خان به او ارادت می‌ورزیدند. میرزا محمدعلی کشمیری (م ۱۳۰۹ ق) وی را از شاگردان شریف‌العلماء محمد شریف ابن ملا حسنعلی مازندرانی (م ۱۲۴۶ ق) ذکر کرده است. وی در هند درگذشت و طبق وصیتش پیکرش به کربلا منتقل و در آنجا دفن شد. از آثارش: «شرح حدیث الاثره»؛ «شرح حدیث الثقلین»؛ «شرح حدیث الحوض»؛ «الوجیزه»، در علم کلام و اصول دین به فارسی؛ «لطافه المقال»، که در رد اعتراضات فاضل رشید نگاشت و فاضل رشید این کتاب را در تحت نام «ایضاح لطافه المقال» پاسخ گفت و فاضل سبحانعلی‌خان کتاب «فذلکه الکلام» را در جواب «ایضاح» نوشت. جواب رساله‌ی «مکاتیب» حیدرعلی فیض‌آبادی؛ «فیوضات سحبانی»؛ «فضائح البخاری فی صحیحه»، در مورد نویسنده و متن کتاب «صحیح» بخاری و روایات جعلی آن، که به فارسی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۲۰۹ -۲۰۷)، الذریعه (۵۰ -۴۹ / ۲۵ ،۳۲۳ / ۱۸ ،۲۴۹ ،۱۳۰ / ۱۶ ،۱۹۸ ،۱۹۵ ،۱۸۷ -۱۸۶ / ۱۳ ،۲۱۱ / ۱۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۹۷ -۵۹۶ / ۱۳).

قاینی، سلطانعلی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۱۴ ق)، خطاط و شاعر. او شاگرد اظهر تبریزی و معاصر و قرین سلطانعلی مشهدی بود که ابتدا در تبریز کاتب دربار سلطان یعقوب، فرزند اوزون حسن آق‌قوینلو، بوده و به همین مناسبت یعقوبی رقم می‌کرده است. پس از مرگ او در دربار رستم، نوه‌ی سلطان یعقوب، کتابت می‌نموده و نام وی رستمی رقم می‌زده است. از تبریز سفری به حجاز کرد و پس از چندی به خراسان رفت و به دربار سلطان حسین میرزا بایقرا راه یافت و به سبب نزدیکی به او سلطانی رقم می‌کرد. سلطانعلی به هنگام اقامت در هرات جزو مجلسیان امیرعلیشیر نوایی و از ملازمان نورالدین عبدالرحمن جامی بود. او معدودی از اشعاری را که خود می‌سرود، معدودی از اشعار را به خط خود می‌نوشت. شیوه‌ی سلطانعلی آمیزه‌ای است از خط سلطانعلی مشهدی و خط استادش، اظهر تبریزی، است و کتابت خفی را از مشق و قلم جلی، خوشتر می‌نوشت. وی گرچه در خط نستعلیق معروف است، آثاری از خطوط اصول وی هست که استادی او را در نسخ و رقاع نیز نشان می‌دهد حاکی است. وی در هرات درگذشت. از آثار او: یک نسخه «زبده الحقایق» عین القضاه همدانی، به قلم نستعلیق کابت جلی خوش، با رقم: «تمت کتابه... سلطانعلی الیعقوبی. سنه‌ی اربع و ثمانین و ثمانمائه»؛ یک نسخه «ظفرنامه‌ی» تیموری شرف‌الدین علی یزدی، به قلم نستعلیق کتابت و عناوین به قلم رقاع خوش، با رقم: «قدتم... علی ید العبد الفقیر... سلطان علی القاینی... سنه اثنی و تسعین و ثمانمائه...»؛ یک نسخه «دیوان» کامل جامی، به قلم نستعلیق کتابت خوش که چند سطر آخر آن به قلم رقاع کتابت خوش است و رقم «قد وقع الفراغ من کتابه... سلطان علی القاینی... فی شهر ربیع‌الاول سنه ثمان و تسعین و ثمانمائه الهجریه» دارد؛ یک نسخه «دیوان» امیرعلیشیر نوایی (ترکی)، به قلم نستعلیق کتابت خوش، با رقم: «تمت الکتاب... سلطان علی القاینی». و چندین اثر دیگر وی که در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۴۱ -۲۳۶ /۱)، اطلس خط (۴۶۲ -۴۶۱)، پیدایش خط و خطاطان (۱۱۴ -۱۱۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۲/۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۴۵)، خوشنویسان و هنرمندان (۳۷ ،۹)، الذریعه (۴۵۸/۹)، مجالس النفائس (۲۷۴ ، ۱۰۱)، مناقب هنروران (۱۱۴ ،۶۰ -۵۹)، هنر عهد تیموریان (۶۲۲ ،۵۸۲ ،۵۰۹ ،۵۰۸- ۴۸۵، ۳۱۲).

قاینی، ضیاءالدین، ابومحمد فضل

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، فقیه و محدث. وی معاصر بهرامشاه غزنوی (۵۴۷ -۵۱۱ ق) بود. پدرش، محمد بن ابراهیم، نیز از بزرگان حدیث بود و کتابی درباره‌ی «خاندان عصمت و طهارت (ع)» به نامن «السابقین» نوشته است. پدر و پسر معاصر حسن بن منصور قاینی وزیر سلطان بهرامشاه و از چهره‌های درخشان علمی خراسان بودند. در سلسله‌ی اجازات محدثین بزرگ از فضل بن محمد قاینی تعبیر به شیخ امام اجل ضیاءالدین ابومحمد شده است و اجازات و روایاتش در حدود ۵۴۷ ق است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۲۸۸)، بهارستان آیتی (۱۵۱ -۱۵۰)، الذریعه (۹۹ / ۱۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۹ -۲۱۸ / ۶).

قاینی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، محدث، فقیه، محقق، نویسنده و خطاط. از شاگردان ملا احمد نراقی و شیخ موسی بن جعفر نجفی، شریف العلماء، و سید محمد مجاهد بود. وی علاوه بر اینکه خود نویسنده و محقق بود، آثار نویسندگان دیگر را نیز به خط خود کتابت می‌نمود. از آثارش: «شرح المعالم الاصول»؛ کتابی در دانش «اصول»؛ کتابی در «تاریخ»؛ «الاسئله و الاجوبه» که فقه استدلالی و رساله‌ی عملیه است.از آثار کتابتی او: «محزن الادویه» و تذکره‌ی «اولی النهی» محمد حسین عقیلی به قلم نسخ در ۱۲۴۶ ق که جلد کتاب دارای گل و بوته و مذهب می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۲۵۹ -۲۵۸)، الذریعه (۷۱ / ۱۴ ،۲۴۸ / ۱۲).

قاینی، علی‌اکبر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۳۰ -۱۲۲۳ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی و نویسنده. از روستای آفریز قاین بود، که پس از فراگیری مقدمات علوم به تحصیل در حوزه‌های علمیه معروف پرداخت و با استعداد و ذوق سرشار به مدارج عالی و فقهی نایل آمد. وی مدتی در کربلا ساکن بود و یکی از آثارش را در آن شهر نگاشت. از آثارش: «کتاب الطهاره»، در فقه استدلالی به سبک «مدارک الاحکام»؛ شرح «معالم الاصول» شیخ حسن عاملی که جلد اول آن تا مبحث «مجمل و مبین» در کربلا به پایان رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۲۴۰ -۲۳۹)، الذریعه (۱۸۶ / ۱۵ ،۷۱ / ۱۴)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی آیت‌الله نجفی مرعشی (۳۱۹ / ۱۰).

قاینی، علینقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، عالم دینی و فقیه. از علمای طراز اول قرن خود بود. دوران تحصیلات عالیه را در نجف اشرف گذراند، و از علمای معروف حوزه‌ی علمیه‌ی نجف همچون شیخ قاسم نجفی (م ۱۲۹۰ ق)، اجازه‌ی اجتهاد داشت. از آثارش کتابی در امامت به نام «جوامع الامامه» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۲۶۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۲۹ / ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۳۸ -۱۳۷ / ۶).

قاینی، محتشم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، حکیم، دانشمند، فقیه و شاعر. از اکابر قاین و جد مقیم، فرزند میرزا هادی، بود. وی در شعر و لغز و معما مهارت داشت. از آثارش: «فصول الحق»، در فلسفه و حکمت، به فارسی؛ «هادی المسترشدین»، در حکمت عملی و دعا و عبادات؛ «معمیات» که مجموعه‌ای ریاضی ادبی است؛ «دیوان» شعر. از اوست:

از نظر چون شد رخ او ناپدید

قطره‌های اشک بر دامن چکید

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۳۶۶ -۳۶۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۲۷ -۵۲۶)، الذریعه (۹۷۱/ ۹).

قاینی، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۲۵ ق)، عالم و فقیه: تحصیلات خود را، بخشی در مشهد و نزد اساتیدی همچون شیخ محمدرحیم بروجردی مشهدی و بخشی در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، گذراند و از محضر اساتید آن روزگار استفاده برد. وی از مشایخ اصفهان و مشهد، بخصوص از شیخ محمد رحیم بروجردی، اجازه‌ی اجتهاد و روایت داشته است. او معاصر با سید ابوطلاب قاینی است. از آثارش: رساله‌ای در «اصول‌الدین»، که به گفته‌ی معاصرش ملا محمد باقر بیرجندی در «بغیه الطالب»، استخراج اصول دین از قضیه‌ی شهادت

سیدالشهداء (ع) است؛ رساله‌ی «تجوید القرآن»؛ «تکمیل الایمان فی اثبات وجود صاحب الزمان (عج)»، پیرامون غیبت امام زمان (عج).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۵۷۵)، الذریعه (۲۳۲ / ۲۶، ۳۶۶ / ۳، ۱۸۷ / ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۱۷ / ۱۴).

قاینی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد محسن بن عبدالله بن محسن بن حسین اصفهانی بیرجندی.

عالم عامل و فقیه، سال‌ها در نجف اشرف ساکن بوده، و درس شیخ انصاری را درک نموده، سپس به درس آقا سید حسین کوه‌کمری حاضر شده، در سامرا مدتی درک محضر میرزای شیرازی کرده، و در ۱۳۰۷ وفات یافته، در کربلا مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قاینی، میرک

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، عالم، فیلسوف و خطاط. مدتی به تحصیل در حوزه‌ی علمیه اصفهان پرداخت، و از محضر آقا حسین خوانساری استفاده نمود. آثار باقیمانده از وی نمایانگر فضل و هنر اوست. از آثارش: کتابت «تهلیلیه» منسوب به جلال‌الدین دوانی با خط نستعلیق؛ کتابت «تلتحفه الرضویه» معزالدین محمد نقیب، در اصول فقه، برای امیر سید اسماعیل خاتون‌آبادی که حواشی و تعلیقاتی خود بر آن افزوده که نشان‌دهنده‌ی دانش قاینی در علوم عقلی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۲۲۵)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشکده‌ی الهیات دانشگاه تهران (۳۷۹ / ۱).

قائم‌مقام فراهانی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا ابوالقاسم خان فراهانی قائم‌مقام و صدارت مرحوم فتحعلی شاه قاجار که در شهر ری در مقبره مرحوم ابوالفتوح رازی صاحب تفسیر معروف مدفون می‌باشد.

مرحوم خیابانی در ج سوم ص ۲۵۴ ریحانۀالادب گوید: قائم‌مقام– میرزا ابوالقاسم بن میرزا عیسی بن محمد حسن بن عیسی بن ابی‌الفتح بن ابی‌الخیر حسینی فراهانی تهرانی از افاضل ادباء نامی عهد فتحعلی شاه قاجار که ادیب فاضل منغی کامل شاعر ماهر مترسل دانشمند جامع کمالات صوری و معنوی و در نظم و نثر عربی و فارسی سرآمد امثال و اقران خود بوده و به (ثنائی) تخلص می‌نموده است.

از آثار قلمی اوست انشاء که حاوی مکتوبات و منشآت اوست که مرحوم حاج فرهادمیرزا آن را تدوین و به منشآت قائم‌مقام معروف و به امر اویس میرزا پسر فرهادمیرزا به طبع رسیده.

۲– جلایرنامه که مثنوی فکاهی است و بنام جلایر غلام خود به نظم درآورده ۳– الجهادیه ۴– دیباچه جهادیه صغرای پدرش میرزا عیسی ۵– دیباچه جهادیه کبرای مرحوم پدرش ۶– دیوان شعر.

از اشعار اوست این چند بیت.

گر در دو جهان کام دل و راحت جهانست
من وصل تو جویم که به از هر دو جهانست
در کیش من ایمانی اگر هست به عالم
در کفر سر زلف چو زنجیر بتانست
گر واعظ مسجد بجز این گوید مشنو
این احمق بی‌چاره چه داند حیوانست
گر مذهب اسلام همین است که او راست
حق بر طرف مغبچه دریر مغانست
او خون دل خم خورد این خون دل خلق
باور نتوان کرد که این بهتر از آنست

آن مرحوم در سال ۱۲۵۱ قمری بدورد حیات گفته و در شهر ری در مقبره ابوالفتوح به خاک رفته است.

(۱۱۹۳- مقتول ۱۲۵۱ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به ثنایی. پدر وی از رجال سیاسی و از مفاخر علمی و ادبی ایران بود که مدتی مقام وزارت و قائم‌مقامی را به عهده داشت. میرزا ابوالقاسم پس از فوت پدر به منصب قائم‌مقامی رسید و در دربار عباس میرزا نایب‌السلطنه مصدر کارهای بزرگی شد. او پس از وفات فتحعلی‌شاه، محمدشاه را به تهران آورد و با حسن تدبیر و لیاقت خود سلطنت او را مستقر کرد و خود اقدام به سرکوب شورشها و آرام کردن اوضاع نمود. قائم‌مقام در زمینه‌های ادبی نیز صاحب استعداد بود وی به سرودن شعر می‌پرداخت.اما بیشترین شهرت او در زمینه‌ی ادبی، در نثر است تا نظم. در نوشته‌هایش از مکتب گلستان سعدی پیروی می‌نمود. نثر قائم‌مقام دارای ویژگی‌هایی از جمله: کوتاهی جمله‌ها، صراحت لهجه و ترک استعاره و همچنین آهنگین بودن جملات می‌باشد. وی سرانجام بدستور محمدشاه در باغ نگارستان به توسط اسماعیل‌خان قراچه‌داغی به قتل رسید. در شهر ری، در مقبره‌ی ابوالفتوح رازی، دفن شد. از آثارش: «منشآت» قائم‌مقام؛ «دیوان» شعر؛ «جلایرنامه»؛ «الجهادیه»؛ دیباچه‌ای بر «جهادیه‌ی صغری» و «جهادیه کبری» پدرش؛ «عروضیه»؛ «شمایل خاقان»، در تاریخ.[۱]

(میرزا) ابوالقاسم بن (میرزا) عیسی قائم‌مقام فراهانی وزیر عباس میرزا و محمدشاه قاجار (و. ۱۱۹۳ ه.ق- مقت. ۱۲۵۱ ه.ق/ ۱۸۳۵ م.). وی ادیب، منشی، شاعر و در نظم و نثر فارسی استاد بود و ثنائی تخلص می‌کرد. در سال ۱۲۳۷ پس از وفات پدر در تبریز به وزارت عباس میرزا منصوب شد و قائم‌مقام لقب یافت. اما به سعایت گروهی از دشمنان معزول شد ولی پس از سه سال مجدداً در سال ۱۲۴۱ به وزارت عباس میرزا نایب‌السلطنه منصوب گردید. وی، پس از مرگ فتحعلی شاه (۱۲۵۰) وسایل حرکت محمدمیرزا و جلوس او را به تخت سلطنت فراهم کرد و خود صدراعظم ایران گردید. کوششهای بسیار وی در اصلاح امور ایران موجب حسادت عده‌ای از جمله حاجی میرزا آقاسی، میرزا مسلم خویی، میرزا نصراللّه اردبیلی گردید و آنان دسایس مختلف برانگیختند تا شاه در ۳۰ ماه صفر ۱۲۵۱ ه.ق او را به باغ نگارستان (تهران) احضار کرد و در آنجا وی را خفه کردند. جسد قائم‌مقام را در حضرت عبدالعظیم به خاک سپردند. وی در نثر فارسی سبکی خاص ایجاد کرده که مختصات آن از این قرار است: شیرینی بیان و عذوبت الفاظ و حسن ادا، کوتاهی جمله‌ها، دقت در حسن ادا، کوتاهی جمله‌ها، دقت در حسن تلفیق هر مزدوج از سجعهای زیبا که شیوه‌ی سعدی است، حذف زواید القاب و خودداری از تعریفات خسته‌کننده، ترک استشهادات مکرر شعری از تازی و پارسی مگر به ندرت که آن هم به قدری زیبا و خوش‌ادا که گویی شاعر آن شعر را فقط برای همین مورد گفته و همینطور در استدلالات قرآنی و حدیث و تمثیل، صراحت لهجه، ترک استعاره و کنایه و تشبیبات دور و دراز خسته‌کننده، اختصار و ایجاز، ظرافت و لطیفه‌پردازی که از مختصات کلام سعدی است و قائم‌مقام نیز در این باره دستی قوی داشته. مخصوصاً در آوردن لغات و مصطلحات تازه که استعمالش برای نویسندگان محافظه‌کار دشوار بلکه محال می‌نمود، دست داشت. همچنین عباراتش دارای آهنگ است و به گوش خوشایند می‌نماید. قائم‌مقام موجب تغییر سبک منشات درباری و همچنین نثر معمولی گردید. از آثار اوست: «منشات قائم‌مقام» حاوی نوشته‌ها و انشاءهای او پس از وفاتش فرهاد میرزا معتمدالدوله مجموع آنها را گردآوری کرد و آن به سال ۱۲۹۴ ه.ق به دستور اویس میرزا ابن فرهاد میرزا چاپ و منتشر گردید و بعدها مکرر به طبع رسید، جلایرنامه که مثنویی است فکاهی و انتقادی (انتقاد اوضاع درباریان و نقایص لشکری و کشوری) که آن را به نام جلایر (غلام خود) نظم کرده، و آن ضمن دیوانش چاپ شده، مقدمه‌ی جهادیه‌ی صغرای پدرش میرزا عیسی، مقدمه‌ی جهادیه‌ی کبرای پدرش، دیوان شعر وی (شامل قصاید و قطعات و رباعیات) که با جلایرنامه بطبع رسیده. او از پیشوایان نثر ساده‌ی دوره‌ی قاجاری است و نوشته‌های وی در نثر دوره‌ی مشروطیت و زبان تخاطب مؤثر افتاده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۷۵ -۶۲ / ۱)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۰۲ -۲۰۰ / ۴)، حدیقه الشعراء (۱۴۱۷ / ۲ ،۳۶۴ - ۳۶۱ / ۱)، دایره‌المعارف فارسی (۱۹۸۲ -۱۹۸۱ / ۲)، الذریعه (۳۶ -۳۵ / ۲۳ ،۲۱۹ / ۱۴ ،۱۰۵۳ ،۸۵۸ ،۱۸۶ -۱۸۵ / ۹)، ریحانه (۳۹۲-۳۹۱ / ۴)، سبک‌شناسی (۳۶۳ -۳۴۸ / ۳)، سفینه المحمود (۷۵ / ۱)، طرائق الحقائق (۲۷۹ -۲۷۸ / ۳)، فرهنگ سخنوران (۲۰۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۵۱ -۳۴۸)، لغت‌نامه (ذیل/ قائم‌مقام)، مجمع الفصحا (۲۰۴ -۱۹۴ / ۴)، مصطبه‌ی خراب (۱۴۴ -۱۴۲)، مکارم الآثار (۱۳۸۲ -۱۳۸۱ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲۷۶ -۲۷۴ / ۱)، نگارستان دارا (۵۵ -۴۶).

قائم‌مقام فراهانی، عیسی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۳۸ / ۱۲۳۷ ق)، دانشمند، ادیب و شاعر. مشهور بـه میرزا بزرگ قائم‌مقام اول. در ابتدا منشی حاج ابراهیم‌خان اعتمادالدوله‌ی شرازی صدراعظم بود. سپس در ۱۲۱۳ ق به اعتمادالدوله‌ی شیرازی صدراعظم بود. سپس در ۱۲۱۳ ق به سمت وزارت عباس میرزا نایب‌السلطنه و پیشکاری آذربایجان تعیین شد و به تبریز رفت.از جمله کارهای او و عباس‌میرزا فرستادن محصل و هنرآموز به انگلستان برای آموختن بعضی علوم و صنایع جدید بود. وی در تبریز به بیماری وبا درگذشت. از آثارش: «رساله‌ی جهادیه» به نامهای «احکام الجهاد و اسباب الرشاد» و «الجهادیه» که به ترتیب «الجهادیه الکبری» و «الجهادیه الصغری» است، و او آنها را از روی رساله‌های جهادیه‌ی متعددی که علمای زمان می‌نوشتند تحریر و تنظیم کرده و فرزندش میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام بر آنها دیباچه‌ای نگاشته است؛«دیوان» شعر؛ «اثبات النبوه الخاصه»، به زبان فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۴۲۱ -۱۴۱۷ / ۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۹۸۱ / ۲)، الذریعه (۸۵۸ / ۹ ،۲۹۷ / ۵ ،۱۰۱ / ۱)، ریحانه (۳۹۳ -۳۹۲ / ۴)، شرح حال رجال (۵۱۳ -۵۱۲ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ قائم‌مقام)، مجمع الفصحا (۸۹۲ -۸۹۱ / ۵)، مکارم الآثار

(۱۰۴۱ -۱۰۴۰ / ۴)، نگارستان دارا (۱۱۸ -۱۱۳).

قائم‌مقامی تبریزی، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید هادی قائم‌مقامی از علماء اعلام نجف اشرف و کاظمین بودند که از طرف دولت منحوس صدام تسفیر به ایران و حوزه علمیه قم شدند.

وی در ماه صفر ۱۳۲۷ هجری قمری در یک خانواده روحانی متولد شده و در مهد پرورش و تربیت مرحوم والدش حجهٔالاسلام آقا سید محمد تبریزی پرورش یافته است. و جد گرامیش مرحوم آیت‌اللّه آقا سید حسین قائم مقامی تبریزی نیز از مجتهدین عالی مقام نجف اشرف بوده و نامبرده اولین کسی است از این سلسله جلیله قائم مقامیه که در حدود سال ۱۳۰۰ قمری به نجف اشرف مهاجرت کرده است.

وی پس از دوران کودکی و مراحل مقدمات و سطوح عالیه علمی نزد اساتید بزرگ و مراجع عالیقدر چون مرحوم آیت‌اللّه فاضل شربیانی و آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدحسن مامقانی بزرگ استفاده نموده و بعد از وصول به مقام رفیع اجتهاد به تبریز مراجعت نموده و مورد توجه عامه مردم و بالاخص علماء اعلام گردیده و در مسجد محله دشت کلات امامت و مرجع امور دینی مردم بوده است.

و اما آیت‌اللّه حاج سید هادی تبریزی از احفاد مرحوم میرزا عیسی قائم مقامی فراهانی معروف به میرزا بزرگ بوده که در مقبره ابوالفتوح رازی مدفونست.

مرحوم مدرس خیابانی در کتاب ریحانهالادب چنین می‌نگارد:

«میرزا عیسی پدر میرزا ابوالقاسم قائم مقام مذکور به میرزا بزرگ مشهور و از وزرای نامی ایران در عهد فتحعلی شاه قاجار می‌باشد که ادیب و منشی و دانشمند فاضل بوده و از آثار قلمی اوست:

۱- اثبات النبوه الخاصه- به زبان فارسی.

۲- احکام الجهاد و اسباب الرشاد که رساله‌ای است فارسی در جهاد که جهادیه کبری نیز گویند.

۳- الجهادیه الصغری.

و چنانچه فوقا اشاره شد دیباچه این دو کتاب جهادیه از میرزا ابوالقاسم قائم مقام پسر صاحب ترجمه است و او را سه پسر دیگر بنام میرزا معصوم که در حیات پدر فوت شده و میرزا حسن وزیر و حاج میرزا موسی‌خان متولی شهید آستان قدس رضوی علیه‌السلام است.

مرحوم آیت‌اللّه حاج سید هادی تبریزی از احفاد همین میرزا حسن وزیر می‌باشد قابل توجه اینکه این خانواده افتخار مهرداری (خاتم مبارک) حضرت سیدالساجدین امام زین‌العابدین علی بن الحسین علیه‌السلام را داشته و کما کان این فضیلت و افتخار نصیب این بیت جلیل می‌باشد و بعضی از احفاد بنام (مهردار قائم مقامی) لقب دارند.

تفصیل این موضوع در بسیاری از کتب مذکور و چند سال قبل بانک ملی ایران یک شماره از مجله خود را به این اثر نفیس و مقدس اختصاص داده است.

آیت‌اللّه حاج سید هادی تبریزی علاوه بر کمالات صوری و معنوی و عرفانی و زهد و تقوا جامع معقول و منقول بوده و نسبت به مرحوم حاج شیخ مرتضی طالقانی معروف و متوفی سال ۱۳۶۴ قمری ملازمت و وصی او بوده است.

علوم عقلی و نقلی را از اساتید بزرگی چون مرحوم طالقانی یاد شده و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید حسین بادکوبه‌ای و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه حاج میرزا علی ایروانی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدرضا آل یاسین و آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم شیرازی و غیره استفاده نموده است.

از بسیاری از اعاظم مانند مرحوم حاج شیخ کاظم شیرازی و حاج سید جمال‌الدین گلپایگانی و حاج سید میرزا آقا اصطهباناتی و دیگران اجازه اجتهاد داشته و نامبردگان مراحل عالی علمی و فضلی و تقوای ایشان را تصریح کرده‌اند.

از تألیفات ایشانست کتاب امالی الهادی که چاپ شده و نیز حاشیه استدلالی بر منهاج که به طبع رسیده و کتب عرفانی وی در حدود ۲۷ سال در کاظمین سرپرستی حوزه علمیه کاظمین را داشته که مورد توجه عموم بوده است. در هشتم ماه صفر ۱۴۰۶ هجری قمری در کاظمین پس از سالهائی که در زیر ظلم و جور بعثیها تحمل رنجها و ستمها نمود از دنیا رفته و در جوار امامین همامین علیهماالسلام مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

قائمی مقدم، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا قائمی مقدم

محل تولد : اسفراین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمـد رضا قائمی مقـدم فرزند محمد در بهمن ماه ۱۳۴۴ در روسـتای روئین از توابع شهرسـتان اسفراین در خراسان شمالی در خانواده ای روحانی متولـد شـدم. پـدرم را در سه سالگی از دست دادم و تحت حمایت مادرم و پدر بزرگم که روحانی و منبری محل بود بزرگ شـدم. تحصـیلات ابتـدائی و نیز آشـنایی با قرآن و عربی را در روسـتا گذرانـدم و تحصـیلات راهنمایی را در شـهر اسفراین به پایان رساندم و در سال ۱۳۶۰ برای تحصیلات حوزوی وارد قم شده و در مدرسه حقانی (شهیدین) پذیرفته شدم تا سال ۱۳۷۰ کلیه دروس سطح و نیز چنـد سالی از درس خارج را زیر نظر مـدرسه شـهیدین گذرانـدم و سپس به صورت آزاد در دروس خارج حوزه شـرکت می کردم و از محضـر اساتیدی چون آیات عظام استادی، خرازی، سید کاظم حائری، سبحانی، مرحوم آیهٔ الله تبریزی و...غیره بهره می بردم. دیپلم را نیز همزمـان در طول تحصـیل گرفتم در سـال ۱۳۷۰ همزمان با دروس حوزه برای گذرانـدن تحصـیلات دانشـگاهی وارد برنـامه هـای پژوهشـگاه حوزه و دانشـگاه (دفتر همکـاری حوزه و دانشـگاه سـابق) شـدم که همزمـان با تحصـیل به کار تحقیق نیز مشـغول شـدم و در نهایت در سال ۱۳۷۹ از مقطع کارشناسـی ارشد با گرایش تاریخ و فلسـفه آموزشی و پژوهشـی فـارغ التحصـیل شـدم و هم اکنـون نیز به تحقیـق و بررسـی در حوزه تعلیم و تربیت اسـلامی به ویژه در خصوص روشـهای تربیت در قرآن کریم مشغول هستم. و همزمان مسؤلیت واحد تحقیقات و پایان نامه های جامعهٔ الزهرا(س) را بعهده دارم. دوره های تربیت مربی دفتر تبلیغـات، روش تحقیق دکتر فرامرز فرا ملکی و آشـنایی بـا دوره هـای کـامپیوتر IcdL را نیز گذرانـده ام. بیشترین تـدریس بنـده در جامعـهٔ الزهرا (س) بوده است که شامـل دروس ادبیـات عرب، اخلاـق اسـلامی، درایه رجـال، روانشاسـی عمومی، اصول (طبقـهٔ اولی) الموجزئی علم الاـصول و... می شود. راهنمـایی چنـدین پایـان نامه را نیز در مرکز جهانی و جامعه الزهرا بعهـده داشته و دارم.

قائمی نیا، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا قائمی نیا

محل تولد : ارومیه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علیرضا قائمی نیا در سال ۱۳۴۳ در شهرستان ارومیه به دنیا آمدم و تحصیلات ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را در همانجا به پایان رساندم همزمان در کلاسـهای قرآنی و هیئت های مذهبی شروع به فعالیت کردم و با شـروع انقلاب اسـلامی در سال ۵۷– ۵۶ به فعالیتهای سیاسـی روی آوردم پس از پیروزی انقلاب اسـلامی علاوه بر تحصـیلات دولتی در دبیرسـتان به تحصیلات حوزوی پرداختم و در سال ۶۱ – ۶۰ برای ادامه تحصـیلات حوزوی وارد حوزه علمیه قم شـدم و تا تحصـیلات درس خارج پیش رفتم و در دروس خارج برخی از مراجع شـرکت نمودم. همراه با تحصـیل سـطح، به صورت تخصصـی در رشـته فلسفه در موسسه امام خمینی (ره) شـرکت کردم و در سـال ۷۹ موفق به اخـذ کارشناسـی ارشد در رشـته فلسـفه شدم و پس از اندکی در رشـته دکتری فلسـفه در دانشگاه تربیت مدرس تهران پذیرفته شدم و اکنون به تدوین رساله دکترا اشتغال دارم. در تمام این سالها همراه با تحصیل، در مراکز مختلف حوزوی ودانشـگاهی به تدریس اشـتغال داشـته ام و مقالات و کتابهای زیادی را تالیف نموده ام که برخی منتشـر شده اند و برخی در دست انتشار می باشند. در ضمن ایشان در حال حاضر سر دبیری مجله ذهن را به عهده دارند.

قائمی، عبدالرسول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ عبدالرسول قائمی فرزند ثقه‌الاسلام مرحوم شیخ فرج‌الله دیزچه‌ای غفرالله له از مشاهیر علماء معاصر آبادان است. وی در سوم ماه رمضان هزار و سیـصد و بیست یک (۱۳۲۱ ق) متولد شده و در خدمت والدش که یکی از متوسـطین اهل علم بوده پرورش یافته و پیش از بلوغ در قریه دیزچه درس مقـدمات را خـدمت مرحوم آقا شـیخ فرج‌الله شـریعت که یکی از اعلام محل بوده آموخته و در سن نوزده سالگی باصـفهان آمده و سطوح فقه را در محضر حجه‌الاسلام والمسلمین آقای آقا سید احمد درب امامی و آقـای آقـا شـیخ علی یزدی اسـتفاده کرده و در درس خـارج آیه‌الله حاج سـید محمـدرضا خراسانی و آیه‌الله العظمی حاج سـید علی

نجف‌آبـادی و آیه‌الله آقا سـید محمـد نجف‌آبادی (مقرر درس مرحوم آخونـد خراسانی) اسـتفاده نموده و در سال ۱۳۶۴ ق مشرف بمکه معظمه شـد و در مراجعت از طریق کویت به آبادان وارد شده و چون عده‌ای از همراهان حجش اهل آبادان بودند چند روزی ایشانرا نگاهداشـته و پذیرائی شایانی نموده و در این میان مطلع میشوند که حدود پنجهزار نفر از پیروان کسروی در آنجا هستند و بر خلاف ضـروریات دین فعالیت میکنند و نسبت بمقدسات مذهبی جسارت میکنند ایشان تصمیم گرفتند چند شبی در مسجد مرحوم سیـد علینقی منبر رفته و مسـلک کثیف و مرام باطـل و مضلّه آن ملعون منحرف را بـدون بردن اسم و عنوان بیان کرده تا جائیکه در مدت هشت شب پنجاه نفر از پیروان احمد کسروی توبه نمودند.

پس عده‌ای از متدینین آبادان بمرحوم آیه‌الله العظمی اصـفهانی قدس‌الله سـره نوشتند که آنکس که بتواند با این گروه گمراه مبارزه کند آقای قائمی است.

و چون ایشـان متوجه نـامه اهالی آبادان شدنـد فورا حرکت باصـفهان نمودنـد از طرف مرحوم آیه‌الله اصـفهانی جواب آمـد که باید آقای قائمی در آبادان بمانند. اهالی جواب نوشتند که ایشان باصفهان رفته‌اند و آدرس او را نوشتند مرحوم آیه‌الله مستقیما به آدرس اصـفهان نامه نوشـتند که لازم است شما به آبادان بروید و اقامت کنید و سد گمراهان گمراه‌کننده باشید ایشان معذرت خواستند که من مشـغول تحصیل و هوای آنجا هم ناسازگار است با مزاج من. نامه‌ی دوم آیه‌الله– ره– آمد که تا شـما بخواهید اسـلحه تهیه کنید جنگ بر علیه اسـلام تمام شـده لازم است به آبادان برویـد. ایشان عین نامه را به آیه‌الله خراسانی ارائه دادنـد فرمودنـد حکم نموده و حکم آیه‌الله اصـفهانی لازم‌الاجراء است و باید بروید، پس بر حسب امر مرجع علی‌الاطلاق شـیعه آیه‌الله العظمی اصـفهانی به آبادان آمده و به مبارزات دامنه داری پرداختند، از چند طریق:

۱– از طریق منبر خرافـات و گفتـار او را بـا بیـان رسـائی که همه عوام نیز اسـتفاده می‌کردنـد تشـریح می‌کرد که خرافـات و مبانی او مخالف صریح قرآن مجید و اهل بیت عصمت علیهم‌السلام است.

۲– مضـرات سیاسی برنامه احمد کسروی را بمتصدیان و مأمورین دولت تذکر میدادند و آنها را بعواقب وخیم برنامه‌های وی متوجه مینمودند.

۳– چنـد نفر از متدینین را دسـتور دادند در تیپ آنان وارد شده و از برنامه‌های آنها و کیفیت فعالیت آنها اطلاع تا بسـهولت بتوان از آنها جلوگیری نمایند.

در یکی از شـبها شـخص مراقب آمد و در مسـجد نو آبادان محل اقامت جماعت آقای قائمی خبر داد که امشب بناست چهل نفر در فلاـن منزل اجتماع نموده و برنامه کشـتن شـما را ترتیب دهنـد ایشان اعتنا نکرده ولی بعـد از مغرب غیر از چنـد نفر پیر مرد و پیر زن همه‌ی مردم بخانه‌ی مزبور حمله کرده و آنها را تنبیه و مجازات و کیفری بسزا دادند تا بعضی از آنان فرار و بخانه‌ی عربها پناه بردند و زنهای عرب با چوب بجان آنها افتاده و آنها را کوبیده و بیرون کردند.

کسـروی ملعون پس از اطلاع در تهران شـکایت و فعالیت کرد تا عده‌ای از مسـلمانان غیور و بعضـی از گمراهان پیروان کسـروی را بزنـدان بردنـد و در زنـدان نیز تحریکاتی شـده تا آن بـدبختها را کتک زدند تا مأمورین اتباع کسـروی را در یک اطاق گرم زندانی کردند که کشـته نشوند و مسـلمانان با قید کفالت آزاد شدند و طولی نکشـید که بحمدالله انحراف آنان روشن و شـکست عجیبی بر آنها وارد و جز معدودی همه توبه کردند و فتنه آنان خوابیده و دیگر اثری از آنان در شهرستان آبادان نیست.

سپس جریـان نهضت کمونیسـتها پیش آمـد و آقـای قـائمی در مقابـل آنها قیام نموده و دو مرتبه مسـجد ایشانرا سـنگباران کردنـد و ایشانهم بعد از مبارزات منبری و سیاسی در مقابل آنها قیام کرد و در یکشب که ۱۴ نفر آنها قصد خرابکاری در مسجد داشتند مورد حمله مردم متدین شده و مجروحانه فرار کردند و بخواست خداوند و قیام مردانه ملت مسلمان کوبیده شدند.

در تمام قهوه خانه‌های شهرسـتان آبادان قمارخانه دائر بود و بهمت ایشان فعلا بحمـدالله وجود ندارد و البته این پیشـرفتها از توجهات حضـرت ولی‌عصر عجل‌الله فرجه‌الشریف بود همانطور که در توقیع شریف آن حضرت است در اکمال الدین صدوق که میفرماید: (بی یدفع البلاء عن اهلی و شیعتی).

در موقع ورود ایشان در آبادان غیر از چهار مسـجد خرابه کوچک متروکه بیشتر نبود ولی فعلا از اقـدامات علماء فعال و مردم متدین این شهرستان دارای ۳۳ مسجد مدرن با بهترین ساختمان و نظافت و پرجمعیت میباشد.

علماء آبادان دارای اتحاد و هم‌آهنگی عجیبی هسـتند و لذا مردم آن در اخوت و یگانگی و حسن معاشرت در ایران کم‌نظیر است و اکنون دوازده سـالست که جلسات روزهای جمعه در مساجـد این شهرسـتان دائر و تمام روحانیون شـرکت میکننـد و هر جمعه بطور سیار در یکی از مساجد است و همچنین دعاء ندبه صبح جمعه با کیفیت جالبی برگزار و ببرکت حضرت ولی‌عصر دائر و منتج نتیجه بوده و میباشد.

یکی از آثار آقای قائمی تأسیس پرورشگاه ایتام است که در سنه‌ی ۱۳۲۷ شمسی تأسیس نموده و فعلا قریب یکصد و شش نفر یتیم را تربیت نموده و چنـد نفری از همین ایتـام از طلاـب مبرز شـده و در حـال حاضـر در بعضـی از شهرسـتانها مشـغول ترویـج و اقـامه جماعت هستند و برخی هم کاسب متدین شده و بعضی هم در رشته دکتری وارد و یا سخنگوی رادیو شد و چند نفری از آنها هم با زن و فرزند بمکه مشـرف و ۳ نفر از آنها در دبیرسـتان انصاری که بدست علماء این شهرسـتان تأسیس شده و بهترین دبیرستانهاست فعلا مشغول تحصیل میباشند.

دیگر از آثـار ایشـان مـدرسه‌ی علمیه است که برای طلاب و وعـاظ وارد بنا نموده و تمام وسائل تابسـتانی و زمسـتانی را دارد و در محرم و صفر قریب هفتاد نفر از واردین در آنجا اقامت و استفاده میکنند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

قائمی، عظامی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۵ ش)، شاعر، متخلص به عظامی. عظامی بعد از آن که علوم مقدماتی را فرا گرفت نزد استاد محمد علی ناصح و سید مصنور دستغیبی شیرازی به تکیمل معلومات ادبی و فنون شعری پرداخت. عظامی شعر و شاعری را از دوران کودکی آغاز کرد و بر اثر مطالعه‌ی دواوین بزرگان شعر و ادب بهره‌وری از محضر ادبا به رشد و کمال رسید، شعرش مایه گرفت، شاعری توانا گردید، در سرودن شعر از مهارت کافی برخوردار شد و آثارش در پاره‌ای از مجله‌ها به چاپ رسید. از اوست:

هوای دوست گر بر سر نباشد

نهال زندگی را بر نباشد

چنان در نرد عشقت یکه‌بازم

که جفتم چرخ بازیگر نباشد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۲۵۱۵ -۲۵۱۳ / ۴).

قائمی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ محمد حسن قائمی از ائمه جماعت و علماء اعلام معاصر بابل است که باقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

قائمی، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی تکنولوژی، دانشکده: علوم پایه، دانشگاه: مازندران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته شیمی با رتبه اول از دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۵۳، کارشناسی ارشد در رشته شیمی و تکنولوژی پلیمر از انگلستان، دکترا در رشته شیمی و تکنولوژی پلیمر از دانشگاه استون انگلستان، فوق دکترا در دانشگاه ساسکس انگلستان از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۶۱.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم پایه دانشگاه مازندران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تخریب پلیمرها بوسیله نور و حرارت، مطالعه بر روی ساختمان رزین الوکسی، سنتز ترکیبات عالی، تخریب پلی اولفین‌ها بوسیله نور و پایداری آن، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شیمی و تکنولوژی پلیمرها، خواص شیمیائی و فیزیکی پلیمرها، شیمی فیزیک پلیمرها، شیمی و تکنولوژی پلاستیک‌ها.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

شیمی و تکنولوژی پلیمرها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

قائنی، ابوطالب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آسید ابوطالب بن آسید ابوتراب بن قریش بن ابی‌طالب بن المیرزا یونس الحسینی قائنی خراسانی عالمی جلیل و فقیهی بارع و رجالی متبحر و مصنفی مکثر بوده است.

وی در قائن متولد شده اولیات و مقدمات را در آنجا خدمت فضلاء قائن با ملا محمدحسن قائنی خوانده و پس از آن عزیمت به اصفهان نموده و با ملا حمزه قائنی برادر ملا حسن مذکور از محضر مرحوم حجهًالاسلام حاج محمدحسن کلباسی استفاده نموده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف و حاضر به درس فقیه مشهور شیخ محسن خنفر شده و تقریرات درس او را به نام (الدروس) نوشته و مدتها ملازمت آن مرحوم را اختیار تا به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نائل گردیده است.

تألیفات بسیاری به اسامی کتب زیر دارد.

۱- الکواکب السبعه یاسبعه سیاره در هفت مسئله اصولیه

۲- الفوائد الغرویه در درایه و رجال ۳- صلاهٔ المسافر ۴- المکاسب ۵- سؤال و جواب ۶- اللؤلوئهٔ الغالیه در اسرار الشهاده ۷- مناسک الحج ۸- الدرهٔ در معارف خمسه

آن بزرگوار در مراجعت از سفر مکه در ششم شوال سال ۱۲۹۳ قمری در کراچی از دنیا رفته و در همانجا مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قائنی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد بن علی‌اکبر قائینی عالمی فقیه بوده علامه بیرجندی در کتاب (بغیهٔالطالب) وی را یاد و فرموده وی در باب امر به معروف و نهی از منکر بسیار سخت بود و کتابی در شرح (اشارات) کلباسی دارد در سال ۱۲۵۶ ق وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قائنی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ اسماعیل از بزرگان تلامذه میرزاء شیرازی و مقیم تهران و یکی از مراجع دینی عصر خود بوده تا در حدود ۱۳۰۰ قمری وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قائنی، جواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جواد بن میرزا سید حسن بن سید محمد قائنی عالمی جلیل و فاضلی با ورع و از شاگردان ملا محمدکاظم خراسانی و میرزا حسن خلیلی و غیرهما بوده و در سال (۱۳۳۹) ق در مشهد وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قائنی، حمزه

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملاـ حمزه قائینی از علماء شهرستان طبس بوده وی بنابر دعوت امیر محمدحسن خان حاکم از قائن مهاجرت به طبس نموده و به خدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تبلیغات پرداخته تا هم‌اکنون که بیت او در آنجا موجود می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قائنی، عبدالرحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید عبدالرحیم قائینی از اهل فضل و ادب و اشراف سادات موسویه قائنات و از احفاد سید محمد نوربخش و صاحب کتاب (الکافیه) در شرح لغز شیخ بهائی می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قائنی، عبدالرزاق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ عبدالرزاق قائنی از علماء و مجتهدین مبرز و مدرسین عالی‌قدر معاصر تهرانست. وی در سال ۱۳۱۰ قمری در قاین متولد و پس از رشد و دیدن قسمتی از ادبیات و مقدمات عزیمت بمشهد نموده و در آنجا سطوح و خارج را نزد اساتید آن سامان خوانده و پس از آن در سال ۱۳۴۲ قمری به قم مهاجرت و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری و بعض دیگر استفاده نموده و تا سال ۱۳۷۶ قمری در قم بتدریس فقه و اصول و ضمنا از محضر و دروس مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی بهره‌مند گردیده تا سال مزبور که از طرف آن مرحوم برای اقامه جماعت در مسجد (مهدیه) واقع در اوائل خیابان شهر ری نزدیک میدان شوش اعزام و تا اکنون در آنجا باین وظیفه و تدریس در مدرسه مروی تهران اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آیت‌اللَّه قائنی عالمی کامل و مدرسی فاضل و موصوف بورع و تقوا و بسیار ساده و بی‌آلایش می‌باشد.

از باقیات الصالحات معظم له فرزند برومند ایشان جناب حجه‌السلام و عمده الفضلاء الکرام آقای حاج شیخ محمدحسین قائنی میباشد. وی در قم متولد شده و در حجر چنین پدر بزرگواری پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و سطوح اولی از والد ماجدش و آقایان دیگر سطوح نهائی را به پایان رسانیده و سالها از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده آنگاه به نجف اشرف مهاجرت و چندین سال از دروس خارج مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حکیم و آیت‌اللَّه العظمی شاهرودی و آیت‌اللَّه العظمی خوئی بهره‌مند گردیده و خود بتدریس فقه و اصول اشتغال داشته و گاهی برای ملاقات والد بزرگوارش به تهران مسافرت و اکنون از فضلاء بنام حوزه قم و نجف میباشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

قائنی، عبدالوهاب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالوهاب قائنی از فضلاء شاگردان مرحوم آیت‌اللَّه حایری یزدی و برادر جناب آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالرزاق قائنی مقیم تهران بودند و در سال ۱۳۱۴ قمری در قائن متولد شده و پس از رشد به مشهد آمده و دروس سطوح را از مرحوم آشیخ محمدفاضل بسطامی و آقاسید جعفر شهرستانی و مرحوم آیت‌اللَّه قمی و آیت‌اللَّه آقامحمد آقازاده کفائی تلمذ نموده و پس از آن مهاجرت به قم و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حایری یزدی استفاده نموده و بعد از فوت آن مرحوم برای خدمت به دین و ارشاد مردم به محلات منتقل و تا آخر عمر به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام اشتغال داشته تا بعد از ۱۳۷۰ ق به رحمت حق پیوسته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قائنی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی مدد بن سید حسین بن سید علی مدد بن سید حسین بن میر سید حسن موسوی قائنی از علماء بزرگ و مراجع معاصر بوده است.

تولد آنجناب در (۲۱ محرم ۱۳۰۱ ه) در قریه (سیددان) قائنات واقع شده و مرحوم والدش بعد از سه سال در سنه ۱۳۰۴ ق وفات نموده و برادرش مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید علی (متوفی ۱۳۴۲ قمری) وی را متکفل گردیده پس مقدمات و اولیات را از او فراگرفته و در سال ۱۳۱۶ به قائن آمده و در مدرسه جعفریه اقامت و حدود یکسال توقف نموده و در سال ۱۳۱۷ مهاجرت به مشهد مقدس نموده و از ابحاث شیخ حسن برسی و شیخ حسن کاشی و فاضل سود خروی و فاضل بسطامی و شیخ محمدباقر نوقانی و سید میرزا محمدباقر رضوی و میرزا ابی‌القاسم معین‌الغرباء و آیت‌اللَّه آقا سید علی سیستانی و شیخ اسماعیل کوه سرخهی و آیت‌اللَّه حاج شیخ حسنعلی تهرانی و آقا سید اسداللَّه قزوینی و آیت‌اللَّه آقا میرزا محمد آیت‌اللَّه‌زاده خراسانی استفاده نموده و در سال ۱۳۲۵ قمری مراجعت به قائن و با دختر عموی خود ازدواج و به زیارت حضرت رضا (ع) مشرف و به زادگاه خود قریه (سیددان) برگشته و تا سال ۱۳۳۲ به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و وعظ و ارشاد پرداخته و در سال مزبور به تنهائی مهاجرت به عراق نموده و در نجف اشرف به درس علامه یزدی آقا سید محمدکاظم صاحب (عروه) و شیخ‌الشریعه اصفهانی و آقا شیخ ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و بالاخص آیت‌اللَّه آقا میرزا محمدحسین نائینی حاضر و استفاده‌های سرشاری نموده و تقریرات وی را به رشته تحریر درآورده و متصدی تدریس سطوح عالی شده تا در سال ۱۳۷۵ قمری که به مشهد مقدس معاودت و در مسجد بالای سر به اقامه جماعت و تدریس خارج فقه و اصول مشغول شده تا در سال ۱۳۸۴ که به عزم زیارت به عتبات عالیات مشرف و در شب جمعه ۱۸ رمضان سال مزبور وفات و در حجره دوم صحن شریف مرتضوی قسمت شرقی مدفون شده است.

نگارنده گوید: حقیر در آنسال مشرف و در تشییع جنازه آن بزرگوار شرکت نموده و از مسجد بهبهانی جنب وادی‌السلام با حضور مراجع بزرگ مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم و آیت‌اللّه العظمی خوئی و هزاران نفر دیگر از عموم طبقات و بالاخص فضلاء و طلاب حوزه نجف تا صحن شریف تشییع مجللی نموده و در جوار جد گرامش به خاک سپرده شدند.

آن مرحوم از آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و نائینی اجازه اجتهاد و از مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدباقر بیرجندی و علامه سید حسن صدر و سید ابی‌تراب خونساری و میرزا محمد تهرانی عسکری و محدث قمی و سید محسن امین و علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین و علامه تهرانی صاحب (الذریعه) اجازه روایتی داشته‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قائنی، علی‌اصغر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی‌اصغر بن ملا محمدحسن سرچاهی قائینی عالمی جلیل و فقیهی فاضل از شاگردان سید حسن مدرس اصفهانی و امام جمعه و جماعت قائن و در حدود ۱۳۱۵ قمری وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قائنی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدحسن قائنی عالمی فقیه و ورع و بزرگوار از اهل خوسف از دهات قائن و بیرجند بوده است وی پس از تلمذ در نجف و مشهدالرضا به خوسف آمده و به وظائف دینی پرداخته تا حدود (۱۳۲۵) قمری که وفات نموده است کتابی در رد بابیه و کتابی در غیبت امام (زمان) (ع) نوشته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قائنی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدحسین قائینی بن محمد حسن بن عبداللّه بن محسن بن حسین از شاگردان شیخ انصاری و سید حسین کوه‌کمری و میرزاء بزرگ شیرازی و حدود ۱۳۱۰ قمری وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قائنی، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدرضا بن محمدباقر قائنی از احفاد مولی عبداللّه تونی صاحب (الوافیه) عالمی جلیل از شاگردان علامه سید محمدکاظم یزدی و شریعت اصفهانی و ملا علی اکبر کرمانی و ملا علی‌اصغر قائینی بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قائنی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدعلی بن عبدالصمد قائنی عالمی زاهد و فقیهی کامل از شاگردان میرزاء بزرگ شیرازی دارای مقام علم و تقوا و فضائل اخلاقی و نفسانی بوده و در حدود ۱۳۲۰ قمری وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قبادی، چنگیز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر چنگیز قبادی متولد ۱۳۳۸ در شهر ارومیه است. ایشان دارای مدرک دکتری رشته مخابرات از کشور انگلستان در سال ۱۳۷۷ می باشد. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشکده فنی دانشگاه ارومیه است.

گروه : فنی و مهندسی

رشته : مهندسی الکترونیک

گرایش : مخابرات

تحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر چنگیز قبادی دیپلم ریاضی در ارومیه گرفت. در سال ۱۳۵۶ در رشته مهندسی برق وارد دانشگاه صنعتی اصفهان شده و در گرایش الکترونیک در سال ۱۳۶۴ فارغ التحصیل گردید و در همان دانشگاه در گرایش مخابرات کارشناسی ارشد را در سال ۱۳۶۶ دریافت کرده و سپس بعنوان عضو هیئت علمی، همکاری را با دانشگاه ارومیه آغاز نمود . در سال ۱۳۷۴ جهت ادامه تحصیل به انگلستان رفته و در سال ۱۳۷۷ در رشته مخابرات دکترای خود را دریافت نمودند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : – عضو هیئت علمی و دانشیار دانشکده فنی دانشگاه ارومیه – عضو کمیته تحقیقات مخابرات استان مدیر هسته پژوهش مخابرات استان – مدیر گروه برق دانشگاه ارومیه – مدیر کل امور دانشجویان دانشگاه ارومیه – مدیر کل آموزش دانشگاه ارومیه – مدیر کل پرژوهش و رئیس دانشکده فنی دانشگاه ارومیه

فعالیتهای آموزشی : دکتر قبادی در دانشگاههای ، دانشگاه ارومیه – دانشگاه آزاد واحد ارومیه به تدریس مشغول است.

جوائز و نشانها : دکتر قبادی دانشجوی ممتاز خارج از کشور سال ۷۷ بودند

چگونگی عرضه آثار : – تعداد مقالات چاپ شده در مجلات علمی و پژوهشی :۲۲ مقاله – تعداد مقالات ارائه شده در سمینارها و یا کنفرانسهای علمی :۲۷ مقاله – تعداد پایان نامه های تحت راهنمایی دوره کارشناسی ارشد و یا دکتری عمومی :۲۲ پایان نامه

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

قبادیان، عطاءاللّٰه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: خاک‌شناسی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

مهندسی کشاورزی و دکترا در خاک‌شناسی و اصلاح اراضی با درجه ممتاز از دانشگاه کشاورزی وین اطریش در سال ۱۳۴۲، فوق دکترا در علوم زمین با درجه پروفسور آگرژه از دانشگاه وین در سال ۱۳۴۶.

مرتبه علمی:

تدریس در دانشگاه کشاورزی وین در رابطه با احیاء اراضی و تأمین آب در مناطق خشک، پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

کشاورزی و علوم زمین.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

پدولوژی خوزستان، آبهای تحت اراضی خوزستان، علل شور شدن اراضی خوزستان و اصلاح آنها، سیمای طبیعی فلات ایران در ارتباط با بهره‌برداری کشاورزی احیاء و بازسازی منابع طبیعی کشور، سیمای طبیعی استان یزد در ارتباط با مسائل کویری (ژئومورفولوژی، پدولوژی، هیدرولوژئولوژی).

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: متعدد، تعداد مقالات بزبان خارجی: متعدد

زمینه علمی مقالات:

اصلاح اراضی و مقابله با تنگناهای آبی در مناطق خشک، مسائل و مشکلات منابع طبیعی در ایران، مسائل و تنگناهای زیست محیطی در ایران، علل توسعه و گسترش کویر و مقابله با آن در ایران، تنگناهای کشاورزی ایران، اهمیت پس‌آبهای فاضلابی در چرخش آبی ایران.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

قبچاقی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. ملازم شاه عباس ثانی (۱۰۷۷ -۱۰۵۲ ق) بود و بعد از فوت محمدعلی بیگ، ناظر بیوتات شاه عباس، به منصب نظارت رسید. وی بعد از مدتی وزیر اعظم شد، ولی به دلیل بدگویی عده‌ای و رنجیدن شاه معزول گشت. مدتی در قم بود. وی یک سال قبل از تحریر «تذکره‌ی نصرآبادی» (تألیف شده در ۱۰۸۳ ق) به استرآباد و سمنان رفت. از او اشعاری در تذکره‌ها نقل شده است. در «صبح گلشن» نام پدر وی حسن ذکر شده است. صاحب «الذریعه» وی را تحت عنوان محمد خان قبیچانی آورده است. از اوست:

شهید تیغ محبت نمی‌شود گمنام

که بیستون به ره عشق لوح فرهادست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۲۳ -۲۲)، الذریعه (۱۰۰۲/ ۹)، صبح گلشن (۳۷۷)، فرهنگ سخنوران (۸۱۵).

قبیسی، هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی قبیسی

محل تولد : نجف

شهرت

تابعیت : لبنان

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب هادی قبیسی تبعه لبنان دارای پرونده مرکز جهانی (۱۵۳۵۲) که در سال ۱۳۶۴ ش تشکیل شد و از آن تاریخ شروع به تحصیل علوم حوزوی نموده ام. برنامه تحصیلی اینجانب طبق روش حوزه های عربی بود که از متن الاجرومیه و قطر الندی و شرح ابن عقیل شروع شد و ادامه تحصیل منطق مظفر حاشیه ملا عبدالله، بعد به مرحله چهارم و پنجم لمعتین و اصول فقه مظفر، و بعد از آن رسائل و مکاسب شیخ انصاری و کفایتین و بدایه الحکمه تا مرحله درس خارج رسید درس آیت الله وحید خراسانی فقه و اصول شروع نموده ام و درس فقه آیت الله تبریزی. اما مرحله تحقیق متون تراثی و مشارکت در نوشته های علمی بعد از پایان درس سطح و شروع به درس خارج بود و آن زیر نظر مرحوم سید عبد العزیز طباطبائی نسبت به آشنائی با روش تحقیق متون و نسخه های خطی. اما تدریس از زمان اشتغال به درس سطح شروع به تدریس مقدمات و غیره و تا الان تدریس قطع نشده است، در مدارس زیر نظر حوزه تدریس نموده ام مثل مدرسه الهادی آیت الله مشکینی، مدرسه دائره المعارف آقای مالکی، مدرسه منتدی جبل عامل طلاب لبنانی، مدرسه علمیه مرکز السجاد طلاب کویتی، مدرسه مهدی موعود (عج) غیر از برنامه های درسی مستقل از این مدارس. در سال ۱۳۷۳ حائز به جایزه تحقیق از وزارت ارشاد برای مسابقه سراسری با همکاری موسسه آل البیت(ع).

قتیل گلپایگانی، مرتضی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. اصلش از گلپایگان بود و در خدمت شاهزاده حیدر قلی میرزا، حاکم گلپایگان، محترم می‌زیسته و مستمری دریافت می‌کرده است. او طبع خوشی داشت. اثر وی «دیوان» شعر می‌باشد. از اوست:

این قافله روز یکه بدان کوی سفر کرد

با ناله‌ی من ساخت فلک یار جرس را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۴۲۲ -۱۴۲۱ / ۲)، الذریعه (۸۷۶ / ۹)، سفینه المحمود (۴۶۲ -۴۶۰ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۳۹)، مجمع الفصحا (۸۹۰ / ۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۴۹).

قتیلی بخارایی، ابوالحی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از ناحیه سرپل سمرقند و از مقربان عبدالعزیزخان ازبک بود. وی در مدرسه‌ی شاه بیگ‌خان تدریس می‌کرد و شاگردان بسیار داشت. در برخی از تذکره‌ها صاحب عنوان تحت نام قتلی بخارایی و قتیلی سمرقندی نیز آمده است. از اوست:

شب خیال زلف او هوش از من بی‌دل ربود

درس چون مشکل فتد بی‌فهم را خواب آورد

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۹۱ -۵۹۰)، الذریعه (۸۷۶ / ۹)، صبح گلشن (۳۳۰)، فرهنگ سخنوران (۷۳۹).

قدامه

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ع. قدامهٔ) ابن‌جعفر بن قدامه مکنی به ابوالفرج، شاعر و ادیب و کاتب فاضل اوایل قر. ۴ ه. (ف. ۳۳۷ ه.ق) وی مردی فصیح و بلیغ بود و در آغاز نصرانی بود و به دست مکتفی باللّه خلیفه اسلام آورد و در دولت عباسی به مقامات بلند رسید. او راست: تریاق‌الفکر (یا درياق‌الفکر)؛ جلاءالحزن، الخراج، زهرالربیع فی الاخبار، السیاسهٔ، صابون‌الغم، صرف‌الهم، صناعهٔ‌الجدل، نزههٔ‌القلوب، نقدالشعر فی البدیع که حاوی ۲۰ نوع از صنایع بدیعی است، نقدالنثر.

بر گرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

قدرت قمی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۶ -۱۲۷۱ ق)، شاعر، متخلص به قدرت. در قم به دنیا آمد. پس از فراگرفتن دانشهای مقدماتی به تحصیل علوم ادبی و عربی پرداخت و در همان سالها به سرودن شعر روی آورد. وی در آغاز جاوید و بعد غیث تخلص می‌کرد. بعد از چندی آوازه‌ی وی در سرودن شعر به دربار ناصرالدین شاه رسید و در مدت کوتاهی جزو شعرای دربار شد. پس از چندی از دربار کناره گرفت و به سیر و سلوک در آفاق و انفس پرداخت و در مدرسه فیضیه‌ی قم عزلت گزید و اشعاری که از این پس می‌سرود جز در مدح و منقبت امیرالمؤمنین علی (ع) و سایر ائمه اطهار (ع) نبود. وی خط را خوش می‌نوشت و در ساختن ماده تاریخ مهارت داشت و ماده تاریخهایی که توسط او ساخته و پرداخته شده بر سردر ابنیه‌ها و آب‌انبارهای شهر قم باقی است. در قم درگذشت و قبر وی در ایوان آینه‌ی حضرت معصومه (س)، در مقبره‌ی آل ابوالفتح،است. «دیوان» شعر وی به کوشش برادرش سید مهدی رضوی، متخلص به شیوا، به چاپ رسید.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۸۷۷ -۸۷۶ / ۹)، سخنوران نامی معاصر (۲۷۸۸ -۲۷۸۳ / ۴).

قدرتی اصفهانی، محمد علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به قدرتی. در اصفهان به دنیا آمد. در زمان شاه‌عباس ثانی (۱۰۷۷ -۱۰۵۲ ق) می‌زیست و از طریق تجارت روزگار می‌گذراند. در پنجاه و دو سالگی شمار ابیات مدونش از قصیده، غزل، رباعی و مثنوی از بیست و پنج هزار متجاوز بود. ملا قدرتی مجموعه‌ای از اشعار شاعران همعصر خود را به خط خود آنان جمع‌آوری کرد و چند سال بعد به وطن بازگشت و در اصفهان چند سال قبل از تألیف تذکره‌ی «نصرآبادی» (۱۰۸۳ ق) درگذشت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۲۱)، الذریعه (۸۷۷ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۴۰)، کاروان هند (۱۰۹۱ -۱۰۹۰ / ۲).

قدرتی یزدی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۴ ق)، شاعر. در زمان اکبرشاه به هند رفت و در اگره درگذشت. «دیوان» شعر وی قریب به سه هزار بیت می‌رسد. از اوست:

در بزم خاص بودن ما چون ضرور نیست

گر در به روی ما نگشایند دور نیست

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۶۵۳)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۲۵۸)، فرهنگ سخنوران (۷۴۰)، کاروان هند (۱۰۹۱ / ۲).

قدرتی، حسینعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسینعلی قدرتی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۳ در روستای حسینبان از توابع شاهرود در خانواده ای مستضعف متولد شدم تحصیلات ابتدائی را در روستا گذراندم و برای ادامه تحصیل به سمنان عزیمت کردم و دوران راهنمائی و دبیرستان را در سمنان سپری کردم و پس از اخذ دیپلم به دلیل علاقه شدید به قم عزیمت نمودم و مدت ۱۲ سال در قم بودم و دروس مقدماتی و شرح لمعه را در مدرسه رسول اکرم (ص) خواندم و در مدت در قم از دروس آقای محمدی خراسانی، حسینی، تهرانی، فیاضی، اعتمادی، نکونام، خاتمی، مکارم شیرازی، جوادی آملی و وجدانی فخر بهره مند شدم و در سال ۷۳ به کار اجرایی مشغول شدم و ارتباط با حوزه نیز دارم.

قدردان قراملکی، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن قدردان قراملکی

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد حسن قدردان قراملکی در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی در محله قراملك تبریز دیده به جهان گشود. در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه تبریز شد ودوره مقدمات و سطح را توانست در پنج سال با موفقیت به پایان رساند. ایشان به مدت دوازده سال از دروس خارج آیات عظام شیخ جواد تبریزی در فقه و جعفر سبحانی در اصول و در فلسفه از محضر استاد جوادی آملی و آیت الله گرامی خوشه چینی کردند. وی در اولین دوره تخصصی علمی کلام مرکز مدیریت حوزه علمیه قم شرکت کرده و از پایان نامه دکترای خود با امتیاز عالی ۲۰/۱۹دفاع نمود، از ایشان بیش از ده جلد کتاب و سی مقاله چاپ و منتشر شده است. کتاب «خدا و مساله شر» به عنوان کتاب سال حوزه سال ۱۳۷۸ و «قرآن و پلورالیزم» دیگر کتاب سال حوزه ۱۳۸۱ و مقاله «اسلام، قرائتها و امام خمینی (ره) » به عنوان مقاله برگزیده جشنواره مطبوعات کشور در سال ۱۳۷۸ ومقاله «پاسخهای متفاوت به ارتداد» به عنوان مقاله برگزیده اولین جشنواره مطبوعات اسلامی در رشته فقه ۱۳۸۳ برگزیده و انتخاب شد. وی استادیار هیئت علمی گروه کلام ودین پژوهشی پژوهشگاه فرهنگ واندیشه اسلامی است.

قدری شیرازی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. مقیم شیراز و باغیرتی شیرازی و میرمحمود طرحی شیرازی معاصر و با مولانا عرفی شیرازی هم مشق و هم‌صحبت بود. قدری از نزدیکان قیدی شیرازی است که با وی در جوانی به قصد تجارت در زمان اکبرشاه، در ۹۸۷ ق، به هندوستان مسافرت کرد. در آن جا بعد از مدتی، هر دو بر اثر حادثه‌ای درگذشتند.از اوست:

گر برهمنی، به کیش بت مایل باش

ور باده‌کشی، مدام لا یعقل باش

ور عاشقی، از هر دو جهان غافل باش

ز نهار به کار خویشتن یکدل باش

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۵۱۵ / ۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۲۴)، تذکره‌ی روز روشن (۶۵۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۹۵ -۱۹۴ / ۴)، الذریعه (۸۷۷ / ۹)، صبح گلشن (۳۳۰)، فرهنگ سخنوران (۷۴۰)، کاروان هند (۱۰۹۵ -۱۰۹۱ / ۲)، مرآت

الفصاحه (۴۹۷ -۴۹۶)، هفت اقلیم (۲۵۲ -۲۵۱ / ۱).

قدسی اصفهانی، عبدالحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد میرزا محمـدعلی خوشـنویس اصـفهانی و برادر میرزا حسـن و میرزا ابوالقـاسم و میرزا مهـدی قدسـی کـه همـه در خـط نسـخ خوشـنویس بوده و آثـار خطی و چـاپی از خود باقی گذاشـته‌اند ولی هیـچ یک به درجه‌ی خوشنویسـی پـدر نبوده‌انـد. مرحوم میرزا عبدالحسـین علاـوه بر نوشـتن خـط نسـخ و رقاع در علوم ادبی نیز یـد طولائی داشـته و گاهی نیز شـعری می‌گفته است. وی مؤسـس مدرسه‌ی «قدسیه» یکی از قدیمی‌ترین مدارس جدید اصفهان است.

-قرآن وزیری کوچک مذهب عالی روغنی نسخ کتابت خفی عالی. رقاع کتابت خفی عالی بلکه ممتاز با رقم: «... اشیر الی به کتابهٔ القرآن الحکیم... الحاج میرزا محمد هاشم امام الجمعهٔ والجماعهٔ. کتبه عبدالحسین الاصفهانی».

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

قدسی خراسانی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۷۰ ق)، خطاط. خواهرزاده و شاگرد میرزا محمدعلی سنگلاخ خراسانی است. اصلش از اسفراین بود، ولی در مشهد کسب کمال کرد. در سی و سه سالگی در علوم فقه و اصول استاد بود و در ریاضی تسلط داشت و شعر نیز می‌سرود. وی به دعوت میرزا سنگلاخ به استانبول رفت و در آنجا خط نستعلیق و شکسته را نزد دایی خود آموخت و خوش نوشت. قدسی پس از مدتی اقامت در استانبول به اسفراین بازگشت و در همان جا درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۸۳ -۵۸۲ / ۲).

قدسی خلخالی تبریزی، برهان‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۴ -۱۲۵۷ ش)، شاعر، متخلص به قدسی و برهان. در خلخال به دنیا آمد. پدرش از علمای معروف آن دیار بود و چند سالی به قضاوت اشتغال داشت. قدسی در ابتـدای مشـروطیت در تهران عضو انجمن آذربایجان شـد و پس از واقعه به توپ بسـتن مجلس و انحلال انجمن مزبور بـا خـانواده‌اش به خلخـال بازگشت. در ۱۳۳۱ ق به تـبریز رفت و چنـد سـال بعـد در دادگستری آنجـا به کـار پرداخت. از وی چند ترجمه و تألیف به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شرح حال رجال (۵۷ -۵۶ / ۶)، فرهنگ سخنوران (۷۴۰).

قدسی دارابی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

متولد ۱۲۸۸- متوفی ۱۳۶۱ ق

محمـد حسینی شـیرازی دارابی متخلص به (قدسـی) فرزنـد میرزا سـلطانعلی بن میرزا فتحعلی بن میرزا سـلطانعلی دارابی از فضـلاء و شعراء گذشته داراب بوده است.

وی به گفته فرصت در (آثار عجم) در خـدمت مرحوم شـیخ مفیـد از علوم ادبیه و کلام و حکمت و غیر آن بهره‌ها برده و کتابی در کلمـات و کرامـات آن اسـتاد جلیل و مولای نبیل بنام (حظائر القـدس) نام نهاده و کتاب دیگر بنام (فردوس الکمال) نوشـته و دارای خط عالی و از خوشنویسان عصر خویش بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

قدسی سبزواری، حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۱ ق)، شاعر. از بزرگان سبزوار بود. در زمان محمدخان تکلوی حاکم هرات به آن دیار مسافرت کرد و مورد توجه و اعتبار آن امیر قرار گرفت و در آن جا نیز درگذشت. از اوست:

توسن چرخ به من رام نگردد هرگز

به مراد دلم ایام نگردد هرگز

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۸۷۸ / ۹)، صبح گلشن (۳۳۰)، فرهنگ سخنوران (۷۴۱ -۷۴۰)، هفت اقلیم (۲۹۰/ ۲).

قدسی شیرازی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۱ -۱۲۸۸ ق)، خطاط، مصحح و شاعر، متخلص به قدسی. اصلش از دارابجرد فارس است. در شیراز به دنیا آمد و همان جا نشوونما یافت. او از سادات حسینی است. قدسی از خواص شاگردان شیخ مفید، صاحب «مرآت الفصاحه»، بود که تواسنت در خدمت استاد در زمینه علوم ادبی و کلام و حکمت بهره‌ها ببرد. خط نستعلیق را نیکو می‌نوشت. از سبک میرعماد حسینی پیروی می‌کرد. در سرودن اشعار عربی و فارسی ذوق و طبعی سلیم و مستقیم داشت. از آثارش: «خطائر القدس»، در کلمات و کرامات استادش شیخ مفید؛ «فردوس الکمال»، مشتمل بر تفسیر بعضی از آیات و شرح برخی از احادیث و پاره‌ای از حکم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۸۰ -۷۸)، تذکره‌ی طلعت (۲۰۴ -۲۰۲)، حدیقه الشعراء (۱۴۲۶ -۱۴۲۴ / ۲)،دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۹۹ -۱۹۵ / ۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۸ / ۳)، شرح حال رجال (۱۹۹ -۱۹۸ / ۶)، فرهنگ سخنوران (۷۴۱)، مرآت الفصاحه (۵۰۱-۵۰۰).

قدسی کاشی کاشانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، مقدّس زاهد، فرزند ملّا علی. در کاشان متولّد، و در خدمت ملّا حبیب اللّٰه تلمّذ کرده، و سپس به اصفهان مهاجرت نموده، در نزد جمعی از بزرگان همچون آقا سیّد محمّد باقر درچه‌ای و آقا سید ابوالقاسم دهکردی تحصیلات خویش را تکمیل نمود.

در یکشنبه دوّم رمضان المبارک ۱۳۷۷ به سنّ متجاوز از نود سال وفات یافته، در ایوان بقعه تکیه تویسرکانی مدفون شد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قدسی گیلانی، مصطفی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر و عالم. مدتی در اصفهان به سر برد و از شاگردان علامه چلبی و در فنون حکمت علمی و عملی عالم بود. در زمان جلال‌الدین محمد اکبرشاه گورکانی (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به هند رفت. از اوست:

با هر که هست طبع سخن‌رس غنیمت است

یک نکته‌ی درست زهر کس غنیمت است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۸۸)، فرهنگ سخنوران (۷۴۱)، کاروان هند (۱۰۹۵ / ۲).

قدسی مشهدی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۵۶ ق)، شاعر، متخلص به قدسی. در مشهد به دنیا آمد. در زمان خود در قلمرو زبان فارسی شهرت فراوان داشت. قصیده، مثنوی، غزل و رباعی همه را خوب می‌گفت. وی در جوانی به زیارت بیت‌الله الحرام مشرف شد. بعد از مراجعت، در پنجاه سالگی در زمان شاه جهان به هند مسافرت کرد و نزد شاه اعتبار زیادی کسب نمود و به منصب ملک‌الشعرایی رسید. قدسی به نقلی در لاهور و به نقلی در کشمیر از دنیا رفت، و گویند در مزارالشعرای کشمیر مدفون است. در زمینه‌ی قبر قدسی مشهدی در بعضی از

تذکره‌ها آمده است که بعدها جسد وی را به مشهد انتقال داده‌اند. آثار قدسی بر قصیده، غزل، ترکیب، ترجیع، قطعه، رباعی و مثنوی مشتمل است. از آثار وی: منظومه «ظفرنامه شاهجهانی»، در فتوحات شاه جهان که عمرش در اتمام آن کفاف نداد و پس از او کلیم کاشانی آن را تکمیل کرد؛ مثنوی «وصف کشمیر»؛ «ساقینامه»، به بحر متقارب؛ مثنوی «وصف باغ اکبرآباد»؛ «مثنوی کوتاهی» در مدح شاهجهان.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۴۹۹ -۴۹۷ / ۲)، تذکره‌ی شعرای کشمیر (۱۳۰۸ -۱۲۲۷ / ۳)، تذکره‌ی میخانه (۸۲۸ -۸۲۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۲۷ -۲۲۵)، ریحانه (۴۳۳ -۴۳۲ / ۴)، الذریعه (۹۸ / ۲۵ ،۳۳۲ ،۲۴۲ ،۹۶ / ۱۹ ،۱۱۴ / ۱۲ ،۸۷۹ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۴۱)،کاروان هند (۱۱۲۱ -۱۰۹۵ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ قدسی)، مرآت الخیال (۸۸ -۸۵)، منظومه‌های فارسی (۴۸۲ - ۴۸۰)، نتایج الافکار (۵۶۴ -۵۶۲).

قدسی نژاد، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، مدرس.

تولد: ۱۳۰۴، مشهد.

درگذشت: ۲۱ آذر ۱۳۶۸، مشهد.

غلامرضا میرزاجانی متخلص به «قدسی» که بعدها نام خود را به غلامرضا قدسی‌نژاد تغییر داد، مشهور به غلامرضا قدسی مشهدی، پس از اتمام تحصیلات ابتدایی به تحصیل علوم قدیمه پرداخت و در دروس ادبی ادیب نیشابوری ثانی (شیخ محمدتقی راموز) شرکت جست و فقه و اصول را نزد آقا سید هاشم قزوینی تلمذ نمود و گواهینامه‌ی مدرسی نیز کسب کرد و چندی نیز در دانشکده‌ی معقول و منقول به تحصیل پرداخت. از آن پس خود در مهدیه بعضی از متون ادبی را تدریس نمود که به علل سیاسی از کار او جلوگیری به عمل آمد.

در کنار تحصیل نیز از شانزده سالگی به سرودن شعر پرداخت و در انجمن‌های ادبی شرکت می‌جست. پس از مدتی نیز با همکاری دوستانش به تأسیس انجمن ادبی فردوسی مشهد اقدام نمود. قدسی‌نژاد با شعر کلاسیک آغاز کرد و در طول عمر خویش هیچگاه به آزمودن دیگر شیوه‌ها دست نزد و همچنان دلبسته «غزل» ماند. بیشتر به سبک هندی غزل می‌گفت، ضمن آنکه به عنوان مدرس ادبیات فارسی و عربی نیز در دانشگاه مشهد سال‌ها به تدریس مشغول بود. وی سفرهایی نیز به کشورهای عربستان سعودی، سوریه، عراق و هندوستان کرد که انگیزه‌ی سفر او به هندوستان یافتن دیوان اشعار جدش «محمدخان قدسی» سخنسرای روزگار خویش بود.

قدسی فعالیت سیاسی خود را از زمان حکومت دکتر مصدق آغاز کرد و با زبان شعر از نهضت ملی ایران حمایت نمود و حتی برای جلب روستاییان و شرکتشان در انتخابات مجلس شورای ملی و دادن رأی به کاندیداهای مردمی اشعاری به لهجه مشهدی می‌سرود و برای آنان می‌خواند. پس از کودتای بیست و هشتم مرداد سال ۱۳۳۲ قدسی مبارزه‌ی سیاسی و مذهبی خود را ادامه داد، در جریان نهضت پانزده خرداد ۱۳۴۲ به مبارزه با رژیم پهلوی پرداخت و به همین واسطه در سال‌های ۱۳۴۲ و ۱۳۵۰ (مرتبه‌ی دوم جمعا چهار سال در زندان‌های مشهد و قزل قلعه و اوین به سر برد) دستگیر و زندانی شد.

پس از رهایی از زندان در سال ۱۳۵۵ در دفتر نشر فرهنگ اسلامی تهران به ترجمه و تصحیح کتب اشتغال ورزید و پس از پیروزی انقلاب اسلامی یک سال در سمت مدیریت کل اداره‌ی اوقاف و سال بعد به عنوان مدیر کل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان خدمت کرد. پس از آن از شغل اداری دست کشید و چون به زبان و ادبیات عربی تسلط داشت در سال‌های پیش از فوت در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه مشهد و در یکی دو دانشکده‌ی دیگر ادبیات فارسی تدریس می‌کرد.

از آثار او، کتاب یاران پیامبر طبع و نشر شد. دیوان اشعارش از طرف اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان و به همت محمد قهرمان در سال ۱۳۷۰ منتشر شد. از آثار دیگر اوست: شعر امروز خراسان، غزل معاصر ایران.

«قدسی» روز بیست و یکم آذر ۱۳۶۸ به سبب بیماری قلبی درگذشت و در یکی از غرفه‌های صحن نو حرم امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

قدسی همدانی، عبدالجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۰ ش)، شاعر. وی در کبوتر آهنگ همدان به دنیا آمد و در خانواده‌ای مذهبی نشوونما یافت. مقدمات عربی را از صرف و نحو و منطق در زادگاه خود فراگرفت. در هیجده سالگی به قصد ادامه‌ی تحصیل به شهر همدان عزیمت کرد و در مدرسه‌ی طلاب، که به مدرسه‌ی بزرگ معروف است، به تحصیل اصول، فقه، کلام و حکمت پرداخت. در ضمن چون خطی خوش داشت در دبیرستانهای آن شهر خط تعلیم می‌داد. وی چندی نزد آیت‌الله شیخ عبدالکریم حایری تلمذ کرد، در مراجعت از قم مدتی به

تدریس علوم دینی مشغول بود. قدسی در شغلهایی چون اداره‌ی معارف و اوقاف غرب و اداره‌ی ثبت اسناد و در شهرهای مشهد و کاشمر نیز به خدمت پرداخت.وی عضو انجمن ادبی همدان بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۴۴ / ۲)، سخنوران نامی معاصر (۲۷۹۴ -۲۷۸۹ / ۴).

قدسی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خطاط نسخ نویس، متوفی جمادی الثانیه‌ی ۱۳۷۵ به سن ۷۵ سالگی، ماده تاریخ وفاتش را مرحوم نیر گوید:

سال تاریخ وفات خال خود نیر نگاشت

شد به قدسی مسکن بوالقاسم قرآن نویس

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قدسی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل و ادیب و خطاط، از بنیان‌گزاران فرهنگ جدید در اصفهان، در ۲۷ ذی قعده‌ی ۱۳۶۷ وفات یافته.

ماده تاریخ وفاتش را مرحوم هور گوید:

شاهد قدس، روان حسن قدسی شد

شد روانه حسن قدسی در عالم قدس

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قدسی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ حسین زاهد قدسی از علماء و ائمه جماعت معاصر قزوین می‌باشند که در این ظهر به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قدسی، عبدالحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا محمد علی خوشنویس بن محمد کریم.

ادیب فاضل و شاعر، جامع فضایل و کمالات صوری و معنوی، از فرهنگیان اصفهان بود که با تأسیس مدرسه‌ی قدسیه فرهنگ جدید را در این شهر پی‌ریزی نمود.

در شب ۴ رمضان ۱۲۸۷ متولد، و در شب یکشنبه ۵ صفر سال ۱۳۶۶ وفات یافته، در تکیه‌ی تویسرکانی مدفون گردید.

از آثارش کتاب «تحفهٔ الفاطمیهٔ» و کتاب «شرعیات» جهت مدارس جدید به طبع رسیده.

مرحوم نیر در ماده تاریخ وفاتش گوید:

لما فقدت ادیبا قل لرحلته

عبدالحسین اتی فی جنهٔ القدس

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قدسی، منوچهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خوشنویس.

تولد: ۱۳۱۲.

درگذشت: ۱۳۷۵.

از هشت سالگی تا پانزده سالگی در محضر جد بزرگوارش میرزا عبدالحسین- که در خطوط نسخ و ثلث و رقاع قلمی توانا داشت- تعلیم نظری و علمی خط دید.

استاد سپس در خدمت میرزا اسدالله رجالی که از نستعلیق‌نویسان اصفهانی بود به فراگیری هنر خوشنویسی مشغول شد. بعدها وقتی به تهران آمد، از سر مشق اساتید انجمن آن زمان بهره گرفت.

قدسی نخست در دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه زبان عربی و صرف و نحو را در محضر عموی پدرش میرزا حسن آموخت و سپس در مدرسه‌ی صدر اصفهان در دوران متوسطه به فراگیری این علوم زیر نظر اساتیدی چون بدالدین کتابی و محمد صدرهاشمی پرداخت.

قدسی دوران تحصیل دانشگاهی را در دانشگاه تهران در رشته‌ی ادبیات فارسی به پایان رسانید. وی تحت تأثیر استاد جلال‌الدین همایی قرار گرفت و در مقدمه‌ی کتاب شعبویه شرح نسبتا مفصلی از حالات شخصی و افکار و خاطرات استاد همایی نوشت. وی از سال ۱۳۴۳ در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه اصفهان به تدریس مشغول شد و موضوع تاریخ تکامل خطوط اسلامی از جمله دروس ایشان بود. ایشان در دانشگاه آزاد اصفهان و دانشگاه پیام نور به کار آموزش مشغول بود. ایشان آثاری درباره‌ی تاریخ خط و خوشنویس و آثار خوشنویسان و ادبیات و مسائل فرهنگی و هنری دارد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

قدوسی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد قدوسی نهاوندی (معروف به آقای آخوند) از علماء و مشاهیر دانشمندان نهاوند بوده‌اند، در روز جمعه ۱۶ ربیع‌الثانی ۱۲۸۲ قمری در شهر نهاوند متولد شد.

تحصیلات ابتدائی را در نهاوند طی نموده و برای یاد گرفتن سطوح عالیه و خارج عازم نجف اشرف گردید و ۲۰ سال تمام در آنجا متوقف و در سن ۳۵ سالگی پس از احراز مقامات عالیه تحقیق و اجتهاد به نهاوند مراجعت و در آن شهر مشغول تدریس و ترویج گردیده و مورد توجه عموم مردم بوده تا در سال ۱۳۵۵ قمری که به مناسبت جریانی که در غائله رفع حجاب پیش آمد به کلی بساط معاشرت را برچیده و عزلت اختیار نموده و تتمه عمر را در انزوا به سر برد تا در شب چهارشنبه ۲۴ جمادی‌الاولی ۱۳۷۴ قمری در سن ۹۲ سالگی داعی حق را اجابت و جنازه ایشان حمل به قم و پس از آنکه آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی بر آن نماز خواندند در قبرستان نو در مقبره خانوادگی به خاک سپرده شد:

آباء و اجداد ایشان غیر از پدرش حجهٔالاسلام والمسلمین آقای آخوند ملاحسین و عمویش آیت‌اللّٰه آخوند ملاعلی اکبر نهاوندی همه از خوانین و معاریف شهر بوده‌اند که حتی گاهی در مقابل پادشاه وقت ایستادگی کرده و دعوی سلطنت داشتند:

ولی از آن میان جد ایشان مرحوم حاجی آقاخان مردی متقی و خداپرست و به نقل بعضی مستجاب‌الدعوه بوده تقوای سرشار مرحوم حاجی آقاخان سبب شد که مسیر زندگی این فامیل عوض شد لذا دو پسر ایشان به فکر تحصیل علم افتاده و در رشته روحانیت وارد و از آن دو مرحوم آخوند ملا علی‌اکبر نهاوندی سالها در نجف اشرف به تحصیل مشغول و صاحب کمالات عالیه‌ای گشت.

ولی متأسفانه بعد از برگشت به نهاوند طولی نکشید که در سنین جوانی از دنیا رفت و برادر دیگر به همین جهت موفق به تحصیلات عالیه نشد ولی او نیز که آخوند ملاحسین نام داشت مردی متدین و بانفوذ بود اینان همگی از نظر زندگی مادی احتیاج به تصرف وجوه نداشته و کاملا از تصرف سهم مبارک امام (ع) احتراز می‌کردند و تا آخر عمر از درآمد موروثی خود زندگی می‌کردند.

مرحوم آیت‌اللّٰه قدوسی از شاگردان ممتاز مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی آقای حاج میرزا حسن شیرازی (میرزای بزرگ) و مرحوم آیت‌اللّٰه میرزا حبیب اللّٰه رشتی و در اواخر از محضر درس مرحوم آیت‌اللّٰه آخوند خراسانی و مرحوم آیت‌اللّٰه آقا سید محمدکاظم یزدی نیز استفاده داشتند.

معظم‌له علاوه بر ذوق و استعداد قوی از حافظه سرشار خدادادی نیز بهره‌مند بود که حتی در سالهای کهولت و پیری کاملا- بر محفوظاتش مسلط و گوئی فراموشی در قاموس وجودش مفهومی نداشت.

در رشته اخلاق معلوم نیست که از محضر چه استادی برخوردار بوده بعضی از هم دوره‌هایش احتمال استفاده از حضور محترم آخوند ملافتحعلی سلطان‌بادی را تقویت می‌کردند ولی از آنجا که عمویش مرحوم آخوند ملااکبر مردی اخلاقی بلکه در زبان و افواه مردم نهاوند کراماتی به او نسبت می‌دهند شاید مربی اخلاق او عموی بزرگوارش بوده است و به هر تقدیر ایشان به تقوا و پرهیزکاری در همه شهر معروف و مسئله تقید او و پدر و جدش را به تهجد خصوصا در یک مکان از اطاق مسکونی منزلش را به نحوی نقل می‌کنند که گوئی توصیه‌ای در این زمینه از پدر و جد بوده است.

عیالش نقل می‌کند که در تمام مدت ۶۴ سالی که در خدمت ایشان بودم یکشب نشد که اذان صبح گفته شود مگر آنکه معظم‌له را مشغول عبادت در همان محل مخصوص از اطاق دیدم جز اینکه ایشان را به تب شدیدی مبتلا بود تا لحظه اذان خواب ماند و با شنیدن صدای موذن سراسیمه بیدار و بلند شدند.

نوشته‌های مدون و منظمی از ایشان جز یک اربعین موجود نیست ولی مسودات زیادی در میان کتابهای ایشان و بعضا در اختیار

بعضی از شاگردان و فامیلش باقی بوده که متأسفانه در واقعه سیل ۱۳۱۷ نهاوند به نحوی ضایع شده که قابل استفاده نیست.

ایشان دارای سه فرزند ذکور است که یکی از آنها به نام علی قدوسی در رشته روحانیت است و ترجمه وی در جلد اول گنجینه دانشمندان در ضمن رجال و مدرسین حوزه علمیه گذشت.

(۱۳۷۴ -۱۲۸۲ ق)، عالم امامی و فقیه. معروف به آقای آخوند. در نهاوند به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در نهاوند گذراند و برای فراگرفتن سطوح عالیه و خارج به همراه عمویش، ملا علی‌اکبر نهاوندی، ابتدا به سامرا و سپس به نجف رفت و بیست سال تمام در آنجا ساکن شد. وی از شاگردان ممتاز میرزای بزرگ شیرازی و آیت‌الله میرزا حبیب‌الله رشتی بود. وی همچنین از محضر درس آیت‌الله آخوند خراسانی و آیت‌الله آقا سید محمد کاظم یزدی نیز استفاده نمود. در سی و پنج سالگی پس از احراز مقامات عالیه تحقیق و اجتهاد به نهاوند مراجعت کرد و در آن شهر به تدریس و ترویج علوم دینی پرداخت. در ۱۳۵۵ ق به دنبال غائله رفع حجاب رو به عزلت آورد و تا پایان عمر در انزوا به سر برد. پیکرش پس از درگذشت به قم منتقل و در قبرستان نو، در مقبره‌ی خانوادگی، به خاک سپرده شد. مسودات وی در واقعه‌ی سیل نهاوند در ۱۳۱۷ ق از بین رفته است و تنها اثر باقیمانده‌ی وی «اربعین» می‌باشد.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه :[۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۸ / ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۳۲ -۳۳۰ / ۷).

قدوسی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای شیخ علی بن العلامه الکبری والایه العظمی الحاج الشیخ احمد نهاوندی معروف به حاج آخوند از فضلاء مشار بالبنان و مدرسین بزرگواری بود که جمع کرده حسب و نسب را از طرف فرزند برومند آن پدر عالیقدر و از طرف دیگر داماد معظم علامه محقق سید الحکماء و المتالهین قاضی طباطبائی سلمه‌الله بود.

تولدش در سال ۱۳۰۶ شمسی برابر ۱۳۴۷ قمری در شهر نهاوند واقع شده و پس از دوران ابتدائی و متوسطه در سال ۱۳۲۳ شمسی مهاجرت به قم نموده و بعد از طی مقدمات و سطوح ۹ سالی از درس آیت‌الله العظمی بروجردی اعلی‌الله مقامه و دوازده سالی از محضر آیت‌الله امام خمینی استفاده نموده و از سال ۱۳۴۴ شمسی به کار مدرسه منتظریه (حقانی) پرداخته

آثار قلمی و علمی ایشان به قرار زیر است:

۱- تقریرات فقه آیت‌الله العظمی بروجردی از لباس مصلی تا بحث جماعت در ۵۲۳ صفحه.

۲- رساله‌های مختصری در خمس- منجات مریض وصیت- طهاره- مقداری از حج مرحوم آیت‌الله بروجردی در ۱۳۲ صفحه.

۳- تقریرات بحث آیت‌الله امام خمینی در مباحث الفاظ در ۲۸۳ صفحه.

۴- تقریرات بحث آیت‌الله امام خمینی در اصوله عملیه در ۵۱۷ صفحه.

۵- تقریرات بحث آیت‌الله امام خمینی در مکاسب محرمه و بیع ۶۳۹ صفحه.

۶- مقالاتی در سالهای اوائل مکتب اسلام.

۷- مقالاتی در معارف جعفری مطبوع می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

قدیری اصلی، باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: اقتصاد، دانشکده: اقتصاد، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی حقوق از فرانسه، دیپلم سیاسی از انستیتوی مطالعات قضائی نیس فرانسه، دیپلم عالی اقتصاد سیاسی از دانشگاه پاریس، دیپلم عالی علوم اقتصادی و دکترای دولتی اقتصاد از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۴۰، اخذ نشان فرهنگ و استاد ممتاز دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۱.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴، طی مراحل دانشیاری و استادی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اقتصاد، رابطه تورم با سیاستهای پولی و مالی ایران در دهه ۱۳۶۰، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

اقتصادی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

اقتصادی.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

قدیری، مجتبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: استاد، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشگاه ایالتی یوتا آمریکا در سال ۱۳۴۱، کارشناسی ارشد شیمی از دانشگاه ایالتی یوتا آمریکا در سال ۱۳۴۳، دکترای شیمی تجزیه از دانشگاه ایالتی یوتا در سال ۱۳۴۶.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه شهید بهشتی و مدرسه عالی پاریس از سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۵۲، دانشیار دانشگاه شهید بهشتی و مدرسه عالی پارس از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۵۴، استاد دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۵۴ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شیمی عمومی و تجزیه، تدریس شیمی عمومی ۱ و ۲، شیمی تجزیه و شیمی سطحی در دانشگاه شهید بهشتی و مدرسه عالی پارس.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شیمی عمومی، شیمی تجزیه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تجزیه مقادیر جزیی عناصر و تجزیه مقادیر جزیی سموم.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

قدیری، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن قدیری سال ۱۳۱۵ در اصفهان دیده به جهان گشود و پس از گذراندن تحصیلات متوسطه و دروس مقدماتی حوزه در سال ۱۳۳۷ برای طی سطوح عالی حوزه به نجف اشرف عزیمت کرد و در آنجا از محضر بزرگانی چون آیت الله خویی بهره‌مند شد. آیت‌الله محمد حسن قدیری با آغاز نهضت امام خمینی (ره) و تبعید به عراق از همان ابتدا در زمره یاران و نزدیکان ایشان درآمد و ضمن تلمذ در محضر آن حضرت در برخی فعالیت‌های مبارزاتی علیه رژیم منحوس پهلوی فعالانه شرکت داشت. در سال ۱۳۵۰ به عضویت هیات استفتاءات حضرت امام خمینی(ره) درآمد و این مسئولیت را تا زمان ارتحال ایشان بر عهده داشت. امامت جمعه بخش رویدشت استان اصفهان، عضویت در هیات استفتاءات مرحوم آیت‌الله العظمی اراکی و دفتر مقام معظم رهبری، تدریس دروس خارج فقه اصول درحوزه علمیه قم و عضویت در شورای نگهبان قانون اساسی از دیگر فعالیت ها و خدمات این عالم ربانی در طول ۷۲ سال عمر پر برکت وی محسوب می‌شود. گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدحسن قدیری پس ازگذراندن تحصیلات متوسطه و دروس مقدماتی حوزه در سال ۱۳۳۷ برای طی سطوح عالی حوزه به نجف اشرف عزیمت کرد و در آنجا از محضر بزرگانی چون آیت الله خویی بهره‌مند شد. علت فوت : محمدحسن قدیری ۸۷/۷/۲۶ در سن ۷۲ سالگی درگذشت و پیکر ایشان صبح شنبه از مسجد امام حسن عسگری(ع) تا حرم مطهر حضرت معصومه(س) تشیع خواهد شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد حسن قدیری با آغاز نهضت امام خمینی (ره) و تبعید به عراق از همان ابتدا در زمره یاران و نزدیکان ایشان درآمد و ضمن تلمذ در محضر آن حضرت در برخی فعالیت‌های

مبارزاتی علیه رژیم منحوس پهلوی فعالانه شرکت داشت. در سال ۱۳۵۰ به عضویت هیات استفتاءات حضرت امام خمینی(ره) درآمد و این مسئولیت را تا زمان ارتحال ایشان بر عهده داشت. امامت جمعه بخش رویدشت استان اصفهان، عضویت در هیات استفتاءات مرحوم آیت‌الله العظمی اراکی و دفتر مقام معظم رهبری، تدریس دروس خارج فقه اصول درحوزه علمیه قم و عضویت در شورای نگهبان قانون اساسی از دیگر فعالیت ها و خدمات این عالم ربانی در طول ۷۲ سال عمر پر برکت وی محسوب می‌شود.آثار : البحث فی الرسلات عشر ، البیع تقریرات درس حضرت امام (ره) ، التیمم ، الحاشیه علی العروه الوثقی ، المباحث فی علم الاصول ، رساله فی الوضع والاستعمال

قدیمی گیلانی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، نقاش، خطاط و شاعر، متخلص به قدیمی. اهل گیلان بود و در شبیه‌سازی و پرنده‌سازی استعداد فراوان داشت. از آثار به جا مانده، دقت تخیل و مجلس‌آرایی وی نمایان است. قدیمی خطوط و حالات چهره‌ها را طبیعی عمل می‌آورد و در تلفیق و کاربرد رنگها مهارت داشت و از صنعت تذهیب نیز بهره‌مند بود. او همچنین خطوط ثلث و نسخ و رقاع را استادانه می‌نوشت و در این کار چنان مهارتی داشت که خطوط را با قلم‌موی نقاشی کتابت می‌کرد. وی جزو نقاشان درباری بود و در نگارخانه شاه‌طهماسب (۹۸۴ -۹۳۰ ق) منزلتی درخور داشت. تذکره‌نویسان او را در شاعری نیز ستوده‌اند. از آثار وی: تصویر مردی در شیوه و عیار چینی‌ها که عبا پوشیده و بر قاطری سوار است، با رقم: «العبد قدیمی مصور»؛ بازگشت سام و زال از کوه البرز که سام سوار بر فیل شده و در اطراف او مشایعت‌کنندگان جلب نظر می‌کند؛ «دیوان» شعر. در «احوال و آثار نقاشان» آثار دیگری از او به تفصیل معرفی شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۰۷۲ -۱۰۶۸ / ۳)، تاریخ هنرهای ملی (۸۴۴ -۸۴۳ / ۲)، تحفه سامی (۲۵۱)، الذریعه (۸۸۰ / ۹)، صبح گلشن (۳۳۱)، فرهنگ سخنوران (۷۴۲)، گلستان هنر (۱۴۰).

قراب سرخسی هروی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بعد از ۴۱۴ -۳۳۰ ق)، حافظ، محدث، فقیه، زاهد، مقری و ادیب. وی برادر ابویعقوب اسحاق قراب است. از منصور بن عباس و ابوبکر اسماعیلی و ابواحمد بن غطریفی و ابوعمر بن حمدان و ابواحمد حاکم و مخلد بن جعفر باقرحی و بشر بن احمد اسفراینی و علی بن عیسی عاصمی و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. در بغداد نزد امام عبدالعزیز دارکی فقه آموخت. ابوعطا عبدالاعلی بن عبدالواحد ملیحی و شیخ‌الاسلام عبدالله بن محمد انصاری و دیگران از وی حدیث شنیده‌اند. وی در بسیاری از علوم همچون قرائت و حدیث و فقه و معانی قرآن و ادب پیشرو و سردسته زاهدان و متألهان بود. از آثارش: «درجات التائبین و مقامات الصدیقین»؛ «الکافی فی علم القرآن»، در قراآت سبع، در چندین مجلد؛ «الجمع بین الصحیحین»، جمع بین «صحیح» بخاری و «صحیح» مسلم؛ کتابی در «مناقب الامام الشافعی»؛ «الشافی» در قراآت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۳۸۱ -۳۷۹ / ۱۷)، کشف الظنون (۱۸۳۹، ۱۳۷۹، ۱۰۲۳، ۷۴۵، ۵۹۹)، معجم المؤلفین (۲۵۶ / ۲)، هدیه العارفین (۲۰۹ / ۱).

قراب سرخسی هروی، ابویعقوب اسحاق

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۲۹ -۳۵۲ ق)، حافظ، محدث، مورخ، فقیه، زاهد و مصنف. محدث هرات بود. ابونصر فامی گوید که وی بیش از هزار و دویست استاد داشته است. وی از عباس بن فضل نضرویی و جد مادری‌اش، محمد بن عمر بن حفصویه، و ابوالفضل محمد بن عبدالله سیاری و عبدالله بن احمدن بن حمویه سرخسی و زاهر بن احمد سرخسی فقیه و خلیل بن احمد سجزی و حسین شماخی صفار و ابومنصور محمد بن عبدالله بزاز حدیث شنید.شیخ الاسلام عبدالله انصاری هروی و ابوالفضل احمد بن ابی‌عاصم صیدلانی و حسین بن محمد بن مت و اهل هرات از وی حدیث روایت کردند. خواجه عبدالله انصاری در «جرح و تعدیل» به او احتجاج کرده است. از آثارش: «الوفیات» یا «تاریخ السنین» در «وفیات العلماء» از قرن اول تا ۴۲۹ ق، در دو مجلد؛ «نسیم المهج»؛ کتاب «الأنس و السلوه»؛ «شمائل العباد»؛ «الرمی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۸۵ / ۱)، الاعلام بوفیات الاعلام (۲۸۸ / ۱). انساب سمعانی (۶۳۸ / ۴)،ایضاح المکنون (۵۳ / ۲)، تذکره

الحفاظ (۱۱۰۲ -۱۱۰۰ / ۳)، سیر النبلاء (۵۷۲ -۵۷۰ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۴۴ / ۳)، طبقات الحفاظ (۴۲۴)، العبر (۲۶۱ / ۲)، کشف الظنون (۱۰۵۹)، العبر (۲۶۱ / ۲)، معجم المؤلفین (۲۲۸ / ۲)، الوافی بالوفیات (۳۹۴ / ۸)، هدیه العارفین (۲۰۰ / ۱).

قراباغی، کمینه

قرن:۱۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

از زنان شاعر. فاطمه دختر فنای قراباغی زنی خوش‌خوی و خوش‌سیما بوده و به فارسی و ترکی شعر می‌سروده است. وی حدود چهار صد بیت شعر داشته و شعر زیر را در استقبال از شعر نواب گفته است:

از هجر رویت شوخ دل آرا

دل گشته دایم در شور و غوغا

این درد، دل را کرده‌ست رسوا

نتوانم آخر کردن مدارا

تا کی ای سرو روان بی‌تو به رفتار آیم

کرده یاد لب نوش تو به گفتار آیم

تاریخ تولد، وفات و یا زندگی او معلوم نیست.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: سرایندگان شعر فارسی در قفقاز، ۱۹۶ -۱۹۵.

قراباغی، هاشم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۸۱ ق)، خطاط. از آثار وی: یک قطعه به قلم دو دانگ و کتابت خوش، با رقم: «کتبه العبد المذنب هاشم قراباغی ۱۲۸۱».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۵۸/ ۳).

قرابولاغی خلخالی، محمد باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۶ ق)، شاعر و عالم. وی از شاگردان ملاعلی، صاحب «معدن الاسرار فارسی»، بود. مدتی در خلخال آذربایجان به قضاوت مشغول و مرجع استفاده‌ی طلاب گرمرود و خلخال خمسه بود. باقر در اثر استغنای طبع و کمال بی طمعی در نزد هر طبقه بخصوص اولیای دولت عهد ناصرالدین شاه قاجار بسیار محترم می‌زیست. وی به هر دو زبان فارسی و ترکی شعر می‌سرود. کتاب «ثعلبیه» که بارها به زبان ترکی در تبریز و استانبول به چاپ رسیده از اوست. محمد باقر در بدیهه‌گویی و تمامی فنون شعری دستی توانا داشت، از رباعیات اوست که به سبب درخواست برادر و یکی از شاگردانش چهار جنس متباین را در آن جمع کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۶۲)، الذریعه (۷/۵،۸۸۰/۹)، ریحانه (۱۵۶ -۱۵۵ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۶/۲).

قراری گیلانی، نورالدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر و خطاط. اهل گیلان بود و پدرش از دانشمندان گیلان به حساب می‌آمد. قراری مدتی امور خان احمدخان گیلانی را مدیریت می‌کرد و آن‌گاه که در گیلان آشوب برخاست به قزوین رفت. او به طرز وقوع شعر می‌گفت. دارای خطی خوش بود و نثر را نیکو می‌نوشت. در قزوین شاگرد خواجه افضل‌الدین محمد ترکه اصفهانی بود.بعد از فوت پدر، همراه دو برادر خود مسیح‌الدین ابوالفتح و حکیم نجیب‌الدین همام، در ۹۸۳ ق، به هند مسافرت کرد و در سلک ملازمت جلال‌الدین محمد اکبرشاه درآمد، اما بعد مورد کم‌لطفی شاه قرار گرفت و به بنگاله تبعید شد و تا پایان عمر در آنجا ماند. به آورده‌ی «کاروان هند»، وی در حدود ۹۹۲ ق درگذشته است، اما «مکتب وقوع» از زنده بودن او در ۹۹۵ ق خبر می‌دهد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۵۳ -۸۵۱ / ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۲۷ -۸۲۴ / ۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۲۵)، الذریعه (۸۸۰ /

۹)، فرهنگ سخنوران (۷۴۲ -۶۹۵)، کاروان هند (۱۱۳۲ -۱۱۲۱ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ قراری)، مجمع الخواص (۴۸ -۴۶)، مکتب وقوع (۳۷۶ -۳۶۴)، نامها و نامدارهای گیلان (۳۸۶)، هفت اقلیم (۱۴۹ -۱۴۶ / ۳).

قرائت

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۱۳۳۲ ق، از زنان فاضل، شاعر و ادیب. مؤلف الذریعه از وی به «بانویی فاضل، ادیب، مروارید درخشان دانشمندان» یاد می‌کند. مجموعه اشعار مدیحه، مرثیه و موعظه او تحت عنوان دیوان الحزینه در سال ۱۳۳۲ ق و در زمان حیات وی چاپ شد.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: الذریعه ۲۳۵ / ۹؛

قربان زاده، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی قربان زاده

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مهدی قربان زاده متولد ۱۳۵۳ ازشهرستان بابل می باشم. دیپلم خود را دررشته ریاضی فیزیک درسال ۱۳۷۴دریافت نمودم ودرسال ۱۳۷۵ وارد حوزه علمیه شدم. تحصیلات حوزوی را درشهرستان بابل واز مدرسه علمیه فیضیه مازندران شروع کردم. درسال ۱۳۸۰ وارد حوزه علمیه قم شدم ودر همین سال مدرک اتمام سطح یک را دریافت نمودم و چند سال بعد درسال ۱۳۸۵ مدرک سطح دوم را دریافت کردم . درسال ۱۳۸۵سطح سه را نیزبه پایان بردم. ازسال ۱۳۸۲ تا سال ۱۳۸۴ به مؤسسه فرهنگستان علوم اسلامی وارد شده، دوره آموزشی آن مؤسسه را به پا یان رسانیدم. لازم به ذکراست که فعالیت آموزشی وپژوهشی این مؤسسه درزمینه فلسفه اسلامی وبا گرایش فلسفه شدن اسلامی است. ازسال ۱۳۷۸ وارد عرصه مطبوعات شدم و تا به حا ل چهل مقاله ازاین جانب درمطبوعات اعم از هفته نامه و فصل نامه به چاپ رسیده است. درسال ۱۳۸۴ نخستین کتاب خود را با نام راز آبرومندی به چاپ رسانیدم وسپس درهمین سال به کمک دوتن ازدوستان کتاب نهضت نرم افزاری ازنگاه مقام معظم رهبری را به نگا رش درآوردیم واین کتاب درسال ۸۶ به چاپ رسید درحال حاضردردروس خارج آیات عظام مشغول میباشم.

قربان نیا، ناصر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصر قربان نیا

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

۱. ورود به حوزه علمیه قم پس از اخذ دیپلم علوم تجربی در سال ۶۲

۲. تحصیل در رشته فلسفه دانشگاه تهران در سال ۶۸

۳. تحصیل در رشته حقوق دانشگاه مفید در سال ۷۰

۴. قبولی در کارشناس ارشد حقوق بین الملل با رتبه دوم کشوری

۵. فارغ از تحصیل در سال ۷۶ با دفاع از رساله کارشناسی ارشد با نمره ۲۰

۶. ورود به مقطع دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۰

۷. دفاع از رساله دکتری در شهریور ۸۵ با درجه عالی

۸. کسب رتبه اول در پایه ششم حوزه علمیه قم با معدل عالی، رتبه دوم در پایه هفتم، رتبه اول در پایه هشتم و نهم در امتحان همزمان

۹. انتخاب کتاب اخلاق و حقوق بین الملل به عنوان رتبه اول در جشنواره کتاب سال ۷۹

۱۰. تالیف بیش از پنجاه مقاله و چاپ آن در مجلات معتبر علمی به زبان های فارسی عربی و انگلیسی

۱۱. کسب عنوان پژوهشگر برتر کشوری، استانی و دانشگاهی در سال های متوالی ۸۱، ۸۲، ۸۳

۱۲. تدریس در دانشگاه های قم و بعضا تهران

۱۳. عضو هیئت علمی گروه حقوق و معاون پژوهشی دانشگاه

۱۴. شرکت در بیش از صد رساله کارشناسی ارشد دانشگاه به عنوان استاد راهنما، مشاور و یا داور.

۱۵. همکاری با مراکز علمی پژوهشی حوزوی و دانشگاهی

۱۶. ارائه سخنرانی های علمی در همایش های مراکز دانشگاهی داخلی و خارجی

۱۷. انتخاب کتاب «عدالت حقوقی» به عنوان رتبه دوم در جشنواره کتاب سال ۸۲

قربانلی، مه‌لقا

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۴، مرتبه علمی: استاد، رشته: زیست‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زیست‌شناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۶، سرتیفیکای میکروبیولوژی از دانشگاه سوربن فرانسه در سال ۱۳۴۰، کارشناسی ارشد فیزیولوژی از دانشگاه سوربن فرانسه در سال ۱۳۴۱، سرتیفیکای VPR از دانشگاه سوربن در سال ۱۳۴۲، دکترای فیزیولوژی گیاهی از دانشگاه سوربن در سال ۱۳۴۳، سرتیفیکای جغرافیای گیاهی از دانشگاه لیژ در سال ۱۳۴۹، سرتیفیکای اکولوژی از دانشگاه لیژ در سال ۱۳۴۰، سرتیفیکای خاک‌شناسی از دانشگاه لیژ در سال ۱۳۴۹.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تربیت معلم از سال ۱۳۴۴ تا سال ۱۳۴۸، دانشیار دانشگاه تربیت معلم از سال ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۵۲، استاد دانشگاه تربیت معلم از سال ۱۳۵۲ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی اکوفیزیولوژی و اکومورفولوژی بخشی از دریاچه ارومیه، مطالعه رویش دانه هالومنت مرتعی، اثر کلروسدیم بر روی چند جنبه فیزیولوژیکی گیاه پنبه، اثر ژیبرلین و کادمیوم بر روی پروتئین سویا، تدریس دروس فیزیولوژی گیاهی، جذب و انتقل مواد، رشد و نمو پیشرفته، هورمونهای گیاهی، جغرافیای گیاهی و تغذیه معدنی در دانشگاههای تربیت معلم و شهید بهشتی و ابوریحان.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

فیزیولوژی گیاهی تغذیه و متابولیسم‌ها، فیزیولوژی گیاهی (رشد و نمو)، گیاه‌شناسی عمومی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

مطالعه اندام‌زایی در کوتیله دونهای خیار و کدو، مطالعه اندام‌زایی در کوتیله دونهای گل حناء از نظر تشکیل گل، اکومورفولوژی چند هالوفیت ساحل دریاچه حوض سلطان.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

قربانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ش)، ریاضیدان، نویسنده و مترجم. آثار وی: «جبر برای سال سوم دبیرستانها»؛ «جبر و مثلث سال ششم طبیعی»؛ «حل المسائل مکانیک»؛ «حل المسائل هندسه»؛ «رسم فنی»؛ «متمم هندسه»؛ «هندسه ترسیمی و رقومی»، ترجمه؛ «هندسه‌ی فضایی»؛ «هندسه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۲۱۵، ۱۰۱۳، ۱۰۱۱ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۸۰ –۲۷۸ / ۱).

قربانی، زین‌العابدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ زین‌العابدین قربانی از فضلاء مبلغین و افاضل نویسندگان معاصر گیلان و لاهیجانست.

وی در حدود سال ۱۳۴۸ ق در لاهیجان متولد شده و دروس فارسی و مقدمات را در آنجا خوانده و پس از آن به قم مهاجرت و سطوح فقه و اصول از اساتید بزرگ حوزه تکمیل و درس فلسفه و تفسیر را از علامه طباطبائی فراگرفته و به درس خارج آیت‌اللّه العظمی خمینی و آیت‌اللّه شریعتمداری و بالاخص زعیم اعظم آیت‌اللّه العظمی بروجردی شرکت و استفاده‌ها نموده و به تألیف و تدریس و تبلیغ دین و نوشتن مقالات دینی در مجله مکتب اسلام پرداخته از آثار ارزنده و تالیفات ارجدار معظم‌له کتب زیر است.

۱– اسلام و صلح جهانی ۲– به سوی جهان ابدی ۳– بلاهای اجتماعی قرن ما ۴– زن و انتخابات (این دو کتاب اخیر به همکاری آقایان علی حجتی کرمانی و محمد شبستری و آقای عباسعلی عمید زنجانی و حسین حقانی نگارش یافته و کتاب اسلام و صلح جهانی به همکاری آقای حاج سید هادی خسروشاهی ترجمه شده ۵– اسلام و حقوق بشر.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قربانی، علی اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اصغر قربانی ده برزوئی

محل تولد : ده برزو

شهرت : قربانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در تاریخ اوّل فروردین سال هزار و سیصد و پنجاه و چهار هجری شمسی با سواد قرآنی و خواندن و نوشتن وارد حوزه علمیّه شدم؛ مدرسه فولاد در تربت حیدریه، صرف میر و شرح المثله را در محضر استاد شیخ حسن کلّه (قده) فرا گرفتم. کتابهای: ملامحسن، هدایه، قطرالندی و نحو را از محضر مرحوم آقای بحر آموختم. خط را از هنر شیخ محمود هروی بهره بردم. سیوطی، مغنی، مختصر، منطق (حاشیه ملاعبدالله) و اندکی از اصول فقه مظهر و لمعه را از محضر استاد فرزانه مرحوم صدر الدین ربانی فرا گرفتم. در ضمن، کلاس پنجم ابتدایی را به صورت شبانه آزاد همزمان خواندم. در سال ۵۷ حدود پنج ماهی زندان وکیل اندر مشهد زندانی شده و در آنجا از محضر برخی اساتید، مانند جناب آقای جواد منصوری مقداری از مسایل سیاسی و اقتصادی را آموختم. در سال پنجاه وهشت که به قم آمدم ادامه اصول مظفر را از محضر استاد مصطفی محقق داماد (جلد اول را)و استاد مرحوم عمّانی (جلد دوم) را فرا گرفته و ادامه درس لمعه را هم از محضر سرورانی، چون شمّاعی همدانی، نظری و وجدانی فخر و مقدار اندکی از آن را هم در محضر آیت الله اشتهاردی فرا گرفتم. بخشی از کتابهای اصول فقه و لمعه و تفسیر را هم از محضر مرحوم استاد محامی و عرفانی کسب فیض کردم. هم زمان با درسهای فقه و اصول برای تکمیل مباحث ادبیات و منطق چند صباحی پای دروس منطق استاد انصاری شیرازی و مطون استاد مرحوم مدرس افغانی حاضر شدم. استاد محمد رضا حکیمی که از دیر باز مورد علاقه من بود، درسی از کتاب الحیات را در حوزه آغاز فرمودند که بنده متأسفانه در آن شرکت می کردم و مطالب ارزنده ای تصمیم می شد. درسهای اخلاق استاد و بزرگوار آیت الله مشکینی هم حال و هوای خاص خود داشت. که بنده از پای بندان به شرکت در آن بودم. بخشی از درسهای تفسیر ایشان را هم شرکت کردم. درس اخلاق حضرت آیت الله بهاءالدینی روزهای پنجشنبه در مدرس زیر کتابخانه فیضیه زمزمه محبتی بود که تا پنجشنبه دیگر جانم را سرشار از طراوت می کرد. از حدود سال ۶۰ رسایل را در محضر اعتمادی تبریزی در شبستان آیت الله گلپایگانی مسجد اعظم قم هر روز ساعت هفت صبح شرکت کردم؛ اما این درس مصادف با جنگ تحمیلی و ماجرای جانبازی بنده شد به همین دلیل مقداری طولانی شد و تا سال حدودا ۶۴ طول کشید همزمان با این درس، درس مکاسب را در محضر استاد گرانقدر سید حسن طاهری خرم آبادی حاضر می شدم تا بیع و خیارات را به پایان بردم، امّا مکاسب درس کفایتین را در محضر استاد صالحی مازندارانی رحمهٔ الله آموختم. پس از اتمام دروس سطح عالی خارج اصول را با شرکت در درس حضرت آیت الله فاضل آغاز کردم. بخشی از خارج اصول را هم پای درس استاد فرزانه حضرت آیت الله مکارم شیرازی نشستم، در مدرسه امام امیر المؤمنین، عصرها یک ساعت به غروب، درس خارج فقه؛ کتاب الظهاره و بخشی از کتاب الصلاهٔ و کتاب القضا را(البته کتاب القضاء روزهای چهارشنبه هر هفته) در مسجد اعظم در شبستان آیت الله بروجردی(ره)از محضر حضرت آیت الله شیخ جواد تبریزی (ره) به مدت هشت سال کسب فیض کردم. درس خارج فقه حضرت آیت الله نوری همدانی مدظله را هم حدود دو سال شرکت می کردم و بهره فراوانی بردم، به ویژه که موظف بودیم آن را با جمعی از دوستان به عربی بنویسیم و نوشته ها مان ارزیابی و نقد و بررسی می شد؛ علاوه بر آن رجال سند هم به دقت تمام بررسی و جرح و تعدیل می شد.

این درس در مدرسه آیت العظمی گلپایگانی خیابان ارم (در مدرس بزرگ یا مسجد مدرسه) برگزار می شد و موضوع بحث کتاب الصلاهٔ بود. و سرانجام؛ درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی که از اواخر جلد اول کفایه، مباحث قطع و علم رجال و مباحث اصول عملیه و تاکنون که بحث تعادل و تراجیح است و هنوز مشغول به آن هستم.

قربانی، ولی الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ولی الله قربانی

محل تولد : فاروج

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۶/۱۲/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب ولی الله قربانی فرزند علی محمد اهل خراسان شمالی متولد ۱۰/۱۲/۱۳۲۶(فاروج) از سال ۱۳۴۲ تا سال ۱۳۴۳ به مدت یک سال به مکتب رفته و در حوزه علمیه شهرستان قوچان تحصیلات حوزوی را در محضرحضرات اساتید: شیخ غلامحسین احمدی (جامع المقدمات) ۲. سلامی (سیوطی) شیخ عبد الله ابراهیمی (شرح النموذج منطق) ۳. محمود موقر (عقائد باب حادی عشر) ۴. شیخ حسین حسین زاده (مغنی) و در سال ۱۳۴۷ به صورت قاچاق از طریق آبادان در آغاز حکومت حزب بعث به عراق رفتم و ادامه مغنی و سیوطی را در محضر حضرت استاد شیخ محمد علی مدرس افغانی و اصول (معالم، اصول مظفر) در حضور آقایان قاضی زاده و عزیز و قاهانی استفاده بردم و شرح لمعه جلد اول را در حضور آقای مصطفوی کاشانی و جلد دوم شرح لمعه در محضر حضرت آیت الله شهید مدنی خوانده و کتابهای متداول حوزه را در محضر اساتیدی چون آقایان لنکرانی و بعضی آقایان دیگر خوانده ام. در سال ۱۳۴۹ از عراق اخراج شدم و مدت کوتاهی در مشهد بودم و مقداری از بقیه درس لمعه در محضر آقای محامی خواندم و بعد از چندی به قم آمدم و درس اصول و فقه را مثل کفایه جلد اول و دوم و رسائل و مکاسب را در محضر حضرات آقایان اعتمادی و مظاهری اصفهانی، آیت الله فاضل لنکرانی و قدیری اصفهانی خواندم. در درس خارج آقای میرزا جواد تبریزی (خارج فقه، مکاسب) یک دوره حاضر شده و در برخی درسهای متداول حوزوی از محضر حضرات آیات عظام: وحید خراسانی، مکارم شیرازی و غیره استفاده نمودم. مقداری نهج البلاغه از درس آیت الله حسین نوری استفاده نمودم و در تفسیر آقای خزعلی نیز متناوباً حاضر بودم. در سال ۱۳۵۹ وارد مدرسه عالی قضائی شدم و از محضر حضرات آقایان: سید محمود شاهرودی (اقتصاد غرب)، استاد فیاضی (فلسفتنا)، آقای ممدوحی (بدایهٔ الحکمه) و تفسیر را از آقای رضا استادی استفاده بردم و درس اخلاق توسط استاد مظاهری و روانشناسی دکتر اهری و در اقتصاد اسلامی از آقای حسینی استفاده بردم. در درس ادبیات فارسی از مرحوم آقای ناظمی بهره مند بودیم. پس از دریافت مدرک لیسانس در الهیات مشغول به کارهای تحقیقی (إحیاء آثار) شده و اولین کار تألیف معجم الفاظ احادیث بحار الأنوار به صورت گروهی که حدوداً ۱۴سال طول کشید،آغاز شد. و اینجانب عضو هیئت علمی بوده و چند گروه به نام گروههای مقابله را اداره و کارها را کنترل نموده و آماده چاپ می نمودیم و در سال ۱۳۷۳ به واحد احیاء آثار اسلامی منتقل شدم و اولین کار در واحد مزبور کار در غایهٔ المراد شهید اول بود و هم زمان منتقد المنافع آقای شریف کاشانی را انجام می دادیم و بعد از آن کتاب روضه الجنان را شروع کردیم و پس از آن کتاب انیس المجهتدین آقای نراقی را کار کردیم. همزمان آثار آقای بلاغی و شرف الدین را تحقیق نمودیم و چندین رساله تفسیری و هلالی را به دست گرفتیم. رسائل شهید را نیز تحقیق نمودیم. رساله ای در حلق اللحیه تحقیق نمودم که چاپ شده. کتاب قواعد و فوائد شهید را نیز در دست اقدام داریم. چهار جلد کتاب حدود الشریعه آقای محسنی آصفی را تحقیق و اصلاح نموده ام، همچنین کتاب الفقه و مسائل طبیه ایشان را و کتاب الحکم الزاهره آقای صابری یزدی را اصلاح نمودم.

قربی دماوندی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۰۳ ق)، شاعر. در اکثر علوم اطلاع کافی داشت. مدتها در بغداد و عتبات عالیات به سر برد و در آنجا با شاعرانی چون قوسی شوشتری، ضعیفی، ملکی سرکانی، وقوعی تبریزی، طرزی، مقبولی و غیره مباحثاتی داشت. به گفته‌ی تقی‌الدین اوحدی، قربی در ۱۰۰۳ هجری عتبات را ترک گفته است. او از آنجا به هند رفت و مدتی در کشمیر اقامت نمود و در همان جا نیز درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۱۲ -۱۱۱۱ / ۳)، تذکره‌ی روز روشن (۶۵۷)، الذریعه (۸۸۰ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۴۲)، کاروان هند (۱۱۳۳ -۱۱۳۲ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ قربی)، هفت اقلیم (۹۲ -۹۱ / ۳).

قربی شیرازی، ملا فتاح

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۴۵ / ۱۰۲۵ ق)، شاعر، متخلص به قربی. معرفو به فتاحا یا ملا فتاح مکی مدنی. در اواخر سلطنت اکبرشاه به هند رفت و مورد توجه و اعتبار شاه مذکور قرار گرفت و در زمان جهانگیر پادشاه به ایران مراجعت نمود و به زیارت کعبه و عتبات عالیات مشرف شد. وی سپس دوباره به هند برگشت و تا آخر عمر همان جا ماند و در اجمیر درگذشت. از اوست:

قربی دلت از لوث هوس پاک نشد

وین جامه‌ی کفر تو یکی چاپ نشد

آهی به تأسف از دلت سر نکشید

و ز گریه دمی‌چشم تو نمناک نشد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۸۸۱ -۸۸۰ / ۹)، صبح گلشن (۳۳۱)، فرهنگ سخنوران (۷۴۲)، کاروان هند (۱۱۳۵ -۱۱۳۳ / ۲)، هفت اقلیم (۲۵۴ -۲۵۳ / ۱).

قرةالعین

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

۱۲۶۸ -۱۲۳۳ ق، فاطمه مشهور به زرین تاج و ملقب به زکیه و طاهره و مکنی به ام‌السلمه از زنان عالم، سخنور و شاعر. وی در خانواده‌ای روحانی و دانشمند به دنیا آمد. پدرش ملا صالح برغانی (۱۲۷۵ / ۱۲۷۰ ق)، از علمای قزوین و عموهایش ملا محمدتقی برغانی (۱۲۶۴ ق) مرجع تقلید و رئیس حوزه علمیه قزوین و ملا محمدعلی برغانی (حدود ۱۲۷۰ ق) از علماء و فضلای قزوین بودند. همچنین مادرش، عمه‌اش ماه شرف خانم، دختر عمویش ام‌کلثوم برغانی و خواهرش ربابه از زنان دانشمند و عالم قزوین به شمار می‌رفتند. وی از کودکی شروع به فراگرفتن خواندن و نوشتن کرد. مقدمات علوم اسلامی را نزد پدر آموخت و فقه و اصول و کلام و تفسیر را از نیز پدر و عمویش ملا محمدتقی فراگرفت. به دلیل هوش و استعداد فوق‌العاده‌اش مدارج ترقی را به سرعت پیمود. ملا محمدتقی که مراتب فضل و کمال و هوش و استعداد او را دریافته بود وی را به عقد پسرش ملا محمد درآورد و فاطمه از او سه فرزند: دو پسر و یک دختر آورد.

در آن زمان بازار جدال میان شیخیه، طرفداران شیخ احمد احسایی (۱۲۴۱ -۱۱۶۶ ق) و متشرعه گرم بود. ملا محمدتقی از مخالفان سرسخت شیخ احمد و شاگرد او سید کاظم رشتی (۱۲۵۹ -۱۲۱۲ ق) بود. پدرش گرچه در آغاز با شیخیه مخالفت می‌کرد اما روش سکوت و اعتدال در پیش گرفت و عموی دیگرش، ملا محمدعلی از طرفداران شیخ احمد بود. قرةالعین توسط عمو و یا پسر خاله‌اش، ملا جواد، با عقاید و نوشته‌های شیخ احمد آشنا شد و به مسلک شیخیه گرایید و از طرفداران سید کاظم رشتی گردید. همین امر موجب بحث و جدل‌های زیاد خانوادگی مابین او و عمویش ملا محمدتقی و شوهرش ملا محمد گردید. این بحث‌ها که بدون نتیجه بود به اختلاف خانوادگی انجامیده، قرالعین همسر و سه فرزندش را ترک کرد و به خانه پدر بازگشت و با سید کاظم رشتی در کربلا به مکاتبه پرداخت. سید کاظم نیز ضمن ارسال پاسخ‌های علمی، به وی لقب قرةالعین داد. چندی بعد قرةالعین باطنا برای دیدار سید کاظم و در ظاهر به عنوان زیارت کربلا با خواهر و شوهر خواهرش عازم آن شهر شد، اما وقتی به کربلا رسید ده روز بود که سید کاظم وفات کرده بود. قرةالعین به منزل سید کاظم وارد شد و آنجا را محل درس و بحث خود قرار داد. برخی از شاگردان سید کاظم به قصد دیدار شخص مقصود و یا به اصطلاح خود، «شمس حقیقت» عازم سفر به اقصی و اکناف ایران شدند که از جمله آنها ملاحسین بشرویه‌ای بود. قرةالعین نامه‌ای به او نوشت که اگر به مقصود رسید او را نیز در جریان امر قرار دهد. در همین زمان بود که سید علی محمد باب (۱۲۶۶ -۱۲۳۵ ق) در شیراز ظهور کرد. ملاحسین در شیراز با باب ملاقات نمود و از مریدان او گردید و نامه قرةالعین را نیز به او نشان داد و باب هم وی را جزو حروف حی، یعنی هجده نفر مؤمنان اولیه، قرار داد. همزمان با رسیدن پاسخ‌نامه ملاحسین، ملاعلی بسطامی نیز که از مریدان باب بود به کربلا رسید و قرةالعین از طریق آنها و نیز مطالعه کتاب احسن‌القصص، نخستین اثر باب، به او ایمان آورد و به تبلیغ وی پرداخت. تبلیغات او موجب اعتراض مردم و علمای کربلا گردید. علما وی را سب و تکفیر کردند و مردم نیز خانه سید کاظم را سنگباران نمودند. حاکم عراق او را به بغداد تبعید کرد و در خانه سید محمد شبل سکونت داد. او در بغداد برای علما و مردم از پشت پرده و برای مریدان خاص در حضور ایشان و بدون حجاب سخن می‌گفت. این کار موجب حیرت و پرسش گروهی از بابیان گردید و در نامه‌ای ایرادات آنان را وارد ندانست و او را زنی پاک نامید و به او لقب «طاهره» داد. مدت اقامتش در بغداد دو ماه به طول انجامید و از راه کرمانشاه و همدان به همراه گروهی از مردان و زنان عرب و ایرانی بابی وارد قزوین شد. در کرمانشاه چهل روز توقف کرد و در این شهر به تبلیغ پرداخت و در همدان نیز نه روز تا یک ماه توقف نمود و در همه شهرها میان وی و هوادارانش از یک و علما و مردم نزاعو درگیری صورت گرفت. پس از ورود به قزوین به خانه پدرش رفت و بار دیگر عمویش ملا محمدتقی با وی بحث و مجادله کرد اما این بار نیز او متقاعد نشد و نیز حاضر نگردید که با همسرش زندگی کند و خود را مطلقه ساخت. حضور وی در قزوین موجب تشنج گردید. پس از چندی ملا محمدتقی توسط یکی از بابیان به شهادت رسید (۱۲۶۴ ق). بسیاری از مردم و بعدها مورخان شهادت او را به اشاره و دستور

قرةالعین دانسته‌اند. به هر صورت وی و گروه دیگری از بابیان دستگیر شدند و او در خانه حاکم قزوین زندانی گردید.

قرةالعین در نامه‌ای به میرزا حسینعلی بهاءالله (۱۳۰۹ -۱۲۳۳ ق) که در تهران می‌زیست برای رهایی خود از زندان کمک خواست و پس از چندی میرزا حسینعلی نیز از میرزا هادی- از طایفه فرهادی قزوین کمک خواست و او نیز توسط زنان خانواده‌اش وی را از خانه حاکم قزوین ربوده و به تهران آورد. وی چند روز در خانه میرزا حسینعلی در تهران بود. سپس به همراه هم و گروهی از بابیان عازم خراسان شدند و در بدشت در نزدیکی شاهرود به مدت بیست و دو روز اجتماع کردند . اجتماع بدشت به دو منظور بود: اول، نجات باب از زندان ماکو؛ دوم تعیین تکلیف بابیه با اسلام و اعلام جدایی و مخالفت صریح آن با اسلام. موضوع دوم مساله بغرنجی بود و طرح آن جسارت فوق‌العاده می‌طلبید و پیدا کردن راه عملی این منظور سخت مشکل می‌نمود. قرةالعین داوطلب شد تا- به نوشته ذکایی بیضایی در تذکره شعرای قرن اول بهایی- «پرده از روی کار بردارند و حقیقت امر را آشکار سازند و استقلال شرع جدید را اعلان نمایند» (۹۶ / ۳). از اینرو در روزی که همه بابیان گرد آمده بودند قرةالعین «ناگهان بدون حجاب، با آرایش و زینت به مجلس ورود کرد» (تذکره...، ۹۸ / ۳)، در میان بهت و حیرت بابیان اظهار داشت که با ظهور قائم (باب) دیگر احکام اسلام منسوخ است و هر حکم و تکلیف و شریعتی که باب بیاورد بر مؤمنان واجب خواهد گشت. پس تا آن هنگام روزگار فترت است و تکالیف شرعی از انسانها ساقط است. پس بیهوده زحمت نکشید، و در اموال و زنان یکدیگر شریک و سهیم باشید و در این قبیل امور، شما را عذابی نخواهد بود. وقتی اجتماع بدشت آئین جدید را پذیرفت و هیچ عملی از سوی آنان دیگر زشت و ناروا نبود، افتضاحاتی به بار آمد و اخبار آن در میان مردم به سرعت منتشر شد و مردم بدشت بناچار آنها را بیرون کردند. آن فضیحت‌ها به اندازه‌ای آشکار بود که حاجی میرزا جانی، مورخ بابی نیز در کتاب نقطةالکاف مجبور به قبول نیمی از آن شده و می‌نویسد: «خبر کیفیت بدشت قدری راست و قدری دروغ در آن صفحات مازندران شهرت یافته، هر کجا که حضرات می‌رفتند ایشان را به رسوایی هر چه تمامتر بیرون می‌کردند» (ص ۱۵۴). بابیان از بدشت به شاهرود رفتند و در بین راه قرةالعین و ملا- محمدعلی بارفروش، ملقب به قدوس، در یک محمل نشستند. و در یکی از روستاهای هزار جریب با هم به حمام رفتند و... مردم هزار جریب پس از اطلاع از این واقعه به بابیان حمله کردند، اموال آنها را به غارت برده و ایشان را از محل خود راندند. قرةالعین و میرزا حسینعلی از آنجا به سمت نور رفتند. در همین اثنا بود که گروهی از بابیان در قلعه شیخ طبرسی موضع گرفتند و به زد و خورد با قوای دولتی پرداختند. قرةالعین درصدد برآمد تا به داخل قلعه رود اما توسط مردم دستگیر و به تهران فرستاده شد و در خانه میرزا محمود خان کلانتر تحت نظر قرار گرفت. به نوشته برخی منابع بابی وی در تمام طول جنگ طبرسی (شوال ۱۲۶۴- جمادی‌الثانی ۱۲۶۵ ق) در نواحی مازندران آشکار و پنهان مشغول تبلیغات بود و پس از پایان جنگ طبرسی در نور دستگیر شد.

گرچه آمد و رفت به محل اقامت او شدیدا کنترل می‌شد اما زنان بابی به طرق گوناگون و به عنوان رختشوی و غیره با او در ارتباط بودند.

به نوشته برخی منابع، در مدتی که او در تهران زندانی بود به خواهش ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳ -۱۲۶۴ ق) دو نفر از علمای معروف تهران برای نصیحت و متقاعد ساختن وی با او دیدار کردند، اما سودی نبخشید. پس از آنکه تعدادی از بابیان اقدام به ترور ناصرالدین شاه کردند (۱۲۶۸ ق) شاه دستور کشتن او را داد. مأموران قرةالعین را از خانه میرزا محمود خان تحویل گرفته و به باغ ایلخانی (محل فعلی بانک ملی ایران در خیابان فردوسی) برده وی را خفه نموده و در چاه متروکی انداختند و روی چاه را با خاک پوشاندند. قرةالعین طبع شعر و نویسندگی داشت. آثار قلمی متعددی به صورت شعر و نامه از وی به جا مانده است بخشی از مقالات و نامه‌هایش در بخش سوم کتاب ظهورالحق (تهران، ۱۳۲۲ ق) و بخشی دیگر در کتاب الکواکب الدریه فی ماثر البهائیه (مصر، ۱۳۴۲ ق) به چاپ رسیده است.

اشعار زیادی به قرةالعین منسوب است اما بسیاری از آنها از امهانی، عفت نسابه، عشرت شیرازی و صحبت لاری و... است زیرا به نوشت ذکایی بیضایی- «او هر کجا شعری عرفانی می‌یافت و یا جالب به نظرش می‌رسید یادداشت و حفظ می‌کرد و در مواقع مخصوص و حال انجذاب به آنها ترنم می‌نمود و اشخاصی که از نزدیکان وی آن اشعار را از او می‌شنیدند و یا به خط او می‌دیدند چون از ماخذ آنها اطلاعی نداشتند تصور می‌کردند از آن خود اوست و لهذا در یادداشت‌های خود به نام او ضبط می‌کردند.» پرتو بیضایی اشعار معروفی را که به قرةالعین منسوب است اما از شعرای دیگر می‌باشد در کتاب خود نمایانده است. به نوشته او قرةالعین دفتر شعری شامل هفتاد و سه صفحه و بالغ بر چهارصد و هفتاد و پنج بیت شعر و در هشت قسمت یا منظومه داشته است که دو قسمت از آن مربوط به شخصی به نام بهجت است. این دفتر از روی دفتر اصلی که تاریخ شعبان سنه ۱۲۶۷ ق را داشته و به خط خود قرةالعین بوده در سال ۱۳۴۱ ق استنساخ شده است.[۱]

(ع. بخش ۲) زرین‌تاج دختر محمدصالح قزوینی، از زنان فاضل (مقت. ۱۲۶۵ ه.ق) وی نخست پیرو شیخیه بود و از طرف آنان قرةالعین لقب یافت و پس از ظهور باب بدو گروید و در زمره‌ی ۱۸ تن از نخستین گروندگان وی (حروف حی) درآمد. او در جنگ قلعه‌ی طبرس شرکت کرد و سپس دستگیر شد و در تهران در باغ ایلخان به قتل رسید.

(ح ۱۲۶۸ / ۱۲۶۴ -۱۲۳۲ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به طاهره. ملقب به زکیه و مشهور به زرین تاج خانم و ام‌سلمه. وی در خانواده‌ای روحانی در قزوین به دنیا آمد و در محضر پدر و عموی خود، ملا محمد تقی برغانی، با مقدمات فقه، اصول و دیگر علوم اسلامی آشنا شد اما به بابیت گروید و دست از شوهر و فرزند کشید و با پدر شوهرش، شیخ محمد تقی برغانی، به مخالفت برخاست و چون شیخ به دست یکی از متعصبین بابیه کشته شد به تهران آمد و با بابیان همراه گردید و در راه تبلیغ این فرقه با علما و رجال به مجادله پرداخت. او در قضایای بدشت شرکت کرد و چنانکه نوشته‌اند بی‌حجاب بر مردم ظاهر گردید که این امر نیز موجب تفرق و تشتت جماعت بابیه شد و بر اثر مخالفت مردم اجتماع بدشت بر هم خورد و قرةالعین به مازندران رفت و رد حرکت به سوی تهران به دست قوای دولتی اسیر گردید و در خانه میرزا محمدخان کلانتر تحت نظر قرار گرفت. پس از سوءقصد بابیه به ناصرالدین‌شاه و کشتار بابیه وی نیز به امر عزیزخان سردار کل خفه و جسدش در چاه انداخته شد. قرةالعین شعر را نیکو می‌سرود. آنچه از نوشته‌های پراکنده‌ی او بازمانده «مناجاتها و نامه‌ها» است. اشعاری هم که به او نسبت داده شده پر از عبارات و اصطلاحات

دینی است که سخت تحت تأثیر آثار متقدمان از حمله مولانا جلال‌الدین و جامی قرار می‌باشد.[۲]

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :[۱] منابع: از رابعه تا پروین، ۱۸۶ –۱۸۳؛ تذکرةالخواتین، ۱۵۷ –۱۵۵؛ تذکره شعرای قرن اول بهائی، ۱۳۴ –۶۲؛ حدیقةالشعراء، ۲۱۵۷ / ۳؛ دایرةالمعارف فارسی، ۲۰۴۱ / ۲؛ الذریعه، ۱۳۶ –۱۳۵ / ۲۲؛ ریحانةالادب، ۴۴۱ –۴۴۰ / ۴؛ زنان سخنور، ۹۸ –۷۰ / ۲؛ طرایق‌الحقایق، ۱۴۲ / ۳؛ فتنه باب، ۱۹۱ –۱۶۵؛ فرهنگ فارسی، ۱۴۵۲ –۱۴۵۱ / ۶؛ فرهنگی از سخنوران و سرایندگان قزوین، ۱۳۶ –۱۲۷ / ۱؛ کارنامه زنان مشهور ایران، ۱۰۹ –۱۰۶.

[۲] از رابعه تا پروین (۱۸۶ –۱۸۳)، از صبا تا نیما (۱۳۳ –۱۳۰ / ۱)، تاریخ ادبی ایران، براون (۲۵۴ / ۱)، حدیقه الشعراء (۲۱۵۸ – ۲۱۵۷ / ۳)، دایره‌المعارف فارسی (۲۰۴۱ / ۲)، دویست سخنور (۲۱۳ –۲۱۲)، الذریعه (۱۳۶ –۱۳۵ / ۲۲)، ریحانه (۴۴۱ –۴۴۰ / ۴)، زنان سخنور (۹۹ –۷۰ / ۲)، طرائق الحقائق (۳۱۸ / ۳)، کارنامه‌ی زنان (۱۰۹ –۱۰۶)، لغت‌نامه (ذیل/ طاهره)، مشاهیر زنان (۱۹۰ – ۱۸۷)، مینو در (۴۸۸ –۴۸۵ / ۲).

قرخلو، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی قرخلو به سال ۱۳۳۰ در شهر نور آباد ممسنی استان فارس در یک خاواده کشاورز و عشیره به دنیا آمد. دوران ابتدایی وی، در مدارس عشایر زیر چادر سپری شد که از این حیث قابل توجه است. دوره دبیرستان را در رشته ریاضی بطور مستم آزاد بدون اینکه در کلاسی شرکت کند به پایان برد. .او کارشناسی جغرافیای اقتصادی را از دانشگاه اصفهان و کارشناسی ارشد جغرافیای انسانی را از دانشگاه تهران کسب کرد. و دست آخر دکترای جغرافیای شهری را از دانشگاه اوتاوای کانادا در سال ۱۳۷۵ اخذ کرد.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاگرایش : جغرافیای شهریوالدین و انساب : پدر دکتر قرخلو در استان اصفهان زندگی میکند و مادر وی به رحمت ایزدی رفته است.خاطرات کودکی : قرخلو به دلیل اینکه زندگی کوچ نشینی داشتند و از ییلاق به قشلاق دائما در حرکت بودند تحصیلات ابتدایی خود را در همان مدارس عشایر که زیر چادر برگزار میشد ادامه داد. او از آن دوران خاطرات فراوانی در ذهن دارد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : دکتر قرخلو در یک خانوداده کشاورز پرورش یافت او می گوید": شرایط زندگی مناسبی در دوران کودکی نداشتیم چون زندگی عشایری داشتیم از سال ۱۳۴۵ ساکن شدیم ئ به کشاورزی می پرداختیم که در آن دوره شرایط خانوادگی در حد متوسط بود. خانواده ای پر جمعیت بودیم در مجموع ۱۵ برادر و خواهر هستیم و اکثر فرزندان خانواده تحصیل کرده هستند"تحصیلات رسمی و حرفه ای : مهدی قرخلو دوران ابتدایی را در چادر های آموزشی عشایر و دبیرستان را متفرقه و غیر حضوری در رشته ریاضی در سال ۱۳۵۵ به اتمام رساند. دوره کارشناسی را در دانشگاه اصفهان در رشته جغرافیای اقتصادی سال ۱۳۶۵ و کارشناسی ارشد را در دانشگاه تهران در رشته جغرافیای انسانی در سال ۱۳۶۸، و مدرک دکترای جغرافیای انسانی را از دانشگاه اوتاوای کانادا سال ۱۳۷۵ اخذ کرد.خاطرات و وقایع تحصیل : از وقایع این دوران دکتر قرخلو سفر به شیراز و اصفهان برای تحصیل و مهاجرت به کانادا و تحصیل در این کشور اشاره میکند.فعالیتهای ضمن تحصیل : از فعالیت های ضمن تحصیل قرخلو بعد از اتمام دوره دانشسرای عشایری در شیراز روی آوردن به شغل مقدس آموزگاری است که تا اینک در درجه استادی ادامه دارد. وی همچنین در دانشگاه اوتاوای کانادا مسئولیت آزمایشگاه GIS را بر عهده داشته است.استادان و مربیان : از استادان وی دکتر شاپور گودرزی، دکتر رهنمایی، دکتر مشیری، دکتر کردوانی، و از استادان دانشگاه اوتاوا پروفسور میشل فیلیپ و پروفسور آندره لانگلوآ میتوان نام برد.هم دوره ای ها و همکاران : دکتر مهدی قرخلو از همدوره ایهای خود به دکتر عظیمی استاد دانشگاه گیلان، دکتر جانی استاد دانشگاه مشهد،دکتر خورشیدوست از دانشگاه تبریز و دکتر قدیر استاد دانشگاه تهران اشاره کرد.همسر و فرزندان : دکتر مهدی قرخلو دارای همسر و چهار فرزند ۳ دختر و یک پسر میباشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر قرخلو در فعالیت های اجرایی خود معاونت تحصیلات تکمیلی دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران در گذشته و معاونت مالی و پشتیبانی دانشکده جغرافیا را نیز در حال حاضر بر عهده دارد.فعالیتهای آموزشی : علاوه بر آموزگاری در دوران تحصیل دکتر قرخلو سابقه ۱۰ سال تدریس در دانشگاه تهران دانشکده جغرافیا را در زمینه GIS و دیگر رشته ها را در کارنامه دارد و به آن مشغول است.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : دکتر مهدی قرخلو در توسعه آزمایشگاه GIS دانشکده جغرافیا از سال ۱۳۷۶ به بعد همکاری داشته است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر قرخلو علاوه بر شرکت در کنفرانس های بین المللی و چاپ مقاله های علمی به اجرای پروژه های تحقیق داخلی و خارجی نیز میپردازد.همفکران فرد : دکتر قرخلو از همفکران خود اساتید برجسته دانشکده جغرافیا؛ دکتر رهنما، دکتر فرهودی، دکتر پور احمد، دکتر حاتمی نژاد و دکتر زیادی و ... نام میبرد.چگونگی عرضه آثار : بیشتر آثار دکتر قرخلو ؛ ترجمه و تالیف و ارائه مقاله در سمینارهای مختلف در زمینه جغرافیا و GIS میباشد.آثار : جغرافیای جهانگردی و برنامه ریزی اوقات فراغت ویژگی اثر : تالیف، جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۶۲ جغرافیای فرهنگی ویژگی اثر : ترجمه، نشر سمت، ۱۳۸۳۳ کاربرد اینترنت در جغرافیا و علوم انسانی ویژگی اثر : تالیف، ۱۳۸۵۴ کاربرد کامپیوتر در جغرافیا ویژگی اثر : تالیف، ۱۳۸۳۵ مهاجرت و اسکان عشایر ویژگی اثر : تالیف، نشر میان، ۱۳۸۲

قرشی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، خطاط و شاعر.، متخلص به قریشی. در الیگودرز بختیاری به دنیا آمد و پس از اتمام تحصیلات به استخدام وزرات فرهنگ درآمد و پس از آن سالها در بانک کشاورزی الیگودرز و دزفول خدمت کرد. وی در سرودن انواع شعر مهارت داشت. قرشی علاوه بر سرودن شعر خط نستعلیق و شکسته را نیز خوش می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر ایران (۲۸۰۷ -۲۸۰۲ / ۴).

قرشی، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مجتبی قرشی

محل تولد : شهرضا قمشه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱۲/۵

زندگینامه علمی

در پنجم اسفند ماه سال ۱۳۳۹ در شهرضای اصفهان متولد شده ام با گذراندن تحصیلات ابتدائی و اول راهنمائی به دلیل علاقه مندی به دروس حوزوی و جو مذهبی خانواده در سال ۱۳۵۴ در مدرسه علمیه صاحب الزمان شهرضا به تحصیل علوم حوزوی مشغول شدم حدود یک سال ادبیات و احکام قرآن خواندم و پس از آن به قم سفر کرده و در مدرسه آیه الله گلپایگانی به ادامه تحصیل پرداختم و بخشی از ادبیات (سیوطی، مغنی، مبانی بیان، منطق، عقائد، عروق الوثقی، لمعتین، بخشی از مکاسب شیخ انصاری و رسائل) را در آن مدرسه خواندم. در ایام تحصیلات تابستان در شهرضا به فعالیتهای فرهنگی و تبلیغی و تدریس احکام و روش قرائت قرآن مشغول بودم با آغاز مبارزات در حد توان به صورت مخفی و گاهی عملی در حد توان در مبارزه با رژیم شاه شرکت و فعالیت داشتم ودر سالهای اولیه پیروزی انقلاب تا سال ۱۳۶۴ مکاسب و رسائل (که بخشی از آن را خوانده بودم) مجددا از ابتدا نزد اساتید بزرگ حوزه آقایان ستوده و اعتمادی و کفایتین را نزد استاد ستوده خواندم و به لحاظ شرایط خاص کشور و جنگ تحمیلی عراق و دستور امام اعلام نیاز قوه قضائیه به کمک طلاب حوزه از طریق دفتر تبلیغات اسلامی پس از قبولی در آزمون ورودی و معرفی به قوه قضائیه و گذراندن دوره آموزشی علمی و عملی از اواخر سال ۱۳۶۰ همکاری خود را با قوه قضائیه و در دادگاههای انقلاب آغاز نمودم. اما این همکاری تا حدود ده سال اکثرا به صورت چند ساعت در روز همزمان اشتغال به تحصیل ادامه یافت و در این اثناء با پایان دروس سطح و اشتغال به درس خارج فقه و اصول نزد اساتید حوزه آیات فاضل لنکرانی، موسوی اردبیلی، منتظری، مکارم شیرازی، سبحانی و تبریزی مشغول بودم از سال ۱۳۶۹تا ۱۳۷۳ از طرف قوه قضائیه به استانهای کردستان و خوزستان اعزام شده و پس از پایان و انجام وظایف محوله که به فعالیتهای تبلیغی و فرهنگی و تدریس نهج البلاغه و احکام و باز خوانی دروس حوزه (کفایتین) پرداختم از سال ۱۳۷۳ تا۱۳۷۹ مستمراً در درس خارج فقه و اصول آیه الله سبحانی شرکت کرده و در سال ۱۳۷۵ بخشی از تقریرات درس ایشان را به نام (رساله فی الجبر و الاختیار) به زبان عربی نگاشته و با تقریظ استاد به چاپ رساندیم و همزمان کتاب دیگری را به نام صلاحیتهای قانونی دادگاههای انقلاب تدریس نموده و چاپ و منتشر نمودم. با ثبت نام در قسمت مدارج علمی حوزه مقطع سطح چهار وتصویب موضوع پایان نامه به نام « رساله فی علم القاضی » چندین ماه به تحقیق و نگارش آن مشغول شده و پس از اتمام آن و دفاع از رساله در حضور آیه الله معرفت و سایر اساتید موفق به اخذ مدرک سطح چهار شدم و یکی از اساتید حوزه آیت الله لاجوردی نیز با ملاحظه آن رساله و مطالعه آن اجازه روائی و اجتهاد نویسنده را گواهی فرمود در سال ۱۳۸۱ در آزمون سراسری دانشگاه آزاد در مقطع کارشناسی ارشد شرکت نموده و در رشته مذکور در دانشگاه قم دائر شده لذا آن را گذرانده و موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد در آن رشته شدم. موضوع پایان نامه به پیشنهاد اساتید تکمیل تحقیقات در زمینه اعتبار علم قاضی و جایگاه آن در فقه و قوانین جزائی ایران بود که با نگارش و دفاع از آن به عنوان پایان نامه برتر و به قول اساتید درحد پایان نامه مقطع دکترا انجام شده و پایان پذیرفت در سال ۱۳۸۲ با شرکت در آزمونی دیگر در رشته علوم قرآن و حدیث در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه دولتی قم قبول شده و در آن رشته مشغول تحصیل شدم و تمامی تحقیقات و مقالات مربوطه به علوم قرآن و حدیث که نام آنها در صفحات قبل ذکر شده در ظرف زمانی سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۴ نگارش یافته و بعضا پس از تکمیل به صورت کتاب قابل ارائه و انتشار است این دوره نیز با انتخاب موضوع در بررسی تحلیل علوم قرآنی در تفسیر نمونه به عنوان پایان نامه و دفاع از آن پایان پذیرفت سال ۱۳۸۵ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد در آن رشته نیز شدم از سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ علاوه بر اشتغالات قضائی و درسی با مرکز مشاوره حوزه علمیه قم در زمینه مشاوره حقوقی و با مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه واحد تدوین متون همکاری و در تدوین برخی از کتب نظیر قتل عمد و محاربه و افساد فی الارض و برخی موضوعات دیگر نظارت و دخالت داشتم و از آن پس تاکنون نیز به تکمیل برخی از تحقیقات گذشته مشغول می باشم و ما توفیق الا با الله العزیزالحکیم و الحمدلله رب العالمین.

قرنی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ علی بن العالم الجلیل مرحوم آقا شیخ محمد ابراهیم قرنی منسوب بتابعی جلیل‌القدر شهید راه ولایت جناب اویس قرن رضی اللَّه عنه و رزقنا شفاعته می‌باشد. وی در سال ۱۳۳۳ ق در قریه گوگد متولد شده و پس از رشد و خواند فارسی و مقدمات در گلپایگان در سال ۱۳۵۷ ق مهاجرت به قم نموده و سطوح را از مدرسین بزرگ چون آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللَّه العظمی نجفی مرعشی تکمیل نموده و پس از آن مسافرت به نجف اشرف نموده و مدت سه سال از محضر مرحوم آیت‌اللَّه آقا شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌اللَّه العظمی خوئی استفاده نموده و سپس مراجعت به قم و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه خونساری و آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و مراجع دیگر استفاده نموده و بمراتب علم و کمال رسیده و حسب الامر مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی قدس اللَّه سره برای ارشاد و هدایت و نشر معارف اسلام و تبلیغ احکام به علیشاه عوض شهریار عزیمت نموده و تاکنون به اقامه جماعت در مسجد حاج حسن و خدمات دیگر اشتغال دارند.

دارای تألیفات عدیده در فنون مختلفه می‌باشد که آنها را ذیلا می‌نگارم:

۱- سوقات سفر دو جلد مطبوع

۲- اسرار معراج دو جلد مطبوع

۳- منهاج الدموع دو جلد مطبوع

۴- منهاج‌السرور ۳ جلد دو جلد مطبوع و یک جلد آماده طبع

۵- منتهی المقال دو جلد مطبوع

۶- در المنظوم دو جلد مطبوع

۷- آینه عمر دو جلد مطبوع

۸- پیوند دو گل دو جلد مطبوع

۹- منهاج‌الجنان در دعاء دو جلد مطبوع

(تو ۱۳۳۳ ق)، عالم امامی و فقیه. نسب وی به اویس قرنی می‌رسد. در روستای گوگد گلپایگان به دنیا آمد و پس از فراگیری ادبیات فارسی و مقدمات در گلپایگان در ۱۳۵۷ ق به قم مهاجرت نمود و سطوح را در نزد آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله نجفی مرعشی تکمیل نمود. پس از آن به نجف رفت و مدت سه سال از محضر آیت‌الله شیخ محمد علی کاظمینی و آیت‌الله خویی استفاده نمود. سپس به قم مراجعت کرد و از محضر آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله بروجردی و مراجع دیگر استفاده نمود. قرنی به دستور آیت‌الله بروجردی برای نشر معارف اسلامی به علیشاه عوض شهریار رفت. از آثارش: «سوقات سفر»، در دو جلد؛ «اسرار معراج»؛ «منهاج الدموع»؛ «منهاج السرور»، در چهار جلد؛ «منتهی المقال»؛ «در المنظوم»؛ «آینه عمر»؛ «پیوند دو گل»؛ «منهاج الجنان»، در دعا.[۱]

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۶۷۶ -۶۷۵ / ۴).

قرنی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد قرنی گلپایگانی از علماء و فضلاء محترم حوزه علمیه قم است در شهر ورامین، وی در گوگد که در یک فرسخی گلپایگان است در حدود ۱۳۳۴ قمری متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح در حوزه مرحوم آیت‌اللَّه وحید به قم عزیمت نموده و متون فقه و اصول را از آیت‌اللَّه گلپایگانی و غیره تکمیل و بدرس خارج مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه خونساری و آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و دیگران حاضر شده و از خرمن علوم آنان کامیاب گردیده تا حسب الامر حضرت آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی بشهر ورامین اعزام و اکنون چند سالیست که در آن رحل اقامت افکنده و بخدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن و مواعظ حسنه اشتغال دارند.

و ناگفته نماند که ایشان با حجهٔ‌الاسلام حاج شیخ علی قرنی صاحب تألیفات عدیده مطبوعه مقیم علیشاه عوض پسر عمو و منسوب بتابعی جلیل القدر زاهد حقیقی و شهید راه علوی جناب اویس قرن رضی اللَّه عنه که رسول خدا صلی اللَّه علیه و آله اشتیاق ملاقات او را می‌نمود می‌باشند.

در حال حاضر بیش از بیست نفر از شهر ورامین و حومه آن در حوزه علمیه قم اشتغال به تحصیل دارند که از مشاهیر آنهاست جناب حجهٔ‌الاسلام آقای حاج شیخ احمد علی باغ خواصی ورامینی که بیش از سی سالست در قم سکونت دارد و بفضل و تقوا و حسن اعمال و اخلاق موصوف و معروف می‌باشند. وی در یکی از مساجد قم اقامه جماعت و تبلیغ دین نموده و از محضر آیت‌اللَّه العظمی نجفی مرعشی منحصراً استفاده نموده و می‌نماید.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

قره چانلو، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر حسین قره‌چانلو در سال ۱۳۱۹ در شهر تهران به دنیا آمد.وی دارای دکترا رشته الهیات و معارف اسلامی از دانشگاه تهران است.نامبرده، پس از فراغت از تحصیل، به کار تدریس از دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی پرداخت. ترجمه کتاب" الاعلاق النفیسه "حسین قره چانلو ، در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیتحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین قره‌چانلو تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در تهران به پایان رسانید. سپس وارد دانشگاه شد و موفق به گرفتن مدرک لیسانس و فوق لیسانس و دکترا در رشتهٔ الهیات و معارف اسلامی از دانشگاه تهران گردید.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسین قره‌چانلو ، پس از فراغت از تحصیل به کار تدریس از دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی پرداخت. دکتر قره‌چانلو در تهیه و تنظیم قسمتهایی از دایرهٔ المعارف شیعه و دایره‌المعارف اسلام همکاری کرده، هم‌اکنون طرّاح مسائل تاریخی در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است.جوائز و نشانها : ترجمه کتاب" الاعلاق النفیسه "حسین قره چانلو ، در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : حسین قره‌چانلو بیش از چهارصد مقالهٔ تحقیقی و تاریخی نوشته است که تمامی آنها در مجله بررسیهای تاریخی ارتش و مجله بررسیهای دانشکده الهیات و معارف اسلامی و دایرهٔالمعارفهای مختلف فارسی به چاپ رسیده است.آثار : ترجمهٔ الاعلاق النفیسه ویژگی اثر : ابن رسته، ۱۳۶۵، امیرکبیر–این کتاب در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شد–آشنایی با کتاب «الاعلاق النّفیسه» مقصود مؤلف از نوشتن این کتاب، فراهم آوردن اطلاعاتی از مجموعه علوم زمان تألیف کتاب بوده است. او علاوه بر توصیف بلاد اسلامی از سرزمینهای خارج از جهان اسلام نیز سخن به میان آورده است و به صورتی کامل و جامع از جغرافیای نجومی و ریاضی با استناد به آیات قرآنی و آثار نجومی و اقوال دانشمندان سخن رانده است. مطالب کتاب در مورد سرزمین صنعا و امپراتوری بیزانس و هند شرقی و سقلابیان و اقوام اورال و آلتایی و اقوام اطراف دریای سیاه و نواحی اصفهان در خور توجه بوده و اطلاعات جمع‌آوری شده در باب مکه و مدینه و توصیف رودها و مناطق طبرستان از اهمیّت خاصی برخوردار است. با توجه به تنوع اطلاعاتی که در کتاب فراهم آمده، می‌توان آنرا دایرهٔالمعارفی کوچک از علوم، جغرافیا و تاریخ گذشتهٔ جهان دانست ۲ حرمین شریفین ویژگی اثر : ۱۳۶۲، امیرکبیر .

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

قره حصاری، احمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

به سال ۸۷۳ متولد شد و از معاصرین شیخ حمداللّه آماسی است و از اسداللّه کرمانی که به شیوه‌ی یاقوت می‌نوشت تعلیم گرفت و خود طریقه‌ای مستقل پیش گرفت و به زودی شهرت یافت. وی چهار تن از سلاطین عثمانی را درک کرد یعنی با یزید و سلطان محمد فاتح و سلطان سلیم یاووز و سلطان سلیمان خان قانونی و در ۹۶۳ درگذشت. شاگردان او عبارت بودند از: درویش محمد چلپی، ابراهیم حسن، محیی‌الدین خلیفه، فرهاد پاشا و سلیمان حجازی و چهار تن دیگر: حسین چلپی و ولی یوسف و قره‌علی افندی و نکنه‌چی حسین چلپی را نیز از شاگردان او شمرده‌اند.

لقب صاحب ترجمه را «ملاشمسی بیر قره حصاری» نوشته‌اند. از او آثار بسیار به جا مانده است.

جزو اول قرآن ریحان نیم دانگ جلی و نسخ کتابت خفی عالی با رقم: «کتبه اضعف الضعفاء و تراب اقدام المساکین والفقراء احمد القره حصاری من تلمیذ اسداللّه الکرمانی رحمةاللّه علیه» در سلیمانیه‌ی اسلامبول.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

قره‌باغی نجفی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۹۵ ق)، عالم دینی. از آثار وی: «مشکاه المسلمین»، در اثبات نبوت سید المرسلین، که در نجف، در ۱۲۹۵ ق، ازتألیف آن فراغت یافت و بزرگانی چون مامقانی، شرابیانی و ایروانی بر آن تقریظ نگاشتند. این کتاب به همراه اثر دیگر وی به نام رساله‌ی «ارشاد الکافرین» و «هدایه المسترشدین»، در پاسخگویی به اعتراضات مسیحیان، در ۱۳۱۸ ق، به چاپ رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۶۱ / ۲۱ ،۵۸ / ۱۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۳ / ۱۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۸ / ۱).

قریب گرکانی، عبدالعظیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۴۴ –۱۲۵۸ ش)، ادیب، مدرس، نویسنده و شاعر. وی در قریه‌ی گرکان تفرش از توابع اراک به دنیا آمد. مقدمات زبان فارسی و عربی را در زادگاه خود در خانه‌ی پدر آموخت. در ۱۳۱۱ ق به تهران آمد و زبان و ادبیات عرب و ریاضی را نزد برادر بزرگش، میرزا غلامرضا، تکمیل کرد. بعد «مطول» را در محضر شیخ باقر تهرانی، قوانین و شرح «مطالع» و هئیت و نجوم را نزد سید محمد جواد قاهانی، علم اصول را در مدرسه‌ی حاج ابوالحسن از سید محمد جمارانی، منطق و حکمت را در مدرسه سپهسالار جدید در محضر میراز طاهر تنکابنی و زبان فرانسه را در مدرسه‌ی دارالفنون آموخت و بعد وارد خدمت وزارت معارف شد و در مدرسه‌ی علمیه که تنها آموزشگاه به طرز جدید بود و در مدرسه‌ی نظام به تدریس پرداخت. از جمله شاگردانش محمد تقی‌خان پسیان شهید و برادر و پسر عمویش، سلطان غلامرضاخان، علیقلی‌خان بودند. وی چندی در مدرسه‌ی دارالفنون و سپس در دانشسرای عالی به تدریس اشتغال داشت. قریب در مقام استادی، در دانشکده‌ی ادبیات تهران، تدریس زبان و ادبیات فارسی را عهده‌دار بود. از جمله آثارش: «بدایه الادب»؛ «بدیع»؛ تصحیح «کلیله و دمه»؛ تصحیح «گلستان»؛ تصحیح «تاریخ برامکه»؛ «دستور زبان فارسی»؛ «قواعد فارسی در صرف و نحو»؛ «فوائد الادب»؛ «قرائت فارسی»؛ «سخنان شیوا»؛ «کتاب املاء»؛ «دیوان» شعر.[۱]

(بخش ۱) عبدالعظیم، ادیب و استاد دانشگاه تهران (و. گرگان ۱۲۵۷– ف. تهران ۳ فروردین ۱۳۴۴ ه.ش) وی قریب ۶۷ سال به تدریس زبان و ادب فارسی مشغول بود. از آثار اوست: قواعد فارسی (صرف و نحو فارسی، ۳ جلد)، دستور زبان فارسی (۴ جلد)، دستور زبان فارسی به همراهی چهار استاد دیگر (۲ جلد)، بدایهٔالادب، فوایدالادب (۶ جلد)، کتاب املاء (۳ جلد)، قرائت فارسی (با همکاری چند تن از فاضلان) ۲ جلد، کتاب فارسی (از انتشارات مؤسسه‌ی وعظ و خطابه)، تصحیح کلیله و دمنه‌ی نصراللّه بن عبدالحمید (که مکرر بطبع رسیده)، تصحیح گلستان سعدی با مقدمه‌ی مشروح، تصحیح بوستان سعدی، تصحیح تاریخ برامکه به ضمیمه‌ی رساله‌ای در احوال برمکیان. وی به سبب زمین خوردن دچار شکستگی استخوان پای چپ شد و بستری گردید و به سبب کهولت و ناراحتی ناشی از شکستگی پا و عمل جراحی به تدریج قوایش به تحلیل رفت و در نتیجه به رحمت ایزدی پیوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از نیما تا روزگار ما (۱۵۶ –۱۵۴)، الذریعه (۸۸۱ / ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۷۰ –۱۶۸ / ۵)، سخنوران نامی معاصر (۲۸۱۱ –۲۸۰۸ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۷۴۳)، گلزار معانی (۵۴۲ –۵۳۷)، مؤلفین کتب چاپی (۸۷۶ –۸۷۲ / ۳)، یغما (س ۱۸، ش ۱، ص ۵۱ –۴۹).

قریشی تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۱۰۲۴ / ۱۰۲۲ ق، از زنان شاعر. وی از ایران به هند مهاجرت نمود و معاصر تقی‌الدین اوحدی (ز ۱۰۴۲ ق) مؤلف عرفات‌العاشقین بود. این بانو زندگی مرفهی در هند داشته است. از رباعیات اوست:

از باده وحدت است بیهوشی من

وز طلعت ساقی است مدهوشی من

منصور که سر حق عیان کرد آن دید

اسرار نهفته است ز خاموشی من

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: عرفات‌العاشقین، گ ۶۰۰؛ کاروان هند، ۱۱۳۵ / ۲.

قریشی کوه کمره ای، عبداللطیف

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبداللطیف قریشی کوه کمره ای

محل تولد : کوه کمره

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حاج سید عبداللطیف قریشی کوه کمره ای فرزند سید علی اکبر فرزند سید جلیل فرزند سید حسین در تاریخ ۱۴ صفر الخیر سال ۱۳۵۰ برابر با ۱۳۱۰ ش در روستای « کوه کمر» در بیت سیادت و معنویت به دنیا آمد. نسب شریفش از طریق سیّد تاج الدین حسن

معروف به « سید حسن بابا » صاحب آرامگاه معروف در روستای کوه کمر به امام زین العابدین حضرت سید الساجدین علیه السلام می رسد. علوم مقدماتی را از عالم زاهد آقا میر رسول بن سید عبد الله کوه کمری فرا گرفت و سپس درمعیت پدرش به شهرستان خوی مهاجرت نمود و در مدرسه نمازی سکونت نمود و آنگاه در پیش استادانی همچون : حاج میر علی محدث (مطول)، حاج شیخ جابر فاضلی خویی، حاج شیخ علی مجتهدی خویی، عالم زاهد حاج شیخ حبیب فیاضی خویی، حاج شیخ ابوالفتح خویی (حاشیه و معالم)، آیت الله شیخ صادق خویی (قوانین و رسائل) و آیت الله سید ابراهیم علوی خویی به تحصیل دروس حوزوی همّت گماشت و پس از آن به شهر عش آل محمّد علیهم السلام مهاجرت نمود و دروس فقه اصول و درس خارج را از محضر فرزانگان حوزه علمیّه قم مانند : آیت الله شیخ محمد مجاهدی تبریزی، آیت الله سید محمد باقر سلطانی طباطبایی، آیت الله شیخ عباسعلی شاهرودی، علامه سید محمد حسین قاضی طباطبایی، آیت الله سید حسن حجت، آیت الله سید محسن حجت، آیت الله شیخ احمد کافی الملکی (رسائل و مکاسب)، آیت الله شیخ عبد الرحیم مدرس تبریزی (رسائل و مکاسب و کلام)، آیت الله سید حسین مشهور به « حاج آقا حسین بروجردی »، آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی، آیت الله حاج سید روح الله خمینی، آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی فرا گرفت و خود به تحقیق و تالیف پرداخت.

قریشی‌زاده، بدرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۴ خرداد ۱۳۰۱، کرمانشاه.

درگذشت: ۱۰ آذر ۱۳۷۲، کرمانشاه.

سید بدرالدین قریشی‌زاده که در شعر تخلص «فاخر» را برگزید، فرزند سید کریم، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کرمانشاه به پایان برد و تا اخذ دیپلم پیش رفت. از آن پس به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به عنوان دبیر ادبیات در دبیرستان‌ها به تدریس پرداخت و پس از سی سال خدمت آموزشی بازنشسته گردید.

شعر را در جوانی شروع کرد و در مجالس ادبی شرکت می‌نمود تا اینکه در سال ۱۳۴۱ در کرمانشاه با کمک برادرش جلیل قریشی‌زاده «وفا» که او نیز شاعر بود و چند تن از دوستان شاعرش، «انجمن‌های ادبی سخن» را تأسیس کرد و مدت دو سال تمام نشریه‌ای ماهانه به نام «انجن ادبی سخن» مربوط به شعرای معاصر کرمانشاه و همچنین شرح احوال و آثار شعرای درگذشته را منتشر کرد. انتشار جزوات انجمن تا آخر سال ۱۳۴۳ ادامه داشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

قزداری بلخی، رابعه

قرن:۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، شاعر. معروف به زین‌العرب. وی از اهالی قزدار از شهرهای قدیمی واقع در میان سیستان و مکران بود و معاصر با رودکی و امیر نصر سامانی. رابعه به زبان فارسی و عربی تسلط داشت و به هر دو زبان شعر می‌سرود و به غایت تیزبین و خوش قریحه بود و پیوسته عاشقی می‌کرد عده‌ای عشق او را مجازی و عده‌ای معنوی و الهی دانسته‌اند. از وی هفت غزل و چهار دوبیتی و دو بیت مفرد باقی مانده که مجمعا پنجاه و پنج بیت است. از اوست:

عشق او باز اندر آوردم به بند

کوشش بسیار نامد سودمند

عشق دریایی کرانه ناپدید

کی توان کردن شنا ای هوشمند

توسنی کردم ندانستم همی

کز کشیدن سخت‌تر گردد کمند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از رابعه تا پروین (۱۲۹ -۱۲۲)، پیشاهنگان شعر فارسی (۱۶۱ -۱۵۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۵۱ -۴۴۹ /۱)، الذریعه (۳۴۴/۹)، ریاحین الشریعه (۲۵۰/۴)، ریحانه (۲۸۱/۲)، زنان سخنور (۲۰۸ -۱۹۸ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۳۷۰ -۳۶۹ /۱)، شاعران بی‌دیوان (۷۷ -۷۳)، گنج و گنجینه (۵۱۸ -۵۱۶)، لباب الالباب (۶۳ -۶۱ /۲)، لغت نامه (ذیل/ رابع قزداری)، مجمع الفصحا (۶۵۵ -۶۵۴ /۲)، مشاهیر زنان (۱۰۲ -۱۰۱).

قزداری، رابعه

قرن:۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن سوم و چهارم هجری، مشهور به مگس روئین و ملقب به زین‌العرب، زن شاعر عارف فارسی گوی. وی دختر کعب، امیر بلخ، و از اهالی قزدار (قصدار، خضدار، شهری قدیمی واقع میان سیستان، مکران و بست) و معاصر رودکی (۳۲۹ ق) بود. تذکره‌ها شرح حال و نمونه‌های شعر او را به عنوان نخستین زن شاعر فارسی‌گوی آورده و مقام بلند او را در طلوع شعر فارسی ستوده‌اند. محمد عوفی در لباب‌الالباب، نخستین تذکره فارسی (تألیف ۶۱۸ ق)، از او چنین تجلیل می‌کند: «دختر کعب اگر چه زن بود اما به فضل بر مردان جهان بخندیدی. فارس هر دو میدان و والی هر دو بیان، بر نظم تازی قادر و در شعر فارسی به غایت ماهر (بود).» رضاقلی‌خان هدایت از تذکره‌نویسان متأخر، نیز از او چنین یاد می‌کند: «رابعه... در حسن جمال و فضل و کمال و معرفت و حال وحیده روزگار و فریده دهر و ادوار (بود).» بر اساس منابع موجود عطار نیشابوری (۶۱۸ –۵۴۰ ق) نخستین بار شرح حال او را در ۴۲۸ بیت شعر در الهی‌نامه خود آورده و تذکره‌های بعدی همگی با کم و بیش تفاوت‌هایی و به صورت نظم و نثر به نقل زندگی و اشعار وی پرداخته‌اند. گرچه داستان عطار از اغراق و مبالغه‌گویی‌های عارفانه تهی نیست اما تا حدودی مبین زندگی اوست. به نوشته عطار، پس از کعب. پسرش حارث که به جای پدر امیر بلخ شده بود– سرپرستی رابعه را برعهده گرفت و او در نزد حارث زندگی می‌کرد. رابعه دلباخته یکی از غلامان زیباروی برادر به نام بکتاش شد، اما عشق خود را پنهان داشت و رنجور گردید پیرزن دنیا دیده‌ای دلیل رنجوری او را پرسید، وی ابتدا خودداری کرد و بالاخره راز خود را برایش آشکار نمود و توسط او اشعار عاشقانه‌ای برای بکتاش می‌فرستاد.

بکتاش نیز به عشق رابعه مبتلا شد. یک ماه بعد در جنگی که برای برادرش روی داد بکتاش زخمی شد و نزدیک بود که اسیر شود که ناگاه زن روبسته‌ای خود را به صف دشمن زد و تنی چند از آنان را کشت و بکتاش را نجات داد و لشکر حارث پیروز شدند. زمانی نیز رودکی شاعر در حال عبور رابعه را دید. اشعارش را بر او خواند و رابعه نیز اشعار خود را برایش خواند. در جشن باشکوهی که امیر نصر سامانی (۳۳۱ –۳۰۱ ق) در بخارا ترتیب داده بود، رودکی اشعار رابعه را خواند. امیر نصر پرسید که شعر از کیست و رودکی پاسخ داد که از دختر کعب است که دلباخته غلامی گردیده است و به سرودن شعر روی آورده و اشعارش را برای او می‌فرستد. حارث که در جشن حضور داشت به راز خواهرش پی برد و به اشعار او دست یافت. از این رو بکتاش را به چاهی افکند و خواهر را در گرمابه‌ای افکندند و رگ دست او را بریدند و درب گرمابه را با سنگ و خشت و آهک بستند. رابعه با خون خود بر دیوارهای گرمابه اشعار خود را می‌نوشت تا اینکه ضعف بر او غلبه کرد و درگذشت:

تذکره‌نویسان پیرامون عشق رابعه به بکتاش اختلاف نظر دارند: جامی در نفحات‌الانس از قول ابوسعید ابوالخیر (۴۴۰ –۳۵۷ ق) عشق رابعه را عشق مجازی نمی‌داند و داستان بکتاش را بهانه‌ای برای طرح عشق حقیقی دانسته است. هدایت نیز در روضهٔ‌الصفا، رابعه را «صاحب عشق حقیقی و مجازی» می‌داند و داستان دلباختگی او را در گلستان ارم به نظم درآورده است. بسیاری از تذکره‌ها نیز عشق او را، صرفا عشق مجازی دانسته‌اند. رابعه به شعر و ادب فارسی و عربی مسلط بود و به هر دو زبان شعر می‌گفت. شمس قیس رازی در المعجم فی معاییر اشعار العجم در توضیح بحر مسدس مختق به شعر رابعه استناد کرده است. از اشعار اوست:

ز بس گل که در باغ ماوی گرفت
چمن رنگ ارتنگ مانی گرفت
صبا نافه مشک تبت نداشت
جهان بوی مشک از چه معنی گرفت
مگر چشم مجنون به ابر اندر است
که گل رنگ رخسار لیلی گرفت
به می‌ماند اندر عقیق قدح
سرشکی که در لاله مأوی گرفت
قدح گیر چندی و دنیا مگیر
که بدبخت شد آنکه دنیا گرفت
سر نرگس تازه از زر و سیم
نشان سر تاج کسری گرفت
چو رهبان شد اندر لباس کبود
بنفشه مگر دین ترسا گرفت

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: از رابعه تا پروین، ۱۲۹ –۱۲۲؛ المعجم فی معاییر اشعار العجم، ۱۱۳؛ الهی‌نامه، ۲۷۵ –۲۵۹؛ پرطاووس، ۳۷۰ –۳۶۲؛ تاریخ ادبیات در ایران، ۴۵۱ –۴۴۹ / ۱؛ تذکرهٔ‌الاولیاء ۷۳ –۵۹ / ۱؛ تذکرهٔ‌الخواتین، ۱۲۹؛ خیرات حسان، ۱۴۱ / ۱؛ دایرهٔ‌المعارف فارسی، ۱۰۴۶ / ۱؛ الذریعه، ۳۴۴ / ۹؛ روز روشن، ۲۳۲؛ ریاحین‌الشریعه، ۲۵۰ / ۴؛ ریاض‌الشعراء، گ ۱۳۸؛ ریاض‌العارفین، ۲۴۹ / ۱؛ ریحانهٔ‌الادب، ۵۸ / ۲؛ زنان سخنور، ۲۰۸ –۱۹۸ / ۱؛ شاعران بی‌دیوان، ۷۳؛ شدالازار، ۳۶؛ شعر فارسی در بلوچستان، ۸ –۱؛ صحف ابراهیم، ش ۱۴۰؛ فرهنگ فارسی، ۵۶۷ / ۱؛ کارنامه زنان، ۴۰؛ لباب‌الالباب، ۵۴۹ –۵۴۸، لغت‌نامه دهخدا، ش ۲۰ –۱۹؛ مجمع‌الفصحاء، ۶۵۵ –۶۵۴ / ۲ ،۲۲۲ / ۱؛ مخزن‌الغرایب، ۲۲۸ / ۲، نفحات‌الانس، ۶۲۹.

قزوینی اصفهانی، ابوطالب

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عـالم فاضـل، آشـنا به علوم غریبه بوده، و کتاب فرائـد الـدرر را در جفر تألیف نموده، و دیگر رساله‌ای در نسبت بین حروف تألیف کرده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قزوینی اصفهانی، محمد ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عـالم فقیه فاضـل علاّمه، از شاگردان و مجازین از حاج سـید محمـد باقر رشتی بیـدآبادی است، و تاریـخ اجازه سال ۱۲۴۶ می‌باشد. سیّد مرحوم در این اجازه وی را بسیار ستوده، و تصدیق به اجتهادش فرموده.

صاحب عنوان در قزوین متولد شده و در اصفهان تحصیلات خود را به پایان رسانیده است.

انصاری در تاریخ مختصر اصفهان(:۸۹) گویـد: مرحوم حاج سـید محمد باقر حجهٔ الاسـلام گذشـته از ملاحظه مقاماتشان در علم و عمل، توجه خاصـی نسبت به ایشان داشته تا جایی که مرحوم حاج محمد جعفر آباده‌ای با آن جلالت قدر، و مکانت علم و تقوی، و بسـتگی به مرحوم سید، باز غبطه مقام ایشان را می‌خورده، کتابخانه‌اش بعد از هشتاد سال (تا سال تألیف تاریخ که سال ۱۳۳۲ قمری باشد) که همه آکنده‌ها پراکنده شد به حال خود باقی است، و گرد پنجاه ساله بر آن متلاقی.

صاحب عنوان تا سال ۱۲۶۳ حیات داشته و سپس وفات یافته است.

از تألیفاتش حواشـی است بر حدیث غمامه که آن را فرزندش شـیخ محمّد حسـین، مدّون نموده و به صورت کتابی خاص درآورده است.

وی را دو فرزند برومند و فاضل است:

۱- فرزند بزرگش حاج آقا محمد قزوینی که از ائمه جماعت اصفهان بوده، و در مسجد آقا نور پس از پدر اقامه جماعت می‌نموده، و در شب ۲۸ ذیحجه سال ۱۳۰۴ قمری وفات یافته است.

فرزند ایشان: مرحوم حاج محمد جواد قزوینی،

و نواده‌اش: حاج آقا باقر قزوینی نیز از علمای اصـفهان و ائمه جماعت بودند که در این شهر شهرت و نفوذ داشته، و مرحوم حاج آقا باقر در سال ۱۳۶۲ وفات یافته، در تخت فولاد در تکیه‌ای مخصوص مدفون گردید که اخیراً به نام تکیه خلیلیان معروف شده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قزوینی آملی، ابوالفرج محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۰۱ ق)، فقیه و محـدث. از پـدرش و منصور بن اسـحاق و سـهل بن ربیعه حـدیث شـنید. ابن‌ناصـر و شـهده و ابن‌الخل از وی روایت کرده‌اند. وی در مدینه بر سلفی املای حدیث کرد. ابوالفرح قزوینی در آمل درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۲۱۸ -۲۱۷ / ۱۹)، شذرات الذهب (۳ / ۴)، العبر (۳۸۲ / ۲).

قزوینی حلی نجفی، معزالدین محمد مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۰ -۱۲۲۲ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، مفسـر، رجالی و شاعر. اصـلش از قزوین بود. نسب این خاندان به محمد بن زید شـهید فرزنـد امام زین‌العابـدین (ع) می‌رسد. در نجف به دنیا آمد و در حله ساکن شد. او را قزوینی کبیر نیز نامیده‌اند، تا در مقابل یکی از فرزندزادگانش به نام مهدی بن هادی بن میرزا صالح بن محمد مهدی، قزوینی صغیر صاحب «دیوان»، مشخص باشد. سید مهدی در نجف از محضـر شـیخ موسـی و شـیخ علی و شیخ حسن، فرزندان شیخ جعفر صاحب «کاشف الغطاء»، و سید باقر قزوینی و سید علی قزوینی و سـید محمـد تقی قزوینی اسـتفاده کرد و از آنهـا اجـازه‌ی روایـت گرفـت. او نزد شـیخ مرتضـی انصـاری و میرزای بزرگ شیرازی تلمذ کرد و در بیست سالگی به درجه‌ی اجتهاد رسـید. وی از مشایخ اجازه‌ی علامه نوری صاحب «مستدرک الوسائل» بود. او علاوه بر تبحری که در فقه و اصول و کلام و حکمت و توحیـد و امامت و تفسـیر و حدیث داشت در کمالات نفسانی نیز کم‌نظیر بود. در بـازگشت از حـج درگـذشت و در نجف، در مقبره‌ی آل قزوین دفن شـد. از وی متجاوز از سـی اثر باقی مانـده است. از آن جمله: «اسـماء قبائل العرب» یا «اسـماء القبائل والعشائر»؛ «البحر الزاخر فی اصول الاوائل و الاواخر»؛ «تفسیر سوره الاخلاص، الفاتحه و

القـدر»؛ «فلـک النجـاه فی احکام الهـداه»؛ «التقیه»؛ «آیات الوصول الی علم الاصول»، در مباحث الفاظ از مسائل اصول فقه، به عربی؛ «فرائد الاصول» یا «الفرائد »، در اصول؛ «بصائر المجتهدین»، در شـرح «تبصره المتعلمین» علامه حلی؛ «الاقفال»، در نحو و شرح آن به نام «المفاتیـح» یا «مفاتیـح الاقفال»؛ «مواهب الافهام»، در شـرح «شـرایع الاسـلام»؛ «الصوارم الماضـیه لرد الفرقه الهاویه و تحقیق الفرقه النـاجیه»، در امـامت؛ «آیـات المتوسـمین»، در حکمت الهی؛ «منظومه تامه» در اصول؛ منظومه در تمام عبادات، متجاوز از پانزده هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۵ / ۷)، اعیان الشیعه (۱۴۶ -۱۴۵ / ۱۰)، خاتمه مستدرک الوسائل (۱۳۶ -۱۲۷ / ۲)، الذریعه (۶۲ / ۲۵ ، ۲۳۹ / ۲۴، ۲۹۲، ۲۳۸، ۱۲۲ / ۲۳، ۲۹۹، ۱۳۴- ۱۳۳، ۳۳ / ۲۱، ۱۶۱ / ۱۷، ۳۱۴- ۳۱۳، ۱۳۳- ۱۳۲ / ۱۶، ۳۱۷، ۹۳ / ۱۵، ۳۲۹ / ۱۳ ، ۸۳ / ۷، ۲۱۰ / ۶، ۴۰۵، ۳۴۲، ۳۴۱، ۳۳۶ / ۴، ۱۲۵، ۴۰ / ۳، ۳۸۹، ۲۷۴، ۶۸، ۳۴، ۶ / ۲، ۴۸۵، ۴۶۲، ۴۴۹، ۴۹، ۴۸ / ۱)، ریحانه (۴۵۷ -۴۵۶ / ۴)، علماء معاصرین (۱۱ -۶)، لغت‌نـامه (ذیل/قزوینی)، معجم المؤلفین (۵۶ / ۱۲)، مینو در (۹۷۴، ۹۶۳، ۹۵۱، ۹۵۰، ۹۲۱ - ۹۲۰، ۹۱۸، ۸۶۰- ۸۵۹، ۸۴۷، ۸۵۱، ۸۴۰، ۸۲۱، ۸۰۴، ۷۷۶، ۳۱۱ -۳۱۰، ۲۹۲، ۲۳۹، ۲۳۲، ۲۳۱، ۱۳۵، ۱۱۴ -۱۱۳، ۹۴، ۸۴، ۸۱، ۶۸، ۶۳، ۱۰ -۸ / ۲).

قزوینی حلی، ابوالمعز محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۵ -۱۲۶۲ ق)، عالم امامی، فقیه و شاعر. اصل وی از قزوین بود. نسـبش به محمد بن زید فرزند علی بن حسین (ع) می‌رسد. در حله به دنیا آمد. در سـنین بلوغ به همراه دو برادرش، سـید حسین و میرزا جعفر، به نجف مهاجرت کرد و معقول و منقول را به طور کامـل فراگرفت. در ۱۳۱۳ ق بـه اصـرار مردم حلـه بـه حلـه بـازگشت. در حلـه درگـذشت و پیکرش به نجـف منتقـل و در مقبره‌ی مخصـوص آل‌قزوین دفن شـد. از آثـار خیرش در حله بازسـازی نهر حله و تعمیر قبـور علمـای حله همچون قبـر محقق، آل‌طـاووس، ابن‌ادریس، شـیخ ورام و غیره می‌باشـد. از آثـار علمی وی: رسـاله‌ای در تجویـد؛ «حبوه الفرائض»، یـا «ارجوزه فی الارث»، منظومه‌ی عربی؛ «ارجوزه فی حدیث الکساء»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۴۴ / ۶، ۴۷۱ -۴۷۰، ۴۵۵ -۴۵۴ / ۱)، ریحانه (۴۵۶ -۴۵۵ / ۴)، علماء معاصرین (۱۱۱)، الکنی و الالقاب (۶۴ -۶۳ / ۳)، مینودر (۶۵ -۶۲ / ۲).

قزوینی حلی، ابوموسی، ابوالهادی، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۸ / ۱۲۹۷ -۱۲۵۳ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، کاتب، ادیب لغوی و شاعر. در حله به دنیا آمـد. جد مادری‌اش شـیخ علی بن جعفر کاشف الغطاء است. در مقـدمات شاگرد پـدرش، سید مهدی بود. آن‌گاه به نجف رفت و فقه را در محضـر دایی‌هایش شـیخ مهدی و شـیخ جعفر، فرزندان علی بن جعفر کاشف الغطاء، و اصول را در محضـر شـیخ مرتضـی انصاری و ملا محمد فاضل ایروانی فراگرفت.. پس از فراگیری فقه و اصول و فلسـفه و حکمت و تاریخ و لغت به حله بازگشت و در کنار پدرش به امور دینی پرداخت و در نزد او به تکمیل تحصیلات مشغول شد تا از وی به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نایل گشت. او به نوبه‌ی خود مجلس درسی بنا نهاد و شاگردانی تربیت کرد. در حله درگـذشت و پیکرش به نجف منتقل شد و در صـحن شـریف دفن گشت. در سوک او بیست و دو شاعر بزرگ عرب مرثیه سـرودند و سـید حیدر حلی تمام آنها را در کتابی به نام «الاحزان فی خیر انسان»، گردآوری کرده است. از آثار وی: کتاب «اشراقات»، در منطق؛ «التلویحات الغرویه»، در اصول فقه، با عنوان مختصر «تلویح- تلویح».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :اعیان الشـعیه (۱۸۸ / ۴)، الـذریعه (۴۳۰ / ۴)، ریحـانه (۴۴۸ / ۴)، طبقـات اعلام الشـیعه (قرن ۲۷۱ -۲۶۹ / ۱۳)، لغت‌نامه (ذیل/قزوینی)، معجم المؤلفین (۱۵۱ / ۳)،مکارم الآثار (۱۴۲۷ -۱۴۲۵ / ۴).

قزوینی خراسانی، مجتبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۶ -۱۳۱۸ ق)، عالم امامی. در قزوین به دنیا آمـد و پس از تحصـیلات مقـدماتی در جوانی با پـدرش، شـیخ احمـد تنکابنی، به نجف رفت و مـدت هفت سـال از محضـر اساتیـدی چون سـید محمـد کاظم یزدی و میرزا محمـد تقی شـیرازی بهره برد و در درس میرزای نایینی با آیت‌الله خویی شـریک بحث بود. سپس شـیخ به قزوین بازگشت و دو سال در آنجا ماند و توانست به محضـر سـید موسـی زرآبـادی قزوینی برسـد. بعـد از آن وی به قم رفت و مـدت دو سال از محضـر درس خـارج شـیخ عبـدالکریم حایری یزدی

استفاده کرد. آن‌گاه به مشهد رفت و در آن جا از استادان بزرگی چون حاج میرزا محمد آقازاده کفائی خراسانی، حاج آقا حسین قمی طباطبائی، آقا بزرگ حکیم شهیدی و میرزا مهدی غروی اصفهانی خراسانی بهره‌مند گردید. وی از ۱۳۴۷ ق در حوزه‌ی مشهد شروع به تدریس کرد و چهل سال به تدریس و تربیت دانشجویان علوم دینی مشغول بود. او در ضمن درسهای فقه و اصول و فلسفه و اخلاق اسلامی با نقد علمی مبانی فلسفه و عرفان و تحریر خالص حقایق قرآن، ارکان مکتب تفکیک را استوار ساخت. شیخ مجتبی قزوینی در علوم غریبه استادی مسلم بود و دستی توانا داشت. وی در مشهد درگذشت و در صحن عتیق رضوی به خاک سپرده شد. از آثارش: «بیان الفرقان»، در ۵ مجلد؛ «رساله‌ای در معرفه النفس»؛ رساله‌ای در نقد علمی و فلسفی اصول یازده‌گانه ملا صدرای شیرازی در مبانی فلسفه خویش؛ نسخه‌هایی در برخی علوم غریبه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کیهان فرهنگی (س ۹، ش ۱۲، ص ۳۵ -۳۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۵۵ -۱۵۴ / ۷).

قزوینی شیرازی، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۰ ق)، عالم امامی، واعظ و فقیه اصولی. وی به سبب مهارت در اصول به اصولی مشهور بود. اصل وی از قزوین است که در پی تحصیل علم به عتبات رفت و در کربلا سکنی گزید و حائری نیز نامیده شد. از محضر آقا محمد باقر وحید بهبهانی استفاده نمود و از او و از سید بحرالعلوم به دریافت اجازه نایل شد. وی علاوه بر تحصیل به تجارت نیز می‌پرداخت، در پی تجارت به بصره و از آنجا به شیراز رفت و در آنجا ساکن شد و در مسجد نو به امامت جماعت پرداخت و تدریس و همچنین وعظ نیز می‌کرد و در طی آن به امر تجارت نیز مشغول بود. فرزندش، حاج محمد حسین، و حاج علی‌اکبر نواب بسمل و آقا لطفعلی فگار شیرازی از شاگردان او هستند. در شیراز درگذشت و جنازه‌اش را به عتبات بردند و در کربلا در رواق، پایین پای شهدا، در جوار استادش، آقا محمد باقر بهبهانی، دفن کردند. از آثار وی: «مصابیح الهدایه»، در شرح «بدایه الهدایه» شیخ حر عاملی، در فقه؛ «کشف الغطاء عن وجوه مراسم الاهتداء»، در اخلاق که مورد قبول اخلاقی بزرگ ملا حسینقلی همدانی بوده و به تمام شاگردانش رجوع به این کتاب را سفارش می‌کرده؛ «ریاض الشهاده و کنوز السعاده فی مناقب الساده و مصائب الغرر المیامین القاده»، مقتل فارسی، و مختصر آن به نام «نورالعیون»؛ «ملخص الفوائد السنیه و منتخب الفرائد الحسنیه»، در تلخیص کتاب «الفوائد الحائریه» استادش آقا محمد باقر بهبهانی، و این ملخص را شرح کرده و آن را « تنقیح المقاصد الاصولیه» نامید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۲۳ / ۶)، اعیان الشیعه (۱۷۸ / ۹)، ایضاح المکنون (۶۰۱، ۳۱۸ / ۱)، الذریعه (۳۷۴ / ۲۴ ، ۲۱۰ -۲۰۹ / ۲۲ ، ۹۳ -۹۲ / ۲۱ ، ۴۶ -۴۵ / ۱۸ ، ۳۲۸ / ۱۱ ، ۴۶۵ / ۴)،روضات الجنات (۲۹۶ -۲۹۵ / ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۵۵ -۳۵۴ / ۱۳)، طرائق الحقائق (۳۴۳ -۳۴۰ / ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۶۴ ، ۱۱۱۹ ، ۱۱۱۵ ، ۹۴۲ / ۲)، معجم المؤلفین (۲۲۳ / ۹)، مکارم الآثار (۱۱۰۲ -۱۰۹۹ / ۴)، هدیه العارفین (۳۵۷ / ۲).

قزوینی ضیاءالدین، عبیدالله

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۸۰ ق)، دانشمند و شاعر. وی در معانی، بیان، فقه، اصول، کلام، تفسیر و علوم عربی استاد بود. عزالدین بن جماعه و ملا سعدالدین تفتازانی از شاگردان وی بودند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۹ -۸ / ۴)، لغت‌نامه (ذیل/ ضیاءالدین)، مینو در (۴۸۵ -۴۸۴ / ۲).

قزوینی عیسی، صفی الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۰ ق)، شاعر. وی از مردم قزوین بود. برادرش علاءالدوله سیفی حسنی قزوینی متخلص به کامی و صاحب تذکره‌ی «مجالس المآثر» است. عیسی از اکثر علوم زمان بهره‌مند بود و در ۹۷۶ ق به هندوستان رفت و به دربار اکبری راه پیدا کرد و مقا مقضا یافت. وی در آگره درگذشت و در جوار مزار شیخ نظام‌الدین اولیاء در دهلی دفن شد. قاضی در سرودن شعر مهارت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۸۴۱ -۸۴۰)، کاروان هند (۹۲۶ -۹۲۵ / ۲).

قزوینی قمی، زکریا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در سامره خدمت حجهٔالاسلام حاج میرزا محمدحسن شیرازی قدس سره تحصیل و تلمذ نموده بود و به طوری که شنیده‌ام از معظم له اجازه اجتهاد داشته پس از آن به قم اقامت و مشغول ترویج شرع و امامت جماعت و منبر شد. تا در قم مرحوم و مدفون گردید. آن مرحوم ابوالزوجه مرحوم آیهٔاللّه آقای حاج آقا حسین طباطبائی قمی بوده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قزوینی قوام الدین، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۵۰ / ۱۱۴۹ / ۱۱۴۰ ق)، عالم امامی، فقیه، قاضی، ادیب و شاعر. مشهور به میرزا قوام‌الدین. وی از شاگردان و خواص شیخ جعفر کمره‌ای اصفهانی قاضی و در ۱۱۰۷ ق از علامه مجلسی به دریافت اجازه نایل شد. او مهارت بسیاری در سرودن شعر داشت و کتابهای چندی را به نظم کشید و قصائد و مقطعات در درود بر پیامبر (ص) و اهل‌بیت (ع) و اشعار زیادی در مراثی از خود به یادگار گذاشت. او به هنگام بازگشت از مکه درگذشت. از آثار وی: نظم «اللمعه الدمشقیه»، به نام «التحفه القومیه فی فقه الامامیه»؛ «ارجوزه فی الحساب» به نام «نظم الحساب»، نظم «خلاصه الحساب» شیخ بهایی؛ «ارجوزه فی الاسطرلاب»، نظم «صحیفه الاسطرلاب» شیخ بهایی؛ «ارجوزه فی اصول الفقه»، نظم «زبده‌ی» شیخ بهایی؛ «ارجوزه فی الطب»، به نام «مفرح القوام»؛ «منظومه البیان»، ارجوزه‌ای در علم بیان؛ «ارجوزه فی التجوید»، که نظم «الشاطبیه» است؛ «ارجوزه فی النحو»، به نام «الصافیه»، که نظم «الکافیه» ابن‌حاجب است؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۷۴ / ۱۰، ۴۱۲ / ۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۵۱ / ۵)، تذکره‌ی روز روشن (۶۶۶)، تذکره المعاصرین (۱۲۱ -۱۱۹، ۴۶)، الذریعه (۲۱۰ -۲۰۹ / ۲۴ / ۴۸۷، ۹ / ۲۲۵، ۷ / ۴۶۲، ۳ / ۵۰۴، ۴۹۰، ۴۸۵- ۴۸۴، ۴۸۲، ۴۷۲- ۴۷۱، ۴۶۴، ۴۶۱، ۴۵۵، ۴۵۲ / ۱)، ریحانه (۴۹۳ -۴۹۲ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۷۵۰)، فوائد الرضویه (۶۲۲-۶۲۱)، الکنی و الالقاب (۹۰ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ قوام‌الدین)، معجم المؤلفین (۳۰۴ / ۱۱)، هدیه الاحباب (۲۲۱).

قزوینی کاظمی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۸ -۱۲۷۲ ق)، عالم امامی. در کاظمین به دنیا آمد و همان جا نشوونما یافت،سپس در کویت ساکن شد. سرانجام به بصره منتقل شد و تا پایان عمر آنجا بود. پیکر وی در نجف دفن شد. از آثارش: «حلیه النجیب» یا «حلبه‌النجیب» یا «حلیه اللبیب»، در رد مادیون؛ «برهان‌الدین الوثیق»، در رد «عمده التحقیق»؛ «تبصره الحر الرشید»، در رد «الدر النضید»، در تقلید؛ «حی علی الحق»، در رد کتاب «المسیح فی الاسلام».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۷ / ۸)، الذریعه (۱۲۸، ۸۵- ۸۴، ۶۲ / ۷، ۳۱۷، ۹۵ / ۳)، مینودر (۳۱۷، ۳۱۰، ۱۷۳ / ۲).

قزوینی گیلانی، شمس‌الدین محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۲ -۱۲۸۸ ق)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به ساعی. معروف به نسیم‌شمال. او در قزوین متولد شد. خواندن و نوشتن را نزد شیخ عبدالرحیم قزوینی فراگرفت. مقدمات صرف و نحو و منطق و بیان تا سطوح را از محضر ملا علی طارمی و ملا محمدعلی برغانی صالحی در مدرسه‌ی صالحیه‌ی قزوین آموخت و در حدود سال ۱۳۰۵ ق به عتبات رفت. در کربلا-از حوزه‌ی علمی میرزا علامه‌ی برغانی صالحی و میرزا علینقی برغانی صالحی سالها بهره گرفت. در حدود سال ۱۳۱۰ ق به قزوین بازگشت و در زنجان ساکن شد. عرفان و حکمت و ریاضیات را نزد میرزا ابراهیم مسگر زنجانی آموخت بعد به تبریز رفت و در حدود سال ۱۳۱۳ ق به قزوین مراجعت کرد و در مدرسه‌ی صالحیه مشغول تعلم و تعلم شد. در این مدرسه با افکار آزادیخواهان آشنا شد. در سال ۱۳۱۶ ق برای بار دوم عازم کربلا شد و به حوزه‌ی درس استاد خود میرزاعلی برغانی ملحق گردید. با سابقه‌ی ذهنی که داشت مبارزات سیاسی خود را در کربلا فعالانه آغاز کرد. سپس به ایران بازگشت و در رشت به شغل کتابت پرداخت و روزنامه‌ی «نسیم شمال» را از سال ۱۳۲۵ ق تا انحلال مشروطه‌ی اول به طور غیرمرتب انتشار داد. وی در گیرودار کشاکش میان مشروطه‌خواهان به محمدعلی شاه و اطرافیانش در اشعاری که می‌سرود و در روزنامه‌اش چاپ می‌کرد، از زشتکاریهای شاه و طرفداران سلطنت مطلقه به شدت

انتقاد می‌کرد و آنان را به باد مسخره می‌گرفت. با فتح تهران و غلبه‌ی آزادیخواهان به تهران آمد و با کمک مادی و معنوی محمد ولی‌خان سپهسالار در سال ۱۳۲۷ ق انتشار «نسیم شمال» را ادامه داد. از آنجا که روزنامه جنبه‌ی فکاهی و طنزآمیز داشت، بیشتر مورد توجه مردم قرار گرفت و او شهرت زیادی کسب کرد. در شعر زبان محاوره را برگزید و ضمن فکاهی بودن، جنبه‌ی طنزآمیز و انتقادی داشت. در حقیقت سید اشرف‌الدین در نظم فارسی راهی گشود که تا قبل از او کمتر به آن توجه داشتند. گویا در اواخر عمر به جنون مبتلا شد و دستاویزی شد تا او را به تیمارستان انداختند. نسیم شمال در فقر و تنگدستی درگذشت. اشعار وی بیش از بیست هزار بیت است که خود او شماری از آنها را در دفتری که «باغ بهشت» نام دارد، جداگانه منتشر کرده است. از دیگر آثارش: «دیوان» اشعار؛ کتاب مختصری در حکمت که در رشت چاپ شده است؛ «عزیز و غزال»؛ «ارفع نامه»؛ «نهضت بانوان»؛«تاریخ سلاطین ایران»، به نظم که در تهران چاپ شده است؛ «بشارت ظهور».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :از صبا تا نیما (۷۷ –۶۱ /۲)، تاریخ جراید (۳۰۱ –۱۲۹۵ /۴)، چون سبوی تشنه (۶۲ –۵۸)، دایره‌المعارف فارسی (۱۵۵ /۱)، دویست سخنور (۲۳ –۲۲)، الذریعه (۱۱۸۶ /۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۸۷ –۱۸۴ /۱)، سخنوران نامی (۱۶۶ – ۱۴۵ /۱)، سخنوران نامی معاصر (۳۶۴۴ –۳۶۳۹ /۶)، فرهنگ سخنوران (۹۳۰)، لغت‌نامه (ذیل/ نیسم شمال)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۳ –۶۲۲ /۱)، مینو در (۷۱۲ –۶۹۷ /۲)، یادگار (س ۳، ش ۳، ص ۳۵ –۳۴) یغما (س ۱۳ ش ۳ ص ۱۲۹ –۱۲۱، س ۲۱ ش ۱۲، ص ۷۰۹ –۷۰۶).

قزوینی یزدی، عبدالنبی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۱۲۵– ز ۱۱۹۷ ق)، فقیه، حکیم، فیلسوف، متکلم، رجالی و عالم امامی. اصل وی از قزوین و ساکن یزد بود. او عالم و حکیم بزرگ امامی و معاصر علامه بحرالعلوم (م ۱۲۱۲ ق) است. در سفر حج در ۱۱۷۵ ق با آقا محمد باقر بهبهانی ملاقات کرد. وی از سید بحرالعلوم روایت می‌کند و آن جناب نیز از وی روایت کرده است، بدین گونه که هر یک از ایشان با اجازه از دیگری روایت می‌نماید. بر این اساس است که در بعضی از کتب حدیث و رجال به وی عنوان شیخ سید بحرالعلوم داده‌اند. از آثارش کتاب «تتمیم امل الآمل» است که آن را به امر سید بحرالعلوم در ۱۱۹۱ ق تألیف نمود، و سید از این کتاب مدح بلیغی کرده است.قزوینی تقریظی بر «مشکاه الهدایه» سید مهدی بحرالعلوم دارد که آن را در ۱۱۹۷ ق نگاشته و در آن تقریظ مشایخ خود چون میر محمد صالح حسینی قزوینی و میر محمد ابراهیم قزوینی و ملا علی اصغر مشهدی رضوی را نامبرده و گفته که ایشان از علامه مجلسی و محقق خوانساری و محقق سبزواری روایت کرده‌اند. قزوینی تعلیقاتی بر رساله‌ی «مطالب النفس و مسائلها» حکیم حمزه گیلانی دارد. او همچنین تقریظی بر «مرآت الازمان» محمد بن محمد زمان کاشانی دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :خاتمه مستدرکات (۱۰۶ –۱۰۵ / ۲)، الذریعه (۶۴ / ۲۱ ،۲۶۳ –۲۶۲ / ۲۰ ،۸۹ / ۶ ،۳۳۹ –۳۳۷ / ۳ ،۲۰۷ / ۱)، ریحانه (۴۵۳ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۷۹ –۴۷۶ / ۱۲)، فوائد الرضویه (۲۵۹)، لغت‌نامه (ذیل/ قزوینی)، معجم المؤلفین (۲۰۰ / ۶)، هدیه الاحباب (۱۷۱).

قزوینی یزدی، محمد ابراهیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۳۶ ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن وزیری کوچک مذهب مزین، نسخ کتابت عالی، سر سوره‌ها و آخر آن رقاع کتابت عالی، با رقم: «... و انا العبد... محمد ابراهیم بن محمدجعفر القزوینی... فی سنهٔ خامس و عشرین و مأتین بعد الالف... »؛ یک نسخه «دعای کمیل» جانمازی، نسخ و رقاع کتابت خوش و ترجمه‌ی نستعلیق کتابت خفی متوسط، با رقم: «این دعای کمیل... حسب الفرموده... عباس قلی خان تحریر شد و انا العبد... محمد ابراهیم قزوینی الاصل یزدی المسکن و کان ذلک فی سنهٔ سادس و ثلثین و مأتین بعد الالف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۳۷/ ۴).

قزوینی یزدی، محمدابراهیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: دعای کمیل جانمازی، جلد روغنی. مذهب نسخ و رقاع کتابت خوش. ترجمه‌ی نستعلیق کتابت خفی متوسط با رقم: «این دعای کمیل... حسب‌الفرموده... عباس‌قلی‌خان تحریر شد و انا العبد... محمدابراهیم قزوینی‌الاصل یزدی‌المسکن و کان ذلک فی سنهٔ

من الهجرهٔ المحترمهٔ سادس و ثلثین و مأتین بعد الالف» (۱۲۳۶) در مجموعه‌ی خودم.

- قرآن وزیری کوچک مذهب مزین، نسخ کتابت عالی. سر سوره‌ها و آخر رقاع کتابت عالی با رقم: «حسب‌الحکم.. فرزند ارجمند شهنشاه کامکار دارای دوران آرامحمد ولی میرزا... و انا العبد المذنب المحتاج الی عفو ربه الغنی محمدابراهیم بن محمد جعفر القزوینی. امید که به نظر عنایت... و کان ذلک فی سنهٔ خامس و عشرین و مأتین بعد الالف من الهجرهٔ المقدسه» (۱۲۲۵) در مجموعه‌ی آقای احمد سهیلی.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

قزوینی، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابراهیم بن سید محمدباقر موسوی قزوینی حایری متولد ۱۲۱۴ و متوفی ۱۲۶۲ هجری وحید عصرش از بزرگان علماء و اعاظم محققین صاحب کتاب (الضوابط) و ده‌ها کتب دیگر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، ابوالحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالحسن بن امیر سید علی بن امیر عبدالباقی بن محمدهادی بن محمدرضا بن امیر محمدعلی مشهور به پیر سید صاحب مزار معروف در تنکابن عالمی فقیه بوده و در حدود ۱۲۸۰ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ میرزا ابوالقاسم بن ملا محمدتقی (شهید ثالث) برغانی قزوینی عالمی جلیل بوده و بعد از ۱۳۰۰ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، ابوالهادی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۱۶ ق)، خطاط و شاعر و موسیقیدان. وی خواهرزاده‌ی مالک دیلمی خوشنویس بود. همه‌ی اقلام را خوش می‌نوشت و در موسیقی دست داشت و از تصنیف سازان بنام زمان شاه عباس بود. شعر نیز می‌گفت وطبعی خوش داشت. ابوالهادی از علم ریاضی نیز بهره‌مند بود و مقارن تألیف «تذکره‌ی مجمع الخواص» در قید حیات. در قزوین درگذشت و در مزار شاهزاده حسین به خاک سپرده شد. از اوست:

به من گفتی چون من یاری نداری

تو هم چون من گرفتاری نداری

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۳۶)، تاریخ موسیقی (۱/ ۳۲۴)، الذریعه (۵۲/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۷-۳۶)، قزوین در گذرگاه هنر (۲۴۲)، مجمع الخواص (۲۶۱).

قزوینی، ابوتراب

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آسید ابوتراب بن سید مرتضی قزوینی معروف به سکاکی عالمی جلیل و فقیهی نبیه بوده و در سال ۱۳۰۳ هجری وفات نموده

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، اسداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از وی است؛ قرآن بغلی جلـد روغنی عالی دو صـفحه اول متن و حاشیه مرصع عالی نسخ غبار خوش با رقم: «وقع الفراغ... فی شـهر ذی‌الحجهٔالحرام سنهٔ ۱۲۸۷ و انا العبد... اسداللّه بن المرحوم محمد ابراهیم القزوینی...» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

قرآن بغلی جلـد روغنی عالی دو صـفحه اول متن و حاشیه مرصع نسـخ غبار خوش با رقم «وقع الفراغ... فی شـهر ذیقعدهٔالحرام سـنهٔ ۱۲۸۴ و انا المذنب الجانی... اسداللّه بن محمد ابراهیم القزوینی...» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

قزوینی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم و سیزدهم ق)، فقیه و عالم امامی. اصل وی از قزوین بود. او پدر ملا عباس قزوینی، صاحب «اسـرار الصلاه»، می‌باشد. از آثـار وی «انبـاء الانبیـاء فی اثبـات النبوه الخـاصه من الکتب السـماویه»، که در آن آیـات قرآنی و احادیث قدسـی و آنچه در سایر کتابهای آسمانی نازل شده بر انبیاء پیشین دلالت بر نبوت خاصه‌ی حضرت محمد (ص) دارد، را به فارسی ترجمه کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۹۲، ۳۷۶ / ۳)، الذریعه (۳۵۵ -۳۵۴ / ۲)، ریحانه (۴۴۸ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۳، ۱۳۶ / ۱۳)، لغت‌نامه (ذیل/ قزوینی).

قزوینی، اشرف الدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیداشـرف الدین قزوینی، معروف به گیلانی، فرزند سید احمد حسینی قزوینی، به سال ۱۲۸۷ هجری قمری در قزوین به دنیا آمده و شش ماه بوده که یتیم مانـده و در یتیمی ملک و مال و خانه اش را غصب کرده اند و او دچار فقر و تنگدستی شده است. در جوانی به عتبات رفته و چندی در کربلا و نجف زیسته و بعد سور میهن پرستی او را به ایران کشیده است. سید به قزوین آمده و از آنجا در بیست و دو سالگی به تبریز رفته و با پیری روشن ضـمیر آشـنا شـده است. دوره تحصـیلات مقـدماتی را در تبریز گذرانده و هیئت و جغرافیا و صـرف و نحو و منطق و هنـدسه و علوم متداول دیگر را آموخته و چندی بعد به گیلان آمده و در رشت اقامت گزیده و از رشتیان نوازش ها و مهربانی ها دیه و نخستین شعرهای خود را همانجا سروده است.

سید اشـرف در سال ۱۳۲۵ هجری قمری روزنـامه ادبی و فکـاهی کوچکی به نـام «نسـیم شـمال» در رشت منتشـر کرد که تا انحلال مشروطه دایر بود. در سال ۱۳۲۶ که مجلس بمباران و روزنامه ها و انجمن ها برچیده شده، نسیم شـمال نیز متوقف گشت و در سال ۱۳۲۷ پس از فتح تهران دوباره انتشار یافت. سـید اشـرف الدین در سال ۱۳۳۳ به تهران آمد و روزنامه نسیم شمال را در تهران دایر کرد.

سیداشـرف محبوبترین و معروفترین شاعر ملی عهـد انقلاب مشـروطه است. وی اشـعار فکاهی و انتقادی خود را هر هفته در روزنامه اش چـاپ میکرد و به دست مردم می داد. هنگـامی که روزنـامه فروشـان دوره گرد فریـاد را سـر می دادنـد و روزنـامه را اعلان می کردنـد، مردم از زن و مرد و پیر جوان و باسواد و بی سواد هجوم می آوردند و روزنامه را دست به دست میگرداندند. در قهوه خانه ها، در سرگذرها و در جاهایی که مردم گرد می آمدند، باسوادها برای بی سوادها می خواندند و مردم حلقه می زدند و روی خاک مینشسـتند و گوش میدانـد. نام این روزنامه به اندازه ای بر سـرزبان ها بود که همه جا سیداشـرف الدین را آقای «نسـیم شـمال» صدا میزدند.

شعرهای سیداشرف الدین هر چند به بلندی سخن گویندگان کلاسیک نمیرسید، اما از حیث ترکیب عبارات و سبک بیان بر بسیاری از اشـعار فکـاهی و سیاسـی آن زمـان برتری دارد. قسـمتی از اشـعار وی، اقتبـاس یـا ترجمـه آزدای اسـت از اشـعار میرزا علی اکـبر طاهرزاده صابر، گوینده قفقازی، که سیداشـرف الدین آنها را در اختیار فارسی زبانان آن روز، که تشنه آزادی و خواهان برانداختن رژیم کهنه و فرسوده احتماعی بودنـد، قرار میـداد. دفاع از اسـتقلال ایران و دشـمنی با تجاوزکاران بیگانه بزرگترین هـدف هنری او بوده است که همه در قالب اشعار گرم و آتشین و با سیک و روش هزل آمیزی که از صابر آموخته بود، نمایش میداد. اشعار اصیل او نیز، که تحت تـاثیر مسـتقیم صـابر سـروده نشـده، پر از طنز خفیف و در عین حـال کوبنـده است. در این سـروده ها وطن فروشان، خیانتکاران و دشمنان آزادی و کلیه کسانی که دربند کشور و مردم نبودند به باد استهزا و ریشختند گرفته شده اند.

سیداشـرف مردی سـاده، مهربـان، بخشـنده و بی اعتنـا به مال دنیا و به تمام معنی حامی و طرفـدار طبقات زحمتکس بود، آزادکی و آزاداندیشـی این مرد عجیب بود، اندک تعصبی در او نبود. لطایف بسیار به یادداشت، قصه های شـیرین میگفت، هر چه می سرود، بـدون یادداشت از بر میخواند، در سراسـر زندگی مجرد زیست تا سـرانجام در سال ۱۳۴۵ هجری قمری شایع شـد که وی به بیماری جنون مبتلا شـده است. بـدین علت با دسـتاویز او را به تیمارسـتان برد. چنـد سالی به حال فقر و تنگـدستی و بیماری زنـده بود تا در

ذیحجه سال ۱۳۵۲ هجری قمری چشم از جهان فروبست. منابع زندگینامه :http://fa.animcentral.com/forums

قزوینی، آقاملا

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(قبل از س یازدهم ق)، شاعر. به گفته‌ی صاحب «هفت اقلیم» مردی عامی بوده و از علوم آن روزگار بهره‌ای نداشته، ولی هنگام محاوره بداههً شعر می‌گفته است. آقا ملا قزوینی مردی نیک‌خو و شیوا گفتار و خوش صورت بوده است. بیت زیر از او است.:

ساقیان لهجه‌ی او چون شراب اندر دهند

هوش گوید گوش را هین ساغری کن ساغری

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۱۱)، مینو در (۳۵۷/ ۲)، هفت اقلیم (۱۷۶/ ۳).

قزوینی، آمنه

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

۱۲۶۹ -۱۲۰۲ ق، از زنان عالم، عابد، فاضل و مجتهد. وی دختر شیخ محمدعلی قزوینی از علمای قزوین، و نوه‌ی سید حسین قزوینی (۱۲۰۸ ق) و سیدمحمد مهدی بحرالعلوم (۱۲۱۲ ق) و مادر ربابه خانم و قرةالعین بود. در حدود هفده سالگی با شیخ محمدصالح برغانی (۱۲۷۵ / ۱۲۷۰ ق) ازدواج کرد. او در آغاز نزد برادرش شیخ عبدالوهاب قزوینی درس خواند و سپس در درس فقه و اصول همسرش حاضر شد و حکمت و فلسفه را از ملا آقا حکمی قزوینی در مدرسه صالحیه فراگرفت و در درس شیخ احمد احسایی در قزوین حضور یافت تا اینکه به درجه بالایی از علم و فضل رسید. همسرش، ملا محمدصالح، زنان را در احکام و مسائل شرعی به رجوع و عمل به دستورات او سفارش می‌کرد. آمنه خانم حوزه درسی برای زنان در کربلا و قزوین داشت. وی از همسر و برادرش و شیخ احمد احسایی اجازات مفصلی داشت.

از آثار او قصیده‌ای طویل در چهارصد و هشتاد بیت از زبان حضرت زینب (س) در حوادث کربلا و بعضی رساله‌های دیگر با کمک ابوالثناء محمود آلوسی است در هنگامی که دخترش قرةالعین در خانه آلوسی در بغداد ساکن بود.

بسیاری از مردان و زنان این خانواده اهل علم و فضل و تقوا بودند. مادرش فاطمه قزوینی از زنان عالم، فاضل، محدث و سخنور بود.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات)، ۷ / ۲؛ دایرةالمعارف تشیع، ۲۳۶ / ۱.

قزوینی، بهشتی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شهید بهشتی از اعلام علماء قزوین و ائمه جماعت در مسجد جامع آن بوده و بعد از ۱۳۰۰ وفات نموده

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، تاج‌الدین، ابوالحسن علی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۵ ق)، قاضی، محدث، فقیه شافعی، مدرس، ادیب و لغوی. اصل وی از قزوین و در بغداد ساکن بود و در مدرسه‌ی نظامیه بغداد تا پایان عمر تدریس می‌نمود. از آثارش: شرح «مصابیح السنه» بغوی؛ «المحیط بفتاوی اقطار البسیط»؛ «الرغاب»، در تصریف؛ «العجاب»، در نحو، و شرح آن؛ «اللطائف»؛ شرح «المقامات الحریری».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۷ / ۵)، معجم المؤلفین (۱۸۱ / ۷)، هدیه العارفین (۷۱۹ / ۱).

قزوینی، تقی‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، خطاط و موسیقیدان. پدرش از عموزادگان قاضی جهان سیفی قزوینی، وزیر شاه طهماسب اول صفوی بود که در اوایل عمر از قزوین به هندوستان رفت و در زمره‌ی ملازمان جلال‌الدین محمد اکبرشاه درآمد. میرزا ابراهیم حسینی همدانی، به علت رابطه‌ی دوستی با سید شریف، پس از مرگ وی سید تقی‌الدین را به همدان خواند و در تربیت او کوشید و او را به دامادی خود برگزید. تقی‌الدین با مراقبت میرزا ابراهیم، جامع علوم معقول و منقول شد و در خط نستعلیق، بی‌همتای دوران خود. وی در موسیقی و خوش‌خوانی شهره‌ی شهر بود. تقی‌الدین در ایام جوانی درگذشت و در مقبره‌ی سادات بنی حسن در همدان به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۱/۱)، تاریخ موسیقی (۳۲۶/۱).

قزوینی، جمال رستق

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، شاعر. اصل او از قزوین بود و معاصر اباقاخان. چون در محله پنبه ریسان سکونت داشت به رشیق القطنی معروف شد. وی از شاعران معروف روزگار خود بود که در نود سالگی درگذشت. «دیوان» شعری از وی باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ گزیده (۷۲۵)، تاریخ نظم و نثر (۲۲۲)، تذکره‌ی روز روشن (۲۳۲)، حبیب السیر (۱۱۷/۳)، الذریعه (۲۰۳/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۲۱/۱)، مجالس النفائس (۳۲۹)، مینو در (۴۱۹/۴)، هفت اقلیم (۱۶۰/۳).

قزوینی، حمزه علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ حمزهٔ علی قزوینی عالمی جلیل و فقیهی فاضل از شاگردان میرزا حسین خلیلی و آخوند خراسانی و سید محمدکاظم یزدی و غیرهم بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، خلیل

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۸۹ -۱۰۰۱ ق)، عالم امامی، محدث، فقیه، متکلم و نحوی. اصل وی از قزوین بود. در قزوین به دنیا آمد. وی از شاگردان شیخ بهایی و میرداماد است. او شریک درس خلیفه سلطان وزیر در درس حاج محمود رنانی و ملا حسین یزدی بود. وی از معاصران شیخ حر عاملی و ملا محسن فیض کاشانی است. ملا خلیل قزوینی استاد علامه مجلسی و آقا رضی‌الدین قزوینی بود. پیش از سی سالگی عهده‌دار تولیت حضرت عبدالعظیم و تدریس در آنجا بود. پس از چندی به مکه رفت و مجاورت آنجا را برگزید. سپس به قزوین بازگشت و شروع به تصنیف و تألیف نمود. در قزوین درگذشت و در مدرسه‌اش دفن شد. از آثار وی: حاشیه بر «مجمع البیان» طبرسی؛ «رموز التفاسیر الواقعه فی الکافی و الروضه»؛ «الصافی فی شرح الکافی»، به فارسی؛ «الشافی فی شرح الکافی»، به عربی؛ «المجمل»، در نحو؛ «الرساله النجفیه»؛ «الرساله القمیه»؛ شرح «عده الاصول» شیخ طوسی یا حاشیه بر «العده»، در اصول فقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۶۹ -۳۶۸ / ۲)، اعیان الشیعه (۳۵۶ -۳۵۵ / ۶)، الذریعه (۴۸ -۴۷ / ۲۰ ،۵ -۴ / ۱۵ ،۳۶۸ ،۶ -۵ / ۱۳ ،۲۵۱ / ۱۱ ،۱۹۱ ،۱۴۸ / ۶ ،۱۴۲ / ۵ ،۸۲ / ۲)، روضات الجنات (۲۶۲ -۲۵۷ / ۳)، ریاض العلماء (۲۶۶ -۲۶۱ / ۲)، ریحانه (۴۵۲ -۴۵۰ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۰۴ -۲۰۳ / ۱۱)، لغت‌نامه (ذیل/خلیل)، معجم المؤلفین (۱۲۵ / ۴)، مینو در (۱۷۳ / ۲)، هدیه العارفین (۳۵۴ / ۱).

قزوینی، رضی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا رضی از علمای محقّقین، و واعظ صالح، و عالم کامل معاصر اواخر صفویّه بود.

در ریحانهٔ الادب (۱: ۵۵) گوید: از شاگردان ملاّ خلیل قزوینی، و مؤلّف کتب عدیده است، از آن جمله: ۱- ابطال الرمل تاریخ علمای قزوین [=ضیافهٔ الاخوان] ۳- رساله ی شیر و شکر ۴- رساله ی نوروز ۵- ضیافهٔ الاخوان ۶- قبله الآفاق ۷- کحل الابصار ۸-

لسان الخواص ۹- هدیهٔ الخلّان، و غیره.

وفاتش در ۱۰۹۶ رویداده است.

مولی ادهم به مناسبت نام او صاحب عنوان و بستگانش نام فامیلی ادهم انتخاب کردند عالم فاضل محقق بوده.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قزوینی، رضی‌الدین محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۹۶ ق)، عالم و شاعر. معروف به آقا رضـی. از شاگردان ملا خلیل قزوینی و معاصر ملا محمدتقی مجلسی و شیخ حرّ عاملی بـود. مهمـترین اثر وی «لسـان الخـواص فی ذکر معـانی الالفـاظ الاصـطلاحیهٔ للعلمـاء» است که در واقع دایرهٔالمعـارفی است از علوم مختلف و در آن اصـطلاحات رایج علمای آن عصـر، مشکلات آیات و اخبار مطرح شده است. از این دایرهٔالمعارف تنها یک مجلد باقی مانـده که در آن دربارهٔی تفسـیر حروف ابجد، ابداع، اجماع، اجتهاد، اختیار، اراده، تناسب چهارگانه؛ نسبت اجسام و اختلاف وزنی و حجمی آنها؛ و احکام چهارگانه حرمت، نجاست، حلیت و طهارت؛ و حساب و خواص اعـداد صـحبت شـده است. از دیگر آثـار وی: «ضـیافهٔ الاـخوان و هدیـهٔ الخلاـن»، یـا «تاریـخ علمای قزوین»؛ «رسالهٔی شـیر و شـکر»، به فارسـی و عربی، دربارهٔی نکات متفرقه؛ «رسالهٔ المولودیه»، در تعیین تاریخ تولد حضرت محمد (ص)؛ «رسالهٔی نوروزیه»، در تعیین نوروز؛ «الوقتیه»؛ در تعیین اوقات نماز؛ «العیاریهٔ»، در تعیین عیار فلزات؛ «ابطال الرمل»؛ «قبله آفاق». از آقا رضی «دیوان» شعری نیز به جا مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۸ /۷)، تذکرهٔی نصرآبادی (۱۷۳ -۱۷۲)، الذریعه (۳۰۴ -۳۰۲ /۱۸، ۴۳ -۴۲ /۱۷، ۱۳۲ /۱۵، ۳۷۴ - ۳۷۳ /۹، ۲۶۷ /۳، ۶۸ /۱)، روضـات الجنات (۱۱۵ -۱۱۳ /۷)، ریـاض العلماء (۱۲ /۷، ۷۷ -۷۶ /۵)، ریحانه (۵۵ /۱)، فوائد الرضویه (۴۶۴)، مصفی المقال (۱۸۱ -۱۸۰)، مینو در (۳۴۰ /۲).

قزوینی، شرف‌الدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۴۰ -۶۶۰ ق)، منشـی، ادیب و شاعر، متخلص به شـرف. وی در قزوین تولـد یافت، پس از تحصـیل، به توسط خواجه غیاث‌الـدین محمد به خدمت اولجایتو راه یافت و با خواجه به تبریز آمد. چند گاهی نیز در درگاه اتابک نصرهٔالدین احمد لر از امرای فضلویه یا لر بزرگ بود و او را مدح می‌گفت. از جمله آثارش: «المعجم فی آثار ملوک العجم»، که مختصری در ذکر معالی و مآثر پادشاهان قدیم ایران است و به نام اتابک نصرهٔالدین احمد تالیف کرده؛ «الترسل النصرتیه»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۵۸ -۱۲۵۶ /۳)، تاریـخ در ایران (۱۰۸)، تاریـخ نظم و نثر (۱۴۴)، دایرهٔالمعارف فارسی (۱۴۶۵ -۱۴۶۴ /۲)، الذریعه (۲۱۸/۲۱، ۵۱۶/۹، ۲۸۸ -۲۸۷ /۳)، سـبک شناسی (۱۰۵/۳)، فرهنگ سـخنوران (۴۹۹)، مجمع الفصحا (۸۰۸ -۸۰۷ /۲)، مینودر (۹۲۳ -۹۲۲ /۲).

قزوینی، شمس‌الدین، ابوالرضا، ابوالمظفر حامد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۳۶ -۵۴۸ / ۵۴۶ ق)، مفتی، محـدث و فقیه شـافعی. در قزوین به دنیـا آمـد. مصاحب و ملازم قطب نیشابوری بود و خلاف را نزد وی آموخت و به همراه او به دمشق رفت. وی از شـهدهٔی کاتبه، دختر احمد بن فرج دینوری، و خطیب موصل و یحیی ثقفی حدیث شنیـد. شـهاب‌الدین عبـدالحلیم بن تیمیه و محدالـدین ابن عـدیم و پـدرش از وی روایت کردنـد. قاضـی تقی‌الدین سـلیمان حنبلی و ابونصـر محمـد ابن شـیرازی از وی اجـازه روایت داشـتند. وی شـیخ شافعیه و عهـده‌دار منصب قضاوت در حمص بود، مـدتی نیز در حلب درس و فتوا می‌داد. وی پدر عمادالدین قزوینی است که از مدرسین زمان خود بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۶۴ -۶۳ / ۲۳)، الوافی بالوفیات (۲۸۰ / ۱۱).

قزوینی، صدرالدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۰۸/ ۱۰۰۷ –۹۴۵ ق)، خطاط، نقاش، موسیقیدان و شاعر. از سادات سیفی قزوین بود که در رنگ‌آمیزی و تذهیب و وصالی نیز مهارت داشت. وی در خط و موسیقی از شاگردان مالک دیلمی بود و خط را به شیوه‌ی سلطانعلی مشهدی می‌نوشت و در اواخر عمر به جهت ضعف بینایی ترک مشق کرد. میر صدرالدین محمد شعر را نیکو می‌سرود و از موسیقیدانهای بزرگ عصر خود محسوب می‌شد. او آهنگسازی بنام بوده و رساله‌ای در موسیقی تألیف کرده است. وی در سفری که در ملازمت شاه عباس به خراسان می‌رفت، در بسطام درگذشت. از دیگر آثار او: «تذکرهٔ الشعراء».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۸۱/ ۳)، احوال و آثار نقاشان (۱۳۳۵/ ۳)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۶۲۱ –۶۲۰/ ۲ ، ۲۶۹ –۲۶۷/ ۱)، تاریخ موسیقی (۳۲۵ –۳۲۴/ ۱)، تاریخ هنرهای ملی (۹۱۲/ ۲)، ریحانه (۴۲۶/ ۳)، عالم آرای عباسی (۱۷۱/ ۱)، قزوین در گذرگاه هنر (۲۲۰)، گلستان هنر (۹۹ –۹۷).

قزوینی، عارف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کودکی و جوانی عارف در حدود سال ۱۳۰۰ هجری قمری در قزوین متولد شد. پدرش " ملاهادی وکیل "بود. عارف صرف و نحو عربی و فارسی را در قزوین فرا گرفت. خط شکسته و نستعلیق را بسیار خوب می‌نوشت. موسیقی را نزد حاج صادق خرازی فرا گرفت. مدتی به اصرار پدر در پای منبر میرزا حسین واعظ، یکی از وعاظ قزوین، به نوحه خوانی پرداخت و عمامه می‌بست ولی پس از مرگ پدر عمامه را برداشت و ترک روضه خوانی کرد. ازدواج عارف در ۱۷ سالگی به دختری به نام" خانم بالا "عشق و علاقه پیدا کرد و

با او در پنهان ازدواج کرد. (تصنیف دیدم صنمی ... را در وصف ایشان سرود)

فشارهای خانواده دختر پس از اینکه مطلع گردیدند زیاد شد و عارف به ناچار

به رشت رفت و پس از بازگشت با وجود عشق بسیار آن دختر را طلاق داد و تا

آخر عمر ازدواج نکرد. میان سالی و مشروطه عارف در سال ۱۳۱۶ ه.ق به تهران آمد و چون صدای خوشی داشت با شاهزادگان قاجار آشنا شد و مظفرالدین شاه خواست او را در ردیف فراش خلوتها درآورد اما عارف به قزوین بازگشت.

در سال ۱۳۲۳ در زمان آغاز ۲۳ سالگی عارف زمزمه مشروطیت بلند گشته بود، عارف نیز با غزلهای خود به موفقیت مشروطیت کمک کرد. ایرج میرزا شاعر طنز سرای معروف، منظومه عارفنامه را در هجو وی سروده‌است.

در سال ۱۳۳۵ یکی از دوستان عارف به نام «عبدالرحیم خان» خودکشی کرد و عارف بر اثر این به جنون مبتلا شد و نظام السلطنه مافی او را برای مداوا به بغداد برد. پس از چندی با شروع جنگ جهانی اول همراه نظام السلطنه به استانبول رفت.

وی از این سفر پشیمان شد و در سال ۱۳۳۷ ه.ق به تهران بازگشت و کنسرت با شکوهی ترتیب داد.

در هنگام مرگ کلنل محمد تقی خان پسیان

در سال ۱۳۴۰ ه.ق در تشییع جنازهٔ او شرکت نمود و به مسببین این حادثه

ناسزا گفت . هنگامی که خواستند سر کلنل را روی توپ بگذارند، عارف فریاد بر

آورد:

این سر که نشان سر پرستی ستامروز رها ز قید هستی ست

با دیدهٔ عبرتش ببینیدکاین عاقبت وطن پرستی ست

کهن سالی و مرگ عارف در سال ۱۳۰۵ هـش به دعوت دوستی به بروجرد رفت تا شرح احوال دورهٔ

آزادی خواهی را بنویسد. اما از بروجرد بر اثر حادثه‌ای نا خوشایند (مسموم

کردن یکی از سگهای وی و شایعات کوته فکرانه علیه او) خارج شده و به اراک

پناه برد. در اراک هم او را راحت نگذاشتند. او خود می‌گوید:

"بعد می‌گویند این ننگ[مقصود خود عارف است] بسته نباید درخاک قبر

بماند، ای داد، بی داد! حقیقتاً ای داد، بی داد؛ الان ده، پانزده سال است

شب و روز ورد زبان من این شده است که بگویم ای داد، بیداد ".

سپس بیماریش شدت گرفت و حنجره اش گرفته، از خواندن بازماند و از معالجه ناتوان:

"آیا به که می‌شود گفت که سینهٔ من گرفت و من استطاعت معالجهٔ آن را نداشتم تا اینکه به کلی از بین رفت[".۳]

سرانجام عارف در سال ۱۳۰۷ جهت معالجه نزد دکتر بدیع به همدان رفت و

برای همیشه در آنجا ماند. عارف در همدان بیمار، رنج دیده و مایوس بود و از

همه جز اندک دوستانی یک دل و صمیمی کناره گرفت و انسان ها را شیطان و

دروغگو می نامید. او از دشمنی اهل روزگار چنین شِکوه می‌کند:

"آخر این چه بدبختی بود که دامن گیر من شده است. فرمان فرمان با من بد،

سلیمان میرزا بد، قوام السلطنه بد، تقی زاده هم بد، نصرت الدوله بد، ملک

الشعرا بد، مرتجع و آزادی خواه هر دو دشمن، من از هر طرف هدف تیر کینه

خواهی شده

عارف باقیماندهٔ عمر را در خانه‌ای اجاره‌ای در یک قلعهٔ کوچک در درهٔ
مراد بیک با یک کلفت به صورت تبعیدی و خود خواسته سکونت گزید؛ در حالی که
دارایی او سه سگ و دو دست لباس کهنه بود. او در سال های پایانی با فقر دست
به گریبان بود و اگرچه دوستان دور و نزدیک به او کمک می‌کردند، این امر به
روح آزادهٔ شاعر لطمه می‌زد و او را شرمنده می ساخت. خود دربارهٔ روزهای
تنهایی می‌گوید:

"حالا که هنگام زوال آفتاب عمر است و پایان روزگار به غفلت
گذراندهٔ زندگانی است. که تازه دانسته ام تنها دوستان من این دوتا سگ
هستند که معنی وفا و محبت و دوستی را در آنها دریافته ام

در سال ۱۳۰۸ عارف سر مکاتبه با زرتشتیان هند را باز کردو برخی پژوهش
های خود را برای «سردین شاه پارسی» به هند فرستاد. زرتشتیان او را به هند
دعوت کردند، اما جواب رد داد و دیری نگذشت که از کردهٔ خود پشیمان شد.

مقبره عارف در میدان ابن سینا همدان

سر انجام در روز یک شنبه یکم بهمن ۱۳۱۲ خورشیدی در حالی که عارف ۵۴ سال
داشت، مرگ زودرس به سراغش آمد. جیران، کلفتش که او را به عقد خویش در
آورده بود، حکایت کرده که عارف در آخرین دم از او خواست که وی را نزدیک
پنجره ببرد تا آفتاب و آسمان میهن را ببیند و او پس از دیدن آفتاب چنین
خواند: ستایش مر آن ایزد تابناککه پاک آمدم پاک رفتم به خاک
سپس به بستر بازگشت و لحظاتی بعد جان سپرد و در کنار آرامگاه بو علی سینا در همدان در خاک آرمید.

تصنیف‌ها ۱.از خون جوانان وطن لاله دمیده

۲.دیدم صنمی، سرو قدی، روی چو ماهی — آواز افشاری — ۱۲۶۵

۳.ای امان از فراقت امان — دستگاه شور — ۱۲۷۵ (هم‌زمان با ورود مشروطه خواهان به تهران)

۴.نمی دانم چه در پیمانه کردی — آواز افشاری

۵.نکنم چاره اگر دل هر جایی را — آواز افشاری — ۱۲۷۶

۶.افتخار همه آفاقی و منظور منی — دستگاه سه‌گاه – (برای افتخارالسلطنه – دختر ناصرالدین شاه)

۷.توای تاج، تاج سر خسروانی — آواز افشاری — ۱۲۷۷ – (برای تاج السلطنه – دختر ناصرالدین شاه)

۸.هنگام می‌فصل گل و گشت چمن شد — آواز دشتی – (به مناسبت افتتاح دورهٔ دوم مجلس‌شورای‌ملی‌ایران)

۹.دل هوس سبزه و صحرا ندارد — آواز ابوعطا

۱۰.نه قدرت که با وی نشینم، نا طاقت که جز وی ببینم — آواز افشاری

۱۱.ننگ آن خانه که مهمان ز سر خوان برود — آواز دشتی — ۱۲۸۸ – (به مناسبت اخراج مورگان شوستر آمریکایی از ایران)

۱۲.باد فرح بخش بهاری وزید — آواز بیات‌زند

۱۳.بلبل شوریده فغان می‌کند — دستگاه ماهور — ۱۲۸۹

۱۴.گریه را به مستی بهانه کردم — آواز دشتی — ۱۲۸۷

۱۵.از کفم رها شد مهار دل— آواز افشاری — ۱۲۸۸

۱۶.ترک چشمش ار فتنه کرد راست — ابوعطا(حجاز —) ۱۲۹۴

۱۷.چه شورها که من به پا ز شاهناز می‌کنم — دستگاه شور — ۱۲۹۵

۱۸.بماندیم ما، مستقل شد ارمنستان — دستگاه سه‌گاه— ۱۲۹۷

۱۹.جان برخی آذربایجان باد — آواز دشتی — ۱۲۹۷ (برای آذربایجان – در جواب تفرقه افکنان)

۲۰.شانه بر زلف پریشان زده‌ای، به‌به و به — آواز دشتی— ۱۲۹۷

۲۱.رحم‌ای خدای دادگر کردی نکردی — آواز بیات‌زند — ۱۲۹۷

۲۲.امروزای فرشتهٔ رحمت بلا شدی — آواز افشاری — ۱۲۹۹

۲۳.گریه کن که گر سیل خون گری ثمر ندارد — آواز دشتی — ۱۳۰۰ (به مناسبت مرگ کلنل محمد تقی‌خان پسیان)

۲۴.تا رخت مقید نقاب است — آواز بیات‌اصفهان — ۱۳۰۱

۲۵.ای دست حق پشت و پناهت بازآ — دستگاه شور — ۱۳۰۰(برای سید ضیا)

۲۶.گو به ساقی کز ایاغی ترکی و ماغی

۲۷.باد صبا بر گل گذر کن — آواز شوشتری

۲۸.چه آذرها به جان از عشق آذربایجان دارم — ۱۳۰۳ (به یاد ستارخان و باقر خان)

۲۹.باد خزانی زد ناگهانی، کرد آنچه دانی — دستگاه شور – ۱۳۰۳ (برای آذربایجان)

خوانندگان تصنیف‌ها به دلیل سادگی و نداشتن اوج در تصنیف‌های عارف و اینکه غالب تصنیف‌ها
قابل اجرا روی یک یا دو گوشه‌است، تصنیف‌های عارف را به سادگی مردم
می‌توانستند بخوانند، از زمان سروده شدن تصنیف‌ها تا به امروز به وسیله

خوانندگان غیرحرفه‌ای و حرفه‌ای بارها این تصنیف‌ها خوانده شده، از جمله
خوانندگان پرآوازه که برخی تصنیف‌های عارف را اجرا کرده‌اند: قمرالملوک وزیری، عبدالله دوامی، الهه(تدوین از روح الله خالقی)،محمدرضا شجریان، صدیق تعریف، محسن کرامتی.

قزوینی، عبدالباقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از سادات سیفی قزوین، عالم فاضل محقق، امام مسجد سرخی بوده، در سال ۱۳۱۶ وفات یافته، در تکیه‌ی آقا رضی مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قزوینی، عبدالرزاق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۶۳ / ۱۰۶۰ ق)، خطاط. وی خواهرزاده و شاگرد میرعماد بود که در دربار شاه‌عباس اول، خط می‌نوشت و شاهنامه می‌خواند. عبدالرزاق، نستعلیق را خوش می‌نوشت، ولی پایه‌ی خط رشیدا را نداشت. میرزا سنگلاخ به او لقب زبده‌ی آفاق داده و گوید که در اصفهان درگذشته و در جوار آرامگاه میرعماد به خاک سپرده شده است. از او یک نسخه منتخب «حدیقه الشعراء» سنایی غزنوی به قلم کتابت خوش موجوداست که رقم «تمت انتخاب الحدیقه فی سنه تسع و عشرین و الف، سوده عبدالرزاق عفی عنه» دارد و شاید که این نسخه خط صاحب عنوان باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۹۳-۳۹۲ / ۲)، تذکره‌ی الخطاطین (۳۰۵-۲۹۵ / ۱)، قزوین در گذرگاه هنر (۲۲۸).

قزوینی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ عبدالله فرزند شیخ عبدالله قزوینی ـ متوفی حدود ۱۰۴۰ هـق ـ از ائمه متکلمان و اقطاب عرفا و حکمای شیعه در عصر صفوی بود. پس از رسیدن به مقام شامخ علمی ، کرسی تدریس حکمت متعالیه را در مدرسه قزوین به دست گرفت و از فحول مدرسین عصر خود گشت. وی از جمله علمای فارسی نویس عصر صفوی و پایه گذار مکتب قزوین در هندوستان می باشد.
گروه : علوم انسانی
رشته : حکمت
والدین و انساب : شیخ عبدالله فرزند شیخ عبدالله قزوینی بود.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ عبدالله قزوینی پس از تکمیل مقدمات و فنون و ادب متداوله ، رغبت و میل به علوم عقلی یافت. و پس از چندی به مقام عقلی و نقلی دست یافت.
استادان و مربیان : میل به علوم عقلی باعث شد تا به حوزه درس سید فخرالدین محمد استرآبادی قزوینی صاحب آیه الکرسی بپیوندد.
وقایع میانسالی : هنگام قتل عام فلاسفه و تعطیل شدن مدارس فلسفی قزوین بدست شاه عباس (جلوس ۹۹۶ـ ۱۰۳۸) ، شیخ عبدالله قزوینی به هندوستان مهاجرت کرد و در حیدرآباد دکن مسکن گزید ، چنانکه مورد استقبال سلاطین قطب شاهی آن سامان واقع گشت. میرزا عبدالله افندی متوفی ۱۱۳۰هـق در ریاض العلما می نویسد: «... قزوینی عالم فاضل و جامع بود.» سپس احتمال داده است که کتاب تاریخ خود را هنگام اقامتش در حیدرآباد دکن برای سلاطین قطب شاهیه که معاصر شاه طهاسب (جلوس ۹۹۶ ـ ۱۰۳۸هـق) و شاه عباس بودند ، تالیف کرده است.
زمان و علت فوت : شیخ عبدالله قزوینی متوفی حدود ۱۰۴۰هـق می باشد.
فعالیتهای آموزشی : شیخ عبدالله قزوینی پس از رسیدن به مقام شامخ علمی ، کرسی تدریس حکمت متعالیه را در مدرسه قزوین به دست گرفت و از فحول مدرسین عصر خود بود.
آرا و گرایشهای خاص : شیخ عبدالله قزوینی از ائمه متکلمان و اقطاب عرفا و حکمای شیعه در عصر صفوی بود. وی از جمله علمای فارسی نویس عصر صفوی و پایه گذار مکتب قزوین در هندوستان می باشد.
آثار :
۱ رساله در اخلاق
ویژگی اثر : این رساله به فارسی تالیف شده است
۲ رساله در عرفان

ویژگی اثر : این رساله به فارسی تالیف شده است

۳ کتاب وفات پیامبر (ص)

ویژگی اثر : این کتاب به زبان فارسی بوده که نسخهٔ مورخ ۱۰۲۷ هـق را میرزا عبدالله افندی در تبریز مشاهده کرده و شامل فتن و اختلافات بین صحابه و وقایع بعد از وفات رسول الله(ص) است و خطبه غدیر را بسیار مبسوط تر آنچه معروف است ذکر می کند.

قزوینی، عبدالوهاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۶ -۱۲۶۳ ق)، نویسنده. معروف به ملا آقا. وی در گلیزور از توابع قزوین به دنیا آمد. ابتدا از مدرسین مدرسه دوتسعلی خان معیرالممالک در تهران بود و چون در علوم ادبی و شرح حال علما و رجال اسلام تبحر داشت، از طرف علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه، وزیر علوم، به همراهی سه نفر دیگر برای نوشتن «نامه دانشوران» برگزیده می‌شود. بیشتر شرح احوال علمای لغت و صرف و نحو و ادب و فقه در کتاب مزبور نوشته‌ی اوست. وی در تهران درگذشت. از دیگر آثار او کتاب «رجال المولی عبدالوهاب» است که آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی در «الذریعه» آن را ذکر کرده است.[1]

شیخ عبدالوهاب قزوینی بن عبدالعلی قزوینی عالمی متبحر بوده و در سال ۱۳۰۶ وفات کرده

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] الذریعه (۱۳۰ / ۱۰)، شرح حال رجال (۱۵۲ / ۶ ،۳۱۷ / ۲)، المآثر و الآثار (۱۶۱)، مینو در (۹۵۶ / ۲)، نامه‌ی دانشوران (۱/ مقدمه)، یادگار (س ۵، ش ۱۰، ص ۴۵).

قزوینی، عبدالهادی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۶ ق)، خطاط، موسیقیدان و شاعر. وی برادر همسر و شاگرد ملک دیلمی خوشنویس بود. از علوم ریاضی بهره داشت و در موسیقی از مشاهیر عصر بود و تصنیفهای خوب می‌ساخت و شعر نیز می‌سرود. گفته می‌شود که وی صاحب «دیوان» نیز بوده است. عبدالهادی در خط نستعلیق، بخصوص کتیبه‌نویسی قدرت تمام داشت. وی در قزوین درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۲۲ / ۲)، تاریخ موسیقی (۳۲۴ / ۱)، قزوین در گذرگاه هنر (۲۳۸)، گلستان هنر (۱۰۶ -۱۰۵).

قزوینی، علامه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا علامهٔ بن ملا صالح برغانی قزوینی حایری عالمی کامل و فاضلی پارسا از شاگردان فاضل اردکانی در کربلاء و میرزاء رشتی و غیره در نجف بوده و در حدود ۱۳۱۰ وفات نموده

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، علی‌اصغر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی‌اصغر از مردان بافضیلت و علم و تقوا و ورع و از شاگردان میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی و میرزا حسین خلیلی و آخوند خراسانی بوده و در سال ۱۳۳۳ ق در قزوین وفات کرده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ میرزا علی‌اکبر بن شیخ حسین بن ملا صالح برغانی قزوینی عالمی فاضل و از بیت فضل و دانش ملقب به صدرالعلماء قزوینی

بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، عمادالدین، ابوعبدالله زکریا

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۸۳ / ۶۸۲ -۶۰۵ / ۶۰۰ ق)، عالم، ادیب، قاضی، فقیه، محدث، مورخ، جغرافیدان و خطاط. معروف به عماد قزوینی. نسبش به مالک بن انس انصاری خادم پیامبر (ص) می‌رسد. در قزوین به دنیا آمد. در جوانی به شام رفت و پس از تحصیلات به عراق مسافرت کرد. او شاگرد اثیرالدین ابهری حکیم بزرگ ایرانی بود. ابن‌طاووس، سید غیاث‌الدین عبدالکریم بن احمد بن طاووس، مجلس او را درک نموده است. وی در ۶۵۰ ق قاضی حله و در ۶۵۲ ق قاضی واسط شد و تا آخر عمر عهده‌دار آن منصب بود.در واسط درگذشت و پیکرش به بغداد نقل و در مقبره‌ی شونیزیه دفن شد. از آثار وی: «آثار البلاد و اخابر العباد»، در جغرافی، که ظاهرا در «کشف الظنون» به نام «عجائب البلدان» نیز آمده است؛ «عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات»، به عربی، در وصف کائنات، در دو مقاله: مقاله نخست در علویات و مقاله دوم در سفلیات به نام سلطان معزالدین شاپور. این دو کتاب گرچه هر کدام کتابی مستقل است اما در حقیقت حکم دائره‌المعارف واحدی درباره عالم و موجودات و مخلوقات و بلاد و آثار آن دارد و این کتاب به فارسی و آلمانی و ترکی ترجمه شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۸۰ / ۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۸۱ -۲۷۹ / ۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۶)، الذریعه (۲۱۹ / ۱۵ ،۷ / ۱)، روضات الجنات (۳۷۳ / ۳)، ریحانه (۴۵۳ / ۴)، کشف الظنون (۱۱۲۸ -۱۱۲۷ ،۱۱۲۶ ،۹)، الکنی و الالقاب (۶۲ -۶۱ / ۳)، معجم المؤلفین (۱۸۳ / ۴)، مینودر (۸۳۷،۵ -۳ / ۲)، هدیه الاحباب (۲۱۶)، هدیه العارفین (۳۷۳ / ۱).

قزوینی، عیسی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ عیسی بن ملا محمدتقی برغانی قزوینی عالمی بزرگ و فقیهی متقی و صالح از بزرگان اهل فضل و علم و ورع و تقوا و از شاگردان علامه سید حسین کوه‌کمری و شیخ محمدحسین کاظمی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی و غیرهم بوده و در سال ۱۳۳۹ وفات کرده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، غلامعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ غلامعلی قزوینی مشهور به حاج آخوند بن حسن بن رضا بن خدابنده بن رضابنده قزوینی عالمی خبیر و فاضلی روشن ضمیر بوده و در سال ۱۳۰۶ ق وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، فتح الله

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ فتح الله قزوینی (متوفی سال ۱۰۵۰هـق) از علمای بزرگ قزوین بود. وی پس از آنکه در علوم عقلی و نقلی به نبوغ علمی دست یافت ، کرسی تدریس و رهبری را در حوزه قزوین به دست گرفت و طلاب علوم دینی از اطراف و اکناف به حلقهٔ درسی او پیوستند. او در خطابه و وعظ مهارت بسیار داشت و به همین خاطر به واعظ قزوینی مشهور گردید. شیخ فتح الله آثاری به تالیف رسانده که عموماً حوزه علوم دینی را در می گیرد.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : تبار و ذریه شیخ فتح الله به دو شاخه تقسیم می شوند: خاندان شفائی و خاندان سامت. بقیه خاندان سامت را امروزه در قزوین با شیخ العلما میرزا عبدالرحیم سامت می شناسند. اصل این طایفه از قریه صفی آباد در نواحی قزوین بوده و نخستین شخصی که در عصر صفوی قزوین را مسکن خویش قرار داده و به تحصیل علوم دینی پرداخته است. علمای دیگری نیز از این خاندان برخواسته اند از جمله شیخ عبدالکریم صاحب کتاب نظم الغرر و شیخ محمد یحیی صاحب ترجمان اللغه و... تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ فتح الله قزوینی پس از تکمیل مقدمات متداوله ، به فراگیری فنون ادب و علوم عقلی و نقلی مشغول شد.استادان و مربیان : شیخ فتح الله

محضر درس شیخ بهایی و فخرالدین سماکی قزوینی را در ک نموده است.همسر و فرزندان : شیخ فتح الله قزوینی سرسلسله خاندان واعظ قزوینی و پدر شیخ ملا رفیع الدین محمد قزوینی متخلص به واعظ و متوفی سال ۱۰۸۹ هـق صاحب کتاب ابواب الجنان است. شیخ حر عاملی (۱۰۳۳-۱۱۰۴هـق) نیز در امل الآمل شیخ فتح الله را پدر ملا رفیع الدین محمد دانسته است.زمان و علت فوت : شیخ فتح الله قزوینی متوفی سال ۱۰۵۰هـق می باشد.فعالیتهای آموزشی : شیخ فتح الله قزوینی پس از آنکه در علوم عقلی و نقلی به نبوغ علمی دست یافت ، کرسی تدریس و رهبری را در حوزه قزوین به دست گرفت و طلاب علوم دینی از اطراف و اکناف به حلقهٔ درسی او پیوستند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شیخ فتح الله در خطابه و وعظ مهارت بسیار داشت و به همین خاطر به واعظ قزوینی مشهور گردید. او همچنین آثاری به تالیف رسانده که حوزه علوم دینی را در می گیرد.آرا و گرایشهای خاص : شیخ فتح الله از متکلمان شیعه و شیوخ مجتهدین عصر خویش در قزوین بود. همچنین او را ردیف عالمان علوم عقلی و نقلی قرار داده اند.آثار : رساله در امامت ،رساله در عرفان

منابع زندگینامه :نسیم قزوین ، بنیاد فرهنگی قزوین شناسی ، به کوشش محمدعلی حضرتی ، دفتر اول ، زمستان ۱۳۷۵ ، ص ۱۶۰

قزوینی، فضل علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قزوینی قدس سره متولد ۱۲۹۰ قمری و متوفی ۱۳۶۷ قمری است چنانچه در الذریعه ج ۲ ص ۲۵۸ یاد شده است فرزند علامه زاهد بارع ملا ولی محمد قدس سره در قزوین به دنیا آمده و دوره مقدمات را در مدرسه صالحیه تکمیل سپس به تهران عزیمت نمود و در آنجا از اساتید بزرگ بهره‌مند شده و بعد متوجه حوزه علمیه اصفهان گردیده و چندی در آنجا اقامت و بین محصلین مشار بالبنان گردیده و سپس هجرت به نجف اشرف نموده و از محضر علامه خراسانی آخوند ملا محمد کاظم صاحب کفایه‌الاصول استفاده نموده و مورد توجه خاص ایشان قرار گرفته و پس از چندی حسب‌الامر معظم‌له مراجعت به ایران و در وطن مالوف خود مرجع مراجعات عمومی و مرافعات بودند لکن شدت علاقه به زیارات و بحث و تدریس به طور اغلب در مسافرت بودند. حوزه علمیه قم و مشهد مقدس به قدر امکان از ایشان جهت استفاده علمی و ارشادی استقبال می‌نمودند خاصه آبتین علمین همدانین آخوند ملا علی و میرزا محمد طالب ثراهما چون در بعضی علوم اطلاعات داشتند. در مشهد مقدس مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی با ایشان ارتباط حسنه ممتده داشتند تا آنکه در قضیه کشف حجاب در منزل آماده پذیرائی بودند ناگاه یکی از دوستان خصوصی به عجله و هراسان وارد شده و مخفیانه و به طور نجوی گفتند فرمانداری بودم نام حضرتعالی و چند نفر از علماء قزوین در مجلس عشرت با همسرشان دعوت خواهید شد. معظم‌له با حالت اضطراب شدید چشم از جمیع موقعیتها پوشیده و فرار را بر قرار اختیار و خائفا یترقب به اسرع وقت پناه به قبر حضرت ابی‌عبدالله الحسین علیه‌الصلوه والسلام برده و حدود چهارده سال در آنجا اقامت و علاوه بر بحث و تدریس کتب مشروحه ذیل را تألیف نمودند:

۱- اصحاب حضرت سید الشهداء علیه‌السلام.

۲- زندگانی حضرت سید الشهداء علیه‌السلام.

۳- بانوان و زنانی که در کربلا بودند.

۴- کتاب زندگانی حضرت صادق علیه‌السلام و روساء مذاهب باطله اهل سنت.

۵- شرح خطبه حضرت صدیقه کبری علیهاالسلام.

۶- مختصری در حالات حضرت معصومه (ع).

معظم‌له پس از چهارده سال اقامت در کربلا به شوق زیارت حضرت رضا علیه‌السلام به ایران آمده و در قم به منزل مرحوم حاج سید ابوالقاسم روحانی برادر داماد گرامیشان مرحوم حجهٔ‌الاسلام حاج آقا احمد روحانی واعظ وارد شده و مورد احترام کم‌سابقه همه علماء خاصه حضرت آیت‌اللّه العظمی بروجردی قرار گرفته ولی متاسفانه به مقصدشان که زیارت حضرت ثامن‌الحجج علیه‌السلام بود نائل نشده و در راه زیارت در جوار خواهر گرامی آن حضرت، حضرت فاطمه معصومه علیهاسلام از دنیا رفته و با تشییع و تجلیل فراوان در شیخان قم در این معدن مردمی به خاک رفتند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

قزوینی، مجتبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجتبی قزوینی از علماء وارسته و دانشمندان شایسته و مربیان برجسته معاصر مشهد بودند. ولادت ایشان در یکی از مضافات قزوین واقع شده و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح در قزوین و تهران مهاجرت به مشهد نموده و سالها از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا محمد کفائی معروف به آقازاده و دیگران و بالاخص مرحوم عالم ربانی آیت‌اللّه آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی استفاده نموده تا به درجه کمال از علم و معارف الهی رسیده و خود به تدریس فقه و اخلاق و تربیت جمعی از فضلاء شایسته و مهذب مشهد پرداخته و عده‌ای از محضر و بیانشان به مقام شامخی از علم و اخلاف رسیدند.

دارای تألیفـاتی در معارف و اخلاق و غیره بوده‌انـد که از آنها بیان الفرقان مسـجد مرونیها اقامه جماعت داشـتند تا در سال ۱۳۸۷ ق وفات نموده و در آستانه مقدسه رضوی به خاک رفته‌اند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قزوینی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد قزوینی در سال ۱۲۵۴ خورشیدی در قزوین متولد گردید. تا سال ۱۳۰۶ ق. که پدرش در حال حیات بود ، مقدمات صرف و نحو را نزد پدر آموخت. پس از فوت پدر تحت سـرپرستی شمس العلما شیخ محمدمهدی عبدالرب آبادی قزوینی ، نزد علمای وقت به تکمیـل تحصـیلات پرداخت. قزوینی پس از مـدتی به جهت مطالعـات بیشتر به اروپا رفت و مـدتها در فرانسه ، انگلسـتان و آلمان اقامت داشت. علامه محمد قزوینی در سن ۲۶ سالگی به اروپا رفت. در لندن پس از آشنا شدن به طرز کار خاورشناسان ، به دعوت پرفسور ادوارد براون و امنـای اوقـاف گیب دست به کـار تصـحیح و انتشار تاریـخ جهانگشای جوینی زد ، پس از دو سال اقامت در لندن ، در ماه ربیع الثانی ۱۳۲۴ به پاریس رفت ؛ او در این مـدت به نشـر جلد اول تاریخ جهانگشای جوینی و آماده کردن جلد دوم آن برای چاپ توفیق یافت و ضـمناً چنـد مقاله و رساله درباره ادبیات و تاریـخ ایران نوشت ، و دو سه متن از متون قـدیمه فارسـی را تصـحیح کرد. قزوینی یـک سال پس از جنگ جهانی اول به آلمان رفت . بعـد از خاتمه جنگ در روز ۱۳ دی ماه ۱۲۹۸ (۴ ژانویه ۱۹۲۰) به دعوت میرزا محمـدعلی خان فروغی به پاریس بر گشت و تصـحیح کتبی را که نیمه کاره مانده بود از سـر گرفت. در این زمـان از سوی وزارت فرهنگ مبلغی در اختیار او گذاشـته شـد که با بعضـی نسـخ خطی نفیس عکسبرداری نموده و به ایران ارسال دارد. قزوینی در سـال ۱۳۱۸ ، بـه علـت جنـگ جهـانی دوم فرانسه را ترک کرد و برای اقـامت دایم به ایران بـازگشت. در ایران نیز اوقات قزوینی پیوسته مصروف مطالعه و تحقیق و تصحیح متون قدیمه بود. علامه محمد قزوینی در روز جمعه ششم خرداد ماه ۱۳۲۸ ش. در تهران درگذشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : تصحیح متون

والـدین و انساب : نام پـدر محمـد قزوینی، عبـدالوهاب بن عبـدالعلی قزوینی است. عبدالوهاب یکی از مولفین اربعه «نامه دانشوران» می باشد.

اوضـاع اجتمـاعی و شـرایط زنـدگی : پـدر علامه قزوینی از علمای زمان خود بود که در مـدرسه دوسـتعلی خان معیر الممالک ، در تهران به کار تدریس اشـتغال داشت. او از جمله کسانی است که با سه تن از دانشـمندان دیگر ، در نوشتن « نامه دانشوران » شرکت داشته و بیشتر ترجمه احوال علمای لغت و صرف و نحو و ادب و فقه در کتاب مزبور به قلم اوست.

تحصیلات رسـمی و حرفه ای : محمـد تحصـیلات علوم متـداوله اسـلامی را در تهران سپری کرد. قزوینی بـا وجود آنکه از خانواده علمای دین بود، از همان عهد جوانی در خط تحصیل زبان های اروپایی و آشنا گشتن با طریقه تتبع و تحقیق فرنگیان افتاد.

فعالیتهای ضـمن تحصـیل : علامه قزوینی در ایام تحصـیل با درس دادن به بعضی از دوستان و آشنایان خود امرار معاش می نمود. از جمله فعالیت های دیگر او در این زمان ترجمه مقالات و کتب از زبان عربی بود که توسط روزنامه تربیت ایشان انتشار می یافت.

اسـتادان و مربیان : محمـد قزوینی، صـرف و نحو را درخـدمت پـدرش عبـد الوهاب بن عبـد العلی قزوینی و در خدمت حاجی سـید مصـطفی قنات آبادی در مدرسه معیر الممالک و فقه را در خدمت، همسو و شیخ محمد صادق تهرانی و اندکیکمتر در محضر شیخ فضـل اللهنوری، کلام و حکمت قـدیم را از شـیخ علی نوری درمـدرسه خان مروی و اصول فقه را نزد ملا محمـد آملی در مدرسـه خـازن الملک، اصول فقه خارج را در محضـر افضل المتاخرین میرزا حسن آشتیانی آموخته است. او همچنین از محضـر شـیخ هادی نجم آبادی نیز بهره برده است، اما بدون تدریس و تدرس کتب رسمی وی از سید احمد ادیب پیشاوری نیز کسب فیض کرده است. شمس العلمـا شـیخ محمـد مهـدی قزوینی عبـدالرب آبـادی، میرزا محمـد حسـین خان اصـفهانی (متخلص به فروغی و ملقب به ذکا الملک) نیز از اساتید قزوینی بوده اند.

همسـر و فرزنـدان : محمد قزوینی در سـفر دوم خود به پاریس با یک خانم ایتالیایی ازدواج نمود ، که حاصل آن یک دختر بود که برای او به یادگار ماند.

وقایع میانسالی : در اوایل سال ۱۳۲۲ محمد قزوینی بنا به دعوت برادرش (میرزا احمد خان) به لندن سـفر کرد، و از کتابخانه بزرگ لندن دیدن کرد. او در این سـفر با مستشـرقین انگلیسـی بسیاری آشنا شد از جمله پرفسور توان (A.A.Bevan)، الس (A.G.Elis)، آمـد روز (H.F.Amedroz) و ادوارد براون (E.G.Browne). علامـه قزویی بـا میرزا عبـاس خـان اقبـال آشتیـانی نیز مراوده و مکاتبه داشت، همچنین با میر محمد حسین خان عمیدالملک حسابی. [محقق. مهدی، زندگینامه و آثار مرحوم علامه محمد قزوینی، دی ماه ۱۳۷۸، ص ۳۰–۲۹] قزوینی با کازانوا (P.Casanova) و گابریل فران (.FerandG)، مستشرقین فرانسوی نیز آشنا بود. علامه قزوینی، با احمد زکی ولیدی طوغان ، رهانری ماسه، ماسینیون،برتلز، مارکوارت و ادوارد براوان آشـنایی داشته است. محمد قزوینی با علی اکبر دهخدا، نویسنده لغت نامه دهخدا، همدوره و دوست بود. همچنین با حاجی سید نصر الله اخوی، حسینقلی خان نواب، سید حسن تقی زاده،میرزا فضـلعلی آقا مجتهـد تبریزی، سـید محمد علی خان جمال زاده، میرزا محمود خان غنی زاده، میرزا حسین خان کاظم زاده (ایرانشهر) میرزا محمد علی خان تربیت، سید محمد رضا مساوات و میرزا ابراهیم پور داود. از دوستان آلمانی

محمد قزوینی می توان به مستشرقینی همچون مارکوارت (j.Marquart)، زاخائو(E.Sachau)، موریتز (B.Moritz) هارتمن (M.Hartmann)، مان(o.Mann)، میتوخ (E.Mitwoch)، فرانک (Frank)، بک (S.Beck)، نولدکه(T.Noldeke) اشاره کرد. قزوینی به پاریس نیز مسافرتی داشت که بر اثر آن لبا جمعی از مستشرقین فرانسه آشنا شده است همانند هرتویک درنبورک (Hartwig Dernbourg)، باربیه دومنار (Barbier de Meynard)، میه (A.Meillet) و هوارت (C.Huart) قزوینی در اواخر زندگانی خود می گفت: «... اکنون که تامیل ایام گذشته می کنم و بر عمر تلف کرده تاسف میخورم باز یکی از بهترین تفریحات من مطالعه شرح رضی و مغنی البیب است که برای من احلی من وصل الحبیب است!العاده کالطبیعه الثانیه.»

زمان و علت فوت : محمد قزوینی، روز جمعه ششم خرداد ۱۳۲۸ شمسی مطابق با ۲۸ رجب ۱۳۶۸ قمری، حدود ساعت ده و نیم در کوچه دانش منشعب از خیابان فروردین تهران، چهره در نقاب خاک کشید.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد قزوینی در سن ۲۶ سالگی به اروپا رفت. در لندن پس از آشنا شدن به طرز کار خاورشناسان ، به دعوت پرفسور ادوارد براون و امنای اوقاف گیب دست به کار تصحیح و انتشار تاریخ جهانگشای جوینی زد ؛ چون بهترین نسخ آن کتاب در کتابخانه ملی پاریس بود، پس از دو سال اقامت در لندن ، در ماه ربیع الثانی ۱۳۲۴ به پاریس رفت ؛ و از آن تاریخ تا سال ۱۳۳۳ ق. همیشه در پایتخت فرانسه مقیم بود ؛ او در این مدت به نشر جلد اول تاریخ جهانگشای جوینی و آماده کردن جلد دوم آن برای چاپ توفیق یافت و ضمناً چند مقاله و رساله درباره ادبیات و تاریخ ایران نوشت ، و دو سه متن از متون قدیمه فارسی را تصحیح کرد. قزوینی یک سال پس از جنگ جهانی اول ، به دعوت سیدحسن تقی زاده ، که در برلین سرپرستی کمیته ایرانی آلمان را داشت و در آنجا روزنامه کاوه را منتشر می ساخت ، به همراهی حسینقلی خان نواب که به سمت سفیر ایران در آلمان انتخاب شده بود ، به آلمان رفت و در ۱۸ ذی الحجه ۱۳۳۳ (۲۷ اکتبر ۱۹۱۵) به برلین رسید و تا چندی پس از پایان جنگ در آن شهر ماند. بعد از خاتمه جنگ در روز ۱۳ دی ماه ۱۲۹۸ (۴ ژانویه ۱۹۲۰) به دعوت میرزا محمدعلی خان فروغی به پاریس برگشت و تصحیح کتبی را که نیمه کاره مانده بود از سر گرفت. در این زمان از سوی وزارت فرهنگ مبلغی در اختیار او گذاشته شد که از بعضی نسخ خطی نفیس عکسبرداری نموده و به ایران ارسال دارد ؛ او جمعاً ۱۶ کتاب عکس گرفت و با مقدمه های به ایران فرستاد. قزوینی در سال ۱۳۱۸ ، به علت جنگ جهانی دوم و مشکلاتی که خارجیان مقیم در اروپا گریبانگیر آن شدند ، فرانسه را ترک کرد و ، بعد از سی وشش سال غربت ، در مهر ماه آن سال ، برای اقامت دایم به ایران بازگشت. در ایران نیز اوقات قزوینی پیوسته مصروف مطالعه و تحقیق و تصحیح متون قدیمه بود.

همفکران فرد : روش محمد قزوینی در کار متن شناسی آن چنان از دقت نظر برخوردار بود که بزرگانی چون فروزانفر ، بهار ، دهخدا ، اقبال آشتیانی ، مینوی و ... را متأثر ساخت.

آرا و گرایشهای خاص : محمد قزوینی در کار متن شناسی ، استادی زبردست بود. اجتهاد متن شناسی وی نه تنها در متونی که خود تصحیح کرد ، بلکه در مقالات و رسائلش نیز به خوبی قابل درک است. دکتر قاسم غنی همکار علمی قزوینی در تصحیح دیوان حافظ در مورد وی چنین می گوید: « مرحوم قزوینی روش تدقیق و نقد ادبی را به معاصرین خود آموخت؛ آفتاب فیاض با برکتی بود که هرکس را مستعد می دید به تربیت و ارشاد او می پرداخت... » --

----

آثار :

. ۱

ویژگی اثر : علامه محمد قزوینی برای کتابخانه شخصی خود که اکنون در دانشکده ادبیات تهران محفوظ است برای خود فهرستی تهیه کرده و برای همه کتابهای چاپی و خطی به شیوه ای دقیق کتابداری، اطلاعات لازم را نوشته است که شامل چهار جلد فهرست را شامل می گردد.

۲ بیست مقاله

ویژگی اثر : این کتاب شامل دو جلد است.[ص۴۵]

۳ تصحیح المعجم فی معاییر اشعار العجم

ویژگی اثر : این اثر تالیف شمس قیس رازی است. [ص۴۲]

۴ تصحیح تاریخ جهانگشای جوینی

ویژگی اثر : این اثر تالیف علا الدین عطا ملک جوینی است.[صص ۴-۴۳]

۵ تصحیح چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی

ویژگی اثر : این اثر تالیف نظامی عروضی سمرقندی است[ص۴۳]

۶ تصحیح دیوان حافظ

ویژگی اثر : این اثر تالیف حافظ شیرازی است.[ص۴۴]

۷ تصحیح کتاب شد الازار فی حط الاوزار عن زوار المزار

ویژگی اثر : این اثر تالیف معین الدین شیرازی است.[ص ۴۴]

۸ تصحیح مرزبان نامه

ویژگی اثر : این اثر تالیف مرزبان بن رستم است.[ص۴۲]

۹ تصحیح مقدمه قدیم شاهنامه

ویژگی اثر : این اثر تالیف فردوسی لوسی است. [ص ۴۷]

۱۰ رساله ای در شرح حال مسعود سعد سلمان

ویژگی اثر : [ص۴۵]

۱۱ رساله در شرح احوال شیخ ابوالفتوح رازی

ویژگی اثر : این اثر به نام خاتمه الطبع راجع به شرح احوال مولف کتاب و وصف اجمالی تفسیر حاضر چاپ شده است. [صص ۸-۴۷]

۱۲ رساله ممدوحین سعدی

ویژگی اثر : [ص۴۷]

۱۳ مقاله تاریخی و انتقادی راجع به کتاب نفثه المصدور

ویژگی اثر : این اثر تالیف نور الدین محمد نسوی است.[ص۴۷]

۱۴ مقدمه تذکره الاولیا

ویژگی اثر : این اثر تالیف عطار نیشابوری است.[ص۴۵]

۱۵ مقدمه تذکره الشعرا عوض

ویژگی اثر : این اثر موسوم به لباب الالباب است.[ص۴۵]

منابع زندگینامه :سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین ، نوشته: پرویز ورجاوند ، ج ۲ ، تهران : نشر نی ، ص ۱۲۵۴]۲[محقق. مهدی، زندگینامه و آثار مرحوم علامه محمد قزوینی، دی ماه ۱۳۷۸، ص ۱]۳[از نیما تا روزگار ما ، تالیف: یحیی آرین پور ، ج۳ ، تهران: انتشارات زوار ، ص۱۰۸

قزوینی، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل معمّر، استاد ریاضی، ساکن مدرسه ی نیم آورد، و از مدّرسین حساب و هیئت قدیم. متجاوز از نود سال عمر کرده، و در ۲۸ ربیع الثانی سال ۱۳۶۵ وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قزوینی، محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضا بن سید هاشم موسوی قزوینی حایری عالمی جلیل از علماء کربلا بوده و در سال ۱۳۴۸ وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، محمد شفیع

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۵۹ ق)، خطاط. شاگرد میرعماد و در کتابخانه‌ی سلطنتی ملازم بود. میرزا سنگلاخ به او لقب خلیفهٔالخلفا داده و گفته که در دوازده سالگی از قزوین به اصفهان رفت و نزد پدر به تعلیم خط پرداخت و خط خود را نزد میرعماد تکمیل کرد. محمد شفیع شعر نیز می‌گفت و کتابدار شاه عباس بود. پس از مرگ پدر به قزوین بازگشت و به مشاغل مهم دیوانی اشتغال ورزید. او در اصفهان درگذشت و در مزار بابا رکن‌الدین دفن شد. از آثار وی: یک نسخه «لوامع الاشراق» جلال‌الدین دوانی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «تمت الکتاب... سنهٔ تسعهٔ و خمسین و الف... محمد شفیع بن عبدالجبار غفر له» که اگر خط همین محمد شفیع باشد، پیداست که شیوه‌ی میرعماد و عبدالجبار، پدر خود را، بخوبی اخذ کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۶۳ -۷۶۲/ ۳).

قزوینی، محمد معصوم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۹۹ / ۱۰۹۱ ق)، عالم امامی، حکیم، ریاضیدان، محدث و مصنف. او ریاضیات را در محضر ملا محمد باقر یزدی، صاحب «عیون الحساب»، تلمذ کرد. امیر محمد معصوم در فلسفه و کلام شاگرد میرزا رفیعا امیر رفیع‌الدین نایینی بود. «اصول کافی» را بر استادش قرائت کرد و از او به دریافت اجازه نایل آمد. وی همچنین حاشیه‌ی استادش بر «اصول کافی» را، در زمان حیات استاد، تدوین کرد. او معاصر آقا حسین خوانساری و ملا محسن فیض کاشی و ملا محمد تقی مجلسی بود. در حدیث، ریاضیات، حکمت

و علوم عربی مهارت کامل داشت. از آثار وی: منتخب «الملل و النحل» شهرستانی؛ حاشیه بر «شرح الاشارات» خواجه نصیر طوسی؛ حاشیه بر «الشفاء» ابن‌سینا؛ حاشیه بر «حاشیه‌ی خفری بر شرح تجرید قوشچی»؛ حواشی بر «تعلیقات» میرزا رفیع نایینی؛ رساله‌ای در «ریاضیات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۳۸ / ۲۲ ،۱۸۴ ،۱۴۳ ،۱۱۲ / ۶)، ریحانه (۴۵۰ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۷۴ -۵۷۳ / ۱۱).

قزوینی، محمدجعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ مولانا محمدجعفر قزوینی از علماء کربلا در عصر خود بوده و حدود ۱۲۸۰ وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدحسین بن علی (عباس علی) طالقانی قزوینی حایری متولد ۱۲۱۸ و متوفی ۱۲۸۱ ق از اعاظم فقهاء و اجلاء علماء و از شاگردان شریف‌العلماء و صاحب جواهر و غیرهما و دارای آثاری چون نتایج‌البدایع در شرح شرایع و نتیجهٔ‌البدیعه و غیرها بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، محمدصادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدصادق بن العالم الجلیل ملا علی قارپوزآبادی قزوینی عالمی کامل و فاضلی جلیل بوده و بعد از ۱۳۳۳ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد ابراهیم بن سید هاشم بن محمدعلی موسوی قزوینی حایری عالمی فاضل بوده و در سال ۱۳۶۰ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، محمدکاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد کاظم فرزند مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد ابراهیم موسوی حایری قزوینی از مشاهیر خطباء و محدثین و مبلغین و مروجین و نویسندگان نامی معاصر و مقیم شهرستان علمی و دینی قم می‌باشند.

در سال ۱۳۴۸ هجری قمری در کربلاء معلی علی من شرفها الصلوه والسلام به دنیا آمده و در مهد فضل و سیادت پرورش یافته و پس از دوران کودکی و خواندن اولیات و ادبیات و سطوح اولیه را در خدمت مرحوم حاج شیخ جعفر رشتی و حاج شیخ محمد خطیب و سید محمد صالح قزوینی و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد حسن قزوینی معروف به حاج‌آقا و دروس نهائی را از محضر آیت‌اللّه میرزا مهدی شیرازی و آیت‌اللّه میلانی و آیت‌اللّه حاج شیخ یوسف شاهرودی و آیت‌اللّه حاج سید محمد حسن قزوینی صاحب (الامامه الاکبری) استفاده نموده است.

در سال ۱۳۹۳ هجری قمری مهاجرت به کویت و مدت هفت سال اقامت و به خدمات تبلیغی و تالیفی اشتغال داشته و در سال ۱۴۰۰ قمری به قم هجرت و اقامت نموده و چهار مرتبه برای ارشاد و تبلیغ دین به استرالیا سفر نموده و از راه منبر و خطابه چه در خارج و چه در داخل ایران قم و تهران و غیره نشر معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام نموده و خدمات ارزنده و چشمگیری نموده و می‌نمایند.

معظم‌له داماد گرامی آیت‌اللّه العظمی میرزا مهدی شیرازی می‌باشند دارای پنج فرزند فاضل و برومندند به اسامی زیر که اسباط

مرحوم میرزا مهدی شیرازی هستند و همگی در حوزه علمیه اشتغال به درس و تدریس سطوح عالیه دارند.

۱– حاج سید محمد ابراهیم موسوی قزوینی

۲– حاج سید محمدعلی موسوی قزوینی

۳– حاج سید مصطفی موسوی قزوینی

۴– حاج سید محسن موسوی قزوینی

۵– حاج سید جعفر موسوی قزوینی

تألیفات ارزنده دارند که به طبع رسیده و آنها از این قرار است:

۱– شرح نهج‌البلاغه– سه مجلد

۲– علی (علیه‌السلام) من المهد الی اللحد

۳– فاطمه الزهراء (علیهاالسلام) من المهد الی اللحد

۴– الامام المهدی (علیه‌السلام) من المهد الی الظهور

۵– الامام الجواد (علیه‌السلام) من المهد الی اللحد

۶– الامام الهادی (علیه‌السلام) من المهد الی اللحد

۷– الامام العسکری (علیه‌السلام) من المهد الی اللحد

۸– سیره الرسول الاعظم (صلی اللّه علیه و آله و سلم)

۹– فاجعه الطف

۱۰– الاسلام والتعالیم

و در حال حاضر مشغول به تألیف موسوعه‌ای درباره زندگانی و شخصیت حضرت صادق علیه‌السلام می‌باشند که به ده‌ها جلد خواهد رسید.

تولد: ۱۳۰۸.

درگذشت: ۱۳۷۳.

آیت‌الله محمدکاظم قزوینی صاحب آثار زیر است: اسلام و تعلیمات تربیتی (ترجمه ذکرالله احمدی، قم، ۱۳۷۰)؛ الامام المهدی علیه‌السلام من المهد الی الظهور (بیروت، ۱۳۷۰)؛ الامام الهادی علیه‌السلام من المهد الی اللحد (قم، ۱۳۷۱)؛ عاشورا غمبارترین روز تاریخ (ترجمه و نگارش علیرضا کرمی، قم، ۱۳۷۴)؛ فاطمه‌ی زهرا (ع) از ولادت تا شهادت (ترجمه حسین فریدونی، ۱۳۷۱ ،۱۳۶۵)؛ موسوعه الامام الصادق علیه‌السلام (قم، ۱۳۷۲). همچنین در اولین بزرگداشت سالگرد رحلت آیت‌الله قزوینی، کتاب زیر از سوی ستاد مربوطه منتشر گردید: صفحاتی از زندگینامه آیت‌الله سید محمدکاظم قزوینی قدس سره (۱۳۷۴).

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

قزوینی، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدباقر بن میرزا مهدی بن سید محمدباقر موسوی قزوینی از علماء کربلاء و معروف (به حاج آقا میر) از شاگردان فاضل اردکانی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی و سید محمدحسین شهرستانی بوده و در سال ۱۳۳۳ وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، میرزا محمد طاهر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمد طاهر قزوینی ، متخلص به وحید ، از شاعران سده یازدهم و اوایل یازدهم است که در قزوین متولد گردید. وحید به سبب استعداد ذاتی ، به تحصیل مقدمات علوم زمانی خود مشغول گردیدو در فن سیاغ و امور دفتری و استیفا مهارت و در انشاء و حسن خط به حسب مقدور کوشید. پس از فراغت از تحصیل وارد خدمات دیوانی شد ، وی نخست به عنوان دستیار میرزا صالح پسر میرزا باقر توجیه نویس به تحریر جلدی از دفاتر توجیه مشغول گردید و چون میرزا صالح فوت نمود، میرزا طاهر (وحید) با لیاقتی که از خود ظاهر ساخته بود، به عنوان دستیار و مشیر ومشار اعتمادالدوله میرزا تقی مشهور به سارو تقی و زیر شاه صفی (۱۰۳۸–۱۰۵۲ هـ.ق) و شاه عباس دوم (۱۰۵۲–۱۰۷۷ هـ.ق) ، کفالت آن خدمت را عهده دار شد. پس از قتل ساروتقی ، اعتمادالدوله – سید علاء الدین خلیفه سلطان – صدرالعظم دستگاه شاه عباس دوم منصب مجلس نویسی یا وقایع نگاری را به عهده وحید قزوینی نهاد ، و به سال ۱۰۵۵ هـ.ق مورخ رسمی دربار شاه عباس دوم و مامور نوشتن تاریخ سلطنت این پادشاه شد. او همچنین بعد از وزارت شیخ علیخان زنگنه یک چند با لقب عمادالدله وزیر اعظم شاه سلیمان (۱۰۷۷ – ۱۱۰۵ هـ.ق) گشت و تا جلوس شاه سلطان حسین (۱۱۰۵–۱۱۳۵ هـ.ق) بر این مسند باقی ماند. وحید قزوینی علاوه بر مشاغل دیوانی ، وقایع نگار و شاعری توانا بوده و آثاری نیز از خود به یادگار نهاده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : میرزا محمد طاهر قزوینی ، متخلص به « وحید » ، از ادبا و فضلا و رجال دوره صفوی و از شاعران سده یازدهم و اوایل دوازدهم هجری است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : میرزا محمد طاهر قزوینی به سبب استعداد ذاتی ، به تحصیل مقدمات علوم زمانی خود مشغول گردیدو در فن سیاغ و امور دفتری و استیفا مهارت و در انشاء و حسن خط به حسب مقدور کوشید.

هم دوره ای ها و همکاران : میرزا محمد طاهر قزوینی با شاعر بزرگ زمان خود ، صائب تبریزی دوستی نزدیک داشت.

وقایع میانسالی : بنا برروایت هدایت در روضه الصفا، میرزا محمد طاهر قزوینی در دوره وزارت شیخ علی خان زنگنه مخذول و منکوب گردید و این وضعیت تا پایان وزارت شیخ علی خان در سال ۱۱۰۱ ادامه داشت .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : میرزا محمد طاهر قزوینی پس از فراغت از تحصیل وارد خدمات دیوانی شد ، وی نخست به عنوان دستیار میرزا صالح پسر میرزا باقر توجیه نویس به تحریر جلدی از دفاتر توجیه مشغول گردید و چون میرزا صالح فوت نمود، میرزا طاهر (وحید) با لیاقتی که از خود ظاهر ساخته بود، به عنوان دستیار و مشیر ومشار اعتمادالدوله میرزا تقی مشهور به سارو تقی و زیر شاه صفی (۱۰۳۸–۱۰۵۲ هـ.ق) و شاه عباس دوم (۱۰۵۲–۱۰۷۷ هـ.ق) ، کفالت آن خدمت را عهده دار شد. پس از قتل ساروتقی ، اعتمادالدوله – سید علاء الدین خلیفه سلطان – صدرالعظم دستگاه شاه عباس دوم منصب مجلس نویسی یا وقایع نگاری را به عهده وحید قزوینی نهاد ، و به سال ۱۰۵۵ هـ.ق مورخ رسمی دربار شاه عباس دوم و مامور نوشتن تاریخ سلطنت این پادشاه شد. او همچنین بعد از وزارت شیخ علیخان زنگنه یک چند با لقب عمادالدله وزیر اعظم شاه سلیمان (۱۰۷۷ – ۱۱۰۵ هـ.ق) گشت و تا جلوس شاه سلطان حسین (۱۱۰۵–۱۱۳۵ هـق) بر این مسند باقی ماند.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : میرزا محمد طاهر قزوینی علاوه بر مشاغل دیوانی ، وقایع نگار و شاعری توانا بوده و آثاری نیز از خود به یادگار نهاده است. قصاید وحید را در حدود ۵۷۶۷ بیت ، و غزلیاتش را در حدود ۳۰۰۰۰ بیت ، و رباعیاتش در حدود ۱۰۰ بیت ذکر کرده اند.

آرا و گرایشهای خاص : میرزا محمد طاهر قزوینی که شاعری توانا بود ، در سرودن شعر تلاش می کرد از مزامین تازه استفاده نماید. ابن یوسف شیرازی در مورد اشعار وحید چنین می گوید: « از لحاظ شعر کلیات وحید ارزش و بهای بسیار ندارد ، ولی مثنویات او بی لطافت نیست و جنبه تاریخی دارد. در آخر «عاشق و معشوق» به تعریف تمام اصناف و کسبه اصفهان پرداخته و « مثنوی آلات جنگ» او بسیار جالب نظر و توجه می باشد ، مثنوی « خلوت راز » و « ناز و نیاز » او لطیف و اخلاقی است ... » نصر آبادی نیز در باره وی چنین می نویسد: « با اینکه در تحصیل علوم از احدی استفاده ننموده و هیچ گاه فرصت آن نداشته ، باز به قوت ادراک از جمیع علوم بهرهٔ وافی برده ؛ در ترتیب نظم ، قوهٔ بدیهه اش به حدی است که تا کسی نام بیت برد معمار خاطرش به دستیاری خامه به عمارت آن پردازد ... » . ---

----

آثار :

۱ تاریخ طاهر وحید یا عباسنامه ، یا تاریخ شاه عباس دوم

ویژگی اثر : این کتاب مربوط به وقایع دوران پادشاهی شاه عباس دوم از آغاز تا سال بیست و دوم سلطنت او بدست می دهد.

۲ عاشق و معشوق

ویژگی اثر : درحدود هزار و سیصد بیت می باشد.

۳ کلیات شعر وحید

ویژگی اثر : هدایت در تتمه روضه الصفا جلد هشتم می نویسد ، دیوان وحید که مرکب از اشعار ترکی ، عربی و فارسی است در حدود نود هزار بیت می باشد. نصر آبادی دیوان وی را از غزل و قصیده و مثنوی ، قریب به سی هزار بیت ذکر می کند؛ و حزین که دیوان وحید را دیده است ، اشعار او را بیش از ششصد هزار بیت یاد می کند.

۴ مثنوی

ویژگی اثر : در حدود هزار و سیصد و هشتاد بیت که فقط در نسخه کلیات به شماره ۱۱۶۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود می باشد.

۵ مثنوی آلات جنگ

ویژگی اثر : در حدود هشتصد بیت است.

۶ مثنوی خلوت راز

ویژگی اثر : درحدود دوهزار و دویست بیت می باشد.

۷ مثنوی در وصف تنبور

ویژگی اثر : بالغ بر شصت و شش بیت می باشد.

۸ مثنوی در وصف عمارت شاهی

ویژگی اثر : بالغ بر شصت و یک بیت می باشد.

۹ مثنوی در وصف نرد

ویژگی اثر : بالغ بر پنجاه و نه بیت می باشد.

۱۰ مثنوی در وصف همایون تپه

۱۱ مثنوی ساغر سرشار

ویژگی اثر : این مثنوی در کلیات وحید قزوینی محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره۱۱۶۲ ، فقط هفت بیت آن باقی است.

۱۲ مثنوی فتح قندهار

ویژگی اثر : در حدود چهارصد و هشتاد بیت است.

۱۳ مثنوی گلزار عباس

ویژگی اثر : در حدود ششصد و هشتاد بیت است.

۱۴ مثنوی ناز و نیاز

ویژگی اثر : در حدود سه هزار و دویست بیت است.

۱۵ مجموعه منشآت وحید

ویژگی اثر : در حدود دویست و پنجاه نامه است ، که به مناسبت شغل و مقامی که داشته به امرا و سلاطین و... نگاشته است.

منابع زندگینامه : سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین ، پرویز ورجاوند ، ج ۲ ، تهران : نشر نی ، ۵۶- ۱۳۵۵]۲فرهنگ سخنوران و سرایندگان قزوین (تذکره شعرای قزوین) ، تالیف: سیدمحمود خیری ، به کوشش: نقی افشاری ، قزوین: انتشارات طه ، ص ۲۷۴

قزوینی، نجم‌الدین عبدالغفار

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۶۵ / ۶۶۳ ق)، ریاضیدان و فقیه شافعی. در قزوین به دنیا آمد. در فقه و حساب و حسن اختصار ید طولانی داشت. از آثار وی: «اللباب»، در فقه، و «العجاب»، در شرح «اللباب»؛ کتابی در «حساب»؛ «الحاوی الصغیر فی الفروع»، که ابن‌الوردی آن را در پنج هزار بیت به نظم کشید و «بهجه الحاوی» نامید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۷ / ۴)، ریحانه (۱۴۱ / ۶)، کشف الظنون (۱۵۴۳ ،۶۲۵)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالغفار)، معجم المؤلفین (۲۶۸ -۲۶۷ / ۵)، هدیه العارفین (۵۸۷ / ۱).

قزوینی، هاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هاشم قزوینی از بزرگان علماء و مدرسین معاصر حوزه مشهد بودند ولادت ایشان در قزوین اتفاق افتاده و مقدمات و قسمتی از سطوح را در قزوین و تهران خوانده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و چندین سال در آنجا از محضر مرحوم آیت‌اللَّه نائینی و عراقی و اصفهانی استفاده نموده و پس از آن به ایران مراجعت و مجاورت آستان قدس رضوی را اختیار و سالها از محضر مرحوم آیت‌اللَّه کفائی معروف به آقازاده و اعلام دیگر و بالاخص مرحوم مبرور زین العلماء العاملین و قدوه الفقهاء و المجتهدین آیت‌اللَّه فی العالمین آقای آقامیرزا مهدی غروی اصفهانی تا آخر عمرش استفاده نموده و خود به تدریس سطوح نهائی و خارج پرداخته و صدها نفر از علماء و دانشمندان معاصر مشهد و نقاط دیگر از محضر و دراساتش بهره‌مند شده‌اند.

نگارنده گوید مرحوم قزوینی مذکور از علماء عظام بل آیات کرام عصر ما و از اساتید حقیر بوده‌اند زیرا جلد اول کفایه را در خدمت ایشان خوانده و در خدمتشان به مباحثه مرحوم آیت‌اللَّه آقا میرزا مهدی غروی رحمه‌اللَّه علیه می‌رفتم و ایشان نسبت به مرحوم میرزا اصفهانی اعتقاد و خلوص عجیبی داشت و همواره بر فقاء توصیه می‌کرد که در بحث میرزا صحبت نکنید بلکه سراپا گوش استماع و استفاده نمائید.

مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید هاشم میردامادی نجفی می‌فرمودند حاج شیخ هاشم از میرزا اگر اعلم (ملاتر) نباشد قطعا کمتر نیست ولی چطور است که آنقدر نسبت به میرزا تواضع و ابراز اخلاص و علاقه می‌کند.

خلاصه بسیار متواضع و فروتن مجتنب از تظاهرات و (مبرء من کل شین) بود.

وی در ۱۳۸۰ قمری فوات و در جوار حضرت علی بن موسی الرضا (ع) مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قسمتی استرآبادی، محمدعلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. مدتی در خدمت میرزا بیگ فندرسکی که از سادات و اعیان استرآباد بود ملازمت داشت. به هندوستان رفت و در دکن ساکن شد. وی از شاگردان خواجه حسین ثنایی بود. غزل و رباعی و مثنوی را خوب می‌سرود به گفته‌ی تقی الدین اوحدی در گلکنده، در سالهای ۱۰۲۴ -۱۰۲۲ ق، درگذشت. از آثار وی: مثنوی «وامق و عذرا».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۱۹ -۵۱۸)، تذکره‌ی روز روشن (۶۵۹)، شعرای مازندران و گرگان (۲۳۵)، فرهنگ سخنوران (۷۴۴)، کاروان هند (۱۱۳۷ -۱۱۳۵ / ۲)، مجمع الخواص (۲۳۰ -۲۲۹)، منظومه‌های فارسی (۴۸۲)، هفت اقلیم (۱۲۳ -۱۲۲ / ۳).

قسملی خراسانی مروزی، ابوزید عبدالعزیز

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۶۷ ق)، محدث، فقیه و زاهد. وی از عبدالله بن دینار و مطر الوراق و ایوب و ابوهارون عبدی و حصین بن عبدالرحمان و ابواسحاق همدانی و یحیی بن سعید انصاری و ابن عجلان و اعمش و مطرف بن طریف و یزید بن ابی‌زکریاء و دیگران حدیث شنید. ابن‌مهدی و عقدی و قعنبی و عبیدالله بن عائشه و حفص بن عمر حوضی و حفص بن عمر ضریر و شیبان بن فروخ و عبدالصمد بن عبدالوارث و علاء بن عبدالجبار و ابوعبیده حداد و عبدالله بن رجاء و عبدالله بن معاویه جمحی و دیگران از وی حدیث روایت کردند. بخاری و مسلم و ابوداود و ترمذی و نسائی در «صحاح» خودشان از وی حدیث نقل کرده‌اند. یحیی بن معین و عده‌ای دیگر وی را ثقه خوانده‌اند. یحیی بن اسحاق سیلحینی که از راویان اوست او را از خوبان توصیف کرده است. وی ساکن بصره بود و در همان جا درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (۱۰۷ / ۱)، انساب سمعانی (۵۰۰ / ۴)، تهذیب التهذیب (۳۱۳/ ۶)، الجرح و التعدیل (ج ۲ ق ۳۹۵ -۳۹۴ / ۲)، سیر النبلاء (۱۹۳ -۱۹۲ / ۸)، شذرات الذهب (۲۶۴ / ۱)، العبر (۱۹۳ / ۱).

قسمی افشار، قاسم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۹۸۹ ق)، شاعر، متخلص به قسمی. در دوره‌ی شاه‌طهماسب صفوی می‌زیست. از امیرزادگان افشار و مردی کریم و بخشنده بود. وی با وحشی بافقی شاعر معروف معاشرت داشت و شاگرد وحشی بود. قسمی سرانجام به دست خواجه‌زاده‌ی خود به قتل رسید. آیتی قاینی در «بهارستان» او را بیرجندی و آیتی یزدی در «آتشکده‌ی یزدان» او را یزدی و مقیم یزد شمرده است. در برخی از تذکره‌ها وی تحت عنوان قاسم قمی و قمی افشار ذکر شده است. از اوست:

خدا به من شکوه زبان من آشنا نکند

من و شکایت آن بی‌وفا خدا نکند

مراست بخت زبونی که بی‌وفا طلب نکند

نمی‌شود که ترا نیز بی‌وفا نکند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۴ -۸۳ / ۱)، بهارستان آیتی (۲۵۴)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۱ -۵۰۰)،تذکره‌ی سخنوران یزد (۲۴۹ - ۲۴۸)، الذریعه (۸۸۲ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۴۴)، لغت‌نامه (ذیل/ قاسم‌بیگ)، مجمع الخواص (۶۵ -۶۴)، نتایج الافکار (۵۶۴).

قشقاوی، هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی قشقاوی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱۰/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه روحیه بابل شدم در طی ۵ سال دروس مقدمات و سطح را به پایان رساندم پس از آن به مدت ۳ سال در درس خارج فقه و اصول حضرت آیهٔ الله محمدی در همان مدرسه مبارکه و سپس در قم در دروس خارج حضرات آیات وحید خراسانی، شبیری زنجانی، هاشمی شاهرودی، صادق لاریجانی در مجموع بیش از ۱۲ سال شرکت نمودم. دروس فلسفه را در قالب کتابهای آموزش فلسفه، بدایهٔ الحکمهٔ، نهایهٔ الحکمهٔ اشارات شواهد الربوبیهٔ، برخی از قسمتهای اسفار از اساتید فوق حضرات

آیهٔ الله مصباح، حجهٔ الاسلام میانجی، استاد حشمت پور و برخی از اساتید دیگر عمدتا به صورت غیر حضوری فرا گرفتم از سال ۱۳۶۸ تاکنون به تدریس دروس مقدمات و سطح از ادبیات و منطق، فقه و اصول کتابهای سیوطی، حاشیه ملا عبدالله، معالم الاصول،اصول فقه،شرح لعمه،مکاسب و رسائل و کفایه مشغول می‌باشم. با عضویت در گروه فقه دانشنامه امام خمینی (ره) از سال ۱۳۸۱ به تهیه و تنظیم و تالیف و بازنویسی مقالات فقهی در مورد امام می‌باشم، موضوعات فقهی چون اتلاف، اجهاض (سقط جنین)،استحاضه، تعزیه و برخی موضوعات دیگر در موسسه دائرهٔ المعارف فقه اسلامی تحقیق نموده‌ام.

قشقایی، جهانگیر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۸ -۱۲۴۳ ق)، فیلسوف، فقیه، عارف و شاعر. از تیره‌ی دره شوری ایل قشقایی بود. در چهل سالگی که برای تکمیل هنر به اصفهان آمد ناگهان شوق فراگیری دانش در او بیدار شد و از زندگی ایلی دست کشید و در مدرسه‌ی صدر اصفهان به فراگیری علوم دینی روی آورد. جهانگیرخان حکمت و فلسفه را نزد محمدرضا حکیم قمشه‌ای، متخلص به صهبا، و فقه را در خدمت ملا حسین علی تویسرکانی و شیخ محمدحسین نجفی آموخت و طب را نیز در محضر ملا عبدالجواد، پزشک معروف اصفهان، فراگرفت. او در فقه و اصول و ریاضیات و حکمت مهارت یافت و پس از آن در همان مدرسه‌ی صدر مدت چهل سال دروس فقه و اصول و ریاضیات و حکمت را تدریس و شاگردان بسیاری تربیت کرد. آیت‌اللّٰه سید حسین طباطبایی بروجردی، آقا ضیاءالدین عراقی و آقارحیم ارباب از شاگردان وی بودند. جهانگیرخان در اصفهان درگذشت و در تخت پولاد دفن شد. از او اشعار پراکنده‌ای نیز بر جای مانده است؛ از آثار وی شرحی بر «نهج‌البلاغه» است.[۱]

(میرزا) جهانگیر (خان)؛ دانشمند ایرانی (ف. اصفهان. ۱۳۲۸ ه.ق) از خوانین قشقایی و از اهالی دره شولی یا کشکولی. وی ساکن دهاقان بختیاری و جامع معقول و منقول بود و بسیاری از بزرگان قرن اخیر از محضر او استفاده کرده‌اند. از شاگردان او آیت‌اللّٰه بروجردی، سید حسن مدرس، فاضل تونی، وحید دستگردی هستند. وی در مدرسه‌ی صدر اصفهان تدریس می‌کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تذکرهٔ القبور (۲۴۶)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۱۶۲ -۱۶۱ /۱۲)، سرآمدان فرهنگ (۲۶۶/۱)، شرح حال رجال (۲۸۴/۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۵۸۱/۲)، فوائد الرضویه (۸۸).

قمشه‌ای، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: بهمن ۱۳۱۳، تهران.

درگذشت: ۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۵، تهران.

مصطفی قمشه‌یی، متخلص به «مژده» دارای دیپلم ادبی بود و در وزارت دارایی مشغول به کار بود. خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۳۴ آغاز کرد و طی آن مدتی مسئول صفحه‌ی ادبی مجله‌ی «آشفته» بود. با مجلات «ارمغان»، «اطلاعات هفتگی» و «سپید و سیاه» نیز همکاری داشت. از تألیفات او می‌توان از تغزل‌های قصیده سرایان از رودکی تا بهار و تصحیح دیوان غنی کشمیری نام برد. وی از پانزده سالگی در انجمن‌های ادبی تهران به خصوص انجمن ادبی ایران که به سرپرستی محمدعلی ناصح تشکیل می‌شد راه یافت و چندی نیز دبیر انجمن ادبی تهران بود. از انواع شعر، وی بیشتر به غزل علاقه داشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

قشیری نیشابوری، ابوالقاسم، زین الاسلام، عبدالکریم

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۶۵ -۳۸۶ ق)، صوفی، فقیه، محدث و مفسر. مشهور به امام و استاد امام. از نظر اصول اشعری و از نظر فروع شافعی بود. نسبت وی از جانب پدر به قبیله قشیرین کعب می‌رسید، و از طرف مادر به سلمی منسوب بود. در ناحیه استواء نیشابور (قوچان کنونی) متولد شد. خاندان او از بزرگان دهقانان این ناحیه بودند. خود او نیز از محدثان بنام اهل تصوف بود. در کودکی پدر خود را از دست داد و در محضر درس ابوالقاسم یمانی، پرورش یافت و مقدمات ادب فارسی و عربی را نزد او فراگرفت، بعدها در نیشابور ساکن شد و از ابوحسین خفّاف و ابونعیم اسفراینی و حاکم نیشابوری و ابوعبدالرحمن سلمی و دیگر ارباب حدیث و بزرگان صوفیه حدیث شنید و فقه را از ابوبکر محمد بن بکر طسی و علم کلام را از استاد ابوبکر بن فورک فراگرفت و تصوف را از ابوعلی دقاق نیشابوری آموخت و پس از وفات وی با ابوعبدالرحمن سلمی معاشرت کرد و عاقبت استاد خراسان گردید. از شاگردان وی می‌توان به احمد بن اسماعیل جوهری که «رساله‌ی قشیریه» را بر قشیری خوانده و سمعانی از وی اجازه گرفته، و سید اسماعیل جرجانی

صاحب «ذخیره‌ی خوارزمشاهی» و ابوعبداللّه حسین بن احمد بیهقی، ابوالقاسم فضل بن محمد عطار ابیوردی، ابوالمظفر محمد بن احمد هروی و شعیب بن نوح رازی صوفی اشاره کرد. قشیری از معاصرین و منکران ابوسعید ابوالخیر بود که در نهایت به او گروید. آثار بسیاری از خود به جای گذاشته و در سرودن شعر به زبان عربی دست داشته است. طریقه‌ی او در تصوف به واسطه‌ی ابوعلی دقاق به جنید و معروف کرخی می‌رسد. وی در نیشابور درگذشت و همان جا دفن شد. از آثار وی: «الرسالهٔ القشیریه»، درعلم تصوف و بیان روؤس مسائل علم باطن که مورد مراجعه و استناد بزرگان صوفیه و اهل ذوق است؛ «لطائف الاشارات»؛ «التحبیر فی علم التذکیر»؛ «آداب الصوفیه»؛ «عیون الاجوبهٔ فی فنون الاسئلهٔ»؛ «الاربعین»؛ «فصل الخطاب فی فضل النطق المستطاب»؛ «حیاهٔ الارواح و الدلیل الی طریق الصلاح».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۸۰ /۴)، ایضاح المکنون (۱۹۴ /۲، ۴۲۴، ۱۹۴ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۵۷، ۲۱۸ /۲)، تاریخ بغداد (۸۳ /۱۱)، تاریخ گزیده (۶۵۹)، تاریخ نیشابور (۲۲۶، ۲۲۵)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (مقدمه)، جستجو در تصوف (۶۷ -۶۴)، روضات الجنات (۹۴ -۸۹ /۵)، ریحانه (۴۶۱ -۴۶۰ /۴)، سیر النبلاء (۲۳۲ -۲۳۰ /۱۸)، الکامل (۱۱۸ /۸)، کشف الظنون (۱۹۳۵، ۱۹۲۰، ۱۸۵۸، ۱۶۴۰، ۱۵۵۱، ۱۴۶۰، ۱۲۶۰، ۱۱۸۳، ۸۸۲، ۵۲۰، ۴۵۷، ۳۵۴، ۵۸)، کشف المحجوب (۲۰۹)، الکنی و الالقاب (۶۷ - ۶۵ /۳)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالکریم)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۴۶۵)، معجم المؤلفین (۶ /۶)، نفحات الانس (۱۳۸)، وفیات الاعیان (۲۰۸ -۲۰۵ /۳)، هدیهٔ الاحباب (۲۱۷)، هدیهٔ العارفین (۶۰۸ -۶۰۷ /۱).

قصاب کاشانی، سعید

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر، متخلص به قصاب. اهل کاشان و حرفه‌ی وی قصابی بود. گویند که عامی بوده و اشعار زیادی از دیگر شعرا از حفظ داشته است. او در مجلس شعرا حاضر می‌شد و در گفتن غزلها با آنها همکاری می‌کرد. معاصر و معاشر با صائب تبریزی بود و اشعار خود را نزد وی می‌خواند و نزدش تلمذ می‌کرد. قصاب با آن که خط و سواد نداشت، «دیوان» شعرش به بیست هزار بیت می‌رسید. در آخر عمر شاعری را کنار گذاشت و در مشهد مقدس تا آخر عمر ساکن بود و پس از درگذشت در آنجا دفن شد. در ۱۱۷۶ ق کلیات دیوانش، در حدود یک هزار و پانصد بیت، در کتابخانه‌ی احمدشاه، پادشاه دهلی، بوده است. در مجموعه‌ی دیوانهای مجلس، حدود هشتصد بیت از غزلیات او (از ردیف الف تا د) موجود است. «دیوان» وی برای اولین بار در ۱۳۳۸ ش با تصحیح و مقدمه‌ی پرتو بیضایی به چاپ رسید.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه‌ی سامی (۶۶۶ -۶۶۵)، تذکره المعاصرین (۳۸۸ -۳۸۳، ۲۲۱، ۱۲۰)، دیوان شعر (مقدمه)، الذریعه (۸۸۲، ۴۵۱ / ۹)، صبح گلشن (۳۳۴ -۳۳۱)، فرهنگ سخنوران (۴۵۶)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۲۴۸۴ / ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۹۲۳ - ۹۲۱ / ۴).

قصار نیشابوری، ابوصالح حمدون

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۷۱ ق)، صوفی، عالم و فقیه. اهل نیشابور، شیخ و امام طریقه‌ی ملامتیه بود. وی مذهب سفیان ثوری داشت و بر طریقت او بود. قصار استاد زاهد معروف عبدالله منازل است و گویا هیچ کس از شاگردان وی به مانند ابن‌منازل از طریقه‌ی او خوب پیروی نکرده است. از محمد بن بکار بن ریان و ابن‌راهویه و ابومعمر هذلی حدیث شنید و کسانی چون فرزندش و حافظ ابوحامد اعمشی و مکی بن عبدان و ابوجعفر بن حمدان از وی حدیث شنیدند. با سلم بن حسن باروسی و ابوتراب نخشبی و علی نصرآبادی و ابوحفص نیشابوری دوستی داشته است. وی در نیشابور از دنیا رفت و در حیره به خاک سپرده شد. سلمی جزئی از «حکایت حمدون»را جمع آوری کرده است. از سخنان اوست: از مصیبت کسی بی‌تاب می‌شود که در خدای خود شک کند و کلام او را باور ننماید.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۵۰۸ / ۴)، تاریخ گزیده (۶۴۴)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (۴۹)، جستجو در تصوف (۳۴۲ -۳۳۸)، حلیه الاولیاء (۲۳۲ -۲۳۱ / ۱۰)، سیر النبلاء (۵۱ -۵۰ / ۱۳)، طبقات الصوفیه سلمی (۱۲۹ -۱۲۳)، طبقات الصفویه هروی (۱۲۲ - ۱۲۱)، کشف المحجوب (۱۵۷ -۱۵۶)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۲۷۱)، نفحات الانس (۵۹).

قصری، ابوغانم عبدالرحیم

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم و پنجم ق)، ادیب و شاعر. در گرگان کاتب و وزیر منوچهر بن قابوس بن وشمگیر، ملقب به فلك المعالی بود. که به سمت سفارت نزد سلطان محمود غزنوی رفت. وی اشعار نیکویی به عربی دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دائرةالمعارف البستانی (۲۸۷ -۲۸۶ /۲)، ریحانه (۲۲۰ /۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوغانم).

قصه خوان مشهدی، قاسم علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از شاعران بسیار خوش‌طبع خراسان بوده و در قصه‌خوانی نیز دست داشته است. از اوست:

چو تویی نبوده هرگز به وفا و مهربانی

به تو هیچ کس نماند، تو به هیچ کس نمانی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۴۹۷ / ۲)، تحفه سامی (۱۴۱)، الذریعه (۸۶۳ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۳۲)، لغت‌نامه (ذیل/ قاسمعلی).

قصیر رضوی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۵۵ ق)، فقیه و عالم امامی. معروف به سید قصیر، به جهت تمیزش از سید محمد بن حبیب‌الله رضوی مشهدی که معاصر با وی بود، و ملقب به علم الهدی. وی از بزرگترین فقیهان سادات رضوی مشهد و از شاگردان صاحب «ریاض» و آیت‌الله بحرالعلوم و محقق بهبهانی و شیخ جعفر کاشف الغطاء بود. ملا نوروز علی بسطامی صاحب «فردوس التواریخ» از شاگردان وی می‌باشد، که به شرح حالش پرداخته است. پیکرش در مشهد مابین دو مسجد بالاسر و پشت‌سر حضرت رضا (ع) مدفون است. از آثار وی: «اعلام الوری»، در فقه، از اول طهارت تا انتهای تیمم؛ حاشیه بر «معالم الاصول»؛ کتاب «رجال»؛ «مصابیح الفقه»، از اول طهارت تا آخر دیات.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۸۱ / ۲۱ ،۱۴۷ / ۱۰ ،۲۱۰ / ۶ ،۲۴۲ / ۲)، ریحانه (۴۶۳ / ۴ ،۱۳۸ -۱۳۷ / ۳)، الکنی و الالقاب (۳۳۹ / ۲)، هدیه الاحباب (۱۵۶).

قضایی یزدی، عبدالرحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۴ ق)، شاعر، متخلص به قضایی. وی از همان اوان کودکی به تصحیل مقدمات و کمالات پرداخت و در اواسط عمر در شاعری مشهور شد. قضایی علاوه بر شعر در نواختن انواع سازها مهارت داشت. صاحب «مجمع الفصحا» به اشتباه نام وی را محمد صادق ذکر کرده است. اثر وی «دیوان» شعر، مشتمل بر شش هزار بیت، می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۶۶۰ -۶۵۹)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۲۴۸ -۲۴۶)، حدیقه الشعراء (۱۴۳۱ -۱۴۲۸ / ۲)، الذریعه (۸۸۳ / ۹)، سفینه المحمود (۴۶۲ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۴۴)، مجمع الفصحا (۸۹۲ / ۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۴۵).

قطان قزوینی، ابوالحسن علی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۴۵ -۲۵۴ ق)، حافظ، محدث، فقیه و ادیب. محدث و شیخ قزوین بود. به طلب حدیث مسافرتهایی به عراق و یمن نمود و به نقل شاگردش، ابن‌فارس قزوینی، از وی حاصل این سفرها حفظ یکصد هزار حدیث بوده است. او «سنن» ابن‌ماجه قزوینی را از خود وی استماع کرد و همچنین از محمد بن فرج ازرق و ابوحاتم رازی و ابراهیم بن دیزیل و حارث بن ابی‌اسامه و قاسم بن محمد دلال و یحیی بن عبدك قزوینی و اسحاق بن ابراهیم دبری و حسن بن عبدالاعلی بوسی و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. وی بر حسن بن علی ازرق- به حرف کسائی- قرائت نمود و احمد بن نصر شذائی قاری بر قطان قرائت کرد. زبیر بن عبدالواحد حافظ و ابوالحسن نحوی و ابوالحسین احمد بن فارس لغوی و احمد بن علی بن لال و ابوسعید عبدالرحمان بن محمد قزوینی و قاسم بن ابی‌منذر خطیب از

وی حدیث شنیده‌اند. ابویعلی خلیلی گوید که وی شیخی عالم به جمیع علوم و تفسیر و فقه و نحو و لغت بود. جماعتی از شیوخ قزوین گفتند که قطان مانند خود در زهد و فضل ندیده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره الحفاظ (۸۵۷ -۸۵۶ / ۳)، سیر النبلاء (۴۶۵ -۴۶۳ / ۱۵)، شذرات الذهب (۳۷۰ / ۲)، طبقات الحفاظ (۳۵۵ - ۳۵۴)، العبر (۷۰ / ۲)، معجم الادباء (۲۲۱ -۲۱۸ / ۱۲)، النجوم الزاهره (۳۶۰ -۳۵۹ / ۳).

قطان مروزی، عین الزمان، ابوعلی حسن

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۴۸ -۴۶۵ ق)، حکیم، ریاضیدان و ادیب. اصل وی از بخارا بود. در مرو به دنیا آمد. در طب، ریاضیات، ادبیات و علوم دینی سرآمد ولی اشتغال وی بیشتر در علم طب بود. او از شاگردان ابوالعباس لوکری بود. وی در فتنه‌ی غزان کشته شد. قطان در عروض، انساب، طب، هیئت و ریاضی تألیفات متعدد دارد. مهمترین اثر ریاضی او کتاب «گیهان شناخت» یا «کیهان شناخت» و «اختر شناخت» است. از دیگر آثارش: «الدوحه»، در انساب؛ «رسائل»، در طب.[۱]

مروزی، عین‌الزمان ابوعلی حسن بن علی؛ ریاضی‌دان و طبیب و فیلسوف قرنهای پنجم و ششم. اصل وی از بخارا بود و او خود به سال ۴۶۵ در مرو ولادت یافت. تحصیلات علمی وی نزد لوکری (ه.م) صورت گرفت و او در مرو می‌زیست تا در ۵۴۸ در فتنه‌ی غزان به دست آنان کشته شد. قطان در طب و علوم اوایل و ریاضیات و ادبیات و علوم دینی سرآمد زمان خود بود، ولی بیشتر به طب علاقه داشت و در مرو دکانی داشت که در آن به طبابت مشغول بود. مهمترین اثر ریاضی او «گیهان شناخت» (ه.م) است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۲۰ -۲۱۹ / ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۶۷ -۹۶۵، ۳۱۳ -۳۱۲، ۲۹۴ / ۲)، تاریخ علوم و فلسفه ایرانی (۵۸۷)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۷)، تتمه‌ی صوان الحکمه (۹۱)، الذریعه (۲۵۵ -۲۵۴ / ۱۸، ۲۷۲ -۲۷۱ / ۸)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۶۵)، معجم المؤلفین (۲۶۰ / ۳).

قطب جامی، قطب‌الدین محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر، متخلص به قطب. وی گاهی این مطهر نیز تخلص می‌کرد. او از نوادگان شیخ‌الاسلام احمد جام عارف مشهور (م ۵۳۶ ق) و از مشایخ زمان خود بود.در غزلسرایی دست داشت. از اوست:

صبا بیار غبار ره سوار مرا

که توتیا بود این چشم اشکبار مرا

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۹۵)، الذریعه (۸۸۳ / ۹)، ریاض العارفین (۱۲۶)، فرهنگ سخنوران (۷۴۵)، مجالس النفائس (۱۰۵، ۲۸۰).

قطب رازی، قطب‌الدین، ابوجعفر محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۷۶ / ۷۶۶ -۶۹۴ ق)، عالم امامی، فقیه، حکیم و ادیب. ملقب به قطب‌الدین و قطب المحققین و موصوف به علامه‌ی رازی. چون در مدرسه‌ای که وی تحصیل می‌کرد شخص دیگری که لقب قطب داشت مشغول تحصیل بود وی به قطب تحتانی اشتهار یافت. در ورامین از نواحی ری به دنیا آمد و چون در آنجا نشوونما پیدا کرد به رازی شهرت یافت. بدیهی است چون نسبش به آل‌بویه می‌رسد و موافق فرموده شهید ثانی از آل‌بویه قمی است که جد عالی شیخ صدوق می‌باشد. او از بزرگترین شاگردان علامه‌ی حلی بود. او کتاب «قواعد الاحکام» علامه را به خط خود نوشته و بر او قرائت کرده و علامه نیز در پشت کتاب برایش اجازه نوشته و با عبارات بلندی او را ستوده است. قطب رازی از مشایخ شهید اول محمد بن مکی است. از دیگر شاگردان او می‌توان به میرسید شریف جرجانی و سعدالدین تفتازانی اشاره کرد. بیشتر علمای شیعه از جمله محقق ثانی و میرزا عبدالله، صاحب «ریاض العلماء»، و قاضی شوشتری و شیخ حر عاملی او را شیعه دانسته‌اند، اما صاحب «روضات الجنات» وی را سنی می‌داند و در «شذرات الذهب»، شافعی به حساب آمده است. قطب رازی مدتی در خدمت سلطان ابوسعید و وزیرش خواجه غیاث‌الدین محمد بود و دو کتاب «شرح شمسیه» و «شرح مطالع» را به نام آن وزیر نگاشت. پس از درگذشت سلطان ابوسعید به شام رفت و در دمشق درگذشت. از آثار وی: «المحاکمات بین شرحی الاشارات»، که محاکمه مابین دو شرح «اشارات» فخر رازی و خواجه نصیر طوسی است او این کتاب را به خواست استادش، قطب شیرازی، به تحریر کشید؛ «تحریر القواعد المنطقیه فی شحر الشمسیه»؛ «لوامع الاسرار فی شرح

مطالع الانوار»، در منطق؛ «تحفه الاشراف» و «بحر الاصداف» دو حاشیه بزرگ و کوچک بر «الکشاف»؛ «تحقیق معنی التصور و التصدیق»؛ شرح و حاشیه بر «قوعد الاحکام»علامه حلی؛ رساله در «تحقیق الکلیات»؛ «تقسیم العلم»؛ «شرح مفتاح العلوم» سکاکی.[۱] رازی، محمد بن محمد بن ابوجعفر ملقب به قطب‌الدین و قطب‌المحققین و علامه رازی و سلطان المحققین دانشمند معروف ایرانی (ف. ۷۷۶ ه.ق). وی از شاگردان مبرز علامه حلی است و قواعد علامه را به خط خود استنساخ کرده و علامه در پشت همان نسخه به سال ۷۱۳ ه.ق در قصبه‌ی ورامین برای او اجازه نوشته است. پس از وفات او را در مقبره‌ی صالحیه‌ی دمشق دفن کردند و سپس به موضعی دیگر بردند. او راست: بحرالاصداف حاشیه و شرح تفسیر کشاف، تحریرالقواعد المنطقیهٔ در شرح شمسیهٔ، تحفهٔالاشراف فی شرح الکشاف که شرحی است بر کشاف و مفصلتر از بحرالاصداف، تحقیق معنی التصور والتصدیق، تقسیم‌العلم، حاشیه‌ی قواعد علامه مشهور به حواشی قطبیه، شرح‌الاشارات، شرح مطالع که شرحی است بر مطالع‌الانوار قاضی سراج‌الدین ارموی در منطق و کلام، المحاکمات بین شرحی الاشارات که محاکمه‌ای است بین دو شرح اشارات فخر رازی و نصیرالدین طوسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۶۸ / ۷)، اعیان الشیعه (۴۱۳ / ۹)، ایضاح المکنون (۴۰۳، ۵۶ / ۲، ۲۳۳ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۸۹، ۲۵۶، ۲۵۴ -۲۵۳، ۲۴۶ -۲۴۴، ۲۳۷، ۱۴۷، ۴۷ / ۳)، تأسیس الشیعه (۴۰۱ -۴۰۰)، حبیب السیر (۲۲۱ / ۳)، دایره‌المعارف فارسی (۲۰۵۹ / ۲)، الذریعه (۱۰۷ / ۲۰، ۳۵۹ / ۱۸، ۱۵۶ / ۱۷، ۶۹ / ۱۴، ۳۳۷ / ۱۳، ۱۹۹ -۱۹۸ / ۴، ۳۸۸ / ۳)، روضات ا لجنات (۴۷ -۳۷ / ۶)، ریاض العلماء (۱۷۲ -۱۶۸، ۱۵۶ / ۵)، ریحانه (۴۶۷ -۴۶۵ / ۴)، ری باستان (۳۸۱ -۳۸۰ / ۲)، شذرات الذهب (۲۰۷ / ۶)، شرح و بررسی زندگانی و معرفی آثار علامه قطب‌الدین رازی ورامینی، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۰۲ -۲۰۰ / ۸)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۹۹ -۳۹۸)، فوائد الرضویه (۶۱۸ -۶۱۶)، کارنامه بزرگان (۲۴۵)، کشف الظنون (۱۷۱۶-۱۷۱۵، ۸۸۶، ۶۲۶، ۹۵)، الکنی و الالقاب (۷۱ -۷۰ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ قطب‌الدین رازی)، مجالس المؤمنین (۲۱۳ -۱۲ / ۲)، معجم المؤلفین (۲۱۶ -۲۱۵ / ۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۱۹ -۷۱۶ / ۵)، النجوم الزاهره (۷۰ / ۱۱)، هدیه الاحباب (۲۱۸ -۲۱۷)، هدیه العارفین (۱۶۳ / ۲).

قطب راوندی، قطب‌الدین، ابوالحسن، سعید

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۷۳ ق)، عالم امامی، فقیه، محقق، متکلم، محدث، مفسر و شاعر. خانواده‌ی وی از جد و پدر و برادر و دو فرزندش عمادالدین علی بن سعید و ظهیرالدین محمد بن سعید همه از علمای بزرگ شیعه بودند. وی از شیخ ابوعلی طبرسی، صاحب «مجمع البیان»، و عمادالدین طبری و سید مرتضی رازی و برادرش، سید مجتبی رازی،و ابن‌الشجری بغدادی و الآمدی و سید ناصح‌الدین ابوالبرکات مشهدی و پدر خواجه نصیر طوسی و گروهی دیگر روایت کرده است. او از طریق شیخ عبدالرحیم بغدادی، معرف به ابن الاخوه، از دختر سید مرتضی علم‌الهدی از عموی او سید رضی روایت می‌کند. ابن شهرآشوب و شیخ منتجب‌الدین رازی از شاگردان وی بودند. در قم وفات یافت و در صحن مطهر حضرت معصومه (س) دفن شد و قبرش امروزه مزاری معروف است. از آثار وی: «آیات الاحکام» یا «فقه القرآن»، اولین اثر در شرح و تفسیر آیات لااحکام؛ «احکام الاحام»؛ «اسباب النزول»؛ «الاعراب/ الاغراب فی الاعراب»؛ «الانجاز فی شرح الایجاز»، در شرح «الایجاز» شیخ طوسی؛ «بیان الانفرادات»؛ «تحفه العلیل»، در ادعیه، احراز و آداب؛ «تفسیر القرآن»، معروف به «تفسیر قطب»؛ «الدعوات» یا «دعوات راوندی» یا «سلوه الحزین»؛ «تهافت الفلاسفه»؛ «جواهر الکلام فی شرح مقدمه الکلام»؛ «الخرایج و الجرایح»،در معجزات معصومین (ع)؛ «خلاصه التفاسیر»، در ده مجلد؛ «ضیاء الشهاب»، در شرح «شهاب الاخبار»؛ «المغنی»، در شرح «النهایه» شیخ طوسی، در ده مجلد؛ «منهاج البراعه فی شرح نهج‌البلاغه»؛ «الرایع فی الشرایع»؛ «المستقصی»، در شرح «الذریعه»؛ «قصص الانبیاء»؛ «لب اللباب».[۱]

راوندی، سعید بن هبهٔاللّه بن حسن مکنی به ابومحسن یا ابوالحسین، محدث و مفسر معروف شیعه (ف. قم. ۵۷۳ ه.ق). وی از شیخ طبرسی و عمادالدین طبری و سید مرتضی سید مجتبی رازی و پدر نصیرالدین طوسی و جمعی دیگر روایت کرده و خود از مشایخ ابن شهرآشوب و شیخ منتخب‌الدین است. او راست: آیات‌الاحکام، احکام‌الاحکام، الاختلافات الواقعهٔ بین الشیخ المفید والسید المرتضی فی بعض المسائل الکلامیهٔ، اسباب النزول، ام‌القرآن، الانجاز فی شرح الایجاز، تفسیر القرآن معروف به تفسیر قطب، خلاصهٔ التفاسیر، المغنی فی شرح النهایهٔ، منهاج‌البراعهٔ فی شرح نهج‌البلاغهٔ و غیره.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] خاتمه مستدرک الوسائل (۹۰ -۷۹ / ۳)، الذریعه (۴۳۱، ۲۴۴، ۱۴، ۲۴ / ۱۵۸، ۱۵۷- / ۲۳، ۲۹۶، ۶۶، ۱۳ / ۲۱، ۲۸۹، ۲۸۰ / ۱۸، ۱۰۵، ۱۷ / ۲۹۵، ۱۶ / ۱۲۴، ۱۲۳- / ۱۵، ۱۲۶، ۱۱۰، ۴۱ / ۱۴، ۳۷۲، ۳۴۴، ۲۷۷، ۱۱۶، ۵۶- ۵۵ / ۱۳، ۲۲۳، ۷۲، ۷۱- / ۱۲، ۶۶ / ۱۰، ۲۰۱ / ۸، ۲۲۰، ۱۴۶- ۱۴۵ / ۷، ۲۷۷ / ۵، ۵۰۲، ۳۰۲- ۳۰۱، ۲۲۸ / ۴، ۴۵۶، ۱۷۶، ۲۹ / ۳، ۳۶۴، ۳۰۳، ۲۵۱، ۲۳۴، ۱۲ / ۲، ۳۶۲ -۳۶۱، ۲۹۱، ۴۲ / ۱)، روضات الجنات (۱۰ -۷ / ۴)، ریحانه (۴۶۹ -۴۶۷ / ۴)، فوائد الرضویه (۲۰۲ -۲۰۰)، الکنی و الالقاب (۷۳-۷۲ / ۳)، هدیه الاحباب (۲۱۹ -۲۱۸).

قطب نیریزی، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۷۳ ق)، صوفی و شاعر. ملقب به قطب الدین. معروف به قطب الاقطاب. از سادات حسینی تبریز بود. او با بیست و سه واسطه به امام علی بن الحسین (ع) می‌رسید. در شیراز به کسب علوم پرداخت. وی به حکمت علاقه‌ی خاص داشت و در تفسیر، حدیث، فقیه و ادب نیز تا حدی تبحر حاصل کرد. او بعد از تکمیل علوم، در بقعه شاه داعی‌الله نزد شیخ علی نقی اصطهباناتی به طی مقامات سلوک پرداخت و بعد از مرشد و شیخ خویش، اصطهباناتی، در فارس مروج طریقه‌ی ذهبیه و مرشد و مربی سالکان این طریقت شد. وی سفرهایی به قزوین، قم، کاشان، اصفهان و نجف داشت و در این سفرها به تدریس و تعلیم نیز می‌پرداخت. افرادی چون شیخ احمد احسایی، ملا محراب گیلانی، شیخ جعفر نجفی و سید محمد نجفی از او کسب معرفت کرده‌اند. وی بعد از بازگشت به شیراز به جزیره‌ی خارک رفت و در کوه مقبره‌ی منسوب به محمد حنفیه اعتکاف جست. بعد از مدتی به شیراز بازگشت و در همان جا درگذشت. از آثارش: رساله‌ی «فصل الخطاب»؛ رساله‌ی «شمس الحکمه»؛ رساله‌ی «کنز الحکمه»؛ «انوار الولایه»؛ «نور الهدایه»؛ قصیده‌ی «عشقیه»، اشعار فارسی و عربی.[۱]

شیرازی، محمد حسینی ذهبی معروف به قطب‌الاقطاب، از بزرگان مشایخ سلسله‌ی ذهبیه (ف. ۱۱۰۳ ه.ق) او راست: ارجوزهٔ فی الصرف، ارجوزهٔ فی العوامل النحویهٔ، ارجوزهٔ فی الفقه والاصول والموازین الشرعیهٔ، انوارالولایهٔ، شمس‌الحکمهٔ فصل‌الخطاب، کنزالحکمهٔ، نورالهدایهٔ.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۲۸۲ / ۵)، تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (۲۴۳ –۲۳۹)، حدیقه الشعراء (۱۴۳۴ –۱۴۳۱ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۱۸ –۲۱۵ / ۴)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (۳۳۵ –۳۳۳)، الذریعه (۱۵۲ / ۱۸ ، ۱۲۰ –۱۱۹ / ۱۷ ، ۲۳۰ –۲۲۹ / ۱۶ ، ۲۲۲ / ۱۴ ، ۸۸۴/ ۹ ، ۴۹۰ ، ۴۸۸ –۴۸۶ ، ۴۸۲ ، ۴۷۹ / ۱)، ریاض العارفین (۲۷۸ –۲۷۵)، ریحانه (۴۷۰ –۴۶۹ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۰۲ –۵۹۸ / ۱۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۵۶۹ –۱۵۶۸ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ قطب‌الدین شیرازی)، مرآت الفصاحه (۵۰۷ –۵۰۶).

قطب‌الدین شیرازی، ابوالثناء محمود

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۱۰ –۶۳۴ ق)، طبیب، ریاضیدان، منجم، فیزیک‌دان، فیلسوف، عالم اشعری شافعی و مفسر. معروف به قطب شیرازی و ملقب به علامه. در شیراز به دنیا آمد. پدرش ضیاءالدین مسعود پزشک و مدرس طب در بیمارستان مظفری شیراز و در همان حال از بزرگان فرقه سهروردیه بود. قطب‌الدین محمود علم طب را نزد پدر و عموی خود فراگرفت. خرقه‌ی تصوف را در ده سالگی از دست پدر خود پوشید و از نجیب‌الدین علی بن بزغش شیرازی نیز خرقه گرفت. در چهارده سالگی پدرش فوت کرد و او به جای پدر به عنوان چشم‌پزشک در بیمارستان شروع به کار نمود. وی قرائت و شروح «قانون» را نزد استادان شیراز فراگرفت. چندی نیز شاگرد نجم‌الدین کاتبی قزوینی بود. سپس به مراغه رفت و در آنجا علم هیئت و «اشارات» ابن‌سینا را در خدمت خواجه نصیرالدین‌طوسی آموخت و نزد آن استاد و به یاری او به حل مشکلات «قانون» توفیق یافت. او همچنین سفرهایی به خراسان، عراق عجم، بغداد و روم داشت. در قونیه به خدمت صدرالدین قونیوی رسید و علم شریعت و طریقت را نزد او فراگرفت. قطب‌الدین شیرازی از دانشمندان جامع و بزرگ، و در معقول یگانه زمان خود بود. او در طب و ریاضیات و نجوم و حکمت و موسیقی دست داشت و در نظم و نثر پارسی و عربی دارای مهارت کامل بود. عده‌ای از رجال علم و دانش در محضر او شاگردی کرده‌اند. از جمله شاگردان وی: قطب‌الدین رازی، کمال‌الدین فارسی و نظام‌الدین اعرج بودند. قطب‌الدین در اواخر عمر در تبریز سکنی گزید و در همان جا درگذشت و در مقبره‌ی چرنداب تبریز در کنار قاضی بیضاوی دفن شد. از آثارش: «دره التاج لغره الدیباج/ الدباج»، معروف به «انموذج العلوم»، به فارسی؛ که به خواهش امیر دباج، پادشاه اسحاقوند گیلان، تألیف کرد؛ «تحفه‌ی شاهی»، در علم هیئت، به فارسی؛ «نهایه الادراک فی درایه الافلاک»، در علم هیئت، به فارسی؛ «اختیارات مظفری»، در هیئت و نجوم؛ «شرح حکمه الاشراق»؛ «شرح مفتاح العلوم» سکاکی، قسمت سوم؛ شرح «مختصر الاصول» حاجبی؛ «فتح المنان فی تفسیر القرآن»، در حدود ۴۰ مجلد؛ «مشکلات التفاسیر».[۱]

شیرازی، محمود بن مسعود بن مصلح فارسی کازرونی اشعری شافعی مکنی به ابوالثناء، دانشمند معروف (ف. تبریز ۷۱۰ یا ۷۱۶ ه.ق). وی نزد نصیرالدین طوسی علم آموخت و سپس به روم (آسیای صغیر) رفت و نزد صدرالدین قونوی تلمذ کرد و قاضی سیواس، ملطیه و زارالشام گردید و سپس در تبریز ساکن شد و در امر رصدخانه با خواجه نصیر همکاری داشت. وی در اغلب علوم عصر مانند طب و نجوم و حکمت و موسیقی تبحر و نیز ذوق ادبی و قریحه‌ی شعری داشت. او راست: شرح قانون ابن‌سینا، شرح حکمهٔ‌الاشراق، درهٔ‌التاج شامل علوم حکمی به فارسی، التحفهٔ‌الشاهیهٔ، ترجمه‌ی تحریر اقلیدس، شرح مفتاح العلوم سکاکی، نهایهٔ‌الادراک فی درایهٔ‌الافلاک.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۳۲۸)، الاعلام (۶۶ –۶۵ / ۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۳۰ –۱۲۲۷ / ۳)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۴۷۶ –۴۶۰)، تاریخ گزیده (۷۰۲ –۷۰۱)، تاریخ نجوم اسلامی (۵۳ –۵۲)، تاریخ مغول (۵۰۷ –۵۰۶)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۸ –۱۴۷)، تذکره‌ی روز روشن (۶۶۲ –۶۶۱)، حبیب السیر (۱۱۷ –۱۱۶ / ۳)، دائره‌المعارف فارسی (۲۰۵۹ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۱۴ –۲۰۵ / ۴)، الذریعه (۸۸۴ / ۹)، روضات الجنات (۱۲۹ / ۸)، ریحانه (۴۷۲ –۴۷۰ / ۴)، زندگینامه‌ی ریاضی‌دانان (۳۵۴ –۳۵۱)، شخصیت‌های نامی (۳۹۵ –۳۹۴)، شرح و بررسی زندگانی و معرفی آثار علامه قطب‌الدین رازی ورامینی (۹۶ –۹۴)، طبقات اعلام

الشیعه (قرن ۲۱۴ -۲۱۲ / ۸)، العبر (۲۵ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۴۷۲)، کشف الظنون (۱۹۸۵،۱۶۹۵، ۱۲۳۵، ۷۳۸، ۳۶۷، ۳۵)، الکنی و الالقاب (۷۳ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ قطب‌الدین شیرازی)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۷۱۰)، مرآت الفصاحه (۵۰۴ -۵۰۱)، معجم المؤلفین (۲۰۳ -۲۰۲ / ۱۲)، مؤلفین کتب چاپی (۹۱ -۸۹ / ۶)، هدیه الاحباب (۲۱۹)، هدیه العارفین (۴۰۷ -۴۰۶ / ۲)، هفت اقلیم (۲۰۹ -۲۰۸ / ۱).

قطب‌الدین طریثیثی نیشابوری، ابوالمعالی مسعود

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۷۸ -۵۰۵ ق)، محدث، مدرس، مفسر، ادیب، واعظ و فقیه شافعی. اصل وی از طریثیث نیشابور است. وی یگانه پیشوای شافعیان زمان خود بود. نزد پدرش و محمد بن یحیی، شاگرد غزالی، و عمر بن علی، معروف به سلطان، و در مرو نزد ابواسحاق ابراهیم بن محمد فقه آموخت و از هبه‌الله بن سهل سیدی و عبدالجبار خواری حدیث شنید. قطب‌الدین از پدرش ادبیات را نیز فراگرفت و برآمد و در روزگار اساتیدش وعظ گفت و فتوا داد. وی مدتی نیز در نظامیه‌ی نیشابور به نیابت از جوینی تدریس کرد. در ۵۳۸ ق به بغداد رفت و وعظ گفت و مورد توجه قرار گرفت. وی برای سلطان صلاح‌الدین ایوبی کتاب «عقیده» را تألیف کرد و در آن جمیع مسائل دینی مورد نیاز را گردآوری نمود. سپس در دمشق ساکن شد و با ابونصر قشیری ملاقات کرد. در روزگار فقیه ابوالفتح مصیصی در دشمق مورد توجه قرار گرفت و در مجاهدیه درس گفت و پس از مرگ ابوالفتح تدریس در غزالیه را عهده‌دار شد، سپس راهی حلب شد و در آن جا در دو مدرسه‌ای که نورالدین و اسدالدین بنا نهاده بودند درس گفت. سپس به همدان رفت. مدتی در آنجا تدریس کرد. سرانجام به دمشق بازگشت و درس در غزالیه را از سر گرفت و به شاگردانش فقه آموخت. او هچنین در جاروخیه‌ی دمشق درس گفت، سپس به نمایندگی به بغداد رفت و داماد ابوالفتوح اسفرائینی شد. حافظ ضیاء از وی اجازه حدیث داشت. ابوالمواهب ابن صصری و برادرش حسین و تاج ابن حمویه و دیگران از وی روایت کردند. در دمشق درگذشت. در مقبره‌ای در نزدیکی مقبره‌ی صوفیه‌ی غربی دفن شد. از دیگر آثار وی کتاب «الهادی» در فقه است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۱۵ / ۸)، سیر النبلاء (۱۰۹ -۱۰۶ / ۲۱)، شذرات الذهب (۲۶۳ / ۴)، النجوم الزاهره (۸۶ / ۶)، وفیات الاعیان (۱۹۷ -۱۹۶ / ۵).

قطب‌الدین کیدری نیشابوری، ابوالحسن محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۵۷۶ ق)، عالم، فقیه، ادیب و شاعر. اصل وی از کیدر از روستاهای بیهق خراسان است. وی شاگرد فضل بن حسن طبرسی و ابن‌حمزه عمادالدین طوسی و معاصر با قطب راوندی بود. نقطه نظرات او در فقه مشهور و در کتابهای «مختلف» و «غایه المراد» و «مسالک» و «کشف اللثام» منقول است. از وی اشعار لطیفی باقی مانده است. از آثار وی: «الحدیقه الانیقه»، اشعار منسوب به امیرالمؤمنین (ع)دایر بر آداب و حکم و عبرت و مواعظ؛ «انوار العقول من اشعار وصی الرسول»، که تمامی اشعار منسوب به امیرالمؤمنین (ع) را گردآوری کرده است؛ «حدائق الحقائق فی تفسیر دقائق أحسن الخلائق»، در شرح «نهج‌البلاعه»، که آن را در ۵۷۶ ق تألیف کرده است؛ کتاب «الاصباح» در فقه؛ «کفایه البرایا فی معرفه الانبیاء و الاولیاء»؛ «مباهج المهج فی مناهج الحجج»؛ «الدرر فی دقائق علم النحو»؛ «البراهین الجلیه فی ابطال الذوات الازلیه»؛ «لب الالباب»، در مسائل کلام.[۱]

کیدری، محمد بن حسین بن حسن بیهقی مکنی به ابوالحسن، دانشمند معروف (ف. ۷۷۶ ه.ق) او راست: الاصباح فی فقه‌الامامیهٔ، انوار العقول من اشعار وصی الرسول ص، البراهین الجلیهٔ فی ابطال الذوات الازلیهٔ، حدائق‌الحقائق که شرحی است بر نهج‌البلاغه، الدرر فی دقائق علم النحو.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۲۵۰ / ۹)، الذریعه (۱۰۱ / ۹ ،۳۸۲ -۳۸۱ ،۲۸۵ / ۶ ،۸۰ / ۳ ،۴۳۴ -۴۳۱ ،۱۱۸ / ۲)، روضات الجنات (۲۷۸ -۲۷۴ / ۶)، ریحانه (۴۷۳ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۶۰ -۲۵۹ / ۶)، فوائد الرضویه (۴۹۴ -۴۹۳)، الکنی و الالقاب (۷۴ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالحسن)، معجم المؤلفین (۲۳۸ -۲۳۷ / ۹).

قطب‌الدین لاهیجی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۰۷۵ ق)، عالم امامی، ریاضیدان، عارف و شاعر. وی از علمای شیعه در سده یازدهم و از شاگردان میرداماد (م ۱۰۴۱ ق) و معاصر با شیخ حر عاملی بود. گذشته از مقام علمی، متألهی کامل و شاعری ماهر بود. از آثار وی: «ثمره الفؤاد»؛ رساله‌ای در «عالم المثال»؛ «محبوب القلوب»، ملمع، نظم و نثر؛ «لطائف الحساب»، به فارسی؛ «تفسیر»، به فارسی، به نام «الترجمه الانیقه»، در دو

مجلد، و ترجمه «الصحیفه السجادیه»؛ «خیر الرجال»، در بیان احوال رجال مذکور در اسانید کتاب «من لا یحضره الفقیه» شیخ صدوق، که به آورده‌ی صاحب «الذریعه» تألیف شیخ بهاءالدین محمد بن شیخ ملا علی شریف لاهیجی، در ۱۰۷۵ ق، است و به گمان خود شیخ آقا بزرگ تهرانی، شیخ بهاءالدین محمد همان قطب‌الدین لاهیجی است.[۱]

اشکوری، محمد بن علی بن عبدالوهاب شریف اشکوری لاهیجی دیلمی، فقیه و دانشمند، از علمای امامیه‌ی قر. ۱۱ ه. (ف. حدود ۱۰۷۵ ه.ق) وی شاگرد میرداماد و معاصر حر عاملی بود. او راست: ثمرةالفواد حاوی اسرار احکام دینی و حقایق اعمال، رساله‌ای در باب عالم مثال، محبوب‌القلوب (ه.م).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۹۲ –۱۹۱ / ۲۶ ،۱۴۲ –۱۴۱ / ۲۰ ،۲۰۶ / ۱۵ ،۲۸۳ –۲۸۲ / ۷ ،۱۶ –۱۵ / ۵)، ریاض العلماء (۱۲۴ / ۵)، ریحانه (۴۷۶ –۴۷۵ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۹۹ –۴۹۸ / ۱۱، قرن ۷۰۰ –۶۹۷ / ۱۲)، لغت‌نامه (ذیل/ قطب‌الدین لاهیجی)، هدیه الاحباب (۲۱۷).

قطب‌الدین یحیی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۸۷ ق)، عالم امامی. وی از اواخر سلطنت شاهرخ تا اوایل حکومت سلطان حسین بایقرا منصب شیخ‌الاسلامی داشت و به تدریس علوم دینی می‌پرداخت. او در هرات درگذشت و در کنار مزار خواجه عبدالله انصاری مدفون شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۱۰۶ / ۴).

قطب‌المحدثین، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید موسی بن سید قاسم موسوی معروف به (قطب المحدثین) از معمرین و فضلاء اهل منبر معاصر مشهد مقدس است.

وی اصلا کشمیری و در ۱۳۰۸ قمری در آنجا متولد شده و از آنجا با مرحوم والدش مهاجرت به مشهد و پرورش یافته و پس از آن فنون متنوعه را نزد استادان وقت آموخته مثلا- صرف و نحو و معانی و بیان را نزد مرحوم میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و حاج شیخ عبدالحسین سرولایتی و حاج محقق نوغانی و حاج شیخ محمد فاضل بسطامی و سید یحیحی نحوی خوانده و منطق را از آقاشیخ غلامرضا طباخ خراسانی و آقا شیخ محمدرضا یزدی فراگرفته و فقه و اصول را نزد مرحوم حاج شیخ ذبیح‌اللّٰه قوچانی بزرگ و حاج شیخ حسن برسی متقن نموده و حکمت را سالهای متمادی از محضر مرحوم حکیم شهیدی معروف به آقا بزرگ تحصیل فرموده و بر حسب وظیفه از طریق منبر و موعظه به خدمات دینی و ترویج پرداخته تا اکنون که در اثر کبر سن دوران کهولت و تقاعد از خدمت را می گذراند و از معاریف وعاظ مشهد مقدس می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قطب‌آبادی، سیاوش

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: کشاورزی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

قطب‌آبادی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌اکبر بن حسین بن عبدالعلی قطب‌آبادی شهر بابکی از علماء معاصر آن منطقه بودند.

وی در سال ۱۳۰۷ و یا ۱۳۰۸ ه در قطب‌آباد شهر بابک متولد شده است پدران ایشان کشاورز و به دیانت و خوبی مشهور بودند.

معظم له در سن پانزده سالگی از شهر بابک برای تحصیل علوم دینی عزیمت به رفسنجان نموده و در خدمت مرحوم حجةالاسلام آخوند ملا محمدعلی رفسنجانی شهر بابکی که عموزاده ایشان بودند مشغول به تحصیل مقدمات گشته و در سال ۱۳۲۹ ق از رفسنجان از طریق دریا به حج مشرف و در سال ۱۳۳۰ هجری به عتبات مقدسه ائمه طاهرین (ع) وارد نجف اشرف و در مدرسه مرحوم آیت‌اللّٰه یزدی رحل اقامت افکنده و به درس و بحث و تدریس مشغول و در سال ۱۳۳۷ قمری متأهل و به خانه منتقل

گردیدند.

اساتید آن مرحوم عبارت از آیت‌اللّٰه العظمی آقا سید محمدکاظم یزدی صاحب عروه و مرحوم آیت‌اللّٰه آقا سید محمدرضا مرعشی والد ماجد اخوان مرعشی و مرحوم آیت‌اللّٰه آقا سید ابراهیم معروف به حاج سید میرزا آقا اصطهباناتی می‌باشند در سال ۱۳۶۸ ق به قصد دیدار فرزند خود مرحوم میرزا احمد که در مرز مریض بودند به ایران آمده و در قم خدمت مرحوم آیت‌اللّٰه بروجردی مشرف شدند و حسب‌الامر معظم له به موطن اصلی خود شهر بابک مراجعت نمودند.

و بـه اقـامه جمـاعت و تعلیم مسائـل دینی و جـواب مراجعـات مردم در مـدت ۲۳ سـال بـوده و در خلال این مـدت دو سـفر به حج بیت‌اللّٰه‌الحرام و عتبـات عالیـات مشـرف تا در شب ۱۸ شوال ۱۳۹۱ قمری در شـهر بابـک بجوار رحمت الهی واصـل و در قبرسـتان مشهور به تل مصلی مدفون گردیدند.

دارای سه فرزند اهل علم و منبر می‌باشند.

۱- جناب مستطاب حجهٔ‌الاسلام آقا میرزا محمد که فعلا در نجف اشرف به تحصیل و مباحثات اشتغال دارند.

۲- جناب مستطاب ثقهٔ‌الاسلام آقا میرزا احمد که در ۲۴ سالگی مرحوم گردیدند

۳- جناب مستطاب حجهٔ‌الاسلام آقا شیخ علی نجفی که اکنون در شهر بابک به جای مرحوم والدش اشتغال به خدمات دینی دارند.

۴- عموزاده آن مرحوم جناب مسـتطاب حجهٔ‌الاسـلام والمسـلمین آقای حاج شـیخ محمدعلی شهر بابکی رفسنجانی از علماء بزرگ مقیم رفسنجان بودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

قطبی، افشین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

افشـین قطبی در پنجم بهمن ماه سال ۱۳۴۳ در شـهر شیراز به دنیا آمد ، در سال ۱۳۵۶ به همراه پـدر و زن پدرش در حالیکه ۱۳ سال داشت به آمریکا رفت و در یک شهر کوچک در حوالی لس آنجلس ساکن شد.

فوتبـال خودش را از سه سـالگی در شـیراز آغـاز کرد و در آمریکا هم پس از یادگیری زبان انگلیسـی به بازی فوتبال می پرداخت ، وی در مـدرسه" جونیـور هـایس هود "که در آن درس میخوانـد به عضویت تیم فوتبـال آن مـدرسه در آمـد و توسـط شخصـی که پدرش ایرانی و مادرش مصری بود و صاحب یک مدرسه فوتبال هم بود ، به عضویت مدرسه فوتبال در آمد و پس از مدتی به جای بازی در این تیم ، مربی این تیم شد و توانست تیم تحت هدایتش را به مقام اول در کالیفرنیا برساند.

وی هنگـامی که به آمریکا رفت به همراه درس خوانـدن و آموزش فوتبال به کار روزنامه فروشـی و باغبانی پرداخت تا بتوانـد خرج خود را در بیاورد.

وی در ۱۷ سالگی به داشـنگاه معروف " یو سـی ال " رفت و در این دانشـگاه مهم نیز به عضویت تیم فوتبال این دانشگاه در آمد و تنهـا ایرانی تیم فوتبـال این دانشـگاه بود . وی تحت نظر مربی آلمـانی این دانشـگاه " زیـک ایشـلید " الفبـای حرفه ای فوتبال را فرا گرفت .

وی همزمان با دوران دانشجویی در یک مدرسه ورزش استخدام شد و مربی تیم فوتبال شاگردان ۷ تا ۱۴ ساله را بر عهده داشت.

وی در سال ۱۹۸۶ موفق شد در رشـته مهندسـی برق الکترونیک از دانشگاه معتبر" یو سـی ال "فارغ التحصیل شود. وی برای مدت سه سال سرمربی تیم زنان این دانشگاه را نیز بر عهده داشت.

وی در سن ۲۴ سالگی یعنی در سال ۱۹۸۸ تصـمیم میگیرد که مدسه فوتبالی را برای خودش تأسیس کند ، وی در این دو سالی که از فارغ التحصیلی اش در دانشگاه می گذشت موفق شده بود مدرک مربیگری A را از فدراسیون فوتبال آمریکا دریافت کند.

کم کم کار افشـین قطبی رونق گرفت به طوری که در روز حـداقل ۱۲۰ شاگرد از سن ۶ تا ۱۹ ساله داشت و مجبور شـد چند مربی فوتبال را برای مـدرسه فوتبالش به خـدمت بگیرد و به جز مربیگری در مـدیریت مـدرسه فوتبالش هم موفق ظاهر شـد بطوری که در سال حدود ۱۰۰۰ نفر شـاگرد داشت و محبوبیتش در لس آنجلس بیشتر می شـد و همین امر بـاعث شـد که قطبی مربیـان بزرگی را برای مـدرسه فوتبالش بیاورد از جمله " کودیانز " از باشگاه آژاکس استرداm هلنـد و همچنین" بورا میلوتینوویچ "مربی معروف و شنـاخته شـده یوگسـلاوی که سـابقه پنـج حضور در جـام جهانی (با تیم های مکزیک در سال ۱۹۸۶ ، کاستاریکا در سـال ۱۹۹۰ ، آمریکا سال ۱۹۹۴ ، نیجریه سال ۱۹۹۸ و چین سال ۲۰۰۲) را داشت.

مهمترین شـاگر مـدرسه افشـین قطبی" جـان اوبرایان " بود که از ۱۴ سـالگی تا ۱۶ سـالگی در مـدرسه قطبی به یادگیری فوتبال می پرداخت و در سن ۱۶ سالگی به آژاکس رفت و در دو جام جهانی هم برای تیم ملی آمریکا بازی کرد.

افشین قطبی مدرسه فوتبالش را در سال ۲۰۰۲ تعطیل کرد ، چرا که دیگر در آمریکا نبود و نمی توانست باشگاهش را اداره کند

افشین قطبی در سال ۱۹۹۷ به عنوان مربی تیم ملی آمریکا در آمد وی با دعوت سرمربی تیم ملی آمریکا" استیو سمپسون "که مربی وی در دانشگاه بود به این تیم پیوست و در جام جهانی ۱۹۹۸ پس از شکست آمریکا از ایران ، به همراه سرمربی تیم آمریکا از این تیم استعفاء داد.

رفت و آمـدهای افشـین قطبی به اروپـا به خصوص هلنـد ، بـاعث آشـنایی او با مربیان طراز اول هلنـدی شـد بطوریکه در سال ۲۰۰۱ هنگامی که گاس هیدینک سـرمربی تیم ملی کره جنوبی شد این مربی معروف از قطبی دعوت نمود تا آنالیزور وی در تیم ملی کره شود که قطبی نیز از این پیشـنهاد اسـتقبال کرد . قطبی به همره گاس هیـدینک موفق شدند بهترین نتیجه یک تیم ملی آسـیایی را در

تاریخ فوتبال جام جهانی به ثبت برسانند چرا که موفق شدند تیم کره جنوبی را در جام جهانی ۲۰۰۲ به مقام چهارمی جهان برسانند.
وی پس از جام جهانی ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۰۴ به عنوان دستیار مربی تیم سامسونگ بلووینگز انتخاب شد .
وی در سال بعد مجدد دستیار" استیو سمپسون "در تیم فوتبال گالکسی لس آنجلس شد .
در سال ۲۰۰۶–۲۰۰۵ قطبی به عنوان دستیار" دیک ادوکات "و همچنین" پیم وربیک " در تیم ملی کره جنوبی انتخاب شد و در سال ۲۰۰۷ موفق شدند پس از شکست تیم ملی ایران در جام ملت های آسیا به مقام سومی برسند.
قطبی از سال ۱۳۵۶ که از ایران خارج شد تا سال ۱۳۸۶ (۳۰ سال) به ایران نیامد .
قطبی در سه جام جهانی حضور داشته و از این لحاظ هیچ مربی ایرانی نتوانسته به چنین جایگاهی دست یابد.
وی در سال ۲۰۰۷ به ایران آمد و سرمربیگری تیم فوتبال پرسپولیس تهران را بر عهده گرفت ، و در این مدت تیم پرسپولیس توانست صدرنشین مسابقات شود .عنوانی ه البته تا به امروز دچار نوسانات زیادی شده و باید تا پایان فصل منتظر ماند و دید که آیا قطبی در اولین تجربه سرمربیگری موفق خواهد شد یا خیر؟
از افشین قطبی همچنین به عنوان سرمربی احتمالی تیم ملی ایران یاد می کردند اما در حالیکه فدراسیون با افشین قطبی مذاکرات خوبی را داشت ، به جهت فشار سازمان تربیت بدنی برای انتصاب اجباری امیر قلعه نویی و دلایلی همچون اینکه وی با آلودگی های فوتبال ایران خیلی آشنا نیست و همچنین نتوانسته از پس حواشی تیمی چون پرسپولیس و باند استیلی بربیاید چگونه می تواند از پس بازیکن سالاری موجود در تیم ملی و دلالان گرد تیم بر بیاید به پست سرمربیگری تیم ملی نرسید تا علی دایی که تا روز اخر اصلا بین گزینه ها نبود سپربلای فدراسیون شود و به عنوان سرمربیگری تیم ملی انتخاب شود.
منابع زندگینامه :http://www.iranactor.com/

قطران عضدی تبریزی، حکیم ابومنصور

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۶۵ ق)، فرهنگ‌نویس و شاعر. در تبریز به دنیا آمد. از معاصران قطران ناصرخسرو قبادیانی است که در سفر خود هنگام عبور از تبریز، در ۴۳۸ ق، قطران را ملاقات کرد و در نزد ناصرخسرو «دیوان منجیک» و «دیوان دقیقی» را خواند و مشکلات لغات پارسی دری را توضیح خواست و شرح آنها را نگاشت. وی در قصیده‌سرایی مهارت کامل داشت و صنایع لفظی مانند: تجنیس، ترجیع و ذوقافیتین را غالبا در شعر به کار می‌برد. او نخستین کسی است که در آذربایجان به فارسی دری شعر سرود. قطران شاعری مدیحه‌سرا است و در وصف امرا و وزرای روزگارش شعرها سرود. وی مداح سلاطین و امرای آذربایجان از قبیل: ابوالحسن علی لشکری،ابودلف شیبانی، امیر ابومنصور و هسودان و پسرش، ابونصر مملان و فضلون ابن ابی‌السوار بود. سال وفات قطران را گرچه اکثر تذکره‌ها ۴۶۵ ق نوشته‌اند اما از دیوانش شواهدی به دست آورده‌اند که حیات او بعد از این تاریخ ادامه داشته است. از آثارش: «دیوان» شعر؛ «تفاسیر فی لغه الفرس»، اولین فرهنگ فارسی، که در زمان سفرنامه ناصرخسرو به تبریز مشغول تألیف آن بوده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)
منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۳۷ –۱۳۵ / ۱)، تاریخ ادبی ایران (۶۷۳ –۱۳۳ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۳۰ –۴۲۱ / ۲)، تاریخ نظم و نثر (۴۸)، تذکره الشعراء (۷۸ –۷۶)، دایره‌المعارف فارسی (۲۰۶۶ / ۲)، دانشمندان آذربایجان (۳۰۹ –۳۰۷)، دویست سخنور (۳۳۲ –۳۲۸)، الذریعه (۸۸۵ / ۹)، ریحانه (۴۷۹ –۴۷۷ / ۴)، سخن و سخنوران (۵۱۴ –۴۹۲)، صبح گلشن (۳۳۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن پنجم/ ۱۴۰)، فرهنگ سخنوران (۷۴۶)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۲۴۸۷ –۲۴۸۵ / ۳)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۱۷)، کشف الظنون (۴۲۶)، گنج سخن (۲۱۰ –۲۰۴ / ۱)، لباب الالباب (۲۲۱ –۲۱۴ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ قطران)، مجمع الفصحا (۱۱۲۴ –۱۱۰۴ / ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۹۲۸ –۹۲۶ / ۴)، هدیه العارفین (۸۳۶ / ۱)، هفت اقلیم (۲۲۱ –۲۱۶ / ۳)، یادداشتهای قزوینی (۱۶۸ –۱۶۶ / ۶)، یغما (س ۳، ش ۱۱، ص ۴۷۴ –۴۶۵).

قطره‌ی چهار محالی اصفهانی، عبدالوهاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۸۴ ق)، شاعر. وی اهل چهارمحال است و به دلیل گفتن قطعه‌ای شعر در هجو حاکم وقت از اصفهان به تهران آمد و به مداحی فتحعلی‌شاه پرداخت و در سلک ندیمان محمود میرزا قرار گرفت. از آثار وی: دیوانی در «غزوات حضرت رسول (ص) و امیر مومنان علی بن ابی‌طالب (ع)»، در بیست هزار بیت؛ «دیوان» شعر، در بیست هزار بیت؛ «فتح‌نامه» در فتوحات مختار ثقفی، در ده هزار بیت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)
منابع زندگینامه :ارمغان (س ۷، ش ۳ –۲، ص ۱۰۲)، حدیقه الشعراء (۱۴۳۷ –۱۴۳۴ / ۲)، الذریعه (۸۸۶ / ۹)، سفینه المحمود (۴۵۹ – ۴۴۳ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۴۶)، مجمع الفصحا (۸۹۰ –۸۸۶ / ۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۴۴)، نگارستان دارا (۲۴۴).

قطیفی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۵ -۱۲۵۱ ق)، عالم امامی. وی از علمای بزرگ عصر خود و از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بود. در بحرین درگذشت. از آثارش: «التحفه الاحمدیه للفرقه الجعفریه فی المنشآت الصادقیه و الدعوات الجعفریه» یا «الصحیفه الصادقیه»؛ رساله‌ای در «شرح احوال استادش شیخ مرتضی انصاری»؛ «دیوان» شعر.[۱]

احمد بن صالح بحرانی، عالم شیعی (ف. ۱۳۱۵ ه.ق) وی از شاگردان شیخ مرتضی انصاری است. او راست: التحفهٔالاحمدیهٔ، دیوان اشعار.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۲ -۲۱ / ۱۵ ،۸۸۶ / ۹ ،۴۱۳ -۴۱۱ / ۳)، ریحانه (۴۸۱ / ۴).

قفال مروزی خراسانی، ابوبکر عبدالله

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۲۷ / ۴۱۷ -۳۲۷ ق)، فقیه شافعی. برای تمییز بین او و قفال شاشی یا قفال کبیر به قفال صغیر معروف شد. اهل مرو بود و شغلش قفل‌سازی. چون به سی سالگی رسید به فراگیری علوم اسلامی روی آورد. وی فقه را از ابی‌زید فاشانی مروزی آموخت و از او، و از خلیل بن احمد سجزی حدیث شنید. در فقه و تقوی مشهور زمان خود بود. فتاوا و گفته‌های او در کتب فقهی آمده است. در ترویج مذهب شافعی زحمت بسیاری کشید و مرجع استفاده بسیاری از بزرگان شد که هر یک توانستند علوم را در اطراف پراکنده سازند. ابوعبدالله محمد بن عبدالملک مسعودی و ابوعلی حسین بن شعیب سنجی مروزی و ابوالقاسم عبدالرحمان بن محمد بن فوران مروزی از وی فقه آموختند. قفال شیخ شافعی‌ها در خراسان و صاحب طریقه‌ی خراسانیین بود. در سجستان درگذشت، و قبرش در آنجا زیارتگاه است. از آثارش: «شرح فروع محمد بن الحداد المصری»، در فقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹۰ / ۴)، انساب سمعانی (۵۳۳ / ۴)، ایضاح المکنون (۱۸۸ / ۲)، روضات الجنات (۱۰۸ -۱۰۵ / ۵)، ریحانه (۴۸۲ / ۴)، سیر النبلاء (۴۰۸ -۴۰۵ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۰۸ -۲۰۷ / ۳)، العبر (۲۳۳ -۲۳۲ / ۲)، الکنی و الالقاب (۷۹ - ۷۸ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ قفال صغیر)، معجم المؤلفین (۲۶۶ / ۶)، النجوم الزاهره (۲۶۶ / ۴)، وفیات الاعیان (۴۶ / ۳)، هدیه العارفین (۴۵۰ / ۱).

قفقازی سلیانی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۳ ق)، عالم امامی و مدرس. در نجف نزد فاضل ایروانی و میرزا حبیب‌الله رشتی و میرزا حسین خلیلی و شیخ محمد حسن مامقانی تلمذ نمود و روز و شب به تلاش و کوشش ادامه داد تا مرجع تدریس طلاب شد. او در ایوان مرتضوی شریف به اقامه‌ی جماعت می‌پرداخت. از وی آثار و تقریراتی در فقه بر جای مانده که هنوز به چاپ نرسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵ -۴ / ۱۴).

قلاش خراسانی، عبدالرحمان

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر معروف به رند علیشاه. اصلش از خراسان است. وی درطریقت دست ارادت به حسین علیشاه قادری داد. در شعر شاگرد منصور علی‌خان خراسانی بود. سرانجام به سیاحت هندوستان پرداخت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۴۳۷ / ۲).

قلزم یزدی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۹ -۱۲۷۰ ش)، شـاعر، متخلص به قلزم. وی در یزد به دنیا آمـد. پس از تحصـیلات مقـدماتی مـدت چهارده سال تحت مراقبت پـدر خود به تحصـیل علوم قـدیمه پرداخت و چنـدی به تحصـیل علوم جدیـده پرداخت آن‌گاه در نتیجه‌ی مسافرتهای طولانی که به کشورهـای روسـیه، آلمـان، ترکیه و انگلسـتان و تمـاس بـا ملتهـای مختلف جهان کرد با زبانهای روسـی، آلمانی، ترکی و انگلیسـی آشنایی یافت. وی بشتر در شعر به جنبه‌های فکاهی و انتقادی آن می‌پرداخت. از آثار وی: «هفتاد موج»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تـذکره‌ی سـخنوران یزد (۶۷۸ -۶۶۵)، الـذریعه (۸۸۷ / ۹)، سـخنوران نامی معاصـر (۲۸۲۲ -۲۸۱۹ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۷۴۷ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴۴ -۴۴۳ / ۶).

قلعه نویی، امیر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اردشیر قلعه نویی، معروف به امیر قلعه‌نویی در سال ۱۳۴۲ به دنیا آمد.

اردشیر ۷ ساله بود که خبر دادنـد پـدرش فوت کرده‌است. وی از سیزده سالگی شروع به کار کردن کرد و در کنار کار، فوتبال نیز بازی می‌کرد. در سال ۱۳۶۰ امیر به تیم ملی جوانان دعوت شد که نمایش قابل قبولی هم از خود ارائه کرد و در اسفند ۱۳۶۰ از تیم راه آهن به شـاهین رفت. شـاهین در آن زمـان ملی پوشـان زیـادی داشت. او اواسـط لیـگ سال ۶۶ پس از پیروزی ۲ بر صـفر برابر پرسـپولیس، شاهین را ترک کرد و به السـد قطر رفت. امیر زمسـتان ۱۳۶۷ به تهران بازگشت و این بار سراغ باشگاه استقلال تهران رفت، پای میز قرارداد نشست و پیراهن آبی را بر تن کرد. اولین بازی وی به عنوان بازیکن استقلال در ۱۹ اسفند سال ۱۳۶۷ مقابل پرسپولیس رقم خورد. این بازی که در مرحله یک چهارم نهایی جام حذفی برگزار می‌شد به پنالتی کشیده شد و اردشیر پنالتی‌اش را از دست داد.

این بـازیکن خلاق تا پایان دوره بازیگری‌اش تنها ۱۹ بـازی ملی انجام داد که اتفاقاً ۱۸ بازی آن در سن ۳۰ سالگی به بعد رخ داد. امیر اولین‌بار توسط ناصر ابراهیمی در سال ۱۳۶۴ به تیم ملی ب دعوت شد. او در اردیبهشت سال ۱۳۶۵ همراه تیم ملی به چین سفر کرد و اولین‌بـار پیراهن تیم ملی الف را بر تن کرد امـا تا سال ۱۳۷۲ هیچگاه مجـدداً به تیم ملی فراخوانده نشد. در کارنامه ملی قلعه نویی تنهـا یـک گـل زده آن هم به کویت دیـده می‌شود. او در سال ۱۳۶۸ دچار مصـدومیت شدیـدی شـد و بار دوم در سال ۱۳۷۳ مصدومیت جدی را تجربه کرد. وی سابقه مربیگری در تیم‌های برق تهران، کشاورز، استقلال اهواز و استقلال تهران را دارد. پس از قهرمانی اسـتقلال تهران با قلعه نویی در سال ۱۳۸۵ و نتایـج ضـعیف تیم ملی ایران در مسابقات جام جهانی ۲۰۰۶ و از طرفی خاتمه همکاری ایران با برانکو ایوانکویـچ، شـرایط تازه‌ای برای قلعه نویی مهیا شـد. او به عنوان سـرمربی تیم ملی انتخاب شد و همزمان در ادواری پست‌های مـدیرفنی و رئیس سازمان فوتبال استقلال تهران را نیز بر عهده داشت. تیم ملی ایران با حضور او روی نیمکت در مسابقات جام ملت‌های آسیا (۲۰۰۷) بـا ضـربات پنـالتی مغلوب تیم ملی کره‌جنوبی شـد و از این رقابت‌ها دست خالی بازگشت. در سال ۲۰۰۷ وی کاندید کسب بهترین مربی سال آسیا شد

قلندرشاه، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۶ ق)، شـاعر. وی از کفـایت و دانش و خط خوش برخوردار بود. در تمام عمر طالب صـحبت فقرا و عرفا بود و گاهی هم شعر می‌گفت اما تخلص و دیوان شعر نداشته است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۵۹۱ -۱۵۸۸ / ۳).

قلی بیگیان، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی قلی بیگیان

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۰ درتهران متولد شدم و در سال ۱۳۵۸ از دبیرستان دارالفنون در رشته ریاضی فیزیک فارغ التحصیل گردیدم وسپس در همان سال در مدرسه عالیه شهید مطهری مشغول به تحصیل در رشته علوم دینی گردیدم و درسال بعد به موسسه مجتهدی (ملا جعفر) درتهران ادامه داده و درسال ۶۵-۶۴ به قم منتقل گردیدم ودر دروس اساتید پایانی وستوده وحاج شیخ جواد تبریزی و وحید خراسانی به دروس سطوح و خارج مشغول شده ودر ضمن به تدریس نیز اشتغال داشته و دارم، اشتغال به تدریس شامل تدریس در دبیرستان وحوزات علمیه تهران و قم میباشد در ضمن حدود ۱۰ سال به کار تحقیقات در مؤسسه نشر آثار مشغول بوده ودوره تخصصی فقه واصول را در موسسه ائمه اطهار که زیر نظر اقای فاضل لنکرانی می باشد به مدت ۵ سال په پایان رساندم و پایان نامه اینجانب تحت عنوان پیوند اعضا می باشد.

قلی زاده مشکول، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجتبی قلی زاده مشکول

محل تولد : خلخال

شهرت : قلی زاده

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۳/۷

زندگینامه علمی

اینجانب مجتبی قلی زاده در تاریخ ۷/۳/۱۳۵۳ در یکی از توابع شهرستان خلخال در یک خانواده کشاورز و معنوی به دنیا آمدم و تحصیلات ابتدائی و راهنمائی را درآن محل پشت سر گذاشتم و در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه خلخال شدم که چون حوزه علمیه در حال ساخت و توسعه بود نتوانستم خوب بهره علمی بگیرم لذا هجرت کردیم و به حوزه علمیه کاشان وارد شدیم. و پس از پایان مقدمات در سال ۱۳۷۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از سپری کردن پایه‌های تحصیلی در سال ۱۳۸۴ از محضر مراجع گرانقدر درس خارج فقه اصول بهره می‌گیرم. «و من الله التوفیق» و اکنون مشغول تحقیق و یادداشت برداری هستم. امیدوارم توفیق الهی همراه من و شما عزیزان باشد.

قلیج‌خانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۲۱.

درگذشت: ۱۳۷۳.

از آثار اوست: بر بازوان باستانی فولاد: مجموعه اشعار سالهای ۵۰ تا ۷۰ (گردآورنده سعیدامیر اصلانی، تهران، ۱۳۷۵).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

قمبوانی سمیرمی، محمد مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد صادق. عالم فاضل محقق، در اصفهان خدمت جمعی از افاضل تحصیل نموده، و هم در این شهر ساکن، و مرجع حکم و فتوا بوده، و در شب جمعه سوم رجب ۱۲۵۵ وفات یافته، در تخت فولاد جنب فاضلان مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قمر

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن سیزدهم هجری، از زنان شاعر. وی همسر شاهزاده علیشاه ظل‌السلطان قاجار بود. گهگاه به اقتضای طبع شعر می‌سرود. ابیات زیر از اوست:

مرغ پر ریخته در دام توام ای صیاد

چند سنگم بزنی قوت پروازم نیست

نمی‌دانم چرا پیش رقیبان

سخن پرسند از عاشق حبیبان

اندر سرکوی تو بسی منتظرانند

شاید از سر لطف تو ز خانه درآیی

نمی‌گویم مکن با من تو بیداد

ز بیداد تو دل شاد است ما را[1]

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی همسر شاهزاده علیشاه ظل‌السلطان قاجار بود. گهگاه به اقتضای طبع شعر می‌سرود. از اوست:

نمی‌دانم چرا پیش رقیبان

سخن پرسند از عاشق حبیبان

از رابعه تا پروین (۱۸۶)، ریاحین الشریعه (۴۱ / ۵)، زنان سخنور (۱۰۲ / ۲)، مشاهیر زنان (۱۹۱ –۱۹۰).

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :[1] منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره ششم، ۵۴؛ از رابعه تا پروین، ۱۸۶؛ خیرات حسان، ۴۲ / ۳؛ ریاحین‌الشریعه، ۴۱ / ۵؛ زنان سخنور، ۱۰۲ / ۲؛ نقل مجلس، گ ۳۲.

قمرالسلطنه

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

۱۳۰۸ –۱۲۵۰ / ۱۲۴۹ ق، ماه‌تابان خانم از زنان خیر، فاضل و شاعر. وی دختر چهل و ششم فتحعلی شاه (۱۲۵۰ –۱۲۱۲ ق) و مادرش نوش‌آفرین خانم، دختر بدرخان زند بود. او به ازدواج میرزا حسین خان سپهسالار (۱۲۹۸ –۱۲۴۱ ق) درآمد. قمرالسلطنه زبان فرانسه و ترکی را به خوبی فراگرفت و در شعر و ادب مهارت یافت. دوبار نیز به حج رفت و موقوفات زیادی برجای گذاشت؛ از جمله نیمی از درآمد املاکش را وقف روشنایی بقاع متبرکه و نیم دیگر را وقف شهریه طلاب نمود. ابیات زیر از اوست:

چه بودی گر ز راه مهر بر من دیده بگشودی

ز اغیارم نهان بر دیده جانم عیان بودی

به هر جا هست بیمار از خدا خواهد شفای خود

مریض عشق خود هرگز نیارد نام بهبودی

به راه کعبه گر آتش ببارد رو نگردانم

خلیل آسا گلستان است بر من نار نمرودی[1]

(ع. ماه پادشاهی) تاج‌ماه خانم (و. ۱۲۴۴– ف. ۱۳۰۹ ه.ق) دختر عباس میرزا و زن حاجی میرزا حسین‌خان سپهسالار. وی به سن ۶۵ سالگی در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :[1] منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره ششم، ۵۲؛ از رابعه تا پروین، ۱۸۷ –۱۸۶؛ تاریخ عضدی، ۲۴۳ ،۲۰۶ ،۱۶۵؛ خیرات حسان، ۷۱ –۶۹ / ۳؛ دایرةالمعارف فارسی، ۲۰۸۱ / ۲؛ الذریعه، ۸۸۸ / ۳؛ ریاحین‌الشریعه، ۶۲ / ۵؛ النساءالمؤمنات، ۶۱۱.

قمرزاده، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

موسی قمرزاده

محل تولد : اهواز

شهرت : حاج قمر

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۲/۱۴

زندگینامه علمی

بنده پس از پایان جنگ و دوران دفاع مقدس وارد حوزه علمیه شدم و ابتدا در شهرستان دزفول حوزه آیت الله قاضی و سپس در قم اشتغال به تحصیل پیدا کردم. گرچه از قبل به مطالعه علاقه وافری داشتم و از همان دوران نوجوانی و در جبهه و سپاه پیوسته برنامه مطالعاتی داشتم ولی با آمدن به حوزه به این علاقه افزوده شد. هنوز مشغول به تحصیل در دوره سطح ۱ بودم که کار تدریس را نیز رسماً در مدارس شروع کردم و از همان سال تا کنون همه ساله درس یا دروسی را مشغول به تدریس بوده ام. علاقه ام بیشتر به مطالعه و تحقیق در حوزهٔ علوم عقلی و سپس نقلی بوده و در کنار آن به تحقیقات پیرامون تاریخ خصوصا تاریخ معاصر میپردازم. در زمینه موضوعاتی که تدریس کرده ام تحقیق و مطالعهٔ گسترده نیز انجام می دهم و در حال تهیهٔ مطالبی نیز هستم. در زمینه تاریخ معاصر نیز مجموعه ای در قالب کتاب در دست نوشتن دارم. همچنین جلد اول خاطرات دفاع مقدس با عنوان حدیث وصل و هجران را به چاپ رسانده ام که در جشنواره کتاب سال دفاع مقدس بعنوان کتاب برگزیده انتخاب شد دفتر دوم کتاب خاطراتم نیز در حال آماده شدن برای چاپ است و در زمینه ادبیات نیز کتاب نجوا با شلمچه به چاپ رسید که چاپ دوم آن در حال حاضر منتشر شده است.

قمری آملی، سراج‌الدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۵۸۰ ق)، شاعر، متخلص به قمری. اصل و مولد وی آمل بود. چون مداح خوارزمشاهیان بود به خوارزمی نیز مشهور است. در اوان جوانی برای تحصیل علم از مازندران بیرون رفته و ظاهرا مدتی در ری و شاید به خراسانی نیز سفر کرده باشد. وی شاگرد امام فخررازی (م ۶۰۶ ق) و معاصر با کمال‌الدین اسماعیل (م ۶۳۶ ق) سیف‌الدین باخرزی، رفیع‌الدین لنبانی وعمادی شهریاری بود که یکدیگر را مدح نیز می‌کردند. سراج مداح پادشاهانی چون غیاث‌الدین پیر شاه بن محمد خوارزمشاه و جلال‌الدین خوارزمشاه بود. او همچنین حسام‌الدین اردشیر بن کینخوار باوندی را، که پایتختش در آمل، بود مدح کرد و در مدح او چندین قصیده و ترجیع و مسمط و قطعه دارد. سراج یکی از استادان چیره دست شعر فارسی است که سخن او استادانه و بر شیوه‌ی شعرای بزرگ خراسان در قرن ششم هجری، به ویژه انوری است. وی به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌گفت و شاعری هجوگو و بذله‌پرداز بود. از آثار وی «دیوان» شعر، متجاوز از سیزده هزار بیت که قسمتی از آن متضمن خمرایت است؛ مثنوی «کارنامه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۱۴ -۹۰۴ / ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۰۴ -۶۸۱ / ۳)، تاریخ رویان و مازندران (۳۲ -۳۱)، تاریخ گزیده (۷۳۵)، تاریخ نظم و نثر (۹۵)، تذکره الشعرا (۲۶۲ -۲۶۱)، الذریعه (۸۸۸، ۴۳۸ -۴۳۷ / ۹)، ریحانه (۹ / ۳)، صبح گلشن (۲۰۱)، فرهنگ سخنوران (۷۴۸)، لغت‌نامه (ذیل/ قمری آملی)، مجمع الفصحا (۱۱۲۶ -۱۱۲۵ / ۳)، هفت اقلیم (۱۶۳ -۱۶۱ / ۳).

قمری جرجانی، ابوالقاسم زیاد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، شاعر. معاصر قابوس وشمگیر (۴۰۳ -۳۶۶ ق) از پادشاهان آل‌زیار و مداح آن پادشاه و به گفته‌ی محمد عوفی: «جلوه‌گر مفاخر شمس‌المعالی» بود. در «مجمع الفصحا» نام وی تحت عنوان قمری مازندرانی ابوالقاسم زیاد بن عمر جرجانی آمده است. از اوست:

جهان ما به مثل می شده است و ما می‌خوار

خوشیش بسته به تلخی و خرمی به خمار

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۴۳۷ -۴۳۵۱)، تاریخ ادبی ایران، براون (۶۷۸ -۶۶۲ / ۱)،الذریعه (۸۸۹ / ۹)، شعرای مازندران و گرگان (۲۴۰)، فرهنگ سخنوران (۷۴۸)، لباب الالباب (۲۰ -۱۹ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ قمری مازندرانی)، مجمع الفصحا (۱۱۲۵ -۱۱۲۴ / ۳).

قمشه ای شاه نظر، شیخ شاه نظر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از مشایخ قمشه از اعمال اصفهان بود، گویند اصل وی از طایفه‌ی افشار است. او در هنگام سلطنت شاه جهان به هندوستان رفت، در آنجا با طالب و کلیم هم‌صحبت شد. از وضع موجود آن دیار خوشش نیامد و به اصفهان مراجعت کرد. وی در طرز رباعی تصوف‌آمیز از مرشد و پیر خود میرمغیث همدانی بهره گرفت و این فن را به حد کمال رسانید. وی از هند به برهانپور رفت در آنجا در جرگه‌ی مداحان میرزا عبدالرحیم خان خانان سپهسالار درآمد و قصاید غرا در مدح آن ممدوح گفت

وی مدتی تولیت مزار شاه‌رضا قمشه‌ی را داشت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۸۹۳، ۴۷۴/ ۵)، تذکره‌ی روز روشن (۴۰۶ -۴۰۵)، تذکره‌ی میخانه (۸۳۶ -۸۳۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۷۸ -۲۷۷)، الذریعه (۵۰۲ -۵۰۱ /۹)، فرهنگ سخنوران (۴۹۱)، مآثر رحیمی (۱۴۷۴ -۱۴۷۱ /۴)، مخزن الغرائب (۹۴۹ -۹۴۷)، نتایج الافکار (۳۸۳)، نشتر عشق (۷۹۱ -۷۹۰).

قمشه ای، آقا کوچک

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عـالم و عارف، و از اهالی قمیشه، و در اصـفهان ساکن بوده، در سال ۱۲۹۷ قمری وفات یافته و در صـحن تکیه مادر شاهزاده، جنب قبر حاج صادق تخت فولادی مدفون گردیده.

مادّه تاریخ وفاتش را مفتون شاعر اصفهانی گوید:

بهر تاریخ وفاتش کلک مفتون زد رقم

زبده آل سلوک اندر جنان شد رستگار

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قمشه ای، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا قمشه‌ای (شهرضائی) از مشاهیر حکماء و افاضل مدرسین زمان خود بوده است.

وی قبل از ۱۳۰۰ ه از اصـفهان به تهران عزیمت نموده و در مدرسه صدر (که در جلو خان مسجد شاه) است به تدریس فقه و اصول و فلسفه و غیره پرداخته و بالخصوص در علم فلسفه و عرفان ید طولا و استادی ماهر بود و جماعتی از بزرگان دانشمندان و حکماء و فلاسـفه معروف از وی اسـتفاده معقـولی نموده که هر کـدام پس از او فیلسوف بزرگ و حکیمی سـترک بودنـد که از مشـاهیر آنها نامبردگان زیراند.

۱- آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالفضل کلانتر

۲- علامه حکیم میرزا جهانگیر خان قشقائی

۳- آیت‌اللّه حاج میرزا سید حسین قمی

۴- علامه ملا حیدرخان نهاوندی

۵- آیت‌اللّه حاج میرزا عبداللّه ریاضی رشتی

۶- علامه شیخ علی نوری تهرانی

۷- آیت‌اللّه میرزا علی‌اکبر یزدی مدرس قم

۸- علامه شیخ محمود بروجردی

۹- آیت‌اللّه حاج میرزا محمود قمی

۱۰- علامه میرزا هاشم رشتی

علامه قمشه‌ای دانشـمندی عمیق‌الفکر و دقیق‌النظر و کثیرالتفکر و خوش‌بیان و ادیبی فاضل و شاعری مبتکر و به صـهبا تخلص داشت وفات او در سال ۱۳۰۶ ق روز وفات علامه بزرگوار و مجتهد عالیمقدار آیت‌اللّه العظمی حاج ملا علی کنی اتفاق افتاد فاضل مراغی او را در کتاب (المآثر والاثار) ص ۱۶۴ ذکر کرده.

و دربـاره وی گفته که او مردی متواضع و خوش‌اخلاـق و متقی و پرهیزکـار بود و در موقع احتضار و مرگش به کسانی که اطرافش نشسـته بودنـد توجه کرده و گفت آیا دیدیـد اسب سـفیدی را که حضـرت امام مهدی ولی عصـر عجل‌اللّه‌فرجه برای سوار شدن من فرستاده‌اند.

آثاری از آنجناب بجا مانده که از آنست کتاب (الخلافهٔ الکبری) که در سال ۱۳۱۵ در تهران بطبع رسیده به مباشرت شاگردش شیخ محمود بروجردی بـا کتاب (الجمع بین‌الرائیین) معلم دوم فارابی و دیگر حواشـی او بر شـرح خصوص و رساله‌ای در فرق بین اسـماء ذات و اسماء صفات و حدیث زندیق.

(بخش ۱) قمشه‌ای، آقا محمدرضا دانشـمند مدرس کتب عرفانی (ف. تهران ۱۳۰۶ ه.ق.) وی از قمشه اصـفهان و مردی زیرک بود. حکمت و کلام را نزد حـاجی محمـد جعفر لاریجانی و میرزا حسن نوری فراگرفت و در عرفان شاگرد حاجی سـید رضـی بود و از شـاگردانش صـفای اصـفهانی شـاعر معروف است. از اوست: حواشـی بر کتاب اسـفار اربعه صدرالـدین شـیرازی، حواشـی بر شـرح فصوص‌الحکم قیصـری، رسـاله در موضوع الخالفـهٔالکبری، رسـاله در موضوع العلم (دو رساله اخیر در پایان رساله الجمع بین‌الرأیین فارابی در تهران به چاپ رسیده است.) وی مردی برسبیل تفنن اشعار عرفانی می سروده.

(وف ۱۳۰۶ ق)، شـاعر. اهـل قمشه اصـفهان بود. چنـدین سال در آن دیار تـدریس حکمت و عرفان نمود و در سال قحطی آنچه از

زمین و مال داشت فروخت و صرف طلاب فقراء نمود و در اواخر به تهران آمد و در مدرسه میرزا شفیع صدر اعظم که در جلو خان مسجد شاه واقع است. به ارشاد می‌پرداخت. می گویند «فصوص الحکم» را بعد از صدر قونیوی کسی بهتر از وی مباحثه نکرده است. در تهران وفات یافت و در ابن‌بابویه نزدیک مزار حاج آخوند محلاتی دفن شد. از اوست:

ساغر ز خون ماست به اندازه نوش کن

این جام باده نیست که لبریز می کنی[۱]

(۱۳۰۶ -۱۲۴۱ / ۱۲۳۴ ق)، عالم، فیلسوف، حکیم، عارف، مدرس و شاعر، متخلص به صهبا. اصل وی از قومشه‌ی اصفهان بود و مقدمات علوم را در همان جا فراگرفت، سپس برای تکمیل معلومات به اصفهان رفت و در محضر حاج ملا محمد جعفر لاهیجی و میرزا حسن نوری و آقا سید رضی لاهیجی فلسفه و حکمت و عرفان را فراگرفت. در اصفهان به تدریس کتب عرفانی پرداخت، در اواخر عمر به تهران آمد و در مدرسه‌ی صدر به تدریس حکمت و عرفان، بویژه کتب محیی‌الدین عربی و شروح آنها پرداخت. میرزا ابوالفضل کلانتری و میرزا جهانگیرخان قشقایی و میرزا سید حسین قمی و ملا حیدرخان نهاوندی و میرزا عبدالله ریاضی و میرزا هاشم اشکوری و میرزا علی محمد اصفهانی و حاج ملا علی حکیم الهی سمنانی و صفای اصفهانی و حاج ملا علی حکیم الهی سمنانی و میرزا علی اکبر یزدی مدرس و شیخ محمود بروجردی از شاگردان او بودند و همگی بر شاگردی وی افتخار می کردند. او با ملا هادی سبزواری معاصر بود. در تهران درگذشت و در کنار قبر حاج آخوند محلاتی در قبرستان ابن‌بابویه دفن شد. از آثارش وی: «الاسفار الاربعه و تحقیقها»؛ «حاشیه اسفار ملاصدرا»؛ حاشیه بر «شرح تمهید القواعد» صائن‌الدین ترکه؛ حاشیه بر «شرح القیصری لفصوص الحکم»؛ «الخلافه الکبری»؛ «رساله فی موضوع العلم»؛ رساله‌ای در «فرق بین اسماء الذات و الصفات»؛ «دیوان» شعر.[۲]

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] طرائق الحقائق (۵۰۸/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۳۸۲).

[۲] الاعلام (۳۶۲ / ۶)، اعیان الشیعه (۳۳۳ / ۹)، تاریخ علوم و فلسفه ایرانی (۸۲۷ -۸۲۵)، الذریعه (۲۶۹ / ۲۳، ۶۲۳ / ۹، ۲۳۸ / ۷، ۱۲۶ ،۴۹ / ۶ ،۶۰ / ۲)، ریحانه (۴۹۷ -۴۹۶ / ۴)، شرح حال رجال (۲۳۵ / ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۳۴ -۷۳۲ / ۱۴)، طرائق الحقائق (۵۰۹ -۵۰۸ / ۳)، فرهنگ سخنوران (۵۶۵)، لغت‌نامه (ذیل/ قومشه‌ای)،المآثر و الآثار (۱۶۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۱ - ۱۹۰ / ۳)، یادگار (س ۳، ش ۱، ص ۷۹ -۷۵).

قمشه‌ای کبیر، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین بن محمدقاسم اصفهانی قمشه‌ای کبیر از بزرگان علماء و اعاظم فقهاء از شاگردان علامه انصاری (مدت پنجسال) و بعد از وی علامه سید حسین کوه‌کمری و آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدحسن شیرازی و علامه میرزا حبیب‌اللّه رشتی و غیر ایشان بوده تا از مبرزین علماء و معروف به فقاهت تامه در میان معاصرین خود و متأخرین گردیده و به جنگ انگلیسی‌ها در ثوره عراق با علماء نجف و کاظمین مانند آیت‌اللّه العظمی حاج سید مصطفی کاشانی و فرزند مجاهدش مرحوم آیت‌اللّه حاج سید ابوالقاسم کاشانی رفته تا در محرم ۱۳۳۶ ق در سن ۸۶ سالگی وفات نموده و در ایوان مقبره شیخ‌الشریعه مدفون شده است.

دارای تألیفات عدیده رشیقه‌ای در فقه و اصول بوده است که از آنها کتب ذیل است.

۱- (ادلهٔالرشاد) در شرح (نجاهٔالعباد).

۲- عدهٔ طریق التدقیق در ۱۴ مجلد و کتب دیگر.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

قمشه‌ای نجفی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۶ ق)، عالم امامی و فقیه. مدت پنج سال در محضر علامه انصاری تلمذ نمود. پس از ایشان از محضر علامه میرزا حبیب‌الله رشتی و دیگران استفاده کرد.وی به همراهی علماء نجف و کاظمی در جنگ عراق با انگلیس شرکت نمود. پس از درگذشت، در ایوان مقبره شیخ‌الشریعه مدفون شد. از آثارش: «ادله الرشاد»، در شرح «نجاه العباد»؛ «عده طریق التدقیق لسالک سبیل التحقیق» در اصول فقه، در چهارده مجلد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۳۰ / ۱۵ ،۴۰۲ / ۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۹۱ / ۵).

قمشه‌ای، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمدتقی بن میرزا محمدحسین عالمی فاضل و بزرگوار بوده و در خدمت مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید میرزا محمدهاشم چهارسوقی تلمذ نموده و بعد از فوت برادر ارجمندش مرحوم حجهٔالاسلام میرزا محمدمهدی قمشه‌ای در شهرضا به اقامه جماعت و خدمات دینی پرداخته تا در حدود ۱۳۵۰ ق بدرود حیات گفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

قمشه‌ای، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین بن ابی‌طالب قمشه‌ای نجفی عالمی متقی و فاضلی بزرگوار و ثقه‌ای شایسته و پرهیزکاری معروف بوده است. ایشان ملقب به صغیر بود به جهت تمیز از استادش که هم‌نام او و هم‌شهری او کبیر بود و این بزرگوار از علماء و فقهاء و اخیار مجاهدین از شاگردان اخلاقی مرحوم آخوند ملا حسینقلی همدانی و علامه آشیخ محمدحسین قمشه‌ای کبیر و میرزا حسین خلیلی و آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و غیر ایشان و معروف به فضل و مشارالیه به تقوی و ورع بود. بعضی از معجزات و کرامات ائمه معصومین علیهم‌السلام و بعضی از علماء صالحین را با چشم خود دیده و آنها را در مجموعه‌ای نوشته در روزهای جمعه در منزلش مجلس سوگواری برقرار و جمعی از صلحاء و اخیار و متدینین از عوام و خواص در آن شرکت می‌کردند تا در دوم محرم ۱۳۳۷ ق وفات نموده و در نزدیکی مقبره شیخ‌الشریعه اصفهانی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

قمی برقعی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند اکبر مرحوم آیت‌اللَّه آقای آقا سید عبداللَّه سابق‌الذکر از علماء معروف قم می‌باشد پس از تحصیلات مقدمات و سطوح از قم مهاجرت به نجف اشرف نموده و در درس مرحوم علامه کفائی خراسانی حاضر و پس از چند سال در اواخر عمر والد ماجدش به قم مراجعت و به جای پدر نشسته و به تدریس سطوح مانند لمعه و مکاسب و کافیه پرداخت دارای بیانی شیرین و تقریری مطلوب بود در سال ۱۳۵۰ قمری رحلت نموده و در مسجد بالا سر نزدیک قبر مرحوم آیت‌اللَّه حایری مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمی طباطبائی، باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج آقا باقر بن العالم الجلیل آیت‌اللَّه العظمی حاج آقا حسین طباطبائی قمی از علماء اعلام معاصر تهرانست.

وی در ماه ذی الحجه ۱۳۳۵ قمری در مشهد مقدس متولد شده و در بیت علم و ورع پرورش یافته و دروس مقدماتی و سطوح را نزد اساتید و علماء مشهد فراگرفته و سپس در سال ۱۳۵۳ قمری در خدمت والد ماجدش بعتبات عالیات مهاجرت نموده و در کربلاء معلی اقامت و از دروس خارج مرحوم والد و آیت‌اللَّه العظمی میلانی (مقیم مشهد) استفاده نموده و بعد از آن مدتی در نجف اشرف از محضر آیت‌اللَّه العظمی خوئی بهره‌مند و نیز چندی از ابحاث مرحوم آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی مستفیض گردیده آنگاه در سال ۱۳۶۶ قمری بعد از فوت مرحوم والدش آیت‌اللَّه العظمی قمی به تهران منتقل و تاکنون بخدمات دینی و روحی و اقامه جماعت در مسجد (نوریان) خیابان شمیران (باغ صبا) و مباحثات علمی و غیره اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

قمی طباطبائی، تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین و سید العلماء والمدرسین حاج‌آقا تقی بن العلامه الکبری والایه العظمی الفقیه العابد الناسک الورع الحاج آقاحسین طباطبائی قمی از علماء اعلام و مدرسین کرام حوزه علمیه نجف و قم‌المحمیه می‌باشد.

در ماه رجب سال ۱۳۴۱ قمری در مشهد مقدس رضوی متولد گردیده و در خانواده علم و دانش و محیط فضیلت و تقوا و مهد تربیت والد ماجدش نشو و نما یافته و تا سن ۱۴ سالگی در جوار حضرت ثامن‌الحجج علیه‌الصلوه والسلام اقامت نموده و در سال

۱۳۵۴ قمری به واسطه مبارزات مرحوم آیت‌الله والدش بر علیه منکرات و بیدادگریها در معیت آن پدر مجاهد مسافرت به عراق نموده و در کربلا رحل اقامت افکنده و به تحصیل مقدمات و سطوح پرداخته و در سال ۱۳۶۵ قمری به نجف اشرف منتقل شده و چندین سال از محضر آیات عظامی چون مرحوم آیت‌الله حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و بالاخص آیت‌الله العظمی خوئی استفاده کامل نموده و باعلی درجه علم و فقاهت و حکمت و فلسفه و رجال ارتقا یافته و ضمنا به تدریس متون فقه و اصول پرداخته و در نجف اشرف عده‌ای را تربیت نموده تا در سال ۱۳۹۱ قمری که مانند صدها نفر دیگر از دانشمندان از طرف دولت شوم و پلید بعثی عراق اخراج بـه ایران و قم را که حوزه علمیه تشیع است مرکز اقامت قرار داده و به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال داشت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

قمی مشهدی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۰۷ ق)، فقیه، مفسر، محدث، ادیب و عالم. وی با علامه محقق سبزواری و علامه مجلسی صاحب «بحارالانوار» و فیض کاشانی معاصر بود او از شاگردان علامه مجلسی و از ایشان، در ۱۱۰۷ ق، به دریافت اجازه نایل آمد. شیخ حر عاملی در «امل الامل» او را از فضلای معاصر خود می‌شمارد. از آثار وی: «کنز الدقائق و بحر الغرائب» یا «کنز الحقائق و بحر الدقائق»، در تفسیر قرآن که در حدود یکصد و بیست هزار بیت است و استادش علامه مجلسی در پشت این تفسیر تقریظی، در ۱۱۰۲ ق، نگاشته و در آن او را ستوده است؛ «شرح المنظومه» موسوم به «نجاح المطالب» یا «ارجوزه»، منظومه‌ای در صد بیت، در معانی و بیان، و شرح آن موسوم به «انجاح المطالب فی الفوز بالمارب»؛ رساله در «احکام صید و ذباحه»، به عربی؛ «التحفه الحسینیه»، در ادعیه؛ «سلم درجات الجنه»؛ «شرح الزیاره الرجبیه»؛ «شرح الصحیفه السجادیه»؛ «شرح الترصیف فی علم التصریف»، به نظم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تلامذه العلامه المجلسی (۷۲ -۷۱)، الذریعه (۶۴/ ۲۴ ۱۵۴، ۱۵۳- ۱۵۲، ۱۵۱- ۱۵۱ / ۱۸ ۹۲، ۱۴ / ۳۵۶، ۳۰۷- ۳۰۶ ، ۱۴۵ / ۱۳ ۲۲۰، ۱۲ / ۴۳۰، ۴۲۹- ۳ / ۳۶۴، ۳۶۳- ۲ / ۴۹۶، ۱ / ۱)، روضات الجنات (۱۰۶ -۱۰۵ / ۷)، فوائد الرضویه (۶۱۸، ۵۳۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۷ / ۱).

قمی، ابوالحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ میرزا ابوالحسن بن مولی صادق قمی از علماء و فضلاء شاگردان میرزا حسین خلیلی و غیره بوده و در قم به خدمات دینی به جای والدش مرحوم آیت‌اللّه حاج ملاصادق صاحب مدرسه (حاجی ملا صادق) قیام نموده تا از دنیا رفته و ایشان والد آیت‌اللّه حاج میرزا مصطفی صادقی قمی از علمای معاصر قم است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قمی، ابوالعباس عبدالله

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۳۱۰ ق)، فقیه امامی. از اصحاب مورد اعتماد و ثقه‌ی امام علی النقی (ع) و امام حسن عسکری (ع) و از شیوخ قم و در بین آنها موجه بود. پس از ۲۹۰ ق به کوفه رفت و اهل کوفه از او حدیث شنیدند. ابوغالب زراری و محمد بن یحیی عطار،که از رجال کلینی هستند، از وی روایت می‌کنند. او به پسرش محمد بن عبدالله بن جعفر در ۳۰۴ ق اجازه داده است. از آثار وی: «الامامه»؛ «العظمه و التوحید»؛ «التوحید و البداء و الاراده و الاستطاعه و المعرفه»؛ «فضل العرب»؛ «کتاب الدلائل»؛ «کتاب الطب»؛ «قرب الاسناد»؛ مسائل ابی‌محمد (ع) و «التوقیعات»؛ «الافاعیل و البداء»؛ «کتاب الغیبه و الحیره».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۴ / ۴)، ایضاح المکنون (۴۷۴، ۳۱۷، ۳۱۴، ۳۱۱ / ۲)، الذریعه (۶۸ / ۶۷ ، ۲۷۰ / ۱۶ ، ۲۷۹، ۱۳۷ / ۱۵ ، ۲۳۷ / ۸ ، ۵۰۱، ۴۸۵ / ۴ ،۳۲۸،۲۵۶ / ۲)، رجال الطوسی (۴۳۲، ۴۱۹)، رجال النجاشی (۱۹ -۱۸ / ۲)، ریحانه (۸۲ -۸۱ / ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۳ / ۴)، الفهرست للطوسی (۱۹۰ -۱۸۹)، الکنی و الالقاب (۱۹۹ -۱۹۸ / ۲)، معجم المؤلفین (۴۰ / ۶).

قمی، ابوالقاسم سعد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۰۱ / ۳۰۰ / ۲۹۹ / ۲۹۷ ق)، محدث و فقیه امامی. اهل قم بود. در طلب حدیث سفرها نمود و از احادیث عامه بسیار شنید، و محدثین سرشناس آنها چون حسن بن عرفه و محمد بن عبدالملک دقیقی و ابوحاتم رازی و عباس ترقفی را ملاقات کرد. برخی گفته‌اند که او امام حسن عسکری (ع) را نیز ملاقات کرده است. سعد کتب بسیاری تصنیف نمود. از آثارش: کتاب «الرحمه»؛ «فضل النبی (ص)»؛ «فضل ابی‌طالب و عبدالمطلب و عبدالله»؛ «مقالات الامامیه»؛ «مناقب رواه الحدیث»؛ «مثالب رواه الحدیث»؛ «بصائر الدرجات»، در چهار جزء؛ «فضل قم و الکوفه»؛ «المنتخبات»، در حدود یک هزار برگ؛ «مناقب الشیعه»؛ «فضل العرب»؛ «ناسخ القرآن و منسوخه و محکمه و متشابهه»؛ «الرد علی الغلاه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۳۶ -۱۳۵ / ۳)، الذریعه (۳۶۲، ۳۲۸، ۳۲۷ / ۲۲ ،۷۶، ۷۵ / ۱۹ ،۲۷۵، ۲۷۲ ،۲۷۰ ،۲۶۷ / ۱۶ ،۱۲۱ / ۱۵ ، ۲۲۲ ،۲۱۴ ،۲۱۲ -۲۱۱ / ۱۰ ،۲۸۳ / ۱)، رجال الطوسی (۴۳۱)، رجال نجاشی (۴۰۴ -۴۰۱ / ۱)، الفهرست للطوسی (۱۵۳ -۱۵۲)، معجم رجال الحدیث (۸۷ -۷۴ / ۸).

قمی، ابوطالب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا ابوالحسن از اجله علماء و سادات بلده طیبه قم و از تلامذه و شاگردان و دامادهای مرحوم میرزا ابوالقاسم قمی صاحب قوانین است و مرحوم میرزا نهایت وثوق را به او داشتند چنانکه بسیاری از حکومات شرعیه را به ایشان رجوع می‌فرمود و عالمی ثروتمند و متمول بود که بسیاری از ارامل و ایتام و بینوایان را تکفل می‌فرمود و در آن موقع که مردم قم نیازمند به آب بودند آب انبار بزرگی در قم جنب میدان کهنه بنا نمود و بعد از حیوهٔ خود ثلث املاک خود را وقف بر مصارف خیر کرده و در سال ۱۲۴۹ وفات نمود و در بقعه جناب زکریا بن آدم مدفون گردید.

مرحوم میرزا علی‌اکبر فیض در تاریخ خود گوید: میرزا ابوطالب قمی‌الاصل است فضلی باهر و قدسی متکاثر داشت و داماد مرحوم میرزا ابوالقاسم بوده و ایشان پدر و مادر مرحوم آقای حاج میرزا سید حسین متولی‌باشی (بقعه منوره فاطمیه معصومه علیهاالسلام) از همان صبیه مرحوم میرزا بود کتابی دارد به نام سؤال و جواب.

(وف ۱۲۴۹ ق)، عالم امامی. اصل او از قم و از شاگردان و داماد میرزای قمی، صاحب «قوانین»، بود. میرزای قمی نسبت به ایشان اعتماد فراوان داشت و بسیاری از داوریهای شرعی را به وی واگذار کرده بود. او عالمی ثروتمند بود و بسیاری از ایتام و بینوایان را تکفل می‌نمود. در قم آب‌انبار بزرگی جنب میدان کهنه بنا نهاد و وصیت کرد که ثلث املاک او را وقف مصارف خیر کنند. وی در بقعه‌ی زکریا بن آدم دفن شد. از آثارش: کتاب «سؤال و جواب».[۱]

ایشان مالک سه روستای اطراف قم بنام های زنبیل آباد ، فرج باد، و علی آباد بوده که ثلث هر یک یعنی دو دانگ از آنها را برای مصارف خیریه (روضه خانی سید الشهداء ، زوار فقیر کربلا و مشهد و فقرای ارحام واقف) وقف نموده است . زنبیل آباد فعلا جزء شهر قم بنام بلوار شهید صدوقی حدود ۵۰۰ قطعه منزل و مغازه گردیده است و حاجی آباد هم بنام شهر قنوات حدود ۷۰ هکتار اراضی کشاورزی و مسکونی وقف می باشدعلی آباد جنب مبارک آباد نیز حدود ۱۶ و نیم هکتار از اراضی کشاورزی آن از موقوفات میرزا ابوطالب می باشد.

بر گرفته از کتاب :پایگاه راسخون به نقل از متولی موقوفه

منابع زندگینامه :[۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۹ / ۱۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۳۰ / ۱).

قمی، اسحاق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسحق قمی عالمی جلیل و متقی از شاگردان شیخ انصاری بوده و در سال ۱۳۲۴ قمری وفات نموده.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قمی، باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ میرزا حسن بن شیخ باقر بن مولی محمد قمی نجفی عالم بزرگوار از شاگردان آخوند خراسانی بوده و در سال ۱۳۷۰ ق وفات نموده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قمی، تقی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر و طبیب. از نام‌آوران عراق بود و در فضل و کمال شهره‌ی آفاق. این سخن از اوست: «عادل‌ترین دردها حسد است که حاسد را در آتش حقد چنان مبتلا دارد که داد محسود از او بستاند.» وی در کنار طبابت و معالجت بیماران شعر نیز می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۲۵۸/۳)، تذکره‌ی روز روشن (۱۵۵)، الذریعه (۱۷۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۹۰)، هفت اقلیم (۲/ ۵۰۱-۵۰۲).

قمی، جواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در مآثر و آثار می‌گوید: حاج سید جواد قمی مجتهدی مسلم و مروجی مبسوط الید بود و در نهی از منکر و منع اهل فجور قلبی قوی داشت و در حفظ حدود شرعیه از هیچ نکته فرونمی‌گذاشت مکرر به تهران آمد و صحبت شریفش ادراک شد. در فقه و اصول و رجال تصنیفات دارد در ماه رمضان سال ۱۳۰۳ قمری هجری به شهر قم رحلت یافت رفع اللّه درجته.

فرزند ارجمندش مرحوم عالم جلیل و فاضل کامل نبیل مرحوم حاج میرزا زین‌العابدین که از اجلاء علماء و از طراز اول تلامذه مرحوم آخوند ملا محمدکاظم خراسانی قدس سره بود در حاشیه رجال ابوعلی به خط خود حالات ایشان را از این قرار نگاشته:

الحاج سید جواد قمی اعلی اللّه مقامه ملقب به جواد نام شریفش سید محمدتقی است تلمذ نمود در عنفوان شباب بر جماعتی از اعلام و کوچ کرد از قم به اصفهان به جهت تلمذ برسید جلیل و عالم نبیل سید محمدباقر اصفهانی و تلمذ نمود در آن شهر نیز بر جماعتی از اعلام پس کوچ کرد به مشهد مقدس غری و تلمذ نمود مدت کمی نزد شیخ اجل مرتضی انصاری و رجوع نمود به قم و تصنیف کرد در قم کتاب «مقالید الاحکام» را در شش جلد و آن کتاب بزرگ پرفائده و پر فرعی است و کتاب «الدرة الباهره فی احکام العترة الطاهره» و آن در دو مجلد است و کتاب «ینابیع» در توحید و ثبوت و اثبات کفر بعض اهل الحاد و بدعت و از برای اوست قریب بیست رساله با اینکه مشغول بود به ترویج دین و قمع ظالمین و او را رحمةاللّه علیه محاسباتی بود با نفس خود در ایام حیاتش و مردی ورع و زاهد و کثیرالتهجد والبکاء بود بسیاری از اوقات مناجات ابی‌حمزه ثمالی را در قنوت نماز وترش قرائت می‌نمود و او را کرامات باهراتی است در موقع وفات شصت و سه سال داشت در روز شنبه سوم شهر صفر سنه ۱۳۰۳ رحلت و در دارالایمان قم در بقعه زکریا بن آدم نزد قبر پدر و جدش مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمی، حافظ محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط. از هنرمندان قم بود و معاصر سلاطین آق قویونلو. وی در خط ثلث سرآمد زمان خود و بی‌همتا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گلستان هنر (۳۲).

قمی، حبیب‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ حبیب‌اللّه قمی عالمی عامل و عابدی پارسا و موثق از شاگردان میرزا آشتیانی و حاج میرزا حسین خلیلی و علامه یزدی و علامه خراسانی بوده و در قم به وظائف دینی و روحی اشتغال داشته تا در حدود ۱۳۳۰ وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قمی، حیدر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. وی در قم ادیب بود و شهرت زیادی داشت. شاگرد حافظ قنبر شرفی بود و خطوط سته را خوش می‌نوشت،

همچنین خط کوفی را نیز نیکو می‌نگاشت. وی از صدای خوشی نیز برخوردار بود و قرآن را از حفظ داشت. کتیبه‌های بیرون و درون گنبد حضرت معصومه (س)، و کتیبه‌های ثلث و کوفی زاویه‌ی حسینیه به خط اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :گلستان هنر (۳۳).

قمی، زین‌العابدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ حبیب‌اللّه بن شیخ زین‌العابدین قمی ساکن زیران ورامین متولد ۱۲۸۹ و متوفی ۱۳۵۹ دارای تألیفات عدیده بنام ۱– اتمام‌النعمه ۲– انیس الذاکرین ۳– الایضاح ۴– جامع الاخبار ۵– جوامع الخیرات ۶– خلد برین ۷– درر الفوائد ۸– کشف‌الفوائد ۹– رد شبهات الجبریه ۱۰– زاد الناسکین ۱۱– شمس المشرقین ۱۲– الفوائد الحسینیه ۱۳– نهایهٔ الامال ۱۴– نتایج الافکار و غیره بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قمی، سعید

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علامه خونساری در باب سین ص ۳۰۱ روضات الجنات گوید، القاضی سعید بن محمد مفید القمی اوست مولا و فاضل حکیم بارع عارف متشرع ادیب کامل محقق صمدانی که در بعضی از نوشته‌هایش از خود تعبیر به بنده ملتجی به درب صاحبان توحید محمد معروف به سعید نموده است.

دست بازی در مراتب ولایت و عرفان و روش عالی بر طریقه اهل معرفت و وجدان دارد. وی از بزرگان فضلاء حکمت و ادب و حدیث و تأویل و مؤید به روح‌القدس در استنباط نکات و دقایق خفیه و اطلاع بر اسرار و ضمایر و مکاشفات بوده است.

در عصر شاه صفی صفوی ریاست روحانیت و علمیت شهرستان قم بـا وی بوده و در بین مردم قضاوت و داوری می‌نموده و در شرعیات نهایت تسلط را داشته است.

بیشتر و عمده تلمذ و شاگردیش در محضر محدث بزرگوار مولانا محمد محسن فیض کاشانی بوده شباهت تامی در مشرب و روش به خواهرزاده‌اش شیخ نورالدین که به منزله پیراهن تن او و زبان وی در ظاهر و باطن بوده داشته است.

تألیفات و آثار ارزنده بسیاری دارد در حدیث و اخلاق که بعضی از آن را اشاره می‌نمایم:

۱– شرح کبیری بر کتاب توحید صدوق در چندین مجلد، ۲– کتاب اربعینیات که در او چهل رساله جمع کرده که از هر کدام چهل باب از بابهای معارف و تحقیقات باز می‌شود و آن از بهترین تصنیفات شیعه است.

قبر شریف این بزرگوار در نزدیک قبر جناب شیخ ابوالحسن علی بن بابویه در کنار خیابان ارم مقابل پارک فعلی شهرداری شهرستان قم می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمی، عبدالحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید میرزا عبدالحسین بن سید جواد بن سید علیرضا حسینی طاهری قمی عالمی جلیل از شاگردان آخوند خراسانی و شریعت اصفهانی بوده و در سال ۱۳۳۷ ق بعد از مراجعت از نجف اشرف به قم وفات نموده است

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قمی، عبدالحق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی از سادات قم است که طبعش خالی از لطف نبوده. ملا مشفقی قمی نیز با مشارالیه هم‌طرح بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۱۴ –۱۱۳)، الذریعه (۶۸۴ / ۹)، صبح گلشن (۲۷۵).

قمی، عبداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از بزرگان علماء و سادات سلسله جلیله رضویه برقعی قم است که سلسله نسب و اجازه‌اش را در سنگ قبرش که در شیخانست نوشته‌اند.

در ابتداء جوانی مهاجرت به نجف اشرف نمود و در آن شهر بر علماء اعلام مخصوص شیخ راضی عرب و مرحوم حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی قدس سرهما تلمذ نمود تا به درجه رفیعه اجتهاد نائل گشته و در سال ۱۲۸۸ هجری مجتهداً به قم مراجعت نمود. و در مسجد امام حسن علیه‌السلام اقامه جماعت می‌کردند در شهر قم ریاستی بزرگ داشت. و قریب چهل سال مشغول ترویج شریعت و رفع مرافعه و قضاوت بود تا در شهر ربیع‌الاول سنه ۱۳۳۳ هجری در سن هشتاد و چهار سالگی بدار بقا خرامید و در قبرستان شیخان بزرگ در مجاورت قبر ابوجریر اشعری مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمی، عبدمناف

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از سادات بنام قم و معاصر نصرآبادی و تقی اوحدی بود و مدتی در اصفهان زیست. نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) در مورد او می‌نویسد: «فقیر از ناقابلیها به خدمت ایشان نرسیده طبعش در ترتیب نظم نهایت لطف دارد»، و سپس اشعاری از وی نقل می‌کند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۸۵)، تذکره‌ی روز روشن (۵۳۰)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۱۳ -۱۱۲)،الذریعه (۷۰۰ / ۹).

قمی، غلامحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آشیخ غلامحسین قمی عالمی متقی از فضلاء اجلاء دارای مقام علم و ورع از شاگردان میرزای آشتیانی در تهران و میرزا حسین خلیلی و آخوند خراسانی و سید محمدکاظم یزدی و شریعت اصفهانی در نجف اشرف بوده و در سال ۱۳۳۷ وفات نموده است

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قمی، غلامعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ غلامعلی قمی عالمی صالح و متقی و فاضلی جلیل و پارسا از افاضل شاگردان آخوند خراسانی و مشار بالبنان مقیم سامرا بوده و در آنجا وفات نموده و جنازه‌اش حمل بنجف و در جوار حضرت علی (ع) مدفون شده است دارای دو فرزند فاضل بنام آشیخ محمود (داماد مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ علی‌اکبر برهان تهرانی) و آشیخ هادی که از افاضل نجف می‌باشند بوده است

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قمی، فیض

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم آیت‌اللّه فیض قمی از آیات عظام و فقهاء کرام و مراجع والامقام شهرستان قم عالمی عادل و جامعی کامل و فقیهی بزرگوار بوده‌اند. تولدش در سال ۱۲۹۳ قمری در قم واقع شده و مقدمات و سطوح را خوانده و برای تکمیل فقه و اصول و حکمت و عرفان به تهران رفته و خدمت آیت‌اللّه حاج میرزا حسن آشتیانی صاحب حاشیه بر وسائل تحصیل فقه و اصول نموده و نزد میرزا محمود قمی و شیخ علی رشتی تحصیل حکمت و عرفان کرده و در سال ۱۳۱۷ به نجف اشرف عزیمت و در حوزه درس مرحوم آخوند خراسانی و علامه طباطبائی یزدی شرکت کرده است و پس از استفاده کامل از محضر این دو بزرگوار برای سیر دقایق افکار و تحقیقات رشیقه حضرت آیةاللّه میرزا محمدتقی شیرازی به سامرا هجرت نموده و علاوه از اینکه در شمار اعاظم تلامذه آن بزرگوار درآمدند یکی از مدرسین نامی آنجا محسوب شده فوق‌العاده مورد عنایت و عقیده و طرف توجه مرحوم شیرازی گشته که همان زمان در احتیاطات مطلق بعضی از مقلدین خود را به ایشان ارجاع می‌فرمودند.

چنانچه بعد از مراجعت به قم هرکس از اهالی قم و ساوه و اطراف آن که از آیت‌اللّه مزبور سؤال می‌نمودند که احتیاطات مطلق شما را به کدام یک از علماء رجوع کنیم ایشان را در قم تعیین می‌کردند.

در سال ۱۳۳۳ قمری به قم مراجعت کرده و از رؤسای روحانی این شهر گردیده و برای تربیت طلاب علوم دینیه آن زمان (پیش از ورود مرحوم آیت‌اللّه حایری) کمر همت بسته مدرسه فیضیه که بسیاری از حجرات آن انبار علافها و بقالها شده بود از دست آن جماعت انتزاع نموده و مسکن طلاب قرار داده و خود در آن مدرسه تدریس می‌فرمودند.

و قبل از ورود مرحوم حایری در مسجد بالاسر حضرت معصومه علیهاالسلام اقامه جماعت داشتند پس از آمدن آن مرحوم محل نماز خود را تفویض و تا چند شب هم به ایشان اقتداء و بعد در مسجد امام علیه‌السلام مستقلا اقامه جماعت نموده و در همانجا هم تدریس می‌کردند.

پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه حایری همت بیشتری برای حفظ جمعی از طلاب و محصلین گماشته و به آنها شهریه خصوصی می‌دادند در سال ۱۳۶۷ قمری که سال حج العلماء بود با چند نفر از فرزندان و خواص اصحاب خود به مکه مشرف شده که این حقیر در منی و مکه زیارتشان کردم و از محضر فیضشان درک فیض کردم.

در ۲۵ ماه جمادی‌الاولی سال ۱۳۷۰ قمری در هنگام نماز موقع تشهد از دنیا رفت و قم و حوزه علمیه و مسلمین را به فقدان خود داغدار نمود قبر شریفش در ایوان طلای حضرت معصومه علیهاالسلام مورد توجه مردم است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن قمی

محل تولد : مامازند ورامین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی در روستای مامازند ورامین به دنیا آمد. پدرش از کشاورزان زحمتکش و ساده زیست آن منطقه بود که به علت تدین و پارسایی زیاد به شیخ حسین معروف شده بود. اورا که پنجمین فرزند خانواده بود، محسن نام نهادند. در سن پنج سالگی قرآن را از پدر خویش یاد گرفت. محسن در ۷سالگی وارد کلاس درس شد و تحصیلات ابتدایی را در مدرسه اندیشه به اتمام رسانید. درسال ۱۳۵۰ ودر سن ۱۱ سالگی به قم رفت وبه تحصیل علوم دینی در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی مشغول شد. او دردوران طلبگی شاگرد ممتاز مدرسه بود و به دفعات مکرر توسط حضرت آیت الله گلپایگانی مورد تشویق قرار گرفت و در سن ۱۴ سالگی شروع به تدریس دروس ادبیات و مقدماتی در حوزه علمیه نمود. ایشان سطوح عالیه تحصیل حوزوی خود را نزد اساتید بزرگواری همچون حضرات آیات فاضل لنکرانی، ستوده، اعتمادی، صلواتی و صالحی مازندرانی به پایان رسانید. حجهٔ الاسلام والمسلمین محسن قمی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به تحقیق وتحصیل وتدریس در حوزه پرداخت و با شروع جنگ تحمیلی همراه با برادران خویش به ندای پیر انقلاب لبیک گفته و عازم جبهه های نبرد حق علیه باطل شدند. در سال ۱۳۶۰ در هنگام محاصره آبادان مجروح گردیده وبه مقام رفیع جانبازی نائل گشت. در جریان انقلاب اسلامی و دفاع مقدس ۵ نفر از خانواده حجهٔ الاسلام محسن قمی به فیض شهادت نایل گشتند.

قمی، محمد ابراهیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۱۵ ق)، خطاط. میرزا احمد نیریزی خط نسخ را نزد وی تعلیم گرفت. آقا ابراهیم از خوشنویسان معروف و از استادان دوره‌ی شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی بود. جز خط نسخ بر خطوط تعلیق، نستعلیق و شکسته نیز تسلط داشت، ولی عمده شهرت وی در نسخ‌نویسی بود. سالی سه قرآن می‌نوشت و از این طریق امرار معاش می‌کرد. به گفته سپهر در هنر تذهیب و جلدسازی نیز دست داشت و به سرعت کتابت معروف بود. تاریخ وفاتش مشخص نیست هر چند که لسان الملک سپهر آن را ۱۱۰۰ ق ضبط کرده، ولی آثار تاریخ‌دار وی تا ۱۱۱۵ ق نیز دیده شده است. از جمله آثار باقی مانده‌ی او: یک نسخه «صحیفه‌ی سجادیه»، به خط نسخ با رقم: «کتبه العبد الفقیر، محمد ابراهیم القمی ۱۱۱۲»؛ یک نسخه «قرآن»، به قلم نسخ، که ترجمه آن برخی به قلم نستعلیق، و خواص سور آن به قلم شکسته نستعلیق است، با رقم: «کتبه محمد ابراهیم».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۳۹ -۱۱۳۷ /۴، ۶۲۶ -۶۲۵ /۳)، اطلس خط (۳۵۳ -۳۵۲)، تاریخ هنرهای ملی (۹۳۰

۲/)، خوشنویسان و هنرمندان (۱۳۰، ۲۹) سرآمدان فرهنگ (۱۸ /۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۶۳ –۲۶۲).

قمی، محمد بن رضا

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ حر عاملی در کتاب امل‌الامل گوید: آنجناب از فضلاء معاصرین بوده و گوید او راست شرح منظومه در معانی و بیان که یکصد بیت است و آن را «انجاح المطالب» نامیده و صاحب روضات گوید المولی میرزا محمد بن المولی محمد بن رضا بن المولی اسماعیل ابن جمال‌الدین المشهدی القمی مردی فاضل و عالمی عامل و جامع و ادیب و محدث و فقیه و منسر و نبیه و موثق و وجیه و از علماء زمان علامه سبزواری (جناب مولی محمدباقر ابن‌محمد مؤمن سبزواری اصفهانی) و علامه مجلسی (صاحب بحار) و مرحوم فیض کاشانی است او راست کتاب تفسیر کبیر موسوم به «کنزالدقایق و بحرالغرائب» که تقریباً یکصد و بیست هزار بیت است و سبقت نگرفته است او را به این طرز تفسیر احدی از علماء قدیماً و جدیداً و از برای اوست ایضاً کتاب کبیری در اعمال سال به فارسی که خوش طرز و پرفایده است و رساله‌ای به عربی در احکام صید و ذباحه با نهایت استدلال و غیر اینها از کتب دیگر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمی، محمد طاهر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۰۰ / ۱۰۹۸ ق)، عالم امامی، فقیه، محقق، متکلم و محدث. وی شیخ الاسلام و امام جمعه‌ی رسمی قم و استاد شیخ حر عاملی و علامه‌ی مجلسی بود و این دو از وی روایت کرده‌اند. در قم درگذشت و در پشت مرقد زکریا بن آدم دفن شد. از آثار وی: «الاربعون حدیثا دلیلا»، در امامت ائمه (ع)، که در کنار چهل حدیث، چهل دلیل در اثبات امامت امیرالمومنین (ع) ذکر کرده و عقاید عامه را در اصول و فروع به نقد کشیده و آن را «الاربعین فی فضائل امیرالمؤمنین و امامه الائمه الطاهرین (ع)» نامیده است؛ «بهجه الدارین»، در جبر و تفویض و امر بین الآمرین؛ «حجه‌الاسلام»، در شرح «تهذیب الاحکام»؛ «فرحه الدارین»، در تحقیق معنی عدالت بر مذهب امامیه؛ «حکمه العارفین فی رد شبه المخالفین من المتصوفین و المتفلسفین»؛ «مونس الابرار»، قصیده‌ای به فارسی در مدح امیرالمومنین (ع) و شرح آن به نام «تحفه الابرار» یا «تحفه الاخیار»؛ رساله «الجمعه»؛ رساله «الفوائد الدینیه»؛ رساله در معنی نماز به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۲۰۵ / ۲ / ۴۱۴، ۳۹۲، ۲۰۰، ۵۵ / ۱)، الذریعه (۲۸۱ –۲۸۰، ۲۷۲ / ۲۳ / ۱۵۸، ۲۷۸ / ۱۶، ۷۳ –۷۲ / ۱۵ / ۱۵۷، ۱۳ / ۵۸، ۴۱ –۴۰ / ۷، ۲۵۷ / ۶، ۴۹۸ / ۴، ۴۱۷، ۱۶۲ / ۳، ۴۱۹، ۲۰۰ / ۱)، ریاض العلماء (۱۱۱ / ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۰۳ –۳۰۲ / ۱۱)، فوائد الرضویه (۵۴۸)، معجم المؤلفین (۱۰۱ / ۱۰)، هدیه العارفین (۳۰۱ / ۲).

قمی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدتقی بن سید اسحاق قمی عالمی ادیب و دانشمندی پارسا و متقی بوده و در سال ۱۳۴۴ قمری وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قمی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدحسین بن بهاءالدین محمد قمی عالمی متبحر از شاگردان میرزا ابوالقاسم صاحب قوانین بوده و بر قوانین حاشیه‌ای بنام (توضیح القوانین) داشته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قمی، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدرضا قمی فقیهی بارع و عالمی جلیل از شاگردان میرزای شیرازی بوده و در تهران اشتغال به وظائف دینی و روحی داشته تا وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قمی، محمدطاهر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن محمد حسین الشیرازی ثم النجفی، در کتاب امل‌الامل است که وی از اعیان فضلاء معاصرین و مردی عالم و محقق و مدقق و بسیار ثقه و فقیه و متکلم و محدث و جلیل‌القدر و عظیم‌الشأنست.

او را کتبی است که از آنهاست «شرح تهذیب الحدیث» و کتاب «حکمهٔ العارفین» در رد شبه مخالفین و کتاب «اربعین» در فضائل امیرالمؤمنین و امامت ائمه‌ی طاهرین و «رساله جمعه» و رساله «فوائد دینیه» در رد حکماء و صوفیه و کتاب «حجهٔالاسلام» و غیر اینها از کتب و رسائل که ما آنها را از او روایت می‌کنیم.

نگارنده گوید: این بزرگوار که معاصر با محقق فیض کاشانی و دولت صفویه است در زمان خود شیخ‌الاسلام قم و امام جمعه بوده در سفری که به اصفهان نموده علامه مجلسی صاحب بحارالانوار از وی اجازه گرفته که در کتاب اجازات بحار آن را ذکر کرده است و در کاشان نیز دانشمند عظیم‌الشأن مرحوم ملا محسن فیض به ملاقاتش رفت و از اینجا میزان شخصیت و موفقیت ممتاز این عالم جلیل‌القدر معلوم می‌گردد.

کتاب دیگری به نام «تحفهٔالاخیار» که به فارسی بسیار سلیس و متین در رد صوفیه نوشته است که مرحوم عاملی آن را ذکر نکرده و این از بهترین کتب رد صوفیه است و این کتاب مطبوع می‌باشد قبر شریف این بزرگوار در شیخان قم در بقعه جناب زکریا بن آدم است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدابراهیم بن محمدعلی قمی عالمی فقیه و پرهیزکاری مقدس از شاگردان صاحب (الضوابط) و صاحب جواهر و علامه انصاری داماد شیخ مشکور نجفی بوده و در تهران اقامت نموده تا در ۲۸- ج ۱۳۰۱ -۲ ق وفات نموده فاضل مراغی در کتاب (المآثر والاثار) ص ۱۷۹ وی را یاد نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قمی، مهدی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. معاصر نصرآبادی (۱۰۸۳ ق) بود. پدر وی از تجار بود و در اصفهان سکونت داشت و در آنجا نیز درگذشت. میرزا مهدی بعد از مرگ پدر به زیارت مکه معظمه رفت و پس از مراجعت طریق سیر و سلوک را برگزید و مرید درویش مخلص گردید و تحت تعلیم او قرار گرفت. از آثار وی: «دیوان» شعر. از اوست:

جایی که بود شمع رخت انجمن افروز

خورشید چراغی است که پروانه ندارد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۱۹)، الذریعه (۱۱۳۵/ ۹)، صبح گلشن (۴۸۰ -۴۷۹)، فرهنگ سخنوران (۸۸۹).

قمیشه‌ای اصفهانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، از تلامذه آقا سید محمّد کاظم یزدی و آخوند خراسانی در نجف بوده، و دارای تألیفاتی است و تقریرات اساتید خود را نیز نوشته، در ۱۳۲۷ در نجف اشرف وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قمیشه‌ای، ابوالفتوح

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عـالم و فاضـل حکیم بـوده، و در قرن دوازدهم می‌زیسـته است، و حواشـی بر شـرح اصول کـافی نگاشـته که آن را فرزنـدش محمّد مهدی قمیشه‌ای در نسخه‌ای از کتاب مرقوم، که در تاریخ ۲۶ شعبان سال ۱۱۳۳ از کتابت آن فراغت یافته است، نقل نموده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قمیشه‌ای، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند فتاح بن عبدالله. عالم فاضل، صاحب تألیفات متعدده، از فضـلای قرن سیزدهم، و مؤلف شـرح خلاصهٔ الحساب، تاریخ فراغت ۱۲۵۲ قمری.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قمیشه‌ای، مرتضی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌حسین بن علی. عالم فاضل حکیم محقق، در ۱۲۳۶ متولد، و در ۱۳۴۱ وفات یافته، در تکیه‌ی ملک جنب قبر استادش آخوند ملا محمد کاشانی مدفون شد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قمیشه‌ای، مصطفی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج ملا عبدالله بن فتاح، از اعقاب ملا شمس‌الدین بحرینی.

عالم فاضل [حکیم] جلیل، از علمای معروف و متنفذ در دستگاه سلاطین بوده، چون در سال ۱۲۱۱ آقا محمد خان قاجار را کشتند، جنازه‌ی او را به نجف حمل کردند، مرحوم ملا مصطفی همراه جنازه بوده است.

در ماه رجب سال ۱۲۱۵ وفات یافته، در تخت فولاد جنب پدر مدفون گردید.

مشارالیه داماد میرزا محمد علی بن میرزا مظفر بوده است.

در نشریه‌ی فرهنگ شهرضا (سال ۱۳۲۹ خورشیدی) گوید: وی را اجزایی در تفسیر آیه‌ی نور می‌باشد که دلالت بر کمال و فضل او می‌کند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قناد، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمدعلی قناد پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسـطه،تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته مهندسی راه و ساختمان در دانشگاه صنعتی شریف آغاز کرد و تا مقطع کارشناسی ارشد در آنجا به تحصیل پرداخت.او برای تکمیل معلومات دانشگاهی عازم ژاپن،دانشگاه ناگویا شـد و موفق به اخذ مدرک دکترای رشـته مهندسـی راه و ساختمان (در سال ۱۳۷۷) گردید.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشـیار دانشگاه صنعتی شریف می باشد.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی راه و ساختمانتحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسـمی و حرفه ای محمـدعلی قنـاد به ترتیب زیر است: کارشناسـی رشـته مهندسـی راه وساختمـان(عمران) از دانشـگاه صـنعتی شـریف،تهران،ایران در سـال ۱۳۶۷ کارشناسـی ارشـد رشـته مهندسـی راه وساختمـان(عمران) از دانشـگاه صـنعتی شریــف،تهران،ایران در ســال ۱۳۷۱ دکـترای رشــته مهندســی راه و ساختمــان(عمران) از دانشــگاه ناگویـا،ناگویـا،ژاپـن در سـال ۱۳۷۷مشاغل و سـمتهای مورد تصـدی : مشاغل و سـمتهای مورد تصـدی محمد علی قناد به ترتیب زیر است: رئیس بخش مهندسـی زلزله و نایب رئیس امور دانشـجویان دانشـکده فنی مهندسی دانشگاه صنعتی شریف دانشیار دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۸۵ تا کنون اسـتادیار دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۷۸ تا سال ۱۳۸۵ اسـتاد آزمایشی کنسولگری مهندسی ایجیما،ناگویا ژاپن از سال ۱۳۷۷ تـا سال ۱۳۷۸ بورسـیه پژوهشـی دانشـگاه شهید ستاری تهران از سال ۱۳۷۱ تـا سال ۱۳۷۳ مربی دانشـگاه شـهید ستاری تهران

مهندس ساختمان از سال ۱۳۶۷ تا سال ۱۳۷۳ مدیر گروه مهندسی زلزله دانشکده عمران دانشگاه صنعتی شریف فعالیتهای آموزشی : محمدعلی قناد عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه صنعتی شریف می باشد.آرا و گرایشهای خاص : زمینه های مطالعاتی و پژوهشی دکتر محمد علی قناد : مهندسی زلزله،دینامیک ساختاری،دینامیک خاک،فعل و انفعالات ساختاری،کارایی لرزش،طراحی پایه ای ،آسیب پذیری لرزش در ساختار خشت

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

قنادی، صالح

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صالح قنادی

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب صالح قنادی پس از اخذ دیپلم در رشته الکترونیک و قبولی در دانش سرای تربیت معلم و دانشگاه تهران، دروس طلبگی را در مدرسه حاج آقای مجتهدی تهران شروع کردم. از سال حدود ۶۳ تا ۶۷ دروس مقدماتی تا اوایل رسایل و مکاسب را گذراندم و برای ادامه تحصیل به قم عزیمت کردم و از محضر اساتید محقق داماد و استادی و اعتمادی جهت رسایل و مکاسب استفاده کردم و کفایه را نزد آیت الله قدیری گذراندم و حدود هشت سال درس فقه آیت الله میرزا جواد تبریزی و اصول آیت الله وحید خراسانی گذراندم و هم زمان رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآنی را گذراندم و در این زمان پایان نامه سطح ۳ مدارج علمی را با موضوع اجتماعی امر و نهی دفاع کردم و پایان نامه سطح ۴ با عنوان صفات جمالیه و جلالیه خداوند با رویکرد تجلی صفات در نظام تکوین و تشریع و نظام آخرت. حظ عبد از این صفات به پایان رساندم و در سال ۷۹ با موفقیت دفاع کردم. هم زمان و در ادامه سه جلد تفسیر موضوعی با عنوان مفاهیم اعتقادی در قرآن، اخلاق در قرآن و مفاهیم اخلاقی در قرآن جهت مدارس علمیه خارج از کشور تالیف کردم و با همکاری آقایان حمید محمدی و غلام علی همایی شش جلد تفسیر تربیتی بشری تدوین شده است که اکنون کتاب درسی حوزه های خواهران می باشد. هم چنین کتاب قرآن شناسی با همکاری جمعی از محققان با جمع آوری پرسش و پاسخهای دانشجویان تدوین شده است. و حدود بیست جلد کتاب پرسش و پاسخهای دانشجویی را به عنوان مسئول اداره مشاوره و پاسخ نهاد رهبری در دانشگاهها تنظیم و به چاپ رسانیدم. هم زمان به تدریس در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد در موضوعات تفسیر تربیتی و تفسیر موضوعی داشته ام و به عنوان استاد راهنما و مشاور و داور حدود ۱۰ پایان نامه را عهده دار بودم.

قناری خلخالی، احمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۵ ق)، شاعر. وی نوه‌ی شیخ ابویزید خلخالی بود. در انواع علوم، به ویژه ادبیات فارسی و عربی مرتبه‌ای بلند داشت. بیشتر ایام عمر او در قزوین گذشت و شاگردان بسیاری در آن شهر تربیت کرد. از محضر امیر غیاث‌الدین منصور دشتکی، احمد ابیوردی، شمس‌الدین محمد خفری و کمال‌الدین حسین لاری کسب کمال نمود. وی در قزوین درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۸۵ / ۵)، دویست سخنور (۳۳۳ -۳۲۲)، هفت اقلیم (۲۵۹ / ۳).

قنبری نیشابوری

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. در زمان میرزا بابر بن بایسنقر (۸۶۱ -۸۵۲ ق) می‌زیست. مردی عامی بود ولی قصاید خوب و پرمعنا می‌گفت. بعضی افاضل در کار او متحیر بودند و او را در جواب قصاید اکابر امتحان می‌کردند و سخنانش را درست می‌یافتند. در تذکره‌ها آمده است که وی چون مدتی در هرات اقامت نمود به مشهد مقدس انزوا گزید و در همان جا درگذشت. در «مجالس النفائس»، ذیل ترجمه‌ی حکیم قزوینی، وی تحت عنوان قبری نیشابوری ذکر شده است. قنبری قصیده‌ای در مدح میرزا بابر دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۹ / ۴)، تاریخ نظم و نثر (۶۸۸، ۳۰۵)، تذکره‌ی روز روشن (۶۶۶)، تذکره الشعراء (۵۳۰ –۵۲۷)، الذریعه (۸۸۹ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۴۸)، لغت‌نامه (ذیل/ قنبری)، مجالس النفایس (۲۱۳، ۳۹)، هفت اقلیم (۲۶۸ –۲۶۷ / ۲).

قنبری، شهیار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شهیار قنبری در سال ۱۳۲۹ در یک خانواده هنرمند و هنردوست در خیابان فخرآباد سه‌راه ژاله محلی باصفا و خانه‌های سرسبز و پر درخت و هنوز هم آب قنات مثل اشک چشم در جوی این خیابان روان است بدنیا آمد.

دوره ابتدایی را در دبستان جهان تربیت که به ریاست دانشمند محترم آقای بنی‌احمد بود به پایان رسانید و دوره دبیرستان را در کالج البرز گذراند و برای ادمه تحصیل در رشته ادبیات راهی انگلستان شد و در شهر کمبریج به رشته مورد علاقه‌اش ادامه داد و از آنجائی که به سینما هم علاقه خاص داشت بخصوص در رشته کارگردانی سینما مطالعاتی نیز نمود.

بعد از مراجعت به ایران در رشته مورد علاقه خود فعالیت را شروع نمود و به طوریکه می‌دانیم در نوجوانی در اطلاعات کودکان آن زمان داستان‌های کوتاه می‌نوشت که در آن مجله به چاپ می‌رسید و گه‌گاه اشعار کوتاهی می‌گفت و چند نمایشنامه مربوط به نوجوانان نوشت بنابراین حالا که دوره جوانی را در برگشت ایران طی می‌کرد ترانه‌سرایی را شروع کرد و در مجله اطلاعات جوانان داستانهای توأم با طنز و اشعار مختلفی می‌گفت و به چاپ می‌رسید کم‌کم ترانه‌سرایی را جدی گرفت و اولین ترانه‌ایکه ساخت ترانه معروف (ستاره آی ستاره بود) ولی اولین ترانه‌ای که از رادیو پخش شد ترانه جالب «دیگه اشکم واسه من ناز می‌کنه» بود که برای اولین بار قبل از پخش ترانه با او مصاحبه کردند و راجع به سوژه این ترانه که مضمون تازه‌ای داشت خواستند توضیح بیشتری بدهد شهیار گفت تصور کنید یک عاشق پاک و صمیمی و یا یک نفر که در اوج ناراحتی هست و می‌خواهد گریه کند و تسکین یابد در این وقت متوسل می‌شود که گریه کند بلکه آرام بگیرد حالا یک عاشق و یا یک درمانده و امثالهم می‌خواهد گریه کند که آرام بشود اشک ناز می‌کند و از چشم پایین نمی‌آید شهیار همچنان به سرودن ترانه‌های مختلف ادامه داد شهیار قنبری با دیگر ترانه‌سرایان از نظر سوژه و مضمون‌های تازه و نوآوری که در کار داشت متفاوت بود. می‌شود گفت که در ترانه خود یک دگرگونی بوجود آورد وقتی ترانه «بوی خوب گندم» و یا «قصه دو ماهی» و یا «جمعه‌ها» و یا ترانه معروف «حرف» را گفت شهرت خوبی پیدا کرد وقتی در اوج شهرت بود از طرف مسئول شورای موسیقی از شهیار دعوت به عمل آمد در شورای شعر و ترانه که اعضاء آن اساتید و دانشمندان و شعرایی چون عماد خراسانی، محمد تفضلی– ابراهیم صهبا– فریدون مشیری– سیمین بهبهانی و یکی دو نفر دیگر بودند شهیار جوان‌ترین ترانه‌سرای آن روز عضو این شورا برای مدت دو سال بود بدین‌سو اشعار و ترانه‌ها را که می‌بایست اجرا و پخش شود بررسی و مورد تصویب قرار می‌داد شهیار ترانه زیادی برای خوانندگان آن روز می‌سرود و سبک ترانه‌های او وضع خاصی داشت و تشبیهاتی که شهیار در اشعار خود داشت مورد تأیید اساتید قرار می‌گرفت.

شهیار در بازیگری و کارگردانی سینما

شهیار اولین بار در فیلم «چهره آشنا» که به کارگردانی زنده‌یاد حسن خردمند بود و در پارس فیلم ساخته می‌شد در نقش یک کودک ۴ ساله شرکت کرد که کارش از نظر کارگردان فیلم جالب بود.

در دومین فیلم بنام «خانه خراب» که در سال ۱۳۵۴ که به کارگردانی نصرت‌اللّه کریمی بود و شهیار هم «نقش جوان اول این فیلم را بازی کرد و در این فیلم علاوه بر نصراللّه کریمی– شهلا– ژاله سام– جمیله شیخی– مرتضی احمدی و محسن مهدوی شرکت داشتند.

کارگردانی در سینما

شهیار در سال ۱۳۵۵ فیلم «شام آخر» را که خود کارگردان و فیلمنامه‌نویس آن بود ساخت. تهیه این فیلم آقای علی عباسی بود– فیلمبردار جمشید الوندی و موسیقی متن را واروژان ساخت هنرپیشگان این فیلم زنده‌یاد پرویز فنی‌زاده– محمدعلی کشاورز– و ایرن و نوری کسرایی و چند هنرمند دیگر شرکت داشتند.

«جمعه‌ها»

توی قاب خیس این پنجره‌ها
عکسی از جمعه غمگین می‌بینم
چه سیاه به تنش رخت عزا
تو چشاش ابرهای سنگین می‌بینم
داره از ابر سیاه خون می‌چکه
جمعه‌ها خون جای بارون می‌چکد
نفسم در نمیآد جمعه‌ها سر نمیآد
کاش می‌بستم چشمامو این ازم برنمیآد
داره از ابر سیاه خون می‌چکه
جمعه‌ها جای بارون می‌چکد
عمر جمعه به هزار سال می‌رسه

جمعه‌ها غم دیگه بیداد می‌کنه

آدم از دست خودش خسته میشه

با لبای بسته فریاد می‌کنه

داره از ابر سیاه خون می‌چکه

جمعه‌ها خون جای بارون می‌چکه

جمعه وقت رفتنه موسم دل کندنه

خنجر از پشت میزنه اونکه همراه منه

داره از ابر سیاه خون می‌چکه

جمعه‌ها خون جای بارون می‌چکه

«قصه‌ی دو ماهی»

ما دو تا ماهی بودیم توی دریای کبود

خالی از اشکهای شور از غم بود و نبود

پولکهامون رنگ‌وارنگ روزهامون خوب و قشنگ

آسمونمون یکی خونمون یه قلوه سنگ

خنده‌مون موجها رو تا ابرها می‌برد

وقتی دلگیر بودم اون غصه می‌خورد

تورهای ماهیگیرا وا نمی‌شد

عاشقی تو دریا پیدا نمی‌شد

خوابمون مثل صدف

پر مروارید نور

پر شد این قصه‌ی ما

توی دریاهای دور

همیشه توک می‌زدیم به حبابهای درشت

تا که مرغ ماهیخوار آمد و جفتمو کشت

دلش آتیش بگیره

دل اون خونه خراب

دیگه نوبت منه

سایه‌اش افتاده رو آب

بعد ما نوبت جفتهای دیگه است

روز مرگ زشت دلهای دیگه است

ای خدا کاری بکن یادش بره

که یه ماهی این پایین منتظره

نمی‌خوام تنها باشم

ماهی دریا باشم

دوست دارم که بعد از این

توی قصه‌ها باشم

«بوی خوب گندم»

بوی گندم مال من هر چی که دارم مال تو

یه وجب خاک مال من هر چی می‌کارم مال تو

اهل طاعونی این قبیله‌ی مشرقی‌ام

تویی این مسافر شیشه‌ای‌به شهر فرنگ

پوستم از جنس شبه پوست تو از مخمل سرخ

رختم از تاول تن‌پوش تو از پوست پلنگ

بوی گندم مال من هر چی که دارم مال تو

یه وجب خاک مال من هر چی می‌کارم مال تو

تو بفکر جنگل آهن و آسمانخراش

من بفکر یک اطاق اندازه تو واسه خواب

تن من خاک منه ساقه گندم تن تو

تن من تشنه‌ترین تشنه یک قطره آب

بوی گندم مال من هر چی که دارم مال تو

یه وجب خاک مال من هر چی می‌کارم مال تو

شهر تو شهر فرنگ آدماش ترمه قبا

شهر من شهر دعا همه گنبدهاش طلا
تن تو مثل تبر تن من ریشه سرد
طپش عکس یک قلب مونده اما رو درخت
بوی گندم مال هن هر چی که دارم مال تو
یه وجب خاک مال من هر چی می‌کارم مال تو
نباید مرثیه‌گو باشم واسه خاک تنم
تو آخه مسافری خون رگ اینجا منم
تن من دوست نداره زخمی دست تو باشه
حالا با هرچی که هست هرچه که نیست داد می‌زنم
بوی گندم مال من هر چی که دارم مال تو
یه وجب خاک مال من هر چی می‌کارم مال تو
«حرف»
اگه سبزم اگه جنگل- اگه ماهی اگه دریا- اگه اسمم همه جا هست- روی لبها تو کتابا
اگه رودم رود گنگم- مثل مریم اگه پاک- اگه نوری به صلیبم- اگه گنجی زیر خاک
واسه تو قد یه برگم- پیش تو راضی به مرگم
اگه پاکم مثل معبد- اگه عاشق مثل هندو- مثل بندر واسه قایق- واسه قایق مثل پارو
اگه عکس چلستونم- اگه شهری بی‌حصار- واسه آرش تیر آخر- واسه جاده یه سوار
واسه تو قد یه برگم- پیش تو راضی به مرگم
واسه تو قد یه برگم- پیش تو راضی به مرگم
اگه قیمتی‌ترین سنگ زمینم
توی تابستون دستهای تو برفم
اگه حرفهای قشنگ هر کتابم
برای اسم تو چند تا دونه حرفم
اگه سیلم پیش تو قد یه قطره
اگه کوهم پیش تو قد یه سوزن
اگه تن‌پوش بلند پر درختم
پیش تو اندازه دکمه پیرهن
واسه تو قد یه برگم
پیش تو راضی به مرگم
اگه تلخی مثل نفرین- اگه تندی مثل رگبار- اگه زخمی زخم کهنه- بغض یکدررو به دیوار
اگه جام شوکرانی- تو عزیزی مثل آب- اگه ترسی اگه وحشت- مثل مردن توی خواب
واسه تو قد یه برگم
پیش تو راضی به مرگم
برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

قنبری، محمدرضا

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

محمدرضا قنبری در سال ۱۳۴۰ ، در قزوین دیده به جهان گشود. فراگیری هنر خوشنویسی را از سال ۱۳۵۵ در قزوین آغاز نمود و پس از بهره بردن از استادان زادگاه خود ، از روی آثار اساتید ترک (مکتب عثمانی) فراگیری دیگر فنون خوشنویسی را دنبال کرد. وی در سال ۱۳۶۲ به عنوان مدرس انجمن خوشنویسان ایران ـ دفتر مرکزی ـ در انواع خطوط همکاری خود را آغاز کرد. سپس از سال ۱۳۶۵ به عنوان مصحح امتحانات دوره های عالی و ممتاز سراسر کشور منصوب گردید. استاد قنبری علاوه بر حضور در جشنواره ها و نمایشگاه های متعدد و کسب درجات بالای هنری ، خلق و کتابت آثار زیادی را به عهده داشته است.گروه : هنررشته : خوشنویسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : قنبری فراگیری هنر خوشنویسی را از سال ۱۳۵۵ در قزوین آغاز نمود و پس از بهره بردن از استادان زادگاه خود ، از روی آثار اساتید ترک (مکتب عثمانی) فراگیری دیگر فنون خوشنویسی را دنبال کرد.استادان و مربیان : قنبری خوشنویسی را در سال ۱۳۵۵ به طور خصوصی نزد استاد ابوالحسن محصص آغاز نمود.فعالیتهای آموزشی : استاد قنبری در سال ۱۳۶۲ به عنوان مدرس انجمن خوشنویسان ایران ـ دفتر مرکزی ـ در انواع خطوط همکاری خود را آغاز کرد. سپس از سال ۱۳۶۵ به عنوان مصحح امتحانات دوره های عالی و ممتاز سراسر کشور منصوب گردید.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : استاد قنبری علاوه بر حضور در جشنواره ها و نمایشگاه های متعدد و کسب درجات بالای هنری ، خلق و کتابت آثار زیادی را به عهده داشته است که آخرین پیشنهادهای دریافت شده عبارتند از: تحریر قرآن به شیوه ای نو و ویژگیهای

انحصاری به صورت قرآن واحد در سطح جهان ، بازسازی و یا بازنویسی پردهٔ کعبه پس از ۱/۵ قرن.آرا و گرایشهای خاص : استاد قنبری هنر خوشنویسی را نزد استاد محصص آغاز نمود. سپس از روی آثار اساتید ترک (مکتب عثمانی) همچون استاد عزیز رفاعی ، حاج احمد کامل ، حامد الآمدی و غیره تمرین خط نمود.جوائز و نشانها : برخی از رتبه های بدست آمده از سوی استاد قنبری به شرح ذیل می باشد: ۱- برنده خط ثلث در اولین مسابقات جهانی خوشنویسی ، به سال ۱۹۸۶ از سوی سازمان کنفرانس اسلامی با شرکت بیش از ۴۰ کشور در ترکیهچگونگی عرضه آثار : استاد قنبری آثار خود را در موزه های داخل و خارج از کشور ،و به صورت نمایشگاههای انفرادی و جمعی عرضه نموده است.

آثار : تدوین کتاب منتخب الآثار ویژگی اثر : این کتاب به وسیله فرهنگسرای یساولی به چاپ رسیده است.۲ کتابت دیوان اشعار حضرت علی (ع) کتابت صحیفه سجادیه کتابت قرآن کریم ویژگی اثر : سه جلد منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

قندوزی بلخی، سلیمان

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۴ / ۱۲۹۳ -۱۲۲۰ ق)، فقیه حنفی و صوفی. ساکن قسطنطنیه بود و در همان جا درگذشت و در مقبره‌ای مخصوص، در خانقاه مرادیه، دفن شد. از آثار وی: «اجمع الفوائد»؛ «مشرق الأکوان»، بشاراتی درباره حضرت حجت (ع)؛ «ینابیع الموده»، در مناقب ذی‌القربی و اهل‌بیت نبی (ص) که در ۱۳۰۱ ق، در عهد دولت عثمانی، در اسلامبول به چاپ رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۷۳۱ / ۲)، الذریعه (۲۹۰ / ۲۵ ،۴۷ / ۲۱)، معجم المؤلفین (۲۵۲ / ۴)، هدیه العارفین (۴۰۸ / ۱).

قندهاری، واصب

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. در فن موسیقی مهارت داشت. مدتها در دستگاه رستم خان سپهسالار آذربایجان به سر می‌برد. وی با ملا حسین صبوحی (۱۰۷۸ ق) معاصر بود و چندی همراه او و محمد قلی سلیم (۱۰۵۷ ق) ملازم میرزا عبداللّه، وزیر لاهیجان، گردید. بعد از آن به اصفهان و سپس به لاهیجان مراجعت کرد و در آنجا درگذشت. مؤلف «صبح گلشن» و تذکره‌ی «روز روشن» به نقل از «آفتاب عالمتاب»، نام وی را ملا محمد و ذیل واهب قندهاری ذکر کرده‌اند. مؤلف تذکره‌ی «شعرای خوانسار»، ملا حسین صبوحی را برادر وی می‌داند. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۵۹ / ۵)، تذکره‌ی روز روشن (۸۶۴)، تذکره‌ی شعرای خوانسار (۲۰۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۳۷)، الذریعه (۱۲۴۹ -۱۲۴۸/ ۹)، صبح گلشن (۵۸۶)، فرهنگ سخنوران (۹۷۶).

قوال، فاطمه

قرن:۱۲

جنسیت:زن

ملیت:ایران

پیش از ۱۲۱۸ ق، اشعار زیر از اوست:

ساکن کنشتم کرد خوش نگاه می‌نوشی
کعبه را زیادم برد کافر سیه‌پوشی
ترک مست خونخواری ظالم جفاکاری
یاد کس مکن باری عاشق فراموشی
طرفه حالتی دارم از بهار رخساری
خوش فراغتی دارم در بهشت آغوشی
در این زمان رواج خوش آمد ز بس رواست
در گوش خلق حرف نصیحت هزار پاست
بحر از صدف به چشم دهد جای اشک را
کوچک دلی ز وضع بزرگان چه خوش نماست

تاریخ تولد، وفات و یا زندگی او معلوم نیست.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زنـدگینامه :منابع: «پرده‌نشـینان سـخنگوی»، آریانا، سال دهم، شـماره دهم، ۴۰؛ از رابعـه تـا پروین، ۱۷۹ –۱۷۸؛ مخزن‌الغرایب، ۲۹۳ / ۳.

قوام الدین کرمانی، ابومحمد، ابوالفتح مسعود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۴۸ –۶۶۴ ق)، ادیب و فقیه حنفی. در دیارش علوم مقدماتی را فراگرفت و آن‌گاه در ادبیات عرب و فقه و اصول مهارت پیدا کرد و نظم و نثر نیکویی یافت. پس به دمشق رفت و ساکن آنجا شد. سپس مدتی را در قاهره گذرانید و سرانجام به دمشق بازگشت و تا پایان عمر در آنجا ماند. از آثارش: شرح «کنز الدقائق» به نام «شرح الکنز»، در فروع فقه حنفی؛ حاشیه بر «الکاشف الذهنی» در شرح «المغنی» خبازی خجندی، در اصول فقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۱۵ / ۸)، شذرات الذهب (۱۵۸ –۱۵۷ / ۶)، کشف الظنون (۱۷۴۹ ،۱۵۱۶)، هدیه العارفین (۴۲۹ / ۲).

قوام، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به «قوام‌السـلطنه»، در ۱۲۵۲ ش در تهران متولـد شـد. پـدرش میرزا ابراهیم معتمدالسـلطنه از رجال دوره‌ی ناصـری و جـدش قوام‌الـدوله وزیر دفتر استیفا بود. مادرش طاووس‌خانم دختر میرزا محمـدخان مجـدالملک سـینکی صاحب رساله مجدیه و پدر میرزا علی‌خـان امین‌الـدوله است. قـوام تحصـیلات مقـدماتی را به اتفـاق برادرش حسن وثوق نزد معلمین خصوصـی فراگرفت، سـپس در زمینه‌ی ادبیـات فارسـی و صـرف و نحو عربی، عروض و قـافیه و معـانی بیان و ریاضـیات قـدیم ادامه‌ی تحصـیل داد و مـدتی نیز در مدرسه‌ی مروی به آموزش فلسفه و حکمت اشتغال ورزید. تلاش او در حسن‌خط موجب شد که در عداد خطاطان درجه‌ی اول روز قرار بگیرد.

قوام وقتی به سن رشد رسید، معتمدالسلطنه شمه‌ای از تحصیلات او و نمونه‌ای از خط او را نزد ناصرالدین شاه برد و برای فرزند خود تقاضای شـغل و لقب نمود. شاه وقتی از حسن خط و شـیوه‌ی نگارش این جوان واقف شد، او را جزء پیشخدمتان مخصوص قرار داد و ملقب به عنوان دبیر حضور کرد.

در سال ۱۳۱۴ ه.ق میرزا علی‌خان امین‌الدوله دائی او با پیشکاری ولیعهد به آذربایجان رفت و میرزا احمد دبیرحضور را نیز به عنوان منشـی و رئیس دفتر مخصوص بـا خود به این مـاموریت برد. چنـد ماهی پس از این ماموریت، امین‌الـدوله به تهران احضار شـد و به جای میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان به صدارت رسید و قوام را منشی و رئیس دفتر خود نمود.

عبـدالله مسـتوفی در تاریـخ قاجار درباره‌ی این سـمت دبیرحضور چنین می‌نویسـد: «منشـی گری صدراعظم در این ایام هم مثل سابق زیبائی خط و انشاء و امانت و صـحت و پشتکار و هوش و فراستی لازم داشت که در همه یافت نمی‌شد زیرا هنوز هم نوشتن نامه به طور مرتجل و بدون پیش‌نویس و قلم‌خوردگی از لوازم کار به شمار می‌آمد. عهده کردن این کار زیردست نویسنده دقیق و صاحب خطیماننـد امین‌الدوله کار هر بافنده و حلاج نبوده و آقای دبیرحضور تمام مزایای شـغل را از زیبائی خط و انشاء مرتجل و امانت و پشتکار حائز بود».

میرزا احمـدخان دبیر حضور مادام که امین‌الـدوله صـدراعظم بود، در آن سـمت حساس قرار داشت. پس از کناره‌گیری امین‌الدوله، راه اروپـا را پیش گرفت و متناوبـا قریب ۳ سال در اروپا به تکمیل تحصـیلات و آموزش زبانهای خارجی اشـتغال ورزیـد. در ۱۳۲۲ ه.ق عین‌الـدوله صـدراعظم شـد، دبیرحضـور را به تهران فراخوانـد و به او مقـام و عنوان وزیر رسائـل داد. این سـمت در آن ایـام در حقیقـت معـاونت اجرائی و اداری نخست‌وزیر بـود. در سـفر سوم مظفرالـدین شـاه به اروپـا در زمره‌ی همراهـان قرار گرفت. پس از بـازگشت به تهران، بـا دریافت لقب وزیرحضور، رئیس دفتر مخصوص مظفرالـدین شاه شـد. او در این سـمت توانست اعتماد شاه را نسبت به خود جلب کند. قوام در اثر توقف طولانی در اروپا و مطالعه در نوع حکومتها به حکومت قانون و مشروطیت بستگی داشت و از این رو از سنگر دفتر مخصوص، شاه را تشویق به اعطای مشروطیت می‌نمود. اقدامات قوام و اعلم‌الدوله ثقفی پزشک مخصوص در این باره قابل تقـدیس است. قوام فرمان مشـروطیت را به خط زیبای خود نوشت و آن را برای امضاء نزد مظفرالدین شاه برد و در اثر اصرار سرانجام فرمان را به توشیح رسانید.

قـوام در ۱۳۲۴ پس از فـوت نریمان‌خـان قوام‌السـلطنه وزیرمختـار ایران در اتریش بـا اهـداء ۲۵ هزار اشـرفی برای خـود از شـاه لقب قوام‌السلطنه گرفت.

قوام از تاریـخ صـدور فرمان مشـروطیت تا فتح تهران، کار دولتی نداشت و گاهی به عنوان میانجی بین مشـروطه‌خواهان و مسـتبدین می‌شد و یا بعضی تندروی‌ها را تعدیل می‌کرد.

پس از خلـع محمـدعلی میرزا و اداره‌ی کشـور وسیله‌ی سـپهسالار و سـردار اسـعد از طرف سـردار اسـعد بـه معـاونت وزارت داخله منصوب شـد. ظاهرا مقام وزارت با سـردار بود ولی او عملا هیچگونه مداخله‌ای در کارها نداشت. قوام سازمانی بر اساس کشورهای اروپائی برای وزارت داخله پی‌ریزی کرد و مسئولیتها را مشخص نمود و برای احراز مشاغل ضوابطی تعیین نمود. در مرداد ۱۲۸۹ در

کابینه‌ی اول مستوفی‌الممالک، وزارت جنگ را احراز کرد. قوام‌السلطنه در این سمت توانست لایحه‌ی خلع سلاح مجاهدین را از تصویب مجلس بگذراند. همچنین از خودسری‌های بختیاری‌ها و تروریست‌ها جلوگیری کند. ستارخان و فدائیان او که مسلح و غالبا موجب بروز حوادث ناگواری در شهر می‌شدند، خلع سلاح شدند. در زدوخوردی که بین قوای دولتی و فدائیان ستارخان در پارک اتابک به وقوع پیوست، ستارخان گلوله خورد. قوام در همین سمت قیمتی برای سلاح مردم تعیین کرد و با قیمتی مناسب آنها را خرید و تحویل انبار مهمات وزارت جنگ داد.

در ۱۲۹۰ ش در کابینه‌ی دوم محمدولی‌خان سپهدار تنکابنی به وزارت عدلیه منصوب شد و در مرداد همان سال در هیئت دولت صمصام‌السلطنه بختیاری به وزارت داخله رسید و در هر سه ترمیم کابینه در وزارت داخله باقی ماند. در ۱۲۹۱ در کابینه‌ی محمدعلی‌خان علاءالسلطنه وزارت مالیه را عهده‌دار گردید. در ۱۲۹۶ در نخست‌وزیری دوم علاءالسلطنه وزیر داخله شد. در کابینه‌ی سلطان عبدالمجید میرزا عین‌الدوله همچنان مقام وزارت داخله را حفظ کرد.

در ۱۲۹۶ قوام‌السلطنه به جای کامران میرزا قاجار به ایالت خراسان منصوب شد. پس از ورود به مشهد، خود را فرمانروای کل ایالت خراسان و سیستان خواند. در این ماموریت، قوام‌السلطنه اقدامات چشمگیری برای ایجاد امنیت از طریق تقویت ژاندارمری و شهربانی به عمل آورد و اعتباراتی از مرکز برای تهیه‌ی تفنگ و مهمات دیگر تحصیل نمود. یاغیان و طاغیان را سر جای خود نشاند و به این استان پهناور امنیت نسبی بخشید. در همین ایام موجبات انتقال کلنل محمدتقی‌خان پسیان را برای ریاست ژاندارمری خراسان فراهم نمود و ساز و برگی مناسب و در خور یک واحد نظامی قومی برای او تدارک دید و از هر جهت کلنل را مورد تایید و تشویق قرار داد.

قوام‌السلطنه تا پایان ۱۲۹۹ در استان خراسان مستقر بود. بعد از کودتای ۱۲۹۹و نخست‌وزیری سید ضیاءالدین طباطبائی و صدور ابلاغ اعلامیه‌های تازه نخست‌وزیر از مرکز توضیح بیشتری خواست ولی سید ضیاء که از او بیم داشت، دستور توقیف او را به کلنل محمدتقی‌خان پسیان داد روز سیزده نوروز ۱۳۰۰ هنگامی که قوام با کالسکه‌ی مخصوص خود از باغ ملک‌آباد عازم شهر بود، در مقابل ژاندارمری توسط ماژور اسمعیل‌خان بهادر معاون کلنل دستگیر و زندانی شد و کلنل عهدشکنی خود را نسبت به ولی نعمت خود که سوگند وفاداری به او خورده بود شکست. کلنل پس از دستگیری قوام، اموالش را مصادره کرد و او را تحت‌الحفظ با گاری پستی به تهران فرستاد و تحویل زندان قصر داد.

در خردادماه ۱۳۰۰ سید ضیاءالدین از ریاست دولت معزول و به اروپا تبعید شد و شهاب‌الدوله شمس ملک‌آراء رئیس تشریفات سلطان احمدشاه فرمان نخست‌وزیری قوام‌السلطنه را در زندان قصر به او ابلاغ کرد.

قوام در چهاردهم خرداد رئیس‌الوزراء شد. در همین کابینه برای جلوگیری از تندروهای سردارسپه، مصدق‌السلطنه را به وزارت مالیه معرفی کرد و از مجلس برای او اختیارات گرفت و در تمام مدت نخست‌وزیری، وزارت داخله را خود متصدی گردید. قوام پس از نه ماه زمامداری و یک سلسله اقدامات بنیادی، در بهمن‌ماه همان سال جای خود را به مشیرالدوله داد ولی مشیرالدوله بیش از چهار ماه نتوانست دولت را اداره کند و کنار رفت و مجلس بار دیگر قوام‌السلطنه را به ریاست‌الوزرائی برگزید. قوام در این دوره از نخست‌وزیری مورد تایید مدرس و اصلاح‌طلبان بود. در این دوره، قوام لایحه‌ی تشکیل بانک ملی و استخدام مستشاران آمریکائی را برای امور مالی تقدیم مجلس کرد. نخست‌وزیری دوم قوام‌السلطنه، حدود هشت ماه طول کشید و مستوفی جانشین او شد.

قوام در ۱۳۰۲ ظاهرا به جرم توطئه‌ای علیه وزیر جنگ تحت تعقیب قرار گرفت و مدتی توقیف بود تا در اثر وساطت عده‌ای از زندان آزاد و رهسپار اروپا گردید و سالها به صورت انزوا و تبعید در اروپا به سر می‌برد تا اینکه در اثر وساطت وثوق‌الدوله و ذکاءالملک فروغی به تهران آمد و دور از کارهای سیاسی در لاهیجان به کشاورزی مشغول شد. بعد از شهریور ۱۳۲۰ بار دیگر قوام وارد صحنه‌ی سیاست شد و خود را کاندیدای نخست‌وزیری کرد. فروغی برای رهائی از تحریکات قوام، او را به عضویت کابینه دعوت نمود ولی قوام نپذیرفت و همچنان در کمین نخست‌وزیری نشست. قوام، محمدرضا پهلوی را جز یک بار در دوران خردسالی ندیده بود. در ۱۳۰۱ که قوام‌السلطنه نخست‌وزیر و سردارسپه وزیر جنگ بود، رضاخان از رئیس‌الوزراء و وزیران برای صرف ناهار در منزل ییلاقی خود که بعدها سعدآباد نامیده شد، دعوتی به عمل می‌آورد. در آن روز سردارسپه فرزند سه‌ساله‌ی خود را نزد قوام‌السلطنه می‌برد و قوام نیز بر حسب رویه رجال و متعینین، کودک را در آغوش گرفته مشتی اشرفی طلا در جیب او می‌ریزد. دیگر از آن تاریخ به بعد، شاه جدید را ندیده بود. توسط شکوه‌الملک پسرعموی خود تقاضای ملاقات می‌کند. شاه او را می‌پذیرد و قوام وقتی وارد اتاق شاه می‌شود، بدون رعایت تشریفات می‌گوید آه چقدر بزرگ شده‌ای. شاه از این جمله که جنبه‌ی تحقیر در آن نهفته بود، از قوام نفرت پیدا می‌کند و همیشه انزجار خود را ابراز می‌کرد. در این ملاقات، شاه از قوام خواهش می‌کند کابینه را تقویت کند. قوام با صدور اعلامیه‌ای شایعه‌ی نخست‌وزیری خود را تکذیب می‌نماید.

در مرداد ۱۳۲۱ مجلس سیزدهم به نخست‌وزیری قوام رای اعتماد می‌دهد و شاه ناچار فرمان نخست‌وزیری او را صادر می‌کند. اشغال ایران از طرف متفقین قحطی و کمبود مواد غذائی، تورم شدید اقتصادی و بیکاری، دولت قوام را با مشکلات بزرگی روبرو ساخت. با وجودی که از تنی چند از رجال صدر مشروطیت در کابینه‌ی خود دعوت کرد، مع‌الوصف نتوانست به اوضاع کشور سر و صورتی بدهد. در ۱۷ آذر همان سال مردم شورش کردند، به داخل مجلس ریختند، عده‌ای از نماینده‌گان را مجروح ساختند، دکاکین به غارت رفت، ساختمانها به آتش کشیده شد و حتی خانه‌ی قوام‌السلطنه را آتش زدند و حکومت نظامی تمام مطبوعات را منحل کرد و مدیران آنها را به زندان انداخت، فقط نشریه‌ای به نام اخبار روز از طرف دولت منتشر می‌شد که حاوی اخبار جاری روز بود. قوام در محیط اختناق و خفقانی که به وجود آورده بود، نتوانست ادامه حکومت دهد، ناچار از کار کنار گرفت و مجددا صندلی صدارت را به سهیلی داد. مجلس چهاردهم در روزهای آخر عمر خود به فکر تعیین نخست‌وزیر مقتدری افتاد که بتواند بر مشکلات فائق آید. ماجرای آذربایجان و خراسان و فارس و اصفهان هر کدام در نوع خود مشکل بزرگی بودند. اوضاع درهم‌ریخته‌ی کردستان و تهدید قاضی محمد به استقلال، خود داستانی مفصل بود. در آن ایام موتمن‌الملک ذخیره‌ی سیاسی

کشور و قوام‌السلطنه رجل استخواندار، کاندیدای نخست‌وزیری بودند. پس از اخذ رای، آراء آنها برابری می‌کرد و هر کدام پنجاه رای موافق داشتند. سید محمدصادق طباطبائی رئیس مجلس، در رای شرکت کرد و به نفع قوام رای خود را در گلدان انداخت و بدین ترتیب با یک رای اضافی، قوام بر رقیب خود موتمن‌الملک فائق آمد و زمام امور را در دست گرفت. قوام، دو تن از نخست‌وزیران سابق یعنی سهام‌السلطان بیات و دکتر احمد متین‌دفتری را به کابینه برد ولی مجلس مخصوصا فراکسیون حزب توده، با عضویت متین دفتری به شدت مخالفت کردند و قوام ناچار از او صرفنظر کرد و دولت و کشور را به دست سهام‌السلطان بیات سپرد و خود با هیئتی از کارشناسان سیاسی و اقتصادی و مطبوعاتی عازم مسکو شد تا قضیه‌ی آذربایجان را حل کند. قریب ده روز در مسکو به سر برد. در نخستین روزهای اقامت خود به هیچ وجه توفیقی در کار به دست نیاورد، حتی مقامات رسمی شوروی از مذاکره با او خودداری کردند. قوام در مسکو تصمیم به استعفا گرفت که از همانجا به اروپا برود ولی همکاران او را به مقاومت بیشتری ترغیب کردند و مراتب را تلگرافی از موتمن‌الملک مشورت نمودند. موتمن‌الملک پاسخ داد قدری تامل کنید. قوام چند روز توقف خود را در مسکو ادامه داد تا اینکه استالین آمادگی خود را برای مذاکره با قوام اعلام نمود و قرار شد قوام به دیدار استالین برود. قوام این ملاقات را نپذیرفت و پیغام فرستاد که او در راس هیئتی به مسکو آمده و اگر ملاقاتی می‌شود بایستی کلیه اعضاء هیئت او حضور داشته باشند. استالین ناگزیر پیشنهاد قوام را پذیرفت و روز بعد قوام‌السلطنه و هیئت او وارد اتاق کار استالین شدند. قوام در صندلی مقابل میز استالین قرار گرفت و بقیه‌ی اعضاء در روی مبلهای سالن نشستند. در این موقع استالین سیگاری از روی میز برداشته و پس از روشن کردن سیگار، مشغول کشیدن سیگار می‌شود بدون اینکه به قوام سیگار تعارف کند. قوام بلافاصله از جعبه سیگار خود سیگاری بر لب می‌نهد و ظاهرا به دنبال فندک در جیبهای خود می‌گردد. استالین فندک خود را روشن کرده سیگار قوام را آتش می‌زند. مذاکرات قوام و استالین رضایت‌بخش بود و قوام با وعده‌ی واگذاری نفت شمال به روسها در صورت تصویب مجلس شورای ملی، موضوع تخلیه‌ی ایران و خودمختاری آذربایجان را با رهبر شوروی توافق می‌کند. او پس از مراجعه از شوروی چندی بعد کابینه‌ی خود را ترمیم کرده و سه تن از اعضاء حزب توده را داخل کابینه نمود و حزبی به نام دموکرات ایران تاسیس کرد. شاه را موظف کرد در حدود قانون اساسی سلطنت کند و در امر حکومت مداخله ننماید. حتی قسمتی از اختیارات قانونی شاه را محدود نمود مثلا در فرامینی که شاه صادر می‌کرد، همیشه نوشته می‌شد پیشنهاد نخست‌وزیر، قوام دستور داد تمام فرامین دربار را تعویض نمایند و به جای پیشنهاد «تصویب و موافقت قوام‌السلطنه» را افزود. به هیچ‌وجه به توصیه‌های شاه و خاندان پهلوی ترتیب اثر نمی‌داد، در مجالس رسمی و بازدیدها گاهی دیرتر از شاه حضور می‌یافت و زمانی جلوتر از او حرکت می‌کرد. پس از حل مسئله‌ی آذربایجان و فارس و کردستان، شاه خدمات او را صادقانه ستود و به او عنوان و لقب جناب اشرف که قبلا از طرف سلطان احمدشاه هم داده شده بود، اعطاء کرد. قوام قریب بیست‌ماه بلامنازع حکومت کرد تا سرانجام در اثر فشار افکار عمومی انتخابات دوره‌ی پانزدهم را با دخالت کامل حزب دموکرات ایران انجام داد و ظاهرا تمام سرسپردگان خود را به مجلس فرستاد و در آن مجلس فراکسیونی به نام دموکرات ایران با اکثریت قاطع تشکیل شد. لیدر فراکسیون ملک‌الشعرای بهار بود. شاه پس از حل قضیه‌ی آذربایجان از محبوبیتی که برای او در بین عامه فراهم شده بود، رشک می‌برد و می‌خواست اعاده‌ی امنیت در کشور و سایر اصلاحات توسط او انجام گیرد، لذا در مقام مبارزه‌ی پنهانی با قوام برآمد. ابتدا وزرای نظامی را تحریک کرد که با قوام سرشاخ شوند. قوام هر دو آنها را که سپهبد احمدی و سرلشکر آق‌اولی بودند، از کابینه خارج ساخت. بعد عده‌ای از وزراء را پنهانی تحریک کرد و آنها به حالت اجتماع استعفا دادند و قوام ضرورتی برای رای اعتماد نمی‌دید، مع‌الوصف به اتفاق تنها وزیر کابینه سیدجلال‌الدین تهرانی که مستعفی نشده بود، به مجلس رفت و نطق مفصلی ایراد کرد و تقاضای رای اعتماد نمود. سردار فاخر که چشم به مقام قوام دوخته بود و با شاه سر و سری داشت، موجبات سقوط قوام را فراهم نمود و مآلا اکثریت به او رای عدم اعتماد دادند و نخست‌وزیری او در آذر ۱۳۲۶ ساقط شد. پس از چند روز راه اروپا را پیش گرفت. از آن همه افراد حزب و دوستان و آشنایان، تنها یک نفر در فرودگاه او را بدرقه کرد، آن هم سید جلال‌الدین تهرانی بود.

شاه پس از سقوط قوام ساکت ننشست و به وسیله‌ی ایادی خود مشغول پرونده‌سازی شد تا خدمات قوام را از ذهن مردم خارج کند و خود را قهرمانی ملی قلمداد نماید. اعلام جرمهای متعدد در مجلس و دادگستری به جریان افتاد ولی چون هیچ کدام محتوا نداشت، به جائی نرسید. قوام مدتها در اروپا باقی ماند تا اینکه شاه تصمیم گرفت به قانون اساسی شبیخون بزند و چند اصل آن را به نفع خود تغییر داده، اختیار انحلال مجلسین را برای خود بگیرد، لذا دستور مجلس موسسان صادر شد. قوام‌السلطنه از اروپا عریضه‌ی سرگشاده‌ای برای شاه نوشت و مدلل ساخت که تغییر قانون اساسی نه به مصلحت شاه و نه ملت است، این خونبهای پدران را نباید ملعبه نمود و راهی برای تغییر آن باز کرد. شاه از نامه‌ی قوام برآشفت، جوابیه‌ای تهیه و به امضای حکیم‌الملک وزیر دربار برای قوام فرستاد و تمام مفاسد کشور را متوجه زمامداری قوام‌السلطنه ساخت. قوام پس از چندی، پاسخی به نامه‌ی شاه داد. این نامه را فقط روزنامه‌ی داریا به مدیریت حسن ارسنجانی انتشار داد. از نظر ضبط در تاریخ، نامه‌ی قوام عینا در زیر به نظر می‌رسد. ضمنا شاه عنوان و لقب جناب اشرف را نیز از او سلب نمود.

در جواب عریضه‌ی سرگشاده که چندی قبل به حضور همایونی عرض کرده بودم نامه‌ای به امضای جناب آقای حکیم‌الملک به اینجانب رسید که تاریخ آن ۱۹ فروردین بود و در روزهای آخرین فروردین که به دستور طبیب در جنوب فرانسه بودم به اینجانب ابلاغ گردید. در آن موقع به شهادت جمعی از آقایان قریب بیست روز بیمار و بستری بودم و بعد هم برحسب وقتی که از جراح متخصص اذن گرفته بودم بایستی روز ۲۷ ماه مه (۱۶ اردیبهشت) برای عمل جراحی به لندن می‌رفتم این بود که پس از رفع کسالت برای ویزای گذرنامه به پاریس آمد و روز ۱۶ اردیبهشت وارد لندن شدم. بدیهی است در جریان عمل جراحی امکان خواندن و نوشتن و فرصت ایراد جواب غیرمقدور بود. اکنون که از بیمارستان بیرون آمده با حال ضعف و نقاهت تحت‌نظر طبیب و جراح در لندن اقامت دارم و فرصت محدودی برای مطالعه جراید تهران حاصل است با کمال تعجب ضمن شایعات جراید در روزنامه‌ی اطلاعات ملاحظه شد که اینجانب نامه‌ای به علیاحضرت ملکه مادر به طهران فرستاده و تقاضا کرده‌ام اجازه داده شود به طهران مراجعت نمایم و نیز نوع انتشارات سبب شد که با حال کسالت اولا شایعات مزبور را تکذیب کنم، زیرا در خود گناه و خطائی

نمی‌بینم که مورد عفو و اغماض ملوکانه واقع شوم و بنابراین هر وقت طبیب اجازه دهد به وطن عزیز خود مراجعت خواهم کرد و ثانیا چنانچه آقای ابراهیم حکیمی را بی‌جواب می‌گذاشتم مثل این بود که مندرجات آن را تصدیق کرده باشم و از مدلول جواب واضح بود که آنچه را شرح داده‌اند بر حسب ابتکار شخص ایشان نبوده، چه عمری است با ایشان رفاقت و خصوصیت داشته‌ام و در تمام این مدت کلمه‌ای برخلاف نزاکت و احترام از ایشان نسبت به خود نشنیده‌ام. پس مسلم است که آنچه را ایشان امضاء نموده‌اند ابلاغ فرمایشات همایونی بوده. بنابراین روی سخن و در عرض جواب به پیشگاه ملوکانه است نه به جناب ابراهیم حکیمی و چون در خاتمه‌ی نامه ابلاغ نموده‌اند که حسب‌الامر در آتیه از عرض عرایض به حضور همایونی خودداری شود ناچار جواب تقریرات را به وسیله‌ی رجال خیرخواه و جراید به عرض برسانم تا برخلاف اراده مبارک عمل و اقدامی نکرده باشم.

آنچه را در عریضه سرگشاده به عرض رسانده‌ام تنها عقیده فدوی نبوده بلکه نظر علمای اعلام و متفکرین عالیمقام و وطن‌پرستان ایران بوده است که جز خیر و سعادت مملکت و صلاح شخص شخیص سلطنت نظری نداشته‌اند و جای بسی تاسف است که عرایض خیرخواهانه به جای حسن قبول تولید ملال و کدورت نموده تا حدی که قسمت اعظم مشکلات موجود را نتیجه‌ی دوران زمامداری فدوی دانسته‌اند.

اعلیحضرت همایونی اگر اندکی صرف وقت فرموده به تاریخ قرن اخیر ایران مراجعه فرمایند توجه خواهند فرمود که دوران زمامداری فدوی از جهانی مشکل‌ترین و هولناکترین ازمنه تاریخ ایران بوده و اگر فدوی به وظیفه‌ی وطن‌پرستی جرات نموده قبول مسئولیت کرده‌ام و مصدر خدمت بوده یا مرتکب خیانت گردیده‌ام تاریخ ایران و بلکه تاریخ دنیا قضاوت آن را کرده و یا خواهد کرد و جای تعجب و تاسف است که اعلیحضرت که حامی و نگهبان مقام و احترام خدمتگزاران کشور هستند به جای تشویق و تقدیر می‌فرمایند زندگانی پلید خود را باید در گوشه زندان سپری نمایم در صورتی که اگر جسارتی کرده‌ام از این نظر بوده است که چون مملکت را مشروطه و اعلیحضرت را متجدد و شاهنشاه دموکرات می‌دانستم لازم دیدم نظریات عموم را در کمال سادگی و صراحت برای خیر مملکت و صلاح شخص اعلیحضرت به عرض برسانم لکن از جوابی که امر به صدور فرموده‌اند جا دارد تصور شود که اوضاع امروز با هفتصد سال قبل فرقی نکرده است چنانکه شیخ سعدی گوید «از تلون طبع پادشاهان برحذر باید بود که وقتی به سلامی برنجد و دیگر وقت به دشنامی خلعت دهند» می‌فرمایند اگر فدوی فراموش کرده یا تظاهر به فراموشی می‌نمایم عواقب سوءسیاست و خیانت‌ورزی فدوی به این کیفیت تجلی می‌نمود که اگر تفضل خداوند و غیرت ملی افراد آذربایجانی همراهی نمی‌کرد و فداکاریهای ارتش دلیر این کشور تحت فرماندهی مستقیم اعلی‌حضرت نبود حال نام آذربایجان از تاریخ کشور زدوده شده بود.

اگرچه عرض ادب پیش یار بی‌ادبی است
زبان خموش ولیکن دهان پر از عربی است
پری نهفته رخ و دیو در کرشمه حسن
بسوخت عقل زحیرت که این چه بلعجبیست
هزار عقل و ادب داشتم من ای خواجه
کنون که مست و خرابم صلاح بی‌ادبیست

افسوس و هزار افسوس که نتیجه‌ی جانبازیها و فداکاریهای فدوی را با کمال بی‌رحمی و بی‌انضباطی تلقی فرموده‌اند پس ناچارم برخلاف مسلک و رویه خود که هیچوقت دعوی حسن خدمت نکرده‌ام هر خدمتی را وظیفه‌ی ملی و وطن‌پرستی خود دانسته‌ام در این مورد با کمال جسارت و با رقت قلب و سوز دل به عرض برسانم که به خدای لایزال قسم روزی که تقدیرنامه اعلی‌حضرت به خط مبارک به افتخار فدوی رسید که ضمن تحسین و ستایش فرموده بودند سهم مهم اصلاح امور آذربایجان به وسیله‌ی فدوی انجام یافته است متحیر بودم که چگونه افتخار ضبط و قبول آن را حائز شوم زیرا غیر از خود برای احدی در انجام امور آذربایجان سهم و حقی قائل نبودم و فقط نتیجه‌ی تدبیر و سیاست این فدوی بود که به حمدالله مشکل آذربایجان حل شد و اهالی رشید و غیرتمند آذربایجان با سیاست فدوی یاری و همکاری نمودند و بعد که بحمدالله اعلیحضرت با جاه و جلال تشریف‌فرمای آذربایجان شدند- و برخلاف انتظار اعلیحضرت در بعضی نقاط استفاده‌جوئی و غارتگری شروع شد- با تلگراف رمز عرض کردم اگر نتیجه‌ی زحمات و اقدامات این است، از این تاریخ فدوی مسئول امور آذربایجان نیستم و ای کاش به جای این تهمتها و بی‌انصافی‌ها که بر خود اهالی آذربایجان نیستم و ای کاش به جای این تهمتها و بی‌انصافی‌ها که بر خود اهالی آذربایجان معلوم است در آبادی و عمران و رفع خرابی‌ها و خسارتها توجه بیشتری مبذول شده بود که اهالی رنجیده و فلک‌زده‌ی آنجا به اطراف و اکناف پراکنده نمی‌شدند، مال و حشم خود را برای معاش یومیه به ثمن بخس نمی‌فروختند و امروز بعد از چهار سال آذربایجان به صورت بهتر و آبرومندتری عرض‌اندام می‌نمود.

جناب آقای ابراهیم حکیمی با اطاعت امر ملوکانه انواع تهمت و افترا را نسبت به این فدایی ملت و مملکت ابلاغ نموده‌اند پس چرا تکمیل و تصریح ننموده‌اند که تعهدات شوم اینجانب در مسکو چه بود یا اینکه گزارش مسافرت خود را به تفصیل

در مجلس شورای ملی قرائت کردم نقشه‌ی تجزیه‌ی آذربایجان چگونه طرح شده و کی و چه وقت در مجلس شورای ملی لزوم تغییر قانون اساسی را پیشنهاد کرده‌ام و اگر هم وقتی اشاراتی کرده باشم راجع به تفسیر بعضی از مواد قانون اساسی بوده است نه تغییر آن. آن هم به این نظر بوده است که حدود مسئولیت وزراء دستخوش پاره‌ای مداخلات غیرقانونی نشود و امور حکومت من جمیع‌الجهات به وسیله‌ی وزراء و تحت نظارت دقیق مجلس اداره شود و اینکه می‌فرمایند دو نفر از وزرای کابینه را برای تغییر قانون اساسی مامور نموده‌ام برحسب و امر و فرمایش همایونی بوده است که خواستم به عرض برسانند راهی برای تغییر قانون اساسی پیش‌بینی نشده است. آیا تمام این مقدمات دلیل نمی‌شود که به ترتیبی که به همه معلوم است جمعی را به نام مجلس موسسان دعوت نموده قانون اساسی را تغییر دهند یعنی همان قانون اساسی که اعلیحضرت موقع قبول سلطنت حفظ و صیانت آن را تعهد نموده و سوگند یاد فرموده و کلام‌الله مجید را شاهد و ناظر قرار داده‌اند و مرحوم فروغی رئیس دولت وقت تصریح نموده که

اعلیحضرت همایونی طبق قانون اساسی موجود سلطنت خواهند فرمود و اما اینکه می‌فرمایند در کابینه‌ی اول خود از مقام سلطنت انحلال مجلس را درخواست نموده‌ام اولاـ در آن موقع اکثریت مجلس طرفدار فدوی بوده است ثانیا البته در نظر مبارک هست که یک روز فرمودند فلان نماینده‌ی خارجی عرض کرده است فدوی دعوی انحلال مجلس را کرده‌ام و فرمودند اگر اینطور باشد پس من چه کاره هستم فدوی عرض آن شخص را تکذیب کردم و به عرض رساندم نه اعلی‌حضرت همایونی و نه رئیس دولت هیچکدام حق انحلال مجلس را ندارند و با اصرار تمام استدعا نمودم آن شخص را بخواهند و با حضور فدوی مواجهه نمایند تا صحت و سقم مطلب معلوم شود و با اینکه دو مرتبه عرض خود را تجدید کردم اقدامی نفرمودند و استدعای فدوی به دفع‌الوقت گذشت. در نامه‌ی مزبور نوشته شده است اصلاح و تکمیل قانون اساسی با توجه به سنت طبیعی یعنی اصل تکامل و ارتقاء صورت گرفته فدوی با هوش و ذکاوت فوق‌العاده اعلیحضرت چگونه قبول کنم که اعلیحضرت همایونی چنین فرمایشی را فرموده باشند زیرا قانون تکامل و ارتقاء را نمی‌توان بدین طریق تاویل نمود که حقوقی را که بیش از چهل سال قبل ملت ایران دارا بوده اکنون که افکار عموم ملل روشن‌تر و مبانی آزادی در همه جا محکم‌تر و کاملتر شده و برای مردم دنیا در تمام ممالک حقوق بیشتری شناخته شده است حقوق مردم ایران را به عنوان اصل تکامل و ارتقاء یعنی به طور معکوس لغو کرده و قانون اساسی کشور را به نفع قوه مجریه تغییر داد و ملت ایران را از حق مشروع و مسلم خود محروم نمود.

امر فرموده‌اند در عریضه سرگشاده حقوق و حدود مقام سلطنت را بی‌پایه و مایه و بی‌ادبانه و جسورانه تلقی نموده و اگر این حقوق تشریفاتی می‌بود اکنون بنیان نظام کشور از بیخ و بن برکنده شده بود. فدوی آنچه را به عرض رسانده‌ام معمول ممالک مشروطه دنیا و مدلول قانون اساسی ایران بوده است و چنانچه عده‌ای از قضات محترم و عالی‌مقام کشور و متخصصین خارجی را مامور می‌فرمودند که عرایض فدوی را با قانون اساسی موجود تطبیق نمایند صحت و سقم عرایض فدوی معلوم می‌شد و نظری جز این نداشته‌ام که اعلیحضرت سالهای فراوان با کمال محبوبیت بر اریکه‌ی سلطنت برقرار باشند و مقام شامخ سلطنت را آلوده امور حکومت نفرمایند و به معمول سلاطین مشروطه و قانون اساسی ایران از مسئولیت و طرفیت با مردم مصون و محفوظ مانند. می‌فرمایند ضرورت پاره‌ای اصلاحات از قبیل تمدید مدت مجلس برای جلوگیری از تشنج انتخاباتی که هر دو سال گریبانگیر کشور می‌شود و با افزایش عده نمایندگان مجلس برای تقویت بنیان حکومت ملی به حدی روشن است که محتاج به توضیح نیست. خاطر مبارک مستحضر است که در قانون اساسی موجود عده‌ی نمایندگان تا دویست نفر پیش‌بینی شده است و برای تمدید مدت مجلس نیز هر وقت از طرف ملت تقاضاهای تمدید شد و آزادیخواهان و صلحای قوم تقاضای مجلس موسسان نمودند و مجلس موسسان در کمال آزادی و بی‌مداخله مامورین دولت تشکیل یافت راجع به تمدید مجلس نیز تصمیم ملت معلوم خواهد شد.

می‌فرمایند که در دوره‌ی زمامداری فدوی حبس و زجر عناصر آزادیخواه به حدی بود که عده‌ای از آنان در توقیفگاه درگذشتند و پاره‌ای دیگر نزدیک به این خطر گردیده بودند. خوب بود یکی از آنان را که در توقیفگاه درگذشته بودند معلوم فرموده بودند به علاوه ایام زمامداری فدوی به حدی با پیشامدهای هولناک مصادف بود که ناچار از بعضی از دوستان عزیز و حتی منسوبین خود با کمال احترام در عمارت شهربانی پذیرائی نمودم لیکن بر خاطر مبارک پوشیده نیست که بعد از فدوی هر امری که واقع شد اشخاص محترم و آزادی‌خواه را به حبس و زجر محکوم و در محبس شهربانی زندانی نمودند و روحانی بزرگواری را مانند آیت‌الله کاشانی که چندی در قزوین با کمال احترام و آزادی مهمان فدوی بودند و با اینکه خودشان میل به توقف فرمودند، تا زنده‌ام از وجود محترمشان خجل و شرمنده‌ام شبانه به آن طرز فجیع گرفتار و از هیچ نوع بی‌احترامی و اسائه ادب به شخص ایشان و مقام روحانیت فروگذار نکردند و ایشان را بدون هیچ دلیل و مدرک گرفتار و تبعید و در قلعه‌ی فلک‌الافلاک زندانی نمودند و بطرزی شرم‌آور از وطن مالوف اخراج و تبعید کردند و چنین فاجعه‌ی بی‌سابقه‌ای را به جامعه و روحانیت وارد ساختند. فدوی عرض نمی‌کنم این جنایت به امر و دستور اعلیحضرت همایونی واقع شده بلکه یقین دارم خاطر مبارک از وقوع آن مکدر و متاثر است لکن عرض می‌کنم بعد از اطلاع چرا مجرم و مسبب را تنبیه و تعزیر نفرموده از خدمت اخراج ننموده‌اند.

می‌فرمایند مردم به خوبی واقف هستند چه کسانی در مدت حکومت خود میلیون‌ها اندوخته ذخیره کرده و چه اشخاصی نیز میلیونها در راه رفاه عموم صرف نموده‌اند و در جای دیگر اشاره به جوازفروشی و رشوه‌خواری فرموده‌اند. اولا اگر اعلیحضرت در تمام اوقات حکومت فدوی چه قبل از سلطنت اعلیحضرت و چه بعد معلوم فرمودند که فدوی اهل رشوه و استفاده بوده‌ام یا اندوخته و ذخیره‌ای در بانکهای داخله یا خارجه دارم تمام دارائی خود را به دولت تقدیم می‌کنم. ثانیا راجع به موضوع جواز چنانکه مکرر به عرض رسانده‌ام در محافل عمومی اظهار داشته و در مجلس شورای ملی به دفعات تصریح کرده‌ام فدوی چیزی از کسی نخواسته‌ام مقداری برنج و غیره اضافه بر احتیاجات کشور بود که اگر خارج نمی‌شد می‌پوسید و ضرر آن به رعیت و ملاک می‌رسید و از طرفی برای آسایش مردم و رفع نگرانی‌ها حزب دموکرات ایران تشکیل شده بود و لازم بود با عجله و شتاب پیشرفت کند این بود که خود مردم برای سرعت جریان و پیشرفت حزب دموکرات ایران و هم برای صرفه دولت و صرفه رعیت و ملاک و پیشرفت امور آذربایجان برای مقداری برنج و جو با تصویب هیئت وزراء اجازه‌ی صدور گرفته و ارز آن را به دولت پرداختند و هدایائی نیز به حزب دموکرات ایران دادند و اینکه می‌فرمایند چه اشخاصی میلیون‌ها در راه رفاه عمومی صرف نموده‌اند این قسمت را هم مردم خوب می‌دانند که این میلیونها را خود دارا بوده‌اند یا از اموال و املاک مردم فقیر و غنی این مملکت اندوخته و بعد که خط آن اموال غیرمقدور شد مقداری از آن را به چه مصارفی رسانده‌اند.

در خاتمه عرض می‌کنم که اعلی‌حضرت همایونی البته عرایض مکرر فدوی را فراموش نفرموده‌اند که فدوی با وضع حاضر داوطلب هیچ نوع منصب و مقامی نبوده‌ام و آنچه را با کمال وضوح و خلوص به عرض رسانده‌ام در راه خیر مملکت و صلاح شخص اعلیحضرت بوده و باز هم عرض می‌کنم که دوام و بقای سلطنت، و موفقیت، در حفظ و حراست حقوق ملت و احترام به افکار عامه است و در این موقع انتظار عموم از پیشگاه مبارک این است که حقوق ملت طبق قانون اساسی موجود محفوظ بماند و امور کشور به مبعوثین ملت و وزرای مسئول واگذار شود و دولتها مانند همیشه با رای تمایل مجلس انتخاب شوند و اعلیحضرت همایونی طبق روح قانون اساسی سلطنت فرمایند و آنچه برخلاف این منظور در بیست سال سلطنت شاهنشاه فقید معمول بوده از جزئی و کلی

منسوح و متروک گردد و از آنچه را هم خلف وعـده و نقض عهـد است اجتناب شود. بدیهی است با پیروی مراتب فوق عموم افراد ملت را به وفاداری و فداکاری تشویق و ترغیب فرموده و قلوب مردم را به مهر و محبت وجود مبارک تسخیر خواهند فرمود برعکس چنانچه حقوق مردم گرفته شود و دلها شکسته و مجروح گردد جز یاس و ناامیدی عمومی که موجب بغض و عناد و مقدمه مقاومت و طغیان است نتیجه‌ای نمی‌توان انتظار داشت.

ما نصیحت به جای خود کردیم

چند وقتی در این بسر بردیم

گر نیاید به گوش رغبت کس

بر رسولان پیام باشد و بس

۲۵ خرداد از لندن احمد قوام

قوام مدتی در اروپا به معالجه پرداخت و در اوایل ۱۳۲۹ به تهران بازگشت و غالبا ملتزم بستر بیماری بود. در همین سال وثوق‌الدوله برادر او درگـذشت. قـوام از این حـادثه سـخت مکـدر شـد و غالبـا وقت خـود را در مصـاحبت دوسـتان می‌گذرانیـد. در ۱۳۳۱ بین مصدق‌السـلطنه و شاه اختلافاتی بروز کرد. مصـدق خواهان وزارت جنگ بود ولی شاه از واگـذاری آن خودداری کرد و مصدق از نخست‌وزیر استعفا داد. شـاه برای اینکه حریف گردن‌کلفتی در مقابـل مصـدق بتراشـد، سـراغ قوام‌السـلطنه رفت. در این کار تلاش اشـرف پهلوی برای جلب رضایت قوام چشـمگیر بود. قوام‌السلطنه جاه‌طلب که در آن هنگام هشتاد و یک سال از سنش می‌گذشت، داوطلب نخست‌وزیری شـد و مجلس بـا اکثریت ضـعیفی به او رای اعتمـاد داد و فرمان با عنوان جناب اشـرف برای او صادر شـد. به دنبال استعفای مصـدق و روی کار آمدن قوام، مردم به حرکت درآمدند. جبهه ملی از یک طرف، آیت‌الله کاشانی و بازار تهران از طرف دیگر مردم را برای یک قیام خونین آماده کردنـد. مخصوصا اعلامیه‌ی شدیداللحن قوام که چند بار از رادیو قرائت شد، بیشتر مردم را به حرکت درآورد به طوری که در روز سـی تیر ۱۳۳۱ تهران و غالب شهرستانها صحنه‌ی زدوخورد پلیس و مامورین نظامی بـا مردم بود. در آن روز عـده‌ی کثیری در تهران و شهرسـتانها کشـته و زخمی شدنـد و ناچار در اثر عقب‌نشینی شاه، قوام از سـمت خود استعفا داد و مجددا مصدق با اختیارات نظامی زمام امور کشور را در دست گرفت. شاه در کتاب ماموریت برای وطنم در مورد انتصاب قوام به نخست‌وزیر برای دفاع از خود و رد اعمال خلاف خویش چنین می‌نویسد:

«... من برخلاف نظر باطنی خود احمد قوام را که در گذشـته شاغل مقام نخست‌وزیری بود به جای وی به نخست‌وزیر برگزیدم زیرا بزعم عـده‌ای قادر بود در برابر دست‌چپی‌ها سخت مقاومت نماید. با روی کار آمدن قوام‌السـلطنه حزب توده بلافاصـله به طرفداران مصـدق پیوسـتند و دست به تظاهر و آشوب زدنـد. نظم و قانون مختل گشت و دولت قوام در برابر عناصـر اخلالگر و افراطی ناتوان مانـد. ضـمنا نطقی که قوام در رادیو کرد و در آن مخالفت خود را با احساسات شدید عامه در مسـئله‌ی ملی شدن نفت اظهار نمود، اوضاع را وخیم‌تر ساخت. قوام به علت کبر سن بسـیار ناتوان و بیمار شده و غالبا در مذاکرات مهم سیاسی به خواب می‌رفت هرچند حقیقتا در حل مسائل به اعمال قدرت معتقد بود ولی من وجدانا نمی‌توانسـتم اجازه‌ی اتخاذ چنین رویه‌ای را به شـخص ناتوانی مانند او بدهم، ناچار پس از چهار روز نخست‌وزیری به صلاحدید من از نخست‌وزیری استعفا داد».

قوام پس از اسـتعفا، مـدتی به حـالت اختفـا می‌زیست و جـانش در خطر بود. مجلس هفـدهم لایحه‌ی مصادره‌ی اموال او را تصویب کرد و مـامورین دولتی به خـانه‌ی او رفته و از اموالش صورت‌برداری نمودنـد. قوام بعـد از این جریـان کاملا ـ تاب و توان خود را از دست داد و غالبا بیمار بود تا اینکه در تیرماه ۱۳۳۴ در سن ۸۲ سالگی درگذشت و در مقبره‌ی خانوادگی در قم مدفون شد.

قوام‌السـلطنه در سن بیست سالگی با دختر حاجب‌الـدوله دولو قاجار ازدواج کرد و تا آخر عمر صاحب فرزندی از او نشد. در ۱۳۲۶ در لاهیجـان بـا دختر یکی از کشـاورزان خود عقـد ازدواج بست. حاصل این مزاوجت یک پسر به نام حسـین بود که قوام و همسـر اصلی‌اش به این کودک علاقه‌ی خاصـی داشـتند. حسـین پس از مرگ پدر، چندی تحت‌نظر دکتر امینی در اروپا تحصیل نمود و با دختر جواد مسـعودی ازدواج کرد ولی این ازدواج طولانی نشد و قسـمتی از ثروت حسـین از بین رفت. او تدریجا به مواد مخدر پناه برد و در استعمال این مواد راه افراط را پیمود تا اینکه در ۳۴ سالگی در اروپا در اثر استعمال مواد مخدر درگذشت.

درباره‌ی قوام‌السلطنه سیاستمدار کهنسالی که قریب ۶۰ سال در صحنه‌ی سیاسی ایران بازیگر ماهری بود، همه‌گونه سخن رفته است. دشمنان او بیشتر از دوستانش توانسته‌اند درباره‌ی او چیز بنویسند یا حرف بزنند.

او مجموعـا پنـج بـار نخست‌وزیر و متجـاوز از بیست مرتبه وزیر، یـک بار فرمانروای کل خراسان و یک دوره هم وکیل مجلس بوده است. قوام ذاتا مردی مسـتبد و قانون‌شـکن و جاه‌طلب بود، از جنجال و سـروصدا لـذت می‌برد، همیشه دوران صدارت او با هیاهو و سروصـدا توام بوده است ولی در عین حال به وطن عشق می‌ورزیـد و هرگز خیانتی به زعم خود مرتکب نشـد. از تملق لذت می‌برد، به همین دلیل اطرافیان او را همیشه افرا متملق و چاپلوس تشـکیل می‌دادند. از ریخت‌وپاش دولتی ابائی نداشت. او مردی به تمام معنا دانشـمند بود، از ادبیـات و فلسـفه و عرفان بهره‌ی کافی برده بود، گاهی برحسب تفنن شـعر می‌سرود. اشـعار او پرمغز و مشـحون از مضـامین لطیـف ادبی اسـت. البتـه در سـرودن شـعر هرگز به پـایه و مـایه برادرش وثوق‌الـدوله نبـود. در تحریر واقعـا معجزه می‌کرد. نامه‌هـای او همیشه محکم و مسـتند و مسـتدل بـا کلمـات زیبـای فارسـی و عربی تـوام بـود. معتقـدات مـذهبی داشت. به اهـل علم و روحـانیون احترام می‌گـذاشت. درب منزل او به روی همه بـاز بود. زنـدگانی او از محـل عایـدات باغهـای چـای در لاهیجـان تـامین می‌گردد.

درباره‌ی قوام اظهارنظرهای متعـدد و متضادی شـده است که در اینجا به چند مورد آن اشاره می‌کنیم. در یادداشـتهای خطی موجود در کتابخانه‌ی مجلس که ظاهرا تالیف حاج میرزا ابوالحسن علوی است و تاریخ تحریر آن ۱۳۳۶ ه.ق می‌باشد، درباره‌ی قوام‌السلطنه چنین آمده است:

«قوام‌السـلطنه (میرزا احمـدخان) پسـر میرزا ابراهیم‌خان معتمدالسـلطنه در ایام جوانی جزء پیشـخدمتهای ناصـرالدین شاه و بعد منشـی امین‌الدوله میرزا علی‌خان در موقعی که حکومت آذربایجان را داشـته بود بعد در موقع صدارت میرزا علی‌خان امین‌الدوله در حدود

۱۳۱۵ به منشی حضوری صدراعظم معرفی شد و مدتی گذشت. به مناسبت حسن‌خط و نیکوئی انشاء به منشی حضوری مظفرالدین شاه و از لقب دبیرحضوری که داشت به وزیرحضوری مفتخر گردید. در دوره مشروطیت پس از فتح تهران (۱۳۲۷) معاون وزیر داخله شد و به واسطه بروز لیاقت زیادی که در ترتیبات و تاسیسات جدیده به خرج داده به وزارت داخله و وزارت جنگ و وزارت مالیه مدتی مشغول بود و حالیه (۱۳۳۶) در طهران بی‌شغل است. سن او بیش از چهل سال نیست. یکی از رجال قابل ایران است».

در کتاب برگزیدگان تالیف امیرمسعود سپهرم درباره‌ی او چنین آمده است:

«در نظم و نثر صاحب ذوق و چیره‌دست و جامع کمالات و سیاستمداری بزرگ بود و خدمات بسیار ارزنده و فراموش نشدنی به ملت ایران و حتی نسلهای آینده این مملکت انجام داد».

(بخش ۱) احمد، ملقب به قوام‌السلطنه (و. ۱۲۴۹ ه.ش– ف. تهران ۱۳۳۴ ه.ش) وی در دربار مظفرالدین شاه سمت دبیری مخصوص و ریاست دفتر را داشت و فرمان مشروطیت به خط او نوشته شده. قوام در دوره‌ی احمد شاه مدتی والی خراسان بود و پس از تشکیل کابینه‌ی سید ضیاء محبوس شد و سپس در زمان شاه مذکور نخست‌وزیر گردید (۱۳۰۱ –۱۳۰۰ ه.ش)، و چون سردارسپه به نخست‌وزیری رسید، قوام از کار برکنار شد و سپس مجبور به ترک ایران گردید. پس از شهریور ۱۳۲۰ فعالیت‌های سیاسی را مجدداً آغاز کرد و مکرر نخست‌وزیر شد (۱۳۳۱ –۱۳۲۶ –۱۳۲۵ –۱۳۲۴ –۱۳۲۱). آخرین بار فقط ۴ روز نخست‌وزیر بود و بر اثر حوادث ۳۰ تیر ۱۳۳۱ از کار برکنار شد. وی به بیماری قلبی درگذشت.

(۱۳۳۴ –۱۲۵۲ ش)، خطاط، ادیب و شاعر. ملقب به دبیر حضور، وزیر حضور و قوام السلطنه. وی از رجال نامی عهد مظفری و عصر مشروطیت است. نخست جزو عمله خلوت و پیشخدمتهای ناصرالدین شاه بود. در صدارت عین‌الدوله (سلطان عبدالمجید میرزا) منشی بود. پس از آن به تدریج در مقامات دولتی ترقی کرد، چنان که بارها به وزارت رسید و چندین بار نخست وزیر شد. ژاندارمری در زمان تصدی او در پست وزارت داخله تشکیل یافت. خروج نیروهای شوروی از ایران، بعد از جنگ جهانی دوم، و نیز عدم پشتیبانی شوروی از دموکراتهای آذربایجان، از نتایج اقدامات او دانسته شده است. وی در نظم و نثر صاحب ذوق بود و در خوشنویسی نیز مهارت داشت. فرمان مشروطیت به خط اوست. در تهران درگذشت و در مقبره‌ی خانوادگی خود در قم به خاک سپرده شد. قوام‌السلطنه خط شکسته نستعلیق را استادانه می‌نوشت و در نستعلیق نیز ماهر بود. از آثار وی: یک مرقع، شامل ده رقعه مناجات حضرت علی (ع) که به شیوه‌ی میرعماد سیفی قزوینی و به قلم دو دانگ و کتابت عالی نوشته شده، با رقم : «... احمد بن معتمدالسلطنه، فی شهر رجب المرجب سنه‌ی ۱۳۱۱»؛ یک مرقع مشتمل بر قصیده‌ای در مدح مظفرالدین شاه، به قلم چهار دانگ خوش، با رقم: «المذنب احمد»؛ دو قطعه نستعلیق سه دانگ خوش، با رقم: «المذنب احمد».[۱]

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۴۳ –۴۲ / ۱)، تاریخ هنرهای ملی (۱۰۳۳ / ۲)، تذکره خوشنویسان معاصر (۹۴ – ۸۸)، شخصیتهای نامی (۴۰۰ –۳۹۸)، شرح حال رجال (۹۹ –۹۴ / ۱)، گلستان هنر (بیست و یک)، نخبگان سیاسی ایران (۱۴۱ ،۱۳۶ ،۱۳۳ ،۱۱۰ ،۹۲ ،۸۹ ،۸۴ ،۸۳ ،۷۵ / ۳).

قوام، عبدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر عبدالعلی قوام ،پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه تحصیلات دانشگاه خود را در مقطع رشته کارشناسی علوم سیاسی در دانشگاه شهید بهشتی (ملی سابق) اغاز و در سال ۱۳۴۷ بپایان رسانید.نامبرده برای تکمیل معلومات دانشگاهی ابتدا به آمریکا و بعد انگلستان عزیمت کرد و موفق به اخذ مدرک دکترای علوم سیاسی– دانشگاه ابردین، انگلستان، ۱۹۸۰م شد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه علوم سیاسی, دانشکده علوم اقتصاد و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی می باشد. گروه : علوم انسانی رشته : علوم سیاسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی و دانشگاهی عبدالعلی قوام به ترتیب زیر است: کارشناسی « علوم سیاسی »– دانشگاه ملی ایران ۱۳۴۷. کارشناسی ارشد « اداره امور دولتی »– دانشگاه ایلی‌نوی (شمپین– اوربانا)، آمریکا، ۱۹۷۳. کارشناسی ارشد « تئوری اجتماعی و سیاست عمومی »– دانشگاه ابردین، انگلستان ۱۹۷۵ دکترای علوم سیاسی– دانشگاه ابردین، انگلستان، ۱۹۸۰. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری و اجرایی عبدالعلی قوام به قرار زیر اس: از ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹رئیس مرکز آموزش و پژوهش سازمانهای محلی وشهرداریهای کشور از ۱۳۶۶ تا ۱۳۸۲مدیر گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریسی و آموزشی دکتر عبدالعلی قوام به ترتیب زیر است: ۱۳۵۷– ۱۳۶۷استادیار علوم سیاسی و روابط بین‌الملل ۱۳۶۷– ۱۳۷۷دانشیار علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از ۱۳۷۷ استاد تمام، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل آرا و گرایشهای خاص : زمینه های مطالعاتی عبدالعلی قوام : توسعه سیاسی، تجزیه و تحلیل سیاست خارجی، نقد و ارزیابی نظریه‌های روابط بین‌الملل، سیاستهای مقایسه‌ای، جهانی شدن، روابط بین‌المللی فرهنگی، رسانه‌های جمعی و روابط بین‌الملل، سیاست خارجی قدرتهای بزرگ، مسائل شرق اروپا، آسیای مرکزی و روسیه. چگونگی عرضه آثار : تعداد مقالات علمی منتشر شده در مجلات علمی : ۳۱ مورد آثار : « اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل » ویژگی اثر : انتشارات « سمت » ۱۳۷۱، انتخاب کتاب برگزیدهٔ سال ۱۳۷۱– چاپ یازدهم ۱۳۸۴. ۲ « توسعه سیاسی و تحول اداری » ویژگی اثر : انتشارات قومس، ۱۳۷۳. ۳ « سیاستهای مقایسه‌ای » ویژگی اثر : انتشارات « سمت » ۱۳۷۶. ۴ « نقد نظریه‌های نوسازی و توسعه سیاسی » ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۷۴. ۵ تألیف کتاب « اهمیت و مسائل حوزه اقیانوس آرام » ویژگی اثر : با همکاری مریم دفتری، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰. ۶ ترجمه و تحقیق « مبانی دیپلماسی: چگونگی مطالعه روابط میان

دولتها » ویژگی اثر : انتشارات قومس ۱۳۶۷. ۷ ترجمه و تحقیق کتاب « تحولات سیاسی و اجتماعی اروپای شرقی تا ۱۳۴۵ » ویژگی اثر : انتشارات قومس ۱۳۶۹. ۸ جهانی شدن و جهان سوم ویژگی اثر : انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۲. ۹ چالش‌های توسعه سیاسی ویژگی اثر : انتشارات قومس، ۱۳۸۱۱۰ روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها ویژگی اثر : انتشارات سمت، ۱۳۸۴.

قوام،عبدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم سیاسی، دانشکده: اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی علوم سیاسی از دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۴۷، کارشناسی ارشد اداره امور دولتی از دانشگاه ایلینویز آمریکا در سال ۱۳۵۲، کارشناسی ارشد تئوری اجتماعی و سیاست عمومی از دانشگاه ابردین انگلستان در سال ۱۳۵۴، دکترای علوم سیاسی از دانشگاه ابردین انگلستان در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۱، استادیار دانشگاه اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۶۵، دانشیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۶۵.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

توسعه نیافتگی اقتصادی و سیاسی در ایران، سیاست عدم تعهد، پایگاه اجتماعی- سیاسی روشنفکران در فرآیند سیاسی جامعه ایران، مشارکت سیاسی ملت ایران از مشروطه تا سال ۱۳۵۷، تحولات حقوق بشر در صحنه سیاست بین‌الملل، مبانی گرایش در رفتار سیاسی، مطالعه مقایسه‌ای سیستم‌های حزبی، نقش استعمار در تشدید اختلافات در خاورمیانه، بررسی برنامه‌های فارسی صدای آمریکا و آلمان و بی‌بی‌سی، ابزارهای استیلای آمریکا بر جهان سوم، تدریس دروس اصول روابط بین‌الملل، نوسازی و توسعه سیاسی، سیاست خارجی قدرتهای بزرگ، مسائل اقتصادی و سیاسی شوروی و اروپای شرقی، تئوریهای روابط بین‌الملل در دانشگاههای شهید بهشتی، الزهرا، امام صادق (ع)، علامه طباطبایی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۲ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اهمیت و مسائل اقیانوس آرام، اصول سیاست بین‌الملل، تحولات سیاسی و اجتماعی اروپای شرقی، فرهنگ سیاسی و مبانی دیپلماسی در زمینه روابط بین‌الملل.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸ تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

فرآیند مردمی کردن نظام اداری، بوروکراسی در دموکراسی در زمینه علوم سیاسی و اداری، آثار بی‌طرفی در روابط بین‌الملل، زوایای سیاسی برنامه‌ریزی در نظام‌های کثرت‌گرا، آثار استراتژی عدم تعهد در روابط بین‌الملل، موقعیت اقتصادی و استراتژیکی اقیانوس آرام، آثار موازنه قدرت در روابط بین‌الملل، انقلاب ورفورم، معمای تئوری‌سازی در باب توسعه سیاسی در رشته سیاست‌های تطبیقی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

قوام‌الدین مسعود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، مذهب، نقاش و خطاط. از تذهیب‌کاران و تصویرگران بود و در خط نستعلیق نیز مهارت داشت. این هنرمند برادری نیز به نام کمال‌الدین عبدالوهاب مشهور به خواجه کاکا داشت که به شغل اجدادی خود علاقه‌مند بود و در شیراز زندگی می‌کرد. از آثار تذهیب و خطی وی، قطعه خط گلزاری است که به شیوایی تمام تزیین شده، با رقم: «مشقه العبدا المذنب مسعود بن میرکی المذهب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۱۵۰ -۱۱۴۹ / ۳)، خوشنویسان و هنرمندان (۱۰۴ ، ۲۰)، گلستان هنر (چهل)، هنر عهد تیموریان (۵۹۳، ۵۸۹، ۴).

قوام‌الشریعه، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدحسن قوام الشریعه همدانی طاب ثراه در حدود تاریخ ۱۳۲۰ هجری قمری در شهر همدان چشم بجهان گشود، پدر ایشان پس از بازگشت از نجف اشرف در همدان و تهران و اصفهان به بیان مناقب آل‌عصمت علیهم‌السلام پرداخت و سرانجام در همدان درگذشت و به قم منتقل و در قبرستان آیت‌اللّه العظمی حائری دفن شد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

قوامی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(منسوب به قوام) رازی. وی از شاعران معروف شیعی مذهب قرن ششم هجری است که در خدمت رجال و خاندانهای بزرگ شیعی عراق بسر می‌برد. وفاتش در اواسط قرن ششم و پیش از سال ۵۶۰ ه.ق اتفاق افتاده. علاوه بر مناقب و مراثی خاندان رسالت که قوامی به ذکر آنها شهرت داشته، از وی قصاید متوسطی در مدح و زهد و وعظ باقی مانده است. غزلهای عاشقانه‌ی شیرین و مطبوعش در میان معاصران وی قابل توجه به نظر می‌رسد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

قوامی خباز رازی، شرف الشعراء بدرالدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر، متخلص به قوامی. ملقب به شرف الشعراء یا اشرف الشعراء. قوامی از شاعران شیعه مذهب زمان خود بود که در سلک مداحان قوم‌الدین طغرایی درگزینی قرار داشت و گفته‌اند تخلص خود را از لقب او گرفته است. قوامی همچنین لقب خود را از شرف‌الدین ابوالفضل محمد بن علی بن مرتضی نقیب‌النقباء رئیس ری (م ۵۶۶ ق) گرفته و شرف الدین ممدوح بوده است. او اشعار زیادی در منقبت خاندان رسالت و مرثیت آنان سروده است. مدایحی از رجال و معاریف زمان، اشعاری در زهد و وعظ و ترجیعات و غزلهای عاشقانه در آثار وی دیده می‌شود. از آثار وی «دیوان» شعری است متجاوز از سه هزار بیت که سید جلال‌الدین محدث ارموی از روی نسخه بریتیش میوزیوم آن را به چاپ رسانید. قدیم‌ترین کسی که اسم قوامی را آورده، نصیرالدین عبدالجلیل قزوینی، در کتاب «النقض»، تألیف شده در ۵۶۰ ق، است پس باید وی قبل یا در حدود ۵۶۰ ق درگذشته باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۷۰۷ -۶۹۵ / ۲)، تاریخ نظم و نثر (۸۴)، تذکره‌ی روز روشن (۶۶۶)، الذریعه (۸۹۱ -۸۹۰ / ۹)، ری باستان (۵۴۹، ۱۰۶ -۱۰۵ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۷۵۰)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۲۴۸۷)، لباب الالباب (۲۳۸ - ۲۳۶ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ قوامی رازی)، مجمع الفصحا (۱۲۴ / ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۹۶ / ۲)، هفت اقلیم (۳۸ -۳۴ / ۳)، یادگار (س ۲، ش ۱، ص ۷۲ -۶۷).

قوامی گنجوی مطرزی، قوام‌الدین، ابوالفضایل محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. موصوف به استاد الشعراء و از سخنوران نامی سده‌ی ششم هجری بود. وی برادر یا عموزاده‌ی نظامی گنجوی و شاعر دربار اتابیگ قزل ارسلان بود. در سرودن اشعار مصنوع مهارت داشت. از آثارش: قصیده‌ی رائیه موسوم به «بدایع الاسحار فی صنایع الاشعار»، که میرزا فضل‌الله بدایع‌نگار همین قصیده‌ی قوامی را شرح کرده و «بدایع الاشعار فی شرح صنایع الاسحار» نامیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سنایی تا سعدی (۹۳ / ۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۰۸)، تذکره الشعراء (۱۴۳-۱۴۲، ۱۳۱)، دانشمندان آذربایجان (۳۱۰ -۳۰۹)، الذریعه (۸۹ / ۱۵ ،۸۹۲ -۸۹۱ / ۹)، ریحانه (۴۹۴ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۷۵۰)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۲۴۸۸ / ۳)، کشف الظنون (۲۲۹)، لغت‌نامه (ذیل/ قوامی).

قوامی یزدی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۸ –۱۲۹۲ ق)، شاعر. ملقب به قوام‌الشعراء. وی از سادات جلیل‌القدر حسینی است و از طرف مادر نسبش به خواجه نصیرالدین طوسی می‌رسد. وی در یزد به دنیا آمد و علوم ادبی و عربی را از اساتید شهر خود فراگرفت و چون دارای ذوق و قریحه‌ی خوبی بود در شعر و شاعری از شعرای نامور و توانای دیار خود گردید. «دیوان» شعرش در ۱۳۳۷ ش به همت برادرش اکبر قوامی به چاپ رسید. قوام‌الشعرا «دیوان» شعر خود را به شش عنوان نام‌گذاری کرده است: غزلیات را «شورانگیز»، مسطمات را «جنه المأوی»، مقطعات را «جنات الجنان»، مراثی را «بیت الاحزان» و رباعیات را «گلشن جان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره سخنوران یزد (۶۸۶ –۶۸۰)، الذریعه (۸۹۲ / ۹)، سخنوران نامی معاصر (۲۸۳۳ –۲۸۲۸ / ۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۵۶۴ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۴۸–۳۴۷ / ۴).

قوامی، تقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تقی قوامی

محل تولد : شهرری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در شهر ری در خانواده روحانی چشم باز کردم؛ پدرم حضرت آیت الله میرزا محمد حسن قوام الشریعه. (که این لقب را مرحوم آیت الله حکیم، مرحوم آیت الله شوانی و مرحوم آیت الله دکتر مشکاۀ به ایشان داده اند). سطح را در محضر بزرگانی چون آیت الله علامه شوانی و همچنین آیت الله شیخ محمد حسین تهرانی که شاگرد مرحوم آخوند بودند گذراندم؛ همچنین از حضرت آیت الله العظمی سلطانی طباطبایی، بروجردی وآیات عظام: خوانساری، گلپایگانی و مرعشی نجفی استفاده کرده و تا زمان این بزرگواران به مباحثه بحث خارج فقه و اصول جمعی اشتغال و پس از درگذشت این عزیزان درس خارج فقه و اصول و تفسیر می گویم و چند سالی است که برای تبلیغ داخل و خارج کشور به تربیت مبلغ مشغول هستم. منظومه هایی قبل و بعد از انقلاب اسلامی بصورت فکاهی و در ذم طاغوت به چاپ رسیده است.

قوامی، صمصام الدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید صمصام الدین قوامی

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات من در تهران تا اخذ دیپلم ریاضی، سال ۱۳۵۲ بوده است و سال ۱۳۵۶ فارغ التحصیل کارشناسی رشته مدیریت صنعتی از مدرسه عالی مدیریت گیلان شدم (شهر لاهیجان) که پایان نامه ای تحت عنوان کتاب و کتابخوانی تنظیم کردم که مورد توجه قرار گرفت. در حالیکه ۲۳ سال داشتم از من برای تدریس دعوت به عمل آمد که توفیق نشد. در همان سال ۱۳۵۶ در فوق لیسانس مدیریت صنعتی در مرکز مدیریت صنعتی تهران پذیرفته شدم ولی در مصاحبه شفاهی به علت اینکه فرزند روحانی بودم و خودم هم به شدت مذهبی بودم مردود شدم. بعد از انقلاب از من برای ادامه تحصیل دعوت به عمل آمد که به علت فرو رفتن در فعالیتهای انقلابی در آموزش و پرورش و سپس در سپاه ترجیح را به خدمت دادم. در سپاه در عین حال که مشغول پذیرش سپاه تهران بودم سخنرانیهای علمی و کلاسهای عقیدتی را برگزار کردم و به من به عنوان یک نیروی علمی نگریسته می شد و بعد که دبیرستان سپاه را طراحی کردیم و دو سال مدیر آن بودم (در لانه جاسوسی آمریکا، سال۶۲ تا ۶۳) تدریس معارف دینی و اخلاق داشتم. قبلا هم در آموزش و پرورش مسئول تربیتی دبیرستانهای ناحیه ۹ بودم که برای دبیران کلاس اسلام شناسی داشتم و جزوه ای هم در توحید

و نبوت نگاشتم. از سال ۶۲ به حوزه بازگشتم و ۲ سال مدیر و مدرس حوزه علمیه محمودیه کرمان شدم و ادبیات عرب تدریس کردم و سال ۱۳۶۵ وارد قم شده، دروس خارج را شروع کردم و در عین حال مدیریت مدرسه علمیه بعثت را در سال ۱۳۶۶بعهده گرفتم که تدریس اخلاق و ادبیات داشتم و در سلسله های بعدی مدیریت، مدارس علمیه رسول اکرم (ص) و امام محمد باقر (ع) را بعهده گرفتم؛ همزمان تدریس فقه و اصول را مشغول شدم که اکنون یک دوره فقه و اصول سطح را تدریس کرده ام و مشغول تدریس کفایه الاصول هستم. در سال ۱۳۷۳به دبیرخانه مجلس خبرگان پیوستم و در مرکز تحقیقات علمی آنجا مشغول شدم که حاصل آن پژوهش و مدیریت از منظر کتاب و سنت شد که پژوهش برتر سال ۸۲ از دبیرخانه دین پژوهان گردید با لوحی از رئیس جمهور؛ در همین دبیرخانه عضو هیئت علمی فصلنامه حکومت اسلامی شدم که چندین مقاله در آن نوشتم و ارزیابی کردم که یکی از مقالات تحت عنوان ساختار حکومت پیامبر (ص) در سال ۸۲ مقاله برتر از طرف وزارت ارشاد شد و در حاشیه آن مقالات زیادی در نشریات گوناگون نگاشته ام (در فصلنامه انتظار، ماهنامه پیام زن، نشریه پگاه و مقالاتی در کنگره های حکومت اسلامی مخصوص اندیشه امام و کنگره نراقی و کنگره اندیشه های اخلاقی عرفانی امام و غیره.) اکنون کتاب دوم من تحت عنوان نظریه خدمت به شورای سیاستگذاری ائمه جمعه که به شکل پروژه بوده است، آماده چاپ است در حالیکه کتاب اول اکنون در آستانه چاپ سوم می باشد. پروژه پژوهش (شیوه رهبری امام خمینی (ره)) از طرف دبیرخانه مجلس خبرگان سومین کتاب من خواهد بود، که به شدت و سرعت مشغولم و تا حداکثر ۲ سال به مثابه یک پروژه علمی چاپ خواهد شد. این اثر با تاکید اکید حضرت آیت الله ابراهیم امینی انجام می گیرد. و دست یارانی هم مرا کمک می کنند. من صاحب امتیاز و مدیر مسئول دو فصل نامه نخل شهداد و زیره کرمان هستم که از طرف هیئت نظارت مطبوعات مجوز رسمی کشوری دارد. در نخل شهداد بعد از حدود ۱۰ شماره اجتماعی و بعد از آنکه کتاب مدیریت پژوهشی برتر شد با سفارش نخبگان تبدیل به ارگان مدیریت اسلامی شده است که مرتب منتشر می شود و به علت موفقیت از حمایتهای وزارت ارشاد بهره مند شده است. اینجانب رسما با انتخاب مدیریت پژوهشی حوزوی در سال جاری به عنوان رئیس مجمع عمومی انجمن علمی مدیریت اسلامی برگزیده شدم که آرمان و رسالت آن تولید دانش مدیریت اسلامی و برنامه نهضت مدیریت اسلامی است. این انجمن زیر نظر معاونت پژوهشی حوزه است و دارای هیئت مدیره و بازرس و ارکان رسمی دیگر است. علت انتخاب اینجانب دارا بودن کتاب و مجله مدیریت و رشته مدیریت است؛ در ضمن در مباحث رسانه ای شرکت دارم مدتهاست که مهمترین آن، شرکت در میزگرد نقد و نظر در رشته مدیریت اسلامی است که در بیش از ۲۰ جلسه در رادیو معارف با محققان عالی مدیریت شرکت کردم که هنوز ضبط و پخش آن ادامه دارد. در ضمن حدود ۲۰ جلسه برنامه عرفانی سحرهای رادیو معارف در برنامه در خلوت یار از من ضبط و پخش شده است که مورد استقبال واقع شده البته برنامه های پراکنده زنده و غیر زنده در مناسبتهای مختلف از صدا و سیما منتشر شده است. اینجانب طی سالهای ۷۸ تا ۸۱ مدیر کل آموزش حوزه های خارج از کشور بودم که در خلال آن عضو هیئت علمی نشریه بین المللی الرشاد شدم که به زبانهای مختلف چاپ می شود و ارگان سازمان حوزه های خارج از کشور است. من در حوزه بین المللی هم تا به حال به کشورهای زیادی برای بازرسی از حوزه های خارج از کشور سفر کرده ام و بیش از ده سال است که در مدرسه امام خمینی (ره) تدریس دارم و اکنون در مقطع کارشناسی ارشد آنجا حلقه ثالثه از شهید صدر را تدریس می کنم و قبل از حلقات قبلی مباحث اخلاق و تعلیم و تربیت و عقائد تدریس کرده ام و سخنرانیهای زیادی برای طلاب غیرایرانی دارم و نیزمشاور اخلاقی طلاب غیر ایرانی در مدرسه المهدی (عج) هستم. من در ضمن عضو هیئت علمی دائره المعارف فقه اهل بیت (ع) که زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی تدوین می شود هستم و تا بحال مقالات زمان و مکان، خطوط کلی اقتصاد اسلامی و سلیقه های مختلف اجتهادی را تنظیم کرده ام که در جلدهای اول و دوم آن چاپ می شود. نام من در فهرست صاحبان و تدوین کنندگان مقاله در این دائره المعارف ثبت می شود.

قوچانی صغیر، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدعلی بن شیخ محمدرضا بن شیخ محمدعلی بن محمدصادق بن محمد بن اسماعیل بحرانی قوچانی عالمی فاضل و اصلا از بحرین بوده است. جد چارمش محمد بن اسماعیل از بحرین مهاجرت به خراسان نموده و ایشان در سال ۱۳۱۶ ق در قوچان به دنیا آمده است. وی در اوائل عمر به نجف مهاجرت نموده و پس از خواندن مقدمات و سطوح از محضر ملا محمدحسین قمشهی بزرگ و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه حاج شیخ علی قوچانی و دیگران استفاده نموده و بعد از فوت استادش به قوچان آمده و به وظائف دینی از اقامت جماعت و غیره پرداخته تا در یازدهم ماه رمضان ۱۳۴۵ قمری وفات و در مزار سلطان ابراهیم قوچان قدیم مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قوچانی، ذبیح‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ ذبیح‌اللّه قوچانی نجفی از علماء اعلام و فضلاء کرام معاصر این شهرستان است در مشهد مقدس. معظم له در سال ۱۳۲۹ قمری

در خیرآباد قوچان متولـد شده و در سن ۱۳ سالگی برای تحصیل به قوچان آمده و در مدت سه سال مقدمات و ادبیات را تحصیل کرده و در سال ۱۳۴۵ قمری به مشهد مقدس عزیمت نموده و در حوزه علمیه ارض اقدس به تکمیل سطوح پرداخته و بعد از شش سال توقف در مشهد در سال ۱۳۵۱ ق مهاجرت به نجف اشرف نموده و در آنجا از محاضر مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللّه اصفهانی و دیگران استفاده نموده و بعد از بیست سال اقامت در نجف اشرف در سال ۱۳۷۱ قمری به قوچان مراجعت و به امور شرعی از اقامه جماعت و تردس طلاب علوم دینی پرداخته تا در سال ۱۳۸۱ قمری به مشهد مقدس انتقال و تاکنون به خدمات دینی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آیت‌اللّه ذبیحی قوچانی از دانشمندان وارسته و دارای کمالات نفسانی و معنوی و مهذب و بارع می‌باشند دارای آثاری از جمله تأسیس مدرسه علوم دینی محمودیه فاروچ و غیره می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قوچانی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید رضا قوچانی از علماء و ائمه جماعت مشهد رضوی و از شاگردان آخوند خراسانی بودند در مراجعت از نجف در ارض اقدس مقیم و متجاوز از سی سال در مسجد گوهرشاد اقامه جماعت می‌کرده تا به نوشته آقای مروج در شب ۲۴ شوال ۱۳۶۸ وفات و در صحن جدید مدفون شد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قوچانی، رمضانعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رمضانعلی از ائمه جماعت مسجد گوهرشاد و به زهد و تقوا مشهور و مورد توجه عوام و خواص بود و با حال انزوا زندگی می‌کرد وی از شاگردان آخوند ملاـ محمدکاظم خراسانی بود و در مسجد (معروف پیرزن) گوهرشاد که اکنون حوض مسجد است نماز جماعت می‌خواند و در ۲۸ ماه رجب ۱۳۶۶ ق وفات نمود.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قوچانی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ عباس قوچانی از افاضل دانشمندان خراسان و قوچان است در نجف اشرف وی در قوچان متولد شده و مقدمات و سطوح وسطی را در آنجا و مشهد مقدس خوانده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام و بالاخص مرحوم آیت‌اللّه العظمی شاهرودی و آیت‌اللّه حاج میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه العظمی خوئی و در اخلاق و عرفان از محضر جمال السالکین عالم ربانی و آیت سبحانی حاج میرزا علی آقای قاضی استفاده نموده تا به مدارج علم و اخلاق رسیده است.

و گذشته از معظم له آقایان آقا شیخ عبداللّه بلقانی و آقا شیخ عبداللّه ابراهیمی و آقا شیخ براتعلی حسین‌زاده و آقا شیخ ذبیح‌اللّه سلامی و آقای صاحب‌الزمانی از مدرسین مدرسه عوضیه قوچان و ائمه جماعت مساجد این شهرستان می‌باشند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قوچانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد از علماء اعلام و مدرسین عالی مقام معاصر مشهد و از شاگردان آخوند خراسانی بوده و در اواخر به انزوا و عزلت می‌گذرانید و در عصرها در مدرسه ابدالخان واقع در کوچه شور که منزل آن مرحوم بود تدریس می‌کرد عده‌ای از فضلا به درس او حاضر می‌شدند و از افادات عالیه او استفاده می‌کردند تا در ششم ماه صفر ۱۳۶۴ ق وفات و در دارالضیافه مدفون شد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قورچیان، نادرقلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نادرقلی قورچیان در سال ۱۳۳۰ به دنیا آمد. وی در کل زمینه های تحصیلی با رتبه های عالی توانست به درجه ممتازی برسد و هم اکنون دکتری تخصصی برنامه ریزی و رهبری آموزشی را دارا هستند.فعالیت خود را با تعلیم شاگردانی در تربیت معلم آغاز و بعدها به درجه معاونت نائل آمد . عضو هیات امنای دانشگاهها و موسسات پژوهشی و ریاست شورای تصویب طرح های پژوهشی و ریاست کمیته انتشارات موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی به عهده ایشان می باشد. از وی مقالات و ترجمه های متعددی به جا مانده است.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر نادر قلی قورچیان دارای لیسانس روانشناسی دانشگاه اصفهان با (رتبه اول) در سال ۱۳۵۳می باشد. وی فوق لیسانس علوم تربیتی را در دانشگاه تهران با درجه ممتاز در سال ۱۳۵۶گرفت. و دکتری تخصصی برنامه ریزی و رهبری آموزشی را از دانشگاه پیتزبرگ پنسیلوانیا آمریکا رتبه اول با معدل A+ بورسیه وزارت علوم ،تحقیقات و فناوری سال ۱۳۶۷ می باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مسئولیتهای نادرقلی قورچیان در زمینه های مختلف به صورت زیر اشاره شده است: پژوهشیار و کارشناس مسئول گروه تحقیقات و برنامه های سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش سال ۱۳۶۴ پژوهشیار و کارشناس مسئول سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی از سال ۱۳۶۷لغایت ۱۳۷۱ عضو شاخه برنامه ریزی آموزشی و درسی شورای عالی برنامه ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی از سال ۱۳۷۱ لغایت ۱۳۸۱ سردبیر فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی ،وزارت فرهنگ و آموزش عالی از سال ۱۳۷۲لغایت ۱۳۷۴ مدیر گروه تطبیقی و نوآوری آموزش عالی ،موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی از سال ۱۳۷۲ لغایت ۱۳۷۴ ریاست شورای تصویب طرح های پژوهشی ،موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی از ۱۳۷۲ لغایت ۱۳۷۴ ریاست کمیته انتشارات موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی از سال ۱۳۷۲ لغایت ۱۳۷۴ معاون موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی از سال ۱۳۷۲ لغایت عضو هیأت امنای دانشگاهها و موسسات پژوهشی به مدت ۴ سال از سال ۱۳۷۴ لغایت ۱۳۷۸ با حکم ریاست جمهور ورئیس شورای انقلاب فرهنگی مشاور معاونت پژوهشی وزارت بهداشت (۱۳۷۵)،مشاور برنامه ریزی وزیر فرهنگ و آموزش عالی (مهر ماه ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹)،مشاور و سرپرست مرکز اطلاعات ،مشاور دبیر کل ستاد مبارزه با موارد مخدر مدیر کل دفتر آموزش و پرورش از سال ۱۳۷۵ لغایت ۱۳۷۶ ریاست بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی وابسته به وزارت علوم تحقیقات و فناوری از ۱۳۷۷ تا کنون رئیس مرکز آموزشهای عالی بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی و... فعالیتهای آموزشی : نادر قلی قورچیان مدرس تربیت معلم ،معاون و مدیر آموزشی صنایع پنها از سال ۱۳۵۶ لغایت ۱۳۶۳ بوده است. وی مدرس دوره های لیسانس ،فوق لیسانس و دکتری در دانشگاههای تهران ،دانشگاه آزاد اسلامی ،تربیت مدرس و تربیت معلم ،دانشگاه علوم پزشکی تهران ،علامه طباطبائی ،دانشگاه شاهد از سال ۱۳۷۶ تا کنون بوده است.چگونگی عرضه آثار : دکتر نادر قلی قورچیان استاد راهنمای ۲۱ پایان نامه دوره دکتری می باشد. دارای ۲۲ ترجمه و تألیف دارای ۴۷ مقاله چاپ شده دارای ۲۷ طرح تحقیقاتی استاد راهنمای ۲۱ پایان نامه دوره دکتری آثار : دارای ۲۲ ترجمه و تألیف ، دارای ۲۷ طرح تحقیقاتی ، دارای ۴۷ مقاله چاپ شده

قوشچی سمرقندی، علاءالدین علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۷۹ ق)، عالم، منجم، مفسر، محقق، متکلم، مدرس و ریاضیدان. معروف به ملا۔ علی قوشچی و فاضل قوشچی. چون در نوجوانی مرغبان سلطان الغبیگ و موظف به حفظ مرغان شکاری او بود به قوشچی مشهور شد. اصل و زادگاهش سمرقند بود. در آنجا اغلب علوم متداول از جمله هئیت و ریاضیات را از قاضی‌زاده‌ی رومی و الغبیگ بن شاهرخ گورکانی فراگرفت. سپس به کرمان رفت و بعد از تکمیل تحصیلات علمی‌اش به سمرقند بازگشت و به ارائه «رساله فی حل اشکال القمر» مشتمل بر حل بعض جهات اشکال قمری که از زمانهای قدیم مبهم و حل نشده باقی مانده بود دوباره به الغبیگ نزدیک شد. وی از تقرب بسیاری که در نزد سلطان الغبیگ داشت به فرزندی وی مخاطب بود. سلطان الغبیگ وی را به تکمیل رصدخانه‌ای که در سمرقند تأسیس کرده بود واداشت، و «زیج الغبیگی»، یا «زیج جدید» را که غیاث‌الدین جمشید و قاضی‌زاده‌ی رومی قبل از وی متصدی این امر بودند و قبل از مرگ نتوانستند به اتمام برسانند، با نام «سلم السماء» که شرح «زیج الغبیگ» است به اتمام رسانید. بعد از مرگ میرزا الغبیگ عازم حج شد و در تبریز مورد توجه اوزون حسن، از حکمرانان آق قویونلو، قرار گرفت و باری عقد مصالحه اوزون حسن و سلطان محمدخان ثانی عثمانی به استانبول رفت و پس از انجام وظیفه به تبریز بازگشت و به درخواست سلطان محمد فاتح به استانبول رفت و در آن جا ساکن شد و «الرساله محمدیه»، در علم حساب، به عربی، را به نام همین پادشاه نوشت و بعدها به مدرسی مدرسه‌ی ایاصوفیا منسوب شد. در استانبول درگذشت و در جوار قبر ابوایوب انصاری دفن شد.از دیگر آثار وی: حاشیه بر «شرح کشاف تفتازانی»، در تفسیر؛ شرح «تجرید الکلام» خواجه نصیر طوسی، که به «شرح جدید» نیز معروف است؛ «العنقود الزواهر فی نظم الجواهر»، در علم صرف؛ «محبوب الحمائل فی کشف المسائل»؛ «الرساله الفتحیه»، در علم هئیت، به عربی، که آن را به نام فتح‌السلطان نامگذاری کرد؛ «رساله فی علم الهیئه»، به فارسی، معروف به «هیئت فارسی»، از کتب درسی علم هئیت؛ «تفسر الزهراوین»، سوره بقره و آل‌عمران؛ «رساله فی الحمد»؛ «میزان الحساب»، در علم حساب، فارسی.[۱]

(قوشچی؛ تر. بخش ۱، وی باز مخصوص الغبیگ را در شکارگاه نگاه می‌داشته) (ملا) علی علاءالدین علی بن محمد سمرقندی، عالم و ریاضی و متکلم ایرانی (ف. استانبول ۸۷۹ ه.ق). وی به فرمان سلطان الغبیگ مأمور تشکیل رصدخانه‌ی سمرقند گردید و زیج الغبیگی را به پایان رسانید. پس از مرگ سلطان به سفر حج رفت و مورد توجه اوزون حسن آق‌قویونلو شد و از جانب وی به

سفارت و عقد مصالحه به دربار سلطان محمدخان ثانی به استانبول رفت. پس از عقد صلح بار دیگر به استانبول بازگشت و مدرس مدرسه‌ی ایاصوفیا شد. از تألیفات اوست: حاشیه‌ی شرح کشاف تفتازانی، شرح تجرید خواجه، رساله‌ی محمدیه، هیئت فارسی، العقود الزواهر، محبوب الحمایل.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۶۲ / ۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۶ –۱۰۵ / ۴)، تاریخ نظم و نثر ۲۷۰ –۲۶۹)، دایرهالمعارف (۲۰۹۳ –۲۰۹۲ / ۲)، الذریعه (۲۵۸، ۲۴۷ / ۲۵ ،۱۱۳ / ۶)، ریحانه (۴۹۶ –۴۹۵ / ۴)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۳۶۴ –۳۶۱)، کشف الظنون (۱۶۷۶، ۱۶۱۱، ۱۴۷۹، ۱۲۳۶، ۱۱۷۴، ۹۶۶، ۹۵۲، ۸۹۴، ۸۸۹، ۸۸۴، ۸۶۲، ۴۹۷، ۴۴۸، ۳۴۸)، الکنی و الالقاب (۹۶ –۹۴ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ علاءالدین قوشچی، قوشچی سمرقندی)، معجم المؤلفین (۲۲۷ / ۷)، هدیه الاحباب (۲۲۲ –۲۲۱)، هدیه العارفین (۷۳۶ / ۱).

قومسانی همدانی، ابوالفضل محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۷۱ –۳۹۹ ق)، محدث، فقیه و ادیب. معروف به ابن‌زیرک. نسب وی به قومسان همدان می‌رسد. شیخ همدان در روزگار خود در فنون علمی یگانه دورانش بود. او از پدرش، ابوالقاسم عثمان، و عمویش، ابومنصور محمد، و دائیش، ابوسعد عبدالغفار و ابن‌خلنجان و علی بن احمد بن عبدان و یوسف بن کج الفقیه و حسین بن فنجویه و دیگران و همچنین با اجازه از ابوالحسن بن رزقویه و ابوعبدالرحمان سلمی حدیث روایت کرده است. اکثر مشایخ بغداد با اجازه از وی روایت کرده‌اند همچون ابوبکر شادان و ابوالحسن رزقویه و دیگران. شیرویه گوید که وی محدثی صدوق و ثقه و دارای شأن و حشمت بود و در تفسیر ید طولانی داشت. او فقیه و ادیبی متعبد بود و دارای حسن خط و عبارت. عمده مشایخ بغداد از وی روایت کرداند. پس از مرگ در رأس کهر دفن شد و قبرش مزار گردید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره الحفاظ (۱۱۷۷ / ۳)، سیر النبلاء (۴۳۵ –۴۳۳ / ۱۸)، شذرات الذهب (۳۴۱ / ۳)،العبر (۳۳۰ / ۲)، معجم البلدان (۴۷۰ / ۴)، الوافی بالوفیات (۸۴ / ۴).

قهپایی طباطبایی، فیض‌الله

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، عالم امامی. وی نزد مقدس اردبیلی تلمذ نمود و از سید حسین بن سید حیدر کرکی صاحب اجازه بود. او از مشایخ ملا محمد تقی مجلسی است. از آثارش: حاشیه بر مبحث «الهیات الشرح الجدید للتجرید» قوشچی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :خاتمه مستدرک الوسائل (۱۵۶ / ۲)، الذریعه (۱۱۵ / ۶)، ریحانه (۴۹۸ / ۴)، لغت‌نامه (ذیل/ قهپایی).

قهپایی، عنایت الله

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زکی‌الدین بن شرف‌الدین علی بن محمودبن شرف‌الدین علی قهپایی نجفی. عالم فاضل محقق رجالی کبیر، معروف به زکی نجفی، از شاگردان: مقدس اردبیلی، و ملا عبدالله تستری، و شیخ بهائی و جمعی دیگر بوده، در جمیع علوم متداوله بالاخص و درایه تبحر و بصیرتی داشته.

کتب چندی تألیف نموده، از آن جمله است:

۱ – ترتیب رجال شیخ طوسی ۲ – ترتیب رجال کشی ۳ – ترتیب رجال نجاشی ۴ – ترتیب فهرست شیخ طوسی ۵ – حاشیه بر نقد الرجال میر مصطفی تفرشی ۶ – مجمع الرجا، معروف‌ترین و مشهورترین تألیفات او که اخیرا به همت دانشمند بزرگوار و فاضل عالی مقدار صاحب تألیفات کثیره آقای حاج سید ضیاءالدین علامه‌ی فانی در اصفهان در هشت مجلد به طبع رسیده، و تاریخ تألیف ۱۰۱۶ می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قهرمان خراسانی، یزدانبخش

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۳ -۱۲۹۵ ش)، شاعر. در فیض‌آباد محولات، از توابع تربت حیدریه، به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی و متوسط را در تربت حیدریه و مشهد گذراند و سپس تحصیلات خود را در دانشکده‌ی ادبیات تکمیل کرد و در رشته زبان و ادبیات فارسی لیسانس گرفت و به دامادی مرحوم ملک‌الشعرای بهار مفتخر گردید. اشعار وی در روزنامه «نوبهار» و مطبوعات دیگر به چاپ می‌رسید. اثر وی «دیوان» شعر است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۸۹۳ / ۹)، سخنوران نامی معاصر (۲۸۴۹ -۲۸۴۱ / ۴)، صد سال شعر خراسان (۴۶۳ -۴۶۱)، فرهنگ سخنوران (۷۴۹).

قهرمان، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زیست‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی در رشته زیست‌شناسی و گیاه‌شناسی، متخصص در مسائل مربوط به فلور، پوشش گیاهی و جامعه‌شناسی گیاهان ایران.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده علوم دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

جامعه‌شناسی گیاهان ایران، تاکزونومی، کاریولوژی، مورفولوژی، جغرافیای گیاهی، بررسی اکولوژیک و پوشش گیاهی تالاب انزلی، بررسی تالاب امیر کلایه، تهیه فلور خلیج‌فارس، فلور حوزه هامون، فلور جزیره قشم، فلور تهران، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۷ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱۲

زمینه علمی تألیفات:

گیاه‌شناسی (پوشش گیاهی، اکولوژی گیاهان و فلورستیک ایران).

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۱

زمینه علمی مقالات:

گیاه‌شناسی، اکولوژی گیاهی، جامعه‌شناسی گیاهی و تاکزونومی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

قهرمانی نژاد، بهاءالدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بهاءالدین قهرمانی نژاد

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای بهاء الدین قهرمانی نژاد در بیست و پنجم مرداد سال ۱۳۴۳هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در تهران دیده به جهان گشود. نامبرده پس از فراغت از تحصیل در دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در زادگاه خویش، در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه شیخ عبدالحسین در تهران گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی و اخلاقی فراوان برد. وی پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۲ به حلقه دروس خارج راه یافت. و از درس ستارگان درخشان حوزه های علمیه عالم شیعه همچون مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله موسوی تبریزی،

آیت الله جوادی آملی، و... بهره های فراوان علمی و اخلاقی برد. وی در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته تاریخ اسلام در مقطع دکترا از دانشگاه اصفهان فارغ التحصیل گردید. و هم اکنون به تدریس در دانشگاه تهران مشغول می باشد. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به تبلیغ، تحقیق و تألیف به چیز دیگری نیاندیشیده است که آثار متعددی از جمله "علویان طبرستان، قیام سبز جامگان، و...را به رشته تحریر و زیور طبع آراسته است.

قهرمانی، ارسلان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی عمران، دانشکده: مهندسی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای مهندسی عمران.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

سدسازی، تونل‌سازی، کرنش و تنش در پشت دیوارهای حائل، مکانیک خاک، پی‌سازی و مکانیک سنگ، استاد راهنمای ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۰

زمینه علمی مقالات:

فشار وارد بر دیوارهای حائل.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

قهرمانی، مظفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، محقق.

تولد: ۱۲۹۶.

درگذشت: ۲۴ خرداد ۱۳۷۰، شیراز.

مظفر قهرمانی، فرزند نصرالله معین دفتر، و نویسنده کتاب ازباورد تا ابیورد خراسان تا ابتورد یا ابوالورد فارس در استخدام وزارت کشور بود. وی در سمت شهردار برازجان و کازرون و دره‌گز ابیورد خراسان به کار مشغول بود. وی همچنین کتابی به نام اوضاع و احوال عشایر فارس از آغاز قاجاریه تا انقراض سلسله‌ی پهلوی تألیف کرد.

مظفر قهرمانی گاهی شعر می‌گفت و تخلصش «مظفر» بود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

قهستانی الاصم، ابوقریش محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۱۳ ق)، محدث، فقیه، حافظ و مصنف. وی در پی حدیث سفرهای بسیار نمود. از ابومسلم قهستانی و محمد بن حمید رازی و احمد بن منیع بغوی و محمد بن زنبور مکی و اباکریب محمد بن علاء همدانی و یحیی بن حکیم مقوم و محمد بن مثنی عنزی و سلم بن جناده و محمد بن سهل بن عسکر و عبدالجبار بن علاء عطار و سعید بن عبدالرحمان مخزومی و همطبقه‌ی آنها در ری و کوفه و بصره و حجاز حدیث شنید. حدیثش در خراسان انتشار یافت، به بغداد رفت و در آنجا حدیث گفت. ابوبکر شافعی و ابوبکر بن علی رازی و ابوالحسین بن یعقوب حجاجی و ابوسهل صعلوکی و ابوعلی نیشابوری و ابوحامد احمد بن سهل انصاری و ابوعمرو بن حمدان و ابوحامد بن شرقی و ابوعبدالله بن یعقوب اخرم از وی حدیث شنیدند. در قهستان درگذشت. در «تاریخ حبیب السیر» نام پدر وی جعفر ذکر شده است. از آثارش: «المسند»، مرتب به ترتیب ابواب، و مرتب به ترتیب رجال؛ «حدیث مالک و سفیان

ثوری و شعبه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۱ / ۶)، انساب سمعانی (۵۶۲ / ۴)، بزرگان قائن (۵۱۷ -۵۱۴)، تاریخ بغداد (۱۷۰ -۱۶۹ / ۲)، تاریخ نیشابور (۱۲۲)، حبیب السیر (۲۹۳ / ۲)، سیر النبلاء (۳۰۶ -۳۰۴ / ۱۴)، شذرات الذهب (۲۶۸ / ۲)، طبقات الحفاظ (۳۲۴)، العبر (۴۶۸ / ۱)، الغدیر (۱۴۷ / ۱)، الوافی بالوفیات (۳۱۰ -۳۰۹ / ۲).

قهستانی، ابوسلیمان زافر

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوم ق)، محدث، مدرس و قاضی. معروف به ابوسلیمان ایادی. وی از طبقه‌ی اتباع‌التابعین و از دومین گروه راویان و ناقلان احادیث نبوی (ص) است. در کوفه به دنیا آمد.در کوفه، بغداد، سیستان، ری، قهستان، گرگان و دیگر شهرها به تحصیل و تدریس حدیث پرداخت. مدتی قاضی سیستان شد. سپس به ری مهاجرت کرد و در آنجا ساکن شد. وی در سفرهای بین ایران و عراق مایحتاج عمومی را از قهستان به عراق انتقال می‌داد و به امر تجارت مشغول بود. وی از شعبه بن حجاج و مالك بن انس و اسرائیل و سفیان ثوری و عبدالملك بن جریح و عبدالعزیز بن ابی رواد و رقاه ء بن عمر و عبیدالله و صاف و ابوسنان شیبانی و ابوبکر هذلی و جعفر احمر حدیث شنید و از آنها اجازه‌ی روایت گرفت. یعلی بن عبدالله/ عبید و حسین بن علی جعفی و ابونضر هاشم بن قاسم و حسن بن عرفه و یحیی بن معین و محمد بن بکار بن ریان و خلف بن تمیم و محمد بن مقاتل مروزی و محمد بن سعید اصفهانی و عبیدالله بن موسی نیز از وی حدیث روایت کردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۵۶۵ / ۴)، بزرگان قائن (۱۹۹ -۱۹۶)، تاریخ بغداد (۴۹۵ -۴۹۴ / ۸)،تاریخ الکبیر (ج ۲، ق ۴۵۱ / ۱)، تاریخ نیشابور (۷۶)، تهذیب التهذیب (۲۷۱ -۲۷۰ / ۳)، الجرح و التعدیل (ج ۱، ق ۶۲۵ -۶۲۴ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ زافر).

قهستانی، شمس‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۶۷ ق)، فقیه حنفی، زاهد، عالم، مدرس، ادیب و شاعر. ملقب به ابوحنیفه‌ی ثانی، به جهت تسلطی که بر فقه حنفی داشت. وی مفتی بخارا بود. مدتی از سوی والیان ازبک به قضاوت بخارا منصوب شد و در آن جا به تدریس و تقریر فقه پرداخت. با ملا عصام‌الدین، از بزرگان سده‌ی نهم هجری، مصاحب بود. تاریخ درگذشتش در مراجع و مآخذ به اختلاف ذکر شده است. او در مزار خواجه بهاءالدین نقشبند دفن شد. از آثارش: «جامع الرموز»، در شرح «النقایه مختصر الوقایه» صدر الشریعه ثانی عبیدالله بن مسعود حنفی، در فقه؛ حاشیه بر حاشیه سید شریف جرجانی بر «شرح الشمسیه»؛ «مقدمه الصلوه» به نظم؛ «رساله در دلالت»به عربی، در منطق؛ حاشیه بر «شرح آداب البحث»؛ شرح «رساله صلوه»، که آن را برای فرزندش کمال‌الدین محمد در ۹۶۷ ق املا نمود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۳۳ / ۷)، بزرگان قائن (۶۰۶ -۶۰۱)، تاریخ نظم و نثر (۶۱۹)، حبیب السیر (۳۶۰ -۳۵۹ / ۴)، شذرات الذهب (۳۰۰ / ۸)، کشف الظنون (۱۹۷۱).

قهستانی، عمیدالملک ابوبکر علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، شاعر. اصل او را از قریه‌ی رخج از قرای کابل نوشته‌اند، ولی معروف به قهستانی است. در دوره‌ی غزنویان و سلجوقیان می‌زیست در ۴۰۵ ق که امیر محمد غزنوی از طرف پدرش، سلطان محمود غزنوی، به حکومت جوزجان (گوزگان) گماشته شد. قهستانی همراه او بود و مدتی ریاست دارالانشاء و صاحب دیوانی وی را بر عهده داشت. قهستانی نه فقط خود شاعر بود بلکه به واسطه‌ی بهره‌ی وافر از دانش و ادب و سخاوت و حسن اخلاقی که داشت شاعران نیز به او روی می‌آوردند و وی را می‌ستودند، از جمله علی بن حسن باخرزی که قهستانی را مدح گفته شعرش را ستوده و نظیر شعر امرؤالقیس شمرده است. قهستانی به علوم قدیم و فلسفه رغبت داشت و بدین سبب از لحاظ دینی مورد ایراد و دشمنی برخی از معاصرانش بود. از قهستانی شعری به فارسی دیده نشده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۱۲ -۱۰۱۱ / ۸)، لغت‌نامه (ذیل/ علی قهستانی، عمیدالملک قهستانی)، مجمع الفصحا (۲۰۷ / ۱)، معجم الادبا (۳۱ -۲۱ / ۱۳).

قیاسی، جلال الدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلال الدین قیاسی

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

با گرفتن دیپلم ریاضی در سال ۱۳۵۵ وارد دانشگاه شده و در رشته مهندسی آبیاری به تحصیل خود ادامه دادم. پس از انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاهها از ادامه تحصیلات دانشگاهی منصرف و درسال ۱۳۶۰ جهت فراگیری علوم اسلامی به حوزه علمیه قم آمدم. دروس مقدمات و سطح را طی ۸ سال نزد اساتیدی همچون آیت الله اشتهاردی، اعتمادی ستوده، وجدانی فخر و کریمی جهرمی گذراندم و از سال ۱۳۶۸ در درس خارج اساتیدی همچون آیت الله سبحانی، وحید، تبریزی و مکارم شیرازی شرکت نمودم. در سال ۱۳۶۸ مجددا به تحصیلات دانشگاهی پرداختم و در سال ۱۳۷۲ از دانشگاه تهران (پردیس قم) لیسانس حقوق و در سال ۱۳۷۵ از دانشگاه شهید بهشتی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی و در سال ۱۳۸۳ از دانشگاه تربیت مدرس تهران دکترای حقوق خود را در رشته حقوق جزا و جرم شناسی دریافت کردم. از سال ۱۳۷۳ به تدریس و تالیف و تحقیق در مراکز آموزشی و تحقیقاتی پرداخته ام.

قیدی شیرازی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۲ / ۹۹۰ ق)، شاعر. از اهل سنت شیراز بود. وی جزو شاعران مکتب وقوع به حساب می‌آمد. بعضی او را میلی فارسی می‌نامند. در فنون شاعری مهارت داشت. او با مولانا عرفی، غیرتی و قدرتی مصاحبت داشت و شاگرد ملا غیرتی بود. قیدی در زمان شاه اسماعیل ثانی به قزوین رفت و تبلیغ مذهب و عقیده‌ی خود کرد. ولی بعد از فوت شاه‌اسماعیل، در ۹۸۷ ق، به شیراز بازگشت و از آن جا سفری به مکه معظمه کرد. پس از حج، در زمان اکبرشاه، به هند رفت و مدتی در آنجا ماند ولی به علت گفتار ناخوشایند از دربار شاه طرد شد و به فتحپور رفت و در آنجا درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۱۸)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۶۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۲۶ -۲۲۳ / ۴)، الذریعه (۸۹۳ / ۹)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۷۷ -۱۱۷۶ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۵۱)، کاروان هند (۱۱۴۶ -۱۱۳۸ / ۲)، مجمع الخواص (۲۸۲)، مرآت الفصاحه (۵۱۳ -۵۱۱)، مکتب وقوع (۳۸۸ -۳۷۷)، نتایج الافکار (۵۶۰)، هفت اقلیم (۲۴۹ -۲۴۷ / ۱).

قیصر اصفهانی، عبدالحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۸۰ ق)، شاعر. از سادات اصفهان بود و از نوادگان صفویه. وی حدود چهارده سال سیاحت کرده و خدمت بزرگان رسیده و از انواع علوم بهره برده است. در سرودن شعر نیز اعم از قصیده و غزل توانا بود. از اوست:

ز گیسوی تو تاری وام کردند

به عالم صد هزاران دام کردند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۴۴۴ / ۲).

قیصری همدانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۲ / ۱۰۲۰ ق)، شاعر. اهل همدان و در قصبه‌ی سرکان به دنیا آمد. به شعر و ادب علاقه‌ای وافر داشت. در انواع شعر از جمله قصیده‌سرایی نیز دست داشت. او معاصر امین احمد رازی بود و در آخر عمر به هندوستان رفت. وی در گجرات وفات یافت و در همان جا به خاک سپرده شد. در «صبح گلشن» قیصری تحت نام قیصر بیگ شیرازی یا همدانی آورده شده است. از اوست:

از وصل تو کس چو بنده مهجور مباد

کس چون من زار زنده در گور مباد

من دانم و رنج دوری از خاک درت

جز چشم بد از تو هیچ کس دور مباد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۹۰ –۲۸۹ / ۱)، صبح گلشن (۳۳۵)، فرهنگ سخنوران (۷۵۲)، کاروان هند (۱۱۴۷ –۱۱۴۶ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۹۳۶ / ۴)، هفت اقلیم (۵۷۰ –۵۶۹ / ۲).

قیصری، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک هسته‌ای، دانشکده: فیزیک، دانشگاه: یزد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته ریاضی و فیزیک، کارشناسی ارشد فیزیک اتمی شاخه پلاسما.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده فیزیک دانشگاه یزد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پراکندگی غیر الاستیک الکترونها بوسیله اتمهای گازهای نادر، فیزیک هسته‌ای، واکنشهای هسته‌های سنگین نظیر اسپالاسیون، فرگمانتاسیون و فیسیون توسط ذرات پر انرژی به کمک آشکارسازی پلی کربنات (Makrofol).

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

مکانیک تحلیلی شامل: سینماتیک و دینامیک (یک ذره، سیستم ذرات و جسم صلب)، مکانیک لاگرانژی و سیستمهای نوسان‌کننده.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

مطالعه واکنشهای هسته‌ای بویژه شکافت هسته‌ها در انرژیهای بالا با بکارگیری آشکارساز حالت جامد (پلی کربنات).

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

قیطاسیان، امیر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیر قیطاسیان

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب امیر قیطاسیان فرزند احمد رضا متولد ۱۳۵۸ که در سال ۱۳۷۶ از دبیرستان شهید رضا رضایی دیپلم ادبیات را اخذ نمودم و در همان سال وارد حوزه علمیه امام صادق (ع) کرمانشاه و سپس وارد حوزه علمیه قم، مدرسه حقانی شدم. اکنون در پایه هشتم حوزه در مدرسه آیت الله گلپایگانی مشغول به تحصیل می باشم. بنده چند دوره در کلاس نویسندگی (انجمن قلم حوزه) شرکت داشته ام. همچنین در کلاس ویرایش حوزه هنری دفتر تبلیغات قم به کسب مهارت ویرایش پرداخته ام و چندین کتاب را ویرایش کرده ام. از جمله آنها میتوان به کتاب: اسوه پاکی با مقدمه حضرت آیت الله جوادی آملی دام ظله العالی و قلم حجت الاسلام و المسلمین مهدی حنیان و مهدی موعود در بیست گفتار از سخنرانی استاد محمد صادقی اشاره کرد.

قیوم زاده، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود قیوم زاده

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۶/۱۵

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۷ در حوالی شهرستان یزد روستای حزانق متولد شدم در دوران کودکی به یزد هجرت نمودیم. در سال ۱۳۵۷ در حالی که کلاس پنجم ابتدایی بودم با شکل گیری مبارزات انقلابی اسلامی مردم جذب آنها تدبیر و پس از پیروزی انقلاب اسلامی بلافاصله و در مدت کوتاهی قرآن را فرا گرفته و در حالی که ۱۲ سال داشتم در یزد تدریس قرآن می کردم . در سال ۱۳۶۱ پس از گرفتن سیکل وارد حوزه یزد شدم همیشه در حوزه شاگرد ممتاز بودم و در کنار تحصیل تدریس داشتم. در حوزه علمیه یزد عمدتاً ادبیات و منطق و اصول مظفر تدریس می کردم در سال ۱۳۶۶ و امتحان اصول مظفر و لمعتین وارد حوزه علمیه قم شدم. و بلافاصله شروع به تصحیل نموده و در سال ۱۳۶۸ به درس خارج آیهٔالله مکارم رفتم. در مدت ۱۴ سال شرکت در درس خارج به تدریس در حوزه نیز مشغول بودم در سال ۱۳۷۱ در رشته تخصصی کلام حوزه وارد شدم و این دوره را با موفقیت طی کردم و با نوشتن پایان نامه در سال ۱۳۸۰ مدرک سطح چهار حوزه را اخذ کردم. در دوره آشنایی با فقه و کلام اهل سنت که نمایندگی رهبری در امور اهل سنت بلوچستان در سال ۱۳۶۹ تشکیل داده بود به مدت دو سال شرکت کردم در سال ۱۳۷۳ در دوره کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس شرکت کردم و در سال ۱۳۷۳ با موفقیت فارغ التحصیل شدم و الان هم در کنار تحصیل در دوره های درس خارج و فلسفه به تدریس در حوزه (لمعه، بدایهٔ، اصول فقه و دانشگاه (معارف اسلامی، اخلاق اسلامی، تعدی اسلامی، فلسفه اسلامی و کلام اسلامی) مشغول هستم. به لحاظ علاقه به مطالعات و تحقیقات فلسفی کتب منظومه (منطق و فلسفه) بدایهٔ الحکمهٔ، نهایهٔالحکمه، اشارات، شفاء، اسفار را خوانده ام و هم اکنون هم در حال پویای اندیشه فلسفی و دین خود هستم.

قیومی، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر قیومی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب دوره ابتدایی و راهنمایی را در مدرسه بدر و اسلامی بابل گذراندم. دروه متوسطه در رشته تجربی تا دوم تجربی را در مدرسه آیت الله طالقانی گذراندم. سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه روح بابل شدم و کتب صرف و نحو (جامع المقدمات، سیوطی، ملا هادی، مبادی، مغنی و مختصر المعانی) را درس گرفتم. تقریبا چند ماه پس از ورود به تدریس مشغول شدم و تا کنون (تقریبا بدون وقفه) تدریس در زمینه های گوناگون اشتغال دارم. درسال ۱۳۶۵ به قم برای ادامه تحصیل در سطح بیع مکاسب مسافرت کردم. از سال ۱۳۶۷ به طور رسمی در درس خارج شرکت جستم. در سال ۱۳۷۰ به گروه کلام جدید در بنیاد فرهنگی باقر العلوم علیه السلام (بخش تخصصی موسسه در راه حق) وارد شدم و تا سال ۱۳۷۵ درسهای کارشناسی ارشد رشته دین شناسی موسسه امام خمینی (ره) را به اتمام رساندم. درسال ۱۳۷۲ وارد دوره کارشناسی ارشد تربیت مدرس دانشگاه قم شدم. در سال ۱۳۷۴ به تدریس در دانشگاه مشغول شدم. سال ۱۳۷۶ برای کمک در اداره حوزه شهرستان بابل رفتم و در آنجا مدیر مدرسه و مدرس آنجا گردیدم همچنین در دانشگاه و جامعه الزهرای بابل نیز درس می گفتم و بعضا کارهای اجتماعی و نیز امامت جماعت مسجدی در بابل را بعهده داشتم. از سال ۱۳۷۷ در دوره دکتری فلسفه تطبیقی تربیت مدرس قم پذیرفته شدم. در سال ۱۳۸۲ پس از اتمام دوره آموزشی امتحان جامع را داده و موضوع پایان نامه با اصالت فاعل شناسایی در هایدگر ملا صدرا را مشغول شدم. از سال ۱۳۸۱ هیات علمی تمام وقت مرکز جهانی علوم اسلامی شدم و در گروه ادیان و مذاهب مدرسه عالی امام خمینی (ره) عهده دار تدریس و اداره گروه بودم. در این دوره ها موضوعاتی چند در زمینه های کلام، فلسفه، (اسلام و غرب) معرفت شناسی، مباحث ادیان و مذاهب (بویژه ادیان ابراهیمی) ذهن مرا اشغال کرد. و بعضا صفحات زندگی را قلمی نمودم. مکتوب پایانی دوره کارشناسی ارشد درباره متکلمان قرن بیستم مسیحی بود. امروزه تا حدی آشنا با موضوعات ذیل می باشم: ادبیات عرب، فقه، اصول، ادیان ابراهیمی، مذاهب معتزله،

اشاعره، ماتریدیه، تاریخ فقه، کلام اسلامی، فلسفه اسلامی و تاریخ آن، تاریخ فلسفه غرب، معرفت شناسی، مباحث کلام تطبیقی بین الادیان و المذاهب البته در هیچ حوزه ای ادعای تخصص نمی توانم داشته باشم. عمده اساتید بنده در حوزه های علمیه سنتی، آیات محمدی بابلی، مرحوم حاج سید حسن محقق بهشتی، محمد فاضل، حاج سید محمود شاهرودی، مرحوم سید محمد روحانی، میرزا جواد تبریزی، حاج سید علی محقق و... بودند. شاهرودی در دوره دروس جدید، جناب آقای آیت الله مصباح یزدی، حجت الاسلام فیاضی، جوادی آملی، شیخ صادق لاریجانی، شیخ علی عابدی، دکتر اخوان، دکتر پازوکی، دکتر احمدی، دکتر حداد عادل، حجت السلام توفیقی، مصطفی ملکیان، دکتر لگنهاوزن، دکتر مجتبایی، دکتر ضیاء موحدی، دکتر دینانی

کابلی، ابراهیم

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، از عموزادگان سیّد حجهٔ الاسلام بیدآبادی، سالها در اصفهان ساکن بوده و پس از وفات در مقبره کوچک مسجد سیّد مدفون گردیده است.

فرزندش سید عبدالحفیظ،

و نواده‌اش میرزا محمد علی نیز از فضلا و اتقیا بوده و در همین بقعه مدفون می‌باشند.

برخی از ساختمان مسجد سید زیر نظر ایشان و سرکاری او انجام گردیده است.

مرحوم آقا محمّد عماد الاسلام در آخر نسخه «هدایهٔ السالکین در شرح احادیث اربعین» از تألیفات خود که به خطّ آقا میرزا محمد علی کابلی است(نسخه خطی: ۱۹۸) می‌نویسد: جهت منسوب شدن به کابل آن مرحوم این است که مرحوم سیّد حجهٔ الاسلام در صدد بودند که کتاب «مدینهٔ العلم» مرحوم صدوق را به دست آورند، خدمت ایشان گفته شد که در کابل موجود است، لذا ایشان، آقا سید ابراهیم را بدان سمت روانه کردند، و ایشان مدّتی دراز در آنجا مقیم بوده، و بالاخره موفّق به تحصیل کتاب نشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کابلی، میرعابدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میر عابدین کابلی در سال ۱۳۲۲ در شهرستان بابل متولد شد. وی تحصیلات خود را در رشته باستان شناسی تا مقطع لیسانس در دانشگاه تهران ادامه داد و مقطع کارشناسی ارشد را بدلایلی در همان دانشگاه ناتمام رها کرد. کابلی فعالیت خود را در اداره کل باستان شناسی پس از انجام خدمت سربازی آغاز کرد و از آن زمان در بسیاری از کاوش های باستان شناسی با مسئولیت های مختلف شرکت کرده است. این کاوش ها به دوران مختلف تاریخی مربوط می شوند. وی در خصوص مطالعات و پژوهش های انجام شده صاحب تالیفات متعددی است.گروه : علوم انسانی رشته : باستان شناسی والدین و انساب : میر عابدین کابلی در ۹ شهریور ۱۳۲۲ در بابل مازندران به دنیا آمد .تحصیلات رسمی و حرفه ای : میر عابدین کابلی تحصیلات خود را در دبستان بدر , دبیرستان قناد و دبیرستان فردوسی سپری نمود و در سال ۱۳۴۳ موفق به دریافت دیپلم شد. در همان سال وارد دانشگاه شده و در رشته باستان شناسی و تاریخ هنر مشغول تحصیل شد.وی در سال ۱۳۴۷ از مقطع کارشناسی فارغ التحصیل گردید و تحصیل در دوره کارشناسی ارشد را ادامه داد . لیکن در سال ۱۳۴۹ بدلایلی چند انصراف داده است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : میر عابدین کابلی در سالهای ۵۰-۱۳۴۸ خدمت نظام وظیفه را در قصر شیرین ، مرز خسروی و کرمانشاه به انجام رساند. وی از ۱۶ خرداد ۱۳۵۰ به خدمت اداری مشغول شد. کابلی ابتدا در اداره کل باستان شناسی و فرهنگ عامه و از ۱۹ آذر ۱۳۵۱در مرکز با ستان شناسی ایران و سر انجام در آذر ۱۳۶۷ در سازمان میراث فرهنگی کشور مشغول به فعالیت شد . کابلی از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ معاون قسمت پژوهش ادره کل با ستان شناسی بود . و از سال ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۹ به ریاست بخش کاوش اداره کل باستان شناسی منصوب شد . وی از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۲نیز معاون پژوهشی اداره میراث فرهنگی استان تهران بوده است. فعالیتهای آموزشی : از فعالیت های آموزشی میر عابدین کابلی می توان به تدریس «باستان شناسی کشورهای همجوار» در مرکز آموزش عالی میراث فرهنگی و همچنین تدریس «آشنایی با میراث فرهنگی » و «آشنایی با فرش» و «صنایع مستظرفه» در دانشکده امور اقتصادی اشاره کرد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : یکی از عمده فعالیت های میر عابدین کابلی، شرکت در پژوهش های میدانی است که بشرح زیر می باشد: - شرکت در کاوش های هفت تپه خوزستان (دوره: ایلامی میانه) در سال ۱۳۴۵، به مدت ۲۰ روز - شرکت در کاوش های ابوفندوا در خوزستان (دوره : پیش از تاریخ) ، در سال ۱۳۴۵ بمدت ۲۰ روز - شرکت در بررسی های محوطه باستانی شمال خراسان (عمومی) در سال ۱۳۴۶ بمدت ۳۰ روز - شرکت در کاوش های شهداد کرمان ، در سال های ، ۱۳۵۲، ۱۳۵۱، ۱۳۵۰ ، هر سال بمدت ۷۵ روز و به عنوان باستان شناس و معاون هیات و ارائه گزارش ، مقاله و سخنرانی - شرکت در بررسی های هلیلان در ایلام، به عنوان سرپرست مشترک هیات در سال ۱۳۵۳ و بمدت ۶۵ روز و ارائه گزارش - شرکت در کاوش های شوش خوزستان (پیش از تاریخ)، به عنوان باستان شناس در سال ۱۳۵۳ و بمدت ۶۰ روز - شرکت در کاوش های تپه یحیی کرمان (پیش از تاریخ) ، به عنوان نماینده مرکز باستان شناسی در سال ۱۳۵۴ و بمدت ۶۰ روز - شرکت در کاوش های تپه حصار دامغان (پیش از تاریخ)، به عنوان باستان شناس و بمدت ۲۰ روز در سال ۱۳۵۵ - شرکت در کاوش های شوش خوزستان ٠پیش از تاریخ) به

عنوان نماینده مرکز باستان شناسی بمدت ۹۵ روز در سال ۱۳۵۵–۱۳۵۴ – شرکت در کاوش های شهداد کرمان (پیش از تاریخ) ، در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ در هر سال بمدت ۶۰ روز و به عنوان معاون هیات و سرپرست هیات – شرکت در کاوش های سنگ سیاه برازجان (هخامنشی) به عنوان باستان شناس و نقشه بردار، در سال ۱۳۵۷ بمدت ۵۵ روز – شرکت در کاوش های تپه جلدو خرم آباد لرستان (پیش از تاریخ، ایلامی، ایلامی نو) به عنوان سرپرست هیات بمدت ۳۰ روز در سال ۱۳۵۹ – شرکت در کاوش های ارجان بهبهان (ایلامی نو) به عنوان باستان شناس بمدت ۲۵ روز و در سال ۱۳۶۰ – شرکت در کاوش های شوش خوزستان (هخامنشی، پارتی ، اسلام) به عنوان سرپرست هیات در سال ۱۳۶۲ و۱۳۶۳ بمدت ۳۰ روز – شرکت در کاوش های تپه ماسور خرم آباد (اسلامی، تاریخی، پیش از تاریخ) به عنوان سرپرست هیات و بمدت ۳۰ روز – شرکت در کاوش های ویژه در بند مهران (پیش از تاریخ) به عنوان سرپرست هیات و بمدت ۳۰ روز در سال ۱۳۶۷ – بررسی محوطه باستانی قمرود در قم (عمومی) به عنوان سرپرست هیات و بمدت ۳۰ روز – تعیین حریم محوطه باستانی شهداد کرمان (عمومی) به عنوان سرپرست هیات بمدت ۳۰ روز در سال ۱۳۶۸ – شرکت در کاوش های ارجان خوزستان (ایلامی نو) به عنوان سرپرست هیات و بمدت ۳۰ روز در سال ۱۳۶۸ –بررسی محوطه باستانی قمرود در قم (عمومی) به عنوان سرپرست هیات بمدت ۲۰ تا ۲۵ روز در سال های ۱۳۷۲،۱۳۷۱ ، ۱۳۷۰، ۱۳۶۹ – شرکت در کاوش های قره تپه قمرود (پیش از تاریخ) به عنوان سرپرست هیات در سال ۱۳۷۳ – شرکت در کاوش های شهداد کرمان (پیش از تاریخ) به عنوان سرپرست هیات در سال ۱۳۷۳ – شرکت در کاوش های شوش – خوزستان (هخامنشی) به عنوان سرپرست هیات در سال ۱۳۷۴ – شرکت در کاوش های قره تپه قمرود (پیش از تاریخ) به عنوان سرپرست هیات و در سال ۱۳۷۴ – شرکت در کاوش های شهداد کرمان (پیش از تاریخ) به عنوان سرپرست هیات و در سال ۱۳۷۴ – شرکت در کاوش های شوش خوزستان (هخامنشی) به عنوان سرپرست هیات و در سال ۱۳۷۵. چگونگی عرضه آثار : میر عابدین کابلی نتایج مطالعات و پژوهش های خود را در کنگره ها و همایش های ملی و بین المللی تخصصی ارائه داده است که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود: – دومین مجمع سالانه کاوش ها و پژوهش های باستان شناسی در ایران. موزه ایران باستان ، تهران ۱۳۵۲ – هفتمین کنگره بین المللی باستان شناسی و تاریخ هنر ایران، مونیخ ۱۳۵۴ – نخستین گردهمایی مردم شناسی، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران ۱۳۶۹ – نخستین گردهمایی باستان شناسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ، شوش ۱۳۷۳ – نخستین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی در ایران ، بم(کرمان) در سال ۱۳۷۴آثار : ۱ آب و آبیاری در شهداد هزاره سوم ویژگی اثر : منتشر شده در شماره ۱ نشریه فروهر در سال ۱۳۶۲۲ باستان شناسی به روایت مردم ویژگی اثر : منتشر شده در نشریه نامه فرهنگ ایران، شماره ۱۲ سال ۱۳۶۴ مربوط به بنیاد نیشابور۳ بررسی آثار بعد از اسلام در مجموعه بازیافته ویژگی اثر : منتشر شده در نشریه میراث فرهنگی شماره پنجم سال ۱۳۷۱۴ بررسی آثار پیش ازاسلام در مجموعه باز یافته ویژگی اثر : منتشر شده در نشریه میراث فرهنگی شماره سوم و چهارم در سال ۱۳۷۰۵ بررسیهای باستان شناسی در قمرود ویژگی اثر : این کتاب شامل متن، نقشه، طرح ، عکس و جدول است.۶ درباره دومین فصل کاتش در قره تپه قمرود ویژگی اثر : منتشر شده در گزارش های باستان شناسی شماره ۱۷ دره ماژین و آثار باستانی کول کثنی در پیش کوه لرستان ویژگی اثر : ارائه شده در: Akten Des VII Internationalen Kongresses Fur Iranische Kunst und Archaologia Munchen . DIETRICH REIMER VERLAG I BERLIN ۱۹۷۹.۸ روابط فرهنگی و بازرگانی شهداد و منطقه ترکستان در هزاره سوم ویژگی اثر : منتشر شده درمجموعه مقالات کرمان شناسی در سال ۱۳۶۹۹ شهداد ویژگی اثر : منتشر شده در جلد سوم مجموعه شهرهای ایران به کوشش دکتر محمد یوسف کیانی که در سال ۱۳۶۸ توسط جهاد دانشگاهی منتشر شد.۱۰ شهداد تجلی گاه فرهنگ ایران در هزاره سوم پیش از میلاد ویژگی اثر : منتشر شده در نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان، شماره ۱۶ سال ۱۳۵۳۱۱ شهداد در هزاره سوم پیش از میلاد ویژگی اثر : منتشر شده در گزارش های دومین مجمع سالانه کاوش ها و پژوهش های باستان شناسی در ایران –۱۳۵۳ ، زیر نظر فیروز باقر زاده۱۲ شهداد مرکز ایالت آراتا ویژگی اثر : منتشر شده در نشریه باستان شناسی و تاریخ سال ۱، شماره پیاپی ۱۸ در سال ۱۳۶۵۱۳ شوش و میراث باستانی دشت شوشان ویژگی اثر : منتشر شده در نشریه میراث فرهنگی شماره ۱۲ سال ۱۳۷۳۱۴ گزارش دهمین فصل کاوش گروه باستان شناسی دشت لوت در محوطه باستانی شهداد ویژگی اثر : منتشر شده در گزارش های باستان شناسی شماره ۱ سال ۱۳۷۶۱۵ گزارش دومین فصل کاوش جبهه غربی تختگاه آپادانای شوش و طرح مرمت و بازسازی دیوار تختگاه –بهار ۱۳۷۴ ویژگی اثر : منتشر شده در گزارش های باستان شناسی شماره ۱ سال ۱۳۷۶۱۶ گزارش کاوش های تپه جلدو خرم آباد – ۱۳۶۰ ، گزارش کاوش های تپه ماسور خرم آباد– ۱۳۶۳ ، گزارش کاوش های کاخ هدیش در آپادانای شوش–۱۳۵۵ ، گزارش کاوش های گورستان هزاره سومی کان گنبد ایلام–۱۳۶۷ ، گزارش کاوش های محوطه باستانی ویغ ویژ در بند مهران– ایلام–۱۳۶۹ ، گزارش کاوش های نخستین فصل کاوش در جبهه غربی تختگاه آپادانای شوش– ۱۳۶۴ ، گزارش های محوطه ایلامی ارجان– ۱۳۶۹ ، گزارش های یازدهمین فصل کاوش در محوطه باستانی شهداد ویژگی اثر : شامل متن ، نقشه ، طرح و عکس در سال ۱۳۷۴۲۴ مساکن شهر شهداد و مقایسه آن با سکونتگاههای جنوب شرق ایران در چهارهزار سال پیش ویژگی اثر : منتشر شده در مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران ، جلد سوم ، ۱۳۷۵۲۵ نمود پاره ای از سنتهای پیش از تاریخی در دوران معاصر ویژگی اثر : منتشر شده در مجموعه مقالات اولین گردهمایی مردم شناسی در سال ۱۳۷۱

منابع زندگینامه :استان پژوهی , زمستان ۱۳۷۹ , ویژه نامه سمینار باستان شناسی دانشگاه تهران

کاتب الخاقان، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۹ -۱۲۵۷ ش)، عالم و خطاط. در تهران به دنیا آمد. در نوجوانی به فراگیری علوم قدیمه پرداخت و در ادبیات فارسی و عربی تبحر یافت. او در خط شاگردی پدر خود را نمود تا به درجه کمال رسید. وی را به تقوا، پاکدامنی و حسین خلق ستوده‌اند. کاتب الخاقان در تهران درگذشت و در قم در قبرستان نو دفن شد. از وی قطعات بسیاری به جای مانده است. از دیگر آثارش: «سه مقاله‌ی مخصوص»، سه مقاله اخلاقی، به فارسی، به نامهای: «دیباچه اخلاق»، «دریچه اخلاق» و «سراچه اخلاق»؛ «فلسفه مخصوص»؛ «درر المنثوره».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (۱۰۰ -۹۸)، الذریعه (۱۶۴/ ۱۲ ،۱۴۸/ ۸).

کاتب الخاقانی، محمد صالح

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۱۸ ق)، خطاط. وی جامع مرقعی است که برای ولی محمد خان، حکمران استراخان، نگاشته که تاریخ ترتیب آن «مرقع خوب» (۱۰۱۸ ق) است. این مرقع دیباچه‌ی بسیار مزینی دارد و شامل قطعات شیوایی از خطوط استادان خط نستعلیق مانند: سلطانعلی مشهدی، میرعلی هروی، محمود بن اسحاق شهابی، محمد حسین تبریزی، میر معز کاشانی و سید احمد مشهدی می‌باشد. به غیر از خطوط، چند تصویر دیگر نیز وجود دارد که از کارهای عصر بابری هند و رضا عباسی است و برخی از تصاویر نیز به سبک اروپایی نقش شده است. مقدمه‌ی این مرقع به قلم دو دانگ خوش نوشته شده و رقم؛ کتبه الفقیر... محمد صالح الکاتب الخاقانی غفر ذنوبه و ستر عیوبه» دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۷۷/ ۳)، هنر عهد تیموریان (۵۹۱ -۵۹۰).

کاتب السلطان شیرازی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۱۷ ق)، خطاط. از کاتبان دربار ناصرالدین شاه بود و از طرف او به کاتب السلطان ملقب شد. وی یکی از چیره‌دست‌ترین خوشنویسان طراز اول خط نستعلیق است و این خط را- از شش دانگ جلی تا کتابت خفی و غبار- بسیار خوش می‌نوشته است. او پس از قتل ناصرالدین شاه، در دربار مظفرالدین شاه در سمت خود باقی ماند و آثاری نیز به نام وی از خود به جا گذاشت. کاتب السلطان در حدود هشتاد سالگی در تهران درگذشت. از آثار وی: یک نسخه کتیبه‌ی امامزاده عبداللّه در شهر ری، به قلم کتیبه‌ی دو دانگ ممتاز و با رقم: «کتبه العبد المذنب محمد حسین الشیرازی... سنه ۱۲۷۳»؛ یک مرقع به قلم دو دانگ و کتابت خفی عالی، با رقم: «الفقیر الحقیر المذنب... محمد حسین الشیرازی غفر له سنه ۱۲۷۴»؛ یک نسخه شش دفتر «مثنوی» مولانا، به قلم کتابت ممتاز، با رقم: «... و انا العبد کاتب الحضرت السلطانی محمد حسین الشیرازی... سنه‌ی ۱۲۷۹»؛ یک نسخه «دیوان» حافظ، به قلم کتابت عالی، با رقم: «... محمد حسین الشیرازی.. سنه ۱۲۷۹»؛ یک نسخه ترجمه‌ی فارسی قرآن، به قلم نیم دو دانگ ممتاز، با رقم: «... انا العبد کاتب السلطانی، محمد حسین الشیرازی... سنه‌ی ۱۲۹۰»؛ ده اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۹۴ -۶۸۹/ ۳)، اطلس خط (۵۷۰ -۵۶۹)، تاریخ هنرهای ملی (۹۹۰ -۹۸۸/ ۲)، تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (۶۳).

کاتب السلطان قمی، محمد ابراهیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۰۶ ق)، نقاش و خطاط. در شهر قم به دنیا آمد. در دوره‌ی جوانی به اصفهان رفت و در این شهر با استادان نامی آشنا شد. وی سپس به دربار شاه سلیمان صفوی (۱۱۰۵ -۱۰۷۷ ق) راه یافت و به لقب کاتب السلطانی مفتخر گردید. کاتب السلطان در صنعت تذهیب و گل آرایی و قلمدان سازی مهارت داشت و در خطوط نستعلیق و نسخ و رقاع و شکسته، استادی صاحب قلم بود. بعضی از هنرشناسان، استاد حاجی محمد، برادر کوچکتر محمد ابراهیم کاتب السلطان، را با این هنرمند یک نفر به حساب آورده و دو اسم متفاوت برای یک نفر در نظر گرفته‌اند در حالی که آنها، دو نقاش جداگانه و برادرانی از سلاله حاج یوسف قمی بوده‌اند. از شاگردان وی، میرزا احمد نیریزی را ذکر کرده‌اند. از آثار او: نسخه‌ی پراعتبار «صحیفه‌ی سجادیه»، که کتابت و آرایش آن را خود انجام داده است، با رقم: «... ابن‌حاجی یوسف، محمد ابراهیم... سنه ۱۰۹۲...»؛ قطعه خطی در شیوه‌ی نسخی که زمینه‌ی آن، انواع حیوانات و پرندگان زیبا به شیوه‌ی حل کاری آرایش یافته، با رقم: «مشقه العبد... محمد ابراهیم المذهب القمی... به محروسه

اصفهان ۱۱۰۳»؛ قلمدان زیبایی که به خط و تذهیب آراسته شده، با رقم: «کتبه اقل عباد اللّٰه محمد ابراهیم الکاتب السلطانی فی شهور سنه ست و مائهٔ بعد الالف». پنج اثر دیگر وی در «احوال و آثار نقاشان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۶۴۸ -۶۳۸/ ۲)، اطلس خط (۳۵۲)، گلستان هنر (نوزده، چهل و هشت)، هنر قلمدان (۹۹ ، ۷۳).

کاتب السلطان، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۷ ق)، خطاط. وی نزد میرزا غلامرضا اصفهانی و میرزا علی محمد صفا تعلیم خط گرفت. در نوشتن خط نستعلیق، به ویژه جلی، شیوه‌ی مخصوصی داشت و از شکسته و تعلیق نیز بهره‌مند بود. از شاگردان وی فرزندش، علی مخصوص کاتب الخاقان است که او نیز از خوشنویسان مشهور است. کاتب السلطان در مشهد وفات یافت و همان جا دفن شد. از آثار وی چند قطعه به قلم سه دانگ متوسط و یک مکتوب به قلم نیم دو دانگ خوش موجود است که تاریخ ۱۳۰۸ ق دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۶۳/ ۱)، تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (۷۶ -۷۵)، شرح حال رجال (۲۳۷/ ۵).

کاتب سرای، خلیل

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، خطاط. از خطوط وی، یک قطعه از مرقع ثلث چهار دانگ خوش و رقاع کتابت خوش، با رقم: «العبد الداعی خلیل کاتب سرای».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۶۵/۴).

کاتب شیرازی، روزبه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۱۱ ق)، خطاط. از خوشنویسان شیراز بود. از آثار وی: یک نسخه «اسکندرنامه» نظامی، به قلم کتابت خفی خوش و با رقم: «تمت الکتاب... علی ید الفقیر الحقیر روزبه الکاتب الشیرازی... سنه‌ی احدی عشر و الف...». وی ممکن است همان روزبهان باشد که سپهر نام او را آورده و سهوا به جای «روزبه» «روز بهان» ضبط کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۲۱ -۲۲۰ /۱).

کاتب شیرازی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن وزیری جلد روغنی، دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مذهب، نسخ یاقوتی خوش، با رقم: «کتبه العبد المذنب العاصی محمد الکاتب الشیرازی» (حدود قرن ۱۱).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۷۹/ ۴).

کاتب شیرازی، محمد قوام

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۵۸ ق)، خطاط. مشهور به حمامی. از آثار وی: یک نسخه «صفوهٔ الصفی»، به قلم کتابت متوسط و با رقم: «قد اتفق الفراغ... محمد القوام الکاتب الشیرازی المشهور به حمامی... سنهٔ ثمان و خمسین و تسعمائهٔ الهجریهٔ»؛ یک نسخه «خمسه» نظامی، به قلم

کتابت متوسط و بـا رقم: «تم الکتـاب... محمـد القوام الکاتب الشیرازی»؛ یک نسـخه «گلسـتان» و «بوسـتان» سـعدی، به قلم کتابت متوسط و بـا رقم: «تم الکتـاب کتبه محمـد قوام شیرازی غفر له»؛ یـک نسـخه «دیوان» حافظ، با رقم: «محمـد الشیـرازی المشـهور به حمامی»؛ یک نسـخه «سـبحهٔ الابرار» جامی، با رقم: «محمد القوام الکاتب الشیرازی، سنه ۹۵۸»؛ یک نسـخه «شاهنامه‌ی» فردوسی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «محمد القوام ... در شهر شیراز». در «احوال و آثار خوشنویسان» به دوازده اثر دیگر وی اشاره شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۱۶ -۸۱۴/ ۳)، هنر عهد تیموریان (۶۳۱ ،۵۲۸، ۳۹۳، ۳۹۲- ۳۱۴).

کاتب شیرازی، نعیم‌الدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۱۵ ق)، خطـاط. از آثار وی: یک نسـخه «دیوان» امیر خسـرو دهلوی، به قلم کتابت خفی متوسط، با رقم: «تم بعون اللّه و توفیقه، سابع عشـرین شهر جمادی‌الاول سنه‌ی ۸۹۸، نعیم‌الدین الکاتب شـیرازی اصـلح اللّه حاله»؛ یک نسخه «دیوان» کمال خجندی، به قلم کتابت خفی متوسط، با رقم: «تم الکتاب... علی یـد العبد المذنب نعیم‌الدین الکاتب، فی شـهور سـنهٔ احدی و تسـعمائهٔ»؛ یک نسـخه «خمسه» نظامی، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «نعیم‌الدین کاتب الشیرازی» و تاریخ ۹۰۷ ق؛ نسخه‌ی دیگر «خمسه» نظامی، به همان قلم، با رقم: «نعیم‌الدین الکاتب» و تاریخ ۹۱۵ ق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۴۶/ ۳).

کاتب لاری، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسـخه «هفت اورنگ» جامی، دارای سـرلوحه‌ی مذهب و جداول رنگین مطلا و جلد چرمی، در سال ۹۵۸ ق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :هنر عهد تیموریان (۶۸۳).

کاتب نیشابوری، محمدصالح

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۹۶ ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن رحلی، دو صـفحه‌ی افتتاح متن و حاشـیه مرصع عالی، نسخ کتابت جلی متوسط، با رقم: «... ابن غلامحسین، محمدصالح الکاتب المنسوب الی النیسابور... سنهٔ سادس و تسعین بعد الالف من الهجرهٔ النبویهٔ ۱۰۹۶».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۸۲/ ۴).

کاتب هروی، برهان

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از خوشـنویسان گمنام هرات بود. از خطوط وی: «شـرح رباعیات» و «لوایح» جامی، با رقم: «کتبه العبد المذنب برهان الهروی الکاتب غفر الله ذنوبه و ستر الله عیوبه، فی شهور سنه نهصد و چهل و شش».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :خوشنویسان و هنرمندان (۴۷).

کاتب هروی، خورد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یـازدهم ق)، خطـاط. از کاتبان خوشـنویس گمنام بود. از خطوط وی: یک نسـخه «مثنوی» مولانا، به قلم کتابت خفی خوش، با

رقم: «خاتمه المجلد السادس من المثنوی المعنوی... بدارالسلطنه‌ی هرات... بتاریخ شهر ذی‌الحجه سنه‌ی ۱۰۲۶ علی یدی الضعیف النحیف ملا خورد الکاتب غفر ذنوبه و ستر عیوبه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۸۲/۱).

کاتب، ابوعمران موسی بن عبدالملک

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ساکن بغداد، در عهد عده‌ای از خلفا به خدمت گماشته شده، و در زمان متوکل صاحب دیوان خراج بوده، ادیب و شاعر شیعی مذهب می‌باشد. دیوان رسائل از اوست.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کاتب، ادریس

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط. وی مردی دانشمند بود که در انشاء و خط تعلیق مهارت تمام داشت. خط او اگرچه نازک و رعنا نبوده و پیرو خواجه عبدالحی بوده اما اسلوب و اصول خوب داشته است. او کاتب پادشاهان آق قوینلو، حسن پادشاه (وف ۸۸۲ ق)، و رستم پادشاه (سلطنت ۸۹۷ ق)، و الوندبیگ (وف ۹۱۰ ق) بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ اصفهان (۲۲۵)، گلستان هنر (۴۴).

کاتب، حبیب‌اللّه

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم و سیزدهم ق)، خطاط. از آثار او: یک قطعه با سفیدآب روی کاغذ مشکی، به خط ثلث دو دانگ جلی عالی و نسخ کتابت و رقاع خوش، با رقم: «مشقه العبد المذنب حبیب‌اللّه الکاتب» (قرن ۱۳ -۱۲).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۵۷/۴).

کاتب، شاه قاسم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۸ ق)، خطاط. از کاتبان خوشنویس زبردست و از معاصران میرعماد معروف است. با اینکه او را باید از کاتبان استاد خط نستعلیق دانست، اما ترجمه‌ی احوالش را ذکر نکرده‌اند. آنچه از آثار وی معلوم می‌شود، این است که وی بیشتر در هرات می‌زیسته و ظاهرا ابتدا در کتابخانه‌ی سلطان علی چکنی و بعدها در کتابخانه‌ی حسن خان شاملو، به امر کتابت اشغال داشته است. از آثار وی: یک نسخه‌ی منتخب «مثنوی» مولانا و منتخب «حدیقه الحقیقه‌ی» سنایی، به قلم کتابت عالی، با رقمهای: «در کتابخانه‌ی نواب... حسن خان شاملو صورت تحریر یافت، کتب المذنب شاه قاسم.. سنه‌ی ۱۰۲۸» و «تمت الکتاب... ۱۰۲۸ در کتابخانه‌ی... حسن خان شاملو... کتبه المذنب شاه قاسم الکاتب...»؛ یک نسخه «دیوان» حافظ، به قلم کتابت عالی با رقم: «تمت... ۱۰۱۰ کتبه المذنب شاه قاسم...»؛ یک نسخه «بوستان» سعدی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «در کتابخانه‌ی نواب کامیاب صورت تحریر یافت، فی غره‌ی شهر صفر ۱۰۱۴، کتبه شاه قاسم غفر ذنوبه». در «احوال و آثار خوشنویسان» به شش اثر دیگر وی اشاره شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۹۲ -۲۹۰ /۲)، هنر عهد تیموریان (۵۱۳، ۵۱۲، ۵۰۰).

کاتب، فتح اللّه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط و شاعر. وی جمیع خطوط را خوب می‌نوشت و در تبریز کاتب شاه‌اسماعیل اول صفوی (۹۳۰ -۹۰۷ ق) بود. بعد به عثمانی رفت و در استانبول کاتب سلطان سلیم اول (۹۲۶ -۹۱۸ ق) شد. وی اشعار زیادی از حفظ بود و خود نیز شعر می‌سرود. از آثار وی: «دیوان» شعر؛ قطعه‌ای در مرقع بهرام‌میرزای صفوی، به قلم سه دانگ و کتابت خفی خوش با رقم: «العبد فتح‌الله».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۲۹ / ۴، ۵۶۴ / ۲)، الذریعه (۸۰۷ / ۹)، لغت‌نامه (ذیل/ فتح‌الله)، مجالس النفائس (۳۹۳).

کاتب، فخرالدین احمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط. به خط وی: یک نسخه «کلیات» کمال خجندی، که به قلم کتابت خوش نوشته است و چنین تمام می‌شود: «قد وقع الفراغ من تحریر دیوان... الشیخ کمال...، محمد الخجندی، فی... سنهٔ خمسن و ستین و ثمانی مائهٔ، علی انامل اقل عباداللّٰه الواهب، فخرالدین احمد الکاتب...»؛ همچنین بعضی ترجیعات، از مجموعه ترجیع‌بندهای کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی به خط اوست که به قلم کتابت جلی متوسط نوشته شده، با رقم: «کتبه العبد الغریب... فخرالدین احمد...»؛ یک رقعه از مرقع، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «مشقه العبد الغریب، فخرالدین احمد، احسن‌اللّٰه احواله، بدارالسلم بغداد»؛ کتیبه‌ی کاشی معرق در مسجد جامع یا مسجد حاجی ملک در ده بفرویه یزد که رقم «... المهتدین کتیبه فخرالدین فی ۸۶۶» دارد. اثر دیگری از وی دیده نشده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۴ -۴۳ /۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۲۸۹ /۱۰)، یادگارهای یزد (۹۷ /۱).

کاتب، محمد امین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۰۱ ق)، خطاط. از شاگردان میرمحمدباقر بن میر علی هروی بود و خط را خوش می‌نوشت. از آثار وی: یک نسخه «سلامان و ابسال» جامی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «... کتبه المذنب محمد امین الکاتب... سنه احدی و الف»؛ دو قطعه از مرقع محمد محسن، به قلم دو دانگ و نیم دو دانگ و کتابت خوش، با رقم‌های: «مشقه الفقیر محمد امین... سنهٔ ثمانین و تسعمائهٔ» و «کتبه العبد المذنب محمد امین غفر ذنوبه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۴۵/ ۳) مناقب هنروران (۸۲)، هنر عهد تیموریان (۵۹۹، ۵۰۰).

کاتب، مسعود

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، خطاط. از خوشنویسان است. از آثار وی : قطعه‌ای به قلم نیم دو دانگ و کتابت عالی، با رقم: «کتبه سلطان مسعود الکاتب»؛ در کتابخانه‌ی استان قدس رضوی مشهد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۸۱/۱).

کاتب، هدایت‌اللّٰه

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «کلیات» اهلی شیرازی، به قلم و دو دانگ و کتابت خفی متوسط، با رقم: «حرره هدایت‌اللّٰه کاتب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۶۲/ ۳).

کاتبی قزوینی، علی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قزوینی، علی ابن عمر بن علی شافعی ملقب به نجم‌الدین و مکنی به ابوالحسن و ابوالمعالی و معروف به دبیران و کاتبی قزوینی، دانشمند و حکیم (ف. ۶۷۵ ه.ق) وی در ریاضیات و هندسه و منطق و فنون حکمت تبحر داشت و در آلات رصدی ماهر بود و شاگرد نصیرالدین و استاد علامه‌ی حلی و قطب‌الدین محمود شیرازی بود و در قزوین تدریس می‌کرد و حوزه‌ی درس او مجمع افاضل بود. از آثار او است: عین‌القواعد در منطق و حکمت، بحرالفوائد فی شرح عین‌القواعد، که شرح مزجی کتاب عین‌القواعد (مذکور) است، جامع‌الدقائق فی کشف‌الحقائق در منطق، و آن کتابی است بزرگ و حاوی همه‌ی اصول و فروع علم منطق، حکمةالعین حاوی مباحث الهیات و طبیعیات حکمت و بر آن چند شرح نوشته‌اند، الشمسیه در منطق که برای شمس‌الدین صاحب دیوان جوینی تألیف کرده و چند شرح بر آن نوشته‌اند.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

کاتبی نیشابوری، شمس‌الدین محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۳۹/ ۸۳۸ ق)، عارف، خطاط و شاعر، متخلص به کاتبی. مولد و منشأ وی قریه‌ی طرق، میان نیشابور و ترشیز و طوس بود و به همین جهت هم به ترشیزی و هم به نیشابوری معروف شد. دوران جوانی را در مولد خود گذراند و به کسب علوم و فنون عصر خود، خصوصا فن ادب و شعر پرداخت. از جمله استادان وی در نیشابور سیمی نیشابوری بود که خوشنویسی و فنون شعر را نزد او آموخت. وی برای تکمیل تحصیلات و اطلاعات خود به هرات رفت و در آنجا به خدمت بایسنقر میرزا پسر شاهرج میرزا رسید و از مداحان او گردید. وی سفرهایی به استرآباد، مازندران، گیلان، آذربایجان و شروان داشت و مداح پادشاهانی چون شروانشاه منوچهر و ابراهیم سلطان تیموری، پسر شاهرخ میرزا (م ح ۸۳۸ ق) گردید و پاداش و جوائز زیادی دریافت کرد. او پس از مدتی به اصفهان رفت و در آنجا به خدمت خواجه صاین الدین علی بن محمد ترکه (م ۸۳۵/ ۸۳۰ ق)، که از بزرگان علم بود، رسید و از او کسب فیض نمود و در زمینه‌ی تصوف و عرفان از وی بهره‌ها برد. وی عاقبت به استرآباد برگشت و در همان جا درگذشت و در جوار مزار امامزاده معصوم که به نه گوران معروف است به خاک سپرده شد. قاضی نوراللّه شوشتری در «مجالس المؤمنین» او را از شعرای شیعه شمرده و پاره‌ای از قصائد وی را در مدح امیرالمؤمنین (ع) آورده است. از آثارش: «دیوان» شعر؛ «خمسه کاتبی» شامل: «گلشن ابرار» به تقلید از «مخزن الاسرار» نظامی، «مجمع البحرین» به تقلید از «خورشید و جمشید» سلمان ساوجی و «همای و همایون» خواجو که به دو بحر است که «ذو بحرین» خوانده می‌شود که این منظومه مقدمه‌ای به نثر دارد و موضوع آن عشق عرفانی ناظر با منظور است که به نام «ناظر و منظور» یا «ناصر و منصور» نیز معروف است؛ مثنوی «ده باب» به تقلید از «بوستان» سعدی؛ مثنوی «سی نامه» یا «محب و محبوب»؛ مثنوی «کتاب دلربای»، در سرگذشت قباد، پادشاه یمن با وزیرش، که بعد از ۸۳۰ ق به نظم درآمده است. از دیگر مثنویات وی به «بهرام و گلندام» نیز می‌توان اشاره کرد.[۱]

(منسوب به کاتب بخش ۱) ترشیزی نیشابوری، محمد ابن عبداللّه ملقب به شمس‌الدین شاعر ایرانی (ف. استراباد بین ۸۵۰ –۸۳۸ ه.ق). مولد و منشأ او قریه‌ی طرق و راوش از اعمال ترشیز است، که بین نیشابور و ترشیز واقع است. کاتبی در آغاز حال به نیشابور رفت و از مولانا سیمی تعلیم گرفت و خوشنویس شد (وجه تسمیه). وی به علم شعر نیز وقوف یافت و غزلهای مصنوع و مطبوع می‌گفت. سیمی بر او حسد برد و بر او دل‌گران گردید. کاتبی به فراست دریافت و از نیشابور قصد دارالسلطنه‌ی هرات کرد، و همواره بی‌تعین و تکلف می‌گردید و به شعر و شاعری مشغول بود. بایسنغر میرزا از او جواب قصیده‌ی کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی را به مطلع:

«سزد که تا جور آید به بوستان نرگس

که هست در چمن و باغ مرزبان نرگس»

را خواست و او جواب داد، ولی شاعران دیگر آن را وزنی ننهادند، وی دلسرد شد و به جانب استراباد و گیلان، و از آنجا به سوی شروان رفت. امیر شیخ ابراهیم شروانی او را نگاه داشت و تربیت کلی فرمود و بدو صله می‌داد و کاتبی در اندک مدتی وجه و مال را تلف می‌کرد. گویند امیر مزبور قصیده‌ای را که وی به ردیف گل ساخته بمطلع:

«باز با صد برگ آمد جانب گلزار گل

همچو نرگس گشت منظور اولوالابصار گل»

را ده هزار دینار شروانی صله داد و او در کاروانسرای شماخی بیک ماه آن نقد را پریشان ساخت و بر شاعران و ظریفان و فقیران و صالحان قسمت کرد. به طوری که روزی خواستند طبخی کنند بهای یک من آرد موجود نبود. بعضی او را ملامت کردند که پادشاهی در این نزدیکی تو را ده هزار دینار داده و اکنون بهای یک من آرد نداری. مبادا که سلطان از این طور منکر تو گردد. کاتبی گفت: اگر من بدین مال تحویلدار و خازن شاهم جواب محاسبه‌ی او بگویم و الا او احسانی به من کرد که یک تن بودم، و من به هزار تن آن مال قسمت کردم، هرگاه آن احسان از من بازخواهد، من نیز بدان کس حواله کنم که مستحقان را به من دلالت کرده. سپس کاتبی از شروان به آذربایجان شد و در مدح اسکندر بن قرایوسف قصیده‌ای غرا انشا کرد و او سخن وی را نفهمید و بدو التفات ننمود. وی از تبریز عزیمت اصفهان کرد و به صحبت خواجه صاین‌الدین ترکه مشرف شد و به تعلم عرفان پرداخت و

تربیتها یافت و سپس به اجازه‌ی وی به سوی طبرستان و گرگان رفت و در استراباد اقامت کرد. بزرگان و حکام آن دیار بوجود او خوش بودند. وی در هنگام فراغت و انزوا به جواب خمسه‌ی نظامی مشغول می‌گردید و گویند که مخزن‌الاسرار را جواب گفت، ولی در همین ایام درگذشت و مرقد او در استراباد، بیرون مزار امامزاده معصوم- که موسوم به نه گوران است- می‌باشد. از آثار اوست: بهرام و گل‌اندام (مثنوی)، حسن و عشق (مثنوی)، دیوان اشعار شامل غزلیات و مقطعات و بعضی رباعیات، مجمع‌البحرین (منظومه‌ی ذوبحرین و ذوقافیتین)، محب و محبوب، ناظر و منظور (مثنوی).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۲۷۴ -۲۷۲/ ۱)، احوال و آثار خوشنویسان (۸۱۸ -۸۱۷/ ۳)، از سعدی تا جامی (۷۱۸ -۷۰۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۴۴ -۲۳۳/ ۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۹۸ -۲۹۷)، تذکرهٔ الشعراء (۴۳۸ -۴۲۹)، حبیب السیر (۱۸/ ۴)، دایرهٔ المعارف فارسی (۲۱۱۴/ ۲)، الذریعه (۳۱۸، ۳۱۷، ۲۸۳، ۲۱۶ -۲۱۵، ۱۸۱، ۱۳۱ -۱۳۰/ ۱۹ ،۸۹۷ -۸۹۶/ ۹)، ریاض العارفین (۱۲۹ - ۱۲۸)، ریحانه (۱۶ -۱۴/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۷۵۴ -۷۵۳)، الکنی و الالقاب (۱۰۰/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل، کاتبی ترشیزی)، مجالس المؤمنین (۶۶۳ -۶۵۹/ ۲)، مجالس النفائس (۱۸۷ -۱۸۶، ۱۱ -۱۰)، مرآهٔ الخیال (۶۵)، مرآت الفصاحه (۵۱۵ -۵۱۳)، مطلع الشمس (۱۷۵/ ۳)، مناقب هنروران (۵۷)، منظومه‌های فارسی (۴۹۱ -۴۸۲)، نتایج الافکار (۵۹۹ -۵۹۶)، هفت اقلیم (۲۶۴ -۲۵۹/ ۲).

کاتبی، حسینقلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۹ -۱۲۹۱ ش)، فرهنگ‌نویس، نویسنده، روزنامه نگار و شاعر، متخلص به جوشغون. در مراغه به دنیا آمد. مادرش شاهزاده اختر، دختر رضا قلی میرزا بن ملک قاسم میرزا بن فتحعلی شاه بود. کاتبی پس از طی دوره‌ی ابتدایی و متوسطه در تبریز، از دانشکده‌ی حقوق تهران موفق به اخذ لیسانس در دو رشته‌ی حقوق قضایی و علوم سیاسی شد. کاتبی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۱ ش سردبیر مجله‌ی «ماهتاب»، وابسته به انجمن ادبی آذربایجان بود و از ۱۳۲۱ تا ۱۳۳۱ ش اداره‌ی روزنامه‌ی «فریاد آذربایجان» را مستقلا عهده‌دار بود. وی مشاغل مختلفی از جمله: وکالت دادگستری در تبریز و تهران، عضویت کمیسیون‌های واژه‌گزینی حقوق و اقتصاد و بازرگانی فرهنگستان زبان و همکاری در تأسیس انجمن کانون مشاوره‌ی حقوقی را بر عهده داشت. از آثار وی: «آذربایجان و وحدت ملی»؛ «اعلان حقوق بشر»؛ «بردگی»؛ «شکوفه‌های ادب»، قصه‌های کوتاه؛ «سی فصل در فن انشاء»؛ «فرهنگ حقوق»، فرانسه به فارسی؛ «نویسندگان بزرگ معاصر دنیا»؛ «حقوق تجارت».[۱]

محقق، روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۲۹۱، مراغه.

درگذشت: ۲۱ دی ۱۳۶۹، تهران.

دکتر حسینقلی کاتبی، فرزند بهجت‌الممالک (رییس اداره‌ی پست و تلگراف مراغه)، در سال ۱۳۱۶ در رشته‌ی حقوق قضایی و سیاسی از دانشگاه لیسانس گرفت و در سال ۱۳۱۸ خدمت دولتی خود را با سمت مستنطق مستقل- که چندی بعد از بازپرس- نامیده شد در شهرستان خوی آغاز کرد.

نخستین مقاله‌ی وی زیر عنوان «لباس وطنی» در حالی که بیش از هیجده سال نداشت، در سال ۱۳۰۹ در روزنامه‌ی «تبریز» انتشار یافت. کتاب شکوفه‌های ادب مجموعه‌ای از نوشته‌های ادبی دوران دانشجویی او بود. نوشتن مقاله‌ای با عنوان «آذربایجان و وحدت ملی ایران» که در شهریور ۱۳۲۱ یعنی درست یک سال بعد از اشغال کشور در تبریز به چاپ رسید، موجب گردید که ایشان به مدت یازده ماه و یازده روز از سوی نیروی انتظامی روس‌ها، در شهرهای تبریز، اراک و رشت زندانی شود. وی در سال‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ سمت سردبیری مجله‌ی «ماهتاب» نشریه‌ی وابسته به انجمن ادبی آذربایجان به ریاست ادیب‌السلطنه سمیعی را بر عهده داشت. و از سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۳۱ روزنامه‌ی «فریاد» (دو شماره در هفته) را که در میان روزنامه‌های آن روز شهرستان‌ها هم طراز با روزنامه‌ی «پارس» شیراز شمرده می‌شد، مستقلا اداره می‌کرد.

کاتبی شغل وکالت را بر خدمت بر مسند قضا ترجیح داد.ابتدا در تبریز و بعد تا سال ۱۳۶۲ در تهران به وکالت دادگستری پرداخت. حتی با همکاری دو تن از حقوقدان به نامهای دکتر محمدعلی موحد و دکتر احمد تهرانی به تأسیس انجمنی به نام کانون مشاوره حقوقی همت گماشت. او در زمینه‌ی حقوق و تجارت کتاب‌های سودمندی تألیف کرد و از دو انتشار مجله‌ی «کانون وکلا» به سردبیری محمود سرشار، از نویسندگان مقالات ادبی آن مجله بود. ضمنا در کمیسیون‌های واژه‌گزینی حقوق، اقتصاد، و بازرگانی فرهنگستان زبان تا سال ۱۳۵۷ عضویت و فعالیت داشت.

دکتر کاتبی به سرودن شعر هم علاقه‌مند بود و تخلص خود را «جوشغون» انتخاب کرد. فهرست آثار چاپ شده‌ی وی به شرح زیر است: سی فصل در فن انشاء (تبریز، ۱۳۱۷)؛ آذربایجان و وحدت ملی ایران (تبریز، ۱۳۲۱)؛ سبک‌شناسی فارسی (تبریز، ۱۳۲۱)؛ اعلان حقوق بشر (تبریز، ۱۳۲۲)؛ حق و منشاء آن (تبریز، ۱۳۲۳)؛ شکوفه‌های ادب (تبریز، جلد اول، ۱۳۲۶، جلد دوم، ۱۳۳۲)؛ تاریخ مختصر نثر فارسی یا نگاهی به سبک‌شناسی (تبریز، ۱۳۲۷)؛ نویسندگان بزرگ معاصر (تبریز،جلد اول، ۱۳۲۸، تهران جلد سوم، ۱۳۵۲)؛ ادب و ادبیات (تهران، ۱۳۵۶)؛ وکالت، مجموعه مقالات در فن و وکالت و... (تهران، ۱۳۵۷)؛ حقوق تجارت برای تدریس در دانشگاه تهران جلد اول، ۱۳۴۸، جلد پانزدهم، ۱۳۶۷)؛ عقود و تعهدات (تهران، ۱۳۴۹)؛ حقوق و صنعت (به زبان فارسی و فرانسوی، تهران، ۱۳۵۹)؛ از لیبرالیسم تا سوسیالیسم (تهران، ۱۳۵۸)؛ فرهنگ حقوق (فرانسه به فارسی، تهران، جلد اول، ۱۳۳۷)؛ جلد دوم، ۱۳۶۳)؛ زبان باستانی آذربایجانی (تهران، ۱۳۶۳)؛ سلام به شهریار عزیز (تهران، ۱۳۴۳)؛ آذربایجان تابلوسی (تهران، ۱۳۵۸)؛

زبان‌های باستانی آذربایجان (این تحقیق در ناموارهٔ دکتر محمود افشار به صورت کتابی مستقل در ۱۳۵۹ به چاپ رسید).

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۱۷، ش ۴ -۱، ص ۱۹۵ -۱۹۳)، ادبیات نوین (۳۰۲، ۱۴۸)، الذریعه (۲۹۰/ ۱۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۲۹، ۳۰۷۶، ۲۴۲۴، ۲۱۶۰ -۲۱۵۹، ۲۰۶۶، ۱۹۳۳/ ۲، ۷۴۹، ۴۷۸، ۲۸۶، ۲۳۵، ۲۸/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۸۳)، مؤلفین کتب چاپی (۹۴۱ -۹۴۰/ ۲).

کاتبی، سراج‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی کامپیوتر، دانشکده: کامپیوتر، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در مهندسی سیستمهای کامپیوتری از دانشگاه منچستر انگلستان در سال ۱۳۵۲، کارشناسی ارشد در رشته مهندسی کامپیوتر از دانشگاه منچستر انگلستان، دکترا در رشته مهندسی کامپیوتر از دانشگاه منچستر انگلستان در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

دانشیار بخش مهندسی و علوم کامپیوتر دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طراحی سیستمهای کنترل غیر خطی به کمک کامپیوتر، شناسائی عیب در سیستمهای دینامیکی، روشهای محاسبات عددی، پردازش سیگنال و تصویر، سیستمهای کنترل هوشمند، کاربرد کامپیوتر در پروسه‌های صنعتی، طبقه‌بندی قوانین استخدام کشوری به کمک کامپیوتر، استاد راهنمای ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

روشهای محاسباتی، الکترونیک صنعتی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۴

زمینه علمی مقالات:

طراحی سیستمهای کنترل خطی و غیر خطی، مهندسی سیستمهای کنترل عیب‌یابی در سیستمهای دینامیکی.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کاتوزیان، امیر ناصر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر امیر ناصر کاتوزیان سال ۱۳۱۰ شمسی در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان اقبال و دوره متوسطه را در دبیرستان علمیه گذراند و دوره‌های عالی و تکمیلی را تا اخذ مدرک دکتری رشته حقوق خصوص و اسلامی در دانشگاه تهران سپری کرد. وی از سال ۱۳۴۳ با درجه استادیاری به تدریس در دانشگاه تهران پرداخت نامبرده در سال ۱۳۵۱ به درجه استادی تمام وقت گروه حقوق خصوصی و اسلامی با پایه یک استادی نائل آمد. تألیف ۴۲ جلد کتاب در زمینه‌های حقوق مدنی، فلسفه حقوق و آیین دادرسی و ارائه حدود ۴۰۰ مقاله علمی در زمینه قضایی از جمله فعالیت‌های علمی دکتر کاتوزیان است.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

گرایش : حقوق خصوصی و اسلامی

والدین و انساب : پدر امیر ناصر کاتوزیان وکیل موفق و مشهوری بود و مادر محترمشان هم خانه دار است.ایشان نیز چهار برادر ناتنی بنامهای مرحومان رضا و اصغر که به رحمت ایزدی پیوسته اند و محمد و عباس در قید حیاتند،دارد.

خاطرات کودکی : دکتر ناصر کاتوزیان از دوران کودکی خود چنین می گوید: در دوم اردیبهشت ماه ???? در تهران به دنیا آمدم. محله زندگی ما خیابان ری، کوچه دردار بود. در خانه ای متولد شدم که، متاسفانه، آن را خراب کرده اند.کودکی من نیز تقریبا مثل کودکی دیگران گذشت برای تحصیل به دبستان اقبال میرفتم انتهای خیابان آبشار در محله دروازه دولاب (این دبستان هنوز هم بر جای خودش باقی است). اگر بخواهم خاطره ای از آن ایام ذکر کنم باید بگویم که در محله ما جوان ها دوست داشتند هرچه بیشتر ابراز قدرت نمایند و حریف بطلبند و غالبا با همدیگر دعوا میکردند و قهرا من هم از کتک خوردنها بی نصیب نمی

ماندم! جو و فضای غالب این محیط موجب شد که من در یکی از تابستانها با سماجت تمام به ورزش بپردازم. این روحیه ورزشکاری، هنوز هم در من باقی مانده است. به مرور این فکر به ذهنم چیره شد که اگر بخواهم سالم زندگی کنم باید "قوی" باشم. استادم، مرحوم سنگلجی، میگفت: برای انسان یک سانتی متر شاخ بهتر از سه متر دم است! و من در طول زندگی این گفته طنز مرحوم سنگلجی را کاملا احساس کردم و به این نتیجه رسیدم که آدمیزاد در هر محیطی که زندگی میکند باید قوی باشد، حالا اگر در محیط دانشمندان قرار گرفت باید سلطه خودش را از نظر عقلی و علمی ثابت نماید و اگر در محیط اشخاصی که اهل دعوا و نزاع هستند قرار بگیرد باید بتواند خود را در آن جمع حفظ کند. غریزه صیانت نفس چیزی استکه هرگز نمیتوان آن را انکار کرد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر کاتوزیان دوران ابتدایی اش را در دبستان اقبال در خیابان «شهباز» به اتمام رسانده و دوران دبیرستان را در دبیرستان علمیه طی می کند و پس از نقل مکان به خیابان «آب منگل» در خیابان ری در همان دبیرستان می ماند تا اتمام این دوران. دکتر کاتوزیان با کلاس پنجم نظام قدیم رشته علمی را دنبال می کند و در کلاس ششم آن زمان رشته ادبی را انتخاب می کند، در همان رشته ادبی در ایران شاگرد اول می شود و موفق به دریافت مدال درجه؟ علمی برای اولین بار در ایران می شود. همین دریافت مدال مشوق او می شود برای ادامه تحصیل. او با انتخاب رشته حقوق تحصیلات خود را در دانشگاه ادامه می دهد و در این رشته موفق به کسب مدال درجه یک علمی این رشته می شود. با فوت پدر در سال دوم دانشگاه ضربه بزرگی به دکتر کاتوزیان وارد می شود و این ضربه باعث می شود تا او از رفتن به وزارت امورخارجه پشیمان شود و رشته قضا را انتخاب کند. او در این رشته در مقاطع مختلف تا دکترا همواره با عنوان شاگرد اولی فارغ التحصیل می شود و رساله اش را در سال???? باعنوان «وصیت» به پایان می رساند.

خاطرات و وقایع تحصیل : امیر ناصر کاتوزیان از خاطرات دوران تحصیل چنین به یاد دارد": من لازم میدانم از معلم عارف خودم مرحوم میرافضلی که به مثنوی بسیار علاقه داشت و درس عربی را به صورت تجزیه و ترکیب نهج البلاغه برای ما میگفت، یاد کنم. ایشان وقتی وارد کلاس میشد دو بیت از مثنوی را با صدای شکسته و لرزان میخواند و بچه ها بی نهایت برای این پیرمرد احترام قائل بودند و مطلقا در کلاسش لودگی و شیطنت نمیکردند. بی گمان اولین جرقه های عرفان و فلسفه توسط ایشان در ذهن و ضمیر من روشن شد. مرحوم میرافضلی قطعه ای از نهج البلاغه را سر کلاس مینوشت و بعد آن را معنی و تجزیه و ترکیب میکرد و صرف و نحو را به این طریق به ما می اموخت ".پدرم اصرار داشت که من وارد دانشکده حقوق شوم و رشته علوم سیاسی بخوانم و در وزارت خارجه مشغول به کارشوم. من هم بر اثر همین تمایل او وارد دانشکده حقوق شدم، اما دانشجوی سال دوم بودم که، متاسفانه، پدرم فوت کرد. آن روزها در وزارت خارجه کسانی را که آشنا یا قوم و خویشی در آنجا داشتند می پذیرفتند و غالبا ورود افراد متفرقه ـ حالا هر چه قدر هم که لیاقت و شایستگی داشته باشند ـ دشوار بود. از همینرو، تصمیم گرفتم که به رشته قضایی بروم. در رشته قضایی چون مغزم به ریاضیات و استدلال بیشتر توجه داشت تا به مسائلی که میباید "حفظ میشد"، توفیق بیشتری پیداکردم و در دانشکده حقوق دوباره صاحب رتبه اول شدم. در همین زمان قرار شد که محصلین برتر ایرانی را برای ادامه تحصیل به خارج بفرستند). ???? (در آن دوران، مرحوم دکترمصدق به عنوان نخست وزیری بسیار محبوب که در دل غالب مردم و عمدتا جوان ها جای خاصی داشت، بر سر کار بود و شاه هم با مصدق سر ستیز داشت. روزی که قرار بود شاه به من مدال درجه یک علمی بدهد، به عنوان اعتراض به رفتار شاه نسبت به مصدق، در آن جلسه اهدای مدال حاضر نشدم، و همین باعث شد که بورس تحصیلی را حذف نمایند و من از تحصیل در خارج محروم شوم. در دوره لیسانس، کشش فوق العاده ای به فرهنگ اسلامی پیدا کردم، به طوری که ورقه امتحانی اصول مرا که مرحوم استاد محمود شهابی ملاحظه کرد، از این که دانشجویی از تمام کتب فقها و اصولیین شاهد و مثال می اورد و ادله و براهین برای اثبات موضوع ذکر میکند، بسیار متعجب شد. پس از آن، ورقه مرا مهر و موم کردند و گفتند که آن را به قم می فرستیم تا آقایان مراجع و طلاب ببینند که ما در دانشکده حقوق چه جور دانشجویانی داریم.

فعالیتهای ضمن تحصیل : فعالیت های ضمن تحصیل دکتر کاتوزیان بزبان خودش ":در دوران تحصیل در دبیرستان هم رئیس انجمن ورزش بودم و هم رئیس انجمن موسیقی. آن سال در رشته ادبی نیز شاگرد اول شدم و مدال درجه دوم علمی را به همین مناسبت به من دادند). ???? (البته باید بگویم که در موسیقی، من ساز به خصوصی نمیزدم، اما به ردیف های ایرانی تسلط داشتم و آنها را میشناختم. اما برخی از همکلاسی های من هم اکنون در موسیقی اشخاص سرشناسی هستند: مثلا مهندس همایون خرم عضو انجمنی بود که من سرپرست آن بودم و ایرج در آنجا خواننده، و ناصر ملکمطیعی کاراکتر، و دکتر بهمن نیاکان نوازنده ویلن هم عضو این انجمن بود. در مجموع در دبیرستان علمیه فعالیتهای خارج از برنامه باعث جلب توجه معلمین و مدیر مدرسه میشد. از همین رو اصرار کردند که من در همان دبیرستان بمانم و رشته ادبی بخوانم".

استادان و مربیان : اساتید امیر ناصر کاتوزیان به قرار زیر است که وی از آنها چنین یاد می کند: استاد محمد سنگلجی" ایشان به نوعی هم ذوق فقهی را در من بیدار نمودند و هم ذوق عرفانی را. من هم در درسهای مثنوی و هم در دیگر درسهای ایشان در خارج از کلاس حاضر میشدم و استفاده میکردم. به ویژه منش عرفانی و بی پیرایه ای که ایشان داشت در من ذوقی اخلاقی ایجاد کرد،"مرحوم دکتر سیدحسن امامی"دیگر استادی بود که بسیار بر من تاثیر گذاشت. بلند نظری و دیده باز ایشان از جمله صفات پسندیده ای بود که بسیار به چشم می امد و جلب نظرمیکرد. دکتر امامی قانون مدنی را از روی کتاب منصور السلطنه عدل میخواند و برای ما توضیح میداد و مطالبی را نیزخودش بر مواد آن کتاب اضافه میکرد و به ما درس میگفت،"استاد عمید و مرحوم استاد شهابی " ایشان به واقع "مجسمه تقوا و علم" برای من بود.

هم دوره ای ها و همکاران : مهندس همایون ، ناصر ملکمطیعی کاراکتر و دکتر بهمن نیاکان از همدوره ایهای امیر ناصر کاتوزیان بوده اند.

همسر و فرزندان : امیر ناصر کاتوزیان در سال ???? در سن?? سالگی ازدواج می کند که حاصل آن دو فرزند پسر است که یکی از آنها دکترای روانشناسی بالینی دارد و در حال حاضر مقیم آمریکا است و دیگری مهندس الکترونیک است و در همان دیار زندگی می کند.

وقایع میانسالی : امیر ناصر کاتوزیان بعد از انقلاب فرهنگی و در جریان پاکسازی دانشگاهها به انفصال ابد از خدمات دولتی محکوم شد. مدت یازده سال او به تحقیق مشغول بود تا این که در سال ۱۳۷۰ رأی پاکسازی شکسته شد و به این ترتیب استاد را به دانشکده حقوق برگرداندند. دکتر کاتوزیان از جمله نویسندگان نخستین پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی است .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : خدمات علمی و اجرایی امیر ناصر کاتوزیان •: ۱۳۴۵ –۱۳۷۹ ,رئیس دادگاه بخش و شهرستان و مشاور دادگاه استان و معاون اداره حقوقی,کانون وکلای دادگستری • ۱۳۳۱ –۱۳۴۳ ,رئیس دادگاه بخش و شهرستان و مشاور دادگاه استان و معاون اداره حقوقی,دادگستری • ۱۳۵۴ مدیر گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشگاه تهران • ۱۳۳۴ ریاست دادگاه بخش اراک • ۱۳۴۳ استادیار حقوق مدنی در دانشگاه تهران • ۱۳۵۱ استاد گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشگاه تهران

فعالیتهای آموزشی : عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط دکتر کاتوزیان: کارشناسی • فلسفه حقوق کارشناسی ارشد • حقوق مدنی ۱ • مسئولیت مدنی دکتری • حقوق مدنی پیشرفته ۱ • حقوق مدنی پیشرفته ۲ • مسئولیت مدنی تطبیقی

آرا و گرایشهای خاص : امیر ناصر کاتوزیان معتقد است ":انسان اندیشمند در برابر این پرسش که از کجا آمده و به کجا میرود و قانون حرکت او چیست، درمانده. در جستجوی وطن مالوف به هر تلاش دست میزند و کمتر به معلوم میرسد. جهان مادی را مسخر کرده است و بر بام آسمان نشسته، ولی راز آفرینش را دور از دسترس خود میبیند و هر زمان که پا از دایره محسوس بیرون مینهد، عقل را ناتوان و پای استدلال را چوبین میابد. فلسفه تاریخ نیز با همه گیرایی راه به جایی نبرد، و جز مشتی فرض و ظن و قرینه ارمغانی نیاورد. خردگرایان گره ای نگشودند و آخرین دیالکتیک این شد که هستی همچنان که از مطلق آغاز شده به مطلق نیز میرسد، و در دایره ای سر به مهر در حرکت است. نومیدی از علم، انسان را به عرفان کشاند، به این سودا که در آینه صافی دل حقیقت را ببیند"

جوائز و نشانها : مدالها و نشانهای علمی دکتر امیر ناصر کاتوزیان به قرار زیر است: – نشان درجه دو فرهنگ ،بمناسبت احراز رتبه نخست در امتحانات نهایی رشته ادبی سال ششم دبیرستان –۱۳۲۸ – نشان درجه یک فرهنگ بمناسبت شاگرد اولی در رشته قضایی دانشکده حقوق دانشگاه تهران–۱۳۳۲ –دریافت لوح تقدیر از کانون وکلای دادگستر مرکز –۱۳۸۳ – دریافت لوح تقدیر به مناسبت تالیف جلد چهارم عقود معین ،کتاب سال جمهوری اسلامی از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی –دریافت لوح تقدیر به مناسبت تالیف حقوق مدنی (عقود معین ج۳) ،به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دوره چهارم انتخاب کتاب سال – دریافت لوح تقدیر به مناسبت تالیف کتاب"حقوق مدنی: نظریه عمومی تعهدات، "به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال –دریافت لوح تقدیر به مناسبت تالیف کتاب" نظریه عمومی تعهدات "به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران –۱۳۸۲ –دریافت لوح تقدیر وزارت ارشاد اسلامی به مناسبت تالیف سه جلد فلسفه حقوق – دریافت نشان درجه یک دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۱–۱۳۸۲ – استاد برگزیده نماد آموزشی عالی کشور در سال ۱۳۸۱–۱۳۸۲ – استاد برگزیده دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۱ – نشان درجه یک دانش بمناسبت مجموع تحقیقات و خدمات علمی در سال۱۳۸۲ –دریافت لوح تقدیر از انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در سال ۱۳۸۳ – دریافت لوح سپاس و تقدیر دانشکده حقوق و علوم دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۳ – دریافت لوح تقدیر ازدادگستری بیرجند با عنوان سرباز عدالت در سال ۱۳۸۴ – دریافت لوح تقدیر از دانشگاه آزاد اسلامی دامغان در سال ۱۳۷۸ – دریافت لوح تقدیر ازدانشگاه آزاد اسلامی مشهد و دانشگاه و دانشگاه فردوسی مشهد –دریافت لوح تقدیر از شعبه مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی تهران – دریافت لوح تقدیر از دانشجویان دانشکده حقوق شهید بهشتی – دریافت لوح تقدیر از دانشگاه مفید در سال ۱۳۷۰ – دریافت لوح تقدیر انجمن دانش آموختگان نابینایان کشور در سال ۱۳۸۳ – تقدیر مشترک رئیس دانشگاه تهران و رئیس پردیس قم ۱۳۸۲ – دریافت لوح تقدیر از دانشجویان دوره دکتری دانشکده حقوق در سالدریافت ۱۳۸۴ – لوح تقدیر ازرئیس دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۸۲ – دریافت لوح تقدیراز دانشگاه علامه طباطبائی ۱۳۸۴

چگونگی عرضه آثار : از دکتر کاتوزیان مقالات متعددی در دو جلد کتاب تحت عنوان «گامی به سوی عدالت» به چاپ رسیده است. تعداد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی : ۱۳ مقاله تعداد مقالات ارائه شده در همایشها : ۴ مقاله ––––––––––––––––
––

آثار :

۱ ... گویاتر از گفتارها، مجموعه مقدمه ها، پیش گفتارها و سرآغازها

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیانناشر: دانشگاه تهران – ۱۳۸۳

۲ اثبات و دلیل اثبات: شهادت، اماره، سوگند و اصول علمی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: میزان – ۳۰ اردیبهشت، ۱۳۸۵

۳ اثبات و دلیل اثبات: قواعد عمومی اثبات – اقرار و سند

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: میزان – ۳۰ اردیبهشت، ۱۳۸۵

۴ از کجا آمده ام، آمدنم بهر چه بود؟: زندگی من

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: شرکت سهامی انتشار – ۱۶ تیر، ۱۳۸۶

۵ اعتبار امر قضاوت شده در دعوای مدنی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: میزان – ۱۳۸۳

۶ تحولات حقوق خصوصی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: دانشگاه تهران – ۱۳۸۱

۷ توجیه و نقد رویه قضایی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: میزان – ۲۱خرداد، ۱۳۸۶

۸ حقوق مدنی (عقود معین: ج ۳)

ویژگی اثر : دکتر ناصر کاتوزیان . (استاد سابق دانشکده حقوق دانشگاه تهران) تهران: بهنشر، ۱۳۶۴، وزیری، ۶۴۷ ص–این کتاب در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است–ویژگی عقود معین آن است که از ارتباط و نظم خاصی برخوردار بوده و باید کوشید این نظم و اصول را دریافت و استخراج کرد و برای کمک به تفسیر هماهنگ و درست قانون، عقودی را که جوهر مشترک دارد در کنار هم و ذیل اصول حاکم بر آنها قرار دارد. تلاش نویسند ?کتاب در این راستا بوده و برای نیل بدین مهم، عقودی را که در کتاب آمده است در دو دفتر جداگانه مطرح می کند: ۱– دفتر نخست به عاریه، ودیعه و وکالت اختصاص یافته است که این عقود چهر «?اذنی، نیابتی، امانی» را به عنوان وصف بارز و خصیص ?مشترک دارا هستند. ۲– دفتر دوم، شامل عقودی است که به طور معمول در کتاب «دیون» می آید و ضمان، حواله، کفالت و رهن را شامل می شود.

۹ حقوق مدنی خانواده: اولاد، روابط پدر و مادر و فرزندان، نسب، همبستگی خانوادگی و حمایت از کودکان، فرزندخواندگی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: شرکت سهامی انتشار – ۲۰ آبان، ۱۳۸۵

۱۰ حقوق مدنی خانواده: نکاح و طلاق، روابط زن و شوهر

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان (گردآورنده)ناشر: شرکت سهامی انتشار – ۱۹ فروردین، ۱۳۸۵

۱۱ حقوق مدنی: الزامهای خارج از قرارداد (ضمان قهری)

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ – ۰۳ مرداد، ۱۳۸۵

۱۲ حقوق مدنی: الزامهای خارج از قرارداد (ضمان قهری): مسوولیت مدنی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: دانشگاه تهران – ۲۵ شهریور، ۱۳۸۶

۱۳ حقوق مدنی: ایقاع: نظریه عمومی – ایقاع معین

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: میزان – ۲۵خرداد، ۱۳۸۴

۱۴ حقوق مدنی: عقود اذنی – وثیقه های دینی: ودیعه، عاریه، وکالت، ضمان، حواله، کفالت، رهن

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: شرکت سهامی انتشار – ۱۵ شهریور، ۱۳۸۵

۱۵ حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها: اجرای عقد و عهدشکنی مسوولیت قراردادی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: شرکت سهامی انتشار – ۱۴ اردیبهشت، ۱۳۸۴

۱۶ حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها: انحلال قرارداد – خیارات

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان (گردآورنده)ناشر: شرکت سهامی انتشار – ۰۳ اردیبهشت، ۱۳۸۴

۱۷ حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها: انعقاد و اعتبار قرارداد، ضمانت اجرای شرایط اساسی معامله، ...

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: بهمن برنا – ۱۹ مهر، ۱۳۸۵

۱۸ حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها: مفهوم عقد – انعقاد و اعتبار قرارداد" تراضی"

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان (گردآورنده)ناشر: بهمن برنا – ۲۱ بهمن، ۱۳۸۵

۱۹ حقوق مدنی: مشارکتها – صلح – شرکت – مضاربه – مزارعه و مساقات – جعاله – گروبندی مشروع – صلح

ویژگی اثر : یدآورنده: ناصر کاتوزیان (گردآورنده)ناشر: گنج دانش – ۱۳ شهریور، ۱۳۸۶

۲۰ حقوق مدنی: معاملات معوض – عقود تکمیلی – بیع – معاوضه – اجاره – قرض

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: شرکت سهامی انتشار – ۱۶ مهر، ۱۳۸۴

۲۱ حقوق مدنی: نظریه عمومی تعهدات

ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب «حقوق مدنی: نظریه عمومی تعهدات» حقوق مدنی: نظریه عمومی تعهدات/ ناصر کاتوزیان.– تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۹ . ۶۴۷. ص. کتابنـامه: ص. [۶۴۵]–[۶۴۷]؛ همچنین به صورت زیرنویس. نظری ?تعهدات بر تمام روابط حقوقی انسانها حکومت می کند. علاوه بر مباحث حقوق مدنی، این نظریه مبنای بسیاری از مسائل مربوط به حقوق تجارت و سایر رشته های حقوق خصوصی نیز قرار می گیرد. نگاهی به مباحث حقوق عمومی، به ویژه حقوق اداری، نشان می دهد که قواعد عمومی تعهدات در زمین ?قراردادها و مسئولیت مدنی تا چه اندازه در ساختمان منطقی این رشته ها نیز اثر دارد. استخراج «نظری ?عمومی تعهد» فکری بیگانه است که به تازگی در حقوق ما نفوذ پیدا کرده است: در حقوق اسلام، عقد یا معامله و ضمان قهری عنوانهای اصلی مطالعه در باب روابط اشخاص است و از احکام تعهد (به معنی دین نه پیمان) به طور پراکنده و فرعی گفتگو می شود. قانون مدنی نیز کم و بیش همین شیوه را ادامه می دهد، با این تفاوت که، براثر تقلید از روش قانون مدنی فرانسه، اصطلاح تعهد و عقد را با هم مخلوط می کند و ارزش متعارف در این زمینه به دور می افتد. مبحث تعهدات، به عنوان آثار حاصل از عقود و پاره ای از ایقاعات، در حقوق ایران، تا قبل از اثر حاضر، موضوع تحقیق مستقلی قرار نگرفته بود. این کتاب با دیدگاهی جدید و بدیع، بحث تعهدات را مطرح می نماید و همانند سایر آثار مؤلف محترم، برآورند ?یکی از نیازهای اساسی اساتید و دانشجویان حقوق و قضات و اهل تحقیق در زمین ?حقوق مدنی است. مؤلف محترم به سبب استمرار در مطالعه و تحقیق و نیز به جهت تسلط به زبانهای انگلیسی و فرانسوی و عربی و اشراف به حقوق اروپا و آمریکا و ممالک اسلامی، از مصادر فقهی و منابع معتبر دست اول استفاده کرده است. تازگی بسیاری از مباحث این کتاب در حقوق ایران، وسعت و جامعیت طرح مطالب، به ویژه شیو ?بیان تطبیقی و مقارن آنها، شیوایی و رسایی و سبک ممتاز نویسنده و نیز وضع بحثهای تحقیقی به عنوان قرائت و تمرین به منظور افزایش دقت مخاطب از دیگر امتیازات اثر حاضر است.

۲۲ حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، آثار قرارداد در رابطه دوطرف و نسبت به اشخاص ثالث

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: بهمن برنا – ۱۳۸۳

۲۳ حقوق مدنی، مشارکتها – صلح

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: گنج دانش – ۱۳۸۳

۲۴ دوره مقدماتی حقوق مدنی: ارث

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان (تدوین)ناشر: میزان – ۰۵ شهریور، ۱۳۸۴

۲۵ دوره مقدماتی حقوق مدنی: اعمال حقوقی: قرارداد – ایقاع

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: شرکت سهامی انتشار – ۲۳ مرداد، ۱۳۸۵

۲۶ دوره مقدماتی حقوق مدنی: اموال و مالکیت

ویژگی اثر : تالیف–ناشر: میزان

۲۷ دوره مقدماتی حقوق مدنی: خانواده

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: میزان – ۱۸آذر، ۱۳۸۵

۲۸ دوره مقدماتی حقوق مدنی: درسهایی از عقود معین برای دانشجویان دوره کارشناسی: بیع. اجاره. قرض. جعالعه. شرکت. صلح

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیانن اشر: گنج دانش – ۱۳ شهریور، ۱۳۸۶

۲۹ دوره مقدماتی حقوق مدنی: درسهایی از عقود معین برای دانشجویان دوره کارشناسی: ودیعه، عاریه، وکالت، ضمان، حواله، کفالت، رهن

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: گنج دانش – ۱۳ شهریور، ۱۳۸۶

۳۰ دوره مقدماتی حقوق مدنی: وقایع حقوقی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: شرکت سهامی انتشار – ۱۱ مهر، ۱۳۸۵

۳۱ دوره مقدماتی حقوق مدنی، درسهایی از: شفعه – وصیت – ارث

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: میزان – ۰۹ آبان، ۱۳۸۶

۳۲ طرح تقویت ظرفیتهای آموزش و پژوهش حقوق بشر: حکومت قانون و جامعه مدنی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی – ۰۱ اسفند، ۱۳۸۵

۳۳ عدالت قضایی، گزیده آراء

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: میزان – ۱۳۸۳

۳۴ فلسفه حقوق: تعریف و ماهیت حقوق

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: شرکت سهامی انتشار – ۱۰ خرداد، ۱۳۸۵

۳۵ فلسفه حقوق: منابع حقوق

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: شرکت سهامی انتشار – ۲۳ مرداد، ۱۳۸۵

۳۶ فلسفه حقوق: منطق حقوق

ویژگی اثر : یدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: شرکت سهامی انتشار – ۱۸ مرداد، ۱۳۸۵

۳۷ قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی

ویژگی اثر : تالیف–ناشر: میزان

۳۸ کلیات حقوق: نظریه عمومی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: شرکت سهامی انتشار – ۱۲ بهمن، ۱۳۸۴

۳۹ مبانی حقوق عمومی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: میزان – ۱۳۸۳

۴۰ مسوولیت ناشی از عیب تولید: مطالعه انتقادی و تطبیقی در تعادل حقوق تولیدکننده و مصرف کننده

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ – ۱۵ آذر، ۱۳۸۴

۴۱ مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران

ویژگی اثر : پدیدآورنده: ناصر کاتوزیان ناشر: شرکت سهامی انتشار – ۰۷ آبان، ۱۳۸۶

کار، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۵ ش)، پزشک، استاد دانشگاه و نویسنده. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی دو سال به مدرسه‌ی آلیانس رفت و سپس وارد دارالفنون گشت. دوره مدرسه‌ی طب را در تهران گذراند و در ۱۳۱۴ ش، بعد از دو سال طبابت، برای تکمیل تحصیلات به اروپا عزیمت نمود و یک سال در برلن و سه سال در پاریس تحصیل نمود و موفق به اخذ دیپلم از دانشگاه پاریس گردید. پس از آن به ایران بازگشت و در دانشگاه تهران به سمت دانشیار بافت‌شناسی و سپس آسیب‌شناسی به تدریس پرداخت. در ۱۳۳۱ ش بار دیگر برای مطالعه به آلمان سفر کرد و مدت سه سال در قسمت آسیب شناسی و امراض داخلی در دانشگاه توبنگن مشغول کار شد. وی در ۱۳۳۴ ش به ایران بازگشت و پس از چند ماه مأمور تأسیس دانشکده‌ی پزشکی جندی شاپور در اهواز گشت. از آثار وی: «فن کالبدگشایی و آسیب شناسی ماکروسکپیک».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الذریعه (۳۱۷/ ۱۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسـی (۲۴۷۰/ ۲)، کتابنـامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۸۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۹ -۶۸۷/ ۵).

کاراپتیان، ژیرایر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ژنتیک گیاهی، دانشکده: علوم، دانشگاه: ارومیه

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسـی کشاورزی از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۴۳، کارشناسـی ارشد اگرونومی از دانشگاه کالیفرنیا در سال ۱۳۴۷ و دکترای تخصصی ژنتیک از دانشگاه کالیفرنیا در سال ۱۳۵۲.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه ارومیه از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۵۶ و دانشیار دانشگاه ارومیه از سال ۱۳۵۶ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسـی سازش با محیط نه رقم گنـدم پائیزه در شـرایط کشت آبی، مقایسه عملکرد بیست رقم گنـدم پائیزه در شـرایط دیم، تدریس دروس مبانی ژنتیک، ژنتیک، اصول اصلاح نباتات و اصلاح نباتات خصوصی در دانشگاه ارومیه، مقایسه واریته‌های سویا و گندم و گندم آبی، کارهای تحقیقاتی در ارتباط با گیاه گلرنگ در زمینه‌های متفاوتی نظیر رشد و نمو تخمک و تخمدان و همچنین مطالعه الکتروفورتیک ایزوآنزیم‌ها و نحوه وراثت آنها در گلرنگ در کشورهای استرالیا و آمریکا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اصلاح نژاد گیاهی، ژنتیک در پزشکی، راهنمای آزمایشهای ژنتیکی و سیتولوژیکی با مگس سرکه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

بررسی و مقایسه هفده واریته سویا در ارومیه، اصلاح نباتات و گیاه‌شناسی.

Determination of Fluorid in Drinking Waters of Fars Prorine Iran,

Inheritanee of Genocter Sterility in Cultivated Dofflower,

Meiotic Irregularities Caused by inreracting Sterility Genes.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کاردان، علی‌محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر علی محمـد کـاردان در سال ۱۳۰۶ در شـهر یزد به دنیـا آمـد. پس از طی دوره مقـدماتی و متوسـطه درزادگاه خود برای ادامه تحصیل به دانشسرای عالی تهران اعزام شد و به تحصیل مشغول شد. با اتمام این دوره در سال ۱۳۲۸ این دانشگاه به دلیل آنکه فارع التحصیل رتبه اول دوره خود بود بر طبق قـانون برای ادامه تحصـیل در دوره دکـتری به دانشگاه ژنو اعزام و در دانشـکده ادبیـات و موسـسه علوم تربیتی آن ، معروف به موسـسه ژان ژاک روسو مشـغول تحصـیل شـد. وی پس از اخـذ دکترای علوم تربیتی ، در سال ۱۳۳۶ به ایران بـازگشت و به امر تـدریس در دانشـگاه تهران روی آورد . وی به موازات تـدریس و تحقیق ، از همـان آغـاز کار در مـدیریت امور دانشـگاه نیز شـرکت فعال داشت. از جمله تا سال ۱۳۴۱ مـدیریت دروس موسـسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی و از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۸ ریـاست اداره کـل آموزش دانشگاه تهران و از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۶ ریاست دانشـکده علوم تربیتی دانشـگاه را عهـده دار بود. پس از انقلاب نیز افزون بر تـدریس در دوره های مختلف کارشناسـی و کارشناسـی ارشد و دکتری از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۶ سرپرستی موسسه روانشناسی دانشگاه تهران را به عهده داشت.دکتر کاردان در سال ۱۳۶۹ از سوی شورای انقلاب فرهنگی به عضـویت پیوســته فرهنگســتان علـوم جمهـوری اســلامی برگزیـده شـد و ســرانجام در مهر مـاه ۱۳۷۹ بـه افتخـار بازنشسـتگی نـائل گردیـد.ایشان برگزیده همایش طرح سپاس درسال ۸۵ در فرهنگسرای ابن سینا می باشـند.گروه : علوم انسانی رشته : علوم تربیتی گرایش : فلسـفه علوم تربیتی اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر علیمحمد کاردان به کار ابریشم بافی اشتغال داشت و در ضمن او را با ادبیات و عرفان الفتی بود و نامش در تذکره شعرای معاصر یزد آمده است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی محمد کاردان

دوره ابتدایی را در دبیرستان سعدی و دوره متوسطه را در دبیرستان ایرانشهر و دانشسرای مقدماتی زادگاه خود گذراند و چون با رتبه اول فارغ التحصیل شد ، بنا بر مقررات آن زمان برای ادامه تحصیل به دانشسرای عالی تهران اعزام شد و پس از گذراندن « کلاس مخصوص » در دوره لیسانس دبیری فلسفه و علوم تربیتی دانشسرای عالی تهران به تحصیل مشغول شد. بدین ترتیب در سال ۱۳۲۸ به دلیل کسب رتبه اول فارغ التحصیلی ، خود بود بر طبق قانون برای ادامه تحصیل در دوره دکتری به دانشگاه ژنو اعزام و در دانشکده ادبیات و موسسه علوم تربیتی این دانشگاه ، معروف به موسسه ژان ژاک روسو مشغول تحصیل شد.سرانجام در سال ۱۳۳۶ به اخذ درجه دکتری فلسفه علوم تربیتی از دانشکده ادبیات دانشگاه ژنو نایل شد.استادان و مربیان : علیمحمد کاردان وی در طول تحصیل در دانشسرای عالی، زبان فارسی را نزد بزرگانی چون دکتر معین، دکتر پرویز ناتل خانلری و بدیع‌الزمان فروزانفر، زبان عربی را در محضر آیت‌الله مهدی الهی قمشه‌ای، فلسفه قدیم را نزد آیت‌الله محمد حسین فاضل تونی، فلسفه جدید را در محضر دکتر یحیی مهدوی، دکتر رضازاده شفق و دکتر غلامحسین صدیقی گذراند. در روان‌شناسی از محضر دکتر علی‌اکبر سیاسی و در جامعه‌شناسی از محضر دکتر غلامحسین صدیقی فیض برد. درسهای علوم تربیتی را نزد دکتر محمدباقر هوشیار، دکتر عیسی صدیقی و دکتر اسدالله بیژن و فیزیولوژی اعصاب را نزد دکتر عبدالله شیبانی تلمّذ کرد. وی فلسفه را نزد استادانی چون شارل ورنر(Ch. Werner) (مؤلف تاریخ فلسفه یونان)، روان‌شناسی را نزد روان‌شناس و معرفت‌شناس مشهور ژان پیاژه (Jean Piaget) و تعلیم و تربیت را نیز نزد استادانی مانند روبر دوترانس (Robert Dottrens) آموخت.زمان و علت فوت : علی محمد کاردان استاد ممتاز دانشگاه تهران پنجشنبه شب در سن ۸۰ سالگی درگذشت. به گزارش ایسنا، دکتر کاردان از چهره های ماندگار رشته تعلیم و تربیت بود که بر اثر بیماری سرطان دار فانی را وداع گفت. مراسم تشییع پیکر دکتر «علی محمد کاردان» صبح روز سهشنبه ۱۱ دی ماه از مقابل مسجد دانشگاه تهران برگزار می شود.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علیمحمد کاردان به موازات فعالیت آموزشی و پژوهشی ، از همان آغاز کار در مدیریت امور دانشگاه نیز شرکت فعال داشت. از جمله تا سال ۱۳۴۱ مدیریت دروس موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی و از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۸ ریاست اداره کل آموزش دانشگاه تهران و از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۶ ریاست دانشکده علوم تربیتی دانشگاه را عهده دار بود. پس از انقلاب نیز افزون بر تدریس در دوره های مختلف کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۶ سرپرستی موسسه روانشناسی دانشگاه تهران را به عهده داشت. دکتر کاردان در سال ۱۳۶۹ از سوی شورای انقلاب فرهنگی به عضویت پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی برگزیده شد و سرانجام در مهر ماه ۱۳۷۹ به افتخار بازنشستگی نائل گردید.فعالیتهای آموزشی : دکتر کاردان پس از اخذ درجه دکتری به رغم اینکه از سوی پروفسور پیاژه برای دستیاری در «مرکز معرفت‌شناسی تکوینی» به کار دعوت شد، به سائقه وظیفه‌شناسی، بی‌درنگ به وطن بازگشت. پس از شرکت در آزمونی از سوی دانشگاه تهران برای انتخاب به عنوان دانشیار کرسی اصول آموزش و پرورش و جانشینی استاد فقید دکتر هوشیار– که در تابستان ۱۳۳۶ از دنیا رفته بود – و پذیرفته شدن در آن آزمون به خدمت در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران مشغول شد .و تدریس درسهایی مانند اصول آموزش و پرورش و تاریخ آموزش و پرورش را به عهده گرفت.با تأسیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در دانشگاه تهران (۱۳۳۷ ـ ۱۳۳۸) و ایجاد دوره لیسانس و فوق‌لیسانس علوم اجتماعی از وی برای تحقیق و تدریس در این مؤسسه نیز دعوت شد. لذا تا سال ۱۳۴۵ به تدریس روان‌شناسی اجتماعی و روش تحقیق در علوم اجتماعی پرداخت؛ همچنین به ترجمه کتابهای مهمی در روان‌شناسی اجتماعی و مردم‌شناسی و روش تحقیق در زمینه‌های فوق توفیق یافت. دکتر کاردان علاوه بر تدریس در دوره‌های مختلف کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاههای تهران و تربیت مدرس، از ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۶ سرپرستی مؤسسه روان‌شناسی دانشگاه تهران را عهده دار بود. دکتر کاردان سالها در شورای دانشگاه تهران و هیئت ممیزه علمی آن و نیز هیئت ممیزه مرکزی عضویت داشته و فعالیت کرده است. وی همچنین از نخستین صاحبنظرانی است که در سازماندهی متمرکز و جدید آزمون ورودی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور از سال ۱۳۴۲ نقش ویژه‌ای داشته استمراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : گسترش رشته های مختلف علوم تربیتی در سطح کارشناسی ارشد و تاسیس نخستین دوره دکتری علوم تربیتی در سال ۱۳۵۳ از جمله اقدامات ماندگار دکتر کاردان به شمار می آید . و بنیانگذار رشته روانشناسی و علوم تربیتی در دانشگاه تهران بود.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علیمحمد کاردان از نخستین استادانی است که از سال ۱۳۴۲ مسابقه ورودی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی کشور را به صورت متمرکز و با روش جدید سازمان داده و اجرا نمود. دکتر کاردان از سال ۱۳۶۱ تاکنون مدیریت گروه علوم تربیتی سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی (سمت) وابسته به وزارت علوم ، تحقیقات و فن آوری را به عهده داشته است. وی سال ها در شورای دانشگاه تهران و هیات علمی ممیزه ، ونیز هیات ممیزه مرکزی عضویت داشته و فعالیت کرده است. هم اکنون نیز عضو شورای دوره دکتری دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران و کمیته ارتقا این دانشکده است. دکتر کاردان در دوره چهل و پنج ساله خدمت خود علاوه بر تدریس و تحقیق به نوشتن مقالات و تالیف و ترجمه کتاب های مهمی در زمینه علوم تربیتی ، روانشناسی ، جامعه شناسی و علوم انسانی پرداخته است. وی افزون بر حدود صد مقاله و ده ها سخنرانی ، و موفق به انتشار ۲۶ اثر (۴ تالیف و ۲۲ ترجمه) شده است. دکتر کاردان در حال حاضر در انجمن جامعه شناسی ایران ، انجمن ایرانی تعلیم و تربیت ، انجمن بین اللملی تعلیم و تربیت ، انجمن بین اللملی جامعه شناسان فرانسوی زبان و انجمن پژوهش آموزشی عضویت دارد. همچنین در هیات تحریریه مجله دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشکده تهران ، مجله دانشکده علوم اجتماعی و علوم تربیتی دانشگاه تهران فصل نامه تعلیم و تربیت ، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران و مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز عضویت فعال داشته و ضمناً سمت سردبیری مجله پژوهش در تعلیم و تربیت را عهده دار می باشد.جوائز و نشانها : – نشان (مدال) فرهنگ (۱۳۲۹) به دلیل احراز رتبه اول در دوره لیسانس فلسفه و علوم تربیتی از سوی وزارت فرهنگ وقت. – نشان (مدال) سپاس (۱۳۵۳) به مناسبت داشتن خدمات شایان در مقام ریاست دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران از سوی شواری عالی فرهنگ (آموزش و پرورش). – تجلیل از ایشان به عنوان استاد ممتاز دانشگاه تهران. – نکوداشت شخصیت علمی و آثار ایشان از سوی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. – از میان تالیفات ایشان تاریخ روانشناسی در سال ۱۳۶۸ به عنوان کتاب سال برگزیده شد و ترجمه کتاب جامعه شناسی و تربیت در سال

۱۳۸۰ از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شایسته دریافت لوح تقدیر گردید. - پژوهشگر نمونه فرهنگستان علوم در سال ۱۳۸۱. - نام ایشان در سومین همایش چهره های ماندگار در سال ۱۳۸۲ به عنوان یکی از چهره های ماندگار کشور در رشته روانشناسی و علوم تربیتی به ثبت رسیده است. - لوح تقدیر از سازمان «سمت» به امضای رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام آقای هاشمی رفسنجانی به مناسبت برگزیده شدن به عنوان مدیر نمونه گروه پژوهشی علوم تربیتی. آثار : ۱ L'Organisation Scolaire en Iran, Histoire et Perspective; Thèse de Doctorat, Faculté des Lettres, Université de Genéve, Imprimerie Reggioni et Jaccoud, ۱۹۵۷ ویژگی اثر : تالیف۲ آراء و نظریه‌ها در علوم انسانی ویژگی اثر : ترجمه،ژولین فروند، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۶۲، چاپ دوم، ۱۳۷۲. ۳ اصول راهنمایی در آموزش و پرورش ویژگی اثر : ترجمه، نوشته رژه‌گال، انتشارات وزارت فرهنگ، ۱۳۳۹.۴ اصول راهنمایی در آموزش و پرورش همراه با طرح ویژگی اثر : ترجمه، لانژون ـ والون، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۱. ۵ اصول روش آزمایشی بخشی از «مقدمه بر مطالعه طب آزمایشی» ویژگی اثر : ترجمه، کلود برنار، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۷. ۶ تاریخ روان‌شناسی ویژگی اثر : ترجمه،مولر، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۷ـ ۱۳۶۸.۷ تالیف کتاب تاریخ روانشناسی ویژگی اثر : درسال ۱۳۶۸ به عنوان کتاب برگزیده سال۸ ترجمه کتاب جامعه شناسی و تربیت ویژگی اثر : در سال ۱۳۸۰ از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شایسته دریافت لوح تقدیر۹ درآمدی بر جامعه‌شناسی اسلامی ویژگی اثر : دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و چاپ سلمان فارسی، ۱۳۶۳؛ (بخش «طبیعت آدمی»، ص ۲۹۱–۳۰۷).۱۰ روان‌شناسی اجتماعی ویژگی اثر : ترجمه، ژان مزون نوو، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۴۳۱۱ روان‌شناسی اجتماعی ویژگی اثر : ترجمه، اتوکلاین برگ، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۳. ۱۲ روان‌شناسی اجتماعی ویژگی اثر : ترجمه، ژان استوتزل، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۱. ۱۳ روان‌شناسی و دانش آموزش و پرورش ویژگی اثر : ترجمه،ژان پیاژه، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۱.۱۴ روش مردم‌شناسی ویژگی اثر : ترجمه، پیربس؛ انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۴۴. ۱۵ سیر آراء تربیتی در غرب ویژگی اثر : سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۰۱۶ سیطره کمیت و علایم آخر زمان ویژگی اثر : ترجمه،رنه گنون، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۲. ۱۷ طرح اصلاح فرهنگ فرانسه ویژگی اثر : ترجمه، پل لانژون و هانری والون، انتشارات وزارت فرهنگ، ۱۳۳۷۱۸ طرح روان‌شناسی طبقات اجتماعی ویژگی اثر : ترجمه، هالبواکس، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۴۰، برگزیده سال ۱۳۴۰ (انجمن کتاب)، چاپ سوم، ۱۳۷۱.۱۹ علوم تربیتی، ماهیت و قلمرو آن ویژگی اثر : تالیف–سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۳؛ (مقدمه و فصل دوم؛ این کتاب زیر نظر استاد دکتر کاردان و با همکاری گروهی از استادان علوم تربیتی تألیف و منتشر شده است.۲۰ فلسفه تعلیم و تربیت (جلد اول) ویژگی اثر : تالیف–دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۲؛ تاریخچه تعلیم و تربیت، بخش اول، ص ۶۰–۱۱۰؛ تعلیم و تربیت از دیدگاه افلاطون، بخش دوم، فصل اول، ص ۱۶۷–۱۷۳؛ تعلیم و تربیت از دیدگاه ارسطو، بخش دوم، فصل اول، ص ۱۷۳–۱۷۸؛ تعلیم و تربیت از دیدگاه ژان ژاک روسو، بخش دوم، فصل اول، ص ۲۰۹–۲۱۵؛ تعلیم و تربیت از دیدگاه امیل دورکیم، بخش دوم، فصل اول، ص ۲۲۳–۲۲۶؛ طبیعت از دیدگاه علوم روانی، بخش سوم، فصل اول، ص ۳۸۱–۳۸۸؛ طبیعت از دیدگاه علوم اجتماعی، بخش سوم، فصل اول، ص ۳۸۸–۳۹۷.۲۱ قواعد روش جامعه‌شناسی ویژگی اثر : ترجمه، امیل دورکیم، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم،۱۳۶۲. ۲۲ مراحل تربیت ویژگی اثر : ترجمه، موریس دبس، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نهم، ۱۳۷۰.۲۳ مسائل روان‌شناسی جمعی و روان‌شناسی اجتماعی ویژگی اثر : ترجمه، ژرژ گورویچ و دیگران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه، چاپ دوم، ۱۳۷۱. ۲۴ معنی و حدود علوم تربیتی ویژگی اثر : ترجمه،میالاره، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵.۲۵ وضع و شرایط روح علمی ویژگی اثر : ترجمه، ژان فوراسیته، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۱

کاردن سلمانی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا کاردان سلمانی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب رضا کاردان سلمانی در سال ۱۳۱۹ در مشهد مقدس به دنیا آمدم. برخی از کتب ادبیات عرب را در مشهد نزد استاد معروف مرحوم «ادیب نیشابوری (ره)» خواندم و حدود سال ۱۳۴۰ به حوزه علمیه قم وارد شدم و کتاب شرح لمعه را نزد استاد مرحوم آقای «ستوده (ره)» و مکاسب را از استاد آقای «خزعلی» و رسائل را از استاد آقایان «نوری و اعتمادی» و کفایه را از آقایان «سلطانی و فاضل لنکرانی» بهره گرفتم و نزدیک یک دوره درس خارج اصول مرحوم «حاج شیخ هاشم آملی (ره)» شرکت کردم و درس خارج فقه «آیهٔ الله گلپایگانی» و «حضرت امام» (قدس سرهما) و بیش از یک دوره خارج اصول «آیهٔ الله وحید خراسانی» و خارج فقه مکاسب ایشان نیز شرکت کردم.

کارکیا لاهیجی، حسام‌الدین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، عالم دینی، حکیم و شاعر. از آثارش: «التوضیحات»، در حکمت و عرفان، که در ۱۰۵۲ ق تألیف نموده و بعضی از اشعار خود را در آن ذکر کرده است؛ «المسالک»، در یک مقدمه، چهار مقاله و نه مسلک؛ شرح بعضی ابیات ناصر خسرو؛ رساله‌ی «نفس» و مراتب آن، سلوک در دوازده مرحله؛ شرح رساله «الشرقیهٔ» سهروردی؛ شرح عبارتی از «تلویحات»، که در ۱۰۷۹ ق تألیف نموده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۴۲/ ۲۶)، طبقات اعلام الشیعه (۱۳۴/ ۱۱)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۱۳۸۴ ،۸۵۵/ ۲)، نامها و نامدارهای گیلان (۱۳۸).

کازرونی ابواسحاق، ابراهیم

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۲۶ -۳۵۲ ق)، عارف و شاعر. مشهور به شیخ مرشد. مؤسس سلسله‌ی کازرونیه. در نُورد کازرون متولد شد. پدر و مادر وی از زرتشتیانی بودند که پیش از ولادت او اسلام آورده بودند. ابراهیم پس از تحصیل مقدمات علوم و مصاحبت با برخی از مشایخ فارس بر آن شد که طریقت یکی از سه شیخ پرآوازه‌ی آن عصر را برگزیند، عاقبت به طریقت ابن‌خفیف روی آورد و از حسین اکار، مرید ابن‌خفیف خرقه گرفت. وی پیش از آنکه به شیراز برود در کازرون شهرت و اعتباری یافت. سفر او به شیراز در واقع به خواهش مریدان بود. روایت مسلمان شدن ۲۴۰۰۰ نفر از مردم آن شهر به دست او اگرچه اغراق‌آمیز می‌نماید، اما حاکی از محبوبیت وی در میان پیروان ادیان دیگر است. در ۳۸۸ ق به سفر حج رفت و از دانشمندان بصره و مدینه و مکه استماع حدیث کرد. ابواسحاق در پی بیماری سختی که چهارماه ادامه یافت درنورد کازرون درگذشت.[۱]

شیخ ابواسحاق ابراهیم بن شهریار کازرونی متولد ۳۵۲ و متوفی ۴۲۶ معروف به شیخ مرشد از اکابر عرفاء و محققین شافعی مذهب قرن چهارم و پنجم هجرتست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۴۹۲)، بزرگان شیراز (۱۹۲ -۱۹۱)، تاریخ گزیده (۶۵۹)، تذکرهٔ الاولیاء (۳۰۴ -۲۹۱ /۲)، جستجو در تصوف (۲۱۹ -۲۱۷)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۸۷ -۸۰ /۱)، دایرةالمعارف فارسی (۱۵۲۴ /۲)، ریحانه (۱۰ -۹ /۷)، سفرنامه‌ی ابن‌بطوطه (۲۶۸ -۲۶۷ /۱)، شیرازنامه (۱۳۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۴۳۸ -۱۴۳۲ /۲)، فردوس المرشدیهٔ فی اسرار الصمدیهٔ (در احوال شیخ مرشد)، لغت‌نامه (ذیل/ کازرونی)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۴۲۴)، نفحات الانس (۲۶۱ -۲۶۰).

کازرونی ابوالعباس، احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالعباس احمد بن منصور بن احمد بن عبداللّه شافعی کازرونی از دانشمندان قرن ششم هجری است در ۵۱۶ تولد یافته و در ۵۷۸ وفات نموده از آثار او کتاب (معجم الشیوخ) در هفت جلد می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کازرونی فارسی، ابوعمر عبدالواحد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۱۰ -۳۱۸ ق)، فقیه و محدث. مشهور به ابن‌مهدی، مسند زمان خود بود. از قاضی ابوعبداللّه حسین محاملی و ابوالعباس بن عقده و محمد بن احمد بن یعقوب بن شیبه و محمد بن مخلد عطار و حسین بن یحیی بن عیاش قطان و محمد بن اسماعیل فارسی و اسماعیل بن محمد صفار و محمد بن عمرو رزاز و ابوعمر بن سماک حدیث شنید. خطیب بغدادی و هبهٔ اللّه بن حسین بزاز و یوسف بن محمد مهروانی و خطیب انباری و ابوالحسن داوودی و عبدالرحمان بن ابوبکر طبری و بزرگ معتزلیان ابویوسف عبدالسلام بن محمد قزوینی مفسر از وی روایت کرده‌اند. ذهبی قسمت‌های عمده‌ای از «المحاملیات» قاضی محاملی را به دست آورده بود که از ابوعمر کازرونی که از آخرین اصحاب محاملی است نقل شده بود. در بغداد درگذشت و در گورستان باب

الحرب آنجا دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (۱۴ -۱۳/ ۱۱)، سیر النبلاء (۲۲۲ -۲۲۱/ ۱۷)، شذرات الذهب (۱۹۲/ ۳)، العبر (۲۱۸/ ۲)، النجوم الزاهرهٔ (۲۴۶ -۲۴۵/ ۴).

کازرونی نیمسار، جهانگیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: میکروبیولوژی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کازرونی، ابواسحاق ابراهیم

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، عالم دینی. گفته‌اند که وی عموی فیروزآبادی (۸۱۷/ ۸۱۶ -۷۲۹ ق)، صاحب «قاموس»، بود. از آثار وی: «شفاء الاسقام فی سیرهٔ غوث الانام (الرفاعی)»؛ «المیزاب فی نسب سید الاقطاب»؛ «البرهان المؤید فی مناقب الامام الرفاعی احمد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۶۱۱، ۵۰/ ۲، ۱۸۰/ ۱)، معجم المؤلفین (۸۲/ ۱)، هدیهٔ العارفین (۱۹/ ۱).

کازرونی، ابوالسعود محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۵۸ -۹۸۰ ق)، فقیه شافعی. پیشوای شافعیان مدینه بود. از آثار وی: «التذکرهٔ الکازرونیهٔ»، که هر چیز غریب و نادر را در آن جمع کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۲۷۶/ ۱)، معجم المؤلفین (۹۸/ ۱۲، ۲۱۸/ ۴)، هدیهٔ العارفین (۲۸۴/ ۲، ۲۴۳/ ۱).

کازرونی، ابوالقاسم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مولی حکیم ابوالقاسم انصاری امامی کازرونی متخلص به (قاسم) فرزند ابوحامد از دانشمندان و شعراء قرن دهم و یازدهم هجریست. تألیف پربهائی بنام (سلم السموات) در تراجم حکماء و شعراء است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کازرونی، تاج‌الدین، ابوالبرکات محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۴۳ -۷۵۷ ق)، محدث و فقیه شافعی. معروف به حاج هراس کازرونی. اصلش از کازرون بود و در مدینه به دنیا آمد. در زادگاهش فقه آموخت و فنون حدیث را از عراقی و نحو را از جمال محمد بن شهاب شامی و تج عبدالواحد بن عمر انصاری فراگرفت و از جلال خجندی حنفی بهره برد. او به مصر و شام رفت و در محضر بهاء

ابی البقاء سبکی فقه و عربیت را تکمیل کرد و ملازم وی و سراج بلقینی شد و آن دو به او اجازه دادند تا مقام افتاء و تدریس را احراز کند. سپس فقیه مدینه گشت و قضاوت آنجا را عهده‌دار و نیز متصدی منصب افتاء و تحدیث شد. او در مدینه درگذشت. از آثارش: مختصر «المغنی» بارزی، در فروع؛ شرح «التنبیه» ابواسحاق؛ شرح «مختصر التنبیه» عیسی بجلی، در سه سفر؛ شرح بر «شرح التنبیه»؛ «تفسیر قرآن»؛ «بحر السعادهٔ»، در اخلاق و ادب، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الضوء اللامع (۹۷ -۹۶/ ۷)، کشف الظنون (۲۲۵ -۲۲۴)، معجم المؤلفین (۱۷/ ۹)، هدیهٔ العارفین (۱۹۴/ ۲).

کازرونی، صدرالاسلام

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صدرالاسلام کازرونی متوفی ۱۳۳۶ ق فرزند آیت‌اللّه حاج سید علی مجتهد کازرونی از فضلاء و ادباء عصر خود بوده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کازرونی، عبدالسلام

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ عبدالسلام ابومسلم کازرونی بن احمد متوفی ذی‌حجه ۶۲۶ ق در شیراز عالمی فقیه و شاعری نبیه بود و در رباط امینی تدریس می‌کرد ابیات ذیل از اوست.

یا من بوجوده فنائی

ما بال هواک فی التنائی

هجرانک والممات عندی

سیان و حرمهٔ الوفاء

قد امرضنی و لست ارجو

الا بوصاله دوائی

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کازرونی، محمد قلی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۳۰ ق)، شاعر. با اینکه اصل خاندانش افشاری است اما چون پدر و جدش، رضا قلی خان، و نیای او مدت‌ها حاکم کازرون بوده‌انـد به کازرونی مشـهور شده‌اند. محمد قلی خان در ابتدای سـلطنت فتحعلی شاه و حکومت حسـینعلی میرزا فرمانفرما بر فارس، متهم به خودسـری شـد که بـا عقـل و درایت، وضع را به نفع خود اصـلاح کرد و در حکومت کازرون باقی مانـد. او قطعه‌ای از امیر غیاث‌الدین دشـتکی را تضـمین کرده و جواب گفته است. به آورده‌ی «مجمع الفصحا» او غزل «یک و دو» را به خود نسبت می‌داده، در صـورتی کـه بـه گفته‌ی شـیخ آقـا بزرگ تهرانی، به نقـل از «آتشـکده‌ی یزدان»، نـاظم این غزل او هـانی یزدیه است. از آثـارش «دیوان» شعری است که به نوشته‌ی «حدیقهٔ الشعراء» امروزه اثری از آن نیست.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۵۷۹ -۱۵۷۷/ ۳)، الذریعه (۱۰۰۳/ ۹)، مجمع الفصحا (۹۴۵/ ۵).

کازرونی، محمدابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم آقـا سـید میرزا محمـدابراهیم کـازرونی از سادات باکمال در کازرون حکیمی عارف و ادیبی شاعر متخلص به (نادی) دارای دیوانی بزرگ و مثنویـات عدیـده ماننـد (گلسـتان خلیـل) و (مشـرف‌الانوار) و (مسـیح‌العشاق) و (چهـل صـباح) و غیره بوده صاحب (مجمع‌الفصحاء) وی را در ج ۲ ص ۴۹۸ کتابش ترجمه نموده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کازرونی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدباقر کازرونی عالمی فاضل از بزرگان زمان خود بوده و در حدود ۱۲۴۰ وفات نموده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کازرونی، محمدجواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اجلاء فضلاء و تلامذه مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی و اقران وی بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کازرونی، محمدیوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میر محمدیوسف کازرونی متخاص (به امیری) از ادباء و شعراء این سامانست و این رباعی نمونه‌ای از طبع اوست.

نیست ممکن که سبب کار سبب‌ساز کند

ناخن چیده کی از رشته گره باز کند

بر زمین می‌زند آن را که حوادث برداشت

مرغ با بال و پر تیرچه پرواز کند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کازرونی، منصور

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۶۰ ق)، فقیه شافعی، مفسر، محدث و متکلم. در ۸۵۸ ق مجاور مکه شد و در همان جا تا پایان عمر در حال گوشه‌گیری از مردم باقی ماند. او در مکه درگذشت. تصانیف وی را در حدود صد اثر ذکر کرده‌اند که از آن جمله: «لطائف الالطاف فی تحقیق التفسیر و نقد الکشاف»؛ شرح «الجامع الصحیح» بخاری؛ «حجهٔ السفرهٔ البررهٔ علی المبتدعهٔ الفجرهٔ»، در نقد «الفصوص» ابن عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۳۶/ ۸)، ایضاح المکنون (۴۰۳/ ۲)، شذرات الذهب (۲۹۷/ ۷)، معجم المؤلفین (۱۲ -۱۱ / ۱۳).

کازرونی، یوسف علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۰۶ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «قاموس اللغهٔ» فیروزآبادی، عناوین به قلم نیم دو دانگ نسخ سرخ و سیاه و متن به نسخ کتابت خفی متوسط، با رقم: « قد وقع الفراغ من تحریر الجزء الثانی من القاموس... نمقه العبد الراجی... یوسفعلی ابن حاجی محمد الکازرونی فی عام سادس والمائهٔ بعد الالف بن الهجرهٔ النبویه ۱۱۰۶».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۳۶/ ۴).

کاسمی ساروی تهرانی، نصرت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(توح ۱۲۸۷ ش)، استاد دانشگاه، پزشک، روزنامه‌نگار، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به نصرت. اصلش از مازندران بود و در تهران به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در دارالفنون به پایان رساند. وی بنابر ذوق و قریحه‌ی ادبی که داشت، همزمان با تحصیل علوم ادبی، به تاریخ و فلسفه پرداخت و از محضر استادانی چون شیخ خندق آبادی و شیخ یداللّه پاک‌نظر و شیخ مهدی نوری بهره‌مند شد و در همان زمان به عضویت انجمن ادبی ایران و انجمن ادبی فرهنگستان درآمد. کاسمی در ۱۳۱۴ ش از دانشکده پزشکی فارغ‌التحصیل شد و پایان‌نامه‌ی دکترای خود را در زمینه‌ی «قطع عصب سیاتیک حوصلی زنان» نوشت. پس از فراغت از تحصیل عهده‌دار مشاغل مختلفی از جمله: تدریس بیماری‌های عمومی در دانشکده‌ی دندان‌پزشکی، نمایندگی دوره‌ی سوم مجلس مؤسسان، نمایندگی مردم ساری در دوره‌ی شانزدهم مجلس شورای ملی، وزیر مشاور در دولت دکتر اقبال، دبیر کل بنیاد نیکوکاری نوریانی، سرپرست مجله «گوهر» و انجمن ادبی گوهر و صاحب امتیاز و مدیر ماهنامه‌ی «دانشکده‌ی پزشکی» بود. دکتر کاسمی در سرودن شعر توانایی خاصی داشت و قصایدش را به سبک خراسانی می‌سرود. از دیگر آثار وی: «غدد مترشحه داخلی و بیماریهای آن»؛ «راه خوشبختی»، در اخلاق و بهداشت، ترجمه؛ «آنچه باید یک پسر جوان بداند»، ترجمه؛ «آنچه باید یک دختر

جوان بداند»، ترجمه؛ «مهر مادر»، شعر؛ «امواج»، شعر؛ «سه نامه»، حاوی سه نامه ادبی و فلسفی؛ «چهار صد سال بعد از فردوسی»، در نظم بعضی از وقایع عصر امیر تیمور گورکانی؛ «داستان یوسف»، مثنوی به سبک «حدیقه» سنایی؛ «دائرهٔ المعارف پزشکی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات نوین (۱۴۷)، الذریعه (۲۶۵/ ۱۲ ،۶۳ -۶۲/ ۱۰ ،۳۱۳/ ۵)، روزشمار تاریخ (۱۱۱ ،۸۴/ ۲ ،۳۱۱/ ۱)، زندگینامه مشاهیر رجال پزشکی (۸۳ -۳۱/ ۱)، سخنوران نامی معاصر (۲۹۱۹ -۲۹۱۴/ ۵)، شرح حال رجال معاصر مازندران (۱۳۴ -۱۳۰/ ۲)، صدف (۵۵۲ -۵۴۳)، فرهنگ سخنوران (۷۵۴)، فرهنگ شاعران زبان پارسی (۴۶۸ -۴۶۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۹۴ ، ۲۰۴۴ ،۱۶۲۷ / ۲ ،۱۱۲۶ -۱۱۲۵ ،۳۳۸ ،۶۵ / ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۸۶)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۰ -۵۶۸/ ۶)، نخبگان سیاسی ایران (۵۱۳/ ۴).

کاسنی نسفی، ابونصر احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۴۳ ق)، فقیه شافعی، عالم، ادیب و شاعر. در ابتدا تنها در ادبیات مهارت داشت. سپس فقه را فراگرفت به طوری که از برجستگان مذهب شافعی گشت. او از ابوحسین محمد بن طالب نسفی و ابویعلی عبدالمؤمن بن خلف نسفی حدیث شنید. وی در روزگار جوانی در قریه‌ی کاسن درگذشت. از آثارش تصنیف کتاب «تواتر الحجج» یا «تواتی الحجج»، در فقه است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۱۷ -۱۶/ ۵)، ایضاح المکنون (۳۳۵/ ۱)، معجم المؤلفین (۲۵۰/ ۱).

کاشانی عزالدین، محمود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۳۵ ق)، دانشمند، عارف و شاعر. در علوم متداول عصر خود مخصوصا ادبیات، فلسفه، عرفان، کلام و حدیث تسلط و تبحر داشت. در تصوف شاگرد و پیرو شیخ نورالدین عبدالصمد بن علی اصفهانی نطنزی و شیخ ظهیرالدین عبدالرحمن بن علی بن بزغش شیرازی و با کمال‌الدین عبدالرزاق کاشانی همدرس و دارای مذهب شافعی و در مسلک، صوفی متشرع و متعبد و در اصول عقاید پیرو اشعریان بود. از آثار وی «مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه»، در شرح اصول و مبانی تصوف که برگرفته از اصول و چهارچوب کتاب «عوارف المعارف» شیخ شهاب‌الدین سهروردی است و عمادالدین علی کرمانی آن را به نظم درآورد. از دیگر آثارش: شرح «قصیده‌ی تائیه» ابن‌فارض: به عربی، به نام «کشف الوجوه الغر لمعانی نظم الدر»؛ مثنوی «عشق‌نامه»؛ مثنوی «عقل‌نامه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۶۵ -۱۲۶۴ / ۳)، تاریخ گزیده (۶۷۴)، تذکره‌ی روز روشن (۵۴۱ -۵۴۰)، الذریعه (۷۱۸ ،۷۱۶ / ۹)، ریاض العارفین (۲۲۰)، ریحانه (۱۳۳ -۱۳۲ / ۴)، طرائق الحقائق (۶۵۱ -۶۵۰ ،۳۱۳ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۳۰)، کشف الظنون (۱۷۱۱ ،۲۶۶)، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه (مقدمه/ ۶۳ -۳۱ ،۱۹ -۱۳)، مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف (۲۰۵ -۲۰۴ ، ۱۶۵ ،۱۳۴۵)، نفحات الانس (۴۸۳ -۴۸۲)، هفت اقلیم (۴۴۷ -۴۴۶ / ۲).

کاشانی غروی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد الغروی بن العلامه البارع آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدحسین (مجتهد نطنزی) کاشانی از مشاهیر دانشمندان کرام و آیات عظام معاصر تهران است.

وی در سال ۱۳۱۳ قمری هجری در دار المومنین کاشان متولد شده و در بیت علم و کمال پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات از محضر مرحوم والدش که از مراجع و مجتهدین بزرگ عصر خود بوده و در کتاب (مآثر و آثار) مذکور میباشد، و نیز مرحوم مبرور آیت‌اللَّه آخوند ملا حبیب اللَّه کاشانی صاحب تألیفات کثیره و بزرگان دیگر کاشان استفاده نموده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف و از محضر و دراسات آیت‌اللَّه العظمی حاج میرزا حسین نائینی و آیت‌اللَّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللَّه استاد الاساتید آقا ضیاءالدین عراقی رضوان اللَّه علیهم اجمعین استفاده کامل فرموده و تقریرات آنان را برشته تحریر آورده و از آن بزرگواران بدریافت اجازه اجتهاد نائل سپس مراجعت بوطن و چندی بتدریس و وظائف روحی پرداخته، پس از آن عزیمت به تهران و در عاصمه تشیع رحل اقامت افکنده و تاکنون بقضاء حوائج مؤمنین اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آیت‌اللَّه غروی دانشمندی جامع و عالمی بارع و مجتهدی جامع الشرایط و دارای معقول و منقول و حاوی فروع و اصول و ادیبی کامل و از نوادر عصر بشمار می‌رود. درب منزلش بروی همگان باز و در سخاوت و عطا ممتاز و در استخاره با قرآن مجید و فهم مراد مردم از قرآن و توضیح دادن خیر و شر مقاصد مشاور بالبنان و همه روزه صدها نفر از عموم طبقات بمنزل معظم له

مراجعه و با استخاره و اشاره آن جناب رفع تحیر و سرگردانی از خود نموده و می‌نمایند.

محضری شیرین و منطقی نمکین و طبعی روان و ذوقی فراوان و اشعار بسیاری در مواعظ و مدایح و غیره دارد. بسیاری از شعراء کاشان و تهران وی را ستوده و قصائدی در مناقب او سروده‌اند. از شرکت در اجتماعات غالبا خودداری و از تظاهرات کناره‌جوئی نموده و معتکف در بیت خویش می‌باشد.

روزهای جمعه در منزلش مجلس تبلیغ منعقد و عموم طبقات و بالاخص علماء تهران و غیره شرکت نموده و از بیانات گویندگان ماهر و بالاخص مطالب سودمند و علمی معظم له استفاده می‌نمایند.

خاطراتی عجیب از فداکاریها و مبارزات آن جناب با منکرات دارم و چند شبانه‌روز در یکی از حوادث در خدمتشان بوده‌ام ادام اللّه عمره و اطال اللّه بقاه آمین یا اللّه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کاشانی کاظم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. به کمالات ظاهری و باطنی آراسته بود. تحصیل علوم کرد و طبع انشای خوبی داشت. به هندوستان رفت و واقعه‌نویس دربار اورنگ زیب (۱۱۱۸ -۱۰۶۹ ق) شد و حالات دهساله‌ی آن پادشاه را به نام «دهساله‌ی عالمگیری» نوشت و نظرات فقهی علما را به نام «فتاوی عالمگیری» جمع‌آوری کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۳۲)، الذریعه (۹۰۲ -۹۰۱/ ۹)، صبح گلشن (۳۳۷ -۳۳۶)، فرهنگ سخنوران (۷۵۶)، کاروان هند (۱۱۴۹ -۱۱۴۸/ ۲).

کاشانی نجفی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالقاسم کاشانی نجفی فرزند احمد حسینی کاشانی در حدود سال ۱۲۳۰ قمری در کاشان متولد شده و در بیت علم و کمال پرورش یافته و در دوران کودکی را در دامن پدر بزرگوارش که از علماء و بزرگان دانشمندان کاشان بوده گذرانیده و مقدمات و قسمتی از سطوح را در آنجا نزد ایشان فراگرفته و بعد به همراه والدش عزیمت به نجف اشرف نموده و تا آخر عمر در آنجا اقامت نمودند تا حدود سال ۱۳۱۸ که وفات نموده و در وادی السلام مدفون شدند.

آن مرحوم نزد بزرگان نجف اشرف مانند مرحوم شیخ مرتضی انصاری و سید علی بحرالعلوم تلمذ نموده تا به مرتبه اجتهاد نائل شده است.

تألیفات ایشان

۱- کشف الاسرار الخفیه فی شرح الدره النجفیه در فقه دو جلد.

۲- کشف المهمات والالغاز و المعمیات.

۳- المشکاهٔ الزاهرهٔ فی احوال الخمسه الطاهره.

(سید) ابوالقاسم بن (سید) احمد کاشانی‌الاصل نجفی المسکن، از افاضل علمای امامیه (ف. ۱۲۹۸ یا ۱۳۱۸ ه.ق) او راست: کشف‌الاسرار الحنفیهٔ فی شرح الدرهٔ النجفیهٔ، که منظومه‌ی فقهی دره‌ی نجفیه‌ی سید بحرالعلوم را با کمال اتقان شرح کرده و دو مجلد از آن برآمده که تا باب اغسال است، کشف‌المهمات فی الالغاز والمعمیات به پارسی (ریحانهٔ‌الادب، لغ.).

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

کاشانی نجفی، احمد فیضی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۶ ق)، فقیه و مجتهد. وی از نوادگان فیض کاشانی بود و در کاشان به دنیا آمد. مادرش از سادات لاجوردی کاشان بود. در خاندان فضل و دانش نشو و نما یافت. چون به سن تمییز رسید پس از فراگیری قرائت و کتابت و مقدمات علوم نزد علمای شهر خویش به نجف مهاجرت کرد و در بحث شیخ محمد حسن نجفی، صاحب «جواهر»، حاضر شد و «تقریرات» استاد خویش را نوشت و ملازم وی گردید تا از وی به دریافت اجازه نایل شد. پس از درگذشت شیخ محمد حسن نجفی، وی ملازم شیخ مرتضی انصاری شد و مدتی طولانی در مجلس درس و بحث او شرکت کرد و «تقریراتش» را نوشت، تا اینکه از برجسته‌ترین شاگردان شیخ انصاری گردید و از جانب وی نیز به دریافت اجازه نایل شد. کاشانی همچنین از اساتید بزرگی چون شیخ محمد قاسم بن محمد نجفی، صاحب «کنز الاحکام فی شرح شرایع الاحکام»، و شیخ زین‌العابدین مازندرانی حائری و سید محمد رضا بن محمد حسین حسینی

کاشانی کلهری صاحب اجازه بود. او تحقیقات وسیعی در معانی الفاظ ادعیه و زیارات داشت و بسیاری از آنها را بر حواشی کتب ادعیه و زیارات نگاشته بود. از دیگر آثار وی کتاب «الفوائد» است که ملا محمد حسین سلطان آبادی قسمت‌هایی از آن را در کتاب خود «عجالة الراکب» نقل کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۶ -۱۰۴/ ۱۳)، معجم المؤلفین (۱۴۷-۱۴۶/ ۲).

کاشانی نجفی، مصطفی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۷/ ۱۳۳۶ -۱۲۶۸/ ۱۲۶۶ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد، مفسر، ریاضیدان، ادیب و شاعر. در کاشان به دنیا آمد. بعد از گذراندن مقدمات، فقه و اصول و معقول و منقول و ریاضیات را در حوزه‌ی درس پدرش فراگرفت. سپس به اصفهان رفت و از محضر شیخ محمد تقی، صاحب حاشیه «معالم»، بهره گرفت، تا به درجه‌ی اجتهاد رسید. در ۱۲۹۲ ق در حالی که جامع جمیع علوم و ماهر در فقه و اصول و تفسیر و حکمت و ریاضی بود به تهران آمد. در ۱۲۹۶ ق پس از فوت پدرش قائم مقام منصب او گشت و چندین سال ریاست علمی و مرجعیت مذهبی مردم را عهده‌دار بود. در ۱۳۱۳ ق حج گزارد و در بازگشت در نجف سکنی گزید و از علمای آنجا بهره برد و خود حوزه‌ی درس و بحث مستقل تشکیل داد و یکی از علمای بزرگ نجف به شمار آمد. در ۱۳۳۳ ق به همراه علمای مجاهد قیام مردمی ضد انگلیس را اداره و رهبری کرد. او سپس تا پایان عمر در کاظمین ماند و در آنجا درگذشت و همان جا دفن شد. از آثارش: «التجری»، پیرامون مسائل اصول فقه؛ «الاجزاء»؛ «رسالة فی منجزات المریض»؛ «الاستصحاب»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ «دیوان» شعر، به عربی و فارسی.[۱]

(حاج سید) مصطفی بن (حاج سید) حسین کاشانی‌الاصل تهرانی المسکن، از بزرگان علمای امامی (ف. ۱۳۳۷ ه.ق). وی سالها در تهران ریاست علمی و مرجعیت عمومی داشت. او بعد از تحصیل مقدمات متداول، فقه و اصول و معقول و منقول و اخلاق و کلام و ریاضیات و رجال را در جوزه‌ی درس پدر خود تکمیل کرد و بعد از وفات او به اصفهان رفت ولی حوزه‌ی علمی آنجا را فراخور استعداد خود ندید. پس عزیمت نجف کرد و در آنجا یکی از مراجع علمی گردید و حوزه‌ی دینی او مرجع استفاده‌ی افاضل بود. وی قریحه‌ی شعر نیز داشت و دیوانی هم در مناقب و مراثی معصومین دارد. او در استصحاب و تجزی و تفسیر مختصر قرآن و حاشیه‌ی ارشاد علامه و حاشیه‌ی شرایع و علامت ظن و قاعده‌ی لاضرر و منجزات مریض، تألیفاتی داشته ولی اکثر آنها تلف شده (ریحانةالادب، لغ.).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۳۳ -۱۳۲/ ۸)، اعیان الشیعه (۱۲۸ -۱۲۷/ ۱۰)، الذریعه (۱۹/ ۲۳ ،۱۰۵۵/ ۹ ،۱۰۲/ ۶ ،۲۵/ ۲ ،۳۵۰/ ۳ ، ۲۷۵ -۲۷۴/ ۱)، ریحانه (۲۱/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (۴۱۳/ ۱۳)، علماء معاصرین (۱۱۲ -۱۱۱)، لغت‌نامه (ذیل/ مصطفی)، المآثر و الآثار (۱۶۰)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۰۳۱ -۱۰۳۰/ ۳)، معجم المؤلفین (۲۴۸/ ۱۲).

کاشانی، ابوالحسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۶۶ ق)، عالم دینی، فقیه و متکلم. پدرش ملا احمد، و به آورده‌ی «ریحانة الادب» ملا محمد، از علمای منطق بود که حواشی بر کتب منطق نگاشته است. اصل ملا ابوالحسن از ابیورد است. در کاشان سکنی گزید و به کاشانی منسوب شد. وی از علمای امامی عهد شاه طهماسب صفوی (۹۸۴ -۹۳۰ ق) می‌باشد که جامع علوم و حکمیات و فضائل و کمالات بود. ملا ابوالحسن از پدرش و از شیخ عبدالعالی بن محقق کرکی روایت کرده است. او از اساتید سید حسین بن سید حیدر مجتهد کرکی بود. شیخ آقا بزرگ تهرانی از وی به عنوان قاینی، به جای کاشانی، نام برده است. از آثار وی: «اثبات الواجب و صفاته»، که در ۹۶۳ ق از تألیف آن فراغت یافت؛ «ارکان الایمان»، در اصول دین و امامت؛ «روض الجنان» یا «روضة الجنان»، در کلام و حکمت؛ «الحسنی»، در حکمت طبیعی که مختصر «روض الجنان»، مذکور است؛ «التحریر»، شرح «رسالة الفرائض» خواجه نصیر طوسی، در میراث؛ «الشوارق»، در کلام؛ «مقدار الدیات و احکامها»؛ «المنطق».[۱]

(منسوب به کاشان) ابوالحسن بن محمد ابیوردی‌الاصل کاشانی المسکن، از علمای امامیه‌ی قر. ۱۰ ه. و معاصر شاه طهماسب صفوی (ف. ۹۶۰ ه.ق). وی عالم و فقیه و متکلم و جامع معقول و منقول و استاد مجتهد کرکی سید حسین بن حیدر بود. او راست: اثبات الواجب و صفاته؛ ارکان الایمان در امامت؛ الحسنی در حکمت طبیعی؛ روض‌الجنان (یا روضةالجنان) در کلام و حکمت؛ شرح فرائض خواجه نصیر طوسی، الشوارق در کلام؛ مقدار الایات و احکامها؛ المنطق (ریحانةالادب، لغ.).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۳۲۲/ ۲)، الذریعه (۲۷۴/ ۱۱ ،۳۷۷ -۳۷۶/ ۳ ،۵۲۶ -۵۲۵/ ۲ ،۱۰۲/ ۱)، ریاض العلماء (۴۳۷ -۴۳۵/ ۵)، ریحانه (۱۸ -۱۷/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۶/ ۱۰)، لغت‌نامه (ذیل/ کاشانی).

کاشانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالقاسم کاشانی در سال ۱۳۰۰ هـق در تهران دیده به جهان گشود. او پس از انجام مناسک حج به عتبات مقدسه رفته و در نجف اشرف اقامت گزید و علوم مختلف دینی را در محضر پدرخود و سایر بزرگان علما فراگرفت و در سن ۲۵ سالگی به درجه اجتهاد رسید. پس از آن وی با الهام از تعلیمات دینی به مبارزه با استبداد و استعمار پرداخت و در این راه متحمل مشکلات و مصائب بسیار شد. او از جمله کسانی بود که همراه و همدوش دکتر مصدق، نقش خود را در ملی شدن صنعت نفت ایفاء کرد و در راس مبارزات ضد استعماری قرار گرفت. آیت الله کاشانی سرانجام در سحرگاه سال ۱۳۸۱ هـق مطابق با ۲۳ اسفند ماه ۱۳۴۰ هـش چشم از جهان فرو بست.گروه : علوم انسانیرشته : علوم اسلامیوالدین و انساب : پدرسید ابوالقاسم کاشانی ، آیهٔ الله حاج سید مصطفی کاشانی ، از علما و مراجع بزرگ شیعه در عصر خویش بود که در سال ۱۲۸۰ ش . از ایران به نجف اشراف هجری کرد و به تحقیق و تدریس پرداخت .تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید ابوالقاسم کاشانی که در این هنگام ، جوانی شانزده ساله بود – همراه پدر عازم نجف اشرف گردید و در آنجا علاوه بر استفاده از حلقه درس پدر و دیگر اساتید، دوره سطح را به پایان برد و سپس در درس آیهٔ الله میرزا محمد تقی شیرازی و آیهٔ الله آخوند خراسانی شرکت جست .استادان و مربیان : سید ابوالقاسم کاشانی علوم مختلف دینی را در محضر والد معظم خود و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی ، حاج میرزا حسین ، حاج میرزا خلیل(ره) و آیهٔ الله میرزا محمد تقی شیرازی بزرگان علما تلمذ نموده است.هم دوره ای ها و همکاران : سید ابوالقاسم کاشانی در نهضت مشروطه ، مشاور شخصیتی چون آیهٔ الله آخوند خراسانی (از رهبران اصلی نهضت) بود و او را در تصمیم گیری ها و تنظیم اعلامیه ها یاری می داد.وقایع میانسالی : سید ابوالقاسم کاشانی از همان اوان جوانی، انسانی دور اندیش و شجاع و با شهامت بود و در کنار تحصیل علوم اسلامی، توجه خاصی به اوضاع مسلمین داشته و چهره کریه و زشت استعمار و مخصوصا استعمار بریتانیا را که دهان برای فرو بردن کشورهای اسلامی و اقتصاد آنها باز کرده بود به خوبی شناخته بود. درجنگ جهانی اول در سال ۱۳۳۲ هـق موقعی که انگلیسی ها با نیروی عظیمی به قصد تسلط بر عراق و مناطق شرقی از راه خلیج فارس حمله ور گردیدند، سید ابوالقاسم کاشانی در کنار پدر بزرگوار و جمعی دیگر از علمای مجاهد شیعه با بسیج ملت مسلمان عراق دلاورانه پیشروی نیروهای انگلیس را سد نموده و حدود ۱۸ ماه در منطقه حساسی از جبهه با استقامت و پا فشاری فوق تصور در مقابل آن همه تجهیزات نوین اروپایی مقاومت کرده و مانع تحرکات آنها شده اند. در جنگ جهانی دوم با ورود متفقین به ایران، انگلیسی ها در صدد انتقام جویی از کاشانی بر آمده وی را دستگیر و به زندان ارتش انگلیس در اراک اعزام می دارند. پس از هشت ماه که کاشانی در اراک زندانی بود، وی را تحویل ستاد ارتش شوروی در رشت می دهند و روسها پس از محاکمه مرحوم کاشانی تصمیم به آزادی وی می گیرند ولی انگلیسی ها پیشدستی کرده وی را دو باره تحویل گرفته در اراک زندانی می نمایند پس از ۹ ماه حبس در زندان اراک وی را به زندان انگلیسی ها در کرمانشاه منتقل می کنند وی از همین زندان به فرمانده قوای انگلیس در ایران می نویسد : اگر در زندان شما بمیرم ننگ ابدی بر شما خواهد بود و اگر از زندان شما سالم بیرون آیم ترتیبی خواهم داد که انگلستان از نفت ایران بی نصیب بماند. سید ابوالقاسم کاشانی در یک دادگاه انگلیسی در عراق غیابا محکوم به اعدام شد. پس از محاصره نجف و کربلا توسط ارتش اشغالگر انگلیس، ایشان به پیشنهاد روحانیون عراق برای جلوگیری از گرفتاری ناچار گردید مخفیانه و با لباس مبدل از طریق پشتکوه به ایران آید. سال ۱۳۳۹هـق در تهران مورد تجلیل و احترام مردم پایتخت و اولیاء امور وقت واقع گردید حکم اعدام کاشانی تا انقلاب ۱۹۵۸ میلادی عراق که منجر به تغییر رژیم عراق شد دارای اعتبار بود. در دوران دیکتاتوری رضاخان مرحوم کاشانی حوزه علمیه تهران را اداره می کرد کاشانی در دوران دیکتاتوری رضاخان هیچگاه تسلیم نبود و در جواب (تیمور تاش) وزیر در بار وقت که به وی پیشنهاد ریاست مدرسه عالی سپهسالار را می نماید می نویسد : طلاب و علمایی که من تربیت کنم به کار حکومت شما نخواهد خورد. به هنگام تشکیل مجلس مؤسسان که زیر برق سر نیزه و به منظور افزایش قدرت شاه انجام می شد کاشانی پیامی از بیروت به تهران فرستاده و در قسمتی از این پیام می گوید : تبعید این خادم اسلام و ملت با آن وضع فجیع برای تغییر قانون اساسی و انتخابات فرمایشی و سوار کردن خیانتکاران به گرده ملت و مسأله نفت و تجدید امتیاز بانک شاهی است. در کشاکش مبارزه مردم تهران، مرحوم کاشانی را به نمایندگی دوره شانزدهم انتخاب نموده و او پس از یک سال و ۴ ماه تبعید با استقبال بی نظیری به تهران وارد می شود. مرحوم کاشانی پس از باز گشت به ایران، رهبری مردم را در مبارزه با استعمار انگلستان بار دیگر به عهده گرفت و پیامی به مجلس شانزدهم که اساسی ترین کارش تعیین تکلیف لایحه الحاقی نفت بود فرستاد. کاشانی به محض صدور فرمان نخست وزیری (رزم آرا) طی اعلامیه ای که عینا توسط دکتر مصدق در جلسه علنی مجلس قرائت شد مخالفت قطعی و شدید خود را با حکومت (رزم آرا) بیان نمود. کاشانی طی اعلامیه ای در مورد ملی شدن صنعت نفت می نویسد : ملی شدن صنعت نفت در ایران تنها چاره بیچارگی های ماست زیرا به این وسیله اولا: ثروت بیکرانی که خداوند به ملت ایران عطا فرموده از دست دشمنان بشر که هدفی جز منفعت طلبی و مکیدن خون ملل ضعیف ندارند بیرون آمده به صاحبان حقیقی و مستحق آن می رسد و ثانیا : با عملی شدن حاکمیت ملی دیگر شرکت های غاصب نمی توانند عمال خود را به جان و مال و ناموس مردم مسلط کنند و به این وسیله مقاصد پلید خود را انجام دهند. زمان و علت فوت : سید ابوالقاسم کاشانی در سحرگاه سال ۱۳۸۱ هـق مطابق با ۲۳ اسفند ماه ۱۳۴۰ هـش چشم از جهان فرو بست و پیکرش درمیان انبوه مشتاقان تا حرم عبدالعظیم علیه السلام تشیع گردید و بین مزار آن حضرت و امامزاده حمزه به خاک سپرده شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیدابوالقاسم کاشانی در انقلاب ۱۹۲۰ عراق، آیهٔ الله کاشانی به منظور آماده کردن ، مردم و سران عشایر برای مبارزه با سلطه استعمار، از نجف به کاظمین رفت و آنجا را برای شروع یک حرکت انقلاب برگزید.با شروع جنگ جهانی

دوم و اشـغال ایران توسط نیروهای متفقین ، اسـتعمار انگلیس که از مبارزات آیهٔ الله کاشانی در عراق ضـربات سـختی خورده بود با شایع کردن همکاری او با آلمانیها، تصـمیم به دستگیری اش گرفت تا بدون مزاحمت وی بتواند در انتخابات دوره چهاردهم مجلس دخالت کنـد. به همین منظور در خرداد ۱۳۲۲ چند افسر انگلیسـی برای دستگیری آن روحانی مجاهد به منزلش هجوم بردند. اما بر اثر هوشیاری و فداکاری یارانش تا کام ماندند آیهٔ الله کاشانی به ناچار مخفی گردد.کاشانی مدت یک سال ، مخفیانه به مبارزه اش ادامه داد تـا این که انگلیسـیها در هنگـام انتخابـات مجلس از محـل اقـامتش در تهران (امـامزاده قـاسم شـمیران) با خبر شـده و او را دسـتگیر کردنـد. با وجود اینکه وی از سوی مردم تهران به عنوان نماینـده انتخاب گردیـده بود، به دسـتور فرسـتاد ارتش متفقین ، از لیست اسامی نمایندگان حذف شد و به زندان روسـها در رشت فرسـتاده شد. او پس از چندی به زندان انگلیسـیها در اراک و سپس به زندانی در کرمانشاه منتقل گردید.سرانجام پس از تحمل یک سال و چهار ماه زندان در سخت ترین شرایط، در ۲۴ مرداد ۱۳۲۴ آزاد گشت و روز جمعه ، سـی و یکم شـهریور، میان انبوه اسـتقبال کنندگان وارد تهران شد. کاشانی یک سال در تبعید بسر برد تا این که بر اثر فشارهـای سیاسـی از سوی علمـا و مردم ، در ۲۱ خرداد ۱۳۲۶ آزاد گردیـد و دوبـاره به تهران برگشت وبعـد از آن به مخـالفت بـا عبدالحسـین هژیر که در صـدد رای اعتمـاد مردم بود برآمـد.فعالیتهـای آموزشـی : سیدابوالقاسم کاشانی از همان آغاز جوانی به نکته سـنجی و دقت نظر مشـهور شـده و در دانش سـر آمـد بود؛ بطوری که در ۲۵ سـالگی به درجه اجتهـاد دست یافت و بزرگانی مانند آیهٔ الله شیخ الشریعه اصفهانی ، آیهٔ الله آقا ضیاء الدین عراقی و آیهٔ الله صدر در نوشته های خود، مقام علمی اش را با القابی نظیر ((شکافنده دریای علم))، ((کلیـد در گنجهای دقیق)) و... سـتودند و آیهٔ الله میرزا محمد تقی شـیرازی ، تقلید از وی را تاءیید می نمود.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : –سایر فعالیتهای سـید ابوالقاسم کاشانی به شـرح زیر می باشد: – تشـکیل مجلس موسـسان برای تغییر قانون اساسی که با دستگیری وی صورت گرفت و با ترور کارگردان تقلب درآرا به نام هژیر مجددا کاشانی به وطن بـازگشت –مخـالفت کاشانی از روی کار آمـدن رزم آرا برای جلوگیری از تصویب قرارداد نفت – وی در سـی ام اردیبهشـت ۱۳۲۷ بـار دیگر مردم را به تظـاهرات بر ضـد اسـرائیل فراخوانـد و خود در اجتمـاع پر شور تظاهر کننـدگان سـخنرانی نمود و وضـع نابسامان مسـلمانان را نتیجه دخالت استعمارگران در امور آنها و از بین رفتن روح اتحاد و دوری از احکام اسلام دانست . – کاشانی مسـلمانان مصـر را نیز در مبـارزات اسـتقلال طلبـانه آنان ، مورد حمایت قرار و در بحران کانال سوئز، پیام تاءییـدی خطاب به جمال عبدالناصـر (رئیس جمهـور مصـر) فرسـتاد و در مسـجد ارک تهران مراسـمی برای گرامی داشت یـاد شـهدای مصـر و ارج نهـادن به فداکاریهایشان برپا کرد. – او در جریان مبارزه مردم مسلمان تونس برای رهایی از سلطه استعمار فرانسه ، بیانیه ای صادر کرد و تنفر شدید خود را نسبت به بر قراری جو ترور و وحشت توسط فرانسه در خاک تونس ، بیان داشت . – کاشانی در سال ۱۳۳۱ ش . پس از بازگشت از مراسم حج ، نامه ای به تمام کشورهای اسلامی فرستاد و از آنها خواست برای شرکت در کنگره اسلامی و تبادل نظر درباره اتحاد جهان اسلام ، نمایندگانی به ایران بفرستند

کاشانی، ابوبکر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوبکر ابن مسـعود بن احمد حنفی کاشانی ملقب به ملک‌العلماء و علاءالدین؛ از بزرگان فقیهان اهل سنت (ف. حلب ۵۸۷ ه.ق) وی نزد علاءالـدین محمـد بن احمـد سـمرقندی فقه آموخت و اکـثر مصـنفات او را نزد خود وی فراگرفت و بر کتـاب تحفـهٔالفقهاء وی شرحی نیکو نوشت، و آن شـرح را که شامل سه مجلد است بدائع‌الصـنائع فی ترتیب الشرائع نامید، و آن را پس از اتمام به نظر استاد خود رسانیـد و مورد تحسـین او قرار گرفت. اسـتاد دختر خود فـاطمه را– که او نیز فقیه بود– به عقـد ازدواج وی درآورد و به همین جهـت دربـاره‌ی کاشـانی گفته‌انـد، شـرح تحفته و تزوج ابنته (تحفه‌ی او را شـرح کرد و دختـرش را به ازدواج خـویش درآورد). از تألیفات دیگر وی کتاب السلطان‌المبین فی اصول‌الدین است (ریحانهٔ‌الادب، لغ.).

(وف ۵۸۷ ق)، فقیه حنفی. در حلب سـکنی گزید و همان جا از دنیا رفت. از آثار وی: «بدائع الصـنائع فی ترتیب الشـرائع»، در شـرح «تحفـهٔ الفقهاء» اسـتادش علاءالدین محمد سـمرقندی در چند مجلد، در فقه؛ «السـطان المبین فی اصول الدین». در پاره‌ای از منابع از وی به عنوان کاسانی منسوب به کاسان، شهری در ترکستان ورای نهر جیحون و شاش، یاد کرده‌اند.[۱]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۴۶/ ۲)، کشف الظنون (۹۹۶، ۳۷۱)، معجم المؤلفین (۷۶ –۷۵/ ۳)، هدیهٔ العارفین (۲۳۵/ ۱).

کاشانی، ابوتراب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۷۵ ق)، خطاط. او از خوشنویسان و هنرمندان قرن سیزدهم بود و نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۶ /۱).

کاشانی، ام‌الخیر

قرن:۱۱

جنسیت:زن

ملیت:ایران

۱۵ جمادی‌الثانی ۲۷ –۱۰۳۷ رمضان ۱۰۷۹ ق، علیه بـانو از زنـان فاضـل، شاعر و ادیب. وی دختر ملامحسن فیض کاشانی (۱۰۹۱ – ۱۰۰۷ ق) بود و در شهر کاشان به دنیا آمد.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: دایرةالمعارف تشیع، ۴۹۷ / ۲؛ معادن‌الحکمه (مقدمه) یه.

کاشانی، امین‌الدین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اوست: قرآن نیم‌ربعی جلـد روغنی عالی دو صـفحه‌ی اول و دو صـفحه‌ی آخر مذهب و دو صـفحه‌ی افتتاح متن و حاشـیه مرصـع نسخ غبار خفی متوسط، سر سوره‌ها رقاع خوش با رقم «امین‌الدین فتح‌اللّه الکاشانی» «سنهٔ ۱۰۳۲» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

کاشانی، باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید باقر بن اسماعیل کاشانی عالمی ادیب بود و در شعرش (مهری) تخلص می‌نمود تولدش ۱۲۹۲ ولی وفاتش بدستم نیامده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشانی، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۷ ق)، عـالم دینی. از علمـا و نویسـندگان به نـام کربلاـ به شـمار می‌آیـد. به گفته‌ی ملاـ حبیب‌اللّه بن علی مـدد کاشانی، صاحب «لباب الالقاب»، سید محمد جعفر از شاگردان علی مدد کاشانی بوده و از شیخ زین‌العابدین مازندرانی و شیخ قاسم نجفی روایت کرده است. مـدتی قبل از مهاجرتش به کربلا در نجف اقامت گزید. وی در کربلا درگذشت. از آثارش «الرسالهٔ المیراثیهٔ» و «الرسالهٔ الشرطیهٔ»، در اقسام و احکام شروط است که هر دو را با هم در ۱۳۱۵ ق به چاپ رسانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۰۵/ ۹)، الذریعه (۱۴۵/ ۱۶ ،۲۰۱/ ۱۱ ،۴۴۳/ ۱)، طبقات اعلام الشیعه (۲۹۳ –۲۹۲/ ۱۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۰۲۹/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۵۶/ ۹).

کاشانی، حبیب الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ملاـ) حبیب‌اللّه بن علی مـدد بن رمضان، از علمای امامیه‌ی قرن ۱۴ ه. (و. ۱۳۴۰ ه.ق). وی عابـد و زاهد و متقی و عرفان مسـلک و دارای اخلاق نیکو بود و علاوه بر علوم دینی متداول از بعض علوم غریبه آگاه و دارای قریحه‌ی شعر بود. او در ۱۴ سالگی از نحو و صرف عربی و مقـدمات متـداول فارغ شـد و نزد حاج سـید حسین و بعض دیگر به تحصـیل فقه پرداخت و مقداری از فصول را نزد شیخ محمد اصـفهانی خواهرزاده‌ی خود صاحب فصول و قسـمت عمده از رسائل شـیخ مرتضـی انصاری را نزد حاج میرزا ابوالقاسم کلانتری تهرانی خوانـد و مقـداری از حکمت را نزد شـاگردان ملاـ هـادی سـبزواری آموخت و در ۱۶ سالگی به تحصـیل اجازه‌ی روایت و در ۱۸ سالگی به اجازه‌ی اجتهاد از طرف اسـتاد خود حاج سید حسین مذکور نایل آمد و همه‌ی عمر را به انزوا گذرانید و عزت را در عزلـت دیـد و اوقـات خـود را بـه تـألیف و تـدریس مصـروف داشت. او راست: اسـرارالعارفین فی الاخلاـق والمعـارف، اصـطلاحات الصوفیـهٔ، اصـطلاح علـم الجفر، الاـنوار السانحـهٔ فی تفسـیر الفاتحـهٔ، ایضاح‌الریـاض (حاشـیه بر ریاض‌المسائل)، تذکرهٔالشهداء، تفسیر بعض سور و غیره (ریحانهٔالادب، لغ.)

حبیب‌اللّه الشریف بن ملاـ علی مـدد بن رمضـان سـاوجی کاشانی عالمی فقیه و رئیسـی جلیل و مؤلفی مروج و مکثر در تألیف بوده است. وی در حدود ۱۲۶۲ متولد شده و در سال ۱۳۴۰ ق وفات نموده است. مرحوم آخوند ملا حبیب‌اللّه یکی از مفاخر دانشـمندان کاشـان و صـاحب تألیفـات عدیـده ماننـد (لباب‌الالقـاب) و (توضیـح‌البیان) و (منتقـدالمنافع) در شـرح مختصـر النـافع در ۱۲ جلـد و

(ریاض‌الحکایات) و (عقاید الایمان) و (گلزار) و (شکایت‌نامه) و (منیۀالاصول) و (درۀالجمان) و تذکرۀالشهداء و دهها کتاب دیگر که جمعاً بیش از یکصد و بیست کتاب و رساله می‌شود. بوده است.

آن مرحوم دارای چندین فرزند عالم و فاضل بوده‌اند. ۱– مرحوم حجۀالاسلام آقا حسین شریف ۲– ثقۀالاسلام آقا احمد شریف ۳– ثقۀالاسلام آقا محمدشریف که در قید حیات و از محترمین کاشان می‌باشند.

دامادهای ارجمندی داشته‌اند که از علماء بزرگ کاشانند ۱– مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید فخرالدین امامت ۲– مرحوم آیت‌اللَّه آخوند ملا عبدالرسول مدنی والد آیت‌اللَّه حاج آقا رضا مدنی معاصر که مذکور خواهد شد.

و مخفی نباشد که مرحوم آخوند ملا۔حبیب‌اللَّه چون در سنین کودکی والدش را از دست داد در تحت تربیت و پرورش مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید حسین حسینی کاشانی (جد مرحوم آیت‌اللَّه مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی معاصر) قرار گرفت و در کاشان از وی و در تهران از شیخ محمد اندرمانی و شیخ محمد (خواهرزاده صاحب فصول) و میرزا ابوالقاسم کلانتر صاحب (تقریرات شیخ انصاری) و شیخ هادی مدرس تهرانی و در کربلا از فاضل اردکانی استفاده نموده و از غالب آنان اجازه داشته است.

در کاشان ریاست علمی و دینی و در عین حال صاحب کرامت و مقامات معنوی بوده است.

(ح ۱۳۴۰ –۱۲۶۲ ق)، عالم دینی، عابد، عارف و شاعر، متخلص به سالک. اصل وی از ساوه است و پدرش از علمای آنجا بود که مدتی در قزوین سکنی گزید و سپس به کاشان منتقل گردید. ملا حبیب در کاشان به دنیا آمد. در دوران کودکی تحت تربیت و پرورش آیت‌اللَّه آقا سید حسین حسینی کاشانی قرار گرفت و صرف

و نحو و مقدمات را از ایشان آموخت. در شانزده سالگی به دریافت اجازه‌ی روایتی و در حدود نوزده سالگی به دریافت اجازه اجتهاد از استادش سید حسین کاشانی نایل شد. سپس به تهران آمد و قسمتی از «فصول» را نزد شیخ محمد اصفهانی، خواهرزاده صاحب «فصول»، خواند و از محضر شیخ محمد اندرمانی استفاده نمود. او آن‌گاه قسمت عمده‌ی «رسائل» شیخ انصاری را نزد میرزا ابوالقاسم کلانتر، صاحب «تقریرات»، شیخ مرتضی انصاری و حکمت را نزد شیخ هادی مدرس تهرانی، از شاگردان برجسته‌ی حاج ملا۔هادی سبزواری، فراگرفت. سپس به عراق رفت و در کربلا از محضر فاضل اردکانی استفاده نمود. او از اغلب اساتید خویش صاحب اجازه بود. سپس به کاشان بازگشت و ریاست علمی و دینی آنجا را عهده‌دار شد. وی صاحب کرامات و مقامات معنوی بود. از آثارش: «ایضاح الریاض»، حواشی «ریاض المسائل»؛ «منتقد المنافع»، در شرح «المختصر النافع»؛ «الانوار السانحۀ فی تفسیر الفاتحۀ»؛ تفسیر هر یک از سوره‌های: «جمعه»، «دهر»، «فتح» و «ملک»؛ «توضیح السبل»، در بیان ادیان؛ «اسرار العارفین»، در اخلاق و معارف؛ شرح هر یک از دعاهای: «کمیل»، «جوشن»، «سحر»، «صباح»، «عدیله» و «زیارت عاشورا»؛ «لباب الالباب فی القاب الاطیاب»؛ «نخبۀ التبیان»، در معانی و بیان؛ «توضیح البیان»، در تسهیل اوزان؛ «ریاض الحکایات»، در قصص و امثال. کاشانی منظومه‌های بسیاری در فقه، اصول، عقاید، بیان، بدایع و درایه، به عربی و فارسی، دارد که «منیۀ الاصول»، در درایه از منظومه‌های عربی و «نصیحت نامه» و «شکایت نامه» و «گلزار اسرار» از منظومه‌های فارسی اوست.[۱]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۵۵۹/ ۴)، الذریعه (۴/ ۲۳، ۲۷۷، ۲۱۵/ ۱۸، ۲۸۲/ ۱۵، ۲۱۴/ ۱۴، ۳۲۴– ۳۲۳، ۶۷/ ۱۱، ۲۳۱/ ۹، ۹۸/ ۸، ۲۷۱/ ۷، ۴۹۲– ۴۹۱، ۱۸۲/ ۴)، ریحانه (۲۰ –۱۸/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۶۱ –۳۶۰/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۵۲ – ۲۵۰/ ۶)، لغت‌نامه (ذیل/ حبیب‌اللَّه)، معجم المؤلفین (۱۸۷/ ۳).

کاشانی، حبیب‌اللَّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید میرزا حبیب‌اللَّه معروف (به میرزا بابا) بن سید رفیع‌الدین محمد حسینی الکاشانی از افاضل علماء و از شاگردان فاضل نراقی بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشانی، حیدر

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، نقاش و شاعر. وی از موطن خود به هند رفت و در دربار یوسف عادلشاه (۹۱۶ –۸۹۵ ق)، در بیجاپور می‌زیست. حیدر بیشتر غزل می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۷۵).

کاشانی، سپیده

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: مرداد ۱۳۱۵، کاشان.

درگذشت: ۲۶ بهمن ۱۳۷۱ انگلستان.

سرور اعظم باکوچی مشهور به سپیده کاشانی فرزند حسین تحصیلات ابتدایی را در دبیرستان «هفده دی» و متوسطه را در دبیرستان «شاهدخت» کاشان به پایان رسانید. در شانزده سالگی به تهران مهاجرت کرد. اولین مجموعه شعرش «پروانه‌های شب» را پیش از انقلاب در سال ۱۳۵۲ به چاپ سپرد ولی هرگز فرصت نیافت تا تلاش‌های این سالیان را نیز گرد آورد. وی عضو شورای شعر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود. دو کتاب دیگرش به نام سخن آشنا و هزار دامن گل سرخ پس از فوت وی به چاپ رسید.

وی مدتی اداره‌ی صفحات ادبی مجله‌ی زن روز را به عهده داشت که بعدها به واسطه‌ی مسئولیت‌های زیاد از آن کناره گرفت. وی همچنین در حوزه‌ی اندیشه و هنر اسلامی سازمان تبلیغات اسلامی فعالیت داشت، عضو رسمی شورای شعر از سال ۱۳۶۰ بود و با مطبوعات هم همکاری می‌کرد. در صدا و سیما نیز با نوشتن چندین متن تلویزیونی و عضویت در شورای عالی شعر و ادب مشغول به کار بود.

وی از یک بیماری کبدی رنج می‌برد و در یکی از بیمارستان‌های انگلستان به سرای جاوید شتافت. پیکر وی در بهشت زهرا مدفون است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

کاشانی، شاپور

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از شعرای صاحب «دیوان» کاشان است. از اشعار او:

طریق ماه رخان غیر بی‌وفایی نیست

خوشا کسی که به این قومش آشنایی نیست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۲۹۳)، الذریعه (۴۹۱/۹).

کاشانی، شجاع

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۷/۹۸۱ ق)، شاعر. ملقب به کور. اهل کاشان بود و بیشتر ایام عمر را در زادگاهش سپری کرد. آخر عمر بنابر هجوی که ابراهیم خان ترکمان حاکمان کاشان را کرد، از ترس به اصفهان رفت و در آنجا روزگار می‌گذرانید تا در همان سامان درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۷۶)، الذریعه (۵۰۸/۹)، فرهنگ سخنوران (۴۹۵)، مجمع الخواص (۱۶۵ -۱۶۴)، مخزن الغرائب (۸۶۰ -۸۵۷ /۲)، نشتر عشق (۸۰۱/۳)، هفت اقلیم (۴۷۳ -۴۷۲ /۲).

کاشانی، شهاب الدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۹ ق)، خطاط. از سادات کاشان و خواهرزاده‌ی محمود خان ملک‌الشعراء بود و به قول سپهر، نستعلیق را صاف و بامزه می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۱۸/۲).

کاشانی، عبادالله

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی شاعری حکیم و دانشمند و علی‌الظاهر از پیروان فرقه‌ی نقطویه نیز بوده است. صاحب «عرفات العاشقین» که احوال وی را ذکر کرده است، می‌نویسد که: «قریب بیست سالست از این زمان که هزار و بیست و پنجست که وی از ایران به

هند آمده اکثر اوقات در لاهور تمکن یافته، درین ازمنه به خدمت جهانگیر پادشاه (۱۰۳۷ -۱۰۱۴ ق) کتابی گذرانیده از سر کار آن حضرت به وظیفه‌ی مستمره سرافراز گردیده» هم او تصریح دارد که صاحب اشعار فراوانی است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کاروان هند (۸۵۸ / ۲).

کاشانی، عبدالعزیز

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، نقـاش و شـاعر. اهل کاشان بود و در چهره‌پردازی و منظره‌سازی مهارت داشت و از نقاشان کتابخانه‌ی شاه طهماسب اول صفوی (۹۴۸ -۹۳۰ ق) به شـمار می‌رفت. او همچنین در تصویر گل و گیاه و منظره‌ی دشت و صحرا و حتی در تذهیب و تشعیر نیز ماهر بود. خواجه عبدالعزیز از شاگردان اسـتاد کمال‌الدین بهزاد بود.از شاگردان و همکاران او، استاد کمال مصور کاشی و میرزا محمـد اصـفهانی در خـور ذکرنـد. او همچنین دارای ذوق و قریحه‌ی شـاعری بـود و غزلسـرایی می‌کرد. از آثـار وی: «دیوان» شـعر؛ تصـویر پسـر میرزا محمـد قبـاحت کـه چهره‌پردازی اسـتادانه‌ای دارد، بـا رقـم: «عمـل... خـواجه عبـدالعزیز...»؛ تصـویری از «شاهنامه»طهماسبی که اردشیر بر روی تخت نشسته و رجال و ندیمان در اطراف او قرار گرفته‌اند؛ تصویر زال فرزند سام که عریان و با موهای سـفید در بالای کوه نشسـته و به سیمرغ عظیم‌الجثه‌ای می‌نگرد؛ تصویر شاهزاده‌ی جوانی که کلاهی به شیوه‌ی قزلباشها بر سر گذاشته و لباس سرمه‌ای رنگ به تن دارد، با رقم: «صوره کمینه شاگرد استاد بهزاد، خواجه عبدالعزیز».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۳۴۰ -۳۳۷ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۲۵ -۵۲۴)، تاریخ هنرهای ملی (۸۴۵ -۸۴۴ / ۲)، الذریعه (۶۸۹ / ۹)، گلستان هنر (۱۴۱ -۱۴۰)، مجمع الخواص (۲۵۵ -۲۵۴)، هنر قلمدان (۲۴).

کاشانی، عبداللَّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ عبداللَّه کاشانی عالمی کامل و فقیهی بارع از شاگردان شـیخ انصاری بوده و در خراسان ریاست علمی و دینی داشته تا در سال ۱۳۰۳ وفات و در (توحیدخانه) وفات نموده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشانی، عبدالمطلب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سـیزدهم و چهاردهم ق)، ادیب، مفسر، طبیب، مورخ و شاعر. مشهور به ادیب کاشانی. سلسله نسب وی به طایفه غفاری و بنا به قول صاحب «گنج شایگان» به ابوذر غفاری می‌رسد. وی در عصـر ناصـرالدین شاه (۱۳۱۳ -۱۲۶۴ ق) می‌زیست. میرزا عبدالمطلب، خواهرزاده‌ی میرزا ابوالحسن خـان نقـاش باشـی صـنیع الملك بود. وی در قواعـد عربی، علوم ادبی، تفسـیر و علم طب بی‌نظیر بود و همگان او را در فنون مزبور به استادی قبول داشتند. ادیب کاشانی تاریخی نیز تألیف کرده که گویا از بین رفته است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۱۸۰ -۱۱۷۹/ ۲)، شرح حال رجال (۱۵۰/ ۶)، گنج شایگان (۳۴۸ -۳۴۵).

کاشانی، علم الهدی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۰۷ ق)، فقیه، محـدث، مفسـر و ریاضـیدان. از نوادگـان صاحب «معالم» بود که در کاشان می‌زیست. از آثارش کتابی در «فقه استدلالی» است که در ۱۱۰۷ ق از تألیف آن فراغت یافت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۴۹ / ۸)، الذریعه (۲۸۸ / ۱۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۸۸ / ۱۲)، معجم المؤلفین (۲۹۴ / ۶).

کاشانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: کشاورزی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کاشانی، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۵ -۱۲۹۲ ق)، فقیه، مفسر و زاهد. در کاشان به دنیا آمد. نسب وی به سی و چهار واسطه به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. خانواده‌ی او از خاندان‌های اصیل کاشان است. از اوایل جوانی به تحصیل نزد علمای بزرگ کاشان همچون آیت‌اللّٰه ملا محمد حسین نطنزی و آیت‌اللّٰه ملا۔حبیب‌اللّٰه کاشانی پرداخت. او از بسیاری از بزرگان روایت کرد و عده‌ای بسیار همچون فرزندش، آیت‌اللّٰه سید عباس کاشانی، از وی روایت کرده‌اند. در ۱۳۴۰ ق به عتبات رفت و در کربلا مقیم شد و مشغول به تدریس و تألیف گردید و کتابخانه‌ی نفیسی را گردآوری کرد. وی داماد آیت‌اللّٰه آقا سید محمد صادق اصفهانی، از مجتهدین و مراجع زمان خود، بود. در کربلا از دنیا رفت و در صحن مطهر امام حسین (ع) به خاک سپرده شد. در سوک او شعرای بزرگ فارسی گوی و عرب اشعاری سرودند و ماده تاریخ تنظیم کردند. از آثارش: تفسیر «سوره‌ی یوسف»؛ تفسیر «سوره‌ی جمعه»؛ تفسیر «سوره‌ی عم»؛ تفسیر «سوره‌ی یس»؛ «ریاض الانس»، در پنج جلد؛ «کشکول کاشانی»؛ «مکارم الآثار»؛ «التحفهٔ العلویهٔ»؛ «مناقب آل محمد (ع)»؛ «الرحلهٔ الحجازیهٔ»؛ «النصیحهٔ العالیهٔ»؛ «حلیهٔ المرتلین»؛ «پرتو نور»، در امامت، به فارسی.[۱]

حجه‌الاسلام والمسلمین عالم ربانی محقق مدقق و عابد زاهد مرحوم حاج سید علی‌اکبر حسینی کاشانی حایری والد معظم مترجم گرامی ما از اجلاء علماء و اعاظم اتقیاء عالمی جلیل‌القدر و متعبدی زاهد و منبع فیوضات ربانی بوده تولدش در سال ۱۲۹۲ قمری در کاشان واقع شده و در خاندان فضیلت و شرف چشم به جهان گشوده و از اوائل جوانی شخصیتی برجسته و مورد توجه و عنایت خاص و عام و منزلش ماوای فقراء و مستمندان و مرجع تهیدستان بوده است بیشتر مشکلات اجتماعی و گرفتاریهای عجیب به دستش حل می‌گشته لیاقت عجیب در قضاء و رفع خصومات داشته مدتها نزد اعاظم علماء کاشان مانند مرحوم آیت‌الله ملامحمد حسین نطنزی و آیت‌الله ملا۔حبیب‌الله کاشانی و غیر ایشان تلمذ نموده و از جمع کثیری از بزرگان روایت می‌کند و عده‌ای از بزرگان و علماء که از آنهاست نجل جلیل مذکورش آیت‌الله حاج سید عباس کاشانی از وی روایت می‌نمایند.

در سال ۱۳۴۰ قمری با یک دنیا شخصیت و عظمت که داشته مقام ارجمند را زیرپا گذارده و به قصد عتبات عالیات مهاجرت و در شهر کربلا اقامت و مشغول به تدریس و تالیف گردیده و مولفات عدیده از خود به یادگار گذارده است که از آن جمله است:

۱- تفسیر سوره یوسف ۲- تفسیر سوره عم ۳- تفسیر سوره جمعه ۴- تفسیر سوره یس ۵- ریاض الانس ۵ مجلد ۶- کشکول کاشانی ۷- مکارم الاثار ۸- التحفه العلویه ۹- مناقب آل محمد ۱۰- الرحله الحجازیه ۱۱- النصیحه العالیه ۱۲- حلیه المرتلین و دهها کتب دیگر که تمامی آنها نزد نجل زکیش آیت‌الله حاج سید عباس موجود و به طبع خواهد رسید انشاءالله.

جمعی از بزرگان مانند حاج شیخ آقابزرگ تهرانی ترجمه آن مرحوم را در کتب الذریعه و اعلام الشیعه ذکر نموده است.

معظم‌له عالمی عابد و زاهدی بی‌بدیل و ورعی بی‌مثیل بوده و در ترویج احکام و نشر احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام سعی بلیغ داشته است وی بسی و چهار واسطه به حضرت امام زین‌العابدین علیه‌السلام می‌رسد و خاندان او از اجل خاندان و بیوتات اصیله کاشان بوده است مضافا بر این اصالت و نبالت داماد معظم آیت‌الله العظمی حاج سید محمدصادق اصفهانی اعلی‌الله مقامه که یکی از مجتهدین و مراجع زمان خود بودند می‌باشند. وی در روز یکشنبه ۲۴ محرم ۱۳۶۵ قمری بدرود حیات گفته و روز وفاتش شورش عجیبی در کربلا۔ برپا و تجلیل وافری از تشییع او به عمل آمده و در مقبره شخصی خود در صحن مطهر حضرت امام حسین علیه‌السلام مدفون گردید.

از شدت زهد و ورعی که داشت پیوسته به فرزند جلیلش توصیه می‌فرمود که (ایاک و التصدی بامر القضاء و المرجعیه و حتی الامامه) و می‌فرمود تا می‌توانی انزوا را اختیار و از شهرت‌طلبی و جاه‌پرستی پرهیز کن و علیک بتقوی الله فی السر و العلانیه وادع الی الله و روج دین اجدادک الطاهرین و لا تقصر عن نصره الدین و اهله.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] طبقات اعلام الشیعه (۱۶۰۸/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۴۰ -۲۳۸/ ۲).

کاشانی، غیاث الدین جمشید

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۴۰ / ۸۳۲ ق)، ریاضیدان و منجم. در کاشان به دنیا آمد. پس از فراگیری دانش‌های زمان و انجام کارهای نجومی در زادگاهش، به دعوت الغ‌بیگ، به سمرقند رفت و در زمره‌ی بزرگترین منجمانی درآمد که در خدمت الغ‌بیگ به رصد و تحقیقات نجومی مشغول بودند. غیاث‌الدین به دستور او به همراه معین‌الدین کاشی مأمور بنا گذاشتن رصدخانه سمرقند شد. وی مخترع کسور اعشاری است و از دیگر کارهای نجومی او تهیه و تدوین «زیج خاقانی»، به فارسی، است که در آن «زیج ایلخانی» خواجه

نصیرالدین طوسی را به دقت تحلیل و تصحیح و تکمیل نمود. غیاث‌الدین در سمرقند درگذشت. از آثارش: «مفتاح الحساب»، و مختصر آن «تلخیص المفتاح»، و شرح آن «تنویر المصباح فی شرح تلخیص المفتاح»؛ «سلم السماء»، در استخراج ابعاد زمین و ستارگان، که به نظر آقا بزرگ تهرانی همان «الابعاد و الاجرام» اوست؛ «نزهه الحدائق»، در بیان طرز عمل ابزار «طبق المناطق» موسوم به «جام جمشید» که خود برای شناخت و تقویم ابعاد ستارگان اختراع کرده بود؛ «الالحاقات العشره»، در ذیل «نزهه الحدائق»؛ «المحیطیه»، در نسبت قطر به محیط.[۱]

جمشید (اول) بن مسعود بن محمود بن محمد (طبیب) کاشانی ایرانی (و. حدود ۷۹۰ ه.ق- ف. بیرون شهر سمرقند ۸۳۲ ه.ق/ ۱۴۲۹ م). وی در آغاز عمر چون ذوق و استعدادی خاص برای آموختن دروس ریاضی داشت از تعقیب علم پزشکی که پیشه‌ی خانوادگی او بود چشم پوشید و در پی علوم ریاضی رفت. پیش از غیاث‌الدین، زیج ایلخانی توسط نصیرالدین طوسی تصنیف شده بود ولی چون ناقص بود و احتیاج به تکمیل و جرح و تعدیل داشت، غیاث‌الدین مصمم گردید برای تصحیح زیج ایلخانی هیأت و ریاضی را به کمال بیاموزد. وی از کاشان همراه خواهرزاده‌ی خود معین‌الدین به سمرقند رفت و چنانکه نوشته‌اند الغ‌بیک آن دو را از کاشان به درگاه خود خواسته بود. غیاث‌الدین نتیجه‌ی اعمال رصدی را که در کاشان برای تصحیح و رفع نقایص زیج ایلخانی انجام داده بود، در زیجی مدون ساخت و به مناسبت شهرت میرزا شاهرخ- پدر الغ‌بیک- به «خاقان» مطلق- در مقابل اشتهار تیمور به صاحبقران- آن را زیج خاقانی نام داد و به الغ‌بیک تقدیم کرد. نسخه‌ای از این زیج که در ۸۱۶ ه.ق نوشته شده اکنون در کتابخانه‌ی دیوان هند (لندن) محفوظ است. گروهی قریب به ۷۰ تن از ریاضی‌دانان و ستاره‌شناسان در اردوگاه الغ‌بیک گرد آمده بودند. معمول چنان بود که فضلای تازه‌وارد را به محک امتحان می‌آزمودند. غیاث‌الدین نیز از این آزمایش برکنار نماند و در همه‌ی امتحانات موفق شد و مورد لطف مخصوص الغ‌بیک قرار گرفت، و پس از آن غالباً در محاوره و پرسش و پاسخ میرزا بود، و پس از قاضی‌زاده که به حکم سبقت زمانی و مرتبه‌ی استادی وی نسبت به امیرزاده بر همه کس برتری داشت، غیاث‌الدین بر دیگر دانشمندان مقدم بود. در نتیجه‌ی تشویق امیرزاده وی به اکتشافات عالی نایل آمد. در سال ۸۱۸ ه.ق آلت رصدخانه‌ی تازه‌ای به نام «طبق‌المناطق» اختراع کرد، و درباره‌ی چگونگی عمل بدان و آلتی دیگر که بیشتر به نام «لوح اتصالات» برای برخی اعمال رصدی ساخته شده بود، رساله‌ای جامع و مفید موسوم به «نزهةالحدائق» نوشت. و پس از آنکه مطالب و فواید آن را در سال ۸۲۹ ه.ق تکمیل کرد، آلت «طبق‌المناطق» را به درخواست دوستان خویش، به نام خود (جمشید) به «جام جم» موسوم ساخت، ولی چنانکه خود پیش‌بینی کرده بود نام جدید بر اسم قدیم چیرگی نیافت و همان نام اول در حافظه‌ها باقی ماند. الغ‌بیک اندیشه‌ی دیرینه‌ای را که راجع به رصد جدید کواکب داشت، در سال ۸۲۳ ه.ق به موقع عمل درآورد (رصدخانه‌ی الغ‌بیکی، در ذیل فرهنگ حاضر). رصد تازه در سال ۸۳۰ ه.ق. آغاز گشت و در ابتدای عمل به گفتار خود غیاث و اقرار الغ‌بیک در دیباجه‌ی زیج جدید سلطانی یا گورکانی سرپرستی و اداره‌ی رصدخانه و دستیاری میرزا در کار استخراج، با غیاث بوده است، و دیگری با او در این افتخار شرکت نداشت. همین موضوع آتش حسد را در دل فضلای بی‌فضیلت برافروخت و عاقبت داغ جوانمرگی غیاث را بر دل یاران او گذاشت. غالباً کارهای او مورد اعتراض و اشکالتراشی همکاران حسد پیشه بود. الغ‌بیک چون فریفته‌ی نجوم و رصد بود به سخن‌چینی و بدگویی حسودان درباره‌ی غیاث التفات نمی‌کرد ولی عاقبت تحت تأثیر بدگویی قرار گرفت و بدین سبب غیاث مورد بی‌لطفی واقع شد، به هر حال چنانکه الغ‌بیک در دیباجه‌ی زیج می‌گوید غیاث‌الدین جمشید که در کار رصد نخستین دستیار او بود، در همان آغاز شروع به کار درگذشت. آثار او از این قرار است: ۱- زیج خاقانی فی تکمیل الزیج الایلخانی (نسخه‌ی خطی آن در دیوان هند و ایاصوفیه موجود است). ۲- زیج تسهیلات. ۳- سلم‌السماء (الرسالة الکمالیة) در حل اشکالی که برای پیشینیان در ابعاد و اجرام رخ داده بود، و آن در تهران به چاپ سنگی رسیده (۱۳۰۶ ه.ق) ۴- محیطیه (ه.م) ۵- رساله‌ی وتروجیب ۶- مفتاح الحساب (ه.م) ۷- تلخیص المفتاح، که ملخص مفتاح‌الحساب مذکور است. ۸- نزهة الحدائق (ه.م) ۹- نوادر سمرقندی و غیره (محیط طباطبائی، آموزش و پرورش. ۱۰، شماره‌ی ۳ ص ۴ ۸ -۱ ص ۲۴ -۱۷؛ لغ. و نیز (p Equatorium Planetary The.۲۳۲ ۱۰ Kennedy- رساله در شرح آلات رصد (نسخه‌ی آن در لیدن موجود است).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۳۲ / ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۴ -۱۰۳ / ۴)، تاریخ علوم و فلسفه ایرانی (۶۹۵ -۶۹۳)، تاریخ نظم و نثر (۷۷۹، ۲۶۹ -۲۶۸)، دایره‌المعارف فارسی (۱۸۱۷ -۱۸۱۶، ۱۱۹۸ -۱۱۹۷ / ۲)، الذریعه (۱۱۵ / ۲۴، ۳۲۶ / ۲۱، ۱۶۳ / ۲۰، ۱۹۳ / ۱۸، ۲۲۱ -۲۲۰، ۸۶، ۸۵ / ۱۲، ۶ / ۷، ۴۹، ۲۴ / ۵، ۴۷۲ -۴۷۱، ۴۲۸، ۱۸۸ / ۴، ۲۸۹، ۲۲، ۲۱ / ۲، ۷۲ / ۱)، ریحانه (۲۵۷ -۲۵۶ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۶ / ۹)، کشف الظنون (۱۹۴۲ -۱۹۴۱، ۱۷۶۰، ۱۷۶۱ -۱۷۶، ۹۹۸ -۹۹۷، ۸۹۷، ۸۹۵)، لغت‌نامه (ذیل / غیاث‌الدین)، معجم المؤلفین (۱۵۸ / ۳).

کاشانی، فتح‌الله

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۸ ق)، عالم دینی، فقیه، متکلم، محقق، مفسر، محدث و مورخ. از علمای بزرگ اواخر قرن دهم قمری و از شاگردان مفسر بزرگ، ابوالحسن علی بن حسن زواری، بود که به واسطه‌ی او از محقق کرکی روایت کرده است. او همچنین از ضیاءالدین محمد بن محمود، از مقدس اردبیلی، روایت می‌کند. در «مشیخه» سید حسین کرکی سال وفاتش ۹۹۷ ق ذکر شده اما ماده تاریخ وفات وی (ملاذ الفقهاء) برابر با ۹۸۸ ق می‌باشد. از آثار وی: ترجمه قرآن به فارسی؛ «منهج الصادقین فی تفسیر القرآن المبین و الزام المخالفین»، به فارسی، در یکصد و هفتاد هزار سطر؛ «خلاصة المنهج»، به فارسی، که ملخص «تفسیر منهج» است، در سه مجلد؛

«زبدة التفاسیر»، تفسیری به عربی، در حدود هشتاد هزار سطر؛ شرح «نهج‌البلاغه»، به نام «تنبیه الغافلین و تذکرة العارفین»، به فارسی؛ «کشف الاحتجاج»، در ترجمه‌ی «احتجاج» طبرسی، به فارسی، که آن را برای شاه طهماسب صفوی تألیف کرده است.[۱]

(ملا) فتح‌اللّه بن شکراللّه، فقیه و محقق و متکلم و مفسر امامی (ف. ۹۸۸ ه.ق). وی شاگرد علی بن حسن زواری بود و به واسطه‌ی او از محقق کرکی روایت دارد. او در همه‌ی علوم دینی متداول متبحر بود خصوصاً در تفسیر، وی راست: ترجمه‌ی احتجاج طبرسی که به نام کشف‌الاحتجاج مذکور است، ترجمه‌ی قرآن به فارسی (و آن غیر از سه فقره تفسیر قرآن مذکور در ذیل است)، تنبیه الغافلین و تذکرهٔ‌العارفین (شرح فارسی نهج‌البلاغه)، خلاصهٔ‌النهج (ملخص تفسیر منهج‌الصادقین مذکور در ذیل)، زبدهٔ‌التفاسیر (تفسیر قرآن به عربی)، کشف‌الاحتجاج (ترجمه‌ی فارسی احتجاج طبرسی که برای شاه طهماسب تألیف شده)، منهج‌الصادقین فی الزام المخالفین (تفسیر بزرگ به فارسی) (ریحانهٔ‌الادب، لغ.)

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۳۹۲/ ۸)، ایضاح المکنون (۵۹۲/ ۲)، تاریخ کاشان (۲۸۰ -۲۷۹)، الذریعه (۱۹۴ -۱۹۳/ ۲۳ ،۸- ۷ / ۱۸ ،۲۳/ ۱۲ ،۲۳۴ -۲۳۳/ ۷ ،۴۴۷/ ۴)، روضات الجنات (۳۳۱ -۳۳۰/ ۵)، ریاض العلماء (۳۱۹ -۳۱۸/ ۴)، ریحانه (۲۰/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۷۸ -۱۷۷/ ۱۰)، فوائد الرضویه (۳۴۶ -۳۴۵)، لغت‌نامه (ذیل/ کاشانی)، معجم المؤلفین (۵۱/ ۸)، هدیهٔ العارفین (۸۱۵/ ۱).

کاشانی، مجدالدین محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۵۵ ق)، فقیه حنفی. از آثارش «قنیهٔ العالم و منیهٔ فضلاء العالم» می‌باشد که به گفته‌ی خود در آن «الفتاوی الکبری» حسام‌الدین عمر بن عبدالعزیز حنفی (م ۵۳۶ ق) را تلخیص کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۱۳۵۶)، معجم المؤلفین (۱۸/ ۱۲)، هدیهٔ العارفین (۹۳/ ۲).

کاشانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد کاشانی معروف به میرمعز الدین یکی از خوشنویسان مشهور قرن دهم هجری قمری است وی درخط نستعلیق شاگرد هبه الله کاشانی بوده است . محمد کاشانی شعر می گفت و معزی تخلص داشته است . از وی آثار زیادی باقی مانده است از جمله یوسف و زلیخا که ایشان به خط نستعلیق در مجموعه داوید کپنهاک آورده است . سال وفات وی را ۹۵۵و گروهی ۹۹۰ قمری دانسته اند .گروه : هنررشته : خوشنویسیوالدین و انساب : محمد کاشانی معروف به میرمعز الدین یکی از خوشنویسان مشهور قرن دهم هجری قمری است .استادان و مربیان : از جمله استادان محمد کاشانی می توان به هبه الله کاشانی اشاره کرد .زمان و علت فوت : سال وفات محمد کاشانی را گروهی ۹۵۵هجری قمری و گروهی ۹۹۰ قمری ذکر کرده اند .

آثار : دیوان شاهی سبزواری ویژگی اثر : که به شماره ۶۹۹ ادب فارسی در دار الکتب قاهره موجود است و تاریخ ۹۸۷ هجری قمری۲ زاد المسافرین امیر حسنی ویژگی اثر : که با شماره ۴۰۱ در کتابخانه شچدرین لنین گراد موجود است و تاریخ ۹۸۲دارد .۳ کتبه معز الدین محمد الحسنی ویژگی اثر : هفده قطعه از مرقعا ت مختلف با رقمهاو تاریخ های ۹۸۷ و ۹۸۴ و ۹۸۱ در کتابخانه خزینه اوقاف استانبول که زنده یاد مهدی بیانی معتقد است از بهترین خطوط او می باشد .۴ کتبه معز الدین محمد الحسنی ویژگی اثر : یک قطعه از مرقع بارقم وتاریخ در کتابخانه کاخ موزه گلستان۵ کتیبه معز الدین الحسینی ویژگی اثر : دو قطعه با رقم و تاریخ ۹۸۵و۹۸۷ در مجموعه مهدی بیانی۶ کتیبه معز الدین محمد الحسینی ۹۸۴ ویژگی اثر : در مجموعه آقای کریم زاده۷ مخزن الاسرار نظامی ویژگی اثر : که به شماره ۳۸۲دربخشفارسی کتابخانه شهر مونیخ موجود است و تاریخ ۹۸۷ هجری قمری دارد .۸ مرقع امیر غیب ویژگی اثر : با یک رقم و تاریخ «العبد معز الدین محمد الحسینی غفر ذنوبه سنه ۹۶۲ » در همان کتابخانه۹ مرقع مالک دیلمی ویژگی اثر : بارقم و تاریخهای «کتیبه کعز الدین محمد الحسینی غفرالله ذنوبه و ستر عیوبه فی سنه ۹۶۲»و کتیبه معز الدین محمد الحسینی۹۷۶ » در همان کتابخانه۱۰ مرقع محمد صالح ویژگی اثر : که یک قطعه است و با رقم و تاریخ «مشق معز الدین محمد الحسینی فی سنه ۹۶۸ » در کتابخانه خزینه اوقاف استانبول۱۱ مقالات خواجه عبد الله انصاری ویژگی اثر : این مجموعه با رقم و تاریخ کتبه الفقیر المذنب معز الدین محمد الحسینی الکاتب سنه ۹۸۵ در کتابخانه کاخ موزه گلستان تهران۱۲ نسخه گوی و چوگان ویژگی اثر : این مجموعه با خط نستعلیق در تاریخ ۹۷۲هجری قمری در مجموعه داویدکپنهاک۱۳ یک قطعه به شیوه میر علی هروی ویژگی اثر : با رقم و تاریخ «کتیبه العبد المذنب معز الدین محمد الحسینی الکاتب غفر ذنوبه فی سنه ۹۷۱»در کتابخانه عمومی لنین گراد .۱۴ یوسف وزلیخا ویژگی اثر : به شماره ۹۰۷R درکتابخانه توپ قاپوسرای استانبول ثبت شده است . این نسخه به خط نستعلیق و تاریخ ۹۸۲ هجری قمری است . منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

کاشانی، محمد باقر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از سادات نجیب عبدالوهابی کاشان بود و در آن سامان در نهایت عزت و احترام می‌زیست و املاک و مستغلات فراوانی داشت. میر محمد باقر در سرودن شعر توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۱۶ -۱۱۵)، الذریعه (۱۲۲/۹).

کاشانی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۹ -۱۳۰۳ ق)، عالم دینی، خطیب و مرجع تقلید. در نجف به دنیا آمد. مادرش دختر عالم بزرگ شیخ اسداللّٰه شوشتری است. مقدمات و سطوح را فراگرفت. او در کنار پدرش که از علمای برجسته بود و در بمبئی به وظائف شرعی و تبلیغی می‌پرداخت، نشو و نما یافت و پس از پدر عهده‌دار وظائف وی گشت و مرجع تقلید مردم بمبئی شد. وی سرانجام در همان جا درگذشت. سال تولد او در «طبقات اعلام الشیعه»، ۱۳۳۳ و در جای جای «الذریعه» ۱۳۰۳ ق قید شده است. همچنین در چند جای «الذریعه» و به تبع آن در «مؤلفین کتب چاپی» تحت نام محمد حسین و صاحب کتاب‌های «اسرار الغیبیهٔ» و «برق الخاطف» و «التحقیق الجدید» و «چهار مقاله» ذکر شده است. او را تصانیف بسیاری است که اکثر آنها به زبان گجراتی است. وی «فهرست کتب خزانهٔ الشیخ محمد حسن» را که مشتمل بر فهرست دو هزار کتاب و تألیف موجود در کتابخانه‌اش بود تنظیم نموده و در آن به اثرهای خود که متجاوز از چهل تصنیف می‌باشد، اشاره کرده است. از جمله: «احکام الجمعهٔ»؛ «احکام العیدین»؛ «احکام النیروز»؛ «دین الاسلام»؛ «عقاید النجفی»؛ «فلسفه نماز»؛ «قید شرق و آزادی غرب»؛ «محرم و عاشورا»؛ «معرفهٔ الامام»؛ «مقدمه‌ی منطق»؛ «مناسک النجفی»؛ «نجاهٔ الصائمین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۹/ ۲۴ ،۲۷۷ ،۱۰۲/ ۲۲ ،۲۴۷/ ۲۱ ،۱۵۰/ ۲۰ ،۲۲۴/ ۱۷ ،۳۹۰ ،۳۱۰/ ۱۶ ،۲۸۶/ ۱۵ ،۲۹۱/ ۸ ،۳۱۴/ ۵ ،۴۸۱/ ۸۶ / ۳ ،۵۳/ ۲ ،۳۰۳ ،۳۰۰ ،۲۹۶/ ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۸۰/ ۱۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۱۲۷ ،۴۸۵ ،۲۰۶/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹۱/ ۲).

کاشانی، محمد کاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن محمد صادق اصفهانی. عالم فاضل محقق، در ۱۲۰۵ متولد، و در ۱۲۷۳ وفات یافته، در نزد سی نفر از بزرگان علم و ادب تحصیل نموده، و جمعی کثیر حدود دویست نفر از محضر او مستفید شده، و مدت سی سال به فصل دعاوی و اصلاح بین الناس اشتغال داشته؛ تألیفاتی دارد: ۱ - سوانح العمری ۲ - شرح روضهٔ البهیه؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کاشانی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدباقر کاشانی طاب اللّٰه ثراه از علماء مبرز خدوم بودند در خرمشهر. وی اصلا کاشانی ولی بعد از کسب علم و کمال در نجف اشرف و غیره برای خدمت بدین و تبلیغ احکام مبین و ترویج معارف اسلامی در این شهر توطن و در مسجد جامعه به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی و روحی پرداخته تا بعد از ۱۳۷۰ قمری وفات نموده است.

نگارنده گوید: مرحوم کاشانی که در دو سفر به خرمشهر موفق به زیارت و درک فیض از محضرشان گردیدم دانشمندی عامل و عالمی کامل و ساعی در قضاء حوائج مؤمنین مخصوص حجاج و زوار بود و از هدایت و مساعدت با آنان کوتاهی نمی‌نمود.

درب خانه‌اش همواره برای عموم و بالاخص مسافرین اعتاب عالیات باز و به گرمی و محبت از واردین و بالخصوص روحانیون پذیرائی و در محرم و ماه رمضان و ایام تبلیغی دیگر که اهل علم و منبر از نجف و قم برای امر تبلیغ به آنجا مسافرت می‌کردند به اطراف خرمشهر و یا خود شهر توصیه و معرفی فرموده که از وجود آنان استفاده بعمل آید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

کاشانی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدحسن بن شیخ ابی‌القاسم بن شیخ عبدالحکیم کاشانی مشهور به (نجفی) عالمی مؤلف و مرجعی بزرگوار و امام مسجد (خوجه‌ها) بوده است وی در سال ۱۳۳۳ متولد و در سال ۱۳۸۷ در تهران وفات و در قم مدفون شده است.

نگارنده گوید: این عالم جلیل و مرحوم والدش در بمبئی خدمات بسیار نموده و منشاء آثار زیادی شده و دهها هزار از شیعه‌های اسماعیلی را مستبصر و ارشاد نموده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشانی، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضا بن سید اسماعیل بن سید عبدالرزاق- (برادر سید محمدتقی) ابن سید عبدالحی حسینی پشت مشهدی کاشانی عالمی فقیه از شاگردان میرزاء بزرگ شیرازی و علامه سید محمد فشارکی و میرزا محمدتقی شیرازی بوده و در سال ۱۳۱۶ به کاشان مراجعت و در پشت مشهد اقامت و در مسجد حبیب بن موسی امامت و به خدمات دینی پرداخته تا سال ۱۳۵۰ که وفات نموده است.

فرزند این بزرگوار مرحوم سید استاد ما آیت‌اللّٰه العظمی آقا میرزا سید علی یثربی کاشانی شریک بحث مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حاج شیخ عبدالکریم یزدی حایری بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشانی، محمدکیوان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۹۸، کاشان.

درگذشت: ۱۳۶۶، تهران.

محمدکیوان کاشانی، فرزند محمدتقی، پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه از دانشکده فنی دانشگاه تهران دانشنامه‌ی مهندسی ساختمان را گرفت. سپس به کار مهنسی ساختمان و سد پرداخت. سال‌ها مدیر عامل شرکت ساختمانی اتکو و عضو هیئت مدیره شرکت مؤلفان و مترجمان ایران بود. ساختمان سد کرج و سپیدرود از جمله فعالیت‌های مهندسان مشاور شرکت ساختمانی اتکو است. در سال‌های آخر عمر در تهران به مطالعه مشغول بود.

محمدکیوان کاشانی اهل شعر بود و اشعاری از وی به یادگار مانده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

کاشانی، مصطفی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مصطفی شهید بن آیت‌اللّٰه حاج سید حسین کاشانی کاظمینی (والد مرحوم آیت‌اللّٰه مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی) از علماء بزرگ و مراجع بنام کاظمین است. خونساری در احسن‌الودیعه ج ۱ ص ۳۰۵ گوید عالم عامل و فاضل کامل زبدهٔ المحققین و اسوهٔالادباء الماهرین مولینا سید مصطفی بن العالم الفقیه سید حسین کاشانی مولداً والغروی منشأ و تحصیلا والکاظمی خاتمهٔ و مدفنا از اکابر علماء متتبعین و اعاظم علماء بارعین و افاخم فضلاء ماهرین و بر دین خدا از جمله ناصرین عارف لغهٔ عربیهٔ و فقه و رجال و حدیث بود و از اشعار لطیفی که خطاب به مولا امیرالمؤمنین (ع) در (نص غدیر خم) می‌کند این دو بیت است.

انت مولی الوری بما نص خیر الر

سل یوم الغدیر فیک جهارا

ملا الخافقین فضلک حتی

لم یجد منکر له انکارا

معظم له از شاگردان معظم میرزاء بزرگ شیرازی بوده و در جنگ بین‌المللی اول یا جماعتی از طلاب و جمله از فضلاء اصحاب برای جهاد به ارض کاظمین (ع) مهاجرت فرموده و بعد از مراجعت در کاظمین ساکن و مرجع اهالی آنجا گشته اقامه نماز جماعت نمود و اهالی کاظمین اتفاق و اتحاد بر جلالت او نمودند.

وی در حدود ۱۲۶۰ متولد شده و در کاظمین علیهماالسلام در عشر ثانی ماه رمضان سال ۱۳۲۶ ق به رحمت حق پیوست و در یکی

از حجرات کشوانیه صحن کاظمین مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشانی، هبهٔالله

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۸ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به قانعی. به آورده‌ی صاحب «مناقب هنروران» وی در خط، شاگرد سلطانعلی مشهدی و استاد میر معز کاشانی بود. همچنین او را در خوش‌طبعی و خوش‌فهمی و شعرشناسی، استادی مسلم دانسته‌اند. وی علاوه بر خوشنویسی گاهی شعر نیز می‌گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۵۹ / ۳)، تحفه سامی (۶۲)، الذریعه (۱۲۹۰ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۳۷)، مناقب هنروران (۷۲ -۷۱، ۶۶).

کاشانیان، ناصر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصر کاشانیان دارای کارشناسی کشاورزی و دکترای رشته دامپروری از مرکز تحقیات پشم و پوست وابسته به دانشگاه یوستوی لیبک در سال ۱۳۳۹ است.ایشان عضو هیئت علمی دانشگاه تهران با درجه استادی به تدریس و پژوهش پیرامون بررسی صفات کمی و کیفی پشم، پشم شناسی مشغول است.

گروه : کشاورزی

رشته : دامپروری خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی کشاورزی، دکترای دامپروری از مرکز تحقیقات پشم و پوست وابسته به دانشگاه یوستوی لیبک در سال ۱۳۳۹.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران.

وقایع میانسالی : دکتر ناصر کاشانیان پس از اخذ مدرک دکتری در رشته دامپروری به عضویت هیئت علمی گروه دامپروری در دانشکده کشاورزی در دانشگاه تهران در آمد وی هم اکنون با سمت استادی در آنجا مشغول به انجام خدمت است.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح تجزیه شیمیایی و فیزیکی پشم، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد در زمینه توان تولید گوسفند بومی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

پشم‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸ تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

بررسی صفات کمی و کیفی پشم.

آثار :

۱ بررسی آثار آبستنی ، شیردهی ، شن و جنس بر کمیت و کیفیت پشم گوسفندان ورامین

ویژگی اثر : مقاله

۲ بررسی خصوصیات کمی و کیفی الیاف بز مرغز و اثر برخی عوامل بر آنها

ویژگی اثر : مقاله

۳ بررسی صفات کمی و کیفی پشم

۴ پشم شناسی

ویژگی اثر : تالیف-۱۳۵۱

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کاشف اصفهانی، اسماعیل

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، معمار و شاعر، متخلص به کاشف. در دوره‌ی شاه عباس اول (۱۰۷۷-۱۰۵۲ ق) می‌زیست. آباء و اجداد او از معماران دوره‌ی صفوی بودند، خود او نیز در فن کاشی تراشی تبحر داشت. بعد از مدتی این فن را رها کرد و به شعر روی آورد. تمایل وی، در اقسام نظم، به هجو بیشتر بود و در غزل نیز دست داشت. از آثارش: «تحفهٔ الاقالیم»، مثنوی عشقی عرفانی در بحر «تحفهٔ العراقین»، که در ۱۰۷۰ ق به پایان برد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۶۱ -۳۶۰)، صبح گلشن (۳۳۶)، فرهنگ سخنوران (۷۵۴)، لغت نامه (ذیل/ کاشف)، منظومه‌های فارسی (۴۹۱).

کاشف شیرازی، محمد شریف

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۰۱-بعد از ۱۰۶۳ ق)، عالم دینی، قاضی و شاعر، متخلص به کاشف. اصلش از شیراز بود. در کربلا به دنیا آمد. وی برادر کوچک منصف تهرانی بود. در ۱۰۰۶ ق با پدر خود به اصفهان رفت. از آنجا در ۱۰۱۰ ق به همراه پدر به مشهد مسافرت کرد و در ۱۰۲۹ ق به اصفهان بازگشت. او ادبیات، منطق و کلام را نزد پدر خویش فراگرفت و در آنجا مدت بیست سال سرگرم تحصیل و ادب‌آموزی بود. وی مدت پانزده سال منصب قضاوت طرشت، از قراء ری، را به عهده داشت. به آورده‌ی «اعیان الشیعه» کاشف خود گوید که در پانزده سالگی برای قضای اصفهان برگزیده شده است. از آثار منظوم وی: «لیلی و مجنون»؛ «عباس نامه»، به شیوه‌ی «شاهنامه»؛ «هفت پیکر»؛ «دیوان» شعر. از آثار منثور وی: «السراج الخیر» یا السراج المنیر»، به فارسی، در اخلاق؛ «الدرهٔ المکنونهٔ» یا « در مکنون»؛ «حواس الباطن»؛ «خزان و بهار»، در اخلاق؛ «الفرج بعد الشدهٔ»، در چهارده قسمت: صبر، رحم،... و هدیه.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۶۴/ ۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۶۵ -۱۷۶۲/ ۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۵۲ -۲۵۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۳۱-۲۲۹ / ۴)، الذریعه (۲۳۳/ ۲۵ ، ۳۰/ ۲۳ ، ۱۳۹/ ۲۲ ، ۳۳۹، ۲۷۹، ۲۴۴/ ۱۹ ، ۳۹۶/ ۱۸ ، ۲۱۰/ ۱۵ ، ۱۶۲ -۱۶۱/ ۱۲ ، ۸۹۸/ ۹ ، ۱۰۸/ ۸ ، ۱۵۲ -۱۵۱ ، ۹۵/ ۷)، ریحانه (۱۶/ ۶)، صبح گلشن (۳۳۶)، فرهنگ سخنوران (۷۵۵)، لغت نامه (ذیل/ کاشف)، معجم المؤلفین (۶۷/ ۱۰)، منظومه‌های فارسی (۴۹).

کاشف‌الغطاء

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ع. برطرف‌کننده‌ی پرده) لقب (شیخ) جعفر بن (شیخ) خضر بن (شیخ) یحیی حلی جناحی‌الاصل و نجفی‌المسکن والمدفن معروف به شیخ اکبر و شیخ نجفی، از بزرگان علمای امامیه و فقیه و مجتهد (ف. نجف ۱۲۲۷ یا ۱۲۲۸ ه.ق) وی شاگرد آقای بهبهانی و سید مهدی بحرالعلوم و سید صادق فخام و جز ایشان بود؛ و صاحب جواهر و حجهٔ‌الاسلام رشتی و شیخ محمدتقی صاحب هدایهٔ المسترشدین و سید صدرالدین موسوی عاملی و سید جواد صاحب مفتاح‌الکرامهٔ و شیخ عبدالحسین اعسم و حاجی کلباسی و گروهی دیگر از شاگردان اوینـد و از او روایت دارند. او راست: اثبات الفرقهٔ الناجیهٔ من بین الفرق الاسلامیهٔ، احکام الاموات، بغیهٔ‌الطالب فی معرفهٔ المفروض والواجب (رساله‌ای است عملیه و مطلب اول آن در اصول عقاید و مطلب دوم در احکام طهارت و نماز است)، الحق المبین فیتصویب المجتهدین و تخطئهٔ جهال الاخباریین (که در آن حقیقت مذهب طرفین را نگاشته و گوید که هر دو در اصول دین متحد و در فروع نیز مرجع هر دو فرقه، روایات ایمه ۴ است و در حقیقت مجتهد اخباری و اخباری نیز مجتهد و فضلای طرفین ناجی و طعن‌کنندگان در هلاکتند)، شرح قواعد علامه (که در آن بعضی از ابواب مکاسب را تا مبحث خیارات شرح کرده)، العقائد الجعفریهٔ، کشف‌الغطاء عن مبهمات الشریعهٔ الغراء (این کتاب حاکی از کثرت اطلاع و فهم و جودت فکر و حسن سلیقه‌ی او و حاوی اصول و فروع دینی است. شهرت شیخ جعفر به کاشف‌الغطاء به مناسبت نام همین کتاب است). وی نزد بزرگان عصر محترم بود و ریاست علمی داشت و بسیار حلیم و متواضع بود. مدفن او در نجف در محله‌ی عماره در مقبره‌ی مخصوص خانواده‌ی اوست. خاندان او را به نام آل کاشف‌الغطاء می‌نامند و هر یک از آنان را نیز به لقب کاشف‌الغطاء می‌خوانند، از آن جمله کسان ذیل از آن نامبردارند:

بر گرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

کاشفی سبزواری هروی، معین‌الدین، حسین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۱۰ ق)، فقیه، محدث، حافظ، مفسر، واعظ، صوفی، ادیب و شاعر. مشهور به ملا حسین کاشفی یا ملاحسین واعظ. در سبزوار به دنیا آمد. دوره‌ی جوانی را در آن شهر گذراند و در آنجا و نیشابور و هرات نشو و نما یافت. در زمان سلطان حسین میرزای بایقرا در هرات و نیشابور به وعظ و ارشاد می‌پرداخت و با صوتی خوش آیات قرآن و احادیث نبوی را با عبارات و اشارات مناسب بیان می‌کرد. وی از ملازمان امیر علی شیرنوایی بود. پس از ملاقات مولانا جامی و معاشرت با وی طریقت نقشبندیه را پذیرفت. درباره‌ی مذهب وی اختلاف است، وی را به جهت گرایش به تصوف ملازمت با امیر علیشیر نوایی و نسبت خانوادگی نزدیک به ملا عبدالرحمان جامی سنی مذهب و به جهت نگارش کتاب «روضهٔ الشهداء» و محل رشد و تربیتش سبزوار که از شهرهای اهل تشیع بوده، شیعه مذهب دانسته‌اند. به هر حال وی در هرات به شیعه بودن و در سبزوار به تسنن اشتهار داشت. کاشفی در هرات درگذشت. از آثار وی: «جواهر التفسیر لتحفهٔ الامیر»، به نام امیر علیشیر نوایی؛ «مختصر الجواهر»، تفسیری دیگر در حدود بیست هزار سطر؛ «جامع الستین»، در تفسیر «سوره‌ی یوسف»؛ «المواهب العلیهٔ»، معروف به «تفسیر حسینی»، به نام سلطان حسین بایقرا؛ «روضهٔ الشهداء»، در مقاتل و ذکر مصیبت اهل‌بیت (ع) و واقعه‌ی کربلا، که چون اهل منبر از روی این کتاب می‌خواندند به روضه‌خوان مشهور شدند؛ «الاربعین»، در احادیث موعظه؛ «المرصد الاسنی»، در شرح اسماء اللّه الحسنی؛ «اخلاق محسنی»؛ «مخزن الانشاء»، در فن ترسل که برای سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیر نوایی، در ۹۰۷ ق، تألیف نموده؛ «انوار سهیلی»، در تدابیر حکم و آداب از زبان حیوانات، بازنویسی از «کلیله و دمنه» نصراللّه منشی، که آن را برای امیر شیخ احمد سهیلی از امرای عهد سلطان حسین بایقرا نوشت؛ «اسرار قاسمی»، در سحر و طلسمات و کیمیا؛ «بدایع الافکار فی صنایع الاشعار»، در ذکر صناعات ادبی؛ شرح «مثنوی» مولوی؛ «لب المثنوی»؛ «لب اللب مثنوی»؛ «اختیارات النجوم»، به نام «الواح القمر»؛ «السبعهٔ الکاشفیهٔ»، شامل هفت وسیله در علم نجوم.[۱]

(بخش ۱: کاشف) حسین بن علی بیهقی سبزواری واعظ ملقب به کمال‌الدین، دانشمند و واعظ معروف (ف. ۹۰۶ یا ۹۱۰ ه.ق) وی در علوم دینی و معارف الهی و فنون غریبه و ریاضیات و نجوم دست داشت. او در زمان سلطان حسین بایقرا در هرات و نیشابور به وعظ و ارشاد مشغول بود و با صوتی خوش و آهنگی دلکش آیات قرآنی و احادیث نبوی را با عبارات و اشارات مناسب ایراد می‌کرد. او راست: آیینه‌ی اسکندری به فارسی (در استخراج مطلوب و حاوی ۸ جدول و ۲۰ دایره) و آن را جام جم نیز گویند، الاختیارات یا اختیارات النجوم (حاوی یک مقدمه و یک خاتمه و دو مقاله)، اخلاق محسنی (ذیل فرهنگ حاضر)، الاربعون حدیثاً در مواعظ بنام الرسالهٔ العلیهٔ فی الاحادیث النبویهٔ (این کتاب به فارسی و حاول ۴۰ حدیث است)، اسرار قاسمی (ذیل فرهنگ حاضر)، انوار سهیلی (ذیل فرهنگ حاضر)، بدائع‌الافکار فی صناعهٔ‌الاشعار، تحفهٔ‌الصلوات (به پارسی)، جامع الستین (تفسیر فارسی عرفانی و ادبی و اخلاقی و تاریخی سوره‌ی یوسف)، روضهٔ‌الشهداء (ه.م) سبعه‌ی کاشفیه (۷ رساله در علم نجوم)، شرح مثنوی، جواهرالتفسیر لتحفهٔ‌الامیر یا عروس (عروس)، اللباب المعنوی فی انتخاب المثنوی، مختصر الجواهر (مختصر جواهر التفسیر یا عروس مذکور)، مخزن‌الانشاء به پارسی، المرصد الاسنی فی شرح اسماءاللّه الحسنی، مطلع‌الانوار، المواهب العلیهٔ (مواهب العلیه) (لغ.).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از سعدی تا جامی (۶۸۱، ۶۴۷، ۶۴۶، ۶۴۵، ۶۴۴ –۶۴۳، ۶۴۱ –۶۳۹، ۶۳۶، ۶۲۸، ۳۲۹)، اعیان الشیعه (۱۲۴ – ۱۲۱/ ۶)، ایضاح المکنون (۶۷۴، ۴۱۶/ ۲، ۷۶/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۲۶ –۵۲۳/ ۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۴۸ –۲۴۵)، حبیب السیر (۳۴۶ –۳۴۵/ ۴)، الذریعه (۱۹۴ –۱۹۳/ ۲۰، ۲۹۱ –۱۹۰/ ۱۸، ۱۲۵۲، ۸۹۹/ ۹، ۵۸ –۵۷/ ۵، ۴۵۵/ ۳، ۴۳۰/ ۲، ۵۰/ ۱)، روضات الجنات (۲۲۳ –۲۱۷/ ۳)، ریاض العارفین (۲۳۱ –۲۳۰)، ریحانه (۳۲ –۲۹/ ۵)، طرائق الحقائق (۱۱۴/ ۳)، کشف الظنون (۱۹۱۶، ۱۸۹۶، ۱۶۴۸، ۱۵۷۴، ۱۳۰۵، ۳۹۸)، الکنی و الالقاب (۱۰۵/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ کاشفی)، مجالس المؤمنین (۵۴۸ –۵۴۷/ ۱)، مجالس النفائس (۹۳)، معجم المؤلفین (۳۵ –۳۴/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۱۶ –۸۱۰/ ۲).

کاشمری، حبیب‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ حبیب‌اللّه کاشمری از علماء و خطباء و محدثین کاشمر بوده و با نگارنده هم عنایت و محبتی داشته است وی تحصیلات خود را در کاشمر و مشهد و نجف اشرف به پایان رسانیده و بیشتر از راه منبر تبلیغ دین و ترویج احکام مبین نموده تا حدود ۱۳۷۰ قمری که وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشمری، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی‌اکبر کاشمری عالمی بارع و فاضلی جلیل از علماء کاشمر بوده و در اوائل ۱۳۰۰ قمری به سامرا وارد و از محضر آیت‌اللّه العظمی مجدد شیرازی استفاده نموده و با مرحوم علامه آقا شیخ اسماعیل ترشیزی شریک بحث بوده و بعد ۱۳۰۰ قمری وفات نموده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشمری، واله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

واله کاشمری از فضلاء اخیار و مبلغین ابرار معاصر مشهد مقدس است.

وی در کاشمر متولد شده و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و قسمتی از سطوح به مشهد مقدس مهاجرت نموده و سطوح را تکمیل و پس از آن از دروس خارج آیات عظام مشهد بالاخص آیت‌اللّٰه العظمی میلانی و آیت‌اللّٰه حاج میرزا جواد آقای تهرانی و دیگران استفاده نموده آنگاه به ترویج دین و تبلیغ احکام و گفتن تفسیر قرآن و اقامه نماز جماعت در یکی از مساجد مشهد پرداخته و تا حال حاضر به انجام وظائف مذکوره اشتغال دارد.

نگارنده گوید: مترجم محترم از دانشمندان و وعاظ با تقوای خراسان و به فضل و ورع موصوف و مورد وثوق و اعتماد مردم مشهد و بالاخص علماء و فضلاء مشهد می‌باشد که بعضی از آیات در نمازشان شرکت می‌نمایند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشی آملی، حسن

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم و هشتم ق)، عالم امامی، نویسنده و شاعر، متخلص به کاشی. معروف به حسن کاشی. اصلش از کاشان بود اما در آمل به دنیا آمد و در آنجا نشو و نما یافت. وی از بزرگترین شعرای زمان خود بود که هیچ گاه مدح شاهان نکرده و شعرهایش همگی در مدح ائمه اطهار (ع) به ویژه حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) بوده است. او از معاصرین علامه‌ی حلی (م ۷۲۶ ق) و محقق کرکی بود و همچون آنان در نشر مذهب جعفری خدمات شایانی نمود، گفته‌اند که او سر منشأ نگرش شیعی معاصرش، سلطان محمد الجایتو است. وی بعد از حج و زیارت کعبه و حرم پیامبر (ص) به زیارت حرم امیرالمؤمنین (ع) در نجف مشرف شد و در آنجا قصایدی در مدح آن حضرت سرود. حسن کاشی در زمان سلطان محمد خدابنده (۷۱۶ -۷۰۳ ق) به سلطانیه رفت و در همان جا درگذشت و قبرش در همان شهر می‌باشد. اما نزد مردم کاظمین مشهور است که قبر مجاور قبر سید مرتضی در کاظمیه متعلق به حسن کاشی آملی است. از آثارش: «الانشاء»، در ادب و حکمت و شعر؛ «هفت بند» یا «العقود السبعة»، شامل هفت قصیده در مدح امیرالمؤمنین (ع)، که در نجف سروده است؛ «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۳۲ -۲۳۱/ ۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۵۱ -۷۴۵/ ۳)، تذکره‌ی روز روشن (۲۰۹ -۲۰۸)، تذکرهٔ الشعراء (۳۳۲ -۳۳۱)، الذریعه (۲۳۲ -۲۳۱/ ۲۵ ،۳۰۳/ ۱۵ ،۹۰۰ -۸۹۹/ ۹ ،۳۹۱/ ۲)، روضات الجنات (۲۶۳ -۲۶۲/ ۲)، ریاض العلماء (۳۱۰ -۳۰۸/ ۱)، ریحانه (۳۴ -۳۲/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸/ ۴۴)، فرهنگ سخنوران (۷۵۵)، فوائد الرضویه (۱۲۰ -۱۱۷)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن کاشی، کاشی)، مجالس المؤمنین (۶۴۱ -۶۲۶/ ۲)، هفت اقلیم (۴۶۰ -۴۵۷/ ۲).

کاشی بیدگلی، صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. از سادات کاشان و معاصر با عبدالرحیم مازندرانی، متخلص به منصف، بود. وی قصیده‌ای در مدح فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) سروده است. از آثارش: «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۹۶۱/ ۲)، الذریعه (۵۷۸/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۳۶)، لغت‌نامه (ذیل/ صادق بیگدلی)، مجمع الفصحا (۶۷۳ -۶۷۲/ ۵).

کاشی، جعفر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. پیشه‌ی وی معلمی بود. شعر نیز می‌گفت و بیشتر به سرودن رباعی تمایل داشت. از اشعار وی:

جعفر سخن از کعبه و از دیر مکن

در وادی شک چو گمرهان سیر مکن

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۷۱ -۱۷۰)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۹۷)، الذریعه (۱۹۷/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۱۱).

کاشی، حسین، محمد حسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی از شاعران فاضل و دانشمند کاشان بود که در اوان جوانی درگذشت و مرگ زودرس او باعث اندوه بسیار پدر شد و رباعیی در فراق او سرود. حسین کاشی در سرودن شعر توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۲۸۹)، الذریعه (۲۹۲/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۶۵).

کاشی، حیدر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی چثه‌ای ضعیف داشت. ولی با استعداد بود و در فن تاریخ و معما، ممتاز. حیدر به اسم خان احمد پادشاه، قصده‌ای سرود که از هر مصراع آن یک معما و یک تاریخ استخراج می‌شد. در برخی منابع آمده که وی به تقلید «خمسه‌ی» نظامی «نقیضه‌ای» پرداخته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۰۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۷۵)، الذریعه (۲۷۰/۹)، لغت نامه (ذیل/ میر حیدر کاشی)، مجمع الخواص (۸۴).

کاشی، عبدالکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: باغبانی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

مهندسی و کارشناسی ارشد کشاورزی از دانشگاه گوتینگن آلمان در سال ۱۹۶۴، درجه دکترای علوم کشاورزی از دانشگاه گوتینگن آلمان در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

عضو هیأت علمی و استادیار گروه باغبانی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۳ تا سال ۱۳۶۵، دانشیار گروه باغبانی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۵ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

به زراعی و به نژادی سبزی، صیفی و سیب‌زمینی، اکوفیزیولوژی و سیتولوژی سبزی‌ها، کارشناس اصلاح بذر از مؤسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر وزارت کشاورزی از سال ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۵۳، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

پرورش توت‌فرنگی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸ تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

به زراعی و به نژادی سبزی، صیفی، سیب‌زمینی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کاشی، عبدالکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر عبدالکریم کاشی متولد حدود دهه ی ۱۳۲۲ ه.ش دارای مدرک درجه دکترای علوم کشاورزی از دانشگاه گوتینگن آلمان درسال۱۳۴۷ و عضو هئیت علمی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه تهران با مرتبه ی علمی دانشیاری می باشد.گروه : کشاورزیرشته : باغبانیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر عبدالکریم کاشی دارای مدرک تحصیلی و کارشناسی ارشد کشاورزی از دانشگاه گوتینگن آلمان در سال۱۹۶۴، درجه ی دکترای علوم کشاورزی از دانشگاه گوتینگن آلمان درسال۱۳۴۷ ه.ش بوده است.خاطرات و وقایع تحصیل : اخذ مدرک دکترای علوم کشاورزی از دانشگاه گوتینگن آلمان در سال ۱۳۴۷ ه.ش از مهمترین مقاطع علمی زندگی دکتر عبدالکریم کاشسی بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر عبدالکریم کاشی در ضمن تحصیل به مطالعه و تحقیق پیرامون موضوعاتی چون به زراعی و به نژادی سبزی، صیفی و سیب زمینی و اکوفیزیولوژی و سیتولوژی سبزی ها، پرداخته است.وقایع میانسالی : دکتر عبدالکریم کاشی پس از اخذ مدرک علوم کشاورزی از دانشگاه گوتینگن آلمان در سال۱۳۴۷ به ایران بازگشت و به عنوان عضو هئیت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران استخدام شد و مرتبه ی علمی دانشیاری را کسب نمود.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر عبدالکریم کاشی عضو هیات علمی و استادیار گروه باغبانی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۳تا سال۱۳۶۵ و دانشیار گروه باغبانی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه تهران از سال۱۳۶۵تا کنون بوده است.فعالیتهای آموزشی : دکتر عبدالکریم کاشی در دانشکده ی کشاورزی دانشگاه تهران به تدریس دروس رشته ی کشاورزی پرداخته و راهنمایی و مشاوره و نظارت بر ۱۶پایان نامه کارشناسی ارشد را بر عهده داشته است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر عبدالکریم کاشی در کنار تدریس به مطالعه و تحقیق و تالیف آثار پرورش توت فرنگی ، به زراعی و به نژادی سبزی پرداخته است.آرا و گرایشهای خاص : دکتر عبدالکریم کاشی از جمله متخصصان رشته ی کشاورزی می باشد که در اموری چون به زراعی و به نژادی سبزی، سیفی و سیب زمینی دارای تخصص می باشد.آثار : به زراعی و به نژادی سبزی صیفی . سیب زمینی

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

کاشی، عمادالدین یحیی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۷۴۵ ق)، محدث، ریاضیدان و ادیب. یکی از شاگردان محقق کرکی او را در رساله «مشایخ الشیعهٔ» و شیخ یحیی مفتی بحرانی وی را در «تذکرهٔ المجتهدین» ذکر کرده‌اند. او گذشته از ادبیات و حدیث در علم حساب نیز دانشمندای برجسته بود. در ۷۴۵ ق در یزد می‌زیست و سرانجام در اصفهان درگذشت. شیخ آقا بزرگ تهرانی شرح حال یحیی کاشی را در ذیل علمای قرن دهم آورده است. از آثارش: شرح «مفتاح العلوم» سکاکی؛ «لباب الحساب» یا «اللباب فی علم الحساب»؛ حاشیه بر شرح رساله‌ی «آداب البحث» فاضل سمرقندی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۶۲/ ۹)، الذریعه (۸۲ -۸۱/ ۱۴ ،۱۰۹/ ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۵/ ۱۰)، کشف الظنون (۱۵۴۲ ، ۳۹)، معجم المؤلفین (۱۸۴/ ۱۳).

کاشی، محمدتقی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۳ ق)، شاعر و خطاط. وی خط نستعلیق را خوب می‌نوشت به همین دلیل به مروارید رقم ملقب شد. تقی از دیار خود به هند رفت و تا پایان عمر در دکن اقامت کرد. گاه تتبع شعر می‌کرد. از اشعار وی:

هر جا سوزیست آشنای دل ماست

هر جا دردیست از برای دل ماست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۰/۱)، الذریعه (۱۰۳۰/۹)، شام غریبان (۵۸)، صبح گلشن (۸۹)، فرهنگ سخنوران (۱۹۰)، کاروان هند (۲۵۴/۱)، لغت‌نامه (ذیل/ تقی کاشی)، هفت اقلیم (۴۶۴ -۴۶۳/ ۲).

کاشی، مقیما

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به حلمی. وی به هند مسافرت کرد و به خدمت شاهزاده محمد داراشکوه بن شاه جهان (م ۱۰۶۹ ق)

رسید و مورد احترام وی قرار گرفت. ملاـ مقیما به یاری اورنگ زیب (۱۱۱۹ -۱۰۶۹ ق) به زیارت مکه معظمه رفت و در آنجا نیز درگذشت. از اوست:

هر شیوه که ورزم به ریا، کار ندارم

در بتکده عمریست که زنار ندارم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۰۳ -۳۰۲)، الذریعه (۲۶۵ -۲۶۴/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۲۷۷)، کاروان هند (۳۳۲ -۳۳۱/ ۱).

کاشی، هادی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به هادی. وی در اواخر عمر ملهم تخلص می‌نمود. اهل کاشان بود. در حدود هجده سالگی، برای تحصیل، از کاشان خارج شد و در آنجا به تحصیل پرداخت. سپس به اصفهان رفت و چندی نیز در این دیار سکنی گزید، بعد از مدتی به کاشان، نزد پدرش، بازگشت و گروهی نیز از محضر او بهره بردند. از وی اشعاری باقی مانده است. صاحب تذکره‌ی «میخانه» آثاری به او نسبت می‌دهد، از جمله: کتابی در وصف معراج پیامبر (ص)؛ مجموعه‌ی «غزلیات»، «مثنوی»، نزدیک به چهارده هزار بیت و «ساقی‌نامه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی میخانه (۹۳۶ -۹۲۶)، الذریعه (۱۲۸۶/ ۹)، صبح گلشن (۶۰۴ -۶۰۳)، فرهنگ سخنوران (۹۹۳).

کاظم قمی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۷۹ ق)، خطاط. در دوره‌ی ناصرالدین شاه قاجار خوشنویس آستانه‌ی حضرت معصومه (س)، در قم بود. از آثار وی کتیبه‌ی نقره‌ی برجسته ضریحی است که به امر شاه طهماسب اول ساخته شده و وی در زمان ناصرالدین شاه آن را مرمت و تکمیل کرده است. اشعار این کتیبه از محرم یزدی و خط آن از کاظم قمی است که به قلم یک دانگ کتیبه‌ی خوش نوشته است، با رقم: «کاتبه کاظم خطاط آستانه ۱۲۷۹».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۸۷/ ۲).

کاظما تبریزی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اصل وی از تبریز بود ولی به دلیل اینکه بیشتر عمرش را در کاشان گذرانده، به کاشی مشهور شده بود. وی در کاشان معلمی می‌کرد. سفری به اصفهان داشت و با میرزا محمد طاهر نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) هم‌صحبت شد. او در ایام عاشورا روضهٔ الشهداء می‌خواند. از اوست:

این مرغ دل که در قفس سینه‌ی من است

آخر مرا به خانه‌ی صیاد می‌برد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۳۸ -۱۳۷ / ۱)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۵۴۳ -۵۴۱ / ۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۷۱)، دانشمندان آذربایجان (۳۱۲ -۳۱۱)، الذریعه (۹۰۰/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۵۶)، لغت‌نامه (ذیل/ کاظما).

کاظم‌زاده‌ی ایرانشهر تبریزی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۰ -۱۲۶۲ ش)، استاد دانشگاه، نویسنده و روزنامه‌نگار. وی در تبریز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش، در مکتب ملا نصیر و حاج ملا علی واعظ، فراگرفت و سپس به مدرسه‌ی کمال رفت. در آنجا دو زبان عربی و فرانسه را به خوبی آموخت و در ضمن تحصیل، مجلات و روزنامه‌های داخلی و خارجی را نیز مطالعه می‌کرد. او مدتی به قفقاز رفت و سپس برای ادامه تحصیل

راهی استانبول شد و در این شهر به آزادیخواهان ایرانی مقیم استانبول پیوست و با آنان اقدام به تأسیس انجمن برادران ایرانی نمود. ایرانشهر در زمان اقامت در استانبول به دانشکده‌ی حقوق رفت و مدتی بعد از طرف کنسول‌گری ایران در آنجا به مکه رفت. پس از بازگشت رهسپار اروپا شد و موفق به اخذ لیسانس در رشته علوم اجتماعی و سیاسی، از دانشگاه شهر لوون بلژیک گشت. پس از آن مدتی در پاریس به تحصیل پرداخت و ضمنا در مدرسه‌ی عالی اجتماعی فن روزنامه‌نگاری را فراگرفت. او توانست در این شهر سفرنامه‌ی مکه خود را بنویسد و به چاپ برساند. همچنین در پاریس به همراهی علامه محمد قزوینی و استاد پور داوود انجمنی به نام انجمن مصاحبات ادبی و علمی ایرانیان پاریس تأسیس کرد. در ۱۲۹۲ ش به دعوت ادوارد براون به دانشگاه کمبریج انگلستان رفت و به تدریس زبان و ادبیات فارسی پرداخت. کاظم‌زاده در جنگ جهانی اول بنا به دعوت سید حسن تقی زاده، برای شرکت در کمیته‌ی ملی ایران، به برلین رفت و از آنجا به ایران بازگشت و به صف آزادیخواهان پیوست. وی پس از مدتی دوباره به استانبول و از آنجا به برلین رفت و با تقی‌زاده در انتشار روزنامه «کاوه» همکاری کرد. در ۱۳۰۱ ش مجله‌ی «ایرانشهر» را در آن شهر تأسیس و به مدت چهار سال منتشر کرد. او همچنین در آنجا از، طرف وزارت فرهنگ، مدتی سرپرست دانشجویان ایرانی بود. کاظم‌زاده پس از نوزده سال اقامت در آلمان به سوئیس مهاجرت کرد و در آنجا یک مکتب عرفان باطنی تأیسی نمود که پیروان زیادی داشت. وی به زبان‌های فرانسه، انگلیسی، آلمانی و عربی تسلط داشت. او همچنین اشعار زیادی نیز سروده است. وی سرانجام در سوئیس درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش: «رهبرنژاد نو» یا «در جستجوی خوشبختی»؛ «راه نو»، در تعلیم و تربیت؛ «تداوی روحی برای افراد و جامعه»؛ «معارف در عثمانی»؛ «تجلیات روح ایرانی»، در ادوار تاریخی؛ «آثار عتیقه‌ی ایران باستان»؛ «تفسیر معنوی بر دیباچه‌ی مثنوی»؛ «اصول اساسی روان‌شناسی انسان و ماهیت تکامل او»؛ «راز و نیاز»؛ «رستم و سهراب»؛ «محمد (ص) و تعلیمات عالیه‌ی اسلامی»؛ «راه راست برای صلح بین ملتها»، ترجمه؛ «سفرنامه‌ی مکه»، به فرانسه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار و احوال کاظم‌زاده‌ی ایرانشهر، ادبیات نوین (۵۳)، از صبا تا نیما (۲۳۴ -۲۳۳/ ۲)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۳۲۲)، تاریخ جراید (۳۴۱ -۳۳۷/ ۱)، الذریعه (۱۹۲/ ۲۱ ،۳۱۱، ۲۳۱/ ۱۱ ،۶۵/ ۱۰ ،۳۵۹/ ۳)، زدگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۴۸ - ۲۳۶/ ۵)، شخصیت‌های نامی (۸۵ -۸۴)، شرح حال رجال (۸۰/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۱۱۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۹۹ ،۳۰۴۲ ،۲۹۴۸ ،۲۵۷۱ ،۲۱۱۴ ،۲۰۱۶ ،۱۸۰۴ ،۱۷۳۰ -۱۷۲۹ ،۱۶۶۲ ،۱۶۲۸ -۱۶۲۷/ ۲ ،۱۳۷۹ ،۱۳۰۹ ،۹۳۴ ،۸۲۱ ،۷۸۷ ،۷۰۲ ،۴۵۵ ،۴۲۸ ،۲۶۶ ،۲۴۹ ،۲۴۷/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۸۷)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴۵ -۸۴۲/ ۲).

کاظمی اربط، حمداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زراعت و اصلاح نباتات، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زراعت از دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در سال ۱۹۵۹، کارشناسی ارشد اگرونومی از دانشگاه ایالتی لمونتانای در آمریکا در سال ۱۹۶۱، دکترا زراعت و اصلاح نباتات از دانشگاه ایالتی لمونتانا در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام نه طرح پژوهشی به زراعی و به نژادی، ارائه تز دکترا در زمینه ژنتیک کمی تحت عنوان> توارث عوامل مؤثر در مقاومت گندم بهاره به خشکی، <عضویت در هیأت تحریریه مجلات، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۷ پایان‌نامه در زمینه زراعت و اصلاح نباتات.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

به زراعی و به نژادی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کاظمی خوانساری اصفهانی، محمد مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۱ -۱۳۱۹ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. وی در محله‌ی قطانه کاظمین به دنیا آمد و پس از نشو و نما به تحصیل پرداخت. مقدمات و ادبیات و منطق و سطوح وسطی و نهایی را از علمای کاظمین، همچون میرزا ابراهیم سلماسی کاظمی و آیت‌اللّٰه شیخ حسین رشتی کاظمی، فراگرفت. سپس به نجف مهاجرت کرد و چند سالی از محضر آیت‌اللّٰه سید ابوتراب خواسناری و آیت‌اللّٰه شیخ علی مازندرانی و دیگران بهره‌ها جست و از سید ابوتراب خوانساری و میرزا ابراهیم سلماسی کاظمی و شیخ علی مازندرانی و شیخ اسداللّٰه زنجانی و سید محمد کاشانی حایری و شیخ علی آل کاشف الغطاء نجفی و شیخ علی شاهرودی و شیخ ضیاءالدین عراقی و سید محسن عاملی، صاحب «اعیان الشیعه»، و شیخ کاظم شیرازی نجفی و سید میرزا هادی خراسانی حایری اجازه گرفت. آن‌گاه به کاظمین بازگشت و به وظائف دینی و تألیف و اقامه جماعت پرداخت تا در همان شهر درگذشت و در جوار قبر امام موسی بن جعفر (ع)، به خاک سپرده شد. از آثارش: «احسن الودیعهٔ فی تراجم مشاهیر مجتهدی الشیعهٔ» یا «الباقیات الصالحات»، در تتمیم «روضات الجنات»؛ «صرف العنایهٔ فی حل معضلات الکفایهٔ»؛ «نزههٔ المرتاض فی شرح طهارهٔ الریاض»؛ «القول المقبول فی مباحث الاصول»؛ «جامع الشتات فی النوادر و المتفرقات»؛ «نفایس الکلام فی شرح اسماء اللّٰه العظام»؛ «زبدهٔ الکلام فی المنطق و الکلام»؛ «بغیهٔ اللبیب و غنیهٔ الادیب فی شرح منطق التهذیب»؛ «الانوار الکاظمیهٔ فی احوال السادات الموسویهٔ»؛ «النقد و البیان فیما یتعلق بکتب الاعیان»؛ «مطلع الشمسین فی الدفاع عن السیدین»؛ «البرهان الجلی فی احوال زید بن علی (ع)».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۴۲، ۱۲۴/ ۲۴، ۳۱/ ۱۲، ۴۳۹/ ۲، ۲۸۹/ ۱)، ریحانه (۱۹۱ -۱۹۰/ ۲)، علماء معاصرین (۲۴۴ -۲۴۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۱۰ -۳۰۹/ ۶)، مؤلفین کتب چاپی (۳۶۷ -۳۶۵/ ۶).

کاظمی موموندی هرسینی، محمد کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، عالم دینی. مقدمات را در نجف اشرف فراگرفت. چند سالی هم در حوزه‌ی علمیه‌ی قم در محضر اساتید سطح، به خواندن سطح فقه و اصول پرداخت. وی سپس بر اساس احساس وظیفه به تدریس در فرهنگ و آموزش عالی مشغول شد. او از خطبا و مبلغین اسلامی در محیط دانشگاه بود. از آثارش: «نقش اسلام در تمدن بشریت»؛ «مشاعره مذهبی».[۱]

محمدکاظم کاظمی موموندی که سالهای اول تحصیل در نجف اشرف بوده و مقدمات را خوانده و چند سالی هم در حوزه علمیه قم در محضر اساتید سطح اشتغال به خواندن سطح و علوم عربیت و فقه و اصول داشته تا در این اواخر به عنوان احساس وظیفه و خدمت به جوانان در فرهنگ مشغول به تدریس گردیدند. نامبرده دارای روحی بلند و زبانی گویا و در محیط دانشگاه و فرهنگ از مبلغین اسلامی بشمار می‌روند و با ایراد سخنرانیهای مذهبی و تشکیل جلسات برای جوانان به خدمات مذهبی خود ادامه می‌دهند.

آثار قلمی ایشان که هنوز چاپ نشده عبارت از ۱- مشاعره مذهبی و ۲- نقش اسلام در تمدن بشریت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۳ -۳۷۲/ ۶).

کاظمی هروی، کاظم

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر، متخلص به کاظمی. در دوره‌ی سلطان حسین بایقرا (۹۱۱ -۸۷۳ ق) می‌زیست و در دربار او بود. طبعش در سرودن شعر به هزل مایل بود. وی از جانب سلطان، نزد خواجه عمادالدین محمود گاوان معروف به خواجه جهان، به گلبرگه هندوستان مسافرت کرد. در مراجعت از این سفر به شیراز رفت و در آنجا قصیده‌ی «شهرآشوب» را که در مذمت اعیان و اشراف دارالسلطنه‌ی هرات بود سرود. کاظمی در قصیده سرایی به روش باباسودایی تمایل داشت. وی در شیراز درگذشت. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۳۰)، حبیب السیر (۳۳۴/ ۴)، الذریعه (۹۰۲/ ۹)، رجال حبیب السیر (۱۷۰)، فرهنگ سخنوران (۷۵۷)، لغت‌نامه (ذیل/ کاظمی)، مجالس النفائس (۲۱۱، ۳۷).

کاظمی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین کاظمی

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۰/۱/۱

زندگینامه علمی

درسن ۱۴ سالگی وارد حوزه علمیه قم شـدم و دروس رسـمی حوزه مثل: (ادبیات عرب، اصول، فقه، فلسـفه اسـلامی و امثال آن) را مطابق برنـامه معمول حوزه هـا خوانـدم و خارج از برنامه و به عنوان علاقـهٔ شخصـی، در زمینه «عرفان، اخلاق، فلسـفه غرب، ادبیات فارسـی، روانشناسی، علوم سیاسی، مکالمه عربی و انگلیسی و امثال آن» در حدّ وسع، مطالعات و مباحثات داشتم. به علاوه عرفانهای مختلف از قبیل: «هنـدی، آمریکائی و فلسـفه آنها و مباحث به انرژی و انرژی درمانی و ما یشـبهه» که هنوز هم ادامه دارد و به عنوان گرایش اصلی علمی خودم، آنها را انتخاب کرده ام. غرض نقشی است کز ما باز ماند که از گردون نمی بینم بی وفائی

مگر صاحبدلی روزی ز رحمت کند در حق درویشی دعائی

کاظمی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شناسنامه

نام کامل : حسین کاظمی – متولد : ۱۱ مهر ۱۳۵۸ – سن : ۲۹ سال – زادگاه : تهران ، ایران – قد : ۱٫۸۰ متر اطلاعات باشگاهی :

باشگاه کنونی : استقلال تهران – شماره پیراهن : ۴ – پُست : هافبک دفاعی باشگاه های حرفه ای :

۱۳۷۹ – ۱۳۸۶ سایپا

۱۳۸۳ – ۱۳۸۶ استقلال تهران

۱۳۸۶ – ۱۳۸۷ سپاهان

۱۳۸۷ تا کنون استقلال تهران تیم ملی :

۱۳۸۴ تا کنون بزرگسالان ۸ بازی ملی حسین کاظمی بازیکن فوتبال ایرانی است. او در پست هافبک دفاعی بازی می‌کند. او بعد از ۴ فصل بازی در سایپا در سال ۸۲ همراه با مهدی امیرآبادی از سایپا به استقلال آمد. او ۳ فصل در باشگاه استقلال بازی کرد و بعد به باشگاه سپاهان اصفهان منتقل شد و دوباره بعد از دو فصل بازی در سپاهان به استقلال تهران بازگشت.همچنین ایشان در تیم ملی ۸ بازی انجام داد

شرکت در تبلیغات تجاری

کاظمی در یک تبلیغ تجاری نیز شرکت کرده است. از تصویر او برای نقش بر روی بیلبوردهای تبلیغاتی مبلمان چوب شمال استفاده شده بود.

افتخارات :

قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ایران ۸۵–۸۴ به همراه تیم استقلال تهران

قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ایران ۸۸–۸۷ به همراه تیم استقلال تهران

کاظمی، عبدالعلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۸۰ ق)، خطـاط. از آثـار وی: یک مرقع وزیری بزرگ خشتی و یک قصـیده از امرؤالقیس بن حجر بن عمرو الکنـدی، به خط ثلث دو دانگ جلی عالی و نسخ کتابت یاقوتی خوش، با رقم: «کتبه الضـعیف عبـد علی الکاظمی فی سـنه الف و ثمانین من الهجره النبویه...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۰۵ / ۴).

کاظمی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیـخ علی کاظمی موموندی که در سال ۱۳۲۳ شمسـی در شهرسـتان هرسـین متولد شده و پس از تحصیل در مکتب و خواندن چند کلاس در مـدارس اسـلامی کرمانشاه و قم و گذرانیـدن دوره ادبیات و مقدمات در کرمانشاه زیر نظر مرحوم والدشان مدت یکسال در حوزه خرم‌آبـاد تحصـیل نموده و در سال ۱۳۸۱ قمری به قم مهاجرت و در مدرسه فیضـیه سـکونت و به ادامه تحصیل پرداخته و

بعد از طی دوره سطح اکنون نزدیک هفت سالست که در درس آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی شرکت و ضمناً از فرصت ایام تعطیل تابستانی و غیره استفاده نموده و به تألیف و ترجمه بعضی از کتب دینی اشتغال و از این راه خدمات شایانی انجام داده‌اند که ذیلا قسمتی از آثار قلمی ایشان را اشاره می‌نمایم و آن مطبوع و مخطوط می‌باشد.

اما آثار خطوط: ۱- عون‌الادیب فی شرح مغنی اللبیب ۲- شرح فارسی بر معالم ۳- شرحی بر کبری در منطق ۴- شرح بر عوامل ملامحسن ۵- حقایق و اباطیل ۶- اخلاق اسلامی برای همه ۷- ترجمه الدرة الباهرة مرحوم شهید ۸- رساله طهارت اهل الکتاب ۹- رساله ملاک الانفعال فی عدم الانفعال ماءالقلیل.

اما آثار چاپ شده از جزوات و کتابها و رساله‌های کوچک از این قرار است.

۱- آنچه هر مسلمان باید بداند ۲- یکتا خدای جهان‌آفرین ۳- مناظره مسلمان و داروین ۴- گسترش اسلام در جهان ۵- نبوت و عقل ۶- در پرتو اسلام ۷- ارکان اسلام ۸- مفاسد شراب ۹- فلسفه نماز ۱۰- آداب و دستور نماز ۱۱- داستانهای قرآن در ۱۱ جزء ۱۲- راهی به سوی بانک اسلامی ۱۳- نظری به چهره‌ی اگزیستانسیالیسم ۱۴- نقش مدیریت در پیشرفت ملتها ۱۵- چرا و چگونه مسلمان شدند ۱۶- عقاید اسلامی برای همه ۱۷- ترجمه بلاغة‌الحسین (ع) ۱۸- کربلائی که من دیدم ۱۹- راه سوم در موضوع قیام مقدس حسین بن علی علیهماالسلام ۲۰- اسلام در عصر قضا ۲۱- ترجمه زیارت عاشوراء ۲۲- چهل حدیث.

مضافاً بر آثار مذکوره. ایشان با همکاری جمعی اقدام به تأسیس کتابخانه سیار و نشر یک سلسله جزوه‌های مجانی نموده برای نشر معارف اسلامی در بین جوانان و تاکنون بیش از شش هزار جلد کتاب و بیست هزار جزوه به طور رایگان در اختیار محصلین شهرستانها گذارده‌اند.

از والده محترمه ایشان که زنی پاکدامن و متقی است نقل شده که در ایام شیرخوارگی ایشان هرگز بدون طهارت و بدون وضو پستان در دهانش نگذارده و از این رو امید موفقیت بیشتری به آینده ایشان دارد.

پدر همسر ایشان جناب حجة‌الاسلام آقای حاج میرزا محمدباقر حکمت‌نیا که از افاضل دانشمندان با معنویت است می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاظمی، علی اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی اصغر کاظمی در یک خانواده مذهبی در محله قدیمی سرآسیاب دولاب تهران متولد شد. قبل از آغاز سن دبستان ابتدایی در مکتب خواندن قرآن را فرا گرفت. دوره ابتدایی را در دبستان صابر در همان محله و دوره متوسط را تا کلاس نهم در دبیرستان ابوریحان در خیابان دلگشا (دروازه دولاب) طی کرد. سپس در سال ۱۳۳۵ وارد دبیرستان نظام تهران شد و در سال ۱۳۳۸دیپلم ریاضی را اخذ نمود. در همان سال از طریق کنکور نیروی دریائی با اخذ رتبه اول برای طی دوره آکادمی دریائی به کشور فرانسه اعزام شد. در سال ۱۳۴۲ با درجه افسری وارد خدمت نیروی دریائی شد و تا سال ۱۳۷۰ در سمت های مختلف انجام وظیفه کرد. در طول خدمت در نیروی دریائی فرصت یافت مدارج مختلف علمی و آکادمیک را در رشته های مدیریت و حقوق بین الملل در کشورامریکا طی کند. پس از بازنشستگی به عنوان هیات علمی مدارج دانشگاهی را تا مرتبه استادی طی نمود. هم اکنون نیز مشغول تدریس در واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی می باشد. گروه : علوم انسانیرشته : علوم سیاسیگرایش : حقوق و روابط بین المللوالدین و انساب : پدر سیدعلی اصغر کاظمی حاج سید کاظم کاظمی دولابی فرزند حاج سید باقر از سادات اصیل ، متدین و خیر سر آسیاب دولاب بود که املاک و مستغلات معتنابهی را وقف اهل بیت برای صرف مساجد و تکایا نمود.خاطرات کودکی : سیدعلی اصغر کاظمی از دوران کودکی خود اینطور یاد می کند که : «من فرزند دوم خانواده هستم یک برادر بزرگتر،دو خواهر و سه برادر کوچکتر دارم.دوران کودکی ما در تهران قدیم مانند دیگران بسیار ساده بود. وجود باغها و مزارع سر سبز اطراف محله ما نوعی انس با طبیعت و ذوق هنری را در من پرورش داد. در اولین سالهای آشنائی با قلم مبادرت به سرودن شعر کردم که شدیداً مورد تمجید اطرافیان بویژه مادر بزرگم که زنی اهل فضل بود قرار گرفت. از همان کودکی به نقاشی،خطاطی و موسیقی علاقمند بودم. بسیاری از اشعار حافظ را که معانی آن را به خوبی فهم نمی کردم از بر داشتم وبا کودکان دیگر مشاعره می کردم. علاقه به مطالعه و نگارش از همان اوان کودکی در من ایجاد شد. در مدرسه همواره شاگرد ممتاز بودم و مورد تشویق قرار می گرفتم. دروس مدرسه هیچگاه کنجکاوی مرا اغناء نمی کرد و در هر فرصتی مطالعه می کردم. البته طبیعی است که این مطالعات چندان جهت دار و هدفمند نبود. بعدها هنگامی که به کشور فرانسه رفتم سعی کردم در جوار موضوعات تخصصی به مطالعات خود جهت بدهم. هنوز هم در عصر انقلاب اطلاعات با بهره گیری از ابزارهای نوین از هر فرصتی برای افزایش دانش عمومی استفاده می کنم.» اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر و مادر سیدعلی اصغر کاظمی به دلیل اعتقادات مذهبی هیچگاه با رفتن وی به خارج از کشور برای تحصیل و خدمت در نظام موافق نبودند. در اصل هدف او از پیوستن به نیروی دریائی تحصیل در خارج از کشور بود. اما حرفه تخصصی او مانع از ادامه تحصیل در سایر رشته های دانشگاهی نشد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : مدارج تحصیلی سید علی اصغر کاظمی به شرح زیر می باشد: -فارغ التحصیل آکادمی علوم دریائی کشور فرانسه (مدرسه کمیسریای دریائی) ۱۳۴۲– ۱۳۳۸ -درجه کارشناسی ارشد(M.S.) در مدیریت از مدرسه تحصیلات تکمیلی نیروی دریائی امریکا ۱۹۷۰ - درجه کارشناسی ارشد(M.A.) در علوم سیاسی (رشته امنیت بین الملل) از مدرسه حقوق و دیپلماسی فلچر وابسته به دانشگاه تافتس و هاروارد امریکا(۱۹۷۷) -درجه کارشناسی ارشد(M.A.L.D.) در حقوق و دیپلماسی از مدرسه حقوق و دیپلماسی فلچر(۱۹۷۸) -درجه دکترای فلسفه(PhD.) در حقوق بین الملل (تخصص حقوق دریائی)از مدرسه فلچر(۱۹۷۹) فعالیتهای ضمن

تحصیل : بیشتر فعالیت سید علی اصغر کاظمی در تخصص حرفه ای نیروی دریائی بوده که در جوار آن به تحصیل و پژوهش نیز پرداخته است.استادان و مربیان : از میان استادان سید علی اصغر کاظمی که وی به خوبی از آنها یاد می کند به شرح زیر است که همه دارای تالیفات متعدد هستند: دریا دار دکتر ژاک فریه Jacques Ferrier رئیس دانشکده کمیسریای دریائی فرانسه پرفسور رابرت فالزگراف Robert L.Pfaltgraff استاد راهنمای رساله دکتری و رئیس مرکز مطالعات سیاست خارجی- کمبر یج ماساچوست پرفسور دانیل نایهارت Daniel Nyhart از دانشگاه MiT استاد مشاور رساله دکتری پرفسور جفری کمپ Geoffrey Kemp استاد راهنمای رساله کارشناسی ارشد،فعلا رئیس بنیاد نیکسون امریکا پرفسور لوتیز سون Luis Sohn از دانشکده حقوق دانشگاه هاروارد پرفسور لئو گروس Leo Gross استاد حقوق بین الملل پرفسور آلفرد روبین Alfred Rubin استاد حقوق بین الملل هم دوره ای ها و همکاران : سیدعلی اصغر کاظمی از دوستان و هم دوره ایهایش به خوبی یاد می کند می گوید که یکی از آنها بعدها رئیس جمهور ماداگاسکار ، و یک از همکلاسی هندی اش معاون دبیر کل سازمان ملل و یکی دیگر فرمانده ناوگان دریائی ایالت متحده امریکا در جنگ دوم خلیج فارس بود.همسر و فرزندان : سیدعلی اصغر کاظمی در سال ۱۳۴۹ هنگامی کـه در ایالات متحده امریکا تحصیل می کرد به صورت غیابی ازدواج کرد. همسرش خانم طیبه محرر که از بستگان آنهاست فارغ التحصیل رشته حقوق قضائی از دانشگاه تهران است. حاصل ازدواج شان دو فرزند پسر است که هر دو پزشک هستند. فرزند بزرگتر کامیار فارغ التحصیل دانشگاه تهران و متخصص جراحی چشم از دانشگاه شیراز است. فرزند کوچکتر فرزاد دندانپزشک دانش آموخته دانشگاه شهید بهشتی است. کامیار متاهل و دارای دو فرزند دختر و پسر است. همسرش نیز پزشک متخصص جراحی زنان می باشد. فرزاد مجرد است و عاشق موسیقی است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیدعلی اصغر کاظمی علاوه بر تصدی مشاغل رسمی طی ۳۲ سال (۷۰-۱۳۳۸) خدمت در نیروی دریائی و ستاد مشترک ارتش فعالیتهائی به شرح زیر داشته است: عضو و مشاور حقوقی هیات نمایندگی ایران در اجلاس های مختلف کنفراس سازمان ملل درباره حقوق دریاها عضو و حقوقدان کمیته برآورد خسارات جنگ تحمیلی ،دفتر حقوقی وزارت امور خارجه عضو و مشاور حقوقی هیات نمایندگی جمهوری اسلامی برای اجرای قطع نامه ۵۹۸ و استقرار آتش بس عضو و مشاور حقوقی هیات اعزامی برای مذاکرات صلح ایران و عراق زیر نظر دبیر کل سازمان ملل متحد عضو کمیته آتش بس و اجرای قطعنامه ۵۹۸ عضو پیوسته کمیته تخصصی شورای عالی برنامه ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی (گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل) فعالیتهای آموزشی : سید علی اصغر کاظمی در زمینه آموزشی فعالیتهایی را داشته است که به شرح زیر می باشد: استاد دانشگاه دفاع ملی ارتش جمهوری اسلامی تدریس به صورت پاره وقت در دانشگاه های مختلف کشور استاد تمام وقت دانشکده حقوق و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سید علی اصغر کاظمی از بانیان مراکز زیر می باشد: - مرکز مطالعات خلیج فارس در نیروی دریایی که بعد به وزارت خارجه منتقل شد - مرکز مطالعات استراتژیک در ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی - دانشکده حقوق و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از جمله کارهای روزمره سید علی اصغر کاظمی نقاشی و موسیقی کلاسیک ایرانی (ردیف های سنتی) با سازهای ویلن ، تار و سه تار می باشد.آرا و گرایشهای خاص : از نظرات سید علی اصغر کاظمی می توان به : « همواره به فرزندان و شاگردانم می گویم که نسل ما در تاریخ ایران منحصر به فرد است، چرا که ما هم «چراغ نفتی » را تجربه کرده ایم وهم ماهواره و اینترنت را . قطعاً در هیچ دوره ای چنین تحولی شگرف در زندگی گذشتگان رخ نداده و در آینده هم بعید است اتفاق بیفتد. ما سهمی در این تحول نداشته ایم ولی امیدوارم آیندگان دین خود را به ملت و کشور ایران آنطور که شایسته است ادا کنند. کسانی که با آثار متنوع این قلم آشنا هستند معتقدند که تقریباً همه آنها با درون مایه اخلاقی و انتقادی نوشته شده اند. تا آنجا که به خود من مربوط است هیچ عمدی در این کار نبوده است و شاید این ویژگی ناشی از ساختار بینشی و ذهنی من باشد که در محیط اولیه خانواده شکل گرفته است. نگاه انتقادی من به برخی مسائل تخصصی نظامی و انعکاس آن به رده های بالاتر گاهی موجب دردسرهای جدی شده است .»جوائز و نشانها : دریافت نشان دانش به خاطر فعالیتهای علمی در سال ۱۳۵۳ (قبل از انقلاب) برنده دوازدهمین دوره جایزه کتاب سال ۱۳۷۴ جمهوری اسلامی برنده پنجمین دوره جایزه اول کتاب دفاع مقدس چگونگی عرضه آثار : سید علی اصغر کاظمی مقالات حقوقی ، سیاسی و بین المللی متعددی را در مجلات و نشریات مختلف داخل و خارج کشور به چاپ رسانده است که لیست گزیده برخی از مقالات در سایت علمی معرفی شده موجود است.آثار : ۱ - ابعاد حقوقی حاکمیت ایران در خلیج فارس (دفتر مطالعات بین المللی وزارت خارجه ۱۳۶۸) - ابعاد حقوقی دورنمای صلح بین ایران و عراق(تهران : دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۷) برنده پنجمین دوره جایزه سال دفاع مقدس - اخلاق و سیاست : نظریه سیاسی در عمل (تهران : نشر قومس، ۱۳۷۶) - بحران جامعه مدرن (تهران : دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۷) - بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر(تهران : نشر قومس، ۱۳۷۶) - پایان سیاست و واپسین اسطوره (تهران : نشر قومس، ۱۳۸۱) - جهانی شدن فرهنگ و سیاست (تهران : نشر قومس، ۱۳۸۰) - دیپلماسی نوین در عصر دگرگونی در روابط بین الملل (تهران : دفتر مطالعات وزارت خارجه ۱۳۶۵) - روابط بین الملل در تئوری و عمل (تهران : نشر قومس، ۱۳۷۴) برنده دوازدهمین دوره جایزه کتاب سال - روش و بینش در سیاست (تهران : موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه ۱۳۷۴) - زنجیره تنازعی در سیاست وروابط بین الملل. نشر قومس ۱۳۷۰ - سیاست سنجی (تهران : موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه ۱۳۷۴) - مدیریت بحرانهای بین المللی (تهران : دفتر مطالعات بین المللی وزارت خارجه ۱۳۶۶) - مدیریت سیاسی و خط مشی دولتی (تهران : دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۹) - نظریه همگرایی در روابط بین الملل (تهران : نشر قومس، ۱۳۷۰) زنجیره تنازعی در سیاست و روابط بین الملل (تهران : نشر قومس، ۱۳۷۱) - نقش قدرت در جامعه و روابط بین الملل (تهران : نشر قومس، ۱۳۶۹) - هفت ستون سیاست(تهران : دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۹)

کاظمی، فرج‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرج‌اللّه کاظمی هرسینی از علماء بزرگ معاصر کرمانشاه بوده‌اند آن مرحوم در سال ۱۳۰۴ ق در نورآباد لرستان به دنیا آمده و تا پانزده سالگی در آن سامان به سر برده و پس از ملاقات میهمان دانشمندی که با او کتاب (معراج‌السعادهٔ) مرحوم نراقی بوده وی به دیدن آن کتاب دل از دنیا کنده و بخصوص از وضع خانواده خود که صدها سال ریاست عشایری و خوانینی آن محیط را داشتند نگران و ناراحت شده و از بستگان و کسان خود فاصله و مدت سه سال با آنها مبارزه و در تحمیلات و فشارهای آنها آیت‌اللّه حاج شیخ فرج‌اللّه هرسینی صبر نموده تا سال ۱۳۲۲ از آن فضا و مرکز جهل و ضلالت که یک نفر روحانی و اهل علم نداشتند فرار به هرسین نموده و از آنجا به کرمانشاه و پس از بیرون آمدن از لباس خان‌زادگی و پوشیدن لباس ساده با قافله به سمت عراق رفته و در کربلا ساکن گردیده و حدود سه سال مقدمات را در آنجا تحصیل و پس از آن مشرف به سامرا شده و در شمار ملازمین و خواص اصحاب و تلامذه مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدتقی شیرازی رضوان‌اللّه‌علیه درآمده و از محضرش استفاده نموده تا موقع جنگ بین‌المللی که به کربلای معلی مهاجرت نمودند ایشان هم در ملازمت معظم له به کربلا آمده و تا بعد از فوت ایشان سال ۱۳۳۸ ق به نجف اشرف عزیمت و از اساتید و مدرسین آن زمان چون مرحوم آشیخ احمد کاشف‌الغطاء و مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی استفاده نموده تا سال ۱۳۵۱ ق که به ایران مراجعت و در لرستان و هرسین و اطراف آن و کرمانشاه مشغول تبلیغ و ترویج و تشویق طلاب و محصلین گردیده و عده‌ای طلبه تربیت و اعزام نموده و خود شب و روز با خوانین ظلم و جور لرستان مبارزه و مخصوص با فرقه ضاله علویون و غلات نورآباد و نواحی کرمانشاه مناظره‌ها نموده و حدود صد هزار نفر را ارشاد و از ضلالت نجات تا سال ۱۳۷۱ ق که برای معالجه و کسالت به تهران وارد و پس از چند ماه به قم عزیمت و رحل اقامت افکنده و حدود ده سال توقف تا در اواخر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی بنابر اصرار و تقاضای مردم کرمانشاه به آن سامان مهاجرت و تا پایان عمر در یکی از مساجد معروف شهر که برای ایشان بنا نموده بودند به اقامه جماعت و ارشاد مردم پرداخته تا سال ۱۳۸۲ قمری که به رحمت ایزدی واصل گردید.

آن مرحوم دارای چهار فرزند مذکور و نه فرزند اناث می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاظمی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد کاظمی

محل تولد : کرکوک

شهرت

تابعیت : عراق

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در شهر «کرکوک» واقع در شمال عراق و دقیقاً در منطقه «تسعین» متولد شدم و در همانجا دوره ابتدائی، راهنمائی و دبیرستان را سپری کردم. بعد از آن در دانشکده به عنوان «کلیهٔ التربیه» در رشته شیمی قبول شدم. در این دانشگاه، طلاب به عنوان معلم شیمی در دوره راهنمائی و دبیرستان فارغ التحصیل می شوند ولی در سال ۱۹۹۱م در اثر نافرجامی قیام مردم عراق که در آن شرکت کرده بودم؛ دانشکده را در آخرین ترم ترک کردم و به جمهوری اسلامی پناهنده شدم.

در ایران بعد از دو سال خدمت در لشگر «بدر» در سال ۱۹۷۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه «شهید صدر» که زیر نظر: (آیت الله حائری) است مشغول تحصیل شدم و بعد از سه سال تحصیل در این مدرسه به مدرسه «اهل البیت» که زیر نظر (شیخ شهید مهدی عطار) بود؛ منتقل شدم. در این مدرسه بقیه کتاب لمعه را تمام کردم و پیش از آن، مکاسب محرمه را با «قسم اول حلقه ثالثه شهید صدر» به اتمام رساندم.

در سال ۱۳۷۸ بعد از قبولی در امتحان ورودی، مشغول دوره فوق لیسانس در رشته: «فلسفه و کلام» در مدرسه (عالی امام خمینی ره) مشغول تحصیل شدم و در سال ۱۳۸۱ این دوره را به اتمام رساندم و پایان نامه که با عنوان: «الخلود فی الجهنم عند المفسرین و المتکلمین و الفلاسفه» نوشته بودم و نمره عالی ۱/۱۹ گرفتم که این پایان نامه مورد پسند مرکز جهانی علوم اسلامی واقع شد و آن را در سال ۱۹۸۳ به عنوان کتاب چاپ کرده است.

در سال ۱۳۸۴ بعد از قبولی در امتحان ورودی در دوره دکتری در رشته: «فلسفه اسلامی» در مدرسه (عالی امام خمینی ره) مشغول تحصیل شدم و تا الان مشغول درس در این دوره هستم. قبل از دوره دکتری مشغول یک بحث تحقیقی شدم با عنوان: «تفکر در کتاب و سنت و مقصود از تفکر واژه تفکر نه روش تفکر» و این بحث بعد از فیش برداری فصل بندی شده است و قبل از شروع به نگارش دوره دکتری مطرح شد و مجبور شدم نگارش این بحث را به آینده موکول کنم.

کاظمی، محمدایوب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدایوب کاظمی

محل تولد : بیرجند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تا دوم دبیرستان در بیرجند، درس خواندم و دو کلاس آخر دبیرستان را در تهران، همزمان با سال چهارم به عنوان «مربی تربیتی» در منطقه ۱۵ تهران مشغول شدم. در سال ۶۲ که دیپلم گرفتم؛ در دانشگاه قبول شدم اما حوزه را برای ادامه درس انتخاب کردم و همزمان با حوزه در امور تربیتی هم فعالیت می کردم و تا سال ۱۳۷۳ این دو فعالیت، همزمان ادامه داشت و در این سال در رشته تخصصی «تبلیغ» در حوزه قم مشغول شدم. همزمان با تحصیل در رشته مذکور، در پژوهشکده باقرالعلوم به نوشتن مشغول شدم و حاصلش ۳ کتاب بود که دوتای آن چاپ شده است.

تحقیقات زیادی در حدود ۱۵ جلد کتاب جمع آوری کردم که در فرصت مناسب به چاپ برسانم. از سال دوم دبیرستان، شعر می گویم و تاکنون بیش از ده هزار بیت شعر گفته ام و نیز از سال سوم راهنمایی خاطرات روزانه ام را می نویسم. بعد از اتمام دروس تخصصی در دانشگاههای آزاد و دولتی تدریس می کنم و بهترین کارم در زمان فعلی، تحقیق و کار بر روی طرح «اصلاح نظام آموزشی حوزه» است که با گرفتن نظرات بزرگان حوزه، تصمیم در این طرح را به سر منزل مقصود و به نتایج قابل قبولی برسانم. تصمیم دارم تحقیقات و مطالعاتی با کمک نرم افزارهای موجود و کتابهای مرجع درباره بسیاری از موضوعات انجام داده و به جامعه ارائه نمایم.

کاظمیان، جواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد کاظمیان متولد ۲ شهریور ۱۳۶۱ در کاشان، مهاجم ایرانی فوتبال است که برای باشگاه عجمان در لیگ امارات وبرای تیم ملی ایران بازی می کند.او فوتبال حرفه ای خود را با تیم جوانان سایپا شروع کرد و توانست به تیم بزرگسالان این تیم راه یابد .در آنجا او تعدادی از شاهکارهای خود را به نمایش گذاشت و مربی وقت میراسلاو بلازویچ او را برای تیم ملی فوتبال ایران انتخاب کرد. سپس او در سال ۱۳۸۱ (۲۰۰۲) به الاهلی امارات پیوست اما او بعد از چند ماه به ایران بازگشت و برای سایپا و بعد از آن سه فصل برای باشگاه پرسپولیس بازی کرد. بعد ازجام جهانی ۲۰۰۶ آلمان او قراردادی قرضی با باشگاه اماراتی الشباب و بعد از یک سال به طور اختیاری قراردادی دائمی را امضا کرد.سپس او یک فصل کامل با باشگاه الشباب تا پایان لیگ در فصل ۲۰۰۷ –۲۰۰۸ قرارداد بست.او در اولین بازی خو در برابر تیم ملی فوتبال چین در دی ماه سال ۱۳۸۰ برای تیم بزرگسالان ایران درخشید و همچنین جواد کاظمیان در ترکیب اصلی تیم ملی فوتبال جوانان ایران در جام جهانی جوانان ۲۰۰۱ در آرژانتین حضور داشت .گل او در مقابل تیم ملی فوتبال ژاپن در رقابت های بازی های آسیایی ۲۰۰۲ در بوسان کره جنوبی به عنوان برترین گل شناخته شد.و او مدال طلای مسابقات به همراه تیم زیر بیست سه سال را به دست آورد.جواد به همراه تیم ملی فوتبال ایران برای شرکت در جام جهانی ۲۰۰۶ به آلمان سفر کردولی شانسی برای بازی بدست نیاورد . او در سال ۲۰۰۷ میلادی دوباره به تیم ملی فوتبال ایران پیوست و توانست در مقابل تیم ملی فوتبال ازبکستان در جام ملت های آسیا ۲۰۰۷ گل به ثمر برساند.او همچنین برای رقابت های مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۰ انتخاب شد ولی نتواست به فهرست ۱۱ نفره تیم راه پیدا کند. گل های بین المللی جواد بعد از به ثمر رساندن گل برای باشگاهش در بعضی مواقع لباس ورزشی خود را بالا ـ برده وتصویری که بر روی زیر پیراهنی خود چاپ شده است را نمایش می دهداین تصویر برادرش ا ست که در سال ۱۳۸۳ او را از دست داده است.کاظمیان می گوید هرگز نخواهد توانست خاطره مرگ او را از ذهنش دور کند.

کاظمینی بروجردی، طاهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۰۰ –۱۳۰۸ ق)، عالم دینی، فقیه و نویسنده. وی در بروجرد به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات در ۱۳۳۲ ق به نجف رفت و از محضر سید محمد کاظم یزدی استفاده نمود. ولی به واسطه‌ی جنگ جهانی اول بیش از سه سال نتوانست در آنجا توقف کند و به بروجرد بازگشت، سطوح را تکمیل کرد و پس از فراغت از آن بیست سال تمام در درس خارج آیت‌اللّٰه حاج آقا حسین بروجردی

حاضر شد. پس از مهاجرت آیت‌اللّه بروجردی به قم، وی در مسجد ناسک‌الدین بروجرد به امامت و تدریس و بیان مسائل و احکام پرداخت. در ۱۳۶۲ ق به دریافت اجازه‌ی اجتهاد و روایت از آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی نایل گشت. او در ۱۳۷۶ ق موفق به سفر حج شد و پس از مراجعت به خدمات دینی ادامه داد. از آثارش: کتاب «مضرات المسکرات»؛ جزوه‌ای در «مسافرت صائم در ماه رمضان»؛ جزوه‌ای در «جواب از اعتراض به دعای مبارک ندبه»؛ کتابی در «تجوید»؛ کتابی در «قواعد جفر و اعداد و ختوم و ریاضیات»؛ کتاب «تذکرهٔ المتکلمین»، در شرافت علم و مقام علماء؛ «صلاهٔ المسافر»، استدلالی، به عربی.[۱]

السید طاهر بن السید العلام السید ابوالقاسم بن السید الاجله السید عبدالعزیز بن العلامه السید محسن الکاظمینی اعلی‌الله مقامهم اجمعین که همه از علماء اعلام بوده‌اند.

مرحوم والدش در حدود سال ۱۲۹۰ قمری از کاظمین منتقل به بروجرد شده و در آنجا متأهل گردیده و در سال ۱۳۲۰ قمری وفات نمود. مترجم معظم ما که یکی از علماء اعلام و مراجع کرام معاصر است در سال ۱۳۰۸ در بروجرد تولد یافته و مدت دوازده سال در بروجرد بعد از تحصیل معاش بکدیمین اشتغال بکتب فارسی و مقدمات عربی نموده و در سال ۱۳۳۲ قمری در عصر آیه‌الله حاج سید کاظم یزدی مهاجرت بنجف اشرف نموده ولی بواسطه جنگ بین‌المللی بیش از سه سال نتوانسته توقف و تحصیل نماید به بروجرد مراجعت و سطوح را تکمیل و پس از فراغت از آن بیست سال تمام در درس خارج آیه‌الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی حاضر شده و در همان زمان امامت مسجد ناسک‌الدین را که محل امامت قبلی خودشان بود بوی واگذار و پس از مهاجرت ایشان بقم بتدریس و بیان مسائل و احکام در مسجد مزبور پرداخته و در سال ۱۳۶۲ قمری نائل باجازه اجتهاد و روایتی از مرحوم آیه‌الله العظمی آقای اصفهانی گردیده و در سال ۱۳۷۶ قمری موفق بحج خانه خدا و پس از مراجعت تا حال حاضر بخدمات دینی و وظائف روحی اشتغال دارند و ایشانند والد ماجد عالم بزرگوار صدیق عزیز نگارنده جناب حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد علی کاظمینی بروجردی مقیم و مهاجر به تهران که ترجمه و آثار و خدماتش در ضمن علماء تهران خواهد آمد.

آثار و تألیفات آقای کاظمینی مدظله از این قرار است:

۱- کتاب مضرات المسکرات که در آن آیات قرآنیه و هفتاد و چهار خبر در موضوع مسکرات از اهل‌بیت رسالت علیهم‌السلام ذکر شده و با خط نفیس ایشان که حقا در میان علماء از این جهت کم نظیر و دارای این سعادت بزرگ است که فرموده‌اند (و من سعاده المؤمن جوده خطه) افست و منتشر گردیده است و حقا در این کتاب آیاتی از توراه و انجیل در پیرامون حرمت شراب آورده و بیانات نافعه و سودمندی نموده‌اند.

۲- جزوه‌ای در مسافرت صائم در ماه رمضان پیش از ظهر یا بعدازظهر و مراجعت کند در همان روز پیش از ظهر یا بعدازظهر که بطبع رسیده و منتشر گردیده است.

۳- جزوه‌ای در جواب از اعتراض بدعاء مبارک ندبه که در همین سال ۱۳۵۱ شمسی نوشته و بطبع رسیده.

۴- کتابی در تجوید که مخطوط است.

۵- کتابی در قواعد جفر و اعداد و ختوم و ریاضیات مخطوط.

۶- کتاب تذکره المتکلمین فارسی در موضوع شرافت علم و مقام علماء و سادات.

۷- صلوه المسافر استدلالی عربی متجاوز از دویست صفحه که آماده برای طبع است.

ناگفته نماند که جد اعلای آقای کاظمینی مرحوم علامه زاهد سید محسن کاظمینی یکی از اوتاد زمان خود بوده و در حدود ۱۲۴۰ قمری از دنیا رفته و قبرش در کوچه قریب بصحن مطهر است در طرف شمالی آن و معروف است.

و در مستدرک الوسائل از عالم عامل ملا زین‌العابدین سلماسی نقل کرده که گفت در خواب دیدم قصر عالی رفیعی که درب وسیعی داشت و دیدم بدر و دیوارهای آن میخهای طلا زده بودند گفتم صاحب این قصر کیست گفتند سید محسن کاظمینی تعجب کردم گفتم منزلش در کاظمین کوچک و درب کوچکی داشت از کجا این منزل مال او شده گفتند چون داخل شد از این درب کوچک خداوند باو عطا فرمود این منزل عالی بزرگ را.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ بروجرد (۵۷۸/ ۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۹۸ -۱۹۶/ ۳)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۰۶۱/ ۳).

کاظمینی بروجردی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدعلی بن السید الجلیل و العالم النبیل آقای حاج سید طاهر کاظمینی بروجردی از علماء ابرار معاصر تهرانست.

وی تولدش در بروجرد واقع شده و در سن هیجده سالگی به مدرسه علمی بروجرد وارد و به تحصیلات علوم دینی پرداخته و پس از چهار سال به نجف مهاجرت و در مدرسه بادکوبه‌ای‌ها مشغول بتحصیل شده و لکن بواسطه عدم سازگاری هوای نجف با مزاج ایشان مبتلا بکسالت شدید گردیده و با این که مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی عنایت مخصوص بایشان داشتند و در معالجات ایشان کوتاهی ننمودند نتوانستند در آنجا توقف و ادامه بتحصیل دهند پس بامر زعیم عالیقدر اسلام آیت‌اللّه اصفهانی بهمراهی حجهٔ‌الاسلام حاج شیخ صادق ایروانی مراجعت به ایران و بروجرد نموده و با کوشش‌ها و دعاهای والد ماجدش پس از چند ماهی بهبودی یافته از بروجرد حرکت به قم نموده و حدود چهارده سال در قم اقامت و از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالنبی عراقی و آیت‌اللّه العظمی بروجردی قدس اللّه اسرارهم

استفاده و در سال ۱۳۷۵ ق به تهران مهاجرت و در خیابان خراسان بمرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ علی‌اکبر برهان وارد و در اثر تشریک مساعی آن مرحوم به اقامه جماعت در آن خیابان اشتغال و در مسجد بعد از نمازها بگفتن تفسیر و مسائل احکام و معارف اسلام ترویج دین و تنویر افکار نموده و بعد از چند سال بنابر دعوت بانی مسجد فروتن (مسجد نور) و عده‌ای از محترمین آن حدود بامامت مسجد مزبور منصوب و تا اکنون در آن مسجد که از مسجدهای زیبا و پر جمعیت شرق تهرانست بوظائف دینی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: جناب آقای کاظمینی که با حقیر عقد اخوت و برادری دارند دانشمندی است متین و بزرگوار و دارای مناعت طبع و سلامت نفس و خدمتگزار بخصوص در تعظیم شعائر دینی (ایحاء اعیاد مذهبی و موالید حضرات معصومین علیهم‌السلام بسیار ساعی و جدی و همواره به ترویجات قولی و فعلی اشتغال دارد و تاکنون کتب آموزنده‌ای تألیف و منتشر نموده‌اند که ذیلا می‌نگارم:

۱- نهایه المقام لابناء الامام بطبع رسیده در سال ۱۳۸۱ ق.

۲- جلد دوم نهایه الکلام فی حق رسول الاسلام در سال ۱۳۸۲ ق بطبع رسیده.

۳- در سال ۱۳۸۴ ق جلد سوم (اسلام از نظر دیگران).

۴- جلد چهارم (منتخب اللئالی در سئوال و جواب و داستانهای اسلامی بطبع رسیده.

۵- جلد پنجم بنام (گنجینه معارف) در سال ۱۳۸۸ منتشر کرده‌اند.

۶- جلد ششم بنام (منشورات) بطبع رسیده در سال ۱۳۹۰ ق.

۷- جلد هفتم بنام جواهر الولایه در امام شناسی در سال ۱۳۹۲ منتشر کرده‌اند.

۸- جلد هشتم منشورات مقدس نور راجع بشیعه شناسی در نظر فریقین ادام اللّه برکاته و توفیقاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کاظمینی بروجردی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۳۳۹ ق)، عالم دینی و فقیه. در بروجرد به دنیا آمد. در هجده سالگی به مدرسه علمی بروجرد وارد شد و به تحصیلات علوم دینی پرداخت. پس از چهار سال به نجف مهاجرت کرد و در مدرسه‌ی بادکوبه‌ای‌ها مشغول به تحصیل شد. ولی به علت کسالت، با اینکه آیت‌اللّه اصفهانی به امر درمان ایشان توجهی خاص داشت، به موطن خود بازگشت. آن‌گاه به قم رفت و حدود چهارده سال در آن شهر اقامت گزید و از محضر آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه سید محمد تقی خوانساری و آیت‌اللّه شیخ عبدالنبی عراقی و آیت‌اللّه بروجردی استفاده نمود. در ۱۳۷۵ ق به تهران آمد و در مسجدی در خیابان خراسان به انجام وظایف مذهبی و گفتن تفسیر و احکام و معارف اسلام و ترویج دین پرداخت. از آثارش «نهایهٔ المقام لابناء الامام»؛ «نهایهٔ الکلام فی حق رسول الاسلام»؛ «اسلام از نظر دیگران»؛ «منتخب اللآلی»، در سؤال و جواب و داستانهای اسلامی؛ «گنجینه‌ی معارف»؛ «منشورات»؛ «جواهر الولایهٔ»، در امام شناسی؛ «منشورات مقدس نور»، راجع به شیعه‌شناسی در نظر فریقین.[۱]

سید حبیب‌الله برهانی بن حاج سید کریم رستمکلائی تاجر معروف مازندران از علماء معاصر شمال بودند. وی مقدمات تحصیلی خود را در حوزه‌های مازندران تکمیل و مدتی در جوار حضرت علی بن موسی‌الرضا علیه‌السلام اشتغال داشتند و در عصر مرحوم آیه‌الله حایری بقم آمده و از محضر آن بزرگوار استفاده نموده آنگاه بنجف اشرف مهاجرت و از محضر علمین آیتین آیه‌الله نائینی و آیه‌الله العظمی اصفهانی و دیگران استفاده کرده و سپس بوطن مراجعت و بانجام وظائف دینی و روحی از جماعت و تبلیغ دین و احکام پرداخته و در امور سیاسی اشتهار پیدا نموده که در تمام مازندران معروف بود. در سال ۱۳۷۶ ق از دنیا رفته و جنازه‌اش حمل بمشهد مقدس و در یکی از حجرات غربی باغ رضوان مدفون گردیده است.

مرحوم برهانی دارای صفات حمیده و برجسته از قبیل مهمان نوازی و مساعدت بمستمندان و بیچارگان بوده و در سخاوت در حدود خود بسیار کم نظیر بوده است.

فرزندان بسیاری از خود گذارد که بعضی در سلک روحانیت میباشند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۵۳۱ -۵۳۰/ ۴).

کاظمینی خونساری، محمدمهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدمهدی بن العلامهٔ حاج سید محمد بن العلامه سید محمدصادق بن العلامهٔ آیت‌اللّه العظمی آسید زین‌العابدین خونساری اصفهانی کاظمینی رحمهٔ اللّه علیهم اجمعین از علماء معروف و معاصر کاظمین بوده‌اند آن مرحوم در محله قطانه کاظمین در سوم ماه شعبان ۱۳۱۹ ق متولد شده و پس از پرورش در بیت علم و عزت شروع به تحصیل نموده و مقدمات و ادبیات و منطق و سطوح وسطی و نهائی را از علماء مبرز کاظمین چون مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ حسین رشتی کاظمی خوانده سپس به نجف اشرف مهاجرت و چند سالی از محضر مرحوم آیت‌اللّه آسید ابوتراب خونساری و آیت‌اللّه آشیخ علی مازندرانی و غیرهما استفاده نموده

آنگاه مراجعت به کاظمین و به وظائف دینی و روحی از اقامت جماعت در صحن و حرم مطهر کاظمین (ع) و ترویج دین و تألیف کتب مفیده پرداخته تا در محرم ۱۳۹۱ قمری که رد سن ۷۲ سالگی از دنیا رفته و در جوار جد گرام خود باب‌الحوائج الی اللّٰه حضرت موسی بن جعفر (ع) مدفون گردیده است

دارای تألیفات عدیده می‌باشد که ذیلا می‌نگارم

۱- احسن الودیعه فی تراجم مجتهدی الشیعه ۲- صرف العنایهٔ فی حل معضلات الکفایه ۳- نزههٔ المرتاض فی شرح طهارهٔ الریاض ۴- القول المقبول فی مباحث الاصول ۵- جامع الشتات فی النوادر والمتفرقات ۶- نفایس الکلام فی شرح اسماء اللّٰه العظام ۷- زبدهٔ الکلام فی المنطق والکلام ۸- بغیهٔ اللبیب و غنیهٔ الادیب فی شرح منطق التهذیب ۹- الانوار الکاظمیه فی احوال السادات الموسویه ۱۰- النقد والبیان فیما یتعلق بکتب الاعیان

۱۱- مطلع الشمسین فی الدفاع عن السیدین ۱۲- البرهان الجلی فی احوال زید بن علی (ع) و چندین کتاب دیگر. آن مرحوم دارای اجازات عدیده روایتی و غیره از بزرگان مراجع نجف و کاظمین بوده‌اند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاظمینی، راضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ راضی بن شیخ محمد کاظمینی از اکابر علماء کاظمین بوده و علماء فریقین به فضل او اقرار نموده و آن بزرگوار در زهد و ورع و علم کم‌نظیر بود. علوم عربیه و منطق و معانی و بیان و فقه و اصول را تدریس می‌نمود تا در روز شنبه ۱۷ شوال ۱۳۴۹ وفات و مل به نجف و در جنب والد علامه‌اش شیخ محمد که از اکابر علماء کاظمین بودند مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاظمینی، عبدالحسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند عبدالرضا. در کربلا متولد، و در بغداد تحصیل نموده، ساکن اصفهان بوده، و در این شهر تحصیلات خویش را به پایان رسانیده، عالم و شاعر و ادیب بوده.

از آثارش کتاب: العابدیهٔ، در نظم جعفریه در نماز (از آثار محقق کرکی) است.

در ۶ شوال ۱۰۷۱ متولد گردیده است. سال وفاتش به دست نیامد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کاظمینی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احسن‌الودیعه ج ۱ ص ۲۵- گوید عالم او حد و فقیه مسدد مولینا سید محمد بن سید احمد کاظمینی (آل حیدر) از قاطنین کاظمین علیهماالسلام عالم کامل زاهد عابد عارف باخبار و آثار منطق متکلم مهاب رئیس مقدم بر اقران بارع در زمان خود بود و در حسینیه که بعضی از امراء به امر او بنا کرده بود به منبر تشریف می‌برد و خطبه می‌خواند و موعظه کرده و مردم را به طریق حق و رشاد هدایت و ارشاد می‌فرمود و علی رؤس‌الاشهاد حق می‌گفت و از کسی باک نمی‌نمود و بر اهل علم تعظیم و تکریم و در مجالس و محافل برای ایشان قیام و در این طریقه حسنه تأسی بر گذشتگان می‌کرد و در کاظمین علیهماالسلام به کرم و اخلاق او مردم ضرب‌المثل می‌کردند.

وی از شاگردان شیخنا الانصاری و علامه میرزا محمدحسن شیرازی در ایام اقامت او در سر من رای بود و در حیات میرزاء به کاظمین برگشته و مشغول به ترویج شرع مبین و نشر سنن سیدالمرسلین گردید.

از آثار علمی او کتب زیر است.

۱- کتابی در اخبار ۲- حاشیه بر معالم ۳- منظومه در اصول موسوم به در نظیم ۴- کتابی در موالید ائمه اطهار علیهم‌السلام ۵- کتابی در وفیات ایشان ع سفری در ۱۲۸۰ ق به مشهد مقدس نموده و بعد از چهار سال اقامت در ارض اقدس به کاظمین مراجعت و در محرم ۱۳۱۵ ق به رحمت حق پیوست و در مقبره شخصی خود مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاظمینی، مرتضی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مرتضی پنجمین فرزند علامه آسید احمد کاظمینی عالمی محقق و فاضلی مدقق و از بزرگان و مشاهیر علماء شیعه و رؤساء روحانیون کاظمین بوده است

علماء بزرگوار کاظمین او را از هر جهت بر برادرش مرحوم آسید مهدی مذکور مقدم می‌داشتند عمده تلمذش خدمت علامتین آیت‌اللّه العظمی آشیخ محمد حسن آل یس کاظمی و آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدحسن شیرازی اعلی اللّه مقامهم. الشریف بوده است.

وفات آنجناب در هشتم ماه رجب ۱۳۰۳ قمری در کاظمین اتفاق افتاد و با تشییع عظیمی در مقبره خود ایشان که در حسینیه واقع است مدفون گردیدند

مساجد و حسینیه‌های کراچی

در کراچی که بیش از یکصد هزار نفر ایرانی یزدی و اصفهانی و خراسانی و شیرازی و غیره سکونت دارند مساجد و حسینیه‌های بسیاریست که همه مجلل و باشکوه و مخصوص حسینیه آقاخانی‌ها از نظر صنعت معماری و ریزه‌کاری که تمام قرآن کریم در سقف آن به طرز جالب زرین منقوش شده از مهمترین بناهای پاکستان بلکه دنیای اسلام است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاظمینی، مصطفی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

۴۹- صاحب (احسن‌الودیعه) در ج ۱ ص ۲۳ گوید سید عالم جلیل سید مصطفی نجل زکی سید ابراهیم کاظمی (آل حیدر) رضوان اللّه علیهم سید جلیل و ورع نبیل بود کراراً با وی مجالست و مراراً ملاقات کرده‌ام.

کتابی در علائمه ظهور امام غائب عجل اللّه فرجه موسوم به (بشارهٔالاسلام) که دوبار در بغداد و سوریا طبع شده دارد وفاتش در ظهر روز جمعه یازدهم ماه رمضان ۱۳۳۹ ق واقع و در مقبره آل حیدر که در صحن مقدس کاظمین علیهماالسلام است مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاغدی اصفهانی، ابوالفضائل عبدالرحیم

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۹۴ -۵۰۱ ق)، محدث، قاضی و خطیب. از ابوعلی حداد و محمد بن عبدالواحد دقاق و اسماعیل اخشید و فاطمه جوزدانیه حدیث شنید. یوسف بن خلیل از وی حدیث روایت کرد و احمد بن سلامهٔ از وی اجازه حدیث داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعلام بوفیات الاعلام (۴۰۰/ ۲)، سیر النبلاء (۲۴۶/ ۲۱)، شذرات الذهب (۳۱۷/ ۴)، العبر (۱۰۹/ ۳).

کاغذچی، طاهره

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۵، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی شیمی، دانشکده: مهندسی شیمی، دانشگاه: صنعتی امیرکبیر

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی شیمی از دانشکده فنی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷، کارشناسی ارشد مهندسی شیمی از دانشگاه برادفورد انگلستان در سال ۱۳۴۸ و دکترای تخصصی مهندسی شیمی از دانشگاه برادفورد در سال ۱۳۵۱.

مرتبه علمی:

استادیار بخش مهندسی شیمی دانشگاه پلی تکنیک تهران از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۵۶، دانشیار بخش مهندسی شیمی پلی تکنیک تهران از سال ۱۳۵۶ تا سال ۱۳۶۷ و استاد دانشکده مهندسی دانشگاه امیرکبیر از سال ۱۳۶۷ تاکنون، استاد مدعو دانشگاه تهران و دانشکده نفت آبادان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انتقال جرم، فرآیندهای جداسازی، طراحی واحدهای عملیاتی، تفکیک مانند تقطیر، استخراج و جذب، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۱ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اصول فرآیندهای انتقال ماده و عملیات انتقال، انتقال جرم، جداسازی و عملیات واحد.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۶

زمینه علمی مقالات:

جداسازی، طراحی در زمینه‌های عملیات واحد، انتقال جرم و واکنش شیمیائی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کاغذی شوشتری، محمود

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۸۶۲ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «شاهنامه» فردوسی، به قلم کتابت خفی متوسط، با رقم: «... محمود بن محمد بن یوسف تستری، سنه‌ی ۸۴۰»؛ نسخه دیگر «شاهنامه»، به قلم کتابت خفی متوسط، با رقم: «قد تم تحریر الکتاب الموسوم به شاه نامه علی انامل العبد الفقیر... محمود بن محمد بن یوسف المعروف بکاغذی التستری... سنهٔ تسع و ثلثین و ثمانمائهٔ»؛ یک نسخه «لمعات دیوان» عراقی و «عشق نامه»، به قلم کتابت خفی متوسط، با رقم: «کتبه العبد محمود بن محمد شوشتری المشهور بکاغذی، فی ۲۲ محرم‌الحرام سنه‌ی ۸۶۲».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۸۱ -۸۸۰/ ۳)، هنر عهد تیموریان (۷۵۸ -۷۵۷، ۶۵۲).

کافرک غزنوی، جمال‌الدین ناصر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم و ششم ق)، شاعر. معروف به کافرک غزنین. او مردی بذله‌گو و هتاک بود و در هجو دست داشت. وی جزء شاعرانی بود که نهضت تازه و پراهمیتی در دربار غزنویان به وجود آوردند و هر یک متمایل به روشی جدید و خاص در شعر خود بودند، مانند: سنائی (م ۵۴۵/ ۵۲۵ ق)، مسعود سعد سلمان (م ۵۱۵ ق)، ابوالفرج رونی (م ۴۹۲ ق) و غیره. از وی اشعاری به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۵۸۰ -۵۷۸/ ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۳۷/ ۲)، تذکره‌ی روز روشن (۶۷۰)، الذریعه (۹۰۲/ ۹)، شاعران بی‌دیوان (۵۹۸ -۵۹۷)، فرهنگ سخنوران (۷۵۷)، لباب الالباب (۲۹۷/ ۲)، مجمع الفصحا (۱۱۳۹/ ۳)، هفت اقلیم (۳۳۳/ ۱).

کافی اردوبادی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۶۹ ق)، شاعر و خطاط. اهل اردوباد آذربایجان بود. نسب وی به خواجه نصیرالدین طوسی می‌رسید. آبا و اجدادش در آذربایجان قاضی و از اهل شرع بودند. میرزا کافی در فنون شعر و علم انشاء ماهر بود و خطوط تعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت. او سالها منصب منشی الممالکی داشت. در قزوین درگذشت و در مشهد مقدس دفن شد. اشعاری از وی بر جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۰۳)، تحفه سامی (۱۱۵)، دانشمندان آذربایجان (۳۱۲)، الذریعه (۹۰۳/ ۹)، صبح گلشن (۳۳۷)، فرهنگ سخنوران (۷۵۷)، گلستان هنر (۵۰)، هفت اقلیم (۲۶۱/ ۳).

کافی الکفاهٔ طالقانی، اسماعیل

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جناب اسماعیل بن عباد بن عباس طالقانی معروف به صاحب بن عباد منسوب به این ناحیه است و اگر نداشت طالقان کسی را جز این یک نفر برای او کافی بود که به اکثر مناطق و اماکن فخر و مباهات کند.

محدث قمی در فوائد الرضویه ص ۴۵- گوید: پا به فضل و کمال و معالی و افضال آن قدوه ارباب جلال از آن گذشته است که زبان بتواند ثنای او گوید چه ظاهرست که چون جمال بغایت رسد دست مشاطه بیکار ماند و چون بزرگی و جلال بحد کمال رسد بازار وصافان شکسته گردد.

آنجناب از وزراء آل‌بویه و ملجاء عوام و خواص و مرجع ملت و دولت و از خانواده شرف و عزت بوده و سالها وزارت فخرالدوله و مجدالدوله دیلمی را داشته و خدمات بسیاری به دین و مذهب نموده است.

ورث الوزراهٔ کابراً عن کابر

موصولهٔ الاسناد بالاسناد

یروی عن العباس عباد و زا

رته و اسماعیل عن عباد

و یگانه عصر خویش در فضل و کمال و علم و ادبیت بود، علویین و سادات و علماء و فضلا نزد او محلی منیع و منزلتی رفیع داشتند. و از علماء ترویج می‌کرد و ایشان را به تصنیف و تألیف تشویق می‌نمود.

بجهت خاطر او شیخ فاضل خبیر ماهر حسن بن محمد قمی تاریخ قم را تألیف کرده و در اول آن برخی از فضائل جناب صاحب را ذکر کرده.

و نیز شیخ صدوق برای او عیون اخبارالرضا (ع) را تألیف نموده و اول آن را به ذکر دو قصیده‌ای از او در اهداء اسلام به سوی مولانا الرضا (ع) مزین ساخته.

و هم ابن‌فارس کتاب (الصاحبی) را که در لغت است به اسم او معنون کرده است و نیز شیخ اجل حسین بن علی بن بابویه برادر شیخ صدوق کتابی به اسم او نوشته و ثعالبی کتاب (یتیمهٔ الدهر) را در احوال شعراء برای او تصنیف نمود.

عده‌ای از علماء اهل سنت هم به مدح و ستایش او کتابهای خود را زینت داده‌اند.

ثعالبی در وصف آن جناب گوید. لیست تحضرنی عبارهٔ ارضاها للافصاح عن علو محله فی العلم والادب و جلالهٔ شانه فی الجنود والکرم وتفرده بالغایات فی المحاسن و جمعه اشتات المفاخر لان همهٔ قولی تخفض عن بلوغ ادنی فضایله و معالیه و جهد وصفی یقصر عن ایسر فواضله و معالیه...

خلاصه وی اعجوبه زمان و ناده دوران و در تشیع و حب اهل‌بیت علیهم‌السلام یکتای عصر بود حتی مردم اصفهان آن روز مذهب تشیع را نسبت به او می‌دادند و می‌گفتند فلانی بر دین ابن‌عباد است.

آن بزرگوار تألیفات بسیار دارد از جمله کتاب محیط در لغت که هفت جلد است و کتاب الکافی در وسائل و کتاب اعیاد. و فضائل نوروز و رساله‌ای در احوال حضرت عبدالعظیم (ع) و نیز کتاب تذکره و کتاب الوزراء و کتاب الانوار و کتاب جوهرهٔ الجمهره و کتاب الشواهد و کتاب القضاء والقدر و کتاب الامامه که در آن ذکر کرده تفضیل امیرالمؤمنین (ع) و تثبیت امامت آن حضرت را و غیر اینها.

اشعار بسیاری در مدح ائمه علیهم‌السلام و تبری از دشمنان آنان گفته که برخی از آن را می‌نگارم.

ابیات جناب صاحب

حب علی بن ابیطالب

هو الذی یهدی الی الجنهٔ

ان کان تفضیلی له بدعهٔ

فلعنهٔ اللّه علی السنهٔ

و نیز گوید

لو شق عن قلبی یری وسطه

سطران قد خطا بلا کاتب

العدل والتوحید فی جانب

و حب اهل البیت فی جانب

و نیز فرموده

قالت تحب معاویه قلت اسکت یازانیه

قالت اسأت جوابیه فاعدت قولی ثانیه

یا زانیه یا زانیه یا بنت الهی زانیه

احب من شتم الوصی علانیه

فعلی یزید لعنهٔ و علی ابیه ثمانیه

آن بزرگوار در سال ۳۲۶ در طالقان متولد و در ۲۴ صفر ۳۸۵ در ری وفات و جنازه‌اش حمل به اصفهان و در خانه خودش او را دفن نمودند صاحب روضات گوید قبر صاحب در اصفهان در محله‌ای معروف به باب طوقچی در میدان کهنه است و قبه‌ای دارد و در زمان ما چون منهدم گردید شیخ علامه حاج ملا محمد ابراهیم کرباسی امر به تجدید عمارت آن نمود و به زیارت او مداومتی داشت و عامه مردم تجربه کرده‌اند که هرکس به زیارت او رود یک هفته نمی‌گذرد که خیری عاجل نصیب او می‌شود.

ابوالحسن جوهری در مدح او گوید.

هلم للخبر المأثور مسنده

فی الطالقان فغرت عین ناقله

فذلک الکنز عباد و قد وضحت

عنه الامامهٔ فی اولی مخایله

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کافی الملک، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجهالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ احمد بن المرحوم عباسعلی از علماء اخیار و مدرسین بزرگوار حوزه علمیه قم است که به فضل و کمال موصوف و به قدس و تقوا معروفست. وی در قریه کافی‌الملک که در هشت فرسخی تبریز است متولد شده و در سن کودکی به تحصیل فارسی پرداخته و بعد از فراگرفتن آن در شهر تبریز وارد مدرسه طالبیه شده و ادبیات را از علماء آنجا خوانده و مکاسب را از مرحوم آیت‌الله حاج میرزا ابوالحسن انگجی و کفایه را نزد آیت‌الله شهیدی و قسمتی از معقول را از آیت‌الله آقا سید عبدالعظیم رضوان‌الله علیهم خوانده و در تاریخ ۱۳۵۰ قمری مهاجرت به قم نموده و مدت پنج سال از محضر آیت‌الله العظمی حایری و ضمنا آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی خونساری طیب‌الله مضاجعهم و مدت ۱۸ سال هم تقریبا از ابحاث آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده کرده و هم تا حال حاضر به تدریس سطوح عالی فقه و اصول را اشتغال دارند.

مولف گوید: جناب حجهالاسلام آقای کافی‌الملکی از علماء برجسته حوزه است و از روزی که ایشان را شناخته‌ام به علم و فضیلت شناخته و یافته‌ام ادام‌الله عزه و توفیقه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

کافی همدانی، ظفرالدین، مظفرالدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم و ششم ق)، شاعر. اگر چه صاحب «سخن و سخنوران» به نقل از عوفی وی را در شمار شاعران آل سلجوق در عراق و معاصر ملکشاه بن الب ارسلان (۴۸۵ -۴۶۵ ق) آورده، لیکن به گفته‌ی دکتر صفا دلیلی در دست نیست که نتوانیم او را معاصر معین‌الدین ملکشاه بن محمود (۵۴۸ -۵۴۷ ق) بدانیم، و از آنجایی که سبک کلام وی به سبک شاعران عراق در قرن ششم قمری نزدیک‌تر است تا حدی ما را بر آن می‌دارد که حدس ثانوی را در مورد ایشان بپذیریم. از اوست:

هنری باش و هرچه خواهی کن

نه بزرگی به مادر و پدر است

نافه‌ی مشک را ببین به مثل

کاین قیاسی بدیع و معتبر است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۰۰ -۵۹۸/ ۲)، تذکره‌ی روز روشن (۶۷۰)، الذریعه (۹۰۳، ۶۵۵/ ۹)، سخن و سخنوران (۵۱۵ -۵۱۴)، صبح گلشن (۲۶۴)، فرهنگ سخنوران (۷۵۸)، لباب الالباب (۲۱۴ -۲۱۰/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ظفر، کافی همدانی)، هفت اقلیم (۵۵۶ -۵۵۴/ ۲).

کافی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد کافی امامی فرزند مرحوم حاج ملا رمضان یزدی از علماء و ائمه جماعت محترم مشهد مقدس بوده‌اند. والدش یکی از زهاد و صلحاء یزد به شمار می‌رفته و در شهر یزد از دنیا رفته و در منزلش او را تجهیز نموده و غسل دادند و مردم آن سامان که به وی اعتقاد خاص داشتند می‌خواستند هر یک وی را تبرعا کفن نمایند که ناگاه از دری که به صحرا باز می‌شد کوبنده‌ای درب را کوبید و چون در را باز کردند سواره‌ای ساروق بسته‌ای را داد که در داخل آن کفن آماده‌ای برای حاج ملا رمضان بود و آن سوار از نظر غایب شد.

مرحوم حاج میرزا احمد در یزد متولد شده و دروس مقدماتی و سطوح را در آنجا خوانده و در مدرسه مصلی اشتغال به تدریس و ضمنا اقامه جماعت در بعضی از مساجد یزد می‌نمودند سپس به عزم زیارت مشهد مقدس حرکت نموده و چون رحل سکونت افکندند مبتلا به عارضه درد چشم شده و کم‌کم از دید افتاده و مدتها در این ناراحتی و زحمت به سر برده ناچارید به دکتر مراجعه و دکتر جواب یاس دادند.

فرمودند چون از دکتر مایوس شدم با خود گفتم من به امیدی به مشهد آمدم که دز جوار حضرت رضا (ع) باشم چنانچه برادرم حاج میرزا حسن هم به نجف اشرف مهاجرت نمود و در مدت سی سال در آنجا اقامت و به تدریس و مباحثه اشتغال داشت تا در زمان مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی وفات نمود و من در اینجا از چشم عاجز باشم پس به زحمت و کمک عصا و بعضی از

ارحام به حرم مشرف و پیش روی مبارک نشسته و شروع به تضرع نمود و عرض کردم آقاجان مردم کور و نابینا در جوار شما آمده و بینا می شوند و من که با چشم بینا آمدم که مجاور شما باشم کور و نابینا شوم آیا رسم میهمانداری و غریب‌نوازی همین است. از این مقوله سخنان به عنوان گلایه و التماس می‌گفتم که ناگاه حالت غشوه به من دست داد و در آن حال دیدم شترسواری نزد من آمد و فرمود یا شیخ حرکت کن. گفتم بگذار در دم را به دادرس بگویم. فرمودند برای چشمت میگوئی گفتم بلی آقا فرمودند بگیر این بسته را به چشمت بمال باز کردم آن بسته را گردی بود تا به چشم مالیدم باز شده و نورانیت پیدا کرد و تا آخر عمر به درد چشم مبتلا نشدم.

پس در بالا خیابان کوچه یزدیها سکونت و در مسجد جعفریها به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته تا پنج سال به آخر عمرش که سکته ناقص نموده و بستری گردیدند تا در شب دوشنبه مصادف با نیمه رجب (شب رحلت صدیقه صغراء حضرت زینب کبری (ع) سال ۱۳۸۹ قمری بدرود حیات گفتند و در موقع وفات سه مرتبه گفتند السلام علیك یا اباعبداللّٰه (ع) و جنازه‌اش را با تجلیل شایان در صحن مطهر مقابل قبر شیخ حر عاملی (صاحب وسائل الشیعه) دفن نمودند

از باقیات الصالحات آن مرحوم است فرزندان متقی و برومندی که اشهر آنها دو نفر می‌باشند.

۱- جناب ثقةالاسلام والمحدثین آقای حاج شیخ زین‌العابدین کافی امامی که اکنون به جای والد مرحومش در مسجد جعفریها به اقامه جاعت و تبلیغات دینی اشتغال دارند.

۲- جناب ثقةالاسلام آقای حاج شیخ احمد کافی واعظ مشهور و مؤسس مهدیه تهران که ترجمه و آثارش در جلد دوم گنجینه گذشت.

نگارنده گوید مرحوم حاج میرزا احمد کافی یزدی عالمی پارسا و عابدی زاهد و دانشمندی متقی و موصوف به زهد و تقوا و به محامد اخلاق و آداب متصف و به این نویسنده (هیچ نیارزنده) لطف پدرانه و محبت مخصوص داشت و به چشم فرزندی مرا نگریسته و تشویق می‌فرمود و در ولایت اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام و توسل به ذیل عنایتشان از نوا در زمان خود بود حشره اللّٰه تعالی مع اولیائه الطاهرین و من انعم اللّٰه علیهم من الانبیاء و المرسلین و الشهداء و الصالحین و حسن اولئك رفیقا.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

کافی، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید کافی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مجید کافی در سال ۱۳۴۴ در اصفهان متولد شدم و در سال ۶۸ موفق به اخذ دیپلم تجربی گردیدم. از سال ۶۱ تا سال ۶۸ در حوزه اصفهان مشغول تحصیل بودم و از سال ۶۸ وارد حوزه علمیه قم گردیدم. در سال ۷۰ جذب دوره «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» شدم و تا هم اکنون، افزون بر تحصیل علوم حوزوی در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه سابق)، مشغول به تحقیق می باشم. همچنین از سال ۷۴ تاکنون در دانشگاه های تهران: (علامه طباطبایی و تهران)، مشغول تدریس دروس معارف اسلامی هستم. از سال ۷۹ نیز در مرکز جهانی علوم اسلامی (مدرسه امام خمینی ره) به تدریس دروس جامعه شناسی اشتغال دارم.

کاکای قزوینی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۰ ق)، شاعر. معروف به درویش کاکای سبزی فروش. در اوایل به هجو تمایل داشت ولی عاقبت به علوم معقول رغبت نمود و در آن زمینه سخنان بدیعی گفت. وی از معاصران شاه طهماسب (۹۸۴ -۹۳۰ ق) بود که در قزوین می‌زیست و به بقالی روزگار می‌گذراند. در تذکره‌ها اشعاری از وی نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۲۰۰ -۱۱۹۹/ ۳)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۸۸/ ۴)، تاریخ نظم و نثر (۴۶۱)، الذریعه (۹۰۴/ ۹)، عالم‌آرای عباسی (۱۸۹ -۱۸۸/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۷۵۸)، مجمع الخواص (۱۹۹ -۱۹۸)، مینودر (۵۵۱ -۵۵۰/ ۲)، هفت اقلیم (۱۸۶/ ۳).

کامکار فسائی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای محمد کامکار فسائی متخلص به (کامکار) از شعراء و خطباء معاصر است دارای طبع موزون و اشعار نغز می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کامل اصفهانی، احمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۸۲ ق)، شاعر. وی همراه پدر، در زمان اورنگ زیب (۱۱۱۹ -۱۰۶۹ ق)، به هند رفت و در ملازمت وی خطاب خانی و رتبه‌ی امیری یافت و منصب قلعه‌داری تهانیسر را نیز بر عهده داشت. عاقبت در همان دیار درگذشت. از اوست:

اگر تنگ است جا بر اهل شهر از ناله‌ی زارم

کسی نگرفته است از دست من دامان صحرا را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۶۷۳)، فرهنگ سخنوران (۷۵۸)، کاروان هند (۱۱۴۹/ ۲).

کامل جهرمی، قوام‌الدین عبداللّه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر، متخلص به کامل. در جهرم به دنیا آمد. در اوان جوانی به شیراز رفت و به کسب دانش پرداخت و همان جا شاعری آغاز کرد. وی در محضر ملک سعید خلخالی، متخلص به کامل (م ۱۰۱۰ ق)، بـه کسب علوم دینی پرداخت و چون استادش به موزونی طبع وی پی برد، تخلص خود را به او داد. کامل در بیست و پنج سالگی از راه هرمز به دکن رفت و مدتی نیز در گلکنده و بیجاپور بود و سپس در برهانپور نزد عبدالرحیم خان، خان خانان رسید و مداح وی گردید. پس از چندی چون با حیاتی گیلانی اختلافاتی یافت از درگاه خان خانان طرد شد و به آگره رفت و در آنجا به ملازمت شاهزاده خرم فرزند اکبر شاه رسید و نزدیک به دو سال در آنجا بود و بعد از مدتی به کشمیر رفت. پس از آن در هندوستان به سیر و سیاحت پرداخت و به کار تجارت مشغول شد و در پتنه، به گفته‌ی مؤلف «تذکره‌ی میخانه»، قدم در وادی تصوف نهاد. به آورده‌ی باقی نهاوندی طبعش، در سرودن شعر، بیشتر تمایل به غزل داشت و به روش حافظ شعر می‌گفت. بعضی از تذکره‌ها وفات وی را ۱۰۲۸ ق ذکر کرده‌اند. از آثارش: مثنوی «محمود و ایاز»؛ «مرشد کامل»، گزیده‌ای از اشعار گذشتگان با مقدمه‌ای خود کامل؛ ترجیعی که به روش «ساقی نامه» به رشته‌ی نظم درآورده است؛ «دیوان»، قریب به پنج هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان جهرم (۲۲۲ -۲۰۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۰۳ -۱۰۰۰/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۶۸۸)، تذکره‌ی روز روشن (۶۷۲)، تذکره‌ی میخانه (۷۱۸ -۷۰۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۳۷/ ۴)، الذریعه (۹۰۴/ ۹)، صبح گلشن (۳۳۷)، فرهنگ سخنوران (۷۵۸)، کاروان هند (۱۱۵۲ -۱۱۴۹/ ۲)، مآثر رحیمی (۱۳۵۰ -۱۳۴۷/ ۴)، مرآت الفصاحه (۵۱۸ -۵۱۶).

کامل خلخالی، سعید

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۶ ق)، صوفی و شاعر، متخلص به کامل. او از صوفیان عصر خود بود که سالیان درازی در شیراز زیست و در آنجا نیز درگذشت، لذا در «الذریعه» از او به عنوان کامل شیرازی نام برده شده است. وی اشعار عرفانی می‌سرود. از اوست:

پیش عفوت قلت تقصیر از تقصیر بی‌حساب

جرم بی اندازه می‌خواهد عطای بی‌حساب

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۴۶)، تذکره‌ی میخانه (۷۰۶ -۷۰۵)، الذریعه (۹۰۴/ ۹)، ریاض العارفین (۲۳۰)، صبح گلشن (۴۴۷)، فرهنگ سخنوران (۸۷۵)، هفت اقلیم (۲۶۰/ ۳).

کامل کرمانشاهی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۴ ق)، شاعر و خطاط. وی خواهرزاده‌ی حاجی میرزا محمد، متخلص به بیدل بود. کامل به پیروی از دایی خود به تحصیل کمال پرداخت و در علوم ادبی مهارت یافت. وی خطوط شکسته و نسخ و رقاع را خوب می‌نوشت. او در جوانی درگذشت. ابیاتی از اشعار وی در «حدیقهٔ الشعراء» آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۴۴۸ -۱۴۴۷/ ۲).

کامل، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از آثار وی: دو لوحه‌ی مذهّب بر مزار مولوی در قونیه، که یکی با ثلث چهار دانگ جلی خوش، با رقم: «کتبه الفقیر الحاج احمد کامل غفر ذنوبه ۱۲۲۸»؛ و دیگری با ثلث سه دانگ کتیبه‌ی عالی و رقم: «کتبه کامل ۱۳۲۰». اختلاف تاریخ رقمهای او بسیار است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۲۹/ ۴).

کاملی، ارغون

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

وی اصلاً ایرانی و از شاگردان یاقوت مستعصمی بود و در بغداد می‌زیست و از آثار کتابت وی کتیبه‌های دو مدرسه را در بغداد به او نسبت می‌دهند.

قرآن سلطانی کوچک مذهب عالی متن ریحان سر سوره‌ها ثلث دو دانگ عالی با رقم «کتبه العبد الفقیر الی اللّه تعالی ارغون الکاملی حامداً و مصلیاً و مسلماً فی سنهٔ احدی و اربعین و سبع مائهٔ... (۷۴۱) در موزه‌ی اسلامی ترک.

قرآن وزیری ساغری منگنه دو صفحه‌ی اول متن و حاشیه مذهب و صفحه‌ی آخر دارای ذیلو پیشانی مذهب مرصع عالی ثلث کتابت خفی عالی با رقم «... ارغون الکاملی...» سال ۷۴۵.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

کامی اوبهی هروی، کمال‌الدین حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۴ ق)، شاعر. از مردم اوبه، نزدیک هرات، و از شاعران نامی دربار سلطان حسین بایقرا بود. وی در کنف حمایت مولانا محمد بدخشی تربیت یافت. برای کسب دانش سفری به عراق کرد و دوباره به هرات بازگشت. در پایان زندگی در همان شهر اوبه، به زراعت روزگار گذرانید و انزوا گزید. در اقسام شعر، به خصوص معما، دست داشت. بنا به گفته‌ی «الذریعه» ظاهرا کامی اوبهی همان کامی یزدی است. در «تحفه سامی» صاحب عنوان، تحت نام شاه حسین کاخی آورده شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۳۱)، تحفه سامی (۲۱۱)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۲۶۳)، حبیب السیر (۳۶۰/ ۴)، الذریعه (۹۰۶، ۹۰۵/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۵۹)، مجالس النفائیس (۲۳۴ -۲۳۳، ۶۰).

کامی سیفی حسنی قزوینی، علاءالدوله

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر، متخلص به کامی. از خانواده‌ی معروف سادات سیفی حسنی بود. وی پس از مشکلاتی که به علل مذهبی برای پدر و برادر بزرگش، میرعبداللطیف، در قزوین پیش آمد به هندوستان رفت و در دربار اکبر شاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) مورد توجه واقع شد و تا هنگام مرگش همان جا ماند. از آثارش: «نفایس المآثر»، کتابی است در شرح حال شاعران قرن دهم قمری و مخصوصا شاعران دربار اکبر شاه؛ «صحیفهٔ الارقام»، در فن خطاطی؛ رساله‌ای در «صنایع شعری»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۳۸ -۱۶۳۷/ ۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۳۹۱ -۳۶۲/ ۲)، تاریخ نظم و نثر (۴۳۳)،

تذکره‌ی روز روشن (۶۷۴ -۶۷۳)، الذریعه (۲۴۳ -۲۴۲/ ۲۴ ،۹۰۵/ ۹)، ریحانه (۳۷/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۷۶۰ -۷۵۹)، کاروان هند (۱۱۶۲ -۱۱۵۹/ ۲)، مینو در (۹۶۳ ،۵۵۲ -۵۵۱/ ۲).

کامی لاهیجانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از دانشمندان و شاعران نامی گیلان و از منشیان دربار خان احمد خان گیلانی (م ۱۰۰۴ ق) به شمار می‌رفت. کامی مردی خوش‌طبع و غزلسرا بود. از اوست:

ساقی چو می‌نماند قدح را پر آب کرد

و آن آب را ز عکس لب خود شراب کرد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۹۹)، الذریعه (۹۰۶/ ۹)، صبح گلشن (۳۳۷)، فرهنگ سخنوران (۷۶۰)، مجمع الخواص (۵۷ - ۵۶).

کاووس

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۶۹ ق)، نقاش، مذهب و خطاط. از آثار وی: دو کتیبه در مسجد جامع قزوین، به قلم سه دانگ کتیبه‌ی متوسط، با رقم‌های: «بتوفیق... ابوالمظفر شاه عباس الحسینی الموسوی الصفوی... مطابق سنه‌ی تسع و ستین و الف من الهجرهٔ... کتبه العبد کاوس نقاش» و «کتبه الفقیر کاوس مصور».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۸۸/ ۲)، احوال و آثار نقاشان (۵۴۴/ ۲)، قزوین در گذرگاه هنر (۱۹۸).

کاوه

قرن:۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دیگر از خاندان‌های معروف پهلوانی ایران، خاندان کاوه است که افراد آن در شاهنامه، عبارت است از: کاوه و پسرش قارن و قباد است. داستان کاوه‌ی آهنگر و علم او را در قصه‌ی فریدون دیدیم. وی چون از ستم ضحاک به ستوه آمد، چرمی را که بر شیوه‌ی آهنگران هنگام کاربر پیش می‌بست بر سر نیزه کرد و مردم را به یاری خویش خواند و فریدون را به شاهی نشانید، و بیداد ضحاک را پایان بخشید.

کاوه یکی از پهلوانان داستانی است که داستان او ظاهرا در دوره‌ی اشکانی یا ساسانی ابداع شده است. و علت این ابداع وجود درفش معروف کاویانی بوده است. از داستان کاوه در اوستا اثری نیست؛ و در اوستا از درفشی بنام گائوش درفشه Drafsha Gaush ذکر شده، که می‌توان آن را درفش گاو یا گاو درفش معنا کرد. در میان آسوریها بیرقی با صورت گاو وجود داشت و ظاهراً سپاه ایران در روزگار هخامنشی نیز درفشی به همین شکل داشته است، و ممکن است، ذکر این اصطلاح در اوستا موجب پدید آمدن داستان کاوه شده باشد.

برگرفته از کتاب :ایران در عهد باستان

کاوه نافچی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد کاوه نافچی

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۹/۲

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۲ دروس حوزوی را در حوزه علمیه قم شروع کردم و از همان ابتدا در کنار دروس اصلی حوزه، نه تنها کتاب

های متنوعی در همان موضوع را مطالعه می کردم بلکه به مطالعات غیر دروس حوزوی می پرداختم تا این که در سال ۱۳۶۹ موفق شدم دروس سطح حوزه را تمام بکنم. همزمان با شروع درس خارج در سال ۶۹ در امتحان ورودی کنکور شرکت کردم و با آوردن رتبه ۵۰۰ در رشته فلسفه، در دانشگاه شهید بهشتی تهران پذیرفته شدم.

در سال ۷۴ در کنکور ارشد رشته «فلسفه غرب» شرکت کرده و رتبه ۱۴ را کسب کردم و همزمان در امتحان ورودی رشته تخصصی حوزه (کلام) پذیرفته شدم و در میان این دو، انتخاب رشته تخصصی «کلام» را ترجیح داده و در کنار شرکت در دروس خارج فقه: (آیت الله علوی گرگانی)، خارج اصول: (آیت الله مکارم)، به تحصیل در رشته کلام پرداختم در سال ۷۸ توانستم دروس تخصصی را با موافقت و امتیازات عالی در هر ترم به پایان برسانم.

در سال ۷۹، موضوع «معرفت دینی و معرفت علمی» را انتخاب و موضوع رساله دکتری کلام خود انتخاب کردم. بعد از دفاع از رساله خود در دانشگاه آزاد واحد جنوب تهران به عنوان: (عضو هیئت علمی) پذیرفته شدم و در گروه معارف اسلامی به ادامه تدریس دروس معارف اسلامی پرداختم.

لازم به ذکر است اینجانب از سال ۱۳۷۸ مشغول تدریس دانشگاههای: آزاد اراک، دولتی شاهرود، تربیت معلم تهران، شاهد و آزاد شاهرود شدم. در سال ۱۳۸۳ مقاله ای به نام: «مقایسه معرفت دینی و علمی» نوشتم که در مجله رواق اندیشه صدا و سیما به چاپ رسید. در سال ۱۳۸۵ مقاله ای به نام: «جلوه های رفتاری پیامبر اعظم» نوشتم که در همایش دانشگاه آزاد لاهیجان پذیرفته و در آنجا ارائه گردید.

کاوه، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی عمران، دانشکده: مهندسی عمران، دانشگاه: علم و صنعت ایران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی از دانشگاه تبریز با رتبه اول، کارشناسی ارشد و C.L.D از کالج سلطنتی لندن در طول ۹ ماه، دکترا در رشته سازه.

مرتبه علمی:

استاد مدعو در دانشگاههای آلمان، دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران در سال ۱۳۵۸ و ارتقاء به درجه استادی در سال ۱۳۶۵.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

کاربرد توپولوژی تئوری گراف‌ها و ماتروئیدها در تحلیل بهینه سازه‌ها، تنوکی ماتریسها و بهینه کردن نوار ماتریسها، تأمین شرایط موزونی برای ماتریس‌های سازه‌ها، آموزش مهندسی عمران، استاد راهنمای ۴ پایان‌نامه دکترا و ۱۹ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

تحلیل سازه‌ها.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۷۳

زمینه علمی مقالات:

کاربرد ترپولوژی تئوری گراف‌ها و ماتروئیدها در تحلیل بهینه‌سازها، تنوکی ماتریسها و بهینه کردن نوار ماتریسها، تأمین شرائط موزونی برای ماتریس‌های سازه‌ها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کاوه، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۹ -۱۲۷۳ ش)، خطاط و ادیب. در شیراز به دنیا آمد. از کودکی به مشق خط پرداخت و از قطعات و آثار استادان پیشین، چون میرعماد، درویش عبدالمجید، کلهر و میر سید حسین خوشنویس باشی تمرین می‌کرد سپس نزد استاد عماد الکتاب رفت و از او بهره‌مند شد و سرآمد شاگردان گردید. وی در ۱۲۹۸ ش وارد وزارت مالیه (دارایی) شد و در سمت منشی مخصوص وزیر، مشغول خدمت گردید. در ۱۳۱۰ ش به وزارت فرهنگ منتقل شد و سالهای متمادی در دبیرستان‌های مختلف تهران به تعلیم شاگردان پرداخت. کاوه در نوشتن خط نستعلیق از خفی و جلی استادی تمام عیار بود و در سیاه مشق و شکسته نستعلیق مهارت داشت. ملک‌الشعرای بهار او را میرعماد عصر می‌دانست. از شاگردان معروف او علی منظوری، عبداللّه فرادی، جهانگیر نظام العلماء و

محمد سلحشور در خور ذکرند. از آثار وی کتابت: «گلچین اشعار صائب»؛ «آیات منتخبه‌ی قرآن»؛ «تعلیمات دینی»؛ «صرف و نحو»؛ «تاریخ ششم دبستانها و دبیرستانها».[۱]

خوشنویس.

تولد: ۱۳۱۲ ق.، شیراز.

درگذشت: ۶ شهریور ۱۳۶۹، تهران.

علی‌اکبر کاوه، فرزند علی‌محمدخان شیرازی، از کودکی به مشق خط پرداخت. سپس نزد استادانی به تکمیل هنر خود پرداخت. مدتی نیز نزد میرزا محمدحسین سیفی قزوینی (عمادالکتاب) به مشق و به ویژه خط نستعلیق پرداخت.

استاد از سال ۱۲۹۸ به سمت منشی مخصوص وزیر در وزارت دارایی به خدمت مشغول شد و پس از چندی بر حسب دعوت یحیی قزاگزلو (اعتمادالدوله) وزیر فرهنگ وقت از وزارت دارایی به وزارت فرهنگ منتقل گردید و سالهای متمادی در دبیرستان‌های تهران از قبیل: دارالفنون، ثروت، سیروس کالج، شاهدخت، شرف و علمیه به تعلیم خط اشتغال داشت تا اینکه بازنشسته گردید و مجددا بنابر تقاضای اداره‌ی کل هنرهای زیبا در کلاس آزاد خط هنرهای زیبا به تعلیم نوآموزان هنر مشغول شد و نیز ایشان چندی در کلاس کارآموزی خط که از طرف وزارت فرهنگ در عهد دکتر محمود مهران (وزیر فرهنگ وقت) تشکیل شده بود به تعلیم و تربیت مشغول بود. وی سالیان دراز به انجمن خوشنویسان ایران در تهران به تعلیم هنرجویان اشتغال داشت.

از آثار خطی که از وی به جای مانده است می‌توانیم به این عناوین اشاره کنیم: گلچین اشعار صائب؛ آیات منتخبه قرآن؛ تعلیمات دینی؛ صرف و نحو؛ تاریخ ششم دبستان‌ها و دبیرستان‌ها و غیره.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اطلس خط (۵۹۷ -۵۹۶)، پیدایش و سیر تحول هنر خط (۲۳۴ -۲۳۰)، تاریخ برگزیدگان (۴۷۶ -۴۷۵)، تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (۱۳۰ -۱۲۶)، کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۱، ص ۵ -۱).

کاوه، فریدون

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی آبیاری و زهکشی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای مهندسی آبیاری و زهکشی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زهکشی، شستشو و اصلاح خاک‌های شور و قلیائی مناطق خشک و نیمه خشک، استفاده بهینه از آب آبیاری در مناطق کم آب با توجه به شوری خاک و تنش‌های ناشی از کمبود آب، دقت و سرعت و صرفه‌جوئی در هزینه‌های اندازه‌گیری خواص هیدرودینامیکی خاک‌ها مورد نیاز طراحی سیستم‌های آبیاری و زهکشی، تعیین ضریب آبگذاری، آبدهی ویژه صحرا از زهکشی‌های نصب شده به منظور استفاده در معادلات ماندگار و غیر ماندگار زهکشی، مقایسه نقاط مهم رطوبتی خاک توسط معادلات تجربی با مقادیر اندازه‌گیری شده آزمایشگاهی، کالیبراسیون و آزمایش یک رابطه نفوذپذیری ساده، استاد راهنمای ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

آب زیرزمینی و نشت.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

تخمین خواص هیدرولیکی غیر اشباع خاک‌ها از خواص خاک و مقایسه مقادیر به دست آمده با مقادیر اندازه‌گیری شده صحرائی، صرفه‌جوئی در آب مصرف گیاهان به منظور افزایش تولید محصول.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کاویانی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد کاویانی ارانی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۴۱ هستم، در سال ۱۳۶۰ با دیپلم تجربی وارد حوزه علمیه قم شدم، طی شش سال دروس سطح را تحصیل و بعضاً تدریس کردم. از سال ۱۳۶۷ به صورت رسمی در دروس خارج فقه، اصول فقه، تفسیر و فلسفه شرکت کردم. ضمن دروس رسمی حوزه علمیه، در دروس معارف اسلامی موسسه در راه حق (موسسه آموزشی، پژوهشی امام خمینی) شرکت کردم و فوق لیسانس دریافت کردم.

دوره آموزش زبان انگلیسی را طی یکسال به طور فشرده در دفتر تبلیغات اسلامی قم گذراندم. در کنار دروس حوزه و پس از اتمام درس های موسسه در راه حق، به گروه روانشناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه پیوستم، پس از اتمام دروس فوق لیسانس، در رشتهٔ «روانشناسی بالینی»، برای ادامهٔ تحصیل در دکترای روانشناسی، به دانشگاه اصفهان وارد شدم. هم اکنون در حال نوشتن پایان نامه دکترای روانشناسی هستم.

در ضمن تحصیلات مختلفی که داشتم تدریس های متعدد نیز به صورت دائم در حوزه و دانشگاه و مجموعه های جانبی حوزه علمیه قم داشته ام و دارم. اکنون عضو هیئت علمی «گروه روانشناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» هستم. تألیفات و ترجمه ها از نوع کتاب و مقاله و پژوهش داشته ام که اطلاعات مفصل آن در پرونده ضمیمه درج شده است. اکنون روحانی کاروان حج نیز هستم و ۸ سفر مشرف شده ام.

کاویانی، منصوره

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

منصوره «شیوا» کاویانی ، نویسنده ، مترجم و شاعر ، در سال ۱۳۱۶ در بندر خرمشهر زاده شد. تحصیلاتش را در رشته ی کارشناسی تاریخ و کارشناسی ارشد کتابداری در دانشگاه شیراز و دانشگاه تهران به پایان رسانید. سپس در آلمان به اخذ درجه دکترای فلسفه نایل آمد.او در زمینه فلسفه و ادیان غرب و شرق به ویژه ایران ، زیباشناسی ، موسیقی ، جامعه شناسی و ادبیات تطبیقی در ایران و در سطح جهان مطالعه، پژوهش می نمود و تاکنون نزدیک به بیست جلد کتاب ترجمه ، تحقیق و تالیف و سی و پنج مقاله به زبان فارسی و انگلیسی از روی به چاپ رسیده و یا آماده چاپ است. او از نوجوانی به سرودن شعر نیز علاقه نشان داده و در این زمینه هم به موفقیت هایی دست یافته است.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

والدین و انساب : منصور کاویانی با تباری بوشهری در ندر خرمشهر زاده شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : منصوره کاویانی تحصیلاتش را در رشته ی کارشناسی تاریخ و کارشناسی ارشد کتابداری در دانشگاه شیراز و دانشگاه تهران به پایان رسانید. سپس برای ادامه تحصیل به آلمان رفته و به اخذ درجه دکترای فلسفه نایل شد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از منصوره کاویانی تاکنون نزدیک به بیست جلد کتاب ترجمه ، تحقیق و تالیف و سی و پنج مقاله به زبان فارسی و انگلیسی به چاپ رسیده و یا آماده چاپ است. او از نوجوانی به سرودن شعر نیز علاقه نشان داده و در این زمینه هم به موفقیت هایی دست یافته است.

آرا و گرایشهای خاص : منصوره کاویانی در زمینه فلسفه و ادیان غرب و شرق به ویژه ایران ، زیباشناسی ، موسیقی ، جامعه شناسی و ادبیات تطبیقی در ایران و در سطح جهان مطالعه نموده است. --

آثار :

۱ آموزش و شناخت انتقادی

۲ اوروگوئه

۳ خرد زیبا

۴ خلق مدام

۵ دیدارها

۶ دیدارها

۷ رازوری در آیین زرتشت

۸ سفر دیگرگون

۹ شبکه اطلاعات علمی

۱۰ شهر در گذر زمان

۱۱ صوفیسم ابن عربی و آیین لائوتسه

۱۲ عرفان و فلسفه ی یهود

۱۳ فرزانگی در آیینه ی زمان

۱۴ فرهنگی علوم اجتماعی

۱۵ فلسفه ی انسانی موسیقی

۱۶ فلسفه ی روشنگری

۱۷ فهم موسیقی

۱۸ کتاب در ایران: کتاب نامه و مقاله نامه

۱۹ کتاب شناسی و طرح مطالعه ی امپریالیسم

۲۰ کتاب نور و روشنایی

۲۱ مجموعه ی داستان

۲۲ نفس انسان و روان شناسی اسلامی

منابع زندگینامه :دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ) ، به کوشش : پوران فرخزاد، ج ۲ ، تهران: انتشارات زریاب ، چاپ اول ۱۳۷۸ ، ص ۱۳۸۲

کاهی کابلی، نجم‌الدین، ابوالقاسم محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۸ / ۹۸۸ / ۹۸۳ ق)، عالم، نقاش و شاعر، متخلص به کاهی. از ساداتی بود که در میانکال- میان بخارا و سمرقند- به دنیا آمده است. وی معروف به ملاـقاسم، اهل کابل و از شاگردان عبدالرحمان جامی بود که علوم ظاهری را نزد او آموخت و بعد از مدتی به آن قانع نشد و به فراگیری علوم باطن پرداخت. سپس به بدخشان رفت و در ملازمت میرزا عسکری، برادر همایون پادشاه، درآمد. بعد به هند رفت و در آنجا از مریدان سید محمد شاه جهانگیر هاشمی کرمانی صاحب «مظهر آثار» شد و از بزرگان سلسله‌ی نعمت‌اللهی گردید و سرانجام به دربار اکبر شاه رفت. مدتی در بنارس و آگره نیز اقامت داشت. به آورده‌ی «ریحانهٔ الادب»، از تذکره‌ی «علمای هند»، وی در علم تفسیر، هیئت، کلام و تصوف دست داشت. کاهی در فن موسیقی و نقاشی نیز ماهر و در قطاعی و تذهیب کم نظیر و استاد بود آن‌گونه که قاطعی هروی از شاگردان او به حساب می‌آید. مرگ وی در آگره روی داد. از آثارش: مثنوی «گل نشان» یا «گل افشان»، در جواب «بوستان» سعدی؛ منظومه‌ای در معما بر وزن «حدیقه» سنایی؛ «دیوان» شعر به نام «رفیع الدرجات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۵۳۰/ ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۶۰ -۷۵۵/ ۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۲۰، ۴۷۰ -۴۶۹)، الذریعه (۲۳۱/ ۱۸، ۲۴۵/ ۱۱، ۹۰۷ -۹۰۶، ۸۶۴/ ۹)، ریاض العارفین (۱۲۷)، ریحانه (۳۸ -۳۷/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۷۶۰)، لغت‌نامه (ذیل/ قاسم کاهی)، منظومه‌های فارسی (۴۹۲)، نتایج الافکار (۶۰۱ -۵۹۹)، هفت اقلیم (۳۸۳ -۳۷۶/ ۳).

کبود جامه استرآبادی، نصرت الدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. وی سمنانی‌الاصل بود و در زمان سلطان تکش می‌زیست و در نزد او اعتبار زیادی کسب کرد. چند سال حکومت فیروزکوه و نواحی آن به او داده شد، اما به دلیل حسادت، مخالفان سلطان را نسبت به او بدبین کردند و سلطان دستور کشتن او را داد. نصرت‌الدین التماس کرد که او را زنده نزد سلطان ببرند وی در حضور سلطان رباعی سرود که سلطان از کشتن او صرف نظر کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۰۷ -۴۰۶)، الذریعه (۱۱۹۳، ۹۰۷/ ۹)، لباب الالباب (۵۲ -۵۱/ ۱)، هفت اقلیم (۱۰۰ -۹۹/ ۳).

کبودرآهنگی، محمدجعفر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدجعفر بن صفرخان بن عبداللّٰه کبودر آهنگی از علماء فقهاء و عرفاء صلحاء از شاگردان ملاـ محمدمهدی نراقی و میرزا ابوالقاسم قمی و غیر آنان از بزرگان بوده و در فقه و اصول مقام بلندی داشته و در ردیف اتقیاء و ابرار بوده و با جلالت قدرش مشهور به عرفان سلوک گردیده و در سال ۱۲۳۹ در تبریز وفات نموده است.

آثار و تألیفات وی بسیار و از آنها کتب زیر است ۱- شرح دعاء حضرت امیر (ع) (اللهم نور ظاهری بطاعتک) ۲- مراحل السالکین ۳- الاعتقادات ۴- مرات الحق و غیر اینها.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

کبیر قمی، محمد نجفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۶۹ -۱۲۹۰ ق)، فقیه، اصولی و مدرس. در قم به دنیا آمد. مقدمات و سطوح را نزد ملا محمد تقی نحوی و حاج شیخ محمد حسین قمی و معقول را در خدمت حکیم یزدی فراگرفت. آن‌گاه به تهران آمد و از محضر حاج شیخ فضل‌اللّٰه نوری و آقا سید عبدالکریم گیلانی و حاج میرزا حسن آشتیانی و حاج شیخ علی نوری و آقا میرزا محمود قمی بهره گرفت و فقه و اصول و حکمت را تکمیل کرد. پس از آن به نجف مهاجرت کرد و از حوزه‌ی درس آخوند خراسانی و علامه یزدی و آیت‌اللّٰه حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی استفاده نمود. در ۱۳۳۸ ق پس از نیل به درجه‌ی عالی اجتهاد به قم بازگشت و به تدریس و تربیت محصلین و دانشجویان علوم دینی همت گماشت. درس خارج فقه و اصولش مورد استفاده‌ی گروهی از فضلاء بود. او از طرف آیت‌اللّٰه سید محمد کاظم یزدی مرجع در احتیاطات گردیده بود. وی در مناسبت‌های ویژه چون اعیاد و سوگواری‌ها منبر می‌رفت و به موعظه‌ی مردم می‌پرداخت. در قم از دنیا رفت و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد. از آثارش: حاشیه بر «جواهر»؛ حاشیه بر «عروة»؛ «مشارق الشموس»، در اصول، تعلیقه‌ای بر «کفایة الاصول» آخوند خراسانی؛ «منتخب الرسائل».[۱]

مرحوم مبرور شیخ الفقهاء والمجتهدین حاج میرزا محمد کبیر قمی از آیات عظام و علماء کرام و مراجع والامقام شهرستان قم و حوزه علمیه بوده است. تولدش در سال ۱۲۹۰ قمری در قم واقع شده و مقدمات و سطوح وسطی را خدمت مرحوم حاج شیخ محمد حسین قمی و معقول را خدمت مرحوم حکیم یزدی خوانده آنگاه به تهران مسافرت و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ فضل‌اللّٰه شهید نوری و آیت‌اللّٰه آقا سید عبدالکریم گیلانی استفاده نموده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف و از محضر مرحومین علمین آیتین آخوند خراسانی و علامه یزدی و آیت‌اللّٰه حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی استفاده نموده و در سال ۱۳۳۸ قمری به قم مراجعت و به تدریس و تربیت عده‌ای از محصلین و طلاب و هم اقامه جماعت در مسجد امام علیه‌السلام پرداخته است.

وی منبری شیرین داشت و در منزل خود در اعیاد و سوگواریها منبر می‌رفت و مردم را به موعظه حسنه خود بهره‌مند می‌نمود. درس خارج فقه و اصولش مورد استفاده جمعی از فضلاء بوده و با حکماء و فلاسفه مخالفت علنی داشت و مانند مرحوم آیت‌اللّٰه میرزا مهدی اصفهانی مشهد می‌فرمود این فلسفه‌بافی‌ها مردم را از آل محمد صلوات اللّٰه علیهم اجمعین و اخبار و احادیث اهل‌بیت دور ساخته است. در سال ۱۳۶۹ قمری از دنیا رفت و در قبرستان شیخان جنب مقبره زکریا بن آدم اشعری در مقبره خصوصی خود مدفون گردیده است.

آثار قلمی ایشان از این قرار است ۱- حاشیه بر جواهر ۲- حاشیه بر عروه ۳- مطالع الشموس در اصول ۴- رساله‌های علمیه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۱۵۰ -۱۴۸)، الذریعه (۳۶/ ۲۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۴۳ -۳۴۲/ ۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۴۵/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹۱ -۶۹۰/ ۵).

کبیر، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند مرحوم شیخ محمدتقی از اجله علماء و مجتهدین و فقهاء و مدققین عصر خود بود در علوم ادبیه و حسن خط نیز مقامی عالی داشت در قم خدمت مرحومین شیخ محمدحسن نادی و ملاـ محمدجواد تحصیل نمود و در نجف نزد علامتین خراسانی مرحوم آخوند و مرحوم سید محمدکاظم یزدی تلمذ نمود.

نگارنده در آثارالحجهٔ ج ۱ ص ۳۹ ترجمه وی را به عنوان ششمین حادثه حوزه‌ی علمیه بعد از تأسیس آن چنین نگاشته‌ام ششمین حادثه‌ای که قم و حوزه علمیه و عالم تشیع دیده رحلت عالم فاضل محقق مدقق فقیه اصولی تقی زاهد معروف به فضل وسعه اطلاع و دقت نظر آیهٔ‌اللّٰه العظمی آقای آقا شیخ ابوالقاسم کبیر قمی بود که او را بعضی بر مرحوم آیت‌اللّٰه حایری یزدی مؤسس حوزه‌ی علمیه ترجیح می‌دادند. فضلاء اصحاب ایشان از مراجع امروز به شمار می‌روند.

نگارنده گوید: گرچه این حقیر آن بزرگوار را درک نکردم و به فیض ملاقات و زیارتش نرسیدم ولی از علماء و مراجع بزرگ

امروز حوزه که آنجناب را دیده‌اند شنیدم که آن مرحوم دارای نفس قدسی و ملکوتی بود و مرحوم آیۀاللّه حاج آقا حسین قمی می‌فرمود من منکر بودم که در این زمان آدم خوب پیدا شود با شرایط فعلی و فساد عمومی تا آنجناب را دیدم در قم و آیت‌اللّه آقا سید مرتضی کشمیری را در نجف اشرف که یقین کردم در این عصر هم انسان کامل و مؤمن حقیقی یافت می‌شود.

در سال ۱۳۵۳ ه.ق دو سال قبل از فوت مرحوم آیت‌اللّه حائری در سن هفتاد سالگی وفات نمود و در مسجد بالاسر نزدیکی قبر حاج شیخ عبدالکریم مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

کتاب‌فروش، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم آقا میر سید محمدبن سید محمد علی بن هادی افطسی حسینی نیز عالم و زاهد بوده، و بسیار پیرو معمر شده، و در اصفهان سطوح فقه تدریس می‌نموده، پس از فوت در همین بقعه مدفون گردیده است. فرزندانش در اصفهان ساکن، و عموما اهل فضل و کمال می‌باشند.

دیگر از معروفین این خاندان: مرحوم میر محمد حسین کتابفروش فرزند میر علی نقی است که از علما و فضلا بوده، و در ۱۳۴۱ وفات یافته، جنب بقعه‌ی نام برده مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کتاب‌فروش، محمد صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میر سید محمد. عالم زاهد متقی، شاگرد و داماد سید حجۀالاسلام شفتی، از جمله‌ی فقهای ممتازین بوده، و در نزد علمای این شهر به علم و عمل و فقاهات شهرت داشته، در محله‌ی خواجو سکونت داشته، و عمر خویش را به تحصیل و تدریس و مطالعه و تألیف گذرانیده. سطوح فقه تدریس می‌نموده، و عده‌ی کثیری در خدمت ایشان تحصیل نموده‌اند.

کتب و رسائلی در فقه نوشته‌اند، شرحی بر شرایع دارد.

در حدود ۱۲۱۰ متولد، و در ۵شنبه ۱۲ شعبان ۱۳۰۴ وفات یافته، در بقعه‌ای مخصوص جنب تکیه‌ی میرزا رفیعا مدفون گردید که فعلا جزو اراضی فرودگاه می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کتابی، بدرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۶ –۱۲۹۱ ق)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به امید. در اصفهان به دنیا آمد. جد پدری او آیت‌اللّه میرزا محمد صادق کتابی اصفهانی، صاحب شرحی بر «شرایع» است و جد مادری وی حاج شیخ محمد علی نجمی می‌باشد. پس از تحصیل در مدارس قدیم اصفهان، در مشهد به تحصیل ادبیات، منطق، فقه، اصول و فلسفه‌ی اسلامی پرداخت. وی «منظومه‌ی» حاج ملا هادی سبزواری را نزد شیخ محمد خراسانی فراگرفت. پس از اخذ دیپلم علمی، در ۱۳۱۶ ش، موفق به اخذ درجه‌ی لیسانس در رشته‌ی فلسفه و علوم تربتی از دانشسرای عالی و دانشکده‌ی ادبیات شد. وی به دو زبان عربی و فرانسه تسلط کامل داشت. پس از فراغت از تحصیل ابتدا در اصفهان به تدریس در دبیرستان‌ها مشغول شد و سپس ریاست دبیرستان ادب و چندی معاونت اداره‌ی کل فرهنگ استان اصفهان را عهده‌دار بود. وی در بنیان‌گذاری دانشکده‌ی ادبیات اصفهان در ۱۳۳۷ ش و نیز تأسیس کتابخانه‌ی آن نقش مؤثری داشت و سالها نیز در آن دانشکده به تدریس فلسفه، روان‌شناسی، منطق نظری و عملی، ادبیات فارسی و متون فلسفی به زبان فرانسه پرداخت. بیشتر با حاج آقا رحیم ارباب و حاج شیخ محمد باقر الفت مصاحبت داشت. از آثارش: «هیپنوتیسم در دسترس همه»؛ «فروغ خاور»، شرح حال و آیین رهبانیت بودا، ترجمه؛ «پیرامون سیره‌ی نبوی»، ترجمه؛ «اخلاق»، ترجمه؛ «آداب المتعلمین»، ترجمه؛ سفرنامه‌ی «به سوی اصفهان»، ترجمه؛ «مکتبهای اصلی فلسفه»، ترجمه؛ «مبانی جامعه شناسی»، ترجمه؛ «دیوان» شعر.[۱]

مترجمه، مؤلف.

تولد: ۱۳۳۰(۱۲۹۱ ق.)، اصفهان.

درگذشت: ۱۳۶۶.

بدالدین کتابی متخلص به «امید» ابتدا در مدارس قدیم اصفهان و یک سال در مشهد به تحصیلات قدیم از ادبیات و منطق و فقه و اصول پرداخت و منظومه‌ی حاج ملا هادی سبزواری نزد حکیم همدانی و آقا شیخ محمد خراسانی فراگرفت. در سال ۱۳۱۳ موفق به اخذ دیپلم شد. سپس وارد دانشگاه گردید. در سال ۱۳۱۶ موفق به اخذ درجه‌ی لیسانس در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی گردید. وی

برای ادامه تحصیلات در اروپا برگزیده شد. وی با دو زبان عربی و فرانسوی آشنایی داشت.

پس از فراغت از تحصیل در دانشسرای عالی به زادگاه خود اصفهان بازگشت. ابتدا به دبیری دبیرستان‌ها اشتغال ورزید و سپس ریاست دبیرستان ادب اصفهان را عهده‌دار گردید و مدتی نیز معاونت و کفالت اداره‌ی کل فرهنگ استان را به عهده داشت. وی همچنین در بنیانگذاری دانشکده‌ی ادبیات اصفهان به سال ۱۳۳۷ و نیز تأسیس کتابخانه آن نقش داشت و خود سال‌ها در آن دانشکده به تدریس فلسفه، روان‌شناسی، منطق نظری و عملی، ادبیات فارسی و متون فلسفی به زبان فرانسوی می‌پرداخت.

از آثار و تألیفات اوست: هیپنوتیسم در دسترس همه (این کتاب که احتمالا اولین اثر او است نخست در روزنامه‌ی «اصفهان» و سپس جداگانه به طبع رسیده است)؛ سفرنامه‌ی به سوی اصفهان (اثر پی‌یر لوتی، ترجمه از فرانسوی، اصفهان)؛ ترجمه فروغ خاور (شرح حال و آیین رهبانیت بودا، اثر هرمان الدنبرگ، اصفهان، سه جلد، ۱۳۳۲ -۱۳۳۰)؛ پیرامون سیره‌ی نبوی (عنوان عربی آن علی هامش السیره، اثار دکتر طه حسین، سه جلد، ۱۳۳۵)؛ ترجمه‌ی اخلاق (اثر دکتر پیرژانه ترجمه از فرانسوی، اصفهان ۱۳۳۱)؛ ترجمه‌ی رساله «آداب المتعلمین» با مقدمه‌ی کوتاهی راجع به عدم صحت انتساب آن به خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۳۶، ضمیمه‌ی «سالنامه‌ی دبیرستات ادب»، اصفهان)؛ مقالات وی در مجلات زیر چاپ می‌شد: «سالنامه‌ی دبیرستان ادب اصفهان»؛ «آئینه‌ی پزشکی» و نشریه‌ی «اداره‌ی فرهنگ استان دهم، اصفهان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۵۸/ ۱۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۴۱۱/ ۲ ،۶۳۸، ۵۰۵، ۱۳۳/ ۱)، کیهان فرهنگی (س ۴، ش ۶، ص ۳۷ -۳۴)، مؤلفین کتب چاپی (۹۷ -۹۶/ ۲).

کتابی، محمد امین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک قطعه به خط ثلث و رقاع و نسخ و تعلیق خوش، با رقم: «حسب الفرموده‌ی... نعمهٔاللَّه میر کتب... بید الضعیف ملا محمد امین کتابی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۶۸/ ۴).

کتابی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم اجتماعی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۴۵ و دکترای علوم سیاسی از دانشگاه هایدبرگ آلمان در سال ۱۳۵۱.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۵۵، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۵۵ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

علوم سیاست، مسائل جامعه‌شناسی و اجتماعی، تدریس دروس مبانی سیاسی، سیاست بین‌المللی، مبانی علم اداره، سازمانهای بین‌المللی، سیاست و حکومت در خاورمیانه، جامعه‌شناسی توسعه و جامعه‌شناسی سیاسی و جامعه‌شناسی کشورهای اسلامی در دانشگاههای شیراز و اصفهان.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

علم سیاست، ایدئولوژیهای سیاسی معاصر و تقویم سیاسی خاورمیانه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

صلح از دیدگاه یک مصری، تشنج‌زدایی گذشته و آینده آن، گفتگوی دو روشنفکر مصری و اسرائیلی، خاورمیانه، علل و زمینه‌های اجتماعی بحران خاورمیانه، نقش تعاون در توسعه روستا.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

کتبی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی کتبی در سال ۱۳۱۱ در شهر تهران دیده به جهان گشود. در سال ۱۳۳۱ دیپلم علوم طبیعی را با معدل بالا کسب کرد و در آزمون های در سال ۱۳۳۱ وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد و توانست در سال ۱۳۳۵ در رشته زبان خارجی فرانسه و انگلیس فارغ التحصیل شود. او پس از استخدام در آموزش و پرورش به آمل رفت و در آنجا مشغول تدریس شد در همان سال به فرانسه اعزام شد و چون دبیر آموزش و پرورش بود دانشجوی رشته روان شناسی شد . وی توانست مدرک لیسانس روان شناسی اش را با موفقیت از دانشکده سوربن فرانسه بگیرد و همزمان با اخذ لیسانس، دکترای زبان و ادبیات فرانسه را نیز از همان دانشکده دریافت کند. او در سال ۱۳۴۱ به ایران بازگشت و به استخدام دانشگاه تهران درآمد سپس بعد از هشت سال برای فرصت مطالعات از ایران خارج شد و برای دومین بار در رشته روان شناسی اجتماعی دکترای دولتی را از دانشکده «رنه دکارت» سوربن فرانسه در سال ۱۳۵۳ دریافت کرد. او در سال ۱۳۸۲ نیز از دانشگاه تهران برای دومین بار بازنشسته شد گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی گرایش : روانشناسی اجتماعی اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : مرتضی کتبی پدرش یکی از تجار آن زمان محسوب می شد و اصالتاً تهرانی بود. دوران کودکی را در خانواده ای فرهنگ دوست گذراند. دبستان را در مدرسه بدر و دبیرستان را در مدرسه دارالفنون با موفقیت سپری کرد. تحصیلات رسمی و حرفه ای : – اخذ دیپلم طبیعی ۱۳۳۱ دارالفنون تهران – اخذ لیسانس زبانهای خارجی فرانسه و انگلیس ۱۳۳۵ دانشکده ادبیات دانشگاه تهران – اخذ لیسانس دوم در رشته روان شناسی ۱۳۴۱ سوربن – اخذ دکترای دانشگاهی در رشته ادبیات فرانسه ۱۳۴۱ سوربن – اخذ دکترای دولتی در رشته روان شناسی اجتماعی ۱۳۵۳ رنه دکارت سوربنفعالیتهای ضمن تحصیل : مرتضی کتبی در سال ۱۳۳۱ وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد و توانست در سال ۱۳۳۵ در رشته زبان خارجی فرانسه و انگلیس فارغ التحصیل شود. او پس از استخدام در آموزش و پرورش به آمل رفت و در آنجا مشغول تدریس شد و در همان ایام در آزمون اعزام به خارج شرکت کرد و از میان شش هزار شرکت کننده توانست جزو صد نفر قبولی این آزمون باشد. و به فرانسه اعزام شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در سال ۱۳۵۷ به مدت یک سال برای مرتضی کتبی فرصت مطالعاتی ایجاد شد و به فرانسه رفت و در آن ایام در خبرگزاری فرانسه مشغول به کار شد و اخبار انقلاب را منعکس می کرد. وی هم اکنون مدیریت گروه زبان و ادبیات فرانسه انتشارات «سمت» را عهده دار است.فعالیتهای آموزشی : مرتضی کتبی در سال ۱۳۴۱ بعد از اخذ دکترا زبان و ادبیات فرانسه به ایران بازگشت و به استخدام دانشگاه تهران درآمد و بعد از هشت سال در یک فرصت مطالعاتی مجدد به فرانسه اعزام گردید و برای دومین بار در رشته روان شناسی اجتماعی دکترای دولتی را از دانشکده «رنه دکارت» سوربن فرانسه در سال ۱۳۵۳ دریافت کرد. در سال ۱۳۵۷ به مدت یک سال برایش فرصت مطالعاتی ایجاد شد و به فرانسه رفت و در آن ایام در خبرگزاری فرانسه مشغول به کار شد و اخبار انقلاب را منعکس می کرد. مرتضی کتبی در سال ۱۳۶۸ وقتی به ایران بازگشت در دانشگاه تهران به تدریس دروس مقدمات روان شناسی، روان شناسی اجتماعی (عمومی، کاربردی)، بهداشت روانی، پویایی گروهی، بررسی افکار عمومی، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، جامعه شناسی ادبیات پرداخت و همزمان تدریس دروس تاریخ و تمدن ایران معاصر و جامعه شناسی ایران معاصر در دانشگاه های خارجی (سوربن و مدرسه عالی لسنه شرق پاریس) را به عهده گرفت. او در سال ۱۳۸۲ نیز از دانشگاه تهران برای دومین بار بازنشسته شد. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : مرتضی کتبی مؤسس انجمن فارغ التحصیلان علوم اجتماعی در ایران است و انجمن روان شناسی اجتماعی ایران را با کمک همکارانش تأسیس کرده و در حال حاضر نیز مدیریت گروه زبان و ادبیات فرانسه انتشارات «سمت» را عهده دار است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مرتضی کتبی همچنین طرح های تحقیقاتی مهمی را انجام داده است که بسیار ثمر بخش بوده اند و در میان آنها می توان به شرایط روانی اجتماعی کار صنعتی در ایران، «بررسی افکار عمومی (سنجش) افکار تماشاگران تلویزیونی»، جایگاه دروغ و الگوهای رفتاری آن در روابط اجتماعی ما و ... اشاره کرد.چگونگی عرضه آثار : یکی از مهمترین ویژگی های مرتضی کتبی در ترجمه های نثر شیوا و شاعرانه اوست. وی در حالی که یک اثر کاملاً علمی را ترجمه می کند با استفاده از واژگان معادل زیبا و مناسب، متن سنگین علمی را به متنی دلنشین و خواندنی تبدیل می کند. او که شیفته ادبیات است و با رمز و راز آن آشنا ست در روح بخشیدن به ترجمه هایش از هیچ تلاشی فروگذاری نکرده است. از دیگر ویژگی های فعالیت علمی کتبی، تنوع و تعدد فعالیت های اوست. ترجمه کتاب های متعدد در زمینه های روان شناسی اجتماعی و ... ترجمه و تألیف مقاله های علمی در زمینه های مختلف این علم، اجرای طرح های تحقیقاتی، معرفی و نقد حدود صد کتاب و مقاله در زمینه علوم اجتماعی در ایران در سالنامه فرانسوی «چکیده های ایران شناسی»، تألیف آثار پژوهشی از سال ۱۳۴۶، تدریس در دانشگاه های داخل و خارج کشور و شرکت در همایش های مختلف علمی او را به عنوان مترجم، پژوهشگر و استادی کوشا و تأثیر گذار معرفی کرده است. کتبی علاوه بر ترجمه آثار مهم علمی در زمینه روان شناسی اجتماعی گرایش ویژه ای به ادبیات داشته و دارد. وی در سال ۱۳۷۰ رمانی را با نام «درجست وجوی هویت گمشده» منتشر کرده است. از زمینه های دیگر فعالیت علمی مرتضی کتبی باید به نوشتن و ترجمه مقاله اشاره کرد. از جمله مقاله های مهم او می توان به «بررسی مسائل تلویزیون در ایران»، «مسائل انسانی تحقیق در علوم اجتماعی در ایران»، «نقش شرق شناسی در استعمار غربی»، نگرش های مزاحم و مناسب تحقیقات اجتماعی»، «دروغ: پدیده ای روانی- اجتماعی کلان و کهن» و ... اشاره کرد. آثار :

– گرایش و مسائل دانشجویان داوطلب ورود به دانشگاه ها در کشور های در حال رشد پاریس ویژگی اثر : رساله دکتری، رنه دکارت پاریس افکار عمومی ویژگی اثر : «افکار عمومی» هم یکی دیگر از کتاب های مهمی است که مرتضی کتبی آن را ترجمه کرده است. این کتاب سه بار تجدید چاپ شده است. در این کتاب مفهوم افکار عمومی برای خواننده بررسی شده است و با

آوردن بخش هـایی چون «افکـار عمومی، نیروی سیاسـی کم شـناخته» ، «ریشه مفهوم افکار عمومی»، «مجاری تشـکیل دهنـده افکار عمـومی»، «ارتبـاط میـان فردی و افکـار عمومی»، «ارتبـاط جمعی و افکـار عمومی» و «مشاهـده افکـار عمومی» سـعی شـده است که خاسـتگاه افکـار عمومی و چگونگی تأثیر آن در رونـد شـکل گیری جریانات اجتماعی بررسـی شود۳ افکـار عمومی و گستره علوم انسـانی ، ایران نخستین جمهوری به زبان فرانسه ، بورژوازی قبل از جنگ در «خانواده تیبوی» ویژگی اثر : رساله دکتری، رژه مارتن دوگار، پاریس، سوربن جامعه شناسی ادبیات ، جامعه شناسی ادبیات ویژگی اثر : : این کتاب ترجمه؛ نوشته روبراسکارپیت است. کتبی در مقـدمه این کتاب می نویسـد: «جامعه شناسـی ادبیات در خانواده بزرگ علوم اجتماعی از جوان ترین آن هاست. این شاخه علمی نوپا که نطفه آن در تاریـخ فرهنگ ها بسته بود و قرن ها در بطن جامعه ها به صورت جنین زنـدگی می کرد، بالاخره زاییـده شد و با همان کندی ای که دوران جنینی خود را پشت سر گذاشت، بعد از تولد به تندی رشد کرد و به جامعه شناسی به طور اعم و جـامعه شناسـی هنر به معنـای اخص جـان تـازه بخشیـد...» وی بـا ترجمه این اثر که تاکنون سه بار به چاپ رسیده است راهی نو در شنـاخت جامعه شناسـی ادبیات برای علاقه منـدان گشوده است. ۸ جـامعه شناسـی و بیمـاری و پزشـکی ویژگی اثر : : این کتاب که نوشـته دکتر لورانس و ترجمه دنیـا کتبی، دختر اسـتاد، است بـا همکاری او ترجمه و چاپ شـده است. مرتضـی کتبی در مقـدمه این کتاب با عنوان «حرف خودی» چنین نوشـته است: «از زمانی که انسان خود راشـناخت، درد را شـناخته است و به سلامتی توجه نشان داده است. بـا وجود این که هیـچ گاه اهمیت سـلامتی از اهمیت نیازهای دیگر انسان ماننـد خوراک، پوشاک و کار و مسـکن کمتر نبوده، هرگز ماننـد امروز به یـک موضوع اجتمـاعی همه گیر تبـدیل نشـده است. از این روست که پزشـکی زمـان مـادیگر از حالت زیستی و حتی فنی و علمی ساده بیرون شده و به صورت مسأله اجتماعی – سیاسـی تمام عیار در آمده است...» بخش های مختلف و متنوع این کتاب خواننده را با بیماری های همه گیر در طول تاریخ، پیدایش پزشکی نوین، سلامتی، بیماری و تفسیر های فرهنگی و اجتمـاعی آن و مسائـل مهـم دیگری در این زمینه آشنـا می کنـد.۹ جـامعه شناسـی و بیمـاری و پزشـکی ، در جست وجـوی هویت گمشـده (رمان اجتماعی) ، درآمـدی بر روان شناسـی اجتماعی ویژگی اثر : عنوان ترجمه دیگری از مرتضـی کتبی است. این کتاب مجموعه ضـرورت هـای جـامعه شناسـی روانی را به راهنمـایی کلودتاپیـا با مقاله هایی از دانیل آلافیلیپ، کار مل کامی یری آنـدره دومـایی و ... در بر گرفته است. این کتـاب بـا رویکردی کاملاًـ علمی در پنـج فصل مهم تهیه شـده است که عبارت است از : «روان شناسـی اجتماعی عمومی و آزمایشـی»، «روان شناسـی بین فرهنگی»، «جامعه شناسی روانی کار و ارگونومی»، «جامعه شناسی روانی سازمـان هـا» و «جـامعه شناسـی روانی کهن سالی» از ویژگی های مهم این کتاب که با ترجمه شـیوا و منحصر به فرد اسـتاد کتبی به دوستداران روان شناسی اجتماعی تقدیم شده است می توان به بخش های مختلف هر فصل که در بردارنده تعریف و بیان مفهوم هر فصـل در آغـاز و نتیجه گیری و ذکر منابع در پایان هر فصل است اشاره کرد. چنین ویژگی مهمی این کتاب را به عنوان مرجع معتبر در زمینه روان شناسی اجتماعی تبدیل کرده است.۱۲ درآمـدی بر روان شناسـی اجتماعی ، درجست وجوی هویت گمشده ویژگی اثر : این رمان که با رویکردی جامعه شـناختی به نگارش درآمـده برگرفته از زنـدگی واقعی کودک سـر راهی است که پدر و مادر خود را جست وجو می کنـد. در میان شـرح زنـدگی شخصیت اصـلی رمان از نابسامانی های اجتماعی به گونه ای تأثیر گـذار پرده برداشته می شود و فراز و فرود حوادث داستان خواننده را به شدت تحت تأثیر خود قرار می دهد. ۱۴ کاوش در جامعه شناسی روانی ، نظریـه هـا در روان شناسـی اجتمـاعی ، نظریـه هـا در روان شناسـی اجتمـاعی ویژگی اثر : یکی از مهمـترین کتـاب هـایی است که مرتضی کتبی آن را به دانشجویان و پژوهشگران معرفی کرده است. این کتاب که نوشته مورتون دوچ و روبرت م. کراوس است در هفت فصـل به معرفی و بررسـی نظریه هـای مختلف روان شناسـی اجتمـاعی می پردازد و در پایان گرایش های امروز روان شناسـی اجتمـاعی را شـرح می دهـد. کتبی در مقـدمه این کتـاب در بـاره لزوم رشـته روان شناسی اجتماعی در جامعه علمی ما می نویسـد: «جامعه پویا و دائماً در حال تغییر امروز ما قابل بررسـی و شـناخت علمی نیست مگر آن که قبلاً به مطالعه حیات سـنتی دیروز در این سرزمین دست زده باشیم. نیک می دانیم که چه مطالعه جامعه سنتی و چه بررسی جامعه در حال تحول ما، هر دو به نحوی به کمک علوم اجتماعی انجام می پذیرد. نگاهی عمیق بر شخصـیت اجتماعی و روان شناسـی فرهنگی، مذهبی، تاریخی، سیاسـی، اجتماعی و خانوادگی ما – که می توانند زمینه های اساسـی علمی کار را در شـناخت جامعه سـنتی فراهم آورند – به تحقیقات اساسـی در علوم اجتماعی نیازمنـد است و بررسـی پدیـده های ارتباطی جدیـد، شـهر نشـینی، اداره و مـدیریت، رفتار های سیاسـی، جامعه پذیری، نو آوری، بهـداشت روانی و نیز پدیده های خانوادگی، انگیزه ها و رفتارهای جمعیتی، روابط بین المللی و تبادلات فرهنگی به پژوهش های کاربردی...»

کثیب فسائی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج میرزا سید حسن رئیس‌الاطباء فسائی متخلص به (کثیب) از اطباء و حکماء و شعراء معاصر بوده است.

میرزا فرصت در آثار عجم گوید: وی طبیبی است حذاقت نصیب و در حکمت الهی نیز دانا و لبیب رأیی صائب دارد و فکری ثاقب. گاهی بر سبیل تفنن شعری می‌فرماید و سخنی می‌سراید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کج کولی، کمال

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. معروف به سید کج کولی یا سید کمال کجکعل. وی در بلخ می‌زیسته و صوفی مسلک بوده است. از مریدان خواجه ابونصر پارسا (م ۸۶۵ ق) بود و در سوگ مرادش قصیده‌ای سرود که از هر مصراع، در چند بیت آن، تاریخ وفات خواجه مستفاد می‌شد. او را در جوار میر سرخ یا میر سرخس در بلخ به خاک سپردند. از آثارش: «دیوان» شعر که به قول صاحب «مجالس النفائس» و برخی تذکره‌نویسن حدود پانصد هزار بیت بوده است و قصیده‌ای مصنوع دارد که در مورد برداشتها و دریافتهای متفاوتی که از ابیات آن می‌توان نمود، نقل قولهای بسیاری شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۳۳ -۳۳۲)، حبیب السیر (۱۰۴ -۱۰۳/ ۴)، الذریعه (۹۱۷/ ۹)، صبح گلشن (۳۴۲)، طرائق الحقائق (۱۰۷ -۱۰۶/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۷۶۷)، مجالس النفائس (۲۰۸ -۲۰۷، ۳۵ -۳۴).

کجج تبریزی، غیاث‌الدین، محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۷۸ ق)، عارف و شاعر، متخلص به کجج. ملقب به شیخ غیاث کججی تبریزی. کججان روستایی در چند فرسخی تبریز است. وی در زمان شیخ جمال‌الدین اویس جلایر (۷۷۶ -۷۵۷ ق) و پسرش سلطان حسین (۷۸۴ -۷۷۶ ق)، شیخ الاسلام تبریز بود و خانقاه معروفی داشت و تا زمان امیر تیمور گورکان بازماندگان او در تبریز همان مقام را داشتند. خواجه سفرهایی به شام، دمشق، بغداد و مصر کرد و در مصر صاحب نام و شهرت شد. وی معاصر با مولانا عبدالقادر مراغی، فضل‌اللّه عبیدی، سلمان ساوجی و رضوان شاه تبریزی بود. او به سلطان اویس علاقه محبت زیادی داشت و بعد از مرگ وی دیگر شعر نگفت. از آثارش: «دیوان» شعر، قریب به ده هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۱۳، ۱۰۹۰/ ۳)، تاریخ عصر حافظ (۲۹۹/ ۱)، تاریخ نظم و نثر (۲۱۳)، تذکره‌ی روز روشن (۶۷۶)، تذکرة الشعراء (۳۴۶ -۳۴۶)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۵۴۵ -۵۴۳/ ۲)، دانشمندان آذربایجان (۲۹۰ -۲۸۹)، الذریعه (۷۹۵/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۶۱)، هفت اقلیم (۲۱۵ -۲۱۴/ ۳).

کدپور، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۳۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مکانیک، دانشکده: مهندسی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مکانیک از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۴ و دکترای مکانیک از دانشگاه ایلینویز آمریکا.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده مهندسی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحلیل دینامیکی موشک با جرم متغیر بوسیله FEM، آنالیز پوسته‌های استوانه‌ای دایره‌ای بوسیله عنصرهای استوانه‌ای در روش اجزاء محدود و کاربردهای آن در آنالیز استاتیکی سیلوها، تدریس دروس ریاضیات عالی المانهای محدود پیشرفته، ارتعاشات پیشرفته و مباحث برگزیده در دانشگاه شیراز.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

Imbedding Method Winkler Statitical Of Rock Mass Constants New A.T.M.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کرابیسی سمرقندی، ابوالفضل، محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۲۲ ق)، فقیه حنفی. از آثارش: «الفروق»، در فروع فقه حنفی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۱۲۵۷)، معجم المؤلفین (۸۵/ ۱۰)، هدیهٔ العارفین (۳۳/ ۲).

کرابیسی نیشابوری، ابوالمظفر جمال‌الاسلام اسعد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۷۰ ق)، فقیه حنفی. به دلیل خرید و فروش کرباس به وی کرابیسی گفته‌اند. در «کشف الظنون» در یک جا سال وفات وی ۵۳۹ ق و در جای دیگر ۵۷۰ ق ذکر شده است. از آثار وی «الفروق فی فروع الحنفیهٔ» است که در «هدیهٔ العارفین» تحت عنوان «تلقیح العقود فی الفروق من فروع الحنفیهٔ» آمده است. از دیگر آثارش: «الموجز»، شرح «المختصر فی فروع الحنفیهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۱۸۹۸، ۱۶۳۰، ۱۲۵۷)، لب اللباب (۲۰۴/ ۲)، معجم المؤلفین (۲۴۷/ ۲)، هدیهٔ العارفین (۲۰۴/ ۱).

کراری، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر مهدی کراری در سال ۱۳۳۸ در قم بدنیا آمد. وی تحصیلات دانشگاه خود را در دانشگاه امیرکبیر در رشته مهندسی الکترونیک در مقطع کارشناسی آغاز و در سال ۱۳۶۴ به پایان برد. وی برای تکمیل تحصیلات دانشگاهی خود راهی انگلستان شد و در رشته مهندسی کنترل ابتدا در امپریال کالج لندن و سپس در دانشگاه شفیلد به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۷۰ موفق به اخذ مدرک دکتری مهندسی کنترل از دانشگاه مذکور شد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه صنعتی امیرکبیر می باشد.

گروه : فنی و مهندسی

رشته : مهندسی الکترونیک

گرایش : کنترل

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی دکتر مهدی کراری به قرار زیر است: کارشناسی مهندسی الکترونیک ،سیستمهای قدرت دانشگاه امیرکبیر در سال ۱۳۶۴ دیپلم امپریال کالج در مهندسی ،انگلستان در سال ۱۳۶۶ کارشناسی ارشد مهندسی کنترل ،امپریال کالج لندن ،انگلستان در سال ۱۳۶۶ دکتری مهندسی کنترل ،دانشگاه شفیلد انگلستان در سال ۱۳۷۰

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای اداری و مدیریتی مهدی کراری به قرار زیر است: استاد دانشگاه امیرکبیر از سال ۱۳۸۳ تا کنون دانشیار دانشگاه امیرکبیر از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۳ استادیار دانشگاه امیرکبیر از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۷۹ عضو دائمی انجمن سیستمهای کنترل IEEE رئیس اداره فارغ التحصیلی ،دانشگاه امیرکبیر از سال ۱۳۷۱ تا سال ۱۳۷۲ نماینده دانشجویی کارشناسی دانشکده مهندسی الکترونیک دانشگاه امیرکبیر از سال ۱۳۷۲ تا سال ۱۳۷۳ رئیس دانشکده مهندسی الکترونیک دانشگاه امیرکبیر از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۶ نماینده بودجه دانشکده مهندسی الکترونیک دانشگاه امیرکبیر از سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۷۹ رئیس گروه کنترل دانشکده مهندسی الکترونیک دانشگاه امیرکبیر از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۱ فرصت مطالعاتی دانشگاه گلیگری کانادا از سال ۱۳۸۱ تا سال ۱۳۸۲ نماینده پژوهشی ،دانشکده مهندسی الکترونیک دانشگاه امیرکبیر از سال ۱۳۸۲ تا سال ۱۳۸۴ نماینده دانشجویان کارشناسی ارشد دانشکده مهندسی الکترونیک دانشگاه امیرکبیر از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۸۵ رئیس موسسه آموزش عالی شهاب دانش از سال ۱۳۸۵ تا کنون

فعالیتهای آموزشی : فعالیت های آموزشی و عنوان دروس ارائه شده توسط دکتر مهدی کراری به قرار زیر است: مدار الکتریکی ۱و۲،سیستمهای کنترل خطی ،علامتها و سیستمها،ریاضیات مهندسی پیشرفته ،ماشینهای الکتریکی ،مدار الکتریکی و سیستمهای،حالت جامد، الکتریسته ، سیستمهای الکترونیک و کامپیوتری ،مدلسازی ،دینامیک سیستم قدر ۱و۲، و غیره...

جوائز و نشانها : جایزه بهترین کتاب سال در سیزدهمین انتخاب کتاب سال دانشگاه تهران جایزه بهترین کتاب در اولین انتخاب کتاب سال مهندسی در دانشگاه امیرکبیر

چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی مهدی کراری به قرار زیر است: ۷۶ مقاله ارائه شده در کنفرانسهای علمی ۲ پروژه تحقیقاتی و پژوهشی ۵۵ خلاصه مقاله ارائه شده در کنفرانسهای علمی

آثار :

۱ دینامیک و کنترل سیستمهای قدرت

ویژگی اثر : تیراژ : ۱۰۰۰ سال انتشار : ۱۳۸۲ چاپ اول شابک : ۹۶۴-۴۶۳-۱۳۹-۰ صفحات : ۶۰۴ قیمت به ریال : ۴۰۰۰۰ نویسنده : مهدی کراری افزودن به سبد خرید معرفی کتاب: (این کتاب در سال ۸۳ به عنوان کتاب برگزیده دانشگاه تهران و کتاب اول در

زمینه مهندسی برق در اولین جشنواره کتابهای برگزیده فنی و مهندسی انتخاب شده است). در این کتاب مفاهیم پیچیده دینامیکی با زبانی ساده

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

کرامتی، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی کرامتی

محل تولد : بابل

شهرت : کرامتی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ با مدرک سیکل وارد حوزه علمیه فیضیه مازندران به سرپرستی «آیهٔ الله فاضل استر آبادی» شدم. پس از آن به حوزه علمیه امام صادق دماوند رفتم و تا سال ۶۸ را در آن حوزه به تحصیل و تدریس دروس پایه های پایین تر اشتغال داشتم و تقریبا پس از اتمام لمعتین و اصولین به قم مهاجرت کرده و دروس رسائل، مکاسب و کفایه را نزد اساتید برجسته حوزه: حضرت آیت الله استادی، آیت الله مرحوم طاهر شمس، آیت الله طاهری خرم آبادی و استاد رحمانی گذراندم. کتاب های: (بدایهٔ الحکمه، نهایهٔ الحکمه، اشارات، شواهد الربویه و حکمهٔالاشراق) را نزد اساتیدی همچون: فیاضی، نیکزاد، حشمت پور و دکتر بهشتی گذراندم.

پس از پایان دروس سطح، در دروس خارج فقه و اصول به مدت پنج، شش سال شرکت و نزد اساتیدی همچون: آیت الله فاضل لنکرانی، استاد شیخ جواد تبریزی، صادق لاریجانی و استاد شهیدی بهره جستم. همزمان با ادامه تحصیلات دانشگاهی به مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم وارد شدم و مقطع فوق لیسانس را در رشته «مدرسی الهیات و معارف اسلامی و گرایش فلسفه و کلام» گذراندم و با دفاع پایان نامه ام تحت عنوان «تاثیر مبانی فلسفی در تفسیر صدر المتالمین» با نمره ۱۹ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد گردیدم. در همان سال های پایانی، امتحان تدریس در دانشگاه توسط نهاد نمایندگی ولی فقیه را نیز با عنایت الهی پشت سر نهاده و موفق به اخذ مجوز تدریس در دانشگاهها شدم.

به دلیل حضور مستمر در جنگ و پس از آن در عرصه انقلاب و نیز علاقه به مقوله تالیف، وارد این حوزه ها نیز گردیدم. در مجموع، مدت ۶ – ۷ سال سابقه تدریس در حوزه های علمیه شهرستان دماوند، مرکز جهانی علوم اسلامی قم، تدریسی آزاد و حوزه علمیه شهرستان فریدن را دارم. کتابها ی مورد تدریس: دروس سطح اول حوزه، کلام اسلامی و فلسفه می باشد و اکنون نیز امام جمعه شهرستان فریدن اصفهان هستم.

کرباسچی، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا کرباسچی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات حوزوی: قسمتی از سطح را نزد پدرم حاج شیخ محمد صادق تهرانی (کرباسچی) و دائی ام عبدالحمید معادیخواه خواندم و سپس وارد مدرسه حقانی (منتظریه) شدم. درسهای مدرسه حقانی علاوه بر دروس متداول حوزوی، شامل درسهای دیگری بود که به این شرح است:

«تاریخ اسلام؛ دکتر محمد مفتح»، «هیئت و نجوم؛ آیت الله حسین نوری»، «نویسندگی؛ زین العابدین قربانی، محمد مجتهد شبستری، محسن مجتهد شبستری، علی حجتی کرمانی، دکتر احمد بهشتی»، «ادبیات فارسی؛ حسن حسن زاده آملی»، «زبان انگلیسی؛ دکتر خلیلی»، «جامع المقدمات؛ محمد علی شیخ زاده»، «دستور زبان فارسی؛ حسین حقانی»، «شرح نظام و سیوطی؛ محمد رضا آدینه وند»، «محاوره عربی؛ خاقانی»، «مغنی؛ احمد جنتی»، «مختصر المعانی؛ محمد علی گرامی»، «عروه الوثقی؛ علی قدوسی»، «لمعه؛ محمدی گیلانی»، «تجوید و قرائت قرآن؛ قارائی» و اساتید دیگری دروس سطح را تدریس می کردند.

سپس وارد حوزه شدم و از محضر اساتید دیگری همچون: «آیت الله فاضل لنکرانی؛ کفایهٔ الاصول»، «آقای ستوده؛ مکاسب و لمعه»، «آقای محمد علی گرامی؛ رسائل»، «آقای اسدالله بیات؛ کفایه و مکاسب»، «آیت الله نوری همدانی؛ خارج فقه»، «آیت الله منتظری؛

خارج فقه»، «آیت الله انصاری شیرازی؛ فلسفه»، «آیت الله فاضل لنکرانی؛ خارج اصول» و «آیت الله صانعی؛ خارج فقه» را فرا گرفتم.

کرباسی اصفهانی، محمد صادق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال‌ها در همدان ساکن بوده، از علمای معروف، از مجازین از محمدتقی مجلسی است، و تا سال ۱۰۶۰ حیات داشته، پس از این تاریخ وفات یافته، در تخت فولاد مدفون شده.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کرباسی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۸ ق)، فقیه، اصولی و عالم دینی. معروف به شیخ العراقین. نوه‌ی دختری سید حجهْ الاسلام بود. در اصفهان به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و استفاده از محضر پدرش به نجف مهاجرت کرد و از محضر علامه انصاری و پس از او از شیخ محمد حسین کاظمی بهره برد. آن‌گاه خود به تدریس پرداخت. او در نهایت احترام در نجف باقی ماند. در آنجا درگذشت و هما جا دفن شد. از آثار وی: «اصول الفقه»، در دو مجلد بزرگ، شرح کتاب «اصول» پدرش، آقا شیخ محمد مهدی کرباسی؛ «کتاب الصلاهْ»، که در آن از کتاب «الجواهر» و نیز از استادش شیخ انصاری بسیار نقل کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۱۷ -۴۱۶/ ۲)، تذکرهْ القبور (۵۰۸)، الذریعه (۵۴/ ۱۵ ۲۰۳، ۲۰۳ -۲۰۲/ ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۷ -۷۶/ ۱۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۰۶۶/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۲۴/ ۸)، مکارم الآثار (۲۱۹۹/ ۶).

کرباسی، ابوالمعالی محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۵ -۱۲۴۷ ق)، فقیه اصولی، رجالی، محقق و مجتهد. در اصفهان به دنیا آمد. از محضر سید محمد بن عبدالصمد شهشهانی و سید حسن مدرس اصفهانی استفاده نمود. کرباسی عالمی متبحر و دارای تتبع بسیار بود. او استاد آیت‌اللّه بروجردی بود. در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد به خاک سپرده شد. از آثار وی: «الاستخارات»؛ «البشارات»، در اصول فقه؛ «الجبر و التفویض»؛ «الاسرافیهْ»؛ «الاستیجاریهْ»؛ «الاستشفاء بالتربهْ الحسینیهْ»؛ «شرح زیارهْ عاشوراء»؛ شرح «الکفایهْ» سبزواری، در فقه؛ «حجیهْ المظنهْ»؛ «تعارض الاستصحاب و اصالهْ الصحهْ»؛ «تعارض الاستصحابین». از دیگر آثار وی نگارش کتب مستقلی در شرح حال محدثین بزرگی چون: ابن الغضائری، ابوبکر حضرمی، آقا حسین خوانساری، حفص بن غیاث، حماد بن عثمان، سلیمان بن داوود، شیخ بهائی، علی بن سندی، قاسم بن محمد، محمد بن سنان، محمد بن فضل، محمد بن قیس، نجاشی و جمعی دیگر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (۴۷۵)، تذکرهْ القبور (۱۰۶ -۱۰۵)، الذریعه (۳۶/ ۱۴ ،۳۰۸/ ۱۳ ،۲۷۶/ ۶ ،۸۳/ ۵ ،۱۱۰/ ۳ ،۵۷ ،۳۵ ،۲۳ ،۱۹ -۱۸/ ۲)، ریحانه (۲۷۰ -۲۶۹/ ۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۰ -۷۹/ ۱۴)، الکنی و الالقاب (۱۵۹/ ۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۴۳/ ۲).

کرباسی، جمال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۵۰ ق)، فقیه، هیوی و زاهد. در اصفهان ابتدا نزد پدر مقدمات را فراگرفت و پس از تلمذ در خدمت بعضی از علمای شهر به نجف رفت و در محضر آخوند خراسانی حاضر گشت. او از پدرش روایت کرده است. وی در جنب مزار پدرش دفن شد. از آثارش «تلخیص الهیئهْ»، در مهمات مسائل هیئت قدیم و شناخت تقویم و اسطرلاب است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهْ القبور (۱۰۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۰۸/ ۱۴)، معجم المؤلفین (۳۷۹/ ۱۳).

کرباسی، رضا، محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۳ -۱۲۹۵ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مجتهد. در اصفهان به دنیا آمد. از محضر علمای آنجا استفاده نمود. سپس به تهران آمد و در درس علمای تهران شرکت کرد. در ۱۳۲۳ ق به نجف مهاجرت کرد و از شیخ الشریعه اصفهانی و سید محمد کاظم یزدی به دریافت اجازه نایل شد. آن گاه به اصفهان بازگشت و سالها به ترویج دین و نشر احکام و احیای مساجد مخروبه پرداخت. وی سپس به مشهد مهاجرت نمود و در آنجا ساکن گردید و به انجام وظائف دینی و تدریس پرداخت. او در همان جا درگذشت و به خاک سپرده شد. از آثار وی: «انیس اللیل»، در شرح «دعای کمیل»؛ «مکیال الیقین فی اصول الدین»؛ «ایقاظات الاصول»؛ «مقامات العارفین فی بیان منازل السالکین»، به فارسی؛ «هدایهٔ السالکین لعموم المؤمنین»، به فارسی؛ «دعوهٔ الحسینیهٔ»؛ حواشی بر کتب مختلف فقهی و اصولی؛ «مرآت المصنف».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ القبور (۳۳۱)، الذریعه (۱۷۶/ ۲۵ ،۱۸۲/ ۱۲، ۲۲ /۲۸۷، ۲۰ /۴۶۴، ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۵۹/ ۱۴).

کرباسی، کمال‌الدین ابوالهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۵۶ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد، رجالی و زاهد. در اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات خود را در محضر پدرش و عده‌ای دیگر از علما گذراند، سپس برای تکمیل تحصیلات در حدود ۱۳۲۰ ق به نجف مهاجرت کرد و در اصول و فقه از محضر آخوند ملا کاظم خراسانی و آقا سید محمد کاظم یزدی استفاده نمود. پس از رسیدن به مقامات عالی اجتهاد به اصفهان بازگشت و به درس و بحث و تدریس پرداخت و حوزه‌ی درس فقه و اصول و رجال تشکیل داد. وی از علمای روزگارش به دریافت اجازه نایل آمده بود و از سید حسن صدر و میرزا محمد هاشم خوانساری چهار سوقی و حاج ملا علی محمد نجف‌آبادی اجازه‌ی روایت داشت. وی خود نیز از مشایخ اجازه‌ی آیت‌اللّه سید شهاب‌الدین نجفی و سید حسن خراسانی و شیخ عبدالحسین گروسی بود. در اصفهان درگذشت و در مقبره‌ی خانوادگی در کنار پدرش در تخت فولاد دفن شد. از آثار وی: «البدر التمام و البحر الطمطام»، در شرح حال پدر و جدش؛ «التحفهٔ الی سلالهٔ النبوهٔ»، اجازه‌ی مبسوطی است برای آیت‌اللّه سید شهاب‌الدین نجفی؛ حاشیه بر «کفایهٔ الاصول» آخوند خراسانی؛ «الدر الثمین فی جملهٔ من المصنفات و المصنفین»؛ «درهٔ البیضاء»، در اجازه‌ی روایت؛ «زلات الاقدام»، در اشتباهات رجالی؛ «سماء المقال فی تحقیق علم الرجال»؛ «الصراط المستقیم فی التمییز بین الصحیح و السقیم»؛ «القواعد الرجالیهٔ».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۵۳/ ۲)، تذکرهٔ القبور (۱۰۷ -۱۰۶)، الذریعه (۳۳۷/ ۱۶ /۳۴، ۱۵ /۲۲۹، ۱۲ /۶۴، ۶۳- /۸ ،۴۰۳، ۶۷/ ۳)، ریحانه (۳۰۰ -۲۹۸/ ۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۱/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۴۴/ ۲)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۰۶۸ -۱۰۶۷/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۴۶/ ۱۳)، مکارم الآثار (۱۳۰۴/ ۴) ، مؤلفین کتب چاپی (۳۰۸ -۳۰۷/ ۱).

کرباسی، محمد ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۱۸۶/ ۱۱۸۰- وف ۱۲۶۲ -۱۲۶۰ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، زاهد و عابد. اصل او از حوض کرباس هرات است. پدرش از هرات به کاخک خراسان منتقل شد و بدین جهت به کاخی یا کاخکی معروف شد. ابراهیم در اصفهان به دنیا آمد. پس از فراگرفتن مقدمات به عتبات رفت. او محضر وحید بهبهانی را درک کرد و فقه و اصول و علوم دینی را از حوزه‌ی اساتیدی چون سید مهدی بحر العلوم و شیخ جعفر کاشف الغطاء و آقا سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض»، و سید محسن مقدس کاظمی و دیگر علمای وقت فراگرفت. سپس به ایران بازگشت. در قم از محضر محقق قمی، صاحب «القوانین»، و در کاشان از محضرت ملا محمد مهدی نراقی بهره برد. آن گاه به اصفهان بازگشت و در مسجد حکیم آنجا حوزه‌ی درس تشکیل داد. کرباسی از میرزای قمی و شیخ جعفر نجفی و شیخ احمد احسائی و شیخ عبدعلی خطی بحرانی و شیخ حسین ماحوزی و شیخ سلیمان بحرانی اجازه داشت و از آنان روایت می‌کرد. میرزا زین‌العابدین خوانساری و آقا سید حسن مدرس و سید حسن مجتهد موسوی و آقا میر سید محمد شهشهانی از شاگردان وی بودند. او در اصفهان درگذشت و در جوار مسجد حکیم دفن شد. از آثار وی: «اشارات الاصول»، در دو مجلد بزرگ؛ «الایقاظات»، در اصول فقه؛ «شوارع الهدایهٔ»، در شرح «الکفایهٔ» محقق سبزواری؛ «ارشاد المسترشدین»؛ «منهاج الهدایهٔ الی احکام الشریعهٔ و فروع الفقه»؛ «مناسک الحج»، به فارسی؛ «نقد الاصول»؛ «نخبه»، رساله‌ی عملیه، به فارسی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹۵/ ۶)، اعیان الشیعه (۲۰۷ -۲۰۶/ ۲)، ایضاح المکنون (۵۸/ ۲ ،۸۳ ،۶۴/ ۱)، تذکرهٔ العلماء (۲۱۷ -۲۱۶)، تذکرهٔ القبور (۴۸ -۴۷ ،۴۶)، الذریعه (۲۷۲/ ۲۴ ، ۱۸۰ -۱۷۹/ ۲۳ ،۲۵۳/ ۲۲ ،۲۳۷/ ۱۴ ،۵۰۷، ۹۸ -۹۷/ ۲ ،۵۲۱ -۵۲۰/ ۱)، روضات الجنات (۴۷ -۴۴/ ۱)، ریحانه (۴۴ -۴۲/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵ -۱۴/ ۱۳)، فوائد الرضویه (۱۲ -۱۰)، الکنی و الالقاب

(۱۰۹/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابراهیم کرباسی)، معجم المؤلفین (۹۱/ ۱)، مکارم الآثار (۱۶۴۶ -۱۶۴۳/ ۵)، هدیهٔ العارفین (۴۲/ ۱).

کرباسی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۱۸ -۱۳۲۳ ق)، فقیه، عالم و زاهد. در اصفهان به دنیا آمد و در خاندان علم و فضیلت نشو و نما یافت. نیای بزرگ او شیخ محمد ابراهیم کرباسی، مولف «اشارات الاصول»، است. او مقدمات و ادبیات را نزد علمای اصفهانی آموخت و آن‌گاه در ۱۳۴۰ ق در هفده سالگی به نجف مهاجرت کرد و فقه و اصول را در محضر آیت‌اللّه شیخ عبدالحسین رشتی و آیت‌اللّه شیخ ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه اصطهباناتی و آیت‌اللّه شیخ محمد کاظم شیرازی فراگرفت و سپس به اصفهان مراجعت کرد و از محضر آیت‌اللّه سید محمد صادق خاتون آبادی استفاده نمود. پس از آن به نجف بازگشت و از خدمت آیت‌اللّه میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه شیخ حسین حلی بهره‌مند گشت و در ۱۳۶۰ ق به زیارت بیت‌اللّه الحرام مشرف شد. مدتی در مکه و مدینه اقامت کرد. در ۱۳۷۷ ق برای معالجه به تهران آمد و پس از بهبودی در قم سکنی گزید و به تدریس و مطالعه و تألیف پرداخت. از آثارش: «تقریرات» دروس آیت‌اللّه عراقی، یک دوره کامل در اصول؛ «تقریرات» آیت‌اللّه اصفهانی، یک دوره کامل در اصول؛ کتاب «الطهارهٔ»، در فقه؛ «صلاهٔ»، در فقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۸۳/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۴۴ -۲۴۳/ ۲).

کرباسی، محمد مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۲ ق)، فقیه امامی. از پدرش، علامه حاج محمد ابراهیم کرباسی، به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نایل آمده بود و پس از پدر جانشین وی گشت. شیخ محمد مهدی کرباسی داماد سید حجهٔ الاسلام بود. او کتاب «منهاج الهدایهٔ» پدرش، در فقه، را شرح کرد و آن را «معراج الشریعهٔ» در شرح «منهاج الهدایهٔ الی احکام الشریعهٔ» نامید و در ۱۲۶۷ ق از نگارش آن فراغت یافت. از دیگر آثار وی: «الاجتهاد و التقلید»؛ «الاستصحاب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۵ -۳۳۴/ ۷)، الذریعه (۲۳۱ -۲۳۰/ ۲۱ ،۲۵/ ۲ ،۲۷۳/ ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵/ ۱۳)، فوائد الرضویه (۱۰).

کرباسی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: برق، دانشکده: فنی و مهندسی، دانشگاه: یزد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی در رشته مهندس برق، متخصص ریاضیات کاربردی شاخه کنترل.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تخصیص مقادیر ویژه بصورت پارامتری، پایداری الگوریتم‌های مربوط به مقادیر ویژه، ریاضیات کاربردی، سیستم‌های توام با دیرکرد زمانی، سیستم‌های ناپایدار و بحرانی، آنالیز عددی، ریاضی مهندسی، ریاضی فیزیک، الگوریتم‌های مربوط به محاسبه (A)exp که در آن A یک ماتریس است، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

آنالیز عددی، برنامه‌سازی پیشرفته به زبان C.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

کنترل سیستم‌های توام با دیرکرد زمانی، تخصیص مقادیر ویژه، کنترل سیستم‌های گسسته و بهینه‌سازی زمانی با قید یک وضعیت.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کربلایی اصفهانی، عبدالله

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسابی، از سادات حائری، و صاحب فضایل و کمالات باطنی و ظاهری بوده، خط نسخ را نیکو می‌نوشته، شعر خوب می گفته، دیوانش قریب پنج هزار بیت بوده، به سن کهولت در اصفهان وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کربلایی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند علی بن محمّد رضا بن محسن تستری اصفهانی.

عالم جلیل، و فقیه فاضل، در کربلا متولّد شده و بدین جهت به کربلایی معروف شده، در مدرسه اکبر خان ساکن بوده، به درس میرزای شیرازی حاضر شده و از او و جمعی دیگر از علما استفاده کرده، و در موضوع امتیاز تنباکو و لغو آن که از قضایای سال ۱۳۰۹ می‌باشد کتابی جامع تألیف نموده به نام «تاریخ الدخانیهٔ». پس از فوت میرزا به کربلا مراجعت نموده و به خدمت حاج اسماعیل صدر اصفهانی رسیده.

سرانجام در روز ۵ شنبه ۱۷ ربیع الاول سال ۱۳۲۲ در کاظمین وفات یافته، و هم در آنجا مدفون شد.

کتب زیر از اوست:

۱- تاریخ دخانیه ۲- تقریرات استادش ۳- رساله در قاعده «الناس مسلّطون علی اموالهم» در نهایت بسط وجودت؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کرچکانی لنجانی، نجف علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل ادیب ریاضی‌دان، از دانشمندان قرن ۱۳ هجری است، و تا سال ۲۱۲ زنده بوده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کردری، تاج‌الدین، ابوالمفاخر عبدالغفار

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۶۲ ق)، فقیه حنفی و قاضی. اصلش از کردر، از قرای خوارزم بود. وی عهده‌دار منصب قضاوت در حلب بود و در همان جا درگذشت. از آثار وی: «اصول فقه»؛ «المفید و المزید»، در شرح «التجرید» کرمانی، در فروع فقه حنفی؛ شرح «الجامع الصغیر» و شرح «الجامع الکبیر» شیبانی، در فروع؛ «حیرهٔ الفقهاء»، که در آن مسائلی را که فقها در حلش حیران بودند جمع کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۸/ ۴)، ایضاح المکنون (۴۲۵/ ۱)، کشف الظنون (۵۶۲، ۳۴۶، ۳۴۵- ۱۱۴)، معجم المؤلفین (۲۷۰ -۲۶۹/ ۵)، هدیهٔ العارفین (۵۸۷/ ۱).

کردستانی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۵۰ ق)، عارف و شاعر، متخلص به احمد. اصل وی از قریه‌ی بست کردستان و از جمله‌ی عرفای آن سامان بود. مردی زاهد موّحد و از مریدان شیخ ابراهی بستی، شیخ بزرگ طریقت در آن ناحیه بود. مدتی نیز به خدمت مولانا خالد نقشبندی رسید و به او تمسک کرد. پس از آن به سیر و سیاحت پرداخت. به دهلی رفت و در جهان آباد دهلی مدتی در خانقاه شاه عبداللّه دهلوی زاویه‌نشین شد و پس از رسیدن به مرحله‌ی کمال و پوشیدن خرقه، به وطن خود بازگشت. او با رونق صاحب «حدیقه» معاشر بوده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۳۳۵/ ۱)، حدیقة الشعراء (۸۶/ ۱). حدیقه امان‌اللهی (۱۳۹ -۱۳۸).

کردستانی، اکبربیگ

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر و صوفی. وی از بزرگان سنندج بود، اکثر اوقات را در مصاحبت و خدمت علما و فضلا و عرفا به سر می‌برد. در پنجاه سالگی دست از مال و منال و متعلقات و عیال کشید و در زاویه‌ی مسجدی که اغلب محل تجمع اهل فضل و عرفان بود، مسکن گزید. وی طبعی خوش داشت و سلیقه‌اش در فنون نظم خوب بود، گاهی در ایام جوانی شعری می سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد(۳۹۰ -۳۸۹/ ۱)، حدیقةالشعراء(۱۵۴ -۱۵۳/ ۱)، فرهنگ سخنوران(۸۰)، مجمع الفصحا(۱۳۳/ ۴).

کردوانی، پرویز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پرویز کردوانی در سال ۱۳۱۰ در گرمسار بدنیا آمد. وی از جمله استادان رشته جغرافیا است که در زمینه « توسعه پایدار محیط زیست » تحقیقات زیادی را به انجام رسانده و در قالب مقالات و سخنرانی های متعدد بازتاب پیدا نموده است. او مدت زیادی را در خارج از کشور به سر برده و از سال ۱۳۴۵ که به ایران بازگشت و در دانشگاه ارومیه مشغول به کار شد. استاد در سال ۱۳۴۶ رهسپار تهران شد و تحقیق پیرامون بیابان لوت را به همراه آقای دکتر ستونی شروع کرد. پرویز کردوانی بنیانگذار مرکز تحقیقات کویری و بیابانی دانشگاه تهران است.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاگرایش : کویر شناسیوالدین و انساب : پرویز کردوانی فرزند حسین علی کردوانی ملقب به بلوکباشی می باشد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : پرویز کردوانی تحصیلات ابتدائی را تا کلاس نهم در گرمسار خواند و دیپلم متوسطه را در مدرسه فرانسویها (دبیرستان رازی) در تهران گذراند.وی تحصیلات دانشگاهی خود را در آلمان ادامه داد و موفق شد دکتری خود را در باره" تأثیر انواع کودهای شیمیایی و حیوانی بر محصولات کشاورزی در خاکهای تحت تأثیر نمک (اراضی شور و قلیائی ")به پایان برساند.خاطرات و وقایع تحصیل : پرویز کردوانی برای تهیه پایان نامه خود درباره "تأثیر انواع کودهای شیمیایی و حیوانی بر محصولات کشاورزی در خاکهای تحت تأثیر نمک (اراضی شور و قلیائی ")مجبور شد ، یک تن از خاک کویرها (نمکزارها)ی ایران را به آلمان منتقل کند.هم دوره ای ها و همکاران : دکتر ستونی و مجید رهنما از جمله دوستان و همکاران پرویز کردوانی هستند که در دانشگاه تهران و در تحقیقات کویر شناسی به اتفاق هم کار می کنند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : پرویز کردوانی از سال ۱۳۴۵ که به ایران بازگشت و به عنوان اولین عضو هیأت علمی در دانشکده جدیدالتأسیس کشاورزی و دامپروری دانشگاه ارومیه مشغول شد. او در تاریخ ۲۸/۱۲/۱۳۴۷به گروه آموزشی جغرافیا دانشگاه تهران منتقل گردید.استاد در سال ۱۳۴۶ تحقیق پیرامون بیابان لوت را به همراه آقای دکتر ستونی شروع کرد که ۵ سال به طول انجامیده و تا سال ۱۳۵۱ در بیابان لوت بودند. تا اینکه بالاخره ثابت کردندکه لوت گرمترین نقطه کره زمین است. سمت ها با حفظ وظایف آموزشی: استاد دانشگاه تهران،مدیرکل دفتر مطالعات آموزشی دانشگاه تهران ۵۴-۱۳۴۸, رئیس مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران ۵۸-۱۳۵۴. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : پرویز کردوانی بنیانگذار مرکز تحقیقات کویری و بیابانی دانشگاه تهران است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پرویز کردوانی درباره برنامه زندگی روزمره خود نقل کرده که « من ساعت۱۱/۳۰-۱۱ شب می خوابم ، ساعت ۲/۳۰ دقیقه صبح بیدار می شوم و تا ساعت ۳/۳۰ ورزش می کنم ... از ۳/۳۰ تا ۴ صبح هم صبحانه می خورم تا ساعت ۶ صبح مطالعه می کنم و بعد برای اینکه توی ترافیک نمانم همان ساعت می روم دانشگاه . تا ساعت ۹ شب یا در حال کار هستم یا مطالعه . ۹ به بعد دیگر مطالعه نمی کنم چون شب دچار بی خوابی می شوم... » کردوانی معتقد است که هیچ تفریحی جز کار و مطالعه ندارد . او قبلا که حیاط داشت به باغبانی می پرداخت ولی الان از ساعت ۹ تا ۱۱ شب به قدم زدن و پیاده روی می پردازد. وی بیشترین تفریح خود را بیرون رفتن ، نوشتن و خواندن می داند. پرویز کردوانی بیست جلد کتاب به رشته تحریر درآورده است. که آخرین آن « خشکسالی و راههای مقابله با آن » می باشد. البته یکی دو کتاب دیگر نیز در دست تهیه دارد که هنوز ناتمام است. اولین آثار خود را حاصل تجربیاتی می داند که وی در طی سفر به دور دنیا کسب کرده است.شاگردان : دکتر ناصر کرمی ، یکی از شاگردان پرویز کردوانی است. رساله دکترای ناصر کرمی که با عنوان « امکان سنجی و ظرفیت سازی هنجارهای توسعه پایدار در مناطق خشک » با درجه عالی زیر نظر پرویز کردوانی تدوین شده است ، در حال حاضر تنها مرجع در این زمینه در کشور ما به شمار می آید.آرا و گرایشهای خاص : عقیده پرویز کردوانی برای توسعه پایدار و حفظ محیط زیست که در قالب مقالات و سخنرانی های او بازتاب پیدا می کند. اصولا دکتر کردوانی به اهمیت جلب توجه مردم به هنجار های توسعه پایدار اعتقادی ویژه دارد و شاید به همین خاطر هم باشدکه در بسیاری از کتاب ها و مقالاتش ، مخاطبان او به واقع نه دانشمندان همکار ، و بلکه عموم مردم هستند. مردمی که در نهایت مجری هر طرح توسعه محسوب می شوند و هیچ برنامه جامعی بدون مشارکت جدی و آگاهانه آنها هرگز تحقق نمی یابد. شاید یکی دیگر از دلایل محبوبیت کردوانی ویژگی های اخلاقی جذاب او باشد، از جمله جوش و خروش زیاددر سن بالای هفتاد سال ، کار مداوم و همیشگی ، و سخنرانی های مشهورش ، از جمله دیدگاه های همیشگی دکتر کردوانی می توان از « ضرورت احیای فناوری های سنتی کشاورزی و مدیریت منابع آب در

ایران » نام برد. او حفظ ، احیاء و گسترش فناوری قنات را ضروری می داند. طوری که این نظر او به عنوان راهی برای توسعه مناطق خشک جهان و کاهش اثرات خشکسالی در مناطقی همچون صحرا و شرق آفریقا در سالیان اخیر به شدت مورد توجه سازمان ملل قرار گرفته است. اهمیت حفاظت از منابع طبیعی و بویژه « ضرورت حیاتی جلوگیری از فرسایش خاک » نیز از جمله دغدغه های همیشگی دکتر کردوانی بوده است.جوائز و نشانها : پرویز کردوانی در سال ۱۳۸۱ ه .ش برنده جایزه مهرگان علم شد. او این جایزه را به خاطر تالیف کتاب « خشکسالی و راههای مقابله با آن »دریافت کرده است. وی جایزه خود را که شامل یک تندیس به اضافه مبلغ یک میلیون تومان بود را به جوانان گرمسار اهداء کرد تا برایشان کتاب خریداری شود. دیگر افتخارات کسب شده استاد کردوانی به قرار زیر است: – احراز رتبه اول در بین تمامی دانشجویان رشته کشاورزی در آلمان در سال ۱۹۶۶ (۱۳۴۵) و دریافت جوائز به همین مناسبت از مقامات مربوط در آلمان و ایران – ۵ سال تحقیق در بیابان لوت ایران ۵۱–۱۳۴۷ و کشف جدید و منحصر به فرد در جهان در آن (گرمترین نقطه کره زمین به عبارت دیگر خیلی گرم تر از دیگر بیابانهای جهان, مانند کلوتها عارضه منحصر به فرد در جهان و دیگر ویژگی ها), احراز رتبه سوم در طرح کارائی علمی در بین تمامی ۱۳۶۷ نفر اعضاء هیأت علمی دانشگاه تهران و مؤسسات وابسته در سال تحصیلی ۷۶–۷۳. – انتخاب به عنوان شخصیت برجسته و مفاخر فرهنگی استان سمنان (زادگاه خود) در سال ۱۳۷۷ – احراز سه پایه ترفیع استادی در یک سال (دو پایه تشویقی به منظور قدردانی از فعالیتهای آموزشی و پژوهشی) در سال ۱۳۷۹ – دریافت جایزه کتاب برتر استان زادگان (سمنان), آبان ۱۳۸۰, برنده جایزه" مهرگان علم "به خاطر تألیف بهترین کتاب سال ۱۳۸۰ از بین ۱۵۷ کتاب در زمینه محیط زیست – انتخاب به عنوان استاد نمونه دانشگاه تهران, ۱۳۸۰ – دریافت لوح تقدیر به خاطر" اهداء کننده نمونه کتاب "در سطح استان زادگان, ۱۳۸۱ – انتخاب به عنوان عضو اصلی قطب علمی دانشگاه, ۱۳۸۱ – احراز رتبه ۲۹ استادی در سال ۸۲ و بازنشسته شدن در شهریور همین سال. –انتخاب به عنوان چهره ماندگار علمی کشور در سال ۸۴. – تجلیل و قدردانی به مناسبت های مختلف توسط سازمانهای مختلف (بعد از بازنشستگی) چگونگی عرضه آثار : تألیفات و مقالات علمی – پژوهشی دکتر پرویز کردوانی : ۲۱ جلد کتاب, ده ها مقاله علمی – پژوهشی چاپ شده به زبان فارسی– آلمانی و انگلیسی در مجلات معتبر داخلی و خارجی, بیش از یکصد فقره سخنرانی در مجامع علمی داخلی و خارجی, عضویت در چندین مجامع علمی داخلی و بین المللی مانند: شبکه آب خاورمیانه, بنیاد مطالعات آسیائی, عضو هیأت امناء صلح سبز (جبهه سبز), رئیس کمیته بیابان زدائی انجمن متخصصان محیط زیست ایران, انجمن جغرافیایی ایران, عضو هیئت تحریریه و شورای انتشارات چندین مجله علمی – پژوهشی, اجرای چندین طرح تحقیقاتی درباره مناطق مختلف ایران به ویژه نواحی بیابانی و کویری, داوری ده ها کتاب و صدها مقاله علمی و طرحهای تحقیقاتی, راهنمائی بیش از دویست فقره پایان نامه فوق لیسانس و ده فقره رساله دکتری دانشجویان دانشگاه ها, راهنمائی دانشجویان در سفرهای علمی به تمام نقاط کشور عزیزمان و ۲۰ کشور خارجی, صدها فقره مصاحبه مطبوعاتی تلویزیونی, ماهواره ای و رادیوئی داخلی و خارجی. آثار : اثر انسان و عوامل طبیعی در پیشرو بیابان لوت (ایران) ویژگی اثر : انتشارات مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران وابسته به دانشگاه تهران ۱۳۵۶۲ اکوسیستم های آبی ویژگی اثر : تالیف : پرویز کردوانی ناشر: علم – ۱۳۸۳ ۳ اکوسیستم های طبیعی، عمومی ویژگی اثر : تالیف : پرویز کردوانی ناشر: قومس – ۱۳۸۲ ۴ بررسی مسائل اقتصاد روستائی بیابانی شرق کاشان (روستاهای منطقه ایوزید آباد) ویژگی اثر : انتشارات مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران وابسته به دانشگاه تهران ۱۳۵۶ (مشترک با آقای ذبیح اله کرمی خواجه)۵ جغرافیای خاکها ویژگی اثر : تالیف : پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران – ۱۳۸۲ ۶ حفاظت خاک ویژگی اثر : تالیف : پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ – ۰۴ اردیبهشت، ۱۳۸۵ ۷ خاک و محیط زیست ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه آزاد ایران ۱۳۵۷۸ خشکسالی و راه های مقابله با آن در ایران: آب: در کشاورزی، صنعت و شهر ویژگی اثر : تالیف : پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ – ۳۰ آبان، ۱۳۸۶ ۹ خشکسالی وراههای مقابله با آن ، ژئوهیدرولوژی ویژگی اثر : تالیف : پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ – ۱۹ اردیبهشت، ۱۳۸۶ ۱۱ شهداد تا ده سلم(خاک آب پوشش گیاهی و اوضاع کشاورزی) ویژگی اثر : انتشارات موسسه جغرافیا – دانشگاه تهران مرداد ماه ۱۳۵۰۱۲ کویر (نمکزار) بزرگ مرکزی ایران و مناطق همجوار آن (مسائل، توانمندی ها و راههای بهره برداری) ویژگی اثر : تالیف : پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران – ۲۹ اردیبهشت، ۱۳۸۶ ۱۳ مراتع ،مسائل و راه حلهای آن در ایران ویژگی اثر : انتشارات ،موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران ۱۳۷۱۱۴ مراتع ایران ویژگی اثر : تالیف : پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ – ۲۶ اردیبهشت، ۱۳۸۵ ۱۵ منابع و مسائل آب در ایران: آبهای سطحی و زیرزمینی و مسائل بهره برداری از آنها ویژگی اثر : تالیف : پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران – ۲۹ اردیبهشت، ۱۳۸۶ ۱۶ مناطق خشک جلد دوم ،خاکها(طبقه بندی جغرافیایی و مسائل بهره برداری از آنها) احیاء اصلاح و آباد کردن ویژگی اثر : انتشارات،موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران –چاپ سوم ۱۳۷۱۱۷ مناطق خشک: ویژگیهای اقلیمی، علل خشکی، مسائل آب و غیره ویژگی اثر : تالیف : پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ – ۰۳ مرداد، ۱۳۸۵ ۱۸ نمونه هایی از خاک های بخش شهداد کرمان ویژگی اثر : انتشارات موسسه جغرافیا،دانشگاه تهران تیر ماه ۱۳۵۰۱۹ نمونه هایی از خاکهای لوت زنگی احمد(بیابان لوت) ویژگی اثر : انتشارات موسه جغرافیا،دانشگاه تهران مرداد ماه ۱۳۴۹

کردی، ابوالفتح محمود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۲۸ ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن رحلی جلد ساغری، با رقم: «... ابوالفتح... محمود... کردی»، که کلمات میانی محو شده و از رقم فقط این سه کلمه را می‌توان خواند. با تاریخ ۷۲۸ ق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۱۸/ ۴).

کرمانشاهی، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۵۲ ق)، خطاط. از آثار او: یک رقعه‌ی مذهَّب، به خط نسخ و کتابت خفی خوش، با رقم: «کتبه الذلیل الامیر الجلیل الذی لیس له نظیر و لا عدیل معتمد الدولهٔ بیدالاقل الداعی ابراهیم الکرمانشاهی فی سنه ۱۲۵۲ من الهجرهٔ النبی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۱۴/ ۴).

کرمانشاهی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ ابوالقاسم کرمانشاهی داماد آیت‌اللّه آقا محمدعلی بهبهانی عالمی فاضل بوده و بعد از آقا محمدعلی در کرمانشاه وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانشاهی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ احمد بن ملا عبدالاحد شیخ‌الاسلام کزازی کرمانشاهی از علماء عصر خود بوده و بعد ۱۳۲۳ وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانشاهی، اسداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ اسداللّه بن عبداللّه بن محمدجعفر بن محمدعلی کرمانشاهی عالمی فاضل از بیت آل‌آقا بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانشاهی، حبیب‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حبیب‌اللّه بن آقا محمدجعفر آقا محمدعلی کرمانشاهی عالمی فقیه و خطیبی متکلم بوده و در حدود ۱۳۱۴ وفات نموده

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانشاهی، حسین قلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین قلیخان بن مصطفی قلی‌خان بن حاج شهباز خان گلهری کرمانشاهی متولد ۱۲۴۷ و متوفی ۱۳۰۳ ادیبی ماهر و شاعری مبتکر بوده است

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانشاهی، حسینقلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۷۰ ق)، خطاط و شاعر. وی برادر علینقی‌خان بود. حسینقلی شعر می‌گفت و جز نستعلیق، شکسته را نیز خوش می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۶۲/۱).

کرمانشاهی، عبدالعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ عبدالعلی بن العلامه آشیخ عبدالرحیم کرمانشاهی عالمی جلیل بوده و در سال ۱۳۰۵ ق وفات نموده

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانشاهی، عبداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبداللّه بن شیخ محمدتقی بن شیخ محمدمهدی کرمانشاهی عالمی بارع و فاضلی جلیل بوده و در ۱۳۰۸ وفات کرده

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانشاهی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر بن ملا محمد بن عاشور کرمانشاهی عالمی بزرگ بوده و قبل از ۱۲۸۷ وفات نموده است

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانشاهی، محمد تقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۹ ق)، فقیه، اصولی و منطقی. از علمای فاضل دودمان وحید بهبهانی است. در نجف درگذشت و در یکی از حجرات صحن علوی دفن شد. از او آثاری در فقه و اصول و ادب باقی است. از آثارش: شرح «زبدهٔ الاصول» شیخ بهائی؛ حاشیه بر حاشیه ملا عبداللّه یزدی بر «شرح التهذیب»، در منطق؛ تعلیقه بر «مبادی الاصول» علامه‌ی حلی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۹۷/ ۹)، الذریعه (۲۹۸/ ۱۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۰/ ۱۳)، معجم المؤلفین (۱۳۵/ ۹)، وحید بهبهانی (۳۳۷).

کرمانشاهی، محمد جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۵۴ -۱۱۷۸ ق)، فقیه، اصولی، محقق، مجتهد و زاهد. نوه‌ی وحید بهبهانی است. برادرش آقا احمد در «مرآت الاحوال» گوید که او در عراق به دنیا آمد و همراه پدرش به ایران آمد. مدتی در قم از محضر میرزای قمی استفاده کرد. سپس از محضر پدرش آقا محمد علی بهبهانی بهره برد. او مدتی نیز در حوزه‌ی درس سید علی طباطبائی، صاحب «ریاض»، حضور یافت تا سرآمد اقران شد. آن گاه حج گزارد و به کرمانشاه رفت و در آنجا به انجام وظائف شرعی پرداخت. او در تحقیق اصول فقه معروف بود و در برآوردن حاجات مردم مشهور. از آثارش: «شرح مختصر النافع»؛ «مصابیح»، شرح «مفاتیح» فیض؛ حاشیه شرح عمیدی بر «هذیب الاصول»؛ حاشیه «معالم الاصول»؛ «انیس الطلاب»، در مسایل متفرقه از فقه و اصول و غیره، به عربی و فارسی؛ «تکمله»، در شرح «تبصره‌ی» علامه‌ی حلی؛ «الجواهر البهیهٔ»، در فقه، به فارسی؛ «نهج الرشاد فی ارشاد العباد»، اصول دین؛ «تحفهٔ الابرار»؛ «منتخب الاصول»، در علم اصول.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۰۲/ ۹)، الذریعه (۵۸/ ۱۴، ۲۰۵، ۱۲۰/ ۱۳، ۴۰۵- ۴۰۴/ ۳، ۴۶۰- ۴۵۹/ ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن

۲۶۴ -۲۶۳/ ۱۳)، فوائد الرضویه (۵۷۵ ،۴۴۹)، مرآت الاحوال (۱۶۳ -۱۶۲)، وحید بهبهانی (۳۳۷ -۳۳۴).

کرمانشاهی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین بن ملاـ محمدمحسن کرمانشاهی از احفاد فیض کاشانی عالمی جلیل دارای آثار گرانقدری بوده و قبل ۱۲۸۰ وفات نموده است

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانشاهی، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۴۰ ق)، فقیه امامی. در کربلا نشو و نما یافت. او شاگرد حاج میرزا محمد حسین شهرستانی حائری بود و از وی اجازه داشت. شیخ آقا بزرگ تهرانی از کرمانشاهی روایت می‌کند. وی در کربلا درگذشت. از آثارش «تحقیق الاحکام»، در فقه است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۷۰/ ۸)، الذریعه (۴۸۱/ ۳)، معجم المؤلفین (۳۷/ ۱۳).

کرمانی حایری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، فقیه، مدرس و واعظ. وی داماد آیت‌اللّه کرمانی از علمای بزرگ قم بود. حدود چهل سال در حوزه‌ی علمیه قم از محضر آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه خوانساری و به ویژه هجده سال از محضر آیت‌اللّه بروجردی استفاده نمود و پس از ایشان از شرکت‌کنندگان درس آیت‌اللّه شریعتمداری شد. وی در راه نشر و گسترش دین و احکام اسلام تلاش‌های بسیار نمود و مورد توجه آیت‌اللّه شریعتمداری و آیت‌اللّه مرعشی نجفی بود. از وی آثار علمی فراوانی باقی است، از جمله: «تقریرات» بحث‌های آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه بروجردی؛ تعلیقاتی بر «ایضاح الفوائد» فخر المحققین، که به اتفاق دو نفر از علماء نگاشته است، در چهار مجلد؛ «مجمع الانوار».[۱]

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید حسین کرمانی داماد معظم مرحوم آیت‌الله کرمانی از علماء اعلام و فضلام بنام حوزه علمیه قم است که حدود چهل سال در این حوزه از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و بالاخص ۱۸ سال از آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و پس از آن مرحوم هم از شرکاء درس آیت‌الله العظمی شریعتمداری است و منبری شیرین و مفید دارد و در محرم و صفر و ماه رمضان در تهران همه ساله برای منبر و ترویج دین و تبلیغ احکام می‌روند و از راه منبر خدماتی نموده و می‌نمایند آثار علمی فراوان دارند از قبیل دراسات و تقریرات ابحاث مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله بروجردی تعلیقاتی بر ایضاح الفوائد فخرالمحققین که به اتفاق دو نفر از فضلاء نوشته‌اند که در چهار مجلد به طبع رسیده است ۲- مجمع‌الانوار مطبوع.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۴۳ -۲۴۲/ ۲).

کرمانی نجفی، عبداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۷ -۱۲۵۴ ق)، عالم دینی، محقق، فقیه و زاهد. به عتبات عراق مشرف شد و در نجف به حلقه‌ی درس شیخ انصاری پیوست و مدت پنج سال از وی بهره گرفت. او همچنین در محضر درس میرزای بزرگ شیرازی در سامرا حضور یافت و سالیانی چند ملازم بحث و درس وی گشت. او از بزرگان علم و تقوا به حساب می‌آمد و در ادب و شعر و نثر نیز سرآمد بود. در حوزه‌ی درس او نخبگان شرکت می‌کردند. در نجف درگذشت و در صحن علوی دفن شد. از آثارش: «تنقیح المقاصد»، در شرح «فرائد» شیخ انصاری؛ «خلاصة الاصول»؛ «خلاصة الفقه»؛ «التنبیهات»، در اصول و فقه؛ «قاطع النزاع فی تحقیق حقیقة الاجماع»؛ حاشیه «مکاسب» شیخ انصاری؛ کتابی مبسوط در «اصول»؛ «مدایح الاولیاء» و «مصائب الاولیاء» که این دو «دیوان» شعر او به فارسی می‌باشند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۷۴/ ۲۱ ،۲۴۲/ ۲۰ ،۸/ ۱۷ ،۲۱۳ -۲۱۲/ ۷ ،۲۲۰/ ۶ ،۴۶۶ -۴۶۵ ،۴۵۰/ ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۱۰ -۱۲۰۹/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۴۲ -۳۴۱/ ۱۶)، میرزای شیرازی (۱۵۹).

کرمانی، ابوالحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۳ ق)، خطاط و شاعر. ملقب به نعمت علی. از سادات کلانتری کرمان بود و در جوانی به شغل دیوانی اشتغال داشت. خط شکسته را خوش می‌نوشت، و شعر نیکو می‌گفت. مدتی به خدمت رحمت علیشاه بود و از او به لقب نعمت علی و اجازه‌ی ارشاد طالبین کرمان نایل آمد. در عصر ناصرالدین شاه درگذشت و در مشاقیه کرمان به خاک سپرده شد. از آثار وی: کتیبه‌ی دیوان رو به مشرق صحن سروی حضرت شاه نعمت‌اله ولی به خط نستعلیق، کنده‌کاری در پشت آینه به خط نستعلیق، که در کمال زیبایی بود؛ اثر دیگر وی کتابی است راجع به حالات جماعتی از علما و عرفای کرمان که نثر آن دارای سبک مخصوصی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۴۰/۴)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۵۲۲ -۵۱۸)، الذریعه (۱۲۱۵/۹)، ستارگان کرمان (۳۹۶ -۳۹۲)، طرائق الحقائق (۴۰۳/۳).

کرمانی، ابوبکر

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟) شاعر. وی سخنوری توانا بود. از او جز یک رباعی چیزی در دست نیست. از اوست:

در محنتم آن زلف جهانسوز افکند

اندر غم آن رخ دل‌افروز افکن من

روی ترا به خواب دیدم یکشب

آن شب صنما مرا بدین روز افکند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۱۲ /۲)، الذریعه (۳۷ /۹)، صبح گلشن (۱۰).

کرمانی، ابوجعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ ابوجعفر کرمانی عالمی جلیل و متبحر و مرجع عوام و خواص کرمان معاصر حاج محمدکریم خان شیخی بوده و با او مناظراتی داشته و در حدود ۱۳۱۰ قمری وفات نموده و او والد آیت‌اللّٰه حاج میرزا محمدرضا فقیه کرمانی است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانی، اسدالله

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۹۳ ق)، خطاط. وی نستعلیق، ثلث و نسخ را خوش می‌نوشت. بنا به قول صاحب «مناقب هنروران» از شاگردان عبدالرحیم انیسی و کاتبی متین‌القلم بود. صاحب «پیدایش خط و خطاطان» وی را شاعر و در کسب علم و تعلیم خط، شاگرد شیخ محمد کرمانی دانسته است. در کتابخانه‌ی ایا صوفیه استانبول، قرآنی به خط اوست که در ابتدای آن این اشعار آمده است:

از آن روزی که این قرآن نوشتم

بجزو و حزب و عشر و خمس و

آیات به فال سعد از روی معانی

به تاریخش نوشتم «تلک آیات»

به تاریخ ۸۶۳ ق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۴ /۱)، مناقب هنروران (۹۰، ۷۸، ۴۴)، پیدایش خط و خطاطان (۷۸).

کرمانی، تاج‌الدین، محمود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۰۷ ق)، فقیه شافعی. مشهور به اصفهیدی. عده‌ای وی را به جای کرمانی، شماخی نامیده‌اند. از آثارش: شرح «الفیهٔ» ابن‌مالک، در نحو؛ «الایجاز»، مختصر «المحرر فی فروع الشافعیهٔ» ابوالقاسم رافعی قزوینی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۱۶۱۳)، لغت‌نامه (ذیل/ اصفهیدی)، معجم المؤلفین (۱۹۴/ ۱۲)، هدیهٔ العارفین (۴۱۰/ ۲).

کرمانی، جلال

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط و شاعر. وی در کتابخانه‌ی بایسنقر بود و شعر را نیکو می‌سرود. احتمال می‌رود مولانا کرمانی که در «تحفه سامی» از او یاد شده، همین جلال کرمانی باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۴۲-۳۴۱)، تحفه سامی (۳۶۵-۳۶۴).

کرمانی، جمال‌الدین محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۲ / ۱۳۵۱ -۱۲۹۲ ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. وی از دانشمندان برجسته‌ی قرن چهاردهم قمری و مؤلف کتاب «أسس الاصول» یا «اصول بی نقطه»، شکل گرفته از حرف مهمله، در ۱۶۵۰ سطر، در مباحث «الفاظ» از علم اصول می‌باشد که در حدود ۱۳۱۸ ق تألیف و در ۱۳۱۹ ق به همراه چند خطبه‌ی مؤلف چاپ شده است. او در کتاب خود با چهارده حرف بی نقطه مطالب اصولیه را بیان کرده و در آخر نسخه چند خطبه آورده است: اول «خطبه‌ی حسدیه»، که فقط از حروف مهمله بی نقطه ترکیب یافته و دوم «خطبه‌ی اثنی عشریه» که فقط از دوازده حرف بی نقطه، غیر الف و همزه، ترکیب یافته، و سوم «خطبه‌ی منقوشیه» که برخلاف خطبه‌ی پیش فقط از حروف منقوطه ترکیب یافته و چهارم «خطبه‌ی معکوسه» که هر یک از فقرات آن را از راست به چپ و از چپ به راست به یک نحو می‌توان خواند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعلام (۲۱۷/ ۷)، الذریعه (۵۸ -۵۷/ ۲)، ریحانه (۴۲۶/ ۱)، لغت نامه (ذیل/ جمال‌الدین کرمانی)، معجم المؤلفین (۱۱۲/ ۱۱).

کرمانی، حبیب‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجهٔالاسلام شیخ حبیب‌اللّه کرمانی از فقهاء و مجتهدین این استان بوده و در حدود ۱۲۸۰ ق وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانی، حیدرعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ ملا حیدرعلی کرمانی عالمی فاضل و حکیمی ریاضی و متکلم و طبیب ادیب از علماء و مدرسین اصفهان و اساتید آیت‌اللّه شریعت اصفهانی بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانی، رحمت الله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ رحمت‌اللّه بن علی‌اکبر کرمانی عالمی فاضل و ادیبی کامل در همدان بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانی، رحمت‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عالم. از آثارش: شرح «مراثی بحرالعلوم»، علامه سید مهدی بحرالعلوم، یا «شرح رحمت‌اللّه»؛ «مفتاح الجنان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی (۳۰۶۸، ۲۱۳۵ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۹ -۱۰۸ /۳).

کرمانی، رکن‌الدین، ابوالفضل عبدالرحمان

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۴۴ / ۵۴۳ -۴۵۷ ق)، فقیه و محدث حنفی. وی مفتی خراسان و شیخ حنفیه بود. در کرمان به دنیا آمد و در آنجا نزد پدرش و در مرو نزد قاضی محمد بن حسین ارسابندی و به قولی اردستانی فقه آموخت و برآمد. او از پدرش و استادش، قاضی محمد بن حسین ارسابندی، و نیز ابوالفتح عبداللّه بن اردشیر هشامی حدیث شنید. سمعانی از وی حدیث شنیده و او را بسیار ستوده و گفته است که دانشجویان بسیاری بر گردش جمع شدند و فقهای زیادی نزدش آمدند و تصانیفش در خراسان و عراق شهرت یافت و علما آن را درس می‌گفتند. ابوالفتح محمد بن یوسف بن احمد قنطری سمرقندی در محضر وی فقه آموخت. در مرو از دنیا رفت. از آثارش: «التجرید»، در فقه؛ «الایضاح»، در شرح «التجرید»، در سه مجلد؛ «نکت الجامع الکبیر» یا «اشارات الجامع الکبیر» یا «اشارات الاسرار»، در شرح «الجامع الکبیر» شیبانی، در فروغ؛ «الفتاوی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۰۳ / ۴)، انساب سمعانی (۵۷/ ۵)، سیر النبلاء (۲۰۶/ ۲۰)، طبقات المفسرین داودی (۲۸۲ -۲۸۱/ ۱)، الکامل (۲۳/ ۹)، کشف الظنون (۱۴۱۴، ۱۲۲۰، ۵۶۹، ۳۴۵، ۲۱۱، ۹۶)، معجم المؤلفین (۱۱۱/ ۶، ۱۷۲/ ۵)، هدیة العارفین (۵۱۹/ ۱).

کرمانی، رکن‌الدین، ابوبکر محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۶۵ ق)، فقیه حنفی و محدث. از آثارش: «زهرة الانوار»، در حدیث.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۶۱۹/ ۱)، معجم المؤلفین (۱۶۶/ ۱۰).

کرمانی، زین‌الدین، ابومنصور محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۹۷۵ ق)، فقیه حنفی. در «کشف الظنون» سال وفات وی بعد از ۹۷۵ ق ذکر شده است. از آثارش: «المسالک فی علم المناسک» یا «مناسک ابی‌منصور»، در سه بخش سنن و آداب سفر، مناسک حج و فضیلت مجاورت، که در ۹۷۵ ق از تألیف آن فراغت یافت. «زلة القراء»؛ «المستعذب»، شرحی بر «مختصر القدوری»، در فروع فقه حنفی؛ کتاب «السجلات»؛ «الحجج الشافیة و الدلائل الکافیة فی سنن السفر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۱۸۳۰، ۱۶۶۳)، معجم المؤلفین (۴۶/ ۱۲)، هدیة العارفین (۲۵۰/ ۲).

کرمانی، سیف‌اللّه

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۸۹۷ ق)، خطاط. از آثار او: یک صفحه از مرقع ثلث و ریحان دو دانگ و نسخ کتابت خفی و رقاع کتابت خفی عالی، با رقم: «کتبه العبد... سیف‌اللّه الکرمانی فی شهور سنه ثلاث و ثمانین و ثمانمائه الهجریه النبویه...»؛ یک قطعه از مرقع امیر غیب بیک، به خط ثلث سه دانگ جلی عالی- ریحان دو دانگ عالی- و نسخ کتابت جلی و خفی و رقاع کتابت جلی عالی، با رقم: «مشقه العبد... سیف الکرمانی... سنه اربع و ثمانین و ثمانمائه الهجریه»؛ یک صفحه از مرقع به خط ثلث سه دانگ جلی عالی، نسخ یاقوتی و رقاع کتابت خوش، با رقم: «مشقه العبد... سیف‌اللّه الکرمانی... سنه سبع و تسعین و ثمانمائه (۸۹۷) ببلده هرات...».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۸۱/۴).

کرمانی، شمس‌الدین محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، خطاط. ممکن است وی همان محمـد کرمانی شاگرد عبدالکریم پادشاه باشد که در کتاب «مناقب هنروران» نیز به او اشاره شـده است. از آثـار وی: یک نسـخه «خمسه‌ی» نظامی، به قلم کتابت خوش، که در پایان بعضـی مثنویها رقم دارد: «نجز اتمام کتاب هفت پیکر... سنه سبع عشر و تسعمائه بدارالسلطنه‌ی تبریز... شمس‌الدین محمد کرمانی...» و «نجز اتمام هذه الکتاب... سنه خمس عشر و تسعمائه» و «تمت الکتاب... علی ید... شمس‌الدین محمد الکاتب الکرمانی... سنه ثمان عشر و تسعمائه...»؛ یک قطعه از مرقع مالک دیلمی، به قلم نیم دو دانـگ و کتابت خوش، با رقم: «کتبه العبـد... شـمس‌الدین محمـد الکاتب الکرمانی... فی شهر جمیدی الاولی ست عشر و تسعمائه»؛ سه قطعه از مرقع بهرام میرزا، به قلم نیم دو دانگ و کتابت خوش، با رقمهای: «مشقه العبد شمس‌الدین محمد الکرمانی، فی شـهور سـنه‌ی ۹۱۸ ثمان عشـر و تسـعمائه بدارالسـلطنه‌ی تبریز» و «مشقه العبد... شمس‌الدین محمد الکرمانی...» و «کتبه العبد شمس‌الدین محمد، فی شهور سنه ثمان عشر و تسعمائه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۲۵-۸۲۴/۳)، مناقب هنروران (۹۰)، هنر عهد تیموریان (۵۸۴، ۵۲۹).

کرمانی، شمس‌الدین، ابوعبداللّه محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۸۶-۷۱۷ ق)، فقیه شـافعی، اصولی، محـدث، مفسـر، متکلم و نحوی. اصل وی از کرمان است. مـدت سـی سال در بغـداد به نشـر دانش مشـغول بود و در آنجا صاحب نام و آوازه گشت. مـدتی نیز در مکه اقامت کرد. در راه بازگشت از مکه به بغداد درگذشت. جنازه‌اش به بغداد منتقل و در آنجا دفن شد. از آثار وی: «الکواکب الدراری»، در شرح «الجامع الصحیح» بخاری، بیست و پنج مجلد کوچـک و یا چهار مجلـد بزرگ؛ «ضـمائر القرآن»، و مختصـر آن؛ «النقود و الردود فی الاصول»؛ شـرح «مختصـر» ابن‌حاجب، به نام «السـبعهٔ السـیارهٔ»، که در آن هفت شـرح جمع‌آوری شده است؛ شـرح «اخلاق» قاضـی عضدالدین ایجی؛ در معانی و بیان، که آن را «تحقیق الفوائد» نامید؛ شـرح «المواقف» قاضی عضدالدین ایجی، در علم کلام؛ حاشیه بر «انوار التنزیل» بیضاوی، در تفسیر، در چهار مجلد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الاعلام (۲۸-۲۷/ ۸)، کشـف الظنون (۱۸۹۱، ۱۶۶۲، ۱۲۹۹، ۵۴۶، ۱۸۹، ۳۷)، معجم المـؤلفین (۱۳۰-۱۲۹/ ۱۲)، هدیهٔ العارفین (۱۷۲/ ۲).

کرمانی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌اکبر بن شیخ محمـدعلی کرمانی و فاضـلی خلیل از شاگردان میرزا حبیب‌اللّه رشتی و میرزا شیرازی بوده و حـدود ۱۳۲۸ وفات نموده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانی، فخرالدین مسعود

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شـاعر. مـدتی در کرمـان حکومت کرد. در نظم فارسـی و عربی فصـاحت و بلاغت فراوانی داشت. در تـذکره‌ها دو رباعی بـدو نسبت داده‌اند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۰/۱)، تـذکره‌ی شاعران کرمان (۳۸۶-۳۸۵)، الذریعه (۸۱۱/۹)، ستارگان کرمان (۲۹۱)، مجمع الفصحا (۸۲/۱)، لباب الالباب (۶۰-۵۹/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ فخرالدین).

کرمانی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عـالم فاضـل، مرحوم حاج شـیخ محمـد علی کرمانی از علمای اخیار بوده، در اصـفهان خـدمت جمعی کثیر همچون: حاج ملا جواد آدینه‌ای، و میرزا محمـد علی رنـانی اصـفهانی، و آقـا سـید محمود مغنی، و شـیخ محمـد حسن حکیم شیرازی، و آخونـد کاشـی، و جهانگیرخـان، و میرزا محمـد علی حکیـم کاشـانی اصـفهانی، و آقـا سـید محمـد بـاقر درچه‌ای، و عبـدالکریم جزی، و میرزا حسـین همدانی (عالم فاضل ادیب، در مدرسه‌ی نیم آورد تدریس می‌نموده، و در سال ۱۳۲۵ وفات یافته، در صحن درب امام مدفون شده) و آیـهٔالله بروجردی (قبل از مهاجرت به نجف) تحصیل نموده؛ سپس در سال ۱۳۱۹ به نجف مهـاجرت کرده، در آنجا خـدمت: آقا سید محمد کاظم یزدی، و شـیخ الشـریعه‌ی اصـفهانی، و آخوند خراسانی تحصـیل نموده، و نسبت به اخیر، خصوصـیت داشـته، و از جمعی از اساتید خود به اخذ اجازه‌ی روایت و اجتهاد نایل گردیده، در ۱۳۳۰ به اصفهان مراجعت فرموده، و مدتی به درس و بحث اشتغال یافته، سپس ترک مباحثه و تدریس نموده، و تقریبا مدت ده سال آخر عمر به طور تجرد و انزوا می‌زیست.

در ذی حجه ۱۲۹۵ متولـد، و در شب جمعه ۶ جمادی الاولی سال ۱۳۸۰ وفـات یافته، در تخت فولاد مقابل تکیه‌ی میرزا ابوالمعالی مدفون گردید.

رسائل عدیده‌ای در مباحث فقه و اصول نوشته، از آن جمله: تقریرات اصولی آخوند خراسانی ۱ – رساله در مبحث الفاظ ۲ – رساله در استصحاب ۳ – رساله در تعادل و تراجیح ۴ – رساله در عدالت ۵ – رساله در بیع ۶ – رساله در مرجحات ۷ – رساله در وضو ۸ – رساله در مسح رجلین ۹ – رساله در دماء ثلاثه ۱۰ – رساله در تعرض استصحاب و ید ۱۱ – رساله در بیع معاطاهٔ ۱۲ – شرح خطبه‌ی نهج‌البلاغه (اول الدین معرفهٔ الله) و حدود بیست رساله و کتاب دیگر.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کرمانی، محمد کریم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۸ –۱۲۲۵ ق)، عالم دینی، متکلم، محدث و شاعر. از علمای فرقه‌ی شیخیه بود. در کرمان به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات به کربلا رفت و در محضـر سـید کاظم رشتی، رئیس فرقه‌ی شـیخیه، تلمـذ نمود و از وی به دریافت اجازه نایل شـد. به دسـتور سـید کاظم رشتی در کرمان به تبلیغ آن فرقه پرداخت و پس از درگذشت سـید جانشـین او گردید. وی یکی از بزرگترین مخالفان فرقه‌ی بـابیه در ایران بود. زمـانی که عـازم مکه بود درگـذشت و پیکرش به عتبات انتقال یافت. از آثارش: «فصل الخطاب فی الاخبار»، در حـدیث؛ «علم الیقین»، در رد فرقه‌ی بابیه؛ «ارشاد العوام»، در عقائـد؛ «ازهاق الباطل»؛ «اسـرار الحـج»؛ رساله‌ی «ایقاظ الغافل»؛ «الجامع لاحکام الشـرایع»؛ تفسیر «سوره‌ی حجرات»؛ «حقایق الطب» و جلـد دوم آن «دقایق العلاج»، در طب؛ «رجوم الشـیاطین»، در رد بابیه؛ «طریق النجاهٔ»؛ «دیوان» شعر عربی، در مراثی؛ «مثنوی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۴/ ۱۰)، ایضـاح المکنون (۱۹۰ ،۱۱۹/ ۲ ،۶۱/ ۱)، الذریعه (۲۲۹/ ۱۶ ،۱۷۰/ ۱۵ ،۱۶۵ –۱۶۴/ ۱۰ ، ۲۳۵/ ۸ ،۳۴/ ۷ ،۵۱۵/ ۱)، شرح حال رجال (۵ –۱ / ۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۴۰/ ۶)، المآثر و الآثار (۱۴۷)، معجم المؤلفین (۱۶۲/ ۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱ –۵۷/ ۵)، هدیهٔ العارفین (۳۸۰ –۳۷۹/ ۲).

کرمانی، محمد مؤمن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۸ ق)، خطاط. در ابتـدای حال به خدمت خواجه حبیب‌اللّه ساوجی- که «حبیب السیر» به نام وی تألیف شده است- درآمد. سپس به دربار شاه اسـماعیل اول صـفوی راه یافت و پادشاه صـفوی، وی را به معلمی ابوالنصر سام میرزا گماشت. او بعدها به دربار شاه طهماسب پیوست و پس از آن نیز عازم هندوسـتان شد. محمد مؤمن در زمان حیات خود، استاد مسلم شناخته شده است. وی در هفت قلم، اسـتادی بی‌همتـا بود و در خطوط اصول، بالاـترین مقام را داشت و خط نسـتعلیق را خوش می‌نوشت. سام میرزای صـفوی صنعت افشان بیخته را از اختراعات او می‌دانـد. از آثار وی: مرقع عظیمی که ظاهرا برای شاه طهماسب فراهم ساخته و بعدها پراکنده شده و بسـیاری از صـفحات آن در ضـمن مرقع‌های دیگر آمده است، که بعضی از خطوط نستعلیق آن عبارتست از: یـک صفحه نیم دو دانگ خوش، با رقم: «کتبه محمد مؤمن»؛ دو صـفحه به قلم سه دانگ و کتابت خفی خوش، با رقم: «... مشقه افقر العباد... محمد مؤمن بن عبـداللّه ۹۲۵» و «مشـقه... محمـد مؤمن بن عبداللّه مروارید غفر له سـنه‌ی ۹۲۵»؛ یـک صـفحه به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «نمقه العبد... محمد مؤمن بن عبداللّه فی شهور سنه سبع و اربعین و تسعمائهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشـنویسان (۱۱۹۹ –۱۱۹۸/ ۴ ،۸۴۵ –۸۴۲/ ۳)، احوال و آثار نقاشان (۱۰۸۷/ ۳)، اطلس خط (۳۴۶)، پیدایش خط و خطاطان (۱۶۰)، تاریخ هنرهای ملی (۸۷۳/ ۲)، تحفه سامی (۱۰۸/ ۱۰۷)، حبیب السیر (۶۱۶/ ۴)، گلستان هنر (چهل و

چهار)، هنر عهد تیموریان (۶۰۱ –۶۰۰، ۵۸۷).

کرمانی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمـدباقر کرمـانی سـیرجانی معروف به لسان‌العلماء از شاگردان علامه یزدی صاحب عروهٔ دارای تألیفات عدیـده‌ای از قبیل الکافیهٔ البهائیه در نحو و ترجمه تفسیر امام حسن عسکری (ع) و کتابی در سؤال و جواب مذهبی و کتابی در عقاید بنام (جواهر القوانین) و کتـابی بنـام (الفریـدهٔ الـوافیه) و الوجیزه در صـرف که در سـال ۱۳۱۷ در بمبئی طبع شـد است فرزنـد آن مرحوم جنـاب حـاج شـیخ محمدجعفر از وعاظ و دانشمندان آن منطقه می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

کرمانی، محمدتقی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی بن کاظم کرمانی مشهور به (مظفر علیشاه) یکی از علما و عرفاء بزرگ و جامع معقول و منقول از شاگردان شریف‌العلماء بوده و در ۱۲۱۵ ق در کرمانشاه وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانی، محمدجعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدجعفر کرمانی عالمی متبحر و رئیسی جلیل از فضلاء شاگردان شیخ انصاری بوده و بعد از ۱۳۰۰ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا فقیه کرمانی بن العالم الجلیل حاج آقا ابوجعفر بن آیت‌اللّه حاج آقا احمد کرمانی (که ذکرشان بمناسبت ورودشان به قم در سال ۱۳۴۳ ق گذشت) از علماء و آیات عظام استان کرمانست

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانی، مراد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شـاعر. وی از نجیب‌زادگـان بود که در نتیجه پیشامـدهای بـدی که برایش رخ داد از خـدمت دیوان کناره گرفت و به قاشق تراشـی روزگار می‌گذراند. مراد بیگ در محاصره سبزوار به دست حمزه میرزا، به وسیله‌ی خلفا اوغلی نامی، کشته شده است. وی از شاعرن خوب دوره‌ی خود بود که قدری از رباعیاتش باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۰۱)، الذریعه (۱۰۲۶/ ۹)، مجمع الخواص (۶۷).

کرمانی، مروارید، شهاب‌الدین عبداللّه

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۲۲ –۸۶۵ ق)، منشی، خطاط، موسیقیدان و شاعر، متخلص به بیانی. از اشراف کرمان و وزیر دربار تیموریان بود. وی در جوانی به خدمت سلطان حسین میرزا بایقرا رسید و نزد آن امیر بسیار معزز می‌زیست، تا اینکه سمت صدارت یافت و به جای امیرعلیشیر نوایی

مهر بر فرمانها و منشورها می‌زد. پس از مرگ امیرعلیشیر، گوشه‌نشینی گزید و به عبادت و کتابت قرآن مشغول شد. هنگامی که شاه اسماعیل صفوی بر خراسان دست یافت، او را فراخواند و شغل وزارت را به وی داد ولی، خواجه از پذیرفتن آن سر باز زد و بنابراین مامور نظم «تاریخ شاهی» شد. خواجه عبداللّه به اکثر علوم و فنون متداول آشنا بود و در نظم و نثر مهارت داشت و جمله‌ی خطوط را خوش می‌نوشت. او در موسیقی و ادوار نیز صاحب نظر بود و در ساختن ساز قانون تصرف کرد. در خطوط اصول، اشگرد عبداللّه طباخ هروی و در خط تعلیق، از شاگردان خواجه تاج سلمانی بود. از تالیفات وی، منظومه‌های: «تاریخ شاهی»؛ «تاریخ منظوم»؛ «خسرو و شیرین» و «مونس الاحباب» است. از خطوط او قطعه‌ای است به خط محقق و نسخ و رقاع که تاریخ کتابت آن سال ۹۱۲ ق است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۱۹ -۶۱۷ /۲)، احوال و آثار خوشنویسان (۳۵۲ -۳۵۰ /۲)، اطلس خط (۴۰۸ ،۳۲۸ -۳۲۷)، پیدایش خط و خطاطان (۱۴۰ -۱۳۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۲/۴)، تاریخ موسیقی (۲۳۱ -۲۳۰ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۷۷۷ ، ۲۵۹)، تاریخ هنرهای ملی (۸۰۳ -۸۰۲ /۲)، تحفه سامی (۱۰۷ -۱۰۲)، تذکره‌ی روز روشن (۱۲۶ -۱۲۵)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۱۵۰ -۱۴۷)، حبیب السیر (۳۲۶ -۳۲۵ /۴)، خوشنویسان و هنرمندان (۲۷)، دستور الوزراء (۳۹۷ -۳۹۴)، الذریعه (۲۸۱/۲۳ ،۱۵۱ - ۱۵۰ /۹ ،۱۶۱/۷)، ریحانه (۲۹۴ -۲۹۳ /۵)، ستارگان کرمان (۱۲۱ -۱۱۷)، فرهنگ سخنوران (۱۵۲)، کارنامه‌ی بزرگان (۵۵)، مجالس النفائس (۲۸۱)، مناقب هنروران (۹۷)، مولفین کتب چاپی (۹۴۸ -۹۴۷ /۳)، نتایج الافکار (۱۰۰ -۹۹)، هفت اقلیم (۲۷۹ - ۲۷۸ /۱).

کرمانی، مظفر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اهل کرمان بود. طبع خوبی در شعر دارد و رباعی مشهوری از او در تذکره‌ها نقل شده است. از زندگی وی اطلاع دیگری به دست نیامده است. از اوست:

افسوس که همدمان مونس رفتند

یاران موافق مهندس رفتند

آنها که به هم نشسته بودیم مدام

هر یک به بهانه‌ای ز مجلس رفتند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۳۴/ ۲)، الذریعه (۱۰۶۲/ ۹)، صبح گلشن (۴۲۷)، فرهنگ سخنوران (۸۵۴)، مجمع الخواص (۳۰۱ -۳۰۰).

کرمانی، نورالدین، ابوالقاسم محمود

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۵۰۰ ق)، مقری، مفسر، فقیه شافعی و نحوی. معروف به تاج القراء. او عالم در قرآت بود. از آثارش: «لباب التأویل و عجائب التاویل»، در دو مجلد؛ «البرهان فی توجیه متشابه القرآن لما فیه من الحجهٔ و البیان»؛ «عجائب القرآن» یا «الغرائب و العجائب فی تفسیر القرآن الکریم» یا «العجائب و الغرائب» که تحت عنوان «لباب التفاسیر» می‌باشند؛ «الافادهٔ»، در نحو؛ «الایجاز»، مختصر «الایضاح» ابوعلی فارسی نحوی، در نحو؛ شرح «اللمع» ابن جنی ابوالفتح عثمان موصلی، در نحو؛ «العنوان»، در نحو.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۴۴/ ۸)، کشف الظنون (۱۵۶۲ ،۱۵۴۱ ،۱۱۹۷ ،۱۱۷۷ ،۱۱۲۶ ،۲۴۱ ،۲۱۳ ،۱۳۱)، معجم الادباء (۱۲۵/ ۱۹)، معجم المؤلفین (۱۶۱/ ۱۲)، هدیهٔ العارفین (۴۰۲/ ۲).

کرمشاه تبریزی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، خطاط و مذهب. وی در حل کاری و تحریر خطوط و تذهیب گوناگون استاد بود. از آثار وی: قرآن بزرگ و نفیسی که سر سوره‌ها با نقوش اسلیمی تذهیب شده و نام سوره‌ها به خط محقق کتابت گشته است، با رقم: «ذهبه کتبه کرمشاه تبر...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۵۴۷ -۵۴۶/ ۲).

کرمی، عزت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شیراز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کرمی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی کرمی

محل تولد : فریدن

شهرت : کرمی فریدنی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی کرمی فریدنی، در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی در منطقه ی فریدن از استان اصفهان دیده به جهان گشودم و پس از تحصیلات ابتدایی به فراگیری علوم حوزوی گرایش یافته و با ترغیب دایی بزرگوارم مرحوم آیت الله فرهادی به آموزش آن پرداختم. مقدمات را نزد آن مرحوم آموختم، آنگاه با راهنمایی او در سال ۱۳۴۸ به مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی در قم آمدم و ادامه ادبیات و بخشی از سطح را در آنجا خواندم و بخش دیگر را نزد اساتید بزرگوار و آیاتی چون: شهیدی، شبستری، باکویی، وجدانی، ستوده، صلواتی، پایانی، دوزدوزانی، اعتمادی، سید ابوالفضل موسوی، نوری، فاضل، سبحانی، احمد بهشتی و ... فرا گرفتم.

همزمان با ادامه درس و بحث، برای فراگیری دیگر معارف اسلامی و دانش روز پس از مشورت با بزرگانی همچون: استاد مطهری، گلسرخی و محقق به دارالتبلیغ اسلامی رفتم و دوره کارشناسی آنجا را با موفقیت و دریافت جوائز متعدد به پایان رسانده و به عنوان دانشجوی ممتاز برای ادامه تحصیل و پژوهش برای اعزام به خارج برگزیده شدم که متأسفانه رحلت نابهنگام پدر و مسئولیت اداره خانواده و خردسالی برادران و خواهران و تنگنای اقتصادی، اجازه رفتن نداد.

همزمان قرآن و نهج البلاغه را که مرحوم آیت الله فرهادی، استاد شهیدی و بلاغی جرقه اش را در اندیشه و جانم زده بودند از آغاز با شماری از دوستان به مباحثه و حفظ برخی خطبه ها و نامه ها و قصار آن نشستم و این گام ابتکاری و مبارک، به لطف خدا با شوق و پشت کار خستگی ناپذیری ادامه یافت و اندوخته های آن، همراه ره توشه این نویسنده و سخنور ناچیز در راه پژوهش و نگارش و نیز سخنرانی ها و نشست های علمی و یکی از رازهای احساس رضایت و موفقیت او در زندگی است.

اینجانب بخش هایی از فقه استدلالی را در دارالتبلیغ اسلامی و بخش های دیگر را در درس برخی از آیات همچون: فاضل، سبحانی، شیرازی و دیگران گذراندم اما عمده ترین استادم در (خارج فقه و اصول، تفسیر، عقاید، معارف اسلامی و هنر نویسندگی)؛ آیت الله مکارم شیرازی بود که چیزی حدود یک دهه یا یک دوره کامل در درس های متنوع ایشان به ویژه خارج فقه و اصول شرکت نموده و مباحث را خلاصه نگاری و با دوستان مباحثه کردم و به استاد ارائه دادم و بارها مورد تشویق کتبی و شفاهی او قرار گرفتم. دوره ی نویسندگی و ترجمه را از دارالتبلیغ آغاز نمودم و همزمان با تلاش و تمرین بسیار دوبار دوره تخصصی ترجمه را گذراندم و آن گاه به ترجمه مقالات و کتاب ها پرداختم که اینک به لطف خدا دهها اثر مطرح به صورت تألیف و ترجمه از اینجانب چاپ شده و برخی از آنها رتبه اول را آورده است.

فراتر از یک دهه پیش، توفیق پژوهش های قرآنی روزی این بنده ناچیز شد و از سوی برخی از مراکز قرآنی از جمله دارالقرآن آیت الله گلپایگانی به همکاری دعوت شدم. این راه نیز تاکنون به صورت تلاش فردی و گروهی ادامه یافته است که ره آورد آن چندین کتاب و مقاله چاپ شده و نیز ترجمه وزینی از قرآن است که از نظر دقت در ترجمه و انتخاب واژه ها و زیبایی جمله ها در همایش اهل قلم رتبه نخست را آورده است.

کرمی، قدرت

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۳۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: مهندسی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی مکانیک از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۷، کارشناسی ارشد مهندسی مکانیک از دانشگاه امپریال کالج لندن در سال ۱۳۵۹ و دکترای مهندسی مکانیک از دانشگاه امپریال کالج لندن در سال ۱۳۶۲.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه کاردیف انگلستان از سال ۱۳۶۳ تا سال ۱۳۶۴، استادیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۶۴ تا سال ۱۳۶۷، دانشیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۶۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

کاربرد روش اجزاء مرزی برای حل معادله پواسان، کاربرد روش اجزاء مرزی برای انتقال حرارت، تدریس روش اجزاء محدود، متد محاسبات عددی، مکانیک محیطهای پیوسته و طراحی اجزاء در دانشگاه شیراز استاد راهنمای ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

کاربرد روش اجزاء مرزی در مهندسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۱

زمینه علمی مقالات:

کاربرد روش اجزاء مرزی در مهندسی، موضوعات گوناگون مهندسی مکانیک.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کرمی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۴۰ ق)، عالم دینی، فقیه و شاعر. در نجف به دنیا آمد. وی دخترزاده‌ی آیت‌اللّه شیخ حسن مامقانی است. سطوح را در خدمت مدرسین بزرگ آنجا خواند. در ۱۳۴۱ ق به قم مهاجرت نمود و در حوزه‌ی درس آیت‌اللّه حجت کوه کمری حاضر شد و تا پایان عمر آن استاد از فقه و اصول وی استفاده نمود و مدت پنج سال هم در درس آیت‌اللّه بروجردی شرکت کرد و از محضر آیات دیگر نیز بهره‌مند شد، و ضمنا خود به تدریس فقه و اصول پرداخت تا در اواخر عمر پدرش، به اصرار پدر، به خوزستان مهاجرت کرد و در اهواز اقامت گزید و به وظائف دینی مشغول شد. وی اشعار زیبایی نیز دارد. از آثار وی: احداث مسجدی در حویزه، حسینه‌ای در حویزه و مدرسه در اهواز است. وی دارای بیست و شش جلد مؤلفات در علوم مختلف اسلامی است. از آثار علمی‌اش: «الحیاة الروحیة»، در چهار مجلد؛ «التقریب الی حواشی التهذیب»؛ «الوشاح علی الشرح المختصر لتلخیص المفتاح»، سه مجلد؛ «نتایج الفکر فی شرح الباب الحادی عشر»، چهار جزء؛ «طریق الوصول الی کفایة الاصول»، چهار جزء؛ «القول الجامع فی تحریر فروع الشرایع»؛ «بحوث و آراء»، دو مجلد؛ «التحفة المحمدیة»؛ «عواطف ثائرة».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار الحجة (۱۰۹/ ۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۵۴ -۱۵۲/ ۳).

کرمی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین کرمی اسفه

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۴/۱۲

تصویر بزرگتر

زندگینامه علمی

مقاطع ابتدایی و راهنمایی را در شهرستان شهرضا گذراندم و سپس وارد شهرستان قم شده و در مدرسه علمیه منتظریه (حقانی) پذیرش شدم (در سال ۱۳۶۵)، در سال ۱۳۸۵ در مؤسسه «در راه حق» یک دوره صد روزه درباره مباحث نقد و بررسی مارکسیسم را گذراندم. در همان سال و در آزمون ورودی مؤسسه در راه حق برای گذراندن یک دوره ۶ ساله الهیات و معارف اسلامی پذیرش شدم، در این دوره دروس (فلسفه، تفسیر قرآن کریم، فلسفه اخلاق، منطق شفا و اخلاق) را نزد استاد آیة الله مصباح و پاره

ای دیگر از دروس را نزد اساتید دیگر فرا گرفتم.

پس از آن به دوره تخصصی اقتصاد در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) وارد شدم. در سال ۱۳۶۷ همزمان با دروس تخصصی اقتصاد برای انجام پژوهش اقتصاد اسلامی به دفتر همکاری حوزه و دانشگاه که اکنون «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» نام گرفته است راه یافتم و تاکنون در آن پژوهشگاه به پژوهش اشتغال داشته ام. اکنون نیز در مقطع دکترا در رشته اقتصاد پژوهش مشغول به تحصیل هستم. همراه این تحصیلات و پژوهشها، دروس متداول حوزوی را ادامه دادم و پس از اتمام سطح از محضر اساتید بزرگی، خارج فقه و اصول را استفاده نموده ام. در ضمن تحصیل، اقدام به نوشتن رساله شش سال درس خارج نموده و در سال ۱۳۷۶ موفق به دریافت مدرک آن از حوزه علمیه قم شدم.

کرمی، محمدمهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی کرمی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد مهدی کرمی در سال تحصیلی ۱۳۵۴ ـ ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه قم، مدرسه علمیه منتظریه (حقانی) شدم. ادبیات عرب، منطق و اصول الفقه مقدماتی را در آنجا گذراندم و ادامه مباحث فقه و اصول را در حوزه علمیه به طور آزاد تا سال ۱۳۶۰ ادامه دادم. سپس در درس خارج اساتید: «آیت الله وحید خراسانی»، «آیت الله تبریزی»، «آیت الله مظاهری»، «آیت الله هاشمی شاهرودی» و «آیت الله خرازی» شرکت نمودم.

همزمان در موسسه (در راه حق) بخش آموزش، ابتداء کلاس های پاسداری از سنگرهای ایدئولوژیک استاد مصباح و سپس در دروس تخصصی و عمومی اقتصاد شرکت نمودم. این آموزش ها در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) و موسسه آموزشی، پژوهشی امام خمینی (ره) ادامه یافت که در سال ۱۳۷۷ با تکمیل واحدهایی از دروس باقیمانده و تدوین پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی فقهی جبران کاهش ارزش پول و آثار اقتصادی آن» مدرک کارشناسی ارشد اقتصاد را از موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) دریافت نمودم.

از سال ۱۳۶۹ به عضویت دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه) در آمدم و در سال ۱۳۸۰ به عضویت هیئت علمی و تا سال ۱۳۸۳ به تحقیق پیرامون اقتصاد اسلامی پرداختم. هم اکنون به تدوین رساله سطح چهارم حوزه علمیه قم تحت عنوان «حقوق معنوی» مشغول می باشم.

کروسی، عبدالحمید

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالحمید کروسی متوفی ۱۳۱۹ ق از بزرگان علماء همدان و جامع معقول و منقول و سائر فنون ادبیه و ریاضیه از شاگردان علامه سید حسین کوه‌کمره‌ای و میرزا حبیب‌اللّه رشتی و در سامرا از محضر میرزا بزرگ شیرازی استفاده نموده و آنگاه به همدان برگشته و قیام به وظائف دینی از تدریس و اقامه جماعت و وعظ نموده است.

علامه تهرانی درباره وی گوید : و کان مقدما علی معاصریه جامعا للمعقول و المنقول و سائر الفنون الادبیه و الریاضیه و غیرها و کان واعظا بارعا و منشا بلیعا و شاغرا ادیبا ضابطا متضلعا عادلاثقه ورعا تقیا ذکیا عارفا مهذبا و کان خطه فی غایه الجوده ایضا...

وی را در اواخر ناصرالدین شاه جلب به تهران نمودند چنانچه قرین او آقا شیخ عبداللّه همدانی را هم جلب نمودند در اثر معارضه بر علیه شیخیه. پس در مسجد جامع تهران اقامه جماعت نموده و بعد به منبر رفته و مردم را موعظه و تبلیغ و ارشاد می‌نمود و عموم طبقات به وی توجه و اقبال مخصوص داشتند تا در آخر ماه شوال ۱۳۱۹ ق در همدان وفات نمود و حواشی بسیاری بر کتب معقول و غیره از خود به یادگار گذارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

کرونی مظاهری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن محمّد، عالم فاضل زاهد ورع، از فضلای گوشه نشین. در یکی از مساجد محّله پاچنار امامت می‌نمود. در شب ۱۲ ربیع الاول ۱۳۷۵ وفات یافته، در بیرون بقعه مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کرونی، سینا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی قلی خان فرزند ملک محمد کرونی، ادیب و شاعر گران مایه، در رمضان ۱۲۹۳ متولد شده، اندکی تحصیل نمود، سال‌ها در مدرسه‌ی شاهزاده‌ها ساکن، و حجره‌ی او مرکز ارباب دل، و مجمع اصحاب راز بود. غزل را در نهایت استادی می گفت.

در اواخر عمر در فرهنگ استخدام شده، به شغل آموزگاری مشغول شد، و در سنین آخر به مرض جنون مبتلا گشته، شوریده وضع به سر می‌برد.

در سال ۱۳۵۳ در حدود کرون مولد خود وفات یافته، همانجا مدفون گردید. قسمتی از دیوانش در ۱۳۲۷ قمری به طبع رسیده، و قسمتی دیگر را ظاهرا برخی از معاشرینش سرقت نموده، و به همین جهت او را دچار اختلال حواس کردند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کرهرودی سلطان آبادی، محمد باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۵ -۱۲۵۷ ق)، عالم دینی، فقیه و زاهد. سطوح را نزد سید عبدالرحمان کرهرودی فراگرفت. آن گاه به ملایر رفت و نزد آخوند ملا احمد ملایری به شاگردی پرداخت. او همچنین مدتی در نجف در محضر شیخ انصاری تلمذ کرد، سپس به ایران بازگشت و مدتی در تهران به تدریس مشغول شد. سرانجام در کنگاور سکنی گزید و همان جا درگذشت. قبرش در آنجا به قبر آقا معروف است. از او در فقه و اصول مؤلفاتی باقی است. از آثارش: رساله‌ای در «قسامه» و احکام آن؛ «رساله عملیه» فارسی، در عبادات؛ شرح «الدرة» سید مهدی بحرالعلوم طباطبائی؛ شرح «میمیة» ابن‌الفارض به نام «کشف الرموز»؛ «الاشارات»؛ «فرائد الدرر»، در علم لوح و قدر؛ «المواسعة و المضایقة»؛ رساله «علم الکلام»؛ رساله‌ای، در اصول، در «مباحث الالفاظ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۹۰ -۱۸۹/ ۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۲۱/ ۱۴)، معجم المؤلفین (۹۵/ ۹).

کرهرودی، حیدر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر و خطاط. میرحیدر از رجال نامی دربار صفویه بود و در خطاطی و غزلسرایی مهارت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۰۳)، الذریعه (۲۷۰/۹)، مجمع الخواص (۸۳).

کریم زاده، صمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر صمد کریم زاده در سال ۱۳۱۸ در روستای علی بیک کندی از توابع ارسباران بدنیا آمد. ایشان دارای دکتری رشته برنامه ریزی آموزشی از دانشکده علوم تربیتی دانشگاه آنکارا-ترکیه در سال ۱۳۶۱ می باشد. وی پس از اخذ دکتری به عضویت هیئت علمی دانشگاه تبریز در آمدایشان در ۲۵ اسفند ماه سال ۱۳۸۰ پس از چند دهه فعالیت در عرصه های علمی و پژوهشی به افتخار بازنشستگی نائل آمد.وی هم اکنون به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن مشغول به خدمت است. گروه : علوم انسانی رشته : علوم تربیتی گرایش : برنامه ریزی آموزشی والدین و انساب : پدر صمد کریم زاده مصیب فرزند مرحوم حاج فولاد فرزند حاج کریم بود.که در موقع صدرور شناسنامه برای اولین بار در کشور مامور ثبت نام خانوادگی آنها را به همین مناسبت "کریم زاده " انتخاب نموده است. نام مادر محترمشان مرحومه خانم ثریا فرج زاده فرزند حاج اسدالله می باشد.دکتر کریم زاده تک فرزند خانواده است.خاطرات کودکی : صمد کریم زاده از دوران کودکی خود چنین به یاد دارد": من در سال ۱۳۱۸ در خانواده ای

مذهبی منطقه ارسباران که در شمالی ترین نقطه ایران است بدنیا آمدم.این منطقه به علت دوری از مرکز استان و نزدیک بودن به مرز همسایه شمالی امنیت اجتماعی و رفاهی مناسبی برخوردار نبود و بویژه اتفاقاتی مثل بحران اقتصادی سال ۱۳۲۰ که موجب قحطی شدید در منطقه شده بود و مرد از نواحی مرزی گروه گروه به سوی شهر تبریز کوچ می کردند و با پای پیاده و همراه با زن و بچه به راه افتاده بودند و در طول سفر با مشکلات عدیده ای روبرو می شدند که زبان از گفتن آنها عاجز است. پدر بزرگم دستور داد محلی مثل تکیه های امروزی تشکیل دهند و مایحتاج انها را از قبیل نان ،گندم و پوشاک و محلی برای بیتوته آنان که اغلب مساجد روستا ها بود فراهم سازد بطوری که صحنه های زشت و زیبای آن وقایع هنوز هم از جلوی چشمان من دور نمی رود ".از دیگر خاطرات دوران کودکی کریم زاده رفتن او به مدرسه همزمان با غائله فرقه دموکرات آذربایجان در سال ۱۳۲۴ بود که تا ۲۱ آذر سال ۱۳۲۵ به طول آنجامید.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : صمد کریم زاده در خانواده ای مذهبی و کشاورز بدنیا آمد .پدر ایشان دارای مدرک دیپلم بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : صمد کریم زاده تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر تبریز به پایان رسانید و در سال ۱۳۴۰ موفق به اخذ دیپلم رشته طبیعی گردید. او در سال ۱۳۴۱ در دانشکده ادبیات دانشگاه تبریزدر رشته فلسفه و علوم تربیتی پذیرفته شد و در سال ۱۳۴۴ دوره کارشناسی را به پایان رسانید.در سال ۱۳۵۸ مدرک کارشناسی ارشد و در سال ۱۳۶۱ درجه دکتری رشته برنامه ریزی آموزشی را از دانشگاه آنکارا اخذ کرد.خاطرات و وقایع تحصیل : صمد کریم زاده از دوران تحصیل خود وقایع زیادی را شاهد بوده و از آنها خاطراتی به یاد دارد که می توان به چند مورد زیر اشاره کرد: – تقارن شروع تحصیل ایشان با غائله آذربایجان در سال ۱۳۲۴–۱۳۲۵ –وقایع مبارزات مصدق و شاه درسال ۱۳۳۲ – اعتصابهای دانشجویی در سال ۱۳۴۲ – ۲۹ بهمن سال ۱۳۵۶ در تبریز – انقلاب اسلامی و جنبش های دانشجویی در سال ۱۳۵۷فعالیتهای ضمن تحصیل : صمد کریم زاده در طول تحصیل در تمام مقاطع به تحصیل می پرداختند ودر تابستانها هم در امر کشاورزی به پدر خود کمک می کرد.استادان و مربیان : آقای حسین رحیمی اصل(نخستین معلم دکتر کریم زاده)،دکتر مرتضی الستی ،استاد محقق ،دکتر محمد نقی براهنی(از استادان ایرانی در مقطع کارشناسی)، پروفسور فاطمه وارش ،پروفسور الحان آکونو پروفسور حفظی دوغان (از استادان ترکیه ای در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری) از استادان و مربیان صمد کریم زاده بوده اند.هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره ایها و همکاران صمد کریم زاده می توان به چند موارد زیر اشاره کرد: همدوره ایها : هوشنگ ناظر ،دکتر اسکندر طالبی،دکتر مختار امامی فر ،دکتر کاظم روحی لاله ،سید تقی میر طباطبایی ،مهندس سید یعقوب خاتمبان اسکویی همکاران : دکتر خلیل سلطان القرائی ،دکتر پرویز سرندی ،دکتر اسکندر فتحی آذر ،دکتر محمد نیروی وند ،دکتر غلامعلی سرمدی و دکتر احمدی زندی و دکتر سیف الله بهاریهمسر و فرزندان : صمد کریم زاده متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم اکرم دستی باهر(دارای مدرک کارشناسی زبان و ادبیات فارسی و دبیر دبیرستان های تبریز) و سه فرزند بنامهای مهناز (دبیر فیزیک دبیرستانهای تهران) ،فرح ناز (دکتری زمین شناسی) و سحر دانشجوی رشته میکروبیولوژی می باشد.وقایع میانسالی : از خاطرات تلخ صمد کریم زاده فوت پدر و مادرش می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای صمد کریم زده به شرح زیر است: – دبیر دبیرستانهای ملایر از سال ۱۳۴۴ – دبیر دبیرستانهای تبریز از سال ۱۳۴۷–۱۳۵۲ و از سال ۱۳۶۱–۱۳۶۲ – مدرس مراکز تربیت معلم تبریز از سال ۱۳۵۲–۱۳۵۶ – تدریس در دانشگاه تبریز از سال ۱۳۶۲–۱۳۸۰ – تدریس در دانشگاه ازاد اسلامی واحد تبریز از سال ۱۳۶۷ تا کنون – تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن – سمت مدیریت امور آموزشی و پژوهشی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تبریز از سالهای ۱۳۶۴ – مدیر کل خدمات اموزشی دانشگاه تبریز در سال ۱۳۶۷ بمدت شش ماه – معاونت آموزشی و پژوهشی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تبریز در سال ۱۳۶۸ بمدت سه سال – مدیر کل خدمات آموزشی دانشگاه تبریز در سال ۱۳۷۰ بمدت هفت سال – سمت مدیر یت دفتر گروه نظارت و ارزیابی وزارت علوم و تحقیقات از سال ۱۳۷۹تا پایان سال ۱۳۸۰ – نماینده تام الاختیار دانشگاه جهت همکاری با سازمان سنجش آموزش کشور در اجرای آزمونهای سراسری بمدت ۸ سال – عضو یت در کمیته ها وبرنامه ریزی آموزشی و پرورش استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۷۴ بمدت دو سال – نماینده دانشکده در کمیته علوم تربیتی ستاد انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۴ بمدت دو سال – عضویت در کمیته امور اجتماعی مجمع مشورتی برنامه ریزی و توسعه استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۷۴بمدت دو سال – عضو کمیسیون آموزشی دانشگاه بمدت ۱۲ سال – نماینده منتخب کمسیون آموزشی در شورای دانشگاه تبریزدر سال ۱۳۷۰ و مجدد در سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۷۶ (جمعا ۷ سال) – عضو ستاد امور ایثارگران دانشگاه تبریز در سال ۱۳۷۱ – عضو کمیسیون موارد خاص دانشگاه تبریز در سال ۱۳۷۲ و مجدد در سال ۱۳۷۵(جمعا بمدت ۶ سال) – نماینده دانشکده در شورای کامپیوتر دانشگاه از سال ۱۳۶۷–۷۴ – نماینده دانشکده در کمیته کتابخانه در سال ۱۳۷۴ بمدت دو سال – عضو کمیته تحصیلات تکمیلی دانشکده از سال ۱۳۷۴ بمدت ۴ سال – نماینده اعضاء هیئت علمی دانشکده در کمیته ارتقاء در سال ۱۳۶۹ بمدت دو سال – انتصاب به سمت مدیر داخلی فصلنامه علوم تربیتی و رشته های وابسته دانشگاه ازاداسلامی واحد رودهن از سال ۱۳۸۴ فعالیتهای آموزشی : فعالیت های آموزشی صمد کریم زاده به شرح زیر است: – تدریس در دبیرستانهای ملایر،تبریز – تدریس در مراکز تربیت معلم تبریز – تدریس در دوره های کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز – تدریس در دوره های کارشناسی ارشد مراکز مدیریت دولتی استان آذربایجان شرقی طی سالهای متمادی – تریس در دوره های کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رود هن و تهران مرکزیجوائز و نشانها : صمد کریم زاده لوح و تقدیر نامه های از سوی ریاست محترم دانشگاه تبریز،معاونت آموزشی دانشگاه تبریز،استاندار استان آذربایجان شرقی،معاونت هماهنگ کننده سپاه پاسداران ناحیه آذربایجان شرقی ،بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی آذربایجان شرقی ، مدیریت دفتر امور ایثارگران و شاهد دانشگاه تبریز ،ریاست دانشکده روانشناسی و علوم اتماعی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی(انتخاب به عنوان استاد مشاور و داور نمونه پایان نامه های دانشجویی در سال ۱۳۸۰)و ریاست دانشگاه آزاد (بخاطر دریافت درجه علمی – پژوهشی فصلنامه) دریافت کرده است.چگونگی عرضه آثار : – تعداد پایان نامه کارشناسی ارشد راهنمای شده توسط صمد کریم زاده : ۶ پایان نامه – تعداد مقالات منتشر شده در مجلات معتبر علمی : ۵ مقاله – تعداد مقلات ارائه شده در همایشها و کنفرانسهای علمی : ۷ مورد – تعداد جزوات درسی : ۵ جزوه (برنامه ریزی آموزشی و درسی،اقتصاد آموزش و

پرورش،جامعه شناسی اموزش و پرورش ،آموزش برنامه ای ،کاربرد نگرش سیستمی در برنامه ریزی و مدیریت آموزشی) – تعداد کتابهای تالیفی: دو تالیف آثار : راهنمای علمی روشهای تحقیق در علوم رفتاری ویژگی اثر : تالیف– انتشارات فرهنگ سبز – ۱۳۸۵۲ مباحث اساسی اقتصاد اموزش و پرورش ویژگی اثر : تالیف– دانشگاه آزاد واحد اسلامی واحد تهران مرکزی–۱۳۸۳

منابع زندگینامه :تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر صمد کریم زاده بنا به درخواست بنیاد ایران شناسی – پاییز ۱۳۸۶

کریم، گیتی

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: بهداشت مواد غذائی، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی بهداشت مواد غذائی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵، اخذ درجه (MPH) یاماستر بهداشت عمومی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۸، اخذ درجه (MSC) از دانشگاه ردینگ در زمینه علوم غذائی (علوم و صنایع شیر).

مرتبه علمی:

کارشناس دانشکده بهداشت دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۵، مربی گروه بهداشت مواد غذائی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۲، استاد گروه بهداشت مواد غذائی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۲ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه در مورد آلوده کننده‌های مواد غذائی (سموم میکروبی، سموم شیمیائی و داروئی)، مطالعه در مورد ترکیبات شیر و فرآورده‌های آن، مسمومیت و عفونتهای غذائی، مشاوره، راهنمائی و نظارت بر ۷۰ پایان‌نامه دکترای دامپزشکی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

بهداشت مواد غذائی، بهداشت صنایع شیر.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

بهداشت مواد غذایی و بهداشت صنایع شیر.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کریمان، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۲ –۱۲۹۲ ش)، نویسنده، استاد دانشگاه و ادیب. در تهران به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در ۱۳۲۲ ش موفق به اخذ لیسانس ادبیات فارسی از دانشسرای عالی گردید. در ۱۳۲۴ ش برای فراگیری علوم دینی و معارف اسلامی به قم رفت. در سن ۱۳۳۵ ش موفق به دریافت دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران شد. خدمات تدریسی و تعلیمی خود را از دبستان آغاز نمود و تا تدریس در دانشگاه‌های تهران و شهید بهشتی (ملی سابق) پیش رفت و در این زمان تحقیقاتی نیز انجام داد. وی فعالیت‌های زیادی در زمینه‌ی جغرافیای تاریخی و رسم نقشه‌ها داشت. دکتر کریمان از مؤلفان «دایرهٔ المعارف تشیع» بود. از آثار وی: «جغرافیای شهرستان قم»؛ «طبرسی و مجمع البیان»، در دو مجلد؛ «ری باستان»، در دو مجلد؛ «قصران»، در دو مجلد؛ «آثار بازمانده از ری»؛ «تهران در گذشته و حال»؛ «سیره و قیام زید بن علی». علاوه بر اینها بیش از هشتاد مقاله و رساله در موضوعات دینی و علمی و ادبی و تاریخی نوشته است.[۱]

محقق، استاد.

تولد: ۱۷ آبان ۱۲۹۲، حومه‌ی تهران (رودبار قصران).

درگذشت: ۳۰ آذر ۱۳۷۲.

حسین کریمان دارای کارشناسی در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشسرای عالی در سال ۱۳۳۲ بود. در سال ۱۳۲۴ برای فراگیری علوم دینی و معارف اسلامی به قم مهاجرت نمود. در سال ۱۳۳۵ در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران موفق به اخذ درجه‌ی دکتری گردید.

از آن پس به تدریس و تحقیق در دانشگاه‌های تهران و شهید بهشتی پرداخت. در سال ۱۳۴۲ به کسب درجه‌ی دانشیاری و در سال ۱۳۴۶ به مقام استادی رسید.

اهم تألیفات وی به شرح زیر است: فرهنگ‌نویسی در ایران و فرهنگ‌هایی که تاکنون نوشته شده است (۱۳۲۲ -۱۳۲۱)؛ قم را بشناسید (۱۳۲۸)؛ طبرسی و مجمع البیان؛ ری باستان؛ برخی از آثار بازمانده از ری قدیم (۱۳۵۰)؛ تهران در گذشته و حال (۱۳۵۵)؛ قصران (۱۳۵۶)؛ سیره و قیام زید بن علی (۱۳۶۴، این کتاب در چهارمین دوره‌ی کتاب سال به عنوان کتاب برگزیده در رشته‌ی تاریخ اسلام انتخاب شد)؛ تصحیح و تعلیق دیوان شمس به اتفاق دکتر یزگردی و با اشرف فروزانفر.

حسین کریمان در سن هشتاد سالگی به سبب سکته‌ی قلبی درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۲۴۹، ۱۸۱۲/ ۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۹۳)، کیهان فرهنگی (س ۲، ش ۸، ص ۱۱ -۳، س ۱۰، ش ۹، ص ۶۵).

کریمی پور، یدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر یدالله کریمی پور در سال ۱۳۳۵ در شهرستان بهبهان بدنیا آمد. تحصیلات اش را در رشته جغرافیای طبیعی شروع کرد و تا مقطع دکترا پیش رفت و موفق به اخذ دکترای رشته جغرافیای سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس (در سال ۱۳۷۱) گردید.ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تربیت معلم تهران می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاگرایش : جغرافیای سیاسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی دکتر یدالله کریمی نژاد به قرار زیر است: کارشناسی رشته جغرافیای طبیعی از دانشگاه تربیت معلم در سال ۱۳۶۱ کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۶۷ دکترای رشته جغرافیای سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۱همسر و فرزندان : یدالله کریمی نژاد متاهل و دارای ۴ فرزند می باشد.فعالیتهای آموزشی : یدالله کریمی نژاد عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تربیت معلم تهران می باشد.ایشان در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه های تربیت معلم ،تربیت مدرس و شهید بهشتی به امر تدریس اشتغال دارد.چگونگی عرضه آثار : یدالله کریمی نژاد دارای بیش از ۱۲ مقاله چاپ شده در مجلات علمی-پژوهشی ،و ۱۲۳ مقاله منتشر شده در مطبوعات و جراید می باشد.ایشان همچنین ۱۱ طرحپژوهشی و سه طرح ملی را در کارنامه فعالیت های پژوهشی خود دارد.آثار : مقدمه ای بر ایران و همسایگان ویژگی اثر : موضوع: علوم سیاسی نویسنده :یدالله کریمی پور سال انتشار:۱۳۸۰ نوبت چاپ: اول تعداد صفحات : ۲۴۳ ناشر : جهاددانشگاهی واحد تربیت معلم ۲ مقدمه ای بر تقسیمات کشوری ایران ویژگی اثر : تالیف،در دو جلد

کریمی طاهری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی متالورژی، دانشکده: مهندسی متالورژی، دانشگاه: صنعتی شریف

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

مهندسی مکانیک و دکترا در رشته متالورژی.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده مهندسی متالورژی دانشگاه صنعتی شریف.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شکل دادن فلزات و مواد، ایجاد خواص مورد نظر در فلز مورد آزمایش بوسیله عملیات ترومکانیکال، بهینه‌سازی کامپیوتری شارژ کوره قوس الکتریک تولید فرو منگنز، ساخت و خواص ورقه‌های فولادی دارای استحکام بسیار بالا، ساخت کامپوزیت‌های چند لایه فلزی، ساخت و خواص پودر فلزات، ساخت و خواص یک آلیاژ حافظه‌دار، اصطکاک در فورجینگ، ساخت مغناطیس‌های نرم و سخت، جوش سرد و کاربرد آن در ساخت تسمه‌های دو لایه و سه لایه، اثر پیر سختی بر قابلیت تغییر فرم فولاد، اکستروژن گرم و سرد، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

مقاومت مصالح، متالورژی مکانیکی، مکانیک محیطهای پیوسته، شکل دادن فلزات، آلیاژهای غیرآهنی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

پیرسختی در فولاد، مغناطیس نرم، ساخت تسمه‌های دو لایه و سه لایه، طراحی فورجینگ به کمک کامپیوتر، اکستروژن مس

تجاری.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کریمی گلپایگانی، محمدکریم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملا محمدکریم بن العلام الفهام آخوند ملا محمد جد کریمیهای ساکن رباط ابلولان گلپایگان عالمی بزرگوار بوده که در بعضی از نوشته‌جات موجوده تعبیر از او به مجتهدالزمان شده قسمتی از تحصیلات ایشان در گلپایگان و بقیه تا رسیدن به مرتبه کمال و اجتهاد در بروجرد و اصفهان در نزد بزرگان علماء و فقهای وقت و زمان انجام گرفته تألیفاتی داشته که به چاپ نرسیده و از بین رفته فقط بعضی از اوراق علمی پراکنده از ایشان باقی است.

وی دارای چهار فرزند روحانی بوده که اکبر ایشان مرحوم حجةالاسلام آمیرزا محمد کریمی است که از شاگردان مرحوم آقا سید محمد مهدوی بوده دوم علام فهام مرحوم آقا میرزا علی محمد که صهر و داماد آقا سید محمد مذکور بوده و این دو از ائمه جماعت و مروجین و موجهین بوده‌اند سوم عمادالاعلام مرحوم آمیرزا محمدعلی کریمی و چهارم مرحوم آخوند ملاعلی کریمی وفات مترجم محترم مادر لیله عاشورای ۱۳۱۱ قمری اتفاق افتاده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

کریمی والا، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا کریمی والا

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر در سال ۱۳۷۰ افتخار ورود به حوزه را کسب نمودم. ابتدا در حوزه علمیه حضرت ولی عصر (عج) شهرستان بناب مشغول تحصیل شدم و تا سال ۱۳۷۴، پایه ششم را تمام نمودم. سال ۱۳۷۴ عازم قم شدم و دروس سطح را آغاز کردم و از محضر اساتید فیض بردم. در سال ۱۳۷۵ وارد دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی موسسه امام خمینی (ره) شده و در سال ۱۳۸۰ پایان نامه این دوره را دفاع نمودم سپس به مدت دو سال به حوزه علیمه بناب برگشتم و دروس مقدمات را در این حوزه تدریس کردم.

بعد از بازگشت به قم شروع به تدوین پایان نامه سطح چهار نمودم و در سال ۱۳۸۵ پایان نامه را دفاع کردم. ضمنا از سال ۷۷ الی ۸۱ در درس خارج شرکت می کردم. همچنین از ۸۳ الی ۸۶ در دروس خارج شرکت می کردم. حقیر به مدت ۸ ترم در دانشگاه آزاد تهران جنوب، به مدت ۴ ترم در دانشگاه تربیت معلم تهران، به مدت ۲ ترم در دانشگاه قم، همچنین امسال یعنی (۸۷ – ۸۶) مشغول تدریس بدایة المعارف و شرح لمعه در حوزه علمیه مدرسه معصومیه بودم و مشغول تدریس دروس معارف بودم.

کریمی، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جعفر کریمی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۸/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت الله سید جعفر کریمی در سال ۱۳۰۹ هجری شمسی در روستای دیوکلا از توابع بابل و در میان خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پدرش مرحوم سید رضا کریمی، که به درخواست والده فاضله‌اش و تشویق دایی خود مرحوم آیةالله العظمی حاج سید احمد استاد

مصمم بود به تحصیل علوم دینی مشغول شود. در اثر فوت والده و نیز پیش آمد مشکلات دیگر ناگزیر به پیشینه کشاورزی روی آورده و از تحصیل بازماند. مادرش نیز زنی پاکدامن و روحانی زاده بود که نقش بسزایی در تربیت فرزند خود ایفا می‌کرد.

اقوام آیت الله کریمی بیشتر از طبقهٔ برجسته و بنام روحانیان بودند و برای اشتغال به تحصیل علوم دینی ارزش فراوان قائل می‌شدند. دوران کودکی آیت الله کریمی با اوج ستم رضا خانی همراه بود. او تا پایان شهریور ۱۳۲۰ تنها به فراگیری قرآن در مکتب خانه بسنده کرده بود و از سال ۱۳۲۱ برای فراگیری مقدمات، به نزد ثقهٔ الاسلام سید محمود موحدی رفت و بخشی از جامع المقدمات را فرا گرفت. از مهرماه ۱۳۲۳ به حوزه علمیه بابل رفت و تا مهر ۱۳۲۶ در محضر استادان و عالمان آن حوزه به فراگیری ادبیات عرب اشتغال داشت. در مهرماه ۱۳۲۶ عازم قم شد تا در حوزه علمیه قم و در محضر استادان و عالمان آن دیار، پله‌های پیشرفت علمی و عملی را بپیماید. دروس دوره سطح را تا سال ۱۳۳۲ در محضر استادان برجسته قم به پایان برد و سپس به درس خارج علمای بزرگ حوزه علمیه قم مشرف شد.

در دی ماه سال ۱۳۳۳ به سفارش پدر، به نجف اشرف، مشرف شد تا به محضر استادان آن حوزه عظیم نیز شرفیاب شود. حضور او در نجف تا سال ۱۳۵۷ ادامه پیدا کرد. در طی سالهایی که امام (ره) در نجف اشرف حضور داشت، همواره به درس ایشان می‌رفت و هنگامی که دولت عراق به محاصره بیت ایشان پرداخته و آن مرجع بزرگ را به خروج از عراق وادار کرده بود، او با گروهی، امام (ره) را تا مرز صفوان بدرقه کرد. او در طی این سالها، خود نیز به تدریس دروسی که آموخته بود پرداخت و نیز از محضر دروس اخلاق استادان خود بهره‌مند بود. آیت الله سید جعفر کریمی در سالهای تحصیل خود، به محضر استادان گرانقدر بسیاری شرفیاب شد. او که بخشی از جامع المقدمات را نزد ثقهٔ الاسلام سید محمود موحدی در زادگاه خود آموخته بود، در حوزه علمیه بابل، دروس مقدمات را نزد حجج اسلام حاج سید حسن استادزاده، حاج شیخ علی موحد، حاج سید محمد محقق، حاج شیخ محمد علی طبرستانی و آیت الله حاج شیخ ولی اللّه مدرس آموخت. در قم نیز دروس سطح را نزد حضرات آیات: صدوقی، شیخ محمد فکور یزدی، طباطبایی و ... به پایان رساند. سپس حدود یک سال در درس خارج آیت الله العظمی حاج شیخ مهدی امامی امیری (ره) و مدتی در درس خارج فقه آیت الله العظمی بروجردی (ره) شرکت کرد. وی در حوزه علمیه نجف نیز، از محضر استادان بسیاری بهره برد.

او مدت هشت سال در دروس خاج فقه و اصول آیت الله العظمی آملی (ره) شرکت کرد. او مدت ۲۴ سال در درس خارج فقه و اصول آیت الله العظمی خویی (ره) حضور داشت و مدت ۱۲ سال نیز در درس خارج فقه آیت الله العظمی شاهرودی (ره) شرکت جست. در میان سالهای یاد شده، مدت چهار ماه به بحث خارج فقه آیت الله العظمی اصطهباناتی (ره) و مدت شش ماه به درس خارج اصول آیت الله العظمی یزدی (ره) رفت. او از مهر ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۳ در درس خارج فقه آیت الله حلی شرکت کرد و مدت ۳ سال در درس خارج فقه آیت الله العظمی حکیم (ره) حاضر شد.

آیت الله سید جعفر کریمی، با ورود حضرت امام خمینی (ره) به نجف اشرف، از سال ۱۳۴۴ تا تیرماه ۱۳۵۷ یعنی آخرین سال حضور امام (ره) در نجف، در درس خارج فقه ایشان، حضور مستمر داشت. آیت الله سید جعفر کریمی، در سالهای تحصیل و پس از آن با بسیاری از طلاب و فضلای آن روز رابطه دوستی و رفاقت داشت که از میان آنها می‌توان از مرحوم آیت الله سید عباس خاتم یزدی نام برد.

زندگی آیت الله کریمی، تاکنون از خدمات علمی و فرهنگی بسیار سرشار بوده است. او در سالهای تحصیل خود تقریرات درس استادان خود را نگاشته است که از میان آنها می‌توان به تقریرات درس خارج فقه حضرات آیات عظام: (حلّی و حکیم) و تقریرات درس اصول آیت الله العظمی خویی اشاره کرد. جلد چهارم تقریرات درس فقه آیت الله العظمی آملی نیز با عنوان «کشف الحقائق عن الفقه الجعفری» به چاپ رسیده است. آیت الله سید جعفر کریمی تا به حال دروس منطق، ادبیات عرب، فقه و اصول تا سطوح عالی را چندین بار تدریس فرموده است و به مدت یک سال در مدرسه عالی قضایی و تربیتی قم و دو سال در مدرسه عالی شهید مطهری و مدرسه علوم قضایی تهران (دانشکدهٔ علوم قضایی) تدریس داشته است. آیت الله کریمی از سال ۱۳۷۰ در حوزه علمیه قم به تدریس خارج فقه قضا اشتغال ورزید و هم اکنون نیز چندین سال است به تدریس خارج فقه عبادات و معاملات می‌پردازد.

امام خمینی (ره) پس از ورود به نجف و ملاحظه نابسامانیهای موجود در آن حوزهٔ شریف، به آیت الله کریمی و دو تن از فضلای حوزه دستور دادند که با مذاکره با بیت آیت الله العظمی خویی (ره)، هیأت مشترکی برای تنظیم برنامه و امتحانات تشکیل دهند که این امر، با کارشکنی برخی از آقایان روبرو شد. از این رو امام (ره) تصمیم گرفت خود، به این امر اقدام نماید و مسئولیت برگزاری امتحانات طلاب و نظارت بر دفتر شهریه را به آیت الله کریمی واگذاشت. در سال ۱۳۴۵، تحقیق و بازنگری و تصحیح رساله عملیهٔ عربی زبدهٔ الاحکام و رسالهٔ فارسی توضیح المسائل از امام (ره) به آیت الله کریمی واگذار کرد و در سال ۱۳۴۶، آیت الله کریمی با همکاری آیت الله خاتم یزدی (ره) کتاب البیع امام (ره) را تحت نظارت و اشراف ایشان، در بهترین اسلوب و در پنج جلد در نجف اشرف به چاپ رسانید. او کتاب خلل صلات امام را نیز به امر معظم له در نجف اشرف تحقیق و تصحیح کرد که بعدها در ایران به چاپ رسید.

آیت الله کریمی از سال ۱۳۴۷ تا پایان مدت حضور امام (ره) در نجف، نوشتن پاسخ استفتائات تحت نظارت امام (ره) را در بیت ایشان به عهده داشت. این مسئولیت در ایران نیز از سال ۱۳۵۸ تا پایان عمر آن مرجع بزرگ، در قم به عهدهٔ ایشان بود. او بارها برای استعلام نظر مبارک امام (ره) در زمینه‌های گوناگون به تهران سفر می‌کرد و با استاد و مراد خود دیدار می‌نمود. با انتخاب آیت الله خامنه‌ای به رهبری انقلاب در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸، و در مرداد همان سال، آیت الله کریمی عهده دار پاسخ دادن به استفتائات ایشان شد که پاسخها با نظارت ایشان، هم اکنون نیز ادامه دارد. از مهر ماه ۱۳۶۸ تاکنون شورای افتای رهبری، غالباً هفته‌ای یک بار با حضور رهبر انقلاب تشکیل می‌شود که آیت الله کریمی همواره در آن حضور دارند. مباحث فقهی و مسائل مستحدثه به صورت استدلالی مورد بحث قرار می‌گیرد. مقام معظم رهبری تنظیم استفتائات در قالب کتاب را نیز بر عهدهٔ آیت الله کریمی نهادند که تاکنون دو جلد آن به چاپ رسیده است. او از زمان حضور امام خمینی (ره) تاکنون در جلسات استفتای بعثهٔ او و بعثهٔ مقام معظم

رهبری حضور دارد و همواره به زائران بیت الله الحرام در مدینه و مکه خدمت می‌رساند. آیت الله کریمی از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۹ در شورای عالی حوزه علمیه قم حضور داشت و به برنامه ریزی درسی و اخلاقی برای طلاب و نیز برقراری جلسات امتحان نهایی طلاب می‌پرداخت.

آیت الله سید جعفر کریمی، از سنین نوجوانی تا به امروز در عرصه‌های گوناگون سیاسی، به انجام دادن وظیفه می‌پرداخته است. او که در سنین کودکی و نوجوانی طعم تلخ استبداد رضاخانی را چشیده بود و حس مبارزه و انگیزه برچینی بساط ظلم در وجودش جوانه زده بود، در سال ۱۳۲۷ به جمع فدائیان اسلام به رهبری شهید مجتبی نواب صفوی پیوست و در صحنه‌های گوناگون مبارزه حضور فعال داشت. پس از کودتای ۲۸ مرداد و اقدام جدّی حکومت ستم‌شاهی بر تعقیب و دستگیری اعضای جمعیت فدائیان اسلام به سفارش پدر برای ادامهٔ تحصیل به نجف اشرف رفت. در سال ۱۳۴۸ رژیم بعثی عراق، قصد انحلال حوزه علمیه نجف را در سر می‌پروراند و امام (ره) تصمیم گرفت با ازدیاد شهریه، طلاب را به درس خواندن و پایداری در برابر رژیم بعثی، تشویق کند؛ اما در حوزه علمیه نجف، افراد مشکوک و ناصالحی وجود داشتند که گاه وابسته به حزب بعث بودند و امام (ره) خوش نمی‌داشت که سهم امام را نصیب آنان کند. از این رو به آیت الله سید جعفر کریمی دستور داد که به پاک سازی حوزه از عناصر وابسته به رژیم بپردازد. این امر باعث شد که آیت الله کریمی با سازمان امنیت عراق درگیر شود و مورد احضار قرار گیرد.

از دیگر فعالیتهای وی در نجف اشرف، ورود به جمع حامیان آیت الله العظمی حکیم (ره) در مبارزه با حزب توده بود. او در کنار بارگاه مقدس علوی همواره یار و مدافع امام (ره) بود و پس از تبعید امام به ترکیه، همواره در معیت دوست دیرین حضرت امام مرحوم حجةالاسلام حاج شیخ نصرالله خلخالی با برقراری جلسات توجیهی در نجف اشرف به حمایت از اهداف امام (ره) در تشکیل حکومت اسلامی می‌پرداخت. و با تنظیم تلگراف و ارسال آن به سفارتخانه‌های دولتهای اسلامی در بغداد آنان را از حوادث دنیای اسلام آگاه می‌ساخت. در سال ۱۳۵۶ اخبار جسته گریخته‌ای مبنی بر سوء قصد به جان امام (ره) به گوش می‌رسید. این اخبار را بیشتر عمال رژیم شاه پخش می‌کردند. امام در تاریخ ۲۷ ذی حجه ۱۳۹۷ هجری قمری، آقایان سید جعفر کریمی، شیخ حبیب الله اراکی، سید عباس خاتم یزدی و رضوانی خمینی را وصی خود قرار داد و وصیت نامه را در پاکتی سر بسته تحویل آنان داد و پشت پاکت نوشته بود: این پاکت نزد جناب آقای سید جعفر کریمی محفوظ باشد و پس از فوت این جانب آن را باز کنند و مطالعه کنند.

آیت الله کریمی، پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی نیز، در مسؤولیتهای گوناگونی به انجام وظیفه پرداخت. او در مرداد سال ۱۳۵۸ با فرمان امام (ره)، داوطلب نمایندگی مجلس خبرگان قانون اساسی شد که با رأی مردم مازندران به آن مجلس راه یافت و در پاره‌ای از موضوعات رابط مجلس و امام (ره) بود. در سال ۱۳۶۰، آیت الله کریمی به نمایندگی از سوی امام (ره) به همراه آیت الله احمدی میانجی (ره) در شورای عالی اقتصاد، بر لوایح قانونی و تنظیم برنامهٔ متناسب با نظام در زمان دولت آقای میر حسین موسوی حضور داشت و در همان سال، با عضویت در دادگاه عالی انقلاب، به بازنگری پرونده‌های محاکم می‌پرداخت. آیت الله کریمی از سال ۱۳۵۸ به عضویت جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در آمد و در طی این سالها، نقش مهم و مثبتی در احیای حوزه‌های علمیه و اعتلای اسلام ناب محمدی ایفا کرده است. او هم اکنون در قم به تدریس بحث خارج فقه معاملات اشتغال دارد و در دفتر مقام معظم رهبری به پاسخ استفتائات و خدمت‌رسانی به مردم انقلابی می پردازد.

کریمی، جلال

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلال کریمی مهرجردی

محل تولد : مهرجرد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب جلال کریمی مهرجردی فرزند «حبیب»، دروس ابتدایی را در مدرسه ابتدایی «فارابی» در مهرجرد و دروس راهنمایی را در مدرسه راهنمایی «ابن سینا» گذراندم. در سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیّه میبد شدم. هر چند در دوران نوجوانی به سر می بردم ولی در راه پیمائی ها و پخش اعلامیه ها و حتی تکثیر آنها بوسیله کاربن، نقش داشتم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی یک سال در حوزه علمیه «مصلای یزد» و مدرسه «خان یزد» تحصیل کردم. در سال ۱۳۶۴ به حوزه علمیّه قم وارد شدم و پایه چهارم را ادامه دادم (از سال ۱۳۵۹ در منطقه محروم سیستان، بلوچستان و منطقه سوسنگرد و ... بودم).

در سال ۱۳۷۳ وارد مرکز تفسیر و علوم قرآن شدم که در سال ۱۳۷۶ در سطح چهار فارغ التحصیل شدم. از سال ۱۳۶۴ شروع به حفظ قرآن نمودم که پس از سه سال، بیش از ۲۰ جزء را همزمان با تحصیل حفظ کردم. از اساتید جامعهٔ القرآن جهت حفظ یک ساله بودم. کارشناس شبکه قرآن سیما و برنامه «آیه های زندگی» در شبکه رادیویی معارف بودم. نشریه پیام و راهنما را تهیه و

ویراستاری می کردم (این نشریه مختص روحانیون سپاه می باشد). تحقیقات دوران مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن نیز دارم.
کتاب روش حفظ قرآن در ۵ مرحله را نوشتم که در دو مرحله چاپ شده است. در آزمون تفسیر قرآن کریم توسط ستاد قرآن کریم، جزء ممتازین بودم که به عمره مفرده اعزام شدم. در چندین مرحله مسابقات حفظ شرکت کردم و رتبه اول را کسب کردم.
از طرف سازمان مدارس علمیّه خارج از کشور، عازم «ساحل عاج» شدم که در معهد اهل البیت (علیهم السلام) تدریس می کردم که برای همه موضوعات تدریسی ام جزوه به زبان عربی نوشته ام.

کریمی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی کریمی ۱۷ آبان سال ۱۳۵۷ در کرج به دنیا آمد.
کریمی در باشگاه‌های نفت تهران، فتح تهران، سایپا تهران، پرسپولیس، الاهلی امارات، القطر قطر، السیلیه قطر و بایرن مونیخ سابقه بازی دارد. او اولین‌بار در سال ۱۹۹۸ در بازی مقابل کویت در بازی‌های آسیایی بانکوک با پیراهن تیم ملی به زمین آمد. کریمی در بازی‌های دور سوم انتخابی جام جهانی ۲۰۰۸ نیز کاپیتان تیم ملی ایران بود که بعد از تیم ملی کنار ماند. وی همیشه پیراهن شماره ۸ را به تن می‌کند. علی کریمی در سال ۲۰۰۵ به باشگاه بایرن مونیخ آلمان پیوست. او پس از علی دایی و وحید هاشمیان سومین بازیکنی بود که در این باشگاه معتبر مشهور به هالیوود بازی می‌کرد.
علی کریمی خیلی زود توانست در جمع نامداران این باشگاه نظیر میشاییل بالاک، سباستین دایسلر، مارتین دمیکلیس، مهمت شول و زی روبرتو برای خود جایگاهی ثابت دست و پا کند. در بازی با هامبورگ وی مصدوم شد و نتوانست در بازی‌های جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان در اندازه‌های واقعی خود ظاهر شود. کریمی همچنین از جمله بازیکنان ایرانی محسوب می‌شود که در لیگ قهرمانان اروپا بازی کرده‌است و در مقابل سالزبورگ اتریش یک گل به ثمر رساند. علی کریمی متاهل است و دو فرزند پسر دارد. پست تخصصی کریمی خط میانی و بازی سازی است. افتخارات علی کریمی: مرد سال فوتبال آسیا در سال ۲۰۰۴

دو بار قهرمانی جام حذفی امارات با تیم الاهلی دبی

قهرمانی لیگ و جام حذفی ایران با پرسپولیس

قهرمانی بازی‌های آسیایی بانکوک با تیم ملی ایران

قهرمانی غرب آسیا با تیم ملی

قهرمانی جام بین قاره‌ای آسیا – اقیانوسیه با تیم ملی ایران

کریمی، علیجان

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیجان کریمی

محل تولد : محلات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از پایان تحصیلات ابتدایی با تشویق والد بزرگوارم راهی حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی به تحصیل مقدمات علوم حوزوی پرداختم و از اساتید نامی چون: (حاج حسن آقا تهرانی، صلواتی، کریمی جهرمی، تقوی اشتهاردی و ...) بهره وافر بردم. در سال ۱۳۵۶ با شروع انقلاب اسلامی به حوزه آزاد وارد شده و در دروس فقه و اصول: «آیت الله بنی فضل» و «وجدانی فخر» شرکت جستم.
در سال ۱۳۵۹ در اولین دوره مدرسه «عالی تربیتی و قضایی طلاب قم» که به منظور تربیت مربی و دبیر بینش دینی از سوی شورای انقلاب تأسیس گردید؛ شرکت کرده و پس از فارغ التحصیلی در دوره کوتاه مدّت، برای تدریس در دبیرستان‌ها راهی شهرستان ایلام شده و به مدّت سه سال در دبیرستانهای این شهر به تدریس پرداختم. در کنار آن به تدریس دروس حوزوی نیز تا حدودی می‌پرداختم.
از سال ۱۳۶۴ مجدداً به حوزه علمیه قم مراجعت نموده و بخشی از دروس حوزه را مجدداً بازخوانی کردم. در سال ۱۳۶۷ در اولین دوره مرکز تربیت مدرس که به منظور تربیت استاد معارف برای دانشگاهها تاسیس گردید شرکت نمودم. پس از فارغ التحصیلی به مدّت پنج ترم در دانشگاه اصفهان و نیز در دانشگاه آزاد اراک، پیام نور ساوه و دانشگاه آزاد محلات به تدریس (معارف، تاریخ اسلام و متون ادبی) پرداختم. ناگفته نماند که در خلال سالهای ۱۳۶۴ ـ ۱۳۶۸ از دروس فقه «آیت الله ستوده» و «علوی گرگانی» بهره می‌بردم.
در سال ۱۳۶۸ در درس خارج فقه «آیت الله منتظری» حاضر شدم و به مدّت هفت سال از محضر ایشان استفاده کردم، از سال ۱۳۷۱

ـ ۱۳۷۳ در درس خارج اصول «آیت الله میرزا جواد تبریزی» شرکت جستم و از سال ۱۳۷۱ تاکنون در مرکز (فرهنگ و معارف قرآن) به پژوهشهای قرآنی اشتغال دارم، حاصل کار تحقیقات این دوره که به صورت کار جمعی صورت می‌پذیرد عبارتند از:

۱. فرهنگ موضوعی تفاسیر در سه جلد.

۲. فرهنگ موضوعی قرآن (۱۰ جلد آن تاکنون چاپ شده) که پیش‌بینی می‌شود به ۳۰ جلد برسد.

در همین سالها مقالاتی نیز تدوین نموده‌ام از جمله: مقاله «مبانی تفسیر عرفانی امام خمینی (ره)» که در سلسله مقالات کنگره اخلاقی عرفانی امام خمینی به چاپ رسید. و در مقاله با عنوان «ویژگیهای جامعه الهی» به ستاد نشر رسانه‌ای مرکز فرهنگ و معارف قرآن ارائه گردید تا در رسانه‌های مکتوب به چاپ رسد. مقاله‌ای نیز با عنوان «حقوق خانواده در قرآن» به بنیاد پژوهشهای مشهد مقدس ارائه شد تا در مجموعه‌ای به چاپ رسد. ناگفته نماند که در خلال سالهای ۱۳۶۴ ـ ۱۳۷۰ از دروس تفسیر «آیت الله جوادی»، درس اسفار «مصباح یزدی» (از طریق نوار)، شفای «بوعلی» (تدریس مصباح یزدی و از طریق نوار)، استفاده بردم و چندی نیز در درس اسفار «انصاری شیرازی» شرکت جسته‌ام.

اینجانب در سال ۱۳۶۷ با وجود مأموریت‌هایی که برای تبلیغ در جبهه داشتم و با توجه به فاصله چند ساله‌ای که با دروس حوزه داشتم مجدداً در امتحانات حوزه از پایه چهارم تا نهم شرکت کردم و در سال ۱۳۶۷ رتبه سوم را کسب نموده و از جانب امام خمینی و آیت الله گلپایگانی (همه ممتازین و از جمله اینجانب) مورد تشویق قرار گرفته و جوایزی به اینجانب اهدا شد و در روزنامه جمهوری آن زمان نیز لیست ممتازین منتشر شد. چند بار در امتحان تفسیر که از سوی ستاد تفسیر قرآن برگزار شده، شرکت کرده و هر بار جز ممتازین بوده و جوایزی دریافت کرده‌ام.

در سال ۱۳۸۲ جهت آماده کردن پرونده خود در شورای مدیریت، جهت نوشتن پایان‌نامه سطح چهارم حوزه در مصاحبه درس خارج شرکت کردم و پس از آن به عنوان کسب رتبه ممتاز از این حین، فوق‌العاده و نیز افزایش شهریه مقام رهبری به مدت یک سال بهره‌مند شدم. اکنون نیز در مرکز (فرهنگ و معارف قرآن) به عنوان عضو شورای علمی گروه به تحقیق در علوم و تفسیر قرآن اشتغال دارم و امیدوارم که خداوند متعال در ظل عنایات خود و حضرت ولی عصر این توفیق را از اینجانب سلب نکرده که تا آخر عمر در خدمت قرآن کریم بوده باشم.

کریمی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بیوگرافی:محمود عباس کریمی فرزندنقی که در سال ۱۳۴۷ در یکی از محله های مذهبی تهران به دنیا آمد.شغل ایشان آزاد ومرتبط با فعالیت های صنعتی می باشد.ایشان درسال ۱۳۷۰ ازدواج نمود واکنون دارای دو فرزند می باشدیک پسر و یک دختر.

.

پدر ایشان درسال۱۳۶۱ درعملیات فتح المبین دردشت عباس مفقودالاثر شدند وبرادر ایشان ابولفضل کریمی نیز در کربلای ۵ شلمچه در سال۱۳۶۵ به درجه شهادت نائل شد ایشان سه برادر به نامهای احمد،محمد وحسین دارد.

ایشان بعد از رفتن پدرشان به جبهه درکناردرس کارهم می کردند وهم مداحی. کار در کارهایی همچون نجاری وبنایی و...

تحصیلات ایشان دانشجوی مدیریت صنعتی در دانشگاه علامه طباطبائی بوده وتعداد۷۴ واحد درسی نیز گذرانده است اما از آنجاییکه حضور در جبهه فرهنگی رامقدم تر می دانسته به سراغ مطالعات مرتبط با بحث های فرهنگی وبه ویژه مداحی رفت و در این زمینه به کسب معارف اسلامی پرداخت.

ایشان اهل ورزش نیز بوده چنانکه دارای کمربند مشکی دان دو دررشته جودو می باشد ودر رشته شین ذن کاراته نیز کمربند سیاه، دان پنج داشته و به شنا خیلی علاقه دارد.

اولین بار مداحی را در سن خردسالی روی پای مرحوم کافی شروع نمود و از چهار سال پیش در جلسات هفتگی ماه رمضان هیات رزمندگان شمیرانات شرکت نموده و تا امروز همکاری می کند

گفتنی است دکتر محمود احمدی نژاد((رئیس جمهور محبوب)) تا به امروز چندین دفعه در هیئت رایهٔ العباس واقع در تهران–شمیران–امام زاده علی اکبر چیذر شرکت کرده است

کریمی، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی کریمی

محل تولد : اردکان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۰/۶/۳۰

زندگینامه علمی

اینجانب مرتضی کریمی متولد ۱۳۶۰ پس از اخذ سیکل در شهرستان اردکان در سال ۱۳۷۴ به قم عزیمت کردم و در مدرسه شهیدین، تحصیلات حوزوی خود را آغاز کردم. دوره سطح را در طول ۷ سال به پایان رساندم. همزمان از سال ۱۳۷۹ دوره کارشناسی رشته کلام در مؤسسه امام خمینی (ره) مشغول تحصیل شدم. از سال ۱۳۸۱ درس خارج را آغاز کردم و در این راستا در دوره تخصصی فقه و اصول مدرسه شهیدین شرکت کردم و از محضر آقای عندلیب و آیت الله تبریزی کسب فیض کردم. پس از اخذ مدرک کارشناسی در سال ۱۳۸۴ از مؤسسه امام خمینی (ره)، در ۴ آزمون کارشناسی ارشد شرکت کردم که در همه آنها رتبه اول را کسب کردم که عبارتند از:

۱. ارشد دین شناسی موسسه امام خمینی (ره)

۲. فلسفه و کلام اسلامی

۳. کلام

۴. ادیان ابراهیمی مرکز مطالعات ادیان و مذاهب که از سال ۱۳۸۴ در مرکز اخیر مشغول به تحصیل در رشته ادیان ابراهیمی شده ام. در طول تحصیل در مدرسه شهیدین در دوره های زبان عربی (۲ سال) و انگلیسی (۳ سال) شرکت کردم و چند سالی است به عنوان مترجم زبان انگلیسی با مراکزی همکاری دارم. چند سالی نیز به عنوان محقق سایت یهود شناسی مؤسسه لوح و قلم با این موسسه و مدتی نیز به عنوان محقق بخش پرسش و پاسخ سایت حوزه نت با این مرکز همکاری داشته ام. آخرین کارهای علمی بنده عبارت است از: ترجمه مدخل ایران از دایرهٔ المعارف اسلام که به زودی به صورت کتاب چاپ خواهد شد و نیز ترجمه مقالاتی پیرامون هولاکاست که با همکاری عده ای از دوستان و با هزینه موسسه لوح و قلم به صورت کتاب چاپ خواهد شد.

کریمی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی کریمی

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

مصطفی کریمی در سال ۱۳۴۸ در روستای «دستجرد» از استان همدان متولد شد. دوره ابتدایی را در روستای خود و دوره راهنمایی و دبیرستان را در شهرستان گذراند. در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه قم شد. حدود هفت سال در دروس خارج فقه و اصول از محضر: «آیت الله سبحانی»، «آیت الله مکارم شیرازی» و «حجت الاسلام و المسلمین لاریجانی» و در تفسیر از محضر: «آیت الله جوادی آملی» و در علوم قرآنی از محضر: «آیت الله معرفت» (حفظهم الله) بهره برد و در کنار دروس حوزه از سال ۱۳۶۹ دوره عمومی پنج ساله موسسه امام خمینی (قدس سره) را گذراند و از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۰، دوره تخصصی تفسیر و علوم قرآنی (کارشناسی ارشد) را به پایان رساند. در مراکز حوزوی و دانشگاهی فعالیتهای علمی وی در سه بخش: مدیریت علمی – آموزشی، پژوهش و تدریس در مراکز حوزوی و دانشگاهی بوده است.

کریمی، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روانشناسی، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی آموزش و پرورش ابتدایی از دانشگاه ابوریحان بیرونی در سال ۱۳۵۰، کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی از دانشگاه ایالتی بال USB آمریکا در سال ۱۳۵۳ و دکترای تخصصی روان‌شناسی تربیتی از دانشگاه ایالتی فلوریدا FSU در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه ابوریحان بیرونی از سال ۱۳۵۶ تا سال ۱۳۵۹، استادیار دانشگاه علامه طباطبایی از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۹ و دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی از سال ۱۳۶۹ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی کتابهای ریاضی دبستانی، بررسی افسردگی در آزادگان، رابطه حمایت اجتماعی با مشکلات رفتاری نوجوانان، تدریس دروس روان‌شناسی یادگیری، روان‌شناسی اجتماعی، تربیتی و روان‌شناسی تغییر رفتار در دانشگاههای علامه طباطبایی و آزاد اسلامی و استاد راهنمای ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

روان‌شناسی تربیتی، تغییر دادن رفتارهای کودکان و نوجوانان، روان‌شناسی اجتماعی، روان‌شناسی شخصیت، واژه‌نامه روان‌شناسی، روان‌شناسی و تفاوتهای فردی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

هوش و شیوه‌های نو در اندازه‌گیری فرد آدمی، قطعیت با تقارن تداعی، اطاعت و فرمانبرداری، طراحی و ارزشیابی یک برنامه مبتنی بر هدف رفتاری در طراحی داخلی، رشد اخلاقی در کودکان و تحقیقات آزمایشی در یادگیری پنهان در هوش، روان‌شناسی و تعلیم و تربیت.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

کریمیان میقلان، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی کریمیان میقلان

محل تولد : فومن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای علی کریمیان در سال ۱۳۴۶ هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان «فومن» دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و شوق ادامه تحصیل در قم، زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه (سلام الله علیها)، وی را رهسپار قم و در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود، ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت (ع)، با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۶ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون: «آیت الله جوادی آملی»، «استاد فیاضی»، «آیت الله مصباح»، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته «مبانی نظری» در مقطع دکترا در سال ۱۳۸۷ از موسسه پژوهشی آموزشی امام خمینی فارغ التحصیل گردید. وی پس از طی تحصیلات، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت و هم اکنون در دانشگاه گیلان علاوه بر تدریس، «مسئول نهاد رهبری» در این دانشگاه نیز می باشد. وی در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و آثاری از قبیل: «اسوه حسنه» و «سه مکتب مشاء، اشراق و حکمت متعالیه» را به رشته تحریر در آورده است.

کریمیان، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر سید محمد حسین کریمیان عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه صنعتی امیر کبیر می باشد. وی دارای مدرک دکتری رشته مهندسی مکانیک از دانشگاه واترلو ،اونتاریو کانادا و فوق دکتری همان رشته از دانشگاه مذکور در سال ۱۳۷۴می باشد.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی هوا- فضاتحصیلات رسمی و حرفه ای : سید محمد حسین کریمیان مدرک کارشناسی رشته مهندسی مکانیک را از دانشگاه صنعتی امیرکبیر در سال ۱۳۶۶ دریافت کرد. نامبرده تحصیلات تکمیلی اش را ابتدا در ایران در دانشگاه صنعتی شریف در همان رشته ادامه داد و در سال ۱۳۶۹ مدرک کارشناسی ارشد اش را اخذ نمود وی برای ادامه تحصیل به کانادا عزیمت کرد و در دانشگاه واترلو، فاونتاریو کانادا به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۷۳ مدرک دکتری رشته مهندسی مکانیک و در

سال ۱۳۷۴ مدرک فوق دکتری همان رشته را از دانشگاه مذکور دریافت کرد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای اداری و مدیریتی دکتر سید محمد حسین کریمیان به قرار زیر می باشد: عضو هیئت علمی دانشگاه امیرکبیر ،دانشکده هوا فضا از سال ۱۳۷۴ تا کنون (هم اکنون استاد دانشگاه مذکور می باشد) رئیس بخش امور پژوهشی دانشگاه امیرکبیر ،دانشکده هوافضا از سال ۱۳۸۳ تا کنون و از سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۷۹ رئیس گروه ایودینامیک ،دانشگاه امیرکبیر دانشکده هوافضااز سال ۱۳۸۳ تا سال ۱۳۸۵ و از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۷۶ عضو کمیته آموزش مشاهداتی،دانشگاه امیرکبیر از سال ۱۳۷۸ تا سال ۱۳۸۰ رئیس اداره دانشجویی بین المللی دانشگاه صنعتی امیرکبیر از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۰ رئیس اداره همکاریهای بین المللی دانشگاه صنعتی امیرکبیر از سال ۱۳۷۸ تا سال ۱۳۸۰ نماینده بورد دانشگاهی دانشگاه صنعتی امیرکبیر از سال ۱۳۷۷ تا سال ۱۳۷۹ مربی دانشگاه امیرکبیر در سال ۱۳۶۹ عضو کمیته هوافضا ایران IAS عضو کمیته سوخت ایرانICA عضو برجسته AIAA عضو انجمن CFD در کانادا عضو هیئت امنای موسسه پژوهشی ژئو علوم ،تهران ایران عضو کمیته علمی کنفرانس ISME۲۰۰۷ پانزدهمین کنفرانس بین المللی مهندسی مکانیک ایران دبیر قطب علمی هوافضای محاسباتی دانشگاه صنعتی امیرکبیرفعالیتهای آموزشی : عنوان درس ارائه شده توسط دکتر کریمیان به قرار زیر است: مکانیک سیالات ،ترمودینامیک ۲ ،ایرودینامیک ۱و۲ ،دینامیک سیالات محاسباتی ۱و۲ ،جریان ماوراء صوت‌آرا و گرایشهای خاص : زمینه های مطالعاتی و تحقیقاتی : دینامیک سیالات محاسباتی و انتقال حرارت،دینامیک گاز دمای بالا ـ ،حرارت ایرودینامیک ،ایرودینامیک هواپیما ،وسایل نقلیه و ساختمانهاچگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی سید محمد حسین کریمیان به قرار زیر است: مشاوره در زمینه مهندسی هوافضا ،ایرودینامیک حرارت،لوله کشی و خرمن کوبی نمک ۹ طرح پژوهشی و صنعتی ۳۲ مقاله چاپ شده در ژورنالهای علمی ۵۶ مقاله ارائه شده در کنفرانسهای علمی ۲۵ مورد استاد راهنمای پایان نامه کارشناسی ارشد ۴ مورد استاد راهنمای پایان نامه دکتری ۱۲ مورد شرکت در کنفرانسهای علمی

کریمیان، نجف‌علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: خاک‌شناسی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی در رشته خاک‌شناسی.

مرتبه علمی:

استادیار رشته خاک‌شناسی دانشگاه شیراز در سال ۱۳۷۰، دانشیار رشته خاک‌شناسی دانشگاه شیراز از سال ۱۳۷۱ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اثر کود شیمیایی بر روی خاک، اثر روی بر رشد ذرت، وضعیت فسفر قابل استفاده گیاه در خاک‌های ایران، اثر شوری خاک و عناصر غذایی بر رشد پسته، واکنش عناصر روی، آهن و منگنز در خاکهای آهکی و تأثیر آن بر رشد گیاه و تعیین وضعیت قابلیت استفاده آنها برای گیاه، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

شیمی خاک.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۱

زمینه علمی مقالات:

شیمی خاک، حاصلخیزی خاک، شوری خاک، تغذیه گیاهان ذرت و پسته، قابلیت استفاده از عناصر روی، آهن و منگنز خاک.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کزازی قمی، محمدابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در «مآثر و آثار» گوید: ملاـ محمد ابراهیم کزازی قمی خلف مرحوم حاج زین‌العابدین مازندرانی است که عالمی فاضل و دانشمندی بزرگوار بود، و از موطن اصلی خویش مازندران به عراق آمده در آستانه توقف اختیار کرده بود و هم عاقبت در آستانه شریفه به خاک سپرده شد، و پسرش ملا محمد ابراهیم که فقیهی فاضل و عالمی عامل بود از آستانه به قم رخت گشود و هم در آنجا رحلت نمود.

نگارنده گوید آن مرحوم داماد مرحوم حجةالاسلام حاج ملا محمد مجتهد کزازی قمی است که شرح احوالش خواهد آمد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

کزازی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عـالمی عامـل و فقیهی کامـل. پـدرانش از خوانین و متمولین حومه (کزاز) بودنـد و خود نیز تـا اوائل جوانی در کزاز به همان طریقه آباء و اجـداد مشـغول امور دنیوی بود تا اینکه محقق قمی صاحب قوانین را سـفری به آن سامان پیش آمد و در آنجا خواهر او را به حباله نکاح درآورد و آن مرحوم از برکات انفاس قدسیه مرحوم میرزا مشغول تحصیل علوم دینیه و معارف یقینیه شـد و به انـدک زمـانی قابـل استفاده از محضـر آن بزرگوار گردیـد و پس از فوت مرحوم میرزا مسـافرت به کاشان و نراق نموده و از محضـر درس مرحوم حاج ملا احمـد فاضل نراقی اعلی‌اللّه مقامه بهره‌منـد شـد و پس از رحلت آن مرحوم به قم مراجعت و مشـغول ترویـج دین و امامت جماعت و قضاوت و سایر مراسم مـذهبی گردیـد تا از دنیا رفت و در قبرسـتان شیخان مدفون گردید از آثار خیر او آب انبار محله عشقعلی و نیز ثلث قریه تجره دستجرد را در کزاز وقف بر امور و اعمال خیریه نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

کزازی، میرجلال الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد میرجلال الـدین کزازی در دیماه ۱۳۲۷ در کرمانشـاه در خـانواده ای فرهیخته و فرهنگی که بنیادگـذار آمـوزش نـوین در این سامـان است، چشم به جهان گشود. خوگیری به مطالعه و دلبسـتگی پرشور به ایران و فرهنگ گرانسـنگ و جهانی آن را از پـدر که مردی آزادمنش و فراخ انـدیش و مردم دوست بـود به یادگـار سـتاند. دوره دبسـتان را در مـدرسه آلیـانس کرمانشـاه گذرانیـد و از سالیان دانش آموزی با زبان و ادب فرانسوی آشـنایی گرفت. سـپس دوره دبیرستان را در مدرسه رازی به فرجام آورد و آنگاه برای ادامه تحصـیل در رشـته زبان و ادب پارسـی که در چشم او رشته و دانشی است گرامی و سپند، به تهران رفت و در دانشکده ادبیات فارسـی و علوم انسانی دانشگاه تهران دوره های گوناگون آموزشی را سپری کرد و به سال ۱۳۷۰ به اخذ درجه دکتری در این رشته نائـل آمـد.او اینـک عضو هیأت علمی و اسـتاد در دانشـکده ادبیـات فارسـی و زبانهای خارجی وابسـته به دانشـگاه علامه طباطبایی است.ایشـان برنـده جـایزه نخستین در پژوهشـهای بنیـادین در هیجـدهمین جشـنواره بین المللی خوارزمی ،برای نوشـتن زنجیره ای از کتاب بنام " نامه باستان – " بهمن ۱۳۸۳ است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والـدین و انساب : پـدر میرجلال الدین کزازی سـید محمود کزازی (فرزند سـید احمد کزازی) است. سـید احمد کزازی برادر سـید حسـین کزازی (آزادیخـواه کـه در دوره هـای دوم وسـوم نماینـده مجلس بـود و در سـال ۱۳۴۰ قمری رئیس معـارف و فوایـد عـامه کرمانشاه گردیـد و یک سال بعـد بعلت تاسیس مدرسه دخترانه در این شـهر به شـهادت رسـید)است. نیا کان دکتر کزازی از کزاز استان مرکزی بودند از این روی نام کزازی بر خاندان ایشان مانده است.

خاطرات کودکی : میرجلال الدین کزازی از پدر خود بعنوان اولین آموزگارش یاد میکند و از وی که نمونه برجسـته ای از فرهیخته ایرانی است به نیکی یاد میکند.او روزهای تعطیل را در دهسـتانهای زنگیشاه ، هولان و شـلان سپری می کند.روزهای کودکی دکتر آمیخته است با گشت و گذار در چشمه ساران ،کوهها ،هامونهای سبز و غیره.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : میرجلال الدین کزازی در خانواده ای فرهنگی و فرهیخته و از نظر اقتصادی در وضعیت متوسطی بدنیاآمد. از آنجایی که از خانواده ای سرشناس بودند در میهمانی های باشکوه با بزرگان و فرهیختگان روزگار خود آشنا می شد و از وجود آنان بهره می برد.

تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : میرجلال الـدین کزازی دوره دبسـتان را در مـدرسه آلیـانس کرمانشـاه گذرانیـد و از سالیان دانش آموزی با زبان و ادب فرانسوی آشـنایی گرفت. سـپس دوره دبیرستان را در مدرسه رازی به فرجام آورد و آنگاه برای ادامه تحصیل در رشـته زبان و ادب پارسی که در چشم او رشته و دانشی است گرامی و سپند، به تهران رفت و در دانشکده ادبیات فارسی و علوم انسانی دانشگاه تهران دوره های گوناگون آموزشی را سپری کرد و به سال ۱۳۷۰ به اخذ درجه دکتری در این رشته نائل آمد

فعالیتهای ضـمن تحصـیل : میرجلال الدین کزازی در کنار تحصیل از سالیان نوجوانی نوشتن و سرودن را آغاز کرده است و در آن سالیـان بـا هفته نـامه هـای کرمانشـاه همکـاری داشـته و آثـار خود را در آنهـا به چـاپ می رسانیـده است. در جلسـات انجمن هـا و جشـنهایی که در مـدرسه به بهـانه هـای مختلف برگزار می شـد بعنوان سـخنران سـخنرانی میکرد یـا شـعر می خوانـد.وی همچنین با همکـاری دو تن از از دانش آموزان که یکی از آنهـا خوشـنویس بود و دیگری نگـارگر ، روزنـامه دیواری بنـام " نـائره ها " پـدید آوردند.

استادان و مربیان : دکتر سید جعفر شهیدی ،دکتر عبدالحسین زرین کوب ،دکتر مظاهر مصفا ،دکتر شفیعی کدکنی و دکتر اسماعیل حاکمی والاااز استادان میرجلال الدین کزازی بودند.

همسر و فرزندان : میرجلال الدین کزازی در سال ۱۳۵۴ با همسر خود سرکار خانم پیوند پیوکانی ازدواج کردایشان دارای چهار فرزند می باشد: – دکتر امیر صدر الدین ،پزشک – مهندس امیر رهام ،کارشناس برق و الکترونیک – ستی آناهیت ،کارشناس زبان و ادبیات انگلیسی – ستی ماندان ،کارشناس باستان شناسی

وقایع میانسالی : میرجلال الدین کزازی اینک عضو هیأت علمی در دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی وابسته به دانشگاه علامه طباطبایی است. او افزون بر زبان فرانسوی که از سالیان خردی با آن آشنایی یافته است، با زبانهای اسپانیایی و آلمانی و انگلیسی نیز آشناست.چندی را نیز در اسپانیا به تدریس ایرانشناسی و زبان فارسی اشتغال داشته است. او گهگاه شعر نیز می سراید و نام هنری اش در شاعری" زروان "است. ترجمه او از" انه اید ویرژیل "برنده جایزه بهترین کتاب سال شده است .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : میرجلال الدین کزازی عضو هیئت علمی و استاد دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی وابسته به دانشگاه علامه طباطبائی است.

فعالیتهای آموزشی : میرجلال الدین کزازی عضو هیئت علمی دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی دانشگاه علامه طباطبایی می باشد . چندی را نیز در اسپانیا به تدریس ایرانشناسی و زبان فارسی اشتغال داشته است. سوابق تدریس دکتر کزازی به ترتیب زیر است: تدریس تمام وقت : – دانشگاه رازی کرمانشاه از سال ۱۳۵۵ – ۱۳۵۸ – دانشگاه علامه طباطبایی – دانشکده های ادبیات فارسی و زبان های خارجی از سال ۱۳۵۸ – ۱۳۸۶ – دانشگاه بارسلون اسپانیا تدریس زبان پارسی ، ایران شناسی و شیعه شناسی ازسال ۱۳۷۶ – ۱۳۷۹ تدریس پاره وقت : – دانشگاه تربیت معلم تهران – دانشگاه سراسری گیلان – دانشگاه سراسری یزد – دانشگاه آزاد اسلامی – واحد اراک – دانشگاه آزاد اسلامی – واحد ساوه – دانشگاه آزاد اسلامی – واحد کرمانشاه

آرا و گرایشهای خاص : میرجلال الدین کزازی در نوشتار و گفتارش پارسیگرایی را دنبال می کند.

جوائز و نشانها : – برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (دوره نهم)برای ترجمه کتاب" انه اید" در سال ۱۳۶۹ – برنده جایزه نخستین در پژوهشهای بنیادین در جشنواره بین المللی خوارزمی ،برای نوشتن زنجیره ای از کتاب " نامه باستان – " بهمن ۱۳۸۳ – چهره برگزیده در نخستین همایش تجلیل از برگزیدگان استان – نشان زرین و سپاسنامه از بزرگترین انجمن ادبی و فرهنگی یونان ، پارناسوس ، به عنوان برجسته ترین ایرانی در گسترش و شناسانیدن فرهنگ و ادب یونان زمستان ۱۳۸۴ – پژوهشگر برگزیده در دانشکده ادبیات فارسی و زبان های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی در سال ۱۳۸۵ – چهره ماندگار فرهنگ و ادب ایران در پنجمین همایش آن به سال ۱۳۸۴

چگونگی عرضه آثار : آثار میرجلال الدین کزازی به ترتیب زیر است: – تعداد تالیفات : ۲۵ تالیف – تعداد کتب ترجمه شده : ۱۳ ترجمه – تعداد کتب ویرایش و تصحیح شده : ۶ کتاب – تعدا مقالات منتشر شده ک بیش از ۱۰۰ مقاله ------------------
----

آثار :

۱ آب و آیینه (مجموعه مقاله)

۲ آتا لا ورنه

ویژگی اثر : ترجمه اثر شاتو بریان–چاپ اول : نشر مرکز – سال ۱۳۶۶ چاپ دوم : نشر مرکز – سال ۱۳۶۷ چاپ سوم : نشر مرکز – سال ۱۳۶۹ چاپ چهارم : نشر مرکز – سال ۱۳۸۰" آتالا و رُنه "در بر گیرنده دو داستان جداگانه از نویسنده چیره دست و مشهور فرانسوی" شاتوبریان "است. دکتر کزازی در دیباچه مفصل این کتاب ، زندگینامه شاتوبریان را بر پایه نوشته های وی ، بویژه کتاب گرانسنگ" یادمانهای آن سوی گور "بررسی کرده و سرچشمه های دو داستان آتالا و رُنه را به دست داده است.

۳ آنه اید

ویژگی اثر : ترجمه اثر ویژیل،چاپ اول : نشر مرکز – سال ۱۳۶۹ ،ترجمه،این کتاب در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «انهاید»: آشنایی با آثار ادبیات کلاسیک جهان به ویژه حماسه‌های برجستهٔ ملتها مورد علاقه هر دانش پژوهی است، انهاید یکی از بارزترین آثار ادبی جهان است که به زبان لاتین نوشته شده است و مترجم آن را به شیوه زیبا و رسایی به زبان فارسی ترجمه کرده است چاپ سوم : نشر مرکز – سال ۱۳۸۱ "انه اید "اثر ویرژیل ، حماسه سرای بزرگ لاتین است که برای اولین بار توسط دکتر کزازی به فارسی ترجمه شده است. انه اید ، یکی از سه اثر بزرگ پهلوانی در فرهنگ و ادب اروپایی است. دو حماسه دیگر" ، ایلیاد "و" اُدیسه "است. انه اید را می توان همچون اُدیسه ، دنباله ای بر ایلیاد شمرد". انه "بزرگزاده ای تروایی بوده است که از آتش و خون جان به در برده و در جستجوی سرزمینی نوید داده شده در دریاها و خشکی ها سرگردان شده است.

۴ ادیسه

ویژگی اثر : چاپ اول : نشر مرکز – سال ۱۳۷۹ چاپ چهارم : نشر مرکز – سال ۱۳۸۳" اُدیسه "اثر دیگر هومر ، یکی دیگر از سه گانه های ادب پهلوانی اروپایی است که توسط دکتر کزازی به پارسی ترجمه شده است.

۵ از دهلی نو تا آتن کهن

ویژگی اثر : این کتاب را نشر نویسنده در سال ۱۳۸۷ چاپ کرده است. کتاب چهار سفرنامه را در دارد که سه از آنها پیشتر در روزنامه ها و ماهنامه های فرهنگی به چاپ رسیده است. این سفر نامه به شیوه کتابهای روزهای کاتالونیاو دیدار با اژدها نوشته شده است.

۶ از گونه ای دیگر

ویژگی اثر : مجموعه مقالات–چاپ اول : نشر مرکز – سال ۱۳۶۸ چاپ دوم : نشر مرکز – سال ۱۳۸۰" از گونه ای دیگر "مجموعه ای فراهم آمده از چهار جستار یا مقاله است که خمگی در زمینه فرهنگ و ادب نوشته شده اند. گفتارهای این دفتر که برخی از آنها برای اولین بار در این اثر به چاپ رسیده اند و بعضی پیش تر در گاهنامه ها نشر شده اند ، در چند زمینه پیوسته با هم و

جملگی بر زمینه فرهنگ ایرانی و میراث معنوی آن است.

۷ ایلیاد

ویژگی اثر : چاپ اول : نشر مرکز – سال ۱۳۷۷ چاپ چهارم : نشر مرکز – سال ۱۳۸۳" ایلیاد "شاهکار" هومر "اثری است که بارها به زبانهای اروپایی ترجمه شده است. پس از ترجمه" انه اید "و استقبال اهل فرهنگ و ادب از این اثر ، دکتر کزازی به درخواست دانشوران ، دو نامه دیگر پهلوانی در ادب اروپایی ، ایلیاد و اودیسه را نیز به همان شیوه به پارسی ترجمه کردند.

۸ بدایع الافکار فی صنایع الاشعار

ویژگی اثر : تصحیح و ویرایش–نشر مرکز – سال ۱۳۶۹" بدایع الافکار فی صنایع الاشعار "کتابی است از ملاحسین واعظ کاشفی سبزواری ، نویسنده و دانشور پرکار ایرانی در سده نهم هجری. این کتاب که در آرایه های سخن نوشته شده است ، پرمایه ترین کتاب در دانش" بدیع "است. در دیباچه مفصل کتاب ، تاریخچه بدیع نویسی و بدیع سرایی در پهنه ادب پارسی ، از نخستین کتاب بدیعی" ترجمان البلاغه "تا واپسین که" مدارج البلاغه "است ، توسط دکتر کزازی نوشته و بررسی شده است. در بخش گزارش های کتاب نیز ، این کتاب با دیگر کتاب های بدیعی سنجیده شده است.

۹ بهار خسرو

ویژگی اثر : نشر مرکز – سال ۱۳۷۴" پیترو چیتاتی ، "از ایران شناسان دلبسته و علاقمند به تاریخ و فرهنگ ایران است. وی در این اثر بدیع ، شاعرانه و دل انگیز ، به شیوه ای داستانگونه ، نماها و چشم اندازهایی از تاریخ و فرهنگ ایران را بررسی و به زیبایی ارایه کرده است.

۱۰ پارسا و ترسا

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی – سال ۱۳۷۶" پارسا و ترسا "گزارشی است از داستان شیخ صنعان ، عطار. این چامه که از دشوارترین و پیچیده ترین چامه های خاقانی است ، توسط دکتر کزازی از سه دیدگاه ویژه واژه شناسی ، زیباشناسی و ژرفاشناسی بررسی شده است.

۱۱ پرنیان پندار

ویژگی اثر : سراچه آوا و رنگ (خاقانی شناسی) چاپ اول : انتشارات سمت – سال ۱۳۷۶ چاپ سوم : انتشارات سمت – سال ۱۳۸۵ "سراچه آوا و رنگ "کتابی است که دکتر کزازی آن را در" خاقانی شناسی "نوشته است. در این اثر ، دوازده قصیده ، یک ترکیب بند ، شانزده غزل ، نُه قطعه و هشت رباعی یا چارانه بررسی و کاویده شده است. در گزارش بیت ها ، زمینه ها و دانش های گونه گون چون: واژه شناسی ، ریشه شناسی ، زبانشناسی سنجی ، باورشناسی ، نمادشناسی و زیباشناسی به کار گرفته شده اند.

۱۲ پند و پیوند

ویژگی اثر" : پند و پیوند "در حقیقت ، جلد دوم کتاب دیرمغان است که در آن ، دکتر کزازی به شیوه ای نو به گزارش غزل های حافظ پرداخته است و غزلهای خواجه را بر پایه زیبا شناسی و باورشناسی بررسی و گزارش کرده است.

۱۳ تَرجُمانی و تَرزَبانی (هنر ترجمه)

ویژگی اثر : نشر جامی – سال ۱۳۷۴" تَرجُمانی و تَرزَبانی "حاصل کند و کاوها ، درنگ ها و دیدگاه های دکتر کزازی درباره هنر ترجمه است که در چند جستار فراهم آمده است و در آن شیوه های گونه گون ترجمه مورد بررسی قرار گرفته است.

۱۴ تلماک

ویژگی اثر : ترجمه اثر فنلون–نشر مرکز – سال ۱۳۶۸ جایگاه تلماک ، اثر گرانسنگ" فنلون "را در ادب و فرهنگ فرانسه ، تنها می توان با" گلستان "سعدی و" قابوسنامه "سنجید و برابر نهاد. سات های بسیار ، تلماک را در آموزشگاه های فرانسه همچون گلستان به قصد آموختن ادب و اخلاق و آیین به نوآموزان می آموخته اند و فنلون چون آموزگاری فرزانه ، در چهره نمادین" مانتور ،" فرزند جوان اولیس ، تلماک را اندرز می داده است.

۱۵ تندبادی از کنج (شاهنامه شناسی)

۱۶ توانهای نهانی در آدمی

ویژگی اثر : نشر نی – سال ۱۳۷۲ این کتاب ، سومین اثری است که دکتر کزازی در زمینه فرا روانشناسی به زبان فارسی ترجمه کرده است". کالین و ویلسن "نویسندگان این کتاب ، با دیدی سنجیده ، روانشناسانه و دانشورانه ، پدیده های فراروانشناسی را مورد بررسی و تحقیق قرار داده است.

۱۷ جهان اشباح

ویژگی اثر : ترجمه اثر مرورودین–انتشارات عطایی – سال ۱۳۷۰" جهان اشباح "کتابی در زمینه فرا روانشناسی است که دو نویسنده "دانیل هامر "و" آلکس رودَن "آن را نوشته اند. در این اثر ، پدیده های" فرا روانشناسی "به گونه ای گسترده و فراگیر بررسی شده است. جهان اشباح ، دومین ترجمه دکتر کزازی در زمینه فرا روانشناسی است.

۱۸ جهان پس از مرگ

ویژگی اثر : چاپ اول : نشر دنیای کتاب – سال ۱۳۶۱ چاپ دوم : نشر دنیای کتاب – سال ۱۳۷۱" جهان پس از مرگ "اثر نویسنده نامدار انگلیسی" سر آرتور کُنان دویل "خالق کارآگاه معروف" شرلوک هلمز "است. کنان دویل در سال های واپسین زندگی ، به پدیده روحگرایی دلبستگی یافت و این اثر ، رهاورد همان سال هاست. کتاب از دو بخش پژوهش ها و داستان ها پدید آمده است و هر یک از داستان ها بر پایه یکی از آزمون ها و پدیده های روحگرایی نوشته شده است.

۱۹ خاقانی شروانی

ویژگی اثر : این کتاب را دفتر پژوهشهای فرهنگی در مجموعه" از ایران چه می دانم "؟به سال ۱۳۸۷ چاپ کرده است و هشتادو پنجمین کتاب از این مجموعه است. در این کتاب ،نویسنده به شیوه ای نوآیین و در پیکره داستانی دلکش،زندگانی و شعر خاقانی

را بسر رسیده است تا خواننده که بیشتر از جوانانند با شور و شراری افزونتر کتاب را بخوانند و با این چامه سرای بزرگ آشنا بشوند.

۲۰ در دریای دری

ویژگی اثر : در بزرگداشت شاعران ایران"-دُرّ دریای دَری "کتابی کم نظیر در ادب پارسی است. این کتاب گزارش درازآهنگی است از قصیده ای بلند که دکتر کزازی آن را در ۲۷۸ بیت سروده است و چنین آغاز می شود : هر که او را شور معنی گستری است زیب شعرش دُرّ دریای دَری است در این چامه بلند ، سرگذشت شعر پارسی از آغاز تا روزگار ما نموده شده است. علاوه بر آن ، زندگینامه ، نکات ویژه زندگی و نیز شیوه سخنوری هر شاعر بیان گردیده است. نویسنده در مقدمه گسترده خویش بر این اثر ، مطالب جالب و مفیدی در زمینه" چیستی هنر "و نیز" چگونگی آفرینش هنری "آورده است که در جای خود ، روزنی به جهان پر رمز و راز هنر است. در دریای دری در سال ۱۳۶۸ به همت نشر مرکز بچاپ رسیده است.

۲۱ دستان مستان

ویژگی اثر : این کتاب را نشر نویسنده در سال ۱۳۸۷ چاپ کرده است. دستان مستان گزیده ای از سروده های میر جلال الدین کزازی است .که در دهه ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ سروده شده اند.

۲۲ دیدار با اژدها

ویژگی اثر : تصحیح و ویرایش – انتشارات نشر قطره ۱۳۸۰–دیدار با اژدها ،روزنگار سفر کوتاه دکتر کزازی به چین سرزمین افسانه ای آسیا است. این اثر که از دید شیوه و قالب یکسره با روزهای کاتالونیا همسان و دمساز است ،پیوندهای فرهنگی تاریخی ایران و چین مورد بررسی قرار داده است.

۲۳ دیر مغان

ویژگی اثر : دیر مغان (حافظ شناسی) نشر قطره – سال ۱۳۷۵" دیر مغان "گزارش بیست غزل حافظ است ، از آغاز دیوان وی و بر پایه زیباشناسی و باورشناسی. دکتر کزازی در این اثر کوشیده است از نگاهی متفاوت ، غزل های خواجه شیراز را بنگرد و آنها را بر پایه زیباشناسی و باورشناسی که دیگر حافظ پژوهان کمتر بدان پرداخته اند ، بکاود و بررسد. نویسنده وعده کرده است که در آینده ، بقیه اشعار حافظ را به همین شیوه مورد کند و کاو قرار دهد.

۲۴ دیوان خاقانی

ویژگی اثر : نشر مرکز – سال ۱۳۷۵" دیوان خاقانی "ویرایشی نو از دیوان سخن سالار بزرگ شروان است. این ویرایش بر پایه نسخه های چاپی و برخی برنوشته ها ، به انجام رسیده است. دکتر کزازی در این ویرایش جدید ، تاریکی ها ، دشواری ها و بی اندامی های متن را که از ریخت و ضبط نادرست بیت ها مایه گرفته است برطرف کرده و هرجا که نسخه بدل ها" پچینها" ناکارآمد بوده است ، به یاری دانش های ادب ، چون : واژه شناسی ، سبک شناسی ، زیبا شناسی و جز آن کوشیده است که ریخت و صورت درست به دست داده شود. ویراستار دیوان خاقانی ، همه جا در پانوشت ، دگرگونیهای رخ داده در متن را با برهان باز نموده است.

۲۵ دیوان میرزا محمد باقر حسینی سپاهانی

ویژگی اثر : نشر مرکز – سال ۱۳۷۶" دیوان میرزا محمدباقر حسینی سپاهانی "سخنور توانا و کم شناخته سده یازدهم و دوازدهم هجری ، بر پایه نسخه ای منحصر به فرد ویراسته شده است. در دیباچه کتاب نیز سبک هندی در شعر فارسی و همچنین سروده های سخنور و پیوند او با دیگر سرایندگان این سبک بررسی و باز نموده شده است.

۲۶ رباعیات خیام

ویژگی اثر : تصحیح و ویرایش–چاپ اول : نشر مرکز – سال ۱۳۷۱ چاپ سوم : نشر مرکز – سال ۱۳۸۴" رباعیات خیام ، "همچون غزلهای سعدی ویرایشی تازه از چارانه های این شاعر و اندیشمند بزرگ ایرانی است که با شیوه ای نو نقادی شده است

۲۷ رخسار صبح

ویژگی اثر : گزارش چامه از خاقانی با دیباچه ای بلند در شناخت او–چاپ اول : نشر مرکز – سال ۱۳۶۸ چاپ سوم : نشر مرکز – سال ۱۳۷۴" رخسار صبح "کتابی است حجیم و هفتصد صفحه ای در گزارش قصیده ای بلند و دلپسند از خاقانی. به تقریب ، نیمی از این کتاب ، شامل دیباچه مفصلی است در شرح زندگانی و شیوه شاعری این قصیده سرای بزرگ ایران. دکتر کزازی در این اثر کوشیده است بر پایه سروده ها و نوشته های خاقانی ، زندگی وی را بررسی کرده و روشنایی هایی بر بخش های تاریک و ناشناخته زندگی وی بیندازد. دکتر کزازی در این کتاب ، همانند کتاب های" سوزن عیسی "و" پارسا و ترسا "کوشیده است تا این چامه بلند خاقانی را بر بنیاد واژه شناسی ، زیباشناسی و ژرفاشناسی بررسی کند.

۲۸ روزهای کاتالونیا

۲۹ رویا ، حماسه ، اسطوره (شاهنامه شناسی)

ویژگی اثر : چاپ اول : نشر مرکز – سال ۱۳۷۲ چاپ سوم : نشر مرکز – سال ۱۳۸۵" رؤیا ، حماسه ، اسطوره "آنچنانکه از عنوان آن برمی آید ، سه قلمرو پر رمز و راز و جاودانه رویا ، حماسه و اسطوره را در بر می"یرد. این اثر ، در حقیقت پایان نامه و تز دکتری نویسنده است که به قول قدما" به زیور طبع آراسته شده است."

۳۰ رویدادهای شهر سنگی

ویژگی اثر : ترجمه اثر اسماعیل کاداره–نشر مرکز – سال ۱۳۷۰" اسماعیل کاداره "در این اثر داستانی ، به شیوه ای دلنشین و شاعرانه ، خاطرات دوران کودکی و نوجوانی خویش را به رشته تحریر درآورده است. وی از نویسندگان نامدار آلبانیایی است که اکنون به شهرتی جهانی دست یافته است. یکی از داستانهای او با عنوان" سردار سپاه مرده "به بیش از پانزده زبان دنیا ترجمه شده است. دکتر کزازی با ترجمه این اثر ، اسماعیل کاداره را به جامعه فرهنگی ایران شناسانده است.

۳۱ زیبا شناسی

ویژگی اثر : در دو جلد

۳۲ زیبا شناسی سخن(۲) معانی

ویژگی اثر : چاپ اول : نشر مرکز – سال ۱۳۷۰ چاپ ششم : نشر مرکز – سال ۱۳۸۵" معانی "جلد دوم از مجموعه سه جلدی "زیباشناسی سخن پارسی "است که زبان شکرین و شیوای پارسی را بر پایه این دانش بررسی و کاویده است.

۳۳ زیبا شناسی سخن(۳)بدیع

ویژگی اثر : چاپ اول : نشر مرکز – سال ۱۳۷۳ چاپ پنجم : نشر مرکز – سال ۱۳۸۵" بدیع "سومین جلد از مجموعه" زیباشناسی سخن پارسی "است. جلدهای اول و دوم این مجموعه عهده دار بررسی دو دانش دیگر زیباشناسی ادب پارسی ، یعنی" بیان "و "معانی "هستند.

۳۴ زیباشناسی سخن پارسی –۱– بیان

ویژگی اثر : جلد اول – بیان (زیباشناسی سخن پارسی) چاپ اول : نشر مرکز – سال ۱۳۶۸ چاپ هفتم : نشر مرکز – سال ۱۳۸۵ این کتاب نخستین جلد از دوره سه جلدی" زیباشناسی سخن پارسی "است که در موضوع دانش بیان نوشته شده است. دکتر کزازی این اثر را به شیوه کتاب های آموزشی برای دانشجویان دانشگاه ارایه کرده است.

۳۵ سراچه آوا و رنگ

ویژگی اثر : سراچه آوا و رنگ (خاقانی شناسی) چاپ اول : انتشارات سمت – سال ۱۳۷۶ چاپ سوم : انتشارات سمت – سال ۱۳۸۵ "سراچه آوا و رنگ "کتابی است که دکتر کزازی آن را در" خاقانی شناسی "نوشته است. در این اثر ، دوازده قصیده ، یک ترکیب بند ، شانزده غزل ، نُه قطعه و هشت رباعی یا چارانه بررسی و کاویده شده است. در گزارش بیت ها ، زمینه ها و دانش های گونه گون چون: واژه شناسی ، ریشه شناسی ، زبانشناسی سنجی ، باورشناسی ، نمادشناسی و زیباشناسی به کار گرفته شده اند.

۳۶ سه داستان

ویژگی اثر : ترجمه اثر گوستاوفلوبر–نشر مرکز – سال ۱۳۶۷" گوستاو فلوبر "نویسنده بلند آوازه و آفریننده آثار برجسته ای چون: "مادام بواری "و" سالامبو "است. فلوبر ، این اثر را در سال های پایانی زندگانی خود نوشت. سال هایی که نویسنده را در تلخکامی و اندوهی ژرف فرو برده بود. کتاب شامل سه داستان" ساده دل" ، "افسانه ژولین ، تیمارگر پاک "و" هرودیا "است.

۳۷ سوزن عیسی

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی – سال ۱۳۷۶" سوزن عیسی "گزارشی است از چامه ترسایی خاقانی که از پیچیده ترین و دیریاب ترین چامه های اوست. در این کتاب دکتر کزازی ، قصیده بلند ترسایی را چونان" رخسار صبح "در سه بخش واژه شناسی ، زیبا شناسی و ژرفا شناسی بررسیده است و هرگاه نیازی نبوده که بیت ها را از آن سه دیدگاه بررسد ، تنها از دو دید نخستین کاویده است.

۳۸ سیلوی

ویژگی اثر : ترجمه آثار ژراردو نروال–نشر مرکز – سال ۱۳۷۰" سیلوی "داستانی نه چندان بلند از" ژرار دونروال "است. وی از نویسندگان سخنور و نامدار فرانسوی در سده نوزدهم بوده است. ژرار دونروال چونان شوریده سرانی که زندگی را به سودای یافتن آنچه یافت نمی شود ، سپر کرده اند ، سراسر زندگانی را در پی نازنینی گشت که هرگز در عالم خاکی به دست نمی آید. از اینرو ، به دنبال آنچه در عالم واقع به دست نمی آمد و در دسترس نبود ، به خواب و رویا پناه برد و سر در پی این سودا نهاد و در رویا گم شد.

۳۹ غزل های سعدی

ویژگی اثر : تصحیح و ویرایش –چاپ اول : نشر مرکز – سال ۱۳۷۱ چاپ سوم : نشر مرکز – سال ۱۳۸۴" غزلهای سعدی "ویرایشی تازه از غزلهای شاعر و سخنور توانا و نامی ایران است که برپایه نسخه های چاپی ، به شیوه ای سخن سنجانه و دانشورانه ، توسط دکتر کزازی انجام گرفته است.

۴۰ گزارش دشواریهای دیوان خاقانی

۴۱ گزیده ای از سروده های شیخ الرئیس قاجار

ویژگی اثر : تصحیح و ویرایش–نشر مرکز – سال ۱۳۶۹" شیخ الرئیس قاجار "از نوادگان فتحعلیشاه قاجار ، شاهزاده ای دانش دوست و سخنور بود که به کسوت روحانیت و درویشی درآمد. دکتر کزازی کتاب حاضر را بر پایه چاپ سنگی" منتخب نفیس از آثار شیخ الرئیس ، "طبع شده در سال ۱۳۱۲ هجری ویراسته است و در مقدمه کتاب ، زندگی و آثار وی را بررسی و شرح کرده است.

۴۲ مازهای راز

ویژگی اثر : چاپ اول : نشر مرکز – سال ۱۳۷۰ چاپ دوم : نشر مرکز – سال ۱۳۸۰" مازهای راز "جستارهایی است در شاهنامه فردوسی و در برگیرنده شش مقاله درباره شاهنامه است. نخستین جستار" ، نمادشناسی اسطوره در داستان ضحاک "است که به همایش جهانی بزرگداشت فردوسی که در دی ماه ۱۳۶۹ در تهران برگزار شد ، پیشکش شده است.

۴۳ نامه باستان

ویژگی اثر : انتشارات سمت در سال ۱۳۷۹–نامه باستان ویرایش و گزارشی است که از شاهنامه فردوسی که نخستین جلد آن در سال ۱۳۷۹ منتشر شده . این جلد از اثر ،آغاز شاهنامه تا پایان زال و پادشاهی منوچهر را در بر میگیرد.نامه باستان بر پایه بر نوشته فلورانس و چاپ مسکروژول مول و خالقی و مطلق انجام گرفته است.

۴۴ نامه باستان در هشت جلد

ویژگی اثر : این کتاب را سازمان سمت در سال ۱۳۸۷ چاپ کرده است و هشتمین جلد از زنجیره ای است از کتاب در ویرایش و

گزارش شاهنامه فردوسی با نام نامه باستان.

منـــــــــابع زنـــــــــــدگینامه

h.persianblog.ir/۲http://parsisaray.blogfa.com/۳http://www.kazzazi.com۴www.ketabesal.ir۵:
پرسشـنامه فرهیختگـان توسط دکتر میر جلال الـدین کزازی بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسـی– بهار ۱۳۸۶۶سیـد محمد باقر برقعی ، سخنوران نامی معاصر ایران ، ج ۳ ، ص ۱۶۵۰

کسایی مروزی، حکیم مجدالدین، ابواسحاق، ابوالحسن علی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۴۱– بعد از ۳۹۱ ق)، شاعر، متخلص به کسایی. در مرو به دنیا آمـد. وی علاوه بر قریحه شاعری در مراتب علمی و به ویژه در علم صرف و بر دیگران مقـدم بود. در اواخر عهـد سامانی و اوایل عهـد غزنوی می‌زیست. در آغاز کار مداح وزیرانی چون عبید اللّٰه بن احمـد عتبی (م ۳۷۲ ق)، وزیر نـوح بن منصـور سامـانی و شاهـانی چـون سـلطان محمـود غزنوی بود. ولی در اواخر عمر از این کـار پشیمان شـد. ناصـر خسـرو معاصـر وی است و در قصایـد خود از او بسـیار یـاد می‌کنـد. او در عهـد خود مشـهور بوده و بـا توجه به اشـعارش از شاعران شـیعی زمان خود به شـمار می‌آید. وی در مدح حضـرت امیرالمؤمنین (ع) اشـعار زیادی دارد و نخستین شاعری بود که در موعظه و حکمت به مراحل مهمی از پیشرفت رسید. کسایی در اواخر عمر به تهذیب نفس و تصفیه‌ی باطن پرداخت و در کسوت زهـد و ورع زیست. در «شاعران همعصـر رودکی» نام وی ابوالحسن علی بن محمد ذکر شده و آمده است که او تا سالهایی پس از ۴۱۹ ق می‌زیسته است. از آثارش: «دیوان» شعر، شامل سه هزار بیت.[۱]

مروزی، ابوالحسن یا ابواسـحاق (و. ۳۴۱– ف. انـدکی بعد از ۳۹۴ ه.ق). وی از شـاعران قرن چهارم و معاصـر اواخر عهـد سامانی و اوایـل عهـد غزنوی است. در آغاز شاعری مـداح بود و سـلطان محمود غزنوی را مـدح گفته و بعض مـدایحش در تـذکره‌ها موجود است ولی در اواخر عمر از این کار پشیمان شـد. کسائی قصایـد و چامه‌های شـیوا دارد و ظاهراً شـیعی مذهب بود. از اشـعار وی در حدود ۲۰۰ بیت باقی است. وی زیبایی‌های طبیعت را با تشبیهات دقیق و شیرین در اشعار خود وصف کرده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۶۶۱ –۶۶۰/ ۲)، تاریـخ ادبیات در ایران (۴۴۹ –۴۴۱/ ۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۸ –۳۷)، ترجمان البلاغه (۴۷ ،۴۶ ،۲۲)، چهـار مقاله (۴۴)، دمیهٔ القصـر (۶۷۹/ ۱)، الذریعه (۹۱۰/ ۹)، ریحانه (۵۷ –۵۶/ ۵)، سـخن و سخنوران (۴۲– ۳۸)، شاعران همعصـر رودکی (۳۳۲ –۲۸۵)، صبح گلشن (۳۴۰ –۳۳۹)، فرهنگ سـخنوران (۷۶۳–۷۶۲)، کسایی مروزی: زنـدگی، اندیشه و شـعر او، الکنی و الالقاب (۱۱۳/ ۳)، لباب الالباب (۳۹ –۳۳/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابواسحق)، مجمع الفصحا (۱۱۳۹ –۱۱۳۴/ ۳)، هفت اقلیم (۹ –۷ / ۲).

کسایی همدانی، ابوالحسن علی بن عبید اللّٰه بن محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۴۵ ق)، محدث، فقیه و صوفی. وی ساکن مصر بود. از احمد بن عبدان شیرازی در اهواز و از نصر بن احمد مرجی در موصل و از عبـدالوهاب کلابی در دمشق و از ابوالفتـح محمـد بن احمـد نحوی در رمله و از منیر بن عطیهٔ در قیساریه و از ضـراب در مصـر حدیث شنید. عبدالمحسن شیحی و سهل بن بشر اسفرایینی و ابوعبداللّٰه رازی، صاحب «سداسیات» از وی حدیث روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۶۵۳ –۶۵۲/ ۱۷).

کسائی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی کسائی

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای سیـد علی کسائی در سال ۱۳۴۱ هجری شمسـی در خانواده ای پاک، با صـفا، متدین و کاملا آگاه به مسائل مذهبی در رشـت دیـده به جهـان گشود. نـامبرده دوران ابتـدایی، راهنمـایی و دبیرسـتان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی علاقه وافر

خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شد. از نخستین روزهای ورود به حوزه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از محضر درس اساتیدی همچون: «آیت الله باقری کنی»، «آیت الله سید حسن مصطفوی» و دیگر اساتید بهره ها برد.

وی در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در مقطع کارشناسی ارشد در رشته معارف اسلامی و علوم سیاسی از دانشگاه امام صادق علیه السلام در سال ۱۳۶۹ فارغ التحصیل شد و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان «جنگ تحمیلی» دفاع کرد و سالهای متمادی است که در مدرسه عالی سوره، و دیگر دانشگاهها به تدریس مشغول می باشد.

ایشان در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و در کتابخانه ملی تهران مشغول تحقیق و پژوهش می باشد و آثار متعددی از جمله: «کتابخانه های ملی جهان»، «نسخه های خطی و اسلامی در جهان»، «تاریخ اوقاف در جهان» و ... را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

کسائی، نورالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نورالله کسایی در سال ۱۳۱۸ خورشیدی ، در شهرستان شهرضا (قمشه) در استان اصفهان دیده به جهان گشود. نورالله کسایی تحصیلات ابتدایی و متوسطه (در رشته ادبیات) را در شهرضا و اصفهان پشت سرگذاشت. در آن روزگار ، دبیرستان ها از مقطع دوم متوسطه ، رشته های ریاضی ، طبیعی و ادبی داشتند. وی این دوره را در شهر اصفهان طی کرد. پس از آن وارد دانشگاه اصفهان شد و در رشته زبان و ادبیات عربی ، ادامه تحصیل داد و با رتبه اول فارغ التحصیل شد. کسایی از سال ۱۳۴۸ دوره کارشناسی ارشد و دکتری را در دانشکده الهیات و عارف اسلامی ادامه داد و در سال ۱۳۵۳ از رساله دکتری خود باعنوان « مدارس نظامیه و تاثیرات علمی و اجتماع آن » دفاع کرد و با رتبه اول در رشته فرهنگ عربی و علوم قرآنی فارغ التحصیل شد. استاد نورالله کسایی در ضمن تحصیل ، در آموزش و پرورش شهرضا به خدمت فرهنگی (آموزگاری و مسئولیت در آموزش و پرورش) مشغول بود. او همچنین در مقطع تحصیلات تکمیلی با دانشکده الهیات و معارف اسلامی همکاری آموزش داشت و به صورت آزاد تدریس می کرد ، تا اینکه در سال ۱۳۵۴ به طور رسمی از آموزش و پرورش به دانشگاه تهران منتقل شد و به تدریس در رشته های زبان و ادبیات عرب در این دانشکده مشغول گردید. وی از سال ۱۳۶۴ از گروه علمی قرآن و حدیث به گروه تاریخ و تمدن اسلامی منتقل شد و مدتی نیز مدیریت این گروه را بر عهده داشت. استاد در زمینه تاریخ اسلام ، تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی ، تاریخ آموزش و پرورش در ایران و اسلام ، نهادهای علمی و آموزشی تدریس می کرد. استاد نورالله کسایی در ۲۸ آبان سال ۱۳۷۹ دار فانی را وداع گفت.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی گرایش : تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامیتحصیلات رسمی و حرفه ای : نورالله کسایی تحصیلات ابتدایی و متوسطه (در رشته ادبیات) را در شهرضا و اصفهان پشت سرگذاشت. در آن روزگار ، دبیرستان ها از مقطع دوم متوسطه ، رشته های ریاضی ، طبیعی و ادبی داشتند. وی این دوره را در شهر اصفهان طی کرد. پس از آن وارد دانشگاه اصفهان شد و در رشته زبان و ادبیات عربی ، ادامه تحصیل داد و با رتبه اول فارغ التحصیل شد. کسایی از سال ۱۳۴۸ دوره کارشناسی ارشد و دکتری را در دانشکده الهیات و عارف اسلامی ادامه داد و در سال ۱۳۵۳ از رساله دکتری خود باعنوان « مدارس نظامیه و تاثیرات علمی و اجتماع آن » دفاع کرد و با رتبه اول در رشته فرهنگ عربی و علوم قرآنی فارغ التحصیل شد.فعالیتهای ضمن تحصیل : نورالله کسایی ضمن تحصیل در دانشگاه از حوزه علمیه به صورت آزاد استفاده می کرد.استادان و مربیان : نورالله کسایی در مدت تحصیلات دانشگاهی دروس حوزوی را نیز فراگرفت که از جمله استادان وی می توان حاج آقا رحیم ارباب را نام برد.زمان و علت فوت : نورالله کسایی در ۲۸ آبان سال ۱۳۷۹ به سن شصت و یک سالگی بر اثر عارضه سکته مغزی دار فانی را وداع گفت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مرحوم نورالله کسایی از سال ۱۳۳۷ تا سال ۱۳۵۳ در آموزش و پرورش شهر رضا و اصفهان به خدمت علمی و تدریس اشتغال داشت و از سال ۱۳۵۴ به دانشکده الهیات دانشگاه تهران منتقل شد و تا پایان حیات پر برکت خویش به تدریس اشتغال داشت و منشا فعالیتهای بسیار پژوهشی و علمی بودفعالیتهای آموزشی : نورالله کسایی در ضمن تحصیل ، در آموزش و پرورش شهرضا به خدمت فرهنگی (آموزگاری و مسئولیت در آموزش و پرورش) مشغول بود. او همچنین در مقطع تحصیلات تکمیلی با دانشکده الهیات و معارف اسلامی همکاری آموزش داشت و به صورت آزاد تدریس می کرد ، تا اینکه در سال ۱۳۵۴ به طور رسمی از آموزش و پرورش به دانشگاه تهران منتقل شد و به تدریس در رشته های زبان و ادبیات عرب در این دانشکده مشغول گردید. وی از سال ۱۳۶۴ از گروه علمی قرآن و حدیث به گروه تاریخ و تمدن اسلامی منتقل شد و مدتی نیز مدیریت این گروه را بر عهده داشت. استاد در زمینه تاریخ اسلام ، تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی ، تاریخ آموزش و پرورش در ایران و اسلام ، نهادهای علمی و آموزشی تدریس می کرد. مرحوم کسایی در دانشگاههای معتبر کشور و مراکزی چون بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی ،کمیته ملی یونسکو در ایران و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)،همکاری آموزشی و تحقیقاتی داشته است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : رشته تخصصی نورالله کسایی در گروه تارخ و تمدن اسلامی ، تاریخ آموزش و پرورش در اسلام بود و بیش از پنجاه مقاله در این زمینه نوشته است . وی همچنین طرح پژوهشی تحت عنوان « نهادهای علمی و آموزشی ایران از آغاز دوره اسلامی تا تاسیس دارالفنون » را در پنج مجلد در دست اجرا داشت که ناتمام ماندچگونگی عرضه آثار : دکتر نورالله کسایی در هر جهت علمی که گام بر می داشت سعی می نمود تا اثری ارزنده و تحقیقی مستند ارائه کند،نمونه کارهای علمی بسیاری وی شاهد بر این مدعاست چه ترجمه

و یـا تالیفـات ایشـان ،حتی اگر بر کتـابی مقـدمه می نوشت ،گاهی آن مقـدمه بسـیار جاذب تر و ارزشـمند تر از آن کتاب بود مانند مقدمه ای که آن مرحوم بر کتاب" تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلامی "نوشته است.او به احیاء آثار اندیشه ها و تقویت مبانی علمی و فرهنگی و ارج نهادن به پیشینه با شکوه ایران تاکید داشت و در این راه گامهایی برداشت. توسط استاد سید نورالله کسایی بیش از یکصـد مقـاله و چنـدین کتـاب ،تحقیق و ترجمه نگـارش یـافته است که مقالات ایشان در نشـریات علمی و پژوهشـی کشور و دایره المعارف بزرگ اسـلامی در زمینه تاریـخ اسـلام ،فرهنگ و تمدن ایران و اسـلام ،نهادهای علمی و آموزش جهان اسـلام ،جغرافیای تاریخی سـرزمین های اسـلامی ،نقـد ادبی و علوم بلاغی ،نقـد و بررسـی زنـدگی و آثار علمی دانشـمندان و مسائل مربوط به تاریخ فرهنگ و آموزش و پرورش به چـاپ رسـیده است. بیانـات اسـتاد در همایش ها و کنفرانس های داخلی و خارجی به ویژه در باب ویژگی هـا و ابعـاد فرهنـگ و تمـدن اسـلامی و ایران همواره از بهترین سـخنرانی هـای این مجـامع به حسـاب می آمـد.آثار : تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلامی ویژگی اثر : این کتاب از عبدالرحیم غنمیه اهل کشور مغرب،مرحوم دکتر نورالله کسایی در برگردان و نیز فارسـی کردن اثر زحمـاتی زیاد را متقبل شـد.این کتاب بیش از ۴۵ صـفحه و چهار فصل مفصل دارد.۲ ترجمه تاریخ الجامعات الاسـلامیه الکبری ویژگی اثر : با مقدمه و تعلیقات مفصل.۳ ترجمه تاریخ بیمارسـتان ها در اسلام ویژگی اثر : این کتاب نوشته دکتر عیسـی بک مصـری می باشد.پدیدآورنده: احمد عیسـی بک، نورالله کسائی (مترجم) ناشر: علمی و فرهنگی – ۰۴ دی، ۱۳۸۴.تاریخ بیمارسـتانها در دو بخش است بخش اول در باب پیدایش،ساختار،پزشکان و هزینه بیمارستانهای و بخش دوم به بیمارستانهای قلمرو اسلام می پردازد.۴ ترجمه ذکر اخبار اصـفهان ویژگی اثر : نوشـته حافظ نعیم اصفهانی در دو مجلد با مقدمه ای بیش از صد صفحه از مترجم .این کتـاب اولین ترجمه کامـل فارسـی آن است.۵ فرهنـگ نهادهای آموزشـی ایران: از روزگار باسـتان تا تأسـیس دولت صفـوی ویژگی اثر : سـال انتشـار: ۱۳۸۳ تعداد صـفحه: ۶۷۳ شـماره انتشار: ۲۶۵۳ مولف/مترجم: نورالله کسـائی .توضـیحات: تاریخ آموزش و پرورش در ایران گزارشی است از سرگذشت گوناگون آموزش‌ها و نهادهای علمی و آموزشی که در روزگاران پیش از اسـلام و پس از آن در ایران رواج یـافته اسـت. در آغـاز اسـناد مطالعـاتی و منـابع تحقیقی در تاریـخ آمـوزش و پرورش و نهادهـای آموزشی و علمی ایران و مقاطع تاریخی تحقیق, توضیح داده می‌شود. سپس کلیاتی درباره آموزش و پرورش ایران باستان، نهادهای آموزشـی، آموزش و پرورش در ایران از آغاز خلافت عباسـیان تا استقرار دولت صفاریان بیان می‌شود و آموزش و پرورش ایران از صفاریـان تـا سـلجوقیان، از سـلجوقیان تـا انقراض خوارزمشاهیـان، از دوره مغول و ایلخانیـان تا صـفوی به روشـنی همراه با نهادهای آموزشـی آن دوره ارائه شـده است۶ مـدارس نظـامیه و تـاثیرات علمی و اجتمـاعی آن ویژگی اثر : ایـن کتـاب ارزشـمند و تحقیق گرانسـنگ در بیان وضـعیت این مراکز بزرگ علمی نقش والایی دارد.کتاب مـذکور یک پیشگفتار و هفت بخش دارد که عبارت است از :اوضـاع سیاسـی و اجتمـاعی و علمی بلاـد اسـلامی همزمان با مـدارس نظامیه،خواجه نظام الملک طوس بنیانگـذار مـدارس نظـامیه،نظـامیه نیشـابورهٔ نظـامیه بغـداد ،مـدارس نظـامیه مهم دیگر از جمله نظـامیه اصـفهان ،آمل طبرسـتان و ...۷ منتخب النصـوص التاریخیه و الجغرافیه ویژگی اثر : پدیدآورنده: نورالله کسائی ناشـر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) – ۳۱ تیر، ۱۳۸۶۸ نقد و نظر در تاریخ آموزش و پرورش ایران از آغاز تا کنون

منابع زنـدگینامه :کیهان فرهنگی سال بیسـتم مهر ۱۳۸۲ شماره ۲۰۴۳نشـریه مدت ، ماهنامه دانشـگاه تهران ، شماره ۲۲ ،آبان و آذر ۱۳۸۰ ، ص ۴۶

کسرائی، رحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: خاک‌شناسی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای خاک‌شناسی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شرکت در انجام طرح تفصیلی خاک‌شناسی اراضـی ایستگاه تحقیقاتی دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز، انجام تحقیقات در زمینه مسئله تغذیه گیاهان و درجه حاصل‌خیزی خاکها.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ترجمه کتاب چکیده‌ای درباره علم تغذیه گیاهی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

بررسی عوامل محدودکننده رشد گیاهان در خاکهای منطقه سعیدآباد تبریز، بررسیهای مقدماتی در مورد برخی از خواص خاکهای اراضی کرکسج وابسته به ایستگاه تحقیقاتی دانشکده کشاورزی تبریز.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کسروی اصفهانی، ابوحسین علی

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سوم ق)، حافظ، فقیه شافعی، ادیب، نحوی و شاعر. اصل وی از اصفهان و ساکن بغداد بود. معلم هارون، فرزند ابوالحسن علی بن یحیی بن ندیم، بود. او سپس به ابی النجم بدر معتضدی والی اصفهان، در زمان معتضد عباسی، پیوست. وی راوی شعر و تاریخ و سیر، و بر کتاب «العین» خلیل بن احمد مسلط بود. بین کسروی و ابن المعتز عبدالله نامه‌نگاری و مراجعات بسیار بوده است و اشعار زیادی را سروده به هم ارسال می‌کردند. کسروی در عهد خلافت معتضد (۲۸۹ -۲۷۹ ق) از دنیا رفت. سال مرگ وی در «کشف الظنون» و «هدیهٔ العارفین»، ۳۳۰ ق ذکر شده است. از آثارش: «الخصال»، مجموعه‌ای از اشعار و حکم و امثال؛ «الاعیاد و النواریز»؛ «تأویل الاحادیث المشکلات الواردهٔ فی الصفات»؛ «مراسلات الاخوان و محاورات الخلان»، که در «هدیهٔ العارفین»، «مجاوبات الخلان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۴۶۳/ ۲ ،۲۲۰/ ۱)، ریحانه (۵۸/ ۵)، الفهرست لابن الندیم (۲۱۴)، کشف الظنون (۱۳۹۴ ،۷۰۵)، لغت نامه (ذیل/ علی کسروی)، معجم الادباء (۹۶-۸۸/ ۱۵)، معجم المؤلفین (۲۴۷/ ۷)، هدیهٔ العارفین (۶۷۸/ ۱).

کسروی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۹- مقتول ۱۳۲۴ ش)، مورخ، ادیب، نویسنده و استاد دانشگاه. وی در خانواده‌ای روحانی در تبریز به دنیا آمد. مقدمات علوم و ادبیات عرب را در مدارس قدیم و زبان انگلیسی را در مدرسه‌ی آمیریکایی تبریز فراگرفت. وی بعدها در همان مدرسه به تدریس پرداخت، و در آنجا با مبلغان مسیحی، در دفاع از اسلام، مباحثات می‌کرد. بعد از اعضاء حزب دمکرات شد و به تهران تبعید گردید. او مدتی به کار در دادگستری پرداخت و مناصبی را نیز عهده‌دار بود. از ۱۳۱۲ تا ۱۳۲۰ ش به نشر روزنامه‌ی «پرچم» پرداخت. در دانشکده‌ی الهیات نیز به تدریس تاریخ اشتغال داشت ولی به سبب بدگویی‌هایی که از شعر و شاعری و عرفان و ادب ایرانی کرده بود با استادی او مواقت نشد. وی با زبان پهلوی و ارمنی و فرانسه آشنایی داشت. کسروی در زمینه‌های مختلف ادب، تاریخ، اجتماع، اقتصاد و مذهب عقاید مخصوص به خود داشت. آنچه او در باب نقد ادبی و بررسی شعر شاعران ایرانی و به خصوص ادب و شعر صوفیه، به ویژه حافظ و مولوی، نوشته از نوعی خشکی طبع و عدم آگاهی از جوهر هنر و زیبایی‌های آثار ادبی سرچشمه گرفته است و بر روی هم دیدگاه نقد او با اینکه دیدگاهی اجتماعی است، اما در مجموع نماینده‌ی ضعف تشخیص او در شناخت آثار ادبی است. آرای او در نقد مذهب شیعه مسایلی بود که پیش از وی بر قلم بعضی از نویسندگان اهل سنت جاری شده بود و علمای شیعه نیز پاسخ آنها را داده بودند اما او با زبانی که از بی‌نزاکتی و هتاکی خالی نبود همان انتقادها را رواج داد. وی عضویت انجمن آسیایی همایونی و انجمن جغرافیایی آسیایی و عضویت آکادمی آمریکا را داشت. کسروی یکی از پرکارترین نویسندگان دوره‌ی اخیر است که متجاوز از هفتاد کتاب و رساله، علاوه بر مقالات بسیار، از وی منتشر شده است. او سرانجام در یکی از محاکم وزارت دادگستری به وسیله‌ی گروهی از فداییان اسلام به قتل رسید. از آثار او در زمینه‌ی تاریخ: «تاریخ مشروطه‌ی ایران»؛ «تاریخ هیجده ساله‌ی آذربایجان»؛ «تاریخ پانصد ساله‌ی خوزستان»؛ «شیخ صفی و تبارش»؛ «شهریاران گمنام»؛ «تاریخچه‌ی شیر و خورشید»؛ «تاریخچه‌ی چپق و قلیان»؛ «نادر شاه». در زمینه‌ی مذهب: «آیین کژی»؛ «ورجاوند بنیاد»؛ «در پیرامون اسلام»؛ «در پیرامون روان»؛ «صوفیگری». در زمینه‌ی مسایل سیاسی و اجتماعی: «کار و پیشه و پول»؛ «در راه سیاست»؛ «فرهنگ چیست؟»؛ «افسران ما». در زمینه‌ی مسایل مربوط به زبان شناسی و دستور: «آذری یا زبان باستان آذربایگان»؛ «زبان پاک»، دستور زبان؛ «زبان فارسی»؛ «نامهای شهرها و دیه‌های ایران». زمینه‌ی نقد ادبی و مباحث هنری: «حافظ چه می‌گوید»؛ «در پیرامون ادبیات»؛ «در پیرامون شعر و شاعری».[۱]

(بخش ۱) (سید) احمد بن (حاجی میر) قاسم، دانشمند، مورخ، زبانشناس و اصلاح‌طلب ایرانی (و. تبریز ۱۲۶۹- مقت. تهران ۱۳۲۴ ه.ش). تا چند پشت وی اهل علم و مورد توجه مردم تبریز بوده‌اند. کسروی در رشته‌های تاریخ، لغت، زبان و دین تحقیق کرده و طرفدار جدی اصلاح و تصفیه‌ی مذهبی و مخالف سرسخت تصوف و عرفان بود. وی طرفدار جدی ملیت ایرانی بود و از به کار بردن لغات عربی دوری می‌جست و در برابر آنها لغات و اصطلاحات و ترکیباتی از ریشه فارسی ساخته بود و خود آنها را به کار می‌برد. کسروی مردی رک‌گو و مبارز و در عقاید خود استوار بود. روزنامه‌ای به نام «پرچم» و مجله‌ای به نام «پیمان» منتشر می‌کرد که ناشر عقاید وی بودند. کسروی در روز دوشنبه‌ی بیستم اسفند ماه ۱۳۲۴ ه.ش به وسیله‌ی خنجر و اسلحه‌ی کمری به دست برادران امامی- از فدائیان اسلام- به قتل رسید. تألیفات کسروی از ۷۰ جلد متجاوز است که اهم آنها از این قرار است: «تاریخ مشروطه‌ی ایران»، «تاریخ هیجده ساله‌ی آذربایجان»، «شهر یاران گمنام»، «تاریخ پانصد ساله‌ی خوزستان»، «تاریخچه‌ی شیر و

خورشید»، «شیخ صفی و تبارش»، «نامه‌های شهرها و دهها‌ی ایران»، «قانون دادگری»، «زبان پاک» «تاریخچه‌ی چپق و غلیان»، «مشعشعیان»، «ترجمه‌ی کارنامک اردشیر بابکان»، «ترجمه‌ی (تلخیص) پلوتارخ»، «زبان آذری»، «پیدایش آمریکا»، «ده سال در عدلیه»، «صوفی گری».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات نوین (۲۷۴، ۲۷۲)، از نیما تا روزگار ما (۱۰۲ -۹۰)، تاریخ انقلاب مشروطیت (۸ -۷ / ۱)، تاریخ برگزیدگان (۳۴۹ -۳۴۱)، تاریخ جراید (۹۷ -۹۳/ ۲)، چون سبوی تشنه (۲۳۱)، دایرهٔ المعارف فارسی (۲۲۲۰/ ۲)، الذریعه (۱۹، ۳/ ۲۴، ۲۶۶ -۲۶۵، ۲۶۱/ ۱۴، ۳۳/ ۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۷۳ -۲۶۵/ ۵)، شرح حال رجال (۲۲-۲۱/ ۵)، شخصیت های نامی (۴۰۶ -۴۰۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۵۵، ۳۴۵۴، ۳۳۵۴، ۳۲۴۰، ۳۲۱۶، ۳۰۱۸، ۲۷۳۵، ۲۷۳۳، ۲۵۹۱، ۲۵۸۷، ۲۵۸۴، ۲۴۲۴، ۲۴۱۵، ۲۲۳۳، ۲۱۹۳، ۲۱۸۶، ۲۱۸۴، ۲۰۶۴، ۱۹۷۹، ۱۸۵۶، ۱۸۲۲، ۱۸۲۱، ۱۶۲۸/ ۲، ۱۴۸۵، ۱۳۸۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۵، ۱۳۷۴، ۱۳۵۹، ۱۳۴۵، ۱۳۱۹، ۱۲۹۶، ۱۲۵۰ -۱۲۴۹، ۱۱۸۱، ۱۱۷۳، ۱۱۴۵، ۱۱۳۴، ۱۱۱۶، ۱۰۵۰، ۹۷۱، ۷۶۹ -۷۶۸، ۷۵۱، ۶۹۷، ۶۹۶، ۶۸۱، ۶۳۶، ۶۳۳، ۶۲۲، ۶۱۴، ۵۹۴، ۵۸۳، ۵۸۲، ۵۴۵، ۵۲۹، ۴۷۰، ۴۶۶، ۳۷۸، ۳۳۵، ۲۹۷، ۱۷۲، ۸۵، ۷۷، ۲۹/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۹۴)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد، کسروی)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴۶ -۴۳۷/ ۱)، یادداشتهای قزوینی (۲۲۶/ ۸).

کسری، لیلا

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۷ فروردین ۱۳۱۸، تهران.

درگذشت: ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۸(۱۹ می ۱۹۸۹ م.)، کالیفرنیا.

لیلا کسری (افشار)، فرزند محمد کسری متخلص به «الهام»، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رسانید. سپس از کینگز کالج انگلستان در رشته‌ی علوم اداری (دوره‌ی کامل منشیگری و کتابداری) فارغ‌التحصیل شد. پس از بازگشت به میهن، در شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران مشغول به کار شد. او همچنین به کار نویسندگی به ویژه نمایشنامه‌نویسی رادیویی پرداخت.

از سال ۱۳۳۵ خدمت مطبوعاتی را آغاز کرد و عضو هیئت تحریریه مجله‌ی «اطلاعات بانوان» و مجله‌ی «روشنفکر» بود و با «امید ایران» نیز همکاری داشت. وی از شاعران نوپرداز است. اولین مجموعه شعرش را به نام یک پاییز و دو بهار در زمانی که صاحب دو فرزند بود، نشر نمود. مجموعه فصل مطرح نیست (این کتاب برنده‌ی جایزه‌ی تلویزیونی سال ۱۳۴۸ شد) و جشنواره‌ی اینسوی پل را در سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ منتشر کرد. وی به ترانه‌سرایی نیز می‌پرداخت.

لیلاـ کسری زمانی که سومین پسرش به دنیا آمد، به سرطان دچار شد. به دفعات در انگلستان و آمریکا تحت عمل جراحی قرار گرفت. اما سرانجام در روز بیست و نهم اردیبهشت ۱۳۶۸ ساعت چهار بامداد در منزل خود در ایالت کالیفرنیا دار فانی را وداع گفت.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

کسکنی سبزواری، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اهل کسکن سبزوار و از سادات آن دیار بود. وی در عهد شاه طهماسب اول (۹۸۴ -۹۳۰ ق) می‌زیست و از ملازمان شاه به شمار می‌آمد. در اواخر عمر دست از امور دنیوی برداشت و به عبادت روی آورد. طبع خوبی داشت و در سرودن غزل ماهر بود. در «هفت اقلیم» صاحب عنوان، تحت نام امیر محمد کیسکی آورده شده است. از اوست:

اول عشق است و از حیرت ندارم ذوق وصل

مرغ دام افتاده خود چندی نخواهد دانه را

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۴۰۷/ ۱)، تذکره‌ی روز روشن (۷۲۳)، الذریعه (۱۰۰۳/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۱۶)، مجمع الخواص (۸۲ -۸۱)، هفت اقلیم (۲۸۹/ ۲).

کسمایی یزدی، شمس جهان

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(۱۳۴۰ -۱۲۶۲ ش)، شاعر و روزنامه نگار. در یزد به دنیا آمد. وی به همراه همسرش، که تاجر بود، به عشق آباد روسیه رفت. در ۱۲۹۷ ش به ایران بازگشت و در تبریز سکنی گزید. از همان آغاز به گروه نویسندگان نشریه‌ی «تجدد» به مدیریت تقی رفعت

پیوست و در تحرکات اجتماعی و انقلابی آن روزگار آذربایجان مشارکت فعال داشت. وی به زبان‌های رویس و ترکی و فارسی آشنا بود. بانو شمس جهان در مجله «آزادیستان» قطعه شعری با پاره‌هایی فارغ از قید تساوی و قافیه بدی معمول پیشینیان منتشر کرد که تقلیدگونه‌ای از اشعار اروپایی بود و جزو نخستین نمونه‌های تجدد در شعر فارسی به شمار می‌آید. از او پانصد بیت شعر و آثار پراکنده‌ای از نثر به جای مانده است. با روی کار آمدن رضا شاه وی گوشه‌نشین شد و سالهای پایانی عمر خود را در تهران گذراند و سرانجام در همین شهر درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از صبا تا نیما (۴۵۷/ ۲)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۶۹۵ -۶۹۳)، چون سبوی تشنه (۸۵-۸۳)، زنان سخنور (۱۰۴ - ۱۰۳/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۶۳).

کسمایی، شمس

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شمس کسمایی شمس کسمایی که به سال ۱۲۶۲ ه. ش. در یزد زاده شد بود، پس از ازدواج به همراه همسرش، که تاجر چای بود، به عشق آباد روسیه (مرکز ترکمنستان کنونی) رفت. وی پس از چهار سال اقامت و به دنبال ورشکستگی شوهرش در سال ۱۲۹۷ ه.ش به همراه همسر و دو فرزندش (صفا و اکبر) به ایران بازگشت و در تبریز، که مقارن آن سالها مرکز جنب و جوش فکری و سیاسی بود، ساکن گردید. از همان آغاز به گروه نویسندگان نشریه تجدد به میانداری تقی رفعت پیوست و در تحرکات اجتماعی و انقلابی آذربایجان مشارکت فعال داشت. در همین زمان پسرش، که نقاش چیره دستی بود و با چند زبان آشنایی داشت، در مبارزات جنگل کشته شد. ابولاقاسم لاهوتی در شعری با عنوان عمر گل به دلداری مادر داغدار شتافت و خطاب به شمس سرود:

در فراق گل خو ای بلبل

نه فغان برکش و نه زاری کن

صبر بنما و بردباری کن

مکن آشفته موی چون سنبل شمس زنی روشنفکر و آزادی خواه و مستقل بود. زبان روسی و فارسی میدانست، در آذربایجان ترکی هم آموخت. پس از کشته شدن رفعت و روی کار آمدن رضاشاه، جمع مبارزان آذربایجان پراکنده شدند. همسر شمس به سال ۱۳۰۷ش در گذشت. او با تنها دخترش صفا به یزد رفت و بعد از آن که با شخص دیگری به نام محمدحسین رشتیان ازدواج کرد، زندگی خود و خانواده اش را به تهران منتقل کرد. سالهای پایانی عمر او در تهران به گوشه نشینی گذشت، با این حال خانه اش محل رفت و آمد روشنفکران بود تا این که در سال ۱۳۴۰ ه.ش در گذشت. از اشعار او مقدار کمی باقی مانده است.

از شمس کسمایی در شهریور ماه ۱۲۹۹ش در مجله آزادیستان قطعه شعری با پاره هایی فارغ از قید تسوی و قافیه بندی معمول پیشینیان منتشر شد که تقلید گونه ای از اشعار اروپایی بود و جزو نخستین نمونه های تجدد در شعر فارسی به شمار می آید. اینک بخشهایی از آن قطعه: پرورش طبیعت

ز بسیاری آتش مهر و ناز و نوازش

از این شدت گرمی و روشنایی و تابش

گلستان فکرم

خراب و پریشان شد افسوس

چو گلهای افسرده افکار بکرم

صفا و طراوت زکف داده گشتند مایوس بلی، پای بر دامن و سر به زانو نشینم

که چون نیم وحشی گرفتار یک سرزمینم

نه یاری خیرم

نه نیروی شرم

نه تیر و نه تیغم بود، نیست دندان تیزم

نه پای گریزم

از این روی در دست همجنس خود در فشارم

ز دنیا و از سلک دنیاپرستان کنارم

برآنم که از دامن مادر مهربان سر برآرم

کسمایی، شمس

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

شمس کسمایی شمس کسمایی که به سال ۱۲۶۲ ه. ش. در یزد زاده شد بود، پس از ازدواج به همراه همسرش، که تاجر چای بود، به عشق آباد روسیه (مرکز ترکمنستان کنونی) رفت. وی پس از چهار سال اقامت و به دنبال ورشکستگی شوهرش در سال ۱۲۹۷

ه.ش به همراه همسر و دو فرزنـدش (صـفا و اکبر) به ایران بـازگشت و در تبریز، که مقـارن آن سالهـا مرکز جنب و جوش فکری و سیاسی بود، ساکن گردید. از همان آغاز به گروه نویسندگان نشریه تجدد به میانداری تقی رفعت پیوست و در تحرکات اجتماعی و انقلابی آذربایجـان مشـارکت فعـال داشت. در همین زمـان پسـرش، که نقـاش چیره دستی بود و بـا چنـد زبـان آشـنایی داشت، در مبارزات جنگل کشته شد. ابولاقاسم لاهوتی در شعری با عنوان عمر گل به دلداری مادر داغدار شتافت و خطاب به شمس سرود:

در فراق گل خو ای بلبل

نه فغان برکش و نه زاری کن

صبر بنما و بردباری کن

مکن آشفته موی چون سنبل شـمس زنی روشـنفکر و آزادی خواه و مستقل بود. زبان روسـی و فارسـی میـدانست، در آذربایجان ترکی هم آموخت. پس از کشته شـدن رفعت و روی کار آمدن رضاشاه، جمع مبارزان آذربایجان پراکنده شدند. همسر شـمس به سال ۱۳۰۷ش در گذشت. او با تنها دخترش صفا به یزد رفت و بعد از آن که با شـخص دیگری به نام محمدحسین رشتیان ازدواج کرد، زنـدگی خود و خانواده اش را به تهران منتقل کرد. سالهای پایانی عمر او در تهران به گوشه نشینی گـذشت، با این حال خانه اش محل رفت و آمد روشنفکران بود تا این که در سال ۱۳۴۰ ه.ش در گذشت. از اشعار او مقدار کمی باقی مانده است.

از شـمس کسـمایی در شهریور ماه ۱۲۹۹ش در مجله آزادیسـتان قطعه شـعری بـا پاره هایی فارغ از قیـد تسوی و قافیه بنـدی معمول پیشـینیان منتشـر شد که تقلید گونه ای از اشـعار اروپایی بود و جزو نخستین نمونه های تجدد در شعر فارسی به شمار می آید. اینک بخشهایی از آن قطعه: پرورش طبیعت

ز بسیاری آتش مهر و ناز و نوازش

از این شدت گرمی و روشنایی و تابش

گلستان فکرم

خراب و پریشان شد افسوس

چو گلهای افسرده افکار بکرم

صفا و طراوت زکف داده گشتند مایوس بلی، پای بر دامن و سر به زانو نشینم

که چون نیم وحشی گرفتار یک سرزمینم

نه یاری خیرم

نه نیروی شرم

نه تیر و نه تیغم بود، نیست دندان تیزم

نه پای گریزم

از این روی در دست همجنس خود در فشارم

ز دنیا و از سلک دنیاپرستان کنارم

برآنم که از دامن مادر مهربان سر برآرم

کشاورز صدر، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۳ –۱۲۸۱ ش)، حقوقدان، ادیب و نویسنده. در محلات به دنیا آمد پس از اتمام تحصلات وارد دادگستری و شغل قضاوت شد. وی در دوره‌های پانزدهم و شانزدهم نماینده‌ی خرم‌آباد در مجلس شورای ملی بود و از اواخر ۱۳۲۹ ش به همکاری با دکتر مصدق پرداخت و از زمره‌ی یازده نماینـده‌ای بود که طرح ماده‌ی واحـده‌ی ملی کردن نفت را به مجلس پیشـنهاد کردنـد. او همچنین مدتی اسـتانداری تهران و گیلان و اصفهان را به عهـده داشت. سـرانجام در تهران بر اثر حمله‌ی قلبی درگـذشت. از آثـارش: «از رابعه تا پروین»؛ «مکتب سـعدی»؛ «عقـاب کمـازان یـا کریم خـان زنـد»، از مرگ نـادر... تا شـکست علیمردان خان؛ «آیین و رویه دادرسـی مدنی»؛ «آیین و رویه دادرسی کیفری»؛ «وزیران محبوس و مقتول».[۱]

در ۱۲۸۱ ش متولد شد. پدرش آقا سید محمد کوچک در دستگاه امیر مفخم بختیاری، سـمت پیشکاری داشت. سید محمد علی تحصیلات خود را در حد مدرسـی انجام داد و از مدرسه عالی حقوق لیسانس گرفت و به خدمت قضاوت مشغول شد. تمام مراحل قضائی را طی کرد. مدتـ‌ها دادسـتان و رئیس دادگستری در شهرسـتان‌ها بود. در ۱۳۲۵ مدیر کل بازرسـی وزارت دادگستری شد. در دوره‌ی پـانزدهم از خرم‌آبـاد بـه وکـالت مجلس رسـید و در دوره‌ی شـانزدهم این سـمت را حفـظ کرد. در دوره‌ی اخیر ابتـدا از حکومت رزم‌آرا طرفـداری می‌نمود، بعـد به دکتر مصـدق نزدیک شـد و عضویت جبهه ملی را پـذیرفت ولی با تمام این احوال، در دوره‌ی هفدهم به مجلس راه پیدا نکرد و در عوض، دکتر مصدق او را به کار اجرائی گمارد. ابتدا اسـتانداری گیلان را به او دادند، سپس اسـتانداری اصـفهان به او واگذار شد. در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در اصـفهان بود، مورد تعرض عـده‌ای قرار گرفت. چون جانش در خطر بود در منزل دکتر حکمی چنـد روز به حالت اختفا می‌زیست، سـرانجام دسـتگیر شـد. مـدتی در زنـدان بود تا آزادش کردنـد. تدریجا به شـغل وکالت دادگستری اشـتغال ورزید و در جبهه ملی هم فعالیت می‌کرد. در کار وکالت با هدایت‌الله متین دفتری نوه‌ی دختری مصـدق همکاری داشت و چون هم فکر سیاسـی هم بودنـد، دست به اقـداماتی زدند که مورد تعقیب قرار گرفته و مدتی در بـازداشت بسـر برد. وفات او در ۱۳۵۵ اتفـاق افتـاد. کتـابی از وی به نـام از رابعه تـا پروین که شـرح حال زنان شاعره است، و کتاب

عقاب کامازون و چند تألیف دیگر باقی مانده است. چند ماهی نیز در فترت مجلس پانزدهم و شانزدهم از طرف ساعد نخست‌وزیر وقت، رئیس اداره کل انتشارات و تبلیغات شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۳۲۱/ ۲ ،۵۳۴، ۱۷۱، ۸۸/ ۱)، کیان (س ۶، ش ۳، ص ۵۶ -۵۵)، مؤلفین کتب چاپی (۷۷/ ۵).

کشاورز علمداری، اسکندر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر اسکندر کشاورز علمداری در سال ۱۳۴۳ در تهران بدنیا آمد. وی تحصیلات دانشگاهی را در گرایش فنی و مهندسی آغاز کرد و در این راستا موفق به اخذ مدرک دکترای مهندسی مواد از دانشگاه صنعتی شریف (در سال ۱۳۷۹) شد.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه صنعتی امیر کبیر می باشد.

گروه : فنی و مهندسی

رشته : مهندسی مواد

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی دانشگاهی اسکندر کشاورز علمداری به ترتیب زیر است: - کارشناسی رشته مهندسی مواد از دانشگاه صنعتی اصفهان در سال ۱۳۶۸ - کارشناسی ارشد رشته مهندسی مواد از دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۷۱ - دکترای رشته مهندسی مواد از دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۷۹

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای و عضویت در انجمن های علمی و تخصصی اسکندر کشاورز علمداری به قرار زیر است: دانشیار دانشگاه امیر کبیر،بخش مهندسی مواد و معدن از سال ۱۳۸۴ تا کنون استادیار دانشگاه امیر کبیر،بخش مهندسی مواد معدن از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴ مربی دانشگاه امیر کبیر ،بخش مهندسی مواد و معدن از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۹ عضو جامعه ایرانیان مهندسی مواد (IMES) عضو جامعه آهن و استیل ایران (ISSI) عضو جامعه مهندسین شیمی ایرانیان (IACHE) دبیر نهمین سمپوزیوم فولاد در دانشگاه صنعتی امیر کبیر

آرا و گرایشهای خاص : محور تخصصی: متالورژی استخراجی، سینتیک و ترمودینامیک فرآیندهای استخراج

چگونگی عرضه آثار : از دکتر اسکندر کشاورز علمداری تا کنون بیش از ۱۱ مورد مقاله در زمینه تخصصی خود منتشر شده است. او در کنار تالیف و ترجمه کتب و مقالات ، در کنفرانسهای داخلی و خارجی با ارائه مقاله شرکت می کند.

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

کشاورز، فریدون

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۶ ش)، پزشک، استاد دانشگاه، روزنامه نگار و نویسنده. در انزلی به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در رشت و دوره‌ی متوسطه را در دارالفنون به پایان برد. سپس برای تکمیل تحصیلات خود به فرانسه عزیمت نمود و از دانشکده‌ی پزشکی پاریس موفق به اخذ درجه‌ی دکترا، در طب کودکان شد و پس از چندی معاونت بیمارستان اطفال را در پاریس بر عهده گرفت. سپس به ایران آمد و به سمت دانشیاری دانشکده‌ی پزشکی تهران منصوب شد و بعد از پنج سال به استادی دانشکده‌ی پزشکی رسید. وی در دوره‌ی چهاردهم مجلس، از طرف مردم بندر انزلی، نماینده مجلس و عضو فراکسیون حزب توده بود. در ۱۳۲۴ ش برای شرکت در جشن بیست ساله‌ی تأسیس دانشگاه آسیای میانه به تاشکند مسافرت کرد. وی مدیر روزنامه‌ی «رزم» بود و همچنین در ۱۳۲۵ ش به وزارت فرهنگ منصوب شد. از آثارش: «آداب پرورش کودکان»؛ «دانستنیهای کودکان»، راهنمای پدران و مادران برای تربیت اخلاقی کودکان.[۱]

در ۱۲۸۶ ش در گیلان تولد یافت. پدرش وکیل‌التجار گیلانی حرفه‌ی تجارت داشت و دو دوره هم به وکالت مجلس رسیده بود. کشاورز پس از اخذ دیپلم به اروپا رفت و در رشته‌ی پزشکی در پاریس ادامه تحصیل داد و تخصص خود را در زمینه‌ی کودکان دریافت نمود. پس از مراجعت به ایران به دانشکده پزشکی دعوت شد و مقام دانشیاری گرفت و در چند بیمارستان نیز ریاست بخش اطفال با او بود. وی به علت علاقه‌ی شدید به فن خود و مطالعات زیاد، در تهران فوق‌العاده مورد توجه واقع شد و همه روزه مطب وی پر از بیمار بود. واقعا در علم پزشکی اعجاز می‌کرد و پزشک دربار هم بود. در نیمه دوم ۱۳۲۰ که حزب توده بنیاد گرفت، دکتر فریدون کشاورز به آن حزب پیوست و یکی از فعالین درجه اول حزب مزبور گردید. امتیاز روزنامه‌ای به نام رزم گرفت که گاهی یومیه و زمانی به صورت هفتگی انتشار می‌یافت که افکار و عقاید و فعالیت‌های حزب توده در آن منعکس می‌شد. در دوره‌ی چهاردهم از طرف حزب توده کاندیدای نمایندگی مجلس شد و از بندر انزلی به وکالت مجلس رسید. در سال ۱۳۲۵ در کابینه‌ی ائتلافی قوام‌السلطنه به وزارت فرهنگ معرفی گردید و چند ماهی که در رأس آن وزارتخانه قرار داشت، تمام مشاغل وزارتخانه را به افراد حزب توده واگذار نمود. پس از ۱۳۲۷ که حزب توده غیرقانونی اعلام گردید، وی توقیف و به زندان رفت و محکومیت یافت و سرانجام در ۱۳۲۹ از زندان فرار کرد. کشاورز چند سال پس از فرار خود از حزب توده کناره گرفت و

حتی در مقام منازعه با آنها درآمد و افشاگری کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱]ادبیات نوین (۲۸۷ -۲۸۶)، الذریعه (۴۴/ ۸)، روز شمار تاریخ (۱۹۳/ ۲ ،۳۰۲، ۲۸۰، ۲۷۹، ۲۷۱/ ۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۳۴۷، ۲۳/ ۱)، کتاب گیلان (۵۹۷/ ۳، ۶۷۴/ ۱)، من متهم می‌کنم (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۷ -۸۳۶/ ۴)، وزیران علوم و معارف و فرهنگ (۴۰۲ -۴۰۱).

کشتکاران، علی اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اصغر کشتکاران

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

همزمان با انقلاب اسلامی وارد دبیرستان ابوذر شیراز شدم. این دبیرستان بزرگترین دبیرستان در شیراز بود و کانون فعّالیّت های انقلابی، با پیروزی انقلاب به تدریج وارد انجمن اسلامی دبیرستان شده و فعّالیّت های فرهنگی را انجام داده و در ضمن آن، در مسجد محله (مسجد امتیاز) کتابخانه کوچکی دایر نمودم. اواخر سال های تحصیل به جبهه رفتم و با انجام خدمت وظیفه نزدیک سه سال توفیق حضور در جبهه را داشتم. بلافاصله بعد از پایان خدمت وظیفه (۱۳۶۶) وارد حوزه علمیّه قم شدم و در ضمن تحصیل دوباره نیز توفیق حضور در جبهه را پیدا کردم. (ابتدا باید اذعان کنم که آشنایی و راه یابی حقیر به مسائل مذهبی از هیئت مذهبی آقای سیف که فرد انقلابی بود قبل از انقلاب آغاز شد. این هیئت تأثیر زیادی در جهت گیری بنده داشت.) دروس حوزه را از مدرسه مبارکه رضویه شروع کردم تا نزدیک ۵ سال بخش های مهمی از دروس سطح را خواندم تا با فرهنگستان علوم اسلامی قم آشنایی پیدا کردم.

بنده از ابتدای انقلاب به مسایل سیاسی، فلسفی، دینی و ... علاقه داشتم ولی نمی دانستم چگونه ممکن است همه این امور با هم جمع شوند حتی در دوران ۵ سال تحصیل در حوزه، این سوال در ذهن بنده روشن تر می شد به گونه ای که با مرور برخی مقالات، حقیر در بسیاری از مسایل در حد خود نظریات مبنایی و ریشه ای دارم که البته رو به تکامل است، (هم در مسایل فلسفی، هم اقتصادی، هم کلامی و ...) البته درک این مسایل مبنایی بیشتر ناشی از تاثیرات اساتید گرامی ام: امام راحل، مقام معظم رهبری، مرحوم آیت الله سیّد منیرالدین حسینی الهاشمی و حضرت حجّت الاسلام و المسلمین میرباقری می باشد. البته بر نوشته جات زیادی نیز که در مسایل گوناگون داشته که یا تحت نامه به برخی بزرگان بوده و یا نیاز به کار برای انتشار دارد در صورت لزوم ناگفته نماند که فضای پرورشی ای که ما داشتیم باعث سرعت در دریافت بسیاری از مطالب می شد یعنی به جای کارهای فردی با استفاده از کارهای گروهی و مباحثه و مشاوره در مسائل مختلف به مسائل مبنایی دست می یافتیم بر خلاف رویه موجود حوزه که بیشتر کارها فردی انجام می شود. ما با استفاده از اساتید و افراد مختلف که با بخش های مختلف نظام، حوزه و دانشگاه ارتباط داشتند مسایل ریشه ای را متوجه می شدیم و لذا در تحقیقات مختلف راحت تر به مبانی نظریات رسیده و آنها را مورد نقد و بررسی قرار می دهیم.

به نظر حقیر مقاله «ارتباط متقابل معارف بشری و نقش آن در نسبی معرفی کردن معرفت دینی» که به نقد و بررسی آراء موجود پرداخته و نظریه مختار را تبیین نموده مهمترین اثر بنده می باشد که متاسفانه توجه جدی به آن نشده است. در هر صورت امیدوارم به تدریج کارهای تحقیقاتی سازمانی برای پاسخگویی به مسایل اداره نظام که مورد درخواست مقام معظم رهبری می باشد فعّال گردد و جبهه فرهنگی منسجم و قوی ای در مقابل جریان انحرافی شکل گیرد و مسایل مورد ابتلا سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نظام که بارها مقام رهبری آنها را درخواست نمودند توسط فضلای دلسوز تولید گردد و نیاز ما به الگوهای وارداتی قطع شود. انشاء الله

کشته کاشانی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به کشته. اصل وی از نطنز کاشان بود. خط شکسته را خوب می‌نوشت و در خدمت شاهزاده همایون میرزا، پسر فتحعلی شاه، به منصب ندیمی رسید. او شعر نیز می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۴۵۴ -۱۴۵۳/ ۲)، سفینهٔ المحمود (۲۶۹ -۲۶۷/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۷۶۳)، مصطبه‌ی خراب (۱۵۴- ۱۵۵).

کشفی اکبرآبادی، محمد صالحی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۶۱/ ۱۰۶۰ ق)، خطاط و شاعر. وی در شعر فارسی کشفی و در شعر هندی سبحانی تخلص می‌کرد. پدرش از اولاد شاه نعمت‌اللّه بود که اجدادش از ایران به هندوستان سفر کردند و میر محمد صالح در دهلی به دنیا آمد. او در ابتدای حال در فقر و قناعت می‌زیست و در اواخر عمر، شاه جهان پادشاه او را نزد خود خواند و در دستگاه وی مقام والایی یافت. کشفی از علوم مختلف بهره‌مند بود و در نظم و نثر فارسی و هندی دست داشت و نستعلیق را خوش می‌نوشت. از تألیفات وی: «راز و اعجاز مصطفوی»؛ «مناقب مرتضوی»؛ «دیوان» شعر. از خطوط او: یک قطعه به قلم سه دانگ و نیم دو دانگ و کتابت خوش و یک رباعی از اشعار خود او، با رقم: «مشقه محمد صالح کشفی... سنه هزار و چهل و هشت»؛ سه قطعه از مرقعی، به قلم‌های سه دانگ و دو دانگ و کتابت خوش، با رقم‌های: «احقر العباد کشفی» و «سوده کشفی» و «سوده محمد صالح الحسینی».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۷۸/ ۳)، تذکره‌ی روز روشن (۶۷۹ -۳۷۸)، الذریعه (۳۳۴/ ۲۲، ۹۱۱/ ۹)، ریحانه (۶۲/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۷۶۳)، کاروان هند (۱۵۳۹/ ۲).

کشفی بروجردی، سینا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یکی از فرزندان دوازده‌گانه‌ی سید جعفر بن اسحاق دارابی بروجردی معروف به کشفی است. عالم و فاضل و جامع بوده، و به تفسیر و فقه تخصص داشته، در سال ۱۳۲۵ وفات یافته.

در اواخر عمر در اصفهان ساکن بوده، و در این شهر وفات یافته است. فرزندان و اعقاب برادرش سید محمود در اصفهان و نجف آباد ساکن و به کشفی معروفند.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کشفی بروجردی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدباقر بن العالم الجلیل السید محمد بن العلامه الورع السید ریحان‌اللّه بن العالم العلام و الحجه القمقام الایه العظمی السید جعفر کشفی بروجردی (صاحب کتاب تحفه الملوک و اجابت المضطرین و کتب دیگر از علماء اعلام و دانشمندان کرام معاصر تهرانست.

وی در ماه رجب ۱۳۲۱ قمری در تهران متولد شده و پس از تربیت و رشد در مهد علم و سیادت و شرف و اصالت و خواندن مقدمات و ادبیات و سطوح در تهران به قم مشرف شده و چندی از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری استفاده کرده آنگاه به نجف مهاجرت نموده و از ابحاث مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا ضیاءالدین عراقی استفاده و کسب فیض نموده و به تهران مراجعت و در مسجد سراج‌الملک واقع در خیابان امیرکبیر به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته و تا حال حاضر که قریب سی و پنج سال است بانجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارد. از آثار ایشانست تفسیر سوره یوسف علیه‌السلام و تقریرات اساتید قم و نجف.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کشفی بروجردی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی کشفی بن العلامه التقی السید ریحان‌اللّه بن العالم الجلیل آیت‌اللّه السید جعفر کشفی بروجردی از علماء گذشته تهران و عموی مترجم سابق‌الذکر است که در سال ۱۳۱۶ قمری در تهران متولد شده و پس از تحصیل علوم جدیده نزد ادیب تهرانی و آقا شیخ علی رشتی به تعلیم علوم ادبی و عربی پرداخته و در سال ۱۳۴۱ قمری به قم آمده و خدمت حاج شیخ فاضل و مرحوم آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه رفیعی قزوینی و مرحوم میرزا علی‌اکبر حکمی یزدی تلمذ نموده و پس از آن از محضر مرحوم آیت‌اللّه موسس حایری استفاده کرده تا پس از فوت آن مرحوم که به تهران مراجعت و به ترویج دین و تبلیغ احکام و تدریس فقه و اصول و علوم ریاضی و تفسیر که در حوزه علمیه هم اشتغال داشت پرداخته و اثرات و خاطرات نیکوئی از خود در دل مردم تهران باقی گذارد تا سال ۱۳۶۷ قمری داعی حق را اجابت و با تجلیل فراوان جنازه‌اش حمل به قم و در قبرستان آیت‌اللّه حایری مدفون گردیده است.

نگارنده گوید: مرحوم حاج سید مهدی کشفی مانند اسلاف پاکش از علماء مروج و پرهیزکار زمان خود بوده و شاگردان متدین و

با تقوائی تربیت نموده و اجدادش دارای مقامات کشف و معنویت بودند مخصوصا مرحوم آیت‌اللّه آقا سید جعفر کشفی که صاحب تألیفات عدیده مفیده و واجد مراتب کمال و کرامت بودند و در بسیاری از کتب تراجم شرح احوالش مسطور می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کشفی دارابی بروجردی، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۲۶۷ -۱۱۸۹ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، محدث، مفسر، متکلم، نحوی، عارف، ادیب و شاعر. نسب وی با سی و چهار واسطه به حضرت موسی بن جعفر (ع) می‌رسد. چون اهل عرفان و ریاضت‌های شاق و کشف و شهود بود به سید کشفی معروف شد. اصل وی از داراب شیراز بود. تحصیلات مقدماتی را در اصطهبانات گذراند. در ۱۲۰۸ ق به نجف رفت و از محضر اساتید وقت استفاده نمود و در فقه و حدیث برآمد. به تدریس و تصنیف پرداخت و مدت‌ها از مدرسین حوزه‌ی نجف بود. وی به اصرار محمد تقی میرزا حسام‌السلطنه، پسر فتحعلی شاه، حاکم بروجرد به بروجرد رفت و در آنجا به تدریس پرداخت. وی همچنین در شهرهای اصفهان، یزد و اصطهبانات نیز چند سالی تدریس کرده است. او با صاحب «جواهر» و سید محمد باقر حجت الاسلام شفتی معاصر بود. سید حسین بروجردی، صاحب «نخبهٔ المقال» و حاج میرزا صالح لرستانی و اورنگ زیب میرزا، فرزند حسام السلطنه محمد تقی میرزا حاکم بروجرد، و ملا عبداللّه بروجردی از شاگردان وی بودند. در بروجرد درگذشت. از آثار وی: «اجابهٔ المضطرین»، در اصول دین، حاوی تحقیقات عرفانی؛ «البلد الامین»، منظومه‌ای به عربی، در علم کلام و اصول دین؛ «تحفهٔ الملوک»، در سیر و سلوک و عقل و جهل و تعدیل قوا؛ «جمع الشتات»؛ «الرطب الیابس»؛ «الرق المنشور»؛ «الشریفیهٔ»، در منطق؛ «الشموس و العکوس»؛ «صید البحر»؛ «کفایهٔ الایتام»، در فقه، در سه جلد؛ «میزان الملوک»، در عدالت سلطان؛ «نخبهٔ العقول فی علم الاصول»؛ «سنابرق فی شرح البارق من الشرق»، در شرح دعای رجب؛ «برق و شرق» که به آن «شرق و غرب» نیز گفته‌اند، در شرح بعضی از احادیث عرفانی؛ «دیوان» شعر.[۱]

مرحوم سیّد جعفر کشفی دارابی از اعاظم علماء قرن ۱۳ سیزدهم (۱۲۶۷-۱۱۹۱ هجری قمری) و دارای تألیفات متعدد و بسیار مشهور است که یکی از آنها کتاب معروف «میزان الملوک و الطوایف و صراط المستقیم فی سلوک الخلایف» در اندیشه سیاسی اسلام و از نشریات مرکز تحقیقات و مطالعات اسلامی قم در سال ۱۳۵۷ می‌باشد. که یکی از آثار بی بدیل در روند تحولات اندیشه سیاسی در حوزه تفکر اسلامی‌بوده و از میراث گرانبهای سیاسی دانشوران سلف و به عنوان گنجینه‌ای پر ارج از دانشوران دوره قاجار تلقی می‌گردد.

باید دانست که مرحوم علامه سیّد جعفر کشفی تحصیلات مقدماتی را نزد مادر فاضل خویش آموخته و مدتی در یزد به تحصیل مقدمات مشغول و بعداً رهسپار نجف اشرف و در آنجا از محضر اساتیدی نظیر مرحوم سیّد محمّدمهدی بحرالعلوم استفاده کرده و رفته رفته به عنوان فقیه اصولی و عارفی سالک و حکیمی آگاه به زمان، شهره آفاق گردید. از علمای جامعین مابین علم و ایقان و ذوق و عرفان شناخته شده و در اجتهاد و فتاوی شهیر و در علم تفسیر و حدیث بی‌نظیر و در ردیف اعاظم علمای امامیه در قرن ۱۳ هجری محسوب می‌گردد و تا آنجا که آقا بزرگ تهرانی در اعلام الشیعه او را «هو من اعاجیب الزمان و اغالیط الدهر» خوانده است. در اواسط سلطنت فتحعلی شاه قاجار در بروجرد مقیم بوده و در سال ۱۲۶۷ در همان جا وفات و مدفون گردیده است. از سایر بزرگان این سلسله سیّد علی عارف کشفی و سیّد موسی نجل مرحوم سیّد جعفر کشفی و حجت الاسلام و المسلمین سیّد حجت کشفی از فقیهان حوزه علمیه قم و استاد خط ثلث در قید حیات می‌باشند. از بزرگان دیگر این خانواده، مرحوم محمّد صالح کشفی خوشنویس قرن ۱۱ هجری که در صفحه ۷۱ کتاب خوشنویسان اصفهان به قلم مرحوم منوچهر قدسی از او نام برده شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۱۰۳)، اعیان الشیعه (۸۵/ ۴)، ایضاح المکنون (۶۳۱، ۵۸، ۴۸/ ۲ ،۲۵۹/ ۱)، تاریخ بروجرد (۳۰۶ - ۳۰۳، ۲۹۶ -۲۸۰، ۲۷۳ -۲۷۲/ ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۹۰ -۸۸/ ۲)، الذریعه (۹۷/ ۲۴ ،۳۲۷ -۳۲۶ ،۴۹/ ۲۳ ،۲۲۵/ ۲۱ ، ۸۹ -۸۸/ ۱۸ ،۱۰۵/ ۱۵ ،۲۵۹/ ۱۴ ،۲۳۲/ ۱۲ ،۱۷۷ -۱۷۶/ ۱۰ ،۹۱۱/ ۹ ،۴۷۱ ،۸۷/ ۳ ،۱۲۱ -۱۲۰/ ۱)، ریحانه (۶۱ -۶۰/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۴۲ -۲۴۱/ ۱۳)، طرائق الحقائق (۴۵۵/ ۳)، فارسنامه (۱۲۶۰/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ دارابی)، المآثر و الآثار (۱۵۶)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۰۷۹ -۱۰۷۸/ ۳)، مکارم الآثار (۱۸۵۸ -۱۸۵۵/ ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۳ -۳۳۲/ ۲)، هدیهٔ العارفین (۲۵۶/ ۱).

کشفی، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جعفر کشفی

محل تولد : استهبان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۵/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدائی و متوسطه در استهبان تا سال ۱۳۴۱، شروع به تحصیلات حوزوی به صورت رسمی در استهبان نزد مرحوم شهید حاج شیخ احمد فقیهی، همزمان تکمیل ادبیات فارسی و فعالیت خوشنویسی با نظارت و تشویق مرحوم پدرم آیت الله مجاهد میر سید محمد کشفی متوفای ۱۳۴۹، ورود به حوزه علمیه داراب اول سال ۱۳۴۲، ادامه دروس مقدماتی نزد مرحوم حاج شیخ محمد حسن عندلیبی و استفاده از محضر آیت الله نسابه رو، ورود به حوزه علمیه قم از مهرماه ۱۳۴۲ تا دی ماه ۱۳۴۵، همزمان تکمیل دروس متوسطه به صورت داوطلب در قم تا گرفتن دیپلم ادبی.

عزیمت به حوزه علمیه نجف اشرف در زمستان سال ۱۳۴۵، ادامه تحصیل در نجف اشرف تا سال ۱۳۵۱ شمسی در نجف اشرف از محضر اساتید مرحوم حاج سید محمد علی تهرانی، حاج شیخ نصرالله شاه آبادی، آیت الله محمد فاضل استرآبادی، آیت الله حاج شیخ مصطفی اشرفی شاهرودی، مرحوم آیت الله سید محمد باقر صدر و مرحوم آیت الله خوئی رضوان الله، سال ۱۳۵۱ بازگشت به حوزه علمیه قم، استفاده از دروس مرحوم آیت الله محمد هادی معرفت، مرحوم آیت الله علامه فانی اصفهانی، دروس آیت الله وحید خراسانی و شرکت در دروس آیت الله مکارم شیرازی به مدت شش ماه (شروع دوره اصول خارج آقای مکارم در مسجد اعظم) همزمان تدریس در مدرسه رضویه، مدرسه آیت الله گلپایگانی و ادامه فعالیتهای نویسندگی و خوشنویسی.

شروع به آموزش خط ثلث در نجف اشرف و استفاده از حضرت آیهٔالله نجومی کرمانشاهی و آیهٔالله سید علی باقری خراسانی، استفاده از استاد مرحوم حمید دیرین در خط نستعلیق (شیراز) و استاد مرحوم سید حسن میرخانی (تهران)، عزیمت به حوزه علمیه خوانسار برای تدریس و برنامه ریزی تا اول مهرماه ۱۳۶۵، شرکت در مبارزات انقلابی تا پیروزی انقلاب اسلامی در قم و استهبان، پس از پیروزی انقلاب در سمت امام جمعه استهبان و سپس انتخاب به عنوان اولین نماینده شهر «نی ریز» استهبان در مجلس شورای اسلامی. همزمان فعالیت تحقیقی و تالیفی در گروه پژوهش و نگارش مدرسه عالی شهید مطهری، تالیف جزوات درسی اقتصاد اسلامی و عقاید، و تولید آثار مختلف علمی توسط حضرت آیهٔ الله معرفت (من جمله رساله ولایت فقیه، مالکیت الاراضی، و ترجمه التمهید ایشان توسط آقای ابو محمد وکیلی).

در سال ۶۰ همزمان با وظیفه نمایندگی، عضویت در شورای مدیریت مجتمع دانشگاهی هنر و شروع به فعالیت های هنری در تهران تدریس حکمت هنرهای اسلامی در دانشگاه. در سال ۶۱ بازسازی موزه شهدا تحت پوشش بنیاد شهید انقلاب اسلامی ادامه فعالیتهای فرهنگی و هنری در بنیاد شهید و وزارت ارشاد (عضویت شورای عالی انجمن خوشنویسان که از سال ۶۰ تا ۷۰) ادامه داشت، عضویت در شورای فیلمنامه و بازبینی فیلم. چاپ مقالات و معارف اسلامی در مجله شاهد. مقالات هنری در فصل نامه هنر در دو سه مورد. برگزاری نمایشگاه های هنری و گسترش کارگاه های هنر خط و تذهیب و نگارگری در موزه شهدا و مجمع عالی هنر و ادب و چاپ نشر آثار هنری. تدریس دروس هنری در دانشگاه هنرهای زیبای تهران و دانشگاه الزهراء (س)، بازگشت به حوزه علمیه قم در سال ۱۳۶۹ و ادامه تحصیل و تحقیق، همکاری با دائرهٔالمعارف فقه اسلامی، تالیف و تحقیق در زمینه ادبیات دینی با همکاری برادرم سید ابا صالح کشفی در مجمع اندیشه اسلامی از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴. همزمان همکاری با امور فرهنگی آستانه مقدسه و گسترش کتابخانه آستانه مقدسه و تاسیس کارگاه هنری آستانه مقدسه.

فعالیت های مختلف تبلیغی، تالیفی و هنری تا این تاریخ که حاصل آن: در زمینه علوم اسلامی بیش از هفتاد جزوه و رساله و کتاب از جمله: نور علی نور در تفسیر آیه نور چاپ شده. از آفرینش تا اکمال دین چاپ شده، اصول عقائد بخش اول، درسهائی در حکمت و فلسفه نماز، فن نویسندگی، فن خطابه، خطبه های عربی نماز جمعه، مجموعه های سخنرانی در چندین دفتر، مقالات ادبی، طنز پر طلا، طنز کلک نگارین، رساله های توضیح واضحات رد کفایه فلسفهٔ السلطنهٔ و ...

در زمینه خوشنویسی: کتابت کامل قرآن کریم به خط نسخ، کتابت ۶ جزء از قرآن کریم به خط ثلث (محقق) در قطع ۶۰ × ۴۵، کتابت ۷ جزء از قرآن کریم به خط محقق در قطع ۲۵ × ۳۵ و استمرار آن تاکنون، کتابت کتیبه های مختلف در قم و تهران و شهرهای مختلف و قطعات گوناگون خط و خوشنویسی. فعالیت فرهنگی در خارج کشور از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲ در سوئد، تولید و تالیف بیش از ۲۲ اثر: چاپ و نشر ترجمه سوئدی گلستان سعدی، (نظارت و تحقیق و بررسی به عهده حقیر بوده است.) چاپ و نشر و ترجمه سوئدی افسانه های ایران، (نظارت و تحقیق و بررسی و خوشنویسی به عهده حقیر بوده است.) چاپ شرح أسماء الله الحسنی به زبان انگلیسی در سوئد (خوشنویسی به عهده حقیر بوده است). چاپ شرح اسماء الله الحسنی به زبان انگلیسی در آفریقای جنوبی (خوشنویسی به عهده حقیر بوده است). ترجمه تاریخ ادبیات سوئد به فارسی (ج ۱) با نظارت و ویراستاری حقیر. ترجمه تعزیه و عزاداری در ایران از سوئدی به فارسی با نظارت و ویراستاری حقیر. ترجمه پرده نشینان «بانوان ایرانی» از سوئدی به فارسی با نظارت و ویراستاری حقیر. دائرهٔالمعارف نویسندگان ایرانی در سوئد (با همکاری دو تن از دوستان) سوئد (معرفی کشور سوئد و فرهنگ سوئد) در دو نوبت ۱۲۰ صفحه و ۹۰ صفحه (همکاری جمعی) مجلات فصلی گویا و ضمائم (۶ شماره)، مقالات طنز با اسم مستعار پرش در برخی مطبوعات فارسی سوئد (حدود ۱۰ مقاله)، ترجمه بخشی از کتاب اسلام زرد و آبی (موضوع اسلام در سوئد) نظارت و ویراستاری با حقیر بوده است. جنگ فرنگ در هزار صفحه (در حال تدوین و تایپ) و ... از آثار اینجانب بوده است.

کشکولی، حیدرعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی عمران، دانشکده: مهندسی عمران، دانشگاه: شهید چمران اهواز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کشمیری، اسداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی‌اصغر بن اسداللّه کشمیری متوفی ۱۳۵۱ عالمی فاضل و بارع و جلیل از شاگردان میرزاء بزرگ شیرازی بوده

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کشمیری، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ حسن کشمیری متوفی حدود ۱۳۱۵ ق از افاضل علماء و شاگردان میرزاء بزرگ شیرازی بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کشمیری، رضی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید رضی بن سید مهدی بن سید محمد بن کرم‌اللّه رضوی کشمیری قمی نجفی متولد ۱۲۸۹ و متوفی حدود ۱۳۲۰ عالمی فاضل بوده

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کشمیری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی کشمیری رضویست که از علماء و دانشمندان ورع معاصر می‌باشند.

وی نیز در کربلاـ متولـد و در حجر چنـان پـدری پرورش یـافته و از محضـر آقایان کربلا و نجف اسـتفاده نموده و تا حال تحریر که گاهی در ایران و گاهی در هندوستان و یا عراق به سر می‌برند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کشمیری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیـد محمـد رضـوی کشـمیری نجفی که سـبط علامـه متتبع و فقیه نـبیه محـدث جلیـل آیت‌اللّه حـاج سـید محمـدعلی حسـینی شاه عبدالعظیمی و داماد حجهٔ‌الاسلام والمسلمین حاج سید محمدتقی شاه عبدالعظیمی بوده‌اند.

ایشان در کربلاء متولد و در تحت تربیت چنان پدر بزرگوار و مادر علویه صبیه حاج سید محمدعلی شاه عبدالعظیمی پرورش یافته و بعـد از رشـد از محضـر والـدش و آقایان کربلا و بعـد نجف اشـرف اسـتفاده نموده و به مطالعه کتب علمی فقه و اصول و حـدیث و رجـال پرداخته وماننـد والـد مبرورش به عبـادت و مراقبت و تزکیه نفس خویش مشـغول گردیـده تا به اجـداد گرام خویش پیوسـته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کشمیری، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدباقر بن سید ابوالحسن محمد بن علی شاه رضوی قمی کشمیری ساکن لکنهو مجتهدی بزرگ و مرجعی عالیقدر از مشاهیر علماء عصر خود بوده وی در ۱۲۸۶ متولد و در ۱۳۴۶ ق وفات نموده است

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کشمیری، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شید محمد رضی رضوی کشمیری که اکنون از ائمه جماعت تهران می‌باشند.

تولد ایشان در نجف اشرف واقع شده و در حجر چنان پدر متقی و عالمی پرورش یافته و علوم معموله را از اساتید و مدرسین حوزه علمیه نجف آموخته و به تألیف پرداخته تا در این تحولات و انقلابات اخیر عراق که ناچار به مهاجرت به ایران گشته و در تهران رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت و ترویج دین از طریق بیان و قلم اشتغال دارد و از آثاری که از ایشان به طبع رسیده کتب زیر است.

۱- التحفهٔ الرضویه فی مجربات الامامیه دو بار به طبع رسیده.

۲- الاولیات من الحادثات والمستحدثات ج ۱ به طبع رسیده.

۳- لماذا اخترناالدین الاسلامی ج ۱ به طبع رسیده.

و کتب دیگری که در شرف طبع می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کشمیری‌زاده شیرازی، نصرهٔ الملوک، نصرت

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(ز ۱۳۲۶ ش)، معلم، مترجم و روزنامه نگار. اجدادش همه دارای فضل و دانش و عرفان بودند. وی همسر محمد رضا کشمیری زاده می‌باشد. در ۱۳۲۰ ش از دانشسرای عالی در رشته‌ی ادبیات خارجی فارغ‌التحصیل و در وزارت فرهنگ استخدام شد و در مدارس شیراز به تدریس پرداخت. وی از معتقدان نهضت ملی نفت ایران بود. او در ۱۳۲۶ ش امتیاز روزنامه‌ی «ندای ایران» را گرفت. از دیگر آثارش: «چگونه می‌توان خوشبخت بود»، ترجمه؛ «سرگذشت خانواده‌ی ویک فیلد»، ترجمه؛ «گلهای خندان»، قانون تعلیم و تربیت نوزادان از قنداقه تا حد بلوغ، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۴۲ -۲۴۱/ ۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۶۷ -۲۷۶۶، ۱۹۶۷/ ۲، ۱۱۱۲/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۶۰/ ۶).

کشمیهنی مروزی، ابوالهیثم محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۸۹ ق)، فقیه، محدث، ادیب و زاهد. اصل وی از کشمیهن مرو است به عراق و حجاز سفر کرد و درک محضر شیوخ بسیاری نمود. وی «صحیح» بخاری را در فربر به کرات از ابوعبداللّه فربری شنید و آخرین کسی است که آن را به عالی‌ترین اسناد روایت کرد، لذا در شرق و غرب شهرت یافت. او در مرو از عمر بن احمد جوهری و در سرخس از ابوالعباس محمد بن عبدالرحمان دغولی و در نیشابور از ابوالعباس محمد بن یعقوب اصم و در ری از ابوحاتم و سقندی و در بغداد از ابومحمد جعفر بن محمد خلدی و در کوفه از ابوالحسن علی بن محمد شیبانی و در مکه از ابوسعید احمد بن محمد اعرابی و جماعتی دیگر چون (عبداللّه بن) محمد بن ابراهیم مروزی داعونی و محمد بن احمد بن عاصم و اسماعیل بن محمد صفار حدیث شنید. ابوذر هروی و ابوعثمان سعید بن محمد بحیری و ابوالخیر محمد بن ابی‌عمران صفار و ابوسهل محمد بن احمد حفصی و کریمه مروزیه و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۷۶/ ۵)، تاریخ الاسلام (حوادث ۱۸۹/ ۴۰۰-۳۸۱)، سیر النبلاء (۴۹۲ -۴۹۱/ ۱۶)، شذرات الذهب (۱۳۲/ ۳)، العبر (۱۷۸ -۱۷۷/ ۲).

کشوری رودباری

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۸۹۶ ق)، شاعر و خطاط. اهل رودبار قزوین و با سام میرزا صفوی، مؤلف «تحفه سامی» معاصر بود. خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و شعر نیز می‌گفت. از آثار وی: یک نسخه «بوستان» سعدی، به قلم کتابت متوسط، به شیوه‌ی سلطانعلی مشهدی، با رقم: «کتبه العبد الضعیف کشوری ۸۹۶»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۸۸/ ۲)، تحفه سامی (۲۷۶ -۲۷۵)، الذریعه (۹۱۱/ ۹).

کشی، ابوعمرو محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۳۴۰ ق)، فقیه و رجالی بزرگ امامی. نسبتش به کش از شهرهای ماوراء النهر می‌رسد. کشی معاصر عیاشی سمرقندی و از شاگردان او بود و از او بهره‌ها برد و در منزل وی در سمرقند حدیث شنید و بر وی قرائت کرد و در جرح و تعدیل بر وی اعتماد نمود. هارون بن موسی تلعکبری از او روایت می‌کند. کشی استاد ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه است. او همطبقه ثقهٔ الاسلام کلینی است. ابوعمرو کشی به کتاب رجالش معروف است. به آورده‌ی «معالم العلماء» نام کتاب «معرفهٔ الناقلین عن الأئمهٔ الصادقین» است که شیخ طوسی آن را در ۴۵۶ ق ملخص و تصحیح کرد و «اختیار معرفهٔ الرجال»، معروف به «رجال کشی»، نامید و از عصر علامه تا زمان ما آنچه در دست است همان «اختیار الرجال» طوسی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اختیار معرفهٔ الرجال (مقدمه)، الاعلام (۲۰۱/ ۷)، الذریعه (۱۴۱/ ۱۰)، روضات الجنات (۲۰۶/ ۶)، سفینهٔ البحار (۴۸۱/ ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۹۶ -۲۹۵/ ۴)، فرقه های اسلامی (۱۳۸)، فوائد الرضویه (۵۸۷ -۵۸۵)، الکنی و الالقاب (۱۱۶ -۱۱۵/ ۳)، لسان المیزان (۱۰۱/ ۸)، معجم رجال الحدیث (۶۴ -۶۳/ ۱۷)، معجم المؤلفین (۸۵/ ۱۱)، هدیهٔ الاحباب (۲۲۶)، هدیهٔ العارفین (۲۲/ ۲).

کعبی طبری بخاری، ابوسعید محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۰۴ ق)، قاضی و فقیه حنفی. از فقهایی بود که سالها عهده‌دار منصب قضاوت بود. او در بخارا درگذشت. از آثار وی: الملخص فی الفتاوی»، در فروع؛ «المصباح»، در فروع.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :معجم المؤلفین (۲۲۹ -۲۲۸/ ۸)، هدیهٔ العارفین (۱۰۷/ ۲).

کعبی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس کعبی

محل تولد : اهواز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔالاسلام و المسلمین کعبی در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی در منطقه «لشکرآباد اهواز» و در میان خانواده‌ای متدین و معتقد به مبانی مستحکم اسلام به دنیا آمد. عشق به اهل بیت (ع) و روحانیت شیعه از وی انسانی متدین و مجاهد ساخته و در همان دوران نوجوانی او را به خدمت در راه تعالی اسلام و تشیع علاقه‌مند ساخته بود. حجهٔالاسلام و المسلمین کعبی تحصیلات ابتدائی و راهنمایی را در مدارس اهواز سپری نمود. شرکت وی در مجالس و محافل مذهبی و حضور علمایی همچون: «حاج شیخ صالح طرفی» و «مرحوم حاج سید عبدالمطلب جزایری» در مسجد جامع لشکرآباد سبب شد تا در سن سیزده سالگی و بنا به توصیه پدر، همزمان با تحصیل در مقطع دبیرستان به مدرسه علمیه «آیهٔالله کرمی» رفته، دروس حوزوی را فرا گیرد.

وی در سال ۱۳۵۵ به حوزه علمیه اهواز رفته به صورت رسمی تحصیلات حوزوی خود را پی می گیرد. با اوج گیری انقلاب و

حضور جدی در مبارزات پیش از انقلاب و نیز فعالیتهای پس از انقلاب و شروع جنگ تحمیلی وقفه‌ای چند ساله در سیر درسی ایشان ایجاد می‌شود اما در سال ۱۳۶۰ مجدداً تحصیلات حوزوی را پی گرفته برای استحکام بنیهٔ علمی خود، دروس مقدمات را در مدرسه علمیه امام خمینی اهواز بازآموزی می کند. در سال ۱۳۶۴ به قم مهاجرت کرده و پس از اتمام دوره سطح در درس خارج حضرات آیات: «میرزا جواد تبریزی»، «وحید خراسانی»، «مکارم شیرازی»، «صافی گلپایگانی»، «جعفر سبحانی»، «سید کاظم حائری» و «سید محمود هاشمی شاهرودی» شرکت کرد.

حجهٔالاسلام و المسلمین کعبی با اهتمام ویژه‌ای که به مباحث تفسیری و معارف اسلامی داشت از محضر حضرات آیات: «مشکینی»، «جوادی آملی»، «مصباح یزدی» و «مظاهری» کسب فیض نمود. وی در طول سالهای تحصیل خود در درسهای اخلاق شرکت می‌جست و به تهذیب نفس (به عنوان مهمترین دغدغه درسی خود) اهمیت بسیار می‌داد. حجهٔالاسلام و المسلمین کعبی همزمان به تحصیل در دانشگاه نیز پرداخته مقطع کارشناسی رشته حقوق از مجتمع آموزش عالی قم و مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه تهران را به پایان رساند.

حجهٔالاسلام و المسلمین کعبی فعالیتهای بسیاری را در زمینه تدریس و تألیف به انجام رسانده است. او تدریس علوم دینی را از آغازین سالهای طلبگی شروع کرده و تاکنون به تدریس دروس بسیاری از جمله تدریس کتابهای: (لمعه، رسائل، مکاسب، حلقات اصول شهید صدر و نیز شش سال خارج فقه و اصول) توفیق یافته است. همچنین مباحثی نظیر: (علوم حدیث، درایه، نهج البلاغه، تاریخ اسلام، ولایت فقیه، فلسفه و فقه روابط بین‌الملل) را بارها تدریس فرموده‌اند. استاد کعبی در دانشگاه نیز دروسی همچون: (فلسفه حقوق، فلسفه سیاست، نظام حقوقی در اسلام، دولت و نظام سیاسی در اسلام، حقوق کار و ...) را بارها تدریس کرده است. وی همچنین بیش از پنجاه دوره حقوق اساسی را تدریس کرده است.

او در زمینه مباحث فقهی و حقوقی دارای تألیفات بسیاری است که از آن جمله می‌توان به کتاب: «الحصیله فی حکم الجهاد الابتدائی فی عصر الغیبهٔ»، «احکام المیت»، «النظام القانونی فی الاسلام مقارناً بالنظم الوضعیهٔ المعاصرهٔ»، «فلسفه سیاست» و ... اشاره کرد. بسیاری از جزوات و دست نوشته‌های ایشان به عنوان کتب درسی در مراکز حوزوی و دانشگاهی در حال تدریس است. جزواتی نظیر: «علوم الحدیث و الدرایهٔ»، «مصادر الحدیث»، «مجموعه درسهایی از نهج البلاغه»، «ضمانت اجرائی قانون اساسی»، «تبیین ولایت فقیه از منظر فقهی، حقوقی و سیاسی». ارائه مقالات علمی در همایشها، ضمن طرح راهکارهای مناسب در حل برخی معضلات و پرسشهای فقهی و حقوقی از ویژگیهای بارز استاد کعبی است. بیشترین این مقالات در زمینه‌های فقهی و حقوقی بوده که از جمله آنها می‌توان به «نوآوریهای فقهی آیهٔالله نائینی و آیهٔالله شیخ فضل الله نوری»، «کنکاشی در اختیارات رهبری»، «شیوه مجازات اسلامی و اجرای علنی حدود» و «دبیر علمی همایش مردم سالاری دینی» که مجموعه مقالات آن در دو مجلد منتشر گردید، اشاره کرد.

او در کارنامه خود، سفرها و مصاحبه‌های علمی بسیاری را به ثبت رسانده که «حضور در کنفرانس دین و توسعه دانشگاه بیروت» و «انجام مصاحبه و مناظره با آقای تیموتی ویلیام واترز استاد دانشگاه هاروارد در کنفرانس حقوق بشر» از آن جمله‌اند. فعالیتهای علمی و فرهنگی، استاد کعبی را از فعالیتهای گوناگون در عرصه سیاست باز نداشته است. او که همواره پایبندی خود را به امام (ره)، نظام و ارزشهای انقلاب اعلام داشته از سنین نوجوانی در فعالیتهای مبارزاتی پیش از انقلاب حضوری جدی داشته است. پس از پیروزی انقلاب در جهاد سازندگی در زمینه محرومیت زدایی و توزیع زمین برای خانه سازی محرومان و نیز مبارزه با گرانفروشی حضوری جدی داشت.

با شروع جنگ تحمیلی وارد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد و فعالیت‌های فرهنگی و نظامی خود را در بخش عربی سپاه آغاز کرد. در سال ۱۳۶۰ به لبنان رفت و همراه با شهید سید عباس موسوی دبیرکل سابق حزب الله لبنان و سیدحسن نصرا... به سازماندهی تشکیلات حزب الله پرداخت. او مدت ۴۶ ماه از عمر خود را در جبهه‌های دفاع مقدس گذرانده و دو بار نیز در مناطق عملیاتی مجروح شده است. از جمله فعالیتهای حجهٔالاسلام و المسلمین کعبی در این عرصه، عضویت در مجلس خبرگان رهبری، مخبری کمیسیون سیاسی ـ اجتماعی، نائب رئیسی کمیسیون حراست و پاسداری از ولایت فقیه و نیز عضویت در کمیسیون تحقیق است. استاد کعبی هم اکنون عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و از حقوقدانان شورای نگهبان است.

کفاش خراسانی، رمضانعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۵/ ۱۳۱۴ ش)، شاعر، متخلص به کفاش. در مشهد می‌زیست. وی اگر چه سواد درستی نداشت ولی شعر را نیکو می‌سرود. اشعار او سرشار از اصطلاحات مشهدی و گاه همراه با انتقادهای اجتماعی بود. شهرتش به دلیل سرودن شعری در آشفتگی اوضاع داخلی آستان قدس رضوی میباشد. او یک سال ملازم ضیاءالحق، نوه‌ی حاج ملا هادی سبزواری، در سبزوار بود. از آثار وی دو منظومه «دعانامه» و «نفرین نامه» می‌باشد که هر دو به صورت مسمط مخمس سروده شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۸۵ –۲۸۳/ ۵)، صد سال شعر خراسان (۴۶۹ –۴۶۷)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۴۳۶/ ۱)، یغما (س ۲۷، ش ۱، ص ۵۶ –۵۵).

کفایی نجفی خراسانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۶ -۱۲۹۴ ق)، عالم و نویسنده. در نجف متولد شد. میرزا محمد آقازاده ملقب به آقازاده‌ی نجفی فرزند آخوند ملا محمدکاظم خراسانی، یکی از بنیانگذاران مشروطیت در ایران و از مراجع سه‌گانه مقیم نجف بود. وی علوم مذهبی را نزد پدر خود تحصیل کرد و از محضر ایشان موفق به گرفتن درجه‌ی اجتهاد گردید. در سال ۱۳۲۵ ق به خراسان آمد. در مشهد مقیم شد و مجلس درسی در مسجد گوهرشاد برای تدریس علوم دینی به طلاب دایر کرد. آیت‌اللَّه آقازاده در برقراری و تقویت مشروطیت در ایران، در کنار پدر، بسیار کوشید. گرچه آقازاده در سال ۱۳۰۴ ش از شهر سبزوار به عنوان نماینده‌ی مجلس مؤسسان برگزیده شد ولی از سالهای ۱۳۱۰ ش به بعد یکی از مخالفین جدی رضاشاه محسوب می‌شد. آیت‌اللَّه محمد آقازاده به دلیل مخالفت با رژیم بازداشت شد و به یزد تبعید گردید. پس از چهار ماه مجدداً به مشهد برگشت و بعد از چند روزی حبس در زندان مشهد به تهران انتقال یافت. او در طی محاکمات ابتدائی در تهران به اعدام محکوم شد، اما به دلیل نفوذی که در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف داشت و نیز تلاش عده‌ای از مراجع، این حکم لغو شد و ایشان به اقامت اجباری در تهران محکوم گردید. آقازاده در تهران همچنان تحت مراقبت بود تا این که دو سال پس از واقعه‌ی خونین گوهرشاد، به دنبال یک بیماری چشم از جهان فروبست. برخی تألیفات ایشان عبارت‌اند از: «القضاء والشهادات»؛ «مبحث الفاظ»؛ حاشیه‌ی «کفایهٔ الاصول»؛ «التقریرات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۸۵/ ۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۴۶ -۴۴ /۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۹۴ -۹۳ /۷، ۲۴۴ /۱).

کفائی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد (کفائی) فرزند آیت‌اللَّه العظمی آخوند ملا محمدکاظم خراسانی از مشاهیر علماء خراسان بودند.

وی نیز در نجف اشرف متولد و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح از محضر مرحوم والدش و دیگران استفاده نموده و پس از فوت والدش به مشهد مقدس عزیمت و اقامت نموده و یکی از زعماء روحانیت حوزه علمیه مشهد گردیده و در مسجد گوهرشاد به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال داشت تا در اواخر سال ۱۳۹۱ قمری بدرود حیات گفته و در آستانه مقدسه رضویه مدفون گردیده است.

از آثار ایشان حاشیه‌ئی بر کفایه‌الاصول مرحوم والدش می‌باشد که به طبع نرسیده است.

در سال ۱۳۶۶ قمری پس از فوت مرحوم آیت‌اللَّه اصفهانی بود که مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا احمد کفائی نجل ارجمند استاد الکل مرحوم آیت‌اللَّه آخوند ملاـ محمدکاظم خراسانی صاحب کفایه در مراجعت از عتبات عالیات با مصاحبت حجهٔالاسلام آقای حاج شیخ محمود حلبی واعظ فداکار و بعضی دیگر به قم مشرف شده و مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی درس خود را برای احترام ایشان تعطیل و بسیار از آنجناب تجلیل کردند و دو بار دیگر هم در سال ۱۳۶۹ و سال ۱۳۷۱ در ماه ربیع‌الثانی به واسطه غائله مشهد و قضایای سیاسی و بازیگریهای دولت مصدق که این نگارنده را هم مبتلاـو گرفتار زندان و تبعید نمود مرحوم کفائی ناچار به مسافرت شده و برای مدتی مشهد را ترک و به تهران و قم آمد و چند ماهی توقف نمود و پس از آن در اواسط ماه ذی‌القعده سال مزبور عزیمت به مشهد نمودند.

مرحوم حاج میرزا احمد کفائی یکی از علماء و زعماء روحانی مشهد مقدس بودند و چندین سال حوزه مشهد را اداره می‌کردند و مورد احترام دولت و ملت معتدل و متدین بودند و آبروئی برای حوزه مشهد و خراسان بودند تا در ذی‌الحجه سال ۱۳۹۰ در سنین هشتاد سالگی بدرود حیات گفته و در جوار سلطان سریر ارتضا حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام مدفون گردیدند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

کفائی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد بن علامه خراسانی آخوند ملا محمدکاظم خراسانی معروف به (آقازاده کفائی) از اعلام علماء معاصر خراسان و رئیس حوزه علمیه مشهد مقدس بودند.

تولد آن جناب در نجف اشرف واقع شده و در مهد علم پرورش یافته و به تحصیل اولیات و ادبیات و پس از آن متون فقه و اصول پرداخته و بعد از تکمیل سطوح از منحصر مرحوم والدش استفاده کامل نموده تا به مدارج اعلاء علم ارتقاء یافته و در زمان حیات مرحوم والدش به مشهد مقدس عزیمت و رحل اقامت افکنده و حوزه تدریس خارج تشکیل و صدها نفر از علماء و فضلاء خراسان به درسش شرکت نموده و کم‌کم دارای ریاست تامه و مرجعیت عامه گردیده تا در غائله مسجد گوهرشاد سال ۱۳۵۴ ق به تهران منتقل و بعد از دو سال تقریبا در ۱۳ ذیقعده و در سال ۱۳۵۶ قمری وفات و در مقبره ناصرالدین شاه قاجار در جوار سید الکریم عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام مدفون گردید ماده تاریخش (قل انه مخلد فی دارالنعیم) و جناب آقای ساعدی خراسانی گوید.

سال فوتش ساعدی جست از خرد

نغز بیتی کردانشاد آن عظیم

چونکه آخر رفت از حزن او سرود

(آیت‌اللّه زاده در جنت مقیم)

در اوائل تأسیس حوزه علمیه بود که مرحوم آیت‌اللّه آقای حاج میرزا محمد کفائی فرزند مرحوم آیت‌اللّه آخوند ملا محمدکاظم خراسانی ریاست حوزه علمیه مشهد مقدس و زعیم اول آستان خراسان به قم آمده و مورد تجلیل روحانیت قرار گرفت و پس از چند روز زیارت و ملاقات مراجع بزرگ قم به خراسان مراجعت و در غائله مسجد گوهرشاد از راه یزد تبعید به تهران و در آنجا از دنیا رفت و در شهر ری در جوار سیدالکریم عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام در مقبره مرحوم ناصرالدین شاه مدفون گردید.

محمد کفائی در سال ۱۳۴۷ قمری به مکه مشرف شده و در مراجعت به قم آمده و مورد احترام آیت‌اللّه حایری و عموم دانشمندان واقع و در مدت توقفش در قم میان ایشان و مرحوم آیت‌اللّه خونساری مباحثاتی واقع شده که مورد گفتگوی بعضی از مراجع حاضر است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

کفرانی رویدشتی، عبداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند علی بن محمدبن قدیر. در اصفهان متولد، و در نجف در خدمت جمعی از افاضل تحصیل نموده، و اخیرا به درس حاج میرزا حبیب‌الله رشتی حاضر شده، و سال‌ها در محضر او تلمذ فرموده، و به ایشان اختصاص یافته، و مقرر درس ایشان بوده، و پس از فوت استاد حوزه‌ی درس داشته، و در مسجد هندی تدریس می‌نموده، و جمعی از افاضل به درس او حاضر می‌شده‌اند.

در سال ۱۳۱۷ وفات یافته، در نجف مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کفرانی، ضیاء

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا نورالله. از اهالی کفران، از بلوک روی دشت اصفهان است.

در زمان شاه عباس کبیر از نویسندگان دفتر دیوان بوده، طبع خوشی داشته.

این ترکیب‌بند معروف از اوست:

ای بت هرزه گرد هر جایی

ای برآورده سر به رسوایی

هرزه گردی و باده پیمایی

عاقبت می‌کشد به رسوایی

بس که گفتم، زبان من فرسود

چه کنم پند من ندارد سود

وفاتش در ۱۰۵۲ روی داده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کفری تربتی، حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۷/ ۱۰۱۶ ق)، خطاط و شاعر. اصل وی از زاوه (تربت حیدریه) خراسان بود که در مشهد رضوی نشو و نما یافت. در عنفوان جوانی به اتفاق مولانا نوعی خبوشانی از خراسان به هند رفت و مدت مدیدی در دکن بود و تحت ملازمت خان خانان قرار گرفت و منشی درگاه شاهزاده دانیال بن اکبر شاه شد و قصایدی در مدح آن شاهزاده گفت. وی همواره با مولانا ملک قمی، ظهوری ترشیزی، شکیبی اصفهانی، انیسی شاملوی هروی و دیگران هم‌صحبت بود. مدتی نیز تحت ملازمت نواب سید یوسف خان مشهدی به سر برد. کفری در نوشتن خط شکسته مهارت داشت. وی در برهانپور درگذشت. صاحب «الذریعه» سال وفات او را به اشتباه ۱۰۷۷ ق ذکر کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۵۷)، الذریعه (۹۱۲/ ۹)، صبح گلشن (۳۴۰)، فرهنگ سخنوران (۷۶۴)، کاروان هند (۱۱۶۹ -

۱۱۶۳/ ۲)، مآثر رحیمی (۸۱۱ –۸۰۷/ ۴)، هفت اقلیم (۱۹۲/ ۲).

کفری کرمانشاهی تهرانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۶ –۱۲۴۵ ق)، پزشک، مترجم و نویسنده. مشهور به کفری. در کرمانشاه به دنیا آمد. وی پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در موطن خود و علوم دینی در نجف اشرف، برای ادامه تحصیل وارد دارالفنون شد و طب قدیم را نزد حاج میرزا عبدالباقی اعتضاد الاطباء و طب جدید را نزد دکتر تولوزان فرانسوی آموخت. بعدها، به تشویق دکتر تولوزان، برای تکمیل رشته طب در ۱۲۸۷ ق به پاریس عزیمت نمود و مدت زیادی در بیمارستانها و مدارس آن شهر مشغول کار و آموختن علم بود. در ۱۲۹۶ ق پس از گذراندن پایان‌نامه‌ی خود موفق به اخذ درجه‌ی دکترا در طب از دانشکده‌ی پزشکی آنجا شد. بعد از مراجعت به ایران، به توسط علیقلی خان مخبر الدوله، به دربار ناصرالدین شاه معرفی گشت و مدتی طبیب تلگرافخانه، معلم طب فرنگی دارالفنون، پزشک دربار قاجار و رئیس بیمارستان دولتی ابن‌سینای کنونی شد. ولی بعدها کم کم از تمام این مشاغل عزل گردید و در ۱۳۰۵ ق به عنوان طبیب مخصوص حسنعلی خان گروسی، امیر نظام پیشکار آذربایجان، به تبریز رفت و مدتی با او بود. پس از بازگشت خانه‌نشین شد و در خانه به طبابت و تدریس پرداخت و علاوه بر آن به ترجمه‌ی کتب علمی به خصوص طب، جراحی و هیتولوژی نیز می‌پرداخت. علت شهرت وی به کفری مخالفت تند و صریح او با خرافات و موهومات بود. وی در تهران درگذشت و در ابن‌بابویه دفن شد. از آثارش: «امراض الاطفال»، ترجمه؛ «ضیاء الناظرین»، تشریح چشم، ترجمه؛ «کوفت»، رساله‌ای در امراض مقاربتی؛ «ژیل بلاس»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۹۱/ ۴)، دایرهٔ المعارف فارسی (۲۲۳۶/ ۲)، الذریعه (۱۸۴/ ۱۸، ۱۳۱/ ۱۵، ۳۴۸/ ۲)، شرح حال رجال (۲۷۸ –۲۷۵/ ۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۹۸، ۲۲۴۳، ۱۸۸۹، ۱۸۸۸/ ۲، ۳۳۳/ ۱)، المآثر و الآثار (۲۲۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹۸ –۶۹۵/ ۵).

کفعمی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۸ ق)، عالم دینی و فقیه. در محله عیدگاه مشهد به دنیا آمد و پس از نشو و نما، مقدمات و سطوح را از پدرش و شیخ عبدالجواد ادیب بزرگ نیشابوری و ادیب ثانی و حاج محقق قوچانی و شم و همچنین از آیت‌اللّٰه شیخ کاظم دامغانی و آیت‌اللّٰه میرزا احمد مدرس یزدی فراگرفت. در ۱۳۵۰ ق به نجف مهاجرت نموده و در خدمت آیت‌اللّٰه میرزا باقر زنجانی و آیت‌اللّٰه سید علی نوری سطوح را به پایان رسانید و خارج فقه و اصول را از آیت‌اللّٰه شیخ موسی خوانساری و آیت‌اللّٰه میرزا ابوالحسن مشکینی و آیت‌اللّٰه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّٰه اصفهانی فراگرفت. در ۱۳۵۸ ق به ایران مراجعت کرد و در مشهد رضوی سکنی گزید، پس از دو سال به زابل رفت و مدت شش سال در آنجا اقامت گزید و به خدمات دینی پرداخت. آن گاه به درخواست مردم زاهدان به آن شهر رفت و به تدریس فقه و اصول و انجام وظائف دینی مشغول شد و تا پایان عمر در آنجا ماند. از آثارش: مدرسه‌ی علمیه زاهدان؛ مسجد جامع؛ کتابخانه‌ی عمومی مسجد جامع؛ مسجد کفعمی در زابل؛ تعمیر حدود هجده مسجد در زابل؛ تأسیس منازلی برای اهل علم و سادات زاهدان در یک محله مخصوص و مساعدت برای ساخت مساجدی در ایرانشهر، چابهار، خاش، میرجاوه و سراوان. از آثار علمی‌اش: «ضیاء المصابیح فی مستدرک المفاتیح»، در استدراک ادعیه و اعمال عبادی.[۱]

محمد کفعمی بن العالم الجلیل حاج شیخ رجبعلی محدثی از علماء مبرز معاصر است در زاهدان.

وی در سال ۱۳۲۸ قمری در محله عیدگاه مشهد متولد شده و پس از رشد و پرورش در مهد علم و تقوا مقدمات و سطوح را از والد معظم و جنابان حاج شیخ عبدالجواد ادیب بزرگ نیشابوری و ادیب ثانی معاصر و حاج محقق قوچانی و مرحوم شمس و سطوح را نزد آیت‌اللّٰه حاج شیخ کاظم دامغانی و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا احمد مدرس یزدی خوانده و در سال ۱۳۵۰ ق مهاجرت به نجف اشرف نموده و بقیه سطوح را خدمت آیت‌اللّٰه حاج میرزا باقر زنجانی و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید علی نوری به پایان رسانیده و خارج فقه و اصول را از آیت‌اللّٰه حاج شیخ موسی خوانساری و آیت‌اللّٰه حاج میرزا ابوالحسن مشکینی و آیت‌اللّٰه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی رضوان اللّٰه تعالی علیهم استفاده کافی نموده.

و در سال ۱۳۵۸ قمری به ایران و مشهد مراجعت و پس از دو سال توقف در ارض اقدس به زابل رفته و مدت شش سال در آنجا اقامت و خدمات دینی از اقامه جماعت و غیره نموده و بعد بنابر دعوت و اصرار مردم زاهدان منتقل به آن سامان گردیده و تاکنون به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و تبلیغات و تدریس فقه و اصول و غیره اشتغال دارند.

مؤلف گوید: مترجم معظم از هنگامی که از مشهد مقدس مهاجرت به زابل و زاهدان نموده‌اند منشأ آثار و خدمات بسیار ارزنده‌ای گردیده و باقیات الصالحات زیادی از خود به یادگار گذارده‌اند که ذیلاً می‌نگارم.

۱- مدرسه علمیه زاهدان

۲- مسجد جامع

۳- کتابخانه عمومی مسجد جامع

۴- مسجد کفعمی در زابل

۵- تعمیر حدود هیجده مسجد در زابل

۶- تأسیس منازلی برای اهل علم و سادات زاهدان در یک محله مخصوص

۷- مساعدت برای تکمیل و تعمیر مساجد عدیده‌ای در ایرانشهر و چابهار و زاهدان و خاش و میرجاوه و حسین‌آباد و سراوان.

از آثار قلمی ایشانست. ضیاء المصابیح فی مستدرک المفاتیح مخطوط.

نگارنده گوید: آیت‌اللّه کفعمی در زاهدان وجود بسیار مغتنم و مؤثریست و در واقع مرزبان کشور اسلام و تشیع ایرانست زیرا زاهدان در ۱۲ فرسخی میرجاوه مرز ایران و پاکستان واقع و هر روحانی و مبلغی که بخواهد به پاکستان و هندوستان از راه زمین برود از زاهدان باید عبور کند و ناچار از آیت‌اللّه کفعمی دیدن خواهد نمود و ایشان با آغوش باز از واردین پذیرائی نموده و گویندگان و وعاظ را به مناطق مختلف زاهدان و حومه آن هدایت و معرفی خواهند نمود خود نگارنده در مسافرتم به پاکستان و هندوستان در سفر اول ایاباً و ذهاباً به آنجناب وارد شده و از نزدیک خدمات و آثار ایشان را دیده و از محبتهای گرم ایشان برخوردار شدم حقاً عالمی عامل و عابدی زاهد و دانشمندی مجاهد و خدمتگذار است در منطقه زاهدان و بلوچستان و سیستان محبوبیت خاصی دارد دامادهای فاضل و دانشمندی دارند

۱- جناب ثقةالاسلام آقای آقا شیخ علی مزاری که از گویندگان و مبلغین زاهدان می‌باشند.

۲- جناب حجةالاسلام آقای آقا سید مهدی عبادی بیرجندی از فضلاء محترم حوزه علمیه قم.

۳- جناب حجةالاسلام آقای حاج سید محمدتقی مطهری یزدی از فضلاء یزدی حوزه علمیه قم که در حوزه علمیه به تحصیل و تکمیل مبانی علمی مشغول می‌باشند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۳۰/ ۱۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۲۳ -۲۲۱/ ۵)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۰۸۸/ ۳).

کلا شیرازی، زین‌الدین علی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۸۰ ق)، عارف، شاعر. وی از بزرگان شیراز بود و چون رنگ سیاه را در شیراز کلا می‌گفتند و وی دستار سیاه بر سر می‌گذاشت، این لقب را به وی داده‌اند. وی از جمله هم درسان حافظ شیرازی بود و در خدمت قوام‌الدین عبداللّه شیرازی تحصیل می‌کردند وی در مراتب اسماء و تسخیرات در زمان خود یگانه بود. نسب وی در تصوف به شیخ رکن‌الدین جوری می‌رسد. از مریدانش حاج ابراهیم خنجی و شیخ عفیف‌الدین جنید کازرونی و مولانا کمال‌الدین را می‌توان نام برد. وی در شیراز وفات یافت و همان جا به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۷۰)، تذکره‌ی میخانه (۹۵۵ -۹۵۳)، تذکره‌ی هزار مزار (۱۷۳ -۱۷۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۶۹/۲)، ریاض العارفین (۱۰۹)، نفحات الانس (۸۳۶).

کلابادی بخاری، تاج الاسلام، ابوبکر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۸۴۰/ ۳۸۰ ق)، فقیه حنفی، محدث و صوفی. نسبتش به کلاباد بخارا می‌رسد، ولی اهل بخارا بود. از آثارش: «بحرالفوائد»، مشهور به «معانی الاخبار»، که در آن پانصد و نود و دو حدیث جمع کرده است؛ «الاربعین»، در حدیث؛ «الاشفاع و الاوتار»؛ «امالی»، در حدیث؛ «التعرف لمذهب التصوف»، که در «الاعلام» به صورت «التعرف لمذهب اهل التصوف» آمده است؛ «حسن التصرف» در شرح «التعرف» خودش؛ «فصل الخطاب»؛ «معدل الصلاة».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۸۴/ ۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۲۸، ۲۵۷/ ۱)، جستجو در تصوف (۷۰ -۶۸)، سرآمدان فرهنگ (۹۴/ ۱)، کشف الظنون (۴۲۰ -۴۱۹، ۲۲۵، ۱۶۳، ۱۰۵، ۵۳)، معجم المؤلفین (۲۲۲، ۲۱۳ -۲۱۲/ ۸)، هدیة العارفین (۵۴/ ۲).

کلابادی بخاری، شمس‌الدین، ابوالعلاء محمود

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۰۰ -۶۴۴ ق)، فقیه حنفی، حافظ و محدث. نسبت وی به کلاباد بخارا می‌رسد. در خراسان و بغداد و شام و مصر به فراگیری علم و دانش پرداخت، تا از عالمان دین و از مفتیان آگاه به حدیث شد و تصانیفی در فرائض نگاشت و حلقه درس و اشتغال برقرار کرد.

او در ماردين، شمال عراق، درگذشت. از آثار وى: «ضوء السراج» در شرح «الفرائض السراجية»، و مختصر آن «المنهاج المنتخب من ضوء السراج»؛ كتابى در «مشتبه النسبة».

برگرفته از کتاب :اثرآفرينان (جلد اول-ششم)

منابع زندگينامه :الاعلام (۴۲/ ۸)، شذرات الذهب (۴۵۸ -۴۵۷/ ۵)، كشف الظنون (۱۲۴۹).

كلاباذى، ابونصر احمد

قرن:۴

جنسيت:مرد

مليت:ايران

(۳۹۸ / ۳۷۸ -۳۲۳ ق)، فقيه حنفى، حافظ و محدث. از كلاباد بخارا بود. از هيثم بن كليب شاشى و عبدالمؤمن بن خلف نسفى و ابوجعفر محمد بن محمد بغدادى الجمال و عبداللّه بن محمد بن يعقوب استاد و على بن محتاج كشانى و محمد بن محمود بن عنبر نسفى و محمد بن احمد بن خنب و همطبقه‌ى آنها حديث شنيد. به بغداد رفت و در آنجا حديث گفت. ابوالحسن دار قطنى در كتاب خود «المدبج» و حاكم نيشابورى و جعفر بن محمد مستغفرى و ديگران از وى روايت كرده‌اند. دار قطنى وى را در حديث ثقه دانسته است و حاكم او را داراى فهم و شناخت عالى معرفى كرده و مستغفرى گويد كه او پرحافظه‌ترين فرد زمان خود در ماوراء النهر بوده است. ابوسعيد خليل بن احمد سجزى نيز از وى حديثى روايت كرده است. كلاباذى در بخارا درگذشت. از آثار وى: تصنيفى در شناخت رجال «صحيح» بخارى به نام «الارشاد فى معرفة رجال البخارى» يا «الهداية و الارشاد فى معرفة اهل الثقة و السداد» يا «اسماء رجال صحيح بخارى».

برگرفته از کتاب :اثرآفرينان (جلد اول-ششم)

منابع زندگينامه :انساب سمعانى (۱۱۴/ ۵)، ايضاح المكنون (۷۲۴/ ۲)، تاريخ بغداد (۴۳۵ -۴۳۴/ ۴)، تاريخ نيشابور (۱۵۲)، تذكرة الحفاظ (۱۰۲۷/ ۳)، سير النبلاء (۹۶ -۹۴/ ۱۷)، شذرات الذهب (۱۵۱/ ۳)، طبقات الحفاظ (۴۲۳)، العبر (۱۹۳/ ۲)، كشف الظنون (۵۵۵ ،۸۸)، معجم المؤلفين (۹۵/ ۲)، وفيات الاعيان (۲۱۱ -۲۱۰/ ۴)، هدية العارفين (۶۹/ ۱).

كلابى نيشابورى، ابومحمد عمرو

قرن:۳

جنسيت:مرد

مليت:ايران

(وف ۲۳۸ ق)، فقيه، محدث و قارى. نزد على بن حمزه كسائى تلاوت آموخت و از هشيم بن بشير و عبدالوارث ثقفى و ابوبكر بن عياش و ابوعبيده حداد و قاسم بن مالك مزنى و يحيى بن زكريا بن ابى‌زائده و عبدالعزيز بن ابى‌حازم و سفيان بن عيينه و زياد بن عبداللّه بكائى و ابن عليه و معاذ عنبرى و همطبقه آنان حديث شنيد. نسائى او را مورد اعتماد دانسته و ابن‌حبان مى‌گويد كه شيوخ نيشابورى ما از وى تمجيد مى‌كردند. بخارى و مسلم و نسايى و محمد بن يحيى ذهلى و ابومحمد دارمى و ابراهيم بن ابى‌طالب و حسن بن سفيان و ابوالعباس سراج و مسدد بن قطن قشيرى نيشابورى و ابوعمار حسين بن حريث مروزى و احمد بن سيار مروزى و احمد بن سلمه نيشابورى و جعفر بن محمد بن حسين نيشابورى معروف به ترک و داوود بن حسين بيهقى و ديگران از وى حديث روايت كرده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرينان (جلد اول-ششم)

منابع زندگينامه :انساب (۱۱۷/ ۵)، التاريخ الكبير (۳۳۲/ ۶)، تهذيب التهذيب (۳۱ -۳۰/ ۸)، تهذيب الكمال (۲۲۶ -۲۲۵/ ۱۴)، الثقات (۴۸۷/ ۸)، الجرح و التعديل (ج ۲۳۳/ ۳)، سير النبلاء (۴۰۷ -۴۰۶/ ۱۱)، شذرات الذهب (۹۰/ ۲)، العبر (۳۳۶/ ۱).

كلار پوشنجى هروى، ابومنصور عبدالرحمان

قرن:۵

جنسيت:مرد

مليت:ايران

(وف ۴۷۷ ق)، مسند، محدث و فقيه. معروف به كلار و كلارى. وى از عبدالرحمان بن ابى‌شريح حديث شنيد. ابن‌طاهر و وجيه شحامى و زهير بن على سرخسى و حسن بن محمد بن محمد سنجبستى و فضيل بن اسماعيل و ابوالوقت سجزى و عبدالجليل بن ابوسعد و محمد بن اسماعيل فضيلى و منصور بن على حجرى و ديگران از وى حديث شنيدند. كلار از كبار شيوخ ابى‌الوقت بود. او در پوشنج درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرينان (جلد اول-ششم)

منابع زندگينامه :الاعلام بوفيات الاعلام (۳۱۵/ ۱)، توضيح المشتبه (۳۴۸/ ۷)، سير النبلاء (۴۴۳ -۴۴۲/ ۱۸)، العبر (۳۳۷ -۳۳۶/ ۲).

كلافى، منوچهر

قرن:۱۴

جنسيت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فیزیک از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۶، کارشناسی ارشد فیزیک نظری از دانشگاه لیون فرانسه در سال ۱۳۴۸، دکترای دولتی فیزیک از دانشگاه لیون فرانسه در سال ۱۳۵۱.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تبریز از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۶۹ و دانشیار دانشگاه تبریز از سال ۱۳۶۹ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اندازه‌گیری تشعشع خورشید در آذربایجان، انرژی خورشیدی، محاسبه ترازهای سطحی در لایه‌های فلزی، تدریس دروس مکانیک کوانتمی ۱ و ۲، مکانیک کوانتمی پیشرفته ۱ و ۲، فیزیک حالت جامد پیشرفته ۱ و ۲، شیمی کوانتمی از دانشگاه تبریز، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۷ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مقدمه بر مکانیک کوانتیک و فیزیک طیفی ترمه از انگلیسی به فارسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

محاسبه سرعت دور شدن کهکشان‌ها با استفاده از فیلم‌های منشور دوربین نجومی اشمید.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کلامی اصفهانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اهل اصفهان و برادر سلامی بود. وی معاصر صادقی کتابدار بود و بنا به گفته صاحب «عرفات العاشقین» معاصر ملاضمیری (م ۹۷۳ ق)، ملا-خرمی، ملا-محمدقاسم رازی و ملا-نیکی نیز بوده است. زمانی که میرزا محمد شریف هجری وزیر اصفهان و عراق عجم بود، کلامی و برادرش سلامی در مدح وی اشعاری می‌سرودند. از وی اشعاری در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۸۰ -۹۷۹/ ۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۷۹/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۵۱۴)، تذکره‌ی روز روشن (۶۷۹)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۸۹)، الذریعه (۹۱۳/ ۹)، ریحانه (۳۵۴/ ۶)، فرهنگ سخنوران (۷۶۴)، کاروان هند (۱۵۲۳/ ۲)، مجمع الخواص (۲۴۶ -۲۴۵)، هفت اقلیم (۴۳۸/ ۲).

کلان اندجانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از امیران سلطنت ظهیرالدین بابر پادشاه هند (۹۳۷ -۹۳۲ ق) بود و از طرف وی حاکم کابل و قندهار شد. او به فارسی و ترکی شعر می‌سرود و در این فن ماهر بود. وی در کابل درگذشت. از اوست:

ندارم تاب دیدن پیش آن بدخو رقیبان را

از آن بر صبح وصل او گزیدم شام هجران را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۹۱۳/ ۹)، صبح گلشن (۳۴۰)، فرهنگ سخنوران (۷۶۵).

کلان کرمانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اهل کرمان بود. در عهد شاه طهماسب (۹۸۴ -۹۳۰ ق) می‌زیست. مدتی در اصفهان نزد میرزا جلال شهرستانی

به سر برد. وی خط شکسته را خوب می‌نوشت. از اوست:

قابل بخشش شدم از فیض بی‌سرمایگی

در قیامت هم تهی‌دستی به فریادم رسد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۴۷)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۲۴۱ -۲۴۰)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۰۰ -۳۹۹)، الذریعه (۹۱۴/ ۹)، ستارگان کرمان (۱۹۰ -۱۸۹)، صبح گلشن (۳۴۱ -۳۴۰)، فرهنگ سخنوران (۷۶۵).

کلانتر، رحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا محمد علی موسوی. از سادات حکیم سلمانی.

شاعر ادیب فاضل، از خاندان‌های محترم و اصیل اصفهان، که مدت چهار قرن است در این شهر به عزت و احترام زیسته، و عده‌ای کثیر شاعر و ادیب از آنها برخاسته است.

صاحب عنوان در جمعه غره‌ی رمضان المبارک ۱۲۹۵ وفات یافته، در لسان الارض مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش را سروش ضمن قطعه‌ای گفته است:

«کلانتری جنان را رحیم داد بدو»

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کلانتری تهرانی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۲ -۱۲۳۶ ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. اصلش از نور مازندران است. به دلیل انتساب به دایی خود، محمود خان کلانتر (کلانتر تهران که در سال قحطی، ۱۲۸۸ ق، به امر ناصرالدین شاه مصلوب گشت)، به کلانتری شهرت یافت. در تهران به دنیا آمد. فراگیری مقدمات را در تهران آغاز کرد و در خلال سفر چند ساله با عمویش به اصفهان مقدمات را تکمیل کرد. در بازگشت به تهران به عراق عزیمت نمود تا دروس عالیه را در آنجا فراگیرد ولی به علت عدم امکانات مالی به تهران بازگشت و در مدرسه مروی معقول را در محضر ملا عبداللّه زنوزی و فقه و اصول را نزد شیخ جعفر کرمانشاهی خواند. آن گاه برای ادامه تحصیلات به عراق رفت. فقه و اصول را از سید ابراهیم قزوینی صاحب «ضوابط» و شیخ انصاری به طور کامل فراگرفت. وی مدت بیست سال از حوزه‌ی شیخ انصاری استفاده نمود و بیانات استاد را تقریر نمود و یکی از ارکان حوزه‌ی شیخ انصاری و از جانب او به دریافت اجازه اجتهاد نایل شد. در ۱۲۷۷ ق به تهران آمد و به انجام وظائف دینی و افتاء و تدریس فقه و اصول پرداخت. در محضر درس او، فرزندش، علامه میرزا ابوالفضل تهرانی و امیر سید حسین ابن صدر الحفاظ قمی از شاگردان برجسته به حساب می‌آمدند. ملا فتحعلی نهاوندی نیز از شاگردان اوست. وی در تهران درگذشت و در مقبره‌ی شیخ ابوالفتوح رازی، در شهر ری به خاک سپرده شد. او در فقه و اصول صاحب تألیفات است. از آثارش: «مجموعه رسائل»، در فقه؛ «مطارح الانظار»، در اصول فقه، تقریرات درس شیخ انصاری؛ «الاستصحاب»، از مباحث اصول فقه؛ «الرسالهٔ فی المشتق»؛ رساله‌ای در «ارث».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹ -۱۸/ ۶)، اعیان الشیعه (۴۱۴ -۴۱۳/ ۲)، الذریعه (۱۳۶/ ۲۱ ،۱۹۶/ ۱۰ ،۲۴/ ۲ ،۴۰۳/ ۱)، ریحانه (۷۱ -۷۰/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۱ -۵۸/ ۱۳)، الکنی و الالقاب (۱۴۴/ ۱)، لغت نامه (ذیل/ ابوالقاسم)، معجم المؤلفین (۱۲۰/ ۸)، مؤلفین کتب چاپی (۲۸۵/ ۱)، نامه‌ی دانشوران (۳۶۸ -۳۶۴/ ۲).

کلانتری، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم کلانتری

محل تولد : مرودشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابراهیم کلانتری پس از اتمام دوره ابتدایی در روستای محل تولد (شوراب) برای فراگیری علوم اسلامی به مدرسه علمیه

«حضرت امام صادق (علیه السلام)» شهرستان «مرودشت» آمدم. پس از یکسال با اوج گیری انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (قدس سره) مدتی حوزه تعطیل گردید که بنده در این مدت به فعالیت‌های انقلابی مشغول بودم تا اینکه مجدداً دروس حوزه دایر گردید و بنده نیز به تحصیل ادامه دادم. در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه «آقا باباخان شیراز» عزیمت نمودم و تحصیلات حوزوی را در این مدرسه تا سال ۱۳۶۴ ادامه دادم. همزمان با تحصیل در شیراز و بازگشایی دانشگاهها پس از انقلاب فرهنگی، چند نیم سال تحصیلی در دانشگاه شیراز به تدریس دروس عمومی از قبیل: (صرف و نحو عرب، منطق و متدولوژی) مشغول بودم. تابستان ۱۳۶۴ برای ادامه تحصیل علوم اسلامی به حوزه علمیه قم آمدم و به صورت ممحض به تحصیل مشغول بودم.

از محضر ارجمند حجج اسلام: (خدایی، موسوی نژاد و موحد شیرازی) در شهرستان و در قم از محضر بزرگان حوزه حضرات آیات: (اعتمادی، پایانی و ستوده) و دروس خارج را از محضر حضرات آیات: (جعفر سبحانی، وحید خراسانی و فاضل لنکرانی) بهره‌مند شدم. تحصیلات در حوزه قم تا تابستان سال ۱۳۷۳ ادامه داشت. همزمان با تحصیل در حوزه قم، دروس متوسطه را ادامه دادم و سال تحصیلی ۷۱ – ۷۰ پس از قبولی در مرکز تربیت مدرس، کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی را آغاز و در تابستان ۱۳۷۴ از رساله کارشناسی ارشد تحت عنوان: «تکامل زیستی موجودات زنده و پیامدهای کلامی آن» دفاع و با درجه عالی و نمره ۱۹ به پایان رساندم.

از بهمن ماه ۱۳۷۵ در مقطع دکتری الهیات گرایش (علوم قرآن و حدیث) تحصیل خود را آغاز و پس از اتمام واحدهای نظری به تحقیق در موضوع «قرآن و چگونگی پاسخگویی به نیازهای زمان» پرداختم. در دی ماه ۱۳۸۱ از رساله دکتری خود تحت همان موضوع دفاع کردم و با نمره ۲۳/۱۷ و درجه خوب فارغ التحصیل شدم. از سال ۱۳۷۳ (مهرماه) به دانشگاه اصفهان عزیمت نمودم و همزمان با فعالیت‌های دینی، فرهنگی در مسئولیت «نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه مذکور»، به تدریس دروس الهیات و معارف اسلامی مشغول شدم. در طول سالهای تدریس در دانشگاه، علی رغم گرفتاریهای بسیار کاری در موضوعات مختلفی نیز به تحقیق و پژوهش پرداخته‌ام. نتایج برخی از پژوهش ها تا کنون منتشر گردیده اما نتایج برخی نیز هنوز به مرحله انتشار نرسیده است. در حال حاضر عضو هیأت علمی دانشگاه هستم و با مرتبه استادیاری به تدریس در دانشگاه الزهراء (سلام الله علیها) مشغول می‌باشم.

کلاهی، رسول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رسول کلاهی در سال ۱۳۱۱ در شهر اردبیل بدنیا آمد. ایشان دارای مدرك دکتری رشته جغرافیا با گرایش جغرافیای انسانی و اقتصادی از دانشگاه سوربن پاریس است. دکتر کلاهی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه آزاد واحد تهران شمال می باشد. گروه : علوم انسانی رشته : جغرافیا گرایش : جغرافیای انسانی و اقتصادی تحصیلات رسمی و حرفه ای : رسول کلاهی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه تدین شهر اردبیل و متوسطه را در دبیرستان صفوی به پایان رسانید . در سال ۱۳۲۷ وارد دانشسرای مقدماتی تبریز شد و در سال ۱۳۲۹ موفق به اخذ دیپلم گردید. استاد در سال ۱۳۳۰ جهت تکمیل تحصیلات وارد دانشسرای عالی تهران شد و در سال ۱۳۳۳ رشته تخصصی خود را با موفقیت کامل به پایان رسانید و رتبه اول را در امتحانات بدست آورد. طبق قانون شاگرد اولی به فرانسه اعزام شد. استاد کلاهی سالها در دپارتمان جغرافیای دانشگاه معروف سوربن پاریس تحصیل نمودو از رساله خود تحت عنوان بررسی تطبیقی دو شهر روستایی در ایران و فرانسه (اردبیل و اتامپ) که زیر نظر پروفسور پیر ژرژ تالیف شده بود با موفقیت دفاع کرد و ضمن دریافت چندین شهادتنامه علمی در رشته های اقتصاد و تجارت جهانی و ارتباطات و انرژی به اخذ درجه دکتری جغرافیا با تخصص در جغرافیای انسانی و اقتصادی نائل آمد.وقایع میانسالی : دکتر گنجی در صفحه ۱۲۴ کتاب" جغرافیا در ایران از دارالفنون تا انقلاب اسلامی " در باره رسول کلاهی چینین می نویسد ... ": در سال ۱۳۴۹ دکتر رسول کلاهی که سال قبل از دانشگاه شیراز به دانشسرای عالی تهران منتقل شده بود به مدیریت گروه آموزشی جغرافیا برگزیده شد و با تجربه ای که در دوران ۸ ساله خدمت خود در شیراز کسب کرده بود توام با تدبیر ذاتی خود موفق شد و گروه آموزشی را در دشوارترین سالها بخوبی اداره کند و استحکام بخشید . در دوره مدیریت دکتر کلاهی جغرافیا در دانشسرای عالی توسعه فراوان یافت زیرا از طرفی ایجاد دوره شبانه وظایف عادی او را دو برساخته بود و از طرف دیگر اداره تدریس جغرافیا در زاهدان و یزد که در آنجا دانشسرای عالی شعبه هایی دایر کرده بود هم بر عهده گروه تهران بود و استادان جغرافیای دانشسرای عالی ناگزیر بودند مکرر به یزد و زاهدان مسافرت کرده و به پیشرفت برنامه های درسی آنجا کمک کنند "مشاغل و سمتهای مورد تصدی : – عضو انجمن بین المللی جغرافیدانان جهان – عضو انجمن جغرافیدانان ایران – مدیر گروه آموزشی جغرافیا دانشگاه شیراز ازسال ۱۳۴۱–۱۳۴۷ – مدیر گروه آموزشی جغرافیا دانشسرای عالی تهران از سال ۱۳۴۹–۱۳۵۱ – ارزیاب رشته های تحصیلی کارشناسی ارشد جغرافیای انسانی و قتصادی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز ۱۳۷۰ – ارزیاب رشته های تحصیلی دکتری جغرافیا ،دانشگاه آزاد اسلامی واحد دوره تحقیقات عالی ۱۳۷۰ – ارزیاب رشته های کارشناسی ارشد جغرافیای طبیعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز ۱۳۷۰ – ارزیاب رشته تحصیلی جغرافیا در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری در سال ۱۳۷۲ – ارزیاب رشته تحصیلی جغرافیا در مقطع دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد دوره های تحقیقات ۱۳۷۲ – مسئول هماهنگ کننده دروس توسعه اقتصادی و برنامه ریزی مالیه عمومی و خط مشی دولت ها فراگرد تنظیم کنترل و بودجه دانشکده مدیریت و علوم اجتماعی واحد

تهران شمال ۱۳۷۸ – مسئول کنکور شبانه دانشگاه تربیت معلم تهران – مشاور برنامه ریزی آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال – مدیر گروه آموزشی جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۷۸ – عضو شورای دانشگاه تربیت معلم – عضو شورای دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم – عضو شورای هیئت ممیزه دانشگاه تربیت معلم – عضو شورای تالیف و ترجمه دانشگاه تربیت معلم – عضو شورای تدارکات دانشگاه تربیت معلم – رئیس کمیته هماهنگی و همکاری در آموزش و پژوهش جغرافیا در نخستین در نخستین کنگره جغرافیدانان ،تهران ۱۳۵۲ – دبیر انجمن پنجمین کنگره جغرافیدانان ایران دانشگاه تربیت معلم ،تهران ۱۳۵۶ – عضو اصلی هیئت اجرایی انجمن جغرافی دانان ایران – رئیس شورای عمومی و اجرایی گروه آموزشی جغرافیا در دانشگاه شیراز دانشسرای عالی تهران ،دانشگاه تربیت ملم تهران ،دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل – رئیس دانشسرای عالی استان یزد ۱۳۵۸ – رئیس دانشسرای عالی استان سیستان و بلوچستان ۱۳۵۸فعالیتهای آموزشی : سوابق آموزشی رسول کلاهی به قرار زیر است: – آموزگار دبستان دولتی انوری اردبیل نمیه اول سال تحصیلی ۱۳۲۸–۱۳۲۹ – دبیر دبیرستان های صفوی اردبیل ، دبیر دبیرستانهای شیراز (۱۳۳۴) – دانشگاه شیراز از سال ۱۳۴۱–۱۳۴۷ – دانسرای عالی تهران ۱۳۴۷–۱۳۵۲ – دانشگاه تربیت معلم تهران ۱۳۵۳–۱۳۵۹ – دانشگاه شهید بهشتی حدود ۷ سال – دانشسرای عالی زاهدان – دانشگاه آزاد اسلامی واحد لار – دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری – عضو هیئت علمی رسمی تمام وقت دانشگا ازاد واحد تهران شمال بمدت ۱۰ سال – دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب حدود ۴ سال عنوان دروسی که توسط رسول کلاهی ارائه شده به قرار زیر است: ژئومورفولوژی ،کلیما تولوژی ،کارتوگرافی ،هیدروگرافی ،بیوژئو گرافی کلیات طبیعی و انسانی و اقتصاد ایران و کشورها و مخصوصا جغرافیا جهان سوم ،روابط بین الملل، محیط شناسی انسانی جغرافیای سیاسی ،مبانی محیط زیست ،مبانی علم جغرافیا ، و ... و در حال حاضر جغرافیای شهر ی و روستای کلیات علم اقتصادی و برنامه ریزی و ....مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : – تاسیس و راه اندازی گروه آموزش جغرافیا و تجهیز کامل آزمایشگاه جغرافیا در دانشگاه شیراز از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۷ – تاسیس و راه اندازی گروه آموزشی جغرافیا طبیعی و تجهیز آزمایشگاه ههای متعدد آن در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۹ – تاسیس و راه اندازی کارشناسی ارشد جغرافیای طبیعی در دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل از سال ۱۳۷۹ – گسترش روز افزون و مداوم گروه آوزشی جغرافیا در دانشگاه تربیت معلم تهران و زاهدان و یزد با سمت مدیر گروهسایر فعالیتها و برنامه های روزمره : رسول کلاهی در کنار تدریس و تحقیق با مجلات علمی جغرافیا (انجمن جغرافیدانان) ،مجله زمین و زمان و چند ماهنامه و مجله دیگر همکاری داشته و دارد.آرا و گرایشهای خاص : جوائز و نشانها : فهرست جوایز علمی ،نشان و مدالهای دریافتی : – مدال درجه اول علمی بعلت احراز مقام اول در رشته های جغرافیا و تاریخ و علوم تربیتی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و دانشسرای عالی ،سال ۱۳۳۳ استاد به موجب قانون برای ادامه تحصیل به کشورهای بلژیک و سویس و فرانسه اعزام گردیدند. – استاد نمونه در سطح دانشکده مدیریت و علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال ۱۳۷۴ – استاد نمونه در سطح دانشکده مدیریت و علوم اجتماعی ،دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال ۱۳۷۵ – استاد نمونه در سطح واحد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال ۱۳۷۶ –لوح سپاس و افتخار بمناسبت روز معلم ،دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال ۱۳۶۹ – لوح سپاس بماسبت روز معلم واحد تهران شمال ۱۳۷۰ – لوح سپاس دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال ۱۳۷۴ – لوح سپاس دانشگاه ازاد اسلامی واحد تهران شمال ۱۳۷۵ – لوح سپاس بماسبت روز معلم واحد تهران شمال ۱۳۷۶ – لوح سپاس و قدردانی دانشجویان رشته کتابداری و اطلاع رسانی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال دی ماه ۱۳۷۸ – دریافت ۳ سکه بهار آزادی بماسبت تلاش در تربیت نسل جوان در دانشکده ها ،واحد تهران شمال ۳ سال متوالی – لوح سپاس و قدردانی بماسبت قبولی فارغ التحصیلان اردبیل در مقطع کارشناسی ارشد در تهران تعداد قبولیها ۶۰ نفر – لوح قدردانی بماسبت ارائه مقاله تحقیقاتی در کنفرانس سراسری محیط زیت دانشگاه ازاد اسلامی واحد اردبیل خرداد ۱۳۷۸ – لوح قدردانی مدیر گروه آموزشی مدیرت دانشگاه ازاد واحد تهران شمال۱۳۷۶ – لوح تقدیر مدیر گروه آموزشی علوم اجتماعی ،دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال ۱۳۷۶ و لوح تاییدیه و نشان از دانشگاه لوس آنجلس آمریکا– کالیفرنیا سال ۱۹۷۷ میلادی و تشویق نامه های متعدد دیگر.چگونگی عرضه آثار : – تعداد مقالات منتشر شده در مجلات علمی : بیش از ۵۸ مورد – تعداد مقالات ارائه شده در سمینارها و کنفرانسهای علمی : بیش از ۱۵ مورد –استاد راهنمای بیش از ۱۰۰۰ پایان نامه کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری آثار : اقتصاد ژاپن ، اهمیت جغرافیا در جهان امروز ویژگی اثر : علی کاردان جهرمی ،زیر نظر استاد کلاهی – چاپ شیراز۳ توسعه اقتصادی ویژگی اثر : جلد اول انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی تهران شمال ۱۳۷۸۴ جغرافیای جهان سوم ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه شیراز ۱۳۴۹۵ سوره مبارکه یس به زبان آذری ، مجموعه سخنرانی ها در پنجمین کنگره جغرافیدانان ایران ویژگی اثر : دانشگاه تربیت معلم تهران –۱۳۵۷ بکوشش استاد کلاهی دبیر اجرایی کنگره۷ مجموعه مقد و بررسی ۲۰ کتاب تاریخی و جغرافیایی ، نمودارهای جغرافیایی ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه شیراز ۱۳۴۳–با مقدمه پروفسور والتر کروز عضو هیئت علمی دانشگاه هاروارد

منابع زندگینامه :سید محمد تقی ملیح ،شرح حال استادان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال ،تابستان ۱۳۸۰ صص۱۰۳–۱۱۶

کلباسی اشتری، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: خاک‌شناسی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: صنعتی اصفهان

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کلباسی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در اصفهان متولد گردیده، و پس از تحصیل مقدمات در اصفهان به نجف مهاجرت کرده، و ریاست و مرجعیت یافته، و به شیخ العراقین مشهور گردید. مادرش دختر حاج سید محمد باقر بیدآبادی است.

اساتید او غیر از پدرش: علامه [شیخ مرتضی] انصاری و شیخ محمد حسین کاظمینی می‌باشند. در ۱۳۰۸ وفات یافته، در نجف مدفون گردید.

کتب زیر از اوست:

۱- شرح کتاب اصول پدرش ۲- کتابی در اصول، در دو مجلد ۳- کتابی در صلات؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کلباسی، ابوالمعالی محمّد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند مرحوم [آیهٔ الله]حاج محمّد ابراهیم.

عالم فاضل محقّق، مجتهد جامع، فقیه اصولی، جامع معقول و منقول، از اکابر علما و مجتهدین، محقّق مدقّق و دقیق الفکر، کثیر التتبع، در غایت زهد و تقوی؛ درباره زهد و ورع ایشان بین الخواص و العوام حکایاتی منقول است که همگی دلالت بر عظمت مقام او می کند.

در شب ۴ شنبه ۷ شعبان ۱۲۴۷ متولّد، و شب ۴ شنبه ۲۷ ماه صفر المظفر سال ۱۳۱۵ وفات یافته، در تخت فولاد، در تکیه‌ای مخصوص مدفون گردید.

در تذکرهٔ القبور درباره او فرماید: مجلس آن مرحوم، مصداق حدیث حواریین و عیسی علیه السلام بود که عرض کردند: مَن نُجالس؟ فرمود: مَن یُذَکر کم الله رویته، و یزیدکم فی العلم منطقه، و یرغبکم فی الآخره عمله.

در اصفهان خدمت آقا میر سید حسن مدّرس تحصیل نموده. کتب و رسائل زیادی تألیف فرموده که از آن جمله است:

۱- استخارات ۲- الاستشفاء بالتربهٔ [مطبوع] ۳- الاستجاریّهٔ ۴- الاسرافیّهٔ ۵- بشارات، در اصول، سه مجلد ۶- تعارض استصحاب و اصالهٔ الصحّهٔ ۷- جبر و تفویض ۸- حجّیّت مظنّه ۹- رساله در تزکیه ی اهل رجال ۱۰- رساله در نیّت ۱۱- رساله در مفطر بودن قلیان ۱۲- سند صحیفه ی کامله ۱۳- شرح خطبه ی شقشقیه ۱۴- شرح زیارت عاشورا ۱۵- شرح کفایه سبزواری، در فقه ۱۶- متجاوز از بیست رساله در شرح حال روات و علما [مطبوع] ۱۷- متجاوز از سی جلد کتاب و رساله ی دیگر در فقه و اصول و رجال ۱۸- شرح زیارت جامعه.

(مجموع کتب و رسائل تألیفی ایشان متجاوز از هشتاد مجلد می‌شود).

جمعی کثیر از بزرگان علما و مجتهدین از شاگردان ایشان می‌باشند که معروف تر از همه ی آنها مرحوم آیت اللّه العظمی مرحوم حاج آقا حسین بروجردی رحمهٔ اللّه علیه می‌باشد.

در شرح زندگانی مرحوم بروجردی چندین مجلّد کتاب، و چند شماره مجلّه نوشته شده است که از جمله ی آنها کتابی است که نگارنده تألیف نموده و به ضمیمه ی تاریخچه ی شهر سامراء به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کلباسی، ایران

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

دکتر ایران کلباسی در سال ۱۳۱۸ در شهر اصفهان متولد گردید. ایشان دارای دکتری رشته زبان شناسی همگانی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۱است .وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد پژوهشکده زبانشناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : زبان شناسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : - دریافت گواهی نامه ششم ابتدایی : دبستان دانش ،اصفهان ۱۳۳۱ - دریافت دیپلم متوسطه : دبیرستان شاهدخت سابق ،اصفهان رشته علوم طبیعی ،۱۳۳۷ - دریافت گواهی نامه کارشناسی:در رشته زبان و ادبیات فارسی، از دانشگاه شیراز، در سال ۱۳۴۲ - دریافت گواهی‌نامه ارشد:در رشته زبانشناسی همگانی، از دانشگاه تهران، در سال ۱۳۴۶ - دریافت گواهی نامه دکتری:در رشته زبانشناسی همگانی، از دانشگاه تهران، در سال ۱۳۵۱

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق شغلی ایران کلباسی به قرار زیر است: – استخدام در وزارت آموزش و پرورش، در اصفهان، ۱۳۳۷ – رئیس انستیتو تربیت معلم، وابسته به وزارت آموزش و پرورش در تهران، از سال ۱۳۵۱–۱۳۵۳ – انتقال از آموزش و پرورش به فرهنگستان سابق زبان ایران، در تهران، در سال ۱۳۵۳ – انتقال به پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در تهران بعد از انقلاب اسلامی – استفاده از فرصت مطالعاتی، در دانشگاه لندن، مدرسه مطالعات شرقی و افریقایی (SOAS) در سالهای ۱۳۶۵–۱۳۷۱ – استاد، پژوهشگر و مدیر فعلی گروه گویش شناسی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی – مدیر فعلی گروه گویش شناسی در انجمن زبانشناسی ایران

فعالیتهای آموزشی : ایران کلباسی در دانشگاههای تهران ،شهید بهشتی ،الزهرا،علوم پزشکی ایران ، پیام نور ،پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دانشگاه آزاد اسلامی به تدریس می پردازد.

آرا و گرایشهای خاص : ایران کلباسی در زمینه گویش های ایرانی تخصص دارد و بیشتر مقالات خود را در این زمینه نوشته است.

چگونگی عرضه آثار : – تعداد راهنمایی پایان نامه های دکتری و کارشناسی ارشد در رشته زبانشناسی همگانی : بیش از ۱۰۰ رساله – تعداد مقالات ارائه شده در همایشها به همراه ایراد سخنرانی : بیش از ۴۰ مورد – تعداد تالیف کتاب : ۱۰ کتاب – تعداد مقالات منتشر شده در مجلات علمی : ۵۶ مقاله --
----

آثار :

۱ بررسی ساخت واژه در زبان رومانو(۱۳۷۳)

۲ زبان فارسی و زبانهای محلی

ویژگی اثر : دانشکده مکاتبه ای، ۱۳۵۵

۳ ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز

ویژگی اثر : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۱

۴ ساخت واژه در گویش کلیمیان اصفهان

ویژگی اثر : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳

۵ ساخت واژه در گویش لاری

۶ ساختمان آوایی در فارسی

۷ فارسی اصفهانی

ویژگی اثر : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۱۳۷۰

۸ فارسی ایران و تاجیکستان

ویژگی اثر : دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴

۹ گویش کلاردشت (رودبارک) بپژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ویژگی اثر : ۱۳۷۶

۱۰ گویشهای ایرانی و لهجه های فارسی (۱۳۷۱)

۱۱ گویشهای کردی مهاباد

ویژگی اثر : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،۱۳۶۲

منابع زندگینامه : http://www.ihcs.ac.ir/User/People.aspx?ID=۳۳۲۲۱پوران فرخزاد، دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان ، ج ۲ ، ص ۱۴۲۴۳تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر ایران کلباسی بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی– پاییز ۱۳۸۶

کلباسی، جمال الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند آقا میرزا ابوالمعالی، از اعاظم علما و مجتهدین، ازهد زهّاد، و عابدترین افراد زمان خود بود.

در اصفهان نزد پدر و دیگران، و در نجف خدمت آخوند خراسانی تلمّذ فرموده؛ مدّت عمر، دقیقه‌ای از تألیف و تدریس و عبادت غافل نبود. در مسجد جوجو (جوجی) اقامه جماعت می‌فرمود، و نماز ایشان از زبده‌ترین جماعات اصفهان محسوب می‌شد.

در شب ۱۷ رمضان المبارک سال ۱۳۵۰ وفات یافته، در جنب پدر مدفون گردید.

کتاب تلخیص الهیئهٔ، در مهمّات مسائل هیئت قدیم، و معرفت تقویم و اسطرلاب از اوست.

مشارالیه بزرگتر از برادر خود مرحوم آقا میرزا ابوالهدی می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کلباسی، رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا عبدالرحیم بن میرزا محمدرضا بن العلامهٔ حاج محمد ابراهیم کلباسی.

عالم جلیل، فقیه جامع، و مجتهد اصولی کامل، در شب ۲۵ ذی قعدهٔ الحرام ۱۲۹۵ در اصفهان متولد، و در شب ۴ شوال ۱۳۸۳ در مشهد مقدس وفات یافته، و در آنجا مدفون گردید.

در اصفهان و طهران و نجف در نزد علما تحصیل نموده، و سال‌ها در اصفهان ساکن، و به ترویج دین، و نشر احکام، و احیای مساجد مخروبه قیام نموده، و اخیرا در مشهد مجاور شده، و در اصفهان امامت، و در مدرسه‌ی صدر تدریس می‌نمود، و جمعی از افاضل از محضر او مستفید می‌شدند.

کتب زیر از ایشان است:

۱– انیس اللیل، در شرح دعای کمیل ۲– ایقاضات الاصول ۳– الدعوهٔ الحسینیهٔ ۴– رهنمای دین، یا دستور تبلیغ ۵– مقامات العارفین ۶– مکیال الیقین، در اصول دین ۷– هدیهٔ السالکین لعموم المؤمنین، که آن را بر حسب خواهش نویسنده‌ی این کتاب تألیف فرموده و به طبع رسیده است.۸– حواشی عدیده بر کتب مختلفه فقهی و اصولی و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کلباسی، روح الامین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

روح الامین مجتبی کلباسی اشتری

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در حدود سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و تحصیلات مقدماتی را در مدرسه علمیه «ذوالفقار» طی کرده و در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و در درس حضرات: «اعتمادی»، «دوزدوزانی»، «خزعلی»، «مظاهری» و «سبحانی» شرکت و در درس خارج هم از اساتید عظیم همچون: «آیت الله تبریزی»، «فاضل»، «سبحانی» و «منتظری» استفاده نمودم و از سال ۱۳۶۲ در کارهای پژوهشی ابتداء در مرکز تازه تأسیس (پژوهشگاه دفتر تبلیغات) شرکت کردم. در پژوهشگاه «سیره معجم بحار الانوار و ... » بالاخره در کار «تفسیر راهنما» در مرکز فرهنگ و معارف قرآن توفیق یافتم. لازم به ذکر است در تأسیس مرکز فرهنگ و معارف قرآن و پایه ریزی کارهای پژوهشی در آن مرکز، نقش اساسی داشتم. در همان سال ها موفق به مدیریت تولید نرم افزار تبیان ۳ شدم که اولین فرهنگ موضوعی قرآن به صورت نرم افزار رایانه ای بود.

چندی بعد (سال ۷۵) واحد پاسخ به سوالات نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه ها را راه اندازی کردم که در طی چندین سال به هزاران سوال پاسخ داده شد و نرم افزار «پرسمان» حاصل بخشی از آن فعالیت ها است. از سال ۷۹ به بعد «ستاد تفسیر قرآن کریم» زیر نظر حجت الاسلام و المسلمین قرائتی تشکیل و حقیر تاکنون دبیر آن ستاد بوده و توفیق خدمتگذاری داشته ام که شرح فعالیت ها مجالی وسیع می طلبد. همچنین از سال ۸۲ مدیریت «مرکز تخصصی مهدویت» را پذیرفتم که تاکنون این توفیق سلب نشده است. در طول این سال ها صدها ساعت برنامه رادیویی در عرصه پاسخگویی به سوالات تفسیر و برخی موضوعات دیگر داشته ام. همچنین ساعتها بحث و پاسخگویی از طریق سیما داشته ام که البته از تاثیر و یا نقش آن بی خبرم.

کلباسی، عبدالرحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم میرزا عبدالرحیم کلباسی، عالم و فاضل بوده، در ۹ شعبان ۱۲۵۴ متولد، و در ۹ شعبان ۱۳۳۵ وفات یافته، در اطاق کوچکی در دست راست وارد شونده در تکیه‌ی میرزا ابوالمعالی مدفون گردید.

در اصفهان و نجف در خدمت جمعی از فحول علما تلمذ فرموده.

کتب ذیل از اوست:

۱– تعلیقه بر رسائل شیخ انصاری ۲– تفسیر و معنی قرآن ۳– رساله در تیمم ۴– کشف الحجاب، در شرح خلاصهٔ الحساب ۵– مجموعه‌ای در اجازات ۶– مجموعه‌ای در مطالب متفرقه ۷– کتابی در مواعظ.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کلباسی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند علامه حاج محمد ابراهیم کلباسی.

عالم فاضل زاهـد محقق جامع، امام مسـجد حکیم، و مـدرس در آنجا. عمر عزیز خود را به تألیف کتب و رسائل، و درس و بحث، و اقـامه‌ی جمـاعت، و رفع خصومـات و مرافعـات می‌گذرانیـده، و مواظب آداب شـرعیه بوده، به طوری که کمـتر مسـتحبی از او فوت می‌شده.

در خـدمت پدر بزرگوار و جمعی دیگر تلمذ نموده، و از پدر و حاج سـید محمد باقر [شـفتی] و شـیخ حسن نجفی [صاحب جواهر] اجازه داشته.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱ – انوار النزول ۲ – رسـاله در آداب نفس ۳ – رساله در میراث ۴ – رساله در صوم ۵ – رساله در جنایز ۶ – رسائلی در رجال ۷ – شرح تهذیب علامه ۸ – شرح خلاصهٔ الحساب ۹ – شـرح «نتایج» سید ابراهیم قزوینی ۱۰ – کتابی در حدود و دیات ۱۱ – کتابی در طهارت و صلات، با استدلال ۱۲ – منبع الحیات، در اصول، که به فرمودهٔی حاجی، جمع عبارت علمای اصول نموده، از متقـدمین و متأخرین، در ۱۵ مجلد ۱۳ – نور حدقـهٔ الناظرین، در آداب و اخلاق و ادعیه و مواعظ ۱۴ – هدیهٔ الشیعهٔ، که رساله‌ی عملیه‌ی ایشان است؛ و غیره.

در روز جمعه ۲۲ ربیع‌الاول سال ۱۲۹۲ وفات یافته، داخل بقعه‌ی پدر مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کلباسی، محمد ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ابراهیم کلباسی

محمد ابراهیم فرزند محمد حسن کاخکی خراسانی مشـهور به حاجی کرباسی (کلباسی) یکی از اعلام بزرگ شیعه در شهر اصفهان بود. کرباسـی فقیهی جـامع و مجتهـدی کامـل بود. در مواظبت به انجـام و آداب و سـنن دینی و اسـلامی خیلی کوشـا بود. کرباسـی دانشـمندی محتـاط بود و بـا آنکه به مراتب علمی و کمـال فقاهت رسـیده بود از نوشـتن رساله و دادن فتوی بیمناک بود. (کرباسـی پدرش به اتفاق خانواده مدتی از خراسان به محله حوض کرباس هرات ساکن بود سپس ساکن اصفهان گردیدند و آنها را کرباسی خواندند.) مرحوم حاجی کرباسـی سالها در عتبات از محضـر سـید بحر العلوم، شیخ جعفر کبیر، سید صاحب ریاض و محقق اعرجی بهره برد و از محضـر آنها توشه ها انـدوخت. نوشـته اند در نوجوانی مدتی کوتاه کنار درس وحید بزرگ هم زانو زد و خود با مقام فقاهت و اجتهاد وارد اصـفهان شـد. مرحوم کلباسـی با حجهٔ الاسـلام اصـفهانی معاصـر بود و به همدیگر صـمیمیتی وافر و خلوصـی کامل داشـتند. مرحوم کرباسـی برای فرامین و دسـتورات سـید محمد باقر شـفتی احترام قائل بود و نوشـته سید را بوسیده به دیده می سائید و در بزرگداشت حجهٔ الاسـلام کوتاهی نکرد با آنکه شخصیتی در ردیف حجهٔ الاسلام بود. حاجی کرباسی در مسجد حکیم اصـفهان مرکزیتی جامع، مروجی کامل، راهنمائی دائم و امام جماعتی خاشع بود. «نوشته اند شیخ احمد احسائی کذائی متواضعانه به گوشه مسـجد حکیم می خزیـد، و به دنبـال حـاجی سری به خـاک می سائیـد. و به زعم بعضـی خود افضـلی زبان آرا بود.» مرحوم حـاجی از خـالق خویش خیلی خـائف بود. دسـتورات و موازین شـرع اسـلام را مو به مو رعـایت می کرد. در انجـام فرائض، نوافل و مستحبات جدیتی کامل به خرج می داد. هیچ گاه جماعت او ترک نشد. به فرزندش ابو المعالی می فرمود: عزیزم راضی نیستم هیچ گاه فرایض خود را فرادی به پا داری (که این امر پدر نماز جماعت را به پسر واجب کرد). نوشته اند برای درک شب قدر سالی را شبهـا به کلی نخوابیـد تـا به فیض شب قـدر نایـل آمـد. در انجام حوایج بیچارگان آماده بود دوست داشت آن گاه هزینه سالانه بی نوایان را دهـد که فقر و تهی دستی آنان ثابت گردد و این اثبات هم بسـی دشوار بود. شـهادت دادن نزد مرحوم حاجی کاری بسـی مشکل بود. نوشـته اند وقتی غسالی درباره موضوعی برای دادن شهادت نزد او آمد مسائل مربوط به غسل میت را از او سؤال کرد و آنچه را لازمه مسائل اول تکلیف است از او انتظار داشت و غسال بیچاره او را پاسخگو بود. در اینجا اضافه می کننـد که غسال به حـاجی آقـا گفت گذشـته از این مسائـل جمله ای نیز به گـوش میت می خوانیم. پرسیـد چه جمله ای؟ غسـال جواب داد به میت می گوئیم خوشا به حال شـما که مردی و به پای میز حاجی آقا برای بیان شـهادت حضور نیافتی... مرحوم کرباسـی سالها غیر از خدمت دینی و رسیـدگی به امور مردم، فضلائی چند نیز در اصفهان تربیت نمود که به مقامات علمی و اخلاقی نایل آمدند. او آثاری هم از خویش به جا گذاشت. از اهم تألیفات او: کتاب اشارات در اصول، منهاج الهدایهٔ در فقه، و شوارع هدایت در شـرح کفایه. او کتابی فارسـی به نام نخبه و رسائلی در عبادات نوشت. رساله عملیه ای نیز به اصـرار جناب میرزای قمی تدوین نمود اما آن را با ترس و لرز از آتش جهنم به رشته تحریر برده است. آن جناب سـرانجام در سال ۱۲۶۲ در اصـفهان وفات نمود و در مسـجد حکیم مدفون شد. پس از او آقازاده ها وارث علوم پدر گشتند که در آینده به شرح برخی انشاءالله می رسیم.

کلباسی، محمد جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمّد جعفر، از علمای ازکیا، فاضل ادیب محقّق، در ۱۴ شهر رمضان المبارک سال ۱۲۱۹ متولّد، و در نزد پدر و دیگران تلمّذ فرموده، و در جمعه ۲۶ محرم الحرام سال ۱۲۹۲ وفات یافته، در مقبره ی پدر مدفون گردید

کتب زیر از اوست:

۱- رساله ی مبسوطی در حدود ۲- رساله‌ای در دیات به نام تحفهٔ الجعفریّهٔ ۳- رساله‌ای در شرح حال پدر خود ۴- منهاج الهدایه ۵- منهج الرشاد، در شرح ارشاد.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کلباسی، محمد رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا محمد رضا معروف به شیخ الاسلام، فرزند حاجی کلباسی، از علمای اتقیا بوده، و در شب ۱۴ رمضان ۱۲۱۹ متولد، و در شب جمعه ۱۴ شعبان ۱۲۸۴ وفات یافته، در بقعه‌ی پدر خود جنب مسجد حکیم مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کلباسی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علمای متنفذ اصفهان بوده، و به آقای کلباسی، و در بین عوام به آقا مشدی شهرت داشته، و در قضایای رضاخان و جعفرقلی (دو نفر از یاغیان اصفهان در دوره‌ی جنگ بین‌الملل اول) مطالبی از او نقل می‌شود که مناسب ذکر نیست. شب ۱۲ صفر ۱۳۴۲ در اصفهان وفات یافت.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کلباسی، محمد مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند علامه حاج محمد ابراهیم. عالم زاهد و ورع متقی، از فحول علما و مجتهدین، محقق مدقق، در اصفهان متولد گردیده، و نزد پدر خود و سید حجهٔ‌الاسلام و جمعی دیگر تحصیل نموده، در مسجد حکیم امامت و تدریس می‌نموده، و مرجعیت تامه یافته، و مورد وثوق و احترام قاطبه‌ی طبقات بوده، و بسیار متواضع و در عین حال ساده بوده است. حکایتها از سادگی ایشان نقل می‌شود که ذکر آنها موجب اطاله‌ی کلام است، و همگی آنها دلیل بر خوبی او می‌شود. وی هرگز درباره‌ی مردم گمان بد نمی‌برده است.

کتب زیر از ایشان است:

۱- رساله در استصحاب ۲- رساله در اراضی مفتوح العنوهٔ ۳- رساله در طهارت ۴- رسائلی در اصول - شرح طهارت لمعه ۵- شرح منهاج الهدایه‌ی پدرش موسوم به «معراج الشریعهٔ» در ۸ مجلد - شرح روضهٔ البهیهٔ ۶- شرح تصریف ۷- شرح بر قسمتی از لمعه در چهار مجلد ۸- شفاء الاسقام، در شرح تهذیب المنطق ۹- ضیاء العوالم، در اصول فقه ۱۰- عیون الاصول، در اصول، مختصر ۱۱- مشارق الاصول ۱۲- مصابیح الاصول ۱۳- منهج السداد، در شرح ارشاد ۱۴-نور العیون [للمتقین] ۱۵- هدایهٔ الطالبین، نام رساله‌ی عملیه‌ی ایشان است؛ و غیره.

مشارالیه داماد حاج سید محمدباقر بیدآبادی و مجاز از ایشان بوده، و در شب ۴ جمادی‌الثانیه سال ۱۲۷۸ وفات یافته، در جنب پدر در مقبره‌ی مقابل مسجد حکیم مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کلباسی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌الله آقای حاج شیخ محمدحسین بن العلامه الشیخ محمدرضا بن العلامه الشیخ محمدعلی بن العالم الشیخ محمدجعفر ابن العلامه الکبری والایه العظمی الحجه الباهره الشیخ محمد ابراهیم کرباسی مشهور بکلباسی مولف (اشارات الاصول النخبه و غیرها) از

علماء اعلام و فقهاء کرام حوزه علمیه قم عالمی عادل و فاضلی کامل و فقیهی زاهد واجد عنوان حسب و نسب دارای مقام علم و عمل صاحب ملکات فاضله و صفات حمیده و از بیت علم و فضیلت است. جد سوم ایشان آیت‌الله فی الوری حاج ملا محمدابراهیم کلباسی صاحب کرامات باهره معاصر فتحعلیشاه قاجار از مفاخر عالم تشیع است که صاحب روضات الجنات در ص ۱۱ کتاب روضات ترجمه ایشان را نگاشته و عموی معظم والدشان مرحوم علامه بزرگوار ابوالمعالی کلباسی استاد آیت‌الله العظمی بروجردی و فرزند وی علامه ابوالهدی کلباسی مولف کتاب بدرالتمام از اساتید علامه معاصر آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی است.

بیت معظم‌له از بیوتات رفیعه علم و تقوی و اصیل و ریشه‌دار اصفهان می‌باشد و بالغ بر صد سال این بیت در اصفهان و تهران و مشهد و اعتاب عالیات مصدر امور شرعی و روحی بوده‌اند.

مترجم محترم ما در ۷ شعبان ۱۳۲۳ قمری در اصفهان متولد شده و در خاندان علم و فضیلت نشو و نما یافته و مقدمات و ادبیات را نزد علماء اصفهان آموخته آنگاه در سال ۱۳۴۰ قمری در سن ۱۷ سالگی مهاجرت به نجف اشرف نموده و فقه و اصول را در خدمت مرحوم آیت‌الله جاج شیخ عبدالحسین دشتی و آیت‌الله شیخ ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله اصطهباناتی و آیت‌الله حاج شیخ کاظم شیرازی تلمذ نموده و بعد مراجعت به اصفهان کرده و از محضر مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدصادق خواتون‌آبادی استفاده کرده و مجددا بازگشت به نجف نموده و از خدمت مرحوم آیت‌الله میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حاج شیخ حسین حلی بهره‌مند جگشته و در سال ۱۳۶۰ قمری مشرف به زیارت بیت‌الله الحرام شده و مدت ۷ ماه در مکه و ۷ ماه در مدینه اقامت نموده و در سال ۱۳۷۷ قمری برای معالجه به تهران آمده و پس از بهبودی و عافیت نسبتا اطباء از مراجعت به عراق او را منع نموده پس مجبور به اقامت در ایران شده و شهرستان دینی و علمی قم را اختیار کرده و رحل سکونت دراین بلده طیبه که حرم آل‌محمد علیهم‌السلام است انداخته و به تدریس و افاضات و مباحثات و مطالعه اشتغال دارند.

اما آثار علمی ایشان از این قرار است ۱- تقریرات دروس آیت‌الله عراقی یک دوره در اصول ۲- تقریرات اصول مرحوم آیت‌الله اصفهانی یک دوره ۳- مقداری از فقه مثل کتاب طهارت و صلوه و غیره.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

کلباسی، هاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل زاهد، از علمای اخیار، و فضلای ابرار، در مسجد حکیم امامت می‌نمود، و مورد وثوق قاطبه‌ی مردم از عارف و عامی بود.

در سال ۱۳۵۸ به سن قریب به هشتاد وفات یافته، در بقعه‌ی تکیه‌ی کازرونی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کلبی بهارلو، کلبعلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۵ ق)، شاعر، متخلص به کلبی. اصل او از طایفه‌ی بهارلو، از ایل ترکمان قراقوینلو، بود. وی و پدر و برادرش در خدمت و ملازمت شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ ق) به سر می‌بردند. کلبی برای دیدن اقوام خود، از جمله میرزا عبدالرحیم خان، خان خانان (۱۰۳۶ -۹۶۴ ق)، به هند سفر کرد و در سلک ملازمان او قرار گرفت. پس از مدتی ترک خدمت کرد و به سیر و سیاحت در بعضی ولایات هندوستان پرداخت. در ۱۰۲۵ ق، در برهانپور، بار دیگر به خدمت خان خانان رسید و اشعاری سرود و اجازه‌ی رفتن به مکه معظمه را گرفت و علاوه بر کسب صله و جایزه‌ی اشعار خود، خرج سفرش را نیز دریافت کرد. از اوست:

بیش از اینم ره مزن ای بت، من ایمان نیستم

در شکست من تأمل کن که پیمان نیستم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۷۶۵)، کاروان هند (۱۱۷۳ -۱۱۷۲/ ۲)، مآثر رحیمی (۱۶۷۳ -۱۶۶۸/ ۴).

کلبی ذوالقدر، کلبی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از بزرگان ذوالقدر و برادر کوچک علی بیگ بود. کلبی مدت‌ها در شیراز به سر برد و در عهد جهانگیر شاه (۱۰۳۷ -۱۰۱۴ ق) به هند رفت و مدتی در آن دیار به سیاحت پرداخت. وی در سرودن شعر دارای طبعی عالی بود. عاقبت در هند درگذشت. از آثارش: «دیوان» شعر. از اوست:

مدتی با می و معشوق نشستیم، بس است

توبه کردیم، کنون خرقه‌ی پرهیز کجاست

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۶۸۰)، الذریعه (۹۱۴/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۶۵)، کاروان هند (۱۱۷۵ -۱۱۷۳/ ۲)، مجمع الخواص (۱۲۱).

کلکته چی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمـدتقی کلکته چی در سال ۱۳۰۴ ، در تبریز دیـده به جهـان گشود. تحصـیلات خود را در سن هفت سالگی و با آموزش قرآن ، عربی ، فارسـی در مـدرسه آغـاز کرد. پس از به پایان بردن تحصـیلات مقـدماتی از تبریز به تهران رفته و به ادامه تحصـیل و تکمیل فنون خط پرداخت. اسـتاد در این زمان وارد کلاس آزاد خط هنرسـتان زیبا شـد و از تجربیات اسـتادان بزرگ آنجا بهره های فراوان برد. کلکته چی بعـد از شـش سـال تعلیم وکـار و فعالیت در زمینه خوشنویسـی ، مـدت سه سال در (هنرسـتان زیبای کشور) وزارت فرهنگ و هنر به سـمت خوشـنویس به خدمت پرداخت.گروه : هنرشـته : خوشنویسـیوالدین و انساب : محمدتقی کلکته چی فرزند علیمحمد می باشد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدتقی کلکته چی تحصیلات خود را در سن هفت سالگی و با آموزش قرآن ، عربی ، فارسـی در مـدرسه آغـاز کرد. پس از به پایان بردن تحصـیلات مقـدماتی از تبریز به تهران رفته و به ادامه تحصـیل و تکمیل فنون خط پرداخت. اسـتاد در این زمان وارد کلاس آزاد خط هنرسـتان زیبا شـد و از تجربیات اسـتادان بزرگ آنجا بهره های فراوان برد.اسـتادان و مربیـان : محمـدتقی کلکته چی در کلاس آزاد هنرسـتان زیبا ، نسـتعلیق را از اسـتاد حسـین میرخانی و تا حـدودی از برادرش اسـتاد حسن میرخـانی فراگرفت.مشاغـل و سـمتهای مورد تصـدی : محمـدتقی کلکته چی بعـد از شـش سـال تعلیم وکار و فعـالیت در زمینه خوشنویسـی ، مـدت سه سـال در (هنرسـتان زیبای کشور) وزارت فرهنگ و هنر به سـمت خوشـنویس به خـدمت پرداخت.فعالیتهـای آموزشـی : محمـدتقی کلکته چی پس از مـدتی تصـدی امـور اداری ، به تعلیم هنرجویـان کلاسـی که خـود در خیابان فردوسی تشکیل داده بود پرداخت.

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

کلوتاتی، شهاب‌الدین، ابوالفتح احمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۳۵ -۷۶۲ ق)، فقیه حنفی و محـدث. اصـلش از کرمـان بود. عز بن جماعهٔ به او اجازه نقل فهرست مرویاتش را داده و صـلاح بن ابی‌عمرو ابن امیلهٔ و دیگران به وی اجازه‌ی روایت داده‌اند. مناوی و ابن‌حسان و تغری برمش الفقیه از وی روایت کرده‌اند. در قاهره درگذشت و در جوار زین العراقی دفن شد. از آثارش: مختصـر «الناسخ و المنسوخ» حازمی؛ مختصـری در «علوم الحدیث»؛ مختصـر «تهذیب الکمال»؛ «ثبت»، در دو مجلد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الضوء اللامع (۳۸۰ -۳۷۸/ ۱)، معجم المؤلفین (۳۱۱/ ۱).

کلوری، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدرضا کلوری

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجـانب در سال ۱۳۶۹ پس از فـارغ التحصـیلی از «هنرسـتان رشـته هنر و گرافیک» در تهران، وارد حوزه علمیه «مجـد» شـدم که از مـدارس سازمان تبلیغات اسـلامی بود و پس از آن در زیر مجموعه مدارس «مروی» تهران و در نهایت در مدرسه «مروی» به مدت ۷ سال در تهران به تحصـیل علوم حوزوی اشـتغال داشـتم. در این زمان با قبولی در «موسـسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)» به قم عزیمـت کردم و به تحصـیلات حـوزوی در قم ادامه دادم. در موسـسه امـام خمینی (ره) در مقطع کارشناسـی ارشـد، رشـته (جـامعه

شناسی) را به اتمام رسانده ام و به تدوین پایان نامه اشتغال دارم. مقالاتی از بنده به چاپ رسیده است و مقاله ای و کتابی نیز قرار است چاپ شود.

در ابتدای دروس خارج به محضر اساتید حضرات آیات: «مکارم شیرازی» و «آیت الله سبحانی» حضور یافتم. اما پس از یکسال و اندی و با آشنائی با جناب استاد «آیت الله هادوی تهرانی» از کلاس خارج فقه و اصول ایشان بهره مند شدم و تا این سال یعنی ۱۳۸۵، حدود پنج سال است که از محضر وی بهره می برم.

کلهر کرمانشاهی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، صوفی و شاعر. اصل وی از ایل کلهر و معاصر رضاقلی خان هدایت (وف ۱۲۸۸ ق) بود. کلهر در اغلب ایام روزه داشت و برای وصول به حق، به عبادت و ریاضت و تزکیه‌ی نفس می‌پرداخت. سرانجام به تهران آمد و تا آخر عمر در این شهر به سر برد. از اوست:

وزید باد بهاری و شد خزان بر باد

ز فیض نامیه شد ساحت جهان آباد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۴۱۰/ ۱)، حدیقهٔ الشعراء (۱۴۵۶ -۱۴۵۵/ ۲)، گنج شایگان (۴۱۲ -۴۱۰).

کلهر، محمد رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۰ -۱۲۴۵ ق)، خطاط. اصلا از ایل کرد کلهر کرمانشاهان بود و در همان جا به دنیا آمد. در دوره‌ی جوانی به تهران آمد و نزد میرزا محمد خوانساری تعلیم خط گرفت. پس از آن به مشق از روی خطوط میرعماد سیفی قزوینی پرداخت، چنان که گویند سفری هم به اصفهان رفت تا از روی کتیبه‌ی معروف میرعماد، در تکیه میرفندرسکی مشق کند و نیز سفری به قزوین کرد تا از روی کتیبه‌ای که بر سر در حمامی، به خط میر است، تعلیم بگیرد. وی از آن دو کتیبه چربه برداشت و پیوسته از روی آن مشق می‌کرد. پس از آنکه در خط نستعلیق شهرت یافت، ناصرالدین شاه او را به دربار احضار کرد و حتی گاهی نزد وی تعلیم خط می‌گرفت و می‌خواست که او را در وزارت انطباعات به کار کتابت بگمارد، ولی وی نپذیرفت. میرزای کلهر خط نستعلیق را بسیار ماهرانه می‌نوشت، تا آنجا که بعضی وی را همطراز میرعماد دانسته‌اند. او را در خط شکسته نیز از استادان می‌دانند. از خطوط کلهر آثار زیادی یافت نشده و اگر چاپ نویسی‌های او نبود، شاید شیوه‌ی خاصی که داشت، تا به حال از بین رفته بود. میرزا محمد حسین خان عماد الکتاب یکی از کسانی بود که باعث انتشار این شیوه شد و با اینکه نزد میرزای کلهر شاگردی نکرده بود، به وسیله‌ی همین کتب چاپی شیوه‌ی او را اخذ کرده به کمال رساند. این استاد گرانمایه هنگام بازگشت از خراسان به مرض وبا دچار شد و در تهران درگذشت. از شاگردان وی، میرزا زین‌العابدین شریفی قزوینی معروف به ملک الخطاطین، آقا مرتضی نجم آبادی، میرزا عبداللّه خان مستوفی و سید محمود صدر الکتاب از همه معروفترند. مهم‌ترین اثر خطی وی، کتاب «فیض الدموع» میرزا محمد ابراهیم وقایع نگار نواب تهرانی است که به چاپ سنگی رسیده و در مقدمه‌ی آن چنین آمده: «... در عهد دولت... ناصرالدین شاه... کتاب مستطاب فیض الدموع... از املاء طبع و انشاء خاطر... میرزا محمد ابراهیم نواب طهرانی... در سال یکهزار و دویست و هشتاد و شش هجری، در دارالخلافه‌ی طهران... بخط احقر عباد محمد رضای کلهر مرقوم و به زینت طبع درآمد..». از دیگر آثار خطی به چاپ رسیده‌ی وی: قسمتی از روزنامه‌ی «شرف»؛ دوازده شماره روزنامه‌ی «اردوی همایون»؛ «سفرنامه‌ی دوم ناصرالدین شاه به خراسان»؛ کتاب «مخزن الانشاء»، که در ۱۲۸۵ ق به چاپ رسیده است؛ کتاب «منتخب السلطان»، که اشعاری از حافظ و سعدی است؛ رساله‌ی «غدیریه»؛ قسمتی از «سفرنامه‌ی کربلای ناصرالدین شاه»؛ «نصایح الملوک»؛ «مناجات نامه»؛ خواجه عبداللّه انصاری؛ قسمتی از «کلیات» قاآنی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۳۵ -۷۳۱/ ۳)، اطلس خط (۵۹۳ -۵۹۱)، پیدایش و سیر تحول هنر خط (۱۸۵ -۱۷۹)، تاریخ برگزیدگان (۴۶۹ -۴۶۸)، تاریخ هنرهای ملی (۱۰۱۳ -۱۰۱۱/ ۲)، تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (۲۵ -۲۱)، دایرهٔ المعارف فارسی (۲۶۹۴/ ۲)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۷۳ -۳۷۱)، کیهان فرهنگی (س ۴، ش ۷، ص ۵۵ -۵۲)، لغت نامه (ذیل/ کلهر)، المآثر و الآثار (۲۰۴ -۲۰۳)، مکارم الآثار (۱۲۶۰ -۱۲۵۸/ ۴)، یادگار (س ۱، ش ۷، ص ۵۶ -۳۹).

کلهر، میرزارضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا رضا کلهر فرزنـد رحیم بیک ، در سال ۱۲۴۵ هجری قمری ، در منطقه کلهر کرمانشاه به دنیا آمـد . در آغازجوانی به مقتضای ایلی بـه سـواری و تیرانـدازی متمایـل گشـت ، امـا بعـد هـا بـه خوشنویسـی روی آوردو بـه تهران رهسـپار شـد و نزد « میرزا محمد خوانساری » تعلیم خط گرفت . کلهر به سرعت از استادش پیشی گرفت و ناگزیر خطوط به جا مانده از میر عماد را سرمشق قرار داد. وقتی که آوازه او در افواه مردم پیچیـد ، ناصـرالدین شاه قاجار او را دعوت نمود و مدتی به شاگردی نزدکلهر مشق خط نمود. علاقه شاه به وی هیچگـاه بـاعث نگردیـد به درآمـد دربـار متکی گردد و بـا حقوق انـدکی که از راه کتـابت دریـافت می داشت روزگار گذراند، تا سرانجام در سال ۱۳۱۰ ه، ق. بر اثر بیماری وبا درگذشت.گروه : هنررشته : خوشنویسیگرایش : نستعلیقوالدین و انساب : میرزا رضـا کلهر فرزنـد رحیم بیـک ،در منطقه کلهر کرمانشـاه به دنیـا آمـد .خـاطرات کودکی : یکی از مسائل مهم دوران کودکی میرزا رضـا کلهر ، جنگهـا و برخوردهـای قبیلگی و طـایفه ای بـود . در یکی از همیـن جنگهـا زخمی برکلهر وارد شـد و بـاعث کم شنوایی او تا آخر عمر گردیـد .اوضاع اجتماعی و شـرایط زندگی : میرزا رضا کلهر بر اساس نظام ایلی ، از سن ده دوازده سالگی به آموختن فنون رزمی و سوار کاری پرداخت و جسم خام را در بوته ممارست آماده نمود .تحصیلات رسـمی و حرفه ای : از آنجایی که همه قبیله کلهر عالمـان دین و شـعر بودنـد از روی میـل و قریحه شخصـی به مشق خط رغبت یافت و پس از چنـد مشـقی در نزد خوشـنویسان ایل که همه از بنی اعمام او بودنـد ، به دلیل اغنا نشـدن از این فراگیری ، راهی تهران شـد . وی در خط نوآموز مکتب اسـتاد میرزا محمـد خوانساری که او نیز شاگرد محمـد مهـدی تهرانی بوده است تعلیم خط گرفت . پس از آن به اصـفهان رفت و از روی خطوط و کتیبه های میرعماد در تکیه میرفندرسکی به مشق پرداخت .خاطرات و وقایع تحصیل : از حالات منحصر به فرد میرزا رضا کلهر این بوده است که وقتی به نوشتن می پرداخت یک روز فقط در تمرین یکی از حروف الفبا همچون ح – ف – ل– ن– ی می پرداخت و در پایان روز از میان آن همه تمرین یک یا چند کلمه را که نظر مشکل پسند او را جلب می کرد انتخاب و نگهداری می نمود . میرزا رضا کلهر پس از استفاده از محضر اساتید تهران ، با شنیدن این موضوع که در قزوین بر سر درب حمامی ، قطعه ای از میر عمـاد وجود دارد عزم آن دیـارکرد و از روی آن نکته هـا آموخت و مشق ها کرد .اسـتادان و مربیان : میرزا رضا کلهر خط را ابتدا در نزد خوشـنویسان ایل که همه ازبنی اعمام او بودند آموخت سپس به نزد میرزا محمد خوانساری رسید و از محضر این استاد اسـتفاده نمود .وقـایع میانسـالی : از وقـایع و رویـدادهای بوقوع پیوسـته در دوران میانسـالی میرزا رضا کلهر ، می توان احضار وی از سوی ناصـرالدین شاه را نام برد : « چون صیت شـهرت میرزا رضا کلهر به سمع ناصرالدین شاه رسید وی را احضار و نوازش نمود و به قولی انـدکی هم نزد او مشق کرد و شـاه اراده نمودوی را در وزارت انطباعـات بکار گمارد از آنجا که مردی آزاده و بلنـد همت بـود به واسـطه اسـتغنای طبعی که داشت قبول نکرد .» (۱) کلهر همراه بـا جنبش زمـان خود همگـام با رهبران نهضت های عقیـدتی محضـر خود را محفل انتقاد مسـتقیم از حکومت اسـتبدادی و عادات و رفتار نکوهیـده دولتمردان قرار داد . عبد الله مسـتوفی یکی از شاگردان کلهر چنین می گوید : « در مجلس مشق خود از سیاست حرف می زد و از رفتار حکومت بدون هیچ پرده پوشـی آنچه را مخـالف تصـور می نمـود نقـادی می کرد ، بزرگـترین گنـاه میرزا یوسـف صـدراعظم ، در نظر میرزا درویش بـازی او بـود ، از امین السـلطان بی اندازه مزمت می کرد و مثل همه کرمانشاهی ها که کلمه قربان را در موارد محبت و یگانگی بیشتر از احترام به کار می برنـد به مـا می گفت قربـان ! اتمام عادات زشت ناصـرالدین شاه که در این اواخر از او به ظهور می رسـد ، از رویه ای است که این مرد و پدرش به او آموخته اند ، مخصوصا خیلی از پول دادن بلاعوض امین السـلطان به این و آن نقادی کرده و می گفت قربان این مرد همـه ایـن کشـور را گـدا کرد . » (۲) [۱– علی کاوه ، پیـدایش خط و خطاطان به انضـمام تـذکره خوشـنویسان معاصـر ،تالیف عبدالمحمـد خان ایرانی (مودب السلطان) و علی راهجیری ص ۲۱ ؛ ۲– کیهان فرهنگی ،شماره ۷ ، مهر سال ۱۳۶۶]زمان و علت فوت : میرزا رضا کلهر در روز جمعه بیست و پنجم محرم الحرام سال ۱۳۱۰ در سن ۶۵ سالگی به مرض وبای عام تهران در گذشت .مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : میرزا رضا کلهر از راه خط نویسـی و حق الکتابه مختصـر درآمدی داشت و از آن راه زندگی می کرد . اگرچه وی به دسـتور ناصـر الـدین شاه دعوت به کار در وزارت انطباعات گردیـد، لیکن او نپذیرفت و تنها به آن قانع شد که هر وقت مایل باشد برای اداره انطباعات که زیر دست محمد حسـنخان صنیع الدوله (همان اعتماد السلطنه) کتابت کند و اجرت آن را بگیرد. اعتماد السلطنه خود در کتاب «المآثر و الآثار» در احوال میرزا رضا چنین می نویسد: «« هنوز از دیوان اعلی راتبه نخواسته و جرایهٔ نگرفته است و برگ و سـاز ممـاش همی از اجرت کتـابت می کنـد و به هنر بـازو و حاصـل سـرپنجه خویشـتن روزگار می گذرانـد. »فعالیتهـای آموزشـی : میرزا رضا کلهر پس از رسـیدن مرحله اسـتادی و تبحردرخط نسـتعلیق ، تعلیم خط را آغاز نمود . از جمله جاهایی که وی در آنجا به کار تـدریس پرداخت نزد ناصـرالدین شاه قاجار بودسایر فعالیتها و برنامه های روزمره : میرزا رضـا کلهر در ۲۴ ساعت ، جزء ۶ ساعت که برای انجام عبادت و استراحت و نظافت می پرداخت ۱۸ ساعت آن را در اجتهاد برای اعتلای فن خطاطی می گذرانده است . آخرین مرحله از زندگانی میرزا ، بعد علم و عرفان و خط سیر فکری اوست ؛ کلهر هنرمندی بود که در علوم ادبی تسلط کامل داشته و آثار بجا مانده از او مانند « مخزن الانشاء » گواه این ادعاست .شاگردان : میراز رضا کلهر اندوخته های شاگردان بسیاری داشت ، ماهر ترین ایشان سید مرتضی برغانی ، میرزا زین العابدین شریف قزینی ، سید محمود صدر الکتاب ، میرزا عبـدالله خان مسـتوفی بودنـد. او همچنین برای مدتی معلم خط ناصـرالدین شاه نیز بوده است . از دیگر شاگردان وی فرزندان میرزا محمد علیخان قوام الدوله بودند .آرا و گرایشـهای خاص : میرزا رضا کلهر پایه خط نسـتعلیق را به جایی رساند که بعضـی وی را هم طراز میر عماد می دانند؛ به علاوه در خط شکسـته وی را باید از اسـتادان این خط دانست. عبدالله مسـتوفی می نویسد : « میرزا رضا کلهر همان اصول میر عمادی را تعقیب کرد ولی سلیقه هایی در کوتاه کردن مدها و کوچک کردن دوائر و هم چنین تغییراتی در سایر ترکیبات حروف در این خط وارد کرد . البته عمومی شدن اسلوب جدید کار آسانی نبود زیرا سایر خطها که عموما به شیوه میر عمادی می نوشـتند مسلما با این اسـلوب جدی ضدیت می کردند ولی میرزای کلهر با این حرفها از دم در نرفت و شیوه خود را تعقیب کرد و بالاـخره توانست خود را به این درجه برسانـد که شـیوه و اسـلوب او امروز سـرمشق خط نسـتعلیق شود و همگی از آن تبعیت نماینـد . » دکتر بیانی در «احوال و آثار خوشـنویسان» می نویسد : « آنچه مسـلم است اینکه میرزا رضا پایه خط نسـتعلیق را در جایی نهاد که پس از او کس به آن مقام نرسیده است و قدرت او کمتر کسـی از خوشنویسان را دست داده و در واقع شیوه تازه ای

در خط نستعلیق آورده که پیش از وی کسی به آن نزدیک نشده است . »

آثار : ۰ ویژگی اثر : ۰۲ ۰ اردوی همایون ویژگی اثر : اثر خطی۴ تقویم خطی نفیس دیوان ذکاء الملک (فروغی ثانی) ویژگی اثر : اثر خطی۶ دیوان فروغی بسطامی ویژگی اثر : اثر خطی۷ دیوان قاآنی ویژگی اثر : اثر خطی۸ دیوان یغمایی جندقی ویژگی اثر : اثر خطی۹ رساله غدیریه ویژگی اثر : اثر خطی۱۰ روزنامه شرف ویژگی اثر : اثرخطی۱۱ سفرنامه دوم ناصرالدین شاه به خراسان ویژگی اثر : اثر خطی۱۲ سفرنامه ناصرالدین شاه به عتبات عالیات ویژگی اثر : اثرخطی۱۳ فیض الدموع (نسخه خطی کتابخانه سلطنتی ایران) ویژگی اثر : اثرخطی۱۴ مخزن الانشاء ویژگی اثر : این کتاب منشات عده ای از نویسندگان بزرگ و صاحب نام است که در عرصه مراسلات دوستانه و دولتی استاد تام بوده اند ؛ مخزن الانشاء با نظارت عده ای از فضلای عصر از جمله کلهر و توسط ایشان کتابت گردید . اصل کتاب یک دست و بدون رفو موجود است و چنانچه در نسخ منتشره آن دقت شود از ابتدا تا انتها حتی یک سهو قلمی و اشتباه املایی وجود ندارد . [کیهان فرهنگی ، شماره ۷ ، مهر سال ۱۳۶۶ ، ص ۵۴]۱۵ مناجات نامه خواجه عبدالله انصاری ویژگی اثر : اثر خطی۱۶ منتخب السلطان ناصری از حافظ وسعدی ویژگی اثر : اثر خطی۱۷ نصایح الملوک ویژگی اثر : اثر خطی۱۸ وقایع اتفاقیه ویژگی اثر : اثر خطی منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

کلیچه‌پز هروی، حیدر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۸ ق)، شاعر. معروف به حیدر کلوچ. نخست در هرات کلوچه می‌پخت و بعدا در روزگار شاه طهماسب به شاعری مشهور شد و شهرتی پیدا کرد و از آن کار دست کشید و به تجارت پرداخت و بدین منظور گاهی سفر هند می‌کرد و معاش وی از این راه می‌گذشت. حیدر در آخرین سفر هند به سند رفت و به خدمت میرزا شاه حسن ارغون، فرمانروای آنجا که مردی فضیلت گستر و ادب‌پرور بود و در شعر سپاهی تخلص داشت، رسید و مورد اکرام و در شعر سپاهی تخلص داشت، رسید و مورد اکرام و انعام وی واقع شد و هنگام بازگشت از سند در قصبه‌ی پاتره نزدیک سیوستان درگذشت و همان جا دفن شد. سام میرزا گوید که «دیوان» مشتمل بر ده هزار بیت است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۶۵ -۷۶۳ /۲)، تحفه سامی (۲۰۴ -۲۰۲)، تذکره‌ی روز روشن (۲۲۶ -۲۲۴)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۹۶)، الذریعه (۹۱۵ ،۲۷۰ /۹)، شام غریبان (۷۹ -۷۲)، فرهنگ سخنوران (۲۸۳)، کاروان هند (۳۵۳ -۳۴۸ /۱)، لغت نامه (ذیل/ حیدر کلیچ)، مجالس النفائس (۱۵۳ -۱۵۲)، مجمع الخواص (۱۶۹ -۱۶۸)، نشتر عشق (۴۴۹ -۴۴۶ /۲).

کلیشادی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میر محمد حسین بن حاج میر محمد صادق معروف به «سید مغنی گو». عالم فاضل ادیب شاعر نحوی، مدرس مدرسه‌ی شاهزاده‌ها.

به مناسبت تخصص ایشان در تدریس کتاب «مغنی اللبیب» به سید محمود مغنی معروف بوده، جمعی کثیر از فضلای اصفهان در خدمت او تحصیل نموده‌اند.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- اربعیه، در نحو ۲- جنگ، در متفرقات، در چهار مجلد، در کتابخانه‌ی مرحوم آقا میرزا محمد رضا الهی موجود بود، و حاوی مطالب مفیده از صرف و نحو و حدیث و اخبار و اشعار می‌بود. ۳- درر منتظمه، الفیه، نسخه‌ی آن نزد نگارنده موجود است. ۴- کتابی در مواعظ ۵- مختصر کتاب «غرر و درر» سید مرتضی ۶- مختصر اکسیر العبادات ۷- محمودیهٔ، در نحو ۸- ناصریه، در نحو، و ظاهرا با محمودیه یک کتاب باشد.

صاحب عنوان در شب ۵ شنبه ۸ ربیع‌الثانی سال ۱۳۲۴ وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید. قبرش در قسمت‌های جنوبی خانه‌های تخت فولاد، در تکیه‌ای کوچک قرار دارد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کلیم کاشانی، ابوطالب

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۷۳/ ۱۰۶۲/ ۱۰۶۱ ق)، شاعر، متخلص به کلیم. مشهور به طالبای کلیم و طالب. بعضی از تذکره‌نویسان او را خلاق المعانی ثانی خوانده‌اند. اصل وی از همدان بود، لذا برخی از تذکره‌ها به او کلیم همدانی گفته‌اند. اما چون بیشتر در کاشان اقامت داشت به

کلیم کاشانی معروف شد. دانشهای زمان را در کاشان و شیراز فراگرفت و در جوانی، در زمان جهانگیر پادشاه گورکانی (۱۰۳۷ – ۱۰۱۴ ق) به دکن هند رفت و تحت ملازمت شاهنواز خان خواجه سعدالدین عنایت‌اللّه شیرازی، وکیل السلطنه‌ی ابراهیم عادلشاه ثانی بیجاپوری قرار گرفت و در مدح او شعر گفت. وی در ۱۰۲۸ ق، بعد از فوت شاهنواز خان، به وطن بازگشت و بعد از دو سال اقامت در وطن دوباره به هندوستان رفت و با میر جمله‌ی شهرستانی، متخلص به روح‌الامین، معاشر شد و در مدح او نیز قصایدی غرا سرود. سپس نزد شاه جهان (۱۰۶۹ –۱۰۳۷ ق) تقرب یافت و از جانب او به لقب ملک الشعرایی نایل آمد. مدتی به همراه شاه جهان به کشمیر رفت و همچنان شاعر برگزیده‌ی شاه و ستایشگر او بود. کلیم با استادانی از قبیل صائب تبریزی، صیدی، محمد هاشم سنجر برادر میرزا معصوم، میرزا ابراهیم ادهم، ملا علیرضا تجلی، ملک قمی و چند تن دیگر معاصر و با بعضی معاشر بود. مهارت کلیم در شعر بیشتر در غزلسرایی است. وی در ارسال المثل یا آوردن مصراعها و بیتهایی که حکم مثل داشته باشد بسیار توانا بود. او در کشمیر درگذشت و در کنار قبر محمد قلی سلیم به خاک سپرده شد. از آثارش: «دیوان» شعر، در حدود بیست و چهار هزار بیت، شامل مثنویات: «ظفرنامه‌ی شاه جهانی» یا «شاه جهان نامه» یا «پادشاه نامه» یا «شهنشاه نامه» در فتوحات شاه جهان، «در تعریف کشمیر»، «در تعریف اسب و بیماری او»، «تعریف اکبرآباد و باغ جهان‌آرا» و غزلیات و قصاید و غیره.[۱]

(بخش ۱) ملک‌الشعراء ابوطالب کاشانی (ف. ۱۰۶۱ ه.ق/ ۱۶۵۰ م.). وی در همدان متولد شد، ولی به سبب اقامت طولانی در کاشان به کاشانی مشهور گردید. مدتی در شیراز سرگرم تحصیل علوم بود. در عهد جهانگیر به هندوستان رفت و باز به ایران آمد و بار دیگر به هندوستان بازگشت، و چندی به مدح امرای درباری و دولتی هند مشغول بود تا سمت ملک‌الشعرایی دربار شاهجهان یافت. وی اواخر عمر را در کشمیر گذرانید. کلیم در انواع شعر دست داشت. قصیده و مثنوی را نیکو می‌سرود ولی مهارت او در غزل است که در آن مضامین تازه و دقیق دارد. وی در ایجاد معانی و تخیلات لطیف و وارد کردن کلمات زبان محاوره در شعر چیره‌دست است. دیوان او مکرر در ایران و هند بطبع رسیده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۹۸ –۲۹۰/ ۱)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۷۵ –۱۷۳/ ۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۸۱ –۱۱۷۰/ ۵)، تذکره‌ی شعرای پنجاب (۳۰۷ –۳۰۵)، تذکره‌ی شعرای کشمیر (۱۴۱۹ –۱۳۴۳/ ۳)، تذکره‌ی میخانه (۸۲۴ –۸۲۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۲۳ –۲۲۰)، حماسه‌سرایی در ایران (۳۶۹ –۳۶۸)، دایرهٔ المعارف فارسی (۲۲۵۹/ ۲)، الذریعه (۳۳۴، ۲۲۶ –۲۲۵، ۲۱۶/ ۱۹، ۹۱۶ –۹۱۵/ ۹)، ریحانه (۷۸/ ۵)، سرو آزاد (۸۱ –۷۷)، شعر العجم (۱۹۳ –۱۷۲/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۷۶۶)، کاروان هند (۱۱۸۷ –۱۱۷۵/ ۲)، گنج سخن (۱۰۱ –۹۲/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوطالب)، مجمع الفصحا (۵۵ –۵۴/ ۴)، مرآهٔ الخیال (۹۱ –۹۰)، منظومه‌های فارسی (۴۹۸ –۴۹۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۴ –۱۸۳/ ۱)، نتایج الافکار (۶۰۵ –۶۰۱).

کلینزمن، یورگن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یورگن کلینزمن در ۳۰ ژوئیه سال ۱۹۶۴ در گوپینگن آلمان متولد شد. وی به عنوان بازیکن تیم ملی آلمان توانست در مسابقات جام جهانی فوتبال ۱۹۹۰ به مقام قهرمانی جهان دست یابد و در سال ۱۹۹۶ نیز قهرمان اروپا شود.

کلینزمن از ۲۶ ژوئیه ۲۰۰۴ و زمانی که ۴۰ سال داشت از سوی فدراسیون فوتبال آلمان به عنوان سرمربی تیم ملی فوتبال این کشور منصوب شد و به همراه الیور بیرهوف و یوآخیم لو تصمیم گرفت تا تیم ملی آلمان را در کشور خودش قهرمان جهان کند. او پس از اینکه با تیم جوان آلمان توانست در مقابل برزیل بازی را با نتیجه مساوی یک بر یک به پایان برساند

توانست تیم ملی آلمان را در مقابل تیم ملی اتریش پیروز از زمین بیرون آورد.

سرمربی تیم ملی فوتبال آلمان چند ماه مانده به برگزاری مسابقات جام جهانی ۲۰۰۶ مورد انتقادات شدید از سوی رسانه‌ها، سیاستمداران و ورزش دوستان قرار گرفت. بخصوص پس از شکست ۴ بر ۱ تیمش در مقابل تیم ملی ایتالیا در اول مارس ۲۰۰۶ در معرض انتقادات بیشتری قرار گرفت.

افتخارات کلینزمن: قهرمانی جهان ۱۹۹۰

قهرمانی اروپا (کاپیتان) ۱۹۹۶

قهرمانی جام یوفا ۱۹۹۱ – ۱۹۹۶

قهرمان لیگ آلمان ۱۹۹۷

قهرمان باشگاه‌های آلمان ۱۹۹۷

قهرمان سوپرجام ایتالیا ۱۹۸۹

آقای گل بوندس لیگا ۱۹۸۸

آقای گل جام یوفا ۱۹۹۶

بهترین بازیکن آلمان ۱۹۸۸ و ۱۹۹۴

بهترین بازیکن لیگ برتر انگلیس ۱۹۹۵

کلینی رازی، ابوجعفر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۲۹/ ۳۲۸ ق)، رئیس المحدثین امامیه، فقیه، مفتی و مرجع. ملقب به ثقهٔ الاسلام، معروف به سلسلی. نسبت وی به روستای کلین، از قرای فشافویه ری، می‌رسد. وی از علمای بزرگ زمان غیبت صغری و شیخ مشایخ شیعه بود. چون شیعه و سنی در فتاوا بدو مراجعه می‌کردند به ثقهٔ الاسلام شهرت یافت و او اولین کسی است که بدین لقب نامیده شد. کلینی نخستین از محمدهای ثلاثه، صاحب «کافی» اولین از کتب اربعه می‌باشد. ابن‌اثیر در «جامع الاصول» از کلینی به عنوان مجدد مذهب اثنی عشری در آغاز قرن سوم قمری نام می‌برد. وی از ابوعلی و حسین بن محمد اشعری و حمید بن زیاد نینوائی و عبداللّه بن جعفر حمیری و علی بن ابراهیم قمی و از دایی‌اش، علان کلینی، و ابوعبداللّه احمد بن محمد عاصمی و احمد بن مهران و بسیاری دیگر روایت کرد. شیخ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه و ابوغالب احمد بن محمد زراری و ابومحمد هارون بن موسی تلعکبری و ابوالفضل محمد بن عبداللّه بن مطلب شیبانی و ابوعبداللّه احمد بن ابراهیم صیمری، معروف به ابن ابی‌رافع، و دیگران از وی روایت کرده‌اند. او در سال تناثر نجوم و اول غیبت کبری، در بغداد درگذشت و در باب الکوفهی بغداد در بازار نزدیک جسر دفن شد. از آثار وی: «الکافی»، در سه قسمت: «اصول کافی»، «فروع کافی» و «روضه‌ی کافی»، شامل شانزده هزار و صد و نود و نه حدیث، که در مدت بیست سال آن را به رشته‌ی تحریر درآورده؛ «تعبیر الرؤیا»؛ «الرد علی القرامطهٔ»؛ «رسائل الائمهٔ (ع)»؛ کتاب «الرجال»؛ «ما قیل فی الائمهٔ من الشعر»؛ «فضائل القرآن»؛ «العقل»؛ «العلم»؛ «التوحید»؛ کتاب «الاشربهٔ»؛ کتاب «الدواجن و الرواجن».[۱]

محمد بن یعقوب، ثقهٔالاسلام، عالم و فقیه معروف شیعی (ف. ۳۲۹ ه.ق) او راست: «الکافی فی علم‌الدین»: کافی.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۷/ ۸)، اعیان الشیعه (۹۹/ ۱۰)، ایضاح المکنون (۲۹۵، ۲۶۸، ۱۹۷/ ۲)، دایرهٔ المعارف فارسی (۲۲۵۹/ ۲)، الذریعه (۲۴۶ –۲۴۵/ ۱۷)، رجال الطوسی (۴۹۶ –۴۹۵)، رجال النجاشی (۲۹۲ –۲۹۰/ ۲)، روضات الجنات (۱۱۲ –۱۰۱/ ۶)، ریاض العلماء (۲۰۰ –۱۹۹/ ۵)، ری باستان (۳۸۵ –۳۸۳/ ۲)، ریحانه (۸۲ –۷۹/ ۵)، سیر النبلاء (۲۸۰/ ۱۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۱۴/ ۴)، فوائد الرضویه (۶۵۹ –۶۵۷)، الفهرست للطوسی (۳۲۷ –۳۲۶)، کارنامه‌ی بزرگان (۵۴)، الکامل (۲۷۴/ ۶)، الکنی و الالقاب (۱۲۱ –۱۲۰/ ۳)، لسان المیزان (۶۳۷ –۶۳۶/ ۶)، لغت‌نامه (ذیل/ کلینی)، معجم رجال الحدیث (۶۶ –۵۰/ ۱۸)، معجم المؤلفین (۱۱۷ –۱۱۶/ ۱۲)، الوافی بالوفیات (۲۲۶/ ۵)، هدیهٔ الاحباب (۲۲۸ –۲۲۷)، هدیهٔ العارفین (۳۵/ ۲).

کماری تبریزی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۷ –۱۳۰۹ ق)، عالم دینی. در کمار از قرای تبریز به دنیا آمد. ابتدا نزد میرزا محمد علی قراچه داغی و حاج میرزا مصطفی درس خواند. سپس در اردوباد نزد آقا سید مرتضی مدرس تلمذ نمود. آن گاه به نجف رفت و خدمت حاج میرزا فرج‌اللّه تبریزی رسید و از محضر او و دیگر اساتید آنجا بهره گرفت. در ۱۳۴۸ ق به قم رفت و از حوزه‌ی درس آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالکریم حایری استفاده نمود. از آثار وی حاشیه بر «رسائل» است که به طبع رسیده است.[۱]

سید محمد کماری از علماء معروف تبریز بودند که در اواخر عمر در تهران اقامت نموده و بتدریس و مباحث علمی و خدمات دیگر دینی اشتغال تا در چند سال قبل رحلت و در مسجد موزه آستانه مقدسه حضرت معصومه علیهاالسلام مدفون گردیده و او از احفاد مرحوم سید علی بن عبدالصمد است که در سال ۶۰۴ قمری از دنیا رفته و قبرش مزار و در یکی از مضافات تبریز واقع و بر روی آن نوشته است (هو الحی الذی لا یموت سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین) هذه الروضه الثمره الشجره النبوه المصطفویه و الولایه المرتضویه سلاله آل طاها و یس المرحوم المغفور الواصل الی رحمه‌اللّه الملک الغنی السید علی بن السید عبدالصمد الحجازی الموسوی طاب ثراهما و جعل الجنه مثواهما فی التاریخ ۶۰۴ قمری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۲۲۲/ ۱)، آینه‌ی دانشوران (۱۸۹ –۱۸۸).

کماری، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی موسوی ابن العالم الجلیل الحاج سید محمد کماری که به بیست و شش واسطه بامام هفتم علیه‌السلام می‌رسد از علماء مبرز و دانشمندان ممتاز معاصر تهرانست.

وی در بیست و ششم ذی‌الحجه ۱۳۲۳ قمری در تبریز متولد شده و در مهد علم و کمال پرورش یافته و پس از خواندن اولیات سطوح را در خدمت مرحوم حاج مولینا و آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالحسن انگجی و حاج سید موسی خسروشاهی و حاج میرزا علی اصغر ملکی خوانده و در سال ۱۳۴۶ قمری به قم آمده و در خدمت مرحوم میرزا محمد همدانی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی حایری قمی و آیت‌اللّه العظمی حایری و آیت‌اللّه حجت قدس اللّه اسرارهم تلمذ نموده و در سال ۱۳۵۰ مهاجرت به نجف و حدود ده سال اقامت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین

غروی اصفهانی و آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی رضوان اللّه علیهم استفاده کافی و وافی نموده و در سال ۱۳۶۰ قمری با دریافت اجازات اجتهاد از آیات عظام نجف مراجعت به ایران و در تهران رحل اقامت افکنده و تا اکنون بتدریس و امامت و انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارد و در مسجد امامزاده زید واقع در بازار تهران اقامه جماعت می‌نمایند.

از آثار علمی ایشانست کتابهائی که نگارنده مطالعه کرده ولی متأسفانه بطبع نرسیده و بعضی از آن هم تکمیل نشده است و آنها از این قرار است ۱- مباحث الفاظ دو جلد ۲- مباحث عقلیه ۲ جلد ۳- رساله‌ای در اجاره ۴- رساله‌ای در قاعده لاضرر ۵- کتابی در حج و مناسک آن علمی و استدلالی ۶- شرحی بر وسیله.

(۱۳۲۳- ز ۱۳۶۰ ق)، عالم دینی و فقیه. نسب وی به بیست و شش واسطه به امام هفتم (ع) می‌رسد. در تبریز به دنیا آمد. پدرش، آیت‌اللّه سید محمد کماری از علمای معروف تبریز بود. او میان خانواده‌ای اهل کمال پرورش یافت. پس از فراگیری مقدمات، سطوح را در خدمت حاج مولانا و میرزا ابوالحسن انگجی و حاج سید موسی خسروشاهی و حاج میرزا علی اصغر ملکی خواند. در ۱۳۴۶ ق به قم رفت و در خدمت میرزا محمد همدانی و آیت‌اللّه شیخ محمد علی حایری قمی و آیت‌اللّه حایری یزدی و آیت‌اللّه حجت تلمذ نمود. در ۱۳۵۰ ق به نجف مهاجرت کرد و حدود ده سال از محضر آیت‌اللّه میرزا محمد حسین نایینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه شیخ محمد حسین غروی اصفهانی و آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده کافی برد و در ۱۳۶۰ ق با دریافت اجازات اجتهاد از استادانش در نجف، به تهران آمد و به تدریس و امامت و انجام وظائف دینی پرداخت. از آثارش: «مباحث الفاظ»، در دو مجلد؛ «مباحث عقلیه»، در دو مجلد؛ رساله‌ای در «اجاره»؛ رساله‌ای در «قاعده‌ی لا ضرر»؛ کتابی علمی و استدلالی در «حج و مناسک»؛ شرحی بر «وسیله».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۵۳۵ –۵۳۳/ ۴).

کمال اصفهانی، حیدر علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۸ / ۱۳۲۵ / ۱۳۲۴ –۱۲۵۰ ش)، روزنامه‌نگار، نویسنده و شاعر، متخلص به کمالی. در ابرقو به دنیا آمد. در کودکی به اتفاق پدر و خانواده‌اش به اصفهان مهاجرت کرد و در همان شهر به پیشه‌ی آهنگری مشغول شد. او از بیست و سه سالگی شروع به تحصیل کرد و خواندن و نوشتن آموخت. سپس به تهران آمد و با همکاری سید ابراهیم خان کرمانی و سید محمد رضا مساوات و شیخ احمد قزوینی به مجامع آزادیخواهان و مشروطه‌طلبان راه یافت و با سرودن اشعار سیاسی و اجتماعی مهیج به یاری آنان برخاست. کمالی در ۱۲۸۹ ش روزنامه‌ی «پیکار» را تأسیس و منتشر کرد که بعد از چند شماره توقیف شد. وی در دو دوره نماینده مردم نیشابور در مجلس شورای ملی بود، ولی چون طبعش مایل به سیاست نبود مجالست با ادبا و نویسندگان را بر نمایندگی مجلس ترجیح داد و تا روزگار پیری با شعرا و نویسندگان جوان معاشرت داشت. وی سرانجام در تهران درگذشت. لازم به ذکر است که صاحب «الذریعه» وفات او را ۱۳۵۵ ق (حدود ۱۳۱۵ ش) ذکر کرده است. از آثارش: افسانه‌ی تاریخی «لازیکا»، رمان؛ «مظالم ترکان خاتون»، رمان؛ منتخب «اشعار» صائب؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (۸۳ –۸۲)، ادبیات نوین (۶۶ –۶۵)، از نیما تا روزگار ما (۲۲۹ –۲۲۸)، تاریخ جراید (۸۷ –۸۶/ ۲)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۳۹۰ –۳۸۸)، تذکرهٔ القبور (۳۷۶)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۸۰۷ –۸۰۵)، الذریعه (۳۷۳/ ۲۲ ،۱۶۱/ ۲۱ ،۲۶۸/ ۱۸ ،۹۲۱/ ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۹۳ –۲۸۸/ ۵)، سخنوران نامی (۳۵۷ –۳۴۸/ ۱)، سخنوران نامی معاصر (۲۹۶۳ –۲۹۵۸/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۷۷۰)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۵۷۳ ،۲۹۰ ،۲۳۰/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ کمالی)، مؤلفین کتب چاپی (۹۸۰ –۹۷۹/ ۲)، نخبگان سیاسی ایران (۵۵۴/ ۴).

کمال اصفهانی، زین‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۹ ش)، شاعر و روزنامه‌نگار. پدرش از علمای بزرگ و خطبای نامور بود. کمال در اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش و دوره‌ی متوسطه را در تهران به پایان رساند. آنگاه در رشته‌ی علوم اداری و مدیریت به تحصیل ادامه داد و به دریافت لیسانس نایل شد. در ۱۳۲۵ ش به استخدام دولت درآمد و در مشاغل مختلف مدیریت انجام وظیفه کرد. وی از ۱۳۲۲ ش به روزنامه‌نگاری پرداخت و در آغاز با عباس خلیلی، مدیر روزنامه‌ی «اقدام»، همکاری نزدیک داشت. وی در ۱۳۳۹ ش اقدام به تأسیس انجمن ادبی کمال کرد. کمال از شعرای توانا و خوش قریحه بود و شعر مادر او به نام «جان هستی» برنده‌ی جایزه اول شعر تهران گردید که بیت اول آن این است:

ز ما بر تو ای جان هستی درود

که بگرفته هستی ز تو تار و پود

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۲۹۵۷ -۲۹۵۱/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۷۶۷).

کمال پور، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد کمال پور ، متخلص به « کمال » در سال ۱۲۹۷ ، در مشهد دیده به جهان گشود. از پنج سالگی در مکتبخانه شیخ موسی و در محله های سرشور به آموختن قرآن ، دیوان حافظ و گلستان و بوستان سعدی روی آورد و سپس در مدرسه نظمیه که بعدها دبیرستان ابن یمین نام گرفت ، تحصیلات دوره ابتدایی را سپری کرد. تا سال ۱۳۱۰ که پدرش در قید حیات بود ، روزها را به تحصیل و شب ها را به خواندن شاهنامه حکیم توس در نزد پدر می گذراند. با درگذشت پدر مجبور به ترک تحصیل شد و در منزل دایی اش که سرپرستی اش را به عهده گرفته بود ، به مطالعه و تتبع در شاهنامه ادامه داد. استادکمال پور اشتغال به کار را با کفاشی در بازار آغاز نمود. او در بازار توفیقی نیافت ، لذا حرفه کفاشی را رها کرد و به انجمن های ادبی پیوست. پس از فوت استاد فرخ ، استاد کمال تا آخرین روزهای زندگی ، مسئولیت انجمن ادبی آستان قدس رضوی را در صحن جمهوری حرم مطهر امام رضا (ع) عهده دار گردید. او سرانجام در روز چهارشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۷۹ ، در بیمارستان امام رضا (ع) مشهد ، بر اثر عارضه قلبی درگذشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : احمد کمال پور از پنج سالگی در مکتبخانه شیخ موسی و در محله های سرشور به آموختن قرآن ، دیوان حافظ و گلستان و بوستان سعدی روی آورد و سپس در مدرسه نظمیه که بعدها دبیرستان ابن یمین نام گرفت ، تحصیلات دوره ابتدایی را سپری کرد. تا سال ۱۳۱۰ که پدرش در قید حیات بود ، روزها را به تحصیل و شب ها را به خواندن شاهنامه حکیم توس در نزد پدر می گذراند. با درگذشت پدر مجبور به ترک تحصیل شد و در منزل دایی اش که سرپرستی اش را به عهده گرفته بود ، به مطالعه و تتبع در شاهنامه ادامه داد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : احمد کمال پور که در سیزده سالگی پدر خود را از دست داد ، ناچار برای تحصیل و معیشت ، شاهنامه خوانی را وسیله کسب درآمد قرار داد ؛ او روزها به مدرسه می رفت و شب ها به شاهنامه خوانی می پرداخت.

استادان و مربیان : احمد کمال پور شاهنامه خوانی را نزد پدر فراگرفت. محمود فرخ در ارشاد و راهنمایی شعر او از عوامل موثر بود و سپس از استادان دکتر فیاض ، دکتر رجایی ، و نوید بهره ها گرفت.

هم دوره ای ها و همکاران : احمد کمال پور در انجمن های ادبی با افرادی چون باقرزاده (بقا) ، صاحبکار ، (سهی) ، قهرمان و غلامرضا قدسی معاشرت داشت.

زمان و علت فوت : احمد کمال پور در روز چهارشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۷۹ ، در بیمارستان امام رضا (ع) مشهد ، بر اثر عارضه قلبی دار فانی را وداع گفت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد کمال پور اشتغال به کار را با کفاشی در بازار آغاز نمود. او در بازار توفیقی نیافت ، لذا حرفه کفاشی را رها کرد و به انجمن های ادبی پیوست. پس از فوت استاد فرخ ، استاد کمال تا آخرین روزهای زندگی ، مسئولیت انجمن ادبی آستان قدس رضوی را در صحن جمهوری حرم مطهر امام رضا (ع) عهده دار گردید.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : احمد کمال پور در آن هنگامی که شاعری را تجربه می کرد به انجمن ادبی سرگرد نگارنده راه آرا و گرایشهای خاص : احمد کمال پور که در شعر تخلص «کمال» را برگزید ، استاد قصیده سرایی به سبک خراسانی در عصر حاضر بود و به آن افتخار داشت: من خراسانی ام این است کمال من که سخن گویم ، با سبک خراسانی از سوی دیگر عشق به فردوسی و شاهنامه در روح و جان او ریشه داشت. او از خردسالی با این شاهکار ادب پارسی خو گرفته بود و شعر او در شاهراه حماسه و اسطوره به هدایت سخن سرای بزرگ توس جلوه گری داشت: کمال خراسانم و چامه ام را کند شاعر سیستان رهنمایی

جوائز و نشانها : در مهر ماه ۱۳۷۲ به همت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان ، کنگره بزرگداشت احمد کمال پور در محل دانشکده ادبیات مشهد برگزار شد. ---

----

آثار :

۱ آیینه کمال

ویژگی اثر : در سال ۱۳۵۶ این مجموعه ، به کوشش محمدحسین ساکت ، در زمان بزرگداشت کمال چاپ گردید.

منابع زندگینامه :روزنامه جام جم ، ۳۰ مهرماه ۱۳۷۹۲سخنوران نامی معاصر ایران ، تالیف : سید محمدباقر برقعی ، ج۵ ، قم : انتشارات خرم ، ص ۲۹۴۴

کمال تربتی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. اهل خراسان بود. در سرودن شعر توانا بود و از فن معما آگاهی تمام داشت. او غزل‌های حافظ را هم مخمس می‌کرد. در مشهد با امیر علیشیر نوایی (۹۰۶ -۸۴۱ ق) ملاقات داشت. در اواخر عمر به مکه سفر کرد و حج گزارد و در مراجعت از این سفر به تربت که محل تولدش بود بازگشت و در همان جا درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۳۲)، حبیب السیر (۱۰۳/ ۴)، الذریعه (۹۱۷/ ۹)، طرائق الحقائق (۱۰۶/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۷۶۷)، مجالس النفائس (۲۰۶ -۲۰۵، ۳۳ -۳۲).

کمال خجندی، کمال‌الدین مسعود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۸۰۸/ ۸۰۳/ ۸۰۲ ق)، صوفی، عارف و شاعر، متخلص به کمال. معروف به شیخ کمال. در خجند از بلاد ماوراءالنهر به دنیا آمد. در جوانی به سفر حج رفت و بعد از مراجعت در تبریز سکنی گزید و تحت حمایت سلطان حسین جلایر (۷۸۴ -۷۷۶ ق) قرار گرفت. وی در علوم ظاهری و باطنی عصر خود استاد بود و چون در تصوف و شعر و ادب تبحر داشت پیروان و مریدان بسیاری پیدا کرد. او با شیخ زین‌الدین خوافی و مولانا محمد شیرین، مشهور به مغربی، معاصر و معاشر بود. کمال در پی آشوب‌های تبریز، مدت چهار سال به شهر سرای، پایتخت قبچاق رفت و مریدان بسیار در آنجا به دست آورد و با خواجه عبید اللّه چاچی، عارف مشهور، ملاقات و صحبت داشت. وی در ۷۹۸ ق به تبریز بازگشت و مورد حمایت میرزا میرانشاه، فرزند تیمور، قرار گرفت و در خانقاهی که داشت تا آخر عمر زیست. کمال معاصر حافظ شیرازی بود و پیشه‌ی شاعری نداشت بلکه شعر را برای بیان احساسات و افکار خود و برای ارشاد و تربیت دیگران به کار می‌برد. وی غزل‌های عارفانه را استادانه می‌سرود و گذشته از جامی تنها شاعری است که حتی المقدور سعی می‌کرد غزلیاتش همه در طول یکسان باشند، یعنی از هفت بیت تجاوز نکنند. کمال در سرودن شعر از سبک خواجه حسن دهلوی پیروی می‌کرد. او در تبریز درگذشت. در مورد زمان فوت او در تذکره‌ها تاریخ‌های متفاوتی از ۷۹۲ تا ۸۰۸ ق ذکر شده است. از آثارش: «دیوان» شعر، حدود هشت هزار بیت.[۱]

(شیخ) کمال‌الدین بن مسعود عارف و شاعر مشهور (و. خجند- ف. تبریز ۷۹۳ یا ۸۰۳ یا ۸۰۴ ه.ق) وی از خجند مهاجرت کرد و در تبریز مقیم گشت و هم در آنجا مورد پذیرش سلطان حسین جلایری قرار گرفت. سلطان صومعه‌ای برای او ترتیب داد. کمال در تبریز به زهد و صلاح شهرت یافت. در سال ۷۸۷ ه.ق که تغتامش‌خان از دشت قبچاق به تبریز تاخت و آنجا را مسخر کرد، به تقلید امیرتیمور فضلا و ادبا را به شهر «سرای» پایتخت خود کوچانید، کمال نیز در «سرای» اقامت گزید و پس از چهار سال باز به تبریز برگشت و مورد نوازش میرزا میرانشاه فرزند تیمور حکمران آذربایجان قرار گرفت و هم در آنجا درگذشت. کمال از غزلیات حافظ استقبال نموده و از سعدی و همام تبریزی تقلید کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از سعدی تا جامی (۴۴۸ -۴۴۷، ۴۴۴ -۴۲۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۳۷ -۱۱۳۱/ ۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۱۱ -۲۱۰)، تذکرة الشعراء (۳۷۰ -۳۶۳)، حبیب السیر (۵۴۹ -۵۴۸/ ۳)، دایرة المعارف فارسی (۲۲۶۱/ ۲)، دیوان کمال‌الدین مسعود خجندی (مقدمه)، الذریعه (۱۰۳۵، ۹۱۸ -۹۱۷/ ۹)، ریاض العارفین (۱۲۷ -۱۲۶)، ریحانه (۳۳۳ -۳۳۱/ ۲)، طبقات اعلام الشیعه (۱۱۲/ ۹)، طرائق الحقائق (۶۸۸ -۶۸۵/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۶۸)، گنج سخن (۳۲۳ -۳۱۶/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل / کمال‌الدین خجندی)، مجالس النفائس (۳۵۶ -۳۵۵)، مرآة الخیال (۵۹ -۵۸)، مؤلفین کتب چاپی (۱۷۴ -۱۷۳/ ۶)، نتایج الافکار (۵۹۶ -۵۹۳)، نفحات الانس (۶۱۰ -۶۰۹)، هفت اقلیم (۴۵۸ -۴۵۵/ ۳).

کمال عزت، هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی کمال عزت

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تحصیلات کلاسیک را تا مقطع دیپلم در مشهد گذرانده و پس از آن در آبان سال ۱۳۷۴ با توجه به علاقه ای که به دروس حوزه و جهان طلبگی پیدا کردم، شروع به خواندن این دروس کرده و پس از اتمام دروس اصلی مانند ادبیات، اصول فقه و ... در سال ۱۳۷۶ موفق به شرکت در امتحانات حوزه علمیه قم و قبولی پایه ۶ شدم. از ابتدای سال تحصیلی ۱۳۷۶ دروس سطح ۲ را

با سری درسهای مدرسه حضرت «آیت الله گلپایگانی» آغاز کرده و هم زمان به تدریس دروس (الموجز، اصول فقه، لمعه، مباحث طهارت، نماز، حدود، قصاص، دیات، متاجر، صوم، خمس، زکات، ارث، امر به معروف و نهی از منکر، منطق، ادبیات، ابن عقیل، صرف ساده، نحو مقدماتی، هدایه، صمدیه و مختصر) به صورت آزاد و خارج از مدارس پرداختم.

پس از اتمام دروس سطح در سال ۱۳۷۹ – ۱۳۸۰، جهت تدریس به مدرسه «امام موسی بن جعفر (ع) تهران» دعوت شدم و پس از یک سال تدریس دروس ادبیات، فقه و اصول به قم بازگشته و در مدرسه «انوار الرسول» به عنوان مربی و مدرس دعوت به همکاری شدم و تا سال ۸۲ – ۸۳ در آن مدرسه مبارکه مشغول به فعالیتهای علمی بودم و پس از آن در سال ۸۳ همزمان با خدمت در مدرسه معصومیه به تدریس (درس احکام) برای طلاب پایه ۱ و (الموجز) برای طلاب پایه ۴ پرداختم.

دروس خارج را از سال ۱۳۸۰ (همزمان با تدریس)، در تهران با شرکت در درس فقه [قصاص] مقام معظم رهبری آغاز نمودم و در سالهای بعد در محضر «حضرت استاد شهیدی» در درس فقه و اصول افتخار تلمذ پیدا کردم. هم اکنون افتخار تدریس در مدرسه امام مهدی (عج) از مدارس مرکز جهانی علوم اسلامی و همزمان تدوین دو عنوان کتاب احکام ۱ و ۲ (احکام تمهیدیه) جهت ترم ۱ و ۲ دانشستان امام خمینی (دانشگاه مجازی وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی) را دارم.

کمال عزت، هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی کمال عزت

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تحصیلات کلاسیک را تا مقطع دیپلم در مشهد گذرانده و پس از آن در آبان سال ۱۳۷۴ با توجه به علاقه ای که به دروس حوزه و جهان طلبگی پیدا کردم، شروع به خواندن این دروس کرده و پس از اتمام دروس اصلی مانند ادبیات، اصول فقه و ... در سال ۱۳۷۶ موفق به شرکت در امتحانات حوزه علمیه قم و قبولی پایه ۶ شدم. از ابتدای سال تحصیلی ۱۳۷۶ دروس سطح ۲ را با سری درسهای مدرسه حضرت «آیت الله گلپایگانی» آغاز کرده و هم زمان به تدریس دروس (الموجز، اصول فقه، لمعه، مباحث طهارت، نماز، حدود، قصاص، دیات، متاجر، صوم، خمس، زکات، ارث، امر به معروف و نهی از منکر، منطق، ادبیات، ابن عقیل، صرف ساده، نحو مقدماتی، هدایه، صمدیه و مختصر) به صورت آزاد و خارج از مدارس پرداختم.

پس از اتمام دروس سطح در سال ۱۳۷۹ – ۱۳۸۰، جهت تدریس به مدرسه «امام موسی بن جعفر (ع) تهران» دعوت شدم و پس از یک سال تدریس دروس ادبیات، فقه و اصول به قم بازگشته و در مدرسه «انوار الرسول» به عنوان مربی و مدرس دعوت به همکاری شدم و تا سال ۸۲ – ۸۳ در آن مدرسه مبارکه مشغول به فعالیتهای علمی بودم و پس از آن در سال ۸۳ همزمان با خدمت در مدرسه معصومیه به تدریس (درس احکام) برای طلاب پایه ۱ و (الموجز) برای طلاب پایه ۴ پرداختم.

دروس خارج را از سال ۱۳۸۰ (همزمان با تدریس)، در تهران با شرکت در درس فقه [قصاص] مقام معظم رهبری آغاز نمودم و در سالهای بعد در محضر «حضرت استاد شهیدی» در درس فقه و اصول افتخار تلمذ پیدا کردم. هم اکنون افتخار تدریس در مدرسه امام مهدی (عج) از مدارس مرکز جهانی علوم اسلامی و همزمان تدوین دو عنوان کتاب احکام ۱ و ۲ (احکام تمهیدیه) جهت ترم ۱ و ۲ دانشستان امام خمینی (دانشگاه مجازی وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی) را دارم.

کمال، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۷ ش)، شاعر، متخلص به کمال. در مشهد به دنیا آمد. تحصیلاتش را در مدرسه‌ی نظمیه زادگاهش گذراند. بعد از فوت پدر برای اینکه برای تحصیل، درآمدی کسب کند شبها به «شاهنامه» خوانی می‌پرداخت و روزها درس می‌خواند. وی به انجمن ادبی سرگرد عبدالعلی نگارنده راه یافت و پس از آن به انجمن ادبی فرخ رفت و در این انجمن با غلامرضا قدسی مشهدی آشنا شد و در سلک شاعران درآمد. او از استادنی همچون: محمود فرخ، دکتر فیاض، دکتر رجایی و نوید بهره‌ها گرفت. وی در سرودن انواع شعر، به ویژه در قصیده‌سرایی، مهارت داشت و محمد حسین ساکت در ۱۳۵۶ ش مجموعه‌ی «آیینه‌ی کمال»، را در بزرگداشت او چاپ نمود. کمالی در نشر کتاب «صد سال شعر خراسان»، تألیف علی اکبر گلشن آزادی، اهتمام کرده و در ذیل نام

خود مقداری از اشعار خویش را آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۲۹۵۰ –۲۹۴۵/ ۵)، صد سال شعر خراسان (۴۷۸ –۴۶۹).

کمالوند خرم‌آبادی، روح‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج روح‌اللّه خرم‌آبادی اول عالم مبرز متنفذ این شهرستان بوده است.

تولدش در سال ۱۳۱۹ قمری در خرم‌آباد واقع شده و تا سال ۱۳۳۶ قمری در آنجا مشغول به تحصیل بوده آنگاه به بروجرد آمده و دو سال از محضر آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آقایان دیگر استفاده نموده و از آنجا به اراک رفته و از محضر آیت‌اللّه حایری بهره‌مند شده و پس از انتقال آنجناب به قم با مهاجرین به قم مهاجرت و تا سال ۱۳۴۶ ق در قم از حوزه تدریس معظم له بهره‌مند شده و دروس عقلی را از میرزا علی‌اکبر یزدی آموخته سپس به خرم‌آباد مراجعت و پس از تشرف و اقامت آیت‌اللّه بروجردی باز به قم آمده و مدت پنج سال از محضر آن بزرگوار کامیاب شده و در سال ۱۳۶۹ ق به امر مرحوم بروجردی به خرم‌آباد برگشته و تأسیس حوزه علمیه در آنجا نموده و به تعلیم و تربیت محصلین و طلاب منطقه لرستان و اقامه جماعت و ترویج دین و رسیدگی به امور مسلمین پرداخته تا در سال ۱۳۸۳ ق که بدرود حیات گفته و جنازه‌اش با تجلیل بسیار حمل به قم و در نزدیکی قبر استادش مرحوم آیت‌اللّه حایری به خاک سپرده شد. مؤلف گوید مرحوم کمالوند از دانشمندان بافضیلت معاصر ما بود و در معاشرت خوش برخورد و رفیق و در امورات دینی متعصب و غیور بود در سفری که در خرم‌آباد حدود یک ماه میهمان ایشان بودم خاطرات شیرین از ایشان دارم.

از آثار ایشانست مدرسه و مسجد جامع کمالیه خرم‌آباد که در سبزه‌میدان شهر نزدیک قلعه رفیع فلک‌الافلاک واقع و دارای حجرات متعدد و طلاب علوم دینیه می‌باشد مدرسه‌ی با روح و دلگشائی می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

کمالی بخارایی، جمال الکتاب، عمید

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، خطاط، موسیقدان و شاعر. در عصر سلجوقیان می‌زیست و از شعرای آل سلجوق و معاصر و مداح سلطان سنجر (۵۵۲ –۴۷۹ ق) بود و نزد وی اعتبار و احترام زیادی داشت. کمالی معاصر امیر معزی سمرقندی و ممدوح حکیم اوحدالدین انوری ابیوردی بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۸۵ –۶۸۱/ ۲)، چهار مقاله (۴۵)، الذریعه (۹۲۲، ۹۱۷/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۷۰)، لباب الالباب (۹۱ –۸۶/ ۱)، مجمع الفصحا (۱۱۴۲ –۱۱۴۰/ ۳).

کمالی دزفولی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۲ ش)، شاعر و خطیب. وی نواده‌ی سید حسین ظهیر الاسلام بود. در دزفول به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود و اهواز به پایان رساند. سپس به تهران آمد و در دانشکده‌ی معقول و منقول به تحصیل ادامه داد و به دریافت لیسانس نایل شد. او به فعالیت‌های دینی و تبلیغی و اجتماعی می‌پرداخت و در سرودن شعر مهارت داشت. وی چندی نیز مدیر عامل جمعیت شیر و خورشید سرخ و رئیس انجمن معتمدین محل بود. از کارهای فرهنگی او «هزار سخن» محمد حجازی است. از دیگر آثار وی: «عزیز و نگار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۲۹۶۷ –۲۹۶۴/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۹۷/ ۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۹۶)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵۳ –۳۵۲/ ۴).

کمالی سبزواری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۰ ق)، شاعر. معروف به کمال افصح. وی از شاعران عهد شاه عباس اول بود. از آثارش: منظومه‌ی «عباس نامه» یا «شاهنامه‌ی عباسی»، به نام شاه عباس و در شرح فتوحات وی؛ «دیوان» شعر. شیخ آقا بزرگ تهرانی در «الذریعه»، به نقل از «تذکره‌ی حسینی»، نام منظومه‌ی وی را «یاس نامه» ذکر کرده است. در «مؤلفین کتب چاپی» تحت نام ابوالفضل کمالی سبزواری کتاب‌های «ام‌الخبائث»، «تجلیات الالوهیهٔ فی مواطن الربوبیه» و «کلام قدوسی فی عالم الانفسی» یا «انوار القدس فی عالم الانفس» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۴۰۶/ ۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۱۲)، تذکره‌ی روز روشن (۶۸۵ -۶۸۴)، الذریعه (۲۶۹/ ۲۵ ،۱۱۱/ ۱۸ ،۹۲۱/ ۹)، ریحانه (۹۰/ ۵)، صبح گلشن (۳۴۴ -۳۴۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۱۶)، فرهنگ سخنوران (۷۷۱ -۷۷۰ ،۷۴)، مجمع الخواص (۱۹۲)، منظومه‌های فارسی (۴۹۹)، مؤلفین کتب چاپی (۹۵ -۹۴/ ۵ ،۲۱۲ -۲۱۱/ ۱)، هفت اقلیم (۲۹۵ -۲۹۴/ ۲).

کمالی، اصفهانی، حیدر علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حیدرعلی اصفهانی، شاعر و نویسنده‌ی ایرانی (و. ابرقو ۱۲۸۸ ه.ق- ف. ۱۳۲۵ ه.ش) وی به امر پدر پیشه‌ی آهنگری آموخت و معلومات مقدماتی را در اصفهان فراگرفت و سپس به تهران سفر کرد و به کار بلورفروشی مشغول شد. در آغاز مشروطه به یاری آزادی‌خواهان برخاست. مقالات و اشعار در اغلب جراید تهران و در روزنامه‌ی پیکار (به قلم او) منتشر می‌شد. دیوانش بطبع رسیده، کتاب: «مظالم ترکان خاتون» و افسانه‌ی «لازیکا» و «منتخب اشعار صائب» از آثار او چاپ شده. کمالی در دوره‌های هفتم و هشتم به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

کمالی، حیدر علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج محمد مهدی، در شوال ۱۲۸۸ متولد، و در ذی حجه‌ی ۱۳۶۵ در طهران وفات یافت.

شاعر و ادیب و نویسنده‌ی ماهر بوده، کتب چندی تألیف نموده که از آن جمله است: ۱- دیوان اشعار ۲- لازیکا ۳- مظالم ترکان خاتون ۴- منتخبات اشعار صائب؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کمالی، کریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: گیاه‌شناسی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد گیاه‌پزشکی از دانشگاه تهران، آسیستان تحقیقاتی در دپارتمان حشره‌شناسی دانشگاه ایالتی داکوتای شمالی آمریکا و دکترای حشره‌شناسی کشاورزی از دانشگاه ایالتی داکوتای شمالی آمریکا در سال ۱۳۵۱.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

کنه‌های زیان‌آور و مفید گیاهان زراعی و درختان میوه، بعنوان استاد میهمان در دانشگاه ایالتی آیوا بمدت یکسال در زمینه کنه‌های گیاهی در سال ۱۳۶۴، مدرس دروس گیاه‌پزشکی و حشره‌شناسی، طرحهائی در زمینه آفات یونجه، گلرنگ و سودان، بررسی فنون کنه‌های گیاهی خوزستان از قبیل کنه‌های انجیر، خرما، غلات و نیشکر، کنه‌های مرکبات در شمال، کنه پیاز زعفران، کنه درختان میوه‌دار، کنه انار، کنه انباری کازرون، موریانه‌های خوزستان، بال ریشک‌داران بجنورد، کنه‌های خاکزی تبریز، کنه شکارچی نوشهر، استاد راهنمای ۲۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

حشره‌شناسی، راهنمای عملیات آزمایشگاهی، آفات و بیماریهای برنج و روشهای مبارزه با آنها، حشرات و کنه‌های زیان‌آور محصولات کشاورزی در خاورمیانه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۲

زمینه علمی مقالات:

مقاومت ذرت به کنه دو نقطه‌ای، کنه‌های گیاهی خوزستان، کنه‌های گیاهخوار و شکارچی در ارتباط با گیاهان، آفات غلات، نیشکر، خرما، انجیر، یونجه، گلرنگ و ذرت، عقربهای خوزستان، آفات انباری، آفات آفتابگردان مخصوصا دوبالان خانواده Tephritidae، آفات حبوبات، مگس سودان گراس.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کمالی‌نیا، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق.

تولد: ۱۳۲۳، قوچان.

درگذشت: ۱ تیر ۱۳۶۰ تهران.

محمدتقی کمالی‌نیا فرزند غلامحسین تا سطح مقدمات به تحصیل حوزوری پرداخت. وی دارای مدرک فوق لیسانس فقه و مبانی حقوق اسلام از دانشکده‌ی ادبیات بود. ابتدا در دبیرستان‌ها تدریس می‌کرد. مدتی در راه‌آهن کارشناس امور اداری بود. سپس به وکالت در دادگستری پرداخت. بعد از انقلاب بازپرس دادسرای انقلاب اسلامی شد. در اولین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی نیز نماینده‌ی مردم قوچان شد.

از آثار اوست: اساسی‌ترین نیاز عصر ما؛ ترجمه‌ی ریشه‌های ضعف و عقب‌ماندگی مسلمین؛ ترجمه‌ی خدیجه‌ی کبری؛ مقالاتی هم در «مکتب اسلام» و روزنامه‌های منتشر شده پس از انقلاب اسلامی داشت.

کمالی‌نیا بر اثر سقوط آوار درگذشت و پیکر وی در بهشت زهرا تهران به خاک سپرده شد.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

کمانچه، احمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۲ ق)، موسیقیان و شاعر. معروف به امیر قاضی. وی برادر قاضی بیک، والی دکن بود. هر دو برادر از ایران به هند رفتند. امیر قاضی در موسیقی استاد بود و کمانچه را بسیار خوب می‌نواخت و به همین دلیل به احمد کمانچه معروف شد. وی نخست، در دکن می‌زیست و از آنجا به دربار جلال الدین محمد اکبر رفت و پس از چندی به دکن بازگشت. چون برادرش با او ناسازگار بود به ایران آمد و از ملازما و رامشگران نامی مجالس بزم شاه عباس شد. از او رباعیات خوبی به جا مانده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (۲۹۱ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۶۴۹)، صبح گلشن (۱۹ -۱۸).

کمانچه‌ای، عزیز

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، موسیقیدان و شاعر. از استادان موسیقی عصر خود به شمار می‌آمد. استاد زیتون، موسیقیدان معروف آن عصر، برادر وی بود. میر عزیز در هیئت و نجوم تبحر داشت و ساز نیز می‌نواخت و دارای تصنیفهای زیادی بود. مدتی در دستگاه امیرخان ترکمان به سر برد و بعد از چندی به اصفهان مسافرت کرد و در راه به دست راهزنان کشته شد. وی شعر نیز می‌سرود و در سرودن غزل استاد بود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۳۱)، تاریخ هنرهای ملی (۸۶۷/ ۲)، الذریعه (۷۱۹ -۷۱۸/ ۹)، مجمع الخواص (۲۸۶).

کمانگر، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۶۶ ش)، حقوقدان و نویسنده. در سنندج به دنیا آمد. در ۱۳۱۱ ش وارد رشته‌ی قضایی شد و وکیل پایه یک دادگستری گشت و در موطن خود به خدمت اشتغال پیدا کرد. آخرین شغل او معاونت کارگزینی شهربانی کل می‌باشد. از آثار وی: «فهرست قوانین و آئین‌نامه‌ها»؛ «مجموعه‌ی اصول محاکمات حقوقی»؛ «مجموعه قوانین جزایی تا تیر ماه ۱۳۱۹ ش»؛ «اصول قضایی حقوقی، احکام دیوان عالی کشور».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۸۶/ ۱۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۹۲۸، ۲۹۱۳، ۲۵۶۵، ۲۵۱۶، ۲۴۸۰/ ۲، ۲۶۷/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴۸ -۴۴۷/ ۱).

کمپانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کمپانی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد حسن معین التجار. از اعاظم علما، و اجلای فلاسفه، و اکابر ادبا و شعرا. در دوم محرم سال ۱۲۹۶ متولد، و در شب ۵ ذی حجهٔ الحرام سال ۱۳۶۱ وفات یافته، در اطاق جنب مناره‌ی ایوان طلای نجف مدفون گردید.

از شاگردان: آقا سید محمد فشارکی، و حاج آقا رضا همدانی، و آخوند خراسانی، و در فلسفه از تلامذه‌ی میرزا محمد باقر اصطهباناتی و جمعی دیگر بوده، پس از فوت آخوند خراسانی حوزه‌ی درس و بحث تشکیل داده، و از نظر جامعیت و فلسفه و ادب شهرتی یافته، در فقه و اصول و تفسیر و ادب تدریس می‌نموده، و در ملکات نفسانی و اخلاق روحانی ممتاز بوده.

کتب زیر از اوست:

۱ - اجاره ۲ - الاجتهاد و التقلید ۳ - اصول الفقه ۴ - انوار القدسیه ۵ - ارجوزه در روزه ۶ - ارجوزه در اعتکاف ۷ - اربع قواعد فقهیه ۸ - تحفهٔ الحکیم، منظومه‌ای در فلسفه‌ی عالیه، [از] مهم‌ترین تألیفات او ۹ - تعلیقه بر رسالهٔ القطع شیخ انصاری ۱۰ - حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری ۱۱ - الحقیقهٔ الشرعیهٔ ۱۲ - دیوان شعر فارسی ۱۳ - دیوان غزلیات ۱۴ - دیوان اشعار عربی ۱۵ - رساله در عدالت ۱۶ - رساله در مشتق (دو رساله) ۱۷ - رساله در طلب و اراده ۱۸ - رساله در صحیح و اعم ۱۹ - رساله در شرط متأخر ۲۰ - رساله در اشتراک الفاظ ۲۱ - رساله در موضوع علم ۲۲ - رساله در تقسیم وضع به شخصی و نوعی ۲۳ - رساله در علائم حقیقت و مجاز ۲۴ - رساله در معاد ۲۵ - رساله در نماز جماعت ۲۶ - رساله در نماز مسافر ۲۷ - رساله در طهارت ۲۸ - نهایه الدرایهٔ، شرح بر کفایه ۲۹ - وسیله، نام رساله‌ی عملیه‌ی ایشان است.

پدرش از جمله‌ی تجار و اخیار بوده، در کاظمین مجاور بوده، و در سال ۱۳۳۴ وفات یافته است.

فرزندش: حاج آقا محمد نیز از علمای کاملین ساکن نجف اشرف می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کمره ای، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۳۲۰ ق)، عالم دینی، فقیه، مترجم و نویسنده. در کمره خمین به دنیا آمد و پس از خواندن مقدمات نزد پدر به سلطان آباد (اراک) رفت و پس از انتقال حوزه علمیه به قم رفت و از محضر آیت‌اللّٰه حائری و مدرسین بزرگ استفاده نمود. او در ۱۳۴۷ ق از آیت‌اللّٰه حایری اجازه‌ی اجتهاد یافت. وی فلسفه و ریاضیات را نزد اساتید قم فراگرفت و نزدیک دو سال نیز در اصفهان درس خواند، آن گاه به نجف مهاجرت نمود و چند سالی از درس و بحث آیت‌اللّٰه میرزا محمد حسین نایینی و آیت‌اللّٰه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّٰه اصفهانی و آیت‌اللّٰه شیخ محمد حسین کمپانی و دیگران بهره‌مند شد و به مدارج عالیه علم نایل آمد و از اساتید خود اجازه‌ی اجتهاد و روایت گرفت. سپس به تدریس متون فقه همچون «مکاسب» و «کفایه» و رسایل و غیره پرداخت و در حدود ۱۳۶۰ ق به ایران بازگشت و بعد از چند سال به شهر ری رفت و به تألیف و تدریس و ترجمه مشغول شد و کتاب‌های بسیاری شامل ترجمه و تألیف و شرح از خود باقی گذاشت. از آثارش: ترجمه و تنظیم برخی از مجلدات «شرح نهج‌البلاغه» خویی، و تألیف به سبک آن؛ ترجمه‌ی «اصول کافی»؛ ترجمه‌ی «امالی» شیخ صدوق؛ ترجمه «خصال» شیخ صدوق؛ ترجمه «اکمال الدین» شیخ صدوق؛ «رموز الشهادهٔ»، ترجمه‌ی «نفس المهموم» محدث قمی؛ ترجمه «مفاتیح الجنان» محدث قمی؛ ترجمه جلد چهاردهم

«بحارالانوار»، در ده جلد، به نام «آسمان و جهان»؛ «الدین فی طور الاجتماع»؛ «روحانیت و اسلام»؛ «انتخابات اساسی حکومت ملی، اصلاح مجلس شورای ملی»؛ «فصل الخصومة فی الورود و الحکومة».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (۵۱۸ -۵۱۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴ -۴۳/ ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱/ ۲).

کمره‌ای

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۹۵ ق)، خطاط. از آثار وی کتابت چند کتاب است که به چاپ سنگی رسیده است، از جمله: «شمس المناقب»، «جغرافیای عالم» و دو جلد از «مجمع الفصحا» که به قلم کتابت خفی متوسط تحریر شده، با رقم: «... این ذره‌ی بی‌مقدار، میرزا آقای کمرئی... سمت ترقیم و تحریر پذیرفت... ۱۲۹۵».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵/ ۱).

کمره‌ای فراهانی، عزالدین، زین‌الدین علینقی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۶۰ ق)، عالم امامی، فقیه، متکلم و محدث. از محضر سید ماجد بحرانی و عده‌ای از فضلای شیراز استفاده نمود. در عهد شاه صفی مدتی در شیراز عهده‌دار نصب قضاوت بود. لذا به شیرازی نیز معروف است. سپس در دوران شاه عباس دوم شیخ الاسلام اصفهان گردید و به اصفهانی نیز شهرت یافت. وی معاصر با میرداماد و شیخ بهائی و ملا محسن فیض کاشانی بود. در فقه و اصول و تفسیر و ادب تبحر داشت. در اصفهان درگذشت و در تکیه‌ی آقا رضی شیرازی دفن شد. از آثار وی: «مسار الشیعة»، در امامت، در رد نوح افندی حنفی، مفتی روم، که حکم به کفر شیعه کرده و جان و مال و ناموس ایشان را حلال و قتل و اسیر کردن و کنیز و بنده نمودن زنان و فرزندان ایشان را مباح دانسته بود؛ «المقاصد العالیة فی الحکمة الیمانیة»، در کلام و حکمت، در چند مقصد که نهمین آن به صورت مستقل و به نام «حدوث العالم» تصنیف یافت؛ «مناسک حج»؛ «همم الثواقب»؛ «حرمت دخانیات»، رساله‌ای در تحریم توتون؛ «نماز جمعه در زمان غیبت».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۸۲/ ۵)، ایضاح المکنون (۵۳۲/ ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۲۰ -۱۰۱۹/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۹)، تذکرهٔ القبور (۴۴۳)، الذریعه (۲۴۳/ ۲۵، ۳۸۱/ ۲۱، ۳۷۶/ ۲۰، ۱۲۲۳ -۱۲۲۲، ۹۲۲/ ۹، ۲۹۵ -۲۹۴/ ۶)، روضات الجنات (۳۷۴ -۳۶۶/ ۴)، ریاض العلماء (۲۷۶ -۲۷۱/ ۴)، ریحانه (۲۳۵ -۲۳۴/ ۶)، لغت‌نامه (ذیل/ علینقی شیرازی)، معجم المؤلفین (۲۵۵/ ۷)، هدیهٔ العارفین (۷۵۷/ ۱).

کمره‌ای، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

الشیخ حسن خاتمی کمره‌ای بروجردی از علماء اعلام بروجرد دارای مقام علم و عمل و تقوا و ورع و با این نگارنده صداقت تام و عنایت تمام داشت. وی از اصحاب مرحوم آیه‌الله آقای شیخ محمد حسین بروجردی مذکور و آیه‌الله العظمی حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی و دارای صفاء قلب و معنویت و مقامات باطنی و محاسن اخلاقی و سجایای کریمانه بوده چند شبی را در بروجرد در منزل وی توقف و از روحانیت و حالات معنوی وی استفاده نمودم.

مترجم محترم والد ماجد فاضل معاصر فخرالاماثل والاقران آقای حاج شیخ محمد رضا خاتمی بروجردی مقیم شهر ری دوست ارجمند نگارنده است. در بروجرد وفات نمود و جنازه‌اش حمل بقم و در قبرستان شیخان مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

کمره‌ای، خلیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۰۵ -۱۳۱۷ ق)، فقیه، اصولی و استاد. در کمره، از توابع خمین، به دنیا آمد. پس از کسب علوم مقدماتی در جاپلق، به خوانسار رفت و در محضر آخوند ملا محمد بیدهندی و سید علی اکبر بید هندی و آقا سید احمد جاده‌ای تلمذ کرد. در ۱۳۳۷ ق به

سلطان‌آباد (اراک) رفت و از شاگردان نخست آیت‌اللَّه حایری گشت و علم فقه و اصول را در خدمت حاج شیخ عبدالغنی و حاج شیخ عباس ادریس‌آبادی آموخت، و نزد سایر اساتید علوم عقلی و ریاضی و اخلاق را فراگرفت. در ۱۳۴۰ ق ساکن قم شد. و به افاده و استفاده مشغول گشت، و از درس میرزا علی اکبر حکمی یزدی بهره گرفت و «اسفار» را نزد آیت‌اللَّه رفیعی قزوینی و حدیث را از محدث قمی و شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌اللَّه شیخ محمد رضا مسجد شاهی اصفهانی و آیت‌اللَّه سید محسن جبل عاملی و اخلاق و عرفان را نزد آیت‌اللَّه حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی تکمیل کرد و اجازه‌ی اجتهاد و نقل حدیث از استادان خود گرفت. از این زمان به حاج میرزا خلیل مجتهد معرف شد و خود به تدریس «کفایه» و «مکاسب» و اصول فقه و معقول و هیئت و هندسه پرداخت. او از مدرسین معقول و منقول حوزه و دانشگاه بود و مدت‌ها به تدریس «تفسیر» ی که بر قرآن نوشته بود اشتغال داشت. دکتر خزائلی، آیت‌اللَّه طالقانی، آیت‌اللَّه کاظم گلپایگانی، حجهٔالاسلام انصاری قمی و حجهالاسلام تربتی از شاگردان وی بودند. در ۱۳۵۴ ق در رابطه با مسأله کشف حجاب دستگیر و زندانی و پس از یک ماه آزاد شد. آیت‌اللَّه کمره‌ای در ۱۳۷۱ ق، به همراه آیت‌اللَّه سید محمود طالقانی و آیت‌اللَّه سید رضا زنجانی و سید صدرالدین بلاغی به پاکستان دعوت و در کراچی، به ریاست مؤتمر عالم اسلامی انتخاب شد. در ۱۳۷۹ ق با همین سمت به بیت‌المقدس رفت و به دستور آیت‌اللَّه بروجردی با شیخ محمد شلتوت، رئیس دانشگاه الازهر، درباره‌ی اتحاد اسلامی دیدار و گفتگو کرد. در ۱۳۹۵ ق، پاپ پل ششم، پیشوای کاتولیکهای جهان، توسط سفارت واتیکان در تهران، دوازده مشکل کلامی را از وی استعلام نمود و پاسخ ایشان به فرانسه ترجمه و ارسال شد. از آیت‌اللَّه کمره‌ای در حدود هفتاد اثر به جای مانده است از جمله: شرح «نهج‌البلاغه»، در بیست و سه جلد؛ «عنصر شجاعت»، در هفت مجلد؛ «افق وحی»؛ «افق اعلی»؛ «ملکه اسلام»؛ «علی و الزهراء»؛ «قبله اسلام»؛ تفسیر «سوره‌ی نور»؛ «آثار مقدس، احادیث و اخبار اسلام»؛ «علم الحدیث و طبقهٔ الکبری»؛ «اسرار حج»؛ «بیت‌المقدس و تحول قبله»؛ «مادر، وظائف زن در اسلام».[۱]

حاج میرزا خلیل کمره‌ای دامت برکاته از علماء و حکماء و دانشمندان و نویسندگان طراز اول تهرانست که در خیابان زرین نعل ساکن و در مسجد معروف فخرالدوله واقع در دروازه شمیران اقامه جماعت و ترویج دین و تفسیر قرآن مبین نموده و تنویر افکار و قلوب ارادتمندان و دانش جویان و حقیقت طلبان را می‌نمایند.

در سال ۱۳۱۷ قمری برابر ۱۲۷۶ شمسی در جنوب جلگه کمره که بسیار حاصلخیز و پر برکت و از قدیم مسکن شیعیان خالص بوده در بلد کوهستانی و سرچشمه رودخانه‌ها چشم بجهان باز کرده و پس از پرورش در آن هوای آزاد و تحصیل علوم ابتدائی و مقدماتی برای کسب علوم عالیتر مجبور به هجرت از وطن شده و برای ادامه تحصیلات خونسار را که یکی از زیباترین مناطق کوهساری بشمار می‌رود انتخاب نموده و در آنجا از محضر یکی از اوتاد زمان بنام آخوند ملا محمد بید هندی علاوه بر تحصیل مقدمات و فنون علم و قرائت قرآن از پارسائی و وارستگی محضر آن مرد روحانی بیش از پیش استفاده نموده و در سال ۱۳۳۷ قمری با فوت مرحوم آخوند بید هندی برای ادامه تحصیلات نزد مجتهد بزرگوار حاج سید علی اکبر بیدهندی و آسید احمد جاده‌ای رهسپار شده و از محضر آن دو عالم ربانی استفاده شایان نموده و در نوروز همان سال بکمره برگشته و در سن بیست سالگی تأهل اختیار کرده و برای تحصیلات بیشتری به شهرستان اراک که مرکز علم و دانش بوده آمده و مشغول ادامه تحصیل شده و سه سال تمام در اراک علوم فقه و اصول را در خدمت حاج شیخ عبدالغنی و حاج شیخ عباس ادریس‌آبادی و مقداری حکمت و فلسفه را نزد آقای سید محمد بروجردی و هم چنین درس خارج را در سال ۱۳۴۰ قمری از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم یزدی تلمذ نموده و در نوروز آنسال که آن مرحوم به قم مهاجرت و تشکیل حوزه دادند بنا بر دعوت آن مرحوم با قافله‌ای از طلاب کاروانی تشکیل و با وسائل آن روز به قم رهسپار شده و اقامت نمودند.

در آن موقع استاد فسلفه و حکمت قم مرحوم حاج میرزا علی اکبر یزدی مدرس و همدرس مرحوم فیلسوف شهیر میرزا جهانگیر خان قشقائی که در عصر خود بی نظیر بوده، دوره فلسفه و حکمت حاجی سبزواری و فلسفه عالی صدر المتألهین و دوره ریاضیات را نزد حکیم مزبور فراگرفته و نیز دو دوره درس اصول و یکدوره درس خارج فقه را در حوزه مرحوم آیت‌اللَّه حایری یزدی تلمذ نموده و این دروس بالغ بر چهارده سال که در قم اقامت داشتند ادامه داشت و طرز اصول اصحاب سامرا را بوسیله آیت‌اللَّه حایری و اصول اصحاب نجف را بوسیله دیگران مانند آیت‌اللَّه میرزا سید علی یثربی کاشانی فراگرفته و از مقایسه بین دو طرز اصول و تکمیل فلسفه و معقول و غور در مباحث عقلی که پیش آمده بود لذت وافری می‌بردند.

متعاقب آن بتدریس کفایه و مکاسب و اصول فقه و معقول و همچنین بتدریس هیئت و هندسه مشغول بودند.

در سال ۱۳۵۴ ق که غائله تغییر لباس پیش آمد ایشان تبعید به تهران شده و حدود یک ماه زندانی شده آنگاه بقید توقف در تهران آزاد گردیده و تاکنون چهل سال است که در عاصمه تشیع بخدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

در سال ۱۳۶۷ ق بمکه معظمه مشرف شده و در سال ۱۳۷۱ ق بدعوت شعوب المسلمین پاکستان بکراچی رفته و در آن حفله و کنفرانس بزرگ اسلامی بیاناتی ایراد نموده که موجب اعجاب همگی گردیده و نیز سفری به بیت المقدس نموده و در مؤتمره اسلامی آنجا شرکت کرده و هم در کنگره اسلامی حجاز و مکه معظه دعوت شده در تمام این مراحل نداء شیعه را که مغز و لب و حقیقت اسلام است ظاهر نموده و اثرات عمیقی در روح دانشمندان مسلمین گذارده است.

نگارنده گوید: علامه کمره‌ای از دانشمندان بزرگواریست که بسهم خود خدمات بسیار ارزنده از راه بیان و قلم بعالم اسلام نموده است. تألیفات و تصنیفات آموزنده‌ای شاهد این گفتار و گواه این مدعا است و فهرست آن در رساله‌ی جداگانه‌ای بطبع رسیده با شرحی از کتب مفیده آنجناب که اسامی آنها را می‌نگارم:

۱- کتاب افق وحی ۲- کتاب افق اعلی نگاهی بچهره محمد و علی علیهماالسلام ۳- علی و الزهراء- سرچمشه آب حیات ۴- ملکه اسلام فاطمه زهراء علیهاسلام ۵- ترجمه قصیده النبی محمد صلی اللَّه علیه و آله و سلم ۶- نهج‌البلاغه السماء و العالم آسمان و جهان ۷- نهج‌البلاغه و جنگ ۸- پیام میلاد امیرالمومنین علیه‌السلام بسلاطین اهل قبله ۹- کتابی بقلم امیرالمؤمنین علیه‌السلام ۱۰- نامه کودک در مسجد ۱۱- محنت اسلام ۱۲- عنصر شجاعت یا هفتاد و دو تن و یک تن جلد اول ۱۳- جلد دوم عنصر شجاعت ۱۴- جلد سوم عنصر شجاعت ۱۵- جلد چهارم عنصر شجاعت (مسلم بن عقیل) ۱۶- چند مرحله از زندگانی امام حسین ۱۷- تاج

مأمون‌الرشید ۱۸- مجلس مباحثه امام رضا علیه‌السلام با عمران صابی ۱۹- فلسفه غیبت امام زمان عجل اللّه فرجه ۲۰- امامزاده عبداللّه علیه‌السلام در ری ۲۱- شرح حال محمد بن ابی‌بکر ۲۲- پیام ایران بنجد و حجاز و مصر ۲۳- امناء الهی در کتاب سلمان فارسی و ابوذر غفاری ۲۴- خواب دیدن ائمه اطهار علیهم‌السلام ۲۵- قبله اسلام کعبه یا مسجدالحرام ۲۶ - بیت المقدس و تحول قبله ۲۷- آفاق کعبه ۲۸- پنج رساله در حج و قبله ۲۹- نهیب پیغمبر صلی اللّه علیه و آله بملوک و امراء و فقهاء علماء از خیف منی ۳۰- کلید امن جهان ۳۱- کلید امن دنیا ۳۲- رساله مناسک و مسائل حج و عمره ۳۳- ندائی از سرزمین بیت المقدس ۳۴- اجتماع پیرامون خانه تقدیس ۳۵- اسرار حج ۳۶- تفسیر سوره نور ۳۷- ندای اذان و ثواب آن بفارسی ۳۸- دروس متون احادیث ۳۹- الحدیث عند الشیعه تا تاریخ تدوین حدیث ۴۰- تصحیح تفسیر دانشگاه (بفارسی) ۴۱- غروب آفتاب در اندلس ۴۲- کتاب مادر ۴۳- مقدمه مواقع النجوم ۴۴- تحشیه رساله لقاء اللّه ۴۵- تصحیح و تحشیه مراقبات السنه ۴۶- من روح الفرج بعد الشده (بعربی) ۴۷- مقاله در سالنامه نور دانش سال ۱۳۲۶ تحت عنوان اسرار موت و حیات ۴۸- آثار مقدس احادیث و اخبار اسلام ۴۹- علی علیه السلام و آل‌محمد صلی اللّه علیه و آله ۵۰- آل رسول‌اللّه ۵۱- رابطه عالم اسلامی بزبان فارسی در جواب علماء کردستان ۵۲- رابطه عالم اسلامی قبس من ولاء علی علیه‌السلام بزبان عربی ۵۳- آراء ائمه الشعیه الامامیه فی الغلاه.

آثاری که آماده طبع است

۱- جلد پنجم عنصر شجاعت ۲- جلد دوم قبله اسلام ۳- جلد دوم افق اعلی ۴- تفسیر تعدادی از سور قرآن ۵- جلد دوم سرچشمه آب حیات ۶- جلد دوم افق وحی ۷- جلد دوم دروس متون احادیث ۸- پیام بلال حبشی مولای رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلم از با کعبه بسیاهان جهان ۹- ترجمه کتاب الاسلام علی مفترق الطرق.

معظم له دارای فرزندان برومندی می‌باشند که در میان آنان دانشمند معظم و فاضل برومند جناب آقای حاج میرزا محمدحسن ناصر آقای کمره‌ای بفضل و تقوا و اطلاعات عمیقی موصوف و بیشتر امور والد ماجدش بدست با کفایت و نظر صائب او انجام می گیرد.

علم ربانی.

تولد: ۱۳۱۷(۱۲۷۶ ق.)، کمره از توابع اراک.

درگذشت: ۱۹ مهر ۱۳۶۳، تهران.

آیت‌الله خلیل کمره‌ای بعد از تحصیل علوم ابتدایی و مقدماتی برای کسب علوم عالی‌تر به خوانسار رفت و نزد آخوند ملا محمد بیدهندی مقدمات و متون علم قرائت قرآن را فراگرفت. با فوت ملا محمد بیدهندی به نزد سید علی‌اکبر بیدهندی و سید احمد جاده‌ای رفت و به تحصیل علوم پرداخت شد.

در سال ۱۳۳۷ ق. به حوزه‌ی علمیه‌ی اراک (مدرسه‌ی سپهدار) که توسط آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی تأسیس گردیده بود ملحق شد و جزو اولین شاگردان حوزه‌ی علمیه‌ی وی بود. سه سال تمام فقه و اصول را نزد شیخ عبدالغنی و شیخ عباس ادریس‌آبادی و مقداری حکمت و فلسفه را نزد سید محمد بروجردی و درس خارج را در سال ۱۳۴۰ ق. نزد آیت‌الله حائری یزدی تلمذ نمود.

در سال ۱۳۳۹ ق. از حوزه‌ی علمیه‌ی اراک به همراه آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، به قم منتقل شد و در آنجا ساکن شد و به تحصیل سطوح و فقه و اصول پرداخت در درس خارج آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی نیز حاضر می‌شد و معقول را نیز نزد آقا میرزا علی‌اکبر یزدی معروف به «حکیم» تلمذ می نمود پس از وفات آقا میرزا علی‌اکبر حکیم الهیات به معنی اخص اسفار را با حضرت امام خمینی (ره) مذاکره‌ی بینابین داشتند و همچنین مقداری خارج فقه جواهر را با حضرت امام (ره) و آیت‌الله میرزا عبدالله تبریزی مذاکره می نمود.

اساتید دیگر وی عبارتند از: آیت‌الله ملکی تبریزی و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله محدث قمی و علامه عاملی. آیت‌الله کمره‌ای سپس در قم به تدریس سطوح و تفسیر و فسلفه پرداخت.

آیت‌الله کمره‌ای در سال ۱۳۴۱ ق.، به سبب مخالفت با کشف حجاب، به دستور رضاشاه دستگیر و زندانی شد و سپس در تهران نفی بلد گردید. در سال ۱۳۷۱ ق. در کراچی به ریاست مؤتمر اسلامی انتخاب گردید و بار دیگر در سال ۱۳۷۹ ق. در مؤتمر اسلامی اردن شرکت کرد. در پایان مؤتمر به اشاره‌ی آیت‌الله سید حسین بروجردی همراه آیت‌الله مرتضی طالقانی برای تشکر از شیخ محمود شلتوت، مفتی اهل سنت و رییس جامع‌الازهر، درباره‌ی فتوای ایشان در به رسمیت شناختن مذهب تشیع، به قاهره رفت و با شیخ شلتوت دیدار و گفتگو کرد. در سال ۱۳۸۵ ق. در مکه در مؤتمر عالم اسلامی شرکت کرد و به ریاست مؤتمر برگزیده شد.

آیت‌الله کمره‌ای در سال ۱۳۴۹ در هزاره‌ی شیخ طوسی درباره مقام علمی شیخ طوسی ایراد کرد.

آیت‌الله کمره‌ای در شروع انقلاب اسلامی همگام با مردم حرکت نمود و در راهپیمایی تاسوعای ۱۳۷۵ به اتفاق آیت‌الله طالقانی شرکت جست. پس از حمله عراق به ایران با نوشتن مقاله «عرب این ننگ را به کجا می بری؟»، در روزنامه‌ی، «اطلاعات» به حمایت از موضع به حق ایران برخاست.

آیت‌الله کمره‌ای در دوره‌ی دکترای دانشکده الهیات دانشگاه تهران تدریس می‌نمود.

از آثار وی می توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: تفسیر سوره‌ی نور (در دو مجلد)؛ عنصر شجاعت یا هفتاد و دو تن و یک تن (در تراجم شهدای کربلا، چهار جلد)؛ شرح نهج‌البلاغه؛ نهج‌البلاغه السماء و العالم آسمان و جهان؛ نهج‌البلاغه و جنگ؛ ملکه اسلام فاطمه زهرا؛ نوید اسلام؛ ندای اذان و احادیث استحباب آن؛ مادر و وظیفه زن در اسلام؛ فتح مکه غروب آفتاب در اندلس؛ اسرار حج؛ قبله اسلام کعبه یا مسجدالحرام؛ یک دوره کامل تفسیر قرآن؛ افق وحی؛ افق اعلی؛ نگاهی به چهره محمد (ص) و علی (ع)؛ علی و الزهراء سرچشمه‌ی آب حیات؛ ترجمه قصیدهٔالنبی (ص) پیام امیرالمؤمنین به سلطان اهل قبله؛ کتابی به قلم امیرالمومنین (ع) نامه‌ی کودک در مسجد، محنت اسلام؛ چند مرحله اسلام؛ چند مرحله از زندگانی امام حسین (ع)؛ تاج مأمون‌الرشید؛ مجلس مباحثه‌ی امام رضا (ع) با عمران صابی؛ فلسفه غیبت امام زمان (ع) (عج) امامزاده عبدالله (ع) در ری؛ شرح حال محمد بن بکر؛ پیام

ایران به نجد و حجاز و مصر؛ امناءالهی در کتاب سلمان فارسی و ابوذر غفاری؛ خواب دیدن ائمه اطهار (ع)؛ بیت‌المقدس و تحول قبله؛ پنج رساله در حج و قبله؛ کلید امن جهان؛ کلید امن دنیا؛ رساله مناسک و مسائل و حج و عمره؛ ندایی از سرزمین بیت‌المقدس؛ اجتماع پیرامون خانه مقدس دروس متون احادیث؛ الحدیث؛ تصحیح تفسیر دانشگاه (به فارسی)؛ کتاب مادر؛ مقدمه مواقع النجوم؛ تحشیه رساله لقاءالله؛ تصحیح و تحشیه مراقبات السنه، من روح الفرج بعد الشدهٔ (به عربی)؛ آثار مقدس احادیث و اخبار اسلام؛ علی (ع) و آل محمد؛ آل محمد رسول‌الله؛ رابطه اسلامی (به زبان فارسی)؛ در جواب علمای کردستان؛ رابطه‌ی عالم اسلامی قبس من ولاء علی (ع) به زبان عربی؛ آراء ائمه الشیعه فی الغلاهٔ نهیب پیغمبر (ص) به ملوک و امراء و فقهاء از خیف منی.

آثاری که آماده طبع است: جلد پنجم عنصر شجاع؛ جلد دوم قبله اسلام؛ جلد دوم افق اعلی؛ تفسیر تعدادی از سوره‌های قرآن؛ جلد دوم سرچشمه آب حیات؛ جلد دوم افق وحی جلد دوم دروس متون احادیث؛ پیام بلال حبشی مولای رسول خدا (ص) از بام کعبه به سیاهان جهان؛ ترجمه کتاب علی مفترق‌الطرق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه دانشوران (۴۹۳ -۴۹۱، ۱۸۸ -۱۸۷)، الذریعه (۲۱۹/ ۲۲، ۴۴/ ۱۷، ۳۵۲/ ۱۵، ۱۲۶ -۱۲۵/ ۱۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۰۵ -۷۰۴/ ۱۳)، عنصر تلاش و کوشش، گلزار معانی (۵۸۲ -۵۶۶)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۳/ ۵، ۵۴۰ -۵۳۵/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵ -۳۲/ ۳).

کمونه بروجردی، عبدالحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۶ -۱۲۶۸ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. نسبش به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. در بروجرد به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات نزد پدر، از محضر سید ریحان‌اللّه موسوی بروجردی و دیگران استفاده نمود و به تقلید از ملا علی کنی، به شرح بعضی از ابواب «الدرهٔ» پرداخت. در ۱۲۹۸ ق به نجف رفت و از حوزه‌ی درس شیخ محمد حسین کاظمی بهره برد و ملتزم وی گشت. کمونه از استادش کاظمی بهره برد و ملتزم وی گشت. کمونه از استادش کاظمی و ملا لطف‌اللّه مازندرانی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی و میرزا حسین نوری حدیث روایت می‌کند. او از فقیهانی بود که عمرش در تألیف و تصنیف سپری شد. جایگاه علمی‌اش نزد خواص و علما رفیع بود. او در نجف درگذشت و در صحن شریف مرتضوی به خاک سپرده شد. آثار علمی بسیاری در زمینه‌های گوناگون از وی باقی مانـد. از آثارش: «اصول الفقه»، در دو مجلد؛ «حواش الریاض»، حاشیه بر «الریاض»؛ «نور الهدایهٔ»، در تفسیر آیه‌ی نور؛ «شرح خطب الحسین (ع) و کلماته القصیرهٔ و اشعاره»؛ «الرسالهٔ الکعبیهٔ»، در تحقیق معنی کعبین؛ « رسالهٔ فی قاعدهٔ الید»؛ «رسالهٔ فی تحقیق المکاسب المحرمهٔ»؛ «رسالهٔ فی ماهیهٔ المحرمات»؛ «رسالهٔ فی اصالهٔ الصحهٔ»؛ «رسالهٔ فی حمل فعل المسلم علی الصحهٔ»؛ «الرسالهٔ فی المعاملات»؛ «رسالهٔ فی نسب آل کمونهٔ بالنجف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۴۲/ ۷)، تاریخ بروجرد (۵۲۱ -۵۱۹/ ۲)، الذریعه (۱۳۶/ ۲۴، ۲۸۷/ ۱۶، ۲۰۶ -۲۰۵/ ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۵۶ -۱۰۵۳/ ۱۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۰۹۵ -۱۰۹۴/ ۳)، معجم المؤلفین (۸۸/ ۵)، مکارم الآثار (۱۹۰۹ -۱۹۰۸/ ۶).

کمیلی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد حسن کمیلی خراسانی یکی از علماء ابرار و دانشمندان اخیار معاصر بوده‌اند. تولد ایشان در تاریخ ۱۳۲۹ قمری در مشهد واقع شده و مقدمات و اولیات را در مشهد خوانده سپس در سال ۱۳۵۹ ق در اثر فشار عمال جنایتکار رضاخان زندیق به روحانیون مشهد و متحدالشکل شدن مهاجرت به عراق نموده و پس از زیارت مشاهد عراق مجاورت عسکرین حضرت ابی‌الحسن امام علی‌النقی و حضرت ابی محمد امام حسن عسکری علیهماالسلام را در سامراء اختیار و رحل اقامت افکنده و از انوار جلیه و خفیه آنان و حضرت بقیهٔ‌اللّه الاعظم ولی عصر حجت بن الحسن المهدی عجل اللّه فرجه الشریف استضائه نموده و چندین بار مورد حمله و تهاجم سنیان متعصب آن سامان قرار گرفته تا در سال ۱۳۸۲ ق که مجبور به انتقال به نجف اشرف و در جوار مولی الکونین ابوالحسنین علی بن ابی‌طالب (ع) اقامت و از محضر آیات عظام مرحوم حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللّه العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله و آیت‌اللّه العظمی نایب‌الامام خمینی و مرحوم آیت‌اللّه حکیم و دیگران استفاده نموده تا در سال ۱۳۹۱ قمری که در اثر فشار دولت بعث عراق (به ایرانیان مقیم عراق) تسفیر و اخراج به ایران و در شهرستان مذهبی قم سکوت و از محاضر و دراسات آیات عظام مرعشی و گلپایگانی و شریعتمداری استفاده نموده تا در ۲۵ ماه شوال سال ۱۳۹۷ قمری سالروز شهادت رئیس مذهب حقه جعفری امام جعفر صادق علیه‌السلام در زادگاه خود شهر مقدس مشهدالرضا علیه آلاف التحیهٔ والثناء دعوت حق را لبیک اجابت گفته و پس از تشییع با شکوهی از عموم طبقات بالاخص روحانیت مشهد در جوار مقبره و مزار خواجه ربیع رحمهٔ‌اللّه (در نزدیکی قبر مرحوم مبرور سید السند و ثقهٔ المعتمد آقای حاج سید رضا ابطحی والد ماجد متعلقه نویسنده) رفیق صمیمی و خالص و هم‌دوره‌اش مدفون گردیده است. آثار و باقیات الصالحات مرحوم کمیلی بسیار است.

از جمله مجالس دعاء کمیل ایشان در شبهای جمعه در مشهد مقدس بود که خاطره‌های روح‌افزائی برای رفقا و هم‌دوره‌های ایشان دارد و برای همین به کمیلی شهرت یافته بود. و نیز دیوانی در مدایح و مرائی خاندان رسالت دارد و نیز جزواتی در فقه و غیره که به طبع نرسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

کنارنگی، رسول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۳۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی برق، دانشکده: فنی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی برق از دانشگاه ایالتی آیوا آمریکا در سال ۱۳۵۴، کارشناسی ارشد مهندسی هسته‌ای از دانشگاه ایالتی آیوا در سال ۱۳۵۶ و دکترای تخصصی مهندسی هسته‌ای از دانشگاه ایالتی آیوا در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده فنی دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طراحی بهینه قدرت راکتور، بکارگیری کالمن در تخمین حالت دینامیکی هسته‌های قدرت بخش توان بهینه، تجزیه شبکه به زیر شبکه‌ها و پیدا کردن مدار معادل خارجی زیر شبکه، تدریس دروس مهندسی برای سال اول، بررسی سیستم قدرت و تولید نیروگاهها، بهره‌برداری از سیستم‌های قدرت، بررسی قابلیت اطمینان و سیستم‌های قدرت در دانشگاههای ایالتی آیوا و تبریز، استاد راهنمای بیش از ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مهندسی قدرت.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳۵

زمینه علمی مقالات:

System پدیده گلخانه و ارتباط آن با صنعت برق، انرژی، نیروگاههای هسته‌ای، سیستم‌های قدرت و Power siatic, estimation with eyualidy constroint

Acomprehen sive Formal Approach ot the Valuatiol.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کنانی هروی، جمال الاسلام، ابوالعلاء صاعد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۹۵ / ۴۹۴ ق)، فقیه، مفتی، محدث و قاضی. قاضی القضاهٔ هرات بود. از ابوسعید محمد بن موسی صیرفی و علی بن محمد طرازی و نیز از جدش، قاضی ابونصر یحیی بن محمد، و قاضی ابوالعلاء صاعد بن محمد حنفی و ابوبشر حسن بن احمد مزکی و سعید بن عباس قرشی و دیگران حدیث شنید. محمد بن طاهر و نصر بن سیار بن صاعد، نوه‌اش، از وی حدیث نقل کرده‌اند. از راویان او می‌توان از نوه‌اش، شهاب بن سیار، و علی بن سهل شاشی، و عبدالواسع بن عطاء، و محمد بن فضل دهان و مسرور بن عبداللّه حنفی نیز نام برد. در «شذرات الذهب»، نام کنانی تحت عنوان کتانی آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۱۸۳ -۱۸۲/ ۱۹)، شذرات الذهب (۴۰۲/ ۳)، العبر (۳۷۱/ ۲)، النجوم الزاهرهٔ (۱۶۷/ ۵).

کنتوری، اعجاز حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۶ -۱۲۴۰ ق)، محدث، فقیه امامی، اصولی، مورخ و متکلم. وی یکی از سه فرزند عالم و فضال سید محمدقلی بن محمدحسین

و برادر علامه میرحامد حسین صاحب «عبقات الانوار» است. وی علوم مختلف را از پدر و برادر خود فراگرفت. او در تمام علوم متداول زمان آگاه و از بزرگان علمای شیعه بود. از آثار وی: «شذور العقیان فی تراجم الاعیان»، در چند مجلد؛ «کشف الحجب و الاستار عن وجه الکتب و الاسفار»، فهرست مصنفات شیعه؛ «القول السدید».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۸/۱)، اعیان الشیعه (۴۶۷/۳)، الذریعه (۲۸ –۲۷ /۱۸ ،۴۳/۱۳)، ریحانه (۳۵۶/۵)، فوائد الرضویه (۵۹۶ – ۵۹۵)، لغت‌نامه (ذیل/ اعجاز)، معجم المولفین (۳۰۳/۲).

کنی سلطان العلماء، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ مهدی سلطان العلماء فرزند شیخ جواد شاه عبدالعظیمی کنی سالها در قم تحصیل کرده آنگاه به نجف مهاجرت و چندین سال در آن سامان از آیات بزرگ چون مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاء عراقی و آیت‌اللّه اصطهباناتی و دیگران استفاده نموده و در سال ۱۳۷۳ ق بوطن مراجعت و در مسجد بالاسر به اقامه جماعت اشتغال تا در ماه رمضان ۱۳۸۹ ق که از دنیا رفته و در مسجد بالا سر محل نمازش مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کنی شاه عبدالعظیمی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ جواد بن شیخ مهدی بن ملا رجبعلی لاریجانی شاه عبدالعظیمی عالمی فاضل بوده مشرف به نجف شده و خدمت میرزا حسین خلیلی تهرانی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی تلمذ نموده آنگاه مراجعت به ری و قیام بوظائف دینی از امامت و غیره نموده است تألیفاتی بنامهای زیر دارد:

۱– نور الافاق ۲– خصایص العظیمیه که طبع شده ۳– تذکره ری ۴– تحفه العظیمیه ۵– اخبار العظیمیه ۶– زبده الانساب و غیرها در سوم جمادی‌الثانی ۱۳۵۵ وفات نموده و در ایوان آئینه حرم مطهر حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کنی، آقا بزرگ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ آقا بزرگ کنی سبط مرحوم علامه کبری آیت‌اللّه العظمی حاج ملا علی کنی اعلی اللّه مقامه از علماء مبرز و با تقوای شهر ری بودند و در مسجد صحن اقامه جماعت می‌نمودند و عمر خود را بوظائف دینی و روحی مشغول داشته تا از دنیا رفته و در ایوان آئینه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام بخاک رفته است.

مرحوم علامه تهرانی صاحب (الذریعه) در جزء اول نقباء البشر ص ۲۳۲ گوید: الشیخ آغا بزرگ ابن شیخ مهدی لاریجانی شاه عبدالعظیمی عالمی فاضل بوده و در نجف خدمت آیت‌اللّه شیخ میرزا حسین خلیلی تلمذ نموده و در سال ۱۳۲۲ قمری بزاویه عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام مراجعت و در اوائل سال ۱۳۴۴ قمری بعد از مراجعت از حج وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کنی، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ عبدالرحیم بن العالم الجلیل حاج آغا بزرگ بن العلم العلام حاج شیخ مهدی بن ملا رجبعلی لاریجانی یکی از اسباط علامه کنی و علماء معاصر و بنام شهر ری میباشند.

وی در سال ۱۳۲۳ ق در زاویه مقدسه شهر ری و جوار سید الکریم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام متولد شده و در بیت اصیل و ریشه‌دار و محیط علم و روحانیت پرورش و دروس جدیده را طبق معمول خوانده تا آنگاه بتحصیل علوم دینی پرداخته و مقدمات و ادبیات را نزد والد ماجد خود شروع نموده و پس از اتمام آن مهاجرت به قم کرده و سطوح را از محضر آیت‌اللّه آخوند ملا علی همدانی و آیت‌اللّه میرزا محمد همدانی استفاده و سطوح عالی را از مرحومین آیتین آقا میرزا محمد فیض و آقا میرزا محمد کبیر بهره‌مند شده سپس از حوزه درس مرحوم آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و مرحوم آیت‌اللّه العظمی

حایری مؤسس حوزه استفاضه نموده و در طول سالها با رشته‌های علوم اسلامی آشنا و باخذ دانشنامه مدرسی در رشته معقول و منقول و نیز موفق و مسافرتی باعتاب عالیات نموده و از محضر آیات عظام نجف مانند مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی بهره‌مند و بدریافت اجازه نائل آنگاه بوطن بر گشته و در مسجد صحن مطهر به اقامه جماعت و ترویجات دینی و انجام وظائف مذهبی و روحی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: مترجم معظم ما از دانشمندان متین و با صفاست و در کمال سادگی و بی‌آلایشی زندگانی نموده و می‌نماید ادام اللّه عزه و توفیقه.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کنی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد رضای کنی داماد معظم آیت‌اللّه حاج شیخ زین‌العابدین سرخه‌ای امام مسجد جلیلی واقع در خیابان ایرانشهر، وی در کن در خاندان ایمان و تقوائی بدنیا آمده و پس از خواندن دروس جدید. به قم مهاجرت و مقدمات و سطوح متوسط و عالی را از مدرسین بزرگ فراگرفته و بدرس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و بعض آیات دیگر شرکت نموده و پس از آن در تهران رحل اقامت و تاکنون در مسجد مذکور به امامت و خدمات دینی اشتغال دارد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کنی، ملا علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

الحاج ملا علی کنی عطراللّه مرقده، تولدش در سال ۱۲۲۰ ق در قصبه کن در شمال غربی تهران واقع شده و با این که پدرش باغ دار و غیر روحانی بوده خود علاقه مفرط و شوق بسیاری به تحصیل علوم و فنون داشته و در کودکی مخفی از پدر دروس مقدماتی را خوانده و با استعداد ذاتی و نبوغ فطری که داشته از کتب سطحی فقه و اصول فارغ شده و مهاجرت به نجف اشرف نموده و در درس مرحوم علامه فقیه شیخ محمدحسن نجفی صاحب جواهر و آیت‌اللّه العظمی شیخنا الانصاری شرکت کرده و در نزد این دو فحل بزرگ باوج کمال علم و فقاهت رسیده و در فقه و اصول و حدیث و رجال و غیره مهارت تامی پیدا کرده و بتصنیف اصول شروع نموده و جمله از مباحث الفاظ آن را نوشته تا در سال ۱۲۲۴ ق که طاعون عظیم واقع گردید ناچار مانند دیگران از اهل فضل حرکت بـاین طرف و آن طرف نموده تا خداوند منان توفیق داده و ثانیا مراجعت و مجاورت عتبات عالیات را موفق گشته و در نزد فحول و ارباب معقول و منقول بتکمیل فقه و اصول مشغول شد تا بمنتهای کمال و مبلغ رجال فایز و نایل آمده و به تهران مراجعت و در جمیع بلاد با نهایت بزرگواری و جلالت اشتهار معروف و مشهور گشت و بمقامی رسید که روحانیون بزرگ کمتر به آن پایه و مقام رسیدند تا جائی که شاه مقتدر وقت مرحوم ناصرالدین شاه قاجار با تمام قدرت و عظمت همواره از وی خائف و ترسناک بود و می‌گفت اگر آیت‌اللّه کنی مرا از سلطنت خلع کند چه می‌توانم بکنم، در سال چندین بار با کسب اجازه قبلی بمنزل آن مرحوم شرفیاب شده و دست آن بزرگوار را بوسیده و اظهار انقیاد و اطاعت می‌کرد.

مآثر و آثار ص ۱۳۸ گوید: حاج ملا علی مجتهد کنی ساکن دار الخلافه از عظماء علماء اسلام است بعزت نفس و مناعت جانب از ابناء جنس امتیاز داشت اهل دیوان وی را رئیس المجتهدین می‌نوشتند و حق تعالی آن عالم و فقیه کامل را بفرط ثروت و طول عمر و نفاذ امر اختصاص بخشیده بود.

اکثر علماء و رؤساء تهران بتربیت و ترویج او اعتبار و بمقامات رسیدند، عمده تلمذ او بر شیخ‌الطائفه انصاری و صاحب جواهر بوده و در فقه و اصول و رجال و غیرها تصنیفات فرموده و جامع تافقی را که در علم درایه و حدیث پرداخته است بطبع رسیده اشتهار و اعتبار این بزرگوار در دین و دولت و ملک و ملت باعلا درجه کمال بود وصیت بزرگی و عظمت شأنش از آسیا بقسمتهای کره ارض نیز رفته و همه جا را فراگرفته بود احترام و اکرامی که این پادشاه (ناصرالدین شاه) بـاین عـالم عامل و فقیه کامل می‌فرمود کمتری از مجتهدین را نصیب افتاد الحق وجودش مذهب جعفری را قوتی و قوامی بود و شرع شریف را استظهاری و استحکامی.

احسن الودیعه (ج ۱- ص ۱۰۱) گوید شیخنا و مولانا حاج ملا علی کنی تهرانی از اعاجیب دهر و اکابر علماء خود بود ماهر بر علوم عربیه و لغت و قرائت جامع بین روایت و درایت عالم تفسیر و مناعت حدیث حافظ رجال و انساب عارف معقول و مجتهد در فروع و اصول واسع المعرفه غزیر العلم صاحب اختراعات و استنباط و تحقیقات رایقات محبوب خاص و عام مرجع فتاوی و احکام معظم در عیون اعـاظم و حکـام غیور در امر بمعروف و نهی از منکر لا‌ـ تاخـذه فی اللّه لومه لائم و بالجمله فهو آیت‌اللّه العظمی بلا کلام و النائب المرضـی عن الامام علیه‌السلام بوده... تا در صبح روز پنجشنبه بیست و هفتم محرم الحرام ۱۳۰۶ در سن هشتاد و شش سالگی در تهران از دنیا رفته و سه روز جنازه‌اش برای تشییع و تجلیل و غیره مانده و روز یکشنبه غره صفر سال مذکور حمل بشـهر ری و جوار حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام بـا ازدحام عام و احترام تمام گردیده و در مسجد عتیق بین الحرمین که اکنون مقبره ناصرالدین شاه معروف است دفن گردیـد و در رثاء او شعراء عرب و عجم قصائدی سروده و ماده تاریخ مناسبی سرودند منجمله مجد الادباء میرزا حیدر علی تهرانی سرود

سرود مرتجلا مجد بهر تاریخش

علی بنزد محمد بخلد کرد مقام

و دیگری گفت:

ز جنت شد یکی حورا برون با جلوه و گفتا

علی در جنه الماوی علی را میهمان دارد

آثار علمی آن بزرگوار از این قرار است:

۱- رساله‌ای در اوامر و نواهی و مفاهیم و استصحاب ۲- کتاب طهاره ۳- کتاب صلوه ۴- کتاب بیع ۵- کتاب قضاء و شهادت که در ۱۴۰۴ ق در تهران چاپ سنگی شده ۶- توضیح المقال فی علم الرجال که در پشت منتهی المقال شیخ ابوعلی رجالی مشهور کرارا بطبع رسیده ۷- تحقیقات الوسائل فی شرح تلخیص المسائل.

نگارنده گوید: شرح احوال محامد خصال آن نادره دوران و آثار و خدماتش در خور کتاب بزرگی خواهد بود ولی برای اختصار این اندازه قناعت. فهرستی از خاطرات عجیبه آن بزرگوار نگاشته و اشاره بخاندان علمی و روحی او می‌نمائیم.

نوادر خاطرات حاجی کنی- ره-

۱- تشرف آن مرحوم با میرزا شیرازی بزیارت حضرت زینب علیهاالسلام در شام و نظافت کردن وی و میرزا آن حرم مطهر را و توجه مخصوص حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه باین عمل آن دو عالم ربانی و آن قصه از این قرار است:

حکایت کرد برای نگارنده مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ ابراهیم شریفی اسدآبادی همدانی که در نجف اشرف خدمت مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج میرزا علی آقا شیرازی فرزند مرحوم آیت‌اللّه علی الاطلاق میرزاء بزرگ (مجدد) شیرازی قدس اللّه اسرارهم شرفیاب شدم و از محضرشان استفاده‌ها نمودم و از نوادر خاطرات مرحوم والدشان قضایائی نقل کردند که از آنها این بود:

مردی تهرانی مشرف به نجف خدمت مرحوم والدم شد (قبل از هجرتش بسامرا و گفت من مکه مشرف بودم و در آنجا زاد و خرج خود را تمام و یا گم کردم. و در مسجدالحرام بحق تعالی متوسل و التماس می‌کردم و حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف را واسطه می‌نمودم که فرجی برایم بشود که در مکه ویلان و معطل نمانم.

پس رزوی که پرده خانه را گرفته و تضرع می‌نمودم دستی بشانه‌ام خورد و گفت چه حاجت داری مطلب و نیازم را گفتم چند لیره بمن داد و گفت با این وجه خود را به نجف رسانیده و در آنجا خدمت میرزا محمدحسن شیرازی برو و بگو سید مهدی گفت باین نشانی که باتفاق حاج ملا علی کنی در مراجعت از مکه بشام بزیارت حضرت زینب علیهاسلام رفتید و دیدید حرم را گرد و غبار گرفته مشغول نظافت شدید و با گوشه‌ی عباء خود خاک و خاشاک را بیرون بردید بیست اشرفی بتو بدهد.

و تا آن مرد این نشانی را به مرحوم والدم گفت دیدم بسیار متغیر شد و برخاست مبلغ بیست اشرفی به آن مرد داد.

نگارنده گوید: که از بعضی شنیدم که آن شخص وقتی به تهران آمد خدمت مرحوم آیت‌اللّه علامه کنی رسید جریان را گفت آن مرحوم فرمودند آیا حواله‌ای آن آقا بمن نداد. گفت: خیر. پس آن مرحوم بسیار گریسته و فرمودند: چون مرحوم میرزا بسیار در تنظیف حرم حضرت زینب علیهاسلام کوشش می‌کرد و این عملش توجه آن حضرت قرار گرفته است.

۲- مکاشفه آن مرحوم برای فتحعلی شاه قاجار در حرم منور حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام و وفات شاه مزبور در همان روز و همان ساعت.

۳- مداومت ایشان بزیارت حضرت امامزاده ابوالحسن شهر ری و این که بریاست و ثروت کذائی نرسیده مگر برای این عمل.

۴۴- توسل مخصوص در حرم مطهر حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام برای قضاء حوایج و کیفیت آن باین طریق است.

حکایت کرد برای این نگارنده جناب حجهٔالاسلام حاج سید مصطفی علوی الاری در دوحه قطر از بعضی از ثقات آن مرحوم علامه کنی- ره- که مجرب است برای قضاء حوائج دو رکعت نماز حاجت خواندن در حرم حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام و بعد چهارصد صلوات هدیه گفتن و هدیه نمودن به حضرت امام علی النقی علیه‌السلام استاد حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام باین طریق بعد از آن نماز صد صلوات در قسمت شمالی غربی حرم فرستادن و بعد جلو رفتن و صد مرتبه صلوات در جنوبی غربی حرم گفتن و بعد بسمت شرق حرم رفتن و صد مرتبه صلوات در جنوب شرقی حرم گفتن و بطرف عقب برگشتن و صد مرتبه در قسمت شمال شرقی حرم فرستادن.

نگارنده گوید: البته در جائی نرسیده اگر کسی بخواهد بجا آورده رجاء این عمل را بجا می‌آورد انشاءاللّه حاجتش برآورده خواهد شد انشاءاللّه.

(۱۳۰۶ -۱۲۲۰ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، رجالی، محدث، ادیب و مرجع تقلید. اصلش از آمل مازندران است. جدش در قریه کن از توابع تهران سکنی کرد و ملاعلی در آنجا به دنیا آمد. پس از طی مراحل مقدماتی و فراگیری ادبیات به عتبات رفت و در حوزه‌ی درس صاحب «جواهر» و صاحب «ضوابط» و سید اسداللّه بن سید محمد باقر و شیخ مشکور حولاوی حاضر شد و در لغت، فقه، اصول، حدیث، رجال و تفسیر متبحر گشت. سپس به تهران بازگشت و به تدریس و زعامت امور دینی پرداخت. میرزا حسین نایب‌الصدر و ملا محمد علی خوانساری از شاگردان وی بودند. در تهران درگذشت و در بین الحرمین، در جوار حضرت عبدالعظیم (ع)، دفن شد. از آثارش: «الاستصحاب»؛ «الاوامر»؛ «ایضاح المشتبهات فی تفسیر الکلمات المشکلهٔ القرآنیهٔ»؛ «توضیح المقال فی علم الدرایهٔ و الرجال»؛ «تلخیص المسائل»، در فقه؛ «تحقیق الدلائل فی شرح تلخیص المسائل»؛ «القضاء و الشهادات»؛ «احکام العقود و الخیارات»؛ «البیع»؛ «الطهارهٔ»؛ «الصلوهٔ»؛ رساله «ارشاد الامهٔ»، رساله‌ی عملیه، به فارسی.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱]الاعلام (۱۳۸/ ۵)، اعیان الشیعه (۳۰۲/ ۸)، الذریعه (۵۷/ ۱۱ ،۴۹۹ -۴۹۸ ،۴۲۷/ ۴ ،۴۸۳ -۴۸۲/ ۳ ،۴۹۹/ ۲)، ریحانه (۹۸ -۹۷/ ۵)، شرح حال رجال (۳۵۲ -۳۴۹/ ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۰۷ -۱۵۰۴/ ۱۴)، علماء معاصرین (۲۷ -۲۵)، فوائد الرضویه (۲۹۹ -۲۹۸)، قصص العلماء (۱۲۲)، المآثر و الآثار (۱۳۸)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۰۹۸/ ۳)، معجم

المؤلفین (۱۷۱/ ۷)، مکارم الآثار (۶۹۹ -۶۹۷/ ۳)، یادداشتهای قزوینی (۲۱۳/ ۸).

کنیز فاطمه

قرن:۱۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

از زنان باذوق و صاحب طبع. وی مادر شاه سلیمان کلعلی بود بیت زیر از اوست:

سزد که فخر برد آسمان به دورانم

کنیز فاطمه و مادر سلیمانم

تاریخ تولد، وفات، یا زندگی او معلوم نیست.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره دهم، ۳۷؛ از رابعه تا پروین، ۱۸۸؛ تذکرهٔالخواتین، ۱۵۹؛ حدیقه عشرت، ۴۸؛ زنان سخنور، ۱۰۵ / ۲.

کواری، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۴ ق)، خطاط و منشی. از سادات حمزوی کوار شیراز بود. وی در شیراز به تحصیل مقدمات علمی پرداخت و در جوانی مورد توجه محمد رضا خان قوام الملک قرار گرفت و در دستگاه وی ملازم و منشی شد. کواری خط نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت. او به هنگام تألیف «فارسنامه‌ی ناصری»، ۱۳۰۴ ق، هنوز می‌زیسته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۶۷/ ۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۴۶۵/ ۲).

کوپال شیرازی، ناصرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصرالدین کوپال شیرازی پیشکار قوام‌الملک و شاعر و اهل ادب (ف. شیراز ۱۳۲۵ ه.ش.). قبر وی در حافظیه شیراز است.

(۱۳۱۵/ ۱۳۱۴ -۱۲۶۳ ش)، شاعر، متخلص به سالار. معروف به سالار جنگ. نسب وی به امام قلی خان والی فارس در زمان صفویه می‌رسد. وی در شیراز متولد شد، تحصیلات متداول زمان را در زادگاهش فراگرفت و زبان انگلیسی را در شیراز و هندوستان آموخت. وی در دستگاه مرحوم میرزا حبیب‌اللّٰه خان قوام‌الملک شیرازی به سمت منشیگری مشغول شد. ضمنا ریاست ایل خمسه به عهده او بود. ریاست انجمن ادبی فارس با او بود. وی کتابخانه‌ی بزرگی داشت که خصوصا از لحاظ کتب ادبی خطی بی‌نظیر بود. او به سبک خراسانی شعر می‌سرود. در شیراز وفات یافت.[۱]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۳ -۱۶/ ۳)، سخنوران نامی معاصر (۱۷۰۰ -۱۶۹۴/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۴۲۹).

کوپاهی، مجید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اقتصاد کشاورزی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد در رشته ماشین‌های کشاورزی در سال ۱۳۳۹، کارشناسی ارشد (M.S) در رشته اقتصاد کشاورزی در دانشگاه ایالتی کارولینای شمالی، دکترای اقتصاد کشاورزی از دانشگاه ایالتی پنیلوانیا در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی‌های اقتصادی تقاضا و عرضه، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر چندین پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اقتصاد کشاورزی، تحلیل اقتصادی طرحها، اقتصادسنجی، اقتصاد ریاضی، کاربرد برنامه‌ریزی خطی در کشاورزی.

مقالات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

مسائل اقتصاد کشاورزی.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کوپائی هاطلی، صدرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید حسن بن سید جعفر حسینی.

عالم زاهد فقیه حکیم مفسر زاهد، در شب اربعین سال ۱۳۰۱ در قریه‌ی کوپا از بلوک کوهپایه‌ی اصفهان متولد گردیده، در اصفهان و نجف نزد علمای معروف تحصیل نموده، خصوصا در اصفهان از محضر آخوند کاشی و جهانگیر خان قشقائی، و در نجف از: شیخ الشریعه‌ی اصفهانی، و شیخ ابراهیم اردبیلی، و شیخ احمد شانه ساز شیرازی، و شیخ عبدالصمد سبزواری، و آقا سید محمد فیروزآبادی، و آقا سید محمد کاظم یزدی، و آخوند خراسانی استفاده برده، قبل از فوت استاد به اصفهان مراجعت نموده، و به آقایان مسجد شاهی اختصاص یافت. مردی وارسته، و جامع جمیع ملکات و فضایل انسانی بود، و الحق ملکی بود به صورت بشر. در عین فقر و تهیدستی نسبت به متمولین و اغنیا بی‌اعتنا، فقط متوجه حضرت باری تعالی بود.

در مدرسه‌ی صدر حکمت و فلسفه تدریس می‌نموده، و در محافل خصوصی تفسیر می گفت.

در شب شنبه پنجم جمادی الاولی سال ۱۳۷۲ به عارضه‌ی سکته وفات یافته، در بقعه‌ی تکیه‌ی در کوشکی مدفون گردید.

و قابل توجه آن که روز قبل، در مجلس ختم علامه‌ی فقیه مرحوم آقا سید محمد [حجت] کوه کمری در مدرسه‌ی صدر، در حضور جمعی فرمود: فردا نوبت من است، و به همان کیفیت فردا وفات یافته، در همان محل، مجلس ختم جهت او گرفتند.

از آثارش: کتاب شروق الحکمهٔ است، در حل معضلات اسفار و منظومه، که آن را در دوره‌ی اشتغال خود در نجف مرقوم داشته، و کتاب بزرگی است؛ دیگر: شرح مطالب کفایه است.

پدرش از فضلای اصفهان بوده، و قبل از ۱۳۲۳ فوت شده است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کوتی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشگاه شهید چمران اهواز در سال ۱۳۴۹، دکترای تخصصی شیمی معدنی از دانشگاه ساسکس انگلستان در سال ۱۳۵۳.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه در زمینه کئوردینانسیون فلزات واسطه و ترکیبات آلی فلزی دارای فلزات کرم، مولیبدن و تنگستن، رودیم و لیریدیم، بررسی خواص کاتالیزوری ترکیبات چهار کئوردینه رودیم و لیریدیم، مطالعه در زمینه تثبیت ازت و نیز کاربردهای لیگاندهای کیلیت در پزشکی و بررسی واکنش‌های افزایشی- اکسایشی کمپلکس‌های ایریدیم (I) شامل لیگاندهای فسفین و دی ان، سنتز و بررسی خواص کاتالیزوری برخی از کمپلکس‌های فلزات واسطه سری اول از جمله کرم (VI)، منگنز (VII) و استاد راهنمای ۱ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شیمی معدنی فلزات واسطه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

کمپلکس‌های فلزات واسطه دارای لیگاندهای آزو، اشباع نشده، فسفین، واکنش‌های اکسایشی، کاهشی و برخی فرآیندهای بیوشیمی معدنی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کوثر کلهر کرمانشاهی، اسکندر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۷۶ ق)، شاعر. وی جوانی عارف و درویش مسلک بود. غزلیاتش را بیشتر به سبک حافظ شیرازی و میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله نشاط می‌سرود و در قصاید و مسمطات نیز از شیوه‌ی شعرای ترکستان پیروی می‌کرد. از آثارش: «داستان حسن بصری و جزایر واق واق» «الف لیله» می‌باشد که در بحر «هفت گنبد» نظامی به نظم درآورده است. از اوست:

مرا دست ستیز آسمان آن سان فکند از پا

که نتواند کسی هرگز برانگیزاندم از جا

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۴۶۱ -۱۴۵۸/ ۲).

کوثر همدانی، رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۷ ق)، عالم دینی، فقیه، عارف و شاعر، متخلص به کوثر. ملقب به کوثر علیشاه. وی از فرزند زادگان شیخ اشراق، شهاب‌الدین سهروردی، است. تحصیلات مقدماتی را در همدان گذراند و مدتی از محضر حسین علیشاه اصفهانی عارف استفاده نمود. وی از کودکی مصاحب مجذوب علیشاه، حاج محمد جعفر همدانی، بود و همراه او به تحصیل علوم عقلی و نقلی پرداخت و در فقه و اصول و حکمت و فن مناظره و مباحثه تبحر یافت. او با مجذوب علیشاه به سفر حج رفت. پس از بازگشت چون فضای اجتماعی همدان را بر خود تنگ یافت، از همدان به تبریز رفت و مورد توجه عباس میرزای نایب‌السلطنه قرار گرفت و به همراه وی به کرمان رفت و همان جا درگذشت و در مشتاقیه، در خارج کرمان به خاک سپرده شد. از آثار وی: «الدر النظیم فی تفسیر القرآن الکریم»، تفسیری فارسی که در آن آیات اصول و فروع و مواعظ را آورده است؛ «مفتاح النبوهٔ فی اثبات النبوهٔ الخاصهٔ»، و منتخب آن «ارشاد المضلین فی نبوت خاتم النبیین»، در رد هانری مارتن انگلیسی، ملقب به پادری، مبلغ مسیحی؛ مثنوی «آتش پاره»، مشتمل بر هشت هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۸۴ -۸۱/ ۲)، حدیقهٔ الشعراء (۱۴۶۴ -۱۴۶۲/ ۲)، الذریعه (۳۵۳ -۳۵۲/ ۲۱ ،۹۲۳/ ۹ ،۸۳/ ۸ ،۵۲۲/ ۱)، ریاض العارفین (۲۷۹ -۲۷۸)، ریحانه (۱۰۱ -۱۰۰/ ۵)، سفینهٔ المحمود (۲۷۷ -۲۷۴/ ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۴۹/ ۱۳)، طرائق الحقائق (۲۶۶ -۲۶۴/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۷۷۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۷۳/ ۲ ،۱۴۰۰ -۱۳۹۹/ ۱)، قصص العلماء (۱۳۰ -۱۲۹)، مکارم الاثار (۱۳۰۱ -۱۳۰۰/ ۴)، نگارستان دارا (۱۲۳ -۱۲۲).

کوثر، سلیمان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۰ ق)، شاعر، متخلص به کوثر. در اصفهان به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در زادگاهش، وارد خدمت فرهنگ شد. او برادر میرزا هاشم بهروش، متخلص به روشن، می‌باشد. اشعاری از وی در تذکره‌ها نقل شده است. از اوست:

باور مکن اگر که وجودم عدم شود

اندر دلم ز مهر تو یک ذره کم شود

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۳۹۲ -۳۹۱)، الذریعه (۹۲۳/ ۹).

کوثری اردبیلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، صوفی و شاعر. اهل اردبیل و مردی درویش مشرب بود. او بر طریقه‌ی نقطویه و از پیروان محمود پسیخانی (م ۸۳۱ ق)، مؤسس این فرقه، بود. علاوه بر مولانا کوثری شاعرانی چون: تشبیهی کاشانی، فهمی کاشانی، حیاتی کاشانی (م ۱۱۰۰ ق)، میر سید احمد کاشانی، یوسف ترکش دوز، معروف به ملحد، و غیره نیز از طریقه محمود پسیخانی پیروی می‌کردند. آنان مولانا کوثری را خلیفه می‌خواندند. از اوست:

تو چنان جفا پسندی که اگر خدنگ نازت

سوی دل گشاد یابد به کرشمه بازداری

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۳۰)، تذرکه‌ی شعرای آذربایجان (۱۱۴/ ۱)، دانشمندان آذربایجان (۳۱۶)، الذریعه (۹۲۳/ ۹)، سخنوران آذربایجان (۸۲)، مجمع الخواص (۲۸۱ -۲۸۰)، نقطویان یا پسیخانیان (۶۴ -۶۳).

کوثری، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس کوثری

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان تحصیلات ابتدائی در سال ۱۳۴۸ وارد حوزه علمیه هراتی شهرستان «تربت حیدریه» شدم و جامع المقدمات، سیوطی، بخشی از مغنی اللبیب (که در ادبیات عرب است) را نزد اساتید آن حوزه فراگرفتم. سپس جهت ادامه تحصیل رهسپار حوزه علمیه مشهد شدم و ادبیات تکمیلی، منطق، معانی بیان و بدیع را در محضر اساتید بزرگوار آن سامان به ویژه آقای: «واعظی» و آقای «حجت هاشمی» به پایان رساندم. پس از اتمام معالم الاصول و شرح لمعه، کتاب مکاسب شیخ انصاری را (که در معاملات نگاشته شده) در نزد «آیت الله میرزا علی فلسفی» شروع نمودم و در سال ۱۳۵۴ به قم آمدم. جهت ادامه مکاسب در درس «آیت الله ستوده» حاضر شدم، کفایهٔ الاصول مرحوم آخوند خراسانی را نزد اساتید معروف قم از آن جمله: «آیت الله فاضل لنکرانی» و «آیت الله سلطانی» خواندم و سال ۱۳۵۶ برای خارج فقه و اصول در درس «آیت الله وحید خراسانی» حاضر شدم و حدود بیست سال، آن را ادامه دادم و مدت حدود دو سال نیز از درس خارج فقه و اصول «آیت الله تبریزی» نیز استفاده بردم.

در کنار درس های فقهی و اصولی، کتابهای فلسفی را از محضر اساتید فلسفه آموختم: (شرح منظومه) را نزد «آیت الله انصاری شیرازی»، (نهایهٔ الحکمه) را نزد «آیت الله مصباح» و (اسفار ملاصدرا) را از محضر «آیت الله جوادی» بهره مند شدم. این در حالی است که در کنار تحصیل، همواره به تدریس، اشتغال داشته ام که از آن جمله می توان به این موارد اشاره کرد: (مکاسب، کفایهٔ الاصول، تدریس ادبیات، فقه و اصول). همچنین در زمینه های مختلف به ویژه موضوعات قرآنی دارای تالیفاتی که در قبل ذکر شده می‌باشم.

کوثری، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله کوثری در سال ۱۳۲۵ شمسی در شهر همدان متولد شد.کوثری از جمله مترجمانی است که ادبیات امریکای لاتین را ترجمه کرده و در شناساندن این ادبیات به اهل فرهنگ ایران، تلاش فراوانی است. از عبدالله کوثری، بیش از ۵۰ عنوان کتاب در حوزه ادبیات و اقتصاد ترجمه شده است. کتابهای" جنگ آخر زمان "و" خاطرات پس از مرگ "ترجمه عبدالله کوثری، به ترتیب در دورهای هیجدهم و بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شدند.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ترجمه

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عبدالله کوثری تحصیلات ابتدایی متوسطه را در تهران سپری کرد و در سال ۱۳۴۴ شمسی از دبیرستان البرز فارغ التحصیل شد. تحصیلات دانشگاهی را در رشته اقتصاد دانشگاه ملی (شهید بهشتی) گذراند و در سال ۱۳۴۸ شمسی موفق به اخذ لیسانس گردید.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عبدالله کوثری از همان سالها در نشریات ادبی اشعار آقای کوثری چاپ می شد. وی ترجمه را از سال ۱۳۵۲ شروع کرد و در کنار ترجمه، در امر ویرایش کتابهای ترجمه شده در زمین ?علوم انسانی نیز فعالیت می کرد.

جوائز و نشانها : کتابهای" جنگ آخر زمان "و" خاطرات پس از مرگ "ترجمه عبدالله کوثری، به ترتیب در دورهای هیجدهم و بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شدند.

چگونگی عرضه آثار : از عبدالله کوثری، بیش از ۵۰ عنوان کتاب در حوزه ادبیات و اقتصاد ترجمه شده است؛ از جمله «پوست انداختن»، «خودم با دیگران»، «آئورا» از کارلوس فوئنتس، «خوان رامون خیمس» از هاواردتی یانگ، «الکساندر پوشکین» از جی ناماس شا و... «گزیده شعرها» نام کتابی است که در سال ۱۳۷۷ به چاپ رسیده و در آن ۴۳ قطعه شعر سروده شده عبدالله کوثری طی سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۷۳ ارایه شده است. --

----

آثار :

۱ آئورا

ویژگی اثر : ترجمه،نوشت ?کارلوس فوئنتس نشر تندر

۲ آدام اسمیت

ویژگی اثر : ترجمه،نوشت ?د.د. رافائل نشر طرح نو

۳ آنتوان بلوایه

ویژگی اثر : ترجمه،نوشت ?پل نیزان نشر توس

۴ پوشکین

ویژگی اثر : ترجمه، نوشت ?تامس شا نشر نسل قلم

۵ تراژدی اورستیا

ویژگی اثر : ترجمه،نوشت ?آیسخلوس نشر تجربه

۶ جنگ آخر زمان

ویژگی اثر : تالیف:ماریو بارگاس یوسا؛ترجمه: عبدالله کوثری.– تهران: آگه، ۱۳۷۷ [توزیع ۱۳۷۸].– ۹۱۹ص.این کتاب ، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب : «جنگ آخر زمان» جنگ آخر زمان/ ماریو بارگاس یوسا؛ عبدالله کوثری.– تهران: آگه، ۱۳۷۷ [توزیع ۱۳۷۸].– ۹۱۹ص. رمان جنگ آخر زمان شاهکار ادبی یوسا، نویسند ?برجست ?اهل پرو است که به سبکی رئالیستی (و به دور از هرگونه «نوپردازی») نوشته شده است. از ویژگیهای این رمان، ترسیم فضای بومی و حال و هوایی است که مختص کشورهای لاتین است و رویدادهای آن به قرن نوزدهم مربوط می شود. شیو ?روایت این رمان وابسته به فضای اسطوره ای– حماسی آن است که به شیوه ای ساده و صریح و سنتی صورت می گیرد و در آن از بازیهای شکلی خبری نیست. در هر بخش رمان به تناوب، شخصیتهای رمان معرفی می شوند و گذشته شان درکمال ایجاز و اختصار شرح داده می شود و در کنار این معرفی شخصیتها، ماجرایا حادث ?داستان نیز دنبال می شود. مترجم محترم در ترجم ?حاضر ضمن رعایت دقت و امانت در انتقال مطالب و مضامین، به حفظ سبک نویسند ?کتاب نیز وفادار مانده و کوشیده است ترجمه ای استوار، روان و خوشخوان به دست دهد. تلاش مترجم در رساندن پیام کتاب یوسا به زبان فارسی با بیانی روشن و دلنشین ستودنی است.

۷ خاطرات پس از مرگ

ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب ، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد.آگه آشنایی با کتاب: خاطرات پس از مرگ خاطرات پس از مرگ براس کوباس / نوشته ماشادو د آسیس، ترجمهٔ عبدالله کوثری. – تهران: مروارید، ۱۳۸۲ داستانهای برزیلی – قرن ۱۹ ژواکیم ماریا ماشادو دِ آسیس (۱۸۳۹ – ۱۹۰۸) نویسندهٔ برزیلی، از نامدارترین نویسندگان قرن نوزدهم آمریکای لاتین و از بهترین آنها در همهٔ زمانهاست. در خانواده‌ای فقیر زاده و در کودکی یتیم شد. زندگی را نخست با کار کردن در چاپخانه و آنگاه با روزنامه‌نگاری و سپس با نویسندگی می‌گذراند. در برزیل به شهرت و منزلت دست یافت و اولین رئیس آکادمی ادبیات این کشور شد و تا پایان عمر در این سمت برجا بود. ماشادو در خلق طرح‌های پیچیدهٔ روانی و آنچه مایهٔ آزار انسان است، استادی بی‌بدیل بود. خاطرات پس از مرگ براس کوباس شاهکار ماشادو به شمار می‌رود و نویسنده در آن با آمیزش هنر کامل نقل و طنزنویسی، محیطی خاص به وجود آورده است. داستان خاطرات ثروتمندی را شرح می‌دهد که در عشق با ناکامی و تیره‌روزی همراه است. قهرمان کتاب در واقع نویسنده است که اندیشه‌ها، آرزوها، خاطرات، رؤیاها و احساس‌های خویش را در ضمن توصیفی از آداب و رسوم بیان کرده است. ماشادو در آثار خود توانسته است نثر برزیل را از حالت منطقه‌ای و تصویر منظره‌ها و آداب و رسوم خاص آن خارج کند و به مطالعهٔ بشر از نظر کلی و جهانی نزدیک شود. او به وسیلهٔ تحلیل دقیق روانی و تحقیقی استادانه موفق گشته است احساس تلخ ناکامی‌های خود را در ورای لحن مطایبه‌آمیز و طنز آرام و لطیف بپوشاند و ناپیداترین گوشه‌های زندگی را چون مسائلی عالی آشکارا پیش چشم گذارد. آثار داستانی ماشادو یک سلسله پردهٔ نقاشی منعکس‌کنندهٔ واقعیت‌هاست و بیان موجز او که از زبان و

فرهنگ عامه رنگ دارد، وی را یکی از بزرگترین نویسندگان زبان پرتغالی ساخته است.

۸ خودم با دیگران

ویژگی اثر : ترجمه،نوشت ?کارلوس فوئنتس نشر قطره

۹ روانکاو و داستان‌های دیگر

ویژگی اثر : ترجمه، آشنایی بـا کتـاب: روانکاو و داستان‌های دیگر روانکاو و داسـتان‌های دیگر / نوشـته ماشادو دِ آسـیس، ترجمهٔ عبـدالله کـوثری – تهران: لوح فکر، ۱۳۸۲. مجموعـهٔ روانکاو و داستان‌های دیگر، شامل یک داسـتان بلنـد و یازده داسـتان کوتاه از نویسندهٔ مشهور برزیلی ژواکیم مآریا ماشادو دِ آسیس است که توسط مترجم نامدار عبداله کوثری به زبان فارسی ترجمه گردیده و انتشارات لوح فکر آن را منتشر کرده است. نثر شیوا و روانی که مترجم برای برگرداندن متن به زبان فارسی به کار برده، واجد چنان ویژگی‌های ممتازی است که خواندن ترجمهٔ این مجموعه داستان نه فقط افادهٔ لذت می‌کند، بلکه همچنین مشابه همان تأثیری را در خوانندهٔ فارسی زبان باقی می‌گذارد که متن اصلی در خوانندهٔ اسپانیایی زبان می‌گذارد. مترجم با دقتی لغت‌شناسانه و با وسواسی محققانه کوشیده است تا سطح کلام را در گفتار هریک از راویان یا شخصیت‌های داستان‌ها متناسب با متن اصلی حفظ کند. به این منظور، وی علاوه بر گزینش دقیق برابرهای مناسب برای واژگان، به نحو یا ترکیب واژه‌ها در جمله نیز توجه نشان داده است. مترجم به سبب تسـلطی که به سبک نویسـنده دارد، موفق شده است متنی را به خوانندهٔ فارسی‌زبان عرضه کند که تا حد امکان مؤلفه‌های متمایزکننـدهٔ طرز داستان نویسیِ ماشـادو دِ آسیس را هم شامـل می‌شود. رعـایت امانت در ترجمه، به کارگیریِ معادل‌های دقیق و کوششِ درخور تحسین برای حفظ یا بازآفرینی سبک متن اصلی، از جملهٔ بارزترین ویژگی‌های ممتازِ این ترجمه است.

۱۰ شکسپیر

ویژگی اثر : ترجمه،نوشت ?جرمین گریر نشر طرح نو

۱۱ کارلوس فوئنتس

ویژگی اثر : ترجمه، نوشت ?لانین. آ. گیورگو نشر نسل قلم

منابع زندگینامه : ۱http://www.ibna.ir/vdcauin۶.۴۹nm۰۱۵kk۴.html۲www.ketabesal.ir

کوچک، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۵۰ ق)، عالم دینی و مدرس. وی از دانشـمندان و مدرسان قم بود که مدتها در نجف اشـرف نزد اسـتادان آنجا تحصـیل کرد و سپس به زادگاهش بازگشت و در محله سـلطان محمـد شـریف سـکنی گزیـد و به خدمات دینی پرداخت و عمر خود را در پارسایی و زهد به پایان برد. وی چند سال قبل از فوت آیت‌اللّه حایری در قم درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۱۲۹ /۱).

کوچکی، عوض

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: کشاورزی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای کشاورزی از دانشگاه ولز انگلستان در سال ۱۳۵۳.

مرتبه علمی:

تدریس در دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۵۳ تاکنون، استاد دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام ۱۵ پروژه تحقیقاتی در زمینه کشاورزی و زراعت، ارائه ۴۴ مقاله در ۱۰ کنگره بین‌المللی، استاد نمونه دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۶۹ و استاد نمونه در سطح ایران در سال ۱۳۷۲، عضویت در فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

کشاورزی، (زراعت).

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۲

زمینه علمی مقالات:

کشاورزی (زراعت).

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کوسج مروزی، ابویعقوب اسحاق

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۵۱ ق)، حافظ، محدث و فقیه حنبلی. در مرو به دنیا آمد و در نیشابور نشو و نما یافت. برای فراگیری فقه و حدیث به عراق و حجاز و شام سفر کرد و از سفیان بن عیینه و یحیی بن سعید قطان و عبدالرحمان بن مهدی و وکیع بن جراح و محمد بن یوسف فریابی و ابواسامه و نضر بن شمیل و ابویمان حکم بن نافع حدیث شنید. او از احمد بن حنبل و اسحاق بن راهویه و یحیی بن معین مسائل فقهی آموخت و آموخته‌های خود را مدون ساخت و در خراسان آنها را روایت کرد و چون در آن مسائل تشکیک کردند به بغداد رفت و صحت آنها را از احمد اعتراف گرفت. اسحاق بن منصور در بغداد حدیث گفت. بخاری و مسلم و نسائی و ترمذی و ابن‌ماجه قزوینی و ابوزرعه رازی و ابوبکر بن خزیمه و ابوالعباس سراج و مؤمل بن حسن ماسرجسی و احمد بن حمدون اعمشی و محمد بن احمد بن زهیر و ابراهیم بن اسحاق حربی و عبداللّه بن احمد بن حنبل و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. سرانجام در نیشابور سکنی گزید و همان جا از دنیا رفت و در کنار اسحاق بن راهویه و محمد بن رافع به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (۳۶۴ -۳۶۲/ ۶)، التاریخ الکبیر (۴۰۴/ ۱)، تذکرة الحفاظ (۵۲۵ -۵۲۴/ ۲)، تهذیب التهذیب (۲۲۷ - ۲۲۶/ ۱)، تهذیب الکمال (۷۷ -۷۴/ ۲)، الثقات (۱۱۸/ ۸)، الجرح و التعدیل (ج ۱ ق ۲۳۴/ ۱)، سیر النبلاء (۲۶۰ -۲۵۸/ ۱۲)، شذرات الذهب (۱۲۳/ ۲)، طبقات الحنابله (۱۱۵ -۱۱۳/ ۱)، طبقات الحفاظ (۲۵۳)، العبر (۳۶۰/ ۱)، الکامل (۳۳۰/ ۵)، معجم المؤلفین (۲۳۹/ ۲)، النجوم الزاهرة (۳۹۸/ ۲)، الوافی بالوفیات (۴۲۶/ ۸).

کوسه قراباغی محمد شاهی، یوسف

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۵۴ ق)، عالم دینی، متکلم و شاعر. معروف به کوسج. وی از اهالی قراباغ بود. سال وفات وی در «هدیة العارفین» و به تبع آن در «معجم المؤلفین» ۱۰۳۵ ق ذکر شده است. از آثار وی: حواشی و تعلیقات بر شرح مولانا جلال‌الدین دوانی بر «العقائد العضدیة»، که به نام «خانقاهی» معروف است، زیرا آن را در خانقاه حسینیه‌ی سمرقند تألیف کرده، و به ابوحامد خلیل‌اللّه تقدیم کرده است؛ «تتمة الحواشی فی ازالة الغواشی»، در جواب انتقادات آقا حسین خلخالی بر کتاب «خانقاهی» وی که در ۱۰۳۳ ق در شهر بخارا آن را نگاشت؛ شرح «الرسالة الحنفیة» محمد حنفی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۲۰۶/ ۱)، دانشمندان آذربایجان (۴۰۴)، کشف الظنون (۱۱۴۴)، معجم المؤلفین (۳۳۲ -۳۳۱/ ۱۳)، هدیة العارفین (۵۶۶/ ۲).

کوشا، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی کوشا

محل تولد : بیجار گروس- سیرلان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در تاریخ ۱/۱/۱۳۳۱ در یکی از روستاهای توابع شهرستان «بیجار گروس» واقع در استان «کردستان» به نام «دولت آباد» به دنیا آمده ام که به گفته مرحوم پدرم پس از ۱۴ روز به روستای «سیرلان» کوچ می کنند و تا کلاس ششم ابتدایی در سیرلان تحصیل نمودم و پس از آن وارد دبیرستان در شهر بیجار شدم. تا کلاس یازده نظام قدیم در بیجار و سال آخر دبیرستان را در شهرستان «سقز» به پایان رساندم و سال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی مقدمات را خواندم و سپس در حلقه های دروس دیگر تا شروع لمعه شرکت کردم و سپس دروس رسائل، مکاسب و کفایه را به پایان بردم و آنگاه در درس خارج شرکت

کردم.

پا به پای دروس سطح عالی در مدرسه «الهادی» و «امام عصر» حدود ۱۲ سال یا بیشتر تدریس نمودم و در زندانهای سیاسی کشور از جمله «اوین» در تهران و نیز «ساحلی» در قم و همچنین در اراک و همدان برای افراد سطح عالی به تدریس عقاید پرداختم و اکنون مدت ۱۰ سالی است که به کار تحقیق و نوشتن مشغول هستم. جمعاً ۲۶ اثر تألیفی، تحقیقی و تصحیحی را ارائه نموده ام که عمده آنها به چاپ رسیده است. اخیراً به علوم قرآنی بیشتر توجه نموده ام و ترجمه های قرآن را مورد نقد و بررسی قرار داده ام که کتاب معروف اینجانب به نام «ترجمه های ممتاز قرآن در ترازوی نقد» مورد توجه محافل ادبی و دانشگاهی به ویژه قرآن پژوهان، با استقبال خوبی مواجه بوده است و حدود ۱۱ مجله مثل آیینه پژوهان، ترجمان وحی، بینات و ... مقالات این بنده را در موضوعات کتابشناسی، نقد، ترجمه و ... چاپ کرده اند و همچنین با شماری از روزنامه ها و هفته نامه ها مصاحبه داشته ام و مقالاتی نیز در آنها به چاپ رسانده ام.

هدف اصلی من از طلبه شدن «فهم اسلام و فهماندن آن» بوده و چیزی جز این هم از خدا نخواسته ام به هر حال (از خدا جوییم توفیق ادب – بی ادب محروم ماند از لطف رب). ضمناً در ایام تعطیلی برنامه های وسیع تبلیغی در پیش و پس از انقلاب اسلامی داشته ام که می توانم بگویم در تمام آنها موفق بوده ام. از جمله: در شهرهای سبزوار، نیشابور، تربت جام، آبادان، زابل، شیراز، فیروز آباد فارس، همدان، تویسرکان، نهاوند، ملایر، بیجار و لار علاوه بر سخنرانی، کلاسهای تدریس اصول عقاید و پاسخ به پرسش ها و تفسیر قرآن را نیز برقرار نموده و در همه آنها موفقیت چشمگیری داشته ام.

کوشکی، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند ملا ابراهیم. عالم فاضل، و فقیه کامل [؟]، از ائمه‌ی جماعت، در ماه محرم سال ۱۳۱۷ در اصفهان وفات یافته، جنب فاضلان مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کوشوانی هروی، دوست محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سام میرزا گوید که اهل کوشوان از قراء هرات و جوانی خوش‌صحبت است. در شعر و عروض و معمّا مهارت دارد و «گامی» تخلص می‌کند از صحافی سررشته دارد و نستعلیق را خوب می‌نویسد و چنین وانمود می‌کند که هنگام تألیف تحفه‌ی سامی (سال ۹۵۷) در حال حیات است؛ ولی صاحب مناقب هنروران، وی را جزو چهل تن هنرمندان دربار بایسنغر میرزا گورکانی (۸۳۷–۸۰۲) آورده است و کلمان هوار و میرزا حبیب، تاریخ مرگ او را سال ۸۷۱ ضبط کرده‌اند که سه قول متضاد است و به هیچ قسم نمی‌توان بین این سه قول توافقی حاصل کرد، جز اینکه فرض کنیم به فاصله‌ی یک قرن زمان، دوست محمد کوشوانی برخاسته و هر دو خوشنویس و هنرمند بوده‌اند.

صاحب گلستان هنر آورده است: «مولانا دوست محمد شاگرد مولانا قاسم شادی شاه است. مصحفی به خط نسخ تعلیق تمام کرده بود، شاه رضوان بارگاه (مقصود شاه طهماسب اول است) را به او لطفی بود و جمیع کاتبان و نقاشان را از کتابخانه اخراج نمودند به غیر از مولانا، که به حال خود باقی ماند. وی تعلیم خط به شاهزاده سلطانم می‌داد.» و تقریباً عین همین مطلب را کلمان هوار و میرزا حبیب و عبدالمحمد خان و سپهر، اقتباس کرده و متذکر آنند.

مؤلف صنعتگران و خوشنویسان هرات گوید: «در خوشنویسی خراسان و فارس (مقصود از فارس کشور ایران است!) شهرت زایدالوصفی حاصل کرده بود... در عصر صفویان فارس مسافرتی به فارس نمود و نزد طهماسب صفوی تقرب جسته است چنانچه این امر از اثر خطی گرانبهای او که در موزه‌ی زیارتگاه قم محفوظ است، واضح می‌شود. اثر مذکور عبارت از نسخه‌ی قلمی قرآن کریم است که برحسب فرمایش شاه طهماسب صفوی در سنه‌ی ۹۶۸ هجری قمری نوشته شده است.»

در جزو نفایس کتابخانه‌ی خزینه‌ی اوقاف استانبول، مرقعی است که به دست همین دوست محمد هروی، برای شاهزاده هنرمند هنرپرور، بهرام میرزای صفوی فراهم شده و گنجی است از بهترین آثار هنرمندان خوشنویس و صورتگر ایران و دیباچه و مقدمه‌ای به انشاء دوست محمد و به خط خود او به آن افزوده شده است که در پایان ترجمه‌ی احوال دوست محمد، مطالب سودمند آن عیناً نقل خواهد شد و آنچه از مفاد این مقدمه درباره‌ی احوال دوست محمد دستگیر می‌شود اینکه:

دوست محمد از خوشنویسان کتابخانه‌ی شاه طهماسب اول بوده است و در ذکر کتاب کتابخانه‌ی سرکاری شاه طهماسب دارد: «... دیگران این بنده‌ی بی‌بضاعت و کمینه‌ی بی‌استطاعت داعی دولت مؤید، دوست محمد که عمری خامه‌سان سر ارادت بر خط فرمان نهاده خط بندگی به سکان این آستان ملایک پاسبان داده قطه زمین خدمت را از زر رخسار زرافشان نموده و بر صفحه‌ی اوراق ثنا پیوندد...»

و نیز شاهزاده ابوالفتح بهرام میرزا که توجه و علاقه‌ی مخصوص به خطوط خوش استادان داشته است «مایل بدان شد که اوراق

پریشان استادان ماضی و متاخرین را از حیز پریشانی درسک جمعیت آوردن» و دوست محمد را مأموریت ترتیب و تزیین چنان مرقعی داده و او حسب‌الاشاره «به رسم کتابخانه‌ی آن جم جاه سپهر احترام مرقعی ترتیب» کرده، چون ذکر منشأ خط و استادان خط را در آن مجموعه لازم دیده، به تمهید ایراد آن التزام کرده است و مختصری در تاریخ پیدا شدن خط و تکامل آن واساسی استادان خط و نقاشان و مذهبان کتابخانه‌ی شاه طهماسب را به رشته‌ی تحریر آورده است و در تاریخ تألیف آن چنین دارد:

پذیرفت اتمام چون این مرقع

زخیل ملایک برآمد منادی

تبارک از این خط و تصویر و تذهیب

فاحسنت از این زیب و زینت که دادی

به رسم کتب خانه‌ی شاهزاده

مه برج تمکین، گل عیش و شادی

سپهر کمالات، بهرام میرزا

که مثلش کسی نیست در هیچ وادی

چو تاریخ اتمام پرسید، گفتم

(ابوالفتح بهرام عادل نهادی)

که می‌شود سال ۹۵۱.

همچنین معلوم می‌شود که دوست محمد، گذشته از هنر خوشنویسی، به نقاشی و تذهیب و صحافی و قطاعی، آشنا بوده (و قطعات متعدد به خط میرعلی هروی و حافظ باباجان و شیخ محمد مذهب محرر» است، و اما با اینکه سام میرزا به بعض هنرهای دوست محمد اشاره کرده، ذکری از خدمت او در دربار شاه طهماسب و بهرام میرزا نکرده، و این از آن روست که در آن هنگام دوست محمد جوانی بوده و هنوز به کتابخانه‌ی شاه طهماسب راه نیافته بوده است.

دوست محمد هروی، نام پدرش سلیمان است و اینکه سپهر تاریخ وفات او را سال ۹۶۸ ضبط کرده، سهو است که حیات او تا سال ۹۷۲ که در این تاریخ کتابی کتابت کرده است، مسلم و پس از آن معلوم نیست تا کی زیسته باشد.

دوست محمد، جز نستعلیق، اقلام نسخ و ثلث و رقاع و شکسته تعلیق را، نیز خوش می‌نوشته است، از جمله همان نسخه‌ی قرآن کریم است که صاحب صنعتگران و خوشنویسان هرات گوید که برای شاه طهماسب نوشته است و متن این نسخه به سه قلم نسخ و ثلث و ریحان است که سطر اول و آخر هر صفحه، به قلم ریحان و سطر وسط صفحه ثلث بقیه‌ی سطور بین این سه سطر، نسخ کتابت عالی است و رقم: «دوست محمد بن سلیمان هروی» و تاریخ سال ۹۶۸ دارد و به سال ۱۰۹۴ حاج آقا کافور، آن را وقف آستانه‌ی حضرت معصومه کرده و اکنون در موزه‌ی قم موجود است.

دیگر قطعه‌ای در یک مجموعه‌ی خصوصی دیده‌ام، که به قلمهای ثلث چهار دانگ و نسخ کتابت و تعلیق نیم دو دانگ خوش، نوشته است.

دیگر یک نسخه دیوان حضرت علی بن ابی‌طالب، در کتابفروشی دیده‌ام، و اما از قرآنی که به نستعلیق نوشته است و صاحب گلستان هنر ذکری از نسخه‌ی کامل آن قرآن کرده، فعلاً ـ یک جزو آن در کتابخانه‌ی خزینه‌ی اوقاف موجود است که رقم دارد: «کتبه العبد الفقیر دوست محمد الکاتب».

قرآن رحلی جلد سوخت تحریر طلاپوش. دو صفحه‌ی افتتاح و متن و حاشیه مذهب مرصع ممتاز- تماماً مزین. نسخ کتابت و ثلث رقاع جلی خوش با رقم: «... دوست محمد بن سلیمان هروی...» سال ۹۶۸. در آستانه‌ی حضرت معصومه‌ی قم.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

کوشیار گیلانی، ابوالحسن

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم و پنجم ق)، عالم، منجم و ریاضیدان. چون عالمی بزرگ بود با کیا ابوالحسن نیز مشهور است. وی منجم وشمگیر و قابوس بن وشمگیر بود. سعدی در باب چهارم بوستان او را دانای گردن فراز خوانده و پند گرانبهای خود را درباره‌ی ضرورت فروتنی از زبان کوشیار بیان می‌کند. وی از نخستین کسانی بود که تابع ظل (تانژانت) را به کار برد. کوشیار در ابداع شکل مغنی (قضیه‌ی سینوسها) سهیم بوده و بنا به گفته‌ی بیرونی نام شکل مغنی را او برای این قضیه اختیار کرده است. کوشیار علم مثلثات را که توسط بوزجانی و بتانی پایه‌ریزی شده بود گسترش داد و جدولهای مثلثاتی آنان را تکمیل کرد. از دیگر آثار وی: «اصول حساب الهند»، به زبان عربی، که یکی از قدیم‌ترین کتاب‌هایی است که در این زمینه به جای مانده است؛ «زیج جامع»، در نجوم؛ «زیج بالغ»، در نجوم، که به آورده‌ی «زندگینامه‌ی ریاضیدانان دوره‌ی اسلامی» و «کتاب گیلان» برخی از پژوهشگران غربی این دو «زیج» را یکی دانسته‌اند و صاحب «کشف الظنون» نیز این دو را تحت یک عنوان آورده است؛ «مجمل الاصول فی احکام النجوم»، به نام «المدخل فی صناعهٔ احکام النجوم» یا «اربع مقالات»؛ «کتاب الاسطرلاب و کیفیهٔ عمله و اعتباره علی التمام و الکمال»؛ «رساله فی الابعاد و الاجرام».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۳۳۶/ ۱)، تاریخ طبرستان (۱۳۷)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (۵۲)، دایرهٔ المعارف

فارسی (۲۳۰۷ / ۲)، الـذریعه (۴۸ / ۲۰ ،۷۲ –۷۱ / ۱۱)، ریحـانه (۱۰۳ / ۵)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۴۲۰ –۴۱۴)، فرهنـگ ادبیات فارسی (۴۲۸)، کتـاب گیلان (۶۷۴ –۶۷۰ / ۲)، کشـف الظنون (۱۶۰۴ ،۹۶۸)، معجم المـؤلفین (۱۴۸ / ۸)، نامها و نامـدارهای گیلان (۴۱۵ –۴۱۴)، هدیهٔ العارفین (۸۳۸/ ۱).

کوکب

قرن:۷

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن هفتـم هجری، از زنـان شـاعر شـیراز، تـذکرهٔالخواتین و برخی تـذکره‌های دیگر او را دختـر سـعدی شیرازی (۶۹۵ / ۶۹۱ ق) دانسـته‌اند. تـذکره حدیقه عشـرت علاوه بر تأیید آن به ذکر داستان و مشاعره این دو می‌پردازد. ولی مؤلف کتاب از رابعه تا پروین قطعاً این نظر را رد می‌کند و می‌نویسد: «نباید کوکب، دختر شیخ]سعدی[باشد، زیرا اینجانب که در احوالات شیخ بیش از دو سال مستمراً تحقیق نموده‌ام هیـچ کجـا دلیـل و قرینه‌ای نیـافتم که دلالـت بر بـاقی مانـدن دختری آن هم بـالغ و رشـید و شاعر از سـعدی بنماید». ضمناً هیچیک از تذکره‌های معتبر و قدیمی‌تر به این مطلب اشاره‌ای نکرده‌اند. بیت زیر به او منسوب است:

عشقبازان رو به سوی قبله آن کو کنید

هر کجا محراب ابرویش نماید رو کنید

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: «پرده‌نشـینان سـخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره ۵۰، از رابعه تـا پروین، ۱۸۹ –۱۸۸؛ تذکرهٔالخواتین، ۱۵۸؛ حدیقهٔ عشرت، ۴۸ –۴۹؛ ریاحین‌الشریعه، ۴۳ / ۵؛ زنان سخنور، ۱۰۶ / ۲، نگارستان سخن، ۸۶.

کوکب شیرازی، محمد صادق

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سـیزدهم ق)، طبیب و شـاعر، متخلص به کوکب. از اهـالی شـیراز بود. وی در دوران نوجوانی بـا علوم عقلی و نقلی به ویژه علم طب و ریاضـی آشـنایی کامل یافت. شـعر را نیکو می‌سـرود و خط نسـتعلیق و شکسته را خوب می‌نوشت و در دولت زندیه خدمات دیوانی می‌کرد. پس از انقضای دولت زنـدیه (۱۲۰۸ ق) برای تجارت به هندوسـتان عزیمت نمود و در شـهر مـدرس آن دیار از دنیا رفت. از وی «دیوان» شعری بر وزن «هفت پیکر» نظامی به جای مانده که با همت فرزندانش گردآوری شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زنـدگینامه :حدیقهٔ الشـعراء (۱۴۷۰ –۱۴۶۸ / ۲)، دانشـمندان و سخن‌سـرایان فارس (۲۵۴ –۲۵۲ / ۴)، الذریعه (۹۲۵ / ۹)، سفینهٔ المحمود (۵۳۶ –۵۳۵ / ۲)، فرهنگ سـخنوران (۷۷۳)، لغت‌نـامه (ذیـل/ کوکب شـیرازی)، مجمع الفصـحا (۸۹۴ –۸۹۳/ ۵)، مرآت الفصاحه (۵۲۶ –۵۲۴)، مصطبه‌ی خراب (۱۵۳).

کوکب یزدی، عبدالعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۰ / ۱۲۳۹ ق)، خطـاط و شـاعر، متخلص بـه کـوکب. ملقـب به نـواب. در دوره‌ی فتحعلی شـاه قاجـار می‌زیست. در اصـل خراسانی بود ولی در یزد به دنیا آمـد. وی نزد پـدر به کسب علوم پرداخت و بعـدها به درخواست تقی خان یزدی از خراسان به یزد رفت و مدرس مدرسه‌ی تقی خان گردید. کوکب در نوشـتن خطوط، به ویژه خط نسخ مهارتی بسـزا داشت و شـعر نیز می‌سرود. او در اواخر عمر به شـیراز رفت و همـان جـا نیز درگـذشت. از آثـار وی: یـک نسـخه «دعـای کمیـل»، به قلم کتابت خوش، با رقم: «بر حسب انقیاد حکم... فتـح علی شاه... کتبه العبـد... ابن‌محمد محسن الخراسانی، عبدالعلی فی سـنه‌ی ۱۲۲۷ ق»؛ سه رقعه نسـخ کتابت خوش، با رقم‌های: «نمقه العبـد الاقل عبـدالعلی بن محمد محسن فی سـنهٔ ۱۲۲۶» و «راقم الحروف عبـدالعلی ۱۲۲۵» و «عبدالعلی فی ۱۲۳۷».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشـنویسان (۱۱۰۵ –۱۱۰۴/ ۴ ،۴۰۴۴ –۴۰۳/ ۲)، حدیقهٔ الشعراء (۱۴۷۳ –۱۴۷۱/ ۲)، الذریعه (۹۲۶ –۹۲۵/ ۹)، ریحانه (۱۰۴/ ۵)، سـفینهٔ المحمود (۲۷۴ –۲۷۳/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۷۷۳)، مجمع الفصحا (۸۹۳ –۸۹۲/ ۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۵۲)، مکارم الآثار (۱۰۹۳ –۱۰۹۲/ ۴)، نگارستان دارا (۱۲۴ –۱۲۳).

کوکبی بخارایی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر و موسیقیدان. اهل بخارا بود و در همان دیار به طلب علم پرداخت. طبع خوبی داشت و شعر می‌سرود. علاوه بر شاعری وی در فن موسیقی نیز ماهر بود. این رباعی از اوست:

گر یار بنامناسبی سیر کند

وز کوی صلاح ره سوی دیر کند

غم نیست دلا چو یار بی‌مهر و وفاست

با ما چه وفا کرد که با غیر کند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۹۲۶/ ۹)، صبح گلشن (۳۴۵)، فرهنگ سخنوران (۷۷۳)، مجالس النفائس (۱۵۵).

کوکبی قزوینی، قباد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۳۳ ق)، شاعر. در قزوین به دنیا آمد. تقی‌الدین اوحدی او را در قزوین ملاقات کرده است. وی به هندوستان مسافرت کرد و مدتی در گلکنده بود. کوکبی در حیدرآباد دکن فوت کرد و در جوار میر محمد مومن به خاک سپرده شد. از اوست:

چو در کنج قفس میرم بسوزیدم مگر روزی

به امداد صبا خاکسترم راه چمن گیرد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۱۳)، الذریعه (۹۲۶/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۷۳)، کاروان هند (۱۱۸۹ -۱۱۸۷/ ۲).

کوکبی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید ابوالقاسم کوکبی بن السید الجلیل والعالم النبیل السید علی‌اصغر کوکبی تبریزی از فضلاء مدرسین حوزه علمیه قم است. وی در سال ۱۳۰۴ شمسی در تبریز متولد شده و پس از رشد و پرورش در حجر علم و تقوا و خواندن مقدمات و سطوح اولیه به قم آمده و سطوح وسطی و نهائی را از مدرسین بزرگ حوزه به پایان رسانیده و چندی از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی حجت کوهکمری و آیت‌الله العظمی بروجردی اعلی‌الله مقامهما استفاده نموده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف کرده و از محضر زعیم اعظم والمرجع الاعلی الخوئی مدظله و بعض آیات عظام دیگر بهره‌مند شده و به تدریس فقه و اصول پرداخته تا سال ۱۳۹۱ قمری که به ایران مراجعت و اقامت در قم را اختیار و به گفتن درس خارج فقها و اصولا مشغول و عده‌ای از فضلاء از بیانات دقیقه‌اش مستفیض می‌شوند.

از آثار ایشانست تقریرات در اسات و ابحاث استاد بزرگوارش علامه خوئی در فقه اصول نگارنده گوید: مترجم معظم از افاضل بنام تبریز و حوزه علمیه قم و نجف می‌باشد که به زیور علم و کمال آراسته و به تقوا و ورع موصوف و به محامد اخلاق و آداب معروف است.

برادر گرامی ایشانست جناب حجه‌الاسلام آقای حاج سید موسی کوکبی که از اصحاب و تلامذه مخصوص آیت‌الله العظمی آقای مرعشی نجفی مدظله العالیست.

سید ابوالقاسم کوکبی فرزند عالم جلیل و سید نبیل حاج سید علی‌اصغر باغمیشه‌ای تبریزی از افاضل دانشمندان و اکابر مدرسین حوزه علمیه قم و نجف می‌باشند.

ایشان در سال ۱۳۰۴ شمسی برابر ۱۳۴۵ قمری در تبریز متولد شده و در حجر فضل و دانش پرورش یافته و دروس جدید را در تبریز خوانده و در مدرسه طالبیه تبریز مقدمات و ادبیات را خوانده و در سال ۱۳۲۰ شمسی سال گریختن رضاخان از ایران و تبعید او به موریس به قم آمده و سطوح عالی مکاسب و کفایه را از مرحوم محقق داماد یزدی آموخته و به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه حجت کوهکمری که سمت کفالت ایشان را داشت شرکت نموده و تا سال ۱۳۷۰ قمری از فیض درس و محضر آن بزرگوار استفاده نموده و از ابحاث مرحوم آیت‌اللّه بروجردی هم بهره‌مند شد.

تا سال مزبور که والد ماجدش به رحمت ایزدی پیوست. جنازه‌اش را حمل به نجف نموده و مدت شش ماه اقامت و پس از آن به قم برگشت و بعد از فوت استادش مرحوم آقای حجت مهاجرت به عراق نموده و برای تکمیل مبانی علمی رحل اقامت افکنده و از درس و بحث مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم و بالاخص آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله الوارف فقها و اصولا ـ استفاده نموده و دراسات اصول معظم‌له را به نام مبانی الاستنباط در چهار جلد تألیف که دو جلد مطبوع و دو جلد مخطوط می‌باشد.

معظم‌له حدود سی سال در نجف اقامت و به درس و تدریس اشتغال داشته تا سال ۱۴۰۰ قمری که به ایران آمده و بنا بر استخاره و خواست خداوند متعال به قم آمده و اقامت در این بلده طیبه را انتخاب و تا حال تحریر به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال و جمعی از محصلین از محضرش استفاده می‌نمایند.

مرحوم والدش حجةالاسلام حاج سید علی‌اصغر باغمیشه‌ای نیز از علماء ابرار و دانشمندان اخیار آذربایجان و تبریز بوده‌اند. و آن مرحوم در قم بـا مرحوم آیت‌اللّه حجت قدس‌اللّه سرهما اختلاط و آمیزش داشتند و حدود نه سال به اتفاق آن مرحوم به درس مرحوم آیت‌اللّه حایر یزدی مؤسس حوزه شرکت کرده و استفاده می‌نمودند و پس از فوت آن مرحوم به تبریز برگشته و به وظائف دینی از اقامه جماعت و ترویج و تبلیغ اشتغال داشت تا در سال ۱۳۶۶ قمری که از دنیا رفت و حسب الوصیتش جنازه‌اش را بعد از چهار سال تر و تازه مانند روزی کـه از دنیـا رفته حمل به نجف اشرف نموده و در جوار جد گرامیش حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام به خاک سپردند.

آن مرحوم دارای خصایص روحی و معنوی و فضائل اخلاقی بوده‌اند. وقتی به مشهد مشرف شده و در مراجعت به تبریز با فرزندان و خانواده‌اش که با ماشین می‌رفتند هنگام عصر و نماز به راننده می‌گویند نگهدار نماز بخوانیم راننده لاابالی می‌گوید جلوجلو و نگه نمی‌دارد که به آب روانی در کنار راه می‌رسند و هر چه آقا می‌گوید نگه دار او به سرعت به راه ادامه داده و جلو جلو می‌گوید که آقا می‌بیند نزدیک است آن آب روان از دست برود و نماز هم قضا شود که فریاد می‌زند به تو می‌گویم نگه دار که ماشین چهار چرخش پنجر شده و از کار می‌افتد و آقا و مسافرین پیاده شده نمازشان را می‌خوانند و آن راننده هم به دست و پای آقا افتاده و بوسه زند و عذرخواهی می‌کند. و بدن شریفش هم پس از چهار سال تازه و بدون هیچ تغییری حمل به نجف می‌شود که مورد اعجاب ماموران مرز و گمرک منذریه قصر شیرین می‌گردد.

برادر آقای کوکبی آقای حاج سید موسی کوکبی از ائمه جماعت تهران می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

کوکبی، امیرحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی متالورژی، دانشکده: مهندسی متالورژی، دانشگاه: صنعتی شریف

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی متالورژی از دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۴۸، دکترای تخصصی متالورژی استرانکلید از انگلستان در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۴، دانشیار دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۶۴ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ساخت و بهره‌برداری جوشکاری اصطکاکی، جوشکاری فشاری آلومینیم، بررسی ساخت و استفاده سیم جوش مخصوص سرب لادن لایه سخت، تولید مواد جوش ترمیت و اگزوترمیت، تدریس دروس جوشکاری، طراحی کوره‌های صنعتی، محاسبات فلزات غیر آهنی، آزمایشگاه جوشکاری و کارگاه در دانشگاه صنعتی شریف و علم و صنعت ایران استاد راهنمای بیش از ۳ پایان‌نامه تخصصی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

راهنمای جوشکاری آلومینیم و چدن، جوشکاری فولادها با الکترود دستی و تکنولوژی جوشکاری.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

جوشکاری و صنعت، ریخته‌گری.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کوه کمره ای، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد کوه کمره ای

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

الحمدلله المفیض علی الاطلاق المتّجلی علی الانفس و الاخلاق، و الصلوهٔ و السلام علی النّبی الاعظم و النور الاتم و الخلق الاول محمد و آله الطاهرین و لعنهٔ الله علی اعدائهم اجمعین.

بر همه راهیان علم و ادب و فرهنگ و هنر و سالکان راه حق و حقیقت، پوشیده نیست که یکی از کارهای ارزشمند و مفید بر حال همهٔ طبقات جوامع بشری احیای آثار و تراجم احوال بزرگان علم و ادب می باشد. مع الاسف این کمترین داخل در این مقوله نیست چون نه مشکلی را با بیان حل کرده و نه گره و عقدهٔ علمی را با بنان، تا صاحب تصنیف و تألیفی باشم شایسته تحسین و سزاوار تبیین، نه به مقامی واصل و نه بهره و اثری از او حاصل، لیکن بنا به منطق شرع مبین که اجابت دعوت مؤمن مستحسن است و لازم، به دعوت مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور (شکر الله مساعیهم) لبیک گفته چند کلمه مختصر به عنوان بیوگرافی و شرح حال اجمالی نوشته و بازگویی می نمایم: اینجانب سید محمد کوه کمری فرزند مرحوم خلد آشیان حاج سید ابوالفضل کوه کمری (غفر الله و لنا)، به سال یک هزار سیصد و نوزده هجری شمسی و روز چهاردهم شعبان المعظم در شهرستان تبریز دیده به جهان گشوده و تحت مراقبت و کفالت پدر و مادر الهی تربیت یافته و از شیر مادری مؤمنه و عفیفه تغّذی نموده ام (سقاهما الله و جمیع المؤمنین و المؤمنات شرابا طهورا) و انتساب پر افتخار و سلسله سیادت اسره و خانواده اینجانب با ۲۹ واسطه به چهارمین اختر تابناک امامت و ولایت حضرت سید الساجدین و زین العابدین علی بن الحسین (علیهما السلام) می رسد و از سادات صحیح النسب کوه کمره که از توابع و نواحی شهرستان تبریز شمرده می شود؛ می باشد و در این رابطه مناسب و به جا می بینم که متذکر و متمثل به اشعار استاد شهریار رحمهٔ الله علیه باشم

جز یک نسب که از تو به خود بسته چیستم من آنچنانکه آل علی هست، نیستم

امّا مرا هم ای علی از خود مران که من تا چشم داشتم به حسینت گریستم

پس از پایان تحصیلات ششم ابتدایی در شهرستان تبریز وارد مدارس علوم دینی شده و مشغول خواندن کتابهای ادبیات فارسی معمول و متعارف آن زمان مانند گلستان، نصاب، تاریخ معجم، کلیله و دمنه و کتابهای دیگر و بعد مشغول فرا گرفتن کتب ادبیات عربی متعارف حوزه های آن عصر از محضر اساتید بزرگوار و روحانیون عالی مقام گردیدم (غفر الله للماضین منهم و ادام الله افاضین الباقین و اداء حقوقهم) که به اسم مبارک بعضی از بزرگواران اشاره و یاد آوری می نمایم: مرحوم مغفور شیخ عبدالکریم دستجردی، آقای حاج شیخ موسی ناصحی، آقای میرزا رحیم قراملکی و آقای حاج شیخ جعفر اشراقی که هر سه بزرگوار در قید حیات می باشند (وفقهم الله لمرضاته) و در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی پس از ارتحال مرحوم حضرت آیهٔ الله العظمی بروجردی (رحمهٔ الله علیه) به حوزه مقدسه علمیّه قم (صانها الله عن الحوادث و الفتن) مشّرف شدم. پس از زحمات فراوان در مدرسه مبارکه حجتیه (اعلی الله درجات مؤسسها و بانیها) حجره گرفته و تحصیل را ادامه دادم و باقیمانده لمعتین، رسائل و مکاسب را در محضر اساتید بزرگوار و گرانقدری چون: جناب مستطاب «حاج میرزا جعفر سبحانی»، «حاج سید جواد خطیبی»، «آقای شیخ کریم مَلائی»، «آقای میرزا ابوالفضل علمائی» و «شیخ حسین ایوبی» استفاده کردم و جلدین کفایه را در محضر انور و پر فیض «مرحوم آیهٔ الله سید محمد باقر طباطبائی بروجردی» معروف به (سلطانی) فرا گرفته و بهره جستم. (حشره الله مع اجداده الطاهرین و جزاه الله عن الاسلام خیرا).

از علوم عقلی کتاب شریف شرح تجرید را در خدمت مرحوم آقای «شیخ اسحاق آستارائی» و شرح منظومه را در خدمت مرحوم شهید بزرگوار «آیت الله دکتر محمد مفّتح» و مدت نه سال مشغول خواندن کتاب شریف اسفار مرحوم ملاصدرا در محضر نورانی و پر از معنویت و روحانی حکیم الهی «حضرت آیت الله جوادی آملی» (ادام الله ظله العالی) بوده و بهره کامل برده و مدت چهار سال از محضر اقدس و نورانی حکیم الهی و عارف ربانی «حضرت آیت الله حسن زاه آملی»، مقداری از هئیت قدیم و مقداری از مصباح الانس را تلّمذ نموده و استفاده کافی بردم و پیش از انقلاب مقدس اسلامی مرحوم شهید بزرگوار فیلسوف عالیقدر و اسلام شناس آن هم به معنی واقعی کلمه، «حضرت آیت الله مطّهری» (اعلی الله درجات العالیه و جعل ابخته مثواه) مدت کوتاهی در شب های پنجشنبه، خارج اسفار و روزها بحث شناخت، افاضهٔ فیض می فرمودند و اینجانب هم افتخار شرکت داشتم.

پس از اتمام دورهٔ سطح در علوم عقلی و نقلی قسمت خارج فقه و اصول را شروع نمودم که نسبتاً زمان طولانی بود در محاضرات و دراسات آیات عظام و اسطوانه های فقه و فقاهت و مراجع گرانقدر آن زمان حضور مستّمر داشتم و اول کسی که در درس خارج او شرکت نمودم و از چهرهٔ دل آرای او لذت می بردم؛ شخصیت والا مقام و کم نظیر، عالم متضلع و فقیه مطلق و نائب بر حق حضرت حجهٔ بن الحسن العسکری (علیه السلام) و بینان گذار جمهوری اسلامی ایران «حضرت آیت الله العظمی امام خمینی» بود (اعلی الله درجاته العالیه و جزاه الله عن الاسلام خیراً) و البته باید بگویم من در آن زمان هنوز سطح را تمام نکرده بودم ولیکن به جهت شدت محبت و ارادت بی‌شائبه‌ای که به ایشان داشتم؛ بعد ازظهرها در خارج اصول ایشان در مسجد اعظم قم افتخار محضرشان را داشتم و از جمله کسانی که از خرمن علمی آنها خوشه چینی نموده و استفاده کافی برده ام عبارتند از: «حضرت آیت الله شریعتمداری»، «حضرت آیت الله گلپایگانی»، «آیت الله علامه سید علی فانی» که مدت ۱۲ سال در محضر پرفیضشان بهره مند شدم، «حضرت آیت الله داماد»، «حضرت آیت الله میرزا هاشم آملی»، «حضرت آیت الله فیروز آبادی»، «حضرت آیت الله وحید خراسانی» و سایر بزرگان علم (غفر الله الماضین منهم و اصال الله عمر الباقین).

(و اما خدمات اجتماعی): از ۲۲ سالگی وظیفهٔ سنگین امر به معروف و نهی از منکر را به عهده گرفته و در مناطق و محل‌های مختلف مانند: تهران، تبریز، خلخال، آمل، اطراف تبریز و جاهای دیگر منبر رفته و در اشتغال مقدس تبلیغات ایفاء وظیفه نموده ام و در کنار تبلیغات در اطراف تبریز و در تهران، حمام و لوله کشی محل و حسینیه و تعمیر مساجد بنیان نهاده ام. و در خارج کشور در آذربایجان شوروی منبر رفته ام و خاطرات شیرین و بیاد ماندی دارم که به یکی از آنها اشاره می نمایم: در اولین شب ورودم که شب اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام بود در یک منزلی مجلس عزا و احسان منعقد شده بود. بنده هم به آنجا دعوت شدم و

رفتم و پس از صرف شام، صاحب منزل آمد پیش من و گفت جناب آقا، بنده جهت این احسان مبلغ چهار هزار مانت (واحد پول آنجا) خرج و هزینه نموده ام. خمس مبارك این مبلغ چقدر می شود بفرمائید تا من پرداخت نمایم. برای بنده این منظره بسیار جالب بود که پس از گذشتن هفتاد و دو سال از حکومت کمونیستی و لامذهبی این چنین عقیده پاك خودش را حفظ نموده است که قدر آیه شریفه (یریدون لیطفئوا ...) تداعی می شد.

و باز در قسمت خدمات و کار اجتماعی باید بگویم از همان اوائل شروع به تحصیل، اشتغال مقدس تدریس و تعلیم و در کنارش تربیت را به عهده گرفته ام. یعنی از آن دوران که در تبریز بودم تا به امروز که سال ۱۳۸۷ هجری شمسی می باشد؛ اکثر متون و کتب درسی را در دوره های مکرر تدریس نموده ام و الان هم بحمدالله و المنه در حوزه علمیه مقدسه قم در محضر پر فیض حضرت فاطمه المعصومه (علیها سلام)، تدریس مکاسب و کفاتین ادامه دارد و از خداوند منّان توفیقات هر چه بیشتر برای سالکان راه حق و حقیقت و راهیان علم و عمل عموماً و برای این کمترین و خاك پای پویندگان راه سعادت خصوصاً مسئلت می نمایم و حسن عاقبت و رضای حضرت حق (جل و علی) برای عموم شیعیان امامت و ولایت خواهانم. (و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین). ضمناً در کار تصحیح و تحقیق بعضی از کتابهای علمی مانند: کتاب «مهذب قاضی ابن براج» و سایر کتابها مشارکت داشتم. و ضمناً چندین سال است که امامت ظهرین و عشائین و تبلیغ و نشر احکام و تفسیر قرآن کریم در مسجد قائم واقع در بلوار شهید منتظری را تقبّل نموده و مشغول هستم.

کوه کمری، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۹ ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. معروف به سید حسین ترک. در ارونق تبریز به دنیا آمد. نسبش با بیست و چهار واسطه به امام حسین (ع) می‌رسد. پس از تحصیل مقدمات، در تبریز نزد میرزا احمد مجتهد تبریزی و پسرش حاج میرزا لطفعلی امام جمعه و در عراق در محضر صاحب «فصول» و صاحب «ضوابط» و صاحب «جواهر» و شریف العلمای مازندرانی و شیخ علی کاشف الغطاء و شیخ مرتضی انصاری تلمذ نمود تا به درجات عالی علمی رسید و بعد از وفات استادش، شیخ انصاری، مرجعیت یافت و به تدریس پرداخت. حوزه‌ی درس وی از پررونق‌ترین حوزه‌های زمانش بود. حاج میرزا موسی تبریزی، صاحب «اوثق الوسائل»، و شیخ حسن مامقانی و ملا محمد شرابیانی و ملا احمد شبستری از شاگردان وی بودند که بحث استاد را تقریر می‌کردند. از دیگر شاگردان وی سید عبدالمجید گروسی، سید عزیزاللّٰه تهرانی، ملا علی دماوندی، ملا علی علیاری تبریزی، میرزا جواد آقا تبریزی، شیخ عبداللّٰه مازندرانی، سید حسن طالقانی، میرزا محمد علی چهاردهی و بسیاری دیگر را می‌توان نام برد. در نجف درگذشت و در مقابل مقبره‌ی صاحب «جواهر» به خاک سپرده شد. از آثار وی: «الاستصحاب»؛ «المواریث»؛ «القضاء»؛ «الصلاة»؛ «الزکوة»؛ «الاجارة»، «تقریرات» درس استادش صاحب «ضوابط»؛ رساله در «مقدمة الواجب».[۱]

عموی بزرگوار مرحوم حجت است که در ج ۴ مشاهیر دانشمندان ص ۱۴۶ (ترجمه الکنی والالقاب محدث قمی) این نگارنده ترجمه نمود و در ذیل آن از مترجم عظیم‌الشأن خود هم ذکر کرده‌ام.

مرحوم علامه سید حسین کوه کمره‌ای فرزند سید محمد بن سید حسین است که با بیست و پنج پشت به امیرالمؤمنین علیه‌السلام منتهی می‌شود وی برادر مرحوم سید علینقی پدر سید علی کوه کمره‌ای سابق‌الذکر است و آنجناب از نوابغ و نوادر زمان خود بوده و به گفته صاحب مجله المرشد در ج ۴ ص ۲۴ در اواخر قرن سیزدهم هجری چند تن از علماء اعلام و مجتهدین عظام طلوع کردند که عالم به نور هدایت ایشان روشن گردید ولی دو نفر مجد و بزرگواری و مساعی جمیله خود را حیازت کردند و ایشان آیت‌اللّٰه العظمی سید حسین کوه کمره‌ای و رئیس‌الامه آیهٔ‌اللّٰه میرزا محمدحسن شیرازی اعلی‌اللّٰه مقامهما بودند.

در قریه ارونق تبریز متولد شده و پس از نشو و نما در دامن والده ماجده و صالحه‌اش در تبریز شاگردی میرزا احمد مجتهد و پسرش حاج میرزا لطفعلی امام جمعه دو شاگرد صاحب ریاض و در کربلا بر جنابان صاحب ضوابط و صاحب فصول و مرحوم شریف العلماء و در نجف الاشرف بر شرفاء آن عصر شیخ علی آل کاشف‌الغطا و صاحب جواهر و شیخ‌الطائفه انصاری رضوان اللّٰه علیهم اجمعین تلمذ نموده و بحث شیخ را برای شاگردان شیخ تقریر می‌فرمود و افاضل برای حضور پای منبر از یکدیگر سبقت می‌گرفتند که عدد آنها چهارصد نفر فاضل می‌شد.

دارای کتب علمیه بسیاریست لکن آنها برای نقصان خط او و نبودن روابط در ذیل صفحات تدوین آنها بسیار مشکل بود و برای همین باد حوادث بر آنها وزید و ضایع نمود تنها رساله‌هائی که مانده به شرح زیر است:

۱- رساله در استصحاب ۲- رساله‌ای در مقدمه واجب ۳- رساله‌ای در خلل ۴- رساله در حج ۵- اجاره ۶- ارث ۷- قضاء ۸- نماز ۹- زکوة و از تقریر بحث او در اصول اوثق الوسائل حاشیه بر رسائل شیخ انصاری و بشری الوصول الی علم الاصول مانده است، و تمام کتب و مؤلفات او بالارث منتقل به مرحوم آیت‌اللّٰه حجت برادرزاده گرامش گردید.

در ۲۳ ماه رجب ۱۲۹۹ وفات نمود و در بقعه معروفه در نجف مدفون گردید و ادباء زمان که از آنهاست سید محمد سعید حبوبی (استاد مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حکیم) و شیخ کاظم سبتی و غیر آنها درباره او مرثیه گفتند:

و ما کان قیس هلکه هلك واحد

ولکنه بنیان قوم تهدما

و به فارسی برایش گفته‌اند:

مقدار آفتاب ندانند مردمان

تا نور او نگردد از چشمها جدا

تفصیل ترجمه معظم له را در ج ۱ ص ۹۵ تا ص ۹۸ کتاب آثارالحجه نگارش داده‌ام رجوع به آنجا شود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۱۴۷ -۱۴۶/ ۶)، ریحانه (۱۰۶ -۱۰۵/ ۵)، شرح حال رجال (۴۰۵/ ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۲۳ -۴۲۰/ ۱۳)، علماء معاصرین (۶ -۳)، الکنی و الالقاب (۱۲۷ -۱۲۶/ ۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۰۹ -۳۰۷/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ حسین ترک)، المآثر و الآثار (۱۴۸)، معجم المؤلفین (۴۷/ ۴).

کوه کمری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

والد ماجد مرحوم آیت‌اللَّه حجت از اجلاء علماء و دانشمندان بزرگ و از تلامذه مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا حبیب‌اللَّه رشتی و فاضل ایروانی و فاضل شربیانی قدس‌اللَّه اسرارهم بوده و پس از آنکه در نجف اشرف فارغ‌التحصیل شده و عازم مراجعت به ایران گردید مورد تجلیل و تبجیل فوق‌العاده استاد خود فاضل شربیانی قدس سره واقع شده چنانچه با جمعی از طلاب و اکابر علماء نجف تا کوفه مشایعتش فرموده و با جمعی بیشمار به او اقتداء کرده و پشت سرش نماز خواندند.

باری پس از ورود به تبریز مورد استقبال و اقبال عموم مردم آن سامان شده و مشغول همه‌گونه وظائف لازمه و خدمات دینیه بوده و بسیار مجلل و بزرگوار زندگی نمود و بس در عظمت و شخصیت وی که گذشته از مقامات شامخه و فضائل عظیمه فرزندی چون آیت‌اللَّه حجهٔ منسوب به اوست، در بیست و نهم محرم‌الحرام ۱۳۶۰ هجری در تبریز وفات نمود و جنازه‌اش را با تجلیل فراوان با شرایط سخت آن زمان از تبریز نقل به قم و در قم از مسجد امام تا به صحن شریف تشییع باشکوهی گردید و در راهرو صحن عتیق مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

کوه کمری، محمد حجت

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۲ -۱۳۱۰ ق)، فقیه، اصولی، محدث، رجالی، مجتهد و مرجع تقلید. پدرش آقا سید علی کوه کمری از علمای بزرگ تبریز و از شاگردان حاج میرزا حبیب‌اللَّه رشتی و فاضل ایروانی و فاضل شرابیانی بود. اصل وی از کوه کمر تبریز بود. نسبش به سید محمد مصری ملقب به حجازی از اولاد علی اصغر بن امام سجاد (ع) می‌رسد. در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری ادبیات و مقدمات، از درس فقه و اصول و ریاضیات و معقول و طب قدیم و جدید و فیزیک و شیمی از اساتید وقت استفاده نمود. او قسمت عمده‌ی تحصیلات فقهی و اصولی خود را در خدمت پدرش فراگرفت. سپس در ۱۳۳۰ ق به نجف مهاجرت نمود و فقه را در محضر آیت‌اللَّه سید محمد کاظم یزدی و رجال و حدیث را در محضر آقا سید ابوتراب خوانساری فراگرفت . وی همچنین از محضر آیت‌اللَّه شریعت اصفهانی و حاج شیخ علی قوچانی و حاج شیخ علی گنابادی و آیت‌اللَّه میرزا حسین نایینی و آیت‌اللَّه سید محمد فیروزآبادی و آیت‌اللَّه شیخ ضیاءالدین عراقی و دیگر بزرگان استفاده نمود. تا آنکه در نجف مریض شد و به خواست پدرش به تبریز بازگشت و پس از درگذشت آیت‌اللَّه سید محمد کاظم یزدی و آیت‌اللَّه شریعت اصفهانی به نجف مراجعت کرد و سالها از محضر اساتید آنجا استفاده نمود تا آنکه خود به تدریس در مسجد شیخ مرتضی انصاری و مقبره‌ی میرزای شیرازی و تصنیف مشغول شد. در ۱۳۴۹ ق به ایران آمد و در قم سکنی گزید و به تدریس خارج فقه و اصول استدلالی پرداخت و پس از درگذشت شیخ عبدالکریم حایری، بر حسب سفارش ایشان به انجام امور مذهبی و اقامه حوزه‌ی علمیه مشغول گردید. آقا شیخ عبداللَّه مامقانی، شریعت اصفهانی، سید حسن صدر کاظمی، سید ابوتراب خوانساری، شیخ محمد باقر بیرجندی و پدرش، سید علی کوه کمری، از مشایخ روایت وی و حاج میرزا حسین نایینی، سید محمد فیروزآبادی، آقا ضیاءالدین عراقی، حاج شیخ عبدالکریم حایری و شریعت اصفهانی از مشایخ اجتهاد و روایت او بودند. در قم درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد. از آثار وی بنای مسجد و مدرسه‌ی حجتیه است و از آثار علمی وی: «الاستصحاب»؛ «کتاب البیع»؛ «تنقیح المطالب المبهمهٔ فی حکم عمل الصور المجسمهٔ»؛ «جامع الاحادیث و الاصول»؛ حاشیه بر «الکفایهٔ»؛ «الصلوهٔ»؛ «الوقف»؛ «لوامع الانوار الغرویهٔ فی مرسلات الآثار النبویهٔ»؛ «مستدرک المستدرک فی استدراک مافات عن صاحب المستدرک».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۶۵/ ۴ ،۱۹۳/ ۳ ،۲۵/ ۲)، ریحانه (۲۵ -۲۳/ ۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۸۲ -۸۱/ ۳)، علماء معاصرین (۲۱۶ -۲۱۴ ،۱۸۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۲۰ -۳۰۹ ،۳۰۶ -۳۰۵/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ حجت کوه کمری)، معجم المؤلفین (۱۷۷/ ۹).

کوهپایه‌ای، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد بن محمد (حسین) حسنی حسینی قهپایه‌ای.

عالم فاضل محقّق، از شاگردان حاج سید محمّد باقر حجهٔالاسلام است.

کتب زیر از اوست:

۱- الارشاد، در شرح حال صاحب بن عبّاد که در سال ۱۲۵۹ آن را تألیف نموده و به طبع رسیده است

۲- تحف العقول فی توضیح قوانین الاصول، حاشیه بر قوانین

۳- فهرس ابواب الکتب الاربعه (استبصار - تهذیب - فقیه - کافی)

نواده‌اش مرحوم حاج سید حسین خوش آبی عالم فاضل، قبل از سال ۱۳۵۰ وفات یافت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کوهساری طبری

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، شاعر. در دوره‌ی آل سلجوق می‌زیست. اصل وی از کوهسار، از توابع گرگان است. اگر چه در آمل ساکن بود ولی آوازه‌ی اشعار وی تمام مازندران را در برگرفته بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۶۸۷)، الذریعه (۹۲۶/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۷۴)، لباب الالباب (۲۴۰/ ۲)، مجمع الفصحا (۱۱۴۳/ ۳).

کوهساری، کریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۹۹، کرمانشاه.

درگذشت: اسفند ۱۳۵۷.

کریم کوهساری متخلص به «تمکین»، فرزنـد محمود، دوران کودکی را به جای آن که به مـدرسه رود به کارگاه رفت و برای امرار معاش به کارگری پرداخت. بالاخره در چهارده سالگی به مکتب راه برد و مـدت یک سال به خوانـدن و نوشـتن و فراگیری قرآن و نصاب الصبیان پرداخت. آنگاه خود را به مـدرسه رسانید و با امتحان ورودی در کلاس سوم پذیرفته شد و مدت دو سال به تحصـیل ادامه داد و تـا کلاس چهـارم پیش رفت، امـا به علت عـدم بضـاعت مـالی ترک دبسـتان کرد. آنگـاه در اداره‌ی پست و تلگراف به استخدام درآمد و مدت سی سال خدمت کرد.

وی به سرودن شعر علاقه داشت و در جلسات انجمن ادبی کرمانشاه شرکت می‌کرد، در ابتدا «غمگین» تخلص کرد اما به درخواست سید عبدالکریم غیرت، شاعر و خوشنویس کرمانشاهی تخلص خود را به «تمکین» تغییر داد. کریم کوهساری غزل می‌گفت و علاوه بر شعر فارسی در سرودن غزل‌های کردی نیز مهارت داشت. دیوان اشعارش در سال ۱۳۶۹ به کوشش فرشید یوسفی به چاپ رسید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

کوهستانی، حسینعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: رهبری و رفتار انسانی، دانشکده: علوم تربیتی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته فلسفه و حکمت اسلامی از دانشگاه مشهد در سال ۱۳۵۰، کارشناسی ارشد در رشته مدیریت از ایالت اکلاهما آمریکا در سال ۱۳۵۵، دکترا در رشته مدیریت از ایالت کالیفرنیای آمریکا در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

برنامه‌ریزی، آموزشی (تعلیم و تربیت)، مدیریت، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

مدیریت آموزشی و پرورشی، روانشناسی مدیریت، بهداشت درمانی در مدیریت.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

کوهستانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیه‌الله فی الارضین مرحوم حاج شیخ محمد کوهستانی بهشهری عالمی ربانی و فقیهی سبحانی و زاهدی عابد از مشاهیر علماء معاصر بهشهر ساکن در کوهستان یکفرسخی شهر دارای کرامات باهره و معنویت فوق‌العاده و در عصر ما بی‌نظیر بودند.

معظم‌له در قریه کوهستان متولد شده و پس از طی مقدمات و سطوح در مازندران بمشهد مشرف شده و چند سالی در آنجا کسب فیض کرده آنگاه بنجف اشرف مهاجرت نموده و در درس مرحوم آیه‌الله نائینی و آیه‌الله العظمی اصفهانی و دیگران حاضر شده و پس از وصول بمقام اجتهاد مراجعت بوطن نموده و هرچه مردم بهشهر و ساری و گرگان خواستار شد که شهر را محل سکونت خود قرار دهند نپذیرفته و نشستن در آن قریه دور از مفاسد شهر را اختیار و قلوب چندین میلیون مردم شمال و غیره را مسخر زهد و ورع خویش ساخته و همه وی را بنام (آقا جان) خوانده و از تقدیم مال و جان حتی قربانی کردن فرزندانشان را در مقدم او مضایقه نمیکردند.

نگارنده گوید مرحوم آیه‌الله کوهستانی واقعا از مصادیق حقیقی علماء ربانی بود منظرش انسانی را بیاد اولیاء و امامان معصوم علیهم‌السلام آورده و منطقش آدمی را بیاد خدا و قیامت میآورد در آن محل کوچک چندین مدرسه بنام‌های زیر تأسیس کرد.

۱- مدرسه فضل ۲- مدرسه رحمت ۳- مدرسه فرح ۴- مدرسه خیر ۵- مدرسه جمع. البته مدارس مزبور در کمال سادگی است و در آنها تربیت طلاب و محصلین مبتدی مینمود و از حوزه علمی او صدها نفر مجتهد و فاضل و نویسنده و واعظ نامی چون مبلغ شهیر و نویسنده ارجمند دانشمند گرانمایه آقای حاج سید عبدالکریم هاشمی نژاد صاحب تألیفات و تصنیفات ارزنده که ترجمه‌اش در ضمن مشاهیر خطباء گذشت برخاسته‌اند.

با نگارنده الفت و محبت تامی داشت و چند شبی را در کوهستان از فیض حضور و بیاناتش در پیرامون حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه‌الشریف و اولیاء خدا استفاده نمودم. وقتی از وجه تسمیه مدارس پرسیدم فرمود چون تصمیم گرفتم که در کوهستان حوزه‌ای تأسیس و مدارسی برای سکونت طلاب بنا کنم با خدا مشورت کرده و استخاره نمودم این آیه آمد (قل بفضل‌الله و رحمته و بذالک فلیفرحوا هو خیر مما یجمعون) پس پنج مدرسه و هر کدام را بنام یکی از جملات آیه گذاردم. بسیاری از علماء و دانشمندان مازندران، بهشهر، هزار جریب نکاء، رستم کلا و غیره و نیز فضلاء شمالی حوزه علمیه قم از حوزه آن بزرگوار و شاگردان آنجنابند.

کرامات زیادی از قبیل طی‌الارض و اطعام خلق کثیر با غذای قلیل و قضایای دیگر از آن بزرگوار مشهور و معروف است که ضبط و نگارش آن کتاب مستقلی میخواهد و بحمدالله دو کتاب در شرح زندگانی آن جناب دو نفر از افاضل شمال نوشته و منتشر نموده‌اند.

در ماه ذی‌القعده ۱۳۹۱ قمری مبتلا بکسالت تنگ نفس و قلب شده و برای معالجه و استشفعاء بقم آمده و در بیمارستان آیه‌الله العظمی گلپایگانی بستری و مورد تجلیل و تعظیم عموم مراجع و زعماء قم گردیده و پس از تخفیف کسالت مراجعت بوطن و بعد از چند ماه در اثر ضعف و همان کسالت در ماه ربیع المولود ۱۳۹۲ قمری از دنیا رفته و جنازه‌اش را با هزاران تجلیل و تشییع بی‌نظیر حمل بمشهد نموده و در جوار حضرت ثامن الحجج علیه‌السلام در دارالسیاده بخاک رفته و در مشهد و قم و چهل روز تمام در مازندران برای او مجالس ترحیم و عزا برپا بود حشره‌الله مع اولیائه المعصومین علیهم‌السلام.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

کوهی کرمانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ / ۱۳۳۷ -۱۲۷۶ ش)، ادیب، محقق، روزنامه‌نگار و شاعر. در اوان کودکی تحصیلات چندانی نکرد و در اداره‌ی یکی از روزنامه‌ها به شاگردی پرداخت. وی در ۱۳۰۲ ش اقدام به تأسیس و انتشار «نسیم صبا» کرد. کوهی بعدها از کار روزنامه‌نگاری دست کشید و به عضویت وزارت فرهنگ درآمد. وی یکی از ارادتمندان ملک‌الشعرای بهار و از طرفداران سرسخت سید حسن مدرس بود. کوهی از نخستین کسانی است که به گردآوری ادبیات عامیانه پرداخت و مدت‌ها در کار تصحیح نسخه‌ها و چاپ آثار متقدمین فعالیت داشت که در این راه، ملک‌الشعرای بهار و سعید نفیسی او را یاری می‌کردند. «ترانه‌های ملی- فهلویات» وی را

پروفسور کریستین سن به آلمانی و پرفسور هنری ماسه به فرانسه ترجمه نموده‌اند. وی در تهران درگذشت. از دیگر آثارش: «از شهریور ۱۳۲۰ تا فاجعه‌ی آذربایجان»؛ «غوغای جمهوری»؛ «افسانه‌های روستایی ایران»؛ «خلنامه»، شعر؛ «هفتصد ترانه»؛ «سوگواریهای ادبی در ایران»؛ «راهنمای اهل ذوق یا بهترین غزلهای سعدی و حافظ»؛ گلچینی از «مثنوی»؛ اهتمام در چاپ «مزارات کرمان»؛ اهتمام در چاپ «کلمات علیه غرا»، از سلسله‌ی انتشارات روزنامه‌ی «نسیم صبا»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از نیما تا روزگار ما (۴۶۷ -۴۶۶، ۴۶۱ -۴۶۰)، تاریخ جراید (۳۰۲ -۳۰۱/ ۴)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۴۱۷ -۴۱۵)، الذریعه (۲۳۵/ ۲۵، ۳۲۶/ ۲۰، ۲۳۰/ ۱۸، ۷۲/ ۱۶، ۲۶۰/ ۱۲، ۲۵۱/ ۷، ۹۲۷ -۹۲۶/ ۹)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۳۱۶ -۳۱۴/ ۵)، ستارگان کرمان (۳۱۵ -۳۱۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۰۷، ۳۱۳۶ -۳۱۳۵، ۳۰۰۱، ۲۷۶۳، ۲۳۷۴، ۲۰۳۵، ۱۶۳۷/ ۲ ، ۱۲۸۶، ۸۴۶، ۲۹۴، ۱۷۳/ ۱)، کتابنامه نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۹۹)، مزارات کرمان (دو- هفت)، مؤلفین کتب چاپی (۸۵۰ -۸۴۸/ ۲)، یغما (س ۲۲، ش ۱۰۰ -۹۷، ۲).

کوهی کرمانی، علی اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، شاعر، متخلص به کوهی، در کرمان به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان رساند و در مشاغل متعدد دولتی خدمت نمود. کوهی از ۱۳۴۶ ش به تهران آمد و در این شهر سکنی گزید. طبعش بیشتر به غزلسرایی مایل است. از اوست:

خواهش دل را چو بپرداختی

در دل خود بت ز دلت ساختی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شاعران کرمان (۴۱۸ -۴۱۷)، ستارگان کرمان (۳۱۷ -۳۱۵)، سخنوران نامی معاصر (۲۹۸۸ -۲۹۸۵/ ۵).

کوهیار ابرقوهی، علی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۷۸ ق)، خطاط. از آثار وی: کتیبه‌ی محراب صفه‌ی عمر، در مسجد جامع اصفهان، به خط ثلث دو دانگ کتیبه‌ی متوسط و با رقم: «تحریرا فی سنهٔ ثمان و سبعین و سبعمائهٔ کتبه علی کوهیار الابرقوهی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار ملی اصفهان (۵۸۸)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۲۱/ ۴)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۱۴۱).

کوهیان، عطاالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: سیستان و بلوچستان

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کهنوجی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی کهنوجی

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

نامبرده تحصیلات حوزوی خود را از سال تحصیلی ۱۳۶۳ – ۱۳۶۴ در حوزه علمیه کرمان آغاز کرد. پس از گذراندن برخی از کتابهای مقدمات در سال ۱۳۶۵ به شهر مقدس قم هجرت نمود و در حوزه مقدس علمیه قم به فراگیری دروس حوزوی مشغول شد.

در همان سال وی به علت احساس نیاز، به جبهه‌های حق علیه باطل رفته و در عملیات های کربلای ۴ و ۵ شرکت کرد و از ناحیه (شانه و فک) مجروح شد و بعد از پذیرش قطع‌نامه به تحصیلات خود ادامه داد. فراگیری دروس کلاسیک و آموزش عالی را بعد از موفقیت در امتحانهای کتبی حوزه از سال ۱۳۷۲ در رشته «فلسفه» آغاز کرد و به توفیق و عنایت خداوند متعال پیوسته در این رشته مشغول بوده است به ترتیب: «دانشگاه تهران»، «تربیت مدرس تهران» و «علوم و تحقیقات تهران» و هم اکنون در حال دفاع از رساله دکتری است.

ایشان در مدتی که مشغول به تحصیل بوده با «دایرهٔ المعارف علوم عقلی اسلامی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)» از سال ۱۳۷۸ همکاری پیوسته داشته است و در سه سال اخیر در گروه «تربیت محقق عرفان اسلامی» پذیرفته شده و پس از گذراندن بیش از ۸۰ واحد عرفان نظری اسلامی، هم اکنون در حال نوشتن پایان‌نامه در این رشته می‌باشد. وی تدریس خود را در مراکز علمی و دانشگاهی از سال ۱۳۸۲ شروع کرده و هم اکنون ادامه دارد. ایشان عضو «نخبگان حوزوی کرمان» و «جانبازان استان قم» می‌باشد.

کهنه قمی، محمد علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۷۲ ق)، خطاط. مشهور به کهنه قمی. از آثار وی: یک نسخه «اخلاق ناصری»، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «تمت فی ید الحقیر الفقیر المذنب محمد علی الشهیر به کهنه... سنهٔ اثنان و سبعین و الف من الهجرهٔ...».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۰۲ -۸۰۱/ ۳).

کی نیا، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۷۴ -۱۳۰۰ ش)، نویسنده و استاد دانشگاه. در آمل به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش و متوسطه را در بابل به پایان رساند و از دانشکده علوم سیاسی و حقوق لیسانس و از دانشگاه پاریس مدرک دکترا دریافت کرد. او دارای مشاغل مختلف فرهنگی بود از جمله: دبیری دبیرستان‌ها، ریاست دبیرستان، نمایندگی فرهنگ، ریاست اداره‌ی کارگزینی و غیره. کی نیا در دانشگاه تهران مسایل مربوط به جرم‌شناسی را تدریس می‌کرد و در دانشگاه‌های دیگر نیز تدریس داشت. از آثار وی: «مقررات دانشگاه»، مقررات استخدامی و مالی؛ «تفریحات علمی»؛ «اطلاعات حقوقی برای رشته‌ی معماری»؛ «علوم جنایی»؛ «مقدمه‌ی حقوق بین‌الملل عمومی».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :چهره‌های آشنا (۴۹۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۹۴، ۳۰۹۲، ۲۳۴۳/ ۲ ،۲۷۵/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۰۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲۹/ ۶).

کیا تهرانی، صادق، محمد صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۹ ش)، زبان شناس، استاد دانشگاه و شاعر، متخلص به تیرا. در تهران به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آموزشگاه‌های ادب، ثروت و دارالفنون به پایان رساند. سپس در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی به تحصیل پرداخت و در ۱۳۲۰ ش به اخذ لیسانس نایل آمد و وارد خدمت وزارت فرهنگ شد. وی در ۱۳۲۳ ش به اخذ درجه دکترای ادبیات توفیق یافت و آن گاه در سمت دانشیاری در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. در ۱۳۳۰ به عنوان استاد زبان و ادبیات پهلوی در آن دانشکده ارتقاء یافت. دکتر کیا در اشعارش گاهی از واژه‌های پهلوی که امروز در زبان فارسی از میان رفته استفاده می‌کرد. از آثارش: «چند نمونه از متن نوشته‌های پهلوی»؛ «داستان جم»، با همکاری دکتر مقدم؛ «گشته دبیره» یا «خط کستج»، درباره‌ی خط کتیبه‌ها و سکه‌ها و مهرهای دوره‌ی اشکانی و ساسانی؛ «گویش آشتیان»؛ «ماه فروردین روز خرداد»، متن پهلوی و ترجمه‌ی فارسی با واژه‌نامه؛ «نقطویان یا پسیخانیان»؛ «واژه‌نامه‌ی گرگانی»؛ «یادداشتی درباره‌ی آرامگاه زرتشت در بلخ»؛ «یادداشتی درباره زبان رازی و طهرانی»؛ «واژه‌نامه‌ی طبری»، با مشارکت دکتر مقدم؛ مجموعه‌ی اشعاری به نام «کابل».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :چهره‌های آشنا (۴۸۹)، الذریعه (۱۱/ ۲۵ ،۲۹۲/ ۲۴ ،۳۲ -۳۱/ ۱۹ ،۲۵۳/ ۱۸ ،۳۷/ ۸)، سخنوران نامی معاصر (۹۵۲ - ۹۴۸/ ۲)، شرح حال رجال معاصر مازندران (۱۶۴ -۱۶۲/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۷۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۴۰ ، ۳۴۳۹، ۳۳۰۴، ۲۸۶۴ -۲۸۶۳، ۲۷۸۷، ۲۷۲۵، ۲۶۳۰، ۲۵۷۹، ۲۵۵۵، ۱۶۵۵/ ۲ ،۱۳۲۶، ۱۱۱۹، ۴۱۷ -۴۱۵، ۴۰۰، ۳۴۵/ ۱)، کتابنامه‌ی

نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۰۰)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۹ –۴۹۸/ ۳).

کیاالحسینی، ضیاءالدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ضیاء الدین کیا الحسینی

محل تولد : گرگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۵/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید ضیاء الدین کیا الحسینی در مرداد ماه سال ۱۳۴۰ در خانواده ای متوسط در روستا به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در گرگان به سال ۱۳۵۸ به اتمام رسانده و در همان سال برای تحصیلات عالیه در یکی از مراکز عالی مشهد در رشته تأسیسات حرارتی قبول شده و مشغول به تحصیل شدم. با شروع انقلاب فرهنگی در خرداد سال ۱۳۵۹ به کارهای فرهنگی دینی در شهرستان «کردکوی» مشغول بودم.

در سال ۱۳۶۰ با شرکت در امتحانات ورودی حوزه علمیه قم و موفقیت در آنان (که از قبل علاقه منـدی به این دروس در اینجانب وجود داشته و با مطالعه آثار شهید مطهری بیشتر شد)، وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه (امام صادق علیه السلام) مشغول به تحصیل شدم. در سال ۱۳۶۷ دوره سطح را تمام کرده و مشغول درس خارج گشتم که عمده اساتید سطح اینجانب در شرح لمعه «حجت الاسلام و المسلمین سید علی اکبر مدنی» و در رسائل از محضر استاد «مصطفی اعتمادی» و در مکاسب از محضر مرحوم استاد «احمد پایانی» و در کفایه و خیارات مکاسب از محضر استاد «محمد حسن قدیری» بهره بردم. خارج اصول را عمدتاً از محضر اساتید: «وحید خراسانی» و «تبریزی» بهره بردم. و این حضور به مدت ۷ سال ادامه داشت.

با اتمام دروس سطح و تاسیس دانشگاه مفید توسط «حضرت آیت الله موسوی اردبیلی»، در آنجا مشغول به تحصیل رشته «اقتصاد» در مقطع کارشناسی شدم و در سال ۷۳ با اتمام مقطع کارشناسی وارد مقطع کارشناسی ارشد شدم. در سال ۱۳۷۷ با نوشتن پایان نامه خود با عنوان: «زکات در قرآن و تخمین تابع آن در ایران» مطالعه موردی سال های ۷۵ ـ ۱۳۶۱ فارغ التحصیل شدم و به عنوان عضو هیئت علمی در آنجا مشغول به فعالیت علمی شدم. در طی این مدت به تدریس و تدوین بعضی از مقالات و آثار علمی پرداخته و در سال ۱۳۸۰ در امتحان ورودی اولین دوره دکتری این دانشگاه قبول و در حال حاضر (۱۳۸۴) امتحانات آموزشی و جامع را پشت سر گذاشته و مشغول تدوین پایان نامه می باشم.

کیاست‌پور، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: اصفهان

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کیاشمشکی، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالفضل کیاشمشکی

محل تولد : شمیران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابوالفضل کیاشمشکی پس از گذراندن دوران تحصیلی رسمی در مقاطع ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و اخذ مدرک دیپلم در رشته (ریاضی فیزیک)، به دلیل علاقه بسیار به معارف دینی وارد حوزه علمیه شدم. در سال ۱۳۶۳ ابتداء به حوزه علمیه «حضرت قائم (ع) چیذر» رفته و طی چهار سال دروس مقدمات و سطوح را به پایان رسانده و در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه قم شدم. پس

از موفقیت در آزمون های سطح و تشکیل پرونده در شورای مدیریت حوزه علمیه قم، موفق به شرکت در دروس خارج آیات عظام: «میرزا جواد تبریزی»، «وحید خراسانی»، «فاضل لنکرانی»، «میرزا هاشم آملی» و «سید محمود هاشمی شاهرودی» شدم. در کنار دروس خارج فقه و اصول، توفیق حضور در دروس (فلسفه و عرفان) اساتید فن، حضرات آیات: «حسن زاده آملی» و «جوادی آملی» را یافتم و موفق به تحصیل کتب اساسی (فلسفه و عرفان): «اسفار اربعه»، «تمهید القواعد»، «فصوص الحکم» و «مصباح الأنس» شدم. همزمان در سال ۱۳۷۲ در آزمون تربیت مدرس دانشگاه قم شرکت نموده و پس از قبولی در آزمون و گذراندن دوره، مدرک کارشناسی ارشد در رشته (الهیات و معارف اسلامی) را اخذ نمودم. سال ۱۳۷۴ پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد، در آزمون دکتری دانشگاه تهران شرکت نموده و پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۹ موفق به پایان دوره دکتری و دفاع رساله خود با عنوان: «معاد جسمانی در حکمت متعالیه» با درجه عالی شدم. در کنار تحصیل در دانشگاه، رساله سطح چهار حوزه (مدارج علمی) را با موضوع «تقلید میت» نوشته و مدرک سطح چهار حوزه را نیز دریافت کردم. همزمان با تحصیل، به تدریس در حوزه و دانشگاه نیز اشتغال داشتم و علاوه بر دروس (فقه، اصول و سطوح)؛ فلسفه، عرفان و کلام را نیز تدریس می نمودم. به قدر وسع فعالیت های پژوهشی نیز در قالب کتاب و مقاله داشته ام و در حال حاضر نیز تمام وقت من صرف تدریس و تحقیق در مباحث معارفی به ویژه فلسفه، عرفان، کلام و تفسیر می شود.

کیامنش، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا کیامنش در سال ۱۳۲۳ در شهر اندیمشک متولد شد . دوره ابتدایی را در زادگاهش گذراند. دوره دبیرستان را در ۳ شهر اندیمشک، دزفول و اهواز گذراند اما دیپلمش را از دزفول گرفت. پس از آن به عنوان معلم روزمزد وارد آموزش و پرورش شد و در همان مدرسه ای که خود روزگاری دوره دبستان را در آن خوانده بود. مدتی به سربازی رفت و ۱۸ ماه در سپاه دانش فعالیت کرد. سال ۱۳۴۸ از دانشگاه تربیت معلم لیسانس آموزش ابتدایی گرفت و یک سال در کرمانشاه دبیر سپاه دانش آموزش های معلمی شد. در سال ۱۳۴۹ برای تحصیل در رشته مشاوره و راهنمایی در مقطع فوق لیسانس قبول شد و به دانشگاه تربیت معلم بازگشت وسال ۵۱ موفق به گرفتن مدرک خود شد. اسفندماه ۱۳۵۴ با استفاده از بورس راهی آمریکا شد. زمانی که تنها دفاع از پایان نامه اش باقی مانده بود، بنا به دلایلی مجبور شد به ایران بازگردد. در سال ۱۳۶۰ مجدد به آمریکا برگشت و موفق به اخذ مدرک دکتری رشته روش های تحقیق و ارزشیابی از دانشگاه UCLA آمریکا شد . وی هم اکنون استاد دانشگاه تربیت معلم تهران است. ترجمه جلد دوم کتاب" استدلال آماری در علوم رفتاری "علیرضا کیا منش ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانی رشته : علوم تربیتی گرایش : روشهای تحقیق و ارزشیابی خاطرات کودکی : پدر علیرضا کیامنش کارمند راه آهن بود و از این رو، دوره دبستان را در ایستگاه راه آهن میان اندیمشک و دورود سپری کرده است، چرا که روستای آن ها کنار خط آهن واقع بود و بخشی از کلاس های درس را برای کودکان در اتاق های خالی ایستگاه قطار برپا کرده بودند، تا کلاس ششم را بی دردسر گذراند و پس از آن به دلیل نبودن امکانات آموزشی کافی در روستا، بچه ها باید به شهر می رفتند و این برای آن ها مسأله ساز می شد. با این همه، مادرش برای ادامه تحصیل به او فشار می آورد و کیامنش به راه روشن خویش ادامه داد و همین امر انگیزه ای در پنج ـ شش خواهر و برادر دیگر او ایجاد کرد که آن ها نیز به هر قیمت درسشان را ادامه دهند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : ـ فوق دیپلم راهنمایی تعلیماتی مدارس از دانشگاه سپاهیان انقلاب (مامازن) ـ کارشناسی رشته آموزش ابتدایی (دانشگاه تربیت معلم) سال ۱۳۴۸ ـ کارشناسی ارشد رشته مشاوره و راهنمایی (دانشگاه تربیت معلم) سال ۱۳۵۱ ـ فوق لیسانس رشته روش های تحقیق و ارزشیابی از دانشگاه UCLA آمریکا ـ دکترای رشته روش های تحقیق و ارزشیابی از UCLA آمریکا سال ۱۳۶۰ ـ دیپلم تخصصی تحقیق و ارزشیابی برنامه های درسی آموزش جمعیت از دانشگاه ویلز، کاردیف، (انگلستان) خاطرات و وقایع تحصیل : از خاطراتی که علیرضا کیامنش از آن دوران به آن اشاره میکند واقعه طبس در سال ۱۳۵۴ است که منجر به طولانی شدن تحصیلات دکتری دکتر کیامنش شد به طوریکه برای دفاعیه پایان نامه اش نتوانست به آمریکا سفر کند و این کار تا سال ۱۳۶۰ به طول انجامید. یکی از دلایل مهمی که سبب شد دکتر کیامنش از رشته مشاوره به رشته تحقیقات آموزشی روی بیاورد، نقش مؤثر و تعیین کننده ای بود که یکی از استادانش در خارج از کشور به نام دکتر شیبرسون در تغییر سرنوشت او ایفا کرد: «من را به عنوان کمک استاد انتخاب کرده بودند و باید در تاریخ معینی خودم را به استادی معرفی و کارم را آغاز می کردم و برای آن ماهانه ۷۰۰ دلار حقوق می گرفتم. این در زمانی بود که کل بورس من ۴۵۰ دلار بود و ۷۰۰ دلار اضافه گرفتن یعنی دوبرابرشدن حقوق! فکر می کردم من یک دانشجوی خارجی و با مشکلات فراوان زبان، آیا واقعاً می توانم کمک استاد باشم؟ آن هم با دانشجوهای رشته دکتری و فوق لیسانس. چون آنجا اصلاً لیسانس نداشتیم. دانشجویان دکتری سؤالاتشان را از من می پرسیدند و اگر من قادر به حل آن ها نبودم، از استاد می پرسیدم و می گفتم. این موضوع از نظر شغلی برایم افتخار بود و از نظر مالی ارزشمند. ولی هر طور حساب می کردم، می دیدم توانش را ندارم. رفتم پیش دکتر شیبرسون و گفتم چرا مرا انتخاب کردید؟ گفت لابد حس کردم توانایی هایی داری که می توانی این کار را انجام بدهی و بعد از برخی درس هایم و نمره هایم سؤال کرد و گفت هر کس این در س ها را گرفته باشد از نظر دانشگاه آدمی است که توانایی انجام این کار را دارد و شما هم به این دلیل انتخاب شده ای و یکی از کسانی هم که تو را انتخاب کرد خودم بودم. گفتم من نمی توانم این کار را بکنم. دکتر شیبرسون گفت: «از نظر ما کسی که این درس ها را بگیرد و قبول شود، باید این توانایی

ها را داشته باشد. اگر تو می گویی من این درس ها را گرفتم ولی این توانایی ها را ندارم فقط می توانم بگویم ما در نمره دادن به تو اشتباه کرده ایم! لذا شما باید از این دانشگاه تشریف ببرید.» گفتم خب شاید من نتوانم. گفت شما احتمالاً اعتماد به نفس نداری. یا می روی اعتماد به نفست را پیدا می کنی یا از فردا جایت در این دانشگاه نیست. من چند روزی نگران بودم تا این که دکتر شیبرسون گفت چرا معطل می کنی و جواب نمی دهی؟ و دستم را گرفت و برد پیش همان استادی که قرار بود من کمکش باشم و گفت: «ایشان کمک شماست و از همین امروز کارش را شروع می کند. او اعتماد به نفس ندارد. اولین روزی که حس کردی نمی تواند خبرم کن.» پس از آن دیدم واقعاً هیچ وقت مشکلی نداشتم و خیلی خوب از عهده کار برآمدم. ۳ـ۲ سال پیش دکتر شیبرسون را در برلین دیدم. به من گفت ظاهراً دیگر مشکل اعتماد به نفس نداری، من هنوز یادم است که آمدی و گفتی من نمی توانم. اما حالا ـ احساس می کنم خیلی کارها می توانی انجام بدهی. هر چند که همان زمان هم خیلی کارها می توانستی انجام بدهی! فعالیتهای ضمن تحصیل : علیرضا کیامنش بعد گرفتن دیپلم متوسطه مدتی بعد به سربازی رفت و ۱۸ ماه در سپاه دانش در روستاهای دزفول و کهگیلویه و بویراحمد فعالیت کرد. با اتمام خدمت سربازی، جذب آموزش و پرورش شد و در دزفول برای دبیری استخدام شد و در شوش به تدریس پرداخت. در بهمن ۱۳۴۳ به دانشگاه تربیت معلم رفت و یک دوره دوساله راهنمای تعلیماتی را گذراند. پس از آن، دوباره به دزفول بازگشت و مدت یک سال در روستاهای دزفول، شوش، هفت تپه، اندیمشک و ... در مقام مسئول راهنمای تعلیماتی روستاها به انجام وظیفه پرداخت و با دوچرخه و موتور از این روستا به آن روستا و از این معلم به آن معلم سرکشی کرد. سال ۱۳۴۸ از دانشگاه تربیت معلم لیسانس آموزش ابتدایی گرفت و یک سال در کرمانشاه دبیر سپاه دانش آموزش های معلمی شد. با اتمام این دوره توسط آموزش و پرورش به اصفهان فرستاده شد. آن زمان کارخانه ذوب آهن به تازگی در حال شکل گیری بود و آهسته آهسته اصفهان به شهری صنعتی تبدیل می شد. آنجا یک طرح سوادآموزی تابعه یونسکو برپا بود که کیامنش نیز برای آموزش کارگران بی سواد تلاش می کرد. در مردادماه ،۱۳۴۹ به سوسنگرد منتقل شد و یک ماه مسئولیت مدارس روستایی این محل را به دوش کشید اما همان سال برای تحصیل در رشته مشاوره و راهنمایی در مقطع فوق لیسانس قبول شد و به دانشگاه تربیت معلم بازگشت وسال ۵۱ موفق به گرفتن مدرک خود شد و با همین مدرک به دزفول رفت و در هیبت مشاور و راهنمای مدارس دوره راهنمایی دزفول شروع به کار کرد. ضمن این که مرکز مشاوره ای هم راه اندازی و خود را به عنوان سرپرست مرکز معرفی کرد. ۳ سال در دزفول به فعالیت پرداخت. مدت کوتاهی نیز در دانشسرای مقدماتی به صورت پاره وقت با آموزش و پرورش دزفول همکاری کرد. در چنین شرایطی در حالی که دریافت بورس تحصیلی و ادامه تحصیل میان جوان های آن روزگار به نوعی مد شده بود و از طرفی دانشگاه تربیت معلم در تلاش برای تربیت نیرو بود، دکتر کیامنش در چند بورس تحصیلی پذیرفته شد از جمله بورس دانشگاه زاهدان و دانشگاه تربیت معلم. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ـ رئیس دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم تهران ـ عضو انجمن روانشناسی ایران ـ عضو انجمن ارزشیابی آموزشی ایران ـ مؤسس و عضو انجمن ایرانی تعلیم و تربیت ـ عضو سابق انجمن تحقیقات تربیتی آمریکا به مدت ۱۰ سال ـ عضو سابق انجمن بین المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی به مدت ۹ سال ـ مؤسس و عضو انجمن تحقیقات آموزشی ـ مدیر گروه مشاوره دانشگاه تربیت معلم تهران ـ عضو کمیته ملی تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در ایران ـ مشاور تحقیقاتی وزارت آموزش وپرورش در یک دوره ـ عضو کمیسیون روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق، علوم سیاسی و اجتماعی (شورای پژوهش های علمی کشور) ـ سرپرست مرکز تحقیقات آموزشی و دبیر شورای تحقیقات وزارت آموزش و پرورش ـ عضو شورای تغییر نظام آموزش و پرورش با تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی فعالیتهای آموزشی : علیرضا کیامنش تاکنون با دانشگاه های بسیاری در سطح تهران و ایران همکاری های علمی ـ آموزشی داشته و در دانشگاه های تربیت مدرس، الزهرا (س)، شهید بهشتی، دانشگاه تهران، علامه طباطبایی و اغلب دانشگاه هایی که به نحوی دانشکده های علوم تربیتی و روانشناسی دارند، تدریس کرده است و این همکاری ها همچنان ادامه دارد. وی هم اکنون استاد دانشگاه تربیت معلم تهران است.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : ـ مؤسس و عضو انجمن ایرانی تعلیم و تربیت ـ مؤسس و عضو انجمن تحقیقات آموزشی سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : در مورد علیرضا کیامنش باید گفت او همیشه مسئولیتی را برعهده داشته و حتی گاهی چند پست را با هم انجام می داده و در همه موفق و شایسته عمل کرده است. محض نمونه مدتی مدیر گروه تکنولوژی دانشگاه تربیت معلم بوده است، همچنین مسئول مؤسسه تحقیقات تربیتی دانشگاه در نخستین سال های دهه ،۷۰ برای یک فرصت مطالعاتی یک ساله به دانشگاه سانتاباربارا در آمریکا می رود و پس از اقامتی هشت ماهه در حالی که هنوز باید برای اتمام کارش چند ماه دیگر بماند، از او درخواست می شود به ایران بیاید و مسئولیت هایی را بپذیرد و او با میل و علاقه به ایران برگشته، همکاری های نزدیکی را با آموزش و پرورش آغاز می کند. مرکز تحقیقات آموزش و پرورش را اداره می کند. وی در کسوت دبیر شورای تحقیقات این سازمان قرار می گیرد و طرح های تحقیقاتی مختلفی را با سازمان اجرا می کند. از مهم ترین آن ها می توان به حضور در شورای تغییر نظام آموزشی اشاره کرد که ارزشیاب این برنامه هم بوده است و در سال های اول تا سوم، ارزشیابی جامعی از نظام جدید آموزشی متوسطه را انجام می دهد. در سال ،۱۳۷۵ هماهنگی سومین طرح «مطالعه بین المللی ریاضی و علوم» (TIMSS۹۹) را به عهده می گیرد. اگرچه پیشتر مسئولیت نخستین دوره آن در سال ۹۵میلادی و دومین دوره اش نیز بر عهده کیامنش بوده است. در سال ،۷۲ از مرتبه استادیاری به دانشیاری تغییر وضعیت می دهد و تا سال ۷۹ ارتباط خود را جسته گریخته با آموزش و پرورش حفظ می کند ازجمله در زمان وزارت دکتر نجفی. اما از این سال به بعد ارتباط رسمی او با سازمان کم و کمتر شد و اگر هم ارتباطی بود در زمینه کارهای پژوهشی بوده است. دیگر فعالیتها : ـ مدیر طرح سنجش صلاحیت های پایه: ارزشیابی درون داده ها و برون داده های آموزشی در ایران پایه پنجم ابتدایی (ABC)، صندوق کودکان ملل متحد (UNICEF) و پژوهشکده تعلیم و تربیت ـ مدیر طرح ارزشیابی از طرح آموزش دختران روستایی شاغل (UNICEF) ـ عضو هیأت تحریریه نشریات علمی ـ پژوهشی اندیشه های نوین تربیتی (دانشگاه الزهرا)، فصلنامه تعلیم و تربیت (دانشگاه علامه طباطبایی)، مجله علوم تربیتی و روانشناسی (دانشگاه شهید چمران اهواز)، دو فصلنامه روانشناسی معاصر و .... ـ مدیر مسئول نشریه «پژوهش نامه آموزشی» و سردبیر نشریه فصلنامه تعلیم و تربیت آرا و گرایشهای خاص : علیرضا

کیامنش بارها با ارائه تحقیقات و پژوهش ها و اجرای پروژه های تربیتی ـ آموزشی، علاقه مندی و توانایی هایش را در این عرصه به منصه ظهور گذارده است، اگرچه درخصوص عدم بهره گیری از این برنامه ها و مشکلات موجود بر سر راه، بر شیوه عملکرد حوزه علوم تربیتی انتقادهایی دارد و کاستی هایی را بیان می دارد: «ما در هر حوزه ای از جمله علوم تربیتی مشکل داریم. شاید یکی از دلایل مشکلاتمان این است که جامعه ما جامعه ای علمی نیست. وقتی جامعه علمی نباشد، بالطبع نمی توانیم با مسائل علمی برخورد کنیم. بنابراین، راه حل علمی نمی یابیم و مسائل روی هم انباشته می شوند. ما دنیایی داریم به نام جامعه که قوانین خاص خودش را دارد و در این جامعه بزرگ بخشی به نام آموزش و پرورش داریم که ۱۸ـ۱۷ میلیون نفر را دربردارد. یک جامعه کوچکتر هم داریم که جامعه دانشگاهی ماست و در دل آن زیرمجموعه ای به نام علوم تربیتی و روانشناسی است که انتظار می رود این بخش، مقداری راهگشا و هدایت کننده آن جامعه بزرگ یعنی آموزش و پرورش باشد و همچنین جامعه بزرگ تری به عنوان کشور که از نظر مسائل رفتاری و روحی و روانی موجود در جامعه دچار اشکال است. در مجموع، چه از نظر تعداد، چه از نظر حجم کار و چه از نظر توانمندی ها، واقعاً توانایی انجام کار را نداریم و جالب است که نتوانیم با هم ارتباط نیز برقرار کنیم. مثلاً آموزش و پرورش در زمینه هایی از ما خیلی جلوتر است، اما در بخش هایی هم ما احساس می کنیم چیزهایی داریم که آنها ندارند ولی نه فرصت می شود از تجارب آنها استفاده کنیم و نه فرصتی که ما برویم در آزمایشگاه های آنها و نظریه هایمان را تبدیل به عمل کنیم.» جوائز و نشانها : ترجمه جلد دوم کتاب" استدلال آماری در علوم رفتاری "علیرضا کیا منش ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : علیرضا کیامنش مؤلف ۸ عنوان کتاب و مترجم بیش از ۱۰ جلد کتاب با عناوینی چون: استدلال آماری در علوم رفتاری، ارزشیابی آموزشی و ... آثار : ارزشیابی آموزشی ویژگی اثر : مقام بهترین کتاب تحقیقی سال را به دست آورد–تألیف ریچارد ام ولف۲ استدلال آماری در علوم رفتاری ویژگی اثر : ترجمه ۱۳۶۷،جلد دوم این کتاب در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب:«استدلال آماری در علوم رفتاری»: متن اصلی کتاب (۱۹۸۱) به زبان انگلیسی در شش بخش تنظیم شده است. ویژگیهای اثر حاضر با توجه به کمبود منابع در زمینهٔ روشهای استنباط آماری به فارسی این است که با کاربرد اصول آموزش و یادگیری جهت تهیهٔ مطالب و با ارائهٔ مثالها، نمودارها و دستورالعملهای متعدد، درک مطالب پیچیدهٔ آماری را برای خواننده آسان می‌سازد. مترجم در این مجلد، سه بخش از اثر اصلی را ترجمه کرده و جهت رفع برخی محدودیتهای کتاب در زمینهٔ روش تحلیل دادهها در نمونه‌های با حجم نامساوی و نیز تحلیل واریانس یک متغیری در طرحهای بلوکی تصادفی و نیز طرحهای کاملاً تصادفی، با استفاده از منابع مختلف به تدوین سه بخش دیگر با عنوان ضمیمه اقدام کرده است ۳ سنجش و اندازه گیری ویژگی اثر : مجموعه کتاب ها، ۱۳۸۴، این مجموعه کتاب ها از جانب آموزش و پرورش به عنوان کتاب های برتر کمک آموزشی برگزیده شد.

کیان، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۵ ش)، نویسنده و استاد دانشگاه. در شهرضا به دنیا آمد. وی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه، از مدرسه عالی علوم سیاسی دیپلم گرفت. سپس به پاریس رفت و از دانشکده‌ی حقوق آنجا موفق به دریافت لیسانس و دکترای دولتی در رشته‌ی حقوق و اقتصاد گردید. وی به زبان‌های فرانسه، انگلیسی و عربی تسلط داشت. از آثارش: «تاریخ پول ایران»، به زبان فرانسه؛ «اصول علم مالیه»؛ «تجارت بین‌المللی»؛ «سیاستهای بازرگانی».[۱]

فرزند مرحوم محمد قاسم‌کیان از مالکین عمده قمشه، در ۱۲۸۵ ش تولد یافت. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در تهران باتمام رسانید و سپس وارد مدرسه عالی علوم سیاسی شد و در آن رشته لیسانس گرفت و در سال ۱۳۰۷ برای ادامه تحصیلات به فرانسه رفت و دوره‌ی لیسانس و دکترای دولتی حقوق پاریس را گذرانید و پس از اخذ درجه‌ی دکترا به ایران بازگشت و وارد خدمات بانکی شد و در بانک ملی به معاونت اداره آمار و مطالعات اقتصادی منصوب گردید و اولین کار وی نشریه‌ی بانک ملی به زبان فارسی و فرانسه بود و بعد به ریاست اداره‌ی مزبور انتخاب گردید.

دکتر کیان در سال ۱۳۱۴ به سمت دانشیار در دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصاد تعیین و به تدریس پرداخت. او در سال ۱۳۲۱ به مقام استادی ارتقاء یافت و هم زمان به مشاغل فرهنگی مقاماتی را در نیز در سطح کشور طی نمود. در ۱۳۱۸ مدیر کل گمرک ایران شد و در سال ۱۳۲۰ عضویت هیئت مدیره بانک کشاورزی را عهده‌دار گردید و یک سال بعد مدیر کل انحصار تریاک ایران شد.

دکتر غلامرضا کیان در ۱۳۲۲ در دوره‌ی چهاردهم مجلس شورای ملی از قمشه به وکالت مجلس انتخاب گردید و در دوره‌های شانزدهم و هفدهم همین سمت را پیدا کرد.

از دیگر مشاغل وی می‌توان مقامات زیر را نام برد: عضو هیئت عالی تنظیم برنامه‌ی هفت ساله، معاون وزارت اقتصاد ملی، عضو هیئت مدیره شرکت بیمه، مدیر عامل سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران، معاون پارلمانی نخست‌وزیر.

دکتر غلامرضا کیان دارای تألیفات متعددی است، از جمله اصول علم آمار، محاسبات عمومی، اصول علم مالیه، سیاستهای بازرگانی و تجارت بین‌المللی که غالب این کتب در دانشکده حقوق تدریس می‌شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] چهره‌های آشنا (۴۹۱ –۴۹۰)، روز شما تاریخ (۲۶۹، ۱۱۸/ ۲).

کیانفر، فریدون

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی صنایع، دانشکده: مهندسی صنایع، دانشگاه: صنعتی شریف

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی مکانیک از دانشگاه امیرکبیر در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد مهندسی صنایع از انستیتو تکنولوژی ایلینویز آمریکا در سال ۱۳۴۶ و دکترای مهندسی صنایع از انستیتو تکنولوژی ایلینویز آمریکا در سال ۱۳۴۸.

مرتبه علمی:

استادیار انستیتوی تکنولوژی ایلینویز آمریکا از سال ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۴۹، استادیار، دانشیار، و استاد دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۴۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طراحی سیستم کنترل فرآیند برای یک واحد صنعتی، کاربرد برنامه‌ریزی چند مرحله‌ای در صنعت چینی، تخصص منابع و زمان‌بندی تعمیرات اساسی هلیکوپتر با روش برنامه‌ریزی چند پروژه‌ای، تدریس دروس مهندسی صنایع در انستیتو تکنولوژی ایلینویز آمریکا و دانشگاه صنعتی شریف.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

وضعیت کلی سیستم کنترل کیفیت در صنایع خودروی ایران، مقالاتی دیگر در زمینه مهندسی صنایع.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کیان‌مهر، هرمزدیار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آفات گیاهی، دانشکده: علوم، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی علوم گیاهی از دانشگاه ایالتی ارگان آمریکا در سال ۱۳۴۰، کارشناسی ارشد علوم گیاهی از دانشگاه ایالتی ارگان آمریکا در سال ۱۳۴۳، دکترای گیاه‌شناسی بیولوژی از دانشگاه شفیلد انگلستان در سال ۱۳۵۴.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه مشهد از سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۶۸، دانشیار دانشگاه مشهد از سال ۱۳۶۸ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

میکوریزوسیکولار زعفران، میکوریزوسیکولار گیاهان در خراسان، شناسائی جلبکهای مشهد و حومه، میکوریزوسیکولار و آریوسیکولار شبدر و یونجه، تدریس درس زیست‌شناسی و علوم گیاهی در دانشگاههای ایالتی نیویورک، شیراز و فردوسی مشهد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مورفولوژی گیاهی، تاکزونومی گیاهان گلدار.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴۵

زمینه علمی مقالات:

جمعیت هاگ و انتقال آلودگی میکوریزوسیکولار، شناسائی چند نمونه از جلبکهای سواحل خلیج‌فارس، دوره زندگی قارچ اندوگان مولر میکوریز، تنوع جلبکهای سواحل جزایر قشم و لار.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کیانوش، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۳۲ مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: فنی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی و دکترا در رشته تخصصی طراحی آلیاژهای مغناطیسی و تولید آهن‌رباهای دائم از آنها از دانشگاه بیرمنگام انگلستان.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده فنی دانشگاه تبریز، دانشیار دانشگاه تبریز از سال ۱۳۷۱.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تولید و بهسازی آهن‌رباهای سرامیکی از نوع فریت باریم و فریت استرانسیوم با استفاده از مواد اولیه داخلی، آلیاژهای مغناطیسی از نوع smr tmv۱.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

متالورژی مواد.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۳

زمینه علمی مقالات:

خواص و ساخت انواع آهن‌رباهای دائم مدرن مهندسی از آلیاژهای مختلف.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کیانی، مسیب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسیب کیانی

محل تولد : نهاوند- گیان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۷/۳۰

زندگینامه علمی

اینجانب اواخر سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه نهاوند گردیدم و بعد از حدود هشت ماه به قم منتقل و در مدرسه علمیه مهدی موعود (عج الله) زیر نظر حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی مشغول به تحصیل شدم و دروس مقدماتی را در آن مدرسه و سطح را در مدارس حوزه علمیه قم به اتمام رساندم.

در سال ۱۳۷۵ در درس خارج فقه و اصول شرکت نمودم. در سال ۱۳۷۴ وارد پژوهشکده باقرالعلوم (ع) وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی شده و به پژوهش و تحقیق در این موسسه مشغول و به فعالیت در زمینه علوم اسلامی و کار نمایه سازی و اطلاع رسانی در این مجموعه مشغول بودم.

در سال ۱۳۷۷ وارد دانشگاه مفید در قم گردیدم. در سال ۱۳۸۰ فارغ التحصیل رشته «علوم سیاسی» در مقطع کارشناسی شدم. در طول حضور در پژوهشکده در برنامه (نمایه سازی، کتاب شناسی، کتابخانه و همچنین اطلاع رسانی) جهت تدوین پایان نامه ها، رساله، مقالات و راهنمائی «افراد، محققین، طلاب و دانشجویان» مشغول بوده ام.

کیاهراسی طبری، شمس الاسلام عمادالدین، ابوالحسن علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۰۴ -۴۵۰ ق)، فقیه شافعی، محدث، مفسر و مدرس. مشهور به عماد طبری یا عمادالدین طبری یا عمادکیا یا عمادالدین کیا و

معروف به کیاهراسی. اهل طبرستان بود و در آنجا به دنیا آمد. وی را تالی و ثانی ابوحامد غزالی بلکه شایسته‌تر از وی می‌دانند. در نیشابور از امام الحرمین، ابوالمعالی جوینی، فقه آموخت و در مذهب و اصول برآمد. او در نظامیه نیشابور پس از اتمام درس توسط استاد، درس او را برای شاگردان حوزه تقریر و اعاده می‌نمود. سپس در بیهق به تدریس اشتغال یافت. آن گاه به بغداد رفت و تا پایان عمر در نظامیه تدریس کرد. وی شیخ الشافعیه بغداد بود. او از زید بن صالح آملی و جماعتی دیگر حدیث روایت کرد. سعد الخیر و عبداللّه بن محمد بن غالب و ابوطاهر سلفی از وی روایت کرده‌اند. او لعن به یزید بن معاویه را به صراحت جایز می‌دانست. ابن‌اثیر گوید که جهال به او اتهام عقیده و مذهب باطنی (اسماعیلیه) بستند و سلطان محمد او را دستگیر و زندانی کرد و آن گاه که جمعی از علما بر برائتش گواهی دادند آزاد شد. در بغداد درگذشت و در مقبره‌ی باب ابرز در کنار ابواسحاق شیرازی به خاک سپرده شد. از او آثار نیکویی بجا ماند. از آثارش: «احکام القرآن»، در چهار مجلد؛ «شفاء المسترشدین فی مباحث المجتهدین»، در خلافیات؛ «لوامع الدلائل فی زوایا المسائل»؛ «تعلیق فی اصول الفقه»؛ نقض و ردی بر «مفردات الامم احمد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۴۹/ ۵)، التفسیر و المفسرون (۴۴۷ -۴۴۴/ ۲)، ریحانه (۳۵۹/ ۶ -۱۰۷ -۱۰۶/ ۵)، سیر النبلاء (۳۵۲ -۳۵۰/ ۱۹)، شذرات الذهب (۱۰ -۸ / ۴)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۲۹۴ -۲۹۲/ ۲)، طبقات الشافعیه‌ی ابن‌قاضی شهبه (۲۸۸/ ۱)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۲۳۴ -۲۳۱/ ۷)، العبر (۳۸۶/ ۲)، الکامل (۲۶۲/ ۸)، کشف الظنون (۱۵۶۹، ۱۰۵۶، ۴۲۳، ۲۰)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۱۹۷/ ۱۹)، معجم المؤلفین (۲۲۰/ ۷)، المنتظم (۱۱۱ -۱۱۰/ ۱۰)، النجوم الزاهرهٔ (۱۹۹ -۱۹۸/ ۵)، الوافی بالوفیات (۸۴ -۸۲/ ۲۲)، وفیات الاعیان (۲۹۰ -۲۸۶/ ۳)، هدیهٔ العارفین (۶۹۴/ ۱).

کیایی نژاد، زین الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زین الدین کیایی نژاد در سال ۱۲۹۶ ، در طالقان متولد گردید. با به پایان بردن تحصیلات مقدماتی و متوسطه ، وارد دانشکده معقول و منقول و پس از آن دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد. با اخذ مدرک لیسانس ، در رشته علوم تربیتی ادامه تحصیل داد. زین الدین کیایی نژاد در سال ۱۳۲۰ با سمت کارمند ، در اداره کل رسیدگی و تمرکز حساب های وزارت دارایی مشغول به کار گردید. طولی نکشید به سمت رییس شعبه و همچنین رییس دایره رسیدگی به حساب وزارتخانه ها و ادارات مستقل مرکزی منصوب شد. در سال ۱۳۳۰ کیایی نژاد به سمت مشاور حقوقی و بعد به ریاست اداره حقوقی انتخاب شد ودر همین مسیر تا مقام مدیریت کل حقوقی وزارت دارایی ارتقاء پیدا کرد. از اردیبهشت سال ۱۳۴۲ به عضویت هیات عالی انتظامی مالیاتی در آمد ، اما پس از گذشت یک سال ، مجدداً در پست مدیرکل حقوقی وزارت دارایی قرار گرفت. کیایی نژاد علاوه بر تحصیلات دانشگاهی ، توانست به دو زبان فرانسه و عربی نیز مسلط گردد و آثاری را نیز ترجمه و چاپ نماید.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

والدین و انساب : نام پدر زین الدین کیایی نژاد ، آقا شیخ علی جزء علمای دانشور طالقان به شمار می آمد و مادرش صدیقه علوی طالقانی بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : زین الدین کیایی نژاد با به پایان بردن تحصیلات مقدماتی و متوسطه ، وارد دانشکده معقول و منقول و پس از آن دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد. با اخذ مدرک لیسانس ، در رشته علوم تربیتی ادامه تحصیل داد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : زین الدین کیایی نژاد علاوه بر تحصیلات دانشگاهی ، توانست به دو زبان فرانسه و عربی نیز مسلط گردد.

همسر و فرزندان : زین الدین کیایی نژاد در مهر ماه سال ۱۳۱۵ با خانم بهجت ثریا ازدواج نمود. حاصل این پیوند پنج فرزند با نام های سرور ، فرح ، پروانه ، ژاله و علی می باشد.

وقایع میانسالی : مهمترین حادثه زندگی زین الدین کیایی نژاد ، از دست دادن فرزندش بود که ضربه روحی سختی بر او وارد کرد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : زین الدین کیایی نژاد در سال ۱۳۲۰ با سمت کارمند ، در اداره کل رسیدگی و تمرکز حساب های وزارت دارایی مشغول به کار گردید. طولی نکشید به سمت رییس شعبه و همچنین رییس دایره رسیدگی به حساب وزارتخانه ها و ادارات مستقل مرکزی منصوب شد. در سال ۱۳۳۰ کیایی نژاد به سمت مشاور حقوقی و بعد به ریاست اداره حقوقی انتخاب شد ودر همین مسیر تا مقام مدیریت کل حقوقی وزارت دارایی ارتقاء پیدا کرد. از اردیبهشت سال ۱۳۴۲ به عضویت هیات عالی انتظامی مالیاتی در آمد ، اما پس از گذشت یک سال ، مجدداً در پست مدیرکل حقوقی وزارت دارایی قرار گرفت. ----------

----

آثار :

۱ اعترافات غزالی

ویژگی اثر : ترجمه کتاب المنقد من الضلال حجه الاسلام غزالی.

۲ رساله « بقاء روح پس از مرگ »

ویژگی اثر : ترجمه

کی‌پور، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: بوعلی همدان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۵۲، دکترای شیمی معدنی از دانشگاه اسکس انگلستان در سال ۱۳۵۷ و فوق دکترا در بیوشیمی معدنی از دانشگاه اسکس انگلستان در سال ۱۳۶۴.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه بوعلی سینای همدان از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۶، دانشیار دانشگاه بوعلی سینا همدان از سال ۱۳۶۶ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شیمی معدنی و تدریس شیمی عمومی ۱ و ۲، شیمی معدنی پیشرفته، شیمی تجزیه ۱ در دانشگاه بوعلی سینا و تربیت مدرس.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

کلیات شیمی معدنی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

شیمی و شیمی معدنی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کیفی سبزواری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۸ ق)، شاعر. در سبزوار به دنیا آمد. دارای مذهب یهودی بود که در سیستان به اسلام روی آورد. به هندوستان مسافرت کرد و مـدتی نیز در بنگاله بود. تقی‌الدین اوحدی (م ۱۰۳۰ ق) در ۱۰۲۵ ق در آگره و اجمیر او را ملاقات کرد. وی در ۱۰۲۸ ق تحت ملازمت شاه جهان قرار گرفت. کیفی قریب به بیست سال در لباس فقر و خوش‌نشینی در هند به سیاحت پرداخت. از آثارش: مثنوی «آگاهنامه»، در بحر «مثنوی» مولوی. از اوست:

چون نگریم، کز عدم با نامرادیهای بخت

غافلم آورده‌اند و باز غافل می‌برند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی میخانه (۸۷۷ -۸۷۶)، الذریعه (۱۰۷/ ۱۹ ،۹۲۷/ ۹)، صبح گلشن (۳۴۵)، فرهنگ سخنوران (۷۷۴)، کاروان هند (۱۱۹۰ -۱۱۸۹/ ۲)، منظومه‌های فارسی (۵۰۰).

کی‌منش، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نـام وی عباس، فامیل او، کی‌منش می‌باشـد و در شـعر «مشـفق» تخلص می‌کنـد، مشـفق کاشانی به سال ۱۳۰۴ در شـهر ادیب‌پرور و باستانی کاشان پای به جهان نهاد.

تحصـیلات ابتدایی و متوسـطه را در کاشان به پایان رسانید و پس از آن به تهران آمد و در دانشگاه تهران به ادامه تحصـیل اشـتغال ورزیـد و موفق به اخـذ دانشـنامه در علوم اداری شد. مشـفق کاشانی یکی از غزلسـرایان و شاعران بزرگ معاصـر است که تاکنون بیش از چهل هزار بیت شـعر سـروده است که قسـمتی از آن‌ها، به نام‌های: «شـباهنگ»، «خاطرات»، «اشک‌ها»، «سـرود زنـدگی» و... منتشر شده است.

«شب کوفه»

شب ای شب من، ز بینوایی، نوای مرغ سحر نیاید

از این شبستان، ز سرد مهری، فروغی صبحی بدر نیاید

چه شد که خورشید، بزرفشانی، ز بام گردون دگر نتابد

چه شد که دیگر، به نقره‌پاشی، به دامن شب، قمر نیاید
چو نی دل من، بشور بختی، گهی بگرید، گهی بنالد
که روز شادی دگر نبیند، که شام محنت به سر نیاید
مگر علی را، به تیغ بیداد، درون محراب بخون کشیدند
که نغمه او، بذکر یارب، به گوش جانها دگر نیاید
شکافت فرقی که تا قیامت، از این مصیبت بنامرادی
بجام هستی، بساغر دل، به غیر لخت جگر نیاید
سزد زمین را، دگر نجنبد، سزد زمان را، دگر نپاید
صفا نماند، وفا نماند، سحر نیاید، سحر نیاید
«پیوند عمر»
ای دل اسیر سلسله‌ی موی کیستی
آیینه‌دار آینه روی کیستی
در پرده خیال بخلوتگه امید
نقش‌آفرین طلعت نیکوی کیستی
بس فتنه نشسته که از ناله تو خاست
تا درد چین نرگس جادوی کیستی
گل شد نگار پرده‌نشین بهار و تو
سرگشته چون صبا بسر کوی کیستی
چشم سپهر خیره در افسانه تو ماند
تو خیره مانده بر خم ابروی کیستی
بوی فراق می‌وزد از طرف این چمن
بی‌خویشتن فتاده تو بر بوی کیستی
بازم نماند تاب پریشانی از غمت
پیوند عمر بسته بگیسوی کیستی
دل تنگ لب چو غنچه فروبسته‌ای هنوز
در آرزوی لعل سخنگوی کیستی
عمری گذشت کز بر مشفق رمیده‌ای
هان ای غزال وحشی، آهوی کیستی
«گذشت کاروان»
دل چهر تو مهر آسمان گفت
روشن‌تر ازین نمی‌توان گفت
خوش گردش چشم دل سیاهت
از فتنه دور آسمان گفت
چون شمع در آتش زبان سوخت
هر کو سخن از غم نهان گفت
زین کنگره‌ام کبوتر دل
بگذشت و بترک آشیان گفت
در گوش دلم غبار این دشت
رازی ز گذشت کاروان گفت
با لاله چه از غم جگرسوز
باد سحری به بوستان گفت
کز پرده نمود داغ خونین
بی‌پرده هزار داستان گفت
گفتی شکر است لعل نوشم
شیرین‌تر از این چه می‌توان گفت
ای صبح امید کز هوایت
شمع دل ما بترک جان گفت
ناچار چنان کنم که سعدی
استاد بزرگ شاعران گفت
«بشینم و صبر پیش گیرم»
«دنباله کار خویش گیرم»
برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

کیمیا قلم، غلام حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۲۱ ق)، خطاط. ملقب به مؤید دفتر. کتیبه‌ی کفش کن قاینی‌ها، در آستانه قدس رضوی، که از کاشی و سنگ است به خط اوست و در روی سنگی که در زاویه‌ی جنوب غربی کفش کن نصب است، چنین رقم نهاده شده:

«بهین کتیبه نویس اندرین خجسته مقام

که جبرئیل امین خادمش بود بر در

بود کمینه، غلام حسین تشنه لب آن

که کیمیا قلم است و موید دفتر»

۱۳۲۱ ق.

اشعار این کتیبه از اختر طوسی (م ۱۳۳۳ ق) است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۵۰/ ۲).

کیمیا، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد کیمیا

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد کیمیا در سال ۱۳۷۲ وارد حوزه علمیه شدم و در ۱۳۷۷ وارد شهر مقدس قم و حوزه علمیه گردیدم. از سال ۷۷ بود که علاقمند به تحقیق و نوشتن مقالات علمی شده و از همان زمان بود که تحقیق در موضوعات مختلف اعم از فقهی، کلامی و تحقیق در نهج البلاغه را شروع نمودم که تعدادی از مقالات و تحقیقات اینجانب در مجلات و هفته نامه های داخلی و استانی به چاپ رسیده است.

کی‌نیا، امیرمسعود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۳۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی عمران، دانشکده: مهندسی عمران، دانشگاه: صنعتی اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی راه و ساختمان از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۶، کارشناسی ارشد راه و ساختمان از دانشگاه ام. آی. تی. آمریکا در سال ۱۳۵۷، دکترای تخصصی راه و ساختمان از دانشگاه ام. آی. تی. آمریکا در سال ۱۳۶۰.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه صنعتی افهان از سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۶۷ و دانشیار دانشگاه صنعتی اصفهان از سال ۱۳۶۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آنالیز و طراحی سکوهای دریایی ثابت جهت استخراج نفت، توابع گرین در محیطهای متخلخل اشباع، تحلیل دینامیکی اسکله تحت اثر امواج و زلزله، آنالیز دینامیکی آب و سازه‌های دریایی، آنالیز دینامیکی سدها به روش اجزاء محدود، آنالیز دیوارهای برشی کوپی، تدریس دروس مقاومت مصالح، سازه‌های بتون آرمه، دینامیک سازه‌ها، دینامیک خاک پی‌ها در دانشگاه صنعتی اصفهان، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

آنالیز و طراحی سازه‌های بتون آرمه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۲

زمینه علمی مقالات:

مهندسی زلزله، رفتار دینامیکی پی‌های شمعی، رفتار دینامیکی محیطهای خاکی اشباع، اثر متقابل خاک و سازه و سازه‌های دریایی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کی‌نیا، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد.

تولد: ۱۲۹۷، بابل.

درگذشت: تیر ۱۳۷۴.

مهدی کی‌نیا، فرزند سید تقی اخوان نیاکی، تحصیلات ابتدایی را در دبستان نصرت پهلوی (آمل) و متوسطه را در دبیرستان شاهپور (بابل) گذراند. در سال ۱۳۱۹ از دانشسرای عالی لیسانس ریاضی گرفت اما از تحصیل باز نایستاد و در ۱۳۲۸ از دانشکده‌ی حقوق لیسانس قضایی گرفت، بعد برای ادامه‌ی تحصیل به فرانسه رفت و پس از اخذ دکتری در حقوق قضایی در سال ۱۳۳۴ به ایران بازگشت.

زندگی شغلی مهدی کی‌نیا از دبیری دبیرستان‌ها آغاز شد. وی در مشاغل دیگری نظیر ریاست دبیرستان، نمایندگی فرهنگ، معاونت و ریاست اداره‌ی کارگزینی نیز فعالیت نمود. وی سرانجام به تدریس در دانشگاه پرداخت. مدتی نیز ریاست کتابخانه‌ی دانشکده‌ی داروسازی را به عهده داشت. وی استاد دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی بود و همچنین مدتی عضو حزب ملیون و نیز عضو کانون مدیریت و جمعیت اتفاق ملی بود.

دکتر کی‌نیا صاحب تألیفات متعدد در رشته‌های مختلف حقوق به ویژه جرم‌شناسی است. او همچنین چندین کتاب حقوقی و جرم‌شناسی از زبان فرانسوی به فارسی ترجمه کرده است. دکتر کی‌نیا چندین سال در سمت مشاور حقوقی با مرکز نشر دانشگاهی همکاری داشت. از جمله آثار او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: علوم جنایی (دو جلد، ۱۳۴۵)؛ جامعه‌شناسی جنایی (۱۳۴۶)؛ مقررات استخدامی و مالی دانشگاه (۱۳۳۵، نشریه‌ی شماره ۳۲۹ دانشگاه)؛ جرایم کارکنان دولت (فرانسه)؛ تفریحات علمی؛ مقدمه‌ی حقوق بین‌الملل عمومی؛ حقوق معماری؛ تئوری کیفرها؛ پلیس جنایی.

دکتر کی‌نیا همچنین مقالاتی در ماهنامه‌های «مکتب مام» و«جوانان» در خصوص جوانان داشته است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

کیوان اصفهانی، مجتبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۰ ق)، شاعر، متخلص به کیوان. در اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان علمیه و دوره‌ی متوسطه را در دبیرستان صارمیه به پایان رساند. کیوان در ۱۳۰۵ ش با خانواده‌اش به شوشتر عزیمت نمود و در آن شهر از محضر درس سید نورالدین شوشتری استفاده کرد. سپس به استخدام فرهنگ درآمد و به عنوان آموزگار به تدریس اشتغال ورزید و در کنار خدمات آموزشی، از محضر شیخ احمد حایری نصرآبادی دقایق و فنون شعر را فراگرفت و تا ۱۳۱۳ ش در مدارس شوشتر و اهواز و رامهرمز به کار تعلیم و تربیت پرداخت. کیوان به همت قاسم خان صور اسرافیل، حکمران اصفهان، به آن شهر منتقل شد و در ۱۳۱۴ ش اقدام به تأسیس دانشسرای مقدماتی پسران کرد. وی در انجمنهای ادبی اصفهان شرکت می‌کرد. نمونه‌ای از اشعار او در تذکره‌ها موجود است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۳۹۴ -۳۹۲)، سخنوران نامی معاصر (۳۰۱۶ -۳۰۱۲/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۷۷۵).

کیوان اصفهانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۰ ش)، شاعر، متخلص به کیوان. در اصفهان به دنیا آمد. پس از طی دوره‌ی ابتدایی و متوسطه در زادگاهش و تهران وارد خدمت فرهنگ شد و مدتی در مدارس اصفهان و یزد و مازندران و غیره به تدریس و مدیریت پرداخت. وی مدتی به عرفان و

تصوف کشیده شد و در خانقاه حاج ذوالریاستین، در شیراز، معتکف گردید. کیوان در سرودن شعر و مقاله‌نویسی برای روزنامه‌ها دستی توانا داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۳۹۵ -۳۹۴)، فرهنگ سخنوران (۷۷۵).

کیوان سمیعی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۲ -۱۲۹۲ ش)، محقق، ادیب و شاعر، متخلص به کیوان. در کرمانشاه به دنیا آمد. در کنار تحصیلات جدید، صرف و نحو را نزد میرزا باقر توحیدی فراگرفت. او همچنین منطق و نحو را نزد شیخ عزیزاللّه واعظ خواند و علوم عربی و منطق و نحو و اصول و فقه را نزد حاج آقا میبدی ادامه داد. در نوزده سالگی برای تکمیل تحصیلات به قم رفت و از آیت‌اللّه سید محمد حجت بهره برد. او معقول را نزد آیت‌اللّه میرزا محمد علی شاه آبادی فراگرفت. آن گاه به مشهد رفت و ادبیات را نزد ادیب نیشابوری دوم تکمیل کرد. وی همچنین در محضر حکیم آقابزرگ عسکری و فرزندش میرزا مهدی عسکری بهره برد. سپس به تهران آمد و با مجامع ادبی و بزرگان و دانشمندان آشنا شد و از محضر حاج شیخ عبداللّه حایری و حاج شیخ عباسعلی کیوان قزوینی استفاده برد. آن گاه به زادگاهش بازگشت و چندی از محضر سردار کابلی کسب فیض نمود. در ۱۳۲۲ ش به تهران آمد و مقیم گشت و به مطالعه و تحقیق و تألیف پرداخت. او مدتی امور حقوقی بانک کشاورزی را عهده‌دار بود. وی در تهران وفات یافت و در بهشت زهرا، در قطعه‌ی هنرمندان، دفن شد. از آثارش: «زندگانی سردار کابلی»؛ مقدمه‌ای بر «مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز»؛ «راز دل»، مجموعه شعر؛ مقدمه‌ای بر «دیوان آزاد همدانی»؛ رساله‌ای در «شرح حال طبیب اصفهانی»؛ شرح و مقدمه «دیوان» رنجی؛ مقدمه بر «دیوان» صابر همدانی؛ «تحقیقات ادبی یا سخنانی پیرامون شعر و شاعری»؛ مقدمه بر «اوصاف الاشراف» خواجه نصیر؛ مقدمه بر «قبله شناسی» سردار کابلی.[۱]

محقق، شاعر.

تولد: ۱۲۹۲، کرمانشاه.

درگذشت: ۴ مرداد ۱۳۷۲، تهران.

غلامرضا کیوان سمیعی متخلص به «کیوان»، فرزند محمد صادق، تحصیلات ابتدایی را در دبستان نصرت در کرمانشاه به پایان برد. در کنار درس‌های دبستانی به فراگیری علوم عربی و قرآنی نزد برخی استادان کرمانشاه از جمله میرزا باقر توحیدی و شیخ عزیزالله واعظ پرداخت. سپس به دبیرستان رفت و همچنان پس از فراغت از مدرسه به فراگرفتن علوم عربیه پرداخت و شرح سیوطی بر الفیه ابن مالک و حاشیه‌ی ملا عبدالله بر تهذیب در منطق و شرح جامی بر کافیه ابن حاجب در نحو و معالم الاصول و جلد اول قوانین الاصول در علم اصول و اکثر شرح لمعه را در فقه، نزد حاج آقا محمد میبدی تلمذ کرد و در خلال دروس دبیرستانی و علوم عربیه شب‌ها به تحصیل در رشته‌ی ریاضیات و زبان انگلیسی پرداخت. در نوزده سالگی پس از طی دوره دبیرستان به قم رفت و به فراگیری علوم اسلامی ادامه داد. رسائل را نزد آیت‌الله سید محمد بهجت کوه‌کمره‌ای و مبداء و معاد ملاصدرا را نزد آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی خواند و سپس به مشهد رفت و در محضر شیخ محمدتقی راموز مشهور به ادیب نیشابوری (ثانی) درس مطول را خواند. از استادان دیگر وی آقا بزرگ عسگری و آقا میرزا مهدی بودند.

آنگاه به تهران آمد و علم کلام را از شریعت سنگلجی آموخت و در تهران با مجامع ادبی و ادیبان رفت و آمد داشت و با شیخ عبدالله حایری (رحمت علیشاه) و شیخ عباس‌علی کیوان قزوینی به مشرب عرفان آشنا شد و شرح قیصری بر فصوص الحکم را فراگرفت.

آنگاه به زادگاه خود بازگشت و چندی نیز از محضر حیدرقلی‌خان سردار کابلی جامع معقول و منقول و ریاضیات کسب فیض کرد و به دنبال معیشت چندی به تجارت پرداخت. سرانجام به استخدام بانک کشاورزی درآمد. و سال‌ها امور حقوقی بانک را عهده‌دار بود و پس از سی سال خدمت در سال ۱۳۵۲ بازنشسته شد.

علاوه بر مقالات کیوان سمیعی در مجله‌های «دعوت اسلامی» (نخستین مقاله وی در سال ۱۳۰۹ در همین مجله به چاپ رسید)، «شفق سرخ»، «کرمانشاه»، «وحید» و روزنامه‌ی «کیهان»، از جمله آثار وی است: زندگانی سردار کابلی مشتمل بر حوادث افغانستان در قرن نوزدهم میلادی (۱۳۶۱)؛ مقدمه‌ای بر شرح گلشن راز (شیخ محمد لاهیجی، ۱۳۳۷)؛ رساله در شرح احوال طبیب اصفهانی (۱۳۴۷)؛ تحقیقات ادبی یا سخنانی پیرامون شعر و شاعری (۱۳۶۱)؛ کتاب چند جلدی اوراق پراکنده (مجموعه مقاله‌ها، ۱۳۶۶)؛ مقدمه بر قبله‌شناسی (تصنیف سردار کابلی، ۱۳۲۴)؛ مقدمه بر اوصاف الاشراف خواجه نصیر طوسی (۱۳۳۶)؛ مقدمه بر تذکره مختصر شعرای کرمانشاه (تألیف باقر شاکری، ۱۳۳۷)؛ مقدمه بر خاک نشیان عشق (تألیف فرشید یوسفی، ۱۳۶۴)؛ مقدمه‌ای بر تحقیق در مسائل فقهی (تألیف دکتر سید حسن صفوی ۱۳۴۹)؛ مقدمه‌ای بر دیوان آزاد همدانی (۱۳۵۶)؛ تصحیح دیوان صابر همدانی در دو قسمت با مقدمه‌ی مشروح؛ مقدمه‌ای بر دیوان هادی رنجی (به اهتمام غلامحسین تهرانی، ۱۳۴۱)؛ مقدمه‌ای بر دیوان کی‌فر (۱۳۴۲)؛ راز دل (مجموعه شعر، به اهتمام محمدعلی سلطانی ۱۳۶۳)؛ مقدمه بر مناظرات ترجمه المراجعات (تألیف سید شرف‌الدین عاملی با ترجمه سردار کابلی، ۱۳۲۴)؛ رساله تاریخ فلسفه؛ مقدمه تحفهٔ الاجله سردار کابلی؛ شاهکارهای هنری؛ تاریخ و کیفیت روزه در ادیان؛ علت شهرت سید جمال‌الدین اسدآبادی؛ ترجمه حال کیوان قزوینی؛ مبادی عرفان و تصوف؛ وی کتابخانه‌ی شخصی خود را به دانشگاه ادبیات دانشگاه رازی کرمانشاه اهدا کرد.

استاد غلامرضا کیوان سـمیعی در پس سـرطان حنجره درگذشت و در قطعه مقبرهٔالشعرا، حجره‌ی ۹۵۳ بهشت زهرا به خـاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۱۹، ش ۹ -۷، ص ۸۴۱ -۸۴۰)، سخنوران نامی معاصر (۳۰۲۲ -۳۰۱۷/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۶۲/ ۲)، کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۸ ص ۹ -۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۱۰ -۷۰۹/ ۴).

کیوان شفیعی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۲ -۱۲۹۳ ش)، مدرس و شاعر، متخلص به کیان. در فرخشـهر (قهفرخ) به دنیا آمد. دروس ابتدایی و متوسـطه را در فرخشـهر و اصفهان فراگرفت و برای ادامه‌ی تحصیلات به تهران آمد. وی به اخذ درجه‌ی لیسانس در حقوق و درجه‌ی دکترا در ادبیات فارسی نایل آمـد. کیوان مدتی در دانشـگاه‌های ملی، اراک، اصـفهان و مدرسه‌ی عالی پارس به تدریس ادبیات مشـغول بود. وی در تهران درگـذشت. از آثارش: «شاهنامه و دسـتور»، (برنده‌ی جایزه‌ی بهترین کتاب سال ۱۳۴۶ ش)»؛ «دانش و خرد»؛ «شـیوه‌ی خط و دسـتور زبان فارسی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۳۹۷ -۳۹۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۶۶،۲۰۸۶/ ۲)، کلک (س ۴، ش ۴۵ و ۴۶، ص ۳۱۶ -۳۱۵).

کیوان قزوینی، عباسعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۷ -۱۲۷۷ ق)، مفسـر، واعـظ، صوفی و شـاعر، متخلص به کیوان. ملقب به منصور علیشـاه. در قزوین به دنیـا آمـد. برای تکمیل تحصـیلات به عراق رفت و از محضـر شیخ حبیب‌اللّه رشتی استفاده کرد تا به درجه‌ی اجتهاد نایل شد. پس از بازگشت در ۱۳۱۳ ق بـه گنابـاد و خراسـان رفت و به فرقه‌ی دراویش گنابـادی پیـوست. آن گـاه به تهران آمـد و به وعـظ و ارشـاد پرداخت و به شـهرت فراوانی دست یافت اما به دلایلی به فقط از سلسـله‌ی گنابادیه بریـد بلکه بر ضد آنها به تبلیغ پرداخت. وی در رشت درگذشت و در سلیمان داراب به خاک سپرده شد. از آثارش: «کنوز الفوائد»؛ «رازگشا»؛ «تفسیر کیوان»؛ «استوارنامه»؛ «بهین سخن»؛ «دیوان» شعر.[۱] عبـاس ابن اسـماعیل بن علی بن معصوم قزوینی مشـهور به حـاج ملاـ عباسـعلی کیوان، از علمـای دینی و عـارف و واعـظ (و. قزوین ۱۲۷۷- ف. ۱۳۷۷ ه.ش). وی پس از تحصـیل در نجف و کربلا و سامره اجازه‌ی اجتهاد گرفت و به خراسان رفت. در آنجا نزد حاج ملاـ سـلطانعلی به تحصـیل عرفان و تصوف پرداخت. در اواخر عمر از تصوف بیزار گردیـد و کتابهایی در رد آن نوشت. وی مفسـر قرآن به عربی و فارسـی است که چنـد مجلـد آن بطبع رسـیده، اشـعار خیـام را شـرح کرده و از جمله تألیفـات وی از: «کیوان‌نـامه»، «اسـتوار»، «راز گشا»، «حـج‌نامه»، «عرفان»، «میوه‌ی زنـدگانی»، «فریاد بشـر» را بایـد نام برد. کیوان معتقد است که بزرگترین عارف و صوفی خیـام و بزرگترین حکیم بوعلی سـیناست. وی عرفـان را به عرفان علمی و عرفان عملی تقسـیم نمود و سـلوک و درویشـی را عرفان عملی می‌داند.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۷۴/ ۱۸ ،۵۸/ ۱۰ ،۹۲۸/ ۹)، شرح حال رجال (۱۳۰/ ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسـی (۱۶۱۸/ ۲ ، ۹۳۴ ،۵۴۶/ ۱)، کیهـان فرهنگی (س ۳، ش ۸، ص ۵ -۴)، لغت‌نـامه (ذیـل/ کیوان قزوینی)، مولفین کتب چـاپی (۶۹۴ -۶۹۳/ ۳)، یادداشتهای قزوینی (۲۲۷/ ۸).

کیوانپور کرمانشاهی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۸ ش)، مترجم، نویسـنده و شـاعر، متخلص به کیوان. از خـانواده‌ی مکری بابـا میری کردسـتانی بود. وی در کرمانشاه به دنیا آمد. تحصـیلات ابتدایی را در موطنش و دوره‌ی متوسـطه را در دبیرسـتان شـرف تهران به پایان رساند و از دانشسرای عالی در رشته زبـان و ادبیـات فارسـی مـدرک لیسـانس گرفت. سـپس پایـان نـامه‌ی دکترای خود را در موضوع «بحث در لهجه‌هـای مغرب ایران» نوشت و سپس به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در سمتهای مختلف مشغول به کار گردید. وی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش عازم اروپا شد و سالها در فرانسه اقامت کرد و هنگام پیروزی انقلاب اسـلامی به ایران مراجعت نمود و به سـمت سفیر کبیر ایران در مسـکو منصوب گشت. وی ضمن آشنایی با چند زبان و خط به زبان پهلوی نیز تسلط کامل داشت. لازم به ذکر است که صاحب «الذریعه» نام «دیوان» شعر وی را ذیل مکری کردستانی آورده است. از آثارش: «بغستان» یا «بیستون»؛ مجموعه‌ی «ترانه‌های کردی یا

گورانی»، شعر؛ «عشایر کرد»؛ «فرهنگ فارسی»؛ «نمونه‌های نظم و نثر فارسی»، از قرن سوم هجری تا عصر حاضر؛ «نغمه‌های جوانی»، شعر؛ «اندرز خسرو قبادیان»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۳۸/ ۲۴ ،۲۰۹/ ۱۶ ،۲۶۳/ ۱۵ ،۱۰۹۵/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۰۲۵ -۳۰۲۳/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۸۷۲، ۷۷۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۳۳، ۳۳۱۵، ۳۲۹۰، ۲۴۳۱، ۲۳۰۴، ۲۳۰۳- ۲/ ۱۰۲۷، ۱۰۲۶- ۸۴۶، ۳۵۴، ۳۵۳- ۱/ ۱)، مولفین کتب چاپی (۷۰۱ -۷۰۰/ ۵).

کیوانفر، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ویروس‌شناسی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کیهان شیرازی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۲۲ ق)، شاعر، متخلص به کیهان. مشهور به میرزا آقا. وی به زبان انگلیسی آشنا بود و در سرودن شعر نیز دست توانایی داشت. لازم به ذکر است که رکن‌زاده‌ی آدمیت، مؤلف «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس»، کیهان را در ۱۳۲۲ ق زنده می‌داند و به نقل از تذکره‌ی «شعاعیه» وی را آشنا به زبان فرانسه دانسته و «دیوان» شعری مشتمل بر پانزده هزار بیت قصیده و غزل و قطعه و رباعی به او نسبت داده است. ظاهرا کیهان بعضی از غزلیات حافظ را استقبال می‌کرده است. از اوست:

الا ای ترک شیرازی! بیا ای غارت دلها

که تا در عقده‌ی مویت گشایم حل مشکلها

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۶۶)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۵۹ -۲۵۷/ ۴)، فرهنگ سخنوران (۷۱۵)، مرآت الفصاحه (۵۳۰ -۵۲۹).

کیهان، سعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند مطلب شاعر، نقاش، موسیقی‌دان، در سال ۱۲۷۷ متولد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در مدارس علمیه و سن‌لوئی و دارالفنون باتمام رسانید و وارد مدرسه‌ی قزاقخانه قشون شد و دوره‌ی سه ساله‌ی مدرسه‌ی ژاندارمری را نیز طی کرد. در ۱۳۰۱ با درجه‌ی افسری وارد قشون متحدالشکل سردار سپه شد. در ۱۳۰۲ از طرف قشون برای ادامه تحصیلات عازم اروپا گردید و دوره‌ی دانشکده‌ی پیاده نظام سن‌سیر را در پاریس گذرانید و به تهران بازگشت و مأمور خدمت در دانشکده‌ی افسری شد. در ۱۳۱۰ درجه‌ی سروانی گرفت و در ۱۳۱۳ به درجه‌ی سرگردی نائل آمد و فرماندهی گردان در دانشکده‌ی افسری را عهده‌دار گردید. در ۱۳۱۷ با درجه‌ی سرهنگ دومی وارد دانشگاه جنگ شد و دوره‌ی دو ساله‌ی دانشگاه جنگ و فرماندهی و ستاد را گذرانید و در ۱۳۱۹ درجه‌ی سرهنگی دریافت کرد. در ۱۳۲۷ پس از ۸ سال توقف در درجه‌ی سرهنگی، سرتیپ شد و در ۱۳۳۲ درجه‌ی سرلشکری گرفت. اهم مشاغل وی در دوران خدمت عبارتند از: فرماندهی آمادگاه لشکر اصفهان، رئیس اداره باربری ارتش، مدیر دروس و معادن دانشگاه جنگ با سمت استادی پیاده نظام، معاونت دانشکده افسری با حفظ سمت فرماندهی دانشکده افسری احتیاط، رئیس رکن یکم ستاد ارتش، بازرس ویژه ستاد ارتش، معاون دادرسی ارتش، رئیس دادگاه تجدید نظر ارتش .

کیهان در سال ۱۳۳۲ بازنشسته شد. وی افسری تحصیلکرده بود و غالبا در ارتش مشاغل علمی به وی سپرده می‌شد.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

کیهان، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۹ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به کیهان. در قریه سامان به دنیا آمد. نزد پدر و دیگران به تحصیل پرداخت. در ۱۳۲۱ ش وارد خدمت فرهنگ شد. وی در اصفهان روزنامه‌ی «تگرگ» را منتشر می‌کرد. از اوست:

به حق گرای تو را گرنه خوی اهرمن است
گذر ز خویش تو را گرنه جان اسیر تن است
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۳۹۸ -۳۹۷).

کیهان، محمود

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: ۱۲۸۲.
درگذشت: ۲۲ مرداد ۱۳۷۲، تهران.

محمود کیهان استاد رشته‌ی اقتصاد دانشگاه تهران در سن نود سالگی در تهران درگذشت. او تحصیلات دانشگاهی را در فرانسه انجام داده بود و پس از بازگشت به استادی دانشگاه تهران نایل شد و سال‌های دراز تدریس می‌کرد و ضمن آن که خدمات دیگر دولتی را نیز عهده‌دار بود. وی مقالاتی برای مجله‌ی «عصر اقتصاد» و مجلات دیگر نوشته بود.

فرزند میرزا احمدخان محتشم دیوان، در ۱۲۸۴ در تهران متولد شد. تحصیلات متوسطه را در دارالفنون باتمام رسانید و سپس جزء اولین دسته دانشجویان اعزامی به خارج در ۱۳۰۷ ش عازم پاریس گردید. دکترای حقوق و اقتصاد از دانشگاه پاریس دریافت کرد و مدتی نیز در انستیتوی علوم سیاسی پاریس تحصیل نمود. در ۱۳۱۷ به ایران بازگشت و به دانشیاری دانشکده حقوق منصوب شد و بعد مقام استادی گرفت. وی از موسسین و پایه گذاران صندوق پس‌انداز ملی می‌باشد و آن سازمان را در ۱۳۱۸ در بانک ملی بنیاد نهاد و خود ریاست آنرا برعهده گرفت. دکتر کیهان مدتی هم عضو هیئت عالی برنامه و مدیر کل بررسیهای اقتصادی وزارت دارائی بود. دکتر کیهان چند سالی معاونت دانشکده حقوق را عهده‌دار بود و مدتی هم صاحب امتیاز و سر دبیری مجله‌ی عصر اقتصاد را برعهده داشت.

تألیفات متعددی در رشته‌ی تخصصی خود دارد مانند علم اقتصاد، سازمان‌های بین‌المللی و قسمتی از حقوق بین‌الملل.

محمود کیهان، استادی کناره‌گیر و کم تحرک بود و کلاسهای او به هیچ وجه قابل استفاده نبود و در تمام مدت استادی، نتوانست دانشجویان را جلب کند.

(۱۳۷۲ -۱۲۸۴ ش)، استاد دانشگاه و نویسنده. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در دبسات اقدسیه و دارالفنون، به فرانسه رفت و موفق به دریافت لیسانس حقوق از دانشگاه تولوز و دکترای حقوق و اقتصاد از دانشکده‌ی حقوق پاریس و دیپلم علوم سیاسی از انستیتو مطالعات عالی بین‌المللی پاریس گردید. او مدتی مدیر روزنامه و مجله‌ی «عصر اقتصاد» بود و مقالات متعددی در مسایل اقتصادی و اجتماعی در آن روزنامه و مجله منتشر کرد. از جمله ابتکارات وی ترتیب دادن قرعه‌کشی صندوق پس‌انداز ملی در سال ۱۳۱۸ ش بود که برای اولین بار در ایران، برای تشویق مردم به پس‌انداز، صورت گرفت. وی در تهران درگذشت. از آثارش: «اصول علم اقتصاد»؛ «علم اقتصاد»، کتاب درسی.[۱]

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۱۹، ش ۹ -۷، ص ۸۴۲)، چهره‌های آشنا (۴۹۷)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۳۳۴/ ۲ ،۲۶۱/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۰ -۷۹/ ۶).

کیهانی، نعمت‌الله

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۷ ش)، نویسنده، پزشک و استاد دانشگاه. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی ادب و تحصیلات متوسطه را در دارالفنون و تحصیلات عالی را در دانشکده‌ی پزشکی تهران به اتمام رساند و در ۱۳۰۹ ش موفق به دریافت دانشنامه‌ی دکترا شد. سپس به فرانسه رفت و تحصیلات پزشکی را در دانشکده‌ی مون پلیه آغاز کرد و در دانشکده‌ی پزشکی پاریس به پایان رساند و پایان‌نامه‌ی خود را در باب «تجزیه خواص دفاعی بدن در مقابل میکروبهای عفونی» ارائه داد و موفق به اخذ مدرک دکترا از دانشکده پزشکی گردید. سپس به ایران مراجعت کرد و عهده‌دار مشاغل مختلفی از جمله: دانشیاری کرسی کالبد شناسی، استادی بدون کرسی در دانشکده‌ی پزشکی، تدریس کالبد شناسی و فیزیولوژی در آموزشگاه پرستاری دانشکده‌ی پزشکی و استادی کرسی کالبد شناسی گردید. از آثار وی: «استخوان شناسی»؛ «فیزیولوژی هنری»، حالات و حرکات؛ «عضله و زیبایی پلاستیک»؛ «کالبد شکافی»، در سه زمینه‌ی تشریح عملی دست و پا، تشریح عملی سر و گردن و سلسله اعصاب مرکزی، تشریح عملی قفسه‌ی سینه و قلب و ریه؛ «کالبد شناسی هنری با راهنمای هنرمندان و نقاشان و پیکرسازان»؛ «تشریح عملی لگن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی مشاهیر رجال پزشکی (۳۷۶/ ۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۵۹۶ ،۲۵۹۵ -۲۵۹۳ ،۲۵۹۱ ،۲۳۱۸/ ۲ ،۹۰۲ ،۱۹۰/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۰۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۳۶ -۶۳۴/ ۶).

گازرگاهی هروی طبسی، کمال‌الدین حسین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۰۸ ق)، عـارف، صوفی و شاعر. در هرات در دسـتگاه امیر علیشـیر نوایی (۹۰۶ -۸۴۱ ق) می‌زیست و تحت حمـایت و ملازمت وی بود. در علوم متداول عصر خود از جمله جفر و تصوف تبحر داشت و به نظم اشـعار می‌پرداخت. در ایام سلطنت سلطان یعقوب میرزا آق قوینلو از ولایت طبس به آذربایجان رفت و تحت حمایت وی به سر برد. زمانی که به هرات بازگشت سلطان حسین بایقرا امـور شـیخی و تـولیت موقوفـات مزار مقرب حضـرت خـواجه عبـداللّه انصـاری را به او تفویض کرد. در ۹۰۴ ق منصب صـدارت و رسـیدگی به مطالب دادخواهان به وی واگـذار شـد. میر کمال‌الـدین شاگرد جامی بود و در عقاید عارفانه- شاعرانه به مکتب احمد غزالی نیز توجه داشت. از آثارش: شـرحی بر «منازل السائرین» شـیخ عبـداللّه انصاری؛ «رساله»، در تصوف؛ «مجالس العشاق»، تألیف شده در ۹۰۸ ق. بعضـی از تذکره‌ها این کتاب را به سلطان حسین بایقرا نسبت می‌دهند. در «الذریعه» صاحب عنوان تحت نام فنایی گازرگاهی آورده شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۵۲۸ -۵۲۷/ ۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۳۲ -۳۳۱، ۲۸۴)، حبیب السیر (۳۲۵/ ۴)، الذریعه (۳۶۳ -۳۶۲/ ۱۹ ،۹۱۹، ۸۴۹، ۸۴۸- /۹)، مجالس العشاق (مقـدمه)، مجالس النفائس (۲۷۱ -۲۷۰، ۹۵ -۹۴)، نفحات الانس (چهل و چهار، چهل و پنج).

گیل، فریدون

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: شیمی، دانشگاه: صنعتی شریف

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۵۲ و دکترای تخصصی شیمی فیزیک از دانشگاه برادفورد انگلستان در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه صنعتی اصفهان از سال ۱۳۵۶ تا سال ۱۳۶۴، دانشیار دانشگاه صنعتی اصفهان از سال ۱۳۶۴ تا سال ۱۳۶۵ و دانشیار دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۶۵ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس شـیمی فیزیک I,II,III، شیمی سـطح، الکتروشیمی پیشرفته، موضوعات خاص در شیمی فیزیک، بررسی واکنشها در صـنعت در دانشـگاههای صـنعتی اصـفهان، صـنعتی شـریف و تهران، انجـام ۱۵ پروژه تحقیقـاتی در زمینه‌هـای شـیمی سـطح، کاتالیزورهای هتروژن، ساخت و آزمایش کاتالیزور صنعتی، مکانیزم خوردگی آلیاژها، فیلم‌های نازک پلیمری و خواص آنها، استاد راهنمای یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۹، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۵

زمینه علمی مقالات:

شیمی سطح، کاتالیزورهای هتروژن و مکانیزم و سینتیک واکنش‌های کاتالیتیک هتروژن، سینتیک و مکانیزم واکنش‌های الکترودی درگیر در پدیده‌های خوردگی، تشکیل فیلم‌های پلیمری به روش الکتروشیمیایی، حس‌گرهای الکتروشیمیائی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

گرامی تبریزی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یـازدهم ق)، شـاعر. وی برادر بزرگتر رفعتی تبریزی و معاصـر تقی‌الـدین اوحـدی بود. در ۱۰۱۸ ق همراه برادر خـود، در زمـان جهانگیر پادشاه (۱۰۳۷ -۱۰۱۴ ق) به هند رفت. تقی‌الدین اوحدی در آگره او را ملاقات کرد. شعر بسیار می‌گفت و شمار اشعار وی حدود پنج هزار بیت بود. از اوست:

چو تیر غمزه نگارم به قصد جان انداخت

مرا ز هستی خود باز در گمان انداخت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۳۱۸)، الذریعه (۹۲۹/ ۹)، صبح گلشن (۳۴۷)، فرهنگ سخنوران (۷۷۷)، کاروان هند (۱۱۹۰/ ۲).

گرامی کاشانی، مهدی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از امرای ترک بود ولی به دلیل اقامت طولانی در کاشان به کاشانی مشهور شد. شمار اشعار وی را در حدود پنجاه هزار بیت نوشته‌اند. گرامی همچنین «خمسه‌ی» نظامی را جواب گفته است. به قول «الذریعه» وی غیر از گرامی ترک است. از اوست:

چراغی می‌برم در خاک از داغت پس از مردن

که بزم کشتگان عشق را بی نور نگذارم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۵/ ۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۹۵)، الذریعه (۹۳۰/ ۹)، صبح گلشن (۳۴۷)، فرهنگ سخنوران (۷۷۸).

گرایلی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین گرایلی

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۲/۱/۱ زندگینامه علمی

استاد مسلم حوزه علمیه حضرت آیت الله حسین گرایلی در سال ۱۳۲۲ در خانواده ای دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت (ع) در شهرستان بهشهر دیده به جهان گشود. شور زاید الوصف ایشان به تحصیل در علوم دینی سبب گردید در سال ۱۳۳۵ وارد حوزه علمیه مازندران گردد. پس از مدتی تحصیل عشق به پابوسی امام رضا (ع) سبب شد تا برای ادامه تحصیل به مشهد مقدس مشرف شود و از محضر بزرگان آن زمان حضرت آیات میلانی، فلسفی، شمس و مرحوم علم الهدی بهره مند شد. در کنار تحصیل به امر تدریس هم اشتغال ورزید که شاگردان زیادی از خرمن فیض ایشان خوشه ها چیدند. نامبرده در کنار فقه و اصول به تحصیل در امر فلسفه و تفسیر هم همت ورزید تا جایی که در این دو رشته نیز از اساتید مسلم حوزه علمیه گردید.

گرایلی، فریدون

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فریدون گرایلی در سال ۱۳۲۱ در نیشابور دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه و دانشسرا را در زادگاهش گذراند و در رشته تاریخ از دانشگاه اصفهان فارغ التحصیل شد. او در سال ۱۳۴۰ به استخدام آموزش و پرورش در آمد و مدت ۳۳ سال در کسوت معلمی به امر آموزش و تربیت همت گماشت. گرایلی علاوه بر تالیف آثار تاریخی و فرهنگی، اشعار زیبایی سروده است. منزل وی همواره محل ورود اهل علم بویژه اساتید ادب فارسی و تاریخ و دانشجویان بود که از محضر او کسب فیض می کردند. فریدون گرایلی سرانجام در ۱۴ مهرماه ۱۳۷۹ دارفانی وداع گفت.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای : فریدون گرایلی تحصیلات ابتدایی و متوسطه و دانشسرا را در زادگاهش گذراند. او پس از چند سال خدمت در آوزش و پرورش، برای ادامه تحصیل به شهر مقدس مشهد و از آنجا به شهر اصفهان عزیمت نمود و در رشته تاریخ از دانشگاه اصفهان فارغ التحصیل شد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : فریدون گرایلی همواره در دوران تحصیلات دانشگاهی به تحقیقات و پژوهشهای تاریخی گرایش نشان داده و با اندیشمندان و شاعران بزرگ کشور در ارتباط بود و از محضر آنان کسب فیض نمود و اشعار زیبایی در این مدت سرود.

زمان و علت فوت : فریدون گرایلی در ۱۴ مهرماه ۱۳۷۹ دارفانی وداع گفت.

فعالیتهای آموزشی : با علاقه و عشق خاصی که در فریدون گرایلی به شغل معلمی وجود داشت، در سال ۱۳۴۰ به استخدام آموزش و پرورش در آمد و مدت ۳۳ سال در کسوت معلمی به آموزش و تربیت همت گماشت. او در یکی از اشعار خود چنین می گوید: با هزاران دانش اندوزی که الفت داشتم بذر مهر و دوستی در سینه هاشان کاشتم سی و اندی سال می باشد در کسب هنر برده ام رنج فراوان، خورده ام خون جگر سینه تاریخ نیشابور را طی قرون چاک کرده ام تا مگر خوب و بدش آرم برون

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : فریدون گرایلی علاوه بر تالیف آثار تاریخی و فرهنگی، اشعار زیبایی از او به یادگار مانده است. منزل استاد همواره محل ورود اهل علم بویژه اساتید ادب فارسی و تاریخ و دانشجویان بود که از محضر او کسب فیض می کردند. ---

آثار :

۱ مشاهیر نیشابور شهر قلمدانهای مرصع

ویژگی اثر : این اثر استاد جایگاه خود را در بین دانشگاهیان و استاتید بخوبی باز نمود و در حال حاضر بعنوان یک کتاب مرجع تاریخی قلمداد می شود. استاد دکتر شفیعی کدکنی درباره این کتاب چنین فرموده است" :کتاب نیشابور شهر فیروزه جامع ترین کتاب در تاریخ نیشابور می باشد".گرایلی در کتاب «مشاهیر نیشابور شهر قلمدانهای مرصع» حداقل ۶۰۰ ادیب و دانشمند نیشابوری را به جهانیان معرفی نموده و خود نیز در این باره چه زیبا گفته است : قلم تو شاهدی شبهای تار فریدون تا سحرگه بود بیدار پی تحقیق تاریخ نیشابور فراهم کرد هر چه بود مقدور

۲ نیشابور شهر فیروزه

ویژگی اثر : در سال ۱۳۵۷ گرایلی اولین اثر خود بنام " نیشابور شهر فیروزه " را چاپ و منتشر ساخت که در مدت بسیار کوتاهی کمیاب گردید و بعدا تا چاپ چهارم هم رسید.

۳ نیشابور و محاکمه حکیم عمرخیام

ویژگی اثر : گرایلی کتاب " نیشابور و محاکمه حکیم عمرخیام) را در سال ۱۳۷۹ به چاپ رساند. ا و با انتشار این کتاب تلاش کرد تا تیرگیهای ایام را از چهره حکیم عمر خیام نیشابوری زدوده و او را در دادگاه تاریخ تبرئه نماید.

گرایلی، محمد رحیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۱۰۲ ق)، خطاط و شاعر. در گرایل، از توابع ساری، به دنیا آمد. پدرش خاک گرایل بود و خود او نیز بعدها به حکومت آنجا رسید. هنگامی که نادرشاه به بغداد می‌رفت، وی ترک خدمت کرد و عازم نجف شد و همان جا مقیم گردید. پس از مدتی به هندوستان سفر کرد و ملازم برهان الملک شد و در همانجا درگذشت. رحیم خان با علیقلی خان واله داغستانی آشنایی داشت و هنگام تألیف «ریاض الشعراء»، حدود ۱۱۷۰ ق، درگذشته بود. وی از علوم ادبی بهره‌مند بود و نستعلیق را نیز خوش می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۲۰/ ۳ ،۲۰۷ -۲۰۶/ ۱)، تذکره‌ی روز روشن (۲۹۰ -۲۸۹)، فرهنگ سخنوران (۳۷۲).

گرجی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، فقیه اصولی، محقق، مدرس، استاد دانشگاه و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی، در ادبیات از محضر سید محمد قصیر و آقا شیخ محمد حسین بروجردی، در فلسفه از محضر آیت‌اللّه شاه آبادی و آیت‌اللّه آقا شیخ ابراهیم امامزاده زیدی و در فقه و اصول از محضر آیت‌اللّه آقا شیخ محمد رضا تنکابنی استفاده نمود. در ۱۳۲۲ ش برای ادامه‌ی تحصیل به نجف رفت و از محضر آیت‌اللّه آقا شیخ محمد علی جمالی کاظمینی و آیت‌اللّه آقا سید عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه آقا شیخ محمد کاظم شیرازی و آیت‌اللّه خوئی بهره برد و از بعضی از آنان و از آیت‌اللّه آقا شیخ محمد حسین کاشف الغطاء اجازه‌ی اجتهاد گرفت. وی در نجف به موازات تحصیل به تدریس «رسایل»، «مکاسب» و «کفایه» نیز اشتغال داشت. در ۱۳۳۰ ش به تهران آمد و در مدرسه‌ی حاج ابوالفتح فیروزآبادی و مدرسه‌ی مروی به تدریس پرداخت. در ۱۳۳۲ ش وارد دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی شد. در ۱۳۳۵ ش لیسانس منقول و در ۱۳۳۸ ش دکترای فلسفه و حکمت اسلامی را به پایان رساند. وی تا ۱۳۴۷ ش در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تهران به تدریس ادبیات عرب و از ۱۳۴۸ ش به بعد در دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی تهران به تدریس حقوق اسلامی پرداخت. از آثارش: تجدید نظر و اضافات بر «تاریخ پیامبر اسلام (ص)» دکتر محمد ابراهیم آیتی؛ « مسائل حامهٔ من مسائل الخلاف»؛ «نگاهی به تحول علم اصول»؛ تصحیح و تعلیق « الذریعه الی اصول الشریعه» سید مرتضی علم الهدی؛ تصحیح و تعلیق «تفسیر جوامع الجامع» امین‌الدین طبرسی؛ «تأثیر منطق در علم اصول»؛ «صرف و نحو»؛ مقالات حقوقی متعدد.[۱]

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۱۲، ص ۱۶ -۵)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۰۸/ ۳).

گرجی، بهزادبیگ

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۸۹ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به دوستاق. پدرش قورچی شاه عباس دوم بود. بهزاد در سن چهل سالگی توفیق خواندن و نوشتن یافت و در مدرسه‌ی ساروتقی در محله باغات اصفهان طلب علم کرد. او شعر می‌گفت و نسخ و نستعلیق را خوش می‌نوشت. بهزاد در زمان تألیف «تذکره‌ی نصرآبادی» در قید حیات بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۴/۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۴۷)، الذریعه (۳۳۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۴۶).

گرجی، لاچین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند عبدالله گرجی، عالم فاضل، امام و مدرس مسجد جامع عباسی بوده و خود از شاگردان علامه مولی محمدتقی مجلسی است. کتابی به نام «زبدهٔ المعارف» در اصول دین به فارسی به شاه عباس ثانی تألیف نموده، در ۱۰۷۹ وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

گرجی، یوسف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. اصلش از گرجستان است. وی به توسط سربازان آقا محمد خان قاجار به اسیری به ایران آورده شد و از تربیت شدگان محمود میرزای قاجار (م ۱۲۷۱ ق)، صاحب «سفینهٔالمحمود» بود. اشعارش در بعضی از تذکره‌ها آمده است. از اوست:

اول از سنگ ستم بال و پر من مشکن

چون ز بند غمت آخر کنی آزاد مرا

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۳۲۰/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۹)، مجمع‌الفصحا (۱۲۰۴/ ۶)، مصطبه‌ی خراب (۲۲۳ -۲۲۲).

گرجیان عربی، محمدمهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدمهدی گرجیان عربی

محل تولد : عربخیل بابلسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۴/۲۰

زندگینامه علمی

اینجانب در ۲۰ تیرماه ۱۳۴۲ در محله عربخیل بابلسر در یک خانواده مذهبی متولد شدم و در سن شش سالگی به تحصیل در دبستان مسعود سعد وارد شدم و دوران راهنمایی ر ا نیز در همانجا گذراندم و دوران دبیرستان را در رشته علوم تجربی در سال ۱۳۶۰ به پایان رساندم و بعد از چند بار قبولی در دانشگاه در رشته های مختلف و شرکت در جبهه های حق علیه باطل با توجه به علاقه شدیدم به تحصیلات حوزوی به حوزه علمیه روحیه بابل وارد شدم و تحت تعلیم حضرت آیت الله محمدی طبری و آیت الله بهشتی (ره) دروس سطح را تقریبا در طی کمتر از چهار سال به پایان رساندم و در اواخر سال ۱۳۶۴ به قم مشرف شدم. به محض ورود به درس خارج فقه حضرت آیت الله شیخ جواد تبریزی و کفایه را نزد حضرت آیت الله محقق داماد ادامه دادم و از همان سال در درس اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی نیز شرکت می نمودم در سال ۱۳۷۵ همزمان به دانشگاه علامه طباطبائی رشته علوم اجتماعی وارد شدم و بعد از اتمام بلافاصله در مقطع حقوق لیسانس و بعد نیز بلافاصله در دوره دکتری قبول شده و ادامه تحصیل دادم و در مجموعه آموزشی موسسه در راه حق که تحت اشراف استاد مصباح یزدی بود شرکت نمودم و دوره آموزش آنجا را به

اتمام رساندم و دروس فلسفه (اشارات) و عرفان (فصوص الحکم و مصباح الانس) را نزد حضرت استاد آیت الله حسن زاده آملی به اتمام رساندم و در بعضی دروس جناب استاد آیت الله جوادی آملی شرکت می نمودم ضمنا در درس فقه حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی به مدت ۷ سال شرکت نمودم، لازم به ذکر است که از همان سال سوم حوزه به تدریس دروس اشتغال داشتم (که می توان گفت بیش از ۱۹ سال مشغول به تدریس دروس حوزوی و ۱۷ سال به تدریس دروس دانشگاهی مشغول می باشم و تمام دروس سطح را چند بارتدریس نموده ام).

گرکانی، فضل‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۰ -۱۲۹۵ ق)، نویسنده و شاعر. در تهران به دنیا آمد. او نزد پدرش صرف و نحو و منطق و فقه را فراگرفت و به موازات آن تحصیلات ابتدایی و سپس متوسطه را گذراند و در ۱۳۱۴ ش با دریافت دیپلم به دانشسرای عالی راه یافت و در ۱۳۱۶ ش در رشته‌ی زبان و ادبیات فرانسه موفق به اخذ لیسانس گردید. گرکانی شاعری خوش ذوق و توانا بود و در سرودن انواع شعر طبع آزمایی می‌کرد، اما بیشتر به غزلسرایی می‌پرداخت و در شعر بحری و گاهی شمیده و زمانی صالح تخلص می‌نمود. از آثار وی: «امواج» یا «امواج یک روح متلاطم»، متشکل از سه موج، مجموعه‌ی اشعار؛ «تهمت شاعری»؛ اهتمام در انتشار منتخبات «دیوان» شمس تبریزی، با مقدمه‌ی دکتر صادق گوهرین.[۱]

شاعر، نویسنده.

تولد: ۱۲۹۵، تهران.

درگذشت: ۱۳۶۰.

فضل‌الله گرکانی، فرزند میرزا محمدتقی مجتهد گرگانی، پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۱۴ به دانشسرای عالی وارد شد و در رشته‌ی زبان و ادبیات فرانسوی لیسانس گرفت. سپس در وزارت دارایی به کار مشغول شد و مشاغلی را عهده‌دار شد تا بازنشسته گردید. مجموعه‌ای از اشعار خود را به نام امواج یك روح متلاطم (۱۳۲۳) منتشر کرده است. اثر دیگر او منتخبی از دیوان شمس تبریزی (با همکاری دکتر سید صادق گوهرین، ۱۳۳۲)است. در شعر گاهی «بهری» و زمانی «صالح» و هنگامی «شمیده» تخلص نموده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۷، ش ۵، ص ۴۱۰)، چهره‌های آشنا (۴۹۹ -۴۹۸)، سخنوران نامی معاصر (۳۰۲۹ -۳۰۲۶/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۳۶، ۲۱۶۴/ ۲ ،۳۳۸/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۷۰ -۸۶۹/ ۴).

گرگانی، ابوالمحاسن علی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، عالم، فقیه و محدث. از علمای بزرگ شیعه و معاصر علامه حلی بود. او مؤلف کتاب «تکملهٔ السعادات فی کیفیه العبادات المسنونات»، به فارسی است، که در سال ۷۰۲ ق از تألیف آن فراغت یافت. صاحب «ریاض العلماء» یك نسخه از این کتاب را که به خط مولی ابوسعید حسن شیعی سبزواری است دیده که تاریخ ۷۴۷ ق دارد، لذا احتمال داده که ابوسعید از شاگردان ابوالمحاسن باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۲۲ /۲)، الذریعه (۴۱۵ -۴۱۴ /۴)، ریاض العلماء (۵۰۹ /۵، ۱۷۶ /۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۷۴ /۸).

گرگانی، ابوالهیثم احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم و پنجم ق)، شاعر و حکیم. وی شاعر اسماعیلی مذهب است و علاوه بر شاعری در حکمت نیز استادی یگانه بود و محمد بن سرخ از شاگردان وی بوده است. از اشعار ابوالهیثم، تنها قصیده‌ای به نام «چون و چرا» درهشتاد و هشت بیت باقی مانده است که مشتمل بر سئوالاتی است درباره‌ی بسیاری از مسایل، بی‌آنکه خود آنها را جواب گفته باشد. بعد از او دو تن آن را شرح کرده‌اند، یکی ابومعین ناصر بن خسرو قبادیانی بلخی شاعر و نویسنده‌ی مشهور اسماعیلی مذهب که به خواهش عین‌الدوله ابوالمعالی علی بن اسد بن حارث، امیر بدخشان، کتاب «جامع الحکمتین» را در این باب نوشت و پیش از او محمد بن سرخ نیشابوری که در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم قمری می‌زیست کتابی مفصّل در شرح هفتاد و شش بیت از این قصیده ترتیب

داده است. مطلع این قصیده چنین است:

یکی است صورت هر نوع را نیست گذار

چرا که هیئت هر صورتی بود بسیار؟

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۵۳۱ -۵۲۱ /۱)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه (۱۹۷)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (۷۸)، الذریعه (۲۶۰ /۹)، یادگار (س دوم، ش ۸ ص ۲۱ -۹).

گرگانی، ابوسلیک

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۲۷۸ ق)، شاعر. او آخرین شاعر دوره‌ی طاهریان و سامانیان و از شاعران عهد صفاری و معاصر عمرو لیث بود. اگرچه رودکی را پدر نظم فارسی شمرده‌اند، لیکن سهم کسانی چون ابوسلیک و هم عصران او در شکل دادن به مبادی و مبانی شعر فارسی بسیار مهم و اساسی بود. ابیات اندکی که از او بر جای مانده است، نمودار حسن ذوق و قدرت شاعری او در آوردن مضامین زیبا و خیال انگیز است؛ ظاهرا کلام او از نکات اخلاقی و حکمت خالی نبوده است از اشعار او ۱۱ بیت باقی مانده.[۱]

گرگانی، معاصر عمر بن لیث (۲۸۷ -۱۵۶ ه.ق.) ازقدیمی‌ترین شاعران فارسی گوی پس از اسلام است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] پیشاهنگان شعر پارسی (۵ -۴)، تاریخ ادبی ایران (۶۶ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۸۲ -۱۸۱ /۱)، تذکره‌ی روز روشن (۲۱)، دایرهٔ المعارف فارسی (۳۱ /۱)، سخن و سخنوران (۱۶)، لغت‌نامه (ذیل/ابوسلیک)، مجمع الفصحا (۱۳۹ /۱).

گرگانی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین گرگانی (استرآبادی) از علماء و فقهاء عصر خود در گرگان و دارای ریاست عامه بوده و در کتاب (الماثر والاثار) ص ۱۵۳ بعنوان (آقا میرزا حسین مجتهد استرآبادی) از دانشمندان معاصر ناصرالدین شاه قاجار بوده و در حدود ۱۳۱۰ وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

گرگانی، عبدالوهاب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالوهاب گرگانی از علماء متقی و مقدس گرگان بودند که تحصیلات خود را در محل و شهرستان قم نموده و سالها از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری یزدی و دیگران استفاده و پس از آن به گرگان مراجعت و به اقامه جماعت و تبلیغ دین و خدمات روحی خود پرداخته تا در حدود ۱۳۸۰ قمری به رحمت حق پیوسته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

گرگانی، عزیزاللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عزیزاللّه گرگانی استرآبادی از علماء اعلام و رجال فضل و صلاح از شاگردان آخوند خراسانی و آقا سید محمدکاظم یزدی و دارای فضائل اخلاقی بود و در ثوره عراق با علماء اعلام بر علیه انگلیسها شرکت نموده و دارای شجاعت قلبی و مهارت کامل در اوضاع جنگ و تمهید مقدمات و اسلحه بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

گرگانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

متولد ۱۲۶۱ در گنبد کاووس. پدرش آقا جیق بای رئیس ایل ترکمن و از طایفه جعفر بای یموت بود و املاک زیادی داشت.

محمـد پس از تحصـیلات مقدماتی عازم نجف شد و سالها به تحصـیل علوم عقلی و نقلی پرداخت و درجه‌ی اجتهاد گرفت. پس از مراجعت به ترکمن صـحرا پیشوائی مذهبی آن منطقه را عهده‌دار شد. بعد از اسـتبداد صـغیر با آنکه کمتر از سی سال داشت از گنبد کاووس و ایل تراکمه به وکالت مجلس دوم انتخاب شـد. از دوره‌ی شـشم به بعـد متوالیا ده دوره وکالت مجلس داشت. در پارلمان کوچکترین تحرکی از او به ظهور نمی‌رسـید. بـا تمـام دولت‌هـا موافقت می‌کرد و به تمـام لوایـح رأی موافق می‌داد. پس از انقضای دوره‌ی شانزدهم چون سـنش از هفتاد تجاوز نموده بود دیگر به مجلس نرفت و در گنبد به امور املاک وسیعش رسیدگی می‌نمود.
با این حال، مردی دانشمند و فرهنگ‌دوست بود. قریب نود سال عمر کرد. چندین همسر انتخاب کرد و فرزندان متعددی داشت.
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

گرگانی، محمدصالح

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدصالح بن ملا محمدتقی بن ملا محمد اسماعیل گرگانی (استرآبادی) عالمی فاضل و جلیل بوده و در حدود ۱۳۱۵ وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

گرگین

قرن:۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پسـر میلاـد پهلوانی است ایرانی. میلاد بقول نولـد که محرف مهرداد (Mithradat) (نام پادشاه اشـکانی) است. در داسـتان جنگ بیژن بـا گرازان کسـی که مایه‌ی رنـج بیژن و افکنـدن او در بنـد تورانیان شـد گرگین میلاد بود. وی از جانب پادشاه ایران حکمران خوارزم گشت و شهری به نام خود ساخت که گرگان نامیده شد:

«به طوس و به گودرز گشوادگان

به گیو و به گرگین از آزادگان»

(فردوسی)

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

گرم آبدشتی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا گرم آبدشتی

محل تولد : گرم آبدشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۶/۵

زندگینامه علمی

دوره دبسـتان را در روسـتای جیرکل که نزدیک روستای خودمان می باشد تمام کردم و بعد دوره راهنمایی را در مدرسه افجه ای و متوسـطه را در دبیرسـتان شـهید بهشتی شهرسـتان رودسـر و بعـد در سـال ۱۳۶۳ شمسـی رهسـپار حوزه علمیه صـاحب الزمان (عـج) شهرستان لنگرود شدم و در درس حجت الاسلام مرحوم آقای ممجد رحمهٔ الله شرکت کردم. در آنجا رسم بر این بود که طلبه های یـک سال درس می خواندنـد و اگر اسـتاد صـلاح می دیـد برای تازه واردیها تـدریس می کردنـد و این حقیر یکی از همان طلبه ها بودم که استاد برایم تدریس گذاشت و بعد از دو سال به اسـتان اصفهان و در حوزه علمیه ذوالفقار و صدر رفتم. حدودا بیش از سه سال در آنجا درس خواندم و نزد اساتیدی همچون حجج اسـلام آقایان: سید مصطفی ابطحی، شیخ علی اکبر فقیهی، نظری، حیدری و شـهید زنده اسـتاد محمد تقی سنایی که به حق استاد مبرز در ادبیات عرب هستند تلمذ کردم. در حوزه علمیه اصفهان تدریس هم داشـتم و شرحی هم از اوایل مغنی باب اول را داشتم و بعد در سال ۱۳۶۸ شمسـی به حوزه علمیه قم آمدم و در دروس حجج اسلام آقایان: محمدی خراسانی، اعتمادی و درس حضرت آیت الله محفوظی شرکت کردم و هم اکنون در دروس خارج حضرت آیت الله العظمی بهجت و حضرت آیت الله محفوظی شرکت می کنم.

گرم آبدشتی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد گرم آبدشتی

محل تولد : گرم آبدشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد گرم آبدشتی متولد ۱۳۵۰ در روستای گرم آبدشت شهرستان رودسر متولد شدم. دوران ابتدائی وراهنمائی را در روستای همجوار سپری کردم. بعد از آن در آزمون سراسری حوزه علمیه شرکت کردم وپذیرفته شدم. دوران مقدمات حوزه را به ترتیب در مدارس حقانی، الهادی و رضویه شهر مقدس قم به پایان رساندم ودرسهای پایه هفت تا ده را به صورت آزاد گذراندم. درکنار تلمذ دروس خارج فقه واصول مدیریت معارف اسلامی حوزه را هم به عهده دارم و در کنار آن تدریس نیز می نمایم. در روش کلاسداری برای دانش آموزان در سال ۱۳۷۹به عنوان مدرس نمونه کشوری انتخاب شدم.

گرمرودی، حسین، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. در اواسط دولت محمد شاه، رساله‌ای به سبک بدیع‌الزمان همدانی مشتمل بر داستانهای شیرین و حکایتهای دلپسند به صورت نظم و نثر نوشته بود که نزد میرزا طاهر بود. وی برای نشان دادن تسلطش بر عربی قصیده‌ای در مدح میرزا آقاخان نوری سروده بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۴۵۰ -۴۴۹ /۱)، دانشمندان آذربایجان (۳۳۰)، فرهنگ سخنوران (۲۶۵).

گروسی فرشی، میرتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر میر تقی گروسی فرشی استاد گروه روان شناسی دانشگاه تبریز در سال ۱۳۲۵ در تبریز بدنیا آمد.ایشان در سال ۱۳۷۷ مدرک دکتری در رشته روانشناسی عمومی را از دانشگاه تربیت مدرس با موفقیت اخذ کرد. وی از سال ۱۳۶۵به عنوان عضو هیات علمی در گروه روانشناسی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی مشغول خدمت شد. این هم کاری تا کنون ادامه دارد.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی گرایش : روانشناسی عمومی تحصیلات رسمی و حرفه ای : میر تقی گروسی فرشی تحصیلات ابتدایی را در دبستان منوچهری به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۴۶ از دبیرستان فردوسی اخذ کرده اند ایشان مدرک کارشناسی در رشته مشاوره را از دانشگاه تربیت معلم و کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی را در سال ۱۳۵۶ از دانشگاه تهران دریافت نموده اند و در سال ۱۳۷۷ مدرک دکتری در رشته روانشناسی عمومی را از دانشگاه تربیت مدرس با موفقیت اخذ کرده اند . عنوان پایاننامه : الف - کارشناسی ارشد : ترادف رشد مفاهیم بقا ذهنی و رشد قضاوت اخلاقی در کودکان پرورشگاهی ب - دکتری : هنجاریابی آزمون جدید شخصیتی نئو و بررسی تحلیلی ویژگیها و ساختار عاملی آن در بین دانشجویان دانشگاههای ایران وقایع میانسالی : دکتر گروسی فرشی در سال ۱۳۷۷ مدرک دکتری در رشته روانشناسی عمومی را از دانشگاه تربیت مدرس با موفقیت اخذ کرد. وی از سال ۱۳۶۵به عنوان عضو هیات علمی در گروه روانشناسی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی مشغول خدمت شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتها اداری و مدیریتی میر تقی گروسی فرشی به ترتیب زیر است: ۱- عضو هیأت علمی گروه روان شناسی دانشگاه تبریز از سال ۱۳۶۵ تا کنون. ۲- مدیر گروه روان شناسی دانشگاه تبریز، ۱۳۶۷ الی ۱۳۷۱ و ۱۳۷۷ الی ۱۳۸۰. ۳- معاونت دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه تبریز، اردیبهشت ۱۳۸۲ الی شهریور۱۳۸۲. ۴- ریاست دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه تبریز، از شهریور ۱۳۸۲ الی تا کنون. ۵- ریاست سازمان نظام روانشناسی و مشاوره منطقه ۵ شمالغرب کشور ۶- عضو انجمن روانشناسی آمریکا، شاخه روانشناسی کاربردی ۷- عضو اساتید راهنمای دانشجویان دوره دکتری دانشگاه استکهلم سوئد، رشته طب اجتماعی ۸- عضو پیوسته انجمن روان شناسی ایران. ۹- مدیر مسئول و عضو هیأت تحریریه مجله روانشناسی دانشگاه تبریز ۱۰- ناظر پروژه های برنامه ملی تحقیقات کشور در علوم انسانی ۱۱- عضو کمیسیون تخصصی روانشناسی کودکان استثنایی سازمان نظام روانشناسی ۱۲- عضو شورای عالی برنامه ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی ۱۳- مشاور طرحهای تحقیقاتی نیروی انتظامی استان آذربایجان شرقی ۱۴- عضو کمیته تخصصی و هیأت ممیزه دانشگاه تبریز. ۱۵- عضو کمیته تخصصی بهداشت مدارس و جوانان استان فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی دکتر گروسی فرشی به قرار زیر است: الف: تدریس ۱-دوره کارشناسی : دروس روانشناسی مشاوره و راهنمایی ، کاربردآزمونهای روانی ، روانشناسی شخصیت ، روان درمانی ۲- تحصیلات تکمیلی: دروس روانشناسی شخصیت ، روانشناسی عمومی ، رشد پیشرفته ب - برگزاری کارگاه ها : کارگاه

آموزشی وابسته های شخصیتی بیماریهای قلبی – عروقی ۱۳۸۰ ، ۱۳۸۲ سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : کارگاههای آموزشی میر تقی گروسی : ۱– کارگاه آموزشی وابسته های شخصیتی بیماریهای قلبی ـ عروقی در سال ۱۳۸۰. ۲– کارگاه آموزشی وابسته های شخصیتی بیماریهای قلبی ـ عروقی. ۸–۴ بهمن ماه سال ۱۳۸۲. ۳– کارگاه آموزشی مهارتهای زندگی. مهرماه و آبان ماه ۱۳۸۳، دانشگاه علوم پزشکی تبریز چگونگی عرضه آثار : – تعداد طرحهای تحقیقاتی:۱۹ مورد – تعداد مقالات منتشر شده در نشریات معتبر داخلی :۱۷ مورد – تعداد مقالات منتشر شده در نشریات معتبر خارجی :۳ مورد – راهنمای پایان نامه های دوره دکتری:۴ مورد –راهنمایی پایان نامه های دوره کارشناسی ارشد:۹ مورد – تعداد مقالات ارائه شده در کنفرانسهای داخلی و خارجی:۱۰ مورد آثار : ثبات و تغییر شخصیت در بزرگسالی ویژگی اثر : (۱۳۸۱)(مترجم) انتشارات جامعه پژوه. ۲ روانشناسی فیزیولوژیک ویژگی اثر : (۱۳۸۳)(همکار مؤلف) انتشارات سنجش تکمیلی.۳ رویکرد فردگرا در مشاوره سوء مصرف مواد ویژگی اثر : (۱۳۸۴)(مترجم)، انتشار معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی تبریز۴ رویکردهای نوین در ارزیابی شخصیت ویژگی اثر : (۱۳۸۰)(مؤلف) انتشارات جامعه پژوه۵ کودک مبتلا به سندرم داون ویژگی اثر : (۱۳۶۷)(مترجم) انتشارات دانشگاه تبریز.

گریان اردستانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند ملا عبدالله. واعظ صالح، و ادیب شاعر متخلص به «گریان» از نویسندگان زبردست، و شعرای عالی‌قدر، و وعاظ محترم بوده.

کتابهای زیر از اوست:

۱ – انوار المجالس، دو جلد [مطبوع] ۲ – تخمیس دوازده بند محتشم ۳ – تذکرة الحال ۴ – حمله‌ی مختاریه ۵ – صومیه ۶ – طریق البکاء [مطبوع] ۷ – عشرة النساء؛ و غیره

در سال ۱۳۱۰ به مرض وبا در طهران وفات یافت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

گریگوریان، وازگین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: کشاورزی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد کشاورزی عمومی از دانشگاه تبریز، کارشناسی ارشد فیزیولوژی درختان میوه از دانشگاه بردو ۱ فرانسه، دکترای فیزیولوژی درختان میوه از دانشگاه بردو ۱ فرانسه.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز، تدریس در دانشگاههای مشهد، تبریز و مجتمع آموزش عالی اردبیل به مدت ۲۵ سال.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق در زمینه‌های مختلف اصلاح بادام، میوه‌کاری، ازدیاد گیاهان و میوه‌های ریز، تدریس دروس اصلی در رشته باغبانی، راهنمائی مشاوره و نظارت بر ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

کشاورزی و اصلاح نباتات.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

کاربردی، بنیادی در زمینه کشاورزی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

گزی اصفهانی، محمّدتقی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به ملّا تقیا از مقدسین و پیشوایان و علماء قرن دوازدهم هجری در اصفهان و از مجازین از فاضل هندی و ملّا حسین ابن ملّا حسن جیلی اصفهانی است. تاریخ اجازه فاضل هندی به او ۱۱۱۸ هجری قمری می‌باشد. فقیه، زاهد، و از معاریف علماء عصر صفویه بوده و در رمضان ۱۱۲۶ هجری قمری وفات یافته و در تخت فولاد اصفهان دفن گردیده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

گزی برخواری، یوسف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم، فاضل، حکیم، از شاگردان آخوند ملّا علی بن جمشید نوری حکیم مازندرانی می‌باشد. وی را رساله‌ای است در امتناع الترجیح بلامرجح و حاشیه بر کتب الرقیمه النوریه استادش موجود در مکتبهٔالنشریهٔ (متوفی ۱۲۴۶ هجری قمری).

برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

گزی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند عبدالکریم معروف به آقا گزی (متوفی حدود ۵۰ سال قبل) فاضل، ادیب، فقیه وارسته از شاگردان و مجازین علامه شیخ محمد رضا مسجد شاهی (متولد ۱۲۸۷ و متوفی ۱۳۶۲ هجری قمری در سن ۷۵ سالگی) که در مسجد نو و مدرسه صدر بازار و از شاگردان ممتاز مرحوم علامه نجفی محسوب می‌شده تا آنجا که در مجلس درس خصوصی علامه نجفی در دوره اختناق رضاخانی نیز که در منزل استاد تشکیل می‌شده شرکت داشته و از معاصرین مرحومان حیدرعلی خان برومند و حاج شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی و حاج آقا عطاء الدوله فقیه امامی و حاج شیخ احمد فیاض سدهی فروشانی بوده و در گز و اصفهان در معارف اسلامی جهد و سعی بلیغ داشته و مورد احترام و از بزرگان علوم دینی عصر خویش محسوب و پس از وفات در تخت فولاد، تکیه کازرونی به خاک سپرده شده است. نامبرده در زهد و تقوا و ورع مورد احترام بوده و از فرزندان و احفاد ایشان آقای رضا کریمیان جزی بازنشسته آموزش و پرورش در گز و در قید حیات می‌باشد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

گزی، عباس

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

متخلص به جزی، از شعرای دوره قاجاریه است که در سال ۱۲۶۴ هجری قمری در گز برخوار متولد شد. درویش پس از رسیدن به سن هفت سالگی در موطن خود به مکتب خانه رفته و نزد عالمی به نام ملّا عبداللّه مدتی را به کسب علم و دانش پرداخته ولی به علت ناملایمات زندگی و مشکلات و قحطسالی و گرانی، مکتب خانه را رها کرده و همراه پدر به کار مقنی‌گری پرداخته است. خود در شرح زندگی خود گفته فرزند علی اولیک و ماندگار نامی بوده است. درویش از سن ۱۴ ،۱۳ سالگی به سرودن شعر پرداخت و از همان هنگام به عنوان شاعری که به زبان محلی شعر می‌سروده شناخته شد. با گذشت زمان و با مراودت و معاشرتی که با دراویش داشت، باعث شد او به خانقاه آنان راه پیدا نموده و کم‌کم به سلک آنان در آید و به سیر و سفر بپردازد. درویش در یکی از سفرهای خود به شیراز، تعدادی قرآن با تفسیر و ترجمه صفی‌علیشاه به سوغات آورد و به دوستانش هدیه کرد. او در پایان یک سفر طولانی به زادگاه خود گز برخوار بازگشت و مراد و مرشد گروهی شد که محل گردهمایی آنان مقبره امامزاده شاه نعمت‌اللّه بود. او از همسر گزی خود دارای ۵ فرزند پسر و ۳ دختر بوده که از جمله آنان جنتی، حسن و همدم بوده‌اند.

ملّا عبداللّه از مکتبداران گز در سالهای ۱۲۷۰ هجری قمری به بعد بوده که آموزش و کتابت را به نوجوانان زمان خویش می‌آموخته و درویش عباس مدتی در مکتب‌خانه وی در سن ۷ سالگی آموزش دیده است. درویش عباس در شعری از او تعریف و تمجید نموده و قدردانی کرده است:

چونکه هفت سالام بِبو بابام و مام
کار اَزْوَن به ور یک عبداللّه نام
فاضل و کامل بو آن عالی گهر
عارف و واقف بو از هر خیر و شر
قلب نقاداش چو نو آئینه بو
خلقت پاک دلش بی کینه بو
کل افعالش خو مردم بو خِبی
این رو آدمهای گز سین بو اِبی

یک دو سه مه بیشویان پیشش ده کار
خو آما کج بو همیشه روزگار
وَتَّر از آنها گرانی پیش اومه
هر بلایی اومه سر درویش اومه
لیک خوم ور خوم دهِ یک کاریم بِکه
گر همیشه نَمکه یک باروم بکه
دفترا بِمخونت از ب تا الف
پاک بیمدی قولای مختلف

درویش در سال ۱۳۲۳ هجری قمری در سن ۵۹ سالگی دار فانی را وداع گفت و در زاویه شرقی مقبره امامزاده شاه نعمت‌اللّه در گز برخوار به خاک سپرده شد. در سال ۱۳۶۶ هجری شمسی برای دومین بار سنگ قبری توسط نوادگان او تهیه و بر روی قبر وی در امامزاده شاه نعمت‌اللّه نصب گردیده است.

درویش اشعار خود را تحت عنوان ارشادالولد در مضامین: عرفانی، موعظه، وصف طبیعت، مدح ائمه‌اطهار و مولای متقیان و هدایت فرزندان خویش، و به شکل مسمّط، ترکیب‌بند، بحر طویل و هزلیات سروده و به استقبال شعرایی همچون حافظ، سعدی، مولوی، سنایی، خسرو قبادیانی و نظامی گنجوی رفته است. دیوان اشعار او مشتمل بر حدود ۱۰۰۰۰ بیت می‌باشد.

زندگی درویش در فقر و تنگدستی گذشته و در اشعار خود از کسانی که ارزش‌های بزرگ الهی و انسانی و مقدسات مورد احترام مردم را وسیله کسب و ثروت و جاه و مقام خویش ساخته‌اند، در قالب اشعار طنز و هجا انتقاد نموده و از تبعیضات و بی‌عدالتیها و ظلم و ستم روزگار شکوه داشته است.

درویش عباس در ارتباط با سادات جز برخوار چنین سروده است:

سادات جزی به احترامِند
بی شک همه وچه امامِند
دارو روژون فقیر الله
از صدق مرید نعمت الله
ذوقون کَئه خو قلم کِرانِه
منبعد اِبی رقم کِرانِه
ملا هامون به صدق و ایمان
مقداد و ابوذرند و سلمان
از حکمت و علم مستفیدانِد
وُلله که وِیتَر از مفیدانِد
هِندون همه مجمع معانی
دیباچه علم و نکته دانی

گزیده‌هایی از اشعار و سروده‌های او بعد از وفاتش توسط بازماندگان و نواده‌هایش تحت عنوان غزلیات درویش عباس گزی به طبع رسید و در دسترس عموم می‌باشد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

گزی، عبدالکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالکریم گزی سال ۱۲۶۰ هـ.ق در قریه ی گز و برخوار متولد شد. عبدالکریم بعد از طی مراحل مقدماتی و فراگیری برخی علوم و دانش های رایج در منطقه ی برخوار و گز راهی حوزه علمیه اصفهان شد که در آن زمان رونق ویژه ای داشت. آخوند ملا عبدالکریم گزی از محضر اساتید مبرزی مانند میرزا محمد حسن نجفی(شاگرد صاحب جواهر که ازطرف میرزای شیرازی به قضاوت و رفع اختلافات می پرداخت و نیز جزو مراجع تقلید به حساب می آمد) ، میر محمد صادق کتاب فروش (از شاگردان سید حجت الاسلام و صاحب جواهر) ، آیت الله میرزا ابوالمعالی کلباسی و آیت الله حاج شیخ محمد باقر نجفی مسجد شاهی سود جست.پس از آن برای ادامه ی تحصیل و وصول درجات عالی علمی و معنوی راهی عتبات شد و در حوزه علمیه نجف مستقر شد و در آنجا از محضر استادان بزرگی مانند مرحوم حاج سید حسن ترک (کوه کمری) ، آیت الله حاج میرزا حسین خلیلی و آقا میرزا حبیب الله رشتی که همه از علمای بزرگ بودند استفاده کرد و سرانجام در سال ۱۲۹۸ هـ. ق در سن سی و هشت سالگی به اخذ درجه اجتهاد نائل آمد و در همان سال به اصفهان بازگشت و در یکی از حجره های مدرسه نیم آورد ساکن شد و مجالس درس وی در همان نهاد آموزشی (نیم آورد) دایر گردید . زندگی آخوند گزی در اصفهان بدون هرگونه تجمل و عاری از هر نوع تکلف بود، مجالس درس او جالب، دلنشین و پر محتوا بود و طلاب زیادی از محضر او سود می جستند.

آخوند گزی از نظر اخلاقی بسیار برجسته بود و از حسن اخلاق و مباشرت نیکویش با مردم بسیار یاد شده است. وی بیشتر با اقشار محروم جامعه نشست و برخاست می کرد . کلاس درس وی نیز خالی از لطف نبود و گاهاً حکایت هایی شیرین نیز نقل می کرد.

بسیاری از افراد معاصر و مخاطب او حکایات و شوخی های ظریف و لطیف از وی نقل می کنند.

ایشان علاوه بر تدریس، مسؤولیت قضاوت و حل و فصل دعاوی مردم را بر عهده داشت. آخوند گزی شبها در مدرسه نیم آورد اقامه نماز داشت و بعد از مرگ شیخ محمد علی نجفی بنابر تقاضای اهل محل در مسجد ذوالفقار به اقامه نماز جماعت پرداخت و شب های پنج شنبه به گز می رفت و پنج شنبه و جمعه را در آنجا به سر می برد و به امور آن منطقه رسیدگی می کرد.

تألیفات آخوند گزی متعدد و در موضوعات گوناگون بوده است. از جمله می توان :

۱- رساله ای در اصول دین ۲- دیوان اشعار و مثنویات ۳- رساله ی حاشیه به طهارت شیخ مرتضی انصاری یا رساله علمیه

سرانجام آخوند ملاعبدالکریم گزی در سن ۷۹ سالگی در شب پنج شنبه سیزدهم ذی حجه ۱۳۳۹ برابر با ۲۶ خرداد ۱۳۰۰ شمسی دار فانی را وداع گفت و دربقعه تکیه ی کازرونی به خاک سپرده شد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ القبور (۴۲۰ -۴۱۸)، الذریعه (۴۴ /۴)، سرآمدان فرهنگ (۵ /۱)، شرح حال رجال (۱۴۷ /۵)، مصفی المقال (۲۳۳)، همایی‌نامه (۲۰ -۱۹).

گلابچی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمود گلابچی در سال ۱۳۳۶ در مشهد به دنیا آمد. وی در سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۲ موفق به اخذ مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد مهندسی راه و ساختمان با رتبه اول از دانشکده فنی دانشگاه تهران شد و از همان سال به عنوان عضو هیات علمی در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت.ایشان هم اکنون عضو هیات علمی (دانشیار) گروه معماری دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران (۱۳۶۲ تاکنون) می باشد. کتاب" استاتیک کاربردی برای دانشجویان رشته‌های معماری و مهندسی عمران "تالیف محمود گلابچی ، به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۶ برگزیده شده است.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی راه و ساختمانتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمود گلابچی در سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۲ موفق به اخذ مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد مهندسی راه و ساختمان با رتبه اول از دانشکده فنی دانشگاه تهران شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمود گلابچی در حال حاضر علاوه بر عضویت هیات علمی دانشکده معماری دانشگاه تهران، سرپرستی رشته‌های کارشناسی ارشد تکنولوژی معماری و مدیریت پروژه و ساخت، عضو شورای تدوین مقررات ملی ساختمان، عضو کمیته ملی سازه‌های فضاکار، مسول کمیته تخصصی مبحث سوم مقررات ملی ساختمان و نیز عضو چندین سازمان و مجمع بین‌المللی در زمینه معماری و مهندسی ساختمان است. دکتر گلابچی علاوه بر محاسبه و طراحی صدها طرح و ده‌ها پروژه بزرگ ساختمانی، در سازمان‌های اجرایی متعددی به عنوان مشاور عالی در زمینه سازه و ساختمان مشغول به کار بوده است. سوابق اجرایی محمود گلابچی • : عضو هیات علمی (دانشیار) گروه معماری دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران (۱۳۶۲ تاکنون •). عضو شورای تدوین مقررات ملی ساختمان (۱۳۷۵ تاکنون •). مسئول راه اندازی رشته های کارشناسی ارشد مدیریت پروژه و ساخت، تکنولوژی معماری و انرژی و معماری در پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران و مسئول رشته های کارشناسی ارشد مدیریت پروژه و ساخت و تکنولوژی معماری (۱۳۷۹ تاکنون •). نماینده پردیس هنرهای زیبا در شورای انتشارات دانشگاه (۱۳۷۸ تاکنون •). مشاور عالی سازه آستان قدس رضوی و عضو کمیسیون مقاوم سازی ابنیه حریم حرم حضرت رضا (ع) (۱۳۸۰ تاکنون •). مشاور عالی و عضو کمیسیون فنی سازمان‌های اجرایی متعدد (۱۳۶۴ تاکنون •). رئیس کتابخانه دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران (۱۳۸۲-۱۳۷۷ •). سرپرستی تحصیلات تکمیلی (دوره دکتری) معماری (۱۳۷۷-۱۳۷۵ •). معاونت فنی اداره کل امور ساختمان‌ها و تاسیسات دانشگاه تهران (۱۳۶۸-۱۳۵۹). فعالیتهای آموزشی : سوابق آموزشی محمود گلابچی : - تدریس دروس استاتیک، مقاومت مصالح، تئوری و طراحی سازه‌های فولادی، تئوری و طراحی سازه‌های بتن آرمه، سیستم‌های ساختمان و فرم‌های سازه‌ای، متره و برآورد، برنامه نویسی کامپیوتر، اصول پایداری ابنیه تاریخی، پروژه تکنولوژی معماری در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۲ تاکنون. - تدریس دروس کاربرد کامپیوتر در تحقیقات معماری / سیر تحول سیستم‌های ساختمانی/ سیستم‌های سازه ای معاصر در مقطع دکتری معماری در دانشگاه تهران از سال ۱۳۷۵ تاکنون. - تدریس دروس سازه‌های بتن آرمه/ سازه‌های بتن پیش تنیده – دانشگاه لیدز انگلستان (۱۳۷۲-۱۳۷۵). سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سوابق تجربی محمود گلابچی : - محاسبه و طراحی سازه ده‌ها پروژه عمرانی با زیربنای بیش از ۳۰۰ هزار مترمربع شامل •: مسجد جمعه (۱۲۰۰۰ مترمربع) و ساختمان مدرسه علمیه امام صادق (ع) (۴۸۰۰۰ مترمربع) شهرستان کرج •. ساختمان بنیاد ۱۵ خرداد کرج (۴۰۰۰ متر مربع •). مجموعه فرهنگی مذهبی مهدیه تهران (۱۲۰۰۰ مترمربع •). مجموعه فرهنگی امام خمینی (۸۰۰۰ مترمربع)، ساختمان مقبره الشعرا (۸۰۰۰ مترمربع) و پایانه مسافربری (۲۸۰۰۰ مترمربع) شهر کرمان •. پایانه مسافربری شهرهای اهواز (۱۸۰۰۰ مترمربع) و یزد (۹۰۰۰ مترمربع•). مجموعه فرهنگی شهید اشرفی اصفهانی شهر باختران (۱۵۰۰۰ مترمربع •). مجموعه فرهنگی دعبل خزاعی – شوش (۹۰۰۰ مترمربع •). دانشکده علوم حدیث – قم با زیربنای ۲۰۰۰۰ متر مربع • مسجد جامع خاتم الانبیا (ص –) مارلیک کرج با زیربنای ۸۰۰۰ مترمربع • برج های مسکونی شهرک شهید محلاتی – پروژه نرگس – تهران با زیربنای ۱۸۰۰۰ مترمربع • دانشکده کشاورزی دانشگاه گیلان با زیربنای ۵۰۰۰ مترمربع • توسعه هتل گسترش تبریز با زیربنای ۱۴۰۰۰ مترمربع • ساختمان رستوران موزه حیات وحش – دارآباد تهران با زیربنای ۲۰۰۰ مترمربع • مجموعه تجاری، خدماتی و پارکینگ طبقاتی گلابدره (الغدیر)-

تهران با زیربنای ۴۸۰۰۰ مترمربع • مجموعه فرهنگی و سینمایی انکس – آبادان با زیر بنای ۳۸۰۰۰ مترمربع • پل های عابر پیاده در ۵ نقطه شهر تهران – بررسی نهایی و تصویب نقشه‌های سازه و سیویل پروژه های متعدد با زیربنای بیش ۳۲۰ هزار مترمربع شامل•: پایانه های باربری شهرهای اهواز (۱۴۰۰۰ مترمربع) و یزد (۲۴۰۰۰ مترمربع) و مطالعات مرحله اول پایانه‌های باربری شهرهای کرمان، قم، تبریز و تهران (بالغ بر ۱۷۰۰۰۰ مترمربع) سازمان پایانه‌های حمل و نقل، وزارت راه و ترابری – •. بررسی نهایی و تصویب پروژه‌های مسکونی شهرک مارلیک (۶۰۰ واحد– ۴۸۰۰۰ مترمربع)، بندرعباس (۱۴۸ واحد– ۱۸۰۰۰ مترمربع)، گیلان (۹۰ واحد– ۲۴۰۰۰ مترمربع)، صومعه سرا و یزد (۲۰۰ واحد– ۲۴۰۰۰ مترمربع) شرکت رزمنده. جوائز و نشانها : کتاب" استاتیک کاربردی برای دانشجویان رشته‌های معماری و مهندسی عمران "تالیف محمود گلابچی ، به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۶ برگزیده شده است.چگونگی عرضه آثار : محمود گلابچی بالغ بر ۶۵ مقاله به زبان‌های انگلیسی و فارسی در نشریات و کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی کرده نموده است. تدوین جزوات دانشگاهی: – تدوین جزوات درسی دانشگاهی شامل: سیستم های سازه ای و فرم‌های ساختمانی، تئوری و طراحی سازه‌های بتن آرمه، تئوری و طراحی سازه‌های فولادی، استاتیک، مقاومت مصالح، متره و برآورد، مقدمه‌ای بر علوم کامپیوتر، مبانی و اصول سیستم‌های محاسباتی، برنامه‌نویسی FORTRAN و BASIC، کاربردهای طراحی GW – BASIC، اصول پایداری ابنیه تاریخی، کاربرد کامپیوتر در تحقیقات معماری، روش تحقیق در معماری، سیر تحول سیستم‌های ساختمانی، سیستم‌های سازه ای معاصر – طرح های تحقیقاتی خاتمه یافته:۶ طرح – طرح های تحقیقاتی دردست اجرا:۴ طرح – ارائه و انتشار بالغ بر ۶۰ مقاله علمی به زبان انگلیسی و فارسی در طول سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۵ آثار : استاتیک کاربردی برای دانشجویان معماری و مهندسی عمران ویژگی اثر : تالیف– چاپ اول سال ۱۳۸۵، انتشارات دانشگاه تهران، (کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۶ و کتاب برگزیده دانشگاهی سال ۱۳۸۶). ۲ درک رفتار سازه‌ها، ویژگی اثر : ترجمه – چاپ پنجم سال ۱۳۸۶ (چاپ اول ۱۳۸۰) انتشارات دانشگاه تهران. ۳ سازه در معماری، ویژگی اثر : ترجمه – چاپ هفتم سال ۱۳۸۶ (چاپ اول ۱۳۷۲) انتشارات دانشگاه تهران. ۴ سازه‌های مشبک فضایی ویژگی اثر : ترجمه – چاپ اول ۱۳۸۵ انتشارات دانشگاه تهران، (کتاب برگزیده دومین جشنواره کتاب تابستان ۱۳۸۶). ۵ سیستم‌های ساختمانی آینده (نگاهی به معماری فردا) ویژگی اثر : ترجمه – چاپ چهارم سال ۱۳۸۶ (چاپ اول ۱۳۸۰) انتشارات دانشگاه تهران. ۶ فناوری اطلاعات (IT) در مهندسی ساختمان و مدیریت پروژه ویژگی اثر : ترجمه – چاپ اول ۱۳۸۵ انتشارات دانشگاه تهران. ۷ مجموعه مکانیک جامدات جلد اول: استاتیک، جلد دوم: مقاومت مصالح ویژگی اثر : جلد اول، استاتیک – تالیف – چاپ اول سال ۱۳۶۷، انتشارات ایران ارشاد –– جلد دوم، مقاومت مصالح – تالیف – چاپ اول سال ۱۳۶۷، انتشارات ایران ارشاد ۸ مدیریت پروژه (فناوری اطلاعات) ویژگی اثر : تالیف۹ معمار+مهندس= ساختار ویژگی اثر : ترجمه و تعلیق – چاپ سوم سال ۱۳۸۵ (چاپ اول ۱۳۸۳) انتشارات دانشگاه تهران (کتاب برگزیده دانشگاهی سال ۱۳۸۴). ۱۰ مقاومت مصالح کاربردی برای دانشجویان معماری و مهندسی عمران ویژگی اثر : تالیف– چاپ اول سال ۱۳۸۶، انتشارات دانشگاه تهران. منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

گلابی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی، استاد، رشته، شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای داروسازی از دانشکده داروسازی دانشگاه تبریز در سال ۱۳۳۸، دیپلم تحصیلات عالی در شیمی تجزیه و صنعتی از فرانسه، دیپلم تحصیلات عمیق در شیمی تجزیه از فرانسه، دکترای شیمی از دانشکده علوم پاریس کشور فرانسه در سال ۱۳۴۴.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده علوم دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه ویژگیهای الکتروشیمیایی تعدادی از ترکیبات آلی در حلال کلروفرم، ارائه روشی نو برای اندازه‌گیری اسیدهای چرب خون و عنصر مس در خون و بافت‌ها.

ابداع:

روشهای جدید برای آنالیز ترکیبات کینونی، آنتراکینونی و نفتوکینونی مشتقات فنوتیازین، اندازه‌گیری مواد داروئی و آثار عناصر در محیطهای بیولوژیک نظیر خون (رم و پلاسما) و بافت‌ها، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

اصول شیمی تجزیه و روشهای الکتروشیمیائی تجزیه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:–، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۴

زمینه علمی مقالات:

سنتز ترکیبات معدنی با خواص دیرگذار و نیمه هادی، بررسی خصوصیات کریستالوگرافی آنها، بررسی رفتار الکتروشیمیایی ترکیبات آلی مختلف در کلروفرم، ارائه روشهای جدید اندازه‌گیری برای تعدادی از ترکیبات داروئی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

گلایری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی گلایری

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در تاریخ ۱۵ شهریور ۶۵ وارد حوزه علمیه مازندران شدم و مدت ۴ سال تا لمعتین در آنجا از محضر استاد ارجمند حضرت آیت الله فاضل دام ظله بهره بردم و سپس وارد حوزه علمیه قم شدم و از محضر اساتیدی همچون حضرت آیت الله اعتمادی و حاج آقا محمدی و درس خارج حضرات آیات تبریزی، مرحوم صالحی مازندرانی و جوادی آملی استفاده کردم و در این مدت ۴ سال در موسسه تخصصی کلام حضرت آیت الله سبحانی و مدت ۴ سال کلاس فن خطابه در دفتر تبلیغات اسلامی گذراندم و از سال ۸۲ همکاری خود را با مجله وزین رواق اندیشه شروع نمودم که حاصل آن چاپ دوازده مقاله بوده است.

گلبن فراهانی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۱ -۱۲۶۴ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به گلبن. ملقب به ملك الكتاب. پدرش، میرزا مهدی، از فضلا و رجال دوره‌ی قاجار بود و در شعر عشرت تخلص می‌کرد. گلبن در قریه‌ی آهنگران، از توابع فراهان، به دنیا آمد. مدتی پس از فوت پدر به تهران آمد و به تحصیل فارسی و عربی و ادبیات و خط پرداخت. وی مسافرت‌هایی به عراق و خراسان و مکه داشت و چندین سال در هند اقامت گزید. در ۱۳۰۰ ق در رکاب ناصرالدین شاه به خراسان رفت و مأمور ضبط آثار تاریخی آنجا گردید. وی در تدوین مجلدات «مطلع الشمس» با هیأت تحریریه آن همکاری نمود. از دیگر آثار وی: رساله‌ی «حالت»؛ «آداب السرور»؛ «سفرنامه‌ی میرزا محمد حسین فراهانی» یا «سفرنامه‌ی مکه» یا «سفرنامه‌ی حجاز».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیری کوتاه در جغرافیای تاریخی تفرش و آشتیان (۲۴۹ -۲۴۶)، شرح حال رجال (۲۳۸ -۲۳۷، ۲۲/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۶۹۲/ ۲ ،۱۱۴۸، ۲۱/ ۱)، مکارم الآثار (۱۷۴۱/ ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۸۹۲ -۸۹۱/ ۲)، یادگار (س ۴، ش ۸ ص ۲۳).

گلبن کازرونی، محمد کاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۶۰ ق)، عارف و شاعر، متخلص به گلبن. در کازرون به دنیا آمد. در چهارده سالگی به قصد سیاحت و سیر آفاق و انفس از کازرون خارج شد و به بسیاری از نقاط ایران و هندوستان، عراق، شامات و حجاز سفر کرد و به خدمت عرفای نامی رسید تا خود عارفی کامل شد. در زمانی که بابا خان (فتحعلی شاه) حاکم فارس بود به دیدن او به کازرون رفت و به علو مقام وی پی برد و مورد تجلیل شاه قرار گرفت. گلبن پس از بازگشت به کازرون معتکف شد و به گفتن اشعار پرداخت و در همان شهر نیز درگذشت. می‌گویند که ده جلد کتاب داشته است. از آثار وی: «گلشن اسرار»، به سبك «مثنوی» مولوی، شامل مطالب عرفانی و امثال و داستان‌ها جمعا سه هزار و ششصد و سی بیت، که آن را در ۱۲۶۰ ق نوشته است و در آن مطالب نثر وجود دارد؛ «یسر الناس»، به سبك «مثنوی» مولوی؛ «غزلیات»، دو جلد؛ «قصاید و مراثی ائمه‌ی اطهار (ع)»، یک جلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۶۳ -۲۵۹/ ۴)، الذریعه (۲۲۴/ ۱۸)، فرهنگ سخنوران (۷۷۹)، مرآت الفصاحه (۵۳۳ -۵۳۱)، مصطبه‌ی خراب (۱۵۳).

گلپایگانی نجفی، عبداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۷ -۱۲۸۵ ق)، عالم دینی و فقیه. مقدمات را در اصفهان فراگرفت. سپس به نجف رفت. او از خواص شاگردان آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، صاحب «کفایة الاصول»، بود که از محضر استاد بهره‌ها برد و بحث استاد را برای شاگردان تقریر می‌کرد. او خود مستقلا حوزه‌ی درسی داشت که عده‌ای از فضلا در آن شرکت می‌کردند. وی در نجف به بیماری سل درگذشت و در وادی السلام دفن شد. از آثارش: «التبر المسکوک فی حکم اللباس المشکوک»؛ «فصل القضاء لانتصار الرضا»، در انکار معانی مجازی؛ «تقریرات» استادش، در فقه و اصول.[۱]

شیخ عبداللّه گلپایگانی متولد ۱۲۸۵ و متوفی ۱۳۲۷ ق عالمی جلیل و فقیهی متجر و محققی فاضل از شاگردان بزرگ و مخصوص علامه خراسانی آخوند ملا محمدکاظم صاحب (کفایه‌الاصول) و مقررین درس او و صاحب آثار گرانقدری مانند (التبر المسکوک فی حکم اللباس المشکوک) و (فصل القضاء الانتصار الرضا) در انکار معانی مجازیه بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۳۴/ ۱۶ ،۳۱۴/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۸۸ -۱۱۸۷/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۲۶/ ۶)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۱۱/ ۳).

گلپایگانی، ابویوسف محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۵۳۵ ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن رحلی بزرگ که متن آن به شیوه‌ی ابن‌بواب و به خط نسخ تحریر ریحان خوش نوشته شده است، با رقم: «کاتبه ابویوسف محمد بن اسمعیل ابن محمد الخطاط الجربادقانی فی... سنهٔ خمس و ثلثین و خمس مائهٔ...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۴۳ -۱۱۴۲/ ۴).

گلپایگانی، اسداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجهٔالاسلام آقا شیخ اسداللّه بن محمود گلپایگانی مقیم اصفهان عالمی عارف و مصنفی بارع متولد ۱۳۰۳ و متوفی ۱۳۶۶ ق و مدفون در تخت فولاد اصفهان صاحب کتاب (شمس‌التواریخ) و (مظاهرالانوار) و (السعادهٔالخفیه) و (گلزار اسرار) و (تحفهٔالسفر) و غیره بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

گلپایگانی، اسماعیل

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر و عارف. خانواده‌ی وی به سادات بوترابی مشهور بود. وی شاعری دردمند و بی‌تکلفی بود و ساده‌زیست که پیوسته در صحبت درویشان صاحب حال بود. نصرآبادی با وی ملاقات داشته و از او غیر از رباعی، شعر دیگری نشنیده است. از اوست:

دور از تو زیاد دیده‌ام رفت نگاه

بر حال دل خسته خیال تو گواه

بی‌روی تو نقش روز و شب در چشمم

چون خال سفید باشد و آب سیاه

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۹۶)، الذریعه (۷۴/۹)، صبح گلشن (۲۴)، فرهنگ سخنوران (۶۰).

گلپایگانی، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۷ ق)، عالم دینی و فقیه. اصل وی از روستای سعیدآباد گلپایگان است. او از خواص شاگردان و ملازمان آیت‌اللّه میرزا حبیب‌اللّه رشتی در نجف بود. پس از درگذشت استادش، وی در ۱۳۱۴ ق، به تهران آمد و سالها به انجام وظایف دینی مشغول بود. او در اواخر عمر در مشهد مجاور گردید و در همان جا درگذشت. از آثارش شرح «نجاهٔ العباد» می‌باشد.[۱]

شیخ جعفر گلپایگانی از اجلاء علماء آن سامان از قریه سعیدآباد و شاگردان میرزا حبیب‌اللّه رشتی و مجاورین آستان قدس رضوی بوده و در سال ۱۳۳۷ ق وفات نموده.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۷/ ۱۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی نجف (۱۱۱۰/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۴۳/ ۳).

گلپایگانی، جمال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۹ -۱۲۹۵ ق)، عالم دینی، فقیه، مرجع تقلید و شاعر. در قریه سعید آباد گلپایگان به دنیا آمد و پس از فراگرفتن مقدمات به اصفهان رفت و سطوح را در آنجا خواند. آن گاه در ۱۳۱۹ ق به نجف مهاجرت نمود و از محضر علامه خراسانی و علامه یزدی و حاج آقا رضای همدانی، صاحب «مصباح الفقیه»، و نیز آیت‌اللّه میرزا محمد تقی شیرازی، در سامرا، استفاده کرد. سپس از خواص اصحاب و شاگردان میرزای نایینی شد. در اخلاق از شاگردان حاج سید احمد کربلایی و از دوستان و نزدیکان حاج سید علی آقا قاضی بود. ملکات فاضله اخلاقی و مقامات معنوی و حالات باطنی عجیب او به گونه‌ای بود که او را جمال‌السالکین لقب داده‌اند. او در مدح ائمه اطهار (ع) و به خصوص حضرت ولی عصر (عج) اشعار بسیاری به فارسی و عربی سروده است. وی در کنار «تقریرات» بسیاری از اساتید خود، کتاب‌های مستقلی نیز در فقه مانند: «طهارت» و «صلاهٔ» و «وصایا» و «اجاره» و «مکاسب» و چندین راسله عملیه از خود به جای گذاشته است. از دیگر آثار وی: رساله‌ای در «غیبت»؛ «رسالهٔ فی الترتب»؛ «اجتهاد و تقلید»؛ «اجتماع امر و نهی».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۰۶/ ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۰۹/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۷۲/ ۷،۴۲۱ -۴۲۰/ ۶)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۱۰ -۱۱۰۹/ ۳).

گلپایگانی، حبیب‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حبیب‌اللّه گلپایگانی تحصیلات خود را در اصفهان به پایان رسانیده و سپس مجاور مشهد مقدس رضوی گردیده و از ائمه جماعت مسجد گوهرشاد بوده تا آخر کار در مدرسه خیرات خان حجره داشت که در آن حجره تدریس فقه و حدیث و تفسیر و درس اخلاق می‌نمود و در ماه جمادی‌الثانی ۱۳۸۴ بدرود حیات گفت و در یکی از رواقهای حرم مطهر به خاک سپرده شد عاش سعیدا و مات سعیدا.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

گلپایگانی، حسن

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۹۹ ق)، خطاط. از آثار او: قرآن جانمازی جلد روغنی عالی، دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع و به خط نسخ خفی غبار خوش، با رقم: «و انا العبد... ابن ملاحسین حسن گلپایگانی، سنه ۱۱۹۹»، در کتابخانه‌ی سلطنتی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۵۹/۴).

گلپایگانی، داوود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۱۵ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «سفر نامه‌ی» مظفرالدین شاه قاجار به فرنگ، به قلم کتابت خوش و با رقم: «تمام شد در روز جمعه از شهر محرم‌الحرام هزار و سیصد و پانزده، حرره الحقیر الفقیر داود گلپایگانی».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۸۶/۱).

گلپایگانی، ذوالفقار

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیر ذوالفقار گلپایگانی معاصر شیخ بهاءالدین عاملی و شرکاء بحث او بوده چنانچه مجلسی اول آن جناب را با شیخ دیده که مشغول مقابله صحیفه کامله بوده و ارجع به سند آن بحث می‌کردند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

گلپایگانی، رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

و نیز از علماء بزرگ که از آنجا برخاسته مرحوم آقا میرزا رضا بوده که ارجوزه در شرح دره مرحوم بحرالعلوم نگاشته و در ۱۲۸۰ وفات نموده و فرزندش آقا میرزا هدایت‌اللّه نیز از فقهاء و علماء بزرگ آن سامان بوده و مجلس مرافعه و قضاوت داشته.

(وف ح ۱۲۸۰ ق)، عالم دینی و مرجع. او پدر میرزا هدایت‌اللّه گلپایگانی و از معاصران میرزا زین‌العابدین گلپایگانی بود. او در زادگاهش مرجع امور دینی مردم و دارای نفوذ تام بود. از آثارش شرح منظوم بر «الدرة» سید مهدی بحرالعلوم، در فقه، می‌باشد.[۱]

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۱۵/ ۷)، الذریعه (۲۳۷/ ۱۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۴۵ -۵۴۴/ ۱۳)، معجم المؤلفین (۱۶۳/ ۴).

گلپایگانی، صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آشیخ محمدصادق گلپایگانی عالمی فاضل و جلیل از (وانشان) گلپایگان و شاگردان حاج آقا رضا فقیه همدانی صاحب (مصباح‌الفقیه) و میرزاء محمدتقی شیرازی بوده است

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

گلپایگانی، ضیاءالدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ ضیاءالدین بن میرزا هدایـﺔاللّه بن میرزا رضا گلپایگانی فقیهی بارع و عالمی کامل بوده و پدر و جدش نیز از علماء بزرگ آن سامان بوده‌اند

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

گلپایگانی، عبدالکریم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ عبدالکریم بن حاج آقا رضا گلپایگانی عالمی ورع و فقیهی بارع (داماد علامه آمیرزا رضا گلپایگانی) و مروجین و خدمتگذاران بزرگ دینی بوده تا در حدود ۱۳۳۰ ق به رحمت حق پیوسته

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

گلپایگانی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی گلپایگانی عالمی فاضل و پرهیزکاری مقدس و بسیار خدوم و بزرگوار بوده و در ۱۳۲۰ ق از دنیا رفته است

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

گلپایگانی، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید کاظم موسوی گلپایگانی از علماء اعلام و دانشمندان عظام معاصر است در تهران. وی در روز ششم سال ۱۳۲۴ قمری هجری در گلپایگان متولد شده و در سن ۱۳ سالگی در سال ۱۳۳۸ قمری برای تحصیل به اراک آمده و بعد از مهاجرت مرحوم آیت‌اللَّه حایری به قم باتفاق بعضی از اعاظم حوزه مهاجرت به قم نموده و چون مشغول بخواندن سطح بوده و در سال اول تأسیس حوزه دروس سطحی قم مورد پسند ایشان نبوده مرحوم والدش ایشان را باصفهان فرستاده و سطوح عالیه را در اصفهان از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمد صادق اصفهانی و مرحومین آیتین آقا سید محمد و آقا سید علی نجف‌آبادی خوانده و در سنه ۱۳۴۴ قمری مراجعت به قم نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حایری و آیت‌اللَّه یثربی کاشانی مدت هفت سال استفاده نموده و در سال ۱۳۵۱ قمری به اراک هجرت نموده و تا سال ۱۳۸۲ قمری بالغ بر سی و یکسال توقف و بخدمات دینی پرداخته تا سال مزبور که منتقل به تهران و در مختاری خیابان شاهپور سکونت و به اقامه جماعت و تفسیر قرآن مجید در مسجد (مختاری) و تدریس و مباحثات اشتغال دارد.

نگارنده گوید: معظم له عالمی منیع‌الطبع و بزرگوار می‌باشد در مدت توقفش در اراک خدمات شایانی نموده و عده زیادی از محصلین اراکی را تربیت نموده است و پرورش یافته‌گان حوزه ایشان از ائمه جماعت و نویسندگان برجسته اراک و قم و تهران می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

گلپایگانی، محمد تقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۸/ ۱۲۹۲ -۱۲۱۸ ق)، عالم دینی، فقیه، حکیم، طبیب، فیلسوف، مجتهد، عارف و زاهد. در ۱۲۵۸ ق به نجف رفت و در محضر شیخ محمد حسن نجفی، صاحب «جواهر»، و شیخ علی کاشف الغطاء و سید ابراهیم قزوینی و شیخ مرتضی انصاری و حجت‌الاسلام بروجردی تلمذ نمود. در زمان خودش، در نجف، کسی در حکمت و رشته‌های متنوع آن، برتر از او نبود. وی استاد صاحب «التکمله» در علم الهی است. در نجف درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد. او کتاب‌های بسیاری در حکمت، طب و فقه تصنیف کرد. از آثارش: شرح «اصول الکافی»؛ شرح «الرسالهٔ الذهبیهٔ»؛ منتخب «احیاء العلوم»؛ منتخب «امل الآمل»؛ منتخب «جامع السعادات»؛ منتخب «شرح الهدایهٔ»؛ منتخب کتاب «السماء و العالم»؛ منتخب «الکشکول»؛ منتخب «الملل و النحل»؛ مختصر «مسکن الشجون»؛ رساله‌ای در علم کلام؛ رساله در علم کیمیا؛ «حاشیه»، در طب.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۹۳/ ۹)، الذریعه (۳۶۹/ ۲۲، ۲۰۹، ۱۰۷، ۱۰۶- ۹۶/ ۲۰، ۲۷۱، ۲۷۰- ۷/ ۲۷۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۰۵/ ۱۳)، فوائد الرضویه (۴۳۸ -۴۳۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۹۹/ ۷)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۱۲/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۳۳ -۱۳۲/ ۹).

گلپایگانی، محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۱۴ -۱۳۱۶ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مدرس و مرجع تقلید. در روستای گوگد گلپایگان به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و مقداری از سطوح نزد علمای آنجا در ۱۳۳۶ ق به اراک رفت. پس از تکمیل سطوح در ۱۳۳۷ ق در درس فقه و اصول آیت‌اللَّه حایری حاضر شد. در ۱۳۴۰ ق به همراه استادش به قم رفت و از محضر ایشان و آیت‌اللَّه شیخ محمد رضا نجفی استفاده نمود و خود به تدریس سطوح پرداخت. با درگذشت آیت‌اللَّه حایری او تدریس خارج فقه و اصول را شروع نمود. پس از درگذشت آیت‌اللَّه بروجردی بخش عمده‌ای از اداره‌ی حوزه‌ی علمیه قم به او واگذار شد. از اقدامات مهم وی: اعزام مبلغ به خارج از کشور و نیز در داخل به شهرستان‌ها و روستاها، اهتمام به تألیف کتب دینی به زبان‌های مختلف و نشر آن در کشورهای خارجی به طور رایگان، ایجاد زمینه و تشویق برای حفظ قرآن کریم در حوزه‌ی علمیه قم. از آثارش: احداث ساختمان وضوخانه، حمام،

رختشویخانه و سالن قرائت برای مدرسه‌ی فیضیه؛ تأسیس بیمارستانی در قم؛ تأسیس مدارسی در قم؛ تأسیس حوزه‌ی علمیه در سنقر؛ تأسیس حسینیه و مرکز نشر معارف اسلامی در سنندج؛ ساختمان حسینیه و مرکز نشر معارف اسلامی در سنندج؛ ساختمان حسینیه در مریوان؛ ساختمان مسجد و مدرسه علمیه و خانه علم در قروه کردستان؛ ساختمان مسجد جامع و مدرسه علمیه در الیگودرز؛ ساختمان مسجد و تأسیس کتابخانه در فریدونکنار. از آثار علمی وی: «بلغهٔ الطالب فی التعلیق علی المکاسب»؛ کتاب «القضاء»؛ کتاب «الشهادات»؛ کتاب «الحج»، تقریرات خارج فقه در مسأله ولایت فقیه؛ کتاب «الطهارهٔ»؛ «نائج الافکار فی نجاسهٔ الکفار»؛ «الدر المنصود فی احکام الحدود»؛ حاشیه بر «درر الفوائد»؛ حاشیه بر «عروهٔ الوثقی»؛ حاشیه بر «وسائل»؛ «توضیح المسائل»؛ «مناسک حج».[۱]

مرجع تقلید، فقیه، عالم روحانی.

تولد: ۱۲۷۷(۸ ذی‌القعده ۱۳۱۶ ق.) قریه گوگد گلپایگان.

درگذشت: ۱۸ آذر ۱۳۷۲ (۲۴ جمادی‌الثانی ۱۴۱۴ ق.).

آیت‌الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی، فرزند سید محمدباقر از علمای گلپایگان بود. نه ساله بود که پدرش از دنیا رفت. وی پس از فوت پدر به تحصیل علوم متداوله و به ویژه علوم دینی پرداخت و پس از تحصیلات مقدماتی و تکمیل مقداری از سطوح را نزد علمای آن دیار، در اوایل سال ۱۳۳۶ ق. به شهر اراک که به مناسبت اقامت آیت‌الله العظمی حائری یزدی در آن شهر مرکزیت یافته بود، مهاجرت کرد و پس از تکمیل سطوح در سال ۱۳۳۷ ق. در کلاس‌های فقه واصول آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی شرکت کرد. در شعبان ۱۳۴۰ ق. آیت‌الله العظمی حائری به قم رفت و به تأسیس حوزه‌ی علمیه مبادرت کرد و شخصا از آیت‌الله گلپایگانی دعوت نمود و ایشان در شوال همان سال به قم عزیمت و تدریس سطوح را آغاز کردند. پس از فوت آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، آیت‌الله گلپایگانی به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت. در سال‌های آخر عمرش که درس خارج وی در مسجد اعظم قم تشکیل می‌شد، نزدیک به هشتصد تن از فضلاء علما و طلاب در آن کلاس شرکت می‌جستند.

بعد از فوت آیت‌الله سید حسین بروجردی که سرپرستی حوزه‌ی علمیه به عهده آیت‌الله العظمی گلپایگانی و علمای دیگر قرار گرفت و جمعیت طلاب رو به افزایش گذارد. وی مدارس خیابان تهران، خیابان چهارمندان و خیابان صفائیه را تأسیس نمود که در این مدارس گذشته از دورس قدیمه عربی و نحو و منطق و غیره دروس جدید ادبیات فارسی و علوم روز هم به انظمام دروس اخلاق و عقاید و تفسیر تدریس می‌شد.

آثار به جای مانده از وی همچون مساجد و مدارس و بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها و مراکز تبلیغی خارج از کشور بسیار بوده است. مهم‌ترین آنها مدرسه عظیم و مجهز به دستگاه کامپیوتر در قم، مرکز تبلیغی لندن، مسجد جامع گلپایگان و بیمارستان در قم بوده است.

از جمله کتاب‌ها و مکتوبات برگرفته از تقریرات درسی وی، می‌توان از کتاب‌های زیر نام برد: مختصر الاحکام؛ مناسک؛ بلغهٔ الطالب فی التعلیق علی المکاسب (تقریرات درس خارج فقه براساس بیع مکاسب شیخ (انصاری) که فقط بخشی اندکی از آن تقریر شده است؛ کتاب القضاء (دو جلد تقریرات درس خارج فقه در باب قضاء) کتاب الشهادات (تقریرات درس خارج فقط در باب شهادات)؛ کتاب الحج (دو جلد تقریرات درس خارج فقه در مسأله ولایت فقیه)؛ الدر المنضود فی احکام الحدود (تقریر درس خارج فقه در باب حدود)؛ نائج الافکار فی نجاسهٔ الکفار (تقریر درس خارج فقه در مسأله نجاست کفار)؛ کتاب الطهار (تقریر درس خارج فقه و باب طهارت).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۱۹۸ -۱۹۷، ۸۹ -۸۸)، الذریعه (۲۶۷/ ۲۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۴۲/ ۱۴)، کلک (س ۴، ش ۴۵ و ۴۶، ص ۳۱۴)، کیهان فرهنگی (س ۱۰، ش ۹، ص ۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۶ -۳۱/ ۲ ،۶۲ -۶۱/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۶ -۱۹۵/ ۳).

گلپایگانی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در فوائدالرضویه است: عالم ربانی زاهد استاد صاحب التکمله فی العلم الهی قال سلمه‌اللّه لم یکن فی النجف الاشرف افضل منه فی الحکمه بجمیع اقسامها حتی علم الطب کان تارکا للدنیا ساکنا احد حجر الصحن الفوقانیهٔ و لم یتزوج حتی توفی سنه ۱۲۹۲ و دفن بالنجف کان من تلامذه حجهٔ‌الاسلام البروجردی صنف کتبا کثیره فی الحکمه و الطب و الفقه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

گلپایگانی، محمدسعید

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدسعید بن ملا محمدعلی بن آغا سعید گلپایگانی عالمی بارع و کامل جلیل از شاگردان میرزاء بزرگ شیرازی و میرزا محمدتقی شیرازی و سید محمد فشارکی اصفهانی و سید اسماعیل صدر بوده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

گلپایگانی، محمدصادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدصادق گلپایگانی از علماء و صالحین و اهل فضل و ورع و ائمه جماعت گلپایگان و بکائین بر حضرت سیدالشهداء (ع) بوده تا در حدود ۱۳۱۵ وفات و فرزندش آقا سید محمد بجای او قرار گرفته.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

گلپایگانی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدعلی گلپایگانی از علماء بارع و رجال خیر و رؤساء دانشمندان گلپایگانی بوده و در سال ۱۳۱۰ وفات نموده

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

گلپایگانی، محمدکاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن رحلی جلد ساغری دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع. نسخ کتابت جلی خوش با رقم: «... داعی دولت... محمدکاظم بن محمد حسن کاتب الگلپایگانی...» و زمان وقوع از تسوید آن خامس عشر شهر رجب‌المرجب من شهور سنهٔ تسع و خمسین و ماتین بعدالالف...» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

(ز ۱۲۵۹ ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن رحلی جلد ساغری، دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع، به خط نسخ کتابت جلی خوش، با رقم: «... داعی دولت... محمد کاظم بن محمد حسن کاتب گلپایگانی... سنهٔ تسع و خمسین و مأتین بعد الالف...».[۱]

بر گرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۹۴/ ۴).

گلپایگانی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی گلپایگانی فرزند برومند آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید محمدرضا موسوی گلپایگانی از مشاغل فروزان و ستارگان درخشان آسمان فضیلت و بیت رفیع مرجعیت بود که ناگهان دست اجل نخل برومند و پرثمر او را به خاک و خون کشید و مرجع عالیقدر گلپایگانی را در سوکش نشانید. آن مرحوم در ۱۷ شعبان‌المعظم سال ۱۳۵۸ ه برابر با ۱۳۱۸ شمسی در شهرستان مذهبی قم به دنیا آمده و در تربیت علم و تقوا پرورش یافته و دروس ابتدائی را تا متوسطه آموخته آنگاه به دروس عربی پرداخته و پس از خواندن مقدمات سطوح را از مدرسین بزرگ حوزه قم فراگرفته و در درس خارج والد ماجدش شرکت و استفاده نموده و به خدمات دینی و اجتماعی اشتغال و ساعتی نیاسوده و به خدمت مردم و قضاء و حوائج محتاجین اهتمام می‌کرد.

زندگینامه و آثار این فقید سعید و شهید فی سبیل‌اللّه که در صبح جمعه نوزده ماه شوال‌المکرم ۱۳۹۸ قمری برابر اول مهرماه ۱۳۵۷ ش در راه یزد به طبس که به امر حضرت آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی والد ماجدشان به قصد کمک به زلزله زدگان طبس و آوردن اطفال یتیم آنها جهت نگهداری و سرپرستی در قم در اثر تصادف ماشین اتفاق افتاد.

مناسب دیدم به پاس آثار و خدمات و باقیات الصالحات این روحانی خدوم و تعظیم مقام والای والد ماجدش که حق عظیمی بر مسلمین و خاصه شیعیان و این حقیر دارد یادی از آثار خالده ایشان که به امر و اذن والد گرامیش به یادگار گذارده بنمایم و آنها از اینقرار است

۱- سرپرستی و اداره بیمارستان یکصد تخت‌خوابی آیت‌اللّه گلپایگانی در قم

۲- ساختمان مدرسه خیابان صفائیه

۳- ساختمان مدرسه خیابان چهار مردان

۴- ساختمان مدرسه علوم دینیه مخصوص بانوان

۵- ترمیم و تعمیر مدرسه علمیه (ملاصادق) الوندیه

۶- مدرسه ستیه

۷- مدرسه علمیه خیابان ارم

۸- تاسیس کتابخانه‌ای که تاکنون چندین هزار جلد کتاب چاپی و نسخ خطی در آن جمع‌آوری شده.

۹- تأسیس دارالقرآن الکریم در این مؤسسه صدها نسخه مختلف و آنهائی که در دنیا چاپ شده و نسخ نفیس و عتیق خطی قرآن گردآوری شده است که موضوع خود یک مؤسسه کم‌نظیر و موجب افتخار است.

۱۰- طبع یک نسخه نفیس قرآن مجید و نشر آن در بلاد اسلامی و اهداء آن به شخصیتهای بزرگ.

۱۱- طبع و نشر صحیفه سجادیه در چندین هزار نسخه.

۱۲- طبع و نشر کتابهای اسلامی و مذهبی و توزیع آن در کشورهای اسلامی مجانا و رایگان و اهداء آنها به کتابخانه‌های عمومی و اشخاص و ده‌ها خدمت و آثار چشمگیر در داخل و خارج کشور

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

گلپایگانی، ولایت اللّه

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطاط و شاعر. وی از شاگردان محمدصالح اصفهانی (م ۱۱۲۶ ق) بوده و در شعر طبعی موزون داشته است. از آثار وی: کتیبه‌ی سردر مدرسه‌ی میرزا حسین خان در محله‌ی بیدآباد، به خط نستعلیق، با رقم: «العبد المذنب ولایت اللّه گلپایگانی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار ملی اصفهان (۵۰۱)، احوال و آثار خوشنویسان (۹۵۵/ ۳)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۶۴۹).

گلچین گیلانی، مجدالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۳/ ۱۳۵۱ -۱۲۹۰/ ۱۲۸۹ ش)، پزشک و شاعر، متخلص به گلچین. معروف به گلچین گیلانی. در رشت به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش و متوسطه را در تهران به پایان رساند و در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی موفق به اخذ لیسانس شد. سپس به انگلستان رفت و در رشته‌ی طب به دریافت درجه دکترا نایل گردید. پس از آن در لندن اقامت گزید و دیگر به ایران نیامد. گلچین از نوجوانی به شاعری پرداخت و کم کم اشعارش مورد توجه قرار گرفت و برای اولین بار در ۱۳۰۷ ش در مجله «ارمغان» و بعدها در مجله‌های «روزگار نو»، «فروغ» و «سخن» انتشار یافت. شعر باران او یکی از معروفترین شعرهایی است که قسمتی از آن در کتاب‌های ابتدایی کودکان به چاپ رسید. در واقع او اولین شاعر نوپردازی است که شعرش به کتاب‌های ابتدایی راه یافت. از آثارش: سه مجموعه‌ی شعری: «گلی برای تو»، «مهر و کین» و «نهفته» یا «نهضت»، که در ۱۹۴۸ م در لندن به چاپ رسید؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات نوین (۳۵۵، ۱۶۹، ۸۱)، از بهار تا شهریار (۳۸۳ -۳۷۲/ ۲)، چشمه‌ی روشن (۵۴۵ -۵۳۴)، چون سبوی تشنه (۱۶۲، ۱۰۹، ۱۰۳، ۱۰۲)، الذریعه (۴۳۰/ ۲۴، ۹۳۱/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۰۵۲ -۳۰۴۹/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۷۷۹)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۳۳، ۳۱۹۵/ ۲)، کتاب گیلان (۷۱۶ -۷۱۵، ۶۰۹ -۶۰۷/ ۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۵۹)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۷ -۱۸۶/ ۵)، نامها و نامدارهای گیلان (۴۳۵ -۴۳۱).

گلچین معانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۷۹ -۱۲۹۵ ش)، استاد دانشگاه، تذکره نویس، مورخ، مصحح، فهرست نویس و شاعر، متخلص به گلچین. در تهران و در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات، در ۱۳۱۳ ش، به استخدام وزارت دادگستری درآمد و تا ۱۳۳۸ ش در آنجا مشغول خدمت بود. او از ۱۳۳۰ ش در کتابخانه ملی نیز خدمت می‌کرد و بعد از ۱۳۳۸ ش به طور تمام وقت در کتابخانه‌ی مجلس مشغول شد. در ۱۳۴۲ ش به دعوت نایب‌التولیه آستان قدس رضوی، برای تنظیم فهرست کتب خطی آنجا، به مشهد مهاجرت کرد. وی در حین خدمت دولت به تحصیل ادامه داد و از محضر اساتید مختلف بهره برد. در ۱۳۵۶ ش برای تدریس در دوره‌ی فوق لسانس و دکترای زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه مشهد دعوت شد. گلچین از سیزده سالگی شروع به سرودن شعر کرد و در پانزده سالگی رسما قدم در وادی شعر نهاد و آثارش در روزنامه‌های «نسیم شمال» و «توفیق» انتشار یافت. او با امیری فیروزکوهی و رهی معیری معاشرت و مصاحبت داشت. وی در ۱۳۱۴ ش به انجمن ادبی حکیم نظامی پیوست و با وحید دستگردی همکاری نمود. در آن انجمن، علاوه بر شعرخوانی، «خمسه» نظامی مقابله و تصحیح می‌شد و گلچین از محضر استادان ادب فنون و رموز شعر

آموخت. وی پس از درگذشت استاد وحید برای تأسیس انجمن ادبی ایران در منزل محمد علی ناصح زحمات زیادی کشید. گلچین معانی مقالات ادبی، تاریخی و کتابشناسی زیادی در مجلات مختلف از جمله: «ارمغان»، «مهر»، «دانش»، «یغما»، «سپاهان»، «راهنمای کتاب» و غیره نوشته است. از آثار وی: «گلزار معانی»؛ «شهر آشوب در شعر فارسی»؛ «تاریخ تذکره‌های فارسی»، در دو مجلد؛ تذکره‌ی «پیمانه»، ذیلی بر تذکره‌ی «میخانه»؛ «کاروان هند»؛ رساله در احول «آل بنجیر»؛ «مکتب وقوع در شعر فارسی»؛ تصحیح و تکمیل تذکره‌ی «میخانه» عبدالنبی فخرالزمانی قزوینی؛ تصحیح «لطایف الطوایف»؛ «راهنمای گنجینه‌ی قرآن»؛ «فرهنگ اشعار صائب»؛ «دیوان» شعر. اهتمام در انتشار کتابهای: «تاریخ ملا زاده» احمد بن محمود بخاری، در ذکر مزارات بخارا؛ «کنوز الاسرار و رموز الاسرار»، شرح منظوم «السوانح فی العشق» احمد غزالی؛ فهرست مجموعه‌های کتابخانه‌ی خطی مجلس؛ فهرست قسمتی از کتب خطی کتابخانه‌ی عبدالحسین بیات.[۱]

احمد گلچین معانی، از شاعران و محققان نامدار است که به سال ۱۲۹۵ خورشیدی در تهران متولد گردید و یکی از محققانی است که کتاب‌های وی مأخذی برای همه شیفتگان اهل هنر و تحقیق می‌باشد. وی در سال ۱۳۱۳ در ادار کل ثبت مشغول خدمات دولتی گردید.

«اشک و آه»

بی‌تو سوزی بدل انگیخته دارم چون شمع
اشک و آهم بهم آمیخته دارم چون شمع
چه کشی دامنم از دست، که سیلی ز سرشک
تا بدامن ز غمت ریخته دارم چون شمع
همه شب بهر نثارت رهت از مخزن چشم
رشته‌های گهر آویخته دارم چون شمع
اشک من تیره از آنست، که خاکستر غم
بسر از آتش دل بیخته دارم چون شمع
چون گهر روشن از آنم که بجز رشته اشک
رشته‌ها از همه بگسیخته دارم چون شمع
نیست تا در برم آن آتش سوزان، گلچین
شوری از سوز دل انگیخته دارم چون شمع

«ماه»

دیدی ای ماه که شمع شب تارم نشدی
تا نکشتی ز غمم، شمع مزارم نشدی
بی‌خبر از بر من رفتی و این دردم کشت
که خبردار ز دشواری کارم نشدی
روی برتافتی و پشت و پناه دل من
نشدی کز همه جا رو بتو آرم، نشدی
زاریم دیدی و آنقدر تغافل کردی
که خبردار ز حال دل زارم نشدی
غافل از یاد تو بودم که نگشتی یارم؟
یا بدیدی که غم روی تو دارم، نشدی؟
یاد آن عهد، که از یکدلی و یک جهتی
لحظه‌ی دور، ز آغوش و کنارم نشدی
گفتی آرام ندارد دل گلچین بی من
چکنم مایه آرام و قرارم نشدی
باز هم مهر تو می‌پرورم اندر دل تنگ
گرچه عمری بتو دل بستم و یارم نشدی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از بهار تا شهریار (۵۰۸ -۴۹۶/ ۲)، چشمه‌ی روشن (۷۰۶ -۷۰۲)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (۸۰۹)، الذریعه (۲۱۸/ ۱۸، ۹۳۱/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۰۵۹ -۳۰۵۳/ ۵)، صدف (۵۶۷ -۵۵۳)، فرهنگ سخنوران (۷۷۹)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۸۰۸/ ۲، ۸۳۷، ۷۵۵/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۰۷)، کیهان فرهنگی (س ۸، ش ۸، ص ۹ -۳)، گلزار معانی (۶۱۰ -۵۸۵).

گلخنی قمی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۱۳ ق)، شاعر. در قم به دنیا آمد و در هرات نشو و نما یافت. وی خواهرزاده‌ی مولانا شهیدی قمی بود. در زمان سلطان حسین میرزا بایقرا (۹۱۱ -۱۸۷۳ ق) به هرات رفت. گلخنی شاعری هزال، بذله‌گو، حاضر جواب و لطیفه‌گو بود. بعد از آنکه محمد مؤمن میرزا، به دستور سلطان حسین میرزا، کشته شد گلخنی هجوی برای سلطان گفت و بعد به علت این هجو گریخت و به بدخشان رفت بعدها بعد از اینکه سلطان حسین میرزا به آن شهر وارد شد و او را دید، از آن زمان به بعد در خدمت آن پادشاه درآمد و در جنگ میان تیموریان و ازبکان کشته شد. صاحب تذکره‌ی «روز روشن» سال فوت وی را ۹۰۰ ق می‌داند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۲۹۲ -۱۲۸۸/ ۳)، تاریخ نظم و نثر (۳۳۷)، تحفه سامی (۱۹۸ -۱۹۷)، تذکره‌ی روز روشن (۶۹۰ - ۶۸۹)، الذریعه (۹۳۲ -۹۳۱/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۸۰)، لغت‌نامه (ذیل/ گلخنی)، مجالس النفائس (۲۹۸ -۲۹۷ ،۱۶۱)، هفت اقلیم (۲ /۵۰۴).

گلدوزیان، ایرج

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حقوق جزائی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی حقوق قضائی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷، دکترای تخصصی علوم کیفری از دانشگاه حقوق پاریس در سال ۱۳۵۲، دیپم تحصیلات عالی حقوق خصوصی از دانشگاه حقوق پاریس در سال ۱۳۵۳، دکترای دولتی حقوق از دانشگاه حقوق پاریس در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۸ و دانشیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۸ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

حالت خطرناک، ارزش قضائی روشها و ابزار نوین شناخت جرم و شهادت، هتک ناموس به عنف در ده سال گذشته در استان مازندران، سرقت و عوامل ارتکاب آن در حقوق جزایی ایران، دفاع مشروع با توجه به مقررات جزائی فقه اسلامی، بررسی قرارهای تأمین در حوزه قضائی ورامین، تدریس حقوق تطبیق و حقوق جزا، حقوق تجارت و کیفری بازرگانی و حقوق جزایی عمومی و اختصاصی در دانشگاههای مختلف، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

قیمومیت جزایی، حقوق جزای عمومی ایران، حقوق جزای اختصاصی (جرائم علیه اشخاص، اموال و امنیت و آسایش) و قیمومیت جزایی و اولین نتایج آن.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

قیمومیت جزایی به عنوان یک اقدام تأمینی، کیفیت تحصیل دلیل در حقوق جزای فرانسه، نقش دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی، حق دفاع توسط وکیل و یا شخص متهم، آثار و نتایج استراق سمع به عنوان دلیل جزایی، حمایت حقوق اجتماعی و پیشگیری از حوادث ناشی از کار، دفاع مشروع و قواعد استثنایی حاکم بر دلیل.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

گلرویی، یغما

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(شاعر/ ترانه سرا /نویسنده /مترجم/ فیلم نامه نویس/ عکاس) ۱۳۵۴ ● یغما گلرویی در ساعت پنج بامدادِ روز ۶ امرداد ۱۳۵۴ برابر با ۱۹۷۵/۷/۲۸ در بیمارستان مهر شهرستان ارومیه متولد شد.

●مادرش نسرین آقاخانی، پدرش هوشنگ گلرویی و خواهری بزرگ تر از خود به نام یلدا داشت.

●وقتی که یک ساله بود ، خانواده به تهران نقل مکان کرد و ساکن کوچه‌ی سی اُم خیابان گیشا شد. ۱۳۷۳ - ۱۳۶۱ ● دورانِ دبستان را در دبستانِ محمد باقر صدر و دوره‌ی راهنمایی را در مدرسه طالقانی گذراند.

●تجربه کردنِ سیاهی جنگ و مرگِ دوستانِ هم کلاسش در بمبارانِ خیابانِ گیشا.

●آغازِ دوره‌ی دبیرستان در مدرسه‌ی مطهری واقع در خیابانِ پاتریس لومومبا.
●در سال دوم دبیرستان محرومیت از تحصیل به مدت دو سال به خاطرِ درگیری با ناظم دبیرستان.
●آغاز شعر و شاعری.
●تحصیل در دبیرستانِ شبانه.
●دستگیری به جرم دیوارنویسی برای مدتِ چند هفته و عدمِ اجازه ی خروج از تهران به مدت شش ماه. ۱۳۷۶ – ۱۳۷۴ ● رفت و آمد به دفترِ نشریه آدینه و ملاقات با نویسنده‌گانی چون فرج سرکوهی، مسعودبهنود، عمران صلاحی، محمدمختاری، حمید مصدق ، غزاله علیزاده، علی باباچاهی، ناصرتقوایی و...
●دیدار با احمدشاملو در دهکده‌ی فردیس. این دیدار و دیدارهای بعدی باعث مصمم شدن او به ادامه‌ی کار هنری شد.
●نوشتن طرحِ اولیه‌ی مسیح سرگردان.
●نوشتن نخستین ترانه‌ها. ۱۳۷۷ ● انتشار نخستین مجموعه شعر با نام گفتم : بمان ! نماند...
●ضبط نخستین ترانه‌ها به صورتِ زیرزمینی با آهنگسازیِ حمیدرضاصدری و خوانندگیِ حمید طالب زاده.
●همکاری با یونیسف.
●تلاش برای راه اندازیِ نشریه‌یی با نام آرمان به همراهیِ عزت ابراهیم نژاد و کاوه نریمانی. (تمامِ مطالبِ جمع آوری شده برای شماره نخست به همراه رایانه و ... شبانه از تحریریه به سرقت می‌رود.)
۱۳۷۸ ● انتشار دومین مجموعه شعر با نام مگر تو با ما بودی.
●کار بر روی شعرهای فدریکوگارسیا لورکا.
●کشته شدن عزت الله ابراهیم نژاد در واقعه‌ی کوی دانشگاه.
●نوشتن شعرِ بلند قصه ی باغِ پسته.
●فروش کتاب و شعرخوانی به نفعِ انجمن حمایت از کودکانِ سرطانی با نادرابراهیمی.
●کار بر روی غزلِ غزل های سلیمان.
●آغاز به جمع آوریِ مجموعه‌یی از ترانه‌ها. ۱۳۷۹ ● انتشار نخستین مجموعه ترانه با نام پرنده بی پرنده .
●انتشار مجموعه‌یی از اشعار فدریکو گارسیا لورکا با نامِ نه ! نمی‌خواهم ببینمش.
●آخرین ملاقات با احمدشاملو در بیمارستان ایران مهر و تقدیم مجموعه شعرهای فدریکو گارسیا لورکا به ایشان.
●درگذشتِ احمدشاملو و نگارشِ مرثیه امرداد.
●در خرداد ماهِ همان سال وقتی شبانه به خانه برمی‌گشت توسط چند ناشناس با چماق و چاقو موردِ حمله قرار گرفت. چهار جراحتِ چاقو و شکستگیِ ساعدِ یک دست حاصلِ این درگیری بود.
●نوشتنِ ترانه‌ی تیتراژ سریالِ بدونِ شرح.
●همکاری با نشریه فیلم و سینما.
●کار کردن بر روی ترانه‌های شل سیلوراستاین.
●انشا مقطعِ تعدادی از غزلیاتِ حافظ در مجموعه‌یی با عنوانِ حافظِ یاغی.
●به راه اندازیِ جلساتِ ترانه خوانی و تشکیلِ خانه ترانه سرایانِ ایران به همراهِ دکتر افشین یداللهی ، نیلوفرلاری پور ، سعید امیراصلانی ، افشین سیاه پوش ، مهدی محتشم و...
●انتشار آلبومِ تا همیشه با صدای امیر کریمی. (۴ ترانه ـ عاشق تر / چله نشین / جای تو خالی/ عطش شکن)
●انتشار آلبومِ دوستت دارم با صدای ناصرعبداللهی و دکلمه پرویزپرستویی به صورتِ کتاب / CD و کاست. (۲ ترانه ـ ضیافت / خدانگهدار)
●انتشار آلبومِ غزلک با صدای سعید شهروز. (۴ ترانه ـ غزلک/ خورشید خانوم / همزاد / گُلِ یخ) ۱۳۸۰ ● انتشارِ دومین مجموعه ترانه با نامِ تنها برای تو می‌نویسم، بی بیِ باران.
●به علتِ زیاد بودنِ مواردِ اصلاحیه ارائه شده توسطِ ارشاد ، از انتشارِ دو مجموعه‌ی عاشقانه‌های سلیمان و مجموعه ترانه‌های شل سیلوراستاین با نامِ زنده باد زنِ کچل منصرف می‌شود.
●همکاری با نشریه باور.
●آغازِ کار بر روی رمانِ یک مرد.
●نوشتنِ فیلم‌نامه‌ی زنجیری.
●علامت و فاصله‌گُذاری دو مجموعه‌ی تولدی دیگر و ایمان بیاوریم به آغازی فصلِ سرد از فروغ‌فرخزاد در مجموعه‌یی با نامِ پریِ کوچک.
●نوشتنِ ترانه‌ی تیتراژ سریالِ کنکوری‌ها.
●بازی در فیلم سینمایی هفت ترانه به کارگردانیِ بهمن زرّین‌پور در کنارِ ایرج راد، لعیا زنگنه، سحر جعفری‌جوزانی، شروین نجفیان.
●نوشتنِ ترانه‌ی تیتراژ سریالِ توپِ گِرد.
●کار بر روی شعرِ شاعرانِ جهان .
●نوشتنِ هایکوهای زندان
●انتشار آلبومِ حامی با صدای حمیدحامی. (۲ ترانه ـ حامی / می‌دونم که یک نفر هست)
●انتشار آلبومِ ندای عاشقانه با صدای حمیدطالب‌زاده. (۲ ترانه ــ رُمان / چی بخونم؟).

●انتشار آلبوم نقاب با صدای سیاوش‌قمیشی. (۳ ترانه ـ نقاب / خسته شُدم / فاصله) ۱۳۸۱ ● انتشارِ سومین مجموعه شعر با نامِ این‌جا ایران است و من تو را دوست می‌دارم.

●انتشارِ مجموعه‌یی از شعرِ هفت شاعرِ جهان (نزّارقبانی، مارگوت‌بیکل، فدریکوگارسیالورکا، پُل‌اِلوار، ناظم‌حکمت، ویسواواشیمبورسکا، شیرکوبی‌کس) با نام تمامِ کودکانِ جهان شاعرند.

●انتشارِ مجموعه پریِ کوچک.

●همکاری با بخشِ فرهنگ و هنرِ روزنامه گلستان ایران. (توقیف نشریه بعد از چهارده شماره)

●نوشتنِ دو ترانه‌ی برایِ فیلم سینمایی فوتبالیست‌ها به کارگردانیِ اکبر ثقفی و با بازیِ علی پروین و خوانندگیِ امیر کریمی.

●نوشتنِ ترانه‌ی تیتراژ سریالِ کمربندها را ببندید.

●آشنایی با آزاده خواجه نصیری (نقاش) در نمایشگاه نقاشی. (۱۵ آذر)

●مصاحبه با بخشِ فارسی زبانِ رادیو BBC.

●انتشار آلبوم آدم و حوا با صدای شادمهرعقیلی. (۲ ترانه ـ ستاره/ امشب انگار)

●انتشارِ آلبوم دروغ‌چرا با صدای هومن بختیاری به صورتِ کتاب / CD و کاست. (۲ ترانه ـ تکسوار / رفتنِ تو)

●انتشارِ آلبوم ستارگانِ عشق با صدای امیر کریمی و قاسم افشار. (۲ ترانه ـ یادِ تو سبزه / ساده بودیم)

●انتشارِ آلبوم پسر ایرونی با صدای فرهاد جواهرکلام. (۱ ترانه ـ گریه‌کن)

●انتشارِ آلبوم دورنگی با صدای بهنام صفاریان. (۱ ترانه ـ دورنگی)

●انتشارِ آلبوم قشنگِ روزگارِ من با صدای شهرام فرشید ـ ناصرعبداللهی و دکلمه‌ی مهین کسمایی و احمدرضااحمدی به صورتِ کتاب / کاست و CD. (تمامِ ترانه‌ها و شعرهای دکلمه ـ بی‌نقاب / آفتابی / عاشقانه / سوالِ ساده / مثلِ قدیم / کودکی)

●انتشارِ آلبوم فوتبالیست‌ها با صدای امیر کریمی و دکلمه علی پروین به صورتِ کتاب / CD و کاست. (۲ترانه و شعرِ دکلمه‌ها ـ تو می‌تونی / آغازِ سفر) ۱۳۸۲ ● انتشارِ سومین مجموعه ترانه با نام بی‌سرزمین‌تر از باد.

●انتشارِ ترجمه رمانِ یک مَرد نوشته‌ی اوریانافالاچی.

●انتشارِ فیلم نامه‌ی زنجیری.

●ازدواج با آزاده خواجه نصیری (۱۸ دی ماه)

●کار بر روی ترجمه‌ی پنج دفتر از اشعارِ مارگوت بیکل با نامِ فرشته‌یی در کنار توست با همکاریِ ندازندیه.

●نوشتنِ ترانه‌ی تیتراژ سریالِ کوچه‌ی اقاقیا.

●کار بر روی مجموعه‌یی از اشعارِ فدریکوگارسیا لورکا با نامِ آوازهای کولیِ در به در.

●انتشارِ آلبوم برای تو با صدای شهیاد. (۱ترانه ـ بی‌بی‌گُل)

●نوشتنِ ترانه‌ی تیتراژ سریالِ رانت‌خوارکوچک.

●انتشارِ آلبوم پرنده بی‌پرنده با صدای رضایزدانی و دکلمه یغماگلرویی به صورتِ کتاب / کاست و CD. (تمامِ ترانه‌ها و شعرهای دکلمه ـ کافه نادری / غیرِمُجاز / پرنده بی‌پرنده / شبنمِ بیداری / مرثیه عاشقانه‌س/ بی‌بیِ هزارستاره/ لاله‌زار / نُتِ آخر / یکی‌بود یکی نبود / نمایش / جُردن)

●انتشارِ آلبوم هَر جا باشی دوسِت دارم با صدای راما. (۲ ترانه ـ خط موازی / بندر)

●انتشارِ آلبوم بی‌سرزمین‌تر از باد با صدای سیاوش‌قمیشی. (۵ ترانه ـ بی‌سرزمین‌تر از باد / زارع / عسلبانو / پرسه / لعنت)

●انتشارِ آلبوم بی‌خیال با صدای مهراج‌محمدی. (۱ ترانه ـ بی‌خیال)

●انتشارِ آلبوم جشنِ گریه با صدای حامد مقدم. (۲ ترانه ـ جشنِ گریه / بیا به خوابم)

●انتشار آلبوم اسمِ تازه با صدای افشین فتحی. (۴ ترانه ـ صدای تو /مرا به یادآر / بوته ی یاس ؟ اسم تازه)

●انتشارِ آلبوم گلابتون با صدای سعیدشهروز. (۲ ترانه ـ ننه خورشید / چشمای تو یعنی وطن)

●انتشار آلبومِ زنده‌گی عروسکی با صدای نادر مسچی. (۱ ترانه ـ یکی بود، یکی نبود)

●انتشار آلبومِ گُناهِ لیلی با صدای مهران احراری. (۲ ترانه ـ خاتون / آهو خانم)

●انتشار آلبوم مَردِ شرقی با صدای رامین زحمتی. (۲ترانه ـ مردِ شرقی / شب)

●انتشار آلبوم فالگیر با صدای پرهام. (۴ ترانه ـ فالگیر / نگاهِ سَرد / ترانه یادم نمیاد / نامه‌رسون) ۱۳۸۳ ● انتشارِ مجموعه‌یی از دَه شاعرِ جهان (پابلونرودا، اکتاویوپاز، ژاک‌پرور، نزّارقبّانی، برتولت‌برشت، فدریکوگارسیالورکا، ناظم‌حکمت، غادةالسمان، خوآن‌رامون‌خیمنس، لنگستون‌هیوز.) با عنوانِ جهان در بوسه‌های ما زاده می‌شود.

●انتشار ترجمه رمانِ نامه به کودکی که هرگز زاده نَشُد نوشته‌ی اوریانافالاچی.

●انتشار ترجمه اشعارِ مارگوت بیکل با نامِ فرشته‌یی در کنار توست.

●نوشتنِ ترانه‌ی تیتراژ سریالِ بانکی‌ها .

●سفر به گنبدِ کاووس و کاربر روی اشعار مختوم قلی فراغی در مجموعه‌یی با نامِ چشمان تو قاتل منند.

●نوشتنِ‌شعرِ بلندِ چپقِ صلح.

●نوشتنِ ترانه‌ی تیتراژ سریالِ عشقِ گمشده.

●نوشتنِ فیلم نامه‌ی پوکه.

●اعلامِ جدایی از خانه‌ی ترانه سرایان در اعتراض به نحوه‌ی عملکردِ گردانندگان.

●مصاحبه با ایرج جنتی عطایی در لندن پیرامون ترانه و ترانه سرایی.

●نوشتنِ ترانه‌ی تیتراژ سریالِ متهم گریخت.

●نوشتنِ دو ترانه برای فیلم سینماییِ سرود تولد به کارگردانیِ امیر قویتن و خوانندگیِ امین حیایی.

●گردآوری ، تنظیم و علامت گذاریِ مجموعه اشعار زنده یادِ حسین پناهی در قالبِ هفت دفتر. (خودِ پناهی در هنگامِ حیات این وظیفه را به عهده‌ی او گذاشته بود.)

●انتشار آلبومِ فقط خودم‌ خودت! با صدای فرهادجواهرکلام. (تمام ترانه‌ها ـ فقط خودم‌ خودت / بابا تو دیگه کی هستی؟ / هق هقِ تلخ / خواستنِ تو کارِ دله (نگو دوسم نداشته باش) / یک کلام ختمِ کلام / بی خیالی / هیشکی تو رُ دوس نداره)

●انتشار آلبومِ عشق یخی با صدای محمدقاضی‌زاده. (۱ ترانه ـ فانوس)

●انتشار آلبومِ جوونی با صدای امیرکریمی. (۲ ترانه ـ قبیله‌ی بی‌مست / بی‌بیِ بارونی)

●انتشار آلبومِ جواب فوری با صدای گروه آراکس. (۱ ترانه ـ تلفن) ۱۳۸۴ ● انتشارِ چهارمین مجموعه ترانه با نامِ رقص در سلولِ انفرادی.

●انتشارِ مجموعه نامه‌ی سلام ! خانمِ رنگین کمان !

●انتشارِ مجموعه‌یی از اشعارِ نزارقبانی با نامِ باران ،یعنی تو برمی گردی.

●انتشارِ گفتگو با ایرج جنتی عطایی به همراهِ گزینه‌یی از ترانه‌ها و نقد و نظر با عنوانِ مرا به خانه‌اَم بِبَر.

●نوشتنِ هشت ترانه برای فیلم سینمایی سرود خوشبختی به کارگردانیِ امیر قویتن و با بازیِ خسروشکیبایی.

●آغاز فعالیت در زمینه‌ی عکاسی اجتماعی.

●شعرخوانی در نمایشگاهِ نقاشی هانیبال الخاص در گالریِ هما.

●کار بر روی مجموعه‌یی از شعرهای اورهان ولی با نامِ ماهیِ مست.

●نوشتنِ مجموعه شعرِ ما رُ ببخشین آقای دیکتاتور.

●نوشتن ترانه‌ی تیتراژ برای فیلمِ سینمایی حکم به کارگردانیِ مسعودکیمیایی و خواننده‌گیِ رضایزدانی و بازیِ عزت‌الله انتظامی ، خسروشکیبایی، لیلا حاتمی ، بهرام رادان ، پولادکیمیایی، مریلازارعی.

●شرکتِ مجدد در جلسات خانه‌ی ترانه سرایان.

●نوشتنِ ترانه‌ی تیتراژسریالِ زنده‌گی به شرطِ خنده.

●آغاز به جمع آوریِ مجموعه‌یی از ترانه‌های ترانه سرایانِ معاصر با عنوانِ ما ترانه سراییم.

●انتشار آلبومِ همترانه با صدای محمدرضاآزادپور. (۳ ترانه ـ سفر / همترانه / بانو)

●انتشار آلبومِ می‌شناسمت با صدای پرهام. (۲ ترانه ـ یه موتور / دریا رُ دریاب)

●انتشار آلبومِ روزهای بی خاطره با صدای سیاوش قمیشی . (۳ ترانه ـ تصور کن / یاد من باش / پنجره)

●انتشار آلبومِ با من خطر کن با صدای علیرضا بلوری. (۲ ترانه بی‌ستاره / سلام بی‌ریا)

●انتشار آلبومِ آبی و سبز و قرمز با صدای گروه کارما. (۲ ترانه ـ خوش‌خیال / لیلی گشنه)

●انتشار آلبومِ آواز خوان ، نه آواز با صدای حسن شماعی زاده. (۱ ترانه ـ گیتار)

●انتشار آلبومِ شبِ شیشه‌یی با صدای حمید پیروزنیا. (۱ ترانه ـ قصه ی شهرِ فرنگ)

●انتشار آلبومِ شاکی با صدای طوفان. (۱ ترانه ـ بارون)

●انتشار آلبومِ مارکِ عاشقی با صدای کیوان تافته . (۱ ترانه ـ ترانه) ۱۳۸۵ ● کار بر روی ترجمه شعرِ بلندِ زوزه اثرِ آلن گینزبرگ با همکاریِ حسن علیشیری .

●جمع آوریِ اشعارِ پنجمین مجموعه‌ی ترانه‌ها با نامِ تصور کن.

●عکاسی از محمود دولت آبادی.

●ترجمه ترانه‌های احمد کایا با همکاریِ آیدین آقاخانی در مجموعه‌یی با نامِ دیوارها سخن نمی‌گویند.

●جایزه‌ی تندیس طلایی مجله‌ی دنیای تصویر برای بهترین ترانه تیتراژ به رضا یزدانی برای اجرای ترانه‌ی لاله زار در فیلم حکم ساخته مسعود کیمیایی .

●انتشار آلبومِ یادِ من باش با صدای فرزین. (۳ ترانه ـ یادِ من باش / با من بمون / مادر)

●انتشارِ آلبومِ قشنگ روزگار با صدای فرامرز آصف. (۱ ترانه ـ گل فروش)

●انتشارِ آلبومِ امشب با صدای شیلا. (۱ ترانه ـ تو دیگه کی هستی)

●عکاسی از سیمین بهبهانی و همکاری با فصل‌نامه گوهران برای ویژه نامه سیمین بهبهانی.

●کار بر روی مجموعه‌یی از شعرهای چارلز بوکوفسکی با نام به سلامتیِ برادم هیچ کس.

●انتشار آلبومِ عسل با صدای محسن فلاح. (۱ ترانه ـ قصه کهنه)

●انتشار آلبومِ منو ببخش با صدای راما. (۱ ترانه ـ فدای چشات)

●انتشار آلبومِ نه دیگه با صدای آریان. (۳ ترانه ـ بهار / بنویس / خونه)

●عکاسی از مسعود کیمیایی در حال ساختن فیلم رییس.

●ترجمه شعر چیق صلح به زبان انگلیسی توسط خانم مهسا سماواتی.

●نوشتن ترانه برای فیلم رییس، ساخته‌ی مسعود کیمیایی با آهنگسازی و اجرای رضا یزدانی با بازی فرامرزقریبیان، امین تارخ، خسرو شکیبایی، پولاد کیمیایی، لعیا زنگنه، مهناز افشار و...

●نوشتن مجموعه‌یی از شعرهای کوتاه با عنوان هایکوهای زندان.

●انتشارآلبوم هیس به خوانندگی و آهنگسازی رضایزدانی. (۹ ترانه– شمال/ آوازه خون / مش رمضون/ یکی در میون/ برج/ نانوشته/ کارتون/ زندگی نامه/ دنیای وارونه)

●انتشار آلبوم ترانه باران با صدای شاهرخ. (۱ترانه ـ نازنین)

●انتشار آلبوم هیشکی مثِ تو نمی‌شه با صدای فرهاد جواهرکلام. (۱۰ ترانه ـ هیشکی مثِ تو نمی‌شه / با یه چش به هم زدن / می‌خوام همه دنیا اینُ بدونن / تنها / جای تو این جا خالیه / خیلی دلم تنگه برات / چشمم تو رُ گرفته / یادت نره / آخرین عشقِ همیشه)

●انتشار آلبوم لحظه دیدار با صدای چنگیز حبیبیان. (۱ ترانه ـ فرصت)

●انتشار آلبوم آدم آهنی با صدای عباس شادکمالی. (۱ ترانه ـ چشم، چشم، دو ابرو) ۱۳۸۶ ● انتشار پنجمین مجموعه ترانه با نام تصور کن توسط انتشارات نگاه.

●انتشار ترانه‌های احمد کایا در مجموعه‌ی دیوارها سخن نمی‌گویند توسط انتشارات نگاه.

●انتشار شعرهای اورهان ولی در مجموعه‌ی ماهی مست توسط انتشارات نگاه.

●انتشار شعرهای مختوم قلی فراغی در مجموعه‌ی چشمان تو قاتل منند توسط انتشارات نگاه.

●نوشتن مجموعه شعری با عنوان گریه‌های گربه‌ی خاکستری.

●انتشار آلبوم رهسپار با صدای سام اسدی (۱ ترانه – منُ ببخش)

●انتشار آلبوم اوج با صدای فرزان (۱ ترانه — دختر ناز ایرون)

●انتشار آلبوم شبح با صدای بهنام صفاریان. (۱ ترانه ـ شب انتظار من)

●ترجمه‌ی کتاب جنس ضعیف از اوریانافالاچی.

●عکاسی از جواد مجابی، شیرین عبادی، محمد حقوقی و...

●همکاری با امیر محمد قاسمی زاده در ساخت مستندی درباره سیمین بهبهانی با نام یک دریچه آزادی.

●نوشتن ترانه‌ی متن برای فیلم سینمایی رفقای فراموش شده به کارگردانی روزبه روحی پور با آهنگسازی و اجرای رضا یزدانی.

●ترجمه‌ی مجموعه‌یی از اشعار لویی آراگون با یلدا گلرویی.

●نوشتن فیلمنامه‌یی با عنوان خاطرات یک چاقو.

گلزار اصفهانی، رجبعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۶ -۱۳۰۲ ق)، شاعر. متخلص به گلزار. در اصفهان و در خانواده‌ای روحانی به دنیا آمد. علوم ادبی و عربی را نزد پدر خود و دیگر اساتید آموخت. گلزار از اوان جوانی شعر می‌سرود و در مجامع ادبی اصفهان، به ویژه انجمن ادبی شیدا و انجمن دانشکده شرکت می‌نمود. وی در تخت فولاد، در تکیه‌ی گلزار مدفون است. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۰۱ -۳۹۹)، تذکرهٔ القبور (۴۶۷)، الذریعه (۹۳۲/ ۹)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۶ - ۱۰۵/ ۳).

گلستانه، ابوالحسن

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(گلستان) ابوالحسن بن محمد امین، مورخ (قر. ه.). وی از خانواده‌ی مقتدری است که در دوران پادشاهی نادرشاه با اقتدار مصدر کارهای مهمی بوده‌اند. ابوالحسن کتاب «مجمل‌التواریخ» را که در وقایع و رویدادهای سی و پنج ساله‌ی نادرشاه مربوط به خاندان افشاریه و زندیه است، تألیف کرده که مکرر بطبع رسیده.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

گلستانه، علی اکبر حسنی حسینی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۹ -۱۲۷۴ ق)، خطاط. ملقب به احتشام السادات. در اصفهام به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی را در آن شهر آغاز کرد. از دوران کودکی به فراگیری خط پرداخت و به زودی در این هنر سرآمد شد. وی خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و در خط شکسته نیز استاد بود. بعضی معتقدند که پس از ظهور درویش عبدالمجید، هیچ کس خط را به اسلوب و شیوه‌ی درویش مانند گلستانه ننوشته است. او معتقد بود که باید ابتدا خط نسخ را آموخت و بعد از فراگیری آن به نستعلیق پرداخت. گلستانه سفرهایی به فارس، خراسان و عراق کرد و در اواخر عمر به تهران آمد و در همین جا درگذشت. جنازه‌اش را به قم بردند و در آنجا به خاک سپردند. از آثار وی: مرقعی شامل بیست و شش قطعه، که بیشتر آنها به خط نستعلیق و به قلم نیم دو دانگ و کتابت خفی خوش است و

بعضـی نیز به قلم شکسته، بـا رقم‌های: «سید گلستانه در طهران نوشت»؛ «سید گلستانه به شیوه‌ی اساتید نوشت ۱۳۱۶»؛ «از برای تقدیم... مظفرالدین شاه قاجار،... تحریر شد»؛ قطعات متعدد شکسته نستعلیق، به قلم‌های چهار دانگ تا کتابت خوش و عالی، که در یکی از قطعات شکسته، خود را چنین معرفی کرده است: «کمترین بنـدگان و سادات، سید علی اکبر الحسنی الحسینی المدعو به گلستانه، الملقب باحتشام السادات... سنه‌ی ۱۳۱۸».[۱]

علی‌اکبر، فرزنـد حـاج میرزا محمـدابراهیم خوشـنویس (و. ۱۲۷۴– ف. ۱۳۱۹ ق). وی از خانـدان قـدیم سـادات گلستانه بـود و در اصفهان متولد شد و تحصیلات مقدماتی و مشق خط را در آن شهر آغاز کرد و به زودی در هنر خوشنویسی سرآمد شد. چنانکه در جوانی خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و در خط شکسته استاد مسلم بود. پس از ظهور «درویش عبدالحمید» و شـرح وی در خط شکسته بسیاری از هنرمندان بدان سبک مشق کردند و با اینکه شـماره‌ی خوشـنویسان این خط بسیار شد، هیچ یک شباهت خط و شیوه و اسلوب درویش را به پایه و مایه‌ی گلستانه، نرسانیدنـد. سید علی‌اکبر در مـدت زنـدگانی، سفرهایی به خراسان و فارس و عراق کرد و در آخر عمر چندی به تهران آمد و در این شهر رشته‌ی حیات این ادیب دانشمند هنرمند، با یک عمل جراحی در سنین جوانی یعنی چهل و پنج سالگی بگسست و بنابر وصیت، به قم منتقل و به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشـنویسان (۴۳۸ –۴۳۷/ ۲)، اطلس خط (۶۲۷ –۶۲۵)، پیدایش و سیر تحول هنر خط (۲۸۶ – ۲۸۵)، تاریخ اصـفهان (۱۸۱ –۱۷۹)، تاریـخ هنرهـای ملی (۱۰۳۵/ ۲)، تذکره‌ی خوشـنویسان معاصـر (۶۵ –۶۴)، کارنامه‌ی بزرگان (۴۱۸).

گلستانه، فخرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۴ مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی معدن، دانشکده: مهندسی متالورژی، دانشگاه: صنعتی شریف

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسـی معدن‌شناسی از دانشگاه جورج آگوست آلمان در سال ۱۳۳۸، کارشناسی ارشد معدن‌شناسی از دانشگاه فنی کلاوستال در سال ۱۳۴۳، دکترای تخصصـی معدن‌شناسی از دانشگاه فنی کلاوستال در سال ۱۳۴۷ و CID معدن‌شناسی از امپریال کالج لندن در سال ۱۳۵۱.

مرتبه علمی:

اسـتاد میهمان دانشـگاه برلن از سالهای ۱۳۵۰ تـا سال ۱۳۵۱ و ۱۳۵۹ تـا سال ۱۳۶۰ و اسـتاد میهمان دانشـگاه امپریال کالـج لندن از سالهای ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۵۱ و ۱۳۵۳ تا سال ۱۳۵۴، استاد دانشکده مهندسی متالورژی دانشگاه صنعتی شریف.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس کریستالوگرافی، مینرال‌لوژی و شـناخت مینرال‌ها بوسیله میکروسکوپ پولاریزانی و مواد خام سرامیکی در دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاههای علم و صنعت و پلی تکنیک، انجام طرحهای تحقیقاتی در مورد منابع غیر فلزی ایران و طرحی در مورد معدن گل گهر.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

مقدمات بلورشناسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:–، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۱

زمینه علمی مقالات:

بررسی و شناسائی معادن و معدنی‌ها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

گلستانه، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن سید محمود. فاضـل ادیب خطـاط معروف به علوم، از خطاطین معروف، که نسـتعلیق را در نهایت اسـتادی می‌نوشت. در جوانی (شوال سال ۱۳۵۱) وفات یافته، در تکیه‌ی جهانگیرخان مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

گلستانه، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا محمّد مهدی. عالم فاضل، ساکن طهران. پدرش از علمای طهران و امام مسجد قنات آباد بوده و در سال ۱۳۲۲ وفات یافته. وی به جای پدر امامت می‌نموده. از احفاد سید علاء الدین محمد شارح نهج البلاغه می‌باشد. دارای کتابخانه آبرومندی بوده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

گلستانه، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۶۱ ق)، عالم دینی. از سادات موسوی اصفهان بود. پس از تکمیل تحصیلات در اصفهان و نجف به مشهد رفت و در آنجا ساکن گردید و به ترویج احکام و نشر عقاید پرداخت. او در همان جا درگذشت و در ایوان طلا دفن شد. از آثارش: «الوسائل فی اثبات الحق و ازهاق الباطل»، در اثبات امامت ائمه (ع) که در ۱۳۳۹ ق آن را تألیف نموده است؛ «تحفة الامامیة».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرة القبور (۱۸۵)، الذریعه (۷۱/ ۲۵ ،۴۲۱/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۱۲/ ۱۴).

گلستانه، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، از شاگردان حاج میرزا حبیب‌الله رشتی بوده، پس از تحصیل به اصفهان و سپس به طهران مهاجرت کرده و ریاستی یافته؛ در ۱۳۲۲ وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

گلستانی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی گلستانی

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۷/۹/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات حوزوی

سال ورود به حوزه ۱۳۳۳ درشهرهمدان/ همان سال شروع به درس خارج ۱۳۵۰،اینجانب شیخ علی گلستانی در سال ۱۳۱۷ در شهر همدان متولد شدم و تحصیلات ابتدائی را در آنجا گذراندم سپس وارد حوزه علمیّه همدان مدرسه آیه ا... آخوند همدانی شدم و بعد از چهار سال به قم مشرف شده به محضر آیه ا... فاضل لنکرانی و جعفر سبحانی رسیدم و ازآنان کسب فیض کرده و سپس به محضر آیه الله العظمی سید شهاب الدین الحسینی مرعشی رسیدم و بعد از ایشان آیه الله گلپایگانی و شیخ جواد تبریزی کسب فیض کردم و در این مدّت اقدام به تألیف این کتب نیز نمودم ضمناً یک کتاب عربی نیز در دست چاپ دارم.

گلستانیان، نعمت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فیزیک از دانشگاه تربیت معلم در سال ۱۳۴۲، کارشناسی ارشد الکترونیک از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۴۹، دکترای تخصصی الکترونیک از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۵۱.

مرتبه علمی:

استادیار فیزیک دانشگاه تربیت معلم از سال ۱۳۵۱، دانشیار دانشگاه تربیت معلم از سال ۱۳۵۵ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس الکترونیک، آزمایشگاه الکترونیک، ترمودینامیک و مکانیک آماری و فیزیک پایه در دانشگاه تربیت معلم، مطالعه و ساخت چشمه یون از نوع مانیترون بافوتو کاتد، مطالعه گسیل فوتونی لایه‌های نازک طلا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

فیزیک، واژه‌نامه تخصصی الکترونیک، دستگاهها و مدارهای الکترونیک، فیزیک در سه جلد، فیزیک عمومی جلد اول، مبانی و کاربردهای الکترونیک و مبانی فیزیک جلد اول.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

مانیترون باکاتد فوتو- امیسیو، برتریها و تکنیکهای میکروالکترونیک و کاربرد چشمه‌های جدید یونی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

گلسرخی کاشانی، غلامرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم روحانی.

تولد: ۱۳۱۱، کاشان.

درگذشت: ۱۳۶۹.

حجت‌الاسلام غلامرضا گلسرخی کاشانی دروس مقدماتی و متوسطه را در کاشان گذراند. سپس وارد حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد. به فداییان اسلام پیوست و هیچگاه اقدامات سیاسی را بیرون از رسالت خود نمی‌دانست تا آنکه در جلسات فداییان اسلام شرکت می‌جست و با شهید سید مجتبی نواب‌صفوی سر و سری داشت. در این عرصه به جرم دخالت در سیاست بارها مورد توبیخ قرار گرفت تا آنجا که شهریه‌اش قطع گردید. از وی مقالات متعددی در نشریات خصوصا در مجله «مکتب اسلام» منتشر گردیده است. «شرح وی بر عهدنامه مالک اشتر» از جمله مقالات اوست. حجت‌الاسلام گلسرخی کاشانی صاحب کتابی است به نام: بازیگران قرون: برهه‌ای از تاریخ در قالب یک داستان (قم، ۱۳۶۰).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

گلسرخی، خسرو

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خسرو گلسرخی شاعر و نویسنده مردمی در روز دوم بهمن ۱۳۲۲ در شهر رشت متولد شد نام پدرش قدیر بود که گلسرخی در سن ۵/۱ سالگی این تکیه گاه را از دست داد مادرش بانو شمس الشریعه وحید نام داشت که بعد از مرگ همسرش، خسرو و برادر دو ساله اش فرهاد را نزد پدرش حاج شیخ محمد وحید که در قم می زیست برد. وحید مرد مبارزی بود که در کنار میرزا کوچک خان جنگلی در نهضت جنگل جنگیده بود و بالطبع هنوز هم همان روحیه مبارزه در وجودش بود خسرو توسط چنین مبارزی تعلیم دید و تحت تاثیر نظرات او قرار گرفت حتی شعرهایی به نام جنگلی ها و دامون در این رابطه گفت (دامون به معنی پناهگاه و انبوهی سیاهی جنگل است). در سال ۱۳۴۱ پدر بزرگش فوت کرد آن زمان خسرو دوران تحصیل ابتدایی و متوسطه را در مدارس حکیم سنایی و حکیم نظامی به پایان رسانده بود و بعد از فوت پدربزرگش می بایست چرخ معاش خانواده را بگرداند او و برادرش فرهاد به تهران عزیمت کردند و در خانه ای کوچک در محله امین حضور سکنی گزیدند او روزها کار می کرد و شب ها درس می خواند. خسرو در این سالها از ادبیات نیز غافل نبود در طی این سالها اشعار و مقالات و نقدهای بسیار بر آثار ادبی از سوی او با نام های غیر واقعی و مستعاری چون دامون – خ ، گ – بابک رستگار – افشین راد – خسرو کاتوزیان به چاپ رسید در این زمان گلسرخی، با آموختن زبان فرانسه به طور کامل و زبان انگلیسی در دوره دانشگاهی، دست به ترجمه های ادبی نیز می زد.

کار جدی او در شعر از سال ۴۵ شروع شد. در سال ۴۸ با عاطفه گرگین شاعر و نویسنده همفکرش ازدواج کرد زندگی در کنار

عاطفه و تاثیر پذیری از افکار او آثار گلسرخی را غنی تر کرد بطوری که دوران شکوفایی فکری و خلاقیت او در مطبوعات در سالهای ۴۸ تا ۵۲ می باشد البته هیچ اثری از خسرو در زمان حیاتش، به جز آنچه در مطبوعات و جنگ ها انتشار یافت به صورت کتاب چاپ نشد. تنها چیزی که میتوان به عنوان کتاب چاپ شده در میان نوشته های او سراغ گرفت، مقاله ای ست با عنوان " سیاستِ هنر، سیاستِ شعر" این مقاله برای اولین بار به صورت جزوه از سوی انتشارات (کتاب نمونه) به مدیریت بیژن اسدی پور انجام گرفت. اما بعدا" کاوه گوهرین مجموعه آثار خسرو را در دو مجموعه به نام های "دستی میان دشنه و دل" و " من در کجای جهان ایستاده ام" چاپ کرد که این دفتر نیز در آن است. خسرو برای چاپ کتابهایش با (کتاب نمونه) قرارداد بسته بود که به انجام نرسید و بعدها یکی از این دو مجموعه، با نام انتخابی خود گلسرخی " ای سرزمین من" چاپ شد. انتخاب نام "پرنده خیس" برای مجموعه دوم به توصیه عمران صلاحی انجام شده است. عمران صلاحی وبیژن اسدی پور که از دوستان گلسرخی بودند تأکید کرده اند که خسرو قصد داشت این نام را بر مجموعه ای از شعرهایش بگذارد.

او چهار سال در کنار همسرش زندگی کرد و ثمره این ازدواج فرزندی به نام دامون بود مدتی بعد از دستگیری گلسرخی عاطفه گرگین نیز دستگیر شد و در دادگاه نظامی به چهار سال زندان محکوم شد با به زندان افتادن او سرپرستی دامون به برادرش سپرده شد. (هم اکنون دامون همراه مادرش در پاریس زندگی می کند).

بیشترین علت دستگیری گلسرخی عضویت در محفلی بود که موقع دستگیری مدت یکسال بود که از این محفل بریده بود در اوائل ورود به آن محفل او متوجه شد که جز حرف و خیال‌بافی و احیانا" چپ‌روی‌های نمایشی و خطرناک هیچ نیست . در آغاز ورود به آن جمعیت کذایی برای اینکه همسر و تنها پسرش را از این گرداب دور کند، ظاهرا از خانواده خود برید. و با عاطفه گرگین تبانی کرد و کوشید تا در انظار این طور جلوه دهد که به علت اختلاف و عدم تفاهم جدا از خانواده خود زندگی می‌کند و این رشته خانوادگی در حال گسستن است. عاطفه در این ظاهرسازی مصلحتی او را یاری می‌داد،

خسرو گلسرخی در ۲۹ بهمن ۱۳۵۲ به جرم شرکت در طرح گروگانگیری رضا پهلوی علیرغم اینکه به خاطر بودن در زندان ساواک هرگز نمی توانست چنین کاری را انجام دهد و صرفا" به خاطر دفاع از عقایدش در دادگاه نظامی به اعدام محکوم و در میدان چیت گر تیر باران شد ..

دادگاه نظامی گلسرخی و دوست همرزمش کرامت الله دانشیان و دفاعیه ای که خسرو گلسرخی کرد هنوز در پیکره تاریخ ایران می درخشد و یکی از صحنه های باشکوه ایستادگی بر سر آرمان تا پای جان است او دفاع خود را چنین آغاز کرد:

به نام نامی مردم:

من در دادگاهی که نه قانونی بودن و نه صلاحیت آنرا قبول دارم از خود دفاع نمی کنم بعنوان یک مارکسییت خطابم با خلق و تاریخ است هر چه شما بر من بیشتر بتازید من بیشتر بر خود می بالم چرا که هر چه از شما دورتر باشم به مردم نزدیکترم و هر چه کینه شما به من و عقایدم شدیدتر باشد لطف و حمایت توده مردم از من قوی تر است حتی اگر مرا به گور بسپارید که خواهید سپرد مردم از جسدم پرچم و سرود می سازند.

او در ادامه گفت زندگی امام حسین نمودار زندگی کنونی ماست که جان بر کف برای خلقهای محروم میهن خود در این دادگاه محاکمه می شویم او در اقلیت بود و یزید بارگاه و قشون و حکومت و قدرت داشت او ایستاد و شهید شد هر چند که یزید گوشه ای از تایخ را اشغال کرد ولی آن چه که در تداوم تاریخ تکرار شد راه حسین و پایداری او بود نه حکومت یزید آن چه را که خلقها تکرار کردند و می کنند راه حسین است.

وقتی دادگاه نظامی حکم اعدام گلسرخی و دانشیان را قرائت کرد آن دو فقط لبخند زدند و بعد دست یکدیگر را به گرمی فشردند و در آغوش هم فرو رفتند

محبوبیت گلسرخی و دانشیان ترس ساواک را برانگیخت آنها به تکاپو افتادند تا شاید در آخرین لحظات در آنها رسوخ کنند به آنها که با شکیبایی منتظر تیرباران بودند پیشنهاد شد که از شاه تقاضای عفو کنند اما آنها فقط پوزخند زدند ساواک وقتی دید با هیچ حربه ای قادر به فریب آنها نیست به گلسرخی پیشنهاد داد که دامون پسرش را قبل از تیرباران ببیند اما گلسرخی به این پیشنهاد هم جواب منفی داد و این در شرایطی بود که همه سلولهای بدنش نام دامون را فریاد می کشید او می دانست که دامون نقطه ضعف اوست و دامون می تواند او را به زندگی امیدوار کند زندگی که او می خواست از دست بدهد تا به وظیفه اش عمل کند آری برای او مرگ یک وظیفه بود وقتی از تقاضای ندامت نامه می کنند تا در نتیجه دادگاه تخفیف دهند او می گوید هیچ کس از زندگی در کنار زن و فرزند گریزان نیست من مثل هر انسانی زندگی را دوست دارم و دوست دارم مثل هر پدری رنگ چشمان فرزندم را ببینم اما راهی را که انتخاب کرده ایم باید به پایان ببریم مرگ ما حیات ابدی است ما می رویم تا راه و رسم مبارزه بماند اگر من ندامت نامه بنویسم کمر مبارزان را خرد نکرده ام ؟؟؟

در سحرگاه ۲۹ بهمن وقتی او را به چوبه اعدام بستند هنوز لبخند می زند و می خواهد که چشمانش را نبندند چون می خواست با دیدن خورشید به سرای باقی بشتابد ..

او در وصیت نامه اش می نویسد :

من یک فدائی خلق ایران هستم و شناسنامه من جز عشق به مردم چیز دیگری نیست من خونم را به توده های گرسنه و پابرهنه ایران تقدیم میکنم. و شما آقایان فاشیست ها که فرزندان خلق ایران را بدون هیچگونه مدرکی به قتلگاه میفرستید، ایمان داشته باشید که خلق محروم ایران انتقام خون فرزندان خود را خواهد گرفت. شما ایمان داشته باشید از هر قطره خون ما صدها فدایی برمیخیزد و روزی قلب شما را خواهد شکافت. شما ایمان داشته باشید که حکومت غیرقانونی ایران که در ۲۸ مرداد سیاه به خلق ایران توسط آمریکا تحمیل شده در حال احتضار است و دیر یا زود با انقلاب قهرآمیز توده های ستم کشیده ایران واژگون خواهد شد

ضمنا" یک عدد حلقه پلاتین(طلای سفید) و مبلغ یک هزار و دویست ریال وجه نقد را به خانواده و یا به زنم بدهند.

منابع زندگینامه :کتاب حماسه خسرو گلسرخی – نوشته آرمان

گلشن ایرانپور، عبدالوهاب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۶ -۱۲۵۷ ش)، روزنامه‌نگار، شاعر، متخلص به گلشن. در اردکان یزد به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت. سپس به اصفهان رفت و تحصیلات ابتدایی و مقدمات عربی و «خلاصهٔ الحساب» و «مطول» و فنون ادبی را در آنجا فراگرفت. او به امر پدرش کتاب «انوار سهیلی» را منظوم نمود که این کار بیست و پنج سال به طول انجامید. گلشن مدتی در دستگاه ظل السلطان خدمت کرد و سپس در اداره‌ی اوقاف اصفهان مشغول به کار شد. وی در ۱۳۳۸ ق روزنامه «اختر مسعود» را در اصفهان تأسیس و منتشر نمود و به واسطه‌ی داشتن امتیاز این روزنامه به مدیر اختر مسعود شهرت یافت. گلشن همواره در انجمن ادبی دانشکده، که عباس شیدا آن را اداره می‌کرد، حضور می‌یافت. وی سرانجام در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد دفن شد. از دیگر آثارش: «عقل و جنون»، شعر؛ «دلکش و پریوش»، شعر؛ «آلمان نامه»، شعر؛ «مشروطه نامه»، شعر؛ «نخجیرنامه»، شعر؛ «سفر پنج روزه»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۷۱ -۶۶/ ۱)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۷۰۰ -۶۹۵)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۰۴ -۴۰۲)، تذکرهٔ القبور (۴۲۶ -۴۲۵)، الذریعه (۱۰۱ / ۲۴ ،۹۳۳/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۰۶۸ -۳۰۶۵/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۷۸۰)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۳۲۶/ ۲ ،۱۴۵۱/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۸ -۲۷/ ۴).

گلشن آزادی، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۳ -۱۲۸۰ ش)، روزنامه‌نگار، نویسنده و شاعر، متخلص به گلشن. در تربت حیدریه به دنیا آمد. وی ابتدا به تحصیل فارسی و عربی پرداخت اما به علت فوت پدر نتوانست به تحصیل ادامه دهد در نتیجه به تجارت روی آورد. پس از مدتی به علت علاقه فراوان به شعر و ادبیات و به منظور فراگرفتن رموز شعر و ادب به خدمت میرزا محمد حسین سهیلی و احمد بهمنیار رسید و از محضر آنها سود جست و « دیوان» شعری در پنج هزار بیت تنظیم کرد. در ۱۲۹۸ ش به مشهد رفت و در آنجا ابتدا مدیریت داخلی روزنامه‌ی «مهر منیر» و مدیریت روزنامه‌ی «شرق ایران» را بر عهده گرفت و در ۱۳۰۱ ش روزنامه‌ی «فکر آزاد» را- که صاحب امتیازش احمد بهمنیار کرمانی بود- بنیان نهاد. در ۱۳۰۴ ش امتیاز روزنامه «آزادی» را گرفت و سالهای متمادی بدون وقفه به انتشار آن پرداخت. علی اکبر گلشن پس از انتشار این روزنامه به گلشن آزادی معروف شد. وی در امور خیریه و ملی و فرهنگی مانند خدمت در هیئت مدیره‌ی شیر و خورشید سرخ مشهد، عضویت شورای عالی فرهنگ خراسان و عضویت انجمن آثار ملی سابقه خدمت داشته است. او در مشهد درگذشت. از دیگر آثار وی: «گلشن آزادی»؛ «گلشن ادب»، که شامل شرح حال شعرای خراسان می‌باشد؛ «داستانها و دستانها»؛ «در طهران چه دیدم و چه شنیدم»؛ مثنوی «شاهان وارون بخت»، بر وزن «مخزن الاسرار» نظامی؛ مثنوی «گلشن شوق»، بر وزن «هفت پیکر» نظامی؛ «داستانها از باستانها»؛ «صد سال شعر خراسان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۸۳/ ۴ ،۱۴۸ -۱۴۷/ ۱)، چهارصد شاعر برگزیده پارسی گوی (۸۱۲ -۸۱۰)، چهره‌های آشنا (۵۰۶ - ۵۰۵)، دویست سخنور (۳۵۲ -۳۵۰)، الذریعه (۲۲۳/ ۱۸ ،۹۳۴/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۰۷۲ -۳۰۶۹/ ۵)، صد سال شعر خراسان (۵۰۲ -۴۸۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۵۷۴ ،۱۵۵۲/ ۱)، گلزار معانی (۸۰۵،۶۱۹ -۶۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۸/ ۴).

گلشن دهلوی، سعد الله

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بخش ۱) دهلوی، سعداللّه ملقب به شاه گلشن (ف. ۱۱۴۰ م.) صوفی و شاعر فارسی گوی هندی که اشعار بسیاری دارد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

گلشن کردستانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

درگذشت: ۱۳۰۹، سنندج.

درگذشت: ۱۱ دی ۱۳۷۱.

سید محمود گلشن کردستانی، از نواده‌های سید محمد نفیت‌السادات «گلشن»، تحصیلات ابتدایی را در سنندج پشت سر گذاشت، تحصیلات متوسطه را در تهران به پایان رساند. از آن پس به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و ضمن خدمات فرهنگی و آموزشی به تحصیل خود در شیراز ادامه داد و از دانشکده‌ی ادبیات در رشته‌ی ادبیات فارسی به دریافت لیسانس توفیق یافت، آنگاه مأمور تدریس در دبیرستان‌های شیراز و همدان و تهران و مؤسسات عالی گردید و مدت بیست و پنج سال به کار تدریس اشتغال داشت. هشت سال آخر خدمت را به عنوان کارشناس مسئول برنامه‌ریزی زبان و ادب فارسی در دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی مشغول بود.

گلشن از سال ۱۳۳۰ به سرودن شعر پرداخت. هنگام خدمت نظام برای سرودن شعری به کرمان تبعید شد. سال ۱۳۳۳ به محافل ادبی تهران راه یافت و در انجمن به ریاست محمدعلی ناصح شرکت می‌جست. آثار منظوم وی در روزنامه‌های کردستان نظیر «ندای غرب»، «زاگرس» و «سنندج» چاپ می‌شد و مطبوعات ادبی پایتخت نیز آثار او را به طور متفرق طبع می‌کردند. وی پس از انقلاب اسلامی با شورای شعر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و صدای جمهوری اسلامی همکاری داشت. وی بیشتر غزل می‌سرود. گفته می‌شود که حدود چهار هزار بیت شعر سروده است. گلشن با چند انجمن ادبی از جمله انجمن ادبی صائب ارتباط نزدیک داشت و آثارش در نشریه‌ی انجمن به چاپ می‌رسید.

گلشن کردستانی دارای تألیفات و کتاب‌هایی است. از گلشن چند مجموعه شعر با نام‌های بهار و گلبانگ و تندر و طوفان به یادگار مانده است. همچنین منتخبی از آثار دوره تحصیلی و اوان شاعری خود را در تهران به اسم نوبهار منتشر کرد.

سید محمود گلشن کردستانی بعد از تحمل یک دوره بیماری قلبی چند ساله درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

گلشن گلپایگانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۶ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به گلشن. نسبش با هفت واسطه به شیخ بهائی می‌رسد. اجدادش در سلک علما و فضلاء بودند و خود او در جوانی به تحصیل علوم متداول پرداخت و کسب کمال کرد. گلشن شعر می‌سرود و خط نستعلیق و شکسته را استادانه می‌نوشت. وی در تهران ساکن بود و مجلس مشق خط داشت و شاگردان بسیاری از او تعلیم گرفته‌اند. وی در هنگام تألیف «المآثر و الآثار» (۱۳۰۶ ق) در قید حیات بوده است. از آثار او: یک نسخه منتخب «دیوان» فرخی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «کتبه الداعی... محمد الکلبایکانی فی سنه‌ی ۱۲۶۷»؛ یک قطعه به قلم سه دانگ خوش و بدون رقم، که امیر الکتاب ملک الکلامی در پشت آن نوشته است: خط میرزا محمد گلپایگانی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۲۷ -۸۲۶/ ۳)، حدیقهٔ الشعراء (۱۴۸۰ -۱۴۷۹/ ۲)، الذریعه (۹۳۳/ ۹)، المآثر و الآثار (۲۱۴)، مجمع الفصحا (۹۰۰ -۸۹۹/ ۵).

گلشن، محمد علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بخش ۱) (میرزا) محمدعلی، شاعر (قر. ه.) وی پدر میرزا حبیب قاآنی شاعر است. قاآنی در پریشان می‌نویسد: «هرچند سی سال تمام از مرگ پدرم می‌گذرد الحال تصور می‌کنم دو هفته بیش نگذشته است.» اصل گلشن از ایل زنگنه‌ی کرمانشاه بود. مدتی در اصفهان و شیراز بسر برد. در عروض و قافیه هم تتبعی داشت. تاریخ وفات وی معلوم نیست ولی موقعی که قاآنی خردسال بود درگذشته است.

(وف ۱۲۳۴ ق)، شاعر، متخلص به گلشن. اصلش از ایل زنگنه‌ی کرمانشاهان است. او پدر حکیم حبیب قاآنی بود. در شیراز به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت. وی در مدرسه‌ی حکیم شیراز، حجره‌ی تدریس داشت. گلشن در شاعری خود را شاگرد مولانا مشرب عامری (م ۱۱۸۰ ق) می‌دانست. او به سبک محتشم کاشانی در مرثیه سید الشهداء (ع) یک «دوازده بند» سروده است. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.[۱]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۱۲/ ۴)، حدیقهٔ الشعراء (۱۴۷۹ -۱۴۷۶/ ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۷۰ -۲۶۷/ ۴)، الذریعه (۹۳۳/ ۹)، سفینهٔ المحمود (۲۷۲/ ۱)، شرح حال رجال (۴۵۸/ ۳)، طرائق الحقائق (۳۳۳/ ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۲۷ -۱۱۲۶/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۸۱)، مجمع الفصحا (۸۹۳/ ۵)، مرآت الفصاحه (۵۳۶ -۵۳۳)، مصطبه‌ی خراب (۱۵۶ - ۱۵۵)، لغت‌نامه (ذیل/ گلشن).

گلشنی بردعی، ابراهیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۴۰ –۸۳۰ ق)، شاعر و صوفی، متخلص به گلشنی. ملقب به هیبتی. وی ابتدا تخلص هیبتی داشت، سپس تخلص خود را به گلشنی تغییر داد. نسبش از جانب مادر به حضرت علی (ع) و از جانب پدر به اوغوز آتا، واضع لغت ترک، می‌رسد. در بردع آذربایجان به دنیا آمد و تحت نظر عموی خود تربیت یافت. وی سپس به تبریز رفت و از مریدان دده عمر روشنی، خلیفه‌ی سید یحیی خلوتی، شد و از او کسب فیض و کمالات باطنیه نمود و بعد از فوت دده عمر، جانشین وی گشت. گلشنی در زمان شاه اسماعیل صفوی و رواج مذهب تشیع، چون سنی متعصبی بود، از تبریز به قاهره رفت و در قبهٔ المصطفی به ارشاد پرداخت و طریقه‌ی گلشنی را رواج داد. در ۹۲۶ ق در قاهره خانقاهی بنا کرد. جماعت زیادی در مجلس وعظ او حضور می‌یافتند. وی در مصر وفات یافت و در جوار زاویه‌ای منسوب به خودش دفن شد. از آثارش: منظومه «معنوی» یا مثنوی «معنوی الخفی»، در مقابل «مثنوی» مولوی، حاوی چهل هزار بیت؛ قصیده‌ای به زبان عربی در مقابل «قصیده‌ی تائیه» ابن‌فارض؛ «دیوان» شعر، شامل اشعار فارسی، ترکی و عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۰۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۲۰ –۳۱۸)، الذریعه (۲۷۳/ ۲ ،۳۰۳، ۱۱۳/ ۱۹ ،۹۳۴/ ۹)، ریحانه (۱۱۵/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۷۸۱)، کشف الظنون (۸۰۸)، لغت‌نامه (ذیل/ ابراهیم گلشنی).

گلشنی شیرازی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. در شیراز به دنیا آمد. معاصر تقی‌الدین اوحدی (م ۱۰۳۰ ق) بود و در زمان جهانگیر پادشاه (۱۰۳۷ –۱۰۱۴ ق) به هند رفت و به گفته‌ی تقی‌الدین اوحدی در ۱۰۲۵ ق از دکن بازگشت. وی شاعری بدیهه‌گو بود و در موسیقی نیز مهارتی داشت. گلشنی در مجالس شعر افرادی چون رکن‌الدین مسعود مسیح کاشانی و محمد طالب آملی و غیره شرکت می‌کرد ولی رتبه‌ی اشعار وی به پای آنها نمی‌رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۹۳۵/ ۹)، صبح گلشن (۳۵۰ –۳۴۹)، فرهنگ سخنوران (۷۸۱)، کاروان هند (۱۱۹۳ –۱۱۹۲/ ۲).

گلشنی کاشانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۴ ق)، خطاط و شاعر. وی دایی امیر معزالدین محمد کاشانی (م ۹۹۵ ق) بود. در ابتدا دارای شغل مشک فروشی و مکتبداری بود و در سرودن شعر و مثل گویی مهارت داشت و خط نستعلیق را خوب می‌نوشت. وی در غزل از طوسی و سیفی بخاری (م ح ۹۰۹ ق) پیروی می‌کرد. او بعد از کنار گذاشتن شغل مکتبداری به سیر و سیاحت پرداخت و به قصد تجارت در زمان همایون شاه (۹۶۳ –۹۳۷ ق) به هند رفت و در آنجا مریدان زیادی به دست آورد. وی بعد از مراجعت به وطن، به زیارت عتبات عالیات رفت و در بازگشت مدتی در شوشتر ماند و به آورده‌ی «خلاصهٔ الاشعار» پس از چندی دوباره به هند بازگشت و در همان جا درگذشت. صاحب «الذریعه» گلشنی شیرازی خطاط مکتبدار را به احتمال زیاد با صاحب عنوان یکی می‌داند، گرچه در «فرهنگ سخنوران» گلشنی مشک فروش از گلشنی مکتبدار و گلشن کاشی از شیرازی جدا آورده شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۹۴/ ۳)، تحفه سامی (۲۴۵ –۲۴۲)، الذریعه (۹۳۵/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۸۲)، کاروان هند (۱۱۹۶ –۱۱۹۳/ ۲).

گلشنی، عبدالکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالکریم گلشنی چهاردهم خردادماه ۱۳۰۷ در شهر رشت در محله «مسجد ملاعلی محمد» به دنیا آمد. عبدالکریم تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس زادگاه خود، قاآنی، امید، تربیت و شاهپور، همزمان با تعلیمات دوره ای خارج مدرسه، به پایان برد. تابستان ۱۳۲۰ در مکتب سرای مرحوم شیخ محمدرضا انشایی، راسته علاقبندان، به مشق خط مشغول شد. سال بعد در کلاس دوم دبیرستان به آموختن زبان روسی پرداخت و تا اخذ شهادت نامه و برگزاری جشن فارغ التحصیلی از طرف انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی به مدت هفت سال در رشت و تهران ادامه داد. او سال ۱۳۲۹ در دانشکده افسری ثبت نام کرد و خدمت وظیفه را در گارد گمرک مشهد به پایان برد و در سال ۱۳۳۰ هفته نامه سیاسی – انتقادی «هفگز» را با همکاری تنی چند از دوستان آزاده و

صاحبنظرش در رشت منتشر کرد که جمعاً هفده شماره (از آذر ۱۳۳۰ تا خرداد ۱۳۳۱) به چاپ رسید. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مدت سه سال در وزارت فرهنگ به شغل معلمی روی آورد و در سال ۱۳۳۵ برای ادامه تحصیلات دانشگاهی به آلمان رفت. قبل از ثبت نام در دانشگاه، مقدمات آلمانی را در کلاس های زبان آموخت. شش ماه هم در کارخانه کنتس الکتروموتور در هامبورگ – آلتونا از نزدیک با «کار در آلمان» آشنا شد که در پیشرفت مکالمه وی تأثیر داشت. گلشنی تا سال ۱۳۴۸ در دانشگاه هامبورگ به تحصیل و تحقیق و تدریس اشتغال داشت در سال ۱۳۴۷ به دریافت درجه دکترای تاریخ و شرق شناسی «Dr.phil» نایل شد. در شهریور ۱۳۴۸ به دعوت رسمی دانشگاه به وطن بازگشت و به عنوان استاد قراردادی و سرپرست بخش تاریخ دانشکده ادبیات وعلوم دانشگاه شیراز به تدریس و پژوهش مشغول شد. . دکتر عبدالکریم گلشنی از فضلای افتخارآفرین این سرزمین است. او با حوصله و همت عمر گرانبهایش را در این مسیر صرف کرده است. مقالات او که بیش از صد عنوان است، درباره تاریخ و معارف اسلامی، ادبیات، تاریخ ایران و تاریخ پیش از اسلام است.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

گرایش : ایران دوره اسلامی

والدین و انساب : پدر عبدالکریم گلشنی در کاروانسرای «شیشه کوچک» به داد و ستد اشتغال داشت و تجارت او بیشتر با انواع کاغذ و مقوا بود. در حریق بازار به سال ۱۲۹۸ هجری شمسی حجره او و همسایگانش طعمه آتش شد و ناگزیر به سرای گلشن تغییر مکان داد که بعدها به «گلشنی» شهرت یافت. به نوشته شادروان ابراهیم فخرایی، در این آتش سوزی که ظاهراً عمدی بوده و به قصد غارت اموال بازرگانان صورت گرفت، بسیاری از تاجران اموال خود را از دست دادند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عبدالکریم گلشنی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس زادگاه خود، قاآنی، امید، تربیت و شاهپور، همزمان با تعلیمات دوره ای خارج مدرسه، به پایان برد. تابستان ۱۳۲۰ در مکتب سرای مرحوم شیخ محمدرضا انشایی، راسته علاقبندان، به مشق خط مشغول شد. سال بعد در کلاس دوم دبیرستان به آموختن زبان روسی پرداخت و تا اخذ شهادت نامه و برگزاری جشن فارغ التحصیلی از طرف انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی به مدت هفت سال در رشت و تهران ادامه داد در سال ۱۳۳۵ برای ادامه تحصیلات دانشگاهی به آلمان رفت. قبل از ثبت نام در دانشگاه، مقدمات آلمانی را در کلاس های زبان آموخت تا سال ۱۳۴۸ در دانشگاه هامبورگ به تحصیل و تحقیق و تدریس اشتغال داشت. در سال ۱۳۴۷ به دریافت درجه دکترای تاریخ و شرق شناسی «Dr.phil» نایل شد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : عبدالکریم گلشنی سال ۱۳۲۹ در دانشکده افسری ثبت نام کرد و خدمت وظیفه را در گارد گمرک مشهد به پایان برد و در سال ۱۳۳۰ هفته نامه سیاسی – انتقادی «هفگز» را با همکاری تنی چند از دوستان آزاده و صاحبنظرش در رشت منتشر کرد که جمعاً هفده شماره (از آذر ۱۳۳۰ تا خرداد ۱۳۳۱) به چاپ رسید. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مدت سه سال در وزارت فرهنگ به شغل معلمی روی آورد و در سال ۱۳۳۵ برای ادامه تحصیلات دانشگاهی به آلمان رفت.

استادان و مربیان : عبدالکریم گلشنی تا سال ۱۳۴۸ در دانشگاه هامبورگ به تحصیل و تحقیق و تدریس اشتغال داشت و از محضر استادانی چون برتولد اشپولر، ولفگانگ لنتس، هریبرت بوسه و هلموت براون بهره ها برد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عبدالکریم گلشنی در شهریور ۱۳۴۸ به دعوت رسمی دانشگاه به وطن بازگشت و به عنوان استاد قراردادی و سرپرست بخش تاریخ دانشکده ادبیات وعلوم دانشگاه شیراز به تدریس و پژوهش مشغول شد. در سال ۱۳۵۵ پس از انتقال به دانشگاه تهران به عنوان مدیر گروه تاریخ دانشگاه تهران ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۴ و رئیس کمیته تخصصی تاریخ در همکاری با شورای عالی برنامه ریزی ستاد انقلاب فرهنگی از ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۸ مشغول به کار بوده است.و همچنین با سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت) همکاری داشته است.

فعالیتهای آموزشی : بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ عبدالکریم گلشنی به مدت سه سال در وزارت فرهنگ به کار معلمی پرداخت. در شهریور ماه ۱۳۴۸ به دعوت رسمی دانشگاه (سابق) به وطن بازگشت و به عنوان استاد قراردادی و سرپرست بخش تاریخ دانشکده ادبیات و علوم دانشگاه شیراز به کارهای علمی و اداری مشغول شد. در سال ۱۳۵۵ به تهران انتقال یافت و به جمع استادان و اعضای هیئت علمی گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران پیوست و مدیریت گروه تاریخ دانشگاه تهران را بر عهده گرفت. دکتر گلشنی ضمن اشتغال به امور آموزشی و تدریسی در دانشگاههای هامبورگ، شیراز، تهران، شهید بهشتی (ملی سابق)، تربیت معلم و آزاد اسلامی، به کارهای پژوهشی نیز پرداخته است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عبدالکریم گلشنی در مطبوعات سابقه بسیار طولانی دارد و در این راه عمر بسیار صرف کرده است در آن ایام یعنی پس از جنگ جهانی دوم بین سال های ۱۳۳۲ – ۱۳۲۰ که روزنامه ها بدون محابا حقایق اخبار و اطلاعات را در اختیار مردم می گذاشتند. او که جوانی پرشور و آزادیخواه بود و فارغ از قید و بند و سرشار از روحیه مردم سالاری بود در انتشار «هفگز» در رشت همکاری داشته است. فریدون نوزاد –شاعر و پژوهشگر گیلانی در نشریه گیلان ما – در وصف ویژگی های عبدالکریم گلشنی می گوید: «در چنین حال و هوایی، جوانی پرشور و هیجان، عاشق آزادی و رهایی مردم از قید بند، سرشار از روحیه مردم سالاری با گردآوری چند نوجوان نوخیز و ضد استبدادی و قلدری به دور خویش، هفته نامه طنزپرداز هفگز را در رشت بنیاد نهاد. عبدالکریم گلشنی از زنده یاد محمدصادق غنچه صاحب امتیاز و مدیر هفته نامه صفدر خواست تا اجازه دهد به صورت ضمیمه صفدر با شعار: «هفگز بلای جان عدوی وطن بود» منتشر شود و او نیز با سعه صدری که داشت، بدون هیچ شرطی موافقت خود را اعلام داشت و بدین سان نخستین شماره این نشریه را با سرمقاله پرمحتوا انتشار داد.» انتشار هفگز درست همزمان با هفدهمین دوره انتخابات مجلس شورای ملی ایران صورت گرفت و در میان مردم گیلان آنچنان محبوبیتی یافت که فریدون نوزاد می گوید: «بازار داغی در میان مردم یافته و به راستی غوغا می کرده است و موجبی فراهم آورده بود که هفگز بلافاصله پس از انتشار نایاب می شد.» حضور عبدالکریم گلشنی در نشریه هفگز باعث جلا و ارتقای آن نشریه بود. او با احاطه بر اصول شعری و

ادبیات موجب صلابت بیشتر اشعار به چاپ رسیده در آن نشریه شد. فریدون نوزاد درباره عبدالکریم گلشنی می گوید: «عبدالکریم گلشنی که امروزه از فضلای افتخارآفرین جامعه ماست بشدت از بیگانگی پرستی نفرت داشت و هنوز هم این ویژگی را در نهاد خود حفظ کرده است. به همین علت همان گونه که با رهبران فرمانبردار بعضی از احزاب اشتباه کار می جنگید. از مبارزه با مسئولان زورگو و مردم ستیز هم بازنمی ایستاد، برای او جمال امامی، سیدشوشتری یا رئیس قدرتمند شهربانی های گیلان، علی بنی آدم فرماندار رشت و همچنین سرتیپ مغروری فرمانده تیپ منطقه به خاطر خصلت مردم ستیزی که داشتند، با آن گروه اول تفاوتی وجود نداشت، هر دو گروه بد می کردند، و بدی را نمی باید بدون جزا و مکافات گذاشت.

چگونگی عرضه آثار : از عبدالکریم گلشنی پنجاه مقاله تحقیقی در زمینه تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام در مجلات علمی آلمان و ایرانی به جای مانده است.عبدالکریم گلشنی در بسیاری از جشن نامه ها مانند یادگار نامه فخرایی به کوشش رضا رضازاده لنگرودی، جشن نامه استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب به کوشش علی دهباشی، ستوده نامه به کوشش ایرج افشار و یادنامه و جشن نامه دکتر محمدامین ریاحی مقالات با ارزش و گرانقدر ارائه کرده اند. مقاله های ارزشمندی که در نگارش آنها از جان مایه گذاشت و عمر خود را در این مسیر صرف کرد تا دانشجویان و استادان تاریخ بتوانند از آنها بهره ببرند. در مقاله ای از او با عنوان «جمال الدین شروانی» که در «دانشنامه جهان اسلام» منتشر شده است؛ می خوانیم: «جمال الدین شروانی، وزیر موسی خان از شوال تا ذیحجه ۷۳۶ وزیر امیرعلی پادشاه، وی پسر تاج الدین علی بود. با مرگ سلطان ابوسعید بهار در ۱۳ ربیع الآخر ۷۳۶ و فقدان فرمانروایی لایق اقتدار دولت ایلخانی وسیله ای برای قدرت طلبی امیران با نفوذ شد. پس از جلوس اَرپاخان / اَرپای گائون، به جانشینی ابوسعید، این که غیاث الدین محمد، وزیر سلطان ابوسعید، امرا را به اتحاد دعوت کرده بود، امیرعلی پادشاه، دایی سلطان ابوسعید و حکمران دیاربکر، به سلطنت ارپاخان رضایت نداد و موسی خان مغول نواده بایدو را به شاهی برگزید...» «.... ایلخانیان مغول در بیش از یک قرن فرمانروایی در ایران (۶۵۳ ، ۷۵۶) به رغم حفظ وحدت دولت، نتوانستند حدود مسئولیت صاحبان مناصب و وزیران را مشخص کنند و نفوذ هر ایلخان یا وزیر در قلمرو حاکمیتش، به شخصیت خود او بستگی داشت و همین موضوع یکی از عوامل انقراض این سلسله شد.» --
----

آثار :

۱ – طبقات ابن سعد

ویژگی اثر : نخستین ترجمه، تصحیح و چاپ، نشریه تاریخ (مجله تخصصی گروه تاریخ دانشگاه تهران)

۲ ابوحنیفه دینوری گیاه شناس. از فؤاد سزگین.

ویژگی اثر : ترجمه عبدالکریم گلشنی. به کوشش دکتر مهدی محقق. تهران .«ز بلبر برگ کتاب النبات را، از نظر ریخت شناسی گیاهی (مورفولوژی) «جالب ترین قسمت گیاه شناسی آن روزگار یافته است» و در آن یک نظریه ریخت شناسی نسبتاً فوق علمی پیدا کرده که اصطلاحات به کار رفته و رایج برای اعضا و اندام های مختلف گیاه و تعریف و تبیین واژه ها آن را تصدیق و تأیید می کند. (یک عامل با ارزش دیگر) این تجسم جنبه های ریخت شناختی (مورفولوژیکی)، ارائه اشکال پیچیده نبات از طریق مقایسه با نمونه های معلوم و مشهور است. این همان واقعیتی است که برتسل Bretzl در بررسی های گیاه شناختی یونان، در کارتئو فراست، Theophrast، بازشناخته است و در تحقیقاتش در زمینه گیاه شناسی راه اسکندر، به طور ممتاز و پرمعنایی، توصیف ویژگی های گیاه را از نظر ریخت شناسی و قیافه شناسی نشان داده است.»

۳ ستوده نامه (دکتر منوچهر ستوده). پاسخ ابن عمید به پرسش های عضدالدوله. از پروفسور هانس دای بر.

ویژگی اثر : ترجمه و تلخیص از عبدالکریم گلشنی پژوهش های ایرانشناسی، ناموارە دکتر محمود افشار، جلد ، به کوشش ایرج افشار با همکاری کریم اصفهانیان – محمدرسول دریاگشت. تهران

۴ فرهنگ ایران در قلمرو ترکان

۵ قیام گئومات مغ(ترجمه)

۶ مقابله متن آلمانی با ترجمه کتاب «تاریخ نگارش های عربی» تألیف فؤاد سزگین، جلد اول (علوم قرآنی، حدیث، تاریخ، فقه، عقاید و تصوف) و جلد دوم (شعر).

ویژگی اثر : چاپ خانه کتاب

۷ مقالات چاپ شده در دایرهٔ المعارف بزرگ اسلامی،

ویژگی اثر : زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی

۸ مقالات در دانشنامه جهان اسلام

ویژگی اثر : زیر نظر غلامعلی حداد عادل، جلد تهران

۹ نقد و معرفی کتاب تقویم التواریخ

ویژگی اثر : تألیف حاجی خلیفه کاتب چلبی. تصحیح میر هاشم محدث. آیینه میراث، سال اول شماره ، تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

گلشنی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ مرتضی بن آخوند ملا آقا بزرگ عالمی زاهد و فاضلی عابد و عارفی ناسک و سالکی متعبد از اوتاد دانشمندان و علماء تهران و مشهور به زاهد بود در سال ۱۲۷۶ قمری در تهران متولد شده و مقدمات و قسمتی از سطوح را از مرحوم والدش و دیگران خوانده و بقیه سطوح را از مدرسین مدرسه مروی و بالاخص مرحوم حجهٔالاسلام میرزا مسیح طالقانی مدرس تکمیل نموده و هم از محضر عالم ربانی و آیت سبحانی آیت‌اللّٰه حاج سید عبدالکریم لاهیجانی گیلانی و مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حاج شیخ فضل‌اللّٰه نوری استفاده نموده تا در سن ۸۶ سالگی در سال ۱۳۷۲ قمری وفات و جنازه‌اش را با تجلیل فراوان حمل به کربلاء و در صحن شریف حضرت ابی‌الفضل العباس (ع) دفن نمودند

نگارنده گوید منزل آنجناب واقع در کوچه حمام گلشن تهران در خیابان سیروس مقابل میدان امامزاده سید اسماعیل واقع و از این جهت به حمام گلشنی معروف شده بودند.

آن بزرگوار از رفقاء نزدیک و خصوصی مرحوم سلالهٔ السادات الاطیاب آسید کریم محمودی (معروف به پینه‌دوز) بود بسیاری از حکایات و تشرفات مرحوم آقا سید کریم بعد از فوت او بوسیله ایشان نقل شده است

کرامات آن مرحوم

مرحوم حاج شیخ مرتضی دارای مقام معنوی و کرامت بوده است. شنیدم از نجل دانشمند و باتقوای اوحناب حاج شیخ عبدالحسین جاودان که می‌گفت منزل موروثی ما که بیش از صد سال از عمر او می‌گذرد مرکز حشر موذی به نام ساس شده بود و به هر وسیله می‌خواستیم شر این حشره کم شود و از بین برود نمی‌شد شبی چنان آن مرحوم را اذیت کردند که برخاسته و درب اطاقی که معدن ساس بود ایستاده و خطاب به ساس‌ها نمود که خدا به شما اذن نداده که مرا آزار نمائید (مانند والده ماجده حضرت امام محمدباقر (ع) که به دیواری که می‌خواست بر سر آن بانوی مکرمه فروریزد خطاب فرمود بحق المصطفی که خدا اجازه نداده که بر سر من خراب شوی پس دیوار منحنی و کج ایستاد تا آن مخدره به سلامت گذشت).

پس از آن شب دیگر ساسی تاکنون در آن خانه دیده نشده و معلوم نشد که آن حیوان چگونه و کجا رفت.

مرحوم حاج شیخ محمد حمامی که از مقدسین همسایگان وی بود می‌گفت مرحوم حاج شیخ هادی مقدس تهرانی را خواب دیدم در یک باغ بسیار زیبا و حال بسیار خوب و از او احوال پرسیدم. گفت حالم خوبست و اینجا هم منزل و بهشت منست. گفتم حاج شیخ مرتضی حمام گلشنی کجاست. گفت او ردیف سلمان و اباذر است دست من به او نمی‌رسد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

گلشنی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: فیزیک، دانشکده: فیزیک، دانشگاه: صنعتی شریف

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

گل‌گلاب، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۴۷، تهران.

درگذشت: ۲۲ اسفند ۱۳۶۳، تهران.

حسین گل‌گلاب، فرزند میرزا مهدی‌خان مصورالملک (نقاش و عکاس دوره‌ی قاجار)، تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی علمیه و متوسطه را در دارالفنون به سال ۱۲۹۵ به پایان رسانید. از سال ۱۲۹۸ که تدریس علوم طبیعی مدرسه‌ی دارالفنون را عهده‌دار شد تا سال ۱۳۰۷ دوازده جلد کتاب در رشته‌ی علوم طبیعی تألیف نمود. ضمنا در دانشکده‌ی حقوق به تحصیل پرداخت و به دریافت دانشنامه‌ی لیسانس در رشته‌ی قضایی و علوم سیاسی در سال ۱۳۰۱ نایل آمد. به سال ۱۳۰۷ تصدی کارهای عملی گیاه‌شناسی در دانشکده‌ی پزشکی به عهده‌ی وی محول شد و از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۳ در دبیرستان نظام و دانشکده‌ی پزشکی تدریس گیاه‌شناسی را بر عهده داشت. به سال ۱۳۱۴ که کلاس مقدمات طب به دانشسرای عالی انتقال یافت، به معاونت دانشسرای عالی و دانشکده‌ی علوم و ادبیات منصوب گردید و در همین سال طبق مقررات قانون دانشگاه به دریافت درجه‌ی دکتری در رشته‌ی علوم نایل شد و به تدریس فیزیولوژی گیاهی در دانشسرای عالی و گیاه‌شناسی در دانشکده‌ی پزشکی پرداخت. در سازمان نوین دانشکده به استادی کرسی بیولوژی گیاهی و ریاست آزمایشگاه مربوطه انتخاب گردید.

دکتر گل‌گلاب در سال‌های ۱۳۲۴ و ۱۳۲۶ علاوه بر تدریس به معاونت دانشکده‌ی پزشکی منصوب شد و تا سال ۱۳۲۷ در این سمت خدمت کرد و از پس از معاونت کناره‌گیری کرد و فقط به تشکیل فرهنگستان، به سبب تخصص در معادل‌یابی در رشته‌های علمی، به عضویت پیوسته‌ی این مؤسسه برگزیده شد و در سال ۱۳۱۵ سردبیری فرهنگستان نیز به وی واگذار شد.

علاوه بر کتاب‌های متوسطه تألیفات دکتر گل‌گلاب به شرح زیر است: پایان‌نامه‌ی دکتری راجع به «نباتات» ایران که خلاصه‌ی آن در سال ۱۳۱۳ به چاپ رسید، در این پایان‌نامه شش هزار گیاه که در ایران می‌روید توصیف شده است ؛گیا (راهنمای گیاهی)؛ گیاه‌شناسی (برای دانشجویان دانشکده‌ی پزشکی)؛ فرهنگ گیاهان معمولی و دارویی؛ تدوین برخی از کتاب‌های درسی

گیاه‌شناسی، زمین‌شناسی، تشریح و فیزیولوژی حیوانی و شیمی برای دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها (از سال ۱۳۱۲ الی ۱۳۲۶)؛ تاریخ طبیعی (در قسمت های مختلف)؛ جغرافیا (۱۳۱۰)؛ مشخصات جغرافیای طبیعی ایران (تألیف م. پتروف، ترجمه از روسی، ۱۳۳۶)؛ ترجمه‌ی بیش از پنجاه قطعه نمایش کلاسیک برای هنرستان هنرپیشگی (برخی از این نمایشنامه‌ها در مجلات به چاپ رسیده است)؛ ترجمه‌ی کامل «اپرای کارمن» به نظم فارسی که مطابق با آهنگ های اصلی است؛ ترجمه‌ی کامل «اپرای فوست» به نظم فارسی مطابق با آهنگ‌های‌اصلی. وی موسیقی می‌دانست و سرود هم می‌ساخت. از جمله سرودهایی که ساخته است، می‌توان به این دو عنوان اشاره نمود: «ای ایران ای مرز پر گهر» و «آذربایجان».

(۱۳۶۵/ ۱۳۶۳ -۱۲۷۴ ش)، نویسنده، مترجم، موسیقیدان و استاد دانشگاه. وی در تهران به دنیا آمد. پدرش نقاش و عکاس دوره‌ی قاجار بود. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی علمیه، در محضر استادانی چون: عبدالعظیم قریب، میرزا ابراهیم قمی مسعودی، غلامحسین رهنما و شمس‌العلماء قریب شروع کرد و دوره‌ی متوسطه را در دارالفنون به پایان برد. در دوره‌ی متوسطه، علاوه بر زبان انگلیسی و فرانسه، مقدمات زبان روسی را در کلاس اسکندرخان ماردیروسیان فراگرفت. پس از پایان دوره‌ی متوسطه به تدریس در مدرسه‌ی دارالفنون مشغول شد. در ۱۳۰۱ ش به دریافت لیسانس حقوق نایل آمد و در ۱۳۰۷ ش به تدریس در مدارس نظام منصوب شد. وی دارای لیسانس در رشته‌ی قضایی و علوم سیاسی و دکترا در رشته‌ی علوم بود. او به تدریس فیزیولوژی گیاهی، در دانشسرای عالی و گیاه شناسی، در دانشکده‌ی پزشکی پرداخت و در سازمان نوین دانشکده به استادی کرسی بیولوژی گیاهی و ریاست آزمایشگاه مربوطه انتخاب شد. دکتر گل گلاب علاوه بر تدریس مدتی به معاونت دانشکده پزشکی منصوب گردید. وی مدتی نیز سردبیر فرهنگستان بود. او در دوره‌ی تحصیلات متوسطه در محضر درس آقا حسنقلی، استاد تار، به فراگیری این هنر نیز پرداخت و با مقدمات موسیقی ایران آشنا شد. سپس در مدرسه‌ی موسیقی کلنل علینقی وزیری ثبت نام کرد و به تشویق وزیری چندین سرود و تصنیف به عنوان نمونه تهیه کرد که مورد پسند قرار گرفت. وی همچنین با انجمن موسیقی ملی در زمینه‌ی تصنیف و سرود همکاری داشت. سرودهای «ای ایران» و «آذربایجان» از آثار هنری اوست. گل گلاب به نقاشی، عکاسی و شعر نیز علاقه‌مند بود. او در زمینه‌ی واژه‌یابی معادل در رشته‌های علمی تخصص داشت و عضو فرهنگستان ایران بود. از آثار علمی وی: «تاریخ طبیعی»، تشریح و فیزیولوژی حیوانی؛ «تاریخ طبیعی»، زمین شناسی؛ «تاریخ طبیعی»، گیاه شناسی؛ «تاریخ طبیعی»، قسمت چهارم، «حفظ الصحه»؛ «پایان‌نامه دکترا»، درباره‌ی نباتات ایران؛ «فرهنگ گیاهان معمولی و دارویی»؛ «شیمی فلزات»؛ «جغرافیا»؛ ترجمه‌ی «مشخصات جغرافیای طبیعی ایران».[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ برگزیدگان (۳۹۶ -۳۹۴)، تاریخ تحول ضبط موسیقی (۳۱۳، ۲۳۶، ۲۳۵)، تاریخ موسیقی (۴۹۰/ ۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۳۶/ ۵)، زندگینامه‌ی مشاهیر رجال پزشکی (۱۴۰ -۱۲۹/ ۱)، سرگذشت موسیقی (۳۲۴/ ۱)، شرح حال رجال (۳۰۲/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۷۲۲ -۷۲۱/ ۱)، مردان موسیقی (۱۳۲، ۲۴، ۲۲/ ۴، ۱۹۸/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۵۳ -۸۵۱/ ۲).

گلیان، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار رشته: مرغداری دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

گلیائی، بهرام

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیوفیزیک، دانشکده: مرکز تحقیقات بیوشیمی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فیزیک از دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۵۳، دکترا در رشته بیوفیزیک از دانشگاه برکلی کالیفرنیا در سال ۱۳۶۰.

مرتبه علمی:

دانشیار مرکز تحقیقات بیوشیمی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه چسبندگی و حاشیه‌نشینی سلولهای نوتروفیل به جداره رگهای ریه و مقایسه آن با ساز سلولها، خصوصا سلولهای سرطانی و ذرات لانکس با قطر مشابه سلولها به عنوان مدلی از متاساز تومورها در بافت ریه‌ها، چگونگی تشکیل سلول‌های خونی، خصوصیات فاکتورهای رشد خونساز و کشت سلولهای مغز استخوان، عوامل فیزیکی در ایجاد تمایز در سیستم‌های مختلف بیولوژیکی، استخراج و کلون کردن فاکتورهای رشد تحت شرائط استرس‌های فیزیکی، اثرات ازن در هوا بر روی دستگاه خونساز بدن، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

بیوشیمی فیزیک، علوم زیستی، رساله حضرت امام ترجمه به انگلیسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۷

زمینه علمی مقالات:

چگونگی ساخته شدن سلولهای خونی در بدن و فاکتورهای مؤثر در تنظیم عمل خون‌سازی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

گلین

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن سیزدهم هجری، از زنان خوشنویس و شاعر قاجار. وی دختر حسینقلی خان، برادر فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) و همسر منوچهر میرزا، پسر بیست و پنجم فتحعلی شاه قاجار بود. به نوشته تاریخ عضدی «خط شکسته را درست و خوب می‌نوشت و طبعی موزون داشت.» رباعی زیر از اوست:

چشمه آن لبت از چشمه حیوان بهتر

منزل و منظرت از روضه رضوان بهتر

آنکه در بندگیت داده سر و دستاری

بودن درگهت از تخت سلیمان بهتر

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: تاریخ عضدی، ۵۲؛ ریاحین‌الشریعه، ۴۲ / ۵؛ زنان سخنور، ۱۱۰ / ۲.

گلین، عصمت

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۱۳۰۵ ق، ام‌السلمه مشهور به گلین خانم از زنان خوشنویس و شاعر. وی دختر فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) و خواهر تنی کوچک محمد علی میرزا معروف به دولتشاه و همسر زین‌العابدین میرزا بود. خط نسخ را به زیبایی اساتید فن می‌نوشت و چند جلد قرآن کریم کتابت کرد و وقف اعتاب مدرسه نمود. مهدی بیانی در کتاب احوال و آثار خوشنویسان، تعدادی ادعیه، رقعه و قطعه او را که به خط نسخ کتابت خفی متوسط است معرفی کرده که در کتابخانه‌های ایران موجود است و رقم ام‌السلمه (ام‌سلمه) را دارد. تاریخ کتابت آنها از ۱۲۳۸ تا ۱۳۰۵ ق است (که اشتباها ۱۲۰۵ ق چاپ شده است).

عصمت گهگاه به اقتضای طبع شعر می‌گفت. مرثیه‌ی زیر را در رثای یکی از شاهزادگان قاجار سروده است:

چه کردی تو ای آسمان ستمگر

که یکدم نیاسایی از کین رادان

نداری جز از ظلم مایه به دکه

نداری جز از کینه توشه در انبان

نخواهی که ماهی بتابد به چرخی

نخواهی که مهری فروزد به ایوان

بسی حسرت از تو به دلهای خسته

بسی غم ز تو در دل ناتوانان

گلی سر نزد از گلستان دولت

که کردی بهار حیاتش تو پژمان

بود جاودان جانت چون من به مویه

روانت چو من باد دایم در افغان

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: از رابعه تا پروین، ۱۷۵ -۱۷۴؛ احوال و آثار خوشنویسان، ۱۰۵۰ -۱۰۴۹؛ حدیقهٔ‌الشعراء، ۲۱۸۱ -۲۱۸۰ / ۳؛ خیرات حسان، ۱۸۴ -۱۸۳ / ۲؛ ناسخ‌التواریخ، دوره کامل قاجاریه، ۳۲۵؛ نقل مجلس، گ ۱۹ -۱۸.

گمنام تفرشی اردبیلی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۴ -۱۲۵۵ ق)، صوفی و شاعر، متخلص به گمنام. ملقب به مرصع پوش. در تفرش به دنیا آمد. وی در سلک فقراء ذهبیه درآمد و ریاست آن فرقه را در اردبیل بر عهده گرفت و سرانجام در همان شهر وفات یافت. از آثارش: «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۹۳۵/ ۹)، سیری در تصوف (۲۷۶)، مؤلفین کتب چاپی (۸۵۴ -۸۵۳/ ۲).

گنابادی نیشابوری، ابوعلی حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۱۵ ق)، محدث. قاضی و زاهد. به دنبال حدیث مسافرت کرد و احادیث بسیاری از علی بن حسن هلالی و محمد بن عبدالوهاب و ابوحاتم رازی و ابوقلابه رقاشی شنید. حافظ ابوعلی حسین بن علی نیشابوری از وی حدیث روایت کرده است. او تا پایان عمر عهده‌دار منصب قضای نیشابور بود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۸۹/ ۲)، تاریخ نیشابور (۱۳۵).

گنابادی، ابوالفتح

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۳۲ ق)، شاعر و پزشک. از پزشکان عهد شاه اسماعیل صفوی بود و طبعی موزون داشت. از اوست:

ابروان تو طبیبان افگارانند

هر دو پیوسته از آن بر سر بیمارانند

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه‌ی سامی (۵۷)، تذکره‌ی روز روشن (۲۳)، فرهنگ سخنوران (۳۱).

گنبدی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۴ -۱۲۸۷ ق)، فقیه، عارف و خطاط. در قریه‌ی گنبد از توابع ملایر چهار فرسنگی همدان متولد شد. پس از تحصیل مقدمات به اصفهان رفت و پس از ۱۲ سال اقامت در اصفهان به نجف اشرف عزیمت و در محضر درس آخوند خراسانی و آقا سید محمد کاظم یزدی حضور یافت و پس از فراغت از درس به وطن بازگشت و بقیه‌ی عمر را در همان گنبد ماند. استاد اخلاقی او آخوند ملا حسینقلی همدانی و حاج شیخ محمد بهاری است. کراماتی نیز از وی نقل می‌کنند. یکی از هنرهای آخوند گنبدی حسن خط بود، خود نیز خطی خاص اختراع کرده. از شاگردان وی می‌توان ملاعلی همدانی و آقامیرزا محمد ثابتی را نام برد. آثار او عبارت‌اند از: «حاشیه بر تبصره‌ی علامه»؛ «تحریر تقاریر آخوند خراسانی و سید یزدی»، در اصول و فقه؛ «شرح مشکلات دیوان سیدرضی».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن سرایان همدان (۲۲۸، ۲۴۱ /۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۸۷ -۳۸۴ /۷).

گنج افروزی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ محسنی‌پور از فضلاء و مروجین شهرستان بابل است که بخدمات دینی از خواندن نماز جماعت و غیره اشتغال دارد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

گنج بخش، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۰ ش)، نویسنده، پزشک و استاد دانشگاه. پس از به پایان رساندن تحصیلات متوسطه، از دانشکده‌ی طب، در ۱۳۱۷ ش فارغ‌التحصیل شد و بعدها عهده‌دار مشاغل مختلفی از جمله: پزشک بخش بیماری‌های زنان در بیمارستان شهرداری، دانشیار کرسی کالبد شناسی و استاد بی کرسی دانشکده‌ی پزشکی گردید. از آثارش: «کالبد شناسی انسانی»، در دو مجلد: جلد اول «کالبد شناسی سر و گردن»، توصیفی، موضعی، طرز تشریح و جلد دوم «کالبد شناسی تنه». لازم به ذکر است که در هر دو اثر نامبرده دکتر منوچهر حکیم با وی همکاری داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۵۹۵ ،۲۵۹۲/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۵۴/ ۲).

گنجرودی نیشابوری، ابوسعید محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بعد از ۴۵۳ -۳۶۰ ق)، فقیه، مسند، نحوی، ادیب، طبیب و شاعر. اهل نیشابور و مسند خراسان بود. در بغداد بزرگان علم نحو را درک کرد. او از ابوعمرو محمد بن احمد بن حمدان و ابوسعید عبداللّه بن محمد رازی و حسینک بن علی تمیمی و شافع بن محمد اسفراینی و ابوبکر بن مهران مقری و حافظ ابواحمد حاکم نیشابوری و ابوحسین بن دهثم و محمد بن بشر بصری و ابوبکر محمد بن محمد طرازی و احمد بن محمد بالوی و احمد بن حسین مروانی و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. او گذشته از علوم اسلامی در طب و سوارکاری و به کار بردن سلاح مهارت داشت و به نیکویی شعر می‌سرود. اسماعیل بن عبدالغافر و ابوعبداللّه محمد بن فضل فراوی و هبهٔ اللّه بن سهل سیدی و تمیم بن ابوسعید جرجانی و زاهر بن طاهر حامی و عبدالمنعم بن ابوالقاسم قشیری و ابوسعد بن ابوصادق متطیب و ابوبکر احمد بن حسین بیهقی در نیشابور، مرو و اصفهان از وی حدیث شنیدند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۱۰۱ -۱۰۰/ ۵)، سیر النبلاء (۱۰۲ -۱۰۱/ ۱۸)، شذرات الذهب (۲۹۲ -۲۹۱/ ۳)، العبر (۳۰۱/ ۲)، معجم البلدان (۳۹۴/ ۵)، الوافی بالوفیات (۲۳۱/ ۳).

گنجوی ابوالعلاء، نظام الدین مجید

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

گنجوی، شاعر ایرانی (قر. ششم). معاصر و مداح شروان شاه جلال‌الدین اخستان منوچهر (اخستان) و فرزندان او بود و خاقانی و فلکی شروانی هر دو شاگرد او بودند. طبق روایت ابوالعلاء دختر خود را به خاقانی داد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

گنجوی ابوالعلاء، نظام الدین محمود

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. از اهالی گنجه و ملک الشعرای زمان خود و استاد حکیم خاقانی و فلکی شروانشاه بود و در نزد ملوک شروان معزز و مکرم. وی منوچهر و فرزندان وی را مدح می‌کرد، حکایت رنجش وی از خاقانی و مهاجات رکیک او در کتب تذکره مسطور و مشهور است. اشعار بازمانده از وی اندک است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۲۰۴ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۸۱ / ۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۰۸ -۱۰۷)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۶۶ / ۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالعلاء)، الذریعه (۴۴ / ۹)، ریحانه (۲۰۶ -۲۰۵ / ۶)، سخن و سخنوران (۶۲۷)، مجمع الفصحا (۱۹۹ / ۱)، هفت اقلیم (۳۰۳ -۲۹۹ / ۳).

گنجوی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: جزوه سوره‌ها و ادعیه نیم‌ربعی، نسخ کتابت جلی خوش. یکی رقاع به همان قلم با رقم: «به جههٔ سرکار عالیجاه رفیع جایگاه آقا میر علی‌اکبر قلمی گردید. و انا العبد الاقل محمدحسن الگنجوی فی ۱۲۶۵» نزد حاج ابوالقاسم برای فروش.

(ز ۱۲۶۵ ق)، خطاط. از آثار او: جزوه سوره‌ها و ادعیه نیم ربعی، نسخ کتابت جلی خوش، با رقم: «بجهۀ سرکار عالیجاه رفیع جایگاه آقا میر علی اکبر قلمی گردید. و انا العبد الاقل محد حسن الگنجوی فی ۱۲۶۵».[۱]

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۵۹/ ۴).

گنجه ای، احمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطـاط. از آثـار وی: کتیبه‌ی طغرایی سه دانگ و ثلث چهار دانگ خوش، با رقم: «عبـد احمـد گنجه‌ای حضـرت زینب سلطان سنۀ ۱۱۸۳».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۲۱ /۴).

گنجه‌ای، رضیه

قرن:۷

جنسیت:زن

ملیت:ایران

پیش از نیمه دوم قرن هفتم هجری، از زنان شاعر. از رباعیات اوست:

هر چند چو خاک راه خوارم گیری

خاک توام ارچه خاکسارم گیری

در بحر غمم ز اشک شاید که به لطف

نزدیک لب آبی به کنارم گیری

آن زلف نگر سر به سمن آورده

بر گرد سمن مشک ختن آورده

گویند خطی است آنکه گرد رخ اوست

خطی است ولی به خون من آورده

تا شاه رخت ملک بهاری بگرفت

هر یک ز میانه پیش کاری بگرفت

شد غمزه وزیر و ابروت حاجب خاص

لعلت ز میانه آبداری بگرفت

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زنـدگینامه :منابع: سـرایندگان شـعر فارسـی در قفقاز، ۲۳۲؛ «زنـان سـخنور آذربایجان، در سـده هفتم»، مجله دانشـکده ادبیات تبریز، سال چهاردهم، شماره چهارم، ۴۵۲ –۴۵۱؛ نزهۀالمجالس، ۴۳۲ ،۴۲۰، ۳۵۴، ۳۴۲، ۳۰۴، ۲۶۰ ،۲۴۸، ۶۹.

گنجی گرگری، حمزه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمزه گنجی در سـال ۱۳۲۰ در هادیشـهر از بخشـهای شـهر مرنـد بـدنیا آمـد. وی دوران ابتدایی را در زادگاهش گذراند و پس از گذراندن دوره متوسطه و قبولی در امتحانات دانشسرای مقدماتی تبریز دوره دبیرستان را طی میکند و دیپلم طبیعی را در سال ۱۳۴۱ پس از یک بار مردودی در سال قبل، اخذ میکند و بعد دو سال تدریس در دبیرسـتانهای جلفا در رشته زبان فرانسه در دانشگاه تبریز ثبت نام میکند و در ادامه بعد از کسب مدرک کارشناسـی و کارشناسی ارشد رشته علوم تبیتی در سال ۱۳۵۱با بورسیه راهی فرانسه میشود و در رشـته دکترای روانشناسـی از دانشگاه پل والری شـهر مون پلیه فارغ التحصیل میشود. وی هم اکنون استاد دانشگاه آزاد رودهن است. گروه : علوم انسانی رشـته : روان شناسی خاطرات کودکی : حمزه گنجی به حکم شناسنامه متولد سال ۱۳۲۱ است اما از آنجا که پدرش ـ بی آن که در حوزه روانشناسی درس خوانده باشد ـ روانشناس بود! سن فرزندانش را همیشه یک سال کوچکتر می گرفت تـا وقتی به مـدرسه می رونـد بزرگتر از بچه هـای دیگر باشـند و در نتیجه بهتر درس بخواننـد و یـا زمـانی که به خـدمت سربـازی می رونـد کـاملتر باشـند و دوری خـانواده را بهتر تحمل کننـد. با این حساب تاریـخ تولیـد حقیقی دکتر گنجی، سال ۱۳۲۰ است. چون به دلیـل بیمـاری نتوانسـته بود کلاس اول را در یک سال تمام کنـد دو سال را در اول ابتـدایی گذرانـد. تا سوم ابتـدایی وضع درسـی درخشانی نداشت ولی از کلاس چهارم ناگهان پیشـرفت چشمگیری از خود بروز داد، تنها به این دلیل که معلم کلاس چهارم را ـ که سراسـر وقار و بسـیار شـیک پوش بود! ـ خیلی دوست می داشت. تا کلاس سوم دوره اول دبیرستان را با شاگرد اولی

سپری می کند و در این زمان در یادگیری ریاضیات استعداد عجیبی از خود نشان می دهد. اما هیچ گاه در دروس املا و انشا نمره ای بالاتر از ۱۷ نگرفت. تحصیلات رسمی و حرفه ای : – گذراندن دوره دبیرستان در دانشسرای مقدماتی تبریز و سپس گرفتن دیپلم طبیعی (علوم تجربی) بـا قبولی در امتحانـات و کسب رتبه ممتـاز در سال ۱۳۴۱ – کارشناسـی در رشـته زبان فرانسه از دانشگاه تبریز سال ۱۳۴۸ – کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی از دانشگاه تهران سال ۱۳۵۱ – دکترای روانشناسی عمومی از دانشگاه پُل والری در شهر مون پلیه (فرانسه) خاطرات و وقایع تحصیل : حمزه گنجی از دوران دبیرستان خاطرات جالبی دارد: «کتاب های دیپلم ریاضی را همراه برده بودم تا برای گرفتن دیپلم ریاضـی به صورت متفرقه آماده بشوم. نخستین تصـمیمم این بود که وقتی دیپلم می گیرم حتماً شاگرد اول بشوم. اما بعد از یک ماه مطالعه پی بردم یادگیری ریاضی بدون معلم ساده نیست. کتاب های ریاضی را پس دادم و این بار کتاب های علوم تجربی را گرفتم. پس از چنـد ماه مطالعه به معدل ۱۵ رضایت دادم، هنگام امتحان انتظارم را حتی در حد معدل ۱۰ پائین آوردم اما یکضـرب مردود شـدم. در نوبت بعد یعنی بهمن ماه ۱۳۴۱ با معادل ۱۲/۱۹ موفق به اخذ مدرک دیپلم در رشته علوم تجربی شـدم. در همین امتحانات معلم کلاس چهارم ابتدایی ام را دیدم که او هم مانند من دیپلم نداشت و می خواست به طور متفرقه دیپلم بگیرد».فعالیتهای ضـمن تحصـیل : حمزه گنجی پس از فارغ التحصیلی از دانشسرای مقدماتی، با داشتن مدرک کلاس یـازده در تاریـخ چهارم مهرماه ۱۳۴۰ به عنـوان آموزگـار اسـتخدام و به روسـتای زال از توابـع مرنـد رفت و دو کلاس اول و پنجم ابتـدایی را تدریس میکرد. و پس از گرفتن مدرک دیپلم متوسـطه در سا ل۱۳۴۱ با گـذشت دو سال، در سال ۴۲ از روستای زال به دبیرستان جلفا در ۱۵ کیلومتری زادگاهش منتقل می شود و آنجا تدریس دروس ریاضی وعربی را به عهده می گیرد. این کار سبب شد با قواعد و مباحث عربی آشـنا شود و همین مسأله در ورودش به دوره کارشناسـی بسیار مؤثر واقع شد. دو سال بعد همراه با عده ای از همکـارانش در کنکور دانشگاه ها ثبت نام می کنـد و بعـد از کسب مـدرک کارشناسـی . در مهرماه ۴۸ بـا تقاضای انتقال به تهران او موافقت می شود و اوبه پایتخت مهاجرت می کند. در ابتدای امر در دبیرستان فرخی واقع درمیدان مولوی مشغول تدریس می شود.اسـتادان و مربیـان : از اسـتادان حمزه گنجی میتوان به دکـتر غلامحسـین شـکوهی در دانشـگاه تهران اشـاره کرد.مشاغـل و سمتهای مورد تصدی : – رئیس دانشکده علوم تربیتی ابوریحان بیرونی (به مدت یک سال) – مدیر گروه روانشناسـی دانشگاه آزاد رودهن (۲ سال) – رئیس آزمایشـگاه روانشناسی در دانشگاه علامه طباطبایی (به مدت ۲۰ سال) – عضویت در هیأت تحریریه مجله پژوهش هـای روانشـناختی – سـردبیر مجله نوآوری هـای آموزشـی در آموزش و پرورش (یـک سـال به صورت قراردادی) – مـدیر انتشـارات «ساوالان» از ۱۳۷۹ بـا هـدف چـاپ کتـاب هـای روانشناسـی حمزه گنجی، مـدتی را در مرکز مشـاوره آموزش و پرورش (خیابان طالقانی فعلی) به عنوان روانشـناس و مشاور مزکر فعالیت کرد که این موضوع به سال ۱۳۴۰ برمی گردد. فعالیتهای آموزشی : حمزه گنجی در مقطعی نیز به شـکل حق التدریسـی با دانشـگاه های سـپاهیان انقلاب و ابوریحان همکاری داشته است. تا ۱۳۶۰ را در مامازن ورامین به خـدمت می گذراند و پس از آن به تهران منتقل می شود. مدتی را نیز در دانشـگاه پیام نور امروزی به تدریس سر می کنـد و سـرانجام تـا سال ۷۳ و زمـان بازنشسـتگی اش در سـن ۵۲سالگی در مقام اسـتاد دانشـگاه علامه طباطبایی به تـدریس مشـغول می شود و امروز از اعضـای هیـأت علمی دانشـگاه آزاد رودهن است.سـایر فعالیتها و برنامه های روزمره : . حمزه گنجی در حال حاضـر علاوه بر حضور درجمع اساتید دانشگاه آزاد رودهن، در سمت مدیر نشر ساوالان به همراه فرزندش «مهدی گنجی » به چاپ کتاب های روانشناسـی سـرگرم است، بدین صورت که پسرش کتاب ها را از زبان انگلیسی و فرانسه به فارسی ترجمه و حمزه گنجی آنها را به لحاظ ادبی ویرایش و منتشـر می کند.آرا و گرایشـهای خاص : حمزه گنجی کاملاً موقعیت امروزی این علم نوپا را مساعـد و مناسب ارزیابی می کند و حتی آن را با روانشناسـی جهان به مقایسه می گذارد: «جایگاه فعلی روانشناسـی را خیلی خوب می بینم و به گمانم این روانشناسـی که اینجا تدریس می شود و دانشـجویان ما می خوانند دقیقاً همانی است که در کانادا و آمریکا هم تدریس می شود و هیچ کم و کسری ندارد! من در سفرهایی که به طور مرتب به کانادا دارم از دانشگاه های آنجا می پرسم چه کتاب هایی تدریس می کنند. مثلاً می گویند کتاب «وَندِن زَندِن». آن را می گیرم و می آورم اینجا ترجمه می کنم که تا هم اکنون ۱۰ بار تجدیـد چاپ شده و ویرایش جدیدش هم درآمده است. من کتاب هایی انتخاب می کنم که آنجا تدریس می شود. بنابراین روانشناسـی ایران خیلی خوب و قوی است و با روانشناسی دنیا و بسیاری از کشورها مطابقت دارد. دانشجویان ما بیش از دانشجویان خارجی، مطالب را می خواننـد و کار می کننـد و حتی معتقـدم دانشـجوی امروز، نسبت به زمانی که ما دانشـجو بودیم، هم فعال تر است، هم باهوش تر و هم مؤدب تر. قدر استاد را می داند و به او احترام می گذارد. هم اکنون منابع هم به اندازه کافی موجود است و دانشـجویان انواع و اقسام کتب روانشناسـی را در اختیار دارنـد».چگونگی عرضه آثار : حمزه گنجی مترجم و مؤلف در حدود ۲۴ جلد کتاب و ارائه ۲۶ مقاله تألیفی و ترجمه در همایش ها و انتشار در مجلات معتبر علمی که برخی از آنهاینـد: اثر آگاهی از نتایج بر عملکرد (فصـلنامه تعلیـم و تربیـت)، پیر شـدن (مجله بهـداشت جهـان)، مـاجرای نمره منفی (بـا همکـاری دکـتر یوسـف کریمی ـ انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی)، اثر توارث و محیط از دیدگاه سعدی، مجموعه مقالاتی درباره عشق (ویژه نامه روانشناسی دانشگاه آزاد اسـلامی واحـد رودهن)، چگونه سؤالات امتحانی را طرح کنیم؟ و... از آثار دکتر گنجی میباشـد.آثار : (روانشناسـی اجتماعی، مبانی روانشناسـی عمومی، روانشناسـی رشـد (اثر وَندِن زَندِن) ارزشـیابی شخصـیت، روانشناسـی کار ، بهداشت روانی ، روانشناسـی ارزشـیابی تحصـیلی ، روانشناسـی بزرگسالان یا پیری (اثر بریانِ ال میشارا و روبرت جی رایـدل با همکاری خانم ها الما داودیان و و فرنگیس ، روش تحقیق در روانشناسی (اثر فرانسوا برتیوم و آندره لامورو)

گنجی، ابوعبدالله محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۵۸ ق)، حافظ، عالم، محدث شافعی و شاعر. معروف به فخر گنجی. ساکن دمشق بود. به دنبال حدیث بسیار سفر کرد و دستاورد نیکویی داشت. او که از محدثان پیشگام بود، گرایشی به مکتب شیعه داشت و کتبی در زمینه تشیع گردآوری کرد. از آثارش: «کفایهٔ الطالب فی مناقب علی بن ابی‌طالب (ع)»؛ «البیان فی اخبار صاحب الزمان (ع)»، که در تبریز به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۱۱۷ -۱۱۶/ ۵)، کشف الظنون (۱۸۴۴، ۱۴۹۷، ۲۶۳)، الکنی و الالقاب (۱۲۳/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۳۴/ ۱۲)، الوافی بالوفیات (۲۵۴/ ۵).

گنجی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین گنجی

محل تولد : کرج

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۱ وارد حوزه و در مدرسه آیت الله گلپایگانی مشغول شدم. سال دوم طلبگی مشغول تدریس صمدیه و در آن مدرسه سپس سیوطی و مغنی شدم در ضمن درس خواندن. البته بعضی کلاسها را جهشی خواندم سپس در حوزه مشغول تدریس بود و در مدرسه امام علی علیه السلام از مقدمات تا مکاسب و رسائل مشغول تدریس بودم. ضمناً در منزل بصورت جلسات خصوصی در فقه، نهج البلاغه، زیارت جامعه کبیره و مدّتی اصول کافی مشغول تدریس بودم. ولی تقدیر زیبای الهی ما را در سنگر خطابه قرار داده که امروزه عمده فعّالیّت بنده دراین سنگر است. البته چندین سال با رادیو قم در مناسبات متعدد بیش از ۶ سال است با رادیو در انتظار سبز در ارتباط هستم با شبکه ها مخصوصاً قم در ارتباط تبلیغی هستم و رادیو قم و معارف از نوارها استفاده میکنند.

گنجی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن گنجی، در ۲۱ خرداد ۱۲۹۱ شمسی در بیرجند به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات ابتدایی در مدرسه شوکتیه بیرجند، وارد دارالمعلمین عالی تهران شد و در رشته تاریخ و جغرافیا به اخذ درجه لیسانس نائل گردید. در شهریور ماه همان سال به عنوان دانشجوی برگزیده رهسپار اروپا شد. وی در رشته جغرافیا در دانشگاه ویکتوریای منچستر انگلستان ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۱۷ درجه لیسانس تخصصی جغرافیا را احراز نمود. دکتر گنجی بار دیگر با استفاده از دو بورس تحصیلی در سال ۱۳۳۱ به منظور تکمیل تحصیلات خود عازم آمریکا شد و در دانشگاه کلارک آمریکا به اخذ درجه دکترای جغرافیا توفیق یافت. دکتر گنجی پس از پشت سر نهادن رتبه های علمی و مسئولیتهای دانشیاری، استادی، مدیریت گروه جغرافیا، ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی و معاونت دانشگاه تهران، بازنشسته گردید. با وجود این استاد هیچگاه دست از کار نکشید و از سال ۱۳۶۴ با مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی همکاری خود را آغاز کرد. دکتر گنجی از سال ۱۳۷۰ به عنوان مشاور رئیس دانشکده علوم زمین با دانشگاه شهید بهشتی همکاری دارد. از جمله سمت‌های دیگر وی، ریاست اداره کل هواشناسی ایران، ریاست هواشناسی منطقه آسیا و عضو کمیته اجرایی سازمان هواشناسی جهان است. وی برگزیده همایش طرح سپاس در سال ۸۶ در فرهنگسرای سینا می‌باشد.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاگرایش : اقلیم شناسیوالدین و انساب : نام پدر محمد حسن گنجی، ابوتراب است. افراد خانواده او بیشتر در خدمت امرای قاینات (بیرجند) یعنی خاندان علم بودند و پدرش مدتها نایب الحکومه شهر قاین بود. او سه برادر و دو خواهر داشت که چهار نفر آنها بعد از اتمام مدارس ابتدایی یا متوسطه بیرجند در مدارس محلی به تدریس اشتغال داشتند. در حال حاضر همه آنها به غیر از دو نفرشان از دنیا رفته‌اند.خاطرات کودکی : محمد حسن گنجی در ۲۱ خرداد ۱۲۹۱ خورشیدی برابر با ۱۱ ژوئن ۱۹۱۲ میلادی در شهر کوچک و دورافتاده بیرجند در مرکز قائنات (قهستان) به دنیا آمد. سرزمین قهستان مانند جزیره‌ای در دریای شن بود و ورود به آن از هر سو نیازمند گذشتن از فرسنگ‌ها کویر بی‌آب و علف بود. اکثریت ساکنان آن و به ویژه اهالی بیرجند از ریشه ایرانیان قدیمی با رگه‌هایی از دیگر اقوام تشکیل می‌شد که بیشتر از راه کشاورزی همراه با دامداری روزگار می‌گذراندند. خانواده گنجی نیز از همین مردمان بودند. شش ساله بود که وارد مدرسه شوکتیه در بیرجند شد. بیشتر دوران تحصیل مقدماتی او در دهه نخست ۱۳۰۰ خورشیدی با تحولات سیاسی، اجتماعی گسترده کشور و پایان سلطنت دویست ساله قاجار و آغاز دوران پهلوی همراه شد. بیرجند که تا آن زمان روستای دورافتاده‌ای با جمعیتی حدود ۹۰۰۰ نفر به شمار می‌رفت، کم کم به عنوان یک منطقه استراتژیک مطرح شد و مرکز فرماندهی تیپ نظامی قائنات و سیستان و بلوچستان لقب گرفت. در مدرسه شوکتیه رسم بر این

بود که به شاگرد نخست، دوم و سوم به ترتیب مدال طلا، نقره و یک کتاب نفیس هدیه می‌دادند و گنجی در طول شش سال تحصیل چهار مدال طلا و دو نقره، به دست آورد و در جشن پایان دوره که آن مدال‌ها را به سینه زده بود چنان احساس سربلندی می‌کرد که به بیان خودش گویی قلعه خیبر را فتح کرده بود. وی همچنین به شکار کبک و تیهو که در آن زمان در کوهپایه‌های اطراف روستا زیاد دیده می‌شدند می‌پرداخت. اغلب خویشاوندان ایشان در روستا چهارپایانی مثل اسب، قاطر و الاغ داشتند و سوارکاری با حیوانات از سرگرمی‌های آن دوران به شمار می‌رفت. دو رویداد مهم در آن سال‌ها رخ داد که اثر عمیقی بر گنجی گذاشت: یکی خشکسالی شدیدی که تاثیرات انسانی دردناکی برجای گذاشت. پس از سه چهار سال همه قنات‌های بیرجند خشکید، محصولات کشاورزی از میان رفت و بسیاری از روستاییان به شهرهای دیگر کوچ کردند. خانواده گنجی در آن سال‌ها بسیار سختی کشیدند و حتی آب آشامیدنی را از جاهای دیگر فراهم می‌کردند. دومین رویداد هنگامی رخ داد که او کلاس چهارم یا پنجم دبستان بود. زمستان ۱۳۴۳ هجری قمری بود که پس از چند روز بارش پیوسته باران، سیلی بزرگ رخ داد و همه قنات‌ها را نابود کرد و آسیب زیادی به بار آورد. خاطره تلخ آن دو رویداد هواشناختی همچنان در ذهن گنجی ماند و حتی در انتخاب روش زندگی و روی آوردن او به دانش جغرافیا و هواشناسی تأثیر زیادی گذاشت. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمدحسن گنجی در خانواده‌ای که در آن اصول و اعتقادات دینی و مذهبی کاملاً رعایت می‌شد و از نظر مالی هم در شرایط متوسطی بود بدنیا آمد و بزرگ شد. پدرش به شغل کشاورزی و دامپروری اشتغال داشت.تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدحسن گنجی پس از به پایان رساندن تحصیلات متوسطه در زادگاه خود یعنی بیرجند در مهرماه ۱۳۰۹ خورشیدی به تهران آمد تا حقوق بخواند. ولی در تهران متوجه شد که بیشتر استادان مدرسه عالی حقوق آن زمان، فرانسوی هستند و چون زبان فرانسوی نمی‌دانست به دارالمعلمین عالی رفت که نخستین بنیاد آموزش عالی آن زمان بود. دارالمعلمین عالی، که در ۱۳۰۷ بنیان‌گذاری شده بود، دو گروه «فلسفه و ادبیات» و «تاریخ و جغرافیا» داشت. گنجی در رشته تاریخ و جغرافیا نام نویسی کرد و پس از سه سال در ۱۳۱۲ لیسانس آن رشته را دریافت کرد. از آنجا که گنجی در کنکور اعزام به خارج در بخش معلمی تاریخ و جغرافیا مقام اول را به دست آورده بود، در ۲۵ شهریور ۱۳۱۲ همراه با حدود ۹۰ نفر دیگر که ۲۰ نفر از آنان از دانش‌آموختگان دانشسرای عالی بودند، به فرانسه فرستاده شد. چون در دبیرستان شوکتیه بیرجند تا اندازه‌ای با زبان انگلیسی آشنا شده بود، او را با ۱۲ نفر دیگر از دانشجویان که به زبان انگلیسی آشنایی داشتند، پس از چند روز ماندن در پاریس به لندن فرستادند. در آن روزها معمول بود که دانشجویان فرستاده شده به انگلستان را برای یکسال به زندگی در یک خانواده انگلیسی وا می‌داشتند تا زبان و آداب انگلیسی را فراگیرند. اما چون گنجی زبان انگلیسی را به اندازه نیاز می‌دانست، او را بی‌درنگ پس از ورود به انگلستان به دانشگاه ویکتوریا در منچستر معرفی کردند که در آن زمان یکی از پنج دانشگاه معتبر پس از آکسفورد و کمبریج به شمار می‌آمد. در سال دوم در انگلستان بود که پس از یک سال مطالعه و بررسی رشته‌های گوناگون، تصمیم خود را گرفت که در زمینه جغرافیا کار کند و از آن زمان تاریخ برای او در درجه دوم اهمیت قرار گرفت. او در آن سال در گروه تخصصی جغرافیا در دانشگاه منچستر نام‌نویسی کرد و پس از چهارسال توانست لیسانس تخصصی و ممتاز در جغرافیا (B.A.Honurs) را به دست آورد که برابر کارشناسی‌ارشد به شمار می‌آید. او دلیل گرایش خود را به جغرافیا و به ویژه هواشناسی، دو رویداد خشکسالی و سیلی می‌داند که در روزگار کودکی و نوجوانی در زادگاهش رخ داد و باعث آسیب زیادی به روستاییان شده بود. همچنین، در روزگاری که در خارج تحصیل می‌کرد، بحث‌های داغی پیرامون نظریه تکامل در جریان بود و از آنجا که بارها شنیده بود که پاسخ جانداران به دگرگونی آب و هوا، نقش مهمی در تکامل جانداران دارد، به موضوع های مربوط به آب و هوا و محیط بسیار گرایش پیدا کرده بود. گنجی در مهرماه ۱۳۱۷ به ایران بازگشت و با عنوان دبیر (امروزه در رتبه‌بندی علمی دانشگاهی به آن مربی می‌گویند) در دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی به تدریس جغرافیا پرداخت. دوره خدمت دبیری او ۱۴ سال به طول انجامید و چون با مقررات آن روز هرگز نمی‌توانست بدون درجه دکترا، استاد دانشگاه شود، با استفاده از فرصت مطالعاتی در شهریور ۱۳۳۱ به آمریکا رفت. او پس از دوسال تحصیل در دانشگاه کلارک (در شهر ورستر ایالت ماساچوست) که از مراکز بسیار معتبر آموزش و پژوهش جغرافیا بود، درجه دکترا در جغرافیا را به دست آورد. خاطرات و وقایع تحصیل : محمدحسن گنجی، در تمام دوره متوسطه همواره شاگرد اول یا دوم کلاس خود بود. در مدرسه شوکتیه بیرجند، چنین مرسوم بود که در پایان سال تحصیلی به منظور تشویق دانش آموزان، به نفر اول در امتحانات پایان سال یک مدال طلا و به نفر دوم یک مدال نقره جایزه می دادند و دکتر گنجی در شش سال دوره متوسطه ۴ مدال طلا و ۲ مدال نقره کسب نمود. دوران تحصیل در مقطع ابتدایی و متوسطه دکتر گنجی با تغییرات و تحولات مملکت همزمان بود به این صورت که یک سلسله ارامنه و بیگانگان می‌رفتند و یک سلسله از آنها برمی‌گشتند. شهر چهره نظامی با نیروهای بیگانه به خود گرفته بود. از خاطرات دیگر ایشان می‌توان به صف‌آرایی دانش آموزان و مشارکت دادن آنها در تظاهرات سیاسی و همچنین دیدار آنها با افسرهای غیر بومی به صورت معلمین مدرسه اشاره کرد که برای دکتر گنجی خاطره انگیز بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : محمدحسن گنجی از دوران تحصیل در مقاطع ابتدایی و متوسطه خود چنین به یاد می‌آورد: «در ایام تعطیل (تابستان) بسیاری از ما را به یادگیری حرفه‌های سنتی وا می‌داشتند و دانش آموزانی که پدرانی با حرفه بازاری داشتند در خلال تحصیل به پدر خود کمک می‌کردند. در زمان تحصیلات ابتدایی من پیش آهنگی در مدارس متداول شده بود و بسیاری از حرفه‌ها را از طریق پیش آهنگ به ما یاد می‌دادند.» دکتر گنجی، در ضمن تحصیل در انگلستان چندین مسافرت علمی همراه گروه‌های دانشگاهی به نواحی داخلی انگلستان و اسکاتلند و همچنین به شبه جزیره ایبری (سپانیا و پرتغال) و اسکاندیناوی (دانمارک، سوئد و فنلاند) و ممالک دیگر اروپایی انجام داد.استادان و مربیان : مربیان و استادان محمدحسن گنجی طی دوران تحصیل عبارت بودند از: میرزا احمد نراقی، شیخ احمد سلیمانی نراقی، کلنل علینقی وزیری مفیدالملک، سیدرضی حسین (ناظم هندی)، عباس اقبال آشتیانی، ماژور مسعودخان کیهان، بدیع الزمان فروزانفر، سیدمحمدکاظم عصار، دکتر صادق رضازاده شفق، عبدالحسین شیبانی وحیدالملک، دکتر عیسی صدیق، دکتر اسدالله بیژن و ... .هم دوره ای ها و همکاران : آقایان احمد مستوفی، احمد سعادت عداله فریار، صورتگر، حسین علی سلطان زاده پسیان، احمد بهفروز، بهادر عامری (دندانپزشک)،جواد بیرجندی، حسام‌الدین ضیائیان، علیقلی حکیم نژاد

(صاحب کارخانه آبسال)، محمد تقی سیاه‌پوش و ابراهیم صفوی از هم‌دوره‌ای‌های محمدحسن گنجی بشمار می‌روند.همسر و فرزندان : محمدحسن گنجی در ۲۴ دیماه ۱۳۲۰ با سرکار خانم لطیفه جوادزاده (از ایرانیان مقیم ارمنستان) ازدواج کردند.وقایع میانسالی : محمدحسن گنجی از وقایع میانسالی خود چنین می‌گوید: من با دبیری در دانشگاه تهران شروع کردم و بعد از ۱۳ سال استادیار این دانشگاه شدم، اولین کسی بودم که با تحصیلات عالیه جغرافیا به ایران برگشتم و در سال دوم تأسیس دانشگاه تهران به همراه دو نفر از همکارانم رشته جغرافیا را پایه‌گذاری کردیم. بعد از ما شش نسل جغرافیدان در ایران تربیت شده است که من به نوعی خود را پدربزرگ این جریان احساس می‌کنم. مدتی رئیس دانشکده و معاون دانشگاه تهران بودم. در دوران بازنشستگی هم دانشگاه بیرجند را تأسیس کردم. قبل از انقلاب مدتی معاون پارلمانی وزارت راه بودم. پس از انقلاب در دوران جنگ ایران و عراق مشاور وزیر دفاع بودم حالا هم در این دانشگاه (شهید بهشتی) مشاور دانشکده علوم زمین هستم و دو دانشجوی دکتری دارم، بیش از صد مقاله به فارسی و انگلیسی نوشته‌ام و چهارده کتاب درسی به چاپ رسانده‌ام ، مهمتر از همه اینها انتشار کتابی با عنوان «جغرافیا در ایران از دارالفنون تا انقلاب اسلامی» که داستان علم جغرافیا در کشور است. پانزده سال است که با دائره‌المعارف اسلامی همکاری می‌کنم و این اواخر با مرکز گفتگوی تمدن‌ها ارتباط نزدیک دارم و قرار است اطلس جغرافیایی تمدن‌ها را تهیه کنم. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدحسن گنجی در کنار فعالیت خود در دانشگاه تهران، از مهرماه ۱۳۳۵ تا مهرماه ۱۳۴۷ ریاست اداره کل هواشناسی ایران را نیز عهده‌دار بود. در این مدت، وی نماینده ثابت دولت ایران در سازمان هواشناسی جهانی، به مدت ۵ سال ریاست هواشناسی منطقه آسیا (به مدت ۵ سال) و عضویت کمیته اجرایی سازمان مزبور را برعهده داشت. دکتر گنجی از اردیبهشت ماه ۱۳۴۲ تا مهرماه ۱۳۴۷ معاونت پارلمانی وزارت راه و در زمان ریاست دانشگاهیِ پروفسور رضا، از سال ۱۳۴۷ به مدت یک سال پست معاونت اداری و مالی دانشگاه تهران را عهده‌دار شد. آنگاه پس از چندی مشاور دانشگاه گردید و سپس از خردادماه ۱۳۵۳ عهده‌دار ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی گردید و تا پایان خدمت ۳۷ ساله دانشگاهی خود در این سمت باقی بود. وی در اول بهمن ماه ۱۳۵۴ به افتخار بازنشستگی نائل آمد و از مهرماه ۱۳۵۴ تا پایان سال ۱۳۵۷ ریاست مؤسسه آموزش عالی امیر شوکت‌الملک علم بیرجند را برعهده داشت. وی از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ مشاور رئیس سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (سازمان جغرافیای سابق) بود. و از سال ۱۳۷۳ نیز با سمت مشاور دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی در طراحی و اجرای برنامه‌ها مشارکت داشته است. همچنین از سال ۱۳۶۵ عضویت بخش جغرافیایی سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی (سمت) را دارا بوده و با بیشتر دانشگاه‌های تهران مخصوصاً دانشگاه تربیت مدرس در دوره‌های دکترای جغرافیا تدریس و همکاری داشته است. وی همچنین عضویت کمیته رهبری اطلس اقلیمی ایران را در سازمان هواشناسی برعهده داشته است. از دیگر مشاغل وی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- عضو مادام العمر انجمن جغرافیائی انگلستان ۲- عضو سابق انجمن سلطنتی مردم‌شناسی انگلستان و ایرلند ۳- عضو شورای عالی آمار ۴- عضو هیئت تحریریه دائره‌المعارف بریتانیا ۵- عضو افتخاری انجمن آمریکائی پیشرفت علوم ۶- عضو شورای عالی مردم‌شناسی ۷- عضو انجمن جغرافیائی کشورهای آسیا و آفریقا ۸- عضو کمیته ملی آبشناسی (یونسکو) ۹- عضو هیئت ممیزه دانشگاه تهران ۱۰- عضو کمیسیون بورسهای دانشگاهی ۱۱- عضو کمیسیون همکاری فرهنگی ایران و فرانسه (دانشگاهی) ۱۲- عضو کمیته جغرافیائی فرهنگستان ایران ۱۳- عضو شورای عالی جغرافیائی وابسته به سازمان جغرافیائی کشور ۱۴- عضو کمیته برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش ۱۵- عضو هیئت امنای مدرسه عالی بازرگانی رشت ۱۶- عضو هیئت امنای مدرسه عالی علوم اراک ۱۷- عضو هیئت امنای مدرسه عالی فنی تهران ۱۸- عضو اتحادیه انجمن‌های علمی ۱۹- رئیس اولین کنگره جغرافیدانان ایران ۱۳۵۲ ۲۰- عضو شورای دانشگاه تهران ۲۱- اولین رئیس انجمن جغرافیدانان ایران ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷فعالیتهای آموزشی : محمدحسن گنجی پس از اخذ درجه لیسانس از انگلستان (در سال ۱۳۱۷)، به ایران بازگشت و به مدت ۱۴ سال با سمت دبیری در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و دانشسرای عالی به تدریس جغرافیا پرداخت. وی همچنین پس از اخذ مدرک دکترا در سال ۱۳۳۴ از آمریکا به ایران بازگشت و پس از طی ۵ سال دوره دانشیاری، در سال ۱۳۳۹ (با رتبه ۱۰) به عنوان استادی پاره‌وقت دانشگاه تهران ارتقاء یافت و متصدی کرسی جغرافیای انسانی شد. در مهرماه ۱۳۴۷ خدمت تمام وقت دانشگاه را پذیرفت و از سال ۱۳۴۸ در سمت استاد و مدیر گروه آموزشی جغرافیا در دانشگاه انجام وظیفه کرد. [گزارش گفتگو، مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها، سال اول، شماره ۱۲، نیمه اول مهر ۱۳۸۰، ص ۱۸ ـ اثرآفرینان (زندگینامه نام‌آوران فرهنگی ایران)، ج ۵، زیر نظر دکتر عبدالحسین نوایی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص ۸۱] مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : از جمله خدمات علمی محمدحسن گنجی می‌توان به تشکیل «انجمن جغرافی‌دانان ایران» و بنیان‌گذاری سازمان هواشناسی کشور اشاره نمود. وی در مهرماه ۱۳۵۴ به موجب ابلاغ وزیر علوم و آموزش عالی مأموریت یافت که مقدمات تهیه و تشکیل دانشگاهی را در بیرجند فراهم سازد و در تیرماه ۱۳۵۵، مؤسسه آموزش عالی امیرشوکت‌الملک علم بیرجند را بنیاد نهاد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمدحسن گنجی در کنار تدریس و تحقیق در بسیاری از موسسات دولتی و خصوصی که با اموری در زمینه‌های جغرافیایی ارتباط داشته‌اند در مراحل برنامه‌ریزی و همچنین اجرایی مشارکت داشته است.شاگردان : بیشتر اساتید جغرافیای کنونی دانشگاههای ایران یا مستقیماً در زمره شاگردان محمدحسن گنجی بوده‌اند و یا بطور غیر مستقیم از شخصیت علمی و تالیفات وی بهره برده‌اند. از جمله شاگردان وی دکتر فاطمه بهفروز استاد گروه جغرافیای دانشگاه تهران می‌باشد. دکتر پیروز مجتهدزاده که در دوره کارشناسی شاگرد دکتر گنجی بوده است، درباره استاد خود چنین گفته است: «با همه استادانم رابطه‌ای نزدیک و منطقی داشتم، به ویژه با دکتر گنجی که رابطه‌مان به شکل رابطه پدر و فرزندی در روابط اجتماعی و نیز در محیط دانشگاه بود. صرف نظر از پدر و مادر که نقش انکارناپذیری در شخصیت من داشته‌اند، سه نفر دیگر هم تاثیر ژرفی بر زندگی من ایجاد کرده‌اند. نخستین آنها دکتر گنجی است که نگاه اساسی‌ام را به علم و زندگی مدیون او هستم. در دوران دانشجویی‌ام به همه استادانم احترام می‌گذاشتم ولی دکتر گنجی به راستی با بقیه تفاوت داشت. او کسی بود که می‌توانست همه گونه پرسش را در مباحث جغرافیایی و به ویژه هواشناسی پاسخ دهد. با وجود این، هیچ ادعایی نداشت و احترام عمیق من به او به سبب همین بی‌ادعایی است. همیشه سعی می‌کرد در حال آموختن باشد. من همواره در برابر پرسش‌های علمی و فرهنگی و اجتماعی مختلفی که برایم پیش می‌آمد نزد

او می‌رفتم. گنجی شخصیتی استثنایی و ارزشمند است و من شخصیتی در شأن و پایه او ندیده‌ام. در واقع آموختن من از دکتر گنجی فقط به دوره های خاص دانشگاهی مانند لیسانس و فوق لیسانس و حتی دکترا محدود نبود. من هنوز هم از او می‌آموزم.» همفکران فرد : علاوه بر عباس سحاب که بنیانگذار اولین موسسه کارتوگرافی بازرگانی ایران (موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب) است، مهندس عباس جعفری و سعید بختیاری از دوستداران نقشه و فعالان در انتشار مجموعه‌های اطلس و نقشه‌های جغرافیایی، پیروز مجتهدزاده، جواد صفی‌نژاد، مصطفی ارمنی، محمدتقی رهنمائی، ابراهیم مقیمی، دره میر حیدر، حسن کامران، محمد سلیمانی، حسین شکوئی و فرج الله محمودی همفکری نزدیکی با دکتر محمدحسن گنجی دارند.آرا و گرایشهای خاص : محمدحسن گنجی همواره مفهوم علم جغرافیا را در چهارچوب شناخت روابط بین انسان و محیط زندگی وی (دیدگاه «انسان محیطی»)، یا در قالب شناسایی مشخصات ناحیه‌ای شامل پدیده های طبیعی و انسانی (دیدگاه ناحیه ای) و بالاخره در محدوده بررسی پراکندگی مکانی هر پدیده جغرافیایی خاص (دیدگاه فضایی) مورد نظر قرار داده اند. این مطلب نشانه آن است که وی همواره در پی جدیدترین اطلاعات بین المللی درباره جغرافیا بوده است. در ارتباط با دیدگاههای سازمان یافته جغرافیای (انسان محیطی، ناحیه ای و فضایی) دکتر گنجی مسائل علم جغرافیا را در دو بخش طبیعی و انسانی قابل مطالعه می‌داند، که می‌توانند در چهارچوب روشهای عمومی و یا ناحیه‌ای مورد بررسی قرار گیرند. و همگام با این توجیهات روش تحقیقی، استاد گنجی برای اصالت قوانین جغرافیایی در بررسی‌های ناحیه‌ای، اهمیت و اعتبار خاصی قائل می‌شوند. ایشان با استناد به منابع جدید و معتبر خارجی در این زمینه معتقد است که پدیده‌های انسانی اگرچه به اندازه پدیده‌های طبیعی تابع قوانین علمی نیستند، معهذا با استفاده از اطلاعات آماری و روشهای کمیتی می‌توان در مورد یک پدیده خاص انسانی مدل‌سازی و یا تیپ‌شناسی کرد که این روش گامی به سوی قانون گرایی خواهد بود. از این گذشته، دکتر گنجی کاربرد کامپیوتر را جهت تحلیل این داده‌های آماری ضروری می‌داند و این نوگرایی دکتر گنجی، با توجه به اینکه وی قدیمی ترین استاد جغرافیای ایران است، قابل ملاحظه می باشد. [بهفروز، دکتر گنجی و گسترش دانش جغرافیا در ایران، مجموعه مقالات جغرافیایی جشن نامه دکتر محمدحسن گنجی، صص ۵-۲۴]جوائز و نشانها : محمدحسن گنجی، در سال ۱۳۵۴ به عنوان استاد ممتاز دانشگاه تهران انتخاب شد. وی در بیست و نهمین کنگره اتحادیه بین المللی جغرافیایی در کره جنوبی در سال ۲۰۰۰ میلادی به عنوان یکی از ۱۵ جغرافیدان برجسته جهان شناخته شد و سازمان هواشناسی جهانی، جایزه علمی سال ۲۰۰۱ خود را به وی اعطا کرد. ایشان همچنین نشان درجه سه در خدمات دولتی را دریافت کرده است. دکتر گنجی از اوایل انقلاب تا اکنون بالغ بر ۶۳ لوح تقدیر از مراکز آثار و مفاخر علمی، چهره‌های ماندگار، انجمن‌های علمی جغرافیایی و دانشگاهها دریافت کرده است. وی برگزیده همایش طرح سپاس درسال ۸۶ در فرهنگسرای سینا می‌باشد.چگونگی عرضه آثار : محمدحسن گنجی سفرهای علمی متعددی به کشورهای اسکاتلند ، پرتقال ، دانمارک ، سوئد ، فنلاند ، پاکستان ، هندوستان ، ژاپن ، اندونزی ، مالزی ، سنگاپور ، هنگ کنگ ، لبنان ، اطریش ، آلمان ، هلند ، بلژیک ، اسپانیا ، فرانسه ، نروژ ، شوروی (مسکو ، کیو ، ایروان و باکو) ، استرالیا ، کانادا ، کشورهای متحده آمریکا و کلیه شیخ نشین های خلیج فارس نمود. وی عضو مادام العمر انجمن جغرافیایی انگلستان ، عضو سابق انجمن سلطنتی مردم شناسی انگلستان و ایرلند ، عضو شورای عالی آمار ، عضو هیئت تحریریه دایره المعارف بریتانیا ، عضو افتخاری انجمن آمریکایی پیشرفت علوم ، عضو شورای عالی مردم شناسی ، عضو انجمن جغرافیایی کشورهای آسیا و آفریقا ، عضو کمیته ملی آبشناسی یونسکو ، عضو هیئت ممیزه دانشگاه تهران ، عضو شورای دانشگاه تهران ، عضو کمیسیون همکاری فرهنگی دانشگاهی ایران و فرانسه ، عضو کمیته جغرافیایی فرهنگستان ایران ، عضو شورای عالی جغرافیایی وابسته به سازمان جغرافیایی کشور ، عضو کمیته برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش ، عضو هیئت امنای مدرسه عالی بازرگانی رشت ، عضو هیئت امنای مدرسه عالی علوم اراک ، عضو هیئت امنای مدرسه عالی فنی ، عضو اتحادیه انجمن های علمی ، رئیس اولین کنگره جغرافی دانان ایران (۱۳۵۲) ، اولین رئیس انجمن جغرافی دانان ایران (۱۳۵۳-۱۳۶۲) ، عضو سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی (سمت) ، عضو محققین مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی و عضو کمیته رهبری طرح اطلس اقلیمی ایران می باشد. دکتر گنجی در کنگره بین المللی جغرافیایی (آمستردام – ۱۹۳۸ ، واشینگتن – ۱۹۵۲ ، دهلی نو – ۱۹۶۸ و مونترال کانادا – ۱۹۷۲) ، سمینار جغرافیایی کشورهای آسیایی و آفریقایی (علیکره هندوستان – ۱۹۵۶) ، کمیسیون حل اختلاف آب هیرمند بین ایران و افغانستان (واشنگتن – ۱۹۵۶) ، کمیته اجرایی طرح مناطق خشک یونسکو (کانبرای استرالیا – ۱۹۵۶) ، کمیته منطقه ای سازمان هواپیمایی کشوری بین المللی (رم – ۱۹۵۹) ، کمیته هواشناسی سازمان پیمان مرکزی (آنکارا – ۱۹۵۹ ، ۱۹۶۰ ، ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ ، لندن – ۱۹۶۰) ، اجلاسیه هواشناسی منطقه آسیا (رنگون بیرمانی – ۱۹۵۹ ، بانکوک – ۱۹۶۲ ، تهران – ۱۹۶۶ و توکیو – ۱۹۷۰) ، کمیسیون اقلیم شناسی سازمان هواشناسی جهانی (لندن – ۱۹۶۰ و استکهلم – ۱۹۶۵) ، کنگره سازمان هواشناسی جهانی (ژنو – ۱۹۶۳ ، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۱) ، اجلاسیه کمیته اجرایی سازمان هواشناسی جهانی (ژنو – ۱۹۶۵ ، ۱۹۶۶ ، ۱۹۶۸ ، ۱۹۶۹ و ۱۹۷۱) ، کمیته ارتباطات سازمان عمران منطقه‌ای (اسلام آباد – ۱۹۶۶)، دومین کنگره سازمان ملل درباره یکنواخت ساختن اسامی (لندن – ۱۹۷۲) ، کنفرانس یونسکو درباره آموزش جغرافیا در آسیای شرقی و اقیانوسیه (سنگاپور – ۱۹۷۲) ، دومین اجلاسیه گروه کارشناسان هواشناسی جهانی درباره کاربرد اقلیم شناسی در مسائل محیطی (ژنو – ۱۹۷۲) ، دومین کمیته فنی اندازه‌گیری آلودگی هوا (هلسینکی – ۱۹۷۳) ، کنفرانس یونسکو درباره آموزش جغرافیا در آسیای جنوبی (دهلی نو – ۱۹۷۴) ، هشتمین اجلاسیه گروه کارشناسان جغرافیای سازمان ملل (نیویورک – ۱۹۷۵) ، سمپوزیوم هواشناسی در رابطه با آمایش زمین دراشویل (کارولینای شمالی – ۱۹۷۵) ، بیست و سومین کنگره بین المللی جغرافیا (مسکو – ۱۹۷۶) ، سومین کنگره سازمان ملل برای یکنواخت کردن اعلام جغرافیایی (آتن – ۱۳۵۶ ، مونترال – ۱۳۶۵ و ژنو – ۱۳۷۰) ، سفر عتبات عالیات در گروه دانشگاه تهران (۱۳۵۶) ، سفر چین در گروه دانشگاه تهران (۱۳۵۷) ، یازدهمین اجلاسیه گروه کارشناسان ملل متحد (ژنو – ۱۳۶۳) ، چهارمین اجلاسیه منطقه‌ای برای همسان سازی نام‌های جغرافیایی (تهران – ۱۳۶۹) ، سمینار مرزهای ایران در مرکز ژئوپلوتیک و مرزهای بین المللی دانشگاه لندن (لندن – ۱۳۷۰)، سمینار هویت ایران در پایان قرن بیستم در دانشگاه لندن (لندن – ۱۳۷۷) شرکت فعال داشته است. دکتر گنجی ، حدود ۱۰ درس جدید و مختلف را به تدریج وارد برنامه

رشته جغرافیا نمود و همه را شخصاً به تناوب در سال‌های تحصیلی مختلف تدریس کرد. از آثار ایشان می‌توان به ۱ جزوه درسی ، ۱۶ اثر تألیفی ، ۶ نقد کتاب ، ۱۲ مقدمه کتاب ، ۸۰مقاله علمی ، ۱۹سخنرانی و ۱۴ مقاله به زبان انگلیسی اشاره نمود.آثار : مقاله جغرافیایی ویژگی اثر : مجموعه ای است از مقالات جغرافیایی و اقلیم شناسانه و چند مقاله تاریخی که عمدتاً درباره ایران می باشد، این کتاب برای اولین بار در سال ۱۳۵۲ توسط موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب به چاپ رسیده است. { گنجی، ۳۲ مقاله جغرافیایی، تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، ۱۳۵۲، پنج}۲ آب و هوای ایران (فصلی از تاریخ ایران کمبریج ۱۹۶۸) ، آب و هوای ایران (قاهره) ، آب و هوای کشورهای آسیای مرکزی ، آتشفشان سنت هلن، آثاری از دکتر گنجی که به انگلیسی منتشر نموده اند ، آمار بارندگی در ایران ، آمایش زمین بصورت یک منبع طبیعی (نمونه هایی از آسیا) ،آمریکا را بشناسید ، آموزش جغرافیا ، اطلس اقلیمی ایران ، اطلس کامل تهران ، اکولوژی و اقلیم شناسی ، انتشارات پنهانی (یادداشت) ، انحطاط جغرافیایی شهر بیرجند ، ایران (دایره المعارف و رلدمارک چاپ نیویورک) ، برتراند راسل و جغرافیا ، برداشتی جغرافیایی از جمعیت مسلمان جهان و پاره ای از مشخصات و گرافیک آن ، بررسی اجمالی باران ۱۳ سال اخیر ایران ، بستر جغرافیایی تاریخ ایران ، به انگیزه اگر باران به کوهستان ببارد ، پاره ای جنبه های جغرافیایی ایران ، پیام آقای دکتر محمدحسن گنجی ویژگی اثر : مجموعه سخنرانیهای چهارمین کنگره جغرافیدانان ایران (به اهتمام گروه آموزشی جغرافیا) ، دانشگاه فردوسی: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، مشهد، صفحات ۱۸-۷.۲۴ پیشگفتار و نقد مقاله ها ویژگی اثر : فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، صفحات ۱۰-۵.۲۵ تاثیر آب و هوا در زندگی بشر ، تاریخ جغرافیای اسلامی ، تاریخچه جغرافیا در اسلام ، تاریخچه نهضت های پان ، ترجمه بشر چیست ؟ ویژگی اثر : تألیف: مارک تواین.۳۰ تغییرات آب و هوا ، تغییرات ناگهانی هوای ساحل جنوبی ، تقسیمات اقلیمی ایران ، جغرافیا در ایران از دارالفنون تا انقلاب اسلامی ویژگی اثر : کتابی است در شرح سیر تطور علم جغرافیا در ایران معاصر که در ۱۳۶۷ در انتشارات آستان قدس رضوی به چاپ رسید. [جزنی « یادداشتهایی درباره مقام علمی دکتر گنجی، مجموعه مقالات جغرافیایی» (جشن نامه دکتر محمدحسن گنجی)، ص ۱۲}۳۴ جغرافیا و آمار ویژگی اثر : نشریه سالانه اداره کل آمار عمومی، تهران۳۵ جغرافیای اقلیمی ، جغرافیای ایران ویژگی اثر : کتابی است درباره کلیات جغرافیای ایران و تقسیمات و فصل بندی مطالعات جغرافیایی در این باره، که در چهار فصل در جلد اول نشریه شماره ۲۲ ایرانشهر منتشر شده است.۳۷ جغرافیای سال پنجم ابتدایی ویژگی اثر : با همکاری دکتر لطف الله مفخم پایان و حسین خلیل فر.۳۸ جغرافیای سال ششم ابتدایی ویژگی اثر : با همکاری حسین خلیل فر.۳۹ جنگ و جغرافیا یا روابط دول بزرگ در اقیانوسیه ویژگی اثر : این کتاب در ۱۳۲۱ توسط کتابفروشی پروین به چاپ رسید، بحث های ژئوپولتیکی جالبی درباره رقابت های استعمارگران در قاره اقیانوسیه را در بر می گیرد.۴۰ خاورمیانه کجا است، خشکسالی در قائنات ، دون ژوان ایرانی ، روند تحقیقات جغرافیایی در ایران ، سازمان هواشناسی جهانی و هواشناسی ایران ، سخنی چند درباره هواشناسی ، شمه ای از خدمات جغرافیایی سازمان جغرافیایی و چندین مقاله جغرافیایی در دایره المعارف بزرگ اسلامی ، فهرست مقالات جغرافیایی ویژگی اثر : با همکاری جواد صفی نژاد.۴۸ کتب جغرافیای دبیرستانی ، کلیات جغرافیای طبیعی ، کمک به اقلیم شناسی باستانی ایران ، گزارش ششمین کنگره بین المللی جغرافیایی در لندن ، گزارش کمیته هواشناسی مناطق خشک ، گزارش کنفرانس یونسکو در استرالیا درباره آب و هوای مناطق خشک جهان ، گزارش کنفرانس یونسکو درباره نحوه آموزش جغرافیا در جنوب خاوری آسیا ، لزوم تهیه نقشه های جغرافیایی ، مشخصات جغرافیای طبیعی ایران ، مطالعه اجمالیِ فرهنگ های جغرافیایی ، مطالعه جغرافیای در خواص جمعیتی امت مسلمان در جهان ، مفهوم جغرافیا و روش تدریس آن ویژگی اثر : نشریه انجمن دبیران علوم اجتماعی و تاریخ و جغرافیا، شماره ۱، تهران.۶۰ مفهوم واقعی نژاد ، مقالاتی درباره جغرافیای ایران ، مقدمه بر اصول جغرافیای انسانی و اشاراتی به جغرافیای انسانی ایران ، مقدمه بر اطلس افغانستان ، مقدمه بر اطلس بزرگ جهان، مقدمه بر اطلس تاریخی ایران، مقدمه بر اطلس خلیج فارس ،مقدمه بر اطلس عمومی جهان ، مقدمه بر جغرافیای پزشکی ویژگی اثر : تألیف: هوشورزدشت.۶۹ مقدمه بر شهرستان نور ویژگی اثر : تألیف: پیروز مجتهدزاده.۷۰ مقدمه بر کلیات ژئومورفولوژی ایران ویژگی اثر : تألیف: دکتر محمود حریریان.۷۱ مقدمه بر گزیده ای از فرهنگ و اصطلاحات جغرافیایی ویژگی اثر : تألیف: عاشوری.۷۲ مقدمه بر گیتاشناسی کشورها ، مقدمه بر متن انگلیسی مقاله دکتر مهدوی [جزنی،«یادداشتهایی درباره مقام علمی دکتر گنجی،» مجموعه مقالات جغرافیایی (جشن نامه دکتر محمد حسن گنجی)، صص ۱۹-۱۱} ، ملاحظاتی درباره آلودگی هوا و باران در تهران ، ملاحظاتی درباره باران چند سال اخیر ایران، ۶ ملاحظاتی درباره باران سال ، ملاحظاتی درباره باران های تابستان ۱۹۵۴ ، ملاحظاتی درباره پزشکان ایران مقیم آلمان غربی ، ملاحظاتی درباره جغرافیا و برنامه آن ، ملاحظاتی درباره جغرافیا و برنامه آن ویژگی اثر : نشریه گروه آموزشی جغرافیا دانشگاه تهران، ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۱، چاپ میهن، صفحات ج-ر.۸۱ ملاحظاتی درباره سید محمد فرزان ،ملاحظاتی درباره نظرات و روشهای نو در جغرافیا ویژگی اثر : نشریه انجمن دبیران جغرافیا و تاریخ و علوم اجتماعی ، شماره ۱۰، تهران۸۳ ملاحظاتی موقت راجع به تبخیر در ایران ، نامه های قهستان ، نظری به نشریات ادواری جغرافیایی ، نقشه جغرافیا و سیاست ، نگرشی مجدد بر سمینار بین المللی جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران ، هانینگتون و پارسیان هند ، هوا آستانه فضا ، هواشناسی در ایران ، یادی از دکتر صدیق اعلم (مردان نامی ایران)

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] جشن‌نامه‌ی دکتر محمد حسن گنجی، جغرافیا در ایران از دارالفنون تا انقلاب (مقدمه)، چهره‌های آشنا (۵۰۷ - ۵۰۶)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد دکتر محمد حسن گنجی، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲، ۲۴۸۸/ ۲ ، ۱۰۳۰ ، ۵۰۸، ۵۱/ ۱) مقاله جغرافیایی (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۶/ ۲).

پرسشنامه تکمیل شده توسط دکتر محمدحسن گنجی بنا به درخواست بنیاد ایران شناسی- بهار ۱۳۸۶۴زندگینامه مشاهیر معاصر ایران ، دبیرخانه همایش چهره های ماندگار ، شبکه چهار سیما ، مهر ۱۳۸۰ ، ص ۴۲ ـ گزارش گفتگو ، مرکز بین المللی گفتگوی تمدن ها ، سال اول ، شماره ۱۲ ، نیمه اول مهر ۱۳۸۰ ، ص ۱۸۵گزارش گفتگو ، مرکز بین المللی گفتگوی تمدن ها ، سال اول ،

شماره ۱۲ ، نیمه اول مهر ۱۳۸۰ ، ص ۱۸۶گنجی، اطلس کامل گیتا شناسی (مقدمه) ، صفحات مقدمه

گندمی نصرآبادی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا گندمی نصرآبادی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱۰/۱۰

زندگینامه علمی

تحصیلات حوزوی را در مدرسه علمیه امام خمینی (ره) کاشان آغاز کردم (تیر ماه ۱۳۶۱) بعد راهی حوزه علمیه قم شدم. ابتدا در مدرسه کرمانیها مشغول به تحصیل شدم و بعد زیر نظر شورای عالی حوزه دروس حوزوی را پی گرفتم. پس از اتمام دوره سطح به مدت شش سال در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات مکارم شیرازی و جعفر سبحانی شرکت کردم. از سال ۱۳۶۸ در کنار دروس حوزوی دروس جدید را ادامه دادم. پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۷۰ در کنکور سراسری با رتبه بالا در رشته مورد علاقه ام فلسفه غرب در دانشگاه تهران پذیرفته شدم. در سال ۱۳۷۴ در آزمون کارشناسی ارشد شرکت و رتبه نخست این آزمون را احراز کردم. با موافقت اساتید از نیم سال اول کار نوشتن پایان نامه را شروع و در پایان نیم سال سوم از آن دفاع کردم و هم زمان در آزمون اعزام به خارج قبول شدم و با تلاش بسیار موفق به اخذ پذیرش از دانشگاه سوربون شدم که وزارت علوم به بهانه اتمام وقت قانونی با اعزام بنده موافقت نکرد تا این که در سال ۱۳۸۲ در آزمون دکتری فلسفه دانشگاه شرکت کردم و در حال حاضر مشغول نوشتن پایان نامه می باشم. ضمنا از سال ۱۳۷۹ تا کنون با مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب در گروه ادیان ابراهیمی همکاری می کنم.

گنده‌نویس، حیدر

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۲۲ ق)، خطاط. از این جهت وی را بدین صفت می‌خوانده‌اند که جلی می‌نوشته است و هر کس از او تعلیم می‌گرفته، هم خوشنویس می‌شده، هم به مناصب و مراتب عالی می‌رسیده است. از شاگردان وی: خواجه تاج‌الدین علی شاه وزیر (م ۷۲۳ ق) و خواجه غیاث‌الدین محمد رشیدالدین فضل‌اللّه (م ۷۳۶ ق) و عبداللّه صیرفی بودند و خود شاگرد یاقوت مستعصمی (م ۶۹۸ ق) بود. از آثار وی چیزی دیده نشده است فقط در یک نسخه «دیوان الحادره» به خط یاقوت مستعصمی که در کتابخانه‌ی ایاصوفیه مضبوط است، چند سطر به قلم نسخ عالی نوشته شده که رقم «محمد بن حیدر الحسینی» و تاریخ ۷۲۲ دارد و بعید نیست که محمد نام او و حیدر نام پدرش باشد که به مسامحه وی را به نام پدر خوانده‌اند و تاریخ آن نوشته نیز با این احتمال وفق می‌دهد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۹۰/ ۴)، اطلس خط (۳۱۸ –۳۱۷)، پیدایش خط و خطاطان (۱۷۶)، تاریخ هنرهای ملی (۷۸۷ –۷۸۶/ ۲)، گلستان هنر (۲۲).

گودرزنیا، ایرج

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۳ مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی شیمی، دانشکده: مهندسی شیمی، دانشگاه: صنعتی شریف

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد مهندسی پالایش از دانشکده نفت آبادان در سال ۱۳۴۷، کارشناسی ارشد مهندسی شیمی پیشرفته از دانشگاه سلطنتی انگلستان در سال ۱۳۴۸، دکترای مهندسی شیمی پیشرفته از دانشگاه سلطنتی انگلستان در سال ۱۳۵۱ و دکترای تخصصی مهندسی شیمی پیشرفته از دانشگاه سلطنتی انگلستان.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۵۵، دانشیار دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۶۶، استاد دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۶۳.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی کینتیکی واکنش پلی اورتان بعنوان محل سوخت پرتابه‌ها، راه‌اندازی برج تقطیر نیمه صنعتی دانشکده به روش خودکار، مطالعه کینتیک اکسیداسیون اتیلن، بررسی انتقال جرم در سیستم استوانه‌های چرخان، طرح پایلوت کازئیفات کلسیم، تدریس دروس اتوماسیون صنایع شیمیایی در دانشگاههای صنعتی شریف، تورنتو کانادا، راچستر آمریکا و دلفت هلند.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

دستور کار آزمایشگاه کنترل اتوماتیک فرآینده.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

مهندسی پالایشگاه.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

گودرزی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود گودرزی

محل تولد : ملایر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

الحمد لله رب العالمین و الصلوهٔ و السلام علی سیدنا و نبیّنا محمد و آله الطاهرین و لعنهٔ علی اعدائهم اجمعین الی قیام یوم الدین. اینجانب محمود گودرزی پس از گذراندن دوران ابتدائی در سیزده سالگی به سال ۱۳۴۷ خورشیدی وارد حوزه علمیه قم شدم و از همان ابتدا به مدرسه روزانه مرحوم آیت الله العضمی گلپایگانی رضوان الله تعالی علیه که در آن زمان تنها مرکز علم ای بود که با برنامه ای جامع و حساب شده و نظم و انضباطی در خور توجه با حضوراساتیدی مجرب و شناخته شده همچون آقایان صلواتی، حاج حسن آقا تهرانی، مقتدائی، بنی فضل، طالقانی و .... اداره می شد، راه پیدا کردم و بمدت هفت سال آنجا بودم و دروس اصلی حوزه را از امثله تا مقدار قابل توجهی از رسائل و مکاسب را در این مرکز مقدس فرا گرفتم، باقی مانده رسائل و مکاسب و جلدین کفایه و شرح تجرید را در خارج از آنجا گذاراندم سپس در حلقه دروس خارج فقه و اصول و درسهای جنبی دیگری مانند شرح منظومه حاج ملا هادی ره و اسفار اربعه شرکت می کردم تقریبا در سالهای ۵۶ و ۵۷ بود، امتحانات کتبی شفاهی:در سال ۱۳۵۰ رتبه اول و در سال ۱۳۵۳ رتبه دوم و در سال ۵۶ یا ۵۷ امتحانات رتبه سوم را با موفقیت به پایان رساندم. نا گفته نماند که در کنار تحصیل به تدریس دروس حوزوی از مقدمات تا شرح لمعه و مقداری از رسائل نیز می پرداختم تا اینکه در سال ۱۳۷۵ در امتحانات مقطع دوم جهت تدریس شرکت نمودم و پس از قبولی کتبی و شفاهی از سوی مرکز مدیریت حوزه در زمان آقای استادی برخی حوزهای شهرستانها مانند نطنز و دامغان اعزام شدم و درس تا پایه پنجم را تدریس می کردم در سال ۱۳۷۷ به مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم دعوت شدم و تاکنون در این مرکز مقدس و پر برکت قرآن کریم افتخار خدمت و بهره وری از خرمن پر فیض معارف والای قرآن را دارم امید است مورد قبول و رضای خداوند متعال قرار گرفته باشد و تا آخرین نفس هم ادامه دهنده این را بوده باشم. و آخر دعولنا الحمد لله رب العالمین.

گودرزی‌نژاد، شاهپور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر شاپور گودرزی نژاد در سال ۱۳۰۳ در گرگان متولد شد. ایشان پس از اخذ کارشناسی جغرافیا از دانشگاه تهران ،فوق لیسانس و دورهٔ آموزشی دکتری را در دانشگاه دولتی تنسی آمریکا گذراند و دکترای جغرافیا را نیز از دانشگاه تهران دریافت داشت. وی همچنین گواهی تخصصی ژئومورفولوژی مناطق خشک- مشترک دانشگاه سوربن و دمشق تحت سرپرستی یونسکو- را کسب کرد.نامبرده در حال حاضر با سمت استادی در دانشگاه تهران مشغول به خدمت است. کتاب"جغرافیا، ترکیبی نو "ترجمه ، شاپور گودرزی نژاد، در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب

سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانی رشته : جغرافیا تحصیلات رسمی و حرفه ای : شاپور گودرزی نژاد پس از طی دوره های ابتدایی و متوسطه، لیسانس تاریخ و جغرافیا را از دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران و لیسانس آموزش جغرافیا را از دانشسرای عالی دانشگاه تهران اخذ کرد. فوق لیسانس و دورهٔ آموزشی دکتری را در دانشگاه دولتی تنسی آمریکا گذراند و دکترای جغرافیا را از دانشگاه تهران دریافت داشت. وی همچنین گواهی تخصصی ژئومورفولوژی مناطق خشک- مشترک دانشگاه سوربن و دمشق تحت سرپرستی یونسکو- را کسب کرد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : شاپور گودرزی نژاد از سال ۱۳۴۱ در دانشگاه تهران مشغول به کار شد و در حال حاضر با سمت استادی در دانشگاه تهران به خدمت ادامه می دهد. دانشیاری مدعو در دانشگاه دورهام انگلستان (سال ۷۶-۷۵ م)، عضویت در شوراهای مختلف دانشگاه تهران و کمیتهٔ تخصصی جغرافیایی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، تدریس در دانشگاههای شهید بهشتی، تربیت مدرس و آزاد اسلامی نیز در شمار فعالیتهای آموزشی دکتر گودرزی نژاد قرار دارند. جوائز و نشانها : کتاب"جغرافیا، ترکیبی نو "ترجمه ، شاپور گودرزی نژاد، در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.آثار : جغرافیا، ترکیبی نو ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «جغرافیا، ترکیبی نو»: جغرافیا، ترکیبی نو (دو جلد)؛ پروفسور پیترهاگت؛ ترجمه شاپور گودرزی نژاد؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۵. جغرافیا، ترکیبی نو اثری در زمینه ماهیت علم جغرافیا است که تمامی مفاهیم و قلمروهای جغرافیا را در یک چارچوب منطقی مورد بحث قرار می دهد. مطالب کتاب طوری تنظیم شده است تا هم از جنبه نظری و هم از جنبه کاربردی، افق دید دانشجویی را که آموزش قبلی جغرافی ندارد، به سرعت گسترش دهد و بر توان نتیجه گیری منطقی وی بیفزاید. پنج بخش این کتاب همچون زنجیره ای به یکدیگر متصل است و اصل بی طرفی و جامعیت درباره مطالب مورد بحث کاملاًـ رعایت شده است. سبک مقبول این کتاب به دانشجویان فرصت می دهد جغرافی را به طریق جامع بنگرند و طبقه بندی مرسوم و سنتی آن را، چه به صورت طبیعی یا انسانی و چه ناحیه ای یا سیستماتیک، رها کنند. یکی از امتیازات کتاب آن است که فهرست مراجع برای مطالعه بیشتر خوانندگان کتاب در انتهای هر فصل گنجانده شده است. کتاب از جهت رعایت نکات فنی، اصول ویرایش، ترسیم نقشه و نمودارها در ردیف آثار مطلوب جغرافیایی قرار دارد ۲ جغرافیای ایران (انسانی) ، جغرافیای ترکیه ،روستاهای اسدآباد ، ژئومورفولوژی و مدیریت محیط (جلد ۱و ۲) ، سفرنامه پاتینجر

منابع زندگینامه :بنیاد ایرانشناسی

گورانی، ابراهیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۲۱ ق)، خطاط. از خطوط او: قرآن وزیری کوچک، جلد روغنی، دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مذهَّب و منقَّش، به خط نسخ کتابت خفی متوسط، با رقم: «... ابراهیم بن کاظم گورانی...» سال ۱۲۲۱.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۱۵ /۴).

گورانی، فاطمه

قرن:۹

جنسیت:زن

ملیت:ایران

۸۷۳ -۷۹۴ ق، از زنان دانشمند. وی دختر بدر محمد گورانی و خواهر ستیته خاتون گورانی و از نوادگان خضر گورانی بود. فاطمه خاتون اغلب علوم اسلامی را نزد استادان وقت در بغداد و دمشق فراگرفت و پس از آن به طلاب زن و مرد درس می‌داد.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: تاریخ مشاهیر کرد، ۱۲۹ / ۱.

گورکانی بابری، ابوالقاسم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. پسر میرزا کامران، پسر دوم ظهیرالدین بابر بود. در سال ۹۶۴ ق که پدر وی پس از ناکامی در دعوی سلطنت از جهان رفت، همایون فرمان داد او را کشتند. وی در شعر فارسی استاد بود.

تاریخ نظم و نثر (۷۰۸).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

گورکانی، ابراهیم

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۳۸ -۸۱۲ ق)، خطاط، نقاش و شاعر. او برادر بایسنقر میرزا و از هنرمندان و هنرپروران عصر خود محسوب می‌شد. در هفت سالگی به فرمانروایی فارس منصوب شد، و در آنجا پیر محمد شیرازی خط آموخت. در فن شعر و حسن خط و هنرهای متعلق به خط رتبه‌ای بلند داشت. وی از خطوط یاقوت مشق می‌کرد و خطش بسیار شبیه خط او بود و تمیز آنها بسیار مشکل بود. سلطان ابراهیم همچنین با تعلم از استاد سیاوش گرجی، نقشگری سحرساز و رسامی خوش طرح و ممتاز شد. از آثار او: یک جزو از قرآن رحلی عظیم، با جلد روغنی عالی، به خط ثلث حلی و ثلث سه دانگ جلی، به قلم زر محرر و با رقم: «کتبه... ابراهیم سلطان بن شاهرخ بن تیمور گورکان... فی سنه سبع و عشرین و ثمانمئه الهجریه...»؛ کتیبه‌ی سنگی سر در مدخل صحن میر علاءالدین در شیراز، به خط ثلث کتیبه‌ای سه دانگ عالی، با رقم: «کتبه ابراهیم سلطان»؛ یک صفحه از مرقع، به خط ثلث دو دانگ جلی ممتاز و نسخ و رقاع کتابت جلی خوش، به قلم زر محرر و با رقم: «کتبه... ابراهیم سلطان بن شاهرخ بن تیمور گورکان... فی سنه اثنی و عشرین و ثمانمائه» (۸۲۲)؛ کتیبه‌ی سردر صفه‌ی مقبره سعدی در شیراز که در سال ۸۳۵ ق نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۱۴ -۱۰۱۳ /۴)، پیدایش خط و خطاطان (۸۲)، تاریخ اصفهان (۲۲۲)، تاریخ هنرهای ملی (۸۱۰ -۸۰۹ /۲)، خوشنویسان و هنرمندان (۱۲۷)، گلستان هنر (۳۱ -۲۹ ،۲۴)، مناقب هنروران (۱۰۶ ،۴۹).

گورکانی، شاه ملک

قرن:۹

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(ز ۸۷۱ ق)، خطاط. از نوادگان امیر تیمور گورکانی بود. از آثار او: قرآن سلطانی مذهب، به خط ریحان سه دانگ جلی متوسط و رقاع سه دانگ خوش، با رقم: «لقد تشرفت بکتابه هذه المصحف المجید... شاد ملک بنت محمد سلطان بن جهانگیر بن امیر تیمور گورکان... سنه احدی و سبعین و ثمانمائه الهجریه» (۸۷۱)، در موره اسلامی ترک.[۱]

ز ۸۷۱ ق، از زنان خوشنویس. وی از نوادگان امیر تیمور گورکان (۸۰۷ -۷۷۱ ق) بود. قرآن سلطانی مذهب، به خط ریحان سه دانگ جلی متوسط، رقاع سه دانگ خوش در «موزه اسلامی ترک» موجود است که رقم «... الامهٔ المذنبه المعترفهٔ... شاذ ملک بنت محمد سلطان بن جهانگیر بن امیر تیمور گورکان...» و تاریخ «سنه احدی و سبعین و ثمان مائهٔ الهجریه» (۸۷۱ ق) را دارد.[۲]

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۸۲ -۱۰۸۱ /۴)، مشاهیر زنان (۱۳۱).

[۲] منبع: احوال و آثار خوشنویسان، ۱۰۸۲ -۱۰۸۱.

گورگانی، الغ‌بیگ

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۵۳ -۸۵۰ ق)، منجم و شاعر. وی پسر شاهرخ تیموری بود، و در زمان حیات پدر از ۸۱۴ ق حکمرانی ترکستان و ماوراءالنهر داشت. در لشکرکشی هند و کابل و بعضی لشکرکشی‌های دیگر با جد خود تیمور همراه بود. در ۸۲۴ ق رصدخانه‌ی معروف سمرقند را بنیان گذاشت، و زیج‌الغ بیگی را به کمک علماء مشهوری مانند غیاث‌الدین جمشید و معین‌الدین کاشانی و قاضی زاده‌ی رومی که در دستگاه او بودند، در ۸۴۱ ق به پایان آورد. الغ بیگ بعد از وفات پدر به سلطنت نشست اما در پی شورش فرزندش به دست او کشته شد الغ بیک نه تنها به نجوم و ریاضی علاقه‌مند بود که در سرودن شعر هم توانا بود. در تذکره‌ها اشعاری به نام وی نقل کرده‌اند. از آثار وی: «زیج‌الغ بیگی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی(۵۴۰ -۵۳۸)، تذکره‌ی روز روشن(۷۵)، حبیب السیر(۳۴ -۳۲ ،۲۱ -۲۰ /۴)، دایرةالمعارف فارسی(۲۱۰ /۱)، الذریعه(۹۰ -۸۹ /۹)، فرهنگ سخنوران (۸۱)، مجالس النفائس(۱۲۵)، مؤلفین کتب چاپی(۶۵۰ -۶۴۹ /۱).

گوگانی، عبدالعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۵ ق)، منجم و ریاضیدان. اصلش از قریه‌ی گوگان تبریز بود. وی مدت‌ها نزد میرزا اسدالله هزار جریبی منجم باشی شاگردی کرد و علم نجوم را نزد او تکمیل نمود. میرزا عبدالعلی در احکام نجوم و استخراج تقویم متبحر بود. از آثارش: شرح «سی فصل»، در معرفت تقویم خواجه نصیرالدین طوسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۲۵۷)، الذریعه (۳۱۱/ ۱۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۱۲۴/ ۲)، المآثر و الآثار (۲۲۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۷۸ -۸۷۷/ ۳).

گوگدی گلپایگانی، محمد باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۲ ق)، عـالم دینی و فقیه اصولی. اصـل وی از گوگـد گلپایگان بود. از شاگردان برجسـته‌ی آخونـد خراسانی بود. بعـد از تکمیل مراتب علمی به تهذیب نفس و عبادت و ریاضت مشغول شد. سید صادق بن سید عباس لشت نشائی رشتی از شاگردان وی بود، که کتب وی را در اختیـار داشت. در کربلا از دنیا رفت و در آنجا دفن شـد. از آثارش: کتابی در اصول، در دو مجلـد، فراگیر: «الاستصحاب»، «التعادل و التراجیع»؛ کتابی در «فقه»، در دو مجلد، به ضمیمه‌ی بحث «الخلل»، در نماز و «الخیارات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الذریعه (۲۷۹، ۲۴۷/ ۷، ۲۰۳/ ۴، ۲۴/ ۲)، طبقـات اعلام الشیعه (قرن ۱۹۰/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشـمندان (۴۲۰/ ۶)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۱۲ -۱۱۱۱/ ۳)، معجم المؤلفین (۹۰ -۸۹/ ۹).

گوگدی گلپایگانی، محمد تقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۲ ق)، عـالم دینی و فقیه. معروف به حـاج آخونـد گوگـدی و یـا حاج آخونـد گلپایگانی. از بزرگان علمای گوگـد و برادر بزرگ ملا زین‌العابـدین گلپایگانی بود. او در روسـتای گوگـد درگذشت. از آثار وی: «سـراج النجاة فی کشف المقامات لتحصـیل السعادات»، در مواعظ و اخلاق، در دو مجلـد، که مجلـد اول آن در ۱۲۷۱ ق در اصـفهان پایان پذیرفته است. به آورده‌ی شـیخ آقا بزرگ تهرانی در «الذریعه» و «طبقات اعلام الشیعه»، در حاشیه‌ی نسخه‌ی موجودی از این کتاب، به خط مؤلف، تاریخ ۱۳۰۲ ق ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶۳/ ۱۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۵۶ -۲۵۵/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۲۵، ۴۲۰ -۴۱۹/ ۶).

گونیلی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۷۰ -۱۲۸۳ ش)، اسـتاد دانشـگاه و نویسنده. تحصیلات متوسطه را در دارالفنون به پایان برد و سپس در دانشسرای عالی درس خوانـد. وی از دانشـگاه تهران در رشـته‌ی تاریـخ و جغرافیا موفق به اخـذ مـدرک دکترا گردید. گونیلی اسـتاد دانشـکده‌ی الهیات و معارف اسـلامی در دانشـگاه تهران بود و جغرافیای تاریخی ممالک اسلامی را تدریس می‌نمود. او بنا به دعوت علی اکبر سیاسی به دبیرخانه‌ی دانشـگاه تهران رفت و امور دفتر بازرسـی دانشـگاه به وی محول شد و سـرانجام در هشـتاد و هفت سالگی درگذشت. از آثارش: «جغرافیای ممالک اسلامی قاره‌ی آفریقا».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینده (س ۱۷، ش ۱۲ -۹، ص ۸۷۵ -۸۷۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۰۳۹/ ۱).

گوهر قاجار

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س سـیزدهم و چهاردهم ق)، منجم و شاعر. ملقب به شمس‌الشـعراء یا شمسهٔ الشعراء. مادرش طیغون خانم، دختر فتحعلی شاه قاجار بود. گوهر در اصفهان زندگی می‌کرد و از علم نجوم و ستاره‌شناسی آگاه داشت. گذشته از آن در شاعری به ویژه در قصیده‌سرایی توانـا بـود و ظـاهرا در مکتب قـاآنی به پرورش طبع خود در قصیده‌سـرایی پرداخته است. او در قصیده پیرو سـبک عراقی و در غزل بیشتر پیرو سـبک سـعدی و گاه حافظ بود. بعضـی از قصایـدش در سـتایش ائمه اطهار (ع)، و نیز در مـدح ناصـرالدین شاه (۱۳۱۳ - ۱۲۶۴ ق) و مـادر و بعضـی از دختران او می‌باشـد. از آثارش: «دیوان» شـعر یا «گوهریه» مشـتمل بر شـش هزار بیت قصـیده و غزل و رباعی و قطعه و مثنوی و یک تضمین از غزل سعدی.[۱]

ز ۱۳۱۹ ق، حـاجی گوهر خـانم ملقب به شمسهٔ‌الشـعراء از زنـان منجم و شاعر. وی دختر موسـی خان قاجار و مادرش حاجیه طیغون

خانم، دختر فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) بود. مؤلف خیرات حسان او را زنی بادانش، نویسنده، باکمال، پاکدامن و دارای خصایل نیکو می‌داند. وی در سرودن شعر، بویژه قصیده توانا بود. قصایدش در مدح ائمه اطهار (ع)، ناصرالدین شاه (۱۳۱۳ -۱۲۶۴ ق)، مادر و برخی از دختران اوست که به نام دیوان گوهریه مشتمل بر شش هزار بیت قصیده، غزل و رباعی چاپ شده است (۱۳۲۰ ش). از اشعار اوست:

پیغمبری که اشرف اولاد آدم است
یک پایه‌ای ز منبر او عرش اعظم است
ختم رسل شفیع جزا فخر کاینات
مخلوق حق و خالق مخلوق عالم است
یا رب آن شمع شب افروز که جانان من است
ز چه رو در طلب سوختن جان من است
آنکه دارد به رخش مجمع زیبایی را
چه غم از حال دل زار پریشان من است
به تماشای گل و لاله مرا حاجت نیست
چون خط طلعت او سوری و ریحان من است
با رخ انور او شمع به محفل مفروز
زانکه شمع رخ او شمع شبستان من است
حاصل عشق بتان خود همه جان باختن است
عقل در باختن جان ز چه حیران من است
دردها بس بنهادی به دل از درد فراق
کی دگر در پی کوشیدن درمان من است
یار زیبا رخ شمشاد قدم هر چه کند
نتوان دم زدن از جور که سلطان من است
گفت «گوهر» نه دل توست که در بند بلاست
ای دو صد یوسف مصری که به زندان من است[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از رابعه تا پروین (۲۰۳ -۱۹۱)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۸۱۴ -۸۱۳)، الذریعه (۲۵۲/ ۱۸ ،۹۳۶/ ۹)، زنان سخنور (۱۱۸ -۱۱۲/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۸۳)، لغت‌نامه (ذیل/ گوهر قاجار)، مشاهیر زنان (۲۰۱ -۲۰۰)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱۷/ ۵).

[۲] منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره ششم، ۵۵؛ از رابعه تا پروین، ۲۰۳ -۱۹۱؛ خیرات حسان؛ ۴۷ / ۳؛ دیوان گوهریه؛ الذریعه، ۹۳۶ / ۳؛ زنان سخنور، ۱۱۸ -۱۱۲ / ۲؛ لغت‌نامه دهخدا، ش ۵۹۹ / ۱۰۱؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ۱۱۸ / ۵.

گوهر قراچه داغی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۶ ق)، عالم دینی و شاعر. او از شاگردان شیخ احمد بن زین‌الدین احسائی و سید کاظم رشتی (م ۱۲۵۹ ق) بود و به دریافت اجازه از اساتیدش نایل شد. او به فرقه شیخیه گرایش یافت. عده‌ای دلیل این گرایش را شاگردی شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی می‌دانند. او در ردیه‌ای که بر ملا محمد جعفر استرآبادی نگاشت کلمات شیخ احمد احسائی را، در «شرح الزیارهٔ»، توجیه کرد. در مکه درگذشت و در وادی قریش (گورستان ابوطالب) دفن شد. از آثار وی: «لمعات انوار الهدایهٔ و الرشاد فی دقائق احوال المبدأ و المعاد»؛ «البراهین الساطعهٔ»، در مبدأ و معاد؛ شرح «حیاهٔ الارواح» محمد جعفر شریعتمدار استرآبادی بر کلمات شیخ احمد احسائی، در مبدأ و معاد؛ «رسالهٔ فی الصلاهٔ»؛ «رسالهٔ فی الصوم»؛ شرح «خطبهٔ الرضا (ع)»، در توحید؛ «مخازن جواهر اسرار التنزیل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۱۰ -۲۰۹/ ۵)، حدیقهٔ الشعراء (۱۴۸۳ -۱۴۸۲/ ۲)، الذریعه (۱۶۵/ ۲۰ ،۱۱۵/ ۷ ،۱۷۴/ ۵ ،۸۱ -۸۰/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۴۲ -۳۴۱/ ۱۳)، طرائق الحقائق (۳۳۸/ ۳)، معجم المؤلفین (۲۵۸/ ۳)، مکارم الآثار (۱۸۴۳/ ۵ ،۱۱۳۶/ ۴ ،۲۱۸ -۲۱۷/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۲ -۶۰۱/ ۲).

گوهرشاد

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

از هنرمندان نامی خوش نویس قرن یازدهم هجری و یکی از بزرگ ترین نستعلیق نویسان زمان خود محسوب می شد ، وی در سال ۱۰۳۸ هجری درگذشت ، یک نسخه گلستان سعدی به خط او در کتابخانه ی سلطنتی وجود دارد .

منابع زندگینامه :راه کمال شماره ۲۴

گوهرشاد بیگم

قرن:۹

جنسیت:زن

ملیت:ایران

زن سلطان شاهرخ میرزا ابن امیرتیمور گورکانی. وی یکی از زنان نیکوکار نامدار بود و از آثار و ابنیه‌ی خیریه‌ی او مسجد جامع، مدرسه و خانقاه شهر هرات و مسجد جامع مشهد می‌باشد که در هر دو شهر بنام «مسجد گوهرشاد» معروف هستند. او در سال ۸۶۱ ه.ق به دستور سلطان ابوسعید در هرات کشته شد و در جنب قبر فرزندش شاهزاده بایسنقر میرزا در مسجد گوهرشاد هرات مدفون گردید. قبر او اکنون باقی است.

(مقتول ۸۶۱ ق)، شاعر و نیکوکار. خواهر امیر قرایوسف (۸۰۲ -۷۹۰ ق) و همسر شاهرج میرزای تیموری (۸۵۰ -۸۰۷ ق) بود. گرچه در «ریاحین الشریعه» به اشتباه ، وی دختر شاهرخ بن تیمور ذکر شده است. وی به تاریخ و ادبیات علاقه داشت و مهری هروی، شاعر نامدار قرن نهم قمری، مصاحب و ندیمه‌ی او بود. او به فرمان سلطان ابوسعید تیموری (۸۷۳ -۸۵۵ ق) در هرات کشته شد و قبرش در جوار قبر فرزندش بایسنقر میرزا در مسجد گوهر شاد آن شهر است. از آثار وی: مسجد جامع گوهرشاد هرات؛ مدرسه و خانقاه شهر هرات؛ مسجد جامع گوهرشاد مشهد، در جنب مرقد امام رضا (ع)؛ دو رواق «دارالحفاظ» و «دارالسیاده»، در حرم امام رضا (ع) و اطراف آن.[۱]

۹ رمضان ۸۶۱ ق، از زنان ادب دوست، هنرپرور و خیر. وی خواهر امیر قره یوسف (۸۰۲ -۷۹۰ ق) و همسر شاهرخ میرزای تیموری (۸۵۰ -۸۰۷ ق) بود. او به تاریخ و ادبیات علاقمند بود و مهری هروی شاعره نامدار قرن نهم، مصاحب و ندیمه او بود. گوهرشاد بیگم آثار و ابنیه زیادی از خود برجای گذشت که می‌توان از مسجد جامع، مدرسه و خانقاه شهر هرات و مسجدی نیز در جنب مرقد امام رضا (ع) نام برد (۸۲۱ ق) که این دو مسجد به نام خود وی، به مسجد گوهرشاد، معروفند و از شاهکارهای هنر معماری و کاشیکاری قرن نهم هجری به شمار می‌رود. همچنین آثار ارزنده‌ای در حرم امام رضا (ع) و اطراف آن پدید آورد، از جمله دو رواق «دارالحفاظ» و «دارالسیاده» را بنا کرد. معمار این دو رواق و دو مسجد در هرات و مشهد، قوام‌الدین شیرازی بود. در سال ۸۵۰ ق که شاهرخ میرزا به قصد سرکوبی سلطان محمد بایسنقر به اصفهان لشکرکشی کرد، جمعی از سادات، بزرگان و علمای آن شهر را به اتهام همکاری با سلطان محمد دستگیر و تبعید نمود. به تحریک گوهرشاد خاتون، شاه علاءالدین محمد که از سادات و بزرگان و نقبای اصفهان بود به دار آویخته شد. در زمان سلطنت ابوسعید تیموری (۸۷۳ -۸۵۵)، گوهرشاد بیگم به اشاره وی در هرات کشته شد و در جنب قبر فرزندش بایسنقر میرزا در مسجد گوهرشاد آن شهر دفن گردید و قبر هم‌اکنون موجود است. نام او را گوهرشاد آغا نیز نوشته‌اند.[۲]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۸۳، ۳۹/ ۴)، تاریخ هنرهای ملی (۲۶۴/ ۱)، تذکرهٔ الشعراء (صفحات متعدد)، دایرهٔ المعارف فارسی (۲۴۳۹/ ۲)، ریاحین الشریعه (۴۳/ ۵)، کارنامه‌ی زنان (۵۸ -۵۷)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۳۳۴ -۳۳۳)، لغت‌نامه (ذیل/ گوهر شاد بیگم)، مشاهیر زنان (۲۰۰).

[۲] منابع: اعلام‌النساء ۲۶۸ / ۴ تاریخ ادبیات در ایران، ۵۶۹ / ۴؛ تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی، ۲۶۴ / ۱؛ جواهرالعجایب (تعلیقات) ۲۹۳؛ دایرهٔالمعارف بزرگ اسلامی، ۳۴۱ / ۱؛ دایرهٔالمعارف فارسی، ۲۴۳۹ / ۲؛ ریاحین‌الشریعه، ۴۳ / ۵؛ فرهنگ فارسی، ۱۷۴۹ / ۲؛ کارنامه‌ی زنان، ۵۸ -۵۷؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ۳۳۴ -۳۳۳؛ لغت‌نامه دهخدا، ش ۵۹۷ / ۳۰.

گوهری بروجردی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۲ ش)، شاعر، متخلص به گوهری. در محله‌ی صوفیان بروجرد به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در زادگاه خویش در ۱۲۹۷ ش به تهران آمد. اشعارش در مجله‌ی «پیمان» به چاپ می‌رسید. از اوست:

باز کن ای ساقی رندان در میخانه را

نیست با فرزانگان راهی من دیوانه را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۳۱۰۰ -۳۰۹۶/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۷۸۳).

گوهرین، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۴ -۱۲۹۳ ش)، نویسنده، محقق، مدرس و مصحح. صرف و نحو را در مدارس قدیم آموخت. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه، از دانشسرای عالی در رشته‌های ادبیات فارسی و فلسفه لیسانس گرفت. وی در ۱۳۱۹ ش تدریس ادبیات و فلسفه و روان‌شناسی در دبیرستان‌های تهران را به عهده داشت و در ضمن خدمت موفق به اخذ درجه‌ی دکترا در رشته‌ی ادبیات فارسی شد و رساله‌ی خود را در لغات و آثار مولا جلال‌الدین رومی، به نام «فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی»، در شش مجلد تدوین کرد. از دیگر آثار وی: «حجهٔ الحق ابوعلی سینا»؛ «پیر چنگی»، حکایاتی از مثنوی؛ مقدمه‌ای بر «شمس الحقائق»؛ تصحیح و تعلیقات «منطق الطیر» عطار نیشابوری؛ «داستان بهرام گور»؛ تصحیح و تعلیقات «اسرار نامه» عطار نیشابوری؛ «شرح اصطلاحات تصوف».[۱]

ادیب، محقق.

تولد: ۱۲۹۳.

درگذشت: ۶ آذر ۱۳۷۴، تهران.

سید صادق گوهرین صرف و نحو عربی را در مدرسه‌های قدیم فراگرفت و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در رشته‌های ادبیات فارسی و فلسفه از دانشسرای عالی لیسانس گرفت. وی ضمن تدریس در دبیرستان‌ها در دوره‌ی دکترای فارسی نیز به تحصیل پرداخت و «لغات مثنوی» را موضوع پایان‌نامه خود قرار داد. این رساله که به چاپ رسید، مهم‌ترین اثر گوهرین است. او در کنار تدریس در دانشکده‌های ادبیات دانشگاه تهران و دانشگاه شهید بهشتی چند کتاب نیز تألیف و تصحیح کرد.

از جمله آثار وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: حجهٔالحق ابوعلی سینا (۱۳۳۱)؛ پیر جنگی؛ حکایاتی از مثنوی (این اثر به تفاریق میان سال‌های ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۵ منتشر شده است)؛ تصحیح اسرارنامه شیخ عطار (۱۳۳۸)؛ تصحیح منطق الطیر عطار (۱۳۴۲)؛ داستان بهرام گور (از شاهنامه فردوسی، ۱۳۴۳)؛ شیخ صنعان (از منطق الطیر، ۱۳۴۴)؛ شرح اصطلاحات تصوف (۱۳۶۷). وی مقاله‌هایی نیز در مجله‌های «مردم» و «ستاره صلح» و «راهنمای کتاب» به چاپ رسانده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۶۸، ۳۱۳۶، ۲۸۱۴، ۲۴۳۹، ۲۱۸۷، ۲۱۶۴/ ۲، ۱۳۲۵، ۱۱۵۲ -۱۱۵۱، ۶۴۰ - ۶۳۹، ۲۱۰/ ۱)، فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (۵۰۰/ ۳).

گویا کرمانشاهی، غلامعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۵ / ۱۳۴۲ -۱۲۸۲ ش)، شاعر، متخلص به گویا. وی ابتدا در شعر زجاجی تخلص می‌کرد سپس تخلص گویا را برگزید. در کرمانشاه به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در زادگاه خود به استخدام فرهنگ درآمد و حین تدریس ادامه‌ی تحصیل داده موفق به اخذ لیسانس گردید. وی از اعضای ثابت انجمن ادبی کرمانشاه، به ریاست محمد جواد شباب، بود. کرمانشاهی در قم به خاک سپرده شد. از اوست:

به بزم چون بت من جام می به دست بگیرد

اساس توبه عجب نیست، گر شکست بگیرد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۳۶۴/ ۲)، سخنوران نامی معاصر (۳۱۰۵ -۳۱۰۱/ ۵).

گویا، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی عمران، دانشکده: فنی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی راه و ساختمان از دانشکده فنی دانشگاه تبریز، دکترای حرفه‌ای راه و ساختمان از دانشکده فنی دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۴، کارشناسی ارشد مکانیک کاربردی از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۴۵، کارشناسی ارشد مکانیک جامدات از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۴۷ و دکترای تخصصی سازه‌های بتون آرمه از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۴۹.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده فنی دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی رفتار تیرهای بتون آرمه زیر اثر نیروهای ایستایی و ضربه (بدون فولاد فشاری)، بررسی تاثیر ضربه و نیروی ایستایی بر تیرهای بتونی، بررسی رفتار الوار چوبی زیر ضربه و ایستایی، بررسی تاب نهایی قابهای بتون آرمه زیر بارهای ایستایی و ضربه، بررسی تاب

نهایی تیرهای بتون آرمه از دیدگاه فولادهای فشاری و برشی، بررسی رفتار و تاب نهایی نمونه‌های بتونی مکعبی و استوانه‌ای زیر ضربه با متغیرها، بررسی رفتار تیوقوسهای بتون آرمه زیر ضربه، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر بیش از ۱۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

تأسیسات زاینده‌رود و سده شاه عباس کبیر و ساختمانهای وابسته، پیش بابی عمل ابعاد قابها یا طبقه‌های متعدد، ترکهای ساختمانها ناشی از پدیده‌های فیزیکی طبیعی، زمین لرزه و اثر آن روی ستونهای ساختمانهای بتون آرمه در مناطق زلزله‌خیز، بررسی اصل لولیت در مورد تیرهای بتون آرمه با مقطع عرضی مستطیلی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

گویای بواناتی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به فارس. اصل وی از بوانات فارس بود. وی فنون شعری را نزد میرزا ملک مشرقی طوسی (م ۱۰۵۰ ق) فراگرفت و بعد از فوت میرزا ملک در قهوه خانه قصه‌ی حمزه می‌خواند. به هند مسافرت کرد و بعد از مدتی مراجعت به وطن دوباره به هند رفت و در آنجا فوت شد. از آثار وی: «دیوان» شعر، قریب به چهار هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۵۹۵ -۵۹۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۰۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۴ -۴۲/ ۴)، الذریعه (۱۰۰۱ ،۹۳۷/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۸۳ ،۶۸۰)، کاروان هند (۹۷۱ -۹۷۰/ ۲)، مرآت الفصاحه (۴۴۴ -۴۴۳).

گویری، اردشیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی برق، دانشکده: علوم، دانشگاه: رازی کرمانشاه

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فیزیک از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۱، کارشناسی ارشد فیزیک (الکترونیک) از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد کنترل از دانشگاه منچستر انگلستان در سال ۱۳۴۸ و دکترای مهندسی برق از دانشگاه منچستر در سال ۱۳۵۱.

مرتبه علمی:

استادیاری مؤسسه علوم و فنون هسته‌ای دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۵۷، دانشیار گروه فیزیک دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۵۸، دانشیار گروه فیزیک دانشگاه رازی از سال ۱۳۶۸.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ماشینهای حسابگر الکترونیکی، مطالعه اقتصادی نیروگاههای هسته‌ای در ایران و گزینش مناسبترین سیستم انتقال نیرو، تدریس دروس الکترونیک، ریاضی فیزیک، فیزیک پایه I، ریاضیات، زبان تخصصی و مهندسی هسته‌ای در دانشگاههای رازی کرمانشاه و تهران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مسائل مختلف فیزیک، کنترل و مهندسی برق و ریاضی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

فیزیک الکترونیک، آشکارساز فاز، یک بررسی از همایش انتقال تکنولوژی هسته‌ای، روش تصحیح جابجائی و دوره سوخت راکتورهای هسته‌ای.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

گیتی، ناصر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۳ ش)، استاد دانشگاه، پزشک و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در دبیرستان ثروت و تحصیلات عالیه را در دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه تهران در ۱۳۱۹ ش به پایان رساند. سپس پایان نامه‌ی خود را درباره‌ی « پروتئیوتراپی در دیابت» با درجه‌ی ممتاز گذراند و بعد عهده‌دار مشاغل مختلفی از جمله: دستیاری آزمایشگاه فیزیولوژی، دانشیاری کرسی فیزیولوژی، استادی بی‌کرسی کالبد شناسی بود. در ۱۳۲۹ ش برای مطالعات علمی به آمریکا رفت. از دیگر آثار وی: «تکنیک فیزیولوژی»؛ «طب تجربی»؛ «طب تجربی و فیزیولوژی تجربی»؛ «فیزیولوژی بالینی»؛ «فیزیولوژی طبیعی و فیزیوتولوژی دستگاه بینایی».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :چهره‌های آشنا (۵۰۹ -۵۰۸)، الذریعه (۴۰۴، ۴۰۳/ ۱۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۴۹۹، ۲۳۸۵، ۲۲۴۹/ ۲ ، ۹۴۴/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۱۰)، مؤلفین کتب چاپی (۵۱۴ -۵۱۳/ ۶).

گیلانی استرآبادی، عبدالوحید

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، فقیه، مفسر، متکلم و عارف. معاصر شیخ بهائی (م ح ۱۰۳۰ ق) و از شاگردان وی به حساب می‌آمد. در «ریاض العلماء» نزدیک به شصت اثر به وی نسبت داده شده است. از آثار وی: «الآیات البینات فی خلق اللّه الارض و السماوات»؛ «اسرار القرآن فی تفسیر الفرقان»؛ «الحبل المتین فی آداب الدعاء و الداعی»؛ «اثبات الشوق»؛ رساله «اعلی علیین»، در معنی عبادت؛ «آینه‌ی غیب نما»، در اسرار و احوال قلب، به فارسی؛ «اسرار التوحید»، در شرح اسم اعظم؛ «انیس الواعظین» صغیر و وسیط و کبیر؛ «طب القلوب»، در معالجه امراض روحی؛ «کشف الغطاء فی اسباب الضلال و الغرور»؛ «میزان العدالهٔ»، در فقه؛ «تهذیب الاخلاق فی تزکیهٔ النفس»؛ «نثار السماع»، در تصوف؛ «البرزخ الجامع»؛ «الجنهٔ النعیم»؛ «معراج السماء»، در وصف علم و علماء؛ «معیار الصلاهٔ»، در اسرار نماز.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۳۱/ ۸)، الذریعه (۳۱۵/ ۲۳، ۴۶/ ۱۸، ۱۴۳/ ۱۵، ۲۳۹/ ۶، ۲۴۳، ۵۴/ ۴۳/ ۲، ۹۶، ۵۴، ۵۳- ۴۷، ۴۶- /۱)، ریاض العلماء (۲۸۶ -۲۸۴/ ۳)، ریحانه (۱۱۷/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۶۳ -۳۶۱/ ۱۱)، فوائد الرضویه (۲۶۰).

گیلانی دوانی، ابوالفتح مسیح الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۷ ق)، طبیب، شاعر و خطاط. پدرش در دانش پزشکی و روانشناسی و حکمت معروف زمان خود بود. حکیم ابوالفتح چنان که از قول تذکره‌نویسان برمی‌آید، در شعر دست داشته و در نوشتن خط نستعلیق نیز استاد بوده است. وی پس از مرگ پدرش به سال ۹۸۳ ق در زندان پادشاه صفوی، همراه دو برادر خود حکیم همان گیلانی و نورالدین قراری، شاعر زمان، به هندوستان مهاجرت کرد و به دربار جلال‌الدین اکبر پادشاه گورکانی راه یافت. بر اثر حذاقت در مداوای بیماران و دقت در روانشناسی که با تواضع و پاک نظری همراه بود، منزلتی عظیم یافت و محسود همگنان گردید. با این همه، از یاری رساندن به اهل دانش دریغ نداشت. از تألیفات وی: «افادات حکیم ابوالفتح»؛ «رقعات حکیم ابوالفتح یا چهارباغ» مشتمل بر نامه‌های او؛ «قیاسیه»، در حکمت؛ دو مثنوی به نامهای «مظهر الاسرار» و «ضیاء النیرین»؛ مجموعه‌ی اشعار خطی و اشعاری در جنگ «کنوز الشعرا».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۹ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۶۹ -۴۶۶ /۵)، تاریخ نظم و نثر (۸۳۳، ۵۴۲ -۵۴۱)، تذکره‌ی میخانه (۲۱۸)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۷۶)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۱۰۸ -۱۰۷ /۱)، الذریعه (۳۰۰، ۲۳۸/ ۱۹ ، ۱۳۱ /۱۵، ۴۶/ ۹)، صبح گلشن (۱۳ -۱۲)، لغت نامه (ذیل/ ابوالفتح)، کاروان هند (۱۵ -۱۳ /۱)، نامها و نامدارهای گیلان (۱۴ - ۱۲).

گیلانی رشتی، شعبان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شعبان بن مهدی بن عبدالوهاب گیلانی رشتی نجفی از اعلام فقهاء و مراجع تقلید در عصر خود بوده.

جد آن بزرگوار میرزا عبدالوهاب از خراسان هجرت به گیلان نموده و در آنجا رحل اقامت افکنده و وی در نیمه ماه شعبان ۱۲۷۵ ق متولد شده و پس از رشد و فراگرفتن اولیات و ادبیات از اهل فضل رشت مانند حجهٔالاسلام آمیرزا حسین مدرس به قزوین آمده و خدمت شیخ عبدالوهاب بهشتی و آیت‌اللّه آسید علی مؤلف حاشیه (قوانین الاصول) متون فقه و اصول را خوانده و در سال ۱۳۰۲ ق مهاجرت به نجف اشرف نموده و ملازمت علامه کبیر آیت‌اللّه العظمی میرزا حبیب‌اللّه رشتی و علامه ملا محمد فاضل ایروانی و علامه جلیل شیخ حسن مامقانی و علامه شیخ محمد فاضل شربیانی و آیت‌اللّه شیخ عبداللّه مازندرانی و دیگران را اختیار نموده و از محاضر آنان استفاده کرده

و در سال ۱۳۱۸ ق با علامه شیخ هاشم بن ابراهیم ابن عبدالوهاب انصاری متوفی ۱۳۱۱ قمری وصلت نموده و از خواص شاگردان و اصحاب علامه مازندرانی گردیده و در میان اهل علم به فضل و تقوا و دقت نظر مشهور گشته و عده زیادی از فضلاء رشت و غیره اطرافش را گرفته و به تدریس خارج فقه و اصول پرداخته و جمع کثیری از علماء و مجتهدین از محضرش استفاده و به مقام عالی علم و کمال رسیدند.

و همین موجب شد که هزاران نفر در تقلید به وی رجوع نموده و رساله علمیه‌اش هشت مرتبه بطبع رسید غالب مردم گیلان و رشت از ایشان تقلید می‌نمودند و معظم له گذشته از مقامات علمی دارای مقامات عالیه معنوی و اهل باطن و پرهیزکار و کثیرالعباد بود و چندین سال به وظائف شرعی از تدریس و امامت و تألیف اشتغال داشت تا در صبح روز سه‌شنبه ۲۴ شوال ۱۳۴۸ قمری وفات نموده و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ علی زاهد قمی بر وی نماز خواند و در وادی‌السلام نزدیک قبر جناب هود و صالح پیغمبر علیهماالسلام مدفون گردید و تاریخ وفات او را علامه شیخ محمد سماوی چنین گفت:

یالهفهٔ الاسلام من فقد امرء

کان له من اعظم الارکان

قد زال اقصی اللب حین ارخوا

انهدم الاسلام فی شعبان

دارای آثار علمی زیر می‌باشد

۱- صلوهٔ المسافر ۲- القضاء ۳- احکام الخلل ۴- المتاجر ۵- مباحث الالفاظ ۷- اصول العملیه والقطع والظن والتعادل والتراجیح و چندین رسائل علمی دیگر

سه فرزند دانشمند و فاضل دارد ۱- آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالحسین فقیهی متولد ۱۳۲۱ ق که ترجمه‌اش در ج ۲ گنجینه ص ۲۲۲ گذشت

۲- حاج شیخ ابوالحسن خطیب گیلانی مؤلف (تفسیر سوره یوسف) متولد ۱۳۲۱ ق که بالغ بر بیست تألیف دارد

۳- آشیخ مرتضی گیلانی متولد ۱۳۳۵ قمری

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

گیلانی غیاث الدین، محمود بن سلیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «کلیات» وحشی، به قلم کتابت خوش، به شیوه‌ی عبدالجبار اصفهانی، با رقم: «تمت الکتاب المسمی بدیوان الوحشی... کتبه العبد غیاث‌الدین محمود بن سلیم گیلانی»؛ یک نسخه «رساله‌ی احکام سعد و نحس در روزهای هفته»، به قلم کتابت جلی خوش، با رقم: «قد وقع الفراغ... سنه‌ی ۱۰۸۶، العبد الضعیف المذنب غیاث‌الدین محمود بن سلیم گیلانی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۷۶ / ۳).

گیلانی لنبانی اصفهانی، محمد حسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۲۹ ق)، عالم دینی، مدرس و مصنف. به همراه پدرش از گیلان به اصفهان رفت و در محله‌ی لنبان ساکن گردید و در مدرسه‌ای که معروف است امام حسن مجتبی (ع) در زمان خلیفه دوم در حین سفرش به ایران به آنجا آمده، تدریس کرد. وی از ملا محمد صادق بن ملا محمد تنکابنی سراب، در ۱۱۲۳ ق، صاحب اجازه شده و خود به ملا محمد تقی اصفهانی مشهور به ملا تقیا اجازه داده است. صاحب «ریاض» گوید که او عالمی پرهیزکار بود و در فراگیری فقه و حدیث با من مشارکت داشت. او در مقبره‌ی آقا حسین خوانساری در تخت فولاد مدفون است. از آثار وی: شرح «صحیفه‌ی سجادیه»؛ «اصول العقاید»؛ حاشیه بر «ذخیرهٔ المعاد»؛ حاشیه بر «الروضهٔ البهیهٔ»؛ «الزکاهٔ»؛ «رسالهٔ فی صلاهٔ الجمعهٔ»، در وجوب آن؛ «المزار»، رساله‌ای در «زیارات»؛ شرح «مفاتیح الشرایع» محدث کاشانی؛ حاشیه بر «الذخیرهٔ» سبزواری؛ «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۷۷ -۴۷۶/ ۵)، تذکرهٔ القبور (۲۸۸)، الذریعه (۳۲۳، ۳۱۷/ ۲۰ ، ۷۰/ ۱۵ ، ۷۶/ ۱۴ ، ۳۵۰/ ۱۳ ، ۴۲/ ۱۲ ، ۹۴ ، ۸۶/ ۶ ، ۱۹۷/ ۲ ، ۱۹۸ ، ۱۸۲ ، ۱۸۱- ۱/)، روضات الجنات (۳۴۹ -۳۴۷/ ۲)، ریحانه (۱۳۷/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۹ - ۲۱۸/ ۱۲)، فوائد الرضویه (۱۳۲)، معجم المؤلفین (۳۱۸/ ۳).

گیلانی نجفی، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۱ ق)، عـالم دینی، فقیه اصولی و شـاعر. در نجف به دنیـا آمـد. سـطوح را در محضـر شـیخ محمـد علی چهـاردهی گیلانـی فراگرفت. او همچنین مـدتی در محضـر میرزای شـیرازی و میرزا حبیب‌اللَّه رشتی و نیز آیت‌اللَّه شـریعت اصـفهانی تلمذ نمود. پس از اتمـام تحصـلات به رشت رفت و در آنجـا به تـدریس و تحقیق پرداخت. از آثارش: «آیات البینات» یا «بیان الآیات بالزبر و البینات»؛ «اصول العقائـد الدینیـهٔ»؛ «حـل العقود»؛ «مختصـر المجمـل»؛ «تـذکرهٔ المؤمنین»، در فضایل علمای عاملین؛ «کار در اسـلام»؛ «لایحه‌ی ملیه‌ی اسلامیه»، در رد فرقه‌ی بابیه و بهائیه؛ «وسیلهٔ العفایف» یا «طومار عفت».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الذریعه (۸۰/ ۲۵ ، ۱۸۳/ ۱۵ ، ۷۲/ ۷ ، ۴۹/ ۴ ، ۱۷۵/ ۳ ، ۴۷/ ۱)، معجم رجـال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۱۷/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۹۰۲ -۹۰۱/ ۶).

گیلانی، احمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۰۵ -۹۴۲ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به احمد. پدرش کارکیا، نهمین امیر کیاییان لاهیجان و خود نیز آخرین امیر این خاندان بود. در آغاز مـذهب زیدیه داشت اما، به شـیعه‌ی اثنی‌عشـری گروید. در روزگار شاه طهماسب در قلعه‌ی قهقهه حبس شد و پس از چنـدی آزاد و مجـددا بـه حکـومت گیلاـن برگزیـده شـد. امـا از بیـم سـلطان صـفوی بـه عراق عرب گریخـت و در خـاک عثمـانی درگـذشت. وی مردی ادیب و علاقه‌منـد به شـعر، موسـیقی، هیـات و حکمت بـود و دربـار او در ایـام حکـومت، یکی از بزرگـترین انجمنهای اجتماع دانشمندان و شاعران بود. آثار وی: «دیوان» اشعار؛ «منشآت».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبسیه در ادب فارسی (۹۹ -۹۷)، الذریعه (۲۷۶/۹)، عالم آرای عباسی (۱۱۳ -۱۱۰/ ۱)، مجمع الفصحا (۵ -۴/ ۱)، نامها و نامدارهای گیلان (۳۱ -۲۹).

گیلانی، اشرف الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیـد اشـرف الـدین گیلانی موسوم به نسـیم شـمال از شـعرای معروف و مردمی ،نویسـنده و روزنامه نگار دوره مشـروطیت، در سال ۱۲۸۷ ه.ق در قزوین متولد شد.وی پس از سپری نمودن تحصـیلات مقدماتی مدت پنج سال در نجف و کربلا به تحصیل علوم دینی پرداخت و مجددا به زادگاه خود بازگشت. سـید اشرف در بیست و دو سالگی به تبریز رفت و صرف و نحو، منطق ، نجوم و جغرافیا را فراگرفت و سـپس به گیلاـن رفت.اقـامت او در رشت و فعالیتهـای مطبوعـاتی سـید اشـرف الـدین مصـادف بود بـا امضـای فرمان مشـروطیت ؛سـید در شـهر رشت روزنامه‌ای ادبی و فکاهی با نام نسـیم شـمال را منتشـر کردکه انتشار آن تا انحلال و به توپ بسـتن مجلس شورای ملی ادامه یافت و در این زمان،که بشـدت مورد علاقه مردم گیلان قرار گرفته بود، توقیف شـد.نسـیم شـمال در سال ۱۳۲۷ ه.ق مجددا روزنامه خود را منتشر ساخت و از سال ۱۳۳۳ آن را در تهران انتشار داد که به شهرت و آوازه فراوانی دست یافت و مورد استقبال مردم قرار گرفت.او عاقبت دچار جنون شد و در دارالمجانین بستری شد و فوت کرد و در ابن بابویه مدفون شد

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : نویسنده ، شاعر و روزنامه نگار

والدین و انساب : سید اشرف قزوینی معروف به گیلانی فرزند سید احمد حسینی قزوینی است.

خاطرات کودکی : سـید اشـرف الدین گیلانی شش ماهه بود که یتیم شد، در یتیمی ملک و مال و خانه اش را غصب کرده اند و او دچار فقر و تنگدستی شده است.

تحصـیلات رسمی و حرفه ای : سید اشرف الدین گیلانی پس از سپری نمودن تحصیلات مقدماتی مدت پنج سال در نجف و کربلا به تحصـیل علوم دینی پرداخت و مجددا به زادگاه خود بازگشت. سـید اشـرف در بیست و دو سالگی به تبریز رفت و صرف و نحو،

منطق ، نجوم و جغرافیا را فراگرفت و سپس به گیلان رفت.

زمان و علت فوت : در سال ???? هجری قمری شایع کردند که سید اشرف الدین گیلانی به بیماری جنون مبتلا شده است و با این دستاویز وی را به تیمارستان بردند. و بازهم حق نا شناسی مردم را در زمان اقامتش در تیمارستان و در زمان مرگش می بینیم. سرانجام سیداشرف الدین قزوینی (گیلانی) در ?? اسفندماه سال ???? در دارالمجانین چهارراه قزوین تهران (حوالی میدان قزوین فعلی) جان به جان آفرین تسلیم کرد و در عین گمنامی در گورستان ابن بابویه تهران به خاک سپرده شد و تا سال های سال کسی نمی دانست گور او کجاست و بعدها به همت زنده یاد دکتر اسماعیل رضوانی و ابراهیم فخرایی مقبره او را یافتند و سنگی بر گورش نهادند، تا شاید روزگاری کسی کنار گور او گذشت و برایش فاتحه خواند. جالب است بدانید تا سال ???? ،گور او نامعلوم بود و به راهنمایی یکی از فرزندان پخش کنندگان نسیم شمال، گور او شناسایی شد. حافظا عشق و صابری تا چند ناله عاشقان خوش است بنال

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : اقامت سید اشرف الدین گیلانی در رشت و فعالیتهای مطبوعاتی سید اشرف الدین مصادف بود با امضای فرمان مشروطیت ;سید در شهر رشت روزنامه‌ای ادبی و فکاهی با نام نسیم شمال را منتشر کردکه انتشار آن تا انحلال و به توپ بستن مجلس شورای ملی ادامه یافت و در این زمان،که بشدت مورد علاقه مردم گیلان قرار گرفته بود، توقیف شد.نسیم شمال در سال ۱۳۲۷ ه.ق مجددا روزنامه خود را منتشر ساخت و از سال ۱۳۳۳ آن را در تهران انتشار داد که به شهرت و آوازه فراوانی دست یافت و مورد استقبال مردم قرار گرفت. سید اشرف در روزنامه خود و در قالب شعر و طنز همواره استبداد و ظلم را مورد حمله قرار می داد و سخنان منظوم و موزون او بسیار مورد توجه مردم بود ;از اینرو در سال۱۳۴۵ ه.ق به جرم دیوانگی وی را به تیمارستان که در واقع زندان سید بود منتقل کردند

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : نسیم شمال در اصل نام روزنامه ای چهارصفحه ای با مضامین فکاهی و طنز بود که سید اشرف الدین گیلانی در سال ???? ه. ق???? _ شمسی- در رشت تاسیس کرد

همفکران فرد : سعید نفیسی در مقدمه دیوان کامل نسیم شمال درباره وی می گوید: «یقین داشته باشید که اجر او در آزادی ایران کمتر از اجر ستارخان نبود. حتی این مرد شریف بزرگوار در قزوین تفنگ برداشته و با مجاهدان دسته محمد ولی خان تنکابن سپهدار اعظم و سپهسالار اعظم جنگ کرده و در فتح تهران جانبازی کرده بود.» با این وجود در متون و مقالاتی که درباره مشروطه نوشته می شود، می بینیم که کمتر نامی از سید اشرف الدین آمده است. علت این حق ناشناسی را می توان این دانست که سید اشرف الدین کمترین ادعایی نسبت به نقش خود در مشروطه نداشته است. باز سعید نفیسی درباره آزادگی و بزرگواری وی می گوید: «بزرگی او در اینجا است که با این همه نفوذی که در مردم داشت هرگز درصدد برنیامد از آن سود مادی ببرد. نه هرگز در موقع انتخابات از کسی رای خواست، نه به خانه صاحب مسندی و خداوند زر و زوری رفت.»

آرا و گرایشهای خاص : سید شرف الدین گیلانی در اشعار خود بارها ظلم و استبداد محمد علی شاه ودولتهای پس از وی را به باد حمله و انتقاد گرفت و همواره حامی و پشتیبان آزادی وآزادگی بود. اشعار او به زبان مردم کوچه و بازار و فاقد انسجام لازم ادبی بود ولی ویژگی‌عمده شعر نسیم شمال گذشته از سادگی و صمیمیت زبانی، مضمون و محتوای آن بود کهدر سالهای بیداری از عمق وجود مردم مایه می‌گرفت و نظر خاص و عام را به خود جلب‌می کرد. به طور کلی بعد از انقلاب مشروطه، طنز در ادبیات ایران به جهت فضای خفقان آور حاکم بر جامعه، موقعیتی جدی یافت و مورد توجه شاعران و نویسندگان ازجمله سید اشرف الدین گیلانی قرار گرفت. به علت آزادی و آزادگی شخصیتش اشعار وی از احساسات و عواطف شدید وطن پرستی و عشق به آزادی و مردم سرشار است. به واسطه زبان ساده و عوامانه اش و همچنین عاری بودن از رکاکت کلام و هزل های بی ادبانه، اشعارش در میان مردم محبوبیت و مقبولیت زیادی پیدا کرد تا جایی که وی را به اسم آقای «نسیم شمال» می شناختند.

جوائز و نشانها : در اسفندماه سال ۱۳۸۴ پس از یک فراخوان، به همت «خانه کتاب ایران» همایش بزرگداشتی برای سیداشرف الدین گیلانی برپا شد و ماحصل آن کتابی است در ??? صفحه، در شش فصل و به قلم فرهیختگانی که دل در گرو آزادی دارند، از آزادمردی گفته و نوشته اند که پس از نیم قرن تلاش در راه بیداری و آزادی ملت ایران، در عین غربت و گمنامی، ظاهراً به علت اختلال مشاعر دست از دنیا شست ---

----

آثار :

۱ مجموعه اشعار (نسیم شمال و بهشت باغ)

ویژگی اثر : مهم ترین اثر ادبی سید اشرف الدین مجموعه اشعار او مشتمل بر بیست هزار بیت است که به نام نسیم شمال و بهشت باغ در دو جلد چاپ شده است

گیلانی، بشیر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌اللّه آقا سید بشیر گیلانی رشتی عالمی فقیه و حکیمی نحریر معاصر با اوائل فتحعلی شاه قاجار بوده است

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

گیلانی، حسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر و صوفی. اصل وی از گیلان و مدرس جامع کبیر عباس اصفهان بود. عاقبت کارش به جنون کشید و در اصفهان درگذشت. از آثار وی: «ربط الحمه بالتصوف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۷)، الذریعه (۲۴۵ -۲۴۲ /۹)، صبح گلشن (۱۳۳)، فرهنگ سخنوران (۲۶۰).

گیلانی، دبیر مخصوص، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، خطاط. ملقب به دبیر مخصوص و نایب الوزاره. وی در هنگام تالیف «تذکره‌ی سپهر» (سال ۱۳۲۰ ق) در وزارت امور خارجه به کار تحریر و نگارش اشتغال داشت. حسن خان نستعلیق و شکسته را از خفی و جلی خوش می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۶۱/۴، ۱۳۸/۱).

گیلانی، رابعه

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

۱۲۸۰ ق، ام‌سلمه خانم از زنان خوشنویس، عارف، خیر و نیکوکار. وی دختر حاج میرزا محمد رشتی، از بزرگان وزرای گیلان و همسر حاج میر اسماعیل رشتی، از رجال معروف آن ولایت بود. هنگامی که عارف مشهور حاج محمدجعفر کبوتر آهنگی به گیلان رفت و مشغول وعظ و ارشاد و هدایت مردم شد، ام‌سلمه در مجالس وی حضور یافت و از محضرش استفاده کرد و از مریدان او گردید و از آن پس به سیر و سلوک عرفانی و تهذیب نفس پرداخت، پس از آنکه آوازه کمالات عرفانی حاج آقا رضا همدانی را شنید به محضر او شتافت و از مریدان خاص وی شد. محمد شاه قاجار (۱۲۶۴ -۱۲۵۰ ق) که خود تمایلات صوفیانه داشت، وقتی خبر فضایل و کمالات ام‌سلمه را شنید به وی لقب «رابعه ثانیه» داد و او را مأمور وعظ و ارشاد مردم کرمان نمود. در آن شهر وی مرقدی مشتمل بر گنبد، صحن و تعدادی حجره بر سر مقبره جمعی از مشایخ و عرفا، بنا کرد و دو هزار تومان به مصرف آن رساند که یک هزار تومان آن را محمد شاه تقبل کرد. این مرقد بعداً به مزار میرزا حسین‌خان شهرت یافت. ام‌سلمه املاک زیادی مانند چندین پارچه آبادی و روستا، تیمچه، باغ و... صدقه و وقف نمود و تولیت آنها را به حاج قا رضا همدانی و پس از او به عالمترین، فاضل‌ترین و عارفترین فرزندان پسر یا دخترش داد و در صورت انقراض نسل وی به عالمترین، عارفترین و پرهیزکارترین شخص رشت سپرد.

پس از احداث مرقد مزبور، وی به قم آمد و بیست سال در آنجا زیست و در همان شهر درگذشت و به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: تذکرة‌الخواتین، ۱۲۸؛ خیرات حسان، ۱۴۰ / ۱؛ ریاحین‌الشریعه، ۱۳۶ -۱۳۵ / ۴؛ زنان نامی ایران و اسلام، ۷۴ -۷۳.

گیلانی، شمسا

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل محقق. وی مؤلف فصول الاصول، حواشی بر معالم الاصول است. در ریاض العلماء نامی از او مذکور است.

وی از جمله‌ی سی و چند نفر عالم و دانشمندی هستند که در مجموعه‌ی میرزا محمد مقیم کتابدار شاه عباس مطالبی نوشته‌اند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

گیلانی، شمس‌الدین الدین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۱۹ ق)، خطاط. از آثار وی: دو قطعه به خط ثلث رقاع دو دانگ جلی خوش، در مدخل عمارت چهل ستون اصفهان با رقم: «العبد شمس‌الدین بن ملا محمد الجیلانی فی ۱۱۱۹»؛ دو قطعه مذهب در ایوان آیینه‌ی چهل ستون اصفهان، به خط ثلث رقاع

کتابت جلی خوش، با رقم: «نصر من‌اللّه... کتبه العبد شمس‌الدین بن ملا محمد سعید الجیلانی فی ۱۱۱۹».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار ملی اصفهان (۳۵۶، ۳۴۵)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۸۴/۴)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۵۷۴).

گیلانی، شیخ الاسلام، محیی‌الدین ابومحمد عبدالقادر

قرن:۶
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

(۵۶۲ / ۵۶۱ / ۵۶۰ -۴۹۱ / ۴۹۰ / ۴۷۱ / ۴۷۰ ق)، عارف، صوفی، محدث شافعی یا حنبلی و شاعر، متخلص به محیی. ملقب به غوث، غوث اعظم، غوث الثقلین، باز اشهب، باز اللّه و جنگی دوست که این آخری، نام یا لقب یکی از اجداد اوست. اهل گیلان بود. نسبش به نوشته‌ی بعضی از مآخذ به امام حسن مجتبی (ع) می‌رسد، گرچه در «فوات الوفیات» این نسبت به امام حسین (ع) رسانده شده است. او دخترزاده‌ی ابوعبداللّه صومعه‌ای، از بزرگان مشایخ گیلان، است. در گیلان به دنیا آمد. در جوانی به بغداد رفت و در آنجا نشو و نما یافت. وی مؤسس سلسله‌ی قادریه (منتسب به عبدالقادر) در تصوف بود. علوم ادبی را از ابوزکریای تبریزی فراگرفت. از ابوسعد مخرمی و دیگران فقه آموخت. از ابوغالب باقلانی و احمد بن مظفر بن سوسن تمار و ابوالقاسم بن بیان و جعفر بن احمد سراج و ابوسعد بن خشیش و ابوطالب یوسفی و دیگران حدیث شنید. ابوسعد سمعانی و عمر بن علی قرشی و حافظ عبدالغنی و شیخ موفق‌الدین ابن‌قدامه و شیخ علی بن ادریس و احمد بن مطیع باجسرائی و محمد بن لیث وسطانی و اکمل بن مسعود هاشمی و دیگران از وی حدیث شنیدند. رشید احمد بن مسلمه با اجازه از او روایت کرده است. وی با شیخ احمد یا حماد دباس مصاحب بود و از او فنون طریقت را آموخت. در مدرسه‌ای که ابوسعد مخرمی در باب ازج بغداد بنا کرده بود، سکونت داشت و مجلس وعظ و خطابه در آنجا برپا می‌کرد و مطابق هر دو مذهب شافعی و حنبلی فتوا می‌داد و در سیزده شاخه از علوم دینی تدریس می‌نمود. او در بغداد درگذشت و در مدرسه‌اش در باب ازج دفن شد. در اصول و فروع فقه و تصوف تألیفاتی به او منسوب است. از آثار وی: «بشائر الخیرات»؛ «الغنیة لطالبی طریق الحق» یا «غنیة الطالبین لطریق الحق»، در تصوف؛ «الفتح الربانی و الفیض الرحمانی»، در تصوف، «جلاء الخاطر فی الباطن و الظاهر» «الکبریت الاحمر»، در صلوات بر پیامبر (ص)»؛ «فتوح الغیب»، در تصوف؛ «ملفوظات قادریه»؛ «الفیوضات الربانیه فی الاوراد القادریه»؛ «ملفوظات گیلانی»؛ «سر الاسرار و مظهر الانوار فیما یحتاج الیه الابرار»؛ «آداب السلوک و التوصل الی منازل الملوک»؛ «تحفة المتقین و سبیل العارفین»؛ «حزب الرجاء و الانتهاء»؛ «یواقیت الحکم»؛ «معراج لطیف المعانی»؛ «دیوان» شعر که به «دیوان غوث اعظم» معروف است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (۱۷۲ -۱۷۱/ ۴)، انساب سمعانی (۱۴۶/ ۲)، ایضاح المکنون (۲۶۰، ۱۶۳/ ۲، ۳۷۶، ۲۵۷/ ۱)، تاریخ نظم و نثر (۱۳۲ -۱۳۱)، الذریعه (۱۰۱۶/ ۹)، روضات الجنات (۸۵ -۸۱/ ۵)، ریحانه (۲۵۴ -۲۵۲/ ۵)، سیر النبلاء (۴۵۱ -۴۳۹/ ۲۰)، شذرات الذهب (۲۰۲ -۱۹۸/ ۴)، صبح گلشن (۳۹۰ -۳۸۹)، العبر (۳۶/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۸۲۴)، فوات الوفیات (۳۷۴ -۳۷۳/ ۲)، الکامل (۹۴/ ۹)، کشف الظنون (۲۰۵۳، ۱۷۳۸، ۱۲۴۰، ۸۷۹، ۶۶۲)، لسان المیزان (۴۷۱/ ۱)، معجم المؤلفین (۳۰۸ -۳۰۷/ ۵)، المنتظم (۴۷۹ -۴۷۸/ ۱۰)، نامها و نامدارهای گیلان (۳۳۲ -۳۳۱)، النجوم الزاهرة (۳۵۳ -۳۵۲/ ۵)، نفحات الانس (۵۱۰ -۵۰۷)، هدیة العارفین (۵۹۶/ ۱).

گیلانی، عبدالسلام

قرن:۱۶
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

از اوست: قرآن مذهب نیم‌ربعی نسخ کتابت خفی خوش با رقم: «قد صدر التوفیق بالتمنیق مصلیاً علی الرسول الشفیق و انا المالی من الاثام و محل تصادم الالام عبدالسلام بن محمد امین الگیلانی الاشکوری السلکوئی فی عام الف...»
میرزا ابوالفضل ساوجی در پشت صفحه‌ی اول به خط تعلیق نیم دو دانگ خوش نوشته است. «نگارنده‌ی این کلام اللّه مجید ربانی عبدالسلام اشکوری لاهیجی از مشاهیر خطاطان زمان سلطان حسین میرزا است و در طرز و روش خود کمتر از هیچ یک از اساتید این طبقه نمی‌باشد و زیاده از حد ممتاز است. و انا العبد ابوالفضل بن فضل اللّه الساوجی الشاملو فی شهر ذی‌الحجة ترکیه‌ی یونیت ئیل» متعلق به خانم فخری راستگار.
برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

گیلانی، عبداللّه

قرن:۱۲
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

فاضل تحریر، به غایت ستوده خصال بود. در اواخر عهد صفویه در اصفهان وفات یافته است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

گیلانی، عمادالدین محمود

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۸۸۶ ق)، شاعر و نویسنده. معروف به محمود قاوان، غوان یا گاوان و ملقب به خواجه‌ی جهان. گفته می‌شود دلیل اضافه‌ی نامش به «گاوان» یا «قاوان» انتساب خاندانش به روستایی در گیلان به همین نام است. وی تا چهل و سه سالگی سفرهای زیادی کرد و سپس به دربار علاءالدین احمد دوم، پادشاه بهمنی دکن (م ۸۶۲ ق) رفت. در ۸۶۲ ق شاه بهمنی او را به منصب وکیلی رساند و بعد از طرف نظام‌الدین احمد شاه بهمنی (۸۶۷ -۸۶۵ ق) در این منصب بود و محمد شاه او را خواجه‌ی جهان لقب داد، ولی سرانجام به قتل او فرمان داد. گیلانی در ضمن منصب دبیری هم داشت و در این شغل بسیار فعال بود و کتاب‌هایی چند در فن انشاء نوشت. از آثار وی: «ریاض الانشاء»، که به «منشآت» خواجه‌ی جهان معروف است؛ «مناظر الانشاء» که معروفترین کتاب او است؛ «قواعد الانشاء». بنا به قول مؤلف «تاریخ ادبیات در ایران»، عمادالدین گیلانی «دیوان» شعری نیز داشته که تا روزگار تألیف «تاریخ فرشته» رایج بوده است و غیر از آن در دکن آثار خیری نیز دارد که از آن جمله به مدرسه و مسجدی که دو سال پیش از مرگش آنها را بنا نهاد، می‌توان اشاره کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۵۱۰ -۴۹۹/ ۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۵۹)، الذریعه (۲۹ -۲۸/ ۲۳ ۲۷۹، -۲۷۸/ ۲۲ ۳۱۸، /۲۱ ، ۱۸۰/ ۱۷ ، ۳۲۰/ ۱۱)، کشف الظنون (۱۸۳۳، ۹۳۵)، هدیة العارفین (۴۱۱/ ۲).

گیلانی، محمد

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

[جامع الکمالات] از مشاهیر طلبه، و به غایت حمیده خصال بوده، در خدمت مجتهد مرحوم ملا محمد باقر خراسانی تحصیل نموده، در شعر سلیقه‌ی مستقیمه داشته، به غایت پرهیزکار بوده، در هفتاد سالگی وفات یافته.

از اشعار اوست:

چون شمع عمر ما همه در تاب و تب گذشت
دستی به زیر سر ننهادیم و شب گذشت
من بعد چیره با سگ کوی تو می‌شوم
کارم دگر ز شرم و حیا و ادب گذشت

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

گیلانی، محمد شفیع

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، عالم دینی. وی از محقق سبزواری و سید ماجد دشتکی و ملا محمد سراب صاحب اجازه بود. از آثارش: «البداء»؛ «تحدیق النظر فی کیفیهٔ ادراک البصر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۴۱ ،۲۲۸ -۲۲۷ ،۱۶۰/ ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۴۸ -۳۴۷/ ۱۲)، نامها و نامدارهای گیلان (۵۱۶ ، ۵۱۵).

گیلانی، محمد محسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل محقق کثیر التألیف، شاعر ادیب زاهد، در اواخر عمر ظاهرا در طهران ساکن بوده، و در آن شهر وفات یافته، در نجف مدفون گردید. نسب او به علامه محقق شیخ بهائی می‌رسد و شاید انتساب او از طرف مادر باشد.

تعداد مؤلفاتش از کتاب و رساله متجاوز از ۱۱۶ مجلد می‌شود، از آن جمله است: ۱- اجابهٔ المحب ۲- اربعین ۳- انیس الصالحین ۴- انیس العباد ۵- ایقاظات ۶- بحر الحکم [شرح هدایه‌ی میبدی] ۷- بحر الامکان ۸- بحر الامال ۹- بحر المآرب ۱۰- بحر المصائب ۱۱- بروق اللوامع ۱۲- بستان الجعفریهٔ ۱۳- بدیهیات ۱۴- بنیان الاصول ۱۵- تحفهٔ الایادی ۱۶- تحفه الاخیار ۱۷- جامع المسائل ۱۸- جامع المصائب، در دو جلد ۱۹- جنات عدن ۲۰- جنهٔ الامان ۲۱- خلاصهٔ الخلاصهٔ ۲۲- درج الدرایج ۲۳- درر الاقوال [فی فقه سیدنا محمد و آله الاطهار المفضال] ۲۴- دلیل المتحیرین ۲۵- دیوان اشعار، و در آن «عاصی» تخلص می‌کند ۲۶-

دره‌ی مضیئه ۲۷- ذخیرهٔ المعاد ۲۸- ذریعهٔ الوداد [تفسیر سوره‌ی یوسف] ۲۹- رضوان الامال ۳۰- روض الریاض [حاشیه‌ی معالم] ۳۱- ریاض الارواض [شرح معالم] ۳۲- روضهٔ حسینیه ۳۳- رسائل الرسائل ۳۴- وریقات الانیقات ۳۵- زاد السالکین ۳۶- سبیل السبل ۳۷- سفینهٔ النجاهٔ ۳۸- سوانح ۳۹- شد الوثیق ۴۰- ضیاء الذاکرین ۴۱- عوالم العوالم ۴۲- غزوه‌ی خیبر، منظوم ۴۳- قبلهٔ الافاق ۴۴- القواعد و الفوائد ۴۵- قوانین المصائب ۴۶- کشایف الاسرار ۴۷- کشف الحجب ۴۸- کشف المقال ۴۹- کنز الاحباب ۵۰- کنز الاخوان ۵۱- لوایح الطرایح ۵۲- متروک الانظار ۵۳- مجمع الاذکار ۵۴- مجمع المعانی [حاشیه‌ی ریاض] ۵۵- مرجع الضمایر، در دو مجلد ۵۶- منهاج الدین، در اصول دین ۵۷- مثنوی شش دفتر ۵۸- مثنوی شور و شیرین ۵۹- مفاتیح النجاهٔ ۶۰- ملتمس المحبوب ۶۱- نظم المجالس، در چندین مجلد ۶۲- نسج النسوج ۶۳- وقایع الصفین ۶۴- وسیلهٔ المراد ۶۵- وسیلهٔ النجاهٔ، فارسی، در جبر و تفویض، و آن را در سال ۱۲۶۹ تألیف نموده ۶۶- هدیهٔ الاخوان ۶۷- ینابیع الدرر؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

گیلانی، محمود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی را از امرای خان احمد خان، حاکم گیلان (۱۰۰۴ -۹۴۳ ق)، می‌دانند. او در زمان اکبرشاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) برای سیاحت به هندوستان مسافرت کرد. وی بیشتر رباعی می‌سرود. از اوست:

هنگامه‌ی من ز کینه بر هم زده‌ای

رخت هوسم به نیل ماتم زده‌ای

در نوبت هرکس زده‌ای فال سرور

جز نوبت من که قرعه بر غم زده‌ای

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۵۹)، تحفه سامی (۱۲۳)، الذریعه (۱۰۱۲/ ۹)، صبح گلشن (۳۸۵)، فرهنگ سخنوران (۸۲۲ - ۸۲۱)، کاروان هند (۱۲۴۶/ ۲)، هفت اقلیم (۱۵۳/ ۳).

گیلانی، ولی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۸۹۷ ق)، خطاط. از خوشنویسان معروف اقلام شش گانه است که شکسته تعلیق را خوش می‌نوشت. از آثار وی: قطعه‌ای به قلم نیم دودانگ خوش، با رقم: «مشقه العبد الحقیر الجانی، ولی گیلانی، من خط قبلهٔ الکتاب تاج السلمانی نور مرقده و برد مضجعه، باریخ شهر محرم‌الحرام سنهٔ سبع و تسعین و ثمانمائهٔ الهجریهٔ النبویهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۸۵/ ۴).

گیلک حکیم آبادی، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی گیلک حکیم آبادی

محل تولد : رامیان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱۰/۲

زندگینامه علمی

دیپلم ریاضی خود را در سال ۱۳۵۳ از دبیرستان استرآبادی شهرستان گرگان با معدل کل ۵/۱۷ گرفتم و در همین سال در رشته مهندسی ماشین آلات کشاورزی دانشگاه تبریز پذیرفته شدم که در سال ۱۳۵۸ فارغ التحصیل شدم از سال ۱۳۶۳ برای تحصیل در حوزه علمیه قم از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی استعفا دادم و پس از تلاش شبانه روزی و علیرغم حضور در جبهه های حق علیه باطل توانستم بعد از ۶ سال وارد درس خارج شوم و از سال ۱۳۷۱ تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته اقتصاد ادامه دادم البته از سال ۱۳۶۹ در دانشگاه مفید قم حدود ۶۰ واحد رشته اقتصاد را گذراندم از سال ۱۳۷۳ کارشناسی ارشد گرفته و در همین سال وارد

دوره دکتری شدم. در طی دوران تحصیل کارشناسی ارشد و دکتری با دانشگاه مفید قم همکاری کردم. همچنین با پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و فرهنگ و اندیشه اسلامی نیز همکاری نزدیک داشتم و به تألیف کتب و تدریس مشغول شدم. کتابی که با همکاری جناب آقای حسن نظری تحت عنوان نگرش علمی به هزینه درآمد دولت اسلامی نوشتم ۳ جایزه از ارشاد، حوزه علمیه و آموزش عالی گرفت.

گیلکی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، عالم دینی. از آثارش «اثبات الواجب تعالی»، به فارسی، شرح «اثبات الواجب تعالی» ملا کمال‌الدین الهی اردبیلی (م ۹۴۰ ق) است که خود شرح «اثبات الواجب الجدید» دوانی می‌باشد. گیلکی در ۹۴۵ ق، از تألیف این شرح فراغت یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۶، ۱۰۴/ ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۳۳ -۲۳۲/ ۱۰).

گیوگان

قرن:۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یکی از پهلوانان داستانی ایرانی و پدر گرازه.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

گیوه چی مفرد، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن گیوه چی مفرد

محل تولد : مشهد

شهرت : پویا

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۲

زندگینامه علمی

اینجانب پس از اخذ سیکل نظام قدیم (قبل از نظام راهنمایی) سال اول دبیرستان را در رشته طبیعی نیز خواندم. پس از آن در مکتب امام صادق (ع) در مشهد شبها به دروس حوزوی مشغول بودم. سپس در سال ۵۵ ـ ۵۶ به صورت نیمه روزه در مدرسه معروف به مدرسه آقای موسوی نژاد مشغول به تحصیل شدم و سپس در مدرسه آیت الله شیخ غلامحسین تبریزی حجره گرفتم و به صورت خصوصی به دروس حوزه به صورت تمام وقت ادامه دادم و در تمام ایام سال جز جمعه ها و یا تعطیلات مهم به درس مشغول بودم به صورتی که در سال ۵۹ که به قم آمدم به درس مکاسب مرحوم آیت الله ستوده و کفایه مرحوم آیت الله پایانی رحمهما الله رفتم و یک جلد از کفایهٔ را نیز نزد آیت الله دوزدوزانی خواندم و بخشی از آن را با نوار، در این اثنا نوارهای دروس بدایه و نهایهٔ آیت الله مصباح را نیز گوش می کردم عمدتا در مشهد به صورت خصوصی درس خواندم و تنها به درس تفسیر مرحوم آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی حاضر می شدم. و بخشهائی از کتاب شرح لمعه را نیز در دروس حوزه مشهد شرکت می کردم. پس از اتمام سطح به درس خارج اصول آیت الله شیخ جواد تبریزی که از ابتدای اصول شروع شده بود شرکت کردم و جز ایامی که در دوران دفاع مقدس به جبهه می رفتم تقریبا یک دوره اصول کامل درس ایشان را شرکت کردم و همزمان به درس فقه ایشان که آن زمان کتاب البیع بود و چهارشنبه ها بحث کتاب القضاء بود شرکت می کردم. ضمنا از ابتدایی که آیت الله منتظری به قم آمدند و در منزلشان درس فقه را شروع کردند تقریبا تا آخرین روزهای درس ایشان شرکت کردم. در این اثنا کتاب اشارات را به صورت کامل در آخرین دوره درس آیت الله حسن زاده آملی خواندم که بسیار از نظر معنوی پر بهره بود. تا اینکه در سال ۱۳۶۴ با تاسیس موسسه معارف اسلامی امام رضا (ع) که اینجانب از هسته های اولیه و اصلی آن بودم ابتداء کلاسهای آموزشی که تا آن روز درحوزه متداول نبود و به اعتقاد ما نیاز حوزویان بود برگزار شد و بنده ضمن برنامه ریزی و برگزاری اجرایی آنها در همه آنها شرکت کردم که آنها عبارتند از: دوره مدیریت منابع انسانی، تشریح انسان، اقتصاد، تاریخ معاصر ایران و جهان، کلام جدید، علوم قرآن و تفسیر، اخلاق، روان شناسی عمومی، روان شناسی کودک، جامعه شناسی، تند خوانی و ... برخی از این کلاسها به صورت اردوهای آموزشی در مشهد و تهران برگزار شد و حتی به صورت عملی مثل شرکت در سالن تشریح، شرکت در برخی ادارات وابسته به بنیاد مستضعفان در حین درس مدیریت و... عمدتا از اساتید برجسته و طراز اول آن زمان از دانشگاه مثل استاد شعاری نژاد، زرگر نژاد، ابطحی، سروش، آیت الله معرفت، حسن پور، حائری و ... استفاده می شد. با پایان یافتن این دوره ها و نیز تاسیس مراکز

مختلف آموزشی در قم و شروع به کار اولین فصلنامه تخصصی قرآن و تفسیر با نام بینات در سال۱۳۷۳، اینجانب ضمن شرکت در یک درس خارج، تمام وقت و همت خود را مصروف مباحث قرآنی کردم و به لطف خداوند تا کنون که سال دوازدهم نشر این نشریه است همچنان در سطح بسیار بالایی می درخشد. (ضمنا قبل از نشریه بینات از آغاز تاسیس و نشر مجله حوزه اینجانب در گروه اخلاق آن نشریه فعالیت داشتم تا اینکه در سال حدودا ۷۵ ـ ۷۶ از مجله خارج شدم.) اینجانب همزمان با برخی از دورس به تدریس نیز اشتغال داشتم بویژه ادبیات، علوم قرآن و ... که به لحاظ موقعیت آن زمان به صورت غیر آکادمیک و مباحثه های طلبه ای بوده است. همزمان با سردبیری نشریه بینات، معاونت پژوهشی موسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام را پس از دوران مسوولیت آموزشی به عهده داشتم و سپس جزو هیات تحریریه دو نشریه قرآنی دیگر یعنی بشارت و آفاق نور بوده و هستم. در ضمن مدتی در معاونت بین الملل وزارت ارشاد به عنوان کارشناس جهت اعزام به رایزنی ایران در لاهور بوده ام و سفری به آنجا رفتم. سپس در سال ۱۳۷۹ معاونت پژوهشی موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) را پذیرفتم و در سال ۸۳ مدیریت طرح و برنامه و اکنون نیز معاونت پژوهشی موسسه می باشم که به لطف خداوند تا کنون دهها جلد از آثار حضرت امام (ره) و یا درباره امام خمینی (ره) از آن سال تا کنون منتشر شده است.

لاجوردی حسینی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقاسید مهدی بن سید الاجله سید ابوالفضل بن سید الاعلام السید عباس بن السید الجلیل سید محمدطاهر حسینی کاشانی الاصل قمی الولاده والمسکن در سال ۱۳۰۵ قمری متولد شده و پس از طی دروس جدیده و دیدن مقدمات و ادبیات سطح را نزد دائی معظم خود آیت‌الله حاج سید مرتضی فقیه بن العلامه حاج سید عباس فقیه قمی و آیت‌الله فاضل قفقازی دام‌ظله فراگرفته و بعد از آن از دروس آیات عظامی چون آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله فیض و آیت‌الله صدر و آیت‌الله حاج سید احمد خونساری و بالاخص حدود ۱۸ سال از محضر آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و علوم معقول و فلسفه را نزد حکماء معروف زمان میرزا مهدی آشتیانی و حاج شیخ مهدی مازندرانی و علامه طباطبائی خوانده و به تدریس فقه و اصول پرداخته و اکنون به گفتن درس خارج اشتغال دارد که عده‌ای از محصلین شرکت می‌کنند.

و مخفی نماند که علامه لاجوردی از بیت مجد و شرف و فضیلت می‌باشد که در میان آنها رجال و نوابغی چون مرحوم حکیم شفائی و عالم جلیل سید حسین بن سید رضی‌الله محمد کاشانی الحسینی و والد ماجدش سید رضی‌الدین و جماعتی دیگر همه از علماء اعلام و آیات عظام ملک‌العلام بوده‌اند.

و معظم‌له از طرف مادر هم طباطبائی و ایشان سبط آیت‌الله العظمی آقای حاج آقا احمد طباطبائی قمی می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

لاربن مازندرانی، قاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۳ ش)، نویسنده، نمایشنامه نویس، روزنامه‌نگار و شاعر. در بابل به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش و تهران به پایان رساند. بعد در خارج به تحصیل و تکمیل زبان فرانسه پرداخت. وی مدتی مترجم فرانسه شرکت الکا بود و چندی نیز دبیر فرانسه‌ی دبیرستان شاهپور بابل شد. پس از آن در ۱۳۱۹ ش مترجم زبان فراسنه اداره‌ی کل دخانیات گردید. سرانجام در ۱۳۲۰ ش از کار دولتی کناره‌گیری کرد و به کار آزاد روی آورد. در ۱۳۲۶ ش وارد عرصه‌ی مطبوعات شد و در همان سال روزنامه‌ی «جهان فردا» را تأسیس و منتشر کرد. لاربن علاوه بر نویسندگی، شاعری توانا بود که در ۱۳۶۲ ش منظومه‌ای در حماسه و عشق به نام «ایرج و هوبره» سرود. از دیگر آثارش: «جاده‌های بریده»؛ «رازها»؛ «زن مست»؛ «عشق و سیاست» یا «سقوط یک استاد»؛ «من و تو»؛ «گره کور». او همچنین نمایشنامه‌های: «زهره و منوچهر»، «عشاق جانی» و «مرگ آزادی» را نوشت که در بابل به نمایش گزارده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۹/ ۱۲)، شرح حال رجال معاصر مازندران (۱۷۶ -۱۷۵/ ۲)، شعرای مازندران و گرگان (۲۶۸ -۲۶۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۷۲، ۲۹۸۹ -۲۹۸۸، ۲۷۹۵، ۲۳۱۱، ۱۸۷۰، ۱۶۱۹/ ۲ /۹۸۳، ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۹۰۴ -۹۰۲/ ۴).

لاری، ابراهیم

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم لاری از علماء یزد و معروف به حاج آخوند طزرجانی بوده چون در طزرجان یزد سکونت داشته دارای منظومه‌ای در اصول عقاید بوده است

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاری، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۲ -۱۲۶۴ ق)، فقیه و عالم دینی. نسبش با بیست واسطه به امام موسی کاظم (ع) می‌رسد. اصلش از دزفول است. در نجف به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات، از محضر میرزای بزرگ شیرازی و شیخ محمد حسین کاظمی و ملا لطف‌اللَّه مازندرانی و ملا حسینقلی همدانی و ملا محمد فاضل ایروانی و دیگران استفاده نمود، تا در فقه و اصول برآمد و از تمام اساتیدش به دریافت اجازه نایل شد. وی از شاگردان برجسته‌ی میرزای بزرگ شیرازی بود. میرزا او را به شهرستان لار فرستاد و از آن زمان به لاری مشهور شد. سید عبدالحسین در لار به تدریس و انجام وظایف دینی مشغول شد و مدرسه‌ای تأسیس کرد و حوزه‌ی علمیه‌ای تشکیل داد. طلاب زیادی از شهرستان‌های داراب و سیرجان و جهرم و اصطهبانات و شیراز و غیره در حوزه‌ی درسش شرکت نمودند. وی مدت بیست و پنج سال مرجع مذهبی مردم فارس بود. او از علمای مبارز دوره‌ی مشروطه بود. در جنگ جهانی اول آن گاه که انگلیسی‌ها آهنگ تصرف لار کردند حکم جهاد داد. در اواخر عمر به جهرم نقل مکان کرد و در آنجا درگذشت. از آثارش: «الآیات النازلهٔ»، در ذم ظلم و جور؛ «اکسیر السعادهٔ فی اسرار الشهادهٔ»؛ «تشریع الخیرهٔ»، در استخارات؛ «تقریرات الاصول»؛ «تقریرات الفقه»؛ حواشی بر «الریاض»؛ حواشی بر «القوانین»؛ حواشی بر «فرائد الاصول»؛ حواشی بر «المکاسب»؛ «الخلافیات»؛ حاشیه کتاب «القضاء» از «جواهر»؛ رساله‌ی «الاستصحاب»؛ رساله‌ی «عقوبهٔ حب الدنیا»؛ رساله‌ی «المحکم و المتشابه»؛ «التنزیل فی بعض المتشابهات»؛ «الوجیزه»، در کیفیت و کمیت علم امام؛ «المحکمات فی قطع المشاجرات»؛ «قانون ملی»، به فارسی؛ «معارف السلمانی بمراتب الخلفاء الرحمانی»، در علم امام و پیامبر (ص)؛ منظومه‌ای در مصائب اهل‌بیت (ع) و استغاثه به حضرت حجت (عج).[۱]

حاج سید عبدالحسین مجتهد لاری بن سید عبداللَّه بن سید عبدالرحیم بن سید آقا ابن سید محمد بن سید اسداللَّه بن سید نعمت‌اللَّه بن سید اسداللَّه بن سید خلف مجتهد لاری موسوی که تقریباً با بیست واسطه به حضرت امام موسی بن جعفر علیه‌السلام می‌رسد.

تولد آنجناب در شب جمعه سوم ماه صفر ۱۲۶۴ قمری در نجف اشرف واقع شده و پس از دوران مقدمات و سطوح، از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی میرزا محمدحسن شیرازی (مجدد) و مرحوم آیت‌اللَّه آقا شیخ محمدحسین کاظمی و آیت‌اللَّه شیخ لطف‌اللَّه مازندرانی و آیت‌اللَّه شیخ محمد ایروانی و عالم ربانی آقا شیخ حسنعلی، فقه و اصول و علم اخلاق را تحصیل نموده تا به درجه سامیه اجتهاد رسیده است.

آن مرحوم اصلا دزفولی است ولی چون عده‌ای از اعیان و بازرگانان لار شیراز از مرحوم میرزای شیرازی عالمی خواستند به اشاره مرحوم آیت‌اللَّه ربانی آقا سید مرتضی کشمیری ایشان را تعیین و به لار اعزام نمودند و سالها آنجناب در آنجا اقامت داشتند به لاری معروف شدند ولی آخر کار که ایشان به مبارزه و جهاد علیه استبدادگران برخاستند و مدتی در شیراز و فیروزآباد و قریه (قیر) رفتند اهالی جهرم معظم له را به جهرم برده و مدت شش سال در آنجا به خدمات دینی اشتغال داشتند تا در چهارم شوال المکرم ۱۳۴۲ قمری در سن ۷۷ سالگی وفات نمودند.

تاریخ زندگانی آنجناب عجیب و سوانح و خاطراتش غریب. قسمتی از آن در کتاب (گلشن حسینی) و پاره‌ای از آن در کتاب دانشمندان فارس و غیره مسطور است.

تالیفات و آثار علمی آنجناب مطبوعاً و مخطوطاً از اینقرار است.

۱- آیات الظالمین (مطبوع)

۲- استخاره‌نامه (مطبوع)

۳- اکسیرالسعاده (مطبوع)

۴- رساله‌ای در عقوبت حب دنیا (مطبوع)

۵- رساله‌ای در علم امام (مطبوع)

۶- معارف السلمانی

۷- حاشیه بر فرائد انصاری مخطوط ۲ جلد

۸- حاشیه بر مکاسب ۲ ج مخطوط

۹- حاشیه بر شرح کبیر مخطوط

۱۰- حاشیه بر قوانین مخطوط

۱۱- تقریرات فقه

۱۲- خلافیات فقه

۱۳- رساله‌ای در شکوک مخطوط

۱۴- رساله‌ای در خلل صلوهٔ مخطوط

۱۵- رساله در علم مناظره مخطوط

۱۶- رساله‌ای در محکم و متشابه مخطوط

۱۷- کتاب التنزیل الذی نزل به جبرائیل

۱۸- منظومه در مهمات رجال و دهها دهها رساله و کتاب دیگر در موضوعات مختلفه.

آن مرحوم دارای سه پسر مجتهد و دانشمند در شیراز و لار و جهرم بودند.

۱- مرحوم آیت‌اللَّه سید عبدالمحمد مجتهد لاری

۲- مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید علی‌اکبر مجتهد سالف‌الذکر

۳- مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید علی‌اصغر آیهٔ‌اللهی مقیم لار

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۸۵ -۵۷۸/ ۳)، الذریعه (۱۹۲/ ۲۱ ،۲۸/ ۱۷ ،۱۸۹/ ۴ ،۲۷۸/ ۲ ،۴۹ -۴۸/ ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۵۰ -۱۰۴۸/ ۱۴)، شرح حال رجال (۲۵۸ -۲۵۷/ ۲)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۱۹ - ۱۱۱۸/ ۳)، معجم المؤلفین (۸۷/ ۵)، میرزای شیرازی (۱۵۳).

لاری، عبدالحمید

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحمید لاری از شاگردان میرزاء مجدد شیرازی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

لاری، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی‌اکبر آیهٔ‌اللهی مجتهد لاری جهرمی بن آیت‌اللَّه العظمی حاج سید عبدالحسین مجتهد لاری بن سید عبداللَّه ابن سید عبدالرحیم بن سید محمد از پیشوایان دینی و مجتهدین متقی معاصر است.

وی پس از مرحوم والدش به جای او نشسته و سالهای دراز به ترویج دین مبین و نشر معارف اسلامی و کمک به ضعفاء و فقراء و دستگیری از پا افتادگان و سرپرستی یتیمان و معاشرت با تهیدستان و بینوایان گذرانید.

معظم‌له دانشمندی مرتاض و مستجاب الدعوه و زاهد و متقی و بی‌اعتنا به مال دنیا بود با سادگی تمام زندگی می‌کرد و چون همواره در ذکر و فکر بود لاجرم جز به هنگام ضرورت لب به سخن نمی‌گشود و بسیار کم حرف بود مگر بر فراز منبر که گاه وعظ دل از عارف و عامی می‌ربود و داد سخن می‌داد چند روز قبل از رحلتش از مرگ خود خبر داد و در ماه صفر ۱۳۷۱ ق در جهرم از دنیا رفت و فرزند ارجمندش حجه الاسلام آقا سید عبدالحسین آیه اللهی بجای او بر مسند ارشاد و خدمت نشست.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاری، فتح‌الله

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید کمال‌الدین شاه فتح‌الله به هبهٔ‌الله بن عطاءالله حسنی حسینی جعفری شیرازی.

از طایفه‌ی سادات شاهی شیراز، عالم فاضل، و ادیب منشی کامل، به دعوت شاه سلیمان از اردکان به اصفهان آمده، و سال‌ها قاضی اصفهان و شیراز و لار بوده. در سال ۱۰۹۸ در اصفهان وفات یافته [در حوالی مدفن آقا حسین خوانساری مدفون شد].

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- الامامهٔ، آن را در موقع تشرف خود به مکه تألیف نموده، و مناظرات خود را با ملا عبدالرحیم مدرس مدینه‌ی طیبه بتمامه نقل نموده است. ۲- بدیع در علم بدیع، در اصفهان تألیف نموده ۳- تاریخ شاه فتح الله ۴- ریاض الابرار و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

لاری، کمال‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، عالم دینی. کمال‌الدین عصر دوانی را درک کرده و به گمان آقا بزرگ تهرانی از شاگردان دوانی بوده است. او قبل از مصلح‌الدین لاری (م ۹۷۹ ق) و بعد از عبدالغفور لاری (م ۹۰۵ ق) وفات کرده است. از آثارش: «تحقیق الزوراء»، در شرح «الزوراء» جلال‌الدین محمد دوانی، که در ۹۲۸ ق از تألیف آن فراغت یافت. میر غیاث‌الدین منصور در «مجموعهٔ الرسائل» خود آن را رد

کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۰۳/ ۱۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۳۳/ ۱۰)، کشف الظنون (۹۵۷).

لاری، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر مجتهد لاری متوفی ۱۲۸۸ ق در منطقه لار ریاست دینی داشته و رتق و فتق امور به دست وی بوده است

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاری، محیی‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۳۳ ق)، ادیب و شاعر. از شعرای عهد سلطان یعقوب میرزا آق قوینلو بود و اوایل عصر شاه طهماسب (۹۸۴ -۹۳۰ ق) را نیز درک کرد. از شاگردان علامه جلال‌الدین دوانی بوده و گذشته از علوم متداول زمان در عروض و فنون شعر هم مهارت داشته است. وی غزل را نیکو می‌سرود و از سبک بابا فغانی پیروی می کرد. به زیارت بیت‌اللّٰه الحرام رفت و در مراجعت مثنوی «فتوح الحرمین» را، که مثنویی دینی در مورد بقاع متبرکه و بیان مناسک حج است، در مدینه به اسم سلطان مظفر بن محمود شاه گیلانی سرود. او این مثنوی را به قولی در ۹۱۱ ق و به قولی در ۹۵۰ ق به اتمام رساند. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر. در «فرهنگ سخنوران» محبی لاری و صاحب عنوان با هم یکی دانسته شده، ولی بیشتر تذکره‌ها آن دو را جدا ذکر کرده‌اند. همچنین صاحب «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس» سال مرگ وی را ۹۵۱ ق می داند. «هدیهٔ العارفین» وی را محیی‌الدین محمد لاری حنفی متخلص به محیی بیان کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۸۷/ ۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۱۸)، تحفه سامی (۲۳۵ -۲۳۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۷۸ -۳۷۷/ ۴)، الذریعه (۱۲۰ -۱۱۹/ ۱۶، ۱۰۱۷ -۱۰۱۶، ۹۷۱/ ۹)، ریحانه (۲۵۱/ ۵)، صبح گلشن (۳۹۰)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۵۱۵/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۸۲۵ -۸۲۴)، منظومه‌های فارسی (۵۲۲ -۵۲۱)، هدیهٔ العارفین (۲۳۹/ ۲)، هفت اقلیم (۲۵۸/ ۱).

لاری، مصلح‌الدین، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۹ ق)، فقیه شافعی، منطقی و منجم. در لار فارس به دنیا آمد. ادبیات و علوم مقدماتی را در زادگاهش از شاگردان ملا جلال‌الدین دوانی فراگرفت. او همچنین از میر غیاث‌الدین دشتکی شیرازی بهره برد. در عهد همایون شاه (۹۶۳ -۹۳۷ ق) به هندوستان رفت. بعد از فوت وی در ۹۶۴ ق به حلب و از آنجا به حج رفت و سپس به حلب بازگشت. پس از آن سفری به آمد کرد و در شهرهای آناطولی شرقی شهرت بسیار یافت. سرانجام در دیار بکر معلم اسکندر پاشا و فرزندان او گشت و در همان جا وفات یافت. در «شذرات الذهب» سال وفات وی حدود ۹۶۷ ق ذکر شده است. از آثار وی: شرح «الشمائل» ترمذی؛ شرح «الاربعین النوویهٔ»، در حدیث؛ شرح «الفرائض السراجیهٔ» سجاوندی؛ شرح «الارشاد»، در فروع فقه شافعی؛ حاشیه بر قسمتهایی از «مطول»؛ «اثبات المعاد الجسمانی»؛ حاشیه بر شرح دوانی بر «تهذیب المنطق و الکلام» تفتازانی؛ حاشیه بر «شرح طوالع» اصفهانی؛ حاشیه بر «شرح الکافیهٔ» جامی؛ تعلیقه بر شرح «المواقف» عضدی؛ حاشیه بر «شرح الهدایهٔ» میبدی؛ شرح «هیئت فارسی» قوشچی؛ «مرآهٔ الادوار و مرقاهٔ الاخبار»، در تاریخ از اول تا ۹۷۴ ق، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۹/ ۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۶۹ -۱۶۶۳/ ۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۷۷۷ -۷۷۵، ۵۳۶/ ۲)، تاریخ نظم و نثر (۳۵۵)، الذریعه (۱۰۰/ ۱)، ریحانه (۱۱۹ -۱۱۸/ ۵)، شذرات الذهب (۳۵۰/ ۸)، کشف الظنون (۱۸۹۳، ۱۶۴۶، ۱۳۷۲، ۱۲۴۷، ۱۱۱۶، ۱۰۶۰، ۱۰۳۹، ۵۱۶، ۴۷۵، ۱۹۱، ۶۹، ۶۰)، معجم المؤلفین (۲۹۳/ ۱۲، ۹۳/ ۱۰)، هدیهٔ العارفین (۲۵۱/ ۲).

لاری، یوسف

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به یوسف. اصلش از لار و از معاصران نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق)، بود. گویند در ابتدا یهودی مذهب

بود که برای رسیدن به حقیقت به همراه درویش محمد صالح به سیر و سفر پرداخت. پس از سالها سفر به دین اسلام گروید. وی برای تحصیل به اصفهان رفت و در اکثر علوم بخصوص حکمت و معانی و حساب و رمل و شعر و معما مهارت یافت. از وی اشعاری در تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۳۵/ ۲)، تذکره‌ی روز روشن (۹۵۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۰۵ -۲۰۴)، الذریعه (۱۳۲۰، ۳۲۵/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۹).

لاریجانی مازندرانی، لطف‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۱ ق)، فقیه اصولی، عالم دینی و مدرس. اهل اسک لاریجان است، لذا به ملا لطف‌اللّه اسکی لاریجانی نیز مشهور است. وی از شاگردان شیخ محمد حسن، صاحب «جواهر»، و شیخ مرتضی انصاری بود. در نجف مستقلا به تدریس فقه و اصول پرداخت و بسیاری از افاضل به درسش حاضر شدند. او از مشایخ روایتی علامه سید ابوتراب خوانساری بود. وی در صحن غروی به اقامه‌ی جماعت می‌پرداخت. در نجف درگذشت و در صحن غروی به خاک سپرده شد. از آثارش: «ایضاح المضامین»، حاشیه بر «قوانین الاصول»، که به «ایضاح القوانین» نیز معروف است؛ «ذریعهٔ الاعتماد»؛ حاشیه بر «فرائد الاصول» استادش علامه انصاری؛ رساله در «بطلان دلیل الانسداد»؛ شرح «قواعد الاحکام» علامه حلی، در چهار مجلد؛ حاشیه بر «حجیهٔ الظن» علامه انصاری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۲/ ۱۴، ۲۹/ ۱۰، ۱۶۰/ ۶، ۵۰۰، ۴۹۷/ ۲)، علماء معاصرین (۴۶ -۴۵)، فوائد الرضویه (۳۶۸ -۳۶۷)، المآثر و الآثار (۱۵۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۴۲/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۵۵/ ۸).

لاریجانی، رضی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم حکیم و فیلسوف جلیل از اجله شاگردان آخوند ملاعلی نوری در اصفهان بوده و در این شهر حکمت متعالیه تدریس میفرموده به تهران منتقل شده و میرزا محمد تنکابنی مولف قصص العلماء از شاگردان وی بوده و در آن شهر در سال ۱۲۶۷ یا ۱۲۷۰ وفات یافته و هم در آنجا مدفون گردیده است در اعیان الشیعه ۶۴:۳۱ به نام سید رضا مذکور است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

لاریجانی، صادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صادق لاریجانی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

بسم الله الرحمن الرحیم

اینجانب صادق لاریجانی (آملی) در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی در نجف اشرف دیده به جهان گشودم. پدرم مرحوم آیت الله العظمی حاج میرزا هاشم آملی «قدس سره» از اعاظم فقهاء و مراجع نجف اشرف و قم بوده‌اند که شاگردان بسیاری در این دو شهر بزرگ علم و تقوا پرورانده‌اند. مادرم صبیّه مرحوم آیت الله العظمی حاج سیّد محسن اشرفی «قدس سره» است که ایشان از بزرگان شهر اشرف (بهشهر) بود و در آن شهر سمت ریاست و مرجعیت داشت و از شاگردان مبرّز مرحوم آخوند خراسانی «قدس سره» محسوب می‌شد که به علت انزوا طلبی، نام چندانی از خود باقی نگذاشته است. قریب یکسال و اندی داشتم که مرحوم والد از نجف اشرف به شهر قم نقل مکان نمودند و بساط تدریس در این شهر گشودند.

تحصیلات اولیه: از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۶ در مراحل دبستان و دبیرستان به دروس جدید اشتغال داشته‌ام و بحمدالله در همه این سطوح، درسها را با موفقیّت تمام به پایان برده‌ام و کمتر اتفاق می‌افتاد که رتبهٔ اوّل را حائز نباشم. نیک به خاطر دارم که از سال اوّل دبیرستان مسیر تحقیقم از درسهای معمولی دبیرستان، بسیار فراتر رفت و کتابهای متعدّد دانشگاهی در رشته ریاضی را خود بدون کمک استاد فراگرفتم. مثل: Precalculus نوشته Serge lang و دو مجلّد Calculus نوشته Apostol . Tom و

Mathematical Analysis نوشته Rudin و Measure Theor نوشته Monro و همه اینها قبل از وارد شدن به سال چهارم دبیرستان بود. و با فراهم آمدن بورس تحصیلی از دانشگاه صنعتی شریف، عازم تحصیل در یکی از کشورهای غربی بودم که ناگهان زندگیم چرخش تمام پیدا کرد و اندیشه و شوق تحصیل در علوم و معارف اسلامی و دنبال کردن مسیر تحقیقات فقهاء و مجتهدان و فیلسوفان اسلامی، حرکتی دیگر را باعث شد. علل این شوق و اندیشه جدید خود داستان عجیبی دارد که این‌جا مجال بیان آن نیست.

تحصیلات علوم اسلامی: به هر حال با تغییر مسیر علمی و فی الواقع تغییر مسیر زندگی‌ام، از سال ۵۶ وارد عالم طلبگی شدم و با ولع و اشتیاق فراوان علوم رسمی حوزه را فرا می‌گرفتم، و در کنار آن‌ها با مباحث فیلسوفان غربی هم آشنا می‌شدم. اکثر درسهای دوره مقدمات و سطح حوزه را با اساتیدی مبرز و عمدتاً به طور خصوصی طی کردم. بحثهای خارج اصول و فقه را از محضر مرحوم والد آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی «قدس سره» و آیت الله العظمی حاج شیخ حسین وحیدی خراسانی دامت برکاته که افتخار دامادی ایشان را هم دارم، استفاده بردەام. فلسفه اسلامی را نیز مدّتی در نزد آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن‌زاده آملی استفاده کردم. از حوالی سال ۱۳۶۸، پس از تدریس بسیاری از کتب سطح، به تدریس خارج اصول و پس از مدّتی به تدریس خارج فقه پرداخته‌ام و بحمدالله تاکنون مشغول به این دو بحث هستم. در جریان انقلاب در کنار مرحوم والد، در پاره‌ای اقدامات شرکت جسته‌ام و پس از چندی حس کردم تهاجم فرهنگی غرب، کمی از تهاجم نظامی آن ندارد و لذا در حد وسع خویش و با بضاعتی مزجاه همّ خویش را در مقابله با این تهاجم فرهنگی قرار دادم. تهاجمی که ایمان مردم را هدف گرفته و قطعاً در راستای اهداف شوم استعماری است. چون نیک می‌دانند این کشور اسلامی با ایمان مردم زنده مانده است نه تجهیزات مادی و اقدامات نظامی.

مدت‌هاست که رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای «دام ظله» با بیانات مختلف به این خطر عظیم اشاره کرده‌اند و اخیراً هم با بیانی صریح و رسا به افشاء آن پرداخته‌اند. علاوه بر تدریس خارج فقه و اصول در حوزه علمیه قم و نگاشتن کتابها و مقالاتی در باب مباحث جدید کلامی، چند سال است که به عضویت هیئت علمی دانشگاه قم در آمده ام و به طور منظم در دانشگاه تربیت مدرس قم در سطح کارشناسی ارشد و دکترا، کلام جدید و فلسفه تطبیقی تدریس می‌کنم. و در دانشگاه رضوی مشهد، هم پاره ای از پژوهشهای فقهی و فلسفی را سرپرستی می‌کنم.

آثار قلمی این‌جانب برخی به طبع رسیده است که عمده‌ترین آن‌ها عبارت است از:

۱. فلسفه اخلاق در قرن حاضر، نوشته وارنک این کتاب ترجمه‌ای است از Contemporay moral philosophy که با تعلیقات مبسوط این‌جانب به طبع رسیده است. انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۶۲.

۲. انسان از آغاز تا انجام، نوشته علامه سیّد محمّد حسین طباطبایی، این کتاب ترجمه‌ای است از (کتاب الانسان) که با تعلیقات مبسوط این‌جانب همراه است. انتشارات الزهراء، تهران چاپ دوم، ۱۳۷۱.

۳. سرمایه ایمان، ملاعبدالرزاق لاهیجی تصحیح این کتاب توسط این‌جانب صورت گرفته است. انتشارات الزهراء، تهران، چاپ سوم ۱۳۷۲.

۴. معرفت دینی، نقد نظریّه قبض و بسط تئوریک شریعت، مرکز ترجمه و نشر کتاب تهران، ۱۳۷۰

۵. قبض و بسط در قبض و بسطی دیگر، مرکز ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۷۲

۶. واجب مشروط، انتشارات کنگره شیخ انصاری «قدس سره» ۱۳۷۴

۷. فلسفه تحلیلی، دلالت و ضرورت، انتشارات مرصاد، قم،

کتابهای زیر در حال تدوینند:

۱. مکتوباتی در حسن و قبح عقلی و قاعده ملازمه، انتشارات مرصاد

۲. دین و اخلاق، (ترجمه از انگلیسی) انتشارات مرصاد

۳. فلسفه تحلیلی، تئوری‌های معناداری

۴. فلسفه تحلیلی، فعل گفتاری

۵. زبان دین

۶. براهین اثبات واجب، برهان وجودی

۷. قلمرو دین

۸. مبانی کلامی فلسفی حکومت دینی

۹. فلسفه اخلاق

علاوه بر کتابهای فوق مجموعه متعددی از مقالات کلامی، فلسفی در مجلات مختلف، همچون نقد و نظر و کیهان فرهنگی و ماهنامه صبح و ... به طبع رسانده‌ام.

در فقه و اصول، تقریباً تمامی درسهایی را که شرکت جسته‌ام، تقریر کرده‌ام و به علاوه دو مجلّد در علم اصول از ابتدا تا مبحث مشتق به عربی نگاشته‌ام و رساله‌ای مبسوط در «صلوهٔ مسافر» به شکل شرحی بر عروهٔ الوثقی تصنیف نمودم که تتمه‌ای از آن باقی مانده است. در سال ۱۳۷۷به عنوان نماینده دوره سوم مجلس خبرگان از استان مازندران به مجلس خبرگان راه یافتم، و در سال ۱۳۸۰ با حکم مقام معظم رهبری به عنوان عضوی از فقهای شورای نگهبان منصوب گشتم و حکایت همچنان باقی است ...

ریاست قوه قضاییه:

آیت الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران وی را در تاریخ شنبه ۲۴ مرداد ماه سال ۱۳۸۸ به سمت ریاست قوه قضاییه منصوب کرد.

لاریجانی، عبداللطیف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۵ ق)، خطاط و شاعر. از کاتبان و منشیان دیوان قاجاریه بود و عنوان کاتب السلطانی داشت. شعر می گفت و مردی خوشخوی بود. هنگامی که میرزا سنگلاخ در تهران اقامت داشت، نزد وی تعلیم خط نستعلیق و شکسته گرفت. از آثار وی: یک قطعه به قلم دو دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم: «بعز و شوکت فتح علی شه قاجار... کاتب حضرت السلطانی، عبداللطیف لاریجانی»؛ قطعه‌ای به قلم دو دانگ و کتابت جلی متوسط، با رقم: «عبداللطیف اللاریجانی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۱۴ -۴۱۳ / ۲)، تذکره الخطاطین (۳۸۰ -۳۷۱ / ۱).

لاکانی رشتی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۱ ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و مدرس. در نجف به دنیا آمد. در ۱۳۴۱ ق به همراه پدرش به ایران آمد و در رشت سکنی گزید. پس از فراگیری مقدمات و نیز تحصیلات جدید، سطوح را نزد پدرش و شیخ حسن رشاد و شیخ ابوطالب شفتی و شیخ احمد طاهری فراگرفت. سپس به قم رفت و از محضر آیت‌اللَّه سید احمد خوانساری و آیت‌اللَّه شیخ مهدی مازندرانی و آیت‌اللَّه سید محمد حجت و آیت‌اللَّه سید صدرالدین صدر استفاده نمود. در ۱۳۶۳ ق به قصد زیارت به عراق رفت و در نجف از محضر آیت‌اللَّه سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللَّه شیخ ضیاءالدین عراقی بهره برد و از آنها به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نایل شد. سپس به قم بازگشت و به تدریس و تألیف پرداخت و خود از مباحث آیت‌اللَّه بروجردی استفاده نمود. در ۱۳۷۰ ق به قصد زیارت به مکه و مدینه و عتبات رفت و در بازگشت از سفر به علت بیماری پدرش در رشت سکنی گزید و به اقامه‌ی جماعت، تدریس و انجام امور دینی اشتغال یافت. از آثار وی: شرح مباحث «الفاظ» و «برائت» از «کفایهٔ الاصول» آخوند خراسانی؛ شرح «رسائل» شیخ انصاری؛ شرح «مکاسب» شیخ انصاری؛ رساله‌ای در «استصحاب»؛ رساله‌ای در «اعتقادات»؛ رساله‌ای در «علم اخلاق»؛ رساله‌ای در «علم درایه»؛ رساله‌ای در «نفس»؛ رساله‌ای در «قاعده‌ی لا ضرر»؛ رساله‌ای در «قواعد فقهیه و اصولیه»؛ رساله‌ای در «اقتباسات آخوند خراسانی از دیگران»؛ رساله‌ای در «جمع بین الرأیین» (اصالهٔ الماهیهٔ و الوجود).[۱]

سید محمود ضیابری فرزند عالم جلیل آقا سید مهدی موسوی از علماء معاصر رشت است که در سال ۱۳۰۷ ق در قریه ضیاءبر که در چهل و هشت کیلومتری رشت قرار دارد تولد یافته و در تحت تربیت مرحوم والدش پرورش و در سال ۱۳۱۴ ق در سن ۷ سالگی نزد ملا کاظم مکتب‌دار محل قرائت قرآن و خواندن را آموخته و در همان محل صرف میر و تصریف را از آخوند ملاعلی فراگرفته و برای ادامه تحصیل به رشت و دو سالی در مدرسه حاج سمیع و پس از آن در مدرسه مستوفی ادبیات را نزد فضل‌اللَّه در مدرسه خوانده و سطوح وسطی را در خدمت مرحوم حاج شیخ حسن کوچصفهانی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمد زاهد استفاده نموده و در سال ۱۳۳۸ قمری به نجف اشرف مهاجرت و سطوح عالی را از فضلاء گیلانی مقیم نجف تعلیم گرفته و از درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه شیخ‌الفقهاء آقای شریعت اصفهانی و آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه نائینی قدس اللَّه اسرارهم استفاده نموده و در سال ۱۳۱۳ شمسی برای زیارت حضرت ثامن‌الائمه علیهم‌السلام به ایران وارد و پس از تشرف به مشهد مقدس به رشت عزیمت نموده و چند ماهی در قریه ضیابر توقف و به تبلیغ پرداخته و بعد از آن مراجعت به نجف و به زیارت بیت‌اللَّه‌الحرام مشرف و پس از بازگشت در مدرسه قزوینی‌های نجف به تدریس سطوح وسطی پرداخته و در سال ۱۳۲۰ شمسی برای گذرانیدن ایام تابستان به همدان آمده و چون مصادف با جنگ جهانی دوم بود ناگزیر به گیلان عزیمت و رحل اقامت به رشت انداخته و بدواً در مسجد خمیران و مسجد چهل تن و مسجد مرحوم حاج محمدکریم به اقامه جماعت و ارشاد مردم اشتغال تا در سال ۱۳۲۸ شمسی پس از فوت مرحوم عالم ربانی آیت‌اللَّه حاج سید مهدی رودباری برای اداره امور حوزه علمیه رشت و تربیت طلاب و محصلین به مسجد جامع کاسه‌فروشان و مدرسه مهدویه منتقل و به وظائف دینی و روحی از اقامه نماز جمعه و جماعت و تدریس و قضاء حوائج و رفع خصومات و حل و فصل قضایا و توجه و دستگیری از مساکین و عجزه و تأسیس مساجد و تعمیر مدارس و ایجاد کتابخانه و ابنیه خیریه و غیره اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۹۱ -۱۸۹/ ۵)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۲۰/ ۳).

لاکانی رشتی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی لاکانی رشتی متوفی سال ۱۳۷۰ قمری والد آیت‌اللَّه لاکانی معاصر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

لاکانی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین لاکانی از فقهاء بزرگ و ثقات علماء و شاگردان میرزاء رشتی و در سال ۱۳۱۰ ق وفات نموده

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

لال، احمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. به خط وی: قطعه‌ای است از مرقع سید احمد مشهدی، به قلم چهاردانگ و کتابت خوش و با رقم: «کتبه العبد احمد لال».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۴/ ۱).

لالکائی، ابوالقاسم هبهٔ اللّه

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۱۸ ق)، فقیه شافعی، محدث، مفتی و حافظ. اصل وی از طبرستان بود. به بغداد رفت و از شیخ ابوحامد اسفراینی فقه آموخت. از ابوالقاسم عیسی بن علی وزیر و ابوطاهر مخلص و ابوالحسن بن جندی و جعفر بن عبداللّه فناکی رازی و علی بن محمد قصار و علاء بن محمد رویانی و ابواحمد فرضی و عده‌ای دیگر حدیث شنید. ابوبکر خطیب و پسر او محمد بن هبهٔ اللّه و ابوبکر احمد بن علی طریثیثی و مکی کرجی سلار و دیگران از وی روایت کردند. در دینور درگذشت. از وی تصنیفاتی بر جای مانده است، از جمله: «السنن»، شرح اصول اعتقادی اهل تسنن بر اساس کتاب (قرآن)، سنت و اجماع صحابه؛ شرح «السنهٔ» بغوی؛ «معرفهٔ اسماء من فی الصحیحین» یا «رجال الصحیحین» یا «اسماء رجال الصحیحین» بخاری و مسلم؛ «المسائل المنثورهٔ»، در نحو و تفسیر و غیره؛ «کرامات اولیاء اللّه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۵۷/ ۹)، انساب سمعانی (۶۶۹/ ۵)، تاریخ بغداد (۷۱ -۷۰/ ۱۴)، تذکرهٔ الحفاظ (۱۰۸۵ -۱۰۸۳/ ۳)، سیر النبلاء (۴۲۰ -۴۱۹/ ۱۷)، شذرات الذهب (۲۱۱/ ۳)، طبقات الحفاظ (۴۳۸)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۱۹۱/ ۲)، العبر (۲۳۶/ ۲)، الکامل (۳۳۰/ ۷)، کشف الظنون (۱۰۴۰، ۸۳۵، ۸۸)، معجم المولفین (۱۳۶/ ۱۳)، المنتظم (۲۱۴/ ۹)، هدیهٔ العارفین (۵۰۴/ ۲).

لاله

قرن:۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

شاعره‌ی ایرانی دختر قطب‌الدین محمد کرمانی، سومین حکمران از سلسله‌ی قراختائیان کرمان (قر.)

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

لاله‌زاری تهرانی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدتقی تهرانی از علماء اعلام معاصر تهرانست. وی در حدود ۱۳۱۲ قمری در سامرا متولد شده و با مرحوم والدش آیت‌اللّه آقا سید ابراهیم به تهران آمده و پس از طی دوران صبا و خواندن مقدمات در سال اول تاسیس حوزه علمیه قم ۱۳۴۰ قمری بـه قم آمده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه یثربی و آیات دیگری استفاده نموده و هم از محضر مرحوم آیتین اصفهانی و نائینی در موقع توقفشان در قم بهره‌مند گردیده تا به درجه رفیعه علم و اجتهاد نائل آنگاه به تهران مراجعت و بیش از پنجاه سالست که بخدمات دینی اشتغال و چندین سالست که در مسجد (اباذر غفاری) در پل چوبی خیابان شاهرضا به اقامه جماعت و تبلیغ احکام موفق میباشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

لاله‌زاری، محمدصادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

السید محمدصادق بن العالم الجلیل السید ابراهیم بن السید علی‌اصغر الحسینی تهرانی عالمی فاضل و کاملی عامل و پدرش از علماء بزرگوار درکه تهران بوده.

وی در سال ۱۳۰۰ قمری در سامره متولد و در تحت مراقبت و تربیت والدش پرورش یافته و مقدمات و قسمتی از سطوح را نزد وی و بعضی از فضلاء سامره خوانده و در حدود سال ۱۳۲۰ قمری باتفاق مرحوم والدش مسافرت به تهران نموده و فقه و اصول و بعضی از معقول را نزد علماء تهران تکمیل نموده و چون والدش در سال ۱۳۳۲ قمری وفات نمود حمل به قم و در ایوان آئینه حضرت معصومه علیهاالسلام دفن و به تهران مراجعت و بجای والدش در مسجدی که در خیابان لاله‌زار تهران تأسیس نموده به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته و تحول عجیبی در کسبه و اصناف خیابان مزبور ایجاد کرده که اغلب آنان در مواقع نماز به مسجدش حاضر و از نماز و بیاناتش استفاده می‌کردند تا در ۱۶ صفر ۱۳۷۰ قمری وفات نموده و جنازه‌اش حمل به قم و در جوار حضرت معصومه علیهاالسلام بخاك سپرده شده است.

دارای فرزندان برومند و دانشمندی است که از علماء اعلام معاصر تهران و ری می‌باشند.

۱- جناب آیت‌اللَّه حاج سید مهدی حسینی لاله‌زاری که ترجمه‌اش را بعد از این خواهد آمد.

۲- جناب حجهٔ‌الاسلام و المسلمین حاج سید محمدحسین لاله‌زاری دومین فرزند آن جناب است که در تهران تولد یافته و پس از خواندن مقدمات به قم مسافرت و در مدرسه حجتیه اقامت و بتکمیل سطوح پرداخته و چند سالی از محضر مرحوم آیه اللَّه العظمی بروجردی و آیات دیگر بهره‌مند شده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و چندین سال از محضر آیات عظام چون مرحوم آیت‌اللَّه آقا میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللَّه حاج سید محسن حکیم و آیت‌اللَّه العظمی خوئی مد ظله و دیگران استفاده نموده تا بمدارج علم و کمال رسیده آنگاه مراجعت به تهران و در مسجد قائم واقع در خیابان سعدی به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و ضمناً تدریس و مباحثات اشتغال دارند.

۳- جناب حجهٔ‌الاسلام آقای حاج سید عبدالصاحب لاله‌زاری از فضلاء و علماء معاصر می‌باشند که چندین سال در قم و سالها در نجف اشرف کسب علم و کمال کرده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

لاله‌زاری، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدعلی بن آیت‌اللَّه حاج سید محمدصادق لاله‌زاری تهرانی از فضلاء معاصر تهران است. وی در تهران متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و به تحصیل علوم فارسی و دروس جدید پرداخته و پس از تکمیل آن مشغول به تحصیل علوم عربیه گردید. و برای همین منظور در عصر ریاست آیت‌اللَّه العظمی بروجردی به قم آمده و سطوح را از مدرسین حوزه علمیه آموخته و چندی از محضر آقای بروجردی و مدرسین خارج دیگر استفاده آنگاه به نجف اشرف مهاجرت و چندین سال از دراسات آیت‌اللَّه العظمی خوئی و آیات دیگر بهره‌مند گردیده و بعد به ایران مراجعت و در تهران به اقامه جماعت در مسجد لاله‌زار و انجام وظائف دینی و روحی دیگر مشغول می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

لاله‌زاری، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید مهدی لاله‌زاری ابن العالم النبیل و آیت‌اللَّه الجلیل مرحوم حاج سید محمد صادق لاله‌زاری از علماء مبرز و معروف معاصر تهران مقیم در زاویه مقدسه شهر ری می‌باشند معظم له در سال ۱۳۲۴ قمری در تهران متولد شده و سطوح را خدمت مرحوم شیخ مهدی نوری و میرزا طاهر تنکابنی خوانده و در عصر آیت‌اللَّه العظمی مرحوم میرزا محمدتقی شیرازی مهاجرت به نجف اشرف نموده و پس از چندی مراجعت به ایران و در سال ۱۳۴۲ ق دوباره معاودت به نجف نموده و اصول را از مرحوم آیت‌اللَّه مشکینی تکمیل و مدت ۱۲ سال از درس و محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه حاج شیخ کاظم شیرازی استفاده نموده و در سال ۱۳۶۰ ق مراجعت به ایران و در تهران رحل اقامت افکنده و بخدمات دینی و وظائف روحی پرداخته و در سال ۱۳۷۰ مشرف به نجف و دو سال توقف و در سال ۱۳۷۲ ق بوطن بازگشت نموده و مجاورت حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام را در شهر ری بر سکونت در تهران ترجیح و اختیار نموده و بانجام وظایف دینی و روحی مشتغل گشته و از آن تاریخ تاکنون خدمات ارزنده و آثار خالده‌ای از خود گذارده است.

نگارنده گوید: آیت‌اللَّه لاله‌زاری عالمی عامل و فاضلی کامل و فقیهی ناطق و در ایجاد و بناء مساجد و مدارس سمی بلیغ و همتی

عالی و بلند دارد. بیانش بسیار جذاب و شیرین و منبرش بی‌اندازه مؤثر و نافذ است، اول عالم و روحانی متنفذ شهر ری میباشد بسیاری از مردم ری و تهران دست ارادت به وی داده و دلباخته بیانات سودمند و مفید ویند.

آثار خالده و باقیات و صالحات وی در ری و تهران از این قرار است:

۱- مدرسه آیت‌اللّه لاله‌زاری در شهر ری که با همت خود بنام مرحوم آیت‌اللّه بروجردی بنا ولی مردم بنام ایشان می‌خوانند.

۲- حوزه علمیه شهر ری که بهمت عالی وی اداره میشود.

۳- مسجد خاتم‌النبیین در خیابان مظفری شهر ری که از مساجد بسیار زیبای ری و تهران است.

۴- مسجد لاله‌زاری جنب مدرسه علمیه‌اش.

۵- مسجد لاله‌زاری در خیابان لاله‌زار.

۶- مسجد قائم.

۷- مسجد بی‌بی در سر سه راه سپهسالار.

۸- مسجد سلمان در خیابان شهباز.

۹- مسجد حاج محمدحسن قنبری. مسجد اباذر و مساجد دیگر در تهران و حومه آن.

آثار علمی ایشان:

۱- تقریرات اصول مشکینی.

۲- تقریرات اصول آقا ضیاء.

۳- تقریرات نائینی مباحث الفاظ.

۴- تقریرات فقه آیت‌اللّه اصفهانی.

۵- رساله عملیه و تمام کتب مذکوره مخطوط میباشد.

(تو ۱۳۲۴ ق)، عالم دینی، فقیه و نیکوکار. در تهران به دنیا آمد و سطوح را در خدمت شیخ مهدی نوری و میرزا طاهر تنکابنی فراگرفت. در عصر میرزا محمد تقی شیرازی به نجف رفت و پس از مدتی به ایران بازگشت. در ۱۳۴۲ ق برای بار دوم به نجف رفت و اصول را از محضر آیت‌اللّه مشکینی فراگرفت و مدت دوازده سال نیز از درس و بحث آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه شیخ کاظم شیرازی استفاده نمود. در ۱۳۶۰ ق به تهران آمد و در شهر ری ساکن گردید و به انجام وظایف دینی پرداخت. از آثارش: مدرسه‌ی آیت‌اللّه لاله زاری در شهر ری؛ حوزه‌ی علمیه و مسجد لاله زاری در شهر ری؛ مسجد خاتم النبیین (ص) در شهر ری؛ مسجد لاله زاری در خیابان لاله زار؛ مسجد بی‌بی در سپهسالار؛ مسجد سلمان در خیابان هفده شهریور؛ مسجد قائم، مسجد حاج محمد حسن قنبری، مسجد اباذر و مساجد دیگر در تهران و حومه. از آثار علمی: «تقریرات» اصول آیت‌اللّه مشکینی؛ «تقریرات» اصول آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی؛ «تقریرات» آیت‌اللّه نایینی، مباحث الفاظ؛ «تقریرات» فقه آیت‌اللّه اصفهانی؛ «رساله‌ی عملیه».[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۶۴۱ -۶۴۰/ ۴).

لالی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن‌بیگ، شاعر ایرانی (و. همدان- ف. ۱۰۰۲ ه.)

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

لامع همدانی، نورا

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به لامع. وی معاصر میرزا طاهر نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) بود. مدتی در اصفهان و سپس در کرمانشاه با بزرگان و امرای دولت هم‌صحبت شد. از جمله در کرمانشاه ملازم و مصاحب شیخ علی خان زنگنه وزیر بود. لامع «دیوان» شعر داشت و نسخه‌ی خطی «دیوان» او در دانشگاه تهران موجود است. از اوست:

هستی خلق جهان هستی خالق نشود

این سوادیست که با اصل مطابق نشود

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۳۰۳/ ۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۲۲ -۳۲۱)، الذریعه (۹۳۹/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۸۵).

لامع، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: صنایع غذائی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی کشاورزی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۹، طی دوره کامل انستیتو ناسیونال آگرونومیک پاریس (INA)، اخذ مدرک سیکل دوم بیوشیمی، میکروبیولوژی و فیزیولوژی گیاهی از دانشکده علوم پاریس، دکترای میکروبیولوژی مواد غذائی از آزمایشگاه میکروبیولوژی (INA) پاریس، گذراندن یک دوره یکساله میکروبیولوژی شیرو یک دوره هفت ماهه میکروبیولوژی گوشت و فرآورده‌های گوشتی در CNRZ فرانسه بصورت کارورزی.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

میکروبیولوژی و تکنولوژی مواد غذائی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

میکروبیولوژی مواد غذائی، بیوتکنولوژی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۱

زمینه علمی مقالات:

میکروبیولوژی مواد غذائی، بیوتکنولوژی، صنایع غذائی (بویژه صنایع شیر).

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

لامعی گرگانی، ابوالحسن

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، شاعر. ملقب به لامعی. در بکرآباد گرگان به دنیا آمد. لامعی مداح خواجه نظام الملک، وزیر الب ارسلان (۴۶۵ - ۴۵۵ ق)، بود و پیش از وی عمیدالملک کندری وزیر را مدح گفته بود. پس از دوره‌ی الب ارسلان از لامعی شعری در دست نیست و لذا عده‌ای آورده‌ی بعضی از تذکره‌ها را که وی را شاگرد امام محمد غزالی (م ۵۰۵ ق) دانسته‌اند، اشتباه می‌دانند. وی از شاعران دوره‌ی اول غزنوی پیروی می‌کرد و گاه بعضی از قصاید آنها را جواب می‌گفت. لامعی در اشعار خود از ترکیبات متعدد عربی و تشبیهات استفاده کرده است. او در تشبیهات از منوچهری دامغانی و در سرودن اشعار بلند و وصف طبیعت از فرخی سیستانی و عنصری بلخی پیروی می‌کرد و با برخی از شعرا مانند برهانی و سوزنی و جمالی مهریجردی و عمعق بخاری مشاعره و مناظره داشت.

از آثار وی: «دیوان» شعر.[۱]

(بخش ۱: لامع) ابوالحسن بن محمد بن اسماعیل بکرآبادی دهستانی گرگانی، شاعر ایرانی اواسط قرن پنجم هجری (و. حدود ۴۱۴ ه.- ف.؟). وی عبدالملک کندری و نظام‌الملک را مدح گفته. در اشعار لامعی اثری از وقایع بعد از عهد الب‌ارسلان (۴۶۵ -۴۵۵ ه.). نیست. سبک لامعی پیرو سبک شاعران دوره‌ی اول غزنوی است و بعضی از قصاید آنان را جواب گفته است. دیوان ناقص وی مکرر و به صور مختلف بطبع رسیده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۸۱۷ -۸۰۵/ ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۹۸ -۳۸۶/ ۲)، تاریخ نظم و نثر (۵۰)، الذریعه (۹۴۰ -۹۳۹ / ۹)، ریحانه (۱۲۰ -۱۱۹ / ۵)، شعرای مازندران و گرگان (۲۷۱ -۲۶۸)، صبح گلشن (۳۵۳)، فرهنگ سخنوران (۷۸۶)، لغت‌نامه (ذیل/ لامعی)، مجمع الفصحا (۱۱۶۷ -۱۱۵۴/ ۳)، المعجم فی معاییر اشعار العجم (۳۸۹)، مؤلفین کتب چاپی (۱۶۵ -۱۶۴/ ۱)، هفت اقلیم (۱۰۵/ ۳).

لاهوتی کرمانشاهی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۶ / ۱۳۳۵ -۱۲۶۶/ ۱۲۶۴ س)، نویسنده، روزنامه‌نگار، مترجم و شاعر، متخلص به لاهوتی. در کرمانشاه به دنیا آمد. پس از

فراگرفتن علوم مقدماتی در زادگاهش، جهت ادامه‌ی تحصیل به تهران آمد. در جریان انقلاب مشروطه شب‌نامه و اوراق سیاسی منتشر می‌کرد و در صف فداییان قرار داشت. او در جوانی به تحصیل علوم مذهبی پرداخت و به لباس روحانیون ملبس شد. پس از چندی به تصوف روی آورد و سپس از کسوت روحانیان خارج گردید و در ژاندارمری مشغول خدمت شد. وی در حدود ۱۲۹۰ ش به اتهام قتل یکی از زیردستانش به عثمانی (ترکیه) گریخت و در آنجا به تدریس در مدرسه‌ی ایرانیان پرداخت و پس از چندی به ایران بازگشت و در کرمانشاه اقدام و به انتشار روزنامه‌ی «بیستون» کرد. بعد از مدتی مجددا به ترکیه رفت و مجله‌ی ادبی «پارس» را در دو قسمت، به فارسی و فرانسه، در استانبول تأسیس و منتشر کرد. در ۱۳۰۰ ش به ایران بازگشت و در ژاندارمری تبریز به خدمت مشغول شد. سپس زمینه‌ی کودتایی در آنجا ترتیب داد و پس از شکست خوردن کودتا به روسیه گریخت و تا پایان عمر در آنجا به فعالیت‌های هنری درباره‌ی زبان و ادبیات فارسی پرداخت. او از نظر مسلکی، شاعری مادی و معتقد به مارکسیسم بود و شعر خود را ابزاری در خدمت تحقق آرمانهای طبقه کارگر می‌دید. وی شاعری توانا بود و در غزلسرایی مهارت داشت. در عین حال او را می‌توان از پیشگامان شعر نو نیز به حساب آورد. سرانجام لاهوتی در روسیه از دنیا رفت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش: «ادبیات سرخ»؛ «ایران نامه»؛ «جنگ آدمیزاد با دیو»؛ «درافشان»؛ «لالی لاهوتی»؛ «چند اثر از پوشکین»، ترجمه، منظوم؛ ترجمه‌ی «شاهنامه» فردوسی به زبان روسی؛ «دیوان» شعر.[۱]

در ۱۲۶۹ در کرمانشاه متولد شد. پدرش الهامی شغل آزاد داشت و گاهی شعر می‌سرود. وی وارد مدرسه ژاندارمری شد و به درجه افسری رسید. خیلی شجاع و احساساتی و خوش بیان بود. وقتی به درجه سروانی رسید ریاست ژاندارمری قم و کاشان به او داده شد. وی در این شغل مأمور دستگیری نایب حسین کاشی و همدستان او بود. خیلی تند و شدید عمل کرد. نه نفر از یاران نایب حسین را اعدام نمود. لاهوتی در قم خیلی بد کار کرد، متهم به اخاذی شد. حتی گفته شد یک دزدی که در حرم حضرت معصومه متحصن شده بود او را به زور از صحن خارج نموده تیرباران کرده است. مردم به تهران شکایت بردند، هیئتی مرکب از یک افسر سوئدی و دو افسر ایرانی برای رسیدگی به قم رفتند ولی قبل از اینکه افسران مزبور به وظیفه خود عمل نمایند مورد حمله افراد مجهولی قرار گرفته دو تن از آنان مقتول و یکی مجروح گردید. مجروح را به رباط کریم منتقل و در آنجا خفه می‌نمایند. دولت تمام این عملیات را ناشی از تحریک لاهوتی دانسته او را بازداشت و در تهران زندانی می‌نماید. وی با کمک عده‌ای از زندانیان متواری شد. ابتدا به کرمانشاه، سپس به اسلامبول می‌رود و در غیاب وی دادگاه حکم اعدام او را صادر می‌کند. در جنگ بین‌المللی اولی که جمعی از ملیون و وطن‌پرستان قوائی بوجود آورده با روس‌ها می‌جنگیدند لاهوتی با آنها همکاری نموده فرماندهی یک گروهان را عهده‌دار می‌گردد. پس از شکست مجددا به استانبول می‌رود و با کمک خان ملک ساسانی، به انتشار مجله پارس مبادرت می‌کند. چندی بعد وارد تبریز شد. به شیخ محمد خیابانی ملحق می‌گردد. پس از کشته شدن خیابانی عفو عمومی درباره افراد او صادر گردید. این عفو شامل لاهوتی نیز گردید و حاج مخبرالسلطنه هدایت والی وقت آذربایجان در شفاعت و کمک به او نقش بسیاری داشته است. و او را مجددا با درجه ماژوری (سرگردی) داخل ژاندارمری می‌نمایند و به معاونت ژاندارمری آذربایجان منصوب می‌گردد. در آن ایام اوضاع آذربایجان سخت مغشوش بود. سمیتقو در سطح وسیعی منطقه را زیرنظر داشت. چند بار قوای ژاندارم را از بین برده بود. از طرفی افسران ژاندارم در آن ایام به جهت انحلال و ضمیمه شدن به قزاقخانه ناراضی بودند و چند ماه بود که حقوقی دریافت نکرده در وضع ناگواری بسر برده و درصدد انتقام برآمده بودند. افسران ژاندارم مستقر در شرفخانه با تبانی یکدیگر و انتخاب لاهوتی به سرپرستی خود به قصد اشغال تبریز و سپس تهران دست به قیام مسلحانه زدند. ابتدا ماژور پولادین فرمانده ژاندارمری را توقیف نموده، سیم تلفن و تلگراف را قطع می‌نمایند. همچنین حاج مخبرالسلطنه هدایت والی و سرهنگ شهاب را بازداشت می‌کنند. قسمت اعظم شهر تبریز به دست آنها افتاده عده‌ای از مردم به ژاندارمها ملحق می‌گردند. قوای دولتی پس از اطلاع از قیام لاهوتی با قوائی که برای مقابله با سمیتقو آماده کرده بود متوجه شهر تبریز شد و زد و خورد بین دو قدرت درمی‌گیرد. پس از چند ساعت زد و خورد از طرفین عده زیادی کشته می‌شوند ولی به هیچوجه بیم شکست خوردن لاهوتی و همکارانش در بین نبود ولی یکمرتبه لاهوتی با چند تن از افسران از تاریکی شب استفاده کرده به روسیه فرار می‌نماید و مقادیری سلاح نیز با خود حمل می‌کنند. شهر تبریز راحت به دست قوای قزاق فتح می‌شود. باقیمانده افسران همکار لاهوتی که عده آنها ده نفر بود بازداشت می‌شوند. در راس این عده سلطان تورج میرزا امین قرار داشت که فرمانده ستاد جنگ بود. به دستور سردار سپه دادگاه نظام به ریاست سرتیپ زاهدی که در آن هنگام مأمور حمله به قلعه چهریق بود تشکیل می‌یابد. سرهنگ متین‌الملک قریب دادستان دادگاه در کیفر خواست اعدام همه را تقاضا می‌نماید و محاکمه همدستان لاهوتی آغاز می‌گردد. دادگاه تمام عده را براساس کیفر خواست به اعدام محکوم می‌کند. پس از محاکمه و محکومیت این عده بعضی از صاحبان قدرت در مقام وساطت برآمده از جمله سید حسن مدرس در تهران شدیدا برای جلوگیری از اجرای حکم تلاش می‌کند. افسران محکوم به زندان تهران انتقال یافته پس از چندی مورد عفو قرار گرفته به شغل سابق خود باز می‌گردند.

لاهوتی سالها پس از فرار از ایران در شوروی می‌زیست. چندی در قفقاز وزیر فرهنگ تاجیکستان شد. در اواخر به بخش رادیو فارسی مسکو پیوست. وی طبع شعر داشت و قسمتی از اشعارش انتشار یافته است. وی در زمانی که در شوروی بسر می‌برد در برنامه فارسی رادیو مسکو نقشی داشت و حقوقی دریافت می‌کرد. تا اواخر عمر مردی ماجراجو، پرمدعا و شلوغ بود. در ۱۳۴۰ درگذشت.

لاهوتی در گیرودارهای سیاسی به خارج از ایران گریخت و سرانجام به تاجیکستان شوروی رفت و در آنجا به مقامات مهم از جمله وزارت معارف رسید. هم در آنجا ازدواج کرد، دیوانش بارها به چاپ رسید از جمله در مسکو (۱۹۴۶). لاهوتی در شعر فارسی معاصر مقامی ارجمند دارد. از نظر مضامین در به کار بردن کلمات تازگیهای بسیاری در شعرش دیده می‌شود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات نوین (۳۴۲، ۱۰۸، ۴۴، ۴۳-۳۱)، از بهار تا شهریار (۲۵۸-۲۴۶/ ۱)، از صبا تا نیما (۳۸۳-۳۸۱، ۲۳۵، ۱۷۲-۱۶۸/ ۲)، از نیما تا روزگار ما (۵۰۲-۴۹۲)، تاریخ جراید (۴۷-۴۶، ۴۲/ ۲)، چون سبوی تشنه (۷۴-۷۲)، دویست سخنور (۳۵۷-۳۵۵)، الذریعه (۹۴۰/ ۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۵۵-۳۴۶/ ۵)، سخنوران نامی معاصر (۳۱۱۸-۳۱۱۳/ ۵)، فرهنگ

سخنوران (۷۸۶)، فرهنگ شاعران زبان پارسی (۴۹۲ -۴۹۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۵۴، ۲۷۹۳، ۲۱۲۱، ۱۹۸۲/ ۲، ۱۵۷، ۱۳۹۳، ۱۱۱۶ -۱۱۱۵، ۱۱۰۶، ۱۰۵۷، ۴۱۷، ۲۳۳، ۱۴۴/ ۱)، کتاب گیلان (۵۶۴/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۸۸ -۲۸۶/ ۱).

لاهوتی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن لاهوتی در سال ۱۳۲۳ در سبزوار متولد شد.وی از نخستین مترجمان و محققانی است که در بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی مشغول به کار شد .ایشان در جوار استاد سیدجلال الدین آشتیانی توانست اثار ارزشمندی چون «شکوه شمس» پروفسور شیمل را ترجمه کند.نامبرده مدرس دانشگاه پیام نور بوده و در حال حاضر نیز عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد می باشد. کتاب" شرح مثنوی معنوی"ترجمه ،حسن لاهوتی ، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال بر گزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ترجمه

تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسن لاهوتی تحصیلات ابتدایی، متوسطه و دانشگاهی را تا مقطع فوق لیسانس در مشهد طی کرد و پس از آن برای ادامه تحصیل به دانشگاه ایالتی میشیگان «MSU» رفت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسن لاهوتی از نخستین مترجمان و محققانی است که در بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی مشغول به کار شد و آثاری چون «جنبشهای اسلامی و گرایشهای قومی در مستعمره هند»، «هند بریتانیا»، «خدمات مسلمانان به جغرافیا» همراه با تعلیقات و تحقیقات دیگر حاصل سالها همکاری او با آن بنیاد است. مطالع ?آثار کهن عرفانی و اسلامی و ادب فارسی که از اوان جوانی بدان پرداخته وبهر ?وافری که در طول سالیان دراز از محضر استاد سیدجلال الدین آشتیانی برده است او را به ترجم ?اثار ارزشمندی چون «شکوه شمس» پروفسور شیمل توانا ساخت

جوائز و نشانها : کتاب" شرح مثنوی معنوی"ترجمه ،حسن لاهوتی ، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال بر گزیده شد. --

آثار :

۱ جنبشهای اسلامی و گرایشهای قومی در مستعمره هند

ویژگی اثر : ترجمه

۲ خدمات مسلمانان به جغرافیا

ویژگی اثر : ترجمه

۳ شرح مثنوی معنوی

ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «شرح مثنوی معنوی»: شرح مثنوی معنوی مولوی (شش دفتر)، رینولد ا. نیکلسون، ترجمه و تعلیق حسن لاهوتی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴. درک سخنان عارفان ?مولانا در مثنوی، بی نیاز از شرح نیست. در این کتاب با هم ?سلاست بیان و شیوایی و سادگی، فراوان است مضامینی که فهم آن بدون اطلاع کافی از دقایق ادب فارسی و اصول معارف عالی ?اسلام، دشوار، بلکه غیرممکن است. همین ضرورت، توجه دانشمندان نکته سنج را به نوشتن شروح گوناگون بر مثنوی معطوف داشته است، تا آنجا که دانشمندی به نام نیکلسون ۲۰ سال تمام از عمر خود را صرف تهی? نسخه ای کامل از مثنوی کرد. مترجم با دقت نظر در یافتن معادلهای درست و قانونی الفاظ و تعبیرات و اصطلاحات عرفانی و فلسفی، کوشیده است عین نقل قولهای مستقیم را بیابد و در متن فارسی بگنجاند. مترجم در برگردان این اثر تحقیقی- که هفت سال به طول انجامید- از راهنمایی و همکاری عالمانی چند برخوردار بوده است و با پیشگفتار محققانه و عالمان ?سیدجلال الدین آشتیانی اثر خود را مزین نموده است

۴ هند بریتانیا

ویژگی اثر : ترجمه

منابع زندگینامه :www.ketabesal.ir۱

لاهوتی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ حسن لاهوتی یکی از فضلاء مجاهدین حوزه علمیه قم و مبلغین مبارز معاصر تهران است. تولد ایشان در یکی از مضافات رودسر بوده و پس از خواندن اولیات مهاجرت به قم نموده و سطوح متوسط و عالی را نزد مدرسین قم خوانده سپس از محضر و

دراسات آیات عظام قم چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی نایب‌الامام خمینی و مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و آیات دیگر استفاده نموده سپس تهران را مرکز خدمات و تبلیغات خود قرار داده و از اول نهضت روحانیت در تأسیس انجمنهای ولایتی و ایالتی در صف روحانیون مبارز واقع شده و در تمام محافل و مجالس تبلیغی خود از انتقاد دولت و اعتراض به هیئت حاکمه رژیم منحوس طاغوتی و اربابان امریکائی و اسرائیلی آن خودداری نکرده و کراراً از طرف عمال جنایتکار و سازمان (ضد) امنیتی بازداشت و تحت شکنجه قرار گرفته و در زندان کمیته و ایوین چند سالی به سر برده تا در موقع فشار مردم به دولت برای آزادی زندانیهای سیاسی آزاد و باز به ادامه مبارزات خود بر علیه دستگاه پرداخته تا به فضل خدا رژیم طاغوتی شاهی سرنگون و پهلوی فرار را برقرار اختیار و نایب‌الامام از پاریس به وطن بازگشت و جناب لاهوتی به اتفاق مرحوم شهید استاد مطهری در فرودگاه مهرآباد تهران که حقیر هم حاضر بودم وارد هواپیمای حامل امام شده و خیر مقدم گفتند و در تمام مراحل فعالیتهای چشمگیری داشته و از طرف رهبر بزرگ شاغل پستهای بزرگی از قبیل سرپرستی سربازخانه (باغشاه) و تشکیل سپاه انقلاب و غیره را داشته‌اند

نویسنده گوید: مترجم گرامی از دانشمندان باتقوا و فضیلت گیلان و موصوف به ورع و پارسائی و محاسن اخلاق می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

لاهیجانی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم لاهیجانی صاحب (ریاض المؤمنین) عالمی جلیل و فاضلی فقیه از شاگردان صاحب ریاض بوده و در سال ۱۲۶۹ وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاهیجانی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید اسماعیل لاهیجانی عالمی جلیل از شاگردان میرزا حبیب‌اللّه رشتی بوده و بعد ۱۳۲۰ وفات نموده و در جنب قبر والدش که از علماء ابرار بوده در لاهیجان مدفون شده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاهیجانی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ حسن لاهیجانی عالمی فقیه از افاضل تلامذ میرزا حبیب‌اللّه رشتی و مراجع شهرستان لاهیجان بوده تا وفات نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاهیجانی، خلیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلیل لاهیجانی از علماء وقت و فقهاء گیلان و مورد توجه عموم مردم بوده و در سال ۱۳۳۰ وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاهیجانی، صفرعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ صفر علی لاهیجانی قزوینی از شاگردان سید مجاهد و حجهْالاسلام شفتی و صاحب شرح معالم الاصول و رساله در علم درایه بوده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاهیجانی، عباس

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس لاهیجانی عالمی فاضل و صالحی جلیل از شاگردان میرزا حبیب بوده و حدود ۱۳۱۰ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاهیجانی، عبدالرسول

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرسول لاهیجانی فقیهی بارع و عالمی متقی از شاگردان میرزا حبیب اللّه رشتی بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاهیجانی، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، عـالم دینی، فقیه و ادیب. وی از شـاگردان علامه محمـد باقر مجلسـی (م ۱۱۱۰ ق) است. او در اثر معروف خـود «نظم اللآلی» خود را شاگرد علامه مجلسـی خوانده است. «نظم اللآلی» جواب سؤالات فقهی است که علامه مجلسی از او نموده و او آنها را جواب گفته سپس بر اسـتادش عرضه داشته و آنها را به تأیید رسانده است. او این کتاب را به اسم شاه سلیمان صفوی تألیف کرده و در ۱۱۰۳ ق از تـألیف آن فراغت یـافته است. از دیگر آثارش: «فهرست الکتب المأخوذ منها البحار»، که در آن اسامی مآخذ «بحارالانوار» بـه ترتیب در بیست و هفت بـاب (غیر از حرف ظ) آمـده و در ۱۱۲۷ ق به اتمام رسـیده است؛ «صـلاهٔ الجمعهٔ»؛ «حلیهٔ النسوان»؛ «تحفهٔ المصلین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تلامذهٔ العلامه المجلسـی (۵۹ -۵۸)، الذریعه (۲۲۷ -۲۶۶/ ۲۴ ،۳۹۱/ ۱۶)، ریـاض العلماء (۲۴/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۹۶/ ۱۲).

لاهیجانی، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ میرزا محمدرضا لاهیجانی عالمی کامل و فاضـلی جلیل از افاضل شاگردان میرزا حبیب‌اللّه رشتی بوده و بعد از ۱۳۳۰ ق از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاهیجی حائری، محمد قاسم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از آثار وی: چهارده قطعه از مرقعی، به قلم‌های سه دانگ و دو دانگ و کتابت خوش، با رقم‌های: «مشقه العبد محمد قاسم الحائری» و «العبد قاسم غفر ذنوبه» و «فقیر قاسم الجیلانی عفی عنه» و «کتبه الفقیر محمد قاسم لاهیجی» و «المذنب قاسم غفر ذنبه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۱۱ -۸۱۰).

لاهیجی قمی، عبدالرزاق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند علی بن الحسـین اللاهیجی قمی از بزرگان حکماء و متکلمین و ادباء محققین ملقب به فیاض لاهیجی است هم داماد (باجناق) مرحوم علامـه ملاـ محسن فیض کاشـانیست که هر دو شـاگرد و دامـاد صـدرالمتألهین شـیرازی بودنـد و لقب فیض و فیـاض را از او

دریافته‌اند. صاحب روضات گوید در مدرسه معصومه قم (یعنی مدرسه فیضیه) تدریس می‌نمود تألیفات ارزنده دارد که از آنهاست «کتاب گوهر مراد» و رساله (سرمایه ایمان) و شرح تجرید الکلام موسوم «به مشارق الالهام» و «شوارق» کتاب «شرح هیاکل» و رساله‌ی در حدوث عالم، و غیر اینها از کتب و رسائل و حواشی. شاگردان بزرگواری دارد که از آن جمله است فرزند ارجمندش جناب میرزا حسن صاحب کتاب «جمال الصالحین» در سنن و آداب «و کتاب شمع الیقین» در اصول دین به فارسی و غیر آن که قبر شریفش در حاشیه خیابان ارم مقابل شیخان بزرگ سنگ بلندی بر آن نصب است.

(ملا) عبدالرزاق بن علی بن حسین گیلانی ملقب به فیض و فیاض، متکلم منطقی، ادیب و شاعر ایرانی (و.؟- ف. ۱۰۵۱ یا ۱۰۷۲ ه.) وی شاگرد ملاصدرا و ملا محسن فیض بود و در قم تدریس کرده. تألیفات بسیاری دارد که حاکی از تبحر وی هستند از جمله‌ی آنهاست: ۱- «شوارق‌الالهام»، شرح بر «تجریدالکلام» خواجه نصیرالدین طوسی. ۲- «گوهر مراد» در حکمت و منطق به فارسی که برای شاه عباس ثانی نوشته. ۳- «حدوث‌العالم». ۴- «دیوان شعر» پارسی شامل حدود پنج هزار بیت. ۵- «کلمات‌الطیبهٔ» در اصالت ماهیت وجود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

لاهیجی، جعفر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی در زمان شاه‌عباس وزیر لاهیجان بود. جعفر بعد از مدتی به اصفهان رفت. او در سرودن شعر دستی داشت. از اشعار وی:

با بد و نیک دهر جوشیدیم

صاف و درد زمانه نوشیدیم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۶۸)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۲ -۵۱)، الذریعه (۱۹۷/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۱۱).

لاهیجی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین لاهیجی علامه محقق و فقیهی متبحر و مدرسی جلیل از شاگردان سید محمد مجاهد و صاحب جواهر و شیخنا الانصاری بود و در سال ۱۳۰۶ ق به رحمت حق پیوسته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاهیجی، رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا لاهیجی از علماء فاضل و شاگردان میرزاء رشتی و بعد از ۱۳۲۰ وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاهیجی، رضی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از مولد خود لاهیجان به اصفهان مهاجرت و در آن سامان زیست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۱۹ -۱۱۸)، الذریعه (۳۷۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۸۷).

لاهیجی، صفرعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، حکیم و فقیه. در لاهیجان متولد شد مدتی ساکن قزوین بود و علوم معقول را در حوزه‌ی آخوند ملا علی نوری و

علوم منقول را در حوزه آقا سید محمد مجاهد آموخت و به دریافت اجازه از حجت‌الاسلام شفتی نائل شد. مدتی در اصفهان به تدریس متون فلسفی پرداخت. سپس مقیم قزوین شد و در آنجا به تدریس فقه و اصول پرداخت. یکی از شاگردان او میرزا محمد تنکابنی است. برخی از آثار او عبارت‌اند از: «شرح معالم»؛ «رساله در درایه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۷۱/ ۱۴)، فوائد الرضویه (۲۱۹)، قصص العلماء (۹۴ -۹۳)، مصفی المقال (۲۰۴).

لاهیجی، عبدالکریم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالکریم لاهیجی متوفی حدود ۱۳۲۳ قمری از اعاظم علماء و بزرگان فقهاء و دانشمندان و از آیات باهرات و مدرسین محققین و عرفاء اخیار و اصحاب رأی و مبنی بلکه به گفته صاحب (الذریعه) قدوه ارباب التدقیق و قطب فلك التحقیق و جامع معقول و منقول و مسلط و متبحر در فروع و اصول و از شاگردان اول بزرگ شیخنا الانصاری و علامه آسید حسین کوه‌کمری و غیر آنها بوده و بعد از وصول به مقام عالی علم و اجتهاد و فقه و سداد بدون تودیع و خداحافظی با استادش شیخ انصاری به تهران آمده و به طور ناشناس درب حجره یکی از تجار خیر و پرهیزگار بازار به نام مرحوم حاج ملا حاجی والد مبرور آیت‌اللّٰه حاج شیخ عباس حایری تهرانی رفته و به عنوان شاگردی مشغول کار می‌شود.

رفقاء وی خدمت مرحوم علامه بزرگوار شیخ مرتضی انصاری رفته و از عزیمت او به تهران خبر می‌دهند مرحوم شیخ از اینکه او بدون ملاقات با وی به ایران آمده ناراحت فوراً نامه‌ای به علامه حاج ملاعلی کنی نوشته و از مقامات علمی و ورع ایشان خبر داده و توصیه و تأکید می‌کند که حتماً او را یافته و از وجودش تقدیر و استفاده کنند

بعد از وصول نامه به مرحوم علامه کنی در انتظار آمدن او شده و در صدد یافتن او می‌شود و عده‌ای از فضلاء و غیره را مأمور می‌کند که در مدارس و یا مسافرخانه‌ها و غیره ایشان را پیدا کنند حدود شش ماه می‌گذرد و از او خبری نمی‌رسد.

پس از شش ماه روزی مرحوم حاج ملا حاجی مذکور به آقا سید عبدالکریم می‌گوید به منزل حجهٔ‌الاسلام حاج ملا علی کنی رفته و می‌گوئی چند استخاره نمایند و جواب آن را فوراً می‌آوری.

آقای لاهیجی به منزل مرحوم حاج ملاعلی آمده در موقعی که حاجی بالای منبر مشغول تدریس هستند و جمع کثیری از علماء و فضلاء تهران سر تا پا گوش به بیانات حاجی می‌دهند.

پس دم در نشسته و گوش به درس حاجی می‌دهد ناگاه اشکالی به نظرش رسیده ایراد می‌کند بعضی می‌گویند آقا سید ساکت شو اینجا جای حرف زدن نیست.

مرحوم حاج ملاعلی می‌بیند اشکال وارد است می‌فرماید آقا ایرادش به موقع ما باید جوابی درست کنیم مباحثه بین حاج ملاعلی و آقا سید عبدالکریم ادامه پیدا نموده ناچار درس را حاجی تعطیل و فکر می‌کند. این آقا باید شخص بزرگ و عالم جلیلی باشد.

پس می‌گوید: آقا اهل کجا هستی. می‌گوید: لاهیجان نام شما چیست. می‌گوید: سید عبدالکریم. مرحوم حاجی متوجه می‌شود که گم شده خود را یافته فوراً از جا برخاسته و او را در آغوش گرفته و معانقه می‌کند و به جای خود می‌نشاند. و می‌گوید. آقاجان نزدیک شش ماه است که در انتظار شمایم. و استفسار کامل از او می‌کند.

مرحوم حاج ملا حاجی می‌بیند که شاگردش آقا سید عبدالکریم نیامد تعجب می‌کند زیرا در این مدت سابقه نداشت که او کاری را زود انجام ندهد. بگمان اینکه شاید منزل حاج ملاعلی را پیدا نکرده یا اتفاق دیگر روی داده. خود به منزل مرحوم حاجی می‌آید و می‌بیند آقا سید عبدالکریم بالادست حاجی نشسته ناراحت می‌شود و با خود می‌گوید عجب سید بی‌ادبی است که بالادست حاجی نشسته است پس اشاره به او می‌کند که بیا پائین آنجا جای تو نیست.

حاجی ملاعلی مرحوم متوجه شده می‌گوید حاج ملا حاجی‌چی به آقا اشاره می‌کنی. می‌گوید. چون بالادست شما نشسته است آخر این شاگرد حجره من است.

مرحوم حاجی می‌فرمایند. حاج ملا حاجی این آقا مخدوم من و سید من و آقای منست. پس حاج ملا حاجی عذرخواهی نموده و دست آقا سید عبدالکریم و حاج ملاعلی را بوسیده و عقب کار خود می‌رود.

مرحوم حاج ملاعلی دختر خود را به او ترویج نموده و تدریس (مدرسه مروی) را که آن روز مرکز حوزه علمیه تهران بود با امامت مسجد آنها را به عهده معظم له می‌گذارد مرحوم آقا سید عبدالکریم بیش از بیست سال متصدی درس و امامت مسجد و مدرسه مروی بودند و صدها نفر از علماء بزرگ تهران مانند مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدرضا تنکابنی والد خطیب شهیر جناب آقای فلسفی و آیت‌اللّٰه حاج سید محمدتقی تهرانی و آیت‌اللّٰه آقا شیخ آقا بزرگ (هفت تنی) و آیت‌اللّٰه آقا شیخ بزرگ صاحب (الذریعه) و آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدباقر معزالدوله والد آیت‌اللّٰه حاج شیخ مهدی معزی معاصر و آیت‌اللّٰه حاج شیخ احمد خندق‌آبادی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ مرتضی زاهد (حمام گلشنی) و غیرهم از محضر و دراسات استفاده و استضائه نموده‌اند.

آثار عدیده از جمله حواشی بسیاری بر متون فقهی درسی مانند (الروضهٔ‌البهیه) شهید و ریاض و قوانین و فصول و غیرها دارد.

وی در حدود سال ۱۳۲۳ قمری در تهران وفات و در قبرستان شیخان معروف به چهارده معصوم واقع در اوائل خیابان (رزم‌آراء) جاده شاه عبدالعظیم که امروز (کوی شاه) می‌گویند دفن نمودند و بواسطه کرامت و جلالت شأن و مقام او علماء بزرگ مانند آیت‌اللّٰه حاج شیخ باقر معزالدوله‌ای و آیت‌اللّٰه حاج شیخ احمد خندق‌آبادی (والد حجهٔ‌الاسلام حاج شیخ جعفر خندق‌آبادی واعظ معاصر) و ده‌ها نفر دیگر را بنابر وصیتشان در جنب و جوار او دفن نمودند.

بعضی از علماء و ثقات آن بزرگوار را از متشرفین خدمت حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف می‌دانستند.

آمدن حضرت صاحب‌الزمان (عج) بر سر قبر او

جناب حجهْالاسلام والمسلمین آیت‌اللّه حاج شیخ محمود یاسری تهرانی در روز چهارشنبه بیست و سوم محرم ۱۳۹۴ قمری حکایت کرد برای بنده (مؤلف) که مرحوم حجهْالاسلام حاج شیخ مرتضی زاهد (حمام گلشنی) فرمود: آقای آسید کریم محمودی (والد حاج سید علی محمودی مداح معروف به جورابی معاصر) که از متشرفین خدمت حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف بود گفت شب جمعه‌ای در صحن شریف حضرت عبدالعظیم (ع) خدمت حضرت رسیدم فرمود سید کریم بیا برویم به زیارت جدم حضرت رضا علیه‌السلام.

پس چند قدم برداشته و خود را در صحن حضرت رضا (ع) دیدم پس به حرم مشرف و زیارت کرده و با همان کیفیت یعنی (بطی‌الارض) به تهران آمدیم حضرت فرمود بیا برویم به زیارت قبر سید عبدالکریم پس تا به قبر سید رسیدیم دیدم آقا سید عبدالکریم از قبر بیرون آمده و به استقبال حضرت ولی عصر امام زمان روحی له الفداء شتافت و پس از عرض ارادت و اخلاص به من فرمود آسید کریم سلام مرا به حاج شیخ مرتضی زاهد رسانیده و بگو شرط رفاقت همین است که مرا یاد نکنی و به دیدن من نیائی پس حضرت ولی عصر عجل اللّه تعالی فرجه فرمود: آسید عبدالکریم حاج شیخ مرتضی را معذور دار چون گرفتار و مریض احوالست و نمی‌تواند بیاید من به جای او به دیدن تو خواهم آمد.

نگارنده گوید: تعجب نکنید عزیزان من از این حکایت و استبعاد و انکار ننمائید. اولا مقام مؤمن حقیقی و متقی واقعی و عالم ربانی و سید صالح مانند آیت‌اللّه آقا سید عبدالکریم لاهیجی مزبور بالاتر از اینهاست امام صادق علیه‌السلام فرمود اگر به درختی که ریشه آن در اعماق زمین فرورفته است فرمان دهد اطاعت او می‌نماید.

و ثانیاً قدم مبارک همایونی حضرت ولی عصر حجهْ بن الحسن المهدی عجل اللّه فرجه الشریف این اثر و برکت را دارد که به تن مرده جان می‌دهد چنانکه گفته شده

همچون مسیح جان به تن مردگان دمد

گر بگذرد نسیم سحرگه ز کوی تو

(وف ح ۱۳۲۳ ق)، عالم دینی، فقیه، عارف، محقق و مدرس. در نجف از شاگردان برجسته‌ی شیخ مرتضی انصاری بود و از محضر علامه سید حسین کوه کمری نیز استفاده نمود. پس از اینکه در فقه و اجتهاد به مقامات عالی رسید به تهران آمد. حاج ملا علی کنی با توجه به مقام علمی ایشان، منصب تدریس مدرسه‌ی مروی و امامت مسجد آنجا را به وی تفویض نمود. او بیش از بیست سال متصدی درس و امامت مسجد و مدرسه مروی بود. آیت‌اللّه شیخ محمد رضا تنکابنی و آیت‌اللّه سید محمد تقی تهرانی و آیت‌اللّه شیخ آقا بزرگ هفت تنی و آیت‌اللّه شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌اللّه شیخ علی اصغر هزار جریبی و آیت‌اللّه شیخ محمد باقر معزالدوله‌ای و آیت‌اللّه شیخ محمد حسین قزوینی تهرانی و آیت‌اللّه سید صادق تنکابنی و آیت‌اللّه شیخ احمد خندق آبادی و آیت‌اللّه حاج شیخ مرتضی زاهد (حمام گلشنی) از شاگردان وی بودند. فرزند ارشدش سید مهدی لاهیجی نیز از شاگردان پدر بود و در حیات پدر درگذشت. همچنین شیخ ابراهیم رشتی و شیخ عباس لاهیجی در سطوح فقه و اصول شاگرد وی بودند. سید عبدالکریم لاهیجی مابین سالهای ۱۳۱۳ –۱۳۱۰ ق به نجف رفت و از محضر آخوند ملا محمد کاظم خراسانی استفاده نمود. در تهران درگذشت و در قبرستان شیخان تهران، معروف به چهارده معصوم (ع)، دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «الروضهْ البهیهْ»؛ حاشیه بر «الریاض»؛ حاشیه بر «القوانین»؛ حاشیه بر «الفصول فی علم الاصول».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۴۳/ ۸)، الذریعه (۱۶۶/ ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۵۴ –۱۱۵۳/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶۵ –۶۲/ ۶).

لاهیجی، عبداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبداللّه لاهیجی عالمی بارع و کاملی جلیل از شاگردان میرزا حبیب‌اللّه رشتی و مراجع امور دینی لاهیجان بوده و حدود ۱۳۳۰ وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاهیجی، محمد امین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۵ ق)، طبیب و خطاط. وی مدتی در محضر اطبای گیلان تحصیل علم کرد. بعد به تبریز رفت و نزد حکیم ابوطالب و حکیم باقر و حکیم جبرئیل به امر طبابت پرداخت. در دوران تصرف تبریز به وسیله‌ی امپراطور عثمانی، سرداران ترک به وی اعتقاد زیادی داشتند. بعد از آن به عثمانی مسافرت کرد و با بزرگان آن دیار آشنا شد و دوباره به تبریز بازگشت و این زمانی بود که شاه عباس (۱۰۳۸ –۹۹۶ ق) آذربایجان را از وجود ترکان خالی کرده بود و حکیم توانست به دربار شاه راه یابد. او پس از مدتی به گیلان

بازگشت و از آنجا به هندوستان رفت و به گفته‌ی صاحب «مآثر رحیمی» به خدمت عبدالرحیم خان، خان خانان رسید و از جمله‌ی خاصان و محرمان وی گردید و تا ۱۰۲۵ ق در دربار خان به طبابت مشغول بود. لاهیجی گذشته از مراتب علمی، در خوشنویسی نیز دست داشت و خط نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۵۰ -۶۴۹/ ۳)، مآثر رحیمی (۵۱ -۵۰/ ۳).

لاهیجی، محمد جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۲۵۱ ق)، حکیم و مدرس. وی از فلاسفه‌ی عهد محمد شاه قاجار (۱۲۶۴ -۱۲۵۱ ق) و از مدرسان مشهور علوم عقلی بود. از آثارش: حاشیه بر «الهیات شرح التجرید» یا حاشیه بر «الحاشیهٔ الخفریهٔ»؛ شرح «المشاعر» ملاصدرا شیرازی که به خواهش حاج میرزا آقاسی وزیر تألیف نموده است؛ «مصباح الخزائن»، تفسیر عرفانی تأویلی. در «نامها و نامدارهای گیلان» صاحب عنوان با ملا محمد جعفر لنگرودی، شاگرد آخوند ملا علی نوری، یکی دانسته شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۶/ ۲۱ ،۶۵/ ۱۴ ،۶۵/ ۶)، ریحانه (۱۲۴/ ۵)، طبقات اعلم الشیعه (قرن ۲۵۷/ ۱۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۲/ ۷)، معجم المؤلفین (۱۵۵/ ۹)، نامها و نامدارهای گیلان (۵۰۹).

لاهیجی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدعلی لاهیجی فقیهی ورع و عالمی جلیل از شاگردان میرزا حبیب‌اللَّه رشتی و غیر او از بزرگان بوده و در سال ۱۳۳۲ ق در تهران از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاهیجی، نورالدین محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۰۵۱ ق)، خطاط. معروف به نورا. وی از شاگردان میرعماد بود و خط نستعلیق را خوش می‌نوشت. پس از قتل میرعماد از اصفهان به لاهیجان رفت، اما بعد از مدتی به دستور شاه عباس برای کتابت قرآنی به خط نستعلیق به اصفهان بازگشت. نورا ظاهراً در زمان خود شهرت فراوانی داشته و به خوشنویس ایران ملقب بوده است. از آثار او: یک مجموعه «دیوان» حافظ و «دیوان» مغربی و «دیوان» اوحدی، به قلم کتابت جلی خوش، با رقم: «الفقیر نورالدین محمد اللاهیجی... تمت هذه النسخهٔ الشریفهٔ علی ید اضعف عباداللَّه الغنی، نورالدین محمد اللاهیجانی فی سنه‌ی ۱۰۳۲ من الهجرهٔ»، یک قطعه به قلم دو دانگ و کتابت خفی ممتاز، با رقم: «کتبه العبد نورالدین محمد اللاهیجی الملقب به خوشنویس ایران غفراللَّه ذنوبه،..، مرقوم قلم شکسته رقم شد، فی سنه‌ی ۱۰۳۹»؛ یک نسخه «نگارستان» قاضی احمد غفاری، به قلم کتابت خوش، با رقم: «... نوراء المنشی اللاهیجی»، چهار قطعه به قلم‌های چهار دانگ و سه دانگ و دو دانگ عالی و خوش با رقم‌های: «کتبه نورالدین محمد اللاهیجی» و «مشقه نوراء لاهیجی» و «برسم یادگار جهت برادر عزیز خواجه علی بیک نوشته شد. مشقه نورالدین محمد لاهیجی»؛ سه قسم اول از دوره‌ی کامل یک نسخه «جامع الحکایات» محمد عوفی، به قلم نیم دو دانگ خوش، با رقم‌های: «تم قسم الاول من جامع الحکایات و لوامع الروایات... فی منتصف ذی حجهٔ‌الحرام ثمان و اربعین و الف» و «تمام شد قسم دوم از کتاب جامع الحکایات و لوامع الروایات... فی منتصف شعبان سنه‌ی خمسین و الف... نورالدین محمد اللاهیجی...» و «تمام شد قسم سوم از کتاب جامع الحکایات و لوامع الروایات... نورالدین محمد اللاهیجی...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۲۹ -۸۲۷/ ۳)، اطلس خط (۵۳۳)، تاریخ اصفهان (۲۰۲ -۲۰۱).

لایق بلخی، حکیم لایق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر و نقاش. در زمان سلطنت شاه عباس اول (۱۰۳۸ -۹۹۶ ق) می‌زیست و معاصر یگانه بلخی و مفید بلخی (م

۱۰۹۰ / ۱۰۸۵ ق) بود و با ایشان در خدمت امامقلی خان، امیر الامرای فارس، به نقش تصویر و آرایش کتاب‌ها اشتغال داشتند. وی در بلخ درگذشت. از اوست:

پا به دامان گرچه پیچیدیم همچون گردباد

دل به وادی‌ها فتاد و سر به صحراها زدیم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۵۵۸/ ۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۴۱)، الذریعه (۹۴۰/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۸۶).

لب خندقی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی بن میرزا محمدصادق بن میرزا محمد بن نصیرالدین الثالث بن صدرالدین الثانی بن نصیرالدین الثانی بن صدرالدین بن نصیرالدین بن میرصالح الحسینی الیزدی المدرسی معروف به (لب خندقی) عالمی کامل و مرجعی جلیل از بیت علم و فضل و تقوا و شرف از عصر جدش میرصالح مدرس بوده و لقب (مدرسی) برای او و کلیه سادات مدرسی یزد و قم و نجف به واسطه انتساب به اوست.

وی در سوم شعبان ۱۲۸۴ قمری شب ولادت حضرت سیدالشهداء (ع) به دنیا آمد و در شب دهم محرم (عاشورا) سال ۱۳۶۴ قمری شب شهادت جدش سالار شهیدان علیه الصلوهٔ والسلام بدرود زندگی گفته و در امامزاده جعفر یزد مدفون شده است.

این بزرگوار پس از پرورش در بیت علم چندی از محضر آیت‌اللّه آقامیرزا سیدعلی مدرس بزرگ و آقا سید مرتضی مدرس معروف به (شیخ) و حاج میرزا ابراهیم استفاده نموده آنگاه مهاجرت به سامرا و مدت شش سال از محضر میرزا بزرگ شیرازی و بعد چندی با معیت مرحوم آیت‌اللّه حایری یزدی در خدمت مرحوم سید استاد آقا سید محمد طباطبایی فشارکی و پس از وی در خدمت مرحوم علامه خراسانی و حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی تلمذ نموده سپس در عصر آخوند خراسانی به ایران و وطن خود شهر یزد مراجعت و به اقامه جماعت و تدریس در مدرسه مصلی پرداخته و از طریق مختصر زراعتی امرار معیشت نموده تا در سال ۱۳۶۴ وفات کرده است.

نگارنده گوید: درباره نبوغ و تبحر و مقام علمی او به یک واسطه از مرحوم آیت‌اللّه حایری شنیدم که می‌فرمود: اگر وی در نجف مانده بود نوبت ریاست به سید و دیگران نمی‌رسید.

مرحوم مبرور سید الفقهاء والمجتهدین آیت‌اللّه العظمی آقای حاج میرزا سید علی مدرس یزدی معروف به لب خندقی که در سفر مشهد به قم مشرف و مورد تجلیل و تکریم آیت‌اللّه حایری و حوزه علمیه واقع گردیده است.

معظم له از اکابر مجتهدین و اعاظم فقهاء و مجسمه تقوا و فضیلت و دیانت و از شاگردان طراز اول و تلامذه مبرز مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمد فشارکی اصفهانی و آخوند خراسانی و علامه یزدی بوده و در عظمت آن بزرگوار این بس که اگر در نجف مانده بود ریاست به دیگران نمی‌رسید زیرا که ایشان مقدم بر دیگران بودند.

مرحوم آیت‌اللّه یثربی کاشانی می‌فرمود وقتی خواستم از نجف به ایران بیایم استادم مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی با جمله اصحاب و شاگردانش تا وادی‌السلام مرا بدرقه کرده و موقع تودیع فرمودند در درس استاد ما آخوند خراسانی یک میرزا سید علی یزدی بود که وقتی خواست به ایران برود استاد ما به اتفاق اصحاب تا همین جا بدرقه‌اش کرده و از فراق و رفتن ایشان ناراحت بود و می‌فرمود در میان شاگردان من کسی مانند او در فهم و دقت نظر و اطلاع و جامعیت نیست و منهم اکنون همین جمله را درباره تو می‌گویم و به من سفارش کرد که میرزا سید علی یزدی را ببین ولو به رفتن به یزد باشد و من پس از آمدن زیاد به فکر ایشان افتادم و دوست داشتم ایشان را ملاقات کنم و ببینم کیست که آنقدر آقا ضیاء از او تجلیل می‌کند و گاهی به فکر رفتن یزد می‌افتادم ولی موانع و کثرت کار نمی‌گذاشت تا روزی یکی از دوستان و فضلاء کاشان به منزلم آمده و گفت یک ماشین از یزد آمده و یک سید بزرگواری با عده‌ای از اهل علم و مریدان او در گاراژ منزل کرده‌اند فوراً از جا برخاسته و به گاراژ رفتم دیدم عالمی با وقار و سیدی عالیمقدار است پس از سلام و تعارفات سؤال کردم از هویت آقا گفتند آیت‌اللّه میرزا سید علی مدرس یزدیست. مقصود خود را یافتم خودم را معرفی کردم مرا شناخت و در آغوش گرفت پس فروعی عنوان کردم و وارد بحث شدم دیدم حقاً همانطور و فوق آنست که آقای آقا ضیاء گفته‌اند ایشان را تا آماده شدن ماشین که خراب شده بود به منزل آورده و از بیانات علمی و تحقیقات و دقت نظر او استفاده کردم. ولادت این بزرگوار در شب سوم شعبان هزار و دویست و هشتاد و چهار (۱۲۸۴) وفاتش در شب دهم محرم هزار و سیصد و هشتاد و چهار (۱۳۶۴) واقع شد والسلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّا.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لبیبی خراسانی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۴۲۹ ق)، شاعر. معروف به لبیبی و اهل خراسان بود. «لباب الالباب» وی را مداح امیر ابوالمظفر یوسف بن ناصر دانسته، اما دکتر صفا در «تاریخ ادبیات در ایران»، وی را مداح ابوالمظفر چغانی دانسته و این مطلب را تصریح نموده است. وی از معاصران و

دوستان فرخی سیستانی بود. بعد از فوت فرخی، در ۴۲۹ ق، دو بیت شعر در تأسف از مرگ او سرود. لبیبی در میان شعرای بعد از خود شهرتی داشت و مسعود سعد سلمان قصیده‌ای به استقبال او ساخته است. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۵۵۰ -۵۴۷/ ۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۷ -۳۶)، ترجمان البلاغه (۳۲)، الذریعه (۹۴۱ -۹۴۰/ ۹)، سبک شناسی (۳۶۸/ ۱)، شاعران بی دیوان (۴۹۱ -۴۷۶)، فرهنگ سخنوران (۷۸۷ -۷۸۶)، لباب الالباب (۴۱ -۴۰/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ لبیبی)، مجمع الفصحا (۱۱۵۴ -۱۱۵۳/ ۳).

لبیبی کرمانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدرضا لبیبی کرمانی از علماء خدوم و ائمه جماعت معاصر شهرستان کرمانند. ایشان در کرمان به دنیا آمده و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح را در آن سامان خوانده سپس عزیمت به قم نموده و سطوح عالی را نزد اساتید حوزه علمیه قم به پایان رسانیده و از دروس خارج آیات عظام حوزه نیز استفاده کرده و مهاجرت به نجف اشرف نموده و در حوزه هزار ساله نجف از محضر آیات عظام و بالاخص زعیم اعظم و مرجع اعلاء جهان تشیع حضرت آیت‌اللّٰه خوئی و متع اللّٰه المسلمین به طول بقاء استفاده کرده و سپس به زادگاه خود مراجعت و به خدمات دینی از اقامه جماعت و ارشاد مردم و تبلیغ احکام پرداخته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

لبیکی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی لبیکی

محل تولد : الیگودرز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مصطفی لبیکی در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه شدم. دروس مقدمات را در حوزه علمیه الیگودرز شروع نموده و سپس برای ادامه دروس سطح و عالی وارد حوزه علمیه قم شدم. در حوزه علمیه قم از سال ۱۳۷۵ تا کنون از محضر اساتید بزرگواری چون مرحوم وجدانی فخر، وحیدی، حسینی بوشهری، علیدوست، عندلیب همدانی ودروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام وحید خراسانی، مکارم شیرازی ودکتر عابدینی، استفاده نموده وهم اکنون نیز در محضر این بزرگان زانوی تلمذ را بر زمین زده و از خرمن پر فیض آنان استفاده می کنم.

لذتی همدانی، حسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. او دارای طبعی روان بود. در زمان اکبر شاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به هندوستان رفت و در آگره اقامت گزید. شیخ فیض دکنی (م ۱۰۰۴ ق) از شاگردان وی بود. او در جوانی در آگره درگذشت. در تذکره‌ها اشعاری از وی نقل شده است. از اوست:

لذتی آخر ز منع باغبانان چمن

حسرت گل شد گره در گوشه‌ی دستار ما

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۳۰۴/ ۱)، الذریعه (۹۴۱/ ۹)، صبح گلشن (۳۵۳)، فرهنگ سخنوران (۷۸۷).

لسان‌الملک کاشی، هدایت‌اللّٰه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، ادیب، شاعر، خطاط و نقاش. وی نواده‌ی دختری فتحعلی خان صبا ملک‌الشعراء بود. بعد از مرگ پدر، ملقب به لسان‌الملک شد. خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و اشعار فارسی و عربی را نیکو می‌سرود. لسان‌الملک همچنین از ادبیات و انواع علوم بهره داشت و در فن ترسل ماهر بود و نقاشی نیز می‌کرد. او در جوانی منشی مجلس مصلحت خانه دولتی ناصرالدین شاه بود و در تألیف کتاب «ناسخ التواریخ» با پدر همکاری داشت و پس از مرگ او، تألیف بقیه‌ی مجلدات کتاب را به عهده گرفت. از دیگر آثار وی: تذکره‌ی «خوشنویسان»، مشتمل بر نام عموم خوشنویسان و سال درگذشت آنان؛ «منشآت»؛ «دیوان» شعر، به فارسی و عربی، حدود یازده هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۶۳ -۹۶۲/ ۳)، احوال و آثار نقاشان (۱۴۱۷/ ۳)، ریحانه (۱۳۱/ ۵)، شرح حال رجال (۳/ ۳۱۹).

لسانی شیرازی، وجیه‌الدین عبدالعزیز، عبداللّٰه،

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۲ -۹۴۰ ق)، شاعر، متخلص به لسانی. شاعری شیعی بود. در شیراز به دنیا آمد، ولی بیشتر اوقات در بغداد و تبریز به سر می‌برد و به همین جهت بعضی از تذکره‌ها او را لسانی تبریزی هم نامیده‌اند. در تبریز از مصاحبت و حمایت سام میرزا و امیر نجم ثانی، که به ترتیب پسر و وزیر معروف شاه اسماعیل بودند، برخوردار گشت. وی به دلیل مدیحه‌سرایی خاندان پیامبر (ع) مورد احترام بود. او علاوه بر سرودن ستایشنامه‌های مذهبی، در شیوه‌های دیگر سخن از جمله ساختن ترکیب‌بندهای کوتاه مهارت داشت. لسانی پدیدآورنده‌ی مجموعه و قسمتی نو از شعر وصفی به نام شهر آشوب یا شهر انگیز بود. وی به جز قصیده و رباعی غزل را نیز خوب می‌سرود. از شاگردان مشهور او شریف تبریزی بود، که پاس حرمت استاد را نگه نداشت و مجموعه‌ای از شعرهای سست و بی‌معنی منسوب به لسانی ترتیب داد و آن را «سهو اللسان» نام گذاشت. در برابر آن حیدری، شاگرد دیگرش، برای دفاع از استاد خود «لسان الغیب» را ترتیب داد. لسانی قبل از غلبه سلطان سلیمان عثمانی بر تبریز درگذشت و در مقبره‌ی سرخاب تبریز به خاک سپرده شد. از آثارش: شهر آشوبی موسوم به «مجمع الاصناف»، شامل پانصد و چهل رباعی، در توصیف تبریز و پیشه‌وران آنجا و وصف عشق و ساقی؛ «ساقی نامه»؛ «دیوان» شعر.[۱]

(لسانی شیرازی) شاعر ایرانی (ف. ۹۴۰ ه.ق). می‌گویند ۱۰۰۰۰۰ بیت شعر گفته و اشعارش را یکی از شاگردانش پس از مرگ او به نام «شریف تبریزی» جمع کرد ولی این مجموعه به قدری بد بود که بنا بر قول آتشکده به «سهواللسان» شهرت یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] بزرگان شیراز (۳۳۴)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۵۷/ ۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۱ -۶۳۶/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۳۶)، تحفه سامی (۱۸۲ -۱۷۹)، تذکره‌ی پیمانه (۴۵۹ -۴۴۷)، تذکره‌ی روز روشن (۷۰۱ -۷۰۰)، تذکره‌ی میخانه (۹۵۶)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۸۳ -۲۷۴/ ۴)، دایرهٔ المعارف فارسی (۲۴۹۴/ ۲)، الذریعه (۹۴۳ -۹۴۲/ ۹)، ریحانه (۱۳۳، ۱۳۲/ ۵)، طرائق الحقائق (۱۳۲/ ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۷۸ -۱۱۷۷/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۸۷)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۲۵۰۶/ ۳)، کوی سرخاب (۴۳۳ -۴۲۱)، لغت نامه (ذیل/ لسانی)، مجالس المؤمنین (۶۹۸ -۶۹۶/ ۲)، مجالس النفائس (۱۶۱ -۱۶۰)، مجمع الخواص (۱۳۵ -۱۳۲)، مرآت الفصاحه (۵۴۱ -۵۳۹)، مکتب وقوع (۳۹۹ -۳۸۹)، نتایج الافکار (۶۱۲ -۶۱۱)، هفت اقلیم (۲۱۹ -۲۱۷/ ۱).

لسانی، ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۷ -۱۲۷۶ ش)، قاضی، نویسنده و روزنامه‌نگار. در نور مازندران به دنیا آمد. مقدمات علوم قدیمه را در آمل فراگرفت. سپس به تهران آمد و به معلمی پرداخت. وی در ۱۳۰۶ ش به خدمت دادگستری دعوت شد و چندی در دادگستری اصفهان و یزد و نقاط دیگر در سمتهای مختلف قضایی مشغول کار بود. او مدتی جزو هیئت تحریریه روزنامه‌ی «وطن» بود و سپس مدیر داخلی روزنامه گردید. بعد از کودتای ۱۲۹۹ ش، که منجر به تعطیلی جراید گردید، لسانی در روزنامه‌ی افراطی «حقیقت» سرمقاله‌های تندی نوشت که منجر به توقیف روزنامه گردید. پس از آن چندی امور داخلی روزنامه‌ی «کار» را تأسیس و منتشر نمود. از دیگر آثارش: «صحنه‌ی زندگی» یا «سرنوشت مادر گناهکار»؛ «طلای سیاه یا بلای ایران»؛ «متن دفاع لسانی».[۱]

در ۱۲۸۰ متولد شد. تحصیلات قدیم و جدید را توأمان انجام داد و از مدرسه عالی حقوق دانشنامه گرفت. در زمان داور به دادگستری رفت. بعضی از مشاغل قضائی را در تهران و شهرستانها احراز نمود. ولی به این کار زیاد مداومت نداد، حرفه وکالت دادگستری را پیشه خود ساخت. در کار وکالت سریع پیشرفت نمود. از وکلای مبرز و سرشناس تهران شد. و وکالت‌های بزرگی به او واگذار می‌شد. چندی به دنبال وکالت مجلس رفت موفق نشد. در ۱۳۲۸ که مجلس سنا تشکیل یافت لسانی برای ورود به آن

مجلس به تکاپو افتاد و چون یک نفر هم بایستی از جامعه وکلای دادگستری در مجلس اعیان عضو باشد قرعه به نام او اصابت کرد و سناتور شد. ولی در مجلس سنا بر خلاف سایرین به تلاش افتاد لوایح دولت را نقد می‌کرد. در تنقیح قوانین سعی بلیغ به کار می‌برد. وقتی مسئله ملی شدن صنعت نفت پیش آمد در مجلس نطق‌های خوبی ایراد کرد و بیاناتش مستدل بود که بعدها به صورت کتاب منتشر گردید. در دوره دوم سنا هم این مقام را گرفت و هنگام مذاکرات نفت در سنا داد سخن داد. همیشه مورد احترام بود. وفاتش در ۵۷ سالگی در تهران به مرض سکته اتفاق افتاد. کتاب طلای سیاه یا بلای ایران در مورد نفت نوشته اوست.

مرگ زودرس او بدین صورت بوده است.

در ۱۳۳۷ تلفن مغرضانه‌ای به او می‌شود و در این مکالمات تلفنی مرگ یکی از فرزندان را به او خبر می‌دهد. لسانی در اثر شنیدن این خبر واهی که آنرا واقعی تلقی می‌کند دچار هیجان روحی شده و سکته قلبی طومار زندگانی او را برمی‌چیند.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۱۱۶ -۱۱۵/ ۴ ،۲۲۵/ ۱)، الذریعه (۱۴/ ۱۵)، شرح حال رجال معاصر مازندران (۹۱ -۸۸/ ۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۲۶۶ ،۲۲۰۸ -۲۲۰۷/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۴ -۲۱۳/ ۱).

لشکری، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا لشکری

محل تولد : بهبهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات حوزوی از سال ۱۳۶۱ پس از اخذ مدرک دیپلم مشغول به تحصیل در علوم حوزوی در حوزه علمیه امیریه خوزستان شدم. سال ۱۳۶۲ به قم مهاجرت کرده و تحصیل علوم دینی را در این حوزه مقدس دنبال کردم. تحصیل در دانشگاه: از سال ۱۳۶۹ در دانشگاه مفید قم آغاز به تحصیل در رشته اقتصاد نمودم و در سال ۱۳۷۳ در مقطع کارشناسی فارغ التحصیل شده و بلافاصله در همان رشته مقطع کارشناسی ارشد دنبال کرده و در سال ۱۳۷۷ فارغ التحصیل شدم. در سالهای ۷۷ و ۷۸ با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی همکاری علمی داشتم و از سال ۱۳۷۸ به بعد همکاری خود را با پژوهشگاه حوزه و دانشگاه آغاز نمودم و هم اکنون این همکاری ادامه داشته و عضو هیئت علمی گروه اقتصاد این پژوهشگاه می باشم.

لشگری آهنگرانی، علی اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اصغر لشگری آهنگرانی

محل تولد : اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال تحصیلی ۶۴-۶۳ به حوزه علمیه قم مشرف شدم. بعد از تحصیل مقدمات و سطح در حوزه علمیه قم در سال ۱۳۷۱ در درس خارج آیات عظام شرکت کردم در فقه درس آیت الله مکارم به مدت ده سال، آیت الله کریمی جهرمی به مدت ۴ سال و آیت الله بهجت شرکت کردم. در اصول مدتی درس خارج آیت الله مظاهری در قم و مدتی کم درس آیت الله وحید خراسانی و یک دوره کامل اصول که تقریبا ۷ سال به طول انجامید را در خدمت آیت الله سبحانی بودم. که از اساتید محترم گواهی گرفته و تمام تقریرات را در فقه و اصول نوشتم. همزمان با تحصیل به تدریس در حوزه علمیه قم نیز اشتغال داشته و بحمد الله تا کنون نیز ادامه دارد در مدرسه علمیه رسالت ادبیات و همچنین در مدرسه آیت الله گلپایگانی به تدریس مکاسب مشغولم. اولین تالیف حقیر در سال ۱۳۷۱ بوده تا کنون ۵ مورد از تالیفات این حقیر به چاپ رسیده و اکنون نیز به توفیق الهی به تحقیق و تدریس و تالیف اشتغال دارم. از نظر اجازات نیز از حضرت آیت الله صافی گلپایگانی اجازه کامل در امور حسبیه را دارم و از آیت الله مکارم نیز اجازه تدریس رسمی کتاب رسائل و مکاسب را دارم.

لطف افشار، لطفعلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به لطف. از جانب پدر نواده‌ی قاسم خان افشار و از جانب مادر نواده‌ی حسین خان والی لر کوچک بود. در مدت عمر، اوقات خود را صرف صحبت با طالبان علم می‌کرد. وی با وجود اینکه برای مناصب دولتی ترغیب و تشویق می‌شد، از امور دنیوی کناره می‌گرفت. او در علم نظری از شاگردان علامه رجبعلی تبریزی حکیم (م ۱۰۸۰ ق) از شاگردان ملاصدرا، بود. لطفعلی افشار با میرزا جلال شهرستانی معاصر بود. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۳)، الذریعه (۹۴۳/ ۹)، صبح گلشن (۳۵۴ -۳۵۳)، فرهنگ سخنوران (۷۸۸ -۷۸۷)، لغت‌نامه (ذیل/ لطفعلی بیگ).

لطف آبادی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر حسین لطف آبادی فرزند نیشابور است. وی در سال ۱۳۴۵ وارد دانشگاه تهران شد. دورهٔ لیسانس را در رشتهٔ روان شناسی و دورهٔ فوق لیسانس را در رشتهٔ روان شناسی تربیتی در این دانشگاه گذراند.ایشان سپس در سال ۱۳۵۳ برای دریافت آموزش دکترا به سوئد رفت و ده سال در آن کشور ماندگار شد. از آن ده سال، پس از دریافت درجهٔ دکترای تخصصی در رشتهٔ روان شناسی تربیتی (سنجش و ارزشیابی آموزشی)، از سال ۱۳۵۸ به مدت پنج سال ابتدا در دانشگاه لین شوپینگ و سپس در دانشگاه تربیت معلم کالمر در سوئد به عنوان استادیار روان شناسی تربیتی به تدریس پرداخت.وی همزمان با بازگشایی دانشگاهها در ایران، به سبب عشق دیرین و پایان نایافتنی به میهن، از سال ۱۳۶۳ و در سالهای سخت جنگ تحمیلی به ایران بازگشت و در دانشگاه فردوسی مشهد مشغول به کار شد و تا سال ۱۳۸۰ به عنوان استاد روان شناسی تربیتی در آن دانشگاه به تدریس و تحقیق پرداخت.نامبرده هم اکنون در دانشگاه شهید بهشتی مشغول فعالیت های اموزشی و پژوهشی می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : روان شناسیگرایش : روان شناسی تربیتی (سنجش و ارزشیابی آموزشی)اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : دکتر لطف آبادی فرزند نیشابور و خراسانِ بزرگِ ایرانِ کهن است که در خانواده ای دانش دوست و دهقان و باغدار پرورش یافته است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین لطف آبادی در چهل و چهار سال گذشته (از سال ۱۳۴۲ تا کنون)، زندگی خود را به کار تعلیم و تربیت و روان شناسی آراسته است. ایشان پس از دانش آموزی در دورهٔ دیپلم علوم تجربی در دبیرستان کمال الملک و کار آموزگاری سپاه دانش در محیط آباد نیشابور و آموزگاری دبستان در روستای عباس آباد موقوفه در شهر ری، در سال ۱۳۴۵ وارد دانشگاه تهران شد. دورهٔ لیسانس را در رشتهٔ روان شناسی و دورهٔ فوق لیسانس را در رشتهٔ روان شناسی تربیتی در این دانشگاه گذراند.ایشان سپس در سال ۱۳۵۳ برای دریافت آموزش دکترا به سوئد رفت و ده سال در آن کشور ماندگار شد. از آن ده سال، پس از دریافت درجهٔ دکترای تخصصی در رشتهٔ روان شناسی تربیتی (سنجش و ارزشیابی آموزشی)، از سال ۱۳۵۸ به مدت پنج سال ابتدا در دانشگاه لین شوپینگ و سپس در دانشگاه تربیت معلم کالمر در سوئد به عنوان استادیار روان شناسی تربیتی به تدریس پرداخت. رساله ی دکترا: ارزشیابی آموزشی و سنجش پیشرفت آموزشی و پژوهشی دانشجویان دکترای روانشناسی تربیتی در دانشگاههای سوئد. انتشارات دانشگاه لین شوپینگ، سوئد. ۱۳۵۹ — به زبان انگلیسی رساله ی فوق لیسانس: بررسی تعمیم پذیری آزمونهای ادراک خواندن و خزانه ی لغات دانش آموزان کلاسهای اول و سوم و ششم ابتدایی مدارس تهران. دانشکده ی علوم تربیتی دانشگاه تهران. ۱۳۵۳ وقایع میانسالی : حسین لطف آبادی در سال ۱۳۵۳ برای دریافت آموزش دکترا به سوئد رفت و ده سال در آن کشور ماندگار شد. از آن ده سال، پس از دریافت درجهٔ دکترای تخصصی در رشتهٔ روان شناسی تربیتی (سنجش و ارزشیابی آموزشی)، از سال ۱۳۵۸ به مدت پنج سال ابتدا در دانشگاه لین شوپینگ و سپس در دانشگاه تربیت معلم کالمر در سوئد به عنوان استادیار روان شناسی تربیتی به تدریس پرداخت .دکتر لطف آبادی، همزمان با بازگشایی دانشگاهها در ایران، به سبب عشق دیرین و پایان نایافتنی به میهن، از سال ۱۳۶۳ و در سالهای سخت جنگ تحمیلی به ایران بازگشت و در دانشگاه فردوسی مشهد مشغول به کار شد و تا سال ۱۳۸۰ به عنوان استاد روان¬شناسی تربیتی در آن دانشگاه به تدریس و تحقیق پرداختمشاغل و سمتهای مورد تصدی : خلاصه ای از مشاغل و سمتهای اداری دکتر لطف آبادی : استاد روانشناسی تربیتی دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۸۰ تا کنون پروفسور(عضو همکار) دپارتمان روان شناسی کاربردی دانشگاه تورانتو کانادا از سال ۱۳۷۶ تا کنون استاد روانشناسی تربیتی دانشگاه فردوسی از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ پروفسور مهمان دپارتمان روان شناسی کاربردی دانشگاه تورانتو کانادا از سال ۱۳۷۴ تا سال ۱۳۷۵ دانشیار روان شناسی تربیتی دانشگاه فردوسی از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۶ استاد مهمان دپارتمان سنجش روانی-تربیتی دانشگاه تورانتو کانادا از سال ۱۳۷۲ تا سال ۱۳۷۳ استادیار روانشناسی تربیتی دانشگاه فردوسی از سال ۱۳۶۳تا سال ۱۳۷۱ استادیار روانشناسی تربیتی دانشگاه کالمار سوئد از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۶۳ مربی روان شناسی تربیتیدانشگاه لین شوپینگ سوئداز سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۶۰ دبیر دبیرستان در مدارس آموزش و پرورش تهران از سال ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۵۳ آموزگار دبستاندر مدارس نیشابور و شهر ری از سال ۱۳۴۲ تا سال ۱۳۴۷ سردبیر فصلنامهٔ علمی- پژوهشی نوآوریهای آموزشی وزارت آموزش و پرورش عضو شورای علمی انجمن پژوهشهای آموزشی عضو شورای پژوهشی مؤسسهٔ پژوهشی برنامهریزی درسی و نوآوریهای آموزشی عضو گروه روانشناسی تربیتی پژوهشکدهٔ تعلیم و تربیت عضو وابستهٔ کمیتهٔ علمی دپارتمان روانشناسی رشد کاربردی دانشگاه

تورانتـو – کانـادا عضـو انجمن روانشناسـی آنـتریو کانـادا عضـو انجمن ایرانی تعلیم و تربیت عضـو کمیتـهٔ ارزشـیابی و برنـامه ریزی آموزش عـالی وزارت علوم عضو هیـأت تحریریـهٔ مجلـهٔ برنـامه ریزی و پژوهش در آموزش عالی مـدیر گروه علوم تربیتی دانشـکدهٔ علوم تربیتی دانشگاه فردوسی عضو شورای پژوهشی دانشگاه فردوسی رئیس کلینیک روانی–تربیتی دانشکده ی علوم تربیتی و روان شناسـی دانشگاه فردوسی و اداره ی کل آموزش و پرورش عضو انجمن روان شناسی تربیتی سوئد فعالیتهای آموزشی : حسین لطف آبـادی ، همزمان با بازگشایی دانشگاهها در ایران، به سـبب عشق دیرین و پایان نایافتنی به میهن، از سال ۱۳۶۳ و در سالهای سخت جنگ تحمیلی به ایران بازگشت و در دانشـگاه فردوسی مشهد مشغول به کار شد و تا سال ۱۳۸۰ به عنوان استاد روان شناسی تربیتی در آن دانشـگاه به تـدریس و تحقیق پرداخت. در این مدت، چهار سال را نیز به عنوان پروفسور مهمان و مدعو در دانشـگاه تورونتو در کانادا در انستیتوی مطالعات تربیتی آنته ریو به تدریس و پژوهش اشـتغال داشت.پروفسور لطف آبادی، از سال ۱۳۸۰ به دانشگاه شهید بهشتی در تهران (که قبلًا "دانشگاه ملی ایران" نامیده می شد) انتقال یافت و به عنوان اسـتاد روان شناسـی تربیتی به تدریس و پژوهش پرداخت. هم اکنون نیز ایشـان اسـتاد همین دانشگاه است و بـا برخی دانشـگاههای کانـادا نیز همکاری دارد.سایر فعالیتها و برنـامه هـای روزمره : حسـین لطف آبـادی در کنـار تـدریس دروس روان شناسـی تربیتی و پژوهش در مسائـل این رشـته، ایشـان با آموزش و پرورش ایران نیز همیـاری علمی و تحقیقاتی دارد و سـردبیر فصـلنامهٔ علمی– پژوهشـی نوآوریهای آموزشـی و مجلـهٔ تازه تأسـیس نیز هسـتآرا و گرایشهای خاص : نظریهٔ بنیادی دکتر لطف آبادی در پژوهشهای روان شناسی و علوم تربیتی با نام خردگرایی مینوی و علمی" ارائه شده که فلسـفهٔ زیربنایی همهٔ دیدگاههای او است. او معتقد است و در آثار خود نشان داده است که با اتکاء به خردمندی و اندیشهٔ درست می توان دانش عینی در روان شناسـی و علوم تربیتی را با هستی مینوی و متعالی در پیوند با یکدیگر قرار داد و از این راه، افقهای روشن و مطمئن و رهایی بخش برای زنـدگی رسا و شادمانه را پیش روی خود گشود. این دیدگاه بنیادی و کاربردهـای آن را می توان در آثـار دکتر لطف آبـادی (از جمله در آخرین مقالاـتی که متن کامـل آنهـا در این سـایت ارائه شـده) مطـالعه کردچگونگی عرضه آثـار : حوزه های مطالعات و تجربه: ۱–روانشناسی تربیتی ۲– روانشناسـی رشد – کودکی و نوجوانی و جوانی ۳–روشـهای تحقیق در روانشناسـی و علوم تربیـتی ۴–سـنجش روانی ـ تربیتی ۵–روانشناسـی زبان و آموزش خوانـدن آثار : کتاب کودک: اعداد ویژگی اثر : پدیدآورنده: وحیده نوروزقلعه، حسین لطف آبادی (زیرنظر) ناشر: مهاجر – ۱۵ مهر، ۱۳۸۷ ۲ ۱۵ کتاب کودک: اعداد نقطه به نقطه ویژگی اثر : پدیدآورنده: وحیده نوروزی، حسین لطف آبادی (زیرنظر) ناشر: مهاجر – ۱۶ مرداد، ۱۳۸۶ ۳ ۱۵ کتـاب کودک: اعـداد: نقطه به نقطه ویژگی اثر : پدیدآورنـده: وحیـده نوروزقلعه، حسین لطف آبادی (زیرنظر) ناشـر: مهاجر – ۰۵ شهریور، ۱۳۸۷ ۴ ۱۵ کتاب کودک: اعـداد، تصاویر مخفی ویژگی اثر : پدیدآورنـده: وحیده نوروزقلعه، حسـین لطف آبـادی (زیرنظر) ناشـر: مهاجر – ۰۷ مهر، ۱۳۸۷ ۵ ۱۵ کتـاب کودک: حیوانـات: رنـگ بزن، پر رنـگ کن، و یـاد بگیر ویژگی اثر : پدیدآورنـده: وحیده نوروزقلعه، حسـین لطف آبادی (زیرنظر) ناشـر: مهاجر – ۱۸ شهریور، ۱۳۸۷ ۶ ۱۵ کتـاب کودک: رنگ ها: بر اسـاس روش آمـوزش مـداخله ای ویژگی اثر : پدیدآورنـده: وحیـده نـوروزقلعه، حسـین لطف آبـادی (زیرنظر) ناشـر: مهـاجر – ۰۵ شهریور، ۱۳۸۷ ۷ ۱۵ کتـاب کودک: شـکل هـا: بر اسـاس روش آموزش مـداخله ای ویژگی اثر : پدیدآورنـده: وحیـده نوروزقلعه، حسـین لطف آبادی (زیرنظر) ناشـر: مهاجر – ۱۸ شهریور، ۱۳۸۷ ۸ ۱۵ کتاب کودک: شـکل های مخفی ویژگی اثر : پدیدآورنـده: وحیـده نـوروزقلعه، حسـین لطـف آبـادی (زیرنظر) ناشـر: مهـاجر – ۲۶ آبـان، ۱۳۸۶ ۹ ۱۵ کتـاب کـودک: مارپیـچ ویژگی اثر : پدیدآورنـده: وحیـده نوروزقلعه، حسـین لطف آبادی (زیرنظر) ناشـر: مهاجر – ۲۶ آبان، ۱۳۸۶ ۱۰ ۱۵ کتـاب کودک: مخالف ها: رنگ بزن، پر رنگ کن، و یاد بگیر: بر اساس روش آموزش مـداخله ای ویژگی اثر : پدیدآورنـده: وحیـده نوروزقلعه، حسـین لطف آبادی (زیرنظر) ناشـر: مهاجر – ۰۵ شهریور، ۱۳۸۷ ۱۱ آزمونهای روانی – شـناختی کودکان (CAT & BENDER) برای مشاوره کودک ویژگی اثر : پدیدآورنـده: حسـین لطف آبـادی ناشـر: به نشـر – ۱۵ آذر، ۱۳۸۵ ۱۲ آزمونهـای روانی – شـناختی کودکان، CAT & Bender، برای مشاوره کودک ویژگی اثر : پدیدآورنـده: حسین لطف آبادی ناشر: به نشـر – ۱۳۸۲ ۱۳ آموزش رفتار خلاق و اسـتعدادهای درخشان در دانش آموزان ویژگی اثر : پدیدآورنـده: دوریس شل کراس، حسـین لطف آبادی (مترجم)، علی سالیانی (مترجم)، مجتبی جوادیان (مترجم) ناشر: به نشر – ۱۳۸۲ ۱۴ آموزش کودکان تیزهوش ویژگی اثر : پدیدآورنده: جیمزجان گالاگر، حسـین لطف آبادی (مترجم)، حسن عطایی (مترجم)، مجیـد مهدی زاده (مترجم)، احمد رضوانی (مترجم) ناشـر: به نشـر – ۱۳۸۱ ۱۵ آمـوزش کودکـان تیزهوش ویژگی اثر : پدیدآورنـده: جیمزجـان گالاـگر، مجیـد مهـدی زاده (مـترجم)، احمـد رضوانی (مترجم)، حسـین لطف آبادی ()، حسن عطایی () ناشـر: به نشـر، کتابهای پروانه – ۲۶ مرداد، ۱۳۸۷ ۱۶ آموزش و پرورش کودکان عقـب مانـده ذهنی ویژگی اثر : پدیدآورنـده: ساموئـل الکسانـدر کرک، جـورج اوریـل جـانسون، حســین لطـف آبـادی (مـترجم)، محمدرضا شجاع رضوی (مترجم)، مجید مهدی زاده (مترجم)، حسنعلی قهرمان (مترجم) ناشر: به نشر – ۱۳۸۲ ۱۷ اختلالهای رفتاری کودکـان ویژگی اثر : پدیدآورنـده: آلن ایزرائیـل، ریتـا ویکس–نلسـون، حسین لطـف آبـادی (مـترجم)، جواد کامیـابی (مـترجم)، محمدتقی منشی طوسی (مترجم)، مجید مهدی زاده (مترجم) ناشر: به نشر – ۱۳۸۱ ۱۸ روان شناسی تربیتی ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین لطف آبادی ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) – ۰۵ خرداد، ۱۳۸۷ ۱۹ روانشناسی رشد (۱) ویژگی اثر : پدیدآورنده: پروین کدیور، حسـین لطف آبادی، سوسن سـیف، رضا کرمی نوری ناشـر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) – ۲۴ آبان، ۱۳۸۵ ۲۰ روانشناسی رشد (۲): نوجوانی، جوانی و بزرگسالی ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین لطف آبادی ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) – ۰۵ مهر، ۱۳۸۵

لطف بخارایی، لطف‌اللّه

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، قاضی و شاعر، متخلص به لطف. از اهالی بخارا بود. طالب علم بود و در شعر به لطیفه گویی می‌پرداخت. او عهده‌دار منصب قضا و شغل تدریس در مدرسه عبدالعزیز خان بود. لطف، معاصر نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) است. وی دارای «دیوان» شعر بود. از اوست:

عید است چرا کشته‌ی جانان نشود کس

حیف است که عید آید و قربان نشود کس

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۳۹)، الذریعه (۹۴۴، ۸۶۸/ ۹)، صبح گلشن (۳۵۴)، فرهنگ سخنوران (۷۸۸)، لغت‌نامه (ذیل/ لطف‌اللّه).

لطف نیشابوری، لطف‌اللّه

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۱۶/ ۸۱۰/ ۷۸۶ ق)، دانشمند، صوفی و شاعر. معاصر امیر تیمور گورکانی و شاهرخ میرزا است. او از مریدان شاه نعمت‌اللّه ولی کرمانی بود و امیر شیخ آذری، صاحب «جواهر الاسرار»، را ملاقات کرد. در اقسام شعر تبحر داشت و صنایع شعری را به خوبی رعایت می‌کرد. وی مداح میرانشاه و شاهرخ، پسران تیمور، بود. در پایان عمر به اسفراین رفت و گوشه‌نشینی برگزید و به طاعت و عبادت مشغول شد. وی در حال سجده درگذشت و قبرش در قدمگاه امام رضا (ع) نزدیک مشهد است. غالب اشعار وی در مدح ائمه‌ی اطهار (ع) است و «دیوان» شعری دارد. در کتابخانه‌ی ملی تهران نسخه‌ی نادر و نفیسی از «دیوان» او موجود است که به خط مولانا سیمی کتابت شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۱۰ -۷۰۷/ ۲)، از سعدی تا جامی (۷۱۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۱۸ -۲۰۱، ۱۷۶ -۱۷۵، ۱۷۳/ ۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۱۰)، تذکره‌ی روز روشن (۷۰۲ -۷۰۱)، تذکرهٔ الشعراء (۳۵۹ -۳۵۲)، چهار صد شاعر پارسی گوی (۸۱۵)، دایرهٔ المعارف فارسی (۲۴۹۵/ ۲)، الذریعه (۹۴۵ -۹۴۴/ ۹)، ریاض العارفین (۱۲۹)، ریحانه (۲۸۰/ ۶)، فرهنگ سخنوران (۷۸۸)، لغت‌نامه (ذیل/ لطف‌اللّه نیشابوری)، مجالس العشاق (۲۰۱ -۲۰۰)، مجالس المؤمنین (۶۶۵ -۶۶۳/ ۲)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۸۰۸)، مرآهٔ الخیال (۵۷)، مطلع الشمس (۱۷۶ -۱۷۵/ ۳)، هفت اقلیم (۲۶۷ -۲۶۵/ ۲).

لطفعلی بیک

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند اسماعیل بیک سامی. در مردمی و تقوا و عبادت، یگانه بوده، بر گفتن تاریخ اقتداری کامل داشته، به ترکی و فارسی غزل خوب می‌گفته، دیوانش قریب چهار هزار بیت است.

از اوست:

رخش از نور ایمان آفریدند

خطش از جوهر جان آفریدند

به عالم نام رعنایی علم شد

چو آن سرو خرامان آفریدند

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

لطفعلیان، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۹۷.

درگذشت: ۱۳۷۰.

حاج ابوالقاسم فرزند لطفعلی ملقب به حاج لطفعلیان و متخلص به «لطف» دارای تحصیلات قدیمه بوده و گاه‌گاهی شعری می‌سرود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

لطفی تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۵/ ۱۰۲۱ ق)، شاعر. از اشراف‌زادگان آذربایجان بود و در تبریز به دنیا آمد. در زمان جهانگیر پادشاه هند (۱۰۳۷ -۱۰۱۴ ق) به هندوستان رفت و از طرف وی ملقب به موزون الملک شد و به مناصب دولتی نیز منصوب گردید. مؤلف تذکره‌ی «میخانه»، در ۱۰۱۷ ق، او را در لاهور ملاقات کرد. مولانا مرشدخان بروجردی که معاصر وی بوده او را ستوده است. از اوست:

یک چند پی گردش افلاک شدیم

یک چند پی دانش و ادراک شدیم

از آمد و رفت خود همین فهمیدیم

کز خاک برآمدیم و در خاک شدیم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۵۵۲ -۵۵۰/ ۲)، تذکره‌ی میخانه (۸۲۰ -۸۱۸)، دانشمندان آذربایجان (۳۲۱)، الذریعه (۱۱۱۸ ،۹۴۵/ ۹)، صبح گلشن (۳۵۵)، فرهنگ سخنوران (۸۹۳ ،۷۸۸)، کاروان هند (۱۲۰۰ -۱۱۹۶/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ لطفی)، مآثر رحیمی (۱۲۵۵ -۱۲۵۲/ ۴)، هفت اقلیم (۲۴۸/ ۳).

لطفی خوانساری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۹۷ ق)، منجم و شاعر. اهل خوانسار و برادر مولانا وصلی بود. وی در شعر به بدیهه‌گویی تمایل داشت. در زمان شاه طهماسب ملازم امیر محمد یوسف استرآبادی (م ۹۷۷ ق)، قاضی هرات، بود اما بیشتر اوقات عمر خود را در کاشان به فراگیری علم اختصاص داد و زمانی که میرصدرالدین محمد واعظ منصوری، فرزند غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی، به کاشان آمد، لطفی در سلک ندیمان و مصاحبان او قرار گرفت و بعد از مدتی به شیراز رفت و در آنجا در محضر درس شاه فتح‌اللّه حسینی شیرازی حاضر شد و در علم ریاضی و حساب به مرتبه‌ی بالایی رسید. بعد از آن به هند رفت و مورد عنایت و حمایت شاهان آنجا قرار گرفت و صله و انعامی بسیار به دست آورد. سپس به کاشان بازگشت و تأهل اختیار کرد و چون ره‌آورد سفر تمام شد بار دیگر به جانب هند سفر نمود و مدتی در گجرات نزد میرزا نظام‌الدین احمد، مولف «طبقات اکبری» به سر برد. در ۹۹۷ ق در التزام اکبر شاه به کشمیر مسافرت کرد و در آن زمان استاد او، فتح‌اللّه شیرازی، در کشمیر از دنیا رفت و لطفی ترکیب‌بندی مشتمل بر «هفت بند» در رثای او سرود. وی ترجیع‌بند استادانه‌ای نیز در «یازده بند» در مدح و منقبت حضرت ختمی مرتبت (ص) دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۲۲)، تذکره‌ی روز روشن (۷۰۲)، الذریعه (۹۴۵/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۸۹)، کاروان هند (۱۲۰۷ -۱۲۰۰/ ۲).

لطفی شیرازی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. در زمان شاه عباس اول (۱۰۳۸ -۹۹۶ ق) می‌زیست. لطفی از شعرای مکتب وقوع و با شانی تکلو (م ۱۰۲۳ ق) معاصر و معاشر بود. وی به قصد سیاحت از شیراز به شهرهای مختلف ایران سفر کرد و عاقبت به هندوستان رفت و در همان جا درگذشت. از اوست:

شد عارف و عامی همه را عار از من

بدنامی بت‌پرست و دیندار از من

بی‌قدری سبحه، ننگ زنار از من

هفتاد و دو ملتند بیزار از من

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۹۵)، تذکره‌ی روز روشن (۷۰۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۸۸ -۲۸۷/ ۴)، الذریعه (۹۴۵/ ۹)، ریاض العارفین (۲۳۱)، ریحانه (۱۳۴/ ۵)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۷۸/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۸۹)، کاروان هند (۱۲۰۹ - ۱۲۰۷/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ لطفی)، مرآت الفصاحه (۵۴۳ -۵۴۲)، مکتب وقوع (۱۸۰ -۱۷۹).

لطفی صدیق، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ژئولوژی دینامیک، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته آبیاری و آبادانی از دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۹، کارشناسی ارشد در زمینه‌های هیدرولوژی و هیدروژئولوژی و ژئوشیمی از دانشگاه پیر و ماری کوری پاریس، دکترا در رشته ژئولوژی دینامیک با گرایش مدلهای ریاضی و کاربرد آن در محیطهای متخلخل از دانشگاه پیر و ماری کوری و لابراتور ISM وابسته به مرکز تحقیقات علمی فرانسه در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زه‌کشی، اصلاح و شستشوی اراضی، پدیده‌های نفوذ، حرکت آلودگی و اصلاح، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مبانی کامپیوتر و برنامه‌نویسی به زبان فرترن ۷۷، هیدرولوژی آبهای زیرزمینی، محیطهای تخلخلی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

فرمولهای ریاضی به منظور محاسبات پدیده‌های نفوذ و حرکت املاح، دو روش برای محاسبه بارشهای میانگینی ناحیه‌ای.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

لطفی ماوراء النهری

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۹۷ ق)، شاعر. از مردم ماوراء النهر و معاصر و مصاحب جامی بود. وی از تربیت‌یافتگان بایسنقر میرزا بوده و تا عصر سلطان حسین بایقرا می‌زیسته است. در ایام جوانی به تحصیل علوم ظاهریه پرداخت و علوم باطنی و تصوف را نزد مولانا شهاب‌الدین خیابانی آموخت. وی در سرودن اشعار ترکی بی‌نظیر بود و «دیوان» ترکی او مشهور است و مطلع‌های متعذر الجواب بسیار دارد. گفته‌اند مولانا هزاران بیت «مثنوی» سروده ولی به دلیل عدم جمع‌آوری از میان رفته است . او در گویش و سرایش به فارسی نیز استاد بود و در آخر عمر، در نود و نه سالگی، قصیده‌ای به ردیف «آفتاب» سرود که هیچ یک از شعرای زمان نتوانستند به پیروی از او مطلعی برابر بسرایند. قبر لطفی در ده کناره، در شهر هرات، است. از لطفی «دیوان» شعری در کتابخانه‌ی سپهسالار وجود دارد که در اول آن شاهرخ میرزای گورکانی را مدح کرده است.[۱]

(مولانا لطفی رونی) شاعر پارسی و ترکی‌گوی، معاصر جامی (قر. ۹ ه.) دیوان ترکی او مشهور است و به فارسی نیز قصیده‌ها دارد. وی در شهر هرات نزدیک مسکن خود- ده کنار- مدفون است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۸، ۱۴۶/ ۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۹۵)، تعلیقات مزارات هرات (۹۳ -۹۲)، حبیب السیر (۱۰۷/ ۴)، الذریعه (۹۴۶ -۹۴۵/ ۹)، صبح گلشن (۳۵۴)، طرائق الحقائق (۱۰۸/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۷۸۹ -۷۸۸)، لغت‌نامه (ذیل/ لطفی)، مجالس النفائس (۲۲۴ -۲۲۳، ۵۰ -۴۹).

لطفی یزدی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، شاعر، متخلص به لطفی. از اهالی یزد است که تا دوره‌ی اول متوسطه تحصیل کرده است. به بازرگانی روزگار می‌گذراند و اشعاری از وی ذکر شده است. از اوست:

فلک هر شام دامان افق را خون چکان دارد

دل ما را چنین خون کرده، دور آسمان دارد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۷۱۸ -۷۱۵)، فرهنگ سخنوران (۷۸۹).

لطفی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن لطفی تبریزی در سال ۱۲۹۸ شمسی در شهر تبریز متولد گردید. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان رساند. او در سال ۱۳۱۷ وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و سپس برای تحصیل در دوره ی دکترا به دانشگاه «گوتینگن» آلمان رفت و پس از ارائه ی پایان نامه اش با عنوان «نمونه ی انسان بزهکار از نظر مقررات جزایی مربوط به نوجوانان» موفق به اخذ این درجه در رشته ی حقوق جزایی شد. لطفی مدت سه سال در آلمان به عنوان دستیار استاد زبان فارسی مشغول بود. سپس به ایران بازگشت و در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت به فعالیت های سیاسی پرداخت ؛ اما با وقوع کودتای ۲۸ مرداد و دستگیری و محاکمه ی دکتر محمد مصدق از کار سیاسی دلسرد شد و به فعالیت های فرهنگی روی آورد. وی با استفاده از تسلطش به زبان های آلمانی ، انگلیسی و فرانسه و نیز فهم دقیق متون فلسفی ، آثار شاخص فلسفه یونان و غرب را ترجمه نمود. دکتر محمدحسن لطفی در سال ۱۳۷۸ دارفانی را وداع گفت. کتابهای " پایدیا " و" مجموعه آثار ارسطو: مابعدالطبیعه (متافیزیک) سماع طبیعی، اخلاق نیکو ماخوس ،"ترجمه ،محمدحسن لطفی تبریزی به ترتیب در دوره های شانزدهم و هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ، به عنوان کتاب برگزیده ی سال برگزیده شدند.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

گرایش : حقوق جزا

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدحسن لطفی تبریزی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش تبریز به پایان رساند. در آن ایام دروس دبیرستان به دو دوره سیکل اول و دوم تقسیم می شد. برای دوره دوم دبیرستان در تمام تبریز – بلکه در سرتاسر آذربایجان– یک مدرسه بیشتر نبود و آن مدرسه فردوسی بود. دوره دوم دبیرستان به دو بخش علمی و ادبی تقسیم می شد که لطفی از محصلان بخش ادبی بود. در دوره ادبی گذشته از تاریخ و جغرافی، مختصری معانی بیان و عروض و قافیه و منطق و مقدمات فلسفه و تاریخ آن تدریس می شد. در دوره دبیرستان وی با نهج البلاغه و مقالات عروهٔ الوثقی و نامه های عربی سید جمال الدین اسد آبادی نیز آشنا شد. او در سال ۱۳۱۷ وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران و در سال ۱۳۲۰ فارغ التحصیل شد. در سال ۱۳۲۲ با استفاده از بورس تحصیلی به استانبول رفت . پس از سه ماه اقامت در استانبول بطور غیر منتظره موفق به دریافت بورس از موسسه اوقاف هومبولدت آلمان شد و در اسل ۱۹۴۳ میلادی عازم آلمان شد و در دانشگاه گوتینگن تحصیل در دوره دکترا را شروع و پس از ارائه پایان نامه اش با عنوان «نمونه انسان بزهکار از نظر مقررات جزایی مربوط به نوجوانان» موفق به اخذ درجه دکترا در رشته حقوق جزایی شد.

خاطرات و وقایع تحصیل : محمدحسن لطفی تبریزی نه تنها دو سال آخر جنگ جهانی دوم، بلکه سه سال پس از آن را نیز در آلمان در عسرت و سختی گذرانید. و از آن ایام حکایت می کرد که در سالهای کمبود و ویرانی بعد از جنگ، روزی مرحوم دکتر شهید نورایی استاد فقید دانشگاه اورا در آلمان دید و از وضعیتی که داشت متاثر شد. چون پول کافی نداشت، ساعت طلایش را بز کرد و به لطفی داد و او توانست با فروش آن شش ماه زندگی خود را بچرخاند.

فعالیتهای ضمن تحصیل : محمدحسن لطفی تبریزی در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت به فعالیت های سیاسی روی آورد، اما با وقوع کودتای ۲۸ مرداد و دستگیری و محاکمه ی دکتر محمد مصدق از کار سیاسی دلسرد شد و به فعالیت های فرهنگی روی آورد. وی همزمان با محاکمه ی دکترمصدق در دادگاه نظامی تهران ، به ترجمه ی رساله ی «آپولوژی » افلاطون اقدام نمود و آن را با عنوان « محاکمه سقراط» که در واقع اعتراضی به جریان دکتر مصدق بود، منتشر کرد.

استادان و مربیان : در دبیرستان فردوسی و در بخش ادبی، معلم ادبیات فارسی سید هدایت ا... شهاب فردوسی از شاگردان ادیب نیشابوری (ادیب اول) بود. معلم صرف و نحو عربی، آقا شیخ علی اکبر قاری از افاضل تبریز بود و معلم فرانسه « موسیو نبارش»و معلم شیمی موسیو میناسیان بود که به زبان فرانسه تدریس می کرد. هچنین معلمان دانشمندی چون مرحوم جلال همایی که ادبیات فارسی را عمیقاً به او آموخت، دیگری معلم یهودی گمنامی که لطفی همیشه از او به نیکی و سپاس یاد می کرد و می فت فرانسه را چنان خوب به من یاد که تا امروز هر چه از آن زمان می دانم و به یاری آن حتما کتابهای فلسفی فرانسه را می خوانم از او دارم، سومی شخصی به نام سید هادی سینا معلم عربی و فلسفه که بعدها مانند مرحوم همایی استاد دانشگاه شد و بدیع الزمان فروزانفر از تسلط او به لغت عرب اعجاب می کرد.

هم دوره ای ها و همکاران : دکتر محمد علی موحد با سابقه دوستی بیش از شصت سال از دوستان دوره دبیرستان محمدحسن لطفی تبریزی بود. دوستی با دکتر رضا کاویانی نیز در زندگی لطفی تاثیری ماندگار گذاشت. کاویانی تحصیل کرده آلمان و از موسسین جبهه ملی بود و درستی او با لطفی به ایامی که او در دانشکده حقوق تهران در سمی خواند بر می گشت لطفی در زمان تحصیل، در وزارت دارایی هم کار می کرد و کاویانی از صاحب منصبان نامدار آن وزارتخانه بود. کاویانی فقدان برنامه و تشکیلات سیاسی را بزرگترین عامل درماندیگ های ایران می دانست و در سال ۱۳۳۰ یعنی همان سال اول زمامداری دکتر مصدق، رساله ای زیر عنوان « مملکت بی نقشه و هدف» نوشت و سرخوردگی خود را ازجبهه ملی فاش ساخت . کاویانی درصدد ایجاد تشکلی به نام « جمعیت مبارز» بر آمد اما در این کار موفق نبود و به زودی جمعیت به محفلی برای « مطالعه و تحقیق»تعلیل یافت که شمار اعضای آن از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی نمود و او این محفل را «مکتب فلسفی جمعیت مبارز»نام نهاد، دکتر موحد و لطفی در نشست های هفتگی آن محفل شرکت می کردند. در این محفل بود که لطفی ترجمه آپولوژی و رساله های

کوچک افلاطون را بر عهده گرفت. ترجمه این آثار توسط کاویانی با اصل آلمانی تطبیق داده می شد و در جایی بخارایی که مردی ادیب و فاضل بود عبارات را اصلاح و پیرایه می نمود. بر این آثار مقدمه ای توسط کاویانی نوشته می شد. همکاری لطفی با کاویانی در کار ترجمه تا سال ۱۳۴۷ که کاویانی زنده بود ادامه داشت . آشنایی با افلاطون دولتی بود که برای لطفی به لطف کاویانی حاصل شد اما او صحبت افلاطون را مغتنم شمرد و دامن او را تا پایان عمر از دست نگذاشت.

همسر و فرزندان : محمدحسن لطفی تبریزی درزندگی مدیون همسر کم حرف و پروقار خود خانم زیگرید بود.این دوست همدل و مشفق ایام دانشجویی که روزها مدیر دفتر وکالت او بود و شبها برایش کتاب می خواند و نظم و ترتیب و دقت و ضابطه خاص آلمانی را بر زندگی او حاکم کرد. دکتر لطفی پرورش یافته دوفرهنگ سختگیر و انعطاف ناپذیر بود(فرهنگ آذری و آلمانی) . چون در اواخر جنگ جهانی دوم در آلمان ازدواج کرده بود، با همسر آلمانی اش به توافق رسیده بودند که اگر سرنوشت بشریت آن چیزی است که آنها شخصاً شاهد آن بوده اهد، پس همان بهتر که به نوبه خودشان، موجود دیگری به جمعیت جهان نیفزایند و نیفزودند.

وقایع میانسالی : محمدحسن لطفی تبریزی در ترجمه آثار فلسفی ، منظوری فرعی نیز برای خود تامل است که آن را چنین بازگو می کند: نخستین تماس بنده با فلسفه در مدرسه متوسطه روی داد. در برنامه کلاسهای پنجم و ششم متوسطه فلسفه مشرق قرار داشت و فلسفه را از روی کتابی با عنوان «فلسفه شرق» تالیف مرحوم « ضیا الدین دری» می خواندیم و من در همان موقع سخت مجذوب فلسفه شدم و علت این امر استعداد خود من نبود بلکه آموزگاری بسیار دانشمند و دلسوز و مهربان داشتیم که همه کوشش او بر این بود که آنچه را خود می داند به شاگردان منتقل کند. ولی من در آن موقع با این که از مباحث فلسفی خوشم می آمد دچار حیرت بودم که چرا برای فهمیدن هر جمله کتاب فلسفی باید ریاضت کشید و چرا از صحت فهمیدن یک جمله فلسفی کمتر از زحمت حل یک مساله ریاضی نیست. بعد ها که با نوشته های فلسفی بیشتر آشنا شدم و ضمناً به کتابهای فلسفی اروپایی هم دسترسی یافتم متوجه شدم که در کشور ما برای فلسفه زبان خاصی ابداع شده است و مثل این است که نویسندگان این گونه نوشته ها کتابهای خود را فقط برای عده خاصی می نویسند نه برای همه درس خواندگان و حتی امروز هم گاهی به زبان عربی می نویسند. در حالی که فلسفه مهمترین دانشهاست در زبان فلسفی کشور ما بطور کلی انحرافی از راه اعتدال روی داده است. و مخصوصاً به اصطلاحات بفرنج آن قدر اهمین داده شده است که خود مطلب در زیر کوه اصطلاحات مدفون مانده است و از یک سو انبوه اصطلاحات و از سوی دیگر زبان نعلق نثر فلسفی سبب هراس و حتی انزجار جوانان و دانشجویان از فلسفه شده است. وقتی که خودم به ترجمه کتابهای فلسفی روی آوردم با توجه به این ملاحظات تصمیم گرفتم راهی دیگر در پیش گیرم و ترجمه را به زبان هر چه ساده تر و سلیس تر آوردم و ببینم نتیجه چه می شود. »

زمان و علت فوت : محمدحسن لطفی تبریزی در سال ۱۳۷۸ دارفانی را وداع گفت. دکتر عزت ا... فولادوند تواضع، ادب و راستی و دوستی مرحوم لطفی را در خاطره ای چنین نقل می کند که در دیداری از خانه مرحوم لطفی و به پیشنهاد همسر آن مرحوم به اتاق کار ایشان رفتم، روی میز انبوهی از کتاب دیده می شد و در آن میان چند مجلدی که دوستان دکتر لطفی به وی هدیه داده بودند. در این میان مجموعه شعری از آقای دکتر شفیعی کدکنی بود که به رسم یادگاری نوشته بودند «به مظهر اعتدال، خرد ایرانی در عصر ما به حکیم راستین دکتر محمد حسن لطفی – فرویدن ۷۷» دکتر لطفی بی آن که حتی به همسر خود بگوید، یک برچسب کوک روی کلمات « حکیم راستین » چسبانده بود تا خوانده نشود.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدحسن لطفی تبریزی پساز بازگشت از آلمان به ایران که مقارن با خاتمه جنگ جهانی دوم بود کار وکالت را آغاز نمودولی رونقی نداشت و آن را رها نمود و به دانشگاه تبریز رفت و تاریخ تدریس نمود. دکر لطفی از سال ۱۳۲۹ تا سال ۱۳۵۷ مجدداً در تهران به کار وکالت پرداخت و یکی از موفق ترین شاغلان این حرفه به شمار می رفت اما رونق کسب و کار و در آمد مطلور او را ارضا نمی کرد و او در کنار فعالیت های وکالتی اشتغال ذهنی خود را با افلاطون و ترجمه آثار او ادامه می داد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی دفتر وکالت را بست و همه نیرو و حوصله خود را وقف کار ترجمه کرد و گذشته از ترجمه متون تازه به بازخوانی و اصلاح ترجمه های سابق خود نیز همت گماشت.

فعالیتهای آموزشی : محمدحسن لطفی تبریزی مدت سه سال در آلمان به عنوان دستیار استاد زبان فارسی مشغول بود و مدتی نیز در دانشگاه تبریز به تدریس تاریخ اروپا پرداخت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : برنامه کتابخوانی دکتر لطفی و همسرش با نظم و انظباط خاصی انجام می شد. هر روز ، پس از پایان کار روزانه نوشتن و صرف شامی زود هنگام، حوالی شش بعد از ظهر، از ساعت هشت تا ده شب، همسرش برای او کتاب می خواند. این کتاب خوانی عموماً شامل ادبیات جهان می شد و به این ترتیب بود که آنها طی چهل سال ادامه منظم و بی وقفه این کار، موفق شده بودند تمام ادبیات جهان را بخوانند، ادبیات روس، انگلیس، فرانسه، آمریکا و آلمان و غیره. صبح روزی که شب آن بیمار شد و روز بعد به جهان باقی شتافت در برنامه پیاده روی خود به کتابفروشی زمینه سرزده مانند همیشه سرحال و قبراق به نظر می رسید. پس از تورق چند کتاب از وی در مورد ساعاتی که در روز به کار اختصاص داده است پرسیده شد و دکتر لطفی پاسخ داد: روزی چهار ساعت، دو ساعت صبح، دو ساعت بعد از ظهر، بیشتر هم نمی توانم . جالب است درست لحظه ای که احساس می کنم نمی توانم به کار ادامه بدهم، به ساعتم نگاه می کنم، می بینم راس دو ساعت است. بالاخره در هشتاد سالگی بیشتر از این نمی توان از ذهنی فرسوده کار کشید. اما خوشحالم از این که با تمام کردن کتاب تاریخخ اومانیسم در اروپا که مشغول ترجمه اش هستم، عملاًموفق شده ام تاریخ تحولات فرهنگ غرب را از زمان یونانیان تا رنسانس ترجمه کنم .

آرا و گرایشهای خاص : محمدحسن لطفی تبریزی فکر مستقل داشت و به بعضی عقاید پای بند بود و اعتقاداتش ره به صراحت و با شهامت بیان می کرد، اما همواره با ادب و ملایمت و بارعایت کامل حق طرف به پاسخگویی و مخالفت. معتقد بود این ملت برای جبران عقب ماندگیها و پیمودن راه ترقی و تعالی، چاره ای جز بهره مندی از دانش و دل سپردن به کار و کوشش ندارد. معتقد بود ما غرب را درست نمی شناسیم، برای این که نیرومند شویم و بتوانیم از هویتمان دفاع کنیم، باید به تمدن و فرهنگ غربی، شناخت

واقعی پیدا کنیم و برای شناختن غرب باید به ریشه های فکری آن برسیم. باید ببینیم این تمدن چیره گر چگونه و از کی آغاز شد،چه اندیشه هایی آن را بهحرکت در آورد و هنور هم جنبش و پویایی آن را حفظ می کند. او عقیده داشت که ریشه اینها همه به فکر یونانی و خصوصاً به افلاطون می رسد. عشق به افلاطون ممکن است کسی را عارف کند اما ضرورتاً فیلسوف نمی کند. دکتر لطفی به کمند عشق یا به تعبیر دیگر به افسون افلاطون گرفتا ر آمده بود. این عین کلمات اوست در گفت و گویی که چهار سال پیش از مرگش به زبان آورد «من هیچ وقت قصد این که همه نوشته های افلاطون را ترجمه کنم نداشتم، افلاطون خودش مرا به دنبال خود می کشانید، به طوری که ساعاتی که مشغول ترجمه نوشته های افلاطون بودم، لذت بخش ترین ساعات زندگی من بود. نوشته افلاطون خاصیت عجیبی دارد. نزدیک شدن به افلاطون آسان است از افلاطون جدا شدن و دور شدن مشکل است. کسی که یک دفعه دربند افلاطون افتاد،به این زودی نمی تواند خودش را خلاص کند. به این ترتیب افسون افلاطون واقعاً طوری بود که رها نمی کرد. ترجمه آثار ارسطو را به دو منظور انجام داد، اولاً هر سه کتاب را از مهمترین امهات کتاب های فلسفی می دانست و مخصوصاً «تابعه الطبیعه»و همچنین« سماع طبیعی»و هر دو کتاب پایه و مایه هر گونه فلسفه می دانست. و علاوه بر این کتابها را نخستین کتابهای درسی فلسفی می دانست که در دست است. ارسطو از یک وارث گنجینه ای پایان ناپذیر از اندیشه های فلسفی و علوم و معارفی است که تا زمان او پدید آمده بودند و از سوی دیگر رشته هایی را که تا زمان او دست کم به آن نظم و انسجام وجود نداشتند خودش پدید آورده است مانند منطق و جنین شناسی و جانور شناسی و غیره. در محور همه نوشته های ارسطو هنوز این سوال وجود دارد که آیا این کتابها نوشته های درسی است که ارسو برای تدریس خود آماده کرده بود یا یادداشتهایی که شاگردان حاضر در جلسات درس نوشته اند. ولی احتمال بیشتر بر این است که این نوشته ها، هم از طرحهای مقدماتی ارطو برای استفاده در مجلس درس و هم از یادداشتها و شنوندگان بوجود آمده باشد. این نیز ممکن است که بعضی را خود استاد با تکمیل طرح مقدماتی خود منضبط کرده و بعضی دیگر را پس از در گذشت او دیگران مرتب کرده باشند. وجود یک یا دو ترجمه از این نوع کتابها به هیچ وجه کافی نسیست بلکه باید ترجمه های متعدد بوجود آید و چه بهتر که مترجمان بدون اطلاع از کم و کیف کار یکدیگر ترجمه را با سلیقه های مختلف خودشان انجام دهند و این نکته لازم به ذکر است که ترجمه های فارسی موجود به هیچ وجه حرف آخر در ترجمه آثار ارسطو نیست بلکه باید امیدوار بود که در آینده دیگران نیز بدین کار بپردازند و ترجمه های بیشتری پدید آید تا جویندگان دانش با مقایسه این ترجمه ها که حتماً باید با تحقیق و مراجعه به تفسیرها همراه باشد، محتوای فلسفی کتابها را چنانکه براستی هست بشناسند. علت این که ترجمه های انجام پس از ده، دوازده سال منتشر گردید از آنجا که به کار ترجمه اعتماد کامل نبود و با توجه به دشواری های محتوای کتاب، ترجمه ها دوباره خوانی می شد زیر نویس ها اضافه می شد و در فرصتهای مناسب بخشهای مختلف کتاب را با ترجمه های اروپایی مقایسه و تطبیق داده می شد و در این مورد از نظر دوستان و سایر بستگان نیز استفاده می نمود. لطفی در مقدمه مابعد الطبیعه اثر خود را فقط «کوششی» برای ترجمه آن دانسته است. در محیط فرهنگی ما هر نویسنده و هر مترجمی خودش یگانه قاضی آثار خویش است و جز حیثیت انسانی خودش، بسته به این که تا چه اندازه مقید به این حیثیت باشد، هیچ ناظری بر اعمال او وجود ندارد، و یکی از علل نازل بودن سطح فرهنگ ما همین است.» دکتر لطفی درباره آثار افلاطون معتقد است درباره چگونگی زندگی و اندیشه ها و شیوه فکر یک قوم، و حاصل اندیشه و شیوه فکر که فرهنگ قوم را تشکیل می دهد، از تاریخ چیز زیادی نمی آموزیم. بلکه به اشعار شاعران و آثار نثرنویسان و افسانه ها و داستانها و رومانها و فردشنامه های آن قوم- اگر رومان و نمایشنامه داشته باشد- رجوع کنیم. در میان آثار فلسفی که از فیلسوفان و متفکران ۲۵۰۰ تا ۲۶۰۰ سال پیش وجود دارد تنها یک نفر هست که در عین حال که بزرگترین فیلسوف دوران باستان و بزرگترین فیلسوف جهان به شمار می آید، نوشته های فلسفیش هم شعر است و هم افسانه و داستان و هم نمایشنامه و همه اینها چهارچوبی را تشکیل می دهد که هسته فلسفی نوشته را در بر می گیرد و این مزیت خارق العاده خاص افلاطون است.

جوائز و نشانها : کتابهای " پایدیا " و" مجموعه آثار ارسطو: مابعدالطبیعه (متافیزیک) سماع طبیعی، اخلاق نیکو ماخوس ،"ترجمه ،محمدحسن لطفی تبریزی به ترتیب در دوره های شانزدهم و هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ، به عنوان کتاب برگزیده ی سال برگزیده شدند.

چگونگی عرضه آثار : دکتر لطفی در طی مدت نزدیک به چهل سال، عمده ترین مشغل ?خود را ترجم ?آثار کلاسیک و متون اصلی فلسفه قرار داده و با ترجم ?بیش از ده هزار صفحه، خدمت ارزشمندی به جامعه علمی ایران در دهه های گذشته انجام داده است. فهرست آثار ترجمه شده دکتر لطفی نشان می دهد که بیشترین حیط ?کاری ایشان فلسفه افلاطون بوده و به تعبیر خودش متون تاریخی دیگر را عمدتاً برای روشنگری اندیشه های افلاطون ترجمه کرده است. ------------------------------

----

آثار :

۱ آغاز و انجام تاریخ

ویژگی اثر : ترجمه اثر کارل یا سپرس است که انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۶۳ آن را منتشر کرد.

۲ آگوستین

ویژگی اثر : ترجمه اثر کارل یاسپرس می باشد که انتشارت خوارزمی در سال ۱۳۶۳ منتشر کرد.

۳ اسپینوزا

ویژگی اثر : ترجمه ای از اثر کارل یا سپرس که طرح نو آن را در سال ۱۳۷۹ منتشر کرد.

۴ افلاطون

ویژگی اثر : ترجمه اثر کارل بورمان است که طرح نو در سال ۱۳۷۵ منتشر شد.

۵ افلاطون

ویژگی اثر : ترجمه اثر کارل یاسپرس. این کتاب توسط انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۵۶ منتشر شد.

۶ ترجمه ی پایدیا

ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.«پایدیا» نام کتاب بزرگ « ورنریگر» است. درصدد کتاب این جمله یونانی با ترجمه فارسی آن (ظاهراًبه خط مترجم) قرار گرفته است « پایدیا، برای آدیمان فانی پناهگاه طبیعی است» دکتر لطفی در یادداشت خود بر ترجمه کتاب نوشته است: غرض اینجانب از ترجمه آن گذاشتن راهنمایی چنین گرانبها در دسترس فارسی زبانانی بوده است که مشتاق آشنایی با فلاسفه یونانی خاصه افلاطونند. در ترجمه متفکران یونانی نوشته تئودورگمپرتس نیز غرض جز این در میان نبود. آشنایی با کتاب: «پایدیا»: پایدیا/ورنر یگر؛ ترجم ?محمد حسن لطفی — تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۶.– ۳ ج. پایدیا، کتابی است دربار ?شکلی بخشی به سیرت انسان یونانی به عنوان پالوده ای برای بررسی تمام تاریخ یونان باستان که در مجلدات سه گان ?آن، شالوده و رشد بحران فرهنگ یونانی دوران باستان و کلاسیک تا زمان فروپاشی امپراتوری آتن و تولد دوبار ?روح و فکر یونانی در عصر افلاطون و نبرد آن برای بازسازی دولت و تربیت و تحول فرهنگ یونانی تشریح شده است. به عقید ?صاحبنظران تا کنون کتابی به اهمیت پایدیا دربار ?تحول دولت و جامعه و ادبیات و دین و فلسفه یونان و فرآیند تاریخی که به سیرت یونانیان شکل بخشیده است و فرآیند فرهنگیی که یونانیان از طریق آن آرمان خود را از شخصیت انسانی پدید آورده اند، نوشته نشده است. مترجم توانا و سختکوش کتاب، جناب آقای دکتر محمد حسن لطفی که سالهاست به ترجم ?آثار ارزشمند فلسفی به ویژه فلسف? یویان اشتغال دارند، با ترجم ?ممتاز و تحسین برانگیز این کتاب مهم و ارزشمند به زبان فارسی خدمتی شایان و درخور تقدیر را به دوستداران حکمت و به ویژه پژوهندگان فرهنگ و تاریخ یونان به انجام رسانده اند.

۷ جنگ پلوپونزی

ویژگی اثر : ترجمه اثر توکوریدیس که توسط انتشارت خوارزمی در سال ۱۳۷۷ منتشر شد.

۸ خاطرات سقراطی

ویژگی اثر : نوشته کسنوفون است که ترجمه آن را انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۷۴ منتشر کرد.

۹ دور ?آثار افلاطون

ویژگی اثر : (۴ جلد) تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۷.

۱۰ دور ?آثار فلوطین

ویژگی اثر : (تاسوعات) ۲ جلد، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۶

۱۱ رساله های منسوب به افلاطون

ویژگی اثر : ترجمه این آثار توسط انتشارت خوارزمی در سال ۱۳۶۵ منتشر شد.

۱۲ زندگی افلاطون و آثار او

ویژگی اثر : نوشته ویلا موتیس مولندروف، بنگاه مطبوعاتی صفی علیشاه ۱۳۵۵

۱۳ زندگی و آثار افلاطون

ویژگی اثر : (جلد اول: دوره جوانی) تألیف مولندورف، تهران، انتشارات صفی علیشاه،۱۳۳۲.

۱۴ سقراط

ویژگی اثر : ترجمه اثر کارل یا سپرس که توسط انتشارت خوارزمی در سال ۱۳۵۷ منتشر شد.

۱۵ سیرا و مانیسم در اروپا

ویژگی اثر : اثر ترجمه نیمه تمامی است که به پیدایش اندیشه اومانیسم و تاریخ تحول آن از زمان رومیان قدیم تا قرن بیستم می پردازد. نویسنده کتاب آگوست بوک (۱۹۱۱–۱۹۹۸) استاد ادبیات دانشگاه ماربورگ آلمان با استناد به مدارک بر زمینه تاریخی اثر بخشی فرهنگ دورانی که اروپائیان آن را به دوران باستان (یونان و روم قدیم) می نامند، خواننده را با کوشش متفکران اروپایی برای تربیت انسان باختر زمینی از طریق ترویج گفت و گوی انتقادی با آثار فیلسوفان و نویسندگان و هنرمندان و شاعران «دوران باستان» آشنا می سازد و بدین سان تاریخ مفصل « فرهنگ غرب»را به خواننده عرض می کند.

۱۶ فرهنگ رنسانس در ایتالیا

ویژگی اثر : ترجمه اثر یاکوب بورکهارت است که طرح نو آن را در سال ۱۳۷۶ منتشر کرد.

۱۷ فلوطین

ویژگی اثر : ترجمه اثر کارل یاسپرس که توسط انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۶۳ منتشر شد.

۱۸ فن سخنوری گرگیاس

۱۹ کتب سه گانه ی اخلاق نیکوماخوس ، سماع طبیعی و مابعد الطبیعه

ویژگی اثر : از آثار ارسطو که توسط طرح نو در سال ۱۳۷۷ منتشر شد.

۲۰ گفتارهای نیکولوماکیاولی

ویژگی اثر : چاپ اول ۱۳۷۷ انتشارات خوارزمی گفتارها شامل اصول اندیش های ماکیاولی بوده و بعد از نزدیک به چهار قرن به همت استاد لطفی وارد ادبیات فارسی گردیده است. ترجمه کتاب گفتار ها بر پایه ترجمه آلمانی به قلم Verly Radolf Zorn, Aifred Kroener در سال ۱۹۷۷ انجام گرفته است.

۲۱ متفکران یونانی

ویژگی اثر : این کتاب اثر گمپرتس در سه مجلد ترجمه و توسط انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۷۶ منتشر شد.

۲۲ مجموعه آثار ارسطو: مابعدالطبیعه (متافیزیک) سماع طبیعی، اخلاق نیکو ماخوس

ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب ، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «مجموعه آثار ارسطو:] مابعدالطبیعه (متافیزیک) سماع طبیعی، اخلاق نیکو ماخوس» [مجموعه آثار ارسطو:] مابعدالطبیعه (متافیزیک) سماع طبیعی، اخلاق نیکوماخوس/ ترجم ?محمدحسن لطفی تبریزی . ـ تهران : طرح نو، ۱۳۷۸ . ـ ۳ ج. اگر آثار کلاسیک را از حیث اهمیت، طبقه بندی و به ضرورت ترجم ?اهمّ آنها عطف توجه کنیم، بی شک آثار ارسطو در شمار چند اثر معدودی خواهد بود که از ضرورت و اهمیت بیشتری برخوردار است. ارسطو در مدرس ?خود در آتن برای هر یک از رشته ها مجالس درس ترتیب داد و همین درسها خاستگاه نوشته های تعلیمی او از قبیل فصلهای مختلف مابعدالطبیعه، سماع طبیعی و اخلاق نیکو ماخوس گردید. استفاد ?مترجم محترم از ترجمه های مختلف و دقیق به سه زبان مهم آلمانی، انگلیسی و فرانسوی تا حدود زیادی این اعتماد را در خواننده ایجاد می کند که هر چند این آثار از زبان یونانی ترجمه نشده ولی تا درحد قابل توجهی به متن اصلی نزدیک است و فاصل ?چندانی با اصل ندارد. به ویژه اینکه مترجم برای توضیح متن و رفع دشواریها و ابهامها با افزودن تعلیقه های مفید و روشنگر که غالباً برگرفته از حواشی راس (مترجم معتبر انگلیسی آثار ارسطو)، تریکو(مترجم اصلی آثار ارسطو به زبان فرانسوی) و هرمان بونیتس(مترجم اصلی آلمانی آثار ارسطو) و یا افزود? خود مترجم است، بر فاید ?ترجمه بسیار افزوده است.

۲۳ مجموعه آثار افلاطون

ویژگی اثر : این ترجمه در چهار جلد توسط انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۵۶ منتشر شد.

۲۴ مجموعه آثار فلوطین

ویژگی اثر : این ترجمه در دو جلد توسط انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۶۶ منتشر شد.

۲۵ محاکمه سقراط

ویژگی اثر : این ترجمه سرآغاز ترجمه ی آثار فلسفی دکتر لطفی بود.

۲۶ مرگ سقراط

ویژگی اثر : این کتاب ترجمه اثری از رمانو گرواردینی است و به تفسیر چهار رساله افلاطون می پردازد که توسط انتشارات طرح نو در اسل ۱۳۷۶ منتشر شد.

برگرفته از کتاب :بنیاد ایران شناسی

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۳۶، ۳۱۹۶، ۲۹۴۰، ۲۴۶۸، ۲۰۰۶/ ۲ ، ۱۴۸۹، ۱۴۸۸، ۱۴۷۷، ۱۳۷۱، ۱۳۴۴، ۹۴۱، ۸۴۷/ ۱)، کلک (س ۵، ش ۶۰، ص ۲۴۳ –۱۹۴)، کیهان فرهنگی (س ۱۶، ش ۱۵۹، ص ۷۳ –۷۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۵۵ –۸۵۴/ ۲).

لطیف

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(سید) ابن عبیداللّٰه بن حسن، پدرزن شاه شجاع از امرای آل‌مظفر فارس و ممدوح حافظ شیرازی.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

لطیف اصفهانی، عبداللطیف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. از منشیان فاضل و ادیب عباس میرزا نایب‌السلطنه بود. او در شعر بیشتر به هزل تمایل داشت. شیخ آقا بزرگ تهرانی در «الذریعه» لطیف اصفهانی (س دوازدهم ق) مذکور در «صبح گلشن» را، که در عهد محمد شاه به دهلی سفر کرده، به اشتباه با صاحب عنوان یکی دانسته است. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۴۹۵ –۱۴۹۴/ ۲)، الذریعه (۹۴۶/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۸۹)، لغت‌نامه (ذیل/ لطیف اصفهانی)، مجمع الفصحا (۹۰۱ –۹۰۰/ ۵).

لطیفی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود لطیفی

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۳سال ورود اینجانب به حوزه علمیه قم است. اوائل سال تحصیلی ۴۶-۴۷ به حوزه علمیه نجف اشرف منتقل شدم و ادامه تحصیل تا پایان سطح در محضر استاد بزگوارم مرحوم سید ابوالقاسم حصاری ارومی بوده ام. هم چنین یک دوره تفسیر قرآن، تفسیر صافی، نیمی از نهج البلاغه، یک دوره ریاضیات، هیئت، خلاصه الحساب، شرح چغمینی، شرح منظومه منطق و نیمی از فلسفه در محضر ایشان بوده ام. سال تحصیلی ۵۱-۵۲ به خاطر برخی از مشکلات خانوادگی به ایران آمدم و در آن سال تنها به تکمیل باقی مانده کفایه در محضر آیهٔ الله فاضل موفق شدم. از سال ۵۲-۵۳ نخست برای مدتی در درس آیهٔ الله میرزا هاشم آملی و مکارم شیرازی رفته و سپس بصورت منظم در درس فقه و اصول آیهٔ الله ملکوتی تا پیروزی انقلاب اسلامی بودم. پس از پیروزی انقلاب و مدتی ترک تحصیل در سال ۶۰-۶۱ در محضر آیهٔ الله وحید خراسانی شرکت نموده و پس از آن با اشتغال درحوزه تبریز عملا موفق به بهرمندی از اساتید نشدم. ضمنا ادامه حکمت منظومه را در محضر آیهٔ الله انصاری شیرازی و مجلدات اسناد را از محضر شهید بزرگوار مطهری و حاج آقا رضا صدر و آیهٔ الله یزدی و صالحی مازندرانی خوانده ام. تمهید القواعد رااز محضر آیهٔ الله جوادی و شرح فصوص قیصری را در محضر آیهٔ الله حسن زاده بوده ام.

لعلی بدخشانی، لعل

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. معروف به لعلی میرزا. وی از امرای دربار اکبر شاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) و از مقربان وی بود. لعلی با شیخ عبدالقادر بداونی مؤلف «منتخب التواریخ» دوستی داشته است. از اوست:

به رهگذار تو چون خاک ره شدم، ترسم

که نگذری به من و بگذری به راه دگر

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۷۰۳)، الذریعه (۹۴۶/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۹۰).

لقا

قرن:۱۲

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم هجری فرخ‌لقا از زنان شاعر. وی از اهالی یزد بود و در اواخر سلسله صفویه زندگی می‌کرد و در تفت با زنان شاه ولی ارتباط داشت. از اشعار اوست:

یوسف برفت و تاب زلیخا به تن نماند

یعنی چو رفت جان رمقی در بدن نماند

باز آمد آن عزیز به دارالسرور وصل

در مصر عشق صحبت بیت‌الحزن نماند

گفتم سخن چرا نسرایی به خنده گفت

از بس لبم مکیدی و از آن سخن نماند

پوشیده از «لقا» چو لقایش دوباره تاب

بر تن به قدر آنکه بدرد کفن نماند

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره پنجم، ۴۹؛ تاریخ یزد، ۳۲۷؛ تذکره شعرای یزد، ۷۰؛ الذریعه، ۹۴۷ / ۹.

لقای ابرقوهی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. پدرش ملقب به مجد الشعراء و متخلص به لایق بود. بانو لقای ابرقوهی از معاصران دیوان بیگی (م بعد از ۱۳۱۳ ق)، مؤلف «حدیقهٔ الشعراء»، بود. وی شعری در مدح ظل السلطان سرود که با این بیت آغاز می‌شود:

باز دام دلم آن زلف شبه آسا شد

بهر دیوانه عجب سلسله‌ای برپا شد[۱]

ز اواخر قرن سیزدهم هجری، از زنان شاعر. وی دختر میرزا علی خان ملقب به مجدالشعراء و متخلص به لایق است. او معاصر دیوان بیگی مؤلف حدیقةالشعراء بود. شعر زیر را در مدح ظل‌السلطان سروده است:

باز دام دلم آن زلف شبه آسا شد

بهر دیوانه عجب سلسله‌ای بر پا شد

نیست کاشانه مرا غیر کلیسا جایی

تا که دل مایل زیبا پسری ترسا شد

تا که میگون لب شیرین ترا دید به خواب

دل کجایش هوس تلخ می حمرا شد

بس که از هجر ئو بر روی زمین بارم اشک

گل شد از گریه من خاک و زمین دریا شد

شکوه از جور تو امروز برم بر در آن

کسمان قدر ز الطاف شه والا شد

ظل سلطان فلک فر که به مداحی او

مجد، مجدالشعرای همه دنیا شد

هر که دید این غزل نغز «لقاء» الشعراء

کی دگر مایل شعر و غزل «یغما» شد[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] حدیقة الشعراء (۲۱۹۲ -۲۱۹۱/ ۳)، مشاهیر زنان (۲۰۵ -۲۰۴).

[۲] منبع: حدیقةالشعراء، ۲۱۹۳ -۲۱۹۱ / ۳.

لقای تفتی، فرخ لقا

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، ادیب و شاعر. از اهالی تفت یزد بود که در اواخر سلسله‌ی صفویه زندگی می‌کرد. از اوست:

یوسف برفت و قلب زلیخا به تن نماند

یعنی چو رفت جان، رمقی در بدن نماند

باز آمد آن عزیز به دار السرور وصل

در مصر عشق، صحبت بیت‌الحزن نماند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۲۶۴ -۲۶۳)، الذریعه (۹۴۷/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۹۰)، زنان سخنور (۱۳۷/ ۲)، مشاهیر زنان (۲۰۴).

لقایی استرآبادی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، موسیقیدان و شاعر. در عهد اکبر شاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به هند رفت و در جونپور با خان زمان خان علیقلی خان شیبانی، متخلص به سلطان (م ۹۷۴ ق)، پسر حیدر سلطان ازبک، مصاحبت و معاشرت نمود. از اوست:

بر زبانم حرف تیغ دلستان من گذشت

خیر باشد، طرفه حرفی بر زبان من گذشت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شعرای مازندران و گرگان (۲۷۱)، صبح گلشن (۳۵۶)، فرهنگ سخنوران (۷۹۰)، کاروان هند (۱۲۰۹/ ۲).

لقایی خراسانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر. اهل خراسان بود. اما اکثر اوقات در ماوراء النهر به سر می‌برد. وی نزد سلاطین عصر خود معزز و مکرم بود. لقایی در سرودن شعر و معما تبحر داشت. این رباعی از اوست:

مسکن شده کوچه‌ی ملامت ما را
ره نیست به وادی سلامت ما را
درویشانیم ترک عالم کرده
این است طریق تا قیامت ما را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۹۴۷/ ۹)، لغت‌نامه (ذیل/ لقایی)، مجالس النفائس (۱۵۶ -۱۵۵).

لقایی لاهیجانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اهل یکی از روستاهای لاهیجان بود. وی، قبل از اینکه به شهرت برسد، در جوانی درگذشت. از اوست:

خرمن حسن تو را نازم، کز آن چون خوشه چین
بوستان، گل برد و محفل شمع و گردون آفتاب

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۷۷)، الذریعه (۹۴۷/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۹۱)، نامها و نامدارهای گیلان (۴۷۴).

لک زایی، نجف

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نجف لک زایی

محل تولد : سیستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

نجف لـک زایی در سال ۱۳۴۸ در سیستان متولـد شـد. وی هم زمان با تحصیل در حوزه علمیه، از سال ۱۳۶۰ تاکنون، موفق شده است تا تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته علوم سیاسی در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری ادامه دهد. ایشان هم اکنون عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی موسسه آموزش عالی باقر العلوم علیه السلام و سر دبیر فصلنامه علوم سیاسی است.

لک علی آبادی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد لک علی آبادی

محل تولد : درود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

با عنایت حضرت حق و توجهات حضرت ولی عصر علیه السلام در سال ۱۳۶۸وارد حوزه علمیه قم شـده و پس از گذرانـدن دوره مقدمات در مدرسه حقانی ادبیات عرب را گذراندم.سطح۱حوزه قم را در مدرسه امام محمد باقر علیه السلام با رتبه ممتاز طی کرده و وارد دروس سطح۲حوزه قم شـدم واز محضر اساتیـد محترم اقایـان علی دوست و حسینی خراسـانی وحسینی بوشـهری اسـتفاده کردم.دروس خـارج فقه و اصول را از حضـرات ایـات بهجت ومبشـرکاشانی و علوی بروجردی کسب فیض کردم و همچنان خوشـه چین محضـر مبارک اساتیـد بزرگوارم هسـتم.از محضـر ایت الله جوادی املی در علم تفسـیر قران بهره منـد شده و در زمینه اخلاق و عرفان افتخار اسـتفاده از محضـر اسـتاد معظم شـیخ عبـد القائم شوشتری و مرحوم ایت الله لنگرودی را دارم. ۵ سـال در امور فرهنگی مسـجد مقدس جمکران در واحدهای مختلف انجام وظیفه کرده و۲سال در مسـئولیت سازمان تبلیغات شهرستان دورود مشغول بوده ام.در کنار تحصـیل همواره به امر تبلیغ و تـدریس ارج نهاده و هم اکنون غیر از تکمیل دروس خارج فقه و اصول به تحقیق و تالیف

و راه انـدازی مرکز پژوهش انتشـارات هنـارس مبـادرت کرده ام که از جمله فعـالیت های این مرکز مجموعه ۲۰جلدی مهارت های زنـدگی است که مزین به دو هزار روایت می باشد که در سال نواوری وشـکوفایی منتشـر گردید.تحقیقات و تالیفات اینجانب بیشتر در زمینه سیره اهل البیت علیهم السـلام و اخلاق وعرفان می باشد که از ان جمله است مجموعه هوای وصل در۷جلد وصاحب دلان در۵جلد

لله باشی شیرازی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۵۵ ق)، شاعر و خطاط. مشـهور به لله. از سلسله‌ی هاشمیه شیراز بود. بعد از پدر ملقب به کدخدا باشی شد و کدخدایی پنج محله‌ی حیدری خانه‌ی شـیراز را به عهده گرفت. از آنجایی که حسـینعلی میرزا فرمانفرمای فارس او را به سمت مربی گری و اتابکی پسـرش، شـاهرخ میرزا، برگزیـد به لله معروف شـد. وی طبعی موزون داشت و خـط نسـتعلیق را خوش می‌نوشت. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :حدیقهٔ الشـعراء (۱۵۵۹ -۱۵۵۸ / ۳)، دانشـمندان و سخن‌سـرایان فـارس (۲۸۹ / ۴)، فارسـنامه‌ی ناصری (۹۶۱ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۹۱)، مرآت الفصاحه (۵۶۴ -۵۶۳)، مکارم الآثار (۱۵۱۱/ ۵).

لمعه دستگردی، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۵ -۱۳۲۱ ق)، شاعر، متخلص به لمعه. در دسـتگرد از توابع اصـفهان به دنیا آمد. تحصیلات خود را در زادگاهش و اصفهان به پایان برد. پس از کسب فضایل مـدتی همانند پدرش به خدمات شـرعیه پرداخت. از ۱۳۰۹ ش به اسـتخدام وزارت فرهنگ درآمد و مـدتی مـدیر دبسـتان حسـین آباد بود. او از شاعران باذوق اصـفهان به شـمار می‌آمد و در انجمن شـعرا شـرکت می‌کرد. مدفنش در اصفهان در تکیه شیخ مرتضی ریزی می‌باشد. از آثارش: «نامه‌های دهقان»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۱۱ -۴۰۹)، تذکرهٔ القبور (۴۱۸)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (۸۲۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۴۰/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱/ ۲).

لنجانی، تاج الدین حسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تاج الـدین حسن بن محمّـد لنجانی. عالم جلیل زاهـد (پدر فاضل هندی) معروف به مولا تاجا، در ۱۰۹۸ یا ۱۰۸۵ وفات یافته، قبرش در مقبره جنب مسجد بازار غاز اصفهان.

وی مؤلّف کتـاب: - بحر موّاج، در تفسیر قرآن ۱- تزویـج النبی زینب و رقیه من عثمـان ۲- شـرح شافیه ۳- شـرح کافیه ۴- شرح صحیفه سجّادیّه می‌باشد.

در ریحانـهٔ الادب (۳۸۱:۵) نقـل از مسـتدرك الوسائـل گویـد: تاج ارباب العمامه، فوتش در ۱۰۸۵ روی داده ظـاهراً وی تاج الـدین حسن مذکور در شرح حال ملا محمّد تقی مجلسی می‌باشد.

فرزندش فاضل هندی از او روایت احادیث می‌کند، و خود از مجازین از مولی حسن علی بن مولی عبداللّه تستری می‌باشد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

لنجانی، عبدالخالق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، خطاط. از آثار وی: دو قطعه نسـخ کتابت و رقاع کتابت خوش، با رقم: «حرره العبـد... عبدالخالق ابن مرحوم حاجی میرزا رضا لنجانی... سنه ۱۳۰۵».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۹۹ / ۴).

لنجانی، عبدالعظیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن علی‌رضا حسینی لنجانی، از شاگردان میرزای قمی، و سید محمد مجاهد کربلایی، و آقا سید علی طباطبائی صاحب ریاض بوده، و خود عالمی جلیل، و فقیهی بارع بوده. کتب زیر از اوست:

۱ – تحفهٔ الاصحاب، رساله‌ی عملیه به صورت سؤال و جواب، و در آن از فتاوای میرزای قمی و آقا سید علی استاد خود نقل نموده.

۲– ضیاء اللامع در شرح مختصر الشرایع.

پس از سال ۱۲۳۱ [در هندوستان] وفات یافته است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

لنکرانی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا جعفر بن العالم الجلیل حجهٔالاسلام مرحوم حاج ملا رجب طاب ثراه لنکرانی از علماء معاصر تهران و دارای کمالات نفسانی و متصف بعلم و تقوا می‌باشد.

وی در دوازدهم ربیع‌الاول ۱۳۲۲ ق تولد یافته و تا سن ۱۵ سالگی در لنکران خدمت والد خود بوده و مقداری از ادبیات را خوانده و در ماه صفر سال ۱۳۳۷ ق به تهران عزیمت و حدود هشت سال خدمت اساتید فقه و اصول و معقول تهران تلمذ نموده و در سال ۱۳۴۵ ق به قم مهاجرت و از مرحوم میرزای همدانی و آیت‌اللّه حایری یزدی حدود سه سال استفاده آنگاه به نجف اشرف مشرف و از محضر درس مرحوم آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه ایروانی سالها بهره‌مند شده و در اثر کسالت مزاج به تهران مراجعت و در خیابان خانی آباد اقامت و در مسجد (وزیر دفتر) بامامت و ترویج دین و نشر معارف شرع مبین و تفسیر کلام‌اللّه مجید و سایر وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: جناب آقای لنکرانی دانشمندی فاضل و دارای رشته‌های معقول و منقول و بسیار متین و بزرگوار و پرهیزکار می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

لنکرانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۱ –۱۲۸۰ ق) فقیه اصولی، عالم دینی، مجتهد و مدرس. وی در نجف از بحث درس اساتید زمانش استفاده نمود و تقریرات آنها در فقه و اصول را نگاشت و خود از اساتید و پیشوایان تقلید و اجتهاد گشت. او از میرزا حسین خلیلی و سید محمد علی شاه عبدالعظیمی و سید حسن صدر روایت کرد. شیخ محمد علی اردوبادی از وی روایت کرده است. از آثارش: حاشیه بر رساله شرابیانی؛ حاشیه بر «طهاره» کتاب «الریاض» حاشیه بر «نجاه العباد»؛ «نتائج الافکار»، در فهم کلمات ائمه اطهار (ع)؛ «الملهمات الغرویه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۵/ ۲۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۶۵/ ۱۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۳۰ –۱۱۲۹/ ۳)، معجم المؤلفین (۲۳۰/ ۳).

لنکرانی، رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید رضا بن سید محمد موسوی لنکرانی عالمی بارع و فاضلی جلیلی بوده وی در حدود ۱۲۵۰ قمری در لنکران متولد شده و در ۱۳۲۲ قمری به رحمت حق پیوسته است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لنکرانی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسین بن المرحوم ابراهیم لنکرانی از علماء معاصر مقیم شهرستان سمنانست.

آنجناب در سال ۱۳۲۷ قمری در یکی از قراء لنکران بنام بلاقاجی متولد شده و تا ده سالگی در زایشگاه خود مشغول کارهای خانگی و دامچرانی بوده است.

سپس قصد تحصیل نموده و در حضور جناب حجهٔالاسلام و ملاذالانام مرحوم شیخ علی لنکرانی دائی محترم خود مشغول خواندن قرآن بوده و در مدت شش ماه از خواندن آن فارغ شده و به تحصیل علوم ادبی و فارسی پرداخته و در سال دوم از تحصیلش دائی معظم خود را از دست داده پس مدتی دروس مقدمات عربی را نزد چند نفر از علماء لنکران آموخته و در سال ۱۳۴۰ قمری به اتفاق پسر عمه‌اش شیخ کامل کاملی در اثر فشار دولت شوروی و غدغن شدن علوم دینی عازم اردبیل شده.

و مدت ده سال تمام در اردبیل در مدرسه مرحوم میرزا ابراهیم سطوح اولیه را تا سطوح عالیه نزد علماء بزرگ آنجا خوانده و ضمناً یک جلسه دینی برای یک عده از جوانان تشکیل داده و انجام وظیفه دینی نموده و از نظر معاشرت با مردم اردبیل بسیار مأنوس و مورد توجه آنان تا جائی که مورد غبطه دوستان و بعضی از اساتید بزرگ گردیده تا در اوائل ۱۳۵۵ قمری در ماه صفر ایام اربعین بدون جهت معلوم و مشخصی با یک عده‌ای از طلاب لنکران از اردبیل به سمنان تبعید شده و مدت سه سال در تبعیدگاه سمنان با هزاران رنج و ملال و ناراحتیهای روحی و جسمی بسر برده و در سال سوم قدری با مردم سمنان مأنوس و توسعه نسبی حاصل شده بود.

تا در سال ۱۳۵۷ قمری از سمنان به زنجان تبعید شده و مدت چهار سال در آنجا اقامت قهری داشته و رنجهای فراوان و شکنجه‌های گوناگون دیده و در اواخر در اثر محبت علماء زنجان و بالاخص مرحوم آیت‌اللَّه آقای حاج سید محمود امام جمعه جا باز کرده مخصوصاً اینکه آن مرحوم مسجد خویش را در ظهر و عصر به ایشان محول فرموده و در مواقع مساعد نبودن حال ایشان و یا در مسافرت بودنشان شبها هم نیز بجای ایشان امامت نموده و این موضوع وسیله رشد و نمو و تقویت اجتماعی ایشان گردید.

و بالاخره در سال ۱۳۲۰ شمسی بعد از بیستم شهریور از زنجان به قم مشرف شده و از محضر آیات ثلاثه حجت و خوانساری و صدر و نیز آیت‌اللَّه العظمی حاج سید احمد خوانساری مدظله استفاده نموده.

ولی بیشتر از درس و بحث آیت‌اللَّه العظمی حجت بهره‌مند گردید و مورد توجه مخصوص آن مرحوم قرار گرفته و در اکثر جلسات خصوصی معظم له شرکت می‌کرده و تا اواخر فوت آن مرحوم در درس فقه و اصول وی شرکت کرده و دوره کامل آن دو رشته را خدمت ایشان دیده و پس از ورود مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی به درسشان حاضر و مورد توجه مخصوص آن بزرگوار گردیده تا بعد از رحلت آن مرحوم که منتقل به شهرستان سمنان گردیده و اکنون در رأس روحانیت این شهر قرار دارد.

دارای آثار قلمی چندیست که می‌نگارم.

۱- تقریرات فقه آیت‌اللَّه حجت

۲- تقریرات اصول آن مرحوم

۳- مقداری از دراسات آیت‌اللَّه العظمی بروجردی

۴- اندیشه ما

۵- خطب نماز جمعه و مقدمه وجوب بر نماز جمعه

۶- حاشیه بر توضیح‌المسائل آیت‌اللَّه بروجردی

۷- ترجمه تفسیر صافی.

در شهرستان سمنان غیر از نامبردگان بعضی دیگر از دانشمندان متقی مانند حجهٔالاسلام حاج آقای نجات و جناب حجهٔالاسلام سبزواری که ترجمه‌اش در ذکر سبزوار گذشت هستند که در مساجد اقامه جماعت نموده و به تبلیغ دین و ارشاد مردم اشتغال دارند.

(تو ۱۳۲۷ ق)، عالم دینی. در بلاقاجی از قرای لنکران به دنیا آمد. در ده سالگی قرآن را از دایی خود شیخ علی لنکرانی فراگرفت. مقدمات را نزد علمای لنکران آموخت. سپس بر اثر فشار دولت شوروی در ممنوعیت علوم دینی به همراه پسر عمه‌اش، شیخ کامل کاملی، در ۱۳۴۰ ق به اردبیل رفت. در مدرسه‌ی میرزا ابراهیم سطوح اولیه تا سطوح عالیه را به مدت ده سال نزد علمای بزرگ آنجا فراگرفت. در ۱۳۵۵ ق به همراه عده‌ای از علما به سمنان تبعید شد. پس از سه سال در ۱۳۵۷ ق از آنجا به زنجان تبعید شد. در زنجان تحت حمایت آیت‌اللَّه سید محمود امام جمعه به امامت جماعت پرداخت. وی در ۱۳۶۱ ق به قم رفت و از محضر آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه خوانساری استفاده نمود. او بیشتر از درس و بحث آیت‌اللَّه حجت بهره گرفت. پس از ورود آیت‌اللَّه بروجردی به قم در درس ایشان حاضر شد و بعد از درگذشت آیت‌اللَّه بروجردی به سمنان رفت و به وظائف دینی مشغول گردید. از آثارش: «تقریرات فقه» و «تقریرات اصول» آیت‌اللَّه حجت؛ بخشی از «دراسات آیت‌اللَّه بروجردی»؛ حاشیه بر «توضیح المسائل» آیت‌اللَّه بروجردی؛ ترجمه‌ی «تفسیر صافی»؛ «اندیشه ما»؛ «نماز جمعه»، خطب و مقدمه وجوب.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۳۴۱ -۳۴۰/ ۵).

لنکرانی، عبدالعزیز

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالعزیز لنکرانی (عموی پدر آیت‌اللَّه شیخ حسین لنکرانی معاصر) از شاگردان شیخ انصاری و علامه سید حسین کوه‌کمری و

دارای تالیفات و آثار علمی بوده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لنکرانی، عبدالغفار

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجهٔالاسلام آقا شیخ عبدالغفار بن مولی ابراهیم لنکرانی متوفی ۱۲۷۶ ق عالمی متقی و فاضلی جلیل بوده است دارای فرزندان عالمی به نام شیخ علی‌اکبر و شیخ غلامعلی بوده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لنکرانی، فاضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌الله مرحوم فاضل موحدی لنکرانی از علماء اعلام و مجتهدین عظام حوزه علمیه قم و خواص اصحاب مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی بودند در سال ۱۳۱۴ قمری در لنکران متولد شده و پس از بلوغ به اردبیل آمده و مدت ۴ سال مقدمات و ادبیات را فراگرفته و بعد از آن به زنجان آمده و مدت سه سال در آنجا اقامت نموده و پس از آن مهاجرت به مشهد مقدس نموده و مدت... سال از محضر مرحوم آیت‌الله آقازاده کفائی و مرحوم آیت‌الله آشتیانی و هم آیت‌الله العظمی قمی افتاده کرده و تدر سال ۱۳۴۲ ق مهاجرت به بلده طیبه قم نموده و به درس مرحوم آیت‌الله العظمی حایری شرکت نموده و ضمنا تدریس متون فقه و اصول را کرده تا ورود مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی رحمه‌الله که به ایشان پیوسته و هم در مسجد تکیه سید حسن اقامه جماعت نموده تا در چهاردهم صفرالخیر ۱۳۹۲ ق که بدرود گفته و در جوار فاطمه معصومه علیهاسلام مدفون گردیده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

لنکرانی، مجتبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیه‌الله حاج شیخ مجتبی لنکرانی از مجتهدین و مبرز و ممتاز معاصر حوزه علمیه نجف است (در اصفهان)، وی در حدود سال ۱۳۲۰ ق متولد شده و در اوائل جوانی مهاجرت بنجف نموده و از محضر آیات عظام چون مرحوم آیه‌الله نائینی و آیه‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیه‌الله حاج شیخ محمد حسین غروی کمپانی و آیه‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم علامه حاج شیخ محمد جواد بلاغی و دیگران استفاده نموده و بمقام منیعی از علم در معقول و منقول و تفسیر و رجال و کلام رسیده و حوزه تدریس تشکیل داده و بسیاری از علماء و فضلاء معاصر از درس و محضرش کسب فیض نموده و به رتبه اجتهاد رسیده‌اند.

استاد لنکرانی مدتی هم در سامره اقامت داشته تا در ذی‌القعده الحرام ۱۳۹۱ قمری که مانند هزاران نفر دیگر از علماء و غیره از طرف دولت بعثی عراق رانده به ایران و بواسطه دعوت و اصرار حوزه علمیه اصفهان و دانشمندان این سامان اصفهان را محل سکونت فعلی خود قرار داده و بتدریس فقه و اصول و غیره پرداخته‌اند.

نگارنده گوید: آقای لنکرانی عالمی محقق و فاضلی مدقق و فقیهی متبحر است یکی از شاگردان معظم‌له که از علماء مبرز خوزستانست در نامه‌ایکه برای حقیر نوشته از آنجناب تعبیر (با عجوبه لنکران) نموده است.

ایشان گذشته از مقام علم و فضل عالمی پارسا و موصوف بتقوا و دارای ملکات فاضله اخلاقی و محامد آداب و محاسن اخلاق و مبرا از تظاهرات و بسیار متواضع و خلیق میباشد. و از امامت و تعینات روحی دوری مینماید، و در اصفهان هر چند علماء اعلام و متدینین اصرار برای نماز جماعت و اداره مسجدی نمودند نپذیرفتند و خود را با آن مقام شامخ علمی لایق این سمت ندانسته و بنماز دیگران شرکت مینمایند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

لنکرانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد بن العالم العلام حجهٔالاسلام آقا شیخ محمدرضا بن حسن اللنکرانی از علماء متین و با تقوای معاصر تهران مقیم خیابان خراسان میباشد.

تولدش در ۱۳۳۶ ق در لنکران واقع شده و در زمان انقلاب شوروی حرکت به مشهد و در آنجا مقدمات را نزد والد خود و دیگران

خوانده و در سن ۱۷ سالگی به قم مشرف و مدتی توقف و از مرحوم میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و دیگران استفاده نموده و بعد به تهران منتقل و در مسجد طوس خیابان خراسان به امامت و ترویج دین و تبلیغ احکام پرداخته است.

از آثار اوست تعمیر و توسعه مسجد طوس و تأسیس کتابخانه در آنجا و از نوادر توفیقات ایشانست نماز خواند بر مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ علی‌اکبر برهان که در جده فوت کرد و ایشان مطلع شد (در آن محیط تعصب وهابیت) و در تجهیز و تغسیل و نماز آن مرحوم شرکت و نگذارد بروش وهابیت و مرام باطل وی را دفن کنند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

لنکرانی، محمد صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۵ ق)، فقیه، مجتهد و عالم دینی. فقه و اصول را، چندین سال، در قزوین نزد عده‌ای از علمای آنجا خواند. در ۱۲۴۸ ق به عراق رفت و در کربلا ـ نزد سید ابراهیم قزوینی، صاحب «الضوابط»، و سید مهدی طباطبایی، فرزند سید علی طباطبایی صاحب «الریاض»، تلمذ نمود و از مجالس و بحث علمای کربلا و نجف استفاده نمود تا در فقه و اصول برآمد. سپس به قفقاز بازگشت و به انجام امور مذهبی پرداخت و در آنجا مورد احترام مردم قرارگرفت و مرجع دینی آنان گشت. وی در همان جا درگذشت. از آثارش: «ابتلاء الاولیاء»؛ «اتمام الحجهٔ»، در اثبات وجود حضرت قائم (عج)؛ «افتخار الشیعهٔ»، در احکام شریعت؛ «الحائریات»، در مسائل فقهی؛ «درر الغرر» یا «الدرر و الغرر» یا «الغرر و الدرر»؛ «الدرهٔ الفاخرهٔ فی زیارات العترهٔ الطاهرهٔ»؛ «المراسم الشرعیهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۶۶/ ۹)، الذریعه (۲۹۸/ ۲۰، ۴۳/ ۱۶، ۱۴۱ -۱۴۰، ۱۲۷، ۱۰۶/ ۸، ۳/ ۶، ۲۵۶/ ۲، ۸۸، ۸۴ -۸۳، ۶۱/ ۱)، طبقات اعلام الشیعه (۶۴۶ -۶۴۵/ ۱۳)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۳۱ -۱۱۳۰/ ۳)، معجم المؤلفین (۷۷/ ۱۰).

لنکرانی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ آغا بن محمدعلی لنکرانی عالمی فقیه از شاگردان علامه سید حسین کوه‌کمری بوده و بعد از ۱۲۸۹ ق از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لنگرودی مرتضوی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جناب آقا سید محمدحسن مرتضوی نیز از افاضل دانشمندان حوزه علمیه قم است که در مهد علم و تقوا تولد یافته و تربیت شده و سطوح و مبانی تحلیلی فقه و اصول را از مدرسین بزرگ حوزه فراگرفته و از درس مرحوم والد استفاده کرده و سالها به درس آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده و اکنون به تدریس فقه و صول و سایر خدمت دینی و روحی اشتغال دارند.

سید محمدحسن مرتضوی ابن آیت‌اللَّه لنگرودی از افاضل دانشمندان حوزه علمیه قم می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

لنگرودی مرتضوی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید محمدحسین مرتضوی که پس از فوت مرحوم والدشان، آیت‌الله سیدمرتضی لنگرودی بنا بر تقاضای مردم تهران عزیمت به مرکز نموده و در مسجد حاج ابوالفتح که مرحوم والدشان سالها اقامه جماعت داشتند به امامت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارند حقا جوانی فاضل و دانشمند و آراسته به زیور علم و علم و تقوا و فضیلت حسبی و نسیب می‌باشند.

سید محمدحسین مرتضوی لنگرودی فرزند بزرگ آیت‌اللَّه لنگرودی از ائمه جماعت تهران و فضلاء بارع معاصر و در مسجد حاج ابوالفتح میدان شاه تهران اقامه جماعت می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

لنگرودی، حسین علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین علی لنگرودی عالمی جلیل و رئیسی مطاع از مراجع امور دینی لنگرود معروف به (آقا نجفی) بوده و در حدود ۱۲۹۸ وفات نموده و در حرم (امامزاده سید محمد) لنگرود مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لنگرودی، عبدالصاحب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جناب آقای آقاسید محمد فهدی ملقب به عبدالصاحب مرتضوی لنگرودی از فضلاء بنام و نویسندگان کرام حوزه علمیه است که مانند دو برادر مذکورش در خاندان فضیلت به دنیا آمده و در حجر علم و کمال تربیت یافته و سطوح و دروس نهائی و عالی فقه و اصول را از اساتید و مدرسین و آیات عظام حوزه فراگرفته و به تالیف و تصنیف کتب مفیده که بعضی مطبوع و برخی مخطوط است پرداخته است و آثار مطبوع ایشان به قرار زیر است:

۱- بازار دانش دو مجلد که به طبع رسیده است.

۲- داستان پشیمان شدگان که به طبع رسیده است.

۳- امشی به حشرات بهائیت که به طبع رسیده است.

۴- پاسخ به کتاب شهید جاوید که به طبع رسیده است.

۵- گفتگوی عالم و صوفی

۶- اعجاز اسلام از نظر اخبار.

۷- مناجات مرتضوی- دوازده‌بند مرتضوی.

۸- پاسخ ما به گفته‌ها یا بررسی از بررسی دعاء ندبه.

۹- گوهرهای گران در علم معانی و بیان جزء اول.

۱۰- توحید مرتضوی.

اما ترجمه مفصل آن جناب که در علم و حلم و متانت و دیانت و تقوا مانند برادران دیگرش مرآت آن پدر بزرگوار است از این قرار است: در دهم ماه ذی‌الحجه ۱۳۵۲ ق در نجف اشرف به دنیا آمده و در دوران کودکی با معیت مرحوم والدش علامه مرتضوی لنگرودی به ایران آمده و در تهران رحل اقامت افکنده و پس از دروس جدید و مقدمات سطوح اولیه و وسطی را در مدرسه حاج ابوالفتح به اتمام رسانیده و در معیت مرحوم والد به قم مهاجرت نموده و بعد از مدت کوتاهی در درس آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت کرده و پس از آن مرحوم به درس آیتین گلپایگانی و امام خمینی حاضر شده و هم مدتی در درس آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله آملی حاضر شده.

دروس معقول و فلسفه را هم از اساتید حکمت حوزه بالاخص علامه طباطبائی فراگرفته است و در حال حاضر به تدریس سطوح عالی و نهائی اشتغال دارد.

معظم‌له در امور دینی و خدمات روحانی بسیار ساعی و جدی و برای همین منظور ایجاد کانونهائی نموده‌اند در شبهای پنج‌شنبه و جمعه که بسیاری از جوانان و دبیران و آموزگاران شرکت می‌کنند آثار مخطوط ایشان به قرار زیر است.

۱- جزوات تقریر در صلوه و خمس از بحث آیت‌الله بروجردی.

۲- جزوات تقریرات آیت‌الله گلپایگانی در طهارت و حج.

۳- جزوات تقریرات آیت‌الله امام خمینی در طهارت و حج.

۴- جزوات تقریرات آیت‌الله آملی در طهارت و حج.

۵- قواعد العلم در علم صرف نحو منطق معانی بیان.

۶- لغات الوسائل ناتمام ۷- دو علم و یک فن در علم روح و بدن و فن تعبیر.

۸- صندوق حسنات ۹- محشر شعراء ۱۰- ارمغان رمضان ۱۱- معالجات روحی در اخلاق.

۱۲- قدمهای به آن سرا در قیامت ۱۳- عبرتی از شناسنامه ۱۴- سلاسل مرتضوی کشکول ۱۵- دیوان مرتضوی در چهار بخش.

۱۶- مسائل الاحکام ۱۷- سؤال و جواب درباره حجاب ۱۸- واعظان تکوینی ۱۹- کتابی در رد یهود ۲۰- کتابی در رد نصاری.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

لنگرودی، محمدجعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدجعفر لنگرودی از علماء بزرگ تهران و ماهر در معقول و منقول از شاگردان حاج شیخ علی نوری و استاد میرزا محمد تنکابنی صاحب (قصص العلماء) بوده و شرحی بر حکمت عرشیه ملا صدر داشته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لنگرودی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۳ -۱۳۰۶ ق)، فقیه اصولی، عالم دینی و مجتهد. در یکی از روستاهای لنگرود به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات در ۱۳۲۳ ق به رشت رفت. پس از چند سال به قزوین رفت و سطوح اولیه را در خدمت آقا شیخ یونس و ملا علی طارمی فراگرفت. بعد از چندی به تهران آمد و سطوح وسطی و نهایی را از آیت‌اللّه سید محمد تنکابنی و شیخ محمد رضا نوری و معقول را از شیخ علی نوری و میرزا هاشم اشکوری و میرزا حسن کرمانشاهی فراگرفت. در ۱۳۳۸ ق به نجف رفت و از محضر آیت‌اللّه اصفهانی و علامه میرزا حسین نایینی و آیت‌اللّه عراقی و آیت‌اللّه شیخ مهدی مازندرانی بهره برد و در تفسیر از محضر آیت‌اللّه شیخ جواد بلاغی استفاده نمود. در ۱۳۴۲ ق به ایران آمد و مجددا در ۱۳۴۴ ق به نجف بازگشت و به تدریس و شرکت در بحث اساتید و آیات عظام آنجا مشغول شد. در ۱۳۶۱ ق به علت بیماری به ایران مراجعت نمود و تا ۱۳۷۲ ق در مسجد و مدرسه‌ی حاج ابوالفتح به اقامه‌ی جماعت و تدریس پرداخت. در ۱۳۷۲ ق به زیارت عتبات رفت. پس از بازگشت در قم اقامت گزید و به تدریس فقه و اصول پرداخت. وی در قم درگذشت و در یکی از ایوانهای شمالی صحن عتیق حضرت معصومه (ع) به خاک سپرده شد. از آثارش: «تقریرات» درس آیت‌اللّه نایینی، در اصول؛ «المتاجر» و «الصلوة» و «الطهارة» تقریرات درس آیت‌اللّه نایینی؛ «الخمس»؛ «منجزات المریض»؛ شرح بر «طهارت عروة الوثقی»؛ «حدوث العالم»؛ رساله در «فضاء»؛ رساله در مبحث «اجتهاد»؛ حاشیه بر «المکاسب» شیخ انصاری؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ رساله در اثبات «اصول و عقاید»؛ رساله در تفکیک بین اراده استعمالی و جدی».[۱]

آیت‌الله فی العالمین حاج سید مرتضی بن سید حسین بن میرسعید قاضی محله‌ی مرتضوی لنگرودی از آیات عظام و علماء اعلام شهرستان قم و حوزه علمیه بوده‌اند.

در سال ۱۳۰۶ قمری در یکی از قراء لنگرود متولد شده و پس از نشو و نما و فراگرفتن فارسی به مدرسه جامع لنگرود رفته و پس از مدتی از آنجا در حدود سال ۱۳۲۳ قمری به رشت و پس از چند سالی به قزوین و در آنجا در خدمت آشیخ یونس و ملاعلی طارمی سطوح اولیه را دیده و بعد از چندی به طهران آمده و سطوح وسطی و نهائی را نزد مرحوم آیت‌الله سید محمد تنکابنی و آقا شیخ محمدرضا نوری و معقول را خدمت مرحوم حاج شیخ علی نوری و مرحوم میرزا هاشم اشکوری و میرزا حسن کرمانشاهی خوانده و در سال ۱۳۳۸ قمری مهاجرت به نجف نموده و از محاضر آیات عظام اصفهانی و نائینی و عراقی و حاج شیخ مهدی مازندرانی و تفسیر را از مرحوم حاج شیخ جواد بلاغی استفاده کرده و در سال ۱۳۴۲ قمری مسافرت به ایران و در سال ۱۳۴۴ قمری برای بار دوم به نجف مهاجرت و مدت ده سال توقف و به تدریس و شرکت در ابحاث آیات عظام و مراجع بزرگ نجف اشتغال داشته تا در سال ۱۳۵۴ قمری مراجعت به ایران و مدت ۱۳ ماه در قم توقف و در سال ۱۳۵۵ ق باز مشرف و مدت شش سال دیگر به تدریس مشغول گشته و در سال ۱۳۶۱ به واسطه کسالت به ایران بازگشت نموده و بنابر تقدیر پروردگار تا سال ۱۳۷۲ قمری در تهران اقامت و در مسجد و مدرسه حاج ابوالفتح واقع در میدانشاه تهران به اقامه جماعت و تدریس و تربیت عده‌ای از محصلین پرداخته و در آن سال به زیارت اعتاب عالیات مشرف و در مراجعت رجل اقامت به قم انداخته و به تالیف و تدریس فقه و اصول مشغول گردیده تا در روز پنجشنبه ۱۹ صفر الخیر ۱۳۸۳ قمری دعوت حق را اجابت گفته و با تشییع کم‌نظیری در یکی از ایوانهای شمالی صحن عتین حضرت معصومه علیهاسلام به خاک سپردند.

ترجمه مفصل و مبسوط آن عالم بزرگوار و مرجع عالیمقدار را یکی از افاضل شاگردان و تلامذه آن مرحوم به نام جناب آقای شیخ محمد واصف نوینده محترم که ترجمه‌اش خواهد آمد در یک رساله مستقلی به نام چهره‌ای از زندگانی آیت‌الله لنگرودی تالیف و منتشر نموده که این حقیر خلاصه آن را با آنچه که در ص ۷۴ ج ۲ کتاب آثارالحجه نگاشته‌ام در اینجا آوردم.

۱- تقریرات در اصول مرحوم آیت‌الله نائینی دوره کامل.

۲- کتاب المتاجر تقریر درس آیت‌الله نائینی.

۳- کتاب الصلوه تقریر درس آیت‌الله نائینی.

۴- کتاب الطهاره تقریر درس آیت‌الله نائینی.

۵- کتاب الخمس.

۶- رساله‌ای در منجزات مریض

۷- شرح مبسوطی بر طهارت عروةالوثقی

۸- رساله‌ای در توسط ارض غصبیه.

۹- رساله‌ای در حدوث عالم

۱۰- رساله‌ای در فضاء ناتمام

۱۱- رساله‌ی در اثبات اصول و عقاید.

۱۲- رساله‌ای در تفکیک بین اراده استعمالی و جدی

۱۳- کتاب الصوم تقریر درس، ناقص است.

۱۴- رساله‌ای در مبحث کر چاپ شده.

۱۵- رساله‌ای در مبحث اجتهاد چاپ شده.

۱۶- رساله‌ای در حرمان زوجه از بعض ارث.

۱۷- حاشیه‌ای بر مکاسب شیخ، انصاری، ناتمام.

۱۸- حاشیه‌ای بر رسائل شیخ، ناتمام.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۵۰ -۲۴۸/ ۲)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۳۲/ ۳).

لواسانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالقاسم بن سید محمد بن سید ابراهیم حسینی لواسانی از علماء ابرار تهران بوده. وی در حدود ۱۲۷۶ قمری در تهران به دنیا آمده و در بیت علم و سیاتت پرورش یافته و تحصیلات مقدمات و سطوح را از دانشمندان و علماء آن زمان فراگرفته سپس به اعتاب عالیات و نجف اشرف مهاجرت و از محضر و ابحاث آیات عظام حوزه علمیه نجف چون حاج میرزا حسین، حاج میرزا خلیل تهرانی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آقا سید محمد کاظم یزدی استفاده نموده تا به درجه اجتهاد نائل و موفق به دریافت اجازه اجتهاد از آنان شده و ضمنا از دروس اخلاق و عرفان شاگردان مرحوم آخوند ملا حسینقلی همدانی چون حاج شیخ محمد بهاری و حاج سید احمد تهرانی کربلائی بهره‌ها برده و در این رشته نیز به مدارج عالیه اخلاقی ارتقا یافته و پس از آن به سوی ایران و وطن خود مراجعت ولی در همدان مورد توجه و استقبال مردم آن سامان شده و بنابر درخواست آنها رحل اقامت افکنده و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تدریس و وظائف دیگر روحی پرداخته و پس از چندی به تهران آمده و در آنجا هم قیام به وظائف دینی و روحی نموده تا در عصر جمعه بیست و هشت (۲۸) ماه رمضان المبارک سال ۱۳۶۳ قمری از دنیا رفته و پس از تشییع و تجلیل فراوان حمل به نجف اشرف شده و در جوار حضرت امیرالمؤمنین علی علیه الصلوه والسلام مدفون گردیده است . دارای فرزندان برومندی بوده‌اند که اغلب آنها از علماء و دانشمندان معاصرند و آنان از این قرارند:

۱- حاج سید احمد لواسانی که در مسجد بالاسر قم مدفون می‌باشند.

۲- حاج سید محمدصادق لواسانی متوفی ربیع‌الاول ۱۴۱۱ قمری مدفون در مسجد بالا سر قم.

۳- حاج سید علی لواسانی.

۴- حاج سید زین‌العابدین لواسانی.

۵- حاج سید محمود لواسانی.

۶- حاج سید رضا لواسانی.

۷- حاج سید یحیی لواسانی.

۸- حاج سید حسین لواسانی.

۹- حاج سید حسن لواسانی.

۱۰- حاج سید محسن لواسانی.

عموی آن بزرگوار حاج سید عبدالکریم لواسانی از فضلاء و اعلامی بودند که حدود یکصد و ده سال زندگانی کرده و سرانجام در ۱۳۹۷ قمری از دنیا رفته و در جوار شیخ صدوق مدفون است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

لواسانی، ابوطالب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدّرس مدرسه نیم آورد. عالم فاضل، و معروف به رمل و جفر بوده، و حدود سال ۱۲۶۰ قمری وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

لواسانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۰۰ -۱۳۰۸ ق)، عالم دینی، مجتهد و مورخ. نسبش به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. در نجف به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات را نزد علمای نجف فراگرفت. وی از شاگردان آیت‌اللّه شیخ محمد کاظم خراسانی و آیت‌اللّه سید محمد کاظم یزدی و آیت‌اللّه شیخ علی گنابادی و آیت‌اللّه شیخ علی قوچانی و آیت‌اللّه میرزا حسین نایینی و آیت‌اللّه شیخ علی قوچانی و آیت‌اللّه میرزا حسین نایینی و آیت‌اللّه میرزا محمد تقی شیرازی و آیت‌اللّه سید اسماعیل صدر بود و نزد آنان در نجف، سامرا و کربلا مراحل علمی را طی کرد.

آن گاه مشغول به تدریس و تألیف شد. در ۱۳۳۳ ق به تهران آمد و به تدریس پرداخت، سپس به مشهد رفت و از محضر آیت‌اللّه آقا محمد آقازاده‌ی کفایی استفاده نمود. در ۱۳۴۴ ق به نجف بازگشت و از محضر اساتید وقت، آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه شیخ محمد حسین غروی، استفاده نمود تا به مراتب عالیه‌ی اجتهاد رسید و به دریافت اجازه‌های اجتهاد نایل شد. در ۱۳۴۸ ق برای ارشاد و سرپرستی شیعیان به لبنان رفت و در ۱۳۷۰ ق به تهران بازگشت و به امور علمی و دینی پرداخت. وی در مسجد محمودیه سرچشمه به انجام امور مذهبی مشغول بود. لواسانی از دوستان نزدیک علامه امینی بود. در تهران درگذشت. از آثارش: «الدروس البهیة»، در مختصری از تاریخ پیامبر (ص) و ائمه (ع)؛ «مرقاة جنان الزهر»؛ «نور الافهام» شرح منظومه‌ی «مصباح الظلام»، در علم کلام؛ «الشریعة السمحاء»، در اصول دین و احکام شرعیه مطابق عمل به احتیاط؛ «تاریخ النبی احمد (ص)»، در دو مجلد؛ «تواریخ الانبیاء» از حضرات آدم تا حضرت خاتم؛ «نقض الهفوات و تکذیب المفتریات»، ردی بر دعاوی بهائیت و تکذیب علی محمد باب؛ «فضیحة الکذابین»، در رد قادیانی؛ «الکشکول».[۱]

حاج میرزا حسن بن السید العلامه آیت‌اللّه حاج سید محمد لواسانی از مشاهیر علماء معاصر تهران می‌باشد. وی در ماه رمضان سال ۱۳۰۸ قمری در نجف اشرف متولد شده و چون در سن نه سالگی اوان کودکی در سال ۱۳۱۷ قمری مرحونم والد را از دست داده با نهایت جدیت و اشتیاق در نجف اشرف در محضر طلاب علوم شرعیه و فضلاء مقدمات و ادبیات را خوانده و سطوح نهائی را بپایان رسانیده و در سن بیست سالگی بدرس خارج آیات عظام و مراجع تقلید چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی آخوند خراسانی و علامه یزدی و پس از فوت آنان مرحومین آیتین حاج شیخ علی گنابادی و حاج شیخ علی قوچانی و بعد از فوت آن دو بزرگوار از درس و محضر آیت‌اللّه حاج میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و در سامرا از مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدتقی شیرازی و در کربلا آیت‌اللّه حاج سید اسمعیل صدر استفاده نموده تا در سال ۱۳۳۱ قمری که جنگ بین‌المللی پیش آمد و اوضاع دنیا در آن جنگ متشتت و در هم ریخته شد خصوصا عراق عرب که از همه جا سخت گردید که هر کس به هر وسیله که برایش ممکن میشد فرار را بر قرار اختیار نموده و باطراف بلاد منتشر میشد و همه روزه زندگی و ناامنی بدتر میشد ناچار معظم له باتفاق مرحومه علویه والده‌اش و عیال و اولاد و والدین عیال با نهایت دست تنگی و قلت زاد از نجف اشرف در اواسط ۱۳۳۳ قمری بعزم هجرت به ایران حرکت نموده و در کاظمین متوقف و در مدت دو ماه هفت نفر از بستگانش چون مرحومه والده و عیال و سه نفر از اولادش و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ علی قوچانی همسر خواهرش با فرزندش بمرض وبا و غیره از دنیا رفته و بالاخره خودش باتفاق خواهرش با نهایت صعوبت و سختی وارد تهران و باقارب و احارم خود ملحق و با ابتلاء بامراض عدیده و مراجعه بصفوف اطباء تا بفضل پروردگار بهبودی یافته و در ماه رمضان ۱۳۳۴ قمری همشیره همسر مرحومه سابقش را که صبیه مرحوم آقا سید محمد واعظ لواسانی بود تزویج و مهاجرت به مشهد نموده و مدت شش سال اقامت و از محضر آیات و مدرسین آن عصر چون مرحوم آیت‌اللّه آقا محمد آقا زاده کفائی و دیگران استفاده و در سال ۱۳۴۰ قمری بحج مشرف و چند ماهی متوقف و موجب استبصار یکی از دانشمندان اهل سنت که رئیس بعضی از دوائر دولتی صعودی بوده گردیده و بیش از بیست مرتبه از لبنان و عراق و ایران بحج مشرف شده و باین فیض بزرگ رسیده است.

نگارنده گوید: علامه لواسانی در طول تاریخ عمر خود موفقیتهای بزرگی پیدا کرده که موجب غبطه و حسرت میباشد از جمله اختلاف بین شیعیان مقیم مدینه و ارجاع بمراجع تقلید دادند بعد از آن که مدتها آنها بر طریقه اخباریین بودند.

دیگر راه یافتن ایشان به کتابخانه مدینه منوره و استفاده از کتب حضرات تسنن در بطلان اجماع امت بر خلافت شیخین و دیگران.

و خلاصه پس از مدت اقامت در مدینه منوره بمکه معظمه برای اداء حج تمتع مشرف و بعد از آن مراجعت به عراق و از آنجا به ایران و قم آمده در هنگامی که مراجع بزرگ نجف چون آیت‌اللّه اصفهانی و نائینی و خالصی و دیگران تبعید از عراق بودند و در آنجا بفیض ملاقات و زیارات آنان رسیده و از آنجا به مشهد مشرف و موفق بوظائف دینی و شرعی خود از امامت در مسجد ترکها و تدریس فقه و اصول گردید تا در نیمه ماه رجب ۱۳۴۴ قمری باتفاق عیال و فرزندان مراجعت به نجف اشرف نموده و از محضر آیت‌اللّه اصفهانی و نائینی و آیت‌اللّه کمپانی و آیت‌اللّه عراقی استفاده نموده در مدت پنجسال آنگاه بامر بعضی از آیات مذکوره برای تبلیغات احکام شرعیه به لبنان مسافرت کرده و خدمات زیادی در آن سامان انجام داده و مورد توجه و علاقه شدید مردم جبل عامل گردیده و تقاضای اقامت ایشان را نموده و به آیت‌اللّه اصفهانی متوسل تا بامر آن مرحوم بیش از بیست و دو سال در آن بلاد با نهایت عزت و عفت نفس اقامت نموده و مردم بی خبر آن حدود را ارشاد و هدایت نموده تا در سال ۱۳۷۰ قمری که جنگ اسرائیل با اعراب فلسطین شروع شد و مردم فلسطین مغلوب و آواره گردیدند ناچار به مهاجرت به ایران گردیده و در تهران مقیم و تا حال حاضر در مسجد محمودیه سرچشمه به اقامه جماعت و ترویجات دینی و خدمات اشتغال دارند.

تألیفات و آثار عدیده‌ای دارند که فهرست آنها را می‌نگارم.

۱- الدروس البهیه در مختصری از احوال النبی و الائمه ۲- نور الافهام شرح منظومه مصباح الظلام فی علم الکلام ۳- الشریعه السمحاء فی الاحکام الشرعیه الفرعیه علی طبق العمل بالاحتیاط. ۴- تاریخ النبی احمد صلی اللّه علیه و آله در دو مجلد از مبدء خلقت نور آن بزرگوار تا آخر عمر حضرتش ۵- تواریخ الانبیاء از حضرت آدم تا حضرت خاتم صلی اللّه علیه و آله در دو مجلد ۶- فضیحه الکونین رد بر قادیانی کذاب هندی. ۷- نقض الهفوات رد بر دعادی بهائیه و تکذیب علی محمد باب ۸- کشکول لطیف که تمام اینها بطبع رسیده و اما آثار مخطوط آن جناب عبارتست از فقه و اصول و تقریرات مباحث اساتید عظام و حواشی بعضی مسائل متفرقه و غیره.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۵۸، ۲۹۲/ ۲۴، ۳۱۳/ ۲۰، ۲۷۵/ ۱۶، ۱۸۶/ ۱۴، ۱۴۴/ ۸، ۲۹۰/ ۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۴۹ -۵۴۶/ ۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۳۵ -۱۱۳۳/ ۳).

لواسانی، حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(نیمه‌ی اول س یازدهم ق)، خطاط. از مردم لواسانی تهران بود، ولی در اصفهان اقامت داشت. آقاحسین در دربار شاه‌عباس اول به کار کتابت مشغول و از شاگردان علیرضای عباسی بود و چون گذشته از نیکویی خط، حسن صورت نیز داشت شاه او را ایاز ثانی می‌خواند. از آثار خطی او، کتیبه‌ی سر درِ مدرسه‌ی قوچقای بیگ در بازار صبّاغان اصفهان است. وی در شهر اصفهان وفات یافت و در مقبره‌ی میرفندرسکی در گورستان تخت فولاد مدفون است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۶۷ /۱)، تذکرهٔ الخطاطین (۸۱ -۶۴ /۲).

لواسانی، حمدالله

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۰۲ ق)، خطاط. از خطوط وی: یک نسخه «شاهنامه‌ی» فردوسی، مذهب مرصع متوسط، نسخ کتابت تعلیق مانند خوش، با رقم: «تمه الکتاب... سنه‌ی اثنین و تسعمائه... حمداللّه بن قوام‌الدین ابن نظام‌الدین القاسم الادیب لباسانی...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۶۳/۴).

لواسانی، صدرالدین محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۱۹ ق)، خطاط. وی نستعلیق را استادانه می‌نوشت و در خط نستعلیق شاگرد عموی خود، میرزا علی محمد صفای لواسانی خوشنویس، بود. صاحب «طرائق الحقائق» وی را در ۱۳۱۴ ق در لواسان ملاقات کرده است. از آثار وی: یک نسخه «مصطلاحات الصوفیه»، به قلم کتابت خوش، با رقم: «کتبه صدرالدین محمد بن شمس‌الدین محمد بن محمد جعفر الالهی النظامی‌اللواسانی... سنه‌ی ۱۳۱۲»؛ نسخه‌ای دیگر از همان کتاب و به همان قلم، با رقم: «کتبه العبد... محمد صدرالدین... سنه‌ی ۱۳۱۱»؛ یک نسخه منتخب «نثر اللآلی»، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «... انا العبد صدرالدین بن شمس‌الدین الشهیر بحکیم الهی عفی عنه، سنه ۱۳۱۹».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۸۰ / ۳، ۳۲۹ -۳۲۸ / ۲)، طرائق الحقائق (۶۴۰ / ۳).

لواسانی، عیسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۴ -۱۲۷۷ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مدرس. از محضر پدرش و میرزا محمد حسن آشتیانی استفاده نمود. سپس به نجف رفت و نزد شیخ محمد کاظم خراسانی و میرزا حسین خلیلی و شیخ الرشیعه اصفهانی تلمذ نمود و یکی از برجستگان علم و فقاهت شد و خود مستقلا به تدریس و تألیف پرداخت. سپس به تهران بازگشت و به تدریس فقه و اصول و انجام وظایف دینی مشغول گردید. او در تهران درگذشت. از آثارش: «انیس العارفین»؛ «جلاء الابصار»؛ «تحفهٔ الاحباب»؛ «میزان الاخوهٔ»؛ «الشیخ و الشیخهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۵/ ۲۳، ۲۶۶/ ۱۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۴۳/ ۱۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۳۶/ ۳).

لواسانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۷ -۱۲۶۷ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و مجتهد. در تهران به دنیا آمد. پدرش از علمای تهران بود که در مسجد سرپولک اقامه جماعت می‌کرد. پس از فراگیری مقدمات و تکمیل سطوح در خدمت پدرش و آشتیانی و میرزا عبدالرحیم نهاوندی به نجف رفت و در خدمت میرزا حبیب‌اللّه رشتی و شیخ میرزا حسین خلیلی شاگردی نمود. پس از رسیدن به مرتبه‌ی اجتهاد به بحث و تدریس پرداخت. در نجف درگذشت و در مقبره‌ی خودش در وادی السلام دفن شد. از آثارش: «اجتماع الامر و النهی»؛ «تقریرات»

استادانش، در فقه و اصول؛ «الفقه الاستدلالی»، در سه مجلد، در «متاجر»؛ مجلدی در «اصول الفقه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۵۹/ ۹)، الذریعه (۲۹۰/ ۱۶ ،۳۸۴/ ۴ ،۲۶۸/ ۱)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۳۳/ ۳)، معجم المؤلفین (۲۱۳/ ۸).

لواسانی، محمدصادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدصادق بن العالم الجلیل آیت‌اللّه حاج سید ابوالقاسم بن العالم العلام حاج سید محمد لواسانی از علماء بزرگوار معاصر تهرانست.

وی در ماه صفر ۱۳۲۴ قمری در نجف اشرف متولد شده و در ربیع الاول ۱۳۳۹ قمری در خدمت مرحوم والدش به ایران و همدان آمده و در آنجا اقامت نموده وی با معیت مرحوم برادرش حجهْالاسلام حاج سید احمد در ربیع‌الاول ۱۳۴۰ قمری به اراک آمده و شروع به مقدمات نموده و در ماه رمضان ۱۳۴۱ قمری مهاجرت به قم و پس از تکمیل مقدمات و مقداری از سطوح در سال ۱۳۴۸ قمری عزیمت به نجف نموده و سطوح را در خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالحسن مشکینی خوانده و هم از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی استفاده کرده و در اثر کسالت و عدم رضایت والدش مراجعت به قم نموده و تا سال ۱۳۵۲ قمری از ابحاث مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری و آیت‌اللّه حجت بهره‌مند گردیده و در سال مذکوره با مرحوم برادرش به نجف مشرف و در ۱۳۵۳ قمری به ایران بازگشت و به مشهد مقدس رفته و چند ماهی از محضر آیت‌اللّه العظمی قمی و آیت‌اللّه آشتیانی و آیت‌اللّه آقازاده کفائی مستفیض ولی بواسطه حوادث ناگوار مسجد گوهرشاد و تعطیل حوزه مشهد به قم مراجعت و بدرس مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه حجت حاضر شده و در سال ۱۳۵۶ قمری به تهران آمده و حدود یکسال توقف تا حسب‌الامر آیات ثلاثه قم بحوزه برگشته و بتولیت و اداره مدارس فیضیه و دارالشفاء از طرف مراجع حوزه علمیه منصوب تا سال ۱۳۶۴ قمری که در اثر کسالت و امریه والدش به تهران منتقل و تاکنون در مسجد و مدرسه میرزا ابوالحسن معمار واقع در محله امامزاده یحیی علیه‌السلام به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

برادران دانشمند و با تقوائی دارند که اجمالا آنها را مینگارم:

۱– مرحوم آیت‌اللّه حاج سید احمد لواسانی که قبلا یاد نمودم.

۲– حجهْالاسلام و المسلمین آقای حاج سید علی لواسانی که از علماء اعلام و افاضل دانشمندان تهران و سالها مقیم نجف بوده و چندین سال است که به ایران مراجعت و در تهران به وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

۳– حجهْالاسلام و المسلمین آقای حاج سید زین‌العابدین لواسانی که وی نیز از علماء ابرار معاصر تهرانست و ایشان هم سالها در اعتاب عالیات تحصیل علم و کمال نموده و بعد به ایران مراجعت و در تهران بخدمات روحی خود مشغول و مانند برادرانش وارسته و بعلم و تقوا آراسته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

لواسانی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید مصطفی بن السید العلام الایه القمقام حاج سید محمد لواسانی از علماء صالحین و دانشمندان ناسکین این سلسله موصوف به تقوا و تزکیه نفس و معروف به تأثیر نفس و اجابت دعا و مقامات معنوی و مورد ابتلاء مردم بوده و همه روزه از تهران و حومه و حتی نقاط دیگر مردم بمنزلش واقع در گذر لوطی صالح آمده و طلب دعا نموده و حل مشکلات مادی و احیانا معنوی خود را می‌خواستند و بوی معتقد بودند.

شبهای پنجشنبه در منزلش مجلس تفسیر و جلسه دینی برقرار و گویندگان معروف مانند مرحوم حاج قوام و دیگران و گاهی هم این نگارنده بیان معارف اسلامی و فضائل اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام نموده و مردم را بهره‌مند می‌نمودند مجلس بسیار با حال و پر فایده و ارزنده‌ای بود در مسجد محل نامبرده اقامه جماعت و ترویج دین می‌کرد و اکنون بجای ایشان فرزند برومندش حجهْالاسلام آقای حاج سید مهدی لواسانی امامت نموده و به خدمات دینی و روحی و اجتماعی اشتغال دارد. وی دانشمندی فعال و نیکو خصال می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

لوایی سبزواری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۹/ ۹۷۶/ ۹۷۵ ق)، صوفی و شاعر. از پیرزادگان سبزوار بود. به هندوستان مسافرت کرد و مدتی تحت ملازمت اکبر شاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به سر برد. وی در لاهور درگذشت. از اوست:

اهل هوس ز شوق چو نام بتان برند

ترسم که نام او به غلط بر زبان برند

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌ی فارسی (۳۸۰/ ۲)، الذریعه (۹۴۷/ ۹)، صبح گلشن (۳۵۷)، فرهنگ سخنوران (۷۹۱)، کاروان هند (۱۲۱۰ -۱۲۰۹/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ لوائی).

لوحی اصفهانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۹ ق)، شاعر. از مداحان و درویشان اصفهان بود و در مداحی ائمه‌ی اطهار (ع) تبحر بسیار داشت. او اشعار بسیاری در این زمینه گفته است و بیشتر درویشان مداح، اشعار وی را می‌خواندند. از اوست:

ای دل فضایل اسداللّه طاعت است

مدح علی و آل شنیدن عبادت است

بودن به ذکر حیدر کرار یک نفس

حقا که در برابر صد ساله طاعت است

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۳۰)، الذریعه (۹۴۸/ ۹)، صبح گلشن (۳۵۸ -۳۵۷)، فرهنگ سخنوران (۷۹۱)، لغت‌نامه (ذیل/ لوحی).

لوکری غزوانی، ابوالحسن علی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، شاعر و موسیقیدان. معروف به لوکری چنگزن. اهل لوکر از نواحی مرو بود و در دوره‌ی سامانیان می‌زیست. وی از معاصران امیر ابوالقاسم نوح بن منصور (۳۸۷ -۳۶۵ ق) و برادرش، احمد بن منصور و ابوالحسن عبید اللّه بن احمد عتبی، وزیر معروف سامانیان بوده و آنان را مدح کرده است. لوکری در تغزل و قصیده استادی چیره‌دست بود و در فن موسیقی مهارت بسزایی داشت. از او اشعاری در تذکره‌ها باقی مانده است.[۱]

(منسوب به لوکر، ابوالحسن علی بن محمد غزوانی (غزوان)) شاعر ایرانی معاصر میر رضی نوح بن منصور بن نوح (ز. نیمه‌ی دوم قر. ۴ ه.) وی امیر نوح و وزیرش عتبی را مدح کرده. ابیاتی که از او در دست است. استادی و مهارت وی را در تغزل و قصیده می‌رساند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] پیشاهنگان شعر پارسی (۱۹۳ -۱۹۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۲۲ -۴۲۱/ ۱)، تاریخ ادبی ایران (۶۷۴ -۶۷۳/ ۱)، تاریخ موسیقی (۱۶۱/ ۱)، سخن و سخنوران (۳۶ -۳۵)، شاعران بی دیوان (۲۰۵)، گنج سخن (۴۶/ ۱)، لباب الالباب (۱۵/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالحسن).

لوکری مروزی، ابوالعباس فضل

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم و ششم ق)، حکیم، فیلسوف ادیب و شاعر. اهل لوکر در کنار رود مرو بود. وی حکیمی کامل و در اجزاء علوم حکمت ماهر بود. لوکری شاگرد بهمنیار (م ۴۵۸ ق)، شاگرد ابوعلی سینا، بود و به وسیله او علم حکمت در خراسان انتشار یافت. از اقران وی در میدان حکمت می‌توان به خیام، ابن‌کوشک و واسطی اشاره کرد. او با خیام (م ۵۲۵ ق) و خازنی (م ۵۲۵ ق) در «زیج ملکشاهی» همکاری داشته است. از شاگردان وی می‌توان قطب‌الزمان محمد بن ابوطاهر طبسی مروزی (م ۵۳۹ ق)، مجد الافاضل قاضی عبدالرزاق ترکی، محمد بن یوسف الایلاقی (۵۳۶ ق)، فریدالدین عمر بن غیلان بلخی، عین الزمان حسن قطان مروزی و ابوالفتح اسعد بن محمد بن ابونصر المیهنی (م بعد از ۵۲۰ ق) را نام برد. لوکری در مرو درگذشت. از آثار وی: «بیان الحق بضمان الصدق»، که مهم‌ترین اثر وی است و از سخنان فارابی و ابوعلی سینا و حکیمان دیگر استفاده کرده است، شامل پنج بخش: ۱- منطق ۲- طبیعیات ۳- الهیات ۴- بخشی در ذکر مسائلی از علم ما بعد الطبیعه که در حکم اسرار است ۵- فصول منتخب از «رسالهٔ الاخلاق»، در پنج باب؛ قصیده‌ای، با شرح فارسی آن؛ «دیوان» شعر. صاحب «روضات الجنات» ضمن شرح حال بهمنیار، او را

شاگرد لوکری می‌داند که به گفته‌ی «ریحانهٔ الادب» باید فرد دیگری باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۲۹۴ -۲۹۲/ ۲)، تاریخ نظم و نثر (۵۵ -۵۴)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (۸۱ -۸۰)، الذریعه (۹۴۹ -۹۴۸/ ۹)، روضات الجنات (۱۵۵/ ۲)، ریحانه (۱۴۰ -۱۳۹/ ۵).

لوکس، کارو

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی برق، دانشکده: فنی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد پیوسته مهندسی برق از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۲، دکترای دخصصی در مهندسی برق و علوم کامپیوتر از دانشگاه کالیفرنیا در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۶۵ و دانشیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۵.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

کنترل غیر خطی، سیستم‌های هوشمند، طرح تحقیقاتی توسعه امکانات سخت افزاری، طرح تحقیقاتی طراحی شبکه‌های عصبی، تدریس دروس مهندسی برق در دانشگاههای تهران، UCLA و کالیفرنیا، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

ابداع:

در زمینه طراحی یک شبکه عصبی هایبرید برای تشخیص کلمات منفرد فارسی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

سیستم‌های کنترل خطی و مهندسی کنترل.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴۴

زمینه علمی مقالات:

مهندسی برق و علوم کامپیوتر.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

لهسائی‌زاده، عبدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی جامعه‌شناسی از دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۵۴، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی از دانشگاه دیترویت آمریکا در سال ۱۳۵۷، دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه ایالتی میشیگان آمریکا در سال ۱۳۶۳، تخصص در جامعه‌شناسی روستائی، فوق تخصص جامعه‌شناسی کشاورزی از دانشگاه اونتاریو غربی در کانادا.

مرتبه علمی:

استادیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز در سال ۱۳۶۳، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه شیراز در سال ۱۳۷۲.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مهاجرت از روستا به شهر، تک‌نگاری روستائی، جامعه‌شناسی در ایران، جامعه‌شناسی شهری، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، جامعه‌شناسی مهاجرت، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

جامعه‌شناسی روستائی، جامعه‌شناسی کشاورزی، جامعه‌شناسی مهاجرت، نظریه‌های جامعه‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

جامعه‌شناسی روستائی، جامعه‌شناسی توسعه، جامعه‌شناسی جنگ.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

لؤلؤی بخلی، یحیی زکریا

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۳۲/ ۲۳۰ ق)، فقیه، محدث و حافظ. از ابومطیع حکم بن عبداللَّه بلخی، مفتی بلخ، و عبداللَّه بن نمیر و وکیع و حکم بن مبارک و ابواسامه و قاسم بن حکم عرنی و همطبقه‌ی آنها روایت کرد. بخاری و ترمذی و ابوسعد یحیی بن منصور هروی زاهد و جعفر فریابی و احمد بن سیار مروزی و اسماعیل بن محمد بن ابی‌کثیر قاضی و عبدالصمد بن سلیمان بلخی از وی روایت کردند. از آثارش کتاب «الایمان» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۲۷۷/ ۲)، تذکرهٔ الحفاظ (۵۱۸ -۵۱۷/ ۲)، تهذیب التهذیب (۲۹۸ -۲۹۷/ ۳)، تهذیب الکمال (۳۲۱ -۳۲۰/ ۶)، الثقات (۲۵۴/ ۸)، معجم المؤلفین (۱۸۴/ ۴).

لیاقت، غلامعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده: علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه: الزهرا (س)

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

لیثی سمرقندی، ابوالقاسم بن بکر

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۸۸۸ ق)، فقیه حنفی. از علمای عامه قرن نهم قمری بود. از آثارش: «ریاضهٔ الاخلاق»؛ حاشیه بر شرح «مفتاح العلوم» سکاکی؛ شرح «رساله وضعیه‌ی عضدیه»، که در ۸۸۸ ق تألیف نمود؛ «رساله‌ی سمرقندیه»؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»، به نام «حاشیه سمرقندی»؛ شرح «کنز الدقائق» حافظالدین نسفی؛ حاشیه بر «مطول»، که به نام امیر علیشیر نوایی در ۸۷۵ ق تألیف نمود؛ «بلوغ الارب من تحقیق استعارات العرب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۱۹۴ ،۱۴۰ / ۱)، ریحانه (۷۲ -۷۱ / ۳)، کشف الظنون (۱۷۶۷ ،۹۳۸ ،۸۹۸)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالقاسم)، معجم المولفین (۱۰۳/ ۸).

ماتریدی سمرقندی، ابومنصور محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۳۳ ق)، فقیه حنفی، اصولی و متکلم. مشهور به امام المتکلمین. نسبتش به ماترید می‌رسد که به گفته‌ی سمعانی ماترید یا ماتریت از محلات سمرقند بوده است. ماتریدی از پیشگامان علم کلام بود. وی با سه واسطه از ابوحنیفه روایت کرده است. در سمرقند درگذشت. از آثارش: «تأویلات اهل السنهٔ»؛ کتاب «التوحید و اثبات الصفات»؛ «اوهام المعتزلهٔ»؛ «الرد علی القرامطهٔ»؛ «الدرر فی اصول الدین»؛ «مأخذ الشرائع»، در اصول فقه؛ «تأویلات القرآن»؛ شرح «الفقه الاکبر» ابوحنیفه؛ «کتاب الجدل»؛ ردی بر «تهذیب» کعبی، در «الجدل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۴۲/ ۷)، انساب سمعانی (۱۵۵/ ۵)، ریحانه (۱۴۲/ ۵)، کشف الظنون (۱۷۸۲، ۱۵۷۳، ۱۴۰۸، ۱۴۰۶، ۷۵۱، ۵۱۸، ۳۳۶ -۳۳۵، ۲۶۲)، لباب الالباب (۲۹۲ ،۱۸/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ماتریدی)، معجم المؤلفین (۳۰۰/ ۱۱)، هدیهٔ العارفین (۳۷ -

۳۶/ ۲).

ماجدی، عصام‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۲–۱۳۲۵ ش)، عالم دینی و مدرس. در درگا سلیمان از روستاهای سقز به دنیا آمد و تحت توجه و مراقبت پدرش آموزش قرآن و مقدمات علوم اسلامی را در زادگاهش فراگرفت. سپس به شهرستان سقز رفت و از محضر علمایی چون: حاج ملا عبدالقادر خلیفه‌زاده و خلیفه ملا عبدالرحیم هه وشاری و ملا صادق سردرآبادی استفاده برد. عصام‌الدین سپس به شهر زور عراق رفت و در حلقه درس ملا عبدالعزیز مدرس حاضر شد و مدتی طولانی به فراگیری علوم اسلامی پرداخت و از آن استاد اجازه گرفت. او همچنین از ملا محمد امین مدرسی اجازه گرفت. آنگاه به زادگاهش بازگشت و از اساتیدی چون حاج بابا شیخ سیادت و ملا سید حسین و حاج ملا عبدالکریم و ملا علی حفید ولزی استفاده نمود و نزد آنان آموخته‌های خویش را تکمیل کرد. او سرانجام در شهر ترجان اجازه تدریس و افتاء گرفت. ملا محمد امین شریعتی و ملا حسین علایی و حاج ملا صالح رحیمی از شاگردان او بودند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۶۳۸ –۶۳۶/ ۳).

ماجشون، ابوعبداللّه، ابوالاصبغ عبدالعزیز

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۶۴ ق)، فقیه و محدث. ماجشون را معرب ماه‌گون دانسته‌اند. اصل وی از اصفهان و اهل مدینه‌ی نبوی و از فقهای آنجا بود و مدتی نیز در بغداد سکنی گزید. از زهری و محمد بن منکدر و عبداللّه بن دینار و سلمهٔ بن دینار و سعد بن ابراهیم و محمد بن ابی‌بکر ثقفی و حمید طویل و عمرو بن یحیی و صالح بن کیسان و وهب بن کیسان و هشام بن عروه و عبداللّه بن فضل هاشمی و عبید اللّه بن عمر و عبدالرحمان بن قاسم حدیث شنید. فرزندش، عبدالملک بن عبدالعزیز، و لیث بن سعد و ابراهیم بن طهمان و زهیر بن معاویه و ابن‌مهدی و وکیع بن جراح و هاشم بن قاسم و حجین بن مثنی و عبدالعزیز اویسی و موسی بن داوود ضبی و عبدالرحمان بن مهدی و سریج بن نعمان و ابوولید طیالسی و علی بن جعد و بشر بن ولید کندی و حجاج بن منهال و صالح بن مالک خوارزمی و غسان بن ربیع و جماعتی دیگر از او روایت کرده‌اند. در بغداد در دوران خلافت مهدی عباسی درگذشت و در قبرستان قریش دفن شد. در «الثقات» سال وفات وی ۱۶۶ ق ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۴۶ –۱۴۵/ ۴)، الاعلام بوفیات الاعلام (۱۰۴/ ۱)، انساب سمعانی (۱۵۷/ ۵)، تاریخ بغداد (۴۳۹ –۴۳۶/ ۱۰)، التاریخ الکبیر (۱۳/ ۶)، تذکرهٔ الحفاظ (۲۲۳ –۲۲۲/ ۱)، تهذیب التهذیب (۳۰۲ –۳۰۱/ ۶)، تهذیب الکمال (۵۰۷ –۵۰۴/ ۱۱)، الثقات (۱۱۱ –۱۱۰/ ۷)، الجرح و التعدیل (ج ۲، ق ۳۸۶/ ۲)، ریحانه (۱۴۳ –۱۴۲/ ۵)، سیر النبلاء (۳۱۲ –۳۰۹/ ۷)، شذرات الذهب (۲۵۹/ ۱)، طبقات ابن‌سعد (۲۳۴/ ۷)، طبقات الحفاظ (۱۱۰ –۱۰۹)، طبقات المحدثین باصبهان (۴۱۲/ ۱)، العبر (۱۸۷/ ۱)، معجم المؤلفین (۲۵۱/ ۵).

ماجیلویه قمی، ابوعبداللّه محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سوم ق)، عالم امامی، فقیه و ادیب. از بزرگان علمای امامیه قم و عارف به ادب و شعر و جامع کمالات بود. وی از شاگردان و داماد احمد بن ابی‌عبداللّه محمد برقی (م ح ۲۸۰ ق) است که علم و ادب را از او فراگرفت. در فنون شعر و ادب متبحر بود. شیخ صدوق با واسطه از وی روایت کرده است. از آثارش: تفسیر «حماسه‌ی ابی‌تمام»؛ «المشارب»؛ کتاب «الطب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۸۲/ ۹)، الذریعه (۳۰/ ۲۱)، رجال النجاشی (۲۵۱/ ۲)، ریحانه (۱۴۴ –۱۴۳/ ۵)، الکنی و الالقاب (۱۳۰/ ۳)، هدیهٔ الاحباب (۲۲۸).

مارقوسیان، واهاک

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر واهاک مارقوسیان در سال ۱۳۲۷ در تهران متولد شد.ایشان دارای مدرک دکترای رشتهٔ سرامیک از دانشگاه منچستر انگلستان

(در سال ۱۳۵۹) می باشد.وی عضو هیأت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران (از سال ۱۳۶۱ تاکنون) است. کتاب"ساختار، خواص و کاربرد "تالیف واهاک مارقوسیان ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی متالوژیگرایش : سرامیکتحصیلات رسمی و حرفه ای : واهاک مارقوسیان در سال ۱۳۵۳ با درجه مهندسی در رشتهٔ متالوژی از دانشگاه صنعتی شریف فارغ‌التحصیل شد و در سال ۵۶ موفق به اخذ کارشناسی ارشد در رشتهٔ مواد فلزی و سرامیکی از دانشگاه منچستر گردید و در سال ۵۹ به اخذ درجه دکترا در رشتهٔ سرامیک از دانشگاه منچستر انگلستان نایل آمد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر مارقوسیان در زمینه پژوهشی مسئولیت هدایت ۱۲ پروژه تحقیقاتی، عمدتاً در ارتباط با شیشه، (از جمله ۳ پروژه ملی) را عهده‌دار بوده است . از دیگر سمت‌ها و مسئولیت‌های ایشان عبارتند از: ـ مسؤول برنامه‌ریزی رشته سرامیک در دو سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد در ستاد انقلاب فرهنگی سال ۱۳۶۱؛ ـ ریاست هیأت مدیره انجمن سرامیک ایران از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۱؛ ـ عضو هیأت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران از سال ۱۳۶۱ تـاکنون. جوائز و نشانهـا : کتـاب"ساختار، خواص و کاربرد "تالیف واهاک مارقوسیان ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیـده شـد.چگونگی عرضه آثـار : واهـاک مارقوسیان دارای ۳ کتـاب می‌باشـد. همچنیـن از وی در حـدود ۵۰ مقالـهٔ علمی در مجلات معتبر داخلی و بین‌المللی به چاپ رسیده است.

آثار : ساختار، خواص و کاربرد ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشـاد اسـلامی ،به عنوان کتـاب سـال معرفی و برگزیـده شـد. آشـنایی با کتاب: شیشه: ساختار، خواص و کاربرد واهاک مارقوسیان.ـتهران: مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۱. با وجود پیشرفت‌های شگرفی که در دهه‌های اخیر در زمینهٔ دانش شیشه در جهان حاصل شـده است، این علم در کشور ما تقریباً ناشناخته مانـده است. در سال‌های اخیر چندین کتاب در زمینهٔ شیشه‌گری و جنبه‌های فنّی و فنّاوری شیشه به چاپ رسیده است، امّا در زمینهٔ دانش شیشه و پیشـرفت‌های اخیر آن تـاکنون کتابی به زبان فارسـی منتشـر نشـده است. این کتاب، حاصل تجربیات آموزشـی و پژوهشـی تقریباً ۲۰ سالـهٔ مؤلف در زمینهٔ دانش شیشه است. هرچنـد این کتـاب در درجـهٔ نخست برای دانشـجویان رشـته‌های مهندسـی سـرامیک در دو سـطح کارشناسـی و کارشناسـی ارشـد نگاشـته شـده اسـت، امّـا شایـد بتوانـد برای دانشـجویان سـایر رشـته‌های مهندسـی و علـوم و همچنین مهنـدسان و دست‌اندرکاران صنعت شیشه نیز مفید واقع گردد. منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

ماریه

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز جمادی‌الاول ۱۲۶۲ ق، از زنان عالم. وی رساله‌ای به فارسی در علم شیمی به نام کیمیا نوشته است.[۱]

از زنان دانشـمند. وی رساله‌ای فارسی به نام الکیمیا نوشته که به شماره ۲۸۹ / ۵۵ در مجموعه کتب خطی علی‌اصغر مهدوی موجود است. تاریخ تولد، وفات و یا زندگی او معلوم نیست.[۲]

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :[۱] منابع: الذریعه، ۱۹۹ / ۱۸؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ۶۳۴ / ۱.

[۲] منابع: الذریعه، ۱۹۹ / ۱۸؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ۶۳۴ / ۱.

مازندارانی، تقی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یـازدهم ق)، شـاعر. اهل مازنـدران و از بزرگان آن ولایت بود. تقی به حیـدرآباد رفت و از ملازمان پادشاه آن سامان شـد. این بیت از اوست:

ز دام رشک چون پروانه فارغ بال می‌گردم

چراغ هر که روشن می‌شود خوشحال می‌گردم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۲۰)، الذریعه (۱۷۵/۹)، صبح گلشن (۸۹)، فرهنگ سخنوران (۱۹۰)، لغت‌نـامه (ذیل/ تقی مازندرانی).

مازندارانی، هادی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل جامع، و محقق کامل بوده، و کتب و رسائل عدیده تألیف نموده، که از آن جمله است: ۱ – ترجمه‌ی قرآن مجید، و شأن نزول و نیک و بد استخاره، و به مناسبت این ترجمه، او را آقا هادی مترجم گویند ۲ – ترجمه‌ی صحیفه‌ی کامله‌ی سجاده ۳ – ترجمه‌ی شافیه ۴ – ترجمه‌ی کافیه‌ی ابن حاجب ۵ – ترجمه و شرح معالم الاصول ۶ – حاشیه‌ی عربی بر تفسیر بیضاوی ۷ – حاشیه‌ی مواریث قواعد الاحکام علامه ۸ – حدود و دیات، فارسی ۹ – شرح بر فروع کافی ۱۰ – شرح کافیه ۱۱ – شرح تلخیص المفتاح، فارسی ۱۲ – شرح شافیه که به نام نواب حسین علی خان تألیف شده ۱۳ – شرح نظام، به فارسی ۱۴ – شرح شمسیه ۱۵ – شرح صحیفه‌ی سجادیه، به فارسی ۱۶ – شرح قواعد علامه، و ممکن است همان حاشیه باشد ۱۷ – رساله رضاعیه، که در ۱۱۰۷ تألیف شده ۱۸ – رساله‌ی رسم الخط ۱۹ – انوار البلاغهٔ، در معانی بیان [مطبوع] ۲۰ – حاشیه‌ی فارسی بر تفسیر بیضاوی، ۲۱ – العوائد، در کلام؛ و غیره.

در سال ۱۱۲۰ وفات یافته، در بقعه‌ی مجلسی در کنار ایوانچه مدفون گردید، و بر قبرش صندوق چوبی نصب گردید.

ماده تاریخ وفات او [که میر عبدالعال نجات گفته] این است:

از پی سال رحلتش گفت آه

هادی و رهنمای ایمان رفت

در قصص العلماء و رجال اصفهان شرحی راجع به سکته کردن و به هوش آمدنش در قبر، و نذر او جهت ترجمه‌ی قرآن نوشته، و نظیر این قضیه را جهت فضل بن حسن طبرسی و ملا فتح‌الله کاشانی نیز نوشته‌اند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مازندرانی ابوطالب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوطالب مازندرانی از شاگردان علامه ملا لطف‌اللّه لاریجانی و سید مجدد شیرازی بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مازندرانی اصفهانی، ابوجعفر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علمای قرن دوازدهم، و مجاز از شیخ محمّد مکّی از (اعقاب شهید اوّل) بوده، تاریخ اجازه ۱۱۸۳، و همچنین مجاز از سید عبداللّه تستری است، و در آنجا وی را به «الفاضل الجامع المحقّق القاضی باصفهان» وصف می‌کند، تاریخ اجازه ۱۱۶۸.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مازندرانی، ابو تراب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند شیخ علی محمّد مازندرانی، از سلسله مشایخ بیدآباد، عالم و فاضل، فوتش در ۴ شنبه ۲۹ ذیقعده سال ۱۳۶۳.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مازندرانی، ابوالحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالحسن بن شاه محمد بن عبدالهادی مازندرانی حایری متوفی حدود ۱۳۰۶ ق عالمی جلیل و مقدسی متقی از اصحاب شیخ انصاری بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مازندرانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجهٔالاسلام آقا سید ابوالقاسم مازندرانی معروف به (سید محمد مجتهد) متوفی حدود ۱۲۶۰ ق عالمی فاضل بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مازندرانی، ابوجعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوجعفر بن سید حمزة بن الحسین الحسینی مازندرانی عالمی جلیل بوده و در حدود ۱۳۰۰ وفات نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مازندرانی، حسام‌الدین، ابوالفضایل محمد صالح

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۸۶/ ۱۰۸۱/ ۱۰۸۰ ق)، عالم دینی، عابد، زاهد و محقق. معروف به ملا صالح مازندرانی. وی از شاگردان ملا محمد تقی مجلسی و شوهر آمنه بیگم، دختر دانشمند و فاضل و مجتهد مجلسی اول، بود. ملا صالح در محضر شیخ بهائی و ملا عبداللّه شوشتری و ملا حسنعلی شوشتری نیز تلمذ نمود. وی جامع معقول و منقول و در اصول و فروع متبحر و دارای اخلاق فاضله و صفات حمیده بود. در اصفهان درگذشت و در مقبره‌ی مجلسی دفن شد. از آثارش: شرح «اصول کافی»؛ شرح «روضه کافی»؛ شرح «روضه کافی»؛ شرح «من لا یحضره الفقیه»؛ حاشیه بر «شرح لمعه»؛ حاشیه بر «شرح مختصر الاصول» عضدی؛ حاشیه و شرح بر «معالم»؛ شرح «زبدة الاصول» شیخ بهائی؛ شرح «قصیده‌ی برده».[۱]

محمدصالح بن احمد ساروی مازندرانی داماد علامه ملا محمدتقی مجلسی اول و صاحب شرح اصول کافی از مفاخر این شهرستانست تألیفات عدیده داشته و در سال ۱۰۸۰ ق هجری در اصفهان فوت نموده و ماده تاریخش این بیت است (صالح دین محمد شده فوت) قبرش در مقبره علامه مجلسی زیارتگاه عموم مردم اصفهانست.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۳۶۹/ ۷)، تذکرة القبور (۳۸۵ -۳۸۴)، الذریعه (۷۱، ۲۷، ۶/ ۱۴ ، ۳۰۰، ۹۸ -۹۷/ ۱۳ ،۲۰۷، ۹۴/ ۶)، روضات الجنات (۱۱۷ -۱۱۵/ ۴)، ریحانه (۱۴۷ -۱۴۶/ ۵)، فوائد الرضویه (۵۴۵ -۵۴۲)، لغت نامه (ذیل/ مازندرانی)، مفاخر اسلام (۳۴۷ -۳۴۳/ ۸).

مازندرانی، حسینقلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از خوشنویسان معاصر بود. در خراسان، او را در خط نستعلیق بر خود مقدم می‌داشتند. حسینقلی معلم خط جلال‌الدوله بود از آثار وی: دو کتیبه در آستان رضوی است. یکی زیر آینه کاری حرم مطهر بر روی سنگ مرمر، که قصیده‌ای طولانی است با تاریخ ۱۲۸۷ ق، و دیگری با رقم: «بخط العبد الفقیر حسینقلی مازندرانی ۱۲۸۲».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۶۲ -۱۶۱/ ۱).

مازندرانی، حمزه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمزة بن ملا بخشعلی مازندرانی از علماء صلحاء و متقین عصر خود و از اصحاب علامه سید مهدی بن صاحب ریاض بوده و حدود ۱۲۸۵ به رحمت حق پیوسته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مازندرانی، روح‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ روح‌اللّه مازندرانی از علماء اعلام و مراجع امور در مازندران بوده و در سال ۱۳۶۸ وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مازندرانی، زین‌الدین عبدالجبار

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۵۰۰ ق)، فقیه حنفی و مفتی. وی عهـده‌دار منصب افتاء در مازنـدران بود و در همان جا درگذشت. از آثارش «الخلاصهٔ فی الفرائض»، در مجلدی ضخیم می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۷۲۰)، معجم المؤلفین (۷۹/ ۵)، هدیهٔ العارفین (۴۹۹/ ۱).

مازندرانی، زین‌العابدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زین‌العابدین بن مسـلم بارفروش مازندرانی حایری از اعاظم علماء و اکابر فقهاء و مراجع تقلید عصـر از شاگردان علامه سعید العلماء مازندرانی و شیخ مرتضی انصاری و صاحب ضوابط و غیرهم بوده و در سال ۱۳۰۹ ق در کربلا از دنیا رفته و در مقبره شخصـی در صحن شریف مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مازندرانی، شحنه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا مهدی خان شاعر و ادیب متوفی در سال ۱۲۴۷، قبرش در تکیه فاضل سراب. از اشعار اوست:

زاهد بشکست از سر خامی خم می

اسباب نشاط باده خوران شد طی

گر بهر خدا شکست ای وای به من

ور بهر ریا شکست صد وای به وی

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مازندرانی، صالح

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد طاهر. عالم فاضل متقی، در ۱۰ ربیع الثانی در سال ۱۱۹۰ وفات یافته، در تخت فولاد نزدیک قبر ملا اسماعیل خواجوئی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مازندرانی، عبدالجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ عبدالجواد بن ملا ابی‌الحسن بن شاه محمد بن عبدالهادی مازندرانی حایری فقیهی متقی و عالمی جلیل بوده و در سال ۱۳۶۱ به رحمت حق پیوسته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مازندرانی، عبدالصمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالصـمد بن ملاـ علی بـارفروش مازنـدرانی عـالمی بـارع از شـاگردان میرزا حـبیب‌اللّه رشـتی و غیره بـوده و در بابـل (بـارفروش) مرجعیت و ریاست داشته تا حدود ۱۳۳۷ وفات نموده.

از آثار اوست ۱- (زادالمتقین در احوال معصومین (ع) ۲- کتابی در اخلاق ۳- کتابی در مقتل.
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مازندرانی، عبدالغفار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید عبدالغفار بن السید الجلیل السید یوسف از مشاهیر علماء اخلاق و اخیار نجف اشرف بوده‌اند. وی در قریه درزی کلای که در چهار کیلومتری جنوبی بابل واقع است متولد شده و در خاندان اصیل و نجیب پرورش یافته و تحصیلات مقدماتی را در همان شهرستان خوانده آنگاه با اجازه والد ماجده خود مهاجرت بنجف اشرف نموده و در نزد اساتید بزرگ تلمذ نموده تا بمقامات علم و کمال رسیده و در عداد دانشمندان و علماء برجسته نجف آمده حتی در علم اخلاق و سلوک الی‌الله مشار بالبنان گردیده و در مسجد هندی در مواقع مسافرت مرحوم علامه زاهد حاج شیخ علی قمی بجای ایشان امامت نموده و ضمنا حوزه تدریس داشته و بعضی از مراجع حاضر محضر مقدس او را درک نموده و از خرمن علم و تقوای او بهره‌ها برده‌اند.

معظم‌له عالمی بی هوا و زاهدی دور از ریا و بسیار متواضع و معرض از دنیا بوده و جدا یکی از مصادیق (من کان من الفقهاء حافظا لدینه صائنا لنفسه مخالفا لهواه مطیعا لامر مولاه) بود تا آخر عمرش خانه شخصی نداشت و مستاجر بود با اینکه در هندوستان و افریقا و غیره مقلدینی داشت حتی برای او منزل تهیه کردند قبول نکرد.

مکررا اهالی بابل و استان مازندران از ایشان تقاضا کردند و دعوت نمودند که برای اقامت در مازندران بایران آیند قبول نکردند تا پس از شصت سال در سال ۱۳۵۶ قمری رحلت نموده و در یکی از حجرات صحن مبارک علوی مدفون گردیدند.

دارای چهار پسر و دو دختر بوده‌اند. یک دختر ایشان همسر حجه‌الاسلام والمسلمین عالم ربانی آقای حاج سید احمد مستنبط است که از علماء مشهور نجف و صبحها در حرم مطهر علوی اقامه جماعت مینمایند و دیگری همسر حجه‌الاسلام والمسلمین عالم متقی حاج سید احمد نخجوانی مقیم تهران است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مازندرانی، عبداللّٰه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۰ -۱۲۵۶ ق)، عالم دینی، مدرس و مرجع تقلید. در بارفروش مازندران به دنیا آمد. مقدمات را در زادگاهش فراگرفت. سپس به عراق مهاجرت کرد و در کربلا از محضر شیخ زین‌العابدین مازندرانی استفاده نمود. از آنجا به نجف رفت و نزد شیخ مهدی کاشف الغطاء و ملا محمد فاضل ایروانی و شیخ حبیب‌اللّٰه رشتی و دیگران تلمذ نمود. شیخ شعبان رشتی و میرزا محمد رضا کرباسی از شاگردان او بودند و شیخ اسماعیل تبریزی و میرزا هادی خراسانی از وی روایت کرده‌اند. او مرجع تقلید مردم مازندران بود. شیخ عبداللّٰه مازندرانی از علما و مدرسین بزرگ نجف و یکی از پیشگامانی بود که حرکت حوزه‌ی علمیه نجف را سرپرستی می‌کرد. وی از ارکان سه‌گانه‌ی نهضت ملی ایران (آخوند خراسانی و حاج میرزا حسین خلیلی و شیخ عبداللّٰه مازندرانی) و طرفدار حکومت مشروطه بود. در نجف درگذشت و در مقبره‌ی شیخ جعفر شوشتری در صحن شریف به خاک سپرده شد. از آثارش: «اهبهٔ العباد فی یوم المعاد»، رساله‌ی عملیه؛ حاشیه بر «المکاسب»؛ رساله‌ی «الوقف»؛ شرح «الشرائع»؛ کتاب «التجارهٔ»، «الرهن» و «الطلاق»؛ حاشیه بر «نجاهٔ العباد»؛ حاشیه بر «النخبهٔ» کرباسی؛ حاشیه بر «جامع عباسی».[۱]

شیخ عبداللّٰه بن محمد نصیر مازندرانی از اکابر علماء از شاگردان میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی و در ۱۳۳۰ وفات نموده.

وی یکی از ارکان سه گانه نهضت ملی ایران و مشروطه بوده است

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۴۸۲/ ۲)، ریحانه (۱۴۶/ ۵)، شرح حال رجال (۲۷۶/ ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۲۰ -۱۲۱۹/ ۱۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۳۹ -۱۱۳۸/ ۳)، مکارم الآثار (۱۵۳۱ -۱۵۳۰/ ۵)، یادگار (س ۵، ش ۸ و ۹، ص ۷۱).

مازندرانی، عبدالهادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالهادی بن ملا ابوالحسن مازندرانی حایری عالمی جلیل و متقی و معروف بوده و در سال ۱۳۵۳ وفات نموده.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مازندرانی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجۀالاسلام شیخ علی‌اکبر مازندرانی از اعلام و افاضل و رجال تقوا و صلاح از شاگردان میرزا محمدحسن آشتیانی بوده و در حدود ۱۳۳۰ وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مازندرانی، محمد ابراهیم

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ابراهیم مازندرانی عالمی فاضل بوده و علامه سید شفیع جاپلقی در (روضهٔ البهیه) وی را یاد نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مازندرانی، محمد بن جهانبخش

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل محقق حکیم فیلسوف، از اجله‌ی علما و فقها بوده، و در ۱۳ شعبان سال ۱۱۲۰ وفات یافته، در قبرستان آب بخشان مدفون گردید.

وی ظاهرا سال‌ها در هندوستان ساکن بوده، و در سال ۱۰۸۰ در داجرم از قرای دکن کتاب «منهاج الصلاح» علامه‌ی حلی را استنساخ نموده، نسخه‌ی آن در کتابخانه‌ی مبارکه‌ی مدرسه‌ی فیضیه‌ی قم موجود است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مازندرانی، محمد رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید علی بن محمد بن محمد تقی حسینی مازندرانی اصفهانی. عالم زاهد ورع متقی، در اصفهان خدمت آقا میر سید حسن مدرس و جمعی دیگر تلمذ نموده، در نجف به درس شیخ انصاری حاضر شده، سپس در مدرسه‌ی صدر نجف به تدریس اشتغال جسته، و در ۲۱ رمضان ۱۲۹۲ وفات یافته، در وادی السلام مدفون گردید.

از آثارش تعلیقاتی است بر عده‌ای از کتب، مانند: قوانین و مکاسب و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مازندرانی، محمد صالح

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملا محمّد صالح بن ملا عبدالباقی بن مولی محمّد صالح مازندرانی، عالم فاضل، از احفاد علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی است.

کتاب اخلاق (تهذیب الاخلاق) را نواده او میرزا حیدر علی مجلسی در اجازه کبیره خود به او نسبت داده است، و چنان که از تذکرهٔالانساب برمی‌آید در سال تألیف کتاب مزبور (۱۱۹۴ ه.ق) صاحب عنوان وفات یافته بوده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مازندرانی، محمد طاهر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به طاهر. از شاعران مازندران بود که در اواخر عهد شاه جهان (۱۰۶۸ -۱۰۳۷ ق) از ایران به هندوستان رفت و در آن سامان مقیم شد و به سرودن شعر پرداخت. از اشعاراندکی که از او به جای مانده لطف طبع او آشکار است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۹۷ -۴۹۶)، کاروان هند (۸۰۳ / ۱).

مازندرانی، محمدحسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۷۷ ق)، خطاط. از هنرمندان اهل ساری بود. از آثار وی: یک نسخه «ذخیره‌ی خوارزمشاهی» کامل، مجدول مذهب، نسخ کتابت خفی متوسط، با رقم: «تمام شد کتاب موسوم به کتاب ذخیره‌ی خوارزمشاهی بتوفیق و استعانت الهی... بدست ضعیف... محمدحسین بن شرف‌الدین علی بن کمال‌الدین مازندرانی در دارالمؤمنین ساری... سنه‌ی نهصد و هفتاد و هفت...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۶۳/ ۴).

مازندرانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضا بن سید محمد بن سید رضا بن حسین موسوی مازندرانی عالمی فاضل و مقدسی متقی از شاگردان آخوند خراسانی بوده و در سال ۱۳۷۱ قمری به رحمت حق پیوسته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مازندرانی، موسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید موسی بن العالم الجلیل ثقهٔالاسلام آسید مهدی مازندرانی از علماء ابرار معاصر تهران مقیم خیابان آبشار می‌باشند. در سال ۱۳۲۴ قمری در کاظمین علیهماالسلام (هنگام بازگشت مرحوم والدش از نجف اشرف) متولد شده و در بابل مازندران پرورش یافته و بعد از فراغت از دروس مقدماتی نزد علماء آن سامان مانند مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمد صالح علامه و آیت‌اللَّه مرحوم آسید محمد باقر حجتی و والد ماجد خود بتحصیل فقه و اصول و کلام پرداخته و پس از تکمیل سطوح در سال ۱۳۴۲ قمری به تهران مسافرت و چند سالی نزد مرحومین آیت‌اللَّه شاه آبادی و آیت‌اللَّه میرزا مهدی آشتیانی به حکمت و عرفان اشتغال داشته و سپس به قم مهاجرت و چند سالی از محضر مرحوم آیت‌اللَّه یزدی و اعاظم دیگر کسب فیض نموده و در اواخر ۱۳۵۰ قمری به نجف مشرف و از محضر آیت‌اللَّه نائینی و آیت‌اللَّه آقا ضیاء عراقی و آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی بهره‌ها برده و یکسال قبل از فوت آیت‌اللَّه اصفهانی و آیت‌اللَّه قمی حسب الامرشان برای تقاضای جمعی از بازرگانان تهران به ایران عزیمت و در تهران رحل اقامت افکنده و بتدریس علوم دینیه و تبلیغ احکام شرعیه مشغول و در مسجد خیابان آبشار به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی اشتغال دارند.

دارای آثار و تألیفات ارزنده‌ای می‌باشند که فهرست آن در پشت کتاب (العقد المنیر) ایشان چاپ شده:

۱- کتاب (العقد المنیر فی تحقیق ما یتعلق بالدراهم و الدنانیر) عربی و در نجف طبع رسیده و در موضوع خود کم نظیر است بضمیمه رساله‌ای در اوزان و مکائیل ۲- رساله‌ای در طهاره ۳- رساله در معاطاه و بعضی از مسائل بیع ۴- رساله‌ای در مواسعه و مضایقه و اعتبار ترتیب در قضاء فائته و عدم آن ۵- رساله در صوم ۶- رساله‌ای در غصب ۷- رساله‌ای در رضاع ۸- رساله‌ای در جمله‌ای از احکام خلل و قواطع ۹- تقریرات در اصول دوره کامل ۱۰- بدیع الادب فی ودایع العرب در فنون ادبی و ترجمه عده‌ای از بزرگان ادب ۱۱- دیوان فارسی در مدایح و مراثی ۱۲- نامه ارشاد یا صحیفه اعتقاد دو جلد در بعضی از مذاهب باطله ۱۳- رساله ضیائیه در لزوم حجاب در تهران بطبع رسیده ۱۴- بیوگرافی رجال بزرگ اسلام که از محمد بن یعقوب کلینی قدس اللَّه سره تا رجال قرن هشتم در نامه پرچم اسلام منتشر شده است.

حاج سید موسی مازندرانی عالمی بزرگوار و صاحب‌نظر از علماء معاصر تهران می‌باشند تالیفات گرانقدری دارند از جمله العقد المنیر فیما یتعلق (بالدراهم والدنا ینر) در بیست مجلد که تاکنون چهار جلد آن به طبع رسیده است و در میان دانشمندان و علماء تهران مجهول‌القدر می‌باشند و مانند آنجناب باید در حوزه علمیه قم و نجف اشرف حوزه تدریس داشته باشند که فضلاء از بیانات و دراساتشان استفاده کامل ببرند. حقیر در سال ۱۳۹۹ قمری و اول سال ۱۳۵۸ شمسی که در خدمتشان در عتبات عالیات بودم ناظر تجلیل حوزه علمیه نجف اشرف مخصوصاً زعیم اعظم آیت‌اللَّه العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله العالی بودم که تا چه جد از معظم له احترام و اصرار به اینکه نجف بمانید که این حوزه هزار ساله به وجود امثال شما نیازمند است و تقاضای عده‌ای از فضلاء دیگر هم اقامت ایشان بود.

(۱۳۹۹ -۱۳۲۴ ق)، عالم دینی، متکلم، مجتهد، مدرس و شاعر. در کاظمین به دنیا آمد و در بابل مازندران نشو و نما یافت. مقدمات را در محضر پدرش و آیت‌اللَّه شیخ محمد صالح علامه و آیت‌اللَّه سید محمد باقر حجتی فراگرفت. آن گاه به تحصیل فقه و اصول و کلام و سطوح پرداخت. در ۱۳۴۲ ق به تهران آمد و چندین سال حکمت و عرفان را در محضر آیت‌اللَّه شاه آبادی و آیت‌اللَّه میرزا مهدی آشتیانی آموخت. سپس به قم رفت و از محضر آیت‌اللَّه حایری یزدی و علمای دیگر کسب فیض نمود. در اواخر ۱۳۵۰

ق به نجف عزیمت کرد و از محضـر آیت‌اللّه نایینی و آیت‌اللّه شـیخ ضـیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه سـید ابوالحسن اصـفهانی اسـتفاده نمود. آن گـاه به امر آیت‌اللَّه اصـفهانی و آیت‌اللَّه حاج آقا حسـین قمی و به تقاضای مردم تهران، به تهران آمـد و به تـدریس، اقامه جمـاعت و انجـام امور دینی پرداخت. او در اواخر عمر به قصـد زیارت به نجف مسافرت کرد و در همان جا درگـذشت. از آثارش: «العقـد المنیر فی تحقیق مـا یتعلق بالـدراهم و الـدنانیر»؛ «نـامه‌ی ارشـاد» یـا «صـحیفه‌ی اعتقاد»، در دو مجلـد؛ «بـدیع الادب فی ودائع العرب»، در فنون ادبی و شـرح حـال عـده‌ای از بزرگان ادب؛ «تقریرات» در فقه و اصول؛ رساله‌ای در «رضاع»؛ رساله‌ای در «غصب»؛ «رساله‌ی ضـیائیه»؛ رساله‌ای در «طهارهٔ»؛ رساله‌ای در «احکام خلل»؛ رساله‌ای در «صوم»؛ رساله‌ای در «معاطاهٔ و بیع»؛ «دیوان» شـعر در مدایح و مراثی.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۹۹/ ۱۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۵۴ –۵۵۳/ ۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۴۱/ ۳).

مازندرانی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علامه محقق و حکیم موفق حاج شیخ مهـدی مازنـدرانی از علماء اعلام و مدرسـین عظام و مجتهدین بلا کلام حوزه علمیه بوده که در سال ۱۳۰۲ ق در یکی از مضافات بابل مازنـدران متولـد شده و مقدمات را در بابل خوانده و آنگاه به تهران آمده و از محضـر و ابحـاث مرحوم آیت‌الله نوری حاج شـیخ فضل‌الله شـهید و آقا سـید علی‌اکبر لاهیجی و آخونـد ملا محمـد صاحب حواشـی بر شـرح شمسـیه سـطحا و خارجا درس خوانده و مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر علامه طباطبائی یزدی و مرحوم آیت‌الله شریعت اصفهانی استفاده کرده و مراجعت به وطن خود نموده و در سال ۱۳۴۸ ق از مسقط الراس خود که امیر کلا بابل باشد مهاجرت به قم نموده و تـا آخر عمر در این ارض اقـدس به تـدریس فقه و اصول و تفسـیر و فلسـفه اشـتغال داشت و شـاگردان برجسـته‌ای در علوم مذکوره تربیت نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مازنی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد مازنی

محل تولد : بندر گز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب احمـد مازنی در سال ۱۳۴۰ در شهرسـتان بندرگز(نوکوه)متوّلد شدم پس از اتمام تحصـیلات کلاسیک در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیّه خراسـان شـدم وا ز اساتیـد آنجـا کسب فیض نمودم و در عین حال به تحصـیلات دانشـگاهی پرداختم و در کارشناسـی ارشد رشته مدیریت فارغ التحصیل شدم.

مدّت سه سال در بنیاد شـیهد خراسان مشغول بودم و ۲ سال بنیاد شـهید گرگان شدم و بعد از آن ۵ سال مدیر کل بنیاد شهید منطقه گرگان و رشت مشغول بودم.

ماسرجسی نیشابوری، ابوالحسن محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۸۴ ق)، فقیه شافعی و محدث. دخترزاده‌ی محدث حسن بن عیسـی بن ماسرجس بود. نزد ابواسحاق مروزی فقه آموخت و تا مصـر مصـاحب او بود. او در نیشـابور درس می‌گفت. قاضـی ابوالطیب طـبری و جمـاعتی دیگر از وی فقه آموختنـد. او از دایی‌اش، مؤمل بن حسن، و ابوحامد بن شرقی و ابوسعید بن اعرابی و مکی بن عبدان و اسماعیل صفار و ابوطاهر مدینی و ابوالحسن بن حذلم و جمـاعتی دیگر حـدیث نقـل کرد. حـاکم نیشـابوری و ابـونعیم و ابوطـالب یحیی بن علی دسـکری و ابوعثمـان صـابونی و ابوسـعد کنجرودی و دیگران از وی روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۴۴۷ –۴۴۶/ ۱۶)، شذرات الذهب (۱۱۱ –۱۱۰/ ۳)، العبر (۱۶۵/ ۲)، الکنی و الالقاب (۱۳۳/ ۳)، الوافی

بالوفیات (۱۱۶ -۱۱۵/ ۴)، وفیات الاعیان (۲۰۲/ ۴).

ماشین‌چی، ماشااللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید باهنر کرمان

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مافی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خطاط، نقاش.

تولد: ۵ ،۱۳۲۲ آذر، مشهد.

درگذشت: ۴ مهر ۱۳۶۱، تهران.

رضا مافی از کودکی به هنر گرایش داشت. پدرش به کار زرگری و حکاکی مشغول بود و برادر بزرگترش در زمینه‌ی نقاشی فعالیت داشت. رضا مافی نیز در کنار پدر و برادرش تمرین را آغاز کرد. اولین استاد وی در زمینه‌ی هنر خطاطی اعتضادی بود که در آن زمان کتب خطی موزه‌ی آستان قدس رضوی را مرمت می‌کرد. در سال ۱۳۳۷ برای کسب تجربه بیشتر به تهران آمد و پس از مدتی در سال ۱۳۴۳ به کلاس‌های آزاد خوشنویسی رفت. استاد و معلم او در این مرحله استاد حسین میرخانی بود. او در این سال‌ها تحت تأثیر شیوه‌ی میرزا غلامرضا اصفهانی، هنرمند قرن سیزدهم قرار داشت و به شیوه‌ی وی خط می‌نوشت.

پس از اتمام دوره‌ی چهار ساله‌ی کلاس‌های آزاد خوشنویسی در مدت سه سال، به خط نقاشی روی آورد. او نستعلیق را وارد خط نقاشی کرد. وی همچنین سیاه مشق طرح کتیبه برجسته سرامیک را نیز دنبال کرد و در این زمینه آثاری را از خود بر جا گذاشت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۵۸، نمایشگاهی از آخرین کارهایش را برپا کرد. وی عایدی این نمایشگاه را برای نوشتن سنگ نبشته‌ای برای شهدای انقلاب اسلامی در نظر گرفت.

رضا مافی بر اثر سانحه‌ای درگذشت. مدفن وی در مزار حضرت عبدالعظیم در شهر ری قرار دارد.

کارنامه‌ی هنری رضا مافی به شرح زیر است: برپایی نمایشگاه در موزه‌ی ایران باستان (۱۳۴۶)؛ برپایی نمایشگاه‌های انفرادی در سال‌های ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴، برپایی نمایشگاه جمعی درپاریس (۱۹۷۱)؛ برپایی نمایشگاه انفرادی در پاریس (۱۹۷۲)؛ نمایشگاه انفرادی در تهران- نمایشگاه هنرمندان معاصر در موزه‌ی ایران باستان (۱۳۵۰)؛ نمایشگاه جمعی تالار دانشکده‌ی هنرهای زیبا (۱۳۵۱)؛ شرکت در نمایشگاه هنرمندان ایران در پاکستان (۱۳۵۲)؛ نمایشگاه جمعی در گالری لوترک (۱۳۵۳)؛ نمایشگاه سیمایی از هنر معاصر ایران (۱۳۵۴)؛ شرکت در نمایشگاه جهانی بلونیا در ایتالیا و شهر بال در سوییس (۱۳۵۵)؛ برپایی نمایشگاه انفرادی در بزرگداشت شهدای انقلاب اسلامی در باغ فردوس (۱۳۵۸).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مافی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا مافی، در سال ۱۳۲۲ در مشهد به دنیا آمد . در زمان تحصیل به نقاشی علاقمند شد و چندی بعد بر اثر تشویق تنی چند از خوشنویسان به هنر خطاطی روی آورد . مافی دورهٔ چهار سالهٔ خوشنویسی را طی سه سال و با اخذ « در جهٔ ممتاز » به پایان رساند . مافی در هنر « نقاشی خط » به حق پیشگام بود و در این زمینه به موفقیت بزرگی نائل آمد . « سیامشق » های مافی نمایشگر قدرت و نوآوری او در زمینهٔ هنر خوشنویسی است. وی در اول مهر ۱۳۶۱ بر اثر سقوط از اسب ، دچار خونریزی مغزی شد و در روز چهارم مهردر گذشت .گروه : هنررشته : خوشنویسیوالدین و انساب : رضا مافی در سال ۱۳۲۲ خورشیدی در مشهد متو لد شد . پدر وی زرگر و حکاك بود وبا این هنر ظریف آشنایی داشت .برادر بزرگتر او نقاشی می کرد و به هنر های تجسمی علاقمند بود .رضا از کودکی قلم را به دست می گرفت و با عشق خطاطی و بازی با حروف و کلمات ، این هنر ارزشمند را درخود گسترش داد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : رضا مافی زمینه فعالیت هنری مافی ، از کودکی و در خانواده ای هنرمند می گشت ، چراکه پدرش به کار زرگری و حکاکی مشغول بود وبرادر بزرگترش در زمینه نقاشی فعالیت داشت .تحصیلات رسمی و حرفه ای : رضا مافی در خانواده ای متوسط و مذهبی رشد کرد .نخستین کسانی که اور به مسیر هنر قرار دادند پدر و برادر وی بودند . وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در شهر مشهد به پایان برد .در خلال تحصیل به نقاشی علاقمند شد و چندی بعد براثر تشویق تنی چنداز خو شنویسان به هنر خطاطی روی آورد .مافی دوره چهار ساله خوشنویسی را طی سه سال و با اخذ درجه ممتاز به پایان رساند .استادان و مربیان : از جمله استادانی که رضا مافی نزد اوتعلیم خوشنویسی گرفت استاد اعتضادی بود که در موزه آستان قد س

رضوی کتابها و قطعات خطی قدیمی را تعمیر و مرمت می کرد .همچنین از استا غلامرضا اصفهانی و استاد حسین میرخانی ازدیگر استادان وی به شمار می آینـد .وقایع میانسالی : نخستین نمایشگاه انفرادی رضا مافی در آبان ماه ۱۳۴۸ در گالری سیحون تشکیل شـد و این نمایشگاه سـر و صـدای زیادی را به دنبال داشت ،چرا که نخستین با رخط نستعلیق را به صورت نقاشـی خط در آمـده و عرضه کرده بود . البته قبل از اوافرادی که صرفا نقاش بودند با خطی زیبا نقاشی زیبا و خوب عرضه کردند ولی مافی که هم خطاط بود وهم نقاشـی می دانست از ترکیب این دوهنر راه و روش و با انـدک تسا محی می توان گفت سبکی پدیـد آورد که ادامه پیـدا کرد و پیروان و مقلدان فراوانی یافت .زمان و علت فوت : رضا مافی در اول مهرماه ۱۳۶۱ به هنگام اسب سواری سقوط کرد و دچار خونریزی مغزی گردید و روز چهارم مهرماه ۱۳۶۱ درگذشت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : رضا مافی علاوه برکار هنری برای تحقیق و به قول خودش سیاحت و مطالعه در زمینه هنرهای اسـلامی چندین بار به کشورهای آسـیایی و اروپایی سفرکرد و ره آورد این سـفرها همیشه برای او پربار بود. مافی به اسب سواری توجه خاصـی داشت وبا اینکه به بیماری فشار خون مبتلا بود هرگز از این ورزش روی برنگردانـد.آرا و گرایشهای خاص : رضا مافی در هنر و نقاشیخط به حق پیشگام بود و دراین زمینه به موفقیت بزرگ نائل آمـد .از ویژگیهای مهم او ،چنـد بعـدی بودن نگرش اودر قلمرو هنر خوشنویسـی بود .هنر مافی و بیان تصویری یکسو نگرانه و یـک بعـدی نبود چرا که در سنت پرستی نه رومی روم بود و نه درمـدرنیسم زنگی زنـگ ،و بـا اینکه آثار او ناظر به هنرهای سـنتی اسـت و لی دستیابی به فرمهـای هرچه جدیـدتر هم اصـلی بـود . سیا ه مشـق هـای مـافی نمایشـگر قـدرت و نـوآور او در زمینه هنر خوشنویسـی است . او بدون استفاده از قلم مو ،با قلم نی و مرکب می نوشت و به شیوه ها و انواع مختلف (شکسـته و نستعلیق ،ثلث ،تعلیق ،و رقاع) خطاطی می کرد و به خوبی ازعهده این کار بر می آمد .تکنیک استوار و چابکدستی او در ابراز و اظهار شیوه های جدیـد و سبک زیبـای تـا بلوهـا و به طور کلی ساختمـان محکم (نقاشـیخط) او وبویژه بـازیکرد نمـایش بـا حروف برای دستیابی به هارمونیهای بعدی جدید چهره ممتاز او را دبین خطاطان امروز مشخص کرده بو د. مافی شیفته رنگ قهوه ای بو د و به همین سبب رنگ اصلی غالب آثار اور ا تشکیل می دهد . او دیدگاه خود را از این گونه بیان می دارد : از این رنگ بوی سنت وتجربه و کمال به مشام می رسـد .نمی خواهم با ادغام بی دلیل رنگها و بـدون اندیشـیدن به محتوای ،نقاشـی و خطاطی کنم . من به فرهنگ غربی دامن نمی زنم و مانند هرانسان وطن دوستی که به فرهنگ کشورش می داند نمی گذارم فرهنگ بیگانه بر من مسلط شود.چگونگی عرضه آثار : رضامافی خطاطی پرکار بود تا بدان حد که در طی ۳۹ سال زندگی بیش از ۸۰۰ تا بلو از خود به یادگار گذاشت و در حدود ۵۰ نمایشگاه از آثار اودر داخل و خارج از کشور از جمله در کشورهای فرانسه و پاکستان و بلژیک و ترکیه و یوگسلاوی و انگلسـتان و سوئیس و ایتالیا عرضه و مورد توجه علاقمنـدان قرار گرفت .آخرین نمایشگاه آثارش در سال ۱۳۵۸، و در تهران برای بزرگـداشت شـهیدان را آزادی بر پاشد .در این نمایشگاه در پوستری تحت عنوان آزادی اگر می طلبی غرقه به خون باش ،نوشت : نقـدینه ای که از فروش تـا بلوها به دست آمـده خرج سنگنبشـته های انقلاب اسـلامی شود. بر پایی نمایشگاه در موزه ایران باستان (۱۳۴۶)،برپایی نمایشگاه های انفرادی در سالهای (۱۳۴۷)، الی (۱۳۵۴) ، برپایی نمایشگاه جمعی در پاریس (۱۹۷۱) ، برپایی نمایشـگاه انفرادی در پـاریس (۱۹۷۲) ، نمایشـگاه انفرادی تهران –نمایشـگاه هنرمنـدان معاصـر در مـوزه ایران باسـتان (۱۳۵۰) ،نمایشگاه جمعی تالار دانشکده های هنرهای زیبا (۱۳۵۱) ، شـرکت در نمایشگاه هنرمندان ایران در پاکستان (۱۳۵۲)، نمایشگاه جمعی در گـالری لوترک (۱۳۵۳) ، نمایشگاه سـیمایی از هنر معاصر ایران (۱۳۵۴) ،شـرکت در نمایشگاه جهانی بلونیا در ایتالیا و شهر بال سوئیس (۱۳۵۵) ، برپایی نمایشگاه انفرادی در بزرگداشت شهدای انقلاب اسلامی در باغ فردوس (۱۳۵۸) . [نشر دانش ، سال سوم ، شـماره اول ، آذر و دی ۱۳۶۱ ، ص ۸۵ ، گلزار مشاهیر ، زندگی نامه درگذشتگان مشاهیر ایران ۱۳۵۸ – ۱۳۷۶ ، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، ص ۴۴۹]

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

مالک دیلمی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۶۹ –۹۲۴ ق)، خطـاط، شاعر و موسـیقیدان. اصـلش از فیلواگوش قزوین بود. وی نزد پـدر خط ثلث و نسخ را فراگرفت و بعها به نسـتعلیق روی آورد و از قطعات میر علی هروی مشق نمود. هنگامی که رستم علی و حافظ باباجان به قزوین رفتند، از آنها تعلیم خط گرفت. مالک علاوه بر خوشنویسـی، از شعر و معما و موسیقی نیز آگاهی داشت و از اکثر علوم متداول بهره‌مند بود و علوم عقلی را نزد جمال‌الدین محمود شـیرازی فراگرفت. در زمان سلطان ابراهیم میرزا، وی در کتابخانه‌ی آن شاهزاده‌ی هنرمند، به کتابت و تعلیم خط مشغول شد و هنگامی که شاهزاده‌ی صفوی در ۹۶۴ ق به مشهد رفت، مالک نیز همراه او بود. پس از یک سال و نیم اقامت در مشـهد، شـاه طهمـاسب وی را برای نوشـتن کتیبه‌های عمارات دولتخانه‌ی قزوین احضار کرد و در آنجا مشـغول کتیبه‌نگاری شـد. از شاگردان وی، محمـد حسـین تبریزی، شاه محمـد مشـهدی، عیشـی و قطب‌الـدین یزدی را ذکر کرده‌اند. مالک تا آخر عمر خود در قزوین و در ملازمت شـاه صـفوی بود و در آن شـهر درگـذشت و همـان جـا دفن شـد. از آثار وی: یک مرقع ممتاز، که به امر امیر حسـین بیـگ و به سـرپرستی مالـک دیلمی جمع‌آوری و تنظیم و تزیین شـده و مالـک خود بر آن مرقع دیباچه و مقـدمه‌ای، در ذکر ترجمه‌ی احوال خوشـنویسان و نقاشان و مـذهبان و دیگر هنرمندان انشاء کرده و به قلم نسـتعلیق دو دانگ عالی کتابت نموده است؛ یـک نسـخه رسـاله‌ی «حسن و دل» فتـاحی نیشابوری، به قلم کتابت جلی خوش، با رقم: «... سوده مالک، فی سنهٔ ۹۵۴»؛ یک نسخه «مناجـات» حضـرت امیر (ع)، به قلم سه دانـگ و دو دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم: «مشقه... مالک الـدیلمی... بـدار السلطنهٔ تبریز، فی سنهٔ ۹۵۵»؛ قطعه‌ای از مرقع مذکور که غزلی از خود اوست، با رقم: «مشـقه ناظمه، غفر ذنوبه»؛ یک قطعه، به قلم سه دانگ

و کتابت خوش، که رقم آن به قلم رقاع کتابت عالی چنین است: «نمقه... مالک الدیلمی... سنهٔ تسع و ستین و تسعمائهٔ».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۲۰۱/ ۳)، احسن التواریخ (۱۴۲)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۳۴ -۱۱۳۳/ ۴ ،۶۰۹ -۵۹۸/ ۳)، اطلس خط (۴۸۶ -۴۸۴)، تاریخ هنرهای ملی (۸۸۹ -۸۸۷ / ۲)، تذکره‌ی روز روشن (۷۰۳)، خوشنویسان و هنرمندان (۵۷)، دانشمندان آذربایجان (۳۲۳ -۳۲۲)، الذریعه (۹۵۲ -۹۵۱/ ۹)، روضات الجنان و جنات الجنان (۳۶۹/ ۱)، عالم آرای عباسی (۱۷۱ ، ۱۷۰ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۷۹۳)، قزوین در گذرگاه هنر (۲۳۶)، گلستان هنر (پنجاه و هشت، پنجاه و نه، ۹۷ -۹۳)، مجمع الخواص (۲۰۸)، مناقب هنروران (۱۱۴ ،۸۵ ،۷۶)، هنر عهد تیموریان (۶۳۲ ،۵۹۴ ،۵۲۱ ،۳۱۵ ،۱۸۷ -۱۸۶).

مالک، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر مالک ، فرزند میرزا اسماعیل در سال ۱۲۹۰ در محله پامنار تهران پا به عرصه وجود گذاشت . وی پس از مدت تحصیل ، دانشسرای عالی رفت و به تحقیق در متون نثر فارسی پرداخت ، آنگاه وارد مدرسه حقوق شد . مالکی با مرگ پدر ، ناچار وارد تشکیلات ارتش وارد شد، و در دانشگاه انگلیس دانشنامه انگلیسی را اخذ کرد . وی پس از به پایان بردن دوران تحصیل به شغل دبیری ادبیات فارسی و زبان انگلیسی ، فرانسه و آلمانی مشغول شد . استاد مالکی همواره در انجمن های ادبی حضوری فعال داشت و تا واپسین روزهای زندگی خویش ، جلسات قرآن کریم و آموزش اصول بدیع و قافیه را تشکیل می داد . او سرانجام در سال ۱۳۷۷ در تهران درگذشت .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

والدین و انساب : علی اکبر مالک فرزند اسماعیل مستوفی حضور و نوه میرزا کاظم مستشیر الملک تهرانی و از اعقاب مالک اشتر سردار بزرگ و شجاع حضرت علی (ع)بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی اکبر مالک پس از طی دوران دبستانی در دبستان ادب، وارد دارالفنون شد. سپس به دانشسرای عالی رفت و پس از تحقیق در متون نظم و نثر فارسی وارد مدرسه حقوق شد. با مرگ پدر در سال ۱۳۱۲ وارد تشکیلات ارتش شد و به فرا گیری زبان انگلیسی پرداخت ، او سرانجام دریافت دانشنامه زبان انگلیسی از دانشگاه انگلیس نائل آمد .

خاطرات و وقایع تحصیل : از وقایع دوران تحصیل علی اکبر مالک ، درگذشت پدرش بود ، که وی را مجبور ساخت وارد تشکیلات ارتش شود .

استادان و مربیان : علی اکبر مالک از محضر استادانی همچون: استاد جلال الدین همایی، استاد عباس اقبال آشتیانی، استاد نصرالله فلسفی و استاد محمد حسین فاضل تونی بهره برد.

زمان و علت فوت : علی اکبر مالک در اثر کهولت سن و بیماری طولانی در اواسط رجب ۱۴۱۹ ق مطابق با آبان ۱۳۷۷ ش در تهران به فوت کرد .

فعالیتهای آموزشی : علی اکبر مالک سالهای متمادی به شغل دبیری ادبیات فارسی و زبان های انگلیسی، فرانسه و آلمانی اشتغال داشت و در سال ۱۳۳۹ ش بازنشسته گردید. شادروان مالک تا واپسین روزهای زندگی خویش، جلسات تفسیر قرآن کریم و آموزش اصول بدیع و قافیه را تشکیل می داد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از فعالیت های دوران زندگی علی اکبر مالک ، حضور مستمر او در مجالس ادبی بوداولین فرصتی امکان ارائه آثار وی را فراهم نمود . او تا واپسین روزهای زندگی خویش ، جلسات تفسیر قرآن کریم و آموزش اصول بدیع و قافیه را تشکیل می داد . ---
------

آثار :

۱ ابا عبدالله الحسین (ع)

۲ ترانه دل

ویژگی اثر : « ترانه دل » مجموعه اشعاری درباره حضرت علی (ع) می باشد .

۳ ترجمه منظوم چندسوره از قرآن مجید

۴ خاطرات اجتماعی و سیاسی

۵ دو نامه به امضای حضرت علی (ع)

۶ سفرنامه حج

۷ سلطان عشق

۸ سه راز مپرس

۹ سیری در سه وادی

ویژگی اثر : مجموعه اشعار

۱۰ کشکول عشق

ویژگی اثر : مجموعه اشعار

۱۱ کشور مقتدر اسلامی

۱۲ مجموعه ای شامل صحیفه حضرت زهرا (ع) ، حدیث کساء در ۲۴ بند ، و فدک به صورت نثر

۱۳ هفت شهر یا هفت وادی عرفان

۱۴ وادی عشق

ویژگی اثر : « « وادی عشق » اشعاری دربارهٔ مناظره و مراحل عرفانی می باشد.

۱۵ وقایع کربلا

منابع زندگینامه :

۱آینه پژوهش ، سال نهم ، شماره پنجم ، شماره پیاپی ۵۳ ، آذر و دی ۱۳۷۷

مالی شیرازی، ابوحیان

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف قبل از ۱۰۸۳ ق)، طبیب و شاعر، متخلص به مالی. معاصر نصرآبادی بود و در علم طب و سایر علوم تبحر داشت و شعر نیز می‌سرود. مالی همراه ملا محمد صوفی مازندرانی (م ۱۰۳۵ ق) و ملا حسنعلی یزدی به هند رفت و پس از چندی به ایران بازگشت. او در ۱۰۳۰ ق در شیراز بر «دیوان» نظام دستغیب شیرازی (م ۱۰۲۹ ق) دیباچه نوشت و قبل از تحریر «تذکره‌ی نصرآبادی» (تألیف شده در ۱۰۸۳ ق) درگذشت. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

بعد وصف آن میان ذکر دهانش مشکل است

در قلم چون مو بگیرد نقطه ای نتوان نهاد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۱۷۴ -۱۷۲/ ۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۸۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۰۱ -۲۹۷/ ۴)، الذریعه (۹۵۲/ ۹)، صبح گلشن (۳۵۸)، فرهنگ سخنوران (۷۹۴، ۷۹۳)، کاروان هند (۱۲۱۱ -۱۲۱۰/ ۲)، مجمع الفصحا (۷۷/ ۴).

مامقانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۱ -۱۲۸۵ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در نجف به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات، از حوزه‌ی درس پدرش و ملا محمد کاظم خراسانی و شیخ الشریعه اصفهانی بهره برد. سپس خود مستقلا به بحث و تدریس پرداخت. او در اخلاق از محضر ملا اسماعیل قره باغی استفاده کرد. او در نجف درگذشت و در صحن شریف به خاک سپرده شد. از آثارش: «غایهٔ المأمول فی علم الاصول»، از مباحث الفاظ تا آخر تعادل و تراجیح؛ شرح «دعای کمیل»؛ «مقباس الکرامهٔ»، در شرح «التبصرهٔ» علامه حلی، در فقه. این کتاب در «معجم رجال الفکر» تحت نام «مصباح الکرامهٔ» ذکر شده است.[۱]

ابوالقاسم بن آیت‌اللّٰه العظمی آقا شیخ محمدحسن مامقانی نجفی متولد ۱۲۸۵ و متوفی ۱۳۵۱ ق عالمی موثق و مقدسی بزرگوار از شاگردان والد ماجدش و علامه خراسانی و مرحوم شریعت اصفهانی و در اخلاق ملا اسماعیل قره‌باغی بوده و دارای تألیفاتی در فقه بنام (مقباس الکرامه) در شرح تبصره بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۶/ ۲۲، ۱۶ -۱۵/ ۱۶، ۲۵۸/ ۱۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۵/ ۱۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۴۴ -۱۱۴۳/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۱۷/ ۸).

مامقانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید احمد مدرس مامقانی از علماء اعلام معاصر تهرانست. وی در حدود ۱۳۲۶ قمری متولد شده و ادبیات و متون فقهیه را خوانده و پس از آن از محضر آیات عظام نجف مرحوم آیت‌اللّٰه ایروانی و آیت‌اللّٰه آقا میرزا ابوالحسن مشکینی و آیت‌اللّٰه میرزا نائینی و آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّٰه آقا ضیاء الدین عراقی و دیگران استفاده نموده آنگاه به تهران مهاجرت و تاکنون در مسجد (شهاب‌الملک) واقع در سه راه خیابان ری و بوذر جمهری نو به اقامه جماعت و خدمات دینی و مباحثات کمپانی با علماء محترم تهران اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب مدرس مامقانی که افتخار قرابت سببی با ایشان را دارم سیدی جلیل و عالمی نبیل و موصوف بمتانت و مناعت و بزرگوار می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مامقانی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زراعت و اصلاح نباتات، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مامقانی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۱ –۱۲۹۰ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، مرجع تقلید، رجالی، محدث و ادیب. معروف به علامه مامقانی و فاضل مامقانی. از بزرگان علمای امامیه و حاوی فروع و اصول بود. اصلش از مامقان آذربایجان است. در نجف به دنیا آمد. در پنج سالگی شروع به فراگیری قرآن کرد. صرف و نحو و مقدمات و سطوح فقه و اصول را در محضر پدرش و شیخ هاشم ارونقی ملکی و شیخ غلامحسین دربندی و شیخ حسن میرزا (م ۱۳۱۳ ق) فراگرفت تا در فقه و اصول سرآمد شد. در ۱۳۰۸ ق به حوزه‌ی درس اصول استدلالی و در ۱۳۰۹ ق به حوزه‌ی درس فقه استدلالی پدر بزرگوارش راه یافت و «تقریرات» هر دو درس خارج را نگاشت. قوه‌ی استنباط و اجتهاد وی بارها از طرف پدرش تأیید شد و او را به دریافت اجازه مفتخر کرد. آن گاه وی خود به تدریس و تحقیق و تألیف پرداخت و شاگردان بسیاری بر گردش جمع شدند. او از پدرش روایت کرده و شیخ محمد حرز نیز از وی روایت کرده است. او مرجع تقلید بسیاری از مردم آذربایجان بود. در نجف درگذشت و در کنار پدرش، در مقبره‌ی خانوادگی در منزلشان، دفن گردید. از آثارش: «اجابهٔ السئوال»؛ «ارشاد المستبصرین»؛ «ازاحهٔ الوسوسهٔ»؛ «تحفهٔ الصفوهٔ»؛ «تحفهٔ الخیرهٔ»؛ «تنقیح المقال فی علم الرجال»، در سه مجلد بزرگ، که مشهورترین و مهم‌ترین تألیف اوست؛ جوابات «المسائل البصریهٔ»؛ جوابات «المسائل البغدادیهٔ»؛ حاشیه بر «العروهٔ الوثقی»؛ «الدر المنضود فی صیغ الایقاعات و العقود»؛ «مرآهٔ الکمال فی الآداب و السنن» و ترجمه‌ی فارسی آن؛ «سراج الشیعهٔ فی آداب الشریعهٔ»؛ «الفوائد الطبیهٔ»؛ «کشف الاستار فی تکلیف الکفار بالفروع»؛ «هدایهٔ الانام فی حکم مال الامام»؛ «مجمع الدرر» معروف به «اثنی عشریه»؛ «مناهج الیقین»؛ «منتهی مقاصد الانام فی نکت شرایع الاسلام»؛ «مقباس الهدایهٔ فی علم الدرایهٔ»؛ «مطارح الافهام فی مبانی الاحکام».[۱]

عبداللّٰه بن العلامهٔ الکبری حاج شیخ محمدحسن از اکابر و فحول علماء امامیه و عالمی عامل و فقیهی کامل محدثی رجالی و ادیبی اریب حاوی فروع و اصول و دارای کمالات نفسانیه و اخلاق فاضله و مرجع تقلید جمعی وافر از شیعه بوده و گوی سبقت از افاضل وقت ربوده و در بعضی از علوم غریبه نیز حظی داشته است.

آن جناب در ربیع‌الاول ۱۲۹۰ قمری در نجف متولد و در ۱۶ شوال ۱۳۵۱ قمری در جوار علی (ع) به رحمت حق پیوسته در مقبره والدش که دارای گنبد و قبه عالی است مدفون گردیده است.

تالیفات و آثار علمی معظم‌له از اینقرار است.

۱– ارشاد المستبصرین ۲– تحفهٔ الخیره ۳– تحفهٔ الصفوهٔ فی الحیوهٔ ۴– تنقیح المقال فی احوال الرجال ۵– الدر المنضود فی صیغ الایقاعات و العقود ۶– سراج‌الشیعه ۷– السیف البتار ۸– مرآت الرشاد ۹– مرآت الکمال ۱۰– مطارح الافهام ۱۱– مقباس الهدایه ۱۲– مناهج المتقین ۱۳– منتهی مقاصد الانام ۱۴– نتایج التنقیح ۱۵– نهایهٔ المقال و کتب دیگر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۷۳/ ۲۵ ،۱۵۹/ ۲۳ ،۳۴۹/ ۱۸، ۲۲ /۳۳۹، ۳۳۸، ۳۳۶، ۲۸۴، ۲۸۳– ۲۷۲، ۲۳۰، ۲۲۹، ۲۰ /۲۷، ۳۶، ۱۲ – ۱۱ / ۱۸ ،۱۶۱/ ۱۷ ،۳۴۶ ،۲۲ ،۱۳/ ۱۶ ،۲۸۶ ،۱۵۷/ ۱۲ ،۱۳۷ ،۷۸ –۷۷/ ۸ ،۱۴۹/ ۶ ،۲۱۶ ،۲۱۵/ ۵ ،۴۶۷ –۴۶۶/ ۴ ،۴۴۷ ،۴۳۲/ ۳ ، ۵۲۸ ،۵۲۰ ،۱۲۰ ،۱۱۸/ ۱)، ریحانه (۱۵۹ –۱۵۷/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۹۹ –۱۱۹۶/ ۱۴)، علماء معاصرین (۱۵۹ –۱۵۸)، الکنی و الالقاب (۱۳۴/ ۳)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۴۶ –۱۱۴۵/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۱۶/ ۶).

مامقانی، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۳ –۱۲۳۸ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، مرجع تقلید، لغوی و ادیب. در مامقان آذربایجان به دنیا آمد و در کربلا نشو و نما یافت و در نجف ساکن گردید. در محضر ملا علی خلیلی و شیخ مرتضی انصاری و سید حسین کوه کمری و شیخ راضی نجفی و شیخ مهدی کاشف الغطاء تلمذ نمود. پس از درگذشت سید حسین کوه کمری به تدریس و تصنیف پرداخت. وی در صحن

حیدری به اقامه‌ی جماعت می‌پرداخت. پس از وفات میرزای شیرازی در ۱۳۱۲ ق مرجعیت مردم آذربایجان را در امور مذهبی عهده‌دار شد. مامقانی در نهایت پرهیزکاری زندگی می‌کرد و عملا مروج دین بود. فرزندش، شیخ عبدالله، و شیخ ابراهیم سلیمانی و سید مصطفی نخجوانی و میرزا ابوالقاسم اردوبادی و شیخ محمد علی گنجی و سید علی نخجوانی و میرزا فرج‌الله تبریزی و سید میرزا ابوالحسن تبریزی از شاگردان وی بودند. در نجف درگذشت و در مقبره‌ی مخصوص خود به خاک سپرده شد. از آثارش: «بشری الوصول الی اسرار علم الاصول»، در هشت مجلد؛ «ذرائع الاحلام فی شرح شرایع الاسلام»؛ «غایهٔ الآمال»، در شرح «المکاسب» شیخ انصاری؛ «اصالهٔ البرائهٔ»؛ «الرسالهٔ العملیهٔ».[۱]

محمدحسن بن ملا عبدالله بن محمدباقر مامقانی الاصل از متبحرین علماء امامیه و از اعاظم فقهاء عصر و اکابر مراجع تقلید متولد ۱۲۳۸ و متوفی ۲۹ محرم ۱۳۲۳ قمری عالمی ربانی و فقیه کامل صمدانی از شاگردان بزرگ علامه شیخ مرتضی انصاری و علامه سید حسین کوه‌کمری و بعض اکابر دیگر و صاحب تألیفات عدیده بنام ۱- بشری الوصول الی اسرار علم الاصول ۸ مجلد ۲- ذرایع الاحلام فی شرح شرایع الاسلام ۳- غایهٔ الامال حاشیه بر مکاسب.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۲۴/ ۶)، اعیان الشیعه (۱۵۱ -۱۵۰/ ۵)، الذریعه (۴۰۸/ ۲۴ ،۵/ ۱۶ ،۲۱۴/ ۱۱ ،۲۴/ ۱۰ ،۱۲۱ -۱۲۰/ ۳ ، ۱۱۴/ ۲)، ریحانه (۱۶۰ -۱۵۹/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۱۱ -۴۰۹/ ۱۴)، علماء معاصرین (۸۳ -۸۰)، الکنی و الالقاب (۱۳۴ - ۱۳۳/ ۳)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۴۴/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۹۸ -۱۹۷/ ۹)، مکارم الآثار (۱۰۵۸ -۱۰۵۶/ ۴).

مامقانی، محی‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محی‌الدین بن العلامه الرجالی حاج شیخ عبداللّٰه بن العلامه الکبری و الایه العظمی و الفقیه البارع الحاج شیخ محمدحسن مامقانی نجفی از علماء معاصر فعلی تهرانست. وی در حدود سال ۱۳۳۸ قمری در نجف اشرف در بیت علم و تقوا متولد شده و در حجر والد ماجدش تربیت یافته و پس از خواندن اولیات و مقدمات و سطوح وسطی و نهائی از مرحوم والدش و آیات دیگر از محضر آیات عظام چون مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید محسن حکیم و دیگران استفاده نموده و از بعد فوت مرحوم اصفهانی به آیت‌اللّٰه حکیم پیوسته و مورد توجه مخصوص آن مرحوم گردیده و جزو اصحاب خاص معظم له محسوب بودند و ضمنا بتألیف کتب مختلف علمی و تدریس فقه و اصول اشتغال داشتند تا در ذی‌القعده الحرام ۱۳۹۱ قمری که دولت بعث عراق ایشان را مانند ده‌ها هزار نفر ایرانی اصیل دیگر به ایران اخراج و آن جناب بنا بر اصرار دوستان روحانی و غیره رحل اقامت به تهران افکنده و تاکنون به مباحثات علمی و تألیفات و خدمات دینی مشغول می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مامقانی، یوسف علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ یوسف علی مامقانی از علماء معاصر بوده و به سادگی و بی‌آلایشی معروف و بیش از مراتب دانش خود ادعاء داشته و بعد از ۱۳۷۰ ق وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مأموریان، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ماندگار، محمدمهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی ماندگار

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۸۷/۴/۲

زندگینامه علمی

تولد بنده در ۲ تیر ماه ۱۳۴۳ در خانواده ای مذهبی در مشهد مقدس، پدر روحانی مادر خانه دار، تحصیلات دبستان از سال ۱۳۴۸ لغایت ۱۳۵۴ در دبستان هروی مشهد مقدس. تحصیلات دوره راهنمایی ۱۳۵۴ لغایت ۱۳۵۷ در مدرسه راهنمایی مجلسی مشهد مقدس. تحصیلات دوره متوسطه ۱۳۵۷ لغایت ۱۳۶۱ در دبیرستان دکتر علی شریعتی مشهد مقدس. تحصیلات حوزوی غیر رسمی از سالهای ۱۳۵۶ لغایت ۱۳۶۲ در مشهد مقدس با استاد خصوصی. تحصیلات رسمی حوزوی از سال ۱۳۶۲ در حوزه علمیه قم: دوره ادبیات و مقدماتی در مدرسه رضویه، دوره سطح محضر اساتیدی همچون خاتمی، وجدانی، استادی، هادوی تهرانی، اعتمادی، پایانی، دوره درس خارج محضر اساتیدی همچون وحید خراسانی، تبریزی، جوادی آملی، سید کاظم حائری، هادوی تهرانی. ازدواج سال ۱۳۶۳ تحصیلات دانشگاهی از سال ۱۳۷۲ لغایت ۱۳۷۹ در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد علوم سیاسی در موسسه آموزش عالی باقر العلوم علیه السلام قم، پایان نامه ارشد «خطی مشی های سیاسی در نهج البلاغه» حضور در جبهه ها به توفیق الهی از ابتدا تا پایان مجموعا حدود ۲۲ ماه به صورت متناوب (رزمی ـ رزمی تبلیغی) امامت جمعه موقت طبس از ۱۳۷۰ لغایت ۱۳۷۴ مسئولیتهای آموزشی و مدیریتی در دفتر تبلیغات از ۱۳۷۰ لغایت ۱۳۸۲ در مرکز آموزش خواهران، مرکز تحقیقات، مرکز آموزش مبلغین مسئولیت نهاد رهبری دانشگاه علم و صنعت از سال ۱۳۸۰ لغایت ۱۳۸۲ راه اندازی گروه تفحص سیره شهدا که کار تربیت مبلغ و راوی عرصه فرهنگ ایثار و شهادت را بعهده دارد از سال ۱۳۷۹ و مسئولیت این گروه از سال ۱۳۸۲ تاکنون می باشم.

ماندگاران، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی ماندگاران نجف آبادی

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۷/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان تحصیلات دبستان (نظام قدیم که شش کلاس بود) البتّه اوّل دبیرستان را هم اوائل طلبگی در قم خواندم و مدرک آن را گرفتم، پدرم راضی به ادامه تحصیل در دبیرستان نشد چرا که آن روز مدارس دولتی را عامل فساد و گمراهی می دانستند و در حد دبستان را ضروری می دانستند و بس. پس از آن مشغول کار در نزد پدرم شدم ولی به خاطر علاقه به دین و روحانیت مرا به مدرسه علمیّه الحجه که در شهر خودمان نجف آباد بود برد و با معرفی به یک نفر از طلاب قرار شد شبها بعد از نماز مغرب و عشا یک ساعت بروم و رساله و قرآن بیاموزم. همین امر سبب شد که بنده علاقه شدید به طلبگی پیدا کنم و پس از مدتی طلبه شدم چند ماهی در نجف آباد تحصیل کردم ولی با تشویق بعضی برای آغاز سال تحصیلی ۱۳۴۴ به قم مشرف شدم و وارد مدرسه ای شدم که اولین و تنها مدرسه ای بود که با برنامه شروع شده بود به نام مدرسه حقانی و سال دومش را می خواست آغاز کند که با لطف خداوند و امام زمان (عج) بنده امتحان ورودی دادم و قبول شدم و از ابتدای جامع المقدمات شروع به تحصیل کردم و به عنایت و الطاف خداوند و ائمه (ع) تا پیروزی انقلاب در این مدرسه بودم. لازم به بیان است که بگویم ۱- بنده در طفولیت با یک مریضی سختی مشرف به مرگ بودم که با راهنمایی و سفارش یک روحانی که همسایه ما بود، مادرم نذر کرد طلبه شوم و پس از آن بهبودی حاصل شد و نجات یافتم و چون دو فرزند قبل از بنده، نمردم ۲- هنگامی که خواستم در برنامه مدرسه حقانی شرکت کنم یکی از طلبه های نجف آباد که هوش و حافظه و استعدادش بسیار بهتر از بنده بود مرا نصیحت کرد که در آن مدرسه و برنامه هایش شرکت نکنم و در حوزه آزاد درس بخوانم چرا که می گفت این مدرسه برنامه هایش سخت و سنگین است، به علاوه حفظ قرآن هم در حد سالی یک جزء تا پانزده سال دارد. بنده بی اعتنا به حرف او وارد آن مدرسه شدم و تا آخر از الطاف غیبی خداوند بهره مند شدم در حالی که این رفیق بنده پس از دو سال سردرد گرفت و از طلبگی رفت. (تقدیر چنان بود) ۳- بنده در اوائل طلبگی درسها را جدی نمی گرفتم و زمانی که جدی گرفتم متوجه شدم فهم و درک لازم را ندارم. آن وقت بود که دلم سوخت و با توسل و گریه و زاری مورد لطف و عنایت خداوند قرار گرفتم و باب فهم به رویم گشوده شد به طوری که یکبار مورد ملامت و نارضایتی شهید قدّوسی قرار گرفتم ولی پس از آن حتی مورد تشویق و تقدیر هم قرار گرفتم و تا پیروزی انقلاب با کمکهای خداوند و ائمه (ع) از عهده امتحانات هفتگی و نیمه سال و پایان سال درسهای حوزوی بر آمدم و خوب موفق بودم. آن هم درسهای سنگین حوزوی همراه با زبان عربی، انگلیسی، روانشناسی، حدیث شناسی، مقداری جامعه شناسی، اقتصاد، تاریخ اسلام و طبیعی و ... (به تدریج در طول سالهای تحصیلی). بیشترین فعالیت علمی بنده به تحصیل و تدریس و تبلیغ گذشته، بنده از سالهای

اول طلبگی بخشهایی از کتاب جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، مختصر المعانی، حاشیه، منطق مظفر، اصول الفقه، بدایه الحکمه و عقائد (باب حادی عشر و ...)، شرح لمعه و مکاسب شیخ انصاری و تفسیر (در سطح بعضی از کتابها مثل جوامع الجامع و جزوه های درسی که خدمت آیت الله مصباح یزدی زید عزه و تحقیقات تفسیری که زیر نظر ایشان نوشته ایم) تدریس کرده ام و اکنون هم به تدریس تفسیر و مکاسب اشتغال دارم به اضافه بعضی جلسات اخلاقی که شامل تدریس منیهٔ المرید و چهل حدیث امام و ... بوده و هست. هفت یا هشت سال درسهای، شامل مقدّمات و سطح و درسهای جنبی بوده و پس از آن بیشتر در رشته معارف قرآن (تفسیر قرآن) و فلسفه کار می کردم که فلسفه هم شامل فلسفه قدیم و جدید (غرب) بود از قبیل یک دور فلسفه ژیسون و کار تحقیقی روی اصول فلسفه علامه طباطبایی (ره) زیر نظر آیت الله مصباح یزدی و در اواخر فلسفه هگل بود که شهید بهشتی هفته ای یک مرتبه به قم برای تدریس آن به مدرسه ما می آمدند. (ایشان (شهید بهشتی) یک برنامه هفتگی برای ما داده بود که حدود ۱۴ سال پیاده شد ولی ...) فقه و اصول هم در برنامه به صورت درس خارج بود که عمده فقه بود و بخشی از آن در محضر آیت الله وحید خراسانی زید عزه العالی بود و طبق برنامه مدرسه ما درسهای هر یک هفته ایشان را به عربی می نوشتیم و خدمت ایشان می دادیم و هفته بعدش در یک جلسه (پنج شنبه ها) در منزل و محضر ایشان در رابطه با آن جزوه بحث و گفتگو داشتیم.

بنده در ماه رمضان و محرم هم به تبلیغ می رفتم. پس از انقلاب یک سال و نیم امام جمعه (در فریدون شهر اصفهان) بودم و پس از آن دیگر به قم برگشتم و بیشتر به درس و تدریس مشغول بوده ام. پس از انقلاب تا حدود چهار پنج سال پیش درس خارج را ادامه می دادم که عمده درسهای آیت الله منتظری بود (ولایت فقیه و ...) حدود پنج سال هم امام موقّت جمعه کیش بودم. در تفسیر تحقیقات زیادی زیر نظر آیت الله مصباح یزدی داشتیم که در این رابطه هم جزوه های زیادی به وجود آمده است. مخفی نماند که تمام این کارها که شد مقدمه بود برای یک مطلب مهم که آن نشد. اینها مقدمه برای آدم شدن مثل بنده بود که متاسفانه آدم نشدم لذاست که واقعا می گویم: «الهی لقد افنیت عمری فی شرهٔ السهو عنک و ابلیت شبابی فی سکرهٔ التباعد منک» و باید بگویم اینها همه هیچ همه هیچ همه هیچ.

مانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد حسین ادیب فاضل شاعر، در ۱۲۵۸ متولد، و در غره‌ی جمادی‌الثانیه‌ی سال ۱۳۲۱ وفات یافته، در تکیه‌ی آقا حسین خوانساری مدفون گردید.

مشارالیه مورد توجه و عنایت ظل السلطان بوده، و وی را یکی از اعضای پنج گانه‌ی عدالت‌خانه انتخاب نموده بود.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ماه تابان

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(۱۳۰۸ -۱۲۵۰/ ۱۲۴۹ ق)، نیکوکار و شاعر. ملقب به قمر السلطنه. مادرش نوش‌آفرین خانم، دختر بدرخان زند و خود وی همسر میرزا حسین خان سپهسالار بود. قمر السلطنه زبان فرانسه و ترکی استانبولی را به خوبی می‌دانست و در شعر و ادب مهارت داشت. او دو بار به حج مشرف شد و موقوفات زیادی، برای مصارف خیریه، بر جای گذاشت. از جمله نیمی از درآمد املاک خویش را وقف روشنایی بقاع متبرکه و نیم دیگر را وقف هزینه تحصیلی طلاب نجف نمود. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از رابعه تا پروین (۱۸۷ -۱۸۶)، تاریخ عضدی (۲۴۳، ۲۰۶)، خیرات حسان (۷۱ -۶۹/ ۳)، دایرهٔ المعارف فارسی (۲۰۸۱/ ۲)، الذریعه (۸۸۸/ ۹)، ریاحین الشریعه (۶۳ ۶۲/ ۵)، زنان سخنور (۱۳۸/ ۲)، طرائق الحقائق (۳۲۹ -۳۲۸/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۷۴۸)، مشاهیر زنان (۱۹۱)، یغما (س ۱۳، ش ۴، ص ۲۰۲ -۲۰۱).

ماه تاج

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن سیزدهم هجری متخلص به هندیه از زنان شاعر. غزل زیر از اوست:

باده‌نوش جان کن شد خون عاشقان نوشی

بعد از این چه سان با او می‌توان زدن جوشی

هر کجا به من برخورد من ز عمر برخوردم

رشک ماه نوطفلی پای تا سر آغوشی

همچو پنجه مژگان عاشق از هواگیری
همچو چشم مست خود نکته سنج خاموشی
بزم تیره بختان را پر ز شمع فانوسی
طره‌ی طلا بر سر جامه یک تهی پوشی
راک خان به صدر نگی با تلنگ خوش خوانی
در چمن صبوحی زن برگ گل بنا گوشی
هر کجا که خواهی آی لا ابالی آیینی
پند ناصحان مشنو حرف کس مکن گوشی
بوسه‌اش فقیران را بی‌سوال منعم کن
غافل از کسی مگذر با اشاره هم دوشی
در جهان ندارد یاد هیچکس ز مهرویان
دیر زود خاطرها زود کن فراموشی
«مخفی» از کفم برده است دل ز گوشه‌ی چشمی
عنبرین خط و خالی نازنین برو دوشی

ماه‌تابان خانم ملقب به قمرالسلطنه این غزل را جواب گفته است. تاریخ تولد و وفات هندیه معلوم نیست. برخی شعر فوق را به زبدهٔالنساء نیز منسوب کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: طرایق‌الحقایق، ۳۲۹ –۳۲۸ / ۳.

ماه رخسار

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، نقاش و خطاط. ملقب به فخرالدوله. وی خواهر محمد شاه و نوه‌ی فتحعلی شاه قاجار است که به همسری محمد حسن خان، سردار ایروانی درآمده و از زنان صاحب کمال و پراعتبار زمان خود بوده است. ماه‌رخسار زنی مدیر و مدبر بود و در هنر شعر و خط و نقاشی ماهر. او همچنین موقوفات و خیراتی نیز داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۵۸۷/ ۲)، خیرات حسان (۲۳/ ۳)، ریاحین الشریعه (۳۷/ ۵)، کارنامه‌ی زنان (۱۰۳ –۱۰۲)، مشاهیر زنان (۱۸۰).

ماهابادی، افضل‌الدین حسن

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، عالم دینی، فقیه و ادیب. در ادب سرآمد بود و در فقه، صالحی مورد اعتماد و متبحر. وی از مشایخ شیخ منتجب‌الدین بود و شیخ منتجب‌الدین تمام تألیفات و تصنیفات او را روایت می‌کند و بنا بر نقلی افضل‌الدین حسن بن قادر (وفادار) قمی واسطه‌ی این روایت است. از آثارش: «الاعراب»؛ «شرح النهج»، شرح «نهج‌البلاغه»؛ «شرح الشهاب»؛ کتابی در «رد التنجیم»؛ «شرح اللمع»؛ «دیوان النثر»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۶۰/ ۵)، الذریعه (۱۲۳، ۴۷/ ۱۴، ۳۴۳/ ۱۳، ۱۱۷۰، ۲۳۹/ ۹، ۲۳۴، ۲۳۳– ۲۳۳/ ۲)، روضات الجنات (۲۶۱ –۲۶۰/ ۲)، ریاض العلماء (۲۲۲ –۲۲۱/ ۱)، ریحانه (۱۶۲ –۱۶۱/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۲ –۶۱/ ۶)، فهرست منتجب‌الدین (۵۰)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن ماهابادی).

ماهانی، ابوعبدالله محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۲۷۵ ق)، ریاضیدان و منجم. در کرمان به دنیا آمد. در بغداد می‌زیست و از علمای آنجا به حساب می‌آمد. وی در هیئت و نجوم و جبر و هندسه تبحر و تسلط داشت. ماهانی از ۲۳۹ تا ۲۵۲ ق رصدهایی انجام داده که توسط ابن‌یونس، ریاضیدان مصری، در زیج کبیر حاکمی ثبت شده و همچنین در زمینه‌ی ریاضی آثاری از او باقی مانده است. از آن جمله: «رساله فی النسبهٔ» یا «رسالهٔ فی المشکل من النسبهٔ»؛ «تفسیر المقالهٔ العاشرهٔ من کتاب اقلیدس». از جمله آثار مفقود وی: شرح مقاله پنجم کتاب «اصول اقلیدس»؛

شرح مقاله‌ی دوم کتاب «کره و استوانه‌ی» ارشمیدس؛ «کتاب فی ستهٔ (/ ست) و عشرین شکلا من المقالهٔ الاولی من اقلیدس التی لا یحتاج فی شییء منها الی الخلف»؛ اصلاح کتاب «مانالاوس فی اشکال الکریه»؛ «زیج».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ الحکماء القفطی (۳۸۸)، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی (۱۰۵)، دایرهٔ المعارف فارسی (۲۶۳۳/ ۲)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۴۳۵ -۴۳۱)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (۴۸۹)، کارنامه‌ی بزرگان (۶۷)، معجم المؤلفین (۱۰۷/ ۱۱).

ماهر دامغانی، علیقلی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف قبل از ۱۱۷۰ ق)، نقاش، خطاط و شاعر، متخلص به ماهر. اهل دامغان و ساکن اردبیل بود. وی به شغل عطاری اشتغال داشت و در فن نقاشی و خوشنویسی تبحر داشت. بعد از مدتی به تبریز رفت و هنر نقاشی و قطاعی خود را به کمال رساند. ماهر در عین حال که سواد چندانی نداشت، شعر خوب می‌گفت و با قلم مو نیز خط نستعلیق را عالی می‌نوشت. صاحب «دانشمندان آذربایجان» نام او را محمد قلی عطار آورده است. برخی از تذکره‌ها نیز وی را اهل مغان و از ارادتمندان و شاگردان حاج ابراهیم اردبیلی دانسته‌اند. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۷۴/ ۲)، احوال و آثار نقاشان (۳۹۸/ ۱)، تاریخ نظم و نثر (۷۰۴)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۱۹ -۱۱۷/ ۱)، تذکره‌ی منصرآبادی (۱۴۲ -۱۴۱)، دانشمندان آذربایجان (۳۲۳)، الذریعه (۹۵۴ -۹۵۳، ۷۶۱/ ۹)، صبح گلشن (۳۵۹ -۳۵۸)، فرهنگ سخنوران (۷۹۴)، گلستان هنر (چهل و هشت).

ماهر گیلانی، محمد سعید

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، شاعر. اهل رشت بود و حزین لاهیجی (م ۱۱۸۰ ق) او را، در حالی که عمرش از هشتاد سال گذشته بوده، در آن شهر دیده است و به قول وی با اینکه شاعری کم‌سواد و عامی بوده، اشعار سنجیده و روانی از او مانده است. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ المعاصرین (۲۱۰)، الذریعه (۹۵۴/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۹۵ -۷۹۴).

ماهی جلایر

قرن:۱۱

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. ماهی خانم خواهر یا دختر نثاری جلایر بود. این ملا- نثاری ظاهرا همان است که در «دانشمندان آذربایجان» تحت عنوان نثاری تبریزی آمده است. به قول «الذریعه» وی معاصر شاه عباس اول (۱۰۳۸ -۹۹۶ ق) بوده است. او طبع خوبی داشت و در سرودن شعر ماهر بود. بیت زیر، در بعضی از تذکره‌ها، هم منسوب به ماهی و هم به دلشاد خاتون جلایر آورده شده است:

اشکی که سر ز گوشه‌ی چشمم برون کند

بر روی من نشیند و دعوی خون کند[۱]

ز نیمه اول قرن یازدهم هجری، از زنان شاعر. وی خواهر یا دختر ملا نثاری بود. بیت زیر به او منسوب است:

اشکی که سر ز گوشه چشمم برون کند

بر روی من نشیند و دعوی خون کند[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۵۵۵ -۵۵۴/ ۲)، حدیقهٔ الشعراء (۲۱۹۳/ ۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۲۳)، الذریعه (۹۵۴/ ۹)، ریاحین الشریعه (۳۶۱ -۳۶۰/ ۴)، زنان سخنور (۱۵۴/ ۲)، صبح گلشن (۳۵۹)، مشاهیر زنان (۲۱۱ -۲۱۰).

[۲] منابع: حدیقهٔالشعراء، ۲۱۹۳ / ۳؛ دانشمندان آذربایجان، ۳۲۳؛ الذریعه، ۹۵۴ / ۳؛ ریاحین‌الشریعه، ۳۶۱ -۳۶۰؛ زنان سخنور، ۱۵۴ -۲؛ شعرای آذربایجان، ۵۵۵ -۵۵۴؛ صبح گلشن، ۳۵۹؛ صحف ابراهیم، حرف م، ش ۱۰۴۲؛ قاموس‌الاعلام، ۴۱۴۲ / ۶.

مایل افشار، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به مایل. ملقب به شیخ الشعراء. از اهالی ارومیه بود. در عهد ناصرالدین شاه (۱۳۱۳ – ۱۲۶۴ ق) در وزارت امور خارجه و مدتی نیز در بندر لنگه مأمور بوده است. عاقبت ترک خدمت گفت و به سرودن شعر پرداخت و مراثی متعدد در مصیبت حضرت سید الشهداء (ع) و مدایح بسیار درباره‌ی اهل‌بیت عصمت (ع) گفته است. از آثار منظوم وی: «گلزار»، در مراثی؛ «شوره زار»، در هجو معاصران؛ «مرغزار»، در مدایح معاصران؛ «لاله زار»، در مدایح ائمه اطهار (ع)؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۳۷۹ –۳۷۶/ ۱)، حدیقهٔ الشعراء (۱۵۰۲/ ۳)، الذریعه (۹۵۴/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۹۵)، فهرست نسخه‌های خطی (۲۵۰۸/ ۳)، المآثر و الآثار (۲۰۷).

مایل آشتیانی، محمد علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف قبل از ۱۲۵۰ ق)، شاعر، متخلص به مایل. اصلش از آشتیان است که در شیراز به دنیا آمد. مایل مدتی سمت استیفاء و پیشکاری عباس میرزا را داشت. در حدود ۱۲۳۸ ق مأمور عقد عهدنامه‌ی اول ارزنهٔ الروم با دولت عثمانی شد. عباس میرزا مدتی او را به پیشکاری فرزندش، محمد میرزا گماشت ولی وی قبل از به سلطنت رسیدن محمد شاه (۱۲۵۰ ق) درگذشت. مایل از ارادتمندان مجذوب علیشاه بود و علاوه بر نظم، در نثر نیز دست داشت. او قصاید بسیاری در مدح امیرالمؤمنین علی (ع) و بعضی از بزرگان کشور دارد. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۵۰۱ –۱۴۹۷/ ۳)، الذریعه (۹۵۴/ ۹)، سفینهٔ المحمود (۲۸۰ –۲۷۷/ ۱)، شرح حال رجال (۴۵۸/ ۳)، طرائق الحقائق (۲۸۰ –۲۷۹ / ۳)، فرهنگ سخنوران (۷۹۵)، مجمع الفصحا (۱۰۱۳ –۱۰۰۸ / ۶)، مصطبه‌ی خراب (۱۶۶ –۱۶۵)، نگارستان دارا (۱۲۶ –۱۲۴).

مایل بروجردی، رحیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۰۴ ق)، شاعر، متخلص به مایل. مدتی در لارستان فارس زندگی کرد و سپس در ۱۲۰۴ ق به یزد رفت. «فرهنگ سخنوران» وی را زنده ۱۲۳۴ ق می‌داند. از اوست:

غمش تا در دل ویرانه‌ی من خانه می‌سازد

دلم صد خانه‌ی شادی در این شکرانه می‌سازد

میی در ساغر است امروز ساقی را که گر زاهد

بنوشد جرعه‌ای زان، خانه در میخانه می‌سازد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۵۰۳ –۱۵۰۲/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۷۹۵).

مایل تویسرکانی، یدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۹ –۱۲۶۵ ش)، روزنامه نگار، مترجم و شاعر، متخلص به مایل. وی در تویسرکان به دنیا آمد و علوم ادبی و عربی را در همان شهر فراگرفت. در اوان مشروطیت به فراگرفتن علوم جدید پرداخت و زبان فرانسه را فراگرفت. سپس وارد خدمت فرهنگ شد و نخستین بار در تویسرکان آموزشگاهی دایر کرد و خود سرپرستی آن را به عهده گرفت و پس از چندی به مدیریت یکی از مدارس متوسطه‌ی اراک منصوب گردید. سپس به تهران آمد و به تدریس در مدرسه‌ی اقدسیه پرداخت و پس از مدتی، از طرف وزارت فرهنگ، به ریاست فرهنگ و اوقاف بابل منصوب گردید. بعد به مدت دو سال و نیم سردبیر روزنامه‌ی «ستاره‌ی ایران» بود. سپس به مدیریت مدرسه‌ی اتحاد ایرانیان در باکو برگزیده شد. مایل در ۱۳۴۹ ق مدیریت و سردبیری روزنامه‌ی «شفق سرخ» را که بعد از کناره‌گیری علی دشتی در ۱۳۰۹ ش، به او واگذار شده بود بر عهده گرفت و این خدمت را چهار سال ادامه داد. از دیگر آثار وی: «قرارداد اجتماعی»، ترجمه؛ «میکرو میگاس»، ترجمه؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۸۰ –۷۸/ ۳)، الذریعه (۶۵ –۶۴/ ۱۷، ۹۵۵/ ۹)، سخنوران نامی (۴۱۲ –۴۰۶/ ۲)، سخنوران نامی معاصر

(۳۱۳۷ -۳۱۳۴/ ۵)، شرح حال رجال (۲۹۵/ ۶)، فرهنگ سخنوران (۷۹۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۰۹، ۲۵۲۸/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۶۳ -۸۶۲/ ۶).

مایل شاملو، قلیج

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از طوایف شاملو است. او از نزدیکان علیقلی خان، ایشیک آقاسی باشی (وزیر تشریفات) شاه عباس اول (۱۰۳۸ -۹۹۶ ق) بود و از جانب او داروغه‌ی ناحیه ری شد. چون مردم از روش او راضی بودند او را شیخ الاسلام حکام گفتند. از اوست:

نسیم صبح بر مجروح نیش است

حریر جامه بر بیمار بار است

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۶/ ۱)، الذریعه (۹۵۵/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۹۵).

مایل شیرازی، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، شاعر، متخلص به مایل. ملا مهدی روضه خوان و معلم کودکان و معاصر صاحب «مرآت الفصاحه» (م ۱۳۲۵ ق) بود. او «دیوان» شعری مشتمل بر پنج هزار بیت دارد. از اوست:

زین بیشتر ای زاهد از عشق مکن منعم

دم درکش و خامش باش از بیهده دم کم زن

ای دل ز غم جانان کن ناله چو نی هر دم

بر آتش این غم آب از دیده‌ی پرغم زن

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۶۷ -۵۶۶)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۹۱ -۲۸۹/ ۴)، الذریعه (۹۵۵/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۹۶)، مرآت الفصاحه (۵۴۷ -۵۴۶).

مایلی اسفراینی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. اصل او از اسفراین و با امیر علیشیر نوایی (۹۰۶ -۸۴۴ ق) معاصر بوده است. مدتی در دیار روم زندگانی کرد. مایلی شعر خوب می‌گفته است. از آثار وی «دیوان» شعر. از اوست:

هست در سینه ز پیکان ستمکاره‌ی من

جان ز دل تنگ و ز جان این دل آواره‌ی من

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۹۵۶/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۹۶)، مجالس النفائس (۲۴۸، ۷۳).

مایلی کهن، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اطلاعات باشگاهی

باشگاه کنونی

پُستهافبک

باشگاه‌های حرفه‌ای

۱۹۶۹-۱۹؟؟

۱۹؟؟-۱۹۷۶

۱۹۹۰-۱۹۷۶

قصر یخ

نفت تهران

پرسپولیس تهران تیم ملی

۱۹۸۲–۱۹۸۳

ایران دوران مربیگری

پرسپولیس تهران (دستیار)

تیم ملی ایران (دستیار)

تیم ملی فوتسال ایران

تیم ملی ایران

سایپا کرج

تیم ملی زیر ۲۳ سال

سایپا کرج

پیکان

فولاد اهواز

سایپا کرج

تیم ملی ایران

محمد مایلی کهن (زاده ۱۳۳۲ در بندر انزلی) فوتبالیست پیشین و مربی فوتبال فعلی ایرانی است. او ۱۳ سال عضو تیم پرسپولیس تهران و بازیکن تیم ملی فوتبال ایران در بازی‌های آسیایی ۱۹۸۲ بود.

کسب مقام چهارم جام جهانی فوتسال ۱۹۹۲ و مقام سوم جام ملت‌های آسیا ۱۹۹۶ مهمترین موفقیت‌های مایلی کهن در عرصه مربی گری هستند. وی هم‌اکنون (اردیبهشت ۱۳۸۸) مربی تیم سایپا کرج می‌باشد.

دوران مربیگری

رده ملی

او در ۱۷ فرودین ماه سال ۱۳۸۸ در پی اخراج علی دایی از سرمربی گیری تیم ملی ایران به عنوان سرمربی تیم ملی انتخاب گردید[۱].اما در پی اتفاقاتی که بعد از بازی استقلال – سایپا روی داد و بیانیهٔ توهین آمیزش [۲]، وی در تاریخ ۱ اردیبهشت ۱۳۸۸ با صدور بیانیه‌ای دیگر از ادامه مربی گری تیم ملی فوتبال ایران استعفا کرد.[۳] او در این بیانیه با سخره گرفتن انتقاداتی که از وی شده وضعیت فوتبال ایران را با زبان کنایه زیر سوال برد.[۴]

جستارهای وابسته

- بندر انزلی
- پرسپولیس تهران

مایلی نیریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اهل نیریز و از شاعران عهد شاه طهماسب صفوی (۹۸۴ –۹۳۰ ق) بود. وی علم سیاق را خوب می‌دانست. وقتی که میرزا احمد کفرانی اصفهانی متصدی خالصه‌جات فارسی بود، اهل آنجا را از خود رنجاند و مایلی قصیده‌ی «شکوائیه لامیهٔ» در شکایت از او سرود و به دربار شاه طهماسب فرستاد. چون قصیده مورد قبول شاه قرار گرفت، از میرزا احمد احقاق حق نمود. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۹۷ –۲۹۵ / ۴)، الذریعه (۹۵۶ / ۹)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۵۷۰ –۱۵۶۹ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۹۷)، مرآت الفصاحه (۵۴۸ –۵۴۷)، هفت اقلیم (۱۷۳ –۱۷۱/ ۱).

مایلی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی مایلی در ۸ آذر ۱۳۰۵ متولد گردید. وی لیسانسیه زبان فرانسه از دانشگاه تهران و دارای فوق لیسانس در زبان انگلیسی از دانشگاه شیکاگو و گواهینامه تخصص در زبان ایتالیایی از دانشگاه فلورانس و نیز گواهینامه فراغت از تحصیل زبان روسی از خانه فرهنگ انجمن روابط فرهنگی ایران و اتحاد شوروی (وکس) بود. مایلی در رشته های زبان شناسی و کتابداری نیز سال ها در آمریکا تحصیل کرده بود. مایلی پس از پایان دادن به تحصیلات دانشگاهی به عنوان دبیر زبان در دبیرستان های گرگان شروع به تدریس نمود. وی بعدها کار تدریس را در دانشگاه دنبال نمود و به تدریس متون فلسفی انگلیسی پرداخت. محمدتقی مایلی پس

از آنکه از گرگان به تهران رفت در ادرات مرکزی وزارت آموزش و پرورش مصدر خدماتی گردید که بیشتر ترجمه و آماده کردن مواد درسی برای کودکان و نوآموزان بود. از دیگر سمت های اداری مایلی که قابل ذکر است : معاونت کتابخانه دانشکده ادبیات ، مدیریت کل روابط فرهنگی در وزارت فرهنگ و هنر ، ترجمه دادخواست و لوایح حقوقی دولت ایران برای دادگاه لاهه به زبان های فرانسوی و انگلیسی و عضویت در دفتر خدمات حقوق بین الملل. وی با دائره المعارف بزرگ اسلامی و مدیران و دست اندرکاران آن نشریه نیز همکاری داشت. استاد محمدتقی مایلی در ۲۳ مرداد سال ۱۳۷۲ دار فانی را وداع گفت.گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات انگلیسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدتقی مایلی لیسانسیه زبان فرانسه از دانشگاه تهران و دارای فوق لیسانس در زبان انگلیسی از دانشگاه شیکاگو و گواهینامه تخصص در زبان ایتالیایی از دانشگاه فلورانس و نیز گواهینامه فراغت از تحصیل زبان روسی از خانه فرهنگ انجمن روابط فرهنگی ایران و اتحاد شوروی (وکس) بود. مایلی در رشته های زبان شناسی و کتابداری نیز سال ها در آمریکا تحصیل کرده بود.همسر و فرزندان : از محمدتقی مایلی یک دختر به نام هندو و یک پسر به نام مسیح باقی مانده که هر دو مشغول تحصیل اند.زمان و علت فوت : محمدتقی مایلی در ۲۳ مرداد سال ۱۳۷۲ دار فانی را وداع گفت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدتقی مایلی پس از آنکه از گرگان به تهران رفت در ادرات مرکزی وزارت آموزش و پرورش مصدر خدماتی گردید که بیشتر ترجمه و آماده کردن مواد درسی برای کودکان و نوآموزان بود. از دیگر سمت های اداری مایلی که قابل ذکر است : معاونت کتابخانه دانشکده ادبیات ، مدیریت کل روابط فرهنگی در وزارت فرهنگ و هنر ، ترجمه دادخواست و لوایح حقوقی دولت ایران برای دادگاه لاهه به زبان های فرانسوی و انگلیسی و عضویت در دفتر خدمات حقوق بین الملل. وی با دائره المعارف بزرگ اسلامی و مدیران و دست اندرکاران آن نشریه نیز همکاری داشت.فعالیتهای آموزشی : محمدتقی مایلی پس از پایان دادن به تحصیلات دانشگاهی به عنوان دبیر زبان در دبیرستان های گرگان شروع به تدریس نمود. وی بعدها کار تدریس را در دانشگاه دنبال نمود و به تدریس متون فلسفی انگلیسی پرداخت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمدتقی مایلی خط بسیار زیبایی داشت ، او در ایام جوانی از استاد شریفی تعلیم خط گرفته بود. آثار : اصول تربیت مربی ، بیابان های جهان ، پزشکان بزرگ

مأیوس بخارایی، مأیوس

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اهل بخارا و معاصر نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) بود. شغل منشی‌گری در دربار شاهان داشت. وی در بخارا درگذشت. از اوست:

روز نوروز است و دستار حریفان پرگل است

کوی نومیدی است گویا گوشه‌ی دستار ما

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۳۷)، الذریعه (۹۵۶/ ۹)، صبح گلشن (۳۶۰)، فرهنگ سخنوران (۷۹۷).

مبارک میرزا قاجار

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ق)، نقاش، قلمدان ساز، خطاط و شاعر. در چهره‌پردازی و سایه‌پردازی دقیق و نازک نگار بود و شیوه‌ی استاد صنیع‌الملک را دنبال می‌کرد. او با مکتبهای اروپایی آشنایی داشت و در قلمدان‌سازی و آبرنگ نیز با استعداد بود و شبیه‌سازی و تذهیب را خوب می‌دانست. مبارک میرزا در خوشنویسی نیز دست داشت و شعر هم می‌سرود. وی اواخر عمر خود را در قم گذرانده و همان جا درگذشته است. از آثار او «تصویر تمام قد و آبرنگی رضا قلی خان دیوان بیگی، در شیوه‌ی صنیع‌الملک، به خط نستعلیق زیبا، با رقم: «... مبارک ابن محمود القاجار سنه ۱۲۷۹»؛ تصویر آبرنگی یکی از رجال قاجاری، به نام هدایت که کلاه بوقی به سر دارد، با: «رقم مبارک بن محمود قاجار»؛ قلمدان پرکاری در شیوه‌ی آقا نجف که در وسط رویه آن، تصویر زن جوانی است که سگی را به بغل گرفته است، با رقم: «مبارک بن محمود».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۵۸۹ -۵۸۷/ ۲)، گلستان هنر (پنجاه و دو)، هنر قلمدان (۱۳۶ -۱۳۵).

مبدع تبریزی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اهل تبریز بود و مدتی در اصفهان زرکشی و نخ‌کوبی می‌کرد، لذا به مبدع زرکش و نخ‌کوب مشهور شد. وی معاصر نصرآبادی بود و مدتی قبل از تحریر «تذکره‌ی نصرآبادی» (تألیف شده در ۱۰۸۳ ق) به هندوستان رفت. اشعاری از او در

تذکره‌ها نقل شده است. از اوست:

کرده‌ام غرقه به خون چشم گهرافشان را

رشته‌ی گوهر دل ساخته‌ام مژگان را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تذکره‌ی شـعرای آذربایجان (۵۵۷ -۵۵۶/ ۲)، تذکره‌ی نصـرآبادی (۳۹۲)، دانشـمندان آذربایجان (۳۲۴)، الذریعه (۹۵۷/ ۹)، صبح گلشن (۳۶۱)، فرهنگ سخنوران (۷۹۷)، کاروان هند (۱۲۱۱/ ۲).

مبعلی، ایمان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران متولد ۱۳۶۱

محل تولد ایذه

رده ی سنی بزرگسالان

قد ۱۷۳

وزن ۶۵

پست هافبک

از ده سـالـگی در حـالـی کـه سـن کمی داشت بـه تنهـا زمیـن فوتبـال ایـذه می رفـت و بـه تـنهـایی بـه تمرین شـوت و ضـربات ایسـتگاهی می پرداخت و برای اولین باردرمسابقـات دانش آموزی چهره شــد،در سـال هفتاد و دو به عنوان قهرمان مــهــارت های فـردی ایران دست یافت و در همان ســال به عـضـــویــت تـیــم آموزشـگاهای خوزســتــان در آمـد وی سپس درسن شانزده سالگی با پرسپولیس ایـذه فوتبال را بصورت جـدی دنبال نمود و در سال هفتادوهـفـت به اسـتقلال اهواز آمـد و با این تیم قهرمان کشور شـد، در ســـال هفتـادوهشت توسط بگوویـچ به تیم بزرگسالان فولاد دعوت شـد او در تیم فولاد بازی می کرد که تـوسـط مناجـاتی بـه تیـم ملی جوانـان دعوت شـد و در ســال هفتـاد و نـه توسـط برادو مربی برزیلی تیـم ملـی بزرگسالان نیزبـه تیم ملی بزرگسالان دعوت شـد او همزمان در هر سه رده ملی شـروع به بازی نمودو با تیم ملی امیـد قهرمان بازیهای آسیایی پوسان شد وی تاکنون بیست و هشت بازی ملی انجام داده است

مبلغی، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید مبلغی

محل تولد : لرستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۱ پس از اخـذ دیپلم وارد حوزه علمیه قم شـدم و پس از طی دوره مقـدمات و سـطح که نام برخی از اساتیـد آنرا در کادر وضعیت تحصیلات حوزوی آورده ام در سال ۶۹ به درس خارج فقه واصول مشـغول شدم. کتابهای مقدماتی را تدریس کرده ام. ۴ سال در مجمع التقریب به تحقیق دیدگاههای اصولی و فقهی مشـغول بوده ام. دوره تخصصی کلام اسلامی را گذرانده ام ولی پایان نامه آنرا تکیمل نکرده ام. بیش از ده سال در دانشـگاهها به تدریس دروس اسـلامی اشـتغال داشـته ام و اخیرا نیز در پژوهشگاه دفتر تبلیغات بنای همکاری دارم.

مبینی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی مبینی

محل تولد : میبد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱۱/۲

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه یزد شدم و بعد از گذراندن دوره مقدمات در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم. در قم در کنار تحصیلات حوزوی به تحصیل در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) پرداختم و مدارک کارشناسی در رشته معارف اسلامی و کارشناسی ارشد در رشته دین شناسی را از آنجا اخذ کردم. سپس در دوره دکترای کلام در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شده و اکنون در مرحله تدوین پایان نامه هستم. ضمنا عضو هیأت علمی پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم می‌باشم.

متألهی اردکانی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خوشنویس.

تولد: ۱۲۸۲، اردکان.

درگذشت: ۱۳۶۱.

محمدحسین متألهی اردکانی در سن هفت سالگی به مکتب رفت. نزد استاد مکتبخانه ملا علیرضا قاضی به فراگیری قرآن و دروس دیگر پرداخت. در همین زمان خط نسخ و نستعلیق را نزد پدرش که از خوشنویسان بنام اردکان بود تمرین کرد. در سن پانزده سالگی برای مطالعه دروس حوزه‌ی علمیه به یزد رفت و مدتی در مدرسه‌خان نزد اساتیدی چون آیت‌الله حاج سید یحیی مجتهد (آیت‌اللهی) و حاج شیخ محمود فرساد به مطالعه علوم قدیم پرداخت و سپس به اردکان مراجعت نمود و در حوزه‌ی علمیه‌ی این شهر نزد عموی خود آیت‌الله حاج ملا محمدحسین و آیت‌الله محمد حائری که از مجتهدین و مدرسین مدرسه‌ی علمیه‌ی اردکان بودند تحصیلات خود را ادامه داد.

محمدحسین متألهی اردکانی خوشنویسی را در از پدر خویش و همچنین از آقایان روحانی مانند محمدعلی محقق و محمد حایری و محمد حایریان (مدیر) فراگرفت.

وی امامت مسجد زیرده اردکان و نیز تدریس در مدرسه‌ی عملیه اردکان و تعلیم خوشنویسی را به عهده داشت.

از ایشان در زمینه‌ی خط نسخ و تستعلیق دست نوشته‌هایی به یادگار مانده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

متانت، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا متانت از علماء و ائمه جماعت معاصر کرمانشاه می‌باشند.

ایشان در سال ۱۳۱۰ شمسی در (کنجد جان گلپایگان) متولد شده و تحصیلات مقدمات و ادبیات خود را نزد مرحوم آقا شیخ ابوالقاسم نحوی به پایان رسانده و در کرمانشاه فقه و اصول و فلسفه را از محضر آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسن علامی استفاده نموده و از ابتداء تأسیس مدرسه مرحوم آیت‌اللّه بروجردی تا به حال به تدریس سطوح عالیه مشغول بوده و در مسجد صباغ مشغول به امامت مسجد و ارشاد و تبلیغ مردم کرمانشاه می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

متدین اول، غفار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴ و دکترای شیمی از دانشگاه ایالتی ماساچوست آمریکا در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

استادیار مدرسه عالی پارس تهران از سال ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۵۴، دانشیار دانشگاه آزاد ایران از سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۵۶، دانشیار مدرسه عالی پارس تهران و دانشگاه تربیت معلم تهران از سال ۱۳۵۶ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

معلق نگه داشتن بنتونیت یاتالک در آب به عنوان حامل سموم دفع آفات نباتی، بررسی پسابهای حاوی یونهای فلزات سنگین نظیر مس، سرب، جیوه و کادمیم، آلودگی‌های ناشی از نیروگاههای هسته‌ای، تدریس دروس شیمی عمومی ۱ و ۲، شیمی فیزیک ۱ و ۲ و ۳، طیف سنجی، شیمی کوانتومی، ترمودینامیک آماری و اصول صنایع شیمیایی در دانشگاه تربیت معلم تهران، استاد راهنمای ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شیمی عمومی، شیمی فیزیک، دائره‌المعارف اصطلاحات علمی و فنی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

شیمی فیزیک، تصفیه پسابهای حاوی یونهای فلزات سنگین با استفاده از زائده‌های کشاورزی، میکروب‌زدایی از شامپوها به روشهای فیزیکی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مترجم اصفهانی، محمد هادی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۲۰/ بعد از ۱۱۳۵ ق)، عالم دینی، فقیه و خطاط. به دلیل ترجمه‌ی قرآن و همچنین کثرت ترجمه‌هایش به فارسی، ملقب به مترجم و مشهور به آقا هادی مترجم شد. وی دخترزاده‌ی ملا محمد تقی مجلسی است. در دامن مادر دانشمندش، آمنه بیگم، تربیت یافت و در زمره‌ی علما و زهاد بنام زمان خود قرار گرفت. او از معاصران و در خطاطی، از پیروان شیوه‌ی آقا محمد ابراهیم قمی بود و در خط نسخ به خوشنویسی معروف. در اصفهان درگذشت و در کنار پدرش در بقعه مجلسی به خاک سپرده شد. بر سنگ قبرش تاریخ وفات وی ۱۱۲۰ ق ذکر شده اما از آنجایی که صاحب «روضات الجنات» او را تا زمان فتنه‌ی افغان زنده دانسته، وفات وی پس از ۱۱۳۵ ق صحیح‌تر به نظر می‌رسد. از آثارش: ترجمه‌ی قرآن مجید، به فارسی؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ ترجمه و شرح «صحیفه‌ی سجادیه»؛ «شرح القواعد» یا شرح «قواعد الاحکام» علامه حلی؛ شرح «فروع الکافی»؛ «الحدود و الدیات»، به فارسی؛ ترجمه و شرح «شافیهٔ» و «کافیهٔ» ابن‌حاجب، به فارسی؛ شرح بر «شرح شمسیه» سید شریف جرجانی، به فارسی؛ شرح «تلخیص المفتاح»، به فارسی؛ ترجمه و شرح «معالم الاصول»، به فارسی؛ «انوار البلاغهٔ»، در معانی و بیان؛ «الرسالهٔ الرضاعیهٔ»؛ رساله‌ی «رسم الخط». از دیگر آثارش: ترجمه و شرح «دعای صباح»، به قطع نیم ربعی، متن به خط نسخ و شرح، شکسته‌ی نستعلیق کتابت خفی متوسط، با رقم: «محمد هادی بن محمد صالح مازندرانی در قریه‌ی شریف آباد، سنه‌ی ۱۱۰۸».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۰۲/ ۴)، اطلس خط (۳۵۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۱۴ -۴۱۳/ ۵)، تذکرهٔ القبور (۳۸۵)، الذریعه (۳۱، ۲۸، ۲۳/ ۱۴، ۳۵۹، ۳۳۵، ۳۱۴، ۱۵۲/ ۱۳، ۲۳۱، ۱۹۴/ ۱۱، ۲۹۸، ۴۴/ ۶، ۱۳۷، ۱۲۹، ۱۲۸، ۱۲۷- ۱۰۸/ ۴، ۴۲۰/ ۲)، روضات الجنات (۱۱۷ -۱۱۶/ ۴)، ریحانه (۱۴۹ -۱۴۸/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۰۶ -۸۰۵/ ۱۲).

متصدی‌زاده زرندی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۰۳.

درگذشت: ۱۳۷۳.

محمدعلی متصدی‌زاده زرندی متخلص به «عقبری» بود.از او مجموعه شعری به نام مکتب پروانه (۱۳۷۴) به جا مانده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

متفکر، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین متفکر

محل تولد : مرند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

حسین متفکر متولد ۱۳۴۱، در روستای کشکسرای مرند آی در یک خانواده کاملا مذهبی به دنیا آمد. دوران ابتدایی را در دبستان رازی و مقطع راهنمایی را در مدرسه راهنمایی شیخ هلال روستای کشکسرای با رتبه اول به پایان رساند. در کنار تحصیل به دامداری و کشاورزی نیز مشغول بود. در سال ۵۷-۵۶ وارد دبیرستان شد، سال اول را با رتبه اول به پایان رساند. علاوه بر شرکت در تمامی راهپیماییها، اولین راهپیمایی کشکسرای را سازماندهی کرده و اقدام به سخنرانی علیه شاه نمود که با این فعالیتها تحت تعقیب ساواک قرار گرفت. در این دوران به آموزش نیروهای جوان و انقلابی پرداخته و حدود هزار نفر از افراد کشکسرای و حومه را تحت آموزش قرار داد. در اوایل سال ۵۸ به عضویت رسمی سپاه درآمد. در این زمان و بعد از پیروزی انقلاب در مبارزه با منافقین و حزب توده، چریکهای فدایی خلق، روشنفکرمأبان، متحجرین و مقدس مأبان، شرکت نمود. با شروع مبارزات حزب خلق مسلمان علیه انقلاب متفکر که در تبریز برای مقابله با آنها در اکثر صحنه ها از جمله باز پس گیری صدا و سیما، بخشهایی از دانشگاه تبریز و تصرف مقر حزب خلق مسلمان و برخوردهای خیابانی حضور فعال داشت. در سال ۶۱ عازم جبهه شد و به عنوان مسئول آموزش پیرانشهر مشغول فعالیت شد و به صورت غیر متوالی حدود ۴۵ ماه در جبهه ها حاضر شد.

متقی راد، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا متقی راد

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

قبل از انقلاب اسلامی درسال ۱۳۵۵ ازتهران به قم آمدم و در شهر مقدس قم سکونت اختیار کردم. دروس حوزه علمیه را در مدرسه مبارکه رضویه شروع کردم و از سال ۱۳۵۸رسما در امتحانات حوزه شرکت کردم و اساتید اینجانب حضرات آیات جوادی آملی، فاضل لنکرانی، اشتهاردی، دوز دوزانی، مظاهری، مشکینی و خرازی بوده اند. مدت ۸ سال در پژوهشکده حوزه و دانشگاه (موسسه) به عنوان محقق و عضو گروه مدیریت و مدت ۲ سال در موسسه فرهنگی انتظار نور به عنوان محقق و کارشناس مطالعات و پژوهش همکاری داشته ام. مقالاتی را در برخی مجلات دانشگاهی و غیر دانشگاهی به چاپ رسانده ام و قبلا و عمده فعالیتهایم در بخش برنامه ریزی پژوهشی است و مقالاتی چند در دست تحقیق دارم به مدت یکسال نیز به عنوان مدرس در مدرسه های علمیه کاشان مشغول بوده ام و بخش وسیعی از فعالیتهای اینجانب در تبلیغ معارف اسلامی در دانشگاهها و سایر مراکز مردمی بوده است و در حال حاضر در دانشگاه، دروس معارف و اخلاق اسلامی را تدریس می کنم. دروس دانشگاهی را از سال ۶۹ آغاز کردم و فعلا فارغ التحصیل کارشناسی ارشد رشته مدیریت دولتی هستم.

متقی زاده، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد متقی زاده

محل تولد : سربند اراک

شهرت : متقی زاده

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

احمد متقی زاده

متولد۱۳۴۲ دیپلم تجربی، تحصیلات حوزوی را تا سطح اول در حوزهٔ علمیه بروجرد نزد آیت الله صاحب زمانی و آیت الله جواهری نوه هفتم صاحب جواهر گذراندم و سطح دو و سه را درحوزهٔ علمیه قم نزد اساتید حوزهِٔ علمیه قم حضرت آیت الله سید علی محقق

داماد، آیت الله اعتمادی، آیت الله سبحانی و ... تلمذ نموده ام، درس خارج فقه و اصول به مدت ۵ سال در محضر آیت الله سبحانی ، مرحوم آیت الله میرزا جواد آقاتبریزی، آیت الله مکارم، آیت الله جوادی آملی و آیت الله محمد کریم مروجی شرکت و کسب فیض نموده ام و تحصیلات دانشگاهی کار شناسی در رشته علوم سیاسی و کارشناسی ارشد را نیز در رشته علوم سیاسی و در حال ادامه تحصیل دکتری و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور در حال حاضر هستم . بیش از ۱۵ سال سابقه تدریس در دانشگاههای تهران مثل علامه طباطبایی و شهید رجایی و امام علی دانشگاههای ازاد اسلامی واحد تهران شمال و تهران مرکزی و علوم تحقیقات و پیام نور و علوم اقتصادی و.... هستم.

مسئولیتها در نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاهها : ۱-مسئول اداره نظارت و ارزیابی ۲-مسئول اداره جذب و گزینش نهاد ۳-مدیر ارتباطات و اطلاع رسانی مسئول و راه انداز دانشگاه پیام نور واحد چهاردانگه فعالیتهای پژوهشی: تالیف بیش از ۱۰ جلد کتب و بیش از ۲۰ مقالات علمی پژوهشی تالیفات: ۱-کتاب انقلاب اسلامی ایران و عوامل وقوع ان ۲-تجزیه و ترکیب قرآن کریم ۳-تاریخ تحول دولت در اسلام ۴-آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ۵-یکصد و چهل حدیث اخلاقی از رسول اعظم ۶-آشنایی با اندیشه سیاسی امام خمینی ره و...

متقی زاده، ایرج

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ایرج متقی زاده

محل تولد : لنگرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب از سال ۱۳۶۲ وار حوزه علمیه لنگرود شدم. پس از سه سال وارد حوزه علمیه قم شدم و در سال ۱۳۶۹ در رشته فلسفه دانشگاه شهید بهشتی قبول شدم. همزمان به تحصیل و تحقیق نیز ادامه دادم، بطوری که حدود ۲ سال در قسمت مخزن کتابهای مرجع آیت الله مرعشی نجفی (ره) مشغول تحقیق بودم. از سال ۱۳۶۸ همزمان با تحصیل با جناب آقای محمد دشتی مترجم نهج البلاغه آشنا شدم که این همکاری در موسسات تحقیقات امیرالمومنین (ع) به مدت ۸ سال مستمر ادامه داشت که حاصل تلاش آن چاپ کتابهای زیادی ازجمله شعر و شاعری در نهج البلاغه در دو جلد فرهنگ لغات نهج البلاغه و ... فهرست موضوعی نهج البلاغه که اختصاصا مربوط به اینجانب می باشد. علاوه بر آن شرح و ترجمه کتاب از جرجی زیدان نیز در طول این سالها یکی از کارهای اینجانب بود.

متقی زاده، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله متقی زاده

محل تولد : سربند اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

دوره فوق لیسانس جامعه شناسی را در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با گرایش پژوهشگری گذراندم، سابقه تدریس: از سال ۱۳۶۴ در حوزه علمیه قم ادبیات و اصول و منطق و کلام را به طور مستمر تدریس داشته ام و از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۴ در دانشگاههای مختلف چون علامه طباطبایی، امیرکبیر، دانشگاه آزاد پردیس تفرش و غیره تدریس داشته ام.

تألیفات: سه جلد کتاب در زمینه های ادبیات عرب، جامعه شناسی، بحث جامعه شناسی ارتباطات و جامعه شناسی تغییرات و حدود ۱۶ مقاله علمی، کلامی و اجتماعی نگاشته ام که بعضا به چاپ رسیده و یک کتاب به عنوان آسیب شناسی محرم در دست چاپ است و در طول دفاع مقدس حدود ۱ سال تمام در جبهه ها شرکت داشته ام و عضو خانواده شهدا می باشم و حدود یک سال و نیم در سپاه پاسداران به عنوان تبلیغ و تدریس فعالیت داشته ام و بعد از جنگ در سنگر فرهنگی حدود ۱۲ سال تدریس و تبلیغ در

دانشگاهها و مسئولیت دفتر نهاد رهبری در دانشگاه امیرکبیر واحد تفرش را حدود ۵ سال عهده دار بوده ام و حدود ۷ سال درصدا و سیما در مسئولیتهای گروه فلسفه و کلام و طرح و برنامه رادیو معارف و فعلاً به عنوان مدیریت پژوهشهای برنامه ای و فیلم نامه ای را در مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما عهده دار هستم.

متقی، تقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تقی متقی

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

«تقی متقی » هستم ؛ یعنی «مختصر » آنچه در شناسنامه ام به طور «مطوّل » آمده : محمد تقی پور متقی آلمانی. اشتباه نکنید ! این « آلمان » ، سرزمین معروف ژرمنها نیست. بلکه نام روستای زادگاهم در بخش « خشکبیجار » از توابع شهرستان «رشت » است. طبق روایات حسن — اسم برادر بزرگترم در بهار سال ۱۳۴۰ به دنیا آمدم. به جان شما من که اصلا یادم نیست، اجازه بدهید از سر دبستان و راهنمایی و دبیرستان بپریم، بلکه پرش طول و عرضمان بهتر شود. پس از اخذ دیپلم متوسطه در رشته حسابداری، با همه بی حساب شدم، که چند و چونش بماند برای روز مبادا. از سال ۱۳۶۲ رسما فراگیری دروس حوزوی را در قم آغاز کردم : مدرسهٔ رسالت، خیابان صفاییه، کوچه ممتاز، درست در همین ساختمانی که هم اکنون دفتر حضرت آیت الله العظمی اردبیلی است؛ البته قدیمها این همه جدید نبود! تا یادم نرفته عرض کنم که در سالهای پایانی دبیرستان، فرشته شعر — و علی ما قیل : شیطان شعر به سراغم آمد؛ نه در دامن کوه و جنگل یا ساحل دریا بلکه در اوج امتحانات آخر سال، وسط درس و درس و درس و درست موقعی که رادیو را روشن کردم و مجری برنامه، شعری را زمزمه می کرد. همین زمینه شد تا من نیز جسارت سرودن از سر و کولم بالا برود. و چنین، شعر رفیق گرمابه و گلستانم شد. به همین سادگی.

بازگردیم بـه اصل مطلب. « مقدمات » را در مدرسه رسالت، امام حسن عسکری (ع) فعلی خواندم و « مؤخّرات » را « خارج » مدرسه، در محضر اساتید و ایات عظام : وجدانی فخر، رحمه الله علیه، موسوی تهرانی، استادی، موسوی تبریزی، محقق داماد، اعتمادی، سبحانی، مکارم شیرازی، جوادی آملی و ... در کنار چهار یار همیشگی ام، شعر، نگارش، ترجمه و ویرایش، به عنوان پژوهشگر با « مرکز مطالعات و تحقیقات حوزه نمایندگی ولی فقیه در جهاد کشاورزی » همکاری و سردبیری فصلنامه « فرهنگ جهاد » را به عهده دارم. علاوه بر عضویت در « انجمن نویسندگان کودک » و « انجمن قلم حوزه » و سرگروهی بخش شعر « مرکز تربیت مربی » ، مدیریت « کتابخانه تخصصی ادبیات » نیز بر دوش ناقابل بنده است. از این میان، البته با شعر، صمیمی تر و خودمانی ترم : شعر خردسال، کودک، نوجوان، بزرگسال؛ یعنی شعر در همهٔ سایزهای آن. تا کنون افزون بر ۱۰ عنوان کتاب، تعداد زیادی مقاله از این رهین بی ناصر و معین به چاپ رسیده که در ادامه بر خواهم شمرد. صاحب این قلم اعنی خودکار محترم در بسیاری از کنگره های سراسری « شعر و ادب دانشجویان » ، « شعر و قصه طلاب » و « شعر و قصه کودک مسلمان بلوچ (چوکان انقلاب) » حضور داشته و به ارائه اثر یا داوری آثار پرداخته است.

متکلم نیشابوری، تاج‌الدین حسن

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۱ ق)، ادیب، صوفی و شاعر. مشهور به حسن متکلم. منشأ او نیشابور و محل تربیتش هرات بود. علوم ادبی و شعر را در آن شهر نزد مولانا مظفر هروی فراگرفت. وی از شعرای معروف خاندان کرت و از شاعران مدیح‌سرای دربار ملک غیاث‌الدین (۷۲۹ – ۷۰۷ ق) به شمار می‌رفت. او معاصر فرزندان ملک غیاث‌الدین یعنی ملک شمس‌الدین، ملک حافظ و ملک معزالدین نیز بود. چندی هم نزد شیخ زین‌الدین تایبادی بر طریق تصوف تلاش و مجاهده کرد. شیخ زین‌الدین در مورد وی گفته که مولانا حسن، موضع تجلی و محل ظهور اسم متکلم است؛ و لذا حسن به متکلم شهرت یافت. او در صنایع و بدایع شعری مهارت داشت. در نیشابور درگذشت و قبرش در حوالی مزار شیخ فریدالدین عطار است. بنا به آورده‌ی «الذریعه»، در «شاهد صادق» مرگ وی ۷۷۱ ق ذکر شده است. از آثارش: رساله در «صنایع بدیع»، به اسم ملک غیاث‌الدین؛ «دیوان شعر»، در حدود چهار هزار بیت. در برخی تذکره‌ها قصایدی به وی نسبت داده شده که بیانگر انتساب او به آل سامان است، گرچه صاحب «تاریخ ادبیات در ایران» این

انتساب را صحیح نمی‌داند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۸۵۱ -۸۴۴/ ۳)، تذکرة الشعراء (۳۰۲ -۳۰۱)، الذریعه (۹۵۷، ۲۴۶/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۲۶۰)، مجمع الفصحا (۲۶ -۲۵/ ۴).

متوکلی

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم بن مشاد اصفهانی، از شاعران ایرانی است که به عربی شعر می‌گفت و مذهب شعوبی داشت و از ندمای متوکل عباسی (ه.م) بود.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

متوکلی، ابراهیم

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابواسحق ابراهیم بن ممشاد المتوکّلی الاصفهانی، از اصفهان به عراق رفته، و از ندمای متوکّل عباسی شده، و بدین جهت به «متوکّلی» شهرت یافته، پس از مرگ متوکّل از پسرانش بریده و به یعقوب بن لیث صفاری پیوسته است. از شعرا و بلغا به شمار می‌رود.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

متولی نیشابوری، ابوسعد عبدالرحمان

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۲۷-۴۷۸/ ۴۲۶ ق)، عالم اصولی، فقیه شافعی و متکلم. او شیخ شافعیان بود. در نیشابور به دنیا آمد و در خراسان علوم اسلامی را فراگرفت. وی فقه را در مرو از ابوالقاسم عبدالرحمان فورانی و در مرورود از قاضی حسین بن محمد مروزی و در بخارا از ابوسهل احمد بن علی ابیوردی فراگرفت و در فقه و اصول و خلاف برآمد و سرآمد اقران خود شد. او از ابوالقاسم قشیری و ابوعثمان صابونی و ابوحسین عبدالغافر بن محمد فارسی و ابوعبداللّه طبری و ابوعمرو محمد بن عبدالعزیز قنطری و دیگران حدیث شنید. در نظامیه بغداد پس از درگذشت ابواسحاق شیرازی تدریس کرد تا اینکه در ۴۷۶ ق عزل گردید و ابن‌صباغ، صاحب «الشامل»، جای او را گرفت. در ۴۷۷ ق با عزل ابن‌صباغ مجددا منصوب گردید و تا زمان وفات به تدریس در آنجا مشغول بود. در بغداد درگذشت و در مقبره‌ی باب ابرز دفن شد. از آثارش: «الغنیة فی الاصول»؛ «تتمة الابانة»، در تکمیل «الابانة» استادش، ابوالقاسم فورانی؛ کتابی مختصر در فرائض، به نام «فرائض المتولی»؛ کتابی بزرگ در «خلاف»؛ کتابی مختصر در «اصول‌الدین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۹۸/ ۴)، ایضاح المکنون (۱۵۰/ ۲)، ریحانه (۱۷۵ -۱۷۴/ ۵)، سیر النبلاء (۵۸۶ -۵۸۵/ ۱۸)، شذرات الذهب (۳۵۸/ ۳)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۱۰۸ -۱۰۶/ ۵)، العبر (۳۳۸/ ۲)، الکامل (۱۳۹/ ۸)، کشف الظنون (۱۲۵۱، ۱)، الکنی و الالقاب (۱۴۵/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۶۶/ ۵)، المنتظم (۵۸۹/ ۹)، الوافی بالوفیات (۲۲۵ -۲۲۴/ ۱۸)، وفیات الاعیان (۲۷۷/ ۱)، هدیة العارفین (۵۱۸/ ۱).

متین اصفهانی، عبدالرضا

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۰۳-۱۱۷۵ق)، شاعر، متخلص به متین. نسبش به مالک اشتر نخعی می‌رسد. پدرش اهل نجف بود، مدتی در اصفهان اقامت گزید و متین در این شهر به دنیا آمد. او از شعرای دوره‌ی زندیه بود. در بیست سالگی، پس از فراگیری فنون شعر در اصفهان، در زمان شاه عالم بهادر (۱۱۲۴ -۱۱۱۹ ق) به هندوستان رفت و ملازمت برهان‌الملک سعادتعلی‌خان نیشابوری، ناظم ناحیه‌ی اوده، را اختیار نمود. بعد از او به ملازمت ابومنصورخان صفدر جنگ نیشابوری، جانشین برهان‌الملک رسید. متین در اکثر اشعارش از محمدعلی حزین پیروی می‌کرد و در فن معما نیز مهارت داشت. وی در ۱۱۷۵ ق به بنگاله رفت و در آنجا درگذشت. صاحب «نتایج الافکار» سال مرگ وی را ۱۰۷۵ ق ذکر کرده است و همچنین پاره ای از منابع نام او را عبدالرزاق آورده‌اند. از آثارش: «دیوان» شعر، حدود دوازده هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۷۱۲ -۷۱۰)، دویست سخنور (۳۶۱ -۳۶۰)، الذریعه (۹۵۸/ ۹)، سرو آزاد (۲۲۷ -۲۲۶)، فرهنگ سخنوران (۷۹۷)، کاروان هند (۱۲۱۳ -۱۲۱۱/ ۲)، نتایج الافکار (۶۶۷ -۶۶۵).

متین دفتری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۰ -۱۲۷۵ ق)، حقوقدان، نویسنده و مترجم. نام پدرش در بعضی مآخذ محمودخان و در بعضی محمدحسین ذکر شده است، در حالی که محمدحسین نام جد وی می‌باشد. متین در تهران به دنیا آمد. در شش سالگی به لقب سابق پدرش، اعتضاد لشکر، و به گفته خویش اعتضاد خاقان، ملقب شد و شغل پدر را که همان لشکرنویسی بود اختیار نمود. او بعدها ملقب به متین‌الدوله گردید. وی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی، تحصیلات متوسطه را در مدرسه‌ی آلمانی تهران به پایان برد و زبان‌های فرانسه و انگلیسی و آلمانی را آموخت. سپس به استخدام وزارت امور خارجه درآمد. متین دفتری، در ۱۳۰۵ ش، به وزارت دادگستری وارد شد و پس از چندی به اروپا رفت و موفق به دریافت درجه‌ی دکترای حقوق گردید. وی در ۱۳۱۸ ش نخست وزیر شد. او چند دوره سناتور و در دوره‌ی پانزدهم مجلس شورا نماینده‌ی مردم مشکین‌شهر بود. از آثارش: «آیین دادرسی مدنی و بازرگانی»، در سه مجلد؛ «روابط بین‌المللی از قدیم‌الایام تا سازمان ملل متحد»؛ «تاریخ مختصر حقوق بین‌الملل»، ترجمه؛ «سیاست جزایی»، فارسی و فرانسه؛ «احکام تفصیلی هیئتهای عمومی دیوان کشور»؛ «انجمن آثار ملی ایران»، ترجمه؛ «دخالت مستقیم دولت در اقتصاد کشور»؛ «رویه‌ی قضایی»، در چهار بخش؛ «کلید استقلال اقتصادی ایران».[۱]

استاد ممتاز دانشگاه، حقوقدان و محقق بین‌المللی، سیاستمدار، فرزند محمود دفتری (عین‌الممالک) فرزند میرزا حسین وزیر دفتر فرزند میرزا هدایت‌الله وزیر دفتر فرزند میرزا حسین آشتیانی فرزند میرزا کاظم مستوفی‌الممالک فرزند میرزا محسن آشتیانی است. میرزا محسن از رجال و معاریف اوایل زندیه می‌باشد اولاد و احفاد وی در یکصد و پنجاه سال اخیر از حکومتگران ایران بوده‌اند. خانواده‌های وثوق الدوله، قوام‌السلطنه، معتمدالسلطنه، مصدق‌السلطنه، متین دفتری، دفتری، معاون، فرهاد معتمد، شکوه، دادور و میکده همگی از نسل همین میرزا محسن آشتیانی هستند.

متین دفتری در ۱۳۱۴ ه.ق در تهران تولد یافت. هنوز به شش سالگی نرسیده بود که توارثا منصب لشکرنویسی فوجهای دماوند و فیروزکوه و پیاده سیستان و مظفر تبریز به او رسید. این شغل قبلا شغل پدرش بوده و پس از آنکه مرحوم به مقام مستوفی ارتقاء یافت به فرمان مظفرالدین شاه با عنوان جناب و لقب اعتضاد لشکر و بعد متین‌الدوله به او واگذار گردید. او از همان اوقات تحصیلات خود را در مکتب خانه جدش وزیر دفتر شروع کرد. پس از یاد گرفتن مقدمات به آموزش زبان عربی و ادبیات فارسی و جغرافیا و حسن خط پرداخت و علوم آن روز را به حد کامل آموخت. سپس وارد مدرسه ایران و آلمان که به خرج دولت آلمان و ایران تأسیس شده بود گردید و مدت هشت سال در آنجا به تحصیل پرداخت و زبانهای فرانسه، انگلیسی و آلمانی را به حد کامل یاد گرفت و زبان عربی و معارف اسلامی را نزد شیخ محمد عبده تکمیل نمود؛ ضمنا در آموزش بعضی از دروس مدرسه حقوق جدیت تام به خرج داد. در اوایل جنگ بین‌الملل اول وارد وزارت امور خارجه گردید و در اداره تحریرات روس مشغول کار گردید؛ همزمان همکاری خود را با مطبوعات آغاز کرد و در روزنامه عصر جدید اخبار روزنامه رویتر را ترجمه می‌کرد و ضمنا مقالات مستقل هم می‌نوشت. متین دفتری هنگامی که در وزارت خارجه اشتغال داشت تحصیلات خود را ادامه داد و یک دوره کامل فقه و اصول و ادبیات عرب را نزد آقا سید اسدالله خارقانی که ملای روشنفکری بود تحصیل نمود. پس از جنگ بین‌الملل اول با مشارکت مصدق‌السلطنه و نصرت‌الدوله و نظام‌السلطنه و ذکاءالدوله غفاری مجله‌ای به نام مجله علمی دائر کردند که چند سالی انتشار آن دوام داشت. پس از تعطیل مجله علمی به روزنامه ستاره ایران و زبان آزاد پیوست و در حزب دموکرات عضو فعال گردید. از ۱۲۹۸ نیز دوره مدرسه عالی حقوق را گذراند. به هنگام نخست‌وزیری وثوق‌الدوله با کمک عبدالرحمن بیک قنسول عثمانی در تهران که نزد متین دفتری زبان آلمانی فرا می‌گرفت طرح سجل احوال را در ایران تهیه و تسلیم رئیس دولت کرد. برمبنای همان طرح از آن تاریخ شناسنامه در ایران بوجود آمد و بعدها جنبه‌ی قانونی پیدا کرد.

در ۱۳۰۱ ش با حفظ سمت در وزارت امور خارجه نماینده مصدق‌السلطنه والی آذربایجان در تهران شد. در آن هنگام هریک از ولاه یک نماینده در تهران تعیین می‌نمودند که کارهای ایالت را در دوایر دولتی مرکز تعقیب کند.

چندی هم مستشار ایرانی و مترجم سفارت آلمان بود. آخرین سمتی که در وزارت امور خارجه بدست آورد ریاست اداره عهود و جامعه ملل بود که در سازمان جدیـد وزارت خارجه از ادغام چند اداره تشکیل یافته بود. کتابهای کلید اقتصادی ایران و کاپیتولاسیون از تحقیقات و مطالعات دوران وزارت خارجه اوست که همان موقع چاپ و انتشار یافت.

در ۱۳۰۶ ش داور اختیارات اصلاح دادگستری را گرفت و در همان سال عدلیه با سازمان و افراد جدید فعالیت خود را آغاز کرد. متین دفتری و پدرش عین‌الممالک هر دو از افرادی بودند که به دعوت داور به خدمت قضا اشتغال ورزیدند و با رتبه قضائی اولی به دادیاری و بعد به مستشاری استیناف و دومی به مستشاری دیوان جزای عمال دولت برگزیده شدند.

متین دفتری قریب دو سال در امر قضا با داور همکاری نزدیک داشت و او را در برنامه‌های سنگینی که عهده‌دار شده بود یاری می‌نمود. در ۱۳۰۸ ش داور را برای مطالعه در سازمان قضائی فرانسه و ادامه تحصیل به اروپا فرستاد و او ضمن کارآموزی در دادگاههای پاریس و ژنو و برلن دوره دکترای حقوق را در سویس پایان برد. پس از مراجعت از اروپا مدتی مدیر کل و معاون اداری بود تا سرانجام در ۱۳۱۰ به معاونت کل وزارت دادگستری منصوب گردید و در تهیه و تدوین قوانین مهمی چون قانون

مدنی، قانون تجارت، آئین دادرسی حقوقی و بازرگانی و اصول محاکمات جزا نقش اساسی داشت. در ۱۳۱۱ مدتی در غیاب داور که به اروپا سفر کرده بود عهده‌دار کفالت وزارت دادگستری شد. در همین سمت پرونده تیمورتاش بدست او آماده طرح در دادگاه گردید. در ۱۳۱۲ داور به وزارت دارائی انتقال یافت و قرار بود متین دفتری به وزارت دادگستری منصوب شود ولی رضاشاه ترجیح داد یکی از قضات قدیمی عهده‌دار این سمت گردد و لاجرم صدرالاشراف دادستان کل به وزارت دادگستری منصوب شد ولی عملا کارهای مهم وزارتخانه از قبیل تهیه لوایح و دفاع از آن در کمیسیونهای دادگستری با معاون کل بود.

متین دفتری در ۱۳۱۳ هنگام تأسیس دانشگاه تهران برای احدی تصدی استادی کرسی حقوق جزای خصوصی به دانشکده حقوق دعوت شد و قریب چهل سال بدون وقفه در آن دانشکده تدریس می‌نمود. در همان سال بدنبال تشکیل جمعیت طرفداران سازمان ملل به دبیر کلی آن جمعیت برگزیده شد.

داور برای تعقیب اصلاحات دادگستری و تکمیل خدمات خود تلاش می‌نمود تا متین دفتری که دست پرورده او بود به مقام وزارت برسد. سرانجام در ۱۳۱۵ صدرالاشراف از وزارت معزول و متین دفتری جای او را گرفت.

دکتر متین دفتری در خاطرات خود درباره انتصاب به وزارت دادگستری چنین می‌نویسد: «در تابستان ۱۳۱۵ به مناسبت این که مدتی بود جمعیت طرفدار جامعه ملل را هم من در دانشکده حقوق ضمن تدریس در آنجا به موازات کارهای معاون وزیر دادگستری اداره می‌کردم به دعوت مسیو آونول دبیر کل جامعه ملل به اتفاق همسرم از راه زمینی بغداد و بیروت عازم ژنو شدم و صبح روزی که کشتی مرکوب، پس از یک هفته مسافرت بسیار مطبوع در آبهای مدیترانه وارد بندر تریست می‌شد به من در رستوران کشتی خبر رسید که رئیس شهربانی بندر برای ملاقات من به سالن کشتی آمده است و در چند ثانیه با خیالات مشوش از پلکان رستوران به طرف سالن بالا می‌رفتم افسری با انیفورم پرزرق و برق دیدم که با بلند کردن دست و سلام فاشیستی استقبالم کرد و پاکتی به دست من داد. آن را گشودم تلگرافی بود به امضای آقای محمد ساعد مراغه وزیر مختار ایران در رم در یک جمله کوتاه با این عبارت تکان‌دهنده «حسب‌الامر فورا به تهران مراجعت فرمائید.» بدون هیچ توضیحی که همین ابهام انسان را همیشه دچار توهمات و حدسیات بدی می‌کند مراجعت با کشتی که زودتر از یک هفته حرکت نمی‌کرد عملی نبود ناچار با راه‌آهن حرکت کردم که پس از عبور از سویس و آلمان از راه روسیه به ایران برگردم به ژنو که رسیدم نصرالله انتظام در هتل بدیدنم آمد و از منصورالسلطنه نماینده ایران در جامعه ملل پیغام آورد به موجب تلگرافی که از وزارت خارجه رسیده است من مجاز نیستم در ژنو با دبیر کل جامعه ملل تماس بگیرم و به اصطلاح در آنجا آفتابی شوم و اضافه می‌کرد منصورالسلطنه از وصول این تلگراف برای من نگران شده است اما من با اعتماد به نفس به سفر بازگشت ادامه دادم و روزهای طولانی این مسافرت را در آن اوان که هنوز هواپیمای کشوری و تجارتی بین‌المللی دائر نشده بود در راه‌آهن بطئی‌السیر روسیه طی می‌کردم و روزی که کشتی ما وارد بندر پهلوی شد و نمی‌دانستم چه سرنوشتی در انتظار من است دیدم اتومبیل وزارت دادگستری جلوی بندر حاضر است و در آنجا مطلع شدم شاه از محاکمه جزائی عده‌ای که در زمان تصدی آقای علی منصور در وزارت راه مشاغلی به عهده داشتند و متهم شده بودند ناراضی است و وزیر دادگستری از خدمت معاف شده است.»

متین دفتری مدت سه سال وزیر دادگستری بود و با همان شدت و حدت که در داور وجود داشت وضع قوانین جدید را ادامه داد. در ۱۳۱۷ به عضویت فرهنگستان برگزیده شد و در همان سال در رأس سازمان جدیدی به نام سازمان پرورش افکار قرار گرفت. سرانجام در آبان ماه ۱۳۱۸ به هنگام افتتاح مجلس دوازدهم از طرف رضاشاه نخست‌وزیر شد.

او درباره نخست‌وزیر شدن خود در خاطراتش چنین می‌نویسد: «یک شب در هیئت وزیران که من هنوز وزیر دادگستری بودم و تازه جنگ جهانی دوم شروع شده بود شاه یک مسئله مهم بین‌المللی را برای یک اقدامی که در نظر داشت مطرح کرد و عاقبت به همه امر فرمود مقاله‌ای بنویسند و بوسیله رئیس دفتر مخصوص هرچه زودتر به عرض برسانند، عینا مثل یک امتحان کتبی که معلم به شاگردان خود می‌دهد. روزی که من مقاله خود را تسلیم کردم مرحوم شکوه اظهار داشت شاه فرموده‌اند برای بهترین مقاله جایزه درنظر گرفته‌اند. از جایزه خبری نشد و شاه هم راجع به آن موضوع دیگر چیزی نفرمودند ولی چندی نگذشت که روز افتتاح مجلس (دوره دوازدهم قانونگزاری) که علی‌الرسم دولت مستعفی و کابینه جدید معرفی می‌شود شاه من را مأمور تشکیل کابینه فرمودند. من چون خودم هیچ اقدامی برای احراز این مقام نکرده بودم و اصلا در آن زمان این گونه تشبث‌ها مجاز و معمول نبود حدس زدم که مقاله من در این تصمیم شاهانه شاید بی‌تأثیر نبود یا لااقل یکی از عوامل آن بوده است».

نخست‌وزیری متین دفتری زیادی طولانی نشد. در تیرماه هزار و سیصد و نوزده یعنی پس از ۸ ماه زمامداری مغضوب و از کار برکنار و مدتی در بازداشت و تا شهریور بیست در منزل خود تحت‌نظر بود. در ۱۳۲۲ از طرف متفقین به جرم ژرمانوفیلی بازداشت شد. مدتی در اراک و مدتی در رشت در اسارت انگلیس و روس بسر برد تا سرانجام از این مخمصه جان سالم به در برد. در بهمن ۱۳۲۴ که وضع کشور در اثر وقایع آذربایجان رو به وخامت می‌رفت و تدابیر حکیمی بی‌ثمر ماند، مجلس چهاردهم در روزهای آخر عمر خود قوام‌السلطنه را با اکثریت بسیار ضعیفی به نخست‌وزیری انتخاب کرد. قوام برای استحکام کابینه خود دو تن از نخست‌وزیران سابق را به عضویت کابینه دعوت کرد؛ سهام‌السلطان بیات را برای وزارت دارائی و دکتر متین دفتری را برای وزارت مشاور. بعد با تعیین سایر وزیران قوام هیئت دولت را به شاه معرفی کرد ولی هنگام معرفی وزیران به مجلس از معرفی متین دفتری خودداری نمود. متین دفتری در این زمینه در یادداشت‌های خود چنین متذکر شده است. «در اواخر دوره چهاردهم مجلس شورای ملی در ایامی که اختلافات ایران و شوروی در آذربایجان برپا شده بود آقای قوام به نخست‌وزیری منصوب شد. ایشان قبل از تشکیل کابینه به این فکر افتادند که هیئت بزرگ و برجسته‌ای مرکب از بعضی رجال به مسکو اعزام دارند و آن موقع تصمیم نداشت شخصا به این مسافرت برود لذا به اینجانب مراجعه و اظهار کرد میل دارم شما که در امور بین‌المللی وارد می‌باشید و تخصص در چنین مسائل دارید ریاست این هیئت را قبول و به اتحاد جماهیر شوروی مسافرت کنید و بعد برای اینکه این هیئت به دولت انتساب نزدیکتری داشته باشد تکلیف قبول وزارت مشاور را نمود و اینجانب هم نظر به اوضاع باریک آنروز که در منتهای وخامت و تیرگی بود با این نظر موافقت و مشغول مطالعه سوابق کارهای مربوط به مأموریت مسکو گردیدم. روز ۲۵ بهمن ۱۳۲۴

من و سایر اعضاء کابینه به اعلیحضرت همایونی معرفی شدیم و فرمانی دائر بر وزارت مشاور من صادر گردید. مظفر فیروز و بعضی اشخاص دیگر که نقشه‌هائی داشتند از شرکت من در کابینه نگران شده و یقین داشتند با بودن دکتر متین دفتری در کابینه عرصه بر آنها تنگ خواهد شد و نخواهند توانست قوام را هرطور بخواهند بگردانند. بدین جهت به قوام اینطور تلقین کردند که اگر دکتر متین دفتری چندی در دولت بماند کارها را قبضه خواهد کرد و جای شما را خواهد گرفت. اما حقیقت این بود که عمال نفت جنوب میل داشتند کسانی به مسکو بروند که مورد اعتماد خودشان باشند و با دکتر متین دفتری مخالف بودند، برای این که از او در زمان نخست‌وزیری‌اش صدمه خورده و برای انتقام هنگام اشتغال ایران به زندان متفقینش انداخته بودند و این نکته روزی به ثبوت رسید که در حبس متفقین از من استنطاق کرده بودند چرا در زمان نخست‌وزیری به کمپانی فشار می‌آوردی و می‌خواستی امتیاز ۱۹۳۳ را ملغی کنی. دست‌نشاندگان مصطفی فاتح به قوام فشار آوردند که دکتر متین دفتری را به مجلس معرفی نکند. قوام که از هر طرف گرفتار عمال اجنبی شده بود بودن ذره‌ای استقامت از آقای سید محمد صادق طباطبائی رئیس مجلس شورای ملی خواهش کرد که دکتر متین دفتری را ملاقات و به ایشان اطلاع دهند که فراکسیون حزب توده در مجلس مخالف شرکت ایشان در کابینه است و در موقع معرفی به مجلس جنجال برپا خواهند کرد چه خوب است از وزارت استعفا دهید.»

متین دفتری با وجودی که عده‌ای چون طباطبائی و سهام‌السلطان و مظفر فیروز به او تکلیف استعفا کردند نپذیرفت و قوام نیز او را به مجلس معرفی نکرد.

در انتخابات دوره پانزدهم که کلا به دست حزب دموکرات قوام‌السلطنه انجام گرفت متین دفتری یکی از نه کاندیدای دکتر مصدق برای مجلس بود. برای جلوگیری از رویه حزب و بی‌طرفی در انتخابات متین دفتری به اتفاق عده‌ای از رجال در دربار متحصن شدند ولی این تحصن نتیجه‌ای نداد و انتخابات تهران مطابق میل قوام‌السلطنه انجام گرفت. متین دفتری با وجودی که قوام‌السلطنه و حزب دموکرات از یکطرف و رزم‌آراء رئیس ستاد ارتش از طرف دیگر مخالف انتخاب وی به نمایندگی مجلس بودند در همان دوره از صندوق مشگین شهر سر درآورده و در زمره وکلای دوره پانزدهم قرار گرفت. هنگام طرح اعتبارنامه او عباس نراقی وکیل کاشان و عضو فراکسیون دموکارت ایران که یکی از پنجاه و سه نفر محکومین توده‌ای دوره وزارت دادگستری متین دفتری بود به مخالفت پرداخت و یکی از وکلای آذربایجان از او دفاع کرد. سرانجام اعتبار نامه او به تصویب رسید. متین دفتری برای ساقط کردن کابینه قوام‌السلطنه دست به اقدامات دامنه‌داری زد، نطق مفصلی راجع به جریان انتخابات تهران نمود. باید او را یکی از عوامل سقوط قوام به حساب آورد.

در ۱۳۲۸ شاه تصمیم به تشکیل مجلس مؤسسان و تغییر در قانون اساسی به نفع خود نمود. برای اینکه کار خود را موجه قلمداد کند عده زیادی از رجال صدر مشروطیت که در آن تاریخ حیات داشتند و همچنین تنی چند از رجال حقوقدان را به کاخ خود دعوت کرد و منظور و مقصود خود را برای تشکیل مجلس مؤسسان و تغییر مواد قانون اساسی مطرح کرد و سران قوم همه نظر شاه را تأیید کردند. تنها متین دفتری در آن جلسه به مخالفت پرداخت و شاه را از شبیخون زدن به قانون اساسی برحذر داشت و سرنوشت شاه را با عاقبت محمد علی شاه مقایسه نموده بود. سخنان متین دفتری در آن جلسه به اندازه‌ای تند و شدید بود که سرانجام شاه به او گفته بود «خفه شود فضولی نکن».

اولین انتخابات مجلس سنا که توسط طبقه باسواد و به طریق دو درجه‌ای انجام گرفت متین دفتری سناتور دوم تهران شد. در اوایل ۱۳۲۹ که شایعه نخست‌وزیری سپهبد رزم‌آرا در اذهان قوت گرفت او به مخالفت برخاست و روزی که شاه فرمان نخست‌وزیری او را توشیح کرد به ملاقات شاه رفت و از سوء تدبیر شاه در انتخاب رزم آرا و ظهور دیکتاتور جدید، شاه را مذمت و لعن و نفرین کرد. او به شاه گفته بود با این عمل جسد پدر خود را آتش زدی. در مجلس سنا در صف اول مخالفین رزم‌آرا قرار گرفت، با وجودی که دو برادرش از همکاران نزدیک رزم‌آرا بودند- سرتیپ دفتری ریاست شهربانی و دکتر عبدالله دفتری وزیر اقتصاد را برعهده داشتند، متین دفتری با برنامه دولت به شدت مخالفت کرد و طی سخنان طولانی از سناتورها تقاضا نموده که به او رأی اعتماد ندهند و رزم‌آرا با تلاش فراوان و برخورداری کامل از حمایت شاه رأی اعتماد ضعیفی در مجلس سنا بدست آورد.

در ۱۳۳۰ متین دفتری از طرف مجلس سنا به اتفاق دو سناتور دیگر مأمور نظارت در اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت و خلع ید از شرکت غاصب انگلیسی شد. احاطه وی به مسائل بین‌المللی موحب شد قانون مزبور بدون درد سر به مرحله اجرا درآید. او در معیت دکتر مصدق به سازمان ملل رفت و نفوذ وی در بین نمایندگان سازمان ملل تأثیر شگرفی بر جای گذاشت. در ۱۳۳۱ وقتی لایحه مصادره اموال قوام‌السلطنه دشمن دیرین او را پس از تصویب مجلس شورای ملی به مجلس سنا بردند در کمیسیون دادگستری که ریاست آن با متین دفتری بود به سختی ایستادگی نمود و آن را مخالف قانون اساسی دانست. همان استقامت او موجب انحلال مجلس سنا در دوره مصدق گردید.

بعد از کودتای ۲۸ مرداد که حکومت کشور به دست سپهبد زاهدی به راه دیکتاتوری کشیده شد، متین دفتری در مقام مقابله با دولت برآمد و از انتخابات دوره هیجدهم مجلس شورای ملی و دوم سنا انتقاد کرد و نامه سرگشاده‌ای به انجمن نظار انتخابات دوره دوم مجلس سنا نوشت و سرانجام طی نامه‌ای که به جراید فرستاد انتخابات را تحریم نمود ولی پس از انجام انتخابات متین دفتری این بار به عنوان سناتور انتصابی به سنا رفت و از این تاریخ تا به هنگام مرگ دیگر آن شور و هیجان سابق را نداشتند، فقط در تنقیح لوایح دولت می‌کوشید، گاهی نیز در مخالفت با دولت‌ها برمی‌آمد. در حکومت منصور در ۱۳۴۳ که منجر به افزایش بهای نفت و بنزین شد او مردانه ایستاد ولی پس از آن سکوت اختیار کرد؛ به همین سبب تا آخر عمر شغل سناتور انتصابی را برای خود حفظ نمود. در اواخر عمر برای حفظ خویش، از مدیحه سرائی و تجلیل از مقام سلطنت خودداری نمی‌کرد و بیشتر دلخوش به ریاست کمیسیون دادگستری مجلس سنا و ریاست کمیسیون بین‌المجالس و ریاست جمعیت طرفداران سازمان ملل در ایران و مسافرتهای متعدد مجانی بود.

دکتر احمد متین دفتری در تیرماه ۱۳۵۰ در تهران درگذشت و در باغچه علیجان حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد. متین دفتری مردی به تمام معنی دانشمند و محقق بود، در مسائل حقوقی خاصه امور بین‌المللی تبحر داشت، به طوری که دانش او در این زمینه

مورد تأیید خارجیان بود. با غالب رجال بزرگ هم عصر خود در دنیادوستی و مراوده داشت، دقیقه‌ای از مطالعه غافل نبود، به تدریس در دانشگاه عشق می‌ورزید، حتی در دوران نخست‌وزیری خود هم در کلاس درس حضور می‌یافت. سه مجلد آئین دادرسی مدنی و بازرگانی نشانگر تبحر و احاطه او به درس دانشگاهیش می‌باشد. وقتی در ۱۳۴۹ او را بازنشسته و استاد ممتاز نمودند به اندازه‌ای متأثر و غمگین شد که مرتبا می‌گفت استاد ممتاز یعنی تشییع جنازه در زمان حیات.

متین دفتری از تمکن مالی برخوردار بود، ولی فوق‌العاده خسیس و صرفه‌جو بود و از این رو همه ساله به ثروت او اضافه می‌شد وقتی بین او و حائری‌زاده اختلاف نظر حاصل شد و از تریبون مجلس شورای ملی و از میز خطابه مجلس سنا به لجن مال کردن یکدیگر پرداختند حائری‌زاده به او نسبت سوء استفاده داد و حتی او را متهم کرد یکی از ساختمانهای او در خیابان لاله‌زار نو دستخوشی است که از کمپانی اشکودار برای ساختن کاخ دادگستری گرفته است. ولی چنین چیزی صحت ندارد، او ذاتا مردی ممسک بود و از طریق توارث نیز مال زیادی برده بود ولی از جوانی به علت سخت بودن در معامله به ثروت خود افزود. خوب به خاطر دارم او کتابهای دانشگاهی خود را برای اینکه پورسانتی به کتاب فروش ندهد شخصا در دانشکده به دانشجویان عرضه می‌نمود و در پشت کتاب نیز امضاء می‌نمود اگر دانشجوئی کتاب بدون امضای او را در دست داشت مواخذه می‌شد.

متین دفتری از زمره رجالی است که دشمنان پروپا قرصی داشت و تا آخر عمر از این دشمنیها بی‌بهره نبود، گرچه تولد و شکوفائی او در دوره دیکتاتوری رضاشاه بود ولی همیشه با دیکتاتوری و قانون‌شکنی مبارزه می‌کرد یا حداقل تظاهر به این موضوع می‌نمود. پس از شهریور ۲۰ که تب حمله انتقاد به رضاشاه بالا گرفت. متین دفتری هم که مدتی وزیر و نخست‌وزیر آن عصر بود از تهمت و افترا مصون نماند. مخصوصا حزب توده برای انتقام‌گیری از بازداشت ۵۳ نفر که در دوره وزارت دادگستری او انجام یافته بود چه نسبتها که به او نداد. سازمان پرورش افکار و یا به قول متین دفتری افسانه دستبند زدن به قاضی زنجان را آنچنان بزرگ و مهیب نمودند که هیچ کانون وکلائی قادر به دفاع از آن نبود.

رویهمرفته دکتر احمد متین دفتری مردی باسواد و حقوقدان، باهوش، با پشتکار، و در عین حال جاه طلب، پول دوست، به اقتضای زمان مطیع، متظاهر و خودپسند بود. او تصور می‌کرد همه به او دین دارند و دامنه توقعات او از مردم بسیار زیاد بود. او به سه زبان دنیا یعنی فرانسه و انگلیسی و آلمانی تسلط داشت. زبان فارسی و عربی را بخوبی آموخته بود، بسیار شیرین و دلنشین چیز می‌نوشت، به همان میزان که در نوشتن مسلط بود در نطق و بیان عاجز و قاصر بود. او در جوانی با یکی از دختران مصدق‌السلطنه عموی پدر خود عقد نکاح بست و صاحب دو پسر و یک دختر گردید. یکی از پسرانش علم حقوق خواند، دیگری زیست‌شناسی را تعقیب کرد، یگانه دخترش هم نقاش قابلی بود.

تألیفات متعددی دارد از جمله کلید استقلال اقتصادی ایران، کاپیتولاسیون، محاکمات فوری، دخالت مستقیم دولت در اقتصاد، آئین دادرسی مدنی و بازرگانی سه جلد، حقوق جزای خصوصی، روابط بین‌المللی از قدیم‌ترین ایام. ضمنا همه ساله قسمتی از خاطرات خود را نوشته با نثر خوب به عنوان پیام نوروزی تهیه و به دوستان هدیه می‌نمود. حین‌الفوت ۷۳ سال داشت. دکتر متین دفتری سالها پروانه وکالت دادگستری داشت به همین دلیل پس از فوت مرحوم آسید هاشم وکیل، وکلای دادگستری او را به ریاست کانون انتخاب کردند، لیکن پرتو وزیر وقت دادگستری با او از در مخالفت درآمد و نگذاشت او در رأس کانون باقی بماند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ بیست ساله‌ی ایران (۴۳۸ -۴۳۷/ ۶)، خاطرات یک نخست وزیر، الذریعه (۱۳۱/ ۱۸ ،۲۷۱/ ۱۲ ،۳۰۸/ ۱۱ ، ۵۰/ ۸)، روزشمار تاریخ (۲۵۳/ ۲ ،۴۱۲، ۳۸۴، ۳۲۱، ۳۲۰، ۳۱۶، ۳۱۵- ۳۱۱، ۳۰۴، ۲۷۶، ۲۶۹، ۲۶۲، ۲۱۵، ۱۷۸/ ۱)، شرح حال رجال (۳۳ -۳۲/ ۶)، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی (۸۶/ ۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۷۰، ۲۰۶۰، ۲۰۵۰، ۱۷۹۶، ۱۷۵۲/ ۲ ،۱۳۵۸، ۷۴۸، ۳۵۰، ۱۲۰، ۸۰/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۲۰)، مؤلفین کتب چاپی (۴۵۶ -۴۵۴/ ۱)، نخبگان سیاسی ایران (۵۴۸/ ۴ ،۱۷۸ -۱۷۷/ ۳)، نخست‌وزیران (۲۲۹، ۵۸، ۵۵/ ۱).

مثال قهپایه‌ای، تقیا

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۷۶ ق)، شاعر، متخلص به مثال. مدتی ملازم میرزا مؤمن شهرستانی، متولی آستان قدس رضوی بود. بعد از درگذشت میرزا مؤمن ملازم مرتضی قلیخان، متولی مزار صفی‌الدین اردبیلی و عهده‌دار دفتر قورچیان گردید و بعد از آن به اصفهان رفت و ملازمت میرزا علیرضا، شیخ‌الاسلام اصفهان، را اختیار نمود. «فرهنگ سخنوران» نام او را به صورت تقیا (محمدتقی) ذکر کرده است. اشعاری از وی در تذکره ها آمده است. از اوست:

کریم را نبود دستگاه بخشش تنگ

مرا خجالت عذر گناه می‌سوزد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۹۷)، الذریعه (۹۵۹/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۹۸).

مثالی کاشانی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، شاعر. از شاگردان محتشم کاشانی (م ۹۹۶ ق) بود. صاحب «صبح گلشن» او را از قصه‌خوانان عصر سلطان حسین صفوی می‌داند. وی می‌خواست «خمسه‌ی» نظامی را جواب گوید ولی موفق به اتمام آن نشد. از آثارش: منظومه‌ی «لیلی و مجنون»، در سه هزار و دویست و بیست بیت؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی(۲۹۹)، الذریعه (۹۶۰ -۹۵۹ / ۹)، صبح گلشن (۳۶۲)، فرهنگ سخنوران (۷۹۸)، مجالس النفائس (۳۹۵)، منظومه های فارسی (۵۰۷).

مجاهد تبریزی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌الله حاج میرزا محمد مجاهد تبریزی فرزند حجه‌الاسلام والمسلمین آقای میرزا علی‌اکبر مجاهد تبریزی از علماء و مدرسین حوزه و از تلامذه مبرز مرحوم آیت‌الله آقای حجت بودند بسیار متین و باتقوا و دارای مقام علم و عمل بودند سالها در حوزه تدریس کفایه و مکاسب می‌نمودند و در میان فضلاء و محصلین حوزه و مخصوصا مراجع و زعماء وجاهت تامی داشتند در زمان ریاست آیت‌الله العظمی بروجردی فوت نموده و در قم مدفون گشته‌اند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مجاهد، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد مجاهد در سال ۱۳۱۴ در شهر قزوین متولد شد، دوره های دبستان و دبیرستان را در این شهر گذراند و برای ادامه تحصیل به تهران آمد تا در رشته ای که دوست می داشت و در خویش استعدادی از آن را یافته بود،یعنی ادبیات فارسی،ادامه تحصیل دهد.مجاهد لیسانس ادبیات را از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران گرفت ودوره فوق لیسانس را در دانشکده الهیات دانشگاه تهران گذراند و برای ادامه تحصیل در مقطع دکترا به لبنان رفت و دکترا را در دانشگاه فرانسوی بیروت گذراند. مجاهد بعد از بازگشت به ایران،آموزش آنچه آموخته بود را آغاز کرد.تدریسی که مدت ?? سال در مقاطع مختلف آموزشی ادامه یافت. مجاهد گرچه از اوایل تحصیل کنجکاوی هایی در متون کهن داشت،اما فراغت بعد از بازنشستگی بود که شرایطی را برای پرداخت جدی تر به حوزه علاقه اش فراهم کرد.او سالهاست که به تصحیح متون ادبیات مشغول است و تاکنون بیش از بیست جلد کتاب از گنجینه آثار کهن ادب فارسی را تصحیح کرده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : تصحیح

تحصیلات رسمی و حرفه ای : پایان تحصیلات متوسطه در زادگاه ـ ادامه تحصیل در دانشگاه تهران در رشته ادبیات ـ اخذ فوق لیسانس از دانشکده الهیات دانشگاه تهران ـ ادامه تحصیل در مقطع دکترا در دانشگاه فرانسوی بیروت

فعالیتهای آموزشی : احمد مجاهد بیش از ?? سال سابقه تدریس در مقاطع مختلف آموزشی را د رکارنامه خود دارد ---------
----

آثار :

۱ التجرید فی کلمه التوحید

ویژگی اثر : تصحیح اثر احمد غزالی

۲ تصحیح جلد ? مثنوی که شرح مشکلات مثنوی است از محمد صالح قزوینی

۳ تصحیح دیوان حافظ فریدون میرزا

ویژگی اثر : تصحیحی از دیوان حافظ نیز ارائه کرده که در نوع خود قابل تأمل است.تصحیح او از این دیوان در همایش حامیان نسخ خطی در کنار دو اثر دیگر در حوزه ادبیات شایسته تقدیر شناخته شد. در اوایل قرن دهم هجری، یعنی چند دهه پیشتر از زمان کتابت دستنویس قونیه، فریدون میرزای بایقرا، جمعی از اهل فضل را در شهر هرات که مرکز فرهنگی ایران در آن زمان بود جمع آورد و مأمورشان کرد که نسخه منقحی از دیوان حافظ فراهم آورند. این گروه فاضل، همه نسخه های موجود تا آن زمان را گرد آوردند و مقابله کردند و در سال ??? هجری دیوان جامعی از اشعار حافظ ترتیب دادند و بر آن عبدالله مروارید کرمانی دیباچه ای نگاشت. این نسخه را احمد مجاهد تصحیح و انتشارات دانشگاه تهران سه سال پیش چاپ کرد. این نسخه پر است از غزلهای دیگران که نصیب حافظ شده است و مصحح ارجمند یکایک آنها را جسته و گوشزد کرده است. همچنین ترتیب و ضبط ابیات حافظ در این نسخه تفاوتهای کلی با نسخه های معتبر دارد. ماجرای دقیق تر تدوین این دیوان بدین قرار است که فریدون میرزا پسر سلطان حسین بایقرا و نسل پنجم تیمور گورکانی که هم اهل رزم بود و دلاور، و هم اهل بزم و شاعر، «انجمنی» داشته است که در

آن «انجمن که مجمع افاضل ایام» بود، اشعار شاعران بویژه شعر «شمس الدین محمد حافظ» را می خوانده اند و «غث و سمین» آن را از هم باز می کرده اند.در آن «انجمن» گاه بوده است که می دیده اند شعری از حافظ فقط در یک نسخه خطی از دیوان آمده و در سایر نسخه ها نیامده است، و گاه بوده است که می دیده اند شعری از حافظ فقط در یک جنگ و سفینه های آمده است و در نسخه های دیوان دیده نمی شود. از این رو، این شاهزاده تیموری «حکم» می کند که یک بار دیگر دیوان حافظ را گردآوری و تدوین کنند. برای این کار، «جمعی کثیر از فضلای انیس و ندمای جلیس به جمع و تصحیح این کتاب» مأمور می شوند، و «قریب پانصد جلد دیوان حافظ به هم می رسانند، و بعضی سفاین و غزلیات که پیش از فوت خواجه نوشته شده بود با هم مقابله می کنند، و بسیاری از غزلهای دل فریب و جان بخش که به واسطه کاهلی و تصرف کتاب ناقص ادراک از صفحه روزگار مهجور و نامشهور مانده بود، در سلک ربط در می آورند،» و هر شعر در هر جا که به نام حافظ می بینند در مجلدی جمع می کنند، که «درواقع اکنون رشک نگارخانه چین و غیرت فردوس برین است.» مجاهد درباره این نسخه می گوید:«این نسخه مفقودی از متن حافظ بود که آن را پیدا کردم و شامل حدود???غزل و همین مقدار قطعه، رباعی و مثنوی بیشتر از متون دیگر است. و این نسخه متعلق به «فریدون میرزا» پسر «سلطان حسین بایقرا»و به ریاست «عبدالله مروارید» متخلص به «بیانی کرمانی» نوشته شده است) ?.«(این کتاب نخستین بار توسط انتشارات دانشگاه تهران چاپ شد .

۴ تصحیح سماع و فنون

۵ تصحیح کتاب شیخ و شیوخ

ویژگی اثر : «شیخ و شوخ» نیز از جمله آثار تصحیح شده توسط مجاهد است و رساله ای است انتقادی با رویکرد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و حتی در بعضی بخشها نظامی و اقتصادی. سبک نگارش روایی و داستان گونه و متعلق به اواخر عصر قاجاریه است.شاید «شیخ و شوخ» جزو معدود آثاری باشد که این گونه عریان، به تقابل سنت و تحول دامن زده و سعی در پاسخگویی از موضع سنت دارد؛ نویسنده این رساله که به اعتقاد احمد مجاهد نخواسته است رساله به نام او منتشر شود، نگاهی تک بعدی، ذهنی و مجرد به موضوع مورد بحث اش ندارد. در حقیقت، این رساله که بازگوکننده داستان مناظره بین یک شیخ و جمعی از معلمان و صاحب منصبان مدرسه دارالفنون است، قصد ندارد بدون نظر به واقعیات اجتماعی و فرهنگی جامعه زمان خود، به نقد بنشیند. شیخ که در حقیقت همان نویسنده است، در بعضی از فصول، اگر به فرنگی مآبی ایراد وارد می کند، تنها از جهت تشبه به کفار نیست که معترض است و تسهیل زندگی خلق الله را در رفع آن می بیند. مجاهد، در مقدمه ای که در ابتدای این رساله به چاپ رسانده، اشاره ای هم به دیگر نوشته های این مؤلف نامعلوم دارد.مناظره شیخ و شوخ را می توان به دو بخش کلّی تقسیم کرد؛ ایرادات شیخ به علوم جدیده و دفاعیات او از علوم بومی و سنتی. و دوم، فصلی در نقد مفاسد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که از مدرسه دارالفنون آغاز شده و به دولت و صاحبان مناصب در صفوف مختلف ختم می شود. البته بخش دوم مفصل تر است و عمق و نکته سنجی آن بر بخش اول می چربد. حتی بخش ابتدایی انتقادات شیخ تحت آسیب شناسی بخش دوم طرح می شود، چنانکه اگر شیخ علومی چون پولتیک، دیپلماسی و... را به سخره می گیرد، جابه جا مثالهای ملموس می آورد. با این حال اساس انتقادات بر وضعیت و تولیدات مدرسه دارالفنون ـ یا به قول مؤلّف معلّم خانه ـ قرار گرفته است. محاجه شیخ و شوخ و آن مجلس میهمانی که کل کتاب را تشکیل می دهد، با بیدار شدن راوی از خواب به پایان می رسد. درواقع، تمام این پرسش و پاسخها ساخته و پرداخته ذهن نویسنده است که با سبکی داستانی نوشته شده است. با این همه نوع نگاه، آسیب شناسی اجتماعی ـ سیاسی و نقد نظام علمی سالهای پایانی عصر قاجار، از امتیازاتی است که این رساله را ممتاز می کند. رساله «شیخ و شوخ» تا سالهای انتهایی دهه پنجاه ـ که نخستین بار به صورت مقاله به چاپ رسید مورد اعتنا قرار نگرفته بود. به نظر می رسد این رساله و آثاری از این دست می توانند در روشن شدن وضعیت فرهنگی و اجتماعی ایران در سالهای آغازین عصر حاضر، مفید باشد

۶ تصحیح کتاب کدو مطبخ قلندری

ویژگی اثر : تألیف ادهم خلخالی، . اثر قابل توجه دیگر که توسط احمد مجاهد تصحیح شده، کتاب «کدو مطبخ قلندری» تألیف«ادهم خلخالی» متخلص به «عزلتی» (د) ????.و معاصر «شیخ بهایی» است که در زمان صفویه تألیف و برای نخستین بار تصحیح و چاپ شده است.

۷ تصحیح کتاب گلشن راز شبستری

۸ توارق العلما فی رد علی من محیرم السماع

ویژگی اثر : همچنین توارق العلماء فی ردّ علی مَن یُحرمُ السِّماعَ بالاِجماع، تألیف احمد بن محمد طوسی از عارفان قرن هفتم هجری. این کتاب نخستین کتابی است به زبان فارسی که در اباحت و حلّیت موسیقی در اسلام نوشته شده است.»

۹ جوحی

ویژگی اثر : احمد مجاهد کتابی، نیز با عنوان جوحی تألیف کرده که در آن به شخصیت فکاهی متون کهن یعنی جوحی پرداخته است. متن حاضر که یک متن تحقیقی است و برای نخستین بار در زبان فارسی ارائه می شود، در زمینه : فرهنگ عامه، ادبیات داستانی براصل تطبیقی و ریشه یابی، تألیف شده است. در این کتاب سعی شده است تا حق به حق دار برسد، یعنی صاحبان اصلی و اولیه حکایات جرحی معلوم شود و سهم هریک از فرهنگ های ترک ترکیایی(عثمانی) و عرب و فارس روشن باشد.

۱۰ گلشن راز شبستری با کشف الابیات و ارجاع

ویژگی اثر : تصحیح

۱۱ لغات مصطلحه عوام

ویژگی اثر : تصحیح

۱۲ لمعات

ویژگی اثر : مجاهد کتاب لمعات را نیز از فخرالدین عراقی تصحیح کرده است: «کتاب «لمعات»(به فتح لام و میم ، جمع لمعه)

نوشته شیخ فخرالدّین عراقی ، یکی از پر شورترین آثار منثور در زمینه ادبیات صوفیانه است. این کتاب که بر سنن کتاب «سوانح» از جناب شیخ احمد غزالی(از اقطاب بزرگوار) نگاشته شده ، به موضوع عشق صوفیانه و اطوار و ادوار سلوک عاشقانه پرداخته است. » مجاهد درباره این کتاب می گوید: «به خواست یکی از مریدان که از حقایق کتاب «لمعات» چندان نصیبی نبرده بود ، قطب الموحدین ، حضرت شاه نعمت الله ولی کرمانی ، شرحی بر کتاب «لمعات» می نویسد. این کتاب خوشبختانه قبل از انقلاب به سعی جواد نوربخش به زیور طبع آراسته گشت ، ولی متأسفانه بعد از انقلاب دیگر چاپ نشد. فقیر حقیر با زحمت فراوان توانست چاپ سال ???? را در کتابخانه دانشگاه تهران بیابد و مست فیوضات شرح حضرت شاه شود.»

۱۳ مجالس غزالی

ویژگی اثر : تصحیح اثر احمد غزالی با عربی و فارسی انتشارات دانشگاه تهران

۱۴ مجموعه آثار فارسی احمد غزالی

ویژگی اثر : تصحیح و حواشی انتشارات دانشگاه تهران

۱۵ نوادر

ویژگی اثر : ترجمه کتاب محاضرات الادبا و محاورات الشعرا و البلغاء از راغب اصفهانی، ترجمه محمدصالح قزوینی.نوادر از متون ادب عرب بوده و شامل?? هزار مطلب با موضوعات تاریخی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و... مستند است. این کتاب?? حد دارد که هر حد چند باب و هر باب شامل چند فصل بوده و برای نخستین بار به زبان فارسی ترجمه و تصحیح شده است.

مجاهد، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ احمد مجاهد خوئینی متوفی ۱۲۴۵ ق

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مجاهد، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۸۰-۱۲۴۲ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی و متکلم. معروف به آقا سید محمد مجاهد (به جهت صادر کردن حکم جهاد در جنگ ایران و روس، در زمان فتحعلی‌شاه قاجار) و مشهور به صاحب «مناهل». او دخترزاده‌ی وحید بهبهانی است. در کربلا به دنیا آمد. وی از محضر پدرش، سید علی صاحب «ریاض»، و سید مهدی بحرالعلوم استفاده نمود. او داماد سید بحرالعلوم بود. در زمان حیات پدرش به اصفهان رفت و به تدریس فقه و اصول پرداخت. چون خبر وفات پدرش رسید عازم عراق شد و در کاظمین مقیم گشت و به انجام وظائف علمی پرداخت. در جنگ ایران و روس همراه با محقق نراقی به ایران آمد و مورد عنایت عام و خاص قرار گرفت. وی در قزوین به هنگام مراجعت از جنگ روس درگذشت و پیکرش به کربلا منتقل و در آنجا دفن شد. مؤلفات وی متجاوز از هفتصد هزار سطر است. از آثارش: «المناهل»، در فقه؛ «مفاتیح الاصول»؛ «الوسائل الی النجاة» یا «وسائل الاصول»، در اصول فقه؛ «المقلد»، رساله ای در «حجیة الظن المطلق»؛ «اصلاح العمل»، در فقه عبادات؛ «الجهادیة»؛ «المصابیح»، در فقه؛ «عمدة المقال فی تحقیق احوال الرجال»، در حدود یکصد شرح حال؛ «جامع العبائر»، در فقه؛ «جامع المسائل»، سؤال و جواب فقهی؛ کتاب بیان «اغلاط مشهوره».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۴۳/ ۹)، الذریعه (۷۰ -۶۹/ ۲۵ ۳۵۳، ۳۵۲- ۱۱۹، ۱۱۸- ۲۲/ ۳۰۰، ۸۰/ ۲۱ ۳۴۱، ۳۴۰- ۱۵/ ۲۷۹، ۲۷۲، ۲۰۸/ ۶ ۲۹۷، ۷۰/ ۵ ۲۵۳، ۱۷۱، ۱۷۰- ۲۵/ ۲)، روضات الجنات (۱۴۰ -۱۳۸/ ۷)، ریحانه (۱۷۶/ ۵ ۴۰۲، ۴۰۱- ۳/)، فوائد الرضویه (۵۸۲ -۵۷۹)، معجم المؤلفین (۵۶/ ۱۱)، هدیة العارفین (۳۶۳/ ۲).

مجتبوی، جلال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر سیّدجلال الدّین مجتبوی در سال ۱۳۰۷ در تهران به دنیا آمد . پس از طی دورهٔ دبستان و دبیرستان، در رشتهٔ فلسفه، در دانشگاه تهران مشغول تحصیل شد و در سال ۱۳۴۶ دورهٔ دکترای این رشته را به پایان رسانید.از سال ۱۳۴۹ رسماً با سمت استادیاری گروه فلسفه دانشگاه تهران مشغول تدریس شد. اکنون نیز با رتبهٔ دانشیاری آن گروه به تدریس اشتغال دارد.قابل ذکر است ترجمه کتابهای «تاریخ فلسفه» ، جلد اول ، و" علم اخلاق اسلامی " سیّدجلال الدّین مجتبوی ،به ترتیب در دوره دوم و چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیّدجلال الدّین مجتبوی پس از طی دورهٔ دبستان و دبیرستان، در رشتهٔ فلسفه، در دانشگاه تهران مشغول تحصیل شد و در سال ۱۳۴۶ دورهٔ دکترای این رشته را به پایان رسانید.

استادان و مربیان : اساتید برجستهٔ ایشان در دوران تحصیل عبارتند از: مرحوم فاضل تونی، مرحوم سیدکاظم عصّار، مرحوم دکتر رضازادهٔ شفق.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیّدجلال الدّین مجتبوی از سال ۱۳۴۹ رسماً با سمت استادیاری گروه فلسفه دانشگاه تهران مشغول تدریس شد. پس از پیروزی انقلاب به مدت چهارسال سرپرست گروه فلسفه دانشگاه تهران گردید. و اکنون نیز با رتبهٔ دانشیاری آن گروه به تدریس اشتغال دارد.

جوائز و نشانها : ترجمه کتابهای «تاریخ فلسفه» ، جلد اول ، و" علم اخلاق اسلامی " سیّدجلال الدّین مجتبوی ،به ترتیب در دوره دوم و دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شده است. --

آثار :

۱ بنیاد حکمت سبزواری

ویژگی اثر : ترجمه از انگلیسی

۲ تاریخ فلسفه

ویژگی اثر : ترجمه از انگلیسی (برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره دوم کتاب سال) –آشنایی با کتاب: «تاریخ فلسفه» ، جلد اول این کتاب، که اثر مشهوری از فردریک کاپلستون است، به بررسی تاریخ فلسفه از آغاز تا زمان معاصر می پردازد. تفکر فلسفی قدمتی برابر با قدمت فرهنگ بشری دارد . در طول قرنها اندیشمندان گوناگون با کوشش بسیار به پی ریزی روشهای مختلف فلسفی پرداخته اند. در زمان حاضر آشنایی با تاریخ فلسفه برای آگاهی بر اندیشه های صحیح و پرهیز از انحرافات گذشتگان برای هر اندیشمندی و بویژه دانشجویان و پژوهندگان رشته فلسفه ضروری است. تاریخ فلسفه، گردآوری محض عقاید یا نقل و حکایت مطالب جدا و مجزای فکری که هیچ ارتباطی با یکدیگر نداشته باشند نیست، بلکه نمایش جستجوی حقیقت از سوی انسان از طریق استدلال و برهان است. کتاب حاضر یکی از مشهورترین کتابهای تاریخ فلسفه است که مؤلف آن را نه برای فضلا و متخصصان فن، بلکه برای دانشجویان این رشته نگاشته است. جلد اول ترجمه این کتاب شامل مباحث مربوط به فلسفه پیش از سقراط، دوره سقراطی، و افلاطون می باشد..

۳ علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات مرحوم محقّق نراقی)

ویژگی اثر : ترجمه–برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره چهارم کتاب سال–آشنایی با کتب علم اخلاق اسلامی: کتاب مشتمل بر دو جنبه علوم عقلی و نظری و — دینی و عملی با سبک و اسلوبی ویژه است مؤلّف محترم در آغاز درباره نفس انسان و قوا و غرایز او سخن می گوید و هر یک از فضایل اخلاقی را به یکی از قوای نفس اسناد داده و هر یک از رذایل اخلاقی را به غریزه ای متصل و مربوط می سازد و آنگاه به شناساندن یکایک آن قوا می پردازد. سپس مطالب خود را با آیات و روایات وارده و به طور کلی با تعالیم شروع مقدس اسلام مورد تقویت و تأیید قرار می دهد و در پایان راه معالجه و درمان هر رذیلتی را به شیوه ای حکیمانه بیان می کند. و علاوه بر اینها گه گاه به نصیحت و موعظه می پردازد و با کلامی مؤثّر خواننده را به تهذیب اخلاق و تصحیح رفتار و کردار خویش دعوت می کند. مترجم محترم در ترجم ?این کتاب با تحمّل زحمات عدیده به اصل احادیث و روایات رجوع کرده و اغلاط فاحش در ضبط نسخه متن را برطرف ساخته و نسخه جامع و صحیح را به دست داده است. کتاب با قلمی شیوا و روان به فارسی برگردانده شده که در خور تقدیر و شایسته تحسین است.

۴ فلسفه یا پژوهش حقیقت

ویژگی اثر : ترجمه از انگلیسی

۵ کتاب درسی فلسفه و منطق دبیرستان

ویژگی اثر : سالهای ۶۰ و ۶۱

۶ کلیات فلسفه

ویژگی اثر : ترجمه و تألیف

مجتهد اصفهانی، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمّد تقی مستجاب الدعوهٔ، عالم فاضل جلیل، و محقّق کامل بی بدیل، مجتهد فقیه اصولی، جامع معقول و منقول بوده، در حدود سال ۱۲۰۷ متولّد، و در جمادی الاولی سال ۱۲۶۳ وفات یافته، در تخت فولاد جنب پدر مدفون گردید.

در اصفهان نزد: پدر خود، و آخوند ملا علی نوری، و میرزا ابوطالب صاحب حاشیه [برسیوطی]، و حاجی کلباسی، تحصیل نموده، و از جمعی از علما به اخذ اجازه روایت و اجتهاد مفتخر شده که از آن جمله است:

۱– آقا رضا بن سید مهدی بحرالعلوم، تاریخ آن ۱۲۵۱. ۲– آقا محمّد رضی اصفهانی ۳– آقا سید صدرالدین عاملی ۴– آقا سید محمّد کاظم رشتی (احتمالا) ۵– ملا مهدی قمبوانی ۶– میرزا محمّد مهدی نایب الصدر اصفهانی. تا به مقامات عالیه علم و اجتهاد

رسیده، و حوزه درس و بحث تشکیل داده، و به مناسباتی به طهران مهاجرت کرده، و دو سال در آنجا ساکن بوده، و به تدریس اشتغال جسته.

کتب زیادی نوشته از آن جمله است:

۱– حواشی غیر مدوّنه بر کتب زیر:

حاشیه میرزا ابی طالب بر سیوطی؛ و شرح لمعه؛ و شوارع الهدایه حاجی کلباسی؛ و شوارق لاهیجی؛ و قوانین میرزای قمی؛ و رساله عدم جواز تقلید میّت حاجی کلباسی؛ و رساله در حجّیّت مظنّه سید مجاهد؛ و صمدیّه شیخ بهائی؛ و غیره.

۲– رساله جبتیّه، در تطبیق جبت و طاغوت بر اوّلی و دوّمی ۳– رساله در اختلاف معانی الفاظ شرعیّه ۴– رساله در شیربها ۵– رساله در جنایت امّ ولد ۶– رساله در ردّ مظالم ۷– رساله در حکم زنی که خود را بلامانع معرّفی کند ۸– رساله در احیای موات ۹– رساله در شرط ضمن العقد ۱۰– رساله در جواز تسامح در ادلّه سنن ۱۲– رساله در معرفت خدا و پیغمبر و امام علیهم السلام ۱۳– رساله در انفراد طلاق به عوض خلع ۱۴– رساله در اعجاز قرآن، مطبوع ۱۵– سؤال و جواب در ارث ۱۶– شرح مبحث شکوک کتاب منهاج استادش کلباسی ۱۷– شرح کتاب مراح الارواح، در صرف ۱۸– شرح تهذیب منطق تفتازاتی ۱۹– یک دوره فقه کامل در ۶ مجلّد ۲۰– مهجهٔ الفؤاد در شرح ارشاد علّامه در چهارده مجلّد ۲۱– نصایح العلماء، در نصیحت خطاب به فرزندش حاج سید مهدی نحوی ۲۲– مناسک حج، ناتمام ۲۳– رساله در اصالت برائه، ناتمام ۲۴– شرح بر شرح رضی بر شافیه؛ و غیره.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مجتهد بروجردی، اسدالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مآثر و آثار ص ۱۴۰ گوید: حاج مولی اسدالله مجتهد بروجردی مشهور بحجه‌الاسلام که در اواخر حیات دعوی اعلمیت و تقدم بر عموم مجتهدین عصر میفرمود و باب علم را مفتوح میدانست و در فقاهت مشربی مکاشفانه داشت هنگام استدلال و احتجاج بدریای متلاطم مواج شبیه میافتاد اشتهار علم وصیت فقاهت و انتشار بزرگ منشی او همه دیار شیعه را محیط بود بعهد این عالم عظیم‌الشأن شهر بروجرد مرکز تحصیل علوم شرعیه و مجمع افاضل ایران گردید شیخ الطائفه استاد الکل مرتضی الانصاری چندی در ایام تکمل بمدرس این بزرگوار حاضر شده است و در مجالس عامه زمان ریاست خویشتن اقوال از وی نقل میکرده و اجماعات منقوله از او را محصل میگرفته است.

علاوه بر جلالت شأن و عظمت مقدار این بزرگوار در ملك و ثروت و اموال مستقلات نیز از معاصرین ابناء سلسله کمتر با وی برابر بودند جماعتی در حق او بصدور خوارق عادات معتقدند.

عبادت و تقوا و ریاضیات شاقه مشروعه‌اش مشهور است از اولاد ذکورش بعضی بدرجه اجتهاد رسیدند از آنجمله اجازه مبسوطه که بخط خود برای سه فرزند دانشمندش ۱– فخرالدین محمد ۲– جمال‌الدین محمد ۳– نورالدین محمد رحمه الله علیهم، از بطن صبیه محقق قمی صاحب قوانین رضی‌الله عنه بودند نوشته و باجتهاد هر سه تصریح نموده عینا در دارالخلافه زیارت شد.

نگارنده گوید: اولاد آن بزرگوار تاکنون در بروجرد و قم و تهران و نقاط دیگر در سلك روحانیت و بقوانینی شهرت دارند.

ریحانه الادب ج ۱ ص ۳۱۴ گوید: حجه‌الاسلام حاج ملا اسدالله مجتهد بروجردی مشهور بحجه‌الاسلام فرزند حاج عبدالله از اکابر علماء امامیه تا آخر آنچه را که مآثر و آثار گفته و گوید وی در اواخر سال ۱۲۷۰ و یا اوائل سال ۱۲۷۱ وفات نموده و در آنجا مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مجتهد بروجردی، جمال‌الدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مآثر و آثار گوید: وی خلف حاج مولی اسدالله مشهور بحجه‌الاسلام مقام فقاهت و تبحرش در حدیث و تفسیر و درجه فضل و تتبعش در جمیع علوم شرعیه و فنون اسلامیه مسلم بود و در اواخر بمشهد رضوی مشرف شد و از آنجا بدارالخلافه آمد و چندین سال بترویج شریعت و ارشاد عباد اشتغال داشت نظیر لسان او را در منبر کمتر نشان داده‌اند و سرعت قبول عامه که برای او در تهران افتاد در حق کسی شنیده نشده است فوتش در سال ۱۳۱۲ ق بوقوع پیوست چنانکه در جریده ایران نگاشته‌ایم و تمام مناصب و مراتب وی حسب‌الارث والاستحقاق بفرزند دانشمندش شریعتمدار زین‌الائمه نجم‌الدین آقا علی اکبر انتقال یافت و اختصاص یافت.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مجتهد تبریزی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۵ ق)، فقیه اصولی، عالم دینی، مرجع تقلید و شاعر. چون پدرش در اواخر عهد زندیه از کارگزاران و نزدیکان دربار بود، وی در ابتدا کارمند دولت شد، سپس از مقام رسمی انصراف داد و برای تحصیل علوم دینی ابتدا به اصفهان و از آنجا به عتبات رفت و در کربلا از محضر سید علی طباطبائی، صاحب «ریاض»، استفاده نمود. پس از رسیدن به درجه‌ی اجتهاد به تبریز بازگشت و به انجام امور دینی پرداخت و مرجع مذهبی مردم گشت و عهده‌دار حکومت شرعیه سراسر آذربایجان شد. میرزا احمد تبریزی از صاحب «ریاض» و ملا محمد سعید دینوری قراچه‌داغی روایت کرده است. او شاعر ماهری بود و به عربی شعر می‌گفت. فرزندانش: میرزا لطفعلی، میرزا محمدجعفر و میرزا محمدباقر همگی از علمای برجسته بودند و وی «اجازه‌ی» مبسوطی در ۱۲۵۳ ق به آنان داد. در تبریز درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و در مقبره‌ی مخصوص خود، مقابل مرقد شیخ طوسی، دفن شد. از آثارش: کتاب «منهج الرشاد فی شرح الارشاد»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۶۹/ ۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۵)، الذریعه (۱۸۸ -۱۸۷/ ۲۳ ،۱۴۲/ ۱)، ریحانه (۱۷۷ -۱۷۶/ ۵)، شهیدان راه فضیلت (۵۴۷ -۵۴۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۳ -۱۰۲/ ۱۳)، علماء معاصرین (۳۴۵)، المآثر و الآثار (۱۷۴ -۱۷۳)، مکارم الآثار (۱۷۹۱ -۱۷۹۰/ ۵)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۲۹۲/ ۱)، معجم المؤلفین (۵۴/ ۲).

مجتهد تبریزی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸/ ۱۳۳۷ -۱۲۶۸ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و ادیب. در خانواده‌ی علم و تقوا در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات به نجف رفت. گفته‌اند که او چون به نجف وارد شد محضر علامه شیخ انصاری را درک کرد. او همچنین از محضر میرزا حبیب‌اللَّه رشتی و ملا محمد شرابیانی و ملا محمد ایروانی و سید حسین کوه کمری و میرزا محمدحسن شیرازی و ملا علی نهاوندی استفاده نمود و به دریافت اجازه از آنان نایل آمد، اخذ اجازه از استادش ملا علی نهاوندی نیز پس از پنج سال ملازمت حاصل شد. آن گاه به آذربایجان بازگشت و چندین سال در تبریز به تدریس پرداخت و منصب اجدادش را عهده‌دار گردید و مرجع دینی مردم آن دیار شد. او در همان جا درگذشت. پیکرش به نجف منتقل و در آنجا دفن شد. از آثارش: «تشریح الاصول»، که این نام برگرفته از نام کتاب استادش نهاوندی است؛ رساله‌ای در «مقدمهٔ الواجب»؛ کتاب «الطهارهٔ»؛ «رساله‌ی عملیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۷/ ۵)، الذریعه (۱۸۵/ ۴)، ریحانه (۱۷۸ -۱۷۷/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۸۸ -۳۸۷/ ۱۴)، لغت نامه (ذیل/ حسن مجتهد)، معجم المؤلفین (۲۷۶ ،۲۰۹ -۲۰۸/ ۳).

مجتهد تبریزی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۸ -۱۳۲۰ ق)، عالم دینی و فقیه. در تبریز به دنیا آمد. مقدمات و سطح را نزد پدر، و دروس دینی، علمی، فقه و اصول و ادبیات را نزد میرزا یوسف آقا و حاج میرزا عبدالعلی فراگرفت. در قم درگذشت و همن جا دفن شد. از آثار وی: شرح «ایقان» حاج شیخ هادی علامه تهرانی؛ «محاکمات بین شیخ الانصاری و آقا شیخ هادی»؛ شرح «بیع» آقا شیخ هادی؛ شرح «خلاصهٔ الحساب»؛ شرح «تشریح الافلاک» شیخ بهائی؛ حاشیه بر «صلاهٔ» آقا شیخ هادی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال مشاهیر (۲۵۳/ ۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۰۷/ ۲).

مجتهد تبریزی، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۱ -۱۲۷۴/ ۱۲۶۹ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مرجع تقلید و شاعر. در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات در نوزده سالگی به همراه برادرش، میرزا محسن مجتهد، به نجف رفت و از محضر ملا محمد فاضل ایروانی و شیخ محمدحسن مامقانی و ملا محمد فاضل شرابیانی و شیخ هادی تهرانی و در کربلا از محضر ملا حسین فاضل اردکانی استفاده نمود. تا در فقه و اصول برآمد. در ۱۳۱۱ ق به تبریز بازگشت و مرجعیت دینی مردم را عهده‌دار شد و به تدریس فقه و اصول پرداخت. در اواخر عمر پس از کوشش بسیار برای رهایی شیخ محمدتقی بافقی از زندان رضا شاه مسافرتی به سنندج کرد و مورد تکریم بیش از حد عام و خاص اهل سنت قرار گرفت. بعد از اقامت کوتاهی در آنجا به قم رفت و چند سالی در آنجا ماند و در همان جا درگذشت. آیت‌اللَّه کبیر بر وی نماز خواند و در رواق حضرت معصومه (ع) دفن شد. از آثارش: «المقالات الغرویه» یا «المقالات الغریهٔ»، در مباحث الفاظ، در اصول؛ «کتاب الصلاهٔ»؛ شرح «تبصره» علامه حلی؛ «الفوائد»، در مسائل متفرقه فقه؛ «طریق النجاهٔ»؛ «رسالهٔ فی المشتق»؛ رساله‌ای

در «شرائط العوضین»؛ حاشیه بر «وسیلهٔ النجاهٔ»؛ حاشیه بر «منهج الرشاد»؛ «واجبات الاحکام»، رساله عملیه؛ «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۶۷ –۳۶۶/ ۷)، الذریعه (۳۹۲، ۴۱/ ۲۱ ،۳۲۰/ ۱۶ ،۱۳۵، ۴۵/ ۱۳)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۵۱ –۲۵۰/ ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۷۴ –۸۷۳/ ۱۴)، علماء معاصرین (۱۵۷ ،۱۵۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۳۸ –۲۳۶/ ۱)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۲۹۱/ ۱)، مکارم الآثار (۲۰۶۵/ ۶)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۲ –۴۸۱/ ۳).

مجتهد تبریزی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۰ ق)، عالم دینی، مجتهد، متکلم، حکیم، مدرس و شاعر. پس از فراگیری مقدمات از تبریز به نجف رفت و پس از استفاده از محضر اساتید و رسیدن به مرتبه‌ی اجتهاد و دریافت اجازه به تبریز بازگشت و مدتی در آنجا ساکن گردید. سپس به مشهد رفت و در آنجا به تدریس و انجام امور دینی مشغول گردید. وی در علم کلام و حکمت متبحر بود و در سرودن اشعار عربی و فارسی قریحه‌ی خوبی داشت. تخمیس‌هایی از او باقی است. وی در مشهد درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش «ذخیرهٔ المحشر فی شرح الباب الحادی عشر»، در علم کلام و حکمت است که تبحر مؤلف را در این دو علم می‌رساند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۲۲/ ۱۳ ،۱۸/ ۱۰ ،۶/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۶۷ –۱۵۶۶/ ۱۴)، علماء معاصرین (۱۲۷ –۱۲۶)، مستدرکات اعیان الشیعه (۱۵۰/ ۳).

مجتهد تبریزی، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۲ –۱۲۶۷ ق)، عالم دینی، فقیه و مجتهد. وی برادر میرزا صادق آقا تبریزی بود. در تبریز به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود به پایان رساند. سپس برای ادامه‌ی تحصیلات به نجف رفت. وی پس از اخذ اجازه‌ی اجتهاد به تبریز بازگشت و به انجام امور دینی پرداخت. در اواخر عمر به ضعف بینایی و شنوایی مبتلا شد. او در تبریز درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و در وادی‌السلام در مقبره‌ی پدرش دفن شد. از آثار وی: «احادیث خمسه فی فضائل الائمه (ع)»؛ «تبیین المحجهٔ الی تعیین الحجهٔ»، چهل حدیث؛ کتاب ایمان ابی‌طالب»، شرح حال و اشعار حضرت ابوطالب.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۳۴/ ۳ ،۵۱۳/ ۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۵۴/ ۲)، علماء معاصرین (۱۶۱ –۱۵۹)، مؤلفین کتب چاپی (۲۴۲ –۲۴۱/ ۵).

مجتهد تبریزی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۱۰ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد، متکلم، مفسر، عروضی و زاهد. اصلش از قره‌داغ تبریز (ارسباران فعلی) بود. به نجف رفت و در محضر شیخ مرتضی انصاری اصول و در محضر شیخ مهدی کاشف الغطاء فقه را تلمذ نمود و به درجه‌ای عالی در اجتهاد رسید و با اجازه از استادش شیخ مهدی کاشف الغطاء، روایت کرد. سپس به تبریز بازگشت و متصدی بحث و تألیف و تدریس و افتاء گردید. او در فقه و اصول و حدیث و رجال و علوم عربی و فنون ادبی متبحر بود و تألیفاتش گویای مراتب علمی اوست. از آثارش: «اللمعهٔ البیضاء»، در شرح «خطبهٔ الزهراء (ع)»، و این شرح گستردگی اطلاعات و مهارت وی را در علوم عربی می‌رساند؛ «الاربعین»؛ «اسرار الحج»؛ «الاصول المهمهٔ»، در اصول دین؛ «الامر بین الامرین»؛ «البداء»؛ تفسیر «سوره‌ی یس» یا «تفسیر قراچه‌داغی»؛ «تفسیر الکبیر»؛ «التنقیحات الاصولیهٔ»؛ حاشیه بر «فرائد الاصول»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ حاشیه بر «الفصول»؛ حاشیه بر «قوانین الاصول»، به نام «حدیقهٔ البساتین فی شرح القوانین»؛ حاشیه بر «الروضهٔ البهیهٔ»، به نام «حدیقهٔ الروضهٔ»، که حاشیه‌ی «شرح لمعه» است؛ شرح «اخبار الطینهٔ»؛ «صیغ العقود و الایقاعات»؛ «الفتوحات الرضویهٔ»، در احکام فقهی؛ رساله‌ای در علم «العروض و القافیهٔ»؛ «التحفهٔ المحمدیهٔ»، در عربیت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۵/ ۱۰)، الذریعه (۳۵۰/ ۱۸ ،۲۷۳/ ۱۶ ،۲۵۹، ۱۹۷، ۳۶/ ۱۵ ،۳۶۳/ ۱۳ ،۳۸۲، ۱۷۷، ۱۶۶، ۱۵۹، ۱۰۱ ، ۹۵ ،۶۱/ ۶ ،۴۶۸، ۳۴۴، ۳۰۱/ ۴ ،۲۱۳/ ۲ ،۴۲۲/ ۱)، ریحانه (۴۳۹ –۴۳۸/ ۴)، علماء معاصرین (۳۴۵ –۳۴۳)، المآثر و الآثار (۱۷۶ – ۱۷۵)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۲۸۶/ ۱)، معجم المؤلفین (۳۵/ ۱۱).

مجتهد تبریزی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸/ ۱۳۳۷ -۱۲۹۷/ ۱۲۹۵ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، منجم، ریاضیدان، ادیب و شاعر. در تبریز به دنیا آمد. مقدمات و فقه و اصول را در تبریز در محضر پدرش و علماء دیگر فراگرفت. سپس برای ادامه‌ی تحصیلات به عتبات عالیات رفت و از حوزه‌ی درس آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و شیخ‌الشریعه اصفهانی و سید محمدکاظم طباطبائی یزدی و میرزا ابوالقاسم اردوبادی و محقق نهاوندی و دیگر علما استفاده نمود و چون عالمی برجسته شد به تبریز بازگشت. مراسلات و مکاتباتی منظوم و منثور بین او و شیخ آقا محمدرضا اصفهانی و شیخ جواد شبیبی وجود داشت. در اواخر عمر به بیماری فلج مبتلا شد. در تبریز درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و در آنجا دفن شد. او رسائلی گوناگون در فلکیات و ریاضیات و موضوعات مختلف فقهی نگاشت. از آثارش: «ارجوزه»، در عروض و قافیه، به عربی؛ حاشیه بر «کفایهٔ الاصول» استادش ملا محمدکاظم آخوند خراسانی؛ حاشیه بر «لسان الخواص» علامه رضی‌الدین قزوینی؛ «العروض»؛ «قاعدهٔ الخطائن»؛ «اللباس المشکوک».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۲۷ -۱۲۶/ ۱۰)، الذریعه (۴۸۶/ ۱)، ریحانه (۱۷۹ -۱۷۸/ ۵)، علماء معاصرین (۱۱۸ -۱۱۷)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۲۹۰/ ۱).

مجتهد تبریزی، یوسف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۷ -۱۲۷۹ ق)، عالم دینی، فقیه، عابد و شاعر. در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری علوم عربی و منطق و ادبیات و قسمتی از اصول، در ۱۲۹۹ ق به نجف رفت و از محضر ملا محمدفاضل ایروانی و شیخ محمدهادی تهرانی استفاده نمود. در ۱۳۱۱ ق به تبریز بازگشت و به نشر احکام اسلامی و تدریس و تألیف پرداخت. در پایان عمر، وی به قصد زیارت، به عتبات رفت و پس از ورود به کاظمین درگذشت و در رواق شریف کاظمی دفن شد. در «الذریعه» و به تبع آن در «فرهنگ سخنوران» نام پدر صاحب عنوان، میرزا زین‌العابدین ذکر شده است. از آثارش: «لسان الحق» یا «مظالم المسیحیین»، در رد نصارا و تثلیث؛ «کشف بعض ما یعتقده الکرامخهٔ»؛ کتابی در اینکه ترجمه‌ی واقعی قرآن مجید به زبان‌های دیگر مقدور نیست؛ کتابی در «ابتلاء الائمهٔ»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۰۲/ ۱۸ ،۱۳۱۸/ ۹)، علماء معاصرین (۱۱۶ -۱۱۴)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۸)، مستدرکات اعیان الشیعه (۳۲۹/ ۳).

مجتهد حسینی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا محمدعلی حسینی مجتهد جهرمی از علماء بزرگ و بنام این شهرستانست وی در جهرم متولد و پس از فراگرفتن مقدمات به نجف اشرف رهسپار شده و از محضر علامه بزرگوار شیخ مرتضی انصاری استفاده نموده و در اندک مدتی مورد توجه خصوص استاد قرار گرفته و حسب‌الامر مرحوم شیخ به جهرم برگشته و به خدمات دینی پرداخته و در استان فارس شهرت بسزائی یافته و مورد علاقه مرحوم فرهاد میرزا معتمدالدوله واقع شده تا در ۱۳۰۷ قمری وفات نموده است.

دارای چند فرزند عالم و مجتهد بوده است.

۱- حجهٔالاسلام آقا سید مرتضی محقق که در سال ۱۳۴۹ قمری از دنیا رفته است.

۲- حجهٔالاسلام مرحوم سید علی مجتهد جد خاندان حجتی جهرم است.

۳- حجهٔالاسلام مرحوم سید احمد که از علماء حوزه نجف اشرف بوده و در همانجا بدرود حیات گفته است.

۴- حجهٔالاسلام مرحوم سید حسین که از علماء حوزه نجف اشرف بوده و در همانجا بدرود حیات گفته است.

۵- حجهٔالاسلام مرحوم سید محمد که مقیم عراق و نجف اشرف بوده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مجتهد زنجانی، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرحیم مجتهد متولد سال ۱۲۸۲ قمری اصلا طارمی و در ماهان طارم سفلی متولد شده و مرحوم والدش ملا محمد از فضلاء آن حدود بوده است که رساله‌ای راجع به اختیارات و خواص ایام به قلم وی موجود است.

مرحوم میرزا عبداللّه دومین فرزند ایشان در اوائل بلوغ برای تکمیل ادبیات عربی و خط بهیدج که دهی در هشت فرسخی زنجانست و آن روز عده‌ای رجال علمی و مخصوصاً ادبی داشته مسافرت نموده و پیش مرحوم آقا میرزا علی‌اصغر که از فضلاء بوده تلمذ نموده و با تکمیل رشته ادبیات و خط و متون متوسطه در سن ۱۸ سالگی به نجف اشرف عزیمت نموده و مدتی در درس مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ حسن ممقانی و آیت‌اللّه حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی حاضر شده

و سپس به سامره رفته و در مجلس درس مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدحسن شیرازی استفاده کرده‌اند و در واقعه توتون و تنباکو در سامرا حضور داشته.

و چون به واسطه ریاست عمومی و بی‌نظیر میرزای مرحوم حوزه درسشان نامنظم شده بود. و از طرفی آوازه و شهرت علمی مرحوم آخوند خراسانی در افواه افتاده دوباره به نجف مراجعت و تا پایان اقامتشان در نجف منحصراً به درس آن مرحوم حاضر شده و با مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی و قمی و آیت‌اللّه حایری یزدی و عراقی هم‌دوره و رابطه نزدیک داشته و تقریرات درس اصول مرحوم آخوند خراسانی را پیش از تألیف کفایهٔ‌الاصول نوشته و نظریات خود را نیز اضافه کرده بودند که هنگام عزیمت به طرف ایران مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی که از نظریات و افکار و منقح بودن مطالب آن اعجاب داشته گرفته و به نظر مرحوم خراسانی رسانده بود و استاد بزرگوار پس از مطالعه مباحث آن تحسین و توصیف اجازه اجتهاد بنام ایشان با خط خود نوشته و تاریخ آن که ۱۳۱۲ قمریست موجود می‌باشد.

معظم له در سال ۱۳۱۴ قمری به ایران مراجعت و در زنجان اقامت نموده و موقعیت محلی و درس و بحث و قضاوت اوقات ایشان را می‌گیرد

و پس از چندی که مشروطیت پیش بیاید و آیات بزرگ حوزه مقدسه نجف حکم به لزوم انعقاد مجلس شوراء ملی و تشکیل حکومت مشروطه می‌کنند ایشان به خاطر تأیید فرمان مراجع بزرگ و جلوگیری از تعدیات و مفاسد استبداد وارد مبارزه می‌شوند و جبهه طرفداران مشروطیت با ورود و موقعیت ایشان مستحکم می‌گردد.

و ایشان در عین حال اشتغال به درس و بحث فقه و اصول و اقامه جماعت و قضاوت شرعیه داشته و نسبت به قضاوت در زنجان تعین داشتند.

و دارای حافظه قوی و تقریری جامع و کامل بودند که در سنین هفتاد سالگی تمام قواعد ادبی از نحو و صرف را که مقارن بلوغ به آنها اشتغال داشته و بعداً متارکه شده بود همه را در صفحه ذهن و ضمیر خود حاضر داشت و محاکماتی که در زمانهای قبل اتفاق افتاده بود از اظهارات متداعیین و حکم صادره از نظرشان محو نمی‌شد.

تقریر ایشان طوری بود که وقتی مطلبی را بیان می‌کردند واقعیت آن در نظر مستمع مجسم می‌گردید از این رو موعظه ایشان بسیار بلیغ و خطابه ایشان که هر سال در ماه مبارک رمضان منبر می‌رفتند بسیار رسا و گیرنده بود ایشان گاهی در نجف اشرف نیز هنگام تحصیل منبر می‌رفتند که میانه طلاب افصح فصحاء نامیده شده بودند و بالاخره مرحوم مامقانی بزرگ ایشان را از منبر فتن منع نموده و امر کرده بودند که چون امارات وصول به مراتب عالیه علم و فقاهت از شما نمایانست اشتغال شما به منبر فعلا حرام می‌باشد.

مطالب منبرشان که مخصوص ماه رمضان بود نوعاً اصول اعتقادات به مبانی کلامی بوده که عده‌ای از فضلا یادداشت می‌کردند مباحثی را از مسائل توحید و نبوت و امامت استدلالی نوشته که قسمتی باقی و برخی مفقود شده است.

آثار علمی ایشان در فقه از اینقرار است.

۱- کتاب قضا و شهادات.

۲- شرحی بر صلوهٔ از منظومه مرحوم علامه بحرالعلوم.

۳- تقریرات اصول مرحوم آخوند خراسانی که مشتمل بر مباحث الفاظ و ادله عقلیه.

۴- حواشی بر رساله عملیه مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمدتقی شیرازی تا باب خمس از آثار قلمی ایشان حاشیه مرحوم آخوند خراسانی بر رسائل که آن موقع چاپ نشده بود و تعادل و تراجیح آن را با خط خود از روی نسخه مؤلف استنساخ نموده‌اند.

آن مرحوم به واسطه تعینی که میانه فضلاء نجف داشتند عده‌ای از معاریف پیش ایشان تلمذ نموده‌اند از جمله مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عبداللّه مامقانی (صاحب رجال) و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین برادر کوچک آیت‌اللّه حاج آقا نجفی اصفهانی و خواب عجیبی که مرحوم شیخ محمدحسین دیده بوسیله ایشان تعبیر و بعدها تحقق پیدا کرده است.

به طوری که ایشان نقل نمودند که مرحوم شیخ محمدحسین مزبور روزی سر درس حاضر شده و اظهار می‌دارند که دیشب من خواب عجیبی دیدم و می‌خواهم آن را تعبیر کنی.

من مدتی به مولای متقیان علی (ع) متوسل بودم که توجه فرمایند زودتر به رتبه اجتهاد به رسم دیشب آن حضرت را در خواب دیدم و باز حاجت خود را به حضورش عرضه داشتم به من فرمود (شیخ برو آدم شو) پس از بیدار شدن کلام امام (ع) مرا مأیوس ساخت و چنان پندارم که درس برایم فایده ندارد گفتم نه بلکه مطلب بعکس است اگر تو صلاحیت نداشتی امام تو را امر نمی‌فرمود به آدم شدن. معلوم می‌شود تو صلاحیت داری و حائز رتبه آدمیت خواهی شد.

حقیقت اینست اجتهاد که عبارت از تحقیق و استنباط احکام فرعیه از ادله است منهای معنویت تفاوتی با تحقیق در علوم طبیعی ندارد و احکام استنباط شده جز به خاطر عمل و کسب تقوی و معنویت نیست و مایه انسانیت حقیقی همان معنویت می‌باشد پس مقصود امام (ع) این بوده که از من مطالبه مقدمه را نموده و از ذی‌المقدمه غفلت داری.

عجب اینست که این تعبیر موافق بواقع تحقق یافت و مرحوم شیخ به طوری که در ترجمه حالش ضبط کرده‌اند به مراتب کمالات معنوی و زهد و عرفان نائل آمده و حائز مقاماتی گردیده است.

باری آن مرحوم پنجاه و یکسال در زنجان به درس و بحث و افتاو مراجعات مردم و قضاوت اشتغال داشت و نسبت به عظمت جامعه اسلام و تشیع بسیار علاقه داشت و دو دفعه از ایشان درخواست شده که رساله عملیه به چاپ دهند که عده‌ای علاقمند به تقلید

ایشان می‌باشند در جواب گفته بودند که من اگر چه در نجف با مراجع زمان خود در مرتبه علمی برابر بودم و استاد آنها را به من ترجیح نمی‌داد اما بعداً آنها در حوزه باقی ماندند و من به زنجان آمده و تا حدی متارکه نمودم اضافه بر این حوزه نجف را نباید از مرکزیت انداخت.

تاریخ وفات ایشان ماه صفر سال ۱۳۶۵ ق است که در آن وقت آذربایجان و زنجان تحت اشغال قوای شوروی بود و حکومت توده پیشه‌وری در تبریز برقرار شده بود و قوای روس و فدائیان توده زنجان را در تصرف داشتند و با وفات ایشان که قهرا انبوه جمعیت به سوی منزل ایشان در خیابان پهلوی زنجان هجوم نمود روسها گمان کرده بودند که اهالی قصد قیام و اغتشاش دارند و می‌خواهند بر علیه فدائیان حکومت پوشالی اقداماتی نمایند لذا دستور داده بودند ستونهای موجود از ارتش در اطراف شهر مستقر شده و شهر را در محاصره گرفته بودند بعداً به آنان فهمانیده بودند که سوء قصدی در کار نیست و ازدحام جمعیت برای تشیع یک روحانی بزرگ است که وفات نموده‌اند

الحاصل ایشان در سن هشتاد و سه سالگی داعی حق را لبیک گفتند. و آن مرحوم در بعضی از علوم غریبه از جمله جفر جامع اطلاع کامل داشتند و یکی دو مورد از اوضاع آینده استفسار و بجواب نائل که صورت عمل به طور مجمل موجود است. و نیز نسبت به امام غایب عجل‌اللّه‌فرجه اخلاص فوق‌العاده داشته و از دعاء ندبه در روزهای جمعه غفلت نمی‌کردند. در مرض موت ایشان اطرافیان که از ایشان پرستاری می‌کردند چندین دفعه حالت عجیبی مشاهده نمودند که ایشان با کبر سن و شدت بیماری که غالباً در حال بیهوشی بودند و قادر به حرکت نبودند گاهی به خود آمده و به پرستار خود دستور می‌داد که مرا بلند کنید با زحمت بلندش می‌کردند و به قبله ایستاده و لباسهای خود را مرتب می‌کرد و پس از یک دقیقه یا کمتر می‌گفتند بخوابانید و در حال قیام مثل اینکه در حضور شخص بزرگواری از اولیاء هستند.

و این حال از دو روز قبل از وفاتشان چندین دفعه تکرار شد و در سن هفتاد و سه سالگی که مبتلا به مرض تیفوئیته گردیده بودند درست ده سال پیش از وفات در حال میان خواب و بیداری شخصی را دیده بودند که از اطاق داخلی وارد اطاق ایشان گردید و نشست و خیار نوبری از جیب خود بیرون آورد و با چاقو خطی بخیار کشید و خط دوم را بر آن عمود کرد که قدری خط اولی را بریده و تجاوز نمود و گفت این عمر شماست و شما در سن ۸۳ سالگی فوت خواهید کرد و این مکاشفه تحقق پیدا کرد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مجتهد عراقی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۰/ ۱۳۰۸ –۱۲۴۰ ق)، عالم دینی و مجتهد. معروف به صاحب «قوامع». اصل وی از عراق عجم (اراک، آشتیان، فراهان و تفرش امروزی) است. نسبش به میثم تمار، صحابی امیرالمؤمنین (ع)، می‌رسد. در نه سالگی ادبیات را فراگرفت و در ۱۲۵۵ ق به بروجرد رفت. وی فقه و اصول را از محضر ملا اسداللّه بروجردی و سید محمد شفیع جاپلقی آموخت. آن‌گاه به مدت ده سال به سلطان‌آباد و تهران و خراسان و آذربایجان مسافرتها کرد. سرانجام به نجف رفت و سالها از محضر شیخ انصاری استفاده نمود و تقریرات فقه و اصول استادش را ضبط و تدوین کرد. پس از درگذشت استادش به ایران بازگشت و مدتی در همدان اقامت نمود، سپس در تهران ساکن گردید و از مجتهدان و مراجع بنام این شهر شد. وی در تهران درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و در خانه‌ی کوچک خودش در نجف، نزدیک صحن علوی، دفن شد. از آثارش: «دارالسلام»، در احوال حضرت قائم (عج)، به فارسی که در ۱۳۰۵ ق تألیف نمود؛ «مشکاة النیرین»، در مناقب و مصائب معصومین (ع)، در بیست هزار سطر؛ «جوامع الشتات»، در اصول، تقریرات استادش شیخ انصاری؛ «لوامع النکات» یا «لوامع الاحکام»، در فقه، تقریرات استادش شیخ انصاری؛ «قوامع الفضول عن وجوه حقائق علم الاصول»؛ «کفایهٔ الراشدین»، در رد جماعتی از مبدعین؛ «خزائن الکلام»، در شرح «قواعد الاحکام».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۰۳/ ۱۰)، ایضاح المکنون (۴۴۱/ ۱)، الذریعه (۶۳/ ۲۱، ۳۷۱، ۳۵۸، ۹۲ –۹۱/ ۱۸، ۱۹۹/ ۱۷، ۲۱ –۲۰/ ۸، ۱۵۶ –۱۵۵/ ۷، ۲۵۱، ۲۴۸/ ۵)، ریحانه (۳۸۲/ ۳)، علماء معاصرین (۳۳۲ –۳۲۶)، المآثر و الآثار (۱۶۷ –۱۶۶)، معجم المؤلفین (۱۷۹/ ۱۲)، مکارم الآثار (۱۱۱۷ –۱۱۱۴/ ۴)، هدیهٔ العارفین (۴۲۲ –۴۲۱/ ۲).

مجتهد قوچانی، ذبیح‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ ذبیح‌اللّه بن العالم الجلیل حاج شیخ محمدصادق بن حاج ملا مهدی بن ملا احمد (خبوشانی) مجتهد قوچانی از علماء بزرگ قوچان بوده است. وی حدود سال ۱۳۰۹ قمری پس از تکمیل تحصیلات عالیه و رسیدن به مقام اجتهاد از نجف به قوچان وارد شده و پس از یکسال توقف به مشهد عزیمت نموده و در جوار سلطان سریر ارتضا حضرت اباالحسن الرضا علیه الصلوهٔ والسلام رحل اقامت افکنده و در مدرسه میرزا جعفر به تدریس فقه و اصول پرداخته و بعد از بیست و سه سال توقف و خدمات دینی و روحی اجتماعی در سال ۱۳۳۵ قمری وفات و در دارالسیاده مدفون شده است.

وی از شاگردان میرزا حبیب‌اللّه رشتی و آخوند خراسانی و غیرهما از اعاظم آن عصر بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مجتهد کرکی، ابوعبداللّه حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۱ ق)، عالم امامی، فقیه و متکلم. معروف به امیر سید حسین مجتهد. دخترزاده‌ی محقق کرکی بود. در عصر شاه طهماسب صفوی از جبل عامل به ایران آمـد و مـدتی در قزوین سـکونت داشت. به دسـتور شاه عباس اول به اردبیل رفت و شیخ‌الاسـلام آنجا گردیـد. شیخ شـمس‌الدین محمد بحرانی از شاگردان او می‌باشد. در اردبیل به بیماری طاعون درگذشت. پیکرش به عتبات حمل و در آنجا دفن شـد. از آثارش: «دفع المناواة»؛ «ایمان ابی‌طالب»؛ «رفع البدعهْ»؛ «سیاده الاشـراف» یا «السـید و السیادهْ» یا «تحقیق معنی السیادهْ»؛ «تبصرهْ المؤمنین»؛ «تذکرهْ الموقنین»، در اصول دین و عقاید؛ «تفسیر آیهْ احل لکم الطیبات»؛ حاشیه بر «صـحیفه» و شـرح آن؛ حاشیه بر «عیون اخبار الرضا»؛ «دعامهْ الخلاف»؛ شرح «روضه» کافی؛ «التوحید»؛ «النیهْ»؛ «النفحات القدسیهْ»؛ «النفحات الصمدیهْ»؛ «الرسالهْ الطهماسبیهْ»، در امامت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۳/ ۲)، اعیان الشیعه (۴۷۴ -۴۷۳/ ۵)، الذریعه (۲۸۷، ۲۴۸/ ۲۴، ۲۷۶، ۲۷۵- ۲۷۰، ۲۶۹- ۱۲/ ۲۴۲، ۱۱/ ۲۳۲، ۱۹۹، ۸/ ۴۹، ۴/ ۳۲۵، ۳۲۴- ۳۱۵، ۳/ ۱۸۲، ۱)، روضات الجنات (۳۱۸ -۳۱۲/ ۲)، ریاض العلماء (۱۲۱۷، ۷۵ -۶۲/ ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۲ -۷۱/ ۱۰)، عالم آرای عباسی (۱۴۵، ۱۲۴ -۱۲۳/ ۱).

مجتهد همدانی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۳- شهادت ۱۳۱۴ ق)، فقیه، عالم دینی و مجتهد. در همدان به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات به اصفهان رفت و در محضر عالم بزرگ ملا حسـینعلی تویسرکانی تلمذ نمود تا به مرتبه‌ی اجتهاد رسید. سپس به همدان بازگشت. پس از مدتی به قصد زیارت عتبات عالیات به نجف رفت و در مجلس شیخ انصاری شرکت کرد و مدتها در محضر وی شاگردی نمود. او سومین استادی بود که بحثهای شیخ انصاری را برای طلاب تقریر می‌کرد. سرانجام به همدان بازگشت و به تدریس و بحث و تألیف و نشر احکام پرداخت. او بنا به دعوت عده‌ای از شـیعیان ساکن کردسـتان، به آنجا رفت و به نشر مذهب جعفری پرداخت تا اینکه قاضی و شیخ‌الاسلام اهل تسـنن فرمـان قتلش را صادر کرد و او به طرز فجیعی کشـته شـد و خانه و تألیفات و کتابهایش به غارت رفت و از آثارش جز «رسالهْ فی الرضاع» باقی نماند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شـرح حال رجال (۲۱۸ -۲۱۶/ ۶)، شـهیدان راه فضیلت (۵۰۳ -۵۰۱)، طبقات اعلام الشـیعه (قرن ۲۴۳ -۲۴۲/ ۱۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۳۳۹ -۱۳۳۸/ ۳).

مجتهد، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اقتصاد، دانشکده: علوم اقتصادی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسـی اقتصاد از دانشـگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۴۷، کارشناسـی ارشـد اقتصاد از دانشـگاه ایالتی آیوا آمریکا در سال ۱۳۵۳، دکترای اقتصاد کشاورزی از دانشگاه ایالتی آیوا آمریکا در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبایی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بیمه‌هـای صـادراتی و نقش آن در توسـعه صـادرات، تـدریس دروس پول و بانکـداری، توسـعه اقتصـادی، اقتصـاد ایران، نظریه‌های اقتصادی، مسائل پولی و مالی در دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه تهران و دانشگاه تربیت مدرس.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

ضرورت توجه به صادرات نفتی، بـدهی خارجی آمریکا و تجزیه و تحلیل عوامل بوجود آورنـده آن، بحران صادرات در کشورهای جهان سوم، سیاستهای کشاورزی ایران پس از انقلاب، قدرت جذب کشورهای اوپک.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مجتهدزاده، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسـی فیزیک از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۹، دکترای فیزیک هسـته‌ای از دانشـگاه لوئی پاستور استراسبورگ فرانسه در سال ۱۳۴۵.

مرتبه علمی:

تدریس در دانشگاههای تهران، اصفهان، الزهرا، شهید بهشتی، همدان، بیرجند و دانشکده افسری، دانشیار دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجـام طرح مطالعـاتی فیزیـک اتمی، هسـته‌ای و الکترونیـک، انجام ۳ اختـراع در زمینـه فیزیـک. راهنمـائی، مشـاوره و نظـارت بر ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

فیزیک هسته‌ای، فیزیک اتمی، فیزیک الکترونیک.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مجتهدقمی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در مآثر و آثار گویـد: آقا حسـین مجتهد قمی به علم و عمل اشـتهار دارد و مرحوم میرزای فیض گوید: ملا آقا حسـین عالمی اسـت قـدس نهاد که زهـد در نهاد او عجین است و قدس در ذات او دفین والدش از اعزهٔ و اتقیاء این بلد و از خدام آسـتان بضـعه احمدی صلوات‌اللَّه‌علیها است.

تحصـیل مقـدمات و سـطوح را در خـدمت حاج سـید اسـماعیل که از تلامـذه مرحوم میرزای قمی بود تکمیل نموده به جانب عتبات عالیه رخت کشـیدند. و در حوزه حجهٔ‌الاسـلام حاج شـیخ مرتضی انصاری حاضر شده چهارده سال زمان توقفشان طول کشیده تا از حضـیض تقلید به اوج اجتهاد ارتقاء جست و به وطن روی آورد و حکومات شـرعیه قم منوط به رأی رزین ایشان شد در سال ۱۳۲۷ هجری مرحوم و در صحن جدید مقابل مقبره شهید نوری مدفون و سنگ بزرگی بر روی قبرش منصوب است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

مجتهدی تهرانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ احمد مجتهدی تهرانی از علماء با تقوا و موصوف بفضل و اخلاق تهرانست.

وی در سال نهم مهرماه سال ۱۳۰۲ شمسی برابر ۱۳۴۳ قمری هجری در تهران متولد شده و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح در سال ۱۳۶۳ قمری به قم مهاجرت نموده و متون فقه و اصول را از مدرسـین بزرگ حوزه علمیه چون آیت‌اللَّه صدوقی یزدی و آیت‌اللَّه سـلطانی و آیت‌اللَّه حاج سـید صادق شریعتمداری به پایان رسانیده و از محضر مرحوم زعیم اعظم آیـت‌اللَّه العظمی بروجردی طـاب ثراه و آیـت‌اللَّه العظمی مرعشـی نجفی و آیـات دیگر اسـتفاده نمـوده و پس از آن در سـال ۱۳۷۰

قمری به تهران مراجعت و در مسجد حاج سید عزیزاللَّه تهران بتدریس و تربیت عده‌ای از جوانان با ایمان و ضمنا استفاده از محضر آیت‌اللَّه العظمی حاج سید احمد خونساری ادام اللَّه ظله و مرحوم آیت‌اللَّه تنکابنی نموده و کم‌کم مورد توجه معظم له و مردم متدین تهران و بالاخص تجار و اصناف بازار قرار گرفته و حوزه‌ای تشکیل داده و برای این خدمت دعوت به مسجد و مدرسه حاج ملاـ محمد جعفر معروف به مسجد (آقا) گردیده و در آنجا به اقامه نماز جماعت و پرورش محصلین و جوانان متقی و پرهیزگار نموده و عده بسیاری تربیت و بحوزه‌های علمی قم و مشهد اعزام نموده است.

آیت الله مجتهدی در سال ۱۳۶۲ قمری و در سن ۱۹ سالگی به کسوت روحانیت درآمد و قبل از آن در بازار تهران مشغول به کار بود و پدر ایشان یعنی مرحوم محمد باقر راضی نبود که فرزندش طلبه شود ولی بر اثر عشق و علاقه زیادی که جناب استاد به علم و دانش داشت به سوی طلبگی روی آورد. با توجه به مخالفت پدر، سال‌ها با عسرت و سختی زیادی، در لباس روحانیت به تحصیل علم پرداخت و بعد از سال‌ها نه تنها پدر راضی شد بلکه بر وجود چنین فرزندی در نزد خویشان و نزدیکان و در اجتماع افتخار می‌کرد. وی پنج سال بعد یعنی در سال ۱۳۶۷ قمری و در سن ۲۴ سالگی ازدواج کرد و در همین سال دروس رسائل و مکاسب را نزد آیات و حجج اسلام آقایان فاضل (پدر حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی) و سیدحسین قاضی و آقا شیخ قاسم نحوی امتحان داد و با موفقیت به اتمام رساند. بعد از قریب دو سال در سن ۲۶ سالگی و در سال ۱۳۶۹ قمری امتحان کفایه و قسمتی از درس خارج را با موفقیت گذراند. آیت‌الله مجتهدی در ضمن تحصیل، به تدریس کتب حوزوی هم می‌پرداخت و وقتی که از قم به تهران آمد شب‌ها در مسجد امین‌الدوله که مرحوم حاج شیخ محمد حسین زاهد در آنجا مشغول به تدرس و اقامه نماز بود، استاد هم، صبح و عصر به امر تدریس اشتغال داشت و چون مرحوم حاج شیخ محمدحسین زاهد در اواخر عمر و با وجود کهولت سن به سختی مشغول تعلیم و تربیت طلاب بود، لذا از آیت‌الله مجتهدی تقاضا کرد که علاوه بر تدریس، شب‌ها هم منبر برود و آیت‌الله مجتهدی در طول دو سال، شش جزء از اول قرآن را با استفاده از تفسیر برهان که مبنای تفسیری ایشان بود برای مستمعین آیات قرآن را تفسیر می‌کرد. آیت‌الله احمد مجتهدی تهرانی صبح‌ها در مسجد مرحوم حاج سید عزیزالله بازار جهت طلاب به تدریس کتب ادبیات و فقه مشغول بود و بعد از ظهرها هم برای کسانی که روزها شاغل بودند و بعد از ظهرها درس می‌خواندند به تدریس کتب حوزوی از قبیل مطول، سیوطی، مغنی، منطق و غیره می‌پرداخت. دو سال بعد یعنی در ۲۱ محرم سال ۱۳۷۲ قمری، ثلمه‌ای در اسلام به وجود آمد و آن رحلت عارف زاهد و معلم اخلاق حاج شیخ محمدحسین زاهد رحمهٔالله علیه بود. آیت‌الله احمد مجتهدی تهرانی پس از گذشت سه سال از رحلت آن عالم بزرگوار، همچنان به امر تدریس در مسجد مرحوم حاج سید عزیزالله واقع در بازار تهران مشغول بود تا آنکه به درخواست عده‌ای از علماء و مردم متدین، از حضرت استاد تقاضا کردند که حوزه علمیه را به مسجد مرحوم حاج ملا جعفر منتقل کنند که در آن زمان مسجد، انبار خاک ذغال و خمره ترشی کسبه محل بود، و تجار و مردم متدین با علماء مشورت کردند و به این نتیجه رسیدند که آیه‌الله مجتهدی به دلایلی نسبت به علماء دیگر جهت ادامه راه مرحوم حاج شیخ محمد حسین زاهد ارجحیت دارد. بنابراین با همت تجار و مردم متدین، آیت‌الله مجتهدی توانست حوزه علمیه فعلی را که در تهران خیابان ۱۵ خرداد شرقی، کوچه شهید مرتضی کیانی، کوچه مسجد آقا واقع است تأسیس کند. نگارنده گوید: جناب آقای مجتهدی از دانشمندان و مربیان با حقیقت و معنویت معاصر است و از سی سال قبل که ایشان را شناخته‌ام با تقوا و ورع یافته و مکروهی از وی ندیده‌ام جدا از افرادیست که علم خود را مقرون بعمل و قدس خویش را توام با اخلاص قرار داده است.

آثار قلمی چندی دارد که از آنها چند رساله بطبع رسیده است.

۱- رساله‌ای در احکام‌الغیبه.

۲- رساله‌ای در گناهان کبیره.

از خدمات ارزنده ایشان تشکیل حوزه علمیه مدرسه و مسجد آقای مزبور است که در حال حاضر بیش از یکصد طلبه و محصل دارد که عموم آنان را شهریه (ماهیانه) از سیصد ریال الی یکهزار و پانصد ریال میدهد. معظم له از عموم مراجع نجف اشرف و قم و تهران و غیره وکالت و اجازه دارد.

آیت الله مجتهدی تهرانی که در سالهای آخر عمر از مشکلات تنفسی و قلبی رنج می‌برد در ۲۳ دی ۱۳۸۶ در سن ۸۵ سالگی در بیمارستان بازرگانان تهران دار فانی را وداع گفت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مجتهدی سیستانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمود فرزند عالم زاهد حجهٔالاسلام والمسلمین حاج سید محمدباقر فرزند علامه متقی آیت‌اللَّه العظمی آقای حاج سید علی مجتهد سیستانی طاب اللَّه ثراه از فضلاء معاصر مشهد مقدسند.

والد ماجدش مرحوم حجهٔالاسلام حاج سید محمدباقر سیستانی نیز از علماء ابرار و ائمه جماعت اخیار مسجد جامعه گوهرشاد بوده و جد گرامیش مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج سید علی مجتهد سیستانی از شاگردان مبرز و متعصب و غیور میرزا بزرگ شیرازی و از مراجع تقلید زمان خود و مخالف سرسخت مشروطه و مشروطه‌خواهان بوده که شرح احوالش در کتاب علماء خراسان و کرام البرره و سایر تراجم می‌باشد.

مترجم محترم در سال ۱۳۵۱ هجری قمری در مشهد مقدس در بیت علم و تقوا متولد و پرورش یافته و پس از رشد و خواندن مقدمات و ادبیات در خدمت مرحوم ادیب نیشابوری و سطوح را خدمت مرحوم حاج سید احمد مدرس یزدی و مرحوم حاج شیخ

هاشم قزوینی و مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی استفاده نموده است.

و بعد به درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمدهادی میلانی قدس‌اللَّه سره حاضر و استفاده نموده و مدتی هم در قم از محضر برخی از آیات عظام بهره‌مند شده و سفری هم به اعتاب عالیات نموده و مدتی اقامه و از دروس خارج آقایان آنجا مستفیض گشته و پس از آن به زادگاهش مشهد مقدس مراجعت نموده و به خدمات دینی و روحی از اقامت جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین و نشر معارف و فضائل اهل‌البیت علیهم‌السلام در حسینیه منزلش و نیز مسجد و جلساتش اشتغال دارند.

سید محمود بن العالم الجلیل حاج سید محمدباقر بن العلامه الحجه آیت‌اللَّه العظمی حاج سید علی مجتهد سیستانی معروف به (مجتهدی) ای افاضل علماء و ائمه جماعت معاصر مشهد مقدسند.

وی در حدود ۱۳۵۴ قمری در مشهد متولد شده و در بیت علم پرورش یافته و پس از خواندن دروس فارسی به تحصیل علوم پرداخته و ادبیات را از آقای ادیب نیشابوری معاصر فراگرفته و سطوح را از مدرسین بزرگ مانند مرحوم حاج میرزا احمد مدرس یزدی و دیگران آموخته آنگاه به درس خارج آیت‌اللَّه العظمی میلانی و آیات دیگر شرکت و استفاده کامل نموده و خود به تدریس پرداخته و هم به اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج احکام اشتغال دارد.

برادر ارجمندشان آیت‌اللَّه حاج سیدعلی مجتهدی سیستانی از مدرسین و فضلاء بنام نجف اشرف‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مجتهدی شبستری، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا محسن بن مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا کاظم شبستری از فضلاء و ائمه جماعت معاصر تهرانند. وی در سال ۱۳۱۵ شمسی در شبستر که در هشت فرسخی تبریز است متولد شده و تحصیلات ابتدائی و متوسطه و مقدمات عربی را در شبستر و تبریز به پایان رسانیده و در سال ۱۳۳۱ قمری وارد حوزه علمیه قم گردیده و بتحصیل علوم دینیه پرداخته و پس از تمام شدن سطوح از محضر اساتید بزرگ و عالیقدری مانند مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه محقق داماد و آیت‌اللَّه شریعتمداری و آیت‌اللَّه امام خمینی و آیت‌اللَّه علامه طباطبائی ادام اللَّه ظلهم علی رؤس الانام استفاده و ضمنا تدریس سطوح از مطول و شرح لمعه و رسائل و مکاسب نموده تا در سال ۱۳۹۲ قمری که بنابر تقاضا و اصرار عده‌ای از مؤمنین ساکنین شمال تهران منتقل به آن سامان گردیده و در مسجد طلاچیان واقع در خیابان فرح جنوبی به اقامه جماعت و ترویج دین و تفسیر کلام مبین و سایر خدمات از تدریس علوم دینی و غیره اشتغال دارند.

مرحوم والدش آیت‌اللَّه حاج میرزا کاظم مجتهد شبستری از علماء و مراجع طراز اول و معروف آذربایجان بودند. وی در سال ۱۳۰۶ قمری در شبستر متولد و پس از بلوغ و خواندن اولیات و سطوح به نجف اشرف هجرت و بعد از مراجعت دوازده سال مقیم وطن (شبستر) بوده و سپس به شهرستان تبریز منتقل و ده سال در آنجا بخدمات مذهبی و مرجعیت دینی موفق و در سن شصت سالگی برحمت ایزدی پیوسته و از تبریز حمل به قم و در قبرستان مرحوم آیت‌اللَّه حایری مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مجتهدی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله بن العلامه آیه الله حاج میرزا مصطفی مجتهدی تبریزی از علماء معاصر تبریز است. وی در هشتم ربیع الثانی ۱۳۲۰ در نجف اشرف متولد شده و مرحوم والدش که در سال ۱۳۱۷ ق مهاجرت به نجف نموده بود بعد از هشت سال توقف و استفاده از محضر علامه خراسانی و علامه طباطبائی یزدی و دیگران بواسطه کسالت در سال ۱۳۲۵ ق باتفاق عائله و برادر گرامش آیه الله حاج میرزا خلیل مجتهد به ایران مراجعت و در موقع ورود که مصادف با انقلاب مشروطه بود از رفتن به تبریز خودداری و در میانه و اطراف تبریز اقامت نموده و در سال ۱۳۲۶ ق برای معالجه در معشیت برادر بزرگش آیه الله حاج میرزا مسعود آقا و خانواده‌اش به تهران آمده و مدت دو سال توقف و در سال ۱۳۲۸ قمری به تبریز برگشته و به وظائف دینی پرداخته است.

وی در مهد پرورش آن والد بزرگوار تربیت یافته و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح را نزد والدش و دیگران خوانده و در سال ۱۳۳۷ ق که والدش فوت نموده نزد علماء تبریز مانند آیه الله حاج میرزا خلیل آقا مجتهد و آیه الله میرزا رضی تکمیل نموده و در سال ۱۳۴۴ ق مهاجرت به قم و از محضر آیت الله العظمی حایری و آیه الله یثربی کاشانی و آیه الله حاج شیخ محمد رضا اصفهانی استفاده نموده و در سال ۱۳۵۰ ق مراجعت به تبریز نموده و تا هم اکنون به اقامه جماعت و تدریس و تبلیغ احکام اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مجتهدی، عبدالهادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسـلام والمسـلمین مرحوم حاج شیخ عبـدالهادی مجتهـد بهبهانی از علماء محترم بهبهان و مراجع بزرگ آن سامان ابن‌العلامه الشیخ محمد حسین بهبهانی عسکری در سال ۱۳۰۰ ق در نجف متولد شده و در سن ۷ سالگی با والد معظم خود بسامرا رفته و چون والدش از شاگردان آیه‌الله علی‌الاطلاق میرزا محمد حسن شیرازی قدس‌الله سره‌الشریف بوده چندین سال در آنجا اقامت و تحصیل علم نموده تـا در سال وبائی والـدش مرحوم و پس از مـدتی در سن ۲۰ سالگی به بهبهان آمـده و بعـد از دو سال مراجعت بنجف و چنـدین سـال از محضـر مرحـومین علمیـن آیـتین یزدی و خراسـانی و مرحـوم محقـق آقـا سـید محسن کـوهکمری که شـاگرد مبرز مخصوص آیه‌الله حـاج شـیخ هـادی تهرانی بوده اسـتفاده نموده و پس از آن مهـاجرت به بهبهـان نموده و در آنجـا اقـامه جماعت و تربیت طلاب و تـدریس دروس عـالی فقه و اصول و فصـل دعـاوی و حکومـات شـرعیه نموده تا در سال ۱۳۷۲ ق کـه برای خرابی اوضـاع بهبهـان و دودسته‌گی بین قنوات و بهبهـان آنجـا را ترک و بحرم اهـل‌بیت علیهم‌السـلام که حرم امن خـداست مهـاجرت و بتـدریس پرداختـه و پس از چنـد سـال مراجعت بـوطن و در آنجـا بـدرود حیـات گفته و فرزنـد ارجمنـد خـود جنـاب حجه‌الاسـلام والمسـلمین آقـای حـاج شـیخ محمـد حسـین مجتهـدی معروف به (آقا شـیخ بزرگ) بجای خود گـذارده که اقامه جماعت و تربیت محصلین بهبهان را نموده و بوظائف دینی و روحی ادامه دهد.

معظم‌له که چندی در قم اقامه داشتند و از محضر آیات عظام حجت کوهکمری و آیه‌الله بروجردی استفاده کامل نمودند اکنون بالغ بر بیست سال است که بجای والـد مرحومش مشغول خـدمات و در مـدرسه علمیه شاهزاده ابراهیم که در محله قنوات است اشـتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مجتهدی، کریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کریم مجتهدی استاد گروه فلسـفه دانشـکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران است . وی آثار متعددی درزمینه فلسفه خلق کرده است که حائز اهمیت می باشـند . او علاوه بر تدریس ، اقدام به تهیه یک مجله کاملا تخصصی درمورد فلسفه است که شش شماره از آن منتشر گردیده است .

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

والدین و انساب : حاجی میرزا جواد مجتهدی تبریزی که از علمای مشهور تبریز بود ، پدربزرگ کریم مجتهدی می باشند .

اوضاع اجتماعی و شـرایط زنـدگی : کریم مجتهـدی متولـد شـهر تبریز است لیکن دردوران کودکی خانوده اش به تهران نقل مکان نموده اند .

تحصـیلات رسمی و حرفه ای : کریم مجتهدی تحصیلات خودرا درتهران دردبیرستان فیروز بهرام و کالج سابق البرز به پایان رسانید . او بعـداز دوره متوسـطه ، جهت ادامه تحصـیل راهی فرانسه شـد و ابتـدا مدرک لیسانس فلسـفه و ادبیات را دریافت کرده و بعد ها نیزموفق به اخذ مدرک فوق لیسانس و دکترا گردید .

خـاطرات و وقـایع تحصـیل : تحصـیلات دانشـگاهی کریم مجتهـدی در دانشگاه سوربن پاریس بود . درآن زمان و در اوایل دوران تحصـیل ،معلوماتی زبانی او چنـدان خوب و روان نبود ودر فهم وشـرح مفاهیم پیچیده فلسـفی مشـکلاتی رخ می داد و وی به لحاظ عدم هضم مفاهیم مشکل و ارتباز با محیط .درتنگنا بود .

استادان و مربیان : از مهمترین اساتید دردانشگاه سوربن پاریس می توان به گورویچ وژان وال اشاره کرد .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : کریم مجتهدی ازسال ۱۳۴۳-۴۴ شمسی ،عنوان استاد دردانشگاه تهران مشغول به تدریس می باشد .

فعالیتهـای آموزشـی : علاـوه برتـدریس فلسـفه یکی از فعالیتهای آموزشـی دکتر مجتهـدی اقـدام به تهیه یک مجله کاملا تخصصـی درمورد فلسـفه است که شـش شـماره از آن منتشـر گرد یـد . این مجله به عنوان ضـمیمه مجله دانشـکده ادبیات به دست علاقمندان رسیده است .

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : برنامه روزمره کریم مجتهدی درانطباق با برنامه تدریس وی است .او براین گمان است که بدین طریق می تواند در حیات و زندگی اجتماعی جامعه خود ،شریک و سهیم باشد .

همفکران فرد : یکی از همفکران کریم مجتهدی ، هانری کربن دانشـمند فرانسوی بود که با معاشرت داشته است . دردانشگاه تهران نیز دکتر مهدوی ، دکتر خوانساری ، دکتر جلیلی از جمله همفکران وی بوده اند .

آرا و گرایشـهای خاص : کریم مجتهدی معتقد است که راسیو نالیسم غربی (اصالت عقل) ریشه درسنت های فلسفه اسلامی دارد و چهره ای که از اواسط قرن سـیزدهم میلادی به بعـد درغرب ، نفوذ فوق العاده ای درمیان اروپاییان پیـدا می کنـد، ابن رشد است که اغلب متفکران اروپـایی ازافکـار وی الهـام گرفته انـد . در این سـنت ،عقـل یـک داده اولیه وابتـدایی نیست بلکه خـود عقـل مراحل ارتقـایی راطی کرده و پیشـرفت می کنـد که بهترین نمونه ازاین طرز فکردر آثـار دکـارت و به نحو بـارزتری در آثار اسپینوز را می توان یافت . --

آثار :

۱ la chute dalamout

۲ آشنایی ایرانیان با فلسفه های جدید غرب

۳ پدیدار شناسی روح بر حسب نظر هگل

ویژگی اثر : این کتاب جنبه تخصصی صرف داشته ومحتوای آن از آثار ژان هیپولیت (هگل شناس معروف فرانسوی) اقتباس شده است .

۴ ترجمه مقدمه کربن بو المشاعر ملاصدرا

۵ چند بحث کوتاه فلسفی

ویژگی اثر : در این کتاب را جع به مسائل فلسفی و آراد بزرگان این رشته و ارتباط روانشناسی با منطق صحبت شده است .

۶ درباره هگل وفلسفه او

۷ دونس اسکورتوس و کانت به روایت دیگر

۸ سید جمال الدین اسد آبادی و تفکر جدید

ویژگی اثر : دراین کتاب نحوه آشنایی سید جمال الدین اسد آبادی با فرهنگ غربی شرح داده شده و موضوع سیاسی و اجتماعی وی تبیین گشته است .

۹ فلسفه تاریخ

۱۰ فلسفه در قرون وسطی

ویژگی اثر : در این اثر به آرای فلاسفه غرب پرداخته شده وافرادی همانند فارابی ، کندی ،ابن سینا و غزالی درغرب مطرح شده اند .

۱۱ فلسفه غرب

ویژگی اثر : این کتاب مجموعه مقالات است

۱۲ فلسفه نقادی کانت

ویژگی اثر : این اثر ،کتابی در سطح مقدماتی است و مقالات تخصصی نزدی درباره کانت را شامل گردد .

۱۳ مدارس و دانشگاه های اسلامی و غرب درقرون وسطی

ویژگی اثر : این کتاب کارگروهی ازاساتید از جمله دکتر مجتهدی است .

۱۴ منطق ازنظر گاه هگل

۱۵ نگاهی به فلسفه های جدید ومعاصر درجهان غرب

ویژگی اثر : این کتاب مجموعه مقالاتی است که درباره دکارت .اسپینوزا و لایب نتیس که سرد کارتی معروف قرن هجدهم میلادی محسوب می گردند .

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

منابع زندگینامه :

کریم مجتهدی ، تهران : نشر روزگار ، انتشارات جهان فرهنگ ، ۱۳۸۱، ص۱۱

مجد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، مذهب و خطاط. از آثار وی: نسخه‌ای به نام «رشف النصایح الایمانیه»، در کتابخانه‌ی گلستان تهران، با رقم: «تم الکتاب... فی سنه ۸۵۱ کتبه و ذهبه العبد الضعیف المذنب مجد المذهب غفر له».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۵۹۰/ ۲).

مجد الادبا، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، منشی و خطاط. در زمان تألیف «المآثر و الآثار» (۱۳۰۶ ق)، منشی‌باشی کل خراسان بود. وی از علوم ادبی و عربی و همچنین علم حساب بهره‌مند بود و در خط تحریر نیز مهارت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۵۲/ ۴)، المآثر و الآثار (۲۲۴).

مجد الاسلام کرمانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۲ -۱۲۵۰ ش)، عالم دینی، روزنامه‌نگار، نویسنده و شاعر. در کرمان به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی به اصفهان رفت و از محضر آخوند ملا محمدباقر فشارکی و آقا میر محمدتقی مدرس استفاده نمود و از آنها به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نایل گشت. در آن موقع به طبع و نشر چندین جلد کتاب از قبیل: «کشف الغطاء»، «کشف القناع» و «شرح نهج‌البلاغه» اقدام کرد و با همکاری ملک المتکلمین و سید جمال‌الدین واعظ و میرزا علینقی خان سرتیپ به تأسیس مدرسه‌ای برای نوجوانان در اصفهان همت گماشت. وی در آغاز مشروطیت در تهران روزنامه‌ی «ندای وطن» را تأسیس و مدتی نیز روزنامه‌ی «ادب» را مدیریت و سردبیری کرد. وی در ۱۳۲۵ ق روزنامه‌های «کشکول» و «محاکمات» را منتشر کرد. شیخ احمد پس از حوادث تهران، از جمله به توپ بستن مجلس و توقیف جراید به اصفهان عزیمت نمود و در ۱۳۲۷ ق اقدام به انتشار روزنامه‌ی «کشکول» کرد. مجدالاسلام در زمان صدارت عین‌الدوله با حاج میرزا حسن رشدیه و میرزا آقا اصفهانی به کلات نادری تبعید شد تا اینکه در زمان صدارت مشیرالدوله، میرزا نصراللّه خان، به تهران بازگشت. وی در سرودن شعر توانا بود و بیشتر هنرش در سرودن قطعات تاریخی بوده است. شیخ آقا بزرگ تهرانی در «الذریعه» مجدالاسلام را یک جا با شهرت گرگانی و در جای دیگر با نام فتح‌اللّه ذکر کرده است. از دیگر آثار وی: منظومه‌ی «شهر خاموشان»، یا «اوضاع عدلیه سابق»؛ «تاریخ انحلال مجلس»؛ «تاریخ انقلاب مشروطیت»؛ « دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲۹۴ -۲۸۸، ۱۹۴ -۱۹۲، ۱۴۰ -۱۳۵/ ۴، ۹۴ -۸۹/ ۱)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۴۳۶ -۴۳۳)، الذریعه (۲۶۰/ ۱۴، ۹۶۰/ ۹)، ستارگان کرمان (۳۲۷ -۳۲۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۱۸۲/ ۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۲۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۵ -۱۸۳/ ۵).

مجد الاشراف شیرازی، جلال‌الدین محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۱/ ۱۳۳۰ -۱۲۴۹/ ۱۲۴۳ ق)، عالم دینی، حکیم، عارف، خطاط و شاعر، متخلص به قدسی شیرازی. ملقب به مجدالاشراف و جلال‌الدین. نسبش به سید شریف جرجانی می‌رسد. وی سر سلسله‌ی ذهبیه و متولی امامزاده شاهچراغ بود. مقدمات ادبیات عرب، اصول و کلام، حدیث و تفسیر، حکمت و فلسفه و ریاضی را در خدمت پدرش، میرزا ابوالقاسم راز مشهور به میرزا بابا، و میرزا حسن حکیم‌باشی فسایی، صاحب «فارسنامه‌ی ناصری»، و دیگر اساتید فراگرفت. او در برخی از دروس با صاحب تذکره‌ی «مرآت الفصاحه» همشاگردی بود. مجدالاشراف سپس به خراسان رفت و دروس خارج را در مشهد فراگرفت و به تکمیل فلسفه و حکمت در یزد پرداخت. وی همزمان با تحصیل علوم به سیر و سلوک و ریاضات نیز می‌پرداخت. او از خوشنویسانی بود که خطوط سه‌گانه (نسخ، نستعلیق و شکسته) را نیکو می‌نوشت. در شیراز درگذشت و در ایوان شاهچراغ به خاک سپرده شد. مریدان وی در مدحش اشعاری سرودند که در «رساله‌ی جلالیه» جمع‌آوری شده است. از آثارش: «تحفه الوجود»، در حکمت و عرفان؛ «تام الحکمهٔ» که دیباچه‌ی «قوائم الانوار و طوالع الاسرار» پدرش، میرزا ابوالقاسم راز شیرازی، می‌باشد؛ «خلاصهٔ الذهب»، تعریف سلسله‌ی ذهبیه رضویه؛ «قنوتیه»، فارسی و عربی؛ «تاریخ حیات قطب‌الدین شیرازی»؛ «مجلل الانوار» یا «کشکول سلسلهٔ الذهب»؛ «مرآت الکاملین»؛ «وصیت نامه»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۴۴۸)، اعیان الشیعه (۲۰۲/ ۴)، حدیقهٔ الشعراء (۶۵۲/ ۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۲۰ -۳۱۳/ ۴)، الذریعه (۱۰۷/ ۲۵، ۲۸۲/ ۲۰، ۱۷۲، ۱۷۳/ ۱۷، ۹۶۰، ۳۴۶/ ۹، ۲۲۷/ ۷، ۴۸۰، ۳۰۰/ ۳)، ذهبیه (۴۰۲ -۳۸۵)، ریحانه (۱۸۵ -۱۸۴/ ۵)، شرح حال رجال (۶۹ -۶۸، ۳۱ -۳۰/ ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۹/ ۱۳)، طرائق الحقائق (۴۵۷ -۴۵۶/ ۳)، فارسنامه ناصری (۹۴۸ -۹۴۷/ ۲)، مرآت الفصاحه (۴۹۹ -۴۹۷)، مؤلفین کتب چاپی (۲۷۷ -۲۷۵/ ۵).

مجد الکتاب، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۷ -۱۲۲۵ ش)، خطاط. وی نواده‌ی خاتم المجتهدین شیخ علی عبدالعال کرکی، از بزرگترین علمای شیعه در دوره‌ی شاه اسماعیل صفوی می باشد. مجد الکتاب در قزوین به دنیا آمد. تحصیلاتش را در زادگاهش گذراند. سپس به تهران آمد و نزد غلامرضا اصفهانی به فراگیری خط پرداخت. در ۱۳۲۰ ق به رشت رفت و مدرسه‌ای به نام مجدیه تأسیس نمود و به تعلیم و تربیت شاگردان پرداخت. در ۱۳۲۴ ق مدرسه‌ای در قزوین احداث کرد و خود ریاست آن را بر عهده گرفت. وی در قزوین درگذشت و در نجف اشراف، در گورستان وادی‌السلام به خاک سپرده شد. مجد الکتاب آثار خطی بسیاری از خود بر جای گذاشته است که از آن جمله‌اند: «گلستان» سعدی؛ دعای «صباح»؛ حدیث «کساء» و سرلوحه‌ی کاشی‌کاری ایوان شاهزاده حسین (ع) و سر در ورودی آنکه به سال ۱۳۰۷ ق نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (۷۰ -۶۸)، قزوین در گذرگاه هنر (۲۵۵).

مجد خرقانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید علی محمد بن السید الجلیل و العالم النبیل المرحوم السید رجب مجد العلماء قزوینی خرقانی از علماء محترم معاصر تهرانست. وی در سال ۱۳۲۴ قمری در خرقان قزوین متولد شده و پس از خواندن مقدمات و اولیات در قزوین به قم مهاجرت نموده و سطوح را از مدرسین و اعلام حوزه مانند مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمد همدانی و دیگران تکمیل نموده و چندی از محضر و درس مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری استفاده نموده و پس از آن مرحوم از آیات عظام مرحوم آقای حجت و آقای خونساری و آقای صدر رضوان اللّه علیهم بهره‌مند گردیده و در اوائل ۱۳۶۴ قمری به تهران منتقل و تاکنون در خیابان عباسی کوچه مجد اقامت و در مسجد آنجا به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

والد مرحومش حجهٔالاسلام مجدالعلماء از شاگردان مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدحسن آشتیانی بودند و از قزوین برای ارشاد و هدایت مردم بخرقان هجرت نموده و تا آخر عمر در آن حدود ایفاء وظیفه نمودند.

آن مرحوم دارای فرزندان دانشمندی بودند که از علماء معاصر قم و تهران و دماوند می‌باشند و آنها از این قرارند:

۱- حضرت حجهٔالاسلام و المسلمین آقای آقا سید عبدالحمید مجد

۲- حضرت حجهٔالاسلام و المسلمین آقای آقا سید محمدعلی مجد مقیم قم

۳- حضرت حجهٔالاسلام و المسلمین آقای آقا سید علی محمد مجد مترجم محترم ما

۴- حضرت حجهٔالاسلام و المسلمین آقای آقا سید تقی مجد مقیم قم

۵- حضرت حجهٔالاسلام و المسلمین آقای آقا جمال‌الدین مجد مقیم دماوند

۶- حضرت حجهٔالاسلام و المسلمین آقای آقا کمال‌الدین مجد (مشکور) مقیم تهران

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مجد خوافی خراسانی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۳۷ ق)، واعظ، ادیب و شاعر. وی از بزرگان زمان بود که سفرهایی چند به خراسان و کرمان داشت. از جمله آثارش: دیوان «کنز الحکمه»؛ ترجمه‌ی منظومی از «جواهر اللغه» زمخشری؛ «روضهٔ الخلد»، که تقلیدی از «گلستان» سعدی است، که آن را در ۷۳۳ ق به پایان رسانده و در ۷۳۷ ق در آن تجدیدنظر کرده و انتشار داده است. در «آتشکده‌ی آذر»، این کتاب به قاسمی خوافی نسبت داده شده است که صحیح به نظر می رسد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۳۹۶/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۱۹/ ۳)، تاریخ نظم و نثر (۷۵۸)، الذریعه (۲۹۳/ ۱۱)، فرهنگ سخنوران (۷۹۹)، لغت نامه (ذیل/ مجد خوافی)، هفت اقلیم (۱۷۴ -۱۷۳/ ۲).

مجد دزفولی، مجدالدین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف قبل از ۱۱۶۵ ق)، عالم دینی، قاضی، ادیب و شاعر. چون دزفول، از توابع شوشتر است او را مجد شوشتری نیز نامیده‌اند. در دزفول نشو و نما یافت و مطالب علمی را نزد علمای حویزه و شوشتر فراگرفت. وی فقه و حدیث را از محضر سید نعمت‌اللّه جزایری فراگرفت تا به مرتبه کمال رسید. قاضی مجدالدین، قاضی دزفول بود. او بارها به اصفهان سفر کرده و حزین لاهیجی با او ملاقات داشته است. وی چند سال قبل از تألیف «ذکرهٔ المعاصرین» حزین لاهیجی (تألیف شده در ۱۱۶۵ ق) از دنیا رفت. از او اشعاری در تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۵/ ۹)، تذکرهٔ المعاصرین (۲۶۱، ۱۳۸ -۱۳۷)، الذریعه (۹۶۰/ ۹)، صبح گلشن (۳۶۲)، فرهنگ سخنوران (۷۹۹).

مجد زاده صهبا، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند شیخ احمد مجد الاسلام کرمانی. فاضل و ادیب و شاعر.

پدرش اهل فضل و دانش و ادب و شاعر و نویسنده، و از آزادی خواهان صدر مشروطیّت بوده، و روزنامه ندای وطن را در طهران منتشر می‌نموده. دیگر از روزنامه‌هایی که او منتشر می‌نموده روزنامه ادب است، و از آثارش: منظومه «شهر خاموشان» راجع به اوضاع عدلیّه است.

و از اتّفاقات مهمّ زندگی او تبعید شدن ایشان به کلات نادری در زمان عین الدوله می‌باشد که در این مسافرت حاج میرزا حسن رشدیّه و میرزا آقا اصفهانی با ایشان همراه بوده‌اند.

مجد الاسلام در رمضان سال ۱۳۴۱ در کرمان وفات یافته است.

مرحوم صهبا در ۱۲۸۶ خورشیدی (۱۳۲۵ قمری) در کرمان متولّد شده، و در صبح دوشنبه نهم جمادی الثانیه ۱۳۶۴ در اصفهان وفات یافته، در تکیه بابا رکن الدین در اطاق مجاور بقعه مدفون گردید.

مشارالیه تحصیلات خود را در کرمان و طهران به پایان رسانیده، و سپس مدّتی در شیراز و شاپور و کازرون مأموریت یافته، و در چند سال آخر عمر به اصفهان منتقل گردیده، امور باستان شناسی اصفهان بدو محوّل گردید، و در حفظ آثار باستانی این شهر مانند یک اصفهانی دلسوز و علاقمند خدمت نموده، به طوری که مردم این شهر بدو دلبستگی یافته و او را یک نفر اصفهانی متولّد در کرمان می‌دانستند.

کتب زیر از اوست:

۱- یک دوره کتاب تاریخ و جغرافیا جهت دبیرستان‌ها ۲- آثار تاریخی ایران ۳- حافظ شیرین سخن ۴- دیوان اشعار ۵- روزنامه سرنوشت که به مدّت دو سال در اصفهان منتشر می‌شد.

از اشعار اوست:

گرچه دارا در غمش جز ناله شبگیر نیست

ناله شبگیر ما را در دلش تأثیر نیست

دل چه می‌خواهد ز جان من که در دام بلا

خود گرفتار آمد و خود کرده را تدبیر نیست

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مجد سرخکتی، مجدالدین محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، طبیب و شاعر. اصل وی از سرخکت، نزدیک سمرقند، می‌باشد. محمد عوفی خواهرزاده‌ی او بود. مجدالدین از ۵۹۷ ق به دربار قلج طمغاج‌خان ابراهیم بن حسین، حاکم سمرقند، راه یافت و از اطبای خاص او و ملک‌الاطباء دربار شد. از آثار وی: «تاریخ ترکستان»، در تاریخ ملوک خانیه؛ کتابی در «خواص اشیاء»، که قسمتی از آن در «جوامع الحکایات» عوفی آمده است. در «صبح گلشن» صاحب عنوان تحت نام مجدالدین سرخسی آورده شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۲۷/ ۲)، الذریعه (۹۶۱/ ۹)، صبح گلشن (۳۶۲)، فرهنگ سخنوران (۷۹۹)، لباب الالباب (۳۳۸- ۳۳۷، ۳۰۱، ۱۸۱ -۱۷۹/ ۱).

مجد، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زیست‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته زیست‌شناسی با رتبه اول از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۴۲، کارشناسی ارشد زیست‌شناسی با رتبه اول از دانشگاه پی‌یر و ماری کوری پاریس در سال ۱۳۵۳، دکترای زیست‌شناسی از دانشگاه پی‌یر و ماری کوری در سال ۱۳۵۶، گذراندن دوره‌های تخصصی در ژاپن و سوئیس در زمینه پیوندهای گیاهی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تمایز بافتهای آوندی سویا، بررسی گروه و گره‌زدائی به کمک میکروسکوپهای نوری و الکترونی در سویا، روشهای نوین

سیتولوژی و مورفوژنز، پیوندهای گیاهی و کشت سلول و بافت، تمایز بافتهای آوندی در سویا، اثرات ناشی از پیوند زدن بر ویژگیهای بادام زمینی، اثر آلوده کننده‌های محیطی بر تکوین اندامهای زایشی در گیاهان، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۱ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

زیست‌شناسی گیاهی شامل: سازمان گیاهان بی گل، سازمان گیاهان گلدار، تمایز در تکوین بافتهای آوندی در سویا، ساخت و کار یاخته گیاهی و زیست‌شناسی سلولی و مولکولی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

خاستگاه رشد در گیاهان، ساخت و کار مرسیستم‌های نخستین، طرز عمل سیستم‌های انتهایی، سیتوزول و اسکلت سلولی، ترکیب شیمیائی در ویژگیهای دیواره خاص در سویا، اثر آبیاری نابهنگام و اضافی بر تکوین گرده‌ها، نقش سلولهای تاپی در تشکیل اکزین، اثر آلوده کننده‌های محیطی و سموم بر تکوین مادگی و پرچم‌ها، اثر شوری بر تمایز بافتهای سویا و اثر شوری بر برخی ویژگیهای آفتابگردان.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مجد، جمال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید جمال‌الدین بن مرحوم مجد العلماء مزلفانی معروف به آقای مجد عالمی برجسته و فاضلی شایسته است.

وی دارای پنج برادر روحانی میباشد که در ضمن ترجمه برادر بزرگش آیت‌اللَّه حاج سید علی محمد مجد ص... یاد نمودم. وی در بیت علم و سیادت تولد و پرورش یافته و برای تحصیل کمال به قم آمده و از محضر آیات عظام و مدرسین کرام بالاخص مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حجت و آیت‌اللَّه خونساری و آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و دیگران استفاده نموده آنگاه بنا بر دعوت مردم دماوند و امریه مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی عزیمت بدماوند نموده و تاکنون در آن سامان به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مجدالدین ابراهیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۴ ق)، خطاط. اهل شیراز بود و خط تعلیق را به روش استادان شیراز می‌نوشت. مدتی وزارت شاهزاده پریخان خانم، دختر شاه طهماسب، را داشت و بعد از کشته شدن او، مدت بیست سال در دارالسلطنه‌ی قزوین عزلت اختیار کرد و به سختی روزگار می‌گذراند. وی در قزوین درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :گلستان هنر (۵۳ –۵۲).

مجدالدین خوافی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، ادیب و شاعر. وی از ادیبان ساکن هندوستان بوده و به فرمان اکبرشاه (۱۰۱۴ –۹۶۳ ق) به تقلید از «گلستان» کتابی به نام «خارستان» در ۱۶ باب نوشته است. عده‌ای از تذکره‌نویسان همچون صاحب «تاریخ نظم و نثر» به تبعیت از «عرفات العاشقین» گفته‌اند که او «روضهٔ الخلد» مجد خوافی، را به نام خود کرده است و صاحب تذکره‌ی «روز روشن» به وضوح کتاب «روضهٔ الخلد» را به مجدالدین نسبت داده است یعنی او را با مجد خوافی یکی دانسته است. در حاشیه «کاروان هند» آمده که کتاب «روضهٔ الخلد» در هند با عنوان «خارستان» چندین بار به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۸۳)، تذکره‌ی روز روشن (۷۱۴)، فرهنگ سخنوران (۷۹۹)، کاروان هند (۱۲۱۴ –۱۲۱۳/ ۲)،

هفت اقلیم (۱۷۶ -۱۷۵/ ۲).

مجدی همدانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یـازدهم ق)، شـاعر. از مردم همـدان بود که در خراسان نشو و نما یافت. مولانا مجـدی در زمان شاه عباس اول (۱۰۳۸ – ۹۹۶ ق) می‌زیست و شاعری توانا بود که در سرودن غزل دست داشت. از اوست:

اگر از شکوه خموشم ز شکیبایی نیست

عشق عصمت طلبم را سر رسوایی نیست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۳۵)، بزرگان و سخن سرایان همدان (۳۰۵/ ۱)، الذریعه (۹۶۳/ ۹)، مجمع الخواص (۳۰۲).

مجدی، یوسف

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۹۵ ق)، خطاط. از آثار وی: یک لوحه ثلث دو دانگ عالی و نسخ کتابت جلی خوش، با رقم: «و انا المـذنب یوسف المجدی سنهٔ ۱۱۹۵».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۳۶/ ۴).

مجذوب تبریزی، شرف‌الدین محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۹۳ ق)، دانشـمند و شاعر، متخلص به مجذوب. از فضلاء و دانشمندان تبریز و معاصر سلاطین صفویه بود. او شاعری صوفی مشـرب و پای‌بنـد به اصول مـذهب بود و دوبار به حـج رفت و مزارات کربلا و نجف را نیز زیارت نمود. مجـذوب در تبریز تدریس می‌کرد و شاگردان بسیاری از محضرش بهره می‌بردند. او در وزن و قافیه از حافظ تقلید می‌نمود و اشعار زیادی در مدح ائمه اطهار (ع) دارد. از آثـارش: مثنوی اخلاقی «راه نجات» یا «شاه راه نجات»، در آداب سـیر و سـلوک، در سه هزار بیت؛ رساله‌ی «تأییـدات»، مشـتمل بر مبحث توحید و نیز حدیثهای مؤید امامت ائمه اطهار (ع) و سـتایش آنان، به نام شاه سـلیمان صفوی، در سیصد و چهارده بنـد، شامـل هشت هزار بیت؛ منظومه‌ی «خزاین الفوایـد»، در توحیـد و پیـامبری و امامت با ذکر احادیث؛ مثنوی «مسـلک النجاهٔ»، در عرفان؛ منظومه‌ی «منهاج الحقایق»، در عرفان؛ «دیوان» شـعر، شامل ساقی‌نامه و غزل و مخمس و ترجیع‌بند و قصـیده و رباعی، در پنج هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۲۰ -۱۳۱۶، ۶۲۵/ ۵)، تذکره‌ی پیمانه (۴۷۲ -۴۶۵)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۵۶۶ – ۵۵۹/ ۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۹۳ -۱۹۲)، دانشمندان آذربایجان (۳۲۷ -۳۲۶)، الذریعه (۲۱۷/ ۱۹، ۱۶ -۱۵/ ۱۳، ۹۶۴ -۹۶۳/ ۹، ۱۵۵/ ۷)، ریاض العارفین (۱۳۵)، ریحانه (۱۸۸/ ۵)، صبح گلشن (۳۶۴ -۳۶۳)، فرهنگ سخنوران (۸۰۰)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۳۲۰۲، ۲۷۸۴/ ۴، ۲۵۱۰/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ مجذوب تبریزی)، مواد التواریخ (۳۸۲).

مجذوب علیشاه همدانی، محمدجعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۳۹ ق)، عـالم دینی، فقیـه، عـارف، صـوفی و شـاعر، متخلص بـه مجـذوب. ملقب به مجـذوب علیشـاه و معروف به کبـو در آهنگی. وی از طایفه‌ی قراگوزلو از طوایف همدان بود. در محضر ملا محمدمهدی نراقی و میرزای قمی تلمذ نمود و فقه و اصول را فراگرفـت. او از میرزای قمی اجـازه‌ی اجتهـاد داشـت گرچه هیـچ‌گاه به اجتهـاد نـپرداخت. وی همزمـان بـا تحصـیل فقه و اصـول به مطالعه‌ی آثار بزرگانی چون: ابن‌طاوس، خواجه نصـیر، ابن فهد حلی، شـیخ‌بهائی، ابن‌میثم، میرداماد، میر فندرسکی، فیض کاشانی و دیگران که روح عرفانی داشـتند می‌پرداخت و اوقات خود را به عبادت و ریاضت می‌گذراند. فضـلای روزگارش او را سلمان زمان می‌خواندند و ملا حسـنقلی همدانی، قطب عرفای روحانی او را بسیار می‌ستوده است. در تبریز درگذشت و در نزدیکی مقبره‌ی سید حمزه دفن شـد. از آثـارش: «اثبـات النبـوهٔ الخاصـهٔ»، به فارسـی؛ «مرآهٔ الحـق»، تحقیقی در تصـوف، حلول، اتحـاد و تناسـخ؛ «مراحل

السالکین»؛ شرح «دعاء الامیر (ع)»؛ «الاعتقادات»؛ حواشی بر «کفایهٔ» محقق سبزواری و «مدارک» و «شرح لمعه»؛ «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۹۵، ۲۷۰ -۲۶۸/ ۲۰، ۲۴۷/ ۱۳، ۹۶۴/ ۹، ۱۰۱/ ۱)، ریاض العارفین (۳۰۴ -۳۰۲)، ریحانه (۱۸۹ -۱۸۸/ ۵)، سرآمدان فرهنگ (۲۷۷/ ۱)، شرح حال رجال (۳۲۸/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۵۹ -۲۵۸/ ۱۳)، فرهنگ سخنوران (۸۰۱)، لغت نامه (ذیل/ مجذوب همدانی)، مجمع الفصحا (۹۴۴ -۹۴۳/ ۵)، معجم المؤلفین (۱۵۲/ ۹)، مکارم الآثار (۱۰۶۰ -۱۰۵۹/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳۲۵ -۳۲۴/ ۲).

مجرم شاملو، مرتضی قلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۰ ق)، خطاط، موسیقیدان و شاعر. از امیرزادگان و رؤسای ترک عهد صفویه بود. پدرش در زمان شاه عباس اول حاکم قزوین بود و بعد از فوت پدر، حکومت آن دیار به وی تفویض شد، ولی او نپذیرفت و از ملازمت کناره گرفت. مجرم در موسیقی و خطاطی ماهر بود. در ۱۰۱۳ ق به هندوستان رفت و جهانگیر پادشاه منصب دیوانی به او پیشنهاد نمود ولی وی نپذیرفت و به عزم زیارت بیت‌اللّه الحرام به سوی گجرات رفت، ولی در راه فوت شد و در احمدآباد دفن گردید. در مورد نام وی بین تذکره‌ها اختلاف وجود دارد. از آثارش «دیوان» شعری است که بنا بر وصیت خود او پس از فوتش به وسیلهٔ تقی اوحدی گردآوری شده و شامل اقسام شعر از جمله یک مثنوی در هجو شریفای خازن تبریزی می‌باشد. به آوردهٔ «کاروان هند» از قول «عرفات» وی به خط خود «دیوان» نوشته بود و ساز عود را به غایت خوش می‌نواخت تا جایی که استاد حسن طنبوری و استاد شمس شدرقویی (شتر غوهی)، که از استادان وی بودند، او را در مرتبهٔ خود می‌دانستند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (۳۴۸/ ۱)، تاریخ نظم و نثر (۶۵۸)، الذریعه (۹۶۵ -۹۶۴/ ۹)، ریحانه (۱۸۹/ ۵)، صبح گلشن (۳۶۴)، فرهنگ سخنوران (۸۰۱)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۲۵۱۱/ ۳)، کاروان هند (۱۲۱۹ -۱۲۱۴/ ۲).

مجرم مراغه‌ای، سلام‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۰ -۱۲۴۹/ ۱۲۴۷ ق)، عارف و شاعر، متخلص به مجرم. ملقب به مجذوب علیشاه و مشهور به حاج کبیر آقا. وی از معاریف مراغه بود. او بیشتر غزل و قصیده می‌سرود. در تبریز درگذشت و در گورستان سید حمزه به خاک سپرده شد. از آثار وی: «مرآت العارفین»؛ «دیوان» شعری به نام «بحرالاسرار».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :چهارصد شاعر برگزیدهٔ پارسی‌گوی (۹۷۹)، دانشمندان آذربایجان (۳۲۷)، الذریعه (۹۶۵، ۹۶۴/ ۹)، شرح حال رجال (۷۲ -۷۱/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۸۰۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۹۸۷/ ۲، ۴۵۸/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۴۳ -۳۴۲/ ۳).

مجلدی خراسانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اهل خراسان و معاصر سام میرزا صفوی (م ۹۷۵ / ۹۷۴ ق) بود. وی در آنجا جلدسازی و شیرازه‌بندی کتاب می‌کرد و در این فن ماهر بود. علاوه بر آن طبع خوبی داشت و شعر نیز می‌سرود. از اوست:

هر گه که چشم بر من درویش می‌کنی

لب می‌گزی و جان مرا ریش می‌کنی

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۲۹۹)، الذریعه (۹۶۶/ ۹)، صبح گلشن (۳۶۵)، فرهنگ سخنوران (۸۰۲).

مجلسی

قرن:۱۱

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن یازدهم و (احتمالاً) دوازدهم هجری، از زنان محدث و فقیه. وی نوه علامه مجلسی اول (ملا محمدتقی) و برادرزاده مجلسی

دوم (ملاـ محمـدباقر) بـوده است. این بـانو در خانـدان علم و فضیـلت و تقـوا پرورش یـافت و فقه و حـدیث را نیز فراگرفت. مـولف ریحانهٔالادب، او را «از ارباب کمال بلکه در عداد علماء معدود و (صاحب) رساله‌های متعدد در مسائل فقهیه» دانسـته و یک حاشـیه بر کتاب من لا یحضره الفقیه به او نسبت داده است.

به نوشـته آقا احمـد بهبهانی، وی ماننـد خواهرش بلا ولد (بدون فرزند) از دنیا رفت. برخی مقبره‌ای را که در بقعه علامه مجلسـی به آمنه بیگم منسوب است و اشعاری بر روی آن حکاکی شده بود متعلق به وی یا زینب بیگم، دختر مولی محمد سعید اشرف می‌دانند نه از آمنه بیگم.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زنـدگینامه :منابع: اعیان‌الشیعه، ۶۰۷ / ۳؛ تذکرهٔالقبور، ۲۹ دایرهٔالمعارف تشیع، ۴۲۴ / ۳؛ دست نوشـته‌های علی دوانی (پـدر نگارنده) ریاحین‌الشریعه، ۲۲۵ / ۴؛ ریحانهٔالادب، ۲۶۲ / ۶؛ النساءالمومنات، ۲۶۸؛ مرآت‌الاحوال جهان‌نما، ۷۱.

مجلسی اصفهانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از شاگردان محتشم کاشانی (م ۹۹۶ ق) و از شاعران درویش نهاد بود. در اصفهان کارخانه‌ی بافندگی داشت و از این راه امرار معـاش می‌کرد. او از اصـفهان به هندوسـتان رفت و در دولت‌آبـاد و احمـدآباد دکن به خـدمت خـواجه بیـگ میرزا صفوی، که در ۹۹۹ ق به هند رفته بود و به دربار اکبری پیوسته بود، رسید و شعری تقدیم وی نمود. وی زمانی که قصد مراجعت از هندوستان را داشت در همان دیار درگذشت. بعضی از تذکره‌ها مجلسی اصفهانی را همان مقصود علی، پدر ملا محمدتقی مجلسی اول می‌دانند. از وی اشعاری در تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۵۸)، الذریعه (۹۶۶/ ۹)، ریحانه (۱۹۸ -۱۹۷/ ۵)، صبح گلشن (۳۶۵)، فرهنگ سخنوران (۸۰۲)، کاروان هند (۱۲۲۱ -۱۲۱۹/ ۲)، لغت نامه (ذیل/ مجلسی)، نتایج الافکار (۶۳۰).

مجلسی، آمنه‌بیگم

قرن:۱۲

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، عالم، محدث و فقیه. وی بزرگ‌ترین دختر از چهار دختر ملا محمدتقی مجلسی و خواهر ملا محمدباقر مجلسـی بود. آمنه بیگم هم صاحب جمال بود و هم نمونه کمال. از آنجا که در خانواده‌ای عالم و فاضل پرورش یافته بود و مـدارج ترقی را تا درجه‌ی اجتهاد به سـرعت پیمود. با ملا محمدصالـح مازنـدرانی وصـلت کرد. میرزا عبداللّه افندی در «ریاض العلماء» نقل می‌کنـد کـه شـنیده‌ایم همسـرش بـا همه‌ی فضـل و دانشـی که دارد از او اسـتفسار می‌کنـد». از آن جمله در حـل مشـکلات «قـواعد الاحکـام» علامه حلی بـا شوهرش همکـاری داشت. در «ریـاحین الشـریعه» به اسـتناد یـک نسـخه‌ی خطی «ریـاض العلماء» دو اثر به آمنه‌بیگم نسبت می‌دهد: «شرح الفیه‌ی ابن‌مالک» و «شرح شواهد سیوطی» که در ریحانه نیز به این دو کتاب اشاره شده است. مؤلف «ریـاض الجنه» نیز می‌نویسـد که وی کتابی بسـیار خوب در فقه، تا باب عبادت، تألیف کرده است؛ علاوه بر این در گردآوری اخبار بعضـی از مجلدات «بحارالانوار» به برادرش نیز کمک می‌کرده است. وی مادر فرزندان عالمی است که از خاندان آنها تاکنون دهها مجتهـد مرجع تقلید و دانشـمند بلند آوازه‌ی دینی برخاسته است. تاریخ فوت آمنه‌بیگم مشـخص نیست. به نوشـته‌ی مؤلف «ریحانه» مرقد وی در تخت‌فولاد اصـفهان است، ولی برخی احتمال می‌دهند که یکی از قبرهای واقع در بقعه‌ی علامه مجلسی که اشعاری هم بر روی آن نوشته شده متعلق به آمنه‌بیگم است. در برخی منابع نام او آمنه‌خاتون آمده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۶۰۷ /۳، ۹۵ /۲)، تذکرهٔ القبور (۲۸ -۲۷)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۸۷ -۱۸۶ /۱)، ریاحین الشریعه (۳۲۹ /۳)، ریـاض العلماء (۴۰۷ /۵)، ریحانه (۳۶۶ -۳۶۵ /۸ ،۱۴۸ /۵)، فوائـد الرضویه (۵۴۴ -۵۴۳)، قصـص العلماء (۲۲۸)، مرآت الاحوال جهان‌نما (۱۲۹ -۱۲۸ /۱)، مستدرکات الاعیان (۸ /۴)، مشاهیر زان (۹ -۸).

مجلسی، حیدر علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد میرزا عزیزالله، از علمـای معروف زمـان خود بوده، و در بین سلسـله‌ی مجلسـی به کثرت علم، و وفور فضل، و احاطه بر انساب خانواده مشهور است. از شاگردان میر عبدالباقی امام جمعه است.

در ۳ شنبه ۱۸ رمضان المبارک ۱۱۴۶ متولد، و در سال ۱۲۱۴ وفات یافته، در صحن تکیه آقا حسین خوانساری مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش را آقا محمد کاظم واله ضمن قطعه‌ای چنین گفته است:

خواست واله در دو مصرع سال تاریخش زمن

تا بود هریک به فوتش رهنمای اهل علم

گفتمش: شد سوی جنت پیشوای اهل زهد

گفتمش: سوی جنان شد مقتدای اهل علم

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱ – اجازه‌ی کبیر ۲ – تذکرهٔ الانساب، در انساب سلسله‌ی مجلسی، به طبع رسیده است ۳ – رساله در مفقود الخبر ۴ – رساله در منتسب از طرف مادر به جناب هاشم ۵ – منتخب الؤلؤهٔ، اجازه جهت پنج نفر از فرزندان اوست ۶ – اجازات دیگری جهت شاگردان خود.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مجلسی، حیدرعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۱۴ –۱۱۴۶ ق)، عالم دینی. جدش نوه‌ی ملاـ عزیزاللّه، برادر علامه مجلسی ثانی، و از جانب مادر از نوادگان علامه‌ی مجلسی ثانی است. وی از شاگردان میر عبدالباقی امام جمعه، فرزند میر محمدحسین خاتون‌آبادی، و از علمای بزرگ امامیه در زمان خود بود. آقا احمد کرمانشاهی در «مرآت الاحوال» او را ستوده و جامع معقول و منقول خوانده است. میرزا غلامحسین بن محمد اسماعیل، از نوادگان ملاـ محمدصالح مازندرانی، از او روایت کرده است. در اصفهان درگذشت و در صحن تکیه آقا حسین خوانساری دفن شد. در برخی از مآخذ، سال وفات وی حدود ۱۲۲۰ ق ذکر شده که با توجه به ماده تاریخ وفاتش (برابر با ۱۲۱۴ ق) که توسط شاعران معاصرش سروده شده معتبر نمی‌باشد. از آثارش: «تذکرهٔ الانساب» یا «انساب المجلسی» یا «انساب السلسلهٔ المجلسیهٔ» یا «انساب خاندان مجلسی»؛ «منتخب اللؤلؤهٔ»، در انتخاب و اختصار «لؤلؤهٔ البحرین» شیخ یوسف بحرینی؛ رساله‌ای در «مفقود الخبر»؛ رساله در منتسبین از طرف مادر به جناب هاشم (جد پیامبر ص)؛ «اجازه» به فرزندان و عموزادگانش.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۷۳/ ۶)، انساب خاندان مجلسی (مقدمه)، تذکرهٔ القبور (۳۰۹ –۳۰۸)، الذریعه (۳۸۲/ ۲ ،۱۹۱ –۱۹۰/ ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۵۲ –۴۵۱/ ۱۳)، فوائد الرضویه (۱۶۷ –۱۶۶)، مفاخر اسلام (۶۰۱ –۵۹۷/ ۸)، مرآت الاحوال (۱۳۳ ، ۱۳۱ ،۱۲۶ ،۱۲۳ ،۱۱۱ ،۱۰۶ ،۱۰۵ ،۱۰۴ ،۱۰۳ ، ۱۰۰ ،۹۶)، معجم المؤلفین (۹۱/ ۴)، مکارم الآثار (۵۳۲ –۵۲۹/ ۲).

مجلسی، کمال الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

متخلّص به «عاکف» فرزند میرزا نورالدین چهره. از خدمتگزاران فرهنگ نوین اصفهان، و از شعرا و گویندگان این سامان، علوم قدیم و جدید رانزد اساتید این شهر آقایان: حاج میر محمد صادق خاتون آبادی، و شیخ محمّد حکیم خراسانی، و سیّد العراقین، و محاسب الدوله، و میرزا رضا خان نائینی، و در شهر دزفول نزد آقا شیخ محمّد باقر دزفولی فرا گرفته، و از فضلای نامدار این شهر به شمار می‌رود.

در ۱۳۰۴ متولّد، و در شب شنبه ۲ رجب سال ۱۳۸۷ وفات یافت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مجلسی، محمدباقر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۱۱ / ۱۱۱۰ –۱۰۳۸ / ۱۰۳۷ ق)، عالم دینی، فقیه، محدث، متکلم و شاعر، متخلص به مشتاق. مشهور به علامه مجلسی. شیخ‌الاسلام اصفهان بود. وی از دانشمندان بزرگ اواخر خکومت صفوی است که با پشتکار فوق‌العاده و تصنیف و تألیف کتب و تدریس علوم اسلامی و تربیت شاگردان بسیار، بزرگترین خدمات را به جامعه اسلامی عرضه نمود. ملا محمدباقر در آخرین سال سلطنت شاه عباس و در عصر مرجعیت میر داماد در اصفهان به دنیا آمد. او دروه‌ی چهار تن از سلاطین صفوی: شاه صفی، شاه عباس دوم، شاه سلیمان و شاه سلطان حسین را درک نموده است. نسبش از جانب پدر به حافظ ابونعیم اصفهانی می‌رسد و جد مادریش کمال‌الدین درویش محمد عاملی اصفهانی است. او بیشتر تحصیلاتش را در حوزه‌ی پدرش، علامه مجلسی اول، گذراند و بارها از وی اجازه گرفت و در علوم معقول و منقول از محضر استادانی چون ملا حسنعلی شوشتری و آقا حسین محقق خوانساری و میرزا رفیع‌الدین محمد طباطبایی نایینی و ملا محمد شریف رویدشتی اصفهانی و شیخ عبداللّه بن جابر عاملی و شیخ علی بن شیخ محمد بن حسن بن شهید ثانی و میر محمد قاسم طباطبایی قهپایی و ملا محسن فیض کاشانی و ملا محمدصالح مازندرانی و میر

شرف‌الدین علی شولستانی و سید محمد مشهور به سید میرزا جزایری و میر فیض‌اللّه طباطبایی قهپایی و میر محمد مؤمن استرآبادی و ملا محمدمحسن استرآبادی و سید نورالدین علی عاملی و ملا محمدطاهر قمی و ملا خلیل قزوینی و سید علی خان شیرازی و شیخ حر عـاملی اسـتفاده نمود و از جـانب آنها به دریافت اجازه نایل شـد. او جامع معقول و منقول و در فقه و تفسیر و حـدیث و درایه و رجال و اصول فقه و کلام و دیگر علوم دینی متبحر بود. میرزا عبداللّه اصـفهانی، صاحب «ریاض العلماء» و سید نعمت‌اللّه جزایری و میر محمدصالـح خاتون‌آبادی و ملا ابوالحسن شـریف عاملی فتونی و ملا محمـد بن علی اردبیلی و ملا محمـد سـراب تنکابنی و میر محمدحسین خاتون‌آبـادی و ملاـ رفیعـا گیلانـی و سـید ابوالقـاسم خوانسـاری و میرزا علاءالـدین محمـد گلسـتانه و مولانـا جمشـید گسـکری و ملا محمدقاسم بن محمدرضا هزار جریبی و سـلطان محمود طبسـی و میر ابوطالب فندرسـکی و شیخ احمد بن محمد بن یوسف بحرانی و ملا ابراهیم گیلانی و ملا محمد فاضل مشـهدی و بسـیاری دیگر از بزرگان در محضرش تلمذ نمودند و از حوزه‌ی درسش بهره بردند. شاگردان مسلم او را متجاوز از دویست نفر می‌دانند. صاحب «ریاض العلماء» آنها را در حدود یکهزار نفر و سید نعمـت‌اللّه جزایری آنـان را بیش از هزار نفر می‌دانـد. او در اصـفهان درگـذشت و در جنب جـامع عـتیق، در بقعـه‌ی پـدرش، ملا محمـدتقی مجلسـی، به خـاک سپرده شـد. گفته شـده که آثار او تنها به فارسـی در حـدود پنجاه تألیف و تصـنیف است. از آثارش: «بحارالانوار»، جامع‌ترین کتاب حـدیث، در یکصـد و ده مجلد؛ «مرآة العقول»، در شـرح اخبار آل رسول (ع)، شـرح «اصول، فروع و روضه‌ی کـافی»؛ «ملاذ الاخیار فی شـرح التهـذیب الاخبار»، حاشیه بر «تهـذیب الاحکام» شـیخ طوسـی؛ «الفوائـد الطریفـهٔ فی شـرح الصـحیفهٔ»؛ «الوجیزهٔ»، در رجال؛ «زاد المعاد»؛ «تحفهٔ الزائر»؛ «حق الیقین»؛ «عین الحیاهٔ»، در شرح وصایا و مواعظ پیامبر (ص) به ابوذر و مختصـر آن، در سه هزار سـطر؛ «مشـکاهٔ الانوار»، در فضـیلت قرائت قرآن؛ «اختیـارات الایـام و الساعـات»؛ «مفاتیـح الغیـب فی الاسـتخارهٔ»؛ «حیات القلوب»؛ رساله‌ی «الاعتقادات»؛ «آداب الحج»؛ «الاربعون حدیثا»؛ «الاجازات»؛ «جلاء العیون»؛ «تفسیر آیهٔ النور»؛ «میزان المقادیر»؛ حاشیه بر «امل الآمل»؛ «حلیهٔ المتقین»؛ شـرح «دعاء جوشن کبیر»؛ ترجمه‌ی «الزیارهٔ الجامعهٔ»؛ «صـراط النجاهٔ»؛ شرح «الاسماء الحسنی»؛ «مقیاس المصابیح».[۱]

ملا محمدباقر، فرزند ملا محمدتقی مجلسـی (ه.م) از اجله‌ی علمای شـیعه‌ی عهد صـفویه است که به سال ۱۰۳۷ هجری قمری (یک سال قبل از مرگ شاه عباس کبیر) متولـد و در روز بیست و هفت رمضان سال ۱۱۱۰ و یا ۱۱۱۱ هجری قمری وفات یافته است. و در جـامع عتیق اصـفهان مـدفون است. تعـداد تألیفـات وی از شـصت مجلـد متجاوز است و بحارالانوار فی اخبارالائمـهٔ الاطهار از همه معروفتر است. این کتاب به زبان عربی نوشـته شـده و شامل ۲۶ جلـد می‌باشد و متضـمن اخبار و احادیث متنوع می‌باشد. عین‌الحیات (مشـتمل بر مواعظ راجع به ترک دنیا)- مشـکوهٔ‌الانوار- حلیـهٔ‌المتقین (در اخلاق و اعمال)- حیوهٔ‌القلوب- تحفـهٔ‌الزائر- جلاءالعیون- مقیاس‌المصابیـح در تعقیبـات نمازهـای یومیه- ربیع‌الاسابیع- زادالمعاد- حق‌الیقین را به زبان فارسـی تحریر کرد و به علاوه رسالات کوچک بسیار از او باقی است؛ مجلسی دوم، مجلسی پسر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۷۳/ ۶)، اعیان الشیعه (۱۸۴ -۱۸۲/ ۹)، ایضاح المکنون (۵۲۱، ۴۶۰، ۲۸۴، ۲۰۷/ ۲، ۶۰۷، ۵۴۸، ۴۲۱، ۴۱۰، ۳۹۹، ۳۷۴، ۳۶۳، ۲۴۹، ۱۶۳/ ۱)، بحارالانوار (۶۷ -۳۷/ ۰)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۶۳، ۲۵۸ -۲۵۷/ ۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۳ / ۵)، تـذکرهٔ العلمـاء (۱۶۴ -۱۵۹)، تـذکرهٔ القبـور (۱۶۴ -۱۶۲)، تـذکرهٔ المعاصـرین (۳۲۱)، تلامـذهٔ العلامهٔ المجلسـی، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (۵۸، ۵۱، ۴۹/ ۲)، خدمات متقابل اسلام و ایران (۴۷۴، ۴۷۳)، الذریعه (۴۷/ ۲۵، ۳۲۰ -۳۱۸/ ۲۳، ۱۹۲ - ۱۹۱/ ۲۲، ۳۰۴، ۵۴/ ۲۱، ۲۸۰ -۲۷۹/ ۲۰، ۳۴۷، ۱۷۶/ ۱۶، ۳۷۰، ۹۵، ۳۸، ۳۷/ ۱۵، ۲۴۷، ۱۵۶، ۹۰/ ۱۳، ۱۱/ ۱۲، ۷۵/ ۱۰، ۱۹۳/ ۸، ۱۲۲ -۱۲۱، ۸۳، ۴۰/ ۷، ۱۸۱، ۵۱، ۲۵/ ۶، ۲۸۷، ۲۰۲، ۱۸۷، ۱۲۵ -۱۲۴/ ۵، ۵۰۵، ۴۷۷، ۳۵۸، ۸۳/ ۴، ۴۳۸، ۲۷ -۱۶/ ۳، ۴۸۰ -۴۷۹، ۲۲۴/ ۲، ۴۱۲، ۴۱۱، ۳۶۷، ۱۲۴، ۸۸، ۱۹، ۱۶ -۱۵، ۱۴/ ۱)، روضات الجنات (۹۱ -۷۶/ ۲)، ریاض العلماء (۴۵۰ -۳۹/ ۵)، ریحانه (۱۹۷ -۱۹۱/ ۵)، سبک شناسی (۳۰۴ -۳۰۳/ ۳)، صبح گلشن (۴۱۳ -۴۱۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۵/ ۱۲)، فرهنگ سخنوران (۸۴۴، ۸۰۲، ۱۱۷)، فوائـد الرضویه (۴۱۸ -۴۱۰)، قصـص العلماء (۲۲۸ -۲۰۴)، الکنی و الالقـاب (۱۵۰ -۱۴۷/ ۳)، لغت نـامه (ذیل/ مجلسـی)، معجم المؤلفین (۹۱/ ۹)، مفاخر اسـلام (جلـد هشـتم)، منتخب التواریخ (۶۷۲ -۶۷۰)، مؤلفین کتب چـاپی (۴۲ -۲۳/ ۲)، وقایع السنین و الاعوام (۵۵۱، ۵۰۸)، هدیهٔ العارفین (۳۰۷ -۳۰۶/ ۲).

مجلسی، محمدتقی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۷۰ -۱۰۰۴/ ۱۰۰۳ ق)، عالم دینی، فقیه، محدث، رجالی، عابد و زاهد. نسـبش به حافظ ابونعیم اصفهانی، صاحب «حلیهٔ الاولیاء» می‌رسـد. اصـلش به آورده‌ی «روضـهٔ الصـفا» از دارالمرز رشت، و به گفته‌ی معلم حبیب‌آبـادی در «مکـارم الآثار» از قریه مجلس از روسـتاهای جبل عامل است و از آنجا که تخلص شـعری پدرش، مقصود علی، مجلسـی بوده این سلسله به مجلسی معروف گشته‌اند. ملا محمدتقی در اصـفهان به دنیا آمد. مادرش دختر درویش محمد نطنزی اصفهانی می‌باشد. وی در فقه و تفسیر و حدیث و رجال متبحر و در عبادات و عرفان پیرو اسـتاد خود ملا عبداللّه شوشتری بود. او نخستین کسـی است که بعد از ظهور دولت صـفویه به نشر احـادیث شیعه پرداخت. در محضـر شـیخ بهـائی و ملاـ عبـداللّه شوشـتری و پسـرش ملاـ حسـنعلی شوشـتری و میر شـرف‌الدین علی شولسـتانی نجفی تلمـذ نمود و به دریـافت اجـازه نایـل شـد. ملاـ محمـدتقی از محقق کرکی، مشـهور به محقق ثـانی، و ملا عبـداللّه شوشـتری و شـیخ بهـائی روایـت کرده اسـت. میر فندرسـکی و قاضـی معزالـدین محمـد اصـفهانی و شـیخ یـونس جزایری و قاضـی ابوالشـرف و شـیخ عبداللّه بن شیخ ابوالبرکات و ملا محمدقاسم، دایی‌اش، به آورده‌ی «تذکرهٔ القبور»، از دیگر مشایخ وی می‌باشند.

فرزندش، ملا محمدباقر مجلسی، و آقا حسین محقق خوانساری و میر عبدالحسین خاتون‌آبادی اصفهانی از شاگردان وی بودند. شیخ عبداللّه بن جابر عاملی از او روایت می‌کند. در اصفهان درگذشت و در جنب جامع عتیق دفن شد. مقبره‌ی وی به سر قبر آخوند معروف است. از آثار وی: «روضهٔ المتقین»، در شرح «من لا ـ یحضره الفقیه»، که آن را به امر شاه عباس به فارسی شرح کرد و «اللوامع القدسیهٔ» یا «لوامع صاحبقرانی» نامید؛ «حدیقهٔ المتقین فی معرفهٔ احکام الدین لارتقاء معارج الیقین»؛ «احیاء الاحادیث فی شرح تهذیب الحدیث»، که همان شرح «تهذیب» شیخ طوسی است؛ «تفسیر» فارسی؛ «مناسک الحج»؛ «الاربعون حدیثا»، که در آن به ذکر مشایخ خود پرداخته است؛ شرح بر «صحیفه‌ی سجادیه»، به عربی و فارسی؛ حاشیه بر «نقد الرجال»؛ «طبقات الرواهٔ»؛ شرح «خطبه همام»؛ حاشیه بر «اصول کافی».[۱]

ملاـ محمدتقی، فرزند مقصود علی اصفهانی (ف. ۱۰۷۰ ه.ق) از متبحران علمای شیعه‌ی اثنی عشری است که احادیث و اخبار شیعه‌ی امامیه را جمع‌آوری کرده است. وی از شاگردان شیخ‌بهائی (ه.م) است. و در جامع عتیق اصفهان مدفون است. ملا محمدتقی در زمان شاه عباس کبیر می‌زیسته و پدر ملا محمدباقر مجلسی (ه.م) می‌باشد. تعداد تألیفاتش متجاوز از ۱۰ مجلد، مجلسی اول، مجلسی پدر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۱۹۳ –۱۹۲/ ۹)، تذکرهٔ العلماء (۱۶۷ –۱۶۴)، تذکرهٔ القبور (۲۲۱ –۲۱۹)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (۲۱۷ –۲۱۲/ ۲)، الذریعه (۲۵۸/ ۲۲ ، ۳۷۰ –۳۶۹، ۳۶۸/ ۱۸ ، ۱۴۹ –۱۴۸/ ۱۵ ، ۶۷ –۶۶/ ۱۴ ، ۳۴۸، ۳۰۵، ۲۲۶/ ۱۳ ، ۳۰۳ –۳۰۲، ۱۹۰/ ۱۱ ، ۲۲۷، ۱۴۵/ ۶ ، ۳۸۹، ۴۱۳، ۳۰۷/ ۱)، روضات الجنات (۱۱۹ –۱۱۴/ ۲)، روضهٔ الصفا (۵۸۵/ ۸)، ریاض العلماء (۴۷/ ۵)، ریحانه (۲۰۱ –۱۹۸/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۲ –۱۰۱/ ۱۱)، فوائد الرضویه (۴۴۶ –۴۳۹)، قصص العلماء (۲۲۸ –۲۱۴)، الکنی و الالقاب (۱۵۲ –۱۵۰/ ۳)، مفاخر اسلام (۴۴ –۲۸/ ۸)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۵۳ –۱۱۵۲/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۳۷/ ۹)، هدیهٔ الاحباب (۲۳۳ –۲۳۲).

مجلسی، مقصود علی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فقیه ادیب شاعر متخلص به «مجلسی» پدر مولی محمد تقی.

ظاهرا این غزل منسوب به اوست:

تا شد قدح کش از خم عشق آرزوی ما

بر دوش می‌برند ملایک سبوی ما

از طی راه عشق بتان مجلسی خوشیم

کاخر به جای می‌رسد این جستجوی ما

در وجه انتساب او به مجلسی گویند: ۱– مجلس نام دیهی است ۲– مقصود علی بسیار ظریف و نیکو محضر و مجلس آرا بوده ۳– مجلسی تخلص شعری او بوده است.

و از معروفین به تخلص «مجلسی» است: مجلسی اصفهانی شاعر، از شاگردان محتشم کاشانی، به هندوستان رفته و در آنجا وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مجلسی، نورالدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا محمد حسین بن حسن علی بن محمد صادق بن حسن علی سابق الذکر. عالم فاضل ادیب شاعر متخلص به «چهره» از فضلای اهل منبر اصفهان، در ۱۲۷۴ متولد، و در شب ۱۵ رمضان المبارک ۱۳۴۷ وفات یافته، در جنب جد خویش مدفون گردید.

جمعی دیگر از خاندان مجلسی از اولاد میرزا محمد تقی الماسی نیز در این حوالی مدفونند لکن سنگ قبر ندارند و قبورشان معین نیست.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مجمر اصفهانی، حسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۲۲۶/ ۱۲۲۵ –۱۱۹۰ ق)، شاعر. ملقب به مجتهد الشعراء. اصلش از سادات طباطبایی اردستان و از فرزندزادگان میرزا رفیعای نایینی بود. در زواره‌ی اصفهان به دنیا آمد و پس از تحصیل مقدمات در زادگاهش، به اصفهان رفت و به آموختن علم و ادب

پرداخت. وی به انجمن نشاط راه یافت و بعد از مدتی همراه معتمدالدوله میرزا عبدالوهاب نشاط، منشی الممالک، به تهران آمد و سپس به آذربایجان و ایروان رفت و به یاری نشاط وارد دربار فتحعلی‌شاه شد و ملازمت شاه را اختیار نمود، ولی همچنان تحت تربیت معتمدالدوله بود. پس از درگذشت میر سید محمد سحاب اصفهانی، پسر هاتف، وی از جانب شاه قاجار ملقب به لقب مجتهد الشعراء گشت. مجمر همچنین سالها ندیم و ملازم حسنعلی میرزا، فرزند فتحعلی‌شاه بود و از پدر و پسر صله و انعام بسیار دریافت کرد. وی عاقبت در سی و پنج سالگی در تهران درگذشت و در قم به خاک سپرده شد. از او قصاید و غزلیات و ترکیب‌بند و اشعاری در هجو و هزل باقی است. اشعار او بیشتر قصیده و به سبک خاقانی و انوری می‌باشد. از آثارش: «مثنوی» به سبک «تحفهٔ العراقین» خاقانی؛ قطعات منثوری به سبک «گلستان» سعدی؛ «دیوان» شعر.[۱]

آقا سید حسین ملقب به مجتهدالشعرا (و. ۱۲۲۰ ه.ق) از شعرای دربار فتحعلیشاه قاجار است، دیوان مختصری از او باقی است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۳۹ -۳۷/ ۱)، پژوهشی در نثر و نظم دوره‌ی بازگشت ادبی (۳۲۹ -۳۲۶)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۹۹ -۱۹۸/ ۴)، تاریخ ادبیات ایران در دوره‌ی بازگشت (۳۲۹ -۳۲۶/ ۲)، حدیقهٔ الشعراء (۱۵۳۶ -۱۵۲۶/ ۳)، الذریعه (۹۶۶/ ۹)، ریاض العارفین (۳۰۹ -۳۰۵)، ریحانه (۲۰۳ -۲۰۲/ ۵)، سفینهٔ المحمود (۲۹۰ -۲۸۲/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۸۰۳ -۸۰۲)، گنج سخن (۱۸۰ -۱۷۶/ ۳)، لغت نامه (ذیل/ مجمر)، مجمع الفصحا (۹۸۲ -۹۷۱/ ۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۶۲ -۱۵۹)، مکارم الآثار (۷۹۷ - ۷۹۶/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۸۵۸ -۸۵۷/ ۲)، نگارستان دارا (۱۲۷ -۱۲۶)، یادگار (س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۱۴۲).

مجموع الصنایع، محمد ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۶ ق)، نقاش. ملقب به مجموع الصنایع. ظاهرا این استاد در حرفه‌های دیگری نیز، مانند خط و قلمدان‌سازی و سایر حرفه‌های تزیینی آن دوران دستی داشته و به همین دلیل او را مجموع الصنایع لقب داده بودند. از وی تنها یک اثر آبرنگی دیده شده که در آن، شمایل مولای متقیان علی (ع) با حسنین (ع) تصویر شده و به شیوه‌ی اسماعیل جلایر عمل آمده است. زمینه‌ی تصویر، منظره‌ای از یک ساختمان قدیمی است و یک شیر نیز در روبروی ایشان نشسته است و رقم نهاده: «کلب آستان علی ابن ابیطالب محمدابراهیم ملقب بمجموع الصنایع فی شهر شعبان سنه ۱۳۰۶».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۶۳۵ -۶۳۴/ ۲).

مجنون چپ نویس

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۰۹ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به مجنون. نام اصلی وی را نه خودش نوشته و نه تذکره‌نویسان ذکر کرده‌اند. متأخرین او را با میر علی هروی خلط کرده و نامش را علی دانسته‌اند. اصل او را بعضی هروی و بعضی مشهدی گفته‌اند و لذا به مجنون هروی و مجنون مشهدی نیز معروف است. مسلم این است که خود و پدرش در هرات می‌زیسته و از خوشنویسان و معاریف این شهر بوده‌اند. مجنون نستعلیق را نزد پدر یاد گرفت و گاهی به دست چپ کتابت می‌کرد و گاهی نیز کلمات را از چپ به راست و وارونه می‌نوشت و به همین دلیل به مجنون چپ نویس معروف بود. وی مخترع خطی است که از ترکیب کلمات آن صورت انسان و حیوان به هم می‌رسید و آن را توأمان نام نهاده بود. از تألیفات وی دو رساله‌ی منظوم با عنوان «رسم الخط» و «قواعد خطوط» و یک رساله‌ی منثور، به نام «خط و سواد» را می‌توان نام برد. از خطوط وی: یک قطعه از مرقع بهرام میرزا، به قلم نیم دو دانگ خوش، با رقم: «مشقه مجنون الرفیقی»؛ یک قطعه از چپ نوشته شده (وارونه)، به قلم سه دانگ متوسط، با رقم: «الشاعر مجنون، حرره فی سنه‌ی ۹۰۲»؛ یک نسخه «غزلیات» جامی که دارای سرلوحه و جداول مذهب است. صاحب «پیدایش خط و خطاطان» گوید که وی در زمان غازان خان (۷۰۳ -۶۹۴ ق) و در خدمت او می‌زیست که به آورده‌ی بیانی در «احوال و آثار خوشنویسان» سهو فاحش است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۱۶ -۶۱۱/ ۳)، پیدایش خط و خطاطان (۱۵۳ -۱۵۲)، تاریخ نظم و نثر (۸۱۶، ۶۷۳، ۳۳۳)، تاریخ هنرهای ملی (۸۸۷ -۸۸۶/ ۲)، تحفه سامی (۱۴۲)، حبیب السیر (۳۶۲/ ۴)، الذریعه (۹۶۸ -۹۶۷/ ۹)، صبح گلشن (۳۶۶)، گلستان هنر (۸۶ -۸۵)، منظومه‌های فارسی (۵۱۳ -۵۱۲)، هنر عهد تیموریان (۶۸۲، ۵۸۳).

مجنون سیچانی اصفهانی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۱ ش)، شاعر. در قریه‌ی سیچان اصفهان به دنیا آمد. او به شغل زراعت و کشاورزی روزگار می‌گذراند. در ۱۳۲۱ ش قسمتی از «دیوان» شعرش با نام «نامه‌ی مجنون» به طبع رسید. بیشتر اشعارش مثنوی و قطعه می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۱۴ -۴۱۳)، الذریعه (۲۵/ ۲۴ ،۹۶۷/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۰۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۳۷/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۱ -۶۸۰/ ۳).

مجنون شیرازی، عبدالوهاب

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به مجنون. مشهور به میر مجنون. از سادات شیراز بود. به آورده‌ی معاصرش نصرآبادی، در «تذکره» خود، مجنون در زمان تألیف این «تذکره»، در ۱۰۸۳ ق، از شیراز به اصفهان رفته و با نصرآبادی نیز ملاقات داشته است. اشعاری از او در تذکره‌ها نقل شده است. از اوست:

گذشته‌ام ز سر روزگار دون پرور

ولی نمی‌گذرد روزگار از سر من

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۸۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۳۹/ ۴).

مجیبی نهی، شریف

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۴ ق)، شاعر. اصل او از قصبه‌ی نه، یکی از دهستانهای بیرجند، بود. از راه تجارت زندگانی می‌گذراند. در جوانی به سیستان رفت و مدتی در آن دیار سکنی گزید، سپس به وطن بازگشت و پس از چندی به هندوستان عزیمت نمود. در راه دوباره به سیستان رفت و مدت چهار سال در خدمت آصف خان میرزا قوام‌الدین جعفر قزوینی به سر برد و بعد از آن به دکن رفت و ملازمت عبدالّله قطب شاه (۱۰۳۵ -۱۰۲۰ ق) را اختیار کرد. بعد از پنج سال به زیارت بیت‌الّله الحرام رفت و از آنجا به وطن بازگشت و سپس دوباره به دکن مراجعت نمود. به آورده‌ی بعضی از تذکره‌ها او در ۱۰۲۴ ق (و ظاهرا در هندوستان) از دنیا رفته است. تقی اوحدی، صاحب «عرفات العاشقین» و باقی نهاوندی صاحب «مآثر رحیمی» آورده‌اند که وی را در ۱۰۲۴ ق در هندوستان ملاقات کرده‌اند. مجیبی غزل و قصیده را بسیار خوب می‌سرود و اشعاری از وی در تذکره‌ها نقل شده است. نام او در تذکره‌ها به صورتهای مجیبی بهبهانی، موجد همدانی، موجد نهندانی و مجیبی تهذانی آمده است. «فرهنگ سخنوران» آنها را جدا از هم و هر یک را به عنوان یک شخص ذکر کرده است. «الذریعه» نیز مجیبی بهبهانی و موجد همدانی را جدا از هم ذکر کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۳۱۴/ ۱)، تاریخ نظم و نثر (۶۵۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۴۰/ ۴)، الذریعه (۱۱۱۷ ،۹۶۹/ ۹)، ریحانه (۲۲/ ۶)، صبح گلشن (۴۶۷ ،۳۶۶)، فرهنگ سخنوران (۸۹۲ ،۸۰۲)، کاروان هند (۱۲۲۴ -۱۲۲۱/ ۲)، مآثر رحیمی (۱۱۲۹ -۱۱۲۳/ ۴).

مجیدی ذوالنبین، حبیب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: علم و صنعت ایران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فیزیک از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد فیزیک از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵، دکترای تخصصی فیزیک (اپتیک) از دانشگاه بزانسون فرانسه در سال ۱۳۵۳.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران از سال ۱۳۵۳ تا سال ۱۳۶۳، دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران از سال ۱۳۶۳ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تست غیر مخرب به طریقه هولوگرافی، محیطهای ضبط هولوگرافی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ارتعاشات و امواج، صوت و ارتعاش، نور هندسی، مبانی هیدرولیک، فیزیک حرارت و ترجمه کتب: مقدمه‌ای بر فیزیک لیزر، نور شناخت در زمینه فیزیک لیزر و فیزیک نور از انگلیسی به فارسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

هولوگرافی (اپتیک).

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مجیدی فیاض، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر مجیدی فیاض فرزند سید عبدالمجید به سال ۱۲۷۷ ه. ش در مشهد متولد گردید . وی پس از طی نمودن مراحل مقدماتی تحصیل ، در سال ۱۳۰۷ ه.ش به خدمات فرهنگی مشغول شد که ازجمله همکاری در تاسیس دانشسرای مقدماتی مشهد ، و به عهده گرفتن ریاست آن بود . دکتر مجیدی فیاض در سال ۱۳۲۲ درجه دکترای زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران احراز کرد ، و به استادی دانشکده ی علوم معقول ومنقول برگزیده شد .او در دوره های دوازدهم و سیزدهم نمایندگی مردم مشهد را در مجلس شورای ملی برعهده داشت ولی پس از دوره اخیر ، یکسره به مطالعه و تحقیق و تدریس پرداخت . در سال ۱۳۲۴ ه.ش از طرف وزارت فرهنگ ماموریت یافت تا دانشکده ادبیات مشهد را تاسیس کند . وی قریب نه سال ریاست این دانشکده را برعهده داشت . همچنین در پایه گذاری و تکمیل کتابخانه ی آن کوشید . چندسال نیز دانشکده علوم معقول ومنقول دانشگاه مشهد را سر پرستی کرد . از سال ۱۳۴۳ه.ش به دانشگاه تهران برگشت ، و در سال ۱۳۴۶ ه.ش بازنشسته شد . در بهمن سال۱۳۴۹ ه.ش دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد جهت تدریس در این دانشکده از وی دعوت به عمل آورد ، اما دیری نگذشت که در روزپنجشنبه چهارم شهریور ماه ۱۳۵۰ه.ش دار فانی را وداع گفت و به دیدار حق شتافت .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : علی اکبر مجیدی فیاض در خانواده ای از سادات و روحانیون مشهد بدنیا آمد پدرش سید عبدالمجید ثقه الاسلام از مجتهدان و فضلای روزگار خود بود و مردی محترم ،تربیت خانوادگی در پرورش وی مؤثر افتاد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : علی اکبر مجید فیاض از همان کودکی به آموختن قرآن و مقدمات زبان عربی پرداخت.و از تعالیم پدر بهر ه ها برد .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی اکبر مجیدی فیاض علوم قدیمه را در مدارس مشهد آموخت و در علوم معقول و منقول و ادبیات فارسی و عربی تبحر یافت . بجای پدر بعنوان خادم باشی کشیک اول در آستان قدس رضوی منصوب گردید. او به سال۱۳۱۶ ه.ش به تهران آمد و با آن که مردی پخته و درسن کمال بود و معلومات فراوان اندخته، دوره های ابتدایی و متوسطه را در مشهد و تهران امتحان داد و وارد دانشگاه تهران شد .

زمان و علت فوت : علی اکبر مجیدی فیاض روز پنجشنبه چهارم شهریور ماه ۱۳۵۰ ه.ش در مشهد درگذشت .و در آستان قدس رضوی به خاک سپرده شد .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی اکبر مجیدی فیاض در ایجاد «دانشسرای مقدماتی» در مشهد ۱۳۱۴ ه.ش ،تاثیر داشت و نخستین رئیس آن موسسه بود. درکتابخانه دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی چندی به کتابداری اشتغال داشت . در دوره های دوازدهم و سیزدهم نیز نمایندگی مردم مشهد را در مجلس شورای ملی برعهده داشت ولی پس از دوره اخیر یکسر به مطالعه و تحقیق وتدریس پرداخت . به مدت قریب نه سال ریاست دانشکده ادبیات مشهد را برعهده داشت در ضمن پایه گذاری و تکمیل کتابخانه آن دانشکده کوشید .

فعالیتهای آموزشی : علی اکبر مجیدی فیاض در سال ۱۳۰۷ ه.ش به عنوان فیاض به خدمات فرهنگی مشغول شد .ریاست دبیرستان شاهرضای مشهد به و ی تفویض شد . بعد ها به تدریس در دانشگاه پرداخت و استاد ملل و نحل در دانشکده علوم معقول و منقول برگزیده شد .در برخی این سالها ،در دانشکده ادبیات مشهد تاریخ ادبیات فارسی ،تاریخ تمدن، و تاریخ ایران بعداز اسلام را تدریس می کرد .چند سال نیز دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه مشهد را -که خوددر تاسیس آن همکاری داشت-علاوه بر دانشکده ادبیات سرپرستی می نمود . از سال ۱۳۴۳ ه.ش به دانشگاه تهران برگشت و به مدیریت گروه ادیان و مذاهب در دانشکده الهیات و معارف اسلامی انتخاب شد تا این که در سال ۱۳۴۶ ه. ش به افتخار بازنشستگی رسید و در مشهد اقامت گزید، ،از بهمن ۱۳۴۹ دعوت دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد را پذیرفت و در رشته فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی ، سیر عقاید و آراء. اسلامی متون نثر فارسی را تدریس فرمود ،با بعضی از دوستان خویش خاصه مرحوم دکتر قاسم غنی در تصحیح تاریخ بیهقی و تالیف تاریخ عصر حافظ مشارکت و همقدمی داشت .

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : علی اکبر مجیدی فیاض در سال ۱۳۳۴ ه.ش از طرف وزارت فرهنگ ماموریت یافت

دانشکده ادبیات مشهد را تاسیس کند .

منابع زندگینامه :رحمت الله ابریشمی ،کار نامه بزرگداشت بزرگان علم وادب ایران ، ص ۲۴۸

مجیدی، غلامحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسین مجیدی

محل تولد : خوانسار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۳/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب غلامحسین مجیدی در سال ۱۳۴۶ در شهرستان خوانسار متولد شدم. از سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه ولی عصر (ع) آن شهرستان گردیدم که دروس سطح را تا ابتدا درس خارج در آن شهرستان با استادانی همچون تقدیری و رفیعیان گذرانده و درعرض تحصیل در آن حوزه مشغول به تدریس دروس مقدماتی گردیدم و از سال ۱۳۷۱ وارد حوزه علمیه شهر مقدس قم گردیدم و در درس خارج حضرت آیهٔ الله فاضل و مکارم شیرازی شرکت کرده و از سال ۱۳۷۵ ادامه تحصیل را با درس فقه میرزا جواد تبریزی (ره) و اصول حضرت آیهٔ الله وحید ادامه دادم و در عرض تحصیل به تحقیق کتاب اشتغال یافتم که ابتدا در تاریخ ۱۳۷۳ کار تحقیق را با مؤسسه دار الحدیث شروع نمودم. که با همکاری گروهی چندین اثر به چاپ رسیده و نیز چندین اثر بطور مستقل از بنده به چاپ رسیده که یکی از آنها در سال ۱۳۸۲ کتاب سال ولایت شمرده شد. در ادامه همکاری با دار الحدیث اکنون مدیر گروه حکمتنامه ها و فرهنگنامه های این مؤسسه می باشم که تاکنون چندین حکمتنامه و فرهنگنامه از این گروه به چاپ رسیده است. مثل، حکمتنامه بسیج حکمتنامه، کودک حکمتنامه جوان- و غیره...

مجیدی، فرهاد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرهاد مجیدی در ۱۳ خرداد ۱۳۵۵ در تهران به دنیا آمد. در یک خانواده اصیل با وضعیت مالی و اجتماعی خوب رشد کرد. کم کم به فوتبال علاقه مند شد. او در کنار دو خواهر و یک برادر بزرگ شد. برادر کوچک تر فرهاد را هم خوب می شناسید. فرزاد مجیدی که درست بسان فرهاد از بهمن به استقلال تهران پیوست. فرهاد از کودکی عاشق فوتبال بود. از تیم های پایه کار خود را آغاز کرد. گرچه مادرش به طور کلی مخالف حضور او در میادین فوتبال بود اما پدرش از همه نظر یار و پشتیبان او بود. فرهاد مجیدی این روزها دوباره پیراهن استقلال تهران را بر تن کرده است. پیراهنی که با آن به فرهاد مجیدی تبدیل شد و شاید با آن از دنیای فوتبال خداحافظی کند. آغاز یک راه طولانی اولین تیم رسمی و تقریباً مطرح او جوانان کشاورز بود. تیمی که با کمبود امکانات مواجه بود اما با این حال این مساله باعث نشد تا فرهاد مجیدی فوتبال را کنار بگذارد. پس از حضوری تقریبا کوتاه در جوانان کشاورز در همان رده سنی به تیم بهمن پیوست. وضعیت در تیم جوانان بهمن بهتر از کشاورز بود. روزی ۳ بار تمرین می کرد. تمرین های سنگین و نفس گیر. برای حضور در مسابقات استانی به تیم صنایع پارچین پیوست و مدت کوتاهی به صورت بازیکن قرضی در این تیم توپ زد. درخشش او در تیم صنایع باعث شد تا مربیان تیم امید بهمن برای جذب دوباره او تلاش کنند. پس از هشت ماه بازی در صنایع پارچین وارد تیم امید بهمن بود. او می دانست که اگر در رده سنی امید موفق ظاهر شود می تواند به تیم بزرگسالان و مطرح بهمن راه پیدا کند. پس وقت تلاش بود! تلاشی برای رسیدن به یک آرزوی دیرینه! او پس از یک دوره کوتاه به آرزویش رسید و پیراهن تیم بزرگسالان بهمن را بر تن کرد. آن روزها بهمن در شرایط خوب و آرمانی قرار داشت. او حالا آرزوهای بزرگتری در سر داشت...پس از درخشش در تیم بزرگسالان بهمن به استقلال تهران پیوست. تیمی که همیشه آرزوی پوشیدن پیراهنش را در سر داشت. فرهاد مجیدی می دانست که راه سختی در پیش دارد. راهی که به قله های افتخار ختم می شد. او در استقلال به یک شاه مهره تبدیل شد! شم بالای گلزنی و هوش فوق العاده او باعث شد که به یکی از موفق ترین و محبوب ترین بازیکنان آن زمان استقلال تبدیل شود. به واقع می توان از فرهاد مجیدی به عنوان یکی از ستاره های اواخر دهه هفتاد نام برد. گل که می زد یک دستش را روی سینه می گذاشت و دست دیگر را باز می کرد! حرکت او بعد از هر گل تکرار می شد. مجیدی سالها برای استقلال بازی کرد و در واقع همین مساله باعث شد که حتی امروز محبوبیت خاصی بین هواداران استقلال داشته باشد.او در سال ۱۳۷۵ برای اولین بار به تیم ملی دعوت شد. محمد مایلی کهن مربی وقت تیم ملی به توانایی های فرهاد اعتقاد داشت. فرهاد مجیدی اولین بازی ملی خود را در برابر کویت و در سال ۱۳۷۵ انجام داد. گرچه او همراه تیم ملی به جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه هم رفت اما از او به عنوان یک بازیکن کم فروغ در رده ملی یاد می شود. او در حالی که در اوج بود و در امارات می درخشید خیلی کم به تیم ملی دعوت می شد و زمانی هم که به اردو ها ملحق می شد به دلیل دوری طولانی از تیم ملی نمی

توانست به هماهنگی لازم برسد. او در طول دوران بازیگری خود ۴۱ بازی ملی انجام داده است و تنها موفق به ثمر رساندن ۱۰ گل شده است.

مجیدی، فریبرز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فریبرز مجیدی در تیر ماه ۱۳۱۹ در شهر مشهد متولد شد. وی پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی از دانشگاه ابوریحان بیرونی تهران،همه وقت خود را یکسره صرف تحقیق و ترجمه کرد. در کارنامه وی، ترجمه ۱۴ اثر به تنهایی و ۱۲ ترجمه مشترک نیز به چشم می‌خورد. از دیگر فعالیت های وی می توان به سرپرستی و همکاری بخش هایی از مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی و فرهنگستان هنر و ... اشاره کرد. کتاب"زیبایی شناسی و ذهنیت: از کانت تا نیچه "ترجمه فریبرز مجیدی ، در سال۱۳۸۶ از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ترجمه

تحصیلات رسمی و حرفه ای : فریبرز مجیدی سه سال از دوره ابتدایی را در مشهد گذراند و در ۱۳۲۷ همراه خانواده به تهران مهاجرت کرد و بقیه تحصیلاتش را در تهران ادامه داد. او در سال ۱۳۳۶ دوره متوسطه را در دبیرستان علمیه در رشته ادبی به پایان رساند و در سال ۱۳۳۸ به دانشسرای عالی وارد و در رشته فلسفه و علوم تربیتی به تحصیل مشغول شد. او در سال ۱۳۵۶ با استفاده از بورس تحصیلی، دوره کارشناسی ارشد خود را در رشته مدیریت آموزشی در دانشگاه ابوریحان بیرونی تهران گذراند .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فریبرز مجیدی در سال ۱۳۵۶ با استفاده از بورس تحصیلی، دوره کارشناسی ارشد خود را در رشته مدیریت آموزشی در دانشگاه ابوریحان بیرونی تهران گذراند و از آن پس همه وقت خود را یکسره صرف تحقیق و ترجمه کرد. در کارنامه وی، ترجمه ۱۴ اثر به تنهایی و ۱۲ ترجمه مشترک نیز به چشم می‌خورد. علاوه بر این‌ها، ده‌ها کتاب و صدها مقاله را ویرایش کرده است و از سال ۱۳۶۴ تاکنون با مراکز فرهنگی متعددی همکاری داشته و در برخی از آن‌ها سرپرستی بخش‌هایی برعهده وی بوده که عبارتند از؛ شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، شرکت دانش‌گستر، سازمان مطالعه و تدوین (سمت)، فرهنگستان هنر. مجیدید، همکاری خود را با تعدادی از این مراکز ادامه داده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : فریبرز مجیدی در کنار کار تحریر و ترجمه به مطالعه کتابهایی همچون فلسفه هنر، رمان، شعر شاعرانی مثل نیما، شاملو، اخوان، فروغ و از شاعرای کهن هم حافظ، سعدی و... علاقه دارد.

آرا و گرایشهای خاص : فریبرز مجیدی در باره ارتباط هنر و زیبایی چنین اظهار نظر می کند: تولستوی در کتاب هنر چیست، هنر را خلق زیبایی تعریف می‌کند. زیبایی قائم به ذات نیست و برای هر جماعتی متفاوت و نسبی است. هنر هم قائم به ذات نیست و در هر دوره و عصری، معنای خاص خود را دارد. نقاشی درون غار در دوران اولیه یک هنر محسوب می‌شود اما اگر پیکاسو آن را انجام می‌داد، دیگر یک هنرمند نبود. هنر پیکاسو مثل زیبایی، وابسته به شرایط اجتماعی و محیطی در دوران تاریخی است

جوائز و نشانها : کتاب"زیبایی شناسی و ذهنیت: از کانت تا نیچه "ترجمه فریبرز مجیدی ، در سال۱۳۸۶ از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار : بیشتر آثاری را که مجیدی از زبان انگلیسی به فارسی برگردانده به فلسفه، مسایل مختلف اجتماعی و جامعه شناسی شناخت مربوط می‌شوند؛ البته در این میان آثاری در زمینه ادبیات (رمان، نمایشنامه و داستان‌های کوتاه) نیز ترجمه کرده، اما این کارها بیشتر جنبه تفنن داشته‌اند. تعدادی از مهم‌ترین کارهایی که فریبرز مجیدی به صورت مشترک و با همکاری مترجمان دیگر انجام داده است بدین قرارند؛ فرهنگ اندیشه نو (۱۳۶۹)؛ زندگینامه علمی دانشوران (از ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۵)؛ آفرینندگان جهان نو (۱۳۷۲)؛ فرهنگ علوم اجتماعی (۱۳۷۶)؛ جهان پیش از تاریخ از دیدگاهی نو (۱۳۷۹)؛ دایره‌المعارف دانش بشر (۱۳۸۱)؛ برای قرن بیست و یکم: گفت‌وگوی دو فرزانه (۱۳۸۱)؛ ۳۲ هزار سال تاریخ‌ها (۱۳۸۲)؛ دایره المعارف دموکراسی (۳ جلد، ۱۳۸۱)؛ دایره المعارف ناسیونالیسم (۲ جلد، ۱۳۸۳)؛ فرهنگ ادیان جهان (۱۳۸۵). --

آثار :

۱ ایدئولوژی و اوتوپیا

ویژگی اثر : ترجمه،(۱۳۵۵؛ ویراست دوم، ۱۳۸۰)

۲ تکامل فرهنگ

ویژگی اثر : ترجمه،۱۳۷۹

۳ دموکراسی

ویژگی اثر : ترجمه،۱۳۷۴

۴ روح آیین پروتستان

ویژگی اثر : ترجمه،۱۳۸۲

۵ زندگینامه استوارت میل

ویژگی اثر : ترجمه، ۱۳۸۰

۶ زیبایی شناسی و ذهنیت: از کانت تا نیچه

ویژگی اثر : ترجمه،۱۳۸۵.این کتاب در سال ۱۳۸۶ ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است.

۷ ساخت اجتماعی واقعیت

ویژگی اثر : ترجمه،۱۳۷۵

۸ طرحی کوتاه از تاریخ فلسفه

ویژگی اثر : ترجمه، ۱۳۴۹

۹ فرهنگ تلفظ نام‌های خاص

ویژگی اثر : (حاوی ۶۰ هزار مدخل) کتابی است که برای راهنمایی پژوهشگران، مترجمان به منظور تلفظ و ثبت صحیح نام‌های خاص (با تلفظ ۳۰ ملیت) تالیف کرده که در سال ۱۳۸۱ به همت بنگاه انتشارات فرهنگ معاصر به چاپ رسیده است.

۱۰ فلسفه در عمل

ویژگی اثر : ترجمه،۱۳۸۲چاپ پنجم ۱۳۸۵

۱۱ مار و روباه: مقدمه‌ای بر منطق

ویژگی اثر : ترجمه،۱۳۸۵

۱۲ مفهوم ایدئولوژی

ویژگی اثر : ترجمه، ۱۳۸۰

۱۳ مونادشناسی

ویژگی اثر : ترجمه، ۱۳۷۰

محاسب‌الدوله، آقاخان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۶ -۱۲۷۴ ق)، عارف و دانشمند. وی از اهالی تهران و جزو مشایخ سلسله‌ی نعمت‌اللهیه صفی علیشاهی در اصفهان بود که از طرف ظهیرالدوله اجازه‌ی ارشاد و دستگیری داشت و در اواخر عمر جزو پیروان آقا میرزا عباس صابر علی پای قلعه‌ای شد. آقاخان در تهران از محضر استادانی از جمله میرز عبدالغفارخان نجم‌الدوله اصفهانی استفاده کرد و از سال ۱۳۱۲ ق به صفهان رفت و در بانک شاهی اشتغال یافت. وی به دستیاری حاج شیخ علی‌اکبر شیخ‌الاسلام میرزا مسیح‌خان حافظ‌الصحه و میرزا علی‌اکبرخان سرتیپ، که همگی از مردان آزادیخواه و خوش‌نام بودند، مدرسه‌ی «ایتام» را تأسیس نمود که از سال ۱۳۲۳ ق نام مدرسه به دو مدرسه‌ی «علیه» و «ایتام» تغییر یافت و در این اواخر «ایتام» نیز از آن حذف شده و به نام مدرسه‌ی «علیه» معروف گردید. آقاخان را پس از مرگ در ایوان بقعه آقا میر سید حسن مدرس در جنب مسجد رحیم‌خان به خاک سپردند. از آثارش: «اصول علم جبر و مقابله»؛ «اصول علم جغرافیای کره‌ی زمین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۸۷ /۲)، تذکرهٔ القبور (۱۴ -۱۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۲، ۲۶۱ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۳ -۴۸۲ /۶).

محامدی، محمد کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ محمد کاظم و فرزند ارجمندش حجه‌الاسلام آقا شیخ جواد محامدی از ائمه جماعت و علماء محترم این شهرستانند که بانجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

محامی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی محامی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مصطفی محامی در شهریور ۱۳۴۴ در مشهد مقدس در خانواده ای روحانی به دنیا آمدم از حدود چهار یا پنج سالگی روانه مکتبخانه شدم و پس از فرا گرفتن قرآن و مقداری ادبیات فارسی یکسره به کلاس دوم دبستان رفتم پس از گذراندن کلاس چهارم برای جبران پیشرفت اولیه یکسال از تحصیل در دبستان باز ماندم ولی از آن فرصت استفاده نموده و ادبیات عرب و فقه (عروه الوثقی) را نزد والد ماجد دام ظله تلمذ نمودم پس از یکسال کلاس پنجم را نیز گذرانده و در سال ۵۵ رسما وارد حوزه علمیه شدم با توفیقات الهی ایام تحصیل و تعطیل را مشغول تحصیل بوده و دروس سطح را (به غیر از ایام انقلاب که دروس با رخوتی همراه بود) نسبتا سریع گذراندم اضافه بر دروس جنبی و سایر کلاسها که در حوزه متعارف نبود ولی در مدرسه ما جزو برنامه های درسی بود دروان تحصیل در مشهد در مدرسه حجه الاسلام والمسلمین جناب حاج آقای موسوی نژاد دامت توفیقاته و پس از آن بیشتر نزد حضرت آیت الله مرتضوی دامت برکاته (رسائل، نیمه اول خیارات، مکاسب و بخشی از کفایه) سپری شد. سال ۱۳۶۰ یا ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و طی یک سال ضمن تکمیل مکاسب در خدمت مرحوم آیت الله ستوده رضوان الله تعالی علیه و کفایه نزد حضرت آیت الله سید حسین شمس و حضرت آیت الله محقق داماد دامت برکاته همزمان در درس خارج اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی دامت برکاته حاضر شدم پس از یکسال ممحض در درس خارج گشته و تا پایان دهه ۶۰ به همان درس اصول ادامه دادم گرچه مدتی شاید بیش از یکسال اضافه بر آن در درس اصول حضرت آیت الله میرزا جواد تبریزی رحمت الله علیه نیز حاضر گشتم. در مورد بحث فقه، نخست بحث زکاه را از نوار های آقای منتظری پی گرفتم و سپس در بحث خارج حضرت آیت الله وحید خراسانی دامت برکاته حاضر گشته و نیز مدتی شاید بیش از یکسال از فقه حضرت آیت الله تبریزی رضوان الله تعالی علیه بهره بردم. در مورد فلسفه در این دهه پس از خواندن منظومه و فلسفتنا یکدوره اشارات را خدمت حضرت آیت الله حسن زاده دامت برکاته گذراندم بخشی از اسفار و تمهید القواعد را با اجازه حضرت آیت الله جوادی آملی دامت برکاته از نوار ایشان استفاده نموده و مباحثه کردم. اما در مورد قرآن گرچه از آغاز طلبگی توفیق مباحثه تفسیر و حفظ سوره ها و اجزائی از قرآن حاصل شده بود، ولی شکوفائی بیشتر آن در قم و با شرکت چند صباحی در درس تفسیر آیت الله مشکینی دامت برکاته و سپس با آغاز درس تفسیر آیت الله جوادی آملی دامت برکاته انجام گرفت که تا اواخر دهه شصت ادامه یافت و با انجام تحقیقات قرآنی به صورت فردی و جمعی همراه بود و سرانجام به تشکیل گروه تفسیری برای تفسیر راهنما در مرکز فرهنگ و معارف قرآن سپس کنترل کارهای انجام گرفته منجر شد. چنانچه مطالعه و مباحثه کتب حدیثی مختلف نیز هر از چند گاهی در دستور کار قرار میگرفت. آغاز دهه هفتاد به مدت سه سال به کارهای فرهنگی، اجتماعی در سیستان و بلوچستان پرداخته با تاسیس دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در امور بلوچستان —سراوان– مسئولیت آنرا پذیرفته و سپس با حفظ سمت معاونت امور شهرستانها و پس از افزون بر آن معاونت امور سیاسی و اجتماعی دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در امور بلوچستان در زاهدان را قبول نموده و تا سال ۱۳۷۳ به انجام وظیفه در آن خطه مشغول بودم و درکنار آن چندین مقاله در موضوعات کلامی مورد اختلاف بین مذاهب اسلامی برای کنفرانسهای آنجا نیز تدوین گشت. پس از بازگشت به قم بیشتر به امور آموزشی و پژوهشی و مدیریت آموزشی ومدیریت پژوهشی پرداختم ۱. آموزش شامل: تدریس مکاسب کفایه، بدایه و نهایه الحکمه، حلقات اولی، ثانیه و ثالثه شهید صدر، تفسیر تربیتی وتفسیر موضوعی، فقه مقارن (المسائل الفقهیه مرحوم شرف الدین عاملی و الاعتصام بالکتاب والسنه جناب آقای سبحانی) به اضافه ایفای نقش به عنوان استاد راهنمای طلاب درس خارج و راهنما ئی و مشاوره تعدادی پایان نامه در سطح ۳ وکارشناسی ارشد همچنین مسائل متعدد اصولی ، فقهی به روش درس خارج و همچنین کتب متعدد تفسیری و روائی مورد مباحثه قرار گرفت. ۲. پژوهش شامل : تهیه طرح و اقدام برای تدوین دائره المعارف قرآن کریم، تدوین چند مقاله برای آن، تهیه پاسخهای علمی برای پرسشهای اهل سنت ارسالی از بخش برون مرزی صدا و سیما و مشاوره و نظارت نسبت به برخی از پروژه های تحقیقاتی مورد نیاز ایشان وایفای نقش مشاور وارزیاب در برخی از پژ وهشی تحقیقاتی وکتب تأ لیف شده.۳. مدیریت آموزشی شامل: ساماندهی امور طلاب بلوچستانی مقیم قم که شامل برگزاری کلاسهای آموزشی و کار بردی در امر تبلیغ برای منطقه، انجام امور پژوهشی و اقدام برای اعزام به منطقه ۱ وسر کشی از ایشان می گشت و پذیرش مسئولیت.۲ معاونت آموزشی ـ پژ وهشی مرکز جهانی علوم اسلامی به مدت سه سال پس از یکسال مسئولیت تدوین طرح کلان مرکز جهانی علو م اسلامی و مدیریت مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی (حجتیه) از سال ۱۳۸۰ تا کنون.۴. مدیریت پژوهش شامل: مدیریت گروه دائره المعارف قرآن و مدیریت گروه تفسیر راهنما به مدت چند سال در مرکز فرهنگ و معارف قرآن و مسئولیت آن مرکز از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۳، مسئولیت همزمان مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی و معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی در سال ۱۳۸۰، عضویت در شورای گروه تفسیر موضوعی و شورای پژ وهش مرکز فرهنگ ومعارف قرآ ن، شورای پژ وهش پژ وهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی از سال ۱۳۸۳ تا کنون.

محبت مازندرانی، عبدالرسول

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به محبت و نیاز. وی در کرمانشاه به خدمت عمادالدوله امامقلی میرزا، متخلص به بیضا، حاکم کرمانشاهان، (م ۱۲۹۲ ق) رسید و سمت منشی گری یافت. وی در مثنوی، نیاز و در غزلیات، محبت تخلص می‌کرده است. از آثارش: مثنوی «ناز و نیاز» یا «راز و نیاز». از اوست:

آن بی‌وفا که بست عنان بر شکست ما

غیر از رضای او چه برآید ز دست ما

ما این دل شکسته به عهد تو بسته‌ایم

نبود درست با همه پیمان شکست ما

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۵۳۹ -۱۵۳۸/ ۳)، شعرای گرگان و مازندران (۲۷۷ -۲۷۶)، فرهنگ سخنوران (۸۰۵).

محبت، محمد جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد محبت متولد ۱۳۲۱ و در کرمانشاه است. وی از شاعران فعال پیش از ۵۷ محسوب می شود محمد جواد محبت ،از فرهیختگان معاصر ایران است . او درزمینه زبان و ادبیات فارسی فعالیت می کند . وی یکی از چهار شاعری است که جایزه شعر فروغ به او اختصاص یافته است . از او آثار متعددی به چاپ رسیده است که حاوی نکات عمیق ادبی می باشند .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

فعالیتهای ضمن تحصیل : مهمترین فعالیت ضمن تحصیل محمد جوادمحبت ، شعر وشاعری بود . طوری که او شعر سرودن را مهمترین فعالیت خود نموده بود . وی دراین راستا غزل عاشقانه نیز سروده است . محبت به زبان کردی نیز شعر می سراید .

وقایع میانسالی : مهمترین واقعه این دوران ، این است که کارهای محمد جواد محبت .به ویژه غزل های دهه پنجاه ایشان درمجله روشنفکر به چاپ رسیده است .

فعالیتهای آموزشی : مهمترین فعالیت آموزشی محود جواد محبت ،شعر وشاعری است . طوریکه برای شاعران دهه چهل و پنجاه شعرهای اجتماعی و سیاسی او که بارگه های مشخص عاطفی زبانی خاص برای خود داشت ، آشنا می باشد . مثلا درمجله خوشه و دریچه تهران مصور نمونه هایی از کارهای وی به یادگار مانده است .

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد جواد محبت شعری درمورد پرسش مهردارد که مورد توجه اهل فن قرار گرفته است .

همفکران فرد : یکی از همفکران محمد جواد محبت ،جلال آل احمد بود . این دودر قصر شیرین باهم آشنا شدند .

آرا و گرایشهای خاص : محمد جواد محبت بنا به عقیده و آرایی که دارد مخالف جنگ و خونریزی است . بدان علت دربیانیه ای که از سوی روشنفکران و آزادیخواهان ایران علیه جنگ آمریکا و متحدانش درعراق صادر گشته است . این بیانیه راامضاء کرده وتمایل خودرا به صلح و دوستی ابراز داشت . ---

----

آثار :

۱ آن سوی چهره تو

۲ ازآتش خیمه های عاشورا

۳ درباغسار شعر معلم

۴ گزیده ادبیات معاصر

محبعلی نایی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۳ ق)، خطاط، نوازنده و شاعر، متخلص به هراتی. مشهور به نایی. وی شاگرد پدر خود بود و کتابدار سلطان ابراهیم میرزا صفوی و به همین سبب ابراهیمی رقم می‌کرد. پس از هشت سال که در خدمت این شاهزاده بود، شاه طهماسب او را به قزوین احضار کرد و مدتی در ملازمت سام میرزا بود. بعد از طرف شاه طهماسب ملازم سید منصور کمانه مشهور به سید بیگ شد. پس از مدتی به زیارت عتبات رفت و بعد به قزوین بازگشت. محبعلی خط نستعلیق جلی و خفی را خوش می‌نوشت و نام وی را جزو چهل تن خوشنویسان کتابخانه‌ی بایسنقر میرزا آورده‌اند. او نی را خوب می‌نواخت و به همین علت به نایی مشهور بود. وی در قزوین درگذشت و جنازه‌اش را به مشهد منتقل کردند و در جوار قبر پدرش به خاک سپردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۱۷ –۶۱۶/ ۳)، تاریخ موسیقی (۳۱۹، ۲۴۶، ۲۴۴/ ۱)، تحفه سامی (۱۴۰)، پیدایش خط و خطاطان (۱۵۶ –۱۵۵)، خوشنویسان و هنرمندان (۴۳)، گلستان هنر (۱۰۰)، مناقب هنروران (۵۶).

محبوبی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بوم خاک، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: بوعلی همدان

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

محبوبی، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید محبوبی

محل تولد : ملکان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

مجید محبوبی در دوازدهمین روز اسفند سال ۱۳۵۲ در روستای قره‌گل شهرستان ملکان به دنیا آمد. دوران کودکی و نوجوانی‌اش را در روستا گذراند. بعد از اتمام دوره راهنمایی و تحصیل یک ساله در دبیرستان بوعلی سینا شهرستان میاندوآب، سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه‌ولیعصر(عج) تبریز شد. در تبریز به کلاسهای قصه‌خوانی استاد عبدالمجید نجفی راه یافت و به آموزش اصول قصه‌نویسی پرداخت. آشنایی با شعرای موفق و مطرحی چون آقایان جلال محمدی، سید قاسم ناظمی، محمدرضا لوایی، اسحاق راهب و همچنین نویسنده ادبیات مقاومت جناب داوود امیریان، اشتیاق او به نویسندگی را مضاعف کرد. محبوبی در کنار تحصیلات حوزوی، به طور چشمگیری به مطالعه آثار بزرگان داستان‌نویسی همت گمارد که در این میان انس و الفت او با کتابهای مرحوم جلال آل احمد بیشتر بود. آشنایی محبوبی با مجله «سوره نوجوانان»، علاقه او به ادبیات بزرگسال را کاهش داد. او در این مقطع همه هم و غمش را به این مجله معطوف کرد و اگرچه نوشته‌های او در آن زمان مناسب چاپ در آن مجله تشخیص داده نشد؛ ولی چندی بعد با چاپ اولین قصه‌اش در مجله «سلام بچه‌ها»، که تشویقهای مداوم استاد مظفر سالاری را به همراه داشت، وارد وادی ادبیات کودک و نوجوان شد. محبوبی در مجلاتی مانند«سروش نوجوان»، «سلام بچه‌ها»، «پوپک»، «انتظار نوجوان»،«ملیکا»، «یاران امین» و «قاصدک» برای کودکان و نوجوانان و در مجلاتی چون «کتاب ماه کودک و نوجوان»، «کوثر»، «مبلغان»، «پگاه»، «پیشگامان»، «شمیم یاس» و «خشت اول» برای بزرگسالان قلم زده است. از این نویسنده تاکنون این کتابها منتشر شده است:۱. آن روز، آن مهمانی، ۲. یک روز بهاری ۳. کبوتر سفید، ۴. هدیه، ۵. تربت و دریا، ۶. اولین برفی که زمین نشست، ۷. آفتاب حکمت، ۸. آینه اخلاص، ۹. روح اخلاص، ۱۰. گزیده‌ای از حکایات شیخ عباس قمی، ۱۱.ستارگان حرم (گروهی) ۱۲. گلشن ابرار(گروهی)، ۱۳. مهربانترین، ۱۴. فرزند کعبه، ۱۵. خانه در آتش، ۱۶. ملاقات در شب مهتابی.

همچنین کتابهای ۱. دیدار در خانه دوست، ۲. خورشید در نخلستان، ۳. دعای باران، ۴. فرشته‌ای در کویر، ۵. بارانی از مهر، ۶. زیباترین شب، ۷. همسفر با فرشته، ۸ . رؤیای شیرین، ۹. فرشته‌ای در قصر، ۱۰.آن شب، آن شعر، ۱۱.نوشته نامرئی، را در زیر چاپ دارد.

«نامزد دریافت جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی» در سال ۱۳۸۶ و «مؤلف برتر اولین جشنواره مرزبانی وحی و خرد» در سال ۱۳۸۷، تنها عناوینی است که تا به حال محبوبی در عرصه رقابتهای فرهنگی ادبی به دست آورده است.

محبی پروشی، صاحب علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صاحب علی محبّی پروشی

محل تولد : لنگرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۳/۲

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۳، در روستایی به نام : «پروش» از توابع شهرستان «لنگرود» استان «گیلان» در خانواده‌ای که در دوران خفقان، از خانواده‌های مذهبی محسوب می‌شد، به دنیا آمد. و از وجود دو نعمت پدر و مادر در دوران کودکی و دبستان تا چهارم ابتدائی در همان روستا بهره‌مند بود. در بین خانواده که همگی مذهبی و متدّین بودند، یکی از دو برادرهای ایشان به نام مرحوم «قربان»، بسیار مشتاق آموختن مسایل دینی و مذهبی بود، ولی از این‌که به دلیل مشکلات زندگی، نتوانست به خواسته‌اش دست یابد، سخت ناراحت بود؛ ازاین رو با توجّه به علاقه و زمینه بسیار مساعدی که در ایشان ملاحظه می‌کرد، به اهل خانواده، پیشنهاد کرد که حدّاقل، من که این توفیق را نیافتم، «صاحب» را برای آموختن دروس طلبگی، به حوزه بفرستیم، که در اصل آن (طلبگی)، جملگی، اعم از پدر، مادر و برادر بزرگ که اکنون نیز در قید حیات هستند، موافقت کردند، تنها یک نظر هم این بود که پس از اخذ دیپلم برای این رشته بروند که این نظر نیز از سوی همان برادر «قربان»، به این دلیل که چون محیط امروز بسیار نامساعد است و اگر ایشان تحصیلات جدید را تا سطح دیپلم ادامه دهد، ممکن است ذوق و علاقه فعلی مورد تهدید قرار گیرد، ردّ شد. در اینکه چه کسانی در تشویق ایشان یا خانواده برای روی‌آوردن ایشان به دروس علمی و مذهبی نقش داشتند، باید گفت که این بیت در آن روستا، پاتوق علماء، فضلا و روحانیون معزّزی بود که برای امر تبلیغ به آنجا می‌آمدند؛ لذا رفتار عملی و انس آنان با خانواده از نزدیک و نیز ارتباط ایشان با آنها، نه فقط این شوق را در ایشان، بلکه در مجموع خانواده، به ویژه در برادر بزرگتر از خودش (قربان) ایجاد کرد، تا جایی که بحمدالله این تشویقها و این انسها، منجر به یک تصمیم جدّی شد که مایه خیر و برکت الهی در دنیا و آخرت شد. البته ناگفته نماند، از بین روحانیونی که به این بیت رفت و آمد داشتند، یکی از آنها به نام حاج آقای رضائی (که اکنون پدر عیال ایشان می‌باشند)، نقش فوق‌العاده‌ای داشت؛ زیرا ایشان نه تنها در ایّام تبلیغ، بلکه به‌طور مستمر با خانواده، در ارتباط بودند، تا جائی که در آن زمان، ایشان هر هفته از راه دور، برای ذکر مصایب اهل‌بیت در شبهای جمعه، به آن بیت دعوت می‌شدند؛ ازاین‌رو این ارتباط مستمر ایشان، و نیز تشویقهای پی‌درپی ایشان نسبت به نماز و عبادت و روی آوردن به دروس علمی و حوزوی، در بین نقش سایر عزیزان برجسته‌تر و بهتر و بیشتر بوده است. آغاز دروس حوزوی

ایشان پس از اخذ مدرک چهارم ابتدایی، به حوزه علمیه صاحب الزمان (عج) لنگرود برای شروع دروس دینی در سال ۱۳۵۳، رفتند و تا چهار سال تمام در این مدرسه مشغول درس و همزمان تدریس در سطحی که خوانده بودند مشغول بودند و در ۱۷شهریور سال ۱۳۵۷، همزمان با جنایت رژیم پهلوی در جمعه سیاه در میدان ژاله سابق تهران و میدان شهدای فعلی، با نهایت سختی، وارد «حوزه علمیه قم» شدند. اساتید

در لنگرود، نزد مرحوم آیت‌الله حاج شیخ علیرضا ممجّد، حدود چهار سال دروس پایه و بعداً پس از مراجعه به قم، در ایّام تعطیلی و مأموریتهای تبلیغی در آن دیار، دروس سطح را نزد ایشان خواندند؛ وی استاد برجسته و متبحری بودند و نسبت به ایشان نیز، با توجّه به ویژگیهایی که ملاحظه کرده بودند، علاقه خاصی داشت. تلاش این استاد نیز، نسبت به ایشان، تلاش ویژه‌ای بود. که بعدها، در مورد این استاد، ایشان، مصاحبه‌ای با رادیو گیلان در سالهای گذشته انجام دادند که اکنون در برخی از سایت‌ها، موجود است. همچنین در قم نزد آقایان: صلواتی، نیکونام، عالمی، شوشتری، استادی، جلال طاهر شمس، مرحوم آیت‌الله مشکینی، آیت‌الله جوادی آملی، آیت‌الله منتظری، مرحوم آیت‌الله ستوده، مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی، آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله شب‌زنده‌دار، آیت‌الله مصباح یزدی، آقای فیاض، آیت‌الله وحید خراسانی، آقای سیّدی، مرحوم آیت‌الله تهرانی، مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای، آیت‌الله مظاهری، آیت‌الله شاهرودی (رئیس قوه قضائیه)، آیت‌الله مرحوم سید محمد شیرازی، مرحوم آیت‌الله وجدانی، آقای شمّاعی و... سالهاست که تلمّذ کرده‌اند و دروسی که نزد مجموع این بزرگواران طی شده عبارتند از: فقه و اصول سطح و خارج و تفسیر، اخلاق، فلسفه، اقتصاد، کلام، ادیان و... .

محتاج چادگانی، عزیزاللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۲ ش)، شاعر، متخلص به محتاج. در قریه‌ی چادگان، از توابع فریدن اصفهان، به دنیا آمد. دروس مقدماتی را نزد آخوند ملا علی میرزا چادگانی و آخوند ملا صالح بن ملا ابراهیم چادگانی آموخت. او مدت چهل سال تعلیم و تربیت کودکان را در مکتبخانه بر عهده داشت و از ۱۳۲۴ ش به خدمت اداره فرهنگ درآمد و آموزگار رسمی شد. وی به فارسی و ترکی و لری شعر می‌گفت. او دو «دیوان» شعر دارد که یکی به فارسی و دیگری به لهجه‌ی لری می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۱۵ -۴۱۴)، الذریعه (۹۷۱/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۰۶).

محترم سمرقندی، محمدهاشم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. معروف به قصه‌خوان. از مداحان و شاعران دربار اکبرشاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) بود. گویند وی کتاب «مهبهارت»، تاریخ رایان هند، را که دارای اسامی غریبه و حکایات عجیبه‌ی بسیار است، در مدت کوتاهی حفظ کرد. از وی اشعاری در تذکره‌ها نقل شده است. از اوست:

در کام جان ز ذکر عطای خدایگان

فرسوده‌تر شده ز کف پا سر زبان

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۵۸)، الذریعه (۹۷۱/ ۹)، صبح گلشن (۳۷۱)، فرهنگ سخنوران (۸۰۶)، هفت اقلیم (۳۸۵/ ۳).

محتشم اصفهانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطاط. وی در دربار شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۳۵ -۱۱۰۵ ق) عهده‌دار ترجمه‌نویسی مصاحف بود و به همین سبب کاتب السلطان رقم می‌کرد. از آثار وی: یک نسخه قرآن بدون رقم، با ترجمه، به قلم نستعلیق کتابت خفی متوسط، با رقم: «تمت علی ید الکاتب... محتشم الاصفهانی... المدعو بکاتب السلطانی، ۱۱۲۸»؛ یک نسخه «گلستان» سعدی، بدون رقم، با ترجمه‌ی ترکی، به قلم نستعلیق کتابت متوسط، با رقم: «کاتبه الضعیف محتشم ترجمه‌نویس قرآن مجید ربانی»؛ یک نسخه ترجمه‌ی «صحیفه سجادیه»، به قلم نستعلیق کتابت خوش، با رقم: «کاتبه الضعیف فی ترقیم هذه الترجمهٔ ملا محتشم اصفهانی»؛ یک نسخه راسله در وحدت وجود، به قلم کتابت خوش، با رقم: «... کاتب السلطانی محتشم الاصفهانی... سنه‌ی ۱۱۱۲»؛ یک قطعه، به قلم دو دانگ و کتابت جلی متوسط، با رقم: «مشقه العبد الجانی محتشم».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۱۸/ ۳).

محتشم قاینی، محتشم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، منجم، ریاضیدان و شاعر. از مردم قاین بود و خاندان او اهل فضل بودند. از سوی مادر نوه‌ی حبیب‌الله قاینی می‌باشد. عموی وی میرزا کافی با شیخ بهائی معاصر و در آن روزگار صاحب شهرت بود. محتشم هنگام تألیف «تذکره‌ی نصرآبادی» (۱۰۸۳ ق) زنده بوده است. او از علوم ظاهری و علم نجوم و هندسه بهره‌ی کافی داشت و در شعر، انشاء و معما نیز ماهر بود. از وی اشعاری نیز در تذکره‌ها نقل شده است. «فرهنگ سخنوران» نام صاحب عنوان را مقیم آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۴۲۴ -۴۲۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۹۲ -۱۹۱)، الذریعه (۹۷۲ -۹۷۱/ ۹)، ریحانه (۲۲۵/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۸۰۶)، لغت نامه (ذیل/ محتشم).

محتشم کاشانی، کمال‌الدین علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۶ ق)، شاعر. ملقب به شمس الشعراء. اصل وی از نراق بود که در کاشان به دنیا آمد. محتشم در بیتی از «دیوان» خود به نام و سیادت خویش اشاره می‌کند. بازرگان زاده‌ای بود که در جوانی کسب پدر را که بزازی بود دنبال کرد، سپس از آن شغل کناره گرفت و به شاعری پرداخت. وی نزد مولانا صدقی استرآبادی فن شعر آموخت و با شاعرانی چون: حیرتی تونی، وحشی بافقی، حالی گیلانی، ضمیری اصفهانی و دیگران رابطه‌ی دوستانه داشت و با آنان مشاعره و مکاتبه می‌کرد و با استفاده از مهارت در شاعری خیلی زود مورد توجه قرار گرفت و زندگی مرفهی ترتیب داد. محتشم در اصل، قصیده‌سرایی مداح بود و شاه طهماسب و شاهزادگان صفوی و شاهان و امرای هند مانند اکبرشاه و عبدالرحیم خان، خان خانان را می‌ستود، ولی عمده شهرتش در ساختن اشعار مذهبی، به ویژه در رثای ائمه اطهار (ع) بوده است. وی در شعر و نثر پیرو استادان پیشین خصوصا شاعران سده‌ی هشتم بوده و قصیده‌های خود را بیشتر در جواب استادان گذشته سروده است. محتشم در سرودن ماده تاریخ، معما، مرثیه و منقبت شهرت داشته است. شاعرانی چون میر تقی‌الدین محمد حسینی کاشانی، صاحب تذکره‌ی «خلاصهٔ الاشعار»، مظفرالدین حسرتی، نوعی خبوشانی و ظهوری ترشیزی از جمله شاگردان وی بودند. محتشم در کاشان از دنیا رفت و مقبره‌اش همان جا است. به آورده‌ی «ریحانهٔ الادب» و «مؤلفین کتب چاپی»، در «ذکره‌ی ناظم تبریزی» سال وفات محتشم ۱۰۰۰ ق ذکر شده است. از آثارش: «کلیات محتشم» شامل هفت دیوان: «صبائیه»، «شبابیه»، «شیبیه»، «جلالیه»، «نقل عشاق»، «ضروریات» و «معمیات» که توسط میر تقی‌الدین کاشی تنظیم شده است؛ منظومه «دوازده بند»، در مرثیه‌ی امام حسین (ع)، که علامه بحرالعلوم آن را به عربی به نظم درآورده است؛ «جامع

اللطائف» که دیوان قصاید اوست.[۱]

شمس‌الشعرای کاشانی، شاعر اوایل عهد صفوی. (ف. ۹۹۶ ه.ق ۱۵۸۷/ م.) وی بیشتر به سرودن مدایح و مراثی اهل‌بیت می‌پرداخت و بهترین اشعار او در همین زمینه است. مهمترین مراثی وی دوازده بند است که ترکیب‌بندی است در مرثیه‌ی شهیدان کربلا. دیوانی مشتمل بر قصاید و غزلیات متوسط از او در دست است قسمت قصاید را جامع‌اللطایف و غزلیات را نقل عشاق نامیده است.: محتشم کاشانی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۴۵/ ۹)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۶۱ –۱۶۰، ۱۳۸ –۱۳۷، ۲۲/ ۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۹۹ –۷۹۲/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۴۴ –۴۴۳)، تحفه سامی (۳۷۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۱۸ –۵۱۷)، دایرةالمعارف فارسی (۲۶۶۹/ ۲)، دیوان محتشم کاشانی (۹۷)، الذریعه (۲۹۴ –۲۹۳/ ۲۴، ۱۱۷/ ۶، ۱۵/ ۲۳، ۱۳/ ۹۷۲، ۹/ ۲۷۰، ۸/ ۱۲۶، ۶۹/ ۵، ۱۱۳/ ۱)، ریحانه (۲۳۱ –۲۲۵/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۰۰ –۱۹۹/ ۱۰)، عالم آرای عباسی (۱۸۰ –۱۷۹/ ۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۵۲)، فرهنگ سخنوران (۸۰۷)، گنج سخن (۴۲ –۴۰/ ۳)، لغت نامه (ذیل/ محتشم)، مجمع الخواص (۱۴۸ –۱۴۷)، مجمع الفصحا (۷۶ –۷۱/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱۴ –۱۱۲/ ۴)، نتایج الافکار (۶۲۹ –۶۲۱)، هفت اقلیم (۴۶۳ –۴۶۰/ ۲).

محجوب، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن محجوب در سال ۱۳۰۷ هـ.ش در یک خانواده فرهنگی متولد شد، و به مقتضای جو فرهنگی که در خانواده اش حاکم بود از همان ابتدا نسبت به کار کتاب و امور فرهنگی علاقمند شد. محجوب اگرچه همچون دیگر هم نوعان خود نتوانست دوران تحصیل خود را به پایان رساند و حتی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و با اصرار خانواده تحصیلات خود را ناتمام نهاد ، اما با علاقه به کار فنی و کسب وارد یک کارگاه صحافی شد. سپس این شغل را تغییر داد و در یک کتابفروشی کار خود را ادامه داد. همکاری او در این کتابفروشی باعث شد تا با شخصیت های مهم علمی و ادبی آشنا شود که از آن جمله تقی زاده می باشد. این آشنایی سرانجام به استخدام او در وزارت فرهنگ انجامید. پس از آن جهت همکاری با مرحوم عباس زریاب خویی به کتابخانه سنا منتقل شد و با حسن انجام کار به ارتقا رسید و معاون کتابخانه سنای سابق شد. علاوه بر اشتغال در کتابخانه ، بخشی از اشتغالات وی در در زمینه نشر است که هم اکنون در «شرکت انتشار» این کار را دنبال می نماید.گروه : علوم انسانی رشته : کتابداری خاطرات کودکی : روزنامه ملاـ نصرالدین از روزنامه های مورد علاقه حسن محجوب در دوران کودکی، بود این روزنامه به زبان ترکی و در قفقاز به چاپ می رسید. حسن آن را ورق می زد و از تماشای کاریکاتورها و عکسهایش لذت می‌برد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : حسن محجوب در سال ۱۳۰۷ ه .ش در یک خانواده فرهنگی متولد شد. وی به مقتضای جو فرهنگی که در خانواده حاکم بود از همان ابتدا نسبت به کار کتاب و امور فرهنگی علاقمند شد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات حسن محجوب دریک مقطع کوتاه سپری شد، چرا که او نتوانست همچون دیگر هم نوعان خود نتوانست دوران تحصیل خود را به پایان رساند و حتی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی علیرغم اصرار خانواده، تحصیلاتش را ناتمام نهاد ، اما با علاقه به کار فنی و کسب وارد یک کارگاه صحافی شد.خاطرات و وقایع تحصیل : حسن محجوب از این دوران، محجوب با توجه به زمینه مطالعات اولیه در دوران کودکی، درس و مدرسه رها کرد و به کسب و کار پرداخت، او چنین یاد می کند: « روز اول مهرماه ۱۳۲۰هـ.ش که اطفال آن موقع روانه دبستانها و دبیرستانها بودند ، به همراه پدرم به یک کارگاه صحافی مراجعه نمودم و پدرم مرا به عنوان شاگرد به شخص صحاف معرفی نمود شخص صحاف هم خیلی استقبال کرد و اینجانب را به عنوان شاگرد پذیرفت. این شغلی که من برای خودم انتخاب کرده بودم ، خواه ناخواه منجر به این شد که با مسائل کتاب که از قبل هم با آن بیگانه نبودم بیشتر آشنا و علاقمند شوم. اشخاصی که به صحافی مذکور مراجعه می کردند ، اغلب افراد فاضلی بودند. با وجود این که من در سنین طفولیت بودم ، شخصیت بزرگ آن بزرگواران به قدری برای من جالب توجه بود که هنوز خاطرهٔ آن زمان را فراموش نکرده ام. »هم دوره ای ها و همکاران : سعید نفیسی ، عباس زریاب خویی ، سید حسن تقی زاده ، عبدالحسین زرین کوب، کیکاوس جهانداری از جمله همدروه ایها و همکاران حسن محجوب بودند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسن محجوب در اوان کودکی به کار صحافی مشغول شد. سپس این شغل را تغییر داد و در یک کتابفروشی کار خود را ادامه داد. همکاری او در این کتابفروشی باعث شد تا با شخصیت های مهم علمی و ادبی آشنا شود نظیر تقی زاده این آشنایی سرانجام به استخدام او در وزارت فرهنگ انجامید. پس از آن جهت همکاری با مرحوم عباس زریاب خویی به کتابخانه سنا منتقل شد و با حسن انجام کار به ارتقا رسید و معاون کتابخانه سنای سابق شد. علاوه بر اشتغال در کتابخانه ، بخشی از اشتغالات وی در در زمینه نشر است که هم اکنون در «شرکت انتشار» این کار را دنبال می نماید.

محدث ارموی، جلال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۰۰ –۱۳۲۳ ق)، عالم دینی، مدرس، محقق، مصحح و ادیب. به علت شوق بسیار به مطالعه، در جوانی، از طرف آیت‌اللّه سید حسین عرب باغی، لقب محدث گرفت. او در ارومیه به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و ادبیات فارسی، علوم اسلامی را در

محضر شیخ علی ولدیانی آموخت. سپس به مشهد رفت و فقه و اصول و ادب و تاریخ و حدیث و رجال را در محضر علمای مشهد فراگرفت. پس از اتمام تحصیلات به تهران آمد و عازم نجف بود که به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و برای تدریس راهی تبریز شد. با ورود روسها به آذربایجان به تهران بازگشت و به تصنیف و تألیف پرداخت و عهده‌دار سمت ریاست بخش نسخ خطی کتابخانه‌ی ملی گردید. در ۱۳۲۲ ش داماد آیت‌اللّه سید احمد طالقانی شد. از ۱۳۳۵ ش به دانشکده‌ی معقول و منقول رفت و تا ۱۳۴۷ ش که بازنشسته شد به تدریس اشتغال داشت. او به اخذ درجه دکترای الهیات در رشته علوم منقول نایل آمده و از علما و مراجع اجازات بسیاری کسب کرده بود که از جمله آنها اجازه‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی و شیخ محمدعلی معزی دزفولی بود. وی تا آخر عمر به تألیف و تحقیق و تصحیح کتاب مشغول بود. در تهران درگذشت و در جوار آرامگاه شیخ ابوالفتوح رازی، در حرم حضرت عبدالعظیم، به خاک سپرده شد. از آثارش: «تشریح الزلازل بأحادیث الافاضل»؛ «عشق و محبت»؛ «ایمان و رجعت»، در چهار مجلد؛ «کشف الکربهٔ»، در شرح «دعاء الندبهٔ»، که حاصل تلاش شصت سال کار اوست؛ شرح بر «اصول الاصیلهٔ» فیض کاشانی؛ تذییل «میزان الملل» علی بخش میرزا قاجار؛ تصحیح کتابهای: «الصوارم المهرقهٔ فینقد الصواعق المحرقهٔ» قاضی نوراللّه شوشتری، «التفضیل» ابوالفتح کراجکی، «المحاسن» برقی، «النقض» عبدالجلیل قزوینی رازی، «الغارات» ابواسحاق ثقفی، «التعریف بوجوب حق الوالدین» ابوالفتح کراجکی، «زاد السالک» فیض کاشانی، «آثار الوزراء» عقیلی، «تفسیر گازر» موسوم به «جلاء الاذهان و جلاء الاحزان» ابوالمحاسن جرجانی، «التنبیهات العلیهٔ» ترجمه‌ی «اسرار الصلاهٔ» شهید ثانی، «مفتاح التحقیق» معزی دزفولی، «نسائم الاسحار من لطائم الاخبار» ناصرالدین منشی کرمانی، «فهرست منتجب الدین»، «الاربعین من الاربعین عن الاربعین فی فضائل امیرالمؤمنین (ع)» و «دیوان» قوامی رازی.[۱]

محقق، مصحح.

تولد: ۲ آذر ۱۲۸۳ (۱۳ رمضان ۱۳۲۳ ق.)؛ ارومیه.

درگذشت: ۵ آبان ۱۳۵۸.

سید جلال‌الدین محدث ارمی، فرزند قاسم حسینی، پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در زادگاه خود و فراگیری ادبیات فارسی، به تکمیل معلومات خود پرداخت و علوم اسلامی را در محضر اساتیدی همچون شیخ علی ولدیانی فراگرفت و با آنکه پزشکان او را از خواندن زیاد نهی می‌کردند ولی او به مطالعه ادامه می‌داد تا جایی که آیت‌الله سید حسین عرب‌باغی با این که در صنف روحانیت نبود لقب «محدث» را به وی اعطا نمود. سپس برای تکمیل معلومات خود، به جانب مشهد حرکت کرد و در بین راه به شبستر وارد شد و در این حال سرپرستی حوزه‌ی علمیه‌ی آنجا را که به وی پیشنهاد شده بود رد کرد. پس از آن چهار سال در مشهد به تحصیل علم مشغول بود تا اینکه قتل عام مردم توسط حکومت رضاشاه پیش آمد و چند شبی را در زندان به سر برد و پس از آن عازم تهران شد تا از آنجا روانه حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف شود بعدا به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. برای تدریس به تبریز رفت و در سال ۱۳۲۰ به هنگام ورود روس‌ها به آذربایجان، وی به تهران عزیمت کرد و با سمت رییس «بخش مخطوطات کتابخانه‌ی ملی ایران» به خدمت خود ادامه داد. در سال ۱۳۲۲ ازدواج کرد. وی به دعوت دانشکده‌ی معقول و منقول به آن دانشکده رفت تا در سال ۱۳۴۷ بازنشسته شد. لازم به ذکر است که وی همچنین کلاس‌های دوره‌ی دبیرستان و دانشگاه را گذرانده بود و دکترای الهیات در رشته‌ی علوم منقول را نیز گرفته بود. علامه ارموی بعد از بازنشستگی تا آخر عمر به تألیف کتاب مشغول بود.

فهرست آثار وی به این شرح است: تصحیحی میزان الملل (تألیف علی بخش میرزا قاجار)؛ تصحیح الصوارم المهرقهٔ فی نقد الصواعق المحرفهٔ (به زبان عربی، تألیف قاضی نوالله شوشتری)؛ تألیف فیض‌الاله فی ترجمهٔ القاضی نورالله (در شرح احوال قاضی شوشتری و خاندانش)؛ تصحیح اسرارالصلوهٔ ترجمه التنبیهات العلیهٔ علی وظائف الصلوهٔ القلبیهٔ (تألیف زین‌الدین شهید ثانی، ترجمه محمدصالح بن محمدصادق واعظ، ۱۳۶۸ ق.)؛ تصحیح دیوان الحاج میرزا ابوالفضل الطهرانی (شعر عربی، با مقدمه‌ای در خدمات ایرانیان)؛ تصحیح التفضیل (تألیف ابوالفتح محمد بن علی بن عثمان کراجکی)؛ تصحیح المحاسن برقی (دو جلد، تألیف ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد برقی)؛ تصحیح النقض (تصنیف عبدالجلیل قزوینی رازی، ۱۳۳۱)؛ تصحیح زادالسالک (تألیف محمد بن مرتضی ملقب به فیض کاشانی، ۱۳۳۱)؛ استخراج فهرست کتاب التدوین فی ذکر اخبار قزوین (تألیف عبدالکریم بن محمد رافعی)؛ تصحیح دیوان قوامی رازی (۱۳۳۴)؛ تصحیح نجاتیه (تألیف شیخ ابومحمد بسطامی)؛ تصحیح دیوان سعد فضل‌الله راوندی کاشانی؛ تألیف مقدمه‌ی نقض و تعلیقات آن؛ تألیف کلید نقض یا فهرست بعض مثالب النواصب؛ همراه با فهرست مقدمه نقض و تعلیقات آن؛ تصحیح آثار الوزراء (تألیف سیف‌الدین حاجی بن نظام عقیلی)؛ تصحیح تفسیر گازر موسوم به جلاء الاذهان و جلاء الحزان (تألیف ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی)؛ تصحیح نسائم الاسحار من لطائم الخبار (در تاریخ وزراء تألیف ناصرالدین منشی کرمانی)؛ تصحیح مفتاح التحقیق (تألیف شیخ محمدعلی معزی دزفولی)؛ تصحیح نقاوهٔ الاصابهٔ فیمن أجمعت علیه العصابهٔ (تصنیف حاج میرزا ابوالفضل تهرانی)؛ تصحیح شش رساله‌ی فارسی (تألیف مولی محمد طاهر قمی)؛ تصحیح شرح فارسی غرر الحکم و درر الکلم (تألیف عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، شرح از جمال‌الدین محمد خوانساری)؛ تصحیح تفسیر شریف لاهیجی (تألیف بهاءالدین محمد بن شیخ علی شریف لاهیجی)؛ تصحیح رساله‌ی طینت (از جمال‌الدین محمد خوانساری)؛ تصحیح شرح فارسی کلمات قصار پیغمبر خاتم (ص) (شرح شهاب‌الاخبار، تألیف قاضی قضاعی)؛ اهتمام و طبع رجال برقی (از احمد بن محمد بن خالد برقی)؛ شرح فارسی مصباح الشریعهٔو مفتاح الحقیقهٔ (از عبدالرزاق گیلانی، در دو جلد)؛ تصحیح الرسالهٔ العلیهٔ فی الاحادیث النبویهٔ (تألیف کمال الدین حسین کاشفی)؛ اهتمام و طبع سه رساله در علم رجال (۱. توضیح الاشتباه و الاشکال؛ ۲. رسالهٔ فی معرفهٔ الصحابهٔ؛ ۳. رجال قاین؛ به تصحیح سید کاظم موسوی)؛ اهتمام و طبع الفصول الفخریه فی اصول البریهٔ (تألیف نسابه معروف جمال‌الدین احمد بن عنبه مؤلف عمدهٔالمطالب به تصحیح سید کاظم موسوی)؛ تصحیح شرح المائهٔ کلمهٔ لامیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) (تألیف کمال‌الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی)؛ تصحیح شرح المائهٔ کلمهٔ لامیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) (تألیف عبدالوهاب)؛ تصحیح مطلوب کل طالب من کلام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) (تألیف رشیدالدین وطواط)؛ تصحیح الاصول الاصلیهٔ (تألیف مولی محمد محسن فیض کاشانی)؛ تصحیح الحق المبین فی تحقیق کیفیهٔ التفقه فی الدین (تألیف

مولی محمدمحسن فیض کاشانی)؛ تصحیح الایضاح (تصنیف علم‌الدین فضل بن شاذان نیشابوری)؛ تصحیح فردوس (در تاریخ شوشتر و برخی از مشاهیر آن، تألیف علاءالملک مرعشی شوشتری)؛ تصحیح حکمت اسلام (تألیف محمد صالح بن محمدباقر قزوینی)؛ تصحیح الغارات (تألیف ابواسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی)؛ تصحیح الدلائل البرهانیهٔ فی تصحیح الحضرهٔ الغرویهٔ (تألیف علامه جمال‌الدین ابی منصور حسن بن مطهر حلی)؛ تألیف تعلیقات نقض (دو جلد)؛ تألیف کشف الکربهٔ فی شرح دعاء الندبهٔ؛ تصحیح فهرست شیخ منتجب الدین رازی؛ تصحیح الاربعین من الاربعین عن الاربعین شیخ منتجب‌الدین رازی.

سید جلال‌الدین محدث ارموی ساعت دو بامداد شنبه پنجم آبان ۱۳۵۸ به علت سکته قلبی درگذشت و پیکر وی در جوار آرامگاه شیخ ابوالفتح رازی در صحن امامزاده حمزه به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۵، ش ۱۲ -۱۰، ص ۹۵۰ -۹۴۹)، تعلیقات نقض (هفت- بیست)، الذریعه (۱۳۳ -۱۳۲/ ۲۴ ،۵۵ -۵۴/ ۱۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۰۶/ ۱۴)، کیهان فرهنگی (س ۲، ش ۸ ص ۳۷ -۳۶).

محدث، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن محدث (پسر خاله حجهٔالاسلام حاج میرزا محمد حقی) از فضلاء آذربایجانی حوزه علمیه قم و علماء و ائمه جماعت معاصر شهرستان گنبد می‌باشند.

ایشان سالهای متمادی در قم اشتغال به تحصیل داشته و از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی شریعتمداری و آیات دیگر فقهاً و اصولا استفاده نموده آنگاه از طرف آیت‌اللَّه شریعتمداری در سال ۱۳۸۷ قمری به گنبد عزیمت و تاکنون به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

محدث، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی محدث از نامداران منبریهای عصر حاضر بود و منبر پرشور و مفیدی داشت و از آثار او دو مجلد خورشید تابانست که در معارف اسلامی نوشته و او از شاگردان مرحوم آیت‌اللَّه میرزا مهدی اصفهانی و سایر اعلام بود و در ۱۰ ربیع‌الاول ۱۳۷۸ وفات نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

محدث، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد محدث که از خطباء و منبریهای معروف معاصر مشهد می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

محدث‌زاده، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا محسن بن العالم الجلیل و المحدث النبیل آقای حاج شیخ عباس محدث قمی از علماء معاصر تهرانست که در شهباز جنوبی به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال دارد.

وی در سال ۱۳۴۲ قمری در مشهد مقدس متولد شده و در سن یازده سالگی به قم آمده و پس از چند ماه توقف در بلده طیبه قم در سال ۱۳۵۴ قمری باتفاق مرحوم والدش مهاجرت به نجف اشرف نموده و مقدمات را نزد آن مرحوم و علامه مرعشی و سطوح را از آیت‌اللَّه حاج سید محمد روحانی قمی و آیت‌اللَّه حاج میرزا علی تنکابنی و آیت‌اللَّه حاج سید سجاد علوی گرگانی و بعضی اعلام دیگر فراگرفته و تا سال ۱۳۶۸ قمری در آنجا اشتغال بتحصیل داشته و مورد توجه خاص مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقا میراز عبدالهادی شیرازی بوده و در سال مذکور به ایران مراجعت و در قم اقامت و مدت پنج سال از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده و در سال ۱۳۷۳ قمری باصرار جمعی از مؤمنین به تهران آمده و رحل اقامت افکنده و تا حال حاضر در محل سابق الذکر تهران در مسجدی که بامر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی تأسیس شده بخدمات دینی اشتغال دارد و ضمنا از محضر درس آیت‌اللَّه العظمی خونساری و آیت‌اللَّه رفیعی قزوینی و آیت‌اللَّه آشتیانی استفاده نموده و می‌نمایند.

از خدمات ارزنده ایشانست کلاسهای درسی برای دانشجویان که در مسجد مزبور تاسیس نموده و حدود چهارصد دانشجو در آنجا شرکت می‌نمایند که صد نفر آنها به فراگرفتن دروس عربی و دینی اشتغال دارند.

از خداوند توفیق امثال معظم له را خواستارم زیرا ایشان واقعا مجسمه تقوا و اخلاق و فضیلت می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

محدثی، جواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد محدثی

محل تولد : سراب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۱ در شهرستان سراب (آذربایجان شرقی) به دنیا آمد پدر و پدر بزرگش روحانی بودند و در مکتب مرحوم میرزا جلیل واعظ سرابی به درس و تدریس اشتغال داشتند. وی به لحاظ روحانی بودن پدرش از کودکی در قم می زیست. در این شهر بزرگ شد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در قم گذراند از سال ۱۳۴۴ ش وارد حوزه علمیه قم شد و در مدرسه علیمه منتظریه معروف به حقانی به تحصیل پرداخت در این مدرسه که با مدیریت شهید آیت الله قدوسی و همکاری شهید آیت الله بهشتی، آیت الله جنتی و آیت الله مصباح یزدی اداره می شد با استفاده از محضر اساتید برجسته، انقلابی و متقی که اغلب از شاگردان امام راحل «قدس سره» بودند درسهای حوزه را از مقدمات تا خارج فقه فرا گرفت از اساتید بسیار این دوره ۱۴ ساله می توان از شهید قدوسی، شهید مفتح، شهید شاه آبادی و آیات عظام : مشکینی، وحید خراسانی، شبیری زنجانی، جنتی، احمدی میانجی، مصباح یزدی، گرامی، انصاری شیرازی، حسن زاده آملی، میر محمدی، آذری قمی، صانعی، مومن، محمدی گیلانی، حائری شیرازی، ابراهیم امینی، مقتدایی و بزرگان دیگر یاد کرد پس از انقلاب نیز در درسهای آیات عظام حضور می یافت. پیش از انقلاب به سبب مبارزات سیاسی و سخنرانی در شهرستانها دو بار دستگیر و زندانی شد یک بار در سال ۵۴ به مدت دو هفته و بار دیگر در سال ۵۶ به مدت ۹ ماه. با پیروزی انقلاب اسلامی در کنار فعالیتهای درسی به تلاشهای فرهنگی و تبلیغی در شهرستانهای مختلف پرداخت، با صدا و سیما امور تربیتی آموزش و پرورش، سازمان تبلیغات اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی، پژوهشکده باقر العلوم، سپاه پاسداران و بخش فرهنگی بنیاد شهید و جهاد سازندگی همکاریهای فرهنگی و قلمی داشت، در عرصه مطبوعات دینی و مجلات انقلابی و مذهبی فعالانه همکاری داشت و با نگارش سلسله مقالاتی در زمینه های هنری، اخلاقی، اجتماعی، مباحث قرآنی و تربیتی، خانوادگی، در مجلاتی همچون : عروهٔ الوثقی، پیام انقلاب، پیام زن، حوزه، مکتب جبهه، مکتب انقلاب، امید انقلاب، کمیته، پیام هلال، میقات حج، کوثر، فرهنگ جهاد، پاسدار انقلاب، پرسمان، حدیث زندگی، افق خانواده، مسجد دانشگاه همچنین با همکاری قلمی با روزنامه های جمهوری اسلامی و کیهان و هفته نامه «صبح صادق» و«ری» و نشریه «زائر» در ایام حج، در طول سالیان متمادی حضور ادبی و فرهنگی داشت. چند سال در اوایل انقلاب با حضور در دانشگاههای مختلف و تدریس تاریخ اسلام، تعلیم و تربیت اسلامی، منطق و موضوعات دیگر نیز حضور مکرر در مجامع دانشگاهی و جمعهای دانشجویی و اردوهای دانش آموزی و سمینارهای فرهنگی و تربیتی آموزشی و پرورش معلمان، در فضای فکری اجتماعی جوانان حضوری اثر گذار داشت. یک بار هم سفری دو ماهه به جنوب لبنان و ارتباط و همکاری با حزب الله داشت. نه سفر هم به حج رفته است. وی به دلیل بر خورداری از قریحه شعر و سابقه شاعری که به سالهای پیش از انقلاب بر می گردد در بسیاری از مجامع ادبی و محافل شعری و شبهای شعر بویژه در اوایل انقلاب به عنوان یک حوزوی شاعر و خوش ذوق حضور می یافت و آثار خویش را عرضه میکرد و این حضور نقش مثبت و بسزایی داشت. از ویژگیهای خاص او بعد ادبی و قلمی است و به همین جهت در راستای انتقال تجارب قلمی و نگارشی خویش به نسل جوان حوزه از پیش از انقلاب تا حال حاضر پیوسته در مدارس مختلف حوزه علمیه (چه جامعهٔ الزهرا و چه مدارس برادران و چه مراکز تخصصی حوزه) آموزش ادبیات فارسی و روش نگارش و تحقیق داشته است و در این زمینه کتاب (روشها ی) او به عنوان یک متن آموزشی فشرده به شمار می رود وی همچنین در مراکز مختلفی به عنوان عضو هیئت علمی، طرح و برنامه، بررسی و نظارت حضور و همکاری داشته است.

محدثی، رجبعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رجبعلی محدثی از معمرین علماء خراسان و در باخرز که در بین تربت جام و طیبات واقع است سکونت دارند.

وی در پنجم ماه رجب ۱۳۰۲ قمری در مشهد مقدس متولد شده و تحصیلات مقدماتی و ادبیات و سطوح وسطی و نهائی از مرحوم آشیخ عبدالجواد ادیب بزرگ و فاضل بسطامی و آقا شیخ محمدحسن قائینی و آقا شیخ محمد قوچانی و آقا شیخ حسن برسی

فراگرفته و دروس خارج فقه و اصول را نزد مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج آقا حسین قمی و آیت‌اللّه آقا میرزا محمد آقازاده کفائی و آیت‌اللّه حاج شیخ مرتضی آشتیانی تلمذ نموده و در قضیه بهلول سبزواری و غائله مسجد گوهرشاد تبعید به باخرز گردیده و تاکنون که نود و دو سال از عمر مبارکش می‌گذرد در آنجا به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

محدثی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد محدثی جامی از دانشمندان خدوم معاصر است که در تأیباد خراسان میباشد. وی در سال ۱۳۱۱ شمسی در تربت جام متولد شده و پس از پرورش در سن ۱۶ سالگی بنجف اشرف مهاجرت و مدت یکسال و نیم در آنجا اقامت نموده و ادبیات و مقدمات را خوانده سپس مراجعت بمشهد نموده و در حوزه آستان قدس رضوی علیه آلاف‌التحیه والثناء با مواجه شدن با مشکلات و آشفتگی‌های زندگی ادامه بتحصیل داده و بعد از پایان دوره مقدمات سطوح را از عالم ربّانی حجه‌الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و علامه جلیل معاصر آقای وحیدی خراسانی و اساتید دیگر تکمیل نموده و از محضر و درس خارج حضرت آیه‌الله العظمی میلانی مدظله‌العالی کسب فیض کرده و برای ترویج دین و تبلیغ احکام آئین مقدس اسلامی بشهر مرزی تأیباد (طیبات) مهاجرت و تاکنون در آن ناحیه بخدمات دینی اشتغال دارد بطوریکه از بعضی از ثقات دانشمندان مشهد شنیدم جناب آقای محدثی خدمات ارزنده‌ای در تأیباد و حومه آن انجام داده و بسیاری از اهل سنت آنجا را بمحبت و ولایت اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام نزدیک و هدایت و از پیشرفت فرقه ضاله و مضلّه بهائی در آن نواحی جلوگیری نموده‌اند.

آثار قلمی معظم‌له یک سلسله مقالاتی بنام (بوستان دوستان) و غیره میباشد طبع سلیس و روانی دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

محرابی کرمانی، سعید

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، تذکره‌نویس و شاعر. خاندان او در کرمان معروف و دارای علم و زهد بوده‌اند. معروفترین مرد خاندان وی شیخ سیف‌الدین ابوالمعالی باخرزی ملقب به شیخ عالم بوده است. محرابی صوفی مشرب بوده و با ادبیات فارسی و عربی آشنایی داشته است. از آثارش: «مزارات کرمان» یا «تذکرهٔ الاولیاء» محرابی کرمانی، که سید محمد هاشمی کرمانی در اسفند ماه ۱۳۳۰ ش به اهتمام و سرمایه‌ی حسین کوهی کرمانی آن را چاپ نمود. «تاریخ نظم و نثر» سال تألیف کتاب را ۹۳۹ ق ذکر کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۵۷)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۴۴۷ -۴۴۴)، الذریعه (۳۲۶/ ۲۰)، ستارگان کرمان (۳۴۱ -۳۳۸)، عرفای کرمان (۱۰۵ -۱۰۴)، مزارات کرمان (مقدمه/ بیست و دو- بیست و هشت).

محرابی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد محرابی

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۹/۱۹

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۱ پیش از اخذ دیپلم (دوم دبیرستان) وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از مدتی به صورت متفرقه سه سال دبیرستان را امتحان دادم و دیپلم گرفته شد. در بدو ورود به حوزه، وارد حوزه علمیه امام خمینی کرمانشاه شدم و پس از یک سال رهسپار حوزه علمیه قم گردیدم. در سال ۱۳۷۱ دروس سطح و امتحانات آن (کتبی و شفاهی) به پایان رسید و وارد درس خارج شدم. از دروس خارج آیه الله جوادی آملی، سید جعفر کریمی، سبحانی، خاتم یزدی، تبریزی، و دیگر استادهای گرانقدر حوزه در فرصت های زمانی کوتاه و بلند استفاده و خوشه چینی شد.

در کنار درس خارج، از حدود سال ۱۳۷۴ در محضر استاد آیه الله جوادی آملی بوده و ضمن بهره مندی از گوهر وجود ایشان، در موسسه اسرا، به تنظیم سه کتاب قرآن در قرآن، ولایت فقیه و عدالت اجتماعی در پرتو نهضت حسینی (ع) از ایشان توفیق یافته ام که دو کتاب اول چاپ شده و کتاب سوم در مرحله پیش از چاپ قرار دارد. از آنجا که بنده در زندگی علمی وحوزوی خود به

دنبال پاسخ دهی به نیاز ها و پرسش های اساسی خود بودم، نخست به مطالعات فلسفی و عقلانی پرداختم که در کتاب های بدایه، نهایه، بخشی از منظومه، مختصری از اسفار، شرح منظومه استاد مطهری، اصول فلسفه و روش رئالیسم صورت گرفت. دغدغه در مباحث معرفت شناسی نیز سبب شد تا در این زمینه مطالعات و تفکراتی صورت گیرد و مختصری هم نوآوری حاصل شد و در این زمینه بیشترین استفاده از مباحث معرفت شناسانه اصول فلسفه و روش رئالیسم برده شد.

علاوه بر عرصه عقلانی، عرصه فرهنگی و تربیتی نیز بخش از زندگی علمی بنده را به خود اختصاص داده است. اینجانب از سال اول طلبگی به برگزاری برنامه ها و کلاس های فرهنگی پرداختم و به تدریج از سطح دبستان و راهنمایی به دبیرستان و سپس به سطح دانشگاهی و جلسات گفتگو با برخی اساتید دانشگاه منتهی شد. حدوداً از ۱۰ سال پیش تا کنون ارتباط با فضای دانشگاهی به صورت فردی، گروهی، جلسات سخنرانی و پرسش و پاسخ وجود داشته است. چند سال ارتباط تبلیغی و دو سال نهاد رهبری دانشگاه ایلام و سه سال تدریس معارف در دانشگاه از جمله آنهاست.

عرصه سوم زندگی علمی بنده، عرصه اخلاقی و معنوی بوده که در دو سوی متفاوت اما مرتبط با یکدیگر صورت گرفته است، از سویی به مطالعه و تفکر در نظام اخلاقی و معنوی اسلام پرداخته و ضمن مطالعه کتب اخلاقی و معنوی عالمان دینی، به دنبال دستیابی به نظام اخلاقی اسلام بوده ام و از سوی دیگر، به مطالعه برخی کتب روانشناسی، روانکاوی ، هیپنوتیزم، ضمیر ناهشیار و نیمه هشیار، روانشناسی تصویر ذهنی، زندگی موفق، مدیریت زمان، کتب عرفانی شرقی و غربی و ... پرداخته ام. تاسیس ابتکاری مرکز مشاوره دینی و اداره و ارائه مشاوره در سه بخش اعتقادی، اخلاقی، و بهداشت روانی و خانواده یک سال و نیم در کرمانشاه و نیز تدریس مدیریت زمان، روش همسرداری، روش تربیت برای طلاب و فضلاء حوزه، از دیگر خدمات اینجانب بوده است.

محرم جهرمی، حسینعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به محرم. اصلش از بلوک جهرم فارس می‌باشد. وی از درباریان فتحعلی‌شاه قاجار (۱۲۵۰ –۱۲۱۲ ق) بود. محرم جهرمی به سخن‌شناسی و لطایف طبع معروف بود و به زبان ترکی و فارسی شعر می‌گفت و با علم موسیقی نیز آشنا بود. لازم به ذکر است که صاحبان «نگارستان دارا» و «سفینهٔ المحمود» تخلص وی را محروم آورده‌اند. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۵۴۶ –۱۵۴۴/ ۳)، الذریعه (۹۷۳/ ۹)، سفینهٔ المحمود (۵۳۸ –۵۳۶/ ۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۲۸۵/ ۲)، مجمع الفصحا (۱۰۱۳/ ۶)، مصطبه‌ی خراب (۱۶۶)، نگارستان دارا (۱۳۱ –۱۳۰)، یغما (س ۱۲، ش ۱۰، ص ۴۵۷ –۴۵۶).

محرم شیرازی، علی محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۷۵ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به محرم. در شیراز به دنیا آمد و همان جا به تحصیل کمالات پرداخت. وی اغلب خطوط را خوش می‌نوشت و به عسرت روزگار می‌گذرانید. پس از چندی به عتبات رفت و مدتی در آنجا سکنی گزید. صاحب «حدیقهٔ الشعراء» درباره‌ی او آورده که حرکتش از شیراز در حدود ۱۲۶۵ ق بوده و از آن به بعد از حالش به تحقیق مطلع نشده، الا آنکه قریب ده سال می‌دانسته او زنده است، و ادامه می‌دهد که شعرای معاصرش او را شاعری مسلم می‌دانستند و او «دیوان» غزلی در حدود ده هزار بیت داشته است. از خطوط متنوعی که گفته‌اند خوش می‌نوشته است، جز نستعلیق، دو قطعه خط شکسته تعلیق موجود است که از روی خط خواجه اختیار منشی به خوبی نقل کرده و از خطوط نستعلیق او، یک نسخه «حفهٔ الوزراء»، به قلم دو دانگ متوسط موجود است که چنین رقم نهاده: «کتبه الفقیر علی محمد المحرم غفر ذنوبه و ستر عیوبه ۱۲۵۹».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۸۱ –۴۸۰/ ۲)، حدیقهٔ الشعراء (۱۵۴۹ –۱۵۴۶/ ۳)، الذریعه (۹۷۴ –۹۷۳/ ۹)، ریاض العارفین (۲۸۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۷۹ –۱۱۷۸/ ۲)، مرآت الفصاحه (۵۶۰ –۵۵۸)، یغما (س ۱۲، ش ۸، ص ۳۷۵ –۳۷۴، س ۱۲، ش ۱۰، ص ۴۵۷ –۴۵۵).

محرم یزدی، عبدالوهاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۹۴ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به محرم. در یزد به دنیا آمد. در کودکی پدر خود را از دست داد و تخلص او را برای خود برگزید. وی پس از تکمیل علوم ادبی به عتبات سفر کرد و از آنجا به کرمانشاه رفت. سپس به تهران آمد و مداح محمد شاه گردید و شاه به او لقب ملک‌الشعرای عراقین داد. او همچنین میرزا آقا خان نوری را مدح کرده است. محرم به زبان فرانسه تسلط داشت و

در مدرسه‌ی دارالفنون فرانسه تدریس می‌کرد. وی اشعاری نیز در مدح اهل‌بیت و مراثی سیدالشهداء (ع) دارد. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۳۰۱ -۲۹۶)، حدیقهٔ الشعراء (۱۵۵۴ -۱۵۵۱/ ۳)، الذریعه (۹۷۴، ۷۰۳/ ۹)، طرائق الحقاق (۴۰۱/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۸۰۸)، المآثر و الآثار (۲۱۵ -۲۱۴)، مجمع الفصحا (۹۶۳ -۹۵۵/ ۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۸۳ -۱۸۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰ -۲۹/ ۴)، یغما (س ۱۲، ش ۱۰، ص ۴۵۷ -۴۵۵).

محرم یزدی، محمدعلی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۳۱ ق)، مذهب و شاعر، متخلص به محرم. پدر وی نسخ‌نویس معروف اصفهانی و مشهور به صائغ است. براساس شهرت پدر او را محرم اصفهانی نیز خوانده‌اند. میرزا محمدعلی مدتی در شیراز ساکن بوده و با داوری شیرازی، فرزند وصال، ملاقات داشته است. سپس به یزد رفته و به تذهیب و تزیین نسخه‌ها و قطعات اشتغال داشته و همان جا درگذشته است. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۹۳۴/ ۲)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۲۹۶ -۲۹۵)، حدیقهٔ الشعراء (۱۵۵۵/ ۳)، الذریعه (۹۷۳/ ۹)، سفینهٔ المحمود (۳۰۴ -۳۰۳/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۸۰۸)، گلستان هنر (پنجاه)، مجمع الفصحا (۹۳۲/ ۵)، یغما (س ۱۲، ش ۱۰، ص ۴۵۷ -۴۵۵).

محرمی پور، سعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید محرمی پور در سال ۱۳۳۹, در تهران به دنیا آمد. وی پس از اتمام دوره کارشناسی گیاهپزشکی در دانشگاه تهران و طی دوره کارشناسی ارشد حشره شناسی در دانشگاه تربیت مدرس، دکترای حشره شناسی را در سال ۱۳۷۶ در دانشگاه اوکایاما به پایان برد. پس از آن به امر تدریس در دانشگاه تربیت مدرس مشغول گردید. دکتر محرمی پور ضمن تدریس و عضویت در انجمن حشره شناسان ایران و انجمن حشره شناسان ژاپن , دستی در نشریات تخصصی نیز داشته و داور مجلاتی چون دانش کشاورزی تبریز، علوم کشاورزی گیلان، کشاورزی مدرس عهده دار بوده و آثار نیز به چاپ رسانده است.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیگرایش : حشره شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : سعید محرمی پور پس از اتمام تحصیلات دبیرستان، وارد دانشگاه تهران شد و در رشته گیاهپزشکی به تحصیل پرداخت او پس از اخذ لیسانس در سال ۱۳۶۴, تحصیلات خود را در رشته حشره شناسی دانشگاه تربیت مدرس پی گرفت و درسال ۱۳۶۹ دوره کارشناسی ارشد را به پایان برد. وی سرانجام در سال ۱۳۷۶، با اخذ درجه دکترا از دانشگاه اوکایاما فارغ التحصیل شد.هم دوره ای ها و همکاران : : دکتر کریم کمالی عضو گروه حشره شناسی دانشگاه تربیت مدرس و دکتر علی اصغر طالبی عضو گروه حشره شناسی دانشگاه تربیت مدرس از جمله همکاران سعید محرمی پور به شمار می آیند.فعالیتهای آموزشی : سعید محرمی پور ابتدا از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ به عنوان مربی در دانشگاه تربیت مدرس شروع به تدریس نمود. سپس از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸ به عنوان استادیار به فعالیت خود ادامه داد. او دروسی چون آفات درختان میوه – آفات گیاهان زراعی، فیزیولوژی حشرات – روشها و وسایل تحقیق در حشره شناسی برنامه نویسی کامپیوتری و مقاومت گیاهان به آفات مدلسازی کامپیوتری در حشره شناسی را تاکنون تدریس نموده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سعید محرمی پور ضمن عضویت در انجمن حشره شناسان ایران و انجمن حشره شناسان ژاپن , دستی در نشریات تخصصی نیز داشته و داور مجلاتی چون دانش کشاورزی تبریز، علوم کشاورزی گیلان، کشاورزی مدرس عهده دار بوده است.شاگردان : سعید محرمی پورضمن تدریس , راهنمایی و مشاوره تعدادی از شاگردان خود را نیز به عهده داشته است که از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد: عناوین پایان نامه ها و اسامی دانشجویان تحت راهنمایی الف) کارشناسی ارشد: ۱- ابراهیم گیلاسیان – بررسی فول بال ؟ گیاهان زینتی و زراعی گرگان و بیولوژی گونه غالب(۱۳۷۷) ۲- محمد خیراندیش- بررسی فول بال ؟ گیاهان زینتی و زراعی در کرمان و مطالعه مقدماتی تراکم جمعیت گونه های فعال در گل رز (۱۳۷۷) عناوین پایان نامه ها و اسامی دانشجویان تحت مشاوره الف) کارشناسی ارشد ۱- علی جعفری ندوشن – بررسی کارائی بالتوری chrysoperla carnea در کنترل و سیل پسته(۱۳۷۷) ۲- محمد رحمانی مقدم- بررسی میزان حساسیت جمعیتهای مختلف و سیل پسته به حشره کش فوزالول در باغات پسته استان کرمان (۱۳۷۷) ب) دکتری: ۱- احمد بغدادی: بررسی خصوصیات بیوشیمیائی پروتئین و بعضی از خواص فیزیولوژیک مقاومت سن گندم به سرما(۱۳۷۷) ۲- مهدی ضرابی: مطالعات مقدماتی بیولوژی و اکولوژی سرخرطومی چغندرقند با تاکید به ارزیابی خسارت حشرات کامل در ناحیه اصفهان (۱۳۷۸) آرا و گرایشهای خاص : زمینه تحقیقاتی و مطالعاتی سعید محرمی پورعموماً در زمینه مقاومت گیاهان به آفات , فیزیولوژی حشرات و... بوده است. آثار : مکانیسم مقاومت جو به رشته های غلات منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

محرمی، غلامحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسن محرمی

محل تولد : هشترود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب غلامحسن محرمی در یکی از روستاهای اطراف تبریز در سال ۱۳۴۷ متولد شده و از دوازده سالگی به شهر رشت مهاجرت کرده و بعد از دو سال به مراغه بر گشته ایم و سال ۶۳ وارد حوزه و در حوزه مراغه و تبریز به تحصیل پرداخته و سال ۶۵ وارد حوزه علمیه قم شده و تا شش سال بعد از آن مشغول تحصیل سطح حوزه بودم و بعد از آن تا ۱۳ سال در درس خارج شرکت کردم.اساتید اینجانب در دو سطح عبارتند از :آیه الله وجدانی فخر ، استاد صالحی افغانی ، آیه الله اشتهاردی ، استاد طالقانی ، آیه الله شیخ کریم ملائی تبریزی ، آیه الله اعتمادی ، استاد محقق داماد ، آیه الله دوزدوزانی ، استاد صلواتی ، همچنین فلسفه را از محضر استاد غلامرضا فیاضی ، استاد میر سپاه و استاد غرویان استفاده کردمعرفان نظری را از محضر استاد عسگری گیلانی بهره جستم.

همچنین به مدت چهار سال روزهای تعطیل از محضر علامه حسن زاده آملی ، درس هیئت و نجوم فرا گرفته ام که استاد این درسها را در دو جلد کتاب به نام دروس هیئت به نگارش در آورده است.همچنین دو سال شبهای پنجشنبه از محضر آیه الله مکارم شیرازی اصول عقائد فرا گرفته ام در درس خارج نه سال درس فقه آیه الله العظمی شیخ جواد تبریزی بوده ام و نیز دو سال درس اصول ایشان و نیز سه سال درس خارج حضرت آیات سبحانی ، وحید خراسانی ، هاشمی شاهرودی ، محمد حسن احمدی فقیه و جناتی شرکت داشته ام .و از دروس حوزه از صرف میر تا رسائل و مکاسب تدریس کرده ام که بعضی را یک نوبت و بعضی را چند نوبت در مدرسه های شهابیه (مرکز جهانی علوم اسلامی) ، مدرسه شهیدین ، مدرسه سفیران هدایت تدریس داشته ام . و از سال ۷۶ در دانشگاههای آزاد تهران پیام نور مراغه و علوم پزشکی تبریز تدریس داشته ام.

محرمی‌استرآبادی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. اصل او از استرآباد بود و از متعینان و ممتازان آن شهر به حساب می‌آمد. طبع خوبی داشته و اشعاری از وی نقل شده است. از اوست:

مدام واعظ ما منع باده نوش کند

چه خوش بود که دمی درکشد خموش کند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۹۷۴/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۰۸)، مجالس النفائس (۲۶۱، ۸۷).

محروم رازی، ابوتراب

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. او برادر قاضی اسیری (م ۹۸۲ ق) بود. در شعر طبع خوبی داشت و اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

تنی ز ضعف چو کاه و غمی برابر کوه

شکسته بسته دلی دارم و هزار اندوه

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۹۷۴/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۰۸)، مجمع الخواص (۸۸ -۸۷).

محزون اصفهانی، عبدالمحمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۱ ق)، شاعر، متخلص به محزون. در اصفهان به دنیا آمد. در اوان جوانی مدتی علوم ادب و دین آموخت و از آن پس به کسب و داد و ستد پرداخت. وی در انجمن ادبی شیدا شرکت می‌نمود. از آثارش: منظومه‌ی «عروج النبی (ص)»؛ «گنج العیش»، غزلیات؛ «کنز المثال»؛ منظومه‌ی «نصایح الزمان»؛ مثنوی «فضایح الافعال»، مواعظ، در شرح برخی از الفاظ رایج بین عوام؛ «دیوان» شعر، با عنوان «جنگل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۱۷ -۴۱۶)، الذریعه (۱۶۹/ ۲۴ ،۳۲۳/ ۱۹ ، ۲۴۰، ۱۶۴/ ۱۸ ،۲۴۹ -۲۴۸/ ۱۶ ،۲۵۳/ ۱۵ ،۹۷۵/ ۹)، مؤلفین کتب چاپی (۹/ ۴).

محزون، عبدالله

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد هادی. عالم فاضل، و ادیب زاهد شاعر متخلص به «محزون»، از احفاد شاه عباس ثانی صفوی بوده، در ۱۱۷۱ وفات یافته، قبرش در قبرستان آب بخشان بوده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

محزونی همدانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از شعرای معاصر سام میرزا صفوی (م ۹۷۵/ ۹۷۴ ق) بود و در علم سیاق مهارت داشت. از اوست:

چون شمع ز آتش دل، سوزی گرفته در من

صد چاک تا گریبان، اشک آمده به دامن

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۳۰۵/ ۱)، تحفه سامی (۲۶۴)، الذریعه (۹۷۵/ ۹).

محسنای شیرازی، محسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۴۱ ق)، شاعر. اصلش از شیراز بود و در همان جا نشو و نما یافت و تحصیل کرد. او با میرزا نظام دستغیب شیرازی و غیاثای حلوایی (م ۱۰۴۰ ق) معاصر و با ملا صبوحی خوانساری رفیق بود و با آنان مشاعره می‌نمود. در ۱۰۳۱ ق به اردوی شاه عباس اول رفت، مدتی نیز در مازندران به سر برد و سپس به هندوستان عزیمت کرد و از آنجا به قندهار رفت. در ۱۰۳۳ ق از قندهار به هندوستان بازگشت. میرزا محمدصادق مینای اصفهانی در سفر خود به جهانگیر نگر (داکای کنونی)، در ۱۰۴۱ ق، او را دیده که در آن دیار در خدمت آقا محمد زمان، از امرای بنگاله، به سر می‌برده است. وی عاقبت در هندوستان درگذشت. طبع شعر خوبی داشت و در تذکره‌ها اشعاری از وی آمده است. از اوست:

هر جا که پا نهد دل درد آشنای ما

افتد غمی چو نقش قدم در قفای ما

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۷۲۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۸۴ -۳۸۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۴۷ -۳۴۵/ ۴)، الذریعه (۹۷۷/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۱۰)، کاروان هند (۱۲۳۰ -۱۲۲۸/ ۲).

محسنی اراکی، نیکچهره

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

۷۵ سال پیش در شهر اراک به دنیا آمد. نام کاملش نیز بر همین اساس، «نیکچهره محسنی اراکی» است. او تا سال چهارم ابتدایی را در زادگاه خویش به تحصیل گذراند. . پس از گرفتن لیسانس زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه تهران، در سال ۱۳۳۳ به فرانسه رفت و در دانشگاه سوربن پاریس روانشناسی خواند و آن را تا سطح دکترا ادامه داد. زمانی به ایران بازگشت که دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران درحال شکل گیری بود. بنابراین در کنکور استادیاری شرکت کرد و پس از قبولی در مقام استادیار در دانشگاه

تهران مشغول به تدریس شد. محسنی سلسله مراتب استادیاری تا دانشیاری دانشگاه تهران را در ۵ سال طی کرد. سپس به فرانسه رفت و ۳ سال آنجا مانـد. در این مـدت، یک ترم در دانشگاه نروژ و مدتی هم در پرتغال به تدریس پرداخت. وی از شاگردان ژان پیاژه بود و رساله دکترایش را نیز با او گذراند. در نروژ، مسئولیت تحقیق یک کار میان فرهنگی را به عهده گرفت و برای انجام آن به ایران آمد. ۳ ماه روی مقایسه رشته شناختی میان بچه های شهری تهران با بچه های روستایی ایرانی و بچه های اروپایی تحقیق کرد و انجام طرح های پژوهشی و تالیف ترجمه کتاب هایی در باره روانشناسی رشد را پی ریزی کرد.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی گرایش : روان شناسی رشد اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : تولد نیک چهره محسنی ارکی معاصر بود با اواسط سلطنت رضا خان و روزگار سلطه ی روس و انگلیس برشمال و جنوب ایران بود . پدرش وکیل دادگستری و از خانواده های سرشناس اراکی بودند. مادرش زنی خانه دار، اما بسیار باسواد و تحصیلکرده بود و تقریباً تمام دیوان حافظ را از بر داشت. نیکچهره و خواهرش تنها فرزندان والدینشان بودند. لحاظ طرز نگاه و تفکر نسبت به زندگی شاید بتوان گفت دکتر محسنی خصایصی را از مادربزرگ خویش به ارث برده است. وابستگی شدید او در دوران کودکی به مادربزرگش، شخصیتی بشردوست را در او پدید آورده است. آن چنان که ابراز می دارد، مادر بزرگش انسانی متواضع و فروتن بود که بسیار دیگران را دوست می داشت. او بی اندازه سخاوتمند بود و به افراد رده پایین توجه خاصی داشت. این رفتار برای نیکچهره کوچک قابل تقدیر و الگو بود. محسنی دراین باره می گوید: «انسان بودن و احترام به انسانیت را از مادر بزرگم آموختم. احترام به انسان ها، صرف نظر از رنگ پوستشان، مقام و اعتقاد و مذهبشان. آنها هرچه باشند انسان اند.» تحصیلات رسمی و حرفه ای : نیک چهره محسنی ارکی – لیسانس زبان و ادبیات فرانسه از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران – دارای مدارک لیسانس، فوق لیسانس و دکترای روانشناسی از دانشگاه سوربن پاریس (۴۶-۱۳۳۳) خاطرات و وقایع تحصیل : پدر نیک چهره محسنی ارکی علاقه مند بود دخترش به تحصیل در رشته پزشکی بپردازد، ولی عذاب وجدان و ترسی همیشگی از این که او باعث مرگ کسی شود، فکر پزشکی را از سرش می راند: «می گفتم اگر من نسخه ای برای بیماری بنویسم، در خانه اش را رها نمی کنم تا خوب شود. چون اگر این مریض بمیرد، زندگی من تمام است. می گفتم نمی روم پزشکی بخوانم تا مبادا آدم بکشم، بدون این که خود بخواهم. خیلی فکر بچگانه ای بود! البته ادبیات فرانسه هم عشقم نبود. وقتی به فرانسه رفتم، چون آدم ها را دوست داشتم، روانشناسی را برای ادامه تحصیل انتخاب کردم. هنوز هم آدم ها را دوست دارم. با وجود این که خیلی عوض شده اند. ولی آنچه من به دنبالش می گشتم، در روانشناسی پیدا نکردم.»استادان و مربیان : نیک چهره محسنی ارکی از شاگردان ژان پیاژه بود و رساله دکترایش را نیز با او گذراندمشاغل و سمتهای مورد تصدی : – سردبیر مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشکده علوم تربیتی به مدت ۳ سال – عضو هیأت تحریریه دو فصلنامه روانشناسی معاصر، مجله های روانشناسی دانشگاه الزهرا (س) و دانشگاه چمران – عضو انجمن روانشناسی ایران فعالیتهای آموزشی : نیکچهره محسنی اراکی از سال ۱۳۴۵به کار تدریس در دانشگاه ، انجام طرحهای پژوهشی و تالیف و ترجمه کتابهایی درباره روانشناسی رشد روی آورد. – شروع به تدریس در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۶ – سابقه تدریس در دانشگاه نروژ و مؤسسه روانشناسی «ژان پیاژه» در پرتغال زمانی به ایران بازگشت که دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران درحال شکل گیری بود. بنابراین در کنکور استادیاری شرکت کرد و پس از قبولی در مقام استادیار در دانشگاه تهران مشغول به تدریس شد. اگرچه همزمان با این همکاری، توسط دانشگاه شیراز و مدرسه عالی دختران تهران دعوت به کار شده بود، اما از آنجا که خود دانشگاه تهران را به سایر اماکن آموزشی ترجیح می داد، همانجا ماندگار شد. پیش از این، او دو ترم در مدرسه عالی دختران تدریس کرده بود. محسنی سلسله مراتب استادیاری تا دانشیاری دانشگاه تهران را در ۵ سال طی کرد. سپس به فرانسه رفت و ۳ سال آنجا ماند. در این مدت، یک ترم در دانشگاه نروژ و مدتی هم در پرتغال به تدریس پرداخت. همچنین وی سابقه همکاری با بسیاری از دانشگاههای داخلی از جمله دانشگاه گیلان ، شیراز(تدریس مقطع دکترا) دانشگاه الزهرا(س)، علامه، ازاد را در کارنامه خود دارد. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : نیکچره محسنی ارکی مؤسس «آزمایشگاه روانشناسی کودک» در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران است.شاگردان : نیکچهره محسنی ارکی از شاگردان خود میگوید: «یکی از جنبه های مثبت زندگی من، رابطه دوستانه ام با دانشجویانم بوده و آن دوستی ای که باقی مانده. خیلی از دانشجوهایم در حال حاضر خودشان مشغول تدریس و کارند، مثل دکتر سید امیر امین یزدی که در دانشگاه مشهد استادیار است و درس های فوق لیسانس و رساله اش را با من گذرانده یا خیلی از بچه هایی که در دانشگاه شیراز یا اراک کار می کنند. از دیگر دانشجویانم که می توانم نام ببرم، دکتر علی نقی پور ظهیر، دکتر قورچیان، دکتر نسرین اکبرزاده، پروین کدیور و خانم دکتر بنی جمالی هستند... مهمترین کارم همیشه تدریس بوده و اهمیتی به نوع ارتباطی که با دانشجویم برقرار می کردم، می دادم و تأثیری که از این لحاظ می توانستم داشته باشم. آرا و گرایشهای خاص : نیکچهره محسنی ارکی در مورد کاربرد روانشناسی در جامعه می گوید: «نمی دانم آنچه یاد می گیریم و یاد می دهیم، تا چه اندازه می تواند ثمر بخش باشد. نسبت به آن تردید دارم. همچنان که در مورد خودم نیز آنچه یاد گرفتم خیلی به دردم نخورد. آدم ها پیچیده تر از آن هستند که در قالب و قانون بگنجند.» او تاکنون هیچ گاه به کار مشاوره و درمان نپرداخته است. تنها یک بار در سال های پیش از انقلاب، در قالب یک برنامه رادیویی – که برحسب اتفاق بسیار پرطرفدار بود و با استقبال کم نظیری مواجه شد – از دیدگاه روانشناسی به ارائه مشاوره در خصوص مشکلات و مسائل خانوادگی، شخصی و از این قبیل پرداخت. با این همه، پیشامدهایی سبب ناراحتی در روحیه لطیف و حساس دکتر محسنی می شد: «عده ای با یک امیدی پیش من می آمدند و اصرار داشتند با من حرف بزنند و من در حقیقت غیر از صحبت، کاری از دستم بر نمی آمد که برایشان بکنم. این موضوع ناراحت کننده بود. همین شد که مشاوره را کنار گذاشتم. هدفم در آن برنامه، دادن آگاهی به دیگران بود. در حالی که فردی که به من مراجعه می کرد، مسأله ای داشت و این برایم ناخوشایند بود. ازکسی فقط برای آن استفاده کنم که بخواهم به دیگران یک مفهومی یا آموزشی را برسانم! من حتی برای رفع این معضل، پیشنهادهایی به رادیو دادم که گویا جزو برنامه هایشان نبود و قبول نکردند. به نظر من، نمی توان به آدم ها حقه زد. باید به آنها احترام گذاشت. انسان ها محترم اند و اگر کسی نمی تواند کاری برایشان بکند، نباید به آنها بگوید و این وعده را بدهد.» جوائز و نشانها : – دریافت تقدیرنامه از دانشگاه جورجیا (اتنز) برای

تحقیق بر روی کودکـان آمریکـاییچگونگی عرضه آثار : نیک چهره محسـنی ارکی مقالات خودرا در مجله دانشگاه تربیت معلم به چـاپ رسانیـده است . وی بـا ارایه مقـاله در کنفرانسـهایی خـارجی شـرکت موثر داشـته است . از محسـنی اراکی مقالاـتی در مجله دانشـگاه تربیت معلم به چاپ رسـیده است. عمده مقالات دکتر نیکچهره محسنی شامل موضوعاتی چون رشد و شناخت اجتماعی و شنـاخت منطقی می شود و برخی از مقالاـت تحقیقـاتی او در مجلاـت فرانسوی زبـان به چاپ رسـیده انـد. چنـدین سـخنرانی نیز در فهرست فعالیت های وی وجود دارد، از جمله سخنرانی تحقیقی اش در زمنیه self (خود) در نروژ که تحقیقش در ایران انجام شده بود. در پژوهشـکده تعلیم و تربیت نیز دربـاره ژان پیـاژه سـخنرانی کرده است و همچنین در انجمن روانشناسـی ایران. و نگـارش در حدود ۱۷ مقـاله علمی – پژوهشـی به زبـان هـای فارسـی و فرانسه و ارائه برخی از آن ها در سـمینارها و کنفرانس هایی در آمریکا، دانمـارک، فرانسه و... و حالاـ دکتر محسـنی پس از سـال ها تحقیق و تفحص در علم بی پایان روانشناسـی، امروز در میان دهه هفتم عمر خـویش چه می خواهـد؟ «همیشه دلم می خواسـته کتـاب بنـویسم. نه در حوزه روانشناسی، بلکه بـا محوریت ادبیـات داسـتانی. گرچه هنوز کتابی ننوشـته ام، ولی هرگاه کتابی بنویسم آن هنگام حس می کنم از زندگی ام راضی هستم. دوست دارم زندگی زن ایرانی را بنویسم. اگر مـا به سـال هـای پشت سـرمان نگاه کنیم، می بینیم زن ایرانی پستی و بلنـدی های زیادی را گذرانـده است. او حتی یک بار هم در سال های دور، پیش از سـفر به فرانسه نوشـتن کتابی را شـروع کرده بود، اما آن داسـتان نیمه کاره مانـد و او به فرانسه رفت. در آن نوشـته نیز نشانه هایی از علاقه و میل شدیـد محسـنی به انسان ها به چشم می خورد. موضوع داسـتان درباره بچه یک خانواده فقیر روسـتایی بود که به محض تولدش، مادرش را از دست می دهد و با مسـئولیت همسایه ای که مثل آنها مشکل فقر دارنـد، بزرگ می شود. این بچه تصور خاص و غریبی از «ارباب» دارد، اما وقتی ارباب را می بینـد و این تفکر در ذهنش شـکل می گیرد که ارباب مثل آنها انسان است و فرقی با یکـدیگر ندارنـد، دنیای ذهنی و زنـدگی اش تغییر می کند و... آثار : ادراک خود از کودکی تا بزرگسالی ، پنج گفتار در روانشناسی (ترجمه) ویژگی اثر : با همکاری دکتر حسن احدی۳ روانشناسی رشد،۱۳۷۱

محسنی تبریزی، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر علیرضا محسـنی تبریزی لیسانس جامعه شـناس خود را از دانشـگاه ملی ایران، فوق لیسانس جامعه شناسـی از دانشگاه میشیگان غربی و دکترای خود را از همان دانشـگاه(۱۳۶۴) اخذ کرد و فوق تخصـص روان شناسـی را نیز از دانشگاه میشیگان (۱۳۶۵) کسب کرد. او از معـدود جـامعه شـناسان و روان شـناسان اجتمـاعی امروز ایران است که بـا درک درست از خواسـته هـا و نیازهـای جامعه پیرامون، به بهتر زیسـتن می اندیشد و با این آرمان است که نگاهی عمیق به موانع تحقق آن دوخته است. گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی گرایش : روان شناسـی اجتماعی تحصیلات رسمی و حرفه ای : . علیرضا محسنی تبریزی لیسانس جامعه شناسی خود را از دانشگاه ملی ایران در سال ۱۳۵۲دریافت کرد و بلافاصـله بعد از این دوره برای ادامه تحصـیل راهی آمریکا شد.محسـنی فوق لیسانس جامعه شناسـی اش را از دانشگاه میشیگان غربی در سال ۱۳۵۷ اخـذ کرد.و این رشـته را تا دریافت دکترای جامعه شناسـی ازدانشـگاه میشیگان ادامه داد(۱۳۶۴). همانندی های فراوان دو رشـته روان شناسـی اجتماعی و جامعه شناسـی محسـنی تبریزی را که سری پرشور در تحصیل و آموختن داشت،ترغیب به ادامه تحصیل در رشته روان شناسی اجتماعی کرد.او موفق به اخذ فوق تخصص روان شناسـی اجتماعی از همان دانشگاه در سال ۱۳۶۵ شد. در خلال این سالها محسـنی تبریزی دیپلم عالی زبان انگلیسی اش را نیز از دانشگاه میشیگان آمریکا دریافت کرد و در کنار تحصیل ،پژوهش و حضور در عرصه های علمی مرتبط با رشته اش را به جدیت به پیش برد. عنوان رساله وی در دوره کارشناسـی ارشد، «نخبگان و فرایند استخدام سیاسی» و در دوره دکتری تخصصی، «بیگانگی فعال و بیگانگی منفعل» می‌باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ـ عضو انجمن جامعه شناسی ـ عضو انجمن جامعه شناسی کلمبیا– آمریکـا تا اکنون ـ عضو شورای پژوهشـی دانشـگاه تهران عضو کمیته تخصصـی علوم انسانی عضو هیأت مـدیره انجمن ایرانی روان شناسـی اجتماعی ایران – سرپرست حوزه معاونت پژوهشـی – سرپرست مؤسسه عالی پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی – معاون پژوهشـی دانشکده علوم اجتماعی – دانشگاه تهران (۱۳۷۰ –۱۳۷۵) (۱۳۷۸ –۱۳۷۹) – رئیس مؤسـسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی (۱۳۶۸ –۱۳۷۵) – سرپرست بخش تحقیقات روان شناسی اجتماعی ,مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی (۱۳۶۸ –۱۳۷۵)فعالیتهای آموزشـی : علیرضا محسـنی تبریزی بعد ازپایان تحصـیلات به ایران بازگشت و بلافاصله در مراکز آکادمیک و علمی رشته تحصیلی اش مشغول به کار شد.او که سابقه تدریس مبانی جامعه شناسی را از دانشگاه میشیگان با خود به ایران آورده بود، دردانشگاه تهران به عنوان مـدرس جامعه شناسـی و روان شناسـی اجتماعی مشـغول به کار شد و به تدریس روان شناسـی اجتماعی کاربردی، اندیشـه های سیاسـی قرن بیسـتم و نظریه های روان شناسـی اجتماعی در مقطع لیسانس وفوق لیسانس پرداخت. او در کنار اشتغال تمام وقت در این دانشـگاه، در دانشـگاه علامه ،دانشـگاه اصـفهان ،دانشگاه الزهرا ،دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده روابط بین الملل ،دانشگاه عـالی، دانشـگاه آزاد و... بـه تـدریس دروس مرتبـط بـا جـامعه شناسـی و روان شناسـی اجتمـاعی پرداخته است. و نیز ـ تـدریس در دانشـگاه تهران، علامه ،دانشـگاه اصفهان،دانشگاه الزهرا، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده روابط بین الملل، دانشگاه عالی ،دانشگاه آزاد و... در کارنـامه دارد. موارد تـدریس وی «انـدیشه هـای سیاسـی درقرن بیسـتم»، «روانشناسـی اجتماعی»، «روانشناسـی اجتماعی کاربردی» و «سـنجش وانـدازه گیری» (در مقطع کارشناسـی)، «جامعه شناسـی بالینی»، «جامعه شناسـی بهداشت و سـلامت جوانان»، «نظریه هـای جـامعه شناسـی انحرافات» و «نظریه های روانشناسـی اجتماعی» (در مقطع کارشناسـی ارشـد)، «جامعه شناسـی انحرافات اجتماعی»، «جامعه شناسـی سیاسـی ایران»، «جامعه شناسی فرهنگی» و «مسائل اساسی نظری روانشناسی اجتماعی» (در مقطع دکتری) است.سـایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علیرضا محسـنی تبریزی علاوه بر اینها در مجامع علمی، سـمینارها، کنگره ها و سـمپوزیوم

های ملی، منطقه ای و بین المللی نیز حضور مستمر داشته و عضو انجمن جامعه شناسی ، انجمن جامعه شناسی کلمبیاو هیأت مدیره انجمن ایرانی روان شناسی اجتماعی ایران نیز هست.در کنار این همه حضور اما چهره حقیقی محسنی را بایـد از لابه لای متن های تحقیقی و پژوهش هـای کـاربردی اش جست وجـو کرد. طرح بررسـی عـوارض روانی جنـگ، طرح بررسـی زمینه هـای مشـارکت روستاییان در نظام ترویج ، بررسی عوارض روانی ـ اجتماعی زلزله خرداد ۶۸ گیلان، بررسی عملکرد آموزشیاران و معلمان آموزش و پرورش همکـار با نهضت سوادآموزی و ...آرا و گرایشهای خاص : از زمینه‌های پژوهشـی مورد علاقه وی می‌توان به موضوعات مشارکت اجتماعی– سیاسی؛ مسائل اجتماعی، روان‌شناسی اجتماعی و انحرافات اشاره نمودچگونگی عرضه آثار : . علیرضا محسنی تبریزی دربـاره محـدوده و دامنه ونـدالیسم در اجتمـاع امروز نظریـات جـالبی دارد: «امروزه ونـدالیسم خصوصـاً برای کسـانی که در شهرهای بزرگ و پرجمعیت زندگی می کنند پدیده ای ملموس و مشـهود و واقعیتی تلخ و در عین حال گریزناپذیر است که بعنوان یکی از نمودهـای زنـدگی اجتمـاعی جامعه مـدرن و ماشـینی بروز و حضـور دارد. در همـه شـهرهای بزرگ همـه روزه مـا شـاهد ویرانگری تعمدی و رفتارهای غیرمسئولانه و ضداجتماعی وندال هایی هستیم که عمداً کمر به تخریب و نابودی هر آنچه زیباست و هر آنچه متعلق به همگان است بسته اند. نقاشی های به نمایش درآمده در گالری ها، آثار باستانی و عتیقه های موجود در موزه ها، ابنیه تـاریخی ، مجسـمه هـای نصب شـده در میـادین، پـارک هـا و امـاکن عمومی، منـازل خالی از سـکنه، پارک ها و فضاهای سبز عمومی، چراغ های معابر، صـندلی های اتوبوس و مترو، کتابهای کتابخانه ها، تلفن های عمومی و ده ها موضوع مورد تخریب دیگر از جمله موضوعـاتی هسـتند که در اثر ونـدالیسم متحمـل خسـارات و صـدمات گردیـده و مـورد تخریب قرار می گیرنـد. امروزه در بسیاری از شهرهای بزرگ وندالیسم بصورت یک مشکل اجتماعی حاد مطرح است که نه تنها سلامتی و امنیت جامعه را به مخاطره می انـدازد، بلکه هزینه های مالی گزافی را بر مالیات دهنـدگان و ساکنین این شـهرها تحمیل می کند. برخلاف بسیاری از جرایم و انحرافـات، آثـار ونـدالیسم مشـهود و پیـداست. براساس گزارشـهای ارائه شـده و آمارهای مربوط به موضوعات ونـدالیسم در برخی کشورهـا نظیر آ مریکـا ، کانـادا، روسیه، سوئـد، انگلسـتان، هلنـد، فرانسه، آلمان و استرالیا، تخریب اموال مـدرسه، علائم ترافیک و تابلوهـای راهنمایی، شکسـتن شـیشه اماکن خالی از سـکنه، شکسـتن لامپ خیابان ها و پارک ها، تخریب کیوسک تلفن و شکسـتن دسـتگاه تلفن عمومی، قطع سـیم برق و تلفن، شکسـتن درختـان خیابـان هـا و پارک ها، تخریب مجسـمه های میادین، تخریب اموال پارک ها و اماکن عمومی، پاره کردن صـندلی سـینماها، تئاترها و اتوبوس های شـهری، تخریب اموال کتابخانه ها، تخریب و صدمه زدن به اتومبیـل هـای پـارک شـده در خیابـان ها، تخریب برخی وسایل داخل هواپیماهای مسافربری و قطارها و ترن های زیرزمینی، تخریب ریـل هـای راه آهن، تخریب اموال بیمارسـتان ها، کارخانه ها، مراکز تجاری، ایجاد آتش سوزی درجنگل ها، مراتع و برخی انبارهای عمومی، تخریب اموال عمومی، استفاده از مواد منفجره نظیر ترقه و بمب دستی به منظور آسیب و تخریب برخی از متعلقات اشخاص حقیقی و حقوقی و موارد عدیده دیگر از رایج ترین صور رفتار بزهکارانه و وندالیستی در جامعه مدرن است. توسعه جامعه مدرن خصوصاً شهرها و تحولاتی که در سطح ساختارهای اجتماعی و روابط و مناسبات جمعی در دوران جدید بوجود آمده تمامی شئون و جنبه هـای مختلف زنـدگی فردی و اجتمـاعی را متـأثر سـاخته و در دنیـای امروز روابـط انسان ها در معرض تغییر و تحول و پیچیده تر شدن دائم و مستمر قرار دارد. تمدن ماشینی امروز که به دنبال خود توسعه شهرهای صنعتی ایجاد محلات پرجمعیت، تغییر زنـدگی ساده قـدیمی و تبـدیل آن به یک زندگی پرتجمل و پیچیده، تغییر زندگی ساده و مبتنی بر روابط عاطفی و همدلی به یک زندگی مبتنی بر روابط رسـمی و بی روح همراه با فردگرایی مفرط، رقابت سرسختانه و عقل گرایی، درآمیختگی سنت های کهنه و نو، تضـعیف انسـجام و همبسـتگی اجتماعی، شکسـت ها و عقده های روانی پنهانی و امیال سـرکوب شده و آرزوهای ناکام مانده و تشدید احساسات درماندگی، سـرخوردگی، ناتوانی و اجحاف را به ارمغان آورده است، پیامد دیگری نیز داشته و آن عصبانی شدن روزافزون انسانهـا بخصوص نسـل جوان در برابر واقعیـات اجتمـاعی و نیروهـای سـرکوب گر بیرونی است. به ویژه سـرپیچی و عـدم متابعت از قواعـد و سـنجه های حاکم بر روابط اجتماعی و طغیان علیه نظم دسـتوری جامعه و واکنش به محرک های بیرونی در فرم عکس العمـل هـای منفی یکی از مهم ترین و شـاخص ترین واکنش هـای رفتـاری برخی از گروه هـا و افراد در جامعه امروز است.» آثار : بررسـی پدیده خشونت خانگی علیه زنان ویژگی اثر : تالیف، در ۲۸ جلد (۱۳۸۳)۲ بررسی پرخاشگری و خشونت در ورزش فوتبال ویژگی اثر : از جمله پژوهش های کاربردی علیرضا محسنی تبریزی برای نهادها و سازمان های مرتبط است. یکی از پژوهش ها که دامنه وسـیع تری دارد را نیز با هم مرور می کنیم؛ «بررسی پرخاشگری و خشونت در ورزش فوتبال» :این مقوله در بین مباحث و مقوله هـایی که در جامعه شناسـی ورزش قابل بحث و تأمل هسـتند. خشونت تماشاگران رویـدادهای ورزشـی به ویژه رقابت های فوتبال همواره به عنوان یک پدیـده اجتماعی مهم مورد توجه قرار داشـته است. در پژوهش محسـنی تبریزی افزون بر بررسـی تئوری هـای تبیین کننـده خشونت و پرخاشـگری بین تماشـاگران مسابقات فوتبال ، رفتارهای پرخاشـجویانه و گاه خشونت آمیز تماشاگران مورد مطالعه جامعه شـناختی قرار گرفته است. هدف این مطالعه به طور عمده پرداختن به سبب شناسی پدیده خشونت و پرخاشگری در بین تماشاگران ورزش فوتبال است که مشـخص می سازد اختلال در کدام یک از عناصـر این ساختار سـبب بروز «سوء کارکرد» در آن می شـود و ایـن سـوء کـارکرد تحت تـأثیر چه متغیرهـای اجتمـاعی قرار دارد. در این پژوهش از دو روش تحلیـل تـاریخی و پیمایشـی استفاده شده است. روش نمونه گیری به صورت تصادفی بوده و برای جمع آوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده شده است و درنهـایت آنالیز داده ها با اسـتفاده از روش های آماری توصـیفی و تحلیلی صورت گرفته است. نتایـج این پژوهش حاکی از آن اسـت کـه متغیرهـای اهمیت و حساسـیت نـتیجه بـازی از نظر کسب امتیـاز و تعیین جایگـاه تیم هـای مـورد علاقـه در رده بنـدی مسابقات قهرمانی، حرکات و اعمال خشونت آمیز و پرخاشـجویانه بازیکنان هنگام بازی و کیفیت داوری عمدتاً بر بروز پرخاشگری کلامـی طرفـداران تیم هـای مورد بررسـی تـأثیر می گـذارد. متغیرهـای سن ، میزان کنـترل و نظـارت خـانواده و پایگـاه اقتصـادی – اجتماعی تأثیر منفی بر گرایش طرفـداران تیم های فوتبال مورد مطالعه به رفتارهای پرخاشـجویانه و خشونت آمیز دارنـد و متغیرهای سابقه نزاع، سابقه رفتار مجرمانه، سابقه تنش و ناکامی در فعالیت های تحصـیلی و آموزشـی، مصـرف سـیگار، سابقه تنش در محیط خانواده و عدم سازگاری انتظارات ورزشـی و وسایل تحقق آنها دارای تأثیر مستقیم بر گرایش به ارتکاب رفتارهای پرخاشجویانه و

خشونت آمیز ورزشی هستند. این طرح در چند زمینه کاربرد دارد- ?: شناسایی و آگاهی از عوامل مؤثر در بروز رفتارهای پرخاشجویانه و خشونت آمیز- ? یافته های این پژوهش می تواند به مسئولان امور ورزشی و برگزار کنندگان مسابقات فوتبال کمک کند تا با برنامه ریزی دقیق تر و آگاهانه تر از بروز رفتارهای پرخاشجویانه و خشونت آمیز در بین تماشاگران فوتبال جلوگیری به عمل آورند. ۳ روان شناسی اجتماعی کاربردی ۴ علل و ندالیسم درتهران و راههای پیشگیری و درمان ویژگی اثر : «علل وندالیسم در تهران و راههای پیشگیری و درمان» نیز عنوان پژوهش دیگری از علیرضا محسنی تبریزی است. این تحقیق در صور و قالبی پربارتر با عنوان وندالیسم در قالب کتاب انتشار یافت و به سرعت به منابع دانشگاهی رشته روان شناسی اجتماعی بدل گشت. کتاب حاضر در هفت فصل فراهم آمده است: فصل اول تحت عنوان کلیات پس از ارائه تاریخچه ای از مفهوم و وجه تسمیه آن در ادبیات آسیب شناسی اجتماعی به تعریف و معنی وندالیسم می پردازد و با طرح وندالیسم به عنوان یک آسیب اجتماعی، به عنوان یک رفتار نابهنجار و به عنوان یک معضل اجتماعی، می کوشد جایگاه آن را به عنوان یکی از صور کژرفتاری ها و انحرافات در طبقه بندی انواع جرایم و نابهنجاریها مشخص نماید. در فصل دوم مبانی نظری وندالیسم با استعانت از یک رویکرد تلفیقی به تفصیل مطرح شده است. در این فصل ابتدا آن دسته از نظریه های جامعه شناسی انحرافات که با مباحث روان شناختی اجتماعی وندالیسم خصوصاً اتیولوژی آن بعنوان یکی از صور بزهکاریها و کجروی های اجتماعی قرابت و انتساب بیشتری دارند مطرح می شوند. سپس تئوریهای روانشناسی و روانکاوی انحرافات بخصوص آن دسته از نظریه های روان شناسی مرتبط با رفتار وندالیستی مرور و بررسی می گردند. بالاخره در قسمت پایانی این فصل نظریه های روان شناسی اجتماعی انحرافات که بطور اخص بر وندالیسم و ویرانگری تأکید دارند مطرح می شوند. فصل سوم تحت عنوان خشونت و وندالیسم در ورزش فوتبال ناظر بر بررسی خشونت و ویرانگری در ورزش فوتبال است. در این فصل ضمن گونه شناسی خشونت و پرخاشگری، خاستگاه و مبانی نظری خشونت در ورزش براساس پارادایم های زیست شناسی، روانکاوی و روان شناسی، انسان شناسی و جامعه شناسی تبیین می شوند و بالاخره پژوهش های انجام شده در باب وندالیسم و خشونت در ورزش فوتبال در چند کشور مطرح و نتایج حاصله که مبین اتیولوژی و اپیدمیولوژی خشونت و وندالیسم در محیط های ورزشی است تشریح می گردند. فصل چهارم زیر عنوان اتیولوژی وندالیسم ناظر بر علل و انگیزه های رفتار وندالیستی است و می کوشد در پرتو مبانی و یافته های تجربی به سبب شناسی وندالیسم بپردازد. در فصل پنجم اپیدمیولوژی و همه گیرشناسی وندالیسم مورد توجه قرار گرفته است. در این فصل به استناد اطلاعات تجربی در چند کشور نظیر ایالات متحده آمریکا، هلند، آلمان، فرانسه و نظایر آن وسعت و گستره وندالیسم بررسی می شود. فصل ششم یافته های دو پژوهش تجربی را در باب وندالیسم در ایران مطرح می سازد.پژوهش اول مروری است بر یافته های تحقق «وندالیسم در تهران بزرگ» که عمدتاً ناظر بر علل و انگیزه های رفتار وندالیستی است. تحقیق دوم عوامل جامعه شناسی خشونت تماشاگران فوتبال را در تهران تبیین می کند. فصل هفتم زیر عنوان پیشنهادات و توصیه های کاربردی، کلیه سیاست ها و استراتژیهای اجرایی را در شکل طرح های مداخلات اجتماعی، آگاه سازی، پیشگیری و درمان وندالیسم مطرح می سازد.۵ مبانی و کلیات روان شناسی اجتماعی ، نظریه های روان شناسی اجتماعی وندالیزم:مبانی روانشناسی اجتماعی رفتار واندالیستی در مباحث آسیب شناسی اجتماعی ویژگی اثر : تالیف،۱۳۸۳

محسنی عراقی، نیک‌چهره

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آموزش و پرورش، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

محسنی مقدم، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید باهنر کرمان

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

محسنی ملایری، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۳۲۴ ق.، نجف اشرف.

درگذشت: ۲۲ مهر ۱۳۷۴، تهران.

آیت‌الله محمدباقر محسنی ملایری پس از گذراندن دوره مقدمات و سطح حوزه نزد اساتیدی همچون آیت‌الله خراسانی، حاج شیخ

حسن قرسی، آیت‌الله آقازاده خراسانی، ابوالقاسم قمی، میرزا مهدی اصفهانی و حاج آقا بزرگ حکیم الهی در حکمت و فلسفه تلمذ نمود. با تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، به این شهر هجرت کرد و در محضر آیات عظام حائری یزدی و بروجردی به تحصیل پرداخت و به درجه‌ی اجتهاد نایل آمد. وی دارای چهارده اجازه‌ی اجتهاد از مراجع مسلم از جمله آیت‌الله اصفهانی بود.

آیت‌الله محسنی ملایری در رسیدگی به امور مردم اهتمام داشت و احداث حوزه علمیه باقریه، حسینیه و کتابخانه‌ای در ملایر از اموال شخصی خود و تعیین موقوفات برای آن را می‌توان از خدمات اجتماعی وی دانست.

از آثار قلمی ایشان گذشته از تقریر و تلخیص مطالب مستفاد از اساتید، رساله‌ای به نام تطبیق الادیان را می‌توان نام برد.

آیت‌الله محمدباقر محسنی ملایری در سن نود و دو سالگی پس از یک دوره بیماری و بر اثر سکته قلبی در بیمارستان ساسان درگذشت.

محمدباقر محسنی فرزند مرحوم آقا شیخ ابوالقاسم از علماء مبرز و بنام معاصر است در ملایر.

وی در حدود ۱۳۲۴ قمری در نجف اشرف متولد شده و در خدمت والدش که از اعاظم و اجلاء حوزه درس مرحوم آیت‌اللّه آخوند خراسانی بوده است به ایران آمده و در ملایر اقامت نموده و دروس مقدماتی و سطوح را از محضر آن مرحوم و سایر اعلام مانند مرحوم آمیرزا هدایت‌اللّه مشهور به (آقانجفی) استفاده نموده سپس برای تکمیل تحصیل به ارض مقدسه خراسان مشرف و از محضر اساتید بزرگ مانند مرحوم آقا شیخ حسن برسی و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمد آقازاده کفائی و مرحوم آیت‌اللّه قمی و عالم ربانی مرحوم آیت‌اللّه آقامیرزا مهدی اصفهانی (در فقه و اصول) و نیز حکیم المتاله آقابزرگ حکیم (در حکمت و فلسفه) استفاده نموده و در خلال آن تدریس سطوح داشته و پس از آن به قم آمده و برهه‌ای از زمان را از محضر مرحوم آیت العظمی حایری و مرحوم آیت‌اللّه آقا شیخ ابوالقاسم قمی استفاده نموده و هم در این اواخر چندی از محضر آیت العظمی بروجردی مستفیض و تا حال تحریر در ملایر به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و تدریس و غیره اشتغال دارد.

آثار علمی و خدمات اجتماعی معظم‌له از این قرار است ۱- تقریرات و تلخیص مطالب مستفاده از اساتیدشان ۲- تطبیق‌الادیان.

و اما آثار خالده و باقیات‌الصالحات ایشان به قرار ذیل است.

۱- احداث بناء مدرسه باقریه ملایر که به نام چهارده معصوم (ع) دارای چهارده اطاق و مدرس و کتابخانه از مال شخصی خودش.

۲- بناء مسجد در جنب همان مدرسه بنام مسجد سجاد که اکنون مفروش و معمور می‌باشد.

۳- ساختمان عمارتی با کتابخانه در جنب مدرسه و مسجد مزبور برای استفاده عموم و مدرس مدرسه و امام مسجد مزبور که دائما در آن ساختمان سکونت داشته باشد به مخارج شخصی.

۴- ساختمان مسجدی بنام صفی بادوازده باب دکان کنار میدان پهلوی ملایر که واقف آن مرحوم حاج اصغر صفی و تولیت آن با ایشانست.

۵- تعمیرات مدرسه و مسجد شیخ‌الملوکی فرزندن مغفور فتحعلی شاه قاجار که بانی و مؤسس مدرسه و مسجد و تکیه و شانزده باب دکان و حمام و سرای بوده و نظارات و تولیت آن با اعلم علماء شهر ملایر معظم‌له می‌باشد.

۶- احیاء موقوفات مرحوم حاج عیسی‌خان بیگدلی که در تهران نیز موقوفاتی دارد و قریب یکصد و بیست سالست وقف نموده و تولیت آن را با اعلم علماء شهر قرار داده که اکنون دست ایشانست.

۷- احیاء موقوفات دیگر از قبیل موقوفات حاج شیخ محمدعلی افصحی و حاج رئیس‌التجار و حاج عبداللّه و احداث موسسات خیر در قراء و قصبات از محل موقوفات و آثار و خدمات دیگر ادام اللّه عمره و توفیقه.

نگارنده گوید: جناب آیت‌اللّه محسنی مضافاً از مراتب علمی و خدمات دینی در موضوع استخاره ید طولائی دارند و از غالب شهرها مردم راجع به حوائج خود کتبا و یا شفاها به ایشان رجوع کرده و طلب استخاره می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

محسنی نیا، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا محسنی نیا

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ پس از اخذ دیپلم تجربی از مدرسه اسلامی زرگران در یزد از طریق مرکز مدیریت حوزه علمیه قم در مدرسه علمیه مبارکه رضویه مشغول به تحصیل شدم از سال ۱۳۶۸ در دروس خارج فقه و اصول اساتید بزرگوار آقایان وحید خراسانی، میرزا جواد آقا تبریزی، سید کاظم حائری، هاشمی شاهرودی، بهجت، شبیری زنجانی و ... شرکت کردم از سال ۱۳۷۱ با برخی از مراکز علمی از جمله مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، دانشگاه مفید، پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی همکاری علمی داشته ام و

به مدت ۵ سال در مدرسه علمیه المهدی به تدریس اشتغال داشته ام .

محسنی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی برق، دانشکده: فنی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ساخت و نگهداری تجهیزات فشار قوی الکتریکی، کارشناس تعمیرات تجهیزات عایق شبکه قدرت، کارشناس کنترل کیفیت تجهیزات الکتریکی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده فنی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه و تحقیق در زمینه‌های اثر تشدید در ترانسفورماتورهای قدرت، ولتاژ شروع تخلیه جزئی در الکترودهای سوزن صفحه، تخلیه الکتریکی در گازها و مایعات و جامدات، حالت‌های گذرای سریع در شبکه قدرت و تجهیزات فشار قوی، روشهای عیب‌یابی تجهیزات الکتریکی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

فشار قوی الکتریکی، عایق‌های الکتریکی، تجهیزات انتقال نیروی الکتریکی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۲ تعداد مقالات بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

ساخت و نگهداری و آنالیز تجهیزات فشار قوی شبکه برق‌رسانی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

محسنی، منوچهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی گرایش : جامعه شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : منوچهر محسنی پس از اتمام تحصیلات مقدماتی و متوسطه، در سال ۱۳۴۰ه.ش وارد دانشگاه تهران شد و هم زمان در دو رشته علوم اجتماعی و علوم اداری به تحصیل پرداخت. وی دورهٔ کارشناسی ارشد را در موسسه تحقیقات اجتماعی، که زیر مجموعه دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بود، طی نمود و برای تحصیلات تکمیلی عازم فرانسه عزیمت شد. محسنی در سال ۱۳۵۱ با درجه دکترا، تحصیلات خود را در پاریس به پایان رساند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : منوچهر محسنی در سال های ۱۳۴۴ – ۱۳۴۳ به عنوان پرسشگر و مصاحبه کننده در سطح تهران فعالیت خود را آغاز نمود. پس از مدتی وارد گروه تحقیقات روستایی موسسه تحقیقات اجتماعی شد و فعالیت خود را در این موسسه ادامه داد. او در سال ۱۳۵۳ و به دنبال آن در سال ۱۳۵۸ با موسسه پژوهش در علوم اجتماعی و توسعه ایران ، پی گیری و پژوهش در طرح پیمایش ملی را به عهده گرفت چنانکه در سال ۱۳۷۳ مسئولیت این طرح به صورت مستقیم به ایشان واگذار شد. از دیگر مشاغل وی معاونت دانشکدهٔ بهداشت دانشگاه تهران و بعد از آن مدیریت مرکز نوآوری جامعه پزشکی بوده است. در حال حاضر استاد طرحی به نام « جامعه شناسی فرهنگی ایران » را زیر نظر پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات (وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) دنبال می نماید.فعالیتهای آموزشی : منوچهر محسنی همکاری با مراکز آموزشی و دانشگاهی را در سال ۱۳۵۲ ، با عضویت در هیات علمی دانشگاه تهران آغاز کرد. سپس حوزه فعالیت آموزشی خود را در دانشگاه های شهید بهشتی ، تربیت مدرس ، امام صادق (ع) ، علوم بهزیستی و علوم پزشکی ایران گسترش داد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : فعالیت های منوچهر محسنی عموماً با انجام امور علمی و تحقیقاتی سپری شده است. وی به طور کلی بیشتر اوقات خود را با مطالعه ، آموزش ، تحقیق و حضور در کنگره ها و سمینارهای ملی و بین المللی می گذراند. سابقه همکاری او با نشریات و مجلات علمی را نیز می توان با ارائه ۱۸ مقاله در مجلات بین المللی و ۳۲ مقاله در مجلات دانشگاهی ایران مورد نظر و توجه قرار داد.آثار : جامعه شناسی اطلاعاتی ویژگی اثر : این کتاب درهفت فصل و با عناوین شناخت جامعه اطلاعاتی ، تکنولوژی اطلاعاتی ، اینترنت و جامعه اطلاعاتی ، ارتباطات علوم رسانی الکترونیک ، جامعه اطلاعاتی و زمینه های اجتماعی و فرهنگی ، جامعه اطلاعاتی

ساختارسیاسی و اقتصادی و بالاخره سازماندهی و مدیریت اطلاعات نوشته شده است . مولف در پیشگفتار کتاب نوشته است : «اصطلاح جامع اطلاعاتی و تجدید سازمان جامعه ، پیرامون جریان اطلاعات است . »۲ جامعه شناسی پزشکی ، جامعه شناسی علم ، جامعه شناسی عمومی ، جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی ویژگی اثر : این اثر با همکاری دکتر باقر ساروخانی صورت گرفته شده است .۶ جمعیت شناسی ، مقدمات جامعه شناسی

محشری خوانساری

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از شعرای عهد شاه عباس اول (۱۰۳۸ -۹۹۶ ق) بود. عمری طولانی کرد. او به هنگام تألیف «ذکره‌ی نصرآبادی» (۱۰۸۳ ق) زنده بوده است. تذکره‌ی «شعرای خوانسار» ملا نظیری نیشابوری (م ۱۰۲۲ ق) را از شاگردان وی می‌داند. از آثارش: «دیوان» شعر. از اوست:

پیر چون گشتی نشاط از طبع محزون می‌رود

باغبان وقت خزان از باغ بیرون می‌رود

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای خوانسار (۱۶۹ -۱۶۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۱۹)، الذریعه (۹۷۸ / ۹)، صبح گلشن (۳۷۴)، فرهنگ سخنوران (۸۱۱).

محشری نیشابوری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اهل نیشابور بود. وی را استاد ملا- نظیری نیشابوری (م ۱۰۲۲ ق) می‌دانند. بسیار عمر کرده و به آورده‌ی «تذکره‌ی نصرآبادی» مقیمای مقصود او را دیده بود و می‌گفت آنقدر پیر شده بود که تا ابرو را بالا نمی‌کرد کسی را نمی‌دید. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

یار چو تیغ کین کشد فرصتش از خدا طلب

عضو به عضو خویش را زخم جدا جدا طلب

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۲۶)، الذریعه (۹۷۹/ ۹)، صبح گلشن (۳۷۵ -۳۷۴)، فرهنگ سخنوران (۸۱۱)، مطلع الشمس (۳ /۱۷۸).

محضری همدانی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. مشهور به ملا دروازه. از شاعران خوش طبع همدان و معاصر شاه سلیمان صفوی (۱۱۰۵ -۱۰۷۷ ق) بود. وی غزل را نیکو می‌سرود، اما بیشتر به قصیده می‌پرداخت و قصیده‌ی مشهور عرفی را جواب گفته است. از آثار وی: «دیوان» شعر. از اوست:

عمرت به شب گذشت بیا محضری بگو

ای خانمان خراب چه کردی به روز خویش

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۳۰۶ / ۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۲۵)، الذریعه (۹۷۹ / ۹)، صبح گلشن (۳۷۵)، فرهنگ سخنوران (۸۱۱).

محفوظ علی صدیقی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: لرستان

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

محفوظ، حسین علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عنوان :نگاهی به زندگی پر بار استاد دکتر حسین علی محفوظ

نویسنده : عبدالحسین طالعی(*)

چکیده :این گفتار به زندگی نامه و آثار علمی دکتر حسین علی محفوظ ، استاد فقید عراقی(۱۳۴۴–۱۴۳۰) هجری قمری /۱۹۲۶–۲۰۰۹ میلادی) می پردازد. برخی از بزرگان خاندان علمی او که هشت سده تاریخ درخشان دارند، شرح حال مختصر و برخی از تألیفات و تلاش های علمی او ، کوشش پی گیر او در احیای سنّت حسنه روایت حدیث ، فهرستی از مشایخ روایتی او ، در این گفتار آمده و در پایان ،منابعی برای آشنایی با شخصیت او و دو سند منتشر نشده درباره ارتباط علمی ایشان با استاد فقید سیدجلال الدین محدث ارموی آمده است.

کلید واژه : محفوظ، حسین علی /دانشگاه بغداد/ اجازه روایت حدیث/ محدث ارموی ، سیدجلال الدین /تاریخ عراق ، قرن ۱۴ و ۱۵ هجری قمری.

علی ابن جعفر(علیه السلام) : عالم ینتفع بعلمه افضل من سبعین الف عابد.(۱)

سرکشید از خاک ، آن دانا که داشت در جهانِ فضل و بر ملک معانی سروری

پیشوای اهل تحقیق و خداوند ادب کعبه ی معنی شناسان قبله دانشوری(۲)

۲۳ محرم سال ۱۴۳۰ شاهد ضایعه ی فقدان یکی از دانشمندان کم نظیر بود که بیش از هشتاد سال عمر خود را به تعلم و تعلیم و فراگرفتن و آموختن و پژوهش و نگارش گذرانده بود.

استاد دکتر حسین علی محفوظ ، پژوهشگر میدان دانش های مختلف ، که شهرها و دیارها را در پی جهاد علمی خود زیر پا نهاده و درهرجای ، آثار و برکات حضورش نمایان بود.

خاندان

آل محفوظ ، خاندان علمی است ، بس کهن وریشه دار از شهر فرهنگ خیز «حلّه»

که از قرن هفتم هجری تاکنون بزرگانی در خود پرورده و عالمانی به امّت اسلام شناسانده است.

شیخ شمس الدین محفوظ ابن وشّاح بن محمد اسدی حلّی ، جدّ اعلای این خاندان ـ در قرن هفتم ـ یکی از افتخارات خود را انتساب به «بنی اسد» می دانست که روز عاشورا ، چه با تقدیم شهیدی کهن سال به آستان مقدس ابی عبدالله (علیه السلام) جناب حبیب بن مظاهر اسدی ، و چه با خدماتی که پس از رویداد کربلا به خاندان و زائران حضرتش داشتند ، نیکوترین نام را در تاریخ به جای نهادند.

آل محفوظ ، از سوی دیگر ، بنی عمّ «آل مطهر» به شمار می آیند ، که علّامه حلی و فرزندش فخرالمحققین ، از این خاندان هستند. صاحب کتاب «غررالدلائل» ـ که در شرح قصاید علویه هفتگانه ابن ابی الحدید نگاشته ـ در آغاز کتاب خود تصریح می کند که این قصاید را در سال ۶۸۰نزد استادش شیخ شمس الدین ابومحمد محفوظ بن وشاح در خانه اش در حلّه خوانده، و استاد ، آن قصاید را از ناظم آن (ابن ابی الحدید) روایت می کرده است.

شیخ حسن بن شهید ثانی در اجازه کبیره ، شیخ حر عاملی در امل الامل ، شیخ محمد سماوی در کتاب الطلیعه و علّامه امینی در الغدیر ، مراتب علمی او را ستوده اند. وبزرگانی مانند ابن داوود حلّی در رثای او اشعاری سروده اند.

فرزندش تاج الدین ابوعلی محمدبن محفوظ نیز از بزرگان علم و ادب بود. شیخ حر عاملی در امل الآمل ، ابن فوطی در تلخیص مجمع الآداب و صفی الدین حلّی در دیوان خود ، او را ستوده اند . و قصیده ی صفی الدین حلّی در مدح و رثای او قصائدی سروده است . وی در سال ۶۸۵ جانشین عزالدین احمد زنجانی قاضی القضاه حلّه شد.

شیخ حسین محفوظ ،از تبار او بود که در سال ۱۱۷۱ درهرمل (لبنان) زاده شد و در سال ۱۱۸۲ به عراق آمد ودر کاظمیه سکنی گزید. اونزد سید عبدالله شبّر،

مراتب علمی را پیموده و در سال ۱۲۶۲ درگذشت.

سید حسن صدر در تکمله ی امل الآمل ، با اشاره به زهد عملی و تلاش عملی وی ، او را همراه با شیخ حسین نجف به عنوان «حسینین» نام می برد. شیخ مرتضی انصاری نیز او را «سلمان زمان و ابوذر روزگار خود» می خواند .

بیش از صد عالم در این خاندان شناخته شده اند که مجال بیان نام های آنها ، خود رساله ای مفصل می طلبد که مرحوم دکتر محفوظ در دو کتاب خطی خود «تاریخ آل محفوظ» و «تاریخ الهرمل» به تفصیل آورده و در این اجمال نمی گنجد.

علاوه بر عراق ، در جای جای لبنان و سوریه نیز ، بزرگانی از این خاندان می توان یافت . از جمله نسب پطرس بستانی(متوفی ۱۸۸۳ میلادی) ، سلیمان بستانی (م۱۹۲۵) ، ودیع بستانی(م۱۹۵۴) ، و فؤاد افرام بستانی در لبنان نیز به همین خاندان می رسد.

نسب

حسین بن الشیخ علی (م۱۳۵۵ ق) ابن الشیخ محمد الجواد(۱۳۵۸ق) ابن الشیخ موسی(۱۳۲۰ق) ابن الشیخ حسین(۱۲۶۲ق) ابن الشیخ علی(۱۲۲۲ق) ابن الشیخ محمدابن الشیخ علی ابن الشیخ محفوظ، مشهور به دکتر حسین علی محفوظ ، در روز دوشنبه ۲۰شوال ۱۳۴۴ قمری (۳ دسامبر ۱۹۲۶) در کاظمیه ، محله الشیوخ ، شارع قریش ، در خانه ی قدیمی خانوادگی خود دیده به جهان گشود. مادرش سیده خدیجه(م۱۴۱۰ق) دخت سید هاشم صائغ(م۱۳۷۴ق) ، از کتاب دودمان جناب زیدبن علی بن الحسین(علیه السلام) بودند که ابن حزم اندلسی درکتاب «جمهره انساب العرب» ، به ریاست این خاندان در کوفه و بغداد اشاره کرده است.

زندگی نامه علمی

دکتر محفوظ در مدارس کاظمیه و بغداد درس آموخت . در سال ۱۹۴۸ از

دارالمعلمین العالیه در بغداد لیسانس ادبیات (زبان عربی) و در ۱۹۵۵ ، در رشته ی ادبیات شرق (ادبیات تطبیقی) دکترا گرفت . درسال ۱۹۵۰ به دعوت دانشگاه تهران به تحصیل در مقطع دکترای زبان و ادبیات فارسی پرداخت و در سال ۱۹۵۷ از رساله دکترای خود تحت عنوان «المتنبیّ و سعدی» دفاع کرد. در همین زمان ، در سال ۱۹۵۲ به عضویت فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی برگزیده شد.

دکتر محفوظ ،در زمان کودکی پدر خود را از دست داد و تحت تربیت عمویش استاد محمد محفوظ درآمد. از عموی دانشمند و مادر فاضل خود بسیار درس آموخت و از کتابخانه موروثی خانوادگی بهره فراوان برد . علاوه بر دروس رسمی دانشگاهی ، دروس حوزی را نزد علمای روزگار خود فراگرفت . در کنار آن ، دروسی همچون علم انساب ، نجوم ، ریاضیات ، طب قدیم ، منطق ، فلسفه را نیز آموخت . در طول سالهای تهران ، زبان فارسی باستان را از استاد ابراهیم پور داوود ، زبان پهلوی را از دکتر صادق کیا، زبان اوستایی را از دکتر محمد مقدم و زبان سانسکریت را از پرفسور کنعا راجا آموخت. با استاد بدیع الزمان فروزانفر که استاد راهنمای رساله اش بود ، و نیز استاد دکتر سید محمد مشکاه بسیار مأنوس بود. دکتر محفوظ می گفت: زمان عزیمت از بغداد به تهران ، مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی ـ که در سال ۱۳۶۷ قمری به من اجازه روایت حدیث داده بود ـ طی نامه ای مرا به دکتر مشکاه معرفی کرد. و دکترمشکاه ، پس از آن ، لطف و محبت خاص خود را از من دریغ نمی داشت . دکتر محفوظ ، با وجود تبحّر در علوم مختلف ـ که بیش از ۱۵۰۰ اثر در موضوعات گوناگون نگاشت ـ خود را «خادم علوم القرآن و علوم الحدیث» و «سبط اهل البیت (علیه السلام)» می دانست.

سرودن شعر را از ۱۳سالگی شروع کرد، در سال ۱۹۳۹ که چند بیت در وصف بهار سرود ، که به این فن تا آخر عمر مداومت داشت.

دکتر محفوظ سه سال (۱۹۶۱–۱۹۶۳) در دانشکده علوم شرقی دانشگاه

لنینگراد سابق (سن پترزبورگ فعلی) در روسیه ، برکرسی شیخ محمد عیاد طنطاوی نشست و به تدریس ادبیات عرب پرداخت ، و به لقب «استاد المستشرقین» دست یافت. در سال ۱۹۶۹ بخش پژوهش های شرقی را در دانشکده ادبیات دانشگاه بغداد بنیان نهاد که تا سال ۱۹۷۳ در سمت ریاست آن باقی بود.

از سال ۱۹۷۵ به بعد، درباره ی نسخه های خطی پژوهش های مختلفی به سامان برد که آثاری همچون مصطلحات المخطوطات ، مصطلحات المکتبه العربیه ، مصطلحات المخطوطات ، مصطلاحات المکتبه العربیه، مصطلحات الخط، مصطلحات الرسم و النقش و التزویق ، علاوه بر فهرست مخطوطات کتابخانه های مختلف در عراق ، ایران ، آذربایجان و روسیه در این زمینه ،بر جای نهاد.

از سال ۱۹۷۸ به بعد ، چندین اثر ماندگار درعلم تقویم از او به جای ماند، که برخی ابتکاری بود ، مانند : دائره الاهلّه(۱۹۷۸) ، دائره التقویم (۱۹۷۹)،تقویم القرآن الخامس عشر الهجری(۱۹۷۹) ، جدول الأدوار و الکبائس ستّه آلاف سنه الهجریه (۱۹۷۹) ، اوائل الشهود الاثنی عشر فی القرن الخامس عشر(۱۹۸۱).

به آمار در پژوهش های خود بسیار بها می داد. به عنوان نمونه ، در پی یک پژوهش طولانی در مورد میزان اثرگذاری زبان عربی بر چند زبان دیگر ، به این نتایج دست یافت:

زبان اردو ۴۱/۹۵٪ ، زبان تاجیکی۴۶/۳۹٪ ، زبان ترکی ۴۹/۷۰٪، زبان فارسی ۶۰/۶۷٪

نیز : از یک پژوهش در آثار ۱۳۴۰ شاعر و ۱۶۰ نویسنده ی شرقی(غیرعربی) به این نتیجه رسید که الفاظ عربی در آثار اینان ، ۵۲٪ در شعر و ۷۰٪ در نثر به کار رفته است .

دکتر محفوظ در نوشتن فرهنگ های تخصصی ید طولایی داشت ، از جمله : معجم الآلات و الأدوات ، معجم العلامات و الرموز، معجم الاضداد ،معجم الالوان ،

مصطلحات النقود ، معجم الصنّاع و البیّاعین و المحترفین ، معجم الموسیقی العربیه.

به تاریخ شهرهای اسلامی اهتمامی تمام داشت ، به ویژه تاریخ عتبات عالیات ، که تحقیقات او در این زمینه ، در دوره «مرسوعه العتبات المقدسه» انتشار یافت.

در جهت برگزاری مجالس بزرگداشت بزرگان علم و ادب ، بسیار می کوشید ، مانند : هزاره ی کندی فیلسوف ، هزاره سید رضی ، هزاره ی شیخ صدوق ، هزاره ی صاحب بن عباد ، هزاره ی شیخ مفید، بزرگداشت صفی الدین ارموی وابن رحمه حویزی و ابن سینا و فارابی و فضولی بغدادی و...

در طول این سالها ، استدراک بر کتابشناسی هایی مانند کشف الظنون ومعجم المطبوعات نوشت.

عضویت در فرهنگستان زبان ایران (۱۹۵۲) ، جمعیت سلطنتی آسیایی لندن مجمع(۱۹۵۴) ، مجمع اللغه العربیه قاهره(۱۹۵۶) ، ممجمع علمی علیگره هند(۱۹۷۶)، علمی عربی دمشق(۱۹۹۳) و مجامع دیگر ، در کارنامه ی اوست.

و این تلاش علمی ادامه داشت تا اواخر عمر پربار خود که همراه با دو تن از یاران همراه ، به تصحیح و تحقیق کتاب پر ارج «تکلمه امل الآمل » نوشته علامه محقق سیدحسین صدر پرداخت و متن کامل آن را برای نخستین بار در شش جلد در لبنان منتشر کرد.

نگاه تقریبی او ـ در عین تصلب به مبانی شیعی ـ بسیار دیدنی بود. استاد بر اساس آماری که از احکام شرعی استخراج کرده بود، به این نتیجه رسیده بود که تنها ۸/۳٪ درصد از احکام فقهی مورد اختلاف میان مذاهب اهل قبله است که در آن میان فقط ۰/۵۶٪ از آن ، حکم مختص شیعه امامیه است.(متن کامل این مقاله را دکتر محفوظ به نگارنده ی این سطور مرحمت فرمود که تلخیص آن در سفینه شماره ۱۵، ص۱۸۲–۱۸۸ به چاپ رسید.)

در تصلب او به مبانی شیعه و بزرگان آن ، کافی است به یک نکته اشاره شود.

یکی از آثار جاودانه دکتر محفوظ ، رساله ای درباره ثقه الاسلام کلینی و کتاب شریف کافی است که در سال ۱۳۷۴ قمری نوشته اند و در مقدمه کتاب کافی (با تحقیق استاد فقید علی اکبر غفاری) آمده است.

استاد علی اکبر غفاری درباره ی این رساله می نویسد:«هی معربه عن مکائه الاستاذ فی الثقافه الاسلامیه و شموخه فی الادب و تضلّعه و براعته فی الدرایه و الحدیث . فزیّنا الکتاب بهمقاله تقدیراً لسعیه و إکباراً لمقامه».

و آیت الله سید محمدرضا حسینی جلالی درباره ی آن می نویسد:«از شاهکارهای ایشان مقدمه بر چاپ کتاب الکافی مرحوم کلینی است که در تهران چاپ شده که با این کار ، علاقه و عشق آقای دکتر محفوظ به حدیث و علوم آن نمایان شد».

این رساله با زبان انگلیسی ترجمه شده ودر ابتدای نخستین مجلّد ترجمه انگلیسی اصول کافی (ترجمه آیت الله شیخ محمدرضا جعفری نجفی تحت عنوان" Al-Kulayni and Al Kafi) "درج شده است.

(چاپ تهران : سازمان جهانی خدمات اسلامی WoFis ، ج۱، ص۲۷ تا۴۶)

ایشان به نگارنده ی سطور می فرمود:«وصیت کرده ام نوشته هایی را که در مورد ثقه الاسلام کلینی نوشته ام ، همراه با من دفن شود ، باشد تا از شفاعت آن بزرگوار در روز قیامت بهره مند شوم.»

روایت حدیث

از نقاط روشن و برجسته در زندگی دکتر محفوظ ، تداوم راه استادش شیخ آقا بزرگ تهرانی در بر پاییِ رایتِ اجازه ی حدیث است . وی ، از زمانی که نخستین اجازه ی روایی خود را در سنّ بیست سالگی ، از شیخ آقا بزرگ گرفت ، تا آخر عمر پربار خود ، نزدیک به صد اجازه ی روایتی ، ، از محدثان شیعه امامی زیدی ، اسماعیلی ، حنفی ، حنبلی ، مالکی ، شافعی در زمینه های حدیث ، قرائت قرآن، اذکار و ادعیه ، خط ، استخاره ، علوم غریبه گرفت . و خود به صدها تن اجازه ی روایتی داد.

این اجازات در شهرهای مختلف بود، از جمله : نجف ، کاظمین ، سامرا ، صور (لبنان) ، طنجه ، فاس (مغرب) ، تهران ، قم ، زنجان ، بغداد، دمشق ، اصفهان ، سمنان ، سبزوار ، پطرزبورگ ، مدینه ، بعلبک ، بصره ، موصل ، علیگره ، إربیل (عراق) ، لندن ، صنعاء(یمن) ، تلمسان(الجزایر) ، بعقوبه (عراق) ،هرمل (لبنان)

دکتر محفوظ ، چه در خاطرات شفاهی خود و چه در نوشته های کتبی ، همواره تواضع خود را نسبت به علما و مراجع تقلید شیعه نشان می داد و استجازه ی آنها از خود را ، نشانه ی تواضع آنها می دانست . از جمله در جایی می نویسد: «مرجع اکبر اقدم سیدابوالقاسم خویی (قدس الله سره) از من خواست که به او اجازه روایت دهم ، در زمانی که به زیارتش مشرف شدم ، در حالی که من سی سال داشتم و او پیرمردی سالخورده بود. این نهایه تواضع و آخرین حدّ خفض جناح بود، که علوم حدیث ، «روایه الأکابر عن الأصاغر» نام دارد. من به راستی حیا کردم ، سکوت بر من غالب شد، در برابر هیبت چنان بزرگی...».

دکتر محفوظ در ارجوزه ای کوتاه، ازهمین مجلس چنین یاد می کند:

قال :«أجزنی أنت» ینهلّ سنامشعشعا ، لمّا استجزته انا

قال : أجزنی ، فسکتّ ادباً

وهیبه و خجلاّ و رهبا

أکاد من فرط الحیا أذوب

والقلب قد قطّعه الوجیب

و مالمثلی أن یجیز مثله

و کلّ و بل لایجاری طلّه

لکنّه تواضع الکبار

اذا حنوا فضلاّ علی الصغار

و هو تواضع الأعزّ الأجلل

ما یخفض الجناح إلّا أمثل

و انّها روایه الأکابر

إذا روی الشیخ عن الأصاغر

و ذاک حقّاً شرف عظیم أرفع لا تناله النجوم

قد خصّنی بلطفه إحساناً

و من یضاهی ء الحیا تهتانا

پی نوشت ها:

*عضو هیئت علمی دانشگاه قم.

۱–کافی،کتاب فضل العلم ؛باب صفهٔ العلم و فضله و فضل العلماء ،حدیث ۸.

۲–بخشی از قصیده ی استاد بدیع الزمان فروزانفر در رثای میرزا محمد خان قزوینی.

منابع زندگینامه :فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه،شماره ۲۱.

محفوظی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس محفوظی برادرزاده آقای مقدم است وی در حدود سال ۱۳۴۵ قمری در رودسر متولد شده و پس از پرورش و تحصیل جدید و مقدمات به قم هجرت نموده و متون فقه و اصول را از مدرسین بزرگ خوانده و به درس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و

مرحوم آیت‌اللّه داماد و بالاخص آیت‌اللّه العظمی امام خمینی شرکت نموده و مورد توجه مخصوص معظم له قرار گرفته تا از اصحاب خاص ایشان بشمار آمده است.

مؤلف گوید: وی یکی از مدرسین و فضلاء حوزه علمیه قم است و در میان دانشمندان و دانشجویان شمالی حوزه به فضل و متانت و اخلاق حسنه موصوف می‌باشند و در حال تحریر این سطور برای موقت در شهرستان رفسنجان بسر می‌برند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

محفوظی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس محفوظی

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۷/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت‌الله عباس محفوظی در سال ۱۳۰۷ هجری شمس در یکی از روستاهای شهرستان رودسر و در میان خانواده‌ای مذهبی و دوستدار خاندان پاک پیامبر(ص) به دنیا آمد. تولد او با شب ولادت حضرت ابوالفضل العباس(ع) مصادف شده بود. پدرش پیشه کشاورزی داشت و گاه نیز به تجارت می‌پرداخت. آیت‌الله محفوظی دروس دورهٔ ابتدایی را در رودسر به پایان برد و سپس به دبیرستان رفت. امّا حدود یک سال بعد به سبب اشتیاق فراوان به تحصیل دروس دینی، به حوزه علمیه رودسر وارد شد. حوزه علمیه رودسر در آن روزگار رونق چندانی نداشت و استبداد رضا خانی باعث شده بود که مردم کمتر به تحصیل علوم دینی رو آورند. استاد محفوظی پس از حدود ۲ سال اقامت در حوزه علمیه رودسر به این نتیجه رسید که برای یافتن استادانی بهتر و شرایط تحصیلی مناسب‌تر به قم آید. این در حالی بود که دروس دورهٔ مقدمات تا سیوطی را در حوزه رودسر به پایان رسانیده بود. با ورود به حوزه علمیه قم، به محضر استادان مبرّز و صاحب نام آن دیار مشرف شد و در زمانی کوتاه دروس مقدمات و سطح را به پایان برد و به درس خارج علمای بنام آن روزگار همچون آیت‌الله العظمی بروجردی(ره) و امام خمینی(ره) راه یافت. او مدتی نیز برای تحصیل به نجف اشرف رفت. قصد او برای این سفر، آشنایی با سبک تدریس علمای آن دیار و سنجش شرایط تحصیل بود؛ امّا پس از بازگشت با مخالفت خانواده رو به رو شد و از سفر به نجف منصرف شد. آیت‌الله عباس محفوظی در سالیان تحصیل خود، محضر استادان بسیار را درک کرد. تنها استاد او در حوزه علمیه رودسر آقاسید هادی روحانی بود که دروس مقدمات تا سیوطی را نزد او به پایان برد. با ورود به قم در سال ۱۳۲۴ به درس استادانی همچون آقامیرزا علی راسخی، آقا شیخ حسین زرندی و آقا شیخ نعمت‌الله صالحی رفت و مطول را نزد آیت‌الله مشکینی و شرح لمعه را نزد آیت‌الله صدوقی، آقا سید محمد حسین درچه‌ای و شهید آیت‌الله بهشتی و آیهٔ‌الله منتظری آموخت. برای فراگیری رسائل به نزد آقا شیخ عبدالجواد اصفهانی رفت و مکاسب را نزد مرحوم شیخ مرتضی حائری و مرحوم مجاهدی تبریزی فرا گرفت. استاد او در کفایه، مرحوم سلطانی طباطبایی بود. او با اتمام دوره سطح به دروس خارج آیت‌الله العظمی بروجردی(ره)، آیت‌الله العظمی امام خمینی(ره)، آیت‌الله العظمی میرزا هاشم آملی(ره)، آیت‌الله العظمی محقق داماد(ره)، آیت‌الله العظمی گلپایگانی(ره)، آیت‌الله العظمی شیخ عباسعلی شاهرودی(ره) رفت و از محضر آن بزرگواران بهره‌های بسیار برد. امّا استاد اصلی او در فقه و اصول، امام خمینی(ره) بود. او در بخش حکمت نیز از محضر علامه طباطبایی(ره) بهره‌مند شد شرح منظومه حکمت را نیز از آیهٔ‌الله منتظری آموخت. او در درسهای اخلاق استادان خود نیز حاضر می‌شد. آیت‌الله محفوظی در سالهای تحصیل خود با فضلای بسیاری رابطه دوستی داشت و درسهای آموخته را مباحثه می‌کرد که از آن میان می‌توان آیت‌الله محمدی گیلانی، شهید هاشمی‌نژاد و شهید شیخ عبدالحسین رضایی و شیخ محمدباقری طاهری شاهرودی را نام برد. آیت‌الله عباس محفوظی تا به امروز، تلاشهای فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است. او که از نخستین سالهای تحصیل به تدریس می‌پرداخته، بارها و بارها کتب دوره مقدمات و سطح را به طلاب مستعدّ و فضلای بسیاری درس داده است؛ و سالهاست که به تدریس خارج فقه می‌پردازد و طلاب بسیاری را از درس و اخلاق خود بهره‌مند می‌سازد. او در زمینه علوم عقلی نیز به تدریس کتب فلسفی، از جمله شرح منظومه سبزواری پرداخته است که این تدریس، تا هم اکنون نیز ادامه دارد. همچنین وی کتابی در زمینه ولایت فقیه نگاشته است و کتابهای بسیاری نیز در دست چاپ دارد. آیت‌الله محفوظی در کنار تحصیل و تدریس، همواره از مبارزه بر ضد رژیم پهلوی باز نمانده است و ضمن شرکت در جلسات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، زیر بسیاری از اعلامیه‌های افشاگرانهٔ آن مرکز را امضا کرده است. او در رژیم گذشته بارها مورد تعقیب، بازجویی و تبعید قرار گرفته است و با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ نیز همواره مدافع و یار امام(ره) و رهبر معظم انقلاب بوده است. آیت‌الله محفوظی هم اکنون در قم به تدریس و تربیت طلاب اشتغال دارد.

محفوظی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد محفوظی از علماء و قدماء حوزه علمیه قم و اهل رودسر می‌باشند این عالم عابد در حدود ۱۳۳۲ قمری در رودسر متولد شده و پس از خواندن مقدمات به قم مهاجرت نموده و سطوح وسطی و نهائی را از مدرسین سطح حوزه آموخته و در درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید محمد حجت و آیت‌اللَّه خوانساری و بالاخص مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و پس از ایشان آیات عظام حوزه چون آیت‌اللَّه خمینی و آیت‌اللَّه مرعشی نجفی و آیت‌اللَّه گلپایگانی و شریعتمداری شرکت نموده و تا حال تحریر نیز از شرکاء درس آیت‌اللَّه العظمی مرعشی می‌باشند.

نگارنده گوید: آقای محفوظی دانشمندی متین و بزرگوار و متواضع و خلیق می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

محقق احمدآبادی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فقه و مبانی حقوق اسلام، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای فلسفه اسلامی و حقوق از دانشگاه تهران و در رشته فقه از حوزه علمیه قم در سال ۱۳۴۹.

مرتبه علمی:

استاد حوزه علمیه قم از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۰ و دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۷ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

امکان در فلسفه اسلامی، مرجعیت و رهبری، نظریات فلسفی خواجه طوسی و مقایسه با فلاسفه غرب، تدریس دروس فلسفه ملاصدرا، حقوق مدنی در دانشگاههای تهران، شهید بهشتی و حوزه علمیه قم.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۹

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

احتکار از نظرگاه فقه اسلامی، دینامیسم اصالت انسان، اصول فقه، قواعد فقه، حقوق خانواده، وصیت در حقوق مدنی ایران، تکامل جانداران و مطالعات تطبیقی در فلسفه اسلامی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی:–

زمینه علمی مقالات:

تأثیر غزلالی بر متفکرین مغرب زمین، عوامل مؤثر در پیشرفت ژاپن، ضمانت در تعهدات حقوق طبیعی، بازرسی در تاریخ ایران.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

محقق اصطهباناتی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ –۱۲۵۵ ق)، عالم امامی، مفسر، ریاضیدان، متکلم و عارف. ملقب به محقق العلماء. نسبتش به اصطهبانات فارس می‌رسد. وی دخترزاده‌ی سید جعفر کشفی بود. در اصطهبانات به دنیا آمد. مدتی در یزد و مشهد و اصفهان در محضر آقا محمدجعفر کرمانی، شاگرد شیخ انصاری، و میرزا محمدرضا یزدی، شاگرد صاحب «جواهر»، و دیگران تلمذ نمود. او از حکمای زمان خود و عالم معقول و منقول بود که در ادب و ریاضی نیز دستی توانا داشت. در اصطهبانات درگذشت و در کنار قبر مغربی تبریزی، به خاک سپرده شد. از آثارش: حاشیه‌ی «تحریر اقلیدس» خواجه نصیر طوسی؛ شرح «تشریح الافلاک» شیخ بهائی؛ «السلسبیل»، در عرفان؛ «دعاء کمیل»، که در حاشیه «زاد المعاد» به چاپ رسیده؛ «الحصن الحصین»، در شرح «البلد الامین»، در توحید؛ «مطالع الانوار»؛ «لمعات النور»، در تفسیر آیه‌ی نور؛ رساله‌ای در «هیئت»؛ رساله‌ای در «قبله»، که آن را به خواست میرزا ابراهیم مجتهد محلاتی در رد بر میرزا محمدباقر اصطهباناتی نگاشت.[۱]

الشیخ میرزا ابوالحسن بن اسماعیل اصطهباناتی لاری معروف بمحقق عالمی جلیل و فاضلی مصنّف است.

وی از صبیّه فاضله آیه‌الله حاج سید جعفر کشفی متولد شده و جماعتی از بزرگان مانند میرزا محمد رضا یزدی و آقا محمد جعفر کرمانی از وی استفاده نموده‌اند. تألیفاتی دارد مانند (السلسبیل) و شرح دعاء کمیل و زادالمعاد والحصن الحصین و مطالع الانوار و لمعات النور و شرح تشریح الافلاک و حاشیه تحریر اقلیدس در ماه ذی‌الحجه ۱۳۳۸ ق از دنیا رفته است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۳۳۶، ۳۲۳/ ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۹۱ –۹۰/ ۱)، الذریعه (۲۵۸، ۱۴۶/ ۱۳، ۱۴۲/ ۲۱ ،۳۴۷/ ۱۸، ۲۱۴/ ۱۲، ۱۴/ ۷، ۳۳/ ۶)، ریحانه (۲۳۶/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۷، ۳۵/ ۱۴)، معجم المؤلفین (۲۰۶/ ۳)، مکارم الآثار (۱۵۰۱ –۱۵۰۰/ ۵).

محقّق اصفهانی حائری، محمد جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فقیه ادیب، و شاعر زاهد، از مدّرسین ادبیّات در کربلاـ و ساکن مدرسه حسن خان بوده، و عمری به فقر و استغناء زندگی فرموده، و جمعی از فضلا و مستعدّین در خدمتش تحصیل نموده.

گاهی به مقتضای حال، اشعاری می‌سروده و در آنها «قدسی» و «محقّق» تخلّص می‌نموده. قسمتی از اشعارش به طبع رسیده.

در مقدّمه دیوانش گوید: متبحّر در علوم عربیّت، و شاخص در ادبیّت، و استاد نحو و منطق و علم کلام، و مبرّز در معقول و منقول، و با آن که فقیه فاضلی بود، جنبه شعر و ادبیّتش غالب بر سایر معلوماتش می‌نمود.

در ۱۳۲۸ وفات یافته، در صحن مطهر حسینی علیه السلام مدفون گردید.

از اشعار اوست:

در بزم دهر عیش میّسر نمی‌شود

زین جام می گلوی کسی تر نمی‌شود

هرگز کسی ز آینه جام در جهان

دارای عصر خویش و سکندر نمی‌شود

نفس اژدری است تا نشود کشته‌ای حکیم

در دست گنج عقل میسّر نمی‌شود

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

محقق بهشتی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیه‌الله حاج سید محمد محقق بهشتی از علماء معاصر بابل است، وی در بابل متولد شده و در مهد علم و تقوا پرورش یافته و تحصیلات اولیه و سطوح را در بابل خوانده و بنجف مهاجرت و از محضر آیات عظام و مراجع کرام آن سامان استفاده نموده تا بمدارج علم و کمال رسیده و بوطن مراجعت و بانجام وظائف دینی و روحی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ارشاد انام اشتغال دارد.

از باقیات الصالحات ایشانست فرزند برومند و فاضل آنجناب حجه‌الاسلام آقای آقا سید حسن آقا بهشتی که سالهای متمادی در مشهد مقدس تحصیل علوم اسلامی از فقه و اصول و غیره نموده آنگاه ببابل مراجعت و باقامه جماعت و ترویج دین و تدریس و سایر خدمات روحی و دینی مشغول میباشد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

محقق تهرانی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ رضا محقق تهرانی از علماء و مجتهدین مبرز معاصر تهرانست.

وی در حدود سال ۱۳۳۲ قمری در تهران متولد شده و پس از بلوغ و خواندن اولیات و سطوح در سال ۱۳۶۵ قمری عصر ریاست آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی رضوان اللّٰه علیه به قم آمده و از محضر آن مرحوم و آیات دیگر استفاده نموده و پس از چند سال به تهران مراجعت و بتدریس سطح و خارج پرداخته و تا حال حاضر به اقامه جماعت در مسجد بازار آهنگرها و گفتن درس خارج برای عده‌ای از فضلاء تهران اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آن جناب عالمی محقق و دانشمندی مدقق است دارای آثار علمی می‌باشند که از آنها شرح بر شرایع الاسلام بنام حقایق الفقه است که قسمتی از آن بطبع رسیده است.

و ایشان عدیل و باجناق حجهٔ‌الاسلام و قدوه العلماء الاعلام آقای آقا شیخ جواد خندق‌آبادی تهرانی که از افاضل علماء و مدرسین بزرگوار حوزه علمیه قم و تهرانند، می‌باشند.

آقای خندق‌آبادی مزبور از بیت علم و فضیلت و دارای مقام فضل و تقوا و ورع و موصوف بکمال و معنویت است. وی چندین سال

در حوزه علمیه قم اشتغال بتدریس و کسب فیض از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی بودند و ضمنا تدریس کفایه و مکاسب و غیره می‌نمودند و بسیاری از فضلاء تهرانی معاصر از شاگردان او می‌باشند. در جمع و تربیت جامع الاحادیث آیت‌اللّه بروجردی سهم بسزائی دارند و از این جهت و جهات دیگر مورد توجه مخصوص آیت‌اللّه و محسود بعضی از اقران بودند که پس از فوت آن مرحوم قم را ترک نموده و از شرکت در مجامع عمومی و اجتماعات و معاشرت خودداری و مهر سکوت بر زبان و بحال مخصوصی ایام خود را می‌گذراند و آیا مفاد فرمایش حضرت صادق علیه‌السلام که می‌فرماید:

(فسدالزمان و تغیرت الاخوان و تغلبت الاعیان فرایت الانفراد اسکن للفواد) را مطالعه نموده و تغییر رژیم و روش سابق خود داده و یا امری دیگر موجب این حالت او شده چه عرض کنم (العلم عنداللّه) ای حال مردی کم‌نظیر و از جهات اخلاقی و روحی و معنویت نادره زمانست.

محمدرضا محقق تهرانی فرزند مرحوم آقاحسین کرمانی یکی از دانشمندان به نام و مجتهدین معاصر تهران می‌باشد. ایشان در سال ۱۳۳۲ قمری در تهران متولد شده مقدمات و ادبیات را در قم خوانده و پس از آن به مشهد مشرف شده و دروس نهائی را از آیت‌اللّه حاج شیخ هاشم قزوینی و آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم دامغانی و حاج شیخ حسن پائین خیابانی استفاده و تکمیل نموده در دروس خارج آقا محمد آقازاده کفائی و آیت‌اللّه العظمی حاج‌آقا حسین قمی شرکت نموده و دروس معارف را از مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمدمهدی غروی اصفهانی استفاده کرده و پس از جریان مسجد گوهرشاد در سال ۱۳۱۴ شمسی و تبعید آیات عظام خراسان و تعطیلی حوزه علمیه مشهد ناچار به تهران برگشته و از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدعلی شاه‌آبادی بهره‌مند شده و سپس به قم آمده و از محضر آیات ثلاثه قم آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه صدر استفاده نموده و به تهران آمده و مدتی اقامت و پس از ورود آیت‌اللّه العظمی بروجردی باز به قم برگشته و مدت نه سال تمام به اتفاق باجناقش مرحوم حجهْ‌الاسلام حاج شیخ محمدجواد خندق‌آبادی به درس خارج معظم‌له شرکت و استفاده نمود سپس به مشهد عزیمت و به مدت دو سال توقف و به تدریس پرداخته و پس از آن به تهران بازگشته و در مدرسه مروی به تدریس فقه و اصول مشغول شده تا در سال ۱۳۵۸ شمسی که به علتی دروس را تعطیل و به تألیف موسوعه حقایق الفقه در شرح شرایع‌الاسلام پرداخته و تاکنون حدود پنجاه جلد از آن چاپ و حدود بیست جلد دیگر در دست تألیف و طبع می‌باشد و ضمنا آن جناب در مسجد خندق‌آباد واقع در خیابان مولوی اقامه جماعت می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

محقق خراسانی، عباس علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج شیخ عباس علی محقق واعظ خراسانی از اساتید و مشاهیر وعاظ ایران در تاریخ چهارشنبه پانزدهم ماه صفر ۱۳۱۰ ق در مشهد مقدس متولد گردیده و در مراحل تحصیل ادبیات را نزد والد محترمش عالم کامل و ادیب فاضل مرحوم حاج ملا بمانعلی محقق که از وعاظ عالی مقام خراسان بودند فراگرفته و فقه و اصول را از محضر آیت‌اللّه آقا میرزا محمدباقر مدرس رضوی و آیت‌اللّه حاج شیخ حسن برسی اعلی اللّه مقامهما و فلسفه را از مرحوم قدوه المتألهین آقای آقا بزرگ شهیدی و اسوه الحکماء آقای حاج شیخ محمدعلی فاضل خراسانی رضوان اللّه علیهما استفاده نموده سپس از طریق وعظ و تبلیغ بارشاد و هدایت مردم پرداخته و عمر پر برکت خود را بالغ بر شصت سال صرف مطالعه کتب مختلف نموده و با ذوق سرشار مخصوص بخود در بیان مطالب متنوع الحق محقق بود.

مواعظ سودمند و سخنان جذاب او در قلوب و دلها بسیار مؤثر به طوری که هر شنونده‌ای را تحت تأثیر قرار داده بالاخص اهل فضل و کمال منبر ایشان را مغتنم می‌شمردند.

استاد نکته سنج خردمندی
کاندر سخن سرآمد اقران بود
در بوستان ذوق و سخن گفتن
باغی پر از بنفشه و ریحان بود
فردی ادیب و فاضل و دانشمند
مردی سخن‌شناس و سخندان بود
سرمایه فضیلت و تقوا داشت
سرچشمه‌ی حقیقت و ایمان بود
در سایه مناعت و استغناء
وارسته از علایق دوران بود

در سال ۱۳۵۲ ه.ق با عتاب مقدسه مشرف در نجف اشرف شبها بعد از نماز مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی در صحن مطهر منبر رفته و حضرت آیت‌اللّه با حضور خود در آن مجلس علاقه خود را بمنبر ایشان ابراز و به آقایان فضلاء و طلاب توصیه می‌فرمودند که از مواعظ ایشان استفاده نمایند.

معظم له تا سال ۱۳۵۳ هجری در مشهد مقدس سکونت داشته و مسافرتهائی بنقاط مختلف و شهرهای شمال و جنوب ایران نموده و مورد توجه مردم خاصه آقایان علماء اعلام بوده و از آن سال به بعد در تهران رحل اقامت افکنده و در بسط معارف اسلامی و انجام

وظیفه تبلیغ سعی کافی و جهد وافی داشته‌اند.

در سال ۱۳۶۳ ق مجدداً با عتاب مقدسه تشرف حاصل در کربلاء مجلسی که مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی بمناسبت اربعین و دهه آخر ماه صفر منعقد نموده و سایر مجالس در نجف مسجد مرحوم شیخ انصاری قدس سره بعد از نماز مرحوم آیت‌اللّه آقای آقا سید عبدالهادی شیرازی بیست و پنج شب منبر رفته و آن مرحوم درس شب را تعطیل و خود در مجلس حاضر بودند و بر اثر ازدحام و کثرت جمعیت جائی در مسجد باقی نمانده و مردم در کوچه ایستاده و استماع می‌نمودند.

و مدت توقف در نجف در ضیافت مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و داماد محترمشان مرحوم حجهٔ‌الاسلام آقای حاج سید جواد اشکوری از ایشان پذیرائی می‌نمودند.

در سال ۱۳۶۴ ق طبق دعوت آقای حاج آقا محمد آقازاده برای مجلس ایام فاطمیه ایشان به قم آمده و پس از پایان آن مجلس باصرار آقایان علماء و فضلاء دو ماه در قم توقف نموده و به خواهش آیت‌اللّه حاج آقا مرتضی حایری که از علماء و شخصیت‌های بارز حوزه علمیه هستند در مجلس مدرسه فیضیه ایشان پس از علامه بزرگوار خطیب توانا مرحوم آقا میرزا محمدتقی اشراقی در منبر مطالب معظم له را کاملا تعقیب و مورد قدردانی و تحسین واقع و خاطره آن منابر جامع هنوز محو نشده است.

در سال ۱۳۶۵ ق نیز با عتاب مقدسه مشرف و قریب دو ماه بعد از نماز مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سید جمال‌الدین گلپایگانی در منبر سوره یوسف را بیان کرده تا آنجا که برادرها یوسف را در چاه انداختند سال بعد مرحوم آیت‌اللّه گلپایگانی پیغام دادند که منبر شما سال گذشته به آنجا رسید که یوسف در چاه انداخته شد امسال مشرف شوید و یوسف را از چاه بیرون آورید سال ۱۳۶۶ ق هم تشرف پیدا کرده و متجاوز از پنجاه شب منبر رفته و سوره یوسف را ختم نمودند.

در اواخر عمر چند سال متوالی بخواسته و امر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی سه ماه ذیحجه و محرم و صفر را به قم آمده و دهه عاشورا و دهه آخر صفر در منزل مرحوم آیت‌اللّه بروجردی و مسجد اعظم و سایر مجالس منبر میرفتند یکسال بخواهش طلاب از شب اول ذیحجه معراج پیغمبر اکرم صلی اللّه علیه و آله را شروع نموده و تا آخر ماه صفر در ایام مجالس این بحث ادامه داشت سالی دگر مبادی هجرت را بیان نموده آنهم تا پایان ماه صفر ادامه یافت و آقایان طلاب منابرشان را می‌نوشتند و معتقد بودند که یک منبر ایشان از لحاظ مواد مطابق ده منبر است.

آن مرحوم در صبح سه‌شنبه دوم شهر ذیقعده ۱۳۸۳ ق ندای حق را لبیک گفته و در بلده طیبه قم در حجره قبرستان بیات در مجاورت آستان ملک پاسبان حضرت معصومه علیهاالسلام سر بخاک سپرد.

از ایشان چهار فرزند ذکور باقی مانده که ارشد آنها دانشمند معظم آقای حاج آقا هادی محقق واعظ است که چند سال در قم بتحصیل اشتغال داشته ثمری از آن شجره هستند و از جهات اخلاق و فضائل و عمل بر رویه پدر ثابت و مستمر و اکنون از فضلاء اهل منبر تهران میباشند.

و دیگر آقای دکتر مهدی محقق استاد دانشگاه تهرانست که سه سال مقام استادی دانشگاه مک گیل کانادا را داشته و در آنجا خدمات ارزنده‌ای بعالم تشیع نموده و در شناساندن علماء شیعه مخصوصا مرحوم حاج ملا هادی سبزواری و آثار علمی آن مرحوم سهم بسزائی داشته موسسه‌ای بنام مطالعات علوم اسلامی در تهران تشکیل داده و با تشریک مساعی دانشگاه مک گیل منظومه حاجی را با سبک نوینی چاپ و همکار ژاپونی خود پرفسور ایزستو مقدمه جامعی بزبان انگلیسی بر آن کتاب نوشته‌اند.

دو فرزند دیگر ایشان در رشته‌ی کسب و بازار هستند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

محقق خوانساری، حسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۹۹/ ۱۰۹۸ -۱۰۱۶ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، رجالی، محدث، متکلم، مدرس، محقق و شاعر. وی جامع معقول و منقول بود و به جهت تدریس در هر یک از این علوم به استاد الکل فی الکل معروف شد. چون پدر و پسرش هر دو جمال‌الدین نام داشتند ملقب به ذوالجمالین شد. اصلش از خوانسار است. در نوجوانی برای کسب علوم به اصفهان رفت و در مدرسه‌ی خواجه ملک نزدیک مدرسه‌ی شیخ لطف‌اللّه مشغول تحصیل شد. او علوم معقول و منقول را از میرفندرسکی و ملا- محمدتقی مجلسی و خلیفهٔ‌السلطان و محقق سبزواری و دیگر علما فراگرفت و به مقام علمی بالایی رسید. او به تیزهوشی و سرعت انتقال معروف بود و مشکلات علمی را با اندک تأملی حل می‌نمود. فرزندانش، آقا جمال خوانساری و آقا رضی خوانساری، و سید نعمت‌اللّه جزایری و شیخ جعفر قاضی و ملا میرزا شیروانی و ملا محمد سراب تنکابنی و عده‌ای دیگر از شاگردان او بودند. ریاست علمی و مذهبی زمانش بدو منتهی می‌شد و وی پناه‌گاه فقرا و مساکین بود. در شعر طبعی روان داشت و شعر و نثرش به عربی و فارسی مشهور است. در اصفهان درگذشت و در قبرستان تخت فولاد نزدیک مقبره‌ی بابا رکن‌الدین دفن شد. شاه سلیمان صفوی مقبره‌ای برایش بنا کرد که پس از دفن شدن فرزندانش در کنارش، به تکیه‌ی خوانساریها معروف گردید. از آثارش: ترجمه‌ی قرآن؛ فسیر «سورهٔ الفاتحهٔ»؛ ترجمه‌ی «صحیفهٔ السجادیهٔ»؛ «مشارق الشموس»، در شرح «الدروس» شهید اول؛ «تواریخ وفیات العلماء»؛ «الجبر و الاختیار»؛ حاشیه بر «شرح جدید التجرید» قوشچی؛ حاشیه بر «شرح الاشارات» خواجه نصیر طوسی؛ حاشیه بر «شرح لمعه»؛ حاشیه بر «محاکمات» قطب‌الدین رازی؛ حاشیه بر «معالم الاصول»؛ شرح «کافیه» ابن حاجب؛ شرح «هیئت» قوشچی؛ رساله در «مقدمهٔ الواجب»؛ رساله‌هایی در شبهات متفرقه، از جمله: «شبههٔ الایمان و الکفر»، «شبههٔ الطفرهٔ» و «شبههٔ الاستلزام»؛ «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۵۰ –۱۴۸/ ۶)، ایضاح المکنون (۴۸۵/ ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۶ –۳۱۴/ ۵)، تذکره‌ی شعرای خوانسار (۲۶ –۲۳)، تذکرة القبور (۲۹۸ –۲۹۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۳ –۱۵۲)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (۱۷۳، ۱۵۱/ ۲)، الذریعه (۱۰۶/ ۲۲، ۳۶/ ۲۱، ۱۳۳ –۱۳۲/ ۲۰، ۲۴۴، ۹۱، ۲۵/ ۱۳، ۲۴۷/ ۹، ۱۹/ ۷، ۲۰۶، ۱۹۲، ۱۱۱، ۶۸/ ۶، ۸۱/ ۵، ۳۳۹، ۱۲۶، ۱۱۲/ ۴)، روضات الجنات (۳۴۷ –۳۳۹/ ۲)، ریاض العارفین (۱۸۷)، ریاض العلماء (۶۰ –۵۷/ ۲)، ریحانه (۲۴۲ –۲۳۹/ ۵)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۴۰۸ –۴۰۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۷ –۱۶۶/ ۱۱)، فقهای نامدار شیعه (۲۳۸ –۲۳۴)، فوائد الرضویه (۱۵۵ – ۱۵۳)، الکنی و الالقاب (۱۵۹ –۱۵۸/ ۳)، لغت نامه (ذیل/ حسین خوانساری)، معجم المؤلفین (۴۸/ ۴)، مواد التواریخ (۱۷۴ –۱۷۳)، هدیة الاحباب (۲۳۵ –۲۳۴)، هدیة العارفین (۳۲۴/ ۱).

محقق داماد، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیـد مصـطفی محقق داماد، در سال ۱۳۲۴ هـ. ش در شـهر قم در یکی از اصـیلترین خـانواده هـای روحـانیت شیعه، چشم به جهان گشودند. پدر ایشان مرحوم آیت ا... محقق داماد و جد مادری ایشان علامه حائری یزدی موسس حوزهٔ علمیهٔ قم میباشد. پس از طی دوران تحصـیلات مقـدماتی وارد حوزهٔ علمیـهٔ قم شدند، تا آنکه در سال ۱۳۴۸ موفق شدنـد از علما و مراجع وقت، درجـهٔ «مجتهد» کسب کنند. ایشان عمدهٔ دورهٔ علوم عقلی و حکمت اسـلامی را نزد اسـتاد مرتضی مطهری و فقه و اصول تحلیلی را نزد آیات عظام، آملی لاریجـانی و مرتضـی حـائری یزدی طاب ثراهم آموختنـد و به تـدریس در حوزهٔ قم پرداختنـد. پس از آنکه از دانشـگاه تهران موفق به اخـذ درجهٔ لیسانس و فوق لیسانس در حقوق و فلسـفهٔ اسـلامی شدند، در بخش حقوق بین الملل به دانشگاه فرانسوی زبان لوون بلژیک وارد شدنـد و در سال ۱۹۹۵ موفق به اخذ درجهٔ علمی Ph.d گردیدند. در سال ۱۳۶۰ ش، به ریاست سازمان بازرسی کل کشور منصوب شدند و در سال ۱۳۶۵ ش به عضویت هیأت علمی دانشکدهٔ حقوق درآمدند و در سال ۱۳۷۰ ش به عنوان عضو پیوسـتهٔ فرهنگسـتان علوم پـذیرفته شدنـد. هم اکنون اسـتاد دانشـکده حقوق و رئیس مطالعـات اسـلامی فرهنگسـتان علوم میباشـند و عضویت هیأت امنا و مجامع علمی چندین دانشگاه و مرکز علمی را بر عهده دارند و تاکنون ۱۶ جلد کتاب و دهها مقاله در حقوق و فلسـفهٔ دین به زبانهـای انگلیسـی، عربی و فارسـی تألیف نموده انـد.گروه : علوم انسانی رشـته : الهیات و معارف اسـلامی والـدین و انسـاب : نوهٔ دختری مرحوم آیت الله العظمی حـاج شـیخ عبـدالکریم حـائری یزدی فرزنـد مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمد محقق داماد خاطرات کودکی : سیـد مصـطفی محقق داماد دوران کودکی را در قم در دبسـتان اسـلامی و باقریه گذراندند و پس از فارغ شدن از دبسـتان به حوزه علمیه قم (مدرسه فیضـیه) وارد شدند.اوضاع اجتماعی و شـرایط زندگی : سید مصطفی محقق داماد با صبیه مرحوم آیت الله العظمی آملی ازدواج کردند. و از ایشان ۵ فرزند دارد سه اناث و دو ذکور.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید مصـطفی محقق داماد پس از طی دوران تحصـیلات مقدماتی، وارد حوزهٔ علمیهٔ قم شدند و در آن حوزه مقدس موفق شدند در سال ۱۳۴۸، از علما و مراجع وقت، درجهٔ «مجتهد» کسب کنند. عمدهٔ دورهٔ علوم عقلی و حکمت اسـلامی را نزد اسـتاد مرتضی مطهری و فقه و اصول تحلیلی را نزد آیات عظام، آملی لاریجانی و مرتضـی حائری یزدی طاب ثراهم آموختند. همزمان با تحصـیلات حوزوی به تحصیلات دانشگاهی نیز اشتغال داشتند و از دانشگاه تهران موفق به اخذ درجهٔ لیسانس و فوق لیسانس در حقوق و فلسفهٔ اسلامی شدند. سـپس برای اخذ درجهٔ دکترا در سال ۱۹۸۸ م، در بخش حقوق بین الملل به دانشگاه فرانسوی زبان لوون بلژیک وارد شدند و در سـال ۱۹۹۵ موفـق به اخـذ درجـهٔ علمی Ph.d شدنـد.خـاطرات و وقایع تحصـیل : دوران تحصـیل سـید مصـطفی محقق داماد مصـادف شـده اسـت بـا نهضـت امـام خمینی و تبعیـد ایشـان و حـادثه مـدرسه فیضـیّه و ضـرب و شـتم طلاب توسط ایـادی رژیم پهلویفعالیتهـای ضـمن تحصـیل : دوران تحصـیلی سـید مصـطفی محقق دامـاد مصادف است با دوران حرکت روشـنفکری در حوزه علمیه قم. مرحوم استاد مطهّری را به قم دعوت کردم و در هفتهٔ دو روز در منزل من درس میگفتند. استادان و مربیان : آیت الله آملی (حاج میرزا هاشم) آیت الله گلپایگانی استاد مطهری هم دوره ای ها و همکاران : سید محمد خاتمی ربانی آملی طاهری خرم آبادی سیـد کاظم نورمفیـدی همسـر و فرزندان : همسـر _خانم لاریجانی (خواهر آقایان لاریجانی) مریم السادات محقق (دکتری حقوق–وکیـل دادگستری) صـدیقه محقق (لیسـانس ادبیـات – فوق لیسانس زبان) زهرا محقق (دکتر مـدیریت صـنعتی از دانشگاه مری لند (آمریکا)) وقایع میانسالی : پـدر – مادر- برادر کوچکتر (دو تا) فوت کرده انـد پـدر به علت سـکته قلبی مادر به سـرطان معده علت فوت کوچکترین برادر سـقوط از بام علت فوت برادر بعدی سرطان معده مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید مصطفی محقق داماد در سال ۱۳۶۰ ش، با پایهٔ ۱۱ قضایی از سوی شورای عالی قضایی وقت به ریاست سازمان بازرسـی کل کشور منصوب شدنـد و در سال ۱۳۷۰ ش، از این سمت استعفا دادند. در سال ۱۳۶۵ ش، با پایهٔ ۵ دانشیاری به عضویت هیأت علمی دانشکده حقوق درآمدند و در سال ۱۳۷۰ش، به اتفاق آراء مجمع عمومی فرهنگسـتان علوم جمهوری اسـلامی ایران به عنوان عضو پیوسـتهٔ فرهنگسـتان پذیرفته شدند. هم اکنون استاد پایهٔ ۱۰ دانشـکده حقوق و رئیس مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم میباشند. به علاوه عضویت هیأت امناء و مجامع علمی چنـدین دانشـگاه و مراکز علمی کشور را بر عهـده دارند. خلاصه ای از مشاغل و سـمتهای اداری به قرار زیر است: ۱– عضو دائم و رئیس گروه مطالعـات اسـلامی فرهنگسـتان علوم ۲– عضو هیـأت عـالی علمی دائره المعارف بزرگ اسـلامی ۳– عضو مؤسّسه علمی آل البیت اردن ۴– عضو شورای عـالی علمی مـدرسه شـهید مطهری ۵– اسـتاد مدعو دانشگاه تهران ۶– عضو کمیته اخلاق پزشـکی فرهنگستان علوم پزشکی ایران ۷– عضو کمیته اخلاق پزشـکی دانشگاه تهران ۸– عضو شورای عـالی بنیاد حکمت صدرا ۹– عضو شورای پژوهشی مؤسسه حکمت و فلسفه ایران ۱۰– رئیس کمیسیون ارزیابی خبرگان بدون مدرک دانشگاهی ۱۱– قاضـی پایه ۱۱ دادگستری ۱۲– رئیس سازمان بازرسـی کل کشور فعالیتهای آموزشـی : سوابق تدریسـی و آموزشـی سید مصـطفی

محقق داماد به قرار زیر است: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی : – اصول فقه – قواعد فقه– فقه تحلیلی – حقوق بشر اسلامی –حقوق عمومی اسلامی دانشکده ادبیات: –رشته فلسفه – دانشگاه شهید بهشتی: فلسفه ملاصدرا مقطع دکتری مدرسه عالی شهید مطهری : – فقه تحلیلی – فلسفه اسلامی – حقوق مدنی – حقوق اسلامی تطبیقی مؤسسه حکمت و فلسفه ایران : – فلسفه اسلامی– کلام دانشگاه تهران: حقوق مدنی ۶ فقه تحلیلی دانشگاه مفید: – فقه تحلیلی – حقوق مدنی آرا و گرایشهای خاص : زمینه تخصصی : – فقه – اصول فقه – قواعد فقه – فلسفه اسلامی – حقوق اسلامی چگونگی عرضه آثار : سید مصطفی محقق داماد دارای کتابها و مقالات متعددی به زبانهای فارسی، انگلیسی و عربی هستند که از میان آنها به نمونههایی اشاره میشود: کتابها = بررسی فقهی و حقوقی اخذ به شفعه – حقوق خانواده– مباحثی از اصول فقه – قواعد فقه – سؤال و جواب سید محمد کاظم یزدی– دین، فلسفه و قانون– نخبگان علم و عمل ایران– مبانی حقوق بین الملل از دیدگاه اسلام. مقالات = ضمانت در تعهدات– آیین دادرسی– ابن السبیل– اسلام و دعوت ادیان به رعایت حق کرامت انسانی– امامت و ولایت از دیدگاه صدرا– محرک نخستین از نظر ارسطو و ملاصدرا– وجود ذهنی از دیدگاه حکمای اسلامی. تعداد مقالات ترجمه شده :۹ مورد تعداد مقالات تالیفی به زبان انگلیسی و عربی:۷ مورد تعداد مقالات حقوقی تألیف شده انتشار یافته: ۲۲ مقاله آثار : ۱ A Discourse on Nature and environment From an Islamic Perspective ویژگی اثر : سازمان محیط زیست ایران، تألیف، ۲۰۰۰م، ۱۳۷۹ش ۲ Protection of Individuals in times of armed conflict under international and Islamic laws ویژگی اثر : Global scholarty publicantions تألیف، ۱۳۸۴/۲۰۰۵ ۳ الاحتکار فی الفقه الاسلامی ویژگی اثر : دارالهادی–بیروت، تـألیف ۲۰۰۱م، ۱۳۸۰ ش ۴ التعلیقات ویژگی اثر : مرکزنشرالدراتالاسلامیه، التقدیموالتحقیق، ۲۰۰۱م، ۱۳۸۰ ش ۵ الحقوقالانسانیهبین الاسلام و المجتمع المدنی ویژگی اثر : دارالهادی–بیروت ، تالیف ۲۰۰۰م۱۳۸۰ش ۶ ایقاع اخذ به شفعه ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی– تالیف ، تابستان ۱۳۸۴ ۷ بررسی فقهی و حقوق وصیت ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی تهران، تألیف، آخرین تجدید چاپ تهران چاپ اول سال ۱۳۶۸ سال ۱۳۷۳ چاپ سوم ۸ تحلیل و بررسی احتکار از نظر اسلام و فقه اسلام ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی تهران– تألیفچاپ اول– ۱۳۶۲ ۹ حقوق بشردوستانهبین‌المللی «رهیافت اسلامی» ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی،تهران– تألیف ۱۳۸۰ ۱۰ حقوق خانواده (نکاح و انحلال آن) ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی تهران، تألیف، آخرین تجدیدچاپ سال ۱۳۷۲ چاپ چهارم ۱۱ حقوق قراردادها در فقه امامیه ویژگی اثر : سازمان سمت – تالیف با همکاری ۱۳۸۰ ۱۲ دین، فلسفه و قانون ویژگی اثر : انتشارات قلم ، تألیف ۱۳۷۹ ۱۳ روشنگری دینی (جلد اول) ویژگی اثر : انتشارات روزنامه اطلاعات ، تألیف ۱۳۸۵ ۱۴ روشنگری دینی (جلددوم) ویژگی اثر : انتشارات روزنامه اطلاعات ، تألیف ۱۳۸۷ ۱۵ سئوال و جواب سید محمد کاظم یزدی ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی تهران، مقدمه و تحقیق، ۱۳۷۶ ۱۶ سلوک بین الملل دولت اسلامی اسلام محمد حمیدالله ویژگی اثر : ترجمه ،محمد حمیدالله– مرکز نشرعلوم اسلامیتهران ۱۳۸۰– تهران ۱۳۷۲ Mohammad Hamidallah Muslim Conduct of State, sh; Mohammad Ashraf Lahore E.ed ۱۹۸۷ ۱۷ سلوک‌بین‌المللی دولت اسلامی ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی تهران، ترجمه ۱۳۸۰ ۱۸ سیر فلسفه در جهان اسلام ویژگی اثر : ماجد فخری: مرکز نشر دانشگاهی–تهران (ترجمه مشترک) ۱۳۷۲ فقه الرهن ویژگی اثر : النشر الاسلامی التقدیموالتحقیق، ۱۳۸۷ / ۲۰۰۸ ۲۰ فی آفاق الفلسفه والدین ویژگی اثر : دارالهادی–بیروت، تألیف ۲۰۰۱م، ۱۳۸۰ش ۲۱ قواعد فقه– جلد اول(مدنی) ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی تهران، تألیف، آخرین تجدید چاپ سال ۱۳۷۳ چاپ پنجم ۲۲ قواعد فقه– جلد چهارم (بخش‌جزائی) ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی تهران ، تألیف، چاپ اول سال ۱۳۷۹ ۲۳ قواعد فقه– جلد دوم(مدنی) ویژگی اثر : سازمان مطالعات و تدوین کتب(سمت) تهران، تألیف چاپ اول سال ۱۳۷۴ ۲۴ قواعد فقه– جلدسوم (بخش‌قضائی) ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی تهران ، تألیف، چاپ اول سال ۱۳۷۸ ۲۵ مباحثی از اصول فقه دفتر اول ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی تهران، تألیف، آخرین تجدید چاپ تهران چاپ اول سال ۱۳۶۲ ۲۶ مباحثی از اصول فقه دفتر دوم ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی تهران، تألیف، سال ۱۳۷۳ چاپ پنجم ۲۷ مباحثی از اصول فقه دفتر سوم ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی تهران ، تألیف، چاپ اول سال ۱۳۷۹ ۲۸ مبانی حقوق بین الملل ازدیدگاه اسلام ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامیتهران، ترجمه ۱۳۸۰ ۲۹ مطالعاتتطبیقیدر فلسفه اسلامی ویژگی اثر : ترجمه،سعیدشیخ سعید شیخ: خوارزمی تهران ۱۳۶۹، نخبگان علم و عمل ایران ویژگی اثر : مرکز نشر علوم اسلامی تهران، تألیف ۱۳۷۹

منابع زندگینامه :تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط سید مصطفی محقق داماد بنا به درخواست بنیاد ایران شناسی – تابستان ۱۳۸۶

محقق دامغانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمود محقق دامغانی در حومه دامغان متولد شده و پس از رشد به کوهسان بهشهر عزیمت نموده و مقدمات را در حوزه علمیه مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد کوهستانی خوانده و از انفاس قدسیه آن بزرگوار استفاده نموده آنگاه به دامغان آمده و تا انتهای ادبیات را در خدمت مرحوم آیت‌اللّه ترابی طاب ثراه استفاده نموده و بعد به مشهد مقدس مشرف شده و دوران سطح را از محضر مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج شیخ کاظم دامغانی و حاج شیخ حسین وحید خراسانی استفاده نموده سپس در درس خارج مرحوم آیت‌اللّه میلانی از اول بحث اجتهاد و تقلید شرکت و بهره‌مند شده است.

پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و یکدوره کامل اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا باقر زنجانی استفاده کرده و در درس فقه مرحوم آیت‌اللّه آقای خمینی هم حاضر شده و دوره کامل مکاسب را بهره‌مند گردیده و حدود ده سال اقامتش در

نجف اشرف از محضر و ابحاث فقهی حضرت آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله استفاده کرده و بعد مانند دهها هزار نفر دیگر از طرف دولت بعث عراق به ایران رانـده شده و رحل اقامت به قم افکنده و شـرکت در درس خارج مرحوم آیت‌اللّه مرعشـی نجفی قدس‌اللّه سره و نیز آیت‌اللّه گلپایگانی نموده و ضمنا به تدریس سطوح عالی از لمعه تا کفایه اشتغال ورزیده و تاکنون موفق می‌باشند.

دارای تألیفاتی می‌باشند که از آنهاست:

۱- فلسفه احکام در سه مجلد از صلوه تا امر به معروف و نهی از منکر.

۲- کتابی در نجوم و اخترشناسی.

۳- کشکول در علوم مختلفه و مطالب متنوعه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

محقق سبزواری، محمدباقر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۹۰ -۱۰۱۷ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، حکیم، متکلم، مدرس و شاعر. معروف به صاحب «ذخیره». اصل وی از سبزوار بود. در اصـفهان سـکونت گزیـد و نزد علمـای آن شـهر تلمـذ نمـود. معقول را از میر فندرسـکی و قاضـی معز و منقول را از ملاـ حیـدرعلی اصـفهانی و ملا حسـنعلی شوشتری فراگرفت. او از مجلسـی اول و از نورالدین علی عاملی، برادر صاحب «مدارک»، و از شرف‌الدین علی شولستانی و از حسین مقری عاملی و حسین بن حیدر کرکی که از شاگردان شیخ بهائی بودند، روایت کرده است. در زمان شاه عباس ثانی امام جمعه و جماعت بود و منصب شیـخ الاسـلامی و تـدریس در مـدرسه ملا عبـداللّه شوشتری به وی تفویض شـد. وی همچنین در مـدرسه‌ی سـمیعیه که بعـدها به مـدرسه‌ی سبزواری مشـهور شـد تـدریس می‌کرد. از شاگردان بنام او ملا محمد سـراب تنکـابنی و محمـد شـفیع بن فرج و عبـداللّه اردبیلی می‌باشـند. گفته‌انـد که شوهر خواهرش، محقق خوانساری، نیز از جمله شاگردان اوست. بین او و فیض کاشانی دوستی و مودت و همفکری کامل برقرار بود. محقق طبع روانی داشت و به نیکویی شـعر می‌سرود. در اصـفهان درگـذشت، پیکرش به مشـهد منتقل و در صـحن رضوی، در مـدرسه‌ی میرزا جعفر، دفن شد. از آثارش: «ذخیرهٔ المعاد فی شرح الارشاد»، در فقه شـیعه؛ «کفایـهٔ الاحکام» یا «کفایـهٔ الفقه» یا «کفایـهٔ المعتقد» یا «کفایهٔ المقتصد». این دو، کتابهای مبسوطی در فقه شـیعه می‌باشـند. از دیگر آثار وی: رساله‌ای در «سـمت القبله»؛ شـرح «زبدهٔ الاصول» شـیخ بهائی؛ «رسالهٔ الخلافیهٔ»، در عبادات؛ «روضـهٔ الانوار عباسـی»، در معرفت خـدا و مواعظ و آداب سـلوک رعایا و ملوک و «مفاتیح النجاهٔ»، در ادعیه و اعمال سال و «جامع الزیارات عباسی» که هر سه برای شاه عباس صفوی تألیف شده است؛ حاشیه بر «شرح الاشارات»؛ حاشیه بر «الهیات الشفاء».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۷۲/ ۶)، ایضاح المکنون (۵۴۲/ ۱)، الذریعه (۲۵۶/ ۲۲ ،۳۰۸/ ۲۱ ،۲۱ ،۹۹ ،۹۶ ،۸۸/ ۱۸ ،۲۹۰ -۲۸۹/ ۱۱ ، ۱۹/ ۱۰ ،۲۳۹/ ۷ ،۱۴۱ ،۱۱۰/ ۶ ،۵۷/ ۵)، روضات الجنات (۷۶ -۶۷/ ۲)، ریحانه (۲۴۲/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۲ -۷۱/ ۱۱)، فقهای نامدار شیعه (۲۳۲ -۲۳۰)، فوائد الرضویه (۴۲۶ -۴۲۵)، الکنی و الالقاب (۱۶۱ -۱۵۹/ ۳)، لغت نامه (ذیل/ سبزواری)، معجم المؤلفین (۹۵/ ۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹ -۶۷/ ۲)، هدیهٔ العارفین (۲۹۷/ ۲).

محقق کرکی، زین‌الدین، نورالدین ابوالحسن علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۴۰/ ۹۳۸/ ۹۳۷ -۸۶۸ ق)، عـالم امامی، فقیه، اصولی، مجتهـد و محقق. معروف به محقق کرکی و محقق ثانی و موصوف به شـیخ علائی و مروج المذهب و مولای مروج و عالم ربانی. عده‌ای او را به جدش عبدالعالی منسوب کرده و علی بن عبدالعالی خوانده‌اند. وی از علمای بزرگ عهد شاه طهماسب صفوی (۹۸۴ -۹۳۰ ق) بود، که او را مجدد مذهب شیعه نامیده‌اند. در جبل عامل شامات به دنیا آمـد. سپس به مصر رفت و از علمای آنجا اخـذ علم نمود. سـفری هم به عراق نمود و بعدها در ایران مستقر گردید و نزد شاه تقرب یافت به حـدی که شاه سـلطنت را بدو تفویض کرد و خود را یکی از عمال شـیخ خواند و محقق طی احکامی که به اطراف و ولایـات نوشت، کیفیت سـلوک عمـال بـا رعایـا را به آنـان گوشـزد کرد. محقق از شـاگردان علی بن هلاـل جزایری (از شاگردان و راویـان احمـد بن فهـد حلی) و محمـد بن خاتون عاملی و دیگر بزرگان بود و از آنها روایت می‌نمود. او از علی بن هلال جزایری و ابن المؤذن دارای اجازه بود. علی بن عبـدالعالی میسـی (و از او شـهید ثانی) و پسـرش، ظهیرالدین ابراهیم میسـی، و شـیخ زین‌الدین فقعانی و شـیخ احمـد ابن ابی‌جامع و شـیخ عبـدالنبی جزایری از وی روایت کرده‌اند. شـیخ علی منشار و شـیخ کمال‌الدین درویش و سید امیر محمد استرآبادی و سـید شریف‌الدین علی استرآبادی از شاگردان محقق کرکی بودند. در نجف درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. پدر شیخ بهائی فرموده که محقق کرکی را به زهر شـهید کردند. در «شـهیدان راه فضـیلت» تاریخ شـهادت وی ۹۴۵ ق ذکر شده است. از آثارش: «اثبات الرجعهٔ»؛ «احکام الارضـین» یا «اقسام الارضین»؛ «جامع المقاصد»، در شرح «القواعد» علامه حلی، در شـش مجلد؛ حاشـیه بر «ارشاد الاذهان» علامه حلی؛ حاشـیه بر «الفیه‌ی» شـهید اول؛ حاشیه بر «الدروس» و «الذکری» شهید اول؛ حاشـیه بر «شـرایع الاسـلام»؛ «صـیغ العقود و الایقاعـات»؛ «قاطعـهٔ اللجـاج فی تحقیق حل الخراج»؛ «النجمیـهٔ»، در کلام؛ «نفحات اللاـهوت» یـا «اسـرار اللاـهوت»؛ رسـاله‌ی «الجعفریـهٔ»؛ رسـاله‌ی «العدالـهٔ»؛ رسـاله‌ی «الغیبـهٔ»؛ رسـاله‌ی «الرضـاع»؛ ترجمـه‌ی «الجزیرهٔ

الخضراء» فضل بن یحیی طیبی، که در هند به چاپ رسیده است.[۱]
شیخ زین‌الدین ابوالحسن علی بن حسین معروف به محقق کرکی (ف. نجف.۹۴۰ ه.ق) از علماء معروف، معاصر شاه طهماسب صفوی، سمت شیخ‌الاسلامی داشت و قاضی‌القضاۀ ایران بود. تألیفات بسیار دارد، از جمله‌ی آثارش جامع‌المقاصد فی شرح‌القواعد، حاشیه‌ی شرایع‌الاسلام، شرح الفیه‌ی شهید اول. حاشیه‌ی تحریر علامه است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۹۱/ ۵)، اعیان الشیعه (۲۱۳ -۲۰۸/ ۸)، حبیب السیر (۶۱۰ -۶۰۹/ ۴)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (۱۷۸ ،۱۶۵ ،۱۶۰/ ۲)، الذریعه (۲۵۱ -۲۵۰ ،۷۲/ ۲۴ ،۷/ ۱۷ ،۱۱۰/ ۱۵ ،۱۰۷ ،۲۴ ،۱۶ -۱۵/ ۶ ،۷۳ -۷۲/ ۵ ،۲۷۱ ،۵۵/ ۲ ،۲۹۳ ،۹۳/ ۱)، روضات الجنات (۳۵۹ -۳۴۶/ ۴)، ریاض العلماء (۴۶۰ -۴۴۱/ ۳)، ریحانه (۲۴۹ -۲۴۴/ ۵)، شهیدان راه فضیلت (۲۱۷ -۱۹۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۱ -۱۶۰/ ۱۰)، عالم آرای عباسی (۴۵۸ ،۱۵۴ ،۱۴۶ ،۱۴۴/ ۱)، فقهای نامدار شیعه (۱۸۴ -۱۷۶)، فوائد الرضویه (۳۰۶ -۳۰۳)، قصص العلماء (۳۴۸ -۳۴۶)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۸۷ -۱۸۶)، الکنی و الالقاب (۱۶۲ -۱۶۱/ ۳)، معجم المؤلفین (۷۴/ ۷)، وقایع السنین و الاعوام (۴۶۲)، هدیۀ الاحباب (۲۳۶)، هدیۀ العارفین (۷۴۴/ ۱).

محقق، محمدباقر

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدباقر محقق در سال ۱۲۹۸ ، در رشت به دنیا آمد.وی پس از گذراندن دوره ابتدایی ، علوم قدیمه را در حوزه علمیه زادگاه خود گذراند و در پانزده سالگی در حوزه علمیه قم دنبال نمود و از محضر اساتید آنجا استفاده برد. وی پس از اخذ دیپلم متوسطه ، تحصیلات خود را در دانشکده الهیات (معقول و منقول) ادامه داد و با کسب رتبه اول موفق به اخذ درجه لیسانس گردید . پس از آن دوره دکترا با رساله « حقوق مدنی زوجین ، در زمان زنا شویی دائم از نظر قرآن » با موفقیت طی نمود. استادمحمدباقر محقق در کسوت قرآن پژوه،مفسر، فیلسوف، مورخ و مترجم شناخته شده است و آثاری به طبع رسانده است.
گروه : علوم انسانی
رشته : حقوق
والدین و انساب : محمد باقر محقق ، فرزند شیخ علی در رشت به دنیا آمد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدباقر محقق پس از به پایان بردن دوران ابتدایی ، علوم قدیمه را در حوزه علمیه رشت گذراند. در پانزده سالگی به حوزه علمیه قم رفت و از محضر اساتید آنجا استفاده برد. بعد ازشش سال تحصیل در حوزه علمیه ، رهسپار تهران شد. و پس از اخذ دیپلم متوسطه ، تحصیلات خود را در دانشکده الهیات (معقول و منقول) ادامه داد. در سال ۱۳۳۴ با کسب رتبه اول موفق به اخذ درجه لیسانس گردید و جهت ادامه تحصیل بار دیگر عازم قم شد. پس از این دوره او برای گذراندن دوره دکترا در سال ۱۳۴۴ به تهران بازگشت و با طی نمودن این دوره ، رساله دکترای خود را در « حقوق مدنی زوجین ، در زمان زنا شویی دائم از نظر قرآن » نوشت.
استادان و مربیان : محمدباقر محقق علوم قدیمه را ابتدا نزد شیخ مهدی سبط در حوزه علمیه رشت فراگرفت ، سپس به حوزه علمیه قم رفته و نزد امام خمینی (ره) ، آیت الله مرعشی نجفی ، آیت الله سیدمحسن حکیم کسب فیض نمود.استادان وی در دانشگاه آیت الله محمود شهابی ، آیت الله سیدمحمد مشکاه ، استاد بدیع الزمان فروزانفر ، آیت الله ذو المجدین و آیت الله مهدی الهی قمشه ای بودند.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدباقر محقق پس از انقلاب در مشاغل مختلف علمی خدمت کرد که اهم آن عبارت است از : معاونت آموزشی دانشگاه علامه طباطبایی ، عضویت در ستاد انقلاب فرهنگی و ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی .
فعالیتهای آموزشی : محمدباقر محقق با اخذ مدرک لیسانس و کسب علوم حوزوی مدتی به تدریس در ادبیات و علوم دینی در رشت اشتغال ورزید. او پس از انقلاب مدتی در مشاغل مختلف انجام وظیفه نمود ، سپس از مسوولیت های اداری کناره گیری کرد و به تدریس اشتغال ورزید. تفسیر المحقق در دو مجلد به زبان فارسی و به شیوه ادبی و استدلالی شامل بخشی از قرآن کریم است. مؤلف در مقدمه اثر درباره خصوصیات قرآن، و نامهای قرآن، معنای سوره و آیه، و استعاذه، و تعداد سوره و آیات قرآن بحث کرده است. سپس به تفسیر سوره حمد می پردازد. مجلد دوم شامل تفسیر سوره های علق، مدثر، فلق، ناس است. مؤلف پس از ذکر آیه به بحثهای تحلیلی از نظر لغت و صرف و نحو و معانی و بیان مبادرت می کند سپس اخبار و روایات طریقین عامه و خاصه را بیان می کند و به طور مفصل به تفسیر آیه می پردازد. این تفسیر در تهران به طبع رسیده است. مؤلف همچنین اثر قرآن پژوهی دیگری به نام دایرۀ الفراید در فرهنگ قرآن دارد. --
----

آثار :
۱ تفسیر المحقق
۲ جداول ارث
ویژگی اثر : ترجمه- شیخ حر عاملی
۳ دایره الفرائد
ویژگی اثر : در فرهنگ قرآن؟، بیست و پنج مجلد

۴ رساله ای در تاریخ فقه و فقها

۵ رساله علم منطق و متدولوژی

۶ رساله فلسفه اسلامی

۷ رساله مبانی فلسفه

۸ قرآن و امام حسین(ع)

۹ کنز العرفان فی فقه القرآن

ویژگی اثر : ترجمه- فاضل مقداد

۱۰ گنجینه احکام قرآنی

۱۱ ناسخ و منسوخ

ویژگی اثر : ترجمه- ابن متوج بحرانی

۱۲ نمونه بینات در شان نزول قرآن

محقق، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا محقق از افاضل علماء و دانشمندان بنام معاصر نیشابور بوده است مرحوم محقق چند سالی در قم اقامت داشتند و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه صدر و دیگران استفاده نموده و پس از آن به وطن مراجعت و به تدریس و تبلیغ دین از راه منبر پرداخته تا به رحمت حق پیوسته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

محقق، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی محقق در سال ۱۳۰۸ شمسی در مشهد به دنیا آمد، و پس از تحصیلات مقدماتی ، علوم حوزه ای را در مشهد و تهران تا حد اجتهاد طی کرد. پس از اخذ لیسانس از سال ۱۳۳۰ تا سال ۱۳۳۹ به دبیری دبیرستانها و اداره بخش نسخ خطی کتابخانه ملی فرهنگ پرداخت. در سال ۱۳۳۷ دکترای الهیات و معارف اسلامی را به پایان رسانیدو درسال ۱۳۳۸ دکترای زبان و ادبیات فارسی اخذ نمود. در سال ۱۳۳۹ به دانشیاری دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برگزیده شد و درسال ۱۳۴۶ به درجه استادی ارتقا یافت. استاد از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۷ مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران و بعد از انقلاب نیز به مدت یک سال عهده دار ریاست دانشکده دماوند گردید. او به مدت دو سال به عنوان استاد مهمان در دانشگاه لندن و مدت هشت سال به تناوب در دانشگاه مک گیل کانادا به تدریس پرداخت و در سال ۱۳۴۷ شعبه موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل را در تهران تاسیس کرد. ایشان عضو و رییس انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی و عضو هیات امنای انجمن فلسفه ایران بوده و اکنون رییس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و مشاور علمی و عضو هیات امنای بنیاد دائره المعارف اسلامی و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. استاد همچنین عضو ایرانی فرهنگستان زبان و ادب مصر می باشد و در فرهنگستان های اردن ، سوریه ، هند و مجمع بین المللی فلسفه در قرون وسطی و مجمع بین المللی تاریخ پزشکی نیز عضویت دارد. استاد محقق در سال ۱۳۶۱ از سمت استادی دانشگاه تهران بازنشسته گردید و پس از آن در دانشگاه های مشهد ، امام صادق (ع) ، تربیت مدرس ، الزهراء و شهید مطهری تدریس کرده است.ایشان برگزیده همایش طرح سپاس بهمن ۸۵ در فرهنگسرای ابن سینا می باشند.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : مهدی محقق فرزند حاج شیخ عباسعلی محقق واعظ خراسانی و نوه مرحوم آخوند ملا بمانعلی دامغانی می باشد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : مهمترین حادثه بوقوع پیوسته در دوران کودکی مهدی محقق ، واقعه خونین مسجد گوهرشاد مشهد بود. استاد از این واقعه چنین تعریف می کند: « هنوز صدای صفیر گلوله هایی که در شب واقعه شلیک می شد در گوش من طنین انداز است خصوصاً که این واقعه مصادف شد با پنهان زیستن پدرم زیرا او از کسانی بود که در شب واقعه منبر رفته بود و در ضمن در سخنانش گفته بود: « گویی ما در زیر پرچم انگلیس هستیم که هرچه آنان بخواهند باید اطاعت شود . » سرانجام پدرم پس از مدتها زندگی مخفی خود را به شهربانی مشهد معرفی نمود و از آنجا به زندان قصر منتقل شد وبیش از سه سال را در آنجا گذراند.» در سال ۱۳۱۷ با آزادی پدر از زندان ، به اتفاق خانواده به تهران رهسپار شده که این مهاجرت با ممنوع المنبر شدن پدر و اوضاع بد اقتصادی خانواده توام گشت،ناچار پدر و دو برادربزرگترش به حجره ای در مدرسه سپهسالار رفتند و بقیه خانواده نیز در اتاقی کوچک که در بازارچه نایب السلطنه قرار داشت مقیم شدند. اوضاع نابسامان مادی و بی اطلاعی پدر باعث به تعویق افتادن تحصیل دکترمحقق شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات مهدی محقق در دبستان فرهنگ آغاز گردید و در سال ۱۳۲۱ وارد دبیرستان گردید ، اما

به دلیل شرایط سخت مادی برای مدتی از تحصیل فاصله گرفت و جهت کسب درآمد وارد بازار شد، طولی نکشید استاد محقق وارد مدرسه خان مروی شد و تحصیلات خود را پی گرفت. در مدت ۴ ماه صرف میر و عوامل ملا محسن و انموذج و صمدیه را نزد حاج سید هادی ورامینی فراگرفت. محقق جهت فراگیری درس سیوطی و حاشیه وارد مدرسه سپهسالار قدیم شد. پس از گذراندن این دوران و استفاده از استادان مدارس تهران ، به مشهد رفته و در حوزه علمیه این شهر به کسب علم نزد علمای بزرگ پرداخت ، او از این دوران به دلیل بهره مند شدن از « استادان فاضل و دانشمند » به نیکی یاد می کند. استاد در شهریور سال ۱۳۲۷ در امتحان ورودی دانشکده علوم معقول و منقول به عنوان نفر سوم برگزیده شد ؛ او در سال های ۱۳۲۷ و ۱۳۳۰ همزمان با تحصیل در این دانشکده در درس مدرسان بزرگ تهران شرکت می کرد. در سال ۱۳۳۰ برای اخذ لیسانس دوم که منتهی به دکترا هم شد وارد دانشکده ادبیات شده و در سال ۱۳۳۳ لیسانس زبان و ادبیات فارسی را اخذ نمود و بلافاصله در دوره دکتری شرکت نمود. در سال ۱۳۳۴ با افتتاح دوره دکتری علوم معقول و منقول ، در دوره دکتری معقول ثبت نام کرد. او توانست در سال ۱۳۳۶ دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی را و در سال ۱۳۳۷ دوره دکتری علوم معقول و منقول را به پایان برد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مهدی محقق مدتی اداره ی بخش نسخ خطی کتابخانه ملی را عهده دار بود و با شروع فعالیت های آموزشی از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۷ مدیریت گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران را به عهده گرفت و پس از انقلاب به مدت یک سال ریاست دانشکده دماوند به وی سپرده شد. از دیگر مشاغل دکتر محقق ، عضویت و ریاست انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی و عضویت هیئت امنای انجمن فلسفه ایران بوده و اکنون رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و مشاور علمی و عضو هیئت امنای بنیاد دائره المعارف اسلامی و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی است . وی همچنین عضو ایرانی فرهنگستان زبان و ادب مصر است و در فرهنگستان های اردن ، سوریه ، هند و مجمع بین اللملی فلسفه در قرون وسطی و مجمع بین اللملی تاریخ پزشکی نیز عضویت دارد.

فعالیتهای آموزشی : شروع کار تدریس مهدی محقق به تشویق آیت الله کاشانی بود ، استاد می گوید: « مرحوم آیت الله کاشانی معتقد بود که در من فصاحتی وجود دارد که در معلمی باید از آن استفاده کنم و وقتی تعلل مرا در امر استخدام دید گفت « شما بیسوادا خودتونو کنار می کشین که همه جاها را کافرا گرفتن » کلمه « بیسواد» تکیه کلام آن مرحوم بود لذا نامه ای در صلاحیت من به وزارت فرهنگ نوشت و من به تشویق آن مرحوم ازآن سال کار تدریس را شروع کردم . » پس از اخذ لیسانس از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۹ به دبیری دبیرستان ها برگزیده شد و از سال ۱۳۳۹ به دانشیاری دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ، سپس به درجه ی استادی ارتقاء یافت. او در سال ۱۳۴۰ به مدت دوسال به عنوان استاد مهمان در دانشکده مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن و از سال ۱۳۴۴ به مدت هشت سال به تناوب در مؤسسه ی مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا به تدریس زبان و ادبیات فارسی ، تاریخ تمدن ایران و فلسفه و کلام اسلامی پرداخت. در بازگشت ، مدتی در حوزه علمیه قم عهده دار تدریس « روش تصحیح انتقادی و نشر متون اسلامی » بود. استاد محقق در سال ۱۳۶۱ از سمت استادی دانشگاه تهران بازنشسته گردید و پس از آن در دانشگاه های مشهد ، امام صادق (ع) ، تربیت مدرس ، الزهرا و شهید مطهری تدریس کرده است.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : مهدی محقق در سال ۱۳۴۷ شعبه ی مؤسسه ی مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا را در تهران تأسیس کرد. وی همچنین در بنیان گذاری « دائره المعارف تشیع » و « دائره المعارف اسلامی » هم سهمی داشته است. او در کانادا پیشنهاد تأسیس کرسی « فکر شیعه » را ارائه نمود و خود وی نیز عهده دار آن گردید و فلسفه و کلام و اصول فقه شیعه تدریس نمود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مهدی محقق در چندین کنگره بین اللملی و ملی شرکت نموده و در همه ی آنها خطابه ایراد کرده است ، که از آن جمله عبارتند از: کنگره مؤتمر اسلامی (قاهره – ۱۳۳۴) ، انجمن شعر لندن (۱۳۴۰) ، سمینار مقایسه ی گرامر زبان های سامی (دانشگاه لندن – ۱۳۴۱) ، سمینار میراث مشترک فرهنگی ایران و پاکستان و ترکیه (تهران – ۱۳۴۳) ، انجمن آمریکایی خاورشناسی (فیلادلفیا – ۱۳۴۵ ، نیوهاون – ۱۳۴۶ و دانشگاه برکلی کالیفرنیا – ۱۳۴۷) ، کنگره بین المللی مستشرقین (میشیگان – ۱۳۴۶) و هفته ی فرهنگی ایران (دانشگاه مک گیل مونترال – ۱۳۴۶). وی علاوه بر تألیف چندین کتاب ، مجموعه مقالاتی را نیز به زبان های فارسی ، عربی و انگلیسی در ایران و کشورهایی همچون لبنان ، سوریه ، هند ، پاکستان ، به رشته ی تحریر درآورده است که از آن جمله ، انتشار مقالات متعدد در مجلات دانشکده ادبیات ، یغما ، راهنمای کتاب ، فرهنگ ایران زمین ، آستان قدس رضوی ، وحید ، مهر ، الاخاء و نشریه ی کتابخانه ی مرکزی دانشگاه می باشد.

آرا و گرایشهای خاص : مهدی محقق ممیزه و مشخصه فرهنگ اسلامی نسبت به سایر فرهنگها را این می داند که هیچوقت دروازه های فرهنگ اسلامی بسته نبوده و همیشه ازخاصیت تسامح برای پذیرفتن فکر تازه و جدید برخوردار بوده است . بدان علت آنچه از علوم و معارف و دانستنی هاو دانش ها که مفید تشخیص داده شده بود ،از ملت های مختلف گرفته شده است ،این علوم و معارف را از یونانی ،سریانی ،سانسکریت ترجمه کردند و در حقیقت تکامل و ترقی فرهنگ اسلامی را دراین دانستند که آن را به موضوع خاصی منحصر نکنند .

جوائز و نشانها : مهدی محقق برگزیده همایش طرح سپاس درسال ۸۵ در فرهنگسرای ابن سینا می باشند.

چگونگی عرضه آثار : مهدی محقق، درباره اولین کتاب خود وجوه قرآن این چنین میگوید \: اولین کتاب من «وجوه قرآن» ازحبیش بن ابراهیم تفلیسی، پزشک، لغت شناس و قرآن شناس درسال ???? منتشرشد. من این کتاب را تصحیح کردم، مقدمه نوشتم و «وجوه قرآن» را توضیح دادم. دراین کتاب لغات قرآن یک به یک ذکرمی شود که به چه معنایی آمده و بعد آیه اش هم ذکرمی شود. کسانی که در حوزه قرآن مطالعه می کنند و درزمینه تفسیر کارمی کنند، این کتاب مورد نیازشان خواهدبود. «وجوه قرآن» از علومی است که همیشه موردتوجه مفسران و دانشمندان قرآن شناس بود. «وجوه قرآن» درقرن هفتم نوشته شده و از نسخه های خطی نادر و منحصر به فردی بود که مرحوم مجتبی مینوی، زمانی که رایزن فرهنگی ایران درترکیه بود، میکروفیلم این کتاب و حدود پنج هزارکتاب دیگر را برای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران هدیه آورد. این اثر درهمان دوره با سرمایه دکتر یحیی مهدوی

چاپ شد که حقوق دانشگاهی اش را وقف چاپ آثار علمی و خطی کرده بود و تفسیر سورآبادی و وجوه قرآن به این صورت چاپ شد. کتاب «تأثیرقرآن دراشعار ناصرخسرو» نیز از آثار وی است که درباره این اثر این چنین میگوید\: تأثیرقرآن در آثار ناصرخسرو خیلی بیشتر و آشکارتر است. هم ناصرخسرو و هم حافظ هردو قرآن را ازحفظ بودند. حافظ می سراید «قرآن زبربخوانم با چهارده روایت» و یا «به قرآنی که اندرسینه داری» و... ازآن طرف هم ناصرخسرو می گوید «کتابت زبردارم اندرضمیر» و... تأثیر قرآن در آثار ناصرخسرو به شکل استفاده از مضامین قرآنی، استفاده از لغات قرآنی است. وی درباره کتاب شرح و تفصی پانزده قصیده ناصرخسرو نیز میگوید \: این کتاب بعدها تبدیل به شرح و تفسیر سی قصیده شد و جزو کتاب های درسی دانشگاهی است. ناصرخسرو عالم به علوم زمان خودش بود. آثارش تجسمی از فرهنگ غنی اسلامی است و از قرآن، از حدیث، از اوستا و عهدعتیق استفاده کرده است. از فلسفه یونان هم بهره می گیرد. ناصرخسرو شاعر جامع الاطرافی بود که تربیت شده فرهنگ غنی اسلامی بود.

آثار :

۱ بستان الاطباء

۲ بیست گفتار در مباحث فلسفی و کلامی

۳ تأثیرقرآن در اشعار ناصرخسرو

۴ تحلیل اشعار ناصر خسرو

۵ ترجمه ی شرح منظومه ی غررالفرائد سبزواری

ویژگی اثر : به انضمام مقدمه ی فارسی و انگلیسی و اصطلاحات.

۶ تصحیح کتاب « مفتاح الطب و منهاج الطلاب »

ویژگی اثر : با همکاری محمد تقی دانش پژوه (کتاب برگزیده سال)

۷ تعلیقات ، مقدمه و تصحیح اشترنامه عطار

۸ تعلیقات ، مقدمه و تصحیح وجوه قرآن تفلیسی

۹ شرح الهیات شفا ملا مهدی نراقی

۱۰ شرح باب حادی عشر علامه حلی

۱۱ شرح مشکلات و مقدمه بر پانزده قصیده از ناصرخسرو

۱۲ شیعه درحدیث دیگران

۱۳ فیلسوف ری

۱۴ فیلسوف ری محمدبن زکریای رازی

۱۵ مقدمه در شرح احوال و آثار و افکار السیره الفلسفیه رازی

۱۶ مقدمه و فرهنگ لغات لسان التنزیل

۱۷ وجوه قرآن

۱۸ یادنامه ادیب نیشابوری

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

منابع زندگینامه : بانک رسانه ها- روزنامه ایران- ۲۵-۱۲-۱۳۸۱" امروز با دکترمهدی محقق"۲۱برگزیدگان علمی و فرهنگی کشور ، دفتر شورای جذب نخبگان ، ۲۵۵ ـ۳کیهان فرهنگی ،شماره ۳ ، خرداد ۱۳۶۴مجله ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، سال شانزدهم ، شماره ی ۱و ۲ ، آذر ۱۳۴۷۵میز گرد /فرهنگ و تمدن اسلامی ، نامه فرهنگ . سال سوم ، شماره چهارم . شماره مسلسل ۱۲ ، زمستان ۱۳۷۲ ، ص۱۳

محققان گورتانی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا محققیان گورتانی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۴/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب شیخ رضا محققیان گورتانی فرزند حاج اسماعیل در تاریخ ۱۰/۴/۱۳۴۸ در اصفهان متولد شده و پس از سپری کردن دوران دبستان و راهنمایی به سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه اصفهان شده و دروس مقدمات و مقداری از سطح را در حوزه علمیه اصفهان در مدرسه ذوالفقار فرا گرفته و در اصفهان در دروس حضرات آیات مرحوم سید احمد امامی و حاج سید حسن امامی و حاج آقا حجت ابطحی و شیخ علی اکبر فقیه و... شرکت نمودم.

در سال ۱۳۶۸ به حوزه علمیه قم هجرت نمودم و دروس خارج را در محضر آیات عظام آیت الله میرزا جوادآقای تبریزی و آیت الله

وحیـد خراسانی و... فرا گرفتم و در این مدت رشته تخصصی تفسیر سطح چهار را سپری نموده و موفق به حفظ کامل قرآن کریم شدم و قریب به ۱۰ سال است که به تدریس علوم حوزوی و تدریس مکاسب و رسائل و... اشتغال دارم.

هم اکنون در مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه مشغول به باز نویسی و باز نگری قانون مجازات اسلامی قصاص و دیات می باشم.

محققی شوشتری، محمد شریف

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. پـدر وی به کثرت مال مشـهور بود و در جونپور درگذشت. محمد شـریف از اعیان شـعرای زمان خود بود و بعـد از درگـذشت پدر به بنگاله رفت و ملازم ابراهیم خان فتح جنگ، حاکم آنجا شد. ابراهیم خان از دیوان جهانگیر شاه (۱۰۳۷ – ۱۰۱۴ ق) برای او قطعه زمینی (تیـولی) تعیین کرد تـا از طریـق آن زنـدگانی خود را بگذرانـد. میرزا محمـدصادق مینـای اصـفهانی، صاحب تذکره‌ی «صبح صادق»، در ۱۰۳۸ ق او را دیده و با او صحبت داشته است. اشعاری از او در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۹۷۹/ ۹)، صبح گلشن (۳۷۶ –۳۷۵)، فرهنگ سخنوران (۸۱۲ –۸۱۱)، کاروان هند (۱۲۳۲/ ۲).

محققی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسـلام اسـتاد بزرگوار مرحوم حاج محمد محققی لاهیجانی از علماء ابرار و فضـلاء اخیار در علوم جدیده اسـتاد و دارای رتبه دکترا و در علوم قدیمه مجتهد و مدرس سطوح عالی معقول و منقل بوده‌اند.

در سال ۱۳۲۸ ق در لاهیجان متولـد شـده و پس از رشـد و خوانـدن دروس جدید تا پایان متوسـطه و گرفتن دیپلم به دروس قدیمه پرداخته و برای تکمیل آن به شـهر مقدس مهاجرت و چندین سال در آنجا اقامت و سـطوح اولیه و وسطی را خوانده و پس از آن به قم آمـده و سـطوح را در نزد میرزا محمـد همـدانی و آیت‌الله خوانسـاری و دیگران تکمیل نموده و به درس آیت‌الله العظمی حایری شرکت و بعد از فوت آن مرحوم در اثر فشار زندگی و دولت وقت چندی به تجارت پرداخته تا در سفری که به شهر ری آمده و در خـدمتشان به دیـدن مرحوم آیت‌الله مجاهد حاج شـیخ محمدتقی بافقی رفتیم و ایشان را شـناختند بیاناتی کردند که مرحوم محقق را تحت‌تاثیر قرار داده در مراجعت به قم کار را تعطیل و مجدانه مشـغول به تدریس علوم عقلی و نقلی و هیئت و تشریح شدند تا اینکه ابوالزوجه ایشـان آقـای مدرسـی که یکی از علمـاء محترم یزد بودنـد فوت نموده و ایشان عزیمت یزد کرده و چنـدی در مسـجد آن مرحوم اقامه جماعت و ترویـج دین و تربیت عده‌ای از جوانان را نموده تا در سال ۱۳۷۱ قمری که مهاجرت به تهران و چند سالی به تـدریس در دانشـکده معقـول و منقول و هم وظـائف دیگر روحی و دینی نموده تـا در سـال ۱۳۷۵ ق از طرف زعیـم اعظـم آیت‌الله العظمی بروجردی اعزام به آلمان غربی و هامبورگ گشـته و در آنجا مسجد بزرگ اسلامی آلمان را بنا و صدها نفر پرفسور و دکتر و مهندس را مسـلمان و به آئین جعفری آشنا نموده و خدمات بزرگ دیگر انجام داده و منشوراتی به زبان آلمانی و غیره در مبانی و حقـایق اسـلامی منتشـر و موجب توجه مردم اروپا گردیـده که یکی از علماء مسیح گفته بود که اگر اسـتاد محققی در آلمان بماند ملت اروپا را عموما و یا اکثرا به اسلام می‌کشد.

آن مرحوم تا یکسال بعد از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی در آنجا مانده ولی در سال ۱۳۸۳ ق به واسطه بعضی از حوادث ناچار به مراجعت گردیده و در قم سـکونت گزیده و با متانت طبع و آقائی زندگی کرده تا در بیست و هشت ج ۱۳۸۹ ۱ ق که به سکته قلبی دارفانی را وداع و در مقبره ابوحسین (بقعه علماء) مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

محلاتی شیرازی، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۶ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد و مدرس. وی سالها از شاگردان برجسـته‌ی میرزای شیرازی در نجف بود. سپس به همراه میرزا به سامراء رفت و «تقریرات» اسـتادش را نگاشت. او سه سال بعد از وفات میرزای شیرازی در سامرا باقی ماند و در حدود ۱۳۱۵ ق به شیراز بازگشت و عهده‌دار تدریس و مرجعیت دینی مردم شد. آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالکریم یزدی از شاگردان او بود و قسـمتی از اصول را نزد وی فراگرفت. در شـیراز درگذشت و در مقبره‌ی سـید علی بن حمزهٔ بن موسی الکاظم (ع) در خارج شهر به خاک سپرده شد. شـعرا و ادبای عصـرش مانند فرصت شیرازی و فصیح‌الزمان و شعاع الملک در سوگ او مرثیه گفتند و ماده تاریخ ساختند. از آثارش: «التقریرات» اسـتادش، میرزای شـیرازی، در فقه و اصول؛ حاشـیه بر مبحث «الاستصـحاب» از «فرائد الاصول» شیخ انصاری؛ «الخیارات»؛ «درر الافکار فی صلح حق الخیار»؛ رساله در «رد حاج محمدکریم خان کرمانی»، رد بر شیخیه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۱۳/ ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۰ -۴۹/ ۱)، الذریعه (۲۲۰/ ۱۰، ۱۱۹ -۱۱۸/ ۸، ۱۵۲/ ۶، ۳۶۸/ ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۲/ ۱۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۶۱ -۱۱۶۰/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۰۳/ ۱)، میرزای شیرازی (۹۹ -۹۸).

محلاتی شیرازی، صدرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۹ -۱۲۸۳ ش)، عالم دینی، فقیه، مفسر، نویسنده، استاد و شاعر. در شیراز به دنیا آمد. پدرش آیت‌اللّه میرزا ابوالفضل محلاتی از علما و روحانیون بنام و دانشمند فارس بود. صدرالدین پس از تحصیل مقدمات به عتبات عالیات رفت و مدتی از محضر استادان آنجا بهره گرفت و به شیراز بازگشت. چندی در اصفهانی و قم تحصیلات علوم دینی خود را ادامه داد تا موفق به کسب درجه‌ی اجتهاد شد و سپس به شیراز بازگشت و در شیراز حوزه‌ی تدریس بنیان نهاد و حلقه‌ی تفسیر قرآنی ترتیب داد. از بدو تأسیس دانشکده‌ی ادبیات در شیراز به تدریس زبان عربی و ادبیات اشتغال ورزید. او علاوه بر تحقیق و نویسندگی، شعر هم می‌سرود و چون به طریقه‌ی ذهبیه مایل بود اشعارش مضامین عرفانی داشت. از ۱۳۳۴ ش صبحهای جمعه انجمن ادبی صدر را در خانه خود تشکیل داد. وی از اعضای مؤسس کانون دانش پارس نیز بود. این کانون مجالس دبی داشت و تألیفات گوناگون اعضای کانون را به چاپ می‌رساند و دارای نشریه بود. آثار علمی و ادبی محلاتی در این نشریه به چاپ می‌رسید. از آثار وی: تفسیر «سوره‌ی والعصر»؛ «شأن نزول آیات قرآن»؛ «مناسک حج»؛ «اسرار حج»؛ «دار العلم شیراز»؛ «ولایت فارس در زمان خلفاء»؛ «مکتب عرفان سعدی»؛ «مقدمه تاریخ ادب عرب».[۱]

مؤلف، محقق، شاعر.

تولد: ۱۲۸۴، شیراز.

درگذشت: ۷ اسفند ۱۳۵۹، شیراز.

صدرالدین محلاتی، متخلص به «صدر» فرزند آیت‌الله میرزا ابوالفضل محلاتی پس از تحصیل مقدمات، به عتبات رفت و مدتی در آنجا از محضر استادان استفاده نمود و به شیراز بازگشت. چندی در اصفهان و قم به ادامه‌ی تحصیلات علوم دینیه پرداخت و موفق به کسب جواز اجتهاد شد. سپس به شیراز مراجعه کرد و سال‌ها رییس دفترخانه‌ی اسناد رسمی شماره‌ی یک بود. از بدو تأسیس دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه شیراز به دعوت دکتر لطفعلی صورتگر به تدریس زبان عربی و ادبیات اشتغال ورزید و تا اواخر عمر، استاد آن دانشکده بود. صدرالدین علاوه بر تحقیق و نویسندگی، شعر هم می‌گفت و چون اهل عرفان بود، اشعارش مضامین عرفانی داشت. طبع او بیشتر به غزل‌سرایی مایل بود.

از سال ۱۳۲۴ صبح‌های جمعه در خانه‌ی خود انجمن ادب تشکیل می‌داد و عده‌ای از شاعران و نویسندگان و شعر دوستان در آن شرکت می‌کردند. مباحث اعضای انجمن درباره‌ی مسائل ادبی، تفسیر، شعرخوانی و تصحیح اشعار بود. وی یکی از مؤسسان کانون دانش پارس است.

همیشه مقالات علمی و ادبی وی در جراید «پارس» منتشر می‌شد. از وی آثاری به چاپ رسید که از آن جمله است: دارالعلم شیراز (۱۳۳۳)؛ تفسیر سوره والعصر (۱۳۳۸)؛ شأن نزول آیات قرآن (۱۳۳۴)؛ مناسک حج، اسرار حج، مکتب عرفان سعدی، مقدمه‌ی تاریخ ادب عرب، ولایت فارس در زمان خلفاء (۱۳۳۴). تألیفاتی که از او باقی مانده ولی به چاپ نرسیده‌اند به این شرح است: مبانی عرفان قرآن، تصوف و عرفان سعدی، تاریخ مکه، تاریخ اسلام یا محمد (در دو جلد)؛ تاریخ ادب (در دو جلد)؛ شأن نزول آیات قرآن (جلد دوم)؛ اثبات وجود خدا.

او در هفتم اسفند ۱۳۵۹ در سن هفتاد سالگی در شیراز درگذشت و در جوار آرامگاه حضرت علی بن حمزه در مقبره‌ی خانوادگی در کنار مزار پدرش، به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۶، ش ۱ و ۲، ص ۱۵۷ -۱۵۶)، انجمن‌های ادبی شیراز (۴۷۸ -۴۷۵، ۴۰۵)، الذریعه (۱۴۳/ ۲۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۷۴، ۲۰۷۵/ ۲، ۱۳۲۰، ۹۲۹/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۲۳)، مؤلفین کتب چاپی (۵۴۰/ ۳).

محلاتی شیرازی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین بن ملا محمدعلی بن احمد محلاتی شیرازی از تلامذه میرزای شیرازی بوده در حدود ۱۳۱۰ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

محلاتی، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم بن محمدعلی مجتهد محلاتی شیرازی از فقهاء و مجتهدین جامع‌الشرایط و از شاگردان مجدد شیرازی بود که تقریرات استاد را در فقه و اصول به رشته تحریر آورده و در سال ۱۳۱۵ ق به شیراز آمده و اهالی از او استقبال شایانی کردند و سالهای طولانی در آن شهر ملجاء و مرجع مردم و منشأ زهد و تقوا و امور خیریه بود.

تألیفات معظم له عبارت است از حاشیه بر مبحث استصحاب از رسائل شیخ مرتضی انصاری و رساله‌ای در رد حاج محمد کریمخان کرمانی.

وفات آنجناب در ۲۴ ماه صفر ۱۳۳۶ ق واقع شده و شعراء و ادباء آن عصر مانند مرحوم فرصت و فصیح‌الزمان و شعاع‌الملک و دیگران برای او مرثیه گفتند من جمله مرحوم فرصت شیرازی در ماده تاریخ فوتش گفته.

دوباره سال وفاتش به فارسی گفتا

بهشت آمده الحق مقام ابراهیم

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

محلاتی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۳ -۱۲۶۹ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، متکلم، مدرس، محقق و شاعر. در محلات به دنیا آمد. در تهران و بروجرد از محضر پدرش و چند تن از علما استفاده نمود. سپس به عراق رفت و یک سال در سامرا ملازم بحث میرزای شیرازی شد. سپس به نجف رفت و نزد میرزا حبیب‌اللّه رشتی مدتی تلمذ نمود. او همچنین از میرزا ابوالقاسم کلانتری و سید حسین کوه کمری بهره برد تا به مراتب علمی عالی رسید. آنگاه خود مستقلا به بحث و تدریس فقه و اصول و تصنیف پرداخت. او در نجف درگذشت و در صحن علوی به خاک سپرده شد. از وی تصانیف بسیاری در فقه و اصول و اشعار زیادی در مدایح و مراثی ائمه (ع) باقی مانده است. از آثارش: «تنقیح الابحاث»؛ «نفائس الفوائد»، در مهمات اصول فقه؛ «لباب الاصول»؛ حاشیه بر «الملل و النحل»؛ «اللآلی المربوطهٔ»؛ «انوار العلم و المعرفهٔ»، در اصول دین که نخست نام آن «نور العلم و المعرفهٔ»، بود؛ «الدرر اللوامع»، در فقه و اصول و رجال؛ «الکلمات الموجزهٔ»، در کلام، سیاست و تاریخ؛ حاشیه بر «المکاسب»؛ حاشیه بر «الرسائل»؛ «دیوان» شعر.[۱]

اسماعیل بن محمدعلی بن زین‌العابدین محلاتی نجفی عالمی کبیر و محققی دقیق متولد ۱۲۶۹ و متوفی ۱۳۴۳ قمری از شاگردان میرزا شیرازی بزرگ و میرزا حبیب‌اللّه رشتی دارای تالیفاتی عدیده مانند تنقیح الابحاث ۲- نفائس الفوائد ۳- لباب الاصول ۴- اللئالی المربوطه ۵- انوار العلم و المعرفه ۶- نور العلم و الایمان ۷- الدرر اللوامع ۸- الکلمات الموجزه بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۱۲۴/ ۹ ،۴۰۵ -۴۰۴/ ۳)، تاریخ بروجرد (۵۲۳/ ۲)، الذریعه (۲۷۶، ۲۶۳، ۱۲۰/ ۱۸، ۱۳۴/ ۸، ۲۲۱/ ۶ ،۴۶۰ -۴۵۹/ ۴ ،۴۴۴/ ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴ ۱۶۴ -۱۶۳/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۳/ ۷)، معجم المؤلین (۶۱/ ۹ ،۲۹۳ - ۲۹۲/ ۲)، مکارم الآثار (۱۹۱۷/ ۶)، میرزای شیرازی (۱۱۴).

محلاتی، بهاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۰۱ -۱۳۱۴ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مجتهد. در نجف به دنیا آمد. در هفت سالگی به همراه پدرش به شیراز رفت و پس از فراگیری مقدمات و ادبیات، فقه و اصول را در محضر پدرش و آیت‌اللّه میرزا محمدصادق مجتهد شیرازی فراگرفت. مدتی نیز حکمت الهی را در محضر سید علی حکیم کازرونی آموخت. سپس به نجف مهاجرت کرد و مدتی ده سال از محضر آقا شیخ ضیاءالدین عراقی و آخوند ملامحمدکاظم خراسانی و علامه نایینی استفاده نمود تا به درجه‌ی اجتهاد نایل شد. در ۱۳۴۹ ق به شیراز بازگشت و عهده‌دار تدریس و مرجعیت امور دینی مردم گشت. وی تا پایان عمر خویش در ایجاد مؤسسات خیریه کوشا بود. از آثارش: تألیفاتی در فقه و اصول؛ «رهنمای حق»؛ «اصول العقائد»؛ «خطبات جانسوز».[۱]

بهاءالدین بن العلامهٔ الورع حاج شیخ جعفر مجتهد محلاتی از مشاهیر دانشمندان و علماء بزرگ معاصر شیراز است.

وی در سال ۱۳۱۴ ق در نجف اشرف متولد شده و در هفت سالگی در خدمت مرحوم والدش به شیراز رفته و پس از فراگرفتن دروس مقدمات و ادبیات هشت سالی از محضر پدر بزرگوارش و مرحوم آیت‌اللّه آمیرزا محمدصادق مجتهد فقه و اصول را خوانده است.

آنگاه مدتی نیز حکمت الهی را در خدمت مرحوم حاج سید علی حکیم کازرونی تلمذ کرده و بعد از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و در مدت ده سال متوالی از محضر علمین آیتین آقا ضیاءالدین عراقی و آقا شیخ محمدکاظم شیرازی و آیت‌اللّه نائینی استفاده نموده تا به مقام رفیع اجتهاد رسیده.

و در سال ۱۳۴۹ ق به شیراز برگشته و به وظائف دینی پرداخته و بعد از فوت مرحوم والدش در مسجد مولی به اقامه نماز جماعت و

تبلیغ و ترویج دین و تدریس علوم دینی اشتغال و تا هم‌اکنون اول عالم و مرجع دینی و علمی استان فارس و شیراز می‌باشد. تألیفاتی در اصول دین و فقه و اصول دارد و در زهد و تقوا و فضل و دانش به پدر بزرگوارش آیت‌اللّٰه حاج شیخ جعفر مرحوم اقتدا نموده و در حال حاضر که هشتاد سال از عمر شریفش می‌گذرد به خدمات دینی و روحی و اعانت به درماندگان اشتغال دارد.

عالم دینی.

تولد: ۱۲۷۵(۱۳۱۳ ق.) نجف.

درگذشت: ۲۷ مرداد ۱۳۶۰، شیراز.

آیت‌الله بهاءالدین محلاتی، فرزند جعفر محلاتی، در همان کودکی مادر خود را از دست داد و در مدرسه‌ای به نام شریعت تحت نظارت آیت‌الله میرزا ابراهیم محلاتی و به سرپرستی آقا شیخ محمدحسین حیات، به مدت شش سال بسیاری از علوم مقدماتی را آموخت. پس از تحصیلات ابتدایی و دروس مقدماتی به مدت هشت سال نزد پدر خود و آیت‌الله میرزا محمدصادق مجتهد شیرازی سطوح رفته و اصول و در محضر علامه سید اسماعیل کازرونی حکمت و فسلفه را فراگرفت.

در بیست سالگی قصد عزیمت به حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف را داشت و چون در بحبوحه جنگ جهانی اول، عراق هم مانند ایران صحنه‌ی تاخت و تاز نیروهای انگلیسی قرار گرفت. مراجع نجف برای بیرون راندن متجاوزان حکم جهاد صادر کردند. در پی این فتوا، پدرش و او نیز رهبری حرکت را بر عهده گرفته و لباس رزم بر تن کرد و همراه با ۷۰۰ مجاهد، به طرف برازجان حرکت کردند. این مبارزه ادامه داشت تا انگلیسی‌ها مجبور به عقب نشینی شدند. در سال ۱۳۴۲ ق. رهسپار نجف شد و مدت چند سال به تحصیل پرداخت. سپس از سوی محقق عراقی و محقق شیرازی برای وی اجازه اجتهاد صادر شد. برخی از استادان ایشان در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف، اشرف عبارتند از: آیات عظام محمد حسین نایینی، ضیاءالدین عراقی، سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ محمدکاظم شیرازی.

پس از رسیدن به مقام اجتهاد، در سال ۱۳۴۹ ق. به شیراز برگشت. در سال ۱۳۴۹ ق. به ساماندهی حوزه‌ی علمیه‌ی شیراز، تدریس و دیگر مناصب روحانی خویش پرداخت. با درگذشت پدرش در ۱۳۵۸ ق. رسما ریاست حوزه‌ی علمیه‌ی شیراز را عهده‌دار شد. وی همچنین در مسجد مولا ـ نیز به وعظ و سخنرانی می‌پرداخت. از دیگر اقدامات آیت‌الله محلاتی تشکیل جلسات منظم بحث و بررسی اصول عقاید بود که در حدود سال های ۱۳۳۹ –۱۳۳۸ و با شرکت دانشگاهیان و فرهنگیان، در شب‌های دوشنبه و پنجشنبه برگزار می‌شد. بعدها این گردهمایی نام «انجمن دین و دانش» به خود گرفت و آن درس‌ها به نام راهنمای حق، به عنوان یازدهمین نشریه‌ی انجمن منتشر شد.

تا قبل از وفات آیت‌الله سید حسین بروجردی، آیت‌الله محلاتی از چاپ و نشر رساله‌ی علمیه خودداری می‌ورزید و مردم را به مراجع قم و نجف ارجاع می‌داد. اما پس از وفات آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله حکیم، توضیح المسائل خود را منتشر کرد. آیت‌الله محلاتی به غیر از تقریرات درس فقه و اصول استادان خود و رساله‌های فتوایی مانند رساله عملیه، مناسک حج، و حاشیه‌ی عروهٔ الوثقی، نوشتارهای دیگری مانند اصول عقاید (شیراز، ۱۳۲۵)؛ راهنمای حق (تهران، جلد اول چاپ دوم، ۱۳۲۹)؛ و خطبات جانسوز (شیراز، ۱۳۳۸)؛ را تألیف کردند. آیت‌الله محلاتی به تأسیس بنیادهای عام‌المنفعه و مؤسسه‌های خیریه اهتمام می‌ورزید که مهم‌ترین آنها به شرح زیر است: درمانگاه خیریه حضرت ولی عصر (۱۳۴۶، شیراز)؛ مؤسسه خیریه قائمیه (۱۳۵۴)؛ کوی امام علی (شیراز).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۱۲/ ۱۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۵۹ –۴۵۸/ ۵)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۷۸۳/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۲۷ –۱۲۶/ ۲).

محلاتی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر بن شیخ محمدحسین مولی احمد محلاتی مجتهد شیرازی از فقهاء و مجتهدین بزرگ بود.

آنجناب در سال ۱۲۴۳ شمسی در شیراز متولد شده پس از تحصیل مقدمات و علوم ادبیه برای تکمیل تحصیل مهاجرت به سامره نموده و چند سالی از محضر آیت‌اللّٰه العظمی مجدد شیرازی بعد علامه خراسانی و آیت‌اللّٰه حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی استفاده نموده تا به مدارج عالیه علم و اجتهاد رسیده و با دریافت اجازه اجتهاد به شیراز آمده و از همان بدو ورود به واسطه فضل و دانش و زهد و تقوا که داشت مورد توجه عامه مردم قرار گرفت.

و فضلا و دانشمندان محضرش را مغتنم دانسته و به درس وی شتافته و آنجناب هم عمر شریف خود را وقف تدریس و دستگیری از افتادگان قرار داده و در مسجد مولا ـ به اقامه جماعت و گفتن تفسیر مشغول گردیده تا در روز ۱۶ اردیبهشت ۱۳۱۸ شمسی که بدرود حیات گفته و با تشیع عجیبی در جوار جناب علی بن حمزه موسوی که مقبره خانوادگی ایشانست مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

محلاتی، جلال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلال‌الدین بن شیخ جعفر مجتهد محلاتی شیرازی، از دانشمندان معاصر است و در بیست و یکم ذی‌قعده ۱۳۳۰ ق در شیراز متولد شده و تحصیلات دینی را در محضر مرحوم حاج حکیم و شیخ میرزا حسن قاضی عسکر و آقا سید صدرالدین کوپائی فقه و کمی حکمت الهی و در محضر آیت‌اللّه میرزا محمدعلی شاه‌آبادی کفایهٔالاصول و سطوح فقه و اصول را تکمیل کرده سپس به زراعت و کشاورزی پرداخت و خدمات اجتماعی بسیاری نموده است. شیخ احمد دارابی و آقای شیخ محمدعلی موحد حکیم و شیخ محمدرضا آموخت و به اصفهان رفت و سالی در خدمت

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

محلاتی، ذبیح‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۰۶ -۱۳۱۰ ق)، عالم دینی، متکلم، خطیب و محقق. در محلات به دنیا آمد. پس از نشو و نما و تحصیل مقدمات در زادگاهش، نزد شیخ عبدالحسین کبیر، به همراه مادر برای تکمیل علوم به نجف رفت. او در محضر علامه نایینی و آیت‌اللّه ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه حاج سید حسن صدر و آیت‌اللّه جواد بلاغی تلمذ کرد و همچنین از اساتیدی چون آیت‌اللّه سید محمد فیروزآبادی و آیت‌اللّه میرزا آقا اصطهباناتی و آیت‌اللّه شیخ عبدالحسین رشتی و دیگران بهره برد تا به مراتب علمی نایل شد و از اساتید بزرگ نجف اجازه اجتهاد و روایت گرفت. سپس در سامراء ساکن گردید و به بحث و تألیف مشغول شد و در ضمن آن از بحثهای رجال و حدیث و درایه آیت‌اللّه میرزا محمد عسکری تهرانی بهره‌مند شد. در ۱۳۷۶ ق به ایران بازگشت و در تهران ساکن گردید و به تألیف و امامت جماعت پرداخت. از آثارش: «ریاحین الشریعهٔ»، شرح حال زنان دانشمند شیعه، در شش مجلد؛ «اختران تابناک»؛ «مأثر الکبراء فی تاریخ سامراء»، به عربی؛ «الحق المبین»، در قضاوتهای امیرالمؤمنین (ع)؛ «قرهٔالعین»، در حقوق والدین؛ «کشف العثار»، در مفاسد خمر و قمار؛ «کشف الغرور»، در مفاسد بی‌حجابی؛ «کشف البنیان عن جنایات عثمان»؛ «کشف حقیقت»؛ «کشف الغاشیهٔ»؛ «کشف الهاویهٔ»، در جنایات معاویه؛ «لطائف الحکایات»؛ «کشف المغیبات»؛ «فرسان الهیجاء»؛ «شمس الضحی»؛ «وقایع الایام»، در هشت مجلد که سه مجلد آن «مجالس الواعظین» نام دارد؛ «الکلمهٔ التامهٔ»، در احوال اکابر عامه.[۱]

حاج شیخ ذبیح‌الله محلاتی عسکری تهرانی از علماء اعلام و محدثین گرام و وعاظ والامقام و نویسندگان بنام معاصرند در تهران تولدش در محلات واقع شده و مهاجرت به عراق و نجف اشرف نموده و سطوح را از مدرسین عالی نجف فراگرفته و به درس خارج آیات عظامی چون مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله حاج شیخ جواد بلاغی و دیگران حاضر شده و در کاظمین از مرحوم آیت‌الله حاج سید حسن صدر هم استفاده نموده و در سامره از رجال و حدیث و درایه آیت‌الله میرزا محمد عسکری تهرانی بهره‌مند شده و به افتخار مصاهرت آن مرحوم نائل گردیده آنگاه مهاجرت به تهران نموده و به ترویج دین و تبلیغ و نشر آثار و اخبار اهل‌بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله

پرداخته و در مسجد مشیرالدوله واقع در خیابان اهل علی خیابان مسکرآباد تهران نیز به اقامه جماعت اشتغال دارند.

تالیفات مفیده و ارزنده بسیاری دارد که اغلب آنها به طبع رسیده است و در حال حاضر در کثرت تالیف کم‌نظیر می‌باشند و آنها از این قرار است:

۱- ریاحین‌الشریعه در احوال بانوان شیعه در ۵ جلد مکرر به طبع رسیده است.

۲- تاریخ سامره در سه مجلد که دو مرتبه چاپ شده است.

۳- کشف الاشتباه در کجرویهای اصحاب خانقاه به طبع رسیده است.

۴- کشف الهاویه در احوال و مطاعن معاویه به طبع رسیده است.

۵- الحق المبین در قضاوتهای امیرالمومنین علیه‌السلام که تاکنون شش مرتبه به طبع رسیده است.

۶- لطایف الحکایات به طبع رسیده است.

۷- اختران تابناک به طبع رسیده است.

۸- فرسان الهیجاه در دو مجلد مکرر به طبع رسیده است.

۹- کشف حقیقت مشتمل بر فتاوای اهل سنت و قدح آنها به طبع رسیده است.

۱۰- کشف‌الغرور در مفاسد بی‌حجابی و زیان آن. به طبع رسیده است.

۱۱- کشف‌المغیبات مشتمل بر اخبار غیبیه. به طبع رسیده است.

۱۲- کشف‌الغاشیه در زندگانی عایشه. به طبع رسیده است.

۱۳- کشف‌البنیان در جنایات عثمان. به طبع رسیده است.

۱۴- نارالله الموقده علی الکافرین متضمن حمله‌های حضرت علی علیه‌السلام.

۱۵- قره‌العین- فی حقوق الوالدین.

۱۶- کشف‌العمار یا کانون فساد الی ساحل نجات.

۱۷- مطلوب الراغب در احکام ریش و شارب.

۱۸- کشف‌التهمه.

۱۹- السیوف البارقه.

۲۰- وقایع‌الایام- یا مجالس الواعظین دو جلد.

۲۱- شرافهٔ الاسخیاء و رذالهٔ البخلاء.

و حدود ۳۴ جلد کتاب دیگر در فنون مختلفه که مخطوط و آماده طبع است.

فقیه، محقق.

تولد: ۱۲۷۱(۱۳۱۰ ق.)، محلات.

درگذشت: اسفند ۱۳۶۴.

علامه حاج شیخ ذبیح‌الله محلاتی مقدمات تحصیل را نزد شیخ عبدالحسین کبیر در محلات به پایان رسانید. سپس همراه با مادرش عازم نجف اشرف شد و در آنجا از محضر رجال علم و حدیث و درایه سود برد و در درس خارج اساتیدی چون شیخ مرتضی طالقانی، عبدالرحمان قزوینی، آیت‌الله عبدالحسین رشتی، آیت‌الله اصطهباناتی، حجت‌الاسلام سید محمد فیروز آبادی، آیت‌الله سید ابوتراب خوانساری، شیخ محمد جواد بلاغی، فاضل نیشابوری، شیخ صادق بروجردی، آیت‌الله نایینی، آیت‌الله سید ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله سید حسن صدر شرکت کرد. وی با اتمام تحصیلات، پس از یازده سال اقامت در نجف اشرف به سامرا رفت. در آنجا نزد آیت‌الله میرزا محمد تهرانی و آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی باقی ماند و به تدریس در حوزه‌ی سامرا و مدرسه‌ی میرزای شیرازی پرداخت. در همین شهر است که به فعالیت تحقیقاتی نیز پرداخت که حاصل آن دو اثر است به نام‌های مآثر الکبراء فی تاریخ سامراء در دوازده جلد به زبان عربی (سه جلد آن در تهران به چاپ رسیده است) و الکلمهٔ التامه فی تراجم اکابر العامه به فارسی در پنج جلد. دوره‌ی اقامت وی در شهر سامرا نزدیک به بیست و پنج سال به طول انجامید. وی در سال ۱۳۲۷ به تهران بازگشت.

از جمله آثار قلمی ایشان است: دایرهٔ المعارف شش جلدی ریاحین الشریعه (به فارسی و حاوی شرح حال بانوان دانشمند شیعه در زمینه علم و ادب و مذهب در تاریخ اسلام)؛ الحق المبین (در قضاوت‌های امیرالمؤمنین؛ این کتاب به کرات به چاپ رسیده است)؛ اختران تابناک (در دو جلد)؛ فرسان الهیجاء (در ترجمه سیدالشهداء به ترتیب حروف در دو جلد)؛ قرهٔ العین فی حقوق الوالدین؛ وقایع الایام (دو جلد)؛ لطایف الحکایات یا داستان‌های آموزنده (مشتمل بر ۳۰۳ حکایت در ۵۷۶ صفحه در دو جلد)؛ کشف الاشتباه (در کجروی‌های اصحاب خانقاه)؛ کشف الهاویه (در احوال و مظالم معاویه)؛ کشف حقیقت (مشتمل بر فتاوای اهل سنت و در شرح حال بزرگان اهل سنت ابوحنیفه و مالک و شافعی و حنبلی)؛ کشف الغرور (در مفاسد بی‌حجابی و زیان آن)؛ کشف المغیبات (مشتمل بر اخبار غیبیه امیرالمؤمنین)؛ کشف الغاشیه (در زندگانی و هویت عایشه)؛ کشف البنیان (در ترجمه عثان بن عفان)؛ کشف العثار (در مفاسد شراب و قمار)؛ کشف الاکاذیب (در عجز خلیفه‌ی دوم از پاسخ به مسائل)، کشف الخفاء (در خصوص تذکرهٔ الاولیاء)، کشف المنافع (در منافع و خواص حیوانات، نباتات و جمادات)؛ کشف زردشتی از طریقه (زردشتی) کشف التهمه؛ مطلوب الراغب (در احکام ریش و شارب)؛ السیوف البارقه (در رد صوفیه)؛ نارالله الموقده علی الکافرین (یا جنگ‌های امیرالمؤمنین)؛ قلائد النحور (در حوادث ایام و شهور مشتمل بر وقایع دوازده ماه در هشت جلد)، مجالس الواعظین (در چهار جلد)، شمس الضحی (در نقل و تحویل سر مبارک سید الشهداء) شرافهٔ السخیاء و رذالهٔ البخلاء، ضرب شمشیر بر منکر خطبه غدیر؛ طعن سنان (در مناقشات احکام القرآن سید ابوالفضل برقعی)، المعالی (در احیاء العلوم غزالی)؛ امثال القرآن؛ بیاض (در اشعار متفرقه)؛ خیر الکلام (دو جلد در خصوص سید احمد کسروی)؛ صندوق النفایس؛ کشکول؛ مجموعه کبیری (عربی و فارسی)؛ نعم النصیر (ترجمه‌ی بعضی از قسمت‌های کتاب الغدیر).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۲۸ -۱۲۷/ ۲۵ ،۶/ ۱۹ ،۱۲۲ ،۴۴ ،۴۲/ ۱۸ ،۱۶۵ ،۱۵۲ -۱۵۱ ،۷۲/ ۱۷ ،۱۶۸/ ۱۶ ،۲۹۳ ،۹۹/ ۱۲ ،۳۱۴ -۳۱۳/ ۱۱ ،۲۸۵ ،۳۸/ ۷ ،۲۵۵/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۱۶ -۷۱۵/ ۱۴)، کیهان فرهنگی (س ۲، ش ۱۲، ص ۳۹)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۶۲/ ۳).

محلاتی، صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر و صوفی. وی اهل محلات و جد مادری آقاخان محلاتی، و از جمله علما بود. وی دست ارادت به دامان مشتاق علیشاه زد و از جانب او ارشاد می کرد.در قم و فات یافت و همان جا دفن شد. صاحب «حدیقه الشعراء» تاریخ مرگ وی را حدود هزار و دویست و سی واندی ذکر کره است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۰۴۷ / ۲).

محلاتی، عبدالحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۲۳ -۱۲۷۴ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مدرس و شاعر. گفته‌اند که از فرزندزادگان آخوند شفیعا است. جد مادریش آقا ابراهیم خان از اعیان کرمان بود که به لطفعلی‌خان زند پناه داد، لذا آقا محمدخان پس از فتح کرمان او را کور و با خانواده روانه

محلاـت کرد. شیخ عبدالحسین در محلات به دنیا آمـد. او در قم و اصـفهانی تحصـیل و از محضـر علما اسـتفاده نمود. آنگاه برای ادامه‌ی تحصـیل به نجـف رفت و در محضـر میرزا حبیب‌اللّه رشتی تلمـذ نمود و پس از رسیدن به درجه اجتهـاد و مراتب عـالی به اصـفهان بازگشت و به تـدریس و بحث و تألیف پرداخت. او در مـدرسه صـدر درس خارج می گفت و شاگردان فاضل بسیاری به درس او حاضـر می‌شدنـد. در اصـفهانی درگـذشت و در حوالی قبر فاضل هندی دفن شد. از آثارش: «مغتنم الدرر و منتخب الغرر»؛ حواشـی «الرسائل»؛ شـرح «کشف الغطاء»؛ حواشـی «القوانین»؛ «تسـلیت نامه»؛ رساله‌هایی در: «اللباس المشکوک»، «زیارت عاشورا»، «العدالـۀ»، «صـلاهٔ الجماعـۀ»، «قاعـده‌ی بینه»، «اصل تعارض»، «اصل برائت»، «قاعدهٔ اشـتغال» و «تعریف علم اصول»؛ «دیوان» شـعر، به عربی و فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تذکرهٔ القبور (۴۰۹)، الذریعه (۲۹۳/ ۲۱ ،۶۸۴/ ۹ ،۱۰۳ ،۹۸/ ۷)، طبقـات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۵۸ -۱۰۵۶/ ۱۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۶۴ -۱۱۶۳/ ۳)، معجم المؤلفین (۸۸/ ۵).

محلاتی، کاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۳ ق)، شـیمیدان، داروسـاز، اسـتاد، مـترجم و شـاعر، متخلص به شـیوا. معروف به شـیمی. برادر نصـیر الاطبـاء و پـدر دکتر محمود شـیمی و جد خاندان شیمی است. میرزا کاظم از شاگردان دوره‌ی اول دارالفنون و از نخستین گروه محصلین اعزامی به اروپا در زمان ناصـرالدین‌شاه بود. وی در رشـته‌ی طبیعی و داروسازی تحصیل کرد و از محصلین خوب بود به طوری که در گزارش سال اول مـدرسه نـام او و باقرخان بن هادی خان شـیرازی در روزنامه‌ی «وقایع اتفاقیه» درج شـد. پس از بازگشت از اروپا به سـمت معلم شیمی در دارالفنون انتخاب شد و حدود چهل سال در آن مدرسه به جای معلم خود تدریس کرد. وی کتاب «چرا به این جهت»، در صحبت ساده‌ی طبیعی و هیئت، نوشته‌ی یکی از زنان دانشمند فرانسوی را ترجمه کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریـخ مؤسـسات تمدنی جدید در ایران (۲۸۶ -۲۸۵/ ۱)، شـرح حال رجال (۱۴۱/ ۳)، فرهنگ سـخنوران (۵۳۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴ -۴۳/ ۵).

محلاتی، مجدالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجدالـدین فرزنـد علامه فقیه آیت‌اللّه العظمی حـاج شـیخ بهاءالـدین محلاـتی فرزنـد عالم جلیل حاج شـیخ جعفر محلاتی از علماء بزرگ و معروف استان فارس و بالاخص شیراز است که در سال ۱۳۰۴ شمسی برابر ۱۳۴۵ قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و در خدمت والد ماجدش به شیراز آمده و در بیت شریف محلاتی که سابقه سیصد ساله دارد پرورش یافته و مقدمات و دروس جدید را خوانـده و در سن بیست سالگی در سال ۱۳۶۵ قمری سال رحلت آیت‌اللّه العظمی اصفهان به قم عزیمت نموده و مقداری از سطوح را در خدمت مرحوم حاج شیخ مرتضی حایری یزدی و حاج آقا سلطانی بروجردی تکمیل نموده و جلد اول کفایه را از مرحوم حاج سید زین‌العابدین کاشانی و جلد دوم را از محضـر مرحوم علامه طباطبائی و مرحوم میرزا محمد مجاهد تبریزی آموخته و مکاسب را از مرحوم حاج شـیخ محمدعلی کرمانی استفاده نموده و به درس خارج آقای محقق داماد و امام راحل و آیت‌اللّه العظمی بروجردی شرکت و بهره‌مند شده و شرح تجرید را از مرحوم آیت‌اللّه حاج سید احمد خونساری فراگرفته است.

در سال ۱۳۸۰ قمری به شـیراز برگشته و به خدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج دین در مسجد مولا مسجد آبائی و اجدادی و نیز مسـجد ولی عصـر عجل‌اللّه فرجه الشـریف واقع در خیابان داریوش شـیراز که از آثار خیر خودشان می‌باشد مشغول شده و به واسطه اعـتراض و روشـن کردن افکـار مردم بـالخصوص نسـل جوان بـه جنایـات رژیم شـاه از طرف دولت بـازداشت و تبعیـد به ایرانشـهر بلوچستان و زاهدان شده و پس از چندین ماه آزاد و در نهضت امام راحل و قیام پانزده خرداد با والد ماجدش مرحوم آیت‌اللّه حاج شیـخ بهاءالدین محلاتی و خطیب توانا و واعظ برنای شـیرازی حاج سـید مجدالدین مصـباحی دسـتگیر و به زندان ارتش تهران برده شدنـد و پس از چنـد مـاه آزاد و به وطن بـازگشت باز به خـدمات دینی پرداخته تا حال تحریر این کتاب سال ۱۴۱۲ قمری و ۱۳۷۰ شمسی اشتغال دارند.

دارای آثار علمی و فرهنگی و اجتماعی می‌باشند که ذیلا می‌نگارم.

آثار علمی و باقیات الصالحات ایشان

۱- تفسیر بعضی از سور قرآنیه.

۲- ترجمه کتاب (ثم اهتدیت) دکتر تیجانی تونسی.

۳- ترجمه کتاب کونوا مع الصادقین دکتر تیجانی.

۴- درس عقاید برای دانشگاهی‌ها.

۵- تأسیس خیریه اسلامیه در سال ۱۳۴۳ شمسی.

۶- تأسیس مدرسه حضرت ولی‌عصر در خیابان نمازی نو (شهید دستغیب).

۷- تأسیس کتابخانه مدرسه امام عصر (ع) که بیش از بیست هزار جلد کتاب دارد.

داماد معظم ایشان فاضل ارجمند و نویسنده دانشمند جناب حاج سید حسین مدرسی است که از افاضل آقازادگان حوزه علمیه است که چندین سال است در دانشگاه واشنگتن امریکا مشغول به تدریس و خدمات دینی می‌باشند ادام‌اللَّه عزهم و توفیقاتهم.

مجدالدین محلاتی بن العلامهٔ الورع آیت‌اللَّه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی شیرازی از علماء فعال و موثر و خدمتگذار معاصر شیراز است.

وی در حدود سال ۱۳۴۶ قمری ه در شیراز متولد شده و در بیت علم و فضیلت آیت‌اللَّه محلاتی پرورش یافته و دروس جدید را تا متوسطه خوانده و به تحصیل علوم ادبی و عربی پرداخته و مقدمات و سطوح وسطی را در شیراز نزد والد ماجدش و مدرسین دیگر فراگرفته و مهاجرت به قم نموده و در حوزه علمیه سطوح عالی را از اساتید بزرگ به پایان رسانیده و به درس خارج آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی شریعتمداری و آیت‌اللَّه العظمی خمینی و دیگران حاضر و از دروس فقه و اصول آنان استفاده نموده است مترجم محترم ما (جناب مستطاب حاج آقا مجدالدین محلاتی) با داشتن استعداد فوق‌العاده به مدارج عالیه علم و کمال رسیده و بر بسیاری از اقران فائق و مشار بالبنان گردیده و بعد از فوت آیت‌اللَّه العظمی بروجردی به شیراز مراجعت و به خدمات دینی و اجتماعی از قبیل امامت در مسجد حضرت ولی عصر عجل اللَّه فرجه الشریف که به همت و سعی وی بنا شده و تدریس در مدرسه خان و گفتن تفسیر قرآن و تنویر افکار روشنفکران و نسل جوان پرداخته و خدمات بسیار ارزنده‌ای نموده است.

آثار و باقیات الصالحات معظم له از بناء و تعمیر مساجد در شیراز و حومه آن بسیار است.

و از خدمات اجتماعی ایشان تأسیس درمانگاه بزرگ و مهمی است بنام درمانگاه «ولی عصر» که برای بینوایان و مستمندان تأسیس نموده و تاکنون هزارها نفر بیمار را به رایگان معالجه و مداوا نموده است.

نگارنده گوید: مترجم محترم که در میان روحانیون شیراز و حوزه علمیه قم و غیره معروف به فضل و دیانت و در شیراز بسیار موجه و مانند نیاکان و اسلاف گرامش مورد علاقه و توجه مردم عالم‌دوست شیراز است.

در خلال خدماتش سوانحی برای وی پیش آمده که قهراً قریب دو سال در ایرانشهر بلوچستان و زاهدان و شهر بابک و یزد اقامت داشته و در آنجا هم اشتغال به وظائف روحی خود داشته و در حال حاضر یکی از دانشمندان و علماء نافذ و ممتاز استان فارس و شیراز محسوب می‌شود.

ایشان غیر از جزوات تقریرات درسی فقه و اصول اساتید حوزه علمیه قم تالیفات دیگری دارند که بطبع نرسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

محلاتی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجهٔ‌الاسلام آقا شیخ محمد معروف به (یارقلی) بن العلامه حاج شیخ اسماعیل محلاتی عالمی فاضل صاحب کتاب (خوش یارقلی) در ۱۳۳۷ ق در زمان والدش از دنیا رفته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

محمد بهرام

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۵۹ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «اخلاق منصوری» غیاث منصور، به قلم کتابت خوش، به شیوه‌ی سلطان محمد نور، با رقم: «تمام شد کتاب... محمد بهرام سنه ۹۵۸»؛ یک نسخه «دیوان» امیر شاهی، به همان قلم، با رقم: «کتبه العبد المذنب محمد بهرام بمدینهٔ الشام فی تاریخ ۹۵۹»؛ یک نسخه «رسم الخط» مجنون چپ نویس و «قواعد خطوط» سلطانعلی مشهدی، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «قد تم... محمد بهرام بمدینهٔ شام، فی سنه ۹۵۹».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۶۳/ ۳).

محمد تاج‌الدین حیدر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۰۰ ق)، مذهب و خطاط. از مذهبان شیرین قلم شیراز بود و در خط نستعلیق نیز دست داشت. از آثار رقم‌دار وی، که نمونه خط نستعلیق استادانه و همچنین صنعت تذهیب خود را یکجا ارائه داده، یک نسخه کلام‌اللَّه مجید، به خط عبدالوهاب شیرازی و به سال ۱۰۰۰ قمری است، با رقم: «... بسعی و اهتمام العبد الاحقر، محمد تاج‌الدین حیدر مذهب شیرازی به نهایت رسید».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۰۹/ ۴)، احوال و آثار نقاشان (۶۷۲/ ۲).

محمد حسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم و فاضل محقّق از آثارش [کتابت] شرح حدیث غمامه (معروف به حدیث بساط) است که قاضی سعید قمی فرزند محمد مفید شاگرد فیض کاشانی در سال ۱۰۹۹ در اصفهان تألیف نموده، و صاحب عنوان آن را در سال ۱۲۶۳، برای خود نوشته، و در کنار آن حواشی پدر خویش را در این کتاب نقل نموده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

محمد حسین بن ملا عبدالکریم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، در جمعه غره‌ی شوال المکرم (عید فطر) سال ۱۲۸۳ وفات یافته، در تکیه‌ی مادر شاهزاده مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش این است:

از پی تاریخ او بهای حزین گفت

شیخ حسین از زمانه کام ندیدی

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

محمد زین‌الدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علما و فقها، در ۹ ربیع الاول سال ۱۲۰۲ وفات یافته، در تخت فولاد نزدیک بقعه‌ی آقا محمد بیدآبادی مدفون شده است.

ماده تاریخ وفاتش را ملا حسین رفیق گفته، این است:

بهر تاریخش به آیین دعا گفتا رفیق

گفت (دایم باد خلد آقا محمد را مکان)

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

محمد صادق (مینا)

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن محمد صالح اصفهانی در اواسط عهد صفویه به هندوستان مهاجرت نموده، فاضل و ادیب و نویسنده و شاعر بوده، کتب چندی در رجال و تاریخ نوشته که از آن جمله است: ۱- رجال ۲ - شاهد صادق، فارسی کبیر، در انواع علوم ۳ - الشمس البازغة در حکمت، رد بر میرداماد در مبحث حدوث دهری ۴ - صبح صادق، در رجال، فارسی و بزرگ، در چندین مجلد ۵ - القلائد؛ و غیره. نصرآبادی گوید که جد او بوده، و محمد صالح در هند در ۱۰۳۷ وفات یافته، و محمد صادق شاعر و ادیب و متخلص به «مینا» بوده، و در ۱۰۶۱ در هند از دنیا رفته است.

صاحب عنوان در رجال خود، خویشتن را بدین‌گونه معرفی می‌کند:

کوچه گرد دیار نادانی

صادق صالح سپاهانی

در منتظم ناصری در وقایع سال ۸۸۸ گوید: وفات صدرالدین محمد طبیب زبیری اصفهانی که نسب آقا محمد صادق مؤلف کتاب «شاهد صادق» به او می‌رسد.

در مقدمه‌ی تذکره‌ی نصرآبادی وی را صدرالدین علی می‌نویسد. در هر حال، از صاحب عنوان قبلا مختصرا نام برده شده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

محمد صالح، آقابزرگ

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۹۴ ق)، عالم دینی. از نوادگان ملا محمدباقر مجلسی و از فضلای قرن دوازدهم بود. نواده او میرزا حیدرعلی مجلسی در کتاب خود «اجازه‌ی کبیر» از «تهذیب الاخلاق» و «اخلاق المولی محمدصالح» آقابزرگ، در باب اخلاق، یاد کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرة القبور (۱۳ -۱۲)، الذریعه (۵۰۷ /۴، ۳۷۶ -۳۷۵ /۱)، مرآت الاحوال جهان‌نما (۱۳۵، ۱۳۴ /۱).

محمد کاتب، حسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از کاتبان گمنام بود. به خط وی یک نسخه «اخلاق محسنی»، در موزه‌ی هرات است، به قلم کتابت متوسط و با رقم: «تم الکتاب... کتبه العبد حسن محمد الکاتب عفی عنه فی سنه احدی و ستین و تسعمائه». ممکن است وی همان حسن کاتب، صاحب یک نسخه «دیوان» حافظ باشد که محمد، نام او است، مخصوصا که شیوه‌ی خط و تاریخ کتابت هم مطابقت دارد.[۱]

(س دهقم ق)، خطاط. از کاتبان گمنام بود. به خط وی یک نسخه «دیوان» حافظ در کتابخانه‌ی سلطنتی است، به قلم دو دانگ متوسط، با رقم: «تم الکتاب... علی ید الاحقر الافقر حسن الکاتب غفراللّه ذنوبه و ستر عیوبه. سنه ثلاث و ستین و تسعمائه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۴۷/۱).

محمد مؤمن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۳۲ ق)، خطاط. معاصر محمد مؤمن هروی است. از آثار وی: یک نسخه «فرهنگ جهانگیری»، به قلم کتابت متوسط، با رقم:«کتبه العبد المذنب محمد مؤمن، بتاریخ شهر ربیع‌الاول سنه‌ی ۱۰۳۲»؛ یک نسخه «دیوان» بابافغانی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «حسب الامر میرزائی صاحبی مخدوم زادگی، میرزا ابوتراب، سلمه اللّه تعالی نوشته شد، حرره العبد محمد مؤمن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۴۲ -۸۴۱/ ۳).

محمد نصیر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۲۴ ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن نیم ورقی، جلد روغنی عالی، دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع، نسخ کتابت خوش، با رقم: «حسب الحکم... عباس میرزا... محمد نصیر بن محمد ابراهیم فی شهر محرم‌الحرام من سنهٔ اربع و عشرین و مأتین بعد الالف... ۱۲۲۴».[۱]

اثر اوست: قرآن نیم‌ورقی، جلد روغنی عالی، دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع، دو صفحه‌ی بعد حاشیه مذهب نسخ کتابت خوش با رقم: «حسب‌الحکم... عباس میرزا... محمد نصر بن محمدابراهیم...» «فی شهر محرم‌الحرام من سنهٔ اربع و عشرین و ماتین بعدالالف... ۱۲۲۴» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۰۱ -۱۲۰۰/ ۴).

محمد وسیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۱۸ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «قاموس اللغهٔ» فیروزآبادی، وزیری بزرگ، جلد روغنی ممتاز، نسخ کتابت خفی عالی، با رقم: «لما تشرفت هذه الدیار کردستان... و انا العبد الداعی... محمد الوسیم ابن امرحوم المغفور الشیخ جلال‌الدین.. سنهٔ ۱۳۱۸».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۰۱/ ۴).

محمد هادی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۸۲ ق)، خطاط. به آورده‌ی میرزا سنگلاخ، وی شاگرد رشیدا و امیر خلیل هروی و در قطعه نگاری مشابه میرعماد بود و مجموعه‌ای در لغت و الحان تألیف کرده است. یک نسخه «عالم آرای عباسی» در کتابخانه‌ی سلطنتی موجود است که در قرن یازدهم قمری به قلم نیم دو دانگ خوش نوشته شده و رقم «محمدهادی» دارد، که اگر همان باشد که میرزا سنگلاخ از او یاد کرده، کاتب خوشنویسی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۵۸/ ۳).

محمد، افضل

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۹۹ ق)، مذهب و خطاط. تشعیرساز و حل کار عصر خود بود و آرایش و آذین نسخه‌های خطی و قرآنها را به عهده داشت. از آثار وی: تذهیب و کتابت قرآن خوش خطی که با ورقهای آبی‌رنگ تهیه گشته و صفحات اول و حواشی آن، به تردستی ترصیع شده است، با رقم: «کتبه و ذهبه محمد افضل بن محمدعلی سنهٔ ۱۰۹۹».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۶۴۹/ ۲).

محمدبدیعی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد محمد بدیعی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد بدیعی متولد سال ۱۳۲۹ تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در تهران سپری کردم، و در سال ۱۳۵۰ برای تحصیل علوم دینی به قم هجرت نموده و در مدرسه علمیه آیت الله گلپایگانی مشغول به فراگیری ادبیات شدم. پس از یک سال در امتحان ورودی مدرسه حقانی که با مدیریت آیت الله شهید قدوسی اداره می شد شرکت کرده و پس از قبول مشغول به تحصیل شدم. یکی از افتخاراتم این است که علاوه بر تعلیم در چنین مدرسه ای که با برنامه ریزی شهید بهشتی اداره می گردید در کلاس هایی شرکت می کردم که استادش خود آن شهید بزرگوار بود. اگر چه زمان تحصیل بنده در آن مدرسه مبارکه خیلی به درازا نکشید، ولی از استاد های بزرگی بهره ها بردم و سرانجام به مدرسه فیضیه رفته و در آنجا ساکن شدم و به تحصیل ادامه دادم تا اینکه در ۱۵ خرداد ۱۳۵۴ که برای سالگرد شهدای ۱۵ خرداد مراسمی بر پا شده بود با حدود چهار صد طلبه دیگر پس از ضرب و شتم بسیار دستگیر و به زندان اوین در تهران منتقل شدیم. پس از یک ماه بازجویی با عده ای از طلاب برای گذراندن سربازی به شهر بیرجند اعزام شدیم و البته بعد از چهارماه از سربازی فرار کردم تا اینکه در سال ۱۳۵۶ مجدداً دستگیر و پس از محاکمه به دوسال زندان محکوم شدم و سرانجام با پیروزی انقلاب اسلامی آزاد و به صف مردم پیوستم و پس از مدتی به تحصیل در محضر آیات جوادی آملی و حسن زاده آملی و سعادت پرور و ... ادامه دادم. در کنار تحصیل به احیاء و نشر آثار اسلامی همت گماردم، و مؤسسه انتشارات تشیع را تأسیس نمودم و تاکنون آثار بسیاری را به چاپ رساندم و نیز مقالات بسیاری را تحریر و در نشریات گوناگون به چاپ رسانده‌ام و نیز ویرایش کتاب‌های بسیار زیادی را به عهده گرفته‌ام و تاکنون همواره به تحقیق و پژوهش اشتغال دارم. حدود ده سال مدیر داخلی و ویراستار مجله علمی کیهان اندیشه بودم. ضمناً در اوائل انقلاب و نیز قبل از انقلاب به امر تبلیغ مشغول بودم و از طرف دفتر تبلیغات اسلامی قم به شاه زند اراک اعزام شده و نزدیک یک سال در آنجا به تبلیغ اشتغال داشتم.

محمدپور، کمال

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کمال محمد پور متولد سال ۱۳۳۳ و دارای مدرک دکتری مهندسی الکترونیک از دانشگاه منچستر –انگلستان در سال ۱۳۷۵ است. ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه خواجه نصیر الدین طوسی می باشد.

گروه : فنی و مهندسی

رشته : مهندسی الکترونیک

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی کمال محمد پور به ترتیب زیر است: – کارشناسی : مهندسی الکترونیک از دانشگاه ارتباطات PTT ،تهران در سال ۱۳۵۸ – کارشناسی ارشد : مهندسی الکترونیک ،دانشگاه تربیت مدرس ، تهران سال ۱۳۶۶ – دکتری : مهندسی الکترونیک دانشگاه منچستر ،انگلستان در سال ۱۳۷۵

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : – دانشیار دانشکده مهندسی الکترونیک دانشگاه خواجه نصیر الدین طوسی – طراح سوالهای کنکور مقطع کارشناسی مهندسی الکترونیک از سال ۱۳۶۷ تا سال ۱۳۸۲ – پژوهش در زمینه کد گذاری و نوسان نگاری برای امواج رادیویی ،ارتباطی موبایل و کانالها در گروه تحقیقااتی ارتباطات ،دانشگاه نچستر انگلستان در سالهای ۱۳۷۲–۱۳۷۵طی دوره دکتری – مدیریت تکنیکی برای سیستمهای ارتباطی در سالهای ۱۳۶۳–۱۳۵۸ – سرپرست اداری برای کنترل و برنامه ریزی درسی در دانشگاه خواجه نصیر الدین طوسی از سال ۱۳۶۶–۱۳۷۰ – عضو مرکز انتشار دانشگاه ۱۳۶۶–۱۳۷۰ – معاونت دانشکده مهندسی الکترونیک دانشگاه خواجه نصیر الدین طوسی از سال ۱۳۶۹–۱۳۷۱ – مدیر تحقیقات تکمیل در دانشگاه خواجه نصیر الدین طوسی از سال ۱۳۷۷–۱۳۸۱ – رئیس دانشکده مهندسی الکترونیک دانشگاه خواجه نصیر الدین طوسی از سال ۱۳۷۸–۱۳۸۰ – نایب رئیس تحصیلات دانشگاه خواجه نصیر الدین طوسی از سال ۱۳۸۳–۱۳۸۴ – نائب وزیر (ITC) در تحصیلات ،تحقیقات و امور بین المللی از سال ۱۳۸۴ تا کنون

فعالیتهای آموزشی : عنوان دروسی که توسط دکتر محمد پور در مقاطع کارشناسی ،کارشناسی ارشد و دکتری از سال ۱۳۶۴ تا کنون ارائه شده است به قرار زیر است: تئوری مدار پایه– سیگنالها و سیستمها – سیستمهای ارتباطی مشابه– سیستمهای ارتباطی دیجیتالی– مراحل تصادفی و متغییر های تصادفی– سیستمهای رادار– مراحل سیگنالهای دیجیتالی(DSP)– سیستمهای ارتباطی موبایل– سیستمهای جهانی برای موبایل (GSM)– تئوری های ارتباطی پیشرفته– طرحههای کد گذاری و نوسانات

چگونگی عرضه آثار : – تعداد مقالات منتشر شده در مجلات علمی : ۲۹ مقاله – پایان نامه های به اتمام رسیده در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری که ایشان استاد راهنمای آنها بوده اند : ۲۹ پایان نامه – پایان نامه های به اتمام رسیده در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری که ایشان استاد راهنمای آنها هستند : ۵ مورد

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

محمدرضایی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد محمد رضایی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد محمد رضایی در اول فرودین ۱۳۳۹ در یک خانواده مذهبی در شهر مقدس قم به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در قم گذراندم. در سال ۵۷– ۱۳۵۶ در رشته علوم تجربی از دبیرستان حکیم نظامی قم، دیپلم گرفتم. در دانشگاه، جهت ادامه تحصیل، رشته شیمی را انتخاب کردم. حدود ۸۰ واحد درسی را در این رشته پاس نمودم. که به جهت علاقه و نیاز دانشگاهها به مسائل فکری و عقیدتی به رشته فلسفه غرب روی آورده و لیسانس و فوق لیسانس را در همین رشته در دانشگاه تهران به اتمام رساندم. بعد از اتمام فوق لیسانس، دکترای فلسفه و کلام را در سال ۱۳۷۸ از دانشگاه تربیت مدرس تهران اخذ نمودم. به جهت آشنایی با تفکر اسلامی از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۷۸ در حوزه علمیه قم به تحصیل در دوره سطح و خارج فقه و اصول و فلسفه اشتغال داشته ام

محمدزاده، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: رهبری و رفتار انسانی، دانشکده: حسابداری و مدیریت، دانشگاه: علامه طباطبائی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

محمدعلی مذهب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، مذهب، نقاش و خطاط. گلزارنویس با مهارتی بود و در تشعیر و تذهیب قلم هنرمندانه‌ای داشت. از آثار وی خط شش دانگ گلزاری است که جمله‌ی یا امیرالمؤمنین حیدر را به خط نستعلیق جلی نوشته و داخل آن را، در شیوه‌ی گلزاری تزیین نموده است و زمینه را نیز به تذهیب کاری آرایش داده و رقم «یا علی ادرکنی» دارد که سجع مخصوص محمدعلی مذهب می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۹۰۹ –۹۰۸/ ۲).

محمدکریم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۸ –۱۲۲۵ ق)، فقیه، محدث و خطاط. وی علاوه بر تحصیل عربی و ادبی، هنر خطاطی را نیز نزد میرزا محمدعلی اصفهانی فراگرفت. در کار نقاشی نیز پیشرفتی تمام کرد. حاج محمدکریم همچنین در علوم دینی شاگرد آقا سید زین‌العابدین مجتهد بود و مراحل تکمیلی آن را در محضر حاج سید کاظم رشتی گذرانـد و موفق به کسب اجازه از وی شـد. او سرانجام هنگام عزیمت به بصره در بین راه درگذشت و در کربلا دفن شـد. آثار بسیاری به زبان فارسی و عربی در موضوعات: حکمت طبیعی، اخبار فقه، فلسفه، ریاضیات، صرف و نحو، ادبیات و علوم متفرقه، از او به جای مانده است، برخی از آنها: «حقایق الطب»، «دقایق العلاج»؛ «فصل الخطاب کبیر»؛ «فصل الخطاب صغیر»؛ «جامع الاحکام»؛ «مرآة الحکمه»؛ «اسرار النقاط».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقة الشعراء (۱۵۸۸ –۱۵۷۹/ ۳)، الذریعه (۲۲۹/۱۶، ۲۳۵/۸، ۳۴/۷)، شرح حال رجال (۴ –۱/ ۴)، طرائق الحقائق (۴۶۸ –۴۶۷/ ۳)، المآثر والآثار (۲۰۱)، مکارم الآثار (۷۹۰ –۷۸۹/ ۳)، یادگار (س ۵، ش ۴ و ۵، ص ۱۱۸ –۱۰۶).

محمدمحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۴۰ ق)، خطاط. از آثار وی: «تعلیقات نماز» نیم ربعی، دو صفحه‌ی اول متن و حاشیه مرصع، نسخ کتابت جلی خوش، با رقم: «کتبه العبد المذنب محمدمحسن بن ملک احمد القاضی العسکر السلطانی فی سنهٔ ۱۲۴۰».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۹۷ –۱۱۹۶/ ۴).

محمدهاشم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن نیم‌ربعی، جلد روغنی عالی، دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع، دو صفحه‌ی آخر مذهب عالی، نسخ کتابت خفی ممتاز با رقم: «... لامیر الاعظم... ابن الامیر المنصور علی مردان خان، امیر محمدخان ایده اللّه... و انا العبد الاثم محمدهاشم» «فی شهر رمضان‌المبارک اثنین و مأتین و الف» «۱۲۰۲» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

محمدی حسن‌آبادی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ریاضی از دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۴۹، دکترای ریاضی از دانشگاه ولز (کاردیف) انگلستان در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه اصفهان تا سال ۱۳۶۹، دانشیار دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۶۹ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام طرح مطالعاتی در زمینه نظریه گروهها، گروههای دو مولدی، گروههای نامتناهی، نظریه گالوا و جبر، تدریس جبر و جبر خطی، نظریه گالوا و نظریه گروهها در دانشگاه اصفهان، نظارت بر ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۹

زمینه علمی مقالات:

نظریه گروهها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

محمدی عراقی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر مشهور به آقا بهاءالدین محمدی فرزند آیت‌اللّه حاج‌آقا بزرگ بن العالم الجلیل حاج شیخ محمد ابن العلامه الورع حاج شیخ محمدباقر کرهرودی عراقی از علماء و ائمه جماعت معاصر کرمانشاه است.

وی در روز هفتم ماه صفر ۱۳۴۷ قمری (سالروز ولادت باب‌الحوائج موسی بن جعفر علیهاالسلام) در بیت علم و تقوی در کگناور دیده به جهان گشوده و پس از پرورش و فراغت دروس جدید ابتدائی مدت یکسال مقدمات و ادبیات را در زادگاه خود در خدمت والد ماجد و عموی گرامش حضرت حجهٔ‌الاسلام والمسلمین حاج آقا مجتبی عراقی خوانده و در روز نیمه‌ماه ذی‌القعده ۱۳۶۳ قمری مهاجرت به قم نموده و در حوزه علمیه سطوح وسطی و نهائی را از مدرسین بزرگ فراگرفته و پس از پایان آن در درس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی شرکت و از اول بحث لباس مشکوک تا آخر کتاب صلوه از آن جناب استفاده نموده و نیز کتاب طهاره و خمس و قضاء ایشان را به رشته تحریر آورده و در خلال آن یکدوره از اصول آیت‌اللّه العظمی امام خمینی را در دو جلد و بحث مکاسب و بیع معظم‌له را در دو جلد به رشته تحریر اورده و یکدوره اصول هم از محضر آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدعلی عراقی استفاده نموده و در اول ماه رمضان ۱۳۸۸ ق مشرف به عتبات عالیات شده و از آنجا حسب‌الامر آیت‌اللّه العظمی حکیم و آیت‌اللّه العظمی امام خمینی به کرمانشاه مراجعت و در مدرسه آیت‌اللّه بروجردی کرمانشاه به تدریس رسائل و مکاسب پرداخته و در مسجد اعتمادی (خیابان خیام) به اقامه جماعت و ترویج دین تا حال حاضر اشتغال دارند.

از آثار و خدمات ایشان گذشته بر تبلیغات تأسیس کتابخانه برای مطالعه عموم مردم بالاخص نسل جوانان می‌باشند و دیگر از باقیات الصالحات آن جناب فرزند برومند و فاضلی به نام آقا شیخ محمود محمدی عراقی از فضلاء جوان حوزه علمیه و فارغ‌التحصیلان مدرسه حقانی (منتظریه) می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

محمدی عراقی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن محمدی عراقی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

اینجانب محسن محمدی عراقی حدود سال ۱۳۴۸ تحصیلات حوزوی خود را در حوزه مقدسه نجف اشرف زیر نظر مرحوم آیت الله والد آغاز کردم . مقدمات و قسمتی از سطوح را نزد مرحوم والد (مرحوم آیت الله العظمی میرزا حبیب الله اراکی) گذراندم . قسمتی

دیگر از سطوح را نزد آیات : خاتم یزدی ، سید کاظم حائری ، سید محمود هاشمی شاهرودی ، مرتضوی ، روشنی ، رضوانی ، شیخ محمد تقی جواهری به پایان رساندم . در تفسیر از محضر آیات : سید محمد باقر حکیم ، محمد هادی معرفت و حاج آقا مصطفی خمینی استفاده بردم . در فلسفه و عرفان از محضر آیت عظمی مرحوم آقای شیخ عباس قوچانی استفاده کردم . پس از پایان دوره سطح در خارج فقه از مرحوم آیت الله العظمی خویی و نیز از خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر استفاده کردم .

در آغاز سال ۱۳۵۴ پس از تحت تعقیب قرار گرفتن از سوی رژیم بعثی صدام به ایران آمدم و از همان آغاز در درس خارج فقه مرحوم آیت الله العظمی میرزا کاظم تبریزی شرکت کردم و حدود ۴ سال از فقه ایشان بهره بردم (کتاب الطهاره) . قریب یک دوره خارج اصول از محضر آیت الله العظمی وحید خراسانی استفاده کردم و قریب یک دوره خارج اصول نیز از محضر آیت الله حائری استفاده کردم . در خارج فقه نیز صلاه ، مکاسب محرمه ، احیاء میراث را از محضر آیت الله وحید خراسانی ، کتاب الاجاره ، کتاب الخمس ، فقه العقود ، کتاب القضاء ، اجتهاد و تقلید ، حکومت اسلامی ، را از محضر آیت الله سید کاظم حائری بهره بردم . در فلسفه بخشی از اسفار را از محضر آیت الله جوادی آملی و بخشی دیگر را از محضر آیت الله شهید مطهری بهره بردم . نهایه الحکمه را خدمت استاد آیت الله مصباح یزدی گذراندم . و از محضر ایشان بهره های فراوان بردم . در فلسفه غرب از محضر آیت الله شهید بهشتی استفاده کردم . در مجموع از ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۷۴ از محضر اساتید در فنون مختلف بهره بردم .

در تمام این مدت از آغاز آنچه می خواندم تدریس می کردم . از سال ۱۳۴۹ تدریس مقدمات را آغاز نمودم . از سال ۱۳۵۱ به تدریس لمعه و سپس رسائل و مکاسب و کفایه پرداختم و در کنار تدریس فقه و اصول سال ها به تدریس فلسفه و تفسیر نیز اشتغال داشتم . از ابتدای حضور در حوزه قم در مدارس : حقانی ، آیت الله گلپایگانی ، رضویه و سپس در مدارس شهیدین ، باقرالعلوم(ع) ، الهادی و غیر آنها تدریس کردم . سال ۱۳۵۸ حوزه علمیه ای در خرمشهر تاسیس کردم که با شروع جنگ متوقف شد . از سال ۱۳۶۰ در حوزه علمیه امام خمینی (ره) تدریس کردم . در سال ۱۳۶۵ که به دزفول رفتم در حوزه آنجا تدریس کردم و حوزه دزفول را راه اندازی نمودم .

در حوزه قم به طور آزاد موارد متعددی نظیر لمعه ، رسائل ، مکاسب ، کفایه ، اشارات شیخ ، شرح منظومه ، شرح تجرید ، خارج فقه و اصول ، تفسیر و حدیث تدریس کرده ام و هم اکنون به تدریس خارج فقه و اصول و نیز تفسیر و حدیث اشتغال دارم . در سال ۱۳۶۶مجمع الفکر الاسلامی را تاسیس کردم و در سال ۱۳۷۳ کنگره شیخ انصاری را بر پا کردم و به عنوان دبیر کلی آن فعالیت می کردم، و از سال ۱۳۷۴ تا سال ۱۳۸۳ در لندن به سمت نمایندگی مقام معظم رهبری (مد ظله) حضور داشتم که در آنجا موسسات زیادی تاسیس نمودم . از جمله : مرکز اسلامی انگلیس ، کالج اسلامی لندن ، اکسفورد و اکادمی که بعد به دانشگاه آزاد اسلامی واگذار شد و هم اکنون به عنوان Azad univercity فعالیت می کند ، موسسه بوک اکسترا و ... در سال ۱۳۷۶ دانشکده اصول دین دزفول را تاسیس کردم که هم اکنون مشغول فعالیت است .

محمدی عراقی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر محمدی عراقی مشهور (به حاج آقا بزرگ) ابن مرحوم حجهٔالاسلام آقا محمد عراقی (متوطن و متوفی و مدفون در کنگاور) ابن المحروم آیت‌اللّه الملک العلام آخوند ملا محمدباقر کوهرودی اراکی که از تلامذه مرحوم شیخنا الانصاری قدس ره و در کتابهای شخصیت شیخ انصاری و اعیان‌الشیعه والذریعه و نقباء البشر شرح حال و تصنیفات آن مرحوم اشاره شده است.

مترجم گرامی ما در ماه رجب ۱۳۱۷ قمری در قریه کرهرود اراک بدنیا آمده و در سال ۱۳۳۶ قمری در خدمت مرحوم پدرش به کنگاور (مدفن مرحوم جدش) آمده به تحصیل علوم دینیه از مقدمات و سطوح متوسط فقه و اصول و تفسیر قرآن مجید و غیره پرداخته و علوم مذکوره را از مرحوم والدش فراگرفته.

و در سال ۱۳۵۸ قمری که مرحوم والدش در آنجا وفات نموده با داشتن اجازات از مجتهدین و مراجع تقلید قدس اللّه اسرارهم و کثر اللّه امثالهم تصدی امور شرعی آن سامان گردیده و تاکنون که سال ۱۳۹۵ قمریست در آن منطقه به خدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج احکام و تفسیر قرآن و وظائف دیگر روحی اشتغال دارند.

از باقیات الصالحات آنجناب فرزند فاضل و برومند ایشانست جناب مستطاب حجهٔالاسلام و فخر الاماثل والاقران آقای حاج آقا بهاءالدین محمدی کنگاوری که سالهای متمادی مقیم حوزه علمیه قم بوده و از محضر آیات عظام و مدرسین کرام بالاخص مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری و آیت‌اللّه العظمی موسوی مدظله استفاده فقه و اصول نموده تا در چند سال قبل که بنابر دعوت عده‌ای از اهالی کرمانشاه رحل اقامت به آن سامان افکنده و به اقامه جماعت و تبلیغ دین و خدمات روحی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

محمدی عراقی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود محمدی عراقی

محل تولد : کنگاور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

حجت‌الاسلام والمسلمین محمود محمدی عراقی در سال ۱۳۳۱ در خانواده ای روحانی ، با تقوا و اهل علم در کرمانشاه دیده به جهان گشود؛ جد بزرگ وی مرحوم حاج آقا بزرگ محمدی عراقی که از حوزه علمیه اراک برخاسته و بدین لحاظ به محمدی عراقی شهرت پیدا کرده بود، از بزرگان علم و معرفت بود که به دستور مرجع تقلید بزرگ زمان، مرحوم شیخ مرتضی انصاری (ره) به کرمانشاه عزیم پدر وی، حجت الاسلام والمسلمین بهاء الدین محمدی عراقی نیز پس از سالها خدمت به ساحت علم و معرفت و مردم خطه کرمانشاه در سال ۱۳۶۰ به شهادت رسید.محمدی عراقی، پس از طی تحصیلات عمومی در کرمانشاه جهت تکمیل تحصیلات علوم دینی به شهر قم عزیمت کرد و همزمان با تحصیلات جدید، در به ثمر رسیدن پیروزی انقلاب تلاش های قابل توجهی کرد.وی در دوران تحصیل از محضر اندیشمندانی نظیر شهید آیت الله دکتر بهشتی، شهید آیت الله قدوسی و جمعی دیگر از بزرگان علم و ادب بهره‌ای وافر برد و علاوه بر علوم متداول در حوزه های علمیه، به صورت تخصصی در حوزه فلسفه و علوم قرآنی مدارج علمی را طی کرد.محمدی عراقی پس از پیروزی انقلاب و سازماندهی فعالیتهای اجتماعی و قبول مسئولیت های مختلف در نهادهای انقلاب اسلامی، به فعالیتهای علمی و پژوهشی روی آورد.وی در شکل گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه مشارکت داشته و چندین سال مسئولیت این دفتر و سرپرستی گروه جامعه شناسی را بر عهده داشت. نمایندگی حضرت امام در سپاه پاسداران نمایندگی رهبری در دانشگاه تهران و عضویت در شورای نظارت بر صداوسیما از دیگر سوابق او است.محمدی عراقی همچنین برای سالها ریاست سازمان تبلیغات اسلامی را بر عهده داشت و پس از آن، برای دو دوره و به مدت شش سال رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی شد. او در حال حاضر با حکم مقام معظم رهبری عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و نیز، عضو شورای عالی نمایندگان ولی فقیه در دانشگاهها است.

محمدی فتیده، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا محمدی فتیده

محل تولد : لنگرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۷/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای رضا محمدی فتیده در سال ۱۳۰۷هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در لنگرود دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه وافرخویش به فراگیری علوم اسلامی در سال ۱۳۲۲وارد حوزه علمیه گردید. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۳۲به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل علوم حوزوی از محضر بزرگانی چون مرحوم امام خمینی(ره)، مرحوم آیت الله بروجردی(ره)، مرحوم آیت الله زاهدی(ره) و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه نجف اشرف و قم کسب فیض کرد. وی پس از سالها تلاش و علم اندوزی در حوزه علمیه نجف اشرف و قم، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت. و هم اکنون علاوه بر امامت جمعه موقت لنگرود به تدریس و پژوهش در دانشگاه سراسری و پزشکی رشت ، مشغول تدریس می باشد. وی در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و آثاری از قبیل" جاذبه هستی " ، " گفتگوی مستقیم با ارواح "، "شناخت وجودی خدا "و"دیوان اشعار "را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

محمدی فتیده، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آبیاری، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: گیلان

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

محمدی کرمانشاهی، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل محمدی کرمانشاهی

محل تولد : صحنه کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب اسماعیل محمدی کرمانشاهی در سال ۱۳۵۰ هجری شمسی در کرمانشاه متولد شدم. در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه امام صادق (علیه السلام) کرمانشاه شدم. از سال ۱۳۶۸ به حوزه علمیه قم آمدم و در مدارس رسول اکرم (ص)، شهید صدوقی، امام صادق علیه السلام و رضویه (ع) تحصیل کردم. پس از آن در مدارس دار الشفاء و خان ساکن شده و در مدرسه مرحوم آیهٔ الله گلپایگانی (ره) ادامه تحصیل دادم. از محضر اساتیدی چون : آقای صفائی بوشهری، حاج آقای علی محمدی خراسانی، حاج آقای حسینی بوشهری درسهایی را فرا گرفتم و نیز آیهٔ الله طاهری خرم آبادی ، حاج آقای احمد عابدی ، آیهٔ الله وحید خراسانی، آیهٔ الله سبحانی ، آیهٔ الله مکارم شیرازی ، و آیهٔ الله جوادی آملی از بزرگوارانی بوده اند که از محضر آنها استفاده علمی برده و توفیق حضور در مکتب درسی آنان را داشته ام. ابتدای شرکت در درس خارج فقه از سال ۱۳۷۴ و از محضر آیهٔ الله طاهری خرم آبادی بود. از سال ۱۳۷۴ بطور غیر رسمی با پژوهشکده باقر العلوم (علیه السلام) همکاری علمی خود را آغاز کردم. شرکت در جلسات مجمع اهل قلم بطور مستمر در همان سال با همکاری جمعی از دوستان حدود ۶ ماه بطور متناوب به تهران رفته و فهارس نسخ خطی مجلس شورای اسلامی مجلدات ۲۵ و ۲۶ و ۳۵ توسط مجموعه ای از دوستان و زیر نظر ا ستاد عبدالحسین حائری تهیه گردید. از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ به صورت ساعتی و متناوب با مرکز تحقیقات علمی دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری همکاری داشتم. کنترل پروژه رایانه ای ساختار درختی حکومت اسلامی و کتابشناسی عدالت اجتماعی و حکومت امام علی (ع) محصول آن سالها بود. حداقل به مدت ۶ ماه از نیمه سال ۷۸ تا نیمه اول سال۷۹ مدیریت اجرایی مجله مبلغان را به عهده داشتم. (از ابتدا تا شماره ۴) از خرداد سال ۷۹ تا تیر ۱۳۸۵ مدیریت داخلی مجله فرهنگ کوثر را به عهده داشته ام. (از شماره ۳۹ تا ۶۴)در سال ۱۳۸۱ حدود ۶ ماه سردبیر نشریه پیام آستانه بودم. از ابتدای سال ۸۱ تا پاییز ۸۳ مدیریت داخلی مجلات حوزه و فقه را عهده دار بودم. در سال ۱۳۸۳ به عنوان خادم فرهنگی برگزیده آستانه مقدسه از سوی جشنواره رضوی معرفی و موفق به دریافت لوح تقدیر از رئیس جمهور شدم. در این سالها حدود ۵۰ کتاب و مقاله از اینجانب از سوی دفتر تبلیغات اسلامی، پژوهشکده باقر العلوم (ع) (انتشارات نور السجاد(ع)) ، انتشارات فقه، انتشارات پارسایان و انتشارات نبوغ و نیز در نشریات مبلغان، حضور، حکومت اسلامی، فرهنگ کوثر و برخی روزنامه ها و نشریات استانی مقالاتی منتشر شده است. در ضمن در سال ۱۳۸۲ با موافقت مدیر محترم فرهنگی آستانه مقدسه کتابخانه تخصصی چهارده معصوم(س) با پیشنهاد و پیگیری و مسئولیت اینجانب تأسیس شده که در حال حاضر به محققان و پژوهشگران پیرامون اهل بیت علیهم السلام سرویس میدهد.

محمدی لائینی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۳۰۳ (در حدود ۱۳۴۴ ق.)، روستای ملامحمد هزار جریب، از توابع بهشهر.

درگذشت: ۱۶ مهر ۱۳۷۲(۲۱ ربیع‌الثانی ۱۴۱۴)، قم.

آیت‌الله حسین محمدی لائینی هشت ساله بود که پدرش را که در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف تحصیل می‌کرد از دست داد و تحت سرپرستی مادرش دروس ابتدایی را فراگرفت. سپس به حوزه‌ی علمیه‌ی آیت‌الله کوهستانی رفت و در آنجا به یادگیری علوم اسلامی پرداخت، رسائل و مکاسب را نزد آن مرد بیاموخت. پس از آن برای تکمیل دانش خود به حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف شتافت و مدت دوازده سال از درس کفایه آیت‌الله حسن یزدی و حاج فقه آیت‌الله سید محمود شاهرودی و اصول آیت‌الله هاشم آملی (دو دوره) بهره گرفت و با اخذ اجازات متعدد اجتهاد از مراجع نجف به زادگاه خویش بازگشت و به دعوت آیت‌الله شیخ محمد کوهستانی مدت‌ها به تدریس در حوزه‌ی علمیه‌ی وی پرداخت. او در مبارزات مردم در انقلاب اسلامی شرکت داشت و پس از پیروزی انقلاب، دو بار از سوی مردم به نمایندگی استان مازندران در مجلس خبرگان انتخاب گردید و تا پایان عمر بر این سمت بود.

آیت‌الله حسین محمدی لائینی سرانجام پس از بیماری، در هفتاد سالگی در عصر جمعه شانزدهم مهر ۱۳۷۲ (بیست و یکم ربیع‌الثانی

۱۴۱۴ ق.) درگذشت و پس از تشییع در نکا و قم، در صحن حضرت معصومه (س) به خاك سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

محمدی مظفر، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن محمدی مظفر

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ به حوزه علمیه رشت وارد شدم و تا سال ۱۳۷۰ به تحصیل دروس مقدماتی و سطح در آنجا اشتغال داشتم و همزمان دروس مقدماتی را نیز تدریس می کردم(عمدتاً معانی و بیان) و از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲ به مدّت دو سال برای ادامه تحصیلات حوزوی، به حوزه علمیه مشهد رفتم و پس از آن از سال ۱۳۷۲ به حوزه علمیه قم آمدم و همزمان با تحصیلات حوزوی، به تحصیل در رشته فلسفه در دانشگاه مفید قم پرداختم و با پایان یافتن این دوره در سال ۱۳۷۶ به مرحله بعد یعنی کارشناسی ارشد در رشته فلسفه و کلام اسلامی در دانشگاه قم راه یافتم و این دوره را نیز با اتمام پایان نامه که موضوعش تصحیح الفرقهٔ الناجیه شیخ ابراهیم قطیفی بود، در سال ۱۳۷۹ به پایان رساندم و در سال ۱۳۸۴ در رشته علوم قرآن و حدیث مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شده و هم اکنون در این دوره به تحصیل اشتغال دارم. همچنین از ابتدای سال ۱۳۷۶ که مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب به طور رسمی و عمومی کار خود را آغاز کرد، در این مرکز به آموزش و پژوهش مجله هفت آسمان نیز به بنده سپرده شده است. علاوه بر اینها تاکنون سعی کرده ام که با دروس حوزوی قطع رابطه نکنم و تا حد امکان سعی می کنم در درس خارج حوزه شرکت کنم.همچنین از سال ۱۳۸۲ تا سال ۱۳۸۴ به مدت سه ترم در مدرسه امام خمینی(ره) برای رشته مذاهب به تدریس زبان تخصصی در رشته مذاهب اسلامی اشتغال دارم. در سالهای اخیر آثاری نیز اعم از کتاب یا مقاله در قالب تصحیح، تألیف و ترجمه داشته ام که برخی از آنها چاپ شده و برخی چاپ نشده است و فهرستی از آنها را در صفحه مربوط به آنها عرضه کرده ام.

محمدی نجف آبادی، عبدالکریم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالکریم محمدی نجف آبادی

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۴۱ هستم. در شهر نجف آباد اصفهان متولد شدم در سال ۱۳۶۰ در آن شهر دیپلم خود را در رشته علوم تجربی گرفتم، پس از آن وارد حوزه ی علمیه شدم و مستقیما وارد قم شدم. سطوح را در مدرسه امام باقر علیه السلام گذراندم و از محضر استادانی مانند حضرات مهری، میری ، فتوحی ، سید احمد خاتمی، محمدی، بهره گرفتم و پس از آن فلسفه را شروع کردم و از محضر آقایان فیاضی (بدایهٔ الحکمهٔ) ، انصاری شیرازی (منظومه)، حسن زاده آملی و جوادی (اسفار و اشارات) خوشه چینی کردم.در این میان کفایتین را پیش آقای گنجی فرا گرفتم و خارج اصول و فقه را نزد استادان بنام حوزه فرا گرفتم ، سال ۷۲ وارد دانشگاه شدم و تا مرحله کارشناسی ارشد در رشته فلسفه ادامه تحصیل دادم و بویژه از آقایان پازوکی ، عبدالکریم رشید یان ، دنیایی استفاده کردم. از آنجایی که علاقه اصلی ام پژوهش بوده است در این خصوص سعی وافر نمودم. شایان ذکر است هم اینك مشغول تحصیل در حوزه هستم و هفته ای یك روز به عنوان استاد معارف در دانشگاه آزاد اسلامی پرند تدریس می نمایم. گفتنی است به عنوان حق التدریس در این باره انجام وظیفه می نمایم.

محمدی نیا، اسدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسد الله محمدی نیا

محل تولد : روانج دلیجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر سال ۶۰ وارد حوزه مبارکه علمیه قم شدم اگر چه قبل از آن مشغول تحصیل درس‌های حوزوی بودم اما به طور مرتب و رسمی سال ۶۰ بود با توجه به اینکه ایام جنگ بود در ضمن تحصیل به مناطق جنگی و برای کمک به رزمندگان و کارهای تبلیغی ایام تابستان به ویژه از سال ۶۳ به مناطق ویژه کرند غرب می‌رفتم تا اینکه سال ۶۷ ـ ۶۶ به مدت یک‌سال و اندی مسئول عقیدتی سیاسی تیپ یک لشکر ۹۲ و جانشین عقیدتی لشکر بودم و مجدداً به قم برگشته و در سال ۷۰ به خاطر اصرار زیاد و احساس نیاز قرار بر این شد یک سال دیگر در دزفول مسئول عقیدتی سیاسی تیپ ۲ شدم که این یک سال تبدیل به سه سال و نیم شد و مجدداً با اصرار زیاد از جانب ارتش به خاطر علاقه‌ای که به تدریس و درس و تحصیل داشتم به قم برگشتم و در سال ۷۳ تا امروز سال ۸۶ در قم مشغول تحصیل و تدریس هستم و تا احساس نیاز شدید نکنم تدریس و تحصیل و تحقیق را بر همه چیز ترجیح می‌دهم و ناگفته نماند از ابتدای پیروزی انقلاب هم تا قبل از آن در کمیته‌ی جماران مشغول کار به ویژه کارهای فرهنگی بودم. و عذرخواهی می‌کنم چون حقیر حوصله پر کردن این فرمها را ندارم.

محمدی نیکو، حشمت الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حشمت الله محمدی نیکو در سال ۱۳۵۶ در اراک بدنیا آمد. وی دارای کارشناسی ارشد متالوژی، گرایش استخراج فلزات از دانشگاه علم و صنعت ایران در سال ۱۳۸۱ می‌باشد. ایشان برگزیده رتبه دوم پژوهش‌های توسعه ای بیستمین جشنواره بین المللی خوارزمی می‌باشد.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی متالوژیگرایش : استخراج فلزاتوالدین و انساب : پدر حشمت الله محمدی نیکو، جواد محمدی نیکو و نام مادر محترمشان خانم اعظم فیضی است. ایشان دارای سه برادر و دو خواهر می‌باشد.خاطرات کودکی : حشمت الله محمدی نیکو بیشتر زمان کودکی‌اش را به بازیهای کودکانه و ورزش می پرداخت و جزو دانش آموزان منظم و مرتب مدرسه و کلاس در س بشمار می‌رفت. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : حشمت الله محمدی نیکو در خانواده ای مذهبی، و از نظر مالی متوسط بدنیا آمد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : حشمت الله محمدی نیکو مقطع کارشناسی متالوژی را از سال ۱۳۷۵–۱۳۷۹ و کارشناسی ارشد متالوژی گرایش استخراج فلزات از سال ۱۳۷۹–۱۳۸۱ از دانشگاه علم و صنعت ایران دریافت کرد.فعالیتهای ضمن تحصیل : حشمت الله محمدی نیکو علاقه زیادی به کارهای صنعتی داشت و در دوران دانشجویی برای فعالیت علمی به شرکتهای مختلف مراجعه می‌کرد و ضمن آشنایی با وضعیت آنها با معضلات آنها نیز آشنا می‌شد.استادان و مربیان : دکتر بافقی، استاد پروژه در دوران کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتر سلطانیه از اساتید حشمت الله محمدی نیکو می‌باشند.هم دوره ای ها و همکاران : آقای مهندس رئوفی و آقای بهمن میرزاخانی از هم‌دوره‌ای‌های حشمت الله محمدی نیکو و مجید بورانی از همکاران ایشان در شرکت صنایع آذراب می‌باشند.همسر و فرزندان : حشمت الله محمدی نیکو متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم لیلا فیضی می‌باشد.وقایع میانسالی : حشمت الله محمدی نیکو سفر به حج تمتع در سال ۱۳۸۴ را جزء وقایع مهم میانسالی خود می‌داند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حشمت الله محمدی نیکو در سال ۱۳۷۸ به مدت سه ماه در شرکت آونگان شروع به کار کرد. و ی همچنین در شرکتهای واگن پارس، آذراب اراک به کار اشتغال داشتند. نامبرده سه سال بعنوان کارشناس جوش در قسمت مهندسی جوش، دو سال به عنوان کارشناس در آزمایشگاه مرکزی و از سال ۱۳۸۵ تا کنون به عنوان سرپرست کارگاه اشتغال دارند.جوائز و نشانها : – نفر اول مسابقات علمی دانشگاه علم و صنعت و نفر دوم مسابقه تئوری در همان سال، – شاگرد اول دوران کارشناسی ارشد، – نفر دوم امتحانات پایانی دیپلم در شهرستان خمین، – برگزیده دوم توسعه کشوری در بیستمین دوره جشنواره خوارزمی.

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

محمدی هیدجی، عبدالرحمن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرحمن محمدی هیدجی متولد ۱۳۰۴ شمسی

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

محمدی، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم محمدی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اخذ دیپلم در سال ۶۲ وارد حوزه علمیه نجف آباد شدم و پس از ۵/۱ سال به قم آمدم و دروس سطح را در سال ۶۹ به پایان رسانـدم و در درس خـارج آیت الله العظمی منتظری ، آیت الله العظمی تـبریزی، آیت الله العظمی وحیـد خراسـانی، آیت الله العظمی مکارم و آیت الله حسـین شـمس خراسانی ، آیت الله محقق داماد شـرکت کرده و در ضـمن تحصـیل بعضـی از کتب را نیز تـدریس نموده ام و در ضـمن آن به تحقیقات علمی روی کتاب شـرح لمعه و .... همت گماشتم از سال ۷۲ با مرکز تحقیقات کامپیوتری نور همکاری کرده ام در این مدت با بیش از چند هزار جلد کتاب اعم از تصـحیح مقابله ای عترت ، آیات ، برخورد داشـته ام سـفرهای تبلیغی زیادی داشته ام و از آن جمله چندین سفر بعنوان معین و روحانی کاروان به مکه مشرف شده ام.

الان نیز ضـمن شـرکت در دروس خارج به حاشیه بر کتاب تحریر الوسیله و عروهٔ نزد بعضی از اساتید مشغول می باشم. در ضمن به مدت ۲۸ ماه در ۱۶ نوبت در جبهه های جنگ شرکت کرده ام و ۳ بار نیز مجروح گردیده ام.

محمدی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: حقوق خصوصی و اسلامی دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات قدیمه و کارشناسی در حقوق از دانشکده حقوق دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۱، دکترای حقوق از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

حقوق مدنی فقه و اصول، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اصول فقه، قواعد فقه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

حقوق، فقه و اصول، قواعد فقه.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

محمدی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم بن مرحوم آیت‌اللّه محمدی از علماء محترم معاصر گلپایگانست.

وی در ربیع‌المولود ۱۳۲۵ ق در قریه اسفرنجان دیده بدنیا گشود و بعد از طی دوران کودکی و تحصیل مختصری از مقدمات رهسپار اصفهان شده و در خدمت اساتید آن محیط دانش مقدمات و سطح را فراگرفت و در سال ۱۳۰۷ شمسی به نجف اشرف مشرف و در آن محیط نورانی در خدمت مرحوم آیت‌اللّه مشکینی و مرحوم آیت‌اللّه عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی رضوان‌اللّه‌علیهم اشتغال به تحصیل داشت و بعد از هفت سال در سال ۱۳۱۴ شمسی با دریافت اجازه اجتهاد از محضر مبارک آیتین عراقی و اصفهانی طاب اللّه ثراهما به ایران مراجعت و چند سالی در خدمت پدر به انجام وظائف دینی و اجتماعی مشغول بود تا در سال ۱۳۲۰ شمسی نعمت وجود پدر را از دست داده و از آن تاریخ شخصاً با اتکال به لطف خدا او توسل به ذیل عنایت حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام متصدی حفظ نظام امور دینی و خدمات اجتماعی این منطقه گردید.

و با اینکه از سال ۱۳۲۲ برحسب دعوت که اهالی شهر گلپایگان از او نمودند موفق شد که در محیط به اقامه جمعه و جماعت بپردازد و نماز جمعه که سالها بود از آن محیط متروک و مهجور بود زنده نموده و بپای بدارد و توانست که مسجد جامع تاریخی و باعظمت این شهر را که متروک و مهجور و مخروبه بود افتتاح نماید و آن را معمور و مورد استفاده کامل قرار دهد.

مع ذلک محل سکونت خود را تغییر نداد و در موطن پدری خود زندگی می‌کرد تا عاقبت کثرت احتیاج مردم شهر بوجود او با عوامل دیگر ایجاب نمود که به شهر منتقل شود و در چند سال قبل این اقدام را نمود و به شهر منتقل شد و جمیع اوقات زندگی خود را در اختیار مردم شهر و دهات گلپایگان قرار داد و مسجد جامع را به صورت بسیار جالبی معمور و مجهز نمود و آن را پایگاه برازنده اقامه جمعه و جماعت این محیط کرده و آیت‌اللّه حایری گلپایگانی در مورد این موفقیت این چند شعر ذیل سرودند.

مسجد مزبور از هر جهت مجهز و دارای کتابخانه نفیسی است که در ردیف مساجد معمور درجه اول ایران می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

محمدی، اردشیر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اردشیر محمدی

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب اردشیر محمدی متولد ۱۳۵۱ در شهرستان دزفول به دنیا آمدم .دوران ابتدائی و راهنمائی و دبیرستان را در اهواز سپری کردم و بعد از اتمام دبیرستان وارد حوزه علمیه مسجد سلیمان شده و بعد از اتمام مقدمات عازم قم شدم و هم اکنون ۸ سال است مشغول به تحصیل در درس خارج می باشم .از سال ۱۳۷۸تا ۱۳۸۲ دوره تخصصی کلام اسلامی را گذراندم (سطح چهارم) و پایان نامه سطح چهار اینجانب با عنوان نقش دین در بهداشت روان از منظر قرآن می باشد .در ضمن حدود ۵ سال است که در دانشگاههای مختلف مشغول تبلیغ وتدریس بوده ام و هم اکنون جزء هیئت علمی دانشگاه پیام نور استان خوزستان می باشم و همچنین جزء هیئت منتخب گروه معارف اسلامی دانشگاه پیام نور می باشم .

محمدی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن محمدی

محل تولد : احمد آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب بعد از اتمام مقطع دبستان وارد مدرسه علمیه اردکان شدم، بعد از دو سال به قم آمدم و در مدرسه حضرت آیت الله گلپایگانی به تحصیل در دروس حوزوی ادامه دادم و همزمان با دروس حوزه مقطع راهنمایی و دبیرستان را به صورت متفرقه و شبانه به پایان رساندم. سپس در موسسه در راه حق به تحصیلات ادامه دادم و بعد از اتمام دوره موسسه همزمان با پذیرفته شدن در رشته کلام وفلسفه دانشکده الهیات دانشگاه تهران از طریق کنکور سراسری از طرف دفتر همکاری حوزه و دانشگاه دعوت به ادامه

تحصیل در رشته روان‌شناسی شدم و چون جمع این دو دشوار بود از تحصیل در دانشگاه الهیات منصرف و دوره پنج ساله دفتر همکاری در رشته روان‌شناسی البته بدون نوشتن پایان‌نامه و در نتیجه بدون گرفتن مدرک به پایان رساندم. در طول این مدت به تدریس در جامعهٔ الزهرا و دانشگاه آزاد نراق در زمینه معارف اسلامی و روان‌شناسی مشغول شدم تا اینکه به عضویت هیئت علمی این دانشگاه درآمدم و هم اکنون به ادامه تدریس در همین دانشگاه مشغول می‌باشم.

محمدی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین محمدی

محل تولد : گرگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۷/۲

زندگینامه علمی

آقای حسین محمدی در سال ۱۳۴۳هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهر گرگان دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه شهرستان بهشهر گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. پس از مدتی تحصیل در حوزه علمیه گرگان به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیها رهسپار حوزه علمیه قم گردید.

از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۹ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله استادی، آیت الله خاتمی ،استاد علی محمدی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه و کلام در مقطع کارشناسی در سال ۱۳۷۶از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید.

وی پس از طی تحصیلات جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون در دانشگاه علوم کشاورزی گرگان، دانشگاه علوم پزشکی گرگان و حوزه علمیه گرگان به امر تدریس اشتغال دارد. وی درطول حیات علمی خود به امر نگارش و پژوهش پرداخته است و آثاری از قبیل" بررسی نگرش دانشجویان نسبت به نماز "و" تجربه دینی و شهود عرفانی "را به رشته تحریر در آورده است.

محمدی، خلیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیه‌الله حاج سید خلیل بن آقا سید محمد بن آقا سید خلیل بن آقا میر اسدالله المعروف بآقا سید بن آقا سید جعفر بن آقا سید قاسم بن آقا سید جعفر بزرگ صاحب العلوم المتفاوته والکراماته الباهره هزار جریبی بالارستاق بادامسری از علماء مبرز معاصر بهشهر است.

وی در سال ۱۳۲۹ قمری متولد شده و در سن چهارده سالگی در سال ۱۳۳۳ قمری پدر را از دست داده و در سن دوازده سالگی سال ۱۳۴۲ قمری مرحومه والده‌اش بنام بانو سیده فاطمه بدرود حیات گفته و درس قرآنی را نزد جده مادریش خوانده و بعد در اثر تراکم هموم و تهاجم سختی روزگار بعموم مردم و اوضاع اسف‌آور مرگ و میر در عشیره و اقوام ایشان بنابر قضاء پروردگار یکی بعد از دیگری از اعمام و اخوال و ذوی‌الارحام را از دست داده و همه برحمت ایزدی واصل گردیده و خلاصه با کمال صعوبت بواسطه نداشتن سرپرست و عدم مساعدت مادیّات ادامه بتحصیل داده تا بدروس فقه و اصول رسیده ولی باز بسبب پاره ای از موانع، اوضاع درسی عمومی و بالاخص مترجم ما مختل و حدود ده سال تعطیل تا در سال ۱۳۶۱ قمری که ثانیا موفق شده و برای ادامه تحصیل محضر سلمان عصر و فقیه دهر یگانه مرد مجاهد دینی مرحوم آیه‌الله آقا شیخ محمد کوهستانی عطرالله مرقده‌الشریف در کوهستان بهشهر شروع بتحصیل نموده و در اوقات تابستان در هزار جریب محل کلا از محضر آیه‌الله حاج شیخ عبدالجبار فقیهی کلائی استفاده نموده تا سال ۱۳۶۵ قمری که باتفاق عده‌ای از رفقا و دوستانش مهاجرت بعتبات عالیات و باقیمانده از متون فقه و اصول را از بعضی آیات عظام مثل مرحوم آیه‌الله حاج میرزا حسن یزدی و آیه‌الله آقا شیخ باقر تبریزی و دیگران در مدت شش ماه خوانده و پس از آن از محاضر حجج اعلام و آیات عظام مانند آیه‌الله العظمی آملی و آیه‌الله العظمی شاهرودی و مرحوم آیه‌الله العظمی حکیم و آیه‌الله اصطهباناتی و نیز آیه‌الله المعظم آقای حاج میرزا حسن بجنوردی فقها و اصولا ـ استفاده نموده تا در سال ۱۳۶۹ قمری که بواسطه انحراف مزاج و کسالت دچار ضعف مفرط شده بود لذا حسب‌الامر آیات کرام از نجف بعنوان تغییر هوا بایران و وطن خود آمده و بعد از شش ماه مراجعت و ادامه بتحصیل داده تا سال ۱۳۷۶ قمری که مراجعت بهزار جریب نموده و در

زادگاه خود و هم شهر بهشهر (اشرف سابق) توطن گزیده و شش ماه در محل و شش ماه در بهشهر اقامت و بخدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و ایفاء وظائف دیگر اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

محمدی، ذکرالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ذکرالله محمدی

محل تولد : خدابنده

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ذکرالله محمدی درسال ۱۳۵۰ در یکی از روستاهای محروم استان زنجان و در یک خانواده اصیل مذهبی به این دنیای پر راز و رمز چشم گشودم و در ایام کودکی راهی مکتب خانه شده با قرآن و گلستان سعدی و چند کتاب دیگر آشنا گشتم . بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران هم زمان با ادامه تحصیل در مکتب خانه اول دبستان را شروع کردم . پس از اتمام دوره ابتدایی، اول راهنمایی رادر یکی از آبادیهای هم جوار گذراندم. دوم راهنمایی رادر روستای خودمان به صورت متفرقه فرا گرفته و در پایان سال تحصیلی درشهر خدابنده امتحان داده و قبول شدم . با توجه به اینکه علاقه ای فراوان به فراگیری علوم اسلامی از خود نشان می دادم لذا در مهرماه ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه زنجان شدم و سوم راهنمایی را هم به صورت شبانه پشت سر گذاشتم. هم زمان با ادامه تحصیل درحوزه علمیه اول متوسطه را در دبیرستان دکتر شریعتی زنجان فرا گرفته و در پایان سال تحصیلی بعنوان شاگرد ممتاز درشبکه رادیوئی استان زنجان شرکت کردم. بعد ازاتمام اول دبیرستان تحصیل در علوم جدید را به منظور تقویت بنیه علمی حوزوی را آغاز کرده و بیش ازپیش درفراگیری علوم دینی کوشیدم . پس ازدوسال ترک تحصیل علوم جدید دوباره به تحصیل این علوم روی آورده و درمدت سه سال همزمان با ادامه تحصیل در حوزه علمیه زنجان دوره دبیرستان را تمام کردم. ضمناً پایه ی ششم حوزوی را نیز با امتیاز بالا به اتمام رسانیدم. با شرکت درکنکور سراسری دردانشگاه بین المللی امام خمینی(ره) قزوین دررشته تاریخ تمدن قبول شده و همچنین درموسسه آموزش عالی باقر العلوم علیه السلام قم نیز پذیرفته شدم و به خاطر ادامه تحصیل درعلوم حوزوی درقم ازدانشگاه قزوین منصرف شده وازسال ۱۳۷۴وارد حوزه مقدسه قم گشته و رشته تاریخ راهم درموسسه عالی باقر العلوم(ع) ادامه دادم درسال ۱۳۸۰با تالیف پایان نامه دررابطه با آیت الله شیخ عبدالکریم حائری(ره) با اخذ مدرک کارشناسی تاریخ ازاین موسسه فارغ التحصیل گشتم و هم چنین درخلال تحصیل درموسسه مزبور درکلاسهای تاریخ اسلام دفتر تبلیغات نیز شرکت می کردم، دوره فشرده مهدویت را نیز درسالهای اخیر درپژوهشکده مهدویت پشت سر گذاشته وهمکاری علمی با آن پژوهشکده راآغاز کرده ام. همچنین اخیرا با مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه علمیه قم همکاری فعالی دارم. حدود سه سال در درس خارج فقه آیت الله شبیری زنجانی شرکت کرده ام و نیز توفیق تبلیغ دین مبین اسلام به مدت ۶سال نصیب حقیر در ایام رمضان و محرم شده است.

خدایا چنان کن سرانجام کار تو خوشنود باشی مارستگار

محمدی، رحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رحیم محمدی

محل تولد : دره شهر ایلام

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال۱۳۴۱در مرکز بخش بدره از توابع استان ایلام در خانواده‌ای متدین و کشاورز به دنیا آمدم و به دلیل مشکلات معیشتی در سن ۴ سالگی به همراه خانواده به خرمشهر مهاجرت نمودیم و تا سال ۱۳۵۸ درآنجا ماندیم. با شروع جنگ تحمیلی در حالی که تمام دارایی و خانه و کاشانه خود را از دست داده بودیم مجدداً به موطن اصلی خود یعنی ایلام بازگشتیم و در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه تازه تأسیس شهرستان دره‌شهر شدم و در کنار درس دبیرستان به تحصیل در آن حوزه مشغول بودم. اساتید اینجانب در آنجا امام جمعه محترم جناب آقای صالحی و مرحوم فقیهی افغانی بودند. در سال ۱۳۶۰ به حوزه علمیه المهدی اراک تحت نظر حضرت

آیت الله شیخ ابوالفضل خوانساری امام جمعه وقت اراک وارد شدم و در آنجا ضمن تحصیل علوم روز حوزوی و حفظ قرآن و حفظ اشعار سیوطی و... به تدریس در سطوح پایینتر حوزه در همان حوزه مبارکه و در حوزه علمیه حاج محمد ابراهیم و حاج آقاضیاء اراک مشغول بودم و در اواخر سال ۱۳۶۳ وارد حوزه مبارکه قم شدم و در طی تحصیل و تدریس هیچ وقت ارتباطم با جبهه و جنگ و وعظ و خطابه و منبر قطع نشد.

در جنگ تحمیلی مجروح شدم و تا مرز شهادت نیز پیش رفتم اما لیاقت آن برایم حاصل نشد در حوزه مبارکه قم ضمن تحصیل هیچ وقت از تدریس در سطوح مختلف غافل نبودم و سعی بر آن داشتم یا در مطالعه باشم یا مباحثه یا تحصیل یا تدریس و دل‌مشغولی‌ای جز این نداشتم. همیشه یک ساعت یا بیشتر قبل از طلوع فجر بیدار بودم و بسیار پابند به ادای واجبات و مستحبات و پرهیز از مکروهات داشتم، که متأسفانه هم اکنون آن حالات آنچنان که باید وجود ندارد و غبطه آن ایام را می‌خورم. در حوزه اراک سیوطی و مغنی و مختصر و قسمت عمده ای از مطول و معالم را نزد آقا شیخ مهدی عظیمی خواندم و تحریر الوسیله حضرت امام(ره) را نزد آقای رجایی و گلستان سعدی را نیز نزد آقای خوش گفتار و حفظ قرآن را نیز تحت نظارت آقای هجرتی و تاریخ اسلام و اعتقادات را نیز نزد مرحوم آقای شیخ محمدحسن خوانساری و حاشیه حاج ملا عبدالله و المنطق مرحوم مظفر را نیز نزد آقای فرجی و عظیمی تلمذ نمودم در حوزه مبارکه قم شرح لمعه را نزد حضرات آیات و حجج اسلام الهامی، وجدانی فخر، راستی کاشانی و نکونام و اصول فقه را نزد آقای حسینی بوشهری و رسائل را نزد آقای اعتمادی و مکاسب را نزد آقای ستوده و دوزدوزانی و پایانی و کفایه را نزد آقای اعتمادی و قسمتی را نزد آقای گنجی گذراندم. اساتید درس خارج فقه و اصول این حقیر حضرات آیات مکارم شیرازی، وحید خراسانی، تبریزی و فاضل لنکرانی(ره) بودند.

دوره چهار ساله تخصصی علم کلام اسلامی را در موسسه امام صادق(ع) در سال ۱۳۷۴ به پایان بردم در این دوره اسفار را نزد آیت الله دکتر بهشتی، سبحانی، گرامی و نهایهٔ الاصول را نزد آقای فیاضی و اشارات و تنبیهات ابن سینارا نزد استاد گرامی و ممدوحی و سبحانی و شناخت مکتب ماتریالیسم و نظریهٔ المعرفه و کشف المراد را نزد آیت الله سبحانی و قسمتی را نزد آیت الله دکتر بهشتی و مسائل جدید کلامی را نزد استاد ملکیان و مباحث توحید و شرک در قرآن و نهج‌البلاغه و مباحث مربوط به امامت و اصالهٔ الفطرهٔ و... نزد استاد ربانی گلپایگانی تلمذ نمودم. در مدرسه حضرت بقیهٔ الله حاجی آباد لک‌ها صبح‌ها به تدریس ادبیات عرب و منطق و لمعه و عصرها در مدرسه حضرت آیت الله گلپایگانی به تدریس مکاسب و کفایه مشغول بودم و در سال ۱۳۷۷ با شرکت در امتحان اجتهاد توسط شورای نگهبان و وارد شدن در مجلس خبرگان رهبری به عنوان نماینده استان ایلام به ایفای وظیفه مشغول شدم و همچنان تدریس در حوزه مبارکه قم در سطح کفایه و خارج فقه و اصول در یکی از مدرس‌های حرم مطهر و مدرسه خان را ادامه دادم و هیچوقت به خود اجازه ترک تدریس و تحصیل را نداده و نمی‌دهم و امیدوارم در این راه در حالی که خداوند از این بنده حقیرش راضی باشد جهان را ترک نمایم. در طول مدت حضور در حوزه دست نوشته‌هایی فراهم شده که صلاح ندانسته‌ام چاپ شوند و یا هزینه آنها نبوده و امیدوارم آنچه خیر است همان اتفاق بیفتد به مدت چندین سال است که در دانشگاه مشغول تدریس هستم تا بدین وسیله ارتباطم با فرهیختگان غیرحوزوی و دانشجویان قطع نشود و در تأسیس بعضی ساختمان‌های دانشگاه آزاد اسلامشهر نیز کمک‌های فراوانی نمودم و در سال امام علی(ع) به اتفاق دو نفر از دوستان به نام‌های آقایان حجت الاسلام علی انصاری‌نیا و پیمان به تأسیس مجمع جهانی شیعه‌شناسی اقدام نمودیم که هم‌اکنون تحت مدیریت آقای انصاری به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهد. جزاه الله خیر الجزاء.

محمدی، رمضان

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رمضان محمدی

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از گرفتن دیپلم در سال۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم در طی هشت سال دروس حوزه را تا سطح به اتمام رساندم و در سال ۱۳۷۰به تدریس دروس ادبیات (جامع المقدمات.سیوطی.مغنی) پرداختم و استاد رسمی یکی از حوزه های علمیه شهرستان شدم در کنار تدریس در حوزه به تدریس تاریخ اسلام، عقاید، دانش سیاسی، در سایر مراکز دولتی نیز مشغول بودم در سال ۱۳۷۲ ودوره تحصیل فقه وکلام مقارن را در مرکز مذاهب اسلامی با موفقیت به پایان بردم و همزمان با تحصیل در مرکز مذاهب اسلامی به تحصیل در دوره کارشناسی ارشد مشغول شدم و بعد از چند سالی موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته تاریخ اسلام شدم مدت هفت سال در دروس خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله تبریزی، آیت الله فاضل، جوادی آملی و سبحانی اشتغال داشتم و اکنون مشغول تحقیق در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه هستم .و هم زمان مدیر واحد پاسخ به شبهات قرآنی دفتر تبلیغات اسلامی قم

هستم .

محمدی، صادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید صادق محمدی

محل تولد : خرمشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سال ۱۳۶۲ تحصیلات حوزوی را آغاز نمودم، دروس مقدماتی و دوره سطح را در مدرسه علمیه ملامحمد جعفر مشهور به مدرسه علمیه مجتهدی تهرانی و سپس در مدرسه علمیه مروی تهران گذراندم و در طول این مدت نیز قسمتی از منظومه ملاهادی سبزواری را در محضر آیت الله سید رضی شیرازی تلمذ نمودم و پس از آن در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس خارج فقه و اصول را نزد آیت الله العظمی تبریزی و وحید خراسانی آغاز نمودم و حدود ده سال از نظرات فقهی و اصولی این دو فقیه عالی قدر استفاده نمودم و همچنین حدود شش سال در موسسه بقیهٔ الله الاعظم دوره تخصصی فقه و اصول را گذراندم.اینجانب از همان اوائل طلبگی مشغول تدریس بوده و تاکنون در حدود ۲۰ سال مشغول تدریس کتب حوزوی بوده و هم اکنون مشغول تدریس دروس سطح می‌باشم.

محمدی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله محمدی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

وی در سال ۱۳۳۸ در یک خانواده روحانی فرهنگی در اصفهان چشم به جهان گشود . به دلیل ذوق سرشار و استعداد استثنایی دوران تحصیلات ابتدایی را در حالی به اتمام رساند که بخشی از دروس ابتدایی حوزوی را در محضر آیت الله والدش فرا گرفته بود . بلافاصله وارد حوزه علمیه اصفهان و پس از دو سال وارد حوزه علمیه قم شد و با جدیت و سرعت و پیشرفت چشمگیر دروس حوزوی را نزد اساتید برجسته حوزه علمیه قم و در فصل تابستان در اصفهان می آموخت . تحصیلات کلاسیک را همزمان و در عرض دروس حوزوی پی گیری کرد تا موفق به اخذ درجه دکتری تخصصی گردید . در سال ۱۳۶۹ بنا به تایید مراجع تقلید و اساتید دروس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم و شهادت مکتوب آنها در امتحان دروس خارج شرکت کرد و بنا به تایید هیئت ممتحنین موفق به اخذ مدرک رسمی اتمام دوره اول خارج فقه و اصول شد . ایشان از آن تاریخ تا کنون علیرغم پذیرش مسؤولیت های فرهنگی اجرایی چندین سال دیگر از درس خارج اساتید برجسته حوزه قم و تهران استفاده می نموده است .

دکتر محمدی اصفهانی در سال ۱۳۷۵ موفق به اخذ مدرک دکترای تخصصی از واحد علوم و تحقیقات تهران در رشته عرفان اسلامی گشت .عنوان رساله دکترای وی که با درجه عالی پذیرفته شده است ، ختم ولایت می باشد .در متون عرفانی با تکیه بر آراء شیخ اکبر محی الدین بن عربی و عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد ایشان سیر تکاملی نگارش منطق الطیر در اسلام از شیخ الرئیس ابو علی سینا تا عطار نیشابوری است .ایشان علاوه بر طی دروس رایج حوزه علمیه از محضر اساتید بزرگ حوزه و دانشگاه ، در دروس فلسفه و حکمت ، اخلاق ، تفسیر ، عرفان نظری و عملی ، هیئت و نجوم ، دوره تخصصی مدیریت خلاق مکالمه زبان های انگلیسی و عربی طی سالیان متمادی بهره گرفت .

دکتر محمدی اصفهانی از سال ۱۳۵۰ تا کنون و حتی در دوره های مسؤولیت فرهنگی اجرایی به طور مستمر اشتغالات علمی ، تحصیلی ، تدریسی ، پژوهشی و تالیفی در حوزه های علمیه ، مراکز آموزش عالی تخصصی و دانشگاه های قم ، تهران و بعضی از شهرهای بزرگ کشور را داشته اند .اهم مواد تدریس توسط ایشان در دانشگاه ها و حوزه ها در طی ۲۵ سال گذشته به این شرح است :ادبیات ، منطق ، اصول فقه ، فقه (لمعتین و مکاسب محرمه) ، فلسفه (بدایه و نهایه علامه) ، عرفان (فتوحات مکیه ابن عربی و نمط نهم اشارات و تنبیهات ابو علی سینا در عرفان ، احکام (نبراس ملا هادی سبزواری) ، بررسی ادیان (ادیان شناسی) ، تعلیم و

تربیت ، مشاوره خانواده ، تفسیر ، روان شناسی ، علم النفس ، قرائت و درک متون عرفانی سیر و سلوک اسلامی ، فلسفه اخلاق ، کلام تخصصی ، جغرافیایی سیاسی جهان اسلام و ... .دکتر محمدی اصفهانی تا کنون حدود یک صد رساله دانشگاهی را در مقطع کارشناسی ارشد یا دکتری به عنوان استاد راهنما یا مشاور به عهده داشته است که در مراکز دانشگاهی یا مراکز آموزش تخصصی دفاع شده است .ایشان علاوه بر تدریس رسمی خود در دانشگاه ها و حوزه ها در طی ده سال گذشته در درس های خصوصی خود به تربیت شاگردان عرفانی خود همت گماشته است و جمع کثیری از جوانان دختر و پسر از محضر وی عرفان ناب اسلامی را شناخته و آن را از انحرافات صوفیه و مدعیان عرفان تمیز داده اند و به سیر و سلوک مشروع و منطبق با معارف شیعه پرداخته اند .

محمدی، عزت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عزت الله محمدی

محل تولد : فیروزآباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱۰/۱

در شهرستان فیروزآباد فارس – پس از دوره راهنمایی در حوزه علمیه شهرستان مشغول به تحصیل شدم و در سال ۱۳۶۴ به حوزه علمیه قم آمدم در مدرسه آیت الله گلپایگانی ره مشغول به تحصیل مقدمات شدم پس از اتمام معالم و مختصر در حوزه (دروس آزاد بیرون از مدارس مقدماتی) در درسهای اصول فقه و لمعه و رسائل و کفایه. استادان محترم محمدی، سعیدی، خاتمی، علیدوست، استادی، اشتهاردی، وجدانی فخر ره، حسینی بوشهری، حسینی تهرانی، اعتمادی، پایانی ره، شرکت نموده و درسهای الهیات ، رجال، آیین واهبیت، تفسیر از استادها معظم آیت الله سبحانی، ربانی گلپایگانی، خرازی، استادی بهره مند شدم و درس خارج فقه واصول اساتید معظم : آیت الله فاضل ره ، آیت الله مکارم، آیت الله سبحانی، آیت الله تبریزی، و آیت الله وحید شرکت نموده و از محضر آنان فیض برده و همه را نوشتم و مکتوب نمودم. و با شرکت در تخصصی کلام دوره ۴ ساله را طی نموده و پایان نامه اخذ که هنوز موفق به نوشتن آن نشده ام و در دانشگاه کارشناسی مدیریت را تحصیل کردم. علاوه به تحقیقاتی که خودم داشته ام فقط یا پژوهشگاه حوزه مدتی همکاری نمودم.

محمدی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۷۷، خراشا.

درگذشت: ۱۳۶۷.

سید علی معروف به «آخوند میرزا علی» فرزند میرزا محمد، در مکتب آخوند میرزا هدایت به تحصیل پرداخت و عربی را نزد میرزا محمد آموخت. وی با شخصیت‌هایی چون سید رضا هاشمیان و عارف بجنوردی هم درس و هم مباحثه بود و این هر سه از محضر پدر بزرگشان «حاج میر خداداد» که اهل علم و خطاطی بود، بهره بردند آخوند میرزا علی، مکتبداری را برگزید و به امر آموزش قرآن و سواد فارسی به شاگردان پرداخت. او ضمن راهنمایی و ارشاد مردم و پاسخ دادن به مسائل دینی به اداره‌ی مساجد و موقوفات و نظارت در مصرف مخارج اهتمام می‌ورزید، اما حرفه‌ی اصلی او ساعت سازی و صحافی بود و خط را نیز زیبا می‌نوشت. او به تنظیم و کتابت مجالس تعزیه‌خوانی همت گماشت و مجالس مختلف را به صورت جداگانه مکتوب ساخت که در خراشا در ایام محرم هنوز هم اجرا می‌شود. اجرای یکی از مجالس عاشورا که او تنظیم کرده بود، ده ساعت به درازا می‌کشد. وی کارگردانی شبیه‌خوانی‌ها را نیز به عهده داشت. آخوند میرزا علی از ۴۰ سالگی به سرودن شعر روی آورد و آیات قرآن، روایت اهل بیت و حوادث تاریخی را به نظم کشید. وی در مجالس مذهبی خراشا سروده‌های خود را در اعیاد و وفیات قرائت می‌کرد و میرزا شکرالله فخر طه اشعار او را با صدای دلپذیر خود در مراسم به آواز می‌خواند. از سید علی محمدی دو دفتر شعر و چند جزوه در دست است. دفتری از مثنوی نیز مفقود شده است. آخوند میرزا علی در سال ۱۳۶۷ به سرای باقی شتافت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

محمدی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی محمدی جورکویه

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی محمدی جورکویه در سال ۱۳۴۳در روستای جورکویه از بخش خشکبیجار از توابع شهرستان رشت در خانواده ای مذهبی متولد شدم. تحصیلات ابتدائی را در روستای جورکویه و دوره راهنمائی را در بخش خشکبیجار گذراندم و تحصیلات دبیرستان را تا سال سوم دبیرستان در بخش خمام خواندم و آنگاه وارد حوزه علمیه بندر انزلی شدم. از سال ۱۳۶۱ دروس حوزوی را در مدرسه قائمیه بندر انزلی آغاز کردم. در سال۱۳۶۳ به حوزه علمیه قم آمدم و در مدرسه علمیه امام باقر(ع) دروس حوزوی را پی گرفتم.

همزمان با تحصیل در حوزه علمیه قم، دوره دبیرستان را به اتمام رساندم و دیپلم گرفتم. از سال ۱۳۶۷ در مرکز آموزش عالی دفتر تبلیغات دوره معارف اسلامی گذراندم و در سال ۱۳۷۰ از آن مرکز مدرک معادل لیسانس گرفتم. درسال ۱۳۷۲ در کنکور سراسری در رشته حقوق پذیرفته شدم و در کنار دروس حوزه، به تحصیل در دانشگاه پرداختم. سال ۱۳۷۶ از دانشگاه مفید لیسانس حقوق گرفتم و همان سال در دوره فوق لیسانس دانشگاه تهران در رشته حقوق جزا پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۹ موفق به اخذ درجه فوق لیسانس گردیدم. از سال ۱۳۶۹ فعالیت تحقیقاتی خود را در مرکز تحقیقات سپاه شروع کردم و آنگاه فعالیت خود را در پژوهشکده باقرالعلوم سازمان تبلیغات دنبال کردم.

از سال ۱۳۷۸ همکاری خود را با مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه آغاز نمودم و مدتی در سمت معاون پژوهشی مرکز مذکور بوده ام. در کنار فعالیت در مرکز تحقیقات قوه قضائیه، به همکاری با دفتر پژوهشهای اسلامی سازمان زندانها پرداختم و مدتی به عنوان مدیر پژوهش این دفتر انجام وظیفه نمودم. از سال ۱۳۸۳ به عنوان عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی پذیرفته شدم که تا کنون ادامه دارد و به عنوان مدیر امور پژوهشی پژوهشگاه(دفتر قم) و عضو هیئت علمی آن به فعالیت مدیریتی و پژوهشی اشتغال دارم. در کنار فعالیتهای مدیریتی و پژوهشی، فعالیت آموزشی نیز در برخی دانشگاهها در رشته حقوق داشته ام. پس از سالها حضور در دروس خارج فقه و اصول اساتید بزرگ حوزه همچون آیات عظام اردبیلی، مکارم شیرازی و سبحانی اکنون به نوشتن رساله سطح چهار حوزه اشتغال دارم.

محمدی، علی محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی محمد محمدی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از دوره دبیرستان در سال ۱۳۶۲ مشغول دروس حوزوی شدم و تا اتمام دوره لمعتین در یزد مشغول تحصیل بودم از سال ۶۹ وارد قم شده در درس بحث آقایان مرحوم وجدانی و مرحوم پایانی و آیت الله سید احمد خاتمی و آیت الله سبحانی و آیت الله عبدالله جوادی آملی و دیگر آقایان شرکت نمودم در کنار درس از سال ۱۳۷۲ وارد محیط ادبیات داستانی شدم در سال ۱۳۷۳ به بعد در مجلات کودکان داستان ارائه کردم. کم کم درمجلات نوجوان و جوان هم داستان و مقالات ادبی ارائه نمودم در همین سالها بود که با مجله کودک و نوجوان (سلام بچه ها پوپک) همکاری داشتم و در درسهای نادر ابراهیمی شرکت کردم.

محمدی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا محمدی

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اواخر سال ۱۳۶۹ تحصیل علوم حوزوی و معارف اسلامی را در مدرسه علمیه سلیمانیه مشهد مقدس آغاز نمودم و پس از اتمام دروس مقدماتی در سال ۱۳۷۲به حوزه علمیه قم وارد شده و دروس سطح را در محضر اساتید بزرگوار اقایان حسینی بوشهری، محمدی خراسانی، حسینی خراسانی، سید احمد خاتمی اشتهاردی، ربانی گلپایگانی گذراندم و از سال ۱۳۷۶تاکنون در دروس خارج فقه آیت الله مکارم شیرازی و خارج اصول ایت الله سبحانی بهره مند شده ام. به موازات دروس حوزه در سال ۱۳۷۵ وارد دانشگاه مفید قم شده و در رشته علوم سیاسی مقطع کارشناسی به تحصیل مشغول بودم و درسال ۱۳۷۱در کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران پذیرفته و این مقطع را گذراندم .علاوه بر تحصیل در حوزه و دانشگاه از سال ۱۳۸۰تاکنون در مرکز مشاوره معاونت تبلیغ و آموزش نهاد رهبری در دانشگاهها، در حوزه های مختلف اندیشه سیاسی اسلام وغرب، فقه سیاسی، مسائل روز و تاریخ تحولات ایران و جهان، معضلات سیاسی اجتماعی و فرهنگی جامعه و موضوعات متعدد دیگر، به تحقیق و پژوهش مشغول می باشم.

محمدی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد محمدی

محل تولد : رودسر

شهرت : محمدی گیلانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۷/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔالله محمد محمدی دعوی‌سرایی مشهور به گیلانی در سال ۱۳۰۷ در روستای دعوی سرا از توابع شهرستان رودسر در استان گیلان در میان خانواده‌ای متدین و دوستدار خاندان پاك پیامبر به دنیا آمد. پدر او محمدجعفر نام داشت و در همان روستا زندگی می‌کرد و از راه کشاورزی روزگار می‌گذرانید. آیهٔالله محمدی گیلانی در شش سالگی به مکتب خانه رفت و قرآن مجید و کتابهای معمول در ادبیات فارسی را فرا گرفت. سپس با تأسیس نخستین دبستان دولتی در نزدیکی روستای دعویسرا در سال ۱۳۱۵ به دبستان رفت و در کلاس سوم دبستان پذیرفته شد. با به پایان بردن دورهٔ دبستان و شروع جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۲۰ مجبور به ترك مدرسه شده، به خدمت پدر رفت و چند سال به کشاورزی مشغول شد. در سال ۱۳۲۳ همزمان با تأسیس حوزه علمیه رودسر توسط مرحوم حجه الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد هادی روحانی به حوزه علمیه رودسر رفت و جامع المقدمات را فرا گرفت. آنگاه در سال ۱۳۲۵ به حوزه علمیه قم مشرف شد و به تکمیل دروس ادبیات و فراگیری دروس دوره سطح پرداخت. با پایان یافتن دوره سطح، به درس خارج آیهٔالله العظمی بروجردی(ره) راه یافت و در مدت دوازده سال کتاب صلوهٔ را در محضر ایشان به اتمام رساند. به موازات آن در درس اصول فقه امام خمینی(ره) نیز حضور پیدا کرد و از آن بهره‌های بسیار برد. در طول این مدت در درس اسفار و شفای علامه سید محمدحسین طباطبایی نیز به مدت هفت سال شرکت نموده است. او در سالهای تحصیل خود با استادان و فضلای بسیاری رابطهٔ دوستی داشته که برخی از اعضای جامعه مدرسین از آن جمله‌اند. آیهٔالله محمدی گیلانی در سالهای عمر خود تا به امروز خدمات فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است. او بسیاری از کتب دورهٔ سطح در فقه و اصول و حکمت و تفسیر را بارها تدریس کرده است و هم اکنون نیز در تهران به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارد. از این رهگذر شاگردان بسیاری تربیت و به عالم اسلام تقدیم شده‌اند. آیهٔالله محمدی گیلانی از فعالان سیاسی در پیش از انقلاب و پس از آن بوده است. او با حضور در جلسات جامعه مدرسین و امضای اعلامیه‌ها و نامه‌های آن و نیز سخنرانیها و افشاگریها سهم بسزایی در پیروزی انقلاب داشته است. پس از انقلاب نیز به دستور امام تشکیل دادگاه انقلاب را بر عهده گرفت و پس از تشکیل شورای عالی قضایی به عضویت این شورای در آمد.

محمدی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین محمدی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۶/۲

زندگینامه علمی

اینجانب در شهریور ماه سال ۱۳۳۹ در شهرستان مقدس قم در خانواده ای مذهبی و روحانی به دنیا آمدم و بعد از گذراندن دوره ابتدایی و دوران راهنمایی در سال ۱۳۵۷ با ذوق و علاقه شخصی و راهنمایی پدرم وارد حوزه علمیه شده و در مدرسه علمیه رسالت مشغول به تحصیل گردیدم. با توجه به شروع انقلاب اسلامی در راهپیمایی ها و تظاهراتی که برگزار می گردید به طور جدی شرکت نموده و اطلاعیه های حضرت امام خمینی(ره) را در سطح شهر قم پخش کرده و به دست مردم و جوانان می رساندم تا این که در سال ۱۳۵۸ در شهر قم توسط عوامل مزدور شاه دستگیر شدم و مدتی را در زندان به سر بردم و به یاری خداوند بعد از مدتی آزاد گردیدم، سپس بعد از آزادی به ادامه تحصیل در شهر مقدس قم ادامه داده و درس مقدمات را نزد اساتیدی چون حسینی بوشهری و استاد مرحوم طالقانی و مرحوم مدرس افغانی و ... سپری کردم.دروس لمعه را نزد استاد وجدانی فخر و فقیه شیرازی و استاد ابوالفضل احمدی و استاد گنجی و ... تمام نمودم و سپس در سال ۱۳۶۱ به علت نیاز منطقه در شهر هرسین کرمانشاه در حوزه علمیه امام صادق(ع) مشغول تدریس ادبیات و منطق به مدت یک سال گردیدم. سپس بعد از مراجعت از هرسین دروس حوزه را ادامه دادم و درس مکاسب را نیز در محضر استاد احمدی و مرحوم استاد ستوده و مرحوم استاد پایانی تلمذ نمودم و در درس کفایه نیز در محضر استاد ستوده بودم و بعد از اتمام دروس سطح، در درس خارج آیت الله وحید خراسانی و مدتی محضر حضرت آیت الله ملکی تبریزی ولی اکثر درس خارج فقه و اصول را از محضر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی استفاده نمودم.

سپس بعد از اعلام شروع رشته های تخصصی توسط حوزه در سال ۱۳۷۷ وارد اولین دوره رشته تخصصی تفسیر شدم و به مدت چهار سال دوره آموزشی نزد آیات مکارم شیرازی، جوادی آملی، معرفت، شب زنده دار، خزعلی و محقق داماد و اساتید دیگر گذراندم و همزمان با دروس مرکز به درس خارج نیز ادامه دادم و در ضمن مشغول به تدریس مباحث تفسیری و علوم قرآنی در مراکز دانشگاهی و حوزوی شدم که سوابق تدریس این جانب پیوست می باشد.

محمدی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا محمدی

محل تولد : بیرجند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

با سلام و درود به روح بلند امام راحل و شهدای گرانقدر اسلام که با نثار جان خویش زمینه ترویج فقه آل محمد (ص) را فراهم آوردند ، یادشان گرامی و راهشان مستدام حقیر درسال ۱۳۵۴ وارد حوزه عملیه بیرجند شدم . مقدمات را در آنجا فرا گرفتم و همزمان با اوج انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به قصد ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه قم شدم .(البته آن روزها، قم سخن از انقلاب و نهضت داشت نه تدریس و تدرس) از آغاز سال تحصیلی ۱۳۵۸ وارد مدرسه تحت برنامه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) شدم و تا سطح را از محضر اساتید ارجمندی همچون حضرات آقایان : طالقانی ، عالمی ، نکونام ، مسعودی کاشانی ، صلواتی ، ابراهیم جناتی ، و استادی (ادام الله بقائهم) حظ وافری بردم .

پس از آن وارد دروس آزاد حوزه شدم و از محضر اساتید گرانقدری همچون حضرات آقایان : اعتمادی ، خرازی و مرحومان مغفوران پایانی و ستوده سطوح عالیه را فرا گرفتم .

پس از آن از دروس خارج فقه و اصول آیات عظام : وحید خراسانی ، فاضل لنکرانی ، ناصر مکارم ، میرزا جواد آقای تبریزی ، و غیرهم (ادام الله ظلهم) بقدر وسع خوشه چیده و اگر توفیق حاصل آید در صدد استفاده هستم . در بحث تفسیر از محضر آیات و اساتید ارجمند آقایان : مشکینی و جوادی آملی (ادام الله بقائهم) بی بهره نمانده ام.چند صباحی را هم افتخار تلمذ فیلسوف فرزانه حضرت آیت الله حسن زاده آملی را در بحث فلسفه داشته ام .

محمدی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی محمدی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدعلی محمدی آن گونه که در شناسنامه ام آمده در سال ۱۳۴۶ در روستای ابرسج از توابع شهرستان شاهرود به دنیا آمدم تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در روستا گذراندم و بعد از آن که یک سال در دبیرستان مشغول تحصیل بودم در سال ۱۳۶۲ راهی حوزه علمیه شدم سال ۱۳۶۲ را در حوزه علمیه بسطام(حوزه علمیه شاهرخیه یا باقر العلوم) گذراندم آن حوزه تحت زمامت حضرت حجهٔ السلام و المسلمین حاج شیخ عبد الرسول حسنی (قدس سره) بود. ایشان به راستی اسوه اخلاق بود به گونه ای که به راستی هنوز نیز به شدن تحت تأثیر افطار آن مرد بزرگ قرار دارم و محاسن اخلاقی آن بزرگ را هیچ گاه فراموش نمی کنم و اگر توفیق دعا برای اساتیدم را داشته باشم آن بزرگوار از اولین افرادی است که برایش دعا می کنم. در سال ۱۳۶۳ و پس از شهادت برادر عزیزم راهی حوزه علمیه شاهرود(مدرسه بازار) شدم در آن حوزه مبارکه از محضر اتاتید زیادی بهره مند بودم که برخی از آن ها عبارتند از:حضرت آیت الله اشرفی(دام ظله) ، حضرت حجهٔ السلام و المسلمین شیخ احمد داوری(زید محب) حضرت حجهٔ السلام و المسلمین سید ولی الله حسینی(زید توفیقه).

در سال ۱۳۶۵ برای اولین بار راهی جبهه های نبرد حق علیه باطل شدم و در سال ۱۳۶۷ پس از اتمام لمعتین و دو جلد اصول فقه مرحوم مظفر راهی حوزه علمیه مبارکه قم شدم حضرت حجهٔ السلام و المسلمین حاج سید احمد خاتمی (زیدعزه) اولین استادم بودند که قسمت های زیادی از رسائل و مکاسب را خدمت ایشان تلمذ کردم چنان که در همین سال ها مدتی نیز از درسهای آیت الله خرم آبادی و حجهٔ السلام و المسلمین علی محمدی نیز استفاده می کردم شاید اولین سالهایی که می خواستم در درس خارج شرکت کنم خدمت حاج آقا خاتمی می رسیدیم؛ جمع چند نفر (شاید ۶ الی ۸ نفر) بودیم. آن درس با درس خارج مصطلح نیز تفاوتهای داشت. از محضر استاد خاتمی نیز استفاده های فراوانی برده ام خداوند بر توفیقاتش بیفزاید از دیگر اساتید که از درس خارج آنها استفاده کردم می توان به این عزیزان اشاره کرد: حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی ،حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی حضرت آیت الله العظمی سبحانی ، حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی وقتی مشغول تحصیل سطوح علیه بودم با مراکز تحقیقاتی نیز همکاریم شروع شد حاصل اولین همکاری ها کتاب های زندگی نامه آیت الله دستغیب و میرزا شیرازی دوم بود که چاپ هم نشد. اولین کتابی که نوشتم«آسمان عرفان و سپس«نگین قرآن» و آن گاه«شیخ شریعت» و اخیراً دو جلد سر سفره خدا و با بهار دلها است. چندین مقاله نیز نوشته ام که از جمله می توان به مقالات اسماء الحسنی.ادراک عالمی حیلهٔ العدر، روشهای تبلیغی پیامبر اکرم و... اشاره کرد که دو مقاله اول را برای دانشنامه کلام نوشته ام. از اولین سالهای ورود به حوزه علمیه به تدریس نیز اشتغال داشته ام که هم اکنون نیز در حوزه علمیه سفیران هدایت به تدریس اشتغال دادم. چند سالی است که مسئولیت واحد و گروه پاسخ به سؤالات و شبهات را نیز به عهده دارم که حاصل این کار پاسخ دهی کتبی به بیش از پنجاه هزار سئوال است هزار پاسخ تلفنی و .... می باشد برای گروه فوق با کمک دیگر مسئولان مرکز فرهنگ و معارف قرآن چندین وبلاگ و دو و سه سایت نیز تحصیل کرده ایم .

محمدی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی محمدی

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر در سال ۱۳۳۷ در همدان متولد شدم، پس از فراگیری قرآن مجید و برخی از کتب متداول آن روز در مکتب خانه های رایج آن زمان پرداخته سپس در دبستان تا کلاس پنجم ابتدایی را سپری کرده. در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه قم شدم، ادبیات عرب، معانی بیان و منطق را از محضر اساتیدی از جمله استاد مدرس افغانی استفاده نمودم، معالم الاصول، اصول فقه مظفر، شرح لمعه نیز از اساتید دروس فقه در آن زمان فرا گرفتم، فلسفه را در حد بدایه الحکمه و نهایه الاحکمه از محضر استاد فیاضی شرح منظومه را از استاد گرامی و انصاری شیرازی، بهره گرفتم اسفار را از محضر استاد حسن زاده آملی و جوادی آملی فرا گرفتم.وسایل را از محضر استاد اعتمادی و دیگر بزرگان استفاده کردم. مکاسب و کفایه را بیشتر از محضر استاد ستوده بهره گرفتم. سپس در درس خارج در محضر اساتیدی بوده و هستم که نوشته شده است. در کنار تحصیل حوزوی تحصیلات کلاسیک را تا سوم نظری ادامه دادم سپس با پذیرش در کنکور تربیت مدرس دانشگاه قم مدرک کارشناسی ارشد را دریافت کردم. و طبق رسم رایج در حوزه ها

در فرصت های مناسب تبلیغ را وظیفه خود دیده از آن غفلت و دریغ نکردم، در مواقع لزوم مناطق محروم کشور را جهت تبلیغ مسایل اسلامی برگزیدم. تدوین و نوشتن را طبق توصیه اساتید بزرگ غنیمت شمرده، در مواردی که احساس وظیفه می نمودم از همکاری با نهادهای مرتبط با نظام مقدس جمهوری اسلامی کوتاهی نمی نمودم از جمله همکاری با گروه تاریخ اسلامی مرکز تحقیقات سپاه، دفتر تبلیغاتی اسلامی سازمان تبلیغات اسلامی و ... و اینک نیز در خدمت مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه می باشم.

محمدی، مسلم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسلم محمدی

محل تولد : اردل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از گذراندن دوران تحصیلی مدرسه در سال ۱۳۶۵تا سال ۱۳۷۰سطوح مقدماتی را د رحوزه های علمیه استان چهار محال و بختیاری گذراندم. از سال ۱۳۷۰تا کنون در حوزه علمیه قم هستم و دروس سطح تا خارج را گذراندم. و در سال ۱۳۷۹وارد رشته تخصصی کلام و فلسفه سطح ۴شدم و اکنون د رحال تدوین مراحل پایانی پایان نامه آن می باشم که با عنوان (نسبیت گرائی اخلاق از دیدگاه مکاتب اخلاقی غرب و روشنفکران مسلمان) نوشته شده است .مدتی در مرکز مطالعات حوزه به پرسشهای ارسالی پاسخ می دادم و در مجله صباح وابسته به آن مجموعه نیز برخی مقالات از بنده چاپ شده، همچنین مقالاتی د رحوزه مسائل اجتماعی و سیاسی در نشریات و روزنامه های کشور به چاپ رساندم. از سال ۱۳۸۱تا سال ۱۳۸۳مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی ایلام د رحال خدمت بودم که در همان سال اول به عنوان مسئول نمونه کشوری معرفی گردیدم .

لازم به ذکر است از سال ۱۳۶۸تاکنون فعالیتهای تبلیغی در مدارس ،مناطق عشایری ،روستاها ،نیروهای نظامی و دانشگاههای سراسر کشور به انجام رسانده ام. الان نیز به عنوان مشاور سردبیر و دبیر تحریر مجله علمی پژوهشی نشریه اندیشه نوین دینی به فعالیت علمی مشغول هستم. لازم به ذکر است که سطح مجله از نظر علمی ویژه اساتید دانشگاه و محققین کشور می باشد. از نظر فعالیت های علمی از سالهای اول طلبگی تا الان به تدریس دروس حوزه از صرف و نحو ،منطق وفلسفه تدریس داشته ام،هم د رحوزه های شهرستان و هم قم . و علاوه بر اینها در مرکز جهانی علوم اسلامی مدتی تدریس کردم .همچنین مدتی د رسال۱۳۷۲مدیر داخلی مدرسه علمیه شهر قصر شیرین بوده ام. از سال ۱۳۸۱تا۱۳۸۳ تدریس در دانشگاههای علوم پزشکی و آزاد اسلامی ایلام را عهده دار بودم و سال۱۳۸۴تربیت معلم شهید رجائی تهران و ترم قبل والان دانشگاه قم ،و همچنین در ترم گذشته و همچنین جهت ترم آینده دانشگاه تهران (میدان انقلاب) تدریس به عهده گرفته ام .

محمدی، منوچهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر منوچهر محمدی در سال ۱۳۱۸ هجری شمسی در کرمان متولد شده است. وی مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته علوم سیاسی از دانشگاه شهید بهشتی و دکترای خود را در رشته روابط بین‌الملل از آمریکا اخذ نموده است. دکتر محمدی مدیریت گروه روابط بین‌الملل دانشگاه تهران و عضویت هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی را دارا می‌باشد. گروه : علوم انسانی رشته : علوم سیاسی گرایش : مطالعات بین الملل والدین و انساب : نام پدر منوچهر محمدی، حسین محمدی و کارمند جزء ثبت اسناد و دارای ۱۱ فرزند بود.خاطرات کودکی : منوچهر محمدی قبل از رفتن به دبستان ۳۰ جزء قرآن را نزد ملای مکتبی به اتمام رسانید.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : منوچهر محمدی در خانواده ای مسلمان و متدین و نسبتاً فقیر بدنیا آمد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : منوچهر محمدی پیش از ورود به دبستان در مکتب خانه خواندن قران را فرا گرفت. دوره ابتدایی را در دبستان اسلامی وابسته به جامعه تعلیمات اسلامی به پایان رسانید و سه سال دوره اول متوسطه را در دبیرستان امام خمینی (پهلوی سابق) کرمان گذراند و به علت فقر مالی به دانشسرای مقدماتی رفت و پس از اخذ دیپلم در رفسنجان مشغول تدریس شد. وی در سال ۱۳۴۵ تحصیلاتش را در دانشکده حقوق دانشگاه تهران ادامه داد. مدارک دانشگاهی ایشان به ترتیب زیر است: – کارشناسی حقوق سیاسی از دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹ – کارشناسی ارشد علوم سیاسی از دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۵۲ – کارشناسی ارشد علوم سیاسی از دانشگاه ویسکانسین مدیسون آمریکا در سال ۱۳۵۵ – دکتری مطالعات بین المللی از دانشگاه کارولینای جنوبی در شهر کلمبیا – آمریکا در سال ۱۳۵۸فعالیتهای ضمن تحصیل : منوچهر محمدی پس از اخذ دیپلم در

رفسنجان به تدریس مشغول شدند.همسر و فرزندان : منوچهر محمدی متاهل و دارای همسر و چهار فرزند می باشد.وقایع میانسالی : منوچهر محمدی با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی از وزارت آموزش و پرورش استعفا داد و به استخدام شرکت ملی نفت در جنوب در آمد و مدت شش ماه در مناطق نفت خیز خوزستان در امور اداری مشغول خدمت شد. در سال ۱۳۵۴ با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی و علاقه به ادامه تحصیل از شرکت نفت استعفا داد و عازم آمریکا گردید و مدت یکسال در دانشگاه ویسکانسین به تحصیل پرداخت و موفق به اخذ کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی گردید. وی همچنین توانست دکتری خود را در رشته مطالعات بین الملل کسب کند و با توجه به نیاز انقلاب به کشور ایران بازگشت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : خدمات علمی و اجرایی: - ۱۳۶۹ -۱۳۷۰، معاون حقوقی و امور مجلس وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح - وزارت دفاع - ۱۳۶۸ -۱۳۶۹، مشاور حقوقی وزیر دفاع - وزارت دفاع - ۱۳۶۴ -۱۳۶۸، مشاور حقوقی مدیرعامل صنایع دفاع - ۱۳۶۳، وزارت فرهنگ و آموزش عالی - ۱۳۶۰ -۱۳۶۲، معاون نخست وزیر و سرپرست دفتر خدمات حقوقی بین المللی - ۱۳۵۹ -۱۳۶۰، استانداری سیستان و بلوچستان - ۱۳۵۸ -۱۳۵۹، فرمانداری خرمشهر - از ۱۳۶۳ تا کنون، عضو هیئت علمی در دانشکده روابط بین الملل دانشگاه تهران - ۱۳۶۰-۱۳۶۲ معاون دانشجویی وزارت فرهنگ و آموزش عالی - ۱۳۷۷-۱۳۸۰ مشاور حقوق بین المللی مدیر عامل شرکت بیمه ایران - ۱۳۸۴ معاونت امور بین الملل موسسه پژوهشی، فرهنگی انقلاب اسلامی - ۱۳۷۸ رئیس کمیته حقوقی شورای عالی انقلاب فرهنگی - مدیر گروه علوم سیاسی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)فعالیتهای آموزشی : عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط منوچهر محمدی: کارشناسی ارشد: - انقلاب اسلامی و روابط بین الملل - سمینار روابط خارجی ایران - سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دکتری: - ایران و کشورهای همسایه - سیاست خارجی ایران در تئوری و عملی آثار :استراتژی آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر آمریکا رویاروی اسلام ویژگی اثر : انتشارات سروش -۱۳۸۲۲ انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلابهای فرانسه و روسیه ویژگی اثر : تالیف ۱۳۷۴۳ انقلاب اسلامی در میان انقلابهای بزرگ جهان ویژگی اثر : مقاله۴ انقلاب اسلامی و نظام جهانی ویژگی اثر : مقاله۵ انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدها ویژگی اثر : دفتر نشر معارف ۱۳۸۰۶ بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ویژگی اثر : در دست چاپ۷ بیداری جهان اسلام ویژگی اثر : مقاله۸ پیشنهادات ضروری برای مسئولین جمهوری اسلامی در برخورد با تحولات جدید ویژگی اثر : مقاله۹ تحلیلی بر انقلاب اسلامی ویژگی اثر : چاپ امیر کبیر - چاپ یازدهم ۱۳۸۳۱۰ تحلیلی بر کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ویژگی اثر : مقاله۱۱ تحول اداری تغییر در شیوه یا اصول ویژگی اثر : مقاله۱۲ تقابل دین و آزادی ویژگی اثر : مقاله۱۳ دکترین تعامل سازنده خارجی جمهوری اسلامی ایران ویژگی اثر : تالیف۱۴ رابطه امام خمینی و مردم در انقلاب اسلامی ویژگی اثر : مقاله۱۵ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ویژگی اثر : نشر دادگستر - ۱۳۸۰۱۶ ضربه‌پذیری منافع امنیتی ایالات متحده آمریکا ویژگی اثر : مقاله۱۷ مافیای قدرت ویژگی اثر : مقاله۱۸ مروری بر سیاست خارجی دوران پهلوی ویژگی اثر : تالیف، دادگستر، ۱۳۷۷

محمدیان، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی محمدیان

محل تولد : نورآباد لرستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد تقی محمدیان در سال ۱۳۵۱ در یک خانواده مذهبی در شهرستان نورآباد لرستان متولد شدم. دوران ابتدایی را در سال ۱۳۶۲ تمام کردم. سال اول و دوم و سوم راهنمایی را در دوران جنگ سپری کردم. حال و هوای جبهه و شهادت برادر بزرگم بر روحیه من تأثیر عمیقی گذاشت و باعث شد که این حقیر ، سال سوم راهنمایی عازم جبهه شوم برای اولین بار. در پاییز ۱۳۶۶ به حوزه علمیه سید مرتضی علم الهدی نورآباد رفته و ثبت نام کردم. اما آن سال را نیز با رفتن به جبهه گذراندم و اصولا حال و هوای جبهه نمی گذاشت به درس فکر کنیم.

در طول سال ۱۳۶۶ فقط صرف میر را خواندیم . مجدداً در بهار سال ۱۳۶۷ به جبهه رفتیم که تا پایان جنگ تحمیلی ادامه داشت. سال ۶۷ و ۶۸ را در نورآباد با موفقیت تمام درس خواندیم هدایه و صمدیه را پیش استاد بزرگوار آقای رضوانی (از طلاب مهاجر افغانی) که مدرس حوزه علمیه بودند با موفقیت تمام کردیم. سیوطی و باب رابع مغنی ، حاشیه ملاعبدالله در منطق و ... یادم هست که در اکثر امتحانات نمره خیلی خوبی می گرفتم. در امتحان باب رابع مغنی بیست گرفتم و همین باعث شد که یک تخته پتوی یک نفر به من جایزه دهند.

عطش زیادی به تحصیل در قم داشتم چندین بار اقدام می کردم اما میسر نمی شد. با دو نفر از دوستان همشهری تصمیم گرفتیم که به حوزه علمیه جعفریه پاکدشت (تهران) بریم. علت این تصمیم این بود که امام جمعه و مسئول حوزه این شهرستان حجهٔ الاسلام و المسلمین کاظمی (آل کاظمی) از همشهریان ما بود. عالم فاضل و وارسته ای است. مخصوصا خلف مرحوم آیت الله شیخ فرج الله موموندی است که ایشان از شاگردان آیهٔ الله نائینی و آیت الله اصفهانی قدس سره هم بوده اند و در منطقه غرب دارای آوازه و نفوذ

زیـادی هسـتند و همین جـاذبه معنوی آن مرحوم مـا را به حوز ه علمیه فرزنـدانشان کشانـد. یـک سال در آنجا درس خوانـدم و البته ادبیات هم تدریس می کردم. ولی دوری راه و محیط این حوزه علمیه که محیط حوزه و ..... نمی توانست ذهن و جان مرا که نام قم در گوشه گوشه ی قلبم نوشته شده بود سیراب کند لذا بعد از یک سال به بروجرد برگشتم. ریاست حوزه با مرحوم حجهٔ الاسلام و المسلمین نـواب بـود، که خـود ایشـان و مرحوم حجهٔالاسـلام و المسـلمین حسـین دوست هم اسـتاد بودنـد و به این حقیر و به حجهٔ الاسـلام والمسـمین حقیـان که اکنون امـام جمعه شـهر کرج است عنایت بسیار داشـتند . شـرح لمعه و اصول مظفر را در نزد این دو بزرگوار خوانـدیم. در عین حال بنـده در بروجرد تدریس هم می کردم . ادبیات ، جامع المقدمات، منطق و ... و حتی باعث تدریس حقوق می گرفتم. بعد از اتمام لمعتین و اصول به فکر آمدن به قم افتادم. ثبت نام کردم و به طور متفرقه در امتحانات قم شرکت می کردم تـا اینکه در سال ۱۳۷۳ با نمرات عالی قبول شـدم و وارد حوزه علمیه قم (المقـدسه) شـدم. دو سال در خوابگاه جعفریه پشت بیمارستان آیهٔالله گلپایگانی ساکن بودم.

و در سـال ۱۳۷۴ ازدواج کردم امـا بـاز آن سـال در خوابگـاه بودم. از سال ۱۳۷۵ خـانواده را به قم منتقـل کردم تـا با دقت و حـدت بیشتری به تحصیـل بپردازم. دوران سـختی را داشتیم بـا هفـده هزار تومـان شـهریه که ده هزار تومـان آن را به کرایه خـانه می دادیم روزگار سپری می کردیم و البته فضل خدا همواره کمک و مدد بوده و هست.

به شدت به تحصیـل مشـغول بودم درسها را مباحثه می کردم می خواندم و می نوشتم گاهی مباحثه های ما ساعت ۹ و ۱۰ شب طول می کشـید در این سالها تصـمیم گرفتم که پرونـده تحصـیلات کلاسـیک را از بروجرد (مـدرسه ایثارگران) به مـدرسه ایثارگران قم منتقل کنم.

و نم نمک دوره دبیرسـتان را هم می خواندم. در سال ۱۳۷۷ در آزمون ورودی دانشـگاه مفید ثبت نام کردم و در رشـته فلسفه قبول شدم . دانشگاه مفید در مقطع کارشناسی از نظر علمی ، دانشگاه خوب است و اساتید قوی را دعوت می کند.

دوره کارشناسـی را با رتبه الف در سال ۱۳۸۰ (بهمن ماه) تمام کردم. و همان سال در امتحانات کارشناسـی ارشد سراسـری شرکت کردم و با رتبه دو رقمی ۱۷ قبول شدم. رشته فلسفه را در دانشگاه علامه طباطبایی ادامه دادم.

در سال ۱۳۸۴ پایان نامه خود که در حوزه فلسـفه دین (بررسـی مسأله فناناپـذیری روح) که چنـدین مقاله از فیلسوفان غربی در باره جـاودانگی روح و حیـات پس از مرگ بود ترجمه کردم و بر اساس مبانی اسـلامی و فلسـفه صـدرایی و .... مشایی نقـد کردم. نمره پایان نامه من عالی شد. قصد داشـتم همان سال دکترای فلسـفه را هم ادامه دهم اما برخی مشـکلات زندگی مانع شد. در همان سال آخر دانشـگاه به عنوان محقق با موسـسه پژوهشـی – آموزشی امام خمینی (ره) در قم همکاری می کردم و در بخش دائرهٔ المعارف علوم عقلی به عنوان محقق در اصـطلاح یابی فلسـفی مشـغول بودم دو سالی در آنجا همراه با تحصـیل در حوزه به حیات علمی خود ادامه می دادم.

در اول سـال ۱۳۸۵ تحصـیلی تقاضای سـطح چهار نمودم بعد از بررسـی پایان نامه کارشناسـی ارشد دانشـگاه آن را پذیرفته و اجازه دادند که به دنبال موضوع برای سطح چهار حوزه علمیه قم باشم.

موضوع را انتخاب کردم « تعامل فلسفه و تفسیر» و موضوع تصویب شد و طرح آن را هم نوشـتم و طرح نیز پس از نقضـی و ابرامی تایید شده بالاخره هم اکنون مشغول نوشتن رساله سطح ۴ هسـتم و اسـتاد راهنمای این طرح آقای دکتر محمد حسن زمانی است. و استاد مشاوره بنده هم دکتر احمد عابدی می باشد.

لازم به یادآوری است که مدت یک سال است که در دانشـگاه علوم پزشـکی رفسنجان هم به عنوان هیئت علمی دانشگاه مشغول به تدریس هستم و هم اکنون هفته ای سه روز برای تدریس به دانشگاه رفسنجان می روم.

و از تاریخ ۱۵/۱۰/۱۳۸۶ هم در واحد ترجمه پژوهشـگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم مشغول به خدمت هستم.باشد تا خداوند سبحان عاقبت امر ما را ختم به خیر نماید. آمین. و صلی الله علی محمد و آل الطاهرین و الحمدلله رب العالمین.

محمود، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یکی از دانشـمندان و مورخـان دوران مشـروطیت است که در اواخر عمر اثری بسـیار ارنزده و محققـانه به نام روابط سیاسـی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم در هشت مجلـد تنظیم و انتشـار داد. تولـد او در ۱۲۵۹ ش اتفاق افتاد. تحصـیلات قـدیم را نزد اساتید روز و تحصـیلات جدیـد را در مـدرسه امریکـائی بـه پایـان رسانیـد. در اوایـل مشـروطیت در سـلک آزادیخواهـان درآمـد و عضـو حزب دموکرات گردیـد و در آن هنگام مقالاتی به طرفـداری از آزادی و مشـروطه در جرایـد می‌نوشت. مـدتی به کارهای دولتی اشـتغال ورزیـد و در وزارت پسـت و تلگراف مقامـاتی را طی نمـود. در اوایـل سـلطنت رضاشـاه مـدتی سـرپرست محصـلین وزارت پست و تلگراف در اروپا بود. در ۱۳۲۴ پس از روی کار آمدن قوام‌السلطنه به استانداری تهران رسید و در دوره پانزدهم از نجف‌آباد وکیل شد. در تشـکیل حزب دموکرات ایران با قوام‌السـلطنه همکاری نزدیک داشت و یکی از عوامل مؤثر حزب به شمار می‌رفت. پس از پایـان دوره پـانزدهم از کارهـای سیاسـی کناره گرفت و به تحقیق و تتبع در تاریـخ پرداخت چنـد کتاب نیز ترجمه نمود که از جمله جنگ نفت اثر موهر و شـهریار ماکیاول می‌باشـد. در اواخر عمر از نعمت بینائی محروم گردیـد و در ۱۳۴۴ ش در ۸۵ سالگی وفات یافت. وی خواهرزاده عسـگر گاریچی تبریزی صاحب بزرگترین مؤسـسه حمل و نقل در اوایل مشـروطیت است. محمود در تنظیم و تألیف بعضی از کتب مورخین بعد از شهریور ۲۰ دست داشت. نام خانوادگی وی ابتدا پهلوی بود.

(۱۳۴۴ –۱۲۶۱ ش)، نویسنده و مترجم. در تبریز به دنیا آمد. از آزادیخواهان صدر مشروطیت بود. نام اصلیش محمود پهلوی بود که

بعدها به محمود محمود تغییر داد. خدمات دولتی او در وزارت پست و تلگراف و سپس در اداره رادیو بود و مدتی نیز سمت استانداری تهران را به عهده داشت. همچنین در دوره‌ی پانزدهم نماینده‌ی مجلس شورای ملی بود. وی مقالاتی در مجله‌ی «آینده» و روزنامه‌ی «ستاره‌ی ایران» و دیگر مجلات به چاپ می‌رساند. او کتابهای «تعلیم و تربیت در خانواده»، «تعلیم و تربیت در مدرسه»، «تربیت ایرانی برای جامعه‌ی ایرانی» را با نام مستعار رسول نخشبی منتشر کرد. از دیگر آثار وی: «تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی»، در هشت مجلد؛ «شهریار»، ترجمه؛ «جنگ نفت»، ترجمه.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] دایرةالمعارف فارسی (۲۷۰۱/ ۲)، شرح حال رجال (۴۵ -۴۴/ ۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۱۸۴/ ۲ ، ۱۰۶۶ ،۷۰۸/ ۱)، کلک (س ۵، ش ۵۵ و ۵۶، ص ۳۸۸ -۳۸۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۷/ ۶).

محمودی اصل، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید محمودی اصل

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

من در شهر تبریز مدرسه طالبیه از سال ۱۳۶۲ وارد حوزه شده ام.بعد از یک سال و نیم وارد حوزه علمیه قم شدم. سطح را تا سال ۱۳۶۸ تمام کردم.در کنار دروس معمول حوزه از اساتید برجسته اخلاق همچون آیت الله مشکینی، امینی و کربلائی و مظاهری بهره جستم. درس خارج را از سال ۱۳۷۴ در خدمت استاد سبحانی (اصول) و استاد مکارم (فقه) بودم. فلسفه بدایه و نهایه را با آقای ممدوحی و مقداری از منظومه را از استاد شیرازی تلمذ کرده ام. فلسفه غرب را از استاد خاتمی و ملکیان استفاده کرده ام. شرح تجرید و کلام جدید را به ترتیب در حوزه و دانشگاه قم (تربیت مدرس) خوانده ام مطالعات زیادی (ده سال) در زمینه روانشناسی رفتاری شروع کرده ام و الان تحقیقات و تدریس و سمینارهای فراوان در تبریز برگزار می کنم.در حوزه هنر فیلم بینی و مطالعات سینمایی را از سال ۱۳۷۵ در حوزه هنری قم شروع کردم و الان نیز با کارگردانهای جهان همچون اسکوریزی و کوبریک ارتباط فکری دارم. الان در تبریز مورد مشاوره سازمانهای صنعتی و کارشناس کلینیک خانواده و مشاوره جمعیت هلال احمر در حوزه مهارتهای زندگی در خدمت جوانان هستم. عمده دغدغه من استخراج از منابع دینی در خصوص مهارتهای رفتاری می باشد.

محمودی بختیاری، علیقلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیقلی محمودی بختیاری ، در هفتم آذرماه سال ۱۳۱۱ شمسی چشم به جهان گشود. پس از آنکه تحصیلات مقدماتی را به پایان رساند ، در سال ۱۳۳۲ برای ادامه ی تحصیل راهیِ تهران شد و پس از گذراندن سال ششم متوسطه در دبیرستان مروی ، به دانشکده های حقوق و ادبیات راه یافت ؛ اما رشته ی ادبیات را برگزید و در سال ۱۳۳۷ از دانشکده ادبیات فارغ التحصیل گردید. محمودی در سال ۱۳۳۸ دوره ی فوق لیسانس علوم اجتماعی را گذراند و در سال ۱۳۴۲ دوره ی دکترای رشته ی زبان شناسی و زبان های باستانی ایران را پی گرفت و از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به اخذ درجه ی دکترا توفیق یافت. وی از سال ۱۳۳۹ به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و دو سال معاونت اداره ی تألیف و ترجمه ی اداره ی کل نگارش و سرپرست نظارت بر کتاب های درسی را به عهده داشت. در شهریور سال ۱۳۴۶ برای تدریس وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دعوت شد و از مهرماه همان سال با تأسیس دانشکده علوم و ارتباطات اجتماعی ، به این دانشگاه رفت. دکتر محمودی ، در سال ۱۳۴۹ به دانشگاه ابوریحان بیرونی (دانشسرای عالی سپاه دانش - دانشگاه سپاهیان انقلاب) مأموریت یافت. در سال ۱۳۵۰ با حفظ سمت به معاونت دانشگاه ابوریحان بیرونی منصوب گردید. او در سال ۱۳۵۱ از این سمت کناره گرفت و تا سال ۱۳۵۹ ، مدیریت گروه بنیادهای آموزش و پرورش را عهده دار گردید.آنگاه در سال ۱۳۵۵ بنا به دعوت دانشگاه کلمبیا ، به مدت یک سال به تدریس و مطالعه و تکمیل دوره ی زبان شناسی در آن دانشگاه اشتغال داشت و پس از بازگشت به ایران ، دوباره بنا به دعوت دانشگاه یوتا ، سفری دو ماهه به آمریکا رفت.گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی گرایش : زبان شناسی والدین و انساب : علیقلی محمودی بختیاری ، فرزند مهراب ، نوه ی حاج عبدالله خان بهداروند و نبیره ی محمودخان ، رئیس و سردودمان ایل بختیاروند هفت لنگ بختیاری می باشد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : علیقلی محمودی بختیاری ، تحصیلات مقدماتی را در مکتب سنتی گذراند ، سپس به دبستان رفت و با امتحان

ورودی به کلاس چهارم راه یافت. آنگاه دوره ی اول و دوم متوسطه را در خرم آباد و سال سوم را در الیگودرز و سال های چهارم و پنجم را در بروجرد به انجام رسانید. وی در سال ۱۳۳۲ برای ادامه ی تحصیل راهیِ تهران شد و پس از گذراندن سال ششم متوسطه در دبیرستان مروی ، در کنکور دانشگاه شرکت جست و به دانشکده های حقوق و ادبیات راه یافت ؛ اما رشته ی ادبیات را برگزید و در سال ۱۳۳۷ از دانشکده ادبیات فارغ التحصیل گردید. محمودی در سال ۱۳۳۸ دوره ی فوق لیسانس علوم اجتماعی را گذراند و در سال ۱۳۴۲ دوره ی دکترای رشته ی زبان شناسی و زبان های باستانی ایران را پی گرفت و از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به اخذ درجه ی دکترا توفیق یافت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علیقلی محمودی بختیاری از سال ۱۳۳۹ به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و دو سال معاونت اداره ی تألیف و ترجمه ی اداره ی کل نگارش و سرپرست نظارت بر کتاب های درسی را به عهده داشت. وی در سال ۱۳۵۰ با حفظ سمت به معاونت دانشگاه ابوریحان بیرونی منصوب گردید و در سال ۱۳۵۱ از این سمت کناره گرفت و تا سال ۱۳۵۹ ، مدیریت گروه بنیادهای آموزش و پرورش را عهده دار بود.فعالیتهای آموزشی : علیقلی محمودی بختیاری در دبیرستان های فیروزبهرام ، رازی ، ادیب و چند دبیرستان دیگر تدریس نمود. سپس در شهریور سال ۱۳۴۶ برای تدریس ادبیات فارسی و رشته ی مترجمی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دعوت به کار شد و از مهرماه همان سال با تأسیس دانشکده علوم و ارتباطات اجتماعی ، برای تدریس ادبیات معاصر و فن نویسندگی فراخوانده شد. وی از سال ۱۳۳۸ با تصویب شورای علمی دانشکده به عنوان استاد تمام وقت مشغول به کار شد و علاوه بر تدریس ادبیات معاصر و آیین نگارش ، درس های ادبیات کلاسیک « فرهنگ و تمدن ایران » نیز به او واگذار گردید. دکتر محمودی ، در سال ۱۳۴۹ به دانشگاه ابوریحان بیرونی (دانشسرای عالی سپاه دانش – دانشگاه سپاهیان انقلاب) مأموریت یافت. آنگاه در سال ۱۳۵۵ بنا به دعوت دانشگاه کلمبیا ، به مدت یک سال به تدریس و مطالعه و تکمیل دوره ی زبان شناسی در آن دانشگاه اشتغال داشت و پس از بازگشت به ایران ، دوباره بنا به دعوت دانشگاه یوتا ، سفری دوماهه به آمریکا رفت.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : علیقلی محمودی بختیاری از سال ۱۳۳۴ با همکاری دوستانش « انجمن ادبی دانشکده » را بنیاد نهاد ، که یکی از انجمن های فعال و پربار آن روزگار بود.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علیقلی محمودی بختیاری از دوران کودکی آغاز به سرودن شعر کرد و در دوران دانشجویی رسماً کارِ شعر و شاعری را شروع نمود و در آغاز شعرهای فارسی سره می سرود ، اما وی هیچ وقت به شعر و شاعری متظاهر نبود. در سال ۱۳۵۱ در پایان کتاب « شکرستان » ، نمونه های شعر خود را به چاپ رسانید و در سال ۱۳۵۷ نیز در آخرِ کتاب « گنج راز » به عنوان نمونه ، اشعاری ارائه کرد. از فعالیت های دکتر محمودی در زمان معاونت دانشگاه ابوریحان بیرونی ، ایجاد بخش دانشجویان خارجی بود و در کنار آن ، طرح بازآموزی زبان و فرهنگ ایرانی را به استادان و دبیران زبان و ادبیات فارسی دانشگاه های هند و پاکستان به تصویب رسانید. وی در سال ۱۳۵۶ خود سفری به پاکستان کرد و با دیدار از دانشگاه های سراسر آن کشور ، زمینه ی مساعدی را برای فراخوانی همه ی استادان زبان و ادبیات فارسی سراسر شبه قاره هند و پاکستان فراهم نمود. او در سال ۱۳۵۷ به مصر سفر نمود و ضمن دیدار از دانشگاه های قاهره و اسکندریه ، در دانشگاه عین الشمس قاهره سخنرانی کرد و طرح گسترش زبان فارسی در آن دانشگاه را با توجه به کثرت داوطلب پی ریزی نمود.جوائز و نشانها : در سال ۱۳۵۶ ، کتاب « زمینه ی فرهنگ و تمدن ایران » علیقلی محمودی بختیاری به عنوان کتاب درسی در بخش خاورشناسی دانشگاه یوتا انتخاب شد.آثار : او – تو – من ویژگی اثر : عرفان از دیدگاه حافظ.۲ بابل دل ایرانشهر ، چرا حافظ ؟ ، خاقانی در ایوان مدائن ، دفتر دوم فرهنگ و تمدن ایران ، دفتر دوم گنج گهر ، راهی به مکتب حافظ ، زایش دوباره در آفرینش و عشق از دیدگاه مولانا جلال الدین بلخی ، زمینه ی فرهنگ و تمدن ایران ، شکرستان ، فراز و نشیب سیاست و شیوه ی کشورداری ایران ، کمینگاه دشمن، کوروش در بابل ، گنج راز ، گنج گهر ویژگی اثر : نمونه های نثر و نظم.۱۶ هفت نگار در هفت تالار ویژگی اثر : تحلیلی اجتماعی از هفت پیکر نظامی.۱۷ ویرایش و آرایش دفتر یکم سبک شناسی (تاریخ تطور شعر فارسی) ویژگی اثر : تألیف: ملک الشعرای بهار.

محمودی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد محمودی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید احمد محمودی در سال ۱۳۳۶ در یک خانواده روحانی و اهل علم که پدر و اجداد همه روحانی و مبلغ دین بوده‌اند در محلی به نام جزه کوهپایه چشم به جهان گشودم و پس از گذراندن دوران تحصیلات کلاسیک در حوزه علمیه اصفهان مشغول به تحصیلات حوزوی شدم و پس از گذراندن چهار سال تحصیلی در حوزه علمیه اصفهان، جهت ادامه تحصیلات در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل شدم و ضمن تحصیلات به تدریس ادبیات، اصول، منطق، فقه پرداختم و از اساتید بزرگوار حوزه علمیه قم در رشته‌های فقه و اصول، فلسفه و کلام، عرفان و غیره بهره فراوانی گرفتم به ویژه از درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله فاضل لنکرانی حدود پانزده سال بهره علمی بردم و هم‌زمان نیز از سال ۱۳۶۵ تاکنون در دانشگاه اصفهان و علوم پزشکی مشغول تدریس

معارف اسلامی می‌باشم. در سال ۱۳۸۱ موفق به مرتبه استادیاری مدرک (دکترا) در رشته معارف اسلامی از وزارت علوم و تحقیقات و فناوری شدم و دارای تألیفات و مقالات متعددی می‌باشم و اینک به عنوان مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه اصفهان و نیز امام جمعه شهرستان کوهپایه مشغول خدمت به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران می‌باشم امید است مورد رضایت خداوند متعال و صاحب حوزه‌های علمیه حضرت بقیهٔ الله اعظم بوده است.

محمودی، امیرملک

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیر ملک محمودی

محل تولد : الیگودرز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب امیر ملک محمودی فرزند جواد شماره شناسنامه: ۱۳۴۷ متولد ۱۳۵۱ صادره از الیگودرز لرستان پس از تحصیلات دوره راهنمایی در روستای «مغانک سفلی» از توابع شهرستان الیگودرز در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و در کنار دروس حوزوی به درس‌های کلاسیک نیز ادامه دادم و نیز کلاسهای کامپیوتر، ورزش، نویسندگی، روش تحقیق و نگارش، دوره‌های تربیت مربی کودکان و نوجوانان، دوره تربیتی مربی قرآن و مهارتهای تبلیغ و تخصصی تبلیغ را نیز با موفقیت طی نمودم.

در کنار تحصیل با جدیّت و در حدّ توان به تبلیغ علوم اسلامی در سطح شهرستانها مساجد، روستاها، مدارس، دبیرستان‌ها، دانشگاهها، زندانهای مختلف در سراسر کشور پرداخته و سپس به عشق و علاقه‌ای که به نوشتن داشتم از سال ۱۳۶۰ تاکنون به کارهای مقاله نویسی و نوشتن ادامه داده که در سال ۱۳۷۴ با جدیت به کار چاپ و نشر روی آوردم که تاکنون به لطف الهی توفیق داشته‌ام بیش از پنجاه اثر در زمینه‌های مختلف: دینی، اجتماعی، خانوادگی، روان شناسی، جوانان تألیف نمایم.

اکثر کتب اینجانب به بیش از بیست بار تجدید چاپ شده‌اند و بعضی از تألیفات اینجانب در سطح کشور در وزارت خانه های مختلف و سایر مراکز به صورت کتاب مسابقه انتخاب شده است و فعلاً نیز با عنایت باری تعالی و عشق و علاقه‌ای که به کار علمی، پژوهشی و تألیف دارم با تمام توان مشغول به کار نوشتن و تألیف هستم.

محمودی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن محمودی

محل تولد : کرج

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

. اینجانب حسن محمودی متولد۱۳۵۶درمحمدشهر کرج می باشم درسال ۱۳۷۶بواسطه اشنایی بااقای محسن عباسی راهی حوزه علمیه اصفهان شدم ودرانجا از محضر اساتید بزرگوارچون ایت الله مظاهری وایت الله ناصری دولت ابادی وایت الله مهدوی وحجج اسلام اقایان عبودیت وکشکولی ومعمارمنتظرین ودیگربزرگان بهرهها بردم

محمودی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جغرافیای اقتصادی، دانشکده: اقتصاد، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی جغرافیا از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۲، کارشناسی ارشد جغرافیای اقصتادی از دانشگاه استانبول، دکترای تخصصی جغرافیای اقتصادی از دانشگاه استانبول در سال ۱۳۵۲.

مرتبه علمی:

استادیار آموزشی دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۶۴، دانشیار آموزشی دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۴ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بهره‌وری در نظام دامداری ایران، پژوهشی در حمل و نقل بین‌المللی غرب کشور، تحلیل بررسیهای منطقه‌ای در ایران، قیمت‌گذاری محصولات استراتژیک کشاورزی گندم در ایران، تحلیل مکان‌یابی شهرکهای صنعتی در ایران، تدریس دروس جغرافیای اقتصادی ایران، مکان‌یابی صنعتی، اقتصاد فضا و مکان در دانشگاههای تهران، شهید بهشتی، آزاد اسلامی و تربیت مدرس، عضویت در انجمن جغرافیای جهان و جغرافی‌دانان ایران، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱ تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

جغرافیای حمل و نقل.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

نگاهی به اقتصاد منطقه دشت میشان، رمه‌گردانی تابستانی در ارتفاعات گیلان، انتقال تکنولوژی و توسعه صنعتی ایران، چابهار و حوزه نفوذ آن، برنامه‌ریزی فضایی در معرفی یک مدل. Yaylacelek Gilan Paglaninda مکان‌یابی بهینه صنعتی، مطالعات اقتصادی و اجتماعی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، روش بکارگیری مدل‌های کمی در مطالعات کاربردی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

محمودی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محسن محمودی

محل تولد : محلات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۰ توفیق تشرف به حوزه علمیه قم یافتم. در مدرسه مرحوم آیهٔالله العظمی گلپایگانی قدس سره مشغول تحصیل شدم، سپس در درس شرح لمعه مرحوم آیهٔالله وجدانی فخر(ره) حضور یافم، مکاسب را در محضر مرحوم آیهٔالله پایانی (ره) و بالاخره کفایه را در محضر آیهٔالله اعتمادی مدظله خواندم. خارج فقه و اصول را در محضر آیهٔالله العظمی مکارم شیرازی مدظله آغاز کردم. بالاخره فقه ایشان را بیش از ۱۰ سال ادامه داده و نظر به تعطیل شدن اصول ایشان، یک دوره اصول را در محضر حضرت آیهٔالله سبحانی مدظله خواندم در درس فقه حضرت آیات عظام فاضل لنکرانی، صافی گلپایگانی مدظله و تبریزی (ره) حضور یافتم. از محضر حضرت آیهٔالله جوادی آملی در تفسیر و حضرت آیهٔالله مظاهری در اخلاق بهره‌مند شدم. فلسفه را در محضر آیهٔالله ممدوحی آموختم.

سپس در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی دوره چهار ساله را گذراندم.هم اکنون نیز در دانشگاه آزاد اسلامی، حوزه علمیه و دانشگاه شهید محلاتی تدریس داشته و توفیق همکاری با رادیو معارف را به عنوان کارشناس داشته‌ام.بیش از ۱۰ سال است که با انتشار مقالات و مطالب در زمینه‌های گوناگون در دو هفته‌نامه فرهنگ اسلام در عرصه مطبوعات حضور دارم.آنچه که نوشتم امتثال امر بود وگرنه هرگز خود را لایق ندانسته و آنچه نصیبم گردیده به برکت دعای خیر والدین و فضل الهی بود که امیدوارم توفیق شکرگذاری آن را داشته باشم.

محمودی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد محمودی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه شیراز شدم و در مدرسه حکیم که زیر نظر شهید محراب آیهٔ الله دستغیب قدس سره اداره می شد مشغول تحصیل شدم. ادبیات را نزد اساتید بزرگوار آقایان سید محمود آیهٔ اللهی و سید هاشم دستغیب خواندم. منطق را نیز نزد مرحوم حجهٔ الاسلام والمسلمین سید احمد آیهٔ اللهی تلمذ نمودم. سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه حجتیه ساکن شدم اصول فقه را نزد مرحوم حجهٔ الاسلام و المسلمین سلطانی (امام جمعه اردستان) خواندم و شرح لمعه را از حجج اسلام آقایان باکوئی (زین العابدین) و وجدانی فخر قدس سره آموختم. رسائل را نزد جناب حجهٔ الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی اصغر حجتی زاده خواندم. مکاسب محرمه را نزد حجهٔ الاسلام والمسلمین سید علی محقق داماد خواندم و بیع را از مرحوم آیهٔ الله شیخ نقی ستوده آموختم. خیارات مکاسب را نزد آیهٔ الله علوی گرگانی خواندم. استاد کفایه مرحوم آیهٔ الله ستوده می باشند که عمده آن را نزد وی خواندم و بخشی از آن را نزد آیهٔ الله محسن دوزدوزانی و اندکی نیز نزد مرحوم آقای عبایی خراسانی خواندم. شرح منظومه سبزواری را نزد آیهٔ الله ممدوحی خواندم و در درس بدایهٔ الحکمه آقای جلیلی تبریزی شرکت کردم.

از سال۱۳۶۳پس از پایان سطح، نزد حضرات آیات عظام مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی، مرحوم میرزا جواد تبریزی قدس سره دروس خارج فقه و اصول را خواندم که البته دوره کامل اصول را نزد آیهٔ الله العظمی مکارم شیرازی دامت برکاته، همزمان در درس فقه معظم له نیز شرکت می کردم کتاب الحج و حدود و دیات را نزد آیهٔ الله العظمی فاضل لنکرانی دامت برکاته تلمذ نمودم و کتاب الصلاهٔ را نزد مرحوم میرزا جواد تبریزی قدس سره خواندم. در کنار دروس اصلی حوزه هم زمان در محضر عموی پدرم مرحوم آیهٔ الله علامه محمد باقر محمودی قدس سره به تحقیق و تصحیح در متون حدیث و تفسیر به ویژه مناقب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام پرداختم.

اولین اثری که منتشر شد فهرست جامع و کامل شواهد التنزیل حاکم حسکانی نیشابوری بود که به عنوان جلد سوم این کتاب ارزشمند در سال ۱۴۱۱هجری قمری به چاپ رسید. اکنون در جاهای مختلف علمی و چند مرکز تحقیقاتی به پژوهش ،تالیف و تصحیح متون حدیثی اشتغال دارم که بیشترین آنها در مجمع احیاء فرهنگ اسلامی قم می باشد که عضو هیئت علمی و هیئت امناء آن نیز می باشم ، همچنین در بخش تحقیقات کتابخانه بزرگ آیهٔ الله العظمی مرعشی نجفی قدس سره با جمعی از دوستان به تالیف مجموعه ارزشمند در موسوعه الامامه فی نصوص اهل السنه مشغولم که تا کنون پنج جلد آن منتشر شده است که درسال ۱۳۸۵ به عنوان ممتاز کتاب سال حوزه دست یافته است. با دار الحدیث نیز همکاری علمی دارم. همچنین با میراث قرآنی شیعه که زیر نظر کتابخانه تخصصی قرآن و وابسته به دفتر آیهٔ الله العظمی سیستانی منتشر میشود همکاری دارم.

محمودی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین محمودی

محل تولد : نهبندان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۴

زندگینامه علمی

در مورخه ۴/۱/۱۳۴۶ در شهرستان نهبندان در جنوب خراسان بدنیا آمد. دوره ابتدایی و راهنمایی را در زادگاه خود گذراند و سپس جهت تحصیل علوم حوزوی به زاهدان رفت پس از یکسال و اندی به شهر رضوی و در نهایت در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه گردید . دروس سطح را تا سال ۱۳۷۰ به پایان رسانید و از سال ۱۳۷۰ از محضر بزرگان حوزه حضرات آیات منتظری و مکارم شیرازی، سبحانی و وحید خراسانی بهره مند گردید . همزمان با دروس حوزه علمیه ، دیپلم را بصورت متفرقه اخذ و وارد دانشگاه باقر العلو م گردید . پس از پایان دوره کارشناسی کارشناسی ارشد روابط بین الملل را به اتمام رسانید. از سال ۱۳۷۸ اقدام به تأسیس موسسه فرهنگی و هنری دانشوران معاصر نمود.

محمودی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد رضا محمودی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیدمحمدرضا محمودی در سال ۱۳۴۱ هجری ـ شمسی مطابق با ربیع الاول ۱۳۸۲ هجری ـ قمری در خانواده روحانی در روستای جزه از بخش کوهپایه اصفهان دنیا آمده و تحت تربیت و نظر والد معظم مرحوم آیت الله حاج سید حسین محمودی (فقیه) دوره صباوت و کودکی را طی و دوره نوجوانی و تحصیلات مقطع ابتدایی و راهنمایی را در آن منطقه سپری و سپس مقطع دبیرستان را در اصفهان گذرانده و بعد وارد حوزه علمیه قم و در مدرسه علمیه حقانی با مدیریت مرحوم شهید آیت الله قدوسی مشغول به تحصیل علوم دینی شدم و با حادثه مهم (۱۹ دی ۱۳۵۶) و در پی آن تعطیلی دروس حوزه علمیه قم و در نهایت بعد از پیروزی انقلاب اسلامی طبق تقدیر و خواست الهی ادامه تحصیل را در حوزه علمیه اصفهان (مدرسه علمیه ذوالفقار) با مسولیت آیت الله حاج سید حسن امامی تا مقطع اتمام لمعتین (پایه ۶) گذراندم و در سال ۱۳۶۲ دوباره به قم مراجعت و دروس سطوح عالیه (رسائل ـ مکاسب ـ کفایه ـ فلسفه ـ تفسیر) را نزد اساتید بزرگواری همچون آیات آقایان (جوادی آملی ـ اعتمادی ـ ستوده(ره) ـ پایانی(ره) ـ بنی‌فضل ـ محقق داماد) گذرانده و سپس در درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی آقای فاضل لنکرانی (دامت برکاته) شرکت و مدت ده سال تلمذ نموده و همچنین در دروس فقه حضرات آیات عظام آقایان تبریزی(ره) و مکارم شیرازی و نوری همدانی دامته برکاتهم شرکت و استفاده لازم برده شد.

در این مدت (قریب ۳۰ سال) تحصیل در حوزه علمیه قم و اصفهان از همان ابتدا (بعد از اتمام کتاب جامع المقدمات و سیوطی) بنا به امر و سفارش اساتید محترم وقت تدریس را شروع و بحمدالله تا هم اکنون ادامه دارد.تدریس در حوزه‌های علمیه: حوزه علمیه اصفهان (۵ سال) تدریس ادبیات عرب (جامع المقدمات سیوطی، مغنی فقه مختصر النافع مرحوم محقق حلی) پایه‌های ۱ تا ۳.۲. حوزه علمیه القائم(عج) محلات: (۱۲ سال تدریس و مدیریت آن حوزه طبق حکم و مأموریت مدیر مرکز مدیریت حوزه علمیه قم) تدریس دروس فقه و اصول (لمعه ـ اصول الفقه ـ رسائل ـ مکاسب ـ کفایه).۳. حوزه علمیه قم: ده سال تدریس دروس سطوح عالیه رسائل ـ مکاسب ـ کفایه الاصول پایه‌های ۷ تا ۱۰.لازم به ذکر است در زمان جنگ تحمیلی ۹ سفر تبلیغی به جبهه‌های جنگ داشته که حدود ۷ ماه می‌باشد. یادآور می‌شوم که رساله علمی (سطح ۴ ـ دکتری) با موضوع قمسهٔ الخمین نگارش، دفاع و مورد تایید هیئت داوران قرار گرفت و اخذ شده است و هم‌اکنون با اشتغال به تدریس سطوح عالیه در حوزه علمیه قم قریب به سه سال است در دانشگاه امام علی(ع) (دانشکده عقیدتی ـ سیاسی) مشغول به تدریس دروس گروه الهیات و معارف اسلامی به ویژه دروس تخصصی (فقه ـ مبادی ـ معانی بیان) می‌باشم.

محمودی، مسعود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، داستان‌سرا.

تولد: ۱۳۱۹، نهاوند.

درگذشت: آبان ۱۳۷۰.

سید مسعود محمودی، فرزند سید مرتضی، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در نهاوند و کرمانشاه و تهران به پایان رسانید. از آن پس به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمد و به تدریس در دبیرستان‌ها پرداخت. در خلال خدمت آموزشی موفق شد به تحصیل ادامه دهد و در دو رشته‌ی زبان انگلیسی و ادبیات فارسی مدرک لیسانس دریافت دارد.

محمودی از سال ۱۳۴۱ با مطبوعات همکاری خود را شروع و برای چند نشریه مقاله می نوشت و در سال ۱۳۶۲ که بازنشسته گردید رسما همکار روزنامه «اطلاعات» شد و جزو هیئت تحریریه‌ی آن روزنامه درآمد و در نخستین سال همکاری صفحه‌ی «جوانه‌های اندیشه» را در روزنامه گشود و آن صفحه را تا زنده بود، زنده نگاه داشت.

محمودی علاوه بر تهیه‌ی گزارش‌های فرهنگی و اجتماعی و حوادث، برای کودکان قصه می نوشت و سرود می‌ساخت. محمودی شعر و شاعری را از دوران تحصیل در دبیرستان آغاز کرد و اشعارش در روزنامه به چاپ می‌رسید.

سید مسعود محمودی سرانجام در یازدهم آبان ۱۳۷۰ به علت بیماری سرطان درگذشت. از آثار چاپ شده اوست: ترانه‌های زندگی؛ قصه‌ی کوچ چلچله؛ زندگی؛ زندگی؛ ماهی آبدوزک؛ کتاب زندگی.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

محمودی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی محمودی

محل تولد : محلات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۸/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید مهدی محمودی در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه شدم و تا اتمام در حوزه علمیه امام صادق(ع) ورامین تحصیل کردم و سپس به قم هجرت نمودم. در سال ۱۳۷۲ دوره سطح حوزه را به اتمام رساندم و سپس به درس خارج فقه و اصول مراجع معظم تقلید شرکت نمودم به مدت ۳ سال و در سال ۱۳۷۶ جهت تدریس و مدیریت به حوزه علمیه امام صادق علیه‌السلام ورامین اعزام گردیدم و تاکنون در همین حوزه به تدریس و مدیریت اشتغال دارم. در زمینه هنری از سال ۱۳۵۹ امر خوشنویسی را شروع نمودم و در سال ۱۳۶۵ از انجمن خوشنویسان ایران در دوره ممتاز فارغ التعلیم شدم و در خطوط چهارگانه نستعلیق و نسخ و ثلث و شکسته خوشنویسی می‌کنم و آثار متنوعی را در همه خطوط ارائه نموده‌ام.

محمودیان شوشتری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آبیاری، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

محمودیان، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر حسین محمودیان دانشیار و مدیر گروه جمعیت شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران ، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تربیت مدرس و دکتری را در رشته جمعیت شناسی از دانشگاه نشنال استرالیا اخذ نموده است. گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر حسین محمودیان مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران (سال؟)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تربیت مدرس و دکتری را در رشته جمعیت شناسی از دانشگاه نشنال استرالیا اخذ نموده است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در خصوص خدمات علمی و اجرایی آقای دکتر محمودیان می‌توان مواردی همچون «معاونت اداری و مالی دانشکده علوم اجتماعی» و سمت «مشاور پژوهشی استانداری سمنان» را نام برد. فعالیتهای آموزشی : موارد تدریس دکتر محمودیان «آمار مقدماتی»، «آمار در جمعیت شناسی»، «جمعیت و تنظیم خانواده»، «جامعه شناسی روستائی»، «روش تحقیق»، «روش تحلیل جمعیت شناسی»، «کاربرد کامپیوتر در علوم اجتماعی»، «مبانی جامعه شناسی» و «مبانی جمعیت شناسی» (در مقطع کارشناسی) و «باروری»، «جمعیت و جامعه»، «طرح تحقیق» و «مقدمات آمار» (در مقطع کارشناسی ارشد) است.چگونگی عرضه آثار : مسئولیت طرح های تحقیقاتی مختلفی از جمله «کاهش باروری و تغییر در موقعیت زنان در ایران,۱۳۸۴»، «بررسی عوامل اجتماعی و جمعیتی موثر بر سلامت کودکان زیر ۵ سال در ایران,۱۳۸۶»، «بررسی مشارکت زنان در نیروی کار در استانهای کشور در سالهای ۱۳۵۵و ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵» و «بررسی ویژگیهای اقتصادی-اجتماعی سالمندان: گذشته، حال و آینده» را نیز بر عهده داشتندآثار : ۱ بررسی میزان و علل مشارکت روستاییان در طرحهای عمرانی ویژگی اثر : تالیف ۱۳۷۱۲ دانش خانواده ویژگی اثر : پدیدآورنده: احمد احمدی، محمدرضا شرفی، حسین محمودیان، سهیلا خوش بین ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) – ۲۶ شهریور، ۱۳۸۷۳ درآمدی بر مطالعات جمعیتی ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین محمودیان (مترجم)، دیوید لوکاس (گردآورنده)، پل مایر (گردآورنده) ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ – ۰۱ بهمن، ۱۳۸۴۴ فرهنگ ده های ایران– استان همدان ویژگی اثر : تالیف۱۳۶۹

محمودیان، عبادالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: ریاضی، دانشگاه: صنعتی شریف

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

محوی

قرن:۱۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

از زنان شاعر. به نوشته مشاهیر نسوان «یگانه شاعره‌ی قم بوده و در عربی و فارسی شعر می‌سروده» است. نام و دوره‌ی زندگی او معلوم نیست. ابیات زیر به او منسوب است:

آبرو در نزد من بهتر ز آب زندگی است

چشمه حیوان ز چشم آفتاب افتاده است

می‌نماید عکس مه در آب با صد پیچ و تاب

زان گل عارض مگر امشب نقاب افتاده است

نیست این خال سیه بر بیت ابروی خوشت

نقطه از کلک قضا در انتخاب افتاده است

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: مشاهیر نسوان، به نقل از «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره دهم، ۴۸؛ حدیقه عشرت، ۵۳.

محوی اردبیلی، عبدالعلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۵/ ۱۰۲۴/ ۱۲۱۶ ق)، شاعر. در اردبیل به دنیا آمد و در شیراز نشو و نما یافت. سپس به اصفهان رفت و بعد از آن به هندوستان سفر نمود و در تته ملازم رستم میرزای صفوی، حاکم آن دیار شد. وی معاصر مرشد بروجردی بود و با هم بسیار دوست و نزدیک بودند. به آورده‌ی «تاریخ ادبیات در ایران» محوی اردبیلی با محوی همدانی معاصر بود و نباید آن دو را با هم اشتباه کرد. وی عاقبت در برهانپور درگذشت. صاحب تذکره‌ی «میخانه» او را در ۱۰۲۴ ق در هندوستان دیده است و اگر این قول را بپذیریم تاریخ فوت ۱۰۱۶ ق، که در بعضی از تذکره‌ها نقل شده است، درست درنمی‌آید. «فرهنگ سخنوران» نام صاحب عنوان را عبدالواسع نیز ذکر کرده است. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۰۳ -۱۰۲/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۹۳ -۸۹۲/ ۵)، تذکره‌ی میخانه (۸۷۱ -۸۶۸)، دانشمندان آذربایجان (۳۳۹ -۳۳۸)، الذریعه (۱۰۱۴ -۱۰۱۳/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۲۳)، کاروان هند (۱۲۵۱ -۱۲۴۶/ ۲).

محوی استرآبادی، ملا باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عارف و شاعر، متخلص به محوی. از فضلا و عرفای شیراز بود و مدتها به تحصیل علوم عقلی و نقلی کوشید و از محضر حاج محمدحسن نایینی استفاده برد. وی معاصر رضا قلی خان هدایت، صاحب «مجمع الفصحا» (م ۱۲۹۰ ق) بود. سرانجام در شیراز وفات یافت. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقة الشعراء (۱۶۱۲/ ۳)، الذریعه (۱۰۱۴/ ۹)، ریاض العارفین (۲۸۱ -۲۸۰)، ریحانه (۲۵۱ -۲۵۰/ ۵)، طرائق الحقائق (۲۴۷/ ۳)، مجمع الفصحا (۹۴۴/ ۵).

محوی اصفهانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از شاعران روزگار شاه طهماسب صفوی (۹۸۴ -۹۳۰ ق) بود. در سرودن غزل مهارت داشت و اشعاری از وی

نقل شده است. از اوست:

می‌داد زبان در دهن محوی و می گفت

کاین راز نهان است نگهدار زبان را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۵۹)، الذریعه (۱۰۱۴/ ۹)، صبح گلشن (۳۸۹)، فرهنگ سخنوران (۸۲۳).

محوی بسطامی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، شاعر. اصل او از بسطام بود و در هرات در خدمت خواجه عبداللّه مروارید (م ۹۲۲ ق)، منشی و وزیر معروف اواخر عهد تیموری، به سر می‌برد. وی در سرودن غزل مهارت داشت. از اوست:

نمی‌خواهم که دل دربند آن زلف دو تا افتد

چرا از پهلوی من دردمندی در بلا افتد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۱۸)، تحفه سامی (۲۳۶)، الذریعه (۱۰۱۴/ ۹).

محوی خراسانی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. از مردم خراسان و هرات بود. در طبع خوبی داشت. به آورده‌ی «الذریعه»، سنگلاخ نسخه‌ای از «دیوان» محوی را به خط عبدی نیشابوری دیده است. از اوست:

ترکیب تن خاکیم از لای شرابست

جمعیت ما در قدم باده‌ی ناب است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۱۴/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۲۳)، مجالس النفائس (۲۳۸، ۶۵).

محوی همدانی، مغیث‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۵/ ۱۰۲۰/ ۱۰۱۶ ق)، شاعر، متخلص به محوی. وی از سادات اسدآباد همدان و مولد و منشاء او نیز همان دیار بود. در دوازده سالگی به اردبیل سفر کرد و بعد از آن به زیارت عتبات عالیات رفت. مدتی در آنجا بود و با مولانا سحابی مصاحبت و معاشرت نمود. سپس به خراسان و هرات رفت و در آنجا مولانا شکیبی و یولقلی بیگ انیسی مرید وی گشتند. بعد از اینکه سلطان حمزه میرزا صفوی در ۹۹۱ ق هرات را محاصره نمود، محوی از راه بندرعباس به هندوستان سفر کرد و ملازم عبدالرحیم خان، خان خانان گشت. وی بعد از مدتی به زیارت بیت‌اللّه الحرام رفت و دوباره به هندوستان بازگشت. او در سرودن رباعی بسیار توانا بود به طوری که وی را بهتر از تمام رباعی‌سرایان همعصرش همچون سحابی و شیخ رباعی و محمد جامه باف می‌دانند و ظاهرا غیر از رباعی نوع شعر دیگری ندارد. از شاگردان محوی، شاه نظر قمشه‌ای و عبدالباقی نهاوندی است که عبدالباقی نهاوندی در زمان حیات وی رباعیاتش را مرتب ساخته و دیباچه‌ای بر آن نوشته بود و میرزا طاهر نصرآبادی رباعیات وی را دیده است. وی عاقبت در هندوستان درگذشت. به آورده‌ی بعضی از تذکره‌ها او مدتی در نیشابور زندگی کرده و به محوی نیشابوری نیز مشهور می‌باشد. در مورد محل مرگ و دفن و سال مرگ وی اختلاف وجود دارد. بسیاری از تذکره‌ها او را با محوی اردبیلی درآمیخته‌اند. از آثارش: «دیوان» شعر، شامل رباعیات.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۳۱۰ -۳۰۷/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۹۶ -۸۹۲/ ۵)، تذکره‌ی میخانه (۶۰۴)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۶۰ -۲۵۹)، الذریعه (۱۰۸۱، ۱۰۱۵ -۱۰۱۴/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۲۳)، کاروان هند (۱۲۶۳ -۱۲۵۱/ ۲)، مآثر رحیمی (۳ و ۸۰۶ -۷۹۷/ ۴)، مجمع الخواص (۹۱)، مطلع الشمس (۱۸۳/ ۳)، نتایج الافکار (۶۳۲ -۶۳۱)، هفت اقلیم (۵۶۴ - ۵۶۱/ ۲).

محوی هندوستانی، محمود منشی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۸۰ –۹۲۸ ق)، شاعر. از شعرای ایرانی بود که به هندوستان رفت و مدت ۲۵ سال، یعنی از زمان همایون شاه تا اکبرشاه، در هند عهده‌دار سمت منشی الممالکی بود. وی پدر همسر نقیب خان، میر غیاث‌الدین نقیب قزوینی که در ۹۸۱ ق به ملازمت اکبر شاه درآمد، می‌باشد. او بیشتر غزل می‌سرود و از وی اشعاری در تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۳۸۱/ ۲)، تاریخ نظم و نثر (۶۸۹)، تذکره‌ی روز روشن (۷۲۶)، فرهنگ سخنوران (۸۲۴ – ۸۲۳)، کاروان هند (۱۲۳۰/ ۲).

محیط ارومیه‌ای، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۰ –۲۱۵۱ ش)، عالم و شاعر، متخلص به محیط. در ارومیه به دنیا آمد. پدرش صدرالذاکرین، متخلص به واله، صاحب دیوان «توان روان» بود. محیط در ادبیات فارسی و عربی مهارت داشت و در فقه و اصول و منطق اطلاعات زیادی داشت. وی در ساختن ماده تاریخ استاد بود. او با اکثر شعرای عصر خود معاشرت داشت و با همکاری چند تن از آنان انجمنی برپا کرد. وی با عربی و فارسی و آذری شعر می‌گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۳۹۰ –۳۸۴/ ۱)، علماء معاصرین (۸۳ –۸۲)، مواد التواریخ (۵۵۴ –۵۵۳، ۴۶۲، ۴۴۱ – ۴۴۰، ۴۳۴، ۴۳۱ – ۴۳۰، ۱۹۲، ۲۲).

محیط سامانی، عبداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۵ –۱۲۹۰ ق)، شاعر. نزد پدر و دیگران آداب شاعری و فنون ادب آموخت و پس از فوت پدر ملقب به تاج‌الشعراء شد. وی در سامان اصفهان وفات یافت و محل مزارش در بالای قبر دهقان می‌باشد. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۳۱ –۴۳۰)، الذریعه (۱۰۱۵/ ۹).

محیط طباطبایی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۱ –۱۲۸۱ ش)، محقق، نویسنده، مورخ، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به محیط. در زواره‌ی اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی و علوم قدیمه را در زادگاهش فراگرفت. در ۱۳۰۰ ش به اصفهان رفت و به تحصیل مقدمات طب جدید که لازمه‌ی آن تحصیل زبان فرانسه بود پرداخت. ولی پس از مدتی منصرف شد و در ۱۳۰۲ ش به تهران آمد و دارالفنون را در سه سال و مدرسه‌ی عالی حقوق را در یک سال گذراند. سپس به شغل معلمی پرداخت. وی همچنین از ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۴ ش به عنوان مستشار فرهنگی در دهلی، بغداد، دمشق و بیروت به سر برد. در ۱۳۳۷ ش پس از بازنشستگی به مدت بیست و یکسال، در رادیو، عهده‌دار برنامه‌ی مرزهای دانش بود. محیط طباطبایی به زبانهای فارسی دری و عربی تسلط کامل و به زبان انگلیسی و فرانسه و زبانهای ایران قبل از اسلام آشنایی داشت. وی مقالاتی در زمینه‌ی تاریخ برای روزنامه‌های «ایران»، «شفق سرخ»، «اطلاعات» و مجله‌ی «گوهر» می‌نوشت. همچنین از ۱۳۱۶ تا ۱۳۱۸ ش اداره‌ی مجله‌ی «آموزش و پرورش» را عهده‌دار بود. از ۱۳۲۱ ش مجله‌ی «محیط» را تأسیس و منتشر کرد. وی سرانجام در تهران درگذشت و در محوطه‌ی برج طغرل، نزدیک قبرستان ابن‌بابویه، به خاک سپرده شد. از دیگر آثارش: «تاریخ اعزام محصل به اروپا»؛ «زندگی محمد زکریای رازی»؛ «دوران نادر»؛ «تاریخ تحول نثر فارسی در قرن سیزدهم»؛ «تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران»؛ «نقش سید جمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین»؛ «جغرافیای نو»؛ «شرح حال فردوسی»؛ مقدمه‌ی «نگارستان عجایب و غرایب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آینده (س ۱۸، ش ۶ –۱، ص ۲۵۶)، ادبستان (س ۳، ش ۳۳، ص ۹۴)، ادبیات نوین (۳۰۹)، تاریخ برگزیدگان (۳۹۸ –۳۹۶)، الذریعه (۳۱۰/ ۲۴)، سخنوران نامی معاصر (۳۲۰۴ –۳۱۹۸/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۰۷، ۲۱۱۴/ ۲، ۱۰۴۳/ ۱)، کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۱۰، ص ۹ –۳)، مجله‌ی محیط (مقدمه/ یازده– بیست و یک)، مؤلفین کتب چاپی (۷۹۳ –۷۹۲/ ۵).

محیط قمی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۷ –۱۲۵۰ ق)، مترجم و شاعر، متخلص به محیط. ملقب به شمس‌الفصحا. در قم به دنیا آمد. علوم ادبی و عربی را در زادگاهش و اصفهان فراگرفت و چون دارای طبع شعر و ذوق ادبی بود مورد توجه ادبا و فضلا قرار گرفت. محیط همچنین در ساختن ماده تاریخ مهارت داشت. دوستعلی خان معیرالممالک، وزیر خزانه‌ی ناصرالدین‌شاه، محیط را به تهران فراخواند تا عهده‌دار تعلیم و تربیت فرزندش، دوست محمدخان باشد. وی هنگام جلوس مظفرالدین‌شاه، به امر صدر اعظم، قطعه‌ای برای شاه به نظم درآورد که مقبول واقع گردید و ملقب به شمس‌الفصحا شد. وی در قم درگذشت و در قبرستان شیخان دفن گردید. از آثارش: «ترجمهٔ الحقایق» یا ترجمه‌ی «الحقایق» ملا محسن فیض کاشانی؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۶۱۴ –۱۶۱۳/ ۳)، الذریعه (۱۰۱۵/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۱۹۷ –۳۱۹۲/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۵۷۹ –۱۵۷۸ ،۸۶۰/ ۱)، مواد التواریخ (۴۱۳، ۲۳۲ –۲۳۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۹۵ –۷۹۳/ ۵)، یغما (س ۱۲، ش ۲، ص ۷۵).

محیط نایینی، تقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۶ ش)، شاعر، متخلص به محیط. در نایین به دنیا آمد. پس از تحصیلات علوم قدیمه تا دوره‌ی سطح، در اصفهان به تحصیل علوم جدید پرداخت و وارد خدمت فرهنگ شد و در دبیرستان‌های اصفهان و نایین به تدریس اشتغال ورزید. وی پس از شرکت در چند سمینار کتابداری از طرف وزارت فرهنگ متصدی کتابخانه‌ی نایین شد. از آثارش: «زنگ پنجم»؛ «چلچله»؛ «تلخ و شیرین»؛ «مقتبسات»، شامل اسامی جلاله و اسماء و صفات و طرز دعا و نمازها و مدایح و شرح حال بعضی از بزرگان.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۱۳۷)، سخنوران نامی معاصر (۳۲۰۹ –۳۲۰۵/ ۵).

محیطی اردکانی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد محیطی اردکانی

محل تولد : اردکان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

دراردیبهشت ۱۳۳۵ هش در شهر اردکان در یک خانواده مذهبی و روحانی متولد شدم بعد از اتمام دوره سیکل به پیشنهاد پدر بزرگوارم و علاقهٔ شدیدی که به علوم اسلامی داشتم به مدرسه علمیه اردکان وارد شدم در سال ۱۳۵۲ هش به قم آمدم و در مدرسه حقانی (منتظریه) که زیر نظر شهید دکتر بهشتی (ره) و سید قدوسی(زه) اداره می شد به تحصیل مشغول شدم.ادبیات و معانی بیان و مقداری از شرح لعمه و منطق مظفر را در آنجا زیر نظر اساتید مجرب چون حجت الاسلام امینی، و آیت الله احمد جنتی (عضو محترم شورای نگهبان) و حجت الاسلام حائری شیرازی «امام جمعه محترم شیراز» خواندم.درمدّت چهار سال که در مدرسه حقانی بودم ، درسهای اخلاق شهید قدوسی و درس های عقائد حجت الاسلام حائری شیرازی، بسی را راهگشا و سازنده بود.در سال ۱۳۵۷ و اوجگیری انقلاب اسلامی چند ماهی در شهر اردکان با پخش اعلامیه ها و کمک در برپایی راهپیمائی ها و پخش نوارهای سخنرانی امام خمینی(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضور فعال داشتم.با پیروزی انقلاب شکوهمند ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ دوباره به حوزه علمیه قم آمده و مشغول تحصیل گردیدم. و از اساتید برجسته قم در اصول و فقه و تفسیر قرآن وفلسفه بهره بردم ، بیش از سی سال است که در ایام تبلیغی (دهه محرم و صفر و ماه مبارک رمضان) در شهرها و روستاها و بخش های مختلف به امر مهم تبلیغ پرداخته و چند سالی در ایام تعطیل تابستان در مدرسه علمیه اردکان به تدریس مقدمات و معالم و باب رابع مغنی مشغول بوده در ضمن در سپاه پاسداران اردکان و پادگاه ولی عصر(عج) به امر آموزش معارف مشغول بودم.در طول هشت سال دفاع مقدس هر سال ۲۰ روز به جبهه ها حق علیه باطل اعزام و به امر تبلیغ پرداختم که پنج نوبت آن در دفتر تبلیغات ثبت شده است در مدت ده سال که در درس خارج فقه و اصول استاد آیت الله صالحی مازندرانی(رحمهٔ الله علیه) شرکت داشتم.به پیشنهاد استاد روزی دو ساعت برای تدوین درسی های خارج ایشان در فقه و اصول با استاد همکاری نموده و نوشته های استاد را بازنویسی و منبع یابی نموده که به حمد الله ۳ جلد کتاب فقه به نام «مفتاح البصیرهٔ» و چند جلد اصول به نام «مفتاح الاصول» به زیور طبع

آراسته شد.در این اواخر بیش از هفت سال است که در دانشکده شهید محلاتی به اقامه نماز جماعت مشغول می باشم و بین نماز مغرب و عشاء احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بیان گردید که در دو جزوه چهل حدیث به چاپ رسیدبه لطف خداوند متعال در این سال های اخیر موفق شدم همراه تحصیل چند کتاب را به رشته تحریر در آورم که سه جلد از آن ها به نام های « درارهٔ ابن اعین» و« سبز پوشان» و «نوروز در نگاه شریعت» به زیور طبع آراسته گردید. و دو کتاب دیگر آماده چاپ است به نام«سیمای اردکان» و «سیمای یزد»و بیش از چهل مقاله در موضوعات مختلف در روزنامه و مجله و ماهنامه و فصل نامه های مختلف به چاپ رسیده است.

محیطی اردکانی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد محیطی اردکانی

محل تولد : اردکان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

دراردیبهشت ۱۳۳۵ هش در شهر اردکان در یک خانواده مذهبی و روحانی متولد شدم بعد از اتمام دوره سیکل به پیشنهاد پدر بزرگوارم و علاقهٔ شدیدی که به علوم اسلامی داشتم به مدرسه علمیه اردکان وارد شدم در سال ۱۳۵۲ هش به قم آمدم و در مدرسه حقانی (منتظریه) که زیر نظر شهید دکتر بهشتی (ره) و سید قدوسی(زه) اداره می شد به تحصیل مشغول شدم.ادبیات و معانی بیان و مقداری از شرح لعمه و منطق مظفر را در آنجا زیر نظر اساتید مجرب چون حجت الاسلام امینی، و آیت الله احمد جنتی (عضو محترم شورای نگهبان) و حجت الاسلام حائری شیرازی «امام جمعه محترم شیراز» خواندم.درمدّت چهار سال که در مدرسه حقانی بودم ، درسهای اخلاق شهید قدوسی و درس های عقائد حجت الاسلام حائری شیرازی، بسی را راهگشا و سازنده بود.در سال ۱۳۵۷ و اوجگیری انقلاب اسلامی چند ماهی در شهر اردکان با پخش اعلامیه ها و کمک در برپایی راهپیمائی ها و پخش نوارهای سخنرانی امام خمینی(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضور فعال داشتم.با پیروزی انقلاب شکوهمند ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ دوباره به حوزه علمیه قم آمده و مشغول تحصیل گردیدم. و از اساتید برجسته قم در اصول و فقه و تفسیر قرآن وفلسفه بهره بردم ، بیش از سی سال است که در ایام تبلیغی (دهه محرم و صفر و ماه مبارک رمضان) در شهرها و روستاها و بخش های مختلف به امر مهم تبلیغ پرداخته و چند سالی در ایام تعطیل تابستان در مدرسه علمیه اردکان به تدریس مقدمات و معالم و باب رابع مغنی مشغول بوده در ضمن در سپاه پاسداران اردکان و پادگاه ولی عصر(عج) به امر آموزش معارف مشغول بودم.در طول هشت سال دفاع مقدس هر سال ۲۰ روز به جبهه ها حق علیه باطل اعزام و به امر تبلیغ پرداختم که پنج نوبت آن در دفتر تبلیغات ثبت شده است در مدت ده سال که در درس خارج فقه و اصول استاد آیت الله صالحی مازندرانی(رحمهٔ الله علیه) شرکت داشتم.به پیشنهاد استاد روزی دو ساعت برای تدوین درسی های خارج ایشان در فقه و اصول با استاد همکاری نموده و نوشته های استاد را بازنویسی و منبع یابی نموده که به حمد الله ۳ جلد کتاب فقه به نام «مفتاح البصیرهٔ» و چند جلد اصول به نام «مفتاح الاصول» به زیور طبع آراسته شد.در این اواخر بیش از هفت سال است که در دانشکده شهید محلاتی به اقامه نماز جماعت مشغول می باشم و بین نماز مغرب و عشاء احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بیان گردید که در دو جزوه چهل حدیث به چاپ رسیدبه لطف خداوند متعال در این سال های اخیر موفق شدم همراه تحصیل چند کتاب را به رشته تحریر در آورم که سه جلد از آن ها به نام های « درارهٔ ابن اعین» و« سبز پوشان» و «نوروز در نگاه شریعت» به زیور طبع آراسته گردید. و دو کتاب دیگر آماده چاپ است به نام«سیمای اردکان» و «سیمای یزد»و بیش از چهل مقاله در موضوعات مختلف در روزنامه و مجله و ماهنامه و فصل نامه های مختلف به چاپ رسیده است.

مخبر، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس مخبر (امام جمعه دزفول) در سال ۱۳۰۷ شمسی در دزفول متولد شده و در شهر خون و قیام و مقاومت در برابر دشمن پرورش یافته و مقدمات و سطوح و خارج فقه و اصول را از محضر اساتید و آیات عظام زیر استفاده نموده تا به رتبه‌ای از علم و دانش و حدیث رسیده است.

۱- آیت‌اللّه معزی دزفولی

۲- آیت‌اللّه حاج شیخ منصور سبط شیخ انصاری

۳- آیت‌اللّٰه نبوی دزفولی (ره)

مرحوم خبر از دانشـمندان و گویندگان مجاهد و مبارز استـان خوزسـتان به ویژه شهرستان دزفول بوده و با بیان گرم مردم را سوق به انقلاب داده و خود سـنگری برای به ثمر رسیدن انقلاب بود و همواره پیش قافله و پیش آهنگ مردم مقاوم آن سامان بوده و جـدا که زیر توپ و موشک عجیب استقامتی نمود.

و چنـدی هم امـام جمعه این شهرسـتان بود و هرگز این سـنگر را رهـا نکرد تـا در سال ۱۴۱۰ قمری کـه از دنیـا رفته و به اولیـاء حق پیوست.

آثاری از تألیفات خود گذارده که از نظرتان می‌گذرانم.

۱- قاموس الفقه

۲- شرح دعا مکارم‌الاخلاق به اسم مدینه فاضله

۳- امام سجاد (ع) سخنرانی یک ماه رمضان در جامعه اهواز

۴- راهنما و فلسفه حج

۵- شاگردی در مکتب استاد

۶- آغاز دانش

۷- روش نوین در فلسفه

۸- ارمغان شهید ترجمه مسکن الفواد و غیر اینها.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مختاری

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مشـهور به مختاری غزنوی)؛ حکیم ابوعمرو (یا ابوعمر) بهاءالـدین عثمان بن عمر مختاری غزنوی. از شاعران و قصیده‌سـرایان قرون پنجم و شـشم هجری است که بین سالهـای ۴۶۹ و ۴۵۸ مقارن با سـلطنت ابراهیم بن مسـعود غزنوی متولد شده و بین سـنوات ۵۱۲ و ۵۴۸ در زمان سـلطنت بهرام شاه غزنوی درگذشـته است، وی مداح رسـمی ارسلان بن مسعود بن ابراهیم غزنوی (۴۱۲ -۵۰۹) بود و در دربار او سمت ملک‌الشعرایی داشت.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

مختاری غزنوی، سراج‌الدین، ابوعمر عثمان

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۴۹ / ۵۴۴ -۴۷۴ / ۴۷۳ ق)، حکیـم و شـاعر، متخلص بـه مختـاری. ملقـب به ابوالمفـاخر و ملـک الکلام. وی ابتـدا عثمـان تخلص می‌کرد. او از شعرای دربار غزنویان و با ابراهیم بن مسعود غزنوی (۴۹۲ -۴۵۰ ق) و مسعود بن ابراهیم (۵۰۸ -۴۹۲ ق) و عضدالدوله شیرزاد بن مسعود بن ابراهیم و ابوالملوک ارسلان بن مسعود بن ابراهیم معاصر بود. علاوه بر غزنویان، او سلاجقه‌ی قاوردیان کرمان و سـلاجقه‌ی عراق را نیز مـدح کرده است. از شـعرای معاصـر مختـاری می‌تـوان مسـعود سـعد سـلمان، امیر معزی، سـنایی غزنـوی و ابوالفرج رونی را نـام برد. او مسـعود سـعد را مـدح گفته و سـنایی وی را مـدح کرده است. در تـذکره‌ها برای وفات وی تاریـخ‌های متفاوتی از ۵۳۴ تا ۵۵۵ ق ذکر شـده است. همچنین بعضـی از تذکره‌ها او را ممتاز غزنوی، استـد سـنایی غزنوی، می‌دانند که بعد از فوت سلطان ابراهیم بن مسعود به هندوستان رفته است. از آثارش: مثنوی «شهریارنامه»، در ذکر داستان شهریار پسر برزو، از نوادگان رسـتم زابلی، به درخواست سـلطان مسعود بن ابراهیم که تقلیدی از «شاهنامه‌ی» فردوسی است؛ مثنوی «هنر نامه‌ی یمینی»، در پانصد بیت، در مدح یمین‌الدوله بهرامشاه؛ «دیوان» شعر، در حدود هشت هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۵۹۶ -۵۸۰/ ۲)، تاریـخ ادبیات در ایران (۵۰۷ -۵۰۱/ ۲)، تاریخ نظم و نثر (۷۷)، حماسه‌سرایی در ایران (۳۱۶ -۳۱۱)، دایرهٔالمعارف فارسـی (۲۷۰۷/ ۲)، دیوان عثمـان مختاری (مقـدمه)، الـذریعه (۳۴۳، ۲۲۹/ ۱۹، ۱۱۰۳، ۱۰۱۸، - ۱۰۱۷/ ۹)، رباعی و رباعی‌سرایان (۱۱۳)، ریحانه (۵/ ۶، ۲۶۱/ ۵)، صبح گلشن (۴۵۲ -۴۵۱، ۳۹۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۵۶ - ۴۵۵)، فرهنگ سـخنوران (۸۲۵)، لغت نـامه (ذیـل/ مختـاری غزنوی)، مجمع الفصـحا (۱۳۵۸ -۱۳۴۳/ ۳)، المعجم فی معـاییر اشـعار العجم (۴۷۳، ۴۱۱، ۳۶۰)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲ -۴۱/ ۱)، هفت اقلیم (۳۳۱ -۳۲۴/ ۱).

مختاری کوبنانی، حسین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطـاط. از کاتبان گمنام بود. از آثار وی: یک نسـخه «ظفرنامه‌ی تیموری» شـرف‌الدین علی یزدی، به قلم کتابت خفی متوسط، با رقم: «قد تم تنمیق الکتاب...فی عشـرین شـعبان‌المعظم سـنه ثلاث و ستین و ثمانمائه... حسین بن لقمان المختاری الکو [ه] بنانی...».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۶۸ –۱۶۷ /۱).

مختاری، بهاءالدین محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌محمد باقر حسینی نائینی اصفهانی.

عالم فاضل محقق جامع حکیم متکلم. در حدود سال ۱۰۸۰ متولد، و در حدود سال‌های مابین ۱۱۴۰ و ۱۱۳۰ وفات یافته.

نزد بزرگان علمای عصر [همچون: علامه‌ی مجلسی و فاضل هندی و عموی خود سید روح‌الامین مختاری] تلمذ نموده، و متجاوز از سی مجلد کتاب و رساله تألیف نموده که از آن جمله است:

۱ – انارهٔ الطروس، در شرح عبارتی از کتاب دروس ۲ – تعلیقات بر «اشباه و نظایر» سیوطی ۳ – تعلیقات بر شرح صمدیه‌ی سید علی خان ۴ – تفریج القاصد، شـرح بر توضـیح [المقاصد] شیخ بهائی ۵ – حواشـی بر آیات الاحکام اردبیلی ۶ – رساله‌ای در شـرح حال خود ۷ – سه رساله در ارث، کبیر، وسـیط، صـغیر ۸ – زواهر الجـواهر فی نوادر الزواجر، در اصـفهان به طبع رسـیده ۹ – شرح بدایهٔ الهدایه‌ی شیخ حر عاملی ۱۰ – شرح بر صمدیه‌ی شیخ بهائی، کبیر وسیط، صغیر ۱۱ – شرح تهذیب المنطق ۱۲ – شرح شمسیه ۱۳ – شرح زیارت جامعه ۱۴ – صیغ العقود ۱۵ – صـفوهٔ الصافی، مختصر کتاب الشافی سید مرتضی علم‌الهدی ۱۶ – عروض العروض، در عروض و قافیه ۱۷ – عمدهٔ الناظر فی عقدهٔ الناذر؛ و غیره.

در تاریخ نائین احتمالا قبر او را در مقبره‌ی قریه‌ی شیخ چوپان فریدن می‌نویسد.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مختاری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی مختاری

محل تولد : تیران کرون اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۹/۲

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم، مـدرسه المهـدی زیر نظر آیت الله گلپایگانی شـدم و از اساتید آنجا مثل حضـرات آیات مرحوم آیـت الله تقـوی اشـتهاردی، حسـن امینیـان، و... و اساتیـد حسـین مظـاهری ، مرتضـی مقتـدایی، حسـن تهرانی، رضـا اسـتادی، نجفی شهرضایی، عالمی، غلامرضا صلواتی ، و ... بهره بردم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی علاوه بر استفاده از اساتید نامبرده، از اساتیدی چون آیات مصـباح یزدی، خزعلی، جوادی آملی، جعفر سبحانی ، یحیی انصاری شیرازی، مرحوم سید رضا صدر، طاهرشمس، سید مصـطفی محقق و سـید علی محقق، آیت الله العظمی گلپایگانی و بسـیاری از مراجع حاضـر بهره برده، و درسـهای رایج حوزه، نظیر، فقه، اصول،رجـال، تفسـیر، منطق، فلسـفه و ... را بسان سایر طلاب خوانـدم. در فصل تابسـتان و تعطیلی حوزه قم، اکثرا به حوزه های علمیه سایر شهرسـتانها می رفتم و به درس یا تـدریس می پرداختم مثل حوزه علمیه فیروز آباد فارس حدود ۴ سال، خوانسار، حدود ۵ سال، و دو سال ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ فصل تابسـتان در مدرسه نیم آور اصفهان تحت نظر و اشراف آیت الله ناصری اصفهانی بودم. و از اساتید حوزه اصـفهان از جمله آیت الله ناصـری (درس لمعه) بهره می بردم.با شـروع دوره های تخصصـی تفسیر و علوم قرآن، کلام و... در حوزه علمیه قم، حقیر در اولین دوره تفسـیر علوم قرآن شـرکـت کردم و تـاکنون بخش عمـده تلاش هـایم در خـدمت قرآن کریم و تفسـیر است. در اولین دوره دانشـگاه قم (آن زمـان به نـام مـدرسه عـالی قضـایی و تربیتی طلاب) و نیز اولین دوره دانشـگاه تربیت مـدرس شعبه قم مقطع فوق لیسـانس که آن زمان در دارالشـفاء تاسیس شـد شـرکت کردم و قبول شـدم ولی حوزه علمیه را ترجیـح دادم. ضـمن تحصـیل هرگـاه موقعیتی مناسب بوده است به تـدریس ادبیات، فقه، عقایـد، علوم قرآن، علوم حـدیث و تفسـیر پرداخته ام. بیش از ده سـال است از طرف چنـد مرکز علمی و فرهنگی به کتابشناسـی و داوری و ارزیابی کتاب ، مقاله و ... اشـتغال دارم. و یکی از تخصصـهای حقیر، همین داوری کتاب است. اکنون عمدتاً به تالیف و تصـحیح و یا مسافرتهای تبلیغی اشـتغال دارم. موضوع مقالاتم به اقتضای زمان و نیاز، و یا سـفارش دهنـدگان در تفسـیر، ترجمه از عربی، اخلاق، مسائل فرهنگی و اجتماعی، فقه، تاریخ، حدیث، نقد و بررسی، کتابشناسی و ... بوده است.

مخترع، فیروز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: زراعت و اصلاح نباتات، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مخدوم جرجانی، معین‌الدین محمدعلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، عالم دینی و شاعر، متخلص به اشرف. گرایش به تسنن داشت. خود را به شاه اسماعیل ثانی نزدیک کرد و به وزارت وی رسید و چون آشوبی بر علیه شاه متسنن برخاست. شاه میرزا مخدوم را از صدارت عزل و زندانی نمود و گرایش خود را به تسنن به او نسبت داد. پس از مرگ شاه، در ۹۸۵ ق، به دربار شاه عثمانی روی آورد و در بغداد مفتی، قاضی و مدرس مدرسه‌ی مرجانیه شد و کتاب «النواقض » خود را در آنجا، در ۹۸۸ ق، تألیف کرد. او سپس به منصب قاضی القضاتی مکه رسید. در تذکره‌ها درباره‌ی پاره‌ای از مشخصات صاحب عنوان اختلافاتی وجود دارد. از آثار وی کتاب «نواقض الروافض» است که قاضی نوراللّٰه کتاب «مصائب النواصب» را در ۹۹۵ ق در رد آن نگاشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۲۷۴ –۲۷۳، ۱۹۴ –۱۹۳/ ۵)، الذریعه (۲۹۱/ ۲۴، ۷۶/ ۲۱، ۲۵۸/ ۱۴، ۱۰۱۸، ۷۷/ ۹)، ریحانه (۲۲۶ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۴۶ –۲۴۵، ۱۷۶ / ۱۰)، عالم آرای عباسی (۲۱۷ –۲۱۳، ۱۴۹ –۱۴۸ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۸۲۶)، الکنی و الالقاب (۳۶۰/ ۲)، مجمع الخواص (۴۳ –۴۲)، مینودر (۹۷۱ –۹۷۰/ ۲).

مخدوم شریفی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(میرزا مخدوم) از اخفاد سید شریف جرجانی است چون مذهب سنت داشت مجبور به ترک وطن شد و به دیار روم (ترکیه‌ی فعلی) عزیمت کرد و در تاریخ ۹۸۴ ه. به اسلامبول درآمد و مورد حسن استقبال قرار گرفت، ابتدا به قضاوت آمد و سپس طرابلس و شام و بغداد و بالاخره به قضاوت مکه‌ی معظمه منصوب شد و بعد از آن نقیب‌الاشراف گردید ولی بعدها به واسطه‌ی صدور بعضی افعال غریبه اسلامبول را ترک کرد و مجبور به سیاحت شد. دیوان اشعاری به زبان فارسی دارد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

مخدوم فرخنده، مجید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: محیط زیست، دانشکده: منابع طبیعی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی جنگل و مرتع از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۶، کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی محیط زیست از دانشگاه ملی استرالیا، دکترای ارزیابی اثرات توسعه بر محیط زیست از دانشگاه ماکواری سیدنی در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اکولوژی کاربردی، ارزیابی اثرات توسعه، ارزیابی توان اکولوژی آمایش سرزمین، آلودگی صدا، پایه‌گذار ارزیابی توان اکولوژیکی به عنوان شالوده آمایش سرزمین کشور، بررسی طبقه‌بندی اتوماتیک سرزمین و ارائه نرم‌افزار مناسب برای ایران، عضویت در فرهنگستان علوم و مجامع بین‌المللی، نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۱ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

محیط زیست، ارزیابی محیط زیست، آمایش سرزمین، ارزیابی توان اکولوژی محیط زیست.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

ارزیابی توان سرزمین، طبقه‌بندی کامپیوتری سرزمین، آمایش سرزمین.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مخدوم نیشابوری، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۳۰ ق)، شاعر. مشهور به میرمخدوم. اجدادش از سادات مدینه بودند و پدرش از مکه به زیارت مشهد مقدس رفت و در بازگشت در نیشابور به عنوان کدخدا متوطن شد و میر مخدوم در آنجا به دنیا آمد. وی برای تحصیل به هرات رفته و پس از فراگیری علوم مرسوم، در خدمت شاه قاسم انوار (م ۸۳۸/ ۸۳۵ ق) تحصیلاتش را تکمیل نمود تا به مقامات بلند رسید و شاه قاسم به او لقب میرمخدوم داد. ولی عاقبت بر اثر حسادت و تهمت عده‌ای به دستور شاهرخ، فرزند امیر تیمور، زندانی شد و گویند که روغن داغ بر سرش ریختند و در نهایت او را با شکنجه کشتند. به آورده‌ی بعضی از تذکره‌ها قبر مخدوم در قریه‌ی مهرآباد نیشابور است. رضاقلی خان هدایت در «مجمع الفصحا» و «ریاض العارفین» تاریخ فوت او را ۶۰۳ و ۶۳۰ ق بیان می‌کند که با توجه به معاصر بودن وی با شاه قاسم انوار درست نمی‌باشد و لابد ۸۳۰ ق بوده است. نام او را مختوم نیز ذکر کرده‌اند. از آثارش: به نظم درآوردن رساله‌ی «محبت نامه» برای امیر غیاث‌الدین علی ترخان؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۲۵۵/ ۴)، الذریعه (۱۰۱۸/ ۹)، ریاض العارفین (۱۴۳ -۱۴۱)، ریحانه (۷۹/ ۶، ۲۶۲ -۲۶۱/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۸۲۶)، مجالس النفائس (۱۸۴، ۸ -۷)، مجمع الفصحا (۶۹ -۶۸/ ۴).

مخدوم، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی مخدوم

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۷۱وارد حوزه شدم وتا سال ۱۳۷۶ و پس از پایان سطح (لمعتین) درحوزه علمیه دزفول از سال ۱۳۷۷وارد حوزه علمیه قم شدم . مکاسب وکفایه را در محضر درس استاد نکونام گلپایگانی و رسائل را در درس آیهٔ الله استادی شرکت کردم . نهایهٔالحکمه را از استاد معلمی بهره بردم .در کلاسهای پژوهشگاه فرهنگ واندیشه اسلامی از درس های کلام جدید استاد خسروپناه ،منطق فهم دین استاد رشاد ،عرفان نظری دکتر شیری و فلسفه علم دکتر قوام صفوی شرکت کردم . از موسسه امام صادق (مرکز تخصصی کلام) در دوره ۲/۳ درمقطع سطح ۳ فارغ التحصیل شدم .از سال ۱۳۸۱ با گروه کلام و فلسفه مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه علمیه همکاری می کنم .در مجموع این سالها فعالیت در دانشگاه ها (بین دانشجویان) وطلاب جوانان اولویت های کاری ام بوده است . اکنون در مرکز پاسخگوئی تلفنی به سئوالات دینی دفتر تبلیغات به عنوان معاون مرکز مشغول به همکاری هستم و در موسسه امام صادق (ع) درس کلام جدید تدریس می کنم .

مخدومه‌ی یزدی

قرن:۱۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

محجوبه، زنی بود «خوش‌جمال و نیکوخصال». ابیات زیر از اوست:

شب عربده با محنت هجران کردم

با او دل و جان دست و گریبان کردم

چون دیدم از او روی خلاصی مشکل
جان دادم و کار بر خود آسان کردم
از پا به ره خدمت خلقی هشتن
مخدومه عالمی توانی گشتن

تاریخ تولد، زندگی و وفات او معلوم نیست.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره دهم، ۴۸؛ از رابعه تا پروین، ۲۰۴؛ بهترین اشعار، ۵۶۰؛ تاریخ یزد، ۳۳۰ -۳۲۹؛ حدیقةالشعراء، ۲۱۹۳ / ۳؛ حدیقه‌ی عشرت، ۵۳؛ الذریعه، ۱۰۱۸ / ۳؛ زنان سخنور، ۱۵۶ / ۲؛ سخنوران یزد، ۲۷۹ / ۱؛ صبح گلشن، ۳۹۴؛ قاموس‌الاعلام، ۴۲۳۵ / ۶.

مخزن کرمانشاهی، عبدالمحمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۶ ق)، شاعر، متخلص به مخزن. در کرمانشاه به دنیا آمد. وی از خط زیبایی برخوردار بود و با معلمی فرزندان اعیان گذران زندگی می‌کرد. در اوایل حال مذنب تخلص می‌نمود اما، به امر محمدحسین میرزا حشمت‌الدوله، تخلص خود را به مخزن تغییر داد. لازم به ذکر است که باب مردوخ روحانی، صاحب «تاریخ مشاهیر کرد»، تولد وی را ۱۲۴۶ ق ذکر کرده، اما در دیگر تذکره‌ها وفات او ۱۲۴۶ ق دانسته شده است. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۴۱۴/ ۱)، حدیقة الشعراء (۱۶۱۹ -۱۶۱۸/ ۳)، الذریعه (۱۰۱۹/ ۹)، مجمع الفصحا (۹۵۴ -۹۵۳/ ۵)، مکارم الآثار (۱۲۸۱/ ۴).

مخفی رشتی، مخفی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. متخلص به مخفی. اهل رشت بود. مدتی در فارس و در ملازمت امامقلی خان، حاکم فارس (م ۱۰۳۴ ق) به سر برد. گویند که وی معتاد به مصرف کوکنار بود تا حدی که به کوکناری معروف شده بود و به همین علت تنی نزار و نحیف داشت. مخفی دارای طبع خوبی بود و «دیوان» شعری از وی به جای مانده است که به آورده‌ی «تاریخ ادبیات در ایران» در هند به چاپ رسیده است. صاحب «صبح گلشن» او را لاهیجانی می‌داند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۵۵ -۸۵۴/ ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۸۲، ۱۲۴/ ۵)، تحفه سامی (۲۷۸)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۸۰ -۲۷۹)، الذریعه (۱۰۱۹/ ۹)، صبح گلشن (۳۹۴ -۳۹۳)، نامها و نامدارهای گیلان (۵۴۳)، نتایج الافکار (۶۵۰ -۶۴۹).

مخلدی گرگانی، ابوشریف احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، شاعر. از اشعاری که از وی باقی مانده، دو بیت معروف است که در مورد دولت سامانی سروده و از آن دولت همچون دولتی گذشته یاد می‌کند و معلوم می‌شود که وی بعد از عهد سامانیان می‌زیسته، و چون نامها در «ترجمان البلاغه» (تألیف شده در اواخر قرن پنجم) آمده، پس قبل از تألیف آن کتاب می‌زیسته است. نام وی به صورتهای مجلدی جرجانی، شریف مجلدی و ابوشریف مجلدی نیز ذکر شده است. وی احادیث نبوی را ترجمه‌ی منظوم می‌کرده است، مانند:

هر که را بهره کرد ایزد فرد
دانش و امن و تندرستی و خورد
زین جهان بهره‌ی تمامی یافت
گو به گرد دگر فضول مگرد
کآرزو را کرانه نیست پدید
آز را خاک سیرداند کرد[۱]

نام او احمد بن علی، از شاعران اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری است. نظامی عروضی این دو بیت او را که معروف است در چهار مقاله آورده است:

از آن چندان نعیم این جهانی

که ماند از آل ساسان و آل سامان

ثنای رودکی مانده است و مدحت

نوای باربد مانده است و دستان

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۵۵۹ -۵۵۷/ ۱)، ترجمان البلاغه (۱۱۹)، الذریعه (۱۰۲۰/ ۹)، شاعران بی‌دیوان (۳۴۱ - ۳۳۹)، فرهنگ سخنوران (۸۲۷)، لباب الالباب (۱۴ -۱۳/ ۱)، لغت نامه (ذیل/ ابوشریف، احمد، مجلدی گرگانی).

مخلص تبریزی

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۱۳۱۳ ش، زهرا بیگم از زنان شاعر. او ظاهراً در نجف به دنیا آمد. پدرش میرزا احمد آقا معروف به مولوی بود که در اواخر عمر در هند اقامت کرد. وی با میرزا ابوالقاسم پسر میرزا محمود تبریزی نجفی ازدواج کرد. جلد اول مجموعه اشعار فارسی مدیحه و مرثیه او به نام شکوفه‌ی غم یا دیوان مخلص در نجف چاپ شد. (۱۳۵۴ ق) و جلد دوم آن در هند به چاپ رسید. از اشعار اوست:

گفتی که در لحد به مزارت نهم قدم

من زین امید آرزوی خاک می‌کشم

آیی تو چون به تربتم ای شاه هر دو کون

بهتر شود مزار من از جنت ارم

خرم شود چنان که شود تر اشک باغ خلد

وز مقدم شریف جناب تو محترم

گردند مهربان به من زار قدسیان

گردد نکیر مادر و چون باب منکرم

آسان شود فشار به من با ولای تو

حبت چه گر نمود ز عصیان معصرم

لطف کریم شامل حالم شود مدام

با آنکه مستحق عذاب جهنمم

هجرت اگر چه کرد کبابم به روزگار

با مهر جان‌فزای تو عمری به سر برم

هر گه که یاد آید آن بارگاه پاک

اخگر فتد به جانم و گویی در آذرم

سوزم از آن که جمله عزیزان به پای بوس

من همچو عبد گمشده زین در به آن درم

شاها کدام جرم مرا کرد رد باب

من خود که آستانه تو بود بسترم

یا مظهرالعجایب و یا مرتضی علی

بر حال من ببخش که بس زار و مضطرم

من این نگویم اینکه غلامم به درگهت

جاروب کش به باب غلامان قنبرم

ادنی کمینه خادمی هستم ز شیعیان

از مهرت آفریده خداوند اکبرم

بر گرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: دانشمندان آذربایجان، ۳۳۹؛ الذریعه، ۲۱۶ / ۱۴ ،۱۰۲۰ / ۹؛ شعرای آذربایجان، ۵۸۴ / ۲؛ شکوفه غم یا دیوان مخلص.

مخلص شیرازی، محمد نبی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۲۹ ق)، شاعر، متخلص به مخلص. مشهور به میرزا بابا. اهل شیراز و از نجبای آن دیار بود. فن شاعری را از مشرب عامری (م ۱۱۸۰ ق) فراگرفت. وی در غزل و قصیده مهارت داشت. سال فوتش نیز مشخص نشده، ولی ظاهرا زیاد عمر کرده است و صاحب «مجمع الفصحا» می‌گوید: در زمان جوانی وی را چند کرت به شیراز دیده بودم که بسن کهولت می‌زیست. در «حدیقهٔ الشعراء» به

نقـل از «دلگشـا» آمـده که مخلص در آخر عمر به نجف رفته و در آنجـا رحلت نموده است. گفته‌انـد که او «دیوان» شـعری در پنج هزار بیت داشـته که پسـرش آن را مخفی کرده است. در «فرهنـگ سـخنوران» نـام وی به صـورت محمـد نـبی (محمـد امین) آمـده است.[۱]

میرزا محمـدنبی. از شاعران اوائل دوره‌ی قاجاریه. هدایت مؤلف مجمع‌الفصـحا در زمان جوانی او را در شـیراز دیده بود که در سـن کهولت می‌زیسته است. شعر زیر از اوست:

«نمی گویم که از کنج قفس آزاد کن ما را

به هر جا طایری آزاد بینی یاد کن ما را»

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] حدیقهٔ الشعراء (۱۶۲۰ -۱۶۱۹/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۸۱ -۳۷۸/ ۴)، الذریعه (۱۰۲۱/ ۹)، سفینهٔ المحمود (۵۴۵ -۵۴۴/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۸۲۷)، مجمع الفصحا (۹۳۴ -۹۳۳/ ۵)، مرآت الفصاحه (۵۷۷ -۵۷۶)، مصطبه‌ی خراب (۱۷۳)، نگارستان دارا (۲۵۳).

مخلص کاشانی، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۵۰ ق)،شاعر، متخلص به مخلص. معروف به مخلصای کاشی. اصلش از قریه‌ی نراق بود. در زمان شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۳۵ -۱۱۰۵ ق) از کاشان به اصفهان رفت و مقیم آن شهر شد. وی با حزین لاهیجی (م ۱۱۸۰ ق) معاصر و معاشر بود و حزین در مورد او می گویـد: طبعی به سـخن آشـنا و رغبت و میلی مفرط به شـعرا داشت . مخلص عاقبت در اصـفهان درگذشت و در مقبره‌ی جامع عتیق آن شهر دفن شد. از آثارش: «دیوان» شعر، نزدیک به چهار هزار بیت. به آورده‌ی «تاریخ ادبیات در ایران» در کتابخانه‌ی موزه‌ی بریتانیا «دیوان» شعری از وی وجود دارد که حدود دو هزار و پانصد بیت شعر در آن آورده شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشـکده‌ی آذر (۱۲۹۵ -۱۲۹۳/ ۳)، تاریـخ ادبیات در ایران (۱۳۸۹ -۱۳۸۶/ ۵)، تذکره‌ی شـعرای کشمیر (۳۸۲ -۳۶۴/ ۵)، تذکرهٔ القبور (۴۹۶)، تذکرهٔ المعاصرین (۳۳۴ -۳۳۰، ۱۷۶ -۱۷۴)، الذریعه (۱۰۲۱/ ۹)، سرو آزاد (۱۲۶ -۱۲۵)، فرهنگ سخنوران (۸۲۷)، نتایج الافکار (۶۵۲ -۶۵۱).

مخلصی پنیسی، حسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شـاعر. اصـل او از قصـبه‌ی پنیس یا بنیس آذربایجان است. ظاهرا وی با سـرودن شـعر و نوشـتن و ترتیب دادن جامه‌ی فتـح- جامه‌ای که در جنگ زیر زره می‌پوشیدند و آیاتی مثل «انا فتحنا...» بر آن می‌نوشـته یا می‌بافتنـد- روزگار می گذرانده است. اشعاری از وی در تذکره‌ها نقل شده است. از اوست:

مردم ز غم رخ نکویت

رفتم ز جهان ندیده رویت

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منـابع زنـدگینامه :تـذکره‌ی شـعرای آذربایجـان (۵۲۴ -۵۲۳ / ۱)، دانشـمندان آذربایجـان (۳۳۹)، الـذریعه (۱۰۲۱ / ۹)، سـخنوران آذربایجان (۱۷۴ -۱۷۳)، فرهنگ سخنوران (۸۲۸)، مجمع الخواص (۲۸۹ -۲۸۸).

مخمور تبریزی، لطف‌اللَّه

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۶۴ -۱۰۹۵ ق)، شاعر. ملقب به مرشد قلی خان. در بندر سورت (هند) به دنیا آمد. نزد آقا حبیب‌اللَّه اصفهانی، شاگرد آقا حسین خوانسـاری، به تحصـیل علم و معرفت مشـغول شـد. وی پس از فوت پـدرش، برای تجـارت به بنگـاله رفت و در آنجا با دختر نواب شجاع‌الـدوله، حاکم آن شـهر، ازدواج نمود و از طرف آن سـلطان عنوان مرشد قلی خان یافت و سالها صوبه‌دار ممالک اودیسه بود. او عاقبت در حیدرآباد دکن از دنیا رفت. از آثارش: «دیوان» شعر. آزاد بلگرامی، صاحب «سرو آزاد»، «دیوان» مخمور را، که به خط خود او نوشته شده بود، دیده است. در «نتایج الافکار» تاریخ تولد او ۱۰۷۵ ق ذکر شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تذکره‌ی شـعرای آذربایجان (۵۸۶ -۵۸۴/ ۲)، دانشـمندان آذربایجان (۳۴۰ -۳۳۹)، الذریعه (۹۴۴/ ۹)، سرو آزاد (۲۲۳ -۲۲۱)، فرهنگ سخنوران (۸۲۸)، لغت نامه (ذیل/ لطف‌الدین)، نتایج الافکار (۶۶۰ -۶۵۹).

مدامی‌یزدی، نورالدین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۶۱ ق)، شاعر، متخلص به مدامی. وی از احفاد شیخ احمد قطب فخرالدین فهادانی و ساکن محله‌ی کوی مالمیر بود. غیر از رباعی اشعاری از وی در تذکره‌ها نقل شده است. از اوست:

دلم را زلف جانان می‌شناسد

پریشان را پریشان می‌شناسد

هنوز اندک شعوری با جنون هست

که دست ما گریبان می‌شناسد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۲۸۰ -۲۷۹)، جامع مفیدی (۴۵۲ -۴۵۱/ ۳)، الذریعه (۱۰۲۳/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۲۹).

مدبری، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمود مدبری در پانزدهم شهریور سال ۱۳۳۵ در تهران بدنیا آمد.ایشان دارای دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی گرایش ادب حماسی ، فرهنگ نویسی، تصحیح متون و تاریخ ادبیات از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷ می باشد.دکتر مدبری هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه کرمان است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ادب حماسی ،فرهنگ نویسی ،تصحیح متون

والدین و انساب : پدر محمود مدبری،حسین مدبری استوار بازنشسته ارتش است و هم اکنون ۸۶ سال سن دارد و مادر محترمشان خانم فاطمه بختیار است که دار فانی را وداع گفتند. خانواده دکتر مدبر هفت نفر بود.

خاطرات کودکی : دوران کودکی محمود مدبری در محلات جنوب غربی تهران سپری شده است که آن دوران خاطرات خاص به خود را دارد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمود مدبری در خانواده ای متوسط بدنیا آمد .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی محمود مدبری به ترتیب زیر است: - دیپلم ریاضی از دبیرستان ادیب تهران در سال ۱۳۵۳-۱۳۵۴ - کارشناسی زبان و ابیات فارسی از دانشگاه ملی ایران از سال ۱۳۵۴-۱۳۵۷ - کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه علامه طباطبائی از سال ۱۳۵۷-۱۳۶۴ - دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران از سال ۱۳۷۱-۱۳۷۵

خاطرات و وقایع تحصیل : ازمهمترین واقعه رخداده در دوران تحصیل محمود مدبری در دانشگاه ، وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ می باشد.که وی از آن دوران خاطراتی بیاد دارد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : فعالیتهای محمود مدبری در دوران تحصیل به شرح زیر است: - از سال ۱۳۶۴-۱۳۵۶ در سازمان لغتنامه دهخدا مشغول به کار پژوهشی بودند. - در طی سالهای ۱۳۶۲-۱۳۶۴ بصورت حق التدریس با دانشگاههای شهید بهشتی و دانشکده صدا و سیما در تهران همکاری داشتند. - از سال ۱۳۵۷-۱۳۵۶ در بنیاد فرهنگ ایران به کارهای پژوهشی مشغول بودند.

استادان و مربیان : دکتر سید جعفر شهیدی ،دکتر سید محمود دبیر سیاقی ،دکتر سید صادق گوهرین ،دکتر حسین کریمان ،دکتر فرزام پور ،دکتر رعدی آذرخشی ،دکتر علی فاضل ،دکتر شفیعی کدکنی ، دکتر مهدی محقق ، دکتر سادات ناصری ،دکتر آذرتاش آذرنوش ،دکتر فیروز حریرچی ،دکتر پورنامداریان ،دکتر سیروس شمیسا ،دکتر خانلری ،دکتر جعفر شعار و دکتر ابولقاسم از استادان محمود مدبری می باشند.

هم دوره ای ها و همکاران : دکتر مسعود قاسمی ،خانم افسانه شیفته فر ،دکتر صفاری ،دکتر صرفی ،دکتر فتوحی ،دکتر عباسی و دکتر حسنی از هم کاران محمود مدبری می باشند.

همسر و فرزندان : محمود مدبری متاهل است. همسر وی بنام سرکار خانم زهرا حلاجی غلامرضا دارای مدرک کارشناسی زبان و ادبیات فارسی و خانه دار هستند.ایشان دارای دو فرزند پسر بنامهای میلاد مدبری(دارای مدرک کارشناسی رشته عمران از دانشگاه آزاد اسلامی کرمان) و علی مدبری (دانشجوی سال دوم رشته دندانپزشکی) می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : - رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان از سال ۱۳۷۶-۱۳۷۹ - معاون پژوهشی دانشکده ادبیات کرمان از سال ۱۳۷۶-۱۳۷۳ -مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی در طی سالهای ۱۳۶۶-۱۳۶۸ و ۱۳۶۹-۱۳۷۰ و ۱۳۷۴-۱۳۷۶ - دبیر کمیته تخصصی علوم انسانی هیئت ممیزه دانشگاههای جنوب شرقی از سال ۱۳۸۰-۱۳۸۳ و از سال ۱۳۸۵ تا کنون - عضو هیئت ممیزه دانشگاههای جنوب شرق از سال ۱۳۸۱-۱۳۸۳ - یک دوره ماموریت دوساله تدریس در کشور اوکراین از سال ۱۳۸۳-۱۳۸۵ - عضو گروه علمی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی کرمان از سال ۱۳۸۳ تا کنون - عضو هیئت تحریریه نشریه علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات دانشگاه کرمان از آغاز تا کنون - عضو هیئت تحریریه نشریات فرهنگ و ادب فرهنگ

،مطالعات ایرانی ،پژوهشگران فرهنگ در کرمان – عضو شورای انتشارات دانشگاه از سال ۱۳۶۶ تا کنون

فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریس محمود مدبری به شرح زیر است: تدریس در دانشگاههای باهنر کرمان ، آزاد اسلامی کرمان و جیرفت ،پیام نور کرمان ،پیام نور رفسنجان ،پیام نور بم و بافت، دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه صدا و سیمای تهران . دکتر مدبر از سال ۱۳۷۳ تدریس در مقطع کارشناسی ارشد و از سال ۱۳۸۱ در مقطه دکتری را شروع کرده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمود مدبری در کنار تدریس به مطالعه ، تحقیق ، تالیف کتب و مقالات و همچنین شرکت در سمینارها و کنفرانسها می پردازد.

همفکران فرد : محمود مدبری با همکار قدیمی خود آقای مسعود قاسمی در زمینه های رشته تخصصی خود همفکر می باشد.

آرا و گرایشهای خاص : گرایش محمود مدبری بیشتر در زمینه های ادبیات حماسی و شاهنامه ،تصحیح متون ادبی فارسی ، فرهنگ نویسی فارسی ،تاریخ ادبیات ایران ، سبک شناسی و ترجمه و تفاسیر قرآنی باشد.

جوائز و نشانها : – استاد نمونه دانشگاه های کشور در سال ۱۳۸۳ – دریافت جایزه حامیان نسخ در سال ۱۳۸۴ – کتاب سال استان کرمان سه بار در سالهای ۱۳۷۷ و ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ – پژوهشگر نمونه دانشگاه در سال۱۳۷۹ – پژوهشگر نمونه استان کرمان دو بار در سال ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹

چگونگی عرضه آثار : محمود مدبری دارای ۲۰ کتاب تالیفی و تصحیحی و ۶۰ مقاله (چاپ و منتشر شده) است. ————————————————————————————————

آثار :

۱ ایران عمار فقیه کرمانی

۲ ترجمه قرآن ماهان

ویژگی اثر : از ترجمه های کهن قرآن است که در موزه آستان شاه نعمت الله ولی شهر ماهان محفوظ است و نیمه اول قرآن را در بر دارد. متن ترجمه مربوط به قرن پنجم یا ششم هجری است و کتاب نسخه قرن هشتم باز میگردد.– انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان در سال ۱۳۸۳

۳ حمله حیدری

۴ رباعات جامی

۵ سرمه سلیمانی

ویژگی اثر : لغتنامه ای از قرن یازدهم دوره صفوی نوشته تقی الدین اوحدی بلیانی – چاپ مرکز نشر دانشگاهی – ۱۳۶۴

۶ شاعران بی دیوان

۷ غازان نامه منظوم

۸ فرهنگ لغات نژدهای فنی و مصنوعی

ویژگی اثر : کلیه لغات نادر و متشکل ۴۰ نثر فنی و مصنوعی معنی شده و ماخذ و منابع آن در متون مشخص گشته است.–انتشارات خدمات فرهنگی در سال ۱۳۷۶

مدبری، مختارعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مختار علی مدبری

محل تولد : سکردو پاکستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۱/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۹۸۳ در سکردو پاکستان متولد شدم و در یک خانواده مذهبی پرورش یافتم و در ۶ سالگی آموختن قرآن مجید نزد پدر بزرگم را شروع کردم، حدودا یک سال قرآن را تمام کردم و در هشت سالگی در مدرسه دولتی ثبت نام کردم و همراه درس دولتی باد حمد که مشتمل بر اشعار منظوم در بیان احکام و عقاید است در پیش آخوند محلی به نام اخوند احمد خواندم و در مدرسه هم فعالیت می کردم ویک مسابقه سخنرانی در مدرسه به موضوع درخت کاری نفر دوم شدم این اولین گامی بود که باعث شد بنده به این فعالیت انگیزه بیشتری پیدا کنم. یک روز در مدرسه رهبر پاکستان ساجد علی نقوی برای دیدار با مردم آمده بود بنده در آن محفل که حدودا صدها نفر آمده بود بنده از طرف مدرسه برای تلاوت قرآن مجید معرفی کردند و در این محفل بنده تلاوت کردم و این روز برای من یک روز مانگار بود ونیز بنده در امور مذهبی مثل شرکت در نماز جماعت و دعا و مراسم های مذهبی شرکت و فعالیت می‌کردم. مردم و هم خانواده درباره من خوب فکر می‌کردندو بنده نیز به این امرپائین بود تا که نظر مردم به اینجانب باقر اماند و انگیزه بنده نیز در بحث حوزوی بیشتر بود و ما درابتدا مستقیما حوزه علمیه قم آمدیم و حدودا سه سال بدون

اقامه درس اصول و فقه و عقائد خواندم و بعد امتحان مرکز جهانی علوم اسلامی شرکت کردم و همان بار اول قبول شدم و الان در مدرسه تخصصی فقه واصول مشغول هستم. غیر از این در علوم تجوید و قرائت فعالیت دارم و بنده در منطقه خودم به نوجوانان درس قرائت و تجوید مقدماتی درس داده ام. از طرف نوجوانهای خیلی خوشحال و انگیزه بیشتری وجود داشت تا این برنامه باقی بماند و علاوه بر این تبلیغ حمایت از ولایت فقیه مشغول بودم. در منطقه ماحدودا ۷۵ درصد از جوانهای مرید رهبری انقلاب وجمهوری اسلامی ایران هستند وما خواستاریم این سازمان برای منطقه ما یک برنامه ویژه و مخصوص باشد زیرا منطقه ما حدودا ۹۷ درصد شیعه هستند واز طرف وهابی و آغاخانی دراین منطقه همه وجود جودشان را صرف میکنند و گفتنی های زیادی داریم که در این محفل نمی گنجد. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

مددی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین بن آیت‌اللَّه آقا سید علی مدد قائنی مددی از دانشمندان معاصر قائن می‌باشد وی در سال ۱۳۴۸ ق هجری در نجف مشرف و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح از دراسات خارج آیات عظام چون آیت‌اللَّه اصفهانی و والدش و آیت‌اللَّه العظمی خوئی و آیت‌اللَّه شاهرودی و دیگران استفاده نموده و در خدمت والدش در سال ۱۳۷۵ قمری به ایران و خراسان آمده و بنابر دعوت و استدعاء مردم بندر پهلوی به آنجا (بندر امام فعلی) عزیمت و تاکنون به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مددی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد بن العلامهٔ الجلیل والفقیه النبیل آیت‌اللَّه حاج سید علی مدد قائینی مددی از علماء موصوف به تقوای معاصر مشهد مقدسند وی در دهم رجب ۱۳۳۹ در نجف متولد و در بیت علم و کمال پرورش یافته و مقدمات و اولیات را نزد فضلاء نجف خوانده و سطوح را از علماء و مدرسین آنجا تکمیل و از خارج ابحاث آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه والدش و آیت‌اللَّه آقا سید محمود شاهرودی و دیگران استفاده نموده و در مصاحبت والد مبرورش به مشهد آمده و به تدریس و مباحثات سطوح پرداخته و پس از فوت والدش به جای ایشان به اقامه جماعت در مسجد بالاسر اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مدرس اصفهانی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۷۳ –۱۲۱۰/ ۱۲۰۸ ق)، عالم دینی، فقیه، محقق و مدرس. نسبش به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. در اصفهان به دنیا آمد. پس از نشو و نما از محضر علمای اصفهان و کربلا و نجف استفاده نمود. وی از شاگردان پدرش، میر سید علی، و آخوند ملا علی نوری و شریف العلمای مازندرانی و حاج محمدابراهیم کرباسی و شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، و شیخ محمدحسین رازی، صاحب «فصول»، و شیخ محمدتقی رازی، صاحب «حاشیهٔ المعالم»، و میرزا زین‌العابدین خوانساری بود. او از میرزا زین‌العابدین خوانساری و صاحب «جواهر» اجازه داشت. او در اصفهان حوزه درس و بحث در فقه و اصول داشت و به جهت حسن تقریر و کثرت مطالب به مدرس معروف گردید. شاگردان بسیاری از شهرهای اطراف به سویش شتافتند و تا او زنده بود هجرتی به عراق برای تحصیل صورت نگرفت. میرزا ابوالمعالی کرباسی و ملاـمحمدباقر فشارکی و میرزا محمدحسن نجفی اصفهانی و میرزای شیرازی و میرزا محمد هاشم خوانساری چهارسوقی و ملا حیدر اصفهانی و ملا شکراللَّه لواسانی و ملا علی‌اصغر خوسفی بیرجندی و آقا میرزا محمدباقر بن زین‌العابدین خوانساری از شاگردان وی بودند. او با صاحب «روضات الجنات» معاصر بود. در اصفهان درگذشت و در مقبره‌ی مخصوص خود، در دهلیز مسجد رحیم خان که بنیان آن توسط خود ایشان بوه، به خاک سپرده شد. از آثارش: «جوامع الاول» یا «جوامع الکلم»، در اصول فقه؛ «فقه استدلالی»؛ شرح «المختصر النافع» محقق؛ «مناسک الحج»؛ «اجوبهٔ مسائل المختلفهٔ»؛ رساله‌ی «اصالهٔ البراءهٔ»؛ «رسالهٔ فی الاصول الجاریهٔ فی الشک»؛ رساله‌ی «اصالهٔ الصحهٔ»؛ رساله‌ی «العدالهٔ»؛ رساله‌ی «قاعده‌ی لاضرر»؛ «رساله‌ی عملیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ القبور (۲۶۹ –۲۶۸)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (۱۴۱/ ۲)، الذریعه (۲۶۰/ ۲۲، ۱۱/ ۱۷، ۵۹ –۵۸/ ۱۴، ۲۱۴، ۸۵/ ۱۱، ۲۴۸ –۲۴۷/ ۵، ۱۲۴/ ۴، ۱۱۴/ ۳)، روضات الجنات (۳۰۰ –۲۹۹/ ۲)، ریحانه (۲۶۷/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۳۶ –

۳۳۴/ ۱۳)، فوائد الرضویه (۱۱۰)، المآثر و الآثار (۱۷۲)، معجم المؤلفین (۲۶۰/ ۳)، مکارم الآثار (۳۸۴ -۳۷۶/ ۲)، هدیهٔ العارفین (۳۰۳ -۳۰۲/ ۱).

مدرس اصفهانی، محمدحسین مدرس صادقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۴ ق)، شاعر. در اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش به اتمام رسانید. مدرس دارای طبعی روان بود و غزل را به سبک قدما خوب می‌سرود. از آثارش «دیوان» شعری مشتمل بر پنج هزار بیت می‌باشد. از اوست:

ای یار پریچهره که خود روح و روانی

دل می‌بری از خلق ولی خویش ندانی

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۳۸ -۴۳۶)، الذریعه (۱۰۲۳/ ۹)، مؤلفین کتب چاپی (۸۷۵/ ۲).

مدرس بزرگ، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی بن سید علیرضا بن سید زین‌العابدین معروف به مدرس بزرگ از مشاهیر فقهاء و معاریف علماء شهرستان یزد و معاصر با همنامش مرحوم آیت‌اللَّه آقا میرزا سید علی حایری بوده و در فقاهت و پرهیزگاری از نوادر دانشمندان زمان خود و صاحب تالیفات عدیده که بعضی از آنها درالذریعه یاد شده است و از آنها کتاب مستطاب (الهام الحجهٔ) در علم کلام که به سعی حاج سید علیرضا حایری در مشهد به طبع رسیده است.

مرحوم مدرس بزرگ در مراجعتش از ارض اقدس رضوی و زیارت حضرت علی بن موسی‌الرضا علیه آلاف التحیهٔ و الثناء در شهر طبس از دنیا رفته و در مزار امامزاده طبس مدفون و زیارتگاه عموم می‌باشد.

و ایشان برادر بزرگ مرحوم آیت‌اللَّه آقاسید مرتضی معروف به شیخ مرتضی مدرس آتی‌الذکر می‌باشند.

برادر دیگر ایشان مرحوم آیت‌اللَّه آقا میرزا ابوالحسن مجتهد مدرس یزدی بوده که در فتنه بابیه حکم جهاد بر علیه آنها داده و جماعتی از آن منحرفین را به دارالبوار فرستاده است.

و برادر چهارم ایشان مرحوم سید العارفین آقای آقا میرزا اسداللَّه یزدیست که در شهر کاشان بدرود حیات گفته و در همانجا مدفون شده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرس بیدآبادی اصفهانی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۴۹ -۱۲۵۴ ق)، عالم دینی و شاعر، متخلص به یحیی. معروف به کاشی‌پز. وی از نوادگان ملا محمدباقر محقق سبزواری بود. در کربلا به دنیا آمد. مقدمات را در عراق فراگرفت. در شانزده سالگی به همراه خانواده‌اش به اصفهان رفت و در آنجا ساکن گردید و به تحصیل مقدمات پرداخت. او معاصر با حاج میرزا رضا کرباسی بود. در اصفهان و نجف از محضر علمای بزرگی چون شیخ انصاری و شیخ محمدباقر مسجد شاهی و شیخ محمدباقر همدانی و آقا میرزا محمدباقر خوانساری چهارسوقی و آقا میرزا محمدهاشم چهارسوقی و آخوند ملا محمد کاشانی تلمذ نمود. او علوم غریبه را از ملا هادی سدهی آموخت. وی در علوم عقلی و نقلی و ادبی و ریاضیات و هیئت و نجوم متبحر بود. او سالها در خانه خود، جنب مسجد سید، حوزه‌ی درس داشت. به عربی و فارسی شعر می‌گفت. در اصفهان درگذشت و در صحن تکیه‌ی میرزا رفیعا دفن شد. از آثارش: «مرآهٔ المصنف»، در شرح حال میرزا محمد رضا کرباسی مؤلف «انیس اللیل»، که در حاشیه‌ی همین کتاب به چاپ رسیده است؛ «دیوان» شعر، در مدایح و مراثی پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع)، نزدیک به شش هزار بیت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ القبور (۵۴۸ -۵۴۷)، الذریعه (۲۸۷/ ۲۰ ،۱۳۰۸/ ۹ ،۴۶۴/ ۲)، سخنوران نامی معاصر (۳۲۲۰ -۳۲۱۶/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۲۱ -۸۲۰/ ۶).

مدرس تبریزی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۳ -۱۲۹۶ ق)، عالم دینی و محقق. معروف بـه مـدرس. در تبریز به دنیا آمـد. ادبیات عرب و مقـدمات و فقه و اصـول را در مـدرسه‌ی طالبیه‌ی تبریز فراگرفت. او ریاضیات را در محضـر میرزا عبدالعلی منجم و معقول را در محضـر آقا میرزا علی لنکرانی، از شاگردان میرزا ابوالحسن انگجی و آیت‌اللّه میرزا صادق مجتهـد تبریزی، که هر دو از مراجع تقلید بودند، استفاده نمود. وی از سـید محمد حجت تبریزی و سـید صدرالدین صدر و شیخ محمدعلی مجتهد شاه‌آبادی و شیخ عبدالحسین رشتی و دیگران اجازه اجتهاد گرفت و از شیخ محمدحسین آل کاشف الغطاء و سید محمدعلی هبهٔالدین شهرستانی و شیخ آقا بزرگ تهرانی اجازه روایت گرفت. او مـدت دوازده سال، در اواخر عمرش، در مـدرسه‌ی سپهسالار تهران به بحث و تألیف و تحقیق پرداخت. در تبریز درگذشت و در طوبـائیه دفن شـد. از آثـارش: «ریحانـهٔ الادب»، در شـرح حال بیش از پنـج هزار نفر از علما و فضـلا؛ «کفایـهٔ المحصـلین»، در شـرح «تبصـرهٔ المتعلمین» علامه حلی؛ «کفایـهٔ المحصـلین»، در شـرح «تبصـرهٔ المتعلمین» علامه حلی؛ «نثر اللآلی»، در شـرح «نظم اللآلی» میرابوالقـاسم قـاری عصـر شاه عبـاس ثـانی، در تجویـد؛ «غایـهٔ المنی فی تحقیق الکنی»؛ «قـاموس المعـارف»؛ «حیـاض الزلائـل»، که حاشـیه‌ی طهـارت «ریـاض المسائـل» است؛ «فرهنـگ نوبهـار»؛ «فرهنـگ بهارسـتان»؛ «فرهنـگ نگارسـتان»؛ «الـدر الثمین» یـا «دیـوان المعصومین (ع)»؛ «امثال و حکم ترکی آذربایجانی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۴/ ۲۴ ،۹۹/ ۱۸ ،۱۷/ ۱۷ ،۲۱۹، ۱۹۳، ۲۳/ ۱۶ ،۳۴۲/ ۱۱ ،۶۶/ ۸ ،۴۷۵، ۴۷۵- ۷۴۷/ ۳)، ریحانه (۳۷ -۲ / ۸ ،۲۷۱ -۲۶۹ / ۵)، زنـدگینامه‌ی رجـال و مشـاهیر (۲۴۹ / ۲)، طبقـات اعلام الشـیعه (قرن ۱۴۵۹ -۱۴۵۷ / ۱۴)، لغت نـامه (ذیل/ مـدرس)، مستدرکات اعیان الشیعه (۱۸۸/ ۱)، معجم المؤلفین (۵۱/ ۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۹۶ -۳۹۴/ ۴).

مدرس خاتون آبادی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میر محمّد اسماعیل، عالم فاضل، و حکیم محقّق، از مدرّسین مدرسه ی چهارباغ اصفهان است.

در خدمت آقا محمد بید آبادی، و ملا اسماعیل خواجوئی، و حاج سید مهدی بحر العلوم درس خوانده است.

در اعیان الشیعه (۷: ۱۰۳) به نقل از تجربهٔ الاحرار گویـد: احدی شـرح دروس آقا حسـین خوانساری را مانند او تدریس نمی‌نموده است.

وی را کتب و رسائلی است، از آن جمله است:

۱- تعلیقات بر کتاب کافی ۲- تعلیقات بر کتاب من لا یحضره الفقیه ۳- تعلیقات بر تهذیب ۴- تعلیقات بر استبصار ۵- تفسیر قرآن مجید ۶- حاشیه بر تفسیر کاشی ۷- شرح نهج البلاغه؛ و غیره

صاحب عنوان در اواخر ذیحجّه سال ۱۲۰۲ و یا علی المشهور [؟] ۱۲۰۳ وفات یافته، در ایوان علما در نجف اشرف مدفون گردید.

خانـدان خـاتون آبـادی یکی از خانواده‌هـای علمی و روحـانی اصـفهان می‌باشـد که مـدّت چهـار قرن در اصـفهان ریـاست علمی و روحانی داشته و عدّه‌ای کثیر عالم و ادیب و شاعر و مجتهد در بین آنها بوده است که ذیلاً به نام برخی از آنها اشاره می‌شود.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مدرس خاتون‌آبادی، ابوالقاسم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۰۳ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مفسر، فیلسوف و مدرس. نسبش به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. او از مدرسین مشهور اصـفهان و از خـانواده‌ی میر محمدحسـین خاتون‌آبـادی، سـبط مجلسـی بود. فلسـفه را از ملا اسـماعیل خواجویی و شـیخ آقا محمد بیـدآبادی و فقه و اصول را از سـید بحرالعلوم فراگرفت. پس از رسـیدن به درجات علمی بالا در مدرسه‌ی شاه اصفهانی به تدریس حکمت نظری پرداخت. او تـا پایان عمر در مـدرسه‌ی چهار باغ مـدرس معقول و منقول از فقه و اصول بود. سـید ابوالقاسم جعفر بن حسـین خوانساری، جـد مؤلف «روضات الجنات»، و آقا میرعبدالباقی امام جمعه و آخوند ملا علی نوری از شاگردان او بودند. سـید بحرالعلوم که خود از اساتیـد فقه و اصول او بود در حکمت و کلام از شـاگردان وی به حسـاب می‌آیـد. در اصـفهان درگـذشت و پیکرش به نجف منتقل و نزدیک قبر امیرالمؤمنین (ع) دفن شد. از آثارش: «تفسـیر قرآن»، به فارسـی؛ شـرح «نهج‌البلاغهٔ»؛ حاشـیه بر «تفسیر کاشی»؛ حاشیه بر «کافی»؛ حاشیه بر «من لا یحضر الفقیه»؛ حاشیه بر «التهذیب»؛ حاشیه بر «الاستبصار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۰۵/ ۲)، تذکرهٔ القبور (۹۰)، ریحانه (۲۶۷ -۲۶۶/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۱ -۵۰/ ۱۳)، معجم المؤلفین (۱۱۴/ ۸)، مکارم الآثار (۱۳۳ -۱۲۹/ ۱).

مدرس خاتون‌آبادی، محمدرضا

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، عالم دینی و مدرس. امامی به ساداتی از اصفهان می‌گویند. که نسب خود را به امامزاده زین‌العابدین مدفون در اصفهانی می‌رسانند. وی از علمای عصر علامه‌ی مجلسی و از مدرسین اصفهان بود. او در تخت فولاد اصفهان مدفون است. از آثارش: «خزائن الانوار»، در تفسیر قرآن؛ «ابواب الهدایة»؛ «جنات الخلود»، به فارسی و در تاریخ، که شامل شرح اسماء حسنی و شناخت انبیا و تاریخ زندگانی ائمه معصومین (ع) و ملوک و سلاطین و خلفای اموی و عباسی و ملل و ادیان مختلف و شناخت جهت قبله و بعضی از خصوصیات شهرها می‌باشد که در ۱۱۲۷ ق از تألیف آن فراغت یافت و آن را به نام شاه سلطان حسین صفوی تمام کرد. به آورده‌ی «الذریعه» سید صدر در «التکمله» گوید که «جنات الخلود» مختصر «ابواب الهدایة» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۸۲/ ۹)، تذکرة القبور (۹۱)، الذریعه (۱۶۳/ ۷ ،۱۵۱ -۱۵۰/ ۵ ،۷۹/ ۱)، ریحانه (۲۶۹ -۲۶۸/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۶۶ -۲۶۵/ ۱۲)، معجم المؤلفین (۳۱۷/ ۹).

مدرس خراسانی، عبدالجواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علما و حکما و مدرّسین حکمت در اصفهان، و از شاگردان آخوند ملا علی نوری بوده، و در شب غرّه ماه صفر سال ۱۲۸۱ وفات یافته است. تدریس کتب حکمت در عصر او بدو منتهی می‌شده است

در مآثر و الآثار (:۱۸۳) درباره گوید: از علمای مشهور اصفهان بود، در فقه و اصول و طبّ و ریاضیّات و ادبیّات جمله مهارت کلّی، و تدرّبی عظیم داشت.

صاحب عنوان: طبیبی فقیه، و فقیهی حکیم، و عالمی ادیب بود. در نزد پدر، و میرسید محمّد شهشهانی، و ملاّ حسین علی تویسرکانی، و میر محمّد صادق کتابفروش، و حاج سید اسداللّه بیدآبادی و دیگران در طبّ و حکمت تحصیل نموده است.

در مداوای بیماران و علاج امراض، نفسی عیسوی داشته، و تدریس طبّ قدیم در زمان او بدون منحصر بوده است.

در ۶ جمادی الاولی سال ۱۳۲۷ قمری وفات یافته، در یکی از اطاقهای غربی تکیه مزبور مدفون شد.

از آثارش کتابی مختصر در وبا به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مدرس خیابانی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی بن محمدطاهر بن نادر بن محمدطاهر تبریزی خیابانی معروف به مدرس خیابانی (و. ۱۲۹۶ ف. ۱۳۷۳ ه.ق) مؤلف ریحانةالادب در تراجم و شرح حال اطبا و علما و عرفا و حکما و ادبا و فضلا با ذکر کنیه و لقب آنها. مدرس خیابانی غیر از ریحانةالادب تألیفات دیگری نیز دارد که برخی از آنها عبارتند از: «حیاض الزلائل فی ریاض المسائل» در شرح کتاب طهارت از ریاض که معروف به شرح کبیر است، دیگر «فرهنگ بهارستان» در مرادفات فارسی. دیگر «فرنگ نگارستان» در لغت فارسی. دیگر «فرهنگ نوبهار» در لغت فارسی، دیگر کتاب «غایةالمنی فی تحقیق الکنی» در بیان کنیه‌های حیوانات در زبان عرب.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

مدرس دزفولی، محمد علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند نصر الله بن ابوالحسن بن لطفعلی بن حاج فتح الله ابن‌میر کلب علی منکره‌ای.

عالم فاضل محقق، از افاضل مدرسین اصفهان، در زهد و تقوا و اعراض از دنیا بی‌نظیر، و در علم و عمل کم نظیر بود.

در ۱۲۷۱ در دزفول متولد، و در شب عرفه‌ی سال ۱۳۵۸ وفات یافته، در تکیه سید العراقین مدفون گردید.

از آثارش رساله‌ی «نورالانوار» در منطق که در ۲۴ سالگی تألیف نموده [والکنوز الحسنیة در عقائد] به طبع رسیده است.

دیگر کتاب: کشاف الغایة، در شرح تهذیب منطق تفتازانی است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مدرس رضوی خراسانی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۵ -۱۲۷۴ ش)، محقق، دانشمند، مصحح و استاد دانشگاه. پدرش، میرزا محمدباقر، از علمای بزرگ خراسان و مدرس اول آستان قدس رضوی بود. در مشهد به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدارس جدید زادگاهش فراگرفت. سپس به آموختن علوم قدیمه نزد اساتید آن زمان پرداخت. وی کتابهای «مغنی» و «مطول» تفتازانی و قسمتی از شرح «منظومه» حاج ملا هادی سبزواری را نزد میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری آموخت. «تحریر اقلیدس» و «مجسطی» و کتب ریاضی قدیم و «شرح لمعه»، در فقه و «قوانین»، در اصول را نزد پدر خواند. سپس از محضر آقا بزرگ حکیم استفاده نمود و «شرح هدایهٔ» و «شرح اشارات» را نزد او خواند. آنگاه مدتی از درس خارج فقه و اصول آیت‌اللّٰه قمی و آیت‌اللّٰه آقا میرزا محمد آقازاده استفاده کرد. در ۱۲۹۸ ش به تهران آمد و از محضر آقا سید محمد تنکابنی و آقا میرزا محمدطاهر تنکابنی بهره برد و به تکمیل تحصیلات قدیم و جدید خود در مدارس سپهسالار و آلیانس پرداخت. او از ۱۳۱۰ ش به معلمی و ناظمی مدرسهٔ سپهسالار (شهید مطهری فعلی) و تدریس در مدارس دارالفنون، علمیه، معرفت و شرافت پرداخت و بعد از ۱۳۱۷ ش به معلمی و بعدها به سمت استادی دانشکده‌ی علوم معقول و منقول منسوب گردید. وی نزدیک دو سال همکار علامه‌ی دهخدا در تکمیل «لغت نامه» بود. از آثار وی: «احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی»؛ «تاریخ رجال خراسان»؛ «تاریخ مشهد رضوی»؛ رساله‌ای در «علم عروض»؛ تعلیقات «حدیقهٔ الحقیقهٔ» سنایی؛ تصحیح «المعجم فی معاییر اشعار العجم»؛ تصحیح و اهتمام «اساس الاقتباس» خواجه نصیرالدین طوسی؛ تصحیح «تاریخ بخارا»؛ تصحیح «دیوان» سید حسن غزنوی؛ مقدمه و تعلیقات «ترجمه‌ی میزان الحکمهٔ» خازنی؛ اهتمام در انتشار کتابهای: «شجره الحکمهٔ» خازنی؛ اهتمام در انتشار کتابهای: «شجره‌ی طیبه»، در انساب سلسله‌ی سادات علویه رضویه، «دیوان» انوری و «دیوان» سنایی غزنوی.[۱]

پژوهشگر.

تولد: ۱۲۷۴(۱۳۱۳ ق.)؛ مشهد.

درگذشت: ۲۸ تیر ۱۳۶۵.

سید محمدتقی مدرس رضوی خراسانی تحصیلات ابتدایی را در مدارس جدید مشهد فراگرفت و سپس به آموختن علوم قدیمه نزد اساتید آن زمان پرداخت. در سال ۱۳۳۸ ق. به تهران آمد به تکمیل تحصیلات قدیم و جدید در مدرسه عالی سپهسالار و مدرسه آلیانس پرداخت. وی پس از مدتی از فوت پدرش که مدرس آستان قدس رضوی بود، به مدرسی نایل آمد و بعدها به عضویت معارف درآمده و در مدارس مشهد و از سال ۱۳۱۰ در مدارس تهران به تدریس اشتغال یافت. پس از تأسیس دانشگاه به استادی در دانشکده‌ی معقول و منقول و دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی انتخاب گردید.

از آثار اوست: تصحیح آثار علوی یا کائنات جو (ابوحاتم مظفر اسفزاری، ۱۳۱۹)؛ احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۳۴)؛ احوال و آثار ملک‌الشعرای بهار (به اهتمام عبدالحمید عرفانی)؛ اساس الاقتباس (خواجه نصیر طوسی، ۱۳۲۶)؛ بیست باب در معرفت اسطرلاب (به اهتمام، ۱۳۳۵)؛ تاریخ بخارا (به اهتمام، ۱۳۱۷)؛ تعلیقات حدیقهٔ الحقیقهٔ (۱۳۴۴)؛ تنسوخ‌نامه‌ی ایلخانی (از خواجه نصیر طوسی، ۱۳۴۸)؛ حدیقهٔ الحقیقهٔ و شریعهٔ الطریقهٔ (حکیم سنایی، به اهتمام، دو جلد ۱۳۳۰)، تصحیح دیوان حکیم سنائی (۱۳۲۰)؛ تصحیح دیوان سید حسن غزنوی (۱۳۲۸)؛ تصحیح دیوان انوری ابیوردی (دو جلد، ۱۳۴۰ -۱۳۳۶)؛ شجره‌ی طیبه (تألیف محمدباقر رضوی، تکمله و تصحیح و تهیه‌ی مشجرات، ۱۳۴۸)؛ شرح مشکلات دیوان انوری (از ابوالحسن حسینی فراهانی، ۱۳۴۰)؛ مثنوی‌های حکیم سنایی (۱۳۴۸)؛ مجمل التواریخ (درباره‌ی تاریخ زندیه، از ابوالحسن گلستانه، ۱۳۱۹)؛ تصحیح مجموعه رسائل خواجه نصیر طوسی (شش رساله، ۱۳۳۵)؛ تصحیح المعجم فی معاییر اشعار العجم (اثر نظامی عروضی، از روی نسخه تصحیح محمد قزوینی، ۱۳۳۶)؛ ترجمه‌ی میزان الحکمه (اثر عبدالرحمن خازنی، متن قدیمی، ۱۳۴۶)؛ یادبود هفتصدمین سال خواجه نصیر طوسی (۱۳۳۵، با مقدمه‌ی موسی عمید). تاریخ شهر مشهد نام کتاب دیگری است که در سال ۱۳۱۳ به مناسبت ساختمان آرامگاه فردوسی تألیف شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۴۷/ ۱۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۳۵، ۳۰۴۷/ ۲ ۹۱۳، ۱۷۷، ۱۲۵/ ۱)، کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۸، ص ۱۴ -۳، س ۳، ش ۸، ص ۴۰)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۵ -۲۵۴/ ۲).

مدرس رضوی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین بن العالم الجلیل آقا میرزا احمد در سال ۱۲۸۵ قمری متولد شده و از محضر پدرش استفاده نموده و در کمال قدس و تقوا عمری را گذرانیده و از علوم غریبه بهره‌مند بوده و در ماه صفر ۱۳۲۲ قمری وفات و در دارالسعاده رضوی مدفون گردیده است از یادگارهای ایشان حواشی بر قوانین و فصول و خلاصه الحساب شیخ بهائی می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرس رضوی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۳/ ۱۳۴۲ –۱۲۷۰ ق)، عالم دینی و مدرس. وی از فرزند زادگان سید شمس‌الدین محمد رضوی صاحب «وسیلة الرضوان» بود. در مشهد به دنیا آمد. در ۱۲۹۴ ق به سبزوار رفت و از محضر حاج ملا هادی سبزواری استفاده نمود. در ۱۳۰۶ ق به عتبات عالیات رفت و از محضر آخوند خراسانی بهره برد. در ۱۳۲۵ ق از شیخ حسنعلی تهرانی مشهدی اجازه روایت گرفت. سپس در مشهد به تألیف و تدریس مشغول شد. متجاوز از دویست نفر در درس وی حاضر می‌شدند و او بیش از بیست بار دوره‌ی «شرح لمعه» را تدریس کرد و تدریس هر دوره دو سال و نیم طول کشید. در پنج فرسنگی مشهد درگذشت، پیکرش را به مشهد آوردند و نزدیک حرم رضوی دفن کردند. از آثارش: حاشیه بر «شرح لمعه»؛ حاشیه بر «فصول»؛ حاشیه بر «القوانین»؛ شرح «احادیث المشکلة»؛ «الشجرة الطیبة»، در سلسله نسب نیاکانش از سادات رضوی تقوی که سر سلسله آنان موسی مبرقع است؛ «اللآلی المنثورة»؛ کتابی در «احوال خواجه ربیع»؛ رساله‌ای در «خط».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۸۵ / ۹)، الذریعه (۲۶۴ / ۱۸ ،۳۳ / ۱۳)، طبقات علام الشیعه (قرن ۱۹۸ –۱۹۷ / ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۶۲/ ۷)، مکارم الآثار (۱۹۴۷ –۱۹۴۶/ ۶)، منتخب التواریخ (۶۶۰ ،۶۴۸).

مدرس رضوی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۰ ق)، فقیه، عالم دینی، نحوی و شاعر. پدرش خواهرزاده‌ی سید محمد رضوی سبزواری امام جمعه مشهد بود. سید میرزا محمدتقی یازده برادر داشت که با خود او همگی اهل فضل و کمال بودند. میرزا عبدعلی منجم باشی مشهدی فرزند او است. از آثارش: «المنظومه الفقهیة»؛ «المنظومة النحویة».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۹۴/ ۹)، الذریعه (۱۴۰ ،۱۲۶/ ۲۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۲۱/ ۱۳)، المآثر و الآثار (۱۷۲)، معجم المؤلفین (۱۳۱/ ۹).

مدرس رضوی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی حرارت، دانشکده: مهندسی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی مکانیک از دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۴۹، کارشناسی ارشد قدرت حرارتی از امپریال کالج لندن (انگلستان) در سال ۱۳۵۲، دکترای مکانیک از امپیال کالج در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده مهندسی دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شبیه‌سازی موتورهای احتراق داخلی، تخمین اکسیدهای ازت، گاز سوز کردن موتورها و طراحی مخلوط کننده، شبیه‌سازی دینامیک جریان، مقایسه عملکرد کندانسور مفتولی و صفحه‌ای، تحلیل ترمودینامیکی بازیابی در موتور با کورس متغیر، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ترمودینامیک.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

مدل‌سازی جریان و احتراق در محفظه‌های احتراق، تخمین اکسید ازت در محفظه‌های احتراق توربین گازی، تحلیل ترمودینامیکی موتور با کورس متغیر.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مدرس رضوی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۱ -۱۲۳۹ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مجتهد، رجالی، محدث، مدرس و عارف. در مشهد به دنیا آمد و مقدمات را در آنجا فراگرفت. در ۱۲۶۳ ق به نجف رفت و در مدت بیست سال در محضر شیخ مرتضی انصاری و شیخ مشکور حولاوی نجفی و شیخ راضی نجفی و دیگران تلمذ نمود و ملازم بحثهای آنان بود تا به درجه‌ی علمی بالایی رسید. او به افتخار دریافت اجازه از شیخ انصاری نایل شد. سپس به ایران بازگشت و در شهر خود به تدریس و تألیف پرداخت. در مشهد درگذشت و در حرم رضوی، در دارالضیافهٔ، دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «القوانین»؛ حاشیه بر «شرح لمعه»؛ «رسالهٔ فی الدرایهٔ و الرجال»؛ «رسالهٔ فی الهیئهٔ»؛ شرح «الشرایع»؛ «نتایج الافکار»، تقریراتی در اصول فقه؛ «تقریرات الفقه»؛ رساله در «مقدمهٔ الواجب»؛ رساله در «اقسام الولایات»؛ «احکام الغصب»؛ «منجزات المریض»؛ «اساس الفقه»؛ «مطالب الحکمهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۶/ ۱۰)، الذریعه (۲۵۵/ ۲۵، ۴۴/ ۲۴، ۳۲۶/ ۱۳، ۱۷۷، ۹۵/ ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۵۴ - ۱۴۵۳/ ۱۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۶۰۴ -۶۰۳/ ۲)، معجم المؤلفین (۱۷/ ۱۱)، مکارم الآثار (۱۰۷۹ -۱۰۷۸/ ۴).

مدرس زاده، مجدالدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجدالدین مدرس زاده

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۲/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از دوران تحصیل مقطع متوسطه در سال ۱۳۶۰ وارد حوزهٔ مبارکه علمیه قم شده و از بدو ورود با تحصیل و آموزش در مدرسه المهدی(عج) که تحت اشراف و هدایت حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی اداره می شد مشغول به فراگیری علم و دانش ومعارف الهی و آموزه های اسلامی شده ام.

برای شروع و تحصیل فقه نیم استدلالی که در آن زمان کتاب های لمعه (۲ و۱) مرحوم شهید تلمذ می شد در دروس علمای نظیر آقایان وجدانی فخر- اشتهاردی و راستی و خسرو شاهی حاضر می شدم اصول فقه را خدمت استاد حسینی بوشهری فراگرفته و به همین ترتیب سطوح و مراتب علمی حوزوی را یکی پس از دیگری و با موفقیت در آزمون های کتبی و شفاهی موفق به گذراندن سطوح عالیه نزد آیات عظام صالحی مازندرانی، طاهری شمسی، محفوظی و هادوی تهرانی شدم در سال ۱۳۷۰ پا به عرصه درس خارج حضرت آیت الله مکارم شیرازی(فقه و اصول) و تا سال ۱۳۷۲ همچنان ادامه داشت در همین سال ها بود که همراه با فراگیری فقه و اصول، به دوره های ویژه باقر العلوم (ع)که بعدا دانشگاه باقر العلوم(ع) شد و زیر نظر دفتر تبلیغات اسلامی اداره می شد شدم بدایه و نهایه الحکمه و شرح تجرید و... را درباره فلسفه و کلام آنجا فرا گرفته و موفق به اخذ مدرک لیسانس شدم.

در سال ۱۳۷۰ وارد بنیاد فرهنگی باقر العلوم (ع) که بعداً تبدیل به موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) شد و تحت اشراف و هدایت حضرت آیت الله مصباح یزدی (دامت برکاته) اداره می شود شده و ثمرهٔ تحصیل در آن اخذ مدرک کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، در سال ۱۳۷۷ شد و با دفاع از پایان نامه(که تحت عنوان بررسی سیره مدیریتی امام خمینی- شناسائی ملاک و معیارهای ایشان در تصمیم گیری) و کسب امتیاز عالی و نمره هجده موفق به اتمام آن دوره نیز شدم در این مدت قسمتی از وقت آموزشی صرف فراگیری و مباحثه درس خارج می شد که از سال ۱۳۷۲ در درس خارج اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی و درس خارج فقه حضرت آیت الله تبریزی(ره) مشغول بودم. نا گفته نماند در طول همهٔ این سالها، در کنار تحصیل، مباحثه، فعالیت تدریسی را همیشه مفتخر به انجامش بوده ام تدریس ادبیات (سیوطی جامع المقدمات و...) فقه و اصول و.. و از سال ۱۳۷۵ وارد دانشگاه شده و به عنوان مدرس دروس معارف اسلامی (معارف ۱و۲- اخلاق اسلامی- تاریخ اسلام) که تاکنون نیز ادامه دارد مشغول می باشم

ناگفته نماند پس از فارغ التحصیلی در رشته مدیریت، زمینهٔ تدریس در رشته مزبورنیز فراهم شد که بحمد اله تاکنون ادامه دارد و در مراکز دانشگاهی و آموزش عالی توفیق انتقال بخشی از آموخته ها و تجارب را به دیگران پیدا نموده ام.

آنچه که برای خود لطف بسیار حضرت حق می دانم تحصیل همزمان در فقه و اصول در حد دروس خارج و فراگیری و تدریس دروس مدیریت که از هم آمیختن این دو رشته تحصیلی و با رویکرد مدیریت اسلامی منشاء آثار و برکات برای حقیر را بیش از پیش فراهم نموده است.

و حاصل و برآیند آن را که در قالب جزوات و دسته نوشته ها و(بعضاً مقالات چاپ شده است) را امیدوارم هر چند زودتر در اختیار دیگران قرار گیرد.

مدرس زنجانی اصفهانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به مدّرس صدری عالم فاضل، و مجتهد اصولی، در اهر زنجان متولّد شده، و در زنجان و قزوین و نجف اشرف مهاجرت نموده، سالها در آن استان می‌زیسته. در اواخر عمر به اصفهان مهاجرت کرده، در مدرسه ناصریّه جنب مسجد شاه سکونت کرده، و صبح‌ها در مسجد مزبور امامت می‌فرموده.

در روز نهم ربیع الثانی سال ۱۳۶۹ وفات یافته در تخت فولاد، مقابل تکیه ی میرزا أبوالمعالی مدفون گردید.

به دو زبان عربی و فارسی شعر می گفته، و از آثارش: وجیزه در فرق بین سحر و معجزه ۲- هدایهٔ الانام، در منظومه ی کلام به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مدرس زنوزی تهرانی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۷ -۱۲۳۴ ق)، فیلسوف، فقیه، عالم دینی و مدرس. معروف به آقا علی مدرس و آقا علی حکیم. در تهران به دنیا آمد. نزد پدرش که از حکمای عصر خود بود درس خواند. سپس به قصد ادامه تحصیل به عتبات رفت و پس از فراگیری کامل فقه و اصول به اصفهان مسافرت کرد و در محضر درس میرزا حسن نوری و ملا محمدجعفر لاهیجی حکمت و فلسفه خواند. آنگاه به قزوین رفت و نزد آخوند ملاـ آقای قزوینی علوم معقول را تکمیل کرد. سرانجام به تهران آمد و در مدرسه سپهسالار قدیم در محله عودلاجان مدرس فلسفه شد و سرآمد اقران گشت و شاگردان بسیار تربیت کرد. شیخ محمدباقر اصطهباناتی و میرزا طاهر تنکابنی و شیخ علی نوری و شوارق و شیخ عبدالنبی نوری و ملا محمد آملی و بسیاری دیگر از شاگردان او بودند. از آثارش: «بدایع الحکم»؛ «سبیل الرشاد» یا «الرسالهٔ المعادیهٔ»، در اثبات معاد جسمانی؛ «تعلیقات علی مباحث الأسفار الاربعهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۷۴ -۱۴۷۳ /۱۴)، طرائق الحقائق (۵۰۷ -۵۰۴ /۳)، المآثر والآثار (۱۵۷).

مدرس شیرازی، عبدالرحمان

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ -۱۲۶۸/ ۱۲۶۶ ق)، عالم دینی، حکیم و مدرس. پدرش از علما و مدرسین آستانه‌ی قدس رضوی بود. عبدالرحمان در شیراز به دنیا آمد. در ۱۲۷۹ ق به همراه پدر به مشهد رفت. ادبیات را از محضر پدر و علوم دینی را از محضر ملا عبدالوهاب شیخ‌الاسلام و حکمت را از محضر میرزا محمد مدرس، از شاگردان حکیم سبزواری، فراگرفت. وی در فقه و اصول و معقول و منقول تبحر داشت. پس از درگذشت پدرش (م ح ۱۲۹۰ ق)، در سمت مدرس اول آستان قدس در مدرسه فاضلیه به تدریس مشغول گشت و شاگردان بسیاری که خود از برجستگان عالم علم بودند، از محضرش بهره بردند و تمام عمر او به تألیف و تدریس گذشت. از آثارش: «الرسالهٔ القمریهٔ»، در علم حروف؛ «تاریخ علماء خراسان»؛ رساله در «زکاهٔ الفطر»؛ شرح رساله‌ی «العروض» پدرش؛ حاشیه بر «تحریر اقلیدس»؛ حاشیه بر «شرح التذکرهٔ النصیریهٔ» خفری؛ حاشیه بر «شوارق الالهام» لاهیجی؛ حاشیه بر «معالم الاصول»؛ حواشی و تعلیقات بر بسیاری از کتب «حکمت».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۶۵، ۴۶۴/ ۷)، الذریعه (۴۲/ ۱۲ ،۲۰۸، ۱۴۴، ۳۴/ ۶ ،۲۶۷/ ۳)، شرح حال رجال (۱۳۹ -۱۳۸/ ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۹۷/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۹۱/ ۷)، المآثر و الآثار (۱۶۲).

مدرس شیرازی، نصراللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۱ ق)، عالم دینی و مدرس. اصلش از فارس بود و از محضر ملا هادی سبزواری و سید محمد حایری و میرزا مسیح تهرانی

استفاده نمود. او از علامه شیخ مرتضی انصاری صاحب اجازه بود. از آثارش: حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ مرتضی انصاری؛ حاشیه بر «الفصول فی علم الاصول» شیخ محمدحسین رازی اصفهانی؛ حاشیه بر «القوانین»؛ «الطهارهٔ»؛ «البیع»؛ «اجوبهٔ المسائل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۲۰/ ۱۰)، الذریعه (۱۸۷/ ۱۵، ۱۷۹، ۱۶۷، ۱۶۲، ۴۴/ ۶)، ریحانه (۲۷۵/ ۵)، المآثر الآثار (۱۶۲).

مدرس قراچه‌داغی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی مدرس قراچه‌داغی فرزند حجهٔالاسلام ملا علی از علماء بزرگ و مدرسین سطوح عالیه تبریز بوده‌اند.

تولد مرحوم در حدود ۱۲۶۵ قمری- در آوانسرا از مضافات تبریز واقع شده و مرحوم والدش ایشان را در سن چهارده سالگی به تبریز آورده و در مدرسه طالبیه که مرکز محصلین علوم دینیه آذربایجان است مشغول به تحصیل شد و در سن بیست و پنج سالگی از مقدمات و سطوح فارغ گردید و مدت پنج سال از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حاج میرزا محمدعلی بزرگ خاندان قراچه داغی و آیت‌اللّه العظمی آقای حاج میرزا حسن مجتهد به تحصیلات خارج فقه و اصول پرداخته و چون عازم رفتن به نجف اشرف شدند و آیات عظام مذکور ایشان را مستغنی دانسته و از هجرت به آن سامان منع و امر به تدریس فقه و اصول و ادبیات در حوزه علمیه تبریز نمودند و جماعتی از فضلاء آذربایجان و بالاخص تبریز که بعضی از آنان در قید حیاتند در خدمت ایشان تلمذ نموده‌اند.

سفری در مصاحبت مرحوم شمس‌العلماء به مکه معظمه مشرف و پس از مراجعت چند روزی در اسلامبول اقامت نموده و پس از آن مراجعت به تبریز و به تدریس مشغول شدند و با اینکه آن مرحوم معاصر آیات عظام تبریز مانند مرحوم آقا سید ابوالحسن انگجی و آقا میرزا محسن مجتهد و میرزا صادق و میرزا رضی زنوزی و حاج سید محمد مولانا و حاج سید مرتضی خسروشاهی و غیر هم بودند درس آن مرحوم شهرت بسزائی داشته و مورد قبول عامه بوده است.

بعد از قیام تبریز در زمان رضاخان (زندیق قزوینی) که اکثر معممین مجبور به تغییر لباس و اتحادالشکل شدند. آن مرحوم با تصویب و تائید مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی به تصدی تدریس معاف از تغییر شده و با لباس مقدس روحانیت انجام وظیفه داده تا در شب چهاردهم ماه مبارک رمضان سال ۱۳۵۳ قمری بدرود حیات گفته و بنابر وصیتش در قم در جوار شاهزاده ابراهیم به خاک سپرده شده است.

دارای شش فرزند ذکور و اناث بوده و دو نفر از دختران آن مرحوم دارای مقام فضل و کمال بوده و در خدمت آن مرحوم تحصیل ادبیات و شرایع نموده بودند.

پسران آن مرحوم که اکنون در قید حیاتند به نام:

۱- ثقهٔالاسلام والمحدثین حاج میرزا محمود مدرس ساکن تهران و از راه منبر به ارشاد مردم مشغولند.

۲- میرزا محمد ساکن قم که از طلاب قدیمی قم بوده و بعداً به کار فرهنگ و غیره پرداخته و اکنون بازنشسته است.

۳- آقای حاج میرزا علی مدرس که از صلحاء و مقیم شهر ری می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

مدرس قمیشه‌ای، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن سید اسماعیل بن میر عبدالباقی بن میر عابدین طباطبائی.

عالم مجاهد جلیل، و مجتهد سیاسی، جامع معقول و منقول، فقیه متکلّم. اصل ایشان از سرایه از دهات کچویه بلوک اردستان می‌باشد، به شهرضا منتقل شده و میر عبدالباقی در آنجا از دنیا رفته و مدفون شده است.

مدّرس در حدود سال ۱۲۸۷ در سرایه متولّد گردیده، و در نزد پدرش که از افاضل خطبا و فضلا بوده مقدّمات علوم را بیاموخته، در شش سالگی به اتفّاق خاندانش به شهرضا منتقل گردید. در حدود ۱۳۰۸ پدرش وفات یافته است.

مشارالیه مدّت سیزده سال در اصفهان نزد فضلای این شهر مانند: میرزا عبدالعلی نحوی، و جهانگیر خان قشقائی، و آخوند کاشی، و آقا محمود مغنی و دیگران تحصیل نموده، و مدّت هفت سال در نجف به درس آقا سید محمّد کاظم یزدی، و آخوند خراسانی، و ملّا علی نهاوندی حاضر شده، سپس به اصفهان مهاجرت نموده و در مدرسه جدّه سکونت کرده، و در فقه و اصول به تدریس اشتغال جسته.

سپس در دوره دوّم انتخابات مجلس شورای ملّی، به عنوان مجتهد طراز اول از طرف علما انتخاب و شرکت نموده، و در دوره بعد، از طرف مردم طهران انتخاب گردیده، و جمعاً ۵ دوره در مجلس شرکت داشته، ضمناً در مدرسه سپهسالار نیز تدریس می‌نموده است.

در این ادوار به عنوان لیدر اقلّیت شناخته شده، و دو مرتبه او را می‌خواسته‌اند ترور کنند که در هر دو دفعه جان بدر برده. سالها در

شهرهای مختلف زندان بوده، سرانجام در شب ۲۸ رمضان المبارک سال ۱۳۵۷ در کاشمر شهید شده، در امام زاده آنجا مدفون گردید.

آقای ابراهیم خواجه نوری در کتاب: «بازیگران عصر طلایی»، و آقای حسین مکّی در کتاب: «مدّرس قهرمان آزادی»، و آقای عبدالحسین هوشمند راد شیرازی در کتاب «سرگذشت مرحوم سید حسن مدرس»، و مرحوم عبداللّه مستوفی در «شرح زندگانی من» و دیگران شرح حال او را نوشته‌اند، طالبین مراجعه نمایند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مدرس کهنگی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمد ابراهیم بن علی طباطبائی. از علمای اخیار، و صلحا و ازکیا بوده، در اصفهان در خدمت: آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی، و آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی، و حاج شیخ محمد علی ثقهٔ الاسلام، و حاج میرزا بدیع درب امامی، و آخوند کاشی، و جهانگیرخان و جمعی دیگر از فحول و دانشمندان تحصیل نموده تا به درجه‌ی اجتهاد نایل گردید؛ سپس در سال ۱۳۱۷ به نجف رفته، آنجا به درس آخوند خراسانی، و حاج آقا رضا همدانی، و آقا سید محمد کاظم یزدی حاضر شده، عالمی جلیل، و مجتهدی بلا عدیل گشت.

در سال ۱۳۲۱ به اصفهان مراجعت نموده، به تدریس و تألیف اشتغال جسته، و کمتر با مردم مراوده می‌نموده.

در ملکات نفسانی و فضای اخلاقی بی‌نظیر بود، ضمنا به کارهای زراعتی، روزگار می‌گذرانید. چندین رشته قنات، حفر و ایجاد نمود.

در حدود سال ۱۲۸۸ متولد، و در ۱۷ جمادی الثانیه سال ۱۳۷۶ وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید. کتب زیر از تألیفات اوست:

۱ – تقریرات اصولی آخوند خراسانی ۲ – تقریرات فقهی آقا سید محمد کاظم یزدی ۳ – رساله در بداء به نام «هدایهٔ الوری در شرح بدا» که به طبع رسیده.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مدرس گرجی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: ۸ ذیقعده ۱۳۱۳ ق.

درگذشت: ۵ بهمن ۱۳۶۳، سنندج.

ملا عبدالله مدرس گرجی، فرزند عبدالکریم مدرس گرجی، تحصیلات مقدماتی را نزد برادرش محمد شروع و بعدها در محضر ملا عبدالعظیم مجتهد و چند تن دیگر از علمای کردستان به پایان رساند و به دریافت اجازه موفق شد که این اجازات و مداک او بعدها به تصویب و تأییـد وزارت معارف و اوقاف نیز رسید. او تا پایان عمر مرتبا به تدریس و تحشیه و تألیف و مطالعه و یادداشت نکات علمی و ادبی و نیز امامت و ارشاد مردم سنندج در مجسد ملاویسی مشغول بود. وی در تصوف و عرفان نیز دارای مقام بود.

ملا عبدالله مدرس گرجی در تمام رشته‌های علمی و ادبی و دینی از صرف و نحو و منطق و کلام و تفسیر و حدیث و غیره وارد بود و آنها را تدریس می‌فرمود. فهرست آثار وی به این شرح است: رساله‌ای در ابطال جواز الصلاهٔ فی الحضر بلا وجود عذر و المطر به عربی؛ رساله‌ای در منطق به فارسی با تفریظ ملا خالد مفتی‌زاده و ملا عبدالمجید اصولی؛ رساله‌ای در پیام به برادران دینی و خطاب به عموم مسلمانان جهان به فارسی که به تفریظ سید عبدالعزیز شیخ‌الاسلام کردستان و ادیب حبیب‌الله کاشتری رسیده است؛ کشف الغوایه در رد شبهات؛ رساله‌ای به فارسی در حساب و جبر؛ رساله‌ای به فارسی درباره وجوب حجاب در اسلام؛ رساله ای در مناسک حج؛ مولودنامه کردی؛ تحقیق النسخ در رد متعرضین نصاری؛ و چند کتاب دیگر.

(۱۴۰۵ –۱۳۱۳ ق)، عالم دین و مدرس. وی امام جماعت مسجد ملاویسی سنندج بود و به تدریس نیز می‌پرداخت. در سنندج درگذشت. از آثارش: رساله‌ای در «منطق»، به فارسی؛ «پیام به برادران دینی»؛ «کشف الغوایهٔ»، در رد شبهات؛ رساله‌ای در «حساب و جبر»، به فارسی؛ رساله‌ای در «وجوب حجاب در اسلام»، به فارسی؛ رساله‌ای در «مناسک حج»؛ «مولودنامه‌ی کردی»؛ «تحقیق النسخ»، در رد معترضین نصارا.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ مشاهیر کرد (۴۸۰/ ۲).

مدرس مازندرانی، ولی‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیه‌الله فی العالمین مرحوم حاج شیخ ولی‌الله مدرس بابلی یکی از مشاهیر علماء آن سامان بلکه اعلم دانشمندان مقیم مازندران بوده بسیار متواضع و خلیق و بی‌هوا و جلیل‌القدر و عظیم‌المنزله بوده است در سفریکه نگارنده بمازندران و بابل رفتم وارد بر معظم له شده و از نزدیک سجایای کریمانه آنمرحوم را مشاهده کردم. وی در حدود ۱۲۹۴ قمری در یکی از مضافات بابل متولد شده و پس رشد و طی مقدمات و سطوح عالیه عزیمت بنجف نموده و چندین سال از محضر مرحومین علمین علاّمتین خراسانی و طباطبائی یزدی و اساتید دیگر استفاده نموده و پس از آن مراجعت بایران و بابل کرده و باقامه جماعت و تدریس فقه و اصول پرداخته است و پس از فوت مرحوم شیخ کبیر فوق‌الذکر امامت مسجد جامع بابل و تولیت موقوفات مسجد قهاریه و همان مسجد جمعه که با اعلم علماء مازندران مقیم آن سامان بوده منطبق و محول بایشان گردیده ولکن دست تطاول و غصب ایشان را محروم و ممنوع و بشخص نالایق و غیر روحانی و اهلی واگذار نمود.

و ناگفته نماند که امامت مسجد جامع بابل و تولیت موقوفات آنجا و مسجد قهاریه از روز بناء مسجدین با اعلم علماء مازندران بوده در زمان مرحوم محمد شاه قاجار با مرحوم حاج ملاـ محمد سعیدالعلماء و پس از ایشان در زمان ناصرالدین شاه با مرحوم حجه‌الاسلام حاج ملا محمد اشرفی و در زمان احمد شاه با شیخ محمد حسن معروف بشیخ کبیر و پس از ایشان شرعا با مرحوم مدرس مزبور بوده ولی متاسفانه به بعضی از نور چشمی‌ها واگذار و درآمد آن خرج نامشروع گردیده تا در سال ۱۳۷۳ قمری که محکمه دیوان عالی کشور حکم تولیت آن مرحوم را تصویب و تائید و بایشان واگذار ولی هنوز تحصیل عوائد موقوفات را ننموده که بمصارف آن برساند که در شب پنجم ماه ربیع‌الثانی ۱۳۷۴ قمری از دنیا رفته و در خانه شخصی خود مقابل مقبره حجه‌الاسلام اشرفی در نزدیکی مسجد جامع مدفون گردید (رحمه‌الله علیه کان والله عالما فاضلا مجتهدا صابرا متواضعا لاهل الدین تقیا نقیا زکیا بارعا ذاکرا لله کثیرا مداوما لزیاره العاشورا و کان والله حسن الخلق کریم النفس منیع الطبع ساهر اللیل عاش اکثر من ثمانین سنه فی تلک الخصال اعلی الله مقامه الشریف.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مدرس مشهدی، ابراهیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۴۸ ق)، فقیه، عالم دینی و مدرس. ملقب به نایب‌الصدر یا نایب الصدارهٔ (در آستان قدس رضوی). مقام شیخ الاسلامی مشهد و نیز مدرسی آستان قدس رضوی را در روزگار شاه سلطان حسین صفوی رضوی را در روزگار شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۳۵ -۱۱۰۵ ق) بر عهده داشت. وی در فقه و کلام و حکمت متبحر بود. شیخ عبدالنبی قزوینی از شاگردان اوست. از آثارش: «اصول العقائد الاسلامیهٔ» و شرح آن موسوم به «فوائد العلیهٔ»، که به احتمال زیاد همان «القواعد و الفوائد الحکمیهٔ و الکلامیهٔ» یا «الفوائد الکلامیهٔ»، در چهل هزار سطر، که مؤلفش در نگارش آن به هیچ کتابی مراجعه نداشته و همه آن را از خود و محفوظاتش نوشته است؛ رساله‌ای در «حرمهٔ صلاهٔ الجمعهٔ» یا «تحریم صلاهٔ الجمعهٔ»، در زمان غیبت. در «ریحانهٔ الادب» و «اعیان الشیعه» کتاب «الفیروزجهٔ الطوسیهٔ فی شرح الدرهٔ الغرویهٔ» شیخ محمد مشهدی، به اشتباه به صاحب عنوان نسبت داده شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۲۷/ ۲)، الذریعه (۱۹۵ -۱۹۴/ ۱۷، ۳۵۷ -۳۵۶، ۳۴۹/ ۱۶، ۱۹۷/ ۲)، ریحانه (۱۲۷ -۱۲۶/ ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۳ -۲۲/ ۱۲)، لغت نامه (ذیل/ نایب‌الصدر)، معجم المؤلفین (۱۱۲/ ۱).

مدرس نجف‌آباد، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی مدرس نجف‌آبادی که نسبش منتهی می‌شود به سید محمد مومن بن محمد زمان تنکابنی صاحب (تحفه حکیم مومن) از علماء اعلام و آیات عظام معاصر اصفهان بوده‌اند.

معظم‌له در سال ۱۲۸۷ قمری در نجف‌آباد متولد شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات و سطوح در اصفهان مهاجرت به نجف اشرف نموده و در آنجا از محضر مرحوم علامه آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و سید استاد آیت‌اللّه آقا سید محمد اصفهانی (فشارکی) و علامه ملاعلی نهاوندی و علامه شیخ هادی تهرانی و علامه سید محمد کاظم یزدی و غیر آنها استفاده نموده تا به اعلی درجه علوم عقلی و نقلی رسیده و در میان شاگردان آخوند خراسانی مشار بالبنان و مقام نبوغ علمی او مورد اعتراف بزرگان گردیده است.

وی پس از فوت مرحوم آخوند به اصفهان مراجعت و مورد استقبال و تکریم و تعظیم و تجلیل مردم اصفهان و بالاخص حوزه علمیه آن قرار و به تدریس علوم اسلامی مخصوصا حکمت و کلام پرداخته و جمع کثیری از فضلاء آن عصر که اکنون از آیات عظام معاصرند مانند آیت‌اللّه العظمی حاج سید علی فانی اصفهانی و آیت‌اللّه حاج شیخ مرتضی اردکانی و عالمه فاضله کامله بانو (هاشمیه) صاحب (مخزن العرفان) تفسیر و (اربعین هاشمیه) و دهها کتاب مطبوع دیگر از محضر اشتفاده نموده تا به مرتبه اجتهاد

نائل و مجاز از وی گردیده‌اند.

آن بزرگوار ساکن مدرسه صدر اصفهان گردیده و به زندگانی بسیط و ساده و زهد و قناعت اکتفاء و تدریس علوم مختلفه از فقه و اصول کلام و تفسیر نموده تا در صبح جمعه سیزدهم صفر ۱۳۶۲ ق در سن ۶۷۵ سالگی از دنیا رفته و در قبرستان تخت فولاد مدفون گردیده است.

از آثار او حواشی بر مقالات آقاضیاء و حواشی بر کفایه‌الاصول آخوند خراسانی می‌باشد.

نگارنده گوید مرحوم مدرس نجف‌آبادی که تا آخر عمرش حلیف حجره و مدرسه صدر بود یکی از مفاخر بزرگ نجف‌آباد است حکایت کرد برای حقیر حجهٔالاسلام حاج سید اسماعیل هاشمی اصفهانی از یکی از فضلاء و صلحاء اصفهانی که گفت شب در عالم خواب دیدم که جنازه‌ای را تشییع می‌کنند و هزارها نفر از علماء و مردم اصفهان شرکت کرده‌اند.

من هم شرکت نموده و تعجب می‌کردم که جنازه کیست و شنیدم صدائی از جنازه بلند است که می‌گوید کم است کم است.

ناگاه دیدم آقای سید علی مدرس نجف‌آبادی را گفتم آقا شما از دنیا رفته‌اید گفتند آری گفتم شما می‌فرمودید کم است کم است گفتند آری گفتم یعنی چه فرمود مقرر شد که جمعی از مشیعین جنازه مرا بیآمرزند من گفتم کم است همه باید آمرزیده شوند.

پس از خواب برخاسته و آمدم به طرف حجره سید دیدم عده‌ای ایستاده و گریه می‌کنند گفتم چه خبر است گفتند الساعه از دنیا رفت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرس نجف‌آبادی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد (مدرس نجف‌آبادی) ابن میر سید حسین موسوی از علماء بزرگ و اساتید و مدرسین مشهور اصفهان و عالمی فاضل و زاهدی محقق و اصولی مجتهد بوده است.

وی در سال ۱۲۹۴ قمری در نجف‌آباد متولد گردید و مقدمات علوم را در اصفهان تحصیل کرد و در سن ۱۸ سالگی به نجف اشرف مهاجرت نموده و در آنجا از محضر فقهاء و مدرسین عالیقدر من جمله آخوند خراسانی و آیت‌اللّه آسید محمد کاظم یزدی و آقا سید محمد فشارکی و حاج آقارضا فقیه همدانی و حاج سید اسمعیل صدر و شریعت اصفهانی استفاده نموده و در سال ۱۳۲۷ ق پس از وصول به مقامات عالیه علمی و اجتهاد و کسب اجازه از اساتید مزبور به اصفهان مراجعت نموده و تشکیل جلسات تدریس گذارده و مورد استقبال و توجه علاقمندان قرار گرفت و مخصوصا در فن اصول و تدریس کفایه مرحوم آخوند خراسانی مهارت و تبحر کم‌نظیری داشت و بسیاری از دانشمندان و فقهاء معاصر که در اصفهان و مناطق مجاور آن به مقام علمی شهرت دارند از محضر ایشان کسب علم و کمال کرده‌اند.

و جلسات درس و بحث ایشان تا اواخر عمرشان ادامه داشت تا در روز شنبه ۲۵ ذیقعده سال ۱۳۵۸ در اصفهان وفات نموده و در بقعه (سید العراقین) مدفون گردیدند.

از آثارشان حاشیه بر کفایه است که در دو جلد به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرس همدانی، ابوطالب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۸۱ ق)، نقاش و خطاط. از اهالی همدان، و مدرس علوم دینی بود. تمام خطوط مخصوصا نسخ و رقاع را استادانه می‌نوشت و در نقاشی ابری و قلمدان سازی مبدع و استاد بود و ابتکارات جالبی نیز در رشته‌ی تذهیب و ابری داشت. او اسکلت مقوایی قلمدان را نیز خود می‌ساخت و بدین جهت قلمدان‌های وی از لحاظ زیبایی و استحکام نظیر ندارد. میرزا ابوطالب امضای خود را اغلب به طلا و خط رقاع می‌نوشت و حواشی اثر را به زیبایی تزیین می‌کرد و جلدها و قلمدان‌ها را در سبک ابر و بادی مخصوصی که خود اختراع کرده و به نام قیامت مشهور بوده، تصویر می‌کرده است. از آثار وی: قلمدان ساده و خوش قواره، با زمینه‌ی سبز رنگ پریده و خطوط تزیینی سفید که به خط رقاع رقم «ابوطالب مدرس ۱۲۷۹» دارد؛ قلمدان ابری فوق‌العاده زیبا، با رقم: «ابوطالب مدرس ۱۲۶۰»؛ قلمدان ابری رنگ جگری، در زمینه‌ی مرغش آلبالویی و حنایی که حواشی آن با تشعیر نقطه چینی دندانه‌ای، به شکل گل و برگ تزیین یافته است و به خط رقاع طلایی رقم «ابوطالب المدرس ۱۲۷۱» دارد. از این هنرمند بیش از بیست عدد قلمدان و جعبه و جلد رقم‌دار و بی رقم که اغلب زیبا و استادانه است، دیده شده است. از آثار خطوط او: ادعیه و سور قرآن، به خط نسخ کتابت خفی خوش، با رقم: «و قداتفق الفراغ... سنهٔ ۱۲۸۱... ابوطالب المدرس الهمدانی... ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۱۷ /۴)، احوال و آثار نقاشان (۴۵ /۱)، گلستان هنر (پنجاه)، هنر قلمدان (۱۳۹ -۱۳۸ ،۷۵).

مدرس یزدی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد مدرس یزدی از علماء اعلام و مدرسین عظام حوزه علمیه مشهد مقدس بودند.

وی در سال ۱۲۸۲ و یا ۸۳ قمری در یزد متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح مهاجرت به مشهد نموده و متون فقهی را تکمیل و به درس خارج مرحوم آقازاده کفائی و آیت‌اللّه قمی و آیات دیگر شرکت نموده و از مبانی علمی آنان بهره‌ها برده و ضمنا به تدریس سطوح متوسط و عالی پرداخته و غالب فضلاء خراسان از محضرش استفاده نموده و هم در مسجد حاج ملا هاشم اقامه جماعت نموده تا در هفدهم ربیع‌الاول ۱۳۹۱ قمری بدرود حیات گفته و با تشییع جنازه مجلل و کم‌نظیری در دارالسیاده حضرت رضا (ع) مدفون گردیدند.

نگارنده گوید: مرحوم مدرس یزدی عالمی پارسا و متقی و مورد توجه عموم مردم مشهد و بالاخص حوزه علمیه بودند و در مراسم تشییعش بیش از بیست هزار نفر شرکت نمودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرس یزدی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن بن میرزا محمدعلی مدرس یزدی از شاگردان مرحوم صاحب جواهر است و در علم و دانش مقامی ارجمند دارد. از آثار علمی اوست کتاب شوارع‌الاسلام الی شرایع‌الاسلام که بعض از کتب شرایع محقق را شرح کرده است. وی در سن سی سالگی از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرس یزدی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند آقا محمد. عالم فاضل محقّق زاهد متّقی، تمام سطوح فقه و ادبیّات عرب را در مدرسه صدر تدریس می‌فرموده، و عدّه‌ای کثیر از محضرش مستفید می‌شدند. عمری را به قناعت و زهد و استغنای طبع گذرانید، و از راه تصحیح کتب، اعاشه می‌فرمود.

در ۱۵ شعبان سال ۱۳۵۳ وفات یافته، در یکی از اطاقهای شمالی تکیه بروجردی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مدرس یزدی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تحقیق در عملیات، دانشکده: مهندسی صنایع، دانشگاه: صنعتی شریف

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مدرس یزدی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۲۸۷، یزد.

درگذشت: ۱۸ شهریور ۱۳۷۱.

آیت‌الله مدرس یزدی تحصیلات مقدماتی را در یزد سپری کرد و در سیزده سالگی وارد حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد. پس از تکمیل تحصیلات حوزوی راهی نجف اشرف گردید و چندین سال در عتبات عالیات به تعلیم و تربیت پرداخت. سپس مجددا به قم مراجعت فرمود و در این شهر به تدریس خارج فقه و اصول و اقامه‌ی نماز جماعت مشغول شد. پس از چند سالی بنا به اصرار جمعی از مردم، به تهران آمد و در محله‌ی امامزاده یحیی رحل اقامت گزید. اقامتشان در این محله متجاوز از نیم قرن طول کشید که در این مدت علاوه بر اقامه جماعت در تعدادی از مساجد محل به تدریس خارج فقه و اصول در مدارس علمیه، سپهسالار (مروی قدیم)، حاج ابوالحسن و... پرداخت.

آیت‌الله مدرس یزدی از مراجع عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی، آقا سید ضیاءالدین عراقی، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، آقا حسین طباطبایی بروجردی، آقا سید محمدتقی خوانساری گواهی اجتهاد داشت.
از ایشان رسائل و تقریرات زیادی به جای مانده به استثنای دیوان شعر شامل مباحث علمی پیرامون فقه و اصول می‌باشد. حواشی بر کتب شریف عروة الوثقی رسائل و مکاسب نیز از دستاوردهای زندگانی حضرت علامه می‌باشد.
آیت‌الله حاج شیخ مهدی مدرس یزدی پس از هشتاد و سه سال زندگی دار فانی را وداع گفت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مدرس، احمد

قرن:۱۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند محمّد خراسانی حسینی. عالم فاضل محقّق مدقّق، جامع معقول و منقول، از مشاهیر مجتهدین و مدّرسین اصفهان، در مدرسه نیم آورد تدریس می‌نموده، و جمعی کثیر از فضلای حوزه علميّه به محضرش حاضر شده، از او استفاده علمی می‌کردند.
اصل ایشان از خراسان است، در اصفهان تحصیل نموده تا به مقامات عالیه علم و اجتهاد رسیده.
در ۲۹ ذی قعده سال ۱۲۸۱ متولّد، و در شنبه ۱۲ ذی قعدهٔ الحرام ۱۳۴۸ وفات یافته، در منزل خود مدفون، و سپس به اعتاب مقدّسه نقل گردیده.
چون در هفته وفات او مرحوم حاج میرزا ابوالحسن بروجردی نیز وفات یافته بود مرحوم انصاری در تاریخ وفات او گفته است:
از مقام قاب قوسینی یکی آمد بگفت
بود در معراج احمد بوالحسن یار و رفیق
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مدرس، جلال

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جلال بن حجةالاسلام والمسلمین حاج میرزا احمد مدرس یزدی از علماء ابرار و فضلاء اخیار مشهد بودند.
وی در سال ۱۳۲۷ قمری متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات از درس خارج آیات و مدرسین بزرگ استفاده نموده و خود به تدریس متون فقه و اصول پرداخته و در مسجد گوهرشاد اقامه جماعت نموده تا در ۲۳ محرم سال ۱۳۷۹ قمری از دنیا رفته و در غرفه آخر شمالی صحن عتیق مدفون گردیدند.
دارای طبع شعر بودند و گاه و بیگاه اشعاری در مدح و مراثی اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌سرودند از آثار او دیوان کوچکی موجود می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرس، حسن

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در ۱۲۸۷ ه.ق در قریه سرابه کچو از توابع اردستان تولد یافت. پدرش اسماعیل و جدش میرعبدالباقی از طایفه میرعابدین بود. پدر و اجدادش متدین و مبلغ احکام الهی بودند. در شش سالگی به قمشه هجرت داده شد و تا ۱۴ سالگی در آنجا به تحصیل علوم مختلف اشتغال داشت. در ۱۶ سالگی برای ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه اصفهان شد قریب سیزده سال در اصفهان در محضر سی استاد تملذ نمود. استادان برجسته وی میرزا عبدالعلی هرندی و میرزا جهانگیرخان قشقائی و آخوند ملا محمد کاشانی بودند.
مدرس سپس برای ادامه تحصیل عازم نجف اشرف شد و مدت هفت سال نیز در آنجا تحصیل نمود. محاضر آخوند ملامحمد کاظم خراسانی و آیت‌الله سید کاظم یزدی را طی کرد و از چند مرجع تقلید درجه اجتهاد گرفت. سپس به اصفهان بازگشت و در مدرسه جده به تدریس فقه و اصول مشغول گردید. یکبار در آن مدرسه به وی سوءقصد شد و چهارگلوله به سمت او شلیک شد ولی آسیب به مدرس نرسید و موضوع را نیز تعقیب نکرد.
مدرس در دوره دوم مجلس شورای ملی که انتخابات آن بعد از استبداد صغیر به صورت دو درجه‌ای انجام گرفت از طرف علمای اعلام نجف به عنوان هیئت روحانیه نظار در اجرای اصل دوم قانون اساسی انتخاب گردید. مجموعا منتخبین علماء نجف پنج نفر بودند، یکی مدرس و چهار نفر دیگر عبارت بودند از: حاج سید زین‌العابدین قمی، حاج میرزا یحیی امام جمعه خوئی، حاج سید ابوالحسن اصفهانی و حاج شیخ باقر همدانی. ناگفته نماند که دو نفر اخیر به مجلس وارد نشدند. مدرس پس از ورود به تهران و مشارکت در جلسات شورای ملی خیلی زود جای خود را باز کرد. وی در آن مجلس مسلک اعتدالی را انتخاب نمود ولی رسما داخل تشکیلات آنها نشد. مرحوم ملک الشعرای بهار در جلد اول تاریخ احزاب سیاسی می‌نویسد: «دموکراتها که ۲۸ نفر بودند

مخالفان خود یعنی اعتدالوین را که ۳۶ تن می‌شدند ارتجاعی می‌نامیدند؛ زیرا آن حزب هوادار روش ملایمتر و رعایت سیر تکامل بود و اعتقاد به کشتن و از میان بردن مستبدان و ارتجاعیوان نداشت از این رو بیشتر اعیان بدان حزب پناه می‌بردند. سپهدار اعظم تنکابنی، سردار محیی، دولت‌آبادیها، سید عبدالله بزرگ بهبهانی، سید محمد بزرگ طباطبائی دو پیشوای مشروطه و غالب متنفذین و ناصرالملک نایب‌السلطنه و فرمانفرما و غالب اعیان و روحانیون و اکثریت مجلس دوم طرفدار یا عضو این حزب شدند...» مجلس دوم در طول دو سال عمر حوادث مهمی را پشت سر گذاشت و به ترتیب سپهدار تنکابنی، مستوفی‌الممالک، سپهدار تنکابنی و صمصام‌السلطنه را به روی کار آورد. دو نایب‌السلطنه در آن دوران معرفی و انتخاب شدند. محمد علی شاه و دو برادرش به خاک ایران تجاوز نمودند و سرانجام اولتیماتوم روسیه برای اخراج شوستر عمر آن مجلس را پایان بخشید. سید حسن مدرس در تمام مسائل مهم مطروحه در مجلس دوم دست اندرکار بود و با نطقهای طولانی و بحثهای مختلف در حل مشکلات دولت را یاری می‌داد و در مقابل خواستهای غیرقانونی امنای دولت سرسختانه مبارزه و از انجام آن جلوگیری می‌کرد.

وقتی مرحوم مشیرالدوله وزیر عدلیه وقت قانون اصول محاکمات را تهیه و به مجلس تقدیم کرد در کمیسیون عدلیه که ریاست آن با مدرس بود قانون را رد کردند و موجب قهر مشیرالدوله شد و در وزارتخانه حضور نیافت. عده‌ای از وکلای متنفذ مجلس باری اصلاح ذات‌البین به تلاش افتادند و از دیوانعالی کشور هم عده‌ای دست به کار شدند. سرانجام مدرس تصویب قانون اصول محاکمات را موکول بر آن نمود که هشت ماده‌ای که او پیشنهاد می‌کند در ابتدای قانون آورده شود. مشیرالدوله سرسختانه در مقابل هشت ماده پیشنهادی مدرس ایستادگی کرد ولی بالاخره چاره و پیشرفت قانون را منحصرا در قبول کلیه مواد دید و ناچار تسلیم مدرس شد.

در اواخر دوره دوم مجلس که قسمتی از کشور تحت سلطه سربازان روسی بود بطور ناگهانی اولتیماتومی در سه اصل به دولت ایران داده شد که اصل اول آن اخراج موردگان شوشتر امریکایی بود. دولت صمصام‌السلطنه اولتیماتوم را به مجلس برد و در اثر نطق تند و احساساتی شیخ محمد خیابانی مجلس به اتفاق آرا اولتیماتوم را رد کرد و روسها قوای نظامی خود را به سمت تهران حرکت دادند. جلسات مجلس شب و روز تشکیل می‌شد، در این جلسات مدرس نقش بسیار سازنده‌ای پیش گرفت تا موضوع به نفع ایران خاتمه یابد، چند نطقی که مدرس در این زمینه ایراد کرد بسیار سنجیده و پخته بود و راه‌حلهایی ارائه نمود.

پس از تعطیل قهری مجلس دوم به شغل اصلی خود که تدریس فقه و اصول بود پرداخت و همه روز در مدرسه عالی سپهسالار حضور یافته برای شاگردان خود درس می‌گفت. ضمنا با محافل سیاسی تهران نیز در رفت و آمد بود و در حقیقت از شخصیتهای برجسته سیاسی و روحانی تهران محسوب می‌شد. ناصرالملک نایب‌السلطنه وقت برای ادامه دیکتاتوریهای خود هرگز به فکر انتخابات دوره سوم نیفتاد تا بالاخره پس از سه سال فترت در دوره رئیس‌الوزرایی علاءالسلطنه فرمان انتخابات دوره سوم صادر شد و عین‌الدوله وزیر داخله وقت دستور اجرای آن را به حکام صادر نمود. در این دوره سید حسن مدرس به علت حسن شهرت از تهران کاندیدای نمایندگی مجلس شد و پس از اخذ آراء و شمارش آن وکیل دوم تهران گردید.

مجلس سوم مجموعا قریب یکسال دوام کرد و در همان یکسال با مشکلات عظیمی مواجه بود. مدرس در رأس هیئت علمیه قرار داشت که تعداد نمایندگان آن در مجلس متجاوز از پانزده نفر بودند. در این دوره از مجلس وزیران مختار روس و انگلیس به زور فرمان رئیس‌الوزرائی سعدالدوله را از احمد شاه گرفتند ولی در اثر تلاش سفیر عثمانی و وزیر مختار آلمان فرمان باطل شد و آزادیخواهان مجلس عین‌الدوله را به ریاست وزرائی منصوب کردند. مدرس در این انتصاب نقشی مهم و عمده داشت. در کابینه عین‌الدوله که به اتفاق مورد تأیید مجلس قرار گرفته بود پس از دو ماه فرمانفرما وزیر داخله راجع به جریانات کرمانشاه مورد استیضاح دموکراتها قرار گرفت و عین‌الدوله نخست‌وزیر به موجب مسؤولیت مشترک وزیران استیضاح را متوجه هیئت وزیران کرد و در روز موعود به اتفاق وزیران به استیضاح پاسخ داد و در اثر گفتگوهای تندی که بین سلیمان محسن لیدر دموکراتها و عین‌الدوله رد و بدل شد تعرضا مجلس را ترک و استعفا داد. مدرس به حمایت عین‌الدوله نطق مهم و مستدلی ایراد کرد و سخنان عین‌الدوله را تأیید نمود. در اثر سخنان مؤثر مدرس مجلس مجددا به عین‌الدوله ابراز اعتماد کرد ولی عین‌الدوله زیر بار نرفت و نخست‌وزیری را نپذیرفت.

در نیمه‌های آبان ماه ۱۲۹۴ ش به دنبال حرکت قوای قزاق روس به سمت تهران احمد شاه تصمیم به ترک تهران و تغییر پایتخت گرفت و نیت و قصد خود را به کاخ‌نشینان لندن و پطرود گراد تلگرافی اطلاع داد. در آن موقع رجال ایران به دو دسته تقسیم می‌شدند: عده‌ای با تغییر پایتخت موافق بودند و عده‌ای مخالف این تصمیم بوده و پافشاری می‌نمودند که شاه تهران را ترک نکند. قبل از حرکت شاه از تهران عده زیادی از رجال و روحانیون و نمایندگان مجلس به سمت قم حرکت کردند، مدرس جزو لیدران مهاجرین بود. چندی در قم و کاشان و اصفهان توقف نمودند ولی چون قوای روس در تعقیب آنها بود به سمت کرمانشاه حرکت کردند. وزیران مختار روس و انگلیس احمدشاه را در تغییر پایتخت منصرف ساختند و به دستور احمدشاه مهاجرین تلگرافی به تهران احضار گردیدند ولی هیچکدام آنها دعوت شاه را نپذیرفته و درصدد دفاع از حیثیت کشور شدند. کمیسیونهای متعددی برای جمع‌آوری اعانه و خرید اسلحه تشکیل شد تا سرانجام رضا قلی‌خان نظام‌السلطنه حکمران بروجرد و لرستان و خوزستان با یک عده قوا وارد صحنه کرمانشاه شد. وی ریاست کل قوای ایران را برعهده گرفت و وزیرانی برای خود تعیین کرد که عبارت بودند از: سید حسن مدرس وزیر عدلیه و اوقاف، رضا قلی سالار نظام وزیر امور خارجه، میرزا حسین خان ادیب‌السلطنه وزیر داخله، میرزا قاسم خان صور اسرافیل وزیر پست و تلگراف، محمد علی خان کلوپ وزیر مالیه و حاج عزالممالک وزی فوائد عامه.

مدرس ظاهرا وزارت عدلیه و اوقاف را توامان عهده‌دار بود، ولی عملا نظام‌السلطنه در تمام تصمیمات او را مشارکت می‌داد. این هیئت به روس و انگلیس اعلان جنگ داد. در چند منطقه بین قوای ژاندارم و نیروی ملی با قوای روسیه زد و خورد شدید شد و روسها قصد تسخیر کرمانشاه را نمودند. دولت موقتی و قوای او به سمت کرند و قصر شیرین رفتند و از آنجا به بصره و بغداد رفته سرانجام وارد استانبول شدند. در تمام مدت جنگ مدرس در استانبول بسر می‌برد و چندین بار با سلطان عثمانی و رئیس‌الوزراء و مقامات درجه اول آن کشور ملاقات و مذاکره کرد.

در سال ۱۲۹۵ که میرزا حسن‌خان وثوق‌الدوله به رئیس‌الوزرایی انتخاب شد فرمان انتخابات دوره چهارم مجلس شورای ملی را صادر کرد و انتخابات بعضی از نقاط در همان موقع انجام گرفت. انتخابات تهران در مهرماه ۱۲۹۶ پایان گرفت و مدرس وکیل تهران شد در حالی که در آن ایام مدرس در استانبول اقامت داشت ولی وجهه و شخصیت وی موجب گردید مردم تهران او را به وکالت خود انتخاب نمایند. پس از پایان جنگ جهانگیر اول، مدرس و عده‌ای از مهاجرین از استانبول به تهران بازگشتند. بعد از وثوق‌الدوله به ترتیب علاءالسلطنه، عین‌الدوله، مستوفی‌الممالک و صمصام‌السلطنه هریک مدت کوتاهی به زمامداری رسیدند ولی دردی دوا نشد.

در اوایل ۱۲۹۷ که صمصام‌السلطنه زمام امور را در دست گرفت، دولت ایران با مشکلاتی بزرگ مواجه بود از جمله تخلیه ایران از قوای خارجی، تعیین و اخذ خسارات ناشی از جنگ که به ایران وارد شده بود، روابط جدید و عقد قرارداد با همسایه شمالی که در اثر انقلاب و سقوط حکومت تزار و تشکیل شوراهای دولتی لازم بود که شخصی اداره امور را در دست بگیرد که توانایی انجام مشکلات کشور را داشته باشد. مدرس در این کار پیشقدم بود و با تشکیل جلسات متعدد و بیان مشکلات کشور و عدم توانایی صمصام‌السلطنه خواستار یک دولت قوی از احمدشاه شدند. احمدشاه که مردی ضعیف و کم اراده بود خواسته مردم را جدی نگرفت تا اینکه عده زیادی از روحانیون به ریاست سید حسن مدرس و حاج آقا جمال و سید محمد امام جمعه در حضرت عبدالعظیم تحصن اختیار کردند و با تشکیل جلسات و ایراد سخنرانی خواستار عزل صمصام‌السلطنه و رئیس‌الوزرایی وثوق‌الدوله شدند. دامنه مخالت با زمامداری صمصام‌السلطنه ابعاد گسترده‌تری پیدا کرد، بازار تهران تعطیل شد و اصناف ضمن تظاهراتی عزل او را خواستند. احمدشاه سرانجام تسلیم روحانیون شد و از آنها خواست که به شهر بازگردند و خواسته آنها را اجابت خواهد نمود. بالاخره تحصن شکسته شد و مدرس و همکاران او پس از ملاقات با احمدشاه خواستار تعیین رئیس‌الوزرای پرقدرتی شدند و قرعه فال به نام میرزا حسن خان وثوق‌الدوله افتاد. صمصام‌السلطنه عزل و وثوق‌الدوله روی کار آمد.

مدرس در سال اول زمامداری وثوق‌الدوله او را تقویت می‌کرد و در تمام کارها به او مشورت می‌داد ولی پس از اعلام انعقاد قرارداد ۱۹۱۹، مدرس در رأس مخالفین قرارداد و وثوق‌الدوله قرار گرفت و تمام تلاش خود را برای عدم اجرای قرارداد به کار برد. وثوق‌الدوله بعد از یأس از اجرای قرارداد از کار کناره‌گیری کرد و راه اروپا پیش گرفت. مشیرالدوله و سپهدار اعظم رشتی جانشینان بعدی نیز کاری از پیش نبردند تا کودتای سوم حوت ۱۲۹۹ انجام گرفت و سید حسن مدرس توسط کودتاچیان بازداشت و به زندان افتاد.

فکر کودتا از چندی پیش در تهران در مغز عده‌ای فرو رفته بود، از جمله گفته می‌شد که سید حسن مدرس نیز قصد کودتا داشته است. ملک‌الشعرای بهار در کتاب تاریخ مختصر احزاب سیاسی اشاراتی در این مورد دارد، از جمله می‌نویسد:

روز پنجشنبه مطابق ۷ حوت از دفتر رئیس‌الوزاره به من تلفن شد و مرا به عمارت گالاری احضار کردند. رئیس‌الوزراء با کلاه پوست ترکی مانند و سرداری در آخرین اتاق جنوبی مرا پذیرفت، هنوز دولتی انتخاب نکرده بود.

در ملاقات با ایشان دست خوش! گفته شد. رئیس دولت اظهار داشت اگر من کودتا نکرده بودم، مطمئن باشید که (مدرس) کودتا کرده همه ما را به دار می‌آویخت!

مدرس در تمام مدت زمامداری سید ضیاءالدین در زندان بسر برد تا اینکه میرزا احمد خان قوام‌السلطنه از زندان آزاد و به صدارت انتخاب گردید و روز نهم خرداد تمام زندانیان از جمله مدرس آزاد شده با شاه ملاقات کردند.

قوام‌السلطنه روز اول تیر ماه مجلس چهارم را که انتخابات آن در دوره وثوق‌الدوله آغاز شده بود افتتاح کرد.

مدرس در مجلس چهارم به اطراف خود نگریست تا عده‌ای را با خود همراه و همدل کند. چند نفری را برای خود انتخاب کرد مانند میرزا هاشم آشتیانی، سردار معظم خراسانی (تیمورتاش)، نصرت‌الدوله فیروز و نصیرالسلطنه اسفندیاری و نام اصلاح طلب برای خودشان انتخاب کردند. اولین کار مدرس در مجلس چهارم و همکاران نزدیک وی رد اعتبارنامه‌های طرفداران سید ضیاءالدین بود. نقش اول این بازی بر عهده عبدالحسین تیمورتاش قرار گرفت و در نتیجه اعتبارنامه‌های عدل‌الملک دادگر، سلطان محمد عامری و مهدی خان معتصم‌السلطنه رد شد. کم‌کم این چند نفر نبض مجلس چهارم را در دست گرفتند و در انتخابات اولین هیئت رئیسه سردار معظم تیمورتاش و سید حسن مدرس به نیابت ریاست انتخاب شدند. مدرس در مجلس چهارم در حقیقت لیدر اکثریت بود و هیچکاری در دولت بدون نظر وی به انجام نمی‌رسید.

اولین حمله سید حسن مدرس به رضاخان سردار سپه وزیر جنگ در همین مجلس آغاز شد. در روز ۱۲ مهرماه سال ۱۳۰۱ معتمدالتجار نماینده مردم تبریز نطقی در پارلمان ایراد کرد و از ظهور ارتجاع در تبریز و رشت و خرابی اوضاع و نقض شدید قوانین شکایت نموده از جمله از کارهای حکومتهای نظامی هم شکوه کرده و بالاخره متذکر شد که باید حکومتهای نظامی ملغی شود. بر اثر این خطابه سید حسن مدرس نطقی در چگونگی مجلس چهارم و خدمات آن بیان نموده و قدرت مجلس را گوشزد کرد، قضایای تاریخی مجلس دوم را برشمرد و گفت اگر وزیر بد است باید او را تغییر داد و ضمنا اسمی از وزیر جنگ برده و گفت منافع و مضاری دارد که منافع او اساسی و مضار او فرعی است.

نطق مدرس در وزیر جنگ مطلب نیفتاد، لذا در مقام استعفا برآمد و ضمن ملاقات با محمد حسن میرزا ولیعهد استعفای خود را از وزارت جنگ و فرماندهی قوا اعلام نمود. قوای نظامی پس از رنجش سردار سپه که منجر به استعفای او شده بود به تکاپو افتاده با ایراد نطق و میتینگ و رژه در خیابانها در مقام تهدید مجلس برآمدند. به دنبال استعفای سردار سپه، حاکم نظامی هم کناره‌گیری نمود و امنیت تهران مختل شد و بالاخره با وساطت موتمن‌الملک، سردار سپه استعفای خود را پس گرفت و مشغول کار گردید و در مجلس وعده داد حکومت نظامی را ملغی کند و ادارات خالصجات و مالیات مستقیم را به مالیه واگذار کند.

مدرس لیدر اکثریت مجلس چهارم بود و قوام‌السلطنه را مرد میدان سیاست می‌دانست. وقتی دموکراتهای مجلس به لیدری سلیمان محسن بر روی مخالفت با اختیارات وزیر دارایی کابینه در مقام مخالفت با قوم برآمدند- که منجر به کناره‌گیری رئیس دولت شد- مدرس رئیس‌الوزرایی مشیرالدوله را پیش کشید. علت اساسی این تصمیم این بود که مشیرالدوله در سمت رئیس‌الوزرایی ماندگار

نبـود چون به حیثیت خود و وجیه‌الملـه بودن اهمیت زیـادی می‌داد، لـذا در اولین برخورد بـا نماینـدگان صـندلی صـدارت را خـالی می‌کرد، از این رو، مدرس مشیرالدوله را به جای قوام نشانید و پیش‌بینی او درست درآمد. بعد از چهار ماه مشـیرالدوله از کار کنار رفـت و بـا اصـراری که احمـدشاه از اروپـا به وی نمـود نپـذیرفت. مـدرس قوام‌السـلطنه را کاندیـدای نخسـت‌وزیری کرد و سـرانجام اکـثریت مجلس به او رأی اعتمـاد دادنـد و احمـدشاه نیز تلگرافی او را تأییـد کرد. قوام در دوره دوم نخست‌وزیر خود دست به یک سلسـله اقدامات اصـلاحی زد. مهمترین کارش جلوگیری از تندرویهای سـردار سپه وزیر جنگ بود. قانون استخدام کشوری و قانون محـاکمه وزراء و قـانون اسـتخدام مسـتشاران امریکـایی در این دوره از رئیس‌الـوزرایی قوام‌السـلطنه به تصـویب رسـید، ولی بـاز هم سوسیالیسـتها به زعامت سـلیمان محسن قوام را مورد حمله قرار دادنـد و به جای وی مسـتوفی‌الممالک را کاندیدا نمودند. مجلس با این تغییر مـوافقت نمود ولی مـدرس بـا این انتخـاب مخـالف بود. مسـتوفی پس از ۱۵ روز کـابینه نیم‌بنـدی بـه مجلس معرفی کرد و پروگرام خـود را در مجلس خوانـد. روز سـیزدهم اسـفند سـید حسن مـدرس به عنوان مخـالف پشت تریبون مجلس قرار گرفته نطق تاریخی خود را ایراد کرد.

مـدرس گفت: البته همه آقایـان می‌داننـد که از بـدو تأسـیس دولت حاضـره بنـده و یک جماعتی از آقایان اظهار موافقت نکردیم و شاید بعضـی از این مسأله ملول باشـند ولی ما تا این ساعت به وظیفه وکالتی خود عمل کرده‌ایم و علت عدم موافقت این بوده است که موافقت با شـخص رئیس دولت به ملاحظه سائس بودن شخص رئیس دولت است و الا هیچ شبهه نیست که آقای رئیس‌الوزرای حالیه آقای مسـتوفی‌الممالک از اشـخاص خوب و صالـح و خدمتگـذار این مملکت هستند. خوبی شـخص غیر از تصدیق به سائس بودن آنست، هر شخصی هر وکیلی نسبت به دولت، پارلمان نسبت به دولت، نه نسبت به دولت باید یک ماده اجتماعی داشته باشیم. در سیاست وقتی که بـا یک دولتی ماده اجتماع سیاسـی عملی داریم تکلیف ما است که با او موافقت کرده و از او نگهـداری کنیم، موافقـتی که تعبیر می‌شود به ورقه سـفید و مکرر عرض کرده‌ام و از این عقیـده هم منصـرف نمی‌شوم که هر دولتی که بخواهـد در مملکت کار بکند بایستی با ورقه سـفید بیاید و با ورقه آبی برود. اگر کسی واقعا شخصی شد عادی در سیاست یا جاهل در سیاست یا غیرملتفت در سـیاست یا شکاک در سیاست ممکن است ممتنع باشد، مثل ما که نسبت به دولت جدید از اول ممتنع بوده‌ایم. علت هم این بوده که بنده و عده‌ای از آقایان قبل از معرفی آقای رئیس‌الوزراء اساس سیاستی نگذارده بودیم، به خلاف دولتهایی که قبل از اینکه داخل این عنوان بشوند اساس سیاستی گذارده بودیم. پس قصوری متوجه ما نیست و بایستی همین قسم کرده باشیم.

البته همه وکلا همین قسـمند، همه خوب، همه چیز فهم هسـتند و علی‌الخصوص اشخاصـی که تشـریف دارند ولی بنده در این شـهر شما و مملکت شما معتقد به سیاست هیچیک از رجال شما نیستم و هیچ رجلی را سراغ ندارم که از خودم بالاتر باشد. می‌شود جهل مرکب باشم، می‌شود مطابق با واقع باشد (یکی از نمایندگان: تصور می‌رود که قسـمت اول باشد) و مقلد سـیاست هیچیک از رجال نیسـتم و هیـچ رجلی از رجال مملکت چه اروپا رفته چه نرفته را ندیده‌ام که دماغش از دماغ خودم باشد. می‌شود جهل مرکب باشـم اما انشاءالله نیستم و چون بنده در فضای خودم جنبه موافقتی نداشتیم لذا به امتناع خود باقی ماندیم تا امروز که پروگرام دولت مطرح است و از آقایان که رئیس‌الوزرای حالیه با سوابقی که دارند و با سوابق اینکه رشته سیاست در دسـتشان بوده است، بایستی شما را هدایت کرده باشـند به اینکه موافقت ساکت و ممتنع نباشید. همان عرضی را می‌کنم که در اتاق تنفس کردم. در اول دوره‌ای که ما رجالی داریم همه‌شان خوب هسـتند برای موقعی مناسب هسـتند. بعضـی شمشـیر برنده هسـتند برای موقعی، بعضی هم شمشیر مرصع هستند برای موقعی. کلام بر سر توافق سیاست است...

مـدرس پس از ایراد سـخن مقـدماتی به بحث و تشـریح برنامه دولت پرداخته و ماده به ماده پروگرام دولت را مورد نقـد قرار داده و نـتیجه‌گیری کرد که تمـام آنهـا خـواب و خیـالی بیش نیست. درروز بعـد جلسه خصوصـی مجلس برای ادامه بحث پیرامـون پروگرام دولت تشـکیل شـد. بین مـدرس و مـوافقین دولت مـذاکرات تنـدی صورت گرفت که منجر به منـازعه بین عـده‌ای از وکلاء شـد و سرانجام دولت مسـتوفی‌الممالک با اکثریت ضعیفی رأی اعتقاد گرفت اما مدرس در کمین نشسته بود تا تیر خلاص را به مغز دولت بزند.

روز نوزدهم خرداد ۱۳۰۲ مـدرس تیر خلاـص خود را رها کرد و دولت را درباره سیاست خارجی استیضاح کرد. فروغی وزیر امور خـارجه درباره سـیاست خارجی توضـیحاتی داد و مسـتوفی هم نطق تنـدی ایراد نموده، در پایان سـخنان خود گفت: «وضـعیات این مملکت یک اشخاصـی را می‌خواهـد که وقتی داخل در کار می‌شونـد یک آجیلهایی بگیرنـد و یک آجیلهایی پخش کنند، بنده نه اهـل گرفتن هسـتم و نه اهـل دادن نه می‌گیرم و نه می‌توانم بـدهم و اصـراری هم به مانـدن نـدارم و این ایام غیبت مجلس را هم که شاید در پیش بعضـی یکی از ایام بره‌کشـی فرض شود برای اشخاصـی که اشتها دارند می‌گذارم من که اشتها ندارم معده من خراب است از اینجا مرخص می‌شوم.»

مسـتوفی پس از ایراد نطق تنـد خود از ریاست دولت کناره‌گیری نمود و مجلس میرزا حسن خان مشـیرالدوله را بر صـندلی صدارت نشانید.

انتخابـات دوره پنجم مجلس شورای ملی در دوره مشـیرالدوله آغـاز و در ریاست دولت سـردار سپه پایان پـذیرفت. نظامیان در این انتخابات دست‌اندر کار بودند. در تهران انتخابات به صورت آزاد انجام گرفت و در نتیجه مصدق‌السـلطنه، سید حسن مدرس، سید حسن تقی‌زاده، مستوفی‌الممالک، مشیرالدوله، مؤتمن‌الملک، میرزا هاشم

آشتیانی، میرزا حسـین علاء، سـلیمان محسن، سـید احمـد بهبهانی، قوام‌السـلطنه و شـیخ علی مدرس به نمایندگی دوره پنجم انتخاب گردیدنـد. این مجلس در روز ۲۲ بهمن ماه ۱۳۰۲ بـا نطق افتتاحیه محمـد حسن میرزا ولیعهـد کار خود را آغاز کرد. ولی در پشـت قیافه ظاهری مجلس صدها مطلب مکتوم وجود داشت. این مجلس می‌بایستی در اولین جلسه رسـمی خود طرح اکثریت مجلس را به تصویب برساند. طرح مزبور که به همت حزب تجدد به لیدری سـید محمد تدین و سوسیالیستها به زعامت سلیمان محسن اسکندری تنظیم شده بود، حاکی از تغییر رژیم بود، یعنی رژیم ایران می‌بایستی از مشروطه سلطنتی به جمهوری تبدیل شود البته به تقلید دولت همسایه ما یعنی ترکیه.

مدرس با این طرح مخالفت جدی داشت و یک تنه می‌خواست در مقابل آن ایستادگی کند و کرد. از این رو مدرس درصدد برآمد رسمیت مجلس را به عقب بیندازد و این عمل جز مخالفت با اعتبارنامه‌ها هیچ راهی نداشت. هر اعتبارنامه‌ای که مطرح می‌شد مدرس با مخالفت آن را به شعبه مربوطه باز می‌گردانید حتی با اعتبارنامه مؤتمن‌الملک هم به مخالفت برخاست. غیر از هیاهو و سروصدا در پارلمان تب جمهوریت سرتاسر کشور را فرا گرفته بود. دستجات مختلف با ارسال طومار تلگرام و میتینگ خواستار حکومت جمهوری برای سردار سپه بودند.

روز بیست و هفتم اسفند ماه در جلسه علنی بین طرفداران سردار سپه و مدرس مناقشات سختی درگرفت و هنگامیکه مدرس در پشت تریبون مشغول صحبت بود تدین و یاران وی به عنوان تعرض جلسه را ترک گفتند و چون مجلس از اکثریت افتاد نطق مدرس نیمه کار ماند. وی از جلسه خارج شد و در سرسرا که نمایندگان جمع بودند، به ایراد سخن پرداخت. در این هنگام دکتر حسین احیاءالسلطنه که از طرفداران سردار سپه بود جلو رفته سلیی محکمی‌به گوش مدرس نواخت به طوری که عمامه از سر وی به زمین افتاد.

ملک‌الشعراء بهار که خود ناظر صحنه بوده است در این باره می‌نویسد:

اما این سیلی به قدری پر سر و صدا بود که به ناگاه در تمام شهر مثل زنگ ناقوس درپیچید و احساسات خفته را بیدار کرد. دکانها بسته شد، انقلاب بزرگی نمودار گردید. جمعیتی که انبوه جمعیت جمهوریخواه نامبرده در برابر آن مثل قطره در برابر سیل خروشانی می‌نمود، گرد آمد.

این سیلی موجب شد که فردای آن روز جمعیتی در مسجد شاه اجتماع نموده علیه جمهوری دست به تظاهرات بزنند. روز ۳۰ اسفند طرح قانونی تغییر رژیم مشروطه به جمهوری تقدیم مجلس شد و روز دوم فروردین جلسه علنی تشکیل گردید تا طرح مورد تصویب قرار بگیرد. در همان موقع که جلسه تشکیل شده بود جمعیت زیادی در میدان بهارستان اجتماع نموده تظاهرات شدید خود را نسبت به مخالفت با جمهوری ابراز می‌نمودند. به دستور سردار سپه نظامیان برای تفرقه مردم ابتدا شلیک هوایی نموده و سپس به ضرب و شتم مردم پرداختند. مؤتمن‌الملک پس از اطلاع از موضوع سردار سپه را احضار و شدیدا به وی اعتراض کرد که چرا دستور کتک زدن مردم را داده‌ای. مؤتمن‌الملک مجلس را می‌خواست تشکیل بدهد تا تکلیف سردار سپه را روشن کند که با وساطت مشیرالدوله بین آن دو تفاهم ایجاد شد.

سرانجام تلاش سید حسن مدرس برای برهم زدن جمهوریت به ثمر نشست و مخالفت تمام دستجات علنی و عریان شد. سردار سپه ناچار به قم عزیمت نمود و از آنها کسب تکلیف کرد و چون آنها هم مخالف بودند پس از مراجعت به تهران اعلامیه‌ای صادر کرده و متذکر شد برای احترام مقام روحانیت از فکر جمهوریت انصراف حاصل گردید.

مدرس بر خلاف دوره چهارم مجلس که لیدر اکثریت بود در این دوره لیدر اقلیت شد که تنها وظیفه این اقلیت مبارزه با سردار سپه و جلوگیری از اعمال خلاف قانون وی و نظامیان بود. به دنبال قتل میرزاده عشقی شاعر و مدیر روزنامه قرن بیستم و ماژور ایمبری ویس کنسول امریکا دولت سردار سپه اعلام حکومت نظامی نمود و عده‌ای از مخالفین خود را بازداشت کرد. تنها نماینده‌ای که با اعلام حکومت نظامی مخالفت کرد سید حسن مدرس بود در حالی که طرفداران سردار سپه در میان نطق مدرس (پارازیت) رها می‌کردند معذلک مدرس سخنان دلنشین و کوبنده خود را ایراد نمود ولی چون نتیجه‌ای از آن حاصل نشد دولت سردار سپه را استیضاح کرد. متن استیضاح به این شرح بود:

بسم الله الرحمن الرحیم

اینجانبان راجع به مواد ذیل از آقای رئیس‌الوزراء استیضاح می‌نماییم:

۱- سوء سیاست نسبت به داخله و خارجه.

۲- قیام و اقدام بر ضد قانون اساسی و حکومت مشروطه و توهین به مجلس شورای ملی.

۳- تحویل ندادن اموال مقصرین و غیره به خزانه دولت.

حائری زاده- عراقی- کازرونی- مدرس- اخگر- ملک‌الشعراء- سید حسن زعیم.

شوق سوم استیضاح مربوط به تصرف و غارت جواهرات و خزانه پربار اقبال‌السلطنه ماکوئی بود. به دستور سردار سپه امیرلشکر عبدالله خان طهماسبی فرمانده لشکر آذربایجان و حاکم نظامی آن منطقه که با اقبال‌السلطنه ماکوئی دوستی و نزدیکی داشت به ماکو رفته و پس از بازگشت اقبال‌السلطنه را با خود به تبریز آورده زندانی می‌نماید. اقبال‌السلطنه پس از ده روز تحمل زندان فوت می‌کند. در غیاب خان ماکو امیر طهماسبی کلیه جواهرات و خزائن گران قیمت او را که قریب شش قرن جمع‌آوری شده بود به وسیله ایادی مطمئن خود جمع‌آوری نموده بدون کوچکترین تصرفی آنها را نزد سردار سپه می‌فرستد و سردار نیز آنها را در خزانه شخصی خود ذخیره می‌نماید بدون اینکه چیزی از آن را به خزانه دولت واگذار کند.

منظور و مقصود مدرس بیان قتل اقبال‌السلطنه و تصرف و حیف و میل اموال او توسط سردار سپه بود. طبعا سردار سپه از عنوان ساختن چنین مطالبی وحشت داشت. سردار سپه با تمام قدرت توسط طرفداران خود از استیضاح جلوگیری کرد گذشته از حملات شدید مطبوعات به اقلیت مخصوصا مدرس معلوم شد که حوادث در شرف تکوین است. بامداد روز هفدهم مرداد که دولت برای استماع استیضاح در مجلس حاضر شده بود بین سردار سپه و مدرس گفتگوی لفظی تندی بوجود آمد ولی اکثریت حاضر به تشکیل جلسه نشدند، و قرار شد استیضاح بعدازظهر صورت گیرد. هنگام مراجعت اقلیت به منازل خود، مدرس و کازرونی و حائری زاده به شدت مضروب شدند و لذا بعدازظهر در مجلس حضور نیافتند. تنها ملک‌الشعراء از اقلیت در جلسه حضور یافته نطق کوتاهی ایراد کرد و سرانجام دول رأی اعتماد گرفت.

سردار سپه در پائیز ۱۳۰۳ به خوزستان رفت و پس از اتمام کار شیخ خزعل به تهران بازگشت و درصدد تحکیم وضع خود برآمد. عده‌ای از یاران نزدیک سردار سپه درصدد برآمدند که بین او و مدرس دوستی برقرار شود، سردار معظم تیمورتاش و نصرت‌الدوله فیروز و علی‌اکبر داور در پیاده کردن این فکر بیش از دیگران تلاش و دوندگی کردند. سرانجام در چندین جلسه بین سردار سپه و

مدرس سخنهای رد و بدل شد و مدرس نصایحی کد و ظاهرا تمام نصایح مورد قبول واقع شد. پس از مذاکرات زیاد سردار سپه به مدرس گفت که من از این دو برادر (احمدشاه و محمد حسن میرزا) اطمینان ندارم ممکن است خدمات مرا ضایع سازند من میل دارم مجلس به من مقام و شغل بدهد تا من بتوانم با خیال راحت اصلاحات خود را ادامه دهم و از اینجا بود که فکر واگذاری فرماندهی کل قوا بوجود آمد و مدرس در این واگذاری نقشی سازنده و اساسی داشت و به اقلیت توصیه کرد که به آن رأی بدهند. تصویب قانون نظام اجباری که ابتدا با مخالفت مدرس در کمیسیون مدفون شده بود پس از توسل سردار سپه به او و حضور در منزل مدرس سرانجام با حمایت لیدر اقلیت به تصویب رسید. در اواسط مرداد ماه ۱۳۰۴ سردار سپه دو پست کابینه را در اختیار مدرس قرار داد تا هرکسی را که می‌خواهد به عنوان وزیر معرفی کند. در این توافق دو وزارتخانه داخله و مالیه در اختیار مدرس قرار گرفت و او نیز دو تن از دوستان خود را معرفی کرد. در اثر این معرفی شکرالله خان قوام‌الدوله به وزارت داخله و فیروز میرزا نصرت‌الدوله به وزارت مالیه تعیین شدند.

بالاخره در روز نهم آبان ماه ۱۳۰۴ طرح نمایندگان مجلس مبنی بر خلع قاجاریه و واگذاری حکومت موقتی به رضاخان سردار سپه و تشکیل مجلس مؤسسان برای اصلاح بعضی از اصول متمم قانون اساسی مطرح شد. مخالفین که در رأس آنها سید حسن مدرس بود نتوانستند کاری از پیش ببرند و بالاخره سردار سپه به پادشاهی رسید.

پس از تاجگذاری رضاشاه انتخابات دوره ششم آغاز شد و مدرس وکیل چهارم تهران شد. مدرس در این مجلس با چندین اعتبارنامه به مخالفت برخاست و حرفهایی در مورد دخالت در انتخابات از طرف نظامیان ایراد کرد.

روز هفتم آبان ماه ۱۳۰۵ در تهران واقعه‌ای بوقوع پیوست که تمام مسائل سیاسی روز را تحت‌الشعاع قرار داد و برای عده‌ای که در گود سیاست بودند اولین زنگ خطر شد.

در آن ایام رضاشاه در املاک اختصاصی مازندران گردش می‌کرد. بامداد آن روز هنگامی که مدرس طبق معمول برای درس گفتن به مسجد سپهسالار می‌رود در کوچه سرداری غفلتا مورد حمله چند نفر قرار می‌گیرد و چندین تیر به سوی او شلیک می‌شود. در اثر شلیک گلوله بازوی چپ وی به شدت مجروح و یک گلوله هم به دست راست اصابت می‌کند. ضاربین پس از اجرای مأموریت فرار می‌کنند. مدرس ابتدا به مریضخانه نظمیه انتقال می‌یابد، ولی پس از اطلاع جامعه روحانیت عده‌ای به زعامت حاج امام جمعه خویی در بیمارستان حضور یافته او را به بیمارستان احمدی انتقال دادند. سوءقصد به مدرس در تمام ایران منتشر شده و رضاشاه تلگرافی از او احوالپرسی کرد؛ ولی مدرس پاسخ داده بود (به کوری چشم دشمنان هنوز مدرس زنده است).

مجلس شورای ملی برای رسیدگی به حادثه ابتدا جلسه خصوصی تشکیل داد. بیش از هر کسی سید احمد بهبهانی داد سخن داد و دولت را مورد مؤاخذه قرار داد. وثوق‌الدوله وزیر عدلیه وعده تعقیب به مجلس داد، و علی‌اکبر داور نطق مهمی ایراد کرد، ولی تمام این سروصداها بی‌نتیجه ماند و همه می‌دانستند این سوءقصد توسط عوامل و مأمورین نظمیه انجام گرفته است.

مدرس پس از چند ماه بهبودی حاصل کرده در مجلس حضور یافت و مانند گذشته نظریات خود را در تمام موارد ابراز می‌کرد.

دوره ششم مجلس پایان یافت و در دوره هفتم مدرسه به مجلس راه نیافت. در آن ایام سمت وی نیابت تولیت مدرسه سپهسالار بود و همه روزه برای تدریس و اداره امور مدرسه حضور می‌یافت. روز ۱۶ مهر ماه ۱۳۰۷ سرشب سرتیپ محمد درگاهی رئیس نظمیه به اتفاق سرهنگ رادسر رئیس پلیس و سرهنگ راسخ رئیس زندان و عده کثیر مأمور به خانه وی رفته او را دستگیر نمایند. ابتدا درگاهی در مقام توهین به وی برآمده ولی مدرس جوابهای دندان‌شکنی به او می‌دهد و سرانجام زد و خوردی بین آن دو به وقوع می‌پیوندد. درگاهی به کمک همراهان خود مدرس را دستگیر نموده کشاکشان به خارج خانه برده سوار اتومبیلی نموده از تهران خارج می‌سازند و پس از چند روز طی طریق در شهر خواف واقع در سر حد ایران و افغان او را در شرایط بسیار نامساعدی زندانی می‌نمایند. مدرس قریب ۹ سال در زندان خواف به سر برد تا اینکه در ۱۳۱۶ دستور قتل وی صادر شد. در ۲۲ آبان ماه او را از زندان خواف به زندان کاشمر انتقال دادند و در روز ۱۰ آبان ماه در زندان شهربانی کاشمر او را به وضع دلخراشی به قتل رسانیدند. ابتدا به او سم داده می‌شود و چون اثر سم سریع نبود مأمورین او را خفه می‌نمایند.

چگونگی قتل سید حسن مدرس بعد از شهریور ۱۳۲۰ در دادگستری مطرح گردید و کیفر خواست مشروح دادستان برای آگاهی خوانندگان در ذیل درج می‌گردد. رحمت‌الله علیه.

متن ادعانامه دادستان دیوان کیفر

ریاست دادگاههای دیوان کیفر: کارکنان دولت رسدبان ۳ محمود مستوفیان پسر مصطفی چهل و هفت ساله دارای عیال و اولاد مسلمان تبعه ایران، رئیس پیشین شهربانی کاشمر اهل و ساکن مشهد و حبیب‌الله خلجی پسر عزیزالله شصت و پنج ساله دارای زن و فرزند مسلمان تبعه ایران اهل تهران، ساکن ملایر سرپاسبان یک مأمور پیشین شهربانی کاشمر به معاونت یاور محمد کاظم جهانسوزی پسر محمد حسین پنجاه و نه ساله، دارای عیال و اولاد مسلمان تبعه ایران اهل و ساکن تهران بخش ۹ عودلاجان کوچه آبشار رئیس پیشین پلیس شهربانی مشهد و پاسیار منصور وقار پسر مصطفی چهل و پنج ساله، دارای عیال و اولاد مسلمان تبعه ایران اهل و ساکن تهران ولی‌آباد و رکن‌الدین مختار فرزند کریم دارای زن و فرزند، تبعه ایران ساکن تهران خیابان بوعلی پنجاه ساله رئیس پیشین اداره کل شهربانی که همگی به دستور دادستان دیوان کیفر زندانی هستند در شب دهم آذر ماه ۱۳۱۶ در کاشمر مرتکب قتل مرحوم سید حسن مدرس شده‌اند.

شرح قضیه و دلایل آن طبق رسیدگی‌هائیکه به عمل آمده این است که مرحوم سید حسن مدرس را که از ۱۳۰۷ تحت نظر شهربانی و لشکر شرق در شهر «خواف» تبعید بوده در آبان ماه ۱۳۱۶ شهربانی از لشکر تحویل و به کاشمر انتقال می‌دهد. بدین ترتیب که در ۴ آبان ماه ۱۳۱۶ پاسیار نوائی رئیس شهربانی خراسان طی شماره ۸۰۳۴ به اداره کل شهربانی تلگراف می‌کند.

«از ستاد لشکر شرق طی ۲۵۵۹ می‌نویسد:

حسب‌الامر جهان مطاع اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مقرر گردید سید حسن مدرس به کلی تحویل مأمورین شهربانی شود و مأمورین لشکر مراجعت نمایند.

لذا به شهربانی زود دستور داده شد دقیقا در مراقبت مشارالیه دقت نمایند.

اداره کل شهربانی در جواب تلگراف نامبرده، دستور داده که کاملا مدرس مراقبت شود که با خارج مکاتبه ننموده و هیچکس هم او را ملاقات نکند. پاسیار نوائی در پاسخ این دستور گزارش تلگرافی زیر را داده است.

چون خواف منطقه سرحد افغانستان و محل ساکنی نیست غالبا مورد تاخت و تاز اشرار می‌باشد با برداشتن ساخلو که بیست سرباز یکنفر گروهبان و استوار یک نفر مسؤول مراقبت زندان بوده‌اند و قلت مأمورین شهربانی که کلیه سیزده نفر و انتظامات شهر را هم عهده‌دار می‌باشند در عین حال که زندانی مزبور پیرمرد فرسوده و قابل فرار کردن نیست نگاهداری او را در آنجا مقتضی نمی‌دانم؛ زیرا ممکن است اشرار افغانی روی سیاست عقیده مذهبی وی را بربایند چنانچه اجازه فرمایند به طبس یا کاشمر اعزام در آنجا نگاهداری شود و یا اینکه اقلا ده نفر پاسبان و یک نفر سرپاسبان به مأمورین خواف اضافه گردد.

اداره کل شهربانی به شهربانی مشهد این طور جواب داده وقتی شهربانی آنجا نتواند یک نفر پیرمرد فرسوده را مراقبت کند کار دیگری از او ساخته نیست مشارالیه را تحت مراقبت یک نفر پایور لایق و دو سرپاسبان با اتومبیل دربست فعلا به کاشمر انتقال داده و در شهربانی آنجا منفردا تحت مواظبت کامل زندانی شود و به هیچ وجه نباید او را کسی ملاقات یا مکاتبه بنماید، رئیس شهربانی آنجا مسؤول نگاهداری او خواهد بود.

به موجب دستور بالا مرحوم مدرس به کاشمر منتقل شده و گزارش آن را نوائی طی ۱۶/۸/۲۹ -۹۱۲۴ اینطور داده:

«به وسیله ریئس شهربانی کاشمر رسدبان ۲ اقتداری که به مشهد احضار و معاونت می‌نمود به کاشمر انتقال و طبق دستورات زندانی».

به طوری که نوائی در بازجویی اظهار داشته چون قبلا دو مرتبه راجع به کشتن مدرس به او دستور داده‌اند و مشارالیه حاضر به انجام این قتل نبوده، وی را به تهران احضار و در ۳۰ آبان به تهران حرکت نموده و پاسیار منصور وقار به جای وی به ریاست شهربانی خراسان منصوب و در اوایل آذر به مشهد وارد می‌شود.

مطابق حکایت پرونده سرپاس مختار دستور قتل مدرس را به وقار داده، ولی وقار در بازجویی اظهار می‌داد که موقع حرکت به خراسان سرپاس مختار پاکت سربسته و لاک شده به او داده و اظهار داشته آن پاکت را در مشهد به یاور جهانسوزی بدهد که مأموریتی دارد باید انجام دهد و به او بگوید یا به این مأموریت و یا به تهران حرکت کند. مشارالیه نیز در مشهد آن پاکت را به یاور جهانسوزی داده و امر رئیس کل شهربانی را به او ابلاغ کرده و نامبرده پاکت را در اطاق وی باز کرده و خوانده و آن را پاره کرده و در بخاری ریخته و گفت باید به اتفاق حبیب خلج به مأموریت جنوب خراسان برای بازرسی برود او هم برای وی حاکم صادر نموده و عزیمت کرده است.

خلاصه وقار پس از ورود به مشهد جهانسوزی و حبیب‌الله خلج معروف به شمر و میرغضب را ظاهرا به عنوان مأموریت بازرسی جنوب خراسان و باطنا برای قتل مدرس به کاشمر می‌فرستند و مشارالیه عصر ششم آذر وارد کاشمر می‌شوند و چون اقتداری رئیس شهربانی کاشمر حاضر به انجام قتل مدرس را از کاشمر خارج و تحویل محمود مستوفیان داده و مشارالیه به کفالت شهربانی کاشمر در ازاء انجام این مأموریت ابقاء می‌شود.

مستوفیان در هفتم آذر شرح پائین را به سرپاسبان یکم شجاعی نوشته:

«در این موقع جناب آقای یاور تشریف فرمای کاشمر گردیده‌اند دستور فرموده‌اند که شما به اضافه کارهای اداری که دارید بایستی لازمه مراقبت را در حفاظت از شخصی که آقای غلامرضا نخعی بازرس به شما معرفی نماید، بنمایید از اینکه احدی را و خودتان حق مراوده و ملاقات و مکاتبه با او ندارد و همچنین شخص مزبور با اشخاص حتی پاسبانهایی که برای مراقبت او گماشته می‌شود به هیچگونه حق مذاکره و ملاقات با او و پیغام او را با کسی ندارد به این معنی احدی نبایستی مستحضر شود، که چه شخصی در آن منزل و پاسبانها و شما با من برای چه امری در این جا هستید و همین طور بایستی فوق‌العاده دقت شود از ابنیه آنجا که کسی از روی بام و دیوار بالا نیابد که مستحضر شود چه کسی در اینجا است باز هم تأکید می‌شود که از هر جهت مراقبت را مرئی و اقلا تا صبح مدت ۲۴ ساعت چندین مرتبه به طوریکه از ایاب و ذهاب شما مستحضر نشود محل و شخص مزبور را وارسی و عملیات پاسبانان هم بایستی تحت نظر که مخالف دستور فوق نباشد تذکر داده می‌شود که کوچکترین غفلتی با مسامحه در انجام دستور فوق بشود شخص شما مسؤول و به طوری که فرموده‌اند مجازات اعدام است فی‌الحال کاملا- شخص و محل مزبور را وارسی که مخالف مقررات زندانیان نباشد.

مستوفیان پس از قبول این مأموریت شروع به تهیه مقدمات نموده که وانمود کند مرحوم مدرس مریض است و طی (۱۶/۹/۵۱۱)۶ بر خلاف واقع به شهربانی مشهد تلگراف نموده (سید حسن مدرس از موقع ورود مختصر کسالت، دو روز است مرض او شدت) در صورتیکه مدرس طبق گزارش شماره ۱۶/۸/۲۳ -۴۷۴ اقتداری در ۲۲ آبان وارد کاشمر شده، کسالت نداشته و گزارش تحویل اقتداری بوده و چنانچه کسالتی داشته و کسالت او تشدید یافته بود، بایستی اقتداری چنین تلگرافی کرده باشد نه مستوفیان.

جهانسوزی پس از خارج نمودن اقتداری و غلامرضا نخعی از کاشمر در ۱۶/۹/۷ به ترتیب حرکت کرده و در ساعت یازده و نیم روز ۱۶/۹/۹ به کاشمر مراجعت نموده و ترتیب قتل مدرس را می‌دهد.

بدین شرح که علی ذوالفقاری پاسبان را که یکی از مأمورین مراقبت مرحوم مدرس بوده از منزل مسکونی مدرس به وسیله مستوفیان احضار و دستور می‌دهد که از آن منزل خارج شود و شب دهم آذر که موعد قتل مدرس بود، ابراهیم ابراهیمی پاسبان را نیز که مراقب دیگر مرحوم مدرس بود مستوفیان خواستند به عنوان اینکه جهانسوزی او را می‌خواهد مشارالیه می‌فرستد، در صورتی که طبق اظهارات ابراهیم جهانسوزی به او کاری نداشتند و می‌خواستند مشارالیه در منزل مسکونی مرحوم مدرس نباشد.

ابراهیم ابراهیمی جریان مذاکرات خود را با جهانسوزی و وضعیت منزل مرحوم مدرس را در صفحات ۶۶ به بعد چنین گفته:

یک شب موقع اذان مغرب من در خانه بودم و آقا هم بود محمد فراموش‌کار گفت می‌روم شام می‌خورم و برمی‌گردم او که رفت دیدم در می‌زنند رفتم در را باز کردم...

محمود خان پابرهنه... آمد تو و گفت امروز کسی اینجا آمده و کاغذی چیزی آورده، گفتم: خیر.

گفت: بیا برو به شهربانی یاور با تو کار دارد.

خودش آنجا ماند من آمدم اداره شهربانی یاور توی اطاق صاحب منصب کشیک بود به ایشان پیغام دادم که ابراهیم را که خواسته بودید حاضر است. گفته بودند باشد، بنده نشستم تقریبا دو ساعتی طول کشید من را خواست توی اطاق به من نگاه کرد و گفت اسمت چیست، اهل کجای و کجا می‌نشینی و چند سال است باغبان هستی به ایشان جواب دادم. فرمود برو بیرون باش آمدم. باز مدتی نشستم پیغام دادم که اگر کاری چیزی ندارید من بروم، جواب داده بوده که بگویید برو و بنده آمدم بیرون و رفتم منزل وقتی رفتم دیدم لای در باز است و رئیس شهربانی پشت در ایستاده و منتظر من است، من که وارد شدم آمد بیرون و گفت بروید توی اطاق خودتان و بسراغ آقا هم نروید.

محمد فراموش کار آمد، تفصیل را به او هم گفته بودم تا تقریبا نصف شب بود دیدم در می‌زنند در را باز کردم دیدم سید موسی خان شجاعی سرپاسبان شهربانی است آمد پرسید که آقا کجاست؟

گفتم توی اطاق خودش است...

گفت بیایید برویم جای آقا...

بنده و فراموش کار به اتفاق شجاعی رفتیم اطاق آقا صدا زدم، آقا را دیدم جواب نمی‌دهد، شجاعی به من گفت برو بیدارش کن رفتم و صدا زدم، دیدم جواب نمی‌دهد شجاعی گفت تکانش بده، تکانش دادم دیدم جواب نمی‌دهد، عبا روی صورتش بود، عبا را بلند کردم و دست گذاشتم به صورتش دیدم مرده است و شال و عمامه‌اش هم که همیشه سرش بود باز شده و پهلوی سرش افتاده بود، شجاعی رفت و ۲۰ دقیقه طول کشید دیدم رئیس شهربانی آمد و رفت توی اطاق آقا و نگاه کرد و گفت برو تابوت بیاور.

خلاصه از اظهارت ابراهیم و سایر محتویات پرونده معلوم می‌شود که مستوفیان ابراهیم را به بهانه اینکه یاور جهانسوزی با او کار دارد از خانه مرحوم مدرس خارج کرده و حبیب‌الله خلج نیز بعد به منزل مرحوم مدرس رفته و با مستوفیان مرحوم مدرس را کشته‌اند که اظهارات ذبیح‌الله مهاجرانی در صفحات ۱۰ و ۲۰ جهت توضیح و تکمیل جریان قتل عیان نقل می‌شود.

آقای یاور جهانسوزی که در زندان مرکزی با من در یک اطاق سکوت داشت... راجع به کشتن مرحوم مدرس که تفصیل را از او پرسیدم اظهار کرد که:

سرهنگ وقار رئیس شهربانی مشهد... او را مأمور کشتن مرحوم مدرس کرده‌اند، زیربار نرفته و گفته‌اند به کاشمر برود و در آنجا باشد ولی شخص دیگری را برای این کار خواهند فرستاد و حبیب‌الله خلج را با او فرستاند و شخص نامبرده با یکنفر دیگر (طبق اظهارات جهانسوزی در نزد پاسیار نوائی منظور مستوفیان بوده) سید را خفه کرده‌اند.

به دلایل پایین قتل مرحوم سید حسن به وسیله اشخاص نامبرده فوق ثابت و مسلم است:

۱- اظهارات عشرت خاتم اقتداری در صفحات ۳۳ به بعد که گفته است:

در سال ۱۳۱۶ مرحوم اقتداری شوهرم که رئیس شهربانی کاشمر بود به مشهد حرکت کرد بنده هم با او به مشهد رفتم:

سرهنگ نوائی ایشان را مأمور کرده که برود به خواف و مرحوم مدرس را از خواف به کاشمر بیاورد.

بنده از آنجا رفتم به کاشمر و مرحوم اقتداری... به خواف رفت.

تقریبا ساعت ده و یازده بود که مرحوم اقتداری آمدند، مرحوم مدرس هم با ایشان با یک نفر مأمور... وارد شد به منزل مرحوم مدرس... در منزل ما بود...

مرحوم اقتداری نزدیک شهربانی یک خانه اجاره کرده و مرحوم مدرس را بردند در آن خانه... دو روز بعد... مرحوم اقتداری آمد منزل دیدم اوقاتش خیلی تلخ است و گرفته است گفتم چه خبری است.

ابتدا چیزی نگفت چون خیلی اصرار کردم اظهار کرد که یک دستوراتی راجع به این سید بیچاره و از بین بردن او رسیده است که نمی‌دانم چه کنم من گفتم ممکن است استعفا بدهید و می‌گفت اگر من این کار را بکنم جواب خدا را چه بدهم و اگر نکنم از دست این شیرهای درنده چه کنم؟ که خودم را ممکن است از بین ببرند، من گفتم ممکن است استعفا بدهید گفت همین خیال را دارم و استعفا داد این استعفا در زمان سرهنگ وقار رئیس شهربانی خراسان بود استعفای او قبول شد و دستور دادند که شهربانی تحویل محمود مستوفیان بدهد ایشان شهربانی را تحویل داد به مستوفیان و لی چون دستوری راجع به تحویل مدرس نرسیده بود از تحویل دادن او خودداری کرد و مستوفیان همه همیشه اصرار می‌کرد که مدرس را تحویل بگیرد. در این بین یاور جهانسوزی آمد به کاشمر به اتفاق حبیب‌الله خلج پاسبان که مأمور مشهد بود و جهانسوزی آمد به منزل مرحوم اقتداری گفت که اقتداری چرا معطلی و چرا حرکت نمی‌کنی، مرحوم اقتداری گفت: معطلی من راجع به این حبسی است که او را چه کنم، گفت او را هم باید تحویل محمودخان مستوفیان بدهید و ایشان هم مدرس را تحویل مستوفیان داد و فردای آن روز حرکت کردیم مشهد و همان روزی که جهانسوزی آمد و این صحبت‌ها را با اقتداری کرد، گفت که من می‌روم یک روز مأموریتی دارم انجام می‌دهم و برمی‌گردم شما نباید اینجا باشید بعد از دو روز گویا روز سوم بود، یک روز اقتداری به من گفت دیدی خدا با ما بود که این کار را نکردیم، گفتم چه شده است، گفت: همان شب که ما حرکت کردیم جهانسوزی از مأمویت به کاشمر برمی‌گردد و با حبیب‌الله خلج و محمود مستوفیان مشروب زیادی می‌خورند و می‌روند با مدرس، سماوری آتش می‌کنند و چای می‌خورند و در اول چای را مرحوم مدرس می‌ریزد برای آنها دفعه دوم محمود مستوفیان می‌گوید اجازه بدهید من چای بریزم اجازه می‌دهند چای می‌ریزد و دوای سمی را... در استکان مدرس می‌ریزد و چای را می‌خورند چون مدتی می‌گذرد و می‌بینند اثری نبخشید جهانسوزی برمی‌خیزد و اشاره به مستوفیان می‌کند و از اطاق بیرون می‌رود، مستوفیان هم عمامه سید را که سرش بوده برداشته و می‌کند توی دهانش تا خفه می‌شود و همان شبانه هم می‌برند دفن می‌کنند.

دستوری که برای از بین بردن مدرس از تهران آمده بود تلگراف رمز بوده... به امضای سرهنگ وقار... مرحوم اقتداری آن تلگراف

را که رمز بود بـا کشف آن که در خارج کشف کرده بود به من نشان داد، نوشته بود بایـد به طوری که هیچکس حتی قراول درب اطاق مدرس هم نفهمد، با استر کنی او را از بین ببرید.

در جواب بازپرس که سئوال کرده است «مدرس را که از خواف آوردند حالش چه طور بود» گفته است «سالم بود... مریض نبود» مرحوم اقتداری از مشهد به شهربانی همدان منتقل شدند و پس از بیست روز از ورود به همدان مریض شد... بر اثر دوای عوضی که داده بودند مرحوم شد.

۲- اظهارات علی ذوالفقاری پاسبان در صفحات ۵۰ به بعد که گفته:

همان روزی که شب آن، مـدرس فوت کرد ابراهیم پاسبان... آمد آنجا من را صدا کرد، گفت رختخواب مرا بردار برو رئیس تو را می‌خواهد، گفتم چشم بنده هم رختخواب را برداشتم بردم.

رفتم پیش رئیس... محمودخان معروف به پابرهنه رئیس فرمود برو منزل راحت کن، من هم رفتم تا شب فرستادند عقب من و شب آن روز آقا شام را که درست کرد من را صدا، گفت: بیا بنشین شام بخور من رفتم نشستم شام خوردم آقا فرمود کربلایی علی فردا صبح ترا عوض می‌کننـد ولی شب بـاز ترا می‌آورنـد، گفتم: آقـا برای چه لابـد بـد آدمی هستم، فرمودنـد خوب آدمی هستی ولی عوضت می‌کند...

شب تقریبا ساعت ۹ بود در منزل نشسته و شام می‌خوردیم، دیدم در زدند، گفتم کیست، دیدم ابراهیم است، می‌گوید بیا رئیس ترا می‌خواهـد من رفتم اداره شـهربانی دیـدم محمود مسـتوفیان رئیس شـهربانی دارد قـدم می‌زنند، گفت بیا برو منزل کربلایی اسـمعیل (مقصود همان منزل مدرس بود.) بنده رفتم آنجا دیدم ابراهیم و محمود فراموش کار آنجا هستند رئیس هم آمد آنجا وقتی من وارد شدم دیدم آقا مرده است و رو به قبله است به محمد گفتم چه شده گفت سکته کرده است.

گفتم: صبح که من رفتم حـالش خوب بود و با من صـحبت می‌کرد، گفت دیگر می‌گوینـد سـکته کرده است... فقط دیـدم که لب زیرش را با دندان گرفته بود...

در جواب بازپرس که سؤال کرده (تا آنروزی که شـما نزد مدرس بودید کسالت و مرضی نداشت) خیر ابدا مرضی نداشت، سلامت بود ماه رمضان بود روزه می‌گرفت و حالش خوب بود.

اظهارات محمود فراموشکار در صفحات ۷۶ به بعد که قسمت‌های موثر آن عینا نقل می‌شود.

نزدیک افطار بود چون به رئیس گفته بودم که موقع افطار و سـحر باید بروم و اجازه داده بود، رفتم منزل تقریبا ساعت چهار از شـب گذشـته بود، برگشـتم آمدم آنجا از ابراهیم یا کربلائی علی پرسـیدم که کسی اینجا نیامد گفت رئیس با حبیب‌الله خان شـمر با سید موسـی خان شـجاعی آمدنـد اینجا و رفته‌اند توی اطاق آقای مدرس و من را هم گفته‌اند در خانه باش، رفته‌اند نیم ساعت هم معطل شده و برگشته و رفته‌اند...

تقریبا دو ساعت گـذشت در زدند رفتیم در را باز کردیم دیدیم رئیس شـهربانی تنها بود، آمد تو و گفت بیاید برویم اطاق آقا با آقا کـار دارم بنـده و رفیقم و رئیس رفتیم اطـاق آقـا، دیـدیم آقـا خوابیـده روی تختخواب و لحـاف رویش هست نمی‌دانم عبا هم روی خودش بود یا نه.

محمود خان مسـتوفیان گفت آقا را صدا بزنید هر چه صدا کردیم جواب نداد، بعد گفتم آقا که جواب نمی‌دهد مسـتوفیان گفت آقا سکته کرده است و نبایـد هیچکس بفهمـد و اگر به کسـی بگوییـد که آقای مدرس مرده، زبانتان را می‌برم. بعد به بنده گفت برو به جناب یاور رئیس پلیس که منزل من هستند بگو آقای مدرس سکته کرده است، چه دستوری می‌فرمایید، بنده هم آمدم خانه رئیس به جناب یاور که اسـمش یادم نیست گفتم، رئیس شـهربانی عرض کردنـد که آقای مـدرس فوت کردهانـد، چه دسـتور می‌فرمایید، فرمودنـد به مسـتوفیان بگو که شـبانه به طوری که کسـی نفهمـد غسل بدهید و دفن بکنید، بنده برگشـتم دیدم ابراهیم تابوت آورده کربلایی علی هم آنجا است...

محمود خان خودش چراغ انگلیسی را برداشت دست گرفت، حرکت کردیم، رفتم به غسالخانه...

به بنده گفت شـما آقا را کشتید من عرض کردم شـما که می‌دانید من آدم‌کش نیسـتم و من رفته بودم شام خوردن سـفارش می‌کرد که به کسی نگویید که آقا مرده و نگویید که رئیس آمده آنجا نیم ساعت مانده و رفته است که اگر بگویید زبانتان را می‌برم...

اقتدار نظام را مجبورا فوری حرکت دادند از کاشمر وقتی که یاور آمد و یک نفر از پاسبانها را هم مأمور کرده بود که اقتدار نظام را فورا حرکت بدهید... آن روز مرحوم مدرس... روزه داشت فرمودند می‌خواهم کته درست کنم.

۴- اظهـارات ابراهیـم ابراهیمی پاسـبان در صـفحات ۶۶ بـه بعـد که قسـمتی از آن قبلاـ ضـمن توضـیح جریـان قتـل مـذکور افتـاد و قسمت‌های مؤثر دیگر آن هم ذیلا نقل می‌شود.

در خانه دومی غیر از من و کربلایی علی و محمد فراموشکار و آقا دیگر کسی نبود...

رئیس شـهربانی محمود خان پابرهنه بود. در آن موقع یک یاوری از مشهد آمده بود با یک آجودان.. اسم آن آجودان حبیب‌الله بود آمدنـد کاشـمر یـک مـأمور تامینـات بـا آقای مـدرس از خواف آمـده و در کاشـمر بود... یاور که آمـده غلامرضا مأمور تامینات را خواسته و گفته بود باید بروی به کناپاد یا به خواف و او را حرکت داد از کاشمر رفت...

یـک شب موقع اذان مغرب من در خـانه بودم و آقـا هم بود، محمـد فراموشـکار گفت من می‌روم شام می‌خورم و برمی‌گردم او که رفت دیدم در می‌زنند.

(جریان آمدن مستوفیان تا فوت مرحوم مدرس در صفحه‌ی ۵ ادعانامه قبلا مذکور افتاد.)

رئیس شهربانی آمد و رفت توی اطاق آقا و نگاه کرد و گفت برو تابوت بیاور...

وقتی رفتیم غسال‌خانه میرزا کریم آقا را شست و ما سه نفر هم ایستاده بودیم.

محمود خان قدم می‌زد و رو کرد به ما و خندید و گفت پدر سوخته‌ها آقا را کشتند...

موقع اذان پیش از این که رئیس شهربانی بیاید من پیش آقا بودم و موقع افطار بود که چای می‌خورد شامش هم سربار بود.

بعـد از اینکه رئیس آمـد دیگر من آقـا را ندیـدم حـالش خوب بود چای می‌خورد... چای را خودش درست کرده بود... در آن روز روزه بود... کسالت نـداشت بعد از این که غلامرضاخان از آنجا رفت غصه می‌خورد که غلامرضا خان خوب آدمی بود که از اینجا رفت.

... همان موقعی که یاور آمـد اقتـدار نظام آنجا بود... بعـد فوری محمود خان آمـد به اقتـدار نظام گفت یاور گفته الان بایـد حرکت کنی هر چه خودش و خانمش گفتند که فردا حرکت کنیم گفت نمی‌شود باید الان حرکت کنید همان روز اسبابش را بستند...

۵- اظهارات محمد رفیع نوائی رئیس اسبق شهربانی مشهد در صفحات ۳ به بعد که قسمت‌های مؤثر آن عینا نقل می‌شود:

درست در خـاطر نـدارم که در ۱۳۰۶ بوده است یـا ۱۳۰۷ مـأموری از تهران آمـد به مشـهد، ابلاغ کرد که بایستی مأمور بفرستیـد به خواف محرمانه مـدرس را مسـموم نماید به مأمور گفته شد مراجعت کن اقدام می‌کنم و نتیجه را به عرض می‌رسانم مأمور مراجعت کرد به مرکز جواب دادم چون بیست و پنـج نفر نظامی هم در نگاهـداری مشاراليه شـرکت دارند این عمل به طوریکه کسـی نفهمد غیرمقدور است.

مأمور محمد حسن خان سرداری... رئیس شهربانی هم سرتیپ محمد خان درگاهی بود.

در زمستان ۱۳۱۵ آمدم به مرکز پس از خاتمه مرخصـی موقعی که می‌خواسـتم بروم مشـهد رئیس شـهربانی وقت را که مختار باشد ملاقات، اجازه حرکت خواسـتن فرمودنـد شاه مایل است که مـدرس از بین برود. این مأموریت را به طور یکسره شـما انجام بدهید، جواب دادم چون این امر بر خلاف قـانون است بهتر این است محرمـانه کتبـا مرقوم بفرماییـد، جواب فرمودنـد: این نوع مسائل کتبی نمی‌شود شـفاهی است، من هم از روی ادب عرض کردم من حرفی نـدارم که فرمایشات تیمسار را اطاعت کنم ولی آن مأموری که بایستی این عمل را انجام بدهـد قطعا از من نوشـته کتبی می‌خواهد دیگر ساکت شد چیزی نگفت و من هم خداحافظی کرده و رفتم خراسان.

در این بین شـنیده شـد که آن بیست و پنـج نفر نظامی را از آنجا برداشـته بنده از وحشت اینکه مبادا مجددا امری برسد و من عذری نداشته باشم پیشنهاد کردم که مدرس را به

کاشـمر انتقال بدهند اول نسبت به بنده متغیر شدند که یک پیرمرد ضـعیفی را چطور نمی‌توانید نگاهدارید و بعد اجازه دادند منتقل به کاشمر شود.

وقتی که حسن رادسر (سرداری) آمد به مشهد با همان ترتیبی که عرض کردم او را مراجعت دادم برای اینکه فورمالیته به عمل آمده باشـد که بعدا خودم گیر نباشم اسدالله خان رئیس تامینات خودم را که آن روز مورد اطمینان من بود با دسـتور اینکه برود به خواف و مراجعت کنـد و گزارش بدهـد که بـا بودن نظامیها غیرمقـدور است روانه کردم در مراجعت هم همانطور گزارش داد که به مرکز عرض شد اسدالله خان نام فامیلش سرداری است.

در صفحات ۱۲۲ جریان ملاقات خود را در بهداری شهربانی و در زندان با جهانسوزی اینطور بیان نموده.

رفتم بهـداری جهـانسوزی آمـد پس از سـلام و تعارف، اظهار کرد که من خواسـتم از شـما مشورت کنم که تکلیف من چیست من جواب گفتم نمی‌دانم موضوع چیست و تو تـا چه حـدی مـداخله داشتی تـا به تو کمـک فکری بکنم بنـا کرد قسم خوردن که من نه مـدرس را دیده‌ام و نه با او کاری کردم، فقط یک امری را از طرف رئیس شـهربانی خراسان به رئیس شـهربانی کاشـمر ابلاغ کردم حرف ما که به اینجا رسید یک نفر صاحب منصب وارد اطاق شد و حرف ما قطع شد.

موقع خارج شدن جهانسوزی اظهار کرد که سرهنگ وقار (در آن موقع پاسیار وقار رئیس زندان مرکزی بوده) آمده بود اینجا من از او خواهش کردم که مرا به کریدور یک منتقل کند امروز به آنجا خواهم آمد و خدمت شما خواهم رسید...

گویـا همـان روز او را به کریـدور یـک منتقـل نمودنـد دو روز بعـد از ورودش آمـد به اطـاق من گفتم حالا خوب است تفصـیل را بگویید... تفصیل را این طور بیان کرد.

پس از اینکه شـما از مشـهد به تهران رفتید و سرهنگ وقار آمد به مشهد به من امر کرد بایستی بروی و این عمل را خاتمه بدهی من جواب گفتم که قلب من ضعیف است، من نمی‌توانم این کار را بکنم سرهنگ وقار گفت تو کار نداشته باش حبیب با تو می‌آید تو امر مرا به رئیس شـهربانی ابلاغ کن او خودش انجام خواهد داد من هم بنام تفتیش شهرهای جنوبی خراسان رفتم امر سرهنگ رئیس شهربانی را ابلاغ کردم خودم هم منزل رئیس شهربانی منزل کردم شب به من راپورت دادند که مدرس را دفن کردیم.

اظهارات اسدالله سـرداری مؤید قسـمتی از اظهارات نوائی است؛ زیرا در صفحات ۱۹ مکرر به بعد گفته قضـیه مربوط به دوازده سال قبـل است جزئیات موضوع را در نظر نـدارم ولی یک مـذاکراتی آنچه به خاطرم می‌آیـد بین بنـده و سـرهنگ محمـد رفیع شـده که ایشان از بنده قول شرف گرفته‌اند که مادام‌العمر اظهاری نشود.

روزی طرف عصـر در ایام پاییز بود ایشان یعنی آقای سـرهنگ رفیع نوائی، بنـده را احضار فرمودنـد که به اتفاق برویم گردش چون چنین مطالبی و یا چنین اظهاری از آقایان سرهنگ‌ها نشنیده بودم.

به طور شوخی گفتم چه شـده است که جناب سـرهنگ به این خیال افتاده‌ایـد، فرمود: برویم حالا بعـد مطلع می‌شویـد، مقـداری راه رفتیم تـا رسـیدیم به یـک باغی ایشان اظهار کردنـد با یک حال گرفته و چهره سـیا من یک مطلبی دارم خیلی محرمانه می‌خواهم به شما بگویم و دچار یک محظور فوق‌العاده خطرناکی شده‌ام...

پرسـیدم چه پیش آمدی شده، فرمودند به من یک مأموریت بدی داده شده است و من می‌خواهم آن مأموریت را به شما بدهم چون هر چه فکر می‌کنم از شما نزدیک‌تر و محرم‌تر در اداره شهربانی خراسان کسی را ندارم.

پرسیدم بفرمایید چیست، فرمودند این مهمانی که برای ما فرستاده شده است باید کلکش کنده شود، بنده سؤال کردم مهمان کیست و کلکش کنده شود چیست با صدای گرفته که خوب به خاطرم می‌آید اظهار داشت، همین کسـی که در خواف است بنده خندیدم گفتم چطور باید کلکش کنده شود، گفت، باید کشـته شود بر من خنده افزوده شد گفتم: مگر شما این کاره هستید، گفت، من این کاره نیستم ولی چون این به من تکلیف شده است من هم ناگزیرم این تکلیف را به شما بکنم.

گفتم یعنی چه به من تکلیف بکنید که مرتکب جرمی بشوم، فرمودند: بلی. گفتم: که من کی و شغل من چیست. گفت: شما رئیس تامینات من هستی.

گفتم حالاـ من برای شما توضیح می‌دهم که رئیس تامینات یعنی چه رئیس تامینات یعنی کاشف جرایم نه اینکه خود مرتکب جرم شود حتی این است که اگر حقیقتا شما این کاره بودید و هستید به نحو دیگری اقدام و به من که رئیس تامینات هستم امر می‌کردید که مرتکب را به دست بیاورم.

بنده چنین محرمیتی در این قبیل قضایا با شما نداشته و ندارم.

گفت می‌دانید تمرد برای شما چه عواقبی دارد گفتم بالاتر از این نیست که مرا اعدام خواهند کرد. گفت: تکلیف من چیست. گفت: من و شما را قانون معین کرده است اگر شما اینکاره هستید قانون به شما می‌گوید کتبا نوشته بگیرید.

اگر این کاره نیستید جواب می‌دهید بر فرض که عواقب بدی داشته باشد اعدام خواهید شد و اگر حقیقتا تصور می‌کنید که من اینکاره هستم قدم اول من به شما می‌گویم که بنویسید آیا می‌نویسید به من بدهید ایشان اظهار داشتند تو چرا اینطور عصبانی شدی و چرا این قدر بچه‌ای در این مورد یکی نوشته می‌دهند چون دیدند من خیلی عصبانی شدم فرمودند نه تو آدم‌کش هستی و نه من، شوخی کردم با شما این اظهارات را کردم و حقیقت این است که شما فوری فردا صبح قبل از آفتاب حرکت کن برو به خواف وضعیت منزل این شخص را ببینید چون تهران از وضعیت محلی این آدم نگران است و برای من راپورت بیاور.

فردای آن روز با اتومبیل ایشان رفتم به خواف وضعیت منزل مدرس را دیدم و خود مدرس را هم ملاقات کردم و ایشان از من خواهش کردند که به رئیس نظمیه محمد رفیع خان بگویید اگر ممکن است شما بیایید من را ملاقات کنید بنده هم در مراجعت به ایشان عرض کردم که مدرس چنین تقاضایی دارد و وضعیت منزل را هم که چه جور است به ایشان گزارش دادم.

یک روز بعد از آن روز که گزارش دادم به من فرمودند فلانی تصور می‌کنم شما پای مسافرتی هم در پیش داشته باشید من گفتم دیگر به جایی مسافرت نمی‌کنم فرمودند دست پاچه نشو تهران باید بروید، گفتم برای چه. گفتند: اگر اجازه آمد به تو خواهم گفت من مراجعت شما را به تهران تلگراف کرده‌ام که اگر اجازه بدیهد برای عرض مطالبی شخصا به تهران آمده و یا اینکه رئیس تأمینات را بفرستم.

به ایشان گفتم حقیقت درجه دوستی را به طوری که خودتان اظهار می‌فرمایید تمام کرده‌اید...

به چه مناسبت مرا به تهران بفرستید فرمودند شما می‌دانید کسی که همواره صحبت کند و هم از قوانین مطلع باشد در اداره نداریم. اگر خودم را اجازه دادند که خودم می‌روم به تهران و هر کاری باید بکنم می‌کنم یا برمی‌گردم یا برنخواهم گشت و اگر مرا اجازه ندادند شما چون می‌توانید حرف بزنید دستوراتی به شما می‌دهم که آنجا بگویید.

اظهارات محمد علی وقار در صحفه ۸۹ به بعد که قسمتهای مؤثر آن عینا نقل می‌شود...

بنده با اقتدار رئیس شهربانی کاشمر که چند سال پیش در اینجا رئیس شهربانی بود سابقه دوستی و آشنایی داشتم چون که قبل از آن یک سفر دیگر هم به کاشمر آمده و رئیس شهربانی بوده ایشان در سفر آخر که کاشمر بودند به مرخصی مشهد رفتند...

مستوفیات از مشهد به جای او آمد پس از چندی مراجعت کردند.

روز سوم ورودشان بود... رفتیم منزل خدمتشان...

بعد یکی دو روز توی خیابان ایشان را دیدم فرمودند از تو خداحافظی می‌کنم. و باید بروم مشهد گفتم علت تغییر شما چیست.

گفت حقیقت این است که این مهمانی که گفتم آورده‌اند به کاشمر آقای مدرس است به من امر شده است او را بکشم حاضر نشده‌ام و حالا یاور جهانسوزی آمده است و امر کرده که باید فوری حرکت کنم.

۷- اظهارات حاجی علی اکبر عظیمان در صفحه ۹۲ به بعد که قسمتهای موثر آن عینا نقل می‌شود.

بنده با اقتدار نظام از سابق دوستی و آشنایی داشتم او رفت به مرخصی مشهد... اقتدار نظام از مشهد آمد شنیدم یک آقایی را از خواف آورده و در منزل خودش نگهداشته چون با اقتدار نظام خیلی دوست بودم فردای آن روزی که وارد شده بودم رفتم منزل رفتم تو دیدم یک آقایی با لباس سفید و ریش سفید نشسته و یک شال سفید هم به سرش پیچیده است در این بین آقا آب خوردن خواست، کلفت اقتدار نظام کاسه آب را خواست ببرد تو بنده دیدم که خود اقتدار نظام کاسه را گرفت و دو دستی برد جلوی آقا آب خورد و اقتدار نظام کاسه را گرفت و عقب عقب آمد از اطاق بیرون و به من اشاره کرد که حالا برو بنده هم رفتم.

روز بعد شنیدم که از مشهد مأمور آمده که یکی از آنها حبیب‌الله معروف به میرغضب بود که من خودم او را دیدم بعد فوری اقتدار نظام را حرکت دادند به مشهد موقع حرکت رفتم اقتدار نظام اظهار کرد که من می‌روم من را حلال کنید شاید دیگر من را نبینید.

گفتم چرا می‌روی. گفت: این آقای مدرس را که به من داده‌اند اینجا آوردم، مجبورم کرده‌اند که از بین ببرم من حاضر نشدم حالا من را مجبورا می‌فرستند به مشهد...

بین مردم می‌گفتند مستوفیان و حبیب‌الله شهر رفته‌اند نزدیک افطار منزل مرحوم درس و به ایشان گفته‌اند برای ما چای بریزید فرمودند خودتان بریزید گفتند شما هم باید بخورید فرمودند که حالا وقت افطار نیست و من نمی‌خورم بعد گفتند که خیر موقع افطار است. فرمودند پس بروم ببینم، آمده‌اند بیرون نگاه کردند و فرمودند: پس نماز مغرب را بخوانم. آن وقت بعد از نماز چای را می‌ریزند در قوری و توی آن زهر می‌ریزند و بخورد آقا می‌دهند و بعد از مدتی که می‌بینند زهر اثر نکرده است شال خود آقا را می‌اندازند به گردنش و خفه می‌کنند...

مشهدی اسمعیل مفتش که مدرس در خانه او بود... این اظهار را نمود...

۸- اظهارات اسمعیل را در صفحات ۹۹ به بعد که قسمت‌های مؤثر آن عینا نقل می‌شود. نمی‌دانم بیست و ششم ماه رمضان یا بیست و هفتم ماه رمضان بود ظهری بود شنیدم که آقا را در منزل کربلایی اسمعیل کشته‌اند.

کربلایی اسمعیل... برای من قضیه کشتن مدرس را نقل کرد و گفت... مستوفیان با یک نفر دیگر که نشاخته بوده آمده‌اند و آقا را زهر داده‌اند و همچنین دیده‌اند شال آقا را که دور سرش می‌پیچیده باز کرده به دور گردنش انداخته و کارشان را خاتمه می‌دهند...

شیخ هادی که حالا مرده است و متصدی دفن اموات بود... می‌گفت که آثار طناب یا شال در گردن آقا دیده است.

۹- اظهارات حسین مغانی در صفحات ۱۰۱ به بعد گفته:

یک روز در ماه رمضان بود... کربلایی اسمعیل مفتش که حالا مرحوم شده به من رسید و سر به گوش من گذاشت و گفت: فلانی خبرداری چه شده. گفتم: خیر. گفت: دیشب آقای مدرس را در باغچه من زهر داده و کشتند.

مستوفیان و یک نفر دیگر آمدند او را زهر دادند نمرد بعد شال به گردنش انداختند و خفه کردند و جنازه‌اش را توی تابوتی که پاسبانها محرمانه آورده بودند گذارده و بردند مخفیانه دفن کردند.

۱۰- اظهارات سید حسین ابراهیم زاده در صفحات ۱۰۴ به بعد که گفته:

بنده با اقتدار نظام رئیس شهربانی کاشمر که یک سفر دیگر هم آنجا رئیس شهربانی بود آشنایی و دوستی داشتم اقتدار نظام به مرخصی مشهد رفته بود. اقتدار نظام برگشت کاشمر، شب دوم ورودش بنده رفتم منزل ایشان به عنوان دیدن خودش آمد دم در و گفت:

حالا- نمی‌توانم از کسی پذیرایی کنم دو شب دیگر... بیایید، شب سوم یا چهارم بود که رفتم به منزل ایشان پس از صحبت اظهار کرد این آقایی که من آورده‌ام آقای سید حسن مدرس و چون به من امری کرده‌اند و من زیر بار نرفته‌ام، امر کرده‌اند که به مشهد بروم و فورا حرکت خواهم کرد. فردای آن روز ایشان رفتند تا شب بیست و ششم ماه رمضان که آقا را به قتل رسانیده‌اند و بنده شنیده‌ام که محمود خان مستوفیان رئیس شهربانی این کار را کرده و شبانه برده‌اند دفن کرده‌اند.

من از شیخ غسال شنیدم که گفت در موقع غسل دادن دیده بود که گردن آقا سیاه بوده و بدن هم نزدیک به تلاشی شدن بوده است.

بنده از امیرخان پاسبان شنیدم که آقا را کشته‌اند و علت این اظهار هم این بوده است که همان شبی که آقا را شهید کرده‌اند فردای آن روز زن امیرخان پاسبان تعزیه زنانه برای آقا در خانه خود گرفته بود. بنده از امیرخان پرسیدم تعزیه برای چه بود اظهار کرد که آقا سید حسن مدرس را کشته‌اند.

در آن روز یاور جهانسوزی با یک نفر پاسبان قد بلند که اسمش را نمی‌دانم فقط معروف به میرغضب بود آمده بودند کاشمر.

۱۱- اظهارات حاجی سید عبدالمجید آله طه در صفحات ۱۱۱ به بعد گفته:

شب بیست و چهارم یا بیست و پنجم ماه رمضان بود که من رفتم خانه اقتدار نظام به من اظهار کرد که رئیس پلیس مشهد آمده و کار را بر من سخت گرفته‌اند که این سید بزرگوار را بکشم ولی من اقتدار نمی‌کنم و هر کاری ایشان می‌خواهند با من بکنند و فردا هم باید از این شهر بروم.

زن امیرخان پاسبان... به آقا اخلاص تامی داشت و برای او روضه می‌خواندم. گفت آقا را زهر داده‌اند و همان زن امیرخان بعد از کشتن آقا سه شب برای آقا تعزیه گرفت محرمانه.

۱۲- محتویات پرونده‌های شهربانی مربوطه به مرحوم سید حسن مدرس و مندرجات دفاتر نگهبانی شهربانی کاشمر به شرح پایین:

الف- تلگراف شماره ۱۶/۸/۱۶ -۸۶۶۱ پاسیار نوائی به اداره کل شهربانی بدین عبارت «اینکه امر فرمودند زندانی شود مدرس در خواف زندانی نبوده در حیاط جداگانه نگاهداری می‌شد حال در کاشمر زندانی شود یا منزل جداگانه.

اداره کل شهربانی طی ۱۶/۸/۱۸ -۲۹۷۶۷ -۲۸۱۰۷ جواب داده شهربانی مشهد ۸۶۶۱ به طوریکه دستور داده شده مشارالیه باید در شهربانی در محل مناسبی منفردا به طور زندانی دقیقا مراقبت شود.»

از این دستور معلوم می‌شود که وضعیت مرحوم مدرس بعد از انتقال به کاشمر سخت‌تر شده و در آنجا به زندان مجرد منتقل گردیده و وضعیت خاصی برای او در نظر گرفته شده که منظور از آن نمی‌تواند فقط تحت نظر گرفتن مرحوم مدرس دانست.

ب- گزارش شماره ۴۷۴ مورخ ۱۶/۷/۲۳ اقتداری به شهربانی مشهد بدین مضمون «ساعت ۱۷ یوم ۲۲ ماه جاری سید حسن مدرس را به اتفاق غلامرضا نخعی بازرس و پاسبان شماره ۵ زور وارد کاشمر گردیده.

گزارش شماره ۹۱۲۴ مورخ ۱۶/۸/۲۹ نوائی به اداره کل شهربانی به این عبارت «به وسیله رئیس شهربانی کاشمر رسدبان ۲ اقتداری که به مشهد احضار و معاودت می‌نمود به کاشمر انتقال و طبق مقررات زندانی و دستور شماره ۱۰۲ مورخ ۱۶/۹/۱ یاور جهانسوزی کفیل شهربانی شرق به شهربانی کاشمر بدین مضمون:

«پاسخ گزارش شماره ۴۷۴ به طوریکه دستور داده شده است، سید حسن مدرس باید در محل مناسبی منفردا زندانی و دقیقا مراقبت شود که با احدی ملاقات و مکاتبه ننماید و نیز تا موقعیکه اقتداری شهربانی را تحویل نگرفته حفاظت و مسؤولیت زندانی مزبور به عهده او خواهد بود و بعدا با شخص رئیس شهربانی است از این تلگراف‌ها و نامه‌ها استنباط می‌شود که اقتداری به عنوان ریاست شهربانی کاشمر مدرس را از خواف به کاشمر منتقل و مأموریت محافظت او را داشته و قرار بوده که شهربانی را هم از مستوفیان تحویل بگیرد و بعدا هم مسؤولیت حفاظت مدرس باز با شخص خود او باشد ولی بعد از ورود، جهانسوزی بطوریکه بعدا ذکر خواهد شد اقتداری را که حاضر به ارتکاب قتل نبوده از کاشمر اخراج و مستوفیان را به کفالت شهربانی کاشمر ابقاء نموده‌اند.

ج- در دفتر نگهبانی سال ۱۳۱۶ در صفحه ۱۵۸ به تاریخ ۶ آذرماه ۱۳۱۶(۲۳ رمضان) در وقعه ۳ نوشته شده است: ساعت ۱۵ بعدازظهر جناب ریاست سر کلانتری مرکز ناحیه شرق به شهربانی وارد شدند مراتب استحضارا معروض داشت.

در همان صفحه در وقعه ۵ همان روز نوشته شده «حسب‌الامر جناب ریاست سرکلانتری رسدبان ۲ اقتداری را احضار و ابلاغ شده که فورا حرکت و خود را به شهربانی مشهد معرفی نمایند و نیز از گاراژ ماشین تهیه که فردا اول صبح حرکت نماید مراتب را استحضارا معروض داشت.

در صفحه ۱۶۰ دفتر نامبرده به تاریخ ۱۶/۹/۷ در وقعه ۵ نوشته شده ساعت ۱۰ صبح تعقیب وقعه ۵ صفحه ۱۵۸ رسدبان ۱ اقتداری رئیس شهربانی سابق کاشمر به طرف مشهد حرکت نموده.»

از مندرجات دفتر نگهبانی که فوقا بدآن اشاره شد واضح است که مأموریت جهانسوزی مستلزم اخراج اقتداری از کاشمر بوده که به

مجرد ورود با فشار و سخت‌گیری زیاد مشارالیه را که حاضر به ارتکاب قتل مدرس نبوده از کاشمر به مشهد اعزام کرده.

د- تلگراف رمز شماره ۵۱۱ مورخ ۱۹/۶/۶ به امضای مستوفیان بدین عبارت:

«مشهد شهربانی سید حسن مدرس از موقع ورود مختصر کسالت، دو روز است مرض او شدت.»

این تلگراف بر خلاف واقع و برای ظاهرسازی بوده و مستوفیان می‌خواسته وانمود کند که مدرس مریض است؛ زیرا اگر مدرس در موقع ورود به کاشمر مریض بود بایستی اقتداری گزارش کسالت او را بدهد نه مستوفیان و به علاوه مستوفیان در همان روز تحویل گرفتن مدرس گزارش داده که دو روز است مرض مدرس شدت یافته در صورتی که دو روز قبل از آن هم مدرس تحویل اقتداری بوده و چنانچه کسالت وی تشدید یافته بود بایستی اقتداری گزارش آن را بدهد.

نامه مورخ شنبه هفتم آذرماه ۱۳۱۶ مستوفیان نیز به عنوان «آقای سرپاسبان یکم شجاعی» که قبلا در صفحه ۳ ادعانامه عین آن نقل شد.

مؤید این است که مستوفیان تنها مأمور مراقب مدرس نبوده بلکه مأموریت دیگری داشته است که حتی می‌خواسته مردم مطلع نشوند که مدرس در آنجا است.

در صفحه ۱۶۱ بتاریخ ۱۶/۹/۷ در ورقه ۵ نوشته شده: «تعقیب وقعه ۴ صفحه ۱۶۰ جناب ریاست سرکلانتری ناحیه شرق ساعت ۱۴ عصر حرکت نموده با اتومبیل طرف تربت مراتب معروض» و در صفحه ۶۷ به تاریخ ۱۶/۹/۹ در وقعه ۵ نوشته شده است:

ساعت ۱۱/ ۳۰ صبح جناب ریاست سرکلانتری ناحیه شرق به کاشمر وارد به شهربانی تشریف آورده، پس از نیم ساعت توقف تشریف بردند.

صورت مجلس مورخ شب ۱۶/۹/۱۰ بدین مضمون:

«خدمت جناب یاور ریاست اداره سرکلانتری مشهد محترما به عرض می‌رساند ساعت ۲۲/ ۳۰ عصر به معیت سرپاسبان ۱ شجاعی به محل زندانی به جهت وارسی آمده مشاهده شده زندانی مزبور فوت نموده، در صورتیکه سرپاسبان مزبور اظهار می‌دارد ساعت قبل که من آمده بودم مشارالیه حیات داشتند و پاسبانان ۶ و ۷ قراولان هم به همین نحو اظهار داشتند که ساعت قبل یعنی یک ساعت قبل از این ساعت، گزارش قبل از آمدن بنده و مراجعتم مومی‌الیه حیات داشته. مراتب گزارش معروض تا به آنچه امر فرمایند اطاعت شود به امضای مستوفیان و سرپاسبان ۱ شجاعی و پاسبان شماره ۷ محمد فراموشکار و مهر ابراهیم پاسبان شماره ۶ از مراتب مذکور معلوم می‌شود که جهانسوزی پس از ورود به کاشمر دستور داده که تلگراف بر خلاف واقع راجع به کسالت مرحوم مدرس مخابره شد و ترتیب نگاهداری مدرس را هم مشارالیه به مستوفیان داده؛ زیرا مستوفیان در دستوری که راجع به این موضع به سرپاسبان شجاعی داده اشعار داشته که حسب‌الامر جناب یاور گزارش فوت مرحوم مدرس را هم به عنوان جهانسوزی داده که این گزارش نیز طبق اظهارات محمد فراموشکار و ابراهیم ابراهیمی برخلاف واقع است.

از مراتب فوق‌الذکر واضح است که مأموریت جهانسوزی بازرسی جنوب خراسان نبوده بلکه ارتباط با قتل مدرس داشته و حتی موقعی که از جهاسنوزی سؤال شده چرا دکتر و پزشک برای معالجه مدرس و بعد از فوت او باری معاینه و دادن جواز دفن نبوده.

اظهار داشته که جهانسوزی و شهربانی مشهد چنین اجازه به او نداده‌اند مضافا بر اینکه اگر یاور جهانسوزی مأموریت بازرسی داشته لامحال باید حکمی حاکی از نوع مأموریت وی صادر شده باشد و گزارش نیز راجع به مأموریت خود پس از مراجعه به مشهد بدهد، در صورتیکه جهانسوزی گزارشی از نتیجه مأموریت خود نداده و وقار نیز در بازجویی اظهار داشته چون سرپاس مختار دستور داده بود که جهانسوزی باید به جنوب خراسان مسافرت کند، مشارالیه نتیجه بازرسی را از او نخواسته است.

مستوفیان پس از قتل مدرس و تنظیم گزارش بر خلاف واقع که راجع به ثبوت او به جهانسوزی داده برای اینکه وانمود کند مرحوم مدرس بر اثر کسالت فوت نموده، صورت مجلس دیگری به تاریخ لیله ۱۶/۹/۱۰ در دو صفحه بدین عبارت تنظیم نموده «ساعت ۲۲/ ۳۰ یوم جاری اینجانب رسدبان ۳ مستوفیان کفیل شهربانی کاشمر به معیت سرپاسبان یکم سید موسی شجاعی به منزل واقعه در محله نو که شخص سید حسن مدرس زندانی در آنجا بوده رفتیم مشاهده شد زندانی مزبور فوت در صورتی که سرپاسبان مزبور اظهار می‌دارد، یک ساعت قبل از من جهت بازدید او رفتم زندانی مزبور حیات داشته و پاسبان شماره ۶ ابراهیم ابراهیمی ترشیزی و شماره ۷ محمد فراموشکار پاسداران زندانی مزبور اظهار می‌دارند که متوفی فوق به مرض تنگ نفس سینه مبتلا بوده و تا یک ساعت قبل حیات داشته که بعدا فوت نموده است».

و بعدا باز احتیاط نموده گزارش شماره ۵۳۰ مورخ ۱۶/۹/۱۳ را به عنوان ریاست شهربانی ناحیه شرق بدین عبارت: «پیرو گزارشهای رمز ۱۶/۹/۶ -۵۱۱ و ۱۶/۹/۱۰ -۵۱۵ مربوط به مریضی و فوت سید حسین مدرس زندانی محترما به عرض می‌رساند ساعت ۲۲/ ۳۰ شب ۱۰ ماه جاری اینجانب به معیت سرپاسبان یکم شماره ۴۱ شجاعی که مسئول قراولان و حفاظت مشارالیه بوده به جهت سرکشی رفته، مشاهده گردیده سید حسن مزبور فوت و هیچگونه آثاری هم در بدن او نبود و سرپاسبان و قراولان او هم گزارش داده‌اند که تا یک ساعت قبل حیات داشته ولیکن فوق‌العاده مریض و تنگ نفس داشته است.» که این مطلب به شرحی که قبلا ضمن دلایل مذکور افتاد برخلاف واقع بوده است.

۱۳- مبلغ یکهزار و پانصد ریال به موجب چک شماره ۸۲۹۸ در ۲۳ آذرماه ۱۳۱۶ از محل اعتبار مخفی به شهربانی مشهد برات شده است که مختار و وقار نتوانسته‌اند محل مصرف آن را تعیین نمایند.

حسابدار مخارج مخفی نیز راجع به مصرف این مبلغ گزارش داده که مشارالیه اطلاعی ندارد که وجه مزبور برای چه مصرفی به شهربانی مشهد داده شده تا به حال هم اسناد هزینه آن نرسیده که محل مصرف آن معلوم شود که با ترتیب پرداخت انعام در مورد قتل نصرت‌الدوله و شیخ خزعل و توضیحاتی که حسابدار مخارج مخفی در آن پرونده‌ها داده و سایر قرائن و نشانیهای موجود حکایت دارند که مبلغ مزبور، به عنوان انعام به مأمورین قتل مدرس پرداخته شده است. بنا به مراتب فوق‌الذکر به نظر دادستان دیوان کیفر محمود مستوفیان و حبیب‌الله خلجی مدرس را به شرکت یکدیگر خفه کرده و جهانسوزی و وقار و رکن‌الدین مختار در این قتل معاونت نموده‌اند و رسیدگی و صدور حکم مجازات مستوفیان و حبیب‌الله خلجی طبق ماده ۱۷۰ قانون مجازات عمومی و

جزء ماده ۲۷ همان قانون و نسبت به جهانسوزی و وقار و مختار در حدود مواد ۱۷۰ و ماده ۲۸ همان قانون مورد تقاضا است.
درباره سید حسن مدرس اعلی‌الله مقامه کتاب و رساله زیاد نوشته شده است. وی بدن شک یکی از روحانیون و سیاستمداران برجسته ایران در چند قرن اخیر است. عالمی روشنفکر و ناطقی برجسته و سیاستمداری باهوش و باذکاوت بود. در شجاعت نظیر نداشت، استغنای طبع داشت. به مال دنیا اعتنایی نداشت و در کمال سادگی زندگی می‌کرد. تلاش وی برای جلوگیری از خلع قاجاریه و زمامداری سردار سپه به همان روز نهم آبان ماه ۱۳۰۴ اختصاص نداشت بلکه از آغاز سفر سوم احمدشاه به اروپا و رئیس‌الوزرایی سردار سپه آغاز شد. مدرس وقتی از آمدن احمدشاه به ایران مأیوس گردید درصدد برآمد محمد حسن میرزا را به پادشاهی برگزیند ولی در ضمن عمل متوجه شد که هیچکاری از وی ساخته نیست. به فکر یکی از افراد برجسته خاندان قاجار افتاد گویا این شخص ناصرالدین میرزا ناصری کوچکترین فرزند مظفرالدینشاه بود که هوش و درایتی خاص داشت چندی نیز با خزعل در این مورد مذاکره داشت ولی دست آشکار و پنهان دولت انگلیس برای آینده ایران طرحی نو ریخته بود که بالاخره آنهم به مرحله اجرا درآمد.
سید حسن بن اسماعیل بن میر عبدالباقی قمشه‌ای از طایفه‌ی میر عابدین از سادات طباطبایی و از رجال روحانی و سیاسی دوره‌ی مشروطیت و پهلوی (و. قریه‌ی سرابه کچو در اردستان به سال ۱۲۸۷ ه.ق ف. کاشمر ۲۶ رمضان ۱۳۵۷ ه.ق مطابق با ۲۳ آذرماه ۱۳۱۶ خورشیدی.) در سن ۱۶ سالگی به جهت تحصیل به اصفهان رفت، سیزده سال در اصفهان مشغول تحصیل بود، سپس به عتبات رفت و محضر علمای بزرگ نجف را درک نمود. آنگاه به اصفهان بازگشت و به تدریس پرداخت. در دوره‌ی دوم مجلس و ادوار بعد نماینده بود. با سلیمان میرزا و یاران وی از تهران مهاجرت کرد و سپس به تهران بازگشت. در ۱۳۰۵ ه.ش در کوچه‌ی پشت مسجد سپهسالار به او سوءقصد شد ولی به سلامت رست.
(ح ۱۲۸۷- شهادت ۱۳۵۷ ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس، متکلم، مجتهد سیاسی و نماینده‌ی مجلس. معروف به مدرس. جامع معقول و منقول بود. در روستای سرایه کچو از توابع اردستان به دنیا آمد. پدرش از خطیبان و واعظان بود. شش ساله بود که به همراه جد و خانواده‌اش به قمشه مهاجرت کرد. او مقدمات را از محضر پدر و جدش آموخت. برای تکمیل تحصیلات به اصفهان رفت و سیزده سال در فقه و اصول و علوم عربی و فلسفه از محضر میرزا عبدالعلی هرندی نحوی و جهانگیرخان قشقایی و آخوند کاشی و آقا سید محمد مغنی و دیگران استفاده نمود. سپس به نجف رفت و هفت سال در محضر آقا سید محمدکاظم یزدی و شیخ محمدکاظم آخوند خراسانی و ملاعلی نهاوندی تلمذ نمود. سپس به اصفهان بازگشت و در مدرسه جده سکونت کرد و به تدریس فقه و اصول پرداخت. مدتی بعد به تهران آمد و در مدرسه‌ی سپهسالار (شهید مطهری فعلی) به تدریس فقه و اصول مشغول شد و مدتی تولیت آنجا را عهده‌دار بود. وی در دوره‌ی دوم انتخابات مجلس شورای ملی با سمت مجتهد طراز اول، به عنوان ناظر بر جریان قانونگذاری، از جانب علمای نجف انتخاب شد و در دوره‌ی بعد از جانب مردم تهران منتخب گردید و جمعا پنج دوره در مجلس شرکت نمود و همزمان به تدریس در مدرسه‌ی سپهسالار می‌پرداخت. در جریان کشمکش‌های سیاسی بعد از کودتای ۱۲۹۹ ش و به قدرت رسیدن رضاخان نهایتا در ۱۳۰۷ ش دستگیر و به خراسان تبعید شد و سرانجام در زندان کاشمر توسط مأمورین شهربانی به شهادت رسید و در امامزاده‌ی آنجا دفن شد.[۱]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)
منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۲۲ -۲۱/ ۵)، بازیگران عصر طلایی (۳۳۶ -۱۳۳)، تذکرة القبور (۲۵۵ -۲۵۴)، شرح حال رجال (۳۴۵ -۳۴۳/ ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۸۳ -۳۸۱/ ۱۴)، مدرس قهرمان آزادی (۱ و ۲).

مدرس، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن میر سید حسن مدرس. عالم فاضل صالح، در ۱۲۵۳ متولّد، و در ۱۳۱۹ وفات یافته، جنب پدر مدفون گردید. مقدّمات علوم را در اصفهان آموخته، و در سال ۱۲۷۱ به عتبات جهت تکمیل تحصیلات مهاجرت نموده، و نزد شیخ انصاری و دیگران تحصیل نموده، و در ۱۲۹۱ به اصفهان مراجعت کرده، به درس و بحث و اقامه جماعت پرداخته است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مدرس، مجید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۳۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: فیزیک، دانشگاه: صنعتی امیرکبیر
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی فیزیک از دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۵۴، کارشناسی ارشد فیزیک نشری از دانشگاه منچستر در سال ۱۳۵۶، دکترای تخصصی فیزیک نظری از دانشگاه منچستر در سال ۱۳۵۸.
مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه منچستر از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۸، استادیار دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۵، دانشیار دانشگاه صنعتی امیرکبیر از سال ۱۳۶۵، دانشیار مرکز فیزیک تئوری و ریاضی از سال ۱۳۶۵ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس فیزیک کاربردی، مکانیک کوانتومی، مکانیک تحلیلی، مکانیک آماری، فیزیک مدرن در دانشگاههای صنعتی امیرکبیر، بیرجند و الزهرا، شرکت و سخنرانی در کنفرانسهای بین‌المللی، عضویت در مرکز بین‌المللی فیزیک نظری، عضویت در انستیتوی فیزیک در انگلستان.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مفاهیم فیزیک هسته‌ای و آشنائی با فیزیک هسته‌ای.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۸

زمینه علمی مقالات:

فیزیک هسته‌ای، محاسبه انرژی پیوندی ماده هسته‌ای، کاربرد روشهای بی‌ذره‌ای، محاسبه پذیرش مغناطیسی، فیزیک ذرات بنیادی، محاسبه ساختار کوارکی هسته، نومکئونها و ساختار قطبی دگی پروتون.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مدرس، محمد تقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند علّامه میر سید حسن مدرس میر محمّد صادقی.

عالم فاضل جلیل القدر عظیم المنزله، در ۱۳ صفر سال ۱۲۷۳ متولّد، در شب ۲ شنبه ۷ ربیع الثانی سال ۱۳۳۳ وفات یافته، در بقعه پدر خویش جنب مسجد رحیم خان مدفون گردیده.

عمده تحصیلات او در اصفهان نزد آقا میرزا محمّد هاشم چهار سوقی بوده، سپس مدّت ده سال در اعتاب مقدّسه محضر علمای آن سامان کسب فیوضات نموده، و در آنجا خدمت میرزا محمّد حسن شیرازی و جمعی دیگر درس خوانده، تا به مقامات عالیه اجتهاد نایل شده است.

در ۱۳۰۵ به امر استاد به اصفهان مراجعت نموده، حوزه درس تشکیل داده، و عدّه‌ای نیز از مجلس درس او مستفید می‌شدند.

مجموعه‌ای از چندین رساله از رسائل تألیفی او به نام «الرسائل التقویّة فی المسائل الفقهیّة» به طبع رسیده، و آنها عبارت است از: ۱- رساله در بیان وجه ممیّز بین حقّ و حکم ۲- رساله در صلاة مسافر ۳- رساله در منجزّات مریض ۴- رساله در قاعده من ملك شیئاً ۵- رساله در ماهیّت اجاره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مدرس، مرتضی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مرتضی معروفه (به شیخ مرتضی) بن سید علی‌رضا بن سید زین‌العابدین بن سید محمد بن سید مرتضی بن سید محمد اخباری بن علامه میرزا صدرالدین محمد بن میرزا محمدنصیر بن میرزا محمدصالح مشهور به اردکانی حسنی طباطبائی که به نام وی بقعه اسحاقیه مدرسه مصلی یزد بنا شده و نسبش منتهی به ابی‌الحسن محمدالشاعر نسابه اصفهانی متوفی ۳۲۲ صاحب کتاب نقد الشعر و غیره و از وی به حضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام منتهی می‌شود.

وی مانند همنامش علامه بزرگ شیخ مرتضی انصاری صاحب مبانی علمیه در فقه و اصول بوده و در عصر خویش ریاست علمی و قضا در شهر یزد داشته و در بیت و خاندان مدرسی یزد نابغه زمان و یگانه دوران بوده و سید استاد ما علامه متبحر و نسابه متتبع در کتاب تراجم و مشجرات خود از ایشان به عظمت یاد نموده.

خلاصه آن جناب از بزرگان فقهاء و مدرسین عصر خود و معاصر با آخوند خراسانی و علامه یزدی صاحب عروه‌الوثقی بود و با آنکه در فقه و اصول عالمی زبردست بوده دانشمندی عارف و هم حکیمی ریاضی‌دان به شمار می‌آمده و از عالم عشق و محبت بهره‌ی وافر داشته چنانچه می‌گوید.

مرا از عاشقی بیگانه مشمار

که با روی تو دارم آشنائی

آن بزرگوار دارای تالیفات و تصنیفات عدیده در فقه و اصول و حکمت بوده که متاسفانه در اثر سهل‌انگاری خاندانش از بین رفته

است.
وفات ایشان در شب دوم رجب سال ۱۳۳۳ قمری واقع شده و در مزار (جوی هرهر) یزد به خاک رفته. مرحوم مضطر شاعر مرثیه‌ای در فوت او سروده که مطلعش این است. تا رفته از جهان شیخ المدرسین
خون بارد آسمان از دیده بر زمین
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرس، موسی

قرن:۱۵
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید موسی مدرس
محل تولد : اندیمشک
شهرت : میر مدرس
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی
سال ۱۳۶۰وارد حوزه علمیه قم شدم و ادبیات عرب و مقدمات را از محضر مرحوم مدرس افغانی و آقایان طالقانی و خسرو شاهی فرا گرفتم. و سطوح میانی و عالی را از محضر حضرات آیات راستی کاشانی، اعتمادی و اساتید مرحوم وجدانی فخر و محامی خراسانی تلمذ نمودم و در سال ۱۳۶۵ به عنوان شاگرد ممتاز شناخته شده، از طرف حضرت امام خمینی(ره)قائم مقام رهبری وقت و آیهٔ الله گلپایگانی(ره) جایزه دریافت کردم. در همین دوران، نویسندگی و پژوهش را نیز تجربه کردم و در سال ۱۳۸۶ همزمان در رشته تخصصی قضاء، در حوزه علمیه قم و کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی با گرایش فلسفه و کلام در دانشگاه قم پذیرفته شدم و تحصیل در این دو رشته را آغاز نمودم. حدود ۱۵ سال در درس خارج فقه و اصول اساتید برجسته حوزه علمیه قم شرکت نموده‌ام (۱۵ سال از درس خارج اصول آیه الله وحید خراسانی،حدود ۱۳ سال از درس خارج فقه آیهٔ الله شیخ جواد تبریزی (ره) و حدود ۵/۱ سال از درس خارج فقه (کتاب حج) آیهٔ الله فاضل لنکرانی استفاده کرده‌ام). و تاکنون بیش از چهار کتاب و ده‌ها مقاله در زمینه‌های تاریخی–تفسیری،تاریخ سیاسی ایران و اسلام،فقهی–حقوقی،حقوق اساسی و اندشیه‌سیاسی، و فرهنگی–هنری به چاپ رسانده‌ام.

مدرس‌زاده رحمانی، مهین‌دخت

قرن:۱۴
جنسیت:زن
ملیت:ایران
سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مدرسی اول، مهدی

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حشره‌شناسی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: فردوسی مشهد
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مدرسی سعیدی، محمد

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد بن سید هاشم بن محمد بن محمدعلی بن علینقی بن حسین بن محمدسعید بن محمدامین بن محمدکبیر بن محمدرضی بن محمدمحسن بن غیاث‌الدین الحسینی الحسنی: از علماء و ائمه جماعت شهرستان یزد بودند.
وی در روز یکشنبه ۲۸ ج ۲ سال ۱۲۸۴ قمری در یزد به دنیا آمده و در همانجا تحصیل علم و کمال نموده و از محضر علماء بزرگ شهرستان یزد مانند ابوالزوجه‌اش آیت‌اللّه حاج سید مرتضی مدرس و دیگران استفاده علمی نموده و بعد به اقامه جماعت و خدمات

دینی پرداخته تا در شب جمعه ۱۸ محرم ۱۳۶۵ قمری که در سن ۷۱ سالگی بدرود حیات گفته و در مقبره عطارها واقع در قبرستان (جوی هرهر) یزد مدفون شده است.

آن مرحوم دارای دو پسر که از دانشمندان و مروجین معاصرند و یک دختر که همسر مرحوم مبرور حجهٔالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمدتقی محققی لاهیجانی که حدود ده سال از طرف مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی رهبری مردم مسلمان (هامبورک) آلمان را داشتند بودند.

آقای محققی داماد مرحوم آیت‌اللَّه مدرس سعیدی از دانشمندان روشنفکر و دارای علوم قدیم و جدید و استاد در علم هندسه و هیئت و تشریح در قم بودند و سالها در مسجد مرحوم سعیدی در یزد اقامه جماعت می‌نمودند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرسی یزدی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عباس فرزند مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید یحیی مدرسی یزدی از فضلا مدرسین حوزه علمیه نجف اشرف و مقیم حوزه علمیه قم می‌باشند که به زیور علم و تقوی آراسته‌اند.

ایشان در ماه جمادی‌الثانی ۱۳۶۴ قمری در نجف اشرف متولد شده و در سن ده سالگی ملبس به لباس روحانیت گردیده و مشغول به تحصیل علوم عربیت و ادبیت شده و سطوح را نزد اساتید فن مانند آیت‌اللَّه حاج سید محمدباقر محلاتی و آیت‌اللَّه حاج سید مرتضی خلخالی و آیت‌اللَّه حاج سید مرتضی فیروزآبادی قدس‌اللَّه سره به پایان رسانیده و خارج فقه و اصول را از محضر آیات عظام و اساتید کرام چون آیت‌اللَّه حاج میرزا باقر زنجانی و آیت‌اللَّه حاج میرزا حسن بجنوردی و دیگران استفاده نموده و تقریرات دروس آیات و اساتید بزرگ را به نام نموذج فی الفقه الجعفری تألیف و تدوین کرده و به چاپ رسانیده‌اند و در حال حاضر در حوزه علمیه قم به تدریس سطوح عالیه و خارج اصول و فقه اشتغال دارند مانند اوقاتی که در نجف اقامت داشتند.

آثار مطبوع و مخطوط معظم‌له

۱- نموذج فی الفقه الجعفری که به اهتمام آقای داوری به طبع رسیده است.

۲- شرح بر کفایه الاصول

۳- شرح بر اصول بعضی از محققین

خاطره‌ای از والد ماجدشان

مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید یحیی مدرسی یزدی از مشاهیر آیات عظام حوزه نجف اشرف و اعاظم شاگردان مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی و آیت‌اللَّه حاج میرزا حسین نائینی و آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی بودند.

آقای حاج سید محمدرضا میبدی مقیم گرگان که از شاگردان مبرز ایشان و مشاهیر دانشمندان معاصرند در شمال ایران کرارا برای نگارنده گفتند که استاد ما مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید یحیی مدرسی یزدی فرمودند چون استاد ما مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی در ذی‌حجه ۱۳۶۱ قمری فوت نمود و دروس برای احترام ایشان کلا- تعطیل شد و سه روز برای او به سوگ و عزا نشستیم رفقا و شاگردان آن مرحوم از من خواستید که از حضرت آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی بخواهم که درس را شروع کنند.

پس من صبح روز سه‌شنبه به منزل آن مرحوم رفتم و درخواست آقایان را به ایشان گفتم مرحوم آیت‌اللَّه غروی رحمه‌اللَّه فرمودند آقای حاج سید یحیی خود من هم عازم بودم که درس را شروع کنم لکن امروز صبح مشغول تعقیب نماز بودم که دیدم آقای آقا ضیاء آمدند درب اطاق و به من گفتند شیخ محمدحسین آماده باش که شب جمعه این هفته پیش ما خواهی آمد. و من سه روز دیگر بیشتر زنده نیستم و شب جمعه خواهم مرد. این جمله را در حالی فرمودند که هیچ کسالتی نداشتند.

پس شب جمعه همان هفته سکته کرده‌اند و از دنیا رفتند و از جناب حاج سید رضی شیرازی نوه آیت‌اللَّه العظمی میرزا محمدحسن شیرازی (مجدد) که از علماء بنام تهرانست شنیدم که فرمودند مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید جمال‌الدین گلپایگانی که از مراجع بزرگ نجف بودند نیز فرمودند شب جمعه مشغول تهجد بودم که دیدم آقای آقا ضیاءالدین عراقی به اتفاق حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی به منزل آیت‌اللَّه حاج شیخ مهدی کفائی فرزند بزرگ مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی رفتند و از اجل و مرگ خود خبر می‌دهند زیرا ملهم هستند چنانچه در عصر این نویسنده مرحوم آیت‌اللَّه آقای آقا سید محمد حجت کوهکمری قدس‌اللَّه سره متوفی ۱۳۷۰ قمری و آیت‌اللَّه حاج سید احمد خونساری رضوان‌اللَّه تعالی علیه متوفی ۱۴۰۵ قمری و آیت‌اللَّه مرعشی نجفی متوفی ۱۴۱۱ قمری از حادثه مرگ خویش خبر دادند.

و نگارنده در روز چهارشنبه هفتم ماه صفر ۱۴۱۱ روز شهادت حضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام که در منزل یکی از مدرسین عالی برای روضه رفته بودم یکی از فضلاء کنار من نشسته آهسته خبر از مرگ و رحلت آیت‌اللَّه العظمی مرعشی نجفی رحمه‌اللَّه داد که مورد تعجب نگارنده شد و آن را خیلی عادی و حمل به بعضی از اغراض نمودم چون حال ایشان خوب بود و در حسینیه منزلشان مجلس سوگواری بود و شب پنجشنبه برای نماز مغرب و عشاء به صحن آمده و حقیر هم بودم و توفیق آخرین نماز را با ایشان رفتم.

پس ایشان بعد از پایان نماز به منزل رفتند و یک ساعت بعد هم به اجداد گرامیشان پیوستند طاب‌اللَّه ثراه.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مدرسی یزدی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدعلی مدرسی حسنی طباطبائی یزدی فرزند آیت‌اللَّه العظمی حاج سید یحیی طباطبائی مدرسی یزدی (طاب‌اللَّه ثراه) از علماء محترم و مدرسین بزرگ حوزه علمیه نجف اشرف در قم می‌باشند.

ایشان در شب جمعه اول جمادی‌الاول سال ۱۳۵۸ قمری هجری در نجف اشرف متولد شده و در سن هفت سالگی به مکتب خانه قدیم رفته و در مدت چهار سال خواندن و نوشتن را تکمیل نموده و به تحصیل مقدمات پرداخته و در خدمت والد ماجدش و نیز داماد بزرگشان حاج سید محمدباقر مدرسی ادبیات را به پایان رسانیده و سطوح متوسطه و نهائی را در خدمت حاج شیخ علی‌اصغر اراکی و آیت‌اللَّه حاج سید مرتضی خلخالی خوانده و نیز خیارات مکاسب را در خدمت آیت‌اللَّه حاج شیخ غلامرضای باقری نجف‌آبادی (مقیم مشهد مقدس) تلمذ نموده و جلدین کفایه را از محضر والدش استفاده نموده و به درس خارج اصول آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی شرکت و هم به خارج اصول و فقه والد خود حاضر شده و در سال ۱۳۸۳ قمری به دریافت اجازه اجتهاد مطلق از مرحوم آقای شاهرودی و والد بزرگوارش نائل گردیده و در شانزدهم ماه صفر ۱۳۸۳ قمری که والدش فوت کردند به درس خارج اصول آیت‌اللَّه حاج میرزا حسن بجنوردی حاضر شده و یکدوره اصول را از ایشان استفاده نموده و هم از محضر آیت‌اللَّه حاج میرزا باقر زنجانی بهره‌مند و چندی هم از ابحاث فقه مرحوم آیت اللَّه العظمی حاج سید محسن حکیم استفاده کرده و عمده مبنا و آراء ایشان همان نظریات و مبانی والد بزرگوارش حاج سید یحیی مرحوم بوده و می‌باشد و حضور در دراسات آیات عظام مذکور مبدل و مغیر نظریات ایشان نشده بلکه بیشتر معتقد به صحت مبناء آن مرحوم گردیده و در سن بیست و پنج سالگی مشغول به تدریس خارج فقه و اصول شده و پس از تسفیر به ایران هم که در حوزه علمیه قم اقامت نموده به گفتن درس خارج اشتغال دارند و عده‌ای از محضرشان استفاده می کنند.

آثار علمی ایشان

۱- حاشیه بر عروه الوثقی علامه یزدی از اول تا آخر.

۲- کتاب مضاربه در حدود هشت صد صفحه که آماده چاپ است.

والد ماجدشان آیت‌اللَّه العظمی حاج سید یحیی طباطبائی مدرسی یزدی یکی از اکابر فقهاء و مجتهدین بیت جلیل مدرسی یزدی بوده‌اند. ایشان در یزد متولد شده و پس از طی مقدمات و سطوح نهائی در سال ۱۳۴۱ قمری راس دومین سال تأسیس حوزه علمیه قم از یزد به قم آمده و حدود ده سال اقامت و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری یزدی و آیات عظام دیگر استفاده نموده و در سال ۱۳۵۱ قمری مجتهدا مهاجرت به نجف اشرف نموده و مستقیما به درس مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا حسین نائینی و آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی شرکت و استفاده نموده و خود مستقیما به تدریس خارج فقه و اصول پرداخته و یکی از اساتید و مدرسین بزرگ حوزه علمیه گردیده تا در شانزدهم ماه صفر ۱۳۸۳ قمری که بدرود حیات گفته و در جوار جد گرامیش در یکی از حجرات صحن مطهر مدفون گردیده است.

دارای دو فرزند فاضل و دانشمند بوده است.

۱- جناب حاج سید محمدعلی یاد شده.

۲- حاج سید عباس مدرسی یزدی که ذکرش درگذشت.

سید محمدعلی متولد ۱۳۵۸ ق از فضلاء حوزه علمیه نجف و مانند والدش دارای ملکات فاضله و اخلاق حمیده و متواضع می‌باشد از آثار اوست تقریرات درس والدش در فقه و اصول و نیز تقریرات مرحوم آیت‌اللَّه شاهرودی و آیت‌اللَّه بجنوردی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرسی یزدی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۳ -۱۳۲۱ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد و مدرس. در یزد به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات، سطوح عالیه را در خدمت سید حسین باغ گندمی و سید احمد مدرس و سید علی‌رضا حایری فراگرفت. در ۱۳۴۲ ق به قم رفت و چندین سال در محضر آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی و آیت‌اللَّه آقا سید علی یثربی کاشانی تلمذ نمود. آنگاه به نجف مهاجرت کرد و از محضر شیخ آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللَّه شیخ محمدحسین نایینی استفاده نمود. پس از رسیدن به درجه‌ی اجتهاد خود به بحث و تدریس پرداخت. وی در ۱۳۸۳ ق به قصد بازگشت به ایران، در کرند کرمانشاه درگذشت و پیکرش به قم منتقل و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد. از آثارش: «الاجتهاد و التقلید»؛ «قاعدهٔ لا ـ ضرر»؛ «منجزات المریض»؛ حاشیه بر «عروهٔ الوثقی»؛ «تقریرات» اساتیدش علامه نایینی و شیخ عراقی، در فقه و اصول؛ «رساله‌ی عملیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (۲۲۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۸۷ -۲۸۶/ ۷)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۳۶۲ - ۱۳۶۱/ ۳).

مدرسی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد فرزند فاضل کامل آقا سید محمد مدرس طباطبائی یزدی از سلسله جلیله مدرسیه از علماء معاصر یزد است.

وی در سال ۱۲۹۵ قمری متولـد و پس از دوران مکتب و پرورش در حجر والـد مبرورش که از علماء معروف یزد به شـمار می‌رفتند تربیت علمی و اخلاقی یافته و نیز از محضـر اساتید دیگر یزد کسب مقدمات و فقه نموده و از محضـر مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید یحیی موسوی که از مفـاخر علماء و آیات عظام یزد بودنـد بالغ بیست سال اسـتفاده نموده و سالیان دراز در مـدرسه مصلی صـفدرخان به تدریس سطوح پرداخته و عده بسیاری که به مقامات عالیه علمی نائل شدند از محضر ایشان کسب علم و فیض نموده‌اند.

و نیز ایشـان سالهـای متمادی در مسـجد مصـلی و مسـجد بیاقخان و مسـجد فرط در سه وقت اقامه جماعت نموده و ضـمنا مردم را با بیانات خود مسـتفیض می‌نمودند و در طول عمر جز به کار تحصیل و تدریس و امامت اشتغال نداشتند تا در اواخر عمر که به واسطه ضعف و کسالت بستری و متقاعد از خدمت گردیده و بالاخره در سال ۱۳۸۰ قمری وفات و در جنب امامزاده جعفر یزد مدفون و از خود دو فرزنـد روحـانی به نـام آقـا سـید محمـد و آقـا سـید جواد به یادگـار گـذارده که هر دو به انجام وظائف روحانی خود موفق می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرسی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جواد مدرسی فرزند حجهْالاسلام والمسلمین آقا سید احمد مدرسی مذکور از ائمه جماعت معاصر یزد می‌باشند.

وی در سال ۱۳۴۴ قمری در یزد متولد شده و در تحصـیلات ابتدائی و فارسـی را تا حدود کلاس ۹ خوانده و پس از آن به تحصـیل علوم دینی پرداخته و بیشتر از مرحوم والدش استفاده نموده.

و چنـد ماه قبل از ورود آیت‌اللَّه العظمی بروجردی در سال ۱۳۶۴ ق در سن بیست سالگی به قم مهاجرت و از محضـر اساتید بزرگ بالخصوص مرحوم آیت‌اللَّه حاج آقا روح‌اللَّه کمالونـد و آیت‌اللَّه العظمی مرعشـی نجفی بهره‌مند شده و بعد از آن از ابحاث مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه گلپایگانی مستفیض گردیده.

ولی به واسـطه عروض کسالت در سال ۱۳۷۲ قمری به یزد مراجعت و تـا هم‌اکنون به انجـام وظائف دینی و روحی از قبیل امامت در مسجد بیاق‌خان و تدریس در جامع امیر چقماق و مدرسه مصلی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرسی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید حسن مدرسی سر یزدی بن السید العلام السید زین‌العابدین از علماء معروف معاصر کرج است.

وی در سال ۱۳۱۸ قمری هجری در قریه سـر یزد از مضافات یزد بـدنیا آمده و در سن ۱۷ سالگی در سال ۱۳۳۵ قمری برای تحصیل عزیمت یزد نموده و در آنجا در خدمت مرحوم حجهْالاسـلام آقا سـید حسین باغ گندمی و آقا میرزا سید احمد مدرس و آخوند ملا حسن اردکانی و مرحوم آقا سـید مهدی یزدی تهرانی تحصـیل ادبیات و سـطوح نموده و در سال ۱۳۴۲ قمری که آیات عظام حوزه نجف در قم بسـر می‌بردنـد مهـاجرت به قم نموده و از محضـر مرحوم آیت‌اللَّه آقـا میرزا سـید علی یثربی کاشـانی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج سـید محمـدتقی خونساری و مرحوم آیت‌اللَّه میرزا محمـد همدانی و آیت‌اللَّه العظمی حایری و مرحوم آیت‌اللَّه حجت اسـتفاده نموده و پس از ورود مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی نیز حدود ده سال بدرس آن مرحوم حاضـر و بهره‌مند گردیده تا سال ۱۳۷۵ قمری که مرحوم حجهْالاسـلام آقا سـید میرزا جنـدقی امام مسـجد جامع کرج فوت نمودند بنا بر اصـرار مردم کرج و امریه حضـرت آیت‌اللَّه العظمی بروجردی منتقـل بکرج و تـاکنون در مسـجد جـامع کرج واقع در خیابـان چالوس به اقامه جماعت و خـدمات دینی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آقای مدرسـی که داماد مرحوم حجهْالاسـلام آقا شیخ محمد توسرکانی حایری (داماد معظم مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حـایری مؤسـس حـوزه علمیه می‌باشـند عـالمی مـتین و بزرگـوار و دور از هرگونه تظـاهرات و خودنمـائی و موصوف بفضـل و تقوا هستند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مدرسی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین مدرسی یزدی فرزند مرحوم عالم ربانی حجهٔالاسلام حاج سید محمود مدرسی یزدی (داماد معظم آیت‌اللّه حاج آقا مجدالدین محلاتی شیرازی) یکی از چهره‌های درخشان حوزه علمیه قم می‌باشند که به زیور علم و عمل و متانت و مناعت طبع و بزرگواری آراسته است و اکنون سالیان دراز است که در آمریکا (واشنگتن) به خدمات دینی و فرهنگی در آن منطقه باختری اشتغال دارد و خدمات چشمگیری هم انجام داده است.

آقای مدرسی در سال ۱۳۱۴ شمسی در قم به دنیا آمده و در بیت دانش و ورع پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید به تحصیل علوم دینی پرداخته و ادبیات و سطوح اولیه و عالیه را از مدرسین و اساتید حوزه علمیه آموخته و چند سالی هم از دروس آیات عظام استفاده کرده و زبان انگلیسی و غیره را نیز فراگرفته و برای خدمت بیشتر سفر به اروپا و امریکا نموده و چندین سالست که در امریکا و در دانشگاه واشنگتن اشتغال به تدریس علوم و فنون اسلامی و تبلیغ احکام و ترویج دین مبین اسلام و تنویر افکار دانشجویان و غیره دارند.

آقای مدرسی با بیت شریف محلاتی شیراز وصلت نموده و صبیه آیت‌اللّه حاج شیخ مجدالدین محلاتی فرزند مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ بهاءالدین محلاتی شیرازی را در اختیار دارند و بسیار مورد علاقه این بیت مخصوصا پدر همسر خود می‌باشند.

آقای مدرسی دارای تألیفات ارزنده هستند که به زبان فارسی و انگلیسی به طبع رسیده است و متاسفانه تاکنون فهرست آن به دست حقیر نرسیده که در اینجا منعکس نمایم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مدرسی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عباس متولد ۱۳۶۳ ق فاضلی جلیل و خوش مجلس و محاوره و مانند برادر مذکورش دارای محامد اخلاق می‌باشد از آثار او تقریرات درس میرزا باقر زنجانی در فقه و اصول و رساله‌ای در فروع علم اجمالی و رساله‌ای در جوائز سلطان می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرسی، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علیرضا مدرسی از علماء معروف معاصر یزد بوده است.

وی در حدود ۱۳۲۳ قمری در یزد متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات و ادبیات و سطوح را از مرحوم والدش و دیگران در یزد آموخته و پس از آن به قم مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری و مرحوم آیت‌اللّه حجت استفاده نموده است.

و پس از آن عزیمت به نجف اشرف و چندی از محاضر آیات عظام چون مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی بهره‌مند شده و با دریافت اجازات علمی و روایتی از آنان به یزد مراجعت و در مدرسه مصلی (اسحاقیه) به تدریس و اقامه جماعت پرداخته تا در اواخر که به واسطه کسالت قند و ضعف چشم و غیره از تدریس مانده و در ماه مبارک ۱۳۹۳ قمری وفات و جنازه‌اش با تجلیل حمل به قم و در قبرستان شیخان جنب مقبره جناب زکریا بن آدم اشعری مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرسی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد بن آیت‌اللّه آقا سید احمد مدرسی متولد ۱۳۳۵ قمری از علماء و ائمه جماعت معاصر یزدند.

وی غالب تحصیلاتش را در یزد از مرحوم والدش فراگرفته و پس از آن به قم مهاجرت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّه آقا میرزا محمد همدانی استفاده نموده و بعد به واسطه عوارضی به یزد مراجعت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا میرزا سید علی مدرس که از مفاخر علماء شیعه در عصر خود بودند و نیز آیت‌اللّه حاج میرزا آقا مدرس فرزند گرامی آن مرحوم استفاده نموده سپس در مدرسه مصلی یزد به تدریس سطوح عالی پرداخته و در مسجد فرط اقامه جماعت نموده و قریب بیست سال است که در تابستانها در طرزجان یزد که نسبتا منطقه ییلاقی آنجاست امامت و تدریس در مدرسه علمیه توفیقیه که به همت و مساعی جمیله ایشان بنا شده می‌نمایند.

دارای چهار پسر به نامهای زیر ۱- آقا سید محمدحسین که از محصلین علوم دینیه است ۲- آقا سید محمدصادق ۳- آقا سید

محمدکاظم ۴- آقا سید احمد می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرسی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای سید محمدحسن بن العلامه سید محمد مدرسی یزدی از علماء اعلام و فقهاء عظام و دانشمندان کرام حوزه علمیه و ائمه جماعت شهرستان قم می‌باشند.

در حدود سال ۱۳۲۰ قمری در یزد متولد شده و پس از رشد و دیدن قسمتی از سطوح مهاجرت به قم نموده و سطوح را نزد مدرسین بزرگ قم تکمیل و به حوزه درس مرحوم آیت‌الله موسس حایری و آیت‌الله حجت رحمه‌الله حاضر شده و مدت ۱۸ سال هم از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی انارالله برهانه استفاده نموده و در پائین شهر قم به ترویجات دینی و روحی و اقامه جماعت پرداخته و تا هم‌اکنون به خدمات مذهبی اشتغال دارند.

والد ماجدش مرحوم علامه حاج سید محمد یزدی از شیوخ علماء و اکابر دانشمندان یزد بوده و در سال ۱۳۴۱ قمری در یزد از دنیا رفته و در قبرستان جوی هرمر به خاک رفته است.

برادر ارجمندش جناب عالم فاضل حاج سید محمدباقر میرصالحی مدرسی از ائمه جماعت یزد بوده‌اند.

فرزندان ارجمند روحانی دارد که در سلک روحانیت به تبلیغات مسائل احکام و ترویجات دینی از طریق منبر اشتغال دارند و آنها به اسامی زیر می‌باشند.

۱- حاج آقا محمد مدرسی که از وعاظ محترم قم و تهران می‌باشند.

۲- حاج‌آقا علی مدرسی یزدی که با مولف طریق صداقت را دارند.

۳- حاج‌آقا کاظم مدرسی.

۴- حاج‌آقا احمد مدرسی یزدی ۵- آقا محمود مدرسی

۶- آقا رضا مدرسی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مدرسی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران سید محمد رضا مدرسی

محل تولد : یزد

شهرت : مدرسی یزدی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔ الله سید محمدرضا مدرسی یزدی در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی در یزد و در میان خانواده‌ای متدیّن و اهل علم و دوستدار خاندان گرامی پیامبر اکرم (ص) به دنیا آمد. پدرش آیهٔ الله سید جواد مدرسی یزدی که هم اکنون نیز در قید حیات است، از علما و دانشمندان مشهور یزد به شمار می‌آید و سالهاست که به خدمت به جامعه اسلامی و مردمان نستوه و فداکار دیار خود می‌پردازد. آیهٔ الله سید جواد مدرسی از استادان مشهور اخلاق است که سیرهٔ علمی و عملی او سر مشق جامعه اسلامی و مردمان و دین باوران بوده است. پدر آقا سید جواد، آیهٔ الله سید احمد مدرسی ـ نیز از استادان مبرز حوزهٔ علمیه به شمار می‌آمده است. خاندان مادری آیهٔ الله محمد رضا مدرسی یزدی نیز از خانواده‌ای متدین و روحانی به شمار می‌آیند. که اینها خود در شکل گیری شخصیت استاد مدرسی سهم بسزایی داشته است. آیهٔ الله مدرسی یزدی در حدود ۵ سالگی به مکتب رفت و تحصیلات خود را در همان جا آغاز کرد. پیش از ۷ سالگی به دبستان رفت و پس از آن به دبیرستان راه یافت، به گونه‌ای که در کنار دروس دبیرستان، برخی از دروس مقدمات حوزه را نیز فرا گرفته بود. پس از آن با اشتیاق فراوان درس حوزه را در مدرسهٔ معروف به مصلی آغاز کرد و در مدت کمی دروس دورهٔ مقدمات را فرا گرفت. با اتمام دروس دورهٔ مقدمات، دروس سطح را شروع کرد و پس از مدتی به قم عزیمت کرد. در قم نیز به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد و سالها از خرمن علم و عمل آنان خوشه چید. او در این سالها به تحصیل دروس مرسوم حوزه بسنده نکرد و در کنار آن به دروس نجوم، هیئت، فلسفه غرب و اقتصاد و نیز فراگیری زبانهای خارجی پرداخت و در رشته‌های فلسفه و کلام و تفسیر و حدیث نیز کتب بسیاری را مطالعه کرد و در این دروس نیز شرکت می‌نمود. با پایان یافتن دروس دورهٔ سطح، به درس خارج استادان برجسته حوزه علمیه قم راه یافت و سالهای متمادی در آن دروس شرکت می‌جست. به همراه آن، در درسهای فلسفه و کلام نیز حضور جدی داشت و هیچ گاه مطالعه دروس جنبی و دروس دانشگاهی را رها نکرد. او در سالهای تحصیل خود از محضر اساتید اخلاق نیز استفاده می‌برد تا علم خویش را به زیور عمل بیاراید. آیهٔ الله مدرسی یزدی در سالهای تحصیل خود به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد. او که غالب دروس دورهٔ مقدمات و بخشی از دروس

سطح را در محضر پدر خود فرا گرفته بود. پس از سال ۱۳۵۱ که به قم آمد، مقداری از شرح لمعه را نزد آیهٔ الله صلواتی و آیهٔ الله سید ابوالفضل موسوی تبریزی آموخت و قسمتی از رسائل را نزد آیهٔ الله میرمحمدی و مکاسب را عمدتاً نزد آیهٔ الله ستوده و بیشتر کفایه را نزد آیهٔ الله سبحانی فرا گرفت. او از اساتید متعدد دیگری نیز در این مقطع بهره برد. وی دروس هیئت و عرفان را نزد آیهٔ الله حسن زاده آملی آموخت و در دروس فلسفه آیهٔ الله شهید مطهری و نیز آیهٔالله جوادی آملی شرکت جست، در این زمینه نیز از اساتید دیگری بهره گرفت. برای فراگیری دروس خارج فقه و اصول ابتدا مدتی در درس مرحوم آیت‌الله شیخ کاظم تبریزی حضور یافت و سالهای متمادی به دروس آیات عظام وحید خراسانی و تبریزی رفت؛ به طوری که این دو عالم فرزانه را می‌توان استادان اساسی او دانست. البته او از اساتید دیگری همچون مرحوم آیت‌الله حائری، مرحوم آیت‌الله میرزا هاشم آملی و حضرت آیت‌الله بهجت مدظله العالی از جنبه‌های گوناگون استفاده کرد. استاد مدرسی در سالیان عمر خود تا کنون فعالیتهای بسیاری را در عرصه علم و فرهنگ به انجام رسانده است. از جمله آنها تألیف کتب و مقالات فراوان در عرصه‌های گوناگون علمی است. ویژگی این آثار، روز آمد بودن و ژرف نگری تحسین برانگیز است. آیهٔ الله مدرسی از سالهای نخستین تحصیل، به امر تدریس نیز اهتمام ویژه‌ای داشته است، او که بارها دروس دورهٔ مقدمات و سطح را تدریس کرده، در مؤسسه در راه حق به تدریس فلسفه تطبیقی، فلسفه اخلاق و علم اقتصاد و نیز کتاب اقتصادنا (نوشته شهید صدر) اشتغال داشته است. در زمینه فلسفه نیز به تدریس کتاب‌های بدایهٔ الحکمه و شرح منظومه و... پرداخته است. او مدتی نیز در دانشکده‌های مختلف تدریس کرده و روزگاری نیز به تدریس در مؤسسه باقر العلوم پرداخته است. وی از جمله همکاران و مؤلفین کتب دفتر همکاری حوزه و دانشگاه در سالهای اولیه تأسیس بوده است. آیهٔ الله مدرسی از سال ۱۳۷۲ ابتدا تدریس خارج اصول و چندی بعد خارج فقه را آغاز کرده که تا کنون یک دوره اصول به پایان رسیده و هم اکنون دورهٔ دوم آن آغاز شده است؛ در بخش فقه نیز این تدریس ادامه داشته و از این رهگذر، طلاب و فضلای بسیاری تربیت شده‌اند. استاد مدرسی یزدی از روزگار جوانی برای فعالیتهای سیاسی اهمیت ویژه‌ای قائل می‌شده است. او در خانواده‌ای رشد یافته که پدری مبارز در آن حضور داشته است؛ آیهٔ الله سید جواد مدرسی که با امام خمینی(ره) از طریق مرحوم آیهٔ الله سید عباس خاتم یزدی (ره) ارتباط داشت در طول دوران مبارزه، همواره یار امام بود. او وکیل امام در یزد بود و در کمک به مبارزان نقش ویژه‌ای ایفا می‌کرد. فرزند این پدر نیز در راه مبارزه قدمهای استواری برداشت. از جمله اینکه در قم آیهٔ الله العظمی گلپایگانی را از نقشه ساواک در سوء استفاده از مجلسی که برخی از علما و فضلا قرار بود در آن حضور یابند، آگاه ساخت. از فعالیتها سیاسی او پس از انقلاب می‌توان به عضویت در کمیته امام(ره) برای رتق و فتق امور استان لرستان و نیز نظارت بر انتخابات خبرگان در یزد اشاره کرد. آیهٔ الله مدرسی در سالهای دفاع مقدس، بارها در جبهه‌های جنگ حضوریافت. آیهٔ الله مدرسی یزدی هم اکنون در قم حضور دارد و به تربیت طلاب می‌پردازد و همزمان از فقهای شورای نگهبان قانون اساسی است. همچنین وی از اعضای محترم جامعه مدرسین حوزه علمیه است.

مدرسی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ثقه‌الاسلام والمسلمین حاج سید محمود مدرسی از علماء ابرار و فضلاء اخیار و اصحاب عالیمقدار مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله حاج شیخ محمدتقی بافقی بوده که در قم می‌زیسته و به فضل و تقوا و پرهیزکاری موصوف بوده فرزندان ارجمندی دارد که در میان آنها آقای حاج سید حسین مدرسی از افاضل محصلین و نویسندگان بنام حوزه علمیه است و تالیفات مطبوع و مخطوطی دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مدرسی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید یحیی بن سید علی‌اصغر مدرس متولد ۱۳۲۱ قمری از علماء و مدرسین بزرگ نجف اشرف بوده است.

وی در یزد در سال مذکور تولد یافته و پس از خواندن اولیات و سطوح به قم آمده و چندین سال از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی و مرحوم آیت‌اللّه آقا سید علی یثربی کاشانی استفاده نموده و در اواخر مرحوم آیت‌اللّه حایری مهاجرت به نجف اشرف و از محضر و دروس مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه نائینی استفاده نموده و خود به تدریس خارج فقه و اصول پرداخته و جماعتی از فضلاء نجف از محضرش کسب علم و کمال نموده تا در سال ۱۳۸۳ قمری که مسافرت به ایران نموده ولی در کرند کرمانشاه در هفدهم ماه صفر سال مذکور وفات و جنازه‌اش با تجلیل حمل به قم و در مقبره (شیخان) به خاک رفته است.

از آثار علمی او کتب زیر است.

۱- قاعده لاضرر ۲- منجزات مریض ۳- اجتهاد و تقلید ۴- تقریرات دراسات مرحوم نائینی و عراقی ۵- رسائل در جمیع ابواب فقه ۶- حاشیه توضیح‌المسائل ۷- رساله علمیه ۸- حاشیه بر عروه.

از باقیات الصالحات آن مرحوم دو فرزند فاضل و برومند است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرکی نهاوندی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به مدرکی. در «الذریعه» و تذکره‌ی «روز روشن» و «تاریخ نظم و نثر» صاحب عنوان تحت نام درکی آورده شده است که با توجه به آورده‌ی عبدالباقی نهاوندی، فرزند او، که دوبار وی را تحت نام و تخلص مدرکی آورده، اشتباه می‌باشد. وی ساکن قریه جولک از توابع نهاوند و پدر آقا خضر و عبدالباقی نهاوندی، صاحب «مآثر رحیمی» بود. پدر او از طرف شاه اسماعیل صفوی (۹۳۰ -۹۰۵ ق) به وزارت همدان رسید و خود او نیز از جمله اعیان آن ولایت بود که در زمان شاه عباس اول (۱۰۳۸ -۹۹۶ ق) وزیر و ناظر آنجا شد. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۷۵)، تذکره‌ی روز روشن (۲۵۸)، الذریعه (۳۲۲/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۳۰)، مآثر رحیمی (۱۵۳۸ -۱۵۳۷/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۷۰۷/ ۳).

مدقالچی، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۳۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: مؤسسه ریاضیات مصاحب، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ریاضی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۵۲، کارشناسی ارشد ریاضی از مؤسسه ریاضیات دانشگاه تربیت معلم تهران در سال ۱۳۵۴، کارشناسی ارشد ریاضی از دانشگاه شفیلد انگلستان در سال ۱۳۵۹، دکترای ریاضی از دانشگاه شفیلد در سال ۱۳۶۱ و فوق دکترای ریاضی از دانشگاه شفیلد در سال ۱۳۶۹.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تربیت معلم تهران از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۶۶ و دانشیار دانشگاه تربیت معلم تهران از سال ۱۳۶۶ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

علوم ریاضی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

ریاضی، مقدمه‌ای بر نظریه مجموعه‌ها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مدقق خراسانی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌اکبر واعظ معروف (به حاج مدقق) از اساتید منبر و بزرگان وعاظ مشهد و خراسان بودند. آن مرحوم عمری را در جوار حضرت رضا (ع) به تبلیغ دین و تنویر افکار و نشر معارف اسلام گذرانیده و بعد از ۱۳۸۰ قمری وفات نموده و در آستانه مقدسه رضوی به خاک رفته است. از یادگارها و باقیات الصالحات او فرزند ارجمندش جناب دانشمند گرامی آقای حاج شیخ محمد مدقق است که از وعاظ و محدثین معاصر می‌باشد و چند سالست که از مشهد به تهران منتقل و اشتغال به منبر و خدمات دینی و تبلیغی دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدنی بجستانی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمود مدنی بجستانی

محل تولد : بجستان

شهرت : مدنی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۳ متولـد شـدم . پدرم مرحوم آیت الله مدنی از شاگردان آیت الله میلانی و آیت الله میرزا جواد تهرانی و آیت الله شیخ هاشم قزوینی و از ائمه جمعه بود . دوران تحصیلات ابتدائی را در بجستان به پایان رساندم و پس از پایان سال اول دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه شدم و تا سال ۱۳۸۳ به صورت مستمر به تعلیم و تدریس و تالیف و تحقیق و تبلیغ مشغول بودم . سه سال در حوزه علمیه مشهد بودم و سپس در سال ۱۳۵۸ به قم هجرت کردم و از دروس حضرات آیات ستوده ، پایانی ، اعتمادی و بنی فضل استفاده بردم . در مقطع خارج از حضرات آیات عظام تبریزی «فقه ۱۲ سال اصول ۸ سال» ، وحید خرسانی «فقه یک سال و نیم و اصول هشت سال» ، مکارم شیرازی «اصول یک سال» ، منتظری «فقه ۴ سال» بهره مند شدم .

مدنی کاشانی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۱۳ -۱۳۲۱ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مجتهد. جدش ملا محمد شیرازی در ۱۲۰۰ ق از شیراز به کاشان رفت. او در کاشان به دنیا آمد. وی نخست علوم قدیمه را در حوزه علمیه فراگرفت. سپس به فراگیری علوم جدید پرداخت. ادبیات را در محضر ادیب فرزانه سید محمود علوی و فقه و اصول و صرف را در محضر پدرش ، ملاـعبدالرسول، و جد مادری‌اش ملاـحبیب‌اللّٰه شریف کاشانی و سید محمد علوی و شیخ محمود نجفی فراگرفت. در زمان آیت‌اللّٰه حاج شیخ عبدالکریم حایری به قم رفت و از درس عمومی و خصوصی فقه و اصول ایشان استفاده نمود. علمایی چون آیت‌اللّٰه سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللّٰه سید احمد خوانساری و آخوند ملا علی همدانی و آقا میرزا محمد همدانی و حاج آقا روح‌اللّٰه کمالوند با وی هم مباحثه بودند. وی از آیت‌اللّٰه حاج شیخ عبدالکریم حایری و آیت‌اللّٰه آقا سید ابوالحسن اصفهانی اجازه اجتهاد گرفت. سپس به امر پدر و خواست مردم به کاشان بازگشت و به تأسیس حوزه‌ی علمیه و تدریس پرداخت و مرجع امور دینی مردم گشت. از جمله آثار خیروی احداث مساجد و مدارس و حسینیه‌ها و حمام‌ها می‌باشد. از آثار علمی وی: «منتخب الاحکام»؛ «کشف الحقائق»؛ «توضیح التقریرات»، در بحث؛ «الخیارات» از «مکاسب»؛ حاشیه بر «الکفایهٔ»؛ حاشیه بر «العروهٔ الوثقی»؛ حاشیه بر «ذخیرهٔ العباد»؛ کتاب «الربا»، «عملیات بانکی»؛ رساله‌ی «الحجابیهٔ»؛ رساله‌ای در «الاوانی»؛ «براهین الحج للفقهاء و الحجج»؛ «الخلافهٔ»، در اثبات خلافت بلافصل امیرالمؤمنین (ع) بر طبق روایات اهل سنت؛ «القصاص للفقهاء و الخواص»؛ «کشف الاستار عن حکم المغرب و الاستتار»؛ رساله‌ای در «احکام حدود»؛ «من ولی السفهاء»؛ «اصول مذهب تشیع».[۱]

عالم دینی.

تولد: ۲۳ محرم ۱۳۲۱ ق.، کاشان.

درگذشت: ۶ تیر ۱۳۷۱.

آیت‌الله رضا مدنی کاشانی، فرزند عبدالرسول کاشانی، از همان اوان کودکی تا حدود بیست سالگی در زادگاه خود کاشان به تحصیل علوم دینی پرداخت و در این سال‌ها از محضر کسانی چون پدرش آیت‌الله محمدعبدالرسول مدنی و جدش آیت‌الله ملا حبیب‌الله شریف بهره برد. با آمدن آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به قم، ایشان نیز به قم رفت و در حوزه‌ی درس آیت‌الله حائری یزدی راه یافت. طولی نکشید به مقام اجتهاد دست یافت. وی در سال ۱۳۵۹ ق. برحسب دستور پدر خود و درخواست برخی از اهالی کاشان به وطن خود بازگشت. از آثار اوست: توضیح التقریرات فی بحث الخیارات (عربی، شرح بر خیارات متأجر شیخ مرتضی انصاری، تقریر آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، جزء اول)؛ الدرهٔ المضیئهٔ فی احکام انیهٔ الذهب و الفضهٔ، رساله در حجاب زنان؛ فارئض المقلدین (۱۳۷۶ ق.)؛ کتاب ربا؛ کشف الاستار عن حکم المغرب و الاستتار (۱۳۷۵ ق.)؛ کشف الحقایق عن الرد علی الزندیق و المنافق (دو جلد، ۱۳۷۳ -۱۳۷۱ ق.)؛ منتخب الرسائل؛ رساله‌ی عملیه.

رضا مدنی کاشانی بن العالم العابد والفقیه الزاهد حجهٔ‌الاسلام والمسلمین آخوند ملا عبدالرسول مدنی از علماء بزرگ حوزه علمیه قم و مشاهیر فقهاء و مراجع معاصر شهرستان کاشانست.

وی در سحرگاه شب چهارشنبه محرم ۱۳۲۱ قمری هجری در کاشان به دنیا آمده و پس از رشد مقدمات و سطوح را از مرحوم والد و جدامی خود مرحوم آیت‌اللّٰه آخوند ملا حبیب‌اللّٰه و مرحوم آیت‌اللّٰه آسید محمد علوی کاشانی فراگرفته و در شوال ۱۳۴۰ قمری به قم آمده و مجلس درس عمومی و خصوصی مرحوم آیت‌اللّٰه المؤسس حایری فقهاً و اصولا حاضر و استفاده نموده و هم خود تدریس و مباحثه گذارده تا اینکه در سال ۱۳۵۹ قمری هجری حسب‌الامر مرحوم والد و درخواست بعضی از اهل کاشان مراجعت به کاشان نموده و تا اکنون به تدریس و اقامه جماعت در مسجد میانچال و مرجعیت مردم کاشان اشتغال دارد.

آیت‌اللّه مدنی علاقه تامی به تألیف و تصنیف دارند و از غالب اجتماعات و رفت و آمدها منزوی و بر کنار و به مطالعه کتب علمی و نوشتن پرداخته و آثار علمی ارزنده‌ای از خود به یادگار گذارده که فهرست آنها را می‌نگارم.

۱- کتاب براهین الحجج للفقهاء والحجج که تا به حال دو جلد آن به طبع رسیده و در حوزه‌های علمی قم و نجف و مشهد بین فضلاء اهل علم معروف و مشهور و از آن استفاده می‌نمایند.

۲- کتاب الخلافهٔ که از بهترین کتابهای مربوط به اثبات خلافت بلافصلی حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام است بر طربق روایات علماء اهل سنت.

۳- کتاب کشف‌الحقایق فی الرد علی الزندیق والمنافق که بهترین رداست بر زنادقه این زمان.

۴- رساله حجابیه ۵- حاشیه بر کفایه ۶- حاشیه بر خیارات متاجر شیخ ۷- رساله در نکاح و رضاع استدلالی ۸- حاشیه بر عروۀالوثقی و سایر رسائل ۹- الدرۀ المضیئه فی احکام آنیهٔ الذهب والفضه ۱۰- رساله‌ای در احکام حدود ۱۱- کتاب الرباء در مسائل ربای قرضی و معاملات و سایر احکام متعلقه آن و بعض مسائل دیگر.

معظم له اکنون در کاشان حوزه درس خارج دارند و جمعی از دانشمندان و فضلاء از محضرشان استفاده می‌نمایند.

آثار خیر بسیاری مانند مساجد و مدارس و حسینیه‌ها و حمام‌ها در شهر و دهات بنا نموده و به بسیاری از مستمندان و بیچارگان مساعدت کرده و می‌نمایند.

مکرر بعضی از فضلاء حوزه علمیه قم و نجف و مشهد و غیره درخواست نمودند که معظم له را برای تدریس نگاه دارند روی بعضی از موانع شرعیه نپذیرفتند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۶۰ -۷۵۹/ ۱۴)، کیهان فرهنگی (س ۴، ش ۴، ص ۱۵ -۱۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۶۲ -۲۶۰، ۲۵۹/ ۶)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۹ -۱۹۸/ ۳).

مدنی کرمانی، جواد موسوی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۹ -۱۲۵۷ ش)، خطاط و شاعر. معروف به بنان الشریعه. در قریه‌ی سعادت‌آباد سیرجان به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را همان جا گذراند و در سی سالگی سفری به عتبات عالیات نمود. وی مدتی در نجف اشرف به تحصیل علوم متداول عصر خود پرداخت و بعد از شش سال به کرمان بازگشت. در حدد ۱۳۰۷ ش به تهران آمد و وارد وزارت معارف شد و تا آخر عمر در این شهر سکنی گزید. او در نوشتن خط شکسته توانا و مبتکر بود و شیوه‌ی مخصوصی داشت. حاجی بنان علاوه بر مقالات متنوعی که نوشته است، طبع شعری نیز داشته و مضامین تازه‌ای به سلک نظم درآورده است. اشعارش به طور پراکنده باقی مانده و از آنها چیزی به چاپ نرسیده است. مدنی در سالهای ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۴ ش، یک دوره‌ی کامل حکمت و عرفان را نزد استاد میرزا مهدی آشتیانی فراگرفته و در پایان دوره‌ی تحصیلات خود شرحی به دعای «صباح» نوشته که به خط خود گردآوری شده است. وی در ابن‌بابویه مدفون است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (۹۸ -۹۶).

مدنی همدانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۴۰ -۱۲۵۸ ش)، طبیب، خطاط، نقاش، موسیقیدان و شاعر، متخلص به صفاءالحق. وی گاهی در شعر صفا نیز تخلص می‌کرد. نسبش از جانب پدر به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد و از طرف مادر منسوب به علاءالدوله سمنانی است. در کردستان به دنیا آمد و در پنج سالگی همراه خانواده‌اش به همدان منتقل شد و مقدمات علوم فنون را نزد استادان آنجا آموخت. وی طبیعیات و الهیات و فلکیات را نزد مشکاۀ الملک، محمدعلی میرزا پسر خسرو میرزا قاجار، و طب قدیم را نزد حاج میرزا حسین، نواده‌ی کوثر علیشاه، و نقاشی و تذهیب را نزد صنیع‌الملک و میرزا حسین، پسر سمیعای نقاش، و طب جدید را نزد میرزا محمد صحت بخش و دکتر نجفقلی خان عراقی و موسیقی را نزد میرزا حسینقلی و سید احمد خان ساوجی و عرفان را نزد حاج عبدالوهاب شوشتری فراگرفت. صفاءالحق در فاصله‌ی سالهای ۱۲۸۴ -۱۲۷۵ ش به ایرانگردی و سپس جهانگردی پرداخت و از مصر و سودان و عراق دیدن کرد و چند سال در بمبئی سکنی گزید و معلومات و تجربیات طبی خود را تکمیل کرد و در آنجا به سبک هندی شعر سرود و بعد از ۱۵۰ سال، که پیروی از این سبک در ایران منسوخ شده بود، آن شیوه را به این کشور بازگرداند. در واقع صفا مجدد غزل سبک هندی در ایران است. وی در هندوستان از محضر بزرگان اهل عرفان نیز بهره‌ها برد. پس از بازگشت از هند، با معلوماتی که از طب قدیم داشت و تجاربی که در معالجات جدید آموخته بود مطبی در همدان گشود. در ح ۱۲۹۳ ق وزارت معارف به وی گواهینامه‌ی طبیب مجاز اعطا کرد و او را به عنوان نماینده‌ی دولت جهت آبله‌کوبی منطقه‌ی اسدآباد و سپس ریاست بهداری آن منطقه اعزام نمود. او در موسیقی نیز دست داشت و سه تار را نیکو می‌نواخت. وی همچنین خط خوبی داشت و به فن نقاشی و سوزن‌دوزی آشنا

بود. او «سفرنامه»ای به خط خود نوشته و آن را به نقاشی‌هایی از هنر خود مزین ساخته است. وی را در کنار مرقد باباطاهر، در همدان، به خاک سپردند. از دیگر آثارش: «رساله پدگجی» یا «پداگوژی»، در تربیت؛ رساله‌ی «نمکدان»، آمیزه‌ای از نظم و نثر و جد و هزل؛ مثنوی «پهلوی نامه»، در انتقاد بر حکومت رضاخان و مخالفت با کشف حجاب؛ رساله «بزبزگان»، در دامپزشکی؛ «کلیه» در پاسخ به سؤالات ادبی و کلام و مذهبی، که ناتمام است؛ قصاید و مثنویات و قطعات، که از جهت مواد تاریخ و فولکلور همدان دارای فواید است؛ «دیوان» غزلیات، که در آن بیشتر به صائب و سبک هندی نظر دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۳۱۸ -۳۱۵/ ۲)، کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۱۰، ص ۴۰ -۳۹).

مدنی، اسدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۲۹۳، دهخوارقان (آذرشهر)، از توابع تبریز.

شهادت: ۲۰ شهریور ۱۳۶۰، تبریز.

آیت‌الله سید اسدالله مدنی، فرزند آقا میرعلی، در سن شانزده سالگی پدر خود را از دست داد و چون پیش از این مادرش را نیز از دست داده بود به ناچار سرپرستی سه کودک و نامادری‌اش را عهده‌دار شد. چندی بعد وارد حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد و پس از گذراندن دوره سطح نزد آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی و آیت‌الله سید محمد رضا گلپایگانی، حدود چهار سال به تحصیل درس فلسفه در محضر امام خمینی (ره) پرداخت و همچنین در جلسات درس آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری شرکت کرد. استادان دیگر او آیت‌الله حکیم و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی بودند.

مبارزات سیاسی خود را نیز از همان دوران طلبگی علیه رژیم پهلوی آغاز کرد و به علت مخالفت با کاپیتولاسیون از قم به ممسنی نورآباد تبعید شد و پس از تبعید در سال ۱۳۶۳ ق. به زیارت خانه خدا رفت و پس از اتمام حج بی‌درنگ به نجف عزیمت و تحصیل و درس خود را در آنجا شروع کرد و در درسهای آیت‌الله خویی شرکت نمود و روزانه چندین جلسه درس از کفایهٔ، رسائل، مکاسب و لمعه را برای طلاب تدریس می‌نمود. در نجف در فعالیت‌های عمرانی و مذهبی و نیز در راهپیمایی‌های و سایر مسائل ایران پیش قدم بود. در بیست و یکم بهمن ۱۳۷۵ که تعدادی از تانک‌های دشمن از کرمانشاه به تهران عازم بودند، وی به اتفاق سی هزار جمعیت با دست خالی کفن‌پوش به مقابله با آن‌ها پرداختند و با دادان تعدای شهید و مجروح موفق می‌شوند تانک‌ها را از حرکت بازداشته و سربازان را که تعدادشان ۵۰۰ نفر بود خلع سلاح نمایند و تمام آنها را در منزل خود تغییر لباس داده و پذیرایی می‌کند و به آنها می‌گوید که: بروید به امید خدا هر موقع انقلاب پیروز شد خودتان را معرفی کنید.» بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و پس از رحلت آخوند ملا معصومی، آیت‌الله مدنی دوباره بعد از اقامت کوتاهی در قم راهی همدان شد. در انتخابات مجلس خبرگان شرکت نمود و از سوی مردم همدان به مجلس راه یافت و در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نقش داشت. وی همچنین امامت جمعه و نمایندگی امام خمینی (ره) را در همدان طبق حکم بیست و یکم مهر ۱۳۵۸ ایشان به عهده داشت. بعد از شهادت آیت‌الله محمدعلی قاضی طباطبایی به حکم رهبری، امام جماعت شهر تبریز شد. نقش آیت‌الله مدنی در اداره‌ی امور استان آذربایجان و جریان حزب خلق مسلمان که توانسته بود قدرتی در تبریز برای خود دست و پا کند، مهم بود. وی با همیاری مردم آنها را از صحنه‌ی سیاست منطقه بیرون کرد. به همین سبب چندین بار به وی سوء قصد شد.

از جمله خدمات ایشان می‌توان به این موارد اشاره نمود: احداث مهدیه، صندوق قرض‌الحسنه و درمانگاه در مهدیه همدان، بنای حسینیه و احداث حمام و مسجد و مدرسه و کتابخانه و قرض‌الحسنه‌ای در دره مراد بیک، راه اندازی صندوق قرض‌الحسنه در قصر شیرین، اداره‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی کمالیه‌ی خرم‌آباد، احداث هجده دستگاه خانه در یکی از روستاهای بوئین زهرا، ساختن مسجد بزرگی در نورآباد ممسنی. او در جبهه‌های دفاع مقدس هم حضور داشت (همچنین در جریان شکست حصر سوسنگرد).

آیت‌الله مدنی روز بیستم شهریور ۱۳۶۰ بعد از نماز جمعه تبریز به شهادت رسید و پیکرش را در جوار حرم معصومه (س) به خاک سپردند.

حاج سید اسداللّه مدنی دهخوار قانی (آذر شهری) از علماء مبرز معاصر است در شهر خرم‌آباد. وی در سال ۱۳۳۱ قمری در آذرشهر متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح اولی در محل خود به اتفاق برادر رضاعی خود جناب مستطاب حجهٔالاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا باقر حکمت‌نیا در سال ۱۳۵۶ قمری مهاجرت به قم نموده و سطوح وسطی و نهائی را از مدرسین بزرگ چون آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و بعضی دیگر به پایان رسانیده و به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای آسید محمد حجهٔ کوه‌کمری و آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدتقی خوانساری طاب ثراهما حاضر شده و استفاده کامل نموده و خود به تدریس سطوح و اخلاق پرداخته آنگاه مهاجرت به نجف نموده و از محضر آیات بزرگ حوزه نجف بالاخص زعیم اعظم و مرجع عالیقدر جهان تشیع حضرت آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله فقها و اصولا استفاده نموده و خود در آن سامان به تدریس فقه و اصول و غیره پرداخته و در فصل تابستان به همدان آمده و مورد توجه مخصوص مردم باایمان همدان و بالخصوص دانشمندان آن شهرستان قرار گرفته تا در سال ۱۳۹۲ قمری که مردم عالم دوست شهرستان خرم‌آباد مرکز فرمانداری منطقه لرستان برای سرپرست حوزه علمیه آنجا و مرجعیت مردم آن ناحیه تقاضا و به اصرار آنجناب را به خرم‌آباد برده و

تاکنون از وجود ذیجودش استفاده و استفاضه می‌نمایند.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مدنی، امیرباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: علوم اداری و اقتصادی، دانشکده: اقتصاد، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی اقتصاد از دانشگاه اوهایو در سال ۱۳۴۱، کارشناسی ارشد در رشته مؤسسات اقتصادی و اجتماعی کشورهای اسکاندیناوی از دانشگاه استکهلم سوئد در سال ۱۳۴۲، کارشناسی ارشد اقتصاد از دانشگاه ایلینویز شمالی آمریکا در سال ۱۳۴۴ و دکترای علوم اداری و اقتصاد از دانشگاه ایلینویز جنوبی آمریکا در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس اقتصاد در دانشگاههای ایلینویز جنوبی و شهید بهشتی، استاد راهنمای ۴۰ تا ۵۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

نظامهای اقتصادی، اوپک و اثرات تخریبی تطبیق قیمت نفت، استراتژیهای توسعه اقتصادی، مقایسه روشهای توسعه ایران با کره جنوبی، اقتصاد چین.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: متعدد، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

اقتصاد و استراتژیهای توسعه اقتصادی.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مدنی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۶۰، همدان.

در گذشت: ۱۳۶۷، همدان.

سید حسین مدنی معروف به مترجم نظام، و از مجاهدان صدر مشروطیت فرزند دقیق الاشراف کردستانی، فارغ‌التحصیل دارالفنون بود. وی نخستین دانشجوی ایرانی است که با تصویب مجلس شورای ملی و به پاس خدمات مشروطه‌خواهی به آمریکا رفت و در دانشگاه والنارزو (در ایندیانا) تحصیل نمود. راز اولین رؤسای معارف همدان و نویسنده و مترجم صاحب اثر است.

مدتی روزنامه‌ی «نجات ایران» را انتشار می‌داد و سپسی به انتشار نشریات دیگری نظیر «جمالیه»، «پایتخت»، «اکباتان» و «مدنیت» دست داد. آثار و مقالات وی در جراید مذکور و نشریات دیگر درج شده است. از وزارت علوم به دریافت نشان علمی نایل آمده و در زمانی که به ریاست دارالترجمه وزارت فرهنگ را برای مدتی طولانی عهده‌دار بود و به کار ترجمه‌ی آثار نویسندگانی چون گوستاو لوبون مشغول بود. مترجم نظام شعر هم می‌سرود و برای اغلب امور جاری و مطالب عادی و غیر عادی ماده‌ی تاریخ ساخته است (به این جهت نزد برخی به سازنده‌ی ماده‌ی تاریخ معروف است). اشعار وی بالغ به چند هزار بیت است که بیشتر به امور جاری و مسائل می‌پردازد.

از فعالیت‌های دیگر وی تأسیس یتیم‌خانه‌ای در همدان و ایجاد مدرسه و کتابخانه در یزد و تشکیل انجمن‌های دینی و تبلیغ اسلامی است.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مدنی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد مدنی گنابادی از علماء مبارز و مروجین مجاهد معاصر خراسانست در شهرستان گناباد. وی در حدود ۱۳۴۵ قمری در گناباد به دنیا آمده و پس از پرورش و خواندن اولیات و ادبیات و سطوح در مشهد مقدس و استفاده از محاضر مدرسین حوزه علمیه مشهد مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام آن سامان بالاخص مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی شاهرودی فقهاً و اصولاً استفاده کامل نموده و مفتخر به دریافت اجازات و مدارک علمی شده سپس مراجعت به ایران و زادگاه خود منطقه گناباد که مرکز تبلیغات سوء و خرافات و موهومات صوفیهای گنابادی (ملا سلطانعلی) و فرزند ضال و گمراه او شده بودند و نیاز کامل و احتیاج مبرمی به یک رهبر صالح و آگاه و مبلغ مبارز و مجاهد پارسائی مانند ایشان داشت و جداً به مضمون و مفاد آیه نفر (و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم...) مصداق آن بود نموده و به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته و بدعتهای صوفیها را فاش و برملا کرده و سرسختانه با آن مبارزه نموده به طوری که در آن منطقه خط بطلان بر آنان کشیده و عموم مردم آن ناحیه را روشن و از گمراه شدن نجات و از تبلیغات باطله آنان جلوگیری به عمل آورده است.

آقای مدنی گذشته از مبارزه با دراویش و صوفی گری خدمات چشم‌گیری در مناطق آسیب دیده و زلزله‌زده قاینات و گناباد و طبس از خانه‌سازی و تداوی مجروحین و مصدومین حادثه مولمه زلزله نموده و عده‌ای را از مرگ نجات داده و کمکهای بسیاری به نجات یافته‌گان از مرگ نموده و در انقلاب اخیر ایران هم در آن منطقه سهم بزرگی دارد زیرا رهبری رزمندگان و جوانان و مردم غیور و مسلمان مبارز آن حدود بر علیه طاغوت و عمال جنایتکار آن را به عهده داشته و قاطعانه با رژیم کثیف شاهنشاهی شاه مخلوع (محمدرضا پهلوی) پیکار نموده تا به فضل خدا پیروزی و سقوط سلطنت دیکتاتوری و اعلام جمهوری اسلام به رهبری آیت‌اللّٰه العظمی امام خمینی مدظله گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

مدنی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مدنی

محل تولد : گیلان

شهرت : مدنی گیلانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب «محمد» فرزند «حسین» فرزند «حاجی» با نام خانوادگی «مدنی»، ملقب به «عبد الزهراء» که از عطایای ملوکانه ملکه عالمین حضرت صدیقه اطهر سلام الله علیها در یک عالمی به این احقر بوده، در یکم تیر ماه سال ۱۳۴۷ شمسی مطابق با بیست و پنجم ربیع الاول ۱۳۸۸ هجری قمری در دهستان نوخاله اکبری از توابع شهرستان صومعه سرا از شهرهای غربی استان گیلان از مادری متدینه به نام «فرخنده رمضانی پور» فرزند«محمدجان» فرزند «کربلایی طوفانعلی» که با پای پیاده از گیلان تا کربلای معلی مشرف شده بود، متولد شدم. دوران کودکی را تحت الطاف الهی و کنف محبت پدر و مادرم که به حلال و حرام الهی اهمیت خاصی می دادند گذراندم و تا آنجایی که به یاد دارم در یک خانواده شلوغ و پر جنب و جوش و زحمتکش و دین باور پرورش یافتم.

بر اساس فضای حاکم در روستا که معمولا کارها به صورت دسته جمعی انجام می پذیرد. من نیز در کارهایی که محول می شد کوشا بودم. در عین حال به مدرسه می ر فتم و دوره های ابتدایی و راهنمایی را به سختی گذراندم.

یادم می آید کلاس سوم ابتدایی را می گذراندم که انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری منادی و احیاگر اسلام ناب محمدی (ص) حضرت امام خمینی رضوان الله علیه آغاز شد و در جنب و جوش و فعالیت های دانش آموزی، راهپیمایی های محلی که به تهییج دلباختگان امام صورت می گرفت و در پخش پوسترها و اعلامیه ها با عده ای از دوستان هم سن وسال شرکت می نمودیم. اولین بار که عکس دلربای حضرت امام خمینی رضوان الله علیه را دیدم چنان مات آن چهره ملکوتی شدم، تو گویی از خود بی خود، اشک محبت از دیده ام جاری شده بود. آتش این اشتیاق روز به روز برافروخته تر می شد. هیبت و هیئت آن فرزانه مرد در آن سنین خردی چنان در دل نشست که بیرون کردنش مشکل می نمود (آنچنان جای گرفته است که مشکل برود) لا-جرم روش و منطق او، در روحیه من تاثیر عمیق گذاشته و چراغ عشق راه روحانیت شیعی در دلم روشن گشت و خدا را شکر بدین طریق مایل شدم.

زندگینامه علمی:

پس از پایان دوره راهنمایی با همه مشکلاتی که سر راهم ایجاد شده بود، در اواخر ۱۳۶۳ رسما طلبه شدم و به خیل سلسله طلاب علوم دینیه پیوستم.

جامع المقدمات و سیوطی (الفیه ابن مالک) و حاشیه ملا عبدالله و مغنی اللبیب که کتب مقدماتی بودند را در شهرستان رشت، مدرسه علمیه «حاج حسن» معروف به صالح آباد (که بسیاری از بزرگان از جمله مجاهد فی سبیل الله میرزا کوچک جنگلی از ثمرات آن مدرسه اند) در نزد عالم ورع و اخلاقی کامل مرحوم حجت السلام و المسلمین الحاج شیخ محمد حسن مهدوی تولمی که از شاگردان مرحوم آیت الله العظمی سید حسن بحر العلوم و آیت الله سید محمود ضیابری رحمت الله علیهما بود و مدیریت

حوزه علمیه صالح آباد را نیز بعهده داشت، تعلیم گرفتم و کتاب صمدیه را برای مرور در محضر حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ عبدالرحیم اخوان توکلی تولمی که جلیس آیت الله العظمی آقای حاج شیخ محمد تقی بهجت فومنی در نجف اشرف بوده، تلمذ نمودم. معالم الاصول و مختصر المعانی را در محضر پر فروغ عالم ربانی و فقیه صمدانی آیت الله مستقیم عربانی که اجازه اجتهاد مطلق از آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاء الدین عراقی داشت، تلمذ نمودم.

اصول المظفر را از محضر عالم تقی و اخلاقی کامل سید العلماء الربانیین آیت الله حاج سید مجتبی رودباری دام ظله فرزند آیت الله حاج سید حسین رودباری که از شاگردان بنام حضرت آیت الله العظمی امام خمینی و آیت الله العظمی خوئی و بسیاری از بزرگان دیگر در نجف اشرف و قم بودند و همچنین حجت الاسلام و المسلمین یعسوبی آموختم.

لمعتین را از محضر نورانی حضرات آیات حاج شیخ مختار ظهیری رحمت الله علیه و حاج شیخ محمد علی احمدی اشکوری و حاج سید مجتبی رودباری فرا گرفتم.

رسائل و مکاسب شیخ انصاری و جلد اول کفایتین و منظومه سبزواری و شرح تجرید را در محضر نورانی فقیه صمدانی استاد الاعاظم و شیخ الافاخم آیت الله العظمی علامه حاج شیخ محمد ازهدی لاکانی رضوان الله علیه که اجازه اجتهاد مطلق از آیات عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاء الدین عراقی، آقای حجت کوه کمره ای، حاج آقا حسین بروجردی و بسیاری دیگر از مراجع را داشت، که در متن اجازه آقای بروجردی آمده می خوانیم:«حری بان یجیز اجل شانا ان یستجیز» به شاگردی نشستم و سپس به دار العلم قم وارد شدم و جلد دوم کفایتین را از محضر مرحوم آیت الله وجدانی و حجت الاسلام و المسلمین محمدی خراسانی تعلیم دیدم.تفسیر را از محضر علامه نحریر آیت الله جوادی آملی و اخلاق را از آیات عظام مشکینی و مظاهری بهره گرفتم.درس خارج را فقها و اصولا در محضر آیات عظام مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی، صانعی، خلخالی و جوادی آملی در قم و ازهدی لاکانی در رشت جمعا به مدت پنج سال تلمذ نمودم.

البته ناگفته نماند به طور مقطعی از عرفان علامه ذوالفنون حسن زاده آملی بهره بردم و سپس به امر آیت الله العظمی بهجت و آیت الله لاکانی، در رشت رحل اقامت افکنده و به تدریس، تبلیغ، تالیف و تصنیف مشغول شدم و چند اثر را از آثار قلمی خویش به یادگار نهاده تا در صحیفه عملم برای« یوم لا ینفع مال و لا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم» ذخیره باشد.

مدهوش اصفهانی، مبارک

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به مدهوش. از والی زادگان حویزه (جزیره) بود. نسبش از جانب پدر به سید مبارک، رییس ملک عرب، و از جانب مادر به امام قلی خان، حاکم شیراز می‌رسد. حاج آقا بزرگ، به نقل از برخی از تذکره‌ها، سید مبارک خان مدهوش را با مدهوش قلندر اصفهانی که سفری به کشمیر کرده است یکی می‌داند ولی «فرهنگ سخنوران» آن دو را جدا از یکدیگر ذکر کرده است. تعدادی از تذکره‌ها او را اصفهانی و تعدادی نیز شیرازی می‌دانند. از آثارش: «دیوان» شعر. صاحب «الذریعه» او را تحت نام مدهوش عربستانی آورده و گفته است که سنگلاخ نسخه‌ای از «دیوان» مدهوش را به خط عبدالرزاق، نوه‌ی میرعماد، و همچنین یک نسخه هم به خط مختار بیگ قزوینی دیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۶/ ۱)، تذکره‌ی روز روشن (۷۲۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۰ -۲۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۰۳/ ۴)، الذریعه (۱۰۲۴ ،۹۵۶/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۳۰)، مرآت الفصاحه (۵۸۱ -۵۷۹).

مدهوش تهرانی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۸ ق)، شاعر، متخلص به مدهوش. در غزلیات مدهوش و در قصاید ثریا تخلص می‌نمود. وی ابتدا به شغل علاقه‌بندی و سپس بلورفروشی اشتغال داشت. بعدها متصدی چاپ کردن بعضی از نسخه‌ها شد. او فنون شاعری را بیشتر از یغمای جندقی کسب کرد. در «مؤلفین کتب چاپی» و به تبع آن در «فرهنگ سخنوران» صاحب عنوان تحت نام مدهش تهرانی آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۶۲۷ -۱۶۲۵/ ۳)، الذریعه (۱۰۲۴/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۳۰)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۳ -۶۱۲/ ۱).

مدهوش گلپایگانی، محمدصادق

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۳۷ ق)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به مدهوش. وی ملا باشی حیدرقلی میرزا، فرزند فتحعلی‌شاه و حاکم گلپایگان بود. در نظم و نثر تبحر داشت و عربی را خوب می‌دانست. مدهوش خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و شعر نیز می‌سرود. از آثار وی: یک نسخه «دیوان» خاوری، به قلم نستعلیق و شکسته نیم دو دانگ خوش، با رقم: «کتبه العبد محمدصادق الکلبایکانی فی ۱۲۳۵» و «حرره العبد الاقل محمدصادق کلبایکانی، المتخلص به مدهوش... سنه ۱۲۳۷».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۶۷-۷۶۶/ ۳)، حدیقهٔ الشعراء (۱۶۲۸، ۱۶۲۷/ ۳)، الذریعه (۱۰۲۴/ ۹)، سفینهٔ المحمود (۳۱۴-۳۱۱/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۸۳۰)، مجمع الفصحا (۱۰۰۶/ ۶)، مصطبه‌ی خراب (۱۷۴-۱۷۳)، نگارستان دارا (۲۵۱).

مدیر شانه‌چی، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: فقه و مبانی اسلامی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

گذراندن تحصیلات حوزوی نزد اساتید عظام مشهد حاج شیخ هاشم مدرس قزوینی، حاج میرزا احمد خراسانی، حاج سید محمدهادی میلانی و اخذ درجه اجتهاد در سال ۱۳۳۶.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۳۷ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعات و پژوهشهای فقهی و مذهبی، تألیف کتاب> مسندالنبی <شامل هزاران حدیث نبویه فقهی در پاسخ به اهل سنت که احادیث امامیه را فتاوای شخصی ائمه تلقی می‌کنند. تألیف کتاب تاریخ فقه شیعه و فقهای بزرگ آن مذهب، عضویت در مجمع تقریب بین‌المذاهب و بنیاد نهج‌البلاغه، سفرهای تحقیقاتی به کشورهای اسلامی، حضور در بیش از ۲۰ سمینار و کنگره داخلی و خارجی و ارائه مقالات در زمینه علوم اسلامی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی تألیفات:

علم‌الحدیث، فقه و مبانی اسلامی، کتابشناسی، تاریخ اسلام.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

تاریخ مشاهیر اسلام، کتابخانه‌های اسلامی، کلام و اعتقادات، مزارات خراسان، مبانی حقوق اسلامی.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مذاقی اصفهانی، مذاقی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۷ ق)، شاعر. وی از شاعران معاصر شاه عباس (۱۰۳۸-۹۹۶ ق) بود. کرباس فروشی می‌کرد و در موسیقی نیز دست داشت.

مذاقی طبع شعر خوبی داشته و غزل را خوب می‌گفته است. از اوست:

فغان از بیستون در ماتم فرهاد می‌آید

بلی روز جدایی سنگ در فریاد می‌آید

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۴۸)، تذکره‌ی روز روشن (۷۳۰-۷۲۹)، فرهنگ سخنوران (۸۳۰)، هفت اقلیم (۴۳۷/ ۲).

مذهب اصفهانی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۹۳ ق)، مذهب، نقاش، قلمدان‌ساز و خطاط. از شاگردان سید ابوالقاسم حسینی مذهب باشی اصفهانی بود و شیوه‌ی وی را

پیروی می‌نمود. میرزا محمدتقی علاوه بر هنر تذهیب و مراحل مختلف آن، در تصویرسازی و چهره‌پردازی نیز مهارت داشت. عمده کار این استاد، تهیه جلد و قاب آینه و قلمدان و سایر کارهای روغنی بود که در کارگاه هنری مخصوص خود عمل می‌آورد. سمت سرپرستی استادان کارگاه بر عهده‌ی این هنرمند بود و پرداخت و اصلاحات پایانی را خود انجام می‌داد. او خط نسخ و رقاع را نیز خوش می‌نوشت و آثارش را به خطوط زیبا ترقیم می‌کرد. از آثار وی: جلد قرآن ممتازی که با گلهای افشان تذهیب و تشعیر شده، با رقم: «نقل من... سید ابوالقاسم مذهب باشی، عن العبد محمدتقی مذهب سنه ۱۲۷۸»؛ قاب آینه‌ی بسیار استادانه‌ای که تصاویر دختران را بر روی آن نقاشی کرده و کناره‌ها و حواشی را به تذهیب و تشعیر عالی آرایش داده، با رقم: «راقمه محمدتقی مذهب الاصفهانی ۱۲۸۱»؛ قاب روغنی قرآنی که در کمال زیبایی عمل آمده و جامع اقسام شیوه‌های تذهیب کاری در نقوش اسلیمی و سایر مراحل تذهیب است و به خط رقاع استادانه‌ای درج شده: «رقم میرزا محمدتقی مذهب ۱۲۹۳». سه اثر دیگر وی در «احوال و آثار نقاشان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۶۷۴ -۶۷۳/ ۲).

مذهب اصفهانی، محمدجعفر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، مذهب و شاعر، متخلص به مذهب. اصل او از قهپایه بود و در اصفهان به دنیا آمد. در هنر تذهیب ماهر بود و شعر نیز می‌گفت. ظاهرا وی در زمان تألیف «تذکره‌ی نصرآبادی» (۱۰۸۳ ق) زنده بوده است، چون نصرآبادی از وی به صورت فردی معاصر با خود، صحبت می‌کند. تذکره‌ها صاحب عنوان را تحت نام جعفر زرکوب و محمد جعفر زرکوب نیز آورده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۱۶۹)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۱۸)، الذریعه (۱۰۲۵ ،۱۹۴/ ۹)، صبح گلشن (۳۹۹)، فرهنگ سخنوران (۸۳۱).

مذهب باشی شیرازی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۸ ق)، مذهب، قلمدان‌ساز و خطاط. مذهب باشی شیراز بود و در تذهیب و زرافشانی و حل کاری مهارت داشت. او در چهره‌پردازی و شبیه‌سازی نیز قوی دست بود و همچنین انواع خطوط را خوش می‌نوشت. علینقی شیرازی، خوشنویس معروف، برادر کهتر وی بود. از آثار او: قلمدان پرمایه‌ای در زمینه‌ی مشکی که گلهای طلایی کم‌نظیری بر روی آن نقش بسته و حواشی و کناره‌ها نیز حل کاری شده است، با: «رقم احقر عباداللّه محمود مذهب باشی ۱۲۸۰»؛ جلد طلایی و مذهبی که در زمینه مشکی تذهیب شده و دارای رقم «مذهب باشی» است؛ قلمدان مذهب و حل کاری شده که بر رویه و وسط آن تصویر زن جوانی است و کناره‌ها نیز، گل و مرغ و سایر گلهای تزیینی دارد، با: «رقم احقر عباداللّه محمود مذهب باشی سنه ۱۲۹۸» .

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۴۸)، احوال و آثار نقاشان (۱۱۱۸ -۱۱۱۷/ ۳)، گلستان هنر (پنجاه و دو)، هنر قلمدان (۱۶۲).

مذهب شیرازی، نجم‌الدین محمود

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، مذهب و شاعر. معروف به صاحب‌اللوح. از شعرای نامی فارس بود و انواع شعر را خوب می‌سرود. در «صبح گلشن» آمده": در جنگ بین شاه شجاع مظفری (۷۸۶ -۷۵۹ ق) و شاه منصور مظفری (۷۹۵ -۷۹۰ ق) به قتل رسید ".صاحب «احوال و آثار نقاشان» به مذهبی به نام نجم‌الدین محمود مذهب اشاره می‌کند که در قرن هشتم قمری می‌زیسته و در ۷۸۲ ق نیز زنده بوده است. از وی اشعاری در تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۳۸۲/ ۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۱۵)، صبح گلشن (۳۸۶)، فرهنگ سخنوران (۹۲۴ -۹۲۳).

مذهب کرمانی، مسعود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۴۴ ق)، مذهب و خطاط. اهل کرمان و طلانگاری به غیر از مسعود بن میرکی مذهب است. استاد مسعود، به غیر از هنر تذهیب که در ترسیم آنها مهارت تامی داشت، خط نستعلیق را نیز خوش می‌نوشت. از آثار وی: یک نسخه «مناجات» حضرت علی (ع)، به قلم نیم دو دانگ متوسط، با رقم: «مشقه العبد المذنب مسعود المذهب الکرمانی... سنه ۹۴۴».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۰۳/ ۳)، احوال و آثار نقاشان (۱۱۴۹/ ۳).

مذهب مشهدی، غیاث الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۲ ق)، نقاش و خطاط. وی واضع افشان بوده و امیر علیشیر نوایی، وزیر دانشمند سلطان حسین بایقرا، به این استاد ارادت داشت و او را مورد توجه و عنایت خود قرار می‌داد. او در تذهیب نیز مهارت داشت و در خوشنویسی شاگرد سلطانعلی مشهدی بود. غیاث‌الدین، در مشهد درگذشت و در جنب مزار مولانا سلطانعلی مشهدی دفن شد. از آثار وی: یک قطعه از مرقع سید احمد مشهدی، به قلم نیم دو دانگ خوش، با رقم: «مشقه العبد ... غیاث‌الدین المشهدی المذهب غفر ذنوبه»؛ سه قطعه از مرقع بهرام‌میرزا، به قلم سه دانگ و دو دانگ و نیم دو دانگ و کتابت خوش و متوسط، با رقمهای: «العبد الفقیر المذنب غیاث‌الدین المذهب» و «مشقه العبد غیاث‌الدین مشهدی غفر ذنوبه» و «العبد المذنب غیاث المذهب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۵۹ / ۲)، احوال و آثار نقاشان (۴۱۵ / ۱)، تاریخ هنرهای ملی (۴۹۱ / ۱)، گلستان هنر (چهل و چهار، ۱۴۵)، هنر عهد تیموریان (۵۸۳،۵۹۸).

مذهب هروی، محمود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۶۳ ق)، مذهب، نقاش، خطاط و شاعر. هنرمند ذوفنونی از دیار هرات است که به غیر از فن تذهیب، در چهره‌پردازی و ارائه مجالس پر ازدحام و تزیین و آرایش قصرها نقاشی پر اعتبار به شمار می‌آمد و پیرو مکتب بخارا و هرات بود. او خطوط نستعلیق و رقاع را خوش می‌نوشت و از شاگردان میرعلی هروی بود و شعر را نیز نیکو می‌سرود. عبداللّٰه سلطانی از شاگردان وی است. از آثار او: یک نسخه «سبحهٔ الابرار» جامی، با رقم: «کتبه العبد محمود المذهب الهروی... سنه ۹۵۱»؛ یک قطعه به قلم دو دانگ و کتابت خوش به سفیدآب، با رقم: «کتبه المذنب محمود المذهب...»؛ یک قطعه از مرقع شاه اسماعیل، به قلم دو دانگ خوش الوان، با رقم: «کتبه المذنب محمود المذهب...»؛ تصویر امیرعلیشیر نوایی به حالت ایستاده، با رقم: «عمل محمود مذهب» دارد؛ تصاویری در نسخه‌ی «بوستان» سعدی که به ۹۶۳ ق کتابت شده و مینیاتورهای متعددی از «محمود مذهب» دارد. چندین اثر دیگر او در «احوال و آثار نقاشان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۹۴/ ۳)، احوال و آثار نقاشان (۱۱۲۲ -۱۱۱۸/ ۳)، خوشنویسان و هنرمندان (۱۰۴)، گلستان هنر (سی و سه)، هنر عهد تیموریان (۷۷۲، ۷۱۳، ۶۹۷، ۵۵۴- ۵۵۳، ۵۵۲- ۵۵۱، ۵۵۲، ۴۹۲، ۴۲۱).

مذهب هروی، یاری

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، مذهب، نقاش، خطاط و شاعر. وی پس از آموختن فنون نقاشی به صورت ابتدایی، به سفارش امیر علیشیر نوایی تحت تعلیم مذهبان بزرگ هرات قرار گرفت و در اندک زمانی در هنر نقاشی ماهر گشت. گویند مهر سلطان حسین بایقرا را با قلم مو تقلید کرده بود و بدین سبب به مرگ محکوم شد، اما به وساطت امیر علیشیر نوایی از قتل نجات یافت. یاری علاوه بر تذهیب، خط نستعلیق را عالی می‌نوشت و شعر نیز می‌گفت. از آثار او: دو قطعه از مرقع مالک دیلمی، که اشعاری از خود اوست، به قلم سه دانگ و نیم دو دانگ عالی و خوش، با رقم: «المحرره یاری المذهب...» و «لمحرره... مشقه یاری»؛ یک قطعه از مرقع امیر غیب بیگ، به قلم نیم دو دانگ خوش رنگه محرر، با رقم: «لمحرره یاری المذهب»؛ تذهیب و طلاکاری نسخه‌ی «خمسه» امیر علیشیر نوایی، با رقم: «خمسه میر علیشیر نوایی به خط قبلهٔ الکتاب مولانا سلطانعلی المشهدی و به مذهبی مولانا یاری...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۶۷ -۹۶۶/ ۳)، احوال و آثار نقاشان (۱۴۲۴ -۱۴۲۱/ ۳)، تاریخ هنرهای ملی (۸۵۳/ ۲)، تذکره‌ی روز روشن (۹۳۹ -۹۳۸)، خوشنویسان و هنرمندان (۴۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۸۱ -۸۸۰/ ۵)، الذریعه (۱۳۰۶/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۰)، کارنامه‌ی بزرگان (۴۴ -۴۳)، گلستان هنر (۱۴۵ -۱۴۴)، مجالس‌النفائس (۱۲۱ -۱۲۰).

مذهب، کمال الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۴۷ ق)، خطاط و نقاش. از مذهبان و محرران و قاطعان بود که در یکی از آثار خود چندین قطعه از خطوط میر علی هروی را بریده و یا اگر اصل خط به سفیداب یا زر نوشته شده بوده، آن را تحریر کرده است و رقم نهاده: «حرره کمال». از دیگر آثار وی: یک نسخه «سبحهٔ الابرار» جامی، به خط نستعلیق که حواشی آن تذهیب شده است، به سال ۹۲۷ ق؛ یک نسخه «مفردات» میر علی تبریزی، به قلم نیم دو دانگ و کتابت جلی متوسط، با رقم: «کتبه سنه‌ی ۹۴۷ کمال، غفر ذنوبه»؛ یک قطعه از مرقع امیر غیب بیگ، به قلم چهار دانگ، به قلم زر تحریردار، با رقم: «حرره کمال‌الدین مذهب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۹۰/ ۲)، احوال و آثار نقاشان (۵۵۱ -۵۵۰/ ۲)، هنر عهد تیموریان (۷۵۰ -۷۴۹، ۶۲۴، ۵۷۸).

مذهب، یوسف

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۸۱۰ ق)، مذهب و خطاط. مشهور به امیری. از آثار وی: کتابت و تذهیب «کلیله و دمنه» که در ۸۱۰ ق به پایان رسیده و نوزده تصویر آبرنگی در آن نقش نموده است که در ذیل بعضی از نقوش رقم «یوسف المذهب» دارد و در آخر نسخه رقم نهاده: «کتبه العبد یوسف المشهور به امیری».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۴۲۹/ ۳).

مر، فرید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زمین‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زمین‌شناسی از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۴، دکترای تخصصی زمین‌شناسی اقتصادی از دانشگاه لندن در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۸، دانشیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۶۸ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تعیین خصوصیات و ویژگیهای ژئوشیمیایی کانه‌زائی‌های مختلف و بررسی پدیده کارست در سازنده‌های آهکی رشته کوههای زاگرس در محدوده استان فارس، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

زمینه‌های مختلف زمین‌شناسی و کتابهای درسی دانشگاهی و تخصصی ترجمه شده از انگلیسی به فارسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۵

زمینه علمی مقالات:

ژئوشیمی و زمین‌شناسی اقتصادی کانسارهای مختلف و هیدروشیمی آبهای کارستی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مرادی استرآبادی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۹/ ۹۷۶ ق)، شاعر. اصل وی از استرآباد بود. در زمان مولانا حیرتی تونی در کاشان می‌زیست و شعر می‌گفت. او پس از مدتی، از آنجا به یزد رفت و در آن دیار ازدواج نمود. میرمرادی در اواخر عمر به قصد زیارت خانه‌ی خدا حرکت کرد و چون به تبریز رسید، بیمار شد و در ۹۷۶ ق در همان شهر از دنیا رفت. به آورده‌ی «کاروان هند» از قول «منتخب التواریخ»، وی در تبریز بهبود یافت و به سفر خود ادامه داد و بعد از گزاردن حج، سفری به هند نمود و سرانجام در ۹۷۹ ق درگذشت. صاحب تذکره‌ی «روز روشن» آورده است که او در عهد اکبرشاه به هند رفته و در ۹۷۹ ق عزیمت حج نموده و در همان سال در راه سفر فوت شده است از وی اشعاری در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۹۷/ ۲)، تذکره‌ی روز روشن (۷۳۱)، فرهنگ سخنوران (۸۳۲)، کاروان هند (۱۲۷۷ -۱۲۷۴/ ۲)، هفت اقلیم (۱۲۰/ ۳).

مرادی بافقی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. برادر بزرگ وحشی بافقی بود و هر دو از شاگردان شرف‌الدین علی بافقی (م ۹۷۴ ق) بودند. گویند که او در تربیت برادر خویش و آشنا نمودن وی با محفل‌های ادبی اثر بسیاری داشته و قبل از آنکه وحشی در شاعری به شهرت برسد، مرادی از دنیا رفته است. وی از شاعران بنام روزگار خود بود که در سرودن غزل توانایی داشت. صاحب «الذریعه» آورده که وی به حج رفت و در بازگشت، در تبریز درگذشت. از اوست:

بعد مردن تربت ما را عمارت، گو مباش

بر سر قبر شهیدان گنبد گردون بس است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۷۶۲/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۶۵۹)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۳۰۸ -۳۰۷)، الذریعه (۱۰۲۶/ ۹)، صبح گلشن (۴۰۰ -۳۹۹)، فرهنگ سخنوران (۸۳۲).

مرادی نسب، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین مرادی نسب

محل تولد : سمنان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین مرادی نسب در سال ۵۷ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه حقانی که زیر نظر شهیدان قدوسی و بهشتی بود مشغول تحصیل شدم . دوره مقدماتی و دوره سطح و کفایه و مکاسب را در آنجا گذراندم که از محضر اساتیدی بزرگ همچون آقایان آیت الله استادی ، مصلحی (قدس سره) و بحرینی بهره بردم . و در دروس خارج اصول و فقه آقایان حضرات آیات مکارم شیرازی ، فاضل لنکرانی ، نوری همدانی ، سبحانی و تبریزی شرکت کردم ؛ در ضمن در دوره تربیت مربی کودکان که از طرف دفتر تبلیغات اسلامی برگزار می شد شرکت کردم و چون علاقه به تاریخ اسلام داشتم در این حوزه فعالیت خود را آغاز کردم و در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه دوره آموزشی و پژوهشی را گذراندم و در پایان نامه خود را تحت عنوان نقد و بررسی متن مغازی موسی بن عقبه (م ۱۴۱) دفاع کردم ؛ این پایان نامه در سال ۸۰ رتبه برتر پژوهشی از طرف دبیرخانه ارشاد و فرهنگ اسلامی شناخته شد .

مرادی، فیض‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۰ مهر ۱۲۹۰، قریه بیساران از قراء ژاورود سنندج.

درگذشت: ۲۸ تیر ۱۳۶۴، سنندج.

ملاـ فیض‌الله مرادی، فرزند ابوالمحمد، دوران کودکی را تا ده سالگی در کشاورزی به پدرش کمک می‌کرد و چون علاقه‌مند به تحصیل علم گردید قرآن را نزد ملا شریف بیسارانی ختم کرد و رساله‌ها و کتب کوچک مقدماتی فارسی را نیز تمام نمود. آنگاه عزم سفر کرد و ابتدا در محضر سید عنایت‌الله مدرس صرف و نحو را فراگرفت. پس از چندی به قریه اویهنگ رفت و نزد ملا محمدصادق امامت تحصیل خود را دنبال کرد. بعد به قرای نژمار و بالک، از توابع مریوان، رفت و از محضر مدرسان آنجا نیز مدت‌ها کسب فیض نمود و به سطوح بالا رسید، سپس به قریه چنگنیان واقع در منطقه شارباژیر سلیمانیه‌ی عراق رفت و در محضر ملا عارف تعلم نمود. بعد به شهر سلیمانیه وارد شد و در مجسد کاک احمد شیخ در حضور ملا عبدالله مشغول به فراگیری شد. پس از گذشت هشت سال دوری از خانواده به ایران بازگشت و برای تکمیل علم خود نزد علامه‌ی ملا عبدالعظیم مجتهد به تحصیل پرداخت تا سرانجام اجازه وی توسط ملا محمد مدرس گرجی صادر شد. در این هنگام به زادگاهش بیساران مراجعت نود و یک سال در بیساران و نه سال قریه کیلانه به تدریس مشغول بود. بعد از آن به قریه سراب قامیش نقل مکان کرد و قریب بیست سال نیز در این قریه به امامت و تدریس و امر کشاورزی مشغول بود. در سال ۱۳۵۰ به سنندج آمد و در آنجا رحل اقامت افکند و تا دم مرگ بیش از چهارده سال دیگر در مسجد سید مصطفی به تدریس وامامت مشغول بود.

پیکر ملا فیض‌الله مرادی پس از فوتش در سال ۱۳۶۴ در آبادی سراب قامیش به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مرادی، نورالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نورالله مرادی در سال ۱۳۲۱ ، در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی و دبیرستان خود را در سال ۱۳۳۹ به پایان رساند و پس از مدتی کار در انتشارات فرانکلین ، در سال ۱۳۴۲ وارد دانشکدهٔ حقوق دانشگده تهران شد. و در سال ۱۳۴۶ با مدرک لیسانس حقوق قضایی فارغ التحصیل شد. او بدون آنکه توقفی در تحصیلات خود به وجود آورد ، توانست تا سال ۱۳۵۳ فوق لیسانس علوم اجتماعی و فوق لیسانس علوم تربیتی را از دانشگاه تهران اخذ نماید. پس از این دوره برای ادامه تحصیل به آمریکا سفر نمود و در سال ۱۳۵۷ با دریافت مدرک دکترای کتابداری از دانشگاه پیتسبورگ به ایران بازگشت و بادستگاههایی چون صدا و سیما (به عنوان مدیر کل آرشیو و کتابخانه تا سال ۱۳۷۷) وزارت امورخارجه (به عنوان مدیر کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه) ، دانشگاه آزاد اسلامی به همکاری پرداخت. مطالعه و تحقیق و نیز ترجمه آثار تخصصی به ویژه از زبان انگلیسی ، از جمله فعالیت های روزانه دکتر مرادی به شمار می رود.گروه : علوم انسانی رشته : علوم تربیتی گرایش : کتابداری تحصیلات رسمی و حرفه ای : نورالله مرادی تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در سال ۱۳۳۹ به پایان رساند و پس از مدتی اشتغال در انتشارات فرانکلین ، در سال ۱۳۴۲ وارد دانشکدهٔ حقوق دانشگده تهران شد و در سال ۱۳۴۶ با موفقیت دوره لیسانس را به پایان برد. او بدون آنکه توقفی در تحصیلات خود به وجود آورد ، توانست تا سال ۱۳۵۳ فوق لیسانس علوم اجتماعی و فوق لیسانس علوم تربیتی را از دانشگاه تهران اخذ نماید. پس از این دوره برای ادامه تحصیل به آمریکا سفر کرد و در سال ۱۳۵۷ با دریافت مدرک دکترای کتابداری از دانشگاه پیتسبورگ به ایران بازگشت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : نورالله مرادی پس از مدتی در موسسه فرانکلین، اشتغال داشت، با کسب مدارج علمی، بین سال های ۱۳۵۳ـ ۱۳۴۷ در مراکز مدارک علمی و نیز مرکز خدمات کتابداری مشغول کار شد.همکاری با دستگاههایی چون صدا و سیما (به عنوان مدیر کل آرشیو و کتابخانه تا سال ۱۳۷۷) وزارت امورخارجه (به عنوان مدیر کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه) ، دانشگاه آزاد اسلامی از جمله دیگر فعالیتهای وی می باشد.فعالیتهای آموزشی : نورالله مرادی از دههٔ ۱۳۵۰ (پس از بازگشت از آمریکا) به تدریس کتابداری مشغول شد. او اکنون عضو هئیت علمی دانشگاه آزاد اسلامی است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مطالعه و تحقیق و ترجمه آثار تخصصی به ویژه از زبان انگلیسی، فعالیت های روزانه نورالله مرادی را در بر می گیرد.شاگردان : برخی شاگردان نورالله مرادی که پایان نامه های خود را به راهنمایی وی دفاع نموده اند عبارتند از: محسن سخایی ، شعله مزدیسنا ، ندا نظری ، شهرزاد میرشمسی ، زهرا قریب ، نازنین قائم مقامی ، کامران فانی ، مهرانگیز صمدی ، داریوش مطلبی و محسن رجبی ؛ که عموماً در دانشگاه تهران تحصیل نموده اند.آرا و گرایشهای خاص : نورالله مرادی به کارایی ترجمه سر عنوان های موضوعی فارسی و نیز اصطلاح نامه های تخصصی در علوم گوناگون بسیار اعتقاد دارد.چگونگی عرضه آثار : عمده کتاب های نورالله مرادی از سوی نشر کتابدار ، سروش و کتابخانه ملی به چاپ رسیده است. همچنین مقالات وی توسط نامهٔ انجمن کتابداران ایران و خبرنامه انجمن و سمینارهای داخلی و خارجی منتشر شده است.

منابع زندگینامه :کتاب ماه (کلیات) ، « گفتگو با دکتر نورالله مرادی » ، آذر و دی ۱۳۸۱ ، ص ۲۰

مرادیان، سیامک

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی نساجی، دانشکده: مهندسی نساجی، دانشگاه: صنعتی امیرکبیر

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:
کارشناسی شیمی و تکنولوژی رنگ از دانشگاه برادفورد انگلستان در سال ۱۳۵۱، دکترای شیمی و تکنولوژی رنگ از دانشگاه برادفورد انگلستان در سال ۱۳۵۵ و فوق تخصص Visiting Fellow از دانشگاه نیوساوت ولز استرالیا در سال ۱۳۶۵.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده‌ی مهندسی نساجی دانشگاه صنعتی امیرکبیر.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
بررسی مواد رنگزای مورد مصرف در کالای پشمی به منظور رنگ همانندی، رنگ همانندی کامپیوتری از طریق تئوری دو ثابتی، ساخت مواد رنگزای فتالوسیانین آبی مس، تدریس دروس کالیمتری پیشرفته، کنترل رنگ، شیمی و تکنولوژی مواد رنگزی و اصول علم و تکنولوژی رنگ در دانشگاه صنعتی امیرکبیر، نظارت بر ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی-
زمینه علمی تألیفات:
اصول علم و تکنولوژی رنگ، اصول شیمی و کاربرد مواد رنگزا.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴
زمینه علمی مقالات:
معادلات متاماریزم برای پیشگوئی رنگ همانندی توسط کامپیوتر، مروری انتقادی بر کنترل رنگ در صنایع.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مراغه ای، سعادت

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای سعادت مراغه‌ای از علماء خدوم و مبارز آذربایجان است در شهرستان مراغه. ایشان در حدود ۱۳۴۲ قمری در یکی از مضافات مراغه به دنیا آمده و پس از خواندن اولیات در شهر مراغه به تبریز عزیمت و از آنجا مهاجرت به قم نموده و پس از تکمیل سطوح از مدرسین بزرگ به درس خارج آیات عظام مرحوم بروجردی و آیت‌اللّٰه شریعتمداری و دیگران حاضر شده و از محاضر آنان استفاده‌ها نموده آنگاه به وطن مراجعت و به خدمات دینی و روحی از قبیل اقامه جماعت و ارشاد مردم پرداخته و در اثر فعالیتهای طاقت‌فرسا و حسن نیت محبوبیت خاصی پیدا نموده و مورد اعتماد مراجع و بالاخص آیت‌اللّٰه العظمی آقای شریعتمداری گردیده.
حاج آقای سعادت در مراغه و حومه آن آثار زیادی از خود به یادگار گذارده و همواره درب منزلش به‌روی مردم آشنا و بیگانه باز و با آغوش باز از واردین پذیرائی و سعی بلیغ در انجام مقاصد آنان می‌نمایند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

مراغه‌ای، ابراهیم

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابراهیم مراغه (داماد مرحوم شیخ مرتضی برادر محدث قمی حاج شیخ عباس) از علماء قدماء حوزه علمیه قم و شاگردان مبرز مرحوم آیت‌اللّٰه حجت و آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و دیگران می‌باشند وی عالمی فاضل و دانشمندی ورع و متقی می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مراغه‌ای، حسین

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین مراغه‌ای از علماء و ائمه جماعت معاصر مراغه است.
وی در مراغه به دنیا آمده و پس از خواندن مقدمات و اولیات و قسمتی از سطوح در مراغه و تبریز به قم مهاجرت و سطوح را تکمیل و چند سالی از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی آقای حجت کوهکمری فقها و اصولا استفاده نموده و بعد مراجعت به مراغه و تاکنون به خدمات دینی از اقامه جماعت و غیره اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مراغه‌ای، رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجةالاسلام آشیخ میرزا رضا مراغه‌ای عالمی جلیل و فاضلی کامل از معاصرین معروف (به صدر مراغه‌ای) بوده و در مراغه خدمات بسیار و ترویج بی‌شمار نموده تا بعد ۱۳۳۵ به رحمت حق پیوسته

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مراغه‌ای، طرماح

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ طرماح مراغه‌ای عالمی فاضل و خطیبی کبیر از ائمه جماعت مراغه بوده و در مسجد (آقا محمدتقی) اقامه جماعت داشته و در حدود ۱۳۳۰ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مراغه‌ای، عباسعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ عباسعلی مشهور (بثقه‌الاسلام) بن شیخ عبدالائمه بن ملا زین‌العابدین بن ملامحمد مجتهد مراغه‌ای متولد ۱۳۰۳ فقیهی بارع و عالمی فاضل از شاگردان آخوند خراسانی و سید محمدکاظم یزدی بوده و در سال ۱۳۲۶ به مراغه مراجعت و مرجعیت عامه پیدا نموده تا در ۲۵ ذی‌القعده ۱۳۶۰ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مراغه‌ای، عبدالائمه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالائمه بن ملا زین‌العابدین مشهور به حاج ملازینال بن ملامحمد مجتهد مراغه‌ای متولد ۱۲۵۵ ق عالمی جلیل از شاگردان علامه حاج شیخ زین‌العابدین مازندرانی در کربلا بوده و در سال ۱۳۰۵ ق وفات نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مراغه‌ای، عبدالحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسین بن ملاـ عباسعلی مراغه‌ای عالمی فقیه و زاهدی عابد از شاگردان ملاـ محمد فاضل ایروانی در نجف و میرزا بزرگ شیرازی در سامرا بوده و در مراغه ریاست و مورد توجه عموم بالخصوص نماز جماعتش پرجمعیت و بااهمیت بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مراغه‌ای، عبدالقار

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالقار مراغه‌ای ملقب به «حافظ» و «گوینده»، موسیقی‌دان معروف ایرانی (۸۳۷ ه.ق) وی در آغاز در خدمت سلطان احمد جلایر در بغداد و مورد لطف وی بود چندانکه شاه او را «یا عزیز» خطاب می‌کرد، سپس در سلک مصاحبان و ملازمان «میرزا میرانشاه» قرار گرفت. در سال ۸۰۲ چون بکرات امیرتیمور شنیده بود که میرانشاه همواره به شراب و صحبت ساقیان سیم اندام به سر می‌برد و از مملکت‌داری فارغ است، حکم کرد که ندما و ملازمان وی را جمله بر دار کشند و استاد «قطب‌الدین نایی» و «حبیب عودی» و «عبدالقادر» از آن جمله بودند، که هر سه در فن موسیقی و ادوار شهرت بسزا داشتند. دو تن اول را به دار کشیدند، ولی عبدالقادر مجالی یافت و بگریخت و چندی پنهان بود، تا پس از مدتی که در مجالس قلندران صرف کرد، نزدیک بارگاه تیمور آمد و به آواز بلند قرآن خواندن آغاز کرد و مورد عفو قرار گرفت. عبدالقادر مراغه‌ای پس از فوت امیر تیمور به ملازمت شاهرخ درآمد و

از او نیز مهربانیها دید. وی در انواع فضایل و از جمله در علم موسیقی و ادوار کامل بود و چنانکه گفته‌اند هیچ یک از ابناء زمان به پای او نمی‌رسید. در علوم قرائت و شعر و کتابت و خط زحمات بسیار کشیده به کمال رسید. عبدالقادر کتابی درباره‌ی موسیقی به نام «مقاصدالالحان» نوشته و در کتاب دیگری به نام «کنزالالحان» نوشته بود و در آخر آن نغمات موسیقی را که خود ساخته با خطی مخصوص تحریر کرده بوده ولی از کل این کتاب متأسفانه اثری در دست نیست (کارنامه‌ی بزرگان ایران ۲۷ –۳۰۵).

(۸۳۹ / ۸۳۸ / ۸۳۷ –۷۵۴ ق)، موسیقیدان، شاعر و خطاط. معروف به عبدالقادر گوینده و عودی. پدرش، غیبی، از فضلا و موسیقیدانانی بود که در اغلب علوم دست داشت. عبدالقادر در مراغه به دنیا آمد. ولی ابتدا به تحصیل صرف و نحو و معانی و بیان همت گماشت و قرآن را حفظ کرد و چون به علم ریاضی و فن موسیقی بیش از دیگر علوم توجه داشت، به مطالعه‌ی کتابهای این رشته پرداخت و از تعالیم پدرش در این زمینه بهره‌مند شد. پس از مدتی در استنباط اوزان و استخراج الحان و تألیف نقرات و اختراع نغمات و ساختن تصنیف مهارت یافت و پرآوازه‌ترین موسیقی‌دان و موسیقی‌شناس عصر خود شد. او در جوانی از مراغه به تبریز رفت و مورد توجه شیخ اویس قرار گرفت و در دربار فرزندش، سلطان حسین جلایر، مقام و منزلت یافت. پس از تسخیر آذربایجان به دست امیر تیمور، وی به بغداد، نزد سلطان احمد جلایر، رفت و بعد از فتح بغداد، امیر تیمور او و گروهی از صنعتگران و هنرمندان را روانه‌ی سمرقند کرد. عبدالقادر پس از ۸۰۰ ق به تبریز بازگشت و در سلک ندیمان و نوازندگان دربار میرانشاه درآمد و دوباره از آنجا به بغداد رفت. وقتی که امیر تیمور دیگر بار بغداد را به تصرف درآورد، او را زندانی کرد و فرمان قتلش را صادر نمود، اما او جان سالم به در برد. وی پس از مرگ تیمور (۸۰۷ ق) مدتی در سمرقند، در دربار سلطان خلیل بود و سپس به دربار شاهرخ پیوست. عبدالقادر تا آخر عمر در هرات و در دربار شاهرخ زیست و در حالی که بیش از هشتاد سال داشت، به مرض طاعون درگذشت.او احتمالا آخرین موسیقیدان بزرگ ایران است که در علم و عمل موسیقی و داشتن قریحه و هنر تألیف و ساختن آهنگ و تصنیف استادی بی‌مانند بود. آواز را خوش می‌خواند و عود را نیکو می‌نواخت و به همین سبب خط را خوب می‌نوشت. عبدالقادر را می‌توان در ردیف صفی‌الدین ارموی دانست. از تألیفات متعدد و پرارزش وی: «جامع الالحان»، که در ۸۱۶ ق برای فرزندش نورالدین عبدالرحمان تألیف و تنظیم کرده است؛ «مقاصد الالحان»، کتابی است مفید و مختصر در علم و عمل موسیقی قدیم ایران، با یک مقدمه و دوازده باب و چند فصل؛ «کنز الالحان فی علم الادوار» که اثری از این کتاب در دست نیست؛ «شرح ادوار»، که شرحی است بر «الادوار فی حل الاوتار» صفی‌الدین ارموی.[۱]

مراغه‌ای ملقب به «حافظ » و «گوینده»، موسیقی‌دان معروف ایرانی (ف. ۸۳۷ ه.ق.) وی در آغاز در خدمت سلطان احمد جلایر در بغداد و مورد لطف وی بود چندانکه شاه او را «یار عزیز» خطاب می‌کرد. سپس در سلک مصاحبان و ملازمان «میرزا میرانشاه » قرار گرفت. در سال ۸۰۲ چون به کرات امیر تیمور شنیده بود که میرانشاه همواره به شرب شراب و صحبت ساقیان سیم‌اندام و در مجلس موسیقی به سر میبرد و از مملکت داری فارغ است، حکم کرد که ندما و ملازمان وی را جمله بر دار کشند و استاد «قطب‌الدین نایی» و «حبیب عودی» و «عبدالقادر» از آن جمله بودند، که هر سه در فن موسیقی و ادوار شهرت بسزا داشتند. دو تن اول را به دار کشیدند، ولی عبدالقادر مجالی یافت و بگریخت و چندی نهان بود، تا پس از مدتی که در مجالس قلندران صرف وقت کرد، نزدیک بارگاه تیمور آمد و به آواز بلند قرآن خواندن آغاز کرد و مورد عفو قرار گرفت. عبدالقادر پس از فوت امیر تیمور به ملازمت شاهرخ درآمد و از او نیز مهربانیها دید. وی در انواع فضایل و از جمله در علم موسیقی و ادوار کامل بود، و چنانکه گفته‌اند هیچ یک از ابناء زمان به پای او نمی‌رسید. در علوم قرائت و شعر و کتابت و خط زحمات بسیار کشیده به کمال رسید. عبدالقادر کتاب خود «مقاصد الالحان» را که در موسیقی نوشته به نام سلطان مراد دوم پادشاه عثمانی اتحاف کرد و از سمرقند به آسیای صغیر رفت و در سال ۸۳۶ کتاب را بدو تقدیم نمود. وی در پایان حیات نزد شاهرخ تیموری میزیست و کتاب «جامع الالحان» را در سال ۸۱۸ به وی تقدیم داشت. کتاب دیگری در شرح «کتاب الادوار» صفی‌الدین نوشته (ظاهرا این آخرین تألیف اوست). از نوشته‌های او چنین بر می‌آید که وی کتابی به نام«کنز الالحان» نوشته بوده و در آخر آن نغمات موسیقی را که خود ساخته با خطی مخصوص تحریر کرده بوده، ولی از این کتاب اثری در دست نیست (کارنامه بزرگان ایران ۷ –۳۰۵).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] استادان موسیقی (۳۷ –۳۶)، ایضاح المکنون (۳۸۴ / ۲)، تاریخ موسیقی (۲۲۴ –۱۹۹ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۲۶۲ –۲۶۱)، تاریخ هنرهای ملی (۷۶۶ –۷۵۶ / ۲)، تذکره الشعراء (۳۷۹، ۳۴۲، ۲۵۱ –۲۵۰)، حبیب السیر (۱۴ –۱۳ / ۴)، دانشمندان آذربایجان (۲۶۴ –۲۵۸)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۷۰ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۱۸)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۰۷ –۳۰۵)، کاروان هند (۶۷۰ / ۱)، کشف الظنون (۱۵۱۳)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالقادر گوینده)، معجم المؤلفین (۲۶۷ –۲۹۶ / ۵)، هدیه العارفین (۵۹۷ / ۱).

مراغه‌ای، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۷۴ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. نسبت وی به مراغه آذربایجان می‌رسد. در نجف به دنیا آمد. پس از استفاده از محضر علمای آنجا به بحث و تألیف و تدریس پرداخت. او برای خود کتابهایی از جمله «قوانین» را استنساخ کرد. از آثارش: «جواهر الاصول»، در اصول فقه، در دو مجلد، که در ۱۲۷۴ ق از تألیف آن فراغت یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۶۳/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۷۷ –۱۷۶/ ۱۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶۸/ ۷)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۸۳/ ۳)، معجم المؤلفین (۸۵/ ۹).

مراغه‌ای، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی بن آغا جعفر (پیش نماز) بن ملاـ عباسعلی بن آغا جعفر بنابی مراغه‌ای عالمی بزرگ بوده و در سال ۱۳۳۷ ق وفات نموده. مرحوم جدش ملاعباسعلی صاحب مسجد و موقوفات و آثار خیر بسیاری بوده که تاکنون باقی می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مراغی، اسحاق

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ اسحاق مراغی از اجلاء علماء و معروف به مجتهد مراغی بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مراغی، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر بن عباسعلی بن جعفر مراغی بنابی عالمی بزرگ معروف به پیشنماز بوده و در حدود ۱۲۸۰ ق به رحمت حق پیوسته و مرحوم والدش ملاعباسعلی از بزرگان علماء و اهل تصنیف و صاحب کرامت بوده و در حدود ۱۲۶۰ وفات نموده است.

وی فرزند دانشمند و خطیبی به نام آشیخ محمدعلی داشته که در سال ۱۳۳۷ وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مراغی، حاجت قلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۹۹ ق)، خطاط. از کاتبان گمنام بود. به خط وی یک نسخه «سلسلهٔ النسب صفویه» در کتابخانه‌ی ملی تهران است، به قلم کتابت متوسط، که چنین رقم دارد: «کاتب العبد حاجت قلی حکاک ابن‌استاد ملک دلاک مراغی، بتوفیق حق سبحانه و تعالی، در بلده‌ی طیبه‌ی اهر. فی شهر رجل المرجّب باتمام رسید سنه‌ی ۱۰۹۹».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۳۳/۱).

مراغی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین مراغی عالمی بارع و دانشمندی فاضل بوده و تحصیلات خود را در نجف اشرف خدمت مرحوم آخوند خراسانی و علامه یزدی و غیرهم انجام داده و با دریافت اجازات از ایشان به وطن برگشته و با انجام وظائف پرداخته تا از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مراغی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملا احمد بن علی‌اکبر مراغی ساکن تبریز عالمی جلیل از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بوده و تقریرات فقه او را نوشته است دارای تالیفاتی مانند حاشیه بر رسائل و تفسیر مشکلات القرآن و شرح نهج‌البلاغه و تحفه المظفریه در رد حاج کریم‌خان شیخی و حاشیه بر قوانین و حاشیه بر شرح الشمسیه و حاشیه صمدیه و حاشیه مطول و حاشیه تنقیدات المصابیح نظام العلماء تبریزی و غیره بوده و در پنجم محرم ۱۳۱۰ قمری به مرض و یا از دنیا رفته و نعش او را به وادی‌السلام نجف حمل نمودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مراغی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمـدتقی مراغی از علمـاء ادبـاء و اتقیـا و مقدسـین مراغه و بسـیار متعصب و متصـلب در دین بوده و در حـدود ۱۳۳۰ قمری وفات نموده و مسجد آقا محمدتقی مراغه منسوب به ایشانست.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مرآت کازرونی، عبداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۷ ش)، شاعر، متخلص به مرآت. در خـدمت پـدر و جـدش و سایر علما تحصـیل علم کرد و مـدتی در مدرسه‌ی منصوریه شیراز در سلک طلاب علوم دینی درآمد. از آثار وی کتابی منظوم به نام «جرعة السلسبیل» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۰۵ -۴۰۳/ ۴).

مرآت، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسـماعیل مرآت در سال ۱۲۷۲ خورشیدی (شعبان ۱۳۱۰ ق.) به دنیا آمـد.دورهٔ متوسـطه را در تهران به پایان رسانـد. در سال ۱۲۹۰ جزء شاگردان اعزامی به فرانسه رفت و در رشتهٔ تعلیم و تربیت و روانشناسـی به تحصیل مشغول شد.وی پساز مراجعت به ایران برای تـدریس در دارالفنون برگزیـده شـد و تعلیم فیزیـک را در آن مـدرسه برعهـده گرفت.ایشان در سال ۱۳۱۴ مرآت به ریـاست ادارهٔ تعلیمـات عـالیه وزارت معـارف انتخـاب شـد و سه سـال بعـد در تاریـخ بیست‌ودوم مرداد ماه سال ۱۳۱۷ کفـالت وزارت معـارف را برعهده گرفت. اسماعیل مرآت در روز ۲۸ شهریور ماه سال ۱۳۱۸ به وزارت معارف رسید و تا شهریور ماه سال ۱۳۲۰ در این سمت بـاقی بود.نـامبرده در روز بیست و هفتم آذرمـاه سال ۱۳۲۸ خورشیدی (۱۸ دسـامبر سال ۱۹۴۹ م.) درگـذشت.مـدفن وی در باغچهٔ علیجان واقع در شـهر ری می‌باشد. گروه : علوم انسانی رشـته : روان شناسی گرایش : تعلیم و تربیت و روانشناسی والدین و انساب : اسـماعیل مرآت فرزنـد میرزا موسـی‌خان مرآت‌الممالک است.تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : اسـماعیل مرآت دورهٔ متوسـطه را در تهران به پایان رساند. در سال ۱۲۹۰ جزء شاگردان اعزامی به فرانسه رفت و در رشتهٔ تعلیم و تربیت و روانشناسی به تحصیل مشغول شد.زمان و علت فوت : آخرین مأموریت اسـماعیل مرأت، سرپرستی محصـلان ایرانی در آمریکا بود. در همین مأموریت بود که در روز بیست و هفتم آذرماه سال ۱۳۲۸ خورشیدی (۱۸ دسامبر سال ۱۹۴۹ م.) درگذشت.مدفن وی در باغچهٔ علیجان واقع در شهر ری می‌باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : اسماعیل مرآت با بروز جنگ جهانی اول به ایران بازگشت. پس ازمراجعت به وطن برای تـدریس در دارالفنـون برگزیـده شـد و تعلیم فیزیـک را در آن مـدرسه برعهـده گرفت. در سـال ۱۲۹۷ خورشـیدی مرآت معاونت، نظامت و تدریس فیزیک در دارالمعلمین عالی را عهده‌دار شد. مرآت در سال ۱۳۰۳ به عضویت شورای عالی معارف انتخاب شد و در سال ۱۳۰۷ سـرپرستی محصـلان ایرانی در اروپا را برعهـده گرفت. در سال ۱۳۱۴ مرآت به ریـاست ادارهٔ تعلیمـات عالیه وزارت معـارف انتخاب شـد و سه سال بعـد در تاریـخ بیست‌ودوم مرداد ماه سال ۱۳۱۷ کفالت وزارت معارف را برعهـده گرفت. اسـماعیل مرآت در روز ۲۸ شـهریور ماه سال ۱۳۱۸ به وزارت معـارف رسـید و تا شـهریور ماه سال ۱۳۲۰ در این سـمت باقی بود. چگونگی عرضه آثار : اسماعیل مرآت در دوران وزارت او در فرهنگ ، نزدیک دویست جلد کتاب درسی دبیرستانی تألیف و طبع شد.

مرآت، اسمعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد مرآت‌الممالک از مـدیران وزارت مالیه، متولد ۱۲۷۰ ش است. پس از انجام تحصـیلات مقدماتی و متوسـطه در ۱۲۹۰ ش از طرف دولت به اروپا اعزام شد و در دانشسـرای پلوا در رشته ریاضـی ادامه تحصـیل داد و درجه لیسانس گرفت. پس از مراجعت از اروپـا مـدتی در دارالفنون ریاضـیات و فیزیـک تـدریس می‌کرد و بعـد نـاظم و معـاون دارالعلمین مرکزی شـد. از ۱۳۰۰ در وزارت فرهنگ مشاغل تعلیماتی داشت. در ۱۳۰۷ که اولین دسته از محصلین ایرانی از طرف دولت عازم اروپا شدند مرآت با سمت معاون سرپرستی و رئیس امور مـالی و اداری به فرانسه عزیمت نمود و تـا ۱۳۱۴ با جـدیت و مراقبت در کار دانشـجویان نظارت داشت. در این سال به ریاست تعلیمات عالیه منصوب شد سپس به حکومت کرمان رفت.

در ۱۳۱۷ که علی اصغر حکمت از وزارت فرهنگ برکنار شد مرآت به کفالت آن وزارتخانه تعیین گردید و یک سال بعد وزیر فرهنگ شد و این سمت را در کابینه‌های متین دفتری و علی منصور عهده‌دار بود. مرآت در دوران وزارت فرهنگ دست به اقدامات تازه‌ای زد. چون خود تحصیلکرده‌ی فرانسه بود برنامه مدارس متوسطه آن کشور را در ایران پیاده کرد و چندین باب مدرسه در تهران و شهرستانها بنا نمود و چند کتب علمی و ادبی تهیه و تدریس آن را در مدارس ایران اجباری کرد. اسمعیل مرآت پس از شهریور ۲۰ چند روزی در کابینه ذکاءالملک فروغی وزیر فرهنگ بود، بعد به وزارت بهداری منصوب شد و پس از آن نماینده فرهنگی ایران در امریکا شد و در سال ۱۳۲۸ در آنجا فوت نمود. وی از رجال دانشمندان و پرکار و از فرهنگ دوستان جدی ایران به شمار می‌رود.

اسماعیل فرزند میرزا موسی مرآت‌الممالک فرزند میرزا رضاخان (و. ۱۲۷۲ ه.ش ف. ۱۳۲۸ ه.ش) در سال ۱۳۰۷ شمسی به سرپرستی محصلین اعزامی تعیین شد و همراه آنان به اروپا رفت و مدتها سرپرست محصلین ایرانی در فرانسه بود و دو مرتبه وزیر فرهنگ شد یکی در سال ۱۳۱۸ در کابینه‌ی متین دفتری و دیگری در ۱۳۲۰ در کابینه‌ی فروغی. مدفن او باغچه‌ی علیجان در حضرت عبدالعظیم است.

(ح ۱۳۲۸ –۱۲۷۱ ش)، استاد دانشگاه. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام دوره‌ی متوسطه به اروپا رفت و پس از چند سال تحصیل در سوئیس به دارالمعلمین شهر بلوا و سن کلود فرانسه رفت و در رشته‌ی طبیعی و تعلیم و تربیت و روان‌شناسی به تحصیل پرداخت. پس از بازگشت به ایران، در ۱۲۹۴ ش به تدریس فیزیک در دارالفنون مأمور شد. وی در ۱۲۹۷ ش به معاونت و نظامت دارالمعلمین عالی و تدریس فیزیک در این مؤسسه مأمور شد. در ۱۳۰۷ ش سرپرستی عده‌ای شاگرد را که برای تکمیل تحصیلات به اروپا اعزام می‌شدند بر عهده گرفت. وی در ۱۳۱۶ ش به استانداری کرمان و در ۱۳۱۸ ش به وزارت فرهنگ منصوب شد. لازم به ذکر است که در دوران وزارت او در فرهنگ، نزدیک دویست مجلد کتاب درسی دبیرستانی تألیف و طبع شد. مدفن وی در باغچه‌ی علیجان واقع در شهر ری می‌باشد.[۱]

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] روزشمار تاریخ (۲۴۰، ۲۳۷، ۲۲۸، ۲۲۵، ۲۲۴، ۲۲۰، ۲۱۷/ ۱)، شرح حال رجال (۲۹ –۲۸/ ۵)، وزرای معارف ایران (۱۲۳ –۱۲۱)، وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران (۳۴۰ –۳۳۶).

مرتضوی ثانی، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید غلامرضا مرتضوی ثانی

محل تولد : فردوس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب غلامرضا مرتضوی ثانی در سال ۱۳۴۷ به دنیا آمدم از سال ۵۵ وارد دبستان شدم و سپس مقطع راهنمای را پشت سر گذاشتم و بعد از آن در حوزه شهرستان مشغول به تحصیل شدم و همگام با تحصیل حوزه مشغول تحصیل دبیرستان هم بودم به صورت متفرقه و داوطلب آزاد سپس دیپلم خودم را گرفتم و بعد از آن به مشهد عزیمت نمودم و دروس حوزه را ادامه داده تا اینکه در سال ۷۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس علمی حوزه را پشت سر گذاشتم و همگام در دانشگاه باقرالعوم در رشته علوم سیاسی اشتغال به تحصیل داشتم و با نوشتن مقالات و پایان نامه دروس دانشگاه را به پایان برده و سپس در مرکز مدیریت حوزه در سمت کتابدار و متصدی امور آموزشی مدت حدوداً دو سال خدمت کردم و سپس در دروس حقوق وارد شدم و اکنون به صورت تخصصی رشته حقوق را مشغولم.

مرتضوی کرونی، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمد حسین بن سید عبدالله.

عالم جلیل، و محدث بی‌بدیل، فقیه ادیب مفسر متکلم، از مفاخر علمی عصر حاضر. در اصفهان و طهران و نجف اشرف تحصیل نموده، به اصفهان مهاجرت کرده، و پس از سال‌ها به طهران منتقل شده، و تا آخر عمر در آن شهر به وعظ و ارشاد و تفسیر پرداخته، جلسه‌ی تفسیر قرآن ایشان از هر حیث ممتاز بوده، و عده‌ای زیاد از فضلا از آن مستفید می‌شدند.

در ذی قعده‌ی سال ۱۳۶۷ به سن متجاوز از هفتاد و پنج سالگی در طهران وفات یافته، در قم مدفون شد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مرتضوی لنگرودی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدحسن مرتضوی فرزند برومند آیت‌اللّه حاج سید مرتضی لنگرودی قدس‌اللّه سره از فضلاء ابرار و مدرسین اخیار حوزه علمیه قم می‌باشند.

ایشان در بیست ونهم ماه صفر ۱۳۵۰ قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و در بیت علم و فضیلت پرورش یافته و خواندن و نوشتن را در آن بلده طیبه فراگرفته و در سال ۱۳۶۰ قمری در خدمت والد مغفورش به تهران آمده و مقدمات و سطوح وسطی و عالی را در مدرسه حاج ابوالفتح نزد جمله‌ای از فضلاء و علماء مرکز فراگرفته و سطوح نهائی فقه و اصول را خدمت والد ماجدش و مرحوم حاج شیخ اسمعیل جاپلقی و برخی از علماء بزرگ دیگر آموخته و منظومه حکیم سبزواری را از مرحوم عالم ربانی و حکیم متاله و متضلع حاج میرزا ابوالحسن شعرانی خوانده است.

در سال ۱۳۷۲ قمری فارغ از سطوح گردیده و در خدمت والد مکرمش به حوزه علمیه قم عزیمت نمود و به جلسات درس اساطین فقه و اصول و تفسیر و فلسفه حاضر و بخصوص در بحث صلوه آیت‌اللّه العظمی بروجردی تا در سال ۱۳۸۰ قمری که رحلت آن مرحوم واقع شد شرکت و استفاده نموده و تقریرات صلوهٔ و خمس و قضاء و طهارت او را به رشته تحریر آورده و نیز به درس خارج اصول مرحوم والدش حاضر و قریب یک دوره از اصول ایشان استفاده نموده و نیز حدود یکدوره از درس اصول آقای خمینی بهره‌مند شده و تقریر مطالب اصولی معظم‌له را مبسوطا نوشته و برای چاپ آماده نموده‌اند و نیز دوره اول اسفار را از مرحوم استاد علامه طباطبائی قدس‌اللّه سره و هم شفاء بوعلی را از آن مرحوم استفاده نموده و هم به درس تفسیر ایشان شرکت و تمهید القواعد ابن قولویه و مبحث معاد بحارالانوار را از محضرشان مستفیض شده و تا آخر عمرشان این جلسات ادامه داشته و بعد از فوت مرحوم آیت‌اللّه بروجردی در درس فقه والدش شرکت و پس از فوت ایشان در سال ۱۳۸۴ قمری و تبعید آقای خمینی به ترکیه و پس از آن به نجف اشرف به بحث فقه آیت‌اللّه گلپایگانی و آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه آملی شرکت و جزوات تقریرات دروس معظم لهم را نوشته و از ۱۳۹۵ قمری به تدریس خارج عروه‌الوثقی پرداخته و شرح مبسوطی بر عروه‌الوثقی نوشته و به انظار و افکار مقدسه اساطین فقه اشاره نموده است.

معظم‌له از سال ۱۳۸۹ قمری بنا بر تقاضای اهل محل در مسجد سلماسی به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ایراد بحثهائی در اصول دین و معارف اسلامی داشته و دارند.

تألیفات و آثار علمی ایشان

۱- جواهر الاصول- تقریرات اصول آقای خمینی (ره)

۲- دررالتقاط در تقلید و اجتهاد تقریر درس ایشان

۳- رساله در قاعده فراغ و تجاوز

۴- رساله در اصاله الصحه

۵- رساله در قرعه

۶- رساله در تعارض ادله

۷- الدر النضید در شرح فروع تقلید عروه‌الوثقی در ۲ جلد

۸- شرح مبسوطی در طهارت عروه‌الوثقی در چند جلد

۹- حاشیه مختصری بر کفایه الاصول

۱۲، ۱۱، ۱۰- تقریرات بحثهای مرحوم آقای بروجردی

۱۳- کتاب مبسوطی در دعا و زیارات و اعمال سنه

۱۴- اللئالی المنوره مانند کشکول شیخ بهائی

۱۵- اوراق یونان در مطالب متنوعه

۱۶- وفیات اعلام در تاریخ فوت علمائیکه از نیمه قرن چهاردهم از دنیا رفته‌اند.

۱۷- نوادر ابناء اعلام در قضایائی که از بزرگان جمع‌آوری شده.

۱۸- گیلان و دانش درباره حالات جمله‌ای از علماء گیلان

و آثار دیگر ادام‌اللّه عزه و توفیقه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرتضوی لنگرودی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدحسین لنگرودی (مرتضوی) فرزند بزرگ حضرت آیت‌اللّه آقای حاج سید مرتضی لنگرودی «قدس سره»، در حدود سال ۱۳۴۵ هجری قمری، در نجف اشرف متولد گردید. پس از طی دروس مقدماتی و سطوح معقول و منقول و تکمیل سطوح عالیه متعارفه و مقدار کاملی خارج فقه و اصول خدمت والد معظمشان حدود سال ۱۳۶۷ هجری قمری به حوزه علمیه قم عزیمت و

مستقیما به درس خارج فقه و اصول و فلسفه حضرات اساتید بزرگ آن زمان همچون آیت‌اللّه العظمی مرحوم حاج‌آقا حسین طباطبائی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی نایب الامام خمینی و علامه بزرگوار طباطبائی تبریزی قدس اللَّه تعالی اسرارهم و پس از چندی که والد معظمشان از تهران به قم هجرت فرمودند به درس خارج فقه و اصول ایشان (که در مسجد عشقعلی قم با شرکت فضلاء بی‌شماری داشتند) شرکت نموده و به فراگیری مبانی تحلیلی فقه و اصول از آن اساتید بزرگ همت گماشته و در همه‌ی آن دروس به حدی کوشش مجدانه داشتند که در مدتی از به مراتب عالیه و نهائیه، نائل و مخصوصا حائز رتبه اجتهاد و دریافت اجازات کتبی و شفاهی و غیره از آیات عظام شدند.

تا اینکه در سال ۱۳۸۰ هجری قمری بنا به اصرار اهالی محترم میدان قیام تهران به امامت و سرپرستی مسجد و مدرسه‌ی حاج ابوالفتح مشغول و به وظایف شرعی مخصوصا سرپرستی مدرسه و درس و بحث تاکنون که بیش از سی سال می‌گذرد این حوزه از نوع دروس اصلی و جنبی از مقدمات و سطح الی خارج فقه برخوردار است و شخص ایشان دروس عالیه فقه و اصول را عهده دارند و همه ساله فضلاء و علمائی متعهد مستخرج شده و می‌شوند.

معظم‌له از دانشمندان باتقوا و پرکار و جدی و بسیار متواضع و مجتنب از تظاهرات و معرض از شئونات می‌باشند. تألیفات ایشان در علوم مختلفه، فقه و اصول و تفسیر و اصول عقائد و فلسفه و کلام و نظائر آن بسیار است، مخصوصا بر بسیاری از کتب درسی و غیردرسی حواشی مفید دارند.

از باقیات الصالحات ایشان است فرزند برومند و صالح جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سید محمدرضا لنگرودی که پس از طی دروس مقدماتی و سطوح عالی از محضر آیات عظام، گلپایگانی و آملی و غیرهما بهره‌مند شده و اکنون از فضلاء حوزه‌ی علمیه‌ی قم می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرتضوی لنگرودی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدعلی فرزند حاج سید مرتضی لنگرودی از افاضل مدرسین و ائمه جماعت حوزه علمیه قم می‌باشند. معظم‌له با برادران بزرگوارش از آقازادگان موصوف به فضل و دانش می‌باشند.

ایشان بنابر آنچه که والدشان در پشت قرآن خود ضبط کرده‌اند در ماه شوال ۱۳۵۴ قمری برابر ۱۳۱۶ شمسی متولد گردیده و پس از طی مراحل مقدماتی در تهران در مدرسه حاج ابوالفتوح و مدرسه فتحیه واقع در خیابان ری میدان قیام (میدان شاه سابق) که تحت نظارت و سرپرستی والدشان بود به تحصیل علوم دینیه پرداخته و قسمتی از لمعه و قوانین را در مدرسه مزبور خوانده است.

در سال ۱۳۷۳ قمری در ملازمت والد ماجدش با عتاب عالیات مشرف و پس از مراجعت با اصرار فرزندان و تمایل قلبی خود رحل اقامت به قم افکنده و به تدریس خارج فقه و اصول مشغول و مترجم عزیز ما سطوح را نزد اساتید وقت به پایان رسانیده سپس در درس خارج زعیم شیعه آیت‌اللَّه العظمی بروجردی شرکت و مدت سه سال استفاده نموده و همزمان آن از دروس خارج والد گرامیش بهره‌مند شده و پس از رحلت آیت‌اللَّه بروجردی منحصرا از محضر والد خود مستفیض شده و نیز در بحث الهیات علامه طباطبائی بهره‌مند گردیده تا سه سال بعد از رحلت آیت‌اللَّه بروجردی در شب جمعه نوزدهم ماه صفر المظفر ۱۳۸۳ قمری در بحبوحه حکومت نظامی و مبارزات شدید مردم بر علیه دولت والد بزرگوارشان از دنیا رفته و در روز اربعین با تشییع کم سابقه‌ای در حجره شمالی صحن عتیق حضرت معصومه علیهاسلام مدفون گردید.

پس از فوت آن مغفور له به درس آیت‌اللَّه گلپایگانی و آیت‌اللَّه حاج میرزا هاشم آملی شرکت حدود دوازده سال استفاده نموده و گاه‌گاهی هم از دروس آیات عظام خمینی و محقق داماد و شریعتمداری استفاده نموده و از بعضی از آیات به دریافت اجازه اجتهاد مفتخر شده‌اند و در حال حاضر در مدرسه‌ای که به نام والدشان می‌باشد و حدود شصت طلبه دارد به تدریس فقه و اصول و اداره آن مدرسه اشتغال دارند و نیز در مسجد عشقعلی خیابان چهار مردان اقامه جماعت می‌نمایند و در ماه مبارک رمضان و غیر آن برای مؤمنین تفسیر و درس اخلاق گفته و به ارشاد و تهذیب اخلاق خلق‌اللَّه اشتغال دارند.

آثار علمی مترجم ما

۱- تقریرات درس آیت‌اللَّه بروجردی- خمس و قسمتی از طهارت و قضاء

۲- تقریرات درس بعضی از آیات دیگر

۳- رساله‌ای در عدالت

۴- تعلیقه‌ای ناتمام بر رسائل

۵- شرح مکاسب شیخ به فارسی

۶- تاریخ را بررسی کنیم در امامت مناظره بدون تعصب

۷- تکیه‌های تاریخی

۸- مجموعه از آثار و روایات به صورت کشکول

۹- شرح فارسی بر تجرید الاعتقاد

۱۰- ترجمه الطوائف ابن طاووس

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرتضوی میانجی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۲ ق)، عالم دینی و مصحح. در یکی از روستاهای میانه‌ی آذربایجان به دنیا آمد. مقدمات را در قم فراگرفت و در ۱۳۵۵ ق به نجف رفت و از محضر آیت‌اللَّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللَّه حکیم و آیت‌اللَّه خویی استفاده نمود. در حدود ۱۳۶۹ ق به ایران آمد و در تهران سکنی گزید و در یکی از مساجد به اقامه‌ی جماعت و انجام امور دینی پرداخت. از آثارش: «العیون العبری»، در مقتل سید الشهداء (ع)؛ «اطائب الکلام من مهابط الوحی و الالهام»، در حالات چهارده معصوم (ع)؛ تصحیح کتابهای «وسائل الشیعه»، « شرح نهج‌البلاغه» خوئی، «احقاق الحق» آیت‌اللَّه مرعشی و کتاب «بحارالانوار» علامه مجلسی؛ مقدمه و پاورقی بر کتاب «حقایق» علامه فیض کاشانی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۵۷۷ -۵۷۶/ ۴).

مرتضوی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا احمد مرتضوی بجنوردی اول عالم متنفذ عصر خود بود در بجنورد عالمی خلیق و دانشمندی کریم دارای محاسن اخلاق و ملکات فاضله بود درب خانه‌اش باز و دستانش گشاده و سفره‌اش گسترده بود.

معظم له در بجنورد متولد و پس از فرا گرفتن مقدمات و ادبیات بمشهد آمده و سطوح را خوانده و مهاجرت بنجف و از محضر آیات عظام نائینی و عراقی و اصفهانی استفاده کرده و بوطن مراجعت و باقامه و خدمات دینی و تدریس و تربیت طلاب بجنورد پرداخته تا چند سال قبل که دعوت حق را اجابت و بسرای جاوید شتافته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مرتضوی، جمال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جمال‌الدین مرتضوی است که از افاضل خطباء و رعاظ معاصر تهران می‌باشند.

ایشان در تهران متولد شده و در بیت چنان پدر بزرگواری پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید به تحصیل علوم دینی پرداخته و ادبیات و سطوح فقه و اصول را از اساتید و مدرسین فراگرفته و از راه منبر به تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام بالاخص اهل‌البیت علیهم‌السلام با بیانی شیوا پرداخته و شنوندگان و شیفتگان خاندان رسالت بالاخص سالار شهیدان را مستفیض و بهره‌مند می‌نمایند و واقعا مصداق حدیث شریف نبوی صلوات اللَّه علیه و آله هستند. (و ولد صالح یستغفر له).

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرتضوی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن مرتضوی ابرسجی شاهرودی از علماء ابرار و مدرسین اخیار و ائمه جماعت مشهد مقدس می‌باشد.

وی در سال ۱۳۱۴ شمسی برابر ۱۳۵۴ قمری در روستای ابرسج که در پنج فرسخی شاهرود واقع است به دنیا آمده و در بیت شریفی پرورش یافته و پس از خواندن دروس ابتدائی به مشهد مقدس آمده و به تحصیل علوم دینی پرداخته و ادبیات و سطوح اولیه را در خدمت مرحوم حاج‌آقا حسین موسوی شاهرودی و مدرسین دیگر فراگرفته و پس از آن در حدود سال ۱۳۷۴ قمری مهاجرت به نجف اشرف کرده است.

سطوح عالیه را نزد اساتید و آیات عظام نجف تکمیل و پس از آن اصول را در خدمت مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ حسین حلی و فقه را از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمود شاهرودی و دیگران استفاده نموده و پس از بیست سال اقامت در نجف اشرف در سال ۱۳۹۴ قمری به ایران مراجعت و اقامت در مشهد مقدس را اختیار نموده و در این شهر مقدس به تدریس خارج فقه و اصول و اقامه جماعت و تربیت عده‌ای از محصلین و طلاب علوم دینی پرداخته و در حال حاضر یکی از آیات و مدرسین پر برکات حوزه مشهد می‌باشند.

کرارا ترجمه ایشان را خواستم اجابت نفرمودند به اینکه من قابل و لایق ذکر نیستم ولی چون از چهره‌های درخشان علم و عمل بودند این چند جمله را از برخی از افاضل مشهد به دست آوردم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرتضوی، شهرناز

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

دکتر شهرناز مرتضوی در سال ۱۳۱۶ در تبریز متولد شد.وی دارای دکتری رشته روانشناسی گرایش روانشناسی بین فرهنگی از دانشگاه دولتی آلمان در سال ۱۳۵۷ است.ایشان هم اکنون استاد گروه روانشناسی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی گرایش : روانشناسی بین فرهنگی والدین و انساب : پدر دکتر مرتضوی اکبر مرتضوی و نام مادرم محترمشان عزیز رفیعی و نام برادرشان شهریار مرتضوی است.بنا به گفته های ایشان ،خانواده مادری وی از نواده میزا تقی خان امیر کبیر است که پسر نداشت ولی دارای سه دختر بود که یکی از آنها مادر بزرگ مادری دکتر مرتضوی بوده است.و پدر بزرگ مادری ایشان هم از خانواده امام جمعه تبریز (مجتهدی) است. پدر بزرگ از طرف پدری ،حاج سید مرتضی مرتضوی است که در دوره اول مجلس وکیل تبریز بوده است.خاطرات کودکی : دوران کودکی شهرناز مرتضوی با حضور دموکراتها در تبریز در سال ۱۳۲۴ مصادف است .هشت سال نخست کودکی به خاطر درگیری های سیاسی موجود خیلی مطلوب نبود.به ویژه این که در سال اول دبستان به دلیل ابتلا به حصبه در خانه با کمک مادرشان به این دوره را طی کرد..اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : اوضاع و شرایط شهرناز مرتضوی از نظر اقتصادی خیلی مطلوب نبود.و نظر به این که پدرش کارمند بود قسمت اعظم درآمد وی صرف تحصیل دکتر مرتضوی و برادرش می شد. تحصیلات رسمی و حرفه ای : شهرناز مرتضوی سال اول دوره ابتدایی را در تبریز و دوسال دیگر را در دبستان شهر بانو ، سه سال آخر را در مدرسه ژاندارک تهران گذراند.دوره دبیرستان را در دبیرستان های ژاندراک و رازی طی کرد.در حالی که نصف روز را فارسی و نصف دیگر را بزبان فرانسه تحصیل میکرد.یک دوره کامل آموزش حرفه ای خیاطی و مد را تا مدرک استادکاری را در شهر مونیخ آلمان گذراند.و دیپلم متوسطه خود از آلمان اخذ کرد.در سال ۱۳۴۳ در رشته روانشناسی وارد دانشگاه ابرهاردکارل توبینگن شد.ودر سال ۱۳۴۵ مدرک کارشناسی روانشناسی و در پی آن در سال ۱۳۴۷ مدرک کارشناسی ارشد رشته روانشناسی اجتماعی را دریافت کرد.ایشان پس از چند سال وقفه در سال ۱۳۵۷ موفق به کسب مدرک دکتری دولتی از آلمان گردید.فعالیتهای ضمن تحصیل : شهرناز مرتضوی در کنار تحصیل به کارورزی در شرکت IBMدر زیندلفینگن و کارورزی در بیمارستان دانشگاهی کودکان توبینگن مشغول بود. وی همچنین در کنار این فعالیت ها به فروختن بلیط تئاتر و ورزش نیز می پرداخت.استادان و مربیان : استاد راهنمای شهرناز مرتضوی پروفسور دکتر کامینسکی بود.هم دوره ای ها و همکاران : همه اساتید و کارکنان دانشگاه شهید بهشتی از همکاران شهرناز مرتضوی به شمار می آیند.همسر و فرزندان : شهرناز مرتضوی متاهل و دارای همسر (بنام مرحوم دکتر محمود کاظمی متخصص بیماریهای کودکان در سال ۱۳۵۷ فوت نمودند)و یک فرزند دختر (بنام سپیده کاظمی)می باشد.وقایع میانسالی : اشهرناز مرتضوی از این دوران وقوع انقلاب فرهنگی را بیاد داردمشاغل و سمتهای مورد تصدی : - تدریس روانشناسی در مدرسه عالی علوم اراک - مشاور در مدارس و مسیول مرکز مشاوره شهر اراک - مسئول موسسه امید کودک در تهران (بمدت کوتاه) - مدرس و محقق دانشگاه شهید بهشتی - مدیر مسئول مجله روانشناسی کاربردی (پروژه روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی) - عضو سازمان بین المللی روانشناسی بین فرهنگی (IACCP) -عضو سازمان بین المللی روانشناسی کاربردی (IAAP) - عضو آکادمی علوم نیویورک(NYAS)فعالیتهای آموزشی : تدریس در سطوح کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه شهید بهشتی. عنوان دروسی که شهرناز مرتضوی تدریس می کن بدین قرار اس:. روانشناسی اجتماعی روانشناسی عمومی روانشناسی تربیتی آمار توصیفی و استنباطی سنجش و اندازه گیری و دروس تخصصی دیگر مانند روانشناسی محیط.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شهرناز مرتضوی در کنار تدریس و مشاوره روانی به پژوهش می پردازد.شاگردان : تعدادی از دانشجویان شهرناز مرتضوی که در سطح دانشگاهی به تدریس و تحقیق مشغولند عبارتند از آقایان : صالحی صدق پور -صالحی - نصری - اشعری - نصری - فریبرز درتاج.همفکران فرد : شهرناز مرتضوی از خانمها دکتر زهرا صباغیان ،دکتر سیما فردوسی ،دکتر رخشنده ناطق ،دکتر زینب توفیق و دکتر صدیقه همایونیه و آقای دکتر شهریار مرتضوی به عنوان هم فکر خود یاد میکند.آرا و گرایشهای خاص : شهرناز مرتضوی معتقد است " :تا زمانی که ما نیز مانند کشورهای خاور دور" مشارکت" را از کودکی و از سطح کودکستان به فرزندان ایرانی نیاموزیم و شرایط محیطی لازم را برای نوآوری و خلاقیت ایجاد نکنیم،ناتوانی در مشارکت و عدم خلاقیت موجب دوام عقب ماندگی از هر نظر خواهد شد".جوائز و نشانها : شهرناز مرتضوی در طول خدمت خود در دانشگاه شهید بهشتی تقریبا هر سال در رابطه با فعالیت های علمی خود از ریاست محترم دانشگاه لوح تقدیر و جوایز نقدی دریافت میکرد.چگونگی عرضه آثار : مقالات چاپ شده در مجلات داخلی (علمی و پژوهشی) = ۹ مقاله مقالات چاپ شده در مجلات خارجی(علمی و پژوهشی) = ۳ مقاله خلاصه مقالات ارائه شده در کنفرانسها : ۱۲ مقاله طرح های پژوهشی مصوب : ۶ طرح آثار : آشنایی با روانشناسی بین فرهنگی ویژگی اثر : تالیف- انتشارات دانشگاه شهید بهشتی-۱۳۷۰ - این کتاب به توصیف روانشناسی بین فرهنگی ،روش تحقیق بین فرهنگی و به موضوعات عمده این رشته تخصصی اختصاص داده شده است.۲ رابطه فرهنگ با مدیریت منابع انسانی و رفتارهای سازمانی ویژگی اثر : تالیف- ۱۳۷۹- با همکاری خانم پروفسور منیرالسادات طیب و آقای دکتر میر احمد امیر شاهی-این کتاب دارای ۷ بخش اس و در آن نظریه ها ،بخشی از یافته های درون و بین فرهنگی روانشناسی سازمانی و مدیریت توصیف شده است.۳ فضاهای آموزشی از دیدگاه روانشناسی محیط ویژگی اثر : وزارت آموزش و پرورش .سازمان نوسازی ،توسعه و تجهیز مدارس کشور -در سال ۱۳۷۶ - این کتاب بر اساس پژوهشی که در سطح کشور و با مشارکت دو معمار متخصص ،یک همکار جامعه شناس و یک همکار روانشناس

بالینی و نیز همکاران دیگر انجام شد،نوشته شده است.

منابع زندگینامه :تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر شهرناز مرتضوی بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی در زمستان ۱۳۸۵

مرتضوی، عبدالهادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالهادی مرتضوی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای سید عبدالهادی مرتضوی مشهور به حسینی شاهرودی در سال ۱۳۲۹هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در نجف اشرف دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه وافرخویش به فراگیری علوم اسلامی وارد حوزه علمیه نجف گردید. پس از گذراندن سطوح عالی به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در نجف از محضر بزرگانی چون مرحوم آیت الله صدر، آیت الله سید محمد شاهرودی، مرحوم آیت الله خوئی و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه نجف اشرف کسب فیض کرد و پس از سالها تلاش به درجه اجتهاد نائل آمد.

پس از اتمام تحصیلات در نجف اشرف رهسپار قم و وارد حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت(ع) با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل و شاگرد پروری پرداخت.پس از سالها تلاش و علم اندوزی در نجف اشرف و قم، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون علاوه بر تدریس در دانشگاه علی آباد کتول، در حوزه علمیه علی آباد نیز مشغول تدریش می باشد. وی درطول حیات علمی خویش از امرنگارش و پژوهش غافل نمانده است و از سال ۱۳۷۰ تا کنون در دانشگاه علی اباد کتول به امر پژوهش مشغول می باشد و آثاری از قبیل "اخلاق اسلامی۱،۲ و۳ " و "اخلاق اسلامی۴ "را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

مرتضوی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: صنایع غذائی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد کشاورزی (گرایش صنایع غذائی) از دانشگاه هومنهایم (اشتوتگارت آلمان) در سال ۱۹۶۷، دکترای میکروبیولوژی مواد غذائی در سال ۱۹۷۲.

مرتبه علمی:

تدریس در دانشکده علوم و صنایع غذایی ایران از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۵۴، تدریس در دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۵۴، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۶۶، استاد دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۷۱ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بهداشت مواد غذائی، توکسینهای قارچی، بیوگاز بر روی آب پنیر، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

تالیف اطلس بیولوژی مواد غذائی، تألیف میکروبیولوژی غذائی مدرن.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

میکروبیولوژی و توکسینولوژی مواد غذایی بخصوص در زمینه مایکوتوکسینها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مرتضوی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد مرتضوی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ورود به حوزه علمیه جناب آقای سید محمد مرتضوی شاهرودی ۱۳۵۲ می‌باشد ایشان پس از سیر تحصیلات ابتدائی و راهنمایی شاهرود زمانی که خفقان شدید بر کشور حاکم بود و روحانیت از هر جهت در ترس صدمات رژیم منحوس پهلوی بود وارد حوزه علمیه مشهد گردید. تحصیلات مقدماتی را در همان بدو ورود به حوزه علمیه نزد آیت الله حجت هاشمی سپری کرد و شرح لمعه را از محضر آیت الله صالحی ۱۳۵۴ کسب فیض کرد. تحصیلات سطوح عالی را در محضر آیت الله رضازاده و فلسفی گذراند و در سال ۱۳۵۹ با ورود به درس خارج فقه و اصول در محضر آیت الله مرحوم فلسفی تلمذ کرد در کنار تحصیلات حوزوی، به تحصیل در دروس دانشگاهی هم سوی آورد و در مقطع دکترا رشته علوم قرآنی از دانشگاه قم فارغ التحصیل گشت و در مدتی که در قم بود سمت مدیر گروهی مرکز تحقیقات سپاه را بر عهده داشت. ایشان هیچ وقت از علم آموزی هم غافل نماند و در حوزه‌ای مشهد و قم به تدریس علوم دینی برای طلاب جوان پرداخت.

مرتضوی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد مرتضی

محل تولد : لبنان

شهرت : محمد حسین

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

سیّد محمّد مرتضی نام پدرحسین در ۲۰ شعبان سال ۱۳۸۳ هـ . ق در شهر تمنین التحتا واقع در ۲۵ کیلومتری بعلبک دیده به جهان گشود و در سایه پدری و مادری مهربان تعلیم و تربیت یافت، تحصیلات ابتدایی، راهنمایی ، و متوسطه را شهر ریاق سپری نمود پس از آن در شوال سال ۱۴۰۳ هـق وارد مدرسه علمیّه إمام المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف بعلبک شد، دوران مقدّمات را طی ۳ سال و أندی پشت سر گذاشت از محضر أساتیدی چون شهید سیّدعباس موسوی شیخ محمّد مقداد شیخ محمّد یزبک شیخ علی عقّی شیخ محمّد خاتون و شیخ علی خاتون و .... بهره ها برد. در ماه صفر سال ۱۴۰۷ هـ ق جهت تکمیل دروس دین کسب فیض أخلاقی وارد حوزه علمیّه قم گردید و دروس سطح را نزد أساتید بزرگی بهره برد از جمله:

ـ شیخ حسین نجاتی (قسمتی از شرح لمعه)

ـ شیخ مصطفی قصیر (قسمتی از شرح لمعه)

ـ سیّد رضا حسینی نسب (أصول فقه، رسائل، و قسمتی از کفایه، هیئت، و قسمتی از إشارات)

ـ سیّد عادل علوی (باب حادی عشر علم کلام و شرح التجرید)

ـ سیّد کمال حیدری (فلسفه)

ـ سیّد أحمد مددی (مکاسب)

ـ آیت الله جوادی آملی ۱۲ سال است که تقریباً درس تفسیر ایشان را شرکت می کند و هنوز هم ادامه دارد.

پس از آن در درس خارج حضرات آیات عظام محمد فاضل لنکرانی سیّد محمود هاشمی شاهرودی جوادی آملی شرکت کرد.

البته در کنار این دروس به تدریس بعضی از دروس مانند شرح اسفار و ... پرداخت و بر گنجینه علمی و معنوی خود افزود در خلال

سالها تلاش علمی تحقیق مطالعه مباحثه وظیفه مهم تبلیغ و تدریس نیز غافل نشده است و به تدریس دروسی مانند: عقاید ، نحو، بلاغت، فقه، کلام و فلسفه، تفسیر ، أصول فقه مقارن، کتاب حکومت إسلامی تألیف امام راحل (ره) پرداخت. در حال حاضر نامبرده در شهر خودشان حوزه و کتابخانه برای مطالعه و تحقیق عموم مردم و طلاب آن شهرستان تأسیس نموده اند.

مرتضوی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدحسین مرتضوی معروف به حاج آقا کمال مرتضوی فرزند عالم جلیل و فقیه نبیل مرحوم حاج سید محمدکاظم مرتضوی انار اللّه برهانه از معاریف دانشمندان و مشاهیر علماء و گویندگان تهرانست. مرحوم والدش میلاد او را چنین یاد نموده است.

ولادت نور چشم سید محمدحسین ملقب به کمال‌الدین صانه اللّه عن آفات السموات والارضین وجعله من العلماء العاملین لشریعه جده سید المرسلین صلی اللّه علیه و آله الطاهرین خاتم النبیین و المهتدین بعده امیرالمؤمنین واحد عشر من ولده ائمه المعصومین، بعد طلوع صبح صادق من شهر جمادی‌الاولی ۱۳۳۶ هجری قمری واقع شده.

وی پس از پرورش در بیت و حجر چنین پدر بزرگواری دروس اولیه و مقدمات و ادبیات را در تهران خوانده سپس عزیمت به قم نموده و سطوح نهائی را از مدرسین بزرگ حوزه علمیه قم آموخته سپس به تهران برگشته به خدمات دینی از قبیل تشکیل جلسات مذهبی و اقامه جماعت در مسجد فاطمیه خیابان هفده شهریور (شهباز سابق) و گفتن تفسیر و معارف اسلامی و معارف اهل‌بیت رسالت علیهم‌السلام پرداخته و از این راه ایفاء وظیفه نموده تا در این اواخر که به واسطه کسالت اعصاب حلیف بیت و جلیس خانه‌اش گردیده است.

دارای تألیفاتی مخطوط می‌باشند که به واسطه کسالت و موانع دیگر ناتمام مانده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرتضی قلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۵۰ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «دعای کمیل» نیم ربعی، جلد روغنی، سرلوح مرصع، دو صفحه‌ی اول و حاشیه‌ی تشعیرسازی مذهب، نسخ کتابت خفی متوسط، با رقم:

«چه گشت فتحعلیشاه جد پدر حیدر

بریخت از قلم مرتضی قلی گوهر»

«فی ۱۲۴۶»؛ یک قطعه نسخ کتابت خوش، با رقم:

«چو گشت فتحعلیشاه جد پدر حیدر

بریخت از قلم مرتضی قلی گوهر»

«سنه‌ی ۱۲۵۰».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۱۴/ ۴).

مرجع اصفهانی، باقر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. معاصر و معاشر حزین لاهیجی (م ۱۱۸۰ ق) بود. در سفر خراسان با هم بودند و مدتی نیز در اردوی شاه طهماسب دوم (۱۱۴۵ -۱۱۳۵ ق) به خدمات دیوانی پرداخت. میرزا باقر در نوشتن خط نیز استاد بود و در سرودن شعر طبع خوبی داشت. در «الذریعه» نام مرجع اصفهانی را میرزا باقر یا غلامرضا ذکر می‌کند و آنگاه شرح حالی آورده که با زندگانی میرزا تابعا کهکیلویه‌ای تطبیق می‌کند. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ المعاصرین (۲۱۳ -۲۱۲)، الذریعه (۱۰۲۸/ ۹)، صبح گلشن (۴۰۱)، فرهنگ سخنوران (۸۳۳).

مردانشاهی، اسداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسدالله مردانشاهی اهل رباط ابلولان گلپایگان عالمی بزرگ و دانشمندی سترگ بوده و مورد توجه و احترام خاص و عام تحصیلاتش در اصفهان و فوتش شش ماه بعد از رحلت آخوند ملا محمدکریم اتفاق افتاده جنازه‌اش حمل به نجف اشرف و در وادی السلام مدفون گردیده.

این فقیه توانا دارای سه فرزند روحانی و دانشمند بوده به این اسامی:

۱- مرحوم آقا جمال‌الدین که مردی بصیر و دانشمندی کم‌نظیر بوده ۲- عالم عامل مرحوم آمیرزا محمد که صهر مرحوم علام فهام آقامیرزا مهدی معروف به آقازاده بوده ۳- ادیب اریب آقا کمال‌الدین صهر مرحوم حجةالاسلام آقا شیخ محمد سعید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مردانی ولندانی، محمدمهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی مردانی ولندانی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اول ابتدایی ۱۳۴۵ و سال ۱۳۵۷-۱۳۵۶ دیپلم ادبی از دبیرستان ادب اصفهان گرفتم . ۱۳۵۹ جامع المقدمات را شروع نمودم و ۱۳۷۱ در حوزه اصفهان مشغول بودم و با شروع جنگ تحمیلی و دفاع مقدس تا سال ۱۳۷۱ با سپاه به عنوان مربی عقیدتی همکاری کامل داشتم و ۱۳۷۱ شهریور ماه مشرف به شهر مقدس قم گردیدم و با تشکیل پرونده علوم حوزوی را ادامه دادم.

در طول دفاع مقدس در سال ۱۳۷۱ موفق به اخذ لیسانس کارشناسی ارشد با گرایش علوم اجتماعی پژوهشگری شدم. از سال ۱۳۷۲ بـه استخدام رسمی آموزش و پرورش در آمدم و فعلا ۱۳۸۷ فعالیت هایم با آموزش و پرورش ادامه دارد. سال ۱۳۸۵ مشغول کارشناسی ارشد در دارالحدیث قم با گرایش کلام – علوم قرآن و حدیث گردیدم – همواره تبلیغ و منبر در شهر مخصوصاً اصفهان داشته ام. و مدت سه سال در دانشگاه هنر تهران ، خ ولی عصر ، و شعبه کرج به تدریس معارف ۱ و معارف ۲ و اخلاق و متون و مدت یک سال در دانشکده سوره وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی تهران تدریس معارف داشته ام. همچنین از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷ در دانشگاه آزاد قم به تدریس معارف و اخلاق مشغول بوده ام.

مردانی، نصرالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نصرالله مردانی در سال ۱۳۲۶ هجری شمسی در شهر کازرون پا به عرصه ی حیات گذشت . وی پس از به پایان بردن تحصیلات ، تا قبل از انقلاب در استخدام بانک ملی بود. پس از پیروزی انقلاب در بخش فرهنگی سپاه پاسداران و سازمان ارشاد اسلامی به کار پرداخت . مردانی در برگزاری شب های شعر و کنگره های فرهنگی و ادبی با نهاد های انقلابی همکاری می کرد و فعالیت او با سازمان پژوهش و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش جهت تدوین ادبیات انقلاب اسلامی و همکاری با جهاد دانشگاهی برای برگزاری کنگره ی شعر دانشجویان سراسر کشور چشمگیر بود . کتاب" خون نام ?خاک ،"نصرالله مردانی ، در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

والدین و انساب : نصرالله مردانی فرزندمردی به نام عوض ،می باشد .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود کازرون به پایان برد . از آن پس به مطالعه کتابهای شعرو نثر پرداخت .و از آفرینش مضامین کلامی و سخن شاعران متقدم سود جست و در کار شاعری از سرچشمه های فیاض آنان الهام گرفت . مطالعه و تتبع در دواوین شاعران قریحه و ذوق سرشار او را بارور کرد و به شعرش شکوفایی بخشید .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : نصرالله مردانی قبل از انقلاب در بانک ملی ایران مشغول به کار بوده و از اولین لحظات پیروزی انقلاب تا کنون در بخش فرهنگی سپاه پاسداران و ارشاد اسلامی مأمور به خدمت می باشد. وی با شروع جنگ تحمیلی گاهی کنار

رزمندگان اسلام در جبهه ها حضور یافته و گاهی در شبهای شعر و کنگره های علمی و فرهنگی شرکت کرده است. از مهمترین فعّالیتهای فرهنگی ایشان، همکاری با سازمان پژوهش و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش جهت تدوین کتاب ادبیات انقلاب اسلامی و همچنین همکاری جهت برگزاری کنگره شعر دانشجویان سراسر کشور بوده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : نصرالله مردانی علاوه بر حضور در جبهه در برگزاری شبهای شعر و کنگره های فرهنگی وادبی بـا نهادهـای انقلابی همکاری کرد. و فعالیت او با سازمان پژوهش و برنامه ریزی و برنامه وزارت آموزش و پرورش جهت تدوین ادبیات انقلاب اسلامی و همکاری با جهاد دانشگاهی برای برگزاری کنگره شعر دانشجویان سراسر کشور چشمگیر بود . و همچنین کوشش وی در برگزاری یادواره علامه طباطبایی به مدت نه سال در کازرون از اقدامات قابل تحسین اوست .

آرا و گرایشهای خاص : نصرالله مردانی بدنبال تحولی تازه در شعر بود او می گوید : « ... سال ها قبل از پیروزی انقلاب پیوند بین حماسه و تغزل ، که شیوه ای کاملا نو بود ، را اساس کار خود قرار دادم ... » .

جوائز و نشانهـا : کتـاب" خون نـام ?خاک ،"نصرالله مردانی ، در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ---
----

آثار :

۱ آتش نی (۱۳۷۰)

۲ خون نام پاک (۱۳۴۶)

ویژگی اثر : مجموع ?شعر - این کتاب (در سال ۶۵) در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است .- آشنایی با کتاب خون نام ?خاک کتاب مجموعه ۱۳۲ قطعه شعر، سرود ?نصر الله مردانی شاعر متعهد معاصر است که شامل سروده های پیش از انقلاب و بعد از انقلاب در قالب اوزان کلاسیک (مقفّی – موزون – مردّف) می باشد. اشعار این مجموعه اغلب مشتمل بر مضامین بکر و تشبیهاتی نوین است و در حقیقت مانند معدودی از شاعران معاصر افقی تازه در بیکران احساس و اندیشه را نمودار ساخته است. مردانی از آندسته شاعرانی است که نوبودن شعر را در تازگی مضمون می داند نه قالب، و همین خصیصه بسیاری از اشعار او را در زمر ?مطرح ترین شعر زمان ما قرار داده است

۳ ستیغ سخن

ویژگی اثر : تذکره منظوم که نام بیش از دو هزار شاعر از ظهور شعر تا زمان نیما و از بیش از یکصد و پنجاه تذکره نام برده شد (۱۳۷۱)

۴ غزل در آیینه انقلاب

۵ قیام نور(۱۳۶۰)

ویژگی اثر : مجموع ?شعر

۶ مجموعه های الماس آب

ویژگی اثر : مجموعه غزل-(برگزیده مهمترین غزلیات شاعران انقلاب) که در دست تهیه و تحریر است

منابع زندگینامه : ۱www.ketabsal.ir۲سید محمد باقر برقعی ، سخنوران نامی معاصر ایران ، ج ۶ ، ص ۳۶۵۶

مردمی مشهدی، محمدهاشم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به مردمی. در «هفت اقلیم» صاحب عنوان تحت نام محمدهاشم مروی ذکر شده است. از سادات مشهد بود. وی سالها در دارالانشای آستانه‌ی رضویه منشی بود، سپس به هرات رفت و ندیم علیقلی‌خان شاملو، حاکم آنجا شد و در واقعه‌ی قتل علیقلی‌خان، او نیز به قتل رسید. به آورده‌ی تذکره‌ی «روز روشن»، در «ید بیضا» آمده که او در هند زندگی می‌کرده است. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۵۰۲ -۵۰۱/ ۲)، تذکره‌ی روز روشن (۷۳۳ -۷۳۲)، الذریعه (۱۰۲۹/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۳۳)، مجمع الخواص (۵۶)، مطلع الشمس (۴۴۴/ ۲)، هفت اقلیم (۲۱۸/ ۲).

مردوخ روحانی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۷ -۱۲۹۹ ش)، عالم دینی، معلم و شاعر، متخلص به شیوا. معروف به باب شیخ. در روستای کاشتر، از توابع سنندج، به دنیا آمد. قرآن را در خدمت پدرش فراگرفت. در محضر شاگردان پدرش، بدیع‌الزمان مهی سنندجی و بهاءالدین شادمان، و ملا محمدسعید دربندی شاگردی نمود. وی پس از فراگیری صرف و نحو و ادبیات و حساب و هندسه به تحصیل علوم قدیمه پرداخت

و در محضر پدرش و ملا محمد مدرس گرجی و ملا عبدالمجید اصولی و ملا عبدالعظیم مجتهد تلمذ نمود و در ۱۳۲۱ ش از جانب ملاـ محمـد مـدرس گرجی و ملاـ عبـدالعظیم مجتهـد و مولانـا محمـدصادق منبری نیری و مولانـا محمود مفتی و آیت‌اللّه مردوخ به دریافت اجازه نایل شـد. از آثارش: «تاریـخ مشاهیر کرد»، در دو بخش که بخش اول آن در سه مجلد: ۱- از قرن نخست اسلامی تا پایان قرن سیزدهم قمری ۲- قرن چهاردهم قمری ۳- از ابتدای قرن پانزدهم قمری به بعد و بخش دوم آن درباره‌ی امرا و فرمانروایان و خانـدانها و عشـایر کرد می‌باشـد؛ «چهارصـد مسأله حساب و هنـدسه»؛ «الصـغری»، در منطق؛ «دانش سرایش»، در عروض و قافیه؛ «فتاوی الاکراد»؛ «بدیع روحانی»، در علم بدیع؛ شرح «سبعه معلقه»؛ «مناسک حج»؛ «خاطرات و یادداشتهای من»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۱/ ده- سیزده، ۶۶۰ -۶۵۰/ ۳).

مردوخی، عمادالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۹ -۱۲۹۷ ش)، عالم، مدرس و شاعر، متخلص به صبری. از شجره‌ی مشایخ مردوخی بود. در روستای ده‌ژن سنندج به دنیا آمد. قرآن را نزد پـدر و زبان فارسـی و گلسـتان و بوسـتان و همچنین فن خوشنویسـی را نزد عمویش، شـیخ مسـعود خطاط، فراگرفت. به دنبـال فراگیری علوم به سـنندج رفت و در محضـر ملاـ محمـد گرجی و ملاـ محمود مفتی و ملا عبـدالعظیم مجتهـد تلمـذ نمود و به دریافت اجازه‌ی افتاء و تدریس نایل شد. مدتی در روسـتاهای کاشتر و سیویه به تدریس پرداخت. بعدها در سنندج ساکن گردید و عهـده‌دار سـرپرستی یکی از دفترخانه‌هـای شـهر شـد. وی بر اثر تصـادف اتومبیـل درگـذشت. از مردوخی اشـعاری به زبان کردی و فارسی به جای مانده است.[۱]

تولد: ۱۲۹۷، روستای ده‌ژن، سنندج

درگذشت: آذر ۱۳۶۹.

شیخ عمادالدین مردوخی شاعر و تخلصش صبری بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ مشاهیر کرد (۶۷۸ -۶۷۵/ ۳).

مرزبان طبری

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، نویسنده و شاعر. یکی از ملوک طبرستان و از شاهزادگان آل‌باوند بود. وی به زبان طبری کتابی به نام «مرزبان نامه» نوشت. این کتاب به سبک «کلیله و دمنه» و از زبان حیوانات می‌باشد که محمد بن غازی آن را ترجمه کرد و «روضهٔ العقول» نامید. بعد از وی در قرن هفتم قمری سعدالدین وراوینی آن کتاب را تصحیح و به فارسی ترجمه کرد. علاوه بر این کتاب، از وی «دیوان» شعری نیز به جای مانـده که «نیکی نامه» نامیـده شـده است. در «شـعرای مازنـدران و گرگان» نام وی مرزبان بن رسـتم بن شـروین و «دیوان» او «گیل نامه» ذکر شده است.[۱]

اسپهبد مرزبان بن رستم بن شهریار بن شروین بن رستم بن سرخاب بن قارن. مؤلف کتاب مرزبان (ه.م) می‌باشد. وی یکی از ملوک طبرستان و از خاندان آل‌باوند است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ طبرستان (۱۳۷)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۵۰/ ۱)، دایرهٔالمعارف فارسی (۲۷۴۱/ ۲)، الذریعه (۴۳۷/ ۲۴ ،۳۰۴ -۳۰۳/ ۲۰ ،۶۴۴/ ۹)، شـعرای مازنـدران و گرگان (۲۸۱)، فرهنگ سـخنوران (۸۳۴ -۸۳۳)، لغت نامه (ذیل/ مرزبان)، مرزبان نامه (پیشگفتار).

مرزبان، پرویز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پرویز مرزبـان در سال ۱۲۹۶ در تهران دیـده به جهـان گشود.پرویز مرزبـان یـک دایره المعارف متحرک از هنرهای تجسـمی است. حاصل ۵۰ سال تالیف و ترجمه او چاپ و انتشار کتاب هایی است که هر یک در حوزه خود کتابی مرجع به حساب می آینـد. برای اولین بار او بود که چشم ایرانیان را با گستره وسیع هنر جهان، از دوران آغازین تاریـخ هنر تا مکاتب متاخر قرن بیستم روشن کرد. کتـاب" هنرهـای ایران "ترجمه ،پرویز مرزبـان ، در دوره چهـاردهم کتـاب سال جمهوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ترجمه

والـدین و انسـاب : پرویز مرزبـان از پـدر و مـادر خود چنین یاد می کنـد:مادرم از اعیان ترک ها بود و پـدرم امین الملک، در دربار قاجار چشم پزشکی می کرد و در دوره پهلوی مورد غضب شاه قرار گرفت و خانه نشین شـد. معروف بود که پـدرم حق ویزیت از هیچ بیماری نمی گرفت .

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پرویز مرزبان در یک خانواده از اعیان قدیمی تهران به دنیا آمد.

تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : پرویز مرزبـان تحصـیلات متوسـطه را در رشت ?زبـان و ادبیات فرانسه انجام داد و در سال ۱۳۱۹ از دانشسرای عالی در رشت ?زبان انگلیسی موفق به اخذ لیسانس شد.

همسر و فرزندان : پرویز مرزبان در مهرماه سال ۱۳۲۳ ازدواج کرد. همسرش هم مثل خودش در کار ترجمه است.

مشاغـل و سـمتهای مورد تصـدی : پرویز مرزبـان در سالهای ۱۳۴۰-۱۳۱۶ به طور مسـتمر در دبیرسـتانهای تهران به تـدریس زبـان و ادبیات فارسی، فرانسه و انگلیسی اشتغال داشت. همچنین در طول سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۳ به آموزش زبان و ادبیات انگلیسی و تاریخ و نقد هنر را در دانشگاهها پرداخته است.

جـوائز و نشانهـا : کتـاب" هنرهـای ایران "ترجمه ،پرویز مرزبـان ، در دوره چهـاردهم کتـاب سـال جمهوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ---

آثار :

۱ تاریخ هنر جانسن (۱۳۵۹)

۲ ترجمه و ویرایش سلسله مقالات هنری

ویژگی اثر : (از یک جلد از بریتانیکا برای دایرهٔالمعارف اسلامی)

۳ خلاصه تاریخ هنر (۱۳۶۷)

۴ دو مجلد از تاریخ تمدن ویل دورانت

۵ فرهنگ مصور هنرهای تجسمی(۱۳۶۵)

۶ مردانی که دنیا را عوض کرده اند

۷ معلم و شاگرد (۱۳۳۵)

۸ معنی زیبایی (۱۳۶۶)

۹ نظری به هنر نقاشی (۱۳۳۴)

۱۰ هنرهای ایران

ویژگی اثر : ترجمه،این کتـاب در دوره چهـاردهم کتـاب سـال جمهوری اسـلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنـگ و ارشاد اسـلامی معرفی و برگزیـده شـده است. آشـنایی بـا کتـاب: «هنرهـای ایران»: هنرهـای ایران، ر.دبلیـو. فریه، ترجم ?پرویز مرزبـان، تهران: نشـر پژوهش فرزان روز، ۱۳۷۴. در این کتـاب، هم ?جلوه هـای شـگفت انگیز هنرهـای ایرانی از پیش از تاریـخ و ایران باسـتان تا عصـر اسـلامی، برای نخستین بار در مجلدی واحد و در نوزده بخش، به طرزی مرتبط با هم و مکمل یکدیگر، مورد بررسـی و تحقیق قرار گرفته است. مقالات کتاب به قلم بیست تن از کارشـناسان سرشـناس بین المللی نوشته شـده است که هر یک در زمین ?تخصصـی خود از معماری و گچبری و پیکره سازی عهد باسـتان گرفته تا قالی بافی و نقاشی و نساجی و فلزکاری و سفالگری و هنرهای نسخه پردازی و شـیشه گری دوران بعـد، اثری مسـتند و آموزنـده و معتبر و دلپـذیر بـا بیش از ۱۷۰ لوح ?رنگی، بر آثـار «هنرهـای زیبا» و «هنرهای کاربردی» جهان افزوده اند

مرزوقی اصفهانی، ابوعلی احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۱ ق)، ادیب، نحوی و شـاعر. معروف به امـام مرزوقی و حائـک. اهـل اصـفهان و یکی از پیشوایان زبان و نحو و از شـعرا و مـداحان اهل‌بیت (ع) بود. وی «کتاب سـیبویه» را نزد ابوعلی فارسـی خوانـد. در اصـفهان معلم فرزندان آل‌بویه بود. او از عبداللّه بن جعفر بن فـارس حـدیث روایت کرده است. سـعید بقال از وی روایت کرده و در «معجم» خود به وی اسـتناد کرده است. صاحب بن عباد برجسـتگی علمی اصفهان را به سه کس مربوط می‌داند که اول آنها مرزوقی است. تیزهوشی، زیرکی و تصانیف زیبا را حموی از ویژگی‌های وی می‌دانـد. وی غیر از ابن‌المرزوق نحوی معروف (م ۷۸۱ ق)، است که از شاگردان خطیب دمشـقی و ابوحیان بود. از آثـارش: «الازمنهٔ و الامکنهٔ»؛ شـرح اشـعار هـذیل؛ شـرح «الحماسهٔ» ابی‌تمام؛ شـرح «الفصیح» ثعلب؛ شـرح «المفضـلیات»؛ شـرح «الموجز»، در نحو؛ «شرح النحو»؛ «الامالی»؛ «الفاظ العموم و الشمول».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الاعلام (۲۰۵/ ۱)، اعیان الشیعه (۹۴/ ۳)، ایضاح المکنون (۱۹۱/ ۱)، الذریعه (۹۶ ،۸۲/ ۱۴ ،۳۸۶ -۳۸۵ ،۹۲/ ۱۳ ، ۵۳۱/ ۱)، روضـات الجنات (۲۵۵ -۲۵۴/ ۱)، ریحانه (۲۸۵ -۲۸۴/ ۵)، سـیر النبلاء (۴۷۶ -۴۷۵/ ۱۷)، کشف الظنون (۱۲۷۳ ،۶۹۲)، الکنی و الالقـاب (۵۶ -۵۵/ ۲)، معجم الادبـاء (۳۵ -۳۴/ ۵)، معجم المـؤلفین (۹۲ -۹۱/ ۲)، الوافی بالوفیات (۵/ ۸)، هدیهٔ الاحباب

(۲۳۸)، هدیهٔ العارفین (۷۴ -۷۳/ ۱).

مرسل ساوه‌ای

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از سادات شهر ساوه بود. اوقات را به بزازی می‌گذرانـد و به همین علت به میر مرسل بزاز نیز معروف بود. او دارای طبع شعر خوبی بود و اشعاری از وی نقل شده است. از اوست:

من غریب نه یاری نه همدمی دارم

غریب درد دلی و عجب غمی دارم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۵۹)، الذریعه (۱۰۲۹/ ۹)، صبح گلشن (۴۰۱)، فرهنگ سخنوران (۸۳۴).

مرشد اصفهانی، عبدالوهاب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۳ ق)، شاعر، متخلص به مرشد. ملقب به مستشار دفتر. وی از فضلای اصفهانی و از اعضای انجمن ادبی دانشکده در اصفهان بود. مدفن او در تکیه‌ی ملک می‌باشد. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ القبور (۴۲۷)، الذریعه (۱۰۲۹/ ۹).

مرشد بروجردی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۳۰ ق)، شاعر، متخلص به مرشد. ملقب به مرشد خان. بعضی از تذکره‌ها صاحب عنوان را تحت نام مرشد یزدجردی آورده‌اند. در بروجرد به دنیا آمد و در آنجا ادب و دانش را فراگرفت. سپس به همدان رفت و مدارج ترقی شعر و ادب را در آن دیار طی کرد و با شاعرانی چون زکی همدانی، رشکی، هلاکی، میر مغیث محوی و میرالهی آشنا شد. وی مدتی بین همدان و بروجرد و خرم‌آباد در آمد و شد بود و با حکمرانان ارتباط داشت، سپس به اصفهان و از آنجا به شیراز رفت و به خدمت محمد قلی خان، پسر مرتضی قلی خان، حاکم شبانکاره رسید و با وی به دارابگرد (دارابجرد)، مرکز حکومت او رفت و هشت سال ملازم وی بود. مرشد مدتی پس از درگذشت محمد قلی خان، به دعوت میرزا غازی ترخان، والی سند، به تته، پایتخت ترخانیان سند رفت و ملازم وی شد و عنوان مرشدخان یافت. سپس به همراه میرزا غازی رهسپار قندهار گشت و پس از کشته شدن او، ملازم جهانگیر پادشاه و چندی بعد، ملازم مهابت خان شد. وی در ۱۰۲۶ ق به خدمت شاه جهان درآمد و تا پایان عمر در ملازمت وی بود تا درگذشت. او قصاید بسیاری در مدح رسول اکرم (ص) سروده است. از آثارش: «ساقی‌نامه»، به نام محمد قلی خان و در مدح وی؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۳۹ -۱۰۳۵ / ۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۵۴ -۲۵۳)، تذکره‌ی میخانه (۶۱۳ -۵۹۷)، الذریعه (۱۱۵/ ۱۲ ،۱۰۳۰ -۱۰۲۹/ ۹)، سرو آزاد (۴۱ -۳۹)، فرهنگ سخنوران (۸۳۴)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۲۵۲۴/ ۳)، کاروان هند (۱۲۸۷ -۱۲۷۷/ ۲)، مآثر رحیمی (۷۸۸ -۷۸۱/ ۳).

مرشد شیرازی، محمدهادی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۴۸- ح ۱۲۹۰ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به مرشد. به گفته‌ی صاحب «فارسنامه‌ی ناصری» در شیراز کسب کمالات کرد و با فقرا و گوشه‌نشینان مصاحبت داشت. درویشی دیندار و فقیری شب زنده‌دار و از مریدان رحمت علیشاه بود. در سخندانی و سخن‌گویی و خوشنویسی و شکسته تعلیق اقتدا به پسر عم خود مهدی حجاب کرده بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۷۷ / ۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۱۳ / ۴)، طرائق الحقائق (۴۷۲ / ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۸۸ -۱۰۸۷/ ۲)، مرآت الفصاحه (۵۸۳)، مکارم الآثار (۱۳۳۹/ ۴).

مرشدی زواره‌ای، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۰ ق)، شاعر. مردی صوفی منش و اصلش از قصبه‌ی زواره و برادر مولانا سپهری زواره‌ای بود. وی در الهیات و معانی و عروض ماهر بود و شعر خوب می‌گفت. اشعاری از وی در تذکره‌ها ذکر شده است. در «ریاض العارفین» و «هفت اقلیم» بعضی از اشعار محمود مرشدی به وی نسبت داده شده است. در «صبح گلشن» علاوه بر نسبت دادن بعضی از اشعار وی به محمود مرشدی، رباعی (زنارپرست زلف عنبربویت...) به هر دو منسوب شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۰۸)، الذریعه (۱۰۳۰/ ۹)، ریاض العارفین (۱۳۳)، صبح گلشن (۴۰۲ -۴۰۱)، فرهنگ سخنوران (۸۳۴)، هفت اقلیم (۴۴۲ -۴۴۱/ ۲).

مرشدی، ابوالمکارم

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط. از آثار وی: «قصیده برده» و ترجمه‌ی فارسی منظوم آن، به قطع نیم ربعی خشتی، جلد ضربی مذهب فرسوده، یک سر لوح مذهب مرصّع ثابت کتابت جلی عالی، به خط نسخ کتابت خفی خوش، با رقم: «کتبه الفقیر ابوالمکارم بن علی المرشدی فی حجه ثلاث و سبعین و ثمانمائه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۲۱/ ۴).

مرشدی، محمود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۸ ق)، عارف و شاعر. وی برادر میرحسن سهوی تبریزی (م ۱۰۰۳ ق) بود. مرشدی از ارباب شریعت و طریقت و اصحاب معرفت بود و در شعر طبع خوبی داشت. از وی رباعیاتی به جای مانده است. از اوست:

زنار پرست زلف عنبر بویت

محراب نشین گوشه‌ی ابرویت

یا رب تو چه قبله‌ای که باشد شب و روز

روی دل کافر و مسلمان سویت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۵۹)، صبح گلشن (۳۸۵)، فرهنگ سخنوران (۸۲۲).

مرعشی حسینی، اسدالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اوست: قرآن نیم ورقی جلد روغنی دو صفحه‌ی اول متن و حاشیه مذهب خوب نسخ کتابت جلی متوسط با رقم «قد فرغ من تسوید کتابت القرآن، ابن محمد شریف الحسینی المرعشی القاضی الشوشتری، العبد الاثم اسدالله غفرالله ذنوبهما» «سنهٔ ۱۲۶۷» متعلق به خانم سرهنگ مهدی افخمی (کراچی).

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

مرعشی خلیفه سلطانی، عبدالفتاح

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن ضیاءالدین محمدبن محمد صادق بن محمد طاهربن سید علی نواب بن سید علاءالدین خلیفه سلطان. عالم فاضل محقق. جدش سید محمد صادق مجاز از علامه‌ی مجلسی بوده، و تاریخ اجاز ۱۰۹۲ می‌باشد.

کتب زیر از صاحب عنوان اوست:

۱ – التبر المذاب، در مواعظ ۲ – جهان نما، در جغرافیای اصفهان ۳ – خلد برین، در مواعظ ۴ – خلوتخانه، رد صوفیه، به فارسی ۵ – راز نشان، در رد جمیع فرق صوفیه ۶ – تذییل تذکرهٔ الشعراء ۷ – جوشن داود در ادعیه؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مرعشی شوشتری، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران فقیه فرزانه، استاد حکمت و فلسفه سید محمد حسن مرعشی یکی از چهره های علمی و اساتید مدرسه عالی شهید مطهری در پی بیماری در ۷۳ سالگی به دیدار معبود شتافت.

سید محمد حسن فرزند حجهٔالاسلام سید سلطان محمد و نوه میرزا عبدالوهاب، فرزند میرزا سلطان محمد، فرزند میرزا تقی، فرزند میرزا اسدالله، فرزند میرزا اسحاق مرعشی شوشتری بود. پدرش از فضلا و ائمه جماعت شوشتر بود که تحصیلاتش را در همان شهر نزد ملاجعفر شرف الدین و سید بزرگ آل طیب به پایان برد و در صفر ۱۳۷۰ق/آذرماه ۱۳۲۹ ش در شوشتر رحلت کرد و در بقعه صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به خاک سپرده شد. پدر بزرگش میرزا عبدالوهاب از اشراف و اعیان بود و مدت ها سمت نائب الحکومه شوشتر را بر عهده داشت.

سید محمد حسن در سال ۱۳۵۶ق/۱۳۱۶ش در شوشتر استان خوزستان پا به عرصه گیتی نهاد. مقدمات اولیه را نزد پدر خود و ملا شکر علی معنوی فرا گرفت و سطوح را نزد عالمانی چون محمد تقی حکیم، سید محمد موسی جزائری و سید محمد حسن آل طیب به پایان رساند و خارج فقه و اصول را از محضر استادش موسوی جزائری و شیخ محمد تقی شوشتری فرا گرفت. البته سفرهای کوتاهی به نجف اشرف داشت و همان جا در درس آیهٔ الله سید ابوالقاسم خوئی شرکت می نمود. خدمات ایشان در خطه شوشتر بسیار است که می توان به تجدید بنای حوزه علمیه جزائریه واداره و تدریس در این حوزه، تأسیس حوزه علمیه خواهران، تجدید بنای مقام صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و تجدید بنای مسجد شیخ علی که سال ها در آن جماعت اقامه می کرد، اشاره کرد، در ضمن به ایجاد حوزه ی علمیه ای در گتوند دست زد که تاکنون نیمه تمام مانده است.

مرعشی در سال ۱۳۶۱ ش وارد تشکیلات قضایی اهواز شد و ابتدا سمت حاکم شرع داشت و بعداً ریاست دادگاه را بر عهده گرفت. در سال ۱۳۶۳ ش به دیوان عالی کشور–تهران ملحق شد و ابتدا در شعبه ۱۹ دیوان عالی خدمت کرد، سپس در شعبه ۲۰و سرانجام به عضویت شورای عالی قضایی منصوب شد و یکی از پایه گذاران اصلی دستگاه قضایی به شمار آمد.

نبوغ و استعداد، همت و تلاش بسیار از او فقیهی کم مانند ارائه نمود. تواضع، مناعت طبع، بی توجهی به امور دنیا، روشن بینی اجتماعی، آفرینش آثار علمی و پژوهشی از جمله ویژگی های بارز ایشان بود. وی علاوه بر عضویت در هیئت علمی مدرسه عالی شهید مطهری و تدریس در این مدرسه، منزل ومراکز دانشگاهی عضو چهارمین دوره مجلس خبرگان گردید.

مرعشی در پی بیماری کلیوی عاقبت در صبح روز دوشنبه ۱۶ شعبان ۱۴۲۹ق/۲۸ مرداد ۱۳۸۷ ش در سن ۷۳ سالگی در تهران بدرود حیات گفت. پیکرش صبح سه شنبه در تهران و صبح روز چهارشنبه در شوشتر تشییع و در بقعه صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به خاک سپرده شد. آثار علمی ایشان:

۱–شرح الفیهٔابن مالک؛

۲–شرح تلخیص مختصر المعانی؛

۳–شرح بدایهٔالحکمهٔ(اثر علامه طباطبائی)؛

۴–شرح نهایهٔالحکمهٔ(اثر علامه طباطبائی)؛

۵–شرحی بر تهذیب المنطق (اثر تفتازانی–فارسی)؛

۶–حاشیهٔ علی الرسائل؛

۷–حاشیهٔ علی کفایهٔ الاصول؛

۸–شرح منظومهٔالتحفهٔالقوامیهٔ فی الفقه؛

۹–شرح منظومهٔ تحفهٔالحکیم فی الحکمهٔ (اثر شیخ محمد حسین غروی اصفهانی)؛

۱۰–تعلیقات علی تمهیدالقواعد فی الفلسفهٔ(اثر ابن ترکه)؛

۱۱–شرح حلقات الاصول (المرحلهٔ الثالثهٔ – اثر شهید صدر)؛

۱۲–اصول الفقه؛

۱۳–شرح کتاب التعلیقات فی الفلسفهٔ (اثر ابن سینا)؛

۱۴–شرحی بر قانون مجازات اسلامی، چاپ شده؛

۱۵–سبیل الرشاد الی شرح الارشاد(اثر علامه حلی)، چاپ شده؛

۱۶–ترجمه کتاب فلسفتنا (اثر شهید صدر)، چاپ شده؛

۱۷–دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام، دو جلد، چاپ شده؛

۱۸–حاشیهٔ التلخیص فی الاصول.

همچنین از این دانشمندان فقید ده ها مقاله در مجلات علمی و پژوهشی کشور چاپ شده است.

نویسنده:عبدالحسین جواهر الکلام

منابع زندگینامه :آینه پژوهش شماره ۱۱۲.

مرعشی شهرستانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۶/ ۱۳۴۴ -۱۲۸۰ ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و مدرس. نسبش به امام حسین (ع) می‌رسد. از محضر پدرش و مدرسین کربلا استفاده نمود. سپس به نجف رفت و در محضر میرزا حبیب‌اللَّه رشتی و ملا محمد ایروانی و میرزای شیرازی تلمذ نمود و به مدارج عالی علمی رسید. پس از درگذشت پدرش در ۱۳۱۵ ق به کربلا بازگشت و به جای وی به امامت و مرجعیت امور دینی و تدریس فقه و اصول پرداخت. آیت‌اللَّه آقا نجفی مرعشی از وی اجازه‌ی روایت داشت. او در کربلا درگذشت. در حدود پنجاه اثر از وی باقی ماند. از آثارش: «الدرة الوجیزة»، در شرح «الوجیزة» شیخ بهائی؛ «نتیجة الفکر فی الولایة علی البکر»؛ «کنز الفوائد»؛ «کشف الحجاب»؛ «هدیة المؤمنین»؛ «هدایة المسترشدین»؛ «قبلة البلدان»؛ «البیان المبرهن»؛ «التبیان فی تفسیر غریب القرآن»، در دو مجلد؛ «الصحیفة النبویة»؛ «التحفة الرضویة»؛ «التذکرة فی شرح التبصرة»؛ «انیس المصلین»؛ «الدر الفرید»؛ «الاعراضیة»، رساله‌ای در اعراض از مال؛ الارض المفتوحة عنوة»؛ «محاسبة النفس».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۱/ ۱۰)، الذریعه (۱۴۲، ۱۳۵/ ۲۵، ۱۲۲/ ۲۰، ۲۹۴، ۲۶/ ۱۸، ۴۴، ۲۴/ ۱۵، ۵/ ۱۰، ۶۹/ ۸، ۲۵/ ۴، ۴۵۵، ۴۳۵، ۳۳۱، ۱۸۳/ ۳، ۴۶۶/ ۲)، ریحانه (۲۷۴/ ۳)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۶/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۱۱ -۱۴۱۰/ ۱۴)، لغت نامه (ذیل/ علی مرعشی)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۷۶۱ -۷۶۰/ ۲)، معجم المؤلفین (۴۹/ ۱۱، ۱۹۲/ ۷)، مکارم الآثار (۱۵۳۸/ ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۲ -۲۱۰/ ۴)، میرزای شیرازی (۱۶۷ -۱۶۶).

مرعشی کرمانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۶- ح ۱۳۴۲ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد و مدرس. در رفسنجان به دنیا آمد. برای فراگیری علوم به یزد و از آنجا به نجف رفت. پس از فراگیری متون فقه و اصول، در محضر آیت‌اللَّه سید محمدکاظم یزدی و آیت‌اللَّه شیخ محمدکاظم خراسانی و آیت‌اللَّه شریعت اصفهانی تلمذ نمود و به مقام اجتهاد نایل آمد. آنگاه به تدریس و تصنیف پرداخت. پس از درگذشت آیت‌اللَّه میرزا محمدتقی شیرازی، به مقام مرجعیت رسید و مدت دو سال متصدی منصب افتاء گردید. در نجف درگذشت و در جوار جد بزرگوارش دفن شد. از آثارش: رساله‌ی «الکریة فی تحقیق مسألة الکر»؛ «جوابات المسائل الاسلامبولیة»؛ «جوابات المسائل الامتحانیة»؛ «جوابات المسائل الکرمانیة»؛ «جوابات المسائل الیزدیة»؛ «تقریرات» اساتیدش در فقه و اصول.[۱]

مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدرضا بن سید محمدباقر بن سیدعلی بن سیدحسن بن سید علی‌المنتهی الی سلطان العلماء از احفاد ملوك طبرستان که سر سلسله آنان صاحب سیف و قلم علامه الکبری میر قوام‌الدین مرعشی (جد هیجدهمی آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی) می‌باشد که در سبزه میدان آمل قبر شریفش گنبد و بارگاه دارد. و تمام سلسله ابا و جدا از علماء برجسته و صاحب تالیف و تصنیف بوده‌اند مگر جناب سید حسین بن سیدعلی (جد دوم) وی که از اشراف بوده است.

وی مقدمات را در یزد نزد علماء آنجا خوانده آنگاه مسافرت با عتاب عالیات نموده و در کربلا سطوح را تکمیل و پس از آن به نجف اشرف مشرف و از محاضر دروس مرقومین علامه خراسانی و علامه یزدی و مرحوم شریعت اصفهانی استفاده نموده و در اثر جدیت و ذکاوت مخصوص حائز مقام فقاهت و مرجعیت شده و پس از فوت مرحوم آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی گروهی از مردم به آن جناب رجوع نموده و مدت دو سال تقریبا متصدی مقام افتاء شده ولکن در سن ۵۶ سالگی در سال ۱۳۴۲ قمری بدرود حیات گفته و در آن ارض مقدس به خاك رفته‌اند. و مرحوم آیت‌الله میرزا سید علی یثربی کاشانی پسر خاله متعلقه ایشان و والده ماجده اخوان مرعشی مذکور فرزندان آن مرحوم می‌باشند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۹۳/ ۱۷، ۲۴۰، ۲۳۱، ۲۱۴/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۴۳ -۷۴۲/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۰۴ -۲۰۳/ ۵)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۸۷ -۱۱۸۶/ ۳).

مرعشی نجفی، شهاب‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۱۱ -۱۳۱۸/ ۱۳۱۵ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مرجع تقلید، محدث، نسابه، رجالی، مدرس، مورخ و ریاضیدان. نسبش به امام سجاد (ع) می‌رسد. در نجف به دنیا آمد. مقدمات و علوم ادبی را از پدرش و شیخ مرتضی طالقانی و علم تجوید را از شیخ نورالدین شافعی بکتاشی و علم انساب آل‌رسول را از پدرش و سید محمدرضا صائغ بحرانی و علم تفسیر را از پدرش و شیخ محمدحسین شیرازی عسکری و متون فقه و اصول را از شیخ محمدحسین شیرازی عسکری و میرزا محمدعلی چهاردهی رشتی و فقه و اصول استدلالی را از آقا ضیاءالدین عراقی و شیخ مهدی مازندرانی و سید حسن صدر و شیخ مهدی خالص و علم کلام را از

شیخ محمدجواد بلاغی و شیخ محمداسماعیل محلاتی و ریاضیات را از شیخ یاسین علیشاه هندی و میرزا محمود اهری فراگرفت. در ۱۳۴۲ ق به تهران آمد و در عرفان و علوم عقلی از محضر میرزا مهدی آشتیانی و میرزا طاهر تنکابنی و در ریاضیات از محضر میرزا حیدرعلی ناینی استفاده نمود. سپس به قم رفت و در محضر آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی تلمذ نمود و از او و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی اجازه‌ی اجتهاد داشت. او از علمای عامه و علمای زیدیه و علمای اسماعیلیه و بسیاری از علمای امامیه اجازه روایت داشت. پس از درگذشت آیت‌اللَّه حایری وی عهده‌دار اداره حوزه‌ی علمیه، تدریس، مرجعیت و امامت جماعت و ایجاد بناهای خیریه و انتشار کتب گردید. در قم درگذشت و در کتابخانه‌ی خود دفن شد. از آثارش: بنای مدارس: علمیه، مهدیه و مؤمنیه در قم؛ تأسیس حسینیه‌ی مرکز تبلیغی قم؛ کوی آیت‌اللَّه مرعشی نجفی، بالغ بر یکصد و چهل خانه، برای سکونت طلاب و فضلاء؛ کتابخانه‌ی آیت‌اللَّه مرعشی نجفی در قم، که بیش از سی و پنج هزار کتاب آن از کتب شخصی ایشان و بقیه اهدایی مردم است و متجاوز از پانزده هزار کتاب خطی نفیس دارد و از این رو از کتابخانه‌های کم‌نظیر ایران به حساب می‌آید. از آثار علمی وی: «اجوبهٔ المسائل»؛ «اعیان المرعشیین»، در شرح احوال خاندان مرعشی؛ «انس الوحید»؛ «التجوید»؛ «روض الریاحین»؛ «طبقات النسابین»، از صدر اسلام تا عصر حاضر؛ «الفروق»؛ «القبلهٔ»، مشتمل بر مباحث هیئت؛ «المسلسلات الی مشایخ الاجازات»؛ «مشجرات آل الرسول (ص)»، در انساب آل‌محمد (ص)؛ «مصباح الهدایهٔ فی شوارع الکفایهٔ»، که حاشیه مختصر بر «کفایهٔ الاصول» آخوند خراسانی است؛ «المعول فی امر المطول»؛ «مقدمهٔ التفسیر»؛ «مناسک الحج»؛ «الهدایهٔ»، در شرح «الکفایهٔ»؛ «مسارح الافکار فی حل مطارح الانظار»؛ «مزارات علویین» در ایران و غیره؛ «الصناعات الفقهیهٔ»، در شرح الفاظ مصطلح فقهاء؛ «جذب القلوب الی دیار المحبوب»؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ حاشیه بر «معالم»؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ انصاری؛ «الرد علی مدعی التحریف».[۱]

یکی از مفاخر امروز عالم تشیع است که حق عظیمی بر حوزه علمیه قم و اسلام و مسلمین دارد و یکی از افتخارات بزرگ شیعه است و در میان عموم مسلمین شهرت بسزائی دارد و بسیار مورد تجلیل و تکریم علماء اهل سنت مصر و سوریا و یمن و حجاز و پاکستان و هندوستان و افغانستان و جاوه و سودان و اندونزی و غیره است و از وی به امام اعظم و علامه اکبر و نسابه بحاثه و مجاهد بزرگ تعبیر می‌کنند.

اسم شریفش سید شهاب‌الدین و کنیه‌اش ابوالمعالی و شهرتش مرعشی نجفی است.

در صبح روز پنجشنبه بیستم ماه صفر ۱۳۱۸ قمری در نجف اشرف متولد و جامع شرافت حسب و فضیلت نسب می‌باشد زیرا از طرف پدر به سید فقیه نبیه عارف عابد زاهد محدث علامه سید قوام‌الدین مرعشی مشهور به میربزرگ موصول می‌باشد که از بزرگترین خانواده‌های علویین و اشرف و اجمل و انبل ایشان بوده و در هر طبقه متحلی بحلیه مزایای دینی و دنیوی و نوعاً عالم ربانی و یا متمکن به اریکه جهانبانی و یا طبیب حاذق و یا نقیب بصیر و یا وزیر روشن ضمیر و مانند اینها بوده‌اند و جده پدری ایشان شریفه طباطبائیه و جده مادری ششمی وی که مدفون در رواق مطهر حضرت رضا علیه‌السلام است دختر شاه‌عباس صفوی می‌باشد.

شرف تتابع کابر عن کابر
کالرمح انبوب علی انبوب

نسب شریفش چنانچه مشروحا ذکر شد بسی وسه واسطه به امام چهارم حضرت علی بن الحسین زین‌العابدین علیهماالسلام منتهی می‌شود و والده ماجده ایشان علویه صالحه فاضله بنت مرحوم آیت‌الله آقاسید ابوالقاسم خوئی فرزند مرحوم آقا سید مهدی خوئی است که از بنی اعمام مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حاج سیدحسین کوه کمری عم بزرگوار مرحوم آیت‌الله آقای سیدمحمد حجت می‌باشد.

ترجمه این بزرگوار زینت کتب رجالی مانند اعیان الشیعه و ریحانه الادب جلد چهارم صفحه ۱۱ و علماء معاصرین صفحه ۲۱۷ و آثارالحجه جلد ۲ صفحه ۴۶ و معارف الرجال جلد دوم صفحه ۲۶۸ و مشاهیر دانشمندان اسلام جلد چهارم صفحه ۱۰۸ طبقات الشیعه جزء دوم از قسم اول صفحه ۸۴۷ و ده‌ها کتاب دیگر مانند زندگانی پیشوای اسلام عمادزاده اصفهانی و مقامات معنوی آقای معلم و غیره می‌باشد.

علماء معاصرین گوید: صاحب ترجمه از اکابر و اجلاء عصر حاضر ما که علامه فهامه نسابه فقیه اصولی محدث رجالی ادیب اریب فاضل کامل مورخ ریاضی حاوی الفروع و الاصول جامع المعقول و المنقول و بکثرت مشایخ نسبت به اهل عصر خود ممتاز و در اخلاق فاضله دارای امتیاز و مرجع سوالات متنوعه بسیاری از دیگر فرق مسلمین بلکه از علماء نصاری می‌باشد که پرسشهای گوناگون از بلاد دور و دراز به حضرتش فرستاده و به پاسخ متین و متقن نائل می‌گردند. که از آنهاست سوالات شیخ عبدالسلام کردی شافعی و سوالات فاضل متبحر عیسی اسکندر معروف لبنانی است که در عصر ما از مشاهیر نویسندگان علماء نصاری است و صاحب ترجمه علاوه بر مراتب علمی مساعی جمیله عملی در ترویج دین مقدس اسلامی و اعلاء کلمه حق به کار برده جمعی از یهود و نصاری در اثر تبلیغات حقایق سمات وی مشرف به اسلام شدند و نیز گروهی از بابیه و صوفیه و دیگر منحرفین از اسلام و ایمان باذعان عقاید حقه جعفریه مستبصر گردیده‌اند و در ادوار زندگانی خود با فحول رجال و متخصصین هر فنی ملاقات و از هر باغی گلی چیده و از هر بلبلی نوائی شنیده و مرجع افاده و استفاده افاضل وقت خود بوده و می‌باشند.

و از کثرت زهد و ورع پیرامون زخارف دنیویه نگردیده و علاقه قلبی را بالمره از آنها قطع و فقط به جمع کتب متنوعه علمیه که آن هم محض آخرت و آخرت محض است و ربطی به زخارف دنیویه ندارد میل مفرطی داشته و دارند و کتابخانه ایشان مانند نگارخانه ارتنگ حاوی گلهای رنگارنگ می‌باشد که هر یک از فقیه و اصولی و حکیم و متکلم و منطقی و رجالی و ریاضی و ادیب و طبیب و متخصصین علوم غریبه و صنایع عجیبه می‌توانند از آن گلزار محمدی و بوستان علوی موافق دلخواه خود گلی چیده و یا عطری مناسب مشام خود استشمام نماید.

در سخاوت و بذل و کرم و سعه صدر نادره زمان و وحید دورانست. مراجع و زعماء مبسوط الید بسیاری دیده‌ام ولی به این صفات

و خصایص کمتر یافته‌ام.

انصاف می‌دهم که دلیران و دلبران

بسیار دیده‌ام ولی نه به این حسن دلبری

بالاخص در اعطاء کتب و انفاق انگشتر که اقتداء به جد کرام خود امیرالمومنین علیه‌السلام نموده و هزاران نفر از دانشمندان و علماء اعلام و خطباء عظام و اصناف دیگر انام را به بذل انگشتر عقیق و فیروزه و غیره مسرور و مفتخر نموده است.

اساتید و مشایخ اجازه معظم له

آن جناب مقدمات را از مرحوم شیخ زاهد عابد شیخ مرتضی طالقانی و والد معظم خود و دیگر مشایخ وقت اخذ نموده و علم تجوید را از شیخ نورالدین شافعی بکتاشی که در تلاوت قرآن عاصم زمان خود بوده اخذ و علم انساب آل رسول صلی الله علیه و آله را از والد معظم خود و از استاد عماد سید محمدرضا صائغ بحرانی و دیگر اساتید فن تلمذ نموده و علم تفسیر را از والد مکرم و عالم زاهد صاحب کرامات شیخ محمدحسین بن محمدخلیل شیرازی عسکری و متون فقه و اصول را از شیخ محمدحسین مذکور و هم میرزا محمدعلی رشتی صاحب کتاب شرح القبله و آقا میرزا محمود شیرازی و آقا شیخ محمدحسین قاجاری تهرانی نجفی و دیگر اجلاء وقت تلمذ نموده و در فقه و اصول استدلالی حاضر حوزه مرحوم آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله شیخ مهدی نوائی مازندرانی و دیگر اجلاء و سه سال در سامره و کاظمین در فقه و حدیث و رجال و درایهٔ حاضر حوزه مرحوم آیت‌الله آقا سید حسن صدر و در اصول از بحث مرحوم آیت‌الله شیخ مهدی خالصی استفاده کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت‌الله شیخ مهدی خالصی استفاده کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت‌الله شیخ مهدی خالصی استفاده کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت‌الله شیخ محمدجواد بلاغی و آیت‌الله شیخ محمداسمعیل محلاتی فراگرفته و در سال ۱۳۴۲ ق به تهران وارد و در آنجا حدود یکسال توقف نموده و عرفان و علوم عقلیه و ریاضیات و بعض فنون دیگر را از افاضل تهران مانند آیت‌الله آقا حسین نجم‌آبادی و آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی نوری و دیگران استفاده کرده تا آنکه حاوی مراتب علمیه و عملیه عقلیه و نقلیه گردیده و در سال ۱۳۴۳ قمری مهاجرت به قم نموده و تا این تاریخ که سال ۱۳۹۳ هجریست پنجاه سال در این بلده طیبه مشغول به تدریس و تالیف کتب متنوعه و اقامه جماعت و مرجعیت و سرپرستی حوزه مقدسه علمیه قم می‌باشند و با این همه مشاغل و گرفتاریهائی که شب و روز وی را مستغرق نموده است کمتر مستحب و نافله است که از وی فوت شود.

مشایخ اجازه آن جناب که تمامی از مراجع تقلید و علماء اعلام و فقهاء عظام فریقین امامیه و عامه و زیدیه و اسماعیلیه‌اند از دویست نفر متجاوز است که برای تبرک چند نفر آنان را ذکر می‌نمایم.

۱- السید حسن صدر کاظمین ۲- السید نجم‌الحسن الهتدی موسس مدرسه الواعظین در لکنهو هندوستان ۳- السید ناصر حسین ابن آیت‌الله السید حامد حسین صاحب عبقات الانوار ۴- السید محسن الامین الشامی ۵- السید ابوالقاسم الدهکردی ۶- السید عبدالحسین بروجردی آل کمونه ۸- الشیخ علی بن محمد الرضا آل کاشف الغطاء ۸- الشیخ هادی آل کاشف الغطاء ۹- الشیخ مرتضی آل کاشف الغطاء ۱۰- الشیخ محمدجواد البلاغی ۱۱- الشیخ محمداسماعیل محلاتی ۱۲- السید جعفر آل بحرالعلوم ۱۳- الشیخ فتح‌الله شریعت اصفهانی ۱۴- المیرزا محمد العسکری التهرانی ۱۵- آیت‌الله السید ابوالحسن اصفهانی ۱۶- آیت‌الله السید محمد فیروزآبادی ۱۷- آیت‌الله المیرزا حسین نائینی ۱۸- آیت‌الله الحاج الشیخ عبدالکریم الحایری ۱۹- آیت‌الله الحاج آقاحسین قمی ۲۰- آیت‌الله حاج آقاحسین بروجردی و آیت‌الله آخوند ملامحمدحسین فشارکی و آیت‌الله آقاسید محمد نجف‌آبادی و آیت‌الله آقاسید علی نجف‌آبادی و آیت‌الله آقا شیخ عبدالنبی نوری و آقای امام جمعه خوئی و آقای شیخ مهدی حکمی قمی و آقای شیخ محمدعلی آیت‌الله شاه‌آبادی و آقا میرزا ابوالهدی کرباسی و آقای حاج شیخ علی‌اکبر نهاوندی مشهدی و آقا سید محسن اراکی و آقای حاج شیخ محمدباقر بیرجندی و آقای حاج شیخ عباس محدث قمی و آقای حاج شیخ محمدحسین اصفهانی کمپانی و آقا میرزا ابوالحسن مشکینی صاحب حاشیه کفایه و آقا شیخ عبدالحسین رشتی صاحب حاشیه کفایه و آقاسید مهدی بحرانی نسابه نجفی و آقامیرزا محمدعلی اردوبادی و آقا سیدمحمدباقر کشمیری و آقاسید راحت حسین رضوی کوپال پوری و آقا سید عبدالباقی شیرازی ملاباشی و صدها نفر دیگر و اجازات اجتهاد ایشان از آقا ضیاءالدین عراقی و آقای فشارکی و آقای یثربی کاشانی و آقا شیخ محمدحسن اصفهانی و آقا شیخ عبدالکریم یزدی.

آثار علمی و قمی معظم‌له که به طبع رسیده و یا مخلوط مانده است بسیار است از آن جمله:

۱- تعلیقات بر احقاق الحق قاضی نورالله شهید در بیست و شش مجلد که یازده مجلد آن به طبع رسیده و باقی آماده برای طبع می‌باشد و این تعلیقات خود شرح مبسوط و کتاب مستقلی در ولایت امیرالمومنین علی علیه‌السلام و خاندان عصمت و طهارت و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام و فضائل آن خاندان است از هزاران کتب اهل سنت انتخاب شده بنحو استدلال با رعایت اختصار.

۲- غایه القصوی لمن رام التمسک بالعروه الوثقی حواشی بر عروه الوثقی علامه یزدی در دو مجلد بزرگ.

۳- توضیح‌المسائل که بکرات به طبع رسیده ۴- حاشیه بر فصول المهمه شیخ حر عاملی ۵- کتاب الهدایه حاشیه بر کفایه.

۶- دفع الغاشیه عن وجه الحاشیه (حاشیه بر حاشیه ملاعبدالله یزدی در منطق) ۷- المعول فی امر المطول.

۸- جذب القلوب الی دیار المحبوب در سوانح و وقایع ایام عمر ۹- مسارح الافکار فی حل مطارح الانظار حاشیه بر تقریرات اصول شیخنا الانصاری.

۱۰- مشجرات آل الرسول که از بزرگترین تصنیفات شیعه و گرانبهاترین کتب در انساب است در چند مجلد.

۱۱- الرساله الافطسیه در نسب گروهی از سادات طفرود که در تهران چاپ شده.

۱۲- الرحله الشیرازیه که در مسافرت به شیراز نوشته‌اند ۱۳- الرحله الاصفهانیه در مسافرت به اصفهان تالیف نموده‌اند.

۱۴- مزارات علویین در ایران و خارج ایران.

۱۵- کتاب المسلسلات فی مشایخ الاجازات در سه مجلد به شرح زیر ۱- در اجازات علماء امامیه از اثناعشریه که به معظم‌له داده‌اند ۲- اجازاتی که علماء عامه از حنفی‌ها و مالکیها و شافعیها و حنبلیها و زیدیه و غیر آنان که برای آن جناب نوشته‌اند ۳- اجازاتیکه ایشان به دیگران داده‌اند.

مرجع تقلید، محقق، عالم دینی.

تولد: ۱۲۷۶(۲۰ صفر ۱۳۱۵ ق.)، نجف اشرف.

درگذشت: ۷ شهریور ۱۳۶۹(۷ صفر ۱۴۱۲ ق.) قم.

آیت‌الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، فرزند سید شمس‌الدین، آموزش‌های اولیه خود را نزد پدر و جده‌اش آغاز کرد. پس از این در حوزه‌های درس اساتید شرکت کرد. در وس مقدماتی را نزد پدر، شیخ مرتضی طالقانی، شیخ محمدحسن سدهی اصفهانی نجفی، شیخ شمس‌الدین شکوئی قفقازی، سید محمدکاظم خرم‌آبادی نجفی، میرزا محمود معلم و نیز جده خود بی‌بی شمس شرف بیگم طباطبایی فراگرفت. وی تجوید و قرائت قرآن را از میرزا ابوالحسن مشکینی نجفی، پدرش سید شمس‌الدین مرعشی نجفی، سید آقا شوشتری، شیخ عبدالسلام کردستانی شافعی و شیخ نورالدین بکتاشی شافعی آموخت. علم انساب را از پدر خود از سید محمدرضا موسوی بحرانی و سید محمد مهدی غریقی صائغ و تفسیر قرآن را از پدر و از شیخ محمد حسین شیرازی، سید هبهٔ‌الدین شهرستانی و سید ابراهیم رفاعی شافعی بغدادی و فقه و اصول را از پدر خود و از شیخ مرتضی طالقانی، سید محمدرضا مرعشی نجفی رفسنجانی شیخ غلامعلی قمی، ابوالحسن مشکینی نجفی، سید آقا شوشتری، میرزا حبیب‌الله اشتهاردی، میرزا محمد تهرانی، میرزا محمدعلی کاظمینی، شیخ عبدالحسین رشتی، میرزا آقا سید ابراهیم اصطهباناتی، شیخ موسی کرمانشاهی، شیخ نعمت‌الله لاریجانی، سید علی طباطبائی یزدی، شیخ محمدحسین شیرازی، میرزا محمود شیرازی، سید جعفر بحرالعلوم، سید محمدکاظم خرم آبادی و عباس خلیلی و علوم ریاضی و هیئت را از شیخ عبدالکریم بوشهری، سید ابوالقاسم موسوی خوانساری، دکتر عندلیب‌زاده، میرزا محمود اهری، محمد محلاتی، شیخ عبدالحمید رشتی، احمد منجم، سید محمدکاظم عصار، جمال‌الدین کرباسی و علم طب را از پدر و از محمدعلی‌خان مؤید الطباء و علم رجال و درایه و حدیث را از پدر و از سید ابوتراب خوانساری، شیخ عبدالله مامقانی، شیخ محمد حرزالدین نجفی، میرزا علی حسینی مرعشی شهرستانی و میرزا ابوالهدی کرباسی، فقه و اصول استدلالی را از آیت‌الله ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سید احمد بهبهانی، شیخ احمد کاشف الغطاء، شیخ علی‌اصغر ختایی تبریزی، شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، شیخ علی بن باقر نجفی، شیخ محمداسماعیل محلاتی، شیخ عبدالنبی نوری، سید ابراهیم اصطهباناتی، حسین نجم‌آبادی، آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، سید علی یثربی کاشانی و محمدرضا مسجدشاهی فراگرفت. آنگاه در شهرهای سامرا و کاظمین مدت سه سال فقه و حدیث و رجال را از آیت‌الله سید حسن صدر و اصول را نزد آیت‌الله شیخ مهدی خالصی آموخت و بعد از مراجعت به نجف اشرف علم کلام را نزد آیت‌الله شیخ محمد جواد بلاغی، شیخ محمد اسماعیل محلاتی، سید هبهٔ‌الدین شهرستانی، علی‌اکبر یزدی، پدر خود و دیگران آموخت.

آیت‌الله مرعشی موفق به دریافت بیش از چهارصد اجازه‌ی روایتی و تعدادی اجازات اجتهاد و اجازات نفسی از مشایخ دیگر گردید که اجازات کتبی وی در کتاب المسلسلات فی الاجازات آمده است.

آیت‌الله مرعشی نجفی در بیست و یکم محرم ۱۳۴۲ از نجف به ایران آمد و پس از سفری به مشهد و تهران و شهر ری، به قم سفر کرد و به سبب درخواست آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی در قم ساکن شد و مدتی هم در جلسات درس ایشان و حوزه‌های دررس آیت‌الله حاج شیخ مهدی حکمی قمی، آیت‌الله سید علی یثربی کاشانی و علی‌اکبر مدرس یزدی، معروف به حکیم الهی و دیگر علما شرکت کرد.

آیت‌الله مرعشی نجفی از زمان ورود به قم، در کنار آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به تحکیم پایه‌های حوزه‌ی نوپای قم پرداخت. ورود وی به ایران و قم مصادف بود با آغاز زمامداری رضاشاه بود که با مظاهر اسلام و تشیع به مبارزه برخاسته بود. او در مقابل فشارها و ضربات رضاشاه علیه حوزه و روحانیت مردانه ایستاد و جلسات درس او منظم بین شش تا هفت جلسه درس در مدرسه فیضیه، صحن و حرم حضرت معصومه (س) برقرار می‌شد. به این ترتیب وی را می‌توان یکی از مؤسسان حوزه‌ی علمیه‌ی قم به شمار آورد که تا هنگام رحلت آیت‌الله حائری یزدی، همگام با ایشان فعالیت کرد. پس از رحلت آیت‌الله حائری یزدی نیز در جهت حفظ و بقای حوزه کوشش کرد. در آن زمان حلقه‌های دروس خارج فقه و اصول خود را تشکیل داد.

آیت‌الله مرعشی پس از رحلت آیت‌الله بروجردی در ۱۳۸۰ ق. جزو معدود مجتهدانی بود که به عنوان مرجعیت شیعه انتخاب گردید و از آن پس به عنوان یکی از ارکان اصلی حوزه و جهان تشیع درآمد و به سهم خویش در اداره‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم شرکت نمود. وی بیشتر از هفتاد سال به تدریس در حوزه‌ی علمیه‌ی قم مشغول بود.

آثار و تألیفات وی به این شرح است: تعلیقات احقاق الحق قاضی نورالله مرعشی شوشتری شهید که بیست و هفت جلد آن منتشر شده و تا پنجاه جلد می‌رسد، مشجرات آل رسول‌الله الاکرام (ص)، شرح و حاشیه بر عمدهٔ المطالب (در چند مجلد)، طبقات النسابین، الهدایهٔ فی معاضل الکفایهٔ، حواشی رسائل شیخ مرتضی انصاری، المسلسلات فی الاجازات، مسارح الافکار فی مطارح الانظار (حاشیه بر تقریرات شیخ انصاری)، المعول فی امر المطول، الوقت و القبلهٔ الرد علی مدعی التحریف، مصطلحات فقهیه، الغایهٔ القوی، سلوهٔ الحزین و مونس الکئیب، المشاهد و المزارات، القصاص علی صوء القرآن و سنته (به قلم عادل علوی، ۱۳۷۴).

از خدمات فرهنگی آیت‌الله مرعشی نجفی می‌توان به این موارد اشاره کرد: ساختن مدارس علوم دینی و تعمیر آنها در قم مدارس مهدیه در خیابان باجک، مؤمنیه در خیابان چهارمردان، شهابیه در خیابان امام خمینی، مرعشیه در خیابان آیت‌الله مرعشی (ارم سابق قم)، ساخت و تعمیر و بازسازی مساجد در ایران و جهان، ساخت و تعمیر بیمارستان‌ها از جمله بیمارستان کامکار در قم، درمانگاهی در بیمارستان نکویی قم، آسایشگاه معلولین در قم، ساختمان بخش قلب بیمارستان نکویی، مرکز توانبخشی بهزیستی واقع در میدان امام خمینی قم که دارالشفای آل محمد (ص) نیز نامیده می‌شود، تأسیس کتابخانه با خرید قطعه زمین به مساحت ۱۵۰۰ متر مربع مقابل مدرسه مرعشیه در خیابان آیت‌الله مرعشی (ارم سابق) کتابخانه‌ای با زیربنای ۳۵۰۰ متر در پنج طبقه ساخته شد که در نیمه‌ی

شعبان ۱۳۴۹ با حدود ۱۶۰۰۰ جلد کتاب چاپی و خطی افتتاح گردید. بعدها طبق حکم حضرت امام (ره) دولت قطعه زمینی در کنار کتابخانه با مساحت ۲۴۰۰ متر مربع فراهم و در اختیار تولیت کتابخانه قرار داد. در توسعه‌ی جدید ۱۶۰۰۰ متر مربع زیربنا در هفت طبقه با ظرفیت سه میلیون جلد کتاب چاپی و بیش از ۱۲۰۰۰۰ جلد کتاب خطی ملحوظ شده است.

این کتابخانه (تا سال ۱۳۷۴) نزدیک به ۵۰۰۰۰۰ جلد کتاب چاپی، ۳۵۰۰۰ مجلد با ۵۰۰۰۰ عنوان نسخه خطی، بیش از ۲۰۰۰۰ جلد کتاب چاپی به زبان‌های لاتین، نزدیک به ۵۰۰۰ جلد نسخه عکسی، حدود ۸۰۰۰ میکروفیلم و بیش از هزار عنوان روزنامه و نشریه دارد. همچنین مجهز به دستگاه‌های مدرن آتش‌نشانی، مبارزه با آفات طبیعی، دستگاه‌های قرنطینه و آفت‌زدایی است.

آیت‌الله مرعشی نجفی پیش از فوت چند بار در بیمارستان‌های قم و تهران بستری شد و دوبار هم برای درمان به خارج از کشور یعنی اسپانیا و انگلستان مسافرت نمود. اما سرانجام در شامگاه روز چهارشنبه هفتم ماه صفر ۱۴۱۲ برابر با هفتم شهریور ماه ۱۳۶۹ در سن نود و شش سالگی، پس از اقامه‌ی آخرین نماز جماعت در صحن حضرت فاطمه معصومه (س) و بازگشت به منزل گرفتار حمله و سکته قلبی شد و درگذشت. پیکر وی در کتابخانه عمومی خود ایشان دفن گردید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۱۸۱ –۱۷۷)، الذریعه (۲۰۴/ ۲۳ ،۲۷۶/ ۲۱ ،۳۷۶/ ۲۰ ،۳۵۵ ،۲۶۴/ ۱۸ ،۱۸۶/ ۱۶ ،۸۸/ ۱۵ ،۲۱۵، ۱۴۰/ ۱۲ ،۳۷۸/ ۶ ،۲۶۰/ ۲)، ریحانه (۱۳۴ –۱۲۹/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۴۸ –۸۴۷/ ۱۴)، علماء معاصرین (۲۱۹ –۲۱۷)، گلزار معانی (۷۰۲ –۶۹۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۲ –۳۷/ ۲ ،۲۱۵ –۲۱۱ ،۵۶ –۵۱/ ۱)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۹۰ –۱۱۸۹/ ۳).

مرعشی نجفی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدجواد ملقب به نجم‌الدین مرعشی نجفی سومین فرزند آیت‌اللّه العظمی آقا سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی قدس‌اللّه سره، در فروردین ۱۳۲۶ شمسی دیده به جهان گشوده، و در حجر و دامن مادر عفیفه و با تقوایش صبیه مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا عباس فقیه مبرقع مدفون در ایوان آئینه حضرت معصومه علیهاالسلام که نوه مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا احمد طباطبائی برادر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج آقا حسین طباطبائی قمی بوده پرورش یافته و پس از اتمام دوره ابتدائی و متوسطه و گرفتن دیپلم به تحصیل علوم دینیه پرداخته و مقدمات و سطوح را از اساتید یاد شده:

حاج شیخ مهدی بیگدلی و حاج سید محمدتقی جواهری و حاج شیخ محمدصادق نصیری و حاج شیخ احمد کریمی و آقای صلواتی و علوی گرگانی و قسمت عمده سطح و خارج فقه و اصول را از محضر والد ماجدش استفاده نموده و در زمان حیات آن بزرگوار به امر معظم‌له در دو نوبت صبح و ظهر به جای ایشان در مسجد بالاـسر و مسجد موزه آستانه مبارکه حضرت فاطمه معصومه علیهاسلام اقامه جماعت نموده و پس از رحلت آن بزرگوار در شبها هم به جای ایشان نماز و مانند زمان آن مرحوم مردم مجاور قم و غیره به نماز او اقبال و توجه و از جهت کثرت اول نماز جماعت قم می‌باشد.

ایشان مضافا بر فضیلت نسبی شرافت سببی هم دارند زیرا داماد مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدعلی سبط انصاری از علماء محترم تهران و مدرس و امام مسجد و مدرسه مروی تهران می‌باشند که آن مرحوم داماد مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمود مسجد جامعی والد آیت‌اللّه حاج میرزا محمدحسین و مرحوم حجهٔالاسلام حاج میرزا مصطفی و حجهٔالاسلام حاج میرزا مسیح مسجد جامعی بوده‌اند.

از طرف مرحوم والدش متولی و سرپرست مدرسه مؤمنیه و مدرسه مهدیه و حسینیه آن مرحوم می‌باشد.

آثار و تألیفات ایشان

مترجم محترم ما دارای تألیفات ارزنده‌ای هستند که از نظر خوانندگان می‌گذرانم .

۱- چهره درخشان امام زمان عجل‌اللّه فرجه الشریف (در ترجمه الزام الناصب ۳ جلد).

۲- نهضفت خونین حسین علیه‌السلام ترجمه مع الحسین فی نهضه سید حیدر ۱ جلد.

۳- مناقب امام امیرالمؤمنین (ع) ترجمه مناقب ابن مغازلی.

۴- قهرمان کربلا زینب کبری (ع) ترجمه السیده زینب.

۵- اخبار الزینبات یحیی عبیدلی.

۶- خورشید پنهان ترجمه البیان گنجی شافعی- که همه اینها به طبع رسیده است.

آثار مخطوط

۱- رساله راس الحسین علیه‌السلام.

۲- تقریرات درس والدشان کتاب حدود و قصاص و دیات وارث و ودیعه.

۳- شروح کتب درسی تقریر درس آقای کریمی.

۴- ترجمه لالی الاخبار تویسرکانی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرعشی نجفی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمود مرعشی نجفی برادر ارجمند زعیم الشیعه و مدار الشریعه فقیه اهل البیت فی عصره آیه الله العظمی آقای آقا سید شهاب الدین المرعشی النجفی مد ظلهما از علماء اعلام و دانشمندان بنام شهرستان تبریز دارای محاسن اخلاق و محامد آداب و ملکات فاضله و کمالات نفسانی می‌باشند.

در سال ۱۳۳۰ ق در نجف اشرف متولد شده و مقدمات و سطوح و حکمت و فنون مختلفه را از اساتید فنون مانند مرحوم آیه الله آقا سید حسین بادکوبه‌ای و آیت الله ایروانی و آیه الله حاج سید محمود شاهرودی فراگرفته.

آنگاه مسافرتی به ایران نموده و مدت یک سال و نیم در قم اقامت گزیده و بقیه سطوح را از برادر معظم مذکور خود استفاده نموده و مجددا به نجف اشرف مراجعت کرده و درس خارج را از محضر مرحوم آیه الله العظمی اصفهانی و آیه الله نائینی و آیت الله آقا ضیاء الدین عرقی حداکثر استفاده را کرده تا به مدارج عالیه اجتهاد رسیده و به دریافت اجازه از آنان نائل گشته و سالها خود در نجف تدریس فقه و اصول داشته تا به عزم زیارت حضرت ثامن الحجج علیه الصلوه و السلام به ایران و برای صله رحم مسافرتی به تبریز نموده و در اثر اصرار علماء و بزرگان تبریز در آن شهر اقامت و تاکنون به اقامه جماعت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارند و یکی از دانشمندان و علماء طراز اول تبریز بشمار می‌روند.

دارای تألیفات و آثار علمی می‌باشند که از نظرتان می گذرانم:

۱- شمس الضحی فی مناقب ائمه الهدی علیهم‌السلام ۲- رضوه الاحباب ۳- کشکول ۴- ریاض الصالحین ۵- تقریرات مرحوم نائینی در خیارات.

از باقیات الصالحات آن جناب فرزندان صالح و برومندی است که به تحصیل و کسب اشتغال دارند و ارشد آنها جناب ثقه الاسلام سید الافاضل الکرام آقای آقا سید شمس الدین مرعشی نجفی می‌باشند که در قم اشتغال به تحصیل دارند و از شرکاء بحث عم گرام آیه الله العظمی مرعشی نجفی مد ظله می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مرعشی نجفی، مرتضی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۰ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مدرس و مجتهد. در نجف به دنیا آمد. مقدمات، سطوح و حکمت را از آیت‌اللّه آقا سید حسین بادکوبه‌ای و آیت‌اللّه ایروانی و آیت‌اللّه سید محمود شاهرودی فراگرفت. آنگاه به ایران آمد و در قم سطوح را در محضر برادرش آیت‌اللّه سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی تکمیل نمود. سپس به نجف بازگشت و درس خارج را از آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه نایینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی فراگرفت تا به مدارج عالیه‌ی اجتهاد رسید و از آنها به دریافت اجازه نایل آمد. او سالها در نجف به تدریس فقه و اصول پرداخت. در مسافرتی که به قصد زیارت حضرت امام رضا (ع) به ایران آمد، به اصرار علما و مردم تبریز در آن شهر سکنی گزید و به اقامه‌ی جماعت و انجام امور دینی پرداخت. از آثارش: «شمس الضحی»، در مناقب ائمه (ع)؛ «روضهٔ الاحباب»؛ «کشکول»؛ «ریاض الصالحین»؛ «تقریرات» استادش آیت‌اللّه نایینی در «خیارات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۳۲۹-۳۲۸/ ۳).

مرعشی، ابومحمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از او قرآن رحلی عظیم، نسخ کتابت جلی و رقاع خوش با رقم «قد شرفت من تحریر... فی اوایل شهر صفر المظفر سنهٔ ثمان و ستین و مائه بعد الاف (۱۱۶۵). و انا العبد المذنب... ابومحمد خان بن سید مرعش خان الحسینی المرعشی...» در اونیورسیته‌ی اسلامبول موجود است.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

مرعشی، ابومحمد حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۵۸ ق)، عالم امامی، فقیه، زاهد و ادیب. موصوف به طبری و معروف به مرعشی. از سادات مرعشیه‌ی طبرستان بود که نسبشان به حسین الاصغر، فرزند امام سجاد (ع) می‌رسد و به علت جدش علی مرعش به مرعشی مشهور بود. او از فقهای بزرگ

شیعه و از اکابر مشایخ امامیه می‌باشد. وی از محمد بن جعفر بن احمد بن بطه و محمد بن جعفر اسدی و احمد بن ادریس اشعری و محمد بن حسین بن درست و علی بن ابراهیم قمی و علی بن ابی‌عبداللّه محمد بن ابی‌القاسم (از پدرش ملقب به ماجیلویه) و ابوالعباس احمد بن محمد ابن‌عقده روایت کرده است. شیخ مفید و حسین بن عبیداللّه غضائری و احمد بن عبدون در ۳۵۴ ق از وی حدیث شنیدند. ابومحمد هارون بن موسی تلعکبری در ۳۲۸ ق از وی روایت شنید و از او اجازه دریافت کرد. از آثارش: «الاشفیهٔ»، در معانی غیبت؛ «تباشیر الشریعهٔ»؛ «الجامع»؛ «الدر»؛ «الغیبهٔ»؛ «المبسوط فی عمل یوم و لیلهٔ»؛ «المرشد»؛ «المفتخر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۳/ ۲)، اعیان الشیعه (۶۱ –۶۰/ ۵)، ایضاح المکنون (۳۲۷، ۳۱۷، ۲۹۴، ۲۶۸/ ۲ ،۲۲۰/ ۱)، الذریعه (۳۵۸ – ۳۵۷/ ۲۱ ،۳۰۴/ ۲۰ ،۵۳/ ۱۹ ،۷۶/ ۱۶ ،۳۱۰/ ۳ ،۱۱۱/ ۲)، رجال طوسی (۴۶۵)، ریحانه (۲۸۹/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۷ –۸۶/ ۴)، لغت نامه (ذیل/ حسن مرعش)، معجم المؤلفین (۲۲۱/ ۳).

مرعشی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین حاج سید اسمعیل بن العلامه العلام آیه‌الله فی‌الانام حاج سید احمد مرعشی نزیل سامری از علماء خدوم و مروجین اسلام و خدمتگزاران حقیقی معاصر است در شهرستان اهواز.

وی در ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۴۰ قمری در سامری متولد شده و در سن ۷ سالگی قرآن و تجوید آن را نزد یک نفر از قراء جماعت اهل سنت سامری فرا گرفته و دروس فارسی را نزد آقای شیخ ابوالقاسم مروج یزدی آموخته آنگاه در کاظمین دروس ابتدائی و متوسطه را فرا گرفته و با مرحوم والدش بسامری مراجعت و بتحصیل علوم عربی پرداخته و ادبیات و سطوح را از مدرسین سامرا آقای شیخ حسنعلی شیرازی و آقا شیخ حسن ماکوئی و حاج میرزا علی یزدی و حاج شیخ موسی سودانی و حاج سید نصرالله گلستان اصفهانی و مرحوم آیه‌الله میرزا حبیب‌الله اشتهاردی و آیه‌الله حاج سید محمد رضا شوشتری و حکمت را از مرحوم آیه‌الله حاج میرزا محمود شیرازی فرا گرفته و در نجف اشرف بدرس خارج مرجع اعلی آیه‌الله العظمی خوئی و مرحوم آیه‌الله کاشف الغطاء و در اهواز مدت ده سال در درس آیه‌الله العظمی بهبهانی حاضر شده تا بدرجه رفیعه علم و اجتهاد نائل و از بعضی از اساتید مذکور مفتخر باجازه اجتهاد گردیده است.

در ماه رمضان ۱۳۷۲ قمری بمشهد مقدس مشرف و چند ماهی توقف و در محضر علماء اعلام شهر حاضر و در کتابخانه آستانه قدس بمطالعات کتب متفرقه در علوم مختلفه مشغول و در همانجا شروع بتألیف شرح مبسوط اربعین حدیث گردیده و در سال ۱۳۷۳ قمری بنا بر دعوت اهالی شهرستان اهواز و بالاخص سادات مرعشی و امر عموی معظم آیه‌الله حاج سید محمود مرعشی مقیم قم باهواز مراجعت و در مسجد آیه‌الله مرعشی مزبور اقامه جماعت و نماز جمعه نموده و ضمنا بتدریس طلاب علوم دینیه پرداخته و در سال ۱۳۸۱ قمری بکمک اهالی اهواز بناء مدرسه علمیه مرعشی را در خیابان کاوه اهواز گذارده و اکنون دارای چهل نفر طلبه میباشد که مشغول بتحصیل علوم دینیه میباشند و در ایام تعطیل جهت تبلیغ اعزام بدهات اطراف میشوند.

جناب حجه‌الاسلام حاج سید جمال‌الدین صهری واعظ شهیر اصفهان در بناء و ماده تاریخ مدرسه مزبور گفته است.

دین و دانش خطه‌ی اهواز را آراست بزم

با جنود جهل و نادانی بسختی داشت رزم

رایت حق جعفر صادق نهاد این پایه را

بانی خیر و فقیه مرعشی با جد و حزم

بهر تاریخ بنایش خامه صهری سرود

آفتاب علم در اهواز طالع شد بعزم

۱۳۸۱ قمری

آثار و تألیفات آنجناب از این قرار است:

۱- شرح کتاب اربعین حدیث ۲- ترجمه استدراک فصل الخطاب حاجی نوری ۳- عنوان الطاعه فی اقامه الجمعه والجماعه عربی استدلالی ۴- اجوبه المسائل التستریه. ۵- حاشیه بر لمعه و بر شرح آن ۶- کتابی از مبدء تا معاد سه جلد در معارف و اصول عقاید که جلد اول آن بچاپ رسیده است.

اجازات اجتهاد و روایتی معظم‌له از آیه‌الله مدرس شیرازی سامره و آیه‌الله کاشف الغطماء و آیت‌الله میلانی و آیت‌الله بروجردی خداوند بر توفیقات این مؤسس محترم علمّیه مرعشی بیافزاید و وجود ذیجودش را برای مسلمین باقی بدارد.

(تو ۱۳۴۰ ق)، عالم دینی. در سامرا به دنیا آمد. قرآن و تجوید را نزد یکی از قراء اهل سنت و دروس فارسی را نزد شیخ ابوالقاسم مروج یزدی فراگرفت. آنگاه به کاظمین رفت و در آنجا دروس ابتدایی و متوسطه را تحصیل نمود. سپس به سامراء بازگشت و به تحصیل علوم عربی پرداخت. ادبیات و سطوح را در محضر آقا شیخ حسنعلی شیرازی و آقا شیخ حسن ماکویی و حاج میرزا علی یزدی و حاج شیخ موسی سودانی و حاج سید نصراللّه گلستان اصفهانی و آیت‌اللّه میرزا حبیب‌اللّه اشتهاردی و آیت‌اللّه سید محمدرضا شوشتری و حکمت را در محضر آیت‌اللّه حاج میرزا محمود شیرازی فراگرفت. آنگاه به نجف رفت و در درس خارج آیت‌اللّه خویی و آیت‌اللّه کاشف الغطاء شرکت نمود. او همچنین مدت ده سال نیز در اهواز در درس آیت‌اللّه بهبهانی شرکت کرد و به مقام اجتهاد نایل گشت و از آیت‌اللّه کاشف الغطاء و آیت‌اللّه میلانی و آیت‌اللّه بروجردی اجازه گرفت. در ۱۳۷۲ ق به مشهد

رفت و در همان جا به تحقیق و نیز تألف «شرح اربعین حدیث» پرداخت. در ۱۳۷۳ ق به دعوت سادات مرعشی ساکن اهواز و مردم آن شهر و به امر عمویش، آیت‌اللّه سید محمود مرعشی، به اهواز رفت و در مسجد آیت‌اللّه مرعشی به اقامه‌ی جماعت و به تدریس پرداخت. در ۱۳۸۱ ق مدرسه‌ی علمیه مرعشی را به کمک مردم در اهواز بنا نمود. از دیگر آثارش: «عنوان الطاعهٔ فی اقامهٔ الجمعهٔ و الجماعهٔ»، استدلالی به عربی؛ «اجوبهٔ المسائل التستریهٔ»؛ حاشیه بر «لمعه» و بر شرح آن؛ «از مبداء تا معاد»، در معارف و اصول عقاید، در سه مجلد.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۵۶ -۱۵۴/ ۳).

مرعشی، داود

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌میرزا عبدالله بن محمد شفیع، از اکابر سادات عالی درجات، به جلالت شأن معروف، و به اقتفای فضایل و کمالات، موصوف. به منصب رفیع تولیت روضه‌ی رضویه، و مصاهرت دودمان صفویه ممتاز گردیده.

در ۱۰۶۵ در اصفهان تولد، و در سال ۱۱۳۳ در اصفهان وفات یافته، شاعر و ادیب و نویسنده است.

کتب زیر از اوست:

۱- دیوان اشعار ۲- مثنوی زبور العاشقین ۳- سفرنامه ۴- سلطان الانساب ۵- مثنوی نمکدان؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مرعشی، ربابه

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۱۲۷۰ ش، از نخستین زنان آموزگار. وی همسر سید علی شمس‌المعالی- پزشک ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳ -۱۲۶۴ ق) و مادر درهٔالمعالی بود. در آن زمان هیچگونه مدرسه‌ای برای زنان وجود نداشت، از اینرو ربابه در خانه‌اش کلاس درس برای زنان دایر کرد و خود به آموزش پرداخت. این اقدام او که در آن زمان عجیب می‌نمود با مخالفت گروهی از مردم مواجه شد و برای وی و شرکت کنندگان مزاحمت‌هایی ایجاد کردند. ربابه سیزده سال پیش از آنکه رسما مدرسه دخترانه‌ای در تهران ایجاد شود در سال ۱۲۷۰ شروع به آموزش زنان نمود.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: کارنامه زنان مشهور ایران، ۱۵۳.

مرعشی، کمال‌الدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۹۴ ق)، عالم و شاعر، متخلص به محزون. وی دومین پادشاه از سلسله‌ی سادات مرعشیه‌ی طبرستان و فرزند میر قوام‌الدین مشهور به میربزرگ و از نوادگان سید علی مرعش بود. او در حدیث، فقه، اصول، عرفان، معقول، تجوید و ریاضیات متبحر بود و به خوبی شعر می‌گفت. در ۷۹۴ ق در جنگ با امیر تیمور گورکانی (م ۸۰۷ ق) خود و نزدیکانش به اسارت درآمدند. از آثارش: «زاد القراء»، در تجوید؛ «هدایهٔ الادیب»، در علوم بلاغت؛ «منیهٔ الحکیم»، در حکمت؛ «دلیل الحیران»، در سیر و سلوک؛ «بغیهٔ الفقیه»، در فقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶۹/ ۲۵ ،۲۰۲/ ۲۳ ،۶/ ۱۲ ،۲۵۷/ ۸)، ریحانه (۲۹۱/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۸/ ۸)، مجالس المؤمنین (۳۸۱ -۳۸۰/ ۲)، معجم المؤلفین (۴۱۴/ ۱۳).

مرعشی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۰ -۱۱۹۸ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مفسر، ادیب و شاعر. از فرزندزادگان علامه سید حسین سلطان العلماء (خلیفه سلطان) بود. او در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد دفن شد. از آثارش: «تفسیر قرآن»؛ شرح «زبدهٔ الاصول»؛ شرح «تشریح الافلاک»؛ «سفرنامه‌ی هندوستان»؛ کتاب «اجازات»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۸۲/ ۹)، تذکرة القبور (۴۸۸)، معجم المؤلفین (۱۸۸/ ۱۰).

مرعشی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضا بن السید محمدباقر بن علی بن الحسن بن علی بن ضیاءالدین محمد بن محمدصادق بن محمدطاهر بن علی بن علاءالدین حسین سلطان العلماء الحسینی المرعشی الرفسنجانی النجفی والد ماجد (اخوان مرعشی) که ترجمه آنان در ج ۲ ص ۵۹ گذشت عالمی جلیل و مصنفی بزرگوار و مجتهدی عالیمقدار بوده است.

وی در سال ۱۲۸۶ ق در رفسنجان متولد شده و برای تحصیل علم مهاجرت به یزد و از آنجا به نجف اشرف نموده و پس از فراغت از متون فقه و اصول به درس علمین آیت‌اللّه آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و آیت‌اللّه آقا سید محمدکاظم یزدی و مرحوم شریعت اصفهانی شرکت و استفاده نموده و در اثر جدیت به مقام اجتهاد و مرجعیت رسیده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدتقی شیرازی گروهی از مردم به آنجناب رجوع نموده و مدت دو سال تقریباً متصدی مقام افتاء شده ولکن اجل محتوم مهلتش نداده و در سن ۵۶ سالگی در سال ۱۳۴۲ قمری از دنیا رفته و در جوار جد بزرگوارش مدفون گردیده است.

دارای آثار علمی زیر می‌باشد.

۱- الکریهٔ فی تحقیق الکر

۲- (جوابات المسائل الاسلامبولیه) که به امر استاد یزدیش نوشته و علامه تهرانی در ج ۵ (الذریعه) ص ۲۱۴ ذکر نموده است.

۳- جوابات المسائل الامتحانیه

۴- جوابات المسائل الکرمانیه

۵- جوابات المسائل الیزدیه.

بزرگترین آثار و باقیات الصالحات آن مرحوم اخوان فاضلان عالمان مجتهدان حجتی‌الاسلام والمسلمین آیتین آقای حاج سید کاظم و آقای حاج سید مهدی مرعشی دامت برکاتهما می‌باشند و از این دو برادر جناب آقای حاج سید کاظم چند سالست که از نجف به قم رحل اقامت افکنده و به تدریس اشتغال دارند و جناب آقای حاج سید مهدی در نجف به وظائف روحی و علمی مشغول می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مرعشی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمود مرعشی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تاکنون بیش از ۶۰ مقاله در زمینه کتابشناسی نسخه شناسی ، کتاب پژوهی ، رجال و تراجم و انساب نگاشته ام و تمامی آنها تاکنون چاپ و منتشر شده است همچنین نظربه اینکه از سنین نوجوانی در کنار پدر بزرگوارم کتابشناسی مخطوطات را فرا گرفته ام و با اشتیاق در کنار دروس حوزوی خود ادامه دادم اکنون بیش از نیم قرن است که تجربه اندوخته ام و اینجانب را در بیشتر مراکز علمی و کتابخانه ها و دانشگاههای جهان به عنوان یکی از بزرگترین کتابشناسان معاصر کتابهای اسلامی جهان می شناسند.

اینجانب چند جلد تالیف نیز دارم که بیشتر آنها چاپ و منتشر گردیده است .جز آن، دهها کتاب را تحقیق و تحصیح و چاپ کرده ام و بسیاری دیگر نیز زیر نظر اینجانب منتشر شده است . همچنین کتبا دارای چند اجازه اجتهاد و روایتی و امور حسبیه از مراجع گذشته و حال می باشم از جمله حضرات آیا ت عظام :اراکی ، مرحوم والدم ، مکارم شیرازی ، بهجت ، فاضل لنکرانی ،سید محمد شیرازی، سیستانی و غیره و نیز از مرحوم آیه الله العظمی شیخ عبد النبی اراکی اجازه اجتهاد گرفتم و از مرحوم آیت الله سید محمد صادق بحر العلوم نجفی و مرحوم آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی و مرحوم آیت الله علیاری تبریزی و غیر آنان اجازه روایتی در یافت نموده ام . به منظور اطلاعات بیشتر به مجله کیهان فرهنگی شماره ۲۰۴ که ویژه اینجانب و نیز کتابخانه می باشد همچنین مقاله ای که محقق و پژوهشگر پر تلاش آقای علی رفیعی در مورد زندگینامه اینجانب نگاشته و در فصلنامه میراث شهاب کتابخانه چاپ شده و هر دو آنها ضمینه این برگه ها می باشد مراجعه شود .

و نیز از مفتی بزرگ یمن محمد بن زباره و مرحوم شیخ محمد غزالی بزرگترین متفکر جهان عرب و صاحب بیش از ۵۰۰ تألیف در

موضوعات گوناگون اجازه کتبی اخذ نموده ام .اینجانب همچنین افزون بر ۵۰ سال است که شرعا و قانونا متولی و رئیس کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی می باشم و نیز متولی ۳ مدرسه علمی والدم که در قم بنیاد کرده اند برای طلاب به عهده دارم نیز مسئول دفتر پدر بزرگوارم بوده و می باشم اینجانب چند پروژه تحقیقاتی با برخی از اسلام شناسان خارجی دارم که در حال انجام است و به زودی منتشر می شود همچنین کتاب عظیم : موسوعه الامامه فی نصوص اهل السنه در کلام و فضائل ائمه اطهار علیهم السلام که از تألیفات پدر عزیزم و به عربی می باشد زیر نظر و با اشراف اینجانب در حال انتشار است که ۵ جلد نخست آن منتشر شده و ۱۵ جلد دیگر تا اواخر سال جاری ۱۳۸۶ و ۲۵ جلد دیگر تا دو سال بعد منتشر خواهد شد و جمعا ۴۵ جلد خواهد بود این کتاب تاکنون ۳ بار جایزه بهترین کتاب سال در حوزه دین شناخته شده و دریافت نموده است .

مرغینانی، برهان‌الدین، ابوالحسن علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۱۷/ ۵۹۳ -۵۳۰ ق)، فقیه حنفی، محدث و مفسر. مشهور به شیخ‌الاسلام. نسبتش به مرغینان، از توابع فرغانه می‌رسد. او جامع تمام علوم متداول زمان خود و از مشاهیر علمای عامه بود. به آورده‌ی «ریحانهٔ الادب»، به هنگام فتنه‌ی چنگیزی ساکن مرغینان بود و از طرف اهالی به عنوان سفیر صلح انتخاب و برای مذاکرات و عقد مصالحه به سوی چنگیزخان فرستاده شد. اما عاقبت چون با مفاد پیمان مخالفت کرد، شهر مورد تهاجم و قتل عام قرار گرفت و مرغینانی در آن غائله از میان رفت، در این صورت وفات وی در ۶۱۷ ق صحیح‌تر به نظر می‌رسد. از آثارش: «بدایهٔ المبتدی»، در فقه حنیفی؛ «الهدایهٔ فی شرح البدایهٔ»؛ «کفایهٔ المنتهی»؛ «التجنیس و المزید»؛ «الفرائض»؛ «مختارات مجموع النوازل»؛ «نشر المذاهب»؛ شرح «الجامع الکبیر» شیبانی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۷۳/ ۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۶۳/ ۲)، ریحانه (۲۹۳/ ۵ ،۲۵۶/ ۱)، سیر النبلاء (۲۳۲/ ۲۱)، کشف الظنون (۲۰۳۲ -۲۰۳۱ ،۱۹۵۳ ،۱۸۵۲ ،۱۶۲۴ ،۱۵۰۱ ،۱۲۵۱ -۱۲۵۰ ،۵۶۹ ،۳۵۳ -۳۵۲ ،۲۲۸ -۲۲۷)، معجم المؤلفین (۴۶ -۴۵/ ۷)، هدیهٔ العارفین (۷۰۲/ ۱).

مرغینانی، برهان‌الدین، ابوالمعالی محمود

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۱۶ -۵۵۱ ق)، فقیه حنفی. معروف به ابن مازه. در مرغینان از توابع فرغانه به دنیا آمد. وی از بزرگان فقهای حنفی و از خانواده‌ی علم و فضل در بلاد ماوراءالنهر بود. در بخارا درگذشت. از آثارش: «ذخیرهٔ الفتاوی» یا «ذخیرهٔ البرهانیهٔ»؛ «المحیط البرهانی»؛ «تتمهٔ الفتاوی»؛ «الواقعات»؛ «الطریقهٔ البرهانیهٔ»؛ شرح «الزیادات» شیبانی؛ شرح «الجامع الصغیر» شیبانی؛ شرح «ادب القضاء» حصاف؛ «التجرید»، در فروع؛ «الوجیز فی الفتاوی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۶/ ۸)، کشف الظنون (۲۰۰۲ ،۱۶۱۹ ،۸۲۴ -۸۲۳ ،۳۴۴ -۳۴۳)، معجم المؤلفین (۱۴۷/ ۱۲)، هدیهٔ العارفین (۴۰۴/ ۲).

مرغینانی، بهاءالدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۳۷/ ۵۲۷ ق)، منشی و شاعر. اصل وی از مرغینان، از نواحی فرغانه ترکستان، و از شعرا و منشیان معروف عصر خود بود. او مداحی سلطان قطب‌الدین انوشتگین خوارزمشاه (۵۲۲ -۴۹۰ ق) می‌کرد. به آورده‌ی صاحب «تاریخ نظم و نثر»، بهاءالدین از سوی پدر از خاندان شیخ‌الاسلام فرغانه و از سوی مادر از فرزندان طغان خان، حکمران فرغانه بوده و تا زمان ارغون خان نیز می‌زیسته است. همچنین در این کتاب تاریخ فوت او ۶۴۹ ق ذکر شده است. از وی اشعاری در تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۱۷۴ -۱۷۳)، الذریعه (۱۰۳۱/ ۹)، ریحانه (۲۹۳/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۱۴۴ -۱۴۳)، لغت نامه (ذیل/ بهاءالدین)، مجمع الفصحا (۴۴۸ -۴۴۷/ ۱).

مرندی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالحسن مرندی عالمی فاضل از شاگردان فاضل شربیانی و معاصرین او بود، و بعد از فوت آن مرحوم به ایران مراجعت و در زاویه مقدسه (حضرت عبدالعظیم) شهر ری رحل اقامت افکند، و در صحن مطهر اقامه جماعت داشت و مردم ری و تهران به او اقبال و توجه مخصوصی داشتند.

آن مرحوم در محرم سال ۱۳۴۹ ق به رحمت حق پیوست و در مقبره ناصرالدین شاه قاجار مدفون گردید.

از تالیفات وی کتاب ۱- نوارالانوار در چند مجلد به طبع رسیده ۲- بستان الابرار و یالمعات الانوار ۳- مجمع النورین ۴- لوامع الانوار می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مرندی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسماعیل بن نجف حسینی مرندی تبریزی عالمی جلیل و معمر از شاگردان شیخ انصاری بوده و در ۴ ربیع‌الاول ۱۳۱۸ وفات نموده. تالیفات علمی بسیاری داشته که از آنهاست.

۱- رساله‌ای در تعادل و تراجیح ۲- درر الفوائد در اخلاق ۳- مفتاح‌الریاض ۴- الموازین در شرح قوانین و کتب دیگر که در نزد احفادش در تبریز موجود است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مرندی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن بن ملاحسین مرندی متولد ۱۲۱۶ ق و متوفی ۱۳۲۰ ق عالمی معمر بوده و در سن یکصد و چهار سالگی از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مرندی، زین‌العابدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زین‌العابدین بن اسماعیل بن زین‌العابدین مرندی تبریزی از بزرگان علماء و افاضل فقهاء متولد ۱۲۶۶ و متوفی ۱۳۴۰ ق از شاگردان بزرگ شیخ انصاری و سید حسین کوهکمری و بیشتر میرزا حبیب‌اللّه رشتی و میرزا شیرازی بزرگ بوده و از مراجع تقلید عده زیادی از مردم آذربایجان بوده نادر ۱۲ ذیقعده ۱۳۴۰ ق وفات و در وادی السلام مدفون شده است.

وی دارای سه فرزند روحانی به نام ۱- شیخ مهدی ۲- شیخ هادی ۳- شیخ هدایت‌اللّه بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مرندی، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید صادق الحسینی المرندی بن العالم الجلیل میر ابراهیم ابن السید شریف السید علی بن السید الجلیل الحاج السید زین‌العابدین الحسینی المرندی از فضلاء نویسندگان حوزه علمیه قم است، وی در حدود سال ۱۳۵۰ ق در بلده مرند متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات فارسی از مرحوم والدش و مرحوم ملا-زین‌العابدین و مروج الاحکام آقای شیخ حسن و غیره فراگرفته و در سن ۱۲ سالگی به تبریز آمده و به مدرسه طالبیه اقامت و دوره صرف و نحو و معانی بیان و منطق را تا مقداری از قوانین الاصول و رسائل شیخ انصاری و کشف‌المراد علامه را از اساتید بزرگ خوانده تا ماه صفر سال ۱۳۶۷ ق که مهاجرت به قم نموده و سطوح عالی را در محضر اساتید و مدرسین حوزه به پایان رسانیده و پس از آن به دروس خارج آیات عظام حوزه مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله و بعضی دیگر استفاده کامل نموده و می‌نماید.

وی دارای تالیفات ارزنده مطبوع و مخطوط می‌باشد که از نظر دانشمندان می‌گذرانم:

۱- گناهان بزرگ در اسلام از نظر خاصه و عامه که در سال ۱۳۸۸ ق به زیور طبع و نشر رسیده است.

۲- قوانین کیفری: حدود، قصاص، دیات در اسلام که در سال ۱۳۹۳ به طبع رسیده است.

معظم‌له، در ایام تعطیل و اوقات ترویج ماه مبارک رمضان و ماه محرم و صفر برای تبلیغ احکام و نشر معارف به تهران و رضائیه

مسافرت و نیز در قم جلسات خصوصی دارند که از راه بیان خدمات نموده و می‌نمایند و به تدریس فقه و اصول اشتغال دارند ادام‌الله توفیقاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مرندی، عبدالحمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین حاج سید عبدالحمید مرندی از علماء اعلام و دانشمندان کرام حوزه علمیه قم و اصحاب و حواریین حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی است که در حدود سال ۱۳۳۵ ق در مرند متولد شده و پس از طی مقدمات و ادبیات مهاجرت به قم نموده و سطوح را تکمیل و به حوزه‌ی درس مرحوم علامه محقق آیت‌الله العظمی حجت حاضر شده و بیش از ده سال از فیض تحقیقات آن فقیه بزرگوار استفاده نموده و مدت ۱۸ سال هم از محضر آیت‌الله العظمی بروجردی بهره‌مند گردیده و پس از فوت مرحوم آیت‌الله حجت رحمه‌الله متصل و منقطع به فقیه اهل بیت مرجع بزرگوار آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله گردیده و در بسیاری از خدمات دینی و روحی معظم‌له شرکت نموده و همه روزه مرتبا به بیت‌العلم والفقاهه و السیاده آن جناب آمده و به قسمتی از آثار علمی ایشان با عده‌ای از افاضل دیگر مساعدت نموده و در مسجد خیابان آبشار اقامه جماعت نموده و ترویج از شعایر دینی می‌نماید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مرندی، عبدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن احمد، سید جلیل، علم فاضل زاهد، از شاگردان آقا سید محمد باقر درچه‌ای و آقا شیخ مرتضی ریزی بوده، و در ۱۳۵۴ وفات یافته، در بقعه‌ی تکیه‌ی مرحوم ریزی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مرندی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالمی دینی.

تولد: ۱۲۷۳، مرند.

درگذشت: ۱۳۷۳.

آیت‌الله علی‌اکبر مرندی مقدمات دروس را نزد پدر خود فراگرفت و در بیست و دو سالگی برای ادامه تحصیل به نجف اشرف رفت و پس از بیست و سه سال تحصیل در نجف و رسیدن به درجه اجتهاد به مرند مراجعت و ضمن اقامه نماز در مسجد قیام مرند، به تدریس علوم دینی نیز اشتغال ورزید. رسیدگی به مسائل دینی اهالی مرند نیز از اهم وظایف وی بود. وی در عرفان نیز مقام والایی داشته است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مرندی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسین مرندی از علماء اعلام و اجلاء فقهاء و مدرسین کربلا و از شاگردان میرزا حسین خلیلی و آخوند خراسانی و غیرهم بوده و در کربلا وفات نموده است.

از آثار اوست حاشیه کفایه و حاشیه طهارت شیخ و حاشیه مکاسب.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مرندی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمدباقر بن ثقه‌الاسلام حاج ملا عبدالمجید الواعظ متوفی ۱۳۴۴ ق بن العلم العلام حاج ملا ـ عبدمناف که از علماء اعلام و حجج اسلامی آذربایجان بوده و در سال ۱۳۲۸ ق دیده از جهان بسته و دارای کراماتی بوده است.

عالمی کامل و دانشمندی فاضل و دارای مقام فضل و ادب و کمال و حسب و نسب می‌باشد. در سال ۱۳۲۸ ق در مرند متولد شده و مقدمات و ادبیات را از والد مرحومش خوانده و سطوح را در شبستر و تبریز دیده و مهاجرت به قم نموده و پس از تکمیل به درس مرحوم آیت‌الله حایری شرکت کرده و بعد از مدتی به وطن برگشته و چهارسال اقامت نموده و باز به قم آمده و چند ماهی توقف مجددا به مرند برگشته و ده سالی توقف نموده آنگاه رسما مهاجرت به قم کرده و به درس مرحومین آیتین حجت و بروجردی رحمهماالله شرکت نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی چندی هم به درس و بحث آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی حاضر شده و در خدمت آن جناب مسافرت جالبی به کاشان و مشهد اردهال نموده و خاطره آن سفر را در کتابی به نام نور باهر تالیف و منتشر نمود و هم مسافرتی در خدمت معظم‌له به شهر ری کرد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مرندی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدجواد علی مرندی عالمی خطیب و از ائمه جماعت موثق مرند بوده و در سال ۱۳۴۱ ق وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مروارید، حسنعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسنعلی بن العالم الفاضل آقا شیخ محمدرضا مروارید از علماء مهذب معاصر مشهد مقدس می‌باشند.

وی در سال ۱۳۲۹ قمری در مشهد مقدس از صبیه عالم جلیل و فقیه نبیل آیت‌اللّه العظمی مرحوم حاج شیخ حسنعلی مجتهد تهرانی که ترجمه‌اش گذشت متولد شده و در دامن چنین مادر مومنه صالحه پروش یافته و مرحوم والدش که از افاضل دانشمندان مشهد بودند در سن جوانی وفات نمود و آن جناب در تحت تربیت و تشویق آن مادر عفیفه به تحصیل فارسی و ادبیات پرداخته و پس از تکمیل مقدمات سطوح را از مدرسین حوزه مشهد آموخته و بالاخص شرح لمعه را نزد عالم ربانی و سالک سبحانی مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی خوانده و از انفاس قدسیه آن بزرگوار بهره‌مند گردیده.

و بعد از تکمیل سطوح به درس خارج فقه و معارف مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج میرزا مهدی غروی اصفهانی تا آخر عمر آن مرحوم حاضر شده تا به مدارج عالیه علم و اخلاق و معارف رسیده و به تدریس فقه و اصول و معارف پرداخته و مورد توجه مردم مشهد و حوزه علمیه خراسان قرار گرفته و اکنون یکی از مبرزترین دانشمندان استان خراسانست و نماز جماعت ایشان مورد توجه عموم و بالاخص دانشمندان و اخیار مردم مشهد می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مروارید، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی‌اصغر بن مرحوم ثقهٔ‌السلام آقا شیخ علی‌اکبر مروارید یکی از ستارگان فروزان آسمان فضل و دانش حوزه علمیه قم در شمال غربی تهران و خیابان تاج است. تولد ایشان در حدود ۱۳۴۴ قمری در شهر مقدس مشهد واقع شده و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح در اوائل ورود مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی مهاجرت به قم نموده و سطوح را از مدرسین عالی قم آموخته آنگاه به درس خارج فقه و اصول آیات عظام آقای بروجردی و مرحوم محقق داماد و بالاخص آیت‌اللّه العظمی نایب‌الامام خمینی مدظله حاضر و چندین سال از دراسات و محاضر آنان استفاده کامل نموده و از اول نهضت و قیام رهبر انقلاب و قائد عظیم‌الشأن امام خمینی پس از رحلت مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی قدس سره وارد صحنه مبارزه علیه فساد و امپریالیسم و رژیم منفور طاغوتی پهلوی گردیده و چند سالی در تبعید و یا زندان عوامل جبار شاهنشاهی (ساواک) بسر برده ولی هرگز تسلیم آنان نشده و از وظیفه مقدس جهاد با منافقین و ضد توحیدی و خلقی شانه خالی نکرده تا در دو سال اخیر که آزاد ولی ادامه به مبارزات خود داده تا به فضل پروردگار و عنایت حضرت بقیهٔ‌اللّه الاعظم عجل اللّه فرجه الشریف و همت والای مردم به رهبری امام خمینی مدظله و پیکار نمودن شبانه‌روزی رزمندگانی که جز توکل بر خدا سلاحی نداشتند در بیست و سوم بهمن ماه دولت منحوس بختیار را ساقط و جمهوری اسلام اعلان گردید.

جناب آقای حاج مروارید بیانی گرم و قاطع و صریح دارند و در سخنرانی و خطابه‌سرائی ورزیده و تسلط کامل و حافظ اکثر قرآن مجید می‌باشند. و در حال حاضر در مسجد خیابان تاج نزدیکی خیابان (شهید) نواب صفوی به امامت و خدمات دینی اشتغال و ریاست کمیته منطقه شمال غربی تهران که یکی از کمیته‌های چهارده گانه تهران است به عهده دارند و شب و روز مشغول فعالیت و انجام وظیفه می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

مروج جزائری، محمدجعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدجعفر معروف به حاج مروج جزایری بن سید محمدعلی بن سید محمود بن احمد بن سید محمدرضا بن علی‌اکبر بن سید عبداللَّه بن سید نورالدین بن علامه محدث سید نعمت‌اللَّه جزایری شوشتری عالمی جلیل و مدرسی فاضل از علماء معاصر شوشتر مقیم در اهواز می‌باشد.

وی در ذی‌حجه ۱۳۲۸ ق در شوشتر متولد و مقدمات و اولیات و قسمتی از فقه و اصول را از والد علامه‌اش و سید علی‌اصغر ادیب جزایری متوفی ۱۳۴۸ ق فراگرفته.

آنگاه مهاجرت به نجف و در حوزه علامه عراقی آقای آقا ضیاء و آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و غیر آنان شرکت کرده و تقریرات آنان را به رشته تحریر آورده تا در سال ۱۳۹۱ قمری که قهراً به ایران آمده و در اهواز رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت و ترویجات دینی پرداخته است.

تألیفاتی دارد که از آنهاست رساله‌ای در حرمت ریش‌تراشی و رساله‌ای در تحدید وطن شرعی و رساله‌ای در حدیث لا تعاد و حاشیه‌ای بر کفایه و کتاب (هدایهٔالانام) در فروع مختلفه فقهیه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مروج خراسانی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌اکبر مروج متخلص به (شفیق) صاحب تألیفات کثیره از علماء و محدثین بزرگ معاصر خراسانند.

صاحب علماء و معاصرین در ص ۲۹۷ گوید: حاج شیخ علی‌اکبر واعظ الشهیر به مروج الاسلام، هو العالم المحقق الالمعی و الفاضل المدقق اللوذعی قدوه الوعاظ و نخبه الحفاظ صدیقنا الاعز الاکرم و شفیقنا الاجل الافخم صاحب المصنفات المتقنه و المولفات المحکمه...

این بزرگوار در حدود ۱۳۱۰ قمری در مشهد متولد شده و پس از پرورش به تحصیل علوم دینی پرداخته و ادبیات و سطوح را از مدرسین بزرگ آن عصر فراگرفته و از محضر آیات عظام خراسان فقهاء و اصولا استفاده نموده و از راه منبر به تبلیغ دین و ترویج احکام پرداخته و از این رو مشهور به (مروج الاسلام) گردیده و ضمنا به تألیف و تصنیف اشتغال و بسی درر گرانبهائی از خود به یادگار گذارده که برخی از آن به طبع رسیده و بعضی مخطوط مانده است من جمله از کتب آن جناب کتب زیر است.

۱- نفائس اللباب در دو مجلد که از دو هزار جلد کتاب جمع‌آوری و تألیف نموده است.

۲- هدیهٔ المحدثین ۳- تاریخ المعصومین ۴- کرامات الرضویه در دو جلد ۵- سوانح در دوازده جلد

جناب آقای مروج دارای طبع فراوان و اشعار عربی و فارسی بسیاری در مدح و مرثیه و مواعظ و ظرایف دارند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مروجی طبسی، محمدجعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جعفر مروجی طبسی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد جعفر مروجی طبسی فرزند مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد رضا طبسی نجفی درسال ۱۳۳۵ در نجف اشرف متولد شد، دروس مقدمات حوزه را در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی گذراند. و سطوح عالیه را نزد آقایان: مرحوم حاج سید ابوالفضل موسوی تبریزی و مرحوم آقای وجدانی فخر و مرحوم حاج شیخ احمد پایانی و حاج شیخ علی پناه اشتهاردی و جناب محقق داماد و جناب شیخ محمد کلباسی و جناب آقای فیاضی به پایان رساند و حدود ۱۵ سال در درس خارج حضرات آیات عظام آقایان: حضرت آیت الله مکارم شیرازی، حضرت آیت الله سید ابوالقاسم کوکبی، حضرت آیت الله وحید خراسانی شرکت نمودند.

مروجی طبسی، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد مروجی طبسی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی بنده در نهم ماه ذی الحجه ۱۳۷۲ هجری قمری مطابق با ۲۸/۱۲/۱۳۳۱ هجری شمسی در نجف اشرف در یک خانواده روحانی متولد شدم. پدرم مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ محمد رضا طبسی است که ظاهرا در سال ۱۳۴۵ هجری قمری از قم به حوزه نجف اشرف هجرت فرمود تا از محضر پر فیض بزرگانی همچون مرحوم نایینی و آقا ضیاء عراقی و سید ابوالحسن اصفهانی (ره) بهره جوید.پس از گذشت دوران کودکی به تحصیل در مدارس دولتی تا کلاس ششم نظام قدیم پرداخته و پس از آن با تشویق جدی و پی گیر مرحوم والد تحصیلات علوم دینی خود را در حوزه علمیه نجف اشرف آغاز کردم چرا که مدتی از رحلت برادر بزرگم مرحوم شیخ محمد علی طبسی در تهران می گذشت و چون فرزند دیگری که جای او را پر کند نداشت، تلاش فراوان می کرد تا مرا به سلک روحانیت درآورد.بدین جهت از دوران کودکی ونوجوانی که همراه پدرم پیش از اذان صبح به حرم مولی امیرالمومنین می رفتم در بین راه او نمازهای مستحبی می خواند و من نیز احساس می کردم که این حالت معنوی و عرفانی که اوداشت در من در حال شکل گرفتن است زیرا من نیز به توصیه وی وادار می شدم به برخی اذکار و اوراد در بین راه بپردازم. یادم هست که گاهی بر اثر کم خوابی سجاده پدرم را که می بایست برای نماز جماعت ایشان در رواق مطهر علی بن ابی طالب(علیه السلام) پهن می کردم و برای ایشان تکبیر می گفتم، زیر سر گذاشته و در کنار قبر علامه حلی در راهرو به خواب می رفتم.پدرم به مناسبتهای گوناگون از محاسن ورود به حوزه علمیه و قرار گرفتن در ردیف علماء و اینکه ملائکه و فرشتگان زیر پای جوینده علم ودانش بالهای خود را می گسترانند بنده را بسیار تشویق می فرمود. تا اینکه در اول سال ۴۶ هجری شمسی بدست مبارکشان در روز اول فروردین معمم شدم. چند سالی که در حوزه علمیه نجف اشرف بودم از استادان محترم و عالیقدری بهره جسته از جمله اولین استاد ومربی خودم یعنی مرحوم پدرم بود که وی را به حق استادی بزرگ و مربی شایسته ودلسوز یافتم که در تمام مقاطع سنی یار و پدری مهربان برایم بود.او با اینکه اشتغالات علمی و تالیفی ودرسی وتدریسی ومراجعات مردم فراوان داشت اما هرگز فرصتها را از دست نداده و شبانه روز وقت خود را در اختیار من قرار داده بود. حتی آخرین لحظات عمر مبارکش زیر نظر او بوده و از خوان علم و معرفت و اخلاق و صفات حمیده اش پیوسته بهره می جستم.او بحق فقیهی بود بزرگوار و دائره المعارف بزرگی بود که نظیر و مانندش را در بین آیات عظام کم دیده بودم.چنانکه عرض کردم از دوران کودکی و نوجوانی تحت تربیت و مراقبت وی قرار گرفته وهر روز صبح پس از برگشتن از حرم مطهر امیرالمومنان از من می خواستند تا قرآن مجید رانزد او بخوانم و سپس به شرح و تفسیر برخی از آیات و کلمات آن که در خور فهم بود می پرداخت. ودر اولین گام پس از فراگرفتن قرآن کریم مرا به احکام و مسائل آشنا ساخته وآنها را از حاشیه بر طریق النجاه که در حقیقت رساله عملیه پدرم بود از او تلقی کردم وسپس برخی کتاب¬های جامع المقدمات از قبیل امثله و شرح امثله و عوامل جرجانی و شرایع الاسلام و شرح باب حادی عشر را نزد او خواندم.و پس از مدتی که بدنبال یک استاد خصوصی برایم بود سرانجام با استاد دیگری به نام حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسین کشمیری (ره) آشنا شده و بنا به توصیه و سفارش پدرم کتاب های دیگری از جامع المقدمات از قبیل کتاب المنطق و شرح النموذج و سپس مقداری از حاشیه ملا عبد الله را در نزد او خواندم.و استاد سوم و چهارم اینجانب در مقدمات و ادبیات عرب مرحوم حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای حجتی بروجردی بود که جلد اول شرح ابن عقیل را نزد او خوانده و همچنین مرحوم حجه الاسلام و المسلمین آقای شیخ محمد علی مدرس افغانی که بخشی از سیوطی را نزد او خواندم.پنجمین استادی که در نجف اشرف داشتم جناب حجه الاسلام و المسلمین آقای سید مرتضی قائنی (سلمه الله) بود که با عده ای از دوستان مقداری از شرح لمعه را در نزدش تلمذ نمودم.پس از مدتی که از تحصیلاتم گذشت ملاحظه کردم که منزل مرحوم پدرم بسیار پر رفت و آمد است.اینجا بود که برای اولین بار به محیط مدارس علمی رفته و در مدرسه خلیلی با یکی از دوستان به نام شیخ ابوالقاسم نظرپور هم حجره شدم.پس از مدتی به علت کوچک بودن حجره به توصیه پدرم و به سفارش مرحوم آیه الله زاده کفایی به مدرسه مرحوم آخوند بزرگ که در آن روز تازه تجدید بنا شده بود راه یافتم.اما دیری نگذشت که تصمیم جدی گرفته و با پدر ومادرم مسئله رفتن به حوزه علمیه قم را مطرح کردم تا با خیالی آسوده و دور از خویشان به تحصیل ادامه دهم. اما آنها صلاح دانستند که فعلا به تحصیلات ادامه داده و رفتن به قم را به سالهای بعد موکول کنم.اما دیری نگذشت که در اوایل ماه ذی القعده سال ۱۳۵۰ توسط

عوامل بعثی دستگیر شده و پیش از هجرت عمومی سال ۱۳۵۰ به همراه گروهی از علماء و روحانیون به ایران فرستاده شدیم.از سال ۱۳۵۰ هجری شمسی که وارد قم شدم به ادامه تحصیل پرداخته و از محضر اساتید بزرگواری در سطوح مختلف بهره برده که به شرح زیر می باشد:

۱. جناب آقای لطفی کاشانی در مقداری از حاشیه ملا عبد الله
۲. آقای شیخ عبد الله اصفهانی در مقداری ازکتاب سیوطی
۳. آقای شیخ مهدی مجیدی کتاب مغنی
۴. آقای سید نور الدین شریعتمدار جزائری ، مقداری از شرح لمعه و جواهر البلاغه
۵. مرحوم آقای فخر وجدانی مقداری از شرح لمعه
۶. سید محمد رضا طباطبائی یزدی در مقداری از شرح لمعه و مقداری از باب حادی عشر
۷. حضرت آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی در مقداری از شرح لمعه و شرح تجرید
۸. سید نور الدین حسینی اشکوری، المنطق مرحوم مظفر
۹. سید احمد حسینی اشکوری، جلد دوم شرح ابن عقیل
۱۰. شیخ حسین کورانی، بخشی از المنطق مرحوم مظفر
۱۱. آقای جلیلی در بخشی از شرح لمعه
۱۲. مرحوم عرفانی خراسانی در مقداری از معالم
۱۳. آقای شیخ احمد امین بخشی ازمعالم
۱۴. استاد شیخ مصطفی اعتمادی در رسائل شیخ انصاری
۱۵. استاد میرزا محسن دوزدوزانی در قوانین و مکاسب محرمه و جلد دوم کفایه و تفسیر برخی از سور قرآن کریم
۱۶. مرحوم آیه الله حقی در بخشی از شرح تجرید و درس تفسیر قرآن
۱۷. استاد حاج شیخ عباس نائینی در بخشی از شرح تجرید
۱۸. مرحوم آیه الله شیخ محمد تقی ستوده در بخشی از بیع و خیارات مکاسب شیخ انصاری
۱۹. مرحوم آیه الله شیخ احمد پایانی در بخشی از خیارات مکاسب شیخ و کفایه جلد اول.
۲۰. مرحوم شیخ عبدالرحمن حیدری ایلامی در بخشی از شرح لمعه
۲۱. مرحوم آیه الله شیخ ابوالقاسم محمودی اشتهاردی در باب مفاهیم کفایه الاصول
۲۲. حضرت آیت الله حاج سید کاظم حائری در بخشی از بیع مکاسب
۲۳. سید محسن موسوی تبریزی در قسمتی از بدایه الحکمه
۲۴. حضرت آیه الله العظمی شیخ جواد تبریزی
۲۵. حضرت آیه الله العظمی شیخ هاشم آملی
۲۶. حضرت آیه الله العظمی شیخ محمد فاضل لنکرانی
۲۷. حضرت آیه الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی
۲۸. حضرت آیه الله العظمی سید ابوالقاسم کوکبی
۲۹. حضرت آیه الله العظمی شیخ ناصر مکارم شیرازی
۳۰. حضرت آیه الله جعفر سبحانی یک دوره اصول
۳۱. حضرت آیه الله العظمی وحید خراسانی یک دوره اصول

مروجی طبسی، محمدمحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد محسن مروجی طبسی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۰/۱/۱

زندگینامه علمی

پدر اینجانب علاوه بر پدر بودن استاد اصلی من در پیشرفت های علمی این حقیر بوده است و نقش بسزایی در تربیت علمی من روا داشته اند و در دامان ایشان پرورش یافتم .

مدرسه علمیّه شهیدین و مدیریت محترم این مدرسه که زمینه رشد علمی طلاب را در این مدرسه شریف فراهم ساخته اند ، که در قالب واحد تحقیقات مدرسه و اساتید مبرز آن و کتابخانه غنی و متین، این زمینه فراهم شد .

قبل از ورود به حوزه در ایام ماه مبارک رمضان در محله ، مکانی به نام مدرسه قرآن و عترت وجود داشت که در لیالی ماه مبارک

رمضـان به آنجا رفته و دروس معارف و تفسیر را فرا می گرفتم و از آنجا نوشتن و تحقیق شروع شد که اولین کار خلاصه تفسیر سوره مدثر بر اساس تفسیر نمونه بود .

در سال ۱۳۷۶ اوائل دوران طلبگی با گروهی از دوستان طلبه قرار خلاصه برداری و مباحثه کتب شهید مطهری را شروع کردیم که در ادامه این مباحثات تبدیل به بررسی زندگی اهل بیت شد ولی به این صورت که ایام شهادت و ولادت اهل بیت (ع) را تحقیق می کردیم و به نوبت در ایام شهادت و ولادت هر معصوم بر اساس منتهی الآمال برای جمع کنفرانس می دادیم که محصول این جلسات نخستین مقاله این حقیر به نام" خدیجه مادر امت "شد که در مجله کوثر به چاپ رسید و کم کم به صورت فردی در مورد شخصیت های تاریخی قرآنی شروع به نگارش و قلم زدن کردم مانند" پیامبران ناشناخته "که در قرآن اسامی آنها آمده ولی اطلاعات دقیقی درباره آنان وجود ندارد (مانند حضرت ادریس ، الیاس ، الیسع و ذوالکفل علیهم السلام) که تمامی آنها در مجلات کوثر، سروش وحی و مبلغان و گلستان قرآن به چاپ رسیده است .

درسال ۱۳۸۱ ، مدرسه شهیدین به مناسبت سال امام علی علیه السلام همایشی تحت عنوان" علی امام قرنها "برگزار نمود که در آنجا مقاله ای به نام" علی نخستین مسلمان "ارائه شد و حائز رتبه ممتاز و اول شد .

در سال ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ نیز به مناسبت سال امام علی و امام حسین همایش هایی تحت عنوان" نهج البلاغه آشنای غریب "و "خورشید نیزه ها "برگزار شد که در آن مقاله ای به نام بازخوانی یک ریزش (سعد بن ابی وقاص) و عبدالله بن عباس و قیام حسینی ارائه شد که حائز رتبه ممتاز و اول شد که در مجله کوثر و تاریخ در آیینه پژوهش به چاپ رسید .

در حال حاضر نیز مشغول نگارش امامان شیعه از دیدگاه اهل سنت هستم که چهار امام آن نوشته شده و در مجله کوثر به چاپ رسیده است و امیدوارم خداوند متعال و اهل بیت عصمت بویژه امام زمان (عج) توفیقاتشان را بر ما بیفزایند و زیر سایه توجهات آنان قلم فرسایی کنیم و اهل عمل به این علوم باشیم .

مروجی، محمدکریم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدکریم مروجی

محل تولد : کوهدشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد کریم مروجی بروجردی در سال ۱۳۲۷ در یک خانواده کشاورز متولد و بعد از مکتب و دبستان در سال ۴۲ رسما وارد حوزه علمیه شدم و بعد از دو سال تحصیل در بروجرد و خرم آباد در سال ۴۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و در خدمت آقایان و آیات صلواتی و سید ابوالفضل موسوی تبریزی (ره) شرح لمعه و از آقای دوزدوزانی مختصر و آقای اعتمادی قوانین و آقایان اعتمادی و سبحانی رسائل و آقایان فاضل لنکرانی و مرحوم ستوده مکاسب و آقایان مرحوم سلطانی و ستوده کفایه را تلمذ کردم. و در سال ۴۷ وارد درس خارج شده و عمدتا در فقه و اصول مرحوم آقای آمیرزا هاشم آملی(ره)حدودا ۱۲ سال شرکت کردم و در این مدت از فقه و اصول مرحوم آقای آشیخ مرتضی حائری تا اندازه ای بهره بردم و تا حدودی از آقایان دیگر نیز استفاده کردم. در خلال درس خواندن مشغول تدریس هم بودم و تقریبا کتابهای سطح را چند بار یا لا اقل یک بار تدریس کردم و از سال ۱۳۷۱تا به حال یک بحث فقه دارم و چند سال قبل یک دور کلیات رجال را نیز تدریس کردم.

مرورودی، ابوالحارث سریج

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۳۵ ق)، حافظ، محدث، مفسر، فقیه و عابد. او ساکن بغداد بود. از سفیان بن عیینه و هشیم بن بشیر و عباد بن عباد مهلبی و عبداللّٰه بن ادریس و حمید بن عبدالرحمان رؤاسی و اسماعیل بن علیه و یوسف بن یعقوب ماجشون و اسماعیل بن مجالد و ابواسماعیل ابراهیم بن سلیمان مودب و یحیی بن زکریا بن ابی‌زائده و مروان بن شجاع و سلم بن سالم بلخی و خالد بن نافع اشعری و اسماعیل بن جعفر و ابراهیم بن خثیم بن عراک حدیث شنید. مسلم بن حجاج نیشابوری و بقی بن مخلد اندلسی و ابوزرعه‌ی رازی و موسی بن هارون و ابوالقاسم بغوی و احمد بن حسن صوفی و ابوحاتم محمد بن ادریس رازی و عبداللّٰه بن احمد بن حنبل و ابوبکر احمد بن علی مروزی و حامد بن محمد بن شعیب بلخی و محمد بن عبداللّٰه حضرمی و عبداللّٰه بن محمد بن ابی‌دنیا از وی روایت کرده‌اند. بخاری و نسایی نیز به واسطه‌ی ابویحیی محمد بن عبدالرحیم صاعقه از او روایت نموده‌اند. از آثارش: «التفسیر»؛ «التاریخ»؛ «الناسخ و المنسوخ»؛ «القراآت»؛ «السنن»، در فقه.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (۲۲۱ -۲۱۹/ ۹)، التاریخ الکبیر (۲۰۵/ ۴)، تهذیب التهذیب (۴۰۰ -۳۹۹/ ۳)، تهذیب الکمال (۶۲ -۵۹/ ۷)، الثقات (۳۰۷/ ۸)، الجرح و التعدیل (ج ۲، ق ۳۰۵/ ۱)، سیر النبلاء (۱۴۷ -۱۴۶/ ۱۱)، شذرات الذهب (۸۵ -۸۴/ ۲)، العبر (۳۳۱/ ۱)، الفهرست ابن‌الندیم، ترجمه (۴۲۰)، معجم المؤلفین (۲۰۹/ ۴)، النجوم الزاهرهٔ (۳۳۸/ ۲).

مروزی ابوالعباس، ابن جنود، ابن حنوذ

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۰۰ ق)، شاعر. به روایت سیوطی، مردی فقیه و محدث و شیخ تصوف روزگار خود بود به خطا وی را در شمار نخستین شاعران زبان پارسی نوشته‌اند و قصیده‌ی در مدح مأمون به او نسبت می‌دهند که هیچ اساس تاریخی ندارد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات درایران (۱۷۸ /۱)، ریحانه (۱۸۱ /۷)، فرهنگ سخنوران (۲۸)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالعباس)، مجمع الفصحا (۱۳۱ /۱).

مروزی، ابواسحاق ابراهیم

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۴۰ ق)، فقیه شافعی. نسبتش به مرو شاهجان می‌رسد. درب مروزی بغداد منسوب به اوست. وی شیخ شافعیان بغداد بود. فقه را از ابوالعباس بن سریج و ابوسعید حسن بن احمد اصطخری و عبدان مروزی فراگرفت و در این رشته متبحر شد. او پس از ابن‌سریج ریاست شافعیان بغداد را داشت و مدتها عهده‌دار تدریس و منصب افتا بود. ابن‌خلکان گفته که ابوبکر بن حداد، صاحب «الفروع» در فقه، شاگرد ابواسحاق مروزی است، در صورتی که ذهبی ازاین گفته تعجب می‌کند و می‌گوید شاید همنشین و هم‌صحبت با وی بوده و الا ابن حداد مسن‌تر از اوست. به هر حال ابواسحاق مروزی از بزرگانی است که پیشگامان حدیث به وی استناد کرده‌اند. در اواخر عمر به مصر رفت و در همان جا درگذشت و در قبه‌ی امام شافعی به خاک سپرده شد. از آثارش: شرح «مختصر المزنی»؛ «الفصول فی معرفهٔ الاصول»؛ «الشروط و الوثائق»؛ «الوصایا و حساب الدور»؛ «الخصوص و العموم».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۳ -۲۲/ ۱)، تاریخ بغداد (۱۱/ ۶)، سیر النبلاء (۴۳۰ -۴۲۹/ ۱۵)، شذرات الذهب (۳۵۶ -۳۵۵/ ۲)، طبقات الشافعیه‌ی ابن‌قاضی شهبه (۱۰۶ -۱۰۵/ ۱)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۱۹۸ -۱۹۷/ ۲)، العبر (۵۹/ ۲)، الفهرست ابن‌الندیم، ترجمه (۳۹۱)، کشف الظنون (۱۶۳۵)، معجم المؤلفین (۴ -۳ / ۱)، وفیات الاعیان (۱۹۷/ ۴، ۲۷ -۲۶/ ۱).

مروزی، ابوالخیر جعفر

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۴۷ ق)، فقیه شافعی. در ۴۱۸ ق وارد معرهٔ‌النعمان شد و در آنجا به تدریس پرداخت. از آثارش «الذخیرهٔ»، در فروع فقه شافعی است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۲۹۹/ ۴)، کشف الظنون (۸۲۵)، معجم المؤلفین (۱۴۸/ ۳)، هدیهٔ العارفین (۲۵۳/ ۱).

مروزی، ابوبکر ابراهیم

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۱۱/ ۲۱۰ ق)، فقیه حنفی و محدث. اهل کرمان و ساکن مرو بود. وی در حدیث ثقه بود. چندین بار به بغداد رفت و در آنجا حدیث روایت کرد. از محمد بن حسن شیبانی فقه آموخت. از منصور بن عبدالحمید و مالک بن انس و محمد بن عبدالرحمان بن ابی‌ذئب و سفیان ثوری و شعبهٔ بن حجاج و لیث بن سعد و قیس بن ربیع و یعقوب قمی و حماد بن سلمه و ابوحمزه سکری و اسماعیل بن عیاش و نوح بن ابی‌مریم و خارجهٔ بن مصعب و بقیهٔ بن ولید حدیث شنید. سعید بن سلیمان سعدویه و احمد بن حنبل و زهیر بن حرب و ایوب بن حسن و علی بن حسن هلالی و حسین بن حسن مروزی و محمد بن عبدالرحمان سعدی از او حدیث شنیدند. مأمون او را به خویش نزدیک و به وی پیشنهاد منصب قضا کرد اما وی نپذیرفت. در نیشابور درگذشت و در باب معمر دفن شد. از آثارش: «نوادر»، در فروع.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ الاسلام (حوادث ۴۰ -۳۹/ ۲۱۰ -۲۰۱)، تاریخ بغداد (۷۴ -۷۲/ ۶)، الثقات (۷۰/ ۸)، طبقات ابن سعد (۲۶۵/ ۷)، کشف الظنون (۱۹۸۱)، لسان المیزان (۸۴ -۸۲/ ۱)، معجم المؤلفین (۳۱/ ۱)، المنتظم (۲۱۸/ ۶)، میزان الاعتدال (۵۶ -۵۵/ ۱).

مروزی، ابوبکر احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۹۲ ق)، حافظ، محدث و قاضی. نسایی او را در حدیث ثقه می‌داند. اصلش از مرو و قاضی حمص و دمشق بود. از علی بن جعد و ابونصر تمار و کامل بن طلحه و ابراهیم بن حجاج سامی و یحیی بن معین و احمد بن حنبل و صالح بن مالک خوارزمی و زهیر بن حرب و ابوربیع زهرانی و حکم بن موسی و عبیداللّه قواریری و منصور بن ابی‌مزاحم و سوید بن سعید حدیث روایت کرد. ابوعبدالرحمان نسایی و ابوالقاسم طبرانی و ابوعبداللّه بن مروان و ابواحمد بن ناصح و ابوعلی ابن معروف و محمد بن احمد عسکری و احمد بن عبید حمصی و ابوعوانه و ابوجوصا از او روایت کردند. در دمشق درگذشت. از وی تصانیف سودمند و مسانید برجا ماند. از آثارش: کتاب «العلم»؛ کتاب «الجمعة»؛ «مسند عائشة»؛ «مسند ابی‌بکر الصدیق»؛ «مسند عثمان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۶۴/ ۱)، تاریخ بغداد (۳۰۵ -۳۰۴/ ۴)، تذکرة الحفاظ (۶۶۴ -۶۶۳/ ۲)، تهذیب التهذیب (۵۷ -۵۶/ ۱)، سیر النبلاء (۵۲۸ -۵۲۷/ ۱۳)، طبقات الحفاظ (۳۱۱)، معجم المؤلفین (۸/ ۲).

مروزی، ابوزید محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۷۱ -۳۰۱ ق)، فقیه شافعی و محدث. شیخ شافعیان بود. نسبت وی به فاشان، از قرای مرو می‌رسد. فقه را از ابواسحاق مروزی آموخت. از ابوبکر احمد بن محمد منکدری و ابوالعباس محمد بن عبدالرحمان دغولی و عمر بن علک و محمد بن عبداللّه سعدی و جماعتی حدیث شنید. وی به بغداد رفت و در آنجا حدیث گفت. سپس در مکه مجاور گردید و در آنجا «صحیح بخاری» را از محمد بن یوسف فربری روایت کرد. ابوزید مروزی موثق‌ترین کسی است که این کتاب را از فربری روایت کرده است. ابوبکر قفال مروزی و دیگر فقهای مرو از او فقه آموختند. ابوعبداللّه حاکم نیشابوری و ابوعبدالرحمان سلمی و ابوالحسن دارقطنی و عبدالوهاب میدانی و هیثم بن احمد دمشقی صباغ و ابوالحسن بن سمسار و ابوبکر برقانی و محمد بن احمد محاملی و ابومحمد عبداللّه بن ابراهیم اصیلی و دیگران از او حدیث شنیدند. در مرو درگذشت. در «هدیة العارفین» و به تبع آن در «معجم المؤلفین» کتابهای «الاقناع»، در حدیث و «تفسیر المسعودی» به وی نسبت داده شده است. اما در «کشف الظنون»، «الاقناع» از آن قاضی ابوالفضل محمد بن احمد بن لیث مروزی و «تفسیر المسعودی» از آن ابوعبداللّه محمد بن احمد مروزی (شاگرد قفال مروزی) دانسته شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۳۳۹ -۳۳۸/ ۴)، تاریخ بغداد (۳۱۴/ ۱)، تاریخ نیشابور (۱۷۴)، سیر النبلاء (۳۱۵ -۳۱۳/ ۱۶)، شذرات الذهب (۷۶/ ۳)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۲۰۱ -۲۰۰/ ۲)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۷۷ -۷۱/ ۳)، العبر (۱۳۸/ ۲)، کشف الظنون (۴۵۸، ۱۴۰)، معجم البلدان (۲۶۲/ ۴)، معجم المؤلفین (۲۸۳/ ۸)، المنتظم (۴۳۷/ ۸)، الوافی بالوفیات (۷۲ -۷۱/ ۲)، وفیات الاعیان (۲۰۹ -۲۰۸/ ۴)، هدیة العارفین (۵۰/ ۲).

مروزی، ابوسهل عبداللّه

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۱۵ -۱۶ ق)، حافظ، محدث و قاضی. شیخ و قاضی مرو بود. از پدرش و عمران بن حصین و عبداللّه بن مغفل مزنی و ابوموسی اشعری و عایشه و ام‌سلیمه و سمرة بن جندب و مغیرة بن شعبه و عبداللّه بن عباس و عبداللّه بن مسعود و بشیر بن کعب و حمید بن عبدالرحمان حمیری و ابوالاسود دؤلی و حنظلة بن علی اسلمی و انس بن مالک و سعید بن مسیب و عبداللّه بن عمر و ابوهریره روایت کرد. فرزندانش، سهل و صخر، و بشیر بن مهاجر و ثواب بن عتبه و حجیر بن عبداللّه و حسین بن ذکوان معلم و حسین بن واقد مروزی و داوود بن ابی‌فرات و سعید جریری و عبداللّه بن مسلم مروزی و عطاء خراسانی و عبیداللّه بن عبداللّه عتکی و عثمان بن غیاث و کهمس بن حسن و مطر وراق و ابوربیعه ایادی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. در جاورسه در سه فرسنگی مرو درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :التاریخ الکبیر (۵۱/ ۵)، تذکرة الحفاظ (۱۰۷ -۱۰۲/ ۱)، تهذیب التهذیب (۱۴۱ -۱۴۰/ ۵)، تهذیب الکمال (۳۸ -

۳۶/ ۱۰)، الجرح و التعدیل (ج ۲، ق ۱۳/ ۲)، سیر النبلاء (۵۲ -۵۰/ ۵)، شذرات الذهب (۱۵۱/ ۱)، طبقات الحفاظ (۹۱)، العبر (۱۱۰/ ۱)، معجم البلدان (۱۱۲/ ۲).

مروزی، ابوصمصام سید عماد الدین ذوالفقار

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۳۶ -۴۵۵ ق)، متکلم، محدث و فقیه امامی. ملقب به حمیدان. وی علاوه بر کنیه‌ی ابوصمصام به ابوالوضّاح هم مکنّی بود. او همان ابن معبد حسنی است. زادگاه او شهر مرو بود، و سفرهای متعددی به سرزمینهای مختلف اسلامی داشت؛ زمانی را در بغداد سپری کرد و مدتی نیز در اصفهان بود و در آن شهر از نظام الملک طوسی، وزیر آلب ارسلان و ملکشاه سلجوقی، حدیث شنید. او از شیخ طوسی، سید مرتضی، شیخ نجاشی، شیخ محمد حلوانی و سلّار بن عبدالعزیز دیلمی روایت می‌کرد. شاگردان و راویان ابوصمصام را شخصیتهایی سرشناس مانند قطب الدین راوندی، سید فضل الله راوندی، ابن شهر آشوب، ابوسعد سمعانی، ابوالقاسم ابن عساکر تشکیل می‌دهند. او ظاهری نیکو و بیانی شیرین داشت. ابوصمصام از حلقه‌های مهم در سلسله‌ی اسانید امامیه به شمار می‌رود و می‌توان وی را به عنوان یکی از ناقلان عمده‌ی مصنفات پیشینیان امامی به حساب آورد. سید عمادالدین همچنین، در انتقال مصنفات و روایات غیر شیعی نیز دست داشت، مثلا، او یکی از راویان اصلی «تفسیر ثعلبی» بود. روایات پراکنده‌ی او نیز در کتب محخدثان فراوان یافت می‌شود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۳۴ -۴۳۲ /۶)، ریاض العلماء (۲۸۰ -۲۷۷ /۲)، ریحانه (۱۶۳ /۷)، فوائد الرضویه (۱۷۸)، فهرست منتجب الدین (۷۴ -۷۳)، الکنی و الالقاب (۱۰۶ -۱۰۳ /۱)، لسان المیزان (۵۵ /۳)، هدیهٔ الاحباب (۲۴ -۲۳).

مروزی، ابوطالب عزیزالدین اسماعیل

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۷۲- وف بعد از ۶۱۴ ق)، محدث، فقیه، اصولی، نحوی، لغوی، شاعر، منجم و نسب شناس. نسب او به محمد دیباج، فرزند امام صادق (ع)، می‌رسد. جد سوم وی از قم به مرو سفر کرد و در آنجا سکنی گزید. در مرو متولد شد و تحصیلات خود را در زادگاه خود مرو آغاز کرد و نزد کسانی چون قاضی محمد بن سلیمان فقیهی دانش آموخت. در جوانی به قصد زیارت خانه خدا از مرو خارج شد. در ۵۹۲ ق به بغداد که رسید از ادامه سفر منصرف شد و مدتی همان جا ماند. ابوطالب از شهرهای خوارزم، هرات، نیشابور، گرگان، ری، یزد، شیراز، رامهرمز و همدان نیز دیدن کرد و از مشایخ و دانشمندان این شهرها بهره جست. در میان مشایخ او باید از فخر رازی، عبدالسید خوارزمی، بلغاری، محمد دیباجی، محمد ماهروی، اسماعیل کاشانی و ابن سمعانی نام برد. تاریخ بازگشت وی به مرو روشن نیست. زمانی که در مرو بود با فخر رازی دیدار کرد و در همان زمان بود که کتاب «الفخری» را برای وی تألیف کرد. در مرو در منزل خود مجالس درس برگزار می‌کرد و در آن طالبان علوم حضور می‌یافتند. یاقوت حموی که از شاگردان وی می‌باشد پس از توصیر صفات زیبای استادش در «معجم الادباء» چند بیت از اشعار او را آورده است. تنها اثر بازمانده از وی «الفخری فی انساب الطالبین» است که در قم به چاپ رسیده؛ اثر دیگر وی «حظیرهٔ القدس»، در حدود ۶۰ مجلد، در خصوص انساب طالبیان بود و تلخیص آن «بستان الشرف» در حدود ۲۰ مجلد؛ و کتابی نیز درباره‌ی نسب شافعی تألیف کرد.از آثار دیگر او: «زبدهٔ الطالبیه»؛ «غنیهٔ الطالب فی نسب آل ابی‌طالب»؛ «المثلث» و «الموجز» در نسب.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۸ /۱)، اعیان الشیعه (۳۲۰ -۳۱۹ /۳)، الذریعه (۲۵۲ /۲۳، ۷۹ /۱۹، ۶۷ /۱۶، ۲۹ /۱۲، ۲۶/۷، ۱۰۷ -۱۰۶ /۳)، ریحانه (۱۱۲ /۳)، لغت‌نامه (ذیل/ اسماعیل)، معجم الادباء (۱۵۰ -۱۴۲ /۶)، معجم المؤلفین (۲۶۶ /۲)، هدیهٔ العارفین (۲۱۱ /۱).

مروزی، ابوعبداللّه نعیم

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۲۹/ ۲۲۸ ق)، فقیه، حافظ و محدث. در مرو شاهجان به دنیا آمد. ساکن مصر بود. بعدها به بغداد و از آنجا به سامرا رفت. وی حسین بن واقد مروزی را ملاقات کرد. از ابوحمزه سکری و هشیم و ابوبکر بن عیاش و ابراهیم بن طهمان و فضل بن موسی سینانی و فضیل بن عیاض و عبداللّه بن مبارک و عیسی بن عبید و سفیان بن عیینه و حفص بن غیاث و عبدالعزیز دراوردی و معتمر بن سلیمان و ابوداوود طیالسی و جریر بن عبدالحمید و ابراهیم بن سعد حدیث شنید. بخاری و یحیی بن معین و ابوحاتم رازی و احمد بن منصور رمادی و عبید بن شریک بزاز و ابواسماعیل ترمذی و یعقوب فسوی و احمد بن یوسف سلمی و اسماعیل بن سمویه و بکر بن سهل دمیاطی و حمزهٔ بن محمد بن عیسی کاتب و جماعتی از وی روایت کردند. در سامرا در زندان معتصم درگذشت. او اول کسی است که «مسند» در حدیث را گردآوری کرده است. از آثارش «الفتن و الملاحم» است. در «هدیهٔ العارفین» به نقل از

صاحب «عیون التواریخ» از ابن حنبل آمده است که نعیم بن حماد سیزده کتاب در رد جهمیه و کتابی در رد ابوحنیفه و محمد بن حسن شیبانی داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۴/ ۹)، تاریخ بغداد (۳۱۴ -۳۰۶/ ۱۳)، التاریخ الکبیر (۱۰۰/ ۸)، تذکرة الحفاظ (۴۲۰ -۴۱۸/ ۲)، تهذیب التهذیب (۴۱۳ -۴۰۹/ ۱۰)، تهذیب الکمال (۱۳۸ -۱۲۹/ ۱۹)، الثقات (۲۱۹/ ۹)، الجرح و التعدیل (ج ۴، ق ۴۶۴ -۴۶۳/ ۱)، سیر النبلاء (۶۱۲ -۵۹۵/ ۱۰)، شذرات الذهب (۶۷/ ۲)، طبقات ابن سعد (۳۵۹/ ۷)، طبقات الحفاظ (۲۰۳)، العبر (۳۱۸/ ۱)، کشف الظنون (۱۴۴۵)، معجم المؤلفین (۱۱۳/ ۱۳)، میزان الاعتدال (۲۴۸ -۲۴۶/ ۴)، النجوم الزاهرة (۳۰۸/ ۲)، هدیة العارفین (۴۹۸ -۴۹۷/ ۲).

مروزی، ابوعلی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم و هفتم ق)، شاعر. از مداحان علاء الدین اسکندر ثانی، محمد بن علاء الدین تکش خوارزمشاه بود و عوفی او را در نیشابور ملاقات کرده و مدتی با وی مجالست داشته است. دو قصیده از او در «لباب الالباب» آمده که قدرت و را در ابداع معانی و ایراد الفاظ متین نشان می‌دهد و رباعیاتی هم که به نام وی ثبت شده منتخب و مطبوع است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :لباب الالباب (۳۴۵ -۳۳۹ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۴۵ -۸۴۴ /۲)، فرهنگ سخنوران (۳۰)، مجمع الفصحا (۱/ ۲۰۶).

مروزی، ابوعلی حسین

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۴۳۰ ق)، فقیه شافعی. شیخ شافعیان و فقیه مرو بود. نسبتش به سنج، از قرای مرو می‌رسد. فقه را در خراسان از ابوبکر قفال مروزی فراگرفت. او با شیخ ابومحمد جوینی، پدر امام الحرمین، و قاضی حسین مرورودی همدرس بود. ابوعلی همچنین در محضر شیخ‌العراقیین شیخ ابوحامد فقه آموخت. او اولین کسی است که بین دو طریقه خراسانی و عراقی تقریبی به وجود آورد. در کنار استادش قفال مروزی در مرو به خاک سپرده شد. در «سیر اعلام النبلاء» نام وی ابوعلی حسن بن محمد بن شعیب آمده گرچه نام ذکر شده در عنوان نیز محتمل دانسته شده است. در «معجم البلدان» نام وی حسن بن شعیب ذکر شده است. از آثارش: شرح «الفروع» ابن‌حداد، که به گفته‌ی ابن‌خلکان بی‌نظیر بوده است؛ کتاب «المجموع»، که غزالی در «الوسیط» خود از این کتاب نقل کرده؛ شرح «التلخیص» ابوالعباس ابن‌قاص، که شرحی بزرگ است؛ شرح «مختصر المزنی»، که امام الحرمین آن را «المذهب الکبیر» نامیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۵۲۷ -۵۲۶/ ۱۷)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۳۲۱ -۳۲۰/ ۱)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۳۴۸ -۳۴۴/ ۴)، کشف الظنون (۱۶۳۵، ۱۶۰۶، ۱۲۵۷، ۴۷۹)، معجم البلدان (۳۰۰/ ۳)، معجم المؤلفین (۲۸۳/ ۳)، الوافی بالوفیات (۳۷۸/ ۱۲)، وفیات الاعیان (۱۳۶ -۱۳۵/ ۲)، هدیة العارفین (۳۰۹/ ۱).

مروزی، شیخ‌الاسلام، ابوعبداللّه محمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۹۴ -۲۰۲ ق)، فقیه شافعی، حافظ، محدث و عابد. اصلش مروزی بود. وی در بغداد به دنیا آمد و در نیشابور نشو و نما یافت و در سمرقند ساکن گردید. در مصر نزد اصحاب شافعی از جمله محمد بن عبداللّه بن عبدالحکم مصری فقه آموخت. در طلب حدیث به نقاط مختلف سفر کرد و در خراسان، ری، بغداد، بصره، کوفه، مدینه و شام حدیث شنید. از عبدان بن عثمان مروزی و صدقة بن فضل مروزی و یحیی بن یحیی نیشابوری و اسحاق بن راهویه و هدبهٔ بن خالد و محمد بن عبدالملک بن ابی شوارب و ابوکامل جحدری و ابراهیم بن منذر حزامی روایت کرد. فرزندش، اسماعیل، و عبداللّه بن محمد بلخی و محمد بن اسحاق رشادی سمرقندی و عثمان بن جعفر لبان و محمد بن یعقوب بن اخرم نیشابوری و ابوالعباس سراج و جماعتی از وی روایت کردند. حاکم نیشابوری گوید که پیشوایی او در حدیث در عصر خود برای همگان مسلم بود. به گفته‌ی خطیب بغدادی و ذهبی او داناترین فرد به اختلاف آرای علمای دین اعم از صحابه و تابعین بود. وی در سمرقند درگذشت. از آثارش: «القسامة»؛ «الایمان»؛ «تعظیم قدر الصلاة»؛ «رفع الیدین»؛ «الورع»؛ «قیام اللیل»؛ «الوتر»؛ «الصیام».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۴۶/ ۷)، ایضاح المکنون (۳۲۲، ۳۱۰/ ۲)، تاریخ بغداد (۳۱۸ -۳۱۵/ ۳)، تاریخ نیشابور (۱۲۸)، تذکرهٔ

الحفاظ (۶۵۳ -۶۵۰/ ۲)، تهذیب التهذیب (۴۲۲ -۴۲۱/ ۹)، سیر النبلاء (۴۰ -۳۳/ ۱۴)، شذرات الذهب (۲۱۷ -۲۱۶/ ۲)، طبقات الحفاظ (۳۰۷ -۳۰۶)، طبقات الشافعیه ابن قاضی شهبه (۸۵ -۸۴/ ۱)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۱۹۶ -۱۹۵/ ۲)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۲۵۵ -۲۴۶/ ۲)، العبر (۴۲۷ -۴۲۶/ ۱)، الکامل (۱۱۷/ ۶)، کشف الظنون (۱۴۶۹ -۱۴۶۸، ۱۴۵۱، ۱۴۳۳، ۱۳۶۷)، معجم المؤلفین (۷۸/ ۱۲)، المنتظم (۳۷۸ -۳۷۶/ ۷)، النجوم الزاهرهٔ (۱۷۹/ ۳)، الوافی بالوفیات (۱۱۱/ ۵)، هدیهٔ العارفین (۲۱/ ۲).

مروی، حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از نوادگان رکن‌الدین علاءالدوله سمنانی بود. در مرو شاهجهان متولد شد. حسین در سخن‌پردازی و فنون معانی و بیان بدیع مهارت داشت و در همه علوم از دانشمندان زمان خود ممتاز بود. او علوم معقول را نزد ملاعصام فراگرفت و چون به مکه معظمه رسید تفسیر و حدیث را نزد مفتی الحرمین، شیخ ابن حجر مکی، آموخت. مروی به هند مسافرت کرد و در آنجا با ملافیضی فیاضی معاشرت داشت و قصیده‌ای با ماده تاریخ، در تاریخ جلوس جلال‌الدین محمد اکبر پادشاه سرود. پس از چندی اقامت در هندوستان عازم وطن شد که در میانه راه در کابل درگذشت. از آثار وی: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۱۰ -۲۰۹)، الذریعه (۱۰۳۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۶۶)، نتایج الافکار (۶۱۸)، هفت اقلیم (۲۱ - ۲۰/ ۲).

مروی، عبدالصاحب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالصاحب مروی بن العالم الفقیه آقا شیخ محمدتقی نیشابوری از دانشمندان متقی و مروجین عاملین معاصر نیشابور است.

وی در نیشابور متولد شده و در آنجا ادبیات و سطوح اولی را خوانده آنگاه مسافرت به قم نموده و چند سالی اقامت و متون فقه و اصول را از مدرسین حوزه چون آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی مدظله و دیگران فراگرفته و پس از آن به وطن مراجعت و تا حال حاضر به انجام وظائف دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مروی، محمدعلی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی مروی بن آیت‌اللّه آقا شیخ محمدتقی از محدثین و مروجین موثق نیشابور بوده و در شهر و حومه خدمات دینی بسیاری نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مرویان حسینی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمود مرویان حسینی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۸/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۴ در مشهد در خانواده مؤمن و متعهد و دلسوز خداوند به آن خانواده فرزندی به نام «محمود» اهداء نمود. پس از گذراندن تحصیلات دوران ابتدائی و راهنمایی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه مشهد گردید. تحصیلات مقدماتی و رتبه اول سطح را از محضر حجهٔ‌الاسلام رضوانی و ناطقی فیض برد، سپس مکاسب و کفایه را از نزد اساتیدی بزرگ چون استاد امیری و استاد

رضا زاده تلمذ کرد. ورود به درس خارج ایشان در سال ۱۳۷۳ بود که خارج فقه را نزد آیت الله فلسفی و خارج اصول را نزد آیت الله مرتضوی گذراند آغاز کار پژوهشی ایشان در سال ۱۳۷۶ بود که همکاری با مرکز پژوهش دانشگاه علوم اسلامی رضوی را شروع کرد. در کنار پژوهش به امر تدریس و تربیت در حوزه علمیه مشهد و دانشگاه های این شهر اشتغال دارد.

مریجی، شمس الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شمس الله مریجی

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر پس از اخذ دیپلم تجربی و اتمام نظام وظیفه سال ۱۳۶۶ در امتحانات ورودی حوزه علمیه قم پذیرفته شده و وارد مدرسه امام علی علیه السلام شدم مقدمات را نزد اساتید بزرگواری چون حجج اسلام مرتضی آقا تهرانی ، محسن غرویان ، حسینی ، متقی و طالقانی تلمذ نمودم و سال ۱۳۷۸ لمعه را نزد اساتید بزرگوار اشتهاردی ، طالقانی ، سعیدی ، و اصول فقه را نزد حجه الاسلام حسینی بوشهری خواندم و پس از سه سال سطح را در محضر اساتیدی چون حضرات آیات طاهری خرم آبادی ، نکونام ، بوشهری ، اعتمادی ، مرحوم پایانی و ستوده و ... به اتمام رسانده و از سال ۱۳۷۱ در درس خارج اصول به مدت ۷ سال (یک دوره کامل) از محضر آیت الله سبحانی کسب فیض نمودم و پنج سال در خارج فقه آیت الله فاضل لنکرانی (رحمه الله علیه) تلمذ نموده و پس از آن در حال حاضر بمدت هفت سال نیز از محضر آیت الله جوادی آملی بهره می گیرم .

همزمان با تحصیل در علوم حوزوی ، از سال ۱۳۷۰ وارد موسسه در راه حق شده و از علوم جدید نیز بهره گرفتم و تا سال ۱۳۸۰ دو دوره کارشناسی ارشد دردو رشته معارف و جامعه شناسی گذراندم و در حال حاضر نیز دوره دکتری یا سطح ۴ اندیشه معاصر مسلمین در موسسه باقر العلوم (ع) مشغول می باشم .

از سال ۱۳۷۶ وارد عرصه تدریس در دانشگاه های دولتی و آزاد در تهران و قم شدم . علاوه بر تدریس در دانشگاه ها ، در مراکز تخصصی حوزه نیز تدریس داشته و دارم که برخی از آنها عبارتند از موسسه امام خمینی(ره) که هم اکنون نیز مشغولم ، موسسه باقر العلوم علیه السلام ، تخصصی تبلیغ ، تاریخ و مرکز جهانی .

عناوینی که تدریس کرده و می کنم :

در رشته جامعه شناسی : مبانی جامعه شناسی ، تغییرات اجتماعی ، جامعه شناسی تبلیغ ، جامعه شناسی ارتباطات ، جامعه شناسی انقلاب ، جامعه شناسی تاریخی .

در رشته معارف : معارف اسلامی ۱ و ۲ ، کلام قدیم ، شبهات کلامی .

همچنین در دوره های طرح ولایت دانشجویی که در تابستان ها تشکیل می گردد تدریس می کنم .

مزارعی شیرازی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۶ ش)، قاضی و شاعر. در شیراز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان رسانید. سپس به تهران آمد و از دانشکده‌ی حقوق و ادبیات موفق به اخذ لیسانس گردید. در ۱۳۲۱ ش وارد خدمات دادگستری شد. از آثارش «دیوان» شعری است مشتمل بر پنج هزار بیت که در میان آنها اشعار اجتماعی و انتقادی نیز وجود دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۷۳ -۲۶۸/ ۱).

مزارعی، زهرا

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

زهرا مزارعی در نوزدهم آذر ۱۳۲۰ ه.ش در یکی از خانواده های فرهیخته ی شیراز چشم به جهان گشود . وی دیپلم خود را ازدبیرستان مهر آیین شیراز با رتبه ی ممتاز به پایان رسانید ،و بعد از ازدواج نیز به تحصیل زبان انگلیسی پرداخت و سرانجام از

دانشکده ی کمبریج انگلستان گواهی نامه گرفت . از آن پس آموختن زبان عربی و زبان آلمانی را پی گرفت. مزارعی در سالهای ۳۸ و ۳۹ در برنامه ی مشاعره ی رادیو ایران شرکت کرد و با رتبه اول برگزیده شد. همین امر باعث گردید با عنوان « خانم شعر ایران » در نشریات آن زمان به شهرت رسد .او که مدت ها در دانشگاه شیراز سرگرم کار بود اینک دوران بازنشستگی را به مطالعه و تحقیق می گذراند و همچنان به سرودن غزل ادامه می دهد و غزلیاتش را با تخلص (ذره)می سراید .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

تحصیلات رسمی و حرفه ای : زهرا مزارعی دیپلم خود را از دبیرستان مهر آیین شیراز با رتبه ی ممتاز و اخذ مدال درجه دو علمی به پایان رسانید ،او بعد از ازدواج به فراگیری زبان انگلیسی پرداخت و با اخذ گواهینامه از دانشکده ی کمبریج انگلستان این دوره را به پایان برد. از آن پس آموختن زبان عربی و زبان آلمانی را پی گرفت .

فعالیتهای ضمن تحصیل : زهرا مزارعی از کودکی با شعر انس یافت و با آغاز بلوغ، به سرودن شعر پرداخت.

وقایع میانسالی : زهرا مزارعی در سالهای ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ در برنامه ی مشاعره ی رادیو ایران شرکت کرد و با رتبه اول برگزیده شد. همین امر باعث گردید با عنوان « خانم شعر ایران » در نشریات آن زمان به شهرت رسد .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : زهرا مزارعی که سالها در دانشگاه شیراز اشتغال داشته است، اینک دوران بازنشستگی را سپری می کند. به مطالعه و تحقیق می گذراند و همچنان به سرودن غزل ادامه می دهد و غزلیاتش را با تخلص (ذره)می سراید .

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : زهرا مزارعی دوران بازنشستگی را به تحقیق و سرودن شعر مشغول است، او آثاری نیز دراین راستا به چاپ رسانده است.

جوائز و نشانها : زهرا مزارعی مقطع دیپلم را با رتبه ممتاز و کسب مدال درجه دو علمی به پایان رساند. او همچنین در سالها ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ در برنامهٔ مشاعره رادیو ایران ، با رتبه اول برگزیده شد. --

آثار :

۱ امثال سائره و پندهای موزون

ویژگی اثر : پس از ده سال سکوت این کتاب انتشار یافت .

۲ سخن عشق

ویژگی اثر : پس ازچها رده سال به همت انتشارات نوید شیراز به چاپ رسید .

۳ قفس طلایی

ویژگی اثر : نخستین دفتر شعر اودر سال ۱۳۵۰ به چاپ رسید.

۴ گلچین دعا

منابع زندگینامه :پوران فرخزاد، دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان ، ج ۲ ، ص ۱۴۲۴

مزارعی، فخرالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، مترجم.

تولد: ۱۳۰۹، شیراز.

درگذشت: بهمن ۱۳۶۵، آمریکا.

سید فخرالدین مزارعی متخلص به «آرزو»، فرزند سید محمد از علمای شیراز، بود. فخرالدین در کودکی پدر خود را از دست داد و تحت سرپرستی مادرش قرار گرفت. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان برد و برای ادامه‌ی تحصیل به تهران آمد و در دانشسرای عالی در رشته‌ی زبان و ادبیات انگلیسی به تحصیل پرداخت و به دریافت لیسانس توفیق یافت و در همین رشته از دانشگاه تهران فوق لیسانس گرفت. آنگاه به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در دبیرستان‌ها به تدریس پرداخت و چندی نیز به دانشگاه مکاتبه‌ای انتقال یافت و در بخش زبان و ادبیات انگلیسی به کار پرداخت. مدتی نیز با روزنامه‌ی «کیهان» و مجله‌ی «کیهان بچه‌ها» همکاری داشت و در زمینه‌ی ترجمه‌ی مقالات و داستان‌های کودکان آثاری از خود به یادگار گذاشت.

مزارعی در سال ۱۳۵۵ بـه قصد تکمیل تحصیلات بـه کشور آمریکا سفر کرد و نخست در دانشگاه اوکلاهما و پس از آن در دانشگاه سن‌دیه‌گو، به تحصیل دوره‌ی دکترای زبان و ادبیات انگلیسی پرداخت و فارغ‌التحصیل گردید و رساله‌ی خود را درباره‌ی «مفهوم رندی در شعر حافظ» به زبان انگلیسی نوشت.

دکتر مزارعی در آذر سال ۱۳۶۲ به ایران بازگشت و کار تدریس در دانشگاه تهران و دانشکده‌ی ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی را عهده‌دار شد و در تابستان ۱۳۶۴ به قصد معالجه و تکمیل مطالعات به آمریکا سفر کرد.

آخرین مجموعه شعر مزارعی به نام سرود آرزو با مقدمه و نظارت دکتر اصغر دادبه پس از مرگش در تابستان ۱۳۶۹ انتشار یافت. این کتاب مجموعه‌ای است از غزل‌ها، قطعه‌ها، قصیده‌های کوتاه، مثنوی‌ها، مکاتبه‌های شاعرانه، دو بیتی‌های پیوسته، تضمین‌ها و ترکیب‌ها و شعرهای آزادی وی است.

دکتر مزارعی سرانجام در بهمن ماه ۱۳۶۵ به علت سکته‌ی قلبی در آمریکا درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مزکی نیشابوری، ابوزکریا یحیی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۱۴ ق)، محدث و فقیه شافعی. مسند نیشابور بود و در فقه شافعی بصیرت داشت. او فقه را از ابوولید حسان بن محمد نیشابوری آموخت. از ابوالعباس اصم و ابوعبداللّٰه بن اخرم و حسن بن یعقوب بخاری و احمد ابن عبدوس و ابوسهل بن زیاد و عبداللّٰه بن اسحاق خراسانی و محمد بن علی بن دحیم و جماعتی از نیشابوریها حدیث شنید. فرزندش، ابوبکر محمد بن یحیی، و ابوبرک بیهقی و ابوصالح موذن و عثمان بن محمد محمی و هبهْاللّٰه بن ابی‌الصهباء و قاسم بن فضل ثقفی و علی بن احمد بن اخرم و دیگران از وی روایت کردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهْ الحفاظ (۱۰۵۸/ ۳)، سیر النبلاء (۲۹۶ -۲۹۵/ ۱۷)، شذرات الذهب (۲۰۲/ ۳)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۲۱۱/ ۲)، العبر (۲۲۸/ ۲)، معجم المؤلفین (۱۸۱/ ۱۳).

مزینانی، محمدصادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صادق مزینانی

محل تولد : مزینان سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی اینجانب محمد صادق مزینانی در سوم فروردین ۱۳۳۶ در مزینان بدنیا آمدم . پس از دوره ابتدایی بر اثر تشویق خانواده بویژه مرحوم پدرم به تحصیل علوم حوزوی روی آوردم . پس از چند ماه تحصیلی در حوزه علمیه مزینان در سال ۱۳۴۸ به حوزه علمیه مشهد مشرف شدم و در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی میلانی ثبت نام و از محضر اساتید بزرگواری چون : حجت هاشمی ، ناطقی ، اختری ، محقق و بنی هاشمی بهره گرفتم . برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۵۶ به قم مهاجرت کردم و از اساتید محترم همچون : اعتمادی ، فاضل هرندی ، ستوده ، صانعی و فاضل لنکرانی در درس های رسائل ، کفایه و مکاسب بهره بردم .درس خارج را از سال ۵۸ از محضر آیات عظام آیت الله فاضل لنکرانی ، نوری همدانی ، وحید خراسانی ، تبریزی ، هاشمی شاهرودی و ... بهره بردم .تفسیر ، فلسفه و رجال را نیز از محضر حضرات آیات : مشکینی ، جوادی آملی ، انصاری شیرازی و آقا موسی زنجانی و... استفاده کردم .پس از انقلاب اسلامی مسافرت های تبلیغی بسیاری به استان های کشور داشتم. با توجه به خلاء فرهنگی و نیاز منطقه سیستان و بلوچستان به آن منطقه رفتم و در نیروهای سپاه پاسداران ، جهاد سازندگی ، رادیو و تلویزیون و حوزه علمیه کارهای گوناگون فرهنگی و تدریس داشتم . در سال ۱۳۵۹ به عنوان نماینده ولی فقیه و حاکم شرع هیات واگذاری زمین در استان سیستان و بلوچستان منصوب شدم .از سال ۱۳۶۱ به بعد ضمن کارهای فرهنگی و تبلیغی در استان یاد شده در ایام تعطیل حوزه ، با عده ای از دوستان در مجله حوزه و سپس مجله فقه مشغول پژوهش و نگارش مقاله در زمینه های گوناگون به صورت جمعی و فردی شدم . محصول این همکاری حدود ۱۰۰ مقاله است . این همکاری به صورت عضویت در طرح و برنامه و هیات تحریریه و نگارش مقالات همچنان ادامه دارد .از سال ۱۳۷۰ به بعد ، ضمن شرکت در همایش ها و کنفرانس های علمی و ارائه مقاله در چند کنفرانس به عنوان مقاله برگزیده به ارائه مقاله خود پرداختم .چندین لوح یاد بود و تقدیر از سوی جشنواره مطبوعات ، جشنواره هنری ، فرهنگی اشراق ویژه صدمین سال امام خمینی (ره) دریافت داشته ام .در سال ۷۹ به درخواست دبیرخانه مرکز علمی خبرگان طرحی را درباره اندیشه های سیاسی ملا احمد نراقی ارائه دادم که مورد پذیرش قرار گرفت و کار نگارش آن در سال ۸۰ به پایان رسید و پس از چاپ به کنگره نراقیین ارائه شد . همین کتاب در پنجمین همایش کتاب سال حوزه به عنوان یکی از آثار برگزیده معرفی و جایزه ای نیز به آن تعلق گرفت و به همین مناسبت در کتابی که به منظور معرفی آثار برگزیده و پدید آورندگان از سوی دبیرخانه نگاشته شده در ص ۵۶ و ۵۷ معرفی اثر و شرح حال مختصری از مولف آمده است .

مژده شیرازی، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۲۹۹ ش)، شاعر، مترجم و نویسنده. در شیراز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را به همراه فراگیری کامل قرآن و بسیاری از متون فارسی سپری کرد و در دوره‌ی اول دبیرستان توانست عربی و قواعد صرف و نحو را بیاموزد. آنگاه به دانشسرای مقدماتی آباده رفت و دوره‌ی آموزگاری را گذراند و سپس به خدمت وزارت فرهنگ درآمد. پس از آن به تهران آمد و در ۱۳۲۸ ش موفق به اخذ لیسانس و در ۱۳۳۳ ش موفق به دریافت درجه‌ی دکترا در رشته‌ی ادبیات فارسی شد. او در تأسیس بخش زبان و ادبیات در شیراز سهمی به عهده داشت و از سال ۱۳۳۴ ش دانشیار دانشکده ادبیات شیراز بود و علاوه بر سمت استادی، ریاست بخش فارسی نیز به او واگذار گردید و در ضمن مسئولیت اداره انتشارات و روابط دانشگاهی را بر عهده داشت. مژده شیرازی در شکل دادن به تدریس دانشگاهی در شیراز نقش مهمی داشت و بسیاری از استادان فعلی دانشگاه‌ها از شاگردان وی می‌باشند. از آثارش: «تاریخ ایران بعد از اسلام»؛ «راز زندگی»؛ ترجمه‌های: «تاریخ علم و فلسفه در اسلام»، «تاریخ ملل اسلامی»، «نظرهایی بتاریخ جهان» نهرو، «صدو پنجاه سال جوان بمانید» و «منازل السائرین» خواجه عبداللّه انصاری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۳۳۵۶ -۳۲۵۳/ ۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۲۰ -۴۱۴/ ۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۲۱۵/ ۲)، کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۱۲، ص ۷ -۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۹ -۵۹۸/ ۴).

مژدهی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روانشناسی، دانشکده: علوم تربیتی، دانشگاه: شیراز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مست اصفهانی، مستعلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. شاگرد درویش هله لب اصفهانی بود. با اینکه سواد نداشت اما بر اثر تتبع اشعار دیگران و شعر بسیاری که به خاطر داشت همچون حکیم شفایی، (م ۱۰۳۷ ق) شاعر همعصرش، مطرح بود. در عهد شاه صفی (۱۰۵۲ -۱۰۳۸ ق) از قندهار به هند رفت. مدتی در آنجا ماند و بعد به اصفهان بازگشت. نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) او را بعد از مراجعت به ایران ملاقات کرده است. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

بهر آن بدخو نه تنها جان ما در آتش است

از پر پروانه تا بال هما در آتش است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۱۹ -۴۱۸)، الذریعه (۱۰۳۲/ ۹)، صبح گلشن (۴۰۲)، فرهنگ سخنوران (۸۳۶)، کاروان هند (۱۲۸۷/ ۲).

مستجاب الدعوه، محمد تقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمّد سعید بن محمّد صادق بن ابوالقاسم بن محمّد باقر بن میر محمّد صادق موسوی اصفهانی.

عالم فاضل زاهد. پدرانش گاهی در یزد و زمانی در اصفهان ساکن بوده، و برخی از بنی اعمام او در یزد متوطّن بوده، و هنوز هم در اعقابشان در آنجا ساکن هستند.

صاحب عنوان از علمای کاملین، و اهل زهد و تقوی و عزلت و انزوا بوده، و در نزد حاجی کلباسی و سیّد حجّهٔ الاسلام مقبول القول و محترم بوده، خدمت آقا محمّد بید آبادی و جمعی دیگر تحصیل نموده، و در محلّه خواجو سکونت داشته.

در سال ۱۲۳۶ به سنّ متجاوز از نود سال وفات یافته، در تخت فولاد جنب تکیه خاتون آبادی در تکیه‌ای مخصوص مدفون شده است.

اشعار زیر منسوب به اوست:

زارت بلا موعدٍ فی غیهب الغسق

کأنّها الکوکب الدّریّ فی الافق

فقلت أهلاً بک یا خیر زائرهٔ

أما خشیت من الحرّاس فی الطرق

فأنشأت بلسان الحال قائمهٔ

من یرکب البحر لا یخشی من الغرق

فقلت نمّا رأت عینی محاسنها

سبحان من خلق الانسان من علق

اعیذها من عیون الناس کلّهم

بقل اعوذ بربّ الناس و الفلق

جدّش: مرحوم میر محمّد باقر از فضلای اواخر صفویّه بوده، و در ۲۵ جمادی الثانیه ۱۱۱۱ وفات یافته، در تخت فولاد حوالی تکیه خاتون آبادی مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مسترحمی، هدایت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید هدایت‌اللّه مسترحمی از فضلاء معاصر تهرانست که در کتب عدیده‌ای تعلیقه و بسیاری از کتب را هم تصحیح نموده‌اند در کتاب: مرآةالدهور– در– وقایع ایام و شهور، که از تألیفات ایشان است ترجمه خود را مبسوطا نوشته‌اند که نگارنده تلخیص آن را می‌نگارم:

الحاج السید محمد المشهور والملقب بالحاج السید هدایهٔاللّه المسترحمی الحسینی بن العلم الاعلام الحاج السید محمد الرضا بن العلم الحجه الحاج السید الحسین المشهور بحاج آغا بزرگ بن السید محمد الشهیر بسید آقا جان بن السید ابی‌طالب بن السید سلیمان بن المیر ابوطالب بن المیر فتوح بن المیر فتاح (المدفونین بقریه بندر آباد یزد فی بقعه سلطان).

تولد خود را چنین مرقوم نموده بودند: تولد این بنده در شب شنبه سال ۱۳۵۱ قمری، در قریه حسن آباد جرقویه‌ی علیای اصفهان، و دروس ابتدائیه از همزه باء و قرآن و فارسی را در مسقط الرأس خوانده و در ده سالگی باصفهان آمدم برای تحصیل علوم دینیه و مدتی در مسجد نو و چندی در مدرسه صدر پا قلعه و چند سالی در مدرسه کاسه گران در خدمت عالم فاضل محقق آقای شیخ محمدعلی معلم حبیب‌آبادی صاحب تألیفات مطبوعه و غیر مطبوعه و حواشی بر کتب علمیه و رجالیه، اشتغال بکتب مقدماتی داشته و سپس در خدمت عالم لبیب حضرت آیت‌اللّه حاج شیخ عباسعلی ادیب حبیب‌آبادی و غیره اشتغال به سطح داشته، و در روز جمعه ۲۶ جمادی‌الثانیه سال ۱۳۷۰ پس از بازگشت از زیارت حضرت ثامن‌الحجج علیهم‌السلام در تهران اقامت گزیده و چندی در مدرسه حاج ابوالحسن معمارباشی و مدتی در مدرسه آقا محمود اشتغال به تحصیل و تدریس داشته.

و درباره‌ی خدمات خود چنین نوشته‌اند: تاکنون نتوانسته‌ام آنچنان که شاید و باید است خدمت به مسلمین و اسلام نمایم مگر چند مورد جزئی که از جمله تعمیر و توسعه مسجد جامع حسن‌آباد جرقویه و تعمیر و اضافات مسجد مرحوم ملا باقر و مسجد حمام یخچال در قریه مزبور، و تعمیر و توسعه مسجد جامع و تهیه برق رامشه جرقویه که آقای آسید مهدی حسینی در این باره اشعاری سروده‌اند، و تعمیر و سفید کاری مسجد حاج محمدعلی و حسینیه حسین‌آباد جرقویه در سال ۱۳۸۷ قمری که کربلائی رضاقلی داستانی در این موضوع اشعاری سروده‌اند و بثمر رسانیدن هیجده نفر از آقایان طلاب در حوزه علمیه قم و اصفهان و تهران و ساختن مسجد الزهراء علیهاالسلام در بی‌سیم نجف‌آباد تهران که فعلاً در همان مسجد اقامه جماعت و تبلیغ و تدریس می‌نمایند.

و تألیفات چاپ شده خود را چنین نوشته‌اند:

۱– ترجمه علل‌الشرایع جلد اول، ۲– ترجمه ارشادالقلوب دیلمی جلد اول، ۳– ترجمه ارشادالقلوب جلد دوم، ۴– راهنمای قرائت، ۵– اصول و فروع دین یا نماز فرمان خدا، ۶– احکام الحج با فتاوی مراجع، ۷– مناسک حج با فتاوی مراجع، ۸– عیش الاخره یا وصیت نامه، ۹– عیش الاخره یا وصیت نامه کامل، ۱۰– فهرست بحارالانوار جلد اول، ۱۱– فهرست بحارالانوار جلد دوم، ۱۲– فهرست بحارالانوار جلد سوم، ۱۳– کتابی جیبی حاوی ۵۵ حدیث با ترجمه، ۱۴– کتابی حاوی ۶۹ حدیث با ترجمه.

و تألیفات غیر مطبوعه خود را چنین نوشته‌اند، ۱– دروغ و مفاسد آن، ۲– ترجمه علل‌الشرایع جلد دوم، ۳– ترجمه علل‌الشرایع جلد سوم، ۴– ترجمه علل الشرایع جلد چهارم، ۵– ترجمه جامع الاخبار، ۶– مرآةالدهور در وقایع أیام و شهور، ۷– گفتاری از چهارده معصوم علیهم‌السلام.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مستشار اصفهانی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۰ –۱۳۲۳ ق)، شاعر. در اصفهان به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات در زادگاهش و تهران، در اداره‌ی ثبت اسناد اصفهان مشغول کار شد. وجه نظر او در شعر بیشتر پند و اندرز و مواعظ اخلاقی است. مدفن وی، جنب قبر پدرش، در تکیه‌ی ملک می‌باشد. از اوست:

در حرم دل به غیر دوست نگنجد

کعبه مقام بت و صنم نتوان کرد

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۴۳ -۴۴۲)، تذکرهٔ القبور (۴۲۸ -۴۲۷).

مستشار دفتر، عبدالوهاب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید هاشم، فاضل ادیب شاعر متخلص به «مرشد» از شعرای معروف، و فضلای مشهور اصفهان بوده، در ۱۷ صفر ۱۳۴۳ وفات یافته، در یکی از اطاق‌های تکیه‌ی ملک مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش این است:

سال تاریخ فوت پرسیدم

ز مقیمان روضه‌ی رضوان

باغبان سر برون نمود و بگفت

مستشار آمده مقیم جنان

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مستغفری نسفی، ابوالعباس جعفر

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(بعد از ۴۳۲ -۳۵۰ ق)، فقیه، حافظ، محدث، خطیب و مصنف. محدث ماوراءالنهر در زمان خود بود. عده‌ای او را حنفی و بعضی شافعی و برخی شیعی دانسته‌اند و هر کدام برای اثبات نظر خویش دلایلی ذکر کرده‌اند. او از زاهر بن احمد سرخسی و ابراهیم بن لقمان و ابوسعید عبداللّٰه بن محمد رازی و علی بن محمد سرخسی و جعفر بن محمد بخاری و ابوسهل هارون بن احمد استرآبادی و ابوعبداللّٰه محمد بن احمد غنجار و دیگران حدیث شنید. ابوعلی حسن بن عبدالملک نسفی قاضی و ابونصر احمد بن جعفر کاسنی و حسن بن احمد سمرقندی حافظ و اسماعیل بن محمد نوحی خطیب و ابومنصور سمعانی و جماعتی کثیر از وی حدیث شنیدند. در نسف درگذشت. از آثارش: «معرفهٔ الصحابهٔ»؛ «الدعوات»؛ «دلائل النبوهٔ»؛ «فضائل القرآن»؛ «الشمائل» یا «شمایل النبی»؛ «خطیب النبی (ص)» یا «خطب النبویهٔ»؛ «تاریخ نسف» و «تاریخ کش»؛ «الطب» یا «طب النبی» یا «طب النبوی»، که خواجه نصیر طوسی در «آداب المتعلمین» همگان را امر به آموختن این کتاب نموده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۸۳/ ۴)، انساب سمعانی (۲۸۶/ ۵)، بحارالانوار (۴۲/ ۱)، تذکرهٔ الحفاظ (۱۱۰۳ -۱۱۰۲/ ۳)، دمیهٔ القصر (۶۶۴/ ۱)، الذریعه (۱۴۴/ ۱۵ ،۲۵۳/ ۸ ،۲۹۱/ ۳)، ریاض العلماء (۴۷۳ -۴۷۲/ ۵)، سیر النبلاء (۵۶۵ -۵۶۴/ ۱۷)، شذرات الذهب (۲۵۰ -۲۴۹/ ۳)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۲۱۵/ ۲)، طبقات المفسرین داودی (۱۲۶ -۱۲۵/ ۱)، العبر (۲۶۶/ ۲)، کشف الظنون (۱۷۳۹، ۱۲۷۷، ۱۰۹۵، ۷۶۰، ۷۱۵، ۳۰۸)، النجوم الزاهرهٔ (۳۵/ ۵)، الوافی بالوفیات (۱۵۰ -۱۴۹/ ۱۱)، هدیهٔ العارفین (۲۵۳/ ۱).

مستغنی، خداداد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: داخلی دام بزرگ، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی در رشته Gastroenterology از دانشگاه لندن در سال ۱۳۵۲.

مرتبه علمی:

تدریس در دانشگاه شیراز به دانشجویان دوره دکترای حرفه‌ای و تخصصی در رشته بیماریهای داخلی از سال ۱۳۵۲، استاد دانشکده دامپزشکی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام ۴ طرح پژوهشی در زمینه‌های فیزیولوژی و بیماریهای داخلی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵۶ پایان‌نامه دوره دکترای حرفه‌ای و فیزیولوژی و بیماریهای داخلی.

تألیفات:

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

فیزیولوژی و پاتوفیزیولوژی دستگاه گوارش.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۶

زمینه علمی مقالات:

فیزیولوژی و پاتوفیزیولوژی.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مستقی رازی، محمد عوامل

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به متقی. از سادات ری بود و در اوایل عهد صفویان می‌زیست. وی از آن رو به عوامل معروف بوده که در ایام کهولت هر صبح «عوامل»، در نحو، را می‌خوانده است. از آثار وی: «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۶۵ -۶۴)، الذریعه (۹۵۷/ ۹)، ری باستان (۳۸۷/ ۲)، صبح گلشن (۳۶۱)، فرهنگ سخنوران (۷۹۷).

مستقیم، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عباس بن المرحوم حاج حبیب‌الله تاجر (داماد معظم مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمد فیض قمی) از علماء اعلام و حجج اسلام و ائمه جماعت مسجد امام علیه‌السلام قم می‌باشند.

در سال ۱۳۳۳ قمری تقریبا در قم متولد شده و دروس مقدمات و ادبیات فارسی و عربی را خوانده مرحوم والدش که از تجار قم بودند می‌خواستند معظم‌له در سلک بازرگانان و تجار و رشته خودش را تعقیب کند ولی ایشان با شوق فراوان و تشویق آیت‌الله العظمی مرعشی مدظله به تحصیل علوم دینی پرداخته و سطوح را نزد آنجناب و بعضی از مدرسین دیگر استفاده کرده و هم از محضر مرحوم آیت‌الله فیض و آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی حایری قمی و آیت‌الله العظمی حایری موسس حوزه و آیت‌الله حجت و بالغ بر ۱۸ سال از دروس فقه و اصول زعیم اعظم آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده تا به مدارج عالیه علم و فقاهت و نظر ارتقاء یافته و تدریس سطوح عالی را نموده و بعد از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی بیشتر روابط خود را با آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی قرار داده و از رفقای خالص و صمیمی معظم‌له می‌باشند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مستنبط تبریزی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۹ -۱۳۲۵ ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و مدرس. در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و سطوح و استفاده از محضر میرزا صادق تبریزی و دیگر علما در ۱۳۴۷ ق به نجف رفت و در محضر میرزا محمدحسین نایینی و شیخ ضیاءالدین عراقی و میرزا علی ایروانی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی تلمذ نمود و تقریرات اساتیدش را در فقه و اصول نگاشت و از آنها به دریافت اجازه نایل شد. وی همچنین در اخلاق از محضر آیت‌اللّه حاج سید علی قاضی و آیت‌اللّه سید عبدالغفار مازندرانی استفاده نمود. آنگاه به تألیف، تحقیق و اقامه‌ی جماعت در حرم امیرالمؤمنین (ع) پرداخت. او از حاج شیخ عباس قمی و شیخ آقا بزرگ تهرانی روایت نموده است. از آثارش: «القطرهٔ من بحار مناقب النبی و العترهٔ (ع)»، در دو مجلد؛ «دلائل الحق»، در اصول دین، در سه مجلد، «البشارهٔ و الزیارهٔ»؛ «الاسی و الحزن» یا «الاسی و الحسن»، در دو مجلد؛ «الرثاء و الاسی»؛ منتخب «خاتم الرسائل باحسن الوسائل»؛ «العقائد الحقهٔ»، در اصول پنج گانه؛ «المناسک و المدارک».[۱]

احمد بن العالم الجلیل السید رضی بن احمد بن نصراللّه بن حسین الموسوی ساوجی تبریزی متولد ۳۲۵ قمری از علماء ناسکین و مجتهدین عابدین و ائمه جماعت متقین معاصر نجف اشرف است.

وی پس از خواندن مقدمات و سطوح به نجف اشرف مهاجرت نموده و از محاضر اساتید نجف مانند آقا ضیاء و آیت‌اللّه اصفهانی و دیگران استفاده و در رشته‌های اخلاق از امثال مرحوم آیت‌اللّه حاج سیدعلی آقای قاضی و آیت‌اللّه حاج سید عبدالغفار مازندرانی بهره‌مند شده و در صبحها در حرم مطهر حضرت علی امیرالمومنین (ع)اقامه جماعت نموده و به تدریس و تألیف و غیره

پرداخته و آثاری که ذیلا می‌نگارم به یادگار گذاشته است.

۱- القطره دو جلد به طبع رسیده ۲- دلائل الحق ۳- البشاره و الزیاره مطبوع ۴- الاسی و الحزن دو جلد مطبوع ۵- منتخب خاتم الرسائل ۶- العقاید الحقه فی الاصول الخمسه مطبوع.

والدشان آیت‌اللَّه آقا سیدرضی از مجتهدین و مراجع تقلید آذربایجان بودند تولدشان در ۱۲۷۰ و وفاتشان در ۱۳۴۷ قمری واقع شد از آثار او حاشیه مکاسب و تقریرات بعضی از اساتید اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۱ -۱۰۰/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۸۸ -۲۸۷/ ۷)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۹۸/ ۳).

مستنبط تبریزی، نصراللَّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۰۶ -۱۳۲۷ ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و مدرس. در تبریز به دنیا آمد. سطوح و مقدمات فقه و اصول را در تبریز نزد پدرش فراگرفت. سپس به قم رفت و به تکمیل سطوح پرداخت و پس از آن در درس خارج آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه حایری شرکت و استفاده نمود. آنگاه به نجف رفت و از محضر آیت‌اللَّه غروی اصفهانی و آیت‌اللَّه شیخ آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللَّه میرزا محمدحسین نایینی استفاده نمود. وی همچنین در اخلاق از شاگردان آیت‌اللَّه سید علی قاضی طباطبایی تبریزی بود. وی پس از رسیدن به درجه‌ی اجتهاد خود به تدریس فقه و اصول پرداخت. او داماد و ملازم و مصاحب مجالس خاص و عام آیت‌اللَّه خویی بود. از آثارش: «الاجتهاد و التقلید»؛ «التقیهٔ»؛ «العدالهٔ»؛ «قاعدهٔ التجاوز و الفراغ»؛ «اللباس المشکوک»؛ «معارف الاسلام»، در اصول؛ مجموعه مقالات و بحثهای علمی منتشر شده در مجلات نجف.[۱]

عالم دینی.

تولد: ۱۳۲۷ ق.، تبریز.

درگذشت: اردیبهشت ۱۳۶۴.

آیت‌الله سید نصرالله مستنبط تا حدود بیست سالگی سطح را تماما و مقداری از خارج فقه را در تبریز خواند و در حدود ۱۳۴۷ ق. به قم رفت و مدت شش سال در آنجا دوره‌ی خارج صلوهٔ آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی و خارج مکاسب و خارج اصول آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای را پست سر گذاشت و با اجازه اجتهاد از قم مراجعت و در حدود سال ۱۳۵۳ ق. در نجف اشرف ساکن شد و در بحث اصول و فقه آیت‌الله ضیاءالدین عراقی شرکت کرد، در بحث حج و کتاب طهارهٔ نیز از درس آیت‌الله اصفهانی استفاده نمود و بعد از دو ماه از ورود به نجف از محضر آیات عظام آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی مفتخر با اخذ اجتهاد گردید و بعد از فوت این دو استاد تا سال ۱۳۴۷ ق. مشغول به تدریس خارج فقه و اصول و کلام بود. تألیفات و آثار وی به قرار ذیل است: معارف الاسلام در اصول عقاید؛ رساله در لباس مشکوک؛ رساله در تقیه؛ رساله در قاعده فراغ و تجاوز؛ رساله در فروع علم اجمالی؛ رساله لاضرر؛ رساله من ادرک؛ رساله در تعاقب ایدی بغیر.

سید نصراللَّه بن العلامه السید رضی موسوی از مدرسین بزرگ و علماء بنام معاصر نجف اشرف است.

معظم‌له در ۱۳۲۷ قمری متولد شده و پس از خواندن ادبیات و سطوح به قم آمده و از محضر اساتید بزرگ حوزه علمیه قم مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری و آیت‌اللَّه حجت استفاده نموده و در اواخر مرحوم آیت‌اللَّه حایری مهاجرت به نجف اشرف و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی و آیت‌اللَّه العظمی آقا سید ابوالحسین اصفهانی استفاده نموده و از آن مرحوم اجازه اجتهاد که در آن تعبیر به (صفوه المجتهدین) است دریافت نموده و از همان زمان به تدریس فقه و اصول پرداخته و خود این نگارنده در سال ۱۳۶۳ قمری خیارات مکاسب را خدمت ایشان تلمذ نموده‌ام. اجمالا ایشان که داماد بزرگ آیت‌اللَّه العظمی خوئی می‌باشند یکی از مفاخر و ثروتهای علمی و عملی معاصر حوزه نجف اشرفند دارای اخلاقی جمیل و بیانی ملیح و موصوف به فضل و کمال و از ائمه جماعت نجف می‌باشند.

از آثار ایشانست ۱- اجتهاد و تقلید ۲- قاعده تجاوز و فراغ ۳- لباس مشکوک ۴- التقیه ۵- العداله ۶- معارف الاسلام در اصول ۷- رساله در من ادرک.

داماد گرامی ایشانست. حجهٔالاسلام حاج آقا جواد گلپایگانی فرزند آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی مدظله.

سید نصراللَّه فرزند مستنبط تبریزی از علماء برجسته و فقهاء و مدرسین بحق و شایسته معاصر نجف اشرف بودند. معظم‌له در سال ۱۳۲۷ قمری در تبریز متولد شده و در بیت سیادت و سعادت پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح به قم آمده و تتمه سطوح را از مدرسین حوزه تکمیل و به درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه العظمی حایری شرکت و استفاده نموده سپس مهاجرت به نجف اشرف کرده و به درس مرحوم آیت‌اللَّه غروی اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی و بالاخص آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی شرکت و استفاده کامل نموده تا به مدارج عالیه اجتهاد و استادی رسیده و خود تشکیل درس خارج فقه و اصول داده و جمع کثیری از افاضل محصلین به درسش شرکت و استفاده نموده و پس از فوت برادرش مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید احمد مستنبط در اول صبحها در قسمت بالا سر امیرالمؤمنین علی علیه‌الصلوه والسلام اقامه جماعت نموده تا ساعت ده روز یکشنبه هجدهم ربیع‌الاول ۱۴۰۶ قمری که در سن حدود هشتاد سالگی به مرگ مرموزی از دنیا رفته و به اجداد گرامش پیوسته است.

دارای تألیفات علمی می‌باشند که ذیلا می‌نگارم:

۱- اجتهاد و تقلید

۲- قاعده تجاوز و فراغ

۳- لباس مشکوک

۴- التقیه

۵- العداله

۶- معارف الاسلام در اصول

۷- رساله در من ادرک

نگارنده گوید: مرحوم مستنبط گذشته از مقام علمی دارای مقامات معنوی بودند، زیرا در رشته معنویت از شاگردان برجسته مرحوم جمال‌السالکین و قدوه العارفین عالم ربانی مرحوم حاج سید علی‌آقا قاضی طباطبائی تبریزی استاد اخلاق و مربی نفوس مستعده حوزه علمیه نجف بودند. و در این رشته مرحوم مستنبط گذشته از جنبه‌های علمی کار کرده و ریاضت کشیده بودند. و حقیر دو قصه از ایشان که معرف و گویا معنویت و معرفت ایشانست را می‌نگارم:

۱- در سال ۱۳۶۱ قمری مشرف به نجف اشرف شدم از اول ورودم به قدری مورد عنایت و ضیافت مخصوص مولایم حضرت علی علیه‌السلام قرار گرفتم که اگر تمام ذرات وجودم زبان شود نمی‌تواند شکر و سپاس آن مراحم را بگذارد. زیرا در اولین روز تشرفم خدمتشان عرضه داشتم:

وفدت علیک بغیر زاد

پس وسائل ماندن و مخارج یک سال اقامتم را یک جا عنایت فرمود و چون این لطف و مرحمت را دیدم دیگر هرچه می‌خواستم و نیاز داشتم عرض می‌کردم و محبت می‌فرمودند. یک شب از حضرتش استاد علمی و اخلاقی تقاضا کردم. پس به حجره مدرسه آمدم و حجره من در سر راه نبود بلکه در گوشه و زاویه طبقه فوقانی قرار داشت و کسی از جلوی آن عبور نمی‌کرد مگر آنکه مرا می‌خواست.

پس در حجره خویش مشغول مطالعه مکاسب بودم، ناگاه دیدم سید بزرگواری در حجره پائین پای من نشسته است فورا از جا برخاسته و با خودم گفتم بی‌ادب فقه اهل‌بیت علیهم‌السلام را مطالعه می‌کنی و در برابرشان پای خود را دراز می‌کنی پس خواستم از آقا عذرخواهی کنم دیدم نیستند بسیار وحشت زده شده و از حجره بیرون دویدم که این آقا چه شده است؟

من نه آمدن او را دیدم و نه رفتن او را ملتفت شدم چطور از نظرم ناپدید شد پس در حالیکه سراپا غرق عرق شده بودم و موی بدنم برخاسته بود به بام مدرسه که اشراف به حرم مولایم امیر مومنان علیه الصلوه والسلام داشت رفتم و به او متوسل شدم تا حالم عادی شد و به حجره آمدم و خوابیدم و فردای آن شب که به درس مرحوم آیت‌اللّٰه اصفهانی حاضر می‌شدم رفتم و پس از پایان درس به یکی از افاضل گفتم من استادی می‌خواهم که از او استفاده علمی و عملی و اخلاقی کنم فورا فرمود آن سیدی که می‌رود مناسب با خواسته تو است و به سیدی که به سوی صحن مطهر می‌رفت اشاره کرد. من به سوی او به سرعت رفتم و در مقابل مقبره شیخنا الانصاری قدس اللّٰه سره که ایستاده و فاتحه می‌خواند به او رسیدم و وقتی جلو رفتم دیدم آن سیدی است که دیشب در حجره من آمده بود می‌باشد سلام کردم و خواسته خود را به او گفتم فرمود ساعت هشت صبح فردا بیا مسجد هندی دو نفر دیگر هستند اگر بیان مرا پسندیدی ادامه بده پس ساعت موعود رفتم و آمدند و شروع به بحث و تحریر و تقریر درس مرحوم سید اصفهانی را کردند مسرور شدم و ادامه دادم و ایشان همین بزرگوار آقای مستنبط مترجم عزیزم بودند و اما آن دو نفر از فضلاء و اوتاد حوزه نجف بودند.

۱- مرحوم حاج سید محمدرضا قاضی طباطبائی تبریزی از شاگردان اخلاق مرحوم آقا سید علی قاضی.

۲- حاج شیخ محمدجواد قدس بروجردی داماد مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی.

۳- مرحوم آقای مستنبط که داماد بزرگ آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله و از مشاورین معظم‌له در اغلب کارها بودند.

روزی طرف صبح (بین الطلوعین) در سمت بالا سر محل نماز صبحشان که مشغول خواندن زیارت جامعه کبیره بودند می‌بینند آقای عربی در جلوی ایشان محاذی بالا سر مشغول نمازند و قرائتی می‌خوانند که تاکنون از هیچ‌کس چنین قرائتی نشنیده بوده مجذوب حال و قرائت و تجوید او می‌شود تا به قنوت می‌رسد می‌شنود که در قنوتش می‌خواند...

اللهم ان معویه بن ابی‌سفیان آذی علیا فالعن معویه لعنا وبیلا و عذبه عذابا الیما (یا قریب به این مضمون) فرمود پس خواستم از او سوال کنم که این دعا و قنوت در جائی آمده یا از خود اوست و او انشاء فرموده پس با اینکه در دسترس من بود، بلند شدم که بعد از نماز او بپرسم دیدم نیست هر چند به این طرف و آن طرف نگریستم او را ندیدم. دانستم مولایم عجل‌اللّٰه فرجه الشریف بوده است.

آری از چنین سید بزرگوار و فقیه جامع و عالم عاملی بعید نیست که بارعه به فیض لقاء و زیارت مولایمان رسیده باشد منتهی مکتوم داشته. زیرا به گفته معروف:

هر که را اسرار حق آموختند

مهر کردند و دهانش دوختند

مگر مرحوم شیخ ما حاج شیخ محمدتقی شهید بافقی نبود که به کرات و مرات برایش تشرف حاصل شده بود ولی ابراز نمی‌کرد تا بعد از فوتش افراد مختلف داستانهائی از او نقل کردند. مانند این داستان که عالم جلیل آقای علوی فریدونی داماد بزرگ آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی برایم حکایت کرد که یکی از اصناف بازار قم به نام آقای پاینده که ورشکسته شده بود چهل شب جمعه به مسجد جمکران قم می‌رود برای اصلاح کارش شب چهلم سیدی را در مسجد زیارت می‌کند که به او می‌فرماید در راه که به قم برمی‌گردی حاج شیخ محمدتقی بافقی را می‌بینی که مشغول جمع کردن سنگهای میان راه است به او سلام می‌رسانی و می گوئی

آقا گفت: قدری از آن پولها که پیش تو است به تو بدهد. آقای پاینده گوید آمدم، دیدم حاج شیخ مشغول جمع کردن سنگها از میان راه است سلام کردم و پیام را دادم فورا گفت: آقا سلام به من فرستاد و شروع کرد به گریستن و زار زدن و اشک ریختن و آن وقت متوجه شدم که آن آقا که بود آقای عالم بود و من به فیض زیارتش رسیدم ولی غافل بودم و او را نشناختم پس دیدم آقای بافقی از گریه خلاص نمی‌شود گفتم پیامی هم به شما دادند فورا توجه کرده فرمود چه فرمودند گفتم فرمودند از آن پولها که نزد تو است قدری به من بدهید، دیدم فورا از جیب خود کیسه‌ای درآورد که در آن حدود سی یا چهل تومان پول نقره آن روز بود و از آن چند تومانی به من داد پس خداحافظی کرده آمدم و به برکت آن پول خسارت و ضرر و قروضی که به واسطه خشک شدن زراعتم به من رسیده بود جبران و ادا گردید و از ورشکستگی بیرون آمده و کارهایم اصلاح شد. آری ایمان نگارنده چنین است که شاعر گوید:

بذره گر نظر لطف آنجناب کند

به آسمان رود و کار آفتاب کند

سلام من الرحمن نحو جنابه

فان سلامی لا یلیق ببابه

آیت‌اللَّه مستنبط رحمه‌اللَّه فقط دارای یک دختر بودند که او را به آیت‌اللَّه زاده گلپایگانی حاج سید جواد فرزند بزرگ آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی تزویج کردند و فرزند ذکور و پسر نداشتند و نسل و عقب آن مرحوم از این دختر می‌باشد.

حاج سید جواد از آقازادگان محترم و فضلاء مکرم حوزه علمیه قم می‌باشند که در بیت علم و مرجعیت به دنیا آمده و پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید به فراگرفتن علوم دینی و خواندن ادبیات پرداخته و بعد از تکمیل صرف و نحو و منطق به خواندن سطوح فقه و اصول نزد اساتید و مدرسین حوزه علمیه مشغول شده و بعدا مهاجرت به نجف اشرف نموده و بقیه سطوح مکاسب و کفایه را در آنجا از مدرسین بزرگ فراگرفته سپس به درس خارج فقه و اصول آیت‌اللَّه العظمی خوئی و پدر همسرش آیت‌اللَّه مستنبط حاضر و استفاده نموده و بعد از رحلت ناگهانی برادرش مرحوم حاج سیدمهدی متوفی شوال ۱۳۵۷ شمسی برای رسیدگی به کارها و مسئولیتهای آن مرحوم در قم مستقر و تا حال به خدمات روحی و اجتماعی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۳۱۸ -۳۱۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۸۴/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۳۲ -۳۲۶/ ۹، ۲۸۹ -۲۸۸/ ۷)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۹۹ -۱۱۹۸/ ۳).

مستوره زند

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی از زنان شاعر و همسر فتحعلی‌شاه قاجار (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) و از بزرگ زادگان زندیه بود. گاهی از سر تفنن شعر می‌سرود. از اوست:

حور از روضه‌ی فردوس اگر بگریزد

بجز از کوی تو جای دگرش مأمن نیست[۱]

قرن سیزدهم هجری، از زنان شاعر وی همسر فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) و از بزرگ زادگان زندیه و زنی پرهیزگار بود. گهگاه به مقتضای طبع شعر می‌سرود. دو بیت زیر از اوست:

حور از روضه‌ی فردوس اگر بگریزد

بجز از کوی تو جای دگرش مأمن نیست

خاک پایت سبب روشنی من گردید

چشم از خاک کف پای تو روشن گردید[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از رابعه تا پروین (۲۱۱)، خیرات حسان (۸۷ -۸۶/ ۳)، ریاحین الشریعه (۷۴/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۸۳۷)، مشاهیر زنان (۲۱۶).

[۲] منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره پنجم، ۲۶؛ از رابعه تا پروین، ۲۱۱؛ خیرات حسان، ۸۷ -۸۶ / ۳؛ نقل مجلس، گ ۳۰.

مستوره‌ی کردستانی، ماه شرف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۴/ ۱۲۶۳ -۱۲۲۰/ ۱۲۱۹ ق)، خطاط، عارف و شاعر، متخلص به مستوره. در کردستان به دنیا آمد. وی که برادرزاده‌ی میرزا عبداللَّه رونق سنندجی، صاحب «حدیقه‌ی امان اللهی»، و همسر خسروخان، والی کردستان بود، در فراگیری علم به مقدمات اکتفا نکرد و در زمینه‌ی علوم ادبی و دینی بر حسب سعی و پشتکار خود، توفیق حاصل نمود. وی خطوط را استادانه می‌نوشت. اشعارش

نیز لطیف و دلنشین بود و بیشتر به فارسی شعر می‌گفت. «دیوان» مستوره در حدود بیت هزار بیت بوده که بسیاری از آن نابود شده و فقط قسمتی از اشعار وی، در حدود هزار بیت، در ۱۳۰۴ ش، به چاپ رسیده است. او با یغمای جندقی و ملا خضر نالی معاصر و معاشر بود. وی اشعاری نیز در مدح اهل‌بیت (ع) دارد که دارای مضامین عرفانی و اجتماعی است. مستوره در ۱۲۶۳ ق از وطن خود همراه عمو و سایر خویشاوندان خود به سلیمانیه‌ی عراق رفت و در آنجا درگذشت. از آثار وی: «تاریخ کردستان» یا «تاریخ اردلان»، به فارسی، در شرح حال و حکمرانی والیان اردلان کردستانی، از بدو تأسیس این سلسله تا قرن هشتم قمری؛ «معجم الادباء» یا «مجمع الادباء»؛ «رساله» در عقاید و شرعیات؛ «دیوان» شعر، حدود دو هزار بیت.[۱]

۱۲۶۴ / ۱۲۶۳ –۱۲۲۰ / ۱۲۱۹ ق، ماه شرف خانم از زنان خوشنویس، عارف و شاعر. وی دختر ابوالحسن بیگ، فرزند محمد آقا کردستانی، ناظر صندوقخانه والیان کردستان و برادرزاده میرزا عبداللّه رونق، مولف تذکره حدیقه امان‌اللهی و همسرش خسرو خان، والی کردستان بود. خانواده‌اش معروف به قادری و پدرش از مقربین آن خاندان و از محترمین مردم کردستان بود. به نوشته تاریخ کرد و کردستان خسروخان پدر مستوره را که دایی او نیز بود به زندان انداخت و مبلغ زیادی از وی به عنوان جریمه گرفت و بعد به عنوان دلجویی و مصالحه دخترش مستوره را به زنی گرفت. او چهار سال پیش از آن، حسن جهان خانم متخلص به والیه، دختر فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ –۱۲۱۲ ق) را به همسری خود درآورده بود. خسروخان مردی عیاش بود از همین رو والیه و مستوره در اشعارشان از بی‌مهری و بی‌وفایی او شکوه کرده‌اند. وی در سال ۱۲۵۰ ق درگذشت و مستوره نیز تا سال ۱۲۶۳ در کردستان ماند تا اینکه در آن سال همراه عمو و سایر خویشاوندان خود به میان ایل بابان در شهر سلیمانیه عثمانی رفت و مدتی بعد در همانجا به سن ۴۴ سالگی درگذشت.

به نوشته مجمع‌الفصحا، مستوره زنی نجیب، عفیف، زیبا و دارای خصایل مردانه بود. میرزا علی‌اکبر صادق‌الملک، از عموزادگانش، در کتاب حدیقه ناصریه می‌نویسد: «مستوره صاحب فضل و کمال و خط و ربط و شعر و انشاء بوده و دیوان شعری مشتمل بر بیست هزار بیت غزل، قصیده و... دارد، اما اکثر آنها از بین رفته و مجموع اشعار دیوانش که در سال ۱۳۰۴ ش به چاپ رسیده از دو هزار بیت تجاوز نمی‌کند.»

از آثار دیگر مستوره کتاب تاریخ کردستان، به زبان فارسی در شرح حال و حکمرانی والیان اردلان کردستان از بدو تاسیس این سلسله در قرن هشتم هجری تا زمان حیات اوست. رساله‌ای در عقاید و شرعیات و کتابی نیز به نام معجم‌الادباء داشته است (سنندج، ۱۳۲۸ ش). مستوره با برخی از شعرای نامدار زمان خود مانند یغمای جندقی و ملاخضر نالی (شاعر کرد) در ارتباط شعری بوده است.

اشعار او در مدح اهل‌بیت (ع) بوده و دارای مضامین عرفانی و اجتماعی است و بیشتر بصورت غزل، قصیده، قطعه و رباعی است. از اشعار اوست:

رفتیم و پس از خود عمل خیر نهشتیم
با آب گنه توشه عقبی بسرشتیم
امروز بدین عالم خاکی به چه نازیم
فرداست که بینی همه خاک و همه خشتیم
بس کار مناهی که در این مرحله کردیم
بس خار معاصی که در این مزرعه کشتیم
از مسجد و محراب بدوریم و تو گویی
ما بنده‌ی پیران کلیسا و کنشتیم
در حشر ز نیک و بد ما دوست چه پرسد
نیکیم از اوییم و از اوییم چو زشتیم
المنهٔ لله که «مستوره» من و دل
جز یار بساط از همه دیار نوشتیم
من آن زنم که به ملک عفاف صدر گزینم
ز خیل پردگیان نیست در زمانه قرینم
به زیر مقنعه ما را سری است لایق افسر
ولی چه سود که دوران نموده خوار چنینم
مرا ز ملک سلیمان بسی است ننگ همیدون
که هست کشور عفت همه به زیر نگینم
به معشر نسوان مر سپاس و حمد خدا را
همی سزد که بگویم منم که فخر زمینم
ز تاج و تخت جم و کی مراست عار ولیکن
به آستان ولایت کمینه خاک نشینم
علی عالی اعلی امیر صفدر حیدر
که هست راهنمای یقین و رهبر دینم
کمینه‌وار چو «مستوره» دل بدو بسپردم
هزار بنده به درگه ستاده همچو نگینم
مقیم کعبه گر بیند بت ترسایی ما را

کند روشن به قندیل حرم شمع کلیسا را

ز رخ چون پرده بگذارد ز سوزش شعله اندازد

عیان از آستین سازد ید بیضای موسی را

کشد گر خیمه حسنش بر این اقلیم «مستوره»

برد از خاطر مجنون خیال روی لیلی را

آن پری چهره که دوشینه به بزم ما بود

وصف او را نتوان گفت چسان زیبا بود

وه چه بزمی گل و شمع ونی و بربط همه جمع

خنده‌ی جام می و قهقهه مینا بود

سرخوش از باده من و ساقی و آن طرفه صنم

تا سحر قصه ز نقل و می و از صهبا بود

از وفاداری و از صبر و شکیبایی و عشق

هر چه زان جمله سخن رفت از این شیدا بود

زاهدالاف مزن نقد مسلمانی تو

خود بدیدم به کف مغبچه‌ی ترسا بود

هر که در مسجد و میخانه به چشم آوردم

همه را دامی از آن زلف سیه برپا بود

دی به غمزه صنمی سلسله مویی بگذشت

دل «مستوره» و جمعی به برش یغما بود

خسروان جای به مشکوی گزیدند و لیک

فقرا را به جهان سایه دیواری نیست

دعوی فضل تو «مستوره» مکن زانکه به دهر

فاضلان را به خدا پایه و مقداری نیست

در فرقت تو صبر و تحمل تا چند

نالان و غزلسرا چو بلبل تا چند

خون شد دلم از محنت ایام فراق

این جور و جفا با منت ای گل تا چند[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ارمغان (س ۶، ش ۳ و ۴، ص ۲۵۵ -۲۵۳)، از رابعه تا پروین (۲۴۱ -۲۱۲)، تاریخ مشاهیر کرد (۳۷۲ -۳۶۷/ ۱)، حدیقه‌ی امان اللهی (۴۵۷ -۴۳۵)، حدیقهٔ الشعراء (۲۱۹۷ -۲۱۹۴/ ۳)، الذریعه (۱۰۳۳/ ۹)، زنان سخنور (۱۹۲ -۱۷۵/ ۲)، کارنامه‌ی زنان (۹۷ -۹۵)، مجمع الفصحا (۹۵۳ -۹۵۲/ ۵)، مشاهیر زنان (۲۱۹ -۲۱۷)، مکارم الآثار (۱۷۲۴ -۵)، مؤلفین کتب چاپی (۱۶۷ - ۱۶۶/ ۶).

[۲] منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره هفتم، ۵۰ -۴۹؛ از رابعه تا پروین، ۲۴۱ -۲۱۲؛ تاریخ کرد و کردستان، ۱۶۴ -۱۵۹ / ۲؛ تاریخ مشاهیر کرد، ۳۷۲ -۳۶۷ / ۱؛ حدیقهٔ‌الشعراء، ۲۱۹۷ -۲۱۹۴ / ۳؛ حدیقه امان‌اللهی، ۴۵۷ -۴۳۵؛ حدیقه ناصریه، دیوان ماه شرف خانم کردستانی، اغلب صفحات؛ الذریعه، ۱۰۳۳ / ۹؛ کارنامه زنان مشهور ایران، ۹۵؛ مجمع الفصحا، ۹۵۲ / ۵؛ فهرست کتب چاپی فارسی و عربی، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ۱۶۷ -۱۶۶ / ۶.

مستوفی اصفهانی، تقی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط و شاعر. وی از نوادگان آقاشاه علی است که در اوایل جلوس شاه عباس بزرگ، مستوفی الممالک بود. میرزا تقی نستعلیق را خوش می‌نوشت و در این خط، شاگرد میرعماد بود. او مدتی وزارت لاهیجان را داشته و بعد وزیر اصفهان و مستوفی قورچیان شده و تا زمان مرگ همان سمت را داشته است. اگر چه وی در نظم اشعار دستی داشت، اما غزل را خوب نمی‌گفت، چرا که وزن و قافیه غریب اختراع می‌کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۰ -۱۰۹ /۱)، تذکره‌ی روز روشن (۱۵۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۸۴ -۸۳)، الذریعه (۱۷۴/۹)، صبح گلشن (۸۹)، فرهنگ سخنوران (۱۸۹).

مستوفی تبریزی، رضی‌الدین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، ریاضیدان. وی معاصر شاه عباس صفوی بود و از جمله آثارش: «ربیع المنجمین فی شحر الفصول الثلاثین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۷۷/۱۰)، سرآمدان فرهنگ (۳۹۵/۱)، لغت نامه (ذیل/ رضی).

مستوفی قزوینی، حمدالله

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۵۰ ق)، مورخ و شاعر. وی از یک خاندان کهن مستوفیان در قزوین متولد شد. پدر حمداللّه به عنوان مستوفی در دستگاه ایلخانان خدمت می‌کرد و به همین دلیل مستوفی لقب گرفتند. او از آغاز جوانی بنابر سیرت آباء و اجداد به خدمت دیوانی اشتغال داشت، ابتدا به خدمد خواجه رشیدالدین فضل‌اللّه درآمد و به امر کتابت مشغول شد. حمداللّه در سال ۷۱۱ ق حاکم و مستوفی ابهر و زنجان و طارم شد و پس از قتل خواجه رشیدالدین فضل‌اللّه، در سلک ملازمان خواجه غیاث‌الدین محمد فرزند خلف وزیر مقتول، درآمد و تا سال ۷۳۶ ق در خدمت وی باقی بود تا آن بزرگوار نیز به قتل رسید. سفرهایی به تبریز و بغداد و شیراز و اصفهان کرد و در قزوین درگذشت. از او سه اثر معتبر باقی است: «تاریخ گزیده»؛ «نزهه القلوب»؛ منظومه‌ی معروف «ظفر نامه» که مشتمل بر هفتاد و پنج هزار بیت است.[۱]

مستوفی مورخ و جغرافی‌دان معروف (ف. ۷۵۰ ه.ق.). وی از نژاد عرب بود و سلسله نسب خود را به حر بن یزید ریاحی میرسانید، ولی افراد خاندان او سالیان دراز در قزوین سکونت داشتند. وی صحبت دانشمندان را درک می‌کرد و مخصوصا از مصاحبت رشیدالدین در مباحث علمی خاصه تاریخ بهره‌مند می‌شد. آثار او عبارتست از: تاریخ گزیده (۷۳۰)، ظفرنامه به سیاق شاهنامه (۷۳۵) و نزهة القلوب (۷۴۰)، آرامگاه وی در قزوین است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از سعدی تا جامی (۱۴۲ -۱۲۵)، اعیان الشیعه (۲۲۵/۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۸۰ -۱۲۷۶ /۳)، تاریخ در ایران (۱۴۱ -۱۳۹)، تاریخ گزیده (مقدمه)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۴)، حبیب السیر (۲۲۱/۳)، دایرةالمعارف فارسی (۸۶۵/۱)، الذریعه (۱۲۰/۲۴، ۱۹۹/۱۵، ۲۸۱/۳)، روضات الجنات (۱۵۴/۸)، ریحانه (۳۰۷ -۳۰۶ /۵)، سرآمدان فرهنگ (۳۱۹/۱)، شخصیتهای نامی (۱۶۹ -۱۶۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸۶ ،۶۴ -۶۳ /۸)، فرهنگ سخنوران (۲۷۷)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۱۹ -۲۱۸)، کشف الظنون (۱۹۴۵، ۱۴۷۴، ۱۱۲۰)، گنجینه‌ی آثار قم (۱۱۶، ۱۱۱، ۷۵، ۷۲ /۱)، لغت نامه (ذیل/ حمداللّه)، مجله دانشکده مشهد (س ۳، ش ۱، ص ۹۳)، مولفین کتب چاپی (۹۵۸ -۹۵۷ /۲)، مینو در (۱۶۴ -۱۶۰ /۲)، هفت اقلیم (۱۶۱ -۱۶۰ /۳)، یادداشتهای قزوینی (۹۵۰/۴).

مستوفی همدانی، اسحاق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید میرزا اسحاق بن رحیم بن کاظم مستوفی همدانی عالمی جلیل از شاگردان علامه میرزا محمدحسن آشتیانی و میرزای رشتی و میرزا بزرگ شیرازی (در سامره) بوده که پس از پایان تحصیله به همدان برگشته و مورد توجه عموم مردم همدان قرار گرفته و تا در سال ۱۳۲۲ ق از دنیا رفته است.

و جدش میرزا کاظم وزیر محمدعلی میرزا فرزند سلطان فتحعلی شاه قاجار بود و ایشان در همدان معروف به سادات کمالاـن می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مستوفی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۹۰، شیراز.

درگذشت: ۲۲ آذر ۱۳۶۴، شیراز.

اسماعیل مستوفی متخلص به «اشرف»، فرزند میرزا حبیب‌الله، دوره‌ی اول متوسطه را در شیراز گذرانید و دوره‌ی دوم را در کالج آمریکایی تهران به پایان رسانید. او از سال ۱۳۱۳ وارد خدمت دولت شد و در اداره‌ی ثبت احوال و شرکت نفت، شعبه شیراز و بالاخره سالیان دراز در شهرداری شیراز به کار مشغول بود.

اسماعیل مستوفی شعر می‌سرود. مقالات ادبی در روزنامه‌ها و مجلات از او به چاپ می‌رسید. از سال ۱۳۱۵ در انجمن ادب فارس شرکت مستمر داشت و پس از مدتی به دبیری آن انجمن برگزیده شد و هفته‌ای دو بار تنظیم صورت جلسات و مکتوب نمودن اشعار ضبط شده در جلسات که خوانده می‌شد، را به عهده داشت.

در سال ۱۳۲۴ که رییس ادب فارس به تهران مهاجرت کرد، جلسات انجمن در منزل مستوفی تشکیل می‌شد. از جمله فعالیت‌های او در انجمن، تصحیح آثار شاعران بود. فهرست آثاری که به کوشش او در انجمن تصحیح شده‌اند، به قرار زیر است: تحصیح کلیات شیخ اجل سعدی که مدت چهار سال به طول انجامید و نسخه‌ی تصحیح شده‌ی آن در خاندان مستوفی باقی مانده و به چاپ نرسیده است، نغمات موزون، شامل غزلیات و تغزلات هم وزن و قافیه از سعدی و حافظ به تتبع او که قسمتی از آن متوالیا در روزنامه‌ی «استخر» چاپ شیراز انتشار یافته است، تصحیح پریشان قاآنی که به سال ۱۳۳۸ در شیراز به وسیله او به چاپ رسیده است، تصحیح و چاپ لیلی و مجنون مکتبی به سال ۱۳۴۳، تصحیح و تفسیر و تحشیه‌ی دیوان ظهیر فاریابی که به چاپ نرسیده است. تا زمانی که مستوفی در قید حیات بود، جلسات انجمن ادب تشکیل می‌شد.

اسماعیل مستوفی در بامداد جمعه بیست و دوم آذر ۱۳۶۴ درگذشت و در جوار آرامگاه شاه داعی الی الله رخ در نقاب خاک کشید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مستوفی، علی محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۷۹ ش)، نقاش، خطاط و نوازنده. در نواختن تار از شاگردان آقا حسینقلی و آقا میرزا عبدالله و در نقاشی شاگرد کمال‌الملک بود. وی خط نستعلیق و تحریر را هم بسیار خوب می‌نوشت. علی محمد از مستوفیان معروف بود که در آخر عمر سفری هم به اروپا رفت و در آن جا نیز به نواختن ویولن آشنا شد. او قبل از این که به پنجاه سالگی برسد، در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تحول ضبط موسیقی (۱۴۰)، تاریخ موسیقی (۵۶۵ / ۲)، تاریخ هنرهای ملی (۹۷۵ / ۲)، سرگذشت موسیقی (۱۲۴ / ۱).

مستوفی، علیرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از آثار وی: کتیبه‌ی اشعار بالای ضریح حضرت معصومه (ع)، در قم که تاریخ ۱۲۷۵ ق دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۶۶ / ۲).

مستوفی‌الممالک، محمدعباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعباس بن میرزا احمد بن محمدتقی بن محمدعلی خان مستوفی‌الممالک بن میرزا ابراهیم همدانی یمنی شیروانی هندی عالمی ادیب و در سال ۱۲۴۱ ق قمری متولد شده است.

جدش میرزا ابراهیم وزیر نادرشاه افشار بوده و چون او را معزول کرد ساکن نجف اشرف گردید و فرزندش محمدعلی خان مستوفی‌الممالک بدست نادرشاه کشته شد پسرش محمدتقی فرار به شیروان نموده و خود را شیخ محمد شیروانی معرفی نمود.

آنگاه مسافرت به هند نمود و اول به شهر بنارس وارد شد و پس از آن به لکنهو آمد و بعد از آن به یمن هجرت نمود و فرزندش احمد متولد شد و لذا معروف به یمنی گردید و شیخ احمد مدتی در کلکته هندوستان در سال ۱۲۲۰ ق اقامت نمود و از آنجا به لکنهو رفته و مترجم ما شیخ محمدعباس متولد شد.

در ۲۲ شوال ۱۲۴۱ ق و در حجر پدر پرورش و تعلیم گرفت تا والدش در شهر پونه وفات نمود در سال ۱۳۵۶ قمری و پس از آن مدتی در بلاد هند گردیده و تألیفات بسیاری نموده که از آنهاست

۱- آثار العجم ۲- باغ چهار چمن در تاریخ دکن فارسی که طبع شده ۳- تاریخ الافاغنه ۴- تاریخ بهوپال بنام تاج‌الاخبار ۵- تاریخ نگو موسوم به (قلائد الجواهر در تاریخ جواهر) ۶- تاریخ سر ندیب ۷- تاریخ التواریخ در تاریخ ملوک آل عثمان ۸- تاریخ‌النفیس ۹- سلطان نامه گرامی در تاریخ آل عثمان و جنگ آنها با روس ۱۰- منهج‌البیان الشافی در علم عروض و قوافی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مستوفی‌زاده، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۸ ش)، خطاط. در تفرش و در قریه بازرجان به دنیا آمد. وی اصول و قواعد خوشنویسی را از پدر خود آموخت و در خط نستعلیق و شکسته سرآمد شد. مستوفی‌زاده وکیل دادگستری بود و اوقات فراغت خود را صرف هنر خط می‌کرد. از آثار او، علاوه بر قطعاتی که بر جای مانده، کتاب «اندرزهای نظامی» است که خود استخراج نموده و با قلم درشت نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (۱۶۱ –۱۵۹).

مسجد جامعی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا محمدحسین بن العلم العلام و الحجه الاسلام المرحوم حاج میرزا محمود مسجد جامعی تهرانی از علماء مبرز و فضلاء برجسته حوزه علمیه قم است.

در سال ۱۳۳۶ قمری در تهران متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات به قم آمده و چند سالی توقف و سطوح متوسط و عالی را از مدرسین و علماء حوزه علمیه آموخته آنگاه مهاجرت به نجف اشرف و چندین سال از محضر آیات عظام و مراجع کرام نجف چون آیت‌الله العظمی حکیم و آیت‌الله العظمی خوئی مدظله استفاده نموده تا به مدارج عالیه علم و کمال رسیده سپس در سال ۱۳۷۸ قمری مراجعت به ایران و در (قم حرم آل‌محمد علیهم‌السلام) رحل اقامت افکنده و از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی تا آخر عمر آن جناب استفاده نموده و پس از رحلت آن مرحوم منحصرا به درس فقه و اصلو حضرت آیت‌الله العظمی اراکی شرکت و ضمنا به تدریس سطوح عالیه اشتغال دارند.

و از خصایص آنجنابست که متون علوم ادبیه و فقه و اصول و فلسفه و بالاخص تمام کلام‌الله مجید رامن البدوالی الختم از حفظ دارند و این از نوادر روحانیت و افتخارات جامعه تشیع است.

نگارنده گوید علامه مسجد جامعی از دانشمندان بسیار آراسته و دارای ملکات فاضله اخلاقی و واجد محاسن آداب و مکارم اخلاق و معرض از شئونات روحی از امامت و غیره می‌باشند و غالبا هم در منزل خود به مطالعات و مباحثات علمی اشتغال دارند و کمتر در اجتماعات شرکت می‌نمایند.

از آثار ایشانست تقریرات و در اسات دروس فقه و اصول استادش آیت‌الله العظمی اراکی که به رشته تحریر درآورده است.

برادر ارجمند ایشان جناب حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا مصطفی مسجد جامعی از علماء فعال و خدمتگذار تهران است که در مسجد المصطفی (همت‌آباد سابق) اقامه جماعت نموده و تبلیغ دین و احکام مبین اسلامی را می‌نمایند.

و مخفی نماند که این دو برادر از بیوتات اصیل و ریشه‌دار روحانیت تهران است که از چند قرن قبل تاکنون ریاست علمی و روحانی مرکز را داشته و دارند. مرحوم آیت‌الله حاج میرزا عبدالله سعید تهرانی عموی معظم آنان و مرحوم آیت‌الله حاج میرزا عبدالعلی تهرانی دائی گرامی ایشان می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مسجد جامعی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا مصطفی بن المرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا محمود مسجد جامعی از علماء و ائمه جماعت معاصر تهران است.

وی در حدود سال ۱۳۴۳ ق در تهران متولد شده و در بیت علم پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید، مقدمات و ادبیات و سطوح را از مدرسین تهران مانند مرحوم آقا شیخ رضا قاضی و حجهٔ‌الاسلام حاج شیخ کاظم معزی دزفولی و غیره خوانده و چندین سال از محضر و دراسات مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدتقی آملی و آیت‌اللّٰه حاج میرزا باقر آشتیانی و آیت‌اللّٰه العظمی رفیعی قزوینی استفاده نموده و پس از آن در مسجد المصطفی جنب میدان حسن آباد به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تنویر افکار با بیانی شیوا و منطقی اشتغال دارد.

نگارنده گوید: مترجم محترم ما و دو برادر ارجمندش جناب حجهٔ‌الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا محمدحسین مقیم قم و ثقهٔ‌الاسلام والمسلمین آقا میرزا مسیح مقیم تهران از بیت علم و فضیلت تهرانند که آباء آنها تا چندین پشت از علماء اعلام مرکز بوده و خدمات شایسته‌ای بدین نموده‌اند.

آثار ایشان بقرار زیر است:

۱– تعمیر اساسی و توسعه مسجد المصطفی

۲– تأسیس کتابخانه آن مسجد و جمع کتب برای مطالعه جوانان و غیره.

۳– تاسیس مجلس دعای ندبه در صبحهای جمعه و برنامه سخنرانی که از مجالس بسیار آبرومند و جالب تهران محسوب میشود که

از هزارها نفر از مردم متدین فهمیده تهران تشکیل میشود.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مسجد شاهی اصفهانی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد علامه شـیخ محمدحسـین بن حاج شـیخ محمدباقر نجفی از اجله علماء و فقهاء و مدرسـین اصـفهان بوده در نجف اشـرف در جمعه ۲۰ محرم ۱۲۸۷ قمری از دختر مرحوم علامه فقید سـید صدرالدین عاملی متولد گردیده در خدمت پدر دانشـمند خود و سید ابراهیم قزوینی و میرزا حبیب‌اللّه تهرانی معروف به ذوالفنون و آخوند خراسانی و آقا سید محمدکاظم یزدی و شیخ‌الشریعه اصفهانی و حاج آقا رضا همدانی و خصوصاً آقا سـید محمد فشارکی تحصیل نموده تا در علوم فقه و اصول و ریاضی و نجوم و ادب سر آمد اقران گردیده و جامع معقول و منقول شده در تمام علوم اطلاعاتی فراوان یافت، در فقه و اصول مجتهدی بارع و در فلسفه و حکمت و ریاضی از محققین بشمار می‌رفت در سال ۱۳۳۳ به ایران مهاجرت کرده و در اصـفهان ساکن و به درس و مباحثه و اقامه جماعت و افتـاء اشـتغال جسـته در معاشـرت و حسن خلـق بر بسـیاری از معاصـرین خود امتیـاز داشت، شـریک درس و بحث مرحوم آیت‌اللّه حایری بود در اوائل سال ۱۳۴۴ قمری وارد قم و مورد استقبال گرم و تکریم آیهٔ‌اللّه و حوزه علمیه گردیده و در مدرسه فیضیه شروع به تـدریس نموده و به منبر افـاضه و افـاده قرار گرفت و حـدود یـک سـال فضـلاء را از مبانی علمی و بیانات متقن خود مسـتفیض و همواره مرحوم آیت‌اللّه حـایری فضـلاء تلامـذه خود را توصـیه و تشویق به درس ایشـان می‌نمود و آن مرحوم تا پس از فوت عموی گرامش آیـت‌اللّه حـاج آقـا نـوراللّه اصـفهانی به تـدریس اشـتغال داشت و پس از آن به اصـفهان مراجعت و در آنجـا به تـدریس و مرجعیت پرداخت تا شب یکشنبه ۲۴ محرم سال ۱۳۶۲ وفات نموده و در بقعه جدش شیخ محمدتقی مدفون گردید. از اشعار اوست این دو بیت زیر:

الا ان شکل المال فی الدهر منبج

ولکن شکل العلم فیه عقیم

فمن یشتری منی جمیع فضایلی

فانی بانحاء العلوم علیم

حدود سی جلد کتاب و آثار در علوم و فنون مختلفه دارد که بعضی طبع والباقی مخطوط مانده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

مسجدی، حیدر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حیدر مسجدی

محل تولد : کاظمین عراق

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حیدر مسجدی متولد ۱۳۴۶ در شهر کاظمین متولد شدم. و پس از تحصیلات ابتدائی و راهنمایی، توسط ساواک رژیم بعث همراه خانواده دستگیر شدیم و به زندان روانه شدیم. دو برادرم زیر شکنجه های وحشی شهید شدند و ما به سوی ایران روانه شدیم. از سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شـدم و دروس مقـدماتی را در مـدرسه شـهید صدر گذراندم. سـپس دروس سـطح و خارج رااز محضـر اساتیـد بزرگوار اسـتفاده کردم از جمله آیه الله احمدی یزدی، آیه الله حسـین نجاتی، آیه الله هادی آل راضـی، آیه الله احمد مـددی، که بخش مهمی از علـوم حـدیث و نکـات بسـیار ظریـف فقهی و اصولی را از محضـر اسـتاد بزرگوار آیه الله احمـد مـددی استفاده کردم، که لازم می دانم از ایشان تشکر کنم و از او به نیکی یاد کنم. در سال ۱۳۷۱ تا سال ۱۳۷۴ در موسسه (دائره المعارف فقه اسـلامی) مشـغول تحقیقـات اسـلامی شـدم، ودر تالیف کتاب (معجم فقه الجواهر) شـرکت نمودم. در سال ۱۳۷۵ وارد موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث شدم و در رشته حدیث مشغول تحقیق شدم.

مسرت، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۸۹.

درگذشت: آبان ۱۳۵۹.

عباس مسرت، فرزند علی حاج علی بمانی است وی با نواب آقا حسین و محمدحسین ناصر (دو تن از شاعران یزد) دوست بود و گه‌گاهی شعری می‌سرود ولی هیچ در پی گرد آوردن اشعارش نبود. وی مدت سی سال با شغل سردفتری اسناد رسمی در خدمت مردم گذرانید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مسرور اصفهانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۷ -۱۲۶۹ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به مسرور. در قریه‌ی کوپای اصفهان به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات مقدماتی به فراگیری صرف، نحو، معانی، بیان، منطق، فقه، اصول و حکمت نزد اساتید عصر پرداخت. او سپس در مدارس جدید به تحصیل مشغول شد آنگاه به تهران آمد و به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در دارالفنون و دبیرستان نظام به تدریس پرداخت. وی فنون شعر را از فرصت‌الدوله شیرازی و دهقان سامانی آموخت. او زبانهای عربی و فرانسه و انگلیسی را خوب می‌دانست و از زبان پهلوی اطلاعاتی داشت. در ۱۳۵۲ ق که از طرف انجمن ادبی ایران به نظم آوردن مضامین الواح تخت جمشید به مسابقه گذارده شده بود، مسرور از میان پنجاه شاعر برجسته‌ی شرکت کننده حائز رتبه‌ی اول گردید و نیز در موقع افتتاح آرامگاه حکیم فردوسی شعر او مقام اول را به دست آورد. وی گذشته از استادی در زمینه‌ی شعر در نثر نیز توانا بود و از هنر موسیقی و خوشنویسی نیز بهره داشت. مقالات ادبی و تاریخی او در مجلات «ارمغان» و «یغما» چاپ شده است. او مدتی مدیریت برنامه‌های ایران در آینه‌ی زمان و شهر سخن را، در رادیو ایران، به عهده داشت. سرانجام در تهران وفات یافت و در قبرستان ظهیرالدوله به خاک سپرده شد. از آثار وی: «امثال سائره»؛ «خواجو کرمانی»؛ «داستان تاریخی محمود افغان»؛ «ده نفر قزلباش»؛ «فرهنگ زبان»؛ «قران یا سرگذشت لطفعلی خان زند»؛ «نی‌زن بیابان»؛ «هنرنامه»، شعر. اثر دیگر او مجموعه اشعارش می‌باشد که نخست تحت نام «راز الهام» در ۱۳۳۸ ش و سپس تحت نام «یادگار سخنیار»، در ۱۳۴۷ ش، در سال وفات وی، منتشر شد.[۱]

حسین مسرور سخنیار اصفهانی، متخلص به مسرور، فرزند حاجی محمدجواد تاجر کوپایی به سال ۱۳۰۸ هجری قمری در کوپای اصفهان تولد یافته و از پایان تحصیلات به خدمت وزارت فرهنگ درآمده است.

حسین مسرور که شاعری توانا و استاد بود، در نثر نویسی نیز مهارتی فوق‌العاده داشت و داستان‌های تاریخی «ده نفر قزلباش» وی که تاریخ دوران صفویه را مطرح می‌سازد، به بهترین وجهی آن عصر را نمایان می‌سازد.

این شاعر کتاب شعری دارد به نام «راز الهام» که در سال ۱۳۳۸ خورشیدی منتشر گردیده است.

«کرشمه‌ی پری»

بکرشمه‌ای پری- دل آشنا بری
من و یاد روی تو- تو بیاد دیگری
تو ای نسیم سحری- ببر بجانان خبری
پیک روز جدایی
باد خزان تو بودی- که گلم را ربودی
همه گلشن بدیدم- تو ز گل‌ها نبودی
تویی ای نگار من- گل من بهار من
به سپیده‌دم رسد- شب انتظار من
ز گریبان شب چو مه سر آرد بیرون
ز غم دوریت شود دلم غرق خون
خزان چو گردد سپری- شود بهار دگری
شکوفه آید به چمن- صبا کند جلوه‌گری
بکرشمه‌ای پری- دل آشنا بری
من و یاد روی تو- تو بیاد دیگری

«عشرت دنیا»

عشرت دنیا مصیبت مردم دانا نبود
یا که خود عشرت نصیب مردم دنیا نبود
عشق هر جایی، قلم بر عقل پا برجا کشید
خاصه ما را کز ازل، خود عقل پا برجا نبود...!

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات معاصر (۸۷ -۸۶)، ادبیات نوین (۱۴۴، ۸۴)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۴۵ -۴۴۳)، دویست سخنور (۳۸۱ -۳۷۹)، الذریعه (۲۵۱/ ۲۵، ۴۳۶/ ۲۴، ۶۷/ ۱۷، ۲۰۱/ ۱۶، ۱۰۳۵ -۱۰۳۴/ ۹، ۲۸۵/ ۸، ۲۶۸/ ۷)، راهنمای کتاب (س ۱۱، ش ۷، ص ۴۲۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۱۰ -۳۰۹/ ۱)، سخنوران نامی (۴۳۴ -۴۲۲/ ۲)، سخنوران نامی‌معاصر (۳۲۸۴ -۳۲۷۷/ ۵)،

سواد و بیاض (۵۷۰)، شرح حال رجال (۷۹/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۸۳۷)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۲۳، ۳۳۳۹، ۲۵۲۹، ۲۴۲۸، ۱۶۱۵/ ۲، ۱۴۸۷، ۱۳۲۶، ۱۲۹۳، ۳۳۱/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۸۱ -۸۷۹/ ۲).

مسرور بروجنی، علیمراد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۳۱۵ ق)، شاعر، متخلص به مسرور. در بروجن به دنیا آمد. تحصیلات خویش را در مکاتب قدیم انجام داد و از اوان جوانی به شعر و شاعری رغبت داشت. از آثارش: «دیوان» شعر، مشتمل بر دو هزار و پانصد بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۴۸ -۴۴۷)، الذریعه (۱۰۳۴/ ۹).

مسرور طالقانی، ابوالفضل مسرور

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم و پنجم ق)، شاعر. اصل وی از طالقان خراسان (میان طخارستان و ختلان) و از شاعران عهد سلطان محمود غزنوی (۴۲۱ -۳۸۹ ق) بود. مهارت او در بیان معانی و قدرت درآوردن ترکیبات بدیع و مضامین دل‌انگیز و مطبوع نمودن گفتار در اشعاری که از او باقی مانده آشکار است. از او قطعه‌ای در مدح ابوالقاسم احمد بن حسن میمندی باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۵۷۷ -۵۷۶/ ۱)، الذریعه (۱۰۳۴/ ۹)، شاعران بی دیوان (۴۴۸ -۴۴۶)، فرهنگ سخنوران (۸۶۸)، لباب الالباب (۴۴ -۴۲/ ۲)، مجمع الفصحا (۱۱۷۱ -۱۱۷۰/ ۳).

مسرور قزوینی، رضی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۲ ق)، شاعر. از شعرای خوش طبع عصر خود بوده و اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. صاحبان «آتشکده‌ی آذر» و «مینودر» او را با آقا رضی قزوینی (م ۱۰۹۶ ق) ذکر شده در «تذکره‌ی نصرآبادی» یکی می‌دانند که ظاهرا درست نمی‌باشد. از اوست:

ای ساکنان کوی خرابات همتی

من می‌روم به کعبه شما را دعا کنم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۲۰۲/ ۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۷۳ -۱۷۲)، الذریعه (۱۰۳۴/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۳۸)، مینودر (۵۶۵/ ۲).

مسعود اصفهانی، مسعود

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. در اصفهان به دنیا آمد. طبع شعر خوبی داشت و به آورده‌ی «کاروان هند»، از «قصص الخاقانی»، در حدود سی سالگی، بیش از هفت هزار بیت شعر گفته بود. وی در این زمان مداح شاه عباس ثانی بوده است. سپس همراه پدر به هندوستان رفته و بعد از فوت پدر به اصفهان بازگشته است. او در ساختن ماده تاریخ ماهر بود و به آورده‌ی «الذریعه» ماده تاریخ جلوس شاه سلیمان در ۱۰۷۷ ق را او گفته است. او در زمان تألیف «تذکره‌ی نصرآبادی» (۱۰۸۳ ق) در اصفهان بوده و در فقر می‌زیسته است. برخی تذکره‌ها نام وی را مسعودا آورده‌اند. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۲۴)، الذریعه (۱۰۳۶ -۱۰۳۵/ ۹)، صبح گلشن (۴۰۶)، فرهنگ سخنوران (۸۳۸)، کاروان هند (۱۲۹۱ -۱۲۹۰/ ۲)، نتایج الافکار (۶۳۱).

مسعود بخارایی، مسعود بیگ

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، دانشمند و شاعر. از مردم روستای بـک، از توابع بخارا، بود. وی سالها در ماوراءالنهر حکومت کرد و مـدتها نیز به کسب علم پرداخت. سرانجام، پس از مدتی سیاحت، به دهلی رفت و از مریدان عارف مشهور نصیرالدین چراغ دهلی (م ۷۵۴ ق)، شد و مدتی در خانقاه او ریاضت کشید. از آثار وی: «نورالعیون»؛ «ام الصفایح»؛ «مرآهٔ العارفین»، در نظم و نثر، به فارسی، در مراتب سه گانه‌ی عرفان: علم‌الیقین، عین‌الیقین و حق‌الیقین.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۵۵)، الذریعه (۲۷۷/ ۲۰ ،۱۰۳۵/ ۹)، ریاض العارفین (۱۳۳ -۱۳۲)، فرهنگ سخنوران (۸۳۸).

مسعود رازی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، شاعر. از مداحان سلطان مسعود غزنوی (۴۳۲ -۴۲۱ ق) بود. زمانی که عـده‌ای از دشـمنان سـلطان به وی شوریدند، مسعود با قطعه‌ای او را اندرز داد و سلطان مسعود بر شاعر خشم گرفت و او را در زندانی در هندوستان حبس نمود. بعد از مدتی در جشن نوروز وی را بخشید و برایش صله فرستاد. صاحب «مجمع الفصحا» او را از شیعیان و مداح امیر مسعود غزنوی می‌دانـد. تعـدادی از تذکره‌ها او را همان مسعود غزنوی شاعر و مداح سلطان مسعود می‌دانند و عده‌ای این دو را از هم جدا می‌کنند. از وی اشعاری در تذکره‌ها نقل شده است.[۱]

یـا مسعودی رازی. نام وی در ترجمان‌البلاغه که به سال ۵۰۷ تحریر شده مسعود غزنوی آمده است و چهار بیت از اشعار او در آن کتاب ثبت است که دو بیت آن همانست که در تاریخ بیهقی بنام مسعود رازی ذکر شده و آن در شرح جشن مهرگانی است که امیرمسعود در سال ۴۳۰ برپا داشته بود. عوفی در لباب‌الالباب از شاعری به نام مسعود رازی نام برده که در سلک همراهان مسعود غزنوی بوده است. نظامی عروضی در شمار شاعران عهد غزنوی یکی از بنام مسعودی ذکر کرده است. مسعودی یا مسعودی رازی معاصر سلطان مسعود در حدود سال ۴۳۰ که دچار غضب سلطان شده و به هندوستان تبعید گردید و بعد از آن خبر ما از احوال او منحصر است به این اشاره از ابوالفضل بیهقی که می‌گوید در روز پنجشنبه هیجدهم ماه جمادی‌الاخری سال ۴۳۱ ه.ق امیرمسعود «به جشن نوروز بنشست و هدیه‌های بسیار آورده بودند.. مسعود شاعر را شفاعت کردند سیصد دینار رحله فرمود و هزار دینار مشاهره هر ماهی از معاملات جیلم و گفت همانجا می‌بایـد بود اما از ابیاتی که بنام مسعود رازی در کتب تـذکره آمـده است غیر از این دو بیت:

مخالفان تو موران بدند مار شدند

برآر زود ز موران مار گشته دمار

مده زمانشان زین بیش و روزگار مبر

که اژدها شود ار روزگار یابد مار

و چند بیت دیگر بیشتر نمی‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۵۵۷ -۵۵۵/ ۱)، ترجمان البلاغه (۳۸ ،۳۶)، الذریعه (۱۰۳۵/ ۹)، ری باستان (۳۹۱/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۸۳۹ -۸۳۸)، لباب الالباب (۶۳/ ۲)، مجمع الفصحا (۱۱۷۰/ ۳)، هفت اقلیم (۳۹ -۳۸/ ۳).

مسعود رازی، مسعود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، قاضی و شاعر. وی از احفاد قاضی سیف‌الدین بود. پدرش از قزوین به ری رفت و در آنجا به قضاوت پرداخت. بعد از پدر، در اوائل عهد صفویان، خود وی مسند قاضی ری را عهده‌دار گردید. قاضی مسعود در شعر و معما و انواع فضائل در زمان خود شهرت داشت. صاحب «هفت اقلیم» کتابی به نام «دستور قاضی» به وی نسبت داده و «تحفه سامی» نام پدر وی را قاضی سید عبداللّه ذکر کرده است. از اوست:

نه مرا شهره‌ی شهر این دل حیران کرده

فاش اسرار مرا دیده‌ی گریان کرده

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تحفه سامی (۶۳)، الذریعه (۸۷۲/ ۹)، ری باستان (۳۹۰/ ۲)، صبح گلشن (۴۰۶)، فرهنگ سخنوران (۸۳۹)، هفت اقلیم (۵۹ -۵۸/ ۳).

مسعود سبزواری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. پدر وی، امیر شمس‌الدین علی، از فرزندزادگان امیر شمس‌الدین علی نقیب نجفی کوفی و منتسب به سلسله سادات مختاریه بود که نسبت ایشان به حضرت سجاد (ع) می‌رسید. امیر سلطان مسعود طبع خوبی داشت. از وی اشعاری در تذکره‌ها نقل شده است. از اوست:

در هجر تو ای سمن بر سیمین تن

تا چند کنم ناله و تا کی شیون

در روز نه راحت نه به شب خواب مرا

گر زندگی اینست نصیب دشمن

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۳۶/ ۹)، صبح گلشن (۴۰۵)، فرهنگ سخنوران (۸۳۹)، هفت اقلیم (۲۸۹ -۲۸۸/ ۲).

مسعود سعد سلمان

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۴۴۰/ ۴۳۹/ ۴۳۸/ ۴۲۵- وف ۵۲۵/ ۵۱۵ ق) شاعر. اصل وی از همدان بود. پدرش، سعد بن سلمان، ملازمت سلاطین دوره‌ی اول غزنوی را داشت و همراه امیر مجدود بن مسعود غزنوی به هندوستان رفت و از این زمان ساکن لاهور شد و سمت استیفاء دستگاه او را یافت. بنابراین مسعود سعد در لاهور به دنیا آمد. وی از ابتدای جوانی و به توصیه‌ی پدر به دربار غزنوی راه یافت. او ابتدا در خدمت سلطان ابراهیم غزنوی بود. و سپس ملازم سیف‌الدوله محمود، پسر سلطان ابراهیم شد و در شمار نزدیکان او به هند رفت و در آنجا شهرت یافت و در ردیف امرای بزرگ متعهد جنگها و فتحها بود. سیف‌الدوله در ۴۸۰ ق مورد سوءظن پدر قرار گرفت و محبوس شد و همراه او عده‌ای از مقربانش از جمله مسعود سعد سلمان نیز به زندان افتادند. وی مدت هفت سال در قلعه‌های سو و دهک و سه سال در قلعه‌ی نای زندانی بود و خود در اشعارش به این سه زندان اشاره می‌کند. او در زندان سو، با شخصی به نام منجمی بهرامی آشنا شد و از او هیئت و نجوم آموخت. به قولی مسعود بر اثر تهمت حاسدان و خصوصا ابوالفرج رونی به زندان افتاد. بالاخره پس از سالها با شفاعت عمیدالملک ابوالقاسم خاص، از رجال دربار سلطان ابراهیم، از زندان آزاد شد و به لاهور بازگشت. وی در زمان سلطان مسعود بن ابراهیم غزنوی، مدتی به حکومت چالندر رسید ولی دوباره مورد غضب قرار گرفت و مدت هشت سال در قلعه‌ی مرنج محبوس گردید و آخرالامر به شفاعت ثقةالملک طاهر بن علی بن مشکان، از رجال دربار مسعود، آزاد و به کتابداری کتابخانه‌ی سلطنتی گماشته شد. بعد از مسعود، وی همچنان کتابداری عضدالدوله شیرزاد بن مسعود و ملک ارسلان بن مسعود و بهرامشاه بن مسعود را به عهده داشت و آنان را مدح نیز می‌گفت. به طور کلی می‌توان گفت مسعود سعد سلمان یکی از بزرگترین قصیده‌سرایان ایران بود و بیشتر به سبک شاعران خراسان شعر می‌گفت. هنرش در قصاید شکوایی بود و در این قصاید از شداید زندان، منت غربت، فراق پدر و مادر و فرزند، بی‌گناهی خود و اغراض دشمنان و غیره سخن گفته است. در بیان از شعرایی چون فردوسی منوچهری، ناصر خسرو و عنصری پیروی می‌کرد از شعرای معاصر او می‌توان راشدی، سید محمد بن ناصر علوی، امیر معزی، سنایی، عثمان مختاری و ابوالفرج رونی را نام برد. وی از علوم ادبی عصر خود کاملا بهره‌مند بود. به عربی شعرهای عالی سروده که اندکی از آن باقی مانده است. عده‌ای به او اشعار هندی نیز نسبت می‌دهند. از آثارش: «دیوان» شعر، به فارسی، شامل قصیده و مثنوی و غزل و رباعی و مسمط و ترجیعات و مقطعات. «حبسیات» او نیز معروف است. محمد عوفی وی را صاحب سه «دیوان» فارسی، عربی و هندی می‌داند. «ذکرة الشعراء» به اشتباه او را از شعرای دولت امیرعنصر المعالی منوچهر بن قابوس می‌داند. بعضی از تذکره‌ها نیز مولد او را همدان یا جرجان می‌دانند. تعدادی از تذکره‌ها نیز آورده‌اند که وی بعد از آزاد شدن از زندان مرنج از مشاغل دیوانی کناره‌گیری کرده است.[۱]

مسعود بن سعد بن سلمان. شاعر معروف نیمه دوم قرن پنجم و نیمه‌ی اول قرن ششم ه. اصل وی از همدان است و مولد و منشأ اولاهور بود. ولادت مسعود بین سالهای ۴۳۸ و ۴۴۰ اتفاق افتاد و ظهور او در شاعری مصادف بود با سلطنت سلطان ابراهیم غزنوی (۴۹۳ -۴۵۰) و هنگامی که سیف‌الدوله محمود بن ابراهیم به سال ۴۶۹ والی هندوستان شد، مسعود نیز در شمار نزدیکان او به هند رفت، سیف‌الدوله و ندیمان او در حدود سال ۴۸۰ ه. به فرمان پدر (سلطان ابراهیم) تبعید و محبوس شدند. مسعود سعد از جمله آنان بود و هفت سال در قلعه‌های «دهک» (ه.م) و «سو» (ه.م) و سه سال در قلعه «نای» (ه.م) زندانی شد و عاقبت یکی از مقربان سلطان بنام عمیدالملک عمادالدوله ابوالقاسم خاص نزد سلطان شفاعت کرد و او را از حبس بدر آورد (حدود ۴۸۹ یا ۴۹۰) و او بر سر ضیاع و عقار پدر رفت. پس از مرگ سلطان ابراهیم (۴۹۳) پسرش مسعود (۵۰۹ -۴۹۳) به جای او نشست و امارت هند را به پسر خود عضدالدوله شیرزاد داد و ابونصر هبةاللّه پارسی را به وزارت و سپهسالاری او گماشت و این وزیر، شاعر را به حکومت چالندر (ه.م) منصوب کرد ولی ابونصر چندی بعد مغضوب و محبوس شد و یاران و عمال او به بند افتادند از جمله مسعود سعد بود که او را معزول و به ضیاع و عقار او دست تطاول دراز کردند و عاقبت به فرمان سلطان در مرنج به حبس افکندند. پس از هشت سال ثقةالملک طاهر بن علی بن مشکان شفاعت کرد و او رهائی یافت (حدود ۵۰۰). از این پس وی سمت کتابداری مسعود و ملک ارسلان بن مسعود و بهرامشاه بن مسعود داشت و آنان را مدح می‌گفت و نزد ایشان تقرب داشت تا درگذشت. وفات او را به سال

۵۱۵ نوشته‌اند. مسعود در قصیده‌سرایی ماهر و در حسبیات بیمانند است؛ قدرت او در بیان با کلمات برگزیده و مهارت وی در تنسیق ترکیبات مشهود است. دیوان وی مکرر به طبع رسیده و حدود ۱۶۰۰۰ بیت دارد؛ دیوانش را نخستین بار سنائی غزنوی جمع‌آوری کرده است و غیر از دیوان فارسی دو دیوان تازی و هندی نیز به او نسبت داده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۸۳۴ -۸۱۷/ ۲)، از سنایی تا سعدی (۲۸ -۲۷/ ۲)، با کاروان حله (۱۲۶ -۱۱۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۰۱ -۴۸۳/ ۲)، تاریخ نظم و نثر (۴۴ -۴۳)، تذکرهٔ الشعراء (۵۵ -۵۴)، حبسیه در ادب پارسی (۵۹ -۴۱)، دایرهٔالمعارف فارسی (۲۷۶۸/ ۲)، الذریعه (۱۰۳۷ -۱۰۳۶/ ۹)، رباعی و رباعی‌سرایان (۱۰۶)، سخن و سخنوران (۲۳۰ -۲۰۷)، فرهنگ سخنوران (۸۳۹)، گنج سخن (۲۷۶ -۲۶۴/ ۱)، لباب الالباب (۲۵۲ -۲۴۶/ ۲)، مجمع الفصحا (۱۲۳۹ -۱۱۹۱/ ۳ ۱۵۲، -۱۵۱/ ۱)، معجم المؤلفین (۲۲۶/ ۱۲)، منظومه‌های فارسی (۴۷)، مؤلفین کتب چاپی (۱۷۸ -۱۷۷/ ۶)، هدیهٔ العارفین (۴۲۸/ ۲)، هفت اقلیم (۵۵۴ - ۵۴۲/ ۲).

مسعود شروانی، کمال‌الدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۰۵ ق)، دانشمند و شاعر. اصلش از شروان بود. از شاگردان شاه فتح‌اللّٰه شروانی و همچنین جامی به حساب می‌آمد. وی در کلام و منطق و حکمت از دانشمندان زمان خود بود و سالها در هرات در مدارس گوهرشاد بیگم و اخلاصیه تدریس کرد. بعد از فوت قاضی نظام‌الدین، تدریس در مدرسه‌ی گوهرشاد را ترک و شروع به کار در مدرسه‌ی غیاثیه نمود. او عاقبت در هرات از دنیا رفت و در مزار پیر سیصد ساله به خاک سپرده شد. به گفته «مزارات هرات» اکنون نه مزار وی پیداست نه خاک پیر سیصد ساله. از آثارش: حاشیه بر «شرح طوالع»؛ حاشیه بر «شرح مواقف»؛ حاشیه بر «شرح حکمهٔ العین»؛ شرح «آداب البحث» سمرقندی؛ «دیوان» شعر. صاحب «الذریعه»، شرح حال وی را تحت دو عنوان کمال‌الدین مسعود شیروانی و مسعود شیروانی آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۵/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۳۲)، حبیب السیر (۳۴۳/ ۴)، دانشمندان آذربایجان (۳۴۲)، الذریعه (۱۰۳۷ ،۹۲۰/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۳۹)، مجالس النفائس (۲۶۶ ،۹۲ -۹۱)، مزارات هرات (۱۱۹)، هدیهٔ العارفین (۴۶۰/ ۲)، هفت اقلیم (۲۹۷/ ۳).

مسعود قمی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۹۰ ق)، شاعر. وی از ترکان بود و از اعیان عراق عجم محسوب می‌شد اما از آنجایی که ساکن قم بود، به مسعود قمی معروف گردید. سرانجام به هرات رفت و ملازم و مصاحب امیرعلیشیر نوایی و سلطان حسنی بایقرا گشت. وی طبع خوبی داشت و سلطان حسین از وی خواست که تاریخ عهد او را به نظم درآورد. خواجه مسعود عاقبت در هرات درگذشت و در جوار پیر سیصد ساله دفن شد. در «حبیب السیر» صاحب عنوان تحت نام قاضی مسعود قمی آورده شده است. صاحب «تاریخ نظم و نثر» وی را دارای منصب قضا و معروف به قاضی مسعود می‌داند. از آثارش: «تاریخ حسین بن بایقرا»، در ده یا دوازده هزار بیت، در بیان تاریخ و احوال عهد سلطان حسین؛ «مناظره‌ی تیغ و قلم» یا «مخزن معنی»؛ «مناظره‌ی شمس و قمر»؛ منظومه‌ی «یوسف و زلیخا»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۷/ ۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۱۶)، تحفه سامی (۱۸۴)، تذکره‌ی روز روشن (۷۳۸ -۷۳۷)، حبیب السیر (۳۳۷ -۳۳۶/ ۴)، الذریعه (۳۴۸ ،۳۰۶/ ۱۹ ،۱۰۳۸/ ۹ ،۲۴۹/ ۳)، طرائق الحقائق (۱۱۲/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۸۴۰)، کشف الظنون (۲۹۱)، مجالس النفائس (۲۱۲ ،۳۹ -۳۸)، منظومه‌های فارسی (۵۲۷ -۵۲۴)، هدیهٔ العارفین (۴۳۰/ ۲)، هفت اقلیم (۵۰۲/ ۲).

مسعودزاده، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا مسعودزاده

محل تولد : باب انار – جهرم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۶/۵ زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا مسعود زاده متولد ۱۳۳۸ در قریه باب انار از توابع شهرستان جهرم (استان فارس) تحصیلات خود را بعد از اخذ دیپلم فنی رشته برق در سال ۱۳۵۵ کاردانی رشته مزبور الکتروتکنیک از انستیتو شیراز در سال ۱۳۵۸ پس از مدت کوتاهی در سپاه پاسداران (۶ماه) در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس حوزوی را شروع کردم در سال ۱۳۶۷ پس از اتمام سطح وارد دروس خارج گردیدم در سال ۱۳۷۴ وارد دروس تخصصی رشته تفسیر و علوم قرآنی گردیدم و هم اکنون مشغول تدوین پایان نامه آن می باشم.

مسعودی پنج دهی مروزی، تاج‌الدین، ابوعبداللّه محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۸۴ -۵۲۲/ ۵۲۱ ق)، فقیه، محدث، لغوی و صوفی. نسبتش به پنج ده، از قرای مرورود، می‌رسد. چون نیای بزرگش مسعود بود به مسعودی مشهور شد. او ساکن خانقاه سمیساطیه دمشق بود. در مرو و هرات و سجستان و بلخ و سرخس و نیشابور و کرمان و اصفهان و همدان و تبریز و بغداد و موصل و مصر از پدرش و عبدالسلام بن احمد بکبره و مسعود بن محمد غانمی و ابونصر فامی و ابوالمظفر تریکی بغدادی و ابوالوقت عبدالاول و عبداللّه بن عمر سجزی و عمر بن محمد بسطامی و ابوبکر محمد بن علی طوسی و ابوالمعالی مقری و عبدالرحمان بن احمد طوسی و ابن‌رفاعه سعدی و مسعود ثقفی و عبدالصبور بن عبدالسلام و سلفی حافظ و جماعتی دیگر حدیث شنید. در ۵۷۵ ق در مصر مجالس املای حدیث برپا کرد. او معلم ملک افضل فرزند سلطان صلاح‌الدین بود. ابن‌مفضل و ابوالقاسم بن عساکر و ابواحمد بن تاجر و ابواحمد بن سکینه و دیگران از وی روایت کردند. او شرحی کامل بر «مقامات» حریری نگاشت که به گفته‌ی ابن‌خلکان نظیر نداشت و در پنج مجلد بزرگ بود و بدین علت به مسعودی شارح «مقامات» معروف شد. او در دمشق درگذشت و در دامنه‌ی کوه قاسیون دفن شد. از آثارش: «مغانی المقامات فی معانی المقامات»، که همان شرح «مقامات حریری»، است؛ «الایضاح فی جمع المغرب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۶۵ -۶۴/ ۷)، الاعلام بوفیات الاعلام (۳۹۵/ ۲)، سیر النبلاء (۱۷۵ -۱۷۳/ ۲۱)، شذرات الذهب (۲۸۱ -۲۸۰/ ۴)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۲۵۳/ ۲)، طبقات الشافعیه‌ی ابن قاضی شهبه (۳۷/ ۲)، العبر (۸۸/ ۳)، کشف الظنون (۱۷۹۰ -۱۷۸۹)، لسان المیزان (۲۹۲ -۲۹۱/ ۶)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۲۳ -۲۱/ ۱۹)، معجم الادباء (۲۱۶ -۲۱۵/ ۱۸)، معجم البلدان (۵۹۱/ ۱)، معجم المؤلفین (۱۵۵/ ۱۰)، میزان الاعتدال (۶۰۰/ ۳)، الوافی بالوفیات (۲۳۳/ ۳)، وفیات الاعیان (۳۹۲ -۳۹۰/ ۴)، هدیهٔ العارفین (۱۰۱/ ۲).

مسعودی غزنوی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ظهیرالدین ابوالمجاهد محمد بن مسعود مسعودی غزنوی از بزرگان ریاضی و ادب است. کتابهای متعدد از او باقی است از آن جمله «احیاءالحق»، «کفایهٔ التعلیم فی صناعهٔ التنجیم» در بعث فارسی «نافع‌الثمرهٔ» یا «شرح ثمره بطلمیوس». «جهان دانش» درباره آسمان و زمین کتابی درباره‌ی «معرفت عناصر و کائنات جو». کتاب «کفایهٔ التعلیم فی صناعهٔ‌التنجیم» در حدود ۵۴۰ تألیف گردیده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

مسعودی مروزی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سوم و چهارم ق)، شاعر. یکی از شعرای اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم قمری بود. گفته می‌شود او نخستین کسی بود که به نظم روایات تاریخی و حماسی ایران پرداخت. از آثار وی «شاهنامه‌ی» منظومی است که در کتب تاریخی از آن نام برده شده است. این کتاب تا اوایل قرن پنجم قمری نیز شهرت و اهمیت داشته است.[۱]

یکی از شاعران اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم است که اطلاعات ناقصی از احوال او در دست است. نخستین کسی است که شروع به نظم روایات تاریخی و حماسی ایران کرد و شاهنامه منظومی پدید آورد. از شاهنامه او اطلاع فراوانی در دست نیست. شاهنامه‌ی مسعودی در اوایل قرن پنجم هم شهرت و اهمیت داشته است و نام آن را در یکی از آثار معروف همان دوره یعنی غرر اخبار ملوک الفرس ثعالبی (مؤلف به سال ۴۱۲ ه.ق) آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۳۷۱ -۳۶۹/ ۱)، حماسه‌سرایی در ایران (۱۷۶ -۱۷۳)، فرهنگ سخنوران (۸۴۱).

مسعودی مروزی، ابوالخیر، ابوعبداللّه محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۴۳ ق)، فقیه شافعی، نحوی، لغوی و ادیب. مروزی در بین شافعیان به مسعودی معروف بود. نزد ابوبکر قفال مروزی فقه آموخت و برآمد و از اقران شیخ خود گشت. او از قفال و ابونصر محمودی حدیث شنید. مسعودی در نحو و لغت و ادب مشهور زمان خود بود. قاضی ابومنصور سمعانی از او روایت کرد. امام غزالی در کتاب خود، «الوسیط»، از او حکایت کرده است. به گفته‌ی سمعانی وی در ابتدا از اصحاب الرای بود که چون مصاحب قفال شد جزء اصحاب الحدیث گشت. وفات او را حدود ۴۲۰ ق نیز ذکر کرده‌اند. از آثارش: شرح «مختصر المزنی»، در فروع فقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۱۷۴ -۱۷۱/ ۴)، کشف الظنون (۱۶۳۵)، معجم الادباء (۲۱۴ -۲۱۳/ ۱۸)، معجم المؤلفین (۲۵۹ ،۲۴۸، ۲۲۵ -۲۲۴/ ۱۰)، الوافی بالوفیات (۳۲۲ -۳۲۱/ ۳)، وفیات الاعیان (۲۱۴ -۲۱۳/ ۴).

مسعودی مروزی، شرف‌الدین محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، منجم و ریاضیدان. از دانشمندان معروف ماوراءالنهر بود که در بخارا می‌زیست. وی استاد رضی‌الدین نیشابوری، شاعر معروف (م ۵۹۸ ق) بود. مسعودی از بزرگان علمای ریاضی و طبیعی و نجوم در زمان خود به شمار می‌رفت. از آثار وی: «الکفایهٔ فی علم هیئهٔ العالم»، به زبان عربی؛ «جهان دانش»، به فارسی، که ترجمه‌ی «الکفایهٔ فی علم هیئهٔ العالم» می‌باشد؛ شرح «خطبه‌ی غراء» ابن‌سینا، به زبان عربی؛ «الهادی فی الفروع»؛ «المباحث و الشکوک». از نسبتهایی که در «الذریعه» و «تاریخ ادبیات در ایران»، در مورد کتاب «کفایهٔ التعلیم فی سناعهٔ التنجیم» (که در «کشف الظنون» از تألیفات ظهیرالدین ابوالمحامد محمد بن مسعود بن زکی غزنوی شمرده شده است) آمده، چنین برمی‌آید که ظهیرالدین ابوالمحامد زکی غزنوی با صاحب عنوان یکی و نام کامل وی محمد بن محمد بن مسعود مسعودی باشد. گرچه این نظر از «کشف الظنون» و «تاریخ نظم و نثر» مستفاد نمی‌گردد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۹۵۳ -۹۵۲ ،۳۱۳/ ۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۵)، الذریعه (۹۶ ،۹۰/ ۱۸ ،۲۹۹ -۲۹۸/ ۵)، کشف الظنون (۱۵۰۰ ،۱۴۹۷).

مسعودی هروی، فخرالدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. از معارف و بزرگان هرات و از مشاهیر علما بود. امام شرف‌الدین مسعودی و همچنین عوفی او را ملاقات کرده‌اند. وی شعر خوب می‌سرود و در «لباب الالباب» دو غزل از وی آمده است. از اوست:

ای وصال تو مایه‌ی شادی

وی فراق تو اصل بیدادی

من ندانم که تا بیامده‌ای

عافیت را کجا فرستادی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۸۴۱)، لباب الالباب (۱۶۴ -۱۶۳/ ۲)، هفت اقلیم (۱۴۹/ ۲).

مسعودی، اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اصغر مسعودی

محل تولد : نی ریز فارس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ بعد از اخذ دیپلم تجربی وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه امام صادق (ع) به تصحیل پرداختم و در تابستان همان سال حاشیه و سیوطی را خواندم و از سال دوم در مدرسه امام صادق شروع به تدریس درسهایی که خوانده ام جامع المقدمات و صرف ساده نمودم و تا پایان سطح ، دروس را به صورت جهشی گذراندم.

متاسفانه مدتی از کار علمی صرف جدا به کار فرهنگی در معاونت سازمان تبلیغات اسلامی سنندج و مسئولیت سازمان تبلیغات اسلامی مریوان و مهاباد خدمت نمودم و در سال ۷۲ مسئول نمونه استان کردستان برگزیده شدم. سه کتاب سیمای سنندج ، وضعیت فرهنگی اجتماعی مریوان، وضعیت فرهنگی اجتماعی مهاباد را نوشتم و سپس سیری در مهاباد و جمهوری ۱۹۴۶ را به رشته تحریر در آوردم.

مدتی در قم در ستاد منطقه ۲ کشوری مسئول واحد آموزش و سر دبیر مجله پیک یاران بودم و کتاب پاسداری از حریم کتابت را نوشتم بیش از دو سال از محضر اساتید معظم خارج آیات عظام فاضل ره ، مکارم حفظه الله و سبحانی حفظه الله کسب فیض نمودم.در سال ۱۳۸۲ در دانشگاه باقرالعلوم ع در رشته فلسفه و کلام در مقطع کارشناسی ارشد قبول و در سال ۱۳۸۴ از پایان نامه ام با موضوع سعادت از منظر فارابی و ابن سینا دفاع نمودم و در سال ۱۳۸۴ در جشنواره ممتازین بسیجی و شاهد کشور رتبه سوم کشوری را کسب نمودم.و اکنون با گروه فلسفه و کلام مدرسه حجتیه همکاری و درس فلسفه مقدماتی را تدریس می نمایم. مدتی نیز در دانشگاه پیام نور دروس معارف ، اخلاق کاربردی و کلیات فلسفه را تدریس نمودم.

مسعودی، جهانگیر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جهانگیر مسعودی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای جهانگیر مسعودی در سال ۱۳۴۴ در خانواده‌ای متدین در شهر مشهد به دنیا آمد، ایشان در سال ۱۳۶۰ به حوزه علمیه مشهد راه یافت، مقدمات و سطح را در هشت سال تمام و پس از آن به مرحله عالی راه یافت و در درس خارج آیات عظام، مرتضوی و زنجانی شرکت نمود. ایشان علاوه بر تحصیل علوم حوزوی از تحصیل دروس دانشگاهی غافل نماند و در سال ۱۳۸۲ در رشته فلسفه و کلام اسلامی در مقطع دکتر از دانشگاه تربیت مدرس تهران فارغ‌التحصیل شد، پس از به زادگاه خویش برگشت و بر کرسی تدریس در دانشگاهها نشست. در زمینه پژوهش نیز زحمات فراوانی را متحمل شده که به صورت مقاله و کتاب به جامعه اسلامی عرضه گشته‌اند.

مسعودی، عبدالهادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالهادی مسعودی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۰ هجری شمسی به مدرسه رفتم و در ۱۳۶۲ هجری شمسی دیپلم ریاضی فیزیک گرفتم و پس از یکسال درس مهندسی صنایع در دانشگاه صنعتی شریف، کلیه درس های جدید را رها کرده و به درس حوزه که از دبیرستان آغاز کرده بودم به صورت تمام وقت پرداختم و از محضر اساتیدی همچون پدرم ، مرحوم روشنی ، آیت الله قدیری ، مرحوم پایانی ، آقای نیری همدانی و مرحوم آیت الله زاده اراکی سود بردم پس از اتمام تحصیلات سطح در سال ۱۳۶۹هجری شمسی به درس خارج آیت الله شیخ جواد تبریزی حاضر شدم و دو سال اصول فقه و ۵ سال فقه طهارت و حدود را نزد ایشان تلمذ کردم و سپس به مدت ۸ سال درس اصول آیه الله وحید خراسانی و ۵ سال فقه استاد آیت الله شبیری زنجانی شرکت جستم. از سال ۱۳۶۹ هجری شمسی کار بر روی حدیث را

به صورت جدی و رسمی آغاز کردم و تاکنون به صورت مطالعه و فیش برداری موضوعی کتب حدیث، تبویب و دسته بندی احادیث شیعه و اهل سنت، ترجمه، تلخیص و ... تدوین رساله ها، مقاله ها و کتاب های مربوط به حدیث ، کارهایی ارائه داده ام. همچنین با مراکز مختلف علمی و پژوهشی ارتباط مشورتی داشته و سالهاست در دو حوزه فقه و حدیث، در حوزه و دانشگاه تدریس می کنم . اینجانب در کنار دروس اصلی فقه و اصول اندکی فلسفه و منطق نیز خوانده ام و با کلام نیز به گونه ای مختصر آشنا هستم. همچنین سالهاست که به دلیل ارتباط کاری از قرآن و تفاسیر آن نیز استفاده می برم و به همین دلیل و به دلیل مطالعه احادیث اخلاقی و نه عمل به آن، مطالبی را در رادیو معارف و رادیو قرآن و نیز سیمای جمهوری اسلامی ارائه داده ام. زندگی علمی من در مطالعه حدیث و علوم جانبی آن ، نشر مقالات حدیثی و تدریس فقه و حدیث و سخنرانی و نیز ترجمه احادیث و تلخیص بوده و هم اکنون نیز ادامه دارد

مسعودی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر مسعودی

محل تولد : خمین

شهرت : مسعودی خمینی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۰/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔ الله علی اکبر مسعودی خمینی در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی در خمین متولد شد. پدرش ـ مرحوم غلامعلی مسعودی ـ به پیشهٔ قنّادی روزگار می‌گذراند. جدّ وی به دلیل اینکه گلپایگان دچار قحطی شده بود، به خمین هجرت کرده و در آنجا ازدواج نموده بود. در خلال این سالها، خداوند به وی فرزندی به نام غلامعلی اعطا می‌کند که در خمین به زندگی می‌پردازد. خانوادهٔ آیهٔ الله مسعودی خانواده‌ای ساده و در حدّ متوسط مردم، بلکه پایین‌تر از آنها در زندگی و معیشت بود که در محلّهٔ سبزی کارها می‌زیسته است. آیهٔ الله مسعودی خمینی، در شش سالگی به امر پدر راهی مکتب خانه شد. در خمین مکتب داری زندگی می‌کرد که نام او، شیخ ابوالقاسم بود و حضرت امام خمینی (ره) نیز نزد ایشان درس خوانده بود. در مقطعی که آیهٔ الله مسعودی به نزد ایشان می‌رفت، وی هشتاد ساله بود. حضور در مکتب خانه دو یا سه سال به طول انجامید و پس از آن، وی در مدرسهٔ شش کلاسه‌ای در خمین نام نویسی کرد و چون، سال اوّل را در مکتب گذرانده بود، در پایهٔ دوم به تحصیل پرداخت. از جمله کسانی که در آن دوره در آن مدرسه درس می‌خواندند، آیهٔ الله رضوانی و آیهٔ الله جلالی خمینی بودند که تا پایهٔ پنجم با آیهٔ الله مسعودی، همراه بودند. وضعیت نابسامان معیشتی خانواده، او را بر آن می‌داشت که در کنار درس، به کار نیز بپردازد؛ امّا این مسئله با مخالفت پدر و مادر وی همراه بود. ایشان با وجود کمبودهای مالی، علاقه داشتند که فرزندشان به تحصیل علوم دینی بپردازد و به مسلک روحانیت درآید. علاقهٔ خانوادهٔ ایشان به روحانیت به حدی بود، که با آن وضع اقتصادی، هر شب جمعه از مرحوم سید محمدتقی خوانساری پدر آیت الله حاج سید مهدی خوانساری غضنفری دعوت می‌کردند تا به منزل ایشان بیاید و آبگوشت و نان و پنیری با هم تناول کنند. وارستگی و زهد مرحوم خوانساری، در آیهٔ الله مسعودی تأثیر به سزایی داشت و او را بیش از پیش، به در پیش گرفتن مسیر عالمان ربّانی تشویق می‌کرد. از دیگر کسانی که انگیزهٔ ایشان را برای ورود به حوزه فزونی بخشید، مرحوم حاج شیخ احمد آل طاهر از شاگردان مرحوم عارف واصل آخوند کاشانی در اصفهان بود که برای اقامه نماز و پیشوایی مردم به خمین آمده بود. رفتار و سخنان دلنشین ایشان، کودکِ خردسالِ آن روز را شیفته و حیران خود کرده بود. وی، بعدها جامع المقدمات را نزد ایشان فرا گرفت. با پایان یافتن جامع المقدمات، در سن پانزده سالگی، به اراک رفت و به تحصیل سیوطی و حاشیهٔ ملّاعبدالله پرداخت. با پایان یافتن کتاب معالم، راهی قم شد تا از محضر عالمان آن دیار کسب فیض کند. در قم، مدرسه «دارالشفاء» ساکن شد و با جدّ و جهد دروس سطح را به پایان برد. سپس برای تحصیل درس خارج، از محضر علمای بزرگی همچون امام خمینی (ره) و آیهٔ الله بهجت بهره برد. وی دربارهٔ اولین آشنایی با امام (ره) می‌گوید: «یک بار بنده از خیابان ارم قم عبور می‌کردم. وقتی از کنار مسجد محمدیه رد شدم، صدای غرّایی به گوش من رسید. نگاهی به داخل مسجد افکندم و دیدم که آقایی در حال تدریس است و شاگردان زیادی هم دارد. در کنار در ایستادم تا درس استاد تمام شد. بعد از یکی از شاگردان ایشان پرسیدم که ایشان کیست؟ گفت: حاج آقا روح الله خمینی است». آیهٔ الله مسعودی، در کنار تحصیل فقه و اصول، دروس دیگر حوزوی از جمله فلسفه و تفسیر را در محضر عالمان وارسته‌ای همچون علامه طباطبایی می‌آموخت و در جلسات اخلاقی، استادان بزرگ حوزه همچون حاج آقا حسین فاطمی که شبهای پنج شنبه در منزل جلسه‌ای اخلاقی داشت با جدّیت شرکت می‌نمود تا علم را با عمل توامان سازد. آیهٔ الله مسعودی خمینی در دوران تحصیل خود، به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد. ایشان در خمین، جامع المقدمات را نزد مرحوم شیخ احمد آل طاهر فرا گرفت و بخشی از «صمدیه» را که به دلیل برخورد با فصل تابستان باقی مانده بود، نزد آقای صدر که از اقوام امام (ره) بود، خواند. در اراک، حاشیه ملاعبدالله را نزد سید علی اراکی آموخت و مطول را نزد استاد ارجمند میرزا جعفر سبحانی آموخت و بخشی دیگر آن را نزد آقا شیخ حسین بادکوبه‌ای فرا گرفت. با آمدن به قم، معالم را که در اراک فرا گرفته بود، دیگر بار نزد میرزا جعفر سبحانی آموخت مقداری از شرح لمعه را نزد امام موسی صدر و بخشی را نزد آیت الله شیخ جواد تبریزی خواند و نیز رسائل و

مکاسب را نزد آقایان مشکینی، شیخ اسدالله اصفهانی و شیخ عبدالجواد جبل عاملی اصفهانی فرا گرفت. قسمت عمدهٔ کفایه را نیز نزد شیخ عبدالجواد جبل عاملی اصفهانی آموخت. برای فراگیری منطق، به نزد آقای سید جلال آشتیانی رفت و منظومه را نزد آقای فکور و ملکوتی و نیز حاج آقا رضا صدر فرا گرفت. برای تحصیل اسفار و تفسیر نیز در درس علامه طباطبایی شرکت نمود. وی برای تحصیل درس خارج از محضر عالمان بزرگی همچون امام خمینی (ره)، آیهٔ الله گلپایگانی و آیهٔ الله بهجت بهره برد. وی دربارهٔ درس امام (ره) می‌گوید: «یکی از خصوصیات حضرت امام این بود که شاگردان خود را وادار به مطالعه می‌کرد. دلیل آن هم این بود که حضرت امام در خلال درس از کلمات بزرگانی همچون آقایان نائینی، آقاضیاء عراقی و آقای کمپانی استفاده می‌کردند و لازم بود که شاگردان ایشان به منابع و مأخذ مربوطه رجوع کرده و خود، عین عبارت بزرگان یاد شده را ملاحظه کنند. از دیگر خصوصیات امام این بود که شاگردان را وادار به اظهار نظر می‌کرد و معتقد بود هر یک از آقایان در موردی از موارد که دیدگاهی دارد، باید زمینه را برای اظهار آن مهیا ببینند». دربارهٔ شیوهٔ تدریس آیهٔ الله بهجت نیز می‌گوید: «در خصوص شیوهٔ تدریس آقای بهجت باید بگویم که ایشان بر خلاف سایر آقایان، این گونه نیست که در درس خارجشان، به نقل و نقد نظرات امثال مرحوم نائینی و آقاضیاء عراقی و مرحوم آخوند و مرحوم فشارکی و مانند آن بپردازند. ایشان شیوهٔ دیگری دارند و آن، این است که ایشان بحث را شروع می‌کنند و دیدگاه خود را مطرح می‌کنند و برای آن استدلال می‌کنند. در این حال خود شاگرد باید بررسی کند که دلایل استاد، ردّ نظریهٔ کدام یک از علماست». آیهٔ الله مسعودی خمینی، از محضر چند تن از علما برای امور حسبیّه، اجازه دریافت نمود. اولین اجازهٔ ایشان، از حضرت امام (ره) بود. پس از ایشان نیز، از آقایان گلپایگانی و بهجت نیز اجازه دریافت کرد. وی در دوران تحصیل، با طلاب و فضلای بسیاری رابطه دوستانه داشت که از آن میان می‌توان آیهٔ الله جلالی خمینی، آیهٔ الله رضوانی و آیهٔ الله مصباح یزدی را نام برد. آیهٔ الله مسعودی خمینی در پیش و پس از انقلاب خدمات علمی و فرهنگی شایانی را به جامعه علمی و فرهنگی کشور ارزانی داشت. وی، در حین تحصیل در حوزه علمیه، کتابهایی را که از پیش فرا گرفته بود، تدریس می‌کرد. از جمله کتاب جامع المقدمات را به طلاب نوآموز یاد می‌داد و به تدریس کتاب حاشیه ملاعبدالله در مسجد محمدیه قم می‌پرداخت که با استقبال فراوان طلاب روبه رو شد، به گونه‌ای که مسجد، مملوّ از جمعیت می‌شد. از دیگر کتابهایی که ایشان سالها به تدریس آن مشغول بودند، کتاب شرح لمعه و معالم بود که ثمرهٔ این تلاشها، تربیت طلاب فاضل و با تقوا در حوزه علمیه قم بود. همچنین ایشان در طول این سالها، تألیفات و یادداشتهای فراوانی نیز داشته که از جمله کتاب «خمس» را می‌توان نام برد که بخش عمدهٔ آن در حادثه‌ای از بین رفت و دیگر «تقریر مبحث دماء ثلاثهٔ» امام خمینی (ره) است که به چاپ رسیده است. از خدمات مهم فرهنگی آیهٔ الله مسعودی خمینی، تصدی تولیت آستانه مقدسهٔ حضرت معصومه سلام‌اللهعلیها و خدمات فراوان به آن است. بارگاه ملکوتی حضرت معصومه سلام الله علیها که در روایات آشیانهٔ آل محمد(ص) معرفی شده، یکی از مهم‌ترین پایگاههای شیعه است. عنایت کریمهٔ اهل بیت و فیض حضور او در شهر قم، این شهر را به شهری عالم پرور و سرچشمه مبارزات برای تحقق جمهوری اسلامی ایران قرار داده است و خدمت به این مرکز مهمّ، خدمت به شیعه، حوزه علمیه، انقلاب اسلامی و پاسداشت خون شهیدان راه استقلال و آزادی است. آیهٔ الله مسعودی خمینی، پس از تصدی تولیت آستانهٔ حضرت معصومه سلام الله علیها که با حکم مقام معظم رهبری همراه بود، به عمران و گسترش آن همت گماشتند و با بازسازی و مرمّت بخشهایی از آن، میراث فرهنگی بزرگ شیعه را پاس داشتند. ایشان در طی این سالها، موقوفات آستانه را که بخشی از آن به دلیل اهمال از دست آستانه مقدسهٔ خارج شده بود، به حرم مطهّر باز گرداندند. همچنین با گسترش کتابخانهٔ حرم، هم از نظر مساحت و هم از نظر تعداد کتب پرداختند، به گونه‌ای که کتابخانه را به مکان شایسته‌تر و تعداد کتب را از حدود بیست و دو هزار به شصت و پنج هزار جلد رساندند و حدود پانصد نسخهٔ کتاب خطی نفیس برای آن تهیه کردند. با تلاش و پیگیری ایشان گنبد مطهر حرم پس از دویست و ده سال تعویض و با بهترین طلاـ بازسازی گردید همچنین صحن و مسجد جدید در جوار حرم مطهر که از پروژه‌های معظم در توسعه حرم می‌باشد توسط ایشان بنا گردید. از دیگر خدمات ایشان در این عرصه، راه اندازی انتشارات حرم و چاپ کتب مذهبی متعدد و نیز چاپ نشریه‌ای به صاحب امتیازی آستانه مقدسه بود که زائران حرم مطهّر، از آن بهره می‌برند. حرمی که آشیانهٔ آل محمد(ص) می‌باشد، باید به پیروی از اهل بیت علیهم السلام، رسیدگی به حال محرومان و مستضعفان را سرلوحهٔ کارخویش قرار دهد و پناهگاه نیازمندان و درماندگان باشد. در این زمینه، حرم مطهر، طرحهای گسترده‌ای را به انجام رسانده است که همه حکایت از تلاش بی وقفهٔ مسؤولین آن، بویژه آیهٔ الله مسعودی دارد. از تلاشهای دیگر ایشان در امور فرهنگی آستانهٔ مقدسه، فراهم آوردن زمینه برای بهره مندی زائران از سخنان علماء و واعظان و مداحان برجسته و نیز برگزاری جلسات مختلف، از جمله دعای ندبه، کمیل و توسل بوده است. همچنین ایشان به نگهداری و بهینه سازی موزهٔ حرم مطهر همت ویژه‌ای گماشته، آن را به مرکزی دیدنی و یادگار عشق مردم ایران به خاندان پیامبرگرامی اسلام (ص) تبدیل نموده است. او همچنین اشیاء گران قیمت که در رژیم سابق پراکنده شده بود را به موزه آستانه مقدسه عودت داد. آیهٔ الله مسعودی خمینی، در پیش و پس از انقلاب خدمات سیاسی فراوانی را برای تحقّق انقلاب اسلامی و تداوم آن انجام داده است که ذکر همهٔ آنها در این مختصر نمی‌گنجد. او مانند بسیاری دیگر از عالمان و مجاهدان قرن اخیر، تفکر و خط مشی امام خمینی (ره) را در مبارزه سرلوحهٔ خویش قرار داده و در مواقع حساس و مهم، تابعیت خود را از زعیم عالیقدر شیعه به اثبات رسانده است. شخصیت امام (ره) و شجاعت و صلابت او به حدّی بود که اطرافیان و دیگر مبارزان را سخت تحت تأثیر خود قرار می‌داد. وی دربارهٔ شجاعت امام (ره) می‌گوید: «بنده در مدتی که خدمت ایشان بودم، هرگز مشاهده نکردم که بی دلیل و صرفاً از سرهوای نفس، عصبانی شوند. در عوض هر جا که پای دین و دیانت و حفظ ارزشهای انسانی و اسلامی به میان می‌آمد، رگهای گردنشان متورم می‌شد و فریاد می‌کشیدند. در سنوات مبارزه، شدیدترین اعتراضات را به شاه آمریکایی نمودند؛ امّا در قبال بی مهری دوستان صبور و حلیم بودند. اگر کسی ایشان را آن گونه که در خورشان بود، تعریف نمی‌کرد یا برای مثال به ایشان آیهٔ الله العظمی نمی‌گفت، ایشان به اندازهٔ سرسوزنی دلگیر نمی‌شد و تغییری در رویّه شان مشاهده نمی‌گردید». همچنین دربارهٔ ساده زیستی امام (ره) می‌گوید: «به خاطر دارم که در سنهٔ چهل، و چهل و یک، حضرت امام مُهری در اختیار داشتند که در ذیل جواب به استفتائات و مانند آن، مورد استفاده قرار می‌دادند، منتها برای آغشته

کردن قسمت برجستهٔ مُهر به جوهر، به علت نداشتن استامپ همواره مشکل داشتند و این مشکل را به نحوی تحمل می‌کردند تا اینکه یک بار بنده به ایشان عرض کردم که اگر اجازه بدهید، من کاری می‌کنم که زحمت شما کمتر شود. فرمودند: چه کار می‌کنی؟ عرض کردم، شما اجازه بدهید. مطمئناً راضی خواهید شد. ایشان هم اجازه دادند. بنده استامپی تهیه کردم و در اختیار ایشان گذاشتم. امام از قیمت استامپ سؤال کردند و نگران قیمت بالای آن بودند؛ ولی در نهایت مورد قبول واقع شد و ایشان از آن به بعد، مهرشان را که در سینه آویز کرده بودند، در می‌آوردند و به استامپ می‌زدند و استفاده می‌کردند». آیهٔ الله مسعودی خمینی از سالهای اولیه مبارزهٔ امام (ره) بر ضد رژیم شاه، با ایشان همراه بود و در سخنرانیهای خود همواره شاه و دار و دسته‌اش را منکوب می‌کرد. وی، پس از هجرت امام به نجف، با زحمت فراوان از مرز ایران خارج شد و با تحمل مشقّات در نجف به دیدار امام (ره) شتافت سپس به بیان مشکلات موجود در راه و توسل به امام زمان (عج) برای رهایی از آن مشکلات و رسیدن به نجف پرداخت. امام نیز با شنیدن سخنان او، فرمودند: «هر کس را بخواهند، به مقصد می‌رسانند». پس از بازگشت از نجف، به دستور امام خمینی (ره) عازم سیرجان شد تا به حل مشکلات مردم و آماده‌سازی آنان برای انقلاب بپردازد که این اقامت، چهار سال به طول انجامید. از اقدامات مؤثر ایشان در سیرجان، تأسیس حوزه علمیهٔ آن شهر و نیز دعوت از طلاب و مبلغین قم برای سخنرانی در سیرجان در ایام ماه رمضان، محرم و صفر بود. خدمات ایشان و نیز افشاگریها و سخنرانیهای حماسی، منجر به بازداشت، ممنوع‌المنبر شدن و حتی ممنوع الکلام شدن ایشان شد. از این رو وی را به کرمان برده با آرشام رئیس ساواک وقت روبرو شدند. چند روزی در زندان کرمان مانده لیکن با راهپیمائی مردم سیرجان آزاد شدند و تعهد گرفتند که در سیرجان نمانند. بخشی از فعالیت سیاسی آیهٔ الله مسعودی در دههٔ پنجاه، به مبارزات با جریانات انحرافی و التقاطی معطوف بود. در این دوره آیهٔ الله مسعودی با همراهی آیهٔ الله مصباح یزدی، به افشای طرح دشمن برای تحریف جریان مبارزه و حمایت از تز اسلام منهای روحانیت می‌پرداخت و بر پیروی از خط مرجعیّت و روحانیّت و انقلاب صددرصد اسلامی پای می‌فشرد. از فعالیتهای مهم ایشان در آستانه پیروزی انقلاب، شرکت در تحصن علما در دانشگاه تهران و نیز عضویت در کمیتهٔ استقبال از امام (ره) بود. همچنین آیهٔ الله مسعودی، از افرادی است که در تشکیل جامعه مدرسین و سازماندهی مجدد آن نقش بسزائی داشته است. وی درباره چگونگی تشکیل جامعه مدرسین، می‌گوید: «تاریخچهٔ جامعه مدرسین بسیار جالب است و باید در فرصت مقتضی بدان پرداخته شود. شاید پیش از این گفته باشم که هستهٔ اصلی جامعه، قبل از نهضت امام خمینی نهاده شد. عدّه‌ای از دلسوزان دور هم جمع شدند و در این باره صحبت کردند که حوزه بایستی درب و دروازه داشته باشد و صاحب نظم و انتظامی شود. این هسته عبارت بودند از آقایان: مصباح، رشیدپور، سید ابراهیم خسروشاهی، امینی، مرحوم شیخ محمدعلی قمی و بنده. حدود ده جلسه در خصوص ضرورت تشکیل جامعه مدرسین بحث و تبادل نظر شد و تصمیم بر این شد که نزد بزرگان حوزه و مراجع برویم و به خصوص دربارهٔ سطح پایین اخلاق در حوزه گلایه کنیم و بخواهیم که برای رفع این مشکل اقدامی کنند از این رو چند نفر خدمت حضرت امام و سایر مراجع رسیدند که تنها از سوی حضرت امام جواب مثبت شنیدند... در روز اوّل که بنا شد جلسه جامعه تشکیل شود، به هزار تومان پول نیاز داشتیم و جمع ما که مرکب از حدود چهل تن از علمای بزرگ بود، این وجه را در اختیار نداشتند. آقای مؤمن ابراز کرد که خوب است از شهریهٔ خود آقایان این وجه تهیه شود. هر کدام از اعضا مقداری از این وجه را تقبّل کردند و کار را با هزار تومان شروع کردیم. بحث درباره کارهای مثبت جامعه مدرسین در طول سالهای قبل و بعد از انقلاب بسیار مفصل است». در آن سالها، جامعه مدرسین اقدامات مهمی را بر ضد رژیم شاه به انجام رساند که از جمله می‌توان به خلع ید شاه از حکومت اشاره کرد که موجبات شادی دلِ امام (ره) را فراهم نمود. پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، آیهٔ الله مسعودی، در مدرسهٔ رفاه، در خدمت امام بود و با تشریف فرمایی امام به قم، به همراه ایشان به قم آمد. آیهٔ الله مسعودی در طول سالهای دفاع مقدس، بارها در کنار رزمندگان حضور یافت و همواره مدافع اسلام و انقلاب بود. ایشان هم اکنون تولیت آستانهٔ مقدسهٔ حضرت معصومه را بر عهده دارد و به خدمت به زائران کریمهٔ اهل بیت می پردازد.

مسعودی، محمدمهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدمهدی مسعودی

محل تولد : اقلید

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۷/۳/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب محمد مهدی مسعودی در سال ۱۳۵۷ در اقلید فارس متولد شدم. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را در زادگاهم گذراندم. در سال ۱۳۷۶ در دوره کارشناسی رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد مقدس پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۰ از این دانشگاه با احراز رتبه اول در میان فارغ التحصیلان سال مذکور فارغ التحصیل گردیدم. در همین سال در دوره کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم پذیرفته واز این دانشگاه نیز در سال ۱۳۸۲ با احراز رتبه اول فارغ التحصیل

شدم. سپس به خدمت سربازی رفته و بخشی از آن را در دانشگاه امام حسین(ع) با اشتغال به فعالیتهای پژوهشی و بخش دیگر را در پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه با اشتغال به فعالیتهای اجرایی و پژوهشی گروه الهیات پشت سر گذاشتم. پس از آن مدتی با موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث- دانشکده علوم حدیث قم همکاری نمودم و بالاخره در دوره دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم پذیرفته شدم و هم اکنون در این دانشگاه مشغول به تحصیل می باشم. اینجانب مدتی با دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم و هم اکنون نیز با دانشگاه آزاد واحد اقلید همکاری علمی دارم.

مسعودیان، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد مسعودیان

محل تولد : خمینی شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه علمیه امام خمینی(ره) مشغول تحصیل جامع المقدمات شدم و تا پایان پایه سوم در آن مدرسه حضور داشتم. پس از پایان پایه سوم درس لمعه و اصول فقه را در درسهای استاد محمدی شرکت کردم و سپس رسائل را خدمت همان استاد و مقداری را خدمت استاد اعتمادی تمام نمودم. مکاسب را در درسهای استاد پایانی، استادی، محقق داماد و عراقی‌همدانی و نکونام شرکت کردم.همچنین درسهای لعمه را خدمت اساتید معظم طالقانی، سعیدی، خاتمی، درس کفایه را خدمت استاد موسوی تهرانی و اعتمادی تلمذ نمودم. سپس در سال ۷۱ یا ۷۲ در درس خارج آیت الله مکارم شیرازی (فقه و اصول) شرکت کردم. همچنین در درس اساتید محترمی همچون آیت الله وحید خراسانی و سبحانی نیز شرکت داشته ام. از سال ۱۳۷۶ کار خود را در واحد پاسخ به سوالات (نهاد رهبری دردانشگاه) آغاز نمودم و از سال ۱۳۷۹ (سال تاسیس) واحد پاسخ به سوالات ستاد اقامه نماز را تحت اشراف حاج آقای کلباسی راه اندازی نموده و تاکنون(۲۴/۱۰/۸۵) مشغول خدمت می باشیم.

مسکین اصفهانی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۳ ق)، تذکره‌نویس و شاعر، متخلص به مسکین. وی معاصر دیوان بیگی، صاحب «حدیقهٔ الشعراء» بود و در اصفهان با هم مصاحبت داشتند. او در سرودن انواع شعر دست داشت. از آثارش: «تذکره‌ی مسکین»، تذکره گونه‌ای شامل مقداری از اشعار بیست و پنج تن از شعرای غزلسرای اصفهان، که با قطره‌ی سامانی آغاز می‌شود و به میرزا عبداللّه سرگشته پایان می‌یابد؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۳۴۷ -۳۴۳ / ۱)، حدیقهٔ العشراء (۱۶۳۵ -۱۶۳۳ / ۳)، الذریعه (۱۰۳۸ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۴۱).

مسکین کازرونی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۳۷ ق)، شاعر، متخلص به مسکین و سالک. در اوایل عمر چند سالی در نجف اشرف اقامت داشت. سپس به کازرون رفت. وی در گفتن ماده تاریخ و در قصیده‌سرایی طبعی روان داشت. او قاری قرآن بود و گاهی برای قرائت قرآن در مجالس به او مراجعه می‌کردند. در اواخر عمر سفری به بوشهر کرد و در همان جا درگذشت. اشعاری از وی به جای مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۲۹ -۴۲۶/ ۴).

مسلم ملکوتی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله مسلم ملکوتی

محل تولد : سراب

شهرت : ملکوتی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۳/۱/۱

زندگینامه علمی

حضرت آیهٔ الله میرزا مسلم ملکوتی، در پانزدهم خرداد سال ۱۳۰۳ در حومهٔ شهرستان سراب، واقع در ۱۳۰ کیلومتری تبریز به دنیا آمد. پدرش به شغل کشاورزی روزگار می‌گذراند و دارای تحصیلاتی نیز بود. اشتیاق خانواده آیهٔ الله ملکوتی و نیز علاقه پدر، او را به تحصیل علوم دینی وا داشت؛ به گونه‌ای که در پنج یا شش سالگی نزد عالم محل که خود از منسوبین او بود، توانست نوشتن و خواندن را فرا گیرد و با قرآن مجید و معارف آن آشنا شود و بخشی از قرآن را حفظ کند. آیهٔ الله ملکوتی، با فرا گرفتن قرآن در زادگاه خود به سراب آمد و در آنجا به فراگیری کتابهای متداول ادبی حوزه علمیه، همانند جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، مطول، منطق و اصول فقه پرداخت و در هفده سالگی برای ادامهٔ تحصیل، به تبریز رفت. در حوزه علمیه تبریز، به مدت چهار سال اقامت داشت و از محضر استادان گرانمایه آن دیار همچون مرحوم آیهٔ الله سید مهدی انگجی، مرحوم آیهٔ الله میرزا فتاح شهیدی و مرحوم آیهٔ الله میرزا محمود دوزدوزانی. بهره برد و کتابهای شرح لمعه، رسائل، مکاسب و کفایهٔ الاصول را به پایان رساند. ایشان در طی این سالها، کتابهایی را که پیش‌تر فرا گرفته بودند، به طلابی که تازه وارد حوزه شده بودند، تدریس می‌کردند. با اتمام دوره سطح، در سال ۱۳۲۱ به منظور ادامهٔ تحصیل و بهره‌گیری از محضر عالمان و دانشمندان قم، بدانجا روانه شد. از نخستین روزهای سکونت در شهر قم، به جد و جهد، در درس بزرگان حوزه علمیه حاضر شد و در علوم معقول و منقول، از محضر بزرگانی چون امام خمینی(ره) و علامه طباطبایی بهره برد. سپس به حوزه علمیه مشهد عزیمت کرد و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) از درس بزرگان آن دیار، همچون آیهٔ الله میرزا مهدی اصفهانی استفاده نمود. شوق فراگیری علوم دینی، آیهٔ الله ملکوتی را در سال ۱۳۳۴ به سمت نجف اشرف کشاند. انوار علوی چنان بر سر ایشان سایه افکند که توانست در آن دیار، به درس بزرگانی چون آیهٔ الله سید ابوالقاسم خویی، آیهٔ الله سید محسن حکیم راه یابد و کسب فیض نماید؛ همچنین در این مدت از تربیت شاگردان ممتاز در فقه، اصول، فلسفه، کلام، ریاضی و ... غافل نماند و بدین ترتیب، دین خود را به حوزه علمیه آن دیار نیز ادا کرد. اقامت دوازده ساله ایشان در نجف، در سال ۱۳۴۶ به پایان رسید و ایشان برای سپری کردن اوقات فراغت در تابستان، به ایران آمد. با به پایان رسیدن تابستان، بار دیگر قصد نجف اشرف نمود؛ اما درگیریهای آن روز دولت ایران و عراق که به نا امن شدن مرزها انجامیده بود، او را از تصمیم خود بازداشت و دیگر باز، عازم شهر مقدس قم شد. آیهٔ الله ملکوتی، با ورود به شهر قم، تدریس فقه و اصول را آغاز کرد که با استقبال فراوان طلاب مستعد روبرو شد و نیز ایشان در کنار آن به تدریس فلسفه می‌پرداخت که حاصل آن، ظهور طلابی فرهیخته در حوزه علمیه امروز ماست. دوران تحصیل آیهٔ الله ملکوتی، در محضر بزرگانی سپری شده است که نام هر کدام، همچون ستاره‌ای در آسمان تشیع می‌درخشد. ایشان در تبریز، دروس سطح را نزد مرحوم آیهٔ الله میرزا فتاح شهیدی، مرحوم آیهٔ الله سید کاظم شریعتمداری، مرحوم آیهٔ الله میرزا محمود دوزدوزانی و مرحوم آیهٔ الله سید مهدی انگجی آموخت. با ورود به قم، در درس خارج فقه و اصول آقایان مرحوم حاج میرزا محمد فیض قمی و سید محمد حجت شرکت نمود. با ورود آیهٔ الله بروجردی به قم از درس ایشان نیز بهره برد و در علوم عقلی به درس حضرت امام خمینی(ره) رفت. ایشان از امام(ره) به دقت، جدیت و همت بلند معظم له یاد می‌کند و از سجایای اخلاقی ایشان، حضور دائمی در نماز جماعت را بر می‌شمرد. همچنین ایشان در علوم عقلی از میرزا مهدی مازندرانی، شیخ ابوالقاسم اصفهانی، میرزا مهدی آشتیانی و علامه طباطبایی نیز بهره برده است. در مشهد نیز به درس فلسفه شیخ سیف الله ایسی میانجی و هیأت و ریاضیات شیخ محمد رضا کرباسی رفت و نیز از محضر آیهٔ الله میرزا مهدی اصفهانی بهره‌های فراوان برد. استادان ایشان در نجف، میرزا عبدالهادی شیرازی، سید محسن حکیم، سید محمود شاهرودی و شیخ حسین حلی‌بودند که در درسهای خارج فقه آنان شرکت می‌نموده است و نیز در درس خارج فقه و اصول آیهٔ الله ابوالقاسم خویی حضور مداوم داشته است. ایشان از دوستان دوره طلبگی خود به شیخ اسدالله اصفهانی و آقا سعید اشراقی اشاره می‌کند که همراه با آنها به مباحثه دروس فرا گرفته شده، می‌پرداخته است. آیهٔ الله مسلم ملکوتی طبق سنت حوزه‌های علمیه، هم زمان با تحصیل به تدریس دروس به طلاب بعد از خود می‌پرداخت و در فقه و اصول، فلسفه، کلام، هیأت، ریاضی و ... صاحب شاگردانی زبده بود و سه حوزه قم، نجف و مشهد خاطرهٔ سالها تدریس ایشان را در ذهن دارد. زندگی آیهٔ الله ملکوتی همچون بسیاری دیگر از علمای راستین، با مبارزات و فعالیتهای سیاسی بسیاری همراه بود. در زمان سلطه حکومت ستمشاهی، ایشان لحظه‌ای از مبارزه با آن رژیم سرباز نزد و حتی دیگران را به فعالیت و مبارزه بر ضد شاه تشویق می‌کرد. آیهٔ الله مسلم ملکوتی با تأسیس کتابخانه و صندوق قرض الحسنه المهدی در شهر سراب، زادگاه خود، بر آن شد که با جذب جوانان متدین، آنها را برای مبارزه بر ضد رژیم شاه منسجم و متشکل سازد و در ضمن، مبانی اعتقادات آنها را نیز تقویت کند. از فعالیتهای دیگر ایشان در پیش از انقلاب، عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بود. در آن روزگار، جلسات جامعه مدرسین به صورت مخفی و در خانهٔ افراد عضو، برگزار می‌شد. آیهٔ الله ملکوتی با حضور مستمر در جلسات جامعه مدرسین، امضای نامه‌های آن مرکز در حمایت از نهضت امام خمینی(ره) و تبادل نظر با گروهها و جناحهای سیاسی برای وحدت هر چه بیشتر، نام خود را در شمار یاران باوفای انقلاب و امام(ره) رقم می‌زد. افشاگری‌های ایشان در آن سالها، باعث شده بود که ساواک بارها ایشان را در قم و آذربایجان تحت تعقیب قرار دهد. حضرت آیهٔ الله ملکوتی، در سالهای مبارزه بر ضد رژیم با تبعیت و پیروی محض از فرمانهای حضرت امام خمینی(ره) در برابر گروهها و دسته‌های انحرافی و التقاطی ایستاد و بر اسلامی بودن حرکت، پافشاری نمود. فعالیتهای سیاسی ایشان به پیش از انقلاب محدود نشد. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷، حضور سبز و پر صلابت ایشان در عرصه‌های

گوناگون انقلاب، به بسیاری از مبارزان، امید می‌بخشید. ایشان با شرکت مستمر در دفتر استفتائات امام(ره) به مستحکم کردن پیوند امام و امت و نیز به حل مشکلات فقهی مردم می‌پرداخت و نیز به نمایندگی از طرف امام(ره) برای حل مشکلات مردم آذربایجان و زنجان، به آن دیار شتافت. با شهادت آیهٔ الله مدنی، امام جمعه تبریز، در سال ۱۳۶۰، امام خمینی(ره) آیهٔ الله ملکوتی را به نمایندگی خود در آذربایجان و نیز به عنوان امام جمعه تبریز برگزید. تبریز در آن سالها دست خوش نزاعها و تحریک گروهکهای ضد نظام برای ایجاد یأس از انقلاب اسلامی بود. آیهٔ الله ملکوتی با افشای این دسیسه‌ها و دعوت مردم و گروه‌های هوادار انقلاب به وحدت و یکپارچگی، دشمنان را از رسیدن به اهداف خود مأیوس نمود. ایشان بارها و بارها در خطبه‌های نماز جمعه و دیگر سخنرانیها، مردم را به حضور پر شور در جبهه‌های جنگ و کمک به رزمندگان دلیر اسلام فرا خواند و خود نیز از حمایت مادی و معنوی رزم آوران دفاع مقدس دریغ نورزید. همچنین آیهٔ الله ملکوتی در دورهٔ اول و دوم مجلس خبرگان رهبری، به نمایندگی از طرف مردم آذربایجان شرقی عضویت داشت و خدمات شایانی را در این عرصه نیز به انجام رساند. آیهٔ الله ملکوتی در سال ۱۳۷۳، با دعوت برخی بزرگان حوزه علمیه قم و نیز موافقت مقام معظم رهبری از تبریز به قم آمد و با بر پا کردن درس خارج فقه و اصول، بسیاری از طلاب علوم دینی را شیفتهٔ درس خویش ساخت و بدین وسیله، سیرهٔ علما و دانشمندان این حوزه سترگ را پاس داشت.

مسلمی خوازنی، عبدالرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرضا مسلمی خوزانی

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۰ در آبادان متولد شدم. پدر و مادرم مذهبی بودند در کنار دروس جدید در مکتبخانه‌های قدیمی به فراگیری کتاب آسمانی و قرائت صحیح آن پرداختم در دوران دبیرستان در ایجاد و ترویج مطالعات اسلامی در میان همکلاسی‌ها موثر بودم در مساجد و کانون‌های مذهبی حضور فعال داشتم تدریس قرآن، تفسیر ساده و عقاید از اشتغالات همیشگی‌ام بود. حضور در صحنه‌های انقلاب و بحث ومناظره با مارکسیست‌ها و گروهک منافقین در برنامه‌های کاری ما بود. در سال ۱۳۵۹ دیپلم اقتصاد گرفتم و سریعاً به حوزه علمیه قم وارد شدم دو ماه پس از درس خواندن، جنگ تحمیلی آغاز گردید و بنده به مناطق جنگی رفت و آمد داشتم و به بیان عقاید، تفسیر، اخلاق و احکام برای رزمنده‌ها می‌پرداختم در پایان سال تحصیلی ۶۸ ـ ۶۷ دوره سطح حوزه را به پایان رساندم.در مدرسه حجتیه قم برای طلاب خارجی تدریس عقاید و کلام داشتم. از سال تحصیلی ۷۰ ـ ۶۹ در مدرسه رسول اکرم(ص) شاه ابراهیم و دیگر مدارس حوزه مانند معصومیه بلوار امین و الهادی خاکفرج و... به تدریس عقاید و کلام اسلامی اشتغال داشتم. در سال ۷۰ ـ ۶۹ در دوره تخصصی کلام حوزه شرکت کردم و قبول شدم و دوره از ۷۱ ـ ۷۰ آغاز گردید این اولین دوره تخصصی حوزه بود و آن را با موفقیت کامل در سال ۷۴ به پایان رساندم در تاریخ ۲۵/۱۱/۷۴ رسماً به صورت حق التدریس با دانشگاه شهید چمران اهواز همکاری کردم که این حق التدریس تا الان ادامه دارد فیش‌ها و یادداشت‌های زیادی در مباحث کلامی و تفسیر و منبر دارم که هیچ‌کدام منتشر نشده‌اند. اکثر اوقات بنده به تدریس، سپری شده است و ایام تبلیغی هم به منبر و سخنرانی.

مسلمی شیرازی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. ازشاعران خوش طبع زمان خود بود. ظاهرا وی قبل از تألیف تذکره‌ی «مجالس النفائس» (۸۹۶ ق) فوت شده است. قبرش در اسفراین می‌باشد. بعضی از تذکره‌ها او را مسلمی شیرازی و بعضی مسلمی اسفراینی ذکر کرده‌اند و شیخ آقا بزرگ تهرانی، در «الذریعه»، تحت هر دو عنوان آورده است. صاحب «مجالس النفائس» وی را سید می‌داند. از اوست:

استاد کائنات که این کارخانه ساخت

مقصود عشق بود جهان را بهانه ساخت

روزی که مرغ عشق به عالم گشود بال

جایی ندید در دل ما آشیانه ساخت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۴۰/ ۹)، صبح گلشن (۴۰۷)، فرهنگ سخنوران (۸۴۲، ۸۴۱)، مجالس النفائس (۲۱۹، ۴۵)، هفت اقلیم (۲۵۲/ ۱).

مسیب نژاد، ابوالحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالحسن مسیب نژاد

محل تولد : لاهیجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۷۰-۶۹ پس از اخذ دیپلم از شهرستان محل تولد خود لاهیجان برای شروع تحصیلات در علوم حوزوی وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدارس علمیه کرمانیها، حقانی، معصومیه ، مدرسه آیت الله گلپایگانی دروس حوزوی را تحصیل نمودم.

در مدرسه آیت الله گلپایگانی در دروس محمد جواد فاضل و آقای فقیهی مقداری از کفایه و مکاسب را تحصیل نمودم و در سال ۱۳۸۰ وارد درس خارج اصول آقای صادق لاریجانی شدم و هم اکنون هم در درس خارج صلاهٔ آقای سید محمد خاتمی مشغول به تحصیل هستم همزمان با تحصیلات در بنیاد نهج البلاغه چند سالی به کارهای تحقیقی اجرائی مشغول بودم و در کنار آن با مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه در بخش تحقیقات مشغول به همکاری هستم مدتی هم با مرکز پژوهش های صدا و سیما در مجله ای در قسمت تحقیقات و نوشتن مقاله همکاری کردم. و در ضمن دروس حوزوی در سال ۸۰ وارد رشته تحصیلی کارشناسی فلسفه در دانشگاه مفید شدم و در سال ۸۴ دوره کارشناسی را به پایان رساندم . با دفتر تبلیغات حوزه نیز در بخش انتشارات چند سال است که در قسمت نمونه خوانی و تصحیح مشغول به همکاری هستم.

مسیبی، رضوانعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضوانعلی مسیبی

محل تولد : بابلسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب رضوانعلی مسیبی قبل از هفت سالگی شروع به تحصیل قرآن کریم نموده و بعد از ۷ سالگی وارد مدرسه ابتدایی در شهر بابلسر – مازندران شدم و تا مقطع دیپلم را در همان رشته علوم تجربی به پایان رساندم. سپس در تاریخ ۲۱/۱۰/۶۳ وارد حوزه علمیه قم (مدرسه حقانی) شدم و به مدت ۵ سال و نیم کل دروس مقدمات و سطح را تمام کردم و وارد درس خارج شدم تا الان . از همان اوایل تحصیل درحوزه علمیه قم مشغول تدریس ادبیات شده و سپس به فقه و اصول و ... تا الان که مکاسب، رسائل و کفایه را تدریس می کنم . و چون علاقه وافر به قرآن داشتم از همان اوائل تحصیل در حوزه در جلسه تفسیر قرآن حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت کرده و بهره ها بردم تا الان که مشغول تلمذ در این درس هستم . از طرفی علاقه به معقولات ، اینجانب را به حضور در دروس فلسفه و عرفان کشانده و از این رهگذر حضرت آیت الله حسن زاده آملی بعضی از مجلدات اسفار و مصباح الانس در عرفان را تلمذ کرده و بعضی از مجلدات اسفار را هم نزد آیت الله جوادی آملی تلمذ کردم. بعد از سالها تدریس در فکر قلم زدن در وادی مسائل مبتلا به شدم تا اینکه در تالیف اول (بازگشت به خویشتن یا توبه نصوح) که جنبه تفسیری آن بر اخلاق برتری دارد را ارائه کردم . سپس در مقالات شخصی که بر متون اهل سنت در فقه و حدیث – تاریخ داشتم کتاب دوم را تالیف نمودم . در رهگذر این تدریس و تلمذ و تدریس ، به حفظ قرآن پرداخته و سالها در کتاب شریف نهج البلاغه و صحیفه سجادیه سپری کردم و موضوعات زیادی را یادداشت و جمع آوری کردم که با اندک زحمتی هر کدام به تالیف تبدیل می شوند. تا اینکه پسر ارشدم را در سن ۷ سالگی حافظ کل قرآن – صحیفه – نهج البلاغه (نامه – کلمات قصار) شده است که از قبل دعوت ایشان به داخل و خارج کشور اجرای برنامه های قرآنی – اینجانب هم راهی تبلیغ در این وادی شده واکثر اوقاتم در این مسیر سپری می شود.

مسیح تبریزی، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۴۰ ق)، شاعر، متخلص به مسیح. معروف به کاظم طبیب. وی از معاصران شاه طهماسب دوم صفوی (۱۱۴۵ –۱۱۳۵ ق) بود. مسیح در سرودن قصاید مصنوع و مرصع در مدح سلاطین و امرا و در ساختن ماده تاریخ بناها و جلوس شاهان و امرا مهارت داشت. او قصیده‌ای سروده و در آن تاریخ تسخیر اصفهانی را به وسیله‌ی شاه طهماسب ثانی و بر تخت نشستن وی آورده است. به آوردهٔ تذکره‌ها، او در ۱۱۴۰ ق در تبریز بوده و در همین سال علی پاشا را که به قتل رسانده‌اند، ماده تاریخ قتل او را ساخته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۵۹۰ –۵۸۸/ ۲)، دانشمندان آذربایجان (۳۴۳)، الذریعه (۱۰۴۱/ ۹).

مسیح شرقیان، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم مسیح شرقیان

محل تولد : سادات شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۷/۴/۳

زندگینامه علمی

مادرم را در یک سالگی از دست دادم تا ده سالگی برایم به سختی گذشت در یازده سالگی قرآن آموختم و در دوازده سالگی به مدرسه جدید رفتم تا کلاس چهارم ابتدایی شاگرد ممتاز بودم ولی در سال پنجم پدرم مانع مدرسه رفتن من شد. هم کلاسی هایم به مدرسه می رفتند من شبی تا صبح به مدرسه می رفتم و به خانه برمی گشتم صبح دمید ماه رو به قبله بود من در وسط محل با خدا راز و نیاز کردم که توفیق تحصیل به من بدهد بعد به دینش خدمت کنم و ماه را شاهد گرفتم فردا پدرم ماجرا را به دوستش گفت او چند سال علوم دینی خوانده بود به من گفت من کتاب هایم را به تو می دهم تا پنج سال نیاز به خرید کتاب نداری . مرد نیکی بود تحصیلاتم را در علوم دینی نزد علمای محل شروع کردم تا سال بعد که سال ۱۳۲۴ شمسی بود پدرم مرا نزد جناب آیةالله حاج شیخ علی اکبر اللهیان قدس سره برد که در آن وقت در رامسر بود من و همدرسم مرحوم سید ابوالقاسم الهی نیا مقدمات علم نحو را شروع کردیم و بعدازظهرها هم درس اخلاق از کتاب معراج السعادهٔ ملااحمدنراقی را در نزد جناب حاج شیخ اللهیان می خواندیم و با چند نفر دیگر بودیم. تابستانها جناب شیخ به ییلاق جواهر ده رامسر می رفت ما هم با او به ییلاق می رفتیم و تا سال ۱۳۲۸ هجری در رامسر و در شیخ زاهد محله چابکسر کتابهای مقدمات و سیوطی با حاشیه منطق و شرح تصریف و قدری مطوّل و قدری هم معالم را در علم اصول فقه خواندیم. در ماه رمضان هر سال که معمولاً ـ آن وقتها تابستان بود در ییلاق روزها درس معمولی تعطیل بود ولی شبها علوم قرآن می خواندیم و روزها همان علوم را با جناب شیخ با قرآن تطبیق می دادیم و در طول چهار سال در اثنای دروس کرامات زیادی از جناب شیخ بروز کرد و بنده مخصوصاً در روبروی شیخ می نشستم تا چیزی دریابم در تابستان ۱۳۲۸ به جای ییلاق جواهرده حاج شیخ به طالقان رفت و من نزد برادر بزرگش جناب آیهٔ الله حاج شیخ محمد باقراللهیان درس خواندم و با مشورت او پاییز سال ۱۳۲۸ با دوست و هم مباحثه ام جناب سید محمد(آقانور) میرجعفری به قزوین رفتیم. فردای آن روز در اثر غربت و آینده نامعلوم در گوشه ای از مدرسه التفاتیه قزوین نشسته و فکر می کردم که ناگهان جناب حاج شیخ علی اکبر اللهیان وارد مدرسه شد و با دیدنش شاد شدم و به نزدش رفتم او اول ناراحت شد که چرا از رامسر به قزوین رفتم بعد گفت: خوب شد که به قزوین آمدی و به تهران نرفتی! سپس گفت: توسط دوستانم از متولی مدرسه برایت اجازه سکونت می گیرم که بی اجازه بیش از ۳ روز در مدرسه وقفی سکونت جایز نیست و جناب شیخ همان روز اجازه سکونت را از متولی مدرسه مرحوم صدرالمعانی که مرد با شخصیتی بود گرفت و من از فردای آن روز درسهایم را به ترتیب نزد دانشمندان بزرگوار قزوین شروع کردم: ۱– معانی و بیان را نزددانشمند مرحوم محمدحسین اویسی قزوینی ۲– معالم را نزد زاهد بزرگوار آقاشیخ حسین قدسی ۳– شرح لمعه جلد اول را نزد آقا شیخ محمود آقا شریعت مهدوی ۴– جلد دوم را نزد آقا سید بزرگ علومی ۵– قوانین جلد یک و جلد دو را نزد آیهٔ الله آقا سید محمد تنکابنی ۶– مکاسب شیخ اعظم را هم نزدآقا سیدمحمد تنکابنی خواندم که مرد بسیار شریف و بزرگواری بود ۷– و رسائل شیخ را نزد آیهٔ الله شیخ یحیی مفیدی خواندم ۸– جلدین کفایهٔ الاصول آخوند ملامحمد کاظم خراسانی را نزد علامه بزرگوار و فیلسوف نامدار آیهٔ الله العظمی سیدابوالحسن رفیعی قزوینی اعلا الله مقامه الشریف خواندم. ۹– درس دوره عالی و خارج فقه را نیز نزد علامه آیهٔ الله العظمی رفیعی قزوینی خواندم و تا سال ۱۳۳۸ شمسی که مدت ۱۰ سال گذشت (در این مدت در سال اول در شش ماه اول بسیار برایم سخت گذشت که در شبانه روز یک وعده غذا می خوردم و آن هم تمام شده بود و در شبی از شدت ضعف نماز خواندن بر من سخت شد از قضا شب نهم ربیع بود که عیدالزهرا معروف است و علامه قزوینی طبق معمول آن شب به طلبه های مدرسه چلوکباب می داد و از من هم دعوت شد ولی من با این که دو روز بود چیزی نخورده بودم دعوت را نپذیرفتم چون جناب استاد حاج شیخ علی اکبر اللهیان تنکابنی به من سفارش کرده بود که هرگز غذای مفت نخورم زیرا علم نجیب است و با مفت خوری سازگاری ندارد!... در ضمن تحصیلات قدیم سال دوم ورودم به قزوین کلاس پنجم و ششم را یکدفعه تصدیق گرفتم و دوره تحصیلات متوسطه را نزد آقای احمد سرمدی که پیش من درس عربی می خواند گذراندم و من در

نزد او زبان فرانسه و جبر و مثلثات و فیزیک و شیمی و هندسه فضائی و لگاریتم را آموختم سرانجام در سال ۱۳۳۸ با مشورت علامه قزوینی که چندان راضی نبود که از قزوین بروم ولی با دست خط توصیه مرحوم شیخ علی اکبر اللهیان که از دوستان مرحوم آقای بروجردی بود برای حضرت آیهٔ الله العظمی بروجردی قدس سره در نامه ای نوشت که این طلبه مستعد است!! و همین عبارت جناب شیخ باعث شد که ۳ سال در قم جلو افتادم و بعد از چند ماه نزد آیهٔ الله العظمی سلطانی طباطبایی بروجردی و آیهٔ الله وحید گیلانی امتحان شفاهی از کتاب رسائل و مکاسب شیخ انصاری انجام شد و قبول شدم و امتحان کتبی من هم این بود که درس فقه خارج صلاهٔ یک ماه اخیر آیهٔالله العظمی بروجردی را بنویسم آن هم با زبان عربی و لذا درس خارج فقه آقای بروجردی را به زبان عربی نوشتم و به نظر آقای بروجردی رسید و ایشان نوشتند: خوب است! و همین جمله باعث شد ماه اول بعد از امتحان برایم شهریه مبلغ یکصد و چهل تومان تعیین کردند و مبلغ یکصدو چهل تومان نیز تشویقی دادند. و سپس درسهایم را در قم ادامه دادم. فقه را در محضرت آیهٔ الله العظمی بروجردی (ره) و اصول را نزد آیهٔ الله العظمی امام خمینی (ره) در مسجد سلماسی و فلسفه و حکمت را هم در مسجد سلماسی نزد علامه طباطبایی خواندم و پس از فوت آیهٔ الله بروجردی فقه را نزد آیهٔ الله العظمی گلپایگانی و آیهٔ الله العظمی مرعشی نجفی و آیهٔ الله العظمی اراکی ادامه دادم و پس از تبعید حضرت امام خمینی(ره) در درس اصول آیهٔالله العظمی میرزا هاشم آملی لاریجانی شرکت کردم و ضمناً در دروس آیهٔالله العظمی محقق داماد در درس خارج فقه نیز شرکت کردم. و مدتی نیز در درس آیهٔالله العظمی حاج شیخ مجتبی قزوینی که خواهرزاده استادم حاج شیخ علی اکبر اللهیان تنکابنی بود و نیز در درس حاج شیخ هاشم قزوینی در مشهد شرکت کردم. و در سال ۴۳ با استخاره در نزد علامه طباطبایی به دانشگاه تهران رفتم و در رشته فلسفه و حکمت اسلامی و وعظ و خطابه به همراه دوستانم آقایان ۱–دکتر مصطفی محقق داماد ۲– حجهٔالاسلام ناطق نوری ۳– حجهٔالاسلام مهدی کروبی و جمعی دیگر موفق به کسب مدرک کارشناسی لیسانس معقول و منقول شدم که در سال ۱۳۴۸ فارغ تحصیل شدم و شاگرد ممتاز شدم و از ۲۰ واحد دروس دانشگاهی نمره الف گرفتم و بعنوان تشویق بورس مصر را به من دادند ولی رابطه دولت ایران و مصر در آن زمان تیره شد و بنده نیز به دلیل مشکلات منصرف شدم. و بعد از آن مدت ۳۰ سال و یک روز بعنوان دبیر دبیرستانهای رامسر در درسهای معارف اسلامی و فلسفه و منطق تدریس کردم و معلم نمونه شدم و ۲۰ سال در ضمن استاد معارف اسلامی و اخلاق اسلامی و تعلیم و تربیت اسلامی در دانشکده پرستاری بودم که ریشه های انقلاب اسلامی را نیز در ضمن تدریس بعنوان جزوه درسی تألیف کردم و مدت ۸ سال نماینده مقام معظم رهبری در دانشکده پرستاری بودم و در سال ۱۳۸۲ بازنشست شدم و همزمان ۵۲ سال در مساجد رامسر و حومه به تبلیغ دین مشغول بودم و منبر رفتم و ۴۵ سال امامت جماعت داشتم و ۱۴ سال بعنوان امام جمعه موقت بودم و مدت ۴ سال بعنوان استاد حوزه علمیه خواهران در شیرود تنکابن بودم و نیز ۴ سال بعنوان رئیس شورای حل و اختلاف مستقر در دادگستری تنکابن بودم و ۴ سال نیز است در دانشگاه پیام نور رامسر بودم و در دانشگاه شاهد رامسر تدریس کردم و این عهدی بود که در ۶۳ سال قبل در دوران کودکی با خدای خود بسته بودم و ان شاءالله وفا کردم و خداوند قبول فرماید و توفیق بیشتر هم لطف بفرماید برای بعدها بحق محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم – والسلام علیکم و رحمهٔالله.

مسیح کاشانی، رکن‌الدین مسعود

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۶۶/ ۱۰۵۷ ق)، طبیب، خطاط و شاعر، متخلص به مسیح. معروف به حکیم رکنای کاشانی. وی مسیحا و مسیحی نیز تخلص می‌کرد. اصلش از شیراز بود و در کاشان به دنیا آمد. از مشاهیر شعرای عصر خود و در طب و فلسفه و حکمت ماهر بود. خاندانش از دیرباز پیشه‌ی پزشکی داشتند و پدرش در عهد شاه طهماسب سه سال طبیب دیوان بود و مدتی نیز در دربار سلطان محمد خدابنده طبابت می‌کرد. مسیح کاشانی نیز از آغاز جوانی در طبابت و شاعری مشهور شد. وی از ملازمان و مقربان شاه عباس اول بود و در همین زمان به استقبال «خسرو و شیرین» حکیم نظامی، به نام شاه، منظومه‌ای سرود و نام آن را «مجموعه‌ی خیال» نهاد و در عین حال قصیده‌هایی نیز در مدح پیامبر و ائمه‌ی اطهار (ع) سرود. در «تذکره‌ی میخانه» آمده که شاه عباس سه روز در کاشان مهمان وی بوده و او در این ایام به امر شاه «دیوان» بابافغانی را غزل به غزل جواب گفته است. وی در هنر خوشنویسی نیز دست داشته و نستعلیق را خوش می‌نوشته است. رکن‌الدین مسعود پس از مدتی به هندوستان رفت و ملازم اکبرشاه گشت و سپس به اللّه‌آباد سفر کرد و ملازم و مداح جهانگیر پادشاه شد. بعد از آن به چند شهر دیگر هند سفر نمود و در نهایت دوباره به دربار جهانگیر پادشاه بازگشت و در زمان جلوس شاه جهان در خدمت وی به سر برد. در ۱۰۴۱ ق از دربار شاه جهان به زیارت خانه خدا رفت و ضمنا به مشهد مقدس مشرف شد. بعد از مدتی اقامت در مشهد به کاشان و اصفهان رفت و چون شاه صفی به او توجه ننمود به شیراز سفر کرد و آخرالامر به کاشان بازگشت و تا هنگام فوت در آنجا به سر برد. از شاگردان او می‌توان صائب تبریزی، شاعر معروف، را نام برد. از شاگردان او می‌توان صائب تبریزی، شاعر معروف، را نام برد. ملکشاه حسین سیستانی شاگرد دیگر مسیح است که بعد از ستایش استاد خود می‌گوید که وی در قصیده از خاقانی پیروی می‌کرده است. بطور کلی تذکره‌ها سروده‌های او را تا صد هزار بیت نوشته‌اند. از دیگر آثارش: مثنوی «قضا و قدر»؛ «ساقی نامه»؛ منظومه‌ای در برابر «مخزن الاسرار»؛ سه «دیوان» شعر، یکی در ایران و دو تا در هند، شامل قصیده و غزل و رباعی و قطعه. تقی‌الدین کاشی کتابی به نام «ضابطهٔ العلاج» را در طب، که به زبان عربی است، به او نسبت می‌دهد. تعدادی از تذکره‌ها او را مسیح ثانی نامیده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۰۲ -۹۰۱/ ۳)، ارمغان (س ۵، ش ۷ و ۸، ص ۴۳۸ -۴۳۷)، ایضاح المکنون (۵۳۰/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۰۳ -۱۱۹۳/ ۵)، تذکره‌ی میخانه (۵۲۲ -۴۹۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۱۷ -۲۱۴)، الذریعه (۲۸۴، ۲۶۴/ ۱۹ ۱۴۶،/ ۱۷ ،۱۱۵/ ۲۱ ،۱۰۴۳ -۱۰۴۱ ،۳۸۳ ،۳۸۲/ ۹)، ریاض العارفین (۲۳۲ -۲۳۱)، ریحانه (۳۱۳ -۳۱۲/ ۵)، سرو آزاد (۹۰ -۸۹)، صبح گلشن (۴۱۰ -۴۰۸)، فرهنگ سخنوران (۸۴۳ -۸۴۲)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۲۵۲۸ -۲۵۲۷/ ۳)، کاروان هند (۱۳۰۵ ،۱۲۹۳/ ۲ ،۹۰ -۸۹/ ۱)، مجمع الخواص (۵۶ -۵۳)، منظومه‌های فارسی (۵۳۳ -۵۳۲)، نتایج الافکار (۶۴۳ -۶۴۰)، هفت اقلیم (۴۶۶ -۴۶۴/ ۲).

مسیحا فدشکویی، محمد مسیح

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۲۷ ق)، فقیه، ادیب و شاعر، متخلص به معنی. در فسا به دنیا آمد. در شیراز و اصفهان درس خواند. در سرودن شعر به دو زبان عربی و فارسی مهارت داشت. در اشعار عربی مسیح و در اشعار فارسی معنی تخلص می‌کرد. آخوند مسیحا از شاگردان آقا حسین محقق خوانساری بود که به درجه‌ی اجتهاد رسید و چندین سال منصب شیخ الاسلامی ایالت فارس را داشت. در اواخر عمر در سنین نود سالگی به فسا بازگشت و در قریه‌ی فدشکو درگذشت. در «تذکره‌ی نصرآبادی» سال مرگش ۱۱۱۵ ق ذکر شده است. وی به عربی قصیده‌ای در مدح حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) گفته است. از دیگر آثارش: «حواش علی الحواشی الخفریه علی شرح التجرید»؛ «اثبات الواجب تعالی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۸۴ -۸۳)، اعیان الشیعه (۵۶ /۱۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۷ -۳۱۶ /۵)، تذکرهٔ المعاصرین (۱۱۱ - ۱۰۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۷۴)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۴ -۳ /۱)، الذریعه (۱۰۷۵ -۱۰۷۴ ،۱۰۶۵ /۹ ،۱۰۹ /۱)، ریحانه (۳۸۵ ،۳۱۴ /۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۲۵ -۷۲۳ /۱۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۳۹۲ /۲)، فرهنگ سخنوران (۸۶۲)، فوائد الرضویه (۶۴۳)، لغت‌نامه (ذیل/ معنی فسایی)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۱ -۱۹۰ /۵)، مرآت الفصاحه (۵۸۷ -۵۸۵)، معجم المؤلفین (۲۲ /۱۲).

مسیحا کاشانی، محمد مسیح

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۱۵ ق)، شاعر، متخلص به صاحب. معروف به ملا مسیحا. اهل کاشان بود. او از شاگردان آقا حسین محقق خوانساری و نیز داماد وی بود. آخوند مسیحا در نظم و نثر مهارت داشت و به فارسی و عربی شعر می‌سرود. بعضی از تذکره‌نویسان وی را با همنام و همتای فسوی‌اش، آخوند مسیحا فدشکویی، یکی دانسته‌اند. از آثارش: «التحفهٔ السلیمانیهٔ»، ترجمه «الارشاد» شیخ مفید به فارسی برای شاه سلیمان صفوی که در ۱۳۰۳ ق چاپ شده؛ «دیوان صاحب کاشانی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۵۶ /۱۰)، تذکره‌ی روز روشن (۴۵۷ -۴۵۶)، تذکرهٔ المعاصرین (۱۲۳ -۱۲۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۷۵)، الذریعه (۵۷۶ /۹ ،۴۴۲ /۳)، ریحانه (۳۱۴ -۳۱۳ /۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۲۵ /۱۲)، فرهنگ سخنوران (۵۳۵).

مسیحی تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از بازرگانان ارامنه‌ی تبریز است که در کنار پیشه‌ی تجارت به شاعری نیز می‌پرداخته است. از احوال وی اطلاع چنداین در دست نیست. از اوست:

ای دلبر عیسی نفس ترسایی
خواهم که مرا به خانه بی‌ترس آیی
گه چشم ترم به آستین پاک کنی
گه بر لب خشک من لب ترسایی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۴۲ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۷۰۵)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۵۹۱ -۵۹۰ / ۲)، دانشمندان آذربایجان (۳۴۳)، ریحانه (۳۱۵/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۸۴۳).

مسیحی جرجانی، ابوسهل عیسی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۰۱ ق)، پزشک، فیلسوف و ریاضیدانان. در گرگان متولـد شد و سالهای نخست زندگی خود را در بغداد گذراند، در همان جـا به فراگیری دانشـهای زمان خود پرداخت، سپس به گرگانـج رفت و به دربار ابوعلی مأمون بن محمـد خوارزمشاه راه یافت و به زودی به مقامی بلند رسـید. برخی از تاریخ نگاران که پزشکانی به نام نیز بودند ابوسـهل را اسـتاد ابن‌سـینا در پزشکی می‌دانند، اما ابن‌سـینا دربـاره‌ی فراگیری پزشـکی از کسـی نـام نـبرده و گفته است چون این دانش چنـدان دشوار نیست، من در انـدک مـدتی بر همه‌ی آن آگاه شدم. ابوسهل در پزشکی از پیروان جالینوس بود، و در فلسفه نیز جایگاهی ویژه داشت. برخی آثار وی عبارت است از: «المائهٔ فی الطب»؛ «کتـاب فی العلم الطبیعی»؛ «طب کلی»؛ «مقـاله فی الجـدی یـا آبله»؛ «اختصـار کتـاب المجسـطی»؛ «کتـاب فی الوباء»؛ «تعبیر الرویا»؛ «منافع الاعضاء»؛ «فی اظهار کلمهٔ الله تعالی فی خلق الانسان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الاعلام (۲۹۸ -۲۹۷ /۵)، تاریـخ ادبیـات در ایران (۳۴۶ /۱)، تاریـخ الحکماء قفطی (۵۴۹)، تاریـخ طب (۶۷۶ /۲)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۲۵۰ -۲۴۹)، چهارمقاله (۱۱۰)، دایرهٔ المعارف فارسی (۳۲/۱)، ریحانه (۱۴۸ /۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوسهل)، کشف الظنون (۱۵۷۶، ۱۴۹۸، ۴۱۶)، معجم المؤلفین (۳۵ /۸)، الملل و النحل (۳۶۹)، نامه‌ی دانشوران (۶۱ -۵۷ /۱)، هدیهٔ العارفین (۸۰۶ /۱).

مشایخی، علینقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مدیریت اقتصاد، دانشکده: مهندسی صنایع، دانشگاه: صنعتی شریف

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات عالی و دکترای مدیریت از دانشگاه MTT آمریکا.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه صنعتی شریف.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انتقـال و توسـعه تکنولوژی، مـدیریت شـرکتهای دولـتی، توسعه اقتصـادی مـدیریت استراتژیـک، دینامیـک سیسـتمهای اقتصـادی و اجتمــاعی، تجزیـه و تحلیـل سیاســتهای ارزی، بهبـود مــدیریت طرحهـای عمرانی کشـور، تــدریس دروس مــدیریت استراتژیـک، بودجه‌ریزی و کنترل، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۱ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

استراتژی توسعه اقتصادی ایران بر مبنای نفت.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

مدیریت، توسعه اقتصادی و سیستمهای دینامیکی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مشایخی، قدرت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قدرت الله مشایخی

محل تولد : گلپایگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب قـدرت الله مشایخی در سال ۱۳۴۲ بعـد از تحصـیلات ابتـدایی وارد مدرسه علمیه خوانسار شدم و کتاب جامع المقدمات را

نزد مرحوم آیت الله حاج آقا حسن علوی فرا گرفتم و در سال ۱۳۴۴ وارد حوزه علمیه اراک و سیوطی و حاشیه را نزد آقای رفیعی در مدرسه آقا ضیاء الدین گذرانده و در سال ۱۳۴۵ وارد حوزه علمیه قم و کتاب مغنی را نزد حاج سید حسن درچه ای و آقای فشارکی و معالم الاصول را نزد آقای اشکوری و مطول را نزد آقای دوزدوزانی و شرح لمعه را نزد آقای ستوده و سید ابوالفضل موسوی و قوانین را نزد آقای اعتمادی مکاسب را نزد آیت الله سلطانی و آیت الله فاضل لنکرانی و رسائل را نزد آیت الله سبحانی گذرانده و کفایه را نیز نزد آیت الله سلطانی و آیت الله مشکینی . سپس درس خارج حوزه را مدتی در خدمت مرحوم آیت الله داماد و آیت الله حاج آقا مرتضی حائری گذرانده و مدتی نیز درس اصول آیت الله حاج شیخ هاشم آملی و آیت الله حاج میرزا جواد تبریزی و خارج فقه را سال های متمادی نزد حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی فرا گرفتم . در درس فلسفه مدت ۸ سال خدمت آقای حسن زاده آملی اسفار شرکت کردم . مدت کوتاهی در یک تابستان مسائل مستحدثه را نزد حضرت امام خمینی رحمه الله علیه آموختم .

در خلال این سنوات همیشه در ماه های تبلیغ محرم و صفر و رمضان را مشغول منبر و تبلیغ در شهرهای مختلف کشور و در حدود چند سالی اداره کلاسهای فن خطابه دفتر تبلیغات اسلامی را به عهده داشتم . بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و بازگشایی دانشگاه ها از سال ۱۳۶۲ بنا به دعوت شورای انقلاب فرهنگی وارد دانشگاه الزهراء شدم چند سالی را به تدریس دروس معارف اسلامی مشغول بودم و بنا به تقاضای دانشگاه از سال ۱۳۷۰ از طریق شرکت درخبرگان بی مدرک جزء هیئت علمی دانشگاه الزهراء ، دانشکده الهیات در گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی قرار گرفتم و اکنون هم جزء هیئت علمی این دانشکده در دانشگاه الزهراء می باشم و تقریبا اوقات درسی نیمی ازهفته را در آنجا و نیمی ازهفته را نیز در حوزه علمیه قم اشتغال دارم . در دوران تحصیل درحوزه گذشته از اداره کردن کلاس های فن خطابه درس های اعتقادی مدرسه حقانی و همچنین درس لمعه و عروه الوثقی را در مدرسه آیت الله گلپایگانی تدریس داشتم و در مدرسه فاطمیه درس هائی ازنهج البلاغه را تدریس می کردم که جزوه های آن را هر هفته بین طلاب تقسیم می کردند و در این بحث ها نامه امام به مالک اشتر و وصیتنامه آن حضرت به امام حسن مجتبی علیه السلام مورد بحث و تدریس قرار می گرفت .

در حال حاضر در دانشگاه قواعد فقه ، احادیث فقهی ، مبادی فقه ، مبادی اصول و فقه تطبیقی که عبارت از فقه مذاهب خمسه می باشد را تدریس می کنم و در بسیاری از این درس ها مثل تاریخ اسلام ، معارف اسلامی و سوره های متعددی از تفسیر قرآن جزو ه هایش موجود است . روزهایی را که در حوزه هستم در درس فقه آیت الله حاج شیخ میرزا جواد تبریزی شرکت می کنم و مشغول تکمیل جزوه های گذشته و بحث هائی در نهج البلاغه هستم .

مشائی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمد رضا مشائی معروف به شهاب در سال ۱۳۱۰ درشهر یزد بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته فلسفه اسلامی از دانشکده الهیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵ است. وی در سال ۱۳۵۰ در دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد به عنوان مربی استخدام شد و پس از طی مراتب علمی به ترتیب استادیاری ،دانشیاری به درجه استادی این دانشکده نائل آمد.و در سال ۱۳۸۲ به درجه بازنشستگی نائل گشت.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیگرایش : منطق و کلاموالدین و انساب : پدر دکتر مشائی مرحوم آقا شیخ مرتضی مشائی از دودمان صحابی معروف ،حبیب بن مظاهر (رضی الله عنه) و از خاندان روحانی متوفی در سال ۱۳۲۱ در سن ۴۰است. مادرش صبیه مرحوم آیه الله حاج میرزا و از طرف مادری از دودمان پیامبر گرامی اسلام(ص) می باشد.دایی دکتر مشائی مرحوم آیه الله پویا می باشد .او روحانی بزرگ و دارای تالیفات متعدد به زبان انگلیسی و غیره و ساکن هند و اخیرا در پاکستان بود.او صاحب روزنامه مسلم است.خاطرات کودکی : محمد رضا مشائی از کلاس پنجم و ششم ابتدایی ، داستانهای" موش و گربه عبید زاکانی "وداستان مربوط به"قاضی و مردی که دارای کیسه زر بود" را به یاد دارد او همچنین از بیمار شدن پدرش که پس از انتقال به اصفهان تحت معالجه قرار گرفت ولی معالجات کار ساز نبود و بالاخره در سن ۴۰ سالگی فوت کرد خاطره تلخی بیاد دارد.دکتر مشائی از دیگر خاطرات خود چنین می گوید": در حدود ۱۱ سالگی در یک جوی آبی که حدود ۲۵ متر عمق داشت سقوط کردم که پس از نجات و در جریان معالجه تا چند سال عوارض آن روی من باقی مانده بود".اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر محمد رضا مشائی روحانی بود و به تحصیل علوم دینی مشغول بود و ثروت زیادی هم را به ارث برده بود و از فروش آنها هزینه زندگی خود و خانواده و شش فرزند را تامین می کرد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات محمد رضا مشائی به قرار زیر است: – تحصیلات علوم دینی از سال ۱۳۲۴ : مقدمات (صرف ،نحو،منطق و معانی بیان)،معالم الاصول،نزد مدرسان خصوصی – تحصیلات کلاسیک متوسطه در سال ۱۳۲۹ بصورت متفرقه ،دیپلم پنجم علمی در سال ۱۳۳۱،ششم ادبی در اصفهان در سال ۱۳۳۲ – شرکت در کلاس درس ایه الله میلانی و اخذ مدرک کارشناسی علوم معقول در سال ۱۳۳۹ – شرکت در دوره دکتری در سال ۱۳۴۲ و اخذ دکتری رشته الهیات در سال ۱۳۴۵ – کارشناسی ارشد رشته فلسفه در سال ۱۳۵۰خاطرات و وقایع تحصیل : محمد رضا مشائی بخاطر اینکه زبان انگلیسی را در کلاس شهید دکتر بهشتی گذرانده بود بیشتر اساتید در دوره های کارشناسی و دکتری با ایشان در مورد مطالب درسی (بیشتر کتب بزبان انگلیسی بود) مشورت می کردند. دکتر مشائی در دوره های کارشناسی و دکتری بعنوان شاگرد و دانشجو ممتاز معرفی شد ولی بعلت مسائل سیاسی از معرفی او امتناع کردند.فعالیتهای ضمن تحصیل : محمد رضا مشائی در کنار تحصیل به یادگیری زبان انگلیسی و آموزش ماشین نویسی می

پرداخت که در این راستا ۱۶ حرف را در یک دقیقه وارد می کرد و در نتیجه گواهی درجه یک را اخذ کرد.او همچنین به تدریس کتب دینی همچون صرف میر ،هدایه و سیوطی و غیره بصورت آزاد برای طلاب و تدریس خصوصی عربی برای داوطلبان کنکور و غیره می پرداخت.استادان و مربیان : از اساتید محمد رضا مشائی می توان از مرحوم آقای بروجریدی ،مرحوم حاج آقای مرتضی حایری،مرحوم علامه طباطبائی و مرحوم حاج آقای یزدی (حوزوی) و مرحوم دکتر مجتهدزاده ،آقای واعظ زاده ،دکتر صدیقی و دکتر سکوت و غیره (اساتید دانشگاهی) نام برد.هم دوره ای ها و همکاران : مرحوم دکتر شفایی،آقای عطایی(کارشناسی) دکتر شیخ ،مرحوم دکتر باهر (دکتری) ، دکتر احمدی ، ضیاء شهابی(کارشناسی ارشد)از همدوره ایهای محمد رضا مشائی بوده اند.همسر و فرزندان : دکتر مشائی متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم فرهنگ (دارای سیکل متوسطه و خانه دار) و سه فرزند دختر می باشد که به ترتیب دارای تحصیلات و سمتهای زیر می باشند: – عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه فردوسی مشهد – جراح و پزشک متخصص زنان و ساکن کرمان – عضو هیئت علمی پژوهشی وزارت جهاد کشاورزیمشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای اداری محمد رضا مشائی به قرار زیر است: – مدیر گروه کلام و فلسفه دانشگاه فردوسی مشهد بمدت ۳ سال – معاون دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد بمدت یک سال – معاون آموزشی دانشگاه فردوسی مشهد بمدت ۶ سال – سرپرستی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد بمدت شش سال – عضو هیئت ممیزه دانشگاه فردوسی مشهد بمدت شش سال – عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه فردوسی مشهد – منشی دفتر اسناد رسمی از سال ۱۳۲۳–۱۳۲۸ – دبیر و عضو کمیته منتخب الهیات – عضو کمیته تخصصی علوم انسانی هیئت ممیزه بمدت ۱۲ سال – سرپرستی حوزه علوم دینی یزد(با موافقت دانشگاه بصورت رفت و برگشت) – سرپرستی مدرسه علمیه آیه الله صدوقی در مشهد – عضو کمیته برنامه ریزی دانشکده های الهیات کشور – عضو موسس دانشگاه علوم اسلامی رضوی – عضو هیئت امنای و نیز تدوین کننده برنامه ریزی درسی دانشگاه علوم اسلامی رضوی – عضو شورای علمی امور فرهنگی آستان قدس رضوی (ع) – عضو هیئت تحریریه مجله مشکوه بمدت چندین سالفعالیتهای آموزشی : محمد رضا مشائی از اسفند ۱۳۴۴ تا مهر ۱۳۵۰ در محلات دبیر بودند او در سال ۱۳۵۰ با عنوان مربی در دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد استخدام شد و پس از طی مراتب و مدارج علمی به ترتیب از استادیاری ،دانشیاری به درجه استادی نائل آمد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : دکتر مشائی آموزشگاه عالی خیام را در مشهد تاسیس کرده است.جوائز و نشانها : محمد رضا مشائی بخاطر شاگرد اولی در دوره کارشناسی مدال اول فرهنگ را دریافت کرده است.چگونگی عرضه آثار : محمد رضا مشائی دارای هفت مقاله چاپ شده و ده کتاب که یکی چاپ شده و یکی در شرف چاپ و بقیه نیمه تمام است.او استاد راهنمای بیش از ۳۱ پایان نامه کارشناسی ،کارشناسی ارشد و دکتری می باشد.آثار : ترجمه کتاب کافیه ابن حاجب در دو جلد که یک جلد ان تمام شده است. تصحیح و تذییل و نشر نسخه منظومه اعرجی (در منطق) ویژگی اثر : منتشر شده در نشریه هشت دانشگاه مک گیل کانادا–۳ تصحیح و ترجمه تذلیل کتاب جوهر النضید در منطق ویژگی اثر : تالیف خواجه طوسی و علامه حلی– دارای دوجاد که جلد اول آن در شرف اتمام می باشد۴ تصحیح و حواشی و ترجمه شرح باب حادی عشر ، جمع غلطهای مستعل در محاورات،نوشته ها و علوم انسانی ، حواشی بر منطق مظفر ، سرگذشت مذهب دری از قدیم تا کنون که قرار بود از طرف دانشکده الهیات بچاپ برسد ، شواهد النحوین ویژگی اثر : ترجمه و شرح کلیه مثالهای کتاب معروف به سیوطی۹ فرهنگ و اصطلاحات و ضرب المثلهای یزد ویژگی اثر : این کتاب در ضمن حدود سی سال بتدریج ضبط شده و حدود دو جلد می باشد۱۰ منطق به زبان عربی ویژگی اثر : برای دانشجویان دانشکده الهیات کشور و احتمال جوزه های علوم دینی که نیمی از آن تالیف شده است.

منابع زندگینامه :تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر محمد رضا مشائی بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی– زمستان ۱۳۸۶

مشتاق اصفهانی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۷۱/ ۱۱۷۰/ ۱۱۶۹ –۱۱۰۱ ق)، شاعر، متخلص به مشتاق. از سادات حسینی و از شعرای مشهور عهد نادرشاه افشار بود. وی در اصفهان به دنیا آمد و نشو و نما یافت و از جوانی به سرودن شعر پرداخت. او از بنیان گذاران دوره‌ی بازگشت بود و از سبک عراقی پیروی می‌نمود. از معاصرین او آذر بیگدلی، هاتف اصفهانی و صهبای قمی و غیره بودند که مشتاق را استاد خود می‌دانستند و در محضر او فنون شاعری را آموختند. وی آنگاه که وضع آشفته‌ی شعر و ادب را مشاهده کرد با جمعی از دوستانش در اصفهان انجمنی تشکیل داد که به انجمن مشتاق معروف گشت و شعرای بسیاری را در آن انجمن جمع کرده بود. وی برای بازگشت سبک هندی به سبک عراقی تلاش بسیار کرد. مشتاق در زادگاهش درگذشت و در تخت فولاد به خاک سپرده شد. از آثار وی «دیوان» شعری است که نزدیک به شش هزار بیت می‌باشد و بعد از فوتش هاتف و آذر و صهبا آن را جمع‌آوری و تدوین نمودند. صاحب «نگارستان دارا» به اشتباه تاریخ وفات او را ۱۱۰۶ ق آورده است.[۱]

(و. ۱۱۰۱ ه.ق اصفهان ف. ۱۱۷۱ ه.ق اصفهان.) میر سید علی حسینی اصفهانی معروف به مشتاق از شعرای قرن دوازدهم هجری است. وی ابتدا به سبک متأخران شعر می‌گفت سپس در حلقه احیاکنندگان سبک شعرای متقدم درآمد. معاصران وی از جمله آذر، هاتف، صهبا به استادیش در شعر معترف بوده‌اند. دیوان وی شامل شش هزار بیت است. اشعارش دارای مضامین تازه، نغز و مشحون از صنایع لفظی و معنویست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] پژوهشی در نثر و نظم دوره‌ی بازگشت ادبی (۳۰۲ –۲۹۳)، تذکره‌ی روز روشن (۷۴۰ –۷۳۸)، تذکره‌ی القبور

(۵۵۲، ۳۴۰)، دایرةالمعارف فارسی (۲۷۷۸ –۲۷۷۷/ ۲)، الذریعه (۱۰۴۴ –۱۰۴۳/ ۹)، ریحانه (۳۱۶/ ۵)، سفینهٔ المحمود (۲۹۹ –۲۹۵/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۸۴۴)، گنج سخن (۱۳۳ –۱۳۰/ ۳)، لغت نامه (ذیل/ مشتاق اصفهانی)، مجمع الفصحا (۹۳۰ –۹۲۸/ ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۳۹۹/ ۴)، نتایج الافکار (۶۶۵ –۶۶۴)، نگارستان دارا (۲۴۹ –۲۴۷).

مشتاق تویسرکانی، نصیرا

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به مشتاق. در تویسرکان به دنیا آمد و به آورده‌ی نصرآبادی مدتی قبل از تحریر «تذکره‌ی نصرآبادی» (تألیف شده در ۱۰۸۳ ق) به اصفهان رفته و مقیم آنجا شده بود. وی از شاگردان آقا حسین محقق خوانساری بود و شعر نیز می‌سرود. از اوست:

شاید آن سنگین دل از خاک تو روزی بگذرد

از تف دل شیشه کن سنگ مزار خویش را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۹۶)، الذریعه (۱۱۹۸ –۱۰۴۴/ ۹)، صبح گلشن (۴۱۳)، فرهنگ سخنوران (۸۴۴).

مشتاق، شاهمراد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۰۰، کرمانشاه.

درگذشت: اواخر تیر ۱۳۶۲، کرمانشاه.

شاهمراد مشتاق مشهور و متخلص به «شامی» سه ساله بود که به علت بیمای آبله از هر دو چشم نابینا شد. در خردسالی مادرش درگذشت و در سن سیزده سالگی پدرش را نیز از سدت داد و به این ترتیب تحت سرپرستی فردی به نام امان‌الله معتضدی قرار گرفت. «شامی» که هرگز به مکتب نرفت و درسی نیاموخت، به فراگیری شعرهای شعرا کرد پرداخت و اشعار بسیاری را حفظ کرد. بعدها متوجه شد که خود می‌تواند شعر بگوید. در جوانی به دستفروشی پرداخت و زندگی محقری برای خود تشکیل داد. «شامی» اشعار زیادی داشت و چون کسی نبود که آنها را برایش بنویسد به گفته خودش، یا آنها را فراموش کرد یا از بین رفته است. دیوان مختصری از این شاعر در پاییز سال ۱۳۶۲ در تهران به چاپ رسید اما چند روز پیش از آن که دیوانش از طبع خارج شود بر اثر بیماری مزمنی در کرمانشاه جان سپرد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مشتاق، علی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دیگر از مدفونین در این بقعه: میر سید علی مشتاق، شاعر و ادیب، و از بزرگان شعرا و ادبا است که در اصفهان انجمن ادبی داشته، و در برگشت سبک نامطلوب هندی به سبک عراقی رنج‌ها برده، تا بالاخره به کمک دوستان و شاگردان خود موفق گردیده است.

در حدود سال ۱۱۰۰ متولد، و در ۱۱۷۱ وفات یافته.

ماده تاریخ وفاتش را رفیق گفته:

«جای مشتاق در جنان بادا.»

دیوانش به طبع رسیده. از اشعار اوست:

دلم دانسته در دام تو افتاد

تو پنداری که صید غافلی بود

در مقدمه‌ی دیوان مشتاق درباره‌ی آرامگاه او گوید: در تکیه‌ی شیخ زین الدین در اصفهان به خاک رفت، و هنوز قبر او در آنجا باقی است.

نویسنده گوید: در اصفهان تاکنون به نام تکیه‌ی شیخ زین الدین تکیه‌ای نمی‌شناسیم، و محل قبر مشتاق را نیز به طور قطع نمی‌دانیم، و هرگاه مراد: شیخ زین الدین بن عین علی خوانساری عالم معروف زمان باشد که مشتاق جهت او مرثیه و ماده تاریخ وفات گفته، او نیز در قبرستان آب بخشان مدفون بوده است.

ماده تاریخ وفات شیخ زین الدین این است:

بگفت از پی تاریخ رحلتش مشتاق

بسوی بزم جنان رفت قدوه‌ی علما

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مشتاقی شیرازی، حسین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۰۵ ق)، شاعر. در شیراز به دنیا آمد. بیشتر اوقاتش را به قصه‌خوانی می‌گذراند و از این راه زندگی می‌کرد. وی طبع خوب داشت و عاقبت در زادگاهش از دنیا رفت. «تحفه سامی» نام وی را مولانا حسن مشتاقی ذکر کرده است. از اوست:

هر لحظه ز من روایتی می‌شنوی

وز قصه من شکایتی می‌شنوی

سوز دل من فسانه می‌پنداری

من مردم و تو حکایتی می‌شنوی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۳۶۷)، الذریعه (۱۰۴۵/ ۹)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۷۹/ ۲)،فرهنگ سخنوران (۸۴۵)، مرآت الفصاحه (۵۸۷- ۵۸۸).

مشتاقی نایینی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۸ / ۱۳۲۲ ق)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به مشتاقی. ملقب به صفاء السلطنه. مشتاقی مدتی عهده‌دار مدیریت دارالطباعه‌ی دولتی بود و در آنجا به تحریر روزنامه‌ی «غرای ایران» می‌پرداخت. او چندی در وزارت خارجه سمت منشی داشت. مشتاقی «جنگی» مشتمل بر قصاید و غزلیات در مدایح ائمه (ع) از مشاهیر شعرا جمع‌آوری کرد و سه قصیده از خودش در این زمینه را به آنها افزود و تمام آن را به چاپ رساند. وی در مأموریت کنسولی کربلا درگذشت و در صحن حضرت ابوالفضل دفن شد. از دیگر آثار وی: «کنز المعجزات ناصری»، شعر؛ « دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقة الشعراء (۱۶۴۵/ ۳)، الذریعه (۱۶۸ -۱۶۷/ ۱۸ ،۱۰۴۵/ ۹)، مؤلفین کتب چاپی (۴۰۰ -۳۹۹/ ۴).

مشتاقی نیا، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حمید مشتاقی نیا

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۷/۵/۵

زندگینامه علمی

اینجانب سید حمید مشتاقی نیا درسال ۱۳۷۶ وارد مدرسه علمیه روحیه شهرستان بابل گردیدم .این مدرسه تحت اشراف حضرت آیت الله محمدی ازعلمای گراسنگ وگمنام خطه مازندران اداره میشود .بنده ۶ سال دروس عقائد ومنطق سال اول حوزه را تدریس می نمودم . یک سال نیزبه عنوان طلبه ممتاز بسیجی انتخاب گردیدم . سال ۱۳۸۰ وارد قم شده و بعد از اتمام دروس سطح، خارج فقه و تفسیر را نزد اساتید بزرگواری هم چون آیت الله جوادی آملی و توکل آغاز نمودم .تا کنون بیشتر کتب منتشر شده این جانب درارتباط با دفاع مقدس بوده وبا برخی مؤسسات دراین خصوص ارتباطات کوتاهی داشته ام .آرزوی بنده این است که بتوانم باحمایت مسئولین امر بیشتر توان خود را در راه حفظ و ترویج فرهنگ والای جهاد و شهادت مصروف دارم انشاءالله.

مشتری

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن سیزدهم هجری، از زنان هنرمند و ادیب. وی از زنان فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) و اهل شیراز بود و در آواز، موسیقی و شعر و بدیهه‌گویی استاد بود. به نوشته تاریخ عضدی، یک شب شاه با یکی از زنانش در طبقه اول برج جهان‌نما به سر می‌برد. مشتری خانم که در طبقه دوم بود شعر زیر را با آواز بلند خواند:

بالای بام دوست چو نتوان نهاد پای

هم چاره آنکه سر بنهم زیر پای دوست

به دستور شاه، هرگاه که شاه عازم سفر می‌شد و چکمه و شلوار می‌پوشید مشتری خانم می‌بایست که مشغول خواندن آواز می‌شد. در سفر آخری که به اصفهان می‌کرد- و در همان سفر در اصفهان درگذشت- مشتری خانم به عادت همیشگی بیت زیر را خواند:

تو سفر کردی و خوبان همه گیسو کندند

از فراق تو عجب سلسله‌ها بر هم خورد

شاه مضمون این بیت را به فال بد گرفت و آیه استرجاع خواند. مشتری خانم حدود صد سال عمر کرد.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: پشت پرده‌های حرمسرا، ۳۵۸؛ تاریخ عضدی، ۴۱ -۴۰؛ ریاحین‌الشریعه، ۷۵ / ۵.

مشتری خراسانی، حسام الشعراء، ابوسعید ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۵ -۱۲۶۴ ق)، شاعر، متخلص به مشتری. نسبش به میرزا طاهر وحید، وقایع‌نگار صفوی، می‌رسد. اصلا از مردم مشهد است. در نوجوانی ساکن تهران شد. او به خدمت شمس‌الشعراء محمدعلی خان سروش از شعرای عصر ناصری رسید و شاگردی وی را اختیار کرد و به وسیله‌ی او به مجامع علم و ادب راه یافت. او اشعار استادش، در مناقب ائمه اطهار (ع) («شمس المناقب») جمع‌آوری و به هزینه‌ی خود چاپ کرد و در پایان آن مقداری از اشعار خود را آورد. مشتری از شعرای معروف عصر خود بود اما بیشتر مهارت وی در هجاگویی و مهاجات خلاصه شده است. مهاجات او با عباس فروغی و سرور شیرازی و مایل افشار معروف است. از آثار وی: «سفرنامه‌ی حاج میرزا مشتری به مکه» شعر؛ رساله‌ی «قمار نامه»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۶۵۲ -۱۶۴۶/ ۳)، الذریعه (۱۰۴۶/ ۹)، راهنمای کتاب (س ۱۸، ش ۳ -۱، ص ۱۶۷ -۱۶۵، ش ۹ - ۷، ص ۶۳۲ -۶۲۸)، صبح گلشن (۴۱۴)، صد سال شعر خراسان (۵۴۰ -۵۳۸)، فرهنگ سخنوران (۸۴۵)، گنج شایگان (۵۲۸ -۵۲۲)، المآثر و الآثار (۲۰۷)، مکارم الآثار (۱۷۵۲ -۱۷۵۱/ ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۹۳/ ۱).

مشحون، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

موسیقیدان.

تولد: اردیبهشت ۱۲۸۵، تهران.

درگذشت: ۲۸ خرداد ۱۳۵۹.

حسن مشحون پس از تحصیلات مقدماتی وارد مدرسه‌ی متوسطه شد و پس از اخذ لیسانس در تاریخ و جغرافیا به خدمت وزارت آموزش و پرورش درآمد. سپس برای ادامه‌ی تحصیل به اروپا اعزام شد و پس از بازگشت از فرانسه به تدریس در دانشگاه مشغول شد و آخرین مقام اداری ایشان ریاست اداره‌ی باستان‌شناسی بود. مشحون در موسیقی از شاگردان حسین هنگ‌آفرین و اساتید دیگر بود. حسن مشحون، سه‌تار و تار می‌نواخت و کتاب تاریخ موسیقی ایران را در دو جلد منتشر کرد. وی تحقیقی درباره‌ی تعزیه و تعزیه وانی در ایران نیز دارد. حسن مشحون در ۲۸ خرداد ۱۳۵۹ درگذشت.

(۱۳۵۹ -۱۲۸۵ ش)، موسیقیدان، محقق و نویسنده. پدر و جدش از یاران نزدیک شیخ فضل‌اللّه نوری بودند. وی در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی به دارالفنون رفت و از آنجا فارغ‌التحصیل شد. در ۱۳۱۳ ش دررشته‌ی تاریخ و جغرافیا، از دانشسرای عالی لیسانس گرفت و سپس به خدمت وزارت آموزش و پرورش درآمد. وی در دبیرستانهای البرز و دارالفنون سالها تدریس کرد و بعد از آن، چند سال در سمت مدیر کلی فرهنگ استان مازندران، ریاست اداره‌ی محاکمات وزارت فرهنگ و مدیریت کل باستان شناسی بود، تا اینکه در ۱۳۴۷ ش از خدمت بازنشسته شد. مشحون دو سالی هم در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به تدریس تاریخ موسیقی پرداخته بود. مشحون سه تار و تار را به خوبی می‌نواخت و گاهی شعر نیز می‌سرود. وی در تهران درگذشت. از آثار او: «تاریخ موسیقی ایران»، در دو جلد، که حاصل سی سال تحقیق و تلاش وی است؛ جزوه‌ای موسوم به «شرح حال و نمونه آثار شیخ محمود شبستری»؛ یک دوره کتاب درسی «تاریخ و جغرافیا»، برای دبیرستانها که به همراه دو تن از همکاران تألیف نمود؛ «تاریخ ایران و عرب تا دوره‌ی غزنویان»؛ «جغرافیای سیاسی ایران و آسیا و آفریقا»؛ «جغرافیای طبیعی ایران».[۱]

حسن مشحون به سال ۱۲۸۵، در تهران متولد گردید، پس از تحصیلات مقدماتی وارد مدرسه متوسطه شد و پس از اخذ لیسانس در تاریخ و جغرافیا، به خدمت وزارت آموزش و پرورش درآمد. وی از نخستین نفراتی بود که به اروپا برای تحصیل فرستاده شد.

حسن مشحون، پس از بازگشت از فرانسه به تدریس در دانشگاه مشغول شد و آخرین مقام اداری ایشان ریاست اداره‌ی باستان‌شناسی بود. مشحون در موسیقی از شاگردان حسین هنگ‌آفرین بود و اساتید دیگری هم دیده بود. وی مردی بود محقق و موسیقی‌شناس و در چند سال اخیر، تنها کسی بود که تمام مشکلات اهل موسیقی را می‌دانست و حرف او سند بود، چنانچه اگر اختلافی بین موسیقی‌دانان در مورد گوشه‌ای از گوشه‌های متعدد و مهجور موسیقی ایرانی بروز می‌کرد، حرف حسن مشحون برای آنان حجت بود و هرچه راوی می‌گفت بدون هیچ بحث و سخنی می‌پذیرفتند.

شادروان حسن مشحون، سه‌تار و تار را به خوبی می‌نواختند و کتابی هم درباره‌ی تاریخ موسیقی نوشته که سی سال برای آن زحمت کشید و نیز تحقیقی درباره‌ی تعزیه و تعزیه‌خوانی در ایران. حسن مشحون در خرداد ماه سال ۱۳۵۹ دار فانی را بدرود گفت، روانش شاد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ موسیقی ایران (۱/ یازده- پانزده)، مردان موسیقی (۱۷۵ -۱۷۴/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳۶۳ -۶۳۵/ ۲).

مشرب اصفهانی، عبدالرزاق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۲۷ ق)، شاعر، متخلص به مشرب. از سادات اصفهان و از مشاهیر شعرای ایران در اواخر عهد صفویه بود. در طب و علوم حکمیه نیز مهارت داشت و در اواخر دوران اورنگ زیب به هندوستان رفت و در قصبه‌ی بریلی سکنی گزید. چندی نیز در لکنهو به سر برد و مدتی نیز ملازم نوازش خان، صوبه‌دار کشمیر، بود. در اواخر عمر نیز به ولایت سند رفت و تا پایان عمر به عزت زیست. وی با علامه میر عبدالجلیل بلگرامی موالات و مراسلات داشت. از او اشعاری باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای کشمیر (۱۴۵۹ -۱۴۵۷/ ۳)، الذریعه (۱۰۴۶/ ۹)، ریحانه (۳۱۸ -۳۱۷/ ۵)، صبح گلشن (۴۱۵)، فرهنگ سخنوران (۸۴۵)، کاروان هند (۱۳۰۷ -۱۰۳۶/ ۲).

مشرب شیرازی، معصوم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به مشرب. در شیراز به دنیا آمد. نصرآبادی در تذکره‌ی خود از او به صورت فردی معاصر خود صحبت می‌کند که در زمان تألیف تذکره‌ی او (۱۰۸۳ ق) ظاهرا جوان و خوش طبع بوده است. از اوست:

در گشاد کار خود مشکل گشایان عاجزند

ناخن از انگشت نتوانست بندی واکند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۸۵ -۳۸۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارسی (۴۳۳/ ۴)، الذریعه (۱۰۴۶/ ۹).

مشرب عامری، اشرف

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۸۰ ق)، شاعر، متخلص به مشرب. اصلش از اعراب بنی‌عامر بود که در سمنان اقامت داشت. وی در زمان نادرشاه افشار می‌زیست. او بعضی از خدمات دولتی را انجام می‌داد و در برخی از بلاد عراق فرمانـدار عجم بود که نادر شاه بر او خشم گرفت و یک چشمش را میل کشید، با این حال مدتی دیگر نیز به خدمت شاه مشغول بود و کارهای دیوانی می‌کرد. سپس از این کار کناره گرفت و به کسوت درویشی درآمد. در علوم غریبه، فن سیاق و علم عروض و قافیه تبحر داشت و از شاگردان سید علی مشتاق اصفهانی بود. مشرب سالها در شیراز زندگی کرد و عاقبت در همان شهر از دنیا رفت. از آثارش: «دیوان» شعر. به گفته‌ی صاحب «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس»: آنچه خود مدعی بوده تاریخی بر وقایع عالم از آدم صفی تا زمان دولت صفوی مسمی به «تاریخ اشرفی» به چهار جلد نوشته.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۳۳ -۴۳۱/ ۴)، الذریعه (۱۰۴۷/ ۹)، ریحانه (۳۱۷/ ۵)، سفینهٔ المحمود (۳۰۵ -۳۰۴/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۸۴۵)، مجمع الفصحا (۹۳۲/ ۵)، نگارستان دارا (۲۵۷ -۲۵۶).

مشربی استرآبادی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به مشربی. جوانی خوش فهم و با استعداد بود و خط را نیک می‌نوشت. در جوانی از دنیا رفت. از اوست:

مرا آمد نصیب از عشق خوبان داغ نومیدی

نصیب کس مبادا یا رب این داغی که من دارم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۱۲۸)، الذریعه (۱۰۴۷)، شعرای مازندران و گرگان (۲۹۷ -۲۹۶)، صبح گلشن (۴۱۷)، فرهنگ سخنوران (۸۴۶).

مشربی تکلو

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر، متخلص به مشربی. از بزرگان ایل تکلو و از شعرای زمان سلطان محمد خدابنده (۹۹۶ -۹۸۵ ق) بود که ملازم مسیب خان تکلو، از امرای شاه طهماسب شد. در عهد اکبرشاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق)، برای سیاحت، به هند مسافرت کرد و در آنجا مقیم گشت. مشربی با صادقی کتابدار معاصر بود. همچنین تقی‌الدین اوحدی (م ۱۰۳۰ ق) در ایران با او مصاحبت داشته است. وی دارای طبعی لطیف بود. سرانجام در هند درگذشت. در «کاروان هند» آمده که ملکشاه حسین سیستانی می‌گوید او از اشعار بسیاری از شاعران پیروی می‌کرده و وفاتش در ۱۰۰۰ ق بوده است. در «فرهنگ سخنوران» تاریخ وفات او ۱۰۲۹ ق ذکر شده است. تذکره‌ها اشعاری از وی نقل کرده‌اند. از اوست:

دل و دین باختگان را چه غم از روز جزا

راه، بی‌خوف بود مردم غارت‌زده را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۴۷/ ۹)، صبح گلشن (۴۱۶)، فرهنگ سخنوران (۸۴۶)، کاروان هند (۱۳۰۹ -۱۳۰۷/ ۲)، مجمع الخواص (۱۲۵).

مشربی خوانساری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. از شعرای اواخر قرن دهم و اوائل قرن یازدهم بود. وی به خوش خلقی و زنده‌دلی معروف بود. از اوست:

شب خواب ره به چشم پر آبم نمی‌برد

چندین خیال هست که خوابم نمی‌برد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای خوانسار (۱۷۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۱۹)، الذریعه (۱۰۴۷/ ۹)، صبح گلشن (۴۱۷)، فرهنگ سخنوران (۸۴۶).

مشربی قمی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. اصلش از قم بود. وی در روزگار شاه عباس اول (۱۰۳۸ - ۹۹۶ ق) می‌زیست و به شغل اتوکشی روزگار می‌گذراند. در اواخر عمر دست از این کار کشید و به شاعری روی‌آورد. چنان چه در حاشیه‌ی «آتشکده‌ی آذر» ذکر شده است، داغستانی در «ریاض الشعراء» وی را با مشخصات مشرب شیشه‌گر، فرزند میر حسین شیشه‌گر و دارای اصلیت کاشانی که در تبریز از دنیا رفته، معرفی کرده است اما صاحب «الذریعه» این دو را یکی نمی‌داند. از اوست:

هرچه می‌خواهی طلب کن مشرب از شاه نجف

گر کسی منت کشد، از مرد می‌باید کشید

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۲۹۸ -۱۲۹۵/ ۳)، تذکره‌ی روز روشن (۷۴۰)، الذریعه (۱۰۴۸/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۴۶)،

مجمع الخواص (۲۴۲ -۲۴۱).

مشرف اصفهانی، حسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. از شاعران عهد صفوی و در گفتن اشعار مهمل و بی‌معنی معروف بود. وی مدعی شد که می‌تواند پنج مثنوی (خمسه‌ای) بر وزن «خمسه‌ی» نظامی و «خمسه‌ی» دهلوی به نظم درآورد که تمام اشعار آنها مهمل و بی‌معنی باشد و مقرر شد برای هر بیت یک مثقال نقره دریافت کند. گویند که در نهایت وی توانست آن «خمسه» را به پایان رساند. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۴۸/ ۹)، ریحانه (۳۱۸/ ۵)، لغت نامه (ذیل/ مشرف اصفهانی)، مجمع الفصحا (۷۹/ ۴).

مشرف تهرانی، احمد بیک

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، دانشمند و شاعر. از اعیان دربار صفویه و از کارگزاران دستگاه شاه محمد خدابنده و از نویسندگان آن دربار بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۰۰).

مشرفی هروی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر، متخلص به مشرفی. از شعرای معاصر میرعلیشیر نوایی (م ۹۰۶ ق) بود و در هرات به دنیا آمد. وی مشرف و ناظر قوشخانه‌ی سلطان بود و به همین جهت هم مشرفی تخلص می‌کرد و در صنعت کتابت نیز تبحر داشت. در «صبح گلشن»، صاحب عنوان تحت نام مشرقی هروی آورده شده است، از اوست:

گوهر اشک نثار ره یاری کردم

شادم از عاشقی خویش که کاری کردم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۴۸/ ۹)، صبح گلشن (۴۱۷)، فرهنگ سخنوران (۸۴۶)، مجالس النفائس (۲۴۲ -۲۴۱، ۶۸).

مشرقی شیرازی، حسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۳۸ ق)، حکیم، عارف و شاعر. از شعرای عهد صفوی بود و در اشعارش مکرر شاه عباس اول (۱۰۳۸ -۹۹۶ ق) و شاه صفی (۱۰۵۲ -۱۰۳۸ ق) و امراء و حکام آنان را مدح گفته است. وی با اینکه مردی عارف مشرب و وارسته بود ولی در اشعار او مضامین عارفانه بسیار کم دیده می‌شود. در اشعارش گاهی ابیات بسیار عالی، در ردیف اشعار استادان بزرگ، وجود دارد و گاهی اشعار مبتذل و بی‌معنی، به همین علت صاحب بعضی تذکره‌ها معتقدند که ممکن است وی اشعار شعرای پیش از خود، خصوصا اشعار شاعر معاصرش ملک مشرقی مشهدی (م ۱۰۵۰ ق)، را به نام خود آورده باشد. ظاهرا او در ۱۰۳۸ ق زنده بوده و در اواخر قرن یازدهم در شیراز وفات یافته است. مقبره‌اش در شیراز به تکیه مشرقین مشهور است. از آثارش: «کلیات» شامل: ۱- مثنوی «شمس المشرقین»، در برابر «تحفهٔ العراقین» خاقانی، سروده شده در ۱۰۱۰ ق، ۲- مثنوی «شبستان انس»، در برابر «بوستان» سعدی، ۳- قصاید، هفت هزار و پانصد و پنجاه بیت، ۴- مراثی و ترجیعات و هفت بند، ششصد و پنجاه بیت، ۵- مقطعات در تاریخ وفیات و فتوح شاه عباس، چهارصد و پنجاه بیت، ۶- رباعیات، چهارصد بیت، ۷- غزلیات، نه هزار و پانصد بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۳۹ -۴۳۴/ ۴)، الذریعه (۲۲۶، ۲۲۳ -۲۲۲/ ۱۹، ۱۰۴۹ -۱۰۴۸/ ۹)، طرائق الحقائق (۴۹۴/ ۳)، منظومه‌های فارسی (۵۳۷ -۵۳۳).

مشرقی مشهدی، ملک

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۵۲/ ۱۰۵۰ ق)، شاعر، متخلص به مشرقی. اصلش از مشهد بود. عده‌ای از تذکره‌ها وی را اهل قزوین دانسته‌اند. وی مدتی تحت تربیت حاتم بیگ اعتمادالدوله، وزیر اعظم ایران و از احفاد خواجه نصیرالدین طوسی، بود و قصیده‌ای در مدح او سرود. بعد از طرد مسیح کاشانی از اصفهان، در ۱۰۱۶ ق، مشرقی به آن دیار رفته و منشی دربار شاه عباس اول گشت و مدح وی را گفت. او علاوه بر شعر، در فن انشاء و موسیقی نیز ماهر بود. میرزا ملک چندی نیز در خراسان ملازم حسن خان شاملو، حاکم آن دیار، بود. ظاهرا او مداح شاه صفی صفوی نیز بوده و در اواخر عهد وی فوت نموده است. از آثارش: «کلیات دیوان» شامل: مثنوی «خسرو و شیرین»، به نام شاه صفی که ناتمام ماند، مثنوی «ساقی نامه»، قصائد و غزلیات و رباعیات. نصرآبادی «دیوان» شعر ده هزار بیتی مشرقی را دیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۵۰۳ -۵۰۲/ ۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۴۷ -۲۴۶)، تذکره‌ی میخانه (۵۹۶ -۵۸۸)، الذریعه (۲۰۰ ، ۱۶۸/ ۱۹ ،۱۱۵/ ۱۲ ،۱۰۵۰ -۱۰۴۹/ ۹)، سرو آزاد (۶۰ -۵۹)، عالم آرای عباسی (۹۷۷/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۸۴۷)، مطلع الشمس (۴۴۴/ ۲)، مینودر (۵۶۸ -۵۶۶/ ۲).

مشفق اصفهانی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۲ -۱۳۱۰ ق)، شاعر، متخلص به مشفق. پدرش موسوم به میرزا بود. وی در اصفهان به دنیا آمد و کمی تحصیل علم کرد. در شعر طبعی روان داشت. بعضی از اشعارش به همراه «مصیبت نامه» صغیر اصفهانی و مقداری دیگر در «خزائن شکن» به چاپ رسیده است. وی در اصفهان وفات یافت و در تکیه سیدالعراقین در تخت فولاد دفن شد. از آثارش: «دیوان» شعری بالغ بر چهار هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۵۲)، الذریعه (۱۰۵۰/ ۹)، مؤلفین کتب چاپی (۷۵۴/ ۳).

مشفق شیرازی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۵۲ ق)، طبیب و شاعر، متخلص به مشفق. معروف به شفعنطوس. اصلش از شیراز است و در آن شهر علوم و طب را فراگرفت. سپس مدتی در خدمت شاهزاده محمدتقی میرزا، حسام‌السلطنه پسر فتحعلی‌شاه، حکمران بروجرد، به طبابت مشغول بود. در اوخر دولت فتحعلی‌شاه به شیراز بازگشت و ملازم نواب فیروز میرزا، که از جانب محمدشاه حاکم شیراز بود، شد و شهرت یافت. وی در سرون غزل و قصیده با استعداد بود. از آثارش «دیوان» شعری بالغ بر سه هزار بیت می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۶۵۶ -۱۶۵۵/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۴۰ -۴۳۹/ ۴)، الذریعه (۱۰۵۰/ ۹)، سفینهٔ المحمود (۵۴۱ -۵۳۸/ ۲)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۷۹/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۸۴۷)، مجمع الفصحا (۹۵۰/ ۵)، مرآت الفصاحه (۵۹۰ -۵۸۸)، مصطبه‌ی خراب (۱۷۵)، مکارم الآثار (۱۴۱۵/ ۴).

مشفق ضرغام، حسینقلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۲ -۱۲۸۳ ش)، شاعر. در بروجن، از توابع چهارمحال و بختیاری، به دنیا آمد. دوران کودکی را در زادگاه خود گذراند و در مکتب خانه‌های محلی به تحصیل پرداخت. وی علوم ادبی را نزد میر سید حسن مجدالادباء اصفهانی، مدیر مدرسه اتحادیه بروجن، تکمیل کرد. او در زمان کوتاهی زبان عربی را در حد لازم آموخت. او از جوانی شروع به سرودن شعر نمود. از سی سالگی تا بازنشستگی در خدمت دولت بود. سرانجام در اصفهان سکونت اختیار نمود و خانه‌اش محل اجتماع گروهی از شاعران آن دیار گردید. مشفق در همان شهر از دنیا رفت. تخصص شعری او بیشتر در ساختن ماده تاریخ بود و در سرودن غزل نیز مهارت داشت. از آثارش: «اندیشه‌های رنگارنگ»؛ «دیوان» شعری بالغ بر ده هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ارمغان (س ۵۵، ش ۱، ص ۶۹ -۶۷)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۵۱ -۴۵۰)، فرهنگ سخنوران (۸۴۷).

مشفقی بخاری، عبدالرحمان

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۶/ ۹۹۵/ ۹۸۴ ق)، شاعر. در بخارا به دنیا آمد. «تاریخ نظم و نثر» و تذکره‌ی «روز روشن» اصل وی را از مرو می‌دانند. از ملازمان عبداللّه خان ازبک بود و در آن دیار به کمال و عزت می‌زیست. وی در زمان اکبرشاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به هندوستان رفت، ولی بعد از مدتی به بخارا بازگشت و در همان جا از دنیا رفت. از آثارش: «دیوان» شعر. به گفته‌ی صاحب «تاریخ نظم و نثر» وی سه «دیوان» قصاید و غزلیات خود را، که بیش از پنجاه هزار بیت بوده، بارها املا کرده بود. خط نسخ و تعلیق را خوب می‌نوشته و در سرودن معما استاد بوده است. مثنوی «گلستان ارم» نیز از اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۸۳۶ ،۵۶۹ -۵۶۸ ،۴۲۱)، تذکره‌ی روز روشن (۷۴۱ -۷۴۰)، الذریعه (۱۰۵۱ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۴۸)، منظومه‌های فاری (۵۳۷)، نتایج الافکار (۶۲۰).

مشفقی قمی، محمدرضا

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اهل قم بود. پدرش رییس صنف بزازان قم بود، بعد از پدر او نیز مدتی به این شغل پرداخت و در آخر آن کار را رها نموده و به درویشی و شاعری روی آورد. وی قبل از تحریر «تذکره‌ی نصرآبادی» (تألیف شده در ۱۰۸۳ ق) مدتی به اصفهان رفته و محمدطاهر نصرآبادی با او ملاقات داشته است. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۶۷ -۳۶۶)، ریحانه (۱۰۵۱/ ۹)، صبح گلشن (۴۱۸)، فرهنگ سخنوران (۸۴۸).

مشفقی کاشانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی از شعرای غزلسرای مشهور عصر خود بود که تحت تربیت لسانی شیرازی (م ح ۹۴۱ ق) و شاعران دیگر، فنون شعری را تکمیل نمود. او به شغل کرباس فروشی اشتغال داشت و از این رهگذر نیز نام مشفقی کرباس فروش گرفت. او در اواخر عمر قدم به وادی سیر و سلوک نهاد. مشفقی بعضی از غزلیات شیخ کمال خجندی را استقبال کرده است. از اوست:

گر کند در نظرم خلق قد رعنایش

سر نهد مردمک دیده‌ی من در پایش

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۸۹)، الذریعه (۱۰۵۱/ ۹)، ریحانه (۳۱۹/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۸۴۸)، لغت نامه (ذیل/ مشفقی).

مشفقیان، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۳۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی شیمی، دانشکده: مهندسی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی شیمی از دانشگاه ایالتی اکلاهمای آمریکا در سال ۱۳۵۳، کارشناسی ارشد مهندسی شیمی از دانشگاه ایالتی اکلاهمای آمریکا در سال ۱۳۵۴، دکترای تخصصی مهندسی شیمی از دانشگاه ایالتی اکلاهمای آمریکا در سال ۱۳۵۷، فوق تخصص مهندسی شیمی از دانشگاه ایالتی اکلاهمای آمریکا در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه شیراز ازسال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۵، دانشیار دانشگاه شیراز در سال ۱۳۶۵، ارتقاء به درجه استادی دانشکده مهندسی دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه تاثیر مواد پلیمری برافت فشار جریانهای دوفازی، پیش‌بینی مقدار آب اشباع همراه با گازهای ترش، شبیه‌سازی پالایشگاه شیراز، اصلاح و بهبود معادله حالت SRK، پیش‌بینی جرم مخصوص مایعات، ترمودینامیک، شبیه‌سازی کامپیوتری واحدهای صنعت نفت، جریانهای دوفازی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۳

زمینه علمی مقالات:

ارائه معادلات حالت جدید، پیش‌بینی خواص ترمودینامیکی شبیه‌سازی کامپیوتری واحدهای صنعت نفت، پیش‌بینی شرایط تشکیل هیدرات و نحوه جلوگیری از آن، جریانهای دوفازی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مشکاهٔ المحبهٔ، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۱ ق)، عالم دینی و شاعر، متخلص به مشکاهٔ المحبهٔ. تحصیلاتش را در مشهد و سبزوار به پایان رسانید. او در کاشمر مقیم گشت و به انجام خدمات مذهبی مشغول شد. وی علاوه بر تبحر در علوم عقلی و نقلی دارای قریحه‌ی شارعی نیز بود و «دیوان» شعر داشت. از آثارش: «مشکاهٔ الجنان» یا «شعله‌ی سوزان»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۵۱/ ۹)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۲۱/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۰۱/ ۴).

مشکاهٔ بیرجندی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۲۸۰ ش)، عالم دینی، مدرس و استاد دانشگاه. اهل بیرجند بود. در مدرسه‌ی معصومیه‌ی بیرجند و در قائن و مشهد و تهران تحصیلات خود را گذراند. از آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی و سید محمد حجت اجازه‌ی اجتهاد و از شیخ آقا بزرگ تهرانی اجازه‌ی روایت اشت. در ۱۳۱۵ ش با گذراندن پایان‌نامه‌ی قانونی و اخذ درجه‌ی دکترا در رشته‌ی ادبیات در دانشگاه تهران به تدریس فقه اسلامی پرداخت. همچنین در مدرسه‌ی سپهسالار عهده‌دار تدریس فلسفه بود. وی در زمینه‌ی کتابشناسی تبحر بسیاری داشت و کتابخانه‌ی شخصی وی مجموعه‌ای از کتابهای خطی و نادر بود که آنها را در ۱۳۳۹ ش به دانشگاه تهران اهدا نمود و پایه‌ی کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران با مجموعه کتابهای وی گذاشته شد. «تقریراتی» از او در رشته فقه به چاپ رسیده است. از دیگر آثارش: «کلمهٔ التوحید لرفع الترديد»؛ «مشکوهٔ الاسرار فی حل عقدهٔ الاسفار»، تعلیقه بر قسمتی از «اسفار» ملا صدرا، به عربی؛ تکمله و حواشی بر «درهٔ الاخبار و لمعهٔ الانوار»؛ شرح «حکمهٔ العین»؛ کتاب درسی «بیع»، برگرفته از کتاب « الشرایع».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینده (س ۶، ش ۱۲ -۹، ص ۹۲۱ -۹۱۸)، الذریعه (۱۲۳/ ۱۸ ،۹۰/ ۸)، مؤلفین کتب چاپی (۸۱۷ -۸۱۵/ ۵).

مشکاهٔ تبریزی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۱ -۱۲۵۱ ش)، خط و شاعر، متخلص به مشکاهٔ. در شعر ابتدا هما تخلص می‌کرد. در تبریز به دنیا آمد. وی خطوط نستعلیق، نسخ، کوفی و رقاع را بخوبی می‌نوشت. به گفته‌ی میرزا محمدعلی صفوت «دیوان» شعری حدود ده هزار بیت دارد. از دیگر آثارش «معراج نامه» در شغر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۵۹۵ -۵۹۴/ ۲)، شرح حال رجال (۱۶۶/ ۶)، فرهنگ سخنوران (۸۴۸)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۵۲/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۵۴۳ -۵۴۲/ ۴).

مشکاهٔ، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۹ ق)، عالم دینی و مدرس. در قریه‌ی خوزان اصفهان به دنیا آمد. مقدمات را در اصفهان از آقای زفره‌ای و سید آقا جان و

سطوح اولیه، «لمعه» و «قوانین» را از ملا حسینعلی و شیخ محمد حکیم و سطوح نهایی را از سید مهدی درچه‌ای و سید مرتضی جارچی خراسانی و «کفایه» را از آیت‌اللَّه آقا سید محمد نجف‌آبادی فراگرفت. آنگاه به قم رفت و از محضر شیخ عبدالکریم حایری یزدی و آیت‌اللَّه سید محمد حجت و آیت‌اللَّه سید محمدتقی خوانساری استفاده نمود. او پس از درگذشت آیت‌اللَّه حایری یزدی به نجف مهاجرت کرد و چندین سال از درس و بحث آیت‌اللَّه سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه شیخ محمدحسین غروی استفاده نمود و خود عهده‌دار تدریس فقه و اصول گردید. وی در اواخر عمر آیت‌اللَّه اصفهانی به اصفهان بازگشت و در مدرسه‌ی چهارباغ و مدرسه‌ی صدر به تدریس سطوح عالی و اقامه‌ی جماعت پرداخت. از آثارش: بنای مدرسه‌ی علمیه و غسالخانه در همایونشهر. از آثار علمی وی: حاشیه بر «کفایهٔ الاصول»؛ «تقریرات» درس آیت‌اللَّه اصفهانی؛ «تقریرات»، درس آیت‌اللَّه حایری یزدی؛ «تقریرات»، درس آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (۲۹۴ -۲۹۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۵۵ -۳۵۳ / ۷)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۲۰۸ -۱۲۰۷/ ۳).

مشکان طبسی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب، شاعر دانشمند و قاضی عالیرتبه در ۱۲۵۸ در طبس تولد یافت. پدرش سید مهدی از دانشمندان و مالکان طبس بود. تحصیلات مقدماتی را در طبس آغاز کرد و سپس در یزد و حوزه علمیه اصفهان آن را تکمیل نمود و مدتی در اصفهان نزد میرزا جهانگیرخان قشقائی فلسفه آموخت. علومی چون فقه و اصول و حساب و هندسه و جبر و اسطرلاب و طبیعیات را کامل کرد. سپس به خراسان بازگشت و در آنجا به آموختن زبان فرانسه و علوم طبیعی و ادبیات اروپائی اشتغال ورزید. بعد به قاهره سفر نمود و در دانشگاه الازهر چندی به تحصیل و تدریس اشتغال داشت. قریب سه سال نیز در پاریس علوم انسانی و حقوق یاد گرفت. پس از پایان جنگ بین‌الملل اول با سرمایه و بضاعت علمی کامل به ایران بازگشت. ابتدا در وزارت معارف مشغول شد و در چند مدرسه هم تدریس می‌کرد. در تشکیلات دادگستری داور به آن وزارتخانه دعوت شد و با رتبه هفت قضائی مستشار استیناف گردید. پس از چندی به دیوان عالی کشور رفت و در آنجا مستشار دادگاه انتظامی قضات شد. وی از مدرسین درجه اول مدرسه عالی سپهسالار بود و در دانشکده معقول و منقول تدریس می‌کرد. او شعر نیکو می‌سرود و اشعارش از سخن‌سرایان خراسان الهام گرفته است و در رونق انجمن‌های ادبی در تهران سهمی به سزا داشت و مدتها نایب رئیس انجمن ادبی فرهنگستان بود. وفات او در ۱۳۲۸ در هفتاد سالگی اتفاق افتاد. در ادبیات فرانسه نیز استادی داشت. مشکان طبسی مدتی در خراسان از ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۶ مجله ادبی دبستان را انتشار می‌داد پس از عضویت در دادگستری امتیاز آن را به شیخ احمد بهار واگذار کرد.

(۱۳۲۸ / ۱۳۲۷ -۱۲۵۸ ش)، استاد دانشگاه، نویسنده، مترجم و شاعر. در طبس به دنیا آمد. حساب و هیئت و نجوم را نزد پدر و علوم عرب را نزد شیخ حسن ملا سلطان محمد آموخت. وی پس از فوت پدر جهت ادامه‌ی تحصیل به یزد و اصفهانی رفت و علوم عقلی و نقلی و ریاضیات و فنون و ادب و اسطرلاب را نزد استادان وقت فراگرفت. سپس به مشهد رفت و به فراگیری زبان فرانسه و علوم طبیعی و ادبی اروپایی پرداخت. وی مسافرتهایی به مصر و پاریس داشت و در اواخر جنگ جهانی اول به خراسان بازگشت و در مشهد به خدمت وزارت معارف درآمد. وی در ۱۳۰۱ ش، مجله‌ی «دبستان» را در مشهد تأسیس و منتشر کرد. مشکان بعدها به تهران منتقل و در سمت مستشار دیوان کشور مشغول خدمت شد. وی همچنین در دانشکده‌ی معقول و منقول فلسفه تدریس می‌کرد. مشکان سرانجام در تهران فوت نمود و در شهر ری در جوار بقعه‌ی حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد. از آثار وی: «ببر هژیر یا کاپیتان کرکران»، ترجمه؛ «تدبیر منزل و سیاست مدن»؛ اهتمام در انتشار «ترجمه‌ی اشارات».[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۲۸۰ -۲۷۷/ ۲)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۹۹۹ -۹۹۸)، شرح حال رجال (۷۹ -۷۸/ ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۸۵۲،۸۲۲،۴۵۲/ ۱)، گلزار معانی (۶۴۷ -۶۲۷)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۶ -۶۵۴/ ۲).

مشکانی، زهرا سادات

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر زهراسادات مشکانی در سال ۱۳۲۸ در تهران متولد شد.وی مدرک کارشناسی ارشد رشته Adult Education (آموزش بزرگسالان) از دانشگاه فلوریدا A & M و مدرک Ph.D را در رشته آموزش مطالعات اجتماعی (Social Studies Education) از دانشگاه ایالتی فلوریدا در آمریکا کسب نمود.نامبرده در سال ۱۳۷۰ به عنوان عضو هیات علمی با درجه استادیاری در گروه پزشکی اجتماعی دانشکده پزشکی مشغول به کار شد. در سال ۱۳۷۷ به مرتبه دانشیاری و در سال ۱۳۸۴ به درجه استادی آن گروه در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران نائل آمد. گروه : علوم انسانی رشته : علوم تربیتی گرایش : آموزش مطالعات اجتماعی تحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر زهرا سادات مشکانی تحصیلات ابتدایی را در دبستان اکرمیه شهر تهران در سال ۱۳۳۴ و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان ثریا شهر تهران آغاز نمود و در سال ۱۳۴۶ موفق به اخذ مدرک دیپلم گردید.

تحصیلات عالی خود را در سال ۱۳۴۶ در رشته لیسانس علوم‌آزمایشگاهی دانشکدهٔ پزشکی دانشگاه تهران آغاز کرد و در سال ۱۳۵۱ فارغ‌التحصیل شد. وی در سال ۱۳۵۴ موفق به اخذ درجهٔ کارشناسی ارشد در رشتهٔ علوم ترتیبی- آموزش بزرگسالان از دانشکدهٔ ایالتی فلوریدا دانشگاه آمریکا گردید. سپس تحصیلات Ph.D خود را در رشتهٔ علوم ترتیبی- آموزش مطالعات اجتماعی دانشگاه ایالتی فلوریدای آمریکا در سال ۱۳۵۷ به پایان رساند. وی دوره‌های تکمیلی دوره کوتاه‌مدت مقدماتی آموزش پزشکی را در دانشگاه اردن (کشور عمان)گذراند.خاطرات و وقایع تحصیل : دکتر مشکاتی در سال ۱۳۵۱ موفق به کسب درجه لیسانس در رشته علوم آزمایشگاهی از دانشکده پزشکی دانشگاه تهران گردید و در سال ۱۳۵۳ برای ادامه تحصیل به همراه همسر به آمریکا عزیمت نمود.وقایع میانسالی : زهراسادات مشکانی در سال ۱۳۷۰ به عنوان عضو هیات علمی با درجه استادیاری در گروه پزشکی اجتماعی دانشکده پزشکی مشغول به کار شد. در سال ۱۳۷۷ به مرتبه دانشیاری و در سال ۱۳۸۴ به درجه استادی آن گروه نائل شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : زهراسادات مشکانی در سال ۱۳۷۰ به عنوان عضو هیات علمی با درجه استادیاری در گروه پزشکی اجتماعی دانشکده پزشکی مشغول به کار شد. در سال ۱۳۷۷ به مرتبه دانشیاری و در سال ۱۳۸۴ به درجه استادی آن گروه نائل شد.از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۶ به عنوان قائم مقام معاونین آموزشی دانشکده پزشکی با مدیریت دانشکده پزشکی همکاری داشت.اولین کارگاه در زمینه آموزش پزشکی در مرکز مطالعات را طراحی و مدیریت و با همکاری دو تن از همکاران مرکز اجرا نمود.از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۷۸ به عنوان مسؤول واحد برنامه‌ریزی مرکز توسعه با آن مرکز همکاری داشته است. از دیگر سمت های اجرائی و مدیریتی زهرا سادات مشکانی (از گذشته تاکنون) می توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- عضو هیئت بورد آموزش پزشکی سال ۱۳۷۹-۱۳۷۷ ۲- معاون پژوهشی گروه پزشکی اجتماعی سال ۱۳۷۹-۱۳۷۸ ۳- عضو کمیته کشوری تدوین شاخص‌های کیفی آموزش سال ۱۳۷۹-۱۳۷۷ ۴- عضو شورای پایان‌نامه گروه پزشکی اجتماعی از سال ۱۳۷۴ تاکنون ۵- سرپرست دفتر برنامه‌ریزی مرکز توسعه آموزش دانشگاه از سال ۱۳۸۰-۱۳۷۶ ۶- قائم مقام معاونین آموزشی دانشکده پزشکی از سال ۱۳۷۶-۱۳۷۱ مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : زهراسادات مشکانی در سال ۱۳۸۵ با حمایت مسؤولین دانشگاه موفق به راه‌اندازی گروه آموزش پزشکی گردید و مسؤولیت اداره گروه را بر عهده گرفت.ایشان در سال ۱۳۷۳ همگام با مسؤولین وقت دانشگاه در تاسیس مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه سهیم بودند. جوائز و نشانها : آخرین طرح پژوهشی زهراسادات مشکانی بررسی مشکلات آموزشی دوره پزشکی عمومی از دیدگاه دست اندرکاران در کنگره آموزش پزشکی در کشور سنگاپور در سال ۲۰۰۷ نامزده شرکت در گزینش پژوهشی برتر گردیده استچگونگی عرضه آثار : - انتشار چندین مقاله در زمینه آموزش پزشکی و مجلات معتبر فارسی و انگلیسی و کنگره‌ها - اجرای دو طرح پژوهشی کاربردی بنا به سفارش مسؤولین دانشگاه آثار : تحلیل نیازهای یادگیری ویژگی اثر : ترجمه - در سال ۱۳۷۸. ۲ طراحی پرسشنامه در پژوهش‌های پیمایشی و طراحی کارگاه آموزشی ویژگی اثر : سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۵

مشکانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : دکتر محمدرضا مشکانی متولد سال ۱۳۲۲ شهر مشکان سبزوار است. وی دارای مدرک دکترای تخصصی آمار از دانشکده ایالتی فلوریدا درسال ۱۳۵۷ و عضو هئیت علمی دانشکده علوم دانشگاه شهید بهشتی با مرتبه ی علمی استاد می باشد.ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است.

گروه : علوم پایه

رشته : آمار

خاطرات کودکی : نخستین خاطره دوران کودکی محمدرضا مشکانی مربوط به ثبت نام در دبستان است. در آن زمانها در روستاها مکتب خانه ها بودند و مدرسه جدید وجود نداشت. در این حین مدرسه دولتی در مشکان افتتاح شد و قانونا باید مکتب خانه تعطیل می شد و کودکان به مدرسه دولتی جدید می رفتند. اما قرابت خانوادگی و نفوذ محلی مانع این امر شد و به واسطه رعایت نسبت خانوادگی پدر او از ثبت نام فرزندش در مدرسه خودداری می کرد. و او خود روزی تصمیم گرفت که به مدرسه برود و ثبت نام کند شناسنامه را برداشت و در مقابل مدرسه که یک ساختمان گنبدی خشت و گلی قدیمی یادگار زمان اشغال سربازان روس بود. مدتی منتظرماند تا زنگ تفریح را زدند و آقای مدیر مدرسه بیرون آمدو اورا به مدرسه برد و در سال دوم ثبت نام کرد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : شرایط خانوادگی محمد رضا مشکانی از همان نوع خانواده های سنتی خرده مالکی و کشاورزی به شیوه دهقانی مرسوم در خراسان بود. پدر خرده مالکی بود که در قیاس با دیگران از رفاه نسبی برخوردار بود. به واسطه زعامت یک قبیله از احترام عالم برخوردار بود. خانواده شامل شش فرزند (چهار دختر و دو پسر) زندگی آرام و بی دغدغه ای داشت. طبق رسم محلی دختران بیشتر بـه آموزش خانه داری و کمک به امور دام پارچه بافی و غیره را در پیش رو داشتند. پسران ضمن آموزشهای رسمی در امور کشاورزی و دامداری و کمک به پدر در اداره املاک و احشام مشغول بودند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدرضا مشکانی خواندن و نوشتن قرائت قرآن و کتب مذهبی در مکتب خانه های مشکان فراگرفت.دوران ابتدایی را نیز در شهر مشکان و دوره متوسطه را در مدارس نیشابور و دوره آخر دبیرستان را در مدرسه دارالفنون تهران گذراند.و دیپلم ریاضی را کسب کرد. گذراندن دوره چهار ساله کارشناسی ارشد آگرونومی (پژوهشهای کشاورزی) در دانشکده دانشگاه تهران واقع در کرج با رتبه اول به پایان برد. پس از پایان خدمت وظیفه در موسسه آموزش عالی آمار به تحصیل

در دوره کارشناسی ارشد آمار(آمارشناسی درجه یک) پرداخت و بعد از احراز رتبه اول و بورس تحصیلی عازم ایالات متحده آمریکا شد و در دانشگاه ایالتی فلوریدا به ترتیب درجه کارشناسی ریاضی با کهاد آمار، کارشناسی ارشد آمار ریاضی و بالاخره دکتری آمار را در سال ۱۳۵۷ کسب کرد.

خاطرات و وقایع تحصیل : از وقایع دوران تحصیل محمدرضا مشکانی میتوان به رخداد ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ را نام برد که مقارن به ایام امتحانات نهایی سال ششم دبیرستان بود که حوزه امتحانی در دبستان سعدی سرچشمه در قلب وقایع آن دوران قرار داشت.

فعالیتهای ضمن تحصیل : در سالهای تحصیل محمدرضا مشکانی در دانشگاه شرکت در فعالیتهای اجرایی اصلاحات ارضی مرحله دوم بود که به عنوان کارآموز و دانشجوی سال دوم کشاورزی درآن شرکت داشت. و در فعالیتهای کسب و کار خانواده درامور کشاورزی و دامداری شرکت میکرد و در مقاطع کارشناسی ارشد سمت معلمی در موسسه آموزش عالی آمار را بر عهده داشت.

استادان و مربیان : از تعداد زیادی از آموزگاران،دبیران و استادانی که در ایشان نقشی ماندگار داشتند میتوان به : آقای ابوالفضل تفرشیان مدیر و آموزگار سالهای دوم دبستان تا چهارم، آقای عظیمی مدیر و آموزگار ریاضی دبستان شاهپور نیشابور،آقای گنجی دبیر دبیرستان کمال الملک نیشابور ، آقای اختر خاوری و کوشا دبیران دبیرستان، مرحوم دکتر مهدوی اردبیلی ، مرحوم دکتر منوچهری کاشانی،مرحوم دکتر عباسقلی خواجه نوری در دانشگاه و خانم بیلارد استاد راهنمای رساله دکترا،مرحوم دب.باسو و گودنر از کسانی بودند در خارج کشور منش معلمی آنها تاثیری فوق العاده بر وی گذاشت.

هم دوره ای ها و همکاران : از همکاران محمدرضا مشکانی خانم لین بیلارد در دانشگاه جورجیای آمریکا است که اغلب در نوشتن مقالات با هم همکاری داشته اند.

همسر و فرزندان : محمد رضا مشکانی در سال ۱۳۴۸ با سرکار خانم زهرا سادات مشکانی یکی از منسوبات خود ازدواج کردو حاصل این ازدواج دو فرزند دختر بانامهای آناهیتا و آمی تیس است. همسر وی استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران است فرزند بزرگتر در ایلات متحده مسئولیت یک مرکز مراقبتهای بهداشتی را بر عهده دارد و فرزند کوچکتر نیز در آنجا مشغول تحصیل در رشته مهندسی عمران رشته راه سازی است و مشغول خدمات در یک شرکت بزر گ بین لمللی است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مسئولیت های محمدرضا مشکانی: مدیر آموزش موسسه آموزش عالی آمار معاون پژوهشی موسسه آموزش عالی آمار مدیر گروه آمار دانشگاه شهید بهشتی معاون پژوهشی دانشکده جامع انفورماتیک و مدیریت دانشگاه شهید بهشتی معاون آموزش دانشکده علوم ریاضی دانشگاه شهید بهشتی مدیر دفتر هماهنگی امور پژوهش دانشگاه شهید بهشتی سرپرست کمیته برنامه ریزی آمار وزارت علوم تحقیقات و فناوری

فعالیتهای آموزشی : فعالیتای آموزشی محمدرضا مشکانی : تدیس دروس آمار در موسسه آموزش عالی آمار، گروه آمار دانشگاه شهید بهشتی در مقاطع مختلف ، دانشگاه تربیت مدرس ،دانشگاه علامه طباطبائی، دانشگاه جورجیای آمریکا، دانشگاه تکزاس (ال پاسو) آمریکا و تدریس در دوره های مختلف موسسه آمار سازمان ملل واقع در توکیو ژاپن. پژوهش نظری و کاربردی در زمینه علم آمار و کاربردهای آن و راهنمای پایان نامه های دانشجویان دوره کارشناسی ارشد و دکتری

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : ۱ – تانجمن آمار ایران ۲ – دوره آموزشی کارشناسی ارشد آمار اقتصادی اجتماعی در دانشگاه شهید بهشتی ۳ – دوره آموزشی کارشناسی ارشد بیمه آمار (آکچوئری) در دانشگاه شهید بهشتی ۴ – دوره دکتری آمار در دانشگاه شهید بهشتی

شاگردان : از شاگردان محمد رضا مشکانی میتوان به دکتر انوشیروان کاظم نژاد دردانشگاه تربیت مدرس، دکتر فرزاد اسکندری در دانشگاه علامه طباطبائی،دکتر کامران قریشی در دانشگاه رازی، دکتر حبیب اله اسماعیلی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دکتر مسعود کریملو در دانشگاه توان بخشی و تعداد زیادی در جاهای مختلف مشغول به خدمتند.

همفکران فرد : محمدرضا مشکانی در آمار معتقد به روش بیزی هستند از این رو دکتر احمد پارسیان استاد دانشگاه تهران و مرحوم دب باسو ،دی وی، لینـدلی، فیلیپ دیوید ،جورج کاسلا،کریستین رابرت د رخارج کشور و افراد بسیار دیگر از همفکران ایشان هستند

آرا و گرایشهای خاص : گرایش خاص وی به رشته آمار بیزی و تفسیر ذهنی احتمال است که بنیان متکب بیضی آمار را تشکیل میدهد. این گرایش در سالهای اخیر نضج فوق العاده ای یافته است که حاصل پیشرفهای شگفت انگیز در محاسبات آماری با رایانه است.

جوائز و نشانها : محمدرضا مشکانی جایزه و مدال دانش از وزارت آموزش و پرورش به خاطر رتبه اول در دانشگاه و کسب بورسیه و جایزه نفر دوم بهترین پژوهشگر دانشگاه شهید بهشتی تقدیرنامه های متعدد به خاطر انجام پژوهشهای مختلف ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است.

چگونگی عرضه آثار : محمدرضا مشکانی آثار خود را در درجه اول به صورت مقالات علمی پژوهشی در مجلات معتبر بین المللی و داخی منتشر کرده است. در مرحله بعد با شرکت در کنفرانسها و همایش های بین المللی داخلی به نشر آنها پرداخته است .

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵ تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱ زمینه علمی تألیفات: آمار مقدماتی در دو جلد، تجزیه و تحلیل سریهای زمانی، روشهای چند متغیری گسترده. مقالات تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۶ زمینه علمی مقالات: آمار، استنباط آماری، سری‌های زمانی، علوم اجتماعی، علوم تجربی، طرح آزمایش‌ها، هیدرولوژی.

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

مشکسار، محمدمحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی مواد، دانشکده: مهندسی، دانشگاه: شیراز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مشکوهٔ، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی بن حاج زین‌العابدین خوزانی معروف به (مشکوه) از علماء محترم معاصر سده (همایونشهر) می‌باشند.

وی در سال ۱۳۱۹ ق در خوزان متولد شده و پس از خواندن فارسی مقدمات را در اصفهان خدمت آقای زفره‌ای و آقا سید آقاجان فراگرفته و سطوح اولیه لمعه و قوانین را از مرحوم صدیقین حاج ملاحسینعلی و مرحوم آقا شیخ محمد حکیم آموخته و سطوح نهائی را از مرحوم آقا سید مهدی درچه‌ای و حاج سید مرتضی معروف بجارچی خراسانی و کفایه را از آیت‌اللَّه مرحوم آقا سید محمد نجف‌آبادی استفاده نموده و پس از تکمیل آن به قم مسافرت و مدت هفت سال از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ عبدالکرم حایری و آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه آقا سید محمدتقی خونساری استفاده نموده و بعد از فوت مرحوم حایری مهاجرت به نجف اشرف و مدت هفت سال از درس و محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدحسین کمپانی بهره‌مند شده و ضمنا در نجف تدریس سطوح فقه و اصول نموده و در اواخر عمر مرحوم آیت‌اللَّه اصفهانی به علت کسالت خانوادگی و فقدان بعضی از فرزندانش به اصفهان مراجعت و در مدرسه چهارباغ و مدرسه صدر تا حال تحریر اشتغال به تدریس سطوح عالی و نیز اقامه جماعت و بیان احکام و مواعظ دارند و هر هفته یکروز به خمینی‌شهر آمده و مردم آن سامان را از فیض علوم خود مستقیض می فرمایند.

از باقیات الصالحات و آثار خیر ایشانست مدرسه علمیه و غسالخانه‌ای در خمینی‌شهر تألیفات معظم‌له.

۱- حاشیه بر کفایه ۲- تقریرات درس آیت‌اللَّه اصفهانی ۳- تقریرات درس آقا ضیاء ۴- تقریرات درس آیت‌اللَّه حایری.

ایشان ۴ فرزند ذکور و ۴ فرزند اناث دارند که یکی از پسران به نام آقامحمود اشتغال به درس دارند.

دامادهای ارجمند ایشان از علماء بزرگ اصفهان به نام ۱- آیت‌اللَّه آقا سید ابوالحسن شمس‌آبادی ۲- حجهٔالاسلام والمسلمین آسید محمد درچه‌ای ۳- حجهٔالاسلام حاج شیخ محمدعلی.

نگارنده: گوید جناب آقای مشکوهٔ صاحب نفس زکیه و مقامات معنوی و دارای مکاشفات و منامات عجیبه و غریبه‌اند که برای اختصار از ذکر آن خودداری می‌نمائیم.

ادام‌اللَّه توفیقه و جعله‌اللَّه و ایانا من انصار ولیه عجل‌اللَّه فرجه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مشکور نجفی، نورالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نورالدین مشکور فرزند مرحوم شیخ محمدجواد بن العلامه شیخ مشکور نجفی حولاوی در حدود سال ۱۳۳۳ قمری در نجف اشرف متولد شده و در دامن و بیت والدش شیخ محمدجواد مشکور که از علماء نجف و شوهر خواهر عالم عابد آیت‌اللَّه حاج شیخ علی زاهد قمی نجفی معروف (امام مسجد هندی نجف اشرف) که دختر عموی شیخ مشکور بود که نامزد او شده و او برای زیارت آمده بود و او را خواستگاری کرد و با او ازدواج نمود.

پس برای او دو دختر آورد یکی مادر عبدالکریم و محمدرضا و مرتضی و مجتبی مشکور شد که ساکن مشهد هستند. فرزندان شیخ تقی مشکور پسرعموهایی شیخ مشکور می‌باشند. پس شوهر او از دنیا رفت و او با برادرش شیخ علی قمی نجفی به نجف آمده و شیخ مشکور او را خواستگاری کرده و او را پذیرفت.

پس برای او فرزندی آورد موسوم به حسین و فرزندان دیگری که همه آنها از دنیا رفتند جز او حسین ماندند او هم برای این بود که قبل از ولادتش پدرش مسافرت کرده بود و او در مجلس عزاداری حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام بسیار گریه می‌کرده پس نذر نموده اگر فرزندش پسر بود او را حسین بنامد. پس او را حسین نامید و او سخت مریض شد پس پدر و مادرش برای او قربانی کرده و روزه گرفتند که خدا او را شفا دهد و خداوند دعای آنها را اجابت و او را شفا بخشید.

و شیخ مشکور معروف به بزرگواری و دوستار خیر و احسان به خلق خدا بوده است. روزی در وادی السلام مردی را دید که از قبر ابن ملجم مرادی اشقی‌الاولین والاخرین می‌پرسید پس به او می‌گوید بیا تا او را به تو نشان دهم پس او را به حفره‌ای برده و می‌کشد و به جهنم می‌فرستد پیش ابن ملجم مرادی ملعون و در مراجعت به یک شرطه (پلیس) برمی‌خورد.

و از او می‌پرسد: رفیق تو کو؟

می‌گوید: من تنها بودم.

می‌گوید: خیر من دیدم شما دو نفر بودید.

می‌گوید: سگی با من بود که اذیت می‌کرد پس او را کشتم.

او می‌گوید: خیر انسانی با تو بود.

پس به او می‌گوید: خیر سگ بود.

می‌گوید: برویم ببینیم.

پس چون به آن حفره می‌رسند کشته سگی را می‌نگرند، پس به او می‌گوید جریان چیست؟ من انسانی را با تو می‌دیدم حال سگ می‌بینم، می‌گوید او از خوارج و طرفداران ابن‌ملجم مرادی بود و قبر او را می‌خواست پس من او را کشتم تا به این ملجم ملحق شود و خدا او را مسخ به صورت سگ نمود پس آن شرطه (پلیس) سنی، شیعه و محب علی علیه‌السلام می‌شود.

مترجم ما از این بیت است که در نجف نشو و نما یافته و از محضر آیات عظام استفاده نموده و سالها در صحن شریف به جای والدش اقامه جماعت نموده و در سال ۱۳۹۲ قمری از طرف حکومت بعث به ایران آمده و در قم رحل اقامت افکنده و تا حال حاضر در حسینیه نجفیها به اقامه جماعت اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مشکور، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، ادیب، زبان‌شناس.

تولد: ۱۲۹۷، محله سنگلج تهران.

درگذشت: ۲۵ فروردین ۱۳۷۴، تهران.

محمدجواد مشکور، فرزند حاج شیخ علاءالدین، تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی دارالفنون گذراند. سپس وارد دانشسرای عالی و دانشکده‌ی معقول و منقول شد و در سال ۱۳۱۸ موفق به اخذ درجه‌ی کارشناسی در ادبیات فارسی و ادبیات عرب شد. مدتی به تدریس در دبیرستان‌ها پرداخت و چند سالی به خدمت در وزارت دارایی مشغول شد. مشکور چندی نیز نزد دایی‌های خود شریعت سنگلجی و محمدمهدی سنگلجی به تحصیل علم پرداخت. همچنین از محضر استادانی چون علامه سید محمدحسین طباطبایی، علامه محمد بن عبدالوهاب قزوینی، مهدی آشتیانی، بدیع‌الزمان فروزانفر، احمد بهمنیار، ملک‌الشعرای بهار و عباس اقبال بهره برد. همچنین به تحصیل و تحقیق در زبان‌های باستانی باستانی پرداخت وی از سال ۱۳۲۷ تا سال ۱۳۳۸ به تدریس تاریخ ایران قدیم و زبان پهلوی در دانشگاه تبریز مشغول بود. در سال ۱۳۳۲ به پاریس عزیمت کرد و در سال ۱۳۳۶ به اخذ درجه دکتری در تاریخ اسلام و فوق آن نایل آمد. مدت شش سال سردبیر مجله‌ی عربی «الاخاء» بود. در سال ۱۳۴۴ به خدمت تمام وقت دانشسرای عالی درآمد و در کنار آن در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی و دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران نیز به تدریس مشغول بود. در سال ۱۳۵۳ به عنوان رایزن فرهنگی ایران عازم سوریه شد و در ضمن به تدریس تاریخ فرق اسلامی به خصوص فرقه‌های شیعه و تاریخ زبان‌های سامی در دانشگاه دمشق پرداخت. دکتر مشکور در مهر سال ۱۳۵۸ پس از قریب چهل سال خدمت دانشگاهی بازنشسته شد ولی همچنان به کار تدریس و تحقیق مشغول بود. برخی از آثار ایشان به این شرح هستند: کلمات محمد (ص) (متن عربی و ترجمه، ۱۳۱۸)؛ تاریخ اوستا و ادبیات دینی پهلوی (۱۳۲۵)؛ تاریخ ایران باستان به روایت ابن عبری (یوسف بنیان، ترجهه، ۱۳۲۶)؛ تاریخ مذاهب اسلام یا ترجمه الفرق بین الفرق (ابومنصور عبدالقاهر بغدادی، ترجمه)؛ النکت الاعتقادیهٔ (شیخ مفید محمد بن محمد النعمان، ترجمه، تبریز، ۱۳۳۳)؛ تاریخ مردم اورارتو (کشف یک سنگ، تهران، ۱۲۳۳)؛ تاریخ اورارتو سنگ نبشته‌های اورارتی در آذربایجان (۱۳۴۵)؛ تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان (۱۳۴۷)؛ تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری (۱۳۵۲)؛ نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت‌شناسی آن (۱۳۴۹)؛ ترجمه تاریخ طبری قسمت مربوط به ایران (ابوعلی محمد بن محمد بلعمی، ۱۳۳۷)؛ دستورنامه در صرف و نحو زبان فارسی (۱۳۳۸)؛ فرق الشیعه یا مقالات الامامیهٔ و الفرق و اسماؤها و صنوف‌ها (۱۳۲۵)؛ کارنامه اردشیر بابکان (۱۳۲۹)؛ مجوس در کتب مقدس سامی (۱۳۲۵)؛ هفتاد و سه ملت یا اعتقادات مذهب (۱۳۳۷)؛ گفتاری درباره دینکرد (۱۳۲۵)؛ ایران در عهد باستان (۱۳۴۳)؛ تصحیح منطق الطیر عطار، اخبار سلاجقه روم (۱۳۵۰)؛ سیر اندیشه‌های دینی در ایران (۱۳۵۵)؛ تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم هجری (۱۳۵۷)؛ فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی (۱۳۵۷)؛ جغرافیای تاریخی ایران قدیم (۱۳۷۱)؛ دکتر جواد مشکور چهل و شش عنوان کتاب دارد و بیش از صد مقاله در زمینه ادبیات، تاریخ، ادیان و مذاهب، زبان‌شناسی به زبان‌های فارسی و عربی و فرانسوی نوشته است. برخی از مقاله‌های او در «معماری ایران»، «هنر و مردم»، «وحید»، «تاریخ و فرهنگ ایران»، «زمین و زمان»، «سخن»، «بررسی‌های تاریخی»، «معارف اسلامی»، «دانش» و «باستان‌شناسی و هنر ایران ». وی همچنین در کتاب مجموعه خطابه‌های تحقیقی که در سال ۱۳۵۰ منتشر شد، دارای مقاله بود.

پیکر محمدجواد مشکور در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (ویژه‌ی هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شد.

(۱۳۷۴ –۱۲۹۷ ش)، نویسنده، مترجم، مصحح، مورخ، فرهنگ نویس، محقق و استاد دانشگاه. ملقب به بهاءالدین. در تهران به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدارس تمدن، ثروت و دارالفنون وارد دانشکده‌ی معقول و منقول شد و سپس از دانشسرای عالی موفق به اخذ لیسانس در ادبیات فارسی و ادبیات عرب گردید. در ۱۳۱۸ ش در دبیرستانهای ملی تدریس کرد و به خدمت وزارت دارایی درآمد. وی به جهت علاقه به تحقیقات ادبی و معارف اسلامی از محضر دایی‌های خود، شریعت سنگلجی و

دو برادرش، آقـا محمـد و آقـا محمدمهـدی سـنگلجی، و اسـتادانی چـون: علامـه طباطبـایی، علامـه قزوینی، میرزا مهـدی آشتیـانی، بـدایع‌الزمان فروزانفر، میرزا یـداللّه نظر پـاک، الهی قمشه‌ای و محمود شـهابی استفاده‌ها برد. وی پس از آموختن مقـدمات زبانهـای سامی (عبری و سریانی) از طرف مدرسه‌ی عالی ایران شناسی به تدریس در آن مدرسه دعوت شد. مشکور یکی از همکاران علامه علی‌اکبر دهخـدا در کـار «لغت نامه» بود. در ۱۳۲۷ ش در دانشـگاه تبریز تاریـخ ایران باسـتان و زبان پهلوی را تدریس می‌کرد و در ضمن اقامت در تبریز از محضـر اسـتادانی چون حاج میرزا عبداللّه مجتهدی و حاج محمد آقا نخجوانی و حاج حسین آقا نخجوانی و واعظ چرنـدانی و غیره بهره جست. در ۱۳۳۲ ش برای گذرانـدن دوره‌ی دکترا به دانشـگاه سوربن پاریس رفت و درباره‌ی تاریـخ و فرهنـگ خاورمیـانه، از قرن نهم پیش از میلاـد تا قرن نهم میلادی، به تحقیق پرداخت و در ۱۳۳۶ ش موفق به اخـذ مدرک دکترا در تاریـخ اسـلام و خاورمیانه شد. وی از ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۴ ش مـدیریت مجله‌ی «الاخـاء» را به عهـده داشت. در این بین او در کنگره‌های بین‌المللی در انگلسـتان و فرانسه و آلمان و روسـیه و ترکیه شرکت نمود و در ۱۳۵۲ ش با سـمت رایزن فرهنگی به دمشق رفت. وی ضمن تدریس تاریخ فرق اسلامی بویژه شیعه در دوره‌ی فوق لیسانس در دمشق، موفق به تأسیس دو کرسی زبان و ادبیات فارسی در دو دانشـگاه دمشق و حلب شد و کتابخانه‌ای مربوط به کتب ایران و اسـلام در مرکز رایزنی و کتابخانه‌ای مربوط به ایران‌شناسـی در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه دمشق دایر کرد. یکی از مهم‌ترین موفقیتهایش در آنجا مشخص کردن قبر ابونصر فارابی در باب الصغیر و شیخ اشراق شهاب‌الدین ابوالفتوح سهروردی در باب البرید بود. از دیگر آثار وی: «تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلامی تا قرن چهارم»؛ «نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باسـتانی و جمعیت شناسـی آن»؛ «روح القرآن»، در توحید و مکارم اخلاق انسان؛ «تاریخ اورارتی و سـنگ نبشـته‌های اورارتی در آذربایجان»؛ «خلاصه ادیان در تاریـخ دینهای بزرگ»؛ «گفتاری درباره‌ی دینکرد»؛ «تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان»؛ «فرهنگ هزوارشهای پهلوی»؛ اهتمام در انتشار کتاب «هفتاد و سه ملت»؛ تصحیح و اهتمام در انتشار کتابهای: «نصاب الصبیان» ابونصـر فراهی و «منطق الطیر» عطار؛ «نسب نامه‌ی خلفاء و شـهریاران» و سـیر تاریخی حوادث اسلام، ترجمه؛ «اخبار سلاـجقه‌ی روم»؛ «کلمـات حضـرت محمـد (ص)»، ترجمه؛ «الفرق بین الفرق»، ترجمه؛ «فرهنـگ تطبیقی عربی بـا زبانهـای سـامی و ایرانی»؛ «تاریخ ایران زمین»، از روزگار باستان تا عصر حاضر.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسـی (۲۷۳۱، ۲۶۵۴/ ۲)، کلک (س ۴، ش ۴۷ و ۴۸، ص ۲۸۸ –۲۷۷، س ۵، ش ۶۰، ص ۳۷۶ –۳۷۵)، کیهـان فرهنگی (س ۵، ش ۲، ص ۶ –۱، س ۵، ش ۶۰، ص ۳۷۶ –۳۷۵)، مؤلفین کتب چـاپی (۴۲۵ –۴۲۳/ ۲)، نامه‌ی باستان (۱۸ –۱۱).

مشکوری، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین مشکوری

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمّد حسـین مشـکوری طلبه قم و معمم مشغول به تحصیل می باشم اجداد بنده همگی از علماء و فضلای نجف و معروف به مشـکور نجفی مشـغول به تألیف و تـدریس بوده انـد و لـذا اینجانب فوق العاده علاقه مندم در امتداد حرکت آن بزرگواران و در راسـتای اعتلای کلمه اسـلام خدمتی هر چند اندک را به جامعه اسـلامی تقدیم نمایم. در این راستا چند سالی است که به تهیه فیش های علمی می پردازم تا ان شاءالله در آینده ای نزدیک مطالبی مفید و ارزنده ارائه نمایم . ان شاءالله

مشکوه، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: اقتصاد، دانشکده: معارف اسلامی، دانشگاه: امام صادق (ع)

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مشکی تبریزی، بیگ

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به مشکی. به شغل مشک فروشی مشغول بود. وی شعر را نیکو می‌سرود و بیشتر به غزلسرایی می‌پرداخت. از اوست:

هر جا که ز رخ پرده برانداخته باشی

صد همچو مرا عاشق خود ساخته باشی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۰۵)، تحفه سامی (۳۲۷)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۵۹۳ -۵۹۲/ ۲)، الذریعه (۱۰۵۲، ۷۳۴/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۴۹).

مشکی تبریزی، محمود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به مشکی. از سادات تبریز بود. به گفته‌ی صاحب «آتشکده‌ی آذر» و «صبح گلشن»، دکان مشک فروشی داشت و از این شغل امرار معاش می‌کرد. شعر را نیکو می‌سرود و در غزل و قصیده اطلاعات زیادی داشت و استاد بود. از اوست:

به فکر آن میان امشب دل صد ناتوان گم شد

دل یک یک به دست آمد دل من زان میان گم شد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۴۲/ ۱)، تاریخ نظم و نثر (۷۰۵)، تحفه سامی (۳۲۷، ۳۱۸)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۵۹۲ - ۵۹۱/ ۲)، دانشمندان آذربایجان (۳۴۴)، الذریعه (۱۰۵۲، ۱۰۱۳ -۱۰۱۲/ ۹)، صبح گلشن (۴۱۸)، فرهنگ سخنوران (۸۴۹).

مشکی کاشانی، محمد امین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۱۷ ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن نیم ربعی، نسخ کتابت و رقاع کتابت خوش، با رقم: «کتبه العبد الضعیف... محمد امین بن احمد المشکی الکاشانی سنه سبع عشر و الف ۱۰۱۷».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۴۸/ ۴).

مشکی کاشانی، محمدامین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن نیم‌ربعی، نسخ کتابت و رقاع کتابت ملیح خوش با رقم: «کتبه العبد الضعیف المحتاج الی رحمهٔاللّٰه الملک السبحانی محمد امین بن احمد المشکی الکاشانی. سنهٔ سبع عشر و الف ۱۰۱۷» در مجلس شورای ملی. (این برگه با اندک اختلاف تکرار شده است).

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

مشکی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مشکی

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه شدم و در حقیقت کارهیا علمی نوشتاری از سال ۱۳۷۲ شروع شد کتب و مقالات و تحقیقات زیادی دارم که بعضی چاپ و بعضی در دست اقدام می باشد. همراه با تحصیلات حوزوی موفق به اخذ دکتری در رشته حقوق خصوصی شدم و تحصیلات حوزوی هم اجتهاد می باشد. و فعلا به عنوان عضو هیئت علمی رسمی دانشگاه آزاد مشغول به تدریس هستم.

مشکی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی مشکی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۷/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ در رشته اقتصاد مدرک دیپلم گرفتم و در همان سال در حوزه علمیه آیت الله مجتهدی تهرانی رحمهٔالله علیه مشغول به تحصیل شدم و مقدمات حوزوی را تا سال ۱۳۶۸ در مدرسه ایشان به پایان رساندم و در سال ۱۳۶۸ به قم مشرف شدم و همزمان با دروس حوزه (رسائل و مکاسب) در مؤسسه در راه حق که در آن زمان بخش آموزش آن زیر نظر حضرت آیت الله مصباح یزدی حفظه الله اداره می شد، مشغول به تحصیل شدم.

در سال ۱۳۷۳ پس از فراغت تحصیل در آنجا در رشته تخصصی فلسفه شرکت کردم و پس از قبولی در آن رشته و همزمان با تاسیس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ، رشته تخصصی فلسفه را در مؤسسه مذکور آغاز کردم و در سال ۱۳۷۸ با دفاع از پایان نامه خود که در شش ماه آن را نوشتم موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم.

پس از آن در سال ۱۳۷۹ با بخش پژوهشی مؤسسه همکاری نمودم و پژوهشی را درباره «مدرنیته» با دو نفر دیگر از دوستان آغاز کردم که بخش اول آن به نام اسلام و اومانیسم حدوداً در سال ۱۳۸۲ آماده شد و به پژوهش مؤسسه تحویل دادیم و سپس بخش دوم که «سکولاریسم » بود را به صورت فردی ادامه دادم و پس از پایان یافتن این بخش در سال ۱۳۸۴ این بخش تیر تحویل پژوهش گردید. در سال ۱۳۸۲ همراه با تحقیقات پژوهشی به عضویت هیئت علمی و پژوهشی مؤسسه در آمدم و پس از دو سال عضو هیئت علمی آموزشی شدم و از سال ۱۳۸۲ تا کنون مشغول تدریس در مؤسسه می باشم و عمده فعالیتهای بنده در حوزه تدریس می باشد و در بخشی هم با واحد تربیت مربی اخلاق همکاری دارم.

مشکین قلم اصفهانی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۰ ق)، نقاش و طغرانویس. هنرمند پر ابتکار اصفهانی است که نقوش زیبایی را از تلفیق خط و نقاشی (نقاشیخط) عمل می‌آورد و به طلاـ و سایر رنگهای تزیینی آرایش می‌داد. او در خارج از ایران وفات یافته و دفن شده است. از آثار وی: تصویر مرغ با حالتی که از تلفیق حروف، تشکیل یافته و رقم «بنده باب بهاء مشکین قلم سنه ۱۳۰۵» دارد؛ تصویر قرینه‌ای دو مرغ ایستاده که از ترکیبات کلمات تشکیل شده و حواشی آن، تذهیب و تشعیر فوق‌العاده‌ای دارد، با رقم: «بنده باب بهاء مشکین قلم سنه ۱۳۰۷».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۷۰۹ -۷۰۸/ ۲).

مشکین قلم شیرازی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۸۱ ق)، نقاش و خطاط. طراح نقوش و ناخنی کار اهل شیراز و معاصر محمدحسین شیرازی کاتب السلطان بود که در کتابت خطوط نیز دست داشت و چند قلم را خوش می‌نوشت. از آثار ناخنی وی: یک قطعه به قلم نستعلیق دو دانگ خوش، با رقم: «هجدهم شهر ذی الحجهٔالحرام سنه ۱۲۵۶ المذنب محمدحسین الملقب بمشکین قلم»؛ تصویر زیبای زن فرنگی به شیوه‌ی ناخنی، با رقم: «محمدحسین شیرازی مشکین قلم ۱۲۷۹»؛ یک مرقع، که قطعاتی به خطوط نسخ و شکسته تعلیق و شکسته نستعلیق و نستعلیق چهار دانگ خوش دارد، با رقمهای: «المذنب الفقیر محمدحسین الشیرازی الملقب بمشکین قلم غفر له سنه‌ی ۱۲۷۹» و «محمدحسین الشیرازی الملقب بمشکین قلم، سنه‌ی ۱۲۷۹»؛ تصویر میرزا فضل‌اللّه طباطبایی، در شیوه‌ی ناخنی که هنر نقاشی و ناخنی را یکجا

ارائه داده، با رقم: «محمدحسین شیرازی مشکین قلم ۱۲۸۱».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۹۵ -۶۹۴/ ۳)، احوال و آثار نقاشان (۷۰۹/ ۲).

مشکین قلم، جبار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۱ ش)، خطاط. در زنجان به دنیا آمد. در جوانی به اکتساب علوم پرداخت و فنون خطی را نزد میرزا آقا، معروف به ملا آقا آموخت. وی برای تکمیل این هنر در محضر خوشنویسان دیگر نیز به شاگردی پرداخت و به رتبه‌های عالی رسید. میرزا جبار را به صفات پسندیده ستوده‌اند. او در زنجان درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد. قطعه‌ای از وی در تذکره‌ی «خوشنویسان معاصر» نقل شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (۸۳).

مشکینی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالحسن بن عبدالحسین مشکینی اردبیلی نجفی عالمی فاضل و فقیهی تحریر و مدرسی بزرگ و خوش تقریر بوده است ولادت ایشان در سال ۱۳۰۵ قمری در یکی از دهات مشکین شهر اردبیل واقع شده و از آنجا برای تحصیل در سال ۱۳۲۰ به اردبیل آمده و در سال ۱۳۲۸ ق مهاجرت به نجف اشرف و مدت کوتاهی درک بحث آخوند خراسانی را نموده و پس از فوت وی خدمت مرحوم آقا شیخ علی مدرس قوچانی تلمذ کرده و در سال ۱۳۳۷ ق به کربلاء عزیمت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدتقی شیرازی استفاده نموده و پس از فوت ایشان به نجف مراجعت و به تدریس و تصنیف پرداخته و از مدرسین درجه یک اصول گردیده و جمع کثیری از فضلاء که امروز از آیات عظام قم و نجف و سایر بلاد و از مراجع تقلید عصر حاضرند از محضرش استفاده نموده‌اند.

مرحوم آیت‌اللّه مشکینی در اواخر مبتلاء به کسالت گردیده و برای معالجه به بغداد آمده و در روز دوشنبه بیست و هفتم جمادی‌الثانی ۱۳۵۸ ق در سن پنجاه و سه سالگی وفات و جنازه‌اش حمل به نجف و در جنب مقبره مرحوم علامه یزدی آقاسید محمدکاظم در مقبره صحن شریف مدفون گردیدند.

آثار علمی ایشان از این قرار است.

۱- الفوائد الرجالیه ۲-المناسک ۳- حاشیه کفایه که مطبوع با کفایه می‌باشد ۴- حاشیه عروهٔالوثقی ۵- کتاب الصلوه ۶- کتاب الزکوهٔ ۷- کتاب الطهاره ۸- رساله در ترتب ۹- رساله‌ای در کر ۱۰- رساله در رضاع ۱۱- رساله در معنای حرفی و غیره

(۱۳۵۸ -۱۳۰۵ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مدرس. نسبتش به مشگین، از توابع اردبیل، می‌رسد. برای فراگیری علوم به اردبیل رفت و در ۱۳۲۸ ق به نجف مهاجرت کرد. او در محضر آخوند خراسانی و شیخ علی قوچانی و شریعت اصفهانی و آقا سید محمدکاظم یزدی تلمذ نمود. در ۱۳۳۷ ق به کربلا رفت و در حوزه‌ی درس و بحث میرزا محمدتقی شیرازی شرکت کرد. پس از درگذشت استادش، میرزای شیرازی ثانی، به نجف بازگشت و به تدریس اصول و تصنیف پرداخت. وی سرانجام در کاظمین درگذشت. پیکرش به نجف منتقل و در صحن شریف علوی به خاک سپرده شد. از آثارش: «الفوائد الرجالیهٔ»؛ «المناسک»؛ حاشیه بر «کفایهٔ الاصول» آخوند خراسانی؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ انصاری؛ حاشیه بر «العروهٔ الوثقی»؛ کتاب «الصلاهٔ»؛ کتاب «الزکاهٔ»؛ کتاب «الطهارهٔ»؛ حاشیه بر «شرح منظومه سبزواری»؛ رساله‌ی «الترتب»؛ رساله‌ی «الرضاع».[۱]

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۳۳۶/ ۲)، الذریعه (۳۳۷ -۳۳۶/ ۱۶ ،۱۸۶/ ۶)، ریحانه (۳۲۰ -۳۱۹/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۸/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۷۵ -۷۴/ ۷)، معجم المؤلفین (۲۹۵/ ۳).

مشکینی، ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالفضل فیض مشکینی از اصحاب خاص و شاگردان آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری می‌باشند.

وی در مشکین شهر متولد شده و پس از خواندن اولیات مهاجرت به قم نموده و سطوح و متون فقه را از مدرسین حوزه فراگرفته آنگاه به درس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آقا حاج سید کاظم شریعتمداری شرکت و استفاده نموده و پس از فوت مرحوم بروجرد از ملازمین و منقطعین به آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری و مباشر قسمت از کارهای معظم‌له از قبیل تقسیم شهریه و غیره

پرداخته و تا هم اکنون مورد توجه و وثوق معظم‌له می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مشکینی، عبدالحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسین مشکینی معروف به (امام) از شاگردان و خواص اصحاب آیت‌اللّه فاضل شربیانی بوده و در روز دوشنبه ۱۸ ربیع‌الثانی ۱۳۳۵ ق در نجف وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مشکینی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیهٔ الله علی اکبر فیض معروف بـه مشـکینی در سـال ۱۳۰۰ هجری شمسـی در روسـتایی از توابـع بلـوک مشـکین شـهر و در میـان خانواده‌ای متدین و اهل علم چشم به جهان گشود. پدرش مردی مومن و عالم بود و در روستای آلنّی زندگی ساده ای داشت. او در کسوت روحـانیت به تحصیل علم و رتق و فتق امور مردم می‌پرداخت. آیـهٔ الله مشـکینی هنگـامی که همراه با پـدر در نجف اشـرف مقیم بود، به مکتب خـانه رفت. هنوز بیش از دو سـال از اقامت خانواده آیـهٔ الله مشـکینی در نجف نگذشـته بود که مادرش چشم از جهان فروبست. آیـهٔ الله مشـکینی به همراه پـدر به وطن بازگشت و مقداری از مقدمات علوم دینی را نزد پدر فرا گرفت. وی پس از مـدتی پـدر را نیز از دست داد. خود می گویـد ": پس از فوت پـدرم مـا یتیم بودیم و هیـچ چیز نـداشتیم ".ایشان با وجود سـختی و مرارت و فقر، عزم سـفر کرد و راهی حوزه علمیه اردبیل شـد و پس از انـدکی به فکر مهاجرت افتاد. ایشان درباره سال های سـخت دوران یتیمی خویش می گوید": با وجود همه سختی ها و نبود امکانات، چیزی که ما را امیدوار کرده بود؛ توکل به خدا و ایمان به راهی بـود که در آن پـای نهـاده بـودیم. هر چنـد در این غربت و تنهـایی سـایه پـدر و مـادر نبوده لکن همواره خـدا بود و بـاور این حضور، ما را از یاس و ناامیـدی نجات می داد ".وی برای تحصیل علوم دینی به شهرسـتان اردبیل سـفر کرد و مقداری از صـرف و نحو را در آنجا فرا گرفت. سـپس در معیّت عالم بزرگواری که از زخمیان حادثه مسـجد گوهرشاد مشـهد در زمان رضاخان بود، به شهر قم آمـد و در آن دیار به تحصیل علوم دینی پرداخت. ایشان درباره سـفارش پـدرش برای تحصـیل علم می گویـد": پـدرم در آخرین لحظـات عمرش تنهـا سفارشـی که برای من کرد این بود که فرمود: پسـرم! در روز قیـامت به پیش من رو سـیاه می آیی اگر احکام و عقاید و تفسـیر را فرا نگرفته باشی ".این بود که آیهٔ الله مشکینی در کنار فقه و اصول، در عقاید و تفسیر نیز زحمات زیادی کشـید و در این علوم نیز تبحر خاصـی به دست آورد. او در حضور اساتیـد بزرگی چون امام خمینی را درک کرد و چندین سال نیز در محضـر این مرد بزرگ، کمالات علمی را فراگرفت و به ژرفای اندیشه و عرفان و معنویت وی پی برد و شـیفته اش گردید. ایشان در زمانی که سایه منحوس رژیم پهلوی بر کشور مسـتولی و تحصـیل در حوزه‌های علمیه بسـیار دشوار بود. دروس دوره سطح را به خوبی به پایـان رسانـد و در درس خارج فقه و اصول اسـتادان مشـهور دوره خود، حاضـر شـد. وی نزدیک به هفت ماه نیز در نجف اشـرف حضور داشت و در درس‌های خارج استادان آن دیار، به ویژه امام خمینی(ره) شرکت می‌کرد اما به دلیل هوای گرم نجف و ضعف مزاجی مجبور به بـازگشت به ایران شـد. آیـهٔ الله علی اکـبر مشـکینی در سال‌هـای تحصـیل خود، به محضـر عالمـان بسـیاری شرفیاب شد. وی در دروس خارج فقه و اصول آیهٔ الله العظمی بروجردی (ره) و آیهٔ الله العظمی محقق داماد(ره) شرکت می‌کرد. در نجف نیز به محضـر عالمـان و اسـتادان آن دیـار شـرفیاب می‌شـد و در درس خـارج امـام خمینی(ره) شـرکت جـدی داشت. آیـهٔ الله مشکینی در سال‌های تحصیل و پس از آن با فضلا و اساتید بسیار، رابطه دوستی داشت که از آن جمله می‌توان آیهٔ الله جوادی آملی و آیهٔ الله امینی را نام برد.

فعالیت‌های علمی و فرهنگی :

آیـهٔ الله مشـکینی در سال‌هـای عمر بـا برکت خود منشأ خـدمات، فعالیت‌های علمی و فرهنگی بسـیاری بود. او طی سال‌ها تـدریس مقدمات، سـطح و دروس خارج فقه و اصول در حوزه، شاگردان بسـیاری را تربیت کرد که از استادان و علمای امروز حوزه به شمار می‌آیند. وی کتب دوره مقدمات و سطح را بارها تدریس کرده و سال‌ها به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال داشته است. همچنین درس تفسـیر آیـهٔ الله مشـکینی از دروس مشـهور حوزه علمیه قم بوده است. از فعالیت‌هـای مهم وی در این عرصه، تأسـیس مؤسسـه الهادی است که به چاپ کتب مفیـد و اسـلامی برای سـطوح گوناگون جامعه می‌پردازد و مردم را با حقایق و معارف اسـلامی آشـنا می‌سازد. آیت الله مشکینی همچنین کتاب‌های فراوانی در زمینه‌های گوناگون علوم اسلامی تألیف و منتشر ساخته است که برخی از مجموعه آثار ایشان به شرح زیر است: ۱ـ اصطلاح الاصول ۲ـ مصطلحات الفقه ۳ـ الفقه الماثور (دوره فقه به طرزی نوین) ۴ـ دروس فی الاخلاق (یک دوره اخلاق عربی) ۵ـ ازدواج در اسلام ۶ـ المنافع العامه (شرح کتاب احیاءالموات شرایع) ۷ـ مفتاح الجنان (کتاب دعا تکمیل مصباح المنیر) ۸ـ المواعظ العددیه ۹ـ واجب و حرام احکـام الزامی (دوره فقه) ۱۰ـ قصـار الجمل (احادیث کوتاه تحت عناوین لغوی دو جلد) ۱۱ـ ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی ۱۲ـ الهدی الی موضوعات نهج البلاغه ۱۳ـ المبسوط (تفسیر سوره آل عمران) ۱۴ـ واجبـات و محرمـات (اسـتقصاء آنچه در شـرع واجب و حرام اعتقادی و عملی است) ۱۵ـ تفسـیر سوره (ص) ۱۶ـ بحث

تکامل از نظر قرآن ۱۷ـ مسلکنا فی العقائد و الاخلاق و العمل ۱۸ـ زمین و آنچه در آن است ۱۹ـ تقلید چیست؟ ۲۰ـ رساله خمس ۲۱ـ حاشیه توضیحی بر کتاب مضاربه، عروةالوثقی ۲۲ـ نهج البلاغه موضوعی ۲۳ـ تحریرالمواعظ ۲۴ـ تحریرالمعالم ۲۵ـ الرسائل الجدیده ۲۶ـ تلخیص المکاسب (در دست چاپ) ۲۷ـ تفسیر روان برای نسل جوان (در دست چاپ) ۲۸ـ ترجمه و شرح فارسی سه کتاب مضاربه، مزارعه و شرکت در عروة الوثقی (در دست چاپ) همچنین از وی مقالات بسیاری در نشریات نور علم، پاسدار اسلام و ... نیز در روزنامه جمهوری اسلامی و ... به چاپ رسیده است. فعالیت‌های سیاسی :

زندگی آیة الله مشکینی سرشار از مبارزات و تلاش‌های سیاسی برای تحقق حکومت اسلامی است. وی از نخستین افرادی بود که به نهضت امام خمینی(ره) پیوست. مشکینی در جلسات مخفی مبارزان شرکت می‌کرد از این رو حدود چهار ماه در تهران متواری شده بود و سپس ایران را به مقصد عراق ترک کرد. با بازگشت به قم در همان روز اول دستگیر شد و ساواک از او خواسته بود تا ۴۸ ساعت بعد از قم خارج شود. از این رو به مشهد رفت و ۱۵ ماه در آنجا مشغول تدریس شد و بار دیگر به حوزه علمیه قم آمد و مبارزات را پی گرفت؛ اما پس از مدتی به همراه ۲۷ نفر از اساتید و فضلای حوزه تبعید شد. از این رو به زادگاه خود رفت ولی پس از سه ماه ساواک وی را دستگیر و به ماهان کرمان و گلپایگان تبعید کرد. وی پس از دو سال نیز به کاشمر تبعید شد و در طول دوره تبعید نیز دست از مبارزه برنمی‌داشت؛ این گونه بود که ساواک او را به مکان دیگری منتقل می‌کرد. وی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بود. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آیة الله مشکینی در مسئولیت‌های گوناگونی به ایفای نقش پرداخت از جمله عضویت در خبرگان تدوین قانون اساسی، مسئول گزینش و اعزام قضات با حکم امام(ره)، ریاست مجلس خبرگان رهبری در هر سه دوره، امامت جمعه قم با حکم امام(ره) و رهبر انقلاب، عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و ریاست شورای بازنگری قانون اساسی. آیت الله مشکینی که به بیماری خونی مزمنی دچار بودند، در بیمارستان بقیه‌الله بستری شدند. سرانجام عصر روز دوشنبه ۸ مرداد ۱۳۸۶ ایشان به خلد آشیان رحلت نمودند.

مشکینی، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام میرزا محسن مشکینی بن العلامه حاج شیخ هاشم مشکینی از علماء قدماء و تلامذه مبرز مرحوم آیت‌الله العظمی حجت می‌باشند که در سال ۱۳۲۴ ق در مشکین شهر متولد شده و پس از دیدن قسمتی از ادبیات و مقدمات در سال ۱۳۴۸ قمری مهاجرت به قم نموده و سطوح را نزد مرحوم میرزا محمد همدانی خوانده و فقه و اصول تحلیلی را در حدود ۱۸ سال از محضر مرحوم آیت‌الله حجت استفاده کرد و نیز بالغ بر ۱۸ سال به درس آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت کرده است. از نوشته‌های ایشان قسمتی از تقریرات مکاسب آیت‌الله حجت رحمه‌الله می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مشکینی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند شیخ علی بن شیخ ابوالقاسم عاملی، از اعقاب شهید ثانی، عالم فاضل، مدرس معقول، از شاگردان: حاج میر سید علی مجتهد نجف‌آبادی، و آقا سید محمد مدرس نجف‌آبادی، و آقا شیخ محمد حکیم خراسانی، و حاج میر محمد صادق خاتون‌آبادی بوده، و در مدرسه‌ی جده کوچک، فقه و اصول و حکمت تدریس می‌نمود، و در مسجد کوچه‌ی تل عاشقان امامت می‌فرمود.

از علمای گمنام و منزوی بود، که عمری را به زهد و قناعت و اعراض از مردم به سر برد، و سرانجام در شب شنبه ۲۳ شوال سال ۱۳۸۶ به سن قریب به ۷۵ وفات یافته، در تخت فولاد در تکیه‌ی آقا باقر دردشتی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مشهدی قاسم، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف قبل از ۱۰۸۳ ق)، شاعر، متخلص به قاسم. مشهور به قاسم دیوانه یا دیوانه‌ی مشهدی. اشتهار وی به دیوانگی ظاهرا باید به دلیل اشعار سست و معماگونه‌اش باشد. در اوایل زندگی به اصفهان رفت و در آنجا به تحصیل مشغول شد. وی از شاگردان صائب تبریزی بود. در اواخر عمر قصد مسافرت به هندوستان نمودن در بین راه در ولایت شاه جهان‌آباد (دهلی کهنه) وفات یافت. مدفنش در همان دیار است. در تذکره‌ی «نصرآبادی» (تألیف شده‌ی ۱۰۸۳ ق) از فوت وی ذکری به میان آمده است، اما در «فرهنگ سخنوران» سال مرگ وی ۱۰۸۵ ق ذکر شده است. از اوست:

میان دیر و حرم محو دلستان ماندم

دو کوه سر بهم آورد و در میان ماندم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۷۰ -۱۱۶۷ / ۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۳۴ -۳۳۳)، الذریعه (۸۳ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۳۲)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۲۴۸۰ -۲۴۷۹، ۲۳۲۹ / ۳)، کاروان هند (۱۰۸۵ -۱۰۸۳ / ۲)، نتایج الافکار (۵۶۶ -۵۶۴).

مشهدی مانی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۹۲۳ ق)، نقاش و شاعر، متخلص به مانی. در زمان امیر علیشیر نوایی (م ۹۰۶ ق) در مشهد می‌زیست و پدرش شغل کاسه‌گری داشت و خود نیز به آن کار مشغول بود و در نقش و تصویر بر روی کاسه‌ها تبحری خاص داشت. او همچنین در سرودن شعر دارای طبعی روان بود و پس از چندی به خدمت محمد محسن میرزا، فرزند سلطان حسین بایقرا، درآمد و از جمله مقربان وی گردید. مانی در مشهد محمد محسن میرزا به دست ازبکان کشته شد. از او اشعاری در تذکره‌ها نقل شده است. مؤلف «تاریخ نظم و نثر» وی را از مردم مازندران می‌داند که در مشهد و هرات می‌زیسته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۵۰۰ -۴۹۹/ ۲)، احوال و آثار نقاشان (۵۸۵ -۵۸۴/ ۲)، تاریخ نظم و نثر (۳۱۳ -۳۱۲)، تحفه سامی (۲۰۰۲ -۲۱۰)، تذکره‌ی روز روشن (۷۰۵)، الذریعه (۹۵۳/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۷۹۴)، مجالس النفائس (۲۴۱ -۲۴۰، ۶۷)، مطلع الشمس (۴۴۲/ ۲)، هفت اقلیم (۲۰۸/ ۲).

مشهدی محسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از سادات رضوی مشهد بود. در زمینه شعر و معما طبع آزمایی می‌کرد و از اقران میر محمود منشی متخلص به محوی (۹۸۰ -۹۲۸ ق) بود. به روزگار اکبرشاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به هندوستان رفت و آن پادشاه را مدح گفت. پاره‌ای از اشعارش در تذکره‌ها نقل شده است. از اوست:

نخواهم مهربان با خویشتن در بزم اغیارش

که می‌ترسم که غیری بیند و گردد گرفتارش

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۵۰۰/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۸۱۰)، کاروان هند (۱۲۳۱ -۱۲۳۰/ ۲).

مشهدی، ابوالبرکات ناصح‌الدین محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۵۳۲ ق)، فقیه و محدث. در محضر امام محیی‌الدین حسین بن مظفر حمدانی تلمذ نمود. او از مفید ابوالوفاء عبدالجبار، شاگرد شیخ طوسی، و جعفر بن محمد دوریستی و ابوالحسن علی بن عبدالصمد تمیمی و حسین بن مظفر حمدانی روایت کرد. شیخ منتجب‌الدین و علی بن محمد تمیمی، صاحب «منیهٔ الداعی»، و طب راوندی از وی روایت کرده‌اند. امام ضیاءالدین فضل‌اللّٰه راوندی و فرزندانش، احمد بن فضل و علی بن فضل، در ۵۳۲ ق از او اجازه‌ی روایت گرفتند و فضل‌اللّٰه راوندی این نکته را در ظهر «امالی» صدوق نگاشته است. صاحب «مکارم الاخلاق»، حسن بن فضل طبرسی، کتاب «المسموعات» را به وی نسبت داده است و صاحب «مشکاهٔ الانوار»، علی بن حسن بن فضل طبرسی، کتاب «المجموع» را نیز منتسب به وی می‌داند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بحارالانوار (۳۵/ ۱)، الذریعه (۲۵/ ۲۱، ۵۳/ ۲۰)، ریاض العلماء (۳۵ -۳۴/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۵۱ -۲۵۰ ،۱۹۹ ،۱۴ -۱۳/ ۶)، فوائد الرضویه (۳۹۴، ۳۵۵، ۲۰۱)، فهرست منتجب‌الدین (۱۶۳)، معجم المؤلفین (۵۹/ ۹).

مشهدی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۲۰ ق)، خطاط و شاعر. مستوفی آستانه‌ی قدس رضوی بود. نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت و شعر نیز می‌سرود. از خطوط وی: کتیبه‌ی یک در نقره‌ی آستانه‌ی رضوی است که اشعار آن از ملک الشعراء صبوری است و چنین رقم دارد: «کتبه تراب اقدام الخدام، ابوالقاسم الخادم ۱۳۲۰».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۴/ ۱)، تذکرهٔ الخطاطین (۴۵۸ -۴۴۹/ ۱).

مشهدی، ابومحمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۰ ق)، عالم و مدرس. از نوادگان شیخ حافظ بهاءالدین عمر ابردهی، مدفون در قریه کوه‌پایه در اواخر قرن هشتم هجری است. پدرش امام جمعه مشهد و از مشایخ علامه میرزامهدی شهید بود. آقا ابومحمد به جای پدر نشسست و از مدرسین دانشمند به حساب می‌آمد. شاگردانی در محضرش تربیت یافتند که از جمله آنان محمدولی میرزا، پسر فتحعلی شاه قاجار، بود که ریاضیات را در حوزه درس او تلمذ کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۹ /۱۳)، مکارم الآثار (۴/ ۱۱۱۸).

مشهدی، احمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۶ ق)، خطاط و شاعر. اهل مشهد بود و پس از طی مراحل نخستین خوشنویسی از مشهد به هرات رفت و نزد میر علی هروی به فراگیری خط پرداخت و در کار خوشنویسی به پایه‌ی استاد رسید. پس از فتح هرات به دست عبیداللّه‌خان ازبک، به سال ۹۳۵ ق، و انتقال اجباری جمعی از هنرمندان از جمله میر علی به بخارا، سید احمد نیز به دنبال استاد خویش به آن شهر رفت و پس از مرگ میر علی جانشین وی در کتابخانه‌ی عبدالعزیزخان ازبک، پسر عبداللّه‌خان، شد و به کتابت پرداخت. پس از مرگ عبدالعزیز خان به مشهد بازگشت. و پس از چندی به دربار شاه طهماسب صفوی پیوست و کاتب ملازم و مورد توجه او شد. اما سرانجام نظر شاه نسبت به او تغییر یافت و گرفتار تنگدستی گردید. میر مرادخان، حاکم مازندران، چون از حال سید باخبر شد، او را نزد خویش خواند. سید مدتی در مازندران به کتابت پرداخت. از آثار او در این دوره یک نسخه از «لوایح» جامی است که به تاریخ ۹۷۸ ق کتابت شده است. با مرگ میر مرادخان به مشهد بازگشت و د سال ۹۸۴ ق شاه اسماعیل دوم او را به قزوین فراخواند. اما این دوره‌ی آسایش سید احمد نیز به درازا نکشید. شاه اسماعیل دوم درگذشت و سید ناچار دوباره به مازندران رفت و در همان جا وفات یافت. سید احمد شعر نیز می‌سرود و اشعاری از وی نقل شده است که بعضی از آنها به خط خود وی است. او شاگردان بسیاری را تربیت کرد که برجسته‌ترین آنها حسنعلی مشهدی و علیرضا مشهدی بودند؛ از دیگر شاگردان وی می‌توان از قاضی میر احمد منشی، میر شیخ ثانی کرمانی، ملا حسین تبریزی، محمد رحیم مشهدی و ملاقانعی نام برد. از آثار او: یک نسخه «دیوان غزلیات» امیرشاهی سبزواری، قلم کتابت خفی عالی و تاریخ سال ۹۸۲ ق؛ یک نسخه «لوایح» جامی به قلم دودانگ خوش، با رقم: «جهت حضرت نواب... احمد الحسینی المشهدی الکاتب... فی شهور سنه ثمان و سبعین و تسعمائهٔ»؛ یک نسخه «نزههٔ العاشقین»، به قلم کتابت جلی عالی، با رقم: «تمت... احمد الحسینی المشهدی... فی شهور سنه سبعین و تسعمائهٔ» و مرقعات و قطعاتی که در کتابخانه‌های تهران، لنینگراد، استانبول و وین موجود است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۴ -۴۴/ ۱)، پیدایش خط و خطاطان (۹۰ -۸۹)، تاریخ اصفهان (۳۱۰)، تاریخ نظم و نثر (۴۶۴)، تاریخ هنرهای ملی (۸۸۵ -۸۸۴/ ۲)، تذکرهٔ الخطاطین (۱۳۵ -۱۲۶/ ۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۲۹۳ -۱۲۹۲/ ۱۰)، سرآمدان فرهنگ (۴۹۶ -۴۹۵/ ۱)، عالم آرای عباسی (۱۷۰/ ۱)، کارنامه بزرگان (۱۴۳ -۱۴۲)، گلستان هنر (۹۱ -۹۰)، مناقب هنروران (۱۱۴، ۸۲، ۷۸، ۷۶).

مشهدی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

گروه : هنررشته : خوشنویسی والدین و انساب : سید احمد مشهدی از سادات حسینی مشهد است که پدرش به شغل شمع ریزی در آستانه رضوی مشغول بوده است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید احمد مشهدی ابتدا در مشهد به آموزش خط پرداخت و پس از آن به هرات رفت و نزد میر علی هروی به تحصیل پرداخت.زمان و علت فوت : سید احمد مشهدی در سال ۹۸۴ در مازندران درگذشت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید احمد مشهدی پس از آن که استادش میر علی هروی توسط ازبکان به بخارا فرستاده شد به آن سرزمی ن رفت و در کتابخانه عبدالعزیز خان ازبک به کتابت پرداخت. پس از مرگ عبدالعزیز خان به مشهد و سپس به درگاه شاه صفوی شاه تهماسب روانه شد و در آذربایجان ساکن گردید. مدتی در خدمت شاه صفوی بود تا بالاخره به مشهد بازگشت . ده سال بعد رهسپار مازندران شد و در آنجا به خدمت میرمراد خان والی درآمد. در مازندران کتاب لوایح جامی

را برای خان کتابت کرد. اقامت وی در مازندران تا مرگ میر مراد خان بطول انجامید پس از آن به خراسان بازگشت تا این که شاه اسماعیل دوم در سال ۹۸۴ او را به قزوین فراخواند. او مدتی آنجا بود و پس از مرگ شاه اسماعیل به مازندران بازگشت . سید احمد مشهدی از ذوق ادبی نیز برخوردار بوده و شعر نیز می‌سرود.

آثار : کتابت دیوان غزلیات امیر شاه ویژگی اثر : یک نسخه دیوان غزلیات امیر شاه به تاریخ ۹۸۲ هجری قمری که در کاخ م.زه گلستان نگهداری می‌شود.[سرمدی، عباس. دانشنامه هنرمندان ایراه و جهان اسلام. تهران،هیرمند.۱۳۸۰]۲ کتابت لوایح جامی ویژگی اثر : این نسخه به تاریخ ۹۷۸ کتابت شده و در کتابخانه شچدرین لنینگراد موجود است.[سرمدی، عباس. دانشنامه هنرمندان ایراه و جهان اسلام. تهران،هیرمند.۱۳۸۰]۳ کتابت نزهه العاشقین ویژگی اثر : کتابت این اثر در تاریخ ۹۷۰ ثبت شده است محل نگهداری این اثر[سرمدی، عباس. دانشنامه هنرمندان ایراه و جهان اسلام. تهران،هیرمند.۱۳۸۰] منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

مشهدی، حسنعلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۳ ق)، خطاط و نقاش. وی شاگرد میر سید احمد مشهدی بود. خط خفی و جلی را خوش می‌نوشت و از اوان طفولیت استعداد خود را در این هنر نشان داد. به نقل از کتاب «مرآة العالم»، او پس از میرعلی هروی اسلوبی خاص آورد و پس از مرگ استاد، به هرات و نیشابور سفر کرد، سپس آهنگ عراق کرد و به زیارت عتبات رفت و حدود چهار سال در بغداد ماندگار شد. همچنین به زیارت حرمین شریفین شتافت و در همان جا درگذشت. حسنعلی از وراقی نیز سررشته داشت و آرایش و پیرایش مرقعات و صحافی و وصالی قطعات استادان را به تردستی انجام می‌داد و حواشی و کناره‌های تصاویر را به نیکوترین وجهی می‌آراست. از آثار وی: شش قطعه در مرقعهای مختلف، به قلمهای سه و دو و نیم دانگ و کتابت خوش، با رقمهای: «کتبه المذنب حسن علی المشهدی»؛ «در کربلا مرقوم گشت، کتبه المذنب حسن علی المشهدی»؛ «فقیر المذنب حسن علی، در کربلا نوشته شد»؛ و یکی که قطعه شعر معروف میر علی هروی است، با رقم: «کتبه المذنب سن علی غفراللّٰه ذنوبه و سترعیوبه» و «مشقه حسن علی»؛ آرایش حواشی قطعاتی از استادان خوشنویس ایران، که به انواع تشعیرها و اسلیمیهای گوناگون ترسیم شده و رقم «صاحبه و وراق حسنعلی غفرله» دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۴۶/۱)، احوال و آثار نقاشان (۱۵۴/۱)، گلستان هنر (۹۱).

مشهدی، رجبعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۳ ق)، خطاط. از آثار وی: کتیبه‌ی مدخل حرم نو حضرت معصومه (ع)، به خط ثلث برجسته نیم‌دانگ کتیبه‌ی خوش، با رقم «کتبه رجبعلی الخادم»؛ دو کتیبه‌ی سر در ورودی صحن نو مزار حضرت معصومه (ع) در قم و کتیبه‌ی سر در ساعت امین‌السلطان، به خط ثلث سه دانگ کتیبه‌ی خوش، با رقم: «قد فرغ التسوید الخادم رجبعلی المشهدی سنه ۱۳۰۳».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۶۹/۴)، گنجینه‌ی آقار قم (۵۳۲، ۵۲۵/ ۱).

مشهدی، سلطانعلی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۲۶ -۸۴۱ ق)، خطاط و شاعر. ملقب به قبله الکتاب و سلطان الخطاطین. در میان خوشنویسان نستعلیق، هیچ یک به اندازه‌ی سلطانعلی مشهدی، در دوره‌ی زندگی خود، شهرت کسب نکرده است. پدر و مادر وی ساکن شهر مشهد بودند و او در هفت سالگی یتیم مانده و در حمایت و دامان تربیت مادر خود روزگار گذرانیده است. سلطانعلی از طفولیت به خشنویسی علاقه داشته و مدتها بدون معلم مشق کرده و در بیست سالگی به حدی رسیده بود که شهره‌ی شهر شده و عده‌ای از ترک و تاجیک برای تعلیم خط نزد وی می‌آمدند و او بدون اطلاع از قواعد خوشنویسی، به سلیقه‌ی خود، شاگردان را تعلیم می‌داده است. چون آوازه‌ی خوشنویسی سلطانعلی به اطراف خراسان رسید. سلطان حسین میرزا بایقرا وی را به هرات فراخواند و او را در کتابخانه‌ی خویش به کار گماشت و به همین علت، عنوان کاتب السلطانی رقم می‌کرد. او همچنین در آن جا با وزیر هنرپرور، امیرعلیشیر نوایی و نیز با عبدالرحمن جامی دوستی بهم زد و بسیاری از آثار جامی را کتابت کرد. سلطانعلی در غزلسرایی نیز دست داشته و منظومه‌ای در خط به نام «صراط السطور» سروده است. درباره‌ی استاد و معلم خط سلطان علی، غالب مورخان و تذکره‌نویسان گفته‌اند که اظهر

تبریزی معلم وی بوده است ولی برخی نیز معتقدند که استاد بی‌واسطه‌ی او، حافظ حاجی محمد، شاگر اظهر بوده است. سلطانعلی در طول زندگی خود القاب مختلفی از جمله: قبله الکتاب، زبده الکتاب و سلطان الخطاطین داشته و در جایی نیز لقب نظام‌الدین با اسم او قرین شده است. او پس از مرگ سلطان حسین بایقرا، از هرات به زادگاه خود، مشهد، رفت و در همانجا انزوا گزید و سرانجام در سن هشتاد و پنج سالگی درگذشت و در مقابل پای مزار حضرت امام رضا (ع) به خاک سپرده شد. از شاگردان بی‌واسطه و معروف او سلطان محمد نور، سلطان محمد خندان، محمد ابریشمی و زین‌الدین محمود درخور ذکرند. آنچه از آثار خطوط وی اکنون بجای مانده سه قسم است: کتیبه‌ها، کتابها، قطعات و مرقعات. الف) کتیبه‌ها: کتیبه‌ای روی سنگ مرمر در طرف غربی مزار خواجه عبدالله انصاری در بیرون شهر هرات که به قلم یک دانگ کتیبه است، با رقم: «این صفه بدیع البنیان... بتاریخ سال هشتصد و هشتاد و دو... حرره العبد سلطان علی مشهدی». ب) کتابها: یک نسخه «دفتر پنجم» از شش دفتر «مثنوی» مولانا، به قلم کتابت خوش، با رقم: «سلطان علی المشهدی» و تاریخ جمادی الثانیه‌ی سنه‌ی ۸۶۵ یک نسخه «گوی و چوگان» (حالنامه‌ی عارفی) به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «وفق بکتابه هذه النسخه.. سلطان علی بن محمد المشهدی... سنه اربع سبعین و ثمانمائه بدارالسلطنه هراه...»؛ یک نسخه «دیوان» حافظ، به قلم کتابت خوش، با رقم: «سلطان علی الشمهدی» در سن پنجاه و پنج سالگی به تاریخ سال ۸۹۶؛ یک نسخه «تحفه الاحرار» جامی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «کتبه العبد... سلطان علی المشهدی... سنه‌ی ۹۲۱». ج) مرقعات و قطعات: «۴۷۰ قطعه از مرقعات، به قلمهای پنج دانگ تا غبار عالی و خوش و متوسط، با تاریخهای سال ۸۸۵ تا ۹۰۳ ق». و چندین اثر دیگر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۶۶ -۲۴۱ /۱)، اطلس خط (۴۷۱ -۴۶۲)، پیدایش خط و خطاطان (۱۱۳ -۱۱۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۲/۴)، تاریخ موسیقی (۲۴۵/۱)، تاریخ نظم و نثر (۶۵۲، ۳۲۷ -۳۲۶)، تاریخ هنرهای ملی (۸۱۹ -۸۱۵ /۲)، تحفه سامی (۱۱۳)، تذکره الخطاطین (۹۵ -۸۳ /۱)، حبیب السیر (۳۵۲ -۳۵۱ /۴)، خوشنویسان و هنرمندان (۳۴ -۳۳ ،۸)، دایرةالمعارف فارسی (۱۳۲۵/۱)، الذریعه (۴۵۹ -۴۵۸ /۹)، ریحانه (۵۶ -۵۵ /۳)، سرآمدان فرهنگ (۴۷۳ -۴۷۲ /۱)، صبح گلشن (۲۰۷)، طرائق الحقائق (۱۲۰ -۱۱۹ /۳)، عالم آرای عباسی (۱۷۱/۱)، فرهنگ سخنوران (۴۶۳ -۴۶۲)، کارنامه‌ی بزرگان (۷۳)، گلستان هنر (۷۸ - ۵۹)، مجالس النفائس (۲۷۴ -۲۷۳، ۱۰۱ -۱۰۰)، مناقب هنروران (۷۴ -۷۲، ۶۲ -۶۱)، هنر عهد تیموریان (۷۳۸ -۷۳۷، ۶۲۳ -۶۲۲، ۵۰۶ -۵۰۵، ۳۱۳ -۳۱۲، ۲۹۷).

مشهدی، سید علی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. متخلص به سید. اصلش از مشهد مقدس بود و در اصفهان سکونت داشت. پدر و برادرش در عصر عالمگیری به هندوستان رفتند. وی در نظم‌پردازی دارای طبعی بلند و از هم‌طرحان میر معز موسوی خان فطرت بود و به کلام متین راه سخن سنجی می‌پیمود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کلمات الشعراء (۸۱ -۸۰)، مخزن الغرائب (۶۴۴ -۶۴۲ /۲)، نتایج الافکار (۳۴۲)، نشتر عشق (۷۵۲/۲).

مشهدی، شرف‌الدین حسین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط. از کاتبان و خوشنویسان زبردست دربار سلطان یعقوب آق‌قوینلو و یا پیربوداق قراقوینلو بوده و به همین مناسبت سلطانی رقم می‌کرده است. ممکن است که او، همان شرف‌الدین بن شهاب‌الدین باشد. از آثار وی: یک نسخه «دیوان» امیری، به قلم کتابت خوش، با رقم: «کتبه العبد... شرف‌الدین حسین...»؛ یک «مجموعه‌ی اشعار» حافظ و کمال و غیره، به قلم کتابت خوش، با رقم: «حرره العبد.. شرف‌الدین حسین سلطانی... فی تاریخ سنه ثمان و سبعین و ثمانمائه» (۸۷۸)؛ یک «ترجیع‌بند» معروف سعدی و سلمان ساوجی، به قلم کتابت جلی خوش، با رقم: «کتبه العبد...شرف‌الدین حسین المشهدی...» و دیگر قطعات مختلف.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۵۷ -۱۶۵ /۱)، هنر عهد تیموریان (۶۲۶، ۶۱۹).

مشهدی، عبدالحی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۰ ق)، دانشمند. وی از سادات موسوی مشهد است که در جوانی از ایران به هندوستان مهاجرت کرد و در آنجا خدمت سه پادشاه گورکانی هند (بابر، همایون و اکبر) کرد. میر عبدالحی خط اختراعی محمد بابرشاه را که بدان مصحف نوشته بود،خوب

می‌دانست. در زمان همایون پادشاه منصب دارت یافت. در دهلی درگذشت. او در سرودن شعر توانا بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۴۹)، کاروان هند (۸۶۲ / ۲).

مشهدی، عبدالرحیم

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، نویسنده. از آثار وی: «مسالک الممالک» در جغرافیا.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۸۲)، الذریعه (۳۷۷ / ۲۰).

مشهدی، عبدالصمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، خطاط، نقاش و شاعر. وی از شاگردان سلطانعلی مشهدی بود. طبعی خوش داشت و شعر می‌سرود. امیر علیشیر نوایی (۹۰۶ -۸۴۴ ق) کتابت «دیوان» عبدالرحمان جامی را به وی واگذاشت و چون پس از اتمام، اشکالاتی در آن دید از جامی خواست تا خود این نسخه را مقابله کند. پس از این اتفاق او روی به افشانگری و سیاهی‌سازی و رنگ‌کاری آورد و در این فنون مهارت یافت. از آثار وی «دیوان» شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۰۲ / ۲)، احوال و آثار نقاشان (۳۲۹ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۲۹ -۳۲۸)، تاریخ هنرهای ملی (۸۵۵ / ۲)، الذریعه (۶۸۹ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۱۶)، گلستان هنر (۱۴۸ -۱۴۷)، مجالس النفائس (۱۵۰)، هفت اقلیم (۲۰۸ -۲۰۷/ ۲).

مشهدی، عبدالعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «نثر اللآلی» جلد روغنی،سرلوح مرصع، به خط نسخ کتابت خوش و با رقم: «جهه هدیه... علی ید العبد... عبدالعلی مشهدی، فی شهر ربیع الاولی من شهور سنه ۱۳۰۶...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۰۳ / ۴).

مشهدی، عبدالواحد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از شاگردان سلطانعلی مشهدی بود که از ایران به خاک عثمانی مسافرت کرد و در استانبول، به دربار سلطان سلیمان راه یافت. گویا وی در کوتاهیه در مدرسه‌ای ساکن بود که بعدها به واحدیه شهرت یافت. وی از علوم مختلفه بهره داشت و در شرح «نقایه» کتابی تألیف کرد به نام «نقایه الفقه الواحدیه» و نیز به درخواست فناری‌زاده، یکی از علمای ترک و رساله‌ای در فن اسطرلاب تألیف کرد. او در ۹۹۵ ق، تاریخ تألیف «مناقب هنروران»، در گذشته بود. از آثار وی: یک نسخه «دیوان» سلطان سلیم عثمانی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «اقل عبادالله عبدالواحد»؛ یک نسخه مثنوی «روشنایی نامه» منسوب به ناصرخسرو، به قلم کتابت خوش، با رقم: «عبدالواحد المشهدی»؛ یک نسخه «بوستان»سعدی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «تمت الکتاب... عبدالواحد المشهدی غفر ذنوبه»؛ نسخه‌ی دیگر «روشنایی‌نامه»، به قلم کتابت خوش، با رقم: «تمت الکتاب... عبدالواحد مشهدی غفر ذنوبه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۱۸ -۴۱۷ / ۲)، پیدایش خط و خطاطان (۱۴۵)، مناقب هنروران (۶۷)، هنر عهد تیموریان (۶۸۸، ۶۳۵، ۵۳۹).

مشهدی، عبدالوهاب

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. وی معاصر با میرزا ابوالقاسم بابر فرزند بایسنقر بوده و در نظم و نثر فارسی مهارت داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۲۹)، الذریعه (۸۷۱، ۷۰۳ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۲۲)، لغت‌نامه (ذیل/ قاضی مشهدی)، مجالس النفائس (۲۶).

مشهدی، علیرضا

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. وی شاگرد میرزا سید احمد مشهدی بود و بسیار خوش می‌نوشت. بعد از سید احمد مدتی در مشهد زیست و همان جا درگذشت. از آثار وی: یک قطعه از مرقع سید احمد، به قلم پنج دانگ جلی و نیم دو دانگ عالی، با رقم: «العبد علی رضاء مشهدی»؛ یک قطعه از مرقعی دیگر، به قلم سه دانگ و کتابت خوش، با رقم: «کتبه العبد علی رضاء مشهدی...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۶۷ / ۲)، گلستان هنر (۹۲ -۹۱)، هنر عهد تیموریان (۶۸۹، ۵۹۸، ۳۲۷ -۳۲۶).

مشهدی، محمدتقی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اهل مشهد بود. برای تحصیل از مشهد به اصفهان رفت و از شاگردان عارف ربانی، میرابوالقاسم فندرسکی، شد. وی در اندک مدتی گوی سبقت از دیگران ربود و در علوم مختلف سرآمد شد. تقی در اواسط زمان شاه عباس دوم برای دیدن خانواده‌اش روانه مشهد شد اما در طول راه فوت کرد. وی گاهی شعر نیز می‌سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۶۰)، الذریعه (۱۷۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۹۰).

مشهدی، محمدرحیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۹۳ ق)، خطاط. از شاگردان سید احمد مشهدی بود. صاحب «مناقب هنروران» دو سه قطعه از خطوط او را، در ۹۹۰ ق، در بغداد دیده است. از آثار وی: یک نسخه «دیوان» حافظ، به قلم کتابت جلی خوش، با رقم: «تمت الکتاب... علی ید العبد الفقیر المذنب محمدرحیم... سنه‌ی ۹۹۳»؛ یک نسخه رساله‌ی «کنوز الرموز»، به طریق مرقع، به قلم نیم دو دانگ و کتابت جلی عالی، با رقم: «کتبه المذنب محمدرحیم...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۲۱/ ۳)، مناقب هنروران (۸۲).

مشهدی، محمدمهدی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن رقاع و نسخ نیم دو دانگ خوش با رقم: «حسب‌الفرموده‌ی نوردیده‌ی اهلیت و مردمی زیب مسند صورهٔ و معنی میرزا سلطان محمد المدعو منشی، علی یدالعبد الاقل محمدمهدی الکاتب المشهدی سنه‌ی ۱۰۱۱».

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

مشهدی، نعمت‌اللّه

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ح ۱۰۵۲ ق)، خطاط. اهل مشهد بود. پدرش از مقربان شاه عباس اول (۱۰۳۸ -۹۹۶ ق) به شمار می‌آمد. وی در کودکی نزد سید

احمد مشهدی به تعلیم خط پرداخت، بعدها به قزوین رفت و مدتی نزد علیرضا عباسی (ز ۱۰۲۵ ق) مشق خط کرد. پس از اینکه شاه عباس مشهد را تسخیر کرد نعمت‌اللّه به آنجا، که موطن اصلی وی بود، بازگشت. او در سرودن شعر نیز مهارت داشت. وی هنگام تألیف «گلستان هنر»، حدود ۱۰۵۲ ق، هنوز در قید حیات بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۴۵/ ۳)، اعیان‌الشیعه (۲۲۵/ ۱۰)، گلستان هنر (۱۲۷ -۱۲۶)، مطلع الشمس (۴۴۹/ ۲).

مشهدی، هادی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا شاه تقی شیخ‌الاسلام مشهد مقدس رضوی.

از سادات حسینی اصفهان، و مردی ادیب شاعر و خوش خلق و خوش بیان بوده، از اشعار اوست:

پر گرفته است دلم، خانه‌ی صیاد خراب

کاش روی قفسم جانب صحرا می‌کرد

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مشهدی، هدایةاللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۴۸ -۱۱۷۸ ق)، عالم امامی، فقیه، مفسر و نحوی. در محضر پدرش تلمذ نمود. پس از رسیدن به درجات عالی علمی عهده‌دار ریاست دینی مردم گردید. زمانی که شاهزاده شجاع السلطنه از خراسان رفت و آن منطقه مورد تجاوز سید محمد خان کلاتی قرار گرفت، میرزا هدایت‌اللّه مشهدی شاگرد خویش، ملا قربان نیشابوری، را به همراه نامه‌ای به کلات فرستد و خان متجاوز را از ظلم و تعدی برحذر داشت و خان مزبور فرمان او را اطاعت کرد. او در مشهد درگذشت و در صفه‌ی طهماسبی دفن شد. از آثارش: تفسیر قرآن مجید معروف به «تفسیر میرزا هدایة اللّه»، ده جزء اول قرآن و ده جزء آخر آن می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۶۹/ ۹)، اعیان الشیعه (۲۶۳/ ۱۰)، الذریعه (۳۲۱/ ۴)، هدیة العارفین (۵۰۷/ ۲).

مشهدی، یوسف

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۷۰۰ ق)، خطاط. وی یکی از شش تن شاگردان بزرگ یاقوت مستعصمی بود. در اواخر عمر از عراق عرب به آذربایجان رفت و در شهر تبریز به کتابت و تعلیم پرداخت. از شاگردان او عبداللّه صیرفی است. از آثار یوسف مشهدی قرآنی در کتابخانه‌ی ایاصوفیه استانبول نشانی داده‌اند که تاریخ ۶۶۸ ق دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ هنرهای ملی (۷۸۵/ ۲)، گلستان هنر (۲۲).

مشهور تبریزی، محمد زمان

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۵۰ ق)، شاعر، متخلص به مشهور. از مشاهیر سخنوران تبریز بود. چون شغلش حناتراش بود و حنای زین را از چوب می‌تراشید به او زمانای حنا تراش نیز می‌گفته‌اند. مشهور مدتی به هند رفت. او به هجو تمایل بیشتری نشان می‌داد و پس از هجوی که در مورد عمیدالملک جعفر خان، وزیر شاه جهان و اورنگ زیب (م ۱۰۸۱ ق)، گفت هند را ترک کرد و روانه‌ی عراق عجم گردید. در راه وقتی به هرات رسید در خانه‌ی شیخ‌الاسلام آن دیار از دنیا رفت. به آورده‌ی تذکره‌ها فوت وی بعد از ۱۰۵۰ ق بوده است. صاحب «لطائف الخیال» آورده که او در هندوستان فوت شده است. اشعاری از وی در تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۵۹۴ -۵۹۳/ ۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۰۰)، دانشمندان آذربایجان (۱۶۷ -۱۶۶)، الذریعه (۱۰۵۳ -۱۰۵۲/ ۹)، صبح گلشن (۴۱۹)، فرهنگ سخنوران (۸۴۹)، کاروان هند (۱۳۱۰ -۱۳۰۹/ ۲).

مشیر همایون شهردار، حبیب‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حبیب‌اللّه مشیر همایون شهردار به سال ۱۲۶۵ دیده به جهان گشود، پدرش نصراللّه‌خان سپهسالار بود که در زمان ناصرالدین شاه قاجار، رئیس خزانه نظام و پیشکار حاجی میرزا حسین سپهسالار بود. پدر وی با موسیقی آشنایی نداشت و با نواختن هیچ سازی مأنوس نبود ولی به موسیقی و موسیقیدانان عشق می‌ورزید و منزلش محفل هنرمندان موسیقی و استادان آن دوران مثل: آقامیرزا عبداللّه (سه‌تار)، آقای حسینقلی (تار)، سالار معزز (پیانو)، نایب اسداللّه (نی) و محمدصادق خان نوازنده (سنتور) بود.

مشیر همایون تحصیلات خود را در مدرسه آلیانس به پایان رساند و در دوران تحصیل بود که پدرش در یکی از مسافرت‌هایی که به خارج نموده بود، پیانویی خرید و وی را نزد شخصی به نام آقابزرگ‌خان که در رشته موزیک نظام خدمت می‌کرد جهت فراگیری موسیقی و نواختن پیانو گذارد. در ضمن پدرش از آقا حسینقلی و حسین‌خان اسماعیل‌زاده خواهش می‌کرد که گوشه‌ها و ردیف‌های ایرانی را جلوی وی بنوازند تا او این مقام‌های آوازی ایرانی را نیز بیاموزد.

وی با استعدادی که داشت توانست به خوبی با پیانو این گوشه‌ها را بیاموزد. او به انجمن اخوت و گروه کنسرت آن راه یافت و در همین زمان بود که با بسیاری از هنرمندان بزرگ آن زمان آشنا و دوست گردید که باید از درویش‌خان، سید حسین طاهرزاده، باقرخان کمانچه‌کش، حسین‌خان هنگ‌آفرین و اسداللّه‌خان نوازنده تار و سنتور نام برد.

مشیرهمایون در نواختن پیانو سبک خاص خود را داشت که بیشتر صدای ساز او شبیه سنتور بود.

به هر حال مشیرهمایون در سال ۱۹۰۹ به دعوت کمپانی صفحه پرکنی انگلیسی بنام «هیزمسترویس» به لندن رفت و تعدادی صفحه در مایه‌ها و دستگاههای ایرانی ضبط کرد که متأسفانه هم‌اکنون در دسترس نیست و در سال ۱۳۱۲ شمسی نیز از طرف کمپانی «کلمبیا» عده‌ای با وسایل مخصوص ضبط صدا جهت صفحه به تهران آمدند که وی چند صفحه ضبط کرد.

مشیرهمایون همراه با رضاقلی ظلی (که متأسفانه در جوانی بر اثر بیماری خانمانسوز سل درگذشت) صفحاتی به جای گذاشته که از بهترین آثار موسیقی ایرانی است و باید از آوازهایی در اصفهان، افشاری، بیات ترک، چهارگاه و همایون نام برد. وی علاوه بر این بیش از پنجاه و اندی آهنگ ساخت و اکثر اشعارش را نیز خودش سرود. او تعدادی اپرت نوشت که شعر و آهنگ‌ها هر دو از وی بود. از جمله: اپرت یوسف و زلیخا، خسرو و پروانه و... می‌باشد. وی مدتی قاضی شعبه اول دادگاه در وزارت دادگستری، و پس از آن معاون تفتیش وزارت دادگستری و سپس دادستان اصفهان، رئیس تأسیسات شهربانی تهران، معاون شهربانی تهران، رئیس شهربانی اصفهان، رئیس شهربانی شیراز، رئیس شهربانی کل استان‌های جنوب، شهردار مشهد، اصفهان، شیراز، فرماندار شیروان و تربت جام و تربت حیدریه، مأموریت در اداره‌ی کل آمار و ثبت احوال، رئیس اداره ذوب‌آهن و فرماندار بابل و بابلسر بوده است.

وی در سال ۱۳۲۰ بازنشسته رسمی دولت شد و وقت آزادتری پیدا نمود تا به موسیقی و کارهای هنری خود برسد. و زمانی که در رادیو مسئولیت شورای موسیقی را داشت، ارکستری به نام «ارکستر ویژه» تأسیس کرد که پس از آن به ارکستر فارابی تبدیل شد. وی آهنگهایی نیز برای این ارکستر ساخت. صرفنظر از ایرادهای فراوانی که در زمان تصدی خود در شورای موسیقی رادیو از هنرمندان می‌گرفت که عده‌ای آن را کارشکنی نام نهاده بودند، در مجموع برای موسیقی ایرانی زحمت کشید.

مشیرهمایون شهردار در تاریخ ۱۳۴۸/۱۱/۱۱ در سن ۸۵ سالگی دنیای فانی را وداع گفت، روانش شاد.

(۱۳۴۸ -۱۲۶۵ ش)، موسیقیدان و شاعر. ملقب به مشیر همایون. وی از همان کودکی به موسیقی علاقه داشت. پدرش در یکی از مسافرتهایی که به خارج کرد، پیانویی خرید و مشیر همایون را نزد آقا بزرگ خان، افسر موزیک قزاقخانه، فرستاد در ضمن آن نیز، مشیر همایون نزد آقا حسینقلی و حسین خان اسماعیل‌زاده رموز نوازندگی را فراگرفت. سپس برای تکمیل این فن نزد بزرگترین استاد زمان، محمد صادق خان سرورالملک رفت. پس از چندی به انجمن اخوت و گروه کنسرت آن راه یافت و با بسیاری از هنرمندان بزرگ آشنا شد. مشیر در نواختن پیانو سبک خاص خود را داشت و صدای ساز او شبیه سنتور بود. در ۱۲۸۸ ش (۱۹۰۹ م) به دعوت یک کمپانی صفحه پرکنی انگلیسی به لندن رفت و شماری صفحه در مایه‌ها و دستگاههای ایرانی ضبط کرد. وی بیش از پنجاه آهنگ ساخت و اکثر اشعارش را نیز خود می‌سرود. تعدادی اپرت نیز نوشت که شعر و آهنگ، هر دو از وی بود. از جمله: «اپرت یوسف و زلیخا»، «اپرت خسرو و پروانه» و غیره. مشیر همایون زمانی نیز در رادیو مسئولیت شورای موسیقی را داشت و ارکستری به نام ارکستر ویژه تأسیس کرد و آهنگهایی نیز برای این ارکستر ساخت. از دیگر آثار او: دویست قطعه از آهنگهای ضربی مختلف؛ آهنگهایی توأم با شعر استادان سخن از جمله فردوسی و سعدی و حافظ؛ اپرای دام اکاملیا با آهنگهای ایرانی؛ «اپرای داستان رستم و سهراب»؛ «اپرت شتر گاو پلنگ»؛ «اپرت قمارخانه»؛ «اپرت مشاعره‌ی سیاسی»؛ صفحه‌ای به آواز رضاقلی خان ظلی؛ صفحه‌های «دشتی» و «راست پنجگاه» که او تنها نواخته است.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] استادان موسیقی (۶۹)، تاریخ تحول ضبط موسیقی (۲۴۶، ۲۴۵، ۱۷۶)، تاریخ موسیقی (۵۳۰ -۵۲۸/ ۲)، سرگذشت موسیقی (۲۴۸ -۲۴۵/ ۱)، مردان موسیقی (۹۸ -۹۶/ ۲).

مشیرفراهی، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جعفر مشیرفراهی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۳۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیّد جعفر مشیر فراهی فرزنـد سیّد حسن در تاریخ ۳۱/ ۱ / ۴۰ ه. ش مطابق بـا ۴ ذی القعـده الحرام ۱۳۸۰ ه. ق در شـهر مقدّس مشـهد متولد شدم . در ۵ مـاهگی پـدرم مرحوم آیت الله مشـیر را که از نوادگان مشاور التولیه آسـتان قـدس رضوی بود ، از دست دادم . در سال ۱۳۵۸ موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی شدم . از سال ۵۶ تفکرات سیاسی و ضد شاهی در من شکل گرفت و در انقلاب ، شـرکت فعّالانه داشتم . در سال ۶۰ به خدمت سـربازی رفته و پس از ۵/۸ ماه از خـدمت معاف شدم . حدود ۷ ماه در جبهه ها حضور رزمی، تبلیغی داشـتم در سال ۶۱ وارد حوزه علمیه شـده و دروس حوزه را تا سـطح خارج ادامه دادم (۳ سال درس خارج) و از اساتیدی نظیر آیت الله صالحی ، فقیه سبزواری ، واعظی ، مرتضوی ، رضا زاده و مرحوم فلسـفی بهره مند شدم و اکنون مدرس دروس سـطوح (لمعه) هسـتم . در سال ۶۳ وارد آموزش و پرورش شده و در رشـته مربی پرورشـی به فعالیت پرداختم و در سال ۷۱ وارد دانشگاه فردوسـی مشـهد شـده و تا مقطع کارشناسـی ارشـد در رشـته پژوهشـگری علوم اجتماعی ادامه تحصـیل دادم (۱۳۷۹) در برخی از مراکز تربیت معلم و سازمان تبلیغات اسـلامی در رشته جامعه شناسی تدریس داشتم و هم اکنون در مراکز پیش دانشگاهی مشغول تدریس در حوزه علوم اجتماعی هستم .

مشیری شیرازی، قدرت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۱ ش)، شاعر و مترجم. در شیراز به دنیا آمد. تحصیلاتش را در زادگاهش به پایان رساند. مقالاتی از وی در جراید شیراز به چاپ رسیده است. از آثارش: «دستور رستگاری»، ترجمه؛ «محمدعلی پاشا کبیر»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشـمندان و سخن‌سـرایان فارس (۴۴۸ -۴۴۳/ ۴)، فهرست کتابهـای چاپی فارسـی (۲۹۴۸/ ۲ ،۱۴۱۸/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۹۱۴/ ۴).

مشیری، فریدون

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فریدون مشـیری فریدون مشیری در سی ام شهریور ۱۳۰۵ در تهران به دنیا آمـد. جدپـدری اش به واسـطه ماموریت ادرای به همدان منتقل شده بود و از سرداران نادرشاه بود. پدرش ابراهیم مشیری افشار فرزند محمد در سال ۱۲۷۵ شمسی در همدان متولد شد و در ایام جوانی به تهران آمـد و از سال ۱۲۹۸ در وزارت پست مشـغول خدمت گردید. او نیز از علاقه مندان به شـعر بود و در خانواده او همیشه زمزمه اشعار حافظ و سـعدی و فردوسـی به گوش میرسـید. مشـیری سالهای اول و دوم تحصـیلات ابتدایی را در تهران بود و سپس به علت مـاموریت اداری پـدرش به مشـهد رفت و بعـد از چنـدسال دوبـاره به تهران بـاز گشت و سه سال اول دبیرسـتان را در دارالفنون گذرانـد و آنگـاه به دبیرسـتان ادیب رفت. به گفته خودش: «در سال ۱۳۲۰ که ایران دچـار آشـفتگی هایی بود و نیروهای متفقین از شـمال و جنـوب به کشور حمله کرده و در ایران بودنـد مـا دوبـاره به تهران آمـدیم و من به ادامه تحصـیل مشـغول شـدم. دبیرسـتان و بعد به دانشگاه رفتم. با اینکه در همه دوران کودکی ام به دلیل اینکه شاهد وضع پدرم بودم و از اسـتخدام در ادارات و زنـدگی کارمنـدی پرهیز داشـتم ولی مشـکلات خـانوادگی و بیماری مادرم و مسائل دیگر سبب شـد که من در سن ۱۸ سالگی در وزارت پست و تلگراف مشـغول به کار شدم و این کار ۳۳ سـال ادامه یافت. در همین زمینه شـعری هم دارم و با عنوان عمر ویران». مـادرش اعظم السلطنه ملقی به خورشـید به شـعر و ادبیـات علاقه منـد بوده و گاهی شـعر میگفته، و پـدر و مادرش، میرزا جواد خان مؤتمن الممالك نیز شـعر میگفته و نجم تخلص میکرده و دیوان شعری دارد که چاپ نشده است. مشیری همزمان با تحصیل در سال آخر دبیرستان در اداره پست و تلگراف مشغول به کار شد، و در همان سال مادرش در سن ۳۹ سالگی در گذشت که اثر عمیقی در او بر جا گذاشت. سـپس در آموزشگاه فنی وزارت پست مشغول تحصیل گردید. روزها به کار می پرداخت و شبها به تحصیل ادامه می داد. از همـان زمـان به مطبوعـات روی آورد و در روزنـامه هـا و مجلـات کارهایی از قبیل خبرنگاری و نویسـندگی را به عهـده گرفت. بعـدها در رشـته ادبیات فارسـی دانشـگاه تهران به تحصـیل ادامه داد. اما کار اداری از یك سو و کارهای مطبوعاتی از سوی دیگر، در ادامه تحصـیلش مشکلاتی ایجاد میکرد، اما او کار در مطبوعات را رها نکرد. از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۱ مئسول صفحه شعر و ادب مجله روشـنفکر بود. این صـفحات که بعـدها به نام هفت تار چنگ نامیـده شد، به تمام زمینه های ادبی و فرهنگی از جمله نقد کتاب، فیلم، تئاتر، نقاشـی و شـعر میپرداخت. بسـیاری از شاعران مشـهور معاصر، اولین بار با چاپ شعرهایشان در این صفحه معرفی شدند. مشیری در سالهای پس از آن نیز تنظیم صفحه شعر و ادبی مجله سپید و سیاه و زن روز را برعهده داشت. فریدون مشیری در سال ۱۳۳۳ ازدواج کرد. همسـر او اقبـال اخوان دانشجوی رشـته نقاشـی دانشـکده هنرهـای زیبای دانشـگاه تهران بود. او هم پس از

ازدواج، تحصیل را ادامه نداد و به کار مشغول شد. فرزندان فریدون مشیری، بهار (متول ۱۳۳۴) و بابک (متولد ۱۳۳۸) هر دو در رشته معماری در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و دانشکده معماری دانشگاه ملی ایران تحصیل کرده اند. مشیری سرودن شعر را از نوجوانی و تقریبا از پانزده سالگی شروع کرد. سروده های نوجوانی او تحت تأثیر شاهنامه خوانی های پدرش شکل گرفته که از آن جمله این شعر مربوط به پانزده سالگی اوست:

چرا کشور ما شده زیر دست
چرا رشته ملک از هم گسست
چرا هر که آید زبیگانگان
پی قتل ایران ببندد میان
چرا جان ایرانیان شد عزیز
چرا بر ندارد کسی تیغ تیز
برانید دشمن ز ایران زمین
که دنیا بود حلقه، ایران نگین
چو از خاتکی این نگین کم شود
همه دیده ها پر زشبنم شود

انگیزه سرودن این شعر واقعه شهریور ۱۳۲۰ بوده است. اولین مجموعه شعرش با نام تشنه توفان در ۲۸ سالگی با مقدمه محمدحسین شهریار و علی دشتی به چاپ رسید (نوروز سال ۱۳۳۴). خود او درباره این مجموعه میگوید: «چهارپاره هایی بود که گاهی سه مصرع مساوی با یک قطعه کوتاه داشت، و هم وزن داشت، هم قافیه و هم معنا، آن زمان چندین نفر از جمله نادر نادرپور، هوشنگ ابتهاج(سایه)، سیاوش کسرایی، اخوان ثالث و محمدزهری بودند که به همین سبک شهر میگفتند و همه شاعران نامدار شدند، زیرا به شعر گذشته بی اعتنا نبودند. اخوان ثالث، نادرپور و من به شعر قدیم احاطه کامل داشتیم، یعنی آثار سعدی، حافظ، رودکی، فردووسی و ... را خوانده بودیم، در مورد آنها بحث میکردیم و بر آن تکیه میکردیم.» مشیری توجه خاصی به موسیقی ایرانی داشت و در پی همین دلبستگی طی سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ عضویت شورای موسیقی و شعر رادیو را پذیرفت، و در کنار هوشنگ ابتهاج، سیمین بهبهانی و عماد خراسانی سهمی بسزا در پیوند دادن شعر با موسیقی، و غنی ساختن برنامه گلهای تازه رادیو ایران در آن سالها داشت. علاقه به موسیقی در مشیری به گونه ای بوده است که هر بار سازی نواخته می شده مایه آن را میگفته، مایه شناسی اش را میدانسته، بلکه میگفته از چه ردیفی است و چه گوشه ای، و آن گوشه را بسط میداده و بارها شنیده شده که تشخیص او در مورد برجسته ترین قطعات موسیقی ایران کاملا درست و همراه با دقت تخصصی ویژه ای همراه بوده است. این آشنایی از سالهای خیلی دور از طریق خانواده مادری با موسیقی و تئاتر ایران مربوط بود است. فضل الله بایگان دایی ایشان در تئاتر بازی میکرد و منزل او در خیابان لاله زار (کوچه ای که تماشاخانه تهران یا جامعه باربد در آن بود) قرار داشت و در آن سالهایی که از مشهد به تهران می آمدند هر شب شب موسیقی گوش میکردند. مهرتاش، مؤسس جامعه باربد، و ابوالحسن صبا نیز با فضل الله بایگان دوست بودند و شبها به نواختن سه تار یا ویولون میپرداختند، و میشری که در آن زمان ۱۵-۱۴ سال داشت مشتاقانه به شنیدن این موسیقی دل می داد و فریدون مشیری در سال ۱۳۷۷ به آلمان و آمریکا سفر کرد و مراسم شعرخوانی او در شهرهای کلن، لیمبورگ و فرانکفورت و همچنین در ۲۴ ایالت آمریکا از جمله در دانشگاه های برکلی و نیوجرسی به طور بی سابقه ای مورد توجه دوستداران ادبیات ایران قرار گرفت. در سال ۱۳۷۸ طی سفری به سوئد در مراسم شعر خوانی در چندین شهر از جمله استکهلم و مالمو و گوتبرگ شرکت کرد. برگرفته از کتاب :پایگاه مشاهیر

مشیری، قدرت‌الله

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شاعر.
۱۲۸۱، شیراز.
درگذشت: ۱۳۶۲، شیراز.

قدرت‌الله مشیری سال‌ها متولی املاک مشیر بود و با کشاورزی روزگار می‌گذرانید. مشیری شاعر و اهل مطالعه و از اعضای انجمن صدر بود. او در سرودن انواع شعر طبع آزمایی کرده و بیشتر به غزل‌سرایی می‌پرداخت. مشیری به زبان عربی آشنایی داشت و دو جلد کتاب زندگی محمدعلی پاشای کبیر (اثر مولباخ آلمانی، ترجمه‌ی نسیب افندی به عربی، ۱۳۱۷) و دیگر دستور رستگای (۱۳۲۱) را از عربی به فارسی ترجمه کرد و انتشار داد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مشیری، وحید

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۰۶، شیراز.

درگذشت: بهمن ۱۳۵۶.

حمید مشیری، فرزندن قدرت‌الله، گاهی شعر می‌گفت و در انجمن صدر شرکت می‌کرد و پس از وفات صدرالدین محلاتی آن انجمن در خانه‌ی وی تا بهمن ۱۳۵۶ دایر بود. مشیری در سرودن انواع شعر طبع آزمایی کرده و طبعش بیشتر مایل به غزل‌سرایی بود. اشعارش گاهی توصیقی و مضامین آنها با شوخ طبعی درباره‌ی مسائل روز همراه است. از فعالیت‌های او یکی چاپ و انتشار دیوان پدر همسرش دیوان ناصرالدین سالار در پانصد صفحه و دیگری چاپ انتشار دیوان دایی‌اش دیوان صدرالدین محلاتی بنیانگذار صدر است.

حمید مشیری هنگامی که در جلسه‌ی بزرگداشت دکتر داور، شعری در رثای او می‌خواند، ناگهان سکته کرد و درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مصاحب تبریزی، حسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به مصاحب. در نوشتن خط خصوصا خط غبار مهارت داشت. از شاگردان میرعلی هروی بود. به آورده‌ی «احوال و آثار خوشنویسان» در تذکره‌ی «شعرای آذربایجان» آمده که میرزا حبیب، مؤلف «خط و خطاطان»، می‌گوید زمانی که ملا حسن به استانبول رفت به مصاحبت سلطان محمد ثالث (۱۰۱۲ -۱۰۰۳ ق) نایل شد و به همین علت مصاحب رقم می‌زد. وی در اواخر عمر به تبریز بازگشت و در همان جا درگذشت. اشعاری از او در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۰۵/ ۳)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۵۹۶/ ۲)، دانشمندان آذربایجان (۳۴۷)، الذریعه (۱۰۵۳/ ۹)، صبح گلشن (۴۲۰)، فرهنگ سخنوران (۸۴۹).

مصاحب تهرانی، شمس الملوک

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر، مترجم و روزنامه‌نگار. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه‌ی ناموس و تحصیلات عالی را در دانشسرای عالی و دانشگاه تهران، در رشته‌ی ادبیات فارسی، به پایان رساند. شمس‌الملوک به زبانهای فرانسه و انگلیسی و عربی آشنایی داشت و رساله‌ی دکترای خود را درباره‌ی «ادبیات غنایی» در ۱۳۲۲ ش نوشت. او مطالعات خود را رشته‌ی تعلیم و تربیت در دانشگاه‌های کانادا و آمریکا تکمیل نمود. وی مدتی سرپرستی ماهنامه‌ی «زندگی روستایی» را به عهده داشت. مصاحب در شعر توانا بوده و پنج هزار بیت شعر سروده ولی دیوانش چاپ نشده است. در تذکره‌ها قطعه‌هایی از او آمده است از جمله: «هدیه‌ی مادر»، «چنگ گسسته» و «یار مهربان». برخی از مشاغلی که وی عهده‌دار آنها بود عبارتند از: ریاست چند دبیرستان دخترانه در تهران، مشاور وزیر آموزش و پرورش در امر مبارزه با بی‌سوادی و معاونت وزارت آموزش و پرورش. از آثار ترجمه‌ی وی: «افسانه‌های شیرین»؛ «باغ اسرارآمیز»؛ «بعد از باسوادی»؛ «در انتظار مادر شدن»؛ «ساده‌نویسی در زبان فارسی»، کلیاتی در فن سهولت کلام؛ «سرزمین و مردم اسپانیا»؛ «غرور و تعصب».[۱]

ادیب، دانشمند و سیاستمدار فرزند دکتر علی محمد مصاحب در ۱۲۹۲ در تهران تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی و متوسطه وارد دانشکده ادبیات تهران شد و در رشته ادبیات و زبان فارسی با احراز رتبه اول لیسانس گردید. در همان سال دوره دکترای ادبیات در دانشگاه تهران تأسیس شد و وی جزء معدود دانشجویانی بود که واجد شرایط برای ورود به دوره دکترا تشخیص داده شد و دوره دکترای ادبیات را در ۱۳۱۸ پایان داد و رساله دکترای او در ۱۳۲۲ با قید عالی به تصویب رسید. چندی نیز به امریکا و کانادا برای تکمیل تحصیلات مسافرت نمود. مصاحب خدمات اداری خود را از فرهنگ آغاز کرد، چندی دبیر بود بعد ریاست چند دبیرستان مهم تهران مانند دبیرستانهای «پروین»، «شاهدخت» و «نوربخش» به او سپرده شد. از دیگر مشاغل او در فرهنگ کشور ریاست اداره تعلیمات متوسطه و تربیت معلم و فرهنگ روستائی است. در ۱۳۴۲ در مغز او سودای سیاست پیش آمد و کاندیدای نمایندگی مجلس شد، ولی توفیقی نیافت. سوراخ دعا را پیدا کرد و سراغ مقام بالاتری را گرفت و داوطلب نمایندگی مجلس سنا گردید. چون برای آن کار شرایط لازم را نداشت برای او شرط صوری درست کردند و به او ابلاغ معاون وزارت فرهنگ دادند. یک روز بعد فرمان سناتور انتصابی او صادر شد. وی مجموعا ۱۷ سال مقام سناتوری داشت. علاوه بر آن ریاست قسمت فرهنگی بنیاد پهلوی هم با او بود و در این سمت اختیارات زیادی داشت. وی شاعر و نویسنده است و قسمتی از نوشته‌های خود را به چاپ رسانیده ولی ارزش ادبی زیادی ندارد. مصاحب چندی در وزارت فرهنگ مجله زندگی روستائی را انتشار می‌داد و در رادیوی ایران هم برنامه‌هائی تحت نظر او تهیه می‌شد. در ۱۳۷۶ در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] زنان سخنور (۲۰۳ -۱۹۴/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۸۵۰ -۸۴۹)، کارنامه‌ی زنان (۲۱۱ -۲۱۰)، مؤلفین کتب

چاپی (۴۵۲ –۴۵۱/ ۳).

مصاحب نایینی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۸ –۱۲۸۹ ش)، استاد دانشگاه، ریاضیدان، محقق و نویسنده. در نائین به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه در ۱۳۰۶ ش به خدمت وزارت معارف درآمد و تحصیلات خود را در فرانسه و انگلستان به پایان رساند و در ۱۳۲۷ ش موفق به اخذ درجه‌ی دکترا در ریاضیات، از دانشکده‌ی کمبریج، شد. وی در جوانی، در ۱۳۰۹ ش مجله‌ی «ریاضیات عالی و مقدماتی» را در تهران تأسیس و منتشر نمود. مصاحب در طول خدمت عهده‌دار مشاغلی از جمله: ریاست کل تعلیمات عالیه و معاونت فنی وزارت آموزش و پرورش و ریاست دانشکده‌ی علوم دانشگاه ملی بود. وی نخستین کسی بود که منطق صورت به معنی جدید، یعنی منطق ریاضی را وارد فضای فکری ایران کرد. او به زبانهای عربی و فرانسوی و انگلیسی تسلط و با زبان آلمانی آشنایی کامل داشت. در علوم عربی و معقول و منقول تبحر و تحصیلات عمیق داشت به طوری که با دریافت درجه‌ی اجتهاد نیز مفتخر گردیده بود. مصاحب در رسم‌الخط فارسی و ضبط علائم و حروف صاحب رأی و نظر بود. از عمده‌ترین کارهای مصاحب تأسیس مؤسسه‌ای برای تحقیق در ریاضیات و تربیت ریاضیدان بود که توسط دانشگاه تربیت معلم به وجود آمد. یکی از کارهای اساسی مصاحب اقدام به تهیه «دایرةالمعارف فارسی»، با همکاری عده‌ی بسیاری از دانشمندان در رشته‌های گوناگون بود که در ۱۳۳۴ ش سرپرستی آن را بر عهده گرفت. از دیگر آثار وی: «آنالیز ریاضی، تئوری اعداد حقیقی»؛ «مدخل منطق صورت»؛ «منطق ریاضی»؛ «علوم تفریحی»؛ «جبر و مقابله خیام»؛ «توابع مستدیره»، با مشارکت احمد احسنی «هندسه‌ی مسطحه»؛ «افراد و خانواده‌های نادرستکار»؛ «حکیم عمر خیام به عنوان عالم جبر».[۱]

ریاضی‌دان، محقق و فرهنگی، فرزند دکتر علی محمد مصاحب در ۱۲۸۹ در تهران تولد یافت. بعد از انجام تحصیلات مقدماتی وارد دارالمعلمین شد و دوره آن را پایان داد و سپس در دارالمعلمین عالی ثبت نام نمود و در رشته ریاضیات فارغ‌التحصیل شد و هم چنان تحصیلات خود را در رشته‌های گوناگون مانند فقه، اصول، الهیات و فلسفه ادامه داد و در هر کدام از رشته‌های یاد شده استاد مسلم شد. ریاضیات را مدتها نزد سرتیپ بغایری تکمیل کرد و بعد به انگلستان رفت و از دانشگاه کمبریج درجه دکترا در ریاضیات دریافت نمود.

وی خدمات اداری خود را در وزارت فرهنگ آغاز کرد. چندی شغل دبیری و مدتی استادی دانشگاه داشت و مقامات مهمی را در وزارت فرهنگ پشت سر گذاشت، مانند ریاست تعلیمات عالیه و معاون فنی وزارت فرهنگ. ولی دلبستگی به مقامات صوری نداشت و تمام هم او صرف تألیف و تصنیف کتاب بود. نخستین کوشش فرهنگی مصاحب نشر مجله‌ای بود به نام ریاضیات عالی و مقدماتی که در ۱۳۰۹ تأسیس کرد و یازده شماره منتشر شد. مصاحب عالم ریاضی بود و بحق پدر ریاضیات جدید در ایران نام گرفته بود. کتابهای او بیشتر در زمینه‌هایی مانند «جبر خیام»، «مثلثات»، «رسمی فنی» و «مدخل منطق صوری» است، که بعضی از آنها در مدارس متوسطه و عالی تدریس می‌شد. کتابهای مهم مدخل آنالیز ریاضی و دوره تئوری مقدماتی اعداد از تصنیفات خوب او می‌باشد. وی چندی در ۱۳۲۲ به انتشار روزنامه یومیه برق مبادرت نمود. از دیگر کارهای فرهنگی او سرپرستی دائرةالمعارفی است که به اسلوب علمی جهانی آن را تنظیم و انتشار داده است.

محقق، مؤلف.

تولد: ۱۲۸۹، تهران.

درگذشت: ۲۴ مهر، ۱۳۵۸.

غلاحسین مصاحب تحصیلات خود را در ایران، فرانسه و انگلستان انجام داد و در سال ۱۳۲۷ به اخذ درجه‌ی دکتری از دانشگاه کمبریج در رشته‌ی ریاضیات نایل شد و به عضویت انجمن ریاضی‌دان لندن و انجمن فلسفی کمبریج درآمد.

پس از پایان تحصیلات عالی، ضمن مشاغل اداری از تألیف و تدریس نیز غافل نماند و در سال ۱۳۴۵ مؤسسه‌ی ریاضیات را در دانشگاه تربیت معلم تأسیس کرد و تا آخرین روز حیات خود به سمت استادی در آن مؤسسه اشتغال داشت.

تألیفات مصاحب این عنوان‌ها را در برمی‌گیرد: مجله «ریاضیات عالی و مقدماتی» (۱۳۱۰ –۱۳۰۹، وی مؤسس این مجله بود و مدیریت آن را به عهده داشت، اولین شماره‌ی این مجله در تهران در اول آبان ۱۳۰۹ منتشر شد) جبر و مقابله‌ی خیام (مشتمل بر متن عربی و ترجمه‌ی فارسی رساله‌ی خیام در جبر و تاریخ ریاضیات، ۱۳۱۷)؛ یک رساله‌ی انگلیسی که در جلد چهل و ششم (مورخ سال ۱۹۵۰) مجله‌ی انجمن فلسفی کمبریج به طبع رسیده است، منطق صورت (انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۴)؛ دایرةالمعارف فارسی (جلد اول، ۱۳۴۵، بخش اول از جلد دوم، ۱۳۵۶)؛ آنالیز ریاضی (دو جلد، ۱۳۴۸)؛ تئوری مقدماتی اعداد (جلد اول در دو قسمت، ۱۳۵۳)؛ مجلد دوم تئوری مقدماتی اعداد (در سه قسمت، ۱۳۵۸، کتاب برگزیده‌ی نخستین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در رشته‌ی ریاضیات)؛ حکیم عمر خیام به عنوان عالم جبر (انجمن آثار ملی، ۱۳۳۹)؛ علوم تفریحی (۱۳۰۸.(

غلامحسین مصاحب در زمینه‌ی لغت و پهنه‌ی وسیع آن آزمایش‌ها کرد و مخصوصا در مورد وضع واژه‌های جدید در قبال لغت‌ها و اطلاح‌های خارجی فعالیت نمود، از آن جمله می‌توان فرهنگ اصطلاحات جغرافیایی را که با همکاری تعدادی از محققان و کارشناسان در سال ۱۳۳۸ به چاپ رسانید نام برد.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۵، ش ۹ –۷، ص ۷۰۱ –۶۸۸)، تاریخ جراید (۳۳۹ –۳۳۸/ ۲)، دایرةالمعارف فارسی (۲۷۸۵/ ۲)،

الذریعه (۲۴۹/ ۲۵ ،۳۲۶/ ۱۵)، روزشمار تاریخ (۲۱۹/ ۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۲۱، ۳۹۶۹، ۲۳۴۳/ ۲ ،۱۳۵۵، ۱۲۰۵ ، ۹۶۱ ،۲۸۹/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۳۶)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۷، ص ۶ -۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۷ ،۶۸۶/ ۴).

مصاحب نایینی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۹ -۱۲۹۱ ش)، پژوهشگر، مترجم و استاد دانشگاه. وی برادر دکتر غلامحسین مصاحب بود. در ۱۳۱۶ ش دوره‌ی عالی ادبیات و زبانهای خارجی را در دانشکده‌ی ادبیات (دانشسرای عالی) به پایان رسانید. وی از پایه‌گذاران جامعه مترجمان رسمی ایران بود که تا پایان عمر، ریاست این جامعه را بر عهده داشت. مؤسسه‌ی انتشارات علمی فرهنگی به پاس خدمات پنجاه ساله‌اش، اقدام به ایجاد نخستین جایزه‌ی ویراستاری نمود و نه تنها لوح تقدیر و یادبودی به او اهدا شد، بلکه وی اولین جوایز را به برگزیدگان اعطا کرد. او به همراه برادرش، دکتر غلامحسین مصاحب، در تدوین و نشر «دایرةالمعارف فارسی» تلاشی پیگیر داشت. وی ترجمه‌های بسیاری از خود بجای گذاشت، از آن جمله: «تربیت دختران»؛ «روح تعلیم و تربیت»؛ «اساتید یونان و روم»؛ «زوربای یونانی»؛ «روبنسن کروزوئه»؛ «سرزمین و مردم پرتغال»؛ «سرزمین و مردم فرانسه»؛ «سرزمین و مردم آرژانتین»؛ «نسبیت برای همگان»؛ «دایرةالمعارف علم و صنعت»؛ «ساکنان کهکشان»؛ «دانشمندان بزرگ جهان علم». از تألیفات وی: «لقمان حکیم»؛ «کتاب و کتابخانه در ایران».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کتاب ماه ادبیات و فلسفه (س ۳ ،۴، ص ۷۹) مؤلفین کتب چاپی (۹۲ -۹۱/ ۶).

مصاحب نایینی، مصاحب

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به مصاحب. اصلش از نایین بود، ولی بیشتر اوقات در یزد به سر می‌برد. بیش از هفتاد سال عمر کرد و در علم رمل ماهر بود. در شعر بیشتر به هزلیات می‌پرداخته است. از آثارش: «دیوان» شعر. از اوست:

مصاحب در ره این عشق جان سوز

محبت را از آن کودک بیاموز

که مادر بهر جوری چون ستیزد

همان در دامن مادر گریزد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۰۰۸ -۱۰۰۷/ ۳)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۲۸۴ -۲۸۰)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۳۵)، جامع مفیدی (۴۴۸/ ۳)، الذریعه (۱۰۵۴ -۱۰۵۳/ ۹)، صبح گلشن (۴۲۰)، فرهنگ سخنوران (۸۵۰)، مجمع الفصحا (۷۱ -۷۰/ ۴).

مصباح زاده، اسدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسدالله مصباح زاده

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۷/۱۲/۵

زندگینامه علمی

اینجانب اسد الله مصباح زاده درسال ۱۳۴۲ درشهر کرمانشاه با تلاش و کوشش فراوان طلبه شده و مدت دو سال در مدرسه آیت الله العظمی بروجردی (ره) مشغول به تحصیل مقدمات و ادبیات بوده و پس از این مدت وارد حوزه علمیه قم شدم .مدتی در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی در خیابان امام خمینی(ره) و تهران آن روز در مدرسه علوی و بعد از آن با تلاش حقیر و دوستان وارد مدرسه حقانی شدم .و بعد دوباره به کرمانشاه برگشته پس از ازدواج و تشکیل خانواده خداوند یاری کرد دوباره به شهر اهلبیت(ع) قم برگشتم و از محضر مبارک اساتید معروف حوزه علمیه تلمذ نموده و اکنون نیز ادامه دارد .

مصباح، اسدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسداللّه موسوی بیارجمندی شاهرودی از علماء و ائمه گذشته مشهد مقدس بودند وی در ۱۲۹۲ قمری در یکی از مضافات شاهرود بنام دستجر بیارجمند متولد شده و در سال ۱۳۱۰ قمری پس از خواندن علوم فارسی و قسمتی از مقدمات مهاجرت به مشهد نموده و در مدرسه تراب به تحصیل پرداخته و از محضر مرحوم مدرس رضوی و مرحوم آیت‌اللّه حاج میر سید علی حایری و آیت‌اللّه زاده خراسانی آقای آقامحمد کفائی استفاده نموده و در محله پائین خیابان اقامت و در مسجد آنجا اولا و بعد از چندی در مسجد خیابان سفلی مشهور به مسجد (فیل) به اقامه جماعت و تبلیغ دین در مدرسه نواب هم به تدریس سطوح وسطی شرح لمعه و غیره پرداخته تا در سن ۷۰ سالگی در شب بیست و یکم ماه مبارک رمضان ۱۳۶۲ ق بدرود حیات گفته و در جوار هم گرامش حضرت ثامن‌الحجج علیه الصلوه والسلام مدفون گردیده است.

نگارنده گوید: معظم‌له بنا بر نقل بعضی از ثقات و معاصرین آن مرحوم از زهاد و عباد عصر خویش و در قدس و ورع و زهد و تقوی و محاسن اخلاق و حسن سلوک و معاشرت مشهور و مورد توجه همگان و بالخصوص محله پائین خیابان بودند و مراجع بزرگ آن زمان مانند مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید اسماعیل صدر و آیت‌اللّه العظمی آمیرزا محمدتقی شیرازی و بعد از آنان مرحوم آیت‌اللّه العظمی آسید ابوالحسن اصفهانی کمال وثوق و اطمینان را به وی داشته و وکالت را به ایشان مرحمت فرموده و از این جهت غالب وجوه بریه خراسان نزد ایشان جمع گردیده و آن جناب به نجف فرستاده و یا بر حسب دستور به حوزه علمیه مشهد تقسیم می‌فرمودند

آن مرحوم دارای چهار دختر و دو پسر لایق و فاضل و خدمتگذار می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مصباح، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجتبی مصباح

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱۲/۲۵

زندگینامه علمی

اینجانب پس از گذراندن دوره ابتدائی و راهنمائی در دبیرستان امام صادق(ع) قم مشغول تحصیل شدم در سال ۱۳۶۴ دیپلم خود را در رشته ریاضی فیزیک اخذ نمودم و از همان سال وارد حوزه علمیه قم شدم. دو سال در مدرسه منتظریه و دو سال درمدرسه رضویه به تحصیل علوم دینی پرداختم و از آن پس همزمان با دروس آزاد حوزوی در برنامه درسی موسسه در راه حق شرکت کردم و پس از گذراندن دوره کارشناسی الهیات و معارف اسلامی از سال ۱۳۷۳ به تحصیل در رشته فلسفه پرداختم و در سال ۱۳۷۹ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد فلسفه از موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) گردیدم .

از سوی دیگر با اتمام دوره سطح حوزه در دروس خارج شرکت کردم در سال ۱۳۸۱ در دوره دکترای فلسفه موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) پذیرفته شدم و با اتمام دروس دوره به تدوین رساله دکتری با عنوان احتمال معرفت شناختی پرداختم. از سال ۱۳۷۶ به تدریس دروس فلسفه اسلامی،معرفت شناسی و فلسفه اخلاق اشتغال داشته ام و عضو هیئت علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) هستم .

مصباح، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدحسین بن العالم الجلیل حاج سید اسداللّه معظم‌له که با سی‌ونه (۳۹) واسطه با امام هفتم (ع) منتهی می‌گردد اکنون یکی از علماء مبرز و ممتاز معاصر مشهد مقدس می‌باشند.

ولادت ایشان در سال ۱۳۴۱ ق هجری در مشهد مقدس واقع شده و در بیت علم و تقوی پرورش یافته و پس از خواندن دروس فارسی به تحصیل علوم عربی و ادبی پرداخته و ادبیات را در خدمت آقای ادب نیشابوری و محقق نوغانی و سطوح وسطی چون شرح لمعه و غیره را از مرحوم حاج میرزا احمد مدرس یزدی و دیگران تکمیل و خارج را از مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ هاشم قزوینی و غیره استفاده نموده تا به مراتب عالیه از علم و عمل رسیده و خود به تدریس سطوح پرداخته و پس از فوت مرحوم

برادرش حجةالاسلام حاج سید مرتضی مصباح در مسجد فیل به اقامه جماعت و خدمات دینی پرداخته و به واسطه حسن عمل و متانت و ورع مانند مرحوم والد گرام و برادر ارجمندش مورد وثوق و اطمینان مردم مشهد و مرجع اعلی و زعیم اعظم آیت‌اللّه العظمی بروجردی واقع شده و آن مرحوم معظم‌له را از سال ۱۳۶۸ ق به بعد وکیل مطلق خود در مشهد معرفی فرمودند.

و بر اثر جدیت ایشان حضرت آیت‌اللّه بروجردی در پرداخت شهریه مرتب موافقت فرمودند در حالی که تا آن وقت روحانیت و اهل علم مشهد شهریه مرتبی نداشتند فقط گاه‌گاهی تقسیمی بین آنها می‌شد.

در واقع مؤسس شهریه همیشگی حوزه علمیه مشهد مقدس حضرت حاج آقای صمباح دامت برکاته می‌باشند و اخیرا هم که برای تشویق و جدیت بیشتر آقایان طلاب هیئت ممتحنه تشکیل و مزایائی برای افراد شایسته مقرر نمودند و قهرا در کوشش آقایان محصلین و تهذیب اخلاق آنان نقش موثری را حائز گردیده است.

صحت عمل و حسن تدبیر ایشان موجب شد که همه مراجع مثل آیت‌اللّه العظمی حکیم و شاهرودی و خونساری و خوئی مدظلهما ایشان را مورد نمایندگی خود قرار دهند و ایشان معتمد المراجع گذشته و مراجع عصر گردیدند که بعضی از اوقات که از شهرستانها به مشهد مشرف می‌شوند و تقسیمی با آقایان طلاب می‌نمایند به وسیله ایشان توزیع می‌فرمایند و درب منزل ایشان همیشه برای رسیدگی به فقراء و مستمندان باز می‌باشند.

ضمنا فرزندان ایشان همه اهل علم و مشغول به تحصیل علوم دینیه مخصوصا آقای حاج سید محمدباقر که از افراد فاضل و روشن و شایسته و آینده درخشانی دارند جعله اللّه من العلماء العاملین آمین یا رب العالمین.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مصباح، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مرتضی مصباح موسوی اولین فرزند ذکور ایشان است که در سال ۱۳۲۴ ق در مشهد متولد شده و پس از پرورش به تحصیل علم و کمال پرداخته و بعد از فوت مرحوم والدش در مسجد فیل به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند و هم تدریس شرح لمعه و مکاسب و غیره نموده و مقام نیابت از مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و پس از ایشان آیت‌اللّه العظمی بروجردی داشته و مورد توجه مردم خراسان و بالاخص مشهد مقدس گردیده ولی مبتلا به کسالت سل سینه شده و در سن چهل و هشت سالگی در سال ۱۳۷۲ قمری وفات و در دارالضیافه آستانه مقدسه مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مصباح‌زاده اوزی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۰ ش)، روزنامه‌نگار، استاد دانشگاه و حقوقدان. در تهران به دنیا آمد. دوره‌ی ابتدایی را در شیراز و دوره‌ی متوسطه را در تهران به پایان برد. در دانشگاه بیروت به تحصیل ادامه داد. سپس درجه‌ی دکترای خود را در رشته‌ی حقوق و علوم اقتصادی از دانشگاه سوربن فرانسه گرفت. پس از بازگشت به ایران با سمت بازپرسی وارد خدمت دادگستری شد و بعدها مستشار دادگاههای استیناف تهران گردید. وی مدیریت کل اداره‌ی تبلیغات و استادی دانشکده‌ی حقوق را نیز به عهده داشت. در ۱۳۲۱ ش روزنامه‌ی «کیهان» را در تهران تأسیس و منتشر کرد، که ابتدا در سمت سردبیری و سپس با سمت مدیر مسؤل و صاحب امتیاز مشغول به فعالیت شد.[۱]

روزنامه‌نگار، استاد دانشگاه و سیاستمدار، در ۱۲۸۸ ش در شیراز تولد یافت. پدرش عبدالرحمن مصباح دیوان اوزی سالها حکومت عباسی و بندرلنگه را داشت، بعد وارد دستگاه قوام‌الملک شیرازی شد و از محترمین فارس بود.

مصطفی مصباح زاده بعد از انجام تحصیلات مقدماتی دوره مدرسه عالی حقوق را در تهران تمام کرد و از طرف دولت برای ادامه تحصیل عازم اروپا شد و در رشته حقوق درجه دکترا دریافت نمود. بعد از مراجعت به ایران به دانشیاری و استادی دانشکده حقوق برگزیده شد. مدتی کوتاه قضاوت و وکالت دادگستری پیشه نمود ولی میله به احراز مقامات بالا داشت. بعد از شهریور ۱۳۲۰ مدتی ریاست انتشارات و تبلیغات با او بود ولی این کار را مطابق میل و سلیقه خود نیافت و آن را رها نمود و به کار روزنامه‌نگاری پرداخت.

در ۱۳۲۰ عبدالرحمن فرامرزی از دولت امتیاز روزنامه‌ای به نام کیهان را گرفت و سردبیری این نشریه را به دکتر مصباح‌زاده سپرد. روزنامه کیهان گرچه یومیه بود ولی در نخستین روزهای تولد در هفته دو یا سه شماره انتشار می‌یافت، ولی مندرجات روزنامه از سایر مطبوعات روز بهتر بود، مخصوصا مقالات فرامرزی و تندرویهای او در انتقاد از هیئت حاکمه خیلی زود روزنامه کیهان را به جامعه معرفی کرد. در آذر ماه ۱۳۲۱ ش که قوام‌السلطنه حکومت داشت در تهران و شهرستانها به علت کمبود و قحطی نان و مواد غذائی و فقر عمومی و بیماریهای گوناگون بلوای بزرگی به راه افتاد. سازمانهای دولتی و مجلس شورای ملی و مغازه‌ها مورد غارت قرار گرفته حتی مردم خانه قوام‌السلطنه را به آتش کشیدند و دولت هم برای رفع بحران دست به اقداماتی زد، از جمله امتیاز تمام روزنامه‌ها را لغو نمود، مدیران و سردبیران را به زندان افکند و فقط یک نشریه به نام اخبار روز به مدیریت حسینقلی مستعان از

طرف دولت انتشار می‌یافت.

بعـد از سـقوط قوام مـدیران جرایـد دست به اقدام زدند و دولت مجددا امتیاز روزنامه‌ها را به صاحبان آن برگردانید. این بار امتیاز و مسؤولیت انتشار روزنامه کیهان به عهـده دکتر مصـباح‌زاده قرار گرفت و مدیریت و سـردبیری را عبدالرحمن فرامرزی عهده‌دار شد. مصـباح‌زاده بـا فعـالیت زیاد سازمان وسـیعی برای کیهان پی‌ریزی کرد و آن را به صورت یومیه انتشار می‌داد و مقالات فرامرزی هم هر روز بر رونق و نفوذ او می‌افزود. کیهان در مقابل صدها روزنامه موسـمی که می‌آمدند و می‌رفتند باقی ماند و به سـرعت و خیلی زود خود را به پـایه روزنامه اطلاعات رسانیـد و بعـد به سـرعت زیاد از او جلو افتاد و روزنامه اول ایران شـد. از لحاظ فنی و چاپ و وسائـل لازم، آخرین پدیـده‌های دنیا در چاپخانه کیهان دیـده می‌شـد. در جنب روزنامه کیهان چنـد نشـریه دیگر به زبانهای فرانسه انگلیسـی و فارسـی انتشـار می‌یـافت که آنها نیز از کیفیت عالی برخوردار بودنـد. مصـباح‌زاده در انتشار روزنامه نقش تأمین سـرمایه داشت و مطالب آن را عـده زیادی از نویسـندگان تنظیم می‌نمودنـد و گاهی اتفاق می‌افتاد که مـدیر و مؤسـس کیهان مانند سایرین کیهان بدست او می‌رسید.

مصـباح‌زاده برای اجرای نیت پـدر خود که سالها در تلاش بود تا از بنـدرعباس وکیل شود در دوره پانزدهم از بندرعباس به وکالت مجلس رسـید و فرامرزی سـردبیر روزنامه کیهان هم وکالت یافت. بدیهی است در روزنامه اطلاعات هم چنین وضعی وجود داشت: مدیر و سـردبیر آن عباس و محمد علی مسعودی که هر دو وکیل بودند در ادوار شانزدهم و هفدهم همچنان وکالت مجلس را برای خود حفظ نموده بودند. در دوره هفدهم مصباح‌زاده از پیروان مصدق بود و در اسـتعفای دسـتجمعی وکلاء طرفدار مصدق شرکت کرد و همین امر او را سالها از مجلس دور ساخت. در دوره بیست و یکم از شـیراز وکیل گردیـد و میل به ریاست مجلس در او زیاد بـود ولی عشـق و علاقه‌اش به مؤسـسه «کیهـان» او را از تعقب کـار منصـرف نمود. در دوره پنجم در ۱۳۴۶ سـناتور شـد و سه دوره کرسی سنا را زیرپا داشت. مصباح‌زاده مردی زرنگ، بذال، شریف، دانشمند، ملایم و نیک نفس بود و آنچه بدست می‌آورد در راه مؤسسه «کیهان» خرج می‌کرد. یکی از اقدامات جالب توجه او تربیت کادر نویسنده و روزنامه‌نگار است. او دانشگاهی برای این کار پی‌ریزی کرد که بنام مدرسه عالی ارتباطات موسوم شد که چندین رشته داشت و بهترین استادان در آنجا تدریس می کردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات نوین (۳۰۷)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۵۰ -۴۴۸/ ۴)، روز شمار تاریخ (۳۲۱/ ۱).

مصباحی، جمال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جمال‌الدین مصـباحی از علماء متقی شـیراز بوده فقید سـعید با همکاری مرحوم حجهٔالاسـلام شـیخ محمدعلی موحد در تقویت حوزه مدرسه آقابابا‌خان و تربیت طلاب نقش موثری داشت که هم اکنون آنان از چهره‌های علمی عصرند.

مدفن این روحانی بزرگوار در صحن حضرت علی بن حمزه مورد توجه عموم مردم شیراز است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مصباحی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سـید جواد مصباحی که نیز از علماء مشهور و روحانیون خدوم شیراز بوده و مدفن او در حرم مطهر حضرت علی بن حمزه و از فرزنـدان این مرحوم که روحانی هسـتند جناب حجهٔالاسـلام آقای سـید نورالدین مصـباحی می‌باشـند که در شـیراز در مسـجد حاج عباس به اقامه نماز و تدریس مشغولند، می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مصباحی، عبدالکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالکریم مصـباحی است که با مرحوم حجهٔالاسـلام آقا سـید یوسف مصـباحی در نشـر دین و دانش نقش موثری داشتند. فرزندان نامی این مرحوم از مدیران با فعالیت می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مصباحی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله مصباحی

محل تولد : سلماس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال تحصیلی ۱۳۵۷-۱۳۵۶عازم حوزه علمیه قم ومشغول به تحصیل شدم پس از اتمام دوره مقدماتی به دوره متوسط وارد شدم و در این دوره کتاب لمعه در فقه را با آقایان حسینی بیگدلی مدرس افغانی و برخی از اساتید دیگر خواندم کتاب معالم قوانین و اصول فقه مظفر در اصول فقه را پیش آقایان مدرس افغانی فیض و برخی از اساتید دیگر که اسم شان را به خاطر نمی آورم تلمذنمودم کتاب حاشیه ملا عبدالله جوهر النضید ومنطق منظومه در منطق را به ترتیب در خدمت آقایان مدرس افغانی و مؤمنی اعرافی و انصاری شیرازی تلمذ کردم کتاب مکاسب شیخ انصاری را با آقایان پایانی ستوده و مجد ۱۳۶۵/۷تا۶۸/۱۰رسائل شیخ انصاری را با آقای اعتمادی و کفایت الاصول آخوند خراسانی را با آقایان اعتمادی وفاضل لنکرانی خواندم

مصباحی، مجدالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مجدالدین فرزند سید جلیل و عالم نبیل آقا سید جمال‌الدین مصباحی فرزند آیت‌اللّٰه حاج سید عباس مصباحی از دانشمندان به نام و مبلغین و خطباء سامی و وعاظ گرامی استان فارس به ویژه شیراز است.

وی در سال ۱۳۰۸ شمسی در شیراز به دنیا آمده و در بیت علم و دانش پرورش و از کودکی آثار نبوغ در ایشان متجلی و از بدو جوانی به تحصیلات علوم دینی و غیره اشتغال و با آیت‌اللّٰه مکارم و مرحوم آیت‌اللّٰه ربانی و غیرهما هم دوره بوده و از شاگردان مبرز مرحومین آیت‌اللّٰه حاج سید نورالدین حسینی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ علی ارسنجانی بوده و از آنان استفاده کرده و چند سال هم در اصفهان از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حاج‌آقا حسین خادمی و آیت‌اللّٰه حاج سید محمدرضا خراسانی استفاده نموده است.

مدت کوتاهی هم در نجف اشرف اشتغال داشته و از بدو جوانی به علت اعتماد علماء اعلام شیراز به امامت جماعت در بقعه سید ذوالفقار مشغول شده، و چون در فن خطابه شهرت بسزائی یافت از طرف مراجع و علماء اعلام و شخصیتهای مذهبی به خارج دعوت می‌شدند تا جائیکه در نهضت ملی شدن صنعت نفت در سن شباب نقش موثری داشته و در سی‌ام تیرماه با کفن‌پوشی در قیام خونین شرکت نمود که مورد تقدیر مرحوم آیت‌اللّٰه کاشانی قرار گرفت و بعد از ۲۸ مرداد بازداشت و بعد از آزادی مرتبا تحت تعقیب بود تا در انقلاب اسلامی حرکت تبلیغی و تهاجمی وی به قدری شدید بود که در شب ۱۶ خرداد ماه سال ۴۲ بعد از سخنرانی تاریخی در مسجد نو دستگیر و به اتفاق مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی و آیت‌اللّٰه دستغیب (شهید) از شیراز به زندان انفرادی عشرت‌آباد تهران منتقل و سپس دستجمعی محبوس و محاکمه گردیدند و بعد از آزادی در سنگر منبر و محراب با موقعیت و محبوبیت خاصی در شیراز و بنادر و کویت به خدمت اسلام و مردم مشغول و مجددا در قیام و نهضت روحانیت و انقلاب اسلامی رهبر انقلاب معظم‌له شرکت و به تصدیق علماء اعلام و تاریخ فعالیت ایشان به قدری موثر بود که بعد از جمعه سیاه تهران شبانه دستگیر و به اتفاق آیت‌اللّٰه شهید دستغیب در تهران در زندان کمیته بازداشت و محاکمه شده و بعد از آزادی و بازگشت به شیراز و به اتفاق مرحوم دستغیب به مشهد مشرف شده و آنجا هم نامبرده با استقبال بی‌سابقه مردم و سخنرانی دگرگونی عجیبی ایجاد نمود و از آنجا شبانه در اوج حکومتی نظامی به شیراز وارد شده و از اول محرم سرنوشت ساز در مسجد مولا با حمایت علماء و مردم سخنرانی نموده تا به تصدیق علماء و جرائد روز در تظاهرات صد هزار نفری را آقای مصباحی اداره می‌نمود تا روز پیروزی انقلاب نقش یک سرباز نامی داشته که زبانزد روحانیون و مردم شیراز است.

نقش مشارالیه در حفظ امنیت شهر شیراز بوده که از ساعت ۸ شب تا صبح با صدها اتومبیل و مردم مومن در سراسر شهر شیراز به گشت و حفظ مال و جان و ناموس مردم مشغول بوده مشارالیه به خاطر عشق به اصل انقلاب اسلامی و نخواستن پست و مقام و خدمت به دین و مستمندان و احیاء مسجد و اماکن خیریه از محبوبیت خاصی برخوردار است.

معظم‌له از بدو جوانی تاکنون در ساختن بقعه سید ذوالفقار و مسجد رمضان‌خان و مسجد شکراللّٰه‌خان و مسجد حاج عباس و مسجد جوکار و تأسیس مسجد و کتابخانه مسجد الصادق موفق بوده است و کتاب رمز ملل اولین اثریست که از مشارالیه در اصول عقاید منتشر شده است.

مشارالیه از طرف مراجع عالیقدر شیعه ۱- آیت‌اللّٰه حکیم ۲- آیت‌اللّٰه میلانی ۳- آیت‌اللّٰه شریعتمداری ۴- آیت‌اللّٰه مرعشی نجفی دارای اجازات روایتی و امور حسبیه می‌باشند.

نگارنده گوید: بیت سادات مصباحی در شیراز از بیوتات رشیقه بوده و شخصیتهای برجسته‌ای که چون نامشان مصباح مردم فارس بوده‌اند که چند نفر از منظر دیدگان شما عزیزان می‌گذرانم.

مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید عباس مصباحی پدربزرگ حجةالاسلام حاج سید مجدالدین مترجم ما از اکابر علماء و مجتهدین عصر خود در شیراز بوده و در نجف اشرف از محضر مرحومین علمین حاج شیخ محمد کاظم خراسانی صاحب کفایه در اصول و مرحوم

حاج سید محمدکاظم یزدی صاحب عروه‌الوثقی و آیت‌اللّه مجاهد میرزا محمدتقی شیرازی با دریافت اجازه اجتهاد صاحب مقام علم و تقوای خاص بوده و زاهد آن بزرگوار چنان بوده که به علت خشکسالی مردم شیراز ایشان را برای نماز استسقاء و دعای باران به صحرا عبیرآمیز برده و در اثر دعا این مرحوم و متدینین باران شدیدی می‌بارد که موجب خوشحالی مردم و مزید شهرت و محبوبیت ایشان می‌گردد. مدفن این بزرگوار در حافظیه در بین علماء بزرگ است.

سید مجدالدین بن السید الجلیل والعالم النبیل سید جمال‌الدین مصباحی شیرازی از خطباء نامی و گویندگان گرامی معاصر شیراز است.

وی در سال ۱۳۰۸ شمسی در شیراز متولد شده و پس از خواندن تحصیلات ابتدائی به تحصیل علوم ادبی و عربی پرداخته و بعد از فراگرفتن آن فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید نورالدین (نایب‌الامام) و آیت‌اللّه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی استفاده نموده و چند مدتی هم در اصفهان از درس خارج آیت‌اللّه حاج سید محمدرضا خراسانی و سایر علماء برجسته اصفهان بهره‌مند گردیده و بعد از آن به وطن برگشته و از طریق منبر و سخنرانی خدمات تبلیغی بسیار نموده است.

نگارنده گوید: جناب آقای مصباحی واعظ یکی از مفاخر وعاظ و سخنوران استان فارس می‌باشند بیانی بلیغ و زبانی صریح و نطقی فصیح و پرحرارت و مؤثر و نافذ دارند. وی را تألیفی بنام (رهبر ملل) می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مصباحی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدعلی مصباحی است که داماد مرحوم آیت‌اللّه حاج سید عباس مصباحی بوده و این مرد از اوتاد بوده و پدر ایشان نیز از اتقیاء زمان خود بوده که قبرشان در کازرون مزار مردم آن سامانست. و سادات حقیقت مصباحی از این سلسله‌اند و مرحوم حجهٔ‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ علی‌اکبر ناصری جهرمی که از فضلاء عصر بودند در تهران و در مدرسه مروی تدریس می‌کردند و در مسجد ناصری جنوب دروازه دولاب تهران اقامه جماعت می‌کردند و از شاگردان مبرز آیت‌اللّه حاج میرزا باقر آشتیانی داماد این مرحوم بودند.

کتاب امامت و شفاعت و بازگشت به سوی خدا و رساله حقوق از آثار این مرحوم است. مدفن ایشان در صحن حضرت علی بن حمزه شیراز است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مصباحی، نبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید نبی مصباحی که از روحانیون متقی و زاهد شیراز به شمار می‌روند و از خدمات آن مرحوم تربیت محصلین و همکاری با مرحوم برادرش حاج سید یوسف مصباحی در مدرسه سادات و حافظ شیراز بوده، فرزندان این مرحوم همه در شیراز در کار تدریس و تربیت جوانان می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مصباحی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید یحیی مصباحی است، این بزرگوار با اینکه در کسوت روحانیت بوده و اشتغال به تجارت هم داشته و مدت چهل و پنج سال در آبادان و خرمشهر در نشر معارف اسلامی و همکاری با روحانیون در تأسیس مساجد و تشکیل مجالس دینی سهم بسزائی داشت جلسه دعای کمیل سادات مصباحی در خرمشهر زبانزد مردم بود در آن جلسه جوانان آن هم در آن محیط و جو به شدت به مردم به خوبی جذب می‌شدند.

و این مجالس تا آخر عمر آن مرحوم ادامه داشت و چون او از دنیا رفت مردم خرمشهر جنازه او را با احترام به نجف اشرف برده و در وادی السلام به خاک سپردند.

فرزندان آن مرحوم در انقلاب اسلامی خاصه بعد از جنگ تحمیلی عراق به ایران سهم بسزائی دارند از ابتداء هجوم به خرمشهر و مهاجرت برادران و خواهران جنگ زده بـه شیراز بـه تصدیق مردم عزیز خوزستان نقش سادات مصباحی و حجهٔ‌الاسلام سید مجدالدین مصباحی در کمک و پذیرائی از جنگ‌زدگان بسیار چشمگیر بوده از اول جنگ تاکنون سید مصطفی مصباحی و بالاخص سید هاشم مصباحی و سید محمد مصباحی و سید علی مصباحی و سید عبدالرضا مصباحی پسران آن مرحوم بزرگترین خدمت و فداکاری را انجام داده که سید مرتضی مصباحی در دفاع از سقوط خرمشهر شهید شد و سید محمد مصباحی فرمانده

فتح‌المبین شهید و سید علی مصباحی معلول گردید و سید عباس حقیقت مصباحی نیز شهید شد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مصباحی، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید یوسف مصباحی که از روحانیون بنام شهر و بنیانگذار فرهنگ نوین و دینی شیراز بوده که در شهرک سعدی مدرسه‌ای بنام سید یوسف مصباحی از طرف اداره فرهنگ نامگذاری شده فرزندان این مرحوم در خدمت به جامعه معروفند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مصحح مشهدی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۳ ق)، خطاط. مصحح کتابخانه‌ی آستان رضوی بود و هفت خط را خوش می‌نوشت. استاد سید محمد تقی مدرس رضوی نزد وی تعلیم خط گرفته است. از آثار او: قطعه‌ای به خط نستعلیق کتابت خفی خوش، با رقم: «... ابوالقاسم مصحح، در شب جمعه‌ی چهاردهم رمضان المبارک... ۱۳۱۹».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۵ -۳۴ /۱).

مصحح، محمدصادق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۴۲ ق)، خطاط. از آثار وی: مجموعه‌ی «اخلاق محسنی»، «اخلاق ناصری» و «اخلاق جلالی»، به قطع وزیری، پنج سرلوح مذهب عالی، جلد سوخت معرق، نسخ کتابت خوش، با رقم: «... و علی ید العبد... ابن حاجی محمد الحافظ، محمدصادق المصحح، فی اول اللیل الاول من الاسبوع الاخر من الشهر الاخر من الربع الاول من السنة الثانی فی العشر الخامس من المائة الاول من الالف الثانی...» (۱۰۴۲).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۸۱/ ۴).

مصدرالامور، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی مصدرالامور

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مرتضی مصدرالامور در سال ۱۳۵۶ هجری شمسی وارد حوزه‌ی مقدسه‌ی علمیه‌ی قم شدم و دوره‌ی سطح را در مدت دوازده سال سپری کردم و در سال ۱۳۶۸ به درس خارج راه یافتم، مدت ۸ سال در درس خارج فقه حضرت آیهٔ‌الله العظمی آقای مکارم شیرازی دامت برکاته العالیه در موضوعات صلوهٔ‌المسافر، خمس و حدود و تعزیرات شرکت کردم و همزمان در درس خارج اصول ایشان حضور یافتم و در سال ۱۳۷۶ وارد درس خارج فقه و اصول حضرت آیهٔ‌الله العظمی آقای وحید خراسانی شدم و همزمان در درس خارج فقه (صلاهٔ) مرحوم آیهٔ‌الله العظمی حاج میرزا جواد آقا تبریزی نیز شرکت می‌جستم و در مجموع ۱۸ سال است که در دروس خارج حوزه شرکت می‌کنم که اگر ضمیمه شود به دوره‌ی سطح قریب به ۳۰ سال می‌شود. در سال ۱۳۷۴ وارد رشته‌ی تخصصی تفسیر قرآن کریم شدم و در سال ۱۳۷۸ فارغ‌التحصیل شدم. از سال ۱۳۶۰ تاکنون به مدت ۲۵ سال است که در

سنگر منبر به تبلیغ معارف دینی و قرآنی می‌پردازم.

مصدرالاموری، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد تقی بن المرحوم العالم العلام حاج شیخ محمد جاپلقی از علماء اعلام و فضلاء کرام قم و نجف معاصر است در شهرستان صنعتی آبادان. وی در شهر مذهبی قم بدنیا آمده و پس از تحصیل مقدمات و سطوح بنجف مسافرت نموده و از محاضر مراجع عالیقدر شیعه مرحوم آیه‌الله العظمی حاج سید عبدالهادی شیرازی و آیه‌الله العظمی حاج سید جمال‌الدین گلپایگانی و آیه‌الله العظمی خوئی مدظله استفاده کرده و مراجعت بایران و حدود دو سالی در قم توقف و از محضر مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی استفاده کرده و مجددا به نجف مراجعت و در سال ۱۳۳۷ شمسی بنا بر دعوت عده‌ای از متدینین آبادان بایران برگشته و در شهر آبادان رحل اقامت فکنده و به خدمات دینی پرداخته است.

معظم‌له عالمی فعال و در امور دینی بسیار ساعی است و از اول ورودش بآبادان اقدام بتأسیس مسجد جامع کارون نموده که از مساجد بزرگ و با شکوه این شهرستان محسوب میشود.

آثار دیگر این دانشمند در آبادان از این قرار است:

۱- مسجد جامع کارون که ذکر گردید. ۲- مسجد امام حسن علیه‌السلام ۳- مسجد امام حسین علیه‌السلام ۴- دبستان متین. ۵- دبستان وحید. ۶- دبستان زهره. ۷- دبیرستانی که آنرا با معیت سه نفر از علماء محترم آبادان تأسیس نموده که از هر جهت مجهز و جامع از تمام جهات و دارای کتابخانه و مسجد زیبائی میباشد.

و اما آثار قلمی آنجناب بقرار زیر است:

۱- بخش گهرها، یا نثراللئالی که بطبع رسیده است.

۲- القران فی کل موضوع.

۳- اشعه الفوائد فی قانون لاتعاد.

۴- فلسفه متافیزیک یا جهان پس از ماده.

۵- تأسیس کانون عقاید و مذاهب که شامل برنامه‌های اعتقادی و اجتماعی و اقتصادی است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مصدق رشتی، علی اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر علی اصغر مصدق رشتی در سال ۱۳۲۴ در شهر مقدس مشهد بدنیا آمد.تحصیلات خود را در رشته تاریخ پی گرفت و موفق به اخد مدرک دکتری رشته مذکور از دانشگاه سوربن پاریس در سال ۱۳۵۹ شد.ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه شهید بهشتی می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی علی اصغر مصدق رشتی به قرار زیر است: دیپلم: ادبی / ۱۳۴۳ / مشهد کارشناسی: تاریخ / ۱۳۵۰ / مشهد / دانشگاه فردوسی مشهد کارشناسی ارشد: تاریخ / ۱۳۵۳ / کان (فرانسه) دکتری: تاریخ / ۱۳۵۹ / پاریس / دانشگاه سوربن

همسر و فرزندان : دکتر علی اصغر مصدق رشتی متاهل و دارای دو فرزند می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی اصغر مصدق رشتی عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه شهید بهشتی می باشد.وی همچنین مدیریت گروه تاریخ دانشگاه مذکرو را برعهده دارد.

فعالیتهای آموزشی : فعالیت های آموزشی علی اصغر مصدق رشتی به ترتیب زیر است: تدریس در دانشگاه شهید بهشتی تهران تدریس در دانشگاه تهران بمدت سه سال تدریس در دانشگاه تربیت معلم تهران بمدت سه سال تدریس در مرکز باقرالعلوم (حوزه قم)

آرا و گرایشهای خاص : زمینه های تحقیقاتی فعلِی علی اصغر مصدق رشتی به قرار زیر است: تاریخ ایران در قرن سیز دهم هجری تا آغاز مشروطیت روش تحقیق در تاریخ

چگونگی عرضه آثار : مقالات و کتابها: خاندان نجم یزدی در مجله studia iranica صادرات و واردات بوشهر نیمه اول قرن نوز دهم فرانسه مقدمه ای بر تثبیت حکومت قاجارها انگلستان- دانشگاه کمبریج(مطالعات ایرانشناسی)

مصدق کهنمویی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مصدق کهنموئی

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد مصدق مشهور به مهدوی در سال ۱۳۴۱هجری شمسی در خانواده ای پاک و با صفا،متدین، مذهبی و دوستدار خاندان پاک عصمت و طهارت علیهم السلام در تبریز دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه وافرخویش به فراگیری علوم اسلامی در سال ۱۳۵۶که سال های خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود و حوزه های علمیه از طرف رژیم منحوس پهلوی به شدت تحت فشار بودند وارد وارد حوزه علمیه تبریز گردید. پس از مدتی تحصیل در حوزه علمیه تبریز به شوق زیارت حضرت معصومه سلام علیها و ادامه تحصیل رهسپار قم گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه قم ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت(ع) با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل و علم اندوزی پرداخت. وی در مدت تحصیل در قم از محضر بزرگانی همچون آیت الله جوادی، مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی و مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی کسب فیض برد.

وی درکنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در مقطع کارشناسی ارشد در رشته مدرسی الهیات و معارف اسلامی از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۲ فارغ التحصیل شد و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "تحلیل و بررسی صلح امام حسن علی السلام " دفاع کرد و سالهای متمادی است که در قوه قضائیه به امر پژوهش، تحقیق و تدریس مشغول می باشد وآثاری متعددی از جمله " نگرش علمی کاربردی جرم کلاهبرداری "،" مسوولیت مرتکب به پرداخت هزینه های درمانی مازاد بر دیه "و... را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

مصدق، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: جنگل‌داری، دانشکده: منابع طبیعی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی در رشته جنگل‌شناسی و جنگل‌داری.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام مطالعه پیرامون بلوط در جنگل‌های شمالی ایران، مطالعه پیرامون درختان سرخدار، عضویت در کمیسیون بین‌المللی سازمان خواروبار و کشاورزی جهانی (F.A.O) برای درختان صنوبر، عضویت در شش جامعه بین‌المللی منابع طبیعی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

در زمینه جنگل‌شناسی و جنگل‌کاری و نهالستانهای جنگلی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۲

زمینه علمی مقالات:

جنگلکاری، جنگل‌شناسی، جنگلهای راش شمال ایران، گونه‌های نادر در جنگل‌های شمال ایران، نیمرخ شمالی البرز و جوامع جنگلی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مصدق، حمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید مصدق به سال ۱۳۱۸ در شهرستان شهر رضا به دنیا آمد و پس ازطی دوره ابتدایی و متوسطه وارد دانشکده حقوق و اقتصاد تهران شد و با اخذ مدرک لیسانس در سال ۱۳۴۸ در موسسه اقتصادی به عنوان محقق کار مشغول شد . در سال ۱۳۵۰ پس از گذراندن دوره فوق لیسانس در دانشکده حقوق دانشگاه تهران به عضویت هئیت علمی دانشگاه درآمد و به عنوان استادیار به تدریس پرداخت . حمید مصدق از سال ۱۳۵۳ عضو کانون وکلای دادگستری تهران بود و در کنار شغل وکالت و تدریس به سرودن شعر و انتشار مجموعه های شعری خود اشتغال یافت . وی درسال ۱۳۷۷ فوت نمود . تحصیلات رسمی و حرفه ای : حمید مصدق آموزش دبستان و دبیرستانی را در شهرضا و اصفهان به پایان برد . در سال ۱۳۳۸ به تهران آمد و رشته ی بازرگانی موسسه ی علوم و اداری و بازرگانی را به پایان برد سپس در دانشگاه به کار پرداخت و ضمن کار به تحصیل خود ادامه داد و از ذانشکده ی حقوق تهران موفق به دریافت لیسانس و سپس فوق لیسانس حقوق از دانشگاه ملی شد . مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حمید مصدق پس از گذراندن لیسانس تا سال ۱۳۴۸ در موسسه اقتصادی به عنوان محقق کار کرد . از سال ۱۳۵۳ عضو کانون وکلای دادگستری تهران شد و به شغل وکالت اشتغال ورزید . فعالیتهای آموزشی : مصدق پس از گذراندن دوره ی فوق لیسانس ، به عضویت هیات علمی دانشگاه درآمد و به عنوان استادیار به تدریس پرداخت مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : حمید مصدق به سال ۱۳۱۸ در شهرستان شهر رضا به دنیا آمد و پس ازطی دوره ابتدایی و متوسطه وارد دانشکده حقوق و اقتصاد تهران شد و با اخذ مدرک لیسانس در سال ۱۳۴۸ در موسسه اقتصادی به عنوان محقق کار مشغول شد . در سال ۱۳۵۰ پس از گذراندن دوره فوق لیسانس در دانشکده حقوق دانشگاه تهران به عضویت هئیت علمی دانشگاه درآمد و به عنوان استادیار به تدریس پرداخت . حمید مصدق از سال ۱۳۵۳ عضو کانون وکلای دادگستری تهران بود و در کنار شغل وکالت و تدریس به سرودن شعر و انتشار مجموعه های شعری خود اشتغال یافت . وی درسال ۱۳۷۷ فوت نمود . سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : طبع شعرسرایی درمصدق زمانی شکل گرفت که او دربطن جامعه قرار گرفت و از درد و رنج مردم نگاشت . او در کنار شغل وکالت و تدریس در دانشگاه ، به کار سرودن شعر و انتشار مجموعه های شعری اشتغال یافت . آرا و گرایشهای خاص : خانم سیمین دانشور در مقدمه کتاب شعر مصدق نوشته است : «شعر مصدق خصلت سهل و ممتنع دارد یعنی در ظاهر بسیار ساده و روان به نظر می رسد و هر کس بخواند فکر می کند که این دریافت ها و احساس های خودش است که مصدق به نظم کشیده و عده ای تصور می کنند که آنها نیز می توانند به همان سادگی و روانی شعر بگویند ولی وقتی دست به قلم می برند ، در می یابند این گونه شعر سرودن کار چندان سهل وساده ای نیست . » شعر های « حمید مصدق » بیشتر طولانی و ویژگی او در سرودن منظومه بود .آثار: درفش کاویانی– آبی ، خاکستری ، سیاه– کاوه– رهگذار باد– دو منظومه– از جدایی تا ۱۳۵۷– سال های صبوری– تا رهایی– شیرسرخ– مقدمه ای بر روش تحقیق– منابع زندگینامه :پایگاه یاد یار

مصدق، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۶۹ ش)، نویسنده، استاد دانشگاه و پزشک. در تهران به دنیا آمد. در سه سالگی، همراه پدرش دکتر محمد مصدق که برای ادامه‌ی تحصیلات به اروپا می‌رفت، عازم سوئیس شد و تا آغاز جنگ جهانی اول در آنجا ماند. پس از شروع جنگ به تهران آمد و در مدرسه‌ی سن‌لوئی مشغول تحصیل شد. در ۱۳۰۰ ش به همراه برادرش احمد به مدرسه‌ی علوم سیاسی، به ریاست علی‌اکبر دهخدا، رفت و سپس در ۱۳۰۱ ش به اتفاق برادرش و رضازاده شفق به اروپا رفت و دوره‌ی متوسطه را در پاریس به اتمام رساند. او بعد به سوییس رفت و در ۱۳۱۰ ش موفق به اتمام دوره‌ی دانشکده پزشکی لوزان شد و در ۱۳۱۳ ش به اخذ دیپلم تخصصی جراحی زنان و مامایی از همان دانشکده نایل گردید. او در سوئیس با محمدرضا پهلوی، شاه سابق ایران، در زمان ولیعهدی، دوستی داشت که این آشنایی تا زمان پادشاهی او نیز ادامه داشت. وی در تهران با سمت استاد کرسی امراض زنان، در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران به تدریس پرداخت. در ۱۳۱۹ ش با یاری و کمک ابوالقاسم نفیسی و خانم صدیقه دولت‌آبادی و منصوره متین دفتری و دیگر دوستان اقدام به تأسیس سازمانی به نام انجمن حمایت مادران و نوزادان نمود. وی مدت چهارده سال عضو کمیته اجرایی فدراسیون بین‌المللی زنان و مامایی، که مرکز آن در ژنو است، بود و همچنین هشت سال عضویت در هیئت مؤسس انجمن باروری و نازایی بین‌المللی را به عهده داشت. از آثارش: «امراض زنان»، به فارسی؛ «علل نازایی زن»، به فرانسه؛ «در کنار پدرم، مصدق»، خاطرات دکتر غلامحسین مصدق.[۱]

استاد دانشگاه و پزشک حاذق و پرکار، فرزند دکتر محمد مصدق است. وی در ۱۲۸۴ در تهران تولد یافت. وقتی که دکتر مصدق برای ادامه تحصیلات عازم سویس شد فرزند خردسال خود غلامحسین را با خود برد. وی کلیه تحصیلات خود را اعم از ابتدایی و متوسطه و عالی در سویس گذرانید و درجه دکترای پزشکی در رشته زنان گرفت. در ۱۳۱۶ به ایران آمد به تدریس در دانشگاه پرداخت و سالها کرسی مامائی نظری در دانشکده پزشکی با او بود. علاوه بر آن جراح چندین بیمارستان شد و مدتها ریاست بیمارستان نجمیه موقوفه مادر مصدق‌السلطنه با او بود. دکتر غلامحسین مصدق سالها در تهران اشتهار زیادی داشت و در فن خود کم‌نظیر شد. بارها او را برای مقامات مختلف دعوت به کار کردند ولی مصدق‌السلطنه زیربار نمی‌رفت و ورود فرزندان خود را به

سیاست منع می‌کرد. وی مردی دانشمند، درستکار، جدی و ملایم بود و به کار خود عشق می‌ورزید. در ۱۳۶۹ در تهران درگذشت.

مدرس.

تولد: ۱۲۸۴، تهران.

درگذشت: مهر ۱۳۶۹.

غلامحسین مصدق، فرزند محمد مصدق نخست وزیر سابق بود. تحصیلات خود را در مدرسه‌ی سن‌لویی تهران و دورس متوسطه را در کشورهای فرانسه و سوییس و دوره‌ی عالی را در دانشکده‌ی پزشکی لوزان و دوره‌ی تخصصی را در همین دانشکده به پایان رسانیده است. از سال ۱۳۱۳ وارد دانشگاه تهران شد و به مقام استادی کرسی نایل آمد. مدتی در شیر و خورشید سرخ و بنگاه حمایت مادران خدمت کرد و مدتی نیز رییس بخش جراحی زنان بیمارستان پلهوی بود. در دوران حکومت دو ساله‌ی پدرش، دائما مراقب احوال او بود و تمام خاطرات آن سال‌ها را تحت نام در کنار پدرم، مصدق تحریر کرد که به چاپ رسید. از وی مقاله‌هایی نیز در مجله‌ی «آینده» به چاپ رسیده است.

از تألیفات دیگر غلامحسین مصدق امراض زنان به فارسی و کتابی در علل نازایی زن به زبان فرانسوی است.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] چهره‌های آشنا (۵۴۴)، در کنار پدرم، مصدق (۴۴ -۱۳).

مصدق، محمد سعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: گیاه‌پزشکی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مصدق، محمدسعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمدسعید مصدق متولد ۱۳۱۹ در شهر اهواز است. وی دارای دکتری حشره شناسی از دانشگاه ردینگ انگلستان از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۵ است.وی هم اکنون با رتبه علمی استادی در دانشگاه شهید چمران به تدریس و تحقیق مشغول است.دکتر مصدق بانی و موسس اولین موزه جانور شناسی در دانشکده کشاورزی ملاثانی در سال های ۱۳۴۶-۱۳۴۹ است.گروه : کشاورزیرشته : حشره شناسیگرایش : مبارزه بیولوژیک و زنبور عسلوالدین و انساب : محمد سعید دارای چهار برادر و سه خواهر می باشد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی محمدسعید مصدق به ترتیب زیر است: ابتدایی : دبستان خیام – اهواز – ایران مهرماه۱۳۲۷— خردادماه۱۳۳۳ دبیرستان : شاپور — اهواز– ایران مهرماه۱۳۳۳ — خردادماه۱۳۳۹ – طبیعی کارشناسی ارشد : دانشکده کشاورزی– ملاثانی– ایران– مهرماه۱۳۳۹ — دیماه ۱۳۴۳ – کشاورزی دکتری : دانشگاه ردینگ– ردینگ– انگلستان– مهرماه ۱۳۵۱ —تیرماه ۱۳۵۵ حشره شناسی • عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد: حفاظت منابع طبیعی : بررسی آبهای سطح الارضی(رودخانه های) خوزستان • عنوان پایان نامه دکتری: The biology of Plodia interpunctella (Hubner) with particular reference To the role of the mandibular glands. خاطرات و وقایع تحصیل : تحصیل در رشته گیاه پزشکی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از دانشگاه انگلستان ازمقاطع مهم زندگی علمی محمد سعید مصدق بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : کار تابستانه ی دانشجویی و همکاری در امور زهکشی و ساختمانی دانشکده کشاورزی رامین(ملاثانی) و دانشکده شهید چمران(جندی شاپور) ۴۳ -۱۳۴۰همسر و فرزندان : دکتر محمد سعید مصدق متاهل و دارای سه فرزند(دو دختر و یک پسر) است.وقایع میانسالی : محمدسعید مصدق پس از اخذ مدرک دکتری در رشته حشره شناسی در دانشگاه شهید چمران به تدرس پرداخت. وی یک فرصت مطالعاتی در دانشگاه ایالتی کارولینای شمالی آمریکا از مهر ماه ۱۳۶۳ لغایت مرداد ماه ۱۳۶۴ در زمینه مطالعه کنه تراشه ای (Acarapis woodi R.) و نقش زنبورعسل نر در انتقال آن بین کندوهای مجاور و زنبورستان های دیگر پرداخت. وی هم اکنون با رتبه علمی استادی در دانشگاه شهید چمران اهواز به تدریس و تحقیق می پردازد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدسعید مصدق عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه شهید چمران اهواز است. از دیگر سمت های ایشان می توان به چند مورد زیر اشاره کرد: ۱- عضو هیات تحریریه مجله علمی کشاورزی — مهرماه ۱۳۶۵ لغایت ۴/۹/۷۰ ۲- نماینده شورای پژوهشی دانشگاه در مجله علمی کشاورزی ۲۷/۱/۷۵ لغایت مهرماه ۷۷ ۳- سردبیر مجله علمی کشاورزی — مهرماه ۱۳۷۷ لغایت خرداد ماه ۱۳۸۰ ۴- نماینده دانشکده در شورای پژوهشی دانشگاه . ۵/۹/۷۰ لغایت ۲۷/۱۰/۷۲ و ۲۷/۱/۷۵ لغایت مهرماه ۱۳۷۷. ۵- عضو کمیته تألیف و ترجمه دانشکده به مدت ۲ سال . ۶- دبیر کمیته تألیف و ترجمه دانشکده از ۵/۹/۷۰ لغایت ۲۷/۱۰/۷۲. ۷- عضو کمیته تألیف و ترجمه دانشکده کشاورزی از تاریخ ۱۰/۹/۸۱ به مدت ۲ سال ۸- عضو هیأت ممیزه دانشگاه از ۶/۹/۷۰ لغایت تیرماه ۱۳۸۳ . ۹- عضو کمیته تخصصی گروه کشاورزی از ۶/۹/۷۰ تاکنون و تا تاریخ ۱۵/۲/۸۴ ۱۰- دبیر کمیته تخصصی گروه کشاورزی از ۲/۱۲/۷۵ لغایت دیماه ۱۳۸۰ ۱۱- عضو هیأت ممیزه مرکزی در وزارت علوم ،تحقیقات و فنآوری از آذر ماه ۱۳۸۰ لغایت دیماه ۱۳۸۲ . ۱۲- فرصت مطالعاتی: آمریکا-دانشگاه ایالتی کارولینای شمالی از مهر ماه ۱۳۶۳ لغایت مرداد ماه ۱۳۶۴ – عضویت در

انجمنهای علمی : ۱- عضو انجمن حشره شناسان ایران. ۱۳۵۵ تاکنون. ۲- عضو انجمن حشره شناسان انگلستان - ۱۳۵۴ تاکنون. ۳- عضو انجمن بین المللی تحقیقات زنبورداری (۱۳۵۵ – (I.B.R.A. تاکنون فعالیتهای آموزشی : تدریس در دوره های کارشناسی ،کارشناسی ارشد و دکتری در دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران. مرتبه دانشگاهی و تاریخ دریافت: ۱–مربی دیماه ۱۳۴۳ آبانماه ۱۳۵۵ ۲–استادیار آبانماه ۱۳۵۵ خرداد ماه ۱۳۶۳ ۳–دانشیار خرداد ماه ۱۳۶۳ خرداد ماه ۱۳۶۹ ۴–استاد خرداد ماه ۱۳۶۹ پایه۳۵ دکتر مصدق به تدریس دروس های مختلف در مقاطع زیر می پردازد که به شرح زیر است: کارشناسی :(سم شناسی – زنبورعسل و حشرات گرده افشان – آفات انباری – تکنولوژی مبارزه شیمیایی) کارشناسی ارشد : (سم شناسی تکمیلی– مبارزه بیولوژیکی– فیزیولوژی حشرات) دکتری حشره شنا سی (فیزیولوژی پیشرفته –حشرات صنعتی – حشرات اجتماعی – آفت کشها و محیط زیست). دکتری دامپزشکی : (پرورش و بیماریهای زنبورعسل) دکتری تخصصی دامپزشکی : (بیولوژی و فیزیولوژی بندپایان) دکتری پزشکی : (حشرات ناقل از نظر پزشکی) تدریس شده یا می شود. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : محمدسعید مصدق بانی و موسس اولین موزه جانورشناسی دردانشکده کشاورزی (ملاثانی) دانشگاه در سال های ۱۳۵۰–۱۳۴۶ است.وی همچنین بنیان گذار اجرای طرح های مبارزه بیولوژیک به منظور کاهش مصرف سموم و جلوگیری از باقیمانده ی سموم روی محصولات کشاورزی و آلودگی محیط زیست، با اجرای طرح های مختلف و آموزش باغداران جهت شناسایی و کاربرد حشرات مفید در مبارزه آفات می باشد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ۱–تدریس ۲ –انجام پروژه های تحقیقاتی در دست اجرا ۳–شرکت در جلسات هیات ممیزه دانشگاه ،کمیته های منتخب و گروه تخصصی هیات ممیزه دانشگاه ،شورای گروه ، هیات تحریریه مجله علمی کشاورزی،کمیته ی انتشارات دانشگاه و دفاعیه ی پایان نامه ها در طول هفته . ۴–کمک و رفع مشکلات مربوط به پروژه های پایان نامه ئی دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری. ۵–رفع اشکالات درسی دانشجویان ۶–رفع مشکلات شخصی و راهنمایی دانشجویان ۷– کتابخانه ، مطالعه نشریات علمی به روز در کتابخانه ۸–رفع مشکلات مراجعه کنندگان روزمره به دفتر کار (دانشجویان رشته های دیگر،سایر دانشکده ها، همکاران دانشگاهی و افراد غیر دانشگاهی)در مورد مبارزه بیولوژیک با آفات ، مبارزه با عقرب ، مبارزه با موریانه ، آفات کشاورزی و غیره. ۹–انجام امور روزمره در رابطه با مایحتاج و سایر نیاز های خانواده. آرا و گرایشهای خاص : دکتر مصدق همچنین تحقیقاتی در پیرامون زمینه های زیر دارد که می توان به چند مورد از آنها اشاره کرد: بررسی فون کفشدوزکهای ا ستان های خوزستان (۱۳۶۸) کرمان (۱۳۷۰) جنوب شرقی خراسان (۱۳۷۲) گلستان (۱۳۷۳) و چهارمحال و بختیاری (۱۳۷۴). بررسی کفشدوزکهای جنس Stothorus spp. مطالعه بیولوژی رژیم غذایی و تغییرات جمعیت گونه S.gilvifrons (Mulsant) در مزارع نیشکر استان خوزستان (۱۳۷۸) . بررسی اثر دیازینون و پریمیکارب بر روی شته سبز هلو Myzus persicae (Sulzer) و تعیین دز غیر کشنده روی کفشدوزک هفت نقطه ای Coccinella septempunctata L. (۱۳۸۱).بررسی دشمنان طبیعی شته خرزهره در دو استان فارس و خوزستان (۱۳۸۱) .بررسی کفشدوزکهای مزارع یونجه و شته های مورد تغذیه آنها در خوزستان (۱۳۸۳). بیواکولوژی سرخرطومی شبدر Apion aestivum Germar در دزفول (۱۳۷۴). بررسی بیولوژی مینوزبرگ مرکبات Phyllocnistis citrella Stainton و شناسایی دشمنان طبیعی آن در استان خوزستان (۱۳۷۷) . مطالعه بیولوژی هلیوتیس گوجه فرنگی و دشمنان طبیعی آن در منطقه جیرفت و امکان مبارزه بیولوژیک با آفت با استفاده از (۱۳۷۵) (.B) Bacillus thuringiensis). فون بالتوریهای جنس Chrysoperla spp. و بررسی رژیم غذایی گونه غالب در استان خوزستان (۱۳۸۳). بیواکولوژی سفید بالک پنبه Bemisia tabaci (Genn.) و کارایی پارازیتوئید های متداول آن در اهواز (۱۳۸۳). دشمنان طبیعی شته های گندم و جو در خوزستان (۱۳۸۳). بررسی کنه های Eriophyidae در خوزستان (۱۳۸۳). بررسی کنه های خاکزی دراهواز (۱۳۸۳). فون کنه های خانواده Laelapidae در اهواز و حومه (۱۳۷۸). بررسی بیواکولوژی تریپس پیاز Thrips tabaci Lindeman و شناسایی دشمنان طبیعی آن در استان خوزستان (۱۳۷۹). بررسی اثر (B) Bacillus thuringiensis. در کنترل کرم برگخوار مصری پنبه Spodoptera littoralis در شرایط آزمایشگاهی (۱۳۷۹). بررسی بیواکولوژی کارادرینای ذرت و تاثیر Bacillus thuringiensis و سایر عوامل بیولوژیک بر علیه آن در استان خوزستان (۱۳۶۹). بیولوژی و تعیین بهترین زمان مبارزه با مگس انجیر در خوزستان (۵۹–۱۳۵۷). بررسی بیولوژی شب پره خشکبار Plodia interpunctella (Hub.) با تاکید بر نقش ترشحات غدد مانديبولى لارو های آن (۱۳۵۵). شته های گندم و سایر گرامینه ها در منطقه شیراز (۱۳۷۲)جوائز و نشانها : ۱- دریافت لوح تقدیر برای بیشترین تعداد طرحهای پژوهشی خاتمه یافته در دانشگاه . ۱۳۷۷ ۲– انتخاب طرح شماره ۲۱۹ به عنوان بهترین طرح پژوهشی دانشگاه در سال ۱۳۷۶ ۳– استاد نمونه ، اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ ۴– استاد آموزشی نمونه دانشکده کشاورزی ۱۳۸۳ ۵– استاد نمونه کشور ۱۳۸۳ ۶– پژوهشگر برتر ۱۳۸۴ چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی دکتر محمد سعید مصدق اعم از انتشارات کتب و مقاله و سرپرستی پایان نامه ها به قرار زیر است: ۱– تعداد کتابهای تألیفی : چاپ شده ۳ – در دست اقدام ۳ ۲– تعداد نشریات آموزشی : چاپ شده ۱۳ ۳– تعداد مقالات منتشر شده : الف –فارسی : ۱– مجلات علمی معتبر ۴۰ ۲– مجلات ترویجی (زیتون)۱۳ ۳– کنفرانسهای داخلی : ۷۷ ب– سایر زبانها: مجلات علمی معتبر بین المللی ۲۲ کنفرانسهای بین المللی ۴۰ ج –تعداد طرح های اجرائی و پژوهشی: –طرحهای اجرایی : پایان یافته ۸ در دست اقدام :--- –طرح های پژوهشی: پایان یافته ۶۰ در دست اقدام:۶ امار تعداد پایان نامه های که توسط محمدسعید مصدق راهنمایی ،مشاوره و داوری شده به صورت زیر است: الف– کارشناسی ارشد : ۱. استاد راهنما ۲۸ نفر ۲. استاد مشاور ۲۲ نفر ۳. استاد ناظر و داور : ۲۸نفر ب– دکتری : ۱. استاد راهنما ۳ نفر ۲. استاد مشاور ۳ نفر ۳. داور ۴ نفر آثار : ۱ آفت کش های مجاز در ایران و کاربرد آنها ،اداره ی حفظ نباتات استان لرستان ، محمد سعید مصدق،۱۴۴،۱۳۶۳ص. ویژگی اثر : مصرف بی رویه آفت کش ها و در نتیجه بهم خوردن اکوسیستم محیط زیست ،ناشی از عدم آگاهی مصرف کنندگان سموم می باشد . دانش بسیاری از مصرف کنندگان سموم از موادی که روزانه با آن سر و کار دارند در حد اطلاعات آنها از قرص های مسکنی است که به سادگی از داروخانه ها و یا بساط دستفروشی هاخریداری می نمایند. در این رابطه وظیفه ی خطیر کارشناسان حفظ نباتات بالا بردن اطلاعات مصرف کنندگان سموم و نظارت دقیق در استفاده صحیح از این

مواد می باشد.کشاورزان و سایر افراد مستقیماً به مسئولین مراجعه و در مورد آفات، نحوه ی مبارزه و کاربرد سموم اطلاعاتی کسب می نمایند.این راهنمایی ها باید از حد مشورت پا فراتر نهاده و ضمن بررسی دقیق ،در صورت نیاز ،اجازه ی مصرف آفت کش ها به مراجعه کنندگان داده شود. یکی از راه های نظارت بر چگونگی استفاده ی به موقع از آفت کش ها ،تربیت تکنسین و استقرار این افراد در سطح روستاها است.چنانچه این افراد به اندازه ی کافی تعلیم دیده باشند ، می توانند با نمونه برداری صحیح از منطقه ی تحت نظارت خود ،آفات مختلف را شناسایی و ضمن مطالعه ی دوره ی زندگی و زمان طغیان آنها در موقع مقتضی دستورات لازم برای مبارزه را به کشاورزان بدهند. از آنجایی که دسترسی به کتب منتشر شده در زمینه ی دفع آفات و کتب موجود در کتابخانه ها برای همگان به آسانی میسر نمی باشد، این مجموعه که از طریق اداره ی حفظ نباتات استان لرستان به چاپ رسیده است ،می تواند راهنمایی برای علاقمندان این رشته بوده و به علاوه آنان را از خطرات ناشی از مصرف بی رویه ی سموم و عواقب آن آگاه سازد. کلیه مطالب نوشته شده در این کتاب به علت محدود بودن هزینه ی چاپ به اختصار آورده شده است.لذا توجه خوانندگان و علاقمندان را به لیست کتابهایی که در فهرست منابع استفاده از آنها نام برده شده است جلب می نماید. ۲ فهرست نیمه توصیفی بندپایان تعیین هویت شده (کشاورزی،بهداشتی،...) و سایر آفات کشاورزی استان خوزستان ،انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز.محمد سعید مصدق و فرحان کچیلی ۱۳۸۱، ۴۷۵ ص. ویژگی اثر : شناسایی و داشتن اطلاعات کافی از بند پایان خصوصاً آفات و ناقلین بیماریزا در هر منطقه و داشتن مجموعه ای از مشخصات و آشنایی با فوائد و زیان آنها، کمک موثری در بهبود وضع کشاورزی و بهداشت آن منطقه است. این مجموعه اطلاعات بسیار ارزنده ای از حشرات ، سایر بندپایان و تعداد دیگری ازآفات زراعی ،حشرات مفید (گرده افشان ها، انگلها و شکارگر ها) ، ناقلین بیماریهای انسان و دام از استان خوزستان را ارائه می کند.در این کتاب مجموعاً اطلاعات مربوط به ۱۰۰۰گونه از بندپایان متعلق به ۷۳۴ جنس از ۱۹۹ خانواده گردآوری و ثبت شده است . علاوه بر بندپایان ، ۳۴گونه متعلق به ۲جنس از ۱۳ خانواده از آفات دیگر نظیر نماتد ها ،جوندگان و....نیز در آخر کتاب به این مجموعه اضافه شده است . مطالب تهیه شده می تواند کمک های موثری به حل مسائل آموزشی ، تحقیقاتی ، اقتصادی و بهداشتی نموده و پایه ای برای طرح های پژوهشی آینده در منطقه و بالطبع کشور باشد. ۳ کنه های زیان آور زنبورعسل ،چاپ سوم ،انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز،۱۵۲ ص. محمد سعید مصدق و عزیزالله کمیلی،۱۳۷۰. ویژگی اثر : کنه هایی را که انگل زنبوران عسل بوده و یا به دلایل دیگردر کندو یافت می شوند به سه دسته تقسیم می کنند: ۱-کنه های انگل Parasitic mites)) ۲-کنه های مسافر Phoretic mites)) ۳-کنه های کندوزی پوسیده خوار House mites)) تعداد گونه کنه های انگل محدود است ولی بعضی از آنها قادرند که خسارت بسیار زیادی به کلنی های زنبورعسل وارد نمایند. گونه های (کنه تراشه ای Acarapis woodi R.) ، (کنه واروآ Varroa jacobsoni Oud.) و (کنه کلارا Tropilaelaps clareae D.&B) از جمله کنه های مهم انگل و خطرناک زنبور عسل می باشند. در چند دهه ی اخیر ، یک گونه کنه ی بومی اروپاو یک گونه کنه ی بومی آسیا، توسط انسان به اکثر نقاط دنیا منتقل گردیده و صنعت زنبورداری را مورد تهدید قرار داده است. در این کتاب ضمن معرفی کنه های مهم انگل زیان آور برای زنبورعسل ، شکل شناسی ، زیست شناسی ، راههای تشخیص و مبارزه با آنها در حد امکان شرح داده شده است . بر عهده ی اهل فن و متخصصین است که کمک ها و راهنمایی های لازم را از زنبورداران دریغ ننمایند. منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

مصری نیا، سعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید مصری نیا متولد ۱۳۱۸ ش دارای دکترای رشته گیاه پزشکی عضویت هیئت علمی دانشگاه استراسبورگ با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات وآثار پیرامون مبارزه بیولوژیک با سن گندم می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیتحصیلات رسمی و حرفه ای : سعید مصری نیا دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه تهران ودکترای گیاه پزشکی از دانشگاه پاریس میباشدخاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته گیاه پزشکی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر سعید مصری نیا بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : سعید مصری نیا د ر کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : سعید مصری نیا پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاه پزشکی زراعی به عضویت هیئت علمی گروه کشاورزی در دانشکده کشاورزی دردانشگاه استراسبورگ درآمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سعید مصری نیا عضوهیئت علمی و دانشیار گروه زیست شناسی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه استراسبورگ است.فعالیتهای آموزشی : سعید مصری نیا سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه زیست شناسی در دانشگاه استراسبورگ به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشکی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سعید مصری نیا در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : سعید مصری نیا از جمله گیاه پزشکان و گیاه شناسانی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره مبارزه بیولوژیک با سن گندم را دارد. آثار : مبارزه با بیولوژیک با سن گندم منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

مصطفوی سبزواری، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا مصطفوی سبزواری به سال ۱۳۲۰ در سبزوار و در خانواده ای روحانی و فرهنگی دیده به جهان گشود.پدرش مرحوم حاج شیخ اسدالله از مدرسان حوزه علمیه سبزوار بود. این مدرس حوزه، همچنین در دبیرستان های سبزوار به تربیت و تعلیم جوانان آن شهر همت گماشته بود.

رضا مصطفوی سبزواری

ـ متولد ۱۳۲۰ سبزوار

ـ استاد دانشگاه، محقق و رایزن فرهنگی ایران وپاکستان

ـ اخذ مدرک ابتدایی و دبیرستان در مدارس سبزوار

ـ اخذ مدرک کارشناسی در سال ۱۳۴۱ در رشته زبان و ادبیات فارسی

ـ بهره بردن از مکتب پدرش مرحوم حاج شیخ اسدالله، آقا شیخ قربان، علی شریعتی مزینانی و ...

ـ اخذ دانشنامه دبیری از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۴۲

ـ استخدام در وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۴۲

ـ دفاع از پایان نامه دکترا در سال ۱۳۵۴

ـ تدریس در دانشگاه ابوریحان بیرونی

ـ عضویت در دانشگاه علامه طباطبایی در گروه زبان و ادبیات فارسی

ـ همکاری با مؤسسه لغت نامه دهخدا از سال ۱۳۴۰

ـ مدیریت بخش ادبیات در دانشنامه جهان اسلام در سال ۱۳۷۵

ـ رایزن فرهنگی ایران و پاکستان ۱۳۸۲ـ ۱۳۷۸

ـ تدریس در دانشگاه های دهلی، جواهر لعل نهرو و جامعه ملیه اسلامیه

ـ تألیف فرهنگ بزرگ قدیمی ـ هندی

ـ مدیریت گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی

ـ ریاست دانشکده برون مرزی زبان و ادبیات فارسی

ـ عضویت در هیأت تحریریه مجله دانشکده و شورای آموزشی و تحصیلات تکمیلی

ـ راهنمایی و مشاوره بیش از ۱۰پایان نامه فوق لیسانس و دکترا

ـ تأسیس دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه ملی زبان های نوین اسلام آباد (نمل)

ـ چاپ ده ها مقاله و سخنرانی از او در مطبوعات پاکستان

ـ استاد نمونه دانشگاه های ایران ۱۳۸۵ و تقدیر توسط ریاست جمهوری

ـ از تألیفات او:

ـ یادگار هندوستان

ـ همکاری در تألیف لغت نامه فارسی

ـ چاپ حدود۱۹۰ مقاله علمی در مجله های معتبر دانشگاهی داخلی و خارجی

ـ چاپ ۱۴ کتاب علمی در زمینه زبان و ادب فارسی و فرهنگ و تمدن ایرانی مانند: یادگار هندوستان، مهر و مشتری، تاریخ بیقهی، پژوهش های علی(ع) شناسی در پاکستان و ...

جست وجو در زبان و ادبیات و فرهنگ ملت ها و همچنین بررسی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری ملت ها از یکدیگر یکی از رشته های مفید و جذاب است که به همت برخی از استادان دلسوز و علاقه مند به فرهنگ و زبان فارسی پی گرفته می شود. این جست وجوها دست یافتن به اطلاعاتی در زمینه تاریخ تمدن و فرهنگ، محل پیدایی زبان یا فرهنگی خاص، میزان تأثیرگذاری فرهنگ های مختلف بر یکدیگر و بالاخره در نقد و بررسی آثار فرهنگی ـ هنری را امکان پذیر می کند. یکی از استادانی که با عشق و پشتکار سال های عمر عزیز خود را در راه گرامیداشت و اعتلای فرهنگ و ادبیات سرزمین ایران صرف کرده و در این راه با چاپ مقاله های معتبر علمی و کتاب های مهم و قابل تأمل کوشیده رضا مصطفوی سبزواری است.

رضا مصطفوی سبزواری به سال ۱۳۲۰ در سبزوار و در خانواده ای روحانی و فرهنگی دیده به جهان گشود.پدرش مرحوم حاج شیخ اسدالله از مدرسان حوزه علمیه سبزوار بود. این مدرس حوزه، همچنین در دبیرستان های سبزوار به تربیت و تعلیم جوانان آن شهر همت گماشته بود. مادرش بانو مرضیه، دختر آیت الله شیخ محمدحسن شریعتمداری تهرانی، مشهور به سبزواری، از علمای بنام حوزه های سبزوار و شاهرود بود.

این عالم حوزوی در هنر نیز دستی داشت و خط خوش می نوشت. در چنین خانواده ای که فضایی مملو از روح قرآن کریم و شعر و هنر بود رضا با آرامش پرورش یافت. تحصیلات ابتدایی را در دبستان پانزدهم بهمن آن زمان به سال ۱۳۳۲ و دوره متوسطه را در دبیرستان دکتر غنی سبزوار به سال ۱۳۳۸ به پایان رسانـد. پس از پایان دوره متوسطه، در محضر استادانی بنام، همچون شادروان دکتر علی اکبر فیاض، دکتر احمدعلی رجایی بخارایی، دکتر غلامحسین یوسفی و سیداحمد خراسانی به تحصیل در علوم دانشگاهی پرداخت و در سال ۱۳۴۱ به دریافت درجه لیسانس زبان و ادبیات فارسی نایل آمد. وی از تحصیلات حوزوی هم غافل نبود. علاوه بر تحصیلات کلاسی و مکتب خانه از محضر پدر نیز کسب علم می کرد. در مدرسه کهنه سبزوار، در محضر علمای حوزه همچون: آقا شیخ قربان علی شریعتی مزینانی (برادر آقا شیخ محمدتقی شریعتی مزینانی و عموی دکتر علی شریعتی)، حجت

الاسلام سیادتی و حاج میرزا اسدالله فاضلی از علوم عربی و دینی، خوشه ها چید. همچنین در مشهد نزد حجت الاسلام مظاهری و آیت الله علم الهدی در مدرسه سلیمان خان، از علوم حوزوی توشه ها برداشت. پس از دریافت دانشنامه دبیری از دانشسرای عالی تهران، سال ۱۳۴۲ در وزارت آموزش و پرورش استخدام شد و در دبیرستان ها و مراکز تربیت معلم سبزوار، به تعلیم و تربیت جویندگان دانش پرداخت. در سال ۱۳۴۸ تحصیلات دانشگاهی را ادامه داد و در سال ۱۳۵۴ از پایان نامه دکترای خود با عنوان «تصحیح انتقادی و شرح و تحلیل دیوان مولاناعبدالرحمن جامی» دفاع کرد. او پس از دریافت دکترا در دانشگاه ابوریحان بیرونی به تدریس پرداخت. پس از ادغام چند دانشگاه و مدرسه عالی، وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی و تأسیس دانشگاه علامه طباطبایی به عضویت گروه زبان و ادبیات فارسی این دانشگاه درآمد.

وی پس از گذراندن مراتب دانشگاهی هم اکنون با مرتبه استادی به تربیت و تعلیم دانشجویان در مقاطع مختلف دانشگاهی، اشتغال دارد. همزمان با تدریس در دانشگاه، از سال ۱۳۶۰ در مؤسسه لغت نامه دهخدا، به کار تحقیق و پژوهش پرداخت و در سال ۱۳۷۵ مدیریت بخش ادبیات در دانشنامه جهان اسلام، به او سپرده شد. در مأموریت سه ساله ای که او در هندوستان به انجام رسانید ضمن تدریس در سه دانشگاه بزرگ آن سامان؛ یعنی دانشگاه های دهلی، جواهر لعل نهرو و جامعه ملیه اسلامیه به تألیف فرهنگ بزرگ فارسی ـ هندی پرداخت. براساس تفاهمنامه منعقد شده میان دانشگاه علامه طباطبایی با وزارت ارشاد اسلامی و رایزنی فرهنگی در دهلی و با همکاری ۷ تن از بلندآوازه ترین استادان زبان هندی دانشگاه های هند و پژوهشگران زبان هندی، سه مجلد آن را انتشار داد.

مدیریت گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه در دو نوبت و همچنین ریاست دانشکده برون مرزی زبان و ادبیات فارسی از جمله فعالیت های اجرایی مصطفوی در کار فعالیت های علمی و فرهنگی بوده است. همچنین راهنمایی و مشاوره بیش از ده پایان نامه فوق لیسانس و دکترا را برعهده داشته است. او همچنین در کمیته های تخصصی دانشکده ادبیات فارسی و زبان های خارجی و نیز کمیته تخصصی دانشگاه فعالیت و مشارکت دارد و عضویت در هیأت تحریریه مجله دانشکده و شورای آموزشی و تحصیلات تکمیلی و ممیزی دانشگاه از دیگر فعالیت های علمی و اجرایی اوست.

مصطفوی از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ رایزن فرهنگی ایران و پاکستان بود. همزمان در دانشگاه های آن دیار نیز تحقیق و پژوهش می کرد و برای تأسیس دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه ملی زبان های نوین اسلام آباد (نمل) با آن دانشگاه همکاری مؤثری داشت و در آن مدت نیز ده ها مقاله یا سخنرانی از او در مطبوعات پاکستان به چاپ رسید. کتاب «یادگار هندوستان» شامل سی و دو جستار درباره فرهنگ و تمدن شبه قاره هند و پاکستان که محصول سال های حضور ایشان در شبه قاره است به وسیله انتشارات الهدی در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسید و سپس به وسیله دانشگاه جواهر لعل نهرو (هند) مورد قدردانی و «رونمایی» قرار گرفت. سبزواری همچنین در سال جاری به عنوان استاد نمونه دانشگاه های ایران انتخاب شد و مورد تقدیر ریاست جمهوری قرار گرفت.

آثار رضا مصطفوی سبزواری در چند بخش به دوستداران زبان و ادبیات فارسی ارائه شده است. از او تاکنون حدود ۱۹۰ مقاله علمی در مجله های معتبر دانشگاهی داخلی و خارجی به چاپ رسیده است که موضوع آن ها در زمینه زبان و ادب فارسی وفرهنگ و تمدن ایرانی است. برای نمونه دریکی از این مقاله ها با عنوان «ایران درشبه قاره هند و پاکستان» می نویسد: «روابط بسیار دیرینه ایران زمین با شبه قاره هند وپاکستان به درازای تاریخ مکتوب می رسد. هم ریشه بودن زبان سانسکریت (زبان قدیمی هندیان) با زبان های اوستایی و فارسی باستان، زبان های کهن ایرانی و سهم زبان فارسی در شکل گیری و پیدایی زبان اردو خود زیربنای همه پیوندهای فرهنگی میان این دو ملت کهنسال است.

... مورخان براین باورند که پیوندهای استوار بازرگانی و فرهنگی از روزگاران گذشته میان مردمان ناحیه شوش در جنوب ایران و دره سند، موجود بوده زیرا آثار به دست آمده از خرابه های موهنجودار و تکسیلا و هارپا با آثاری که از فلات ایران و دره دجله و فرات کشف گردیده است، شباهت زیادی دارد...»

همچنین چهارده عنوان کتاب تخصصی و علمی به چاپ رسانده که در آن ها به زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ ایران پرداخته است.

«یادگار هندوستان» از مهم ترین کتاب های مصطفوی شامل سی و دو جستار درباره فرهنگ و تمدن شبه قاره هند و پاکستان مستند به منابع و مأخذ دست اول شبه قاره است. آن گونه که می دانیم فرهنگ ایران و بویژه زبان و ادب پارسی بر فرهنگ شبه قاره هند تأثیر زیادی گذاشته و زبان فارسی حدود ۱۰ قرن زبان رسمی این پهناور بوده است. تألیف صدها لغت نامه فارسی، تذکره و سایر کتاب های فارسی در آن دیار و همچنین وجود هزاران نسخه خطی موجود در کتابخانه های آن شواهد روشنی بر تأثیرگذاری زبان فارسی فراسوی مرزهای جغرافیایی خود و علاقه مندی مردم شبه قاره به این میراث جاودان است. اما در طول تاریخ، سرزمین هند هم به علت شگفتی های بی شمار خود مورد توجه ایرانیان بوده است و گروه های مختلف ایرانیان همواره شوق سفر به هند و شناخت آن را داشته اند. به همین دلیل مراودات و پیوستگی تعاملات و ارتباطات فرهنگی گسترده ای بین شبه قاره هند و ایران برقرار بوده است. این پیوستگی فرهنگی بدون شک نیازمند پژوهش های گسترده برای بررسی فرهنگ و تمدن شبه قاره هند است. رضا مصطفوی در کتاب «یادگار هندوستان» که مجموعه ای از مقالات و سخنرانی های وی درباره فرهنگ و تمدن شبه قاره هند است به آن پرداخته. او به دلیل آشنایی کامل با سرزمین هند و پاکستان، در مقالات مختلف این کتاب توفیق یافته است که تصویری روشن از فرهنگ و تمدن آن دیار و تأثیر زبان و ادبیات فارسی بر آن را ارائه دهد. سال های تدریس زبان فارسی به استادان دانشگاه های هند و حضور در سمت رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در پاکستان تجربه های گرانقدری بوده که در غنا بخشیدن به مقالات کتاب نویسنده را یاری کرده است.

از دیگر کتاب های ارزشمند مصطفوی می توان به «مهر و مشتری» اشاره کرد که در سال ۱۳۷۵ منتشر شده است. این کتاب تألیف مولانا شمس الدین محمد عطار تبریزی شاعر و ادیب توانای قرن هشتم هجری است که به وسیله مصطفوی برای نخستین بار تصحیح

شده و توضیحات و تعلیقات سودمندی برآن افزوده شده است. «مهر و مشتری» منظومه ای بسیار خواندنی و زیباست. نسخه اصلی این کتاب در دانشگاه کمبریج انگلستان نگهداری می شود و پنجاه و چهار نسخه کتاب در جهان به دست مصحح معرفی شده است.

در زمینه تألیف یکی از مهم ترین فعالیت های مصطفوی این است که او جزو مؤلفان لغت نامه فارسی در مؤسسه لغت نامه دهخدا است . این لغت نامه که توسط جمعی از استادان برجسته با دقت و وسواس علمی تألیف می شود اشتباهات و کاستی های لغت نامه دهخدا را مرتفع می سازد. در حال حاضر حرف «آ» به پایان رسیده و همچنین حرف «الف» روبه اتمام است.

مصطفوی همچنین تاریخ بیهقی را که تألیف ابوالفضل بیهقی و از متون معتبر زبان فارسی و آینه حکومت غزنویان است برای دانشجویان به چاپ رسانده است که با استقبال وسیع و گسترده مواجه شده و چاپ چهاردهم آن در اردیبهشت سال ۱۳۷۸ به چاپ رسیده است. از کتاب های دیگر استاد می توان به کتاب های: پژوهش های علی (ع) شناسی در پاکستان، فرهنگ فارسی ـ هندی ـ نظامی (۲ مجلد) عطار نیشابوری، فردوسی، جامی (دو مجلد) حافظ پژوهی در پاکستان و ... اشاره کرد.

او همچنین در حال حاضر تصحیح و شرح و توضیحات یکی از متون معتبر فارسی به نام راحهٔ الصدور و آیهٔ السرور در تاریخ آل سلجوق را در دست انجام دارد و همچنین در بخش اجرایی هم مدیریت مرکز تحقیقات علامه اقبال لاهوری را در دانشگاه علامه طباطبایی برعهده دارد، ضمن این که با نخستین نشریه علمی ـ پژوهشی واحد رودهن با نام «فرهنگ و ادب» که زیر نظر دانشکده زبان و ادبیات فارسی رودهن منتشر می شود همکاری می کند.

مصطفوی سبزواری هم اینک در ۶۵ سالگی با انرژی و شور وصف ناشدنی به تعلیم و تربیت دانشجویان مشتاق زبان و ادبیات فارسی و بررسی متون مهم و معتبر زبان فارسی می پردازد گرد فراموشی را از فرهنگ و زبان فارسی دور می کند.

منابع زندگینامه :روزنامه ایران

مصطفوی کاشانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: حقوق، دانشکده: حقوق، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی حقوق قضائی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴، دکترای حقوق قضائی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ایجاب و قبول در عقد غائبین، مطابقت کالا در قرارداد بین‌المللی، تدریس دروس حقوق مدنی، دادرسی بین‌المللی، فقه اسلامی، حقوق مدنی تطبیقی در دانشگاههای شهید بهشتی، تربیت مدرس و امام صادق.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

نظریه تقلب نسبت به قانون، عقد بیع، قیام ملت و مسلمان ایران در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و نظرات حقوقی در مجموعه آراء دیوان داوری ایران و آمریکا.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۱، تعداد مقالات بزبان خارجی:–

زمینه علمی مقالات:

تعلیقی بر طرح قانون مجازات عمومی ایران، روابط مالک و مستأجر کل و جزء در عقد اجاره، مقاله‌ای بمناسبت اولین سالگرد

پیروزی انقلاب اسلامی، گزارش کار سمینار حقوق بشر در اسلام و کمیته تنظیم اعلامیه حقوق بشر اسلامی، سلسله مقالاتی تحت عناوین روابط بین‌الملل، در چه مرحله‌ای از انقلاب فرهنگی قرار گرفته‌ایم، نقدی بر طرح تعیین حدود اختیارات و وظایف ریاست جمهوری مصوب مجلس شورای اسلامی، نگاهی به قطعنامه شماره ۵۹۸ شورای امنیت در زمینه جنگ تحمیلی، انقلاب اسلامی ایران و حکومت قانون.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مصطفوی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا حسن بن العالم المتقی الشیخ محمد رحیم اهری تبریزی از دانشمندان با معنویت و صفای معاصر تهرانست.

وی در سال ۱۳۳۴ قمری هجری در تبریز متولد و از کودکی مشغول بتحصیل و در پانزده سالگی بمرگ والد مبتلا و در سال ۱۳۵۳ قمری پس از فراغت علوم مقدمات به قم مهاجرت و سطوح عالی را از محضر اساتید حوزه فراگرفته و مدت هفت سال از فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّه حجت کوهکمری استفاده و ضمنا بتدریس سطوح عالی اشتغال و در خلال آن بمطالعات فنون مختلفه پرداخته و نوادر و عجائبی را برخورد کرده و اشخاص بزرگ معنوی را ملاقات و از هر کدام بهره‌ها و از خرمن علمشان خوشه‌ها چیده و در جستجوی مطلوب مسافرتها بداخل و خارج کشور نموده و پایان کار رحل اقامت در تهران افکنده و بیشتر اوقات خود را صرف مطالعه و تزکیه‌ی خود و قسمتی را هم مصرف نشر و طبع کتب دینی و اخلاقی و علمی مصروف می‌نماید.

نگارنده گوید: استاد مصطفوی از افراد مجهول القدر و افرادی است که قریب چهل سالست او را میشناسم و ما رایت منه مکروها و ما رایت منه الا جمیلا جدا فاضل کامل و عالم عامل و دارای قدس و ورع و بسیار مودب و متواضع و در استخاره با قرآن مجید ید طولا و در استنباط و استخراج خیر و شر مراد از کتاب خدا مهارت کامل و بسیار مجرب و مبتلا به همه طبقاتست.

آثار مطبوع آن جناب از این قرار است:

۱- رهنمای گمشدگان ۲- پاورقیهای مختلف و اصلاحات کتاب اسلام و دانش ناشر الاسلام ۳- مقالات متعددی در پیرامون خاتمیت و بشارات مسیح ۴- تصحیح و ضبط لغات منیه المرید ۵- تصحیح و تذییل متشابهات القرآن ۶- تعلیمات دینی شش جلد ۷- ترجمه چهل حدیث ۸- ترجمه و شرح چهل حدیث علوی ۹- سرگذشت یک دوشیزه شرقی ۱۰- ترجمه و شرح بر کتاب تفسیر آیه نور حاج شیخ هادی تهرانی بنام اشعه نور ۱۱- حکایت و سخنان بهلول ۱۲- سی و دو مجلس در تفسیر سوره حشر ۱۳- مجموعه قصه‌های شیرین ۱۴- ترجمه و پاورقی احتجاج طبرسی ۱۵- توضیح و تکمیل صرف میر ۱۶- خودآموز قرآن مجید ۱۷- مناظره مأمون با علماء عصر ۱۸- مقدسه و تحقیق و تصحیح و ضبط جامع الاخبار ۱۹- مقدمه و تصحیح و تحقیق مصباح‌الشریعه ۲۰- مقدمه و تصحیح و فهرست مفصل اختیار الرجال کشی ۲۱- محاکمه و برسی در عقاید و احکام و تاریخ باب و بهاء از کتب خودشان در سه مجلد و آثار دیگر مختصری نیز که مطبوع است.

و آنچه بطبع نرسیده است از این قرار است:

۱- الحقایق فی تاریخ الاسلام والبدع والاحداث ۲- الامام المجتبی ابومحمد الحسن المجتبی ۳- مناظره در پیرامون چند ملت و مذهب ۴- ازدواج در اسلام ۵- اثبات حجاب ۶- الملاحم و علائم آخر زمان ۷- شیعه و عقاید و احکام آن ۸- توضیح و تکمیل عوامل ۹- جلد دوم تفسیر سوره حشر ۱۰- جلد سوم مجموعه قصه‌های شیرین و قصه‌های علمی و آثار علمی دیگر در فقه و اصول و تفسیر و ادیان و اخلاق.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مصطفوی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۰۱ ق.، همدان.

درگذشت: ۱۳۷۰.

حسین مصطفوی، متخلص به «آذر» تحصیلات ابتدایی و دوره‌ی متوسطه را در همدان و دوره‌ی دوم متوسطه را در تهران به پایان رسانید. آنگاه به زادگاه خود بازگشت و به استخدام وزارت دارایی آمد و به خدمت اشتغال ورزید و مشاغل چندی از جمله ریاست بر نظارت کل مالیات بر درآمد را عهده‌دار بود.

حسن مصطفوی از همان اوان تحصیل در دبیرستان، به انجمن ادبی همدان راه یافت و با تشویق آزاد همدانی، رییس انجمن، به کار شعر به شمار می‌رفت. وی در سال ۱۳۳۱ در مسابقه‌ی شعری به نام «مرگ سرباز» شرکت جست و در میان شرکت کنندگان در این مسابقه برنده شناخته شد و به دریافت جایزه از طرف مقامات ارتشی نایل گردید و بار دیگر در هنگام برگزاری جشن هزاره بوعلی سینا قطعه شعری از طرف انجمن آثار ملی بین شعرا و گویندگان به مسابقه گذارده شد و در این میان قطعه شعر او بهتر از همه شناخته شد و در مراسم افتتاح مجسمه بوعلی سینا قرائت گردید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مصطفوی، سلیمان

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید سلیمان مصطفوی

محل تولد : مشکین شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای سید سلیمان مصطفوی مشهور به موسوی در سال ۱۳۴۳ درخانواده ای مذهبی در شهرستان مشکین شهر دیده به جهان گشود. وی در دورس ابتدائی، راهنمائی و متوسطه را با موفقیت هرچه تمامتر سپری کرد. در پی تشویق خانواده و شوق فراوان خویش به تحصیلات علوم دینی در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه گردید و از محضر بزرگانی همچون آیت عظام وحید خراسانی، جوادی آملی و مرحوم شیخ جواد تبریزی بهره های علمی اخلاقی فراوان برد.

ایشان در کنار تحصیلات حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در سال ۷۶ در رشته مبانی حقوق در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید نامبرده هم اکنون مسئول نهاد رهبری در دانشگاه خواجه نصیر طوسی تهران می‌باشد که در کنار اینامر به تدریس در این دانشگاه و دانشگاه امام صادق علیه السلام هم مشغول می‌باشد.

مصطفوی، شهاب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شهاب بن آقا حسن مصطفوی همدانی از علماء محترم معاصر بودند در ملایر.

ایشان در قریه سوزن از قراء دره جزین همدان در نیمه ماه شعبان ۱۳۲۳ قمری متولد شده و از کودکی اشتغال به تحصیل نموده و پس از خواندن صرف و نحو به همدان آمده و تا یکسال در آنجا تحصیل نموده و بعد مدتی در دره جزین از محضر عالم زاهد حاج میرزا مقیم زنجانی استفاده کرده و در سال ۱۳۴۲ ق مهاجرت به قم نموده و فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللَّه آقامیرزا سید علی یثربی کاشانی و مرحوم آیت‌اللَّه خونساری و آیت‌اللَّه فیض و آیت‌اللَّه آقاشیخ محمدعلی حایری و آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری و بالاخص آیت‌اللَّه فقید سیدنا الاستاد آقا سید محمدحجت کوهکمری استفاده نموده و حکمت را از محضر مرحوم آیت‌اللَّه آقا میرزا محمدعلی شاه‌آبادی بهره‌مند گردیده و چون آیت‌اللَّه حجت رضوان‌اللَّه علیه را از دیگران از جهانی شایسته تردید ملازمت ایشان را اختیار و در شمار اصحاب خاص و خواص حواریین ایشان درآمده و مورد توجه و اعتماد و وثوق معظم‌له گردیده و در سال ۱۳۶۴ قمری که خشکسالی شد و مردم را علماء دعاء باران خواستند و مرحوم آیت‌اللَّه خونساری با تشریفات زیادی با استسقاء رفتند به ایشان هم با مرحوم آیت‌اللَّه حجت با جماعتی به مسجد جمکران رفتند و حدود پنج ساعت دعاء و نماز خوانده و تضرع نمودند تا از الطاف الهی بارانی شدیدی باریده به طوری که با زحمت فراوان برگشته و مورد استقبال و تقدیر آیت‌اللَّه شدند در خدمت آن بزرگوار بودند تا مردم ملایر از آن مرحوم تقاضای عالم و پیشوائی نمودند ایشان هم معظم‌له را انتخاب و اعزام به ملایر نمودند و آن مرحوم تا اواخر عمر گرچه مواجه با کم‌لطفی‌های بعضی از مراجع عصر گردیدند به انجام وظائف دینی از قبیل اقامه جماعت و تأسیس مدرسه دینی در ملایر و تربیت طلاب و محصلین و تبلیغ دین و ترویج احکام داشتند تا در حدود ۱۳۷۸ با دلی پر از غصه از دنیا رفته و به موالیان خویش پیوستند.

آثار علمی ایشان از این قرار است ۱- رساله جامعی در تجارت از اول بیع تا آخر خیارات ۲- رساله‌ای در اصول دین ۳- رساله در قاعده لاضرر ۴- حواشی بر مصباح الفقیه همدانی ۵- مقدمه‌ای در تفسیر قرآن و غیره

(۱۳۷۸ -۱۳۲۳/ ۱۳۲۲ ق)، عالم دینی. در قریه‌ی سوزن از قرای دره جزین همدان به دنیا آمد. پس از فراگیری صرف و نحو به همدان رفت و مدت یک سال در آنجا تحصیل کرد. از محضر حاج شیخ هاشم همدانی استفاده نمود. او مدتی نیز در دره جزین از محضر میرزا مقیم زنجانی استفاده نمود. در ۱۳۴۲ ق به قم رفت و فقه و اصول را از محضر میرزا سید علی یثربی کاشانی و آیت‌اللَّه سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللَّه فیض و آیت‌اللَّه شیخ محمدعلی حایری یزدی و آیت‌اللَّه شیخ عبدالکریم حایری یزدی و آیت‌اللَّه سید محمد حجت و حکمت را از محضر میرزا محمدعلی شاه آبادی فراگرفت. وی از شاگردان برجسته‌ی آیت‌اللَّه حجت بود. در ملایر درگذشت. از آثارش: رساله‌ای در «تجارت»، از اول «بیع» تا آخر «خیارات»؛ رساله‌ای در «اصول دین»؛ رساله‌ای در «قاعده‌ی لا ضرر»؛ حواشی بر «مصباح الفقیه» همدانی؛ «مقدمه‌ای در تفسیر قرآن».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۲۴۲)، گنجینه‌ی دانشنمندان (۲۱۷ -۲۱۶/ ۷).

مصطفوی، فرج‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید فرج‌الله مصطفوی بهبهانی از علماء مبرز معاصر بهبهان و داماد معظم حضرت آیه‌الله العظمی حاج میرزا سید علی بهبهانی است.

وی در بهبهان متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و سطوح نزد علماء و مدرسین بزرگ بهبهان از محضر آیه‌الله العظمی بهبهانی مذکور (ابوالزوجه) خود و دیگران استفاده نموده تا بمراتب سامیه علم رسیده و در وطن خویش بخدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغات و انجام سایر وظائف روحی پرداخته و ضمنا تألیفات عدیده‌ای هم از خود بیادگار گذاشته و آنها بشرح زیر است:

۱- رساله قاعده لاضرر مشتمل بر ۱۲ ذخیره که یکی از آن در باب تیمم و استدلال باخبار آن.

۲- کتابی در ریاضیات و قاعده جبر و مقابله.

۳- کتابی در رد شبهه فاضل جبهان سنّی که در رد دعاء شریف ندبه نوشته بنام کلمه الجواب.

۴- کتابی در بیان شک در نماز جماعت و رجوع امام بمأموم و مأموم بامام در مواقع خود.

۵- کتابی در نقل کلمات صاحب جواهر و اشکالات مرحوم صاحب حدائق و صاحب ریاض.

مؤلف گوید: مترجم محترم عالمی بسیار ساده و بی‌آلایش و متین و بزرگوار بوده و در شهر بهبهان بوظائف دینی و روحی اشتغال دارد و در میان مردم بهبهان بفضل و تقوا معروف میباشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مصطفوی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدباقر مصطفوی بن مرحوم حجهْالاسلام والمسلمین آقای آقا سید احمد بن مرحوم آیت‌اللّٰه آقا سید محمد مجتهد (مدفون در شیخان قم) بن مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید حسین کاشانی (مدفون در وادی‌السلام نجف)

معظم له در سال ۱۳۱۰ شمسی در کاشان متولد شده و پس از پرورش و خواندن دروس جدید در مدرسه مرحوم آیت‌اللّٰه آقا میر سید علی یثربی به تحصیل پرداخته و مقدمات و سیوطی و شرح جامی و شرح نظام و حاشیه و شرح شمسیه را در آنجا فراگرفته سپس عزیمت به قم نموده و مدت دو سال و نیم تقریباً در محضر اساتید حاضر شده و بعد مهاجرت به نجف اشرف نموده و بعد از تکمیل مکاسب و کفایه در محضر آیت‌اللّٰه العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله العالی شرکت نموده و در آن موقع که معظم له سه درس می‌فرمودند ۱- صلوهْ ۲- مکاسب ۳- اصول مترجم محترم ما هر سه درس را حاضر شده و بالاخره بعد از بیست سال استفاده از محضر درس ایشان در سال ۱۳۴۹ شمسی برای معالجه به ایران آمده و چون برای ایرانیها مراجعت ممکن نبود به استدعاء اهالی کاشان به مسقط الرأس خود اقامت و اکنون قریب چهار سال است که در کاشان به تدریس مشغول و عده‌ای از فضلاء و طلاب علوم دینی از محضرش استفاده می‌نمایند.

خدمات ارزنده ایشان در کاشان به اهالی و معاودین عراقی بسیار و به قدریست که جز با توفیق الهی در کمتر از بیست سال جدا مشکل بزرگیست

و آنها از این قرار است

۱- تجدید ساختمان مسجد معظمی در دو طبقه با دستگاه تهویه که در شهر کاشان کم‌نظیر است

۲- تعمیر تمام دکاکین گذر (درب یلان) و ترتیب مغازه‌ای که مورد لزوم طلاب علوم دینی و سکنه محل است

۳- واگذاری قطعه زمینی جنب مسجد مذکور و ساختن سالونی برای تبلیغات و کتابخانه مسجد.

۴- تعمیر مدرسه علمیه جد اعلای خود مرحوم زعیم مجاهد آمیر محمدعلی کاشانی

۵- تأسیس کتابخانه‌ی عمومی در مدرسه علمیه

۶- خریدن قطعه زمینی به مساحت ۵۰۰ متر تقریباً در خیابان شاه‌عباس کاشان (پشت مشهد) بعنوان مهدیه که انشاءاللّٰه مجهز به تمام وسائل برای تبلیغ در اعیاد و سوگواریها باشد

۷- تعمیر مسجد آسید شکراللّٰه جنب منزل مترجم.

۸- کمک در ساختمانهای منازل برای معاودین و خدمات عالیه

اما آثار علمی معظم له بقرار ذیل است.

۱- رساله در اجتهاد دو تقلید ۲- رساله در قاعده لا ضرر ۳- رساله در جبر و تفویض ۴- رساله در دماء ثلاثه ۵- رساله در طهارت ثلاث.

و نوشته‌های فارسی که ناتمام است.

۱- رد و انتقاد بر مقاله دکتر... پیدایش خلقت ۲- رد بر نوشته شیخ محمد خالصی.

۳- رساله در مطهریت ارض ۴- تقریرات اصول و مکاسب و طهارت و قسمتی از صلوهْ حضرت آیت‌اللّٰه العظمی خوئی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مصطفی پور، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا مصطفی پور

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا مصطفی‌پور فرزند ولی الله در سال ۱۳۳۰ در روستایی از دهستان امیری لاریجان از شهرستان آمل به نام آخا متولد شدم در سن هفت سالگی به مدرسه روستا رفته و تا کلاس ششم ابتدایی را در سال ۱۳۴۳ به پایان رساندم و در آبان ماه سال ۱۳۸۳ به راهنمایی یکی از روحانیون آشنا با خانواده، به حوزه علمیه آمل در مسجد جامع رفتم و چهار سال را در آن جا به تحصیل علوم حوزوی مشغول بودم و در سال ۱۳۴۷ به حوزه علمیه آمده و در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی امتحان داده و پس از قبول در مدرسه‌ای که تحت نظارت ایشان اداره می‌شد مشغول به تحصیل شدم و تا پایان لمعتین و اصول فقه را در آنجا گذراندم و.

در سال ۱۳۴۷ به مدرسه سعادت که تحت نظارت آیت الله جوادی آملی و حسن‌زاده آملی اداره می‌شد رفتم. در این دوران دروس مقدماتی را در آمل خدمت حجت الاسلام سعیدی خراسانی مشغول بودم. وقتی وارد حوزه علمیه قم شدم لمعه را در خدمت مرحومین حاج حسن آقا تهرانی و سید ابوالفضل موسوی تبریزیی و اصول فقه را خدمت آیت الله انسیان که اکنون امام جمعه آستانه اشرفیه هستند و خدمت آیت الله استادی و پیشاپیش معالم الاصول را خدمت حضرت آیت الله مقتدایی که اکنون عضو قوه قضائیه هستند تلمذ کردم. مکاسب را خدمت حجت الاسلام مرحوم آقای مصلحی اراکی و آیت الله جوادی آملی خواندم و رسائل را خدمت آیت الله موسوی تهرانی و مرحوم آیت الله شمس گلپایگانی استفاده بردم و کفایهٔ الاصول را خدمت مرحوم آیت الله صالحی مازندرانی به پایان رساندم.ناگفته نماند در کنار دروس رسمی فقه و اصول کتاب‌های منطقی و کلامی و فلسفی و عرفانی را نیز از محضر اساتید استفاده کردم.

منطق شمسیه و حاشیه ملا عبدالله را خدمت آقای انسیان فوق الذکر و المنطق را خدمت آقای ابراهیمی بهشهری و تجرید الاعتقاد را خدمت آقای وافی یزدی و منظومه را از محضر آیت الله آقای محمدی گیلانی و منطق آن را از خدمت آقای گرامی تملذ کردم.اشارات و شبهات را خدمت آیت الله حسن‌زاده آملی و اسفار الاربعه را خدمت آیت الله جوادی آملی بهره بردم.عرفان نیز کتاب تمهید القواعد و فصول الحکم محی الدین را خدمت آیت الله جوادی آملی و مصباح الانس را خدمت آقای حسن‌زاده آملی تملذ کردم. دروس خارج اصول فقه را خدمت مرحوم آیت الله العظمی هاشمی آملی و آیت الله فاضل لنکرانی استفاده کردم و فقه را نیز خدمت آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله جوادی آملی و آیت الله منتظری حضور پیدا می‌کردم و از افاضات آنان بهره‌مند می‌شدم.از سال ۱۳۶۲ با ارشادات دوستان به دانشگاه راه پیدا کردم و در دانشگاه‌های تهران و شهید بهشتی و تربیت معلم تهران به تدریس مشغول شده و اکنون نیز عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم هستم. پایان‌نامه اینجانب درآمدی بر فلسفه اخلاق بود که با راهنمایی مرحوم دکتر سید جلال الدین مجتبوی استاد دانشگاه تهران نوشتم و در سال ۶۹ از آن دفاع کردم.در کنار این فعالیت با مراکز پژوهشی قم به فعالیت پژوهشی پرداختم و اکنون در حال نوشتن رساله سطح چهار هستم.

مصعبی، ابوطیب محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سوم و چهارم ق)، شاعر. از وزراء و شعراء سامانیان و صاحب دیوان رسالت و ممدوح رودکی بود. وی علاوه بر کارهای دولتی، شاعری ذولسانین بوده که از اشعارش به هر دو زبان ابیاتی اندک نقل گردیده است. ابوطیب به دستور نصر به قتل رسید. از اشعار فارسی وی شانزده بیت باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ارمغان (س ۱۱، ص ۱۱ -۶)، لباب الالباب (۷/ ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۹۴ -۳۹۳/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوطیب مصعبی).

مصفا، مظاهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مظاهر مصفا در سال ۱۳۱۱ ، در اراک دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در قم و تعلیمات ششم ادبی را در تهران با پایان رسانید و بعد از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ، به اخذ درجه دکترای ادبیات نایل آمد. دکتر مصفا در سال ۱۳۳۲ به خدمت وزارت آموزش و پرورش در آمد و چندی ریاست اداره آموزش و پرورش اراک را به عهده گرفت. او پس از آنکه به دانشگاه شیراز منتقل گردید ، در اداره انتشارات این دانشگاه به فعالیت پرداخت. فعالیت آموزشی خود را در سال ۱۳۴۵ و به دعوت دانشگاه پهلوی(سابق) شیراز آغاز نمود. او در سال ۱۳۴۷ با سمت دانشیاری وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد و به کار تدریس پرداخت. دکتر مظاهر مصفا علاوه بر سرودن شعر و طبع آثار متعدد ، فعالیت مطبوعاتی نیز داشته است که از جمله در سال ۱۳۴۳اداره مجله آموزش و پرورش را به عهده گرفت.مظاهر مصفا یکی از قصیدهسرایان ایرانی بعد از ملک الشعرای بهار(محمدتقی بهار) است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : مظاهر مصفا در خاندانی فرهنگی به دنیا آمد ،برادر بزرگتر مظاهر مصفا، دکتر ابوالفضل مصفا و خواهر وی خانم دکتر مصفا(مادر فؤاد حجازی آهنگساز معروف) از استادان زبان و ادبیات فارسی هستند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : مظاهر مصفا تحصیلات ابتدایی را در در مدرسه حکیم نظامی قم و تعلیمات ششم ادبی را در تهران با پایان رسانید و بعد از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ، به اخذ درجه دکترای ادبیات نایل آمد. او پایان نامه اجتهادی خود را در موضوع : تحقیق در قصیده و تحول آن به رشته تحریر درآورد و با درجه ممتاز ، از تصویب گذرانید.

همسر و فرزندان : مظاهر مصفا در سال ۱۳۳۲ با خانم امیری فیروزکوهی که او نیز دکترای ادبیات و دختر استاد امیری فیروز کوهی بود ، ازدواج نمود. حاصل این پیوند زناشویی دو پسر و دو دختر می باشد. او در جوانی با دکتر امیربانو کریمی(استاد ادبیات دانشگاه تهران) دختر امیری فیروزکوهی(شاعر معروف معاصر) ازدواج کرد و از وی صاحب فرزندانی شد که از آن جمله اند: علی مصفا (بازیگر سینما و تلویزیون و همسر لیلا حاتمی)، کیمیا مصفا (عروس دکتر سید جعفر شهیدی، گلزار مصفا و اسماعیل مصفا.(امیر اسماعیل مصفا دارای مدرک دکتری فیزیک)

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مظاهر مصفا در سال ۱۳۳۲ به خدمت وزارت آموزش و پرورش در آمد و چندی ریاست اداره آموزش و پرورش اراک را به عهده گرفت. او پس از آنکه به دانشگاه شیراز منتقل گردید ، در اداره انتشارات این دانشگاه به فعالیت پرداخت. وی سمت رییس مدرسه عالی قضایی قم، مدیر مجله آموزش و پرورش، رییس انتشارات تربیتی وزارت فرهنگ، معاون آموزشی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و مدیر گروه فارسی دانشگاه تهران به فعالیت مشغول بوده اند. دکتر مظاهر مصفا همچنین در عرصه ?تحقیقات ادبی از جمله در حوزه سعدی شناسی فعالیت می کند.

فعالیتهای آموزشی : دکتر مصفا فعالیت آموزشی خود را در سال ۱۳۴۵ و به دعوت دانشگاه شیراز آغاز نمود. او در سال ۱۳۴۷ با سمت دانشیاری وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد و به کار تدریس پرداخت. وی ۵۳ سال تدریس در دانشگاههای ایران، بخش دیگری از فعالیتهای فرهنگی و علمی استاد است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مظاهر مصفا علاوه بر سرودن شعر و طبع آثار متعدد ، فعالیت مطبوعاتی نیز داشته است که از جمله در سال ۱۳۴۳اداره مجله آموزش و پرورش را به عهده گرفت. از جمله فعالیت های دیگر وی ۱۳۰ سخنرانی در برنامه صدای شاعر از رادیو تهران و ۱۲ سخنرانی از رادیو ایران و سخنرانی های متعدد ، در مجامع علمی و ادبی مانند انجمن قلم ، تالار فردوسی دانشگاه تهران ، کنگره جهانی سعدی و حافظ در شیراز ، جشن صدمین سال دانشکده خاورشناسی پنجاب لاهور و سمینار دبیران ادبیات فارسی در بابلسر و مقالات و مصاحبه های متعدد می باشد.

آرا و گرایشهای خاص : مظاهر مصفا از شاعرانی است که در سرودن قصیده تبحر داشته و بیشتر اشعار خود را در این زمینه سروده است.

جوائز و نشانها : از مظاهر مصفا در خانه هنرمندان ایران به واسطه شب سعدی در روز پنجم اردیبهشت ماه در تهران، تقدیر و تجلیل شد.

چگونگی عرضه آثار : مظاهر مصفا در کشورهای افغانستان و هند و دیگر کشورهای فارسی زبان نیز دارای شهرت است. قصیده? هیچ او یکی از شعرهای اوست که دکتر غلامحسین یوسفی در کتاب" چشمه ?روشن "به بررسی آن پرداخته و پروفسور صلاح الصاوی (شاعر و سخن سنج مصری) در کتاب" العدمیه فی شعر "آن را ترجمه، نقد و بررسی کرده است.(ترجمه ی این کتاب مدتی است انجام شده ولی منتشر نگشته است.) ارایه یک صد سخنرانی در کنگرههای علمی در ایران، افغانستان و پاکستان، انگلستان، ایتالیا و تألیف بیش از چهل مقاله تحقیقی از دیگر کارهای او می باشد. -----------------------------------
----

آثار :

۱ با اوست حدیث من

ویژگی اثر : چند مبحث در عرفان و ادب

۲ برگی از دیوان حکیم صفا

ویژگی اثر : این کتاب با مقدمه ای در شرح حال و نقد سخن و کارهای دیگر.

۳ پاسداران سخن در نقد قصیده سرایان

۴ تصحیح جوامع الحکایات عوفی(در چندین جلد)

۵ تصحیح دیوان ابوتراب فرقتی کاشانی

۶ تصحیح دیوان نزاری قهستانی

۷ توفان خشم

۸ ده فریاد

۹ دیوان حکیم سنایی

۱۰ دیوان نظیری نیشابوری

۱۱ راهی از بن بست

ویژگی اثر : در باره خط فارسی می باشد.

۱۲ سپید نامه

۱۳ سی پاره

۱۴ سی سخن

۱۵ شب های شیراز

۱۶ شرح حال و منتخب دیوان اشعار صفای اصفهانی

۱۷ قند پارسی

ویژگی اثر : منتخبات نظم فارسی.

۱۸ کلیات شیخ اجل سعدی

۱۹ مجمع الفصحای هدایت

ویژگی اثر : تحشیه ، در یک دوره شش جلدی .

۲۰ نسیم

مصفا، نسرین

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

نسرین مصفا در سال ۱۳۳۳ متولد گردید . وی دارای مدرک دکترای علوم سیاسی از دانشگاه تهران ، و عضو هیئت علمی دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران می باشد . نسرین مصفا در روزنامه نگاری و مقاله نویسی و تالیف کتاب مهارت داشته ، و چند گاهی سردبیری ویژه نامه ی زنان در فصل نامه سیاست خارجی را داشته است . گروه : علوم انسانی رشته : علوم سیاسی اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : تولد نسرین مصفا معاصر با اواسط سلطنت محمد رضا شاه پهلوی و اندکی پس از نهضت ملی شدن نفت و بحرانهای سیاسی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اتفاق افتاد .تحصیلات رسمی و حرفه ای : نسرین مصفا ،دارای دکترای علوم سیاسی از دانشگاه تهران می باشد .وقایع میانسالی : نسرین مصفا پس از اخذ مدرک دکتری خود ، بعد عضویت درهیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگا ه تهران در آمد .فعالیتهای آموزشی : نسرین مصفا عضو هیئت علمی دانشکده ی حقوق و علو م سیاسی دانشگاه تهران می باشد .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : در روزنامه نگاری و مقاله نویسی و نوشتن کتابهایی در زمینه حقوق زن ،صلح و دیگر مسایل سیاسی ، ذوق خود را در این زمینه ها نیز نشان داد ه است . چندگاهی سردبیری ویژه نامه زنان در فصل نامه سیاست خارجی را داشته است.آرا و گرایشهای خاص : آثار متاخرنسرین مصفا نشان می دهد که به سمت موضوع جنگ و حکومت بین المللی مربوط به آن گرایش یافته بوده است . آثار : تجاوز عراق به ایران ، مفهوم تجاوز در حقوق بین الملل ، موضع گیری سازمان بین ملل متحد و مشارکت سیاسی زنان در ایران

مصلحی فرد، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فیزیک از دانشگاه تبریز در سال ۴۴۳۱، D.E.A از دانشگاه پاریس ۶ در سال ۱۳۵۰، دکترای فیزیک از دانشگاه پاریس ۶ در سال ۱۳۵۳.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

رسم مسیرهای انتشار امواج بلند در طول و عرض جغرافیایی ایران، اندازه‌گیری‌های یونی پلاسما، فیزیک پلاسما، تدریس فیزیک جدید، مکانیک تحلیلی ۱ و ۲، مکانیک کلاسیک، فیزیک فضا، فیزیک مکانیک، فیزیک پایه، کیهان‌شناسی در دانشگاه تبریز.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

انرژیهای نو و انرژی هسته‌ای، هم‌جوشی هسته‌ای پلاسما، کشف کیهان، پدیده‌های ارتعاش، پدیده‌های انتشار، مکانیک.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸ تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

انرژی باد، دینامیک کمربند تشعشعی زمین، میدان دریافت امواج بلند توسط ماهواره‌ها، محبوس‌سازی مغناطیسی و هم‌جوشی هسته‌ای، رسم مسیر انتشار امواج بلند در طول و عرض جغرافیایی ایران.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مصنف مریوانی، ابوبکر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۴ ق)، فقیه شافعی و مورخ. وی از فقهای شافعی کرد بود که به جهت کثرت تصانیف به مصنف معروف گردید. مدتی در مدینه ساکن بود. او در چور از قرای مریوان درگذشت. از آثارش: «طبقات الشافعیة»، معروف به «طبقات المصنف»، در فقه؛ شرح «المحرر» رافعی قزوینی، در فروع فقه شافعی، در سه جلد؛ «سراج الطریق»، به فارسی؛ «ریاض الخلود»، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۴۶/ ۲)، کشف الظنون (۱۶۱۳)، معجم المؤلفین (۷۷/ ۳).

مصنفک بسطامی، علاءالدین علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۷۵ -۸۰۳ ق)، فقیه حنفی. چون از کودکی به تصنیف و تألیف روی آورد به مصنفک ملقب شد. نسبتش به بسطان خراسان می‌رسد. از فرزندزادگان امام فخر رازی بود. در خراسان به دنیا آمد و در هرات نشو و نما یافت. او در محضر ملا جلال الدین یوسف اوبهی، شاگرد تفتازانی، و قطب‌الدین هروی تلمذ نمود. فقه شافعی را نزد امام عبدالعزیز ابهری و فقه حنفی را نزد امام فصیح‌الدین بن محمد فراگرفت. به قونیه رفت و در آنجا به تدریس پرداخت. مصنفک در قسطنطنیه درگذشت و در نزدیکی مزار ابوایوب انصاری به خاک سپرده شد. از آثارش: شرح «ارشاد الهادی» تفتازانی، در نحو؛ «حدائق الایمان لاهل الیقین و العرفان»؛ حاشیه بر شرح «آداب البحث» مسعود شروانی؛ حاشیه بر «مطول» تفتازانی؛ حاشیه بر «مفتاح العلوم» سکاکی؛ شرح «قصیدة الروحیة» ابن‌سینا؛ شرح «النقایة مختصر الوقایة» صدر الشریعه بخاری؛ شرح «الهدایة» مرغینانی، در فروع؛ «حدائق الایمان»؛ شرح «المصابیح السنة» بغوی؛ «الحدود و الاحکام»، در فقه حنفی؛ حاشیه بر «الکشاف» زمخشری؛ «مختصر المنتظم»، که مختصر «المنتظم» ابن‌جوزی است؛ حاشیه بر «تنقیح الاصول» صدر الشریعه بخاری؛ «حدود الاحکام»، در فقه؛ حاشیه بر «عقائد النسفی»؛ شرح «قصیدة البردة» بوصیری؛ «ملتقی البحرین»، در تفسیر قرآن؛ شرح «مثنوی» مولوی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۶۲ -۱۶۱/ ۵)، ایضاح المکنون (۱۳۰/ ۲، ۳۷/ ۱)، شذرات الذهب (۳۲۱ -۳۱۹/ ۷)، کشف الظنون (۲۰۳۶ ،۲۰۲۴، ۲۰۱۴، ۱۹۷۱، ۱۸۵۱، ۱۸۱۶، ۱۷۶۵، ۱۷۱۷، ۱۷۰۸، ۱۶۹۹، ۱۵۴۴، ۱۴۸۰، ۱۳۴۱، ۱۳۳۲، ۱۱۴۵، ۹۱۳، ۶۳۵، ۶۳۳، ۴۹۷، ۴۷۵، ۱۱۳، ۶۸، -۶۷/ ۴۰)، معجم المؤلفین (۲۴۰/ ۷)، هدیة العارفین (۷۳۵/ ۱).

مصور بدخشانی، میر منصور

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، نقاش، مذهب و خطاط. اهل بدخشان و پدر میر سید علی متخلص به جدایی بود. وی در بدایت حال، در خدمت شاه طهماسب صفوی (۹۸۴ -۹۳۰ ق) بـه خلق آثار ارزنده‌ای اشتغال داشت و از تصویرگران نامی آن دوران به شمار می‌آمد. به روایتی او فرزند روح‌اللّٰه میرک است، اما این فرضیه چون منطبق با اسناد قدیمی نیست، پایه و اساسی ندارد. میرمنصور از شاگردان بلاواسطه‌ی استاد بهزاد به شمار می‌آید و از شاگردان خود او نیز، فرزندش سید علی و استاد زین‌العابدین معروف هستند. میر مصور در تذهیب و تشعیر و هنر طلاکاری مهارت داشت و در کتابت اقلام مختلف بخصوص ثلث و رقاع و نستعلیق استاد بود. از آثار وی: تصویر خود نقاش در هیأت پیرمرد سپید مویی که عینک به چشم نهاده و عرضه داشتی به دست گرفته است؛ تصویر

سرخان بیگ سفره‌چی که به خط نستعلیق رقم نهاده: «صوره میر مصور»؛ تصویر زخمی کردن شیری به دست بهرام چوبینه که بدون رقم است؛ تصویر کشته شدن دیو سپید به دست رستم نامدار که بدون رقم است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۳۵۴ -۱۳۴۳/ ۳)، خوشنویسان و هنرمندان (۱۰۴ ،۱۸)، گلستان هنر (چهل، چهل و یک، ۱۴۰ -۱۳۹)، مجمع الخواص (۹۷)، مناقب هنروران (۱۰۴)، هنر قلمدان (۲۴).

مصور تبریزی، محمد قاسم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۳۲ ق)، نقاش و خطاط. اهل تبریز بود که پس از درک مقدمات تصویرسازی، راهی اصفهان شده و در خدمت استادان نامی و پرآوازه آن سامان قرار گرفته است. وی بسان استاد محمدی و سایر پیشتازان این مکتب، تصویر می‌آفریده و در حد خود هنرمندی صاحب عیار بوده است. استاد محمد قاسم در سایه‌پردازی شیوه‌ی مخصوصی داشت و آنها را از قلم ریز گرفته تا ضربه‌های قلم درشت، پرداز می‌کرد و آثار خود را متمایز می‌ساخت. او در تذهیب و حل کاری نیز مهارت داشت و نستعلیق را استادانه می‌نوشت. از آثار وی: تصویر درویشی افتاده که به استادی نقش بسته، با رقم: «محمد قاسم ۹۸۹»؛ تصویر زن زیبایی که پیراهن سرخ رنگ پوشیده، با رقم: «محمد قاسم ۱۰۰۴»؛ تصویر فلک کردن شاگرد تنبلی با منظره‌ی درخت کهنسال و پربرگی که در زیر پای درخت رقم نهاده: «... محمد قاسم سنه ۱۰۱۴»؛ تصویر نشسته شاه عباس که به تنه‌ی درختی تکیه داده است، با رقم: «بتاریخ... سنه ۱۰۳۲، رقم کمینه خاکسار محمد قاسم مصور». نوزده اثر دیگر وی در «احوال و آثار نقاشان» ذکر شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۰۶۷ -۱۰۶۱/ ۳)، گلستان هنر (چهل و پنج).

مصور علی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نقاش و خطاط. از هنرمندانی است که جزو اخوان صفا بوده و به ظهیرالدوله صفا ارادت خالصانه داشته است. وی در شبیه‌سازی استعداد فراوان داشت و اغلب رنگ روغن کار می‌کرد و خطوط را خوش می‌نوشت. یکی از آثار وی تصویر ظهیرالدوله و سایر ارادتمندان آن خانقاه است که به شباهت تمام و استادانه به نقش درآورده است. اثر دیگر وی که با کمک یکی از شاگردانش به اتمام رسانده، تصویر رنگ روغنی چهره‌ی پیرمردی است که کلاه دوره‌ی احمد شاهی به سر نهاده و به خط رقاع استادانه‌ای رقم نهاده: «به معاونت بنده ساخته شده، مصور علی».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۱۶۲/ ۳).

مصور کاشی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۰۵۵ ق)، نقاش و شاعر. اهل کاشان و داماد آقا رضای کاشانی، نقاش معروف بود و از وظیفه بگیران ساروتقی، وزیر مازندران، به حساب می‌آمد. پس از مرگ ساروتقی به سال ۱۰۵۵ ق، او نیز درگذشته است. از وی اشعاری در تذکره‌ها باقی مانده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۱۶۳/ ۳)، تذکره‌ی روز روشن (۷۴۲ -۷۴۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۱۴)، الذریعه (۱۰۵۶/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۵۱).

مصور مشهدی، علیقلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۲۷ ق)، نقاش، قلمدان‌ساز و شاعر، متخلص به مصور. وی در تهران به دنیا آمد و در مشهد سکنی گزید. مصور در فن نقاشی و شبیه‌سازی مهارت داشت و قلمدان و قاب آینه نیز می‌ساخت. او همچنین دارای طبع شعر بود و بعضی از اشعارش در تذکره‌ها بر جای مانده است. صاحب عنوان تا ۱۲۹۴ ق در قید حیات بود. از آثار وی تصویر پیرمرد چوپانی به آبرنگ است که به عصایی تکیه

داده و چند گوسفند را مراقبت می‌کند، با رقم: «عمل علی مصور تخلص»؛ قلمدان زیبایی، با تاریخ ۱۲۹۴ ق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۴۷۳، ۱۱۶۴/ ۳، ۳۹۹/ ۱)، حدیقهٔ الشعراء (۱۶۶۲ –۱۶۶۰/ ۳)، الذریعه (۱۰۵۷ –۱۰۵۶/ ۹)، گنج شایگان (۴۳۲ –۴۲۶)، المآثر و الآثار (۲۱۴)، مجمع الفصحا (۹۵۲/ ۵)، هنر قلمدان (۱۳۸ –۱۳۷).

مصور، حسینعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، نقاش و شاعر، متخلص به مصور. اهل خمسه و آبرنگ‌ساز دوره‌ی فتحعلی‌شاه قاجار بود. وی گویا همان حسینعلی میرزا، فرزند فتحعلی‌شاه است که به تصویرسازی و صورت‌پردازی علاقه وافری داشت. از آثار رقم‌دار این هنرمند، تصویر زن زیباروی ایرانی است در شیوه‌ی آقا صادق معروف، که به خط شکسته زیبا رقم «حسینعلی المتخلص به مصور ۱۲۴۴» دارد؛ یادگار دیگر وی، نقش درویشی به حال ایستاده است که در دست راست او چوب مطلایی که در انتهای آن نام مبارک حضرت علی علیه‌السلام نصب شده جلب نظر می‌کند، با: «رقم حقیر حسینعلی مصور تخلص سنه ۱۲۳۸».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۶۱/۱)، فرهنگ سخنوران (۸۵۱)، مصطبه‌ی خراب (۱۶۲).

مصور، ولی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، نقاش و خطاط. مشهور به ملا ولی قلندر. اهل هرات بود و علاوه بر نقاشی در نوشتن خطوط، بخصوص ثلث مهارت داشت. دوران حیات وی مصدف است با صدارت امیر علیشیر نوایی (۹۰۶ –۸۴۴ ق) و سلطان حسین بایقرا (۹۱۱ –۸۷۳ ق). از شاگردان وی در تذهیب و خط ثلث، روح‌اللّٰه میرک هروی است که در مواردی از روی کارهای استاد مشق می‌نموده است. از آثار وی: کتیبه سر در مسجد جامع زیارتگاه، در هرات که به خط ثلث است؛ تصویر پر مهارت سلطان حسین بایقرا در البسه سلطنتی که در بالای آن، شعری با خط نستعلیق نوشته شده و چنین رقم نهاده: «بنده ولی مصور»؛ جلد روغنی زیبایی در شیوه‌ی گل و مرغی دوره‌ی تیموری و سبک هراتی، با رقم: «عمل ملا-ولی»؛ تصویر سلطان حسین بایقرا در جوانی که بر روی قالیچه‌ای نشسته و در پایین تصویر نیز چند خط نوشته شده و رقم آن به خط تحریری چنین است: «تصویر سلطان حسین بایقرا- بنده ولی مصور»؛ تصویر شکارگاه سلطنتی که در گوشه چپ و پایین نقاشی به خط نستعلیق رقم نهاده: «عبده ولی مصور»؛ تصویر شتری که به زنجیری بسته شده، با رقم: «عبده ولی مصور».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۴۰۴ –۱۴۰۱/ ۳)، خوشنویسان و هنرمندان (۱۳۲، ۱۰۰، ۹۹، ۱۶)، گلستان هنر (سی و سه، سی و نه)، هنر قلمدان (۲۱).

مصورزاده‌ی خویی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۱ ش)، نقاش و تابلونویس. از تصویرسازان شهر خوی بود و در معیت پدر هنرمندش به نقش تصویر می‌پرداخت. محمدعلی در شبیه‌سازی صاحب قلم بود و طراحی‌های مدادی را خوب می‌دانست. وی در مقبره‌ی محله امامزاده‌ی خوی دفن شده است. از آثار بجا مانده‌ی او که در ترتیب و نقش آنها با سایر هنرمندان دیگر نیز همکاری نموده، دو تصویر بزرگ رنگ روغنی زیبایی است که در یکی از آنها، تصویر مهمانی مجللی است که انواع غذاهای ایرانی در آن دیده می‌شوند و در نوع خود جالب است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۹۱۲ –۹۱۱/ ۲).

مضطرزاده، فتح‌اللّٰه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی متالورژی، دانشکده: مهندسی متالورژی، دانشگاه: علم و صنعت ایران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای مهندسی متالورژی از آلمان.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده مهندسی متالورژی دانشگاه علم و صنعت ایران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

سرامیک، رنگهای سرامیکی، سنسورهای سرامیکی، پیگمانهای سرامیکی، فلزات گرانبها، سیستم‌های اپتیکی، سنسورهای شیشه‌ای، سرامیک‌های نیمه هادی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا

ابداع:

آبگرمکن خورشیدی از نوع لوله‌های گرمائی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

سرامیک، مواد، فلزات گرانبها و کلوئیدها.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۲

زمینه علمی مقالات:

سرامیک و مواد.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مطبعه چی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مصطفی مطبعه چی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سیّد مصطفی مطبعه چی اصفهانی در سال ۱۳۴۱ در خانواده ای مذهبی به دنیا آمد. دروس ابتدایی و کلاسیک را دراصفهان گذراند و در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیّه شد. پس از مدّتی به قم هجرت نمود و دوره سطح و خارج را در آنجا سپری کرد و از محضر اساتیدی چون اعتمادی، دوزدوزانی، تهرانی، مکارم شیرازی، تبریزی و ... استفاده نمود. وی در کنار دروس حوزوی به تحصیلات کلاسیك هم پرداخت. در سال ۱۳۷۵ لیسانس علوم سیاسی را از دانشگاه تهران اخذ نمود و فوق لیسانس شرق شناسی را در دانشگاه مقاصد بیروت در سال ۲۰۰۰میلادی به اتمام رساند. وی هم اینك در قم مشغول تحقیق و پژوهش می باشد.

مطبوع شیرازی، محمدجعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۳۷ ق)، شاعر، متخلص به مطبوع. اهل شیراز بود. رضاقلی خان هدایت، صاحب «مجمع الفصحا»، او را در جوانی دیده که در مجلس محمدمهدی خان شحنه غزلخوانی می‌کرده است. وی در آخر عمر از مردم دوری گزید و منزوی شد. مدفن او در درب سلم شیراز می‌باشد. مقداری از اشعارش در تذکره‌ها نقل شده است. وی ماده تاریخ نیز می‌گفت و قطعه‌ای سروده که هر مصراعش تاریخ عمارت فرمانفرما، حسین علی میرزا (۱۲۳۱ ق)، است. از اوست:

بساطی را نگستردم که گردونش نزد برهم

نمی‌دانم چه کین است اینکه با من آسمان دارد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقة الشعراء (۱۶۶۶ -۱۶۶۴/ ۳)، الذریعه (۱۰۵۸/ ۹)، طرائق الحقائق (۲۵۶/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۸۵۲)، مجمع

الفصحا (۹۴۵/ ۵)، مرآت الفصاحه (۵۹۲ -۵۹۱)، مصطبه‌ی خراب (۱۶۳ -۱۶۲)، مکارم الآثار (۱۰۵۱/ ۴).

مطرب همدانی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۸۰ ق)، نوازنده و شاعر. وی از ندیمان ناصرالدین‌شاه قاجار و صاحب کمال بود. او از دراویش سلسله‌ی نعمت اللهیه و از مریدان بزرگ میرزا علی محمد مرشد همدانی بود. در نظم و نثر و عرفان تبحر داشت و هنر دیگر وی نواختن رود و ساختن عود بود. صاحب «مجمع الفصحا» با وی معاصر بود. به آورده‌ی «حدیقهٔ الشعراء» مطرب تا ۱۲۸۰ ق زنده بوده است. اشعاری از او در تذکره‌ها نقل شده است. از اوست:

با خویش دشمن آنکه شود آشنای دل

آری رضای خویش کجا و رضای دل

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۶۶۷ -۱۶۶۶/ ۳)، الذریعه (۱۰۵۸/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۵۲)، گنج شایگان (۴۳۵ -۴۳۳)، مجمع الفصحا (۹۳۲/ ۵).

مطربه، فردوس

قرن:۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن ششم هجری، از زنان شاعر. وی از اهالی سمرقند بود. هنگامی که سلطان محمد خوارزمشاه، ۶۱۷ -۵۹۶ ق، سلطان غور را شکست داد و غنایم بسیار به دست آورد او این دو بیت را در مدح سلطان محمد گفت:

شاها ز تو غوری به لباسات بجست

مانندهٔی جوژه از کف خات بجست

از اسب پیاده گشت و رخ پنهان کرد

فیلان به تو شاه داد و ازمات بجست

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: تاریخ گزیده، ۵۷ ،۴۰۶.

مطربه‌ی کاشغری

قرن:۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن پنجم/ ششم هجری، از زنان هنرمند و شاعر. وی از اهالی کاشغر بود. تذکره‌ها او را معاصر طغانشاه می‌دانند. اگر منظور از این پادشاه، پسر ارسلان سلجوقی (۶۴۵ ق)، حاکم هرات و خراسان باشد مطرب در قرن پنجم می‌زیسته و اگر منظور پسر مؤید آی ابه (۵۸۱ ق)، از امرای سلسله آل موید و حاکم نیشابور باشد، وی در قرن ششم می‌زیسته است. عرفات‌العاشقین، قدیمی‌ترین تذکره‌ای که شرح حال او را آورده، وی را معاصر طغانشاه پسر مؤید آی‌ابه می‌داند. مطربه، مرثیه زیر را در مرگ طغانشاه سروده است:

در ماتمت ای شاه سیه روز شدم

بی‌روی تو دیدگان خود بر دوزم

تیغ تو کجاست ای دریغا تا من

خون ریختن از دیده به او آموزم

از اشعار اوست:

چون نگه کردی بتا باری به پنهانی مرا

دین و دل از دست شد یک ره به آسانی مرا

تا شنیدم یک سخن از تو همانا لطف بود

گفتم این دولت مدامم باد ارزانی مرا[۱]

(س پنجم یا ششم ق)، شاعر و نوازنده. اصلش از کاشغر بوده و در دستگاه سلطنت طغانشاه روزگار می‌گذرانده است. بعضی از تذکره‌ها او را از زنان حرمسرای شاه می‌دانند. برخی نیز به نقل از تذکره‌ی «عرفات العاشقین» وی را معاصر و ملازم طغانشاه ابن‌مؤید ای ابه (۵۸۱ -۵۶۹ ق) و جزء شعرای سده‌ی ششم قمری می‌دانند. ولی اگر منظور طغانشاه اول، پسر ارسلان سلجوقی، باشد وی از شعرای سده‌ی پنجم به حساب می‌آید. مطربه در فن موسیقی و هنر پیشگی سرآمد عهد خود بود و شعر را نیز خوب می‌سرود. او در مرگ طغانشاه این رباعی را سروده است:

در ماتمت ای شاه، سیه شد روزم

بی‌روی تو دیدگان خود بر دوزم

تیغ تو کجاست، ای دریغا تا من

خون ریختن از دیده به او آموزم[۲]

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :[۱] منابع: آتشکده‌ی آذر، ۳۵۹؛ از رابعه تا پروین، ۲۴۲ –۲۴۱ ۵۱ –۵۰؛ اعلام‌النساء، ۵۹ / ۵؛ حدیقهٔالشعراء، ۲۱۹۷ / ۳؛ حدیقه‌ی عشرت، ۵۳؛ خیرات حسان، ۸۹ / ۳؛ دایرهٔالمعارف صنعت و ادبیات تاجیک، ۳۵۴ / ۲؛ ریاض‌العارفین، ۲۱۲ / ۲؛ زنان سخنور، ۲۰۴ / ۲؛ عرفات‌العاشقین، گ ۱۸۸؛ کارنامه زنان مشهور ایران، ۵۷؛ نقل مجلس، گ ۴۴ –۴۳؛ نمونه ادبیات تاجیک، ۱۸۲ / ۱.

[۲] از رابعه تـا پروین (۲۴۲ –۲۴۱، ۵۱ –۵۰)، حدیقهٔ الشعراء (۲۱۹۷/ ۳)، الذریعه (۱۰۸۵/ ۹)، زنان سخنور (۲۰۴/ ۲)، صبح گلشن (۴۲۴)، فرهنگ سخنوران (۸۵۲)، کارنامه‌ی زنان (۵۷)، مشاهیر زنان (۲۲۰).

مطرزی خوارزمی، برهان‌الدین، ابوالفتح ناصر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۱۶/ ۶۱۰ –۵۳۸/ ۵۳۶ ق)، فقیه حنفی، نحوی، لغوی، ادیب و شاعر معتزلی. در جرجانیه‌ی خوارزم به دنیا آمد. چون در سال وفات زمخشـری در خوارزم به دنیا آمـد به خلیفـهٔ الزمخشـری معروف شـد. در نحو و لغت و شـعر و انواع علوم ادب متبحر بود. از محضـر پـدرش و ابوالمؤیـد موفق بن احمـد، خطیب خوارزم، اسـتفاده نمود و از ابوعبـداللّه محمد بن علی بن ابوسـعد تاجر و جماعتی دیگر حـدیث شـنید. او پیشوای معتزلیان بود. در خوارزم درگـذشت. متجاوز از سـیصد قصـیده در سوک او سـروده شد. از آثارش: شـرح «مقامات» حریری، که در «کشف الظنون» نام آن «الایضاح» ذکر شده است؛ «الاقناع»، در لغت، و «مختصـر الاقناع»؛ مختصـر «اصلاح المنطق» ابن سکیت؛ «المصباح»، در نحو؛ «المطرزیه» یا «المقدمهٔ النحویهٔ» یا «المقدمهٔ المطرزیهٔ»، در نحو؛ «المغرب»، در لغت، و شرح و ترتیب آن به نام «المعرب فی شرح المغرب».[۱]

ابوالفتح ناصـر بن ابوالمکارم عبدالسید بن علی (و. ۵۳۸ ه.ق– ف. ۶۱۶) فقیه حنفی خوارزمی، نحوی، لغوی، ادیب معروف. کتـاب مشـهور او در لغت «المغرب فی لغهٔالفقه» (ه.م) و «المعرب» (ه.م) است. وی در اصول عقاید معتزلی بوده و او را جانشـین زمخشـری دانسته‌اند و از شاگردان جاراللّه زمخشری است. شرح مقامات حریری و کتاب مختصرالافلاح از آثار او است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۱۱/ ۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۲۱/ ۲)، روضات الجنات (۱۵۱ –۱۵۰/ ۸)، ریحانه (۳۲۶ –۳۲۵/ ۵)، سیر النبلاء (۲۸ / ۲۲)، کشـف الظنـون (۱۷۸۹، ۱۷۴۸ –۱۷۴۷، ۱۷۰۸، ۱۳۹)، الکنی و الالقـاب (۱۸۸ / ۳)، لغت نـامه (ذیل/ ناصـر مطرزی)، معجم الادباء (۲۱۳ –۲۱۲/ ۹)، معجم المؤلفین (۷۲ –۷۱/ ۱۳)، وفیات الاعیان (۳۷۱ –۳۶۹/ ۵)، هدیهٔ الاحباب (۲۴۱)، هدیهٔ العارفین (۴۸۸/ ۲)، هفت اقلیم (۳۲۸/ ۳).

مطلبی، ابوالحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالحسن مطلبی

محل تولد : اسفیدواجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۲

زندگینامه علمی

این کمترین، سید ابوالحسن مطلبی ، فرزند سید کاظم ، دوم فروردین ۱۳۳۸ هجری شمسی طبق شناسنامه در یک خانواده روحانی و در روستای اسفیدواجان از منطقه تیران و کرون از توابع اصفهان به دنیا آمدم . مرحوم پدرم که در پارسایی مقامی بس ارجمند و به حق رتبه ای بالاـو والاـداشت زبـانزد خـاص و عـام بود . در آن منطقه اطلاـق لفـظ «آقا» به ایشان منصـرف بود و هم اکنون نیز این خانواده به خانواده آقا معروفنـد. هیچ یک از معاصـران مرحوم آقا نیست که ایشان را نسـتوده باشد و یا خاطره اخلاقی زیبایی را از او به یاد نداشـته باشد. اسـتاد اخلاق ایشان مرحوم آیت الله حاج آقارحیم ارباب بود .حضرت آیت الله حاج شیخ حسین مظاهری حفظه الله رئیس حوزه علمیه اصـفهان از جمله بزرگانی است که با مرحوم پدرم نشست و برخاست داشته و همواره از او به نیکی و پارسایی یاد میکند حضرت استاد میفرمود: هیچ روزی نیست که برای مرجوم پدرت قرآن نخوانم . در ده سالگی ۲۷/۳/۴۷ با رحلت پدر این نعمت بزرگ الهی را از دست دادم. بنده تحصیلات ابتدایی را در روسـتایمان به پایان بردم و ناگزیر برای گذراندن دوره دبیرسـتان چون در روستا دبیرسـتان نبود به اصفهان و تهران رفته روزها کار می‌کردم و شب‌ها در دبیرستان شبانه تحصیل تا به اخذ دیپلم نائل

آمدم که آن روزها در حد خود قیمت و منزلتی داشت. در سال ۱۳۵۶ پس از دریافت دیپلم طبیعی بر حسب توصیه و علاقه مرحوم پدرم که بسیار مایل بود که فرزندانش به مسلک روحانیت درآیند، و علاقه ای که خود به معارف اسلامی داشتم به حوزه مقدسه علمیه قم رهسپار شدم و تا کنون در قم اقامت دارم و به تحصیل ، تحقیق ، تالیف و در مقاطعی تدریس و تبلیغ ،نگارش مقالات ، تصحیح متون کهن واحیا آثار سلف ، ویرایش ، ارزیابی کتب و مقالات ودر موارد اندکی به ترجمه می‌پردازم . در تحصیلات حوزوی از محضر آیات عظام و حجج اسلام ، اساتید گرانقدر آقایان اعتمادی ، پایانی ، تبریزی ، جوادی آملی ، حسینی بوشهری ، ستوده ، شب زنده دار ، صلواتی ، طالقانی ، فاضل(ره) ، فشارکی ، وجدانی فخر ، وحید خراسانی و هاشمی شاهرودی بهره جسته ام.

مطلعی قزوینی، حسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به مطلعی. اهل قزوین و مدتی سرپرست حیدری خانه بود. وی اکثر اوقات خود را در قهوه‌خانه می‌گذرانده و بسیار خوش مشرب بوده است. از او اشعاری در تذکره‌ها نقل شده است. از اوست:

پیچیده پا به دامن گشتیم عالمی را

قالیچه سلیمان دامان ماست گویی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی، (۱۴۱-۱۴۰)، الذریعه (۱۰۵۹ / ۹)، صبح گلشن (۴۲۴)، فرهنگ سخنوران (۸۵۳)، مینودر (۵۷۱-۵۷۰/ ۲).

مطلوبی مقدم، فیروز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی آلی، دانشکده: شیمی، دانشگاه: صنعتی شریف

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مطمئن، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به ورش، فاضل ادیب و شاعر، و استاد در فنّ تجوید، از قُرّاء معروف اصفهان بود که عدّه‌ای کثیر در خدمت او تربیت شده، و خود از تربیت شدگان محضر مرحوم حاج سید علی زنجیره فروش بود.

در ۲۳ شهر صفر المظفّر سال ۱۲۹۴ متولّد، و در سوّم ذی قعده سال ۱۳۷۰ وفات یافت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مطوعی، ابوحفص عمر

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۴۴۰ ق)، ادیب و شاعر. اهل نیشابور بود. در ایام جوانی در خدمت امیر ابوالفضل میکالی ادیب (م ۴۳۶ ق) بود. از آثارش: کتاب «درج الغرر و درج الدرر»، در محاسن نظم و نثر ابوالفضل میکالی؛ «اجناس التجنیس»؛ کتاب «حمد من اسمه احمد» که در معارضه با کتاب «فضل من اسمه الفضل» ثعالبی نگاشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۱۵/ ۵)، معجم المؤلفین (۳۰۲/ ۷).

مطهر حسینی، عزالدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۲۵ ق)، شاعر. از شاعران آذربایجان بود و مداح شیخ اویس جلایر، وی از آنجا به فارس رفته و از مداحان خاص شاه شجاع

مظفری شد و تا ۷۸۲ ق در آنجا زیست. سپس به هندوستان رفته به دربار تاج‌الدین فیروزشاه (۸۲۵ -۸۰۰ ق) راه یافت. از او «دیوان» شعری باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۱۵).

مطهری پور، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی مطهری پور

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای مرتضی مطهری پور در سال ۱۳۵۱هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان قزوین دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیه از سوی دیگر او را راهی قم گردانید و در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه قم و مدرسه علمیه حقانی گردید از نخستین روزهای ورود به قم ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت علیهم السلام با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۶ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله جوادی آملی، آیت الله سبحانی، مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

وی در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته روانشناسی در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۲از موسسه پژوهشی و آموزشی امام خمینی فارغ التحصیل گردید . و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان"اعتبار یابی آزمون ۱۶ عاملی کتل بر مبنای نیم رخ روانی نمونه ای از دانش پژوهان "دفاع کرد

وی هم اکنون به امر تدریس در دانشگاه بوعلی و علوم پزشکی همدان مشغول می باشد. نامبرده در طول حیات علمی خویش به مدت ۵ سال در دائره المعارف علوم عقلی به نگارش و پژوهش پرداخت و آثاری از قبیل " تربیت اسلامی"و"امر به معروف و نهی ازمنکر از دیدگاه قرآن و روایات"را به رشته تحریر در آورده است.

مطهری ساوجی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد مطهری (امام جمعه شهرستان ساوه) یکی از ستارگان فروزان حوزه علمیه قم و افاضل نویسندگان معاصر است.

وی در سال ۱۳۱۷ شمسی در ساوه متولد شده و پس از خواندن دروس ابتدائی وارد حوزه علمیه ساوه که به مدیریت آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدحسین شریعتمدار ساوه‌ای اداره می‌شد گردیده و دو سال از محضر معظم‌له و مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم نحوی قمی استفاده نموده سپس عزیمت به قم نموده و مدت شش سال در حوزه علمیه قم به تکمیل دروس نهائی و سطح پرداخته و پس از پایان آن یک سالی از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی خمینی کسب فیض نموده است.

پس از رحلت آقای بروجردی در سال ۱۳۸۲ قمری به نجف اشرف مهاجرت و مدت یازده سال اقامت و از محاضر آیات عظام خمینی و خوئی و شاهرودی و حاج سید نصراللَّه مستنبط و حاج میرزا باقر زنجانی رحمه‌اللَّه علیه فقها و اصولا استفاده نموده و در سال ۱۳۹۳ قمری از طرف دولت شوم بعث عراق تسفیر به ایران گردیده و رحل اقامت به قم انداخته و مشغول تدریس و استفاده از محضر آیت‌اللَّه گلپایگانی و حاج شیخ مرتضی حایری یزدی گردیده تا در انقلاب اسلامی ایران چند سالی مسئول دادگاه‌های انقلاب اسلامی مشهد و برخی از شهرهای دیگر شده تا در سال ۱۴۰۱ که به امام جمعه‌ای ساوه منصوب ولی در خلال این مسئولیت از روز شنبه تا پنجشنبه همه هفته برای تدریس به قم آمده و تدریس خارج فقه و اصول برای عده‌ای از طلاب و محصلین نموده و در روزهای جمعه اقامه نماز جمعه در ساوه فرموده و در ایام تعطیل تابستانی در ساوه به رتق و فتق امور اجتماعی و روحی اشتغال دارند و خدمات چشمگیری که ذیلا بیان می‌شود نموده است.

۱- یکدوره سی جلدی به نام مستند تحریرالوسیله که یازده جلد آن به طبع رسیده است و بقیه در تحت طبع می‌باشد.

۲- طرحهای رسالت در پیرامون مسئله خلاقت و زمامداری ۶ جلد که پنج مجلد آن در مورد امیرالمؤمنین علیه‌السلام و یک جلد درباره امام حسن علیه‌السلام به طبع رسیده است.

۳- یکدوره روابط در جامعه اسلامی در ضمن ۸ جلد که به چاپ رسیده است به شرح زیر:
(۱- رابطه اقتصادی عمومی ۲- رابطه اقتصادی خانوادگی ۳- تامین رابطه جنسی ۴- کنترل رابطه جنسی ۵- رابطه دوستی و محبت ۶- رابطه وراثت و تربیت ۷- رابطه ولایت و حکومت).
۴- کتاب پیرامون علم پیامبر و امام صلی اللَّه علیهم در مسائل غیبی.
۵- کتاب شفاعت
۶- نماز جمعه و احکام آن
۷- کتاب جهاد
۸- کنگره اسلامی حج
۹- هدف حکومت اسلامی
آثار خیر و خدمات اجتماعی
۱- بناء دو مدرسه در شهرستان ساوه بنام مدرسه الزهراء و مدرسه ولی عصر (ع).
۲- پانزده دستگاه منزل برای رفاه طلاب و مدرسین حوزه علمیه ساوه.
۳- مسجدی بنام ولی عصر عجل‌اللَّه فرجه در کنار میدان آزادی.
۴- دعوت سه مدرس برای تدریس حوزه علمیه ساوه.
۵- اداره و تامین شهریه صد نفر از طلاب حوزه ساوه.
۶- دفتر شهریه برای سادات مستحق ساوه و حومه آن.
۷- صندوق قرض‌الحسنه بنام حضرت جوادالائمه علیهم‌السلام در ساوه برای کمک به مستحقین.
۸- دفتر نان برای تامین نان فقراء شهر ساوه و حومه آن.
۹- تجدید بناء ساختمان مدرسه انقلاب در کنار مسجد انقلاب ساوه.
۱۰- بناء کتابخانه حوزه علمیه ساوه در همان مدرسه در مرکز شهر.
۱۱- تهیه زمین برای بناء خانه‌های مسکونی برای افرادی که توان تهیه منزل ندارند.
متاسفانه معظم‌له با این محاسن و اخلاق و محامد آداب و فضائل انسانی و ملکات فاضله و آثار و خدمات مبتلا به سرطان شده و در سن پنجاه و دو سالگی در روز اول ماه رمضان ۱۴۱۱ قمری برابر بیست و هفتم اسفند ماه ۱۳۶۹ شمسی از دنیا رفته و در شهرستان ساوه در کنار مزار شهداء آن به خاک رفت رحمه‌اللَّه علیه.
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مطهری مازندرانی، ابواسحاق ابراهیم

قرن:۵
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح ۴۵۸ -۳۶۰ ق)، فقیه و محدث، قاضی و زاهد. شیخ شافعیان در زمان خود بود. نسبتش به مطهر از قرای ساری مازندران می‌رسد. در ساری به دنیا آمد. در شهر خود نزد ابومحمد بن ابی‌یحیی فقه آموخت. در حدود سی سالگی به بغداد رفت و از ابوحامد اسفراینی فقه و از ابوالحسن لبان فرائض آموخت. وی همچنین از ابوحفص کتانی و ابوطاهر مخلص در بغداد و از ابوالعباس نسوی در مکه و از ابونصر محمد بن ابی‌بکر اسماعیلی در جرجان حدیث شنید. آنگاه به ساری بازگشت و منصب تدریس و افتاء را عهده‌دار شد. او همچنین مدت هفده سال تا پایان عمر قضاوت آنجا را بر عهده گرفت. برای او تصانیف بسیاری در «اصول» و «فروع» و «خلاف» ذکر شده است.
بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۳۲۸/ ۵)، سیر النبلاء (۱۴۸ -۱۴۷/ ۱۸)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۲۶۳/ ۴)، معجم البلدان (۱۷۶/ ۵)، الوافی بالوفیات (۱۲۲/ ۶).

مطهری، احمد

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم دینی.
تولد: ۱۳۱۷، ساوه.
درگذشت: ۱۳۶۹.
حجت‌الاسلام احمد مطهری پس از گذراندن دوره‌ی مقدماتی دروس حوزه در ساوه، روانه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم گردید و دوره‌ی سطح را در آنجا به پایان رسانید. سپس در درس خارج آیات عظام بروجردی، امام خمینی، خویی و شاهرودی در قم و نجف اشرف حضور به هم رسانید. ایشان سالها با مؤسسه راه حق در قم همکاری می‌کرد و در ساوه اقدام به تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی ولی‌عصر و کتابخانه و دیگر مؤسسات عام‌المنفعه نمود.

از آثار اوست: آداب همزیستی و معاشرت (قم، ۱۳۶۹)؛ احکام قضائی: مستندات ابواب قضا، قصاص، حدود و دیات تحریر الوسیله امام خمینی (ترجمه هاشم نوری؛ با مقدمه ناصر میبدی، چهار جلد)؛ ترجمه فارسی مستند التحریر الوسیله حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی مد ظلله العالی رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران (ترجمه هاشم نوری)؛ جهاد در راه خداوند و ابعاد گوناگون آن (قم، ۱۳۶۴)؛ رابطه دوستی و محبت (قم، ۱۳۶۷)؛ زمامداری امام مجتبی علیه‌السلام. (قم، ۱۳۶۳).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۷۷ / ۲۴، ۱۱۲ / ۲۱، ۲۹۳ / ۱۵، ۱۹۷ / ۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۱ / ۶، ۱۹۶ -۱۹۳ / ۲).

مطهری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حجةالاسلام آقای حاج شیخ حسین مطهری فریمانی از علماء بنام این منطقه است وی در حدود ۱۳۸۸ قمری در فریمان وفات نموده است.

دارای دو فرزند دانشمند و روحانی می‌باشد که هر دو از باقیات الصالحات آن عالم متقی هستند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مطهری، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حمید مطهری

محل تولد : چالوس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

درسال ۱۳۴۵ درتهران متولد شدم وپس از گذراندن دوره دبستان وراهنمایی وقبول دراول دبیرستان(رشته علوم تجربی) درسال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه شهید بهشتی نوشهر شدم وپس از آن درسال ۱۳۶۴ برای ادامه تحصیل راهی شهر مقدس قم شدم ودروس سطح را نزد اساتیدی ازجمله محمدی قوچانی، حسینی بوشهری،اعتمادی،محقق داماد ،پایانی،بیگدلی،عرقچی، کوهمره ای،صالحی مازندرانی، قدیری،موسوی تبریزی،و... گذراندم وپس ازآن توفیق شرکت دردروس خارج فقه واصول آیات عظام ازجمله مکارم شیرازی ،وحید خراسانی ،سبحانی،سید جعفر کریمی گذارندم ودرطی این مدت کارهای تحقیقی وپژوهشی را آغاز کردم ومقالا تی راتألیف نمودم وهمچنین به عنوان استاد دانشگاه به مدت ۳سال تدریس کردم ودر همین مدت هم درحوزه علمیه امام جعفر صادق (ع) چالوس مشغول تدریس بودم وپس ازآن به مدت ۳ سال به عنوان استاد داور درجلسات دفاع پایان نامه های حوزه های علمیه خواهران شرکت نمودم وهمچنان بااین مرکزهمکاری دارم.

مطهری، حمیدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید رضا مطهری

محل تولد : نهاوند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حمیدرضا مطهری فرزند علی‌محمد تحصیلات دوره ابتدایی و راهنمایی را در زادگاه خود (نهاوند) گذرانده و در سال ۱۳۶۷ برای تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از به پایان بردن دروس سطح، خارج فقه و اصول را به مدت چندین سال از محضر اساتید بزرگوار حضرات آیات مکارم شیرازی، جعفر سبحانی و تبریزی فراگرفتم.همزمان با تحصیل علوم حوزوی به تحصیلات دانشگاهی نیز توجه داشته و از طریق آزمون سراسری دانشگاه‌ها در رشته تاریخ دانشگاه باقرالعلوم(ع) پذیرفته شدم.

پس از اخذ مدرک کارشناسی بلافاصله در مقطع کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه تهران پذیرفته شده و فوق لیسانس را از این

دانشگاه دریافت کردم وعلاوه بر تحصیل به تحقیق و پژوهش و تدریس نیز اشتغال داشته ام.

مطهری، سیاوش

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۲۰.

درگذشت: فروردین ۱۳۶۹.

سیاوش مطهری تا درجه‌ی دکتری تحصیل کرده بود. از وی اشعاری به یادگار مانده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مطهری، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی، محقق، استاد.

تولد: ۱۲۹۹، قریه فریمان (مشهد).

شهادت: ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸، تهران.

آیت‌الله مرتضی مطهری در سن سیزده سالگی به حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد رفت. اولین استاد وی در آنجا مهدی شهیدی رضوی مدرس فلسفه الهی بود. پس از چهار سال تحصیل در آن حوزه، به حوزه‌ی علمیه‌ی قم رفت. وی تا سال‌های ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳ به آموختن ادبیات، منطق، سطوح متوسط و عالی، فقه و اصول پرداخت، سطوح نهایی فرائد و مکاسب و کفایه از اساتیدی چون آیت‌الله محقق داماد و امام خمینی (ره) فراگرفت. دوازه سال در درس اخلاق امام شرکت کرد، منظومه حاجی ملا هادی سبزواری و اسفار ملا صدرای شیرازی و تفسیر را در محضر امام خمینی و مهدی آشتیانی و علامه طباطبایی خواند. خارج فقه و اصول را نزد آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله سید علی یثربی کاشانی و امام خمینی (ره) و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله سید حسن صدر فراگرفت. مرتضی مطهری بعد از پانزده سال تحصیل در حوزه‌ی علمیه‌ی قم عازم تهران شد و پس از مدتی تدریس خصوصی به تدریس در دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی و نیز مدرسه‌ی علمیه‌ی مروی و حوزه‌ی علمیه‌ی قم پرداخت. ابتدا به تدریس ادبیات و در اواخر به تدریس شرح منظومه، منطق (شرح مطالع) کلام (شرح تجرید) و گاهی به تدریس مکاسب و کافیه مشغول بود.

در پانزده خرداد ۱۳۴۲ آیت‌الله مطهری به دلیل سخنرانی ضد شاه و سازماندهی نهضت در تهران، توسط ساواک بازداشت و حدود دو ماه در زندان شهربانی به سر برد. بنیانگذاری حسینیه‌ی ارشاد و فعالیت در این مؤسسه، سخنرانی در انجمن‌های اسلامی پزشکان و مهندسان و نیز سخنرانی در مساجد مختلف و همچنین اداره‌ی مسجدالجواد برای مدتی حدود سه سال، مهم‌ترین فعالیت‌های استاد را پس از ورود ایشان به تهران را تشکیل می‌دهد.

پس از اوج‌گیری نهضت اسلامی ایران، آیت‌الله مطهری در سال ۱۳۵۷ برای دیدار با امام خمینی (ره) عازم پاریس شد. در این دیدار نخستین هسته‌ی شورای انقلاب اسلامی شکل گرفت. سرانجام دو ماه و نیم پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آیت‌الله مطهری در حالی که ریاست شورای انقلای اسلامی را به عهده داشت توسط گروه فرقان به شهادت رسید.

از آیت‌الله مطهری آثاری به یادگار مانده است که از آن جمله‌اند: مقدمه و شرح بر اصول و روش رئالیسم (پنج جلد)؛ خدمات متقابل اسلام و ایران؛ عدل الهی؛ نظام حقوق زن در اسلام؛ علل گرایش به مادیگری؛ مسئله حجاب؛ نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر؛ مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی (شش جلد شامل انسان و ایمان؛ وحی و نبوت؛ انسان در قرآن؛ جامعه و تاریخ؛ انسان و سرنوشت؛ زندگی جاوید یا حیات اخروی)؛ پیرامون انقلاب اسلامی؛ سیری در نهج‌البلاغه؛ آشنایی با علوم اسلامی (چهاد جلد شامل اصول فقه و فقه؛ کلام و عرفان؛ منطق و فلسفه؛ حکمت عملی)؛ شرح منظومه‌ی حاج ملا هادی سبزواری (این کتاب در اولین دوره‌ی کتاب سال به عنوان کتاب برگزیده‌ی رشته‌ی فلسفه و حکمت انتخاب شد)؛ جاذبه و دافعه حضرت علی (ع)؛ شرح مبسوط منظومه (این کتاب در نهمین دوره کتاب سال به عنوان کتاب برگزیده‌ی رشته‌ی فلسفه اسلامی انتخاب شد)؛ نقدی بر مارکسیسم؛ جهان بینی توحیدی؛ اسلام و مقتضیات زمان (دو جلد)؛ امامت و رهبری؛ جهاد؛ داستان راستان سیری در سیره نبوی؛ ختم نبوت؛ پیامبر امی؛ ولاءها و ولایت ها؛ جاذبه و دافعه علی (ع)؛ عرفان حافظ؛ آشنایی با قرآن (پنج جلد)؛ تعلیم و تربیت در اسلام؛ فلسفه اخلاق؛ ده گفتار؛ بیست گفتار؛ گفتارهای معنوی؛ پیرامون جمهوری اسلامی؛ اخلاق جنسی؛ پاسخ‌های استاد؛ امدادهای غیبی در زندگی بشر؛ حق و باطل (به ضمیمه: احیای تفکر اسلامی)؛ تکامل اجتماعی انسان؛ مسأله ربا به ضمیمه بیمه، سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام، مسئله شناخت؛ انسان کامل؛ نظری به نظام اقتصادی اسلام؛ فلسفه تاریخ (۱)؛ فطرت؛ خاتمیت؛ توحید؛ نبوت؛ معاد؛ حکمت‌ها و اندرزها؛ طرح های رسالت پیرامون خدمت و زمامداری.

آیت‌الله مطهری در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ در تهران به شهادت رسید و پیکر وی در حرم حضرت معصومه (ص) نزدیک آرامگاه آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به خاک سپرده شد.

۱- حجهٔالاسلام و استاد عالیمقام جناب حاج شیخ مرتضی مطهری فریمانی از دانشمندان و افاضل مدرسین و گویندگان و نویسندگان معاصر تهرانست.

وی در حدود ۱۳۳۸ قمری در فریمان متولد شده و دروس ابتدائی را در آنجا خوانده انگاه به مشهد آمده و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح وسطی را در مشهد فراگرفته و در سال ۱۳۵۶ ق مهاجر به قم نموده و سطوح نهائی فرائد و مکاسب و کفایه را از اساتید و مدرسین حوزه علمیه قم مانند مرحوم آیت‌اللَّه محقق داماد و آیت‌اللَّه العظمی موسوی و دیگران آموخته و منظومه و اسفار و تفسیر را از محضر آیت‌اللَّه العظمی موسوی و مرحوم آمیرزا مهدی آشتیانی و علامه طباطبائی استفاده نموده و دروس خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقای آمیرزا سید علی یثربی کاشانی و آیت‌اللَّه موسوی مذکور مدظله و مرحوم آیت‌اللَّه خونساری و آیت‌اللَّه صدر بهره‌مند شده و به مدارج عالیه علم ارتقا یافته و پس از فوت مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی به تهران منتقل و به تدریس و تألیف کتب مفیده و تبلیغ دین و نشر معارف تا حال حاضر اشتغال دارد.

دارای بیانی رسا و منطقی شیوا و قلمی زیبا می‌باشد. از آثار مطبوع و ارزنده ایشان کتب زیر می‌باشد.

۱- اصول فلسفه و روش رئالیسم (مقدمه و توضیح و پاورقی)

۲- انسان و سرنوشت ۳- خدمات متقابل اسلام و ایران ۴- خورشید دین هرگز غروب نمی‌کند.

۵- داستان راستان ۶- عدل الهی ۷- علل گرایش به مادی‌گری ۸- مسئله حجاب ۹- نظام حقوق زن در اسلام ۱۰- سیری در نهج‌البلاغه

و تألیفات ارزنده دیگر که هنوز به طبع نرسیده است.

(ح ۱۲۹۸- شهادت ۱۳۵۸ ش)، عالم دینی، فقیه اصولی، فیلسوف، متکلم، واعظ، نویسنده و استاد دانشگاه. در فریمان خراسان در یک خانواده‌ی اصیل و روحانی به دنیا آمد. پدرش که مردی باایمان و باتقوا بود در تربیت وی نهایت کوشش را نمود و ویژگی‌های عقیدتی خود را به فرزندش سپرد. در دوازده سالگی به مشهد عزیمت نمود و به تحصیل مقدمات علوم اسلامی و قسمتی از سطوح پرداخت. در ۱۳۱۶ ش در هجده سالگی برای تکمیل تحصیلات به قم رفت و حدود پانزده سال در آنجا ماند و سطوح نهایی را از آیت‌اللَّه محقق داماد و امام خمینی و منظومه و اسفار و تفسیر را از فیلسوف بزرگ آقا میرزا مهدی آشتیانی و علامه طباطبائی و امام خمینی و خارج فقه و اصول را زا محضر آیت‌اللَّه بروجردی و آیت‌اللَّه یثربی کاشانی و آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه خوانساری و آیت‌اللَّه صدر فراگرفت. در ۱۳۲۰ ش در محضر آقای حاج میرزا علی شیرازی با نهج‌البلاغه آشنا شد. از ۱۳۲۵ ش با کتب ماتریالیستها آشنا شد و از آنجا که به فلسفه علاقه‌مند بود مطالعه کتب مادیین را پی‌گیر و بر این عقیده راسخ شد که فلسفه مادی فلسفه کسی است که فلسفه نمی‌داند. در ۱۳۲۹ ش در حوزه‌ی درس خصوصی علامه طباطبائی که برای بررسی فلسفه مادی تشکیل شده بود، زمینه‌ی تألیف کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» فراهم شد. او در سالهای آخر اقامت در قم و نیز سالهای اول مهاجرت به تهران به تحقیق بیشتر درباره‌ی این موضوع پرداخت و تا پایان عمر مبارزه با اندیشه‌های انحرافی را ادامه داد. از ۱۳۳۱ ش به موازات تدریس و تألیف، در تهران، سخنرانی‌های تحقیقی خویش را در دانشگاه‌ها، انجمن‌های اسلامی و مجالس خصوصی آغاز نمود. در ۱۳۳۴ ش تدریس در دانشکده الهیات و معارف اسلامی را شروع کرد و بیست و دو سال تدریس و تحقیق را در آنجا ادامه داد. استاد مطهری متخصص فلسفه مشاء بود. او به کتب ابن‌سینا احاطه کامل داشت و متن «شفاء» و «نجات» و «اشارات» را در دوره‌ی دکترا تدریس می کرد. وی علاوه بر کتب شیخ، «شرح منظومه» سبزواری و «شواهد الربوبیهٔ» ملا صدرا را نیز تدریس می‌نمود. در خرداد ۱۳۴۲ ش به همراه عده‌ای از علما و روحانیون مدتی به زندان افتاد و تا پیروزی انقلاب اسلامی از ارکان فکری نهضت به حساب می‌آمد. استاد مطهری کمتر از سه ماه پس از پیروزی انقلاب به دست گروه فرقان به شهادت رسید. از آثارش: «آشنایی با علوم اسلامی»؛ «آشنایی با قرآن»؛ «اسلام و مقتضیات زمان»؛ شرح و توضیح «اصول فلسفه و روش رئالیسم»؛ «امدادهای غیبی در زندگی بشر»؛ «انسان و سرنوشت»؛ «جاذبه و دافعه علی (ع)»؛ «حماسه‌ی حسینی»؛ «خدمات متقابل اسلام و ایران»؛ «خورشید دین هرگز غروب نمی‌کند»؛ «داستان راستان»؛ «درسهای اسفار»؛ «ربا، بانک، بیمه»؛ «سیری در سیره نبوی (ص)»؛ «سیره ائمه اطهار (ع)»؛ «سیری در امیرالمؤمنین»؛ شرح مبسوط «منظومه‌ی» سبزواری؛ «عدل الهی»؛ «علل گرایش به مادیگری»؛ «مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی»؛ «نظام حقوق زن در اسلام».[۱]

علامه محقق و استاد بزرگوار حاج شیخ مرتضی ابن حجهٔالاسلام حاج شیخ حسین مطهری فریمانی یکی از ستارگان درخشان حوزه علمیه قم و شاگردان برجسته آیت‌اللَّه العظمی امام خمینی و آیت‌اللَّه استاد علامه طباطبائی می‌باشند.

وی در ماه جمادی الثانی ۱۳۳۸ ق برابر با ۱۲۹۹ هجری شمسی در خراسان دیده به جهان گشود.

این مجاهد بزرگ در سال ۱۳۵۶ هجری قمری برابر با ۱۳۱۶ ه شمسی از حوزه علمیه خراسان وارد حوزه علمی قم گردید و پانزده سال در دانشگاه بزرگ قم رحل اقامت افکند و از اساتید این حوزه مانند مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی و آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه داماد و علامه طباطبائی و بالاخص امام خمینی و دیگران بهره‌های کافی برد سپس در سال ۱۳۷۱ برابر با ۱۳۳۱ شمسی قم را به عزم تهران ترک گفت و در طول اقامت خود در تهران آنی از خدمات علمی و قلمی و تبلیغی غفلت نورزید علاوه بر تدریس در دانشکده الهیات و مدرسه علمیه مروی در منزل شخصی خود برای گروهی از دلباختگان فلسفه و تفسیر تدریس می‌کرد جلسات پر ارج دیگری نیز مانند جلسه انجمن اسلامی مهندسان و انجمن اسلامی پزشگان را اداره می‌کرد.

موج حادثه شهادت مرحوم مطهری.

مرحوم حجهٔالاسلام مطهری که بیش از چهل سال با ایشان آشنائی داشتم و در بسیاری از مباحث فقهی و اصولی و استفاده از محاضر آیات عظام مرحوم بروجردی و یثربی کاشانی و آیت‌اللَّه حجت و دیگر آیات چون نایب‌الامام آیت‌اللَّه العظمی خمینی با معظم‌له شرکت داشته و تا حدودی از نزدیک ایشانرا می‌شناختم دانشمندی محقق و فیلسوفی مدقق و حکیمی فرزانه و استادی آگاه و روشن بین و نویسنده‌ای مبارز و گوینده‌ای مجاهد بود از خود آثاری گرانقدر گذاشت که قسمتی از آنرا در ضمن ترجمه‌اش یاد نمودم.

حادثه شهادت و فاجعه ناگهانی شهید شدنش در ساعت ده و نیم بعد از ظهر دهم اردیبهشت برابر شب پنجم جمادی‌الثانی ۹۹ چنان موجی در سراسر ایران بی‌نظیر بوده و میلیونها نفر از مسلمین جهان و حتی اقلیتهای مذهبی چون مسیحیان و کلیمیان و زردتشتیان در سوک و ماتم او نشسته و صدها هزار نفر د رتشیع جنازه او از دانشگاه تهران تا صحن مطهر حضرت معصومه (ع) قم و آرامگاه او شرکت و فریاد مطهری مطهری شهید انقلاب است به آسمان رسانیدند.

مرحوم مطهری شهید رئیس شوراء انقلاب و دومین قربانی بزرگ و ذبح عظیم بعد از رأی جمهوری اسلامی است.

مرحوم مطهری سالها از مدرسین حوزه علمیه قم بوده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی که به تهران منتقل نیز تا آخر عمرش در دانشکده الهیات و دانشگاه به تدریس علوم و فنون مختلفه اسلامی اشتغال داشته و شهادتش ضایعه جبران ناپذیری در جهان علم و معارف الهی ایجاد و رخنه‌ای به وجود آورد که به این زودی تدارک نشود.

آری مرگ این فیلسوف اسلامی شرق اثر عمیق درحوزه‌های علمی و سیاسی رهبران دینی و آیات عظام و اساتید والامقام و بالاخص مرجع عالیقدر و قائد عظیم‌الشأن آیت‌اللّه العظمی نایب‌الامام آقای خمینی مدظله گذارد و تمام مراجع بزرگ تقلید و زعماء حوزه‌های علمی تأثرات قلبی و درون خود را در این شرایط سخت از شهادت و فقدان جانکاه مرحوم مطهری در ضمن ایراد بیانیه‌ای اعلام که عموم مردم از طریق رادیو و تلویزیون استماع نمودند.

در میان آن اعلامیه و بیانیه‌ها از همه جالب‌تر و عمیق‌تر بیانات رهبر عالیقدر انقلاب نایب‌الامام است که دارای ویژگی‌های خاصی برای عموم مردم مبارز و رزمندگان و پاسداران انقلاب و نیز معرفی مقامات علمی و اجتماعی و سیاسی و معنوی مرحوم مطهری شهید است از زبان خالی از اغراق و مبالغه امام مدظله و گرچه تمام اقشار مردم از دور و نزدیک به وسیله فرستنده‌های روز شنیده‌اند اما چون شنیده‌ها فراموش شدنی است لازم دیدم که متن آن را در اینجا ثبت کنم که روشنگر آیندگان باشد که نهضت و انقلاب اسلامی چه قربانیهای ارجمندی داده و چه خونهای گرانقدر برای برقراری جمهوری آن اهداء گردیده است.

متن بیانات امام در ضایعه شهادت مطهری.

بسم اللّه الرحمن الرحیم.

انا لله و انا الیه راجعون.

این جانب به اسلام و اولیاء عظیم‌الشان آن و به ملت اسلام و خصوصا ملت مبارز ایران ضایعه اسف‌انگیز شهید بزرگوار و متفکر و فیلسوف و فقیه عالیمقام آقای حاج شیخ مرتضی مطهری قدس‌سره را تسلیت و تبریک عرض می‌کنم.

تسلیت در شهادت شخصی که عمر شریف و ارزنده خود را در راه اهداف مقدس اسلام صرف کرد و با کجرویها و انحرافات مبارزه سرسختانه کرد.

تسلیت در شهادت مردی که در اسلام شناسی و فنون مختلفه اسلام و قرآن کریم کم نظیر بود.

من فرزند بسیار عزیزی را از دست دادم و در سوک او نشستم که از شخصیتهائی بود که حاصل عمرم محسوب می‌شد.

در اسلام عزیز به شهادت این فرزند برومند و عالم جاودان ثلمه‌ای وارد شد که هیچ چیز جایگزین آن نیست.

و تبریک در داشتن این شخصیتهای فداکار که در زندگی و پس از آن با جلوه خود نورافشانی کرده و می‌کنند من تربیت چنین فرزندانی که با شعاع فروزان خود مردگان را حیات می‌بخشند و به ظلمت‌ها نور می‌افشانند به اسلام بزرگ و مربی انسانها و امت اسلامی تبریک می‌گویم.

من اگر چه فرزند عزیزی را که پاره تنم بود از دست دادم لکن مفتخرم که چنین فرزندان فداکاری در اسلام وجود داشت و دارد. مطهری که د رطهارت روح و قدرت ایمان و قدرت بیان کم‌نظیر بود رفت و به ملاء اعلاء پیوست لکن بدخواهان بدانند که با رفتن او شخصیت اسلامی و علمی و فلسفیش نمی‌رود ترورها نمی‌تواند شخصیت انسانی مردان اسلام را ترور کنند آنان نمی‌دانند که به خواست خدای توانا ملت ما با رفتن اشخاص بزرگ در مبارزه علیه فساد و استبداد و استعمار مصمم‌تر می‌شوند ملت ما راه خود را یافته و در قطع ریشه‌های گندیده رژیم سابق و طرفداران منحوس آن از پای نمی‌نشیند.

اسلام عزیز با فداکاری و فدائی دادن عزیزان رشد نموده برنامه اسلام از عصر وحی تاکنون بر شهادت توام با شهامت بوده قتال در راه خدا و راه مستضعفین در رأی برنامه‌های اسلام است.

(و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللّه و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان) اینان که شکست و مرگ خود را لمس نموده و با این رفتار غیر انسانی می‌خواهند انتقام بگیرند یا به خیال خام خود مجاهدین در اسلام را بترسانند آنها گمان نکردند که از هر موی شهیدی از ما و از قطره خونی که به زمین می‌ریزد انسان‌های مصمم و مبارزی به وجود می‌آید.

شما مگر تمام افراد ملت شجاع را ترور کنید و الا ترور فرد هرچه بزرگ باشد برای اعاده چپاول‌گری سودی ندارد.

ملتی که با اعتماد به خدای بزرگ و برای احیای اسلام به پا خاسته با این تلاشهای مذبوحانه عقب‌گرد نمی‌کنند. ما برای فداکاری حاضر و برای شهادت در راه خدا مها هستیم.

اینجانب روز پنجشنبه سیزدهم اردیبهشت ۵۸ را برای بزرگداشت شخصیتی فداکار و مجاهد در راه اسلام و ملت عزای عمومی اعلام میکنم و خودم در مدرسه فیضیه روز پنجشنبه، و جمعه به سوک می‌نشینم. از خداوند متعال برای آن فرزند عزیز اسلام رحمت و غفران و برای اسلام عزیز عظمت و عزت مسئلت می‌نمایم.

سلام بر شهدای راه حق و آزادی.

روح‌اللّه الموسوی الخمینی.

شهادت مطهری.

این بزرگوار سرانجام آفتاب عمر پر برکتش که قریب ۶۰ سال در خدمت اسلام و علم بود در شب چهارشنبه دوازدهم اردیبهشت (۵۸) برابر پنجم جمادی الثانی ۱۳۹۹ غروب کرد اتفاقا در همان ماهی که دیده به جهان گشوده بود دیده از جهان فروبست.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] پاره‌ای از خورشید (۴۳ -۱۷)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم استاد شهید مرتضی مطهری (۲۴ - ۱۹)، سرگذشتهای ویژه از زندگی استاد مطهری (۵۱ -۱۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۸/ ۶)، مصلح بیدار (۴۲ -۲۳)، یادنامه (۲۶ - ۹).

مطیع مازندرانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۷ ق)، شاعر. اصلش از ساری مازندران و از مداحان محمدعلی میرزا دولتشاه و حشمت‌الدوله بود. او شعر می‌گفت و در صنعت انشاء نیز قوی دست بود. وی در کرمانشاه درگذشت. «دیوان» قصایدش قریب چهل هزار بیت بوده که امروزه اثری از آن بر جا نیست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۶۶۸/ ۳)، الذریعه (۱۰۵۹/ ۹)، سفینهٔ المحمود (۶۳۲ -۶۳۰/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۸۵۳)، مجمع الفصحا (۹۴۵ -۹۴۴/ ۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۸۱ -۱۸۰).

مطیعای تبریزی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اصلش از تبریز و ساکن عباس‌آباد اصفهان بود. با شخصیتهای معروف هم‌صحبت و هم‌نشین بود و روزگار به تجارت می‌گذراند. به زیارت کعبه و حرم حضرت معصومه (س) مشرف شد. وی مدتی قبل از تحریر «تذکره‌ی نصرآبادی» (تألیف شده در ۱۰۸۳ ق) همراه فرزندش به هندوستان رفت. پسرش در آن دیار درگذشت و مطیعا بیمار شد و به اصفهان بازگشت و در آن شهر درگذشت. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۷۶/ ۵)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۶۰۰ -۵۹۸/ ۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۹۲ -۳۹۱)، دانشمندان آذربایجان (۳۴۸)، الذریعه (۱۰۵۹/ ۹)، سرو آزاد (۵۷)، صبح گلشن (۴۲۵ -۴۲۴)، فرهنگ سخنوران (۸۵۳)، کاروان هند (۱۳۱۲ -۱۳۱۱/ ۲).

مطیعی لنگرودی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمد حسن مطیعی لنگرودی در تاریخ دوازده اسفند ماه سال هزار و سیصد و بیست و پنج در استان گیلان، شهر لنگرود به دنیا آمد. در سال ۱۳۶۰ به دریافت درجه دکترا در رشته جغرافیا، گرایش زندگی روستایی و جوامع ناحیه ای از دانشگاه کان فرانسه نایل گردید.ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد پایه بیست و سه دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : جغرافیا گرایش : جغرافیای روستایی و ناحیه ایتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد حسن مطیعی لنگرودی تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در دبستان و دبیرستان داریوش لنگرود به پایان رسانید و برای ادامه تحصیل در مقاطع دانشگاهی، عازم تهران شد. در سال ۱۳۵۳ از دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی) موفق به دریافت مدرک کارشناسی در رشته جغرافیای انسانی شده و پس از گذشت سه سال اشتغال در ایران، همراه همسر و فرزند عازم کشور فرانسه شد. در سال ۱۳۵۷ به دریافت مدرک فوق لیسانس و در سال ۱۳۶۰ به دریافت درجه دکترا در رشته جغرافیا، گرایش زندگی روستایی و جوامع ناحیهای از دانشگاه کان فرانسه نایل گردیدهمسر و فرزندان : محمد حسن مطیعی لنگرودی متاهل است.وقایع میانسالی : محمد حسن مطیعی لنگرودی پس از بازگشت به ایران،در سال ۱۳۶۳ در گروه آموزشی جغرافیا دانشگاه فردوسی مشهد با مرتبه استادیاری پایه دو شروع به کار نمود. در سال ۱۳۷۱ به مرتبه دانشیاری، و در سال ۱۳۷۸ به مرتبه استادی پایه ۱۶ ارتقاء یافت. در سال ۱۳۸۲ به دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران منتقل شد، و در حال حاضر (شهریور ۱۳۸۴) استاد پایه بیست و سه دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران میباشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل مورد تصدی محمد حسن مطیعی لنگرودی : مدیر گروه جغرافیا دانشگاه فردوسی مشهد به مدت ۶ سال (۶۹-۱۳۶۴)؛ معاون پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد به مدت ۵ سال (۸۰-۱۳۷۵)؛ عضو کمیته برنامه ریزی جغرافیا در وزارت علوم و آموزش عالی به مدت ۵ سال (۶۹-۱۳۶۵)؛ سرپرست تحصیلات تکمیلی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، به مدت ۲ سال (۷۷-۱۳۷۵)؛ عضو شورای دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد به مدت سه سال (۸۰-۱۳۷۸)؛ عضو شورای دانشگاه فردوسی مشهد به مدت سه سال (۸۰-۱۳۷۸)؛ عضو هیأت تحریریه مجله جغرافیا و توسعه ناحیهای، دانشگاه فردوسی مشهد؛ عضو هیأت تحریریه مجله فصلنامه تحقیقات جغرافیایی؛ عضو هیأت تحریریه مجله پژوهشهای جغرافیایی دانشگاه تهران؛ عضو هیأت تحریریه مجله جغرافیا و توسعه، دانشگاه سیستان و بلوچستان؛ مدیر مسئول مجلهٔ جغرافیا و

توسعه ناحیهای دانشگاه فردوسی مشهد ، مدیر قطب علمی مطالعات و برنامه ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا دانشگاه تهرانفعالیتهای آموزشی : تدریس در دوره های کارشناسی ،کارشناسی ارشد و دکتری در گروه آموزشی جغرافیا دانشگاه فردوسی مشهد و تهران . دروس تدریس شده در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری توسط محمد حسن مطیعی لنگرودی به قرار زیر است؛ برنامه ریزی روستایی با تاکید بر ایران، کشاورزی و توسعه پایدار، ۱ جغرافیای اقتصادی روستاهای ایران، برنامه ریزی صنایع روستایی، اقتصاد توسعه با تاکید بر ایران، انسان، محیط و ایدئولوژی، جغرافیای اقتصادی، جغرافیای روستایی چگونگی عرضه آثار : محمد حسن مطیعی لنگرودی در کنار تدریس به مطالعه و پژوهش می پردازد که به چند مورد از تحقیقات و پژوهشهایی که ایشان مجری آن بودند اشاره می شود: عملکرد اقتصادی- اجتماعی تعاونیهای تولید مشاع در دشت مشهد؛ بررسی و شناخت توان اشغالزایی صنایع دستی در نواحی روستایی شهرستان مشهد؛ بررسی اثرات اقتصادی- اجتماعی خدمات برق رسانی، در نواحی روستایی بجنورد؛ تنگناهای توسعه فضایی در روستاهای درهای؛ بررسی زندگی روستایی در ایالت کبک کانادا (سفر مطالعاتی سال تحصلی ۸۱-۱۳۸۰)؛ و طرحهای پژوهشی دیگر. دکتر محمد حسن لنگرودی مطیعی استاد راهنمای بیش از ۱۰۰، پایاننامه در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری است که به چند مورد از عنوان از آنها اشاره میکنیم: - رساله دکتری، بررسی تأثیر فعالیتهای عمرانی بر تثبیت جمعیت روستایی، آقای امامعلی عاشری؛ ؛ - رساله دکتری تحلیل توزیع فضایی صنایع در نواحی روستایی شهرستان مشهد، آقای حسنعلی فرجی سبکبار؛ - رساله دکتری آقای علیاکبر عنابستانی، پایدارسازی اقتصاد روستایی از طریق یکپارچه نمودن توانهای تولیدی کشاورزی؛ - رسالهٔ دکتری آقای محمود مرادی، با عنوان جایگاه صنایع در فرآیند صنعتی سازی و توسعه روستایی بخش مرکزی بیرجند دکتر محمد حسن مطیعی لنگرودی دارای بیش از ۳۴ مقاله چاپ شده در مجلات معتبر دانشگاهی و مجری بیش از ۱۰ طرح پژوهشی است.آثار : ۱ برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران ویژگی اثر : تالیف- دانشگاهی مشهد،سال ۲؛۱۳۸۲ جغرافیا در قرن بیست و یکم، ویژگی اثر : ویراستاری-انتشارات آستان قدس رضوی، سال ۳؛۱۳۷۸ جغرافیای اقتصادی ایران (صنایع)، ویژگی اثر : جهاد دانشگاهی مشهد، سال ۴؛۱۳۸۴ جغرافیای اقتصادی ایران (صنعت) ویژگی اثر : تالیف - جهاد دانشگاهی مشهد، سال ۱۳۷۶۵ جغرافیای اقتصادی ایران (کشاورزی) ویژگی اثر : تالیف- جهاد دانشگاهی مشهد، سال ۶؛۱۳۷۴ جغرافیای اقتصادی ایران (کشاورزی) ویژگی اثر : انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد،سال ۷؛۱۳۸۱ جغرافیای اقتصادی خراسان، ویژگی اثر : تالیف_ آستان قدس رضوی، سال ۱۳۷۳۸ روش تحقیق در جغرافیا ویژگی اثر : ترجمه - آستان قدس رضوی، سال ۹؛۱۳۷۱ سیمای اقتصادی جهان، ویژگی اثر : ترجمه - انتشارات آستان قدس رضوی، سال ۱۰؛۱۳۷۰ مدلهای فضایی پهنه بندی و مکانیکی ویژگی اثر : مقاله -نویسنده : حسنعلی فرجی سبکبار، حسن مطیعی لنگرودی.۱۱ مقالههای چاپ شده در مجلات معتبر دانشگاهی:: ۱- رشد جمعیت در هند، مجله دانشکده ادبیات مشهد، ۱۳۶۳؛ ۲- الگوی متدولوژیک در مطالعات روستایی، مجله دانشکده ادبیات مشهد، ۱۳۶۵؛ ۳- تحولاتی جدید در جمعیت جهان، مجله رشد آموزش جغرافیا، ۱۳۶۲؛ ۴- تراکم جمعیت در ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۱۳۶۶؛ ۵- تحولات جمعیت در جهان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۱۳۶۶؛ ۶- روشهای کمی در جغرافیای جمعیت، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۱۳۶۷؛ ۷- خودکفایی جهانی در تولید محصولات کشاورزی، مجله دانشکده ادبیات مشهد،۱۳۶۷؛ ۸- عملکرد نظامهای بهرهبرداری کشاورزی در ایران، مجله دانشکده ادبیات مشهد، ۱۳۷۰؛ ۹- عملکرد تعاونیهای تولید مشاع در دشت مشهد، مجله دانشکده ادبیات مشهد، ۱۳۷۰؛ ۱۰- عمران فضای روستایی ایران، مجله موسسه جغرافیایی دانشگاه تهران، ۱۳۷۲؛ ۱۱- نگرشی در کاربردهای جغرافیای اقتصادی، مجله دانشکده ادبیات مشهد، ۱۳۷۲؛ ۱۲- روند رشد جمعیت و مشکلات تامین اشتغال در استان خراسان، مجموعه مقالات دانشگاه سبزوار، ۱۳۷۳؛ ۱۳- نگرشی جغرافیایی در اقتصاد تطبیقی روستاهای ایران، مجله دانشکده ادبیات مشهد، ۱۳۷۲؛ ۱۴- اهداف جهانگردی در استان خراسان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۱۳۷۶؛ ۱۵- توان اشتغالزایی بخش کشاورزی در سبزوار، مجله دانشکده ادبیات مشهد، ۱۳۷۶؛ ۱۶- بررسی و شناخت توان اشتغالزایی صنایع دستی در نواحی روستایی شهرستان مشهد، مجله دانشکده ادبیات مشهد ۱۳۷۷؛ ۱۷- ضرورت و اهمیت تقسیم استان خراسان وروند توسعه ناحیهای، مجموعه مقالات همایش بررسی راهبردهای علمی و عملی تقسیم استان خراسان، دانشگاه سبزوار ۱۳۷۶؛ ۱۸- توریسم فرهنگی، بستری برای گفتگوی ملل، همایش رویکرد فرهنگی به جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۹؛ ۱۹- راهبردهایی در ارتباط با توسعه و عدالت اجتماعی، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰؛ ۲۰- لنگرود در گذر زمان، نشر سالی، ۱۳۸۰؛ ۲۱- روستا و روستانشینی در ایران، مجلهٔ علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال ۱۳۸۰؛ ۲۲- اثرات اقتصادی، اجتماعی شهرکهای صنعتی در نواحی روستایی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۱۳۸۰؛ ۲۳- عوامل رکورد صنایع دستی در نواحی روستایی شهرستان مشهد، مجله دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال ۱۳۸۰؛ ۲۴- روستا و توسعه، همایش توانمندیهای جغرافیا در برنامهریزیهای توسعه، گروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، دیماه ۱۳۸۰؛ ۲۵ مدیریت جدید برای نوسازی روستایی- تجربه اروپا و شمال آمریکا، مجلهٔ جغرافیا و توسعهٔ ناحیهای، سال ۱۳۸۲؛ ۲۶ نگرشی در تحولات اقتصاد روستایی، مطالعه روستاهای ایالت کبک کانادا، فصلنامهٔ سرزمین، سال ۱۳۸۳؛ ۲۷ روند بهرهبرداری و توسعهٔ منابع آب کشاورزی در ...، مجلهٔ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۱۳۸۳؛ ۲۸—Economic social effects of industrial town in rural development, International conference, Department of Geography, Aligarh Muslim University,Aligarh-۲۰۲۰۰۲-INDIA, ۳-۵ November ۲۰۰۱. ۲۹-The factors of handicraft stagnancy in rural region of Mashhad, International conference, Department of Geography, Banaras University, Varanasi, INDIA, ۱-۳ December ۲۰۰۱. و مقالات دیگر

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مطیعی، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن مطیعی

محل تولد : اهواز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۴/۱۶

زندگینامه علمی

پس از اخذ دیپلم سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس مقدمات و سطح را تا سال ۱۳۶۹ به پایان بردم. پس از آن وارد درس خارج شده و سال ۱۳۷۰ وارد بخش آموزشی موسسه در راه حق شدم که یک دوره کارشناسی معارف اسلامی و فلسفه اسلامی را همزمان با شرکت در درس های خارج (فقه و اصول) طی نمودم. در سال ۱۳۷۵ با ورود به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) تحت اشراف مقام معظم رهبری و به ریاست استاد مصباح در دوره کارشناسی ارشد علوم تربیتی مشغول به تحصیل شده و در فروردین سال ۱۳۸۰ از پایان نامه خود دفاع نمودم. در این مدت همزمان با تحصیل با مرکز مطالعات و تحقیقات حوزه در پاسخگویی به سؤالات اخلاقی تربیتی و مشاوره ای نیز همکاری داشتم. پس از دفاع از پایان نامه با بخش پژوهش موسسه امام خمینی(ره) در گروه علوم تربیتی با دکتر شاملی پروژه تربیت اخلاقی را مشغول شدم که متاسفانه بعد از مدتی با پراکنده شدن دوستان همکار این پروژه ادامه نیافت. پس از آن دوره تربیت مربی اخلاق را در یک سال تحصیلی در موسسه امام خمینی(ره) با مدیریت استاد دکتر آقا طهرانی گذرانده که حاصل آن دو مقاله تربیتی اخلاقی (اخلاق کاربردی) بود. توضیح اینکه در راستای فعالیت های علمی چند بار مورد تشویق قرار گرفته ام: ۱. در ارائه تحقیقی مربوط به درس خارج اصول به استاد محمد رضا مدرسی حفظه الله و اعطای دوره کتاب جامع السعادات . ۲. در پایان دوره کارشناسی از سوی بسیج دانشجویی لوح تقدیر و ساعت. ۳. در حفظ بخشی از نهج البلاغه در درس آیت الله مکارم شیرازی و اعطای چند جلد از کتابهای تفسیر موضوعی از سوی ایشان.

مظاهری اصفهانی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر مظاهری اصفهانی

محل تولد : تیران استان اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۴

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۷ ه.ش در تیران (استان اصفهان) زاده شدم. نامم را «علی» نهادند؛ اما «علی اکبرم» خواندند. اکنون نیز نامم در شناسنامه علی است، اما علی اکبر می خوانندم. خاندانم متدین بودند. کار پدر، نانوایی بود و کشاورزی. پدر و مادر هر دو از فامیل «مظاهری» ها هستند. منسوب به جناب حبیب ابن مظاهر ـ رضوان الله علیه ـ شجره نامه انتسابمان به آن جناب موجود است.نهال خدا دوستی و دین گرایی را که دست حکمت آفریدگار در وجودم نشانده بود، به دست والدین ام به خصوص مادرم، که از خاندان روحانی بود، آبیاری و باغبانی می شد و پرورش می یافت و آن فطرت الهی، که همه آدمیان بر مبنای آن آفریده می شوند، بالنده می گشت. صوت قرآن پدرم و زمزمه مناجات مادرم، جانم را می نوازاند.

پنج ساله بودم که مادرم دستاری بر سرم می بست و منبری از متکا برایم می ساخت و می فرمود که به گونه عالمان دین بر کرسی خطابه بنشینم و برایش سخن گویم و موعظه نمایم و احکام و معارف شریعت را بیان کنم! تمرین عالم شد نم می داد.

کلاس اول و دوم ابتدایی را در تیران گذراندم و در هر دو سال شاگرد اول بودم حتی معلممان را در تصحیح درس ها و برخی از امور شاگردان یاری می کردم.ادامه زندگانی در تیران به خاطر تنگنای معیشتی بسیار سخت بود و یا ناممکن می نمود؛ از این رو همراه خانواده به شهر اصفهان مهاجرت کردیم.

اگر چه از دبستان تیران، گواهی درسی و مدارک لازم برای ادامه تحصیل در اصفهان را گرفتم اما ادامه تحصیل ممکن نشد زیرا مرا به کار نانوایی گماشتند و حتی فراغت ادامه تحصیل شبانه نیز برایم باقی نماند. همواره عطشناک درس خواندن و مطالعه کردن بودم و در فراغ آن می سوختم.

چند سال که بزرگتر شدم به مدرسه شبانه (اکابر) رفتم و هر شب حدود دو ساعت درس خواندم. کلاس سوم را دو ماهه خواندم و چهارم را نخوانده امتحان دادم و به کلاس پنجم رفتم و چند ماهی دوره باقی مانده ابتدایی را به پایان رساندم و باز از ادامه تحصیل بازماندم. هزینه زندگی بیشتر می شد و پدر پیرتر و مسئولیت من سنگین تر.نوجوان بودم و کار یک مرد را در نانوایی می کردم و

بخشی از هزینه های زندگانی را تامین می نمودم.علاقه به مطالعه همواره همراهی ام می کرد. اگر چه نه کتاب مناسب و نه فراغت لازم را داشتم اما کتاب های گوناگون را به گونه های مختلف به دست می آوردم و می خواندم. مطالعه کتابم فراتر از سطح تحصیلات مدرسه ای ام بود. و نیز همیشه در صدد یافتن فرصت برای ادامه تحصیل بودم این شوق و انگیزه هرگز در وجودم خاموش و آرام نشد و هرگز خاموش و آرام مبادا انشاء الله.

پس از حدود یک سال که نزد برادرم نجاری می کردم او به ایران بازگشت و من مسوول کارگاه نجاری شدم اما دل و اندیشه ام به سوی مدرسه بود. کم کم اهداف و اندیشه هایم را با سرپرست حوزه عملیه آنجا (که در بیوگرافی تفصیلی، درباره او سخن خواهم گفت) در میان گذاشتم و از او یاری طلبیدم. وی راهنمایی و مساعدت کرد و من کارگاه نجاری را که حدود یک و سال و نیم اداره کرده بودم به کسانی واگذار کردم و به حوزه علمیه در آمدم و طلبه شدم! نانوا، نجار، طلبه! و الحمد لله نانوایی، نجاری، طلبگی! و الحمد لله.

سال ۱۳۵۶ بود نزد یک شهادت حاج آقا مصطفی خمینی، و من پس از حدود هشت سال نانوایی و دو سال و نیم نجاری، اکنون محصل علوم اسلامی شده بودم و به قلمرو آرمانی اهدافم وارد شده بودم. درسها و مطالعاتم گام هایی بودند به سوی کلمه کمال و رسیدن به وصال و وصول به مقصود عالم شدن، نویسنده شدن، سخنران شدن، و از همه بالاتر، تکامل اخلاقی و معرفتی و نیل به قرب الهی.

درس ها و نیز مدرسان آنجا هم عربی بودند و هم فارسی و من نیز هم فارسی می دانستم و هم عربی. آن مدت که در کویت کار می کردم مکالمه عربی را فرا گرفتم و کمی ینز خواندن و نوشتن عربی را. از این رو هم درس های عربی را می خواندم و هم درس های فارسی را. هم به درس استادان عرب می رفتم و هم به درس استادان فارسی. درس ها و کتاب هایی که به درس در آن حوزه خواندم برخی شان مطابق برنامه های درسی حوزه های علوم اسلامی در ایران بود و برخی دیگر شان متفاوت بود. مثلا کتا ب ها و درس های «شرایع الاسلام»، «العروهٔ الوثقی» «المنهاج، فی قواعد و الاعراب» ، «التدبر فی القرآن»، جزو دروس اصلی حوزه های علمیه ایران نبود و نیست اما از درس های اصلی حوزه علمیه کویت بود و ما می خواندیم و برخی از درس های حوزه های ایران نیز در حوزه کویت، تدریس و خوانده نمی شد. هم در مواد درسی و هم در شیو ه های درسی، تفاوت هایی و اشتراک هایی میان حوزه کویت و ایران بود (که باید در مجالی دیگر بیان شود)

نهضت اسلامی خیز برداشت و بر اثر حوادث پس از شهادت حاج آقا مصطفی خمینی کوره انقلاب اسلامی داغ و داغتر شد. ما که کویت بودیم و به نجف نزدیکتر بودیم و نیز محدودیت های ایرانیان را کمتر داشتیم گاهی می شد که زودتر و آسانتر به نجف وصل می شدیم و سفیران امام خمینی راحت تر به ما می رسیدند و آقای سید عباس فهری که نماینده حضرت امام در کویت بود بی مشکل و یا با مشکل کمتر با امام ارتباط می گرفت و به ما می رساند.من وظیفه انقلابی خویش را در میان ایرانیان مقیم کویت، ایفا می کردم در منازل کارگران می رفتم برای شان جلسه می گذاشتم. محصولات انقلابی (کتاب، بیانیه، اعلامیه، نوار ...) به آنان می رساندم. کار آسانی نبود زیرا برخی از ایرانیان در کویت بـه خاطرضعف فرهنگ و نیز تعصب به مملکت خویش و به هم آمیختن وطن دوستی با شاه دوستی به آسانی به نهضت اسلامی نمی پیوستند و از حکومت پهلوی نمی بریدند. گاه می شد که مرا طرد می کردند و از خود می راندند، و حتی تهدید به مرگم می کردند اما من که تکلیف خویشتن را می شناختم و علل قصور و تقصیر آنان را نیز می دانستم، به گونه های گوناگون ادامه طریق می دادم، تا آنکه خداوند، نصرت و فتح خویش را کرامتمان فرمود و طلیعه پیروزی نمایان گشت و سپاس خدای را که عکس منحوس شاه ملعون به دست من از سر در سفارت ایران درکویت کنده شد و تمثال مبارک امام خمینی ـ سلا م الله علیه ـ به جای آن نصب گردید.

مظاهری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج میرزا حسن نیز از علما و مجتهدین، و از شاگردان میرزا محمد هاشم و از مجازین از ایشان بود. در حدود سال ۱۳۶۸ در تیران کرون اصفهان به سن متجاوز از نود سال وفات یافت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مظاهری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یکی از این عالمان بزرگ و سالکان مسلک دوست، معلم اخلاق و مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ حسین مظاهری مد ظله العالی است که از محضر عالمانی بزرگوار بهره برده و از نفس گرم پیران طریقت، گرمای حیات‌بخش معنوی گرفته‌اند.

تولد جسمانی و روحانی:

آیهٔ الله مظاهری در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی در خانواده‌ای روحانی، وارسته و مذهبی پا به عرصه‌ی وجود می‌گذارند. معظم له پس

از گذراندن تحصیلات غیر حوزوی در سال ۱۳۲۶ شمسی بمنظور تحصیل علوم دینی وارد حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان شده و پس از اتمام دروس مقدمات، مقداری از دروس سطح حوزوی در بخشهای فقه، اصول و فلسفه را در محضر حضرات آیات خادمی، فیاض، طیب، ادیب و مفید «رحمهٔ الله علیهم» تلمذ می‌نمایند.

ورود به حوزه‌ی علمیه‌ی قم، محضر استادان علم و عمل:

در سال ۱۳۳۱ شمسی حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان را به قصد حوزه‌ی علمیه‌ی قم ترک گفته و در جوار مرقد کریمه‌ی اهل بیت حضرت فاطمه معصومه «سلام الله علیها» رحل اقامت می‌افکنند و باقیمانده‌ی دروس سطح را از محضر حضرت آیات مرعشی نجفی، حاج شیخ مرتضی حائری، و حاج شیخ عبد الجواد جبل عاملی «رحمهٔ الله علیهم» استفاده کرده و سپس در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: امام خمینی، بروجردی و محقق داماد «قدس سرهم» حاضر می‌شوند. استفاده‌ی بیش از هشت سال از محضر علمی و معنوی آیت الله العظمی بروجردی، مرجع علی الاطلاق شیعه در آن عصر و نیز بهره‌برداری از محفل دانش و تقوای حضرت امام خمینی در طول نزدیک به ده سال و همچنین خوشه‌چینی از خرمن علم و عمل مرحوم آیهٔ الله العظمی سید محمد محقق داماد و نیز استفاده‌ی سالیان متمادی از دروس فلسفه و عرفان حجهٔ الحق، حضرت استاد علامه‌ی طباطبایی «قدس سرهم»، همه و همه موجب استحکام و اتقان پایه‌های علمی و توان عملی و اخلاقی آیهٔ الله العظمی مظاهری شده است. ثمرات این استفاده‌های ارجمند، صدها صفحه تقریرات فقهی و اصولی دروس و افادات و افاضات این اساتید عالی مقام است که در ۱۵ عنوان گرد آوری شده است.

ثمره‌ی دانش اندوزی، آثار و تألیفات:

افزون بر اینها، تألیفات معظم له می‌باشد که بویژه در زمینه‌های اخلاقی مورد استقبال گسترده علاقمندان به علم اخلاق و خصوصا نسل جوان واقع شده است.

فهرست کلی تألیفات منتشر شده‌ی ایشان عبارت است از:

۳ جلد در زمینه‌ی علم فقه، ۲۵ جلد در زمینه‌ی علم اخلاق، ۵ جلد در زمینه‌ی علم اقتصاد، ۳ جلد در زمینه‌ی اعتقادات، ۲ جلد در زمینه‌ی تاریخ و حدیث.

همچنین فهرست کلی آثار غیرمطبوع ایشان بدین شرح است:

۱۷ عنوان در زمینه‌ی فقه، ۳ عنوان در زمینه‌ی علم اصول، ۲۴ عنوان در زمینه‌ی علم اخلاق و عرفان، ۸ عنوان در زمینه‌ی علم کلام و اعتقادات، ۵ عنوان در زمینه‌ی تفسیر قرآن شریف، ۴ عنوان در زمینه‌ی علم اقتصاد، ۷ عنوان در زمینه‌ی تاریخ و متفرقات.

استاد در کرسی تدریس:

آیهٔ الله العظمی مظاهری یکی از اساتید با سابقه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم می‌باشند که از سال ۱۳۵۶ شمسی حوزه‌ی درس خارج فقه و اصول داشته و دهها تن از شاگردان و تلامیذ ایشان اینک در مناصب مختلف حوزوی، دانشگاهی،فرهنگی، قضایی و سیاسی در خدمت نظام مقدس اسلامی قرار دارند.

هم اکنون نیز در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، دروس خارج فقه و اصول ایشان، بزرگترین حوزه‌ی درسی خارج و محفل تعلیم افاضل و روحانیون محترم است و به تعبیر مقام معظم رهبری و ولی امر مسلمین «از لحاظ شکوه و عظمت خود درس و اجتماع طلاب، در اصفهان سابقه ندارد».

افزون بر اینها، معظم له یکی از معلمان بزرگ اخلاق در عصر حاضر بوده و اینک متجاوز از سی سال است که بر بلندای منبر اخلاق، سالکان مسلک سلوک را با دروس شیوا و دلنشین اخلاقی خود، رهنمون می‌شوند. دروس اخلاق ایشان در حوزه‌ی علمیه‌ی قم، یکی از دروس باعظمت و شکوهمندی بود که در زمان حیات مبارک حضرت امام خمینی «رضوان الله علیه» مورد توجه و تقدیر ایشان واقع گردید و اینک نیز در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، مشتاقان معارف اخلاقی اسلام از دروس معظم له بهره‌ی معنوی و اخلاقی می گیرند.

پیش از پیروزی انقلاب، دو جبهه فرهنگی و سیاسی:

همچنین معظم له به همراهی حضرات آیت مصباح یزدی و سید محسن خرازی و حجهٔ الاسلام و المسلمین دکتر احمد احمدی دام عزهم، پیش از پیروی انقلاب اسلامی با تأسیس «مؤسسه‌ی در راه حق» گام نوینی را در ایجاد ارتباط علمی و فرهنگی بین حوزه و دانشگاه برداشته و صدها تن از مشتاقان معارف اسلامی در حوزه‌های علمیه را با یک سلسله از علوم جدید و معارف مورد نیاز جامعه اسلامی آشنا کرده که ثمرات بسیار عظیم آن نهاد علمی و دینی و کارنامه‌ی درخشان آن بر آگاهان پوشیده نیست.

آیهٔ الله العظمی مظاهری یکی از اعضاء باسابقه و عالیرتبه‌ی جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم بودند و در زمان نهضت اسلامی و دوران مبارزات ملت عظیم‌الشأن ایران علیه رژیم ستم‌شاهی، بسیاری از اعلامیه‌های مهم اساتید و بزرگان حوزه‌ی علمیه‌ی قم به امضاء ایشان نیز رسیده است.

پس از پیروزی انقلاب، استمرار تلاش در هر دو جبهه:

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی نیز، معظم له با استمرار مشاغل و فعالیت‌های علمی و حوزوی، در راستای تلاش برای ارتقاء سطح فرهنگی و فرهنگ دینی جامعه اسلامی، با ارائه‌ی سلسله دروس اخلاق برای نسل جوان و بویژه بسیجیان و رزم‌آوران هشت سال دفاع مقدس، به اداء مسئولیت سنگین حوزوی و دینی پرداخته و همیشه در صف مقدم یاران و پیروان قائد راحل عظیم‌الشأن حضرت امام خمینی «سلام الله علیه» بوده‌اند.

در سال‌های اول انقلاب، معظم له به همراه استاد اندیشمند و فرزانه حضرت آیت الله مصباح یزدی«دام ظله» براساس تفکرات نوینی که برای ساماندهی وضعیت تشکیلاتی حوزه‌های علمیه داشتند، پیگیری‌هایی را در این خصوص از محضر امام خمینی «قدس سره الشریف» و مرحوم حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی «رضوان الله علیه» انجام دادند که نتیجه‌ی آن پیگیری‌ها، تشکیل شورای مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی قم و ایجاد یک ساختار جدید تشکیلاتی برای این حوزه‌ی مقدسه بود.

هجرت، آغاز مرحله‌ای نوین و تحولی مبارک:

یکی از نقاط عطف تاریخ زندگی پربرکت آیهٔ الله العظمی مظاهری، هجرت تاریخی و شکوهمند ایشان از حوزه‌ی مقدسه‌ی علمیه‌ی قم به حوزه‌ی مقدسه‌ی علمیه‌ی اصفهان بود که در اوایل زمستان سال ۱۳۷۴ شمسی مطابق با شعبان ۱۴۱۶ قمری واقع شد.

این هجرت مبارک علاوه بر آن که در نوع خود در طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب بزرگ اسلامی ایران بی‌نظیر بود، همچنین سرآغاز تحولی خجسته و مبارک در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان گردید و نمونه‌ای بارز از این فرمایش بلند حضرت امام خمینی «اعلی الله کلمته» در «منشور روحانیت» شد که فرمودند: «صدها سال است که روحانیت اسلام تکیه‌گاه محرومان بوده است. همیشه مستضعفان از کوثر زلال معرفت فقهاء بزرگوار سیراب شده‌اند. از مجاهدت علمی و فرهنگی آنان که بحق از جهاتی افضل از دماء شهیدان است که بگذاریم، آنان در هر عصری از اعصار برای دفاع از مقدسات دینی و میهنی خود مرارتها و تلخی‌هایی را متحمل شده‌اند».

باری حوزه‌ی شکوهمند اصفهان با سابقه‌ای دیرینه و برابر با چندین قرن، همواره پشتوانه‌ای عظیم برای فقه و فقاهت و حراست از کیان معرفت دینی و معارف اسلامی بشمار می‌رفته است. عالمان بزرگ، فقیهان سترگ و فیلسوفان بلندپایه و عارفان روشن ضمیری که نامشان قرین اصفهان و تاریخ باعظمت این سامان است، خبر از این واقعیت بلند می‌دهند که حوزه‌ی این دیار در زمانی نه چندان دور، جایگاه رفیع علم و دانش و معرفت دین را در قبضه‌ی اختیار و اقتدار خود داشته و وجود فرزانگانی چون شیخ بهایی، علامه‌ی مجلسی، میرداماد، سید شفتی، جهانگیرخان قشقایی و دهها و صدها تن دیگر از نام‌آوران تاریخ اسلامی ایران، در این حوزه‌ی باعظمت که آراء علمی و مقامات برجسته‌ی معنوی و فرهنگی و سیاسی‌اشان، آنان را شهره‌ی آفاق ساخته است، همه و همه نشان از شکوه دیرین این نهاد بلند مرتبه‌ی دینی و فرهنگی تشیع دارد و به تعبیر زیبای ولی امر مسلمین و مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» این حوزه‌ی کهن و ریشه‌دار، سلف حوزه‌ی عظیم‌الشأن قم محسوب می گردد.

اما این حوزه‌ی باسابقه در دهه‌های اخیر به دلیل افول ستارگان درخشان آسمان علم و به دلایل متعدد دیگری که مجال بسط آن در این فرصت کوتاه نیست به تدریج دچار رکود گردیده بود. بر این اساس مدتها بود که علماء بزرگ و فضلاء و طلاب عزیز حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان به دنبال راهکاری برای جبران و اصلاح نظام تشکیلاتی و علمی این حوزه‌ی مقدسه بودند، اما این حرکت به یک «محوریت کارآمد» و یک «مرکزیت استوار» نیازمند بود تا این که با افزایش این احساس نیاز، از بین شخصیتهای برجسته و مردان الهی، نظرها به سوی فقیهی وارسته و مجاهدی تلاشگر و معلمی بزرگ معطوف شد. این شخصیت کسی نبود جز آیهٔ الله العظمی مظاهری.

علماء بزرگ و فضلاء ارجمند حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان پیش از آن تاریخ، بارها از محضر آیهٔ الله العظمی مظاهری خواسته بودند که ایشان از قم هجرت کرده و در اصفهان رحل اقامت افکنند اما آن بزرگوار به دلایل مختلف از پذیرش این درخواست امتناع می‌کردند تا آن که پس از رحلت مرحوم حضرت آیهٔ الله آقای حاج شیخ حسن صافی اصفهانی «قدس سره»، اساطین و علماء بزرگ حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، در آبان ماه سال ۱۳۷۴، طی نامه‌ی بسیار مهمی که یکی از اسناد افتخار تاریخ شکوهمند حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان است، به حضور ولی امر مسلمین و رهبر معظم انقلاب اسلامی «مدظله العالی»، با اشاره به مشکلات روزافزون این حوزه‌ی مقدسه، چنین مرقوم داشتند: «... با توجه به استنباط از فحاوی کلام حضرتعالی نسبت به فاضل معاصر، معلم اخلاق، فقیه متبحر و اصولی کارآمد، مجتهد عالم به زمان و مکان حضرت آیهٔ الله مظاهری دامت برکاته که یکی از برجستگان درس مرحوم امام خمینی «رحمهٔ الله علیه» بوده‌اند، حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان آمادگی خود را جهت استقبال شایان از ایشان اعلام می‌نماید...».

در فاصله‌ای که نامه‌ی اساتید و علماء حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان به محضر مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» تقدیم شد و پاسخ معظم له، تلاشهای گسترده‌ای برای جلب رضایت آیهٔ الله العظمی مظاهری در جهت اجابت این درخواست از سوی حوزویان و دیگر اقشار مختلف صورت پذیرفت.

بالاخره، آیهٔ الله العظمی مظاهری با توجه به اهمیت شایان عنایت درخواست علماء بزرگ حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان و نیز استقبال و علاقمندی‌بسیار زیاد همراه با تواضع و صفای باطن مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» در این زمینه، متقاعد شده و با نشان دادن مراتب تبعیت عملی خود از ولایت فقیه، و آماده شدن برای هجرت به حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان پس از متجاوز از چهل سال تحقیق و تتبع و دانش‌اندوزی و تدریس، یکی از زیباترین صحنه‌های تاریخی التزام عالمان دین به اعتقادات علمی خود را به منصه‌ی ظهور وبروز درآورند.

پس از آن رهبر معظم انقلاب اسلامی در تاریخ ۹ آذر ۱۳۷۴ طی پیام بسیار مهمی خطاب به آیهٔ الله العظمی مظاهری، با یادآوری سابقه‌ی باعظمت حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان نقش علماء اعلام آن در انقلاب اسلامی که مظهر اطاعت از امام راحل عظیم‌الشأن بوده است، چنین فرمودند: «بحمدالله و المنهٔ خود آن جناب نیز از حسنات اصفهان و هدیه‌ای ارزشمند از آن شهر فضیلت پرور به حوزه‌ی والامقام قم و به طلاب و جویندگان علم و معرفت و اخلاق می‌باشید، و سال‌های متمادی پس از آنکه حظ عظیمی از آن سرچشمه‌ی جوشان فقه و علم و معرفت به دست آورده‌اید، خود در مسند استادی فقه و اخلاق، جمع کثیری از فضلاء و مستعدان را از فیوضات بهره‌مند ساخته‌اید. اینک اصفهان، حوزه‌ی علمیه و مردم آن، جنابعالی را به اصفهان فرامی‌خوانند، قاطبه‌ی علمای محترم و عزیز اصفهان که در میان آنان شخصیتهای برجسته‌ی علمی و دینی نیز حضور دارند و همواره مایه‌ی اعتلای حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان بوده‌اند، در نامه‌ای این را از اینجانب درخواست کرده و شوق خود و مردم را منعکس ساخته‌اند. لذا اینجانب مقتضی می‌دانم که جنابعالی به اصفهان نقل مکان فرموده و پایگاه رفیعی از درس و تعلیم و تحقیق بنا نهید و تربیت طلاب و فضلاء و ارشاد و هدایت عموم مردم و پاسخ‌گویی به مراجعات دینی و شرعی آنان را وجهه‌ی همت سازید. بی‌شک مردم مؤمن و فرهنگ دوست و هوشمند استان و شهر اصفهان که به روحانیت معظم عشق می‌ورزند، مقدم جنابعالی را گرامی می‌دارند، و با قدردانی از برکات وجود شریف بهره‌ای وافر از حضور علمی و اخلاقی و اجتماعی و فرهنگی آن جناب خواهند برد. ان شاء الله».

پیام عدیم النظیر ولی امر مسلمین و مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» و تجلیل معظم له از مرتبت بلند مردم مجاهد و غیور و مؤمن

اصفهان و نیز تمجید از مقام شامخ آیهٔ الله العظمی مظاهری با آن عبارات زیبا و دلنشین، همگان را به تحسین و شگفتی واداشت.

دو روز پس از صدور این پیام مهم، آیهٔ الله العظمی مظاهری در روز یکشنبه ۷۴/۹/۱۲ مصادف با ۱۰ رجب ۱۴۱۶ میلاد پربرکت حضرت جوادالائمه علیه السلام در میان استقبال عظیم علماء، طلاب و اقشار مختلف مردم بزرگوار اصفهان وارد این شهر شده و در این سامان رحل اقامت افکندند.

تبیین حوادث مبارک و باشکوهی که پس از ورود معظم له به اصفهان رخ داد مجالی واسع می‌طلبد. آنچه شایان گفتن است آن است که امروز پس از گذشت نزدیک به سه سال از آن هجرت مبارک، آرزوی بلند علماء و اساطین حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان در شکوفایی و بالندگی دوباره‌ی این حوزه‌ی مقدسه و همچنین آرمان ارجمند رهبر معظم انقلاب اسلامی و ولی امر مسلمین «مد ظله العالی» بـه مرحله‌ی بروز و ظهور رسیده است و امید است بـا استمرار برکات این هجرت شکوهمند، حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، سابقه‌ی عظیم‌الشأن تاریخی خود را به دست آورد.

حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، برکات نعمت حضور:

حرکت عظیمی که بـا این هجرت تحت حمایتهـای مقـام معظم رهبری آغـاز شـد، در ذات و ماهیت خود یک حرکت به تمام معنی فرهنگی بود گر چه برکات دیگری نیز از زوایای مختلف آن جاری شده است.

این حرکت شکوهمند از ابتدای آغاز در دو بعد مهم «حوزوی» و «فراحوزوی» جریان یافته و با عنایات الهی همچنان ادامه دارد:

در «بعد حوزوی» سه محور اساسی «ایجاد نظم و تشکیلات منجسم مدیریتی»؛ «تقویت بنیه‌ی علمی و ارتقاء سطح آموزشی» و «ایجاد خدمات و تسهیلات رفاهی»، مورد توجه و امعان نظر ویژه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان قرار گرفته است.

در این راستا به فهرستواره‌ای از برخی از اقدامات انجام شده اشاره می‌شود:

۱- تشکیل شورای طرح و برنامه حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان به منظور سیاستگذاری برنامه‌های کلان.

۲- تأسیس مرکز مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان به منظور ایجاد نظام تشکیلاتی این حوزه.

۳- تأسیس مرکز خدمات حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان که دارای واحدهای بیمه درمانی طلاب، صندوق قرض الحسنه طلاب، دفتر پشتیبانی و رفاه مسکن طلاب، دفتر فنی و عمرانی می‌باشد.

۴- تأسیس مرکز آموزش و تحقیقات رایانه‌ای حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان.

۵- تصویب و ثبت رسمی اساسنامه‌های حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان و مرکز خدمات حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان.

۶- تأسیس مرکز آموزشهای تخصصی حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان و ایجاد سه رشته‌ی تخصصی در گرایش‌های فقه و اصول، تفسیر، تبلیغ.

۷- پذیرش نزدیک به یک هزار نفر طلاب جدید الورود در سال‌های تحصیلی ۷۶-۷۷ و ۷۷-۷۸.

۸- استقلال امور مشمولیت طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان براساس اخذ فرمان فرماندهی معظم کل قوا.

۹- بناء درسی منظم و محققانه در بخش خارج فقه و اصول توسط شخص آیهٔ الله العظمی مظاهری.

۱۰- برگزاری دروس جنبی حوزوی در زمینه‌های رجال، تفسیر، اعتقادات، فلسفه و...

۱۱- آغاز طرح بزرگ انبوه‌سازی مسکن سازمانی طلاب به استعداد نزدیک به ۴۰۰ واحد مسکونی.

هجرت در بعد فراحوزوی:

در «بعد فراحوزوی» نیز در سه محور «رسیدگی به امور مساجد»؛ «توجه به مراکز فرهنگی، اجتماعی، نظامی» و «ارتباط نزدیک با توده‌ی مردم و اقشار مؤمنین» فعالیتهای مهمی صورت گرفته که گوشه‌هایی از آن بدین شرح است:

۱- تأسیس مرکز رسیدگی به امور مساجد استان اصفهان و تنظیم اساسنامه و ثبت رسمی این مرکز.

۲- ارتباط مستمر و برگزاری سلسله دروس اخلاقی توسط ریاست معظم حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان برای دانشگاهیان، قضات عالیرتبه و فرماندهان نیروهای نظامی و انتظامی و زنان و بانوان.

۳- برگزاری جلسات دروس اخلاق برای اقشار مؤمنین در مسجد حکیم اصفهان که پس از حضور آیهٔ الله العظمی مظاهری در اصفهان، اینک به یک پایگاه رفیع برای اعتلاء معارف اسلام و انقلاب شکوهمند اسلامی تبدیل شده است.

این همه از دولت لطف خداست:

بـدون تردیـد وجود این همه برکـات که بر این هجرت تاریخی مترتب شـده است اثر عنایات لایزال الهی و الطاف حضـرت ولی الله الاعظم «ارواحنـا و ارواح العـالمین لتراب مقـدمه الفـداء» و توجهات ویژه‌ی ولی امر مسـلمین و رهبر معظم انقلاب اسـلامی «مـدظله العـالی» و همچنین مجاهـدت و تلاش پیگیر زعیم عالقـدر حـوزه‌ی علمیه‌ی اصـفهان «دامت برکـاته» است و اگر نبود آن عنایـات و الطاف و توجهات و این مجاهدتها، بدون تردید نیل به مقاصد عالیه‌ای که گوشه‌هایی از آن بصورت فهرست گونه بیان شد، به هیچ روی ممکن نبود.

از خداوند منان و رحمان استمرار و استدامه‌ی این برکات را در سایه‌ی نظام بلند پایه‌ی جمهوری اسلامی طلب می‌کنیم.

انه ولی النعم و التوفیق.

آذر ماه ۱۳۷۷

شعبان المعظم ۱۴۱۹

بسم الله الرحمن الرحیم

مصاحبه‌ی مجله‌ی حوزه با

مرجع عالیقدر

حضرت آیهٔ الله العظمی مظاهری

«مد ظله العالی»

منتشر شده در:
مجله‌ی حوزه (ویژه‌ی حوزه‌های علوم دینی).
شماره‌ی ۶۸–۶۹ (خرداد، تیر، مرداد و شهریور ۷۴)

ما، مسافریم و روزهای عمر، به منزله‌ی منزلهای سفر.

در این منزلها، برای عاقبت‌اندیشان، بهره‌هاست. بهره برای فردا. فردایی که آنچه کشته شده باشد، درویده خواهد شد.

حال، برای فردا، چه کشت شود، تا به کار آید و خریدار داشته باشد، چگونه از آفات دورشان داشت، تا بمانند برای روز درو، مسأله‌ای است مهم که باید از راهیان راه معرفت و سالکان مسلک سعادت، جویا شد.

به فرمان آنان، گردن نهاد و دوره سخت اصلاح نفس و پیرایش و پرورش باطن خویش را آغاز کرد، تا به مرحله‌ای رسید که بتوان از منزلها بهره برد و آن بذر که افشانده می‌شود حاصلی نیکو دهد و در روز واپسین، درخور عرضه به پیشگاه حق باشد. برای این مهم، به محضر معلم اخلاق، فقیه بزرگوار، حضرت آیهٔ الله حاج شیخ حسین مظاهری، که از محضر معلمان بزرگ اخلاق بهره برده و الگوهای نیک در این سیر روحانی داشته و خود در این راه ریاضتها کشیده، شرفیاب شدیم، تا برای گذر از این راه پرخطر راهنمایی بخواهیم و از نفس گرمش، گرما بگیریم.

امید آن که آنچه از این مجلس روحانی برگرفته‌ایم و اینک تقدیم می‌داریم، همگان، بویژه علاقه‌مندان به سیر سلوک را مفید افتد.

حوزه: با تشکر از حضرت عالی که مصاحبه‌ی با مجله‌ی حوزه را پذیرفتید، لطفا، در ابتدا، شمه‌ای از زندگی تحصیلی و علمی خود را بیان بفرمایید.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

رب اشرح لی صدری و یسرلی امری و احلل عقدهٔ من لسانی یفقهوا قولی.

خدا را شکر می‌کنم که توانستم خدمت شما عزیزان باشم. امیدوارم که آنچه می‌گویم، برای خود و شما و خوانندگان، مفید باشد.

البته، تمایل قلبی من این است که در این مصاحبه، از مطالب کلی صحبت کنم؛ اما از باب «فاما بنعمهٔ ربک فحدث» و به لحاظ انتقال تجربیات دیرینه به نسل حاضر و طلاب جوان و از باب این که یادی و ذکری از اساتید و بزرگان و حقداران خود کرده باشم و نیز در جهت اجابت درخواست مجله‌ی وزین حوزه، عرض می‌کنم:

در سال ۱۳۱۲ شمسی در خانواده‌ای وارسته و مذهبی متولد شده‌ام. پس از گذراندن تحصیلات غیر حوزوی، در سال ۱۳۲۶ شمسی، برای تحصیل علوم دینی، وارد حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان شدم.

حوزه‌ی اصفهان، چنان که می‌دانید، سابقه‌ی کهن و درخشانی دارد و حیف که آن سابقه‌ی ارجمند با این لاحقه فعلی، هماهنگ نیست. در سال ۱۳۲۶، وضع حوزه‌ی علمیه اصفهان، گر چه همانند صد سال پیش نبود، ولی با وضع فعلی هم، تفاوت جدی داشت. تقریبا، از لحاظ درس و بحث، حوزه‌ی گرمی بود.

من، در مدرسه مسجد سید اصفهان، که مقبره مرحوم حجهٔ الاسلام علی الاطلاق، یعنی سید شفتی هم در آن جاست و مسجد، منتسب به ایشان است، حجره گرفتم و مشغول تحصیل شدم.

ادبیات را خدمت دو ادیب بزرگوار، مرحوم حاج آقا جمال خوانساری و حاج آقا احمد مقدس، فراگرفتم.

سطح را خدمت حضرات آیات: خادمی، فیاض، و طیب و ادیب خواندم.

منظومه‌ی حاجی سبزواری را در محضر مرحوم آیت الله مفید، خواندم.

این اساتید، مردان بزرگی بودند و حق بسیاری هم بر ذمه من دارند. خداوند، همه آنان را غریق رحمت خود فرماید.

در سال ۱۳۳۱ شمسی به قم آمدم. مقداری از کتاب شریف مکاسب و کتاب ارزشمند کفایه را نزد مرحوم آیت الله حاج شیخ عبد الجواد جبل عاملی، مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری تدرس کردم و بعد، بیش از هشت سال در خدمت حضرت آیت الله العظمی بروجردی و بیش از ده سال، در خدمت حضرت امام و بیش از دوازده سال در خدمت آیت الله العظمی مرحوم داماد، خارج فقه و اصول را استفاده بردم.

اسفار ملاصدرا و شفای بوعلی را هم از محضر استاد بزرگوار، علامه طباطبایی فراگرفتم.

از آغاز تحصیل، مقید بودم، تدریس هم داشته باشم. به یاد دارم که سیوطی می‌خواندم، صمدیه را تدریس می‌کردم از این روی، در اصفهان که بودم، ادبیات تدریس می‌کردم. به حوزه‌ی علمیه‌ی قم که وارد شدم، تدریس سطح را شروع کردم اکنون هم، قریب به بیست سال است که به تدریس خارج فقه و اصول، مشغول هستم.

منظومه، نهایه و قسمتهایی از اسفار را نیز، چندین مرتبه تدریس کرده‌ام.

و توصیه‌ام هم به طلاب این است که تا می‌توانند تدریس را فراموش نکنند. تدریس، افزون بر این که ادای زکات علم است، باعث تقویت پایه‌های علمی نیز هست.

حوزه: اگر خاطره‌ای از اساتید خود دارید، بفرمایید، بویژه از مرحوم آیهٔ الله مفید که قدری ناشناخته‌اند.

-: دوران تحصیل، آن هم در محضر این بزرگان، همه‌اش خاطره است. ولی گفتید از مرحوم آیهٔ الله مفید بگویم، چند جمله‌ای راجع به ایشان، عرض می‌کنم:

مرحوم آیت الله مفید، از فقها و فلاسفه‌ی اصفهان بود. انسان فوق‌العاده وارسته‌ای بود، شاگرد دوست و شاگرد پرور بود. افزون بر فلسفه، خارج فقه و اصول نیز، تدریس می‌کرد.

ایشان، در بیدآباد اصفهان منزل داشتند، ما نیز همسایه‌ی ایشان بودیم. از آن جا، تا مدرسه‌ی صدر اصفهان، مسافت زیادی، راه بود، هر روز در خدمت ایشان، پیاده می‌آمدیم تا مدرسه، این، توفیقی بود برای من که بیشتر از محضر آن بزرگوار، بهره ببرم.

بارها از بی‌اعتباری دنیا برایم سخن می‌گفت. نسبت به اهتمام به درس، بسیار سفارش می‌فرمود.

می‌فرمود:

«طلبه، اگر نامش در دفتر امام زمان، ثبت شود، هم دنیا دارد و هم آخرت.

طلبه، نباید از مشکلات هراسی به دل راه بدهد. با مشکلات باید دست و پنجه نرم کند، تا به جایی برسد».

گاه، این روایت مشهور را برایم می‌خواند:

أوحی الله تعالی الی داود (ع) یا داود انی وضعت خمسهٔ فی خمسهٔ، و الناس یطلبونها فی خمسهٔ غیرها فلا یجدونها: وضعت العلم فی الجوع و الجهد و هم یطلبونه فی الشبع و الراحهٔ فلا یجدونه،...

بحار، ج ۴۵۳/۷۸

خداونـد به داوود (ع) وحی کرد ای داوود من پنـج چیز را در پنـج چیز نهادم مردم آن را در غیر آن پنـج چیز می‌جوینـد و نخواهند یافت: علم را در گرسنگی و تلاش نهادم آنان آن را در سیری و راحتی می‌جویند نخواهند یافت...

می‌فرمود:

«من، در ایام تحصـیل، مشـکلات فراوان دیـده‌ام. بسیاری از اوقات، لباس، به قـدر نیاز نداشـتم. بارها، با دست خالی به منزل رفته‌ام، ولی به لطف الهی همه را پشت سر گذاشتم و همسرم، با فداکاری این وضعیت را تحمل می‌کرد و مرا نگران نمی‌ساخت».

ایشـان، مقیـد بود، از سـهم مبـارک امـام، اسـتفاده نبرد، از این روی، به همـان انـدازه‌ای که خویشان و بسـتگان وی، به ایشان هـدیه می‌کردنـد اکتفا می‌کرد. دنیای ایشان، ختم به خیر شد و آخرت ایشان هم معلوم است. آن بزرگوار، در سال ۱۳۸۲ ه.ق رحلت کرد و در قبرستان شریف تخت فولاد اصفهان، در بقعه‌ی مرحوم آقا محمد بیدآبادی «قده» دفن شد.

چنین انسانهایی بیقین، مصداق این آیه شریفه‌اند:

«یا ایتها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیهٔ مرضیهٔ فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی».

ای روح آرامش یافته، خشنود و پسندیده به سوی پروردگارت بازگرد و در زمره‌ی بندگان من داخل شو. و به بهشت من درآی.

حوزه: هر یک از اساتید، شیوه‌ای خاص در تدریس دارند، لطفا بفرمایید اساتید شما چه شیوه‌هایی داشتند و مزایای هر کدام، در چه بود.

عرض کردم از جمله اساتید ما، حضـرت آیت الله العظمی بروجردی بود. شـیوه‌ی ایشان، شـیوه‌ی مجتهد پرور بود. ایشان در تدریس فقه، به چند نکته اهمیت می‌دادند:

۱. بیان تاریخ تشریعی یک مسأله و ذکر اجمالی تطورات آن، از آغاز، تا پایان، در ادوار فقه شیعی و سنی.

این مطلب، نگاه فقیه را به مسأله، باز می کند و می‌تواند تغییرات صورت گرفته در یک مسأله و علل آن را بفهمد.

۲. اهمیت به اقوال قدماء. ایشان، معتقد بودند که فقه ما، مسائل متفرقه‌ای دارد که فقها، به متون فقه، افزوده‌اند و مسائلی هم دارد که از معصومین اخـذ شده و تعبیر خودشان: «اصول متلقاهٔ» است. ایشان این دو دسته را در بحثها از هم، جدا می‌کرد و برای متون قدماء به لحـاظ نزدیکی به زمـان معصومین (که ویژگی مهمی بود)، اصـالت خاصـی قائـل می‌شـد خصوصـا به اقوال مرحوم شـیخ الطائفه، اهمیت زیادی می‌داد و از آن فقیه بزرگوار، با احترام خاصی یاد می‌فرمود.

۳. در جمع بین روایات، بسیار محققانه عمل می‌کرد و بحق، فقیه ممتاز، زبردست و عالی قدری بود.

۴. اگر چه، همیشه در درس می‌فرمود: «احتیـاط، در ترک احتیـاط است»، امـا در مقـام فتوا، جرأت بی‌جهت و بی‌دلیـل نـداشت و به لحاظ مقام عملی و تقدس خاصی که داشت جانب احتیاط را از دست نمی‌داد.

اما شیوه‌ی درس امام خمینی: امتیاز درسی ایشان در چند چیز بود که به عرض می‌رسانم:

۱. فهم عرفی. این امتیـاز را از اسـتاد بزرگوارش، مرحوم آیت الله العظمی حاج شـیخ عبـدالکریم حائری گرفته بود. اهمیت این امتیاز در استنباط و اجتهاد برای اهل فن روشن است، مخصوصا در مورد کسی مثل حضرت امام که یک فیلسوف و حکیم متأله بودند.

۲. بیان شیوا و سلیس، روان و گویا، که در میان همه‌ی مدرسین آن زمان، بی‌نظیر و ممتاز بود.

۳. شاگرد پروری: آن بزرگوار، به شاگرد، میدان بحث و ارائه‌ی نظر می‌داد. شاگرد را تشویق می‌کرد.

این خصوصیت، خصوصیت کوچکی نیست. بزرگان ما، اگر در درسهایشان میدانی برای ارائه نظرات خود نمی‌داشتند، چگونه رشد می‌کردند؟

۴. ایشـان، از سر تحقیق، تابع دلیل بود. از این روی، از بیان قولی که احتمالا خلاف مشـهور باشـد، در صورتی که مسـتندش به نظر ایشان قوی باشد، باکی نداشت.

۵. به اقوال شیخ انصاری اهمیت بسیار می‌داد و برای نظرات آن فقیه عالی مقام، احترام خاصی قائل می‌شد.

خلاصه، چه درس فقه ایشان و چه درس اصول ایشان، درس ارزشمند و ممتعی بود. خداوند، درجات این مرد عالی مقدار را متعالی کند.

اما شیوه درس آیهٔ الله العظمی داماد:

۱. مرحوم آقای داماد، حقیقتا، محقق بود و برای تدریس، زحمت بسیاری می‌کشید، مکرر از ایشان شـنیدم که فرمود: «من، دیشب برای این بحث، هفت ساعت، هشت ساعت، زحمت کشیدم».

۲. موشکافیهای عالمانه‌ای در بحث‌های ایشان وجود داشت. نظریات خود را با دقتهای ظریفی از روایات، استخراج می‌کرد.

اگر چه درس ایشان، به شلوغی برخی از درسهای دیگر نبود، ولی حقا درس ارزشمند و قابل استفاده‌ای بود.

حق ایشان بر گردن من و حق دیگر اساتید، جز با لطف خداوند، ادا نمی‌شود.

حوزه: از فعالیتهای سیاسی و اجتماعی خود بفرمایید.

-: از الطـاف الهی نسبت به بنـده این بود که از همـان آغـاز ورود به قم، در محضـر حضـرت امـام بودم. ایشـان، مـا را به شـاگردی پذیرفتند. بودن ما در خدمت حضرت امام، خواه ناخواه ما را در مسیر حرکت سیاسی-انقلابی امام قرار می‌داد.

بنده و جمعی از دوستان، از همان سال ۴۱ ،۴۰ در خدمت این انقلاب بوده‌ایم و تاکنون هم، به لطف الهی توانسته‌ایم به اندازه وضع خود، از این انقلاب و نظام حمایت کنیم.

این را از امام عزیزمان آموخته‌ایم: «خدمت به این نظام، واجب عینی است.»

تـذکر این نکته را لازم می‌دانم: همان طوری که امام بزرگوار، فرمودند: حفظ این نعمت و امانت الهی از اصل به دست آوردن آن، بسیار مشکل‌تر است. از این روی، باید با نهایت دقت، و احتیاط، از این نظام ارزشمند حفاظت کرد هر کسی به اندازه‌ی وظیفه خود و به اندازه‌ی وسع خود، باید در خدمت انقلاب و آرمانهای اسلامی آن قرار گیرد و سپاسگزار و قدردان این نعمت بزرگ باشد.

حوزه: شکر خدا حضرت عالی در کسب دانش دین موفق بوده‌اید، لطفا عوامل موفقیت خود را بیان کنید.

-: اگر لطف خداوند متعال و توجهات صاحب حوزه‌ی علمیه نبود، هیچ کس توفیقی نمی‌داشت. اگر ما هم توفیقی کسب کرده‌ایم، به لطف خدا بوده است.

در عین حال، من سـعی کرده‌ام که اموری را در درس و تحصیل رعایت کنم که آن هم اگر انجام پذیرفته، به لطف خداوند متعال و عنایت اهل بیت، علیهم‌السلام، بوده است. از جمله آن امور:

۱. انتخاب اساتید خوب که نام آن بزرگان را بردم. اسـتاد، نقش تعیین کننده‌ای در سرنوشت انسان دارد، مرحوم علامه طباطبایی، از استادشان مرحوم حضرت آقای قاضی، نقل می‌فرمودند که: «اگر نصف عمر در طلب استاد بگذرد جا دارد».

۲. انتخاب هم مباحثه‌ی خوب.

۳. سـعی کرده‌ام که امور دنیوی، مانع تحصـیل نشود. از این روی، به لطف خدا و اعتقادی که به این راه داشته‌ام، روزانه، بیش از ده دوازده ساعت، مشغول تحصیل بوده‌ام.

۴. نظم.

اسـتاد بزرگـوار مـا، حضـرت امـام، افزون بر این که خـود منظم بـود، از این که شـاگردی بی‌نظم به درس حاضـر می‌شـد، به شـدت ناراحت می‌گردید و می‌فرمود:

«من نمی‌گویم به درس من بیایید، ولی اگر می‌خواهید بیایید، منظم بیایید.»

نظم، بسیار خوب است، به عمر انسان، برکت می‌دهد. یک طلبه بانظم، بازدهی‌اش، چند برابر طلبه بی‌نظم است.

۵. خوب خواندن. این که بعضـی از طلبه‌ها ده سال، بیست سال درس خارج می‌روند، ولی به جایی نمی‌رسند، به خاطر این است که دروس پـایه را خـوب و دقیـق، نخوانده‌انـد، بـویژه ادبیـات. طلبه، بایـد ادیب باشـد. به این معنی که وقـتی عبـارت عربی را می بینـد، ناخودآگاه، آن را صحیح بخواند. همچنین سطح را باید خوب بخواند.

حوزه: آیا در مسائل اخلاقی، استاد خاصی داشته‌اید.

-: استاد خاص به معنای مصطلح، خیر موافق آن هم نیستم. زیرا،

اولا، اسـتاد خصوصـی، خیلی کم است، مخصوصـا در حوزه‌ی فعلی مـا، که حـدود سـی هزار طلبه دارد، اگر بخواهیم به نسبت این تعداد، اسـتاد خصوصـی اخلاق داشـته باشیم، باید تعداد زیادی استاد اخلاق داشته باشیم که چنین چیزی در حوزه‌ی فعلی ما، ممکن نیست.

این که حضـرت امـام، بارهـا نسـبت به مرحـوم شاه‌آبادی، اظهار ارادت می‌کرد و از ایشان، باعظمت یاد می‌کرد، بـدین خاطر بود که امام، پس از تلاشهای بسیار، موفق شده بود، استادی در اخلاق، آن گونه که می‌خواهد، بیابد.

ثانیا، اسـتاد خصوصی به این معنی که انسان خود را در اختیار او بگذارد و فقه و اصول ودیگر مباحث را در حاشیه‌ی کار قرار دهد، این نیز، افراط است و نادرست. به عقیده‌ی من، نه تنها سودی نخواهد داشت، که ممکن است ضرر نیز داشته باشد. علم و تزکیه باید همراه هم باشند.

افرادی را سـراغ دارم که با ولع بسـیار مسائل اخلاقی را این گونه دنبال می‌کردند، استاد خصوصی داشتند و... ولی در نهایت، راه به جایی نبردند و منحرف شدند و با حوزه‌ی علمیه و نظام مقدس جمهوری اسلامی به معارضه برخاستند.

بنابراین، با این گونه استاد خصوصی داشتن در اخلاق، موافق نیستم و خود نیز، استاد خصوصی نداشته‌ام.

البته، از محضر حضرت امام و علامه طباطبایی، استفاده‌های اخلاقی و معنوی فراوان برده‌ام و خدا را همواره، بر این جهت شاکرم که در زمانی وارد حوزه‌ی قم شدم که دو اسـتاد برجسته مانند امام و علامه، در آن، حضور داشتند و من توانستم در فقه، اصول، فلسفه، عرفان و اخلاق از خدمت آن دو بزرگوار، بهره ببرم.

حوزه: لطفا شمه‌ای از ویژگیهای اخلاقی امام خمینی را بیان فرمایید:

– حضـرت امام مجسـمه‌ی اخلاق اسـلامی بود و حقیقتا بایـد گفت که جنبه‌ی سیاسـی ایشان بعـد از نهضت، جنبه‌های دیگر آن مرد بزرگ، بویژه جنبه‌ی علمی و جنبه‌ی اخلاقی ایشان را تا قدری تحت‌الشعاع قرار داد.

۱. از امتیازهای بارز ایشان، احتراز از محرمات بود. سالهای متمادی که در خـدمت ایشان بودم، یک عمل مکروه از آن مرد ملاحظه نشد، حتی اگر شبهه‌ی گناه پیش می‌آمد، حالت نگرانی از ایشان نمایان می‌شد و لذا در مقابل انجام محرمات مخصوصا از قشر طلبه عکس‌العمل شدید نشان می‌داد.

۲. ویژگی اخلاقی دیگر امام، احترام ایشان به علماء اسلام بود.

از وحید بهبهانی، آن محقق جلیل، نقل شده است:

«اگر به جایی رسیده‌ام مرهون احترامی است که برای فقهاء و علمای اسلام قائل شده‌ام».

و این خصـلت در امـام، همیشه جلوه‌گر بود، نه تنهـا به مثـل شیخ طوسـی و صـاحب جواهر و شیخ انصاری احترام ویژه می‌نهاد و با تجلیل از آن یاد می‌کردند، بلکه درباره‌ی امثال آیهٔ الله مؤسس یا آیهٔ الله بروجردی نیز، بارها می‌فرمود: «در سر حد کرامت است که یک پیرمرد، به این خوبی حوزه علمیه و بلکه عالم تشیع را اداره می‌کند.»

۳. از دیگر خصائص اخلاقی ایشان، تواضع بود و همان طور که مقام و ریاست در شخصیت رسول اکرم و ائمه طاهرین، علیهم‌السلام، نتوانست اثری بگذارد، در مورد این فرزند عالی مقدار آنان هم این گونه بود. همان تواضعی که در دوران پیش از مرجعیت داشتند، تا آخر عمر پربرکت خود حفظ فرمودند و ما می‌دیدیم که ایشان چگونه در مقابل مردم و یا جوانان بسیجی و یا خانواده‌ی معظم شهدا و فرزندان آنان و یا جانبازان، کوچکی و تواضع و خفض جناح می‌فرمودند.

۴. امتیاز اخلاقی دیگر امام، زهد آن مرد بزرگ بود. زهد، یعنی دل نبستن به دنیا و همدل نشدن با مادیات. ساده زیستی امام همیشه زبانزد بود. از تشریفات و تجملات، حقیقات رنج می‌برد و همیشه دیگران و بالاخص طلاب را به زهد و ساده زیستی و حفظ زی طلبگی نصیحت و توصیه می‌فرمود و شما دیدید که در همان دورانی که در رأس قدرت بودند، همان زندگی بی‌آلایش روحانی را حفظ فرمودند و اجازه ذره‌ای تجاوز از آن را به اطرافیان ندادند.

۵.خصیصه‌ی مهم دیگر شخصیت دادن به افراد بود. چنان که از رسول گرامی اسلام (ص) نقل شده است ایشان چنان با اصحاب خود رفتار می‌کردند که هر فردی گمان می‌کرد که اعز افراد نزد پیامبر اکرم (ص) است استاد بزرگوار ما در برخورد با شاگردان و بویژه در درسهای حوزوی خود، این گونه عمل می‌کردند و با این حرکت خود، استعداد شاگردان را شکوفا می‌کردند.

۶. ویژگی دیگر ایشان که برای خود من اعجاب‌انگیز و پند بزرگی بود، این مسأله است که در مجالس غیردرسی، وقتی فرعی از فروع علمی مطرح می‌شد و هر کس به فراخور خود مطلبی را ارائه می‌کرد، تنها اگر از ایشان اظهارنظری می‌خواستند، صحبت می‌فرمود، آن هم در حد اختصار. این روش از نظر اهل علم، جدا فضیلت بزرگی به شمار می‌آید. هنیئا لارباب النعیم نعیمهم.

۷. از ویژگیهای دیگر ایشان که به نظر من تناسب تام با خصائص اخلاقی ایشان دارد، درک ایشان از مقام امامت و ولایت بود؛ چرا که چنان درکی را جز به متخلقان اخلاق الهی نمی‌دهند. شما اگر به کتب عرفانی امام و شروحی که بر ادعیه و روایات مرقوم فرموده‌اند، مراجعه کنید، به خوبی درمی‌یابید که ایشان مقام امامت و ولایت کبری را یافته است، نظیر آدم تشنه‌ای که تشنگی را با سراسر وجود خود دریافته. هنیئا له و رزقنا الله و ایاکم. و متأسفانه حق این کتاب‌های ارزشمند و دیگر کتب ایشان در حوزه رعایت نشده است، این کتابها مورد تدریس و تدرس و مراجعه‌ی اهل تحقیق باشد.

به هر صورت مجموعه‌ی این خصائل و صفات بارز دیگر موجب شد که آن بزرگوار حاکمیت بر قلوب پیدا کند. این مطلب در قرآن شریف و روایات معصومین (ع) به صراحت وجود دارد که محبت افراد متقی در قلوب ریخته می‌شود و ابهت آنان نیز در دلها رسوخ می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید:

«ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا».

مریم، ۹۶

و امام حسن (ع) نیز در توصیه‌های پایان عمر شریف خود، به جنادهٔ بن ابی امیه می‌فرماید:

«و اذا اردت عزا بلا عشیرهٔ و هیبهٔ بلا سلطان، فاخرج من ذل معصیهٔ الله الی عز طاعهٔ الله عزوجل».

بحارالانوار، ج ۱۳۹/۴۴

امام حقا مصداق این آیه و روایت بود.

حوزه: حضرت عالی از اساتید درس اخلاق در حوزه‌ی عملیه قم هستید، لطفا بفرمایید که چه عاملی سبب شد که به تدریس اخلاق بپردازید.

– مسأله تهذیب نفس، موضوع مهمی است. قرآن شریف، به این مسأله، بسیار اهمیت داده است. تا آن جا که بعثت همه‌ی انبیاء و رسول گرامی اسلام و نزول قرآن را برای تحقق همین مهم می‌داند.

«هو الذی بعث فی الامیین رسولا من انفسهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین.»

جمعه؛ ۲

اوست خدایی که به میان مردمی بی‌کتاب، پیامبری از خودشان مبعوث داشت، تا آیاتش بر آنان بخواند و کتاب و حکمتشان بیاموزد. اگر چه پیش از آن، در گمراهی آشکار بودند.

تهذیب نفس برای طلبه، از اهمیت بیشتری برخوردار است. طلبه، همان وقتی که می‌گوید:

«بدان ایدک الله تعالی فی الدارین»، باید بگوید:«هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم...» دو بال علم و تهذیب، باید با هم باشند. اگر بال علم باشد، بدون تهذیب، افزون بر این که علم، برای شخص، حجاب اکبر می‌شود، وزر وبالش نیز، دامنگیر افراد جامعه می‌شود.

امام خمینی، رضوان الله علیه، به مسأله تهذیب نفس، بسیار اهمیت می‌داد. هم خود مرد عمل بود و هم دیگران را، بویژه طلاب علوم دینی را هشدار می‌داد. حتی در آخرین سخن به جای مانده از ایشان؛ یعنی در وصیت نامه سیاسی–الهی مرقوم فرموده است:

«از بالاترین و والاترین حوزه هایی که لازم است به طور همگانی مورد تعلیم و تعلم قرار گیرد. علوم معنوی اسلامی، از قبیل علم اخلاق و تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله، رزقنا الله و ایاکم، که جهاد اکبر می‌باشد.»

امام، در عین این که به فراگیری فقه جواهری و تمسک به روش سنتی تاکید می‌ورزید، تهذیب اخلاق و تزکیه نفس را هم سفارش می‌فرمود.

بنده، پیش از آن که به حوزه بیایم، به مسائل اخلاقی و مجالس موعظه، علاقه‌مند بودم. یادم هست بچه بودم در ایام محرم، در مجالس روضه می‌نشستم و از منبرهای اخلاقی و مفید، بهره می‌بردم.

پس از طلبگی، این ذوق نسبت به مسائل اخلاقی،در من تشدید شد.

حضرت امام، روزهای شروع درس و پایان درس، مطالب اخلاقی می‌فرمود. این روزها، برای من، شادی‌آفرین بود. خیلی به وجد می‌آمدم.

اما این که چه شد درس اخلاق شروع کردم؟ پس از تبعید حضرت امام به ترکیه، گروهی از آقایان طلاب، به بنده اصرار کردند که درس اخلاق شروع کنم. من نپذیرفتم، زیرا خود را شایسته آن نمی‌دانستم.

تا این که یک روز، برای خواندن نماز ظهر به مدرسه فیضیه رفته بودم، آقایی آمد استخاره‌ای خواست. استخاره گرفتم، خیلی خوب آمد. فردای آن روز، که روز پنج شنبه بود، تعدادی از طلاب آمدند که اعلامیه‌ای پخش شده که شما شب جمعه، درس اخلاق می‌گویید! معلوم شد، آن استخاره روز گذشته، برای همین بوده است. گفتند: ما هر چه اصرار کردیم، شما نپذیرفتید، استخاره کردیم، خوب آمد، اعلامیه را پخش کردیم.

دیدم، در مقابل عمل انجام شده قرار گرفته‌ام. ناچار شب آمدم فیضیه، در مدرس زیر کتابخانه، که محل درس اعلام کرده بودند، درس اخلاق را شروع کردم. مدتی درس ادامه یافت. جمعیت زیادی شرکت می‌کردند و استقبال، خیلی خوب بود. تا این که ساواک، ما را از مدرسه‌ی فیضیه بیرون کرد. به مدرسه‌ی حجتیه رفتیم، از آن جا هم ما را بیرون کردند. حسینیه اراک رفتیم. چون افراد شرکت کننده زیاد بودند، بسیاری از افراد، بیرون حسینیه، در کوچه می‌ایستادند و راه مردم مسدود می‌شد، تصمیم گرفتیم به جای وسیع‌تری درس را انتقال دهیم. تا این که پس از تلاش بسیار برخی از طلاب، توانستیم به مسجد اعظم برویم.

پس از انقلاب هم، این درس ادامه یافت و بحمد الله جمعیت خوبی شرکت می‌کرد.

یک وقتی، یکی از علمای بزرگ می‌فرماید:

«به امام عرض کردم، فلانی درس اخلاق می‌گوید. جمعیت زیادی شرکت می‌کند.

امام، آن قدر خوشحال شد که سه مرتبه فرمود: الحمد لله رب العالمین».

این، نشاندهنده‌ی اهتمام ایشان، به علم اخلاق است و لزوم برگزاری جلسات درس اخلاق.

بنابراین، درس اخلاق من، خود به خود پیش آمد و تمایل ذاتی و ذوق اخلاقی من هم، کمک کار شد، که بتوانم آن را ادامه دهم. به لطف الهی، تلاش فراوان کرده‌ام که این درسها برای خود و شنوندگان، مفید باشد. البته درس اخلاق، درس انسان‌سازی است و کاری بسیار مشکل. به تعبیر حضرت امام که می‌فرمود:

«می‌گویند: ملا شدن چه آسان، آدم شدن، چه مشکل، اما شیخ ما می‌فرمود: ملا شدن چه مشکل، آدم شدن، محال است».

واقعیت هم، همین است. کار بسیار طاقت‌فرسایی است.

حوزه: حضرت عالی وضع کنونی اخلاق و دیگر علوم را در حوزه‌ها، چگونه می‌بینید.

– در حال حاضر، حوزه را، نه تنها از نظر اخلاق، که از نظر توجه به فقه و اصول نیز آن چنان که شایسته است، در مخاطره می‌بینم. گر چه می‌دانم، با لطف خداوند و تلاش مدرسان و طلاب، آسیبی به آن نخواهد رسید.

فراموش نمی‌کنم راجع به تشکیل شورای مدیریت، با چند نفر از بزرگان، رفته بودیم خدمت حضرت امام.

بنده به ایشان عرض کردم: آقا! حوزه را از نظر علمی در مخاطره می‌بینیم.

ایشان، با خونسردی فرمود:

«غم این که حوزه در مخاطره است، نخورید. در زمان رضا شاه، وضع به قدری بد بود که طلبه‌ها، روزها می‌رفتند بیرون از حوزه و به باغهای اطراف شهر پناه می‌بردند و شب به حوزه برمی‌گشتند. در عین حال، حوزه حفظ شد و از خطر، نجات یافت». بعد راجع به تشکیلات مدیریت فرمود:

«فکر کنید که چه باید کرد. اگر چیزی به من مربوط شد، اقدام می‌کنم.»

به بنده فرمود:

«برو خدمت آقای گلپاییگانی، از ایشان نظرخواهی بکن.»

شب، با آیهٔ الله مصباح یزدی، خدمت آیهٔ الله العظمی گلپایگانی رفتیم. در محضر ایشان هم، من از وضعیت علمی حوزه، اظهار نگرانی کردم. از قضا، ایشان هم فرمود:

«نگران نباشید، حوزه صاحب دارد.»

ایشان هم مانند امام، به سختی‌ها و رنج‌های دوران رضا شاه اشاره کرد.

این که بنده عرض می‌کنم، حوزه در مخاطره است، نه این که آسیب‌پذیر باشد. بنده، با توجه به انتظارات فراوانی که امروز هست، عرض می‌کنم: توجه به اخلاق و فقه و اصول، کم رنگ شده است و گر نه کارهای جنبی که اکنون در حوزه برای حفظ نظام و عالم تشیع می‌شود، بسیار است. امروز، در حوزه‌های علمیه، کارهای مفید فراوانی انجام می‌شود که جای تشکر آن باقی است. ولی توصیه حضرت امام، به تهذیب و اخلاق و تأکید ایشان بر فقه و اصول را نبایداز یاد ببریم لذا توصیه می‌کنم به طلاب عزیز که به اخلاق، اهمیت بدهند. فقه و اصول را جدی بگیرند. فقه، فقه جواهری و اصول هم، اصول سنتی. مقصودم از اصول سنتی، اصول، به روش بزرگان و اساتید گذشته است، نه فرو رفتن در مسائل اصول و مطرح کردن نظریه‌ای و اقوال گوناگون را درباره‌ی آن نقل کردن و به نقد و بررسی گذاردن و آن گاه، نظریه‌ای را پذیرفتن و چندین روز برای آن استدلال آوردن و...

مقصودم از اهمیت دادن به اصول، این نیست، هر چند، کار علمی است. ولی بزرگان ما، مرحوم حضرات آیات: حکیم، بروجردی، حائری، داماد، امام و... یک دوره اصول را پنج – شش سال به پایان می‌رساندند، بدون این که مطلبی را کم بگذارند و به مباحث لازم و ضروری توجه کنند.

امام بزرگوار، از این جهت بسیار خوب عمل می‌کردند. بعضی از این مباحث، نظیر بحث طلب و اراده، بحث‌های مهم و ارزشمندی هستند، اما در جای خود. اینها به علم اصول ربطی ندارند.

به قول مرحوم آیهٔ الله العظمی بروجردی:

«اصول ما، به واسطهٔی همین زوائد، آماس شد و باید برای زوائد آن، فکر اساسی بشود.»

امام، در بحث خارج اصول خود، وقتی به بحث انسداد رسیدند، فرمودند:

«ما چون حجیت خبر واحد را اثبات کردیم، احتیاجی به این بحث نداریم.»

در تقریراتی که از اصول ایشان نوشته‌ام، در جمادی الاولی ۱۳۷۴، این مطلب را این گونه تقریر کرده‌ام:

«هـذا، تمام الکلام فی حجیـهٔ الخبر الواحد و حیث اثبتناه فدلیل الانسداد باطل بداههٔ اذ فی مقدماته عدم الدلیل، و الخبر الواحد، دلیل واف بمعظم الفقه، بل بتمامه مع ضم الاجماعات و المشـهورات و حیث ان العمر قصـیر و لکل شـی آفات و البحث عن دلیل الانسداد تطویل بلا طائل، بل یمکن ان یقال، ان بحثه لا یخلو عن الاشکال، فالاعرض عنه أحسن، بل واجب.»

نظر همین مطلب را در حواشی بر کفایه، که اخیرا از ایشان منتشر شده، آورده‌اند.

(انوار الهدایهٔ، ج ۳۱۷/۱).

بنـابراین، به جـای چنـدین سـال معطـل مانـدن در اصول و طرح مباحث صـرفا علمی، به قرآن و دیگر معارف اسـلامی بالاخص علم اخلاق بپردازیم. امروز، نیاز فراوان به این گونه بحثهاست. حوزه، چشم و چراغ تشیع و جهان اسلام است.

من دو سـال پیش، در جواب درخواستی از مـدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی قم، چهل و پنـج موضوع لازم به بحث را معرفی کردم و گفتم روی این موضوعات، که بعضـی فقهی و بعضـی اصولی و بعضـی اقتصادی بود، کار تفصیلی که نیاز امروز مردم و حکومت اسلامی را برآورده کند، نشده و این، وظیفه‌ی حوزه‌هاست که به این امور لازم بپردازند.

حوزه: اگر ممکن است، فهرست آن موضوعات را برای استفاده خوانندگان مجله بفرمایید.

– موضوعات، چنانکه گفتم، در سه بخش: فقهی، اصولی و اقتصادی بود، بدین شرح:

فقهی:

۱. بررسی تحلیلی «تغریرات» و اختیارات دولت اسلامی در این رابطه.

۲. نگرش فقهی به مسأله «حفظ و سلامت محیط زیست».

۳. بررسی فقهی مسأله «کنترل جمعیت و موالید» و حدود و اختیارات دولت اسلامی.

۴. حدود اختیارات ولی فقیه.

۵. برسی تحلیلی«قوانین مدنی» – عام و خاص – در فقه اسلامی.

۶. بررسی مسائل مستحدثه حج.

۷. بررسی مسائل مستحدثه‌ی قضا.

۸. بررسـی تحلیلی آراء و انظـار امـام خمینی و سـیر تحولات این دیـدگاهها. (به عنوان اولین ولی فقیه که موفق به تشـکیل حکومت اسلامی شدند».

۹. هنرهای تجسمی: مجسمه‌سازی، معماری و...

۱۰. هنرهای تصویری: فیلم، عکس و...

۱۱. بررسی فقهی مسأله «حجاب». (با عنایت به ضرورت احیای چادر که از ارزشهای اسلامی و ملی در کشور ماست).

۱۲. بررسـی فقهی معضـلات و تنگناهای پزشکی: پیوند اعضاء خرید و فروش اعضاء و خون، تلقیح مصنوعی، جلوگیری از بارداری و...

۱۳. فقه سیاست و روابط خارجی دولت اسلامی.

۱۴. فقه دفاع و امور نظامی.

۱۵. بررسی تحلیلی «موسیقی و غنا». (با عنایت به آراء سهل‌انگارانه‌ایکه بعضا در این باب ارائه می‌شود).

موضوعات اقتصادی:

۱. بررسی معاملات ارزی.

۲. بررسی و تحلیل بورس اوراق بهادار.

۳. کنترل و نظارت بر قیمتها و حدود اختیارات نظام اسلامی.

۴. بررسی مالیات و خودیاری‌ها و اختیارات نظام اسلامی.

۵. تحلیل محدوده‌ی نظام مالکیت فردی و حل تعارضات آن با مالکیت دولت.

۶. بررسی معضلات و اشکالات وارده بر بانکداری اسلامی.

۷. نگرش فقهی به مسأله زمین.

۸. تجارت خارجی و جایگاه آن در فقه اسلامی.

۹. بررسی انفال و ثروت‌های عمومی ملی و شؤون و اختیارات دولت اسلامی در رابطه با آن.

۱۰. بازنگری فقهی باب مزارعه.

۱۱. بازنگری فقهی باب مضاربه.

۱۲. بازنگری فقهی باب اجاره.

۱۳. بازنگری فقهی باب رهن.

۱۴. قواعد اصولی و کلی در باب معاملات.

۱۵. بررسی روابط کارگر و کارفرما.

موضوعات اصولی:

۱. تکلیف مدرکات حقیقی و اعتباری «حقایق و اعتباریات» در علم اصول و تأثیرات بازشناسی این دو در شیوه استنباط فقهی.

۲.جایگاه «عرف» در علم اصول و ارزش آن در دستیابی به قوانین فقهی.

۳. تنقیح مناط و محدوده‌ی ارزشی آن در فقه.

۴. بررسی تحلیلی عناصر مکان و زمان در اجتهاد.

۵. کاربرد و تأثیرات فلسفه در علم اصول.

۶. کاربرد و تأثیرات منطق در علم اصول.

۷. کاربرد و تأثیرات نحو در علم اصول.

۸. بررسی تحلیلی سیره‌ی مسلمانان و محدوده‌ی ارزشی آن در استنباط فقهی.

۹. تفکیک اوامر ولایی و تبلیغی معصومین و تأثیرات بازشناسی این دو در شیوه‌ی استنباط فقهی.

۱۰. نگرش روش شناسانه «حجیت ظهور» و بررسی شیوه‌های استظهار و ارزش این شیوه‌ها در استنباط.

۱۱. سیر تاریخی علم اصول و بررسی بالندگی و رکود آن در بستر تاریخ.

۱۲. بررسی و شناخت مذاق شریعت و روح فقه و محدوده‌ی ارزشی آن در استنباط فقهی. (روح فقه، عبارت است از نظریه‌های عملی و اصولی که ساختار زیربنایی قوانین فقهی را شکل می‌دهد و به تعبیر دیگر زیربناهای فقهی، که منشاء احکام فقهی می‌شود و فقیه در موارد سکوت ادله، یا تناقض و یا ابهام و تنافی آن، به آنها استناد می‌کند.)

۱۳. جایگاه بنای عقلاء و ارزش آن، در دستیابی به قوانین فقهی.

۱۴. میزان کاربرد عملی علم اصول در فقه (این که در کتابهای فقهی، حقیقتا، به چه میزان از علم اصول بهره‌برداری می‌شود.)

۱۵. تفکیک و تعیین مباحث کم فایده و بی‌ثمر در علم اصول.

حوزه: در جهت اصلاح وضعیت اخلاقی حوزه، چه پیشنهادی دارید.

– پیشنهادی به مدرسان و گردانندگان حوزه دارم و توصیه‌ای به طلاب عزیز.

پیشنهادم این است که درس اخلاق را در حوزه زیاد کنند. یکی از بزرگان می‌گفت:

«در زمان مرحوم آقا سید عبدالهادی شیرازی در حوزه‌ی نجف، سی درس اخلاق بود.» در حوزه ما، حداقل، اکنون باید سی درس اخلاق باشد. البته کسانی که می‌خواهند درس اخلاق بگویند، باید افراد مهذبی باشند که بحمدالله چنین افرادی هستند در حوزه.

مدرسانی که درس فقه و اصول و ادبیات می‌گویند، می‌توانند در ضمن بحث‌ها، نکات اخلاقی را یادآور شوند و حداقل، یک روز در هفته را به تذکرات اخلاقی اختصاص بدهند، چنانکه روش برخی از بزرگان ما بوده است.

سفارشی هم به طلبه‌ها دارم. از اینان می‌خواهم که به اخلاق و تهذیب نفس، اهمیت بدهند. کتابهای اخلاقی را زیاد بخوانند. قرآن را، با این نگاه، زیاد بخوانند. اصول کافی، بخصوص جلد دوم آن، روایات مفیدی را مرحوم کلینی دسته‌بندی کرده است.

این را بدانید که علم بدون تهذیب نفس، ضررش، بیش از نفعش است. حجابی می‌شود که خدای نکرده، انسان را به انحراف می‌کشاند.

حوزه: از حضرت عالی، اخیرا اثری منتشر شده به نام «دراسات فی الاخلاق و شؤون الحکمهٔ العملیهٔ» لطفا بفرمایید به چه انگیزه‌ای دست به نگارش آن زدید و چه خلأی احساس می‌کردید.

– برخی از مباحث اخلاقی که پس از انقلاب اسلامی، در نهادها و ارگانها داشته‌ام، به صورت موضوعی و مجموعه‌ای چاپ شده است که به بیش از بیست جلد می‌رسد. با اینکه گفتار بوده و تبدیل گفتار به نوشتار، نواقصی را، خواه ناخواه، در پی دارد، ولی مورد استقبال واقع شده، به گونه‌ای که برخی از آنها، تیراژ بسیار بالایی دارد. از این روی احساس کردم، جامعه به این گونه آثار نیاز دارد. از سویی، آثار مکتوب در اخلاق، کم داریم و آنها هم، کمبودهایی دارند. مثلا، «احیاءالعلوم» نوشته غزالی، ام‌الکتب در اخلاق است. این اثر، با اینکه اثری است ارزشمند، ولی نواقصی دارد، هم در محتوا و هم در روش.

مرحوم فیض، زحمت کشید و این کتاب را خلاصه کرد و روایات اهل بیت را بدان افزود، با این حال «محجهٔ البیضاء» نیز، خالی از اشکال نیست. زیرا هر چه باشد، تهذیب و تصحیح همان «احیاءالعلوم» است.

من، تعجب می‌کنم که چرا مرحوم فیض، با آن همه توانایی علمی، اثری مستقل در اخلاق، ننگاشت.

بعدها مرحوم نراقی، جامع السعادات را نگاشت. این اثر هم، متأثر از احیاءالعلوم غزالی است. از این روی، وقتی به بحثهای سنگین و ظریف اخلاقی می‌رسد، از آنچه در «احیاءالعلوم» تجاوز نمی‌کند. و ضمنا متأثر از اخلاق ارسطویی و یونانی هم هست.

معراج السعادهٔ هم، تلخیص و ترجمه جامع السعادات است به اضافه‌ی برخی از اشعار فارسی.

دیدم کتاب اخلاقی متکی بر ثقلین (کتاب و عترت) که از متن دین استخراج شده باشد، کم است. به این نکته توجه اساسی کرده‌ام که علم اخلاق باید دلربا و دل‌انگیز باشد و اگر قرار شد علم اخلاق را با مصطلحات و انقسامات فلسفی مخلوط کنیم و همان شیوه‌ی یونانی و ارسطویی را در این علم دنبال کنیم، همان طوری که ابن‌مسکویه در «طهارهٔ الاعراق» و خواجه نصیر در بعض کتابهایش و نراقی در «جامع السعادات» و دیگران کرده‌اند، کام هیچ خواننده‌ای شیرین نخواهد شد و اثر لازم را در دل سالکان نخواهد گذارد و به عکس اگر اخلاق از متن دین، یعنی از دل کتاب و سنت که سرشار از معارف عمیق اخلاقی هستند، استخراج شود، بی‌هیچ تردید آن طراوت و حلاوت لازم را پیدا خواهد کرد و عقیم نخواهد ماند. از خداوند متعال، خواستم توفیق دهد، تا بتوانم، اثری در اخلاق، با تکیه بر قرآن و عترت، بنویسم.

ابتدا تصمیم داشتم، گروهی تشکیل بدهم و چندین جلد اخلاق به زبان فارسی، با استفاده از دیگر علوم وابسته، بنویسم، ولی مقدر نشد. از این روی تصمیم گرفتم، به زبان عربی بنویسم، اگر مورد قبول افتاد، دیگران آن را ترجمه کنند، تعلیقه بزنند و اشکالاتش را برطرف سازند.

تاکنون، یک جلد آن چاپ شده، مجلدات دیگر نیز، در دست اقدام است. به نظر خودم، آن چه می‌خواستم، موفق شده‌ام، تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

حوزه: حضرت عالی تألیفات دیگری هم دارید، درباره‌ی آنها توضیح بفرمایید.

– در فقه و اصول، هم تألیف دارم و هم تقریر. از حضرت امام، آیهٔ الله العظمی بروجردی و آیهٔ الله العظمی داماد تقریرات بسیاری

در فقه و اصول نوشته‌ام.-

حوزه: در پایان، تقاضا داریم، توصیه‌ای برای ما و خوانندگان مجله بفرمایید.

- به جای این که خود توصیه کنم، در توصیه، از دو استاد بزرگوار خود، حضرت امام و علامه طباطبایی، برای شما نقل می‌کنم:

اوایل پیروزی انقلاب، روزی خدمت امام بودیم. گروهی از شرکت نفت، برای ملاقات و بیعت با رهبری، خدمت امام آمده بودند. سخنگوی آنان، خیلی خوب، صحبت کرد. از جمله گفت:

«آقا! نیامده‌ایم بگوییم از انقلاب، چه می‌خواهیم آمده‌ایم بگوییم انقلاب، از ما چه می‌خواهد».

امام، از این سخن، بسیار خوشش آمد و برافروخته شد. آن گاه در پاسخ این عزیزان فرمود:

«انقلاب، از شما، دو چیز می‌خواهد:

یکی تهذیب نفس. چون اگر انسان، مهذب نباشد، نمی‌تواند برای انسانیت و جامعه‌اش، مفید باشد. خودگرا و خودمحور می‌شود آن گاه، هم خود بیچاره می‌شود و هم دیگران را بیچاره می‌کند. هر چه پست و مقام، بالاتر باشد، ضررش بیشتر خواهد شد. دومین چیزی که انقلاب از شما می‌خواهد، عمل به وظیفه است. هر کس، هر جا که هست آن چه را که وظیفه‌ی اوست، خوب انجام دهد.»

راستی اگر، همه‌ی ما، این دو توصیه حضرت امام را عمل می‌کردیم، خیلی پیشرفت ما بیشتر بود.

متأسفانه، این چند ساله، هر ضربه‌ای که خورده‌ایم، یا به خاطر این بوده است که خودساخته نبوده‌ایم، یا این که در عمل به وظیفه، کوتاهی کرده‌ایم.

من، این توصیه امام را تکرار می‌کنم که ما در این نظام مقدس و این نعمت بزرگ الهی، دو وظیفه داریم:

۱. تهذیب نفس.

۲. عمل به وظیفه.

اما توصیه‌ای از مرحوم علامه طباطبائی: آخرین جلسه‌ای بود که با گروهی از بزرگان، خدمت ایشان رفتیم. حال ایشان، خوب نبود. به احترام جمع، نشست، ولی حرف نمی‌زد. جلسه، طول کشید. بنده به ایشان عرض کردم، توصیه‌ای بفرمایید، تا مرخص شویم. ایشان فرمود: «چیزی یادم نیست» بعد، بلافاصله فرمود:

«این آیه، یادم آمد: اذکرونی، اذکرکم و اشکروا لی و لا تکفرون».

بعد از آن جلسه، حال ایشان بد می‌شود و ایشان را به بیمارستان می‌برند. لحظات آخر عمر شریف بود که به ملاقات ایشان رفتیم. ما که از اتاق آمدیم بیرون، از قول خانم ایشان نقل کردند:

«لحظه‌ی مرگ، ایشان چشمها را باز کردند و به گوشه‌ای خیر شدند. آن گاه، سه مرتبه فرمودند: توجه! توجه! توجه و از دنیا رفتند.» این آخرین جمله ایشان، با آن آخرین، توصیه‌ی ایشان، هر دو، برای ما، یک پیام دارد که به یاد خدا باشید، همه ما، در محضر خداییم. توجه به نعمتهای خدا، توجه به این که ما در این دنیا، باید به کمال برسیم. توجه به این که قبری هست، برزخی هست، معادی هست.

مرحوم شهید، در دستورالعمل اخلاقی خود، توصیه می‌فرماید:

«انسان، در هر روز، حداقل، باید دو مرتبه به یاد مرگ باشد.»

توجه به این که ما ساخته شده‌ایم که در رفاه مطلق و لذت مطلق باشیم. هر کسی به اندازه‌ی سعه وجودی خود.

یکی لذت مطلقش، در «جنات تجری من تحت الانهار» است.

و یکی در صحبت کردن خدا با او «سلام قولا من رب رحیم». مباد که این لذتها را از یاد ببریم و فرو رویم در لذت‌های زودگذر دنیا اگر لذت باشند و بشود اسم لذت روی آنها گذارد.

این جمله علامه، خیلی مهم است: توجه.

از خداوند می‌خواهم، این حال توجه را به همه‌ی ما عطا کند.

حوزه: از این که مزاحم وقت شریف حضرت عالی شدیم، پوزش می‌طلبیم و از حضرت عالی، به خاطر این لطف، سپاسگزاریم.

- من هم از شما تشکر می‌کنم و امیدوارم آنچه گفتم، مورد رضایت حضرت ولی عصر (عج) و مورد توجه شما واقع شود و اگر وقت شما را گرفتم، گفته‌هایم مفید باشند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

مظاهری، داریوش

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زراعت و اصلاح نباتات، دانشکده: مجتمع ابوریحان، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زراعت از دانشگاه ایالتی ارگان آمریکا، کارشناسی ارشد و دکترای زراعت و اصلاح نباتات و فوق دکترای زراعت از دانشگاه ایالتی ارگان آمریکا.

مرتبه علمی:

عضویت در هیات علمی و تدریس در دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۲ تاکنون، دانشیار مجتمع آموزشی عالی ابوریحان دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام یک پروژه تحقیقاتی در زمینه کشت مخلوط گیاهان زراعی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

زراعت مخلوط.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۵

زمینه علمی مقالات:

کشت مخلوط، به زراعی گیاهان.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مظاهری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۰ -۱۲۹۳ ش)، دانشمند، پژوهشگر، مترجم و استاد. در تهران به دنیا آمد. در دوازده سالگی کتاب «تاریخ روم» را نوشت که خود نقاشی‌های آن را انجام داده بود. در سیزده سالگی در زمره دانش‌آموزان ممتاز دیپلمه برای تحصیلات عالی به فرانسه عزیمت کرد. وی از ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۱ ش در دانشگه سن کلووشارتر و سپس در دانشگاه سوربن به تکمیل تحصیلات پرداخت و در ۱۳۱۲ ش پایان‌نامه‌ی دکترای خود را تحت عنوان «خانواده‌ی ایرانی در ادوار پیش از اسلام» ارائه کرد. وی در طی جنگ جهانی دوم به کار تحقیق و کشاورزی پرداخت. بعد از پایان جنگ به عنوان کارشناس نسخ خطی فارسی وارد کتابخانه‌ی ملی پاریس شد. در ۱۳۲۷ ش به عضویت فرهنگستان بین‌المللی تاریخ علوم و در ۱۳۳۶ ش به عنوان مدرس مدرسه‌ی مطالعات عالیه‌ی علوم اجتماعی برگزیده شد و بنا به دعوت یونسکو نگارش بخش موسوم به «تاریخ ملل مسلمان در قرن نوزدهم» را در جلد پنجم «تاریخ جهانی بشریت» به عهده گرفت. وی همچنین مقالات زیادی در مجله‌های داخلی و خارجی به چاپ رسانیده است که از آن جمله: «مقام ایران در هنر جهان»، «تأثیر هجوم قوم مغول به ایران و آثار آن»، «پاسخ در مورد تمیشه»، «جمال اسدآبادی و جمالیسم»، «مان و عرفان»، «زردشت ناشناس»، «کمونیسم مزدک»، «حلاج واقعی»، «پایه‌گذاری فرهنگ و تمدن» در زمینه معارف اسلامی، «زن و عشق در ایران سنتی» و «مهرهای پادشاهان ایران» می‌باشد وی سرانجام در پاریس درگذشت. از دیگر آثار وی: «مبادی ایرانی علم حساب»، رساله دکترای دیگری از وی که به دانشگاه پاریس ارائه شد؛ «جاده‌ی ابریشم»؛ «گنجینه‌های ایران»؛ «مقدمه‌ای بر تاریخ ایران»؛ «استخراج آبهای پنهانی»، ترجمه‌ی «انباط المیاه الخفیه»؛ «زندگی روزمره‌ی مسلمانان در سده‌های میانه، از سده دهم تا سیزدهم میلادی»، که در آن اوضاع اجتماعی تمامی سرزمین‌های اسلامی به ویژه ایران و مصر را تحت بررسی قرار داده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :جاده‌ی ابریشم (۱/ پیشگفتار مترجم)، یغما (س ۴، ش ۴، ص ۱۷۵ -۱۶۸، س ۵، ش ۴، ص ۱۶۲).

مظاهری، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر مظاهری

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۷/۱

زندگینامه علمی

پس از تلمذ جامع المقدمات نزد عمویم با تشویق ایشان و رضایت پدرم در اطاق پسر عمویم واقع در مدرسه نواب مشهد مقدس ساکن شدم و از ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۳ تحصیلات و فعالیت علمی اینجانب به شرح زیر است :

۱. از ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۸ تمام کتاب سیوطی و مطول و باب اول و چهارم کتاب مغنی و حاشیه ملا عبد الله را نزد ادیب نیشابوری تلمذ نمودم و در ایام تعطیلات حوزه شرح قطر را نزد یکی از فضلا تلمذ نمودم .

۲. از ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۰ لمعتین را نزد مرحوم میرزا احمد حسینی ، مدرس رسمی حوزه و معالم الاصول و بحث الفاظ قوانین میرزای قمی را نزد مرحوم میرزا محمد اشکذری ، مدرس مدرسه نواب تلمذ نمودم .

۳. از ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۵ مکاسب و رسائل شیخ انصاری (ره) و کفایتین مرحوم آخوند خراسانی (ره) را نزد مرحوم آیت الله حاج شیخ کاظم دامغانی ،در مشهد مقدس تلمذ نمودم .

۴. از ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۳ خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله سید محمد هادی میلانی شامل کتاب زکات و خمس و بیع و خیارات و مکاسب محرمه کتاب مکاسب و شامل جلد دوم کفایه را تلمذ نمودم . به دستور معظم له از شاگردان جزوه درسی سالانه دریافت و نمره داده می شد .

۵. از ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ تفسیر قرآن کریم و درس معارف آن را نزد مرحوم آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی (ره) و شرح منظومه حاج ملا هادی سبزواری همراه با بیان معارف مکتب تفکیک را نزد مرحوم حاج شیخ عبد النبی کجوری (ره) تلمذ نمودم .

۶. از ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ جلد اول اسفار اربعه و جلد اول و سوم شرح اشارات شیخ الرئیس را نزد شیخ علی تهرانی (که متاسفانه بعد از انقلاب به منافقین پیوست) تلمذ کرده ام .

۷. از ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ خارج فقه (کتاب طهارت و صلوه و حج) و خارج اصول (جلد اول کفایه الاصول) نزد آیت الله حاج میرزا علی فلسفی ، نزیل مشهد مقدس تلمذ نمودم.

۸. از ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۳ به حوزه علمیه قم انتقال یافتم و مقیم قم شدم و خارج فقه و اصول را از محضر آیت الله حاج رجبعلی وحید خراسانی تلمذ نمودم هر چند در این دوران مشابه سایر طلاب و اقشار مختلف در تظاهرات و تبلیغ مسائل مربوط به انقلاب به شهرها اعزام می شدم .

۹. از ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۳ کتاب نفس و قسمتی از الهیات شفا را نزد آیت الله حسن زاده و جلد ششم و هشتم اسفار اربعه را نزد آیت الله جوادی آملی تلمذ نمودم .

۱۰. از ۱۳۶۲ پس از بازگشایی دانشگاهها با اصرار حجهٔ الاسلام لاری ، دکتر احمد احمدی نماینده امام راحل و عضو شورای انقلاب فرهنگی در آن زمان و با هدف تدریس معارف اسلامی به دانشگاه کشیده شدم و از این تاریخ تا ۱۳۷۸ به ترتیب در دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه تربیت معلم تهران و دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه علوم اراک و دانشگاه علوم پزشکی این شهر و دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک به تدریس معارف برای دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد اشتغال داشته و دارم .

۱۱. در اوقات حضور در اراک با سپاه و با کارکنان استانداری و مرکز ماشین سازی اراک همکاری تدریسی و تبلیغی مستمر داشته ام .

۱۲. از ۱۳۷۸ پس از موفقیت در امتحانات کتبی و شفاهی خبرگان بی مدرک و دفاع از رساله دکتری تحت عنوان «حدوث و قدم جهان در آثار میرداماد» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم استخدام شدم و اکنون در این واحد دانشگاهی استاد یار و عضو هیئت علمی تمام وقت می باشم . در خاتمه لازم به ذکر است که همکاری تدریس اینجانب با این واحد دانشگاهی از ۱۳۷۱ شروع و تا کنون ادامه دارد .

مظاهری، کریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر کریم مظاهری در سال ۱۳۳۹ شمسی در تهران متولد شد.ایشان در رشته مهندس مکانیک به تحصیل پرداخت و موفق شد مدرک کارشناسی را از دانشگاه صنعتی شریف اخذ کند . او برای تکمیل معلومات دانشگاهی به امریکا سفر کرد، و در رشته ریاضیات کاربردی و علوم هوا- فضا به تحصیل پرداخت و موفق شد دکترای رشته فوق را از دانشگاه میشیگان،آمریکا (در سال ۱۳۷۱) دریافت کند.نامبرده در حال حاضر با سمت استادی ،مدیر گروه پیشرانش دانشکده مهندسی هوا- فضای دانشگاه صنعتی شریف است. کتاب " مکانیک و ترمودینامیک پیشرانش "ترجمه کریم مظاهری (یکی از مترجمان)، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی هوا- فضاگرایش : ریاضیات کاربردی و علوم هوا- فضاتحصیلات رسمی و حرفه ای : کریم مظاهری پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۶۵ شمسی از دانشگاه صنعتی شریف در رشتهٔ مهندسی مکانیک فارغ التحصیل شد. آنگاه به آمریکا رفت و تحصیلات خود را در رشته ریاضیات کاربردی و علوم هوا- فضا در دانشگاه میشیگان ادامه داد و در سال ۱۳۷۱ شمسی موفق به اخذ دکترای مهندسی هوا- فضا و محاسبات علمی از دانشگاه میشیگان، شد. خلاصه تحصیلات رسمی ایشان به قرار زیر است: کارشناسی مکانیک،دانشگاه صنعتی شریف،ایران کارشناسی ارشد ریاضیات کاربردی از دانشگاه میشیگان آمریکا کارشناسی ارشد علوم هوا فضا از دانشگاه میشیگان آمریکا دکترای مهندسی هوا فضا و علوم رایانه از دانشگاه میشیگان آمریکا در سال ۱۳۷۱مشاغل و سمتهای مورد تصدی : کریم مظاهری دکتر مظاهری پس از اتمام تحصیلات به ایران بازگشت و از سال ۱۳۷۱ شمسی با سمت استادیاری در دانشگاه صنعتی شریف مشغول به خدمت شد. از سوابق آموزشی ایشان می توان به مدیریت گروه مهندسی هوا- فضا، سرپرستی آزمایشگاههای کامپیوتری دانشکده مهندسی مکانیک و مدیریت اجرایی برگزاری آزمون کنکور کارشناسی ارشد مهندسی مکانیک کشور اشاره کرد. دکتر مظاهری در حال حاضر با سمت استادی ،مدیر گروه پیشرانش دانشکده مهندسی هوا- فضای دانشگاه صنعتی شریف است. دکتر مظاهری مدیرعامل شرکت تدبیرگران سامانه های انرژی و نیز سرپرست شرکت سازنده ربات بالزن کنترل‌شونده است. این ربات سبکترین پرنده دست‌ساز جهان می باشد.ایشان دارای بیش از بیست سال سابقه کار مدیریتی و صنعتی در صنایع مختلف خودروسازی، هواپیماسازی و فضایی بوده و مدیریت فنی

و اجرایی ده ها طرح مختلف را بر عهده داشته اند.فعالیتهای آموزشی : فعالیت آموزشی کریم مظاهری به قرار زیر است: عنوان دروس ارائه شده توسط دکتر کریم مظاهری: معرفی مهندسی هوا فضا،معرفی CFD،ایرودینامیک ۱و۲،سیالات ۱و۲،قوانین نیروی محرکه،قوانین راکت،ایرودینامیک هلی کوپتر،روشهای محاسبات پیشرفته،CFD۱و۲،دینامیک گاز،جریان چسبناک،تولید نیروی آشفته ،ASM دکتر مظاهری در زمینه موضوع این کارگاه در دانشگاه صنعتی شریف تدریس و به صنایع و سازمان های مختلف مشاوره ارایه می نمایند •. مدرس کارگاه های مدیریت راهبردی • مدرس مدیریت راهبردی در دانشگاه صنعتی شریف • دوره مدیریت راهبردی (دانشگاه میشیگان •) دوره مدیریت صنایع نوین (High-Tech Management Development Program (HTMDP)) آرا و گرایشهای خاص : زمینه های مطالعاتی و تحقیقاتی دکتر کریم مظاهری: CFD،نیروی محرکه،ایرودینامیک،سیستمهای مهندسیجوائز و نشانها : کتاب " مکانیک و ترمودینامیک پیشرانش "ترجمه کریم مظاهری (یکی از مترجمان)، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : کریم مظاهری مولف بیش از یکصد مقاله در مجلات و همایش های مهندسی می باشند و در زمینه موضوع این کارگاه در دانشگاه صنعتی شریف تدریس و به صنایع و سازمان های مختلف مشاوره ارایه می نمایند.

آثار: مبانی آئرودینامیک ویژگی اثر : پدیدآورنده: جان دیوید اندرسن، مهران دری (مترجم)، محمدعلی ایوبی (مترجم)، کریم مظاهری (مترجم)، مسعودرضا شاکری (ویراستار) ناشر: دانشگاه صنعتی شریف، انتشارات علمی - ۱۲ آبان، ۱۳۸۶۲ مکانیک و ترمودینامیک پیشرانش ویژگی اثر : ترجمه،یکی از مترجمان،این کتاب ، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب:«مکانیک و ترمودینامیک پیشرانش» مکانیک و ترمودینامیک پیشرانش/ تألیف فیلیپ هیل، کارل پیترسون؛ ترجم ?کریم مظاهری، محمدعلی ایوبی؛ ویراست ?مسعودرضا شاکری.- تهران: دانشگاه صنعتی شریف، مؤسس ?انتشارات علمی، ۱۳۷۷.- چهارده، ۸۴۵ص.: مصور. واژه نامه. کتابنامه. پیشرانش یکی از جذابترین گرایشهای مهندسی هوا- فضا است که علاقه مندان بسیاری دارد. این شاخه از مهندسی هوا- فضا به طرح مبانی، تحلیل و طراحی سیستمهای پیشران وسایل پرنده می پردازد. به اعتقاد بسیاری از صاحبنظران، این اثر یکی از کاملترین و جامعترین کتابها در زمین ?علوم و کاربردهای پیشرانش است که نه تنها اصول علمی اولیه را به خوبی بیان کرده، بلکه کاربردهای مختلف و تمامی سؤالهای موردنظر طراحان را مطمح نظر قرار داده است. این کتاب با بیانی شیوا، ضمن طرح تقریباً تمامی مجموعه های پیشرانش معروف امروزی و بیان جایگاه و ارتباطات آنها، تا حد امکان جزئیات طراحی هرکدام را مطرح می سازد. تنظیم فصلهای کتاب به گونه ای است که می توان از آنها برای تدریس سه درس در سطح کارشناسی با عناوین «اصول پیشرانش»، «توربو جتها» و «اصول راکتها و طراحی موشک» استفاده کرد.

مظاهری، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ مرتضی مظاهری نجفی از علماء معاصر اصفهان صاحب تألیفات عدیده میباشند، خلاصه ترجمه ایشان چنانچه در اول کتاب مقتبس الیاقوت اوست از این قرار است:

معظم‌له در شب دوشنبه دوم ماه جمادی‌الاولی ۱۳۱۶ ق از یک پدر و مادر اصیل و نجیب و ریشه‌دار متولد شده مرحوم والدش آقا محمد حسن مظاهری از اشراف و اخیار بودند و در کربلاء معلی وفات نموده و در وادی ایمن مدفون شدند در تاریخ ۲۵ محرم الحرام ۱۳۵۰ و والده ماجده‌اش از صالحات قانتات و بیوت عالیه بوده‌اند وی در چنین بیتی و حجر چنین پدر و مادری تربیت یافته و مقدمات و سطوح را در اصفهان نزد جماعتی از علماء اعلام مانند حاج شیخ محمد حسین فشارکی و حاج سید ابوالقاسم دهکردی و آخوند ملا-عبدالکریم جزی و آیه‌الله حاج میر محمد صادق احمدآبادی و غیرهم آموخته و در سال ۱۳۴۰ ق مهاجرت بنجف اشرف نموده و از مراجع عظام آن سامان چون آیه‌الله العظمی السید ابوالحسن اصفهان و آیه‌الله نائینی و آیه‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیه‌الله السید ابوتراب خونساری و حاج شیخ جواد بلاغی استفاده نموده تا بمدارج عالیه علم و کمال و مراتب اجتهاد ارتقاء یافته آنگاه باصفهان مراجعت و بانجام وظائف دینی و روحی پرداخته و در مسجد شیخ لطف‌الله که از مساجد معروف اصفهانست اقامه جماعت می‌نمود.

آثار و تألیفات ارزنده آنجناب از این قرار است:

۱- نهایه‌المأمول در شرح کفایه‌الاصول در ۲ جلد. ۲- رسائل استدلالیه در مسائل الفقهیه که ۱۴ رساله است بدین کیفیت: (۱- رساله در عدالت ۲- رساله در وضوء ۳- رساله در احکام صلح ۴- رساله در مکاسب محرمه ۵- رساله در خلل صلوه ۶- رساله در خیار بیع ۷- رساله در احکام بیع ۸- رساله در قضاء و شهادات ۹- رساله در حکم لباس مشکوک ۱۰- رساله در احکام غصب ۱۱- رساله در حکم کسیکه بمیرد و بر او دین باشد ۱۲- رساله در منجزات مریض ۱۳- رساله در احکام ستر و ساتر ۱۴- رساله در احکام شکوک در نماز ۱۵- رساله در حکم بیع صاع من صبره ۱۶- رساله در علم درایه و رجال)

۳- کتاب المعارف الرجالیه در مقدمات علم رجال.

۴- کتاب الفوائد الغرویه در متفرقات.

۵- کتاب مقتبس الیاقوت در فضل سکوت

۶- کتاب الحجه علی ذوی النهی فی حرمه حلق اللحی.

۷- نصیحت نامه

۸- کتاب آداب الدعا و منتخب الادعیه

۹- تقویم شرعی

۱۰- قلع‌الغیبه

۱۱- احسن اللغه.

سوانح و خاطرات عبرت‌آمیز علامه مظاهری

خاطرات زندگانی معظم‌له بسیار است و ما برای تنبه و تذکر بعضی از آنرا اشاره میکنیم:

۱- شفاء یافتن ایشان از مرض شدید العلاجی که همه مأیوس از حیات ایشان بودند و خداوند بدون وسائل عادی شفا داد.

۲- خراب شدن سقف و دیوار بر روی ایشان که هرکس شنید یقین کرد بفوت ایشان و خداوند او را حفظ نمود از هلاکت و بسلامت بیرون آوردند.

۳- غرق شدن در دریا سه مرتبه و نجات دادن خداوند او را از مرگ به لطف خودش.

۴- تشرف ایشان بمکه معظمه کرارا بدون وسائل عادی و لوازم ظاهری.

(۱۴۱۰ -۱۳۱۶ ق)، عالم دینی و فقیه. در خانواده‌ی علم و تقوا به دنیا آمد. مقدمات و سطوح را در اصفهان از شیخ محمدحسین فشارکی و سید ابوالقاسم دهکردی و آخوند ملا عبدالکریم جزی و آیت‌اللَّه میر محمدصادق احمدآبادی و دیگر علما فراگرفت. در ۱۳۴۰ ق به نجف رفت و در محضر آیت‌اللَّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللَّه نایینی و آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه سید ابوتراب خوانساری و آیت‌اللَّه شیخ جواد بلاغی تلمذ نمود تا به درجه‌ی اجتهاد نایل شد. آنگاه به اصفهان بازگشت و عهده‌دار امور دینی گردید و در مسجد شیخ لطف‌اللَّه به اقامه‌ی جماعت پرداخت. از آثارش: «نهایهٔ المامول»، در شرح «کفایهٔ الاصول»؛ «رسائل استدلالیه»، در مسائل فقهی، در چهارده رساله، شامل: رساله‌ی «عدالت»، رساله‌ی «قضاء و شهادات»، رساله‌ی «احکام غصب» و...؛ «المعارف الرجالیهٔ»، در مقدمات علم رجال؛ «الفوائد الغرویهٔ»، در متفرقات؛ «مقتبس الیاقوت»، در فضیلت سکوت؛ «آداب الدعاء و منتخب الادعیهٔ»؛ «قلع الغیبهٔ»؛ «احسن اللغهٔ»؛ «تقویم شرعی».[۱]

عالم دینی.

تولد: ۱۲۷۷(۲ جمادی‌الاولی ۱۳۱۶ ق.)، اصفهان.

درگذشت: ۱۹ تیر ۱۳۶۸، اصفهان.

آیت‌الله مرتضی مظاهری نجفی، فرزند محمدحسن مظاهری، مقدمات و سطوح را در اصفهان نزد محمد حسین فشارکی و سید ابوالقاسم دهکردی و ملا عبدالکریم جزی و آیت‌الله سید محمدصادق احمدآبادی و اساتید دیگر آموخت و در سال ۱۳۴۰ ق. به نجف مهاجرت نمود و از مراجع عظام آن حوزه چون آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله نایینی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله سید ابوتراب خوانساری و آیت‌الله محمدجواد بلاغی استفاده نمود تا به مرحله‌ی اجتهاد ارتقا یافت. آنگاه به اصفهان آمد و در مسجد شیخ لطف‌الله اقامه‌ی جماعت می‌نمود. آثار ایشان به این شرح هستند: نمایهٔ المأمول در شرح کفایهٔ الاصول در دو جلد ؛ رسائل استدلالیه در مسائل الفقیه (رسائلی به این شرح: رساله عدالت، رساله در احکام صلح؛ رساله در مکاسب محرمه؛ رساله در خلل صلوهٔ رساله در خیار بیع؛ رساله در احکام بیع؛ رساله در قضاء و شهادات؛ رساله در حکم لباس مشکوک؛ رساله در احکام غصب؛ رساله در حکم کسی که بمیرد و بر او دین باشد؛ رساله در منجزات مریض؛ رساله در احکام ستر و ساتر؛ رساله در احکام شکوک در نماز؛ رساله در حکم بیع صاع من صبره؛ رساله در علم درایه و رجال)؛ کتاب المعارف الرجالی در مقدمات علم رجال؛ کتاب الفوائد العزریه در متفرقات؛ کتاب مقتبس الیاقوت در فضل سکوت؛ کتاب الحجهٔ علی ذوی النهی فی حرمهٔ حلق اللحی؛ نصیحت‌نامه؛ تقویم شرعی؛ قلع الغیبهٔ؛ احسن اللغهٔ.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۴، ص ۴۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۰۹ -۱۰۷/ ۳).

مظفر بستکی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۱۲ -۱۲۴۷ ش)، شاعر، متخلص به مظفر. معروف به ملا مظفر. اصلش از دهات اطراف بستک لارستان فارس بود و در شیراز نشو و نما یافت. در اوایل امی بود و سواد نداشت ولی وقتی به شیراز آمد و مشغول خدمت در مدرسه‌ی منصوریه شد به تشویق حاج سید ابراهیم مدرس اردکانی شروع به تحصیل نمود. وی در جلسه‌ی درس مدرسین می‌نشست و به درس و بحث آنان گوش می‌داد و کم‌کم طبعش به حکمت و فلسفه مایل شد و از محضر درس حاج شیخ احمد شانه‌ساز، از حکمای معروف آن دوره، استفاده کرد. سپس «فصوص الحکم» را نزد شیخ حسین سبزواری، شاگرد حاج ملا هادی سبزواری، فراگرفت. او همچنین مدتی نزد شیخ محمود مسجد گنجی تلمذ نمود و با حاج شیخ محمدکریم سرپله، حکیم معروف زمان خود، همدرس بود. پس از آن از شاگردان آقا سید علی مجتهد کازرونی شد و «فصوص الحکم»، «اسفار» و «شرح منظومه» را نزد ایشان خواند. وی به تدریج به عرفان و تصوف تمایل پیدا کرد و با شیخ عباسعلی قزوینی، از شیوخ سلسله نعمت‌اللهی و سپس با شیخ محسن سروستانی آشنا شد و در آخر عمر ازمریدان شیخ محمد، عروف به امام اصطهباناتی، گردید. مظفر با شروع نهضت مشروطه در صف آزادیخواهان درآمد و اشعاری در مدح مشروطه و انتقاد از استبداد سرود و به پاس قدردانی از مظفرالدین‌شاه، اعطاءکننده مشروطه، تخلص خود را که تا

آن زمان محقر بود به مظفر تغییر داد. پس از تأسیس کتابخانه‌ی معارف، در شیراز، مدیریت آنجا را بر عهده گرفت. از آثارش «دیوان» شعری است، مشتمل بر قصیده‌ی مدحیه و غزل و قطعه و رباعی و مثنوی که در ۱۳۳۷ ش به اهتمام علینقی بهروزی و از سوی کانون دانش پارس به چاپ رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۶۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۷۰ -۴۶۰/ ۴)، الذریعه (۱۰۵۰/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۵۴)، مرآت الفصاحه (۵۹۶ -۵۹۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۸ -۶۸۷/ ۴).

مظفر تبریزی، مظفر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. ساکن عباس‌آباد اصفهان بود و به شغل علاقه‌بندی، که پیشه‌ی پدرش بود، اشتغال داشت. بعد از مدتی آن را کنار گذاشت و در سلک شعرا درآمد. او سفری به هندوستان کرد و بعد از سیر دکن، به جهان آباد رفت. در آنجا در خدمت حکیم داوود اصفهانی، مخاطب به تقرب خان (م ۱۰۷۳ ق)، و سایر امرا درآمد و اعتبار یافت. سپس به زیارت مکه معظمه رفت و پس از گزاردن دو حج به هند بازگشت و از آنجا به وطن خود، اصفهان، مراجعت نمود. او با نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) معاصر و معاشر بود. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۶۰۳ -۶۰۱/ ۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۳۰ -۴۲۹)، دانشمندان آذربایجان (۳۴۹ - ۳۴۸)، الذریعه (۱۰۶۰/ ۹)، صبح گلشن (۴۲۶ -۴۲۵)، فرهنگ سخنوران (۸۵۴ -۸۵۳)، کاروان هند (۱۳۱۴ -۱۳۱۳/ ۲).

مظفر خوافی، شهاب‌الدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۸۱ ق)، شاعر. مشهور به خاقانی ثانی. اصلش از خواف بود و در هرات زندگی می‌کرد. وی در ملازمت ملک معزالدین کرت بود و او را مدح می‌نمود. ظاهرا از ملک کرت رنجید و به نزد شاه شجاع مظفری رفت. صاحب عنوان نسبت به دنیا بی‌تکلف بود و بسیار ساده می‌زیست. در پاره‌ای از تذکره‌ها آمده که او خود را از شعرایی همچون سلمان ساوجی و خواجوی کرمنی برتر می‌پنداشت و «دیوان» خویش را بدین بهانه که کسی قدر آن را نمی‌شناسد به آب شست. به هر حال امروزه از اشعارش اندکی باقی مانده است. به آورده‌ی «الذریعه» میرزا سنگلاخ «دیوان» میر مظفرالدین هروی را، به خط ملا معروف، دیده است. صاحب «الذریعه»، به نقل از «شاهد صادق»، و صاحب «تاریخ نظم و نثر» سال مرگ وی را ۷۶۷ ق نقل کرده‌اند که «تاریخ ادبیات در ایران» این مطلب را صحیح نمی‌داند و قول «مجمل فصیحی» را درست می‌شمارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۷۳/ ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۳۹ -۱۰۳۷/ ۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۰۹ -۲۰۸)، تذکرهٔ الشعراء (۳۰۱ -۲۹۶)، الذریعه (۱۰۶۲/ ۹)، صبح گلشن (۴۲۷)، فرهنگ سخنوران (۸۵۵ -۸۵۴)، مجمع الفصحا (۷۰ -۶۹/ ۴)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۷۸۱)، هفت اقلیم (۱۷۵ -۱۷۴/ ۲).

مظفر علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۸۹ ق)، نقاش و خطاط. نگارگر شیرین قلم و خوشنویسی استاد، در شیوه‌ی ناخنی بود و در ولایت هند زندگی می‌کرد. از آثار وی، نسخه‌ی زیبایی به نام «پند نامه عرف کریما» است که در شیوه‌ی ناخنی عمل آمده و خط نستعلیق زیبایی دارد و کناره و سر صفحه‌های آن، از گلهای تزیینی ناخنی شده، با رقم: «... در تحریر ناخن مظفر علی بیک... سنه ۱۲۸۹».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۱۷۰/ ۳).

مظفر، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۱۵ ق)، حکیم، طبیب، صوفی و شاعر، متخلص به مظفر. ملقب به مظفر علیشاه. برخی از تذکره‌ها تخلص وی را طریقتی

ذکر کرده‌اند. در کرمان به دنیا آمد. در ابتدای جوانی تحصیل علوم عقلی و نقلی کرد. در کربلا نزد شریف العلماء فقه و اصول خواند. در حکمت الهی و طبیعی و علوم ادبی و عربی مرتبه‌ای عالی یافت. در نظم و نثر تحقیقات جامعی کرد. وی از مریدان و شیفتگان مشتاق علیشاه بود که پس از کشته شدن مراد، «دیوان» شعری به نام وی سرود، به همین دلیل مظفرعلیشاه را مولوی ثانی یا مولوی کرمانی خوانده‌اند، چرا که همچون ملای رومی در فراق مراد خود دیوانی سروده است. به قول صاحب «عرفای کرمان» وی پس از مشتاق علیشاه به خدمت نورعلیشاه و رونق علیشاه رسید و به دستور نور علیشاه از رونق علیشاه ارشاد و تلقین گرفت تا اجازه‌ی ارشاد یافت و از خلفای او شد. وی سرانجام در کرمانشاه درگذشت. در چگونگی مرگ او نیز اقوال متفاوتی وجود دارد. از آثار وی: «بحر الاسرار»، شعر؛ « مجمع البحار» یا «جامع البحار»، تفسیر «سوره‌ی فاتحه»، در شرح «بحر الاسرار»؛ «دیوان مشتاقیه»، شعر؛ «کبریت احمر»؛ «خلاصهٔ العلوم».[۱]

محمدتقی بن محمدکاظم از عارفان بنام سلسله نعمهٔاللهیه (ف. کرمانشاه ۱۳۱۵ ه.ق). وی در علوم طبیعی، ریاضی و علوم نقلی از اصول و فروع بهره کافی داشت و گروهی از محضر درس او استفاده می‌کردند. در آغاز مجذوب مشتاق علیشاه کرمانی شد و به خدمت نور علیشاه رسید و از نور علیشاه تلقین ذکر یافت. پس از قتل مشتاق‌علی شاه، مظفرعلی به انشاء غزلیات و قصاید و قطعات و ترجیعات و رباعیات دیوان مشتاقیه پرداخت. فتحعلی‌شاه به اصرار آقا محمدعلی کرمانشاهی او را به تهران احضار کرد و به صوابدید حاجی ابراهیم‌خان او را به کرمانشاه فرستاد و در همان شهر درگذشت. از اوست تفسیر منظوم به نام بحرالاسرار، تفسیر منثور بنام مجمع‌البحار، رساله کبریت احمر (مشتمل بر اوراد و اذکار طریقت نعمت‌اللهیه)، دیوان مشتاقیه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (۲۳۳)، تذکره‌ی مشاعران کرمان (۴۷۷ -۴۷۱)، حدیقهٔ الشعراء (۱۶۸۱ -۱۶۷۱/ ۳)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (۳۲۲)، الذریعه (۲۱/ ۲۰ ،۲۶۰/ ۱۷ ،۱۰۶۱/ ۹ ،۲۳۰/ ۷ ،۲۹/ ۳)، ریاض العارفین (۳۰۲ -۲۸۱)، ستارگان کرمان (۳۶۱ -۳۵۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۲۵/ ۱۳)، طرائق الحقائق (۲۰۸ -۲۰۷/ ۳)، عرفای کرمان (۱۰۸ -۱۰۷)، فرهنگ سخنوران (۸۵۴)، لغت نامه (ذیل/ مظفر کرمانی)، مجمع الفصحا (۹۴۳ -۹۳۴/ ۵)، معجم المؤلفین (۸۱/ ۱۲)، مکارم الآثار (۵۶۰ -۵۵۶/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۹ -۲۳۸/ ۲)، یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۵۴).

مظفر، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین مظفر

محل تولد : بصره عراق

شهرت

تابعیت : عراق

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسین مظفر فرزند یحیی در سال ۱۹۷۳ میلادی مقطع دبیرستان را به اتمام رساندم، سپس وارد دانشکده «اداره و اقتصاد» دانشگاه مستنصریه بغداد و پس از آن به دانشگاه بصره منتقل شدم، و در سال ۱۹۷۷میلادی مدرک لیسانس مدیریت و حسابداری دریافت کردم و در همین سال در مرحله کارشناسی ارشد بیمه به عنوان نفر اول در دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه بغداد و در حدود سال ۱۹۸۰ میلادی کامل کردم مرحله کارشناسی ارشد.و ممانعت حزب بعث از معرفی اینجانب به عنوان فارغ التحصیل سپس وارد حوزه علمیه نجف به ارشاد مرحوم شهید صدر و پایان نامه بیمه نزد ایشان ماند. در مدرسه دارالحکمه مرحوم حکیم زیر نظر شهید محمد حسین حکیم مقدمات را خواندم و نیز درس اخلاق را نزد مرحوم شهید سید صاحب حکیم و بعد از شهادت مرحوم صدر به ایران پناهنده شدم و وارد حوزه علمیه قم و به خاطر شرایط منفی سال های سال ترک درس کردم و سپس به دروس حوزوی بازگشتم. در سال ۱۳۷۷ در کارشناسی ارشد علوم قرآنی دانشگاه رضوی قبول شدم و در سال ۱۳۸۲ ش فارغ التحصیل شدم و در این مدت مشغول به پژوهش و تحقیق در پژوهشگاه دانشگاه رضوی و قبل از اینکه فارغ التحصیل بشوم پیشنهاد به راه افتادن درس صحیفه سجادیه در مرحله کارشناسی را دادم و جواب از وزارت علوم مثبت آمد و صحیفه سجادیه را تدریس کردم. در همان دانشگاه به مدت چهار ترم همچنین تدریس اصول فقه و فقه اللغه و صرف ساده به حوزه علمیه قم سپس باز گشتم و وارد درس خارج شیخ وحید در اصول و فقه و در سال دوم ادامه درس اصول وحید و در فقه خدمت استاد مکارم شیرازی.

مظفری پنج دهی مرزوی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، شاعر. اهل مرو بود و در عهد سامانی و غزنوی می‌زیست. از مداحان سلطان محمود غزنوی (۴۲۱ -۳۸۹ ق) و از معاصران فرخی سیستانی، شاعر بزرگ آن عهد، بود. وی قطعه‌ای در مدح فرخی سروده است. اشعاری از او در تذکره‌ها آمده

است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۶۲/ ۹)، شاعران بی‌دیوان (۴۵۱ –۴۴۹)، فرهنگ سخنوران (۸۵۵)، لباب الالباب (۶۵ –۶۳/ ۲)، مجمع الفصحا (۱۱۷۴/ ۳).

مظفری خویی، حسام‌الدین حسن

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به حسام. ملقب به مظفری. از ادبا و سخنوران شهر خوی بود که در دربار چوپانیان روم می‌زیست. از تالیفات وی: «نصیب الفتیان»؛ «تشبیب البیان»؛ «تحفه حسام»، در لغت فارسی به ترکی؛ «ملتمسات»، مشتمل بر چهارصد رباعی؛ «نزهه الکتاب و تحفه الاحباب»، در امثال؛ «قواعد الرسائل و فوائد الفضائل»، در انشاء به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۲۸۵/۳)، دانشمندان آذربایجان (۱۱۴ –۱۱۳)، الذریعه (۲۳۶/۹)، سر آمدان فرهنگ (۳۰۲/۱)، فرهنگ سخنوران (۲۵۴)، کشف الظنون (۱۹۵۷، ۱۳۵۸)، لغت نامه (ذیل/ حسام خویی).

مظفری قزوینی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مظفری قزوینی در سال ۱۳۰۴ در شهر قزوین متولد گردید. پس از دوران کودکی در سن بیست سالگی وارد حوزه ی علمیه قزوین شد و حدود شش سال به تحصیل در این حوزه پرداخت. سپس جهت تحصیل به قم رفته و درحوزه علمیه این شهر وارد شد. پس از بهره بردن از محضر درس اساتید درس این حوزه به نجف اشرف رفته و محضر درس بزرگان آن سامان را درک نمود. آیت الله مظفری قزوینی پس از آنکه تحصیلات خود را به پایان برد به تدریس و تالیف و اقامه ی نماز جماعت و بیان مسائل و احکام دین را به عهده گرفت.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : محمد مظفری قزوینی فرزند ملا ابراهیم آقا بابایی ، در سال ۱۳۰۴ دیده به جهان گشود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد مظفری قزوینی پس از دوران کودکی در سن بیست سالگی وارد حوزه ی علمیه قزوین شد و حدود شش سال به تحصیل در این حوزه پرداخت. سپس جهت تحصیل به قم رفته و درحوزه علمیه این شهر وارد شد. پس از بهره بردن از محضر درس اساتید درس این حوزه به نجف اشرف رفته و محضر درس بزرگان آن سامان را درک نمود.خاطرات و وقایع تحصیل : محمد مظفری قزوینی هنگام تحصیل در نجف اشرف به سبب بروز برخی مشکلات، مجبور به بازگشت به ایران گردید.استادان و مربیان : محمد مظفری قزوینی مقدمات را نزد آخوند ملا علی مطهری ، متوسطه را نزد شیخ مهدی قاضی و آنگاه سطوح عالیه را نزد آیت الله العظمی حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی فراگرفت. استادان وی در حوزه علمیه ی قم آیت الله حاج سید حسین بروجردی و آیت الله سیدشهاب الدین الحسینی مرعشی بود. مظفری همچنین در حوزه علمیه ی نجف نزد اساتیدی چون: آیت الله حاج سید محسن حکیم ، آیت الله حاج سیدمحمود شاهرودی ، امام خمینی (ره) ، آیت الله حاج سید ابوالقاسم خویی تلمذ نمود.فعالیتهای آموزشی : محمد مظفری قزوینی پس از آنکه مقام علمی خود را به مرتبه ای رساند که توانست ، دانش خود را به دیگران منتقل نماید ، در حوزه علمیه قم به تدریس پرداخت. او سپس به نجف رفته و علاوه بر تحصیل به تدریس نیز پرداخت ، سپس به زادگاه خود قزوین بازگشت و فعالیت های آموزشی خود را در این شهر دنبال نمود.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد مظفری قزوینی پس از آنکه تحصیلات خود را به پایان برد به تدریس و تالیف و اقامه ی نماز جماعت و بیان مسائل و احکام دین را به عهده گرفت.آثار : اسلام و فلسفه احکام ویژگی اثر : دردو جلد۲ اسلام و قانون بردگی ، اصطلاحات منطقی ، البلغه فی بلوغ المراه ، الشیعه و السنه ویژگی اثر : این کتاب به زبان عربی می باشد۶ الفوائد الرجالیه ، القطره فی فضائل علی علیه السلام ، ایضاح الحجه فی شرح العروه ویژگی اثر : در ۸ جلد۹ پرسش ها و پاسخ ها ویژگی اثر : دردو جلد۱۰ حرمت بازی شطرنج ، خاتمیت آخرین پیامبر ، خلاصه البیان فی احوال شاه زمان ، دانستنیهایی از قرآن ویژگی اثر : این کتاب به زبان عربی می باشد۱۴ رساله در اثبات صانع تعالی ، رساله در خلقت بهشت و جهنم ، شهادت ثالثه در اذان و اقامه ، طیبات ، قربانی در منی

منابع زندگینامه :فرزانگان علم و سخن قزوین ، تحقیق و گردآوری: رضا صمدی ها ، قزوین: بحر العلوم

مظلوم‌پور، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۹۰.

درگذشت: ۱۳۷۰.

از آثار اوست: فیض الجواد فی رثاء المظلوم یا کاروان عشق (تهران، ۱۳۷۴).

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مظلومی، رجبعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رجبعلی مظلومی ، فرزند استاد محمدحسین در سال ۱۳۰۶ شمسی در نیشابور پا به عرصه ی وجود گذاشت. دوران تحصیل خود را در نیشابور ، مشهد و سپس در تهران طی کرد. در دوره ی ابتدایی و متوسطه پی به هنر نقاشی برد و کارهایی در زمینه ی هنرهای تصویری انجام داد. آنگاه به علت فقر مالی در دخانیات مشغول به کار شد و در کنار آن ، در مقطع کارشناسیِ دانشگاه تهران مشغول به تحصیل شد. سپس به پیشنهاد دکتر معین ، دوره های کارشناسی ارشد و دکترا را پی گرفت و در رشته های فلسفه محض ، روان شناسی و ادبیات فارسی فارغ التحصیل شد.دکتر مظلومی در دوران فعالیت های دانشگاهی اش ، دو مرکز تحقیقاتی تأسیس کرد. همچنین دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس ، توسط ایشان تأسیس و بنیاد نهاده شد. او سمت استادی را در دانشگاه های تهران ، شهیدبهشتی ، صنعتی شریف تهران ، صنعتی اصفهان ، تربیت مدرس و مجتمع دانشگاه هنر عهده دار بود. دکتر رجبعلی مظلومی سرانجام پس از سه سال در ۲۱ مهر ۱۳۷۷ به لقای محبوب شتافت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : رجبعلی مظلومی ، فرزند استاد محمدحسین می باشد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : رجبعلی مظلومی ، در دو سالگی پدرش را از دست داد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : رجبعلی مظلومی ، دوران تحصیل خود را در نیشابور ، مشهد و سپس در تهران طی کرد. در دوره ی ابتدایی و متوسطه پی به هنر نقاشی برد و کارهایی در زمینه ی هنرهای تصویری انجام داد. آنگاه به علت فقر مالی در دخانیات مشغول به کار شد و در کنار آن ، در مقطع کارشناسیِ دانشگاه تهران مشغول به تحصیل شد. سپس به پیشنهاد دکتر معین ، دوره های کارشناسی ارشد و دکترا را پی گرفت و در رشته های فلسفه محض ، روان شناسی و ادبیات فارسی فارغ التحصیل شد. رساله ی دکترای ایشان ، « تصحیح متن شرح فصوص الحکم باباركن الدین شیرازی » بود که توسط مؤسسه ی مطالعات اسلامی چاپ شد و پروفسور لندلت ، همین کتاب را به عنوان متن درسی در دانشگاه مگ گیل کانادا تدریس می کرد.

استادان و مربیان : رجبعلی مظلومی از اولین سال تحصیل خود ، معلم نقاشی داشت . او بعد ها به شاگردی استاد موید پردازی در آمد و از آنجایی که موید پردازی شاگرد کمال الملك بود بنابراین مظلومی را نیز می توان شاگرد باواسطه کمال الملك محسوب کرد

زمان و علت فوت : رجبعلی مظلومی ، در ۲۱ اسفند ۱۳۷۴ در اثر سکته ی مغزی به بیمارستان منتقل و سرانجام پس از سه سال در ۲۱ مهر ۱۳۷۷ به لقای محبوب شتافت.

فعالیتهای آموزشی : رجبعلی مظلومی ، سمت استادی را در دانشگاه های تهران ، شهیدبهشتی ، صنعتی شریف تهران ، صنعتی اصفهان ، تربیت مدرس و مجتمع دانشگاه هنر عهده دار بود.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : رجبعلی مظلومی در دوران فعالیت های دانشگاهی اش ، دو مرکز تحقیقاتی تأسیس کرد. همچنین دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس ، توسط ایشان تأسیس و بنیاد نهاده شد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : رجبعلی مظلومی ، به زبان های فرانسه و عربی آشنایی کامل دارد. مطالعات متنوع و گسترده ی او در زمینه های: قرآن شناسی ، حدیث شناسی ، حکمت و عرفان ، تاریخ و هنر اسلامی و به ویژه امور تربیتی منجر به نگارش بیش از یکصد جلد کتاب و پانصد مقاله در طول نزدیک به نیم قرن تلاش و پژوهش گردید.

آرا و گرایشهای خاص : رجبعلی مظلومی معتقد است که عاملی که بتواند آن مادیت را به معنویت بدل کند و بالطافت حتی با اقتصاد خیلی خوب ، قسمت عمده ای از مسایل زندگانی مارا حل کند فقط هنر است . وی اعتقاد دارد که هنر فقط درزمینه آزاد و آزاده می تواند ابراز وجود کند چون اصلاآب هنر از آزادی است . وی بر این باور است که کسانی که یکسره عینیت های را به وسیله ابزارهای هنر ی طرح می کند ، گرچه زحمت می کشند ،اما کارشان را هنر صنعتی می دانیم ونه هنر هنر مندی . او معتقد است که هنر هنرمند آن است که تنها برای فرهنگ بهتر و ارتقای فهم فرهنگی یک جامعه و اصولا برای مجموعیت لایق یک جامعه و برای قدرت والاتر همین مجموعیت کار کند . ازاین جهت او هنر مند را همیشه آینده بین می داند . ------------------
----

آثار :

۱ آموزش فن سخن گفتن

ویژگی اثر : برداشتی از کتاب « راه و رسم سخن گفتن ».

۲ ارمغان مور

۳ با تربیت مکتبی آشنا شویم

۴ بازنگری بر فعالیت های بدنی

۵ بیایید به حرف بچه هایمان گوش کنیم

۶ پژوهشی پیرامون آخرین کتاب الهی
۷ تربیت از دیگاه معصومین (ع)
۸ تربیت معنایی انسان
۹ تفسیر شیعه
۱۰ جوان و دین
۱۱ چرا امام حسن (ع) صلح را پذیرفت ؟
۱۲ چه کسی با چه نوع شخصیتی ، کدام شغل را انتخاب می کند ؟
۱۳ حاشیه بر هنر چیست ؟
۱۴ در مسیر نور تا خورشید یا سیر رسالت با جوهره ی ولایت در بستر تشیع
۱۵ درس های رمضان (تفسیر قرآن)
۱۶ دولت عدل الهی ؛ درباره ی دولت امام زمان (عج)
۱۷ راه و رسم سخن گفتن
۱۸ رهبر آزادگان ؛ درباره ی امام حسین (ع)
۱۹ روابط شایسته در ورزش تربیتی
۲۰ روزنه ای به باغ بهشت یا هنر در راستای انقلاب اسلامی
ویژگی اثر : در دو مجلد.
۲۱ زنانِ بافضیلت
۲۲ سخنرانی را توانا شویم
۲۳ سرگذشت قرآن
۲۴ سیر تاریخی قرائت
۲۵ سینما ، اخلاق ، تجربه
۲۶ شورای اسلامی
۲۷ علوم قرآن
ویژگی اثر : در پنج مجلد.
۲۸ علی (ع) معیار کمال
۲۹ فهم قرآن
ویژگی اثر : در دو مجلد.
۳۰ کتابشناسی اسلامی
۳۱ کلیدهای تربیتی و تعلیمی برای اولیای تربیتی
۳۲ گامی در مسیر تربیت اسلامی (از کودکی تا بلوغ)
۳۳ گامی در مسیر تربیت اسلامی (مبانی تربیتی)
۳۴ مؤمن کیست و ایمان چیست ؟

منابع زندگینامه :
مجله ی آینه ی میراث ، سال اول ، شماره ی ۲ ، سال ۱۳۷۷ ـ مجله ی آینه ی پژوهش ، سال نهم ، شماره ی پنجم ، شماره ی پیاپی ۵۳ ، آذر و دی ۱۳۷۷

مظهر خویی، عباسقلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۶۳ ق)، شاعر، متخلص به مظهر. از فضلا و شعرای اواخر سیزدهم و از شاگردان محمد امین دلسوز بود. وی پیش از سی سالگی در تهران درگذشت. صاحب « حدیقهٔ الشعراء» او را در ۱۲۶۳ ق زنده می‌داند. از آثارش «دیوان» شعر می‌باشد که با «دیوان» خرم، در ۱۳۰۷ ق در تبریز، به چاپ رسید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۶۸۵ -۱۶۸۴/ ۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۴۹)، الذریعه (۱۰۶۴ -۱۰۶۳/ ۹)، ریحانه (۳۲۹/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۸۵۵)، مؤلفین کتب چاپی (۷۰۰/ ۳).

مظهر، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۴ -۱۲۳۲ ش)، شاعر و منشی. وی در همدان به دنیا آمد. پس از فراگرفتن تحصیلات مقدماتی، در رشته‌ی علوم ادبی و عربی به تحصیل پرداخت و در مدرسه‌ی زنگنه به تحصیل فقه، اصول، منطق، فلسفه و عروض اشتغال ورزید و تا جایی پیش رفت که از زمره‌ی اساتید زمان به شمار آمد. وی در تدریس «منظومه‌ی سبزواری» که در زمره‌ی کتابهای فلسفه به شمار می‌رود، تسلط داشت. مظهر بعد از اتمام تحصیلات، در دستگاه امیر افخم قراگوزلو همدانی به سمت منشی گری به کار پرداخت و تا آخر عمر در این سمت باقی بود. وی را در قم در صحن حضرت معصومه (س) به خاک سپردند. از آثارش: «خستوی»، که به طرز مثنوی سروده شده؛ «بضاعت مزجات»، به نثر، مشتمل بر دو قسمت یکی سؤال و جواب در موضوعات فلسفی و دیگری درباره‌ی عرفان و سیر سلوک؛ «دیوان» شعر، متجاوز از ده هزار بیت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۳۳۴۸ -۳۳۴۲/ ۵).

مظهری، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن مظهری

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات کلاسیک از دبستان تا دبیرستان در رشته علوم تجربی تا سال ۱۳۶۵ را در شهرستان دامغان گذراندم. تحصیلات حوزوی را از سال ۱۳۶۵در حوزه علمیه قم شروع کرده و پس از اتمام سطح هم اکنون حدود ۶ سال دروس خارج فقه و اصول شرکت نموده ام . در درس تفسیر حضرت آیهٔ الله جوادی آملی حدود ۸ سال شرکت کردم. ۵ سال نیز در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) در قم در رشته کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی تحصیل نموده و پس از تدوین پایان نامه به اخذ مدرک کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی موفق گردیدم . از سال ۱۳۸۱تا ۱۳۸۵ تاکنون در مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما ایران به ارزیابی، بررسی طرح و مشاوره پژوهش مشغول می باشم و تاکنون ده ها کتاب و جزوات پژوهشی با نظارت اینجانب به چاپ رسیده است.

معاذی تبریزی، اردشیر

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۸۳۷ ق)، شاعر، متخلص به معاذی. از نسل معاذ بن جبل بود. وی مداح دربار شروانشاهیان و نزد آنان گرامی بود. امیرهوشنگ بن کاوس بن کیقباد (۷۸۴ -۷۷۴ ق) و امیر شیخ ابراهیم بن سلطان محمد ابن کیقباد (۸۲۰ -۷۸۰ ق) را مدح کرد. وی سفرهایی به آذربایجان، اران و گیلان داشت. در گیلان، در مدح رضی‌الدین کیا و امیر سید رضا کیا، که از حکام آن سامان بودند، قصایدی سرود. همچنین او در ۸۳۷ ق امیر ناصر کیا را نیز مدح گفت. معاذی با کمال خجندی، محمد عصار تبریزی، بدیع تبریزی و سلمان ساوجی معاصر بوده و عصار را به استادی ستوده است. از آثارش: «دیوان» شعر، در پنج هزار بیت. وی، بنا به گفته‌ی صاحب «تذکره‌ی شعرای آذربایجان»، مناظره‌های زیادی دارد، از جمله: «چنگ و نی»؛ «سیف و قلم»؛ «سهم و قوس»؛ «زلف و روی»؛ «آینه و شانه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۴۱)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۶۰۸ -۶۰۳/ ۲)، دانشمندان آذربایجان (۳۵۰ -۳۴۹)، الذریعه (۱۰۶۵/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۵۶).

معالی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۰۸، کوچصفهان.

درگذشت: ۱ دی ۱۳۶۸، رشت.

محمدرضا معالی که در شعر با نام خانوادگی «معالی» و گاهی با «فروغ» تخلص می‌کرد، فرزند محمدطاهر ابوالمعالی، در زادگاه خود به تحصیل پرداخت و از دبیرستان اتحادیه «ابوالمعالی» فارغ‌التحصیل شد. از آن پس به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و پس از سال‌ها تدریس و خدمات فرهنگی بازنشسته شد، پس از بازنشستگی، تصدی کتابخانه‌ی شهید بهشتی رشت به او محول شد.

محمدرضا معالی از آغاز جوانی به شعر و شاعری پرداخت و در انواع شعر طبع آزمایی کرد، اما بیشتر به غزل‌سرایی رغبت نشان داد.

از آثار او سه مجموعه شعر به جا مانده است به نام‌های گلدشت بی‌فروغ، گل‌های داودی، ده قطره اشک که تاکنون منتشر نشده است.

محمدرضا معالی در اول دی ماه ۱۳۶۸ درگذشت و در زادگاهش به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

معاون الفقرای شیرازی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر و نویسنده. ملقب به حافظ الکتب و معاون الفقراء. پدرش از علما و شعرا و از مریدان جلال‌الدین محمد مجد الاشراف و مؤذن شاه چراغ بود. میرزا ابوالحسن نیز از فقرای سلسله‌ی ذهبیه و از سرسپردگان میرزا احمد وحید الاولیاء تبریزی، جانشین مجد الاشراف، بود. از آثار وی: «آثار الاحمدیه»، در شرح حال وحید الاولیاء؛ «گلبن محمدی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۸۲ -۴۸۰/ ۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۰/ ۱).

معتقد اهرمی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۵۳- ح ۱۳۳۰ ق)، شاعر، متخلص به معتقد. در قریه‌ی اهرم، از توابع بوشهر، به دنیا آمد. در دوازده سالگی برای تکمیل تحصیلات به خورموج رفت و به محمد خان دشتی پناهنده شد و علوم عربی و فنون ادبی و فقه و اصول را آموخت. سپس برای تکمیل تحصیلات چند سالی به عتبات رفت. پس از بازگشت به بوشهر به تدریس عربی و ادبیات مشغول شد، اما پس از چند سالی از صحبت مردم ملول شد و گوشه‌نشینی اختیار کرد و به کتابت قرآن پرداخت. وی در ساختن ماده تاریخ مهارت خاصی داشت. از آثارش: «بقیه‌ی نقیه»، شعر؛ «جواهر الزواهر»، شعر، در مدایح و مراثی؛ «دلائل الظهور فی علائم الحضور»؛ «مجموعهٔ اللطائف»، در بیان ظرائف و نوادر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۸۶ -۴۸۲/ ۴)، الذریعه (۱۰۶۵/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۵۷)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۰۷۶، ۵۱۲/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۵۰ -۷۴۹/ ۲).

معتقدی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس معتقدی

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱۰/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عباس معتقدی در سال ۱۳۴۰ در شهر یزد متولد شدم و در سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه شهر محل تولد خود شدم پس از تحصیلات دوره راهنمایی و در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال ۱۳۶۱ در این حوزه به تحصیل اشتغال داشتم از سال ۱۳۶۲ تا شهریور ۱۳۶۵ در نهضت سواد آموزی شهرستان مهریز یزد مشغول خدمت شدم و از مهرماه ۱۳۶۵ تا کنون در حوزه علمیه قم به تحصیل اشتغال دارم- در سال ۱۳۶۹ دوره سطح حوزه را به اتمام رسانیده و در همان سال در دروس خارج فقه و اصول آیهٔ الله مکارم شیرازی حضور یافتم.طی این مدت در محضر آیت عظام مکارم، سبحانی، خاتم یزدی و تبریزی بهره بردم. در سال ۱۳۶۹

و ۱۳۷۰ در دوره زبان عربی در دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم شرکت نمودم و با این زبان در ابعاد مکالمه، ترجمه، سخنرانی و انشاء کاملا آشنا شدم. طی سالهای ۷۲ و ۷۳ در مرکز تخصصی تبلیغ شرکت نمودم که دوره چهار ساله آن را نیمه تمام به خاطر وجود مشکلاتی رها نمودم.

در سال ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ به مدت یک سال در معاونت امور شهرستانهای مرکز هدایت حوزه علمیه قم مشغول خدمت شدم ، و پس از یک سال همکاری، بنا به دعوت برخی از دوستان، در سازمان حوزه ها و مدارس علمیه خارج از کشور مشغول به کار شدم که همکاری با این سازمان تا کنون استمرار دارد. طی مدت همکاری با سازمان سه نوبت به عنوان مدیر حوزه های دار التحصیل در شهر کیکو مای تا نزانیا، حوزه علمیه رسول اکرم(ص) کشور نیجر و مهد امام جعفر صادق علیه السلام سودان و چند نوبت نیز به عنوان سرپرست موقت اعزام شدم و جمعاً حدود پنج سال به صورت متناوب در آن کشورها به امر مدیریت مراکز یاد شده و نیز تدریس برخی از مواد درسی حوزوی و همچنین ترویج و تبلیغ مذهب اهل بیت(علیه السلام) اشتغال داشته ام. بیش از دو سال است که در فضای وب اینترنت که به عقیده برخی به عنوان قاره ششم مطرح شده، به وبلاگ نویسی مشغول هستم و به رغم فرصت اندک وبلاگهایی با عناوین کشکول، شیعه و اتهامات، و الشیعه و التهم که آخری به زبان عربی است را راه اندازی نموده ام.همچنین سایت الشیعه نت www.shiahnwt.com در دست راه اندازی است که همچنان فرصت تکمیل آن به دست نیامده است اما پس از ثبت دومین و خرید فضای یکصد مگابایت آمان راه اندازی می باشد.

معتمد خراسانی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۹ -۱۲۹۶ ش)، عالم دینی، فقیه اصولی، نویسنده و واعظ. در محله‌ی پایین خیابان مشهد به دنیا آمد. در کودکی پدر و مادر خود را از دست داد. ادبیات را از محضر محقق نوغانی و میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و سطح فقه و اصول را از آیت‌اللّه شیخ کاظم دامغانی و آیت‌اللّه شیخ هاشم قزوینی و آیت‌اللّه شیخ مجتبی تنکابنی و آیت‌اللّه شیخ حسن طبرسی و آیت‌اللّه میرزا علی‌اکبر نوغانی و خارج اصول را در حوزه درس آیت‌اللّه میرزا محمد آقازاده‌ی کفایی گذراند و در درس معارف از محضر آیت‌اللّه میرزا مهدی اصفهانی استفاده نمود و معقول را نزد آقا بزرگ حکیم و فرزندش میرزا مهدی فراگرفت. آنگاه به نجف رفت و از درس آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی استفاده نمود و از آنان به دریافت اجازه نایل آمد. سپس به تهران بازگشت و در مدرسه مروی سکنی گزید و از طرف آیت‌اللّه میرزا احمد آشتیانی عهده‌دار رسیدگی به امور کتابخانه‌ی مدرسه گردید. او از این زمان به تألیف رسالات پرداخت و همزمان به وعظ و خطابه نیز مشغول شد. وی در تهران درگذشت و در قم به خاک سپرده شد. از آثارش: «خورشید تابان در نبوت قرآن»، در علم و ادب و تاریخ و اجتماع؛ «اسلام شناسی»؛ «تاریخ ادوار اسلام»، شامل سه دوره: «از بعثت تا آخر تشریع قوانین»، «عهد خلفا و اجرای قوانین» و «عهد بنی‌امیه و انحراف از دین تا قیام امام حسین (ع)»؛ «حکومت عباسیان در پیشگاه تاریخ»؛ «فلسفه غیبت امام زمان (عج)»؛ «شرح دعای ابوحمزه ثمالی»؛ «مبدأ و معاد»؛ «اخلاق در مکتب اهل‌بیت (ع)».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۳۰۷/ ۱)، مبدا و معاد (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۴/ ۱).

معتمد، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۴، مرتبه علمی: استاد، رشته: زمین‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناس زمین‌شناسی و علوم تربیتی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۶، دکترای حرفه‌ای رسوب‌شناسی از دانشگاه اورسی پاریس در سال ۱۳۴۲، کارشناسی ارشد خاک‌شناسی از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۳۹ و دکترای تخصصی رسوب‌شناسی از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده علوم دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

حوض سلطان، منشاء ماسه‌های کاشان، رسوبهای جذب ضرر، محیط رسوبی معادن سرب و روی بافق، تدریس دروس رسوب‌شناسی، زمین‌شناسی عمومی، خاک‌شناسی و کواترنر در دانشگاه تهران و سایر دانشگاهها، برنده مدال فرهنگ ۲ از وزارت فرهنگ سابق در سال ۱۳۳۴، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

زمین‌شناسی عمومی، رسوب‌شناسی، مبانی زمین‌شناسی، زمینهای شور و بیابانهای گرم.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

رسوبهای تخریبی البرز جنوبی، رسوبهای ساحلی دریای خزر، مسئله ماسه‌های جنوب خزر و چند مقاله دیگر.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

معتمدنژاد، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: علوم سیاسی، دانشکده: علوم اجتماعی، دانشگاه: علامه طباطبائی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی حقوق از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۶، دکترای حقوق از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۹، دکترای دولتی علوم سیاسی از دانشکده حقوق دانشگاه پاریس در سال ۱۳۴۳، دکترای روزنامه‌نگاری از انستیتوی مطبوعات خبری پاریس در سال ۱۳۴۳.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۴ تا سال ۱۳۴۶، دانشیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۶ تا سال ۱۳۴۹، استاد دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۵۹، استاد دانشگاه علامه طباطبائی از سال ۱۳۶۴ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ارتباطات، روزنامه‌نگاری، حقوق ارتباط و تدریس دروس حقوق و علوم سیاسی، روزنامه‌نگاری و ارتباطات در دانشگاههای تهران و پاریس.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

روزنامه‌نگاری، وسایل ارتباط جمعی، روش تحقیق در محتوای مطبوعات، حقوق ارتباطات جمعی، ارتباطات بین‌المللی، کتاب‌شناسی ارتباطات در جهان سوم، ارتباطات و سلطه فرهنگی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: متعدد، تعداد مقالات بزبان خارجی: متعدد

زمینه علمی مقالات:

حقوق، ارتباطات و روزنامه‌نگاری.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

معجزه تهرانی، حیدر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۱ ش)، صوفی و شاعر، متخلص به معجزه. در تهران به دنیا آمد. در آغاز جوانی در راه سیر و سلوک عرفانی گام نهاد و در وادی تصوف وارد گردید. وی از هشتاد سال عمرش شصت سال را در تصوف سپری کرد و چون ذوق و قریحه شاعری داشت با زبان شعر، افکار و اندیشه‌های عرفانی خود را بیان می‌نمود. از آثار وی: به نظم درآوردن شصت و چهار خطبه‌ی «نهج‌البلاغه» امیرالمؤمنین علی (ع) به همراه یکصد و چهل کلمه قصار آن حضرت، به فارسی؛ مخمسی در پانصد صفحه؛ تضمین یکصد و ده غزل سعدی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۳۳۵۹ -۳۳۵۴/ ۵).

معدل، قاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قاسم معدل

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در شهر نجف اشرف در خانواده ای متعهد و فرهنگی چشم به دنیا گشودم. همراه با سایر افراد خانواده صبح ها در جلسات درسی فقه (رساله عملیه)، اخلاق، تفسیر و غیره که توسط پدر اینجانب تدریس می شد شرکت می کردم. تحصیلات ابتدایی (۱۳۴۷ ـ ۱۳۵۳) و راهنمایی (۱۳۵۳ ـ ۱۳۵۶) با موفقیت پشت سر گذراندم که همزان با آن پاره ای از تحصیلات حوزوی نزد محقق عزیز جناب آقای سید محمد حسین رضوی کشمیری شروع کرده بودم. اما بعد از مدت کوتاهی به علت شرایط نامساعد حاکم بر کشور عراق مجبور به ترک آن شده ام.

در سال ۱۳۵۹ تحصیلات دبیرستانی خود را به اتمام رسانده ام و موفق به گرفتن مدرک دیپلم شده ام.با به دست آوردن مدرک دیپلم و پیروزی انقلاب اسلامی ایران اینجانب سعی بر این داشته ام که به تحصیلات حوزوی و کلاسیک (دانشگاهی) خود در ایران ادامه دهم اما با آغاز جنگ علیه ایران توسط رژیم سابق عراق (صدام) ، دولت عراق اینجانب را از خروج به خارج عراق ممانعت کرد که با توجه به این امر و به جهت امتناع از مشارکت در جبهه های جنگ عراق علیه کشور مسلمان ایران وارد تحصیلات کاردانی دررشته تاسیسات شده ام که در سال ۱۳۶۱ ه.ش آن را به اتمام رسانیده و در اواخر سال ۱۳۶۲ با تلاش های بسیار موفق به ورود کشور جمهوری اسلامی ایران از راه غرب شده ام که بلافاصله ضمن اشتغال در تقویم متون کتاب های منتشر شده معاونت روابط بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی تحصیل حوزوی خود را در مرحله مقدمات با مطالعه کتاب هایی مانند المنطق ، شرح ابن عقیل و سایر کتب درسی آغاز نموده ام و تا سال ۱۳۶۴ ادامه داشت.

در سال ۱۳۶۴ کتاب های معالم الدین و شرح لمعه را نزد استادان بزرگوار مقدس و رحیمی تلمذ نموده ام.

جهت ادامه تحصلات خود در سطوح عالیه در سال ۱۳۶۶ وارد دانشسرای علوم اسلامی که تحت نظر آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی (دام ظله) بود شده ام که درس های معارف القرآن و بحث های اقتصادی و نزد استاد حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی، فقه مقارن نزد حضرت آیت الله شیخ ابراهیم جناتی، مکاسب شیخ نزد اساتید بزرگوار آیت الله راضی، سید علیرضا حائری و شیخ حسن جواهری، اصول (کفایه و حلقه سوم) نزد آیت الله شیخ باقر ایروانی و فلسفه نزد آیت الله سید کمال حیدری خوانده ام.با اتمام سطوح عالیه سال ۱۳۷۱ در بحث خارج اصول حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی و بحث خارج فقه حضرت آیت الله سید کاظم حائری شرکت داشته ام.

همچنان در سال های ۱۳۷۲ ـ ۱۳۷۴ در حلقه مباحثه خصوصی بحث های فقهی تحت نظارت حضرت استاد بزرگوار جناب شیخ باقر ایروانی و در حلقه مباحث بحث های اصولی برای مدتی کوتاهی تحت نظارت استاد بزرگوار جناب شیخ محمد هادی آل راضی شرکت داشته ام.از اوایل تحصیل خود و همزمان با ادامه تحصیلات با موسساتی مانند سازمان تبلیغات اسلامی، دانشکده امام حسین(ع) قم، انتشارات دارالقلم، مجله التوحید، نمایندگی ولی فقیه همکاری علمی داشته ام.

در سال ۱۳۷۲ مسئولیت تدوین متون درسی مدارس خارج از کشور سازمان تبلیغات اسلامی بعهده داشته ام و از سال ۱۳۷۴ با موسسه دائره المعارف فقه اسلامی تحت نظارت رهبر انقلاب آیت الله خامنه ای و به ریاست آیت الله هاشمی شاهرودی (دام ظلهما) شروع به همکاری نموده ام که تا بحال ادامه دارد و در این مدت مسوولیت هایی مانند سرگروهی جلدهای ۳، ۸ موسوعه الفقه السلامی عضو شورای تحقیقات، و عضو هیات علمی موسسه دائره المعارف بعهده داشته ام. همچنین اینجانب در سال ۱۳۷۶ به عضویت هیئت تحریریه فصلنامه فقه اهل بیت (ع) درآمده ام.

معدوم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۵۰ ق)، نقاش و خطاط. نقاش ناخنی دوره‌ی محمدشاه قاجار بود و جمله نقوش و خطوط را، به شیوه‌ی ناخنی استادانه عمل می‌آورد. از آثار وی گرفت و گیر و نزاع دو شتر عصبانی است که در شیوه‌ی ناخنی عمل آورده و رقم «معدوم ۱۲۴۹» دارد؛ دیگر از آثار ناخنی وی، مرقع خطوطی در نسخ و نستعلیق و شکسته تعلیق است که همه‌ی خطوط را استادانه نوشته و رقم «حرره معدوم ۱۲۵۰» دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۱۷۲/ ۳).

معراجی گوگدی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی گوگدی که ابناء و احفادش ملقب به معراجی می‌باشند از بزرگان دانشمندان گلپایگان بوده که پس از خاتمه تحصیلات و نیل به مرتبه شامخ اجتهاد سالها در گوگد گلپایگان بوده که مسقط الراس وی بوده مصدر امورات شرعیه بوده و سپس به اراک هجرت فرموده و با اینکه در اواخر عمر نابینا شده بود باز هم به تدریس ادامه می‌داد و تشنگان علم و فقاهت را با بیان شیوا شاداب و سیراب می‌نموده و در موقعیکه آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری حوزه اراک را تشکیل و تأسیس فرمودند.

این مرد بزرگ در اراک بوده و آیت‌اللّه حائری از ایشان کاملا احترام می‌نموده و مباحثاتی با آیت‌اللّه حائری داشت که مشهور است.

پس از رحلت و وفات جنازه‌اش حمل به قم شده و در قبرستان نو در حجره که مرحوم آیت‌اللّه آقا شیخ محمد سعید مدفون است به خاک سپرده شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

معرف اصفهانی، شمس‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل متقی. در ۹۳۶ وفات یافته، در بقعه‌ی مجلسی مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

معرفت، محمدهادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدهادی معرفت در سال۱۳۰۹ هـش در شهر کربلاـ فرزندی دیده به جهان گشود که نام وی را «محمدهادی» گذاشتند.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : پدر محمدهادی شیخ علی،فرزند میرزا محمدعلی از نوادگان شیخ عبدالعالی میسی اصفهانی بود که به اتفاق والدین و دیگر اعضای خانواده در سال۱۲۹۰ هـش از سده اصفهان به کربلای معلّی مهاجرت کرد. شیخ علی دانشمند وخطیبی توانا و مورد احترام مردم کربلا بود که پدرانش تا سه قرن همگی از سلسله جلیله روحانیت بودند.مادرِ استاد «سید زهرا» دختر سیدهاشم تاجر رشتی و متوطن در کربلا بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : «محمدهادی» از سن پنج سالگی برای کسب سواد به مکتب خانه شیخ باقر اصفهانی فرستاده شد. آنگاه مقدمات علوم اسلامی را نزد پدر فرزانه خود و تنی چند از اساتید معروف نظیر حاج شیخ اکبر نائینی، سید سعید تنکابنی، شیخ محمد حسین مازندرانی، سیدمرتضی قزوینی و سید محمد شیرازی فراگرفت.مبادی فلسفه و دورههای فقه و اصول تا سطوح عالیه را در کربلا و نزد پدر بزرگوار و برخی از اساتید بزرگ بهره گرفت و خوشهچین معارف الهیه شد.استاد معرفت در آغاز سال۱۳۴۰ هـش و پس از فوت پدر بزرگوارشان ـرحمه اللّه علیهـ به منظور تکمیل تحصیلات و رفعت هر چه بیشتر بنای دانش خویش همراه با خانواده به نجف اشرف مهاجرت کردند.در این سالها نجف اشرف منزلگاه اساتید فرهیخته و آیات عظامی همچون سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خویی، میرزا باقر زنجانی، شیخ حسین حلّی، سیدعلی فانی اصفهانی و اخیراً حضرت امام خمینی ـ قدسسره ـ هم بود؛ استاد فرصت بهرهگیری از این گلستان معرفت را قدر دانسته از هر گلی شهدی نوشید و مجمع فضائل خوبان شد.خاطرات و وقایع تحصیل : انگیزه حضرت استاد در روآوردن به پژوهشهای قرآنی را از قلم معظمله استفاده میکنیم:هنگام مراجعه و مطالعه برای آمادگی تدریس تفسیر به حقیقت تلخی برخورد کردم و آن، فقدان بحث زنده پیرامون مسائل قرآنی، در کتابخانه های فعلی تشیع بود.این برخورد تلخ از آنجا بود که برای تهیه مقاله ای پیرامون مسأله «ترجمه قرآن»، به کتابخانه تخصصی قرآن مراجعه میکردم و در این زمینه کتابهای زیادی که برخی در دو مجلد و نیز رساله ها و مقالات بسیاری از مصر و غیره در اختیار بود که دانشمندان معاصر آن دیار نوشته بودند، ولی در حوزه نجف جز یک برگ اعلامیه حضرت آیت اللّه شیخ محمد حسین کاشف الغطاء چیز دیگری نیافتم.این امر بر من گران آمد و مرا بر آن داشت که در زمینه مسائل قرآنی به طور گسترده، دیدگاههای دانشمندان گذشته و حال مکتب را روشن و عرضه کنم، نتیجه آن تلاش پیگیر هفت مجلد «التمهید» و دو مجلد «التفسیر و المفسرون» گردید. در نوشته اخیر تکمیل«مافاتِ» نوشته«محمدحسین ذهبی» مصری را انجام دادم که به ناحق جایگاه تشیع را در حیطه قرآنی نادیده گرفته بودم.فعالیتهای ضمن تحصیل : سال۱۳۵۱ ش حکمت الهی اقتضا کرد تا عدو سبب خیر شود و استاد از عراق به ایران مهاجرت نماید حکومت بعث عراق دستور بازگرداندن ایرانیان مهاجر را از عراق صادر کرد و استاد فرزانه حاج شیخ محمدهادی معرفت با کولهباری از فضل و دانش به اتفاق خانواده رهسپار ایران و ساکن قم شد.این فاضل جوان در بهار۴۲ سالگی، فرصت حضور در درس اصول میرزا هاشم آملیـ رحمه اللّه علیه ـ را که از شاگردان مبرز آغا ضیاء عراقی بود، غنیمت شمرد و از خرمن دانش آن پیر فرزانه خوشه های معرفت چید.و به این ترتیب شخصیت علمی محقق فرهیخته، استاد معرفت شکل گرفت و دوران طولانی بهره گیری علمی از اساتید برجسته و ممتاز حوزه های علمیه کربلاء نجف اشرف و قم، از او مجتهدی مسلط بر مبانی فقهی، اصولی

ساخت که روح دانشاندوزی را با جدیت، تلاش، نوآوری، شجاعت در ابراز عقیده، توجه به آرای سلف در کنار نقد و بررسی آنها، نخبه گویی و حذف زوائد و تأمل در مسائل مهم، همراه کرد و با این سرمایه عظیم در سه حوزه تدریس، پژوهش و تألیف و به خصوص ورود به عرصه های نو و راه های طی نشده دست به کار شد. در عنفوان جوانی و همزمان با تحصیل دروس فقه و اصول، با همکاری جمعی از فضلای مشهور کربلا از جمله سیدمحمد شیرازی، سیدعبدالرضا شهرستانی، سیدمحمدعلی بحرانی، شیخ محمدباقر بهبودی و ...دست به تأسیس و نشر ماهنامهای با نام «اجوبه المسائل الدینیه» زدند.این گروه در اطلاعیهای آمادگی خود را برای پاسخگویی به سؤالهای دینی مردم اعلام کردند و در مدت سالیان متمادی با جدیت تمام به پاسخ سؤالهای رسیده، پرداختند. این ماهنامه با استقبال فراوان مردم از جمله دانشگاههای عراق و حتی خارج از کشور روبرو شد. و حاصل پاسخها که گاه در شکل مقالات علمی ـ تحقیقی تحریر میشد بعضاً صورت مستقل چاپ و منتشر گردید.استادان و مربیان : از استادان محمدهادی معرفت می توان به موارد زیراشاره کرد: شیخ محمد کلباسی شیخ محمد حسین مازندرانی شیخ محمد خطیب سید حسن آغامیر قزوینی حاج شیخ اکبر نائینی سید سعید تنکابنی شیخ محمد حسین مازندرانی سیدمرتضی قزوینی سید محمد شیرازی شیخ یوسف بی ارجمندی خراسانیهم دوره ای ها و همکاران : محسن حکیم، سید ابوالقاسم خویی، میرزا باقر زنجانی، شیخ حسین حلّی، سیدعلی فانی اصفهانی و اخیراً حضرت امام خمینی (قدس سره) ازهمدوره ایهای شیخ محمدهادی معرفت بوده اند.زمان و علت فوت : شیخ محمدهادی معرفت در سال ۱۳۸۵ دار فانی را وداع گفتند.فعالیتهای آموزشی : حضرت آیت اللّه معرفت از آغازین سالهای تحصیل علوم اسلامی به امر تدریس و تحقیق پرداختند.علوم ادبی و علمی را متناسب با میزان رشد علمی تدریس کردند و در هفته یکبار برای جوانان کربلاء جلسات پرشور علمی اسلامی برپا کردند.با هجرت استاد معرفت به قم فعالیتهای تدریسی، تحقیقی و تألیفی ایشان گسترش یافت. وی عمده وقت خود را به تدریس رسائل ، مکاسب، کفایه و سپس خارج فقه و اصول اختصاص داد و از جمله در مدرسه عالی حقانی و به دعوت شهید قدوسی مدیر محترم مدرسه، به تدریس مسائل قرآنی و به ویژه علوم قرآن پرداختند. محصول تلاش استاد در سنگر تدریس تربیت صدها شاگرد در موضوعات فقهی، اصولی و قرآنی است و سپس برای جمعی از طلاب جوان و با علاقه، مباحث علوم قرآنی را در مؤسسه آموزشی ـ تحقیقاتی معارف اسلامی امام رضا(ع) تدریس میکردند.این محقق برجسته به دنبال سکونت در قم، تحقیقات انجام شده در نجف اشرف را به طور گسترده مورد بازبینی و تعمیق و توسعه قرار دادمراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : از جمله کارهایی که شیخ معرفت انجام داده اند، تاسیس و نشر ماهنامه ای به نام اجوبه المسائل الدینیه بود.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : استاد معرفت در نجف اشرف بخش عمدهای از وقت خود را مصروف تدریس و تحقیق نمودند؛ صبحها علاوه بر تحصیل، به تدریس میپرداختند و عصرها را به امر تحقیق و تدوین اختصاص دادند.در این زمان بود که با گروهی از فضلای مشهور نجف اشرف از جمله «سیدجمال خوئیـفرزند برومند آیت اللّه العظمی خوئی سید محمد نوری، سیدعبدالعزیز طباطبائی، شیخ محمد رضا جعفری اشکوری، دکتر محمد صادقی و در سالهای اخیر استاد عمید زنجانی جلسات هفتگی تشکیل و پیرامون مباحث و موضوعات مختلف به بحث و تحقیق همت گماردند.هر یک از این فضلا رشتهای از علوم اسلامی را موضوع تحقیق خود قرار دادند. در اینجا بود که حضرت استاد معرفت پژوهشهای خود را در رشته«علوم قرآنی» پایه گذاری کردند.چگونگی عرضه آثار : از جمله مقاله های استاد معرفت که به زبان عربی تألیف و برخی از آنها به فارسی ترجمه و منتشر شد، میتوان به این موارد اشاره کرد: «حقوق زن در اسلام»، «ترجمه قرآن، امکان، ضرورت»، «دو فرقه شیخیه، اسکویی، کریمخانی»، «اهمیت نماز و تاثیر آن در صیانت فردی و اجتماعی».آثار : آموزش علوم قرآنی ، احکام شرعی ، التفسیر الاثری الجامع ، التفسیر و المفسّرون فی ثوبه القشیب ، التمهید فی علوم القرآن ویژگی اثر : جزوات «التمهید» یکی پس از دیگری به زیور طبع آراسته شد و به دنبال پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی چاپ «التمهید» که به سه جلد رسیده بود، به همت انتشارات جامعه مدرسین تجدید چاپ و مابقی مجلدات آن تا شش مجلد انتشار یافت.۶ تاریخ قرآن ، تفسیر و مفسّران ویژگی اثر : جدید چاپ کتاب تفسیر و مفسّران در دو جلد و ترجمه آن به زبان فارسی، جلوهای دیگر از مراحل کمال تحقیق و پژوهش استاد میباشد.۸ تلخیص التمهید ، تمهید القواعد ، تناسخ الارواح (بازگشت روح) ، جامعه مدنی (مجموعه مقالات) ، حدیث لاتعاد، حدیث من زاد فی صلاته ، شبهات وردود حول القرآن ویژگی اثر : حضرت استاد در پاسخ شبهات وارده بر قرآن که بهطور عمده از سوی شرقشناسان و برخی روشنفکران دنیای عرب و ایران مطرح میشد دست به تألیف کتاب «شبهات وردود» زدند که در سال۱۳۸۲ به زیور طبع آراسته شد.این حدیثشناس، مفسر و فقیه مکتب اهلبیت(ع) که معتقد به ضرورت استفاده از تراث سلف و نگران کوتاهی در نقادی روایات تفسیری هستند، از سال۱۳۷۹ش محصول تجارب ارزنده خود را به خدمت تألیف تفسیری جامع از آثار گذشتگان درآورد و به جمعآوری و تنسیق روایات تفسیری فریقین پرداخت. ایشان در این کارِ گروهی که با مساعدت دو گروه ده نفره از شاگردان و نخبگان حوزوی و تربیت یافتگان مدرسه قرآنی صورت گرفته است، روایات تفسیری را که جملگی به صورت خام در کتابها عرضه شده، به محک نقد و بررسی گذاشته و برای جدا سازی سلیم و سقیم این روایات و قیمتگذاری و تعیین ارزش هر یک از آنها اهتمام نمودهاند.تاکنون یک مجلد از این اثر ارزنده با نام «التفسیر الاثری الجامع» به زیور طبع آراسته شده است.۱۴ صیانه القرآن من التحریف ویژگی اثر : ایشان با توجه به مهمترین سؤالها یا شبههای مخالف با کرامت قرآن و یا مذهب تشیع دست بهکار تألیف شدند، از جمله کتاب «صیانه القرآن من التحریف» را در دفاع از حریم قرآن و حراست از کرامت آن نوشتند. «احسان الهی ظهیر»، نویسنده متعصب پاکستانی، شیعیان را متهم ساخت که قائل به تحریف قرآن میباشند؛ استاد مجاهد و پاسدار ارزشهای اسلامی در مدت شش ماه کتاب «صیانه القرآن» ...را در جواب وی به رشته تحریر درآورد و در تاریخ۲/۸/۶۶ ش، به چاپ رساند.۱۵ علوم قرآنی ، مالکیه الارض ، ولایت فقیه ، ولایه الفقیه ابعادها و حدودها

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱k – /www.hawzah.net

معرفت، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۰۰.

درگذشت: ۱۳۶۶.

مرتضی معرفت کتابی در اصول فقه به نام انوار معرفت تعریف منابع فقه (اصفهان، ۱۳۷۴) منتشر کرد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

معروف

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، نقاش و خطاط. از تصویرگران «شاهنامه‌ی» بایسنقری بود که در سال ۸۳۳ ق به دست جعفر بایسنقری کتابت شده و بعضی تصاویر «شاهنامه» را این استاد به فرجام رسانده است. ضمنا او در قطعه خطی که توسط پانزده تن از مشاهیر هنری آن عصر، تحت سرپرستی بایسنقر میرزا، کتابت شده و اکنون در موزه‌ی توپ قاپوسرای ترکیه می‌باشد، سطری نگاشته و رقم نهاده: «حرره معروف النقاش».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۱۷۳ -۱۱۷۲/ ۳)، هنر عهد تیموریان (۵۶۵، ۴۴۹).

معروف بغدادی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۸۳۰ ق)، خطاط و شاعر. در بغداد به دنیا آمد و در این شهر به کسب دانش و هنر پرداخت. برخی او را شاگرد سعدالدین عراقی و بعضی شاگرد شمس‌الدین قطایی می‌دانند. هنگامی که سلطان احمد جلایر، در ۷۸۴ ق قیام کرد و بر بغداد مستولی شد، معروف به دربار وی رفت و به امر کتابت مشغول گردید. پس از آن آهنگ اصفهان کرد و در دستگاه میرزا اسکندر گورکانی ملازم شد. در ۸۱۷ ق زمانی که شاهرخ تیموری به اصفهان آمد، هنگام بازگشت به هرات، معروف را همراه خود به آن دیار برد و او را کاتب خاص خود گردانید. وی در آنجا با بعضی از دانشمندان، از جمله تاج الائمه‌ی خوارزمی مصاحب بود و برخی از هنرمندان مانند شمس‌الدین هروی خوشنویس، استاد بایسنقر میرزا، شاگرد او بودند. معروف به غیر از هنر خوشنویسی، طبع شعری هم داشت و در جواب قصیده‌ی سلمان ساوجی، قصیده‌ای سروده است. در ۸۳۰ ق هنگامی که احمد لر به شاهرخ سوء قصد کرد، معروف را نیز چون از مصاحبان وی بود، متهم کردند که در این واقعه دست داشته است و چند بار او را به پای‌دار بردند ولی از قتلش چشم پوشیدند. سرانجام در قلعه‌ی اختیارالدین زندانیش کردند و معروف پس از اندک زمانی، در همان جا درگذشت. از آثار وی، اشعار متفرق و بعضی از اشعار خود اوست که متن آن را به قلم کتابت خفی متوسط و عنوانها را به قلم رقاع کتابت خوش نوشته است و رقم نهاده: «کتبه العبد... معروف، احسن‌اللّه حاله و الحمدللّه رب العالمین»، حدود ۷۸۸ -۷۸۴ ق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۱۵ -۹۱۳/ ۳) تاریخ اصفهان (۱۹۸ -۱۹۷)، حبیب السیر (۱۹/ ۴)، خوشنویسان و هنرمندان (۲۷ -۲۶)، گلستان هنر (۲۷ -۲۶)، هنر عهد تیموریان (۵۲۵ -۵۲۴).

معروف تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. او در علم رمل استاد بود لذا به رمال معروف گشت. وی از معاصران مولانا فانی تبریزی و صیرفی تبریزی (س دهم ق) بود. از اوست:

روز اجلم ناله نه از رفتن جانست

از یار جدا می‌شوم این ناله از آنست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۴۲/ ۱)، تحفه سامی(۳۱۵)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۶۰۹ -۶۰۸/ ۲)، دانشمندان آذربایجان (۳۵۰)، الذریعه (۱۰۶۷، ۱۰۶۶/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۵۸).

معروفی بلخی، ابوعبداللّه محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، شاعر. در بلخ به دنیا آمد. از شعرای عصر سامانی بود و امیر رشید عبدالملک بن نوح (۳۵۰ –۳۴۳ ق) و امیر بواحمد، فرزند احمد سجزی صفاری، را مدح گفت. وی معاصر و مصاحب رودکی بود و رودکی او را به گرویدن به اهل‌بیت (ع) سفارش می‌نمود. معروفی در سرودن غزل و قصیده و مثنوی مهارت داشت. از آثارش: «دیوان» شعر. از اوست:

دوست با قامت چون سرو به من بربگذشت

تازه گشتم چو گل و تازه شد آن مهر قدیم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۴۲۰ –۴۱۹/ ۱)، تاریخ ادبی ایران (۶۷۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۲)، ترجمان البلاغه (۴۴)، الذریعه (۱۰۶۷/ ۹)، سخن و سخنوران (۲۸ –۲۷)، فرهنگ سخنوران (۸۵۸)، الکنی و الالقاب (۲۸۴/ ۲)، لباب الالباب (۱۶/ ۲)، لغت نامه (ذیل/ ابوعبداللّٰه)، مجمع الفصحا (۱۱۷۴/ ۳).

معز اصفهانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر و عارف. در اصفهان به دنیا آمد. وی متولی اوقاف مزار بابا رکن‌الدین و بابا بیات اصفهانی بود و درآمد حاصل از این راه را صرف مریدان و خادمان و سایر درویشان می‌کرد. او معاصر نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) بود. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. شیخ آقا بزرگ تهرانی می‌گوید که ظاهرا میر معز اصفهانی همان میر معزالدین محمد است که ماده تاریخ فوت میرزا حسن شروانی را گفته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۲۱۰)، الذریعه (۱۰۶۸/ ۹).

معزا، معزالدین

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، دانشمند و ریاضیدان. وی در علم هیئت و ریاضی مهارت داشت. از آثارش تعلیقاتی بر حواشی «شرح الزیج الگورکانی» بیرجندی است. صاحب «ریاض العلماء» قسمتی از این تعلیقات را دیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :ریاض العلماء (۲۵۶ /۷).

معزالدوله‌ای، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ مهدی بن العالم الکامل و الفقیه العامل آیت‌اللّٰه حاج شیخ باقر بن العالم الجلیل الشیخ محمد رفیع تهرانی از مشاهیر علماء معاصر تهران است که بزیور علم و عمل و تقوا و ورع آراسته و موصوف و متصف میباشد والد مرحومش آیت‌اللّٰه حاج شیخ باقر تهرانی عالمی جلیل و دانشمندی ادیب و مرجع امور در تهران و مورد وثوق عموم مردم بود و در مدرسه مروی تدریس می‌نمود و عده‌ای از بزرگان دانشمندان تهران چون علامه رجالی حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب (الذریعه الی تصانیف الشیعه) و آیت‌اللّٰه سعید تهرانی و صدها نفر دیگر از علماء بزرگ خدمت او تلمذ نموده‌اند. و او از شاگردان مرحوم علامه کبیر میرزا محمدحسن آشتیانی بوده و مسجدی در خیابان (نایب السلطنه) تهران برای او بنا نمودند و در آن اقامه جماعت نموده و در منزلش فصل دعاوی و خصومات می‌نمود. در تهران وفات نمود و جنازه او را در قبرستان (چهارده معصوم) که اکنون بنام کوی شاه معروف است در جنب قبر سید جلیل و فقه نبیل عالم ربانی آیت‌اللّٰه آقا سید عبدالکریم لاهیجی بنابر وصیتش دفن نمودند.

مترجم معظم ما جدا از علماء وارسته و دارای ملکات فاضله و حسن اخلاق و غیور در دین و متعصب در ولایت و مروج معارف اهلبیت عصمت علیهم‌السلام و مربی اخلاق و مزکی نفوس است در مسجد مرحوم والدش اقامه جماعت و ترویج احکام دین نموده و مردم را بسوی آل‌محمد علیهم‌السلام ارشاد و هدایت نموده و با بدعت‌ها شدیدا مبارزه می‌کند و حال بسیار عجیبی در بکاء و ابکاء مردم دارد روزهای جمعه و کلیه ایام مذهبی از وفیات و اعیاد دینی در مسجد و منزلش مجلس تبلیغ دین دارد و غالبا خودش با بیانات نافذ و مؤثر خود حاضرین را منقلب نموده و تحت تأثیر قرار میدهد.

فرزندان فاضل و دانشمندی دارد که سالها در قم از محضر اساتید و آیات حوزه بهره‌مند شده و در شمار فضلاء معاصر گردیده‌اند و

آنها از این قراراند:

۱- حجةالاسلام آقای آقا میرزا عبدالعلی معزالدوله تهرانی

۲- حجةالاسلام آقای آقا شیخ هادی معزالدوله تهرانی

۳- حجةالاسلام آقای آقا شیخ حسین معزالدوله تهرانی

۴- حجةالاسلام آقای آقا شیخ حسن معزالدوله تهرانی

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

معزی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیرالشعرا ابوعبداللّه محمد بن عبدالملک برهانی نیشابوری، شاعر نامی قرن پنجم و اوائل قرن ششم هجری بود. تخلص او به معزی به جهت تقرب وی به دربار معزالدین ملکشاه بن البارسلان است. چون پدر او در قزوین درگذشت وی را به ملکشاه سپرد و چون خیری از دربار ندید ناگزیر به علاءالدوله فرامرز متوسل شد و به وسیله او به شاه معرفی گردید و به واسطه‌ی یک رباعی که بالبدیهه گفت شاه اسبی بدو بخشید و او باز بالبدیهه رباعی دیگر گفت و از طرف سلطان به امیر معزی ملقب شد و مقرب گردید. وی تا سال ۴۸۵ (پایان عهد ملکشاه) در خدمت آن سلطان بود، و پس از وفات او مدتی در هرات و نیشابور و اصفهان بسر برد و سرگرم مدح امرای سلجوقی و غیر سلجوقی مانند برکیارق و محمد، ارسلان ارغو، ابوشجاع حبشی (دو تن از مخالفان فرزندان ملکشاه در خراسان) بود و پس از آنکه حکومت خراسان به سنجر رسید معزی به خدمت او شد و تا پایان حیات در خدمت او می‌زیست. یکبار تیری از کمان سنجر بدر شد و به معزی اصابت کرد و او چندی بیمار بود و بهبود یافت ولی همواره پیکان در سینه او جای داشت و وی را عذاب می‌داد. وفات وی بین ۵۱۸ تا ۵۲۱ ه.ق اتفاق افتاد. معزی در قصیده‌سرائی استاد بود و معانی بسیار را در الفاظ ساده و عاری از تکلف بیان می‌کرد. دیوان او بطبع رسیده و حدود ۱۹۰۰۰ بیت دارد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

معزی خراسانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر. از ولایت زواره‌ی خراسان و از احفاد خواجه عبداللّه انصاری بود. وی را معاصر و مصاحب سید علی درویش زواره‌ای می‌دانند. از اوست:

دل مانده می‌روم ز سر کوی یار خویش

آری به دل نرفت کسی از دیار خویش

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۲۹۱ -۲۹۰)، الذریعه (۱۰۶۹/ ۹)، صبح گلشن (۴۳۰)، فرهنگ سخنوران (۸۵۹)، مجالس النفائس (۱۵۷).

معزی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(معروف به پشمی) فرزند محمّد حسن.

عالم فاضل، در نجف اشرف در خدمت آخوند خراسانی و آقا شیخ هادی طهرانی تلمّذ فرموده، و پس از نیل به مقامات عالیه علم و اجتهاد به اصفهان مراجعت نموده، سالها در خدمت مرحوم آخوند فشارکی به فصل خصومات و افتا اشتغال داشته، و پس از فوت ایشان در مسجد سلام امامت، و در مدرسه ی نوریّه تدریس می‌فرمود، و در شب جمعه ۲۳ ماه سال ۱۳۶۳ به سنّ ۷۵ سالگی وفات یافته، در تکیه کازرونی مدفون گردید.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- اصول الایمان ۲- تقریرات اصولی استادش آخوند خراسانی ۳- شانزده رساله در مباحث مختلفه فقه و اصول ۴- شرح بر کفایه ی خراسانی ۵- قضایای غریبه و عجیبه ۶- مجالس الموحّدین؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

معزی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا بن العالم الجلیل الشیخ محمدجواد بن العالم الفقیه الشیخ محسن برادرزاده (صاحب مقابیس) معزی دزفولی از اعاظم علماء امامیه و فقهاء اثنی عشریه حاوی فروع و اصول و مدرسی عظیم‌الشأن و مقتدائی جلیل‌القدر و مرجع بسیاری از مردم خوزستان بوده است.

وی علاوه بر مراتب علمیه‌اش در اصول سیاست نیز یگانه عصر خویش بوده و در دزفول مدرسه علمیه بنا نهاده و مردانی باتقوا و فضیلت تحویل اجتماع داده است.

معظم له از محضر عموی گرامش آیت‌اللّه حاج شیخ محمدطاهر بن شیخ محسن و علامه خراسانی صاحب (کفایه) استفاده نموده و از آنان اجازه داشته و خود به جماعتی از علماء خوزستان اجازه داده است.

او در هفتم ماه رجب ۱۳۵۲ قمری در بروجرد از دنیا رفته و در جوار امامزاده ابوالحسن آن شهر مدفون گردید از تألیفات اوست حاشیه بر مکاسب بنام فیض الباری و حاشیه بر رسائل و غیر آن.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

معزی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی بن آیت‌اللّه شیخ عبدالحسین معزی از مجتهدین و مراجع معاصر دزفول می‌باشد و رساله عملیه ایشان در چند سال قبل به طبع رسیده است وی از بیت مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدرضا معزی سابق‌الذکر می‌باشد والد ماجدش مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالحسین بن آیت‌اللّه حاج شیخ محمدطاهر بن شیخ محسن بن شیخ اسماعیل نیز از علماء و مراجع دزفول بوده‌اند. مترجم معظم ما در مهد علم و کمال پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات قسمتی از متون فقه و اصول را از مرحوم والدش و علماء دیگر آموخته آنگاه مشرف به عتبات عالیات شده و سالها از محاضر آیات عظام نجف چون مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و دیگران استفاده نموده و پس از آن به زادگاه مراجعت و به انجام وظائف دینی و روحی تاکنون اشتغال دارند مورد توجه مردم خوزستان و بالاخص دزفول و شوشتر می‌باشند ادام اللّه ظله و توفیقه

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

معصوم تبریزی، معصوم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. نواده‌ی حاجی باقر دراز تبریزی است و جدش از رؤسای صنف تجار تبریزی عباس‌آباد اصفهان بود. میرزا معصوم چند بار به هندوستان مسافرت کرد. وی در سرون شعر طبعی لطیف داشت. او با نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) معاصر بود. از آثارش: «دیوان» شعر. شیخ آقا بزرگ تهرانی وی را صاحب یک مثنوی به نام «مهر خاوری» می‌داند. از اوست:

فیض ته جرعه‌ی ایام به از سر جوش است

ترک می در شب آدینه نمی‌باید کرد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۶۱۱ -۶۱۰ / ۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۳۶ -۱۳۵)، دانشمندان آذربایجان (۳۵۱)، الذریعه (۲۹۶/ ۲۳ ،۳۱۳/ ۱۹ ،۱۰۷۰/ ۹)، صبح گلشن (۴۳۰)، فرهنگ سخنوران (۸۵۹)، کاروان هند (۱۳۱۸/ ۲).

معصومی اصفهانی، ابوعبداللّه محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۴۵۰ ق)، فقیه، طبیب، فیلسوف و حکیم. وی در اصفهان به دنیا آمد. از شاگردان برجسته‌ی ابن‌سینا و در حکمت و فلسفه مشهور بود. ابن‌سینا وی را به تمامی شاگردانش ترجیح می‌داد و درباره‌ی او می‌گفت: نسبت معصومی به من به منزله‌ی نسبت ارسطو است به افلاطون، و رساله‌ی «العشق» خود را به نام معصومی و به خواهش او تألیف کرد و در آغاز کتاب او را ابوعبداللّه الفقیه معصومی نامید. وی پس از درگذشت ابن‌سینا سالها به تدریس پرداخت. سال وفات وی را در حدود ۴۶۰ ق نیز ذکر کرده‌اند.

از آثارش: کتاب «المفارقات و اعداد العقول و الافلاک و ترتیب المبدعات» یا «رسالهٔ فی اثبات المفارقات» که گفته‌اند این کتاب معشوق حکما بوده است؛ «حفظ الصحهٔ»، در طب؛ شرح «کلمات متقدمین».[۱]

ابوعبداللّه محمد بن احمد المعصومی یکی از شاگردان ابن‌سینا است. ابوعلی سینا رسالهٔالعشق خود را به اسم این شاگرد و به

خواهش او نوشت. وفات او را بعضی در ری دانسته‌اند و گفته‌اند بـه حکم محمود کشته شد. از تألیفات مهم او یکی «کتاب المفارقات و اعداد العقول والافلاک و ترتیب المبدعات» یا رساله‌ی «فی اثبات المفارقات» که در قرون پنجم و ششم هجری شهرت بسیار داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۰۳/ ۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۹/ ۱)، تاریخ طب (۶۹۲ -۶۹۱/ ۲)، ریحانه (۳۴۵ -۳۴۴/ ۵)، لغت نامه (ذیل/ ابوعبداللّه)، نامه‌ی دانشوران (۲۲۶ -۱۶۵/ ۶).

معصومی زنجانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۷ ش)، خطاط. در نجف اشرف به دنیا آمد و در مدرسه‌ی مرتضوی ایرانیان شروع به تحصیل نمود. وی خط ثلث را از میرزا عبدالعلی ثانی یزدی ملقب به اشرف الکتاب و خط نسخ را از استاد میرزا عبدالجواد محلاتی فراگرفت. این هنرمند خطوط مختلف از جمله، نسخ، ثلث، رقاع، کوفی، نستعلیق، شکسته و طغرا را خوش می‌نوشت. از شاهکارهای خطاطی او، کتیبه‌ی آرامگاه ابن‌سینا در همدان، کتیبه‌ی مسجد آئینه‌ی قم و خطوط ضریح مطهر حضرت امام رضا (ع)، سنگ مدفن نادرشاه در مشهد، کتیبه‌ی مسجد ماهان، خطوط ضریح حضرت رقیه (س) در سوریه، که همه به خط ثلث نوشته شده و کتابهای: «انوار المجالس»؛ «گنج جواهر دانش»؛ «رسائل» آیت‌اللّه بروجردی؛ کتاب «رجال ممقانی»؛ «مفاتیح الجنان»؛ «تفسیر گازر»؛ سه جلد «قرآن» و چندین کتاب درسی که در ایران و نجف به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اطلس خط (۳۷۱)، پیدایش و سیر تحول هنر خط (۳۲۶)، تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (۱۴۹ -۱۴۸).

معصومی لاری، محمدمسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدمحمد مسعود معصومی لاری

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده اگرچه در شناسنامه به خاطر مدرسه سال ۱۳۳۸ نوشته اند ولی سال ۱۳۳۹ در کرمانشاه و در یک خانواده ای که سابقا در سلسله جلیله روحانیت بوده اند به دنیا آمده ام جد ما مرحوم آقای سید حسین معصومی لاری در همان منطقه کنگاور و کرمانشاه بوده اند البته از آن جهت به ما لاری میگویند که بخشی از خاندان ما در لار و گراش هستند ما از نوادگان مرحوم سید عباس معصومی لاری هستیم سلسله ما عموما سلسله ای بوده اند که همه روحانی بوده اند عموهای بنده مرحوم حاج آقا حسن و حاج آقا جعفر معصومی لاری روحانی بوده اند ابوی بنده سید محمد صادق معصومی لاری در کرمانشاه از معتمدین و مسئول بازرگانی است و فعالیت های اجتماعی زیادی دارند در هر صورت در یک خانواده کاملا مذهبی بزرگ شدیم و تا دیپلم خودمان را در کرمانشاه گذراندیم

دیپلم من مصادف شد با انقلاب اسلامی و از آن به بعد به مطالعات دروس حوزوی پرداختم اوایل انقلاب مدتی در مدرسه عالی شهید مطهری تحصیل کردم آن زمان آقای امامی کاشانی برنامه را در دست گرفته بودند اول کار بود در سال ۱۳۵۸ به هر حال تصمیم گرفتم برای تحصیل بروم خارج از کشور لذا ویزای تحصیل گرفتم و رفتم فرانسه مدت شش ماه آنجا زبان خواندم و زبان را خیلی سریع یاد گرفتم آنجا از جهت فراگیری زبان محیط خیلی خوبی بود ، فارسی زبان کم بود در کاستل نوداقی (جنوب فرانسه) یکی از آن کاخهایی که در زمان انقلاب فرانسه مصادره شده بود تبدیلش کرده بودند به یک مرکز یا پانسیونی برای خارجیها که هم زبان یاد بگیرند و هم آماده باشند برای ورود به دانشگاهها به همین جهت من زبان را در آنجا خیلی سریع یاد گرفتم خوب بعد از آن آمدم پاریس دانشگاه سوربن در رشته ادیان شناسی مشغول به تحصیل شدم و تا حدود دو سال آنجا درس خواندم در این میان به ایران هم سفر میکردم بورسیه نبودم و پدرم از ایران پول میفرستاد خوب پس از یک سال و اندی به ایران بازگشتم در جهاد سازندگی مرکز و بلافاصله بعد از آن در وزارت امور خارجه مشغول به کار شدم

اواخر سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم البته در فرانسه هم منطق ، تفسیر ، قرآن ، فلسفه و روش رئالیسم میگفتم به درسهای علوم دینی زیاد علاقه داشتم و مطالعه میکردم بخصوص کتابهای مرحوم مطهری و علامه طباطبایی زیاد میخواندم

قبل از رفتن به فرانسه (اصول فلسفه و روش رئالیسم) را از آقای امجد درس گرفتم . آقای امجد ، حاج آقا ممدوحی و حاج آقا نجومی اینها همه شاگردان مرحوم حاج آقا حسین لاری یعنی جد ما هستند اینها همه بخشی از اساتید من در مدرسه شهید مطهری بودند . آقای امامی کاشانی تفسیر میفرمودند خدا رحمت کند مرحوم علامه محمد تقی جعفری را ، شرح تفسیر نهج البلاغه را اول

آنجا ارائه میکردنـد و قبل از آنکه بنویسـند می آمدنـد آنجا میگفتند و بحث و گفتگو میکردند بزرگوار دیگری بود که اسـمشان را فراموش کردم ایشان به ما منطق میگفتنـد وقتی به قم آمـدم در مـدرسه علمیه کرمانیها مشـغول شـدم خـدمت آقای موحـدی تبریزی ادبیات (جامع المقـدمات) را شـروع کردیم (مغنی) را خدمت آقای آدینه وند بودیم و یک کمی هم از آقای مدرس افغانی اسـتفاده کردیم در مـدرسه کرمانیها منطق را آقای پرنـده غیبی و احکام را آقای شـیخ محمد سـروش درس میدادند (اصول الفقه) را از آقای میرباقری و یکی دیگر از آقایـان که اسـمش را یـادم نیست درس گرفتیم آقـای هادوی یک درس منطق (نمیگویم خارج منطق ولی چیزی شبیه آن) میگفتنـد لـذا ما یک کار خیلی جدی را با همراهی ایشان روی منطق انجام دادیم فلسـفه را از محضـر اسـتاد فیاضـی اسـتفاده کردیم به اضـافه این که قبلاـ هم از آقای امجـد درس گرفته بودم ، رسائل را ابتـدا از خـدمت آقای راستی کاشانی اسـتفاده کردیم ولی متاسفانه تا مقداری که جلو رفتیم ایشان بیماری پیدا کردند و نتوانستند بیایند دنبال آن از آقای موسوی تهرانی که بسیار بسیار در رسائل قوی هستند استفاده کردم مکاسب را خـدمت آقای پایانی و لمعه را ادر محضـر آقای اشـتهاردی خوانـدم . آقای اعتمادی خیلی قوی بود ولی آقای قدیری واقعا ملاپرور بود مثل درس آقای راستی ایشان هم درسش همه پسند نبود سخت میگرفت و از طلبه کار میکشید

درس خارج را با آقای شـیخ جواد تبریزی شـروع کردم و در بخشـی از خارج فقه آقای وحید شـرکت داشته ام تفسیر را از محضـر آقای جوادی استفاده کرده ام.

معصومی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله معصومی فرزند نامی مرحوم آیه‌الله معصومی که اکنون بجای آن مرحوم اقامه جماعت مینماید از علماء معاصر بهبهان است. وی در بیت علم و تقوا پرورش یـافته و مقـدمات را در بهبهان خوانـده و پس از پایان سـطوح و اسـتفاده از محضـر آیات و مدرسـین بجای مرحوم والدش بخدمات دینی اشتغال دارد.

از آثار ایشان است تأسیس کتابخانه‌ای بنام حضرت حجه‌بن‌الحسن عجل‌الله فرجه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

معصومی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسـی شـیمی از دانشسـرای عالی تهران در سال ۱۳۳۵، کارشناسـی ارشـد شـیمی تجزیه از امپریال کالج دانشگاه لندن در سال ۱۳۳۸، دکترای تخصصـی شیمی تجزیه از داشگاه لندن در سال ۱۳۴۱ و فوق تخصـص شیمی تجزیه از دانشگاه پنسیلوانیا آمریکا در سال ۱۳۴۵.

مرتبه علمی:

اسـتادیار دانشکده علوم شیراز از سال ۱۳۴۱ تاسال ۱۳۴۵، دانشـیار دانشکده علوم شیراز از سال ۱۳۴۵ تا سال ۱۳۵۰، استاد دانشکده علوم شیراز از سال ۱۳۵۰، اسـتاد مدعو دانشگاه فلوریدا آمریکا از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۵۹ و اسـتاد مدعو دانشگاه سارلند آلمان از سال ۱۳۶۷ تا سال ۱۳۶۸، استاد دانشکده علوم دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام ۲۰ پروژه تحقیقاتی در زمینه‌های بسط روش‌های انـدازه‌گیری کاتیون‌ها، تعیین مقادیر بسـیار جزئی عناصـر، توسـعه روش‌های الکتروشـیمیائی و اسپکتروسـکوپی، کـاربرد وسـیع لیزر در مطالعـات فلورسـانس و فتواکوستیـک، راهنمـائی، مشـاوره و نظارت بر ۳ پایان‌نامه دکترا و ۲۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شیمی تجزیه، شیمی دستگاهی، تجزیه آب، لیزر در شیمی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵۰

زمینه علمی مقالات:

شیمی تجزیه، اسپکتروسکوپی، تجزیه مقادیر کم، کاربرد لیزر در اسپکتروسکوپی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

معصومی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمد علی بن آیه‌الله آقا شیخ سلیمان معصومی بهبهانی سبط مرحوم آیه‌الله آخوند ملا حسن بهبهانی معاصر علامه بزرگوار شیخ مرتضی انصاری- ره- از آیات عظام و حجج اسلام بهبهان بوده است.

مرحوم والدش شیخ سلیمان که از شاگردان مبرز شیخ انصاری بوده بقصد دیدار ارحام خود از نجف بایران آمده و وارد بندر دیلم میشود اهالی آنجا تقاضا میکنند که در دیلم توقف فرماید پس اجابت نموده و خانواده را از نجف طلبیده و در سال ۱۲۸۸ ق مرحوم آیه‌الله معصومی متولد میگردند.

پس از چندی مرحوم آقا شیخ سلیمان از دیلم منتقل به بهبهان گردیده و به تربیت و پرورش فرزند برومند مذکور خود کوشیده تا سن ۱۴ سالگی شروع بتحصیل مقدمات نموده و خدمت والد خود و مرحوم آقا میرزا حسن و آخوند ملا محمد تقی بهبهانی سطوح را بپایان رسانیده و در سن سی سالگی بدرجه اجتهاد نائل و در سال ۱۳۱۸ ق مهاجرت بنجف اشرف نموده و از مراجع وقت بالاخص مرحوم علامه حاج شیخ هادی تهرانی و فاضل شربیانی و علامه حاج شیخ محمد کاظم یزدی و علامه خراسانی صاحب کفایه و دیگران استفاده کامل نموده و عموما مراتب اجتهاد وی را تصدیق فرموده تا سال ۱۳۲۲ قمری پس از فوت مرحوم آقا شیخ هادی تهرانی از نجف اشرف مراجعت به بهبهان نموده و بتدریس و ترویج دین پرداخته تا سال ۱۳۲۰ ق که والدش برحمت ایزدی پیوسته معظم‌له مستقیما بجای ایشان بانجام وظائف میپردازد.

در سال ۱۳۳۲ ق که جنگ بین‌المللی اول بود و از طرف مرحوم آیه‌الله حاج سید محمد کاظم یزدی حکم دفاع از ممالک اسلامی بمسلمین داده شده بود آیه‌الله معصومی هم موافقت نموده و با یکعده از مردم مسلمان که مقلد و تابع ایشان بودند از طریق رامهرمز بقصد بصره حرکت ولی در نزدیکی اهواز مطلع میشوند که مسلمین در بصره شکست خورده‌اند به بهبهان مراجعت و پس از چندی غائله بوشهر را می شنوند که آیه‌الله حاج شیخ جعفر محلاتی از شیراز عازم بوشهر شده‌اند آن مرحوم هم از بهبهان بطرف برازجان و کازرون حرکت مینماید که جریان وقایع آن مرحوم در کتاب فارس و جنگ بین‌المللی و غیره مسطور است.

آثار و تألیفات آن مرحوم از این قرار است: ۱- قواعد الامامیه که مشتمل بر غوامض مسائل است. ۲- مواعظ الجمعات در دو جلد ۳- کتاب متفرقات ۴- مناسک حج ۵- انیس المهموم ۶- حواشی زیادی بر شرح لمعه و جواهر و جامع عباسی و نجات العباد.

خلاصه پس از مسافرتهای عدیده بخراسان و اراک و اصفهان و شیراز و اعتاب عالیات که در مقدمه کتاب انیس المهموم مطبوع مذکور است در سال ۱۳۷۱ قمری مریض و بتهران حرکت و در بیمارستان فیروزآبادی شهر ری بستری و بعد از بهبودی مراجعت به بهبهان نموده و در پنجم ماه صفر ۱۳۷۲ ق در سن ۸۴ سالگی دعوت حق را اجابت و در جنب قبر مرحوم والدش آیه‌الله آقا شیخ سلیمان معصومی مدفون میشود.

خاطره نگارنده از آن مرحوم

در محرم سال مزبور بود که حقیر برای تبلیغ بخرمشهر رفتم و مدت یکماه در آنجا اقامت و اشتغال داشتم که مردم شرافتمند بهبهان مطلع شده و برای ماه صفر دعوت نمودند که به بهبهان بروم پس اول ماه صفر بآنجا رفته و یکی از سادات محترم و اشراف آنجا بملاقاتم آمده و اظهار کردند آیه‌الله معصومی مریض مقتضی است که از ایشان عیادت کنید پس باتفاق ایشان بمنزل معظم‌له رفتم و بعد از مدتی فرزند ارجمندشان گفتند آقا جان آقای رازی آمده‌اند پس تبسمی کرده و فرمودند آقای رازی که در موقع فوت مرحوم ناظم‌الشریعه بودند؟ گفت بلی پس ایشان گفتند الحمدلله و فرمودند بفرزندشان جنازه من باید در تحت نظر آقای رازی تجهیز گردد و همان شب رحلت نموده و حسب‌الوصیه ایشان امر تغسیل و تجهیز آن مرحوم به این نگارنده محول گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

معطر تهرانی، فریدون

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۴، مرتبه علمی: استاد، رشته: شیمی، دانشکده: شیمی، دانشگاه: صنعتی شریف

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشکده فنی کارلسروهه آلمان غربی در سال ۱۳۳۷، کارشناسی ارشد شیمی از دانشکده فنی کارلسروهه آلمان غربی در سال ۱۳۴۱، دکترای شیمی معدنی از دانشکده فنی کارلسروهه آلمان غربی در سال ۱۳۴۴، فوق تخصص شیمی معدنی از دانشگاه آکسفورد انگلستان در سال ۱۳۵۰، فوق تخصص شیمی معدنی از دانشگاه ایالتی سانديگو آمریکا در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۴۵ تا سال ۱۳۵۰، دانشیار دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۶۰، استاد

دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۶۰ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس شیمی معدنی و شیمی صنعتی در دانشگاه صنعتی شریف.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بررسی و تحقیق در سیستم آیوپاک.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

شیمی معدنی، داده‌های ترمودینامیکی و اندازه‌گیری کار بیدهای منگنز، رنگینه‌های سفید، بررسی واکنش‌های سریع.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

معلم حبیب‌آبادی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا محمدعلی معلم فرزند مرحوم زین‌العابدین بن حسین بن علی‌اکبر بن محمد بن حسین حبیب‌آبادی متولد ۱۳۰۸ و متوفی ۱۳۹۶ قمری یکی از دانشمندان و نویسندگان گمنام و ادباء عظام استان اصفهانند.

ترجمه و آثار ارزنده آن مرحوم چنانچه در رساله یادنامه چهلمین روز درگذشت آن فقید سعید است به طور خلاصه از قلم آن مرحوم از این قرار است وی در محرم سال ۱۳۰۸ قمری در حبیب‌آباد که در سه فرسخی اصفهان قرار دارد در خانواده کشاورزی به دنیا آمده و از سن هفت سالگی در مکتب شروع به درس کرده و تا سال ۱۳۲۲ قمری برخی از علوم را آموخته و مدتی ترک تحصیل نموده و مجدداً در سال ۱۳۲۸ ق باز به تحصیل پرداخته و بیشتر علوم را از اشخاص متفرقه فراگرفته و اکثر کتب را به مطالعه اتقان نموده و مشکلات آن را از اهل آن پرسیده و رفع مشکل و اشکال خود نموده است.

مرحوم معلم که قبلاً به مستعصم و آذر تخلص می‌نموده یکی از چهره‌های دانش و ادب و تاریخ اصفهان است و این نویسنده گرچه توفیق درک محضرشان را ننموده اما آنطور که از بعضی از بزرگان شنیده‌ام یکی از دانشمندان ادیب و ادباء حسیب اصفهان و از مفاخر حبیب آباد و بلکه اصفهان بوده و دارای آثار گرانقدری است که خود آنها معرف آن فقید سعید است که فهرست آن را که خود آن مرحوم برای بعضی از تذکره‌نویسان تهران مرقوم داشته‌اند از نظر اهل ادب می‌گذرانم.

تألیفات علامه متتبع معلم حبیب‌آبادی.

۱- اجزائی در احادیث و مطالب متفرقه.

۲- احوال چهار نفر از علماء مسجد شاهی اصفهان.

۳- احوال سید محمدحسن موسوی اصفهانی.

۴- احوال شیخ محمدرضا نجفی اصفهانی.

۵- احوال شیخ‌الاسلام‌های اصفهان.

۶- اربعین در ذکر چهل حدیث.

۷- اشعار متفرقه از شعراء عدیده در مجموعه.

۸- کتاب امالی در مطالب رجالی در احوال بعضی از علماء متفرقه و مطالب دیگر مربوط بدانها.

۹- کتاب جعبه در مطالب متفرقه که به طور معروف و معمولی کشکول می‌باشد.

۱۰- جمع عدد گندمهای شطرنج.

۱۱- حواشی بر بسیاری از کتب که عمده و اغلب آنها کتب احوال علماء و بزرگان می‌باشد (که اسامی آنها در یادنامه ذکر شده است.

۱۲- رساله‌ای در احوال اولاد حاج سید محمدباقر حجهٔالاسلام بیدآبادی اعلی اللّٰه مقامه.

۱۳- کتاب «رشحات سمائی» در احوال شیخ بهائی.

۱۴- کتاب عراضهٔالاخوان در سفرنامه خراسان.

۱۵- فهرست اسماء رواه اشعریین قم در صده سیم و چهارم.

۱۶- فهرست باب دهم المآثر والآثار.

۱۷- فهرست کتب مؤلفه خود آن مرحوم با اساتید و مشایخ اجازه.

۱۸- فهرست کتب ملکی آن مرحوم و اجمالی از احوال مؤلفین آنها.

۱۹- فهرست کتاب مجالس‌المؤمنین.

۲۰- کتاب قبور عتبات عالیات و قبور واقعه در بین راه آن از اصفهان به طریق نطنز و کاشان و قم و کرمانشاه تا کاظمین و سامره و

کربلاء معلی و نجف اشرف. ۲۱- کتاب کشف‌الخبیه از مقبره زینبیه).

۲۲- کتاب الکلمات‌الطیبات در فهرست (روضات‌الجنات).

۲۳- الکلمات‌العالیه در حاشیه بر روضات‌الجنات.

۲۴- کتاب لآلی‌البحور در توقیعات ایام شهور.

۲۵- دیوان اشعار در سه مجموعه سه جلد از اشعار عربی و فارسی آن مرحوم.

۲۶- کتاب الطعام‌المری در تطبیق تاریخ شمسی و قمری از هجرت تا ۱۴۰۰ سال قمری.

۲۷- مختصرالتواریخ.

۲۸- کتاب مختصرالمکارم.

۲۹- کتاب مقالات مبسوط.

۳۰- مرسله‌های علمی و جوابهای آن با چندین نفر از علماء و فضلاء و غیره.

۳۱- مقالات متفرقه در احوال علماء و غیره.

۳۲- مقالات معنوی.

۳۳- مکارم‌الآثار در اعیان علمی دوره قاجار.

۳۴- کتاب مکمل الافهام در ذکر فضلاء اعلام.

۳۵- نمونه مختصر المکارم... نویسنده گوید حقیر هیچ کدام از تألیفات آن مرحوم را زیارت نکرده ولی از توضیح خود آن مرحوم چنین معلوم می‌شود که بیشتر آن مکررات باشد با نامهای مختلف و غالب آنها درباره رجال و دانشمندان است تألیفات متنوع آن کمتر است.

(۱۳۹۶ -۱۳۰۸ ق)، رجالی، معلم، محقق و شاعر، متخلص به معلم. در روستای حبیب‌آباد برخوار اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات خود را در حبیب‌آباد و اصفهان به اتمام رسانید. او مدتی در روستای خود ساکن بود. در ۱۳۵۸ ق به اصفهان رفت و در قرائت خانه‌ی شهرداری و مدرسه‌ی کاسه‌گران به تدریس پرداخت. بیشتر اوقات وی در لغت، ادبیات، تاریخ، هیئت، ریاضیات و شعر صرف شد. او از آخوند ملا محمدحسین مجتهد فشارکی اصفهانی و حاج شیخ محمدباقر بیرجندی و حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی و حاج میرزا محمدرضا کرباسی و حاج سید محمدتقی یزدآبادی اصفهانی اجازه‌ی روایت داشت. او در علم رجال و شرح حال بزرگان، محقق و متتبعی کم‌نظیر بود و کتب زیادی در این موضوع نگاشت. به عربی و فارسی شعر می‌گفت و در اوایل مستعصم، سپس آذر و بعدها معلم تخلص می‌کرد. کتب و رسایل تألیفی معلم حبیب‌آبادی متجاوز از یکصد مجلد می‌باشد. از آثارش: «مکارم الآثار»، در احوال رجال دوره‌ی قاجار؛ «اربعین»؛ «امالی»، در متفرقات رجالی؛ «رشحات سمائی»، در شرح حال شیخ بهائی؛ «کشف الخبیه عن مقبرهٔ الزینبیه»؛ «مختصر التواریخ»؛ «لئالی البحور»، در توقیعات ایام و شهور؛ «عراضه‌ی اخوان»، در سفرنامه‌ی خراسان؛ «مختصر المکارم»، فهرست کامل اعلام «روضات الجنات»؛ «الکلمات العالیات»، حاشیه بر «روضات الجنات»؛ حاشیه بر «قصص العلماء»؛ حاشیه بر «طریق البکاء»؛ حاشیه بر «تذکرهٔ القبور» ملا عبدالکریم گزی؛ حواشی غیر مدون بر بسیاری از کتب رجالی؛ «دیوان» شعر.[۱]

فرزند سید زین‌العابدین در ۱۳۰۸ ه.ق در دهکده‌ی حبیب‌آباد از دهستان «برخوار» اصفهان متولد شد. از سن هفت سالگی تحصیلات خود را در مکتب‌خانه آغاز نمود. مقدمات فارسی و عربی را به انضمام مقدماتی از صرف و نحو فرا گرفت، سپس وارد اصفهان شد و در مدرسه‌ی کاسه‌گران اصفهان حجره‌ای گرفته تحصیلات خود را ادامه داد و دوره سطح را بطور کامل فرا گرفت و در دروس خارج عده‌ای از علماء اصفهان را زیارت کرد. سید محمد علی روضاتی در مقدمه‌ی جلد سوم مکارم‌الآثار درباره‌ی حبیب‌آبادی می‌نویسد: «علاو بر ملاقات جمعی از علمای اعلام و فضلا و دانشمندان اصفهان و جاهای دیگر و استفاده از آثار و مآثر آنان حضورا و یا به مکاتبه، از پنج نفر از علماء بزرگوار اجازه روایت دارد.»

علمائی که به وی اجازه روایت داده‌اند عبارتند از: مرحوم آخوند ملامحمد حسین مجتهد فشارکی اصفهانی، مرحوم حاج شیخ محمدباقر بیرجندی، مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی نجفی، مرحوم حاج میرزا محمد کلباسی اصفهانی و مرحوم حاج سید محمد تقی یزدآبادی اصفهانی.

مرحوم معلم حبیب‌آبادی به چند تن از شاگردان خود اجازه‌ی روایت داده‌اند.

مرحوم حبیب‌آبادی از جوانی کار خود را براساس تحقیق و تألیف قرار داد و تحقیقا در طول عمر پربرکت خود بالغ بر سی مجلد کتاب نوشت که از مهمترین تألیفات وی کتابی است در ده جلد تحت عنوان مکارم‌الآثار در احوال رجال دو قرن ۱۳ و ۱۴ که تاکنون هفت مجلد آن به همت آقای محمد علی روضاتی چاپ شده و در دسترس دانش‌پژوهان قرار گرفته است. مبنای تألیف این کتاب بر احوال رجال علمی و گاهی بندرت مشاهیر دیگر از ابتدای دوره‌ی قاجاره تا عصر حاضر است.

مرحوم جلال‌الدین همائی در مجله راهنمای کتاب سال بیستم از شماره ۸ تا ۱۰ مقاله مفصلی نگاشته‌اند و تصویر زیبائی از نویسنده‌ی مکارم‌الآثار نشان می‌دهد، از جمله می‌نویسد: در فن اختصاصی منحصر بفرد که قسم تراجم احوال از اقسام فنون ادبی است بی‌حد شیفتگی و دلباختگی داشت. وقتی که از نام و نسب و تاریخ ولادت و وفات یکی از بزرگان دین و دنیا باشند متقن معتبر اطلاع حاصل می‌کرد او را چندان شعف و وجد و حال دست می‌داد که وصف کردنی نیست. در آن روزگار که اوائل آشنائی و معاشرت ما بود هنوز به تألیف کتاب عظیم مکارم آثار دست نزده و اصلا به این فکر نیفتاده بود. بعدها کم‌کم به این کار افتاد و حوالی پنجاه سال متوالی بدون فترت و انقطاع زیت عمر سوخت و رنج تتبع و تحقیق و زحمت خواندن و نوشتن کشید تا کتابی چنین مهم و ارزشمند که برای تاریخ رجال قرن ۱۳ و ۱۴ است آماده گردید.

مرحوم معلم حبیب‌آبادی در ۱۳ رجب ۱۳۹۶ ه.ق درگذشت. بقرار اطلاع آقای حاج سید محمد علی روضاتی که مردی فاضل و دانشمند است تقبل نموده‌اند تمام مجلدات مکارم‌الاثار را بچاپ برسانند و تاکنون در اثر همت والای ایشان ۷ جلد چاپ شده است

و گویا در این ایام در اثر کهولت نمی‌توانند این مهم را انجام دهند. خوشبختانه فرزندان برومند ایشان عمل خیر پدر بزرگوار خود را ادامه خواهند داد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۶۰ -۴۵۸)، الذریعه (۱۴۶ -۱۴۵/ ۲۲ ،۱۹۲/ ۲۰ ،۲۵۸/ ۳۳، ۱۸ ،۲۴۱/ ۱۵)، مکارم الآثار (ج ۱/ مقدمه، ۳ ،۱۲ -۹/ مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۲ -۱۸۱/ ۴).

معلم دامغانی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد علی معلم دامغانی درسال ۱۳۳۰دردامغان متولدشد. وپس ازاخذ دیپلم ازسمنان وشاهرود به تحصیل دردانشکده های حقوق وعلوم انسانی دانشگاه تهران پرداخت . وی علاوه برتدریس شعر،موسیقی وادبیات،معاون فرهنگی حوزه هنری سازمان تبلیغات،عضوشورای شعروزارت فرهنگ واسلام وریئس مرکز موسیقی سازمان ثداوسیمای جمهوری اسلامی ایران بوده است. وی درسال ۱۳۸۰درنخسین همایش چهره های ماندگار به عنوان چهره ماندگار درعرصه شعروادب فارسی برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : حقوقتحصیلات رسمی و حرفه ای : علی معلم دامغانی پس ازاخذ دیپلم درسمنان وشاهرود به تحصیل دردانشکده های حقوق وادبیات وعلوم انسانی دانشگاه تهران پرداخت.وازآنپس به مطالعه آزاددراین زمینه به ویژه سرودن اشعارانقلابی پرداخت.خاطرات و وقایع تحصیل : وقوع انقلاب اسلامی درسال۱۳۵۷ازوقایع مهم روزگارزندگی علی معلم دامغانی بودکه به محتوای اشعاروی تاثیری استاسی داشته است.فعالیتهای ضمن تحصیل : علی معلم دامغانی درحین تحصیل دررشته های ادبیات وحقوق به موسیقی نیزعلاقه مند بودودراین زمینه نیزآموزشهایی دیده است.وقایع میانسالی : ازوقایعی مهی که برزندگی ادبی علی معلم دامغانی تاثیرنهادانقلاب اسلامی بودکه محتوای شعرمعاصروی ابه خود اختصاص داد. وی پس ازانقلاب علاوه برتدریس وتحقیق درشعر،موسیقی وادبیات،معونت فرهنگی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی ،عضو شورای شعروزارت فرهنگ وارشاداسلامی ویئس مرکز موسیقی سازمان صداوسیما بوده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی معلم دامغانی علاوه برتدریس درزمینه شعر،موسیقی وادبیات،معاونت فرهنگی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی،عضو یت درشورای شعروزارت فرهنگ وارشاد اسلامی وریاست مرکز موسیقی سازمان صداوسیما رابرعهده داشته است.فعالیتهای آموزشی : علی معلم دامغانی مدتی رابه تدریس شعر،ادبیات وموسیقی اشتغال داشته است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مطالعه آثارادبی وسرودن شعرهای انقلابی ازاموری استکه اوقات فراغت علی معلم دامغانی رابه خود اختصاص می دهد.همچین با حضور در همایش های بزرگ ادبی حضور خود را پررنگ تر می کند.همفکران فرد : سید علی موسوی گرمارودی ، مشفق کاشانی و محمود شاهرخی از شاعران انقلابی و از همفکران علی معلم دامغانی است.آرا و گرایشهای خاص : علی معلم دامغانی از جمله شاعرانی است که در فضای معاصر درستایش انقلاب اسلامی و عرفان اشعاری می سرایند.جوائز و نشانها : علی معلم دامغانی درسال ۱۳۸۰درنخستین همایش چهرهای ماندگار به عنوان چهره برگزیده درزمینه شعروارب فارسی برگزیده ومعرفی شد.

معلمی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن معلمی

محل تولد : فریدن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسن معلمی در سال ۱۳۳۸ در روستای دامنه از توابع فریدن اصفهان متولد شدم دوره دبستان را در همان روستا و دوره راهنمایی را در داران و سه سال هنرستان) رشته برق (را در تهران سپری کردم، در سال سوم هنرستان به دلیل مسافرتی که به قم داشتم به حوزه علمیه و طلبگی علاقه مند شدم و تابستان همان سال (۱۳۵۶) وارد قم شدم و تحصیل رسمی طلبگی را از مهرماه سال ۱۳۵۶ در مدرسه رضویه شروع کردم

معلوم تبریزی، محمدحسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۰۷ ق)، شاعر، متخلص به معلوم. اصلش از تبریز بود و روزگار به تجارت می‌گذراند. وی در عهد شاه سلیمان صفوی

(۱۱۰۵ –۱۰۷۷ ق) برای تجارت به هند رفت و با جعفرخان، صوبه‌دار کشمیر در عهد شاه جهان، آشنایی و دوستی پیدا کرد. زمانی که مولانا محمدسعید فرزند مولانا محمدصالح مازندرانی در هند بود، معلوم تبریزی اشعاری در مجموعه‌ی او نوشته که باقی مانده است. او بعد از مدتی به وطن بازگشت. به گفته‌ی صاحب تذکره‌ی «پیمانه» وی از اقسام شعر، مثنوی را بهتر می‌سرود. از آثارش: «دیوان» شعر، که مفقود شده است؛ «ساقی نامه»، شامل یکصد و سی و چهار بیت. همچنین وی در سرودن ماده تاریخ ماهر بود و در اشعارش چند قطعه‌ی تاریخی وجود دارد، شامل: ماده تاریخ اتمام بنایی در سواد شهر مراغه توسط آقاخان، تاریخ اتمام بنای آیینه خانه‌ای در سواد دکن، تاریخ اتمام شاه نشین جواهر رقم تبریزی، تاریخ اتمام خانه‌ای که جواهر رقم در دهلی بنا کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۴۲/ ۱)، تذکره‌ی پیمانه (۵۱۰ –۵۰۳)، تذکره‌ی روز روشن (۷۴۸)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۶۱۳ –۶۱۱/ ۲)، تذکره‌ی شعرای کشمیر (۴۵۸ –۴۳۱/ ۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۸۸ –۲۸۷)، دانشمندان آذربایجان (۳۵۱)، الذریعه (۱۰۷۳/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۶۱)، کاروان هند (۱۳۲۸ –۱۳۲۴/ ۲). لغت نامه (ذیل/ معلوم تبریزی).

معلی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد معلی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۹/۱/۱

زندگینامه علمی

تا اول دبیرستان در تهران بودم سپس به مدرسه شهیدین رفتم .مقدمات وسطح رادرشهیدین خواندم درحال حاضر درجامعه شناسی موسسه امام خمینی(ره) هستم .درزمینه کامپیوتر حدود چند سالی کار برنامه نویسی برای موسسات مختلف میکردم . دریکی دو سال اخیر در زمینه طراحی سایت وساخت cd های مولتی مدیا بیلدر و تالیف ۷ کتاب کامپیوتر فعالیت داشته ام .

معلی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی معلی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۰/۶/۲۰

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۰ در خانواده ای روحانی در شهر قم متولد شدم پدرم علاوه برتحصیلات حوزوی در رشته علوم سیاسی تحصیل می کرد و نویسنده روزنانه کیهان بود و پس ازچند سال به علت پذیرفتن سر دبیری کیهان ازسوی ایشان به تهران نقل مکان کردیم لذا در محطیی رشد یافتم که مرابه نوشتن علاقه مند کردند. تحصیلات ابتدائی،راهنمائی ودوسال دبیرستان رادرتهران گذراندم وباتشویقهای پدروعلاقه ای که به فضای حوزه داشتم دبیرستان را ناتمام رها نمودم و به قم هجرت کردم و تحصیلات حوزوی خود را درمدرسه مبارکه شهیدین شروع نمودم . واحد تحقیقات آن مدرسه طلاب را به تحقیق وادار می کرد تا استعدادهای نهفته شکوفا شود .همچنین مطالعات جنبی بویژه کتب شهیدمطهری وزبان عربی وانگلیسی جزءبرنامه های مدرسه بود .

پس ازطی دروس مقدمات حوزه درسال۱۳۸۲در راه اندازی خبر گزاری رسا که منبع اخبارحوزه وروحانیت در رسانه هاست ،همکاری وسرویس بین الملل آن را فعال نمودم.مقالات و ترجمه های حاصل از کار در خبر گزاری رسا در روزنامه های مختلف به چاپ می رسد .همچنین درسال ۸۳–۸۴ در راه اندازی سایت دانشگاه مجازی مرکز جهانی علوم اسلامی به عنوان تحقیق فعالیت داشتم .

در پاییز سال ۸۵ با همفکری برادرم سایت مرکزکتاب شیعه را راه اندازی کردیم ،زیرا احساس کردیم علاقه مندان به کتاب و سی دی های اسلامی و علمی در شهرستانها و سایر کشورها هیچ راهی برای دسترسی آسان به آ نها ندارند و با وجود ابزار اینترنت متولیان علم و فرهنگ قدمی در این راه بر نداشته اند.

معمایی هروی، جمشید

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۳ ق)، خطاط و شاعر. در هرات نشو و نما یافت و همان جا به خوشنویسی پرداخت. خط وی بسیار پخته و خوب بود. جمشید در فن شاعری، بخصوص معماگویی دستی قوی داشت و به همین دلیل به معمایی مشهور شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۹ -۱۲۸ /۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۲۲)، الذریعه (۲۶۷، ۲۰۵ /۹)، فرهنگ سخنوران (۲۲۴)، گلستان هنر (۹۰)، مجالس النفائس (۶۹).

معمایی، حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۶/۹۱۲/۹۰۴ ق)، شاعر و عارف. اهل نیشابور و مدتی ساکن هرات بود و از شاگردان ملاجامی. ملا میرحسین دارای طبعی لطیف بود و در فن معما به مرتبه‌ای رسید که ملا جامی می‌گفت که اگر من می‌دانستم که این چنین شخصی در معما پیدا خواهد شد هرگز فکر معما نمی‌کردم. در هرات درگذشت و مدفن وی در مدرسه اخلاصیه است. از آثار وی: «رساله‌ای در معما».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احسن التواریخ (۶۶۴)، از سعدی تا جامی (۶۷۳)، اعیان الشیعه (۱۵۳ -۱۵۲ /۶)، تاریخ نظم و نثر (۳۴۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۰۵ -۵۰۰)، الذریعه (۲۵۴ -۲۵۳ /۹)، رجال حبیب السیر (۱۸۶ -۱۸۵)، روضات الجنات (۲۵۴ -۲۲۹ /۳)، رجال حبیب السیر (۱۸۶ -۱۸۵)، روضات الجنات (۲۳۴، ۲۲۹ /۳)، ریحانه (۳۴۶/۵)، فرهنگ سخنوران (۲۶۶)، لغت نامه (ذیل/ حسین معمایی)، مجالس النفائس (۹۶)، هدیه العارفین (۳۱۶/۱)، هفت اقلیم (۲۶۸/۲).

معمایی، حمید

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۸۹ ق)، خطاط و شاعر. وی از خوشنویسانی است که در تاریخ تالیف تذکره‌ی ریحان نستعلیق (۹۸۹ ق)، می‌زیسته و شعر نیز می‌سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۷۰/۱).

معنی گیلانی، عبدالله

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازده ق)، شاعر، متخلص به معنی. وی عموی شیخ محمد علی حزین لاهیجی (۱۱۸۱ -۱۱۰۳ ق) بود. از آثارش: «دیوان» شعر. از اوست:

نمک ز شور جنون رفت و بی دماغم کرد

سیاهی از سر داغم فتاد و داغم کرد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۷۵/ ۹)، صبح گلشن (۴۳۲)، فرهنگ سخنوران (۸۶۲)، نامها و نامدارهای گیلان (۵۵۸).

معیدفر، سعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید معید فر در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ دکترای جامعه شناسی از دانشگاه تربیت مدرس میشود و هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه جامعه شناسی دانشگاه تهران است.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر سعید معیدفر مدرک کارشناسی را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران(۱۳۵۹)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۶۶) و دکتری را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۷۴) اخذ نموده است. عنوان رساله

وی در دوره کارشناسی ارشد «بررسی ساختاراقتصادی اجتماعی روستا و مهاجرت از روستا (در استان اصفهان)» و دوره دکتری « بررسی مهاجرتهای روستاییاستان همدان» است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در خصوص دیگر خدمات علمی و اجرایی آقای دکتر معیدفر می توان مواردی همچون سردبیر نامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی (۱۳۸۴ –۱۳۸۷)، رئیس انجمن جامعه شناسی ایران دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (۱۳۸۳ –۱۳۸۷)، رئیس پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۰ –۱۳۸۲)،عضو شورای انتشارات دانشکده علوم اجتماعی (۱۳۷۸ –۱۳۷۹)، عضو شورای پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی (۱۳۷۸ –۱۳۸۲)، دبیر سمینار دانشگاه جامعه و فرهنگ اسلامی وزارت علوم تحقیقات و فناوری (۱۳۷۷ –۱۳۷۸)، مشاور مدیر کل پژوهشهای کاربردی دانشگاه تهران،معاونت پژوهشی دانشگاه تهران (۱۳۷۷ –۱۳۷۸)، مدیر گروه ارتباطات،دانشکده علوم اجتماعی (۱۳۷۶ –۱۳۷۷)، عضو کمیسیون پژوهشی فرهنگی دانشگاه،معاونت پژوهشی دانشگاه (۱۳۷۵ –۱۳۷۶)، دبیری سمینار توسعه فرهنگی،دانشکده علوم اجتماعی، معاون اداری مالی ,دانشکده علوم اجتماعی (۱۳۷۳ –۱۳۷۶) و مدیر کل پژوهش‌های بنیادی ,وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۷۱ –۱۳۷۲) را نام برد. «در دفتر انجمن، هر روز شاهد پیوستن افرادی به عنوان اعضای جدید هستیم و خانواده جامعه شناسی در حال بزرگ و بزرگتر شدن است. امسال با هدف سر و سامان دادن به عضویت ها، اعضای انجمن را به تجدید عضویت فرا خواندیم و بسیاری با انجمن تجدید عهد و پیمان کردند و خواستار تداوم ارتباط و فعالیت خود در انجمن شدند. تمایل روزافزون جامعه شناسان برای تقویت تعاملات انجمنی و داوطلبانه در حال گسترش است و به نظر میرسد بدین ترتیب یکی از بنیانهای مهم رشد جامعه شناسی، در ایران در حال تکوین است و اجتماع علمی جامعه شناسان به بلوغ خود نزدیک شده است» فعالیتهای آموزشی : دکتر معید فر سالهاست که در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران مشغول به تدریس است. و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران نیز میباشد. موارد تدریس وی «بررسی مسائل اجتماعی ایران»، «جامعه شناسی انقلاب»، «مبانی تاریخ اجتماعی» و «نظریه های جامعه شناسی ۲» (در مقطع کارشناسی) و «اقشار و گروههای آسیب پذیر»، «بینشهای جامعه شناسی۲ »، «جامعه شناسی انقلاب»، «سمینار بررسی مسائل اجتماعی»، «جامعه شناسی تاریخی»، «اقشار و گروههای آسیب پذیر»، «تغییرات فرهنگی»، «سمینار بررسی مسائل اجتماعی» (در مقطع دکتری) است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : معید فر علاوه بر تدریس و پژوهش همایش های متعددی در حوزه علوم اجتماعی، را از جمله همایش توسعه فرهنگی،همایش توسعه و امنیت اجتماعی، همایش دانشگاه، جامعه و فرهنگ اسلامی و... دبیری کرده است. آرا و گرایشهای خاص : دکتر معید فر می گوید:«یکی از مناقشات مهم میان جامعه شناسان، این بوده است که آیا آنان در کنار وظایف علمی و آکادمیک، رسالت های اجتماعی نیز دارند یا نه؟ در این باره نظرات متعددی وجود داشته است. پارتو معتقد است جامعه شناسی در پی حقیقت رفتارهاست و نباید در جست وجوی فایده رفتارها باشد، بنابراین جامعه شناس مسئولیتی در برابر اجتماع ندارد. در حالی که دورکیم معتقد است جامعه شناسی اگر رسالت اجتماعی به عهده نداشته باشد و به درد بهبود حال جامعه نخورد ارزش یک ساعت کار کردن را هم ندارد. این مناقشه مستقیم یا غیر مستقیم در میان جامعه شناسان تداوم داشته است. حتی حوزه های فکری جامعه شناسی نیز اغلب متأثر از این دو رویکرد مخالف است. برای مثال در جامعه شناسی انگلستان به فایده این علم توجه شده است. به همین دلیل در آن کشور جامعه شناسی نقشی فعال در حوزه سیاست گذاری فرهنگی، اجتماعی به عهده گرفته و اکثر آثار منتشر شده و حتی بزرگان جامعه شناس این کشور، ارتباط نزدیکی با حوزه سیاست گذاری اجتماعی دارند. در کتابفروشی ها دیده میشود که بخش اعظم کتاب های جامعه شناسی، تحت عنوان سیاست اجتماعی طبقه بندی شده است. در کشورهای دیگری مانند فرانسه و آلمان، جامعه شناسی بیش تر وظایف معرفت شناختی به عهده گرفته و کم تر درصدد مداخله و سیاست گذاری مستقیم بوده است. اما در این کشورها نیز جامعه شناسان بزرگ در نقش رهبران فکری و روشنفکران ظاهر شده اند و رسالت های اجتماعی کلانی را در تغییر و تحولات اجتماعی عهده دار شده اند. در آمریکا نیز ترکیبی از این دو رویکرد وجود داشته است. همین طور که می دانیم به طور کلی جامعه شناسی که با نام سن سیمون و اگوست کنت کار خود را شروع کرد نیز در واکنش نسبت به تحولات عظیم فرهنگی، اجتماعی ناشی از انقلاب صنعتی و انقلاب های اجتماعی و برای پاسخ گویی به نیازهای زمانه خود ضرورت پیدا کرد و هر دوی این بنیانگذاران نیز خود را در برابر حوادث اجتماعی مسئول و رسالتی بر دوش می دانستند. به هر حال، جامعه شناسان به ویژه در عصر تحولات عظیم سیاسی، اجتماعی، در سطح خرد (کاربرد دانش اجتماعی در حل معضلات اجتماعی) یا کلان (رهبری فکری مبتنی بر یافته های علمی) مداخله فعال در سیاست گذاری اجتماعی را وظیفه خود دانسته اند. البته در اینجا شائبه سیاسی شدن دانش جامعه شناسی نیز وجود داشته و از جهات متعدد موجب نگرانی های به حقی بوده است. سیاست زدگی که آفتی حتی برای احزاب و گروه های سیاسی است و در جامعه ما نیز پیامدهای بسیار زشت آن را به ویژه در سال های اخیر و در عمل گروه های سیاسی شاهد بوده ایم، خطری است که از سوی دیگر باید متوجه آن بود. این همان افراط و تفریطی است که در هر نوع اعتقاد، نگرش یا رفتاری امکان بروز و ظهور دارد و باید از آن احتراز کرد. نمی توان به بهانه مداخله و سیاست گذاری در ورطه سیاست زدگی افتاد و نباید از ترس سیاست زدگی، به عالم انتزاع وانزوا فرو رفت و از هر نوع ایفای نقش فعال در صحنه اجتماعی اجتناب ورزید. به نظر می رسد که کار دشواری است. هم باید کاری کرد که معیارهای علمی و اصالت جامعه شناسی محفوظ بماند و هم باید با مداخله فعال در روند تحولات اجتماعی تأثیر گذار بود وگرنه دیر یا زود اندیشه بی خاصیت بودن جامعه شناسی فراگیر خواهد شد. در واقع هر یک از جامعه شناسان به ویژه آنان که با علاقه و اشتیاق به سراغ این حوزه از دانش روی آورده اند، تحت تأثیر بزرگان و کنش گران فعال جامعه شناسی قرار داشته اند که در جامعه خود نقش آفرین بوده اند» چگونگی عرضه آثار : اما معیدفر علاوه بر همه مشغله های مدیریتی و کارهای اجرایی از تحقیق و پژوهش در عرصه کاری اش بازنمانده و تحقیقات میدانی و کتابخانه ای متعددی را به انجام و سرانجام رسانده است. از آن جمله بررسی مهاجرت های روستایی استان همدان، بررسی مشکلات فرهنگی اجتماعی دانشجویان، بررسی میزان اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن در واحدهای تولیدی صنعتی استان تهران، بررسی فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی روستاهای کشور، میزان بهره مندی شهروندان تهرانی از مطبوعات، بررسی میزان اخلاق کار و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در میان کارکنان ادارات دولتی استان، نقش دانشگاه و تحصیلات دانشگاهی در تحول ارزش ها

و نگرش ها، بررسی پدیده استفاده اعتیادی از اینترنت و پیامدهای آن در میان نوجوانان و جوانان (۲۵-۱۵ سال) شهر تهران و... و همچنین از جمله تحقیقات غنی و جذاب معیدفر درباره اخلاق کار در جامعه ایرانی بوده است. وی نگارش مقالات متعددی در نشریات تخصصی جامعه شناختی پرداخته است.از آن جمله است: جامعه شناسی معرفت ،۱۳۷۳ نامه علوم اجتماعی شماره ۷ ترجمه از لوئیس کوزر،مسأله اجتماعی و مسأله دینی خرداد ،۸۰ نشریه علوم سیاسی، معرفی و نقد کتاب روشه، گی : جامعه شناسی تالکوت پارسونز؛ ترجمه عبدالحسین نیک گهر شهریور،۷۷ نشریه کتاب ماه (علوم اجتماعی)،معرفی و نقد کتاب جامعه شناسی مسائل اجتماعی جوانان تألیف غلامرضا صدیق اورعی مرداد ،۷۹ نشریه: پژوهش، ...آثار : بررسی میزان اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن ویژگی اثر : نشر مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، وی در این خصوص میگوید: «من در سال تحقیقی را در مورد «اخلاق کار» در واحدهای تولیدی و صنعتی انجام دادم و نیز در همین زمینه، تحقیقی در واحدهای دولتی انجام دادم و در هردو تحقیق، تحصیلات یکی از پارامترهای بسیار مهمی بود که می توانست میزان اخلاق کار را در میان دو گروه جمعیتی تحصیلکردگان دانشگاهی و غیرتحصیلکردگان دانشگاهی تغییر بدهد. در آن دو تحقیق مشخص شد، میزان اخلاق کار تحصیلکردگان دانشگاهی یا کسانی که تحصیلات بالاتر از دیپلم داشتند، به طرز معناداری کمتر از کسانی بود که تحصیلات دانشگاهی نداشتند. یعنی برخلاف انتظار، کسانی که تحصیلات دانشگاهی نداشتند از اخلاق کاری بالاتری برخوردار بودند. فرض کنید اگر متوسط اخلاق کار در کل جمعیت از می شد وقتی که جمعیت را به دو بخش تحصیلکردگان بالای دیپلم و کسانی که در حد دیپلم و زیر دیپلم سواد داشتند تقسیم کردیم، مشاهده شد که برای مثال اخلاق کاری تحصیلکردگان حدود و اخلاق کاری دیپلمه ها و زیردیپلم حدود ?/? به دست می آمد و هرچه سطح تحصیلات افراد بالاتر می رفت این کاهش اخلاق کار هم بیش تر می شد. برای سنجش اخلاق کار، ابتدا معیار و شاخصی را با عنوان شاخص سنجش میزان اخلاق کار (I.E.W.O) بومی کردیم و اعتبار و روایی آن را سنجیده و در واقع آن را بومی کردیم. برای مثال پاسخ ها در ? گزینه آمده بود و ما این گزینه ها را مطابق اوضاع اخلاق کار در کشور، به ? گزینه تقلیل دادیم تا اخلاق کار و ابعاد مختلف آن را در ایران بسنجیم. تا پیش از آن تصور می شد، اخلاق کار در جامعه ایران به نسبت جوامع توسعه یافته بسیار پائین است و به فرض گفته می شد که اخلاق کار ضعیف است. اما تحقیقات به عمل آمده نشان داد که اخلاق کار در ایران به طور تقریبی متوسط روبه بالا است وقابل قبول ارزیابی شد و فاصله بسیار زیادی با میزان اخلاق کار در کشورهای توسعه یافته ندارد.» ۲ بنیادهای نظریه اجتماعی ;ترجمه منوچهر صبوری کاشانی ویژگی اثر : (۱۳۷۸)۳ تفکر نظری در جامعه شناسی ویژگی اثر : (۱۳۷۵)۴ جامعه شناسی تالکوت پارسونز ;ترجمه عبدالحسین نیک گهر ویژگی اثر : (۱۳۷۷)۵ جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران ویژگی اثر : (۱۳۸۵)۶ جامعه شناسی مسائل اجتماعی معاصر در ایران ویژگی اثر : نشر سرزمین ما، ۷ جامعه شناسی مسایل اجتماعی معاصر در ایران ویژگی اثر : (۱۳۷۹)۸ رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی ویژگی اثر : (۱۳۸۳)۹ فرهنگ کار نشر مؤسسه کار و تأمین اجتماعی ویژگی اثر : ۱۳۸۰۱۰ نظم اجتماعی در نظریه های جامعه شناسی ویژگی اثر : اثر پیتر ورسلی؛ کتاب نظم اجتماعی در نظریه های جامعه شناسی اثر پیتر ورسلی ،جامعه شناسی مسائل اجتماعی معاصر در ایران ،بررسی میزان اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن، نشر مؤسسه کار و تأمین اجتماعی و کتاب فرهنگ کار اشاره کرد.۱۱ نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی ویژگی اثر : اثر دانیلین لوزیک؛ مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تحلیل مسائل اجتماعی نوشته دانیلین لوزیکنیز نیز از سوی معیدفر ترجمه شده است. در این کتاب با طرح عمده ترین مباحث نظری در جامعه شناسی مسائل اجتماعی، چندین مسأله کلان اجتماعی ایران به عنوان کشوری در حال گذار با رویکردی کارکردگرا و انتقادی و تأکید بر عوامل عینی و ساختاری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

منابع زندگینامه :روزنامه ایران صحه مهرگان ۱۴-۱۲-۱۳۸۵

معیر الممالک، دوستعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۰ -۱۲۳۶ ق)، نقاش و خطاط. ملقب به معیر الممالک. از شاهزادگان صاحب کمال قاجاری بود و بعدها به نظام‌الدوله ملقب شد. وی در تصویر آفرینی به شیوه‌ی رنگ روغن تبحر داشت و خط را نیز خوش می‌نوشت. از علوم ادبی بهره‌مند بود و مجموع مقالات و خاطرات خود را در دو کتاب «زندگانی خصوصی ناصرالدین‌شاه» و «رجال عصر ناصری» فراهم آورده است. از آثار نقاشی او: منظره‌ی زمستانی و پر برفی که چند درخت در وسط آن دیده می‌شود؛ تصویر چند گوسفندی که از شدت سرما، کنار هم به خواب رفته‌اند؛ دورنمای منظره‌ی زیبایی که در افق آن، تصویر درختان و مزارع و کلبه دهقانی جلوه‌گر است.[۱]

دوستعلی خان بسطامی نظام‌الدوله (و. ۱۲۳۶ ه.ق- ف. ۱۲۹۰ ه.ق) پسر حسین علی‌خان معیر و داماد فتحعلی شاه بود؛ به حکومت یزد و گیلان رسید و سمت خزانه‌داری یافت و به عضویت دارالشورائی که ناصرالدین شاه تشکیل داد نائل گشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار نقاشان (۱۱۷۴/ ۴)، شرح حال رجال (۱۵۷، ۹۳، ۴۱/ ۶).

معیری، رهی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن رهی معیری به سال ۱۲۸۸ شمسی در تهران متولد شد. نیاکان او از دوران نادرشاه افشار تا اواخر دوران قاجاریه همواره از مصادر مهم و رجال بزرگ کشور بوده‌اند. ذوق هنری و طبع لطیف شعر و شاعری در خاندان رهی موروثی بوده چنانکه میرزا عباس فروغی بسطامی غزلسرای بزرگ دوران ناصری از این خانواده بوده است.

رهی معیری از همان دوران طفولیت دارای ذوق و طبعی حساس بود و به شعر و موسیقی و نقاشی علاقه وافری نشان می‌داد و همین کشش و علاقه فراوان بود که از سن سیزده سالگی به شاعری پرداخت و هنوز بیش از هفت بهار از عمرش سپری نگشته بود که اشعارش را مجلات به چاپ رسانیدند. از این پس بود که ترانه‌های شورانگیز رهی، دوستداران شعر و موسیقی را از خود بی‌خود کرده و آنان را از خواندن و شنیدن این غزلیات سرمست می‌نمود.

نخستین ترانه رهی معیری «خزان عشق» نام داشت که شهرت فراوان یافت و پس از آن می‌توان از: «نوای نی»، «شب جدایی» «دارم شب و روز»، «بکنارم بنشین»، «من از روز ازل»، «تنها ماندم تنها رفتی»، «آهنگ آذربایجان»، «آرزو گم گشته» یاد کرد.

تسلط وافر رهی بر دستگاهها و گوشه‌های موسیقی ایرانی تا آن حد بوده که چند آهنگ زیبا و جالب ساخته که از جمله: «دارم شب و روز» و «سیرم از زندگانی» و غیره می‌باشد. رهی معیری علاوه بر غزل، در سرودن شعرهایی که موضوع‌های سیاسی و اجتماعی داشته نیز استاد و چیره‌دست بوده و سال‌ها اشعارش در مجلات و روزنامه‌ها با امضاهای «زاغچه» و «شاه پریون» چاپ می‌شده است.

رهی معیری مسافرت‌های متعددی به کشورهای خارج جهت شناساندن فرهنگ و هنر ایران نمود که به ترتیب تاریخ عبارت است از: سال ۱۳۳۶ شمسی همراه گروهی از خبرنگاران و مدیران جراید به کشور ترکیه، سال ۱۳۳۷ شمسی مسافرت به کشور شوروی و آشنایی با شرق‌شناسان و معاریف این کشور، سال ۱۳۳۸ به ممالک ایتالیا و فرانسه، سال ۱۳۴۱ بنا به دعوت دولت افغانستان برای شرکت در مراسم یادبود نهصدمین سال وفات خواجه عبداللّه انصاری و دوباه در سال ۱۳۴۶ برای شرکت در جشن استقلال این کشور.

رهی معیری راهگشای غزلسرایی در دوران معاصر برای بسیاری از شاعران جوان بود. او شاعری آزاده و حساس بود و به ایران و ایرانی و خاک وطنش ایران عشق می‌ورزید به طوری که در یک سروده زیبای وطنی از وی آمده:

تو ای پرگهر خاک ایران زمین
که والاتری از سپهر برین
هنر زنده از پرتو نام تست
جهان سرخوش از جرعه جام توست
«حدیث جوانی»
اشکم، ولی بپای عزیزان چکیده‌ام
خارم ولی بسایه گل آرمیده‌ام
با یاد رنگ و بوی تو،ای نوبهار عشق
همچون بنفشه سر بگریبان کشیده‌ام
چون خاک، در هوای تو از پا فتاده‌ام
چون اشک، در قفای تو با سر دویده‌ام
من جلوه شباب ندیدم بعمر خویش
از دیگران حدیث جوانی شنیده‌ام
از جام عافیت، می‌نابی نخورده‌ام
وز شاخ آرزو، گل عیشی نچشیده‌ام
موی سپید را، فلک رایگان نداد
این رشته را به نقد جوانی خریده‌ام
ای سر و پای بسته، بآزادگی مناز
آزاده من، که از همه عالم بریده‌ام
گر می‌گریزم از نظر مردمان، رهی
عیبم مکن، که آهوی مردم ندیده‌ام
خیال‌انگیز و جان‌پرور چو بوی گل سراپایی
نداری غیر از این عیبی، که می‌دانی که زیبایی
من از دلتنگی‌های تو با آئینه، دانستم
که بر دیدار طاقت سوز خود، عاشق‌تر از مایی
بشمع و ماه، حاجت نیست بزم عاشقانت را
تو شمع مجلس افروزی، تو ماه مجلس‌آرایی
منم ابر و تویی گلبن، که می‌خندی چو می‌گریم
تویی مهر و منم اختر، که می‌میرم چو می‌آیی
مراد ما بخوبی، ورنه رندان هوس‌جو را
بهار شادی‌انگیزی، حریف باده همایی

مه روشن، میان اختران پنهان نمی‌ماند
میان شاخه‌های گل، مشو پنهان که پیدایی
کسی از داغ و درد من نپرسد تا نپرسی تو
دل بهر حال زار من نبخشد تا نبخشایی
مرا گفتی: که از پیر خرد پرسم علاج خود
خرد منع من از عشق تو فرماید، چه فرمایی؟
من آزرده دل را، کس گره از کار نگشاید
مگر ای اشک غم امشب تو از دل عقده بگشایی
رهی، تا وارهی از رنج هستی ترک هستی کن
که با این ناتوانی‌ها، بترک جان توانایی

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

معیری، محمدصادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: مهندسی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی کشاورزی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۲، کارشناسی ارشد مهندسی هیدرولیک از دانشگاه کالیفرنیا در سال ۱۳۴۰، دکترای تخصصی مهندسی مکانیک سیالات از دانشگاه کالیفرنیا در سال ۱۳۴۴.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه شیراز از سال ۱۳۴۵.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

جریان در اطراف و از میان صفحات متخلخل، کاربرد مدل K-E تلاطم در جریانهای دوبعدی، کاربرد روش مشخصه‌ها در جریانهای مافوق صوت با تقارن محوری، بررسی تغییرات غیر سریع مشخصات جریان با زمان در شبکه‌ها، تولید شبکه‌های محاسباتی متعامد برای جریانهای داخلی، تدریس دروس مکانیک سیالات، ریاضیات مهندسی، سیستمهای انتقال آب، دینامیک گازها، هیدرودینامیک در دانشگاههای شیراز و ایالتی واشنگتن.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مکانیک سیالات.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

Pattem Of Potential flow In a Free Over Fall Potential Flow at a two Dimentonal Conduitoud let Seepage Through Dams With Horizontal Toe Drain Flow in open Channels withsmooth Curved Boundaries Analysis OF Slow Tramsients in PiPe networks.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

معین اصم، معین‌الدین، معین الملک حسین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. از شاعران عصر سلطان سنجر (۵۵۲ -۵۱۱ ق) و از کاتبان خاص دربار وی و مسئول دیوان عالی بود. شعر فارسی کم می‌سرود و بیشتر به سرودن اشعار عربی تمایل داشت. از وی اشعاری در تذکره‌ها ذکر شده است. در عصر او قیصر روم در یورشی توانست چندین هزار مسلمان را از شهرهای آمد و میافارقین اسیر کند و با خود ببرد. رعایای باقی مانده به دیوان عالی «نفیر نامه» نوشتند و معین‌الدین در پاسخ، «جواب نفیرنامه‌ی اسیران در روم» را، خطاب به قیصر نگاشت و او با خواندن نامه، اسیران را آزاد کرد. این نامه، که کار لشکری را کرد، گواه کمال و بزرگی اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۷۶/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۶۲)، لباب الالباب (۷۸ -۷۷/ ۱)، مجمع الفصحا (۱۱۸۲/ ۳).

معین وزیری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: زمین‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زمین‌شناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۶، کارشناسی ارشد زمین‌شناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹، دکترای تخصصی زمین‌شناسی از دانشگاه اورسی پاریس در سال ۱۳۵۲، دکترای دولتی ولکانولوژی از دانشگاه اورسی پاریس در سال ۱۳۶۴.

مرتبه علمی:

استادیار، دانشیار و استاد دانشگاه تربیت معلم تهران از سال ۱۳۵۲ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه پتروگرافی و پترولوژی توده‌های نفوذی و اسکن منطقه فشارک اصفهان، مطالعه پتروگرافی و پترولوژی توده نفوذی مبارک‌آباد، مطالعه پتروگرافی و پترولوژی توده‌های آتشفشان سیاه کوه، مطالعه پتروگرافی و پترولوژی توده آتشفشانی دوازده امام، مطالعه متامرفیسم و ماگماتیسم پرکامبرین در منطقه ساغنه، تدریس دروس بلورشناسی و کانی‌شناسی، سنگهای آذرین، سنگهای دگرگونی و پترولوژی در دانشگاه تربیت معلم، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

پترولوژی سنگهای آتشفشانی، پتروگرافی و پترولوژی سنگهای آذرین.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

موضوعات مختلف زمین‌شناسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

معین، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۰ -۱۲۹۴/ ۱۲۹۳/ ۱۲۹۱ ش)، نویسنده، مصحح، مترجم، فرهنگ نویس و شاعر. در رشت به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی در زادگاهش، تحصیلات متوسطه را در دارالفنون به پایان رساند. سپس از دانشسرای عالی در رشته‌ی ادبیات فارسی و فلسفه و علوم تربیتی فارغ‌التحصیل شد. پس از آن مدتی ریاست دانشسرای شبانه‌روزی اهواز و سپس ریاست اداره‌ی دانشسراها را در وزارت فرهنگ داشت. وی اولین کسی بود که در ایران به اخذ درجه‌ی دکترا در ادبیات نایل آمد و رساله‌ی دکترای خود را با عنوان «مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات فارسی» ارائه نمود. او از ۱۳۱۸ ش به تدریس در دانشسرای عالی و دانشکده‌ی ادبیات مشغول بود. وی به جهت شرکت در کنگره‌ها و مجامع علمی و انجام امور تحقیقی و تدریس به کشورهای آمریکا، انگلیس، فرانسه، شوروی سابق و آلمان سفر کرد. معین همکار دهخدا بود و سرپرستی سازمان «لغت نامه» را بر عهده داشت. دکتر معین سرانجام پس از پنج سال بیماری و بیهوشی در رشت درگذشت و در آستانه‌ی اشرفیه‌ی رشت به خاک سپرده شد. از دیگر آثار وی: «فرهنگ فارسی»، معروف به «فرهنگ معین»؛ «برگزیده‌ی شعر فارسی»، قرنها چهار و پنج قمری؛ «حافظ شیرین سخن»؛ «ستاره‌ی ناهید یا داستان خرداد و مرداد»، شعر؛ تحلیل «هفت پیکر» نظامی؛ «روانشناسی تربیتی»، ترجمه؛ «ایران از آغاز تا اسلام»، ترجمه؛ «کتیبه‌های پهلوی»، ترجمه؛ تصحیح و تحشیه «برهان قاطع»؛ تصحیح و تحشیه «چهار مقاله» احمد عروضی سمرقندی؛ تصحیح «جوامع الحکایات و لوامع الروایات».[۱]

محمد (و. هفدهم رجب ۱۳۳۶ هجری قمری مطابق ۹ اردیبهشت ۱۲۹۷ شمسی. ف. ۱۳ تیرماه ۱۳۵۰ ه.ش) فرزند مرحوم شیخ ابوالقاسم. در شهر رشت در خانواده‌ای روحانی متولد گردید. به هنگام طفولیت او نخست مادر و پس از ۵ روز پدرش در عنفوان شباب درگذشتند. جد پدری وی شیخ محمدتقی معین‌العلما که در سلک علمای روحانی بود به تربیت وی همت گماشت. جد مادری او شیخ محمدسعید نیز از علما و مدرسان علوم قدیمه بود.

محمد معین دوره‌ی ابتدائی را در دبستان اسلامی و دوره‌ی اول متوسطه را در دبیرستان نمره‌ی ۱ (که بعدها بنام دبیرستان شاهپور خوانده شد) طی کرد. در اوان تحصیل در متوسطه صرف و نحو عربی و بخشی از علوم قدیمه را نزد جد خوش و مرحوم سید مهدی رشت‌آبادی و دیگر استادان وقت آموخت و عشق به مطالعه در نهادش ریشه دوانید. دوره‌ی دوم متوسطه (ادبی) را در دارالفنون تهران به پایان رسانید و به سال ۱۳۱۰ در دانشکده‌ی ادبیات و دانشسرای عالی در رشته‌ی ادبیات و فلسفه و علوم تربیتی وارد گردید و در سال ۱۳۱۳ از این شعب لیسانسیه شد پس از طی دوره‌ی شش ماهه‌ی دانشکده‌ی افسری احتیاط، شش ماه اول سال ۱۳۱۴ را به خدمت افسری گذرانید و در مهرماه آن سال به دبیری دبیرستان شاهپور اهواز منصوب شد، و پس از سه ماه ریاست دانشسرای شبانه‌روزی اهواز را یافت و در عین حال عضویت تحقیق اوقاف و ریاست به عهده‌ی وی بود. در همین ایام به وسیله‌ی مکاتبه از آموزشگاه روانشناسی بروکسل (بلژیک) که تحت نظر Elmer Knowles روانشناس اداره می‌شد، روانشناسی عملی و دیگر شعب آن از قبیل خطشناسی، قیافه‌شناسی و مغزشناسی را فراگرفت.

در ۱۳۱۸ به تهران منتقل گردید در حین تصدی معاونت و سپس کفالت اداره‌ی دانشسراها در وزارت فرهنگ، وارد دوره‌ی دکتری زبان و ادبیات فارسی شد. پس از چندی با حفظ سمت به دبیری دانشکده‌ی ادبیات منصوب گردید. پس از به پایان رسانیدن دوره‌ی دکتری، جلسه‌ی دفاع از پایان‌نامه‌ی دکتری وی به عنوان «مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی» در روز سه‌شنبه‌ی ۱۷ شهریور ۱۳۲۱ تشکیل و پایان‌نامه‌ی او با قید «بسیار خوب» قبول گردید، و او نخستین دکتر ادبیات فارسی در ایران شناخته شد. از آن پس به سمت دانشیار و سپس به سمت استاد کرسی «تحقیق در متون ادبی» در دانشکده‌ی ادبیات به تدریس مشغول شد و سه سال نیز در دانشسرای عالی به تدریس پرداخت. از آغاز سال ۱۳۲۵ شمسی که طبع لغت‌نامه‌ی علامه‌ی مرحوم علی‌اکبر دهخدا طبق قانون، در مجلس شورای ملی شروع شد، دکتر معین به همکاری وی برگزیده شد. در دی ماه ۱۳۳۴ با موافقت علامه‌ی مزبور، سازمان لغت‌نامه از منزل شخصی آن مرحوم به مجلس شورای ملی منتقل شد و طبق وصیت‌نامه‌های معظم له دکتر معین به ریاست امور علمی آن سازمان منصوب گردید. در اسفند ۱۳۳۶ سازمان مذکور به دانشکده‌ی ادبیات (دانشگاه تهران) شورای دانشگاه، ریاست سازمان لغت‌نامه به عهده‌ی وی محول گردید. وی این سمت را تا آخرین روزی که دچار سکته گردید به عهده داشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] چهارصد شاعر برگزیده پارسی گوی (۹۷۷)، دایرةالمعارف فارسی (۲۸۱۱/ ۲)، الذریعه (۲۱۷/ ۱۶ ،۲۳۳/ ۶)، شرح حال رجال (۲۰۳/ ۶)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۵۲۳ -۵۱۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۴۲، ۲۶۲۱، ۱۹۳۸ ، ۱۱۴۶ ،۱۰۷۱ ،۴۹۶ ،۴۸۸ ،۴۱۰/ ۱)، کتاب گیلان (۷۲۳ -۷۲۱/ ۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۴۰)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۰ -۸۲۶/ ۵).

معین‌الغرباء، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم مشهور و ملقب به (معین الغرباء) از مشاهیر علماء گذشته خراسان و روسا عصر خود بوده است.

وی بنا بر نقل آقای مروج در (سوانح) سطوح را در مشهد خوانده و بعد به نجف مهاجرت و از محضر میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی و آخوند ملاعلی نهاوندی استفاده کرده و علم اخلاق و سلوک را از مرحوم آخوند ملا حسینقلی همدانی و آقا سید محمدرضا فراگرفته و پس از آن به مشهد مراجعت و به ترویج و تدریس پرداخته تا در چهارم صفر ۱۳۳۹ وفات و در دارالسیاده مدفون شده است و آقای مروج در ماده تاریخش گفته است.

زین جهان رفت معین الغرباء

دل ما گشت پر از شور و نوا

(دل) برون کن پی تاریخ وفات

فاش بر گو تو (معین الغرباء)

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

معین‌الواعظین، عباس علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به معین الحسینی، فرزند ملا علی محمد گورتانی.

عالم فاضل محدث، و واعظ زاهد ادیب شاعر متخلص به «ذاکر». در اصفهان و نجف نزد فضلای این دو شهر تحصیل نموده. جهت ارشاد و هدایت مردم منبر رفته، کتب چندی تألیف نموده که از آن جمله است:

۱ - تسلیهٔ الفقراء ۲ - دیوان اشعار ۳ - زادالعاصین ۴ - علائم الظهور ۵ - فوائد الصلوات ۶ - مجازاهٔ النسوان ۷ - وقایع الظهور، در دو مجلد، مطبوع ۸ - هدایهٔ الوالدین، جلد دوم علائم الظهور؛ و غیره.

در ۱۲۸۷ متولد، و در شب سوم ربیع الثانی ۱۳۶۰ وفات یافته، در تخت فولاد [تکیه‌ی سید العراقین] مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

معینی کرمانشاهی، رحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رحیم معینی کرمانشاهی به سال ۱۳۰۴ در شهرستان کرمانشاه دیده به جهان گشود. وی یکی از ترانه‌سرایان بزرگ و خوش ذوق و باقریحه ایران است که آثار وی نمایانگر این مدعا است.

وی درباره شرح حال خود در کتاب «ای شمع‌ها بسوزید» می‌گوید:

«نگارنده، در خانواده‌ای مشخص و شناخته شده در کرمانشاه بوجود آمده و پرورش یافته‌ام. اعتبار کلی و عمیق خانوادگی و بستگانم مربوط به روابط عمومی از دهلیز تشریفات مذهبی و اقامه این مراسم و مجالست با طبقات روحانی طی یکصد سال از عمر یک خانواده در چهار نسل بوده است که از به مصرف رسانیدن تمامی مایملک و دارایی‌های زمان پسند برای احداث بناهای مذهبی و مخارج تشریفاتی آن، آن هم در سطحی پرهزینه دریغ نورزیده و موجودیت خانوادگی مرا از چندین سال قبل از مشروطیت در این زمینه بایستی جستجو کرد. این اعتبار و موجودیت بدست پدربزرگم «معنی‌الرعایا» که در کتاب خاطرات فرید و سایر رسالات نسبتا تاریخی کم و بیش شرح حالش آمده است بوجود آمده و تکمیل شد.»

معینی کرمانشاهی، پیش از آن که به شعر و شاعری روی آورده، مدت شانزده سال نقاشی کرد و با این هنر راز و نیازها داشت ولی روح حساس و بلندپرواز وی، او را به سوی شعر و ترانه‌سرایی کشانید.

معینی کرمانشاهی، اشعار بسیاری برای خوانندگان رادیو و تلویزیون ساخت و یکی از همکاران صدیق و فعال برنامه‌های «گلها» بود که مورد نظر شخص داود پیرنیا قرار داشت. وی هنوز بیش از بیست و هفت سال از سنش نگذشته بود که اولین اثرش به چاپ رسید و از سال ۱۳۳۳ به کار ترانه‌سرایی پرداخت. یکی از زیباترین و بهترین ترانه معینی کرمانشاهی، ترانه «راز خلقت» نام دارد که آهنگ آن از انوشیروان روحانی است و شعر آن چنین است:

دارم سؤالی ای خدا- ای آشنا با فکر ما- وی قادر قدرت‌نما
چون می‌نوشتی این سرگذشت ما خاکیان را
قسمت چه کردی از ملک هستی افلاکیان را
ای داور عرش‌آفرین
صورتگر فرش زمین وی مالک ملک یقین
باید به بال اندیشه پویم هفت آسمانت را
یک‌یک بینم هم ثابت و هم سیارگانت را
باید سیاحت‌ها کنم در زهره و در مشتری
شاید که خورشید افکند آنجا فروغ دیگری
تا مگر در آسمان در دل آن اختران
زآنچه می‌جوید بشر ذره‌ای یابم نشان
شاید آنجا زندگی دور از این غوغا بود
معنی صلح و صفا بلکه در آنجا بود
جویای راز خلقتم هان ای خدای مهربان
با شهپر اندیشه‌ها بر قله عرشم رسان
شعر از معینی کرمانشاهی
نبودم اگر من کجا بود این بخت سیاهم
نبودی اگر تو هدر می‌شد این اشک و آهم
غمم را تو دانی تو هستی پناهم
چو هجرانت دیدم- ز هرکس پرسیدم نشانت- چو گم کرده راهی
باشکت پروردم- بیارت آوردم- که جز من یاری را نبینی نخواهی
نتابد در بزمم- نه مهری نه ماهی- ندانم چه دارم گناهی
نگاهی بر من کن- فدای چشمانت- شود این دو چشم الهی
دارم بتو پندی یارا- ارزان مفروش ما را
که در روزگاری- عزیز آیه خواری- چو افتاده یوسف به چاهی

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

معینی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا سید حسن بن السید الجلیل مرحوم حاج سید طاهر معینی از علماء تبریز و معروف معاصر شهرستان ری میباشد.

وی در سال ۱۳۰۹ (هزار و سیصد و نه) قمری در زاویه مقدسه متولد شده و در بیت شرف و سیادت پرورش یافته و مقدمات و ادبیات را در ری خوانده و آنگاه به تهران رفته و سطوح وسطی و نهائی را از آقا شیخ آقا بزرگ ساوه‌ای و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی لواسانی و مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدعلی شاه آبادی فراگرفته و در سال ۱۳۴۳ ق مهاجرت به قم نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه موسس حایری و آیت‌اللّه آقا شیخ ابوالقاسم کبیر و آیت‌اللّه حاج شیخ حسن فاضل و مرحوم آیت‌اللّه خونساری استفاده نموده و با دریافت گواهی علم و تصدیق جامعی در سال ۱۳۵۴ قمری مراجعت بشهر ری نموده و مورد توجه عموم مردم قرار گرفت و بخدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و ترویج مذهب و تبلیغ احکام پرداخته لکن چند سالی اعتزال و انزواء را اختیار نموده فقط گاهی برای جماعت اگر حالشان مقتضی باشد می‌آیند و اکنون دوران نقاهت و سالخوردگی را می‌پیماید.

نگارنده گوید: جناب آقای معینی که حق استادی و تربیت بر این حقیر دارد بسیار منیع الطبع و بزرگوار و محتاط در امور می‌باشد و ایشان داماد مرحوم حاج آقای موسی کنی حفید مرحوم آیت‌اللّه العظمی علامه کنی می‌باشد و دارای سه دختر فقط هستند که یکی از آنها همسر برادر زاده حقیر است.

مرحوم والدش از امناء و روساء آستانه مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام و با مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای سید محمدعلی شاه عبدالعظیمی نجفی که ذکرش گذشت انتساب و از یک سلسله می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

معینی، محمدسالار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدسالار معینی در سال ۱۳۴۸ در مشهد متولد شد.وی یکی از مترجمین کتاب" تغذیه طیور "می باشد. کتاب مذکور ، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : کشاورزیرشته : دامپروریتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد سالار معینی بعد از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در سال ۱۳۶۶ در رشتهٔ دامپروری دانشکده کشاورزی دانشگاه مشهد پذیرفته شد. در سال ۱۳۷۰ تحصیلات خود را در مقطع کارشناسی ارشد، در رشتهٔ تغذیه دام ادامه داد و در حال حاضر دانشجوی دورهٔ دکترای همان رشته در دانشگاه فردوسی مشهد می باشد.جوائز و نشانها : محمد سالار معینی یکی از مترجمین کتاب" تغذیه طیور "می باشد. کتاب مذکور ، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : محمد سالارمعینی علاوه بر کتاب تغذیه طیور، کتاب و مقالات ذیل را نیز با همکاری آقایان دکترابوالقاسم گلیان عرضه داشته است: –اثر طول مدت گرسنگی در اندازه گیری انواع انرژی قابل متابولیسم مواد خوراکی با استفاده از دو روش سیبال و فارل. (مقاله) – بررسی امکان استفاده علمی از انرژی قابل متابولیسم حقیقی تصحیح شده برای ازت (TMEM) در جیره نویسی برای طیور. (مقاله) – تعیین انرژی قابل متابولیسم حقیقی مواد خوراکی مورد استفاده در تغذیه طیور در استان خراسان آثار : احتیاجات غذایی طیور ویژگی اثر : ترجمه،با همکاری دکتر ابوالقاسم گیلان۲ تغذیه طیور ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «تغذیه طیور»: تغذی ?طیور، اس. لیزن، جی. دی. سامرز، ترجم ?دکتر ابوالقاسم گلیان، مهندس محمد سالار معینی، تهران: واحد آموزش و پرورش معاونت کشاورزی سازمان اقتصادی کوثر، ۱۳۷۴. توسع ?کمّی و کیفی رشته های دامپزشکی و دامپروری نیازهای علمی جدیدی را می طلبد و تغذی ?طیور به شکل صنعتی و مدرن از علوم نسبتاً جدید است. کتاب حاضر به دلیل دربرداشتن آخرین دستاوردهای علمی در زمینه های مختلف تغذی ?طیور حائز اهمیت است. اگرچه مطالب کتاب برای کشور کانادا طرح و عنوان شده است، موارد اشتراک زیادی برای استفاد ?متخصصان ایرانی در آن وجود دارد. این کتاب به لحاظ پرداختن به مسائل اساسی و پایه ای تازگی دارد و ترجم ?خوب و جداول و اشکال مختلف– طی هفت فصل– بر ارزش آن افزوده است. کاربرد این ترجمه برای مقاطع مختلف تحصیلی و دربرگیری طیف نسبتاً وسیعی از تغذیه برای انواع طیور را می توان از امتیازات خاص آن دانست

معینیان سمنانی لاسگردی، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۹ –۱۲۹۳/ ۱۲۹۱ ش)، شاعر و نویسنده. در لاسگرد سمنان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش و متوسطه را در تهران به پایان رسانید. سپس به استخدام وزارت دارایی درآمد و پس از دو سال به وزارت فرهنگ منتقل شد. وی ضمن خدمت ابتدا در دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی و بعد در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت و موفق به اخذ لیسانس گردید. او دوره‌ی دکترای ادبیات را نیز گذرانده و به دریافت دانشنامه توفیق یافت. وی در تهران درگذشت. از آثارش: «تاجداران تیره‌بخت»؛ «در راه پیروزی»، شعر؛ مقدمه و تصحیح و اهتمام در انتشار «رشحات عین الحیات» فخرالدین علی واعظ کاشفی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آینده (س ۶، ش ۱ و ۲، ص ۱۵۷)، سخنوران نامی معاصر (۳۳۶۳ –۳۳۶۰/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۳۸۴، ۶۵۴/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۷۶ –۴۷۵/ ۴).

معینیان، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصحح، شاعر.

تولد: ۱۲۹۳، لاسگرد سمنان.

درگذشت: اسفند ۱۳۵۸ تهران.

علی‌اصغر معینیان لاسگردی، فرزند محمدمهدی معین‌الشریعه لاسگردی، تحصیلات ابتدایی را در سمنان و دوره‌ی متوسطه را در تهران به پایان رسانید. آنگاه در وزارت دارایی به کار مشغول گردید. بعد از دو سال به وزارت فرهنگ منتقل شد. در حین خدمت ابتدا در دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی و بعد در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران تحصیلات خود را ادامه داد و پس از طی مدارج تحصیلی به دریافت دانشنامه‌ی دکتری در ادبیات فارسی نایل گردید. در مدت خدمت در وزارت فرهنگ مشاغل مختلفی یافت تا بازنشسته شد.

از آثار وی تصحیح و چاپ کتاب رشحات عین الحیات تألیف مولانا فخرالدین علی پسر حسین واعظ کاشفی صوفی نقشبندی اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری است که در سال ۱۳۵۶ چاپ و منتشر شد، کتاب دیگرش داستان تاجداران تیره بخت (۱۳۲۳)، نام دارد. دیوان اشعارش نیز تحت عنوان در راه پیروزی منتشر شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مغربی تبریزی، ابوعبداللّه، شمس‌الدین محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۸۰۹ -۷۴۹ ق)، عارف و شاعر، متخلص به مغربی. معروف به شیرین یا ملا محمد شیرین و مشهور به شمس مغربی. معروف به شیرین یا ملا محمد شیرین و مشهور به شمس مغربی. علت اشتهار و تخلص وی به مغربی را عده‌ای سفر او به مغرب و خرقه پوشیدن از دست یکی از منسوبین ابن‌عربی می‌دانند. به روایت تذکره‌ها او در قریه‌ی نایین اصفهان یا در یکی از قرای تبریز به دنیا آمد. از آنجایی که وی به گویش آذری شعر و ترانه می‌سروده، تبریزی بودنش مسلم است. وی مرید شیخ اسماعیل سیسی سمنانی، از اصحاب شیخ نورالدین عبدالرحمان اسفراینی، و با کمال خجندی معاصر و معاشر بود. میرزا میرانشاه، پسر تیمور گورکان، والی آذربایجان، مدتی مرید مغربی بود. مؤلف «روضات الجنان» او را به چندین سلسله منتسب می‌داند: از یک طریق به سعدالدین حموی و از او به شیخ نجم‌الدین کبری، از طریق دیگر به صدرالدین قونوی و از طریق او به شیخ محیی‌الدین ابن عربی، و از طریق اوحدالدین کرمانی به ابوالنجیب سهروردی، و نیز از طریق شیخ عبدالمؤمن سراوی به شیخ شهاب‌الدین سهروردی و از او به ابوالنجیب سهروردی، و از طریق شیخ اسماعیل سیسی به شیخ نجم‌الدین کبری او را از پیروان طریقه‌ی سهروردیه می‌دانند که به احتمال زیاد خرقه‌ی ارادت خود را از مشایخ این فرقه گرفته و آنچه از کبرویه و قونویه گرفته، خرقه‌ی تبرک بوده است. از شاگردان وی احمد بن موسی رشتی را می‌توان نام برد. مغربی از شعرای پیشین به دو عارف بزرگ یعنی سنایی و عطار نظر داشته و غالبا در شعرش به نام آنان اشاره کرده است. او با حافظ نیز معاصر بوده و احتمال دارد که از او تأثیر پذیرفته باشد. او همچنین از همام تبریزی نیز بی‌تأثیر نبوده است. برخی تذکره‌ها شیخ عبداللّه شطاری، موسس شطاریه، را از شاگردان و جانشینان وی می‌دانند که محمد شیرین وی را به هند فرستاد. مغربی دارای اشعار عربی و فارسی است که قسمت فارسی اشعارش چند بار به چاپ رسیده است. اشعارش در ذکر معانی عرفانی خاصه بیان وحدت وجود است. در محل دفن وی نیز اختلاف وجود دارد، بعضی مرقد او را در محله‌ی سرخاب تبریز و بعضی در اصطهبانات فارس می‌دانند. به تشخیص «ریحانهٔ الادب»، ملا محمد شریف مغربی مذکور در «سفینهٔ الشعراء» همان ملا محمد شیرین مغربی است. از آثار وی: «مرآهٔ العارفین» یا «اسرار فاتحه»، در تفسیر سوره‌ی «فاتحهٔ الکتاب»؛ «درر الفرید فی معرفهٔ التوحید»، در سه فصل توحید، افعال و صفات خدا؛ «جام جهان نما»، در علم توحید و مراتب وجود، که احمد بن موسی رشتی بر آن شرح نوشته است؛ «نزههٔ الساسانیهٔ»؛ «دیوان» شعر، شامل اشعار فارسی، عربی و ترکی، که نسخه‌های کهن آن شامل «فهلویات مغربی» نیز بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۴۳/ ۱)، از سعدی تا جامی (۴۵۷ -۴۴۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۴۲ -۱۱۳۷/ ۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۸۱، ۲۱۰ -۲۰۹)، تذکره‌ی روز روشن (۷۵۴ -۷۵۳)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۶۱۷ -۶۱۳/ ۲)، حبیب السیر (۵۴۹/ ۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۵۳ -۳۵۱)، دایرهٔالمعارف فارسی (۲۸۱۳/ ۲)، دنباله جستجو در تصوف (۱۵۲ -۱۵۱)، دیوان محمد شیرین مغربی (مقدمه/ ۲۰ -۹) الذریعه (۱۱۸/ ۲۴، ۱۰۸۱ -۱۰۷۹/ ۹)، روضات الجنان و جنات الجنان (۷۶ -۶۶/ ۱)، ریاض العارفین (۱۳۵ - ۱۳۴)، ریحانه (۳۵۵ -۳۵۳، ۳۵۳ -۳۵۲/ ۵)، طرائق الحقائق (۲۲۴ -۲۲۳/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۸۶۴)، کوی سرخاب (۴۱۳ -۴۰۱)، مبانی عرفان و احوال عارفان (۷۱۱ -۷۰۷)، مجالس العشاق (۲۱۲ -۲۱۰)، مجمع الفصحا (۵۹ -۵۸/ ۴)، مرآهٔ الخیال (۶۰ -۵۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۱ -۵۳۰/ ۵)، نتایج الافکار (۶۱۸ -۶۱۶)، نفحات الانس (۶۱۱ -۶۱۰)، یادگار (س ۲، ش ۸ ص ۳۹).

مفتاح، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۸ ش)، موسیقیدان، نقاش و شاعر. در تهران به دنیا آمد. از کودکی به موسیقی علاقه داشت و برای اغنای ذوق خود به نی‌لبک روی آورد و بعد به نواختن نی پرداخت و سپس به قره نی علاقه‌مند شد و همه‌ی اینها را بدون معلم تمرین می‌کرد. پس از آن نیز، برای فراگیری ویولن نزد استاد ابوالحسن صبا رفت. فعالیتهای او از دوران تحیل در هنرستان شروع شد. وی غیر از استفاده و کسب فیض در محضر صبا، به همراه تنی چند از هنرمندان صفحاتی پر کرد. مفتا علاوه بر موسیقی، به شعر و نقاشی نیز علاقه‌مند بود و توسط پسر عمه‌اش، نیما یوشیج، نزد رسام ارژنگی به فراگیری نقاشی پرداخت. او پس از اخذ لیسانس، وارد وزارت فرهنگ شد و از ۱۳۲۰ ش در رادیو به نوازندگی پرداخت و در سالهای بعد، رهبر و سرپرست ارکستر شماره‌ی یک رادیو ایران شد. مهم‌ترین اقدام مفتاح، تحقیق و مطالعه درباره‌ی ساز قانون بوده و از وی مقالاتی درباره‌ی قانون در مجله «موزیک ایران» به چاپ رسیده است. از آثار وی، غیر از تکنوازیها و همنوازیهای او، تصانیفی است که به وسیله‌ی ارکسترهای رادیو اجرا شده و استاد بنان آن را خوانده است. از آثار ارکستر او: «پرواز»؛ «راز دل»؛ «به امید دیدار».[۱]

از میان تمام کسانی که در دوره‌ی دوم ضبط صفحات موسیقی در ایران به پر کردن صفحه پرداخته‌اند، ۳ نفر بیشتر در حال حاضر در قید حیات نیستند (دوره دوم ضبط در ایران از سال ۱۳۰۶ آغاز شد): ملکه حکمت شعار، ملوک ضرابی کاشانی و مهدی مفتاح، اولی و دومی به سبب حرفه خاص خویش و موقعیت خود، در پنجاه سال اخیر از شهرت بسزایی برخوردار بودند و هستند لیکن مفتاح کمتر شناخته شده است و این اشکال بافت فرهنگی در جامعه ما بوده است که اهل ذوق و طرب را بیشتر از اهل علم و تتبع خوش دارند. مفتاح فرزند محمودخان مفتاح‌الملک، در تهران متولد شد. در پنج سالگی پدر را از دست داد و تحت تکفل برادران ارشد خود قرار گرفت. از کودکی به موسیقی علاقه داشت. برادر بزرگتر او، علی مفتاح به نواختن تار و ویولن آشنا بود. مهدی کوچک برای اغنای ذوق خود، نی‌لبکی تهیه کرده، نزد خود به فراگیری آن پرداخت. بعد از دو سال، به نواختن نی هفت‌بند روی آورد و بعد از آن نیز به قره‌نی علاقمند شد و همه اینها را نزد خود و بدون معلم تمرین می‌کرد. سرانجام به ویولن روی آورد و بعدها نزد بزرگترین نوازنده‌ی آن دوران، ابوالحسن صبا به شاگردی رفت. در همین بین تحصیلات خود را تا کلاس دهم در مدرسه آمریکایی سپری کرد. عشق وی تنها به موسیقی نبود، بلکه به شعر و نقاشی نیز شوق بسیار داشت. پسر عمه او، نیما یوشیج شاعر معروف بود که توسط او به «رسام ارژنگی» نقاش نامی آن دوران معرفی شد. رسام ارژنگی انگیزه‌ی تأسیس یک مدرسه رسمی نقاشی را داشت و مفتاح نیز تا یکسال در نگارستان ارژنگی مشغول هنرآموزی بود، لیکن پس از آن به مدرسه‌ی دولتی موسیقی (هنرستان عالی موسیقی سال‌های بعد) مراجعه کرد و از همان مدرسه دیپلم گرفت. فعالیتهای موسیقیایی مهدی مفتاح از دوران تحصیل او در هنرستان شروع شد. غیر از استفاده و کسب فیض در محضر صبا، از سال ۱۳۰۶ به بعد که بازار ضبط صفحات ایرانی دوباره پس از یک دوره فترت رونق یافت، وی به همراه تنی چند از هنرمندان صفحاتی پر کرد. مشهورترین آنها دو صفحه است که کمپانی انگلیسی «هیزماسترزویس» از ویولن تکنوازی وی به همراه آواز روح‌انگیز پرکرده است. اولی صفحه‌ای است در سه‌گاه که یک روی آن تصنیف «عهدشکن» (در سه‌گاه) است، اثر پرویز ایرانپور با ارکستر خود وی و با صدای روح‌انگیز و روی دوم، ویولن مفتاح است که ابتدا قطعه‌ای کوتاه را نواخته سپس روح‌انگیز با این شعر وی را همراهی می‌کند: «همه روز باز نمانم که ببینم از تو رویی»... دومی صفحه‌ای است که هر دو روی آن آواز دشتی است و در ابتدای آن، مفتاح چهار مضرابی نواخته و پس از آن روح‌انگیز با شعر: «دل خون شد از امید و نشد یار یار من» آواز می‌خواند. این دو صفحه در زمان خود مورد استقبال واقع شد و آواز روح‌انگیز در صفحه دوم در سالهای بعد مورد تقلید بسیاری از خوانندگان دیگر زن واقع شد (از جمله خانم مرضیه). مفتاح در سال ۱۲۸۸ متولد و پس از طی مراحل تحصیلات ابتدایی به سال ۱۳۱۹ تحصیلات خود را در دانشسرا به پایان رسانید و لیسانس گرفت. سپس وارد وزارت فرهنگ شد. از سال ۱۳۲۰ نیز در رادیو به نوازندگی پرداخت و در سالهای بعد، رهبر و سرپرست ارکستر شماره ۱ رادیو ایران شد. مفتاح مشاغل متعددی تا به حال داشته است که مهمترین آنها عبارتند از: تصدی مجله موسیقی اداره موسیقی کشور- دبیری دبیرستانها و دانشسرای عالی و هنرستان عالی موسیقی- ریاست دفتر اداره موسیقی کشور و هنرستان عالی موسیقی- معاون هنرستان موسیقی ملی. آثار موسیقیایی وی بر چهار دسته است: ۱- تکنوازی‌ها و همنوازی‌های او (که بیشتر در صفحه ضبط شده یا در سالیان اولیه‌ی تأسیس رادیو از آنجا پخش شده است). ۲- تصانیف او که به وسیله‌ی ارکسترهای رادیو اجرا شده و بنان آن را خوانده است (از آن جمله است: سکوت شب، بخت بازآید، نغمه‌ی سحر، شوق زندگی). ۳- آثار ارکستری (از آن جمله است: پرواز، راز دل، به امید دیدار). ۴- آثار مدرسه‌ای که شامل تمریناتی است برای ویولن که در کتابهای آموزش ویولن هنرستان موسیقی ملی به چاپ رسیده است.

از نظر موسیقیایی، مهدی مفتاح در گروه موسیقیدانانی است که پس از ایجاد موسیقی نوین توسط کلنل وزیری پا گرفتند و با تغییراتی چند در اصول کاریشان هنگام کار در رادیو، در حول و حوش همان مکتب به کار پرداختند. چنانچه آثار و تصانیف او نیز دارای خصوصیات و حالات همین شیوه است و خدمات مفتاح در هنرستانها نیز دنباله‌ی منطقی همین راه می‌باشد.

مهمترین اقدام مفتاح، تحقیق و مطالعه درباره ساز «قانون» است که هر چند در فرهنگ سازهای سنتی و موسیقی سنتی ما جدایی ندارد با توجه به این که ریشه‌ای ایرانی دارد. این ساز را در ایران رحیم قانونی و پسرش جلال قانونی می‌نواختند ولی شیوه‌ی نوازندگی آنان بر پایه‌ی موسیقی عربی بود. مفتاح از سال ۱۳۲۸ به یادگیری قانون اقدام کرد و بعد از چند سال برای تحقیقات بیشتر در زمینه‌ی تکنیک این ساز به عراق و کشورهای دیگر سفر کرد. وی درصدد نوشتن دستوری برای قانون بود که تا آنجا که بنده اطلاع دارم هنوز به چاپ نرسیده است ولی مقالاتی از او درباره‌ی قانون در موزیک ایران به چاپ رسیده است.

مفتاح مردی است مهربان، مؤدب و خوش محضر، کهنسالی و سالیان متمادی کار در موسیقی ایران، از ویژگی‌های مثبت اخلاقی وی می‌باشد. صحبتهای او می‌تواند گوشه‌هایی از تاریخ معاصر موسیقی‌مان را که تا به حال پنهان مانده است، آشکار کند.

موسیقیدان.

تولد: ۱۲۸۸.

درگذشت: ۱۳۷۵.

مهدی مفتاح نوازنده‌ی قانون و ویولن بود. نزد ابوالحسن صبا ویولن را آموخت و موسیقی را در هنرستان عالی موسیقی و مدرسه‌ی موسیقی وزیری فراگرفت.

در سال ۱۳۱۹ با افتتاح رادیو در گروه موسیقی نوین به رهبری وزیری به همکاری پرداخت. و قبل از آن نیز آثاری در صفحه‌ی گرامافون ضبط نموده بود. با دریافت لیسانس از دانشسرای عالی، به خدمت فرهنگ درآمد. وی نخستین مدرس و نویسنده‌ی روش جهت معرفی و نواختن قانون به حساب می‌آید و مدرس انجمن موسیقی ملی و سرپرست و نوازنده‌ی گروه موسیقی سازهای ملی مدرس هنرستان موسیقی بود.

در ۱۳۳۱ نظامت هنرستان موسیقی را عهده‌دار داشت. وی همچنین ناظر و سرپرست آتلیه‌ی معماری و نقاشی دانشکده‌ی هنرهای زیبا در دانشگاه تهران بود و در سال ۱۳۲۳ به اداره‌ی موسیقی کشور انتقال یافت.

از جمله آثار قلمی وی می‌توان به کتاب متد قانون و آهنگ‌هایی برای این ساز را نام برد.

مهدی مفتاح در سال ۱۳۷۵ درگذشت و پیکر وی در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ تحول ضبط موسیقی (۳۱۴، ۳۱۲)، تاریخ موسیقی (۵۲۵ -۵۲۴/ ۲)، سرگذشت موسیقی (۱۹۶ -۱۹۵/ ۱)، مردان موسیقی (۶۵ -۶۳/ ۱).

مفتح، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام و زبده الفضلاء الاعلام آقای حاج شیخ محمد مفتح همدانی از افاضل گویندگان و نویسندگان و اساتید ممتاز حوزه علمیه قم است در تهران.

وی در همدان متولد شده و پس از دوران تحصیل جدید و خواندن مقدمات و ادبیات در همدان به قم مهاجرت نموده و سطح نهائی را از مدرسین بزرگ حوزه به پایان رسانیده و چندین سال از محضر و دراسات فقه و اصول مرحوم آیت‌الله العظمی حجت کوهکمری و آیت‌الله العظمی امام خمینی و آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و تقریرات آنان را به رشته تحریر درآورده و معقول و تفسیر را هم از علامه شهیر استاد طباطبائی آموخته و ضمنا به تدریس سطوح عالی فقه و اصول اشتغال داشته و در ماه مبارک رمضان و ماه محرم و صفر به تهران و مناطق دیگر برای تبلیغ طبق دعوت قبلی مسافرت و از راه منبر و سخنرانی خدمات شایانی نموده است.

و اکنون در تهران به تدریس در دانشگاه و تبلیغ و تالیف کتب مفیده و اقامه جماعت اشتغال و آثار مطبوعی دارند که مورد استفاده فضلاء و محصلین می‌باشد.

استاد، محقق، فیلسوف، فقیه.

تولد: ۱۳۰۷، همدان.

درگذشت: ۲۷ آذر ۱۳۵۸، تهران.

آیت‌الله دکتر محمد مفتح، فرزند شیخ محمود از مدرسان فارسی و عربی در حوزه‌ی علمیه‌ی همدان، پس از آن که مقدمات علوم عربی و فقه و بخشی از منطق را نزد پدر و اساتید حوزه همدان و در محضر آخوند علی همدانی آموخت در سال ۱۳۲۲ به قم مهاجرت کرد و در حجره‌ای در مدرسه دارالشفاء اقامت گزید. در آنجا رسائل و مکاسب و کفایه را در طول سال‌های ۱۳۴۲ - ۱۳۲۲ نزد امام خمینی (ره)، آیت‌الله کوه‌کمره‌ای، آیت‌الله بروجردی، علامه طباطبائی آیت‌الله مجاهد تبریزی، آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله نجفی فراگرفت، عرفان و دروس خارج فقه و اصول را نیز در عالی‌ترین سطح نزد امام خمینی تلمذ نمود. در کنار فراگیری علوم دینی، در دانشگاه نیز به تحصیل مشغول شد و در حالی که در سطوح عالیه‌ی فقه و اصول را می گذراند موفق شد در رشته‌ی فسلفه‌ی به اخذ درجه دکتری نایل آید. پایان نامه‌ی وی در مقطع دکتری تحقیقی درباره‌ی نهج‌البلاغه بود. آنگاه شروع به تدریس کتاب منظومه حاج ملا هادی سبزواری پرداخت.

آیت‌الله محمد مفتح با همکاری آیت‌الله دکتر سید محمدحسین بهشتی و آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای اقدام به تأسیس کانون دانش‌آموزان و فرهنگیان در قم نمود که اولین مجمع اسلامی پر تحرک بود. آیت‌الله مفتح در روزهایی که امام خمینی در تبعید بود برای حفظ و اداره‌ی حوزه‌ی عملیه بنیان جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم را نهاد. دکتر مفتح هنگامی که امام خمینی در عراق به سر می‌برد و نیز وقتی که به پاریس رفت، با ایشان در ارتباط بود و مسائل و حوادث ایران را به نحوی به اطلاع ایشان می‌رسانید. یکی از مراکزی که آیت‌الله مفتح در آن فعالیت داشت حسینیه‌ی ارشاد بود. بعد از بسته شدن حسینیه‌ی ارشاد توسط ساواک، امامت مسجد قبا را پذیرفت.

ورود آیت‌الله مفتح به تهران در حقیقت ورود جدی به مبارزه بود و او در این دوره در کنار هم فکرانش از تهدیدات رژیم پهلوی در امان نماند. در سال ۱۳۵۴ دستگیر، زندانی و سپس به زاهدان تبعید شد. در بازگشت از تبعید همچنان به مبارزه ادامه داد. در سال ۱۳۵۴ وقتی شنید رژیم اسرائیل حملاتی را علیه مردم لبنان آغاز کرده، کمک‌هایی را از اهالی تهران جمع کرد و خود به لبنان

برد.

در سال ۱۳۴۹ ساواک برای مدتی وی را از رفتن به قم منع کرد و قصد داشت با دعوت ایشان به دانشگاه برای تدریس، وی را از حوزه دور کند. او نیز همکاری با استاد مطهری را که در آن موقع در دانشکده الهیات بود پذیرفت.

تأسیس مجمعی تحت عنوان «جلسات علمی اسلام‌شناسی» از جمله فعالیت‌های ایشان بود این مجمع کتاب‌هایی (تألیف و ترجمه سیزده جلد کتاب) را در زمینه‌های گوناگون اسلام‌شناسی با مقدمه‌ی دکتر مفتح به چاپ رسانید. این مجمع پس از مدتی توسط ساواک تعطیل گردید.

وی در اولین ساعات حکومت نظامی روز هفدهم شهریور ۱۳۵۷ دستگیر و زندانی شد، وی با اوج گیری انقلاب اسلامی و به هنگام گشوده شدن درهای زندان با همت مردم از زندان آزاد گردید در نماز عید فطر سال ۱۳۵۷ سخنرانی پر شوری نمود و بعد از آن مجددا دستگیر و روانه زندان شد. اما دوباره آزاد شد و شاهد پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ بود.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی عمده فعالیت آیت‌الله مفتح حول محور تدریس در حوزه و دانشگاه و ایجاد پیوند بین این دو قشر کشور متمرکز بود. از جمله مسئولیت‌های ایشان می‌توان به این موارد اشاره نمود: ریاست دانشکده الهیات و معارف اسلامی تهران؛ حضور در جامعه روحانیت تهران؛ عضو ستاد برگزاری استقبال از امام خمینی؛ سرپرست کمیته انقلاب اسلامی منطقه چهار تهران؛ عضو شورای گسترش آموزش عالی کشور؛ عهده‌دار برگزای نماز جماعت در مسجد دانشگاه تهران.

از جمله تألیفات وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود.

ترجمه بعضی از مجلدات مجمع البیان. (جلد اول و دوم به قلم آیت‌الله مفتح و آیت‌الله حسین نوری و جلد سوم با ترجمه خود وی به فارسی برگردانده شده است)؛ حاشیه بر اسفار ملا صدرا (چاپ نشده است)؛ روش اندیشه؛ شرح منظومه منطق و رساله تاریخ منطق (۱۳۳۶، جلد اول. جلد دوم در فلسفه الهی تدوین نشد)؛ حکمت الهی و نهج‌البلاغه (پایان نامه تحصیلی دوره دکترای آیت‌الله مفتح)؛ آیات اصول اعتقادی قرآن؛ نقش دانشمندان اسلام در پیشرفت علوم (۱۳۶۱)؛ ویژگی‌های زعامت و رهبری؛ مقالات (سلسله مقالات «نقش دانشمندان اسلام در پیشرفت علوم» در مجله «مکتب اسلام» سال چهارم؛ همچنین مقالاتی در «مکتب تشیع» و «معارف جعفری»)؛ مقدمه‌نویسی بر آثار دیگران (کتاب‌هایی نظیر مصاحبه‌ای درباره خرافه و نیرنگ؛ تألیف سید کاظم ارفع؛ زیارت خرافه است یا حقیقت؛ نوشته غلامحسین رحیمی؛ جهان بینی و جهان داری علی (ع)، تألیف سید ابراهیم سید علوی؛ به سوی اسلام یا آئین کلیسا؛ نوشته حجت‌الاسلام مصطفی زمانی؛ ره‌آوردهای استعمار؛ مهدی طارمی؛ اسلام پیشرو نهضت‌ها؛ نوشته محمد مصطفوی کرمانی و غلامحسین حقانی تهرانی؛ دعا عامل پیشرفت یا رکود؟؛ نوشته محمد مصطفی کرمانی؛ اسلام و حقوق کارگردان بردگان استعمار؛ ترجمه و نگارش سید جعفر شیخ الاسلام)؛ مکتب اخلاقی و تربیتی امام صادق (ع).

آیت‌الله مفتح صبح روز بیست و هفتم آذر ۱۳۵۸ توسط گروه فرقان به هنگام خروج از اتومبیل جلوی در ورودی دانشکده‌ی الهیات به همراه دو محافظش (پاسداران جواد بهمنی و اصغر نعمتی) به رگبار بسته شد و هر سه به شهادت رسیدند. پیکر ایشان به صحن حضرت معصومه (ع) در قم انتقال یافت و در حجره ۲۳ صحن به خاک سپرده شد. به حرمت تلاش‌های ایشان، روز شهادتش «روز وحدت حوزه و دانشگاه» نام نهاده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مفتح، محمدهادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدهادی مفتح

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۲۰

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۲ تحصیلات ابتدایی را در دبستان نیکان تهران آغاز نموده و تمامی تحصیلات ابتدائی و راهنمایی و دبیرستان را در مدرسه دبستان راهنمایی و دبیرستان نیکان به اتمام رساندم. در سال ۱۳۶۴ مدرک دیپلم در رشته ریاضی فیزیک با معدل ۱۹.۵ اخذ کردم.

ورود من به دانشگاه در سال ۱۳۶۴ و در رشته مهندسی برق و الکترونیک دانشگاه تهران می باشد که با توجه به حضور در جبهه های نبرد حق علیه باطل و بروز مشکلاتی همچون تعطیل ترم دانشگاه ها بر اثر موشک باران در آبان ماه سال ۱۳۷۰ مدرک مهندسی برق و الکترونیک را از دانشکده فنی دانشگاه تهران اخذ نمودم.

در کنار تحصیل در دبیرستان و دانشگاه به طی مدارج علمی حوزوی و حضور در دروس حوزه های علمی تهران پرداختم به نحوی که در سال ۱۳۷۰ همزمان با اخذ مدرک دانشگاهی لیسانس، دروس حوزوی را نیز تا مکاسب محرمه و قطع و ظن رسائل به انتها رسانده بودم.

پاره ای از اساتید دروس حوزوی اینجانب تا این مرحله عبارتند از: آیت الله سید علی هاشمی گلپایگانی اصول فقه (مظفر) ؛ پاره ای از کتب شرح لمعه

آیت الله سید حسین مصطفوی عمده کتابهای شرح لمعه

آیت الله سید حسن مصطفوی شرح تجرید

دکتر ابوالقاسم گرجی مکاسب محرمه

آیت الله سید رضی شیرازی قطع و ظن (رسائل) ؛ شرح منظومه سبزواری (حکمت)

پس از حضور در حوزه علمیه قم دروس سطح عالی را تکمیل نمودم که اساتید این دوره تخصصی عبارتند از: استاد علی محمدی: برائت (رسائل)

استاد اعتمادی: استصحاب (رسائل)

آیت الله رضا استادی: بیع (مکاسب)

آیت الله سید علی محقق داماد: خیارات (مکاسب)

آیت الله قدیری: کفایه

با اتمام دروس سطح عالی و بجهت گذراندن دوره خدمت سربازی به تهران بازگشته و با حکم مأموریّت از سپاه پاسداران به عنوان کارشناس کامپیوتر در وزارت صنایع و شرکت شیشه قزوین مشغول گشتم. و نیز مسئولیت گروه معارف صدای جمهوری اسلامی را به مدت قریب دو سال عهده دار بودم. در این دو سال از دروس خارج فقه و اصول تهران استفاده می نمودم که اساتید این دروس عبارتند از:

آیت الله خامنه ای: خارج فقه (جهاد)

آیت الله مجتبی تهرانی: خارج اصول، خارج فقه (ولایت فقیه ومکاسب محرمه)

آیت الله محمدی گیلانی: خارج فقه (صلاه مسافر)

پس از بازگشت به قم در دروس خارج فقه و اصول و فلسفه شرکت نمودم که اساتید این دوره عبارتند از:

آیت الله فاضل لنکرانی: خارج اصول

آیت الله شبیری زنجانی: خارج فقه (خمس، نکاح)

آیت الله مومن: خارج اصول

آیت الله جوادی آملی: خارج اسفار (فلسفه تخصّصی)

از سال ۱۳۷۵ و پس از شرکت در آزمون مقطع کارشناسی ارشد (فوق لیسانس) رشته علوم قرآن و حدیث به تحصیل در این رشته در دانشکده اصول الدین پرداختم که این دوره تحصیلی با ارائه پایان نامه و کسب نمره نهایی ۱۹ در سال ۱۳۷۸ پایان یافت.

سال ۱۳۸۳ پس از قبولی در کنکور سراسری مقطع دکتری در رشته علوم قرآن و حدیث در دانشکده اصول الدین به تحصیل اشتغال یافتم، که با دفاع از رسالْ دکتری در ۲۲ خردادماه ۱۳۸۷، و با کسب درجه عالی و نمره ۱۹ بابت این رساله، دوره تحصیل دکتری را به پایان رساندم.

در کنار ادامه تحصیلات حوزوی و دانشگاهی و اشتغال به مسئولیت های اجرائی و علمی مختلفی همچون تاسیس و راه اندازی شبکه سراسری رادیو معارف طراحی و ادامه تولید سیستم جامع مکانیزه مدیریت حوزه علمیه قم و ... به تدریس دروس حوزوی و دانشگاهی پرداختم، که در این زمینه تـا کنون دروس بدایه الحکمه؛ اصول فقه (مظفر) ، مکاسب (محرمه، بیع، خیارات) هرکدام یک دوره، کفایه (اوامر، نواهی، اصول عملیه) دو دوره ، و رسائل (قطع و ظن، برائت، استصحاب) سه دوره تدریس شده اند.

و نیز دروس دانشگاهی تحریف قرآن، رابطه قرآن وسنت، تفسیر موضوعی ، اعجاز قرآن ، روش شناسی استنباط از متون دینی ، تفسیر فقهی ، تفسیر عقلی ، تفسیر روائی ، قرائت و درک متون عرفانی ، منطق ، علوم قرآنی۱ ، علوم قرآنی۲ ، علوم قرآنی۳ ، و ... تدریس شده اند.

مفتون دنبلی آذربایجانی، عبدالرزاق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۴۳ -۱۱۷۶ ق)، ادیب، مورخ، عالم، مفسر، نویسنده، عارف و شاعر، متخلص به مفتون. در خوی آذربایجان به دنیا آمد. هنگامی که کریم خان زند برای اطمینان خاطر از جانب امرای آذربایجان، اولاد آنان را به گروگان گرفت، پدر مفتون، او را به جای برادرش، در ده سالگی، به شیراز فرستاد. وی چهارده سال در شیراز بود و در این مدت به تحصیل علم و معرفت و کسب فضل و دانش پرداخت. بعد از فوت کریم خان و تسخیر شیراز به دست علیمراد خان زند، گروگانها از آنجا به اصفهان برده شدند و پس از فوت علیمرادخان، در ۱۱۹۹ ق، آقا محمد خان، آنان را آزاد نمود و اجازه داد تا به آذربایجان بازگردند. وی به نظم و نثر فارسی و عربی مسلط بود و به هر دو زبان شعر می‌سرود. در انواع شعر نیز به قصیده و مثنوی بیشتر تمایل داشت. او در ۱۲۴۱ ق به زیارت عتبات عالیات و بیت‌اللّه الحرام رفت و پس از بازگشت در تبریز درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش: «مآثر خاقانی»، در تاریخ قاجاریه؛ «مآثر سلطانیه» یا «مآثر سلطانی»، مبنی بر مآثر سلطنت فتحعلی‌شاه، از زمان جلوس تا ۱۲۴۱ ق؛ «حدائق الجنان»، در سرگذشت خودش در شیراز و شرح حال شعرا و فضلای آن شهر، همراه شمه‌ای از احوالات کریم خان زند؛ «نگارستان دارا»، در شرح حال شعرای دوره‌ی فتحعلی‌شاه؛ «تجربهْ الاحرار و تسلیهْ الابرار»، در شرح حال عده‌ای از علما و معاریف و شعرای معاصر خود؛ شرح «مشاعر» ملا صدرا؛ ترجمه «عبرت نامه» (بصیرت نامه) از ترکی به فارسی؛ «حقایق الانوار»، در شرح حال شعرای عرب و عجم، به فارسی؛ «حدائق الادباء»، شامل منشآت و مطارحات شعرای عرب و عجم، به فارسی؛ «حدیقه»، در شرح حال شعرای

عرب و معانی بعضی از اشعار آنها، به فارسی؛ مثنوی «ناز و نیاز»؛ مثنوی «همایون نامه»، در احوال مختار ثقفی؛ مثنوی دیگری در بحر رمل؛ «ریاض الجنهٔ»، در تاریخ سلسله‌ی دنابله؛ «روضهٔ الآداب و جنهٔ الالباب»، در شرح حال شعرای عرب، به عربی؛ «دیوان» شعر. گویند مفتون در تألیف تاریخ «زینهٔ التواریخ» با میرزا رضی، متخلص به بنده، مشارکت داشته است.[۱]

(شاعر) عبدالرزاق بیگ دنبلی متخلص به «مفتون» (و. ۱۱۷۶ ه.ق- ف. تبریز ۱۲۴۳ ه.ق) یکی از دانشمندان و سخنوران بزرگ آذربایجان در دوره‌ی قاجاریه بود. وی در سال ۱۲۷۶ ه.ق در شهر خوی متولد شد، از سن ده سالگی تا ۲۴ سالگی (چهارده سال) به عنوان گروگان در شیراز بازداشت بود و در این مدت به تحصیل علم و ادب پرداخت، در زمان آغا محمدخان قاجار مرخص شده و به آذربایجان برگشت. در زمان عباس میرزا نایب‌السلطنه به منصب استیفا و نویسندگی ارقام دیوانی نایل گردید. وی تألیفات گرانبهائی از خود به یادگار گذاشت از جمله: حدائق‌الجنان، روضهٔ‌الاداب و جنهٔ‌الالباب. حدائق‌الادباء، ماثر سلطانی، کلیات دیوان و غزلیات، مثنوی ناز و نیاز، منظومه‌ای بنام مختارنامه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۴۷۰/ ۷)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۰۱ -۳۹۹/ ۲ ،۶۹۰ -۶۸۹/ ۱)، تجربهٔ الاحرار و تسلیهٔ الابرار (مقدمه، ۴۶۴ -۴۵۵، ۱۳۷ -۱۲۱)، حدیقهٔ الشعراء (۱۶۹۳ -۱۶۹۰/ ۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۵۷ -۳۵۳)، الذریعه (۳۴۳، ۳۱۷، ۲۸۸، ۵/ ۱۹ ،۹۲ -۹۱/ ۱۲ ،۳۲۳، ۲۸۴/ ۱۱ ،۱۰۸۳/ ۹)، ریحانه (۳۵۶ -۳۵۵/ ۵)، سبک شناسی (۳۳۱ -۳۱۹/ ۳)، سفینهٔ المحمود (۶۷۰ - ۶۶۹/ ۲)، شرح حال رجال (۲۶۴/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۸۶۶ -۸۶۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۲۸۵/ ۲)، لغت نامه (ذیل/ مفتون دنبلی)، مجمع الفصحا (۱۰۰۸ -۱۰۰۷/ ۶)، مکارم الآثار (۱۲۰۴ -۱۲۰۳/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴۷ -۸۴۶/ ۳)، نگارستان دارا (مقدمه/ و- ی، ۲۹۷ -۲۸۲).

مفتون، منوچهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: خاک‌شناسی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شیراز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مفتی، خالد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مفتی اهل سنت.

تولد: ۱۲۹۰.

درگذشت: ۱۳۵۹، کرمانشاه.

ملا خالد مفتی، فرزند ملا عبدالله دشی مفتی کردستان، دروس پایه و ابتدایی را در سنین کودکی در محضر پدر و برادران خود تمام کرد. وی همچنان به تحصیلات خود ادامه داد تا بالاخره در سلیمانیه عراق به اخذ اجازه افتاء و تدریس موفق شد. پس از فوت پدر مدتی در سنندج تحت نظر برادر ارشد خود ملا محمود مفتی و به دستیاری او به تدریس مشغول بود. اما بعدها در جوانی به منظور تکمیل معلومات خود به سلیمانیه و حلبچه‌ی عراق رفت. و چون مادرش از خانواده‌ی سراج‌الدین بود مورد توجه شیخ علی حسام‌الدین قرار گرفت و مدتی در قریه باغه‌کون مدرس بود؛ بعدها رسما از طرف دولت عراق در خانقاه و مسجد قصبه‌ی خورمال امام و مدرس شد. سپس به سنندج بازگشت و در مسجد وزیر به امامت و تدریس مشغول گردید و نیز قضاوت ارتش رابر عهده گرفت و همچنین برای سربازان و افسران وعظ می‌نمود. پس از فوت برادرش ملا محمود مفتی در ۱۳۳۸ از طرف دولت وقت تصدی افتاء کردستان به او واگذار گردید و مفتی کردستان شد. و نیز به جای برادر مدرس جامع دارالاحسان و قاضی شرع وزارت دادگستری گردید.

ملا مفتی خالد در فقه و حدیث و تفسیر مخصوصا علوم ریاضی قدیم از قبیل هیئت و اصطرلاب و علم ربع دایره و علم فرائض مهارت داشت. استاد زبان فارسی و عربی و انواع لهجه‌های کردی به ویژه اورامی بود و به زبان اورامی شعر می‌سرود، چنانکه قصیده‌ی «برده» را به شعر اورامی درآورد.

ملا مفتی خالد در سال ۱۳۵۹ در هفتاد سالگی در کرمانشاه درگذشت. پیکر وی در جوار مرقد اویس‌القرنی نزدیک ماهی دشت به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مفتی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۱۳، کرج.

درگذشت: ۱۳۶۷، کرج.

عبدالله مفتی شاعر و تخلصش «رسته» بود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مفتی‌زاده، محمد صدیق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۰۵ -۱۳۳۴ ق)، نویسنده، شاعر، متخلص به محزون. در قریه‌ی دشه، از قرای اورامان، به دنیا آمد. پس از فراگرفتن مقدمات صرف و نحو به عراق رفت و در مدارس کردستان عراق به تکمیل علوم دینی و ادبیات عرب پرداخت. سپس به سنندج بازگشت و از محضر برادر بزرگترش، ملا محمود مفتی، استفاده نمود و به دریافت اجازه نایل گشت. بعد به تهران آمد و به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و با سمت دبیری به سنندج بازگشت. وی حدود ۱۳۳۱ ش به تهران منتقل شد و در ضمن خدمت موفق به اخذ لیسانس و دکترای الهیات شد. مفتی‌زاده چند سالی از نویسندگان برنامه‌ی رادیو کردی تهران بود. وی در شاعری توانا بود و شعر را به لهجه‌ی اورامی و سورانی می‌سرود. از آثار وی: تصحیح و شرح «دیوان» ملا عبدالرحیم معدومی مولوی، شاعر معروف کرد.[۱]

استاد، محقق.

تولد: ۱۳۰۰(۱۳۳۴ ق.)، قریه دشه از توابع اورامان.

درگذشت: ۶ آذر ۱۳۶۳، تهران.

محمدصدیق مفتی‌زاده متخلص به «محزون» فرزند ملاـ عبدالله دشتی مفتی کردستان، در شش سالگی پدرش و در یازده سالگی مادرش را از دست می‌دهد. وی تحصیلاتش را در قریه‌ی دشه و خانگه و شهر سنندج شروع نمود، و در ۱۳۱۵ شروع به خواندن علوم اسلامی کرد و در محضر مدرسانی از مناطق مختلف عراق و نیز در مهاباد به درس خواندن مشغول شد. استادان وی عبارتند بودند از: برادرش حاج ملا خالد مفتی، ملا سید عارف، ملا صالح تریفه، سید بابا رسول اباعبیده (شهرزور عراق)، ملا باقر بالک، ملاـ محمود دره‌تفی، ملا علی حمامیان، ملا شیخ برهان (در مکریان)، ملا عراف بانه‌ای، ملا سید علی (در پنجوین)، ملا مصطفای حاج رسول، ملا عبدالله بیژویی (در سلیمانیه)، ملا عزیز شلی خانه‌ای در کرکوک، ملا صالح دیبه گه‌یی، ملا ابوبکر افندی هه‌ولیر، ملا عبدالکریم افندی (در رواندوز)، ملا صدیق صدیقی، ملا حسین مجدی (در مهاباد) و برادر دیگرش ملا محمود مفتی کردستان در سنندج که سرانجام اجازه‌نامه‌ی خود را نیز از دست او گرفت. چندی بعد در سلیمانیه عراق استادان هیئت علمی و دینی اوقاف پس از امتحان اجازه‌نامه‌اش را مهر تأیید زدند. در تهران نیز شورای عالی وزارت آموزش و پرورش اجازه‌ی افتاء و تدریس را به وی دادند. در سال ۱۳۲۳ در وزارت فرهنگ به عنوان معلم استخدام شد، و در دبیرستان‌های شهرهای مهاباد و سنندج و خرم‌آباد و تهران هر یک مدتی انجام وظیفه کرد. در سال ۱۳۲۷ در دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران دوره‌ی لیسانس و دکتری را به اتمام رسانید و به دریافت دانشنامه‌ی دکتری نایل شد و در دانشکده‌ی ادبیات نیز مدتی به مطالعه‌ی علوم تربیتی و زبان‌شناسی پرداخت و به موازات آن در دبیرستان های تهران، ادبیات عربی و فارسی را تدریس می‌نمود. در سال ۱۳۴۹ در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران استاد زبان کردی شد، در طی این مدت سردبیری روزنامه «کردستان» را نیز به عهده داشت. وی سال‌ها از نویسندگان برنامه رادیو کردی تهران بود. در ۱۳۵۹ که دانشگاه تهران تعطیل گردید، در منزل به تحقیق مشغول گردید و تألیفات خود را کامل نمود. فعالیت‌های او در دورانی که در مقام سردبیری روزنامه فعالیت داشته به این شرح است: استخراج و جمع آوری قریب ۲۵۰ قطعه از اشعار سید عبدالرحیم تاوگوزی (مولوی کردی) از بیاض‌های خطی و دست‌نویس قدیم و تحقیق و تعلیق مختصر در معانی آنها، جمع‌آوری و تصحیح بیشتر اشعار ولی دیوانه، مختصری تحقیق در دیوان ملا پریشان و چاپ بعضی از اشعار او، تصحیح و تحریر دیوان سید صالح کرمانشاهی، تصحیح شیرین و فریاد تألیف ملا ولدخان گوران، تصحیح بعضی از اشعار کنیزک و یازده رزم که قسمتی از شاهنامه تألیف سرهنگ الماس‌خان که نوله‌یی است، سلسله‌ی گفتاری در مورد دستور زبان کردی تحت عنوان چگونه بخوانیم و چگونه بنویسیم، چند گفتار در مورد زندگی اجتماعات مختلف کرد، و ایراد و انتقاد به بعضی از رسوم و عقاید خرافی کردی تحت عنوان: در اجتماع چگونه زندگی کنیم، تألیف و تصحیح دیوان ملا حامد آلیجانی، تصحیح منظومه‌ی جنگ سرد و جدال و مناظره‌ی بین آسمان و زمین سروده‌ی میرزا عبدالقادر پاوه‌ای، جمع‌آوری و تصحیح آثار شعری بعضی از شعرای کرد تحت عنوان از هر گلزار گلی، چند قطعه شعر ملی و وطنی و عشقی و چند حکایت کوچک و متفرق که به شیوه‌ی طنز به کردی سروده شده است، سلسله‌ی گفتاری در فلسفه‌ی آفرینش، تحت عنوان راه خداشناسی، تاریخچه‌ی حکومت‌های کرد، تصحیح و چاپ و انتشار مناجات خانای قبادی به نام هفت‌بند، تمام این آثار و مطالب و نوشته‌های زیر عنوان و امضای «م. ص. م.» که مختصر محمدصدیق مفتی‌زاده است. از کارهای دیگر او تصحیح و شرح دیوان ملا عبدالرحیم معدومی مولوی (چاپ نشده است) و دستور جامعی برای زبان کردی (چاپ نشده است) است.

محمدصدیق مفتی‌زاده به لهجه‌ی اورامی و سورانی شعر می‌گفت، اما به سرودن شهر فارسی کمتر علاقه نشان می‌داد، با این حال به فارسی نیز اشعاری سروده بود.

ایشان سرانجام در ششم آذر ۱۳۶۳ به سبب ابتلا به سرطان ریه در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ مشاهیر کرد (۴۷۸ -۴۷۵/ ۲).

مفخم‌پایان، لطف‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

موسیقیدان، مدرس.

تولد: ۱۲۹۴، تهران.

درگذشت: ۱۷ دی ۱۳۶۲.

لطف‌الله مفخم‌پایان (یزدان مهر) از همان اوان کودکی به موسیقی ایرانی علاقه‌مند شد و به فراگیری ویولن پرداخت. وی پس از پایان تحصیلات ابتدایی و دبیرستان در مدارس علمیه و دارالفنون در سال ۱۳۱۸ دوره‌ی متوسطه را به پایان رسانید. سپس وارد دانشسرای عالی شده و در سال‌های ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۱ موفق به اخذ لیسانس در رشته‌های باستان‌شناسی، تاریخ و جغرافیا می‌گردد. وی همچنین در رشته‌ی جغرافیا از دانشگاه سربن پاریس به اخذ دکتری نایل می‌گردد. از سال ۱۳۲۹ ابتدا در دانشگاه تبریز ۱۳۲۹ و سپس در دانشگاه مشهد به تدریس جغرافیای ریاضی، نقشه‌کشی و تصاویر جغرافیایی، اقلیم‌شناسی، اقیانوس‌شناسی، فیزیوگرافی، جغرافیای زیستی، کلیات جغرافیای ایران و جغرافیای ناحیه‌ای مشغول بود.

لطف‌الله مخفم‌پایان اوایل نوجوانی نزد ابوالحسن صبا به مدت چهار سال نواختن ویولن را آموخت و در این مدت ردیف‌ها و نت‌های صبا را علاوه بر فراگیری آن چاپ نمود و در همین زمان نزد همین استاد نواختن سنتور را آموخت. یکی دیگر از کارهای لطف‌الله مفخم‌پایان، تنظیم و تدوین و نوشتن سرودهای مدارس ایران بود. مفخم‌پایان سال‌ها با وزارت فرهنگ و هنر همکاری داشت و کنسرت‌هایی را در انجمن دانش‌آموزان دارالفنون و دانشسرای عالی به نفع دانش‌آموزان و دانشجویان ترتیب داد و چند برنامه سلونوازی در پاریس هنگامی که در آن دیار تحصیل می‌کرد، برای شناساندن ردیف‌ها و گوشه‌های موسیقی اصیل ایرانی اجرا نمود. وی یکی از موسیقیدانان کشورمان بود که چهل و پنج جلد تنها درباره‌ی آب و رودهای ایران نوشت و تا آخر عمر در سازمان جغرافیایی ارتش به خدمت مشغول بود.

از جمله آثار وی می‌توان به این چند عنوان کتاب اشاره نمود: دریای مازندران (متن فرانسه، ۱۳۴۷)؛ مرداب انزلی (متن فرانسه، ۱۳۴۷)؛ رودهای عمده‌ی گیلان (متن فرانسه، ۱۳۴۷)؛ فرهنگ آبادی‌های ایران (۱۳۳۹)؛ فرهنگ کوه‌های ایران (۱۳۵۲)؛ فرهنگ رودهای ایران (۱۳۵۳). مقالات ایشان در چهار شماره‌ی مجله‌ی «جهان‌شناسی» دانشگاه مشهد در سال ۱۳۴۰ چاپ شده است.

وی به سبب کسالت ناشی از سکته‌ی مغزی که هنگام مسافرت مشهد بر او عارض شد، درگذشت.

مرحوم دکتر لطف‌اللّه مفخم پایان (یزدان مهر)، به سال ۱۲۹۴ در تهران متولد شد، وی که از همان اوان کودکی به موسیقی ایرانی علاقمند ئو در هر فرصت که به دست می‌آورد به صفحات نوازندگان و خوانندگان آن زمان گوش می‌داد و ساعتها کنار گرامافون می‌نشست و چنان محو آن نغمات دلنشین می‌شد که گوئی در عالم دیگری سیر می‌کند. در همان دوران طفولیت بود که وی در خود احساس کرد که میانسازها بیشتر از همه به ویولن علاقمند است و برای همین منظور به پدرش پیشنهاد کرد تا برایش سازی خریده و وی نزد استادی برای فراگیری برود ولی پدر وی بیشتر علاقمند بود که پسرش به تحصیل بپردازد.

لطف‌اللّه مفخم‌پایان، پس از پایان تحصیلات ابتدایی و دبیرستان در مدارس علمیه و دارالفنون در سال ۱۳۱۸ دوره‌ی متوسطه را به پایان رسانید. سپس وارد دانشسرای عالی شده و در سالهای ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۱ که در آنجا به تحصیل اشتغال داشته، موفق به اخذ لیسانس در رشته‌های باستان‌شناسی، تاریخ و جغرافیا می‌گردد. شادروان دکتر لطف‌اللّه مفخم پایان اوائل نوجوانی نزد استاد ابوالحسن خان صبا به مدت چهار سال نواختن ویولن را می‌آموزد و در این مدت ردیفها و نتهای استاد صبا را علاوه بر فراگیری آن چاپ می‌نماید و در همین زمان نزد استاد نواختن سنتور را به خوبی می‌آموزد. یکی دیگر از کارهای بزرگ و برجسته‌ی زنده‌یاد دکتر لطف‌اللّه مفخم‌پایان، تنظیم و تدوین و نوشتن سرودهای مدارس ایران بود که از این راه خدمات شایان توجهی به فرهنگ و ادبیات و فرهنگ صوتی کشور نمود.

دکتر مفخم‌پایان، در کلاس خصوصی که دایر نموده بود شاگردان خوب و با ارزشی تربیت کرد که هر کدام از بزرگان هنر موسیقی کشور شدند، نظیر آقایان: حبیب‌اللّه بدیعی، محمود تاجبخش، اصغر ساسان و عده‌ای دیگر می‌باشند که این شاگردان به نوبه‌ی خود هر یک استادانی شدند که جایی والا و مرتبه‌ای بزرگ در موسیقی سنتی و اصیل ایرانی دارند. مفخم‌پایان سالها با فرهنگ و هنر همکاری داشت و کنسرتهای متعددی در انجمن دانش‌آموزان دارالفنون و دانشسرای عالی به نفع دانش‌آموزان و دانشجویان ترتیب داد و چند برنامه سلو نوازی در پاریس هنگامی که در آن دیار تحصیل می‌کرد برای شناساندن ردیفها و گوشه‌های موسیقی اصیل ایران اجرا نمود. وی یکی از موسیقیدانان بزرگ و دانشمند کشورمان بود که چهل و پنج جلد کتاب تنها درباره‌ی آب و رودهای ایران نوشت و تا آخر در سازمان جغرافیایی ارتش به خدمت مشغول بود. او در سال ۱۳۲۸ ازدواج کرد و ثمره‌ی ازدواجش پسری است به نام اردشیر مفخم‌پایان که ایشان نیز مانند پدر خود، به موسیقی سنتی ایران عشق می‌ورزد. دکتر لطف‌اللّه مفخم‌پایان متأسفانه خیلی زود بهار عمر پربار هنری و فرهنگی‌اش به پاییز گرایید و در هفدهم دی‌ماه یکهزار و سیصد و شصت و دو، جهان فانی را وداع پاییز گرایید و در هفدهم دی‌ماه یکهزار و سیصد و شصت و دو، جهانی فانی را وداع گفت و در بهشت زیرا به خاک سپرده شد. روانش شاد باد.

(۱۳۶۲ -۱۲۹۴ ش)، استاد دانشگاه و موسیقیدان. در تهران به دنیا آمد. وی از همان اوان کودکی به موسیقی علاقه‌مند بود. مفخم پس از پایان تحصیلات ابتدایی و دبیرستان در مدارس علمیه و دارالفنون، در ۱۳۱۸ ش دوره‌ی متوسطه را به پایان رسانید. سپس وارد دانشسرای عالی شد و موفق به اخذ لیسانس در رشته‌های باستان شناسی، تاریخ و جغرافیا گردید و در دانشگاه مشهد به تدریس پرداخت. او مدت چهار سال هم نزد استاد ابوالحسن صبا به فراگیری ویولون پرداخت و ردیفها و نتهای استاد را علاوه بر

فراگیری، چاپ هم کرد و نواختن سنتور را نیز آموخت. یکی دیگر از کارهای بزرگ این هنرمند تنظیم و تدوین و نوشتن سرودهای مدارس ایران بود. از جمله شاگردان وی، حبیب‌اللّه بدیعی، محمود تاجبخش و اصغر ساسان هستند. مفخم کنسرتهای متعددی در انجمن دانش‌آموزان دارالفنون و دانشسرای عالی به نفع دانشجویان و دانش آموزان ترتیب داده است. او در تهران درگذشت. از آثار وی: «فرهنگ آبادیهای ایران» و چهل و پنج جلد کتاب درباره‌ی آب و رودهای ایران.[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] تاریخی موسیقی (۶۰۴، ۵۹۶/ ۲)، مردان موسیقی (۱۰۳ -۱۰۲/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۳۸ -۱۳۷/ ۵).

مفرد تبریزی، محمدعلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به مفرد. در تبریز به دنیا آمد و ساکن عباس‌آباد اصفهان بود. در کمال درویشی و بردباری زندگی می‌کرد و به دلیل شرم و حیایی که داشت برای هیچ کس شعر نمی‌خواند و لذا کسی هم او را از شعرا نمی‌دانست. او معاصر نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) بود. وی از طریق کتابت حدیث امرار معاش می‌کرد. از آثارش: «دیوان» شعر. از اوست:

عیب از پس صد پرده کند خویش نمایی

بی پرده شو ای شیخ که رسوا نکنندت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۶۱۹ -۶۱۸/ ۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۹۰ -۳۸۹)، دانشمندان آذربایجان (۳۵۷)، الذریعه (۱۰۸۵/ ۹)، صبح گلشن (۴۳۷)، فرهنگ سخنوران (۸۶۷).

مفرد قمی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به مفرد. مردی فقیر بود و از راه خیاطی امرار معاش می‌کرد. با نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) معاصر بود. در مجموعه‌ای معروف به مجموعه‌ی برادر سراجای نقاش شعر خود را نوشته و در بالای صفحه کلمه هوالفرد را نگاشته و به تخلص خود اشاره نموده است. اشعاری از وی در تذکره‌ها ذکر شده است. از اوست:

خون بلبل را نه تنها در چمن گل می‌خورد

هر کجا خاری است آب از چشم بلبل می‌خورد

بس که کردم گریه خون دیده تا ابرو رسید

آب این سرچشمه طغیان کرده بر پل می‌خورد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۶۸ -۳۶۷)، الذریعه (۱۰۸۶/ ۹)، ریحانه (۳۵۷/ ۵)، صبح گلشن (۴۳۷)، فرهنگ سخنوران (۸۶۷).

مفرد همدانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به مفرد. اهل همدان بود و در زمان شاه سلیمان صفوی (۱۱۰۵ -۱۰۷۷ ق) می‌زیست. در ابتدا به شغل نعلبندی اشتغال داشت، بعد از مدتی توانست به یکی از رجال وقت به نام آقاخان مقدم نزدیک شود و تا آخر عمر در خدمت وی بماند. او بر اثر اختلاف و جنگی که بر سر دسته‌ی تبرایی رخ داد به اصفهان رفت و در آنجا با نصرآبادی ملاقات داشت. او شعر می‌سرود و اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۳۱۳ -۳۱۲/ ۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۲۳ -۳۲۲)، الذریعه (۱۰۸۶/ ۹)، ریحانه (۳۵۸ -۳۵۷/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۸۶۷).

مفلق تهرانی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، منشی و شاعر، متخلص به مفلق. ملقب به صدرالشعراء و فخر الادباء. اصلش از ری بود و در تهران به دنیا آمد. وی در زمان فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) از منشیان دربار بود و در همین دوره به صدرالشعراء ملقب گشت. او در زمان محمد شاه از جانب وزیر او، حاج میرزا آقاسی، لقب فخرالادبا (و به آورده‌ی «الذریعه» فخرالشعراء) گرفت. مفلق در قصیده‌سرایی مهارت داشت و علاوه بر آن به اشعار هزل نیز می‌پرداخت. صاحب «حدیقهٔ الشعراء»، به احتمالی وی را با ادیب تهرانی یکی دانسته و در جایی دیگر آورده که مفلق ظاهرا تا زمان حکومت ناصرالدین‌شاه زنده بوده است. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۷۰۱ -۱۶۹۵/ ۳)، الذریعه (۱۰۸۷/ ۹)، سفینهٔ المحمود (۳۰۰ -۲۹۹/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۸۶۸)، لغت نامه (ذیل/ مفلق)، مجمع الفصحا (۱۰۰۶ -۹۸۹/ ۶)، مصطبه‌ی خراب (۱۶۸ -۱۶۷)، نگارستان دارا (۲۵۳ -۲۵۲).

مفید بافقی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۹۱ ق)، نویسنده و شاعر. معروف به مستوفی. از مردم بافق، میان یزد و کرمان، بود. وی در عهد شاه سلیمان صفوی می‌زیست و در امور دیوانی صاحب منصب بود. در ۱۰۷۷ ق به سمت مستوفی اوقاف یزد و در ۱۰۷۹ ق به منصب نظارت اوقاف آنجا رسید. بعد از فوت پسرش دست از کارهای دیوانی کشید و در ۱۰۸۱ ق به اصفهان رفت و از طریق حویزه و اهواز و بصره به عراق سفر کرد. پس از زیارت عتبات عالیات به بصره بازگشت و در آنجا تألیف «جامع مفیدی» را در ۱۰۸۲ ق آغاز نمود و سپس از طریق دریا به هند مسافرت کرد. او نخست به بندر سورت رسید و از آنجا به دهلی و سپس به حیدرآباد و برهانپور رفت. در ۱۰۸۶ ق به دهلی بازگشت و در ۱۰۸۸ ق در اوجین (اوجان) به خدمت شاهزاده محمداکبر بن عالمگیر رسید و منصب دو صدی یافت و به همراه او به مولتان رفت و در ۱۰۸۹ ق منصب وزارت و میر سامانی شاهزاده را عهده‌دار شد و در این شهر پس از هشت سال در ۱۰۹۰ ق توانست کتاب «جامع مفیدی» را به پایان برساند. او همچنین کتاب «مختصر مفید»، را در احوال بلاد ولایت ایران، در ۱۰۸۷ ق در دکن، آغاز کرد و در ۱۰۹۱ ق در لاهور به اتمام رساند. از دیگر آثارش: «مجالس الملوک»، مشتمل بر جداول سلاطین ایران، از آغاز تا ۱۰۴۹ ق؛ «شرح احوال»، که همان مقاله پنجم «جامع مفیدی» است؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۸۴ -۱۷۷۹/ ۵)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۳۰۷ -۳۰۳)، جامع مفیدی (۳/ مقدمه، ۸۱۶ - ۷۴۳)، کاروان هند (۱۳۳۲/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۶۹/ ۶).

مفید رازی، ابوالوفاء عبدالجبار

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم و ششم ق)، عالم امامی، فقیه و قاری. اصل وی از نیشابور بود. سپس ساکن ری گردید. او از بزرگان علمای شیعه و فقیه ری و به قاری رازی یا مقری رازی مشهور بود. از شاگردان قاضی ابن البراج (م ۴۸۱ ق) و شیخ سلار بن عبدالعزیز دیلمی (م ۴۴۸ ق) و شیخ جعفر بن محمد دوریستی و ابوالجوائز حسن باری کاتب و شیخ نجاشی، صاحب «رجال»، و شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) بود و تمامی تصنیفات و تألیفات شیخ طوسی را از خود شیخ روایت نموده است. علما و بزرگان در حوزه‌ی درسش حاضر می‌شدند. سید فضل‌اللَّه راوندی و رشیدالدین علی بن زیرک قمی و ابوهاشم مجتبی بن حمزه از وی روایت کرده‌اند. صاحب تصنیفات و تألیفات بسیاری در فقه، به عربی و فارسی است که شیخ ابوالفتوح رازی تمامی آنها را از وی روایت کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۳۴ -۴۳۳/ ۷)، ریاض العلماء (۷۱/ ۳)، ریحانه (۳۶۰/ ۵ ،۲۸۵/ ۲)، طبقات اعلام الشیعه (۱۵۳ -۱۵۲/ ۶)، فهرست منتجب‌الدین (۱۰۹ -۱۰۸)، الکنی و الالقاب (۱۹۹/ ۳)، لغت نامه (ذیل/ رازی)، هدیهٔ الاحباب (۲۴۴).

مفید، محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوعبداللَّه محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی معروف به شیخ مفید است در جلالت و کرامتش کافی است توقیع شریف از ناحیه مقدسه حضرت ولی عصر عجل اللَّه فرجه الشریف برای او ورثائی که در مرگش فرمودند.

لاصوت الناعی لفقدک انه

یوم علی آل الرسول عظیم

ولادتش در سال ۳۳۶ قمری و وفاتش در ماه رمضان سال ۴۱۳ در سن ۷۶ سالگی در بغداد واقع شد و هشتاد نفر از شیعیان در تشیع او شرکت نموده و او را در کاظمین در پائین پای قبر حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام دفن نمودند و بیش از دویست تصنیف و

تألیف برای او نوشته‌اند که از آنهاست ارشاد و اختصاص والمقنعه در فقه و مسار الشیعه والمجالس والعیون والمحاسن و...

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مفید، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند شیخ مفید، از سلسله‌ی مشایخ بیدآباد.

عالم فاضل فقیه زاهد حکیم فیلسوف ادیب.

از شاگردان: آخوند کاشی، و جهانگیرخان قشقائی، و آقا ضیاءالدین دری، و حاج ملا جواد آدینه‌ای، و سید حسن مشکان طبسی، و میرزا سید محمد حکیم باشی، و آخوند ملا حسین فشارکی، و حاج میر محمد صادق مدرس خاتون آبادی، و آقا میر محمد تقی مدرس، و آقا سید محمد باقر درچه‌ای.

و در طهران مدتی به درس حاج شیخ فضل‌الله مجتهد نوری شهید، و میرزا حسن حکیم کرمانشاهی؛ و در مشهد به درس حاج آقا بزرگ حکیم حاضر شده، و پس از آن که در کلیه‌ی فنون از طب و ریاضی و فقه و اصول و بالاخص حکمت به مقام عالی رسید.

در اصفهان ساکن، و حدود مدت چهل سال در مدرسه‌ی صدر به تدریس حکمت و فقه و اصول پرداخت، و جمعی کثیر از افاضل طلاب به درس او حاضر شده، مستفیض می‌شدند؛ و در این اواخر تدریس حکمت در اصفهان بلکه ایران به ایشان منحصر بود.

مرحوم حاج شیخ محمود مفید بر عموم حکما از لحاظ فقاهت مقدم بود، یعنی حکیم و فقیه، و از مدرسین حکمت و فقه به شمار می‌رفت.

کتب ریاضی قدیم از خلاصهٔ الحساب و تشریح الافلاک و شرح هندسه‌ی اقلیدس و چغمینی و دیگر کتب را به خوبی تدریس می‌نمود، و از لحاظ فضایل اخلاقی و زهد و قناعت و اعراض از مردم و عدم توجه به اغنیا بی‌نظیر بود.

در حدود سال ۱۲۹۷ متولد، و در بعد از ظهر جمعه ۱۱ شوال سال ۱۳۸۲ وفات یافته، جنازه روز شنبه با تجلیلات و تشییع عظیم به تخت فولاد منتقل گردید، در بقعه‌ی آقا محمد بیدآبادی مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش را ادیب فرزانه آقای برنا گوید:

برنا پی رحلتش به شمسی گفتا

لقمان زمان و عهد خود بود مفید

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مفیدی فر، محمدصادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صادق مفیدی فر

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه یزد شدم و تا سال ۱۳۵۸ مشغول تحصیل بودم که شامل مقدمات و ادبیات و فقه و اصول در مقطع سطح بود.مشوق اصلی من مرحوم والد بود که هم روحانی و هم معلوم دلسوز بود. ایشان با همت والا وقت جهت تدریس به طلاب می‌گذاشت و در فصل تابستان که حوزه تعطیل بود در شدت گرما به برخی از طلاب درس خصوصی می‌داد که من هم یکی از آنان بودم و امر تحصیل شتاب بیشتری می‌گرفت.مهر ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و فضای بیشتری از علم و معرفت گشوده شد و ادامه دروس رسائل و شروع مکاسب و کفایه بود و تا سال ۱۳۵۹ سطح تمام شد. از سال ۱۳۶۰ وارد دروس خارج شدم و یک سال اول نزد استاد آیت الله حاج شیخ جعفر سبحانی تلمذ کردم.

از سال ۱۳۶۲ تا پایان نزد دو استاد فقه و اصول آیات عظام وحید خراسانی و مرحوم تبریزی(ره) فقها و اصول حاضر می‌شدم که در مقاطع مختلف اتفاق می‌افتاد.فلسفه را ابتدا از شرح تجرید و منظومه شروع کردم که شرح تجرید را در یزد خواندم و منظومه را نزد استاد انصاری شیرازی، اسفار نزد علمین آیات حسن‌زاده آملی و جوادی آملی فراگرفتم. دروس شیعه‌شناسی را روزهای پنج‌شنبه حاضر می‌شدم.از سال ۱۳۶۹ تا سال ۱۳۸۰ به یک مرکز تحقیقاتی به نام واحد تاریخ و سیره اهل بیت وابسته به مرکز تحقیقات دفتر راهنمایی شدم، این کار ادامه فیش‌برداری‌های جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای هاشمی‌رفسنجانی بود که کار قرآنی آن را گروه دیگری عهده‌دار شدند و به ثمر رسید. و حاصل این کار که هم‌چنان ادامه دارد در زمان حضور بنده یک نرم‌افزار نیمه‌کاره بوده که مسئولین وقت چندان دل نسوزاندند.در طول تحقیق در کسوت معاونت هم انجام وظیفه می‌کردم و حدود ده ماه هم سرپرست آن مجموعه شدم و در نهایت سال‌های ۸۱ و ۸۰ تصمیم به بیرون آمدن گرفتم که همزمان به دفتر آیت الله العظمی مکارم

شیرازی دعوت شدم و تاکنون مشغول به خدمت‌گزاری هستم.

در کنار درس خواندن تدریس هم داشتم و دارم و بسیاری از کتاب‌های ادبیات و سطح را تدریس کرده‌ام.در حوزه یزد و بعد از آن در قم مقدسه این روند ادامه داشت و حتی در ماه‌های مبارک رمضان که به انار کرمان که به انار کرمان می‌رفتم در حوزه آنجا برای طلاب تدریس داشتم.فصل تابستان در منطقه ییلاقی طرزجان یزد که حوزه علمیه خوبی دارد و سابقه هفتاد ساله دارد. از سال ۱۳۶۶ تابستانها به آن دیار می‌رفتم و در حد توان به طلاب از جهت درس و تدریس خدمتگذاری می‌کردم. کتاب‌های مختصر و معالم و لمعه و رسائل و مکاسب دروس سیدصدر و اصول فقه و رجال از جمله کتبی است که در مقاطع مختلف برای طلاب خوانده‌ام.در حوزه علمیه خواهران دفتر تبلیغات به دلیل آشنایی با تاریخ ارشاد شیخ مفید را گفتم و در همین راستا جذب دانشگاه شدم و یک ترم در دانشگاه کرج تاریخ گفتم اما به دلیل نامساعد بودن فضای دانشگاه انصراف دادم و به عنوان تدریس نرفتم.مدرسه امام خمینی(ره) و دانشگاه باقرالعلوم(ع) دو فضای آموزشی است که برای دانشجویان آن تاریخ در عناوین مختلف گفته‌ام.

۱. یک مقاله مطبوع دارم که در کنفرانس وحدت به چاپ رسید.

۲. طلوع و غروب نور کار گروهی غیرمطبوع.

۳. راویان مشرک که همان مقاله اول است و به صورت کتاب توسط گروه درآمد.

۴. مقالات متفرقه که مثل جایگاه نور در روزنامه پرتو به چاپ رسید.

مفیدی، جمشید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: استاد، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشکده علوم دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۷، دکترای شیمی از دانشگاه سوربن پاریس در سال ۱۳۴۳.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده علوم دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

الکتروشیمی (شیمی فیزیک، شیمی تجزیه)، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱ پایان‌نامه دکترا و ۱۱ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تمرینات فیزیک، الکتروشیمی و مبانی شیمی فیزیک.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۹

زمینه علمی مقالات:

الکتروشیمی، شیمی فیزیک و شیمی تجزیه.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مفیدی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۲۹۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: باغبانی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی و دکترای باغبانی.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری و دانشیاری در سال ۱۳۲۴، ارتقاء به درجه استادی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

درختکاری، باغداری، خزانه‌کاری، سبزی‌کاری، گلکاری، چمن‌کاری، بررسی انواع پیاز، اصلاح نژاد طالبی و خربزه در ایران، انواع نخود فرنگی در ایران، اصلاح خیار از نظر مقاومت در برابر بیماری، سابقه تدریس ۱۴ سال در شهرستان‌های مختلف.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

گیاهان خارجی، گلکاری عمومی، باغبانی عمومی، آبپاشی در نباتات زینتی، پیازهای گلدار، گل سرخ.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

علل کم عمری درختان میوه سردسیری در کرج، کشت گیاهان زینتی و روش پرورش آنها، نرم شدن گوجه فرنگی، اثر آسپرین در گیاهان.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مفیدی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ یحیی مفیدی قزوینی از اکابر دانشمندان و افاضل علماء طراز اول قزوین می‌باشد وی در قزوین متولد شده و مقدمات و سطوح فقه و اصول را از علماء بزرگ آنجا فراگرفته و بعد به قم عزیمت و چند سالی از مرحوم آیت‌اللَّه حایری استفاده سپس به نجف اشرف مهاجرت و از محضر مرحومین علمین نائینی و عراقی و آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی بهره‌مند گردیده و پس از آن مراجعت به قزوین و به خدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تدریس و سایر وظائف دینی و روحی پرداخته تا در حدود سال ۱۳۸۴ ق وفات نموده است

نگارنده گوید: غیر از مذکورین عده دیگری از دانشمندان و فضلاء حوزه علمیه قم و نجف مانند حجهٔالاسلام حاج سید مهدی علوی و حجهٔالاسلام حاج سید محمدمهدی تقوی و حجهٔالاسلام حاج سد علی‌اصغر علوی و امثالهم در قزوین و حومه آن به خدمات دینی اشتغال دارند ادام اللَّه توفیقاتهم و زاد اللَّه فی برکات وجوههم و آثارهم

و در حال حاضر از قزوین و حومه آن بیش از دویست نفر در حوزه علمیه قم به تحصیل و بعضی هم به تدریس سطوح و متون فقه و اصول و غیره اشتغال دارند که عده‌ای از آنان مانند آقای اویسی و آقای موسوی و آقای شهیدی و... مشار بالبنان و معروف همگان می‌باشند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مقبل کرمانی، شرف‌الدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۶۵۰ ق)، عالم و شاعر. وی در زمان سلطان قطب‌الدین محمد، حاکم کرمان، می‌زیست و در ۶۵۰ ق، از طرف سلطان، ریاست دیوان انشاء به او تفویض شد. او در شعر مدیحه‌سرای ائمه اطهار (ع) بوده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۴۹)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۴۷۹)، الذریعه (۱۰۸۸/ ۹)، ستارگان کرمان (۳۶۲)، صبح گلشن (۴۳۸)، فرهنگ سخنوران (۸۶۸).

مقبل، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۰ ش)، خطاط. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی، به مدرسه‌ی آلیانس رفت و در ۱۳۰۲ ش با اخذ لیسانس علوم سیاسی وارد خدمت شد. وی در تمام دوران اشتغال به امور دولتی، به تحصیل علم و کمال نیز می‌پرداخت و یکی از استادانش آقا محمدتقی کمال بود که نزد وی هم خوشنویسی را فراگرفت و هم علوم عربی و ادبی را آموخت. از دیگر استادان وی در خط، میرزا حسین خوشنویسان تبریزی و علی مخصوص کاتب الخاقان بود و گاهی نیز از خطوط امیر نظام مشق می‌کرد. او را در ردیف استادان شکسته‌نویس می‌دانند. از آثار وی تحریر کتاب «پطرزبورغ تا قسطنطنیه» تألیف عبدالحسین هژیر است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (۱۳۹ -۱۳۷).

مقبول قمی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۳۴/ ۹۳۳/ ۹۳۲/ ۹۲۴ ق)، شاعر. به آورده‌ی «تحفه سامی» اصلا ترک است، اما به دلیل اقامت طولانی در قم به قمی مشهور شده است. در «آتشکده‌ی آذر» آمده که از سادات قم بود و در حاشیه‌ی آن از «ریاض الشعرا» نقل شده که در قم به دنیا آمد. در جوانی در خدمت سلطان یعقوب آق قوینلو ترکمان که در تبریز امارت داشت، درآمد و شغل سپاهیگری اختیار کرد. بعد از مرگ سلطان یعقوب (م ۸۹۶ ق) در عهد سلطان حسین بایقرا (۹۱۱ -۸۷۳ ق) به هرات رفت. بعد از مدتی از آنجا رهسپار کاشان گشت و در آنجا منزوی شد و سرانجام در کاشان درگذشت. از وی اشعاری در تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۳۰۰ -۱۲۹۸/ ۳)، تاریخ نظم و نثر (۴۷۰)، تحفه سامی (۳۵۰ -۳۴۹)، تذکره‌ی روز روشن (۷۵۸ - ۷۵۷)، الذریعه (۱۰۸۸/ ۹)، ریحانه (۳۶۶/ ۵)، صبح گلشن (۴۳۸)، فرهنگ سخنوران (۸۶۸)، لغت نامه (ذیل/ مقبول قمی)، نتایج الافکار (۶۷۰).

مقبولی اصفهانی، عبدالباقی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از سادات اصفهان و از شاعران عهد شاه اسماعیل اول (۹۳۰ -۹۰۵ ق) بود. وی برادر میر عبدالکریم جعفری بود و تولیت امامزاده زین‌العابدین را در اصفهان داشت. قواعد شعری را خوب می‌دانست و اشعار بسیار از او به جای مانده است. از آثار وی: منظومه‌ای در جواب «سبحهٔ الابرار» جامی؛ «مثنوی»، در تصوف.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۵۵ -۵۴)، الذریعه (۱۰۸۸/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۶۹).

مقتدایی، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی مقتدایی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۴/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔالله مرتضی مقتدایی در سیزدهم رجب ـ روز ولادیت امام علی(ع) ـ سال ۱۳۱۴ هجری شمسی در محله مسجدحکیم اصفهان چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم آیهٔالله حاج میرزا محمود مقتدایی از بزرگان و دانشمندان مشهور اصفهان بود که از مرحوم آقاسید محمد نجف آبادی اجازه اجتهاد داشت و مدت کوتاهی از محضر مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری ـ مؤسس حوزه علمیه قم ـ بهره برده بود و با امام(ره) و مرحوم آیهٔالله محقق داماد و مرحوم آیهٔالله سید احمد زنجانی جلسات مشترکی برپا نموده بود. جدش مرحوم ملامحمد باقر از زاهدان و عالمان عصر خود بود که در امامزاده اسحاق ـ برادر امام رضا(ع) ـ در پنج کیلومتری اصفهان مدفون است. هنگامی که برای تعمیر حرم امامزاده، قبر او خراب شد، جنازهٔ او در حالی که کاملاً سالم و تازه بود، نمایان شد! مادر آیهٔالله مقتدایی نیز زنی پاکدامن و مؤمن و صبیّه مرحوم آیهٔالله العظمی حاج میرزا جمال الدین کلباسی بود. خانوادهٔ آیهٔالله مقتدایی، زندگی ساده و بی آلایشی داشتند و از ویژگیهای پدرش این بود که هیچ گاه از وجوهات شرعی برای امرار معاش استفاده نمی‌کرد، با اینکه هر ماه مبالغ بسیاری از وجوهات را از مردم دریافت می‌کرد. کودکی آیهٔالله مقتدایی، با استبداد رضاخان و مسأله کشف حجاب و ممنوعیت پوشیدن لباس روحانی، همزمان بود. البته پدر او جزو کسانی بود که در امتحانات رسمی آن دوره، شرکت کرده بود و اجازه تدریس و بر سر نهادن عمامه داشت؛ اما به دلیل ممنوع بودن حجاب برای زنان، با خانوادهٔ خود به روستای «خوراسگان محله پزوه» رفت تا ضمن آزادی بیشتر، به رتق و فتق امور مردم نیز بپردازد. آیهٔالله مقتدایی در همان جا تحصیلات ابتدایی را آغاز کرد و پس از به پایان رساندن دوره ابتدایی، نزد پدر، شرح نصاب، جامع المقدمات، سیوطی، منطق کبری و بخشی از شرح نظام را خواند. در سال ۱۳۳۱ وارد حوزه علمیه اصفهان شد و ادامهٔ دروس مقدمات و دوره سطح را نزد بزرگان آن دیار فرا گرفت. دو سال هم در درس خارج شرکت کرد و در سال ۱۳۳۸ به حوزه علمیه قم عزیمت کرد. سبب عزیمت او به قم این بود که در تابستان، چند تن از طلاب فاضل حوزه علمیه قم به اصفهان آمده بودند و در حجرهٔ آیهٔالله مقتدایی در مدرسه صدر سکونت داشتند. آنها پس از آگاهی از وضعیت درس و بحث طلبه جوان، او را به حضور در قم تشویق کردند و ویژگیهای درس امام(ره) را برای او برشمردند و بیان داشتند که دوره دوم خارج اصول و خارج مکاسب امام(ره) به تازگی آغاز

شده است. این مژده، شور و شوق او را برای حضور در قم دو چندان ساخت. در قم نیز در درس خارج امام(ره) و دیگر بزرگان شرکت نمود و در این میان، از تحصیل علوم عقلی نیز باز نماند. در سال ۱۳۴۰ نیز به کلاسهایی که شهید دکتر بهشتی برای آشنایی فضلای قم با علوم جدید، ازجمله فیزیک، شیمی، زبان انگلیسی بود، راه یافت. این کلاسها در شبهای پنج شنبه و جمعه و عصرهای جمعه برگزار می‌شد. آیهٔالله مقتدایی در طی این سالها از شرکت در دروس اخلاق و تهذیب نفس غافل نمی‌ماند و همواره پندهای عالمان و استادان خود را به گوش جان می‌سپرد. آیهٔالله مرتضی مقتدایی در سالیان علم آموزی، با استادان بسیاری انس داشت. او که بخشی از مقدمات را نزد پدر خود آموخته بود، باقیماندهٔ آن و بخشی از دروس سطح را نزد مرحوم حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی، از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی و نیز مرحوم آقای فیاض و شهید شمس آبادی فرا گرفت. او منظومه را نزد مرحوم حاج میرزا رضا کلباسی و تفسیر، نهج البلاغه و اخلاق را نزد مرحوم حاج میرزا علی آقای شیرازی و خلاصهٔ الحساب و تشریح الافلاک را نزد مجدالعلما فرزند مرحوم حاج شیخ محمدرضا نجفی مسجد شاهی فرا گرفت. همچنین مکاسب را نزد مرحوم آیهٔالله خادمی آموخت و دو سال نیز در درس خارج آن مرحوم شرکت نمود. با ورود به حوزه علمیه قم، به درس خارج امام خمینی(ره) شرفیاب شد و همزمان در درس آیهٔاللهالعظمی بروجردی نیز شرکت می‌کرد. همچنین از درسهای خارج مرحوم محقق داماد و مرحوم گلپایگانی و مرحوم اراکی نیز بهره می‌برد. در بخش فلسفه نیز به درس اسفار مرحوم علامه طباطبایی می‌رفت. آیهٔالله مقتدایی در سالهای تحصیل خود با بسیاری از فضلا دوست بود و به مباحثه علمی در زمینه‌های گوناگون می‌پرداخت که از جمله آن در اصفهان می‌توان آقایان حسن امامی، شیخ صفرعلی شریعت فلاورجانی، عبودیت، کمال فقیه ایمانی و در قم آقایان فاضل هرندی، مؤمن، طاهری خرم‌آبادی، مصلحی و الهی قمی را نام برد. آیهٔالله مرتضی مقتدایی، تاکنون فعالیتهای علمی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است. او از سالهای آغازین اشتغال به تحصیل در حوزه علمیه اصفهان، به تدریس دروس آموخته، می‌پرداخت و کتب دورهٔ سطح و نیز سطوح عالی را بارها تدریس نموده است وی چند سال به تدریس خارج فقه در مدرسه مروی تهران و پس از آن در حوزه علمیه قم اشتغال داشته که این تدریس تاکنون ادامه دارد و از این رهگذر، طلاب و فضلای بسیاری تربیت شده‌اند که وجودشان، تداوم بخش راه اجتهاد در حوزه‌های علمی و عملی خواهد بود. همچنین وی تقریرات درسهای آیات عظام بروجردی، امام خمینی، محقق داماد و گلپایگانی را نگاشته است که تاکنون به چاپ نرسیده است. آیهٔالله مقتدایی، پس از فوت پدر، هنگامی که با اصرار و استقبال اهالی «خوراسگان» مبنی بر حضور دائم در آن مکان مواجه شد، با صلاحدید امام(ره) در ایام تعطیلی به آنجا می‌رفت و به حل مشکلات دینی و دنیوی مردم می‌پرداخت. تأسیس صندوق قرض‌الحسنه حجهٔابن الحسن العسکری(عج) با همت برخی دیگر، تأسیس مدرسه علمیه امام صادق(ع) و حوزه علمیه خواهران و ایجاد انجمن حمایت از ایتام از جمله خدمات وی در آنجا بود. آیهٔالله مقتدایی در سنگرهای سیاسی گوناگونی در سالهای پیش از انقلاب و نیز پس از آن شرکت فعال داشته است. او آشنایی و انسش با امام در زمان تحصیل آغاز شد، هر صبح و عصر در درس آن مرد بزرگ حاضر می‌شد و نماز مغرب و عشاء را به امامت او می‌خواند. عشق و علاقهٔ زائدالوصف او به امام(ره) و راه او باعث شد همواره اطاعت از او را بر خود واجب بشمارد و هیچ گاه از مسیر او که همانا مسیر واقعی اسلام است منحرف نشود. آیهٔالله مقتدایی در موقعیتهای گوناگون به نشر اعلامیه‌ها و رسالهٔ عملیه امام(ره) و قدردانی و تجلیل از او در سخنرانیها می‌پرداخت و در داستان رفراندوم شاه که علما، از جمله امام(ره) آن را تحریم نمودند، پیام امام(ره) را به علمای اصفهان، از جمله آیهٔالله خادمی اصفهانی و آقای ارباب رسانید که در پی آن، بازار اصفهان تعطیل شد. از دیگر فعالیتهای مهم وی در پیش از انقلاب اسلامی، عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و شرکت در جلسات آن بود که حضور وی در آن زمان در این عرصه، شجاعت و اعتقاد راستینی را گواه است. امضای وی در زیر بسیاری از اعلامیه‌ها و بیانیه‌های مهم آن مرکز، به چشم می‌خورد. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در بهمن ماه ۱۳۵۷، حضور آیهٔالله مقتدایی در صحنه‌های سیاسی، کم رنگ نشد و وی با صلابت و شجاعت در عرصه‌های گوناگون، بویژه در قوه محترم قضائیه، به فعالیت پرداخت. در اسفند همان سال، یعنی کمتر از یک ماه پس از پیروزی انقلاب، با ابلاغ قضایی که برخی از اعضای جامعه مدرسین آن را صادر کرده بودند، معظم له بر قضاوت در دادگاههای انقلاب منصوب شد. در فروردین ۱۳۵۸ امام(ره) او را برای امر قضا به خرمشهر، آبادان و نیز ملایر و زنجان اعزام کرد. او همچنین در دادگاههای تهران و قم، به طور موقت، مشغول به کار شد. در کنار تمام این مسئولیتها، ایشان به تدریس دروس سطح و خارج نیز می‌پرداختند بگونه‌ای که اشتغال در مسئولیتهای اجرائی هیچگاه وی را از تدریس باز نداشته است.

مقتدر، هوشنگ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: حقوق بین‌الملل، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی حقوق از دانشکده حقوق دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۹، کارشناسی ارشد حقوق از کالج سلطنتی لندن در سال ۱۳۴۲ و دکترای علوم سیاسی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۸.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۴۶ تا سال ۱۳۴۸، استادیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۵۲، دانشیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۲ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق و بررسی در زمینه نیروهای ناظر و پاسدار صلح، تدریس دروس روابط بین‌الملل، حقوق بین‌الملل، سازمانهای بین‌المللی، حقوق اساسی تطبیقی و تدریس متون حقوق در دانشگاههای شیراز، تهران و شهید بهشتی، راهنمائی و مشاوره و نظارت بر ۳۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و چندین پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فاری: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

تحولات سازمان ملل متحد، سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی، امپریالیسم و بسوی ایران پیشرفته: مطالعه درباره علوم سیاسی و جامعه‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: متعدد، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

روابط بین‌الملل.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مقداری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: مهندسی مکانیک، دانشگاه: صنعتی شریف

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی مکانیک از دانشگاه میسوری کلمبیا آمریکا در سال ۱۳۶۱، کارشناسی ارشد مهندسی مکانیک از دانشگاه ایلینویز آمریکا در سال ۱۳۶۲، دکترای مهندسی مکانیک از دانشگاه نیومکزیکو آمریکا در سال ۱۳۶۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۶۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

روباتیک، اتوماسیون، طراحی و ساخت دست مصنوعی، شریف، بررسی‌های دینامیکی و کنترلی روباتهای الاستیک، طراحی و ساخت ماهیچه‌های مصنوعی، مطالعه مهندسی فرآیند تولد انسان، نقش روباتیک و اتوماسیون در نگهداری و ساخت اتوبانها، قالیبافی سنتی ایران توسط روباتها، استاد راهنمای ۱۱ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

روباتیک، سینماتیک، دینامیک و کنترل، دینامیک پیشرفته.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۴

زمینه علمی مقالات:

روباتیک، دینامیک، ماهیچه‌های مصنوعی، مهندسی پزشکی بیومکانیک، دست مصنوعی، روباتهای الاستیک و کنترل.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مقدس اردبیلی، احمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۳ ق)، عالم امامی، فقیه، متکلم، محقق، عابد و زاهد. موصوف به عالم ربانی و معروف به مقدس، مقدس اردبیلی و محقق اردبیلی. در عصر صفویه در اردبیل به دنیا آمد. پس از تحصیلات ابتدایی برای تکمیل معلومات خود به نجف رفت. در معقول و منقول از محضر شاگردان شهید ثانی استفاده نمود. ملا جمال‌الدین محمود، شاگرد جلال‌الدین دوانی، نیز از مشایخ اوست. او از سید علی صائغ، شاگرد برجسته‌ی شهید ثانی، روایت کرده و پس از شهید ثانی مرجعیت شیعه را عهده‌دار بوده است. در ورع و تقوا و زهد به مرتبه‌ای رسید که ضرب‌المثل شد. وی با شیخ بهائی و میرزا محمد استرآبادی صاحب «رجال» معاصر بود. ملا عبداللّٰه

شوشتری و سید محمد صاحب «مدارک» و شیخ حسن صاحب «معالم» و امیر فیض‌اللّه تفرشی و امیر علام از شاگردان وی بودند. در نجف درگذشت و در ایوان طلای حضرت امیرالمؤمنین (ع) دفن شد. از آثارش: «زبدهٔ البیان فی براهین آیات احکام القرآن» که به «آیات الاحکام» اردبیلی معروف است؛ «مجمع الفائدهٔ و البرهان»، در شرح «ارشاد الاذهان» علامه حلی؛ «اثبات الواجب» یا «اصول الدین»؛ «استیناس المعنویهٔ»، در علم کلام؛ حاشیه بر « شرح تجرید قوشچی»؛ حاشیه بر «شرح مختصر الاصول» عضدی؛ «حدیقهٔ الشیعهٔ»؛ «الخراجیهٔ»؛ «اثبات الامامهٔ»؛ «النص الجلی فی امامهٔ مولانا علی (ع)».[۱]

احمد بن محمد (ف. نجف. ۹۹۳ ه.ق) در اردبیل تولد یافت. وی از علماء و متکلمین بزرگ شیعه و معروف به مقدس یا مقدس اردبیلی و محقق اردبیلی است. وی صاحب تألیفات بسیاری است از جمله: آیات‌الاحکام یا زبدهٔ‌البیان، اثبات‌الواجب (به فارسی)، استیناس المعنویه (به عربی) در کلام، الخراجیه در خراج و مالیات که در سال ۱۳۱۸ ه.ق چاپ شده است و حدیقهٔ‌الشیعه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۲۴ –۲۲۳/ ۱)، اعیان الشیعه (۸۳ –۸۰/ ۳)، ایضاح المکنون (۶۰۹، ۳۹۸/ ۱)، بحارالانوار (۴۲/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۴۹، ۲۱۹ –۲۱۸/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۹۶)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (۱۰۴ –۸۷/ ۲)، الذریعه (۳۶ –۳۵/ ۲۰، ۲۱/ ۱۲، ۱۴۴/ ۷، ۳۸۶، ۳۸۵– ۱۲۹، ۱۱۴، ۱۱۳– /۶ ۱۸۳، ۳۷/ ۲، ۵۱۱، ۱۰۳، ۴۱/ ۱)، روضات الجنات (۹۴ –۸۸/ ۱)، ریاض العلماء (۵۷ –۵۶/ ۱)، ریحانه (۳۷۰ –۳۶۶، ۲۳۶/ ۵)، سفینهٔ البحار (۳۰۵ –۳۰۴/ ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹ –۸ / ۱۰)، فقهای نامدار شیعه (۲۰۶ –۲۰۳)، فوائد الرضویه (۲۸ –۲۳)، قصص العلماء (۳۴۶ –۳۴۲)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۶۲ –۲۶۱)، الکنی و الالقاب (۲۰۲ –۲۰۰/ ۳)، لغت نامه (ذیل/ مقدس اردبیلی)، معجم رجال الحدیث (۲۲۵/ ۲)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۹۶ –۹۵/ ۱)، معجم المؤلفین (۸۰ –۷۹/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۶۴ –۴۶۱/ ۱)، هدیهٔ الاحباب (۲۴۸ –۲۴۵).

مقدس تهرانی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۸ –۱۲۸۱ ق)، فقیه، اصولی، محدث و عالم دینی. به جهت تقوا و پرهیزکاری شدید به مقدس ملقب گردید. اصلش از همدان بود. در تهران به دنیا آمد و نشو و نما یافت و از محضر میرزا محمدحسن آشتیانی استفاده نمود. سپس به نجف رفت و در آنجا سکونت گزید. در محضر میرزا حسین خلیلی و ملا محمدکاظم خراسانی و شیخ آقا رضا همدانی تلمذ نمود. وی مصاحب شاگردان درس اخلاق ملا حسینقلی همدانی بود. او از شیخ علی‌اکبر نهاوندی و محدث قمی و شیخ مرتضی آشتیانی و عده‌ای دیگر از علما اجازه داشت. در حدود ۱۳۲۶ ق به درخواست شیعیان بمبئی به همراه سید محمدتقی جزایری به آنجا رفت و مدت سی سال اقامت گزید و در مسجد ایرانیان مقیم بمبئی به امامت جماعت و وعظ و ارشاد پرداخت. در ۱۳۵۵ ق سکته‌ی ناقص کرد. سپس به نجف بازگشت و تا پایان عمر خانه‌نشین شد. او در نجف درگذشت و در صحن مرقد هود و صالح، در وادی‌السلام، دفن شد. از وی تصانیف بسیاری در فقه و اصول به صورت خطی باقی مانده است. از دیگر آثارش: «الاربعون حدیثا».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۱۳/ ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۶۹/ ۱۴)، معجم المؤلفین (۱۳۷/ ۹).

مقدس جعفری، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن مقدس جعفری در سال ۱۳۲۹ در شهر بروجرد به دنیا آمد . دوران ابتدایی و دبیرستان را در زادگاهش گذراند وی تحصیلاتش را در رشته فلسفه از دانشگاه فردوسی مشهد ادامه داد و دوره کارشناسی ارشد و دکترای جامعه شناسی را در کشور هندوستان گذراند و در سال ۱۳۶۶ از دانشگاه پونا این کشور مدرک دکترای خود را اخذ کرد وی عضو هیئت علمی دانشگاه کرمان بوده است و هم اکنون حکم بازنشستگی خود را با درجه دانشیاری در سال ۱۳۸۵ دریافت کرده است.گروه : علوم انسانی رشته : جامعه شناسیگرایش : جامعه شناسی تیزهوشان و نوابغوالدین و انساب : جد بزرگ مقدس جعفری، حاج ملارضا پنج نسل قبل از شهر محلات جهت حوزه علمیه بروجرد به این شهر مهاجرت کرده اند. و نسلهای بعد هم همگی از تحصیلات حوزوی بخوردار بودند.خاطرات کودکی : دکتر مقدس جعفری دوران کودکی خود را مانند هم نسلهای خود به درس و مشق و مدرسه مربوط میشود و تفاوتهای نوع زندگی کودکان و نوجوانان عصر حاضر و آن زمان را از خاطرات خود عنوان میکند و قابل توجه که . از همین رو وی قصد دارد تا این خاطرات و وقایع را برای نسلهای جدید مدون کند.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : دکتر مقدس جعفری می گوید: «در خانواده متوسط پایین با چهار برادر زندگی و رشد کرده ام . پدرم از صداقت ویژه ای برخوردار بود و به واقع نام صادق داشت زندگی اش سرشار از صداقت سادگی و ایمان و انساندوستی بود . مادر نیز مهربان و عطوفت را با تمام وجود به سویم کوچاند. خدایشان رحمت کند . برادر دوم که انسان وارسته ای است الگوی مناسب رفتاری و تحصیلی برای من بود و در زندگی بسیار مدیون او هستم.»تحصیلات رسمی و حرفه ای : دیپلم متوسطه رشته ادبی دبیرستان مهرگان بروجرد خرداد ۱۳۴۸ کارشناسی فلسفه اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد بهمن ۱۳۵۱ کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه اسلامی علیگره هندوستان ۱۳۵۵ دکترای جامعه شناسی تیزهوشان و نوابغ دانشگاه پونای هندوستان ۱۳۶۶فعالیتهای ضمن تحصیل : کار برای امرار معایش در

حین تحصیل ، ورزش ، مطالعه از فعالیتهای دکتر مقدس جعفری است.استادان و مربیان : از دوران دبیرستان دکتر مقدس جعفری به برخی از نامها مانند : مرحوم مومنی، بهرامی ، فدایی، ناظمی، و آقایان سیف باجلان فرخی، بهمن رازانی، همتی هوشنگ و ... اشاره میکند و از آنها تاثیرات فراوان گرفته است و از استادان مرحوم دکتر مشکوه الدینی ، استاد جلال الدین آشتیانی ، دکتر مجتهد زاده، دکتر علی شریعتی، دکتر زامیار و اقایان دکتر ابراهیمی دینایی دکتر مهدوی دامغانی، دکتر صدر نبوی، پروفسور عسگری، پروفسور داملی، پروفسور ساکسینا را میتوان نام برد.همسر و فرزندان : همسر دکتر مقدس جعفری دبیر دبیرستان است و دارای سه فرزند دو دختر و یک پسر هستند . که همگی مشغول تحصیل هستند.وقایع میانسالی : وی از وقایع این دوران را بیماریهای زودرس عنوان کرده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : – رئیس دانشگاه ابوریحان بیرونی منطقه لرستان و خوزستان سال ۱۳۵۹ – مدیر گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید باهنر کرمان از سال ۷۴–۱۳۶۷ – سه دوره معاون پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی به مدت ۹ سال ۸۴–۱۳۷۴فعالیتهای آموزشی : دکتر مقدس جعفری بیش از ۳۰ سال تدریس در مقاطع مختلف به ویژه مقاطع دانشگاهی را در دانشگاه مختلف کشور در کارنامه دارد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : – راه اندازی گروه علوم اجتماعی و مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه شهید باهنر کرمان – راه اندازی گروه علوم اجتماعی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانسایر فعالیتها و برنامه های روزمره : – عضو هیئت تحریریه چند مجله علمی و دانشگاهی در سطح کشور – عضو در چند انجمن علمی و ادبی – عضویت در هیئت ممیزه دانشگاهی جنوبشرق گروه علوم انسانی از بدو تاسیس تا به حال و نیز مطالعه و پیاده روی از دیگر فعالیتهای دکتر مقدس جعفری است.آرا و گرایشهای خاص : وی علاقه زیاد و ویژه ای به ایران و فرهنگ آن از جمله تاریخ، شعر، ادبیات، موسیقی و فلسفه و جامعه شناسی دارد.جوائز و نشانها : ۱– پژوهشگر نمونه دانشگاه کرمان در سال ۱۳۷۶ ۲– پژوهشگر نمونه استان کرمان در سال ۱۳۷۷ ۳ – دارای طرح نمونه پژوهشی فرهنگی استان در سال ۱۳۸۲ (ارشاد اسلامی کرمان) ۴– دارای طرح نمونه پژوهشی در خصوص فرهنگ و آموزشی عشایر در سطح ملی و کشورچگونگی عرضه آثار : دکتر مقدس جعفری دارای نزدیک به ۷۰ مقاله چاپ شده د مجلات علمی و ارائه شده در همایشهای علمی خارج و داخل کشور و نیز تعدادی نیز کارهای ژورنالیستی و رسانه ای در سطح روزنامه های محلی و ملی به چاپ رسانده استآثار : ۱ پوشش ایرانیان ویژگی اثر : در این پژوهش عمدتا به مساله پوشش ایرانیان از ابتدا تا دوره معاصر پرداخته است۲ سلیمانیها ویژگی اثر : دانشگاه کرمان ۱۳۷۹، این اثر نتیجه دو سال مطالعه بر روی عشایر سلیمانی استان کرمان است که یکی از بزرگترین عشایر منطقه محسوب میشود.۳ میمند میراث گرانقدر فرهنگی ویژگی اثر : مقاله در باره روستای میند از توابع شهر بابک ، فصلنامه پژوهشگران فرهنگ منابع زندگینامه :تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر مقدس جعفری بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی – خرداد ۱۳۸۶

مقدس زنجانی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر بن مقدس زنجانی متوفی ۱۳۴۱ ق عالمی بزرگوار بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مقدس فانی مبارکه‌ای، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند علی محمد. عارف ادیب، و صوفی شاعر. در ۱۲۹۴ متولد، و در شب یکشنبه ۱۴ محرم سال ۱۳۵۳ در مولد خود وفات یافته و در قبرستان آنجا مدفون گردید. خدمت جمعی از عرفا و مشایخ رسیده، و به طوری که در مقدمه‌ی دیوان مطبوعش نوشته شده به مقام قطبیت رسیده. در زهد و تقوا و شعر و ادب معروف است.

کتب زیر از اوست:

۱ – آفتاب عرفان ۲ – خوشید حقیقت، مطبوع ۳ – شمس حقیقت ۴ – نور معرفت؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مقدّس، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند ملّا مهدی، از علما و فضلا و مدّرسین [؟] اصفهان بوده، و در جمادی الثانیه سال ۱۲۸۹ وفات یافته، و در مقبره فیض در تخت فولاد مذفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مقدس، طاها

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید طاها مشهور به (مقدس) از علماء و ائمه جماعت معاصر محلات می‌باشند.

تولد ایشان در حدود سال ۱۳۵۰ قمری در محلات واقع شده و پس از پرورش و خواندن دروس ابتدائی و مقدمات به قم مهاجرت و به تحصیل ادبیات و سطوح پرداخته و متون فقه و اصول را از محاضر مدرسین حوزه به پایان رسانیده و پس از آن به درس خارج آیات عظام مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی خمینی و آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و دیگران حاضر و استفاده نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی به محلات برگشته و تاکنون به اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج احکام اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مقدس، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند آقا سید ابراهیم حسینی، از علما و ائمّه جماعت، در ذیحجه سال ۱۳۶۱ وفات یافته، در بیرون بقعه مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مقدس، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند آقا سید عبدالحسین بن سید حسن بن حاج سید ابراهیم حسینی سبزواری ساوجی اصفهانی. عالم زاهد فقیه عابد مجتهد جامع. اجدادش از سبزوار به ساوه، و آقا سید ابراهیم از ساوه به اصفهان آمده، در نزد سید حجهٔالاسلام مورد وثوق و احترام بوده، و سید جهت ایشان جنب منزل خود خانه‌ای تهیه نموده، و روزگار به زهد و عبادت گذرانیده، و خواهر آقا میر سید محمد شهشهانی را به زوجیت داشته.

پس از وفات در حدود سال ۱۲۵۰، در قبرستان قبله دعا مدفون شده، قبرش الی الان معلوم و معروف است، و مردم به زیارت او می‌روند، و به او اعتقاد دارند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مقدس، محمدهادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدهادی حسین‌زاده (مقدس) فرزند مرحوم حاج شیخ علی مقدس رشتی نجفی از فضلاء حوزه علمیه قم می‌باشند. وی در ربیع‌الثانی ۱۳۴۴ قمری در نجف اشرف متولد شده و سطوح را نزد افاضل نجف و قم خوانده و در درس خارج اکثر عظام علما نجف و قم مخصوصا آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه گلپایگانی استفاده نموده و اکنون سالهای درازیست که در حوزه علمیه قم اشتغال به تألیف کتب سودمندی که ذیلا می‌نگارم دارند.

۱- منیه‌الاحباب

۲- مرقاه‌الکمال، در دو مجلد که در سال ۱۳۹۸ قمری در قم به طبع رسیده است.

۳- کتاب خودسازی انسان در ترجمه مرقاه‌الکمال در پنج جلد.

۴- احسن الحکایات.

۵- بهترین دانستنیها ترجمه احسن الحکایات.

۶- کتاب الطهاره تقریرات درس آیت‌اللَّه گلپایگانی.

۷- کتاب الحج- تقریرات درس آیت‌اللَّه گلپایگانی.

۸- کتاب البیع- تقریرات درس آیت‌اللَّه گلپایگانی.

۹- کتاب القضاء- تقریرات درس آیت‌اللَّه گلپایگانی.

۱۰- کتاب الشهادات- تقریرات درس آیت‌اللَّه گلپایگانی.

۱۱- کتاب الحدود- تقریرات درس آیت‌اللَّه گلپایگانی.

۱۲- تقریرات درس آیت‌اللَّه بروجردی رحمه‌اللَّه علیه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مقدسی شیرازی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا ابوالحسن مقدسی معروف به شیرازی یکی از علماء محترم و ائمه جماعت معاصر مشهد مقدسند. تولد ایشان در حدود ۱۳۳۵ قمری واقع شده و پس از پرورش و خواندن اولیات و ادبیات مهاجرت به نجف اشرف نموده و بعد از تکمیل متون فقه و اصول از دراسات آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه العظمی میرزای نائینی و آیت‌اللَّه عراقی پدر همسر خود مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقای حاج شیخ علی محمد نجفی بروجردی که از اوتاد دانشمندان بودند و آیات دیگر استفاده نموده تا به درجه عالیه علم و دانش رسیده و در رشته اخلاق و معارف هم از جمال الصالحین و قدوهٔ الناسکین عالم ربانی مرحوم مبرور حاج سید علی آقای قاضی طباطبائی مستفیض و بهره‌مند شده و در سال ۱۳۸۲ قمری پس از رحلت آیت‌اللَّه العظمی آقا سید عبدالهادی شیرازی به ایران مراجعت و در ارض مقدس مشهد رضوی در جوار حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیهٔ و الثناء رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت در آستان ملک پاسبان آن حضرت اشتغال دارد.

نگارنده گوید: مترجم گرامی ما جناب آقای مقدسی شیرازی جداً دانشمندی پارسا و متقی و موصوف به ورع و فضل و به محاسن اخلاقی معروف و از صفات ذمیمه وارسته و به زیور صلاح و سداد آراسته می‌باشد.

از آثار و باقیات الصالحات ایشان فرزند برومندشان ثقهٔ‌الاسلام والمحدثین آقای حاج میرزا محمدحسن مقدسی داماد ارجمند حجهٔ‌الاسلام و المسلمین علامه متتبع و محقق مدقق آقای حاج میرزا حسن مصطفوی است که اکنون از گویندگان و خطباء نامی تهران و مدافعین جدی حریم ولایت و مبارزین سرسخت بر علیه امپریالیسم و رژیم کثیف منحوس و منفور طاغوت پهلوی است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

مقدسی شیرازی، ابوالفرج عبدالواحد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۸۶ ق)، فقیه حنبلی، اصولی، واعظ و مفسر. در عراق به مقدسی معروف بود. اصلش از شیراز است. در حران به دنیا آمد. وی به بغداد رفت و ملازم ابویعلی بن فراء قاضی شد و از او فقه آموخت و خود به تدریس و وعظ پرداخت. آنگاه به شام رفت و در بیت‌المقدس سکنی گزید و در همان جا به ترویج مذهب امام احمد حنبل پرداخت و تصانیفی در فقه و اصول نگاشت. از ابوالحسن بن سمسار و شیخ‌الاسلام ابوعثمان صابونی و عبدالرزاق بن فضل کلاعی و جماعتی دیگر در دمشق حدیث شنید. او شیخ شام و شیخ‌الاسلام زمان خویش بود. در دمشق درگذشت و در مقبره‌ی باب الصغیر دفن شد و قبرش مزاری مشهور گردید. از آثارش: «الجواهر»، در تفسیر قرآن؛ «المبهج» و «الایضاح»، در فروع فقه حنفی؛ «التبصرهٔ»، در اصول دین؛ «مختصر فی الحدود»؛ «مختصر فی اصول الفقه»؛ «مسائل الامتحان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۴۲۵، ۲۸۷/ ۲، ۱۵۵/ ۱)، تذکرهٔ الحفاظ (۱۱۹۹/ ۳)، ذیل طبقات الحنابله ابن رجب (۷۳ -۶۸/ ۳)، سیر النبلاء (۵۳ -۵۱/ ۱۹)، شذرات الذهب (۳۷۸/ ۳)، طبقات الفقهاء الحنابلهٔ (۳۳۴ -۳۳/ ۲)، طبقات المفسرین داودی (۳۶۲ -۳۶۰/ ۱)، العبر (۳۵۲/ ۲)، الکامل (۱۶۹/ ۸)، معجم المؤلفین (۲۱۲/ ۶)، هدیهٔ العارفین (۶۳۴/ ۱).

مقدسی، یداللّه

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یدالله مقدسی

محل تولد : نکا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب یدالله مقدسی، تحصیلات خواندن و نوشتن را در زادگاهم نزد پدر بزرگوارم آغاز نموده و برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه مرحوم آیت الله کوهستانی در روستای کوهستان رفته و با شکل گیری بنیاد روحی و تحصیلی در آن حوزه مقدسی و در حالی که مشغول تحصیل کتاب سیوطی بودم به سال ۱۳۴۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و نزد اساتید بزرگوار ادبیات تلمذ کرده و با شرکت در امتحان عمومی حوزه در رتبه ۱ آن دوران (پایان ادبیات) با معدل ۵/۱۹ پذیرفته شده و به تعلّم فقه و اصول پرداختم در

آغاز این دوره بود که به سال ۴-۱۳۵۲ به سربازی برده شدم و پس از بازگشت به حوزه به ادامه آن و تکمیل جلد ۲ شرح لمعه و رسائل شیخ اعظم پرداختم و نزد اساتید گرامی سطح عالی آن دوران بهره‌ها بردم و در امتحان نهایی شرکت جسته که البته بخشی از این دوران، زمان شکوفایی مبارزات امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی بوده که حدود ۲ سال، تحصیل و درس متوقف بوده و در این فرصت بـه مبارزات علیه رژیم شاه به فعالیت می‌پرداختم، پس از پیروزی مـدتی را در سامانـدهی گـوشه‌ای از امـور انقلاب و در حفاظت از امام خمینی عمر گذراندم، پس از آرامش سپس در کشور و آغاز درس‌های حوزه به مؤسسه راه حق –که در آن دوران زیر نظر استاد مصباح بوده– جهت گذرانـدن دوره فشرده معارف اسـلامی رفته و در یکی از دوره‌ها بهره جستم و در دوران دفاع مقدس گاهی به یاری رزمندگان اسلام در جبهه‌های حق شناخته که خداوند قبول فرماید پس از دوران دفاع به پژوهش‌های حدیثی و تاریخی، در کنار درس‌های فقه و اصول و فلسفه و هیئت پرداخته که آشـنایی کافی و تخصصـی به زندگی و سیره معصومان(ع) برآینـد ایـن پژوهش است، در ایـن میـان از پژوهش‌هـای فقهی و تـدریس نیز بیگـانه نبـوده و در صـورت آزاد در حـوزه و نیز در برنامه‌های تحت مدیریت در مدرسه‌ها، به تدریس قواعد فقه، اصول، تفسیر و گاهی اخلاق اشتغال داشته (بخشی در مرکز جهانی برای طلاب خارجی و بخشی برای طلاب ایرانی) و البته در کنار مطالب یاد شـده از تبلیغ معارف دینی (در مناسبت‌های تبلیغی) نیز بـدور نبودم.به امیـد آن که خـدای بزرگ و مهربـان همگـان و این ناچیز را از لطف و رحمتش محروم نداشته و تمامی فعالیت‌ها را پـذیرفته و حضـرت ولی الله الأعظم(ع) ارواحنـا فـداه را یاورمان قرار داده و همه ما را در ردیف سـهام داران مکتبش گزینـد و نظام اسلامی به رهبری ولایت فقیه را تا ظهورش مستدام بدارد. انشاءالله

مقدم، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن مقدم در سال ۱۲۸۷ ،در تهران به دنیا آمد. از شـش سالگی به تحصیل پرداخت و چهار سال در ایران و یازده سال در سوئیس مشغول تحصیل بود. وی پس از از اخذ گواهینامه تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه شد و در رشته علوم اجتماعی به گرفتن لیسانس نایل آمد. پس از آن به استانبول رفت و در همان ایام به تکمیل اطلاعات خود درباره ادبیات ایران همت گماشت. مقدم در بیست سالگی به خـدمت وزارت امورخارجه در آمـد و تا پایان عمر در این سـمت باقی مانـد. وی کنفرانس هایی در باره تاثیر زبان فرانسه در فارسـی در انجمن ایران جوان برگزار کرد و چنـدین جلسه در تالار دارالفنون دربـاره تئاتر و تاریـخ آن سـخنرانی نمود و نمایشـنامه معروف خود رابه نـام « جعفر خـان از فرنـگ آمـده» نوشت و خود در نمایش آن بازی کرد. مقـدم سلسله مقالاتی را نیز تحـت عنـوان « مکتـوب از امروز تـا قـاهره » در روزنـامه «ایران» نـوشت کـه در آن از اوضـاع اجتمـاعی و سیاسـی و اقتصـادی اغلب کشورهای اروپا سـخن گفت. حسن مقدم سرانجامدر سال ۱۳۰۴ چشم از جهان فروبست.گروه : علوم انسانی رشـته : علوم اجتماعی والدین و انساب : حسن مقدم مشـهور به علی نوروز ، فرزند محمدتقی احتساب الملک ، در تهران به دنیا آمد.تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : حسن مقدم از شـش سالگی به تحصـیل پرداخت و چهار سال در ایران و یازده سال در سوئیس مشـغول تحصـیل بود. وی پس از از اخذ گواهینامه تحصـیلات ابتدایی و متوسـطه وارد دانشگاه شد و در رشته علوم اجتماعی به گرفتن لیسانس نایل آمد. پس از آن به اسـتانبول رفت و در همان ایام به تکمیل اطلاعات خود درباره ادبیات ایران همت گماشت.زمان و علت فوت : حسن مقـدم در سال ۱۳۰۴ چشم از جهان فروبست.مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : حسن مقدم در بیست سالگی به خدمت وزارت امورخارجه در آمـد و تـا پایـان عمر در این سـمت بـاقی مانـد.سـایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حسن مقـدم در سال ۱۳۳۹ ق در اسـتانبول با لاهوتی مجله ادبی « پارس » را در دو بخش فارسـی و فرانسه منتشـر کرد که سر دبیر و نویسـنده بخش فرانسه آن نیز بود. وی تقریباً سراسر اروپا و قمستی از آسیا و آفریقا را سیاحت کرد و آنچه را که در این مسافرت ها دید و دریافت در دفتر خاطرات خود به زبان فرانسه یادداشت نمود. مقدم در سوئیس به عضویت انجمن ادبی «بل لتر » در آمد و در آن انجمن با بسیاری از دانشمندان زمان ، مثل آنـدره ژیـد و استراوینسـکی همکاری داشت. او آثار خود را به زبان های فارسـی و فرانسه می نگاشت و با نام های مسـتعار و بیشتر به امضـای علی نوروزی انتشـار می داد. وی کنفرانس هـایی در باره تاثیر زبان فرانسه در فارسـی در انجمن ایران جوان برگزار کرد و چنـدین جلسه در تالار دارالفنون دربـاره تئـاتر و تاریـخ آن سـخنرانی نمود و نمایشـنامه معروف خود رابه نام « جعفر خان از فرنـگ آمـده» نـوشت و خـود در نمـایش آن بـازی کرد. مقـدم سلسـله مقالاـتی را نیز تحت عنوان « مکتوب از امروز تـا قـاهره » در روزنامه «ایران» نوشت که در آن از اوضاع اجتماعی و سیاسی و اقتصادی اغلب کشورهای اروپا سخن گفت.آثار : ایرانی بازی

مقدم، فاطمه

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زیست‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مقدم، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۵ -۱۲۸۷ ش)، زبان‌شناس، استاد دانشگاه، نویسنده، روزنامه‌نگار، مترجم و شاعر. در تهران بـه دنیا آمـد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت. ولی تحصیلات را ناتمام گذاشت و به ایران بازگشت. مجددا در ۱۳۱۰ ش راهی آمریکا شد و در ۱۳۱۷ ش دکترای خود را در رشته‌ی زبان‌شناسی از دانشگاه پرینستون دریافت کرد. وی از ۱۳۱۸ ش در دانشگاه تهران به تدریس اوستا و فارسی باستان پرداخت. در ۱۳۴۳ ش گروه زبان‌شناسی همگانی و زبانهای باستانی را در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی بنیاد گذاشت و تا ۱۳۴۷ ش مدیریت آن را به عهده داشت. وی همزمان با تدریس در دانشگاه با همکاری چند تن از دانشمندان نشریه‌ی «ایران کوده» را منتشر کرد. از مهم‌ترین کوششهای او، ابداع و سامان بخشیدن به واژه‌های مورد نیاز پارسی به شیوه‌ی علمی زبان‌شناسی بود که این تلاش را از جزوه‌ی کوچک «راهنمای فارسی باستان» آغاز و طی چند دهه ادامه داد. درباره‌ی گویش شناسی، که این واژه را نخستین بار دکتر مقدم و همکارانش به کار بردند، اولین بار بود که به زبان فارسی بررسیهایی بر پایه علمی صورت می‌گرفت و چند گویش ایرانی با هم سنجیده و نتیجه‌گیری علمی از آنها می‌شد. وی معتقد بود که ریشه‌ی نامش از زبانهای ایرانی است و باید به صورت مغدم نوشته شود. وی در زمینه‌ی تاریخ و دین و آیین مهر مطالعات و پژوهشهایی داشت. وی سرانجام بر اثر سانحه‌ی تصادف اتومبیل درگذشت. از دیگر آثارش: در زمینه‌ی زبان و زبان‌شناسی: «چند نمونه از متن نوشته‌های فارسی باستان»، با شرح لغات، «داستان جم»، متن اوستا با شرح لغات و ترجمه، «راهنمای ریشه‌ی فعلهای ایرانی»، «یک سند تاریخی از گویش آذری تبریز»، «گویشهای وفس و آشتیان و تفرش»؛ در زمینه‌ی خط: «الفبای روسی»؛ در زمینه‌ی دین: «سرود بنیاد دین زرتشت»، «جستار درباره‌ی مهر و ناهید»؛ در زمینه‌ی تاریخ: «چهارشنبه سوری»، «تاریخ شاهنشاهی هخامنشی»، ترجمه، «تاریخ دریانوردی عرب در دریای هند»، ترجمه؛ در زمینه‌ی شعر و ادب: «بازگشت به الموت»، «بانگ خروس»، «راز نیمه شب».[۱]

مدرس، ایرانشناس.

تولد: ۱۲۷۸، تهران.

درگذشت: ۹ مهر ۱۳۵۷.

محمد مقدم پس از پایان رساندن دوره‌ی دبیرستانی برای تحصیلات دانشگاهی به آمریکا رفت. در سال ۱۳۱۷ از دانشگاه پرینستون در رشته‌ی زبان‌شناسی دکترای خویش را دریافت کرد. از سال ۱۳۱۸ در دانشگاه تهران به تدریس اوستا و فارسی باستان پرداخت. در سال ۱۳۳۹ سفر دیگری به آمریکا کرد. دانشگاه یوتا وی را دعوت کرده بود تا کرسی تمدن ایران باستان را در عهده گیرد. یادگار این سفر ترجمه‌ی کتاب پرفسور اومستد تحت عنوان تاریخ شاهنشاهی هخامنشی (۱۳۴۰) است. در سال ۱۳۴۳ گروه زبان‌شناسی همگانی و زبان‌های باستانی را در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی بنیاد گذاشت و تا سال ۱۳۴۷ مدیریت آن را بر عهده داشت.

وی همزمان با تدریس در دانشکده‌ی ادبیات با همکاری ذبیح بهروز، دکتر صادق کیادست به انتشار نشریه‌ای به نام «ایران کوده» زد که مقاله‌های بسیاری در آن درج کرده است. علاوه بر این نشریه، مقاله‌هایی در مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات» و مجله‌ی «اندیشه و هنر» از وی به چاپ رسیده است. وی همچنین مقاله‌هایی در باب شناسایی انواع خطوط و تاریخچه‌ی خط و خوشنویسی در مجله‌ی «فروهر» و «سالنامه‌ی کشور ایران» نوشته است.

از جمله فعالیت‌های دکتر محمد مقدم، ابداع و سامان بخشیدن به واژه‌های مورد نیاز پارسی به شیوه‌ی علمی زبان‌شناسی بود. وی این کوشش را از جزوه «راهنمای فارسی باستان» آغاز کرد. از آثار اوست: بازگشت به الموت (تهران، ۱۳۱۴)؛ بانگ خروس (تهران، ۱۳۱۳)؛ برای آینده‌ی زبان فارسی (۱۳۵۵)؛ جستار درباره‌ی مهر و ناهید (۱۳۵۶)؛ چند نمونه از متن نوشته‌های فارسی باستان (تهران، ۱۳۶۳)؛ در یادنامه‌ی جمشید (م. اونوالا، بمبئی ۱۳۶۴)؛ دریانوردی عرب در دریای هند (جوزف حورانی، تهران، ۱۳۳۸)؛ راز نیمه شب (تهران، ۱۳۱۳)؛ راهنمای ریشه فعل‌های ایرانی (تهران، ۱۳۱۳)؛ رستم و سهراب از شاهنامه (تهران، ۱۳۱۳)؛ فهرست توصیفی مجموعه گرت (انگلیسی، پرینستون، ۱۹۳۹ م.)؛ و رساله‌ی «سرود بنیاد دین زردشت» و دو اثر انگلیسی Organic alphabet

(تهران، ۱۹۴۵ م.)؛ APersian - APrsina - Arabic Phonetic

h g (Equation)

دکتر محمد مقدم بر اثر سانحه‌ی تصادف جان خود را از دست داد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۵۲، ۳۴۴۰، ۳۳۴۵، ۳۳۴۴، ۲۷۸۸، ۱۹۸۰، ۱۸۰۵، ۱۷۲۹، ۱۶۴۸، ۱۶۱۸/ ۲ ، ۱۴۰۶، ۱۱۱۹، ۷۱۷، ۴۵۰، ۴۳۷، ۴۱۷، ۴۱۵-۴۱۵، ۷۶/ ۱)، کلک (س ۷، ش ۷۹ -۷۶، ص ۸۱۷ -۸۰۸)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۵-۸۳۲/ ۵).

مقدم، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر مقدم

محل تولد : خوی

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۴/۲۰

زندگینامه علمی

حجت الاسلام شیخ محمد باقر مقدم در سحرگاه بیستم تیرماه ۱۳۴۱ در شهر خوی دیده به جهان گشود . در خانواده ایی مذهبی رشد کرد و به مدرسه رفت . ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش خواند . آنگاه برای تحصیل علوم دینی عازم قم و مستقیما وارد حوزه علمیه شد .در سال تحصیلی ۵۶ ، دورس حوزوی را آغاز کرد . ادبیات را از استاد مدرس افغانی ، منطق را از شیخ عبد الصمد خلیل زاده ، لمعتین را از آیت الله وجدانی فخر، مکاسب را از آیت الله پایانی، رسائل و کفایه را ازآیت الله اعتمادی فرا گرفت .

سپس مدت دو سال در حلقه درس آیت الله گلپایگانی و آیت الله مرعشی نجفی زانو زد تا از برکات آن دو مجمع علمی سود جوید . در ادامه درس خارج ، مدت ۱۰ سال پای درس اصول آیت الله وحید خراسانی و فقه آیت الله میرزا جواد تبریزی حاضر شد .دوران جنگ تحمیلی چند بار توفیق حضور در جبهه دست یافت و در چند عملیات شرکت کرد . با پایان دفاع مقدس ، به سنگر پژوهش روی آورد و همزمان با تحصیل، تحقیقات غیر درسی خود را گسترش داد . نخستین کار گروهی را با سمت معاونت پژوهشی در سال ۶۹ ، برای معجم فقهی آیت الله گلپایگانی انجام داد .

از آن تاریخ به آموزش و پژوهش در مراکز و موسسات متعددی همت گماشت . در حال حاضر به عنوان کارشناس و مشاور اطلاع رسانی، با چند مرکز پژوهشی همکاری دارد .

مقدم، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: مرتع، دانشکده: منابع طبیعی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مقربی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی مقربی در سال ۱۲۹۳ در تهران به دنیا آمد. او دکترای زبان و ادبیات فارسی را در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به پایان برد و از سال ۱۳۲۳ تا بهمن ۱۳۳۸ در دانشسرای مقدماتی به تدریس متون پرداخت . همکاری با دکتر غلامحسین مصاحب برای تالیف وتدوین دائر المعارف فارسی (سه جلدی) از جمله فعالیت های دیگر دکتر مقربی به شمار می آید . وی در دانشکده افسری ، دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران کار تدریس را ادامه داد . تالیفاتی که از استاد مقربی به یادگار مانده است شامل کتب و مقالات چاپ شده درمطبوعات کشورمی باشد . دکتر مصطفی مقربی سرانجام در ۱۸ مهر سال ۱۳۷۷ در سن ۸۶ سالگی درگذشت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : مصطفی مقربی دوره دبستانی را در دبستان اتحادیه و دوره دبیرستانی را در دبیرستان دارالفنون در سال ۱۳۱۲ ش به پایان رسانید. در سال ۱۳۱۵ ش از دانشسرای عالی، لیسانس زبان و ادب فارسی گرفت. و از سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۴ ش دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی را در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران را به پایان برد.

زمان و علت فوت : مصطفی مقربی در روز شنبه ۱۹ جمادی ثانی ۱۴۱۹ ق مطابق به ۱۸ مهر ۱۳۷۷ ش در سن۸۶ سالگی در گذشت و پیکرش صبح روز یکشنبه تشییع ودر بهشت زهرا–قطعه هنرمندان و فرهیختگان – به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مصطفی مقربی با سازمان کتاب های درسی و در موسسه فرانکلین با دکتر پرویز ناتل خانلری و دکتر زهرا کیا (خانلری) و دکتر فتح الله مجتبائی همکاری داشت. وی در تالیف و تدوین دایره المعارف فارسی با دکتر غلامحسین مصاحب همکاری داشت .

فعالیتهای آموزشی : مصطفی مقربی به مدت یکسال در دبیرستان شاهپور کرمانشاه به تدریس ادبیات پرداخت. مدتی هم دردبیرستان نظام شیراز به تدریس اشتغال داشت. از سال ۱۳۲۳ تا بهمن ۱۳۳۸ ش در دانشسرای مقدماتی به تدریس متون پرداخت. استادهمچنین در دانشکده افسری و دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران نیزتدریس نموده و در سال ۱۳۴۸ ش رسما بازنشسته شد. البته کار تدریس وی در مراکز مزبور تا سال ۱۳۵۸ ش ادامه داشت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از مصطفی مقربی مقالاتی زیادی در مطبوعات کشور به جای مانده که می توان به مقالاتی که در زمینه های : دستور زبان فارسی، زبانشناسی، حافظ پژوهی و نقد کتاب در ماهنامه های: سخن، راهنمای کتاب (که مدتی سر

دبیر آن بود)، یغما، آینـده وزبان شناسـی، اشاره کرد. حـدودیک هزار و پانصد مدخل در علوم ادبی، زبان فارسـی، رجال وکتاب و ترجمه هایی از مقالات خارجی برای دایره المعارف مـذکور تهیه کرد. --

آثار :

۱ ترجمه تاریخ جهان برای خردسالان

۲ ترجمه سقوط قسطنطنیه

۳ ترجمه سه مقاله درباره ویس و رامین

۴ ترکیب در زبان فارسی

۵ تصحیح دیوان حافظ

ویژگی اثر : تصحیح این کتاب با همکاری استاد ابوالقاسم انجوی شیرازی صورت گرفته است.

۶ عقاید تربیتی فردوسی به موجب شاهنامه

۷ فرهنگ اصطلاحات جغرافیا

ویژگی اثر : این کتاب با همکاری دکتر مصاحب ، استاد آرام ، وصفی اصفیا و دکتر گل گلاب در سال ۱۳۳۸ به چاپ رسید.

۸ فرهنگی نامه فارسی

ویژگی اثر : تالیف جلدهیجـدهم این کتاب مخصوص زبان و فرهنگ فارسـی با همکاری احمد آرام ، رضا اقصـی ، محمود بهزاد و نجف دریا بندری صورت گرفته است.

۹ مقایسه عقاید فلسفی رواقی با آراء فلسفه اپیکوری

۱۰ هژده گفتار

منابع زندگینامه :

آینه پژوهش ، سال نهم ، شمار ه پنجم ، شماره پیاپی ۵۳ ، آذر و دی ۱۳۷۷

مقری مؤذن، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل مقری مؤذن

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۳۳ سـالی خوش یمن و مبارک برای خانـدان مقـدس مؤذن بود، در این سال خداونـد به خانواده حسن مقری مؤذن کودکی هدیه داد که بعدها اسـماعیل نام گرفت. حضـرت آیت الله اسـماعیل مقری مؤذن دوران کودکی و تحصیلات ابتدائی و راهنمایی را در زادگـاه خویش نیشـابور سپری کرد پس از آن بـا تشویق خـانواده در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه نیشـابور گردیـد. ادبیات را از محضـر استاد برجسته ادبیات آن زمان ادیب نیشابوری فرا گرفت سپس برای ادامه تحصیلات حوزوی به دیار مشهد هجرت کرد، در آن دیار از محضـر آیت الله هاشـمی خراسانی معانی بیان، در نزد آیت الله صالحی شـرح لمعه و مکاسب کفایه را از محضـر برجسته گان حوزه علمیه مشـهد آیات رضازاده و صالحی کسب فیض نمود و ایشان پس از طی تحصـیلات عالی سطح حوزه در سال ۱۳۵۷ وارد حلقـه درس خـارج فقـه و اصـول آیـات مرتضـوی و میرزا علی آقـا فلسـفی گردیـد. پس از پیروزی انقلاـب تـاکنون در جهادسازندگی و... مشغول تدریس علوم معارف الهی به تشنگان این علوم می‌باشد.

مقریه، عایشه

قرن:۷

جنسیت:زن

ملیت:ایران

پیش از ۷۳۰ ق، از زنان شاعر. حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده رباعیات او را «نیکو» و در زمان خود «بی‌نظیر» می‌نامد و رباعی زیر را از او نقل می‌کند:

گفتم دلم از تو بوسه‌ای خواهان است

گفتا که بهای بوسه‌ی من جان است

دل آمد و در پهلوی جان زد انگشت

یعنی که بخر بیع بکن ارزان است

امیرعلی شیرنوایی، رباعی زیر را که به بنت‌البخاریه منسوب است از عایشه مقریه می‌داند.

ما را به دم پیر نگه نتوان داشت

در خانه دلگیر نگه نتوان داشت

آن را که سر زلف چو زنجیر بود

در خانه به زنجیر نگه نتوان داشت

اما مستوفی این رباعی را از بنت‌البخاریه می‌داند. برخی تذکره‌ها رباعی دوم را به عایشه سمرقندی نیز منسوب کرده‌اند.

مونس‌الاحرار نیز شعر زیر را از او نقل کرده است:

ز بس گل که در باغ مأوی گرفت

چمن رنگ ارژنگ مانی گرفت

صبا نافه مشک اذفر نداشت

جهان بوی مشک از چه معنی گرفت

مگر چشم مجنون به ابر اندرست

که گل رنگ رخسار لیلی گرفت

سر نرگس تازه از زر و سیم

نشان سر تاج کسری گرفت

چو رهبان شد اندر لباس کبود

بنفشه مگر دین عیسی گرفت

نمی‌ماند اندر عقیقین قدح

سرشکی که در لاله مأوی گرفت

قدح گیر چندی و دنیا مگیر

که بدبخت شد هر که دنیا گرفت

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره اول، ۵۵؛ تاریخ گزیده، ۷۵۵ ،۷۴۲، مجالس‌النفایس، ۳۵۰؛ مخزن‌الفراید، ۴۲۵ / ۳؛ مونس‌الاحرار، ۱۰۸۸.

مقصودی، فریبا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فریبا مقصودی کرمانشاهی در سال ۱۳۴۰ ، در کرمانشاه متولد گردید. وی از دانش آموزان ممتاز در دوران ابتدایی و متوسطه بود که از دبیرستان وابسته به دانشگاه رازی کرمانشاه در رشته ی ریاضی با معدل برتر و احراز رتبه ی ممتاز فارغ التحصیل شد ؛ همزمان بـا تعطیلی دانشگاه ها در ابتـدای انقلاب به هنر خوشنویسـی روی آورد و پس از اسـتفاده از اسـتادان صاحب نام ، در سال ۱۳۶۴ به دریـافت گواهینـامه ی ممتـاز از انجمن خوشـنویسان ایران نائـل گردیـد. مقصودی پس از آنکه هنر خوشنویسـی را با درجه ممتاز به پایان رساند به تدریس و تعلیم هنر خوشنویسـی در انجمن خوشـنویسان ایران و دانشـگاه تهران و مراکز هنری و علمی دیگر اشـتغال یافت.گروه : هنررشته : خوشنویسیوالدین و انساب : فریبا مقصودی کرمانشاهی ، فرزند کریم و طوبی از ایل گوران ، در سوم اسفند ۱۳۴۰ در کرمانشاه دیده به جهان گشود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : فریبا مقصودی کرمانشاهی از دانش آموزان ممتاز در دوران ابتدایی و متوسطه بود که از دبیرستان وابسته به دانشگاه رازی کرمانشاه در رشته ی ریاضی با معدل برتر و احراز رتبه ی ممتاز فارغ التحصیل شد ؛ همزمان با تعطیلی دانشگاه ها در ابتدای انقلاب به هنر خوشنویسی روی آورد و پس از استفاده از استادان صاحب نام ، در سال ۱۳۶۴ به دریافت گواهینامه ی ممتاز از انجمن خوشنویسان ایران نائل گردید.استادان و مربیان : فریبا مقصودی کرمانشاهی در زمینه ی خوشنویسـی از اسـتادانی چون ابوالفضـل عطوفی کرمانشـاهی ، عبـدالله جواری کرمانشـاهی ، رضـا منوری یزدی ، معین الکتاب اصـفهانی ، یدالله کابلی خوانساری ،کرمعلی شیرازی ، غلامحسین امیرخانی و آیت الله حاج سیدمرتضی نجومی استفاده های فراوان برد.فعالیتهای آموزشـی : فریبا مقصودی کرمانشاهی پس از آنکه هنر خوشنویسـی را با درجه ممتاز به پایان رساند به تدریس و تعلیم هنر خوشنویسـی در انجمن خوشـنویسان ایران و دانشـگاه تهران و مراکز هنری و علمی دیگر اشـتغال یافت.آرا و گرایشـهای خاص : از آنجا که تحصـیل هنری فریبا مقصودی کرمانشاهی در خوشنویسـی ، در زمینه نسـتعلیق بوده و از آغاز کتابت ، نستعلیق را رشـته اصـلی خود قرار داده است ، زیرا معتقـد می باشـد که در طی قریب پـانزده سـال تلمذ و تعلیم به اعتلاء و جـاودانگی و تـاثیر فرهنگی و هنری کتـابت ، بیش از گونه های دیگر خوشنویسی پی برده است.جوائز و نشانها : خوشنویسـی مصـحف شـریف به خط نسـتعلیق براساس نسـخه عقمان طه از جمله کارهای برجسـته ی هنری خانم مقصودی می باشد که بعد از تایید استادان و کارشناسان هنری و با نظارت مصـحیحن دارالقرآن ، به در مراسم اختتامیه مسابقات بین المللی حفظ و قرائت قرآن در پنجشـنبه سـیزدهم آذرماه ۱۳۷۶ ، به محضـر مقام معظم رهبری اهداء و مورد تقدیر قرار گرفت. فریبا مقصودی کرمانشاهی در پنجمین نمایشـگاه قرآن مجید ـ

۲۵ دی ماه ۱۳۷۶ ـ و مراسم تجلیل از خادمان قرآن معرفی و به دریافت لوح تقدیر از ریاست محترم جمهوری ایران ، نایل شد.

آثار : تاریخ شعر وادبیان محلی کرمانشاهان ویژگی اثر : این کتاب یک دوره ی پنج جلدی است.۲ دیوان پروین اعتصامی دیوان سید یعقوب ماهیدشتی کرمانشاهی شرح زیارت عاشورا کنز العرفان ویژگی اثر : دیوان میر محمد صالحی الحسنی نعمه اللهی ماهیدشتی ، معروف به حیران کرمانشاهی .۶ کوچه باغی ها مناسک حج یادنامه علامه طباطبایی یادنامه ی استاد شهید مرتضی مطهری

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

مقیسه، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین مقیسه

محل تولد : سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان تحصیلات ابتدائی، حدود سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه شدم، دو سال در حوزه مشهد و بقیه را در قم بوده ام. حدود چهار سال پس از شروع تحصیلات حوزوی، سفرهای حوزوی – تبلیغی و کلاسهای قرآن داشته ام، حدود سال ۱۳۶۵مدتی در جامعه الزهرا (س) تدریس اعتقادات و در حوزه تدریس دروس حوزوی داشته ام. سال ۶۶ درآزمون تربیت مدرس دارالشفاء شرکت و پذیرفته شدم و پس از گذراندن دوره سه ساله آن در دانشگاه شهید بهشتی تهران و در گروه معارف اسلامی عضو هیئت علمی شدم و تدریس دروس معارف اسلامی را آغاز کردم که تاکنون ادامه دارد. علاوه بردانشگاه شهید بهشتی در دانشگاههای تهران، علامه، بهزیستی، آزاد علمی کاربردی و علوم پزشکی شهید بهشتی و تهران هم تدریس وهمکاری علمی داشته ام.

تاکنون بیش از ۱۱مقاله در موضوعات مختلف معارفی و قرآنی در مجلات مختلف و مجموعه مقالات همایشها و نیز کتاب نظم هستی که پایان نامه دوره تربیت مدرس قم بود با اضافات و اصلاحاتی توسط بوستان کتاب چاپ و منتشر شده در تهیه و تنظیم کتاب مفتاح مجمع البیان نیز همراه و همکار نویسندگان آن بوده ام که به اهتمام پژوهشکده باقرالعلوم(ع) و انتشارات اسوه چاپ شد. حدود ده سال هم هست که توفیق همراهی با حجاج خانه خدا و تشرف به حرمین شریفین و عتبات عالیات را به عنوان روحانی کاروان دارم . نوشته های چاپ نشده متعددی هم دارم که احتمالاً در آینده اگر خدا بخواهد منتشر خواهد شد.

مقیسه، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین مقیسه

محل تولد : سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان تحصیلات ابتدائی، حدود سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه شدم، دو سال در حوزه مشهد و بقیه را در قم بوده ام. حدود چهار سال پس از شروع تحصیلات حوزوی، سفرهای حوزوی – تبلیغی و کلاسهای قرآن داشته ام، حدود سال ۱۳۶۵مدتی در جامعه الزهرا (س) تدریس اعتقادات و در حوزه تدریس دروس حوزوی داشته ام. سال ۶۶ درآزمون تربیت مدرس دارالشفاء شرکت و پذیرفته شدم و پس از گذراندن دوره سه ساله آن در دانشگاه شهید بهشتی تهران و در گروه معارف اسلامی عضو هیئت علمی شدم و تدریس دروس معارف اسلامی را آغاز کردم که تاکنون ادامه دارد. علاوه بردانشگاه شهید بهشتی در دانشگاههای

تهران، علامه، بهزیستی، آزاد علمی کاربردی و علوم پزشکی شهید بهشتی و تهران هم تدریس وهمکاری علمی داشته ام.
تاکنون بیش از ۱۱مقاله در موضوعات مختلف معارفی و قرآنی در مجلات مختلف و مجموعه مقالات همایشها و نیز کتاب نظم هستی که پایان نامه دوره تربیت مدرس قم بود با اضافات و اصلاحاتی توسط بوستان کتاب چاپ و منتشر شده در تهیه و تنظیم کتاب مفتاح مجمع البیان نیز همراه و همکار نویسندگان آن بوده ام که به اهتمام پژوهشکده باقرالعلوم(ع) و انتشارات اسوه چاپ شد. حدود ده سال هم هست که توفیق همراهی با حجاج خانه خدا و تشرف به حرمین شریفین و عتبات عالیات را به عنوان روحانی کاروان دارم . نوشته های چاپ نشده متعددی هم دارم که احتمالاً در آینده اگر خدا بخواهد منتشر خواهد شد.

مقیم اصفهانی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌درویش محمد حامدی خزاعی اصفهانی غروی.

عالم فاضل، مؤلف کتاب «مشکوة البهیة فی الفرائد القرآنیة». نام او در اجازه‌ی کبیر سید عبدالله شوشتری برده شده، و او وی را ستوده است.

درویش محمد، عالم و فاضل و صالح، و از شاگردان شهید ثانی و محقق کرکی بوده، و در ۹۳۹ از استاد خود [محقق کرکی] اجازه گرفته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مقیم تبریزی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۶۴ ق)، خطاط. اصلا تبریزی و ساکن عباس‌آباد اصفهان بود. وی از شاگردان میرعماد به شمار می‌رفت و کتابت خفی را خوش می‌نوشت. محمد مقیم در زمان شاه عباس دوم کتابدار وی بود و تا ۱۰۶۴ ق در این سمت به سر می‌برد. سپس همراه فرزند خود، سید علی خان جواهر رقم، به هندوستان رفت و در دوره‌ی سلطنت شاه جهان (۱۰۶۹ -۱۰۳۷ ق) شهرت بسزایی یافت. از آثار او: یک قطعه، به قلم دو دانگ خوش، با رقم: «بتاریخ بیست و دوم رجب نوشته شد، فقیر محمد مقیم»؛ یک قطعه در مرقعی که مقابل یک قطعه عالی از خطوط و رشیدا، سوره‌ی فاتحه را عینا نقل کرده است، با رقم: «کتبه العبد المذنب محمد مقیم الحسینی غفر ذنوبه»؛ یک قطعه، به قلم سه دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم: «مشقه الفقیر المذنب الراجی محمد مقیم الحسینی غفر ذنوبه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۴۰ -۸۳۹/ ۳)، اطلس خط (۵۴۰).

مقیم دارابی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به مقیم. در دارابگرد (دارابجرد) فارس به دنیا آمد و در کربلا نشو و نما یافت و تحصیل کمال کرد. در علم سیاق و حساب و انشا مهارت داشت و خط شکسته را نیکو می‌نوشت و گاهی اشعاری نیز می‌سرود. مقیم مدتی در هندوستان در ملازمت داراب خان (م ۱۰۳۳ ق)، پسر خان خانان عبدالرحیم خان، به سر برد و در فتح دکن، در ۱۰۲۶ ق، در رکاب او بود. وی در باب این فتح ابیاتی در مدح داراب خان و فرزندانش سرود. از اوست:

گر عکس عارض تو فتد سوی آینه

بینند پشت آینه، چون روی آینه

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۸۷۰)، کاروان هند (۱۳۳۵/ ۲)، مآثر رحیمی(۱۴۲۳ -۱۴۱۹/ ۴).

مقیم سبزواری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. در زمان اکبر شاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به هندوستان رفت و در ملازمت خان اعظم میرزا عزیز کوکلتاش به سر برد.

بعد از فتح گجرات در ۹۸۰ ق، که خان اعظم از طرف اکبر شاه حاکم آن دیار شد، مقیم به وطن خود مراجعت کرد.

او در شعر طبعی خوش داشت و اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

عاشقانیم و سر کوی بلا مأوای ماست

عالمی پر فتنه و آشوب از غوغای ماست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۹۲/ ۹)، صبح گلشن (۴۴۲ -۴۴۱)، فرهنگ سخنوران (۸۷۱ -۸۷۰)، کاروان هند (۱۳۳۶/ ۲).

مقیم، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن جانمازی مذهب و تصحیف تازه به دست صحافی‌باشی آستانه‌ی قدس رضوی (که به خط تعلیق خوش این سعی را در آخر نوشته است) با رقم: «کتبه الاثیم. محمد مقیم ۱۱۲۳» نسخ کتابت خفی خوش. برای فروش نزد حاج ابوالقاسم.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

مقیمی ترکمان تبریزی، حسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۴/ ۱۰۰۹ ق)، خطاط، موسیقیدان و شاعر، متخلص به مقیمی. معروف به حسن بیگ شکر اوغلی. از بزرگ زادگان تبریز بود. نسبش از جانب مادر به جهانشاه، پادشاه قراقویونلو، و از جانب پدر به علی شکر بیگ معروف، خطاط و موسیقیدان معروف که از بزرگان ایل بهارلو بود، می‌رسد. در زمان اکبر شاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به هند رفت و ملازم عبدالرحیم خان، خان خانان، که در آن هنگام مأمور دکن بود، شد. گاهی در شعر حسن تخلص می‌کرد و لذا در «فرهنگ سخنوران» از او به عنوان حسن ترکمان نیز یاد شده است. وی در دکن درگذشت و در ولایت خاندیس به خاک سپرده شد. در شعر و خوشنویسی و موسیقی دست داشت و خط نستعلیق را نیکو می‌نوشت. از وی اشعاری نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۸ -۸۷/ ۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۵)، تذکره‌ی روز روشن (۷۶۱ -۷۶۰)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۶۲۷ -۶۲۲/ ۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۱۵ -۱۱۴)، الذریعه (۱۰۹۴ -۱۰۹۳/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۷۲ -۸۷۱، ۲۵۷)، کاروان هند (۱۳۳۸ -۱۳۳۶/ ۲)، لغت نامه (ذیل/ مقیمی ترکمان)، مآثر رحیمی (۱۶۰۸ -۱۵۸۱/ ۴)، مجمع الخواص (۱۱۲ -۱۱۱)، نتایج الافکار (۶۳۱ -۶۳۰)، هفت اقلیم (۲۳۷ -۲۳۶/ ۳).

مقیمی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر ابراهیم مقیمی در سال ۱۳۳۸ هجری خورشیدی در خوانسار متولد شد.وی در سال ۱۳۶۴ و ۱۳۶۸ هجری خورشیدی موفق به دریافت درجه لیسانس و فوق لیسانس جغرافیای طبیعی از دانشگاه تهران شد.ایشان در سال ۱۳۷۷ هجری خورشیدی موفق به دریافت درجه دکتری از دانشگاه تهران شد. نامبرده در سال ۱۳۶۹ هجری خورشیدی به عنوان عضو هیات علمی وزارت فرهنگ و آموزش عالی و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه، مشغول به کار و مدتها به عنوان دبیر گروه و معاون مدیر پژوهش انجام وظیفه نمود.وی در سال ۱۳۷۸ هجری خورشیدی به دعوت گروه جغرافیا در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و در بهمن ماه سال ۱۳۸۴ به دانشگاه تهران منتقل شد. اکنون دانشیار گروه جغرافیای طبیعی است.گروه : علوم انسانی رشته : جغرافیات حصیلات رسمی و حرفه ای : ابراهیم مقیمی در سال ۱۳۶۴ و ۱۳۶۸ هجری خورشیدی موفق به دریافت درجه لیسانس و فوق لیسانس جغرافیای طبیعی از دانشگاه تهران شد.ایشان در سال ۱۳۷۷ هجری خورشیدی موفق به دریافت درجه دکتری از دانشگاه تهران شد.فعالیتهای آموزشی : دکتر ابراهیم مقیمی در سال ۱۳۶۹ هجری خورشیدی به عنوان عضو هیات علمی وزارت فرهنگ و آموزش عالی و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه، مشغول به کار و مدتها به عنوان دبیر گروه و معاون مدیر پژوهش انجام وظیفه نمود.وی در سال ۱۳۷۸ هجری خورشیدی به دعوت گروه جغرافیا در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و در بهمن ماه سال ۱۳۸۴ به دانشگاه تهران منتقل شد. اکنون دانشیار گروه جغرافیای طبیعی است. وی تا این تاریخ دروسی چون ژئومورفولوژی ایران، ژئومورفولوژی شهری، ژئومورفولوژی اقلیمی و کاربرد ژئومورفولوژی در برنامه ریزی را در مقطع لیسانس ارائه کرده است. در مقطع فوق لیسانس دروس اکوسیستم های محیطی، تغیرات محیطی و واحدهای ژئومورفولوژی ایران، و در مقطع دکترا ژئومورفولوژی و مدیریت محیط را ارائه کرده است. وی در سال ۱۳۸۲ عضو شورای انتشارات دانشگاه تهران شد.چگونگی عرضه آثار : ابراهیم مقیمی دارای ۴۰ مقاله علمی_پژوهشی، علمی_ترویجی، مقاله کامل کنگره ها، سمینارها و

خلاصه مقاله (داخلی و خارجی) است.آثار : برنامه ریزی مسکن ویژگی اثر : پدیدآورنده: محمدرضا پورمحمدی، ابراهیم مقیمی (ویراستار) ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) – ۳۰ آذر، ۱۳۸۷۲ روش تحقیق در جغرافیای طبیعی (ژئومورفولوژی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: فرج الله محمودی، ابراهیم مقیمی ناشر: قومس – ۱۳۸۳۳ ژئومورفولوژی (اقلیم) ویژگی اثر : ۱۳۷۹۴ ژئومورفولوژی (دیدگاهها) ویژگی اثر : پدیدآورنده: ریچارد چورلی، استانلی آلفرد شوم، دیوید ساگدن، احمد معتمد (مترجم)، ابراهیم مقیمی (مترجم) ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) – ۲۷ شهریور، ۱۳۸۴۵ ژئومورفولوژی (زمین شناسی) ویژگی اثر : ۱۳۷۷۶ ژئومورفولوژی (فرایندها) ویژگی اثر : ۱۳۷۹۷ ژئومورفولوژی شهری ویژگی اثر : پدیدآورنده: ابراهیم مقیمی، علیرضا استواری (ویراستار) ناشر: دانشگاه تهران – ۳۰ آذر، ۱۳۸۷۸ کاربرد ژئومورفولوژی در برنامه ریزی ویژگی اثر : ۱۳۷۸۹ مخاطرات محیطی ویژگی اثر : پدیدآورنده: شاپور گودرزی نژاد، کیت اسمیت، ابراهیم مقیمی (مترجم) ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) – ۱۳۸۲

مقیمی، غلامحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسن مقیمی

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۷/۹

زندگینامه علمی

اینجانب غلام حسن مقیمی دوره ابتدایی را در یک از روستاهای شهرستان بهشهر بنام زبدوان اتمام سپس مقطع راهنمایی را در شهرستان بهشتر به پایان رسانده و دبیرستان را در رشته برق از سال ۵۸ شهرستان بابل خوانده ام. سال ۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح را در سال ۷۵ به اتمام رساندم. از سال ۶۸ همزمان با دروس حوزوی دروس دانشگاهی را شروع نموده ام که از سال ۷۸ مقطع ارشد در رشته علوم سیاسی اتمام رساندم. در سال ۷۱ کار پژوهش و تالیف را شروع نمودم. اولین مقاله را در سال ۷۱ تحت عنوان ضرورت مباحث و مطالعات سیاسی در حوزه های علمیه را نگاشتم. تا کنون بیش از ۱۵ مقاله را منتشر نموده ام که ضمیمه می باشد. آخرین تالیف بنده اندیشه سیاسی ابوریحان بیرونی است که به سفارش پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه سیاسی به بنده شده بزودی منتشر خواهد شد. همچنین آخرین مقاله بنده بنام رمزگشایی از یک مفهوم پر ابهام است که در شماره جدید فصلنامه علوم سیاسی چاپ خواهد شد.

کتاب نقش مردم در حکومت دینی در سال ۸۰ به عنوان رشد برگزیده فرهنگی سال شناخته شد و از جناب رئیس جمهور محترم لوح تقدیر دریافت نمودم. هم اکنون مدرس مدرسه عالی امام خمینی و عضو هیات تحریریه فصلنامه علوم سیاسی و نیز عضو هیات تحریریه فصلنامه طلوع می باشم.آخرین اثر در دست تالیف از بنده اندیشه سیاسی امام خمینی است.

مکارم شیرازی، ناصر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والفاضل العلام آقای علامه ناصر مکارم، از اساتید بنام و مدرسین والامقام و علماء کرام و نویسندگان فخام و گویندگان عظام حوزه علمیه قم و افتخار استان فارس و بلکه ایران و جهان تشیع است در ۲۲ ماه شعبان ۱۳۴۷ قمری در شیراز در یک خانواده اصیل به دنیا آمده و تحصیلات جدید خود را در مدارس جدید شیراز خوانده و در مدت کوتاهی به واسطه استعداد و حافظه فوق‌العاده مقدمات و ادبیات را در مدرسه آقاباباخان فراگرفته و سطوح نهائی فقه و اصول را از مدرسین شیراز خوانده و ضمنا از تدریس خود عده‌ای را بهره‌مند می‌نمود تا در سال ۱۳۲۴ شمسی که از وطن خود مهاجرت به قم و دانشگاه جعفری شیعه یعنی حوزه علمیه نموده و در درس مرحوم آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی بروجردی طاب ثراهما حاضر شده و کاملا با صحبت کردن در بحث آن آیات عظام جلب توجه آنها و کلیه شرکاء درس را می‌نمودند و خاطر این نویسنده است که در آن اوقات مترجم معظم ما سنین عمرش از بیست سال نگذشته بود که در درس علمین مذکورین اشکال می‌کرد و جواب می‌گرفت.

مسافرتی در سال ۱۳۶۹ قمری به نجف اشرف نموده و حدود یکسال توقف و از محضر آیات عظام و مدرسین بزرگ حوزه نجف استفاده کرده و مورد توجه مخصوص آنان قرار گرفته که نائل به دریافت اجازه اجتهاد از آنها گشته و در اثر گرمی هوا و نبودن وسائل آن روز در ماه شعبان ۱۳۷۰ قمری به قم مراجعت و از درس آیت‌الله العظمی بروجردی و سایر آیات بهره‌مند گردیده و دروس معقول را از استاد علامه طباطبائی فراگرفته و به تدریس دروس عالیه پرداخته است.

استاد مکارم حوزه درس تحلیل فقه و اصول دارند که عده کثیری از فضلاء و محصلین فهمیده و با استعداد از نظریاتشان استفاده می‌کنند و غالب آنها را یادداشت می‌نمایند که امید است روزی به عنوان یک اثر ارزنده در فقه و اصول به طبع برسد.

جلسات درس عقاید و مذاهب وی نیز با سبک جدید و متد خاصی انجام می‌گیرد که صدها نفر را به طرز نوینی با این مسائل آشنا نموده و کتابهائی که حاوی فشرده آن جلسات علمی است تالیف نموده و در بررسی‌های خود از اصول علمی که مورد پذیرش محیطهای علمی امروز است کمک گرفته است.

آثار علمی ایشان که نتیجه همان جلسات درس و همچنین کتابهای ارزنده دیگر ایشان اشاره می‌کنم.

۱ و ۲ و ۳- کتاب القواعد الفقهیه که جلد اول آن در سال ۱۳۴۳ شمسی و دوم و سوم آن در سالهای بعد به طبع رسیده است.

۴- فیلسوف نماها که برنده جایزه بهترین کتاب سال گردید این کتاب درباره عقاید مادیها بحث می‌کند.

۵- آفریدگار جهان در اثبات صانع و پاسخ به شبهات مادیها.

۶- چگونه خدا را بشناسیم.

۷- رهبران بزرگ و مسئولیتهای بزرگتر در پیرامون نبوت عامه.

۸- قرآن و آخرین پیامبر در پیرامون نبوت خاصه.

۹- داروینیسم یا آخرین فرضیه‌های تکامل. ۱۰- بحثی درباره ماتریالیسم و کومینسم. بحث در اصول فلسفه (مادیها) که مکرر چاپ شده است.

۱۱- و ۱۲- ترجمه جلد اول المیزان در دو جزء که چاپ شده است.

۱۳- شرح و ترجمه اصل الشیعه ۱۴- در جستجوی خدا ۱۵- همه می‌خواهند بدانند ۱۶- جلوه حق.

۱۷- اسرار عقب‌ماندگی ۱۸- مشکلات جنسی جوانان ۱۹- آنچه از اسلام باید بدانیم .

۲۰- مقدمه بر کتاب وحی ۲۱- این مسائل مطرح است

۲۲- سرکوبیهای خطرناک ۲۳- نماز مکتب عالی تربیت ۲۴- فرآورده‌های دینی.

۲۵- عود ارواح ۲۶- جوانان را دریابید ۲۷- تربیت و نمونه‌های آن

یکی از آثار و خدمات استاد علامه مکارم تاسیس مجله درسهائی از مکتب اسلام است که از سال ۱۳۴۰ شمسی تاکنون با نشر این مجله که ارگان حوزه علمیه قم است خدمات ارزنده‌ای انجام داده است و این مجله از بهترین مجله‌ها و منشورات اسلامی شیعه است که به تمام کشور و خارج کشور منتشر و مقالات بسیار جالب و بحثهای ارزنده‌ای را به قلم اساتید و مدرسین بزرگ حوزه مطرح و پخش می‌نماید و این مجله که در زیر نظر هیئت تحریریه که همه از افاضل برجسته‌اند از ابتکارات فکر بکر ایشانست.

مراتب ولاء و علاقه او به اهل‌بیت عصمت و طهارت و بالاخص به پیشوای بزرگ جهان حضرت امیر مومنان علیه‌السلام از اشعار و سرودهای نغز او در توحید و در مراثی و مدایح آن متجلی است.

(مکارم شیرازی) در حال حاضر از مراجع تقلید و مدرسین بزرگ و آیات عظام حوزه علمیه قم می‌باشند.

رساله علمیه و توضیح المسائل ایشان در سال ۱۳۶۹ شمسی و ۱۴۱۰ قمری به طبع رسیده و منتشر گردیده و اکنون درس خارج فقه و اصول ایشان یکی از پرجمعیت‌ترین دروس استدلالی قم می‌باشد. و چون آثار ایشان از تألیفات و مدارس علمیه و غیره بسیار شده لازم دیده در اینجا استدارک نمایم.

۱- تفسیر نمونه ۲۷ جلد، مطبوع.

۲- تعلیقات بر عروه‌الوثقی، مطبوع.

۳- قرآن و آخرین پیامبر، مطبوع.

۴- معاد در جهان پس از مرگ، مطبوع.

۵- مهدی علیه‌السلام انقلابی بزرگ، مطبوع.

۶- عقیده یک مسلمان، مطبوع.

۷- اقتصاد اسلامی، مطبوع.

۸- انگیزه پیدایش مذهب، مطبوع.

۹- روش تطبیقی در شناخت، مطبوع.

۱۰- پایان عمر مارکسیسم، مطبوع.

۱۱- ارزشهای فراموش شده، مطبوع.

۱۲- پرسشها و پاسخها، مطبوع.

۱۳- این است آئین ما، مطبوع.

۱۴- آخرین فرضیه‌های تکامل، مطبوع.

۱۵- همه می‌خواهند بدانند، مطبوع.

۱۶- ده درس خداشناسی، مطبوع.

۱۷- ده درس پیامبرشناسی، مطبوع.

۱۸- ده درس معادشناسی، مطبوع.

۱۹- ده درس عدل شناسی، مطبوع.

۲۰- جوانان را دریابید، مطبوع.

۲۱- زندگی در پرتو اخلاق، مطبوع.

۲۲- جلوه حق، مطبوع.

۲۳- معمای هستی، مطبوع.

۲۴- اسرار عقب ماندگی، مطبوع.

۲۵- در یک بررسی کوتاه، مطبوع.

۲۶- در جستجوی خدا، مطبوع.

۲۷- مشکلات جنسی جوانان، مطبوع.

۲۸- آنچه از اسلام باید بدانیم، مطبوع.

۲۹- بحثی درباره ماتریالیسم و کمونیسم، مطبوع.

۳۰- تقلید یا تحقیق، مطبوع.

۳۱- خمس پشتوانه بیت‌المال، مطبوع.

۳۲- مساله انتظار، مطبوع.

۳۳- تفسیر به رای، مطبوع.

۳۴- تفسیر سپری برای مبارزه عمیقتر، مطبوع.

۳۵- این مسائل برای همه جوانان مطرح است، مطبوع.

۳۶- یکصد و پنجاه درس زندگی، مطبوع.

۳۷- طرح حکومت اسلامی، مطبوع.

۳۸- رساله مقدمه وحی، مطبوع.

۳۹- مکتبهای التقاطی، مطبوع.

۴۰- فلسفه روزه، مطبوع.

۴۱- فلسفه شهادت، مطبوع.

۴۲- با شخصیت‌ترین زن جهان، مطبوع.

۴۳- به یاد مهدی، مطبوع.

۴۴- مناظرات تاریخی امام رضا (ع)، مطبوع.

۴۵- تفسیر موضوعی پیام قرآن، مطبوع.

۴۶- مدیریت و فرماندهی در اسلام، مطبوع.

۴۷- آفریدگار جهان، مطبوع.

۴۸- توضیح المسائل- رساله علمیه، مطبوع.

۴۹- انوار الفقاهه، مطبوع.

سخنی کوتاه از:

مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع) و مدارس و موسسات وابسته به آن

قم- حوزه علمیه

مدرسه امام، امیرالمؤمنین (ع) (مرکز مطالعات اسلامی) در سال ۱۳۵۰ شمسی در زمینی به مساحت ششصد متر، به وسیله حضرت آیت‌اللّه مکارم شیرازی با همکاری جمعی از نیکوکاران تأسیس گردید و تحت عنوان «جمعیت خیریه خدمات اسلامی» رسما به ثبت رسید.

این مدرسه یکی از فعالترین مدارس حوزه علمیه قم می‌باشد و دارای چاپخانه که در طبقه زیرین قرار دارد و سه طبقه دیگر شامل هیجده حجره و یک سالن که گنجایش هزار نفر را دارد که جهت جلسات درس منظور گردیده و یک کتابخانه که حدود چهار هزار جلد کتاب خوب دارد، می‌باشد.

این مدرسه یک موسسه تحقیقاتی و تبلیغی است که تاکنون در زمینه عقائد، تفسیر و فقه و اصول و حدیث و اقتصاد اسلامی و احیاء تراث و تبلیغات اسلامی توسط مؤسس محترم آن و یا زیر نظر معظم‌له با همکاری جمعی از دانشمندان و فضلای حوزه علمیه فعالیتها و تحقیقات ارزنده‌ای به طلاب و فضلای محترم حوزه علمیه و جامعه مسلمان از راه تشکیل جلسات درس و نشر آثار سودمند و جزوات مختلف ارائه داده و می‌دهد.

و تاکنون فضلای بی‌شماری را تقدیم جامعه مسلمان کرده است که بعضا بعد از انقلاب اسلامی ملت ایران در پستهای حساسی مشغول انجام وظیفه می‌باشند.

منابع مالی: آن عبارت است از سهم مبارک امام (ع) و کمک مردان خیر انتشارات نسل جوان که بخش دیگری از این موسسه است تاکنون متجاوز از ۵۴ کتاب برای قشر جوان از نویسندگان مختلف نشر داده است که بعضا دهها بار به چاپ رسیده است.

دائره پاسخ به سئوالات: نیز یکی از بخشهای مهم و فعال این موسسه می‌باشد و از طریق پاسخ به سئوالات دینی، اجتماعی، اخلاقی و ارسال کتب و جزوات برای کتابخانه‌ها و در پاسخ سئوالات، فعالیت چشمگیری داشته و دارد.

و به خاطر این ارتباط مستمر، مخصوصا با قشر جوان و اطلاع از مشکلات آنها غالب انتشارات نسل جوان که بر این محور تنظیم گردیده، در میان قشر جوان مورد استقبال کم‌نظیری قرار گرفته و دهها بار به چاپ رسیده است.

مطبوعاتی هدف:

این مطبوعاتی از راه نشر و طبع آثار ارزنده اسلامی خود تاکنون خدمات موثری به جامعه مسلمان ارائه داده و می‌دهد.

مدارس وابسته به مدرسه امام امیرالمؤمنین (مرکز مطالعات اسلامی)

۱- مدرسه علمیه امام مجتبی (ع)- که در زمینی به مساحت هشتصد متر در سال ۱۳۶۱ نیز توسط حضرت آیت‌اللّه مکارم شیرازی و با همت جمعی از مردان خیر و نیکوکار برای سکونت طلاب محترم تأسیس گردید.

این مدرسه از سه طبقه تشکیل گردیده و دارای ۴۱ حجره می‌باشد و هم اکنون تعداد ۸۰ طلبه از داخل و خارج در آن سکونت

دارد.

امتیازات این مدرسه:

این مدرسه دارای یک سالن درس (مدرس) است که در طبقه زیرین آن قرار دارد و تمام اطاقها مجهز به دستگاه تهویه و شوفاژ می‌باشد و همچنین دارای تعداد پنج دستگاه یخچال بزرگ حمامهای مجهز و آبسرد کن و نیز برای طلابی که شهریه کمتری از حوزه می‌گیرند و کفاف مخارجشان را نمی‌کند شهریه‌ای مقرر می‌گردد.

۲- مدرسه امام حسین (ع)- که هم اکنون زمینی به مساحت پانصد و پنجاه و هفت متر برای آن توسط یکی از نیکوکاران تهیه گردیده و جمعی از مهندسین معروف کشور هم اکنون به تهیه نقشه آن اشتغال دارند و امید است به خواست خداوند متعال در آینده نه چندان دور به صورت یک مدرسه مدرن و مجهز در اختیار طلاب عزیز قرار گیرد.

این مدرسه نیز توسط حضرت آیت‌اللّه مکارم شیرازی و با مشارکت مالی جمعی از مردان خیر و نیکوکار ساخته می‌شود.

آدرس مدارس فوق:

مدرسه الامام امیرالمؤمنین، حوزه علمیه قم، اول خیابان شهدا.

مدرسه امام مجتبی (ع)، حوزه علمیه قم، خیابان شهدا، کوچه آمار، پشت مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع).

مدرسه امام حسین (ع)، حوزه علمیه قم، اول خیابان شهدا، کوچه آمار، مقابل مدرسه امام مجتبی (ع).

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مکارم، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن مکارم

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۶ دیپلم گرفتم و وارد دانشگاه اصفهان شدم اما با انقلاب فرهنگی، دانشگاه را رها کرده به حوزه قم آمدم. سال ۶۰ به اصفهان برگشتم و لیسانس ریاضی را تا ۱۳۶۴ گرفتم. بعد به حوزه شیراز رفتم و دنباله دروس حوزوی را تا رسائل و مکاسب خواندم و در سال ۶۶ به حوزه قم آمدم و در سال ۷۰ درس خارج را شروع کردم و در ضمن در سال ۷۵ به رشته تخصصی «کلام» رفتم تا سال ۷۹ و بعد از دو سال به فکر نوشتن پایان‌نامه افتادم و ظرف دو سال پایان‌نامه سطح سه را نوشتم و از سال گذشته مشغول پایان‌نامه سطح چهار شده‌ام که هنوز ادامه دارد. در این مدت در امتحان «مجوز تدریس معارف» شرکت کردم و پس از کسب مجوز تاکنون مشغول تدریس معارف اسلامی در دانشگاه می‌باشم.

مکتبی شیرازی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۱۶/ ۹۰۰ ق)، شاعر، متخلص به مکتبی. از خمسه‌سرایان معروف عهد خود بود و پیشه‌ی مکتبداری داشت و تخلص خود را نیز از همین شغل گرفت. مشهور است که مکتبش در مسجد جامع شیراز، معروف به مسجد بردی، واقع در محله‌ی قصر الدشت کنونی، قرار داشت، چنان که مدفن او هم در آنجاست. بنابر اشاراتی که مکتبی در منظومه‌ی «لیلی و مجنون» آورده، او قبل از به نظم درآوردن اثر خود، سفری به هندوستان کرد و درباز گشت، از راه خلیج فارس به عربستان و نجد رفته و در آنجا مرقد لیلی و مجنون را دیده و مصمم شده که این مثنوی را بسراید و سرانجام آن را در ۸۹۵ ق، در دو هزار و یکصد و شصت بیت، به پایان رسانده است . وی در «لیلی و مجنون» ممدوح خود را شاه قاسم بن منصور که از ترکمانان آق قوینلو و حاکم فارس بوده نام برده است. این منظومه که مثنوی متوسطی است چند بار به چاپ سنگی در هندوستان و ایران طبع شد. او در ضمن تصمیم داشت که مثنویهای دیگر نظامی را هم تقلید کند و لذا منظومه‌ای بر وزن «مخزن الاسرار» به نظم درآورد. مکتبی غزل‌هایی هم داشت که برخی از ابیات مشهور آن را تذکره‌نویسان نقل کرده‌اند. وی در علم موسیقی نیز مهارت داشت و سازی غرا مثل قانون ساخت. کتاب «الکلمات العلیهٔ» یا «کلمات علیه‌ی غرا» که نظم شصت کلمه از کلمات قصار امیرالمؤمنین (ع) می‌باشد. در «الذریعه» و مجله «یادگار» به وی منتسب شده است. چنان که در «تاریخ ادبیات در ایران» و در «تاریخ نظم و نثر» این کتاب به مکتبی خراسانی، از شارعان قرن هشتم، نسبت داده شده و در تأیید آمده است که آن را به نام خواجه نجم‌الدین علی مؤید سربداری (۷۸۸ -۷۶۶ ق) در یک هزار و پانصد بیت سروده است. از دیگر آثار وی: «دیوان» شعر.[۱]

یکی از شعرای بزرگ شیراز در قرن نهم هجری است. وی مسافرت‌هائی به هندوستان و خراسان کرده، از آثار وی که به دست

آمده: منظومه‌ای بنام لیلی و مجنون که تقلید از نظامی است، مثنوی دیگری در حدود ۱۲۰۰ بیت در تفسیر کلمات قصار حضرت علی (ع). کتاب دیگری که شامل چند داستان است از او به دست آمده و بعضی حدس زده‌اند که شاید نامش کلمات علیه باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از سعدی تا جامی (۵۸۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۹۲ -۳۸۶/ ۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۱۲، ۲۲۱)، تحفه سامی (۲۳۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۱۰ -۵۰۴/ ۴)، الذریعه (۱۱۷/ ۱۸، ۱۰۹۵ -۱۰۹۴/ ۹)، ریحانه (۳۷۹ -۳۷۸/ ۵)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۸۰ -۱۱۷۹/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۸۷۲)، لغت نامه (ذیل/ مکتبی شیرازی)، مجالس النفائس (۳۸۸ -۳۸۷)، مجمع الفصحا (۸۶ -۸۳/ ۴)، مرآت الفصاحه (۶۱۱ -۶۰۸)، منظومه‌های فارسی (۵۴۱ -۵۳۹)، مؤلفین کتب چاپی (۲۷۸ -۲۷۶/ ۶)، هفت اقلیم (۲۵۲/ ۱)، یادگار (س ۲، ش ۵، ص ۶۰ -۵۲).

مکرم حبیب‌آبادی اصفهانی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۴ -۱۳۰۴ ق)، شاعر و روزنامه‌نگار. در حبیب‌آباد از دهات برخوار اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در موطن خود، نزد درویش علی‌اکبر، و در اصفهان در مدرسه‌ی امامزاده اسماعیل و مدرسه‌ی کاسه‌گران به پایان رسانید. وی طبع شعر روانی داشت و بر ضد خرافات اشعاری می‌سرود. او در ۱۳۲۶ ق، زمانی که اقبال‌الدوله حاکم اصفهان بود، کتاب «فتح المجاهدین» را به بحر متقارب به رشته‌ی نظم کشید و منتشر نمود. مکرم در ۱۳۳۹ ق روزنامه‌ی «صدای اصفهان» و در ۱۳۴۰ ق مجله‌ی «سپاهان» را در اصفهان منتشر نمود. او مدتی به شغل وکالت روزگار می‌گذراند و در اواخر عمر در کتابخانه‌ی شهرداری اصفهان خدمت نمود. وی در تخت فولاد به خاک سپرده شد. از دیگر آثارش «دیوان» شعری می‌باشد مشتمل بر سه قسمت: ۱- غزلیات ۲- مبارزه با خرافات ۳- اشعار متفرقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۱۱۹ -۱۱۷، ۲۸ -۲۴/ ۳)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۶۷ -۴۶۴)، تذکرهٔ القبور (۴۹۲)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۹۷۴)، الذریعه (۱۰۹۵/ ۹)، سخنوران نامی‌معاصر (۳۳۸۴ -۳۳۷۹/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۸۷۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۰۸ -۴۰۷/ ۴)، یغما (س ۱۸، ش ۲، ص ۱۰۸ -۱۰۷).

مکرم، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند علی. شاعر ادیب، مدیر روزنامه‌ی صدای اصفهان، و مجله‌ی سپاهان، و صاحب دیوان مطبوع. یکشنبه ۲۴ ذی‌قعده. متولد در ۱۳۰۴، مدفون در تکیه‌ی گلزار.

ماده تاریخ وفاتش را برنا گوید:

«خصم اوهام و ریا بود بدنیا مکرم»

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مکری، سهراب

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۸۹ ق)، خطاط. از آثار او کتیبه‌ی سردر مدرسه‌ی شاه سلیمان در مهاباد است که به خط رقاع بر روی سنگ مرمر نقر شده و چنین رقم نهده است: «.. وفقنی لاتمام هذه المدرسه الشریفه فی ایام دوله‌السلطان الاعدل شاه سلیمان الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان خلدالله تعالی ملکه فی سنه ۱۰۸۹، کتبه... سهراب المکری».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی (۱۳).

مکوند، هرمز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هرمز مکوند در حدود دهه ۱۳۴۰ در خوزستان متولد گردید و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی ، دوره متوسطه را به تحصیل در رشته الکترونیک پرداخت . سپس به پژوهش و اختراع در دستگاههای الکترونیکی گوناگونی مشغول گردید .در همین حین نیز

دوره های فنی مختلفی را در داخل و خارج از کشور گذراند و بر دامنه تجارب خود افزود و به اختراعات مهمی چون اولین سیستم پیام گیر تلفنی نائل آمد . وی در میان کسانی که در رشته های فنی ، بویژه رشته الکترونیک ، مشغول به فعالیت هستند ، مشهور می باشد.

گروه : فنی و مهندسی

رشته : مهندسی هسته ای

والدین و انساب : نام خانوادگی هرمز مکوند نشان می دهد که ایشان از قوم بختیاری یا لر باشند ، انتساب ایشان به خوزستان حدس بختیاری بودن ایشان را تقویت می نماید .

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : ایران در عهد محمد رضا شاه پهلوی بویژه استان خوزستان در این دوره ، از مناطق صنعتی مشهور خاورمیانه بود . تاسیس پالایشگاهها و مراکز صدور نفت و صنایع وابسته به آن سیمای صنعتی و مدرنی به این مناطق داد . و در نتیجه تقسیم کار و تراکم نیروی انسانی در این منطقه ، در میان مردم گرایشی به شناخت و پژوهش در صنایع جدید را پدید آورد . این گرایش بوسیله مراکز آموزشی وسیعی که عمدتا توسط شرکت نفت در جای جای آن سامان تاسیس شد ، تقویت می گردید . در چنین شرایطی مخترعینی چون استاد هرمز مکوند پرورش یافتند و پایه تفکر و گرایشهای آینده وی پدید آمد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : هرمز مکوند پس از اتمام تحصیلات ابتدایی ، در رشته الکترنیک وارد دوره متوسطه شد . پس از آن دوره هایی فنی در مورد الکترونیک را در داخل و خارج از کشور گذراند .

خاطرات و وقایع تحصیل : یکی از خاطرات استاد مکوند اولین اختراع وی در زمان تحصیل در دبیرستان باز می گردد ، که وی به وسیله موتور یک ساعت رومیزی شماطه دار هلی کوپتری ساخته بود . ناظم دبیرستان با دیدن آن ،آنرا از او گرفت و به او باز نگرداند بلکه آنرا بعنوان زینت در دفتر دبیرستان قرار داد. جوانی و دوران تحصیل استاد مکوند مقارن حکومت محمد رضا شاه پهلوی و نیز درگیریهای مرزی ایران و عراق بود ، که منجر به عقد قرارداد الجزایر در اسفند ۱۳۵۳ گردید . این وقایع ذهن استاد را به اختراع دستگاهی رهنمون ساخت که روی مسلسل نصب می شد و آنرا بطور خودکار فعال می نمود .

فعالیتهای ضمن تحصیل : هرمز مکوند از اغاز تحصیل به کنجکاوی و جستجوگری در الکترونیک و ابزارآلات مربوط به آن علاقمند بود و به اختراعاتی در این زمینه نیز نائل می آمد .

وقایع میانسالی : استاد مکوند پس از گذراندن تحصیلات متوسطه ، در چند دوره فنی الکترونیک در داخل و خارج از کشور شرکت نمود . سپس به پژوهش و تحقیق پرداخت و به اختراعاتی نائل گردید . و فعالیت بسیاری را برای عرضه و انبوه سازی آنان می نمود که در برخی موارد نیز موفق نبود .

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : هرمز مکوند در کنار کار وتفکر درباره اختراعات خود و راه حلها و راهکارها ی آنها ، به دقت در جامعه و زمانه خود و نیازهای آن عادت دارد . چنانکه با خواندن خبر کشته شدن یک سرباز ایرانی در درگیریهای مرزی ایران و عراق در ۱۳۵۳ ه . ش به فکر ساختن یک مسلسل هوشمند افتاد و نیز با دیدن مسافرانی که بدلیل بسته بودن پنجره های تاکسی ها در زمستان موفق به انتقال سریع نمی شدند در پی ساخت دستگاهی برای انتقال صدای خارج به درون خودروها بود .

شاگردان : هرمز مکوند از مخترعین پیشکسوت ایرانی به شمار می رود و به ویژه کسانی که به مطالعه در رشته های مهندسی الکترونیک می پردازند از تجارب وی بهره مندند و یا دست کم نام وی را شنیده اند .

همفکران فرد : جشنواره خوارزمی اولین بار در ۱۳۶۶ ه.ش توسط سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران بمنظور حمایت و تندیس از پژوهشگران و نوآوران برگزار گردید، از آن زمان تا کنون هر ساله در روز ۱۹ بهمن ماه چنین جشنواره ای برگزار می گردد . و در سه گروه تحقیق ، ابتکار و اختراع به بهترین طرحها جایزه می دهد . چنانکه در سال ۱۳۶۷ سید محمد احدی سرکانی (کارشناس ارشد الکترونیک از دانشگاه امیر کبیرو طراح دستگاه « رمز کننده صوتی » و موسی الرضا ناظمی مقدم کارشناس مهندسی الکترونیک و طراح دستگاه سون فارا ، در سال ۱۳۷۰ محمد بابازاده کارشناس الکترونیک دانشگاه علم و صنعت مجری و طراح برش کامپیوتری ورقهای آهنی با چشم الکترونیکی و علیرضا قلمبردزفولی کارشناس الکترونیک از دانشگاه شریف و طراح « فرستنده – گیرنده سنتی سایزری ۲۸۴۰۰۰

آرا و گرایشهای خاص : علاقه اصلی هرمز مکوند ، جستجوگری در زمینه امکان کاربردهای جدید علم الکترونیک می باشد . در عین حال اذعان می دارد که مخترعین طبیعتا بر محورهای مختلفی کار می کنند اما همواره نیز در پی یافتن اختراعی با کارکردهای متفاوت می باشند . وی اختراعاتش را بر اساس نیاز جامعه و زمانه خود پدید آورده است و همواره می کوشد تا کمترین تقلید را از دیگران انجام دهد و به نوجویی و خلاقیت خود متکی باشد .

چگونگی عرضه آثار : گذشته از اولین اختراع هرمز مکوند که در دفتر دبیرستان محل وی باقی ماند ، سیستم هوشمند مسلسل اختراع وی بعنوان یک جنگ افزار نظامی توسط دستگاههای مربوطه در زمان حکومت پهلوی (۱۳۵۳ ه.ش) ثبت شد . سیستم پیام گیر تلفن ساخت استاد مکوند نیز گر چه توسط دولت به ثبت رسید (۱۳۵۴ ه.ش) . اما به دلیل عدم حمایت مسئولان امر یا سرمایه گذاران خصوصی به خط تولید نرسید . وی دستگاه قابل نصب بر تاکسی ها را به سازمان تاکسیرانی عرضه نمود و با وجود موافقت آن سازمان ، در عمل چندان نتیجه ای به ظهور نرسید . طرح دستگاه کنترل ترافیک نیز گر چه موافقت وزیر راه و ترابری را در پی داشت ، نیز به همان سرنوشت دچار گردید . و همچنین است درباره طرح آویختن لامپهای مهتابی بر تقاطع ها و پلها .

آثار :

۰۱

ویژگی اثر : هلی کوپتر کوچک استاد مکوند با استفاده از ابزارهای ساده و موتور ساعتهای رومیزی شماطه دار کار می کرد . دستگاه هوشمند قابل نصب روی مسلسل ها و جنگ افزارها که بعنوان یک جنگ افزار نظامی نیز توسط دولت پهلوی به ثبت رسید ، دستگاهی بود که بلافاصله پس از رویت شیی متحرکی که از مقابل آن می گذشت ، شروع به شلیک می کرد . دستگاهی که بر

تاکسی ها نصب می شد نیز با هر ترمز کردن راننده « سانـد افکت » های بیرون و خیابان را به درون اتاق خودرو پخش می نمود . دستگاه کنترل ترافیک نیز از راه دور چراغهای سه رنگ ترافیک را کنترل و حتی در مواقع اضطراری ، جهت عبور آمبولانس یا خودروی آتش نشانی ، چراغها را دستکاری می نمود . این حتی دستگاه بلند گویی داشت که عابران و رانندگان را نیز از پیامهای اضطراری با خبر می کرد . سیستم نشان دهنده مکان تقاطع ها و ... هم با آویختن لامپ های فلورسنت (مهتابی) خارج از رده که بوسیله امواج خاصی که از خودروها ساطع می شد روشن می شد و به گونه ای اعلام خطر می نمود . [مکوند « اختراعات در بایگانی ، » آفرینش ، صص ۳-۲]

مکی اصفهانی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۸۳ ق)، شاعر، متخلص به مکی. اهل اصفهان بود و در نهایت درویشی و سادگی زندگی می‌کرد. به بیت‌اللّه الحرام رفت و پس از مراجعت، به هند مسافرت کرد. از آنجا دوباره به مکه رفت و بیست و دو سال در آنجا سکنی گزید. وی در درب باب‌السلام عقیق فروشی می‌کرد. بعد از فوت شریف مکه، شورشی در آنجا برپا شد و مکی به اصفهان بازگشت. او به پیروی از «مثنوی» مولوی، یک «مثنوی» سروده است و، به آورده‌ی نصرآبادی، مکی در ۱۰۸۳ ق، تاریخ تألیف «تذکره‌ی نصرآبادی»، در اصفهان مشغول سرودن این «مثنوی» بوده است. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۲۸)، الذریعه (۱۰۹۵/ ۹)، ریحانه (۳۸۰/ ۵)، صبح گلشن (۴۴۴ -۴۴۳)، فرهنگ سخنوران (۸۷۲)، کاروان هند (۱۳۳۹/ ۲).

مکی، ابوالمظفر

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، شاعر. از بی‌همانندان و بزرگان روزگار محمود غزنوی است که علاوه بر بهره‌مندی از فضل و دانش در سرودن اقسام شعر توانا بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۳۴)، لباب الالباب (۴۶ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالمظفر)، مجمع الفصحا (۱۳۹ /۱).

مکی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی مکی

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۷/۱۴

زندگینامه علمی

اینجانب متولد ۱۴ مهر ۱۳۴۵ آبادان مقطع ابتدایی و سالهای اول و دوم راهنمایی را در دبستان سلطانی علوی و استقلال آبادان گذراندم و سال سوم راهنمایی و چهار سال دبیرستان را در دبیرستان حافظ قم سپری نمودم. رشته تحصیلی ام تجربی بود. سال ۱۳۶۵ رسما وارد حوزه علمیه قم شده و مقدّمات را در مدرسه مبارکه علمیه رضویه (سلام علی شرفیها) خواندم.

از سال ۱۳۷۲ درس خارج خود را در محضر حضرت آیهٔ الله العظمی فاضل لنکرانی آغاز نمودم. پس از ۸ سال با کسالت معظم له به مجموع شاگردان حضرات آیات عظام: وحید خراسانی و میرزا جواد تبریزی پیوستم. اینجانب از سال ۱۳۶۸ بـه جرگه مبلغین پیوسته در شهرهای آبادان، خرمشهر، کرمان، شهرکرد، فارسان، قم، تهران، کرمانشاه، همدان، اصفهان، زابل و ... و روستاهای اطراف به ایراد و سخنرانی پرداختم. مجموعه سخنرانی ها در مساجد، تکایا، نهادها، دانشگاه، زندان، و ... در موضاعات مختلف و مناسب با محل بوده است.

مدتی از طرف اوقاف، ستاد مبازه با مواد مخدر ... مسئول گروه مبلغین به استانهای مختلف را بر عهده داشتم. گذشته از یادداشتهای پراکنده ای که در زمینه منبر و سخنرانی و شیوه های روضه خوانی نوشته ام؛ شرح بر خطبه حضرت زهرا (س) نوشتم که متاسفانه

چون توان چاپ نبود باقی مانـد، یک کتاب به دعوت مرکز پژوهشـهای صدا و سیمای قم به عنوان «پژوهشی در زندگینامه آخوند خراسانی» به رشته تحریر درآوردم که چاپ شد.

چون اکثر کار اینجانب تاکنون سخنرانی بوده؛ توانستم به پیشنهادهای مرکز پژوهشها و دیگر دوستان عمل کنم و نوشته ای را تحریر نمایم. اینجانب یک دوره به مدت سه سال تحت عنوان مهارتهای تبلیغی در دفتر تبلیغات اسلامی در سطح دکتری سپری نمودم و از اساتیـد مجرب اسـتفاده نموده و نفر اول و ممتـاز آن دوره شـدم و الان غریب دو سال است در مسـجد محل تفسیر قرآن می گویم. مـدت شـش سـال نیز بازرس دفتر تبلیغات اسـلامی در دوره های طرح هجرت در اسـتانهای قم، همـدان، کردسـتان، فارس، بوشـهر، چهارمحال بختیاری بوده ام.

ملا آقابابا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۹۳ ق)، عـالم و خطـاط. در «فارسـنامه‌ی ناصـری» آمـده که در تمامی کمالات خصوصاً در خط تحریر و انشاء و نجوم به پـدر خویش اقتـدا کرده است. وی در ۱۲۹۳ ق هنگام تألیف «فارسـنامه» در قید حیات بود. آخوند آقابابا بیشتر در خط شکسـته و نستعلیق مهارت داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۳۹ /۴)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۴۷۸ /۲).

ملا باشی تبریزی، عبدالکریم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۴ -۱۲۲۰ ق)، فقیه، عـالم دینی و مـدرس. در ایروان به دنیا آمـد. از علمای قزوین در عصـر محمـدشاه قاجار بود. ملا باشـی از شاگردان برجسـته‌ی سید علی طباطبائی، صاحب «ریاض»، بود و در فقه، «ریاض» تألیف استادش را تدریس می‌کرد. فرزندش، میرزا محمـدعلی، و فاضل ایروانی و میرزا حبیب‌اللَّه رشتی و میرزا محمـد تنکابنی صاحب «قصـص العلماء» از شاگردان او بودند. در تبریز درگـذشت و در جـایی که معروف به مقبره‌ی حـاجی ملا باشـی است دفن شـد. از آثارش بنای مسـجد، تکیه، آب انبار و بقعه‌ای بر روی قبر حاج محمدجعفر مجذوب علیشاه کبودر آهنگی در تبریز است. از آثار علمی‌اش: «اصالهٔ البرائهٔ»؛ حاشـیه بر کتاب «الطهارهٔ» از «ریاض» اسـتادش؛ «مختصـر العروض»، به فارسـی که برای فرزندش میرزا محمدعلی تألیف نمود؛ رساله‌ی «قواعد النحو و الصرف فی لغهٔ الفرس». او رساله‌ای نیز در «قافیه» دارد که طبع نشده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۸ /۴۲)، دانشـمندان آذربایجان (۳۵۸)، الذریعه (۲۰۱ -۲۰۰ /۲۰ ،۱۱۵ -۱۱۴ /۲)، شـرح حال رجال (۱۴۴ -۱۴۳ /۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۵۹ -۷۵۸ /۱۳)، فوائد الرضویه (۲۴۳ -۲۳۹)، فهرست کتابهای چاپی فارسـی (۲۹۵۶ ، ۱۷۰۴ /۲)، قصص العلماء (۱۰۰ -۹۴)، مکارم الآثار (۶۸۹ -۶۸۷ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۹۱۱ /۳)، یادگار (س ۳، ش ۶ و ۷، ص ۱۱۱).

ملا باشی سرابی تبریزی، محمدکریم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۵۱ ق)، مـدرس، ادیب و نویسـنده. از ادباء معروف آذربایجان و معلم محمـد میرزای ولیعهـد (محمـد شاه قاجار) بوده و به نام وی کتابی در لغت پارسی با عنوان «برهان جامع اللسان»، در ۱۲۵۱ ق، تألیف کرده است که این کتاب به «فرهنگ محمد شاهی» نیز معروف می‌باشـد. در ابتـدای کتـاب آمـده است که شـاهزاده بهمن میرزا در هنگـام تـألیف «تـذکره‌ی شاهی» ملا باشی را به تألیف «فرهنگ محمد شاهی» رهنمون شده است. در «الذریعه» آمده که این کتاب به نام فتحعلی‌شاه قاجار نوشته شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :دانشـمندان آذربایجان (۳۵۹ -۳۵۸)، الذریعه (۲۱۶ /۶ ،۹۵ -۹۴ /۳)، شـرح حال رجال (۵ /۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۴۹۴ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۴ /۵).

ملا باشی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمّد حسن بن محمّد علی بن میزا عبداللّه تفرشی حسینی.

عـالم فاضـل، و فقیه کامل پـدرش از فحول علمای تنجیم بوده، و جـدّش میرزا محمّـد علی نیز از فضـلا و منجّمین، و همشیره ی میر محمّـد صـادق خـاتون آبـادی منجّم [را داشـته]است. در المـآثر و الآثـار درباره او [میرمحمـد صادق]گویـد: در علم اختر شـماری و ستاره‌شناسی از اعاجیب وقت بود، و در غالب علوم از فقه و اصول و نجوم استاد بوده.

میرزا محمّـد علی منجّم از شـیراز به اصـفهان آمـده، و در روز ۴ جمـادی الثانی ۱۲۸۲ وفـات یـافته، و در جلو تکیه ی مـادر شاهزاده مدفون گردید.

بعد از او میرزا محمّد حسن منصب منجّم باشی گری مفتخر شده، و از آثارش رساله‌ای است در طالع و احکام میرزا یوسف آشتیانی مستوفی الممالک، و در سال ۱۲۹۸ وفات یافته، و منصب منجّم باشی گری و ملّا به فرزند او صاحب عنوان رسیده است.

وی فاضل و عالم و فقیه بوده، و در اصـفهان مصدر امور شـرعی و عرفی بوده، در روز ۵ شنبه ۱۱ ربیع الثانی سال ۱۳۳۱ وفات یافته، در بقعه ی تکیه ی میرزا ابوالمعالی مدفون شد.

از آثارش کتاب دفتر تقویم است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ملا باشی، محمد باقر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میر محمّد اسماعیل خاتون آبادی. عالم فاضل، مدّرس مدرسه ی چهار باغ (اوّلین مدرّس مدرسه ی مزبور) در ربیع الاول سال ۱۱۲۷ وفات یافته، در تکیه ی خاتون آبادی‌ها در اطاق دوّم دست چپ مدفون گردید.

مشار الیه استاد شاه سلطان حسین صفوی و جمعی کثیر از فضلای زمان خود بوده که از آن جمله است:

سید نور الدین بن سید نعمت اللّه جزائری و دیگران. وی را تألیفاتی است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ملا باشی، محمود

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، از شاگردان آقا سید ابوالقاسم دهکردی و دیگران بوده، و داماد حاج میرزا هاشم امام جمعه اصفهان می‌باشد.

در () وفات یافته، جنب پدر مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ملا باشی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج میرزا رضا. عالم فاضل، در ۱۳۸۷ در اصفهان وفات یافته، جنازه به مشهد منتقل گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ملاباشی شیرازی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۰ ق)، فقیه و اصـولی. جـامع معقـول و منقـول بـود. چون معلم حسـینعلی میرزا فرمانفرمـا، پسـر فتحعلی‌شـاه قاجـار، بود به ملاباشـی ملقب گردیـد و سلسـله‌اش به این نام معروف شدنـد. در شـیراز درگـذشت و در تکیه‌ی خواجه حافظ دفن شد. از آثارش: «بحر الجواهر الخاقانی»؛ «انوار الحقائق»؛ «مقاصـد الصالحین»؛ «لوامع الانوار»، در شـرح «الصـحیفهٔ السـجادیهٔ»، شـرحی عرفانی، در دو مجلد بزرگ؛ «انوار القلوب»، در اخبار و مواعظ و اخلاق، به فارسی.[۱]

(تو ۱۲۸۵ ش)، نویسـنده. در ارومیه متولـد شـد. پس از فراغت از تحصـیل دوره‌ی متوسـطه به تهران آمـد و در دانشسـرای عـالی در رشـته‌ی ریاضـی و علوم تربیتی لیسانس گرفت و بعـد وارد خـدمت وزارت فرهنگ گردید و عهده‌دار مشاغل ذیل شد: دبیر و بازرس فرهنگ اصـفهان، رییس دانشسـرای مقـدماتی پسـران تبریز، رییس فرهنگ ارومیه، مامور مطالعه به اروپا در سال ۱۳۲۶ ش به مدت یکسال، رییس دبیرسـتان قریب، رییس تعلیمات متوسطه، رییس فرهنگ آذربایجان و استاندار آذربایجان شرقی. از آثار وی: «تربیت

معلم در کشورهای فرانسه و انگلستان و ایران»؛ «تعلیم و تربیت در فرانسه».[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۱۸۹، ۱۸۵/ ۹)، الذریعه (۳۸۱/ ۲۱، ۳۶۳، ۳۶۲-/ ۱۸، ۳۵، ۳۴-/ ۳، ۴۳۸/ ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۹۱ -۱۹۰/ ۱۳)، فوائد الرضویه (۴۲۵)، مجمع الفصحا (۱۸۳/ ۲)، معجم المؤلفین (۹۵/ ۹).

[۲] مؤلفین کتب چاپی (۲۴۱ -۲۴۰/ ۴).

ملاباشی طسوجی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۵ ق)، شاعر. وی از استادان لغت و شعر بود و به تعلیم و تدریس مظفرالدین میرزا ولیعهد اشتغال داشت. پس از وی برادرش میرزا محمد طسوجی به همین لقب به جای او منصوب شد. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۳۵۹)، الذریعه (۱۰۹۶/ ۹)، شرح حال رجال (۵۰/ ۴).

ملاباشی، محمد علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا نصرالله. عالم فاضل، در شنبه ۲۵ شعبان ۱۲۸۷ وفات یافته، در ایوانچه‌ی بالای حوض، در تکیه‌ی مادر شاهزاده مدفون شد.

ماده تاریخ وفاتش این است:

بنوشت وحیدی از پی تاریخش

در کوی محمد و علی گشت مکین

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ملاباشی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید میرزا محمدباقر (ملقب به ملاباشی) بن سید محمد موسوی طبیب شیرازی عالمی متبحر بوده و در حدود ۱۲۳۵ وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ملاباشی، نصیر

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل معروف به صدرالاسلام، از علمای متنفذ عهد ظل السلطان بوده، در اصفهان ریاستی داشته و پس از فوت، در بقعه‌ی متبرکه‌ی هارون ولایت مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش را سینا کرونی گوید:

سینا پی تاریخ وفاتش گفتا

شد قصر جنان مکان صدر الاسلام

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ملاحسنی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا ملا حسنی

محل تولد : کرج- اشتهارد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۵۷ همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی وارد حوزه علمیه شدم. با علاقه ای که به امور فرهنگی داشتم ابتداء به کارهای فرهنگی خاصه جوانان در عرصه های فرهنگی فعالیت داشتم. پس از گذارانـدن مقدمات حزوه.در مدرسه علمیه امیر المؤمنین در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه قم شدم.و در سال ۱۳۶۹ جهت کار تفسیری با مرکز فرهنگ و معارف قرآن و دفتر تبلغات همکاری را آغاز کردم. واز آن زمان تا کنون در گرایش تفسیر (علوم قرآنی، تا حدودی با روانشناسی و جامعه شناسی، حقوق به مقتضای نیاز کار آشنا شدم) و کار گروهی تفسیر که ۲۳ دفتر دست نوشته حضرت آیهٔ هاشمی رفسنجانی بود جهت تصحیحات و ساماندهی اطلاعات آغاز کردم. در کنار این پروژه و کارهای دیگر تفسیر که نام فرهنگ موضوعی تفاسیر که ۲ دوره تفسیر از شیعه و اهل سنت بر این مورد مطالعه و در دستور کار گروه قرار گرفت.تفسیر راهنما در ۲۰ جلد به چاپ رسید و فاز اوّل فرهنگ موضوعی تفاسیر در سه جلد به چاپ رسید و هر دو به عنوان کتاب سال معرفی شدند. و فاز دوّم فرهنگ موضوعی تفاسیر در ۱۴ دوره با ۱۷۸ جلد تفسیر مراحل چاپ را می گذراند. با فرصتی که در خدمت قرآن دارم.بسیار علاقمند مقاله و نوشتار شخصی خویش را بیشتر ادامه دهم و لی متاسفانه وقتی نیست و تاکنون قریب به دو مقاله ارائه شده که هر دو بر گزیده بودند امیدوارم خداوند توقیق دهد تا بتوانم بیشتر در این راستا قدم بردارم والسلام

ملاذ الاسلام، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند آقا میرزا هاشم بن حاج سید جعفر. امام مسجد سیّد، از محترمین علمای اصفهان، که بین الخواص و العوام محبوبیّتی داشت، و در دوایر دولتی و نزد مردم مقبول القول بود، و پشت و پناه مردم، و کوشا در رفع حوایج آنان بود.

طبع شعری داشت و «عاصی» تخلّص می‌نمود. دیوانی دارد که به طبع نرسیده.

در حدود سال ۱۳۰۰ متولّد، و در ۲۱ ربیع الاول سال ۱۳۷۲ وفات یافته، در بقعه مسجد سیّد مدفون گردید.

مرحوم نیّر در مادّه تاریخ وفات او ضمن قطعه‌ای فرماید:

قائم اللیل یناجی بخضوعٍ و خشوع

و بکاء و رکوعٍ و سجودٍ و قیام

یذکر اللّه و یستغفره بالاسحار

فی صلاهٍ و دعاءٍ و اذانٍ بدوام

نیّر نقّص اثنین فصار التاریخ

جعل القدس مکانًا لملاذ الاسلام

از اشعار اوست:

دهید مژده که بوی بهار می‌آید

هزار شکر رفیقان، که یار می‌آید

به میکده خبری بر، صبا ز روی وفا

بگو که آن صنم گل عذار می‌آید

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ملاردی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشسرای عالی سابق، دکترای سیکل سوم و دکترای دولتی در رشته شیمی از کشور فرانسه.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه علوم دانشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تهیه ترکیبات گوگردی، تهیه سیلیسیم خالص برای ساختن ترانزیستورها، طرح آموزشی نقش ابزارهای کمک آموزشی در آموزش شیمی. عضو شورای شیمی در بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، همکاری با دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتابهای درسی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

شیمی معدنی در سطح کارشناسی، شیمی معدنی پیشرفته در سطح کارشناسی ارشد و دکترا، شیمی و اجتماع، تاریخ علم شیمی در سطح کارشناسی، شیمی عمومی در سطح کارشناسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

آموزش شیمی، کوئوردیناسیون و پایداری ترکیبات کمپلکس.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ملاصدرای شیرازی، صدرالدین محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۵۰ –۹۷۹ ق)، فیلسوف، حکیم، مفسر و مدرس. ملقب به صدرالدین و مشهور به صدرالمتالهین و ملا صدرا. در شیراز به دنیا آمد و پس از درگذشت پدرش برای تحصیل به اصفهان رفت. استاد او در علوم نقلی شیخ بهائی است. همچنین او در معقول نزد میرداماد از اکابر فیلسوفان و عرفای عصر صفوی تحصیل حکمت و معرفت نمود. وی حکمت الهی را وارد مرحله جدیدی کرد. استاد مطهری در کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران» آورده است که فلسفه ملا صدرا از یک نظر به منزله‌ی چهار راهی است که در آن چهار جریان یعنی حکمت مشایی ارسطویی و سینایی و حکمت اشراقی سهروردی و عرفان نظری محیی‌الدینی، و معانی و مفاهیم کلامی با یکدیگر تلاقی کرده و مانند چهار نهر سر به هم برآورده، رودخانه‌ای خروشان به وجود آورده‌اند. از نظر دیگر به منزله‌ی صورتی است که بر چهار عنصر مختلف پس از یک سلسله فعل و انفعال‌ها اضافه شود و به آنها ماهیت و واقعیت نوین بخشد، که با ماهیت هر یک از مواد آن صورت متغایر است. فلسفه خاص ملا صدرا را اصطلاحا حکمت متعالیه می گویند. حکمت متعالیه نوعی جهش است که پس از یک سلسله حرکتهای مداوم و تدریجی در معارف عقلی اسلامی رخ داده است. وی در برهه‌ای از سالهای زندگانی خویش در روستای کهک قم در حالت انزوا زیست و در این دوره به تصوف و عرفان اسلامی گرایش یافت. خود او در این زمینه می‌نویسد که نفس خویش را با طول مجاهده مشغول کردم و دل من با کثرت ریاضتهای سخت افروخته گشت، تا انوار ملکوت بر آن سرازیر شد... بلکه آنچه پیش از این به برهان فراگرفته بودم با فزونی‌های بیشتری از راه شهود و بالعیان دیدم. وی در اواخر عمر به خواهش اللّه وردی خان حاکم فارس به شیراز رفت و در مدرسه‌ی خان به تدریس پرداخت. ملا صدرا در راه هفتمین سفر حج خویش در بصره درگذشت و همان جا دفن گردید. از شاگردان معروف او، دو دامادش، ملا محسن فیض کاشانی و شیخ عبد الرزاق فیاض لاهیجی می‌باشند که از جانب استاد ملقب به فیض و فیاض گردیدند. از دیگر شاگردان او شیخ حسین تنکابنی، ملا محمد ایروانی، ابوالولی شیرازی و قوام‌الدین احمد پسر صدرا می‌باشند. از آثارش: «الحکمهٔ المتعالیهٔ» یا «الاسفار الاربعهٔ»، که معروف به «اسفار» است؛ «الشواهد الربوبیهٔ فی المناهج السلوکیهٔ»؛ «الحکمهٔ العرشیهٔ»؛ «المشاعر»؛ «المبدأ و المعاد»، شرح «الهدایهٔ الاثیریهٔ»؛ حاشیه بر «الهیات شفا»؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ شرح «اصول کافی»؛ «مفاتیح الغیب»؛ تفسیر «آیت‌الکرسی»؛ تفسیر «آیه‌ی نور»؛ تفسیر سوره‌های: «اعلی»، «حدید»، «جمعه»، «فاتحه»، «طلاق»، «ضحی»، «زلزال»، «واقعه»، «یس»، «طارق» و قسمتی از سوره‌ی «بقره»؛ «الواردات القلبیهٔ»؛ «القواعد الملکوتیه»؛ «کسر اصنام الجاهلیهٔ»؛ «جوابات المسائل العویصهٔ»، در حکمت.[۱]

شیرازی محمد بن ابراهیم معروف به «ملاصدرا» و «صدرالمتألهین» فیلسوف بزرگ ایرانی (و. شیراز اواخر قر. ۱۰ ه.– ف. بصره ۱۰۵۰ ه.ق.) وی در جوانی به اصفهان رفت و نزد میرمحمد باقر مشهور به میرداماد حکمت آموخت و علوم شرعی را نزد شیخ بهاءالدین عاملی فراگرفت و در ریاضی نیز مهارت یافت. مدتی در قم به افاضه مشغول گردید و سپس به امر شاه عباس دوم به شیراز بازگشت و در موطن خود به تدریس و افاده مشغول شد. او هفت سفر به حج رفت و در آخرین سفر در بصره درگذشت و همانجا مدفون شد. او شاگردان بسیار داشت که از آن جمله باید ملا محسن فیض کاشانی و ملا عبدالرزاق لاهیجی را که به دامادی او مفتخر گشتند– نام برد. از آثار اوست در فلسفه: «اسفار اربعه» (اسفار)، شواهد الربوبیهٔ، مبدأ و معاد، مشاعر، عرشیه، شرح «هدایهٔ اثیریه» حاشیه بر «الهیات شفا»، تعلیقه بر «حکمهٔ الاشراق »، شرح «کافی». صدرالدین حکمت اشراق و حکمت مشاء و فسلفه عرفانی محیی‌الدین بن عربی را درهم آمیخته و حقایق ذوقی را با براهین فلسفی مزج کرده است. خود گوید: «نحن قد جعلنا مکاشفاتهم الذوقیهٔ مطابقهٔ للقوانین البرهانیهٔ» (اسفارج ۳). صدرالدین بر «حمکهٔ الاشراق» سهروردی تعلیقه‌ای سودمند نوشته که در حاشیه شرح حکمهٔ الاشراق قطب‌الدین شیرازی چاپ شده (حکمت اشراق و فرهنگ ایران م. معین ۴۸) ملاصدرا با اینکه حکیم اشراقی است، طریقه مشائین را نیز می‌پسندد و ضمن بیان آراء حکمای سلف، هر جا که نظر انتقادی دارد به توضیح آن می‌پردازد، چنانکه برخلاف نظر مشائین که موجودات را حقایق متباین می پندارند، او وجود را که اصل و حقیقت هر چیز است هیئت واحد می‌داند و برای آن مراتب متعددی که از حیث ضعف و شدت و نقص و کمال با هم فرق دارند. قایل است. این نظر ملاصدرا با نظر شیخ اشراق هم متفاوت است، چه سهروردی، شدت و ضعف و نقص و کمال را در ماهیت قایل است نه در وجود. موضوع دیگری که ملاصدرا در آن ابتکار نشان داده است، فرضیه مشهور به «حرکت جوهری» است. پیش از او اکثریت حکما از آن جمله ابن سینا

حرکت را در اعراض جسم طبیعی میدانسته. ملاصدرا جوهر را نیز متحرک اعلام کرد، ولی تصریح نمود که تغییری که بر اثر این حرکت در جوهر پدید می‌آید، تغییریست اشتدادی و استکمالی، و به حقیقت جوهر جسم خدشه وارد نمی‌سازد، و آن را دگرگون نمی‌کند. چنانکه تغییراتی که انسان را در ادوار مختلف زندگی عارض می‌گردد از حیث شدت و ضعف انسانیت است نه از حیث حقیقت انسان، یعنی جوهر جسم و هسته اصلی وجود او. ملاصدرا از فرضیه حرکت جوهری نتایجی چند میگیرد از آن جمله اثبات معاد جسمانی است. قبل از او حکما درباره بقای نفس و معاد روحانی به تفصیل بحث کرده و دلایلی آورده بودند، لیکن درباره معاد جسمانی معمولا به سکوت برگزار می‌کردند یا منکر آن می‌شدند. بیان ملاصدرا در اثبات معاد جسمانی مفصل است و حاصل کلام او این است که در روز رستاخیز روح انسان به همان هسته اصلی و جوهر ثابت که ماده جسم است (نه به صورت جسم که محسوس است و در مدت حیات دستخوش تغییرات و تحولات) می‌پیوندد و آدمی به این کیفیت برای پس دادن حساب دوباره زنده می‌شود. صدرالدین برای اینکه از سب و شتم و تکفیر مصون ماند می کوشید تا مطالب فلسفی را با احادیث و اخبار وفق دهد و مدلل دارد که شرع و حکمت معارض یکدیگر نیستند و تألیف شرح کافی روی همین نظر بوده است (دکتر سیاسی. مبانی فلسفه. ۱۳۴۲ ص ۵۶۱ -۵۵۹)

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۹۴ -۱۹۳/ ۶)، اعیان الشیعه (۳۳۰ -۳۲۱/ ۹)، ایضاح المکنون (۶۹۹، ۳۵۳، ۳۳۲، ۵۹/ ۲، ۵۵۸، ۴۱۴، ۳۰۲، ۱۱۵، ۷۹، ۷۴، ۱۴/ ۱)، بزرگان فلسفه (۳۸۵ -۳۸۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۲۵ -۳۱۹/ ۵)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۵۴۷ - ۵۲۴)، تذکرة العلماء (۲۰۶ -۲۰۵)، الذریعه (۱۰/ ۲۵، ۳۰۵۳۸ -۳۷/ ۲۱، ۵۲/ ۱۹، ۲۹۴ -۲۹۳، ۱۹۱/ ۱۷، ۲۴۴/ ۱۵، ۲۴۳، ۱۷۵/ ۱۴، ۱۰۰ -۹۹/ ۱۳، ۵۹ -۵۸/ ۷، ۱۴۳، ۴۳/ ۶، ۲۲۸/ ۵، ۳۴۴، ۳۴۳، ۳۴۰، ۳۳۸، ۳۳۷، ۳۳۶، ۳۳۴، ۳۳۱/ ۴، ۶۰/ ۲)، ریحانه (۴۲۰ -۴۱۷/ ۳)، سیر فلسفه در ایران (۱۰۸ -۱۰۷)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۳۸۶ -۳۷۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۹۲ -۲۹۱/ ۱۱)، فوائد الرضویه (۳۸۱ -۳۷۸)، قصص العلماء (۳۳۳ -۳۲۹)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۰۴)، الکنی و الالقاب (۴۱۱ -۴۱۰/ ۲)، لغت نامه (ذیل/ ملا صدرا)، لوامع العارفین فی احوال صدر المتالهین (۳۰ -۱۵)، معجم المؤلفین (۲۰۴ -۲۰۳/ ۸)، منتخبی از تاریخ فلاسفه جهان اسلام (۲۱۶ -۲۰۳)، هدیة الاحباب (۱۸۶ -۱۸۵)، هدیة العارفین (۲۷۹/ ۲).

ملامحمدی، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید ملا محمدی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مجید ملامحمدی در سال ۱۳۴۷ هجری شمسی در خانواده ای روحانی در قم به دنیا آمدم پدرم آقای حجه الاسلام والمسلمین محمد مهدی اشتهاردی از نویسندگان بر جسته حوزه علمیه قم هستند و به همین خاطر با کتاب انس گرفتم در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم از سال۱۳۶۹ به طور جدی کار شعر و داستان را در مطبوعات کودک و نوجوان شروع کردم و عضو تحریریه مجله های سلام بچه ها و پوپک شدم از آن سال تا کنون حدود پنجاه جلد کتاب در زمینه های داستان- شعر - تحقیق از من منتشر شده است حدود بیست کتابم در جشنواره های کتاب سال کشوری برگزیده شده اند با مجلات دیگر کودک و نوجوان همچون باران، سروش، نوجوان، کیهان بچه ها، مجلات رشد، دوست و ... همکاری جدی دارم مسئول صفحه کودک و نوجوان ماهنامه (کتاب قم) هستم تا به حال چند دوره داور بعضی از جشنواره های کتاب سال کشوری بوده ام جشنواره هایی که کتابهایم را برگزیده اند عبارتند از کتاب سال ولایت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، سلام بچه ها، پوپک، بنیاد دفاع مقدس، مهدویت، حوزه علمیه قم و اشراق

ملامحمدی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ملامحمدی

محل تولد : اشتهارد کرج

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد ملا محمدی مشهور به محمد محمدی اشتهاردی در سال ۱۳۲۳ هجری شمسی در اشتهارد (واقع در ۵۹ کیلومتری غرب کرج) در یک خانواده متوسط مذهبی متولد شدم و پس از دوره ابتدائی، در حوزه علمیه اشتهارد – که در آن موقع از چند نفر محدود تشکیل می شد– به تحصیل علوم حوزوی و ادبیات پرداختم و پس از خواندن کتاب سیوطی، در سال ۱۳۳۸ شمسی برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم وارد شدم. درس سطح را بیشتر در محضر حجج اسلام و آیات بزرگوار آقایان: آیت الله حاج شیخ حسین شب زنده دار، آیت الله حاج شیخ غلامرضا صلواتی، آیت الله حاج شیخ علی پناه اشتهاردی، آیت الله علی مشکینی و آیت الله ناصر مکارم شیرازی خواندم و چند سال در درس خارج آیت الله حاج شیخ هاشم آملی، و آیت الله ناصر مکارم شیرازی و چندی در درس خارج آیت الله العظمی گلپایگانی شرکت نمودم.

و مقداری از منظومه سبزواری و فلسفه را در محضر استاد آیت الله جعفر سبحانی و استاد حاج آقا مهدی حائری آموختم. و بخشی از علوم روز را از محضر درس دانشمند گرانمایه، شیخ محمد محققی لاهیجی(نماینده آیت الله بروجردی در هامبورگ آلمان) یاد گرفتم.از خاطرات من در این دوره اینکه از نظر وضع معیشتی بسیار در سختی به سر می بردم. در مدرسه حجتیه قم در حجره ای با دو طلبه دیگر سکونت داشتیم، ظاهرا سال ۱۳۴۰ شمسی بود. یک شب در حجره را زدند، در را گشودم دیدم دو نفر از فضلا وارد حجره شدند، دفتری در دستشان بود، پرسیدند: در این حجره چند نفر هستید؟ گفتم: سه نفر. فرمودند: ما از جانب آیت الله العظمی حاج آقا روح الله خمینی(ره) آمده ایم، ایشان مبلغی به عنوان فوق العاده (نه شهریه) به طلاب مرحمت فرموده اند. نام ما را نوشتند و به هر نفر پانزده تومان دادند و رفتند که در آن وقت مبلغ قابل ملاحظه ای بود و برکت و نورانیت خاصی داشت و این نخستین باری بود که از طرف حضرت امام(ره) به طلبه ها پول دادند

ملایری، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالقاسم موسوی (رئوف) ملایری فرزند آیت‌اللّٰه حاج سید عبداللّٰه ملایری که شرحش در کتب تراجم مذکور است از علماء و ائمه جماعت مشهور مشهد بودند.

تولدشان در ۱۳۱۴ قمری در کربلا واقع شده و به اتفاق والدش به مشهد آمده و دوران تحصیلات خود را کنار قبر مطهر حضرت رضا (ع) در محضر مرحوم آیت‌اللّٰه آقا محمد (آقازاده) خراسانی و فیلسوف معروف آقا بزرگ حکیم و مشاهیر دیگر به پایان رسانیده و بعد از فوت مرحوم والدش در سال ۱۳۴۵ ق به نجف اشرف مسافرت و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه نائینی و اصفهانی و عراقی استفاده نموده و ابحاث اساتید مذکور را به رشته تحریر آورده و با دریافت اجازات اجتهاد کم‌نظیری در سال ۱۳۴۹ ق به ایران مراجعت و پس از گرفتاریهائی در تهران و انزواء قهری در منزلشان در مشهد و رفع موانع و محذورات قیام به وظائف روحی و دینی از قبیل اقامه جماعت در دارالسیاده و تبلیغ احکام و تدریس و غیره نموده تا در سال ۱۳۶۶ ق که بنابر دعوت مرحوم برادرش حاج شکوه‌الواعظین برای رفع کسالت به تهران آمده و در جمادی‌الاولی سال مزبور به رحمت حق پیوسته و در مدرسه امینه (باغ طوطی) واقع در جنب صحن شریف حضرت عبدالعظیم (ع) در مقبره حاج میرزا عبداللّٰه ابوالصدق دفن گردیده است.

نگارنده گوید: آن جناب سالها در جوار حضرت رضا (ع) زیسته و در دارالسیاده آن حضرت اقامه جماعت نموده ولی به حکم و ما تدری نفس بای ارض تموت فوت و مدفنتش در ری گردیده ولی برادرش مرحوم حاج شکوه‌الواعظین که عمری در تهران به سر برد بعد از دو سال از مرگ برادرش در سال ۱۳۶۸ ق که به اتفاق جناب آقای فلسفی واعظ به قصد زیارت مشرف به ارض اقدس شد لکن بمفاد (و ما تدری نفس ماذا تکسب غدا دو روز بعد از ورودش به سکته قلبی در آنجا درگذشت و در جوار حضرت ثامن‌الائمه علیهم‌السلام مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

ملایری، جمال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جمال‌الدین (رئوف) ملایری فرزند آیت‌اللّٰه حاج سید ابوالقاسم ملایری مذکور که از علماء عوائمه جماعت معاصر تهرانست.

در ماه صفر ۱۳۵۰ ق در شهر مشهد متولد شده و بعد از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات نزد ادبی نیشابوری سطح فقه و اصول را از مرحوم حاج میرزا احمد مدرس یزدی و حاج شیخ هاشم قزوینی خوانده و چند سالی از خارج فقه و اصول آیت‌اللّٰه العظمی میلانی (عافاه اللّٰه) استفاده و در سال ۱۳۷۳ ق مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محاضر و دراسات آیت‌اللّٰه العظمی حکیم و آیت‌اللّٰه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّٰه حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللّٰه آقا شیخ حسین حلی و آیت‌اللّٰه العظمی خوئی مدظله و آیت‌اللّٰه العظمی موسوی چند دوره فقه و اصول استفاده نموده تا از فضلاء مشار بالبنان گردیده تا ذی‌القعده سال ۱۳۹۱ قمری که به اتفاق جمعی زیاد از اهل علم عراق قهرا و جبرا به ایران آمده و با اینکه در تهران عزیمت خراسان نموده

ولکن در اثر درخواست و اصرار مردم آریاشهر رحلت اقامت در غرب تهران افکنده و به اقامه جماعت در مسجد امام صادق (ع) آنجا و خدمات دیگر دینی تا هم اکنون اشتغال دارند.

از آثار ایشانست تعمیر و تکمیل مسجد مزبور و تأسیس کتابخانه و سالن سخنرانی و همچنین درمانگاه برای بینوایان و مخفی نماند که معظم‌له داماد گرامی آیت‌اللّٰه العظمی آقای حاج آقا حسن طباطبائی می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

ملایری، صدیقه

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۰۶ ق)، شاعر. مشهور به شاهدخت ملایری. احتمالاً از دودمان قاجار است. وی در ملایر می‌زیست و گاهی شعر می‌سرود. از اوست:

شب نیست که دیده از غمت تر نکنم

دامان و کنار پر ز گوهر نکنم

در مردم این دیار چون نیست وفا

شهدخت بر آن سرم که شوهر نکنم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از رابعه تا پروین (۱۶۰ -۱۵۹)، زنان سخنور (۲۸۶/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۴۸۹)، مشاهیر زنان (۱۳۵ -۱۳۴).

ملایری، عبداللّٰه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبداللّٰه موسوی ملایری والد مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید ابوالقاسم ملایری و حاج شکوه الواعظین که از علماء محترم مشهد مقدس بودند و در دارالسیاده رضوی اقامه جماعت می‌نمودند تا در هفتم محرم ۱۳۴۴ ق از دنیا رفته در جوار حضرت رضا (ع) مدفون شده‌اند.

از حفید ایشان آیت‌اللّٰه حاج سید جمال‌الدین ملایری داماد آیت‌اللّٰه العظمی حاج آقا حسن طباطبائی قمی شنیدم که آن مرحوم در مدرسه باغ طوطی (امینیه) شهر ری مشرف به لقاء و زیارت حضرت ولی عصر عجل‌اللّٰه فرجه الشریف شدند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

ملائک، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر سید محمدباقر ملائک پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه ،تحصیلات دانشگاهیخود را در رشته مهندسی ساخت در دانشگاه صنعتی شریف آغاز کرد و در سال ۱۳۶۱ فارغ التحصیل شد.او تحصیلات تکمیلی خود را در آمریکا ادامه داد و در سال ۱۳۶۸ دکترای رشته مهندسی هوا وفضا را از دانشگاه کانزانس ،دریافت کرد.او هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه صنعتی شریف می باشد.گروه : فنی و مهندسیرشته : مهندسی هوا- فضاتحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی و حرفه ای سیدمحمدباقر ملائک به ترتیب است: کارشناسی رشته مهندسی ساخت از دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۶۱ کارشناسی ارشد رشته مهندسی هوا و فضا از دانشگاه کانزانس،آمریکا در سال ۱۳۶۵ دکترا رشته مهندسی هوا و فضا از دانشگاه کانزانس،آمریکا در سال ۱۳۶۸مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیدمحمد باقر ملائک عضو هیئت علمی و استاد دانشکده مهندسی هوا فضای دانشگاه صنعتی شریف می باشد.فعالیتهای آموزشی : عنوان دروس ارائه شده توسط سیدمحمدباقر ملائک به قرار زیر است: طراحی هواپیما ۱و۲،طراحی با کمک رایانه،طراحی هواپیمایی پیشرفته،دینامیک پرواز پیشرفته ۱و۲،قوانین ازمایشهای پرواز،مفهوم طراحی وسایل نقلیه فضایی پیشرفته،اصول پایه ای طراحی جنگ فن موشکآرا و گرایشهای خاص : زمینه های مطالعاتی و تحقیقاتی سید محمدباقر ملائک : طراحی هواپیما و کامل کردن طراحی محیط،طراحی هلی کوپتر،کنترل و پایداری هواپیما،RPV و طراحی پرتاب کننده،روشهای ازمایش پروازچگونگی عرضه آثار : از دکتر سیدمحمدباقر ملائک تا کنون بیش از ۵ مقاله در مجلات علمی به چاپ رسیده است.

آثار : روشهای مدلسازی در محیط مجازی کامپیوتر ویژگی اثر : پدیدآورنده: معصومه یونسی، محمدباقر ملائک ناشر: دانشگاه صنعتی شریف، انتشارات علمی - ۱۷ بهمن، ۱۳۸۶

ملبوبی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام و محدث خبیر آقای حاج شیخ محمدباقر بن العالم العلام حاج شیخ محمدتقی ملبوبی متوفی ۱۳۲۴ شمسی از فضلاء دانشمندان و افاضل نویسندگان اراکی حوزه علمیه است که در تیرماه سال ۱۳۰۸ شمسی متولد شده و پس از خواندن دروس جدید دبستانی وارد رشته روحانیت گردیده و در مدرسه سپهدار و مدرسه حاج محمد ابراهیم و مدرسه آقاضیاء مقدمات و ادبیات را نزد آقا شیخ قنبر رفیعی و حاج سید اسمعیل و آقای محمدی آموخته و در سال ۱۳۲۶ شمسی مهاجرت به قم نموده و شروع به خواندن سطوح وسطی لمعه و قوانین و پس از آن سطوح عالی در خدمت اساتید حوزه چون آیت‌الله صدوقی و آقای بدلاء و آقای حاج شیخ اسدالله اصفهانی و مرحوم آقای نحوی و حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی و مرحوم مجاهدی و آیت‌الله کرمانی و آقا سید محمدصادق شریعتمداری و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی خوانده و پس از تکمیل سطوح به درس آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت کرده و با مناعت طبع و قناعت و تعفف تحصیل نموده و در سختی‌ها و فشارها و امتحانهای الهی استقامت ورزیده تا به مدارج علم و کمال رسیده و مورد توجه و تشویق مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی قرار گرفته است.

اما آثار علمی ایشان از این قرار است ۱- تقریرات و دراسات آیت‌الله العظمی بروجردی بدین شرح- مکان مصلی- لباس مصلی- قواطع صلوه- فروع علم اجمالی- صلوه جماعت- قضاء ۲- شرح دعاء کمیل ۳- الوقایع والحوادث ج ۱- صیام ج ۲ و ۳ و ۴- محرم‌الحرام ۵- دهه اول صفر.

۴- حقیقت جاودان شرح خطبه حضرت زهرا علیهاسلام ج ۱ مطبوع و ج ۳ در شرف طبع.

۵- زندگانی آیت‌الله بروجردی- و آثار دیگری که بدان اشتغال دارد.

تولد: ۱۳۰۸.

درگذشت: ۱۳۷۳.

از آثار اوست: الوقایع و الحوادث (قم، ۱۳۶۹)؛ حدیث حدیث، چهل حدیث (تهیه و تنظیم کامران ملبوبی؛ قم، ۱۳۶۹).

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ملک اصفهانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد ملک اصفهانی که پس از خواندن مقدمات و سطوح به نجف اشرف عزیمت و چندین سال از محضر آیت‌اللّه العظمی خوئی و آیات دیگر کسب فیض نموده سپس به قصر آمده و به خدمات دینی از قبیل امامت و تبلیغ احکام و تدریس و تنویر افکار نسل جوان در دبیرستان آنجا مشغول می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ملک افضلی اردکانی، محمد کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ محمد کاظم بن المرحوم آقا علی ملک افضلی اردکانی از علماء معاصر است در شهر میناب استان کرمان که در سی فرسخی بندرعباس واقع است.

وی در سال ۱۳۲۹ قمری در اردکان یزد در خانواده اعیان و اشراف آن سامان متولد شده در سن ۱۷ سالگی پس از فراگرفتن صرف و نحو و تجوید عازم اصفهان شد و سه سال در اصفهان اشتغال بتحصیل قسمتی از نحو و معانی بیان و اصول داشته است و اساتید مشهور آنجا مرحوم حاج میرزا علی آقای شیرازی و مرحوم محقق اصفهانی بودند و سپس به اردکان و یزد مراجعت نموده در اردکان خدمت مرحوم حاج ملا محمد حایری و در یزد خدمت آیه‌الله مرحوم حاج شیخ غلامرضا خراسانی یزدی تلمذ نموده سپس عازم قم شده و بقیه سطوح را در قم خدمت حضرت آیه‌الله آقای حاج سید احمد موسوی خونساری و مرحوم آیه‌الله آقای میرزا محمد همدانی تلمذ نموده و درس خارج را خدمت مرحومین آیتین حاج سید محمد تقی خوانساری و آقای سید محمد حجت تبریزی خوانده و پس از فترت چهار سال مراجعت باردکان نموده و بعد از فوت مرحوم آیه‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی (ره) بقم مراجعت کرده و از محضر مرحوم آیه‌الله حاج سید محمد تقی خوانساری و آیه‌الله حجت و آیه‌الله صدر و بالاخص آیه‌الله العظمی بروجردی تا آخر عمرش استفاده نموده و قسمتی از خارج صلوه مرحوم آیه‌الله بروجردی را نوشته و بعد فوت مرحوم تا بحال قسمتی از سال در حوزه علمیه قم و قسمتی در خارج قم (در شهر میناب) بسر برده و بخدمات دینی و اقامه جماعت و تبلیغ دین و ارشاد مردم اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ملک افضلی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن ملک افضلی اردکانی

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه یزد شدم و پس از ۶ سال و گذراندن دروس سطح یک نزد اساتید مدرسه امام خمینی(ره) یزد در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و از محضر اساتید معظم بهره برده و در سال ۷۲ دوره سطح ۳ را به پایان رساندم و از آن پس در دروس خارج حوزه شرکت نمودم. همزمان با تحصیلات حوزوی از سال ۶۹ مشغول به دروس دوره دبیرستان شده و در سال ۷۳ دیپلم متوسطه را اخذ نموده و همان سال در رشته حقوق دانشگاه تهران (پردیس قم) پذیرفته شده و در سال ۷۶ فارغ التحصیل گردیدم . و در سال ۱۳۷۷ در مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی همان دانشگاه پذیرفته شده و در سال ۱۳۸۰ از این مقطع نیز فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۸۶ در مقطع دکتری رشته فقه و مبانی دانشگاه فردوس مشهد مقدس پذیرفته شده و هم اکنون علاوه بر تدریس در مراکز حوزوی و دانشگاهی به تحصیل و تحقیق نیز اشتغال دارم .

ملک الاطباء اصفهانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، طبیب و شاعر. از اعیان اصفهان بود و به دلیل اینکه منزلش در محله‌ی احمدآباد اصفهان بوده، به احمدآبادی مشهور شده است. او مردی فاضل و عالم بود و در علم طب به درجه کمال رسید. وی به علت معالجات خوبی که انجام داد مشهور شد و به همین دلیل فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) به او لقب ملک‌الاطباء داد. وی گاهی شعر نیز می‌گفت. از اوست:

شیرین نشد از شهد وصال تو مرا جام

ای نخل برومند کجا شد ثمر تو

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۵۵۸ -۱۵۵۷/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۸۱۲)، مصطبه‌ی خراب (۱۶۵).

ملک المورخین، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۵۲ -۱۲۸۹ ق)، مورخ، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به ادیب. ملقب به ملک المورخین. در تهران به دنیا آمد. نسبش از طرف پدر به میرزا مهدی خان، وزیر نادرشاه، و از طرف مادر به فتحعلی‌خان ملک‌الشعرای کاشانی می‌رسد. وی از چهارده سالگی به تدوین تاریخ انبیاء پرداخت و پس از فوت پدرش، ملقب به ملک المورخین شد و مأموریت نگارش و اتمام دوره‌ی کتاب «ناسخ التواریخ» را یافت. وی در ۱۲۹۷ ق وارد خدمت فرهنگ شد. میرزا عبدالحسین، در ۱۳۲۶ ق، روزنامه‌ی «آینه‌ی عیب نما» و، در ۱۳۲۷ ق، روزنامه‌ی «آزاد» و، در ۱۳۲۳ ق، روزنامه‌ی «شاهنشاهی» را در تهران منتشر کرد. او مدتی ریاست معارف و اوقاف کاشان را بر عهده داشت. از دیگر آثارش: «تاریخ یومیه‌ی ایران»؛ «المعاریف»؛ «خلاصهٔ الاعصار فی تاریخ بختیار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۵۷ -۵۶/ ۳ ،۱۴۱ ،۴۳ -۴۱/ ۱)، الذریعه (۱۹۵/ ۲۱ ،۲۹۸ -۲۹۷ ،۲۳۶/ ۳)، ریحانه (۳۹۵/ ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۷۶۴ -۷۶۳/ ۳)، یادگار (س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۱۰۰ -۹۹).

ملک پور، محمدجعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جعفر ملک پور

محل تولد : آذر شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۴ پس از اخذ دیپلم متوسطه در رشته تجربی از دبیرستان آذر شهر (تبریز) جهت ادامه تحصیل در مجتمع آموزشی عالی قم در رشته مدیریت به قم مقدس رفته و در دروس ادبیات عربی حوزه در مدرسه خان قم به موازات تحصیلات دانشگاهی را ادامه دادم و همزمان ضـمن آشنایی با هیئت تحریریه تنها مجله اسلامی آن زمان (مکتب اسلام) از آموزشهای مختلف آنها استفاده کرده و در تنظیم و اجرای چاپ آن مجله همکاری داشتم.

در سال ۱۳۵۸ با فراغت از تحصیل دانشگاهی به جهت انقلاب اسـلامی در ایران پس از گذرانـدن یک دوره کوتاه ۲ ماهه بعنوان موسـس و سرپرست دائره عقیدتی و سیاسی پایگاه دریایی جزیره خارک مشغول تدریس و امور فرهنگی و اجرائی در منطقه شده و پس از سال ۱۳۶۱ به قم عزیمت نموده ضـمن پیگیری ادامه تحصیلات حوزوی در محیطهای علمی حضور پیدا کرده از آن جمله از سال ۶۳ بهمراه تعداد محدودی از طلاب در جلسه تفسیر قرآن استاد جوادی آملی در مسجد محمدیه سه راه موزه شرکت نموده و هنوز هم ادامه دارد.

در سال ۷۱ در رشـته فقه و مبـانی حقوق اسـلامی دانشگاه تهران قبول شـده و در سال ۷۳موفق به اتمام کارشناسـی ارشد در رشـته مذکور شدم و به موازات ادامه تحصـیل در حوزه در دانشـگاههای پیام نور و آزاد اسـلامی قم و دانشـگاه قم به تدریس پرداختم که هنوز هم ادامه دارد .

درسال ۸۲ به درخواست سازمـان مـدارس حوزه هـای علمیه خارج از کشور قم به کشور آذربایجان شوروی بعنوان مـدیر و مـدرس اعزام شـدم کـه بجهت مشـکلات سیاسـی آنجـا و تعطیلی فعـالیت هـای علمی و آموزشـی ایران در آنجـا محـل مـاموریت به کشـور گرجسـتان (تفلیس) عوض شد که پس از دو سال مدیریت و تدریس در مدارس علمیه گرجسـتان ' مرکز مطالعات اسلام و مسیحیت را در تفلیس تشکیل داده و به ایران مراجعت نمودم . در شـرکت امتحـان متون نهاد رهبری مقام معظم رهبری در دانشـگاهها مجوز تـدریس متون را علاوه بر دروس فقه و حقوق دریافت نمودم که واحـدهایی از معارف و متون نیز در دانشـگاهها تدریس نمودم که ادامه دارد . به مـدت ۲ سال از سال ۸۰ تا ۸۲ با واحد برنامه و ساختار نویسـی مرکز جهانی علوم اسـلامی در زمان مدیریت حاج آقا مهدویان شرکت نموده و در تدوین اساسنامه مراکز مختلف مرکز جهانی فعالیت موثری داشتم.

ملک زاده، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ملک زاده

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : عراق

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۲/۴

زندگینامه علمی

اینجـانب در سال ۱۳۶۶ پس از خـاتمه پـایه اول دبیرسـتان، رشـته «علوم تجربی»، وارد حوزه علمیه قم شـدم. در خلال تحصـیل علوم دینی به صورت متفرقه، پایه های دوم تا چهارم دبیرسـتان را به اتمام رسانده و دیپلم علوم تجربی را دریافت نمودم. دروس مقدّماتی و سـطح حوزه را تـا سال ۱۳۷۶ به اتمـام رسانـده و در کنـار گذرانـدن دروس اصـلی و جنبی حوزه، برخی دوره هـا و مهـارت های تخصصی حوزه نظیر: «تربیت مربی کودکان و نوجوانان» را نیز سپری نمودم.

در سال ۱۳۷۶ پس از خاتمه دروس سـطح حوزه، وارد دانشـگاه مفید شده و در رشـته «علوم سیاسـی» سـطح کارشناسـی به تحصیل مشـغول شدم. سـپس در سال ۱۳۸۰ بـا اتمام دوره کارشناسـی در سـطح کارشناسـی ارشـد «علوم سیاسـی» با گرایش «انـدیشه» وارد دانشگاه باقرالعلوم (ع) شدم و در سال ۱۳۸۳ با دفاع از پایان نامه خود با عنوان: «سیره سیاسی معصومان در عصر حاکمیت» این دوره را به اتمام رساندم.

از سال ۱۳۸۰ تـاکنون به فعالیتهـای تحقیقی و مطالعـاتی خود افزودم به طوری که علاوه بر ذکر برخی موارد در صـفحات گذشـته، قریب به ۲۰۰ مقـاله چاپ شـده با عناوین و موضوعات گوناگون در مطبوعات و سایتهای اینترنتی منتشـر نموده ام. در کنار این امور البته هرگز از دروس حوزوی نیز غفلت ننموده و با شـرکت در جلسات درس خارج فقه و اصول اساتیـد برجسـته حوزه، از چند سال گذشته مطالعات خود را در این زمینه گسترش داده ام.

ملک زاده، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین ملک زاده

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۶/۱۴

زندگینامه علمی

تولـد و خانواده در سال ۱۳۵۸ در خانوادهـای اهـل علم و روحـانی در تهران به دنیا آمـد.نامش را «محمـد حسـین» و لقبش را «امین الاسلام» نهادند. پدر وی عالم زاهد آیهٔالله حاج شیخ محمد رضا ملکزاده و مادر بزرگوارش علویه صالحه، دختر مرحوم آیهٔالله حاج سید محمد علمالهدی میباشد. گامهای نخستین وی در خردسالی و پیش از رفتن به مدرسه، خواندن و نوشتن را به خوبی آموخت و بخشـهایی از قرآن را حفظ کرد. از همان سـنین با فعالیتهای فرهنگی و مذهبی مساجد و همچنین دیگر مراکز و کانونهای فرهنگی و هنری همچـون کـانون پرورش فکری کودکـان و نوجوانـان انس گرفت و به طور مثـال در همین مراکز بود که بـا برخی از هنرهـای تجسّـمی، عکاسـی و فیلمسازی آشـنا شد و همزمان در جلسات قرآنی که در مساجد و دیگر اماکن مذهبی برپا میشد شرکتی فعال و مستمر داشت و به سرعت تعلیمات اولیهٔ قرآنی را فرا گرفت. و البته در سالهای بعد به شـکل کاملتری و زیر نظر برجستهترین اساتید کشور با علوم و فنون قرائت قرآن و اختلاف قراءات آشـنا شـد. آغاز تـدریس از ۸ سـالگی با گردهم آوردن جمعی از کودکان هم سنّ خود یـا چنـد سالی بزرگتر، تـدریس قرآن به آن جمع را به عهـده گرفت و از ۱۰ سالگی به صورت رسـمی (ابتدا زیر نظر دفتر تبلیغات اسـلامی حوزه علمیه و در سالهای بعـد زیر نظر سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان تبلیغات اسـلامی و...) تـدریس قرآن و معـارف اسـلامی را آغاز کرد. حفظ قرآن در همین سـنین با جـدّیت بیشتری به حفظ قرآن پرداخت و البته به دلیل وقفههایی که در مسیر حفـظ قرآن برایش پیش آمـد، حفـظ کامـل قرآن توسـط وی چنـد سـالی به طول انجامیـد. مطـالعه جـدّی کتـاب در کودکی عمـدهترین سـرگرمیاش در آن زمـان یعنی در انتهای کودکی و آغاز نوجوانی، مطالعه کتابهایی درباره علوم و تاریـخ قرآن، مفاهیم قرآنی و بعداً کتابهایی در زمینه مسائل فکری و فرهنگی، کتب اعتقادی و کتابهایی درباره مکاتب فکری مختلف دنیا و نقد آنها بود که به طور مثال سـری جزوههای کوتاه «پاسداری از سنگرهای ایدئولوژیک»، کتابهایی در زمینه آموزش ساده فلسفه یا تاریخ فلسفه یـا کتابهـای اصول اعتقـادی و همچنین بسـیاری از کتابهـای اسـتاد شـهید مرتضـی مطهری– بـا صـرف نظر از عنوان و موضوعشـان– کتابهـای محبوب و مورد علاـقه این دوران او بود. شـروع نگارش و ارتباط با مطبوعات همین پشـتوانه کارهای قرآنی، حفظ قرآن و مطالعه آثار علمی و به صورت مطلق، انس با کتاب و نیز مشارکت در فعالیتهای فرهنگی و هنری و سـرودن شـعر، سبب شد تا بتواند به سـرعت دست به قلم شده و از طریق مکاتبه، برای نشـریات متناسب با سنّ خود، مطلب، (شعر، داستان و گزارش) بفرستد. تأسیس مراکز فرهنگی در کودکی پـدر ایشـان به شـدّت مقیّـد بود که در تمامی ایّام تبلیغی برای رسانـدن معارف اسـلامی به آحاد مردم به نقاط گوناگون کشور– به ویژه شـهرها و روستاهای دور افتاده– سفر نمایـد. و معمولاً در این سفرها خانوادهاش را هم با خود میبرد. جالب آنکه در این سـفرها فقط پدر نبود که فعالیّتهای اسلامی انجام میداد بلکه پسر کم سنّ و سال او نیز فعّالانه وارد عرصه میشد و برای کودکـان و نوجوانـان آن منطقـه برنامههـای زیـادی را ترتیب میـداد کـه از جمله این فعالیتهـا تأسیس چنـدین مرکز فرهنگی، کتابخانه و نوارخانه مذهبی در شـهرها و روستاهای مختلف کشور بود. علاوه بر اینها در محل زندگی خود نیز در هنگام تحصیل در کلاس چهـارم ابتـدایی، گروه فرهنگی الزهرا (ع) را راهانـدازی کرد که عمـده فعالیت این مرکز، انتشار گاهنامههایی به مناسبتهای مختلف و نیز برگزاری مسابقات کتبی با موضوعات مـذهبی– سیاسـی ویژه کودکان و نوجوانان بود. در ۱۲ سالگی و در زمانی که هنوز کار تواشیح و همخوانی عربی و قرآنی در ایران، بسیار نوپا بود گروه تواشیحی تأسیس کرد. در ۱۳ سالگی اقدام به تشـکیل مرکزی بـه نـام «نـور القرآن» کرد که کـارش برگزاری جلسـات آموزشـی و مسابقـات قرائت و حفـظ قرآن بـود. تـدریس در مراکز مختلف (تـدریس در دانشـگاه در ۱۴ سـالگی) از ایـن سـن بـه بعـد فعـالیت علمی– تدریسـی وی در زمینـه قرآن در برخی ادارات، سازمانهـا، مراکز و نهادهـای گونـاگون و به ویژه پایگاههای فرهنگی مساجـد، کانون قرآن دانشـگاهها و دیگر کانونهای فرهنگی و تربیتی شـکل گستردهتری به خود گرفت. تا آنجا که در سنّ ۱۴ سالگی (در هنگام تحصـیل در کلاس اول دبیرستان) مدتی به طور غیر رسـمی در دانشـکده علـوم قرآنی به تـدریس پرداخت و بر این اسـاس شایـد بتوان گفت وی جوانـترین مـدرّس علوم قرآنی در دانشـگاه و یـا به صورت مطلق، جوانترین مدرسـی بود که تـا آن زمـان به تـدریس در دانشـگاه پرداخته بود. جوانترین روزنامهنگـار قرآنی کشور در زمینه فعالیتهـای مطبوعـاتی افزون بر انتشـار گاهنـامه و نیز مکـاتبه با برخی مجلات در دوره کودکی و نوجوانی، از سال ۱۳۷۲ (در سنّ ۱۴ سالگی) ضمن همکاری کوتاهی با نخستین مجله قرآنی به زبان فارسی به نام «پیام قرآن» (به صاحب امتیازی دارالقرآن الکریم آیـهٔالله گلپایگـانی) به عنوان جوانترین روزنامهنگـار قرآنی به صورت فعال وارد عرصه مطبوعات شـد و تا به حال صدها نوشـتار مختلف از وی در نشـریات معتبر و کثیر الانتشار به چاپ رسیده است. نخستین صفحه قرآن در روزنامه کیهان یکی از فعالیتهای مطبوعاتی ایشان تأسـیس صفحهٔ قرآنیِ «بهار در بهار» در روزنامه کیهان بود. این صفحه که در زمستان ۱۳۷۵ و به مناسبت ماه مبارک رمضان، راهانـدازی شد، نخستین صـفحه قرآن در روزنامه کیهان به شـمار میآمد. آغاز تألیف کتاب حدود ۱۴– ۱۵ سال سن داشت که موفق به نگارش جلد اوّل، دوم و بخش اندکی از جلد سوم و چهارم کتاب پنج جلدی «اصول فنی قرائت قرآن کریم» گردیـد. نخستین دارالقرآن در مـدارس کشور آقـای ملکزاده در سالهـای آغـازین دهه هفتـاد شمسـی (سالهـای ۱۳۷۲ تـا ۱۳۷۵) در چنـدین دبیرسـتان در تهران و قم، اقدام به تأسـیس دارالقرآن الکریم نمود. این دارالقرآنها اولین دارالقرآنهای مدارس کشور بودند. نخستین مرکز آموزش تخصصـی علوم و معـارف قرآن ویژه جوانان و نوجوانان (تأسـیس «مجمع قرآنی کعبه» و «جامعهٔ الکعبه») در

سال ۱۳۷۵ موفق به تأسیس «مجمع قرآنی کعبه» شد. این مرکز که نخستین مرکز آموزش تخصصی علوم و معارف قرآنی به جوانان و نوجوانـان (طلّاب جوان، دانشـجویان و دانشآموزان) بود تا سال ۱۳۸۱ به فعالیتهای پژوهشـی و آموزشـی خود در داخل و خارج از کشور (سوریه، هلنـد، لبنـان، انگلسـتان و...) ادامه داد. از سال ۱۳۸۱ و با تبدیل مجمع قرآنی کعبه به مؤسسه آموزشـی و پژوهشـی «جامعـهٔ الکعبه» فعالیتهای قرآنیِ این مجمع در قالب گروه علوم قرآنی که یکی از گروههای علمیِ جامعـهٔ الکعبه میباشد، ادامه یافته است. و امّا جامعـهٔ الکعبه مرکزی است جهت آموزش و پژوهش در باب علوم انسانی و اجتماعی و مباحث فکری و فرهنگی از منظر اسلام. این مرکز از سال ۱۳۸۱ تاکنون مشغول به فعالیت میباشد. ورود به حوزه علمیه پس از اتمام دوره دبیرستان به صورت رسمی به تحصیل علوم و معارف اسلامی در حوزه علمیه پرداخت و از آنجا که برخی از مباحث مقدماتی حوزه را از چند سال قبل شخصاً مطالعه کرده بود، توانست با علاقه زیاد، انگیزه قوی و تلاشی مثال زدنی با استفاده از تمامی فرصتها و بدون کمترین وقفه و تعطیلی به صورتی که برنـامه درسـی وی به هیـچ وجه تعطیـل نمی شـد و علاوه بر ایام عادی تحصـیل، در تمامی روزهای تعطیل، جمعه ها، تابسـتان، نوروز و ... هم به درس و مطالعه مشغول بود، و همچنین با بهره بردن از نبوغ کمنظیر خـدادادی، دروس مقدماتی و سـطح حوزه را که معمولاً در طول ۱۰ سال خوانده میشود، به توفیق الهی در ظرف مدّت سه سال و نیم، به بهترین شـکل و کیفیت به پایان رسانـد. دروس خارج و اساتید از زمسـتان سال ۱۳۷۹ با مشورت و توصـیه یکی از اساتید محترم حوزه (حضـرت آیهٔاللّه شـیخ جعفر سبحانی) در دروس خارج حاضـر شـد. در آغاز به درس خارج اصول ایشان و سپس به دروس خارج فقه و اصول اساتیدی همچون آیات عظام : مرحوم میرزا جواد تبریزی (کتاب الصـلاهٔ، سه سال و نیم) و سـید کاظم حسینی حائری (کتاب الصلاهٔ، حدود یک سال و اصول، از ابتدای حضور در دروس خارج تاکنون) وارد شد. در ادامه نیز در دروس خارج فقه حضـرت آیهٔاللّه شیخ حسن شریعتی نیاسـر (کتاب های خمس، وقف، حبس و اخواته، صـدقه، هبه، زکاهٔ، اجاره، مضاربه، مزارعه و... از سال ۸۱ تاکنون. البته این درسها در تابسـتانها و دیگر ایام تعطیل هم برقرار بوده است.) و حضـرت آیهٔاللّه شـیخ محمد تقی بهجت (کتاب الحج، از فروردین ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶) شرکت کرد . البته مدت کوتاهی هم از درس فقه حضرات آیات سید محمد حسین فضل الله (در بیروت) و مرحوم شیخ علی فلسـفی (در مشـهد) و درس اصول آیـهٔالله شـیخ حسـین وحید خراسانی (در قم) بهره برد. تفسـیر قرآن پیش از ورود به درس خارج، حـدود یـک سال از درس تفسـیر آیـهٔاللّه شـیخ عبـداللّه جوادی آملی نیز بهرهمنـد شـده بود. اگر چه بعـداً در درس تفسیر بزرگانی همچون حضـرات آیات شـیخ ناصر مکارم شیرازی و مرحوم شیخ محمد هادی معرفت هم حاضر شده، بهرههای فراوانی برد. فلسفه، اخلاق و عرفـان همزمان با حضور در دروس خارج فقه و اصول، از دروس اسـفار آیـهٔاللّه شـیخ یحیی انصاری شـیرازی نیز اسـتفاده نمـود. مـدت کوتـاهی هـم در درس اشـارات شـرکت کرد.علاوه بر اینهـا در برخی دوره هـا و درس و بحـث هـای فلسـفی کـه به موضوعـاتی خاص در فلسـفه می پرداختنـد نیز مشارکت داشـته است. همچنین در زمینه اخلاق نیز از پیش از ورود به حوزه تا کنون محضـر پر فیض اساتید و فرهیختگان متعددی از جمله حضـرات آیات شـیخ محمد تقی مصباح یزدی ، شیخ جواد کربلایی ، مرحوم شیخ علی پناه اشتهاردی ، مرحوم حاج آقای مجتهدی و برخی بزرگان دیگر را درک کرده است . البته استفاده وی از آیهٔالله مصباح یزدی منحصـر به شـرکت در درس هـای اخلاـق ایشان نبوده بلکه طی سالیان متمادی از بسـیاری از مباحث فلسـفی و کلامی و سایر بحث هـای ایشـان در زمینه انـدیشه و معـارف اسـلامی – به صورت محض و یا به صورت تطبیقی با مکاتب دیگر – بهره های قابل توجهی برده است. از دیگر اساتیـد وی میتوان به پـدر بزرگوار ایشـان اشاره کرد که علاوه بر مراتب علمی، از نظر معنوی و روحانی نیز دارای مقام رفیعی میباشـند و بدین جهت هم در زمینه فقه، اصول و فلسـفه و هم در زمینه اخلاق و عرفان– از مقدمات تا خارج– به تـدریس و راهنمـایی فرزنـد خویش پرداختهانـد. اجـازات وی تـا به حـال موفق به اخـذ چنـدین اجـازه مختلف– و از جمله اجازه اجتهاد– از علماء و مراجع عظام تقلید در قم و مشـهد شده است. جوانترین طلبه نویسـنده در این سالها کار نگارش کتاب را نیز ادامه داد و در اولین دوره انتخـاب کتاب سال حوزه علمیه (سال ۱۳۷۷) به عنوان جوانترین طلبه نویسـنده انتخاب شده، موفق به اخذ جایزه و لوح تقـدیر گردیـد. زبانهـای دیگر و فعـالیت در خـارج از کشور بـا تسـلط بر زبانهای عربی و انگلیسـی و انـدکی آشـنایی با زبان فرانسوی و چنـد زبـان دیگر، توانست به کشورهای زیادی سـفر کنـد و در سـطح بینالمللی به فعالیتهای علمی، فرهنگی و اسـلامی و تبلیغ دین مبین اسـلام و معرفی مکتب اهلبیت(ع) بپردازد. حضور در دانشگاهها طیّ این سالهـا به دانشـگاههای بزرگ و معتبری در داخـل و خـارج از ایران دعوت شـده و در این دانشـگاهها به تـدریس، سـخنرانی، برگزاری جلسـات پرسـش و پاسـخ و یا برگزاری کارگاههای علمی و آموزشـی پرداخته است. مطالعات تاریخی افزون بر تحصـیل و تدریس علوم مختلف اسـلامی، از زمستان ۱۳۸۱ به مدت ۳ سال در رشـته تخصصـی تاریخ که برای اولین بار در حوزه علمیه قم تأسیس شده بود شـرکت نمود و مطالعات زیادی را در زمینه تاریـخ اسـلام و فلسـفه تاریـخ از دیـدگاه قرآن به انجـام رسانـد. مسائل جدیـد به مـدّت یک سال در دوره «شبههشناسـی و پاسـخگویی به شبهات» که به وسیله مؤسسه «در راه حق» و با تدریس جمعی از صاحبنظران و اساتید برجسته، برگزار گردید شرکت کرد و با رتبه اول فارغالتحصـیل شـد. مسائل و شـبهاتی که در این دوره مورد بحث قرار گرفتنـد در دو زمینه «کلام قـدیم» (با توجه ویژه به عقاید وهّابیّت) و «کلام جدید، فلسـفه دین و معرفتشناسـی» بودند. البته آشـنایی وی با بعضـی از مکاتب فلسـفی غرب، کلام جدیـد، معرفت شناسـی، برخی از فلسـفههای مضاف و مباحث و مسائلی که در دوران جدید در حوزه دینپژوهی مطرح شده است به سالهایی پیشتر از شرکت در این دوره بازمیگردد. و همچنان که قبلاً نیز اشاره شد از نوجوانی به مطالعاتی از این دست علاقه خاصی داشـته و علاـوه بر مطالعـات منظمی کـه به صـورت شخصـی در این زمینههـا داشـته است، همایشـها، جلسـات بحث، سـخنرانیها و یا مناظرههـایی درباره این مسائل را هم پیگیری کرده و در برخی از کلاسـها یا دورههایی که با موضوع علوم جدیـد از منظر اسـلام– همچون دروس جامعه شناسـی اسلامی – یا معرفتشناسی و کلام جدید برگزار میشده است نیز شرکت کرده است. و همین آشنایی با مبـاحث فکری و فرهنگی جدیـد یکی از مهمـترین عوامـل موفقیت وی در پاسـخگویی بـه پرسشـهای نسـل جـوانِ تحصـیلکرده و دانشگاهی در داخـل و خـارج از کشـور بـوده است. تـدریس مبـاحث حـوزوی در زمینه تـدریس دروس حوزوی برنـامه وی بـدین صورت بوده است که تـا پیش از ورود به درس خـارج به تـدریس ادبیـات و منطق و همچنین اصول (البته فقط حلقه اولی از حلقات اصول شـهید صـدر)، پرداخته و از هنگـام ورود به درس خـارج تـاکنون به تـدریس شـرح لمعه، اصولالفقه، حلقات اصول، رسائل،

مکاسب و کفایهٔ الاصول اشتغال داشته است. بحث خارج از مهر سال ۱۳۸۴ (شعبان ۱۴۲۶ق) ضمن ادامه حضور در دروس خارج فقه و اصول علمای اعلام، تدریس استدلالی اصول را با تبیین و نقد نظریه «حق الطاعهٔ» و بدیل آن یعنی «قاعده قبح عقاب بلابیان» برای جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم آغاز نموده است. همکاری تحقیقی با مؤسسات و نگارش دانشنامه از دیگر کارهای وی علاوه بر موارد گذشته و به جز تدریس مباحث مختلف قرآنی، کلامی و تاریخی (در مجمع قرآنی کعبه و سپس در جامعهٔ الکعبه) میتوان به همکاری با مرکز فرهنگی حوزه علمیه قم در پاسخگویی به سؤالات و شبهات اشاره نمود. همچنین در نگارش «دانشنامه قرآن و قرآنپژوهی» و مدت کوتاهی در «دانشنامه مسجد» و «فرهنگنامه مسجد» به عنوان محقق و نویسنده همکاری کرده است. تدریس یک دور مباحث تفسیری (از ابتدا تا انتهای قرآن، طی سالهای ۷۵ تا ۸۳): از سال ۱۳۷۵ تا اوائل سال ۱۳۸۱ در جلسه مرکزی مجمع قرآنی کعبه که به صورت هفتگی در صبح روزهای جمعه برگزار میگردید و سپس در ادامهٔ سال ۸۱ و همچنین سال ۸۲ و ۸۳ در جلسات «مطالعات اسلامی» (بررسی مباحث کلیدی و چارچوبهای اساسی در تفکر اسلامی) که به منظور استحکام پایههای معرفتی کادرهای اولیهٔ جامعهٔالکعبه برگزار میشد، به تدریس مباحث تفسیری پرداخت و با تشریح اهمّ مفاهیم و معارف قرآنی، موفق به تدریس یک دور تفسیر قرآن کریم شد. آثار و تألیفات جناب آقای ملک زاده، کار نگارش کتاب را که با توفیق الهی از نوجوانی آغاز کرده بود، با توجه به زمینه های مطالعاتی و پژوهش هایی که داشت و در عرصه موضوعاتی که ضروری می انگاشت دنبال نمود تا آنجا که به جز مقالات منتشر شده در مطبوعات و یا ارائه شده به همایش های متعدد، تا سال ۱۳۸۷ شمسی یعنی تا پیش از ۳۰ سالگی، بیش از هفتاد جلد کتاب تألیف کرد که البته در این میان، یکی دو جلد هم ترجمه بود. علاوه بر آثار مکتوب، بخشی از سخنرانیها یا تدریسهای ایشان در موضوعات مختلف نیز در قالب CD ارائه شده و نرمافزارهایی هم بر اساس کتابهای ایشان و یا تحت اِشرافِ علمی وی، طرّاحی و به بازار عرضه شده است.

ملک قاجار

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر و خوشنویس. وی دختر حسام السلطنه (م ح ۱۲۶۵ ق) و نوهٔ فتحعلی‌شاه قاجار بود. او شاعری با سواد و با ذوق بود و خط زیبایی داشت. از اوست:

در دیده‌ام آن شوخ ز هر عیب بری بود

این دلبر ما یا که ملک یا که پری بود

در یاری تو منت کس را نکشم هیچ

این کار خدا بود نه کار دگری بود

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از رابعه تا پروین (۲۴۴)، ریاحین الشریعه (۷۵/ ۵)، زنان سخنور (۲۱۹ -۲۱۸/ ۲)، مشاهیر زنان (۲۲۴).

ملک محمدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ملک‌الاطباء شیرازی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۹۰ ق)، دانشمند، پزشک، حکیم و ریاضیدان. ملقب به ملک‌الاطباء شیرازی. اصلاً شیرازی و در تهران سکونت داشت. از طبیبان دورهٔ فتحعلی‌شاه، محمدشاه و ناصرالدین شاه بود. در طبابت زبردست و با بکارگیری داروها و روشهای درمان فرنگی مخالف بود. مهارت او در تشخیص امراض را به بقراط تشبیه می‌کردند. وی از علوم دیگر بهره‌ور از حکمت و ریاضی باخبر بود. میرزامحمود، فرزند جالینوس الزمان، معروف به میرزاجان، شاگرد او است. در اواخر عمر به قصد مجاورت به عتبات رفت و در کربلا درگذشت. از آثار وی: «البحرانیه»، مباحث بحران امراض، شامل معارضات بین او و میرزا محمد طبیب تنکابنی؛ «تسهیل العلاج»؛ «الجوهریهٔ»؛ در منع استفاده از داروها و روشهای درمان فرنگی؛ «حافظ الصحهٔ» و «حفظ الصحهٔ»؛ «مسکن الفؤاد»، فارسی، در علاج طاعون؛ «الرسالهٔ الوبائیهٔ» صغیر و کبیر؛ «شرح لغزالقانون» که آن را به درخواست شاگردش نوشته؛ «کلیات طب»، منظومهٔ فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۹۱ /۹)، الذریعه (۲۰ /۲۱، ۴۶/ ۱۴، ۲۲۹/ ۱۱، ۲۶/ ۷، ۲۳۳/ ۶، ۲۹۴/ ۵، ۱۸۲/ ۴، ۵۰ -۴۹ /۳)، ریحانه (۳۹۰ /۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۰۴ /۱۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۳ /۲)، معجم المؤلفین (۱۳۰ /۹).

ملک‌الشعرا، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

متخلص به عندلیب فرزند فتحعلی‌خان کاشانی ملک‌الشعرا و متخلص به صبا: ۱- صبا از شعرای دربار فتحعلی شاه قاجار است و بعد از وفات پدر سمت و لقب ملک‌الشعرائی به او تفویض گردید.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

ملک‌الشعراء کاشانی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۱ -۱۲۲۸ ق)، شاعر، ادیب، خطاط و نقاش. اصلا کاشانی بود. پدر و جدش،فتحعلی خان صبا، هر دو از شعرای نامی بودند و در دربار فتحعلی‌شاه لقب ملک‌الشعرایی داشتند. محمود خان در تهران به دنیا آمد و علوم زمان خود را نزد عمویش، محمد قاسم خان فروغ آموخت. وی از اواخر عهد محمدشاه قاجار به کارهای دیوانی پرداخت و سپس در دربار ناصرالدین شاه عهده‌دار مشاغل مختلف دولتی بود و از نزدیکان و ستایشگران او شمرده می‌شد. محمود خان از فنون ادب و تاریخ و حکمت آگاهی داشت و در شعر تابع سخنوران قرن پنجم قمری بود و اغلب خطوط، بویژه نستعلیق و شکسته را استادانه می‌نوشت. او همچنین در تصویرسازی صاحب قلم و در چهره‌پردازی و شبیه‌سازی، نقاشی پر ابتکار بود و در مجسمه‌سازی و منبت‌کاری بر روی چوب و عاج و نیز قلمدان‌سازی مهارت داشت و تذهیب و تشعیر و روغن‌کاری را خود انجام می‌داد. محمود خان در تهران وفات یافت و در زاویه‌ی حضرت عبدالعظیم حسنی به خاک سپرده شد. از آثار قلمی وی: «منشآت»؛ «دیوان» شعر، حاوی پنجاه و هشت قصیده و قطعه و چند شعر پراکنده و ناتمام و چهارده بند مرثیه به سبک «دوازده بند» محتشم کاشانی. به آورده‌ی صاحب «المآثر و الآثار»، وی تاریخی نیز در تراجم ارباب القاب دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه نگاشته است. از آثار خطی وی: یک نسخه «گلشن راز» شبستری، به قلم کتابت خوش، با رقم: «... بقلم شکسته رقم اقل چاکران... محمود کاشانی... سنه‌ی یکهزار و دویست و هشتاد و یک اتمام پذیرفت»؛ یک مرقع مشتمل بر بیست و دو رقعه، به اقلام مختلف، از جمله نستعلیق پنج دانگ و دو دانگ و کتابت و غبار خوش، با رقم: «مشقه العبد الاقل محمود کاشانی غفر له» و تاریخ‌های ۱۲۸۹، ۱۲۸۸ و ۱۲۹۰ ق؛ مرقعی مشتمل بر سی و دو رقعه به اقلام مختلف، از جمله شکسته تعلیق، کتابت خفی خوش، با رقم: «مشقه العبد الاقل محمد کاشانی غفر له فی سنهٔ ۱۲۸۹» و «العبد الاقل الاثم الجانی محمود الکاشانی سنهٔ ۱۲۸۸» و قطعات مختلف دیگر. از آثار نقاشی وی: آبرنگ زیبا و استادانه‌ی شمس العماره، با رقم: «بنده درگاه محمود سنه ۱۲۸۵»؛ تصویر کاخ گلستان، در آبرنگ، با رقم: «بنده درگاه محمود سنه ۱۲۸۷»؛ قلمدان برازنده و شیوایی، با تصاویر مختلف، با رقم: «بنده درگاه محمود ۱۳۰۰»؛ تابلوی رنگ روغنی صحن مطهر حضرت امام رضا (ع)، با رقم: «بنده درگاه محمود ۱۳۰۳».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۷۸/ ۴، ۸۸۸ -۸۸۵/ ۳)، احوال و آثار نقاشان (۱۱۳۳ -۱۱۲۳/ ۳)، از صبا تا نیما (۱۳۰ -۱۲۷/ ۱)، تاریخ برگزیدگان (۴۹۲ -۴۹۰)، هنرهای ملی (۹۶۱ -۹۶۰/ ۲)، حدیقهٔ الشعراء (۱۶۰۷ -۱۶۰۴/ ۳)، دایرهٔالمعارف فارسی (۲۷۰۲/ ۲)، الذریعه (۱۰۱۳/ ۹، ۳۱۲/ ۵)، شرح حال رجال (۲۸۳ -۲۸۱/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۸۲۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۸۲ -۳۸۰)، گلستان هنر (پنجاه و سه)، گنج سخن (۲۳۹ -۲۳۴/ ۳)، المآثر و الآثار (۱۹۷ -۱۹۶)، مجمع الفصحا (۹۱۹ -۹۰۷/ ۵)، مکارم الآثار (۷۵۹ -۷۵۸/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲۸ -۲۶/ ۶)، هنر قلمدان (۱۳۳ -۱۳۲).

ملک‌الکلامی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا عبدالحمید ملک‌الکلامی معروف به امیرالکتاب فرزند میرزا مجدالدین ملک‌الکلام کردستانی (و. سنندج ۱۲۶۲ ه.ش- ف. ۱۳۲۸ ه.ش) یکی از هنرمندان معروف معاصر ایرانی است. در شعر نیز دست داشت و در کلیه اقسام خط از نستعلیق، ثلث، نسخ، شکسته و رقاع از استادان مسلم عصر به شمار می‌رفت. گذشته از خوشنویسی در نقاشی، حکاکی روی فلز و رسامی و گراورسازی نیز استاد بود. از آثار برجسته او کتیبه‌های حجاری ملی و موزه‌ای ایران باستان و کتیبه‌های آرامگاه حافظ در شیراز است. پیش از مرگ کتیبه آرامگاه رضاشاه را در حال بیماری به خط ثلث نوشت.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

ملک‌پور، ایرج

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: استاد، رشته: ژئوفیزیک، دانشکده: مؤسسه ژئوفیزیک، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فیزیک از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد فیزیک جو از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۴۵، دکترای تخصصی ژئوفیزیک از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۴۷ و دکترای دولتی علوم اختر فیزیک از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۵۳.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه صنعتی امیرکبیر از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۵، استادیار و دانشیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۵، استاد مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح و بررسی تقویم هجری شمسی و قمری، تدریس دروس اپتیک، مکانیک، فیزیک سیارات و فیزیک نجومی در دانشگاههای تهران و امیرکبیر.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تطبیق تقاویم، تقویم تطبیقی ۵۰۰ ساله هجری شمسی و میلادی، زاویه انحراف قبله در ایران.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۰

زمینه علمی مقالات:

فیزیک و نجوم.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ملک‌پور، مختار

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آموزش و پرورش کودکان، دانشکده: علوم تربیتی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی روانشناسی، کارشناسی ارشد و روانشناسی، دکترای روانشناسی (کودکان استثنایی)، گرایش عقب‌ماندگیهای ذهنی و اختلالات رفتاری کودکان.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدوین برنامه و راه‌اندازی مرکز بهداشت و مشاوره روانی دانشجویان دانشگاه اصفهان، اجرای طرح مراقبت‌های بهداشت عمومی در زمینه روانی (PHC) برای اولین بار در ایران در شهر شاهرضای اصفهان با همکاری روانپزشکان، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

عقب‌ماندگیهای ذهنی، کودک (روانشناسی)، پژوهش، تفسیر و اصلاح رفتار.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

عقب‌ماندگیهای ذهنی (شناخت، علل، پیشگیری و مسائل آموزشی و توانبخشی).

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ملک‌زاده، فریدون

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: زیست‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زیست‌شناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۵، کارشناسی ارشد قارچ‌شناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۷، دکترای تخصصی باکتری‌شناسی از دانشگاه ایالتی لوئیزیانای آمریکا در سال ۱۳۴۲، فوق تخصص اکولوژی میکروبها از دانشگاه ایالتی آریزونای آمریکا در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۲ تا سال ۱۳۴۶، دانشیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۶ تا سال ۱۳۵۱ و استاد دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۱ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تهیه پروتئین سلولی توسط میکروبهای تجزیه‌کننده میلولز، طرح مقاومت داروئی و انتقال فاکتور مقاومت در سالمونلاها، بررسی اپیدمیولوژیک استافیلوکوکوس مقاوم آنتی بیوتیک و تعیین الگوی مقاومت، بررسی آلودگی میکروبی فاضلاب کارخانه‌های مواد غذائی و مطالعه بقاء سالمونلاتیفی، تاثیر فنل‌ها و کینونهای طبیعی علیه درماتوفیت‌ها، تدریس دروس باکتری‌شناسی ۱ و ۲، میکروب‌شناسی تشخیصی، فیزیولوژی میکروبها، آنتی بیوتیکها، و مکانیسم اثر آنها، اکولوژی میکروبها و مطالعه میکروبیولوژی در دانشگاههای تهران و تربیت مدرس، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۴۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

میکروبیولوژی مقدماتی، میکروبیولوژی عمومی، بیماریهای عفونی (باکتریها، ویروس‌ها، قارچها و انگلها) در ۴ جلد، آنتی بیوتیک‌ها و شیمی درمانی، زیست‌شناسی عمومی و ویتامین C و بیماریهای زیست‌شناسی گیاهی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:–، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

میکروبیولوژی و زیست‌شناسی عمومی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ملکشاه سلجوقی، معزالدین، ابوالفتح حسن

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۸۵ –۴۴۷ ق)، شاعر. ملقب به جلال‌الدین و جلال‌الدوله. چهارمین پادشاه سلسله سلجوقی بود. او به شعر و ادب علاقه داشت و گاه در مکاتبات شخصی از اشعار فارسی استفاده می کرد. بعد از قتل پدرش، الب ارسلان در ۴۶۵ ق، به سلطنت رسید. او به شعر و ادب علاقه داشت و گاه در مکاتبات شخصی از اشعار فارسی استفاده می‌کرد. از مداحان وی می‌توان امیر معزی نیشابوری را نام برد که امیرالشعرای درگاه نیز بوده است. ملکشاه به سعی خواجه نظام‌الملک بر مسند پدر نشست و بعد از جلوس زمام امور را به خواجه سپرد و لقب اتابک را به وی تفویض نمود. یکی از مدعیان سلطنت او عمویش، عمادالدوله قاورد، بود که ملکشاه بر او پیروز شد و به صوابدید وزیرش، خواجه نظام‌الملک، وی را کشت. بیشتر دوران حکومت او به جنگ با مخالفان و سرکوبی فتنه‌ها و کشورگشایی گذشت. قلمرو سلجوقی در این عصر به منتهای وسعت و عظمت خود رسید. از طرفی ظهور حسن صباح و فرقه‌ی اسماعیلیه نیز در دوره‌ی سلطنت وی بود و خواجه نظام‌الملک سرانجام به دست یکی از فدائیان این فرقه کشته شد. بعد از فوت خواجه سلطان وزارت را به تاج‌الملک شیرازی داد و خود به بغداد عزیمت کرد اما هجده روز بعد، و بعد از بیست سال حکمرانی، در همان شهر از دنیا رفت. جسدش را از بغداد به اصفهان بردند و در آنجا به خاک سپردند. در مورد علت مرگ وی در میان مورخین اختلاف وجود دارد. از آثار خیر او می‌توان ساختن چند آبگیر در راه مکه و ساختن رباط و پل در اکثر راهها را نام برد. او همچنین در آبادی بسیاری از بلاد ایران، خصوصا اصفهان، کوشید. از دیگر آثار او اقدام به اصلاح تقویم و بستن زیجی است در اصفهان، که حکیم عمر خیام نیز در آن شرکت داشته است، که همان «تقویم جلالی» یا «تقویم ملکی» می‌باشد. تذکره‌ها اشعاری به وی نسبت می‌دهند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۵۲ –۵۱/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ صفحات متعدد)، تاریخ غزنویان (۱۷۲)، تاریخ گزیده (۴۳۹ –۴۳۴)، حبیب السیر (۴۹۴/ ۲)، دایرةالمعارف فارسی (۲۸۵۰ –۲۸۴۹/ ۲)، راحة الصور (۱۳۵ –۱۲۵)، روضة الصفا (۲۸۵ –۲۷۸/

۴)، صبح گلشن (۴۴۶)، فرهنگ سخنوران (۸۷۵)، الکامل (۱۶۴ -۱۶۳/ ۸)، لباب الالباب (۳۴ -۳۳/ ۱)، لغت نامه (ذیل/ ملکشاه)، مجمع الفصحا (۳۳/ ۱)، مجمل التواریخ (۴۲۹ -۴۰۸)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۴۸۵)، المنتظم (۶۴۴ -۶۴۱/ ۹)، وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی (۵۲ -۵۱، ۱۷ -۱۶)، وفیات الاعیان (۲۸۹ -۲۸۳/ ۵)، یادداشتهای قزوینی (۳۲۷ -۳۲۱/ ۳).

ملکم خان اصفهانی، ملکم خان

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۲۶ -۱۲۴۶ ق)، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر. ملقب به ناظم‌الدوله. در جلفای اصفهان به دنیا آمد. اصل وی از ارامنه جلفا بود که پدرش بعدها اسلام آورده و به جدیدالاسلام مشهور شده بود. میرزا ملکم خان پس از اتمام تحصیلات مقدماتی جهت تحصیل به فرانسه رفت و در آن کشور علوم و افکار جدید را فراگرفت. پس از بازگشت به ایران در دارالفنون به شغل معلمی و مترجمی پرداخت. وی از مؤسسین فراموش خانه (فراماسونری) در ایران بود. او از حدود ۱۲۸۹ تا ۱۳۰۷ ق، وزیر مختار ایران در لندن بود. سرانجام به دلیل سوء استفاده‌های مالی، مانند گرفتن امتیاز لاتاری و فروش آن پس از لغو امتیاز، از مقام خود عزل شد. وی که مسبب عزل خود را امین‌السلطان می‌دانست با او از در مخالفت درآمد و در ۱۳۰۷ ق در لندن به انتشار روزنامه‌ی «قانون» مبادرت کرد و از مخالفین استبداد شد و ندای قانون و قانونمندی سر داد. چنان که پس از استقرار مشروطیت سفیر ایران در ایتالیا شد. ملکم خان نمونه خطی را از ترکیب حروف الفبای فارسی ابداع کرد که شرح اختراع خود را در رساله‌ای به نام «نمونه‌ی خط آدمیت» در ۱۳۰۳ ق در لندن انتشار داد. او در لوزان درگذشت و جنازه‌اش را به برن بردند و طبق وصیتش سوزاندند. از دیگر آثار وی: «مبدأ ترقی»؛ «شیخ و وزیر»؛ اهتمام در انتشار «کلمات قصار حضرت علی (ع)»، با خط ملکمی؛ «در باب تسخیر مرو و ترکمان».[۱]

پرنس میرزا ملکم‌خان ناظم‌الملک (بعدها ناظم‌الدوله، پرنس، نظام‌الدوله) از ارامنه‌ی جلفای اصفهان و پسر میرزا یعقوب ارمنی جلفائی. (و. ۱۲۴۹ ه.ق در اصفهان- ف. ۱۳۲۶ ه.ق در لوزان). گویند پدرش اسلام آورد و بعنوان جدیدالاسلام به مقاماتی نیز رسید. ملکم در سن ده سالگی به پاریس فرستاده شد و در آنجا به تحصیل علوم طبیعی و فیزیک و مهندسی پرداخت و پس از فراغت از تحصیل در سال ۱۲۶۷ ه.ق (در سن نوزده سالگی) به ایران برگشت و در دارالفنون به شغل معلمی و مترجمی اشتغال ورزید و ۵ سال بعد (در سال ۱۲۷۲) مترجم وزارت خارجه شد. در سال ۱۲۷۳ با سمت مترجم مخصوص سفارت و درجه‌ی سرهنگ اتاماژوری مأمور سفارت دولت علیه‌ی ایران در اسلامبول گردید و سال بعد که به ایران بازگشت در تهران فراموش‌خانه (فراماسون) را دایر کرد که عده‌ای از اعیان و شاهزادگان و برخی از جوانانی که در دارالفنون تحصیل می‌کردند در آن مجمع وارد شدند. در سال ۱۲۷۹ فراموش‌خانه بسته شد و میرزا ملکم به عثمانی تبعید گردید ولی ۹ سال بعد (سال ۱۲۸۸) در زمان صدارت میرزا حسین‌خان مشیرالدوله به سمت مستشاری صدارت عظمی منصوب گردید. در سال ۱۲۸۹ به لقب ناظم‌الملکی ملقب و مفتخر به دریافت نشان تمثال همایون از درجه‌ی اول گردید و از سال ۱۲۸۹ تا سال ۱۳۰۷ ه.ق (۱۸۸۸ -۱۸۷۲ م.) (مدت ۱۸ سال) سفیر و وزیرمختار ایران در لندن بود. ملکم به طور کلی در دوران مأموریتش در اروپا سوءاستفاده‌های زیادی کرد و از بابت واگذاری امتیازاتی به خارجیها حق دلالیهای کلان می‌گرفت. بالاخره در سال ۱۳۰۷ از سفارت ایران در لندن عزل گردید و دیگر تا موقعی که ناصرالدین شاه زنده بود کاری به او ارجاع نگردید. ملکم در این مدت در لندن روزنامه‌ای به نام قانون انتشار می‌داد و تا ۴۱ شماره این روزنامه را منتشر کرد. در سفر اول مظفرالدین شاه به اروپا (در سال ۱۳۱۷ ه.ق- ۱۹۰۰ م) ملکم در پاریس به حضور شاه رسید و به لقب نظام‌الدوله مفتخر گشت و به سمت وزیرمختاری ایران در ایتالیا منصوب شد و تا موقعی که حیات داشت در همین سمت باقی بود. در سال ۱۳۲۶ ه.ق در سن ۷۷ سالگی درگذشت و برحسب وصیتش جنازه‌اش را به برن (پایتخت سویس) برده سوزاندند. از آثار او می‌توان رساله‌ی مبدأ ترقی شیخ و وزیر، نمایشنامه‌ی اشرف‌خان را نام برد. ضمناً مبتکر خط جدیدی هم بوده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از نیما تا روزگار ما (۴۱)، تاریخ جراید (۱۰۲ -۹۶/ ۴)، الذریعه (۲۶۶/ ۱۴، ۵۷/ ۸)، شرح حال رجال (۱۵۴ - ۱۳۹/ ۴)، المآثر و الآثار (۱۹۷)، مکارم الآثار (۱۲۹۴ -۱۲۹۳/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲۸۸ -۲۸۴/ ۶)، یادگار (س ۵، ش ۸ و ۹، ص ۱۵۶ -۱۵۵).

ملکوتی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی ملکوتی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۲۷ هشتم مرداد در قم به دنیا آمدم که (سال اول) ابتدائی را در قم و بقیه دوره دبستان و تا کلاس ۹ را در نجف اشرف خواندم. سال ۴۳ وارد حوزه علمیه نجف شدم (در جامعهٔ الزالجف) دروس سطح را از ابتدا تا تقریبا آخر خواندم. سال ۴۹، ۵۰ به قم در خدمت والد منتقل شدم. درس خارج اصول فقه، فقه، فلسفه و عرفان را در محضر اساتید تحصیل کردم. طبق معمول حوزه های علمیه در کنار تحصیل، مشغول تدریس ادبیات، منطق، شرح لمعه، مختصر، معانی بیان و غیره در مدرسه فیضیه، حجتیه و مقابر صحن بودم.

از حوالی سال ۵۶ همراه با هرج و مرج مردم و انقلاب به رهبری حضرت امام (ره) در کنار مردم مشغول مسائل انقلاب شدم. مسئولیت کمیته شهرستان سراب برای مدتی بعد از انقلاب به عهده این جانب بود و در دوره اول و دوم به عنوان نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی مشغول خدمت بوده (عضو بانیان کمیسیون ارشاد بودم). بعد از دو دوره باز به قم برگشتم. مشغول تدریس و تحصیل شدم.

ضرورت اقتضاء کرد تا برای مدتی در تبریز در خدمت حضرت والد باشم. در آنجا مشغول تدریس رسائل، مکاسب و درس دیگر شدم. در ضمن مسئولیت احداث دوره دانشگاه در واحد سراب را هم به عهده داشتم. حدود ۱۲، ۱۳ سال مشغول آن واحد (البته به صورت کنترل از راه دور) به عهده داشتم. سال ۷۳ باز همراه والد به قم مراجعه و در قم مشغول به تدریس: فلسفه، فقه و اصول و در واحد قم هم به عنوان عضو هیئت علمی تدریس می کنم.

ملکوتی، محمدجعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: خاک‌شناسی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تربیت مدرس

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی آب و خاک از دانشگاه اهواز در سال ۱۳۴۹، کارشناسی ارشد خاک‌شناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۲، دکترای خاک‌شناسی از دانشگاه نبراسکا آمریکا در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

پژوهشگر در مؤسسه تحقیقات آب و خاک از سال ۱۳۵۶ تا سال ۱۳۵۷، عضویت در هیأت علمی دانشگاه زنجان از سال ۱۳۶۲ تا سال ۱۳۶۷، دانشیار و مدیر گروه خاک‌شناسی دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس از سال ۱۳۶۷ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام ۷ پروژه تحقیقاتی در زمینه مبارزه با آلوده کننده‌های محیط زیست و حاصل‌خیزی خاک، راههای صحیح و مناسب کودهای شیمیائی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

حاصلخیزی خاکهای مناطق خشک (مشکلات و راه‌حلها).

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

خاکشناسی و حاصلخیزی خاک.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ملکوتیان، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر مصطفی ملکوتیان در سال ۱۳۳۵ در شهر آران و بیدگل بدنیا آمد.ایشان دارای مدرک دکتری علوم سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۵است .نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : علوم سیاسیگرایش : جامعه شناسی سیاسیوالدین و انساب : مصطفی ملکوتیان فرزند رمضانعلی

دستفروش آرانی و سرکار خانم اقدس احسن است.خاطرات کودکی : مصطفی ملکوتیان از دوران کودکی خود چنین به یاد دارد: دوران کودکی خود را از زمان ۲/۵ (دو و نیم) سالگی به یاد دارم که در آران نزدیک شهرستان کاشان در اتاق و زیر زمین قدیمی زندگی نموده و پدر و مادرم به بافتن قالی که شغل عموم مردم این خطه در آن زمان بود اشتغال داشتند و بنده هم هر گاه فرصتی پدید می آمد مثلا زمانی که مدرسه تعطیل می شد به بافتن قالی مشغول می شدم.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : مصطفی ملکوتیان در خانواده ای مذهبی و از طبقه پایین جامعه بدنیا آمد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : مصطفی ملکوتیان دیپلم متوسطه را در سال ۱۳۵۳ از دبیرستان صدر اوحدی قم دریافت کرد. سپس کارشناسی رشته علوم سیاسی را در سال ۱۳۵۸ از دانشگاه شهید بهشتی و بعد از آن بتر تیب در سالهای ۱۳۶۷ و ۱۳۷۵ کارشناسی ارشد و دکتری علوم سیاسی را از دانشگاه تربیت مدرس اخذ نمود. عنوان پایان نامه دکتری : بررسی مقایسه ای چرائی وچگونگی وقوع انقلاب های فرانسه روسیه وایران عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد :سیاست وحکومت در فلسطین اشغالیخاطرات و وقایع تحصیل : از خاطرات مصطفی ملکوتیان در ضمن تحصیل وقوع انقلاب اسلامی ،انقلاب فرهنگی و وقوع جنگ تحمیلی بود.فعالیتهای ضمن تحصیل : مصطفی ملکوتیان در حین تحصیل در دوره دکتری به تدریس دروس کارشناسی علوم سیاسی در دانشگاه تهران اشتغال داشت.استادان و مربیان : دکتر علی اکبر و آیه الله عباسعلی عمید زنجانی ،دکتر قاسم افتخاری ،دکتر منوچهر محمدی و دکتر محمد باقر حشمت زاده از اساتید مصطفی ملکوتیان بوده اند.هم دوره ای ها و همکاران : دکتر علیرضا صدرا،دکتر حاتم قادری ،دکتر الهه کولایی ،دکتر سید رحیم ابوالحسنی ،دکتر سید داوود آقایی ،دکتر محمود جعفر جوادی ارجمند ،دکتر سید احمد موثقی و دکتر موثقی از همدوره ایها و همچنین از همکاران مصطفی ملکوتیان می باشند.همسر و فرزندان : مصطفی ملکوتیان متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم کبری وزیر حرمی است. ایشان دارای سه فرزند بنامهای محمد علی ،زینب و سارا ملکوتیان می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مصطفی ملکوتیان عضو هیئت علمی(دانشیار)دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۷ تا کنون می باشد.فعالیتهای آموزشی : عنوان دروسی که مصطفی ملکوتیان تدریس می کند به قرار زیر است: تئوریهای انقلاب اسلامی ،انقلاب های جهان ،انقلاب اسلامی ایران و جغرافیای سیاسی و دروس انقلاب اسلامی در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری علوم سیاسیسایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مصطفی ملکوتیان در کنار تدریس به تحقیق و پژوهش می پردازد.همفکران فرد : مصطفی ملکوتیان از همفکری نزدیکی با دکتر سید داوود آقایی و دکتر علیرضا صدرا برخوردار است.جوائز و نشانها : مصطفی ملکوتیان در سال ۱۳۶۸ به عنوان استاد نمونه در دانشکده عقیدتی سیاسی شهید محلاتی سپاه در قم انتخاب شده است.چگونگی عرضه آثار : – تعداد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی :۱۳ مقاله – تعداد مقالات ارائه شده در همایشها : یک مورد – تعداد مقالات چاپ شده در همایشها : دو مقاله – تعداد پایان نامه های کارشناسی ارشد تحت راهنمایی : ۱۸ پایان نامه آثار : انقلاب اسلامی ایران ویژگی اثر : تالیف,نشرمعارف ,۱۳۸۴ ۲ انقلاب اسلامی وچرایی وچگونگی رخداد ان ویژگی اثر : تالیف,نشر معارف ,۱۳۷۷ –این کتاب بعد ها به انقلاب اسلامی تغییر نام یافت.۳ انقلابهای متعارض معاصر ویژگی اثر : تالیف,دانشکده حقوق و علوم سیاسی ,۱۳۸۱۴ بازخوانی علل وقوع انقلاب اسلامی در سپهر نظریه پردازی ها ویژگی اثر : تهران ،پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ۱۳۸۷۵ جغرافیا وسیاست ویژگی اثر : تالیف,حق یاوران ,۱۳۸۳ ۶ سیری در نظریه های انقلاب ویژگی اثر : تالیف,۱۷۱,نشر قومس ,۱۳۷۶ –معرفی و نقد و ارزیابی نظریه های مربوط به زمینه ها و علل وقوع پدیده انقلاب۷ یورشهای تبلیغاتی آمریکا در جنگ ویتنام ویژگی اثر : ترجمه,جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران ,۱۳۷۲ – این کتاب به معرفی و ارزیابی روشهای تبلیغاتی آمریکا در زمان جنگ ویتنام پرداخته است.

ملکه جهان

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۱۳۲۴ ق از زنان فاضل. وی دختر کامران میرزا، نایب‌السلطنه ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳ –۱۲۶۴ ق) و همسر محمدعلی شاه قاجار (۱۳۲۷ –۱۳۲۴ ق) بود. کتاب برهان‌الایمان که مجموعه‌ای از ادعیه، اذکار و تجوید است، از آثار اوست (۱۳۲۴ ق)[۱]

دختر کامران میرزا نایب‌السلطنه و زوجه محمدعلی شاه قاجار و مادر احمدشاه قاجار. وی بعد از عزل محمدعلی شاه در ۱۳۲۶ قمری، در اروپا در حال تبعید می‌گذراند و در سن قریب ۷۰ به سکته قلبی درگذشت. او شش فرزند داشت. احمدشاه، محمدحسن میرزا ولیعهد (این دو قبل از او درگذشتند)، سلطان محمود میرزا، سلطان عبدالحمید میرزا، و یک دختر که زوجه مجید میرزا پسر سالارالدوله است.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :[۱] منبع: مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ۲۸۸ / ۶.

ملکی اصفهانی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود ملکی اصفهانی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اگر چه این جانب نقطه قابل ذکر در زندگی خود مشاهده نمی کنم که لازم بدانم آن را به عنوان شرح حال مطرح کنم، چرا که آنچه ما انجام داده ایم قطره ای در مقابل دریاهایی است که بزرگان و گذشتگان از خود بجا گذاشته اند و با وجود عدم امکانات در آن زمان ها کارهای علمی شگفت آوری انجام داده اند. به هر حال، گویا به درخواست آن مرکز محترم ناگزیر از نوشتن جملاتی به عنوان زندگی نامه هستم.

در سال ۱۳۳۹ شمسی در یکی از روستاهای اصفهان در خانواده ای روحانی متولد شدم. پدرم مرحوم حجهٔالاسلام و المسلمین حاج شیخ کاظم ملکی از روحانیان باتقوا و باسابقه و سرشناس در منطقه و حوزه علمیه و مورد اعتماد مراجع بزرگوار تقلید بود. مهمترین نقش را در زمینه تربیت و پروش علمی و اخلاقی این جانب ایشان داشته و در واقع زندگی خود را مرهون خدمات و هدایتها و راهنماییهای ایشان می دانم.

تحصیلات ابتدایی و راهنمائی را در زادگاه خود به پایان رساندم. اگر چه در همان زمانها علاقمند به علوم حوزوی بودم ولی مرحوم پدرم معتقد بود روحانی در این زمان باید از علوم جدید نیز آگاهی داشته باشد لذا به اصفهان آمده و تا مقطع دیپلم در رشته ریاضی فیزیک ادامه تحصیل دادم. همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در سال ۱۳۵۸ موفق به اخذ دیپلم شدم. از آن پس به حوزه علمیه اصفهان وارد شده حدود یکسال در آنجا تحصیل کردم.

سپس در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و به تحصیل ادامه دادم. دروس مقدمات تا سطح عالی را از اساتیدی چون: «مدرس افغانی (ره)»، «ذهنی تهرانی (ره)»، «وجدانی (ره)»، «پایانی (ره)»، «اشتهاردی (ره)» و اساتید دیگر استفاده کردم. سپس در درس خارج «آیت الله مکارم شیرازی» شرکت کرده و چند سالی از دروس خارج «آیت الله فاضل لنکرانی» و «آیت الله تبریزی» استفاده کردم.

از اوایل شروع به تحصیل، به تدریس هم اشتغال داشته ام و تاکنون تدریس را ادامه داده ام. دروس مختلف حوزوی از مقدمات تا سطوح عالی را تدریس کردم و در حال حاضر نیز به تدریس فقه، اصول و تفسیر اشتغال دارم. از جمله دغدغه های اینجانب متون درسی حوزه بوده است، زیرا بازنگری در آنها و روز آمد شدن آنها را امری ضروری و اجتناب ناپذیر می دانستم، لذا درصدد تالیف کتابهایی به عنوان کتب درسی بر آمدم که اولین اثر این جانب در سال ۷۲ با عنوان: «نحو مقدماتی» به چاپ رسید. سپس کتابهای دیگری نیز با همکاری برخی دوستان تالیف نمودیم که در صفحه آثار پژوهشی مطرح می گردد.

ملکی تبریزی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالمی عامل و عارفی کامل عابدی یگانه و سالکی فرزانه از شاگردان مرحوم جمال السالکین و قطب العارفین صاحب نفس قدسیه آخوند ملا حسینقلی همدانی رحمهٔ اللَّه علیهما بود. آن مرحوم دارای علوم و معارف و معنویات کامله بود ولادش در تبریز واقع شد و پس از دیدن مقدمات و سطوح به عتبات عالیات و نجف اشرف عزیمت نمود وفقه را از مرحوم حاج آقا رضای همدانی صاحب مصباح‌الفقیه در سامری فراگرفت و اصول را از مرحوم آخوند خراسانی و علم حدیث و درایه را از خاتم المحدثین مرحوم حاجی نوری و در همان اوقات ملازمت و مصاحبت مرحوم جمال الصالحین صاحب النفس الزکیهٔ والاخلاق الملکوتیه مولینا آخوند ملا حسین قلی همدانی را که شهرت و فضائلش نزد ارباب علم و دانش و عرفان و بینش بسیار و مستغنی از توصیف نالایق ماست و در رساله التقوا اشاره‌ای به مقام ایشان و شاگردانش نمودم اختیار کرده و نفس خود را مهذب و مکمل نموده و در حدود سال ۱۳۲۱ به ایران مراجعت و اولاـ در تبریز سکنی نمود و در قضیه انقلاب مشروطه سال ۱۳۲۹ هجری از آنها به حرم اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام شهرستان قم مهاجرت و مشغول به تدریس (فقه که عنوانش مفاتیح مرحوم فیض بود) و تربیت شاگردان مکتب جعفر بن محمد علیهماالسلام شدند و سه ماه رجب و شعبان و رمضان را متوالیاً روزه گرفته و در مدرسه فیضیه درس اخلاق عمومی می‌گفتند و اکنون نزدیک پنجاه سال است از فوت آن عالم ربانی می‌گذرد در و دیوار مدارس و فضاء مدرسه صدای حزین و گریان و ناله‌های پرشوق و سوزان او را که می‌گوید اللهم ارزقنا التجافی عن دارالغرور والانابهٔ الی دارالخلود والاستعداد للموت قبل حلول الفوت به گوش ارباب هوش می‌رساند فضائل و کرامات آن مرحوم بیشتر از آنست که در این کتاب توان آورد درباره اخلاق و زهد و تقوا و عشق و عرفان او شاگردان او که از علماء معروف حاضرند داستانهائی گفته و او را از بکائین این زمان آورده‌اند نماز جماعتش در مسجد بالاسر و گاهی در مدرسه فیضیه و درس گفتنش شاهد این مدعاست

ارتباط و مراوده‌اش با حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء بسیار ملازمتش به تقوا و ورع بی‌اندازه و مراقبتش به نوافل و حضور و توجه دائمی، آنی غافل نبود و لحظه‌ای از یاد خدا بیرون نمی‌رفت.

حکایت کرد برای این نگارنده جناب آیت‌اللَّه حاج سید جعفر شاهرودی که از شاگردان خاص آن مرحوم و علماء مبرز فعلی تهرانست مکاشفه مفصلی را که مجمل آن اینست فرمود که شبی در شاهرود خواب دیدم که در صحرائی حضرت صاحب‌الامر عجل‌اللَّه فرجه الشریف با جماعتی تشریف داشتند و گویا به نماز جماعت ایستاده‌اند نزدیک رفتم که جمالش را زیارت کنم و دست مبارکش را ببوسم شیخ بزرگواری را دیدم که متصل به آن حضرت و آثار جمال و وقار و بزرگواری از سیمایش پیداست چون بیدار شدم در اطراف آن شیخ فکر کردم که کیست که تا این حد نزدیک و مربوط به مولای ما امام زمان علیه‌السلام است از

برای یافتن او به مشهد مشرف شدم وی را ندیدم در تهران آمدم نیافتم به قم مسافرت کردم او را در حجره‌ای از حجرات مدرسه فیضیه مشغول تدریس دیدم پرسیدم این آقا کیست گفتند آقای حاج میرزا جواد آقای تبریزی است.

خدمتش رسیدم تفقد زیادی کردند و فرمودند کی آمدی گویا مرا دیده و شناخته و از قضیه آگاهند پس ملازمتش را اختیار نموده و چنان یافتم که او را دیده بودم و می‌خواستم تا شب یازدهم ذی‌الحجه ۱۳۴۳ که نزدیک سحر در بین خواب و بیداری دیدم درهای آسمان به روی من گشوده و حجابها مرتفع گشته تا زیر عرش الهی را مشاهده کردم و دیدم که آن مرحوم را که ایستاده و دست به قنوت گرفته و مشغول تضرع و مناجات و گریه است و من از مقام و قرب او به حق تعالی تعجب می‌کردم که صدای کوبه در خانه را شنیدم فوراً برخاستم و درب را باز کردم دیدم یکی از دوستان است گفت فلانی بیا منزل آقا گفتم چه خبر است؟ گفت تسلیت می‌گویم شما را آقا از دنیا رفت

پس تشییع عجیبی از آن مرحوم شد و در مقبره شیخان و در نزدیکی قبر مرحوم میرزا ابوالقاسم قمی صاحب قوانین مدفون گردید ماده تاریخ آن بر سنگ قبرش به عربی چنین است (رفع العلم و ذهب الحلم) و در قصیده‌ای که به فارسی در مرثیه ایشان گفته شده این بیت (از جهان جان رفت و از ملت پناه) ۱۳۴۳ قمری هجری.

تألیفات آن مرحوم متعدد است از جمله اسرار الصلوة که در سال ۱۳۲۸ به طبع رسیده و دیگر مراقبات السنه که در چند سال قبل در تهران منتشر شد و دیگر کتاب سیر و سلوک که نسخه خطی آن نزد مرحوم مغفور رسید الزاهدین و سندالسالکین آقای حاج آقا حسین فاطمی قمی که از خواص شاگردان و ملازمین دائمی ایشان بود و نیز حضرت آیت‌اللّه آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله و بعضی از تلامذه دیگر ایشان است.

شاگردان مبرزی در اخلاق سیر و سلوک و معارف الهی دارد که بعضی از دنیا رفته و بعضی در قید حیات و از مراجع بزرگ عصر حاضرند.

(وف ۱۳۴۴/ ۱۳۴۳ ق)، فقیه اصولی، عالم دینی و مدرس. به جهت انتساب به خانواده‌ی ملک‌التجار تبریزی به ملکی معروف شد. در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات علوم به نجف رفت و در محضر شیخ آقا رضا همدانی، صاحب «مصباح الفقیه»، فقه و آخوند ملا محمدکاظم خراسانی اصول، و محدث نوری علم حدیث و درایه را فراگرفت و از آخوند ملا حسینقلی همدانی تهذیب نفس آموخت. پس از رسیدن به درجات علمی بالا در ۱۳۲۱ ق، به ایران بازگشت و در تبریز سکنی گزید و عهده‌دار تدریس فقه و اصول و اخلاق و تفسیر گردید. در جریان نهضت مشروطه از تبریز به قم مهاجرت نمود و در آنجا سالها به تدریس پرداخت و در مدرسه‌ی فیضیه درس اخلاق عمومی گفت. حاج آقا حسین فاطمی قمی، آیت‌اللّه خویی، امام خمینی و آیت‌اللّه مرعشی نجفی و آقا سید محمود یزدی از جمله شاگردان وی بودند. وی در قم درگذشت و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد. از آثارش: «اسرار الصلاة»؛ «المراقبات السنه»؛ رساله «لقاءاللّه» یا «رساله‌ی لقائیه»، در سیر و سلوک، به فارسی.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۱۴۴ -۱۴۱)، اعیان الشیعه (۲۵۴/ ۴)، تاریخ قم (۲۵۶)، الذریعه (۳۳۸ -۳۳۷/ ۱۸ ،۴۷/ ۲)، ریحانه (۳۹۷/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۳۰ -۳۲۹/ ۱۴)، علماء معاصرین (۱۳۷)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۲۴۳ -۱۲۴۲/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۶۶/ ۳).

ملکی تویسرکانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۴۰/ ۱۰۰۴/ ۱۰۰۲ ق)، شاعر. اهل سرکان، از توابع همدان، بود. از راه کشاورزی امرار معاش می‌کرد. در زمان اکبرشاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به هندوستان رفت و به وسیله‌ی شیخ فیضی به دربار راه یافت و منصب بخشیگری بنگاله به او داده شد و پس از چندی به منزلت دیوانی کشمیر ارتقاء یافت. ملکی در اواخر عمر به عتبات عالیات مسافرت نمود و در آنجا با قربی دماوندی مصاحبت داشت. به گفته‌ی صاحب «الذریعه»، از قول «صبح گلشن» و واله داغستانی، وی در کربلا فوت کرده است و به آورده‌ی صاحب «بزرگان و سخن‌سرایان همدان»، از قول تقی کاشی، در نجف درگذشته است. وی در تحصیل علوم ظاهری و فنون شاعری سرآمد بوده و اشعاری از او در تذکره‌ها ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن سرایان همدان (۳۱۵ -۳۱۴/ ۱)، تاریخ نظم و نثر (۶۶۰ ،۵۱۰)، الذریعه (۱۱۰۰/ ۹)، صبح گلشن (۴۴۸ -۴۴۷)، فرهنگ سخنوران (۸۷۶)، کاروان هند (۱۲۷۸ ،۱۱۳۲/ ۲)، مجمع الخواص (۱۷۷ -۱۷۶)، نتایج الافکار (۶۳۴)، هفت اقلیم (۵۶۹/ ۲).

ملکی زنجانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین ملکی زنجانی (ح.م زاوش) در سال ۱۳۰۱ چشم به جهان گشود . پس از پایان دوره دبیرستان به تهران آمد و به ادامه تحصیل پرداخت . از سال ۱۳۲۹ در اداره جنگل بانی وزارت کشاورزی به کار مشغول شد . زنجانی در فروردین سال ۱۳۵۶ از کار

دولتی کناره گرفت و از آن پس تمام وقت خود را به تحقیق و نگارش پرداخت . او آن چنان دراین مهم پیش رفت که در آغاز دهه ۷۰ به ناراحتی چشم گرفتار شد و پیش روی این بیماری تا حدی بود که او را از خواندن و نگارش بازماند . استاد ملکی زنجانی در ۱۸ خرداد ۱۳۷۷ در تهران چشم از جهان فروبست .

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : حسین ملکی زنجانی (ح . م . زاوش) در خانواده یک پیشه ور چشم به جهان گشود پدرش زین ساز بود در کودکی مادر را از دست داد و پدر که تا نوجوانی او زنده بود باعلاقه فراوان او را به تحصیل علم واداشت . دشواری های سخت زندگی را بدون پشتوانه خانوادگی از سر گذراند .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین ملکی زنجانی پس از پایان دبیرستان در ۱۳۲۰ به تهران آمد و به تحصیل پرداخت .

استادان و مربیان : حسین ملکی زنجانی آموخته های خود را در سایه ی تعلیمات علی کاظمیه زرینه و پروفسور کامبوزیا به دست آورد.

وقایع میانسالی : حسین ملکی زنجانی در آثار چاپ شده و چاپ نشده خود به افشای حرکات فراماسیونها و کارگزاران سر سپرده آنها می پردازد و بذر امید و استواری و پایداری برای بهبود زندگی بشر را می افشاند . در فروردین ۱۳۵۶ از کار دولتی کناره گرفت و زان پس تمام وقت خود را به تحقیق و نگارش پرداخت . او آنچنان در این مهم پیش رفت که در آغاز دهه ۷۰ به تاراحتی چشم گرفتار شد . پیش روی این بیماری تا حدی بود که نور چشمانش چون رفیق نیمه راهی در نیمه پایانی راه تنهایش گذاشت و او از خواندن و نگارش باز ماند .

زمان و علت فوت : حسین ملکی زنجانی در ۱۸ خرداد ۱۳۷۷ در تهران چشم از جهان فرو بست .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسین ملکی زنجانی از سال ۱۳۲۹ در اداره جنگل بانی وزارت کشاورزی به کار مشغول شد . --

آثار :

۱ اطلاعات عمومی سپیده

ویژگی اثر : ۱۳۶۷ ، نشر سپیده

۲ تهران در گذر گاه تاریخ

ویژگی اثر : ۱۳۷۰ ، انتشارات اشاره

۳ جنگل ها و گسترش کویرها

ویژگی اثر : ۱۳۶۷ . نشر آینده .

۴ دولت مردان ایران و ساختار نهادها در عصر مشروطیت

ویژگی اثر : جلد دوم ، سال ۱۳۷۰ ، انتشارات اشاره .

۵ دولت های ایران در عصرمشروطیت

ویژگی اثر : جلد اول ، سال ۱۳۷۰ ، انتشارات اشاره .

۶ دیوان عطار

ویژگی اثر : سال ۱۳۶۱ ، اتشارات چکامه

۷ رابطه فراماسیونری با صهیونیسم و امپریالیسم

۸ نخستین کارگزاران استعمار در ایران

ویژگی اثر : ۱۳۶۱ انتشارات بهار

۹ نقش فراماسونها در تاریخ معاصر ایران

ویژگی اثر : ۱۳۶۱ ، اتشارات آینده

منابع زندگینامه :

۱چیستا –سال شانزدهم – شماره ردیف ۱۵۲ و ۱۵۳ آبان و آذر ماه ۱۳۷۷ ص ۲۷۲

ملکی شمیرانی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ مصطفی ملکی شمیرانی از فضلاء متقی و ائمه جماعت معاصر تجریش است.

وی در حدود سال ۱۴۳۶ ق در تجریش متولد شده و دروس جدیده را خوانده آنگاه بتشویق و تصویب مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ علی چیذری (سابق الذکر) بتحصیل علوم دینی پرداخته و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح به قم آمده و سطوح متوسط و عالی را از حضرت آیت‌اللّه مرعشی مدظله و آیات دیگر بپایان رسانیده و بدرس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و دیگران شرکت نموده و به افتخار و مصاهرت مرحوم آیت‌اللّه فاضل لنکرانی نائل و چون محصلی با تقوا و جدی بودند بمراتب عالیه علم و کمال ارتقا یافته آنگاه به زادگاه خود تجریش برگشته و بحکم (و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم) به وظائف تبلیغی و خدمات دینی از اقامه جماعت و غیره پرداخته است.

نگارنـده گویـد: حقیر آقای ملکی را از قبل از ورود به تحصیل علوم دینی می‌شناسم و جز تقوا و پاکی و دیانت و فضل و کمال از وی ندیده و نشنیده‌ام.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

ملکی طسوجی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن ملکی فرزند عالم جلیل و فقیه نبیل حاج سید عباس ملکی طسوجی از فضلاء و مدرسین حوزه علمیه قم می‌باشند.
وی در سال ۱۳۲۴ شمسـی در شـهر تبریز متولـد شده و در بیت علم پرورش یافته و در سال ۱۳۳۰ شمسـی در معیت والد ماجدش به شهرسـتان خوی آمده و مدتی در آنجا اقامت و پس از فراگرفتن تحصیلات دوره ابتدائی و مقدمات در مدرسه نمازی خوی در سال ۱۳۳۹ شمسی برای ادامه تحصیل علوم دینی به حوزه علمیه قم مهاجرت نموده است.
سطوح نهـائی را از آقـای اعتمـادی و آقـای نوری و اکثرا از عموی گرامیش حاج سـید جلیل ملکی اسـتفاده نموده و به درس خارج آیات عظام شرکت و بهره‌های کافی برده و به تدریس سطوح عالی فقه و اصول پرداخته و تا حال حاضر اشتغال دارند .
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

ملکی طسوجی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیـد عبـاس موسوی ملکی طسوجی از اجله علمـاء اعلام عاملین متصف بملکات فاضـله و اخلاق حمیـده بوده‌انـد که در سال ۱۲۸۰ هجری شمسی در بلده طسوج آذربایجان که در دو منزلی غرب تبریز و شمال دریاچه رضائیه قرار دارد متولد شده و در بیت سیادت و علم پرورش یافته و در خانـدانی نشو و نما شـده که سـخاوت و کراماتشان زبانزد عام و خاص بوده و قبور آباء و اجدادشان مزار و مطاف مردم آن دیار است.
فقید سـعید قدس سـره دوران صـباوت را تحت تکفل والد ماجدش سیدالعلماء العالمین آقای آقا سید حسین موسوی طسوجی ملکی بوده و علوم مقدماتی و متداول آن زمان را فراگرفته و برای ادامه تحصیل به شهر خوی آمده است.
و در مدرسه علمیه نمازی سکنی گزیده و مدتی تحت نظارت دائی بزرگوارش آیت‌اللّه حاج سید هاشم مرقاتی مؤلف کتاب (مفتاح الکلام) فی شـرح شرایع‌الاسـلام که چنـد جلـد از آن به طبع رسـیده کسب فیض و علوم نموده سـپس به حوزه علمیه مشـهد مقـدس عزیمت و پس از چند سال اقامت و اسـتفاده از آیات عظام آنجا رهسـپار نجف اشرف شده و از محضر اساتید و مراجع بزرگ تقلید در علوم فقه و اصول و فلسفه و حکمت و اخلاق تلمذ نموده تا به مقام شامخ اجتهاد نائل گردیده.
و آیات عظام و فقهاء کرامی چون آقا ضـیاءالدین عراقی و آقا سـید ابوالحسن اصـفهانی و حاج شیخ محمدکاظم شیرازی رضوان‌اللّه تعـالی علیهم اجـازه اجتهـاد برای ایشـان مرقوم فرمودنـد. پس از آن به وطن مالوف خویش مراجعت نموده و در بلـده طیبه قم نیز از محضـر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حـایری یزدی و آیت‌اللّه العظمی حجت کوهکمری فقهـا و اصولاـ کسب فیض نموده و حـدود سال ۱۳۷۳ قمری به تبریز آمده و چند سالی اقامت و به تدریس علوم دینی و اقامه نماز جماعت اشتغال داشته و پس از مدتی بنابر مصالح شخصـی به شـهر خوی آمـده و در این شـهر هم مرجع امور دینی مردم بوده و در مسـجد ملاـحسن اقـامه جماعت نموده تا در اواخر عمرشان مجددا به قم برگشته و پس از چند سال در تاریخ ۱۳۶۱ شمسی از دنیا رفته و در باغ رضوان مدفون شده است حشره‌اللّه مع اجداده.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

ملکی قزوینی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۹ ق)، شاعر. پدرش متخلص به علمی و از ملازمان شاه عباس اول بود. ملکی، از وطن خود قزوین، همراه پدر مسافرتهایی به عراق، مشـهد و هرات و غیره داشـت. سـپس در ۱۰۰۹ ق از پـدر جـدا شـد و عازم هندوسـتان گردیـد. در آگره به خـدمت اکبرشاه (۱۰۱۴ –۹۶۳ ق) درآمـد و پس از او ملازمت جهانگیر شاه (۱۰۳۷ –۱۰۱۴ ق) را اختیار نمود و در بعضـی از جنگها شرکت داشت. در نبردی از افراد کمکی میر معزالملک و در نبردی دیگر از افراد مهابت خان و خان جهان افغان شد. وی بعدها به دلیل رنجشی که از خان جهان افغان دید به آگره رفت و در خدمت جهانگیر شاه درآمد و از افراد کمکی رسـتم میرزای صفوی، حاکم تته، شد. بعد از مدتی دست از خدمت کشیـد و به دکن رفت و از آنجا پس از سیر و سیاحت آن ملک، در ۱۰۲۹ ق، به قصد ملازمت شاهزاده پرویز، فرزند جهانگیر، صوبه‌دار پتنه‌ی بهار، راهی آن دیار شد و «ساقی نامه» خود را، که مذیل به نام او بود، به عرض وی رسانید و شـاه به فخرالزمـانی، صـاحب تـذکره‌ی «میخانه» دسـتور داد که آن را داخل میخانه بگنجانـد. ملکی بعـد از مـدتی به قصـد ملازمت

ابراهیم خان فتح جنگ به بنگاله رفت. از آثار وی: «ساقی نامه»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تـذکره‌ی میخانه (۶۹۱ -۶۸۰)، الـذریعه (۱۱۶/ ۱۲ ،۱۱۰۱/ ۹)، فرهنگ سـخنوران (۸۷۶)، کاروان هنـد (۱۳۵۷ - ۱۳۵۶/ ۲).

ملکی متهور، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید ملکی متهور

محل تولد : کبوتر آهنگ همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۱ موفّق به اخـذ دیپلم تجربی از دبیرسـتان امام خمینی (ره) همدان شدم. در همان سال وارد حوزه علمیّه «آیت الله مجتهدی تهران» شـدم. و پـایه اوّل را در آنجا خوانـدم. سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیّه قم شـدم و دروس مقـدّمات و ادبیّات عرب را از محضـر اساتیدی چون: «طالقانی»، «موسوی گرگانی»، «فتوحی»، «مدرس افغانی» و ... بهره بردم.

دروس لمعه و اصول را از محضـر اساتیـدی چون: «آیت الله شب زنـده دار»، «آیت الله اسـتادی»، «آیت الله وجـدانی فخر» و «صالحی افغانی» و ... اسـتفاده کردم. دروس رسائل و مکاسب را نزد اساتیـدی چون: «آیت الله پایانی»، «آیت الله طاهری خرم آبادی» و «آیت الله اعتمادی» زانو زدم. درس کفایتین را از محضـر «آیت الله سـتوده» خوشه چینی کردم. سال ۱۳۶۸ دروس سطح را به پایان رساندم و وارد مقطع خارج شدم.

قابـل ذکر است که حقیر از سال دوم طلبگی مشـغول تـدریس به صورت آزاد نیز بودم که تا کنون نیز ادامه دارد. علاوه بر تـدریس مشـغول تبلیغ و سخنرانی در مناسبت های تبلیغی در جوامع مختلف می باشم. حدود ۱۰ سال در درس خارج آیات عظام: «تبریزی»، «مکارم»، «فاضل لنکرانی»، «وحید خراسانی» و «سبحانی» شرکت کردم. حدود ۷ سال است که در درس خارج خصوصـی «آیت الله معرفت» شـرکت می کنم. در کنار دورس فقه و اصول حوزه در رشته تخصصی تفسیر نیز شرکت کردم و بحمد الله با موفّقیّت آن را به اتمام رساندم که موضوع پایان نامه «عصمت انبیاء در قرآن» می باشد.

ملکی میانجی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمـدباقر ملکی میانجی فرزنـد عبـدالعظیم فرزنـد حاج علیمرادی از علماء متقی معاصـر در میانج آذربایجان می‌باشـند، که در سال ۱۳۲۴ قمری در قصـبه ترک (بفتح تاء و سکون راء و کاف) از محال گرمرود شهرستان میانه به دنیا آمده و بعد از تحصیلات فارسی ادبیـات و قسـمتی از قـوانین و ریـاض را در زادگـاهش خـدمت آقـا سـید واسـع کـاظمی ترکی (ره) که از شـاگردان مرحوم آخوند خراسانی بوده فراگرفته است.

سپس در سال ۱۳۴۹ قمری به مشهد رضوی عزیمت نموده و در حوزه علمیه مشهد اشتغال به تحصیل رسائل و کفایه از مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و فلسـفه و کلام را در حضور مرحوم آیت‌اللَّه حاج شـیخ مجتبی قزوینی و قسـمتی از خارج فقه را از مرحوم حاج میرزا محمد آقازاده خراسانی و همچنین قسـمتی از خارج فقه و اصول و یک دوره کامل معارف اسـلامی را از محضـر عالم ربانی و علامه سـبحانی آیت‌اللَّه میرزا مهدی غروی اصـفهانی فراگرفته و در سال ۱۳۶۳ قمری از آن مرحوم دریـافت اجـازه اجتهاد و روایتی نموده و سپس به سوی آذربایجان و قصـبه ترک زادگاهش که مرکز محال گرمرود میانه است عزیمت و در آنجا سکونت نموده و به خـدمات دینی از امامت و تفسـیر قرآن و معارف اسـلام و ترویج دین و درس اخلاق پرداخته و خدمات شایانی نموده و در اواخر ۱۳۷۸ قمری به قم آمده و در حوزه به تدریس خارج اصول و تفسیر و معارف اسلامی اشتغال یافته است.

آثار علمی ایشان از این قرار است

۱- تفسیر آیات الاحکام

۲- بدایع الکلام به طبع رسیده است.

۳- یکدوره معارف اسلامی تا آخر معاد (مخطوط).

۴- تفسیر قرآن از اول تا سوره نساء و از سوره مزمل تا آخر قرآن.

۵- یکدوره تقریرات درس میرزا مهدی اصفهانی (مخطوط).

(تو ح ۱۳۲۴ ق)، عـالم دینی، فقیه اصولی و مفسر. در ترک از توابع میانه آذربایجان به دنیا آمـد. در همان جا ادبیات عرب، منطق، اصول و فقه را در محضـر سید واسع کاظمی ترکی، که از شاگردان برجسته‌ی آخوند خراسانی بود، فراگرفت. در ۱۳۴۹ ق به مشهد رفت و در سـطوح عـالی نزد آیت‌اللّه شـیخ هاشم قزوینی و در فلسـفه و کلام نزد آیت‌اللّه شـیخ مجتبی قزوینی و در درس خارج نزد زعیم حوزه‌ی علمیه مشـهد، آیت‌اللّه میرزا محمـد آقـازاده‌ی خراسـانی، تلمـذ کرد. او همچنین یـک دوره اصول فقه و یـک دوره‌ی کامل اصول عقایـد و معارف اسـلامی را از محضـر آیت‌اللّه میرزا مهدی غروی اصـفهانی اسـتفاده نمود و از ایشان به دریافت اجازه اجتهـاد و نقـل حـدیث نایـل آمـد، اجـازه‌ای کـه آیت‌اللّه حجت کـوه کمری نیز آن را تأییـد کرد. او از معتقـدان به مکتب تفکیک محسوب می‌شد. بعدها در قم مورد توجه آیت‌اللّه بروجردی قرار گرفت و پس از سکونت در آنجا عهده‌دار تدریس خارج اصول و تعلیم تفسیر و معارف اسلامی گردید. او در طول عمر خویش تلاش بسیاری برای کمک به محرومان و اقدامات زیادی در امور عام المنفعه نمود. از آثـارش: «بـدائع الکلام فی تفسیر آیات الاحکام»؛ تفسیر «فاتحهٔ الکتاب»؛ «مناهـج البیان»، در تفسیر قرآن؛ «تفسیر القرآن الکریم»؛ «الرشـاد»، در توحیـد و معـاد؛ دوره‌ی کامـل درس «اصول» آیت‌اللّه آقـا میرزا مهـدی اصـفهانی؛ رسـاله در «حبـط و تکفیر»؛ رساله در «خمس».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۹، ش ۱۲، ص ۴۱ –۴۰).

ملکی میلانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: گیاه‌شناسی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد حشره‌شناسی از دانشکده علوم پاریس در سال ۱۳۴۳، گواهینامه عالی تخصصی حشره‌شناسی زراعی و جنگلی از انستیتو ناسیونال آگرونومیک (I.N.A) پاریس، اخذ مدرک دکتر مهندس از دانشکده علوم پاریس در سال ۱۳۴۸.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

جمع‌آوری و شناسایی سخت بالپوشان مفید ایستگاه تحقیقاتی وابسته به دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

حشره‌شناسی شامل: پدیده چند شکلی و زیست‌شناسی ملخهای مهاجر (ترجمه از متن فرانسه)، فرومونهای حشرات (ترجمه از متن انگلیسی) و روشهای جمع‌آوری، نگهداری و بررسی حشرات (ترجمه از متن انگلیسی).

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

پرورش حشرات بـا محیط غـذایی مصـنوعی، بررسـی اکوپاتولوژیـک بیمـاری و بررسـی سیتوپلاسـمی، بررسـی سازگاری یا عـدم سازگاری ویروس پلی ئدرز هسته‌ای یک شب پره در شب پره دیگر، بررسـی تأثیر عدم بیولوژیک (ویروس پلی ئدرز هسته‌ای، سم گرما پایدار با سیل تورنژنسیس) و یک سم با اثر بیولوژیک (دیملن) به تنهایی و مخلوط آنها با همدیگر (دو به دو) به روی شب پره زمستانی، بررسی بیماری گچی یـا آهکی شـدن زنبوران عسـل و گرده‌افشان، بررسـی تحلیلی جایگاه سوستریها و شیخکها در رده‌بندی حشرات.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ملکی میلانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر حسن ملکی میلانی دارای دکتری رشته حشره شناسی از دانشگاه علوم پـاریس در سال ۱۳۴۸ است.وی عضـو هئیت علمی دانشگاه تبریز با درجهٔ دانشیاری می باشد.گروه : کشاورزیرشته : حشـره شناسیگرایش : حشـره شناسـی زراعی و جنگلیتحصیلات رسـمی و حرفه ای : دکتر حسن ملکی میلانی دارای کارشناسی ارشد حشره شناسی از دانشکده علوم پاریس در سال ۱۳۴۳ ،گواهی نامه عالی تخصصی حشره شناسی زراعی و جنگلی از انستیتو ناسیونال آگرونومیک (I.N.A) پـاریس است.وی دکتری رادر سال

۱۳۴۸ از دانشکده علوم اخذ کرد.وقایع میانسالی : دکتر حسن ملکی میلانی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته حشره شناسی به عضویت هئیت علمی دانشکده کشاورزی در دانشگاه تبریز درآمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به انجام خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر حسن ملکی میلانی عضو هئیت علمی و دانشیار گروه مبارزه با آفات زراعی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه تبریز است.چگونگی عرضه آثار : دکتر ملکی میلانی دارای تحقیقاتی در زمینه جمع آوری و شناسایی سخت بالپوشان مفید ایستگاه تحقیقاتی وابسته به دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز است. ایشان دارای ۳ تالیف و بیش از چندین مقاله به زبانهای فارسی و خارجی در زمینه علمی پرورش حشرات با محیط غذایی مصنوعی ،بررسی اکوپاتولوژیک بیماری و بررسی سیتوپلاسمی و بررسی سازگاری یا عدم سازگاری و ویروس پلی ئدرز هسته ای یک شب پره در شب پرده دیگر است. آثار : پدیدهٔ چند شکلی و زیست شناسی ملخهای مهاجر روشهای جمع آوری و نگهداری و بررسی حشرات منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

ملکی، باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین حاج میرزا باقر ترکی ملکی میانجی عالمی عامل و فاضلی کامل و مفسری بصیر و محدثی خبیر و از اوتاد و اخیار علماء حوزه علمیه قم است تولدش در میانه واقع شده و به مشهد مقدس مهاجرت نموده و سالها در حوزه علمیه خراسان به تحصیل و تکمیل مبانی علوم پرداخته آنگاه در حیات مرحوم زعیم اعظم آیت‌الله العظمی بروجردی طاب ثراه به قم آمده و رحل اقامت افکنده و چندین سال از محضر آن علامه بزرگوار و بعد آیت‌الله العظمی شریعتمداری ایده‌الله استفاده نموده و به تدریس فقه و تفسیر پرداخته و عده‌ای از فضلاء و محصلین قم را از بیانات دقیقه و اخلاق حمیده بهره‌مند می‌سازد.

از باقیات الصالحات ایشان است فرزند برومندشان جناب ثقه‌الاسلام و مصباح الظلام آقای آقا میرزا صادق ملکی داماد آیت‌الله حاج شیخ راضی نجفی تبریزی از فضلاء آراسته موصوف به فضل و تقوا است سالها در مشهد و قم از محضر بزرگان و آیات عظام استفاده کرده و برای تبلیغ به خارج کشور بحرین و قطر و غیره مسافرت و انجام وظیفه نموده و اکنون رحل اقامت به تهران افکنده و به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ملکی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی ملکی

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس ازتحصیلات ابتدایی و متوسطه در حوزه علمیه زنجان مشغول به تحصیل شدم و همزمان شبانه دروس دبیرستان را هم تحصیل و در سال ۱۳۷۳ موفق به اخذ دیپلم گردیدم. در سال ۷۴ به علت شرایط و موقعیت خاصی که داشتم؛ به خدمت سربازی اعزام شدم. دو سال در آموزش و پرورش در سمت سرباز معلمی مشغول خدمت شدم تا اینکه درسال ۷۶ عازم شهر مقدس قم شدم تا در جوار کریمه اهل بیت، درس حوزه را ادامه دهم و سپس همزمان با تحصیل در حوزه به کارهای علمی و پژوهشی هم همت گماشتم وعلاوه بر آن، ۴ سال به طور مداوم به تبلیغ اعزام شدم.

ملکیان، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر ملکیان

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۹/۲۴

زندگینامه علمی

اینجانب محمد باقر ملکیان متولد ۱۳۴۲ در شش سالگی ۱۳۴۸ وارد دبستان شده و پنج سال ابتدایی را در مدرسه ملی شهرمان با رتبه اول به اتمام رساندم. سه سال راهنمایی را هم در شهر محل تولد با رتبه اول تمام کردم. تابستان ۱۳۵۶ به قم آمده و در مدرسه حقانی سابق که زیر نظر «آیت الله شهید قدوسی» و «شهید بهشتی» اداره می شد؛ ثبت نام کردم. در امتحان ورودی ام که از متقاضیان گرفته شد؛ رتبه اول شدم و سال اول طلبگی را در آن مدرسه بودم.

از سال بعد از مدرسه خارج شدم و زیر نظر اخوی خویش که از طلاب فاضل شهر رضایی است به تحصیل ادامه دادم. ادبیات عرب را به صورت آزاد در نزد اخوی آقای طالقانی و بعضی دیگر خواندم. معالم الاصول را نزد اخوی خوانده و المنطق مرحوم مظفر را پیش استاد نجفی از فضلای طلاب شهر رضایی که دو دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی هم شدند به اتمام رساندم . لمعه را نزد مدرسین مختلف از جمله: «آیت الله حاج شیخ علی پناه اشتهاردی»، «آقای بادکوبه ای» و «حجهٔالاسلام فیاضی» و نیز بعضی کتابها را نزد اخوی ام خواندم. رسائل را به طور کامل در نزد حجهٔالاسلام فیاضی خواندم. حلقات شهید صدر را نزد اخوی (حلقه اولی و ثانیه) و نزد حجهٔالاسلام اعرافی که امروز رئیس مرکز جهانی علوم اسلامی می باشد (حلقه ثالثه) را خواندم.

همزمان با خواندن دروس حوزوی در اواخر سال تحصیلی ۵۹ – ۱۳۵۸ برنامه ای فشرده در موسسه در راه حق زیر نظر استاد مصباح یزدی در مورد بررسی و نقد مارکسیسم را گذراندم. با توجه به شرایط زمانی آن سالها این درسها بسیار با اهمیت بود. بعداً امتحان گرفته شد و قبول شده های در آن امتحان در موسسه در راه حق گروه آموزشی جدیدی را تشکیل دادند.

از مهر ۱۳۵۹ به مدت پنج، شش سال دروس زیادی در برنامه موسسه در راه حق در کنار فقه و اصول حوزه می خواندیم از جمله: «اقتصادنا و فلسفتنا شهید صدر، چند واحد علوم سیاسی، چند واحد جامعه شناسی، ادبیات عرب، ادبیات فارسی، انگلیسی (به مقدار بسیار زیاد)، فلسفه مرسوم از جمله بدایهٔالحکمه، نهایهٔالحکمه، سلسله مباحث فلسفه شبیه درس خارج فلسفه (استاد مصباح)، دو واحد حقوق، چند واحد معرفت شناسی و ... . این درسها تا چند سال در موسسه در راه حق و بعداً در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (علیه السلام) زیر نظر استاد مصباح ادامه یافت. بعدها با ارائه واحدهای درسی و در سال حدود ۱۳۶۸ به بعد تدریس دروس مختلف را شروع کردم: ادبیات عرب، اصول الفقه، فقه، منطق، فلسفه، کلام، منطق، زبان انگلیسی و ... درس می دادم.

در سال ۱۳۷۹ در دوره دکتری تربیت مدرس شرکت کردم و در کنکور آن رتبه اول شدم. حالا هم پایان نامه را نوشته ام و پیش دفاع هم کرده ام و به زودی باید دفاع کنم. از سال ۱۳۷۷ هم عضو هیات علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) بوده ام و در این موسسه درس اشارات، نهایهٔالحکمه و انگلیسی تخصصی و بعضی کتابهای دیگر را تدریس داشته ام.

بعضی از رساله های طلاب را مشاوره و یا داوری کرده ام. در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) هم بعضی رساله ها را مشاوره و یا داوری کرده ام. تابستانها حدود ۸ سال برای دانشجویان برنامه ای با نام «طرح ولایت» اجرا می شد که من در آن برنامه درسهای: معرفت شناسی، فلسفه اخلاق، منطق و خداشناسی فلسفی را مکرراً تدریس کرده ام. در مدارس طلبگی هم گاهی این مواد را تدریس می کنم.

ملکیان، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی ملکیان در سال ۱۳۳۵ شمسی در شهرضای اصفهان متولد شد.وی به علت علاقه ای که به مباحث عقلی و فلسفی داشت تحصیلات خود را در رشته مهندسی رها کرد و تامقطع کارشناسی ارشد در دانشکده الهیات دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد . در تعلیم مباحث فلسفی وی در کنار تحصیلات دانشگاهی تلاش مستمری در مطالعه و تحقیق در شاخه های مختلف علوم عقلی داشت . استاد ملکیان تالیفات و ترجمه هایی در زمینه فلسفه و تاریخ فلسفه عرضه داشته است .

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

والدین و انساب : مصطفی ملکیان در سال ۱۳۳۵ شمسی در شهرضای اصفهان متولد شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : مصطفی ملکیان پس از گذراندن تحصیلات مقدمایت و متوسطه در شهرضا به ادامه تحصیل در رشته مهندسی پرداخت. وی به دلیل علاقه به مباحث عقلی و فلسفی آن رشته را رها کرد و تحصیلات دانشگاهی خود را تا مقطع کارشناسی ارشد دانشکده الهیات دانشگاه تهران ادامه داد. ملکیان به تحصیلات رسمی و دانشگاهی قانع نشد و خود با تلاش پیوسته و خستگی ناپذیر به مطالعه و تحقیق در شاخه ها و شعب مختلف علوم به ویژه علوم عقلی پرداخته است.

استادان و مربیان : مصطفی ملکیان خود را پیرو سنت استادی– شاگردی نمی داند. و این مساله را ناشی از وسواسی می داند که در امور علمی و فکری در اعتماد نسبت به افراد داشته است. این تفکر باعث شده است که در حوزه و دانشگاه از استادان، مخصوصا به صورت حضوری خیلی کم استفاده کند و در دانشگاه و اغلب در کلاس درس اکثر استادان حاضر نشود. و بالعکس هر گاه استادی را در حوزه مورد علاقه اش یعنی فلسفه، عرفان و ادبیات قوی و مسلط می یافت با شور و شوق بصورت مستمع آزاد در کلاس درس حاضر می شد. به این ترتیب وی از محضر درس استادانی چون مرتضی مطهری، مرحوم دکتر امیر حسین یزگردی، مرحوم دکتر عبدالحسین زرین کوب، مرحوم دکتر غلامحسین صدیقی، مرحوم دکتر مهرداد بهار (که او را از شریف ترین انسانهایی می

داند که چشم روزگار به خود دیده است) بهره برده است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مصطفی ملکیان در دانشکده الهایت دانشگاه تهران تدریس می کند.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مصطفی ملکیان از آنجا که فکرش خاص در انتخاب استاد داشته است که خود از آن «مشکل پسندی و دیر پسندی» نام می برد. بیشتر به مطالعه متون مکتوب روی می اورد. البته در این مورد نیز در اختخاب نویسندگان، مترجمان کتابها، رسائل و مقالات هم حساسیتهای خاص در دنبال می کند. استاد ملکیان خود حصال این وضع و حال را نوعی آموختگی ذکر می کند و محاسن و معایب آن را یاد می آورد.

آرا و گرایشهای خاص : - تاثیر شناخت تاریخ فلسله در شناخت خود فلسفه مصطفی ملکیان معتقد است که بر تاثیر اطلاع بر تاریخ فلسفه در فهم فلسفه باید بصورت مضاعف تاکید نمود علت این تاکرد را از آن جهت مهم می داند که موضوعات مورد بحث فلسسفه امور محسوس نبوده بلکه امور انتزاعی را شامل می شود و این امور انتزاعی چیستی شان وابسته به مقوصد کسی است که درباره آن سخن می گوید. مصطفی ملکیان این اهمیت را چنین تشریح می کند که اگر لفظ دال ابیک امور انتزاعی در طول تاریخ وحدت داشته باشد و هیچونه تغییری نکند، ولی مولفه های مفهومی آن امر آهسته آهسته در ذهن متفکران عوض بشود، در این صورت با هویتهای مختلفی سرو کار خواهیم داشت. لذا این مساله مهم است که اطلاع کسب شود که یک مفهوم اذهان متفکرانی که با لفظ متناظر آن مفهوم سرو کار داشته اند، چه تطوری پیدا کرده است. - ارائه تقسیم بندی کلی در تاریخ نگاری های فلسفه مصطفی ملکیان تاریخ نگاری های فلسفه را به چهار قسم تقسیم می کند: ۱- تاریخ نگاری فیلسوفان یا به تعبیری تاریخ نگاری فلسفه از حیث شخصیتهای فلسفی (با رعایت تقدم و تاخر تاریخی) ۲- تاریخ نگاری فلسفه بر حسب مکاتب فلسفی، که به دو صورت با لحاظ تقدم و تاخر زمان پیدایش مکاتب، دوم تاریخ نگاری مکاتب از حیث نظم و ترتیب منطقی بین مکاتب. ۳- تاریخ نگاری بر حسب سنتهای فلسفی(سنت در اینجا به معنای همه کسانی است که سلسله النسب فکریشان به شخص واحدی م یرسد)، این نوع تاریخ نگاری کمتر متعارف است. ۴- تاریخ نگاری موضوعی- مساله ای فلسفی است (لفظ موضوعات به لحاظ تصورات فلسفی و لفظ «مسائل»را به لحاظ تصدیقات فلسفی بکار رفته است). در این شیوه که برخی دایره المعارفهای فلسفی نیز به این شیوه مدخل یابی کرده اند اگر آرا و نظریه های فیلسوفان زیر هر موضوع یا مساله با تتیب تاریخی ذکر شود خود نوعی تاریخنگاری است. که هر چهار شیوه محاسن و معایب اص خود را دارند و مابقه المجع هم نیستند. توصیه ملکیان در مطالعه تاریخ فلسفه از آن جهت که فهم فلسفی توقف گریز ناپذیری به اطلاع از تاریخ آن دارد، قسم چهارم تاریخ نگاری را به این منظور سودمند می داند. - معنای فلسفه اسلامی مصطفی ملکیان در خصوص فلسفه دینی معتقد است واقعا نمی توان مفاهیمی چون «فلسفه» را با مضاف الیه «مسیحیت» یا «اسلام» یا ... صفت «مسیحی» یا «اسلامی»یا ... ترکیب کرد. به دلیل این که در فلسفه هیچ نفی و اثباتی و رد و قبول و نقض و ارابی صورت نمی گیرد مگر به مقتضای برهان و دلیل عقلی. همچنین وی معتقد است در صورتی که فلسفه اسلامی را به این معنا که این فلسفه بیشتر موضوع و مسائل خود را از اسلام می گیرد تقلی می شود.، با این فرض نیز دیده می شود که موضوعات و مسائل فلسفه به اصطلاح اسلامی چندان تابع میزان تاکید و اهمیتی که متون مقدس دینی برای موضوعات و مسائل قائلند نیست. در تقلی سومی که از فلسفه اسلامی به این معنا که فلسفه اسلامی، فلسفه ای است که مشتغلان و نویسندگان آن مسلان بوده اند بر این عقیده است که در تاریخ فرهنگ اسلامی، صاحب تئولوژی و الهیات اسلامی هستیم و کسانی که به فیلسوف و در این عرصه محمد بن زکریای رازی یگانه فیلسوف (کسی که سیر فکری و عقلانی اش واقعا سیری آزاد باشد) بزرگ جهان اسلام است. ---

آثار :

۱ تاریخ فلسفه غرب

ویژگی اثر : این کتاب با نام مصطفی ملکیان به چاپ رسیده است و مجموعه دروس ایشان در خصوص فلسفه غرب از ابتدا تا دوره معاصر در قم است. منابع زندگینامه :

۱رویکردهای متفاوت در تاریخ، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۵۲ و۵۳، بهمن و اسفند ۱۳۸۰، فلسفه نگاری

ملکی‌یزدی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۱ رمضان ۱۳۲۳ درگذشت: ه. ق. یزد.

درگذشت: ۲۱ آذر ۱۳۷۱ ه. ش. (۱۴۱۳ ه. ق.)، تهران.

تخلص محمود ملکی‌یزدی «ملک» بود. وی دومین فرزند ذکور میرزا عبدالوهاب ملکی «ملک» بود. وی دومین فرزند ذکور میرزا عبدالوهاب ملکی (ملک الاطباء) بود که مدت چهل سال به امر تعلیم و تربیت اشتغال داشت و دارای طبع شعر بود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ملماسی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

درگذشت: ۲ تیر ۱۳۷۰.

تخلص: «آزرم تبریزی».

آزرم تبریزی از اعقاب همام تبریزی شاعر آذربایجانی بود. وی خوشنویس بود. از آثارش می‌توان به این موارد اشاره کرد: گلستان سعدی به خط زیبا و آراسته به نقش و نگار به درازا و پهنای یک قوطی کبریت! دیوان خود شاعر که نمونه‌ای از ذوق و ظرافت است، قطعه شعری به نام «فلک» از دکتر مهدی روشن ضمیر به اندازه‌ی یک بند انگشت؛ نامه‌ی تبریک سال نو که کوچکی ابعاد و بزرگی ذوق در آن تماشایی است؛ دو بیت شعر بر روی یک چوب کبریت؛ سه اثر هندی بر روی پوسته‌ی داخلی سه تخم کدو و نظایر آن... نوع دیگر از خوشنویسی که گویا «سربی» نام دارد، و بس تماشایی است که نمونه‌هایی از آنها را در مجله‌ی «وارلیق» می‌توان دید (شماره‌ی ۷۱ –۵)؛ ایشان به این قبیل ریزه‌کاری‌های هنری بسیار دست زده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ملول

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

۱۲۵۶ ق، از زنان شاعر. هلاکو میرزا در مصطبه‌ی خراب او را از زنان شاعر قاجار می‌داند ولی آقا بزرگ تهرانی او را مرد شاعری معرفی کرده است. مطلع یکی از اشعار ملول، مؤید زن بودن اوست:

اگر چه بانوی شاهم «ملول» لیک به عمر

ز خوف روز قیامت دلم نشد خرم

او دیوان شعری مشتمل بر ۵۱۲ بیت نیز دارد. از اشعار اوست:

رسید مژده که دلدارم از سفر آمد

غم فراق و شب هجر من به سر آمد

شوی غمین تو ز کردار خودا گردانی

چه زخمها که ز هر تو بر جگر آمد

نه از جفای فلک پیرو ناتوان گشتم

ز بی‌وفایی تو عمر من به سر آمد

شب فراق تو از پی سحر ندارد و بس

وگرنه از پی هر شامگه سحر آمد

جهان به من ز غم عشق کار شد مشکل

که روز حشر مرا سهل در نظر آمد

مرا حیات به امید وصل بود آخر

ندیده روی توام مرگ بی‌خبر آمد

بیا بیا که مرا سوخت هجر سر تا پای

به جان من غم عشق تو شعله‌ور آمد

«ملول» شکوه ز دلدار خود کنی تا کی

ز بی‌وفایی یارت مگر خبر آمد

بیچاره دلم اسیر کافر کیش است

یارب چه کنم که این دلم پر ریش است

دارم تن بیچاره و دل پر اندوه

قربان کسی که طبع او درویش است

پرهیز که عاشقان به شب نالانند

از درد جدایی رخت گریانند

عشاق چو شمع تا سحر می‌سوزند

کس نیست بپرسد که چرا سوزانند

تخلص او را ملولی نیز نوشته‌اند

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: خرابات، ۱۶۴؛ الذریعه، ۱۱۰۱ / ۹؛ زنان سخنور، ۲۱۷ –۲۰۷ / ۲؛ فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ملک، ۳۵۶ –۳۵۵ / ۲؛ مصطبه‌ی خراب، ۱۹۳.

ملولی اصفهانی، اسداللَّه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۶۹/ ۹۶۸/ ۹۶۶ ق)، عالم دینی، فقیه، محدث، متکلم، عابد، زاهد و شاعر، متخلص به ملولی. مشهور به شاهمیر. اصلش از سادات مازندران است که چند نسل در اصفهان زیسته‌اند. وی از علمای عهد شاه طهماسب صفوی (۹۸۴ –۹۳۰ ق) و جد خلیفه سلطان است. او عهده‌دار تولیت آستان قدس رضوی بود. در مقبره‌ی ستی فاطمه‌ی اصفهان مدفون است. از آثارش: حاشیه بر «شرح تجرید»؛ حاشیه بر «شرایع»؛ حاشیه بر «شرح چغمینی»، در هیئت؛ حاشیه بر «کافی»؛ حاشیه بر «قواعد» علامه حلی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۰۰۹ –۱۰۰۸/ ۳)، اعیان الشیعه (۲۸۵/ ۳)، تاریخ نظم و نثر (۸۲۶، ۴۴۸ –۴۴۷)، تذکرهٔ القبور (۱۲۷ –۱۲۶)، الذریعه (۱۱۰۱/ ۹)، ریحانه (۲۸۹ –۲۸۸/ ۵)، صبح گلشن (۴۴۸)، فرهنگ سخنوران (۸۷۶).

ملهمی تبریزی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۴۹/ ۱۰۴۸ ق)، شاعر. اهل تبریز بود و در زمان شاه عباس اول (۱۰۳۸ –۹۹۶ ق) می‌زیست. وی در تبریز به تدریس مشغول بود و در خدمت پیر بوداق حاکم آنجا به سر می‌برد. بعد از مدتی از تبریز به شیراز رفت و به خدمت امام قلی خان، حاکم آنجا، رسید. بعضی اوقات در مسجد نو شیراز به تحصیل می‌پرداخت. ملا محمد مقیم جعفر شیرازی ماده تاریخ فوت وی را بربر ۱۰۴۹ ق نوشته است. ناظم تبریزی از معاصران او بود. از وی کتابهای زیادی باقی مانده بود که از بین رفته است. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۴۴ –۱۴۳/ ۱)، تذکره‌ی روز روشن (۷۶۵ –۷۶۴)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۶۳۱ –۶۲۷/ ۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۶۶ –۲۶۵)، دانشمندان آذربایجان (۳۶۰)، الذریعه (۱۱۰۲/ ۹)، صبح گلشن (۴۴۹ –۴۴۸)، فرهنگ سخنوران (۸۷۶)، گلزار جاویدان (۱۴۱۹/ ۳)، لغت نامه (ذیل/ ملهمی تبریزی)، مآثر رحیمی (۶۱۴ –۶۱۳/ ۳).

ملهمی شیرازی، جمال‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به ملهمی. به گفته‌ی بعضی از تذکره‌ها وی ابتدا عجمی تخلص می‌کرده است. از بزرگان شیراز بود. از علم سیاق و نویسندگی، آگاهی تمام داشت و اجداد وی نیز در ایران به امر نویسندگی اشتغال داشتند. خود او همواره دارای مناصب عالی بود. اما پس از مدتی از مشاغل دیوانی کناره گرفت و به حجاز سفر کرد و مدت هفده سال ساکن مدینه شد و به همین علت به مدنی مشهور گشت. ملهمی، به دلیل اشتیاق به سیر و سیاحت و مسافرت، در زمان اکبرشاه (۱۰۱۴ –۹۶۳ ق) به هندوستان سفر کرد. او در هندوستان با حکیم ابوالفتح گیلانی و حکیم شمس‌الدین محمد، مشهور به حکیم الملک، که قبلا در ایران با هم آشنا بودند، ملاقات کرد. وی مدتی در هندوستان زندگی کرد و ملازم اکبرشاه بود و در دربار او مناصب عالی داشت. ملهمی در آگره درگذشت. به آورده‌ی «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس» صاحب «خیر البیان» در تذکره‌ی خود از وی یاد کرده و می‌نویسد او در شیراز با عرفی شیرازی معاشر بوده و مشاعره کرده است. سپس ادامه می دهد که چون خودش در ۱۰۰۶ ق به شیراز رفته ملهمی را ملاقات کرده است. به این ترتیب ملهمی در ۱۰۰۶ ق زنده بوده اما در «مآثر رحیمی» فوت وی ۹۸۲ ق ذکر شده است. صاحب «الذریعه» او را در ۱۰۲۴ ق زنده می‌داند اما با توجه به شرح حال فرزندش در «مآثر رحیمی» باید گفت که احتمالا این تاریخ مربوط به فرزند اوست. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۱۴ –۵۱۲/ ۴)، الذریعه (۱۱۰۲/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۷۶)، کاروان هند (۱۰۵/ ۱)، مآثر رحیمی (۶۰۹، ۶۰۶ –۶۰۴/ ۳)، هفت اقلیم (۲۵۳/ ۱).

ملیحی بافقی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. وی از معاصران تقی‌الدین اوحدی بلیانی (۱۰۳۰ –۹۷۳ ق) و از غزلسرایان عصر خود بود. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

تماشای چمن با آن گل رخسار بایستی

بهار آمد چه سود از سیر گلشن یار بایستی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۶۰)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۳۰۸)، الذریعه (۱۱۰۲/ ۹)، صبح گلشن (۴۴۹)، فرهنگ سخنوران

(۸۷۷).

ممتاز، جمشید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: حقوق عمومی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دولتی حقوق بین‌المللی عمومی از دانشگاه پاریس، متخصص در زمینه مسائل مربوط به آب‌راههای بین‌المللی و حقوق دریاها.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

جنگ ایران و عراق، مسئولیت دولتها، ختم مخاصمه، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

حقوق دریاها، حقوق جنگ، حقوق بین‌المللی محیط زیست.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۵

زمینه علمی مقالات:

حقوق دریاها، حقوق جنگ، حقوق محیط زیست و حقوق رودخانه‌های بین‌المللی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ممدوحی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن ممدوحی

محل تولد : کرمانشاه

شهرت : ممدوحی کرمانشاهی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۸/۱/۱

زندگینامه علمی

تولـد و دوران کودکی: آیت‌الله ممدوحی در سال ۱۳۱۸ هجری شمسـی در کرمانشاه در خانواده‌ای متـدین و دانش دوست چشم به جهان گشود. پدرش به پیشه تجارت اشتغال داشت و خود، تا شرح لعمه را خوانده و بر آن مسلّط بود. خانه ایشان در کرمانشاه محل رفت و آمد روحانیان و علماء شهر بود. دوران تحصیل: آیت‌الله ممدوحی در هفت سالگی به دبستان رفت و پس از اتمام تحصیلات کلاسیک به تحصیل علوم دینی روی آورد، امّا این مسأله ابتـدا بـا مخـالفت خانواده‌اش رو به رو بود. از این رو، وی چهل زیارت عاشورا در حالت ایستاده نذر کرد. عازم شدن او به قم در زمانی بود که بخشی از دروسِ دورهٔ مقدمات را به پایان برده بود. در قم به تکمیل دروس دورهٔ مقدمات پرداخت و سپس به درس شـرح لمعتین رفت. حجرهٔ او در قم در مدرسه علمیهٔ حجتیه قرار داشت و شرط ورود به آن، امتحان دادن شـرح لمعه بود؛ امّا سـفارش ویژه آیت‌الله العظمی سید احمد زنجانی (ره) باعث شد که وی را بدون امتحان به آن مـدرسه بپذیرند. با پایان یافتن دورهٔ سـطح، به درس خارج اسـتادان برجسـتهٔ دورهٔ خود رفت و در کنار آن از تحصـیل علوم عقل و حکمت نیز باز نماند و از شاگردان دروس عمومی و خصوصـی علامه طباطبایی (ره) به شمار می‌آمد و مدت زیادی از وقت خود را به مباحثه، دقت و ملازمه با اسـتادان خود می‌پرداخت که باعث شد خاطرات بسـیاری از آن بزرگواران در سـینه داشـته باشـد. همچنیـن در دروس اخلاق آن روزگـار شـرکت ویژه داشـت و از ایـن رهگـذر، بـه تهـذیب نفس و کسـب ملکـات فاضـله می‌پرداخت. او در این سالهـا، از تـدریس آنچه آموخته بود، دریغ نکرد برخی از کتب را بارها تـدریس فرمود. اسـتادان و دوسـتان: آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصـیل خود، محضـر عالمان بسـیاری را درک کرد. او که شـرح لمعه را نزد «آیت‌الله سـتوده» خوانده بود، برای خواندن کتاب مکاسب به درس «آیت‌الله مشکینی» رفت و رسائل را نزد «آیت الله نوری همدانی» و «مرحوم آیت‌الله آذری قمی» و کفـایه را خـدمت «آیت الله سـلطانی» فرا گرفت. بـا اتمـام دورهٔ سـطح و ورود به درس خـارج، در درس فقه مرحـوم «محقق

داماد» شرکت کرد و مدت چهارده سال بـه درس آیت‌الله العظمی گلپایگانی (ره) رفت و تا دو سال پیش از رحلت آن مرجع بزرگ، در درس او حاضر می‌شد. در این سالها، برای تحصیل اصول فقه نیز به درس خارج «مرحوم میرزا هاشم آملی» رفت و سالها از محضر او کسب فیض کرد. آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود، علوم عقلی و حکمت را نیز به خوبی فرا گرفت و مدتها در درس اسفار علامه عظیم الشأن سید محمد حسین طباطبایی (ره) حاضر می‌شد. علاوه بر آن در جلسات خصوصی علامه که در شبهای پنج‌شنبه و جمعه تشکیل می‌شد، شرکت داشت و نیز از شیوهٔ اخلاقی و برنامه‌های سیر و سلوک او بهره‌های فراوان می‌برد.
با رحلت علامه طباطبایی، در درس اسفار و فصوص الحکم «آیت‌الله جوادی آملی» شرکت نمود و بعدها بـه درس «آیت‌الله حسن‌زاده آملی» نیز می‌رفت و از محضر این دو عالم بزرگوار نیز به بهترین وجه استفاده می‌نمود. آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود با طلاب و فضلا مباحثه، مرافقت و دوستی داشت که از جمله آنان به آیت‌الله سید محسن خرازی، آیت‌الله رضا استادی و آقای شیخ قدرت اللّه نجفی اشاره کرد. وی بسیاری از دروس آموخته را با این بزرگواران مباحثه می‌نمود.
فعالیتهای علمی و فرهنگی: زندگی آیت‌الله ممدوحی سرشار از تلاشهای علمی و فرهنگی است. این عالم بزرگوار در سالهای عمر خود بارها کتب درسی فقهی و اصولی تا سطح کفایهٔ الاصول را تدریس کرده است و از این رهگذر شاگردان بسیاری را تربیت نموده است؛ امّا با توجه به نیاز حوزه‌های علمیه به آشنایی با علوم عقلی و با توجه به ضرورتهای موجود در جهان اسلام و با سفارش آیت‌الله جوادی آملی، به تدریس علوم عقلی روی آورده است و پس از بارها تدریس کتب بدایهٔ الحکمهٔ و نهایهٔ الحکمهٔ علامه طباطبایی، شرح اشارات ابن سینا و شرح منظومه سبزواری، هم اکنون به تدریس کتاب اسفار می‌پردازد. او چندی است به تدریس کتاب شریف توحید صدوق با روش کارشناس و تحقیق در متن و انطباق با براهین فلسفی و کلامی اشتغال دارد. آیت‌الله ممدوحی در طی این سالها کتب فراوانی را تألیف و به عالم اسلام ارزانی داشته است که از آن میان می‌توان به شرح صحیفه سجادیه، شرح نهج‌البلاغه، شرح رسالهٔ الولایهٔ علامه طباطبایی، رساله‌ای در علم امام، حقوق اساسی، انسان و جهان در شناخت مکتب اسلام، اجتهاد و تقلید، حکمت حکومت فقیه و شرح رسالهٔ الوجود کاشف الغطاء اشاره کرد. او بارها در مجامع عمومی و در شهرهای گوناگون به سخنرانی و تبلیغ مبانی اسلام و شیعه پرداخته است که همواره با استقبال اقشار گوناگون، به ویژه جوانان برومند رو به رو شده است. فعالیتهای سیاسی: آیت‌الله ممدوحی با نخستین بارقه‌های مبارزه با رژیم طاغوت، به صف مبارزان پیوست و در طول سالیان حکومت خاندان پهلوی از هیچ تلاشی در راه مبارزه با آن حکومت خائن فروگذار نکرد که بر اثر آن، بارها مورد تعقیب و تهدید قرار گرفت. او همکاری خود با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم را از همان سالها آغاز کرد و در امور گوناگون به برنامه ریزی برای مبارزه منسجم می‌پرداخت. او در اماکن و شهرهای گوناگون سخنرانیهای تندی علیه رژیم شاه انجام می‌داد که گاه به دستگیری و بازداشت او می‌انجامید. علاوه بر آن، آیت‌الله ممدوحی با شناخت هجمه‌های فرهنگی و ضرورت تلاش فرهنگی برای خنثی کردن شبهه‌های مارکسیسم و کمونیسم به تلاش برای آشنایی جوانان با مبانی اسلام و نقد دیدگاههای مکاتب التقاطی می‌پرداخت. آیت‌الله ممدوحی پس از انقلاب نیز به حمایت خود از امام (ره) و رهبر معظم انقلاب ادامه داد و در مسائل گوناگون همواره مدافع انقلاب بود. او هم اکنون در قم به تدریس و تربیت شاگردان مکتب امام صادق (ع) اشتغال دارد و چند سالی است که به عنوان نماینده خبرگان رهبری از شهر کرمانشاه در مجلس خبرگان رهبری اشتغال دارد.
ایشان شرح زندگی خود را به طور مختصر چنین می نگارد: اینجانب حسن ممدوحی پس از گذراندن ۱۴ الی ۱۵ سال درس خارج فقه و حدود ۷ سال خارج اصول روی به تدریس متون عالیه از رسائل، کفایه و غیره آورده و چندین بار دوره های آن کتب علمی را در عرصه تدریس خود داشته ام. با اضافه تعلیقه و حواشی بر تمامی کتب مزبور همزمان به تحصیل علوم عقلی (کلام، فلسفه، عرفان نظری) پرداخته و تمامی دوره های فلسفه مشاء و متعالیه را با طی کتب مرسوم به پایان رسانیده و سپس به تدریس جملگی آنها پرداختم و با تدریس و شرح و حواشی و تعلیقه شاگردان توان مندی را بحمدالله به عرصه مسائل عقلی عرضه داشته ایم که خود موجب گسترش فن عقلائی علوم حوزوی در نسل آتی حوزه علمیه خواهد بود.
در حین اشتغال به دروس فوق الذکر از تالیف و تصنیف خودداری نکرده و بیش از سی اثر علمی را به رشته تالیف و تحریر کشانده که بعضی مطبوع و اکثر آنها غیر مطبوع است و در طی دوران زندگی علمی خود به شغل دیگری هرگز مبادرت ننمودم و بلکه به خاطر پیشبرد دروس و استفاده بیشتر هم بحثان از مسافرت های بسیاری عبادی تفریحی که بحمدالله با دل و جان به تمام لوازم این تضلع ملتزم شدیم.
از اولین سالهای تحصیلی پیوسته به تدریس اشتغال داشته از ادبیات و منطق و علوم بلاغی تا عالی ترین سطوح و سپس تدریس خارج فقه را مدتی شروع کردیم که پس از مدتی روایات قیمه معجزه آسا که در رابطه با عقائد و معارف توحید صدوق بود با مراجعه شروح روائی موجود: شرح توحید قاضی سعید قمی، شرح بر اصول کافی آخوند ملاصدرا و مرآة العقول علامه مجلسی جملگی را به رشته بحث در آوردیم که همراه آن رسائل سبعه علامه طباطبایی: رسالهٔ الانسان قبل الدنیا و الانسان بعد الدنیا و الانسان فی الدنیا. رساله توحیدیه: اسماء، صفات، وسائط، افعال را نیز به ضمیمه آنها نمودیم که بحمدالله مجموعه ای بس عظیم فرآورده آن مباحث خواهد شد ان شاءالله. به امید آنکه در آینده تدریس این منابع عظیم علمی نیز در سلک دروس حوزوی در آمده و در پر بارتر شدن مکتب علمی حوزه اثر بسیار چشم گیری بگذارد.

حسن ممدوحی

محل تولد : کرمانشاه

شهرت : ممدوحی کرمانشاهی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۸/۱/۱

تصویر بزرگتر

آدرس اینترنتی

پست الکترونیکی : myname@site.com

بستن[X]زندگینامه علمی

تولـد و دوران کودکی: آیت‌الله ممدوحی در سال ۱۳۱۸ هجری شمسـی در کرمانشاه در خانواده‌ای متـدین و دانش دوست چشم به جهان گشود. پدرش به پیشه تجارت اشتغال داشت و خود، تا شرح لعمه را خوانده و بر آن مسلّط بود. خانه ایشان در کرمانشاه محل رفت و آمد روحانیان و علماء شهر بود. دوران تحصیل: آیت‌الله ممدوحی در هفت سالگی به دبستان رفت و پس از اتمام تحصیلات کلاسیک به تحصیل علوم دینی روی آورد، امّا این مسأله ابتـدا بـا مخـالفت خانواده‌اش رو به رو بود. از این رو، وی چهل زیارت عاشورا در حالت ایستاده نذر کرد. عازم شدن او به قم در زمانی بود که بخشـی از دروسِ دورهٔ مقدمات را به پایان برده بود. در قم به تکمیل دروس دورهٔ مقدمات پرداخت و سپس به درس شـرح لمعتین رفت. حجرهٔ او در قم در مدرسه علمیهٔ حجتیه قرار داشت و شرط ورود به آن، امتحان دادن شـرح لمعه بود؛ امّا سفارش ویژه آیت‌الله العظمی سید احمد زنجانی (ره) باعث شد که وی را بدون امتحان به آن مـدرسه بپذیرند. با پایان یافتن دورهٔ سطح، به درس خارج استادان برجستهٔ دورهٔ خود رفت و در کنار آن از تحصیل علوم عقل و حکمت نیز باز نماند و از شاگردان دروس عمومی و خصوصـی علامه طباطبایی (ره) به شمار می‌آمد و مدت زیادی از وقت خود را به مباحثه، دقت و ملازمه با استادان خود می‌پرداخت که باعث شد خاطرات بسیاری از آن بزرگواران در سینه داشته باشـد. همچنیـن در دروس اخلاـق آن روزگـار شـرکت ویژه داشت و از ایـن رهگـذر، بـه تهـذیب نفس و کسـب ملکـات فاضـله می‌پرداخت. او در این سالهـا، از تـدریس آنچه آموخته بود، دریغ نکرد برخی از کتب را بارها تـدریس فرمود. اسـتادان و دوسـتان: آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود، محضـر عالمان بسیاری را درک کرد. او که شـرح لمعه را نزد «آیت‌الله ستوده» خوانده بود، برای خواندن کتاب مکاسب به درس «آیت‌الله مشکینی» رفت و رسائل را نزد «آیت الله نوری همدانی» و «مرحوم آیت‌الله آذری قمی» و کفـایه را خـدمت «آیت الله سـلطانی» فرا گرفت. بـا اتمـام دورهٔ سـطح و ورود به درس خـارج، در درس فقه مرحـوم «محقق دامـاد» شـرکت کرد و مـدت چهـارده سـال بـه درس آیت‌الله العظمی گلپایگـانی (ره) رفـت و تـا دو سـال پیش از رحلت آن مرجع بزرگ، در درس او حاضر می‌شد. در این سالها، برای تحصیل اصول فقه نیز به درس خارج «مرحوم میرزا هاشم آملی» رفت و سالها از محضـر او کسب فیض کرد. آیت‌الله ممـدوحی در سالهای تحصـیل خود، علوم عقلی و حکمت را نیز به خوبی فرا گرفت و مدتها در درس اسـفار علامه عظیم الشأن سـید محمد حسـین طباطبایی (ره) حاضر می‌شد. علاوه بر آن در جلسات خصوصی علامه که در شبهای پنج‌شنبه و جمعه تشکیل می‌شد، شرکت داشت و نیز از شیوهٔ اخلاقی و برنامه‌های سیر و سلوک او بهره‌های فراوان می‌برد.

بـا رحلـت علامـه طباطبـایی، در درس اسـفار و فصـوص الحکـم «آیت‌الله جـوادی آملی» شـرکت نمـود و بعـدها بـه درس «آیت‌الله حسن‌زاده آملی» نیز می‌رفت و از محضـر این دو عـالم بزرگـوار نیز به بهـترین وجه اسـتفاده می‌نمود. آیت‌الله ممـدوحی در سالهـای تحصـیل خـود بـا طلاـب و فضـلا مبـاحثه، مرافقت و دوسـتی داشت که از جمله آنـان به آیت‌الله سـید محسن خرازی، آیت‌الله رضـا استادی و آقای شیخ قدرت اللّه نجفی اشاره کرد. وی بسیاری از دروس آموخته را با این بزرگواران مباحثه می‌نمود.

فعالیتهای علمی و فرهنگی: زندگی آیت‌الله ممدوحی سرشار از تلاشـهای علمی و فرهنگی است. این عالم بزرگوار در سالهای عمر خود بارها کتب درسـی فقهی و اصولی تا سـطح کفایـهٔ الاصول را تـدریس کرده است و از این رهگذر شاگردان بسـیاری را تربیت نموده است؛ امّا با توجه به نیاز حوزه‌های علمیه به آشنایی با علوم عقلی و با توجه به ضرورتهای موجود در جهان اسلام و با سفارش آیت‌الله جوادی آملی، به تـدریس علوم عقلی روی آورده است و پس از بارها تـدریس کتب بدایـهٔ الحکمـهٔ و نهایـهٔ الحکمهٔ علامه طباطبایی، شـرح اشارات ابن سـینا و شـرح منظومه سبزواری، هم اکنون به تدریس کتاب اسفار می‌پردازد. او چندی است به تدریس کتاب شـریف توحید صدوق با روش کارشـناس و تحقیق در متن و انطباق با براهین فلسفی و کلامی اشتغال دارد. آیت‌الله ممدوحی در طی این سالها کتب فراوانی را تألیف و به عالم اسـلام ارزانی داشته است که از آن میان می‌توان به شـرح صـحیفه سجادیه، شرح نهـج‌البلاغه، شـرح رسالـهٔ الولایـهٔ علامـه طباطبـایی، رساله‌ای در علم امام، حقوق اساسـی، انسان و جهان در شـناخت مکتب اسـلام، اجتهـاد و تقلیـد، حکمت حکومت فقیه و شـرح رسالـهٔ الوجود کـاشف الغطـاء اشاره کرد. او بارها در مجامع عمومی و در شـهرهای گوناگون به سـخنرانی و تبلیغ مبانی اسـلام و شـیعه پرداخته است که همواره با استقبال اقشار گوناگون، به ویژه جوانان برومند رو به رو شـده است. فعالیتهای سیاسـی: آیت‌الله ممـدوحی با نخستین بارقه‌های مبارزه با رژیم طاغوت، به صف مبارزان پیوست و در طول سالیان حکومت خانـدان پهلوی از هیچ تلاشـی در راه مبارزه با آن حکومت خائن فروگذار نکرد که بر اثر آن، بارها مورد تعقیب و تهدیـد قرار گرفت. او همکـاری خود بـا جـامعه مدرسـین حوزه علمیه قم را از همـان سالهـا آغاز کرد و در امور گوناگون به برنامه ریزی برای مبارزه منسجم می‌پرداخت. او در اماکن و شـهرهای گوناگون سـخنرانیهای تنـدی علیه رژیم شاه انجام می‌داد که گاه به دستگیری و بازداشت او می‌انجامید. علاوه بر آن، آیت‌الله ممدوحی با شـناخت هجمه‌های فرهنگی و ضـرورت تلاش فرهنگی برای خنثی کردن شـبهه‌های مارکسـیسم و کمونیسم به تلاش برای آشـنایی جوانـان بـا مبـانی اسـلام و نقـد دیـدگاههای مکاتب التقاطی می‌پرداخت. آیت‌الله ممـدوحی پس از انقلاب نیز به حمـایت خود از امام (ره) و رهبر معظم انقلاب ادامه داد و در مسائل گوناگون همواره مـدافع انقلاب بود. او هم اکنون در قم به تـدریس و تربیت شاگردان مکتب امام صادق (ع) اشـتغال دارد و چند سالی است که به عنوان نماینده خبرگان رهبری از شهر کرمانشاه در مجلس خبرگان رهبری اشتغال دارد.

ایشان شـرح زندگی خود را به طور مختصر چنین می نگارد: اینجانب حسن ممدوحی پس از گذراندن ۱۴ الی ۱۵ سال درس خارج فقه و حدود ۷ سال خارج اصول روی به تـدریس متون عالیه از رسائل، کفایه و غیره آورده و چنـدین بار دوره های آن کتب علمی را در عرصه تـدریس خود داشـته ام. بـا اضافه تعلیقه و حواشـی بر تمامی کتب مزبور همزمان به تحصیل علوم عقلی (کلام، فلسـفه، عرفان نظری) پرداخته و تمامی دوره های فلسـفه مشاء و متعالیه را با طی کتب مرسوم به پایان رسانیـده و سپس به تـدریس جملگی آنها پرداختم و با تـدریس و شـرح و حواشـی و تعلیقه شاگردان توان منـدی را بحمـدالله به عرصه مسائل عقلی عرضه داشـته ایم که خود موجب گسترش فن عقلائی علوم حوزوی در نسل آتی حوزه علمیه خواهد بود.

در حین اشتغال به دروس فوق الذکر از تالیف و تصنیف خودداری نکرده و بیش از سی اثر علمی را به رشته تالیف و تحریر کشانده که بعضی مطبوع و اکثر آنها غیر مطبوع است و در طی دوران زندگی علمی خود به شغل دیگری هرگز مبادرت ننمودم و بلکه به خاطر پیشبرد دروس و استفاده بیشتر هم بحثان از مسافرت های بسیاری عبادی تفریحی که بحمدالله با دل و جان به تمام لوازم این تضلع ملتزم شدیم.

از اولین سالهای تحصیلی پیوسته به تدریس اشتغال داشته از ادبیات و منطق و علوم بلاغی تا عالی ترین سطوح و سپس تدریس خارج فقه را مدتی شروع کردیم که پس از مدتی روایات قیمه معجزه آسا که در رابطه با عقائد و معارف توحید صدوق بود با مراجعه شروح روائی موجود: شرح توحید قاضی سعید قمی، شرح بر اصول کافی آخوند ملاصدرا و مرآهٔ العقول علامه مجلسی جملگی را به رشته بحث در آوردیم که همراه آن رسائل سبعه علامه طباطبایی: رسالهٔ الانسان قبل الدنیا و الانسان بعد الدنیا و الانسان فی الدنیا. رساله توحیدیه: اسماء، صفات، وسائط، افعال را نیز به ضمیمه آنها نمودیم که بحمدالله مجموعه ای بس عظیم فرآورده آن مباحث خواهد شد ان شاءالله. به امید آنکه در آینده تدریس این منابع عظیم علمی نیز در سلک دروس حوزوی در آمده و در پر بارتر شدن مکتب علمی حوزه اثر بسیار چشم گیری بگذارد.

ممیز، غدیرعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ غدیرعلی ممیز از علماء و دانشمندان معاصر خدوم و مروج شهرستان (شهرضا) می‌باشند تولد ایشان در ذی‌الحجه ۱۳۴۹ ق در شهرضا واقع شده و مقدمات را در آنجا در خدمت حجهٔالاسلام آقای حاج میرزا نصراللّه- زارعان و سطوح را از محضر انور آیت‌اللّه حاج سید مهدی کماری در مدرسه شیخ عبدالحسین تهران خوانده و هم در مشهد مقدس از محضر مرحومین آیتین حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج آقا جلال مدرس تکمیل نموده و ادبیات را از جناب آقای هاشمی و هیئت و تفسیر از استاد بزرگوار علامه میرجهانی بهره‌مند و منظومه سبزواری را در نجف اشرف از مرحوم حجهٔالاسلام آقای حاج میرزا محمدعلی توحیدی تبریزی و سطوح عالیه را از مرحوم حاج شیخ صدرا بادکوبه‌ای رحمهٔ اللّه علیه و حجهٔالاسلام حاج سید ابوالقاسم کوکبی بهره‌مند شده و دروس خارج را از آیت‌اللّه حاج میرزا باقر زنجانی و آیت‌اللّه حکیم و آیت‌اللّه العظمی خوئی و آیت‌اللّه حاج سید عبدالاعلی سبزواری استفاده نموده و با دریافت اجازات از نجف اشرف مراجعت به شهرضا و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین و تعظیم شعائر مذهبی پرداخته و تا حال تحریر و تالیف گنجینه موفق و شاغل این خدمات می‌باشند.

آثار خالده معظم له.

۱- قسمتی تقریرات دروس مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ هاشم قزوینی و آیت‌اللّه میرزا باقر زنجانی و آیت‌اللّه العظمی خوئی.

۲- تعمیرات حسینیه سادات شهرضا در سال ۱۳۴۶.

۳- ساختمان حسینیه باغ ملی شهرضا در سال ۴۷ -۴۶.

۴- تاسیس مسجد صدری در خیابان ولیعهد غربی شهرضا ۴۹ -۴۸.

۵- مسجد امام حسین (ع) در خیابان چهل متری شهرضا ۵۴ - ۵۵.

۶- فرستادن مبلغینی به اطراف شهرضا از سال ۱۳۴۶.

۷- تاسیس کتابخانه عمومی.

۸- تاسیس مدرسه علمیه مدینه العلم شهرضا که اکنون مملو از طلاب و روحانیون برای درس و مباحثه است .

غدیرعلی ممیزی عالمی عامل و مروجی کامل است که تحصیلات خود را در شهرضا و اصفهان و حوزه‌های علمی دیگر تمام نموده و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغات اشتغال دارد. وی عالمی باصفا و دانشمندی متواضع و دارای محامد آداب و محاسن اخلاق می باشد.

ایشان در نیمه شب ۷ آذر ۱۳۸۸ برابر با شام عرفه و شب عید سعید قربان دعوت حق رالبیک گفت و در جوار رحمت الهی آرمید .

قبر ایشان بنا به وصیت خود در قبرستان عمومی شهرضا واقع شده است .

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

مناقبی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای دکتر حاج شیخ جواد بن العالم الجلیل و المحدث النبیل المرحوم الحاج شیخ محمد النوائی المناقبی که به چند واسطه به علامه الکبری والایه العظمی صاحب تالیفات قیمه الشیخ محمد بن ابن شهرآشوب ساروی صاحب مناقب (ابن شهرآشوب) می‌رسد و از این جهت شهرت به مناقبی یافته است

از مشاهیر وعاظ و معاریف- خطباء- معاصر تهران و از ثمرات مفیده و ارزنده حوزه علمیه قم و دارای مقام فضل و کمال و علم و جلال و صاحب حسب و نسب که شهرت و آوازه‌اش به تمام ایران و خارج رسیده و مورد غبطه و محسود بعضی از اقران گردیده است.

دکتر مناقبی در سال ۱۳۵۰ ق در تهران متولد شده و پس از دروس جدید مقدمات و ادبیات و فقه و اصول و فلسفه را نزد اساتید بزرگ تهران آموخته

آنگاه مهاجرت به قم نموده و در مدرسه فیضیه سکونت و از مدرسین بزرگ چون مرحوم آیت‌الله محقق داماد و آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمدعلی عراقی و آیات دیگر استفاده نموده و دروس معقول فلسفه و حکمت و تفسیر را از علامه‌ی بزرگوار آیت‌الله طباطبائی قاضی (پدر خانواده خود) آموخته و به درس خارج زعیم اعظم آیت‌الله العظمی بروجردی و بعضی از آیات دیگر شرکت کرده تا به مدارج عالیه علم و کمال رسیده آنگاه به تهران مراجعت و در دانشکده وارد و در مدت کوتاهی به دریافت دکترا نائل و برای استادی و تدریس درد در دانشکده الهیات دعوت شده است.

مولف گوید: حقیر از روزی که دکتر مناقبی واعظ را دیده و شناخته‌ام وی را مبرا از آلودگی‌های اخلاقی و واجد ملکات فاضله و اخلاق حمیده یافته‌ام. بیانی صریح و شیرین و منبری جامع و مفید و آموزنده و همه‌پسند دارد.

بسیاری از جوانان منحرف در اثر بیانات وی به راه آمده و پایبند دین و آئین گردیده‌اند.

دارای آثار علمی در فقه و اصول و معقول از تقریرات و دراسات اساتید قم (به قرار ذیل) می‌باشد.

۱- تقریرات درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی.

۲- تقریرات درس مرحوم آیت‌الله العظمی محقق داماد.

۳- جزوات تفسیر علامه طباطبائی دام ظله.

۴- مقالات آموزنده انتقادی و اخلاقی توسط انجمن خدمات اسلامی به طبع رسیده و در سطح وسیعی منتشر می‌شود.

مرحوم والدش حجه‌الاسلام آقای حاج شیخ محمد نوائی از محترمین اهل منبر تهران و موصوف به فضل و تقوا بوده و در خیابان مولوی تهران سکونت داشتند و عمری به پاکی خدمت به شرع مقدس نموده و به سهم خود ایفاء وظیفه نموده‌اند و کافی است در فضل و فخروی که فرزند برومند و دانشمندی چون حجه‌الاسلام و واعظ گرامی آقای حاج شیخ جواد مناقبی دارند که روحانیت و حوزه علمیه قم به او مفتخر و مباهی می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مناهجی، محمدکاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

درگذشت: ۷ دی ۱۳۷۰.

محمدکاظم مناهجی شاعر و عارف و ناهج قزوینی (منهاج‌العرفا خیرالحاج) بود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منبری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۹۲، سنندج.

درگذشت: ۴ شهریور ۱۳۷۰، تهران.

محمد منبری، فرزند ملا محمد منبری از اهالی روستای نیر یکی از روستاهای ژاورود کردستان بود. منبری چهار ساله بود که پدر خود را از دست داد و سرپرستی او را مادرش به عهده گرفت. در سال ۱۳۱۱ با سمت استوار پزشکیار وارد خدمت ارتش گردید و پس از گذراندن خدمت نظام و فراگرفتن دوره‌ی دو ساله پزشکیاری به علت کمبود پزشک در آن زمان به عنوان پزشک در نقاط مرزی به خصوص مناطق جنگلی محلی و عشایری کردستان انجام وظیفه کرد.

منبری در سال ۱۳۱۹ به سبب آزادی خواهی و حق طلبی توسط فرماندهان نظامی که نارواییها و ستمهایی درباره‌اش معمول داشتند، ناگزیر از ارتش استعفا کرد و برای یافتن کار عازم تهران گردید و با همان سمت پزشکیاری به استخدام اداره‌ی راه‌آهن درآمد و به مناطق جنوب و لرستان اعزام شد و سرانجام در سال ۱۳۴۲ در چهل و هشت سالگی با سی سال خدمت بازنشسته گردید.

محمد منبری از ذوق شعری نیز بی‌بهره نبود و دستی در شعر و شاعری داشت. اشعار وی در مجلات مختلف به چاپ رسیده است.

منبری پس از بازنشستگی در همان سال به اتفاق خانواده‌اش به تهران مهاجرت کرد و در سال ۱۳۵۲ به سمت صندوقدار یک شرکت خصوصی مشغول به کار شد.

محمد منبری در سال ۱۳۶۲ دچار حلمه‌ی قلبی گردید و پس از چندین نوبت که در بیمارستان بستری شد سرانجام پس از هشت سال بیماری در چهارم شهریور ماه ۱۳۷۰ درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منتجب نیا، رسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رسول منتجب نیا

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۴/۴/۲۲

زندگینامه علمی

رسول منتجب نیا مشهور به «منتجب» متولد ۲۲ تیرماه ۱۳۲۴ شمسی در شیراز در خانواده ای مذهبی و از نظر اقتصادی در سطح متوسط رشد و نمو نمود. وی پس از پایان مقطع ابتدایی همزمان با خواندن دروس دبیرستانی وارد حوزه علمیه شیراز شد و حدود ۲/۵ سال در مدارس آقا بابخان مقیمه و امامزاده ابراهیم شیراز نزد اساتید و علماء معروف تا بخشی از شرح لمعه شهیدین، تلمذ کرد و در سال ۴۴ به حوزه علمیه قم عزیمت نمود و ما بقی دروس سطح را تا پایان مکاسب شیخ انصاری و کفاتین آخوند خراسانی نزد مدرسان بزرگ قم چون حضرات آیات آقایان: «خزعلی»، «نوری همدانی»، «فاضل لنکرانی»، «جعفر سبحانی» و «مکارم شیرازی» به اتمام رساند و جمعا طی ۴/۵ سال کلیه کتابها و دروس سطح را نزد اساتید تلمذ نمود و سرانجام در امتحان عمومی حوزه علمیه قم شرکت و موفقیت خوبی کسب کرد.

از سال ۴۶ وارد دوره درس خارج فقه و اصول گردید و حدود ۹ سال شرکت در درس اساتید بزرگی از قبیل آیات عظام: «نجفی مرعشی»، «مکارم شیرازی»، «آقا مرتضی حائری یزدی»، «محقق داماد»، «اراکی»، «هاشم آملی» و «وحید خراسانی» موفق به رسیدن به مرتبه اجتهاد شد و علاوه بر شرکت در امتحان خارج مدیریت حوزه و کسب موفقیت از سه تن از مراجع عظیم الشان اجازه اجتهاد دریافت نمود. او همزمان با تدریس و تلمذ در مکتب اساتید بزرگ همواره به تدریس طلاب اشتغال داشت.

فلسفه اسلامی «منظومه حاج ملاهادی سبزواری» و بخشی از اسفار اربعه «صدرالمتالهین» را نزد اساتید عالیقدر چون حضرات آیات: آقای یحیی انصاری شیرازی، آقای مفتح و آقای مطهری تلمذ کرد. وی در سال ۷۰ با شرکت در امتحانات عمومی و تخصصی وزارت علوم تحقیقات و فن آوری «خبرگان بدون مدرک» و کسب موفقیت در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا، در سال ۸۲ پس از توفیق در امتحان دکترای تخصصی با موفقیت هیئت ممیزی مرکزی، نسبت به تهیه رساله دکتری تحت عنوان «خیار تبعضی صفقه در معاملات معاوضی» اقدام و در سال ۸۴ با طرح و دفاع آن نزد داوران هیئت ممیزی موفق به اخذ مدرک دکتری «استاد یاری» در فقه و اصول گردید. وی از سال ۷۴ به عضویت رسمی هیئت علمی دانشگاه شاهد در آمد و هم اکنون مدیریت گروه فقه و اصول آن دانشگاه را بر عهده دارد.

سوابق مبارزاتی:

او از سال ۴۰ با افکار و اندیشه های انقلابی امام خمینی (ره) آشنا شد و همواره در جلسات انقلابیون شیراز چون حضرات آیات: دستغیب و محلاتی شرکت می کرد و در راهپیمایی عظیم ۱۵ خرداد ۴۲ شیراز حضور فعال داشت. و پس از آن همچنان در جرگه طلاب انقلابی و مبارز قلمداد می شد و بدین جهت بارها به ساواک و شهربانی شیراز، فیروزآباد، داراب و قم احضار و مورد بازجویی و تهدید قرار گرفت.

از سال ۵۵ به دستور وکیل تام الاختیار امام خمینی (ره) مرحوم حاج پسندیده به شهر خمین زادگاه امام مهاجرت کرد و بلافاصله نماز جمعه را با شمشیر برهنه اقامه کرد و آن شهر را به صورت کانون انقلاب و تجمع و هدایت نیروهای انقلابی شهرستانها و استانهای مجاور در آورد. بارها او را دستگیر کرده و به زندان خمین و اراک انداختند و نیز او را ممنوع المنبر نموده و به تبعید به یکی از نقاط دور دست کشور محکوم کردند و سرانجام در اوائل سال ۵۷ یکی از ماموران ساواک را جهت ترور و انتقال او به خمین اعزام کردند که در یک اقدام تروریستی یکی از روحانیون قم را به جای او هدف گلوله قرار داد.

با کشف این توطئه، حدود ۵ ماه متواری و مخفی بود و در عین حال با لباس مبدل و نام مستعار در تهران و شیراز به سخنرانی و اداره جلسات توجیهی و آموزشی نیروهای انقلاب می پرداخت و پس از قیام یکپارچه مردم خمین و تحصن چند شبانه روز جلوی فرمانداری، رژیم شاه ناچار به تسلیم در برابر مردم و موافقت با بازگشت او به خمین گردید. او تا پیروزی انقلاب در خمین به هدایت انقلابیون و مدیریت جریان انقلاب پرداخت.

در سال ۵۷ در کنار سایر علماء و انقلابیون در تحصن دانشگاه تهران شرکت داشت و در مراسم استقبال از حضرت امام (ره) با جمع عظیمی از مردم خمین حضور یافت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا اواخر سال ۵۸، مسئولیت عالی نهادها و جریانات انقلابی منطقه را عهده دار بود و نماز جمعه را همچنان اقامه می کرد، و با کسب اجازه از امام خمینی (ره) به قم مراجعت کرد. و پس از کمتر از یکماه اقامت به دستور امام به پایگاه وحدتی دزفول جهت اقامه نماز جمعه، مدیریت امور فرهنگی و قایی نیروهای مسلح منطقه عزیمت نمود. او از اواخر ۵۸ تا اوایل سال ۶۰ در آن منطقه انجام وظیفه کرد و در آغاز جنگ تحمیلی، حضوری فعال و مؤثر در امور مختلف جنگ داشت و پس از اختلاف شدید او با بنی صدر به تهران مراجعت نمود.

مسئولیتهای او:

علاوه بر نمایندگی حضرت امام (ره) در خمین و دزفول، پس از واقعه دردناک ۷ تیر به دعوت مردم اندیمشک و شوش کاندیدای نمایندگی مردم آن منطقه در مجلس شد و بدین ترتیب دوره اول مجلس را به انجام وظیفه نمایندگی آن مردم جنگ زده و مظلوم پرداخت. برای دوره دوم نمایندگی به دعوت علماء، نخبگان و مردم شیراز کاندیدای زادگاه خود شد و دوره دوم و سوم را به انجام

وظیفه نمایندگی مجلس پرداخت. او در دوران دفاع مقدس مسئولیتهای مهمی از امور جنگ چون: ریاست کمیسیون امور دفاعی، مسئولیت دفتر مشاورت حضرت امام (ره) در منطقه خلیج فارس، قائم مقام ستاد قرارگاه خاتم و ستاد کل پدافند و ... را بر عهده داشت.

سال ۶۷ به حکم حضرت امام خمینی (ره) به نمایندگی ایشان در شهربانی کل کشور منصوب گردید که تا سال ۷۰ یعنی زمان ادغام نیروهای انتظامی این وظیفه را از سوی مقام معظم رهبری عهده دار بود و در سال ۶۸ به نمایندگی ولی فقیه در انجمن اسلامی معلمان ایران منصوب شد. و در دورا ن ریاست جمهوری حجت الاسلام و المسلمین آقای خاتمی، سمت مشاورت ریاست جمهوری را بر عهده داشت.

فعالیت سیاسی و تشکیلاتی:

او از آغاز حزب جمهوری اسلامی به عضویت آن تشکل در آمد و سپس در کنگره اول حزب به عنوان عضو ذخیره شورای مرکزی حزب انتخاب شد و علاوه بر آن مسئولیت واحد روحانیت حزب به او واگذار گردید. در سال ۶۶ و آغاز تشکیل مجمع روحانیون مبارز به عضویت هیئت مؤسس و شورای مرکزی آن تشکیلات در آمد. و از ابتدای تاسیس حزب اعتماد ملی، تاکنون به عنوان عضو هیئت مؤسس و شورای مرکزی و قائم مقام دبیر کل حزب، به وظایف تشکیلاتی خود می پردازد.

فعالیت های فرهنگی:

وی حدود ۴۰ سال سابقه تدریس در حوزه های علمیه و دانشگاههای کشور را دارد و طی دوران تحصیل، مبارزه، مسئولیت خود تا امروز همواره به فعالیت فرهنگی تبلیغی ادامه داده و به تربیت جوانان می پردازد، پایگاه فعالیت فرهنگی او عمدتا در مسجد امام جعفر صادق (ع) و واحدهای مختلف تابعه آن و نیز در سطح جامعه و به ویژه دانشگاههای کشور متمرکز می باشد.

فعالیت های تحقیقی و پژوهشی منتجب نیا:

او تاکنون کتابهای: (اصول فقه و مبانی حقوق اسلام)، (جمال شریعت) و (خاطرات انقلاب) را تالیف و منتشر نموده است و کتابهای: (خرافه ستیزی) و (آموزه های وحیانی) و رساله دکترای تخصصی او زیر چاپ می باشد و چند کتاب دیگر او در دست تالیف است. وی مقالات علمی پژوهشی متعددی را تهیه و تالیف و در مجلات علمی پژوهشی و یا اجتماعی منتشر کرده و بسیاری از مقالات او در کنگره بین المللی و یا سراسری کشور قرائت شده است و هم اکنون چند طرح پژوهشی کارساز و ارزشمند را در دست اجرا دارد.

منتجب‌الدین رازی، ابوالحسن علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۰۴- بعد از ۵۸۵ ق)، عالم امامی، فقیه، حافظ و محدث. معروف به شیخ منتجب‌الدین. نسبش به علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی می‌رسد. لذا به ابن‌بابویه رازی نیز مشهور است. در خانواده‌ی علم و تقوا نشو و نما یافت. ابتدا در شهر ری نزد استادان آنجا و هر استادی که از ری می‌گذشت به طلب حدیث پرداخت. در مقدمه «الفهرست» برای او یکصد و چهل و شش استاد ذکر شده است. او از معاصران ابن شهر آشوب و ابن ادریس حلی می‌باشد. پدرش، شیخ ابوالقاسم عبیداللّه، و شیخ ابوالفتوح رازی و سید مرتضی رازی و سید فضل‌اللّه راوندی و شیخ ابوعلی طبرسی و سید ذوالفقار بن محمد حسینی مروزی از مشایخ روایت او بودند. وی به واسطه‌ی استادش، سید ذوالفقار حسینی مروزی، از شیخ طوسی و سید مرتضی علم‌الهدی و نیز به واسطه‌ی پدرش، از اجداد خود، از جد عالی خود علی ابن‌بابویه روایت نموده است. امام‌الدین عبدالکریم رافعی قزوینی، صاحب «التدوین»، از علمای بزرگ عامه، و شیخ برهان‌الدین محمد حمدانی قزوینی و مجدالدین ابوالمجد محمد بن حسین قزوینی و ابوموسی مدینی محمد بن عمر اصفهانی از شاگردان وی بودند و از وی روایت کرده‌اند. خواجه نصیر طوسی از طریق شیخ برهان‌الدین محمد حمدانی قزوینی و مجدالدین ابوالمجد محمد بن حسین قزوینی و ابوموسی مدینی محمد بن عمر اصفهانی از او روایت کرده است. رافعی سال وفات وی را پس از ۵۸۵ ق ذکر کرده است. از آثارش: «الفهرس» یا «فهرست اسماء علماء الشیعهٔ و مصنفیهم»، که به «فهرست منتجب‌الدین» معروف است، و در ذکر علمای امامیه از زمان شیخ طوسی تا روزگار مؤلف می‌باشد؛ کتاب «الاربعین عن الاربعین من الاربعین فی فضائل امیرالمؤمنین (ع)»، که در «الذریعه» به صورت «الاربعون حدیثا من الاربعین عن الاربعین» آمده؛ «تاریخ الری»؛ رساله «العصرهٔ»، در احکام صلاهٔ و قضا که نسبت این کتاب به وی محقق نیست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۲۵/ ۵)، اعیان الشیعه (۲۸۷ -۲۸۶/ ۸)، التدوین (۲۲۴ -۲۱۹/ ۳)، الذریعه (۳۹۶ -۳۹۵/ ۱۶ ،۳۶۷/ ۳ ،۴۳۴ -۴۳۳/ ۱)، روضات الجنات (۳۰۹ -۳۰۴/ ۴)، ریاض العلماء (۱۴۹ -۱۴۰/ ۴)، ریحانه (۱۱ -۹ / ۶ ،۳۹۵/ ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۹۶/ ۶)، فوائد الرضویه (۳۱۳ -۳۰۹)، فهرست منتجب‌الدین (۴۹ -۵)، الکنی و الالقاب (۲۱۰ -۲۰۹/ ۳)، لغت نامه (ذیل/ علی قمی)، معجم رجال الحدیث (۸۷/ ۱۲)، معجم المؤلفین (۱۴۴/ ۷).

منتصر، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد اسماعیل. ادیب و شاعر، و از زمره‌ی تجار اخیار بود، در شب ۹ محرم سال ۱۳۲۱ متولد، و در روز جمعه ۱۲ شوال المکرم سال ۱۳۷۲ وفات یافت. دیوان اشعاری دارد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

منتظر قائم، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی منتظر قائم

محل تولد : فردوس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

الف) دورس حوزوی

تابستان ۱۳۵۱ برای یادگیری عربی به سبک حوزوی وارد مدرسه مصلی (حوزه علمیه یزد) شدم و آبان همان سال به قم آمدم. در مدرسه علمیه منتظریه (حقانی) به تحصیل مشغول شدم. تحصیل را تا پایان سال تحصیلی ۵۷ ـ ۵۶ ادامه دادم و اوایل سال تحصیلی ۵۸ ـ ۵۷ با تعطیلی مدرسه حقانی به امور دیگر پرداختم. آبان سال ۱۳۶۱ به حوزه علمیه قم برگشتم و به تحصیل دروس سطح پرداختم.

از سال تحصیلی ۶۲ ـ ۱۳۶۱ تا پایان سال تحصیلی ۶۶ ـ ۱۳۶۵ به تحصیل شرح لمعه، رسائل، مکاسب و کفایه پرداختم. از سال تحصیلی ۶۶ ـ ۱۳۶۵ درس خارج فقه و اصول شرکت کردم و تا سال ۷۴ ـ ۱۳۷۳ ادامه دادم. از سال ۷۱ ـ ۱۳۷۰ تدریس در دانشگاه را شروع کردم و تاکنون ادامه دارد. چند سال نیز در «جامعهٔ الزهراء» و «دانشکده هدی» تدریس کردم.

ب) دروس کلاسیک

دوره شش ساله دبستان (نظام قدیم) را در یزد در مدرسه تعلیمات اسلامی رمضانی (از سال تحصیلی ۴۴ ـ ۱۳۴۳ تا آخر سال تحصیلی ۴۹ ـ ۱۳۴۸) گذراندم. دو سال اول دبیرستان را در یزد در مدرسه تعلیمات اسلامی «مروج» از سال تحصیلی ۵۰ ـ ۱۳۴۹ تا آخر سال تحصیلی ۵۱ ـ ۱۳۵۰ بودم. سال سوم تا ششم دبیرستان (نظام قدیم) ۵۳ ـ ۱۳۵۲ تا آخر سال تحصیلی ۵۷ ـ ۱۳۵۶ در قم به صورت متفرقه در رشته ادبی خواندم.

در سال ۵۸ ـ ۱۳۵۷ در دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، رشته «فلسفه غرب» قبول شدم و بهمن ۱۳۶۴ با معدل ۳/۱۸ فارغ التحصیل شدم. در سال ۶۸ ـ ۱۳۶۷ در رشته «الهیات و معارف اسلامی» در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شدم و در شهریور ۱۳۷۱ با معدل ۶۵/۱۷ مدرک کارشناسی ارشد را از دانشگاه قم گرفتم. پایان‌نامه‌ام ترجمه بخشی از کتاب J.L.mak با عنوان: «The miracle of theilm» بود که با نمره ۱۹ پذیرفته شد. زمستان سال ۱۳۸۴ در امتحان زبان عمومی و اردیبهشت سال بعد در بقیه امتحان‌های رشته «فقه و مبانی حقوق» دانشکده الهیات دانشگاه تهران در مقطع دکتری شرکت کردم و قبول شدم و از سال ۸۵ تاکنون به تحصیل مشغولم.

ج) تدریس

تدریس در دانشگاه را از سال تحصیلی ۷۱ ـ ۱۳۷۰ در دانشگاه علامه شروع کردم. سال بعد در دانشگاه تربیت معلم درس گرفتم. از سال ۷۳ ـ ۱۳۷۲ تدریس در دانشکده «علوم قضایی و خدمات اداری» را شروع کردم. سال ۱۳۷۴ عضوت هیأت علمی این دانشکده شدم و با رتبه مربی تاکنون مشغول تدریسم. در طول این مدت، چندین سال در جامعهٔ الزهراء و دانشکده هدی دانشگاه قم نیز تدریس داشته‌ام.

منتظری مقدم، حامد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حامد منتظری مقدم

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حامد منتظری مقدم متولد شهر مقدس قم در سال ۱۳۴۹؛ تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در روستاهای عارفی و حایری و مدرسه راهنمایی قطب راوندی (شهرقم) گذراندم.عموماً دانش آموز ممتاز بودم و به خوبی آموختم که برای موفقیت در تحصیل باید بسیار زحمت کشید و درس خواند.

در سال ۱۳۶۵، پس از کسب قبولی در سال اول دبیرستان رشته علوم تجربی از دبیرستان انصراف دادم و وارد حوزه علمیه قم شدم. آمدنم به حوزه، هم متاثر از فضای مذهبی قم بود و هم بدین جهت بود که در اساس، خاندان و خویشان من اهل علم هستند و در کسوت روحانیت.

در تحصیلات حوزوی از محضر استادان بسیار ارجمندی بهره مند شدم؛ در مقطع ادبیات، استادان: زیبایی نژاد، عرفان و علیدوست. در مقطع سطح، استادان: قاضی زاده، اشتهاردی، پایانی، وجدانی، محامی، نکونام، حسینی بوشهری و محمدی. درس خارج، استاد علامه «جوادی آملی» (ذکر اساتید در اینجا، به ترتیب استفاده از محضرشان بوده است).

تحصیلات حوزوی را در مدرسه مبارکه رضویه آغاز کردم. در آن دوران، در آن مدرسه در اجرای مقررات سخت گیری نمی شد و طلاب در یک فضای پر نشاط رشد می کردند؛ چنان که به ابتکار و اهتمام برخی از دوستان در تابستان ها، اردوهای بسیار مفید علمی برگزار می شد که هم درس بود و هم ... .

در همان مدرسه، دوستان بسیار عزیزی یافتم؛ درس خوان و با تقوی و متعهد. بیشتر از همه، هم مباحثه عزیزم جناب آقای دکتر «محمد جواد توکلی» که تا پایان سطح با هم بودیم و بعداً رشته های تخصصی مان از هم جدا شد، من مسیر «تاریخ» را در پیش گرفتم و او در «اقتصاد» به راه افتاد و اکنون در کشور هلند، مشغول به تدوین پایان نامه دکتری است.

مسیر زندگی تحصیلی ام چنین بود که در کنار فراگیری علوم حوزوی، به طور آزاد، مقطع دبیرستان را به اتمام رساندم و در سال ۱۳۷۰ در رشته «فرهنگ و ادب» دیپلم گرفتم. همچنین در سال ۱۳۶۹ وارد موسسه در راه حق شدم. بخش آموزش آن موسسه، بعدا در قالب موسسه ای جدید التاسیس به نام «موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)» به ریاست حضرت استاد علامه «مصباح یزدی» تداوم یافت و من از همین موسسه جدید در سال ۱۳۷۳ مدرک کارشناسی رشته «الهیات و معارف اسلامی» را اخذ کردم.

سپس در سال ۱۳۷۴ فصل مهمی در زندگی علمی من گشوده شد و در موسسه یاد شده به تحصیل در رشته تخصصی «تاریخ»، مقطع کارشناسی ارشد پرداختم. در سال ۱۳۷۹ از مقطع اخیر فارغ التحصیل و همان سال در موسسه مزبور، در مقطع دکتری رشته «تاریخ اسلام» مشغول به تحصیل شدم. اکنون پس از گذراندن واحدهای آموزشی به تدوین پایان نامه دکتری اشتغال دارم.

هم زمان با تحصیل در رشته تاریخ، توفیق به انجام تدریس، تحقیق و تالیف نیز یافتم. در همکاری با مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، مجموعه تلویزیونی «تنهاترین سردار» را نقد کردم. همچنین حدود ۲۰ مقاله علمی تالیف کردم. افزون بر این، پایان نامه کارشناسی ارشد خود را پس از تکمیل، با عنوان: «بررسی تاریخ صلح های پیامبر (ص)» در تابستان ۱۳۸۳ به چاپ رساندم که این کتاب، در جشنواره دانشجویی ۱۳۸۴ ممتاز شناخته شد.

افزون بر این، در همکاری با بخش آموزش موسسه امام خمینی (ره) و مرکز جهانی علوم اسلامی و نیز برخی از دانشگاه ها به تدریس در حوزه های «تاریخ اسلام»، «تاریخ تشیع» و «تاریخ ایران اسلامی» (بالغ بر شصت واحد تدریس) اشتغال داشته ام. اکنون عضو هیئت علمی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) و عضو هیئت تحریره فصلنامه «تاریخ در آیینه پژوهش» هستم.

منتظری مقدم، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود منتظری مقدم

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمود منتظری مقدم در چهاردهم فروردین ۱۳۴۵ از پدری فاضل و دانشمند حجةالاسلام و المسلمین جناب آقای حاج شیخ محمد صادق منتظری زنجانی (همشیره زاده مرحوم آیت الله آقای حاج سید احمد زنجانی قدس سره) و مادری نیکوکار و زاهد (صبیه مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ عبدالحسین لنکرانی قدس سره) در شهر مقدس قم به دنیا آمد. وی در خانواده روحانی و ظلم ستیز تربیت یافت که افتخار تقدیم سه شهید را به آرمانهای انقلاب اسلامی با خود دارد: «جهادگر شهید رضا منتظری (برادر)، روحانی شهید حجةالاسلام و المسلمین کاظم منتظری (عمو)، انقلابی شهید محمد تقی منتظری (عمو). تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در مدارس ممتاز قم (رزاقپور، دین و دانش، حکیم نظامی «امام صادق علیه السلام» سپری کرد.

در سال تحصیلی ۶۱ – ۶۲ وارد حوزه علمیه قم شد و در طول تقریبا ۷ سال تحصیلات مقدماتی، سطح و سطح عالی را سپری کرد و در آزمون پایانی سطح عالی موفق به کسب رتبه نخست شد. مهمترین استادان وی در دوره تحصیلات سطح عبارت اند از: حضرات آقایان «حجةالاسلام و المسلمین حاج سید مهدی میرباقری»، «مرحوم آیت الله آقای حاج مصلحی» و «آیت الله آقای حاج سید علی محقق» می باشد. پس از اتمام سطح عالی در یک دوره ده ساله دروس اجتهادی خارج فقه و اصول را از محضر حضرات آیات

عظام: «مرحوم آقای حاج میرزا جواد تبریزی قدس سره»، «حاج آقا موسی شبیری زنجانی مدظله العالی» و «آقای وحید خراسانی مدظله» استفاده نمود.

در سال ۶۹ با دعوت شورای مدیریت حوزه علمیه قم پس از موفقیت در آزمون مدرسی به عنوان استاد دروس سطح به مراکز آموزشی معرفی شد و از آن زمان تا به امروز یکی از استادان موفق حوزه علمیه قم به شمار می آید و ایشان در سال ۷۵ به عنوان استاد نمونه تدریس منطق انتخاب و معرفی شدند. هم زمان با دروس حوزوی دروس آموزش عمومی موسسه در راه حق را زیر نظراستاد «آیت الله آقای مصباح یزدی» به مدت ۵ سال گذراند و سپس به تحصیل تخصصی در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (علیه السلام) در رشته های «حقوق و علوم سیاسی» (به مدت ۲ سال) و «فلسفه اسلامی» به مدت ۵ سال پرداخت.

لازم به ذکر است که این بنیاد بعدها به عنوان موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) به کار خود ادامه داد. مهمترین استادان وی در فلسفه اسلامی عبارتند از: «آیت الله جوادی آملی»، «آیت الله مصباح یزدی» و «حجهًالاسلام و المسلمین جناب فیاضی». با تاسیس مدرسه تخصصی فقهی از سوی «حضرت آیت الله العظمی شبیری زنجانی» به نام مدرسه فقهی باقرالعلوم (علیه السلام) از سوی معظم له به عنوان مدیر منصوب شدند. (به مدت ۴ سال) و اکنون به عنوان عضو شورای آموزشی به انجام وظیفه هستند.

پس از تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی و واگذاری مسئولیت کلاسهای معارف اسلامی در دانشگاههای کشور به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه از سوی این نهاد مقدس برای تدریس در دانشگاه ها دعوت به همکاری شدند و پس از موفقیت در آزمونهای مربوط در گرایشهای: (مبانی نظری اسلام، تاریخ اسلام، انقلاب اسلامی و ریشه های آن و اخلاق و متون اسلامی) مجوز تدریس دائم را در تمام رشته های مذکور دریافت کردند که پس از آن به مدت تقریبا ۱۴ سال با رتبه استاد یاری اشتغال به تدریس دروس معارف اسلامی در دانشگاه تهران دارند.

لازم به ذکر است مقارن با تحصیلات حوزوی دروس دانشگاهی را نیز تا پایان کارشناسی ارشد در رشته «فلسفه و کلام اسلامی» در دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام) ادامه دادند و با امتیاز عالی از رساله پایان نامه خود با عنوان: «طرحی نو در بهره وری منطق» دفاع کردند. مهمترین اشتغال فعلی ایشان به ترتیب عبارت است از: تدریس، تألیف و تبلیغ می باشد.

منتظری، حسینعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ حسینعلی منتظری نجف‌آبادی معظم‌له در حدود سال ۱۳۴۹ قمری در نجف‌آباد در یک خانواده نسبتا متوسطی به دنیا آمده و پس از پرورش و خواندن اولیات و سطوح متوسط در اصفهان و زادگاه خود در سال ۱۳۵۸ قمری مهاجرت به قم و در یکی از حجرات فوقانی مدرسه فیضیه اقامت نموده و با مرحوم استاد شهید آیت‌اللّه مطهری آشنا و چون همفکر بودند مراوده برقرار و به اتفاق دوست فاضل و همشهری دانشمند خود حضرت حجت‌الاسلام حاج شیخ اسداللّه نوراللهی به درس مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی امام خمینی و دیگر مراجع چون آیت‌اللّه خوانساری و آیت‌اللّه العظمی بروجردی از اول ورودشان به قم تا آخر عمر آن مرحوم شرکت و حد اعلای استفاده را نموده تا به مدارج عالیه اجتهاد رسیده و خود صاحب نظر و رای شده... و تقریرات دراسات خود را به رشته تحریر درآورده و بعد از مرحوم آیت‌اللّه بروجردی منحصرا به رهبر ملت امام خمینی پیوسته و تقریرات ایشان را هم به طبع رسانیده و در علوم عقلی هم از علامه بزرگ آیت‌اللّه طباطبائی بهره‌های وافی برده است.

آیت‌اللّه منتظری که در نقش انقلاب اثر چشمگیری داشته و به جرم مبارزات و همکاریش با استاد بزرگوار خود امام خمینی چندین بار گرفتار عوامل جنایتکار ساواک ضد مردمی شده و به زندان و تبعید مبتلا گردیده حتی در چند سال اخیر تحمل شکنجه‌های دژخیمان و عمال سازمان سیا و حکومت طاغوتی را نموده تا در سوم آبانماه ۱۳۵۷ شمسی در روز آزادی زندانیهای سیاسی به سبب جنبش ملت آزاد و به قم برگشته و به ادامه مبارزات خود بر علیه دولت غیر قانونی و سلطنت غاصبانه و ظالمانه سلسله پهلوی پرداخته تا درخت نهضت به ثمر رسیده و نخل انقلاب شکوفا گشته و پیروزی نصیب ملت و محمدرضا پهلوی فرار را برقرار اختیار و دولت بی‌اختیار بختیار برای همیشه ساقط و جمهوری اسلامی اعلام گردید.

آقای حاج شیخ حسینعلی منتظری نجف‌آبادی از علماء بنام و مدرسین حوزه علمیه قم است عالمی محقق و مدرسی مدقق است تولدش در نجف‌آباد اصفهان واقع شده و پس از طی مقدمات و خواندن ادبیات به قم مهاجرت نموده و سطوح عالی را از اساتید قم آموخته و از دروس و ابحاث آیات عظام حوزه چون مرحوم آیت‌الله العظمی حجت و دیگران و بالاخص بالغ بر ۱۸ سال از درس و بحث مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی رحمه‌الله استفاده کرده تا در حوزه علمیه مشاربا لبنان گردیده است.

از آثار ایشان تقریرات و دراسات آیت‌الله العظمی امام خمینی و بروجردی است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

منتظری، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: بهمن ۱۳۲۳، نجف‌آباد.

شهادت: ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

حجت‌الاسلام محمدعلی منتظری نجف‌آبادی درس و کار را توأما آغاز کرد. در ابتدا، برای امرار معاش و کمک به وضع مادی خانواده، اول در کار کشاورزی و سپس به عنوان کارگری ساده در یک کارگاه کوچک ریخته گری قاشق و چنگال، مشغول کار شد، گاه نیز به کار کشاورزی می‌پرداخت. از طرف دیگر توانست تا سیزده سالگی کلاس پنجم را به پایان برساند. سپس راهی مدرسه علمیه شد و به فراگیری علوم اسلامی در محضر استادانی چون آیت‌الله محقق داماد، آیت‌الله حسینعلی منتظری، آیت‌الله علی مشکینی اردبیلی، آیت‌الله جنتی، و بعدها امام خمینی (ره)، و دیگر اساتید حوزه علمیه قم و نجف پرداخت. وی عمده‌ی آموزش‌های خود را از آیت‌الله منتظری فراگرفت. به گونه‌ای که قسمت اعظمی از دروس خود، به ویژه دروس «سطح» و تا اندازه‌ای «خارج» را پیش پدرش آموخت. علاوه بر این علوم، همراه پدرش به مسافرت‌ها و دیدار با علما می‌رفت. وی همچنین با اقتصاد اسلامی آشنایی کامل یافت و در این رشته استاد گشت. وی در زمینه‌ی حکومت اسلامی هم مطالعاتی داشت. موضوع نخستین درسش برای طلاب در تابستان سال ۱۳۴۸، حکومت اسلامی بود و درس اقتصاد اسلامی را نیز در تابستان سال ۱۳۴۹ تا بهار سال ۱۳۵۰ تدریس می کرد.

حجت‌الاسلام منتظری از سال ۱۳۴۱ وارد عرصه فعالیت‌های سیاسی گشت. در این سال از نوشتن اعلامیه شروع کرد و بعد به مسائل تشکیلاتی و ساختن افراد برای مبارزه پرداخت. در پانزده خرداد ۱۳۴۲ به پخش اعلامیه‌های گوناگون به وسیله دستگاهی ساده که خود ساخته بود، پرداخت. اولین بار در تهران هنگام شعار علیه رژیم در مجلسی، دستگیر شد و روانه زندان گردید. این بازداشت چندان دوام نیافت و به زودی آزاد گردید. وی پس از این مسافرت‌هایی به شهرستان‌ها به منظورهای تبلیغ سیاسی داشت، دسته‌های کوچکی از افراد جوان و متدین ایجاد کرد؛ و در عین حال شروع به خواندن زبان انگلیسی و مطالعه مکتب‌ها و نهضت‌ها و تحولات کشورهای دیگر پرداخت. وی در اول فروردین سال ۱۳۴۵ همراه عده‌ای از طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی قم، هنگام پخش اعلامیه‌های ضد رژیم در صحن حضرت معصومه (س) دستگیر و روانه بازداشتگاه شد. بعد از سه روز وی را تحویل زندان قزل قلعه دادند. وی تا پانزده روز به شدت شکنجه شد و مدت سه سال در زندان به سر برد. در اواخر سال ۱۳۴۷ از زندان آزاد شد. به وی گفته بودند حق اقامت در شهر قم را ندارد. اما وی اهمیتی نداد و به قم رفت. از جمله فعالیت‌های این دوره وی این بود که در سال‌های ۱۳۴۹ - ۱۳۴۸ در با همکاری عده‌ای از جوانان نجف‌آباد کتابخانه‌ای سیار تأسیس کرد. او کلاس‌هایی برای طلاب جوان مدرسه‌ی علمیه‌ی نجف‌آباد ترتیب داد. اما ساواک هم مدرسه‌ی علمیه‌ی نجف‌آباد و هم کتابخانه‌ی موجود در آن را تعطیل نمود. کار کتابخانه سیار هم به تعطیلی کشید. در همان سال‌ها به تکثیر و توزیع اعلامیه‌های امام خمینی و دیگر علما مشغول بود. در این دوره همچنین به فکر فعالیت‌های تشکیلاتی و در پی انجام اقدامات مسلحانه بود. هنوز در این امر پیشرفتی نکرده بود که در سال ۱۳۵۰ شناسایی شد و مجبور به فرار گشت، به پاکستان و سپس به عراق و بعد کشورهای عربی و سپس به افغانستان و بعد از آن به اروپا رفت. و در این سفرها به افشاگری درباره‌ی رژیم می‌پرداخت. در پاکستان در شهر کویته بود. با شخصیت‌های پاکستانی ملاقات داشت، از جمله با مولانا ابوالاعلی مودودی در ارتباط بود. مسافرت‌هایی به افغانستان نیز داشت. پس از مدتی از کویت به کراچی رفت و با سازمان آزادی بخش فلسطین (فتح) در پاکستان آشنا شد. این آشنایی به برقراری رابطه‌ای محکم و طولانی انجامید. پس از دو سال سرگردانی در پاکستان و عراق سرانجام در سال ۱۳۵۲ به عراق رسید. در عراق، ضمن شرکت در درس امام خمینی (ع) به مبارزات خود ادامه داد. چون با اوضاع افغانستان آشنا بود، به جمع انقلابیون مسلمان افغانی پیوست، راهی افغانستان شد و به مبارزه خود در آنجا ادامه داد. مدتی نیز در زندان آن کشور بود.

حجت‌الاسلام محمد منتظری در عراق همراه عده‌ای از طلاب قسمتی از برنامه‌های فارسی رادیو بغداد را به دست گرفت و از آن علیه رژیم فعالیت می کرد. همچنین در عراق به مبارزان ایرانی تعلیمات چریکی آموزش می‌داد. با بهبود روابط ایران و عراق، راهی کشورهای دیگر عرب زبان شد. او با ابتکارات جالب به جعل گذرنامه می‌پرداخت. او در کشورهای خلیج فارس، عراق و سوریه و لبنان و افغانستان در حرکت بود و کتاب و نوار و نشریه پخش می‌نمود و به افراد آموزش‌های نظامی می‌داد. او بارها در عراق، لبنان، سوریه و کلیه کشورهای خلیج به زندان افتاد و شکنجه‌ها دید. ایشان در لبنان و سوریه در کنار رزمندگان فلسطینی قرار داشت و در دو جنگ لبنان شرکت داشت. انقلابیون منطقه به ایشان لقب «ابواحمد» داده بودند. وی همچنین تشکیلات «روحانیت مبارز خارج از کشور» را پایه‌ریزی کرد. در سال ۱۳۵۶ به هنگام شهادت فرزند امام خمینی، تظاهرات گسترده‌ای را در لندن برپا نمود. ضمنا در همان سال در بیروت به مناسبت چهلم فقدان دکتر علی شریعتی مجلس ختمی در بیروت برپا کرد. در تابستان ۱۳۵۶ در کلیسای سنت مری پاریس به یاری روحانیت و دانشجویان عضو انجمن‌های اسلامی خارج از کشور سمینار و تحصن بزرگی را شکل داد که در آن خواستار آن بودند که عده‌ای از زندانیان آزاد شوند.

در سال ۱۳۵۷ محمد به طور ناشناس به ایران آمد. سپس در دی ماه ۱۳۵۷ که همراه پدرش به دیدار امام خمینی به پاریس رفته بود، از طریق سوریه و عراق به کشور بازگشت. در ایران پس از انقلاب اسلامی به فعالیت پرداخت. او چون معتقد به فعالیت در سطح جهان بود، از همان بدو تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برنامه‌ای برای تداوم فعالیت‌هایش داشت (تأسیس واحد نهضت‌های آزادی بخش). وی همچنین تشکیلاتی برای مسلمانان جهان تأسیس نمود به نام «سازمان انقلابی توده‌های جمهوری‌های اسلامی (ساتجا)» و خود رهبری آن را به عهده داشت. وی همچنین دست به انتشار نشریه‌ای به نام «شهید» زد که چهار شماره بیشتر منتشر نشد. سپس دست به انتشار روزنامه‌ای به نام «پیام شهید» زد که این هم چندان طولانی نکشید. سرانجام در دوم شهریور ماه ۱۳۵۸ دادستان انقلاب اسلامی آن زمان طی حکمی دستور توقیف این روزنامه را داد. وی دلیل این کار را کوشش در تضعیف دولت بیان کرد. وی برای کمک به مردم لبنان، دست به تشکیل سپاهی از جوانان زد و این گروه را پس از تعلیم آموزش‌های نظامی و جنگ‌های چریکی، برای جنگ با اسرائیل روانه جنوب لبنان ساخت. اعزام این افرار سر و صدای بسیاری در محافل داخل و خارج کرد. در لبنان مسئله ورود حجت‌الاسلام منتظری بسیار پر سر و صدا شد.

در جریـان انتخابات اولین مجلس شورای اسـلامی از نجف‌آباد نامزد انتخاباتی می‌شود و با آوردن ۹۵ درصد آرا به مجلس شورای اسـلامی راه می‌یابـد. در مجلس شـورا عضـو کمیسـیون خـارجه بود. و در هیئت بررسـی شـکنجه در ایران نماینـده‌ی امـام بود. وی همچنین نماینده مجلس در شورای عالی دفاع بود. از وی مقاله‌هایی در نشریات و جراید به جا مانده است.

حجت‌الاسلام محمد منتظری در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ به سبب انفجار بمب در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منجم باشی، عبدالوهاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۹ -۱۲۵۰ ق)، ریاضیدان، منجم، استاد و ادیب. او منجم باشی مهد علیا، مادر ناصرالدین شاه، بود. از محضر پدرش، ملا علی محمد، که جامع معقول و منقول و ریاضیدانی مشهور بود، استفاده نمود و تحصیلات خود را در دارالفنون ادامه داد و سالها در آنجا به تـدریس پرداخت. از آثارش: «نجوم القرآن فی اطراف الفرقان»، که ترجمه‌ای است به فارسـی از «کشف الآیات» گوسـتاوفلوگل، مستشرق آلمانی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۳۱/ ۸)، تذکرهٔ القبور (۴۱۶)، الذریعه (۸۲/ ۲۴)، شـرح حال رجال (۱۵۲/ ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۰۹ -۸۰۸/ ۱۳).

منجم تبریزی، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف پیش از ۱۳۰۶ ق)، خطاط و منجّم. وی پسـش از مرگ پدر سـمت استیفا یافت ولی پس از مدتی از آن شـغل منقطع و منزوی شـد. او در علم هیأت و نجـوم دسـتی قوی داشت و اسـتنباطها و دریافتهـای وی مطـابق می‌افتـاد و موجب شـگفتی می‌شـد، از جمله پیش‌گویی‌های وی شکست مرو و وبال حال میرزا محمد قوام‌الدوله بود که در کلی و جزیی تخلف نداشت. وی در خط نستعلیق و شکسته استاد بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۵۹/۴، ۱۲۵/۱)، دانشمندان آذربایجان (۹۶ -۹۵)، المآثر والآثار (۲۰۸).

منجم فاضلی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد (منجم) رشتی بن محمدحسن بن محمدعلی فاضلی جلیل و منجمی ماهر بوده و بعد از ۱۳۱۳ ق وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

منجم، محمد صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن سیّد محمّد بن هادی بن محسن بن هادی بن محسن بن کریم بن سید علی (برادر شاه مراد).

عالم فاضل، و منجّم کامل، در سال ۱۲۴۴ بلا عقب وفات یافته.

از آثارش دفتر تقویم است که مدّت هفتاد سال از زیج الغ بیک استخراج نموده است.

در مآثر و الآثار در ضمن شرح حال حاج میرزا احمد ملا باشی نامی از او برده شده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

منجیک ترمذی، ابوالحسن علی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، شاعر. معروف به منجیک چنگ زن. اهل ترمذ بود. وی پس از دقیقی در دربار چغانیان به سر می‌برد و مداح آنان،

بخصوص امیر ابویحیی طاهر بن فضل چغانی (م ۳۷۷ ق) و امیر ابوالمظفر فخرالدوله احمد بن محمد چغانی، بود. بنا به آورده‌ی بعضی از تذکره‌ها وی امرای غزنوی را نیز مدح گفته است. منجیک، علاوه بر مدح شاهان و ساختن قصاید بزرگ مدحی، در هجو و هزل نیز سرآمد شاعران عصر خود بود و در موسیقی و زدن چنگ نیز مهارت داشت. به گفته‌ی «الذریعه» او ممدوح فرخی سیستانی (م ۴۲۹ ق)، بوده است. «دیوان» او در قرن پنجم قمری در ایران مشهور و مورد استفاده‌ی اهل شعر و ادب بود. چنان که ناصر خسرو، در «سفرنامه‌ی» خود، داستان استفاده‌ی قطران را از«دیوان» منجیک آورده است. امروزه «دیوان» وی در دست نیست و اشعارش در جنگها و تذکره‌ها و کتب لغت پراکنده است.[۱]

ابوالحسن علی بن محمد «منجیک ترمذی» (و. ۳۷۰ یا ۳۸۰) از شعرای نیمه‌ی دوم قرن چهارم است. وی بعد از دقیقی (ه.م) در دربار چغانیان (ه.م) به سر می‌برده و مداح آنان بوده. اشعار او در تذکره‌ها پراکنده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۴۲۸ -۴۲۴/ ۱)، تاریخ ادبی ایران (۶۷۳/ ۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۷)، حدائق السحر فی دقایق الشعر (۶۶۹ ،۶۵۹)، دایرةالمعارف فارسی (۲۸۶۱/ ۲ ،۲۲۴/ ۱)، الذریعه (۱۱۰۵/ ۹)، سخن و سخنوران (۳۷ -۳۶)، شاعران بی دیوان (۲۵۱ -۲۱۶)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۸۲)، فرهنگ سخنوران (۸۷۹ -۸۷۸)، گنج سخن (۵۲ -۴۹/ ۱)، لباب الالباب (۱۴ - ۱۳/ ۲)، مجمع الفصحا (۱۱۸۰ -۱۱۷۶/ ۳)، هفت اقلیم (۸۶ -۸۴/ ۲).

منزوی اردبیلی، رحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۱۶، اردبیل (کوچه سید آباد).

درگذشت: ۹ مرداد ۱۳۷۱، تهران.

رحیم منزوی اردبیلی متخلص به «منزوی» از کودکی در دکان دواتگری و حلبی‌سازی پدرش مشغول کار بود و در این فن مهارت یافت. پدرش نیز در مراسم‌های شبیه‌خوانی و تعزیه‌گردانی شرکت می‌جست. اما به گفته خودش آنچه وی را به شاعری واداشت مرگ مادری بود که در نه سالگی ازدواج کرد و در هیجده سالگی وفات کرد. منزوی در شعر از «تاج الشعراء» پیروی می‌کرد.

از رحیم منزوی اردبیلی هشت کتاب در زمان حیاتش منتشر شده بود. از جمله آنها می‌توان به کتاب صد سینه زن (اردبیل، ۱۳۷۲) اشاره نمود. کتاب دیگرش به نام صد مرثیه پس از وفات وی در اردبیل انتشار یافت.

منزوی در روز جمعه نهم مرداد ۱۳۷۱ در تهران درگذشت و پیکرش به اردبیل منتقل گردید و در بهشت فاطمه به خاک سپرده شد.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منزوی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد منزوی ، فهرست نگار و کتاب شناس معاصر است . او در سال ۱۳۰۲ ش در سامره ، و در یک خانواده مذهبی دیده به جهان گشود . وی تا ده - دوازده سالگی در آنجا بود و سپس به ایران بازگشته و تحصیلات خود را ادامه داد . منزوی پس از فارغ التحصیل شدن از دانشگاه به عنوان دبیر دبیرستان مشغول به فعالیت شده است . وی پس از بازنشستگی نیز به کارهای تحقیقاتی خود پرداخته است . فعالیت های وی در « مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان » به مدت ۱۵-۱۶ سال طول کشید .او سپس در « مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی » به فعالیت پرداخته است . منزوی از محققان پر تلاشی است که با قناعت و فروتنی ، به امید شناساندن آثار علمی و فرهنگی ایران به بررسی فهرست ها و نسخه های گوناگون پرداخته است . کتاب "فهرست وارهٔ کتاب‌های فارسی"تالیف وی، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : فهرست نگاری

والدین و انساب : نام پدر احمد منزوی ، حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی ، نگارنده دایره المعارف بزرگ کتاب شناسی « الذریعه الی تصانیف الشیعه » و « طبقات اعلام الشیعه » است . مادرش ، مریم خانم ، دختر آقا سید احمد دماوندی (از روحانیون روزگار) بود که فرزندان ایشان با نام خانوادگی « آریان » در تهران و ایران پراکنده هستند . پدر احمد منزوی ، در کنار مشروطه خواهان بود ، لیکن پس از آن که متوجه شد مشروطیت در مسیر دلخواه قرار نگرفته است ، به کار نگارش ذریعه و طبقات پرداخت ، و شهر سامره را (که دور از هر غوغایی بود) برگزیده ، و به کار تحقیق پرداخت . احمد نقل می کند که برنامه کاری پدرش آن قدر دقیق بود ، که بیشتر آشنایان قلم زن ایشان ، خاطره ای از آن نوشته اند . او پی گیری کار پژوهش ، اختصاص دادن تمام اوقات خود به آن ، و حضور ذهن پدر نسبت به دانشمندان شیعه را شگفت آور می داند .

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : شرایط اجتماعی خانواده احمد منزوی چندان که باید مناسب نبود . احمد منزوی ، برادر دکتر علی نقی منزوی و دکتر محمد رضا منزوی است . بازداشت و سپس به شهادت رسیدن محمد رضا در سال ۱۳۳۲ ش باعث شد که علی نقی به کارهای سیاسی کشیده شود. این امر به نوبه خود باعث برهم خوردن اوضاع اجتماعی خانواده گردد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : احمدمنزوی مقدمات علوم را نزد پدرش (مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی) فرا گرفت. او در دوازده سالگی به نجف اشرف سفر کرد.و کلاس ششم ابتدایی را در مدرسه علوی ایرانیان در شهر نجف گذرانید. وی در بیست سالگی ، یعنی در سال ۱۳۲۲ ش ، همراه پدر به ایران بازگشت و پس از اخذ دیپلم از مدرسه دارالفنون به دانشکده معقول و منقول راه یافت .منزوی در مورد تحصیلات دانشگاهی خود نقل می کند که « پدر دست مرا در دست شادروان استاد سید محمد مشکات نهاد و با معرفی و یاری ایشان به تحصیل در رشته معقول در دانشکده معقول و منقول پرداختم. » او در سال ۱۳۲۷ ش در رشته الهیات از آن دانشکده با مدرک لیسانس فارغ التحصیل شد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : احمد منزوی پس از کوچ خانواده از سامره به نجف در سال ۱۳۱۴ ش ، در کنار تحصیلات خود ، در کارگاه دوزندگی مشغول به کار شد. او پنج سال از عمرش را در مغازه میرزا محمد شیرازی به کارگری پرداخت و دوزنده شد. علاوه بر آن ، کلاس ششم ابتدایی را نیز در دبستان علوی ایرانیان نجف به پایان رسانید.

استادان و مربیان : احمد منزوی در طول تحصیل خود در تهران از محضر استادانی همچون استاد محمد تقی دانش پژوه ، استاد سید محمد باقر سبزواری ، استاد احمد بهمنیار ، استاد ایرج افشار ، استاد سید محمد مشکات ، استاد فاضل تونی ، استاد بدیع الزمان فروزانفر ، دکتر غلامحسین یوسفی ، استاد محمد تقی مدرس رضوی ، دکتر علی اکبرفیاض ، استاد راشد ، دکتر علی نقی منزوی (برادرش) و دیگران بهره برده است. همچنین دکتر محمد محمدی نیز از دیگر اساتید وی بود. او ادبیات فارسی را نزد عمویش ، حاج محمد ابراهیم بهشتی پور ، و جامع المقدمات را نزد شاگردان پدر آموخت . لیکن نخستین استاد وی در زمینه کتاب شناسی ، پدرش بود.

هم دوره ای ها و همکاران : استاد دکتر محمد تقی دانش پژوه ، استاد دکتر مهدی محقق ، استاد سید کاظم موسوی بجنوردی ، استاد ایرج افشار و دکتر محمد رضا نصیری از دوستان احمد منزوی می باشند. همچنین استاد دکتر فتح الله مجتبایی و عنایت الله مجیدی ، نیز از دوستان دیگر منزوی هستند. منزوی به هنگام فعالیت در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران با حسین بنی آدم ، عباس مافی و خانم هارتوریان همکار بوده است.

همسر و فرزندان : احمد منزوی در سال ۱۳۲۷ ش که در بندرانزلی به تدریس مشغول شده بود ، با یکی از همکارانش به نام خدیجه جاویدی ازدواج کرد. حاصل این وصلت دو دختر است که هر دو مهندس بوده ، و نسرین (زویا) و شورا نام دارند.

وقایع میانسالی : احمد منزوی برای فراهم کردن « فهرست مشترک از همه نسخه های فارسی » لازم دید که به شبه قاره هند سفر کند . بدان علت در پاییز ۱۳۵۶ به پاکستان ، افغانستان و هند مسافرت کرد . او سفر خود را با هزینه شخصی و از راه زمین (از زاهدان به کویته) آغاز کرد ، و از آن جا نیز به دیگر شهرهای پاکستان رفت . شایان ذکر است که وی پیش از اقامت در پاکستان سفری ۴۵ روزه در افغانستان داشته است . در واقع ، در این سال بود که او در « مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان » به کارهای تحقیقاتی پرداخته است .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد منزوی در سال ۱۳۴۵ ش با معرفی جلال آل احمد جذب « موسسه علوم اجتماعی » شد که ریاست آن را دکتر احسان نراقی بر عهده داشت. او در سال های ۱۳۳۵ با ایرج افشار به فهرست نویسی از نسخه های چاپ سنگی پرداخت ، و در سالهای ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۹ ش با معرفی دکتر سید علی اکبر جعفری در « مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان » مشغول فعالیت شد. وی در سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵ ش مشاور علمی در نگارش « دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره » بود. از دی ماه ۱۳۶۹ تا به حال هم در « مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی » به عنوان کارشناس ارشد بخش فهرست نویسی مشغول فعالیت می باشد. منزوی در پاییز ۱۳۵۶ ش به شبه قاره هند سفر کرد. او طی آن سفر در « مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان » به کار گمارده شد، و تحقیق در مورد نسخه های خطی فارسی را آغاز کرد. وی تا پایان سال ۱۳۶۹ آنجا بود و سپس به علت بیماری های پیاپی به تهران بازگشت. او در تهران در « مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی » مشغول فعالیت شد. در زیر به برخی از فعالیت‌های استاد منزوی اشاره می‌شود: ـ فهرست‌نویسی در کتابخانه‌های مجلس و آستان قدس رضوی؛ ـ فهرست‌نویسی کتاب‌های چاپ سنگی برای مرکز اسناد دانشگاه تهران؛ ـ تدوین فهرست نسخ خطی و عکسی در دایرهٔ‌المعارف بزرگ اسلامی.

فعالیتهای آموزشی : احمد منزوی در سال ۱۳۲۷ ش به استخدام آموزش و پرورش بندرانزلی درآمد. وی در سال ۱۳۲۹ ش به تهران منتقل شده و به تدریس پرداخت. تا اینکه در سال ۱۳۵۶ ش بازنشسته شد. منزوی در بندر انزلی به عنوان دبیر دبیرستان پسرانه فردوسی و دبیرستان دخترانه شاهدخت به تدریس ادبیات فارسی و زبان عربی و دینی پرداخت. وی سپس از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۵۶ ش با همان سمت دبیری در دبیرستان پانزده بهمن (بخش چهار فرهنگ تهران) مشغول شده است. منزوی از سال ۱۳۵۶ ش به مدت ۱۶–۱۵ سال در خدمت « مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان » بود. او از سال ۱۳۶۹ ش تا به حال به مدت ۱۲ سال در « مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی » مشغول به فعالیت می باشد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : احمد منزوی هرروز یک ساعت پیش از غروب آفتاب ، تا نیم ساعت پس از آن ، به راه پیمایی یا پیاده روی می پردازد. او که از مرداد ۱۳۶۹ ش به مدت ۱۲ سال در مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی مشغول به کار است ، حتی یک روز هم از مرخصی کارمندی خود استفاده نکرده است. وی درباره برنامه روز جمعه خود چنین اظهار می دارد که « همه جمعه ها به خانه برادرم رفته و ساعت ۲ بعداظهر به خانه برمی گردم .» منزوی راز بقا و طول عمر خویش را چنین بیان می کند: « ... این راز درازی عمرم بود : برنامه یکسان و دقیق ، برای انجام کار .»

شاگردان : احمد منزوی نقل می کند که « بد روزگاری است ، احساس می کنم زمان مناسب پرورش شاگردان نیست. انگیزه برای جوانان نمانده است ، نه انگیزه مادی و نه انگیزه روحی . » لیکن او سپاسگزار است که در میانه دهه پنجاه و شصت به موفقیت هایی

دست یافته و موفق شده است که چند تن را به ایران شناسی و بخش فهرست نویسی علاقمند نماید. همانند دکتر سید عارف نوشاهی ، که یکی از شخصیت های شناخته شده پاکستان در فهرست نگاری و کتاب شناسی است. دیگر ، سید خضر عباس نوشاهی است که چندین مجلد « فهرست » از نسخه های خطی به زبان فارسی و زبان اردو در پاکستان منتشر کرده است. سومین شاگرد او ، خانم دکتر انجم حمید است که « راهنمای فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی » را در یک مجلد نگاشته است.

آرا و گرایشهای خاص : احمد منزوی درباره استفاده از کامپیوتر در کارهای تحقیقاتی معتقد است که کشور ایران تا ۱۰–۱۵ سال دیگر به منابع کتابی (کاغذی) نیاز دارد. او عقیده دارد که پرش از فرهنگ و پژوهش کتابی ، یعنی منابع و ماخذ کتابی ، به مرتبه بهره مندی از رسانه ها و اطلاعات جهانی به گونه شتابزده ، راه درستی نیست.

جوائز و نشانها : احمد منزوی در سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۸ سفرهای مطالعاتی و تحقیقاتی به کشورهای هند و پاکستان داشته است و از سوی بنیادها و مراکز مختلفی مانند انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، سرای اهل قلم و مجلس شورای اسلامی مورد قدردانی قرار گرفته است. همچنین در سال ۸۳ از طرف سازمان صدا و سیما به عنوان چهره ماندگار معرفی شد. از دیگر افتخاراتی که استاد منزوی کسب کرده است، انتخاب کتاب "فهرست وارهٔ کتاب‌های فارسی "تالیف وی، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال است. ---

آثار :

۱ تحریر و ویرایش ترجمهٔ فارسی کتاب یو.ا.برگل

ویژگی اثر : (ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری)

۲ سعدی بر مبنای نسخه‌های خطی پاکستان

۳ فهرست نسخه‌های خطی فارسی

ویژگی اثر : ۶ جلد

۴ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مجلس شورای ملی

ویژگی اثر : (زیر نظر ایرج افشار و محمّد تقی دانش‌پژوه)

۵ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه و موزه ملی ملک

ویژگی اثر : ۹ جلد

۶ فهرست نسخه‌های خطی گنج بخش پاکستان

ویژگی اثر : ۴ جلد

۷ فهرست وارهٔ کتاب‌های فارسی

ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب : «فهرست وارهٔ کتاب‌های فارسی» فهرستوارهٔ کتاب‌های فارسی/ به کوشش احمد منزوی.ـ تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۲ ج]۸ ج تاکنون[، ج ۶، ۱۳۸۱. فهرستواره، در واقع، یک سرشماری است از کتاب‌های فارسی، یا به تعبیری «فهرستِ فهرست‌ها» که گام نخست برای تدوین کتابنامهٔ کتاب‌های فارسی است. این سرشماری از هر آنچه بتوان بر آن یک اثر مکتوب نام نهاد صورت گرفته است: کتاب‌های مشخص و معنون، رساله‌های کوتاه، دیوان‌های مشخص و معنون، اجزای دیوان‌ها از درون مجموعه‌ها و جُنگ‌ها، مانند «ترجیع‌بند» و «رباعی» و چند «غزل» و یا «رباعی» و گنجاندن این اجزای پراکنده از یک دیوان و یا سروده‌های باقی‌مانده از یک سراینده را به زیر یک عنوان تا آسان‌تر در دسترس مراجعه‌کنندگان قرار گیرد. برای این سرشماری، شماری از منابع کتابشناسی و فهرست‌ها تورّق شده و آگاهی‌های لازم برای آن سرشماری از سطر به سطر بیرون کشیده شده و می‌شود. این آگاهی‌ها بر برگه‌هایی مناسب با ذکر منبع نوشته شده و می‌شود و برگه¬ها بر حسب الفبا در نام کتاب¬ها و قفسه‌ها جای گرفته و می‌گیرد. فهرستوارهٔ کتاب‌های فارسی حاصل ادغام این برگه‌هاست. گسترهٔ فهرستواره از آغاز پیدایش زبان فارسی دری تا پایان چاپ سنگی است؛ دوره‌ای که زبان فارسی جزو زبان‌هایی بوده که در بنای فرهنگ و تمدّن امروز جهان بنیادی‌ترین سنگ‌ها را بر جای گذاشته است. کتاب‌ها و نگاشته‌های این دوره است که از اصالت ایرانی بهره داشته است و بررسی دوره‌های پسین به دیگران واگذار شده است

۸ ویرایش الذّریعه الی تصانیف الشیعه

ویژگی اثر : تألیف شیخ آقا بزرگ تهرانی

منابع زندگینامه : ۱www.ketabesal.ir۲زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد احمد منزوی . تهران : انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، ۱۳۸۱ ، صص۷–۲۶۳کتاب هفته ، شنبه ۳۰ آذر ، ۱۳۸۱ ، ص ۴

منزوی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین منزوی در مهر سال ۱۳۲۵ متولد شد. شعرهای او بیشتر در زمینه غزل‌سرایی است اما شعر سپید هم می‌سرود. او در سال ۱۳۸۳ بر اثر آمبولی ریوی و سرطان در تهران درگذشت و در کنار مزار پدرش در زنجان به خاک سپرده شد در سال ۱۳۴۴ وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد. سپس این رشته را رها کرد به جامعه‌شناسی روی آورد اما این رشته را نیز ناتمام رها کرد. اولین دفتر

شعرش در سال ۱۳۵۰ با همکاری انتشارات بامداد به چاپ رسید و با این مجموعه به عنوان بهترین شاعر جوان دوره شعر فروغ برگزیده شد. سپس وارد رادیو وتلویزیون ملی ایران شد و در گروه ادب امروز در کنار نادر پورنادر شروع به فعالیت کرد. چندی مسئول صفحه شعر مجله ادبی رودکی بود و در سال نخست انتشار مجله سروش نیز با این مجله همکاری داشت. در سال‌های پایانی عمر به زادگاه خود بازگشت و تا زمان مرگ در این شهر باقی ماند.از او به عنوان پدر غزل معاصر ایران یاد می‌شود.

آثار وی:

همایون شجریان از غزل وی در آلبوم باستاره هااستفاده کرده‌است.

●حیدر بابا- ترجمه نیمایی از منظومه «حیدر بابایه سلام» سروده «شهریار».

●با عشق در حوالی فاجعه- مجموعه غزلی سروده شده از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۲.

●این ترک پارسی گوی (بررسی شعر شهریار).

●از شوکران و شکر؛ مجموعه غزلی سروده‌شده از سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۶۷.

●با سیاوش از آتش.

●ازترمه و تغزل؛ گزیده اشعار، ۱۳۷۶.

●از کهربا و کافور.

●با عشق تاب می‌آورم؛ شامل اشعار سپید و آزاد سروده شده از سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۷۲.

●به همین سادگی (مجموعه شعرهای سپید).

●این کاغذین جامه؛ مجموعه برگزیده اشعار کلاسیک.

●از خاموشی‌ها و فراموشی.

●حنجرهٔ زخمی تغزل؛ دفتری از شعرهای آزاد و غزل‌های سروده شده از ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۹.

منزه، کیومرث

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

درگذشت: ۳۰ فروردین ۱۳۷۰ طی یک حادثه رانندگی در جاده‌ی مرودشت شیراز.

کیومرث منزه در هنگام مرگ سی و پنج سال سن داشت. در ضمن عضو هیئت علمی دانشکده‌ی هنرهای زیبا در رشته‌ی عکاسی و مدیر مسئول و سردبیر ماهنامه «عکس» بود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منشوری سمرقندی، ابوسعد، احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، شاعر. از گویندگان عهد محمود غزنوی (۴۲۱ -۳۸۹ ق) و از مداحان آل‌ناصر بود. وی در صنعت تلون (شعری که بدون تغییر دادن کلمات به دو وزن یا بیشتر خوانده شود) مهارت داشت. به آورده‌ی «هفت اقلیم» منشوری گرچه سخنانش شور در دلها می‌انباشته اما بنابر آنکه شعرش مدون نبوده متداول نگشته است. از آثار وی: «کنز الغرایب» یا «کنز الغریب»، از ابیات متلون ساخته شده و خورشیدی بر آن شرح نوشته است؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۵۵۵ -۵۵۳/ ۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۷)، ترجمان البلاغهٔ (۶۴،۸۸)، حدائق السحر فی دقایق الشعر (۶۷۵)، الذریعه (۱۱۰۵/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۷۹)، لباب الالباب (۴۶ -۴۴/ ۲)، لغت نامه (ذیل/ منشوری سمرقندی، احمد)، مجمع الفصحا (۱۱۷۶ -۱۱۷۵/ ۳)، هفت اقلیم (۳۴۵/ ۳).

منشی اردوبادی طوسی، زین‌العابدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۱۴ ق)، شاعر، متخلص به منشی. نسب خاندان وی به خواجه نصیر طوسی می‌رسد. پدرش منشی الممالک دربار صفوی بود و بعد از پدر، وی به منصب منشی الممالکی سرافراز شد. او دارای اقتدار و اعتبار بود. به آورده‌ی «الذریعه» محتمل است که وی پدر ملا محمدابراهیم بن زین‌العابدین نصیری طوسی باشد. از آثارش: «منظومه»ای درباره‌ی آمدن جغال یا چغال اوغلی آذربایجانی و جنگهای شاه عباس با ترکان عثمان، سروده شده در ۱۰۱۴ ق؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۰۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۷۲)، دانشمندان آذربایجان (۳۶۱)، الذریعه (۱۱۰۶ -۱۱۰۵، ۴۱۱/ ۹ ،

۲۳۷/ ۴)، صبح گلشن (۴۵۶).

منشی اردوبادی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اصلش از اردوباد آذربایجان بود. وی ابتدا ملازمت شاه طهماسب صفوی (۹۸۴ – ۹۳۰ ق) را داشت و سپس در دربار شاه اسماعیل مورد توجه و احترام قرار گرفت. ولی سرانجام شاه عباس (۱۰۳۸ –۹۹۶ ق) به دلیلی از وی رنجید و او را کشت. طبع شعر داشت و در نظم و نثر استاد بود. از وی اشعاری در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

قاصد آورد به من نامه و از ذوق پیام

بی خودم نامه و پیغام نمی‌دانم چیست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۹۹)، دانشمندان آذربایجان (۳۶۱)، الذریعه (۱۱۰۶/ ۹)، مجمع الخواص (۴۶).

منشی استرآبادی، عبدالحی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۰۷ ق)، خطاط. در عصر سلطان ابوسعید گورکانی می‌زیست منشی دربار وی بود. عبدالحی مدتی هم در دربار اوزون حسن و سلطان یعقوب اق قوینلو به کار انشاء مشغول بود. از شاگردان معروف وی، حاج علی منشی استرآبادی، خواجه خان طغرایی قزوینی، شیخ محمد تمیمی و میر محمد منشی قمی است. از آثار وی چند قطعه در کتابخانه‌ی توپ قاپوسرای ترکیه موجود است که بیشتر به قلم تعلیق و بعضی به قلم توقیع است و یکی از آنها تاریخ ۸۷۰ ق دارد. وی در تبریز درگذشت و در آرامگاهی مشهور به عبدالحیه دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اطلس خط (۴۰۷)، حبیب السیر (۱۰۸ / ۴)، خوشنویسان و هنرمندان (۸۰)، گلستان هنر (۴۳ –۴۲)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالحی).

منشی استرآبادی، علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از شاگردان خواجه عبدالحی در هرات، منشی کپک‌میرزا، پسر سلطان حسین بایقرا بود. وی به استرآباد رفت و بعضی اوقات سمت منشیگری حکام شیروان و گیلان را هم عهده‌دار بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اطلس خط (۴۰۷)، گلستان هنر (۴۴ –۴۳).

منشی اصفهانی، حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. پدر و عمویش در سلسله‌ی حسن بیگ یوزباشی استاجلو وزیر و مستوفی بودند. وی چندی در دیوان انشاء خدمت کرد و بعد از مدتی به هند رفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :گلستان هنر (۵۴).

منشی اصفهانی، محمدحسن

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. پدرش در زمان فتحعلی‌شاه در تهران به شغل منشی‌گری مشغول بود و خود نیز خط شکسته را خوب می‌نوشت. از زمان حکومت سلطان محمد میرزای سیف‌الدوله (متولد ۱۲۲۸ ق)، پسر فتحعلی‌شاه، به اصفهان رفت و در آنجا به

شغل وقایع‌نگاری و روزنامه‌نویسی دولت مشغول بود. اشعاری از وی در تذکره‌ها نقل شده است. از اوست:

بر رخ مه ماه من زلف معنبر شکست

سرو بلندش به باغ قد صنوبر شکست

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۷۱۳ -۱۷۱۲/ ۳)، الذریعه (۱۱۰۶/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۷۹).

منشی بغدادی خوارزمی، بهاءالدین محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، نویسنده و شاعر. در بغدادک خوارزم متولد شد. برادر کوچک مجدالدین بغدادی از عرفای مشهور قرن ششم و آغاز قرن هفتم قمری بود. وی منشی علاءالدین تکش خوارزمشاه و سلطان محمد بن تکش بود. در سال ۵۸۲ ق از سوی تکش نزد منگلی‌بیگ رفت و وی بهاءالدین را زندانی کرد و به مدت سه سال در زندان بود. او بعد از رهایی دوباره به دربار خوارزمشاه پیوست و سرانجام در اواخر قرن ششم قمری درگذشت. وی از دبیران زبردست زمان خود بود از آثار او: «رساله الحبسیه» که در زندان منگلی‌بیگ نوشته، و «التوسل الی الترسل». بهاءالدین منشی در شعر نیز مهارت داشته و پاره‌ای از اشعار او بازمانده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۹۷۷ -۹۷۳ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۹۴)، حبسیه در ادب فارسی (۶۷ -۶۶)، دایرهٔالمعارف فارسی (۴۷۴/۱)، سبک‌شناسی (۳۷۹ -۳۷۸ /۲)، گنج و گنجینه (۲۱۷ -۲۱۳)، لباب الالباب (۱۴۲ -۱۳۹ /۱)، لغت‌نامه (ذیل /بهاءالدین)، مجمع‌الفصحا (۴۴۷ -۴۴۳ /۱).

منشی قمی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از شاگردان سرآمد خواجه عبدالحی منشی بود و شکسته تعلیق را در غایت پختگی می‌نوشت. وی منشی رستم بیگ آق قویونلو بود و احکام و مناشیر آن امیر به خط اوست. پس از مرگ رستم بیگ ترک ملازمت کرد و در قم منزوی گشت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۷۳ -۱۲۷۲/ ۴)، گلستان هنر (۴۶ -۴۵).

منشی کاشانی، حسینعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۹ -۱۲۷۱ ش)، شاعر، متخلص به منشی. در کاشان به دنیا آمد. در کودکی پدر را از دست داد و تحت سرپرستی دایی خود، ناصری، که از شعرا و مورخین بود قرار گرفت. منشی علوم متداوله زمان را در زادگاهش فراگرفت. بعد به استخدام فرهنگ درآمد و به تدریس ادبیات در دبیرستانهای کاشان پرداخت. او مدتی ریاست انجمن ادبی صبا در کاشان را بر عهده گرفت و با شعرایی چون آزاد همدانی، فخرالواعظین، سید احمد خاوری و دیگران مجالست داشت. غزل را نیکو می‌سرود و سبکش تلفیقی از سبک سعدی و حافظ بود. از آثار وی: «دیوان» شعر، در حدود بیست هزار بیت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی‌معاصر (۳۴۰۲ -۳۳۹۵/ ۵).

منشی کاشانی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، شاعر.

تولد: ۱۳۰۲، کاشان.

درگذشت: ۳۰ دی ۱۳۶۴، تهران.

محمود منشی کاشانی متخلص به «محمود»، فرزند حسینعلی منشی کاشانی که از ادبا و شعرای کاشان بود، تحصیلات خود را در کاشان و سپس در تهران به انجام رسانید . از آن پس به تحصیل علوم ادبیه و عربیه پرداخت و از محضر استادانی چون ناصری

کاشانی و خالصی‌زاده و میرزا مجدالدین نراقی و میرزا اسماعیل یزدانی سبزواری و پدرش کسب دانش کرد. از سال ۱۳۲۳ به تهران مهاجرت کرد و همکاری با مطبوعات را آغاز نمود و آثار ادبی و تحقیقی او در مجله‌های ادبی به چاپ رساند. در این ایام در کار چاپ و انتشار آثار بزرگان در مؤسسه‌ی تالار کتاب اشتغال داشت. منشی از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۶۱ وارد فرهنگستان شد و به عنوان استاد هنرستان عالی مشغول کار گردید و در موضوع «ریتم شعر فارسی» تدریس کرد و در ضمن سرپرستی مجله‌ی «هفت هنر» را عهده‌دار بود.

منشی در قالب قصیده، بیشتر شعر می‌گفت. کتاب‌های سلام بر حسین (ع) (این اثر به شکل پاورقی در روزنامه «کیهان» به چاپ رسیده است) و صادق آل محمد (ص) (این کتاب برنده‌ی جایزه‌ی سلطنتی شده است) از نمونه‌های تحقیق و از آثار منثور او به شمار می‌آیند. آثار دیگر او عبارتند از: معیارشناسی در شعر فارسی، کاشان و ادبیات، گمشدگان، مجموعه‌ی شعری به نام دفتر شعر دری (با تصحیح و توضیح و مقدمه‌ی غلامحسین رضانژاد «نوشین»)؛ واژه‌نامه‌ی بسامدی شعرهای شهید بلخی و چند اثر دیگر، منشی، در تصحیح متون فرهنگی، کتاب‌شناسی، تاریخ، تاریخ ادبیات، نقد شعر، ترسل و زبان‌شناسی، دارای آثار و مقالاتی است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منشی، ابراهیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از آثار وی: «یک نسخه‌ی نفیس از «اسکندر نامه» ترکی به قلم کتابت خوش، با رقم: «قد وقع الفراغ من تحریر هذا الکتاب... علی یدالعبد الفقیر... ابراهیم المنشی الحضرهٔ الرضوی سنه‌ی ۹۳۷».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۱ /۱).

منشی، ابوالحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۷۲ ق)، خطاط. از آثار او: یک نسخه «دیوان» ناصرخسرو، به خط نستعلیق کتابت خوش که در کتابخانه‌ی سلطنتی موجود است. ابوالفضل بافقی او را از فحول نویسندگان و استادان خط می‌شمارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۶/۱).

منشی، ابوالمعالی نصرالله

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۵۸۳ -۵۵۵ ق)، ادیب و شاعر. ملقب به حمیدالدین. اهل شیراز یا از مردم غزنین بود که در زمان یمین‌الدوله بهرامشاه غزنوی می‌زیست و نزد این پادشاه تقرب داشت. در زمان خسروشاه (۵۵۹ -۵۵۲ ق) به سمت دبیری رسید و در دربار همین سلسله تا وزارت پیش رفت. از جمله استادان وی می‌توان به قاضی محمد بن عبدالحمید اسحاق، برهان‌الدین عبدالرشید نصر، صاعد میمنی، ابوالحامد غزنوی، عبدالرحمان بستی و محمد سیفی اشاره کرد. ابوالمعالی علاوه بر مهارتی که در نثر و ترسل داشت، در نظم فارسی نیز سرآمد بود. وی به زبان عربی نیز اشعاری سروده است. از شعرای بزرگی که ابوالمعالی را در اشعار خود ستوده و مدح نموده‌اند، می‌توان به سید حسن غزنوی که از بزرگان شعرا و ادبای روزگار بهرامشاه غزنوی است، اشاره کرد. به آورده‌ی عوفی در «لباب‌الالباب» او در اثر سعایت بدخواهان در زمان خسروملک (۵۸۳ -۵۵۹ ق) به زندان افتاد و سرانجام در آنجا به قتل رسید. در مورد نام وی بین تذکره‌ها اختلافاتی وجود دارد. از آثارش: «کلیله و دمنه بهرامشاهی» که ترجمه «کلیله و دمنه» عربی ابن‌مقفع است و به امر بهرامشاه غزنوی (۵۵۲ -۵۱۱ ق) در حدود (۵۳۹ -۵۳۶ ق) به فارسی برگردانده شده است؛ «دیوان» شعر.[۱]

نصرالله بن محمد بن عبدالحمید مکنی به ابی‌المعالی. وی در زمان بهرامشاه غزنوی می‌زیست و نزد این پادشاه تقرب تام داشت و به خاطر این اختصاص ابوالمعالی پس از اتمام ترجمه‌ی کلیله کتاب را به نام بهرامشاه مزین کرد و آن را کلیله و دمنه‌ی بهرامشاهی نامید. مرگ ابوالمعالی بین سالهای ۵۵۵ تا ۵۸۳ ه.ق اتفاق افتاده و تاریخ ترجمه‌ی کتاب کلیله و دمنه نیز باید در حدود سالهای ۵۳۶ تا ۵۳۹ ه.ق باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۹۵۲ -۹۴۸/ ۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۱۸ -۱۱۷ ،۷۸)، تذکرهٔ‌الشعراء (۸۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس ۶۶۷ -۶۶۶/ ۵)، دایرهٔ‌المعارف فارسی (۳۰۳۱/ ۲)، الذریعه (۱۳۵/ ۱۸ ،۱۱۹۴/ ۹)، ریحانه (۲۷۱ -۲۷۰/ ۷)، سبک‌شناسی (۲۹۶ -۲۴۸/ ۲)، صبح گلشن (۵۲۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۱۳ -۴۱۲)، فرهنگ سخنوران (۹۳۳)، کارنامه‌ی

بزرگان (۱۲۹)، کشف‌الظنون (۱۵۰۹ -۱۵۰۸)، کلیه و دمنه (مقدمه)، لباب‌الالباب (۹۳ -۹۲ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ نصراللّه)، مجمع‌الفصحا (۱۴۴۷/ ۳)، مرآت‌الفصاحه (۶۵۷ -۶۵۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۵ -۵۹۳/ ۶)، هفت اقلیم (۱۸۸ -۱۸۷/ ۱).

منشی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر احمد منشی در سال ۱۳۳۳ در شیراز متولد شد. ایشان دارای دکتری مواد و تولیدات سرامیکی از دانشگاه شفیلد انگلستان در سال ۱۳۶۹ می باشد.وی هم اکنون عضو هیئت علمی دانشکدهٔ مهندسی مواد دانشگاه صنعتی اصفهان است. کتاب" اصول مهندسی و علم مواد "ترجمه ایشان ، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : فنی و مهندسی

رشته : مهندسی مواد

گرایش : مواد و تولیدات سرامیکی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : احمد منشی . درسال ۱۳۵۷ مدرک فوق لیسانس پیوسته در رشتهٔ مهندسی و علم مواد را از دانشگاه شیراز، و در سال ۱۳۶۹ دکتری مواد و تولیدات سرامیکی را از دانشگاه شفیلد انگلستان کسب کرد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد منشی از سال ۱۳۵۷ عضو هیئت علمی دانشکدهٔ مهندسی مواد دانشگاه صنعتی اصفهان بوده و اکنون معاون پژوهشی آن دانشکده، مشاور پژوهشی مرکز تحقیقات و آزمایشگاه نسوز اصفهان، و مدیر گروه سرامیک دانشگاه آزاد میبد است.

جوائز و نشانها : احمد منشی در سال ۱۹۹۰م. برندهٔ جایزهٔ پژوهشی «بر تولدایچلر» به عنوان بهترین محقق سرامیک در دانشگاه شفیلد انگلستان شد.همچنین کتاب" اصول مهندسی و علم مواد "ترجمه ایشان ، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار : احمد منشی ارائه کنندهٔ دو روش جدید آنالیز مواد با پراش اشعهٔ ایکس، و مدل ریاضی ذوب کوارتز در بدنهٔ سرامیک ها است؛ و علاوه بر مقالات متعدد که در مجلات داخل و خارج از او به چاپ رسیده و به کنفرانس های داخلی و جهانی ارائه شده است.

منشی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از اهالی هرات بود و شاگرد خواجه اختیار منشی هروی. وی در شکسته تعلیق مهارت داشت و مدت هشت سال در دیوان انشاء سلطان محمد خدابنده صفوی (۹۹۶ -۹۸۵ ق) خدمت کرد و سرانجام در جنگ ترکمان و تکلو با حمزه میرزا در صائین قلعه (شاهین دژ) ناپدید شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۸۰/ ۴)، گلستان هنر (۵۳).

منشی، محمد امین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۱ ق)، خطاط. تعلیق‌نویس دربار شاه طهماسب و نبیره‌ی مولانا ادهم منشی بود. در قزوین نشو و نما یافت و تعلیق را خوش می نوشت. صاحب «گلستان هنر» آورده که منشی بی قرینه و صاحب سلیقه بود و مدتها در دارالانشاء اوقات صرف نموده، مدار نوشتن کتابات روم ترکی و فارسی برو بود. دو سال انشاء شاه والاجاه شاه عباس نمود. در سنه‌ی احدی و الف در قزوین رحلت نمود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۶۷/ ۴)، عالم آرای عباسی (۱۷۳/ ۱)، گلستان هنر (۵۴).

منشی، نیشابوری، نصیر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۴۸ ق)، خطـاط. وی در نوشـتن اقسام خطوط دست داشت. در «احوال و آثار خوشـنویسان» به نقل از سـپهر، صاحب «تـذکره‌ی خوشنویسان»، سال مرگ نصیر منشی ۹۶۲ ق ذکر شـده است. از آثار او: سه قطعه از مرقع بهرام میرزا، به قلم نسخ و رقاع و نسـتعلیق دو دانـگ و نیم دو دانـگ خوش، بـا رقم: «تحفه‌ی مجلس نواب جهانبانی (مقصود بهرام میرزا صـفوی است) خلـد اللّه تعالی ملکه، مشـقه الفقیر، نصیر غفر ذنوبه»، قطعه‌ای به قلم ثلث و نسخ و رقاع خوش، با رقم: «مشقه العبد المذنب... نصیر المنشی النیشابوری، فی شهور سـنهٔ خمس و ثلاثین و تسعمائهٔ،...»؛ قطعه‌ای به قلم‌های ریحان و ثلث و نسخ و رقاع و توقیع و شکسته تعلیق و نستعلیق، با رقم: «مشقه العبد المذنب الغریب... النصیر المنشی،... سنه‌ی ۹۴۸، بدارالسلطنه اصفهان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۲۲/ ۴ ،۹۴۱/ ۳)، تاریخ هنرهای ملی (۸۷۴/ ۲)، گلستان هنر (۴۹)، هنر عهد تیموریان (۵۳۳).

منشی‌زاده، داوود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۸ -۱۲۹۳ ش)، نویسـنده، مترجم و اسـتاد دانشـگاه. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصـیلات ابتدایی و متوسطه، در ۱۳۱۰ ش با محصلین اعزامی رهسپار فرانسه شد و در ۱۳۱۶ ش از دانشگاه دیژن موفق به اخذ لیسانس ادبیات گردید. بعد به آلمان رفت و در ۱۳۲۲ ش دکترای فلسـفه و ادبیـات خود را از دانشگاه برلن دریـافت کرد. پس از خـاتمه‌ی جنـگ جهانی دوم و افتتاح دانشگاه مونیخ، در ۱۳۲۶ ش، یک قسمت از تدریس ایرانشناسی در آن دانشگاه به وی واگذار شد و در ۱۳۲۸ ش برای تدریس زبان فارسی به دانشگاه اسـکندریه‌ی مصـر رفت و در ۱۳۳۰ ش بـه ایران بـازگشت. پس از مراجعـت به ایران جمعیت سیاسـی سومکـا (مختصـر شـده‌ی حزب سوسـیالیست ملی کارگران ایران) را تشـکیل داد. از آثار وی: «دربـدر در پی بهشت»؛ «پیکار با اهریمن»؛ «کمونیسم و لیبرالیسم»؛ «خط سومکا»؛ «پسـر گمشده»، ترجمه؛ «داریوش یکم»، پادشاه پارسـها، ترجمه؛ «دوراندیشی در تکنیک»، ترجمه؛ «طغیان توده‌ها»، ترجمه؛ «آسیا در کشمکش با اروپا»، هون‌ها با ساسانیان، ترجمه.[۱]

محقق.

تولد: ۶ شهریور ۱۲۹۳، تهران.

درگذشت: ۲۹ تیر ۱۳۶۸، اوپسالا.

داود منشـی‌زاده، فرزند ابراهیم (میرزا ابراهیم‌خان منشی‌زاده از فعالان انقلاب مشروطیت بود و چون یکی از مؤسسان کمیته مجازات بود، تیرباران شد)، تحصـیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رسانید و در سال ۱۳۱۰ با محصلین اعزامی رهسپار فرانسه شد و در سال ۱۳۱۶ از دانشـگاه دیژن (فرانسه) به اخذ درجه‌ی لیسانس ادبیات (فلسـفه) نایل شد و در اواخر همان سال به آلمان رفت و در سال ۱۳۲۲ دکترای فلسـفه و ادبیات خود را از دانشـگاه برلین گرفت و در آلمان متأهل شـد. در موقع سـقوط برلین هفت روز به خاتمه‌ی جنگ مانـده مجروح شـد و دو سال تمام در بیمارسـتان‌های پسـتدام و برلین و مونیخ به سـر برد. در سال ۱۳۲۶ که دانشگاه مونیخ پس از جنگ افتتاح می‌شد، یک قسـمت از تدریس ایران‌شناسـی به وی واگذار شد. در سال ۱۳۲۸ برای یک سال و چند ماه برای تدریس زبان فارسی با رتبه‌ی استاد میهمان به دانشگاه اسکندریه مصر رفت و در سال ۱۳۳۰ به ایران مراجعت نمود و بلافاصله جمعیت سیاسی «سومکا» را تشکیل داد که مختصر شده‌ی حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران بود. سپس از ایران خارج شد و در دانشـگاه اوپسالا به مقام اسـتادی دانشگاه رسید و تدریس فرهنگ ایران زمین باستان را بر عهده داشت. وی در سال ۱۳۵۹ بازنشسته شد.

از آثار اوست: آسیا در کشمکش با اروپا (هون‌ها، ساسانیان) (از فرانتس آلتهایم، ۱۳۴۳)؛ انتلکتول و دیگری (خوزه اتکاای گاست، ۱۳۲۲)؛ پسـر گمشـده (آنـدره ژید، ۱۳۳۶)؛ پیکـار بـا اهریمن (۱۳۳۰)؛ جهانـداری پارسـها (نوشـته ه. ه. شـدر، ۱۳۳۵)؛ خط سومکا (۱۳۳۳)؛ داریوش یکم پادشـاه پارسـها (پترویولیوس یونگه، ۱۳۳۴)؛ دربـدر در پی بهشـت (۱۳۳۲)؛ دوراندیشـی در تکنیک (خوزه اتکـای گاست، ۱۳۳۲)؛ طغیـان توده‌هـا (خـوزه اتکـای گـاست، ۱۳۳۴)؛ کمـونیسم و لیـبرالیسم (۱۳۳۶)؛ گیـل گمش کهنـه‌ترین حماسه‌ی بشری (گئورک بورکهارت، ۱۳۳۴)؛ مایا دختر گریز آن‌کنـدو (والدمایر نسـلس، ترجمه با امضای د. م.، ۱۳۳۲)؛ وهرود و ارنـگ (پژوهشـی از ژوزف مارکوات، ۱۳۶۸). از دکـتر منشـی‌زاده، مقاله‌هـای ادبی در مجلـه‌ی «یادگـار» و مجلـه‌ی «دانش» به طبع رسیده است. وی همچنین آثاری به زبان آلمانی دارد.

فرزنـد میرزا ابراهیم خان منشـی‌زاده، در ۱۲۹۳ در تهران متولـد شـد. وقتی پنـج ساله بود پـدرش که از اعضای برجسـته و مغز متفکر کمیته مجازات بود، به قتل رسـید. داود در سن هفده سالگی دیپلم متوسطه دریافت نمود و در مسابقه اعزام محصل به خارج شرکت نمود و از طرف دولت برای انجـام تحصـیلات عـالیه به فرانسه اعزام شـد. وی در پاریس درجه‌ی لیسانس در ادبیات فرانسه گرفت و بعد به آلمان عزیمت نمود و سرانجام در ۱۳۲۲ از دانشگاه برلن به دریافت درجه‌ی دکترای ادبیات و فلسفه نائل شد و از سال ۱۳۲۶ به تدریس ایرانشناسی در دانشگاه مونیخ پرداخت و چندی هم استاد مدعو در دانشگاه اسکندریه مصر بود.

منشـی‌زاده پس از بیست سـال توقف در اروپـا که قسـمت اعظم آن در آلمان سپری شـده بود با افکار فاشـیستی به ایران بازگشت و لـدی‌الورود بـه تشـکیل حزب سومکـا (حزب سوسـیالیست ملی کـارگران ایران) پرداخت و عـده‌ی زیـادی از جوانـان در این حزب عضویت یافتنـد و بـا لبـاس و آرم مخصوصـی در تظاهرات مردمی شـرکت می‌کردنـد. بعضـی وقتها تنـدرویهای زیادی از آنها بروز می‌نمـود که طبعـا پلیس از آن جلـوگیری و احیانـا به زدوخـورد منجر می‌شـد. رهـبر حزب هم روی همین اصـل، چنـد بـار از طرف

حکومت نظامی بازداشت شد. در سال ۱۳۳۱ از شکم حزب سومکا، حزب دیگری به رهبری هادی سپهر بنام آریا با همان برنامه طرفداری از آلمان متولد شد. حزب سومکا روزنامه‌ای به همین نام منتشر می‌کرد. از جوانان تند و تیزی که در آن ایام در آن حزب فعالیت می‌کردند، یکی دکتر داریوش همایون و دیگری دکتر امیر شاپور زندنیا بودند. منشی‌زاده بعد از کودتای ۱۳۳۲ ایران را ترک کرد و در دانشگاه اوپسالا به استادی رسید و فرهنگ ایران زمین را تدریس می‌کرد. در ۱۳۶۸ در ۷۵ سالگی درگذشت. از وی آثار زیادی به زبان آلمانی و فرانسه و فارسی باقی مانده است که از بیست جلد متجاوز است. در سال ۱۳۴۲ که تیمور بختیار علیه شاه مشغول فعالیت شد، دکتر منشی‌زاده همکاری بختیار را پذیرفت و در زمره مخالفان شاه شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۹۲ ،۲۶۸۰، ۲۲۶۵/ ۲ ،۱۴۶۴، ۱۳۷۳، ۱۳۲۴، ۱۲۷۳، ۱۰۸۶، ۶۴۷، ۶۱۰ ،۳۵۰ -۳۴۹، ۳۹/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱ -۵۸/ ۳).

منصب اصفهانی، غیاث‌الدین علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۹/ ۱۰۱۲ ق)، شاعر، متخلص به منصف. معروف به غیاثا. در اصفهان به دنیا آمد و در شیراز نشو و نما یافت. در بیست و سه سالگی به هند رفت و در آنجا به خدمت میرزا قوام‌الدین جعفر آصف خان رسید و با توجهات او تربیت بیشتری یافت. بعد از مدتی به وطن بازگشت و پس از سه یا چهار سال به برهانپور دکن رفت و در ملازمت رستم میرزای صفوی، پسر حسین میرزا، قرار گرفت و میرزای مذکور او را مورد لطف قرار داد و وکالت خود را به او تفویض کرد. وی بعد از مدتی به گلکنده رفت و در آنجا ملازم محمد قلی قطب شاه شد. ولی به دلیل اینکه چندان مورد توجه قرار نگرفت، به برهانپور نزد رستم میرزا مراجعت نمود و تا پایان عمر در ملازمت او ماند. منصف در دکن بیمار شد و در آن ایام «دیوان» شعری را که ترتیب داده بود، مشتمل بر قصیده و غزل و غیره، در پنج هزار و دویست بیت، به یکی از آشنایان خود سپرد و وصیت کرد که این مجموعه را به ایران برساند و دو روز بعد درگذشت. مؤلف «تذکره‌ی میخانه» این وصیت‌نامه را دیده است. از آثار وی: «ساقی نامه»، در یکصد و پنجاه و سه بیت، به نام شاه عباس اول؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۸۶۸ -۸۶۵/ ۵)، تذکره‌ی روز روشن (۷۷۲)، تذکره‌ی میخانه (۲۸۹ -۲۸۰)، الذریعه (۱۱۶/ ۱۲ ،۱۱۰۷/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۸۰)، کاروان هند (۱۳۶۴ -۱۲۵۸/ ۲)، هدیهٔ العارفین (۷۵۳/ ۱)، هفت اقلیم (۴۳۴ -۴۳۳/ ۲).

منصف تهرانی، محمد اسماعیل

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به منصف. مشهور به مجدا. وی در شیراز به دنیا آمد و در تهران سکنی گزید و، به دلیل اقامت طولانی در این شهر، به تهرانی شهرت یافت. او در زمان شاه عباس دوم (۱۰۷۷ -۱۰۵۲ ق) می‌زیست. به آورده‌ی «صبح گلشن» منصف همراه سه برادر خود شریفا و مقیما و مجیدا در عهد شاه جهان (۱۰۶۹ - ۱۰۳۷ ق) به هند رفت، بعد از مدتی به شیراز مراجعت کرد و از راه تجارت روزگار می‌گذرانید. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۸۶۶/ ۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۵۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۱۶ -۵۱۴/ ۴)، الذریعه (۱۱۰۸/ ۹)، ریحانه (۱۶/ ۶)، صبح گلشن (۴۵۸ -۴۵۷)، فارسنامه ناصری (۱۱۸۰ ،۱۱۳۵/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۸۸۰)، کاروان هند (۱۳۶۶ -۱۳۶۴/ ۲)، کلمات الشعراء (۱۷۸ -۱۷۷)، لغت نامه (ذیل/ منصف)، مرآت الفصاحه (۶۱۲ -۶۱۱).

منصف قاجار قوانلو، محمد زمان

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۴ -۱۲۲۷ ق)، شاعر، متخلص به منصف. در شیراز به دنیا آمد. اصل وی از خاندان قاجار بود. در شمیران سکونت داشت. او از شعرای زمان خود بود ولی گوشه‌نشینی اختیار نمود. وی خط شکسته را نیکو می‌نوشت. از آثارش «دیوان» شعر می‌باشد. از اوست:

آلت زهد نه شایسته‌ی رندان صفاست

سبحه در دست مرا بهر شمار جام است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۷۲۰ -۱۷۱۵/ ۳)، الذریعه (۱۱۰۸/ ۹)، طرائق الحقائق (۳۲۲ -۳۲۱/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۸۸۰)، مجمع الفصحا (۱۰۳۱ -۱۰۱۷/ ۶)، مکارم الآثار (۸۳۵/ ۳).

منصور شیرازی، عبدالکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۱ –۱۲۸۱ ق)، صوفی، عارف، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به منصور. ملقب به معروف علیشاه. از مشایخ سلسله‌ی نعمت‌اللهی صفی علیشاه بود. در شیراز به دنیا آمد. پدرش تاجر بود ولی منصور به شغل پدر تمایل نداشت و چندی عمرش را با کتابت و تألیف و سرودن شعر سپری کرد سپس به تهران آمد و در خانقاه صفی علیشاه سکونت گزید و در سلک سرسپردگان و مریدان او درآمد. بعد از فوت حاج میرزا محمود خان نائینی، به دستور صفی علیشاه، جانشنی او شد و به شیراز روانه گردید و در خانقاهی در محله‌ی سردزک مشغول دستگیری و راهنمایی فقرا گشت. در اوایل مشروطه انجمن اخوت را تأسیس نمود و در ۱۳۲۶ ق روزنامه‌ی «اخوت شیراز» را منتشر کرد. اما از چهل سالگی دست از کارهای اجتماعی کشید و منحصرا با فقرا و مریدان خود معاشرت داشت. وی یکی از افرادی بود که بعد از مرگ شیخ صفی ادعای جانشینی او نمود. سرانجام در شیراز درگذشت و در زیرزمین خانقاه سردزک دفن گردید. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر، در حدود ده هزار بیت. از اوست:

ز کرم بجان عاشق بفکن شرار دیگر

بتنور دل برافروز ز عشق نار دیگر

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۸۰/ ۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۲۱ -۵۱۶/ ۴)، سیری در تصوف (۱۴۸ -۱۴۷).

منصور، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: روانشناسی، دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات دانشگاهی در رشته روانشناسی (بالینی و تحولی) در دانشگاه ژنو سوئیس، دریافت دیپلم‌های تخصصی و دکترا از دانشگاه ژنو سوئیس.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، دانشیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، استاد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

روانشناسی، ارزشیابی، تست، پژوهش بنیادی در قلمروهای بالینی، فرافکنی و تجربی. راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

روانشناسی، مسائل تحولی، مرضی، بالینی و پرورشی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

مسائل علمی روانشناسی، جنبه‌های بنیادی و بالینی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

منصور، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمود منصور در سال ۱۳۰۹ ش در شهرستان اراک به دنیا آمد .بعد از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه و اخذ درجه لیسانس در رشتهٔ روانشناسی و فوق لیسانس تخصصی در رشتهٔ روانشناسی بالینی جهت ادامهٔ تحصیل عازم کشور سویس گردید و از دانشگاه ژنو در رشتهٔ روانشناسی ژنتیک و بالینی موفق به دریافت درجهٔ دکترا شد. ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه تهران می باشد. کتابهای" روانشناسی ژنتیک: تحول روانی از تولد تا پیری"و" ساخت، پدیدآیی، تحول شخصیت"

محمود منصور به ترتیب در دوه های هشتم و هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شدند.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی گرایش : روانشانسی بالینی تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمود منصور بعد از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه و اخذ درجه لیسانس در رشتهٔ روانشناسی و فوق لیسانس تخصصی در رشتهٔ روانشناسی بالینی جهت ادامهٔ تحصیل عازم کشور سویس گردید و از دانشگاه ژنو در رشتهٔ روانشناسی ژنتیک و بالینی موفق به دریافت درجهٔ دکترا شد. او رساله خود را زیر نظر ژان پیاژه نوشته است. موضوع پایان نامه منصور ، روانشناسی تحولی و بالینی بود. او روش بالینی را برای تحول جنبه های هوش و ادراک به کار می برد.استادان و مربیان : محمود منصور تحصیلات عالی خود را زیر نظر استادانی از بزرگترین روانشناسان بالینی اروپا ،که همه استادان به نام در زمان خود بودند ، به پایان رسانید. همانند ژان پیاژه (استاد راهنمای)، پروفسور آندره‌ری و پروفسور لوزلی اوستری.هم دوره ای ها و همکاران : از جمله همکاران دکتر منصور در جمع آوری کتاب « لغت نامه روان شناسی » خانم دکتر پریرخ و دکتر راد می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر منصور ابتدا در کلینیک کانون هدایت کودک و مرکز مشاوره روانی ، در حدود ۸–۷ سال به فعالیت تشخیص و درمان روانی مشغول بود و به موازات آن از سال ۱۳۴۴ وارد دانشگاه تهران شد.وی تا سال ۱۳۶۹ ش در سمتهای استادیاری و دانشیاری و مدیریت گروه مبانی روانی مشغول به خدمت بود و هم اکنون استاد دانشگاه تهران است.فعالیتهای آموزشی : تدریس در دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران از جمله فعالیت های آموزشی دکتر محمود منصور می باشد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : اولین کتابی که محمود منصور دست به ترجمه آن زد ،« پیشرفت مدارس در پرتو روشهای آموزشی و پرورش » است که در سال ۱۳۳۵ منتشر شده و برنده جایزه گشت. لیکن فعالیت اصلی و مستمر وی از سال ۱۳۴۰ شروع شد. به دنبال آن اولین کتاب تالیفی او که کتاب احساس کمتری نام داردکه در سال ۱۳۴۳ منتشر شده است.آرا و گرایشهای خاص : محمود منصور به روانشناسی تحولی و بالینی علاقه خاصی دارد ، و درس های او نیز همیشه روی زمینه های یاد شده است. چون آمادگی علمی عمده منصور در این قبیل زمینه هااست ، یعنی یا کار بالینی می کند یا کار تحولی چون هر دوی اینها به هم پیوسته است. منصو.ر از بازاری شدن کتاب و آموزش بسیار تاسف می خورد. او از این که کتاب و آموزش را وسیلهٔ ارتزاق می بیند ، آن را بی حرمتی به علم می داند. وی نظام ارزشیابی در آموزش عالی کنونی را نادرست می داند. دکتر منصور معتقد است که دانشگاههای ایران باید اصلاح شده و روی الگوهای جدید ، یعنی پژوهش و بین رشته ای شدن بازسازی شوند.جوائز و نشانها : کتابهای" روانشناسی ژنتیک: تحول روانی از تولد تا پیری"و" ساخت، پدیدآیی، تحول شخصیت " محمود منصور به ترتیب در دوه های هشتم و هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شدند.آثار : احساس کهتری ویژگی اثر : ۱۳۶۹۲ تحول روانی از تولد تا پیری ، تربیت به کجا ره می سپارد؟ ، ترجمه کتاب بیماری های روانی ، تست خانواده ، نقاشی کودکان ، دیدگاه پیاژه در گستره تحول روانی ویژگی اثر : ۱۳۶۷۷ روانشناسی بالینی ، روانشناسی ژنتیک ۱و ۲ ، روانشناسی ژنتیک ، زمینه بررسی بزهکاری کودکان و نوجوانان ، زمینه راهنمایی حرفه ایی ، ساخت، پدیدآیی، تحول شخصیت ویژگی اثر : این کتاب در دوره هشتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب:«ساخت، پدیدآیی و تحول شخصیت» : انگیزهٔ کتاب، آشنا ساختن دانشجویان روانشناسی با دست‌آوردهای جدید این علم است. متن اصلی از قوی‌تری و علمی ترین مجموعهٔ «روانشناسی تجربی» معاصر اقتباس گردیده، که مای‌لی دانشمند برجسته و یکی از پدیدآورندگان دایرةالمعارف جدید روانشناسی نویسنده آن است. مترجم بخوبی از عهدهٔ ترجمهٔ این کتاب معتبر برآمده و کتاب مفیدی به جامعهٔ فرهنگی ایران ارائه داده است ۱۳ شالوده روانی تربیت ویژگی اثر : ۱۳۴۳۱۴ گفتگوهای آزاد با ژان پیاژه ویژگی اثر : ۱۳۵۸

منابع زندگینامه :کتاب ماه: علوم و فنون: گفت و گو با دکتر محمود منصور ، شماره ۵۶ ، آذر ۱۳۸۱

منصوری لاریجانی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل منصوری لاریجانی درسال ۱۳۳۷ درروستای رینه لاریجان متولد شد و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی درزادگاه خود ،به تهران رفت و متوسطه را دردبیرستان نظام مافی دررشتهٔ علوم طبیعی گذراند ، وی پس از دریافت لیسانس علوم بیمارستانی در ۱۳۶۰ درسال۱۳۶۲ به دانشکده الهیات تهران راه یافت و سپس بعنوان بورسیه دانشگاه امام حسین در۱۳۷۱ موفق به دریافت درجه دکترای روابط بین الملل گردید . وی سه سال بعد دکترای عرفان را نیز ازدانشگاه آزاد اسلامی دریافت کرد . و نیز تحصیلاتی درحوزه درفلسفه و عرفان و فقه واصول نمود . وی ۲۱ عنوان کتاب منتشر کرده است که ازآن میان کتاب تاریخ دفاع مقدس برنده جشنواره کتاب دفاع مقدس شده است . وی هم اکنون استاد دانشگاه امام حسین می باشد .گروه : علوم انسانیرشته : علوم سیاسیگرایش : روابط بین المللاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : اسماعیل منصوری لاریجانی در۱۳۳۷ درروستای رینه لاریجان درخانواده ای مذهبی دیده به جهان گشود .تحصیلات رسمی و حرفه ای : اسماعیل منصوری لاریجانی دوره ابتدایی را در زادگاه خود درروستای رینه لاریجان به دبستان رفت و سپس برای ادامه تحصیل به تهران آمد و دردبیرستان نظام مافی دررشته علوم طبیعی به تحصیل ادامه داد وی در ۱۳۵۶ وارد مجتمع علوم بیمارستانی شد و دررشته علوم آزمایشگاهی به تحصیل پرداخت . وی در ۱۳۶۲ به دانشکده الهیات دانشگاه تهران راه یافت وبه تحصیل دررشته الهیات مشغول شد و سپس بعنوان بورسیه دانشگاه امام حسین (ع) درسال ۱۳۷۱ موفق به اخذ درجه دکترای دررشته روابط بین الملل از آن دانشگاه شد . وی سه سال بعد به دلیل گرایش به زمینه های ادبی ـ عرفانی از دانشگاه آزاد اسلامی دکترای عرفان گرفت . از این گذشته وی درحوزه فقه واصول رانزد دکتر ابوالقاسم

گرجی عرفـان را نزد علامه آیت الله حسن زاده آملی و حجت الاسـلام دکتر شـیخ الاسـلامی وفلسـفه رانزد دکتر غلامحسـین دینانی فراگرفت و درمحضـر درس خـارج فقه آیت الله خـامنه ای حضور یـافت .اسـتادان و مربیان : دکتر ابوالقاسم گرجی ،آیت الله حسـن زاده آملی ، حجت الاسـلام دکتر شـیخ الاسـلامی ، دکتر ابوالقـاسم گرجی ،دکترغلامحسـین دینانی ، آیت الله خامنه ای از اسـتادان دکتر منصوری لاریجـانی بوده انـد.وقـایع میانسـالی : اسـماعیل منصوری لاریجانی سالهای بسـیاری از عمر خودرا صـرف آموختن و تحصیل دررشته های روابط بین الملل، عرفان .علوم حوزوی طی کرد . سپس به تدریس دردانشگاههای مختلف از جمله امام حسین و مسـئولیت هـای گونـاگونی چـون مسـئولیت مرکز دایره المعـارف دفـاع مقـدس ، ونیز تـالیف کتـب پژوهشـی و ادبی و اجتمـاعی گوناگون پرداخته است .مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : اسـماعیل منصوری لاریجانی مدیر مسئول ماهنامهٔ فرهنگ پایداری ،استاد دردانشـگاه مختلف (از جمله دانشگاه امام حسین) مسئول مرکز دایره المعارف دفاع مقدس می باشد .فعالیتهای آموزشی : اسماعیل منصوری لاریجانی عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسـین است اما دردانشگاههای دیگرنیز تدریس می نماید .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : اسـماعیل منصوری لاریجانی درکنار تـدریس و مسـئولیت های اداری به تحقیق درباره ۸سال دفاع مقدس می پردازد .شاگردان : بسیاری از فارغ التحصـیلان رشته روابط بین الملل از دانشگاه امام حسین ، شاگردان اسماعیل منصوری لاریجانی بوده انـد .آرا و گرایشـهای خـاص : اسـماعیل منصـوری لاریجـانی درروابـط بین الملـل به بحث جنـگ ایران و عراق توجه ویژه ای دارد .جوائز و نشانهـا : جـایزه بهترین پژوهش (کتاب) جشـنواره کتاب دفاع مقـدس به کتاب تاریـخ دفاع مقـدس اثر اسـماعیل منصوری لاریجـانی تعلق گرفته است . (۱۳۸۲ه.ش)چگونگی عرضه آثـار : اسـماعیل منصوری لاریجانی ۲۱ کتـاب درزمینه های متنوع ادبی اجتماعی دینی وعرفانی منتشرکرده است .آثار : تاریـخ دفاع مقـدس ویژگی اثر : این کتاب درسال۱۳۸۲ بعنوان بهترین کتاب دفاع مقدس ازسوی جشنواره آثار دفاع مقدس برگزیده شد .۲ دوجلد کتاب دربره عرفان و شرح مفاهیم عرفانی ویژگی اثر : این دوجلد درشرح نیایش های عرفانی شهید دکترمصطفی عرفانی می باشد .

منصوری، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: فیزیک، دانشکده: فیزیک، دانشگاه: صنعتی شریف

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

منصوری، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر علیرضا منصوری متولد ۱۳۲۳ ش دارای دکترای رشته گیاه پزشکی عضویت هیئت علمی دانشگاه لندن (انستیتوی هاروی) با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات وآثار پیرامون چرخه ویتامین ها در ریشه تا میوه غلات می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیتحصیلات رسـمی و حرفه ای : دکتر علیرضا منصوری دارای کارشناسـی رشـته کشاورزی از دانشگاه شـیراز کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاهشیراز ودکترای گیاه پزشکی از دانشگاه لندن (انستیتوی هاروی) میباشدخاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشـته گیاه پزشـکی و اخـذ مـدرک دکترای در آن رشـته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر علیرضـا منصوری بوده است.فعالیتهـای ضـمن تحصـیل : دکتر علیرضـا منصوری د ر کنار تحصـیل به مطالعه پژوهش و تـدوین کتبی در حوزه های تخصصـی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : دکتر علیرضا منصوری پس از اخـذ مدرک دکتری در رشـته گیاه پزشکی به عضویت هیئت علمی گروه کشاورزی در دانشکده کشاورزی دردانشگاه لندن درآمد. وی هم اکنون با سمت دانشـیار در آنجا مشـغول به خدمت است.مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : دکتر علیرضا منصوری عضوهیئت علمی و دانشـیار گروه گیاه پزشکی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه لندن است.فعالیتهای آموزشی : دکتر علیرضا منصوری سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه گیاه پزشـکی در دانشـگاه لندن به تدریس دروس تخصصـی رشـته گیاه پزشـکی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه هـای روزمره : دکتر علیرضـا منصوری در کنـار تـدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است. آثار : چرخه ویتامین در ریشه تا میوه غلات منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

منصوری، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسین فرزند مرحوم ابراهیم عالمی جلیل‌القدر و عظیم‌المنزله از علماء و ائمه جماعت معاصر نجف‌آباد یکی از همان افرادی بود که به تشویق مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ احمـد حججی وارد تحصیل علوم دینیه گردیـده و پس از خواندن مقدمات و سـطوح عازم نجـف اشـرف گشـته و بعـد از کسـب علم و معلومـات از اساتیـد بزرگ نجـف اشـرف به نجف‌آبـاد بـازگشت نمـوده و پیوسـته در نجف‌آبـاد به وسـیله تشـکیل جلسات دینیه و بیانات شافیه خود مردم را متوجه به امور دینیه و مـذهبی می‌نمود و همواره در اثر علاقه

شدید به گفتار ائمه اطهار (ع) به دروس طلاب علوم دینیه اشـتغال داشتند. در نجف‌آباد و همیشه طلاب و محصلین شیفته بیانات آن مرحوم بودنـد و از درس وی اسـتفاده می‌کردنـد تـا در ۲۵ مـاه شـعبان وفـات نموده و در نجف‌آبـاد به خاک سپرده شـده و مزارش معروف است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منصوری، منصور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، نقاش.

تولد: ۱۲۹۰.

درگذشت: شهریور ۱۳۶۹، نیویورک.

منصور منصوری، نوه‌ی حسن فسـایی صـاحب فارسـنامه، خود شـاعر و نقاش بود و سه‌تار را خوب می‌نواخت و به خطاطی علاقه‌مند بود. از آثار اوست: این است زندگی، گنج رنج، پند پدر. وی در جلسات کانون دانش پارس در شیراز شرکت می‌کرد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منصوریان، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضـا منصوریان در دی ماه ۱۳۵۰ در خیابـان بلورسـازی در محله ای در جنوب تهران بـدنیا آمـد.از همان زمان کودکی به فوتبال علاقه داشت و به همراه دو دوست صـمیمی خود (علی اکبریان و رضا شاهرودی) پا به عرصه باشگاهی گذاشت! فوتبال را بصورت رسمی و از سال ۱۳۶۶ در تیم بنیاد شـهید تهران آغاز کرد و بعد از ۲-۳سال بازی در این تیم برای خدمت مقدس سـربازی در سال ۱۳۷۰ به تیم فجرسپاه تهران پیوست! علی‌رضا منصوریان بازیکن سابق تیم فوتبال باشگاه استقلال و تیم ملی فوتبال ایران است. وی برای باشگاه‌های مختلفی از جمله پـارس خودرو، اسـتقلال، آپولون اسـمیرنیس و سن پـائولی بازی کرده است. وی سـرانجام در ۲۷ خرداد ۱۳۸۷ پس از بازی پایانی و قهرمانی در جام حذفی به همراه تیم اسـتقلال، از دنیای بازی در فوتبال کناره گیری کرد. لقب او در میـان هواداران اسـتقلال «علی منصور» است . منصوریـان پس از کنـاره‌گیری از بازی، از سوی علی فتـح‌الله‌زاده مـدیر عامل وقت باشگاه، به‌عنوان رییس آکادمی فوتبال باشگاه استقلال منصوب شد. در بهمن ماه ۱۳۸۷ پس از بازی تیم فوتبال زنان استقلال با تیم نوجوانان این باشگاه که زیر نظر آکادمی اداره می‌شود، از سوی کمیته انضباطی باشگاه استقلال به پنج میلیون تومان جریمه نقدی و توبیخ کتبی محکوم شد. در پی این ماجرا تیم فوتبال زنان استقلال منحل شد.

منصوریـان در کارنـامه افتخـاراتش غیر از چنـد مقـام قهرمـانی در لیـگ و جـام حـذفی با اسـتقلال حضور در فوتبال اروپا با تیمهای آپولون یونـان و سن پـائولی آلمـان نیز به چشم می آیـد. او همچنین عنوان بهترین گـل زن مسابقـات سالنی را نیز به خود اختصاص داده و تجربه شیرین حضور در جام جهانی، کسب عنوان سومی آسیا با تیم ملی و دهها عنوان رنگارنگ دیگر را نیز در کارنامه اش دارد.

منطقی رازی، ابومحمد منصور

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۳۸۰ ق)، شـاعر، متخلص به منطقی. وی بعضـی از اوقـات منصـور نیز تخلص می‌کرد. از معاصـران صـاحب بن عبـاد، وزیر مؤیدالدوله و فخرالدوله دیلمی، بود و صاحب پیوسته اشعار او را مطالعه می‌کرد. او در سرودن اشعار دری استاد بود و شعر فارسی و عربی را نیز با مهارت می‌سرود. منطقی را شاید بتوان از قدیم‌ترین شاعران پارسـی‌گوی عراق دانست. به آورده‌ی «لباب الالباب» در آن وقت که اسـتاد بـدیع‌الزمان همدانی به خدمت او پیوست دوازده ساله بود. مرگ وی ظاهرا در بین ۳۶۷ ق، سالی که بدیع‌الزمان همدانی به خدمت صاحب پیوست، بوده است. از آثارش: «دیوان» شعر.[۱]

ابومحمد منصور بن علی مشهور به منطقی رازی، معاصر صاحب بن عباد (ه.م) وی در شعر پارسی استاد بود. وفات او ظاهراً بین ۳۶۷ و ۳۸۰ اتفاق افتاده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۴۳۳ -۴۳۱/ ۱)، تاریخ ادبی ایران (۶۷۴ ،۶۶۲)، الذریعه (۱۱۰۹/ ۹)، ری باستان (۳۹۵ - ۳۹۴/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۸۸۲)، لباب الالباب (۱۸ -۱۶/ ۲)، لغت نامه (ذیل/ منطقی رازی)، مجمع الفصحا (۱۱۸۱ -۱۱۸۰/ ۳).

منطقی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن منطقی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محسن منطقی سعادتی فرزند محمد ابراهیم متولد ۱۳۴۳ در شهر تهران تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را گذراندم. دوره متوسطه را نیز در شهر کرج در رشته «اتومکانیک» ادامه دادم. همزمان با شروع انقلاب اسلامی در فعالیت های انقلاب به تناسب سن و سالم شرکت کرده و یک بار نیز به دست ساواک دستگیر شدم. پس از دو ماه از شروع جنگ تحمیلی در جبهه جنوب افتخار حضور پیدا کردم.

از سال ۱۳۶۰ به جهت علاقه به تحصیل دروس حوزوی پرداختم. در سال ۱۳۶۶ در کنار تحصیل حوزوی مشغول به تحصیل در رشته کارشناسی رشته «الهیات و معارف اسلامی» شدم و آن را در سال ۱۳۷۰ به پایان رساندم. سپس همزمان با تحصیل در دروس خارج حوزه در همان سال وارد رشته کارشناسی ارشد «مدیریت» شده و در سال ۱۳۷۴ این مقطع را به پایان رساندم.

پس ازفارغ التحصیلی به عضویت هیات علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در آمده و هم زمان به تدریس دروس رشته «مدیریت» پرداختم و در سال ۱۳۸۶ در مقطع دکترای مدیریت با گرایش «رفتار سازمانی» به ادامه تحصیل پرداختم.

منطقی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی منطقی در سال ۱۳۳۶ در شهر قزوین متولد شد و وی در حدود سنین ۱۳ـ۱۲ سالگی (پیش از انقلاب) به سوی مطالعات و فعالیت های سیاسی کشیده شد و پس از ورود به دانشگاه، تحصیل رشته روانشناسی را هدف و حرفه خود کرد و مقاطع تحصیلی در رشته روانشناسی تا اخذ مدرک دکترا از دانشگاه تهران ادامه داد. دکتر منطقی در سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ موفق به دریافت جایزه جشنواره دفاع مقدس شد.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : ـ دکترای روانشناسی از دانشگاه تهران ـ کارشناسی ارشد رشته روانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس ـ کارشناسی روانشناسی از دانشگاه تهران فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر منطقی به سبب علایق گسترده ای که داشته است گاهی در یک ترم تحصیلی، معادل ۴۰ واحد بر سر کلاس های گوناگون، از تاریخ و ادبیات تا جامعه شناسی و مردم شناسی و اقتصاد و هنر، حضور پیدا می کرده است. با این حال، او به محض اخذ مدرک کارشناسی ارشد روانشناسی، به سطح کارشناسی ارشد جامعه شناسی رفته و سپس تحصیل دکترای روانشناسی اش را آغاز کرده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ـ عضویت در هیأت علمی نخستین همایش سراسری روانشناسی ـ عضویت در هیأت علمی و شورای سیاستگذار همایش آسیب شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش ـ عضویت در داوری انتخاب پژوهش فرهنگی سال ـ عضویت در هیأت علمی همایش بین المللی پیامبر اعظم (ص) ـ عضویت در هیأت های علمی و ملی همایش توسعه فرهنگی، جهانی شدن و تعلیم و تربیت ـ عضویت در هیأت تحریریه نشریه علمی ـ پژوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تبریز و فصلنامه خلاقیت و نوآوری فعالیتهای آموزشی : دکتر منطقی استادیار دانشگاه تربیت معلم است و تدریس در حوزه روانشناسی و علوم انسانی را در این دانشگاه و دانشگاه های مشابهه را در کارنامه دارد.آرا و گرایشهای خاص : گستره نظریه پردازی های بومی دکتر مرتضی منطقی در زمینه مسائل روانشناختی، فرهنگی و اجتماعی، بسیار قابل توجه و دارای اهمیت است. این پژوهشگر با بررسی های گسترده فرهنگی، اجتماعی، روانشناختی ـ که بیش از ۲ دهه در سطح جوانان داشته – و همچنین بررسی روانشناسی نسل سوم و چهارم انقلاب، به طرح مفاهیمی مانند جامعه پذیری ضدجامعه پذیری، هنجارآفرینی های جدید جوان انقلاب اسلامی، انقطاع گفتمان بین نسلی، هویت القایی، هیجان جویی مرضی، عشق بیمارگون، مقاومت فرهنگی و مواردی از این قبیل پرداخته است. منطقی در تبیین مفهوم «جامعه پذیری ضدجامعه پذیری» با بحث درباره روند جامعه پذیری جوان، از سرمایه گذاری هایی سخن می راند که برخی به نتایج عکس نتایج اولیه مورد نظر می رسند. علاوه بر این دکتر منطقی با طرح عبارت «هنجارآفرینی های جدید جوان انقلاب اسلامی»، از شکل گیری برخی هنجارهای جدید همانند دید نقاد و چالشگر جوانان، نوآوری، رک گویی، استقلال رأی، پذیرش خودکنترلی (به جای دیگر کنترلی)، گرایش به هنرها و توجه به زیبایی شناختی در سطح جوانان یاد می کند و یادآور می شود موارد دیگری از جمله شفافیت و برخورد با ریاکاری، گرایش به فناوری های پیشرفته ارتباطی، تجربه گرایی، توجه به فرهنگ جهانی، نگرش های سکولاریستی، گرایش های فمینیستی (بویژه در دختران)، لذت گرایی و رفاه طلبی در این طبقه از قشر جامعه امروز به چشم می آید. این استاد دانشگاه با مطرح ساختن مفهوم افسردگی اجتماعی، به طرح نوعی از افسردگی دست زده که برخلاف افسردگی در بعد فردی اش ـ که می تواند متأثر از ابعاد ژنتیکی یا محیطی باشد ـ تنها از ابعاد محیطی تأثیر می پذیرد و در نتیجه برخورد جوان با مشکلات، تضادها و بن بست های حاصل نشده اجتماعی بر وی عارض می شود. از عمده علایم بارز این عارضه که مرتضی منطقی بدان اشاره دارد، می توان مواردی همانند تمایل نداشتن جوان به ایفای نقش اجتماعی و

سیاسـی خود، اسـتقبال نکردن از مشـارکت و فعـالیت هـای سازنـده اجتمـاعی، بی برنـامگی و گـذران اوقات به بطالت، پناه بردن به فضاهای مجازی، احساس نـدامت و پشـیمانی از به دنیا آمـدن، دست زدن به اعتراض هایی منفعل (در پوشـیدن لباس، نوع ادبیات و مانند اینها) و غربگرایی افراطی. وی در بررسـی مسائل میان نسـلی به مباحثی چون تفاوت های نسلی در گذر جهانی شدن، گسست و انقطـاع گفتمـان میـان نسـلی و از این قبیل پرداخته که بررسـی تطبیقی او در رابطه با نظام های ایـدئولوژیک در این مورد به سـهم خود جـای تأمل فراوان دارنـد. «منطقی» همراه با به میان آوردن «هویت القایی» از تبعات تثبیت جوان در اخلاق دیگر پیرو در جریان رویکردهای تکلیف مـدار یاد کرده که مسأله اخیر در مجموعه هویت های مطرح شـده از سوی نظریه پردازان تحولی مانند مارسـیا، بروزونسـکی و پژوهشـگران مشـابه ملاـحظه نمی شـود. عنوان «هیجـان جویی مرضـی» نـاظر بر تحقق هیجـان جویی افرادی (و اغلب جوانانی) است که با محدود دیدن عرصه های شادی و نشاط اجتماعی، شادی را در شـکل مرضی آن محقق کرده و از این رهگذر، به ترضیه خاطر خویش می پردازند. «منطقی» در مقام پژوهشگر این موضوع، از این حالت، که شادی و نشاط افراد، هزینه ای معادل آسـیب، آزار و اذیت دوسـتان، اطرافیـان و مردم را در بردارد یـا افراد طی آن به اسـتقبال از سوء مصـرف مواد (مثـل مصـرف اکس، الکـل، داروهای روانگردان و ...) می پردازنـد، با برچسب «هیجان جویی مرضـی» یاد می کنـد. دکتر منطقی در بیش از دو دهه عمر علمی خود، در جریـان پژوهش هـایش به مفهوم سـازی های بسیار و تشـریح علایم و دلایل آن پرداخته که از آن جمله انـد: عشـق بیمـارگون (تحقـق عشق بـدون تحقق ابعـاد شـناختی و عـاطفی و هیجـان همراه بـا آن)، مقـاومت فرهنگی (پیش گرفتن اقـدام هـای فرهنگی ماننـد تحول در پوشـش، آرایش، تکیه کلاـم هـا، طنزهـا، مطـایبه هـا و نمادهای متفاوت به جای ارائه شـفاف دیـدگاه های فرهنگی ـ اجتمـاعی). جوائز و نشانها : دریافت جایزه جشـنواره دفاع مقـدس به خاطر کتاب" نگاهی به ۸ سال جنگ تبلیغاتی "سال ۱۳۷۳ و کتـاب سبب شناسـی و درمـان بیمـاری هـای روانی در قلمرو اسـلامی، انگیزه هـای روانی مقـاومت نظامیـان عراقی در سال ۱۳۷۴چگونگی عرضه آثار : این اسـتاد محقق هم اکنون در حوزه های تحولات قرائت فرهنگی ـ اجتماعی و دینی جوانان، مناسبات میـان نسـلی (روانشناسـی نسـل سوم و چهـارم انقلاـب)، فنـاوری هـای ارتباطی جدیـد (تلفن همراه، بازی های ویـدئویی ـ رایانه ای، مـاهواره و اینترنت)، روش هـای آموزش خلاـقیت، نوآوری هـای آموزشـی، روانشناسـی عشق (عشق ناگفته، عشق شورانگیز، عشـق مـذکر و مؤنث) و بهـداشت روانی در عشق شورانگیز و بررسـی دیـدگاه هـای زیست محیطی اسـلام، به مطـالعه، پژوهش و تـألیف اشـتغال دارد. تألیف بیش از ۱۰ جلـد کتاب و ارائه حدود ۴۰ مقـاله در همـایش های مختلف با عناوینی چون: نقش حجاب در حفظ بهـداشت روانی جـامعه، بـن بست آرمـان گرایی، ساده اندیشـی ـ ویژگی تبلیغـات جنـگ ایران، امکـان سـنجی زنـگ خلاـقیت در مدارس، هنردرمانی تالی، بررسی بحران هویت دختران، بررسـی تطبیقی گسـست یا پیوند نسلی در جوانان ایران و شوروی، بررسی مقایسه ای دیدگاه های حضرت رسول (ص) و جریان های فمینیستی در روانشناسی اختلافی زن و مرد و ۳۳ مقاله در نشریه دانشگاه انقلاب ـ بررسـی ترفندهای روانی آمریکا در اسـناد لانه جاسوسی، بررسی ویژگی های مردودین گزینشی کنکور، پیش بینی بهترین ریسـک ممکن در بـاز پس گیری فـاو، از هویت ایـدئولوژیک تـا هویت متعـارض، روانشناسـی نسل سوم انقلاب (پژوهش شایسته تشویق در سـال ۸۴ به انتخـاب وزارت ارشـاد) و ... آثـار : بررسـی بازی های ویـدیویی ـ رایانه ای ویژگی اثر : ۱۳۸۲۲ داستان مادر بزرگ طوبی ویژگی اثر : روان درمانی در جریان مرگ ـ ۳ راز گل سرخ ویژگی اثر : (به همت مرکز پژوهش های بنیادی وزارت ارشاد اسلامی،۴ روانشناسـی تربیتی ویژگی اثر : روانشناسی نسل سوم ویژگی اثر : طرح پژوهشی، «روانشناسی نسل سوم» که منطقی در آن به مسأله مناسـبات میان نسـلی در ایران پرداخته، در برنامه پژوهش فرهنگی سال، مورد تقدیر واقع شده است۶ سبب شناسی و درمـان بیمـاری های روانی در قلمرو اسـلامی، انگیزه های روانی مقاومت نظامیان عراقی ویژگی اثر : برنـده جایزه از جشـنواره دفاع مقدس)۷ نگاهی به جنگ تبلیغاتی ویژگی اثر : برنده جایزه از جشنواره دفاع مقدس

منظر اصفهانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سـیزدهم ق)، شـاعر. از سـادات اصـفهان و از عموزادگـان معتمدالـدوله نشـاط بـود. چون آگـاه به امور محاسـبات دیوانی بود، همچون پـدرانش مشـغول خـدمات دیوانی شـد. وی در تهران، در زمـان تألیف «مجمع الفصـحا» (۱۲۸۸ –۱۲۵۸ ق)، به نویسـندگی معاملات دیوانی اشتغال داشت. او بیشتر به سرودن غزل می‌پرداخت. از اوست:

پیش شبهای فراق تو و آن قد بلند

قصه‌ی روز قیامت سخنی مختصر است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۷۲۳ –۱۷۲۲/ ۳)، الذریعه (۱۱۱۰/ ۹)، مجمع الفصحا (۹۵۱ –۹۵۰/ ۵).

منظر کرمانشاهی، عبدالمجید

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۸۳ ق)، شـاعر. وی به علم مشـاقی و صـناعت (کیمیـاگری) متمایـل بود و تا پایان عمر با جـدیت به این کار پرداخت. او بیشتر غزل می‌سرود. از اوست:

با دردکشان رخت به میخانه کشیدیم

دادیم گرو جامه و پیمانه کشیدیم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۷۲۷ -۱۷۲۳/ ۳).

منظر مازندرانی، علی‌اصغر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی اهل مازندران بود. در زمان حکومت معتمدالدوله منوچهر خان، در مازندران، از مداحان او بود. قصایدی از وی باقی مانده است. از اوست:

حبذا بخت مبارک پی فیروز اثر

که از آن است مرا پایه ز هفت اختر بر

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۷۲۸ -۱۷۲۷/ ۳)، الذریعه (۱۱۱۰/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۸۲).

منظری سمرقندی، منظری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اهل ماوراءالنهر بود. به هندوستان مسافرت کرد و در ملازمت بیرام خان، خان خانان (م ۹۶۸ ق) قرار گرفت. وی تصمیم گرفت شاهنامه‌ای شامل فتوحات بیرام خان بسراید، که چند داستان از آن را به پایان رساند و به بیرام خان تقدیم کرد و او اصلاحاتی در آن انجام داد، ولی ظاهرا شاعر نتوانست آن منظومه را به پایان برساند. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۵۴)، تحفه سامی (۳۰۷ -۳۰۶)، فرهنگ سخنوران (۱۱۱۱ -۱۱۱۰/ ۹)، شام غریبان (۲۳۳)، فرهنگ سخنوران (۸۸۳ -۸۸۲)، هفت اقلیم (۳۸۵/ ۳).

منظری کرمانشاهی، شعبان علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. در اوایل حال مجمر تخلص می‌کرد، سپس آن را به منظری تغییر داد. مرد فاضلی بود و مجاورت عتبات عالیات اختیار نمود. وی تعلیم و تربیت فرزندان آقا عبداللّه کرمانشاهی را، که بعد از سید محمدباقر رشتی مردم او را حجهٔالاسلام خطاب می‌کردند، به عهده داشت. سرانجام در عتبات عالیات درگذشت. صاحب «حدیقهٔ الشعراء» وفات او را بعد از ۱۲۸۰ ق می‌داند. از اوست:

دلم آن غرقه در بحری که محروم از کنار استی

میان موجه‌ی گرداب در سوزان شرار استی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۷۳۰ -۱۷۲۸/ ۳).

منظم الملک بختیاری، ناصر قلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۷۳ -۱۳۰۵ ق)، شاعر، متخلص به منظم. او گاهی منظم و گاهی ناصر تخلص می‌کرد. در بختیاری به دنیا آمد و از بزرگان و خوانین بود. در فنون شعر و ادب مهارت داشت. وی در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد، در مقبره‌ی خانوادگی، مدفون است. از آثارش: «دیوان» شعر، در پنج هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۷۰ -۴۶۸)، الذریعه (۱۱۱۱/ ۹).

منظم کازرونی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۶ -۱۳۱۶ ق)، واعظ و شاعر، متخلص به منظم. در کازرون به دنیا آمد. علوم مقدماتی را نزد پدر آموخت. از اوان کودکی شعر می‌سرود و به دلیل داشتن صدای رسا و به تشویق پدر در مجالس سوگواری سیدالشهداء به مرثیه خوانی می‌پرداخت. او در نتیجه‌ی مرور کتب و مطالعه‌ی زیاد کم‌کم رسم وعظ و خطابه را آموخت و بر منبر موعظه نیز می‌گفت. در عین حال از تحصیل علوم قدیمه و جدید هم بازنماند و زبان انگلیسی و عربی را آموخت. سپس سفری به بوشهر کرد و در یکی از تجارتخانه‌های آنجا منشی شد و به منبر هم می‌رفت. پس از چند سال به کازرون بازگشت و در اداره‌ی ثبت به عنوان مدیر بازرگانی استخدام گردید. در ۱۳۰۲ ش به شیراز رفت و با رکن‌زاده‌ی آدمیت، صاحب «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس»، آشنا گشت و در ۱۳۱۴ ش به خدمت وزارت دارایی درآمد. در ۱۳۲۵ ش به ریاست دایره‌ی مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم دارایی لار منصوب گشت. سال بعد عازم شیراز شد ولی در گردنه‌ی چاه تیز منصورآباد، به طور ناگهانی، از دنیا رفت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش: «نصاب الشبان»، به سبک «نصاب الصبیان» فراهی، در معانی کلمات رایج در جنوب ایران بویژه کازرون. از اوست:

گویند چرخ دون طلب و سفله پرور است

عیش و خوشی برای سفیهان میسر است

این دوره برخلاف طبیعت در این جهان

بینم که چشم سفله هم از خون دل‌تر است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۳۷ -۵۲۳/ ۴).

منظور الاجداد، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین منظورالاجداد در ۱۳۳۴ در تهران متولد شد و تحصیلات خود را تا مدرک دیپلم رشته ی تجربی در این شهر گذراند. ایشان ابتدا در رشته دندانپزشکی دانشگاه تهران قبول شدند، اما به علت علاقه به تحقیقات تاریخی، انصراف، و پس از قبولی در این رشته، مدرک کارشناسی تاریخ خود را از دانشگاه فردوسی مشهد دریافت و مدارک کارشناسی ارشد و دکتری خود را در همین رشته از دانشگاه تربیت مدرس دریافت نمودند. استاد از محققین برجسته در حوزه اسناد بوده ، و مطالعات وسیعی در زمینه اسناد روحانیت، شهید مدرس ، فداییان اسلام، واقعه گوهرشاد انجام داده اند.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدحسین منظورالاجداد تحصیلات خود را تا مدرک دیپلم رشته ی تجربی در این شهر گذراند. ایشان ابتدا در رشته دندانپزشکی دانشگاه تهران قبول شدند، اما به علت علاقه به تحقیقات تاریخی، انصراف، و پس از قبولی در این رشته، مدرک کارشناسی تاریخ خود را از دانشگاه فردوسی مشهد دریافت و مدارک کارشناسی ارشد و دکتری خود را در همین رشته از دانشگاه تربیت مدرس دریافت نمودند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : از مشاغل محمدحسین منظور الاجداد می توان به موارد زیر اشاره کرد: پژوهشگر سازمان اسناد ملی ایران عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس عضو هیات تحریریه مجله روابط خارجی مشاور علمی مدیریت اسناد مشاور علمی دفتر اسناد (مجموعه مقالات) مدیر گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس

چگونگی عرضه آثار : محمدحسین منظور الاجداد مقالات زیادی در زمینه اسناد و تاریخ در نشریات کتاب ماه تاریخ، گنجینه اسناد به یادگار گذاشته است. -- ------

آثار :

۱ سیاست و لباس

ویژگی اثر : (گزیده اسناد متحدالشکل شدن البسه ۱۳۰۷– ۱۳۱۸)، به کوشش سید محمدحسین منظورالاجداد، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۸۰. دکتر سید محمدحسین منظورالاجداد از اساتید بنام سندشناسی در کتاب فوق بیش از سیصد سند تاریخی را که بخش مهمی از آن به تغییر لباس زنان و کشف حجاب و لباس روحانیت مربوط می‌شود، گردآوری و بازنویسی نموده‌اند. مؤلف محترم تصریح نموده است این تعداد حجم اندکی از اسناد این موضوع است که به علت عدم فهرست‌نویسی اسناد شهرستان‌ها به این میزان بسنده شده است.

۲ گزیده اسناد متحد الشکل شدن البسه

۳ مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست

ویژگی اثر : (اسناد و گزارش‌هایی از آیات عظام نائینی، اصفهانی، قمی، حائری و بروجردی ۱۳۳۹– ۱۲۹۲ شمسی)، به کوشش سید محمدحسین منظورالاجداد، تهران، شیرازه، ۱۳۷۹. در این کتاب ارزشمند استاد منظورالاجداد ضمن نگارش زندگی‌نامه‌هایی از

مراجع عظام تقلید اسناد فعالیت‌ها و اقدامات هر یک را بازنویسی و در ادامه آورده است. در پایان تصویر تعدادی از اسناد هم مندرج است. در اسناد مراجع به ویژه آیات قمی و حائری یزدی کشف حجاب از مسایل مهم به شمار می‌رود.

منظور شیرازی، محمد ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۵۴ ق)، شاعر، متخلص به منظور. مشهور به نقال. از شیراز به تهران آمد و به دربار فتحعلی‌شاه قاجار راه یافت و از ندیمان خلوت او محسوب می‌شد و نزد شاه منصب قصه خوانی داشت. ضمنا خدمت حاج محمد جعفر عارف همدانی، مجذوب علیشاه رسید و دست ارادت به او داد و پس از آن خدمت حاج محمدرضا همدانی رسید و در راه تزکیه نفس و تصوف قدم گذاشت. وی در زمان محمدشاه منصب خطابت گرفت و به شیراز بازگشت و همان جا درگذشت. از آثارش «دیوان» شعر می‌باشد. از اوست:

زاهد ار سجده به آن کوی کند عیب مکن

کز حرم عشق به بتخانه کشد صنعان را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۷۳۲ -۱۷۳۰/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۴۵ -۵۴۲/ ۴)، الذریعه (۱۱۱۱/ ۹)، ریاض العارفین (۳۱۰ -۳۰۹)، سفینهٔ المحمود (۵۴۳ -۵۴۱/ ۲)، طرائق الحقائق (۲۷۱ -۲۷۰/ ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۸۰/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۸۸۳)، مجمع الفصحا (۱۰۰۶/ ۶)، مرآت الفصاحه (۶۱۴)، مصطبه‌ی خراب (۱۷۰)، مکارم الآثار (۱۴۸۲/ ۵)، نگارستان دارا (۱۲۹).

منظوری حقیقی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۹ -۱۲۶۷ ش)، خطاط و شاعر. در تفرش به دنیا آمد. از کودکی به آموختن خط پرداخت و در جوانی به خوشنویسی شهرت یافت و مورد توجه اولین استاد خود، سید حسین خوشنویس باشی قرار گرفت. پس از مدتی به تهران آمد و مقیم شد و به کتابت و قطعه‌نویسی و فرمان نگاری پرداخت. در ۱۳۰۰ ش، کارمند اداره‌ی مجلس شد و در آنجا با عماد الکتاب آشنا گردید و شیوه‌ی خود را به روش او- که خود پیرو میرزا رضای کلهر بود- گردانید. وی علاوه بر نستعلیق، خط شکسته تحریر را نیز خوش می‌نوشت و در کتیبه‌نویسی هم مهارت داشت. منظوری شعر می‌گفت و غزلهای عارفانه‌ی وی جمع‌آوری شده ولی به چاپ نرسیده است. از شاگردان او، فرزندش، عباس منظوری است. وی در صحن مزار حضرت معصومه (ع)، در قم مدفون است. از آثار او: یک دوره رسم المشق به عنوان «نگارش منظوری»، که سالها در مدارس ایران مورد استفاده بود؛ یک نسخه «گلستان» سعدی و یک نسخه «رباعیات» خیام، که به چاپ رسیده است؛ یک نسخه «بوستان» سعدی و «لیلی و مجنون» نظامی و منتخب «تفسیر منظوم» صفی علیشاه و جنگهای متعدد؛ یک نسخه منتخب «خمسه‌ی» نظامی، به قلم نستعلیق کتابت عالی، با رقم‌های: «هزاران شکر خدائی را که توفیق نوشتن عطا فرمود... در روز چهارشنبه بیست و ششم امرداد ماه یکهزار و سیصد و نوزده خورشیدی، وقتی که مرا عمر در حدود پنجاه و دو سال بود... علی منظوری پور شاه اویس...» و «تقدیم کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی بنمود علی منظوری حقیقی ۱۳۲۰»؛ اثر گرانبهای او، کتیبه‌های سر در ورودی مقبره‌ی نور علیشاه، در صحن امامزاده حمزه، در شهر ری و چند کتیبه در مساجد و تکایا و بقاع اطراف تفرش.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۸۸ -۴۸۵/ ۲)، اطلس خط (۵۹۹ -۵۹۸)، پیدایش و سیر تحول هنر خط (۲۱۷ -۲۱۶)، تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (۱۰۵ -۱۰۲).

منظوری، جمشید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: شیمی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد شیمی تجزیه از امپریال کالج لندن در سال ۱۳۵۳، دکترای شیمی تجزیه از امپریال کالج لندن کشور انگلستان در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

طی مرحله استادیاری و ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده شیمی دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
آنالیز عناصر آلوده‌کننده محیط زیست و سمی با استفاده از روش‌های اسپکترومتری با تأکید بر روش اسپکترومتری نشری اتمی با پلاسما ICP و روش جذب اتمی غیر شعله‌ای، استفاده از مدیفایرهای شیمیائی در جذب اتمی، اندازه‌گیری عناصر آلوده‌کننده محیط زیست، گونه‌شناسی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

روش‌های کروماتوگرافی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

اسکترومتری اتمی (جذب اتمی غیر شعله‌ای، نشر اتمی پلاسما)، اندازه‌گیری عناصر آلوده‌کننده محیط زیست در حد آثار نظیر فسفات، فسفر، فلورید، کروم.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

منظوری، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، خطاط. در تهران به دنیا آمد و تحصیلات خود را در این شهر گذراند. وی از همان زمان تحصیل نزد پدر تعلیمات و قواعد اولیه فن خط را آموخت و بعد از فوت او، برای تکمیل هنر خود مدتها در محضر میرزا تقی خان حاتمی و علی‌اکبر کاوه مشق کرد، تا آنجا که از استادان خود درگذشت و به مشق خط از روی خطوط عماد الکتاب و میرزای کلهر پرداخت. منظوری در نوشتن خط نستعلیق ماهر و توانا و شکسته تحریرش نیز زیباست. آثار خطی وی به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اطلس خط (۵۹۹)، تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (۱۸۱ -۱۸۰).

منعم اصفهانی، شکراللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۶۰ -۱۲۸۵ ق)، شاعر، متخلص به منعم. در اصفهان به دنیا آمد. در محضر پدر به فنون شعر و ادب آشنا گردید و در سرودن انواع شعر تسلط یافت و غالبا قصایدی در مدح ائمه‌ی اطهار (ع) می‌سرود. وی از پیروان طریقه‌ی نعمت‌اللهی بود و به میر محمدهادی و پس از او به میرزا عباس صابر علیشاه، که از شیوخ آن سلسله در اصفهان بودند، ارادت می‌ورزید. او در انجمن ادبی شیدا عضویت داشت. منعم در اصفهان از دنیا رفت و در تکیه‌ی خاتون آبادیها دفن شد. وی حدود یکصد هزار بیت شعر سرود. به آورده‌ی اکثر مآخذ نام «دیوان» وی «سفره‌ی منعم» است اما در «سخنوران نامی معاصر» آمده که او منتخبی از اشعار خود را به نام «سفره‌ی منعم» به چاپ رسانید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۷۲ -۴۷۱)، تذکرهٔ القبور (۱۸۱ -۱۸۰)، حدیقهٔ الشعراء (۱۷۳۴ -۱۷۳۲/ ۳)، الذریعه (۱۹۱/ ۱۲ ،۱۱۱۲ -۱۱۱۱/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۴۰۹ -۳۴۰۷/ ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۷/ ۳).

منعم بخارایی، عبدالرحمان

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به منعم. اهل بخارا بود و ریاست آنجا را به عهده داشت. وی معاصر نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) بود و شغل محتسبی داشت. به گفته‌ی نصرآبادی: گویند از نجبای ولایت عراق بود و نزد پادشاه تقرب داشت. شعر می‌گفت و طبعش لطیف بود. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۳۸ -۴۳۷)، الذریعه (۱۱۱۲/ ۹)، صبح گلشن (۴۶۰)، فرهنگ سخنوران (۸۸۳).

منعم شیرازی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر و حکاک. اهل شیراز و ساکن هندوستان بود. به شغل حکاکی اشتغال داشت. به گفته‌ی «الذریعه»، محمد افضل سرخوش، مولف «کلمات الشعراء»، در خردسالی نزد وی مشق می‌کرد. منعم در اوایل جلوس شاه اورنگ زیب (۱۱۱۹ -۱۰۶۹ ق) در هندوستان درگذشت. از آثار وی: «مثنوی»، در وصف اکبرآباد یا اکبرشاه؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۷۷۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۴۵ / ۴)، الذریعه (۱۱۱۲ ،۲۶۰ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۸۴)، کاروان هند (۱۳۶۹/ ۲)، کلمات الشعراء (۱۷۶)، مرآت الفصاحه (۶۱۵).

منعم شیرازی، محمد ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۷ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به منعم. مشهور به آقا. وی پیشخدمت خاصه‌ی حسینعلی میرزا فرمانفرما و از معاصرین فرصت شیرازی بود. از جوانی به تحصیل کمالات پرداخت و معیشت خود را به کتابت می‌گذرانید. منعم خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و شعر نیز نیکو می‌گفت. از آثار وی علاوه بر «دیوان» شعر، کتابت یک نسخه «دیوان» منچهری دامغانی، به خط نستعلیق است و همچنین کتابت یک نسخه «مثنوی» مولانا، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «کاتبه منعم... سنه‌ی ۱۲۶۱».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۶۸)، احوال و آثار خوشنویسان (۶۲۷ -۶۲۶/ ۳)، حدیقهٔ الشعراء (۱۷۳۸ -۱۷۳۴/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۵۱ -۵۴۶)، الذریعه (۱۱۲/ ۹)، ریحانه (۱۸/ ۶)، طرائق الحقائق (۲۵۰ -۲۴۹/ ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۳۲ - ۱۱۳۱/ ۲)، مجمع الفصحا (۹۵۵ -۹۵۴/ ۵)، مرآت الفصاحه (۶۱۸ -۶۱۶).

منفرد، اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اکبر منفرد

محل تولد : نی ریز فارس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۵۳ شهر «مشکان» از توابع «نی ریز استان فارس». مراحل تحصیل تا سیکل همانجا و یک سال دبیرستان در نی ریز سپس وارد حوزه علمیه اصفهان زیر نظر «حضرت آیت الله مقتدایی» تا پایه ششم. سپس حوزه علمیه قم تا الان که ۸ سال خارج و سطح ۳ مرکز تخصصی قضا از اساتید بزرگوار بهره مند شده و دارای مجوز تدریس دانشگاه در گروه معارف از معاونت امور اساتید نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه و عضو روحانیون اعزامی به دانشگاهها در بخش اعزام مبلغ همین نهاد و همچنین مجوز پروانه وکالت و مشاوره حقوقی از مرکز امور مشاورین حقوقی و وکلاء قوه قضائیه.

منفرد، نقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نقی منفرد

محل تولد : محمود آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب نقی منفرد در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه شهرستان آمل شدم و پس از دو سال فراگیری علوم حوزوی برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۵۲ به حوزه علمیه قم عزیمت و نزد اساتید برجسته حوزه به ادامه تحصیل پرداختم. در کنار تحصیل به تدریس در مدارس علمیه حوزه قم و تدریس سطوح عالی مشغول می باشم. نتیجه بیش از ۱۵ سال تدریس ادبیات عرب، تحقیق و اصلاح متن کتاب البهجهٔ المرضیه (شرح سیوطی) و شرح فارسی آن در پنج جلد می باشد.

منگنه، نورالهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۲ ق)، نویسنده و شاعر. در تهران به دنیا آمد. پس از تحصیلات قدیمه، در رشته‌ی روان‌شناسی کودک در دانشگاه بیروت ادامه‌ی تحصیل داد. بانو نورالهدی به زبان‌های فرانسه و انگلیسی و عربی آشنایی داشت. وی در شهریور ۱۳۳۴ ق مجله‌ی «بی بی» را تأسیس و منتشر کرد. او در پایه‌گذاری جمعیت نسوان وطن‌خواه عضو مؤثر بود و همچنین با کانون بانوان همکاری داشت. از آثار وی: «دوست شما»؛ «ره‌آموز خانواده»، در تربیت اطفال؛ «ناقوس»، در اخلاق و روش خانواده، شعر؛ «تگرگ»، شعر؛ «گلگشت».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)
منابع زندگینامه :زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند (۱۸۳)، زنان سخنور (۳۵۲ –۳۲۳ ۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۲۸، ۲۷۶۳، ۲۲۰۸، ۱۹۷۴، ۱۶۲۳/ ۲ ،۱۴۷۶، ۶۲۲، ۲۴/ ۱)، کارنامه‌ی زنان (۱۷۸ –۱۷۶)، مؤلفین کتب چاپی (۶۶۵ –۶۶۴/ ۶).

منوچهری

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالنجم احمد بن قوص بن احمد دامغانی، شاعر نیمه‌ی اول قرن پنجم هجری (ف. ۴۳۲ ه.ق). تخلص وی به سبب انتساب او به منوچهر بن قابوس بن وشمگیر زیاریست و ظاهراً در آغاز کار به دربار او منسوب بوده است. منوچهری بر ادب عربی و اشعار شاعران عرب و بر احوال و آثار شاعران پارسی احاطه داشت و نیز بر علوم دینی و ادبی واقف بود. سلطان مسعود غزنوی که در ۴۲۶ ه.ق از نیشابور به گرگان و مازندران لشکر کشید، منوچهری را در مازندران از ری به خدمت خود خواند و او پیاده از ری به خدمت شاه در مازندران رسید و در دربار غزنوی چندان منزلت یافت که محسود اقران قرار گرفت. به اظهار علم و فضل در شعر اصرار داشت، و از این رو نام بسیاری از شاعران پارسی و تازی را در اشعار خود آورده و لغات و اصطلاحات مهجور عربی را استعمال کرده است. اما هیچ یک از اینها از جذابیت شعر او نکاسته است. تشبیهات وی بدیع و زیباست. وی ظاهراً مبتکر «مسمط» است. دیوان او مکرر بطبع رسیده است و قریب سه هزار بیت دارد.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منوچهری دامغانی، ابوالنجم احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۳۲ ق)، شاعر، متخلص به منوچهری. در دامغان گذشت و بخشی از جوانی او در کناره‌های دریای خزر و دامنه‌های البرز به سرآمد. تخلص وی به سبب انتسابش به فلک المعالی منوچهر بن شمس المعالی قابوس بن وشمگیر (۴۲۳ –۴۰۳ ق) است که در گرگان و طبرستان سلطنت می‌کرد و منوچهری ظاهرا در آغاز کار در دربار او به سر می‌برده است. لیکن از مدایح منوچهری در حق این پادشاه قصیده‌ای در «دیوان» او نیست. پس از فوت منوچهر بن قابوس، او به ری رفت و مدتی در ملازمت طاهر دبیر، حاکم ری، به سر برد. در ۴۲۶ ق سلطان مسعود غزنوی، که از نیشابور به سمت گرگان و مازندران لشکر کشیده بود، در مازندران منوچهری را از ری فراخوند و به این ترتیب منوچهری وارد دربار غزنویان شد. منوچهری بر اثر جوانی و جودت ذهن و شیرینی زبان در خدمت مسعود دستگاهی داشت و به این دلیل محسود دیگران بود. قصاید و مسمطاتی که از منوچهری در دست است بیشتر در مدح سلطان مسعود و چند تن از رجال درگاه او است، از جمله: علی بن عبیداللّه صادق سپهسالار و خواجه احمد بن عبدالصمد، وزیر سلطان مسعود، و خواجه طاهر دبیر، کدخدای ری، و ابوسهل زوزنی، از رجال مسعود، و ابوالحسن بن حسن و فضل بن محمد و خواجه محمد و غیره. از شعرای معاصر او فرخی، زینبی علوی، عسجدی و عنصری است که او ظاهرا شاگرد عنصری بوده و قصیده‌ای نیز در مدح استادش سروده است. منوچهری با وجود جوانی، اطلاعات وسیعی در شعر و ادب فارسی و عربی داشت چنان که در اشعارش از مضمونها و اسلوب شاعران عربی بسیار استفاده کرده و اغلب لغتهای نادر و غریب عربی را در اشعار خود ذکر کرده و بعضی از قصاید معروف شاعران عرب را نیز استقبال نموده است. منوچهری صاحب «قصیده‌ی لامیه» مشهوری است. وی علاوه بر زبان و ادب عرب، او در علم طب و نجوم دست داشته و اصطلاحات نجومی در اشعارش دیده می‌شود. ظاهرا مسمط از ابداعات منوچهری است، زیرا پیش از او در اشعار فارسی اثری از آن نیست. بعضی از تذکره‌ها او را با احمد بن منوچهر مشهور به

شصت کله یکی می‌دانند و بعضی منوچهری را شاگرد ابوالفرج سگزی می‌دانند که جای تردید است. در مورد نام پدر وی نیز در بین تذکره‌نویسان اختلاف نظر وجود دارد و او را فرزند قوص، قوس، عوض و یعقوب ذکر کرده‌اند. از آثار وی: «دیوان» شعر، که با همه اشتهار و تداول اشعارش نسخه‌های قدیم آن در دست نیست و غالب نسخ موجود، از عهد قاجاریه و قدیم‌ترین آنها از دوره‌ی صفویه است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از فردوسی تا سنایی (۲۲۵ -۲۲۲/ ۱)، با کاروان حله (۶۸ -۵۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۹۷ -۵۸۰/ ۱)، تاریخ نظم و نثر (۴۲)، تصویرها و شادیها: گزیده‌ی اشعار منوچهری دامغانی (پیشگفتار)، دایرةالمعارف فارسی (۲۸۷۷/ ۲)، الذریعه (۱۱۱۳/ ۹)، ریحانه (۲۰ -۱۹/ ۶)، سخن و سخنوران (۱۵۱ -۱۳۴)، شعر العجم (۱۵۸ -۱۴۴/ ۱)، شعر فارسی از آغاز تا امروز (۵۸)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۸۷ -۴۸۶)، فرهنگ سخنوران (۸۸۵)، الکنی و الالقاب (۲۱۲/ ۳)، گنج سخن (۱۷۶ -۱۵۹/ ۱)، لباب الالباب (۵۵ - ۵۳/ ۲)، لغت نامه (ذیل/ احمد، منوچهری)، مجمع الفصحا (۱۲۹۲ -۱۲۴۱/ ۳)، معارف و معاریف (۶۴۸/ ۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶۴۸ -۴۶۷/ ۱)، هزار سال شعر فارسی (۶۳ -۵۹)، هفت اقلیم (۳۳۹ -۳۳۶/ ۲)، یادداشتهای قزوینی (۱۵۹/ ۷)، یغما (س ۵، ش ۱۱، ص ۵۰۸ -۵۰۳).

منور

قرن:۱۲

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۱۲۲۳ ق، از زنان شاعر. وی دیوان شعری به نام مثنوی دارد که در کتابخانه دانشسرای عالی (سابق) و به شماره ۸۸ موجود بوده است.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ۳۱۳۶ / ۴.

منهی زواره‌ای

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از سادات زواره، از توابع اردستان، بود. از معاصرین صادقی کتابدار و درشعر از شاگردان حاتم کاشی (م ۹۹۷ ق) به شمار می‌رفت. وی در زمان اکبرشاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به هند رفت و در زمان شاهزادگی جهانگیر شاه در ملازمت و تربیت او ترقی پیدا کرد. تقی‌الدین اوحدی گوید که قبل از آنکه منهی به هند برود او را در اصفهان ملاقات کرده و قریب شش هزار بیت از اشعار او را دیده است. وی عاقبت به دست راهزنان به قتل رسید. از آثارش: «دیوان» شعر. از اوست:

گر عمر خضر، در گرو بار منت است

منت نمی‌کشیم و تمنا نمی‌کنیم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۰۳)، الذریعه (۱۱۱۴/ ۹)، صبح گلشن (۴۶۲)، فرهنگ سخنوران (۸۸۴)، کاروان هند (۱۳۷۱ - ۱۳۷۰/ ۲)، مجمع الخواص (۸۶ -۸۵)، هفت اقلیم (۴۴۲/ ۲).

منیره

قرن:۱۰

جنسیت:زن

ملیت:ایران

از زنان شاعر قرن دهم هجری. وی دختر عبدالرحمن مشفقی (۹۹۶ -۹۲۷ ق)، شاعر مطایبه سرا و هجوگو بود و در بخارا به دنیا آمد. در همان شهر خواندن و نوشتن آموخت و به شعرگویی پرداخت. منیره مانند پدرش شوخ‌طبع، مطایبه‌گو و بدیهه‌سرا بود و اشعار هجوی نیز گفته است. از اشعار اوست:

در خانه نشسته رو به دیوار شدم

از گریه و اشک دیده بیزار شدم

گر بلبلم و اگر گل باغ چه سود

خندیده‌ام و ناله کردم و زار شدم

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: دایرةالمعارف صنعت و ادبیات تاجیک، ۳۱۶ / ۲.

منیری طالقانی، محمدطاهر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۴۲ ق)، شاعر. موطن وی طالقان بود. در آغاز جوانی به هند رفت و مدتی در دکن و لاهور و پتنه به سیر و سیاحت پرداخت. سپس به اکبرآباد رفت و در ۱۰۴۲ ق به بنگاله رسید. میرزا محمدصادق مینا او را در برهانپور و بنگاله دیده و با او هم صحبت شده است. سرانجام منیری در هندوستان درگذشت. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای پنجاب (۳۵۲)، الذریعه (۱۱۱۵/ ۹)، صبح گلشن (۴۶۳)، فرهنگ سخنوران (۸۸۶)، کاروان هند (۱۳۷۲/ ۲).

منیری، ناصر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ترمودینامیک، دانشکده: فنی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

موافق اصفهانی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۲ -۱۲۵۰ ش)، شاعر، متخلص به موافق. ملقب به موافق علیشاه. از سادات حسینی خاتون‌آبادی و پا قلعه‌ی اصفهان بود. در اصفهان به دنیا آمد. پس از فراگیری صرف و نحو و منطق و معانی و بیان شروع به آموختن علوم اسلامی و فقه و اصول نزد اساتید نمود. همچنین از محضر میرزا جهانگیر خان قشقایی، حکمت الهی آموخت. در جوانی قدم به سیر و سلوک نهاد و نزد میر محمدهادی، هادی علیشاه، به تصفیه نفس پرداخت. وی در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد، در تکیه‌ی خانوادگی خود، دفن شد. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۷۵ -۴۷۴)، تذکرة القبور (۱۴۲)، الذریعه (۱۱۱۶ -۱۱۱۵/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۴۳۹ -۳۴۳۲/ ۵).

موالی تونی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۹ ق)، شاعر و طبیب. اهل تون است. وی طبیبی حاذق بود و در شعر گویی طبع خوبی داشت. در ابتدا به تحصیل کمالات پرداخت. در یزد مدتی با شاه نعمت‌اللّه ولی مصاحبت داشت. «فرهنگ سخنوران» او را استاد شاه نعمت‌اللّه می‌داند. «لغت نامه» تاریخ فوت وی در ۱۲۵۷ ق نوشته است. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۲۶۵ -۲۶۴/ ۱)، تحفه سامی(۲۲۱)، الذریعه (۱۱۱۶/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۹۲)، لغت نامه (ذیل/ موالی)، نتایج الافکار (۶۱۸)، هفت اقلیم (۳۱۹/ ۲).

موجی بدخشانی، قاسم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۹ ق)، شاعر. اهل بدخشان بود. وی از امرای نامی دربار همایون در هندوستان به حساب می‌آمد که در پایان عمر ترک سپاهی‌گری نمود و انزوا گزید. سرانجام در آگره از بلاد هند درگذشت. از آثار وی: مثنوی «یوسف و زلیخا»، در شش هزار بیت؛ مثنوی «لیلی و مجنون».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۵۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۷۵)، الذریعه (۳۴۸، ۲۸۰/ ۱۹، ۱۱۱۷/ ۹)، ریحانه (۲۲/ ۶)، فرهنگ سخنوران (۸۹۳ -۸۹۲)، منظومه‌های فارسی (۵۵۳ -۵۵۲)، هفت اقلیم (۹۹/ ۲).

موحد دانش، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: آبیاری، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

مهندسی کشاورزی با گرایش آبیاری از دانشگاه تبریز، دکترای مهندسی هیدرولوژی و منابع آب از فرانسه.

مرتبه علمی:

مشاور رسمی دانشکده فنی دانشگاه تهران، پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز در سال ۱۳۵۵.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

هیدرولوژی و مدلهای ریاضی (آماری و جبری) در مهندسی منابع آب، هیدرولوژی، عضویت در فرهنگستان علوم، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

هیدرولوژی و منابع آب، هیدرولوژی مهندسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

هیدرولوژی و منابع آب، مدلهای ریاضی و آماری در هیدرولوژی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

موحد قزوینی، عبدالعلی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۳۳ ق)، شاعر. اصلش از بادرس قزوین است. در قزوین کسب کمال نمود و با علوم حدیث و تفسیر آشنا شد. وی در منقبت ائمه‌ی اطهار (ع) شعر می‌سرود و گاهی هم برای امرار معاش مدح بزرگان می‌گفت. حدود بیست هزار بیت از هر نوع شعر سروده است. پس از درگذشت، پیکر وی را به نجف اشرف منتقل کردند و در آنجا به خاک سپردند. لازم به ذکر است صاحب «حدیقة الشعراء» وی را تا ۱۲۳۵ ق زنده دانسته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقة الشعراء (۱۷۴۶/ ۳)، سفینة المحمود (۳۲۱ -۳۲۰/ ۱).

موحد، ضیاء

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر ضیاء موحد در سال ۱۳۲۱ ش در شهرستان اصفهان به دنیا آمد؛ و بعد از گذراندن تحصیلات ابتدائی و متوسطه وارد دانشگاه تهران شد و در رشتهٔ فیزیک به اخذ درجه فوق لیسانس موفق گردید؛ و از آن پس جهت ادامهٔ تحصیل به کشور انگلستان سفر کرد و در رشتهٔ منطق و فلسفه به دریافت درجهٔ دکترا نایل آمد. وی عضویت هیات علمی وزارت علوم می باشد.ایشان در حین انجام وظایف محوله، به تالیف و مطالعه می پرداخت که حاصل آن چندین مقاله و کتاب به زبان فارسی و انگلیسی است که مشهورترین آنها کتاب « درآمدی به منطق جدید» است که در سال ۱۳۶۹ (دوره هشتم) جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت کرد.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

گرایش : منطق جدید

تحصیلات رسمی و حرفه ای : ضیا موحد پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه در رشته ریاضی در زادگاه خود اصفهان، در سال ۱۳۳۹ وارد دانشگاه تهران شد و دوران لیسانس و فوق لیسانس را به تحصیل در رشته فیزیک گذراند. و از آن پس (۱۳۴۸)

جهت ادامه تحصیل به کشور انگلستان سفر کرد و در رشته منطق و فلسفه به تحصیل مشغول شد. وی دکترای خود را در سال ۱۳۶۱ لز دانشگاه لندن دریافت نمود. شایان ذکر است که دکتر موحد جهت تحصیل در رشته کتابداری به انگلستان سفر نموده بعد اما به دلیل عدم علاقه ، تغییر رشته داده و به فلسفه روی آورده بود.

فعالیتهای ضمن تحصیل : ضیاء موحد در هنگام تحصیل در اصفهان سپردون شو کهنه و نو نیز مشغول بعد و گاهی عجیب به تخلص می نمود. وی در جلسات شعر انجمنی کمال در اصفهان که به ریاست جلال الدین همایی تشکیل می شد نیز حضور یافت.

استادان و مربیان : ضیا موحد از محضر استادانی چون دکتر کمال جناب، دکتر محمود حسابی و دکتر روحانی نژاد در دانشگاه تهران و نیز هانس کمپ و پل هارت در انگلستان بهره برد.

وقایع میانسالی : ضیاء موحد پس از اخذ مدرک فوق لیسانس فیزیک از دانشگاه تهران، برای ادامه تحصیل به انگلستان رفت. اما در آنجا بدلیل علاقه به فلسفه تغییر رشته داد و دکترای منطق و فلسفه خود را دریافت نمود. و پس از بازگشت به ایان به عضویت در هیات علمی وزارت علوم در آمد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سردبیری چکیده نامه مرکز اسناد و مدارک علمی، عضویت در هیات علمی وزارت علوم. عضویت در کمیته کنگره منطق، عضویت در کمیته علمی دوره بین المللی تابستانی منطق و نیز عضویت در انجمن حکمت و فلسفه ایران از مناسبی است که دکتر موحد در کارنامه خود دارد.

فعالیتهای آموزشی : ضیاء موحد پس از اخذ مدرک دکترای منطق و فلسفه از انگلستان و بازگشت به ایران به عضویت در هیات علمی وزارت علوم در آمد.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : ضیاء موحد در هنگام تحصیل در اصفهان از موسسین جنگ اصفهان که انجمنی شو سنتی بود، به شمار رفت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ضیاء موحد در کنار فعالیت علمی در هیئت علمی در وزارت علوم و نیز اجرای نقش در مراکز علمی- تحقیقاتی دیگر، به مطالعه و تالیف در زمینه فلسفه و منطق (بویژه منطق جدید) می پردازد. از این گذشته مطالعات ادبی و سرودن شو و نگاشتن مقالات ادبی و نقد ادبی از مشغولیت های همیشگی استاد می باشد.

آرا و گرایشهای خاص : ضیاء موحد بدلیل علاقه بسیار به منطق جدید، به زبان و وجه منطقی و فلسفی آن توجه خاصی دارد. و می کوشد تا بوسیله فنون منطق به معنا شناسی زبان بپردازد. وی اعتقاد دارد که یک سوی زبان، خود زبان است و سمت دیگر آن، جهان قرار دارد. از این گذشته خود در ادبیات و نقد ادبی به فعالیت هنری و علمی می پردازد. و بدلیل دیدگاه فلسفی خود اعتقاد دارد که برای اعتلای نقد ادبی باید تفکر فلسفی را جدی تر گرفت. .

جوائز و نشانها : دکتر ضیاء موحد دارای تالیفات و ترجمه های در زمینه رشته تخصصی خود می باشد. از آن جمله تعدادی در دوره های مختلف انتخاب کتاب سال به عنوان کتاب سال برگزیده شده اند. کتاب" درآمدری به منطق جدید "ضیاء موحد(در سال ۱۳۶۹) ، در دوره هشتم ،کتاب"نظریهٔ ادبیات "ترجمه ایشان در دوره سیزدهم و کتاب"منطق موجّهات "تالیف ضیاءموحد، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتابهای سال برگزیده شدند.

چگونگی عرضه آثار : رمز کتابهای ادبی دکتر موحد از جمله کتاب «مشتی نور سرد» در انتشارات اکنون به چاپ رسیده است ---
----

آثار :

۱ برآبهای مرده مروارید

ویژگی اثر : ۱۳۵۴

۲ جادوی شو گذشتگان

۳ در آمدی به منطق جدید

ویژگی اثر : کتابی درسی است در روشن نمودن مبانی منطق جدید که به زبانی ساده مطالب دقیق را در اختیار خواننده قرار می دهد. تلاشی مولف از جهت اینکه مسائل کتاب را با مثالهایی برگرفته از فرهنگ ایرانی و مانوس برای خواننده فارسی زبان، ستودنی است.این کتاب در دوره هشتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «درآمدی به منطق جدید» : منطق جدید که از مبانی ریاضیات جدید و فلسفه تحلیلی است، سالهاست که در برنامه درسی بیشتر دانشکده‌ها بویژه دانشکده‌های ریاضی و فلسفه و زبانشناسی کشورها گنجانیده شده است. ولی در ایران که خود میراثی غنی در منطق سنتی دارد، هنوز کتابی درسی که مبانی این علم را بدقت، اما ساده و روشن بیان کند، نوشته نشده است. کتاب درآمدی به منطق جدید از این جهت خلاء مهمی را پُر می‌کند و کتابی دقیق و در عین حال آسان‌یاب را در اختیار خواننده علاقه‌مند قرار می‌دهد. علاوه بر آن تلاش مؤلف در جهت تطبیق مسائل کتاب با مثالهایی که برگرفته از فرهنگ ایرانی و برای خواننده مأنوس است؛ بر ارزش کتاب می‌افزاید

۴ روشنفکران و نقش آنان در جامعه

۵ سعدی

ویژگی اثر : تالیف

۶ سهم فلسفه معاصر در نقد ادبی

۷ شعر و شناخت و سعدی تالیفاتی فلسفی

۸ غراب دی سفید

۹ فلسفه منطق فرگه (۱۳۶۱)

ویژگی اثر : دربـاره نظریات فلسـفی فرگه، بنیانگـذاری منطق جدیـد می باشـد که دکتر موحـد آنرا به زبان انگلیسـی در سال ۱۳۶۱ نگاشته است.

۱۰ مشتی نو در سرو

ویژگی اثر : آثار ادبی دکتر موحد نیز سراسـر نوآوری است چنانکه در اشـعار کتاب مشتی نور سرد، واژه سازی و ابداعاتی در زبان را به نام خود ثبت نموده است.

۱۱ مقالات متعدد فلسفی و منطقی

۱۲ منطق موجّهات

ویژگی اثر : تـالیف،این کتـاب ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشـنایی با کتاب:منطق موجّهات ضیاء موحّد.ـ تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۸۱. این اثر نخستین کتاب در منطق موجّهات جدید به زبان فارسـی است و هدف از آن آموزش گام به گام و روشـمند این منطق است. منطق موجّهات با افزودن مفهوم‌ها و اصل‌ها و قاعـده‌هایی به مبانی منطق جمله‌ها و محمول‌ها پایه‌گـذاری می‌شود. از این رو، مؤلف در این کتاب به این مبانی هم در حد نیاز پرداخته است. در نوشتن کتاب تلاش بر این بوده است که خوانندهٔ علاقه‌مند بتواند مطالب آن را خودآموزی کند. لذا در بیان مطالب توان خوانندهٔ ناآشـنا با موضوع در نظر گرفته شده و حلّ همهٔ تمرین‌ها نیز در پایان کتاب آورده شده است. همچنین با طرح بحث‌های فلسفی و دلالت شناختی گوناگون کوشش شده است تا موضوع ملموس‌تر شود. میراث آثار منطق‌دانان ما، به ویژه ابن سینا، از راه ترجمهٔ لاتینی به قرون وسطای اروپا رسید و نوآوری‌های ابن سینا در منطق موجَّهات توجه منطق‌دانان آن دوره را به خود جلب کرد. با پایان گرفتن قرون وسطی (قرن پانزدهم میلادی)، در غرب نیز منطق موجّهات سرنوشتی بهتر از سـرنوشت آن در دنیای اسـلام نداشته است. توجّه جدّی به این منطق از اواسط قرن بیستم آغاز شد و با شتابی روزافزون رشد و گسترش یافت. آگاهی از منطق موجّهات جدید، گذشته از ارزش منطقی و فلسفی آن، ابزاری در اختیار ما می‌گذارد که بتوانیم با آن میراث دانشمندان خود را درک و ارزیابی کنیم.

۱۳ نظری ?ادبیات

ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب «نظری ?ادبیات»: نظری ?ادبیات؛ رنه ولک، آوستن وارن؛ ترجم ?ضیاء موحد، پرویز مهاجر؛ تهران: شـرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳. نظری ?ادبیات کتابی است کلاسـیک در نقـد ادبی. این کتاب تاکنون به بیش از ۱۸ زبـان ترجمـه شـده و بنـا بـه گزارشـهای موجـود در بسیاری از حـوزه هـای فرهنگی در نظریه و روش شناسـی پژوهشـهای ادبی دگرگونیهـا و تجدیـد نظرهـای گسترده ای پدیـد آورده است. این کتـاب در هر موضوع عرص ?نقل و نقـد عقیـده ها و نظریه های اندیشـمندان از یونان قـدیم تا اوایل ده ?دوم قرن بیسـتم اروپا و آمریکاست. از این رو هیـچ منتقـد ادبی از آن بی نیاز نیست. کتاب حاضـر چکیـد ?قرنهـا تفکر و سـنت ادبی است که بـا همکـاری دو تن از محققـان برجست ?معاصـر – رنه ولک و آوسـتن وارن– تـدوین شـده است و با آنکه نزدیک به سـی سال از تألیف آن می گذرد، از هر لحاظ تازگی و اصالت دارد. نثر ترجمه از هر حیث شیوا و مفهوم است و دلیل آن تسـلط مترجمان بر دو زبان مبدأ و مقصد و آشنایی با موضوع کتاب بوده و همین سبب شده است که ابهـامی در آن نباشـد و از ترجمه لفظ به لفظ دور بمانـد. این کتاب، کتابی پایه و مرجع محسوب می شود و به دلیل اهمیت، ترجم? آن از سالها پیش مورد انتظار بود منابع زندگینامه :

www.ketabesal.ir۱تهرانی زاده، برگزیـدگان علمی و فرهنگی کشور، صـص ۳-۲۴۲۳حمیـد رضا ابک، روایت فیلسوف از شاعر هسـتند، همشهری، ص ۱۶۴رضـا انزابی نژاد، یکسـینه سـخن گرم، کتاب ماه ادبیات و فلسـفه، سال چهارم، شـماره نهم، تیر ماه ۱۳۸۰، ص ۲۳۵ضیا موحد، سـهم فلسـفه معاصر در نقد ادبی، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، آذر و دی ۱۳۸۰، صص ۲۷-۲۰۶علی اصغر محمـد خـانی، گفتگو بـا دکتر ضـیاء موحـد به مناسبت انتشـار کتـاب شـعر و شـناخت، کتـاب ماه ادبیات و فلسـفه، آذر ۱۳۷۷، ص ۲۲۷محمد خانی، فیلسوفانی مدیون بصیرت های شاعرانه هستند، در کتاب ماه ادبیات و فلسفه ، ص ۶

موحد، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله موحد در زمانی به شهرت رسید که بزرگانی همچون شادروان غلامرضا تختی، منصور مهدی زاده، ابراهیم سیف پور، محمد علی صـنعتکاران و امـامعلی حبیبی به مقـام قهرمـانی در کشتی آزاد دست یـافته بودنـد. موحـد از جمله ورزشـکاران نخبه و همه فن حریف بود که قبل از ورود به جرگه کشتی گیران، در شهرستان بابلسـر در رشـته های قایقرانی و والیبال تبحر و در آن شهرستان به عنوان ورزشکاری کاردان مشهور بود. گر چه موحد در آغاز دوران پیشرفت نتوانست در برابر محمد علی صنعتکاران، خودی نشان دهـد، اما روش کشتی گیری وی ثابت کرد که میتواند در آینده ای نه چندان دور در صـحنه کشتی ایران و جهان کاملاً خود نمایی کند. در اسفند ماه ۱۳۴۰ تیم ملی کشتی آزاد شوروی سابق برای انجام چند دیدار دوسـتانه، با همه توان و در اختیار داشتن قهرمانان شناخته شـده خود به تهران آمد. در آن تیم شوروی، کشتی گیرانی همچون الکساندر مدوید و الکساندر ایوانیسـکی هنوز ناشـناخته بودند. روسـها در وزن چهارم، چهره ای به نام" زاربک بریاشویلی "را همراه خود داشتند. موحد، نه در تیم ملی، بلکه در تیم دوم یا منتخب شهرسـتانهای ایران بـا این کشتی گیر روس روبرو شـد و بـا پیروزی درخشـانی که بر" بریـاشویلی "به دست آورد، به عنوان بهترین کشتی گیر ایرانی شـناخته شـد و برای اولین بـار نـامش در کشتی ایران بر سـر زبانهـا افتـاد. روس هـا نیز از پدیـده ای به نـام

"موحـد "یـاد کردنـد و رادیو مسـکو در آن زمـان گفت که موحـد موفق ترین کشتی گیر ایرانی بود. این موفقیت در وزن ۶۷ کیلو گرم آن زمـان به دست آمـد که صـنعتکاران نفر اول تیم ملی در این وزن بود . صـنعتکاران که در مسابقات جهانی ۱۹۶۱ یوکوهاما (۱۳۴۰خورشـیدی) مدال طلا را گرفته بود، برای آنکه به مسابقات جهانی سال بعد" ۱۹۶۲ تولیدو، "برود در سد موحد متوقف شد. یعنی کشـتی صـنعتکارن – موحـد به تسـاوی انجامیـد. لیکن بـا صـلاحدید زنـده یـاد حبیب الله بلور (سـر مربی وقت تیم ملی) چون صنعتکاران قهرمان جهان بود، انتخاب و موحـد نیز به عنوان نفر ذخیره به تولیـدو اعزام شد. موحد کشتی گیری نبود که تنها به سـفر بیندیشـد، بلکه او به تولیـدو رفت تا با مشاهده کشتی بهترین های جهان کسب تجربه کند. حاصل این مشاهدات و تجربه اندوزی را در سالهای بعـدی از موحد شاهد بودیم. کارنامه عبدالله موحد: ۱۹۶۲ – جهانی تولیدو (ذخیره صنعتکاران) – ۷۰ کیلو گرم ۱۹۶۳ – جهانی صوفیه (نفر شـشم مشترک با اینوولچف از بلغارسـتان) – ۷۰ کیلو گرم ۱۹۶۴ – المپیـک توکیو (نفر پنجم مشترک بـا کشتی گیرانی از آمریکـا، کره جنـوبی و شوروی) ۱۹۶۵ – جهـانی منچستر، ۷۰ کیلـو گرم، طلاـ (نفر دوم، آتالاـی از ترکیه و سوم زاربـک بریاشویلی از شوروی) ۱۹۶۶ – جهانی تولیدو، ۷۰ کیلو گرم، طلاـ (نفر دوم ایوائو هوریوچی از ژاپن و سوم آکرالی از ترکیه) ۱۹۶۷ – جهـانی دهلی، ۷۰ کیلـو گرم، طلاـ (نفر دوم بریـاشویلی از شوروی و سوم ولچف) ۱۹۶۸ – المپیـک مکزیکو، ۷۰ کیلو گرم، طلا (نفر دوم ولچـف از شوروی و سوم سـری تر دانزان داریـا از مغولسـتان) ۱۹۶۹ – جهـانی مارادل پلاتا، ۶۸ کیلو گرم، طلاـ (نفر دوم ولچف و نفر سوم نودار خوخا شویلی از شوروی) ۱۹۷۰ – جهانی ادمونتون، ۶۸ کیلو گرم، طلا (نفر دوم یوسینف از بلغارستان و نفر سوم داگلاس از آمریکا) ۱۹۷۱ – جهـانی صوفیه، ۶۸ کیلـو گرم، چهـارم (نفر اول دال گیبـل از آمریکـا) ۱۹۷۲ – المپیک مونیـخ، موحـد آغازی خوب داشت اما به دلیل آسیب دیدگی ادامه نداد. (نفر اول گیبل از آمریکا) عبدالله موحد با دریافت ۶ مدال طلا از مسـابقه هـای قهرمـانی جهان و المپیک (۷۰–۶۹–۶۸–۶۷–۶۶–۱۹۶۵) برای همیشه از صـحنه قهرمـانی کنـاره گیری کرد. وی بـا در اختیار داشـتن شـش مدال طلا، طلایی ترین کشتی گیر تاریخ ایران محسوب می شود و تصور نمی شود تا چند دهه دیگر نیز کشتی گیری از ایران بتواند به این حد نصاب برسد. موحد دو بار نیز در بازی های آسیایی شرکت فعال داشت که در سال ۱۹۶۶، بانکوک در وزن ۷۰ کیلو گرم، علی رغم تسـاوی بـا" توبیـدا "از ژاپن، به دلیل امتیاز منفی کمتر، مـدال طلا گرفت و در بازی های آسـیایی ۱۹۷۰ بـانکوک بـا" کیکو وادا "از ژاپن مسـاوی شـد که چون هر دو کشتی گیر – طبق مقررات آن زمـان – از هر جهت با هم برابر بودند، مشترکاً اول شدند.

موحد، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی موحد درسال۱۳۰۳ در شـهر تبریز به دنیا بوده است .دوره دکترای حقوق خصوصـی را در دانشگاه تهران به پایان برده و آنگاه برای آشـنایی بیشتر با مباحث حقوق بین الملل به انگلستان رفته و مطالعات خودرا به عنوان Research student زیر نظر پرفسور جنینگز درکمبریـج و پرفسور شوارتزنـبر گه درلنـدن ادامه داده است .وی مقـارن بـا ملی شـدن صـنعت نفت به خـدمت این صنعت در آمد و خدمات خود در شرکت ملی نفت ایران را تا هنگام بازنشستگی در سمت مشاور عالی حقوقی ادامه داد و در همان حال به تدریس در دانشکده حقوق و دانشکده حسابداری و علوم مالی، اشتغال ورزید. تصحیح کتاب" مقالات شمس تبریزی "وی ، در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

والدین و انساب : محمد علی موحد درسال۱۳۰۳ درتبریز به دنیا آمد .

تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : محمد علی موحد مقدمات علوم اسـلامی را در زادگاه خود فرا گرفت و پس از طی دوره ابتدایی و متوسـطه، وارد دانشگاه شد و دوره دکترای حقوق خصوصی را در دانشگاه تهران به پایان برده و آنگاه برای آشنایی بیشتر با مباحث حقـوق بیـن الملـل بـه انگلسـتان رفتـه زیر نظر پرفسـور جنینگز درکمبریـج و پرفسـور شوارتزنـبر گـه مطالعـات خـودرا بـه عنـوان Research student درلندن ادامه داده است .

استادان و مربیان : پرفسور جنینگز و پرفسور شوارتزنبر گه از اساتید محمد علی موحد در انگلستان بودند.

وقایع میانسالی : محمـد علی موحد ،مقارن با ملی شدن صـنعت نفت به خدمت این صـنعت در آمد و خدمات خود در شـرکت ملی نفت ایران را تا هنگام بازنشستگی در سمت مشاور عالی حقوقی ادامه داد .

مشاغـل و سـمتهای مورد تصـدی : محمـد علی موحـد وکیـل پایه دادگستری می باشـد . او از آغاز تاسـیس شـرکت ملی نفت ایران درکـادر حقوقی شـرکت وارد شـده و تابالاترین درجات انجام وظیفه کرده و پس از بازنشسـتگی نیز به همکاری با شـرکت درزمینه دعاوی بین المللی ادامه داده است . در ابتدای تاسیس اوپک به مدت شش ماه معاونت اداره اجرایی آن سازمان درژنو را عهده دار بوده است .

فعالیتهای آموزشـی : درکنار مشاغل رسـمی محمـد علی موحد به تدریس حقوق مدنی و حقوق نفت در دانشـکده حقوق دانشگاه تهران ، دانشکده علوم مالی و حسابداری پرداخته است .

آرا و گرایشـهای خاص : برخوردهای مختلف ، نظر های مختلف و راه های گوناگونی که بشـر فکر کرده که از آنها برود ، همیشـه برای محمد علی موحد جالب بوده اند ،بدان علت آثار موحد در آن موارد می باشند .

جوائز و نشانها : محمد علی موحد از رئیس جمهوربه کتاب هوای حق و عدالت جایزه ای به نام جایزه اندیشه کسب نمود . همچنین

درسال ۱۳۸۲ موسسه فرهنگی جمهور دومین جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را برای کتاب "فلسفه و علوم سیاسی " به دکتر موحد اهدا کرد . همچنین تصحیح کتاب" مقالات شمس تبریزی (" در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی) و کتاب"خواب آشفته نفت("در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال) برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی شدند.

چگونگی عرضه آثار : آثار محمد علی موحد تالیفی از علائق فرهنگی و ایرانی او ،مسبوق به سابقه فعالیت ها و مطالعات شغلی او نیز هست . بخشی ایرانی از این تالیفات مربوط به مسائل نفت ایران است . این فعالیت ها حاصل اشراف و تسلط دکتر موحد ازدوران فعالیت شغلی خود دردایره حقوقی شرکت ملی نفت ایران می باشد . --

آثار :

۱ بهگودت گیتا

ویژگی اثر : بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، انتشارات خوارزمی

۲ ترجمه عدالت و انرژی

ویژگی اثر : این اثر تالیف ایوان ایلیچ است

۳ تصحیح حدیقه الحقیقه شیخ احمد جام (ژنده پیل)

۴ چهارمقاله درباره آزادی

ویژگی اثر : این اثر تالیف آیزایابرلین بوده و درآن سیر اندیشه ها دنبال شده است و توسط انتشارات خوارزمی به چاپ رسیده است

۵ خزران ازارتوکستلر

ویژگی اثر : ترجمه ،انتشارات خوارزمی

۶ خواب آشفت ?نفت: دکتر مصدق و نهضت ملی ایران

ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب :«خواب آشفت ?نفت: دکتر مصدق و نهضت ملی ایران» خواب آشفت ?نفت: دکتر مصدق و نهضت ملی ایران/ محمدعلی موحد.- تهران: نشر کارنامه، ۱۳۷۸.- ۲ج. کتابنامه. نهضت ملی ایران، ملی شدن صنعت نفت و نقش دکتر مصدق یکی از سه محور عمد ?تحولات تاریخی ایران در فاصل ?انقلاب مشروطیت و انقلاب اسلامی ایران تلقی می شود که به نوب ?خود تأثیرات مهمی در فرایند تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران برجای گذارده است. با اینکه دربار ?این موضوع تألیفات و آثار متعدد و متنوعی صورت گرفته، معهذا بسیاری از مسائل آن به طور دقیق تحلیل نشده است. این تألیف کوششی است در زمین ?تبیین و بازنمایی این رخداد حساس تاریخی ایران. استناد به کتابها، مقالات، اسناد ، مکاتبات و گزارشهای سیاسی و نیز یادداشتهای خصوصی و مشاهدات عینی نویسنده، تبویب و تفصیل دقیق مطالب، بیان سلیس و شیوای مؤلف، پی نوشتها، شناسنام ?رجال مذکور در کتاب، روزشمار ملی شدن صنعت نفت و فهرست نامها و فهرست راهنمای کتاب را می توان از مزایای آن برشمرد.

۷ خواب آشفته نفت

ویژگی اثر : نشر کارنامه آنرا منتشر ساخته است . این کتاب که دو جلدی است مربوط به دکتر مصدق و نهضت ملی ایران است

۸ درسهایی از داوریهای نفتی

ویژگی اثر : دفتر حاکم ، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین المللی

۹ درهوای حق و عدالت

ویژگی اثر : نشر کارنامه ، برنده جایزه اندیشه

۱۰ دکتر مصدق و نهضت ملی ایران

۱۱ سفرنامه ابن بطوطه

ویژگی اثر : بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، نشر آگه

۱۲ سفرنامه ابن بطوطه

ویژگی اثر : ترجمه،طرح نو

۱۳ سلوک الملوک از فضل الله روزبهان خنجی

ویژگی اثر : انتشارات خوارزمی

۱۴ شمس تبریزی

ویژگی اثر : انتشارات طرح نو

۱۵ گزیده ای از فیه ما فیه مولانا

ویژگی اثر : اصطرلاب حق

۱۶ گزیده مقالات شمس (خمی از شراب ربانی)

۱۷ گفته ها و ناگفته ها

۱۸ مالیات سرانه و تاثیر ان درگرایش به اسلام از دانیل دنت

ویژگی اثر : ترجمه،انتشارات خوارزمی

۱۹ مبالغه مستعار

ویژگی اثر : بررسی اسناد وزارت خارجه بریتانیا درباره مالکیت جزایر تنب و ابوموسی ، دفتر خدمات حقوقی بین المللی ، نشر کارنامه

۲۰ مختصر حقوق مدنی

۲۱ مقالات شمس تبریزی

ویژگی اثر : تصحیح،انتشارات خوارزمی،این کتاب در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنائی با کتاب: «مقالات شمس تبریزی»: این کتاب جزء متون بر جسته عرفان و ادب ماست و متن آن تألیف کسی است که مولوی را پرورده و ساخته است. تعلیقات مصحح کما «وکیفا» خوب و بیانگر این است که مصحح متن را به خوبی فهمیده و تنها کاری مکانیکی نکرده است. همچنین مطالب سودمند و مناسب از متون مهم ادب و عرفان، مثل مثنوی، حدیقه، عوارف المعارف، فتوحات مکیه و ... در توضیح و تبیین متن انتخاب کرده و در تعلیقات آورده است. استفاده از نسخ معتبر، دقت، بکارگیری روش علمی در تصحیح، تهیه فهرستهای لازم و زیبایی چاپ آن از ویژگی‌های کتاب محسوب می‌شود

۲۲ مقدمه حقوق مدنی

۲۳ نفت ما و مسائل حقوقی آن

ویژگی اثر : انتشارات خوارزمی

موحدی قمی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ محمد بن العلامه آخوند ملاعبدالله موحدی قمی عالمی جلیل و فاضلی نبیل و عدلی کم‌بدیل است که در سال ۱۳۱۴ ق متولد شده و پس از رشد مقدمات و ادبیات و سطوح وسطی و عالیه را نزد اساتید قم خوانده و سالها از محضر مرحوم آیت‌الله حایری و آیات عظام دیگر استفاده نموده و مدت ۱۸ سال هم به درس آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت کرده و در منزل آن مرحوم متصدی امور استفتاء و جمع و تالیف فتاوی و مسائل و رسائل علمیه معظم‌له از جمله کتاب جامع الفروع و مصابیح الفروع و فرائض المناسک و مناهج الفروع از طرف آن مرحوم گردیده و پس از فوت آن مرحوم بلادرنگ بزعیم الشیعه و محی الشریعه و مرجع الاعلی الادینی آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله پیوسته و همان سمتی را که در دستگاه مرحوم آیت‌الله بروجردی داشت در منزل آیه‌اللهی مرعشی هم متعهد شده و حاشیه عروه‌الوثقی معظم‌له را که تاکنون چنین حاشیه‌ای بر آن نشده بنام دغایه القصوی لمن رام التمسک بالعروه الوثقی) در دو مجلد بزرگ تنظیم نموده که اکنون منتشر و در دسترس همه اهل علم است و توضیح‌المسائل و مناسک حج معظم‌له را ترتیب داده است.

در مسجد امام علیه‌السلام در ظهر و شب اقامه جماعت می‌نمایند ادام‌الله برکاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

موحدی کرمانی، محمد علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اینجانب محمد علی موحدی (مشهور به موحدی کرمانی) متولد ۱۳۱۰ بشماره شناسنامه ۳۲۵ صادره کرمان فرزند عباس (واعظ معروف کرمان بود)

تحصیلات مقدماتی در حوزه کرمان سپس در حوزه علمیه قم وسپس در حوزه علمیه نجف.

اساتید در کرمان آیت الله صالحی و شیخ الرئیس و در قم مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و آیت الله العظمی داماد و آیت الله العظمی امام خمینی و در نجف مرحوم آیت الله العظمی خوئی و آیت الله العظمی سید محمود شاهرودی و آیت الله العظمی میرزا باقر زنجانی و چند ماهی در مشهد از محضر آیت الله میلانی استفاده کردم.

پس از مراجعت از نجف و قم سنواتی در کرمان بشئون روحانی پرداختم و سپس به تهران آمدم. در تهران در دوران انقلاب و مبارزه به تربیت جوانان در مسجد پرداختم و بهمین دلیل مسجد در شرق تهران یکی از پایگاهای مبارزه � بود.

اینجانب در تشکیلات جامعه روحانیت مبارز تهران بعنوان یکی از اعضای شورای مرکزی و دبیرجامعه در شرق تهران فعالیت داشتم.

همچنین در حزب جمهوری اسلامی بعنوان عضو شورای مرکزی و عضو داوری حزب حضور داشتم. پنج دوره نمایندگی در مجلس شورای اسلامی داشتم که دوره اول از کرمان و بقیه ادوار از تهران بود.(البته دوره سوم میاندوره ای بود)

همچنین پس از شهادت شهید اشرفی اصفهانی در باختران«کرمانشاه» بامر امام رضوان الله تعالی علیه مسئولیت امامت جمعه را داشتم. همچنین مدت چهارده سال نماینده مقام معظم رهبری در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بودم. ایضا عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام هستم.

ایضا از طرف مردم کرمان سه دوره نمایندگی مجلس خبرگان را داشتم.

در مجلس رئیس کمیسیون امور داخلی مجلس و رئیس کمیسیون امور دفاعی بودم.

در مقطعی نائب رئیس مجلس بودم. ایضا رئیس هیات اجرائی بین المجالس بودم. از توفیقات دوران مبارزه و انقلاب تشرفی بود که

به عتبات عالیات در اول سال ۵۷ داشتم که دیدارهای متعددی در نجف و کربلا بطور خصوصی با حضرت امام داشتم که برنامه های جامعه روحانیت مبارز را خدمت امام عرض کردم و هم حامل دستورات مهمی برای جامعه مذکور و حزب جمهوری داشتم.
همچنین میتواند حضور در جبهه و انس با رزمندگان را در دوران امامت جمعه باختران از توفیقات دوران انقلاب باشد. شاهد بمباران‌ها و موشک خوردنهای مردم و مقاومت آن دلیران بودم که در این زمینه خاطرات فراوان دارم.
مباحثات اینجانب در دروس قم با آیات: آقای هاشمی رفسنجانی، مرحوم آقای ربانی املشی، و آقای قربانی لاهیجانی بود و بیشتر با حضرات آیات: آقای مطهری، آقای بهشتی، آقای مومن، آقای جنتی، آقای طاهری خرم آبادی و آقای مهدوی کنی و آقای انواری مانوس بودم.

موحدی محب، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله موحدی محب

محل تولد : بیدگل کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۲/۳

زندگینامه علمی

ورود به حوزه علمیه قم ۱/۷/۱۳۴۷، شروع به تدریس متون حوزوی ۱۳۵۴: سیوطی، مغنی، معالم، مختصر، شرح لمعه، اصول فقه و ...، بازگشت به کاشان پس از تعطیلات تحمیلی بر حوزه متعاقب شهادت شهید غفاری (ره) و شروع به تدریس و تبلیغ و امامت جماعت در کاشان ۱۳۵۵ (مواد تدریس در حوزه کاشان همان درسهای یاد شده)، نماینده ولی فقیه در اوقاف کاشان ۱۳۵۸، قاضی در دادگستری کاشان و عضو کمیسیون ۵ نفری حل اختلافات ۱۳۵۸، تدریس در دبیرستانهای کاشان در ۱۳۵۸، فعالیتهای سیاسی اجتماعی، عضویت در کمیسیونهای مختلف در فرمانداری کاشان ۱۳۵۸.
بازگشت به قم و شروع فعالیت تحصیلی و تدریس ۱۳۵۹ (مواد درسی همان درسهای یاد شده در بالا)، شروع به تدریس در دانشگاه کاشان (مدرسه عالی علوم) نیمسال اول تحصیلی ۱۳۶۲، هم زمان تدریس در دانشگاه علوم پزشکی کاشان ۶۷ – ۱۳۶۶ (مواد درسی دروس معارف اسلامی)، راهیابی به دوره فوق لیسانس «مدرسه عالی دارالشفای قم» ۱۳۶۷، دفاع از رساله کارشناسی ارشد ۱۳۷۱ فروردین با درجه عالی نمره ۲۰ و استاد راهنما جناب استاد دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی – استاد مشاور جناب حجهٔالاسلام حسین توفیقی – استاد داور حضرت آیت الله انصاری شیرازی (دامت توفیقاتهم)، استخدام در دانشگاه کاشان ۱۳۷۱ اردیبهشت، تدریس در دانشگاه قم از سال ۷۱ تا ۷۵ (موارد درسی علوم بلاغت، عربی، بدیع فارسی، علم کلام اسلامی).
راهیابی به دوره دکترای «علوم قرآن و حدیث» بهمن ماه ۱۳۷۵، دفاع از رساله دکترای با درجه عالی و نمره ۲۰ (۱۳/۶/۱۳۸۱) استاد راهنما جناب حجهٔالاسلام دکتر سید محمد باقر حجتی – استاد مشاور حجهٔالاسلام دکتر احمد بهشتی و حجه الاسلام محمد علی مهدوی راد – اساتید داور حضرت آیت الله داوری اصفهانی و حضرت آیت الله فاضل گلپایگانی (دامت برکاتهم).
اساتید: صرف و نحو حجهٔالاسلام «حاج آقا رضا رضوی» در حوزه علمیه کاشان سال ۴۵ و ۴۶، معانی و بیان: استاد «احمد امین شیرازی» سال ۴۷ در قم، فقه: لمعهٔ «آیت الله موسوی تبریزی»، مکاسب: «مرحوم آیت الله ستوده»، اصول قوانین: «حضرت آیت الله دوزدوزانی» رسائل: آیات بزرگوار «مرحوم حرم پناهی (ره)»، «استاد آیت الله اعتمادی ، آیت الله خزعلی (دامت برکاتهم) کفایه مرحوم آیت الله ستوده و حضرت آیت الله مظاهری درس خارج اصول: حضرت آیت الله مظاهری «تقریبا یک دوره کامل اصول» فقه: حضرت آیت الله فاضل لنکرانی، حضرت آیت الله مکارم شیرازی (دامت برکاتهم)»، هم اکنون هم عضو هیأت علمی دانشگاه کاشان استادیار پایه ۱۵ و در قم: مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن، جامعه الزهرا، مرکز تخصصی نهج البلاغه قم، فی الجمله فعالیت آموزشی و ... دارد، مقالات چاپ نشده از قبیل تحقیقات دانشگاهی و تقریرات دروس حضرات آیات: «فاضل لنکرانی» و «مظاهری» (دامت برکاتهم) مقداری نوشته چاپ نشده.

موحدی، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ علی محمد موحدی از علماء اعلام و دانشمندان کرام و مدرسین والامقام و مروجین احکام حوزه علمیه قم است که در سال ۱۳۲۲ قمری در قم متولد شده و در مهد علم و تقوا تربیت و تحصیل مقدمات و سطوح نموده و پس از پایان آن از محضر مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله خونساری مرحوم و بعضی دیگر استفاده کرده و چند سال هم به درس آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده و در خلال آن تدریس ادبیات و سطوح را کرده و از هر جهت مورد وثوق و اعتماد مراجع عظام و زعماء حوزه علمیه قم بوده و از طرف مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی چندی اعزام به آباده شیراز و چندی هم به چالوس

و در سال ۱۳۷۰ قمری به مسجد سلیمان خوزستان رفته و چندین سال در آنجا به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال داشته و مسجد بزرگ و آبرومندی که خود این نگارنده دیده‌ام در آنجا بنا و خدمات ارزنده‌ای انجام داده ولی چند سالی است که به وطن خود مراجعت و از شرکاء درس حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی است و هم در یکی از مساجد قم اقامه جماعت می‌نماید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

موحدیان عطار، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی موحدیان عطار

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را تماماً در شهر اصفهان انجام دادم و از دبیرستان «هراتی» در سال ۱۳۵۹ دیپلم علوم تجربی اخذ کردم. این زمان مصادف شد با انقلاب فرهنگی و تعطیل دانشگاه ها و جنگ تحمیلی. بنابراین به خدمت سربازی رفتم اما هم در دوره دبیرستان و هم در طول خدمت سربازی با موضوع معارف اسلامی و مباحث کلامی و فلسفی مانوس بودم.

پس از پایان خدمت به قصد مطالعه در میراث معنوی و علمی اسلام و تشیع و به ویژه معارف امامان شیعه (علیهم السلام) به حوزه علمیه اصفهان و در سال ۱۳۶۲ به حوزه قم مهاجرت کرده و در مدرسه علمیه حقانی، که سپس با نام شهیدین ادامه کار داد، به تحصیل مشغول شدم. تحصیلات متعارف حوزوی را تا مرحله خارج فقه ادامه داده و چند سالی در دروس خارج آیات عظام، از جمله: «حضرت آیت الله العظمی بهجت (دام ظله)» شرکت کردم. در این بین به مطالعات فلسفی، عرفانی و کلامی نیز می پرداختم و چند سالی را با گروه فلسفه مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در تدوین معجم موضوعی کتب فلسفی همکاری کردم.

در کنار تحصیلات حوزوی در سال های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۳ در دانشگاه قم مرکز تربیت مدرس در مقطع کارشناسی ارشد رشته «الهیات» تحصیل کردم و پایان نامه خود را در موضوع: «آسیب شناسی ایمان دینی: (ثبات در اعتقادات)» تحت نظر حضرت آیت الله معرفت دفاع کردم. بعد از آن چند سالی در دانشگاه های مختلف، از جمله دانشگاه رازی کرمانشاه و علامه طباطبایی تهران به تدریس دروس معارف پرداختم.

در سال ۱۳۷۵ به مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب پیوستم و مطالعات خود را در این زمینه و به طور خاص درباره ادیان هند آغاز کردم که تاکنون ادامه دارد و ره آورد آن یک کتاب، چندین مقاله و تدریس موضوعات مربوطه بوده است. علاوه بر این چند سالی است که مطالعات و پژوهش هایی را در زمینه «موعود باوری: در ادیان ترتیب داده و به طور فردی و گروهی مقالاتی را فراهم آورده ام و حاصل آن را در برنامه های تلویزیونی و رادیویی متعددی ارائه کرده ام.

در همین سال ها در مقطع دکتری در رشته «کلام با گرایش فلسفه دین و مسائل جدید کلامی» در دانشگاه قم (مرکز تربیت مدرس) تحصیل کرده و پایان نامه خود را در موضوع: «ایضاح مفهومی عرفان و ویژگی های جوهری آن» تحت نظر و راهنمایی جناب آقای دکتر قاسم کاکائی، دکتر شهرام پازوکی و آیت الله علی عابدی شاهرودی دفاع کردم. این موضوع را از آن رو برگزیدم تا سنگ بنایی باشد برای پژوهش هایی در زمینه عرفان ادیان و به ویژه عرفان امامان شیعه (علیهم السلام)، از این رهگذر نیز مقالاتی فراهم آمده است که برخی از آنها را در مجلات علمی پژوهشی کشوربه چاپ رسانده ام.

مودب، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید رضا مودب

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۴ به شهر مقدس قم برای تحصیل به حوزه علمیه مسافرت نمودم و تا دو سال در مدرسه علمیه «حضرت آیت الله گلپایگانی» به مقدمات پرداختم. در سال ۱۳۵۶ به مدرسه رسالت جهت تحصیل منتقل شدم و دروس سطح یک و دو حوزه را در در

آنجا سپری نمودم و از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰ در حوزه علمیه به ادامه تحصیل پرداختم. درس مکاسب و کفایه را از محضر استادان گرانقدر: «حضرت آیهٔ الله علوی گرگانی» و حضرات آیات: «وجدانی فخر»، «پایانی» و «ستوده» استفاده کردم و در درس خارج حضرات آیات: «فاضل لنکرانی»، «مکارم شیرازی» و «علوی گرگانی» شرکت نمودم و یک دوره فقه و اصول را سپری کردم.
از سال ۶۹ در مرکز تربیت مدرس قم مشغول به تحصیل شدم و همزمان در دانشگاه تهران تدریس دروس معارف را آغاز نمودم که تا سال ۱۳۷۸ در دانشکده های فنی و مهندسی، علوم، ادبیات، حقوق و ... ادامه داشته است و همزمان در دانشکده الهیات دانشگاه تهران از سال ۱۳۷۲ در مقطع دکتری ادامه تحصیل داده در سال ۱۳۷۶ فارغ التحصیل در گرایش «علوم قرآن و حدیث» شدم و از ۱۳۷۶ عضو هیئت علمی دانشگاه قم در آمدم و تاکنون عضو هیئت علمی رسمی دانشگاه هستم.
در دانشگاه اصفهان تدریس معارف و در دانشکده علوم قرآنی و حدیث و دانشکده شهید محلاتی سپاه تدریس داشته ام. در دانشگاه قم در موضوعات علوم قرآن و حدیث چندین جزوه علمی تهیه نموده ام. در دانشگاه و دیگر محافل علمی چندین کنفرانس علمی در موضوعات قرآنی ارائه کرده ام. در مرکز تفسیر برای طلاب حوزه و در مرکز جهانی علوم اسلامی برای طلاب خارجی تدریس داشته و دارم. پایان نامه های متعددی در دانشگاه قم و مؤسسه امام خمینی سرپرستی نموده ام. چندین کتاب و اثر پژوهشی فراهم آورده ام که در آثار پژوهشی آمده و اکنون نیز در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، عضو حلقه کارشناسی مقاله های آن مرکز هستم. در رادیو معارف و ... مباحثی علمی در موضوعات قرآنی داشته ام.

موسایی، میثم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر میثم موسایی در ۱۳۴۶ ه.ش در تهران دیده به جهان گشود.وی دانشیار گروه برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در علوم اقتصادی –اقتصاد نظری از دانشگاه تهران (سال۱۳۶۸)، کارشناسی ارشد را در رشته علوم اقتصادی –اقتصادبازرگانی از دانشگاه تربیت مدرس و دکتری را در رشته علوم اقتصادی –اقتصادبازرگانی از دانشگاه تربیت مدرس (سال۱۳۷۲) اخذ نموده است.گروه : علوم انسانی رشته : اقتصادگرایش : لوم اقتصادی –اقتصاد بازرگانی والدین و انساب : نام پدر: صدراله تحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر میثم موسایی مدرک کارشناسی را در علوم اقتصادی – اقتصاد نظری از دانشگاه تهران (سال۱۳۶۸)، کارشناسی ارشد را در رشته علوم اقتصادی –اقتصادبازرگانی از دانشگاه تربیت مدرس (سال ؟)، دکتری را در رشته علوم اقتصادی –اقتصادبازرگانی از دانشگاه تربیت مدرس (سال۱۳۷۲) اخذ نموده است. عنوان رساله وی در دوره کارشناسی ارشد «دین و توسعه» و دوره دکتری «کاهش ارزش پول» است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : از سوابق آموزشی میثم موسایی می توان به مدیرکل مرکز آمار و برنامه ریزی فرهنگی هنری وزارت ارشاد اسلامی (۱۳۷۱) ،معاون امور پژوهشهای کاربردی دانشگاه تهران، معاون دانشکده امور اجتماعی دانشگاه تهران (۱۳۷۷)، رئیس مؤسسه تحقیقات تعاون دانشگاه تهران (۱۳۸۲) و... اشاره نمود. فعالیتهای آموزشی : موارد تدریس دکتر میثم موسایی اصول علم اقتصاد، اقتصاد ایران، اقتصاد خرد، اقتصادکلان، تاریخ عقاید اقتصادی، و نظامهای اقتصادی (در مقطع کارشناسی) و دین و توسعه، اقتصاد و توریسم، اقتصاد و توسعه، و بیمه (در مقطع کارشناسی ارشد) است. آرا و گرایشهای خاص : از زمینه‌های پژوهشی مورد علاقه میثم موسایی می‌توان به موضوعات «اقتصاد ایران» و «اقتصاد توسعه» اشاره نمود.چگونگی عرضه آثار : حاصل زحمات و تلاشهای میثم موسایی،این پژوهشگر اقتصاد اسلامی بیش از ۵۰ اثر علمی– پژوهشی می باشد.ایشان مسئولیت طرح‌های تحقیقاتی مختلفی از جمله «بررسی مسائل و مشکلات تعاونی‌های مسکن فاز ۲–۱۳۸۶ »، «الگوهای مشارکت شهروندان در امور شهری–۱۳۸۶»، مشارکت شهروندان در امور شهری شهر تهران–۱۳۸۴,تهران»، «بررسی مسایل و مشکلات تعاونی های مسکن و ارایه راه حل ها..–۱۳۸۱,تهران»، «توجیه اقتصادی– اجتماعی ایجاد منطقه آزاد تجاری در استان کردستان وتاثیر آن بر وضعیت رفاهی مردم» و «تخمین تابع تقاضای کتاب،سینما و نشریات در استانهای مختلف کشور» را نیز بر عهده داشتند. آثار : ۱ آثار اقتصادی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی در حوزه مالکیت ادبی و هنری» ویژگی اثر : تالیف–۱۳۸۳۲ اسلام و فرهنگ توسعه اقتصادی ویژگی اثر : تالیف–(۱۳۷۶)۳ اصول و مبانی علم اقتصاد ویژگی اثر : تالیف–۱۳۸۶۴ اقتصاد در نهج البلاغه ویژگی اثر : تالیف–سال ۱۳۶۹۵ اقتصاد فرهنگ ویژگی اثر : تالیف–(۱۳۷۹)۶ اقتصاد گردشگری ویژگی اثر : تالیف–۱۳۸۶۷ امام خمینی، دولت و اقتصاد ویژگی اثر : پدیدآورنده: میثم موسایی ناشر: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) – ۲۶ آذر، ۱۳۸۶ ۸ ایران سازمان تجارت جهانی و کپی رایت ویژگی اثر : تالیف–۱۳۸۶۹ بررسی عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران ویژگی اثر : تالیف–(سال ۱۳۷۰) ۱۰ بررسی مهمترین ویژگی رفتارهای اقتصادی جامعه با توجه به فرهنگ اسلام، مطالعه موردی، شهر تهران ویژگی اثر : پدیدآورنده: میثم موسایی ناشر: صبح صادق – ۱۳۸۲ ۱۱ بررسی میزان التزام و اعتقاد مردم اصفهان به رفتارهای اقتصادی توصیه شده در اسلام ویژگی اثر : پدیدآورنده: میثم موسایی ناشر: صبح صادق – ۱۳۸۲ ۱۲ بررسی میزان التزام و اعتقاد مردم بندرعباس به رفتارهای اقتصادی توصیه شده در اسلام ویژگی اثر : پدیدآورنده: میثم موسایی ناشر: صبح صادق – ۱۳۸۲ ۱۳ بررسی میزان التزام و اعتقاد مردم بهبهان به رفتارهای اقتصادی توصیه شده در اسلام ویژگی اثر : پدیدآورنده: میثم موسایی ناشر: صبح صادق – ۱۳۸۲ ۱۴ بررسی میزان التزام و اعتقاد مردم شهرهای اصفهان، بهبهان، بندرعباس و تهران به رفتارهای اقتصادی توصیه شده در اسلام ویژگی اثر : پدیدآورنده: میثم موسایی ناشر: صبح صادق – ۱۳۸۲ ۱۵ تبیین موضوع و مفهوم ربا با توجه به تحولات اقتصادی عصر حاضر ویژگی اثر : تالیف–(۱۳۷۷)۱۶ چهل حدیث شوری و مشورت ویژگی اثر : تالیف–(۱۳۷۱)۱۷ حیات شهید ویژگی اثر : تالیف–(۱۳۶۹)۱۸ دین و فرهنگ توسعه ویژگی اثر : تالیف–۱۳۷۴۱۹ ربا و کاهش ارزش پول ویژگی اثر : تالیف–۱۳۸۳۲۰ فرهنگ تجارت ویژگی اثر :

پدیدآورنده: میثم موسایی، اشرف اشجاری (ویراستار) ناشر: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، اقتصاد نو – ۱۸ اردیبهشت، ۱۳۸۴ ۲۱ وهابی ها را اینگونه دیدم ویژگی اثر : تالیف–(۱۳۷۰)

موسوی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط. از خوشنویسان گمنام است که نام اصلی وی معلوم نیست. از آثار وی: دو قطعه از یک مرقع، به قلم سه دانگ خوش، با رقم: «مشقیه سید موسوی»؛ یک قطعه به قلم نیم دو دانگ خوش، با رقم؛ «کتبه سید موسوی، فی شهور سنه تسع و خمسین و الف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۸۶/۱).

موسوی احمد آبادی، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مجتبی موسوی احمد آبادی

محل تولد : اردکان یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۳۸ در یکی از روستاهای استان یزد «احمد آباد» متولد شدم. دوران ابتدایی و راهنمایی را در آنجا به پایان رساندم. در سال ۱۳۵۶ جهت ادامه تحصیل به سفارش پدرم راهی قم شدم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی مشغول به تحصیل شدم. دروس مقدمات تا شرح لمعه را در آن مدرسه به پایان رساندم و سپس به صورت آزاد در درس های حوزه شرکت نمودم.

شرح لمعه را نزد اساتید محترم: «مرحوم وجدانی فخر» و «آقای پاکویی»، اصول الفقه را نزد «آیت الله طهرانی» و «عرفانیان»، مکاسب را نزد «استاد پایانی» و مقداری از آن نزد «آقای دوزدوزانی» و «بنی فضل» و رسایل و کفایتن را نزد استاد محترم «آقای اعتمادی» به پایان رساندم. پس از اتمام دوره سطح، به مدت هفت سال در درس خارج فقه و اصول حضرت «آیت الله مکارم» شرکت نمودم و حدود سه سال در درس خارج فقه «آیت الله العظمی آقای تبریزی (ره)» کسب فیض نمودم.

در سال ۱۳۷۳ در گروه تخصصی تفسیر پذیرفته شدم. دوره چهار ساله را در سال ۱۳۷۷ با موفقیت به پایان رساندم. بعد از اتمام دوره تخصصی تفسیر از سال ۱۳۷۷ تاکنون به مدت هشت سال در گروه فرهنگ و معارف قرآن بخش دایرهٔ المعارف قرآن در دفتر تبلیغات به عنوان محقق به تحقیقات و بررسی موضوعات قرآنی مشغول هستم.

موسوی احمدآبادی اصفهانی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۸ –۱۳۰۱ ق)، عالم دینی، خطیب و شاعر. در شعر تقی و گاهی شرعی تخلص می‌کرد. در محضر پدرش و علامه میرزا بدیع و آخوند ملا محمد کاشانی و آقا سید ابوالقاسم دهکردی و ملا عبدالکریم گزی تلمذ نمود و به درجات علمی بالا و اجتهاد نایل شد. او از ملا عبدالکریم گزی و سدی ابوالقاسم دهکردی روایت کرده است. در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد، در کنار پدرش به خاک سپرده شد. از آثارش: «نورالابصار»، در فضیلت انتظار؛ «سراج القبور»؛ «وظیفهٔ الانام»، در زمان غیبت امام (ع)؛ «تذکره الطالبین»، که ترجمه‌ای است از «آداب المتعلمین»، به نظم فارسی؛ «مکیال المکارم» و «کنز الغنائم»، در فوائد دعا برای حضرت قائم (ع)؛ «ابواب الجنات»؛ «بساتین الجنان»، در معانی و بیان؛ «محاسن الادیب»؛ «ترغیب الطلاب الی علم الاعراب»؛ « دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ القبور (۲۱۸ –۲۱۷)، الذریعه (۱۱۵/ ۲۵ ،۳۵۷/ ۲۴ ،۱۸۲/ ۲۲ ،۱۲۵/ ۲۰ ،۱۶۰/ ۱۸ ،۱۵۹/ ۱۲ ،۱۷۰ ،۳۹/ ۴ ،۱۰۳/ ۳ ،۷۴/ ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۵۸/ ۱۴)، معجم المؤلفین (۱۳۱/ ۹).

موسوی اردبیلی، یونس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید یونس موسوی اردبیلی فرند آیت الله میرزا فتح علی اردبیلی یکی از آیات و مراجع بزرگ مشهد در قرن اخیر است. معظم له مجتهدی محقق، فقیهی اصولی و دانشمندی پارسا و مجاهد بود. در سال ۱۲۹۳ در شهر اردبیل متولد شد و بعد از پیمودن تحصیلات مقدماتی چند سالی از حضور علمای بزرگ زنجان ادبیات عرب و دروس فقه و اصول و حکمت و کلام و منطق را تکمیل نموده، رهسپار نجف اشرف گردید.

آیت الله اردبیلی متجاوز از سی و پنج سال در حوزه نجف و سایر شهرهای عتبیات از محضر اساتید متعدد برخوردار بود. بیشتر مراتب علمی و اجتهاد او از محضر پر فیض و پربرکت آخوند خراسانی و علامه یزدی نصیبش گردید. و خود به درجه استادی و اجتهاد رسید و در سلک مدرسین نجف قرار گرفت. مرحوم اردبیلی در سال ۱۳۴۶ از عراق وارد زادگاه خویش گردید ولی دیری نگذشت که رحل اقامت به قصد تربیت و تدریس علما در مشهد مقدس افکند و مردم آن شهر و فضلا مقدم او را گرامی داشتند و چند سال در رأس علما و مراجع و مدرسین حوزه مشهد کوشش می فرمود، تا آنکه در سال ۱۳۵۳ به علت اعتراض شدید به کشتار بی رحمانه مردم مشهد و حادثه مسجد گوهرشاد توسط رضا خان قلدر و ایادی او دستگیر شده و سرانجام او را به زادگاهش تبعید نمودند و حدود هشت ساله ناگزیر در شهر خود منشأ خدمات و آثار ارزنده گردیده و در پیشرفت مکتب جعفری به خوبی پیش رفت.

مرحوم اردبیلی بعد از سقوط رضاخان مجددا عازم مشهد مقدس گردید و تا پایان عمر در ردیف مراجع و آیات و مدرسین حوزه به تدریس علما و ترویج مذهب اشتغال داشت. عصر این سید بزرگوار مقارن زعامت آیت الله بروجردی در قم بود. معظم له کتاب معتقدات قاصر را در اصول عقاید و رسائلی در شرح و حاشیه عروه، قاعدهٔ لاضرر، صلوهٔ مسافر، و رســـاله ای در عمل مقلدین خویش به رشته تحریر برد و سرانجام این مرجع بزرگ در سال ۱۳۷۷ در مشهد مقدس جهان فانی را وداع نمود و با مرگ او ثلمه ای بر پیکر اسلام و تشیع و شیعیان مشهد وارد شد.

منابع زندگینامه :http://www.shaaer.com

موسوی اصفهانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن موسوی اصفهانی فرزند مرحوم ثقه المحدثین حاج سید اسماعیل فرزند آقا سید عبداللَّه موسوی از افاضل دانشمندان معاصرند که در سال ۱۳۵۲ هجری قمری در آدریان اصفهان به دنیا آمده‌اند.

و در بیت علم و تقوای والدش که از خطباء و محدثین و مخلصین اهل‌بیت علیهم‌السلام بودند پرورش یافته و اولیات را از ایشان تا سن ۱۳ سالگی آموخته. سپس به تحصیل علوم عربیه در سال ۱۳۶۶ قمری در اصفهان در مسجد معروف به (مسجد سید) پرداخته و پس از خواندن مقدمات و سیوطی سطوح متوسط و عالی را در خدمت مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید مصطفی مهدوی (مدفون در صحن قم) در مدرسه جده بزرگ و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ جمال‌الدین خوانساری خوانده است.

آنگاه در سال ۱۳۶۹ قمری به قم عزیمت نموده و سه سال اقامت و به خواندن قسمتی دیگر از سطوح نزد اساتید حوزه مشغول شده و پس از آن در ســال ۱۳۷۲ قمری مهاجرت بـا عتـاب عالیات و در کربلاء معلی اقامت نموده و بقیه سطوح را در خدمت مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید اسداللَّه صدر بنی‌هاشمی اصفهانی و آیت‌اللَّه حاج‌آقا محمد شیرازی و حجهٔ‌الاسلام کابلی و علامه محقق حاج شیخ محمدحسین مازندرانی و آیت‌اللَّه آقا شیخ محمد شاهرودی خوانده سپس در سال ۱۳۷۵ قمری راهی نجف شده و حدود ۱۶ سال اقامت و از محضر آیت‌اللَّه حاج شیخ کاظم تبریزی و آیت‌اللَّه حاج سید مرتضی خلخالی و آیت‌اللَّه حاج شیخ صدرا بادکوبه‌ای و آیت‌اللَّه حاج سید علی سیستانی و عالم جلیل حاج سید هاشم حسینی تهرانی و آیت‌اللَّه رضوانی خمینی و آیت‌اللَّه حاج شیخ مسلم ملکوتی (امام جمعه تبریز) و دروس خارج را از محضر زعیم اعظم و مرجع اعلی و فقیه اهل‌البیت آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظله مدت ۱۴ سال استفاده نموده و هم مدتی به درس و بحث امام راحل آیت‌اللَّه العظمی خمینی شرکت نموده تا سال ۱۳۹۱ قمری که به واسطه فشار و مزاحمت حکومت بعث عراق مجبور به مراجعت به ایران گردیده و مدتی در زادگاه خود اقامت و تأسیس مدرسه علمی نموده و مدتی هم در تهران توقف و اکنون در قم سکونت و به خدمات دینی و روحی از تألیف و غیره اشتغال دارند.

آثار علمی ایشان از این قرار است

۱- ثقات الرجال ۴ جلد که جلد اول آن در نجف اشرف در سال ۱۳۸۷ قمری به طبع رسیده است.

۲- الامامه والولایه که در موضوع خود بسیار نفیس و مستدل و متقن می‌باشد و جریانی دارد که از آن معلوم شود این کتاب مورد توجه اهل‌البیت علیهم‌السلام قرار گرفته و دانستن او بی‌فایده نیست.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

موسوی اصفهانی، محمد کاظم

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر فاضل ادیب، متخلص به «خلیل» مؤلف گلزار خلیل، مثنوی در مصائب به زبان اردو، و مطبوع در لکنهو هندوستان.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

موسوی اصفهانی، معزالدین محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میر معزالدین محمد موسوی اصفهانی، عالم فاضل ادیب ماهر شاعر کامل در اوایل عمر «فطرت»، و در اواخر «موسوی» تخلص می‌نموده، و در علوم عقلی و نقلی مهارت داشته، و در هندوستان ساکن بوده، و جمعی از دانشمندان از محضرش استفاده می‌نموده‌اند. و چون منصب وزارت دکن یافت به موسوی خان ملقب و مشهور گشت.

در ۱۰۵۰ متولد، و در ۱۱۰۱ در دکن وفات یافته.

ماده تاریخ وفاتش این است:

دریغا رخت هستی زین سرا بست

معز موسوی خان سخن دان

ز حیرت جست دل تاریخ فوتش

خرد گفتا کجا شد موسوی خان

از آثارش غیر از دیوان اشعار، بیاضی است در متفرقات اشعار شعرای معاصر خود، و از آن، محمد افضل سرخوش مؤلف تذکره که از شاگردان اوست اشعاری از برخی شعرا نقل نموده است.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

موسوی اصل، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی موسوی اصل

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان تحصیلات کلاسیک در حد دوم راهنمایی شروع به تحصیلات حوزوی در حوزه علمیه تبریز کردم و مقدمات علوم اسلامی را تا حد لمعتین در آنجا به اتمام رساندم. پس از آن به مدت یک سال در تهران به تحصیل رسائل و مکاسب و نیز تدریس مقدمات مشغول بودم. در سال ۱۳۶۴ به قم آمدم. پس از پایان تحصیلات سطح در قم، در درس خارج فقه و اصول (عمدتاً در درس آقایان آیت الله مکارم و سبحانی) شرکت کردم. همزمان در دوره آشنایی با علوم جدید در موسسه در راه حق مشغول تحصیل شدم.

در سال ۱۳۷۰ پس از پایان دوره موسسه در راه حق، به عضویت دفتر همکاری حوزه و دانشگاه در آمدم و دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد «روانشناسی» را در آنجا گذراندم. ضمنا همزمان با تحصیل روانشناسی در دفتر همکاری در درس خارج نیزشرکت کردم. پس از پایان تحصیلات کارشناسی ارشد «روانشناسی» در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مشغول به تحقیق در مسائل مربوط به «علوم اسلامی و روانشناسی» شدم.

موسوی الموتی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید محمدعلی بن السید علینقی بن سید کبیر بن السید احمد بن سید هادی موسوی از علماء محترم کنونی شهر ری می‌باشند.

وی در روز جمعه سوم شوال‌المکرم ۱۳۳۱ قمری در گرمارود الموت بدنیا آمده و مقدمات را در محل مزیر دشت تنکابن خدمت مرحوم حاج شیخ جعفر مشایخی خوانده سپس در ربیع‌الاول ۱۳۴۹ ق به قم آمده و سطوح را نزد جمعی مانند مرحوم حاج شیخ

ابوالقاسم نحوی و میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و علامه قمی و آقا سید ناصر قمی و آیت‌الله حاج میرزا ابوالفضل زاهدی و آیت‌الله حاج شیخ عبدالرزاق قائینی و حجهٔالاسلام عالم زاهد حاج شیخ علی‌اکبر الهیان بپایان رسانیده و در سال ۱۳۵۶ قمری مشرف به نجف و مدت شش ماه از محضر آیت‌الله العظمی اصفهانی و عالم ربانی حاج شیخ مرتضی طالقانی و آیت‌الله حاج میرزا ابوالحسن مشکینی بهره‌مند و به قم بازگشت نموده و بالغ بر نه سال از آیات عظام ثلاثه مرحوم آیت‌الله حجه و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله صدر استفاده و ضمنا تدریس متون فقه و اصول نموده تا در سال ۱۳۸۲ ق که منتقل بشهر ری و مجاور سید الکریم حضرت عبدالعظیم الحسنی علیه‌السلام را اختیار و از شرکت در اجتماعات و مراوده با این و آن خودداری و بنا بر فرمایش (کونوا احلاس بیوتکم) حلیس بیت خویش گردیده و در منزل برای برخی از محصلین تدریس متون فقه و اصولی و معقول می‌نماید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

موسوی آرانی، شهاب‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۰۴، آران کاشان.

درگذشت: ۱۴ دی ۱۳۶۸، کاشان.

سید شهاب‌الدین موسوی آرانی، فرزند سید علی اکبر خواندن و نوشتن را در مکتب‌های زادگاهش فراگرفت، پس از پایان تحصیلات ابتدایی به تهران آمد و در بنگاهی خصوصی به شغل حسابداری مشغول شد.
موسوی آرانی همچنی در چند انجمن ادبی نظیر انجمن ادبی ایران و انجمن ادبی تهران و انجمن ادبی کلبه‌ی سعد و انجمن ادبی صائب عضویت یافت و از محمدعلی ناصح بیشترین فیض را برد و با فنون شعر و رموز آن آشنا گردید و در ضمن از مصاحبت با شاعرانی چون سید عبدالکریم امیری فیروزکوهی و مهرداد اوستا و سید حسن سادات ناصری و ادیب برومند و مشفق کاشانی و ذکایی بیضایی بهره جست. وی برای مدتی در تهران دبیر یکی از انجمن‌های ادبی بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به کاشان کوچید و توانست اداره‌ی شعبه‌ای از انجمن ادبی بنیاد پانزده خرداد را به عهده گیرد و مدت چند سال مسئول انجمن مذکور بود و جوانان مبتدی را در کلاس‌های هفتگی انجمن قرن شعر می‌آموخت. در ضمن نسبت به احیای مجدد «انجمن ادبی آران» و «بیدگل» که سال‌ها به همت حجت‌الاسلام تشکر و دیگران اداره می شد و دچار وقفه گردیده بود، همت گماشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

موسوی بالیگی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد موسوی بالیگی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای سید محمد موسوی بالیگی در سال ۱۳۴۸ هجری شمسی در خانواده ای متدین و مذهبی در شهر مشهد مقدس دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه مشهد مقدس گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا (ع) نزد بزرگان آن دیار همچون: «آیت الله آشتیانی»، «آیت الله علم الهدی» و «مرحوم آیت الله فلسفی» تلمذ کرد.
ایشان ضمن پرداختن به وظیفه مهم دینی خویش: «تبلیغ»، به تدریس فلسفه و عرفان در دانشگاه های رضوی مشهد و دانشگاه تهران مشغول است. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس، درس، قلم، کتاب، تحقیق، نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که کتاب های «آیین و اندیشه» و تصحیح «اسرار الآیات» و ... از جمله آثار ایشان است.

موسوی بجنوردی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت الله دکترسید محمد موسوی بجنوردی در سال ۱۳۲۲ در نجف اشرف متولد شد ولی در شناسنامه وی ۱۳۲۴ به عنوان سال تولد رقم خورده است. ایشان تحصیلات علوم حوزوی و دینی خود را در ایران و نجف اشرف به انجام رساندند. وی به مدت ۳۰ سال در محضر استادان درجه اول فقه واصول و فلسفه از جمله مرحومان امام خمینی(س), پدر معظم ایشان آیت الله العظمی میرزا سید حسن بجنوردی ـ صاحب کتاب القواعد الفقهیه و مرجع تقلید وقت ـ آیت الله خویی و آیت الله حکیم در حوزهٔ نجف اشرف به فراگیری علوم دینی پرداخت. موسوی بجنوردی که دروس جدید و حوزوی را با هم می‌خواند در ۱۸ سالگی کفایتین (سطح ۳) را به پایان رساند. همزمان با حضور در درس خارج امام, موسوی بجنوردی به مدت ۱۲ سال در کلاسهای آیت الله العظمی خویی نیز حاضر می‌شدند.موسوی بجنوردی پس از پیروزی انقلاب به ایران آمدند و در دفتر استفتائات حضرت امام مشغول به کار شدند. در سال ۱۳۵۹ به دستور امام راحل, دادگاه عالی قضات را راه اندازی کرد. ایشان از سال ۱۳۶۰ به مدت دو دوره تا سال ۱۳۶۸ به عضویت شورای عالی قضایی درآمدند که تا ارتحال حضرت امام و تغییر در قانون اساسی (که منجر به حذف شورای عالی قضایی شد) ادامه داشت.همزمان با این فعالیتهای اجتماعی و امور اجرایی کار تدریس و تحقیق در دانشکده های حقوق دانشگاه های شهید بهشتی, تربیت مدرس و نیز دانشکدهٔ الهیات دانشگاه تهران را دنبال کردند. در سال ۱۳۶۸ به رتبهٔ دانشیاری و در فروردین سال ۱۳۸۲ به رتبه استادی رسیدند .دکتر سید محمد موسوی بجنوردی از سال ۱۳۷۱ عضو هیأت علمی و ریاست گروه الهیات دانشگاه تربیت معلم(خوارزمی) بودند و درحال حاضر رئیس گروه الهیات و رشتهٔ حقوق و علوم سیاسی این دانشگاه می باشند.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

گرایش : فقه و اصول

والدین و انساب : پدر معظم سید محمد موسوی بجنوردی مرحوم آیت الله العظمی میرزا سید حسن بجنوردی ، صاحب کتاب القواعد الفقهیه و مرجع تقلید وقت بود

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید محمد موسوی بجنوردی دارای اجتهاد در رشته فقه و اصول از نجف اشرف از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ است.

فعالیتهای ضمن تحصیل : سید محمد موسوی بجنوردی در حین شاگردی در کلاس درس امام و آیت الله العظمی خویی در مسجد جامع نجف اشرف (هندی) رسائل, مکاسب و کفایتین را به زبان عربی برای شیعیان کشورهای عرب زبان همچون عراق, لبنان, سوریه و مصر تدریس می‌کردند.

استادان و مربیان : از استادانسید محمد موسوی بجنوردی می توان به امام خمینی(ره), پدر معظم ایشان آیت الله العظمی میرزا سید حسن بجنوردی ،آیت الله خویی و آیت الله حکیم در حوزهٔ نجف اشرف اشاره کرد.

وقایع میانسالی : سید محمد موسوی بجنوردی پس از پیروزی انقلاب به ایران آمدند و در دفتر استفتائات حضرت امام مشغول به کار شدند. در سال ۱۳۵۹ به دستور امام راحل, دادگاه عالی قضات را راه اندازی کرد. ایشان از سال ۱۳۶۰ به مدت دو دوره تا سال ۱۳۶۸ به عضویت شورای عالی قضایی درآمدند که تا ارتحال حضرت امام و تغییر در قانون اساسی (که منجر به حذف شورای عالی قضایی شد) ادامه داشت. در این شورا بخش مهمی از تدوین قوانین و اصلاحیه های مربوط به قانون مدنی, آیین دادرسی کیفری, قانون مجازات اسلامی و نظارت مستقیم براحکام همهٔ دادگاهها بر عهدهٔ ایشان بود. همزمان با این فعالیتهای اجتماعی و امور اجرایی کار تدریس و تحقیق در دانشکده های حقوق دانشگاه های شهید بهشتی, تربیت مدرس و نیز دانشکدهٔ الهیات دانشگاه تهران را دنبال کردند. در سال ۱۳۶۸ به رتبهٔ دانشیاری و در فروردین سال ۱۳۸۲ به رتبه استادی رسیدند

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق شغلی (آموزشی ـ اجرایی) سید محمد موسوی بجنوردی به شرح زیر است: اجرایی : – عضویت در شورای عالی قضایی (دو دوره بمدت ده سال) – رئیس دادگاه عالی انقلاب اسلامی – رئیس شعبه دیوان عالی کشور – عضو هیات عفو حضرت امام خمینی (ره) – عضو کمیته کشوری اخلاق پزشکی – عضوهیئت علمی موسسه عالی بانکداری – ریاست کمیسیون حقوق بشر اسلامی – عضویت در شورای عالی علمی دایره المعارف بزرگ اسلامی – عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم) – رئیس گروه حقوق و علوم سیاسی تربیت معلم – رئیس گروه دین و فلسفه – مدیر گروه فقه و حقوق پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی – عضو هیات امنای مرکز بین الملل گفتگوی فرهنگها و تمدنها – عضو کمیته کشوری اخلاق پزشکی – عضو کمیته علمی شورای پول و اعتبار – عضو هیئت امنای مرکز بین المللی گفتگوی تمدنها – عضو کمیتهٔ کشوری اخلاق پزشکی – عضو شورای دانشگاه تربیت معلم – عضو هیئت ممیزه دانشگاه تربیت معلم – مدیر گروههای حقوق و علوم سیاسی و فلسفه و دین وفقه و حقوق پژوهشکده امام خمینی(ره) – مدیر گروه دین و فلسفه دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم) – مدیر گروه حقوق و علوم سیاسی (تربیت معلم) – عضو هیئت تحریریه مجله علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم – عضو هیئت تحریریه متین پژوهشکده امام خمینی (ره) – عضو هیئت تحریریه مجله نامه الهیات دانشگاه آزاد اسلامی – عضو هیئت تحریریه مجله حقوق و علوم سیاسی آموزشی ـ آموزش از سال ۶۰ تا کنون: – دانشگاه شهید بهشتی – دانشگاه تربیت مدرس – دانشگاه تهران – دانشگاه آزاد اسلامی – مدرسه عالی شهید مطهری – موسسه عالی بانکداری ایران – دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم) – دانشگاه قم

فعالیتهای آموزشی : سید محمد موسوی بجنوردی تدریس در دانشگاههای خارج از کشور را از سال ???? با تدریس در دانشگاه بریتیش کلمبیا کانادا آغاز کردند. ایشان در آن سال به دعوت دانشکده حقوق آن دانشگاه بمدت یک ترم حقوق اسلامی تدریس کردند و در پایان نیز یک رساله دکترا در موضوع «حقوق کودک در اسلام» را راهنمایی کرد. ایشان در همان سال از کانادا به آمریکا رفته در دانشگاه کالیفرنیا جلساتی را بمدت دو ماه برگزار کردکه مقارنه بین حقوق اسلام و حقوق غرب بود. این جلسات نهایتاً ترجمه و در آن دانشگاه به چاپ رسید. به دنبال همین جلسه مسؤولان دانشگاه از ایشان خواستند که بمدت چهار سال استادی

آن دانشگاه را عهده دار شود که وی به علت ارجحیت دادن حضور در ایران این پیشنهاد را نپذیرفت. یکسال بعد مسؤولان دانشگاه جرج تاون واشنگتن دی سی به واسطه دکتر سید حسین نصر پیشنهاد تصدی گری مسؤولیت بخش علوم اسلامی آن دانشگاه را به ایشان دادند ولی موسوی بجنوردی این پیشنهاد را نیز نپذیرفت. در سال ???? نیز آیت الله موسوی بجنوردی بمدت یک ترم در دانشکده حقوق دانشگاه آکسفورد تدریس داشتند که در انتها راهنمایی رساله دو دانشجو در موضوعات «سیستم حکومت در اسلام» و «بررسی حقوق خصوصی در بعد مسائل مالکیت خصوصی» را عهده دار شد. آیت الله موسوی بجنوردی از اواسط دهه هفتاد ارتباطات علمی مستمری با دانشکده حقوق دانشگاه محمد الخامس مراکش داشته است. ایشان رفت وآمد و تدریس در مراکش را بسیار مفید دانسته و از این بابت بسیار اظهار خرسندی داشته اند. سال گذشته آیت الله موسوی بجنوردی به دانشگاه سن ژوزف (القدیس یوسف) لبنان دعوت شدند و جلسات علمی را در آن دانشگاه که شاخه ای از دانشگاه سوربن می باشد برگزار کردند. به دنبال آن جلسات دعوتنامه ای از دانشگاه سوربن برای تدریس در ترم پاییز به ایشان ارسال شد. در اردیبهشت???? آیت الله موسوی بجنوردی به دعوت طنطاوی شیخ الازهر به مصر رفت و ضمن ارائه جلساتی درخصوص «نقش عقل در شریعت» ارتباطات علمی را با دانشگاه الازهر و عین الشمس برقرار کردند. یکی از جلسات جالب علمی آیت الله موسوی بجنوردی در دانشگاه بریتیش کلمبیا تدریس خصوصی به موریس کاپیتورن کمیسر عالی حقوق بشر می باشد. پروفسور کاپیتورن که استاد دانشگاه بریتیش کلمبیا است در آن سال که هنوز نماینده سازمان حقوق بشر در ایران نبوده است جلساتی درباره «حقوق جزا در اسلام» را به صورت خصوصی نزد آیت الله موسوی بجنوردی گذراند. موسوی بجنوردی درحال حاضر اشتیاق چندانی برای تدریس در دانشگاههای خارج از کشور ندارد. چراکه به اعتقاد او داخل کشور بیشتر از خارج نیازمند اسلام راستین است. ایشان هم اکنون در داخل کشور در دانشگاههای : تهران ،تربیت مدرس، شهید بهشتی، تربیت معلم (خوارزمی)، دانشگاه آزاد (واحد علوم و تحقیقات، الهیات قلهک)، موسسه عالی بانکداری و پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری تدریس میکنند.

شاگردان : سیدعباس موسوی و شیخ راغب حرب از شهدای برجسته حزب الله لبنان از شاگردانسید محمد موسوی بجنوردی در آن دوران از تحصیل وی در نجف اشرف بودند.

آرا و گرایشهای خاص : زمینه‌های تحقیقاتی مورد علاقه سید محمد موسوی بجنوردی به قرار زیر است: فقه – حقوق – اصول – فلسفه – عرفان – کلام

چگونگی عرضه آثار : از سید محمد موسوی بجنوردی در داخل کشور بیش از ۵۰ مقاله درمجلات علمی و ۱۵جلد کتاب با عناوین زیر منتشر شده است که بعضاً عنوان کتب درسی رشتهٔ حقوق در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری مورد توجه استادان و دانشجویان قرار گرفته است. – عقد ضمان – علم اصول – فقه تطبیقی – فقه تطبیقی, بخش جزایی(جلد دوم) – قواعد فقهیه جلد ۱, ۲ – مجموعه مقالات فقهی, حقوقی, فلسفی و اجتماعی۱،۲،۳،۴،۵،۶ – مصادر التشریع عندالامامیهٔ و السنهٔ (به زبان عربی)؛ – مقالات اصولی. تعداد مقالات علمی چاپ شده در مجلات علمی وپژوهشی = ۴۸ مقاله تعداد مقاله‌های ارائه شده در نشست‌های علمی = ۲۳ مقاله تعداد پایان نامه‌های تحت راهنمایی دکتر موسوی بجنوردی: الف) کارشناسی ارشد: در حدود ۲۲۰ پایان نامه کارشناسی ارشد ب) دکتری: در حدود ۶۰ پایان نامه دکتری پایان نامه‌های تحت مشاوره دکتر موسوی بجنوردی : الف) کارشناسی ارشد: در حدود ۲۲۰ پایان نامه مشاوره و به همین تعداد استاد ناظر ب) دکتری: در حدود ۶۰ پایان نامه مشاوره و به همین تعداد استاد ناظر –

آثار :

۱ اندیشه‌های حقوقی حقوق خانواده

ویژگی اثر : انتشارات مجمع علمی فرهنگی مجد و در سال ۱۳۸۶ به چاپ رسیده است و در زمینه فقه، حقوق می باشد.

۲ عقد ضمان

ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی و در سال ۱۳۸۰ به چاپ رسیده است. این کتاب در زمینه حقوق است.

۳ علم اصول

ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی در سال ۱۳۸۰چاپ شده است.این کتاب در زمینه اصول فقه می باشد.

۴ فقه تطبیقی

ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی و در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسیده است و در زمینه حقوق می باشد

۵ قواعد فقهیه (در دو جلد)

ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی در سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۳ چاپ شده است.این کتاب در زمینه فقه و حقوق است.

۶ مجموعه مقالات فقهی ، حقوقی ، اجتماعی فلسفی در ۶ جلد

ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی و در سالهای ۱۳۸۰–۱۳۸۱–۱۳۸۲–۱۳۸۳–۱۳۸۴–۱۳۸۵ منتشر شده است. این کتاب در زمینه فقه حقوق فلسفه بحث می کند.

۷ مصادر التشریع عند الامامیه و السنه (ج ۱)

ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی و در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسید.این کتاب در زمینه مدخل در علم فقه و اصول نگاشته شده است

۸ مقالات اصولی

ویژگی اثر : انتشارات امیر کبیر و در سال ۱۳۷۶ به چاپ رسیده است.و در زمینه اصول است.

موسوی برزکی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد موسوی برزکی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ در مدرسه رسالت قم مشغول به تحصیل علوم حوزوی و دینی شدم. پس از اتمام مقدمات در فیضیه و مسجد اعظم و ... تحصیلات خود را ادامه دادم. کتاب شرح لمعه را در محضر «آیت الله استادی» و «وجدانی‌فخر» و رسائل و کفایه را در محضر «آیت الله اعتمادی» و مکاسب را در محضر «آیت الله پایانی» بوده‌ام.

دروس خارج فقه و اصول را از خرمن علم آیات عظام: «وحید خراسانی»، «فاضل لنکرانی» و «شیخ جواد تبریزی» خوشه‌چینی نمودم و تفسیر و فلسفه را از محضر «آیت الله جوادی آملی» پس از ده سال حضور در دروس خارج و احساس با نیازی از حضور در سر کلاس آیات عظام به تدریس دروس حوزوی از مقدمات تا کفایه مشغول شدم.

همچنین در دانشگاه آزاد تدریس دروس عمومی را مثل معارف اخلاق وصیت نامه امام (ره) تفسیر به عهده گرفتم. همچنین در کنار تدریس، پژوهش و تحقیق در موضوعات مختلف را آغاز نمودم و هم‌اکنون امامت جمعه شهرستان اردستان را داشته و در کنار آن تدریس کفایهٔ الاصول (حوزه) و دروس عمومی دانشگاه، تالیف مقالات، کتاب و اداره مدرسه علمیه زینبه را به عهده دارم.

موسوی بفروئی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید یحیی موسوی برادر ارجمند حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید عبدالوهاب موسوی مقیم قم میباشند.

وی از فضلاء تلامذه و شاگردان بزرگوار مرحوم آیه‌الله حایری یزدیست که پس از پایان تحصیلات و وصول بمقامات عالیه علمی بوطن خویش مراجعت و تاکنون باقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.

دارای مقام فضل و تقوا و فضل و سیادت و حسب و نسب عالی میباشد. از اردکان و حومه آن بفرو و غیره حدود سی طلبه در قم اشتغال بتحصیل دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

موسوی پور، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد حسین موسوی پور

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۳/۲

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد حسین موسوی پور فرزند حجت الاسلام حاج سیّد حبیب الله موسوی بهشهری در دوم خرداد سال ۱۳۴۴ در شهر بهشهر (از شهرهای مازندران) و در خانواده مذهبی و روحانی به دنیا آمدم. در همان سال به جهت ادامه تحصیل پدر در نجف اشرف، به همراه خانواده به کشور عراق عزیمت کرده و در زمان تسفیر ایرانیان مقیم عراق در سال ۵۰ – ۴۹ که مصادف با روی کار آمدن صدام بوده، به ایران و مستقیماً به شهر مقدس مشهد بازگشتیم.

دروس ابتدائی، راهنمائی و دوره متوسط (رشته علوم انسانی) را در مشهد در سال ۱۳۶۳ به اتمام رسانده و در همان سال وارد حوزه علمیه مدرسه علمیه «استاد موسوی نژاد» شدم. دروس مقدمات و ادبیات عرب را در تمام بخش ها در مدرسه این استاد عظیم الشان گذرانده و پس از اتمام اصول فقه نزد استاد رجائی به مدرسه «آیهٔ الله خوئی (ره)» منتقل شدم. درس لمعه نزد استاد «آیهٔ الله صالحی

(مد ظله)»، رسائل نزد استاد «آیهٔ الله اشرفی (مد ظله)»، بخشی از مکاسب نزد استاد «حاج شیخ جواد مروی (مد ظله)»، جلد اول کفایه نزد استاد «آیهٔ الله رضازاده (مد ظله)» به اتمام رساندم.

در سال ۱۳۷۲ به دلیل ضرورت حضور طلاب در عرصه های نوین با شرکت در کنکور سراسری به دانشگاه مفید قم را یافته و به حول و قوهٔ الهی در کنار دروس حوزوی مشغول مطالعات دانشگاهی در رشته فلسفه محض گردیدم. جلد دوم کفایه را در قم نزد استاد محترم «حاج شیخ علی محمدی (مد ظله)» و ادامه مکاسب را نزد مرحوم «آیهٔ الله پایانی (رحمهٔ الله علیه)» گذراندم. پس از پایان سطوح در سال ۷۵ – ۷۴ در درس «حضرت آیهٔ الله وحید خراسانی (حفظه الله)» که از ابتدای بحث قطع شروع کرده بودند؛ حاضر شده و به مدت سه سال از محضر ایشان استفاده نمودم. در سال ۷۸ در درس استاد «لاریجانی» که روش و طرح جدیدی را در اصول آغاز کرده بودند؛ حاضر شدم و تاکنون (۸۵) مشغول استفاده هستم.

به لحاظ دروس دانشگاهی که از سال ۷۲ آغاز شده بود، در سال ۷۶ به اتمام رسید و در همان سال در رشته کارشناسی ارشد «فلسفه محض» دانشگاه تربیت مدرس تهران از طریق کنکور سراسری قبول شده و در سال ۷۹ آن را به اتمام رساندم. پایان نامه ارشد را با نام: «حسن و قبح از دیدگاه جرج ادوارد مور انگلیسی و خواجه نصرالدین طوسی» به صورت تطبیقی در همان سال ۷۹ دفاع کردم. و در حوزه دارای رتبه سوم می باشم.

به لحاض فعالیت ها: جدای از فعالیت های سیاسی اجتماعی که لازمه دوران انقلاب اسلامی بوده است، در مشهد دو سال در یکی از مساجد مشهد مشغول اقامه جماعت و تبلیغات اسلامی بودم. در قم در سال ۷۶ در «دائرهٔ المعارف علوم عقلی مؤسسه آیهٔ الله مصباح (زیده عزه)» به عنوان محقق فلسفه مشغول به فعالیت از قبیل: کتابشناسی منابع فلسفی، توصیف منابع فلسفی، مدخل یابی و اصطلاح یابی منابع درجه اول فلسفی، مدیریت بخش پشتیبانی علمی و واحد علوم پرونده های علوم عقلی اسلامی شدم.

همچنین با مؤسسه طه در بخش نمایه سازی مجلات حوزه دین به مدت دو سال مشغول بودم. در سال ۱۳۸۱ با توجه به آشنائی با مباحث اطلاع رسانی و نیز انجام تحقیقات و پژوهش های حوزه علوم عقلی با مرکز قرآن آشنا شده و در بخش تدوین مقالات دائرهٔ المعارف قرآن همکاری داشتم. در همان سال به پشنهاد مدیریت دائرهٔ المعارف قرآن و نیاز کتابخانه تخصصی مرکز فرهنگ و معارف قرآن به ساماندهی، مدیریت کتابخانه را به عهده گرفته و با توجه به موفقیت در این امر در سال ۸۳ مدیریت کتابخانه تخصصی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و پس از آن در سال ۸۴ مدیریت کتابخانه های حوزه معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی را پذیرفتم.

موسوی پور، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد حسین موسوی پور

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۳/۲

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد حسین موسوی پور فرزند حجت الاسلام حاج سیّد حبیب الله موسوی بهشهری در دوم خرداد سال ۱۳۴۴ در شهر بهشهر (از شهرهای مازندران) و در خانواده مذهبی و روحانی به دنیا آمدم. در همان سال به جهت ادامه تحصیل پدر در نجف اشرف، به همراه خانواده به کشور عراق عزیمت کرده و در زمان تسفیر ایرانیان مقیم عراق در سال ۵۰ – ۴۹ که مصادف با روی کار آمدن صدام بوده، به ایران و مستقیماً به شهر مقدس مشهد بازگشتیم.

دروس ابتدائی، راهنمائی و دوره متوسط (رشته علوم انسانی) را در مشهد در سال ۱۳۶۳ به اتمام رسانده و در همان سال وارد حوزه علمیه مدرسه علمیه «استاد موسوی نژاد» شدم. دروس مقدمات و ادبیات عرب را در تمام بخش ها در مدرسه این استاد عظیم الشان گذرانده و پس از اتمام اصول فقه نزد استاد رجائی به مدرسه «آیهٔ الله خوئی (ره)» منتقل شدم. درس لمعه نزد استاد «آیهٔ الله صالحی (مد ظله)»، رسائل نزد استاد «آیهٔ الله اشرفی (مد ظله)»، بخشی از مکاسب نزد استاد «حاج شیخ جواد مروی (مد ظله)»، جلد اول کفایه نزد استاد «آیهٔ الله رضازاده (مد ظله)» به اتمام رساندم.

در سال ۱۳۷۲ به دلیل ضرورت حضور طلاب در عرصه های نوین با شرکت در کنکور سراسری به دانشگاه مفید قم را یافته و به حول و قوهٔ الهی در کنار دروس حوزوی مشغول مطالعات دانشگاهی در رشته فلسفه محض گردیدم. جلد دوم کفایه را در قم نزد استاد محترم «حاج شیخ علی محمدی (مد ظله)» و ادامه مکاسب را نزد مرحوم «آیهٔ الله پایانی (رحمهٔ الله علیه)» گذراندم. پس از پایان سطوح در سال ۷۵ – ۷۴ در درس «حضرت آیهٔ الله وحید خراسانی (حفظه الله)» که از ابتدای بحث قطع شروع کرده بودند؛ حاضر شده و به مدت سه سال از محضر ایشان استفاده نمودم. در سال ۷۸ در درس استاد «لاریجانی» که روش و طرح جدیدی را در اصول آغاز کرده بودند؛ حاضر شدم و تاکنون (۸۵) مشغول استفاده هستم.

به لحاظ دروس دانشگاهی که از سال ۷۲ آغاز شده بود، در سال ۷۶ به اتمام رسید و در همان سال در رشته کارشناسی ارشد «فلسفه محض» دانشگاه تربیت مدرس تهران از طریق کنکور سراسری قبول شده و در سال ۷۹ آن را به اتمام رساندم. پایان نامه ارشد را با نام: «حسن و قبح از دیدگاه جرج ادوارد مور انگلیسی و خواجه نصرالدین طوسی» به صورت تطبیقی در همان سال ۷۹ دفاع کردم. و در حوزه دارای رتبه سوم می باشم.

به لحاض فعالیت ها: جدای از فعالیت های سیاسی اجتماعی که لازمه دوران انقلاب اسلامی بوده است، در مشهد دو سال در یکی از مساجد مشهد مشغول اقامه جماعت و تبلیغات اسلامی بودم. در قم در سال ۷۶ در «دائرهٔ المعارف علوم عقلی مؤسسه آیهٔ الله مصباح (زیده عزه)» به عنوان محقق فلسفه مشغول به فعالیت از قبیل: کتابشناسی منابع فلسفی، توصیف منابع فلسفی، مدخل یابی و اصطلاح یابی منابع درجه اول فلسفی، مدیریت بخش پشتیبانی علمی و واحد علوم پرونده های علوم عقلی اسلامی شدم.

همچنین با مؤسسه طه در بخش نمایه سازی مجلات حوزه دین به مدت دو سال مشغول بودم. در سال ۱۳۸۱ با توجه به آشنائی با مباحث اطلاع رسانی و نیز انجام تحقیقات و پژوهش های حوزه علوم عقلی با مرکز قرآن آشنا شده و در بخش تدوین مقالات دائرهٔ المعارف قرآن همکاری داشتم. در همان سال به پشنهاد مدیریت دائرهٔ المعارف قرآن و نیاز کتابخانه تخصصی مرکز فرهنگ و معارف قرآن به ساماندهی، مدیریت کتابخانه را به عهده گرفته و با توجه به موفقیت در این امر در سال ۸۳ مدیریت کتابخانه تخصصی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و پس از آن در سال ۸۴ مدیریت کتابخانه های حوزه معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی را پذیرفتم.

موسوی تبریزی، ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام و آقا سید ابوالفضل بن السید الاجله السید رضای موسوی از اساتید بزرگوار و مدرسین عالی مقدار حوزه علمیه قم است در سال ۱۳۱۴ شمسی در شهر تبریز متولد شده و پس از تحصیلات ابتدائی از سال ۱۳۲۸ شمسی در مدرسه حسن پادشاه تبریز مشغول تحصیل علوم دینیه و مقدمات گردید و در سال ۱۳۳۱ ش مشرف به بلده طیبه قم گردیده و پس از اتمام سطوح عالی از اساتید مشهور حوزه علمیه قم در جلسه‌ی بحث فقه سید الفضلاء والمجتهدین آیت‌الله العظمی شریعتمداری مدظله حاضر شده و در ابواب مختلف فقه از معظم‌له استفاده کرده، از قبیل اجاره، خمس، بیع، خیارات، کفارات صوم و صلوه و تقریرات و دراسات آن بزرگوار را از اول افعال صلوه الی آخر ابواب الصلوه در حدود هشتصد صفحه آماده طبع می باشد و در خلال این مدت هم در جلسه بحث اصول آیت‌الله العظمی امام خمینی حاضر و تقریرات درس معظم‌له را از اول مباحث الفاظ تا اقل اکثر ارتباطی نوشته‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

موسوی تبریزی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی موسوی تبریزی

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان تحصیلات کلاسیک در حد دوم راهنمایی، شروع به تحصیلات حوزوی در حوزهٔ علمیهٔ تبریز کردم و مقدمات علوم اسلامی را تا حد لمعتین در آنجا به اتمام رساندم. پس از آن، به مدت یک سال در تهران به تحصیل رسائل و مکاسب و نیز تدریس مقدمات مشغول بودم. در سال ۱۳۶۴ به قم آمدم. پس از پایان تحصیلات سطح در قم، در درس خارج فقه و اصول (عمدتاً در درس آقایان آیت الله مکارم و سبحانی) شرکت کردم.

همزمان در دورهٔ آشنایی با علوم جدید در مؤسسه در راه حق مشغول تحصیل شدم. در سال ۱۳۷۰ پس از پایان دورهٔ مؤسسه در راه حق، به عضویت دفتر همکاری حوزه و دانشگاه در آمدم و دورهٔ کارشناسی و کارشناسی ارشد روانشناسی را در آنجا گذراندم. ضمناً همزمان با تحصیل روانشناسی در دفتر همکاری، در درس خارج نیز شرکت می کردم. پس از پایان تحصیلات کارشناسی ارشد روانشناسی در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مشغول تحقیق در مسائل مربوط به علوم اسلامی و روانشناسی شدم.

حاصل این تحقیقات عمدتاً تاکنون در تألیف چندین کتاب خلاصه می شود که عبارتند از:

۱- روانشناسی سلامت با نگرشی به منابع اسلامی (کار گروهی).

۲- روانشناسی اجتماعی با نگرشی به منابع اسلامی (کار گروهی).

۳- در آمدی بر روانشناسی دین (همراه با جناب آقای آذربایجانی).

۴- بهداشت روانی با نگرشی به منابع اسلامی (کار گروهی که هنوز چاپ نشده است).

هم اکنون نیز مشغول تألیف پایان نامهٔ سطح ۳ حوزه با عنوان: «نقش رفتارهای دینی در بهداشت روانی» هستم.

موسوی تهرانی، علینقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علینقی الموسوی التهرانی از علماء بنام و دانشمندان عظام معاصر تهرانست.

تولد آنجناب در حدود سال ۱۳۲۵ قمری در تهران واقع شده و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح به قم مهاجرت نموده و از محضر اساتید بزرگ قم چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدتقی خونساری و دیگران استفاده نموده و در سال ۱۳۵۳ قمری بر حسب تقاضای عده‌ای از اهالی تهران از مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری قدس اللّه سره به تهران آمده و تا حال حاضر که حدود چهل سال است، به اقامه جماعت و ترویجات دینی و خدمات مذهبی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: مترجم معظم ما از دانشمندان موصوف بتقوی و فضیلت و معروف بکمال و متانت و دارای محاسن اخلاق و محامد آداب و مورد توجه مردم تهران و وثوق تمام مراجع گذشته و معاصر می‌باشند و از آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه العظمی نائینی و آیت‌اللّه العظمی خوئی و آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری و دیگران دارای اجازات جامع و مطلق می‌باشند و با این صفات از تظاهرات بر کنار و بوظائف دینی کوشا و ساعی میباشند.

دارای خاطرات عجیب و نوادر غریب میباشند از جمله صداقت تام و ارادت تمام به مرحوم عالم ربانی و آیه سبحانی حجهٔالاسلام و المسلمین حاج شیخ محمدتقی بافقی یزدی رحمه اللّه علیه داشتند و حکایات شگفت‌انگیزی از آن مجاهد حقیقی بخاطر دارند. و دیگر با مرحوم ثقهٔالاسلام و المحدثین حاج شیخ ابراهیم ترک (صاحب الزمانی) رفاقت خالصی داشتند و قصه عنایت وصله حضرت رضا علیه‌السلام را که مشهور میان علماء صالحین است از ایشان بلا واسطه نقل می‌نمایند.

صله حضرت رضا علیه‌السلام بمرحوم شیخ ابراهیم ترک

فرمودند مرحوم شیخ ابراهیم مقیم قم (که قبل از تدریس مرحوم آیت‌اللّه حایری همه روزه منبر رفته و حدیث می‌خواندند و مرثیه) حکایت کرد برای ما که به مشهد مشرف شدم و مدتی اقامت کردم تا پولم تمام شد. قصیده‌ای در مدح حضرت رضا علیه‌السلام سرودم و خواستم بروم برای تولیت بخوانم وصله بگیرم با خود گفتم چرا برای خود حضرت نخوانم پس استغفار کرده و بحرم مطهر مشرف و مدیحه را خواندم و تقاضای صله نمودم و نزدیک ضریح مطهر رفتم دستی با من مصافحه نمود و یک برگه ده تومانی در دست من گذارد فورا عرض کردم آقا جان کم است ده تومان دیگر رسید باز گفتم کم است تا شش یا هفت مرتبه ده تومان در دست من گذارده شد دیگر خجالت کشیده و تشکر نمودم و از حرم شریف بیرون آمدم نزدیک کفشداری دیدم مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ حسنعلی تهرانی (جد آیت‌اللّه مروارید معاصر در مشهد) با عجله می‌آید تا بمن نزدیک شد فرمود شیخ ابراهیم خوب با آقایم حضرت رضا علیه‌السلام روهم ریخته برایش مدیحه خوانده و صله می گیری. بده بمن صله حضرت را، من فوراً آن پولها را تقدیم داشتم ایشان گرفت و پاکتی بمن داد و برگشت و من پاکت را گشودم دیدم دو برابر آن پولست که حضرت مرحمت فرمودند.

آری و اللّه عادتهم الاحسان و سجیتهم الکرم. (کس بدین درگه نیامد بازگردد ناامید).

لم یخب الان من رجاه و من

حرک من دون بابه الحلقه

قضایای دیگری از آن مرحوم منقولست که برای اختصار از ذکر آن خودداری نمودم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

موسوی حجازی، جمال

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جمال موسوی حجازی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۸ شمسی پس از ورود به حوزه مشهد در کنار تحصیل دروس حوزوی، علاوه بر تدریس همان دروس به اشتغالات علمی در موضوع کلام، حدیث و تاریخ پرداخته و از این تحقیقات، تألیفاتی ارائه گردیده و چاپ شده است. ضمناً در محافل

گوناگون مذهبی به سخنرانی پرداخته و در مناسبتهای مذهبی در جوامع مختلف منبر رفته ام. علاو ه بر آن، در مواقع مختلف، سفرهای متعدد تبلیغی به شهرهای خراسان و مازندران داشته ام.

همچنین در ایام ممنوعیت مرحوم شهید هاشمی نژاد از منبر، در کانون و بحث و انتقاد دینی شعبه قوچان به جای ایشان عهده دار پاسخ به سوالات مذهبی بوده ام. در سال ۱۳۵۵ به قم مهاجرت نمودم و تاکنون در این شهر مقدس سکونت دارم. در طی این سالها به تحصیل، تدریس، تحقیق، تالیف و تبلیغ پرداخته ام. تألیفات اولین کتابم در مشهد، تالیف و چاپ شد به نام: «عقده ها و مشکلات مذهبی» که نسخه های این از چاپخانه توسط ساواک جمع آوری شد و از بین رفت. سپس کتاب «مشکلات مذهبی جوانان» را نشر نمودم و پس از آن، تألیفات متعددی چاپ و بعضی از آنها مکرر طبع و نشر نمودم که فهرست آنها در قسمت تألیفات آمده است.

غیر از کتب منتشره، تحقیقات و نوشته هایی شامل مباحث فقه، اصول، تفسیر، مباحث مهدویت، حدیث و کلام به صورت مخطوط و در دست تألیف دارم. تحصیل و تدریس: تحصیلات خود را در قم پی گرفتم و عمدتاً از محضر «حضرت آیت الله وحید خراسانی» استفاده نمودم. در کنار تحصیل به تدریس فقه و اصول و کلام در قم و تهران پرداختم. در بعضی از ایام هفته در موسسه اسلامی نارمک در تهران به تدریس لمعه و رسائل و در قم به تدریس سطوح عالی اصول پرداختم. تبلیغ:عمدتاً در تهران و بعضاً در شهرستانها به تبلیغ پرداخته و بعضی ایام هم در کشورهای عربی منبر رفته ام برای فارسی زبانان.

موسوی حرمی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زمین‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

موسوی خادم، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید مرتضی بن السید الجلیل السید محمد بن العالم التقی السید مراد (امام جمعه) آمل از سادات بزرگوار شهر ری و دارای نفس قدسی و از خدام والا مقام حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام بوده‌اند، وی تولدش در حدود ۱۲۸۰ ق در شهر ری واقع شده و در بیت عزت پرورش یافته و مانند مرحوم والدش افتخار خدمت سید الکریم را داشته و از جهت تقوا و پاکی مورد توجه و علاقه شدید مردم ری بوده و مردم بدعاء و تأثیر نفس او توجه مخصوصی داشتند (حضرت آیت‌اللّه العظمی مرعشی فقیه) و نسابه عصر میفرمودند ایشان از سادات مرعشی آمل هستند که بموسوی شهرت یافته‌اند) وی بیش از هشتاد سال با مجد و عزت زندگی و در سال ۱۳۶۳ قمری رحلت نموده و در بین‌الحرمین در پای درب مقبره (ناصرالدین شاه) مدفون گردید.

دارای فرزندان متعددی میباشد که دو نفر آنها در سلک لباس روحانیت بوده‌اند: ۱– مرحوم ثقه‌الذاکرین آقا سید تقی موسوی ۲– جناب سید الاطیاب حاج سید حسن موسوی، و از احفاد آن مرحوم است دانشمند و خطیب شهیر حاج سید محمد موسوی واعظ.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

موسوی خراسانی، ذبیح‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۴۸ ق)، عالم دینی و فقیه. وی از علمای بزرگ مشهد رضوی بود که در ۱۲۴۸ ق جانشین و عهده‌دار مقام پدر گشت. از آثارش: ترجمه‌ی «عیون اخبار الرضا (ع)»، به فارسی؛ شرح کتاب «الزکاه و الخمس»، از «الکفایهٔ» سبزواری؛ رساله‌ی «المواسعه و المضایقهٔ»؛ رساله‌ی «الطهارهٔ الکبری»؛ رساله‌ی «الطهارهٔ الصغری».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۳۰/ ۶)، الذریعه (۲۲۳/ ۲۳ ، ۱۲۰/ ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۲۴ –۵۲۳/ ۱۳)، مطلع الشمس (۴۰۳ –۴۰۲/ ۲)، معجم المولفین (۱۴۷/ ۴).

موسوی خلخالی، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید محسن موسوی خلخالی از علماء و خدمتگذاران دینی شمیرانست.

وی در نجف متولد و سالها در حوزه علمیه آن سامان کسب فیض و کمال نموده و از محاضر آیات عظام حکیم و خوئی و شیرازی

و شاهرودی و غیرهم فقها و اصولا استفاده نموده آنگاه به تهران منتقل و رحل اقامت به تجریش انداخته و در مسجد گیاهی اول خیابان سعدآباد (سر پل تجریش) به اقامه جماعت و وظائف دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

موسوی خواجوئی، محمد نجم‌الواعظین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل ادیب، و واعظ شاعر، امام جماعت مسجد تلواسکان، و از مؤلفین و مصنفین بوده.

از آثارش: ۱ – مرآت الاسرار، در مصائب، منظوم، به طبع رسیده، و در آنجا گوید: ۲ – مثنوی در تفسیر قرآن در سی مجلد دارد.

در اوایل محرم ۱۳۴۷ وفات یافته، جنب خواجوئی مدفون گردیده.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

موسوی خوانساری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه.

تولد: ۱۳۰۹، ق.، خوانسار.

درگذشت: ۲۹ دی ۱۳۶۳.

آیت‌الله سید احمد موسوی خوانساری، فرزند علامه سید میرزا یوسف موسوی، پس از طی مقدمات از محضر برادر خود، محمدحسن و آیت‌الله سید علی‌اکبر خوانساری به اصفهان مسافرت کرد و از محضر آیت‌الله محمدصادق اصفهانی و آیت‌الله عبدالکریم گزی و آیت‌الله محمدعلی تویسرکانی بهره‌مند شد. آنگاه به نجف اشرف مهاجرت نمود و یک سال از محضر آیت‌الله خراسانی و چندین سال از علامه طباطبایی یزدی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی استفاده نمود و در سال ۱۳۳۶ ق. به ایران مراجعت و به اراک آمد و از محضر آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی بهره‌مند شد. در سال ۱۳۴۲ ق. به قم رفت و تا سال ۱۳۶۹ ق. به تدریس پرداخت.

در سال ۱۳۶۹ ق.، با فوت حجت‌الاسلام یحیی سجادی تهرانی، به درخواست بازاریان تهران از آیت‌الله سید حسین بروجردی، وی به تهران آمد و در مسجد حاج سید عزیزالله بازار تهران اقامه‌ی جماعت و تدریس فقه نمود. آثار عملی وی به این شرح است: شرح مختصر النافع (در چند جلد که پنج جلد آن به طبع رسیده است)؛ حاشیه بر عروةالوثقی، توضیح المسائل؛ مناسک حج؛ العقائد الحقه (به زبان عربی، ۱۳۹۹ ق.). وی از صدقات جاریه به ساخت مساجد و تعمیر مدارس علمی و بنای حسینیه‌ها و درمانگاه‌ها و غیره پرداخت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

موسوی خوانساری، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۵۸ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «زادالمعاد» وزیری، دوازده سرلوح مذهب عالی، نسخ و رقاع کتابت خفی خوش و نستعلیق کتابت خفی متوسط، با رقم: «اقل السادات محمد بن هاشم بن محمد الموسوی الخوانساری... تحریر پذیرفت فی شهر ربیع الثانی من شهور سنهٔ ۱۲۵۸».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۳۶/ ۴).

موسوی دریاباری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی موسوی دریاباری

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حضرت آیت الله سیدعلی موسوی دریاباری مشهور به دریاباری در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در خانواده پاک و متدین، در شهرستان آمل از توابع استان مازندران دیده به جهان گشود. پس از گذراندن دوران تحصیلات ابتدائی، راهنمائی و متوسطه در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه آمل گردید. تحصیلات مقدماتی را در همان دیار و زیر نظر استاد ابراهیمی گذراند.

برای تکمیل تحصیلات حوزوی و گذراندن دوره سطوح عالی حوزه علمیه در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه مشهد گردید و در درس «حضرت آیت الله صالحی» حاضر گردید. در سال ۱۳۷۴ وارد حوزه حلقه درس خارج فقه و اصول «آیت الله اشرفی شاهرودی» گردید و تا کسب رتبه اجتهاد دست از تلاش و کوشش جهت کسب و علم اندوزی دست بر نداشت.

ایشان اکنون علاوه بر اینکه در حوزه علمیه مشهد مشغول تدریس و پرورش طلاب جوان می‌باشد؛ در حرم رضوی نیز پاسخگوی شبهات زائران حضرت امام رضا (ع) می‌باشد. در ضمن نامبرده دارای تألیفاتی در زمینه‌ای مختلف می‌باشد که در روزنامه قدس و ... به چاپ رسیده است.

موسوی دزفولی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدعلی فرزند حاج سید عبداللّه بن آقا سید عبدالکریم موسوی دزفولی یکی از معاریف سادات گوشه عالم جلیل‌القدر و فقیه کامل متبحر در رجال و حدیث و دارای ذهنی عجیب بوده تولدش در ماه صفر ۱۲۷۵ در دزفول اتفاق افتاده و از عم خود آقا سید حسین و آقا شیخ محمدحسن انصاری فقه و اصول را فراگرفت

و از حاج شیخ فضل‌اللّه نوری در تهران نیز مستفیذ شده یکسال هم در نجف اشرف بر سید یزدی و در کربلا نیز بر سید اسماعیل صدر و سید محمدباقر حجت شاگردی کرده و در دهم رمضان ۱۳۳۳ در دزفول دنیا را ترک گفت و نوشتجاتی چون حاشیه بر رسائل و همچنین در بعضی از مباحث اصول از خود بجای گذاشت

فرزندانش عبارتند از آقا سید اسداللّه متوفی ۱۳۶۱ و آقا سید مهدی ضیائیان متوفی ۱۳۷۸ و حاج سید فخرالدین فیض که هم‌اکنون از اهل فضل تهران و آقا سید جلال‌الدین عرفانی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی راد، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین موسوی راد

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای سید حسین موسوی راد در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) در شهرستان نیشابور دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی وارد حوزه علمیه گردید تا از خرمن پر بار حوزه های علمیه خوشه چینی نماید.

پس از ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگانی همچون: «مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی»، «آیت الله صالحی مازندرانی»، «آیت الله اعتمادی»، «آیت الله وحید» و ... کسب فیض کرد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته (فلسفه اسلامی) در مقطع کارشناسی در سال ۱۳۷۷ از دانشگاه فردوسی مشهد فارغ التحصیل گردید. ایشان ضمن تبلیغ در زندگی سراسر علمی خود جز به تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که مقالات «شیوها ی مدیریتی حضرت علی (علیه السلام)» و «جنبش نرم افزاری» از جمله آثار ایشان است.

موسوی رکنی، علی اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی اصغر موسوی رکنی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

خاطره پیشنهاد پدر بزرگوارم مبنی بر انتخاب تحصیلات حوزوی را هیچگاه از یاد نمی برم به ویژه آنکه پیشنهاد ایشان توام با روشنگری خاصی بود. بر اساس این پیشنهاد در سال ۱۳۵۴ برای شرکت در مدارس شبانه روزی و حوزه علمیه ای به سبک کلاسیک که در آن زمان در کشور لبنان دایر شده بود، به این کشور سفر کردم و مدرسه علمیه امام مهدی (عج) در لبنان با پذیرفتن طلاب جوان و آموزش زبان های عربی، فرانسوی، انگلیسی و نیز دروس جنبی جدیدی نظیر آشنایی با ادیان الهی (مسحیت و آیین یهود) سعی بر آن داشت تا طلبه های فارغ التحصیل آن مرکز با تکیه بر اندوخته ها و آموخته های همگام با زمان، به عرضه آیین پر بار اسلام بپردازند و به تمام معنا روحانیون اندیشمند، آگاه به شرایط عصر و نیز مجتهد در رشته های علوم حوزوی به جامعه عرضه کنند.

با گذشت یکسال از تحصیل در آن مدرسه و برداشتن گام های اولیه در علوم حوزوی، به خاطر شدت یافتن جنگ داخلی لبنان و عدم امکان ادامه تحصیل به کشورم ایران بازگشتم. طبیعی بود که در آن شرایط تحصیلات خود را در حوزه علمیه قم ادامه دهم. به خاطر علاقه وافری که به ویژه در سال های قبل از انقلاب به علوم حوزوی وجود داشت؛ سعی کردم که هنگام تابستان و تعطیلی حوزه علمیه قم نیز وقت را غنیمت بشمرم و از حوزه علمیه اصفهان که به صورت چهار فصل در ایام تابستان نیز دایر بود، استفاده کنم. مدرسه علمیه «ذوالفقار» اصفهان پایگاه اصلی حضور در کلاسهای درس بود.

با شروع حوادث تاریخ ساز انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۶ و سپس پیروزی آن در سال ۱۳۵۷ درس های حوزه های علمیه نیز تحت تاثیر این حادثه بزرگ قرار گرفت. حوزه های علمیه پس از وقفه ای کوتاه مجدداً با حال و هوای تازه به کار خود ادامه داد. بنده نیز همگام با شرایط آن ایام به تحصیل ادامه دادم و به تفصیل و اجمال از محضر اساتید بزرگوار خارج درس های حوزه علمیه قم بهره بردم. حضرات آیات «شیخ مرتضی حائری یزدی»، «سید محمد رضا گلپایگانی»، «وحید خراسانی»، «میرزا هاشم آملی»، «شبیری زنجانی» و «سید محمد روحانی» اساتید عمده فقه و اصول بنده بوده اند که افتخار اجازه اجتهاد را نیز از برخی از آنان دارم.

در کنار درس های پر بار حوزه علمیه قم، با توفیق الهی مدارک درس های کلاسیک مدارس را نیز به دست آوردم و با گرفتن مدرک دیپلم اقتصاد به دروس دانشگاهی روی آوردم که با طی مدارج کارشناسی و کارشناسی ارشد موفق به اخذ مدرک دکتری در رشته «فقه و مبانی حقوق اسلامی» شدم. در طی این سال ها یکی از افتخار آمیزترین عنوانی را که با خود همراه داشتم، شغل شریف معلمی بوده است که علاوه بر دروس حوزوی، از سال ۱۳۶۷ نیز به صورت حق التدریسی در دانشگاه تربیت مدرس تهران مشغول به کار شدم تا اینکه بالاخره در سال ۱۳۷۳ به صورت رسمی به عضویت هیئت علمی گروه «فقه و مبانی حقوق اسلامی» دانشگاه قم در آمدم. از آن سال تاکنون همواره دل گرمی اینجانب اظهار لطف و علاقه دانشجویان و بدست آوردن نمرات خوب از ارزیابی های دانشجویی بوده است (بر اساس صورت جلسه ارزیابی ها در کارگزینی دانشگاه قم) تا چه قبول افتد و چه در نظر آید. انشاء الله

موسوی زنجانی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالقاسم بن سید کاظم موسوی زنجانی متولد ۱۲۲۴ و متوفی ۱۲۹۲ ق عالمی بزرگ و مجتهدی بزرگوار و رئیسی مطاع در زنجان بوده و در کتاب (المآثر والاثار) او را یاد کرده و بسیار ستوده است دارای سه فرزند دانشمند جلیل‌القدر و عظیم‌المنزله به نامهای ۱- آیت‌اللَّه آمیرزا ابوطالب ۲- آیت‌اللَّه آمیرزا ابوعبداللَّه ۳- آیت‌اللَّه آمیرزا ابوالمکارم بوده چنانچه به آنها اشاره نمودیم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی زنجانی، ابوطالب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید میرزا ابوطالب بن السید القاسم بن سید کاظم موسوی زنجانی متولد ۱۲۵۷ و متوفی ۱۳۲۲ ق عالمی جلیل و محققی بزرگ و مصنفی جامع و با دو برادرش آیت‌اللَّه میرزا ابوالمکارم و آیت‌اللَّه آمیرزا ابوعبداللَّه خدمت مرحوم علامه آسید حسین کوه‌کمری

تلمذ نموده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی زنجانی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا موسوی بن حاج سید محمد از علماء معاصر تهرانند.

وی در تاریخ ۱۳۲۲ قمری در شهر زنجان دیده به جهان گشوده و در بیت علم و عظمت پرورش یافته و در سال ۱۳۴۶ قمری مهاجرت به قم نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری استفاده نموده و از خواص اصحاب ایشان گردیده و ضمناً تدریس متون فقه و اصول نموده تا سال ۱۳۵۶ قمری یک سال بعد از فوت مرحوم آیت‌اللّه حایری به تهران عزیمت و رحل اقامت انداخته و تا حال تحریر در قید حیات از محترمین دانشمندان تهران بشمار می‌روند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی زنجانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۵ -۱۲۸۴ ق)، عالم دینی، فقیه و حکیم. در زنجان به دنیا آمد و در خانواده‌ی علم و دانش و سیادت پرورش یافت. پس از فراگیری ادبیات و قسمتی از سطوح به تهران آمد و در فلسفه و معقول از محضر حکیم میرزا ابوالحسن جلوه و علامه آقا علی حکیم نوری استفاده نمود. سپس به نجف رفت و در محضر علامه آخوند خراسانی و دیگر علما تلمذ نمود و پس از رسیدن به مقام اجتهاد به زنجان بازگشت و عهده‌دار مرجعیت امور دینی مردم و تدریس گردید و شاگردان از اطراف به گردش جمع شدند و او در آنجا تشکیل حوزه‌ی علمیه داد. در زنجان درگذشت. پیکرش به کربلا منتقل و در رواق حضرت ابوالفضل (ع) دفن شد. از آثارش کتابی در «فقه» می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۲۵۰/ ۵)، معجم المؤلفین (۱۷۵/ ۱۱).

موسوی زنجانی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدباقر بن آقا سید فتح‌اللّه موسوی زنجانی متوفی ۱۳۱۷ ق از تلامذه علامه میرزا حبیب‌اللّه رشتی بوده است

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی زنجانی، یعقوب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای حاج سید یعقوب از علماء اخیار و دانشمندان ابرار عالمی متقی و فاضلی پارساست: بالغ بر چهل سال است که وی را می‌شناسم مکروهی از او ندیده‌ام در حدود سی‌سال قبل سال ۱۳۶۴ ق که در مشهد مقدس (مدرسه نواب) اقامت داشتم و از دروس اساتید مشهد چون مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی و آیت‌الله حاج شیخ هاشم قزوینی و آیت‌الله حاج شیخ کاظم مهدوی دامغانی استفاده می‌کردم ایشان به عزم زیارت مشرف و به منزل نگارنده وارد شدند از اخلاق حسنه و انفاس قدسیه او استفاده کردم از همان وقت او را دانشمندی پرهیزکار و اهل مطالعه و ذاکر یافتم در یک هفته کنزالعرفان فی فقه القرآن فاضل مقداد را از اول تا آخر مطالعه کرده و مقداری هم با هم مذاکره نمودیم.

معظم‌له از مسقط الراس خود در اواخر مرحوم آیت‌الله حایری مهاجرت به قم نموده و سطوح اولیه و عالی را از اساتید حوزه آیت‌الله زنجانی و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی و آیت‌الله داماد و آیت‌الله گلپایگانی و بعضی دیگر فراگرفته و به درس سیدنا الاستاد مرحوم آیت‌الله العظمی حجت حاضر شده و بالغ بر ۱۸ سال هم از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و تا هم اکنون از شرکاء درس آن جناب می‌باشد و ضمنا تدریس فقه و اصول هم می کنند.

آثار علمی ایشان تقریرات و دراسات فقه و اصول آیات عظام و اساتید کرام حوزه است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌الله سیدعبدالاعلی موسوی سبزواری، فقیه، مفسر و قرآن‌پژوه بزرگ جهان تشیع و از مفاخر علمی و برجسته اسلام در دوره معاصر است که عمر شریف خویش را در نشر و گسترش معارف اسلام و قرآن مصروف داشت. وی در ۱۸ ذی‌الحجه ۱۳۲۸ هـق، مصادف با عید غدیر خم، در سبزوار دیده به جهان گشود. دوران کودکی و نوجوانی را تحت سرپرستی پدر بزرگوارش طی کرد و مقدمات ادبیات عرب، فقه، اصول و ... را از پدر و عمویش، آیت‌الله «سیدعبدالله برهان» (م ۱۳۸۴ هـق) فراگرفت و تا سن چهارده سالگی در زادگاه خود به تحصیل مقدمات علوم اسلامی و عربی پرداخت. در سال ۱۳۴۲ هـق به مشهد مقدس رفت و در آن‌جا از محضر بزرگانی چون علامه میرزا «عبدالجواد ادیب نیشابوری» (م ۱۳۴۴ هـق)، میرزا عسکر شهیدی، معروف به آقا بزرگ حکیم (م ۱۳۵۴ هـق)، آیت‌الله سیدمحمد عصار لواسانی (م ۱۳۵۶ هـق) و شیخ علی‌اکبر نهاوندی (م ۱۳۶۹ هـق) بهره برد. مرحوم آیت‌الله سبزواری پس از حدود هشت سال اقامت در مشهد، برای تکمیل دروس سطح فقه و اصول و نیز فلسفه و تفسیر و دیگر علوم اسلامی عزم سفر نجف اشرف کرد و در آن شهر در درس آیات عظام مرحوم نائینی (م ۱۳۵۵ هـق)، آقا ضیاءالدین عراقی (م ۱۳۶۱ هـق)، شیخ محمدحسین غروی اصفهانی (م ۱۳۶۱ هـق)، سیدابوالحسن اصفهانی و سیدحسین بادکوبه‌ای (م ۱۳۵۸ هـق) شرکت و آموخته‌های فقهی و فلسفی خویش را تکمیل کرد. وی تفسیر قرآن و مناظره و کلام را با حضور در جلسات تفسیری علامه «محمدجواد بلاغی» فراگرفت. او همچنین از علامه مامقانی (م ۱۳۵۱ هـق) و شیخ عباس قمی (م ۱۳۵۹ هـق) و دیگر مشایخ و استادان خود اجازات روایتی و اجتهادی کسب کرد و در حالی که ۳۶ سال داشت، در سال ۱۳۶۵ هـق خود عهده‌دار تدریس خارج فقه و اصول شد و به تربیت شاگردان و دانشوران پرداخت. آیت‌الله سبزواری در کنار فقیه برجسته اهل بیت(ع)، آیت‌الله سیدابوالقاسم خوئی (م ۱۴۱۳ هـق) خدمات شایانی به حوزه نجف اشرف کرد و چراغ فقاهت را در آن حوزه نورانی نگه داشت و خود چیزی کمتر از یک سال ـ بعد از آیت‌الله خوئی ـ عهده‌دار ریاست آن حوزه علمی شد. سرانجام این فقیه فرزانه و مفسر عالی‌قدر تشیع و عالم وارسته، بعد از عمری تدریس و تحقیق و تألیف و مجاهدت در روز دوشنبه ۲۵ مرداد ۱۳۷۲ هـش (۲۷ صفر ۱۴۱۴ هـق)، مصادف با شب رحلت رسول خدا(ص) و شهادت امام حسن مجتبی(ع) در نجف اشرف درگذشت و به دیدار حق شتافت که البته برخی معتقدند که وی توسط رژیم بعث عراق مسموم و شهید شده است.

برگرفته از کتاب :راسخون

موسوی شاهرودی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۲۷۲، یکی از روستاهای شاهرود.

درگذشت: آبان ۱۳۶۸، مشهد.

آیت‌الله حسین موسوی شاهرودی علوم مقدماتی را در شاهرود و حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد مقدس فراگرفت و سپس به نجف اشرف عزیمت نمود. پس از اقامت در این شهر و استفاده از محضر اساتیدی چون آیات عظام اصفهانی و ضیاءالدین عراقی و به ویژه آیت‌الله سید محمود شاهرودی به وطن بازگشت و در حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد به تدریس پرداخت. وی سال‌ها در مشهد به اقامه‌ی جماعت و ترویج دین و تدریس پرداخت. وی در زمانی که در نجف اشرف بود، تقریرات دروس اساتید خود را تألیف و به رشته تحریر درآورد. از ایشان تألیفاتی در فقه و اصول و تفسیر به یادگار مانده است.

آقای حاج آقا حسین موسوی شاهرودی از علماء مبارز و ائمه جماعت معاصر مشهد مقدس می‌باشند. تولد ایشان در شهرستان شاهرود بوده و در اینجا نیز اجمالاً متذکر شدیم که معظم‌له در بالاـ خیابان مشهد ساکن و در یکی از مساجد همان منطقه اقامه جماعت می‌نمایند.

فرزند برومند ایشان جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد موسوی شاهرودی یکی از چهره‌های درخشان روحانیون مشهد و افاضل معاصر آن سامان است که سالهای متمادی در نجف اشرف اقامت و از محاضر آیات عظامی چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللّه العظمی خوئی و دیگران استفاده نموده تا به مدارج عالیه فضل رسیده و به مشهد مقدس مراجعت و به تدریس فقه و اصول اشتغال و اکنون از مدرسین به نام مشهد می‌باشند.

آیت‌اللّه شاهرودی دارای دامادهای ارجمندی از فضلاو و خطباء می‌باشند و یکی از آنها مرحوم ثقه‌الاسلام والمحدثین حاج شیخ احمد کافی واعظ خراسانی بود.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

موسوی شاهرودی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد موسوی شاهرودی فرزند سید جلیل و عالم نبیل آیت‌اللّه حاج‌آقا حسین موسوی شاهرودی فرزند آقاسید محمد فرزند عالم ربانی حاج سید علی موسوی ابرسجی (شاه چراغی) (صاحب مزار معروف در ابرسج شاهرود) از افاضل و مدرسین سطوح عالی و ائمه جماعت معاصر مشهد مقدس می‌باشند.

وی در سال ۱۳۱۲ شمسی برابر ۱۳۵۴ قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و تا چهار سالگی را در آنجا بوده و در سال ۱۳۵۸ قمری در معیت والد ماجدش به ایران و مشهد مقدس آمده و در تحت پرورش پدر بزرگوارش تربیت یافته و بعد از خواندن دروس ابتدائی و مقدماتی به تحصیل علوم دینی پرداخته و در سال ۱۳۶۶ قمری پس از رحلت آیت‌اللّه العظمی آقای سید ابوالحسن اصفهانی به نجف اشرف عزیمت نموده و سطوح را نزد اساتید حوزه نجف تکمیل سپس به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محسن حکیم و آیت‌اللّه حاج میرزا باقر زنجانی و آیت‌اللّه حاج سید محمود شاهرودی حاضر و استفاده کافی نموده و آنگاه به ایران مراجعت و در حوزه مشهد مقدس به تدریس سطوح عالی و سایر و وظایف روحی خود بالخصوص اقامه جماعت در مسجد (حوض لقمان میدان شهداء) که مرحوم والدش اقامه جماعت می‌نمود پرداخته و تا حال تحریر (سال ۱۴۱۲ قمری برابر ۱۳۷۰ شمسی) اشتغال دارند.

دارای فرزندانی فاضل می‌باشند که دو نفر آنان ۱- سید محمود موسوی ۲- آقا سید مرتضی در قم مشغول به تحصیل و تکمیل مبانی علمی می‌باشند و آقا مرتضی داماد حجهٔالاسلام حاج سید کاظم لواسانی فرزند آیت‌اللّه حاج میرزا حسن لواسانی است. برادران بزرگوار ایشان نیز آقایان حاج سید باقر و حاج سید هادی موسوی از فضلای معاصرند که در مشهد مقدس و قم اشتغال به وظائف روحی و دینی دارند.

دامادهای ارجمندی دارند به نامهای زیر:

۱- حاج شیخ حسن عامری شاهرودی

۲- حاج شیخ علی صدیق شاهرودی

۳- حاج شیخ مهدی بخارائی مشهدی

۴- آقا حاج سید مصطفی حسینی شاهرودی فرزند آیت‌اللّه حاج سید محمد شاهرودی از افاضل و دانشمندان معاصرند که در مشهد و شاهرود و قم و تهران به خدمات روحی و اجتماعی اشتغال دارند.

خواهرزاده ایشان جناب حاج شیخ محسن کافی فرزند مرحوم حجهٔالاسلام و واعظ شهیر حاج شیخ احمد کافی داماد گرامی نگارنده است که نعم‌الخلف مرحوم کافی دارای مقام فضل و کمال خصوص از سخنوران و خطیبان معاصر در حوزه علمیه قم می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

موسوی شبستری، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مسعود موسوی شبستری

محل تولد : شهر ری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۶۷ دیپلم تجربی گرفتم و سال ۶۸ وارد دانشگاه شدم. دانشکده پزشکی دانشگاه شهید بهشتی. امّا به خاطر علاقه وافر به علوم حوزوی و با مشورت با بعضی بزرگان به حوزه علمیّه وارد شدم. سال اول در مدرسه علمیّه «برهان شهری» و سالهای بعد در قم. درس رسائل نزد «آیت الله موسوی تهرانی»، لمعتین نزد استاد «قاروبی»، فلسفه را نزد «مرحوم مهدوی» آغاز کردم. دروس فلسفی استاد «عابدی» و «آیت الله مصطفوی» را ادامه دادم. تفسیر در درس «آیت الله جوادی آملی» به مدت ۶ سال درباره عقاید، و اخلاق نیز از محضر اساتید حاضر بهره گرفتم.

درس خارج اصول و فقه را نزد «آیت الله احمدی فقیه یزدی» آغاز کردم و بهره ها بردم. از درس خارج حضرت «آیت الله شیخ جواد تبریزی» نیز بهره ها بردم. روی کتاب ۴۰ حدیث حضرت امام (قدس سره) یکسال و نیم در گروه پژوهشی تحقیق کردم (مدخل بندی ۶۳ مرض) به سفارش مرکز مطالعات بسیج سپاه پاسداران. چند روزه این کتاب را تدوین نموده ام، البته تدوین معمول در حوزه هم داشته ام.

هم اکنون در معاونت تبلیغ حوزه در واحد نقد و تدوین کتب درسی آموزشی و پرورشی در همکاری با وزارت آموزش و پرورش، مشغول به فعّالیت هستم. کتاب اخلاق رشته معارف را تالیف می کنم. و بر تألیف کتاب های درسی دیگر نظارت می کنم.

موسوی شوشتری جزایری، عبدالصمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالصمد بن سید احمد بن سید محمد بن سید طیب بن سید محمد بن سید نورالدین بن سید نعمت‌اللّه موسوی شوشتری جزایری فقیهی بزرگوار و عالمی جلیل‌القدر و محققی دقیق بوده.

در ذی‌حجه ۱۲۴۳ در شوشتر متولد و مقدمات را در شوشتر خوانده و بعد مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر شیخ مرتضی انصاری و میرزاء بزرگ مجدد شیرازی و اعلام دیگر استفاده نموده تا به مقام رفیع علم و فقاهت رسیده و به شوشتر برگشته و مرجع امور دینی گردیده.

و مردم اقبال به وی نمودند و به وظائف شرعی قیام نمود و به سبب افسردگی از مردم شوشتر مهاجرت به نجف نمود و مدتها در آنجا به عبادت و تألیف پرداخت تا مردم شوشتر التماس فراوان نموده و مراجعت وی را خواستند که به شوشتر برگردد. و رهبر و ملجاء و مرجع آنها باشد پس قبول نمود و به شوشتر آمده و به وظائف شرعی پرداخت تا در دهم جمادی‌الثانیه سال ۱۳۳۷ ق وفات و حمل به نجف و در مقبره سید علی شوشتری مدفون شد.

تألیفات او از اینقرار است.

۱- (المحاکمات بین صاحب قوانین و صاحب فصول)

۲- رساله‌ای در (وجوب اخفات در اخیرتین)

۳- نظم الکافیه

۴- حاشیه بر رسائل

۵- نقد البیان

۶- فصل الخطاب

۷- التحفهٔ النظامیه و چند کتاب دیگر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی شیرازی، احمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد بن سید عبدالکریم موسوی شیرازی عالمی متبحر بوده تالیفاتی دارد که از آنهاست (کشف‌الاسرار) در جبر و اختیار و قضاء و در حدود ۱۲۵۰ ق وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی شیرازی، عبدالباقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالباقی بن سید محمدباقر بن سید محمد بن سید محمدباقر موسوی شیرازی فقیهی بارع و عالمی جلیل و مجتهدی بزرگوار از شاگردان آیت‌اللّه العظمی آشیخ محمدکاظم خراسانی و آیت‌اللّه حاج میرزا حسین خلیلی و آیت‌اللّه شریعت اصفهانی یکی از مراجع بزرگ استان فارس و شیراز و سرسلسله خاندان آیهٔ‌اللهی شیراز بوده تولدش در حدود ۱۲۹۰ ق و وفاتش در سال ۱۳۵۴ ق در شیراز واقع است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی شیرازی، محمدطاهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدطاهر بن سید محمدعلی موسوی شیرازی دانشمندی بارع و فاضلی متقی از شاگردان آیت‌اللّه العظمی میرزای بزرگ شیرازی و در شیراز مرجع از امور دینی مردم بوده ودر سال ۱۳۴۵ وفات نموده است.

و ایشانست والد ماجد حجتی‌الاسلام والمسلمین آیت‌اللّه حاج سید عبداللّه طاهری شیرازی یکی از مراجع علمی معاصر نجف و آیت‌اللّه حاج سید محمدجعفر طاهری شیرازی از علماء اعلام معاصر شیراز.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی طسوجی، محمدهاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند عالم زاهد میر عبداللّه موسوی که نسبش با بیست و پنج واسطه به امام موسی بن جفر علیه‌السلام منتهی می‌شود آن مرحوم از علماء فاضل و دانشمند و در علوم متنوعه صاحب نظر و مخصوصاً در فقه و اصول و حدیث دارای تحقیقات ارزنده و تتبعات کثیره می‌باشد و علاوه بر مراتب بالا دانشمند مزبور در ادب و موعظه و خطابه توانا و در هدت ذهن وجودت حافظه فردی کم‌نظیر بوده است اشعار عربی و ترکی و فارسی که از ایشان به یادگار مانده نشانه قریحه سرشار و طبع لطیف و ذوق سلیم او می‌باشد.

لایخفی آن مرحوم به نجف نرفته ولی از بعض مراجع نجف اجازه اجتهاد داشت آثار چندی از او به یادگار مانده است که هنوز چاپ نشده است تولدش در سال ۱۲۹۵ وفاتش در سال ۱۳۵۸ قمری واقع شده از تألیفاتی که از آن مرحوم بطبع رسیده کتب زیر است:

۱- ذخر المساکین در ادعیه

۲- رجوم الشیاطین در عقاید ۳- چند رساله در احکام اموات و طلاق زوجه غایب و رد نظریه فیلسوف مشهور داروین

۴- شرح الاربعین در شرح چهل حدیث

۵- شفاء الصدور در تفسیر سوره قدر

۶- مجالس الاصول

۷- مرقاۀ التقی در شرح قضاء غروه الوثقی.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی علوی خوانساری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، استاد، عالم دینی.

تولد: ۱۲۷۸، خوانسار.

درگذشت: ۱۳۶۸.

آیت‌الله سید حسین موسوی علوی خوانساری در اوان کودکی پدرش را از دست داد و تحت سرپرستی جد بزرگوارش سید علی مجتهد پرورش یافت. دوران مقدماتی درس را در زادگاهش و سطوح وسطی را در اصفهان طی نمود و سپس برای تحصیلات به نجف اشرف رفت و از محضر علمایی همچون آیت‌الله نایینی، آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و اساتید دیگر بهره برد و پس از پایان دوران تحصیل به زادگاهش بازگشت و به سرپرستی حوزه‌ی علمیه‌ی خوانسار همت گماشت. آثار ایشان عبارتند از: دوره‌ی تقریرات اصول نایینی، رساله‌ی تحقیقی در صلوۀ مسافر (تقریر آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، ۱۳۷۳)؛ خارج کفایه تقریرات آخوند خراسانی؛ فقه سید محمدکاظم یزدی.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

موسوی فراز، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضا موسوی فراز

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اتمام دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه قم شدم. در ضمن درس های حوزه، دروس دبیرستان را در رشته ریاضی فیزیک ادامه دادم و همزمان با جنگ بحمدالله به اتمام رسید. حدود سال ۶۷ مقدمات را که در مدرسه رضویه مشغول بودم تمام شد. و برای درس های سطح در درسهای عمومی شرکت می کردم. در سال ۷۱ همزمان با درس رسائل و مکاسب، تحصیل در دروس «موسسه در راه حق» (نام سابق موسسه امام خمینی) را شروع کردم و مقطع کارشناسی در سال ۷۶ به اتمام رسید.

سپس کارشناسی ارشد در رشته «دین شناسی» را آغاز کردم و در مهر ۱۳۸۲ پایان نامه را دفاع کردم. در سال ۱۳۸۵ از نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها مجوز تدریس در دروس «گرایش مبانی نظری اسلام» را دریافت کردم. از سال ۱۳۸۲ تاکنون در مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی (حجتیه) در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد به تدریس ادیان، کلام، آشنایی با عرفان،

شبهات کلامی و ... مشغول هستم. و در این مدت راهنمایی، مشاوره و داوری چندین پایان نامه را به عهده گرفته ام.
زمان تحصیل در مقطع سطح دروس حوزه به عللی از جمله تأمل روی دروس، طولانی شد و حدود سال ۱۳۷۹ در درس خارج «آیهٔ الله مرحوم میرزا جواد تبریزی» به مدت یکی، دو سال شرکت کردم. ولی به علت اشتغال به پایان نامه و کارهای تحقیقی نتوانستم درس خارج را ادامه دهم. در سال ۱۳۸۶ در مقطع دکتری رشته «ادیان» موسسه امام خمینی پذیرفته شدم و مشغول تحصیل و تحقیق هستم.

موسوی فضیلت، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید مهدی بن المرحوم الحاج السید جواد موسوی از فضلاء مروجین و ائمه‌ی جماعت معاصر شهر ری می‌باشند. وی در سال ۱۳۴۵ قمری در جوار سید الکریم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام متولد و پس از خواندن دروس جدید تا ششم ابتدائی بتشویق و ترغیب نگارنده برای تحصیل علوم عربی و ادبی به قم مهاجرت نموده و مقدمات و سطوح را از مدرسین حوزه فراگرفته و متون فقه و اصول نهائی را آموخته و چندی از درس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده کرده و در سال ۱۳۷۰ قمری در شهر ری بخدمات دینی و روحی و اجتماعی از قبیل تربیت و تعلیم اطفال به اشاره و تصویب مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حجت- ره- پرداخته و برای این منظور تاسیس دبستان ملی (موسوی فضیلت) و از این راه خدمتی به فرزندان مسلیمن نموده و ضمنا در مسجد حضرت (مسلم بن عقیل علیه‌السلام) به اقامه جماعت و تبلیغ احکام اشتغال دارند.
نگارنده گوید: آقای موسوی فضیلت از روحانیون اخیار و علماء ابرار و مروجین عالی مقدار شهر ری و مورد علاقه مردم ری می‌باشند و حقیر که نزدیک چهل سال است با وی دوستی و اخوت دارم مکروهی از او ندیده و وی را به تقوا و ورع یافته و اهل توسل و ولایت دیده‌ام.
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

موسوی قافله باشی، محمدهادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد هادی موسوی قافله باشی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات حوزوی را از سال ۱۳۴۹ ابتداء در مدرسه آیت الله گلپایگانی و در ادامه مدرسه رضویه و حقانی ادامه دادم. دروس سطح را در محضر اساتید بزرگوار چون: «حضرت آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی»، «وجدانی»، «اعتمادی»، و ستوده و دروس خارج فقه، اصول، منظومه، حکمت و تفسیر در محضر اساتید بزرگوار حضرات آیات: «نوری همدانی»، «مکارم شیرازی»، «مشکینی»، «جوادی آملی»، «خزعلی» و مدتی در محضر «آیت الله تبریزی» و «وحید خراسانی» تلمذ نمودم و سفرهای تبلیغی فراوان قبل از انقلاب و در دوران مبارزات به نقاط مختلف کشور داشته ام. و چندین بار در خمین و دلیجان پس از منبر و خارج شدن از مسجد تحت تعقیب مأموران نظام شاهنشاهی قرار گرفتم که با کمک مردم فرار نمودم و یکبار در درگیری خیابانی مجروح و به بیمارستان منتقل و مدتی در بیمارستان، پس از عمل جراحی بستری بودم، تهیه و توزیع رساله، نامه ها، نوارهای سخنرانی و عکس امام (ره) که دو بار در همین رابطه دستگیر گردیدم.
پس از پیروزی انقلاب اسلامی حدود ۲ سال در جبهه های نبرد شرکت نمودم و چند سفر تبلیغی به خارج از کشور از جمله جمهوریهای شوروی سابق در زمان قبل از فرو پاشی داشته ام. تعدادی مقاله برای همایشهای مختلف ارسال داشته ام و از فعالیت های حوزوی بنده مدتی تدریس و تأسیس مدرسه علمیّه امام هادی (ع) در اسفروین قزوین برای برادران و مدرسه علمیّه الزهراء (س) برای خواهران و مدیریت آن بوده است. حاصل مدرسه علمیه امام هادی (ع) طلابی بوده است که اینک به عنوان روحانی مستقر در نقاط مختلف در خدمت اسلام و انقلاب می باشند. از فعّالیّت های عمرانی و فرهنگی ساخت چندین مسجد، کتابخانه، سالن ورزشی، مصلای بزرگ امام خمینی (ره) اسفراین، مدرسه و ... بوده است. که امیدوارم مورد رضای خاطر شریف امام عصر(عج) واقع گردد و مایه نجات و عاقبت بخیری و عافیت دین و دنیای آخرت ما قرار بگیرد. انشاءالله.

موسوی قافله باشی، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مرتضی موسوی قافله باشی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۳ پس از اخذ دیپلم علوم تجربی به تحصیل در حوزه علمیه قم مشغول شده و پس از طی دوره ادبیات در مدرسه «ابوالصدق» دوره سطح را در محضر اساتیدی چون آیات: «استادی»، «اشتهاردی»، «عراقچی» و «وجدانی فخر» کتاب شرح لمعه و «سید احمد خاتمی» اصول فقه و درس عقاید را نزد «حضرت آیت الله سبحانی» و «آیت الله خرازی» و ملل و نحل و رجال را نزد «آیت الله سبحانی» و دروس علوم قرآنی را نزد «آیت الله معرفت» تلمذ نمودم.

سپس مکاسب را نزد «آیت الله پایانی» و رسائل را نزد «آیت الله اعتمادی» تحصیل کردم. سپس دروس تفسیر «آیت الله جوادی آملی» و در درس خارج فقه «حضرت آیت الله تبریزی» و خارج اصول «آیت الله وحید خراسانی» (حفظه الله) شرکت می کنم. از سال ۶۸ به تدریس ادبیات و از سال ۷۱ به تدریس فقه و اصول و تفسیر در مدارس طلاب غیر ایرانی و در مدرسه علمیه «الهادی» علیه السلام مشغول هستم.

موسوی قزوینی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی موسوی قزوینی فرزند آقاسید اسماعیل قدس‌اللّه سرهما از اعاظم آیات و اکابر فقها عصر خود در قزوین بوده است.

در ماه ربیع‌الاول ۱۲۳۷ قمری هجری در شهرستان قزوین به دنیا آمده و در بیت رفیع علم و تقوا پرورش یافته و در سنین کودکی پدر را از دست داده و در تحت سرپرستی دائی عزیزش مرحوم علامه سید رضی قزوینی نشو و نما یافته و با ارشاد آن جناب تکمیل مقدمات علوم و تحصیل مبانی فقه پرداخت سپس در سال ۱۲۶۲ قمری به کربلاـ معلی مهاجرت نمود و از آنجا به نجف اشرف مشرف شده و از محضر و دراسات آیات عظام و فقهاء کرام آن سامان استفاده نموده و تا به مقام رفیع علم و اجتهاد رسیده و پس از آن به قزوین و به تدریس و تألیف و تصنیف کتب مفیده علمی مشغول گردیده که متاسفانه تاکنون به زیور طبع آراسته نشده است.

اساتید و مشایخ اجازه آن مرحوم

۱- علامه کبیر شیخ محمدحسن صاحب جواهر متوفی ۱۲۶۶ هجری قمری.

۲- خاتم الفقهاء و المجتهدین شیخ مرتضی انصاری متولد ۱۲۱۴ و متوفی ۱۲۸۱ قمری.

۳- فقیه بارع حاج سید رضی قزوینی (ره).

۴- سیدالفقهاء آقا سید ابراهیم قزوینی صاحب کتاب ضوابط.

۵- و بعضی دیگر از مفاخر از دانشمندان آن عصر.

شاگردان آن بزرگوار

بسیاری از علماء و دانشمندان آن زمان از محضر آن مرحوم کسب فیض و علم نموده‌اند که از مشاهیر آنان نامبردگان زیر است:

۱- حاج ملا محمدباقر هیدجی بن حاج معصوم علی

۲- حاج شیخ عبداللّه مازندرانی متولد ۱۲۵۹ و متوفی ۱۳۳۱ قمری

۳- آخوند ملا فتح‌اللّه سبزواری

۴- سید حسین اللّه‌آبادی متوفی ۱۳۰۰ قمری

۵- سید حسین اشکوری متوفی ۱۳۴۹ قمری

۶- حاج شیخ شعبان گیلانی نجفی متولد ۱۲۷۵ و متوفی ۱۳۴۸ قمری

فرزند ارجمندش عالم جلیل حاج سید محمدباقر موسوی قزوینی از شاگردان میرزا حبیب‌اللّه رشتی و فاضل شربیانی و میرزا محمدحسن مجدد شیرازی بوده است.

مرحوم علامه فقیه و حکیم متاله حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی از اسباط ایشان بوده است که در ۱۳۱۵ قمری به دنیا آمده و در سال ۱۳۹۶ قمری از دنیا رفته و در مسجد بالاسر قم مدفون شده که نگارنده در جلد چهارم گنجینه دانشمندان و معجم القبور و وفیات الاعلام او را یاد نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

موسوی کجوری، ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالفضل موسوی کجوری فرزند محمدباقر موسوی ، در سال ۱۲۹۴ ش. در قریه میر کلا کجور مازندران متولد شد. در سال ۱۲۹۴ شمسی جهت تحصیل به تهران رفت و در مدرسه سپهسالار به تحصیل علوم قدیمه پرداخت. در سال ۱۳۰۲ شمسی به خدمت عمادالکتاب رسید و به آموختن فن خط پرداخت. استاد موسوی در سال ۱۲۸۲ به خدمت عمادالکتاب رسید و به آموختن هنر خط مشغول گردید. او پس از ده سال هنر آموزی در مکتب عمادالکتاب ، از دست وی به دریافت گواهینامه خوشنویسی نائل آمد.گروه : هنررشته : خوشنویسیوالدین و انساب : سید ابوالفضل موسوی کجوری فرزند محمدباقر موسوی ، در قریه میر کلا کجور مازندران متولد شد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید ابوالفضل موسوی کجوری در سال ۱۲۹۴ شمسی جهت تحصیل به تهران رفت و در مدرسه سپهسالار به تحصیل علوم قدیمه پرداخت. در سال ۱۳۰۲ شمسی به خدمت عمادالکتاب رسید و به آموختن فن خط پرداخت.استادان و مربیان : سید ابوالفضل موسوی کجوری در سال ۱۲۸۲ به خدمت عمادالکتاب رسید و به آموختن هنر خط مشغول گردید. او پس از ده سال هنر آموزی در مکتب عمادالکتاب ، از دست وی به دریافت گواهینامه خوشنویسی نائل آمد.هم دوره ای ها و همکاران : استاد علی اکبر کاوه از جمله دوستان نزدیک سید ابوالفضل موسوی کجوری بود.فعالیتهای آموزشی : سید ابوالفضل موسوی کجوری در سال ۱۳۰۴ به توصیه کتبی عمادالکتاب وارد وزارت فرهنگ شد و با سمت به استخدام درآمد و درد دبیرستان های تهران ازقبیل حکیم نظامی ، راهنما ، دارالفنون ، علمیه ، پهلوی ، پانزده بهمن ، مروی ، امیرکبیر به تعلیم خط اشتغال ورزید.آرا و گرایشهای خاص : سید ابوالفضل موسوی کجوری در نوشتن خط نستعلیق و شکسته بسیار توانا است.

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

موسوی کرمانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالقاسم موسوی کرمانی از علماء و ائمه جماعت معاصر کرمان می‌باشند وی در کرمان متولد و در بیت سیادت پرورش و پس از خواندن دروس جدید در مدرسه معصومیه به تحصیل علوم دینی پرداخته سپس مهاجرت به قم و متون فقه و اصول را از مدرسین بزرگ آموخته و به درس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه خمینی و آیت‌اللّه نجفی مرعشی و آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه گلپایگانی و دیگران شرکت و استفاده سرشار نموده و بعد از فوت مرحوم آیت‌اللّه بروجردی به وطن خویش مراجعت و به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تدریس در مدرسه معصومیه پرداخته است.

نگارنده گوید: جناب آقای موسوی کرمانی از دانشمندان متقی و پارسا و موصوف به ورع و متانت و فضائل اخلاقی و دور از تظاهرات می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

موسوی گرگانی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محسن موسوی گرگانی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۶ وارد حوزه علمیه مشهد شدم و به گونه خستگی ناپذیر مشغول تحصیل علوم دینی گردیدم و از همه اساتید آن شهر استفاده بردم به ویژه از مرحوم «ادیب نیشابوری» استفاده های فراوانی بردم و در این شهر ادبیات عرب، منطق و مقداری اصول و فقه را تحصیل کردم و کلاس ۶ دبستان را متفرقه امتحان دادم و به بهترین وجه قبول شدم و در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و با اشتیاق فراوان از علماء و دانشمندان این شهر استفاده های فراوانی بردم و در مدت کوتاهی بقیه سطح را که عبارت بود از: رسائل، مکاسب و دو جلد کفایه به پایان بردم و دور اول و دوم امتحانات را در آن زمان امتحان دادم و شاگرد اول در حوزه شدم.

سپس به فلسفه و خارج فقه و اصول پرداختم و از خرمن دانش فقیهان و فیلسوفان استفاده ها بردم به ویژه از علامه مطهری، جوادی آملی و حسن‌زاده آملی و تمام مجتهدین و مراجع این شهر، و دو سه دور خارج اصول را شرکت و تقریر کردم و بسیاری از کتابهای فقه را در درس خارج حاضر شدم و تمام اسفار و شرح منظومه و شفاء ابن‌سینا و شواهد ربوبیه و شرح اشارات را خواندم و در تمام این مدت به تدریس انواع علوم اسلامی در حوزه علمیه مشغول بودم و تا حدود دیپلم به طور متفرقه خواندم و امتحان دادم و صدها مقاله و کتاب را به ریشه تحریر درآوردم، و اکنون مدت ۱۰ سال است که خود را بی‌نیاز از تمام رشته‌های علوم انسانی به ویژه علوم حوزوی می‌دانم.

موسوی گرمارودی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر علی موسوی گرمارودی در سال ۱۳۲۰ در قم بدنیا آمد. پدرش از دانشـــمندان اهل

گرمارود الموت قزوین بود.

موسوی گرمارودی مدرک کارشناسی خود را در رشته علوم قضایی و کارشناسی ارشد

و دکترای خودر را در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه تهران گرفته است .
او در عرصه شعر و ادبیات کشور حضور موثر داشته است که راه اندازی و مدیریت گلچـــرخ
نمونه ای از تلاش های اوست.
کارنامه شـعری گرمـارودی مشتمل بر ۹ کتـاب شـعر با نامهای: عبور ، در سایه ســار نخل ولایت ، سـرود رگبار
،چمن لاله، خط خون ، دسـتچین ، باران اخـم ، گزیده شـــعر نیســـتان ، تا ناکجـا آبـاد و گزیـــنه شـعر به انتـخاب

بهاءالدین خرمشـاهی است و همـچنین ۴ اثر زیر چـاپ او عبارتـند از : صدای سبـز زندگی و شعر ادیب المـمالک

فراهانی، از صدر تا ساقه و ترجمه قرآن کریم.

والدین و انساب : خانواده های گرما رودی ازنظر اصل و نسب و ارتباط خویشاوندی به چند طایفه تقسیم می شوند که شامل طایفه هـای قروچی بیگی ،اورس بیک و باقری و صادقی و انـدجی و خانوا ده های غربال بنـد و موسوی و چنـد خانواده دیگر می باشـند . خـانوار موسوی از خـانواده هـای مهـاجر روسـتای میغ سازه کجوربه به منـاطق «اوانک » و «گرمارود» می باشـند. سـید علی موسوی گرمارودی از پدری «الموتی » و مادر «تنکابنی» درمحله «چهارمردان » قم به دنیا آمد . نام پدرش حجت الاسلام سید محمد موسوی گرمارودی

اوضاع اجتماعی و شـرایط زنـدگی : پـدر سـید علی موسوی گرمارودی وی ابتدا در مسـجد جامع «گرمارود » مردم را راهنمایی می کرد ، پس دردوران جوانی به قم و سپس نجف هجرت و آنگاه دوباره به قم بازگشت و در همانجا سکنی گزیدند .

تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : سید علی موسوی گرمـارودی نخست نزد پـدرش مقـدمات را فراگرفت و پس از آن دبسـتان ملی «باقریه » رفت .او دوره دبیرسـتان را مدرسه شـهید بهشتی (دین و دانش سابق) هم سپری نمود و پس از آن به مشهد عزیمت نمود و درنزد علمـای آن سامـان ، به فراگیری علـوم دینی پرداخت . درسـال ۱۳۴۵ وارد دانشـکده حقوق شد و کارشناسـی آن رشـته را در رشـته علوم قضایی کسب کرد. او سرانجام پس از گرفتن مدرک کارشناسی زبان و ادب فارسی با اخذ درجه دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید .

خاطرات و وقایع تحصـیل : سید علی موسوی گرمارودی تحصیلات ابتدایی را دردبستان «باقریه » طی نمود ، او ازاین دوره چنین یاد می کند :« از آن دبسـتان ترکه های اناری که درحوض بزرگ مدرسه پیوسـته درآن خیس خورد تا به کف دست شاگردان متخلف کوبیـده شـود ، همیشه چون کابوسـی ، درذهن من مانـده است . گرچه دسـتهای کوچـک من هرگز بـا آن چوبهـا تمـاس نیـافت اما سالیانی دراز بعـد از آن روزها ،وقتی درزنـدان شاه سـتمگر ،زیر کابلهای سـیمی ساواک ، به خوداز درد می پیچیدم ،چهره شـکنجه گرخودرا شبیه ناظم بی رحم آن دبستان می دیدم . »

استادان و مربیان : سـید علی موسوی گرما رودی مقدمات رانزد پدر فرا گرفت و پس از عزیمت به مشهد نزد علمای بزرگی چون : فردوسی پور ، واعظ طبسی و ابب نیشابوری دوم نهنگ و به کسب علوم دینی پرداخت .

هم دوره ای هـا و همکـاران : سـید علی موسوی گرمارودی با شاعر بزرگ معاصـر اخوان ثالث نیز آشـنایی و رفت و آمـد داشت و اخوان شعری نیز به نام او سروده بود. شاید از سر این آشنایی بود که کتاب «درباره هنر و ادبیات» را ناصر حریری به گفت و شنودی بـا مهـدی اخوان ثـالث و علی موسوی گرمـارودی اختصـاص داد که به وسـیله انتشارات کتابسـرای بابل در سال قبل از وفات اخوان منتشر شد.

وقـایع میانسـالی : اولین رویـداد سیاسـی بوقوع پیوسـته درزنـدگی سـید علی موسوی گرمارودی ، غائله درانجمنهای ایالتی و ولایتی بودکه وی درمـدرسه فیضـیه حضور داشت. او تاآسـتانه دسـتگیری و زنـدانی شدن نیز رفت که با کوشـش آیت الله ربانی شـیرازی نجات یافت . باورود به دانشـگاه با برخی فعالان سیاسـی آشنا شد و باشدت گرفتن مبارزان او بر چند رژیم پهلوی ، درسال ۱۳۵۲ به وسیله ساواک دستگیر و نزدیک به چهار سال درزندانهای اوینو قصرحبس گردید.

مشاغـل و سـمتهای مورد تصـدی : شورای انقلاب موسوی گرمارودی را به سرپرستی سازمان آموزشـی نومرز منصوب کرد. همان مؤسـسه فرانکلین سابق که در اواخر دهه ?? با ادغام در تشـکیلات «وزارت فرهنگ و آموزش عالی» از صورت یک مؤسـسه خارج شد و از آغاز نیز با نام «شرکت انتشارات علمی و فرهنگی» با انتشارات علمی و فرهنگی (بنگاه ترجمه و نشر کتاب سابق) ادغام شد.

علاوه بر این گرمارودی مـدتی رایزن فرهنگی ایران در تاجیکسـتان بود و مدتی نیز مسئولیت تالار وحدت تهران را بر عهده داشت. او در مـدت اقـامتش در تاجیکسـتان به جـد جریان شـعر معاصـر آن کشور فارسـی زبان را دنبال کرد و در این باره مقالات تحقیقی متعدد نوشت.

فعالیتهای آموزشـی : سید علی موسوی گرمارودی مدت یک سال درحوزه فردوس به امر تدریس مشغول گردید . وی پس از واقعه پانزده خرداد و دسـتگیری امام ،درتهران مسـتقیم گردید . او ابتدا در دبسـتان و سـپس دردبیرستان علوی مشغول کار شد . او پس از انقلاب به تدریس دردانشگاه پرداخت.

مراکزی که فرد از بانیـان آن به شـمار می آیـد : بـا پیروزی انقلاب اسـلامی ،موسوی گرمـارودی به همراه خـانم طـاهره صـفارزاده «کـانون فرهنگی نهضت اسـلامی » را بنیاد نهاد . موسوی گرمارودی راه انـدازی، مـدیریت و سـردبیری نشـریه گلچرخ و انتشار یک مجله ادبی در تاجیکستان را نیز برعهده داشته است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سـید علی موسوی گرمارودی علاوه بر سـرودن شعرو شرکت درانجمنهای ادبی ، انتشار دو دوره نشـریه ادبی گلچرخ را به عهده گرفت . انتشار مجله ماهنامه «گلچرخ» رابابد به دو دوره تقسـیم کرد : دوره نخست بصورت ضمیمه ادبی روزنامه دراطلاعات از روز سه شنبه ۱۲ شهریور ۱۳۶۵ لغایت خرداد ماه همین ماه منتشر شد. دور دوم فعالیت های این ماهنامه افزودن بر فعالیتهای روزنامه نگاری درقلمرو ادبیات داستانی و بازنویسی زندگانی معصومین ،آثار چندی ازوی منتشر شده است .

آرا و گرایشهای خاص : «من آنچه را برزبان شاعر می آید و بر کاغذ نوشته می شود، درخت صاعقه زده ای می بینم که روی زمین افتـاده است. اگر گفته انـد: من گنـگ خوابدیـده و عـالم تمام کر / من عاجزم زگفتن و خلق از شـنیدنش... می توانـد در باره همان جلوه نا پیـدای شـعر گفته شـده باشـد. آنچه از یک شـعر ناب برکاغـذ یا زبان می آیـد در واقع تنها صورت ناظم و مرحله هبوط آن اصل اعلاست. آنچه ما از یک شاعر می خوانیم و می بینیم آن درخت برپای ایستاده در جنگل سبز خاطر، او نیست. توسکایی است که آذرخش خلاقیت شاعر برآن گرفته است و آن را پیش پای ما افکنـده است. منتقـد با آن عوالم چه می توانـد بکند؟او هرچه می کند با بخش بیرونی شـعر می کند.» این جملات را شاعر نام آشنا و توانا علی موسوی گرمارودی در میهمانی انجمن شاعران ایران و در مراسم نکوداشت خویش بر زبان آورد. او میهمان نهمین برنامه میهمان ماه انجمن شاعران ایران ودفتر شعر جوان بود که در محل خانه شاعران برگزار شد. گرمارودی از آن دسـته شاعرانی است که ضمن توجه به مسیر گذشته در شعر معاصر ره تازه می جوید. او دربـاره بسـیاری از شاعران معاصـر و هم عصـر خویش هم تحقیقات فراوان کرده وهم نظرات دقیق و عمیقی ارائه کرده است. از آن جمله است نگاه او درباره شاعر بزرگ معاصـر سـهراب سپهری: «سپهری از کسانی است که راه نیما را شناخته بود، اما این را با خود با شخصیت یگانه خویش پیمود. او خود را با رنگ و کلمه بیان می کرد، مصالح خلاقیت او هم رنگ بود و هم کلمه و او با این هر دو نقاشـی می کرد. یـا بـا این هر دو مـأموریت ادبی خود را انجام می داد. تعجب نفرمائیـد که برای نقاشـی او نیز تأمل به مأموریت ادبی شـده ام. می دانیـد که در نقاشـی ایرانی از گذشـته های دور به خاطر منعی که اسـلام در مبارزه با آثار بت پرستی پیش آورده بود، پرسـپکتیو ناگزیر حـذف شـده. یکی از منتقـدان غربی می گویـد نقاشـی در آبستره به همانجایی رسـیده است که نقاشـی ایران اسـلامی در طی قرون می پیمود یعنی در این نقاشـی نیز ماننـد آبستره رنگ ها یکدیگر را فرا می خوانند. نقاشـی مأموریت ادبی می یابـد. اما شـعر سپهری، شـعر او در نخستین برخورد دارای چند ویژگی است، یکی این که سپهری نخستین کسـی یا دست کم مهم ترین شاعری است که زبان شـعر نو را با زبان محاوره پیونـد زد. توضـیح آن که در شـعر نو شاعران در همان حال برخی دارای زبان خـاص خویشـند در یـک چیز اشتراک دارنـد و آن زبـان عـام شـاعرانه است در برابر زبـان محاوره. در واقع می توان گفت که زبان شـاعرانه هر شـاعر و زبـان خاص وی جنس و فصل شـعر او را تشـکیل می دهنـد. زبان شاعرانه در این تعبیر یعنی زبانی که علاوه بر حفظ ویژگی زبان خاص یک شاعر دارای ضـخامت و اسـلوب شعری است و حوزه لغات و تعبیرات و بیان در آن از نوعی است که آن را از سویی از زبان نوشـتار متمایز می کند و از سویی دیگر از زبان گفتار. این ضـخامت و اسلوب و تمایز و تمایل به ارگانیسـم در کاربرد لغات به دست می آیـد. اما سپهری و البته اسـماعیل شاهرودی و دیگرانی هم شاعرانی هسـتند که زبان شاعرانه را با زبان محاوره پیوند زده اند و به جای خود موفق هم بوده اند، اگر چه سپهری از این لحاظ موفق تر است.» موسوی گرمارودی همچنان که در عرصه شعر امروز و غزل امروز حرف تازه برای گفتن داشته، از آثار دیگر شاعران زمانه خویش نیز غفلت نکرده و چه بسا خارج از باورهـای اعتقادی یا نگره سیاسـی و فردی، شـعر آنان را ارجـح بر شـعر خویش، به مخاطب شـعر امروز توصـیه کرده است. او در مرگ نـوذر پرنـگ از غزلسـرایان فقیـد معاصـر این حساسـیت و دقت و تـوجه را به خوبی به نمـایش گـذاشت: «از دست رفتن نوذر پرنگ برای غزل معاصـر ما لطمه بزرگی خواهد بود. پرنگ بی گمان یکی از برجسته ترین شاعران غزل نو است و تأثیر او در نسـل های بعد از خودش، بر کسـی پوشـیده نیست. من درجلسه نقد و بررسی شعر پرنگ که با حضور خود شاعر و مرحوم منوچهر آتشی برگزار شد هم به این موضوع اشاره کردم که اشیا هم ناطق اند و گویا، اما به زبان بی زبانی. اما این طور نیست که پدیدار های عالم با همه سخن بگویند؛ شاعران و بخصوص شاعرانی مانند پرنگ محرم رازهای پدیدار ها هستند و پدیدار ها با کسانی مانند او بیگانه و نامحرم نیسـتند. برخی از غزل های پرنگ در ادبیات ما جاودانه خواهند بود. پرنگ با توجه به مضـمون این شـعرش که می گوید: کجایی ای همه جای تو خوش رهایی، های/! دلم به سوی صـدای تو رهسـپار شده است، به سوی رهایی رفت. به جای دلش که در زندگی به سوی صدای رهایی رهسپار شد، حالا خودش به سوی رهایی رفته است. خاک بر او خوش باد»!

جوائز و نشانها : سید علی موسوی گرمارودی امسال (۱۳۸۵) به عنوان «چهره ماندگار بخش شعر» به وسیله بنیاد چهره های ماندگار انتخاب شد. او در مراسم این انتخاب ضمن قرائت بخشی از شعر پیامبر اعظم (ص) گفت من افتخار می کنم که با شعر علوی بزرگ شـده ام و امروز به عنوان یک شاعر آئینی از من یاد می شود. در سالی که به نام پیامبر بزرگ اسـلام نامگـذاری شده است، باید در راستای اهداف نبوی و توسعه مفاهیم اسلامی گام برداریم و اندیشه های نبوی را در همه جامعه اسلامی خود جاری کنیم».

چگونگی عرضه آثـار : بهاءالـدین خرمشاهی در مقـدمه گزینه اشعار گرمارودی نوشته است: کارنامه شـعری گرمارودی هم پر بار است هم پربرگ، کارنامه ای است کلان ومشتمل بر کتاب که حاصل سلوک ساله شعری اوست.کتاب شعر او عبارتند از: عبور، در

سایه سار نخل ولایت، سرود رگبار، چمن لاله، خط خون، دستچین، باران اخم، گزیده شعر نیستان، تاناکجا آباد. گزینه شعر گرمارودی را نیز بهاءالدین خرمشاهی انتخاب کرده است. سهیل محمودی درباره گرمارودی می گوید: موسوی گرمارودی یکی از کهن ترین قالب های شعر فارسی یعنی قصیده را در عرصه ای به نام شعر سپید تعریف کرده است. او از کسانی است که با تکیه برگذشته شعر فارسی و با ارزش گذاری به گذشته که نه تقلید است و نه فقط تقدیس آن، برای امروز بهره گرفته است. چیزی که متأسفانه امروز در ادبیات ژورنالیست زده ما وجود ندارد و کسانی مانند اخوان یا سهراب در این راه موفق بوده اند و بخشی از این سنت را به شکل پویا در آورده اند. این بخشی از توجه گرمارودی به پیشینیان در قالب قصیده است. بخش دیگر نگاه معرفتی و دینی اوست که البته گاهی آنقدر به آن پرداخته شده که حجابی روی وجه شاعری او شده است. اما نگرش و منبع فکری است که به شعر عاشقانه ماهم معنی می دهد و گرمارودی در این وجه هم موفق بوده است. علی موسوی گرمارودی از پیشتازان شعر مذهبی امروز شناخته می شود. او تحصیلات مقدماتی خود را در قم و مشهد به پایان رساند و ادبیات عرآثار استاد گرمارودی به بخش کاملاًـ متفاوت تقسیم می شود. نخست شعر، در این زمینه ? کتاب تا به حال از او منتشر شده است. «در سایه سار نخل ولایت» و «خط خون»، معروف ترین دفترهای شعر اوست. حوزه دیگر کارهای او، داستان نوجوانان است که در این زمینه هم «داستان پیامبران» معروف تر از بقیه استب را نزد ادیب پیشاوری فراگرفت. از ویژگی های شعری او تخیل گسترده و به دام آوردن اندیشه های نو در قالب کهن قصیده است گرمارودی در کار بازخوانی و خوانش ادبیات کهن نیز بوده و مجموعه ای از دیوان حافظ با صدای او منتشر شده و انجمن شاعران ایران نیز گویا روایت بوستان سعدی را با صدای او ضبط کرده است.

آثار :

۱?? شعر ترجمه شده به زبان ایتالیایی (مجموعه شعر)،

۲ بابا تاریخ (داستان کوتاه)،

۳ پرتو انسان ها (داستان جلد اول و دوم)

۴ تا ناکجا آباد

ویژگی اثر : مجموعه شعر علی موسوی گرمارودی با نام «تا ناکجا» به چاپ رسید که عکس های زیبای ریکاردو زیپولی از کوچه باغ های روستا های مناطق کویری، دشت ها، بیابان ها و... آن را همراهی می کرد. کاری که در زمانه خویش مجموعه شعری متفاوت را رقم زد. زیپولی استاد دانشگاه «ونیز» و رایزن سابق فرهنگی سفارت ایتالیا در تهران بود. او همان است که کتاب شعرهای عباس کیارستمی را به زبان ایتالیایی ترجمه کرد.

۵ ترجمه قرآن مجید

ویژگی اثر : گرمارودی ادبیات عرب را نزد ادیب پیشاوری فراگرفت. آشنایی او با ادبیات عرب البته این نتیجه را نیز به همراه داشته که گرمارودی را ترغیب به ترجمه قرآن کریم کند. ترجمه ای که به سرعت به چاپ دوم رسید و در چاپ دوم ترجمه اش را ویرایش دوباره نیز کرد. چاپ نخست این ترجمه در حجمی هزارو ???صفحه ای انتشار یافت، چاپ دوم آن نیز ازسوی انتشارات قدیانی منتشر شد.

۶ داستان پیامبران

ویژگی اثر : جلد اول آن درکتاب از آدم تا مسیح که به صورت داستانی می باشد .(جلد اول: از آدم (ع) تا عیسی (ع)).گرمارودی علاوه بر شعر، نثر روان و فاخری نیز دارد. او در کتاب، داستان پیامبران را از آدم ابوالبشر(ع) تا حضرت ختمی مرتبت(ص) با این نثر روایت کرده است

۷ داستان پیامبران

ویژگی اثر : از حضرت محمد در جلد دوم

۸ در مسلخ عشق

ویژگی اثر : مجموعه داستانی می باشد.

۹ درباره هنر وادبیات امروز

ویژگی اثر : این کتاب مصاحبه ناصر حریری با گرمارودی

۱۰ درمسلخ عشق (مجموعه داستان کوتاه مذهبی)،

۱۱ دستچین (مجموعه شعر)

۱۲ زندگی شیخ محمد تقی بافقی (داستان کوتاه)،

۱۳ سرود آسمانی

ویژگی اثر : ترجمه ای «از صحیفه سجادیه»

۱۴ صدای سبز

ویژگی اثر : آخرین مجموعه شعر منتشرشده این شاعر، «صدای سبز» (گزینه شعرها به اضافه بیش از شعر جدید) است.

۱۵ قلم انداز

ویژگی اثر : مجموعه مقالات و سفر نامه ها از ۱۳۴۸

۱۶ گزیده شعر نیستان

۱۷ گزینه شعر گرمارودی

ویژگی اثر : به گزینش مقدمه بهاء الدین خرمشاهی

۱۸ مجموعه تا کجا

۱۹ مجموعه شعر باران اخم

ویژگی اثر : گزینه شعر جنگ دفتر ادبیات و شعر مقاومت درسال ۱۳۷۳ تهران منتشر شده است

۲۰ مجموعه شعر چمن لاله

۲۱ مجموعه شعر خط خون

ویژگی اثر : از انتشارات زوار به سال ۱۳۶۳ می باشد

۲۲ مجموعه شعر درسایه سار نخل ولایت

ویژگی اثر : این اثر چاپ دوم و دفترنشر فرهنگ اسلامی به سال ۱۳۵۸ می باشد .

۲۳ مجموعه شعر درفصل مردن سرخ

ویژگی اثر : این اثر از انتشارات راه امام به سال ۱۳۵۷ می باشد .

۲۴ مجموعه شعر سرود رگبار

ویژگی اثر : این اثر درسال ۱۳۵۷ رواق و چاپ دوم می باشد .

۲۵ مجموعه شعر عبور

ویژگی اثر : این اثر وی از آثار شعری اوست که درسال ۱۳۵۶ چاپ دوم می باشد .

۲۶ نهج البلاغه

ویژگی اثر : ترجمه ای

۲۷ نوح پیامبر (داستان کوتاه)،

۲۸ یونس (داستان کوتاه)،

موسوی لاری، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مجتبی موسوی لاری

محل تولد : لار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۴/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای سیّد مجتبی موسوی لاری فرزند مرحوم آیت الله سیّد علی اصغر لاری، در سال ۱۳۱۴ در شهر لار متولد شد؛ تحصیلات ابتدایی و مقدّمات علوم اسلامی را در لار فرا گرفت و در سال ۱۳۳۲ برای ادامه تحصیل علوم اسلامی راهی قم گشت و در آنجا دروس سطح را نزد اساتید و علماء حوزه علمیّه قم آموخت و سپس دروس خارج خود را دنبال کرد و از محضر مراجع و بزرگان حوزه استفاده نمود.

از سال ۱۳۴۱ همکاری خود را با نوشتن یک سلسله مقالات اخلاق اسلامی با مجله دینی و علمی مکتب اسلام آغاز کرد که مجموعه مقالات یاد شده به صورت کتابی تحت عنوان «مشکلات اخلاقی و روانی» چاپ و منتشر گردید که تا به حال فارسی آن برای چهاردهمین بار تجدید چاپ شده است و نیز تاکنون به ۱۰ زبان ترجمه شده است.

در سال ۱۳۴۲ به علّت ادامه بیماری، مسافرتی به آلمان کرد و پس از چند ماه معالجه به ایران بازگشت و به تالیف کتابی به نام «اسلام و سیمای تمدن غرب» پرداخت؛ در این کتاب به بحث پیرامون ابعاد تمدن غرب و اسلام پرداخته شده و در مقایسه ای جامع و مستدل و دقیق برتری تمدن جامع و چند بعدی اسلام بر تمدن غرب به اثبات رسیده است که چاپ فارسی آن ۸ بار تجدید چاپ شده است. کتاب یاد شده در سال ۱۳۴۹ توسط یکی از شرق شناسان انگلیسی به نام پروفسور فرانسیس گلدین به زبان انگلیسی ترجمه شد و مورد استقبال فراوان اروپاییان قرار گرفت به طوری که تعدادی از مطبوعات غربی مقالاتی پیرامون انتشار این کتاب نوشتند.

رادیو انگلستان نیز مصاحبه ای با مترجم ترتیب داد و درباره علت ترجمه و مسائل و مباحث کتاب با وی به گفتگو نشست. تا این زمان ترجمه انگلیسی کتاب سه بار در انگلستان، ۲۲ بار در آمریکا تجدید چاپ شده است. پروفسور گلدین از ایشان جزوه ای نیز تحت عنوان (خداشناسی) ترجمه کرده که تا کنون به ۸ زبان ترجمه گردیده و ۱۱ بار تجدید چاپ شده است. تقریبا سه سال پس از انتشار ترجمه انگلیسی آن یکی از اساتید دانشگاه آلمان به نام «دکتر رولف سینگلر» آن را به زبان آلمانی برگرداند که آن هم اثر عمیقی در میان آلمانی زبانان گذاشت حتی یکی از رهبران حزب سوسیال دموکرات آلمان طی نامه ای به مترجم نوشت: «مطالعه این کتاب تاثیر عمیقی در من بخشید و دیدگاه مرا نسبت به اسلام عوض کرد و من دوستانم را به مطالعه این کتاب دعوت خواهم کرد».

همزمان با انتشار ترجمه آلمانی کتاب یاد شده، یکی از دانشمندان مسلمان هندوستان به نام «مولانا روشن علی» آن را به اردو ترجمه کرد که پس از چاپ در هندوستان و پاکستان انتشار یافت و تاکنون پنج بار تجدید چاپ شده است. این کتاب تا کنون به این زبان ها ترجمه شده: انگلیسی، آلمانی، اردو، فرانسه، ژاپنی، عربی، اسپانیولی، تایلندی، روسی، مالایایی، کردی و بوسنیایی،

تاجیکی، سیفهالی، آذری، ترکی، ایتالیایی.

در سال ۱۳۴۳ دفتر خیریه ای در شهر لار تاسیس کرد و برای تبلیغات اسلامی و آشنا ساختن نوجوانان روستایی به مبانی اسلام و کمک به قشر مستمند خدماتی از سوی دفتر آغاز شد و تا سال ۱۳۴۷ کار خود را دنبال کرد. خلاصه کار این دفتر اعزام طلاب به روستاها برای تعلیم مسائل اسلامی به کودکان و نوجوانان روستایی و تشکیل کلاس های دینی و تامین لباس و لوازم التحریر هزاران دانش آموز مستمند و اقدام به برگزاری نماز جماعت در سطح مدارس لار بود؛ از جمله خدمات بنیادی این دفتر: احداث تعدادی ساختمان مسجد و حسینیه و مدرسه و درمانگاه در سطح روستاها بود و همچنین خدمات متنوع دیگری از ناحیه این دفتر خیریه صورت گرفت.

ایشان به تهیه و تنظیم مقالات اخلاق اسلامی در مجله مکتب اسلام ادامه داد و در سال ۱۳۵۳ مجموعه آن مقالات با تجدید نظر و اضافات به صورت کتابی تحت عنوان: «رسالت اخلاق در تکامل انسان» انتشار یافت؛ که شش بار در ایران تجدید چاپ شده است.

در سال ۱۳۵۷ به دعوت یکی از سازمان های اسلامی آمریکا و همچنین ادامه معالجات سفری به آن دیار کرد و ضمنا با صاحب نظران در زمینه ضرورت نشر مسائل اعتقادی اسلام به زبان های خارجی به مشاوره و گفتگو پرداخت و سپس به انگلستان و فرانسه رفت و پس از بازگشت به نوشتن یک سلسله مقالات ایدئولوژی اسلامی در مجله سروش پرداخت، این مجموعه مقالات که اصول عقاید اسلامی را در بر می گرفت، تحت عنوان: «مبانی اعتقادات در اسلام» در چهار جلد کتاب که شامل توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد بود؛ انتشار یافت. کتب یاد شده تاکنون به زبان های انگلیسی، روسی، فرانسه، اردو و اسپانیایی ترجمه شده و بعضی از مجلدات آن نیز به زبان های ژاپنی، بلغاری، رومانیائی، بنگالی و آلمانی ترجمه شده است.

ایشان در سال ۱۳۵۵ در قم دفتری به نام «دفتر گسترش فرهنگ اسلامی خارج از کشور» تاسیس کرد که بعداً به عنوان «مرکز نشر معارف اسلامی در جهان» تغییر نام یافت. این مرکز به نشر آثار اسلامی به خصوص آثار ترجمه شده ایشان پرداخت، اقدامی با هدف گسترش تعالیم اسلامی و مفاهیم قرآنی در اقصی نقاط دنیا. کتب منتشر شده از سوی این مرکز تبلیغاتی برای درخواست کنندگان مشتاق و تشنگان حقایق اسلامی اعم از افراد و یا هزاران موسسه و مدرسه و گروه ها و جمعیت های اسلامی از سراسر جهان به صورت اهدایی ارسال می شود که ثمرات و نتایج خدمات اسلامی و فرهنگی این مرکز در روشن ساختن اذهان انبوه عظیمی از مردم جهان نسبت به حقایق نورانی اسلام و جذب افراد بسیاری، از غیر مسلمانان به سوی اسلام ضمن هزاران نامه دریافتی از ملیت های مختلف مردم انعکاس یافته و میلیون ها نفر را تغذیه فکری و معنوی کرده است. و هم اکنون ده ها هزار نامه در بایگانی این مرکز نگهداری می شود و همچنان کار تبلیغات اسلامی در سطحی گسترده در مناطق مختلف جهان ادامه دارد.

همچنین این مرکز اقدام به چاپ قرآن کریم با ترجمه انگلیسی و فرانسه و اسپانیایی و روسی نموده که به متقاضیان از کشورهای مختلف اهداء می شود. در سال ۱۳۷۲ به لحاظ تاثیری که نشر کتب روسی ایشان در جمهوری آذربایجان به جای گذاشت، آکادمی علوم جمهوری آذربایجان در باکو دکترای افتخاری به عنوان ایشان صادر کرد. و به همین مناسبت مراسمی در دانشگاه باکو برگزار نمود.

موسوی مطلق، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدعباس موسوی مطلق

محل تولد : لرستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱۰/۳۰

زندگینامه علمی

به فضل خداوند متعال و عنایات خاصه حضرات ائمه معصومین (ص) پس از سپری شدن دوران راهنمائی در سال ۷۱ – ۷۰ وارد قم شدم و به طور آزاد در قم مشغول به تحصیل شدم. مدتی در منزل اجاره ای به سر می بردم و سپس در مدرسه مهدی موعود و بعد در مدرسه علوی، حجره و خوابگاه گرفتم. پس از گذراندن دوره ادبیات در دروس لمعه آیت الله اشتهاردی و دیگر اساتید حاضر شدم و سپس دروس بعدی رسائل و مکاسب را در درس «آیت الله اشتهاردی» و «آیت الله فقیهی» و کفایه را از «آیت الله موسوی تهرانی» و درس خارج فقه و اصول را نزد حضرات آقایان: «بهجت»، «وحید خراسانی»، «مبشر کاشانی» و «علوی بروجردی» در حال تحصیل می باشم. تفسیر را در محضر حکیم متاله مفسر عالیقدر «حضرت آیت الله جوادی آملی» و اخلاق و عرفان را نزد استاد عزیز «آیت الله حاج شیخ عبدالقائم شوشتری» بوده ام و کار نوشتن را از سال ۷۶ آغاز کرده ام.

موسوی ملایری، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جواد موسوی ملایری فرزند مرحوم حجهٔالاسلام آقای سید محمود ملایری از علماء و ائمه جماعت معاصر تهران در خزانه فرح آباد می‌باشند. ایشان در سال ۱۳۰۱ شمسی متولد و پس از تحصیلات مقدماتی در خدمت مرحوم برادرش حاج سید هادی ملایری مدت چهار سال در زمان مراجع ثلاث آیت‌اللّٰه حجت و خونساری و صدر در قم اشتغال داشته و مدت سه سال در همدان در مدرسه آیت‌اللّٰه آخوند ملا علی مشغول تحصیل و مدتی هم با برادرش مرحوم حاج سید هادی در قریه پری ملایر اقامت و از آن مرحوم استفاده و بعد به قم آمده و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و نیز آیت‌اللّٰه العظمی مرعشی نجفی و آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی استفاده نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه بروجردی بنابر دعوت عده‌ای از ملایریهای مقیم تهران به تهران آمده و با همت و سعی و کوشش ایشان زمینی در خزانه فرح‌آباد واقع در جنوب تهران خریداری و مسجدی به نام حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام بنا نموده و پس از پایان و تکمیل آن مسجد به اتفاق اهالی آن سامان به امامت در آن مسجد و خدمات دینی و تأسیس کتابخانه‌ای برای استفاده عموم موفق می‌باشند. کثراللّٰه امثالهم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

موسوی ملایری، هادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید هادی موسوی ملایری فرزند مرحوم سید محمود از فضلاء گذشته حوزه علمیه قم و از دوستان قدیمی این نگارنده است وی در سال ۱۳۳۶ قمری در ملایر متولد شده و در خانواده روحانی پرورش یافته و پس از دوران مکتب در سال ۱۳۴۹ قمری برای ادامه تحصیل علوم دینیه به شهرستان بروجرد در زمانی که مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی در آن شهر بودند تحصیلات مقدماتی را در مدت چهار سال نموده و با توصیه مرحوم آقای بروجردی قدس سره در سال ۱۳۵۳ ق دو سال قبل از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه حایری یزدی به قم مهاجرت و تا سال ۱۳۶۵ ق در قم اقامت و از محضر آیات عظام حجت و خونساری و صدر استفاده و در سال مزبور به نجف مشرف و چند ماهی از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی بهره‌مند و پس از دریافت اجازه جامع از آن مرحوم به ایران مراجعت و مدت سه سال در همدان اقامت و از محضر آیت‌اللّٰه آقای آخوند ملاعلی همدانی مدظله استفاده نموده و بعد بنابر تقاضای اهالی قریه پری ملایر مدتی در آنجا مشغول ترویج احکام و بنای مساجد متعدد در روستاهای اطراف آن نموده مجدداً به قم آمده و از محضر آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی ره و مراجع دیگر استفاده نموده و هم به تدریس سطوح پرداخته و بنابر دعوت اهالی قریه جوزان ملایر به آن محل رفته و قسمتی از سال را در آنجا و قسمتی هم در قم توقف نموده تا در سال ۱۳۸۳ قمری که به مرض سکته قلبی بدرود حیات گفته و جنازه‌اش از ملایر به قم منتقل و در قبرستان ابوحسین به خاک رفته است.

مؤلف گوید مرحوم حاج سید هادی ملایری گذشته از مقام فضل عالمی متقی و پرهیزکار و با جود و بخشش بوده و هر چه دستش می‌آمد به فقراء و مستمندان داده و برای خود و خاندانش انداخته نمی‌نمود. وی دارای فرزندانی می‌باشند که دو نفر از آنان به نام حاج سید رضا و حاج سید حسین موسوی در کسوه مقدس روحانیت مقیم تهران و به خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

موسوی نژاد، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی موسوی نژاد

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در شهریور ماه ۱۳۴۷ در مشهد مقدس و در خانواده ای اهل علم به دنیا آمدم. پس از پایان دوره ابتدایی و هم زمان با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ به تحصیل علوم حوزوی مشغول شدم و تا سال ۱۳۶۵ که برای ادامه تحصیل به قم آمدم؛ در مشهد در حوزه علمیه ای که توسط پدر بزرگوارم و به نام ایشان مشهور است؛ مقدمات و سطوح اولیه حوزوی را پشت سر گذاشتم.

از سال ۱۳۶۳ و با امکان حضور در جبهه های نبرد و تا پایان جنگ تحمیلی به طور متناوب بیش از یک سال در جبهه های نبرد به صورت داوطلب حضور یافتم. پس از حضور در حوزه علمیه قم که بیشتر به دوران پس از پایان جنگ تحمیلی و شرکت در جبهه و به سال ۱۳۶۷ بر می گردد سطوح عالیه حوزوی را ادامه داده و پس از آن به مدت هشت سال تا سال ۱۳۷۵ در دروس خارج فقه و اصول نیز شرکت کردم.

در کنار تحصیل، فعالیت های علمی دیگری نیز داشته ام. از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ در ۱۲ سفر پیاپی به حج در بعثه مقام رهبری و در

بخش معاونت بین الملل به عنوان مبلغ و زبانـدان به فعالیت های علمی و تبلیغی در قالب ملاقات ها و گفت و گوهای علمی با دیگر مسلمانان حاضر در موسم حج حضور داشتم و در همین راستا در این معاونت دارای مسؤولیت هایی ینز بودم.

در سال ۱۳۷۳ تا پایان ۱۳۷۴ به عنوان عضو علمی کنگره نقش زمـان و مکان در اجتهاد در گروه حـدیث به مـدت دو سال مشـغول بـودم و حاصـل آن فعـالیت هـای علمی در سـه مجلـد منتشـر شـده است. از سـال ۱۳۷۵ تـا ۱۳۷۶ به مـدت دو سـال به عنـوان عضـو پژوهشـکده فقه و حقوق پژوهشـگاه دفتر تبلیغـات اسـلامی مشـغول بودم. و همزمـان بـا تأسیس مرکز مطالعـات و تحقیقات ادیان و مذاهب به این مرکز نیز پیوستم.

موسوی نسب، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جعفر موسوی نسب

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه و در مشـهد مقدس سطح را به پایان رساندم. در محضر اساتیدی همچون: «آیت الله صالحی»، «آیت الله مرحوم سبزواری»، «آیت الله رضا زاده»، «حضـرت آیت الله وحید خراسانی»، «مکارم شـیرازی»، «سبحانی» و «فاضل لنکرانی» تلمذ نموده ام.

گذرانـدن دوره مرکز ادیـان و مـذهب اسـلامی و دوره مهـدویت در مرکز تخصصـی مهـدویت و دارای تالیفـات، تـدریس، مقالات متعـدد، تحقیق و تدوین در حوزه و دانشگاه از دیگر فعالیتهای بنده بوده است. در حال حاضـر نیز مسـئول مرکز تخصصـی امامت و مهدویت خراسان رضوی هستم.

موسوی نسب، محمدصادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد صادق موسوی نسب

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اخذ دیپلم، در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیّه شدم. در سال ۱۳۶۶ همراه با دروس حوزه در دوره های آموزشی مؤسسه در راه حق نیز شـرکت کردم. این دوره آموزشـی شامـل مباحث فلسـفی، معارف قرآن و منتخبی از مباحث و دسـتاوردهای بعضـی از علوم انسـانی، به خصوص اقتصـاد و جامعه شناسـی بود. پس از این دوره که به عنوان کارشناسـی الهیّات و معارف اسـلامی ارزیابی شـد؛ وارد رشـته تعلیم و تربیت شـده و در مقطع کارشناسـی ارشد فارغ التحصـیل شدم. پایان نامه اینجانب: «مقایسه ای است میان دیدگاه شهید مطهری و یکی از فلاسفه تعلیم و تربیت (شفلر) در باب فطرت و استعداد آدمی».

پس از دوران مذکور به عضویت در هیئت علمی مؤسـسه آموزشـی پژوهشـی امام خمینی (ره) در قم پذیرفته شده و فعّالیّت های سه گانه ای را، همزمان آغاز کردم؛ (بخش اول کارهای تحقیقی بود که حاصل آن چنـد مقاله و یک ترجمه مشترک است. بخش دوم تـدریس مواد مختلف درسـی در رشـته علوم تربیتی است و قسـمت سوّم اداره امور کـارورزی، تحقیق و برنامه ریزی آموزشـی برای دوره های کارشناسـی ارشـد و دکتری در رشـته علوم تربیتی می باشد که در مؤسـسه امام خمینی (ره) برگزار می شود) و هم اکنون دانشجوی دکتری در گرایش روان شناسی تربیتی هستم.

موسوی وارقانی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد موسوی وارقانی

محل تولد : شهر ری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۴ در خانواده ای مـذهبی در روسـتای «قمصـر» از توابع شهرسـتان ری متولـد شـد. دوران تحصیل خویش را با موفقیت گذرانیـد و در سال ۱۳۳۵ در محضـر «آیت الله مجتهـدی تهرانی» به تحصیل علـوم حـوزوی پرداخت. پس از معمم شـدن به دست مبارک مرحوم «آیت الله خوانساری (ره)» به شـهر قم هجرت نمود و از محضـر اساتید بزرگ از جمله آیات عظام: «مکارم شیرازی»، «بهجت»، «وحیـد خراسـانی»، «سبحانی»، «سـتوده»، «اعتمـادی» و ... کسب فیض نموده و در سـال ۱۳۷۸ از سوی مقـام معظم رهـبری «حضرت آیت الله العظمی خامنه ای» به امامت جمعه باقر شهر منصوب گردید.

مدارج علمی:

۱. اجتهاد در علوم حوزوی.

۲. مدرس فقه و اصول.

۳. محقق در تاریخ اسلام و تشیع.

۴. مفسر قرآن و نهج البلاغه.

۵. مولف کتب و مقالات علمی، تاریخی و بین المللی.

موسوی ونکی سمیرمی، محمد شریف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌محمـد حسن بن حسـین شـیرازی اصـفهانی. عالم جلیل، و مجتهد بارع، و فقیه جامع، در ۱۲۷۰ متولـد، و در ۲۸ رمضان المبارک ۱۳۵۲ در طهران وفات یافته، در قم مدفون گردید.

مقـدمات علوم را در مولـد خویش آموخته، جهت تکمیـل به اصـفهان مهاجرت کرده، به درس حاج شـیخ محمـد باقر نجفی و حاج میرزا بدیع درب امامی و دیگران حاضـر شده؛ سپس به نجف مهاجرت نموده، در محضر شیخ لطف الله مازندرانی و حاج شیخ زین العابدین مازندرانی سال‌ها حاضر شده، و به درس میرزای بزرگ شیرازی حاج میرزا محمد حسن، و میرزای رشتی حاج میرزا حبیب الله نیز حاضر شده تا به مقامات عالیه‌ی علم وایقان رسید.

در موقع مشـروطیت ایران جزو یـاران آقـا سـید محمـد کاظم یزدی بوده، و در نجف از طرف برخی از طلاب رنـج‌ها دیـده، به ایران مراجعت نموده، در شـیراز ساکن شده، در ۱۳۴۲ به اصـفهان آمـده، مدت دو سال ساکن شده، و به درس و بحث و اقامه‌ی جماعت پرداخته؛ سپس به طهران رفته و در آنجا ساکن گردیده و به ترویج دین و نشـر احکام از راه مسجد و منبر و تألیف کتب پرداخته، تا سرانجام در آنجا وفات یافت.

اولادش در شـهرضا و طهران ساکن می‌باشـند، و مرحوم حجـهٔ الاسـلام حاج سـید هـدایت الله تقوی معروف به آیـهٔ الله تقوی فرزند ارشد ایشان در طهران ساکن، و در سال ۱۳۸۶ وفات یافت.

کتب زیر از تألیفات ایشان است:

۱- تبصرهٔ الناظرین [در رد بر مبلغ مسیحی] ۲- تذکرهٔ المسلمین، در امر به معروف و نهی از منکر ۳- رساله در رد وهابیه ۴- رساله‌ی عملیه ۵- رسـاله‌ی نفلیه، در نوافل ۶- فقه، یک دوره در چنـدین مجلـد، که در شـیراز و اصـفهان و طهران به طبع رسـیده ۷- قانون الهی، در شـیراز چاپ شـده ۸- کشف البیـان فی تربیـهٔ الانسان ۹- کشف المرام فی قـانون الاسـلام [در رد مشـروطیت] ۱۰- مرآت الاصول، در اصول [دین] ۱۱- الناسخ و المنسوخ، در اصفهان به طبع رسیده ۱۲- نسیم سحر و هدایهٔ المسترشدین؛ و غیره.

در نقباء البشر وی را از ونک طهران، و در دانشمندان فارس وی را از ونک سمیرم می‌نویسد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

موسوی هندی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن وزیری نسـخ و رقـاع کتـابت خوش بـا رقم: «... بیـدالاقل محمـد الموسوی الشـهیر بهنـدی» (قرن ۱۳) در اونیورسیته اسلامبول.

بر گرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

موسوی یزدی، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید یحیی بن العالم الجلیل آقاسید کاظم موسوی از علماء معروف و بنام شهرستان یزد بودند آن مرحوم در اوائل جوانی به امر تجارت اشتغال و هم قسمتی از وقت خود مصروف تحصیل می‌نمودند پس کار را تعطیل و از یزد به مشهد مقدس مسافرت و مدتی در آنجا تحصیل نمود و بعد از آنجا مهاجرت به نجف اشرف کرده و مدت ۹ سال از محاضر آیات عظام و مراجع بزرگ آن سامان استفاده نمود و پس از آن به یزد برگشته و سالها در یزد به ریاست علمی و روحی و امر تدریس برگزار نمود تا در جمادی‌الاولی ۱۳۴۶ ق وفات و در حرم امامزاده جعفر یزد مدفون گردیدند.

جماعتی از علماء یزد مانند آقا شیخ محمدتقی متخلص به (پریشان) و آقا سید سید احمد مدرس از شاگردان آن مرحوم می‌باشند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

موسوی، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابراهیم موسوی

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۴۵ تحصیلات دوره ابتدائی ام شروع شد و تا سال ۱۳۵۷ دیپلم دبیرستان را گرفتم، در این مدت با برخی گروههای مذهبی همکاری داشتم که گاهی به مطالعه و تلخیص کتابهای دینی یا بررسی برخی آیات و ارائه در جمع و گروه مربوطه می انجامید.

از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۰ به کشور کانادا جهت تحصیل در رشته فیزیک رفتم. در آنجا با عضویت در انجمن اسلامی آمریکا و کانادا به فعالیت های جنبی تبلیغی و گاهی علمی می پرداختم، مثل: «بررسی تفاسیر قرآن»، «تحقیق موضوعی در زمینه های مختلف» و ارائه به انجمن یا در میان دانشجویان ایرانی و عرب که هر هفته در مسجدی جمع می شدیم. از آنجایی که برگزاری تظاهرات در آن کشور به تبع انقلاب و حمایت از مظلومیت ایران در جنگ علیه عراق و گاهی هم برگزاری جلسات سخنرانی در دانشگاهها که در برخی موارد به درگیری با نیروهای ضد انقلاب منجر می شد، پرونده مطلوبی در ادامه مهاجرت به کانادا نداشتم و این دلیل باعث شد ادامه حضور را در آن کشور لغو کنند.

در سال ۱۳۶۱ به ایران برگشتم و مستقیم به تحصیلات حوزوی در قم پرداختم. البته چند ماهی به مدرسه عالی شهید مطهری در تهران رفتم ولی دوباره به قم برگشتم و از آن زمان تا به حال در قم هستم. در کنار دروس حوزوی، البته پس از دروس لمعه و همراه با درس رسائل و مکاسب دوباره در دانشگاه از طریق کنکور شرکت کردم و در دانشگاه تهران به درس فلسفه پرداختم. در قم نیز هم در درس تخصصی کلام و هم در رشته دین شناسی (موسسه امام ره) شرکت کردم.

موسوی، ابوالحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از خوشنویسان عصر قاجار بود. از آثار سید ابوالحسن موسوی دو رقعه، به خط نسخ کتابت خفی متوسط، با رقم: «حرّره العبد الاقل ابوالحسن الموسوی فی شهر جمادی الاولی... ۱۲۴۷».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۱۶/۴).

موسوی، ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۲ ش)، خطاط. وی در قریه‌ی میر کلاکجور مازندران به دنیا آمد. در ۱۲۹۴ ش به تهران آمد و در مدرسه‌ی عالی سپهسالار به تحصیلات علوم قدیمه پرداخت. در ۱۳۰۲ ش به خدمت عماد الکتاب رسید و هنر خط را نزد این استاد فراگرفت و به دریافت گواهینامه‌ی خوشنویسی نایل آمد. در ۱۳۰۴ توسط عمادالکتاب بـه سـمت دبیر خـط در وزارت فرهنگ اسـتخدام شـد و در دبیرستان‌های مختلف به تعلیم خط اشتغال ورزید. علی راهجیری چند سالی شاگرد وی بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (۱۴۴ -۱۴۳).

موسوی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. شکسته‌نویس بود و به خط سید ابوالقاسم، مرقعی مشتمل بر شش قطعه، به قلم‌های مختلف از دودانگ تا کتابت خفی خوش که بعضی رنگه است و با رقمهای: «بتاریخ... سنهٔ ۱۲۵۷ در دارالخلافه تحریر شد»؛ «مشقه العبد الاقل سید ابوالقاسم الموسوی...»؛ «فی... سنه ۱۲۵۷ العبد ابوالقاسم الموسوی...»؛ «العبد... سید ابوالقاسم الموسوی فی سنهٔ ۱۲۵۷» و «در تاریخ... سنهٔ ۱۲۵۸ در دارالخلافه تحریر این صفحه شد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۴۸ -۱۲۴۷ /۴).

موسوی، جاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جاسم موسوی

محل تولد : میسان

شهرت

تابعیت : عراق

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

ولدت و ترعرعت فی احد قری الجنوب التابعة لمحافظة میسان الواقعة فی جنوب العراق و التی تقع علی مسافة قریبة من قضاء الحویزه الایرانی و هناک اکملت الدراسة الابتدائیة و بعد اشتداد المعارک فی الحرب الظالمة المفروضة علی الجمهوریة الاسلامیة نزحت مع عائلتی الی مرکز المحافظة «العمارة» و ذلک بسبب وصول الجیش الاسلامی الایرانی الی بعض مناطق الجنوب فی العام ۱۹۸۲ م. و قد کانت هذه السنة من اصعب المراحل التی مررت بها اذ اعتقل والدی من قبل الا ـ من البعثی بتهمة التجسس لصالح الجمهوریة الاسلامیة لیلتحق بجبهات الحق.

و بعد انتقالنا الی مرکز المحافظة اکملت هناک دراستی حیث حصلت علی شهادة الاعدادیة و ذلک فی العام ۱۹۹۰ – ۱۹۸۹ و فی نفس هذا العام انتفض شیعة العراق فی الانتفاضة الشیعة المعروفة و التی کادت ان تقضی انذاک علی ازمرة البعثیة ، و التی انتهت بفاجعة الیسمة حیث استشهد عشراة الالاف و هاجرت الالاف من الشیعة الی الجمهوریة الاسلامیة و قد کنت من الذین منّ الله تعالی علیهم بالهجرة الی ارض الاسلام مع والدی حیث التحق بمجرد وصولی الی ایران بمدرسة الامام الخمینی (رض) التی یشرف علیها سماحة ولی الفقیه فی خوزستان آیت الله السید الجزائری، و ذلک فی العام ۱۳۷۰.

و هناک اکملت المقدمات و السطح الاولی و الثانی من السطوح الحوزویة حیث تتلمذت علی خیرة الاساتذة هناک کسماحة الشیخ ماجد الکاظمی و السید محسن الشفیعی و آخرون. و فی سنة ۱۳۷۴ قبلت فی المرکز العالمی للعلوم الاسلامیة، حیث اکملت السطح الاولی و الثانی و الثالث و ذلک فی العام ۱۳۷۷. و فی السنة ۱۳۷۷ قبلت فی مدرسة الامام الخمینی للدراسات العلیا فی قسم الفلسفة و الکلام، و هناک تتلمذت علی ید تلة کبیرة من خیرة الاساتذة فی قم المقدسة کالدکتور احمد البهشتی و الدکتور محمد مهدی گرجیان و الشیخ حسن معلمی و الدکتور علی الشیروانی و آخرون. و فی العام ۱۳۸۱ اکملت الدراستی التخصصیة حیث دافعت عن رسالتی التی کانت تحت عنوان بحث تطبیقی للجبر و الاختیار، و قد کان الاستاذ المرفا الدکتور گرجیان و الاستاذ المعاون الشیخ حسن المعلمی، و کان الحکم فی جلسة الدفاع الشیخ کیاشمشکی و قد حصلت علی درجة ۱۹ فی جلسة الدفاع.

و فی سنة ۱۳۸۲ ابتدات دراسة البحث الخارج علی ید اصحاب السماحات من علماء الحوزة العلمیة کالشیخ الهرندی و الشیخ محمد باقر الایروانی و غیرهم. و قد احنغلت اثناء ذلک فی عدة من المراکز العلمیة کمؤسسة الکوثر للمعارف الاسلامیة و التی کان لها الفضل فی نشر الکثیر من المقالات التی کلفتنا بکتابتها و الی جانب التحصیل الدراسی مارستا مهمة التدریس فکان لنا الشرف فی

تدریس جامع المقدمات و معالم الدین و بعض کتب شرح اللمعة و الحلقة الاولی و الثانیة. و الحمدلله رب العالمین.

موسوی، حجت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید حجت‌اللّه بن ثقه‌المحدثین آقا سید ذبیح‌اللّه کاظمی موسوی مازندرانی از علماء اعلام معاصر است در شهر چالوس. وی در حدود سال ۱۳۳۰ قمری در چالوس متولد شده و در کودکی پدر را از دست داده و بعد از پرورش و خواندن اولیات به تهران آمده و حدود دو سال در مدرسه سپهسالار قدیم تحصیل نموده آنگاه در سال ۱۳۵۰ قمری مهاجرت به قم و سطوح را از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقای میرزا محمد همدانی و آیت‌اللّه آخوند ملا علی و آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی استفاده نموده و به درس خارج آیت‌اللّه العظمی حجت و آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّه صدر از موقع ورود آیت‌اللّه العظمی بروجردی حاضر و از مبانی فقهی و اصولی آنان بهره‌مند شده تا سال ۱۳۷۰ قمری که به امر آن زعیم اعظم بر حسب تقاضای اهالی چالوس مراجعت به وطن نموده و به اقامه جماعت و ترویجات دینی و تبلیغ احکام همت گماشته و تا حال حاضر به این سمت اشتغال دارند

آثار ایشان از اینقرار است.

۱- بناء مسجد جامع چالوس

۲- مدرسه علمیه برای طلاب و اکنون بالغ بر سی و دو طلبه و مدرس دارد

۳- خانه برای عالم و امام جماعت مسجد چالوس.

۴- اعزام و هدایت مبلغین به اطراف و حومه چالوس و اکنون عده‌ای از طلاب و محصلین مدرسه معظم له در مشهد و تهران اشغال به تحصیل و خدمات دینی دارند و نیز حدود بیست طلبه از چالوس و حومه آن در حوزه علمیه مشغول می‌باشند.

مدرسین مدرسه ایشان جنابان ثقةالاسلام آقا شیخ علی‌اکبر ضیائی و آقا شیخ ابراهیم کیاپاشا می‌باشند.

فرزند برومند ایشان جناب سیدالفضلاء آقا سید جمال موسوی از فضلاء و شرکاء درس خارج آیت‌اللّه العظمی آملی در قم هستند.

وعاظ و گویندگان مشهوری که بنابر دعوت معظم له برای تبلیغ به چالوس آمده‌اند بسیارند و از مشاهیر آنان نامبردگان زیرند.

۱- جناب خطیب توانا آقای فلسفی

۲- جناب حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمود حلبی

۳- جناب آقای حاج سید محمدعلی صدرائی اشکوری.

۴- جناب واعظ و نویسنده برنا آقای هاشمی‌نژاد

۵- جناب استاد میرزا حسین نوری.

۶- جناب واعظ و دانشمند ارجمند آقای حاج شیخ ابوالقاسم خزعلی

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

وی فرزند مرحوم آقا سید هدایت مشترودی نیز از علماء و ائمه جماعت و خدمتگذاران شرع انور معاصر است در منطقه دربند شمیران تهران ایشان که از اولاد امامزاده عظیم‌الشأن ابراهیم المرتضی فرزند حضرت امام موسی بن جعفر علیهاالسلام است در قریه کلوچه هشترود در سال ۱۳۳۰ متولد شده و از پنج سالگی شروع به آموختن قرآن و دروس فارسی نموده و در همان اوان پدر و در سن ۹ سالگی مادر را از دست داده و در تحت تربیت و سرپرستی مرحوم حاج ملا صالح معروف به حاج آخوند دائی خود که از اود و زهاد زمان خود بوده ادامه به تحصیل داده و پس از فوت آن مرحوم در سن ۱۸ سالگی مهاجرت به قم و در شب نیمه شعبان ۱۳۴۸ قمری وارد حوزه علمیه گردیده و در مدرسه دارالشفاء به دروس مقدمات و سطوح نموده و شرح لمعه را از محضر مرجع عالی‌قدر معاصر آیت‌اللّه العظمی آقای نجفی مرعشی مدظله و مطول را از محضر مرحوم حجةالاسلام ادیب تهرانی و رسائل و مکاسب را از مرحوم حاج سید محمد مولانا تبریزی و کفایه را از آیت‌اللّه حاج میرزا رضی تبریزی و مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمد همدانی خوانده و در سال ۱۳۵۴ در درس مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری شرکت نموده و بعد از فوت آن مرحوم در سال ۱۳۵۵ ق از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حجت و آیت‌اللّه العظمی آقا میرزا محمد فیض قمی استفاده نموده و نیز چند سالی از دروس و محضر آیت‌اللّه العظمی بروجردی بهره‌مند شده تا بعد از فوت آن مرحوم که در خیابان دربند (باغ شاطر) ساکن و مسجد و کتابخانه مفصلی تاسیس و تا هم‌اکنون در آنجا به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و خدمات دینی اشتغال دارند.

دارای اجازات عدیده اجتهادی و روایتی و غیره از آقایان آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی و آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه زنجانی و آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی مدظله می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

موسوی، رسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رسول موسوی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم. دروس ادبیات را نزد اساتید: «مدرس افغانی»، «موسوی گرگانی»، «طالقانی»، منطق و معالم را با استاد «خسروشاهی»، شرح لمعه را با استاد «شب زنده دار»، رسائل را با استاد «اعتمادی»، «مکاسب» را نزد آقای «مصلحی اراکی» و کفایه را با استاد گنجی خواندم.

در سال ۱۳۷۰ با دارالحدیث همکاری در حدیث را آغاز کردم و در تالیف کتابهایی مانند: «موسوعه میزان الحکمه» نقش داشتم و بعضی کارهای مستقل آنها مثل اهل البیت را با نظارت آقای محمدی ری شهری انجام دادم. در دوره آموزش فلسفه اخلاق دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان شرکت کردم و اکنون در حد مراجعه زبان تخصصی اخلاق آشنائی دارم.

در سال ۱۳۷۵ بعد از ورود «آیت الله مظاهری» به اصفهان به توصیه ایشان مسئولیت مرکز آموزشهای تخصصی حوزه علمیه اصفهان را به عهده گرفتم و تا سال ۱۳۸۳ ادامه داشت و همزمان به تدریس عقاید، فلسفه، اصول و فقه در دروس سطح حوزه اشتغال داشتم که اکنون نیز ادامه دارد.

موسوی، رضا

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، خطاط. از آثار وی: یک قطعه از مرقع رقاع دو دانگ جلی خوش، با رقم: «حرره اقل الاقلین و اول الاذلین ابن محمدرضا الشیف الموسوی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۷۰/۴).

موسوی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید رضا موسوی

محل تولد : گرگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

عالم بزرگوار، اندیشمند گرانقدر حضرت آیت الله سید رضا موسوی مشهور به استاد موسوی در روستای «کردکوی» از توابع گرگان در خانه‌ای کشاورز و در سال ۱۳۲۶ دیده به جهان گشود. شور و شوق زایدالوصف ایشان به تحصیل علوم دینی و تشویق خانواده ایشان از سوی دیگر سبب شد تا در سال ۱۳۲۶ وارد حوزه علمیه مشهد گردید و توسط «مرحوم آیت الله فشارکی» ادبیات عرب را فرا گرفت. آنگاه در سال ۱۳۴۴ به حوزه علمیه قم مشرف شد و به تکمیل دروس ادبیات و فراگیری دروس سطح پرداخت.

با پایان یافتن دوره سطح به درس خارج «آیت الله گلپایگانی (ره)» و «مرحوم آیت الله میلانی (ره)» راه یافت و از محضر اساتید بزرگ خویش بهره‌ای فراوان برد. ایشان طی سالهای عمر خویش خدمت بسیاری انجام داده است. همچنین از وی کتب بسیاری با عناوینی چون: «آشنایی با مبادی فقه»، «آشنایی با آئین دادرسی و داوری اسلامی»، «آشنایی با نهضت حسینی» و ... به چاپ رسیده است. نامبرده پس از تحصیل دوره خارج، طاقت دوری از بارگاه ملکوتی امام هشتم (ع) را نتوانست تحمل کند و لذا دوباره برای پابوسی امام رضا (ع) و خدمت به مردم آن دیار به مشهد مقدس بازگشت.

موسوی، روح الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید روح الله موسوی

محل تولد : کاشمر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۶ به مدرسه ابتدایی ابن سینا در قریه خویش پا گذاشتم. تحصیلات راهنمایی را در مدرسه راهنمایی «شهید هاشمی نژاد گناباد» با قبولی در آزمون آن ادامه دادم و همزمان در این مدرسه به کارهای فرهنگی، هنری و تحقیقی پرداختم. در همین دوران ۲ رمان و ۱۳ اثر تحقیقی که مربوط به مردم شناسی، زیست شناسی جانوری و گیاهی شهر کاشمر بود؛ پرداختم. علاقه به کارهای هنری، رتبه های متعدّدی مثل رتبه اوّل شعبه گناباد و رتبه اوّل نقّاشی گناباد، در ۲ سال را برایم در پی داشت. دبیرستان را در شهر خودمان کاشمر ادامه دادم و در دبیرستان آزادی در رشته ریاضی فیزیک و سپس در دبیرستان شاهد این دوره را به پایان رساندم. تحقیق را در این مرحله هم رها نکردم. تحقیقاتی مثل: «فرهنگ شناسی مذهبی کاشمر» و «جوان و علل انحراف» که هر دو مقاله مقام اوّل را در شهرستان از آن من کرد. البتّه تحقیق اول را در یک گروه دو نفره به انجام رساندیم. رتبه دوم استان های خراسان در زمینه شعر رهاورد دیگر بود.

فعّالیّت خود را در رشته های هنری دیگر مثل: سرود، اذان و قرائت قرآن نیز ادامه دادم. در سال ۱۳۷۶ در کنکور سراسری در رشته ریاضی، دانشگاه فردوسی مشهد (روزانه) پذیرفته شدم و همزمان در حوزه نیز پذیرفته شدم که بی درنگ راهی حوزه علمیّه قم، مدرسه شهیدین شدم. در کنار دروس به مطالعات جنبی هنری و نیز زبان آموزشی پرداختم که بحمدالله در دو زبان عربی و انگلیسی دارای تسلط بوده و هم اکنون به این دو زبان نگارش و تکلم می نمایم. اگر چه کلاس های حوزه در این سال ها مشغله اصلی من بوده است؛ ولی از مطالعات تفسیری، کلامی و فلسفه غافل نبوده و آرزو دارم که یک روزی بتوانم اندیشمندی اسلامی خصوصاً در بعد هنر و زیبا شناسی باشم. انشاءالله

موسوی، عبدالحمید

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جّد ایشان مرحوم سید عبدالحمید از علمای ازکیا، و از شاگردان شیخ محمّد حسن صاحب جواهر بوده، و پس از مراجعت از نجف اشرف در اصفهان و لنجان ساکن شده، و هم در این شهر وفات یافته.

وی را شرحی است بر کتاب شرایع الاسلام تألیف محقّق حلّی علیه الرحمه.

پدر ایشان مرحوم آقا سید محمّد نیز از علمای کاملین بوده و قبرش در خوانسار است.

صاحب عنوان از اکابر علما و مجتهدین، و اعاظم فقها، و در اواخر زمان حیات خود مرجع وحید شیعه، و زعیم بزرگ دینی بود. از حیث قدرت و ریاست و نفوذ امر از جمیع مراجع تقلید گذرانید.

در سال ۱۲۸۴ قمری در اصفهان متولّد گردیده و مقدمات علوم را نزد جمعی از بزرگان که از جمله آنهاست مرحوم حاج سید مهدی نحوی فرا گرفته، و در سال ۱۳۰۷ به نجف اشرف مهاجرت فرموده، و در آنجا خدمت اساتید بزرگ سالها درس خوانده، مدّت دو سال در سامرا به درس میرزای بزرگ شیرازی مرحوم حاج میرزا محمّد حسن (۱۳۱۲-۱۲۳۰) حاضر شده، سپس در نجف به درس آخوند ملا کاظم خراسانی (۱۳۲۹-۱۲۵۵) حاضر شده و از خواص ایشان، و مشهورترین شاگردان وی به شمار می‌رود، و از آخوند خراسانی و میرزا محمّد تقی شیرازی و شیخ الشریعه اصفهانی و سید حسن صدر کاظمینی اجازه روایت احادیث یافته، و مرکز درس و بحث و فتوی قرار گرفت.

در احسن الودیعه(۱۰۹:۲) درباره او گوید: صاحب الاخلاق النبوّیهٔ و الغیرهٔ الهاشمیّهٔ، کریم الطبع، سخی النفس...حسن السلیقه فی المسائل العلمیّهٔ، فلتفتخر اصفهان بأنّ منها مثل هذا المولی العظیم الشأن.

در نقباء البشر(۱۴۳:۱) شخصیّت و بزرگواری او را ستوده، و از حفظ و اخاق و صفات و ملکات او شطری بیان داشته.

در ریحانهٔ الادب(۸۴:۱) و دیگر کتب رجال همگی از او به بزرگی یاد نموده‌اند.

در آثار الحجهٔ(۱۳۴:۱) درباره او فرماید: مرحوم اصفهانی - رضوان اللّه علیه - از مؤیّدین فقهای عالم تشیع بود که از غیب به او کمک شده و تأیید می‌شدند، واعلی حضرت ولیّ عصر - ارواحنا له الفداء - به او نظر مخصوص داشت، و از آن بزرگوار به وسیله ثقه الاسلام حاج شیخ محمد کوفی شوشتری که متجاوز از چهل سفر به مکّه مشّرف شده، توقیعی برای سیّد آمد.

در هر حال، عالمی است جلیل القدر، و منشرح الصدر، و عدیم النظیر، در اخلاق و کمالات سرآمد علمای زمان، بلکه در کمتر زمانی عالمی بدین پایه و مقام رسیده است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- انیس المقّدین که آن را سید ابوالقاسم اصفهانی جمع کرده است ۱- حاشیه بر تبصره علامه ۳- حاشیه عروهٔ الوثقی ۴- حاشیه نجاهٔ العباد تألیف شیخ محمد حسن صاحب جواهر ۵- ذخیرهٔ الصالحین ۶- ذخیرهٔ العباد ۷- شرح کفایهٔ الاصول استادش مرحوم خراسانی - صراط النجاهٔ، و آن ترجمه وسیلهٔ النجاهٔ است که مرحوم آقا سید ابوالقاسم اصفهانی ترجمه کرده و به نظر ایشان رسانیده. ۸- منتخب الرسائل ۹- مناسک حج ۱۰- وسیلهٔ النجاهٔ، یکدوره فقه در دو مجلد ۱۱- وسیلهٔ النجاهٔ صغری، رساله عملیه مختصر.

و این کتب، همگی چندین مرتبه بطبع رسیده و در تمام ممالک اسلامی و شیعه منتشر گردیده، که مثلًا رساله ذخیرهٔ العباد ایشان هفتاد و یک مرتبه به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

موسوی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدعلی موسوی

محل تولد : خدا بنده

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سّید علی موسوی فرزند سیّد آقا در سال ۱۳۲۶ در شهرستان خدابنده از شهرستانهای استان زنجان به دنیا آمدم. در سال ۱۳۴۱ وارد قم شده و در کلاس چهارم ابتدائی مشغول درس شدم. و کلاس پنجم دبستان را در تهران و ششم ابتدایی قدیم را در قم به پایان رسانیدم و کلاس هفتم و هشتم نظام قدیم را هم متفرقه خواندم و در سال ۱۳۴۴ احتمالاً وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح آن روز را در پیش اساتید آن زمان مانند: «مرحوم آقای سیّد ابوالفضل موسوی تبریزی»، «آقای میرزا محسن دوزدوزانی»، «آقای استادی»، «آقای ستوده»، «آقای پایانی»، «مرحوم آقای معرفت» و غیره شرکت نمودم.

در سال ظاهراً ۶۸ در امتحان ورودی مجتمع قضائی و فرهنگی طلاب شرکت نمودم و قبول شدم و موفق به اخذ مدرک معادل لیسانس آن روز شدم و دو سال بعد به استخدام آموزش و پرورش در آمدم به عنوان «استاد تربیت معلم» که بعداً منصرف شدم. و در سال ۷۱ ظاهراً به عنوان «مدرس» از طرف شورای عالی حوزه علمیه به لردگان یکی از شهرستانهای چهارمحال بختیاری اعزام شده و مشغول شدم و پس از یک سال به قم برگشته و حدود یک سال در جامعه مدرسین و دائرهٔ المعارف به تحقیقات مشغول شدم و از آن زمان تا به حال در این دو مؤسسه، مشغول تحقیق فقه می باشم، (گرچه بیش از یکسال در مجمع اندیشه مشغول روایات معاد و دسته بندی آن از کتاب بحار الانوار بودم) که فعلًا یکی دو ماه است کارم در مجمع اندیشه تعطیل شده است. و فعلًا در دائرهٔ المعارف مشغول تدریس و تألیف مقالات عربی می باشم.

موسوی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی اکبر موسوی

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

از کودکی با شرکت در جلسات مذهبی و کلاس‌های علمی تاریخی عادت به مطالعه کردم، به تدریج در هنگام انقلاب و بعد از انقلاب با مطالعات معتبر سیاسی، علمی و با شرکت در برنامه‌های حزب جمهوری و جلسات دیگر و کنجکاوی‌های فراوان برای پاسخ به بعضی پرسش‌های اساسی که نیاز زیادی را احساس می‌نمودم (هدف‌های خلقت، علل اختلالات در میزان نعمت‌ها و علل

تفاوت‌ها و علل رنج‌های موجود در جامعه و انسان و اینکه خدا چه رابطه‌ای با انسان دارد) با مطالب علمی، کلامی و تفسیری آشنایی پیدا کردم و شاید علت مهمی که به حوزه علمیه آمدم پاسخ به همین مسائل بود از همان دوران دبیرستان سال ۵۸ ـ ۵۹ ـ ۶۰ با کتب استاد مطهری زیاد مأنوس بودم مثل کتاب‌های علل گرایش به مادیگری، جهان‌بینی، انسان و ایمان و عدل الهی و... گرچه بعضی کتب مثل عدل الهی مطالب دشواری داشت در آن سن، اما تلاش زیادی برای درک آن می‌کردم... در کلاس‌های کلامی، فلسفی، که از طرف انجمن اسلامی معلمان برای اتحادیه انجمن‌های اسلامی دبیرستان‌های قزوین برگزار می‌شد با علاقه شرکت می‌کردم، اثبات واجب الوجود و پاسخ به شبهات و... . بعد از مدتی که به جبهه‌ها رفتم؛ به قم آمدم در قم نیز بعد از آشنایی با اساتید مختلف و سلیقه‌های مختلف، شاید احساس می‌کنم روشی را انتخاب کرده‌ام. هم برای پاسخ به سوالات خودم و هم برای ارائه مطلب به دیگران و تبلیغ مطالب . بعد از سطوح حوزوی از سال ۱۳۷۰در دروس آیات عظام مکارم جوادی آملی میرزاجواد آقا تبریزی وحید خراسانی شرکت نمودم به امید اینکه بتوانیم مسئولیتها را بانجام برسانیم.

موسوی، فاضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید فاضل موسوی

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۳۹ در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم. به دلیل فرهنگ مذهبی خانواده علاقه به قرآن کریم و اهل بیت (علیهم السلام) به خصوص پدر بزرگوارم و رفت و آمد روحانیون بزرگوار به منزل ما و پیشنهاد آنها به من در جهت تحصیلات حوزوی در من انگیزه و علاقمندی فراوانی در جهت کسب علوم دینی ایجاد نمود. پس از پایان دوره ابتدایی و راهنمایی جهت ادامه تحصیل به استان گیلان شهر رشت هجرت کردم. در دبیرستان علوی که بوسیله یک روحانی اداره می شد؛ درسم را شروع کردم. سال دوم دبیرستان مصادف با اوج گیری خیزش انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) بنده نیز همانند دیگر دانش آموزان در اولین راهپیمایيها شرکت و در طول مبارزه ضد شاه به طور فعال اقدام کردم.

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی هنوز دانش آموز دبیرستان بودم. و در جهت دفاع از آرمان های دینی و ارزشهای اسلامی و انجام وظیفه شرعی، ابتدا کتابهای استاد مطهری، نوارهای جهان بینی و ... استاد مطهری را مطالعه و از آثار قلمی آیت الله سبحانی، حجت الاسلام قرائتی، آثار قلمی دکتر شهید بهشتی و ... که در کتابخانه های بزرگ رشت مثل کتابخانه ملی و کتابخانه اتحادیه انجمنهای اسلامی دانش آموزان که بنده معاون فرهنگی آن بودم؛ بهره های فراوانی بردم و در دفاع از آرمانها و ارزشهای انقلاب اسلامی مقالاتی را نوشته و در جمع دانش آموزان قرائت می کردم. و در مناسبت ها به صورت بیانیه انجمن های اسلامی دانش آموزان پخش می گردید. در دوره دبیرستان با حجت الاسلام مصطفوی نماینده دوره هایی از مجلس، امام جمعه انزلی آشنا شدم.

بلافاصله بعد از اخذ دیپلم (سال ۶۰ – ۵۹) با مشورت و تایید و تشویق حجةالاسلام مصطفوی که در دوره دبیرستان با بنده و فعالیت های علمی و مذهبی من آشنا بود؛ وارد حوزه علمیه رشت شدم. در همان سال های اولیه تحصیل حوزوی، جهت تدریس در دوره دبیرستان به صورت حق التدریس در دبیرستانها بعد از ظهری و شبانه به تدریس فرا خوانده شدم. در سال ۱۳۶۴ جهت رسیدن به مدارس بهتر و کسب بیشتر علم و دانش و تهذیب به شهر اراک هجرت کردم و در مدرسه خوب مهدیه زیر نظر «آیةالله خوانساری» به کسب علم مشغول گردیدم. در شهر اراک از محضر اساتیدی چون: «استاد فرجی»، «استاد آشتیانی» مفسر نمونه استفاده نمودم.

در همان یک سال که در اراک بودم؛ به قم رفت و آمد نموده در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم. از مظهر اساتیدی چون: استاد طباطبائی در صرف و نحو و از استاد ظهیری در معانی و بیان و بدیع و در فقه از اساتیدی چون: استاد ناصری، استاد مدنی، استاد اشتهاردی، احمدی فقیه یزدی، استاد دوزدوزانی، و از اساتید مدرسه لبنانیها (در منتدی البنانیین) از کتابهای لمعه و مکاسب استفاده برده و سطح به پایان رسانده و خارج فقه را از محضر اساتیدی چون: استاد احمدی فقیه یزدی، استاد بمالیی خراسانی، استاد «آیةالله مکارم شیرازی» و «آیةالله سبحانی» استفاده بردم. و در مباحث اصول از محضر اساتیدی چون: «آیت الله سید احمد خاتمی» و «علی محمدی خراسانی» کتابهایی چون: معالم، اصول مظفر، رسائل و کفایه الاصول را استفاده بردم و در خارج اصول از محضر «آیهٔ الله سبحانی» بهره مند شدم.

بیش از پنج سال در مرکز تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی در جهت سامان بخشی به امر تحقیقات مثل نمایه سازی، سامان دهی به آرشیو مطبوعات، شناسایی مراکز تحقیقاتی، کتابخانه های مهم ایران و شخصیت شناسی و در پایان بخش اندیشه سیاسی به مدت ۷۰۰۰ ساعت مشغول کارهای علمی و تحقیقاتی بودم. از سال ۱۳۷۲ در آموزش و پرورش استخدام شدم و در مدارس و سپس در مراکز تربیت معلم مشغول به کار می باشم و اکنون از سال ۱۳۷۹عضو هیئت علمی مرکز تربیت معلم آیهٔ الله طالقانی می باشم و در برگزاری همایش های علمی که از طرف مرکز تربیت معلم از جمله: همایش سال امام علی (ع) به عنوان هیئت نظارت بر تحقیقات

نقش مؤثری داشتم.

چندین سال است که به عنوان عضو فعال بسیجی در گروههای علمی (گروه علمی مطالعات فرهنگی و قرآن و ...) بسیج اساتید استان قم فعالیت دارم و در تمامی فعالیتهای علمی، تحقیقی محوله در حد توانم ایفای نقش می نمایم. از خداوند توفیق روز افزون در جهت خدمت بیشتر خواهانم.

موسوی، کمال

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: الهیات و معارف اسلامی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی الهیات و معارف اسلامی در سال ۱۳۳۰، دکترای الهیات و معارف اسلامی در سال ۱۳۴۰.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۴۷، دانشیار دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۵۱.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زبان و ادبیات فارسی، تاریخ، تدریس در دانشگاه اصفهان به مدت ۱۳ سال، تدریس در دانشگاههای عین شمس والازهر قاهره کشور مصر در سال ۱۳۵۶، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

ادبی، تاریخی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

ادبی، تاریخی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

موسوی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محسن موسوی

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۳/۱۲

زندگینامه علمی

در دوازدهمین روز خرداد ماه ۱۳۵۵ مطابق با سوّم جمادی الثانی ۱۳۹۶ و مصادف با شهادت حضرت زهرا (س) دیده به جهان گشود. زادگاهش شهر علم و دین «آمل» است. او در خانواده ای متوسط از نظر مذهبی و مالی رشد یافت. دوران کودکی را در محلّه ای گذراند که فضای دینی مذهبی بر آن حاکم بود و بعدها به علّت ۵۷ شهیدی که به انقلاب و نظام اسلامی هدیه کرد؛ «شهید محله» نامیده شد. دوران آموزش ابتدایی را در دبستان «جواد الائمه» طی کرد. او همواره از شاگردان ممتاز در این دبستان بود و بارها شاگرد اوّل کل شاگردهای یک پایه شد. قرائت قرآن را نیز از سال سوّم ابتدایی در این دبستان آغاز کرد و چند روز در هفته در صبحگاه مدرسه قرائت قرآن می کرد. با تشویق های خانواده به ویژه مادر بزرگ سعی زیادی برای انس با قرآن داشت. در دوران ابتدایی در فوق برنامه های سرود و تئاتر نیز شرکت فعّال داشت.

تابستان سال ۱۳۶۶ یک دوره تجوید را نزد استاد سیّد عباس ساداتی گذراند. پایان همان دوره مسابقات قرائت قرآن منطقه لاریجان آمل در بین نوجوانان مقام اوّل را کسب کرد. دوره آموزش راهنمایی را در مدرسه «شهید سقا علیزاده» گذراند. در این مدرسه نیز به فعالیت های دینی مذهبی می پرداخت. یکی از قاریان ثابت برای مراسم صبحگاه مدرسه بود و در سال دوّم و سوّم راهنمایی نیز امام جماعت مدرسه بود و برای برگزاری نماز جماعت بسیار فعّالیّت می کرد. اجرای سرودهای مذهبی و بازیگری در تئاتر و کارگردانی بعضی تئاترها و ساماندهی کتابخانه مدرسه از دیگر فعّالیّت های او در مدرسه بود. در سه سال دوره راهنمایی نیز دو بار

در مسابقـات علمی و درسـی مقام اوّل مـدرسه را کسب کرد. دو بار نیز در مسابقات قرآن دارالقرآن الکریم و مسابقات قرآن بسـیج مقام اوّل را در سطح سنّی خود کسب کرد.

سال اوّل دبیرسـتان را در مدرسه طبری در رشـته تجربی گذرانده و درکنار درس به فعّالیّت های مذهبی در انجمن اسـلامی و بسـیج مـدرسه می پرداخت. آذر مـاه ۱۳۶۹ بـود کـه وارد هیئت درس قرآن علی بن موسـی الرضـا (ع) شـهید محلّه شـد. هـدایت این جمع قرآنی را اسـتاد «ماشـاءالله شـفیق» برعهـده داشت که با درس ها و راهنمایی هایی خود مسیر تازه ای به زنـدگی او بخشـید. در سال ۱۳۷۰ با تغییر رشته درسی به رشته ریاضی فیزیک به دبیرستان شهید باهنر رفت و تا پایان دوره دبیرستان در سال ۱۳۷۳ در این رشته تحصـیل کرد. در سالهای دبیرستان او همواره سعی می کرد بر دانش دینی خود بیفزاید. علاوه بر حضور در جلسات مذهبی و هیئت های درس قرآن و ... به مطالعه جـدّی در مسایل دینی پرداخت. از سال ۱۳۷۰ تدریس تجوید و قرائت قرآن را در هیئت درس قرآن علی بن موسـی الرضا (ع) آغاز کرد و از سال ۱۳۷۱ مسـئولیت هیئت نوجوانان قاسم بن الحسن (ع) را بر عهـده گرفت و به آموزش قرآن و احکام و ... پرداخت.

در سال ۱۳۷۲ در مسابقات مفاهیم دانش آموزی قرآن مقام اوّل را در استان مازندران کسب کرد و در سال ۱۳۷۳ در مسابقات اذان در اسـتان خود اوّل شد. در پی مطالعات مذهبی و دوستی با چند تن از طلاب علوم دینی به ادامه تحصـیل در حوزه علمیه علاقه مند شـد و در مهرماه سال ۱۳۷۳ پس از قبولی در آزمون وارد حوزه علمیه قم شـد. سه سال اوّل را در مـدرسه علمیّه شـهیدین و سه سال بعد (از پایه چهارم تا شـشم) را در مدرسه علمیه معصومیه طی کرد. در کنار درسـهای رسـمی حوزه آموختن دروس فلسفی را آغاز کرده و چند سالی در این رشته به مطالعه پرداخت.

در سال ۱۳۷۸ همکـاری خود را بـا مؤسـسّه علمی فرهنگی دارالحـدیث را آغـاز کرد که تـا کنون این همکاری ادامه دارد. در کنار کارهـای جاری محوله از سال ۱۳۸۰ همکـاری خود را با گروه تـدوین سالنامه حـدیثی نور آغاز کرد که از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ در انتخاب حدیث و گلشن حدیث این مجموعه همکاری داشته است.

در سال ۱۳۸۱ اوّلین کتاب خود با نام: «آینه یادها» را با همکاری آقای هادی ربّانی منتشر ساخت. دیری نگـذشت که این کتاب در ۴ چاپ پنج هزار جلدی به چاپ رسید. در سال ۱۳۸۲ دوّمین کتابش را به عنوان: «نام نمای نیکان» منتشر کرد و در مجموعه گزیده های متون حـدیثی نیز به همکاری پرداخته و کارهای انتخاب حـدیث، اسـتخراج منابع، تـدوین کتابنامه را در گزیده های مختلف به عهـده داشت. گزیده های کتاب های «غررالحکم و الخصال» را نیز ترجمه کرد. در سال ۱۳۸۳ کتاب «ماه در آب»: مثل های فارسی در آینه حـدیث را به چـاپ رسانـد. نوشـتن مقـاله در مجله حـدیث زنـدگی را نیز در سـال ۱۳۸۲ آغـاز کرد. در ادامه برای مجلّات گلستان قرآن و بشـارت نیز مقالاتی نوشت. تعـداد مقالات چاپ شـده او به بیش از ۲۵ مقاله می رسـد. در سال ۱۳۸۳ پس از اتمام سطح دو حوزه، در آزمون کارشناسی ارشد رشته علوم حدیث گرایش کلام شرکت کرده و در این رشته پذیرفته شد.

موسوی، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی شیمی، دانشکده: مهندسی، دانشگاه: شیراز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

موسوی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد موسوی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیّد محمّد موسوی در سال ۱۳۳۳ در شـهر مقدس قم متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در این شهر گذرانده، سپس حدود سال ۴۷ جهت تحصیل علوم دینی وارد مدرسهٔ مرحوم آیت الله گلپایگانی شدم. بخشی از دروس سطح را مثل ادبیات، منطق، معانی بیان و مقداری از اصول فقه تا شـرح لمعه را در آنجا به پایان رسانده و بخش دیگر از سـطح را مانند: رسائل و مکاسب به طور آزاد نزد بعضی از اساتید محترم خواندم.

پس از آن در درس خارج فقه یا اصول تعـدادی از آیات اعظامماننـد: «تبریزی (ره)» و «حضـرت آیت الله وحیـد خراسانی» شـرکت نمودم، تا اینکه جریان انقلاب شـکوهمند اسـلامی به رهبری حضـرت امام خمینی (ره) رخ داد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی چند سالی (۷۰ – ۶۴) به عنوان امامت جمعه در اسـتان کرمان اشـتغال داشته و در سال ۱۳۷۰ شمسـی مجدداً به قم آمدم و حدود دو سال

اوراق امتحانات مرکز مدیریت حوزهٔ علمیه قم را تصحیح نموده و به کار تحقیق و تألیف در برخی از مراکز تحقیقاتی و پژوهشی پرداخته و تاکنون نیز اشتغال دارم.

موسوی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمد حسین بن السید الجلیل آقا سید محمد باقر موسوی از علماء معاصر شهرستان بهبهان است. وی در سال ۱۳۰۷ شمسی در بهبهان متولد شده و پس از طی دوران دروس جدید مدت سه سال در بهبهان مقدمات و ادبیات و سطوح متوسط را خوانده آنگاه بقم مسافرت و مدت هشت سال از محضر اساتید عظام حوزه علمیه قم چون حضرت آیه‌الله العظمی آقای مرعشی نجفی مدظله و آیه‌الله العظمی آقای... و زعیم اعظم آیه‌الله العظمی بروجرودی استفاده نموده و بعد از آن مهاجرت بنجف اشرف نموده و مدت چهار سال اقامت و از محضر دروس حضرت آیه‌الله العظمی حاج سید محمود شاهرودی و آیه‌الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله و آیه‌الله العظمی مرحوم حاج سید محسن حکیم بهره‌مند شده سپس بمنظور انجام وظیفه در سال ۱۳۷۴ ق به بهبهان مراجعت و مدت بیست سال است که در این شهرستان در مسجد (مصلی) باقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام اشتغال دارند.

از آثار ایشانست:

۱- تأسیس کتابخانه عمومی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در مسجد مصلی.

۲- مدرسه علمیه موسوی که مجهز بتمام وسائل آسایش برای طلاب علوم دینی و واردین از اهل علم و منبر میباشد.

۳- کتابخانه مدرسه علمیه مزبور برای محصلین این مدرسه.

جناب آقای موسوی، از حضرت آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله حکیم و آیه‌الله العظمی خوئی و آیه‌الله العظمی شاهرودی مجاز باجازه امور حسبیه و وکالت در امور شرعیه دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

موسوی، محمد خلیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد حسین. عالم فاضل جلیل، و محدث خبیر، آشنا به علوم حدیث و اخبار بوده، و در موقع چاپ «بحارالانوار» از طرف حاج محمد حسن امین الضرب اصفهانی متصدی تصحیح و مقابله‌ی آنها شده، و از این راه خدمتی شایان به علم و دین نموده. در سال ۱۳۱۴ وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

موسوی، محمد صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از علمای اخیار، و فضلای ابرار بوده، و در سال ۱۲۰۳ وفات یافته، در تکیه‌ی خاتون‌آبادی‌ها مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

موسوی، محمداسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد اسماعیل موسوی

محل تولد : کوهدشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۵/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۷۳ با یاری خداوند به حوزه علمیه قم رفتم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی (ره) مشغول به یادگیری درس های حوزه شدم. با یاری خداوند سطح یک را به پایان رساندم و وارد سطح دوم حوزه شدم. مشغول سطح دوم حوزه بودم که در آزمون پذیرش سطح دوم رشته تخصصی «تفسیر و علوم قرآن» شرکت کردم و به لطف خداوند پذیرش شدم و پس از سه سال در سطح سوم رشته تخصصی «تفسیر و علوم قرآن» پذیرش شدم و الحمدلله امسال به پایان رساندم و هم اکنون در حال ارائه موضوع هستم.

موسوی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌الله شهید سید محمد تقی موسوی اصفهانی

مرحوم آیت‌الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی معروف به «فقیه احمدآبادی» در سال ۱۳۰۱ ق.) در اصفهان در خانواده‌ای اهل علم و فضیلت که نسل‌اندرنسل از عالمان دین بودند به دنیا آمد و در سال ۱۳۴۸ ق. در سن ۴۷ سالگی به توطئهٔ یکی از سران فرقهٔ ضالهٔ بهاییت با خوراندن زهر کین به شهادت رسید.

در دوران عمر کوتاه اما پربرکتش حدود هفده جلد کتاب و رساله نگاشت که از میان آنها چهار جلد پیرامون حضرت مهدی(ع) و غیبت و انتظار و وظایف منتظران می‌باشد.

فقیه احمدآبادی در ده سالگی بر نصاب الصبیان شرح نوشت و در پانزده سالگی کتاب ایضاح الشبهات را نگاشت و در بیست و پنج سالگی کتاب ابواب الجنات فی آداب الجمعات را تألیف کرد و سرانجام در سن سی سالگی به فرمان امام عصر(ع) اثر ارزشمند خود را درباره آن حضرت(ع) و وظایف منتظران و دعا برای آن وجود شریف آغاز کرد و تا پایان عمر به تحقیق و تألیف و تکمیل آن اهتمام و اشتغال داشت.

آثار ارزندهٔ اودر حدّ کمال و پختگی و ژرف نگری وریشه دار است، و این به خاطر خلوص نیت و پاکی قصد ونظر در تحصیل علم و پیمودن مراحل تعلیم می باشد که در عمل، تلاش خالصانه اش در توجه به سوی الله بوده، از غیر بریده بود.

اضافه برآن ارادت شدیدی نسبت به خاندان رسالت و ائمه هدی علیه السلام داشت، و در تمام احوال به آنها توسل می جست ودر همهٔ افعال و اقوالش به آنها اقتدا می کرد واز آنها پیروی می نمود، وازتعالیم مقدسه آنها بهره می گرفت.

به خصوص به امام منتظر حجت بن الحسن عجل الله فرجه الشریف توجّه ویژه ای داشت، در معرفت آن حضرت و انجام وظایفی که لازم است اهل ایمان در زمان غیبت انجام دهند به مراحل و منازل والا وشامخی نایل آمده بود، به طوری که چند کتاب و رسالهٔ مهم و سودمند در این باره تألیف کرده که مهمترین آنها کتاب مکیال المکارم است.

در زندگی این سید بزرگوار خصوصیات قابل تقدیری وجود دارد که لازم است به آن توجه شود وآن عبارت است از اینکه: او به شئون و زرق وبرق دنیا توجه ای نداشت، و به اندکی از امور معیشت وکمی مادیت قناعت کرده بود.

در امور مادی جامهٔقناعت پوشیده ، از خلق اعراض نموده و به طلب علم وکمال پرداخته بود. نه در پی جاه و جلال می رفت و نه در جمع و مال ومنال می کوشید؛ دنیا وآخرت خویش را با ولای خاندان رسول الله آباد ساخته بود.

از جمله دیگر فعالیت های مؤلف که در کنار کارهای ارزندهٔ علمی خود انجام داده، نسخه برداشتن از روی کتابهای گرانبها که به مطالعه ودرس آنها نیاز داشته است.

سید بزرگوار در ساعتهای فراغت قصاید و ابیاتی می سروده و اشعار خود را به خاندان عصمت بویژه امام مهدی (عجل الله فرجه) اختصاص دارد .

اشعار او در لابلای تألیفات و نوشته هایش پراکنده می باشد، و تخلص او (تقی) و احیاناً شرعی زاده بوده است.

وی در مسجد مرقد مطهر سید اسماعیل نوادهٔ امام زین العابدین (ع) در جای پدرش اقامهٔ جماعت می کرد، ودر جمع کردن اخبار وآثار وارده دربارهٔ حضرت مهدی (ع) بسیار اهتمام داشت.

البته باید گفت از خط خوبی نیز برخوردار بوده است.

دربارهٔ کیفیت شهادت آن سید بزرگوار در کتاب نگاهی به زندگانی جهانگیرخان قشقایی به نقل از شهدای روحانیت در یکصد سال اخیر چنین آورده شده است:

سید شهید در ماه رمضان المبارک ۱۳۴۸ ق. به علت کسالت، در بیمارستان انگلیسی‌ها بستری شدند و در آن جا تحت عمل جراحی قرار گرفتند شب ۲۵ ماه مبارک، متصدی بیمارستان که از سران فرقهٔ ضالهٔ بهاییت بود و «سر الله خان» نام داشت، همهٔ بستگان و اطرافیان آن مرحوم را از اتاق بیرون کرده و سمی را که در استکان داشته به ایشان می‌خوراند، اطرافیان و دامادهایشان در آن لحظهٔ آخر از [پشت در اتاق] می‌شنوند که آن سید بزرگوار پیوسته صدا می‌زده: حبیبی یا حسین! از داماد ایشان «مرحوم حضرت آیت‌الله سید مرتضی موحد ابطحی» منقول است که «سید شهید در حالی که در بیمارستان بستری بودند، می‌فرمودند: «بناست حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) تشریف بیاورند.»۴

همچنین فرزند ایشان سید محمد موسوی اصفهانی ـ در مقدمهٔ کتاب نور الأبصار در این باره آورده‌اند:

او ستاره‌ای درخشنده بود که با طلوع خود دل‌ها را مجذوب خویش نمود، ولی افسوس که زود غروب نمود و سرانجام با توطئهٔ

دشمنان دین و نوشیدن زهر کین به وسیلهٔ یکی از اعضای فرقهٔ ضالهٔ [بهاییت] به شهادت رسید و در ماه مهمانی پروردگار به ضیافت الهی نائل گشت.۵

نگاهی کوتاه و گذرا بر زندگانی این دلباخته و شیفتهٔ حضرت بقیةالله و قضایای تشرفات ایشان آدمی را به خوبی به این نکته واقف می‌سازد که آن سید شهید و علامهٔ فقید مورد عنایت و کرامت حضرات معصومین(ع) به ویژه حضرت مهدی(ع) بوده و آن بزرگوار توجهی مخصوص به آن مرحوم داشته و وی نیز ارتباطی وثیق و اتصالی عمیق با ساحت مقدس مهدوی(ع) داشته است.

مکیال‌المکارم

مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم(ع) بنا بر آنچه که سید محمدعلی روضاتی در مقدمهٔ کتاب درباره آن نگاشته‌اند: «کتابی است ارزنده، ابتکاری و مهم. مؤلف بسیاری از مطالب مربوط به عقیدهٔ مهدویت و موضوع حضرت حجت(ع) را تحت عنوان «دعا برای آن حضرت و تضرع به درگاه الهی برای حفظ وجود شریف امام عصر(ع) از ناملایمات و آفات» مورد بررسی قرار داده است».

این کتاب مشتمل بر بحث‌های مختلف و بسیار با اهمیت در زمینه‌های فقه، حدیث، کلام، رجال، تفسیر و حتی فلسفه و ادبیات است که با اسلوبی بدیع و سبکی جالب و نتیجه‌گیری‌هایی درست همراه می‌باشد.

در این کتاب با دلایل عقلی و نقلی ثابت شده که دعا برای امام عصر(ع) از مهم‌ترین وسائل برای رسیدن به مراحل عالی کمال و نیل به درجات برجستهٔ معنوی است و آثار دنیوی بسیاری را نیز در پی دارد.

این اثر به شهادت صاحب نظران، از نظر جامعیت و ژرف‌اندیشی و بهره‌گیری از علوم عقلی و نقلی و استنباطات دقیق و اجتهادات عمیق از آیات و روایات بی‌نظیر بوده و به خوبی می‌توان دست عنایت مولا که مؤلف را هدایت و دلالت می‌کند، دید.

آیت‌الله صافی گلپایگانی (ازمراجع عظام تقلید) دربارهٔ این کتاب می‌نویسد:

این کتاب گویای حوصلهٔ فراوان مؤلف و گستردگی تحقیق و تفکر و تلاش اوست و در موضوع خود بی‌نظیر است و جز این کتاب، در موضوع مهدویت و آداب دعای بر حضرت مهدی(ع) و فواید آن، کتابی سراغ ندارم.۶

داستان تألیف کتاب

مؤلف بنا به آنچه که در مقدمهٔ کتاب آورده، انگیزه تألیف کتاب را چنین می‌نویسد:

ما نمی‌توانیم حقوق آن حضرت را ادا نماییم و شکر وجود و فیوضاتش را آن طور که شایسته است به جای آوریم. [پس] بر ما واجب است آن تعداد از ادای حقوق آن حضرت را که از دستمان ساخته است انجام دهیم، و بهترین امور در زمان غیبت، انتظار فرج آن بزرگوار و دعا کردن برای تعجیل فرج او، و اهتمام به آنچه مایهٔ خشنودی آن جناب و مقرب شدن در آستان او است. و من در باب هشتم کتاب ابواب الجنّات فی آداب الجمعات هشتاد و چند فایده، از فوائد دنیوی و اخروی دعا کردن برای فرج آن حضرت(ع) را ذکر کرده بودم اما بعد به فکر افتادم که کتاب جداگانه‌ای در این باره بنگارم که آن فواید را در برگیرد، و به سبک جالبی آن را به رشتهٔ تحریر درآوردم. اما حوادث زمان و رویدادهای دوران و ناراحتی‌های بی‌امان، مانع از انجام اینکار می‌شد، تا این که کسی را در خواب دیدم که با قلم و سخن نتوان او را توصیف نمود؛ یعنی مولا۔و حبیب دل شکسته‌ام و امامی که در انتظارش هستیم او را به خواب دیدم که با بیانی روح‌انگیز چنین فرمود: «این کتاب را بنویس و عربی هم بنویس و نام او را مکیال‌المکارم فی فوائد الدعاء للقائم(ع) بگذار!»

همچون تشنه‌ای از خواب بیدار، و در پی اطاعت فرمانش شدم ولی توفیق یاریم نکرد، تا این که در سال گذشته ۱۳۳۰ ق. به مکهٔ معظمه سفر کردم و چون در آن جا بیماری وبا شیوع یافت، با خداوند عزّوجلّ عهد بستم که هر گاه مرا از گرفتاری‌ها نجات دهد و بازگشتم را به وطن آسان گرداند تألیف کتاب را شروع نمایم. پس خداوند بر من منت نهاد و مرا به سلامت به وطن بازگرداند، پس به تألیف کتاب اقدام نمودم تا به عهدی که با خداوند بسته بودم، عمل کرده باشم...۷

پی‌نوشت‌ها:

۱. شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المومنین، ج ۱، ص۴۵۳.

۲. موسوی اصفهانی، سید محمدتقی، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ترجمه منصور پهلوان، نشر دارالحدیث، ج۲، باب ۴۵ ص ۲۷۰.

۳. موسوی اصفهانی، همان، ج ۱، ص۷-۴.

۴. زندگانی جهانگیرخان قشقایی، ص۱۸۳-۱۸۱، به نقل از: شهدای روحانیت در یکصد سال اخیر، ج۲، ص۶۴-۵۷.

۵. نورالابصار، ص۱۲-۱۰.

۶. به نقل: از زندگانی جهانگیرخان قشقایی، ص ۱۸۰.

۷. موسوی اصفهانی، همان، ج ۱، ص ۵۰-۴۸، ترجمه حائری قزوینی چاپ نگین.

۸. موسوی اصفهانی، همان، ج۲، ص۳۸۷، همچنین ج ۱، ص۲۲۵.

۹. موسوی اصفهانی، همان، ج ۱،ص۴۹۴-۴۹۳.

۱۰. موسوی اصفهانی، همان، ج۲، ص۳۲۲.

موسوی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمود موسوی

محل تولد : میبد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

در سال ۵۶ ـ ۵۵ تحصیلات علوم دینی خود را در حوزه علمیه میبد آغاز کردم و بخشی از مقدمات (ادبیات عرب) را نزد اساتیدی همچون حجج الاسلام شیخ حسن هدایی، سید اسد الله امامی و مرحوم شیخ کمال فقیهی فرا گرفتم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به قم آمدم. ابتدا در مدرسه رضویه و سپس در مدرسه فیضیه دروس حوزوی خود را پی گرفتم. دروس سطح را نزد اساتید برجسته ای نظیر آیت الله اشتهاردی، آیت الله سید علی محقق داماد، مرحوم آیت الله موسوی تهرانی، مرحوم آیت الله پایانی و تنی چند از دیگر اساتید فرا گرفتم. پس از اتمام سطح در حوزه درس آیت الله وحید خراسانی حضور یافته و تقریبا یک دوره اصول را از محضر ایشان تلمذ کردم چند سال نیز از دروس خارج فقه و اصول آیت الله میرزا جواد آقا تبریزی نیز بهره مند بودم در کنار دروس فقه و اصول بحمد الله از مباحث فلسفی و تفسیری آیت الله جوادی آملی و آیت الله مصباح یزدی استفاده نموده و فراوان بهره بردم. آشنایی اندک این بنده با علم هیئت نیز مرهون حضور در درس آیت الله حسن زاده آملی است. بحمد الله سرچشمه های علم و معرفت و معنویت در حوزه فراوان بوده و هست که نمونه هایی چند از آن اشاره شد گرچه این بنده اذعان می کند که توفیق کامل در استفاده از این سرچشمه ها نداشته و صرفا جرعه هایی از آن نوشیده است.

در کنار دروس رسمی و غیر رسمی حوزوی بنا به ضرورت هایی که همه می دانیم درسال ۶۹ در آزمون کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس (دار الشفاء) شرکت جسته و قبول شدم و در سال ۷۲ از آن مرکز فارغ التحصیل شدم. رساله ارشد را بنابر توصیه جناب آقای دکتر احمدی برای آشنایی هر چه بیشتر با زبان علمی روز دنیا ترجمه متن فلسفی کتاب اتین ژیلسون را انتخاب کردم که بعدها آن را تکمیل و منتشر ساختم.

دوره عمومی و تخصصی زبان انگلیسی را نیز در دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم گذراندم و بعدها از طریق تدریس در مراکز مختلف از جمله مرکز تربیت مدرس، مرکز زبان دفتر، موسسه امام خمینی و دیگر مراکز حوزوی مهارتهای زبانی خود را در بعد ترجمه، مکالمه بهبود بخشیدم. سفرهای علمی تبلیغی به خارج از کشور داشته ام که مهم ترین آن سفر به انگلستان جهت تبلیغ و اندونزی جهت تدریس هر کدام به مدت ۴۵ روز بوده است.

درسال ۷۷ در آزمون دکتری کلام دانشگاه قم پذیرفته شدم و رساله خود را به بررسی تطبیقی دیدگاه های مرحوم شهید مطهری و جی ال مکی در باب شرور اختصاص دادم و به اتمام رساندم از سال ۱۳۷۸ تا کنون عضو هیئت علمی گروه فلسفه و کلام موسسه آموزش عالی باقر العلوم بوده و همچنان هستم طی سال های اخیر به ترجمه، تصحیح و مقابله متون انگلیسی اشتغال داشته ام چند سالی نیز وقت زیادی صرف کار گروهی تدوین فرهنگ های اصطلاحات علوم اسلامی نمودم که حاصل آن انتشار فرهنگ اصطلاحات عرفان اسلامی انگلیسی ـ فارسی ؛ فارسی ـ انگلیسی و نیز فرهنگ اصطلاحات فلسفه و کلام اسلامی (زیر چاپ) است.

موسوی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مصطفی موسوی

محل تولد : اصفهان

شهرت : موسوی اصفهانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

حجةالاسلام و المسلمین موسوی در سال ۱۳۲۳ در اصفهان و در میان خانواده‌ای متدین به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج سید اکبر هوایی از کسبهٔ اصفهان بود و به پارچه فروشی روزگار می‌گذرانید. او به دلیل علاقهٔ فراوان به روحانیت، فرزند خود را به رو آوردن به علوم دینی بسیار تشویق می‌کرد. حجةالاسلام و المسلمین موسوی پس از اینکه دبستان را به پایان رسانید، در چهارده سالگی، تحصیلات حوزوی خود را آغاز کرد. او که حدود سه سال درحوزه علمیه اصفهان درس می‌خواند، از مواهب معنوی «حاج آقا مصطفی بهشتی» بهره‌های بسیار می‌برد.

او در سال ۱۳۴۰ به حوزه علمیه قم آمد تا از محضر استادان آن دیار بهره ببرد و در مدت کوتاهی دروس دورهٔ سطح را به پایان رسانید. سپس به درس خارج بزرگان آن روز حوزه علمیه قم رفت؛ البته در طی این سالها از علوم عقلی نیز غافل نماند و نیز در درس اخلاق استادان خود همواره حاضر بود. حجةالاسلام و المسلمین موسوی بخشی از دروس دورهٔ مقدمات را در اصفهان نزد آقا شیخ عبدالعلی عرب و حاج آقا مصطفی بهشتی گذراند. در قم، حاشیه ملاعبدالله را نزد حجةالاسلام و المسلمین «فاضل هرندی»، مختصرالمعانی را نزد «آیت‌الله صالحی»، معالم را نزد «آیةالله اشکوری»، قوانین را نزد «آیةالله سید اسدالله خراسانی» و لمعتین را نزد

«آیهٔالله صلواتی» و «مؤمن» بـه پایـان برد. او رسائل را نزد «آیـهٔالله اعتمـادی» و مکـاسب را نزد حضـرات آیـات: «ستوده، فاضـل و مظاهری» فرا گرفت. کفایه را نیز در محضر «آیهٔالله سلطانی طباطبایی» آموخت.

با پایان یافتن دورهٔ سطح، به درس خارج فقه و اصول «آیهٔالله العظمی شیخ مرتضی حائری»، «آیهٔالله العظمی مکارم شیرازی»، «آیهٔالله العظمی گلپایگـانی»، «آیـهٔالله العظمی وحیـد خراسانی» و «آیـهٔالله العظمی شـیخ جواد تبریزی» رفت و سالها از محضـر آن بزرگواران بهره‌مند شد. از دوسـتان و هم مباحثه‌ای های او (حجهٔالاسـلام و المسـلمین شـهید حسن بهشتی، حجهٔالاسلام و المسلمین سید محمد تقی دیباجی و حجهٔالاسلام و المسلمین قرائتی) را می‌توان نام برد.

حجهٔالاسـلام و المسـلمین موسوی از نخستین سالهای تحصیل به امر تدریس اشتغال داشت و سالها در حوزه علمیه خواهران قم و نیز حـوزه علمیـه برادران به تـدریس دروس دورهٔ سـطح پرداخته و از این رهگـذر، شـاگردان بسیاری را تربیت کرده است. او تقریرات دروس خارج اسـتادان خود را نگاشـته است. حجهٔالاسـلام و المسـلمین موسوی، همگام با نهضت اسـلامی امام (ره) خدمات سیاسی بسیاری بر جای نهاده است.

او در سالهای پیش از انقلاب به اطراف شـهر بهبهان مسافرت کرده و مردم آن نواحی را از مسائل سیاسـی و عقیدتی آگاه می‌ساخته است. همچنین در تحصـنی که علماء و طلاب اصـفهان در منزل «آیهٔالله خادمی اصـفهانی» به راه انداخته بودند، شرکت جدی داشته است. او پس از انقلاب نیز مـدتی به همراه «آیـهٔالله محمـد مؤمن» در قوهٔ قضـائیه به رتق و فتق امور دادگاههـا اشـتغال داشـته است.

حجهٔالاسـلام و المسـلمین موسوی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و هم اکنون در همدان به تدریس و تربیت طلاب اشتغال دارد.

موسوی، میرمحمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میر محمود موسوی

محل تولد : زاویه سفلی

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجـانب میر محمـود موسـوی فرزنـد میر علی اکـبر به سـال ۱۳۴۴ شمسـی در روسـتای «زاویه سـفلی» از توابع شهرسـتان «چالـدارن آذربایجـان غربی» به دنیـا آمـدم. تحصـیلات دوره ابتـدائی را در همـان محـل به پایان بردم. دوره راهنمائی را در شهرسـتان خوی و دبیرسـتان را در تهران به پایان رساندم. به سال ۱۳۶۱ در مدرسه «طالبیه تبریز» مشـغول دروس حوزوی شدم و از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۵ در مدرسه «شـیخ عبدالحسـین» تهران مقدمات و بخشـی از سطح یک حوزه را فرا گرفتم و از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ در مدرسه «مروی تهران» سطح دو را به پایان رساندم.

سال ۱۳۷۰ شمسی وارد حوزه علمّیه قم شدم و از محضر اساتید محترم: «مصطفی اعتمادی» و «محسن دوزدوزانی» رسائل، مکاسب و کفایـهٔ الاـصول را اسـتفاده کردم. سـپس از دروس خـارج فقه و اصـول و تفسـیر آیـات عظـام: «جعفر سـبحانی»، «مرحوم میرزا جواد تـبریزی»، «جوادی آملی»، «فاضـل لنکرانی»، «مکـارم شـیرازی» و «محمّـد مؤمن» بهره بردم. در همین سالهـا از سـال ۱۳۷۲ وارد کار پژوهشـی شـدم و از راهنمـائی هـای آقای «علی رفیعی علامرودشتی» سود بردم و مشـغول تهیّه مقالاتی در خصوص معرفی کتابخانه های بزرگ جهان شدم، حاصل آن مقالات گوناگونی است که در فصـلنامه کتابخانه حضـرت آیت الله العظمی مرعشـی نجفی (ره) به چاپ رسیده است.

سپس از محضـر حجهٔ الاسـلام آقای دکتر سیّد محمود مرعشی و آقای سید محمد اصفیائی در زمینه نسخه پژوهی و فهرست نگاری اسـتفاده برده و مشـغول فهرست نگاری نسـخه های خطی شـدم، حاصل آن تاکنون چنـدین جلـد فهرست است که پنـج جلـد آن به صورت گروهی (۲۸ – ۳۲) و دو جلد آن (۳۳ – ۳۷) با همکاری حجهٔ الاسلام آقای دکتر سیّد محمود مرعشی تدوین شده است. در کنـار فهرست نگـاری به تصـحیح برخی رسـاله هـای خطی پرداخته و مقالاـتی چنـد را نیز تالیف نموده ام که در منشورات کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله مرعشی نجفی (ره) به چاپ رسیده اند.

موسوی، ناصر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ناصر موسوی

محل تولد : بیجار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد سال ۱۳۵۴ در یکی از روستاهای بیجار کردستان هستم. در۶ سالگی به جنوب تهران و پس از یک سال به شهریار مهاجرت کردیم. از سال اول ابتدائی تا پایان دوره راهنمائی در شهریار (شهرک امیریه) تحصیل کردم. از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۳ در هنرستان فنی شهریار دیپلم فنی رشته «راه و ساختمان» را اخذ کردم و سپس وارد حوزه شدم.

از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۷ در حوزه علمیه «امام صادق (ع)» شهریار تحصیل کردم و موفق شدم در مدت ۴ سال، ۶ پایه تحصیلی را گذرانده و به قم منتقل شوم. از ۱۳۷۷ تا ۱۳۷۹ در قم مشغول تحصیل شدم، یک سال در حوزه علمیه «امام صادق (ع)نیروگاه» و دو سال نیز در مدرسه «ولیعصر (عج): مدرسه علمیه میرزا هاشم املی» و پس از پایان پایه ۹ ضمن قبولی در مدرّسی حوزه به حوزه علمیه تهران رفته و در مدرسه علمیه «حجت بن الحسن» به مدت دو سال رسماً مدرس آنجا بودم. البته دو سال دیگر هم به صورت پاره وقت با آنها همکاری داشتم.

ضمنا از سال ۷۹ در موسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع) هم قبول شدم و درسال ۸۴ با اخذ مدرک لیسانس فارغ التحصیل شدم. اکنون دانشجوی کارشناسی ارشد رشته «تاریخ تمدن اسلامی» در مدرسه عالی امام خمینی (ره) واقع در فلکه جهاد می باشم. دروس این دوره نیز پایان یافته و اکنون مشغول پایان نامه آن می باشم.

موسویان، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالفضل موسویان

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیّد ابوالفضل موسویان فرزند حسن در سال ۱۳۳۴ در شهر مقدّس مشهد دیده به جهان گشودم. پس از دوران ابتدائی، وارد حوزه شده و مقدّمات را از برخی از فضلای مشهد و عمدتا از مرحوم ابوی آموختم. مختصر المعانی را از استاد «حجت هاشمی»، معالم را از استاد «بنی هاشمی» و لمعتین را در محضر والد به پایان رساندم. سپس راهی قم شدم و رسائل را از محضر اساتید: «اعتمادی» و «دوزدوزانی»، مکاسب را از مرحوم استاد «ستوده» و کفایه را از استاد «سبحانی» استفاده کردم.

از اوائل سال ۱۳۵۲ درس خارج اصول و فقه را شروع کردم و از آیات عظام: «وحید خراسانی»، «شیخ جواد تبریزی»، و عمدتاً از «آیهٔ الله منتظری» بهره بردم. در کنار فقه و اصول، به فراگیری فلسفه نیز مشغول شدم و از اساتید بزرگوار «انصاری» و «جوادی آملی» استفاده کردم. منظومه و برخی از جلدهای اسفار را خواندم. سپس التمهید قیصری و فصوص الحکم را با استفاده از آیهٔ الله معرفت، اخلاق را از آیهٔ الله حسن زاده آملی فرا گرفتم.

اینجانب بعد از چند سال تحصیل، همانند دیگر حوزویان، درسهای پائین تر را به دیگران می آموختم. لذا از حوزه علمیّه مشهد تاکنون به تدریس اشتغال داشته ام. و دروس عمومی را در دانشگاه فردوسی مشهد و دانشگاه مفید تدریس کرده و می کنم. و اکنون عضو هیئت عملی دانشگاه مفید هستم. در کنار تدریس و تبلیغ، مکتوباتی نیز داشته ام ومقالاتی را در مجلات و روزنامه ها به چاپ رسانده ام.

موسویان، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عباس موسویان

محل تولد : عجب‌شیر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۳/۲

زندگینامه علمی

اینجانب سید عباس موسویان فرزند سید علی در تاریخ دوم خرداد سال ۱۳۳۹ در یکی از بخشهای استان آذربایجان شرقی به نام «عجب‌شیر» متولد شدم و تا سال ۱۳۵۴ در آن شهر زندگی می‌کردم. از سال ۱۳۵۴ برای ادامه تحصیل به شهرستان تبریز آمده و در هنرستان صنعتی تبریز در رشته برق ثبت نام کردم. سال آخر دبیرستان که مواجه با انقلاب بود و مدرسه ما در جریانات انقلاب نقش فعالی داشت؛ باعث شد گرایش زیادی به مسائل دینی و اسلامی پیدا کنم و همین امر موجب شد بعد از دوره دبیرستان در کنار درس دانشگاهی (که باز در رشته برق قبول شده بودم) به فعالیت در مراکز انقلابی و اسلامی چون جهاد سازندگی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روی آورم و با آغاز جنگ تحمیلی و تعطیلی دانشگاهها (به خاطر انقلاب فرهنگی) به صورت تمام وقت به سپاه تبریز رفته مشغول خدمت در سپاه شدم و از آن طریق چند مرتبه در جبهه شرکت کردم.

تابستان سال ۱۳۶۰ از طرف سپاه به خانه شهید آیت الله مدنی و به عنوان محافظ خدمت ایشان بودم، ایمان و اعتقاد خالص، صفا و صمیمیت ایشان موجب شد که علاقه زیادی به درس حوزوی و صنف روحانیت پیدا کنم و بر همین اساس چند روز قبل از شهادت ایشان به همراه چند نفر از دوستان از سپاه استعفا کرده و برای ثبت نام به حوزه علمیه قم آمدیم. از مهرماه ۱۳۶۰ در مدرسه رسول اکرم (ص) مشغول به تحصیل شدم و در سال ۱۳۶۷ دوره سطح را به اتمام رساندم.

از آن سال در کنار درس خارج فقه و اصول در رشته اقتصاد دانشگاه مفید شرکت کردم و در سال ۱۳۷۳ در دوره کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی تهران در رشته اقتصاد قبول شدم و در سال ۱۳۷۵ فارغ التحصیل شدم. از سال ۱۳۷۳ در کنار تحصیل، در بخش تحقیقات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، کار پژوهش و تحقیق را شروع کردم و از سال ۱۳۷۵ به عنوان مدیر گروه اقتصاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و از سال ۱۳۷۷ به عنوان رئیس پژوهشکده نظامهای اسلامی، علاوه بر انجام تحقیقات شخصی به مدیریت امور پژوهشی نیز اشتغال دارم.

موسویان، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد رضا موسویان

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد رضا موسویان تحصیلات ابتدایی و راهنمایی خود را در شهرستان گرمسار آغاز نموده و در سال سوم راهنمایی با پیشنهاد پدر مبنی بر تحصیل علوم حوزوی و اقبال بسیار زیاد خودم، در سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه علمیه رسالت به تحصیل پرداختم و پس از یکی دو سال به تناوب، دروس دبیرستان را به طور شبانه ادامه داده و در ۱۳۶۴ دیپلم خود را در رشته علوم تجربی دریافت نمودم. البته مسائل تبلیغی و حضور در جبهه هم در این سال ها بر قرار بود.

از سال ۱۳۶۷ وارد مباحث و دروس علوم سیاسی در دفتر تبلیغات و موسسه آموزشی عالی باقرالعلوم (ع) شدم. دروس علوم سیاسی در مقطع لیسانس را به پایان رسانده و در سال ۷۳ لیسانس را اخذ نموده و سال ۱۳۷۵ هم در مقطع کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی با گرایش اندیشه سیاسی به تحصیل پرداخته و در سال ۷۹ با دفاع از پایان نامه خود تحت عنوان: «حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی شهید ثانی» آن را به پایان رساندم. البته یکی دو نوبت در تافل دکتری در دانشگاه ها امتحان داده و قبول شدم اما در امتحان تخصصی آن موفقیتی کسب ننمودم.

از سال ۱۳۷۳ وارد بخش پژوهشی دفتر تبلیغات گردیده و در واحد معجم احادیث بحار الانوار به پژوهش پرداختم که در سال ۷۴ به پایان رسید. از سال ۱۳۷۵ وارد واحد تدوین اندیشه سیاسی اسلام که هم اکنون با عنوان پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی فعالیت می کند در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به تحقیق پرداختم. رشته مطالعاتی مورد علاقه بنده فقه سیاسی شیعه بود و با توجه به سیاست پژوهشکده به مباحث «تاریخ اندیشه سیاسی فقهای شیعه» پرداختم که تاکنون به پژوهش در اندیشه سیاسی فقهایی چون شهید ثانی، شیخ طوسی، فخرالمحققین، شهید اول و فاضل مقداد پرداخته که برخی از آنها در قالب کتاب منتشر یا در حال نشر می باشد و برخی دیگر به صورت مجموعه مقالات قرار است منتشر شود.

در سال های اخیر مدتی با موسسه انتظار نور (وابسته به پژوهشگاه علوم فرهنگ اسلامی) همکاری نموده که ضمن کارهای مختلف، یک مقاله در زمینه «امنیت سیاسی اجتماعی حکومت جهانی امام زمان (عج)» نوشتم که در گفتمان هفتم مهدویت مورد توجه قرار گرفت و دو پروژه تحقیقاتی دیگر با عناوین «ویژگی‌های نخبگان و کارگزاران سیاسی حکومت امام مهدی (عج)» و «ساختار نظام سیاسی حکومت جهانی امام عصر (عج)» در دست انجام دارم. با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی نیز در یک پروژه همکاری نمودم که حاصل آن یک مقاله بود. با موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) نیز یک مقاله دانشنامه ای در دست انجام دارم. ضمن این کارهای تحقیقاتی، با فصلنامه های علوم سیاسی و حکومت اسلامی (وابسته به موسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع) و دبیرخانه خبرگان رهبری) همکاری نموده و مقالاتی را برای چاپ و انتشار در برخی شماره های آنها ارائه دادم.

از سال ۱۳۷۸ در دانشگاه آزاد اسلامی اراک به تدریس انقلاب اسلامی و وصایای امام پرداخته که تاکنون نیز ادامه داشته و یک

مقاله نیز به مجله دین و سیاست آنجا ارائه کرده که منتشر شده است. از سال ۱۳۸۰ در دانشگاه شهید چمران اهواز در شهر اهواز و دو ترم در شاخه شمالی دانشگاه شهید چمران واقع در دزفول ـ اندیمشک، به تدریس دروس انقلاب اسلامی و تاریخ اسلام و سایر دروس گروه معارف تاکنون اشتغال دارم. در همایش کتاب سال حوزه شرکت کرده و کتاب «اندیشه شیخ طوسی» کتاب برگزیده انتخاب گردید.

موسوی‌نژاد، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد موسوی نژاد از فضلاء بارع و بزرگوار مشهد مقدس می‌باشند.

تولد ایشان در قریه (ابراده) که از مضافات و ییلاق مشهد است واقع شده و در بیت سیادت و دیانت پرورش یافته و پس از خواندن دروس فارسی به تحصیل علوم عربی و ادبی پرداخته و سطوح را از مدرسین مشهد فراگرفته سپس مهاجرت به نجف اشرف و چند سالی اقامت نموده و از محضر آیات عظام نجف چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقامیرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه العظمی حاج شید محمود شاهرودی و آیت‌اللّه العظمی خوئی استفاده نموده و پس از آن مراجعت به مشهد و زادگاه خود نموده و تشکیل مدرسه داده و به تربیت جمعی از طلاب و محصلین مبتدی مشهد با برنامه صحیح و مراقبت فراوان پرداخته و اکنون موفقیتهای بزرگی در این امر خیر نصیبشان شده و عده چشم‌گیری از طلاب حوزه ایشان به متانت و ورع و تهذیب اخلاق و با استعداد اشتغال به دروس سطوح متوسط و عالی دارند.

نگارنده گوید آقای موسوی نژاد که از نزدیک افتخار آشنایی و قرابت ایشان را دارم بسیار وارسته و دارای محامد آداب و محاسن اخلاق و در بین دانشمندان مشهد هم به پاکی و بزرگواری و ورع معروف می‌باشند.

یکی دیگر از آثار ارزنده ایشان صندوق تعاون و قرض‌الحسنه است که با معیت چند نفر دیگر از فضلاء تأسیس و بکار راه‌اندازی ارباب حوائج مشغول و دائر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

موسی زاده، حافظ

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حافظ موسی زاده

محل تولد : خلخال

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۲۲ در شهرستان خلخال (کوثر فعلی) در بخش سنجبد به دنیا آمدم. در آغوش خانواده، قرآن را فرا گرفتم. سپس تا سیکل اول دوره دبستان و دبیرستان را به پایان رساندم. تاریخ ۱۳۴۰ بود برای تحصیل علوم دینی به اردبیل رهسپار شدم و از آنجا سال ۱۳۴۳ شمسی به قم آمدم و مدت ۶ سال در دارالشفاء و فیضیه مشغول به فراگیری دروس حوزه گردیدم.

در سال ۱۳۴۹ خارج مدرسه ساکن شدم. در این مدت علاوه بر تحصیلات حوزوی از اساتید بزرگوار همچون آیات: اعتمادی، صلواتی، گرامی، انصاری، فاضل، تبریزی، سبحانی، سلطانی، مشکینی و دیگران (ادام الله فضلهم) مشغول تبلیغات در شهرها و روستاها شدم و مدت ۱۵ سال دانشگاه تهران و اصفهان رفتم و در عین حال در مراکز تحقیقاتی در مکتب امیرالمومین ۳ سال و تحقیقات قضائی ۲ سال و مجمع فتر اسلامی ۸ سال مشغول تحقیقات شدم. از جمله: در کتب شیخ انصاری از جمله مکارج الانظار و شرح لمعه شهید ثانی و مراجعه به مصادر موسوعه المیرهٔ الوجهة از جلد ۴ الی ۷ (۴ جلد) شرکت داشتم و ... .

موسیوند، توفیق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پروفسور توفیق موسیوند،متولد سال ۱۳۱۵در روستای ورکانه همدان،فارغ التحصیل رشته مهندسی کشاورزی از دانشگاه تهران و فوق لیسانس مهندسی مکانیک از کانادا و دکترای پزشکی و فوق تخصص جراحی قلب از کانادا می‌باشد.او صاحب اختراعاتی

چون قلب مصنوعی،امکان تشخیص پزشکی از راه دور و تنظیم و معالجه قلب،تعیین DNA انسان توسط اثر انگشت و ۱۴ اختراع پزشکی دیگر،عالی‌ترین مقام علمی جهان از انجمن سلطنتی کانادا و انگلستان و نیز عضو انجمن دانشمندان نیویورک، بنیانگذار درمان پزشکی از راه دور،رئیس بخش قلب و عروق انستیو تحقیقات قلب دانشگاه اوتاوا (پایتخت کانادا) است.او بعد از ۳۷ سال،در سال ۱۳۸۱ و در همایش بین المللی بوعلی سینا به زادگاهش (همدان) بازگشت.کسی که آمادگی خود را برای تأسیس دانشگاه و بیمارستانی بزرگ در کیش اعلام کرده است؛بیمارستانی که با بزرگترین دانشگاه و بیمارستان جهان قابل رقابت باشد،و کمترین و کوچک‌ترین هزینه‌ای برای دولت ایران در برنداشته باشد و تمام منابع آن از اعتبارات شخصی او تأمین شود.او درباره زندگی خود می‌گوید: «خانواده شلوغی بودیم،ساده زندگی کردن را دوست دارم،گله چرانی و دعوا و آشتی و عید نوروز و ...من خیلی خوشبخت بودم که پدرم گذاشت درس بخوانم،فرصتی که نصیب خواهرانم نشد.بعد،از چوپانی‌هایش می‌گوید و شب‌هایی که نتوانسته بود بخوابد و اینکه چرا پیامبران بیشتر چوپان و یا نجار بودند.او می‌گوید:«به یاد کودکی آرامش پیدا می‌کنم،آنجا (کانادا) هم،همیشه دنبال خاطراتی بوده‌ام که در دنیای مدرن و پیچیده به من آرامش بدهد.آنها را در چوپانی و همان شب‌های مهتابی می‌یافتم.یک چوپان به خدا نزدیکتر از دیگران است و همیشه به خلقت فکر می‌کند.آن وقت‌ها،من خدای گوسفندانم بودم.چوپانی،انسان را به اصل خود،خدا و طبیعت نزدیک می‌کند و به همین خاطر خدا دوستی و ذهن من مترادف با چوپانی است،وقتی برای کارهایم جوابی نمی‌یابم،به خدا بیشتر التماس می‌کنم.این حالت اغلب،وقتی پیش می‌اید که جواب مسأله‌ای را نمی‌دانم و از پس حل آن بر نمی‌ایم.من خیلی سجده شکر به جای می‌آورم و در جراحی‌هایم که انگار دخالت در کار خدا است. فکر می‌کنم که خداوند به همه آدمها مغز داده که از آن استفاده کنند و برای کمک به خود و دیگران از آن بهره ببرند.با این حال عده‌ای قدرت وعده‌ای شهرت،وعدّه‌ای ثروت را دوست دارند.عدّه‌ای هم دلشان می‌خواهد به مردم خدمت کنند،حتی بیشتر از آنچه که مردم انتظار دارند،احساس وظیفه می‌کنند و بس.[چیزی شبیه سکوت میان خالق و مخلوق!]

قلب مصنوعی و دیگر اختراعات پروفسور موسیوند جان هزارها تن را نجات داده است.او به کسانی که می‌خواهند از وی قدردانی کنند می‌گوید:اگر راستی می‌خواهید به من هدیه بدهید،آن موقع که به خدا نزدیک می‌شوید،برای من دعا کنید که چاق‌ام کم شود و عمرم زیاد!(با اشاره طنزآمیز) زندگی پروفسور فراز و فرودهای زیادی داشته است که مجال کوتاهی را از زبان خود ایشان می‌آوریم:«من اول برای تحصیل به دانش‌سرای معلمی همدان رفتم .همه انتظار داشتند،من معلم بشوم و خودم دوست داشتم نفر اول بشوم که نشدم و با خدا دعوا کردم که چرا اینطور نشد.بعد رفتم سراغ مهندسی مکانیک و بعد از آن،سراغ رشته کشاورزی و دست آخر از ایران خارج شدم و ۳۰ سال بعد بود که به حکمت خدا پی بردم و دیدم اگر در دانش‌سرای تربیت معلم نفر اول می‌شدم،این فرصت را نمی‌یافتم که این همه یاد بگیرم و به مردم خدمت کنم. بعدها فهمیدم که ما،چه عامی و چه دانشمند،حکمت خدا را نمی‌دانیم و نمی‌فهمیم و این یک واقعیت است.من فکر می‌کنم مذهب و علم با هم اختلاف ندارند.اینها دست به دست هم، پیش می‌روند.علم ابزاری است که خدا ایجاد کرده و مذهب دستوری است که باید انجامش بدهیم.سپس در پایان گفته‌هایش،رباعی معروف بوعلی سینا را می‌خواند که:

دل گرچه در این بادیه بسیار شتافت یک موی ندانست ولی موی شکافت

اندر دل من هزار خورشید بتافت آخر به کمال ذره‌ای راه نیافت

موصلی، ابراهیم

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۸۸ -۱۲۵ ق)، موسیقیدان، آهنگساز، خواننده و شاعر. پدرش از مردم ارّجان فارس بود و از آنجا به کوفه رفت. مادر ابراهیم، پس از مرگ ماهان، پرورش پسرش را به برادران خود سپرد. چون خانواده‌اش با تحصیل موسیقی مخالف بودند، وی به موصل گریخت. نسبت موصلی وی نیز بدین سبب است. در مدت کوتاه اقامتش در آنجا عود نوازی را آموخت. سپس به ری رفت و آواز ایرانی را فراگرفت. یکی از فرستادگان منصور خلیفه‌ی عباسی شیفته‌ی آواز وی شد و مقداری پول به او داد. ابراهیم نیز با این پول نزد موسیقیدانی زرتشتی، به نام جُوانویه رفت و به تکمیل معلومات خود در زمینه‌ی موسیقی پرداخت. اندکی بعد به دربار عباسیان راه یافت و از موسیقیدانان دربار نیز بهره گرفت. پس از آن نزد خلفای عباسی پایگاهی بلند یافت. ابراهیم یکی از بزرگترین خوانندگان و موسیقیدانان روزگار خویش بود و چندان زیبا آواز می‌خواند که مردم آن را الهام شیطان می‌خواندند. وی نخستین موسیقیدانی بود که در عراق شعر عرب را به آهنگ ایرانی آراست. او بر اثر بیماری معده درگذشت. اثر وی: «الاصوات المئة المختاره»، که به فرمان هارون‌الرشید و با همکاری ابن جامع و فُلیح بن ابی‌العوراء فراهم شد و مرکب از یک صد ترانه‌ی برگزیده بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :استادان موسیقی (۲۶ -۲۵)، الاعلام (۵۴ -۵۳ /۱)، تاریخ بغداد (۱۷۸ -۱۷۵ /۶)، تاریخ موسیقی (۱۲۱ -۱۱۹ /۱)، تاریخ هنرهای ملی (۷۱۷ -۷۱۶ /۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۳۶۷ -۳۶۶ /۲)، دائرةالمعارف البستانی (۲۶۷ -۲۶۰ /۱)، دایرةالمعارف فارسی (۱۰ /۱)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۳۳ -۲۳۲)، وفیات الاعیان (۴۳ -۴۲ /۱).

موفق، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا موفق

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۴/۱۲

زندگینامه علمی

۱. اخذ دیپلم در رشته علوم تجربی ۲. اتمام دوره سطح حوزه در حوزه علمیه مشهد مقدس ۳. اتمام دوره کارشناسی و اخذ مدرک آن در دو رشته « فلسفه و کلام اسلامی» و « فقه و مبانی حقوق اسلامی» در دانشگاه علوم اسلامی رضوی ۴. فراگیری زبان انگلیسی (مکالمه و متن) ۵. فراگیری زبان عربی و متون جدید (مکالمه و متن) ۶. عضویت در پژوهشگاه دانشگاه رضوی به مدت یکسال و تدوین دو مقاله پژوهشی در زمینه « آزادی و دین » و انتشار آن در مجله ی پژوهشگاه ۷. ادامه دروس حوزه و شرکت در دروس خارج فقه و اصول اساتید حجت الاسلام صادق لاریجانی ، آیت الله مکارم شیرازی ، آیت الله جوادی آملی، حجت الاسلام دکتر عابدی به مدت پنج سال ۸. پایان دوره کارشناسی ارشد در رشته « فلسفه و کلام اسلامی » از دانشگاه قم زیر نظر آموزش عالی با رتبه عالی و ارایه پایان نامه با عنوان « بررسی تطبیقی افکار و نظرات سارتر و مطهری » با کمک استاد راهنما حجت الاسلام صادق لاریجانی با رتبه ی عالی ۹. عضویت در پژوهشگاه اسراء تحت اشراف آیت الله جوادی آملی از سال ۷۸ و انجام فعالیت های ذیل : ü تحقیق و تنظیم کتاب « نسبت دین و دنیا (نقد نظریه سکولاریزم)» تألیف آیت الله جوادی آملی ü مسؤولیت پروژه کتاب «مهر استاد» (مشارکت در تدوین، تنظیم و ویرایش زندگی علمی آیت الله جوادی آملی و اساتید ایشان) ü تنظیم و تحقیق کتاب «شمس الوحی تبریز» (نظرات علمی و محوری علامه طباطبایی در سه بخش قرآن ، فلسفه و عرفان از منظر آیت الله جوادی آملی) ü تنظیم بخشی از کتاب « شرح شواهد الربوبیه » از سری درسهای آیت الله جوادی آملی (در مرحله ارزیابی) ü دیگر کارهای پژوهشی مانند بررسی شبهات جدید کلامی و همچنین برخی مقالات مانند «بررسی ارتباط عقل گرایی و دین» و «بررسی ارتباط دموکراسی و دین» برای تحویل به حضرت استاد و دیگر محققان تدوین شده است. ۱۰. تدریس در دروس حوزوی مانند ادبیات عرب ، منطق ، فلسفه (بدایهٔ الحکمهٔ) ۱۱. تدریس در دانشگاه در دروس معارف در دانشگاه قم ۱۲. تألیف کتاب «دین و معنای زندگی» به سفارش پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ۱۳. مسؤولیت بخش معاونت نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه قم به مدت چهار سال ۱۴. عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور آران و بیدگل ۱۵. همکاری با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

موگوئی شوشتری، علی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۳۵ ق) عالم و عارف. وی از دانشمندان عهد فتحعلی‌خان و اخشنوخان، حاکم شوشتر، بود. مدتی در شیراز و اصفهان تحصیل علم کرد. وی از شاگردان محقق خوانساری است. در جوانی به هندوستان رفت و پس از چندی به شوشتر بازگشت. آخوند ملا علی از زاهدان و پارسایان بود. او در شوشتر درگذشت و در جوار مسجد جامع دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۵۷/ ۱۲).

موگهی، عبدالرحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبد الرحیم موگهی

محل تولد : اهواز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱۰/۱

زندگینامه علمی

عبدالرحیم موگهی در اول دی ماه ۱۳۳۸ هجری شمسی در اهواز به دنیا آمد. تحصیلات کلاسیک خود را تا سال سوم رشته «مهندسی طراحی» در دانشگاه صنعتی اصفهان ادامه داد. در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شد و از محضر اساتید بزرگواری همچون آیات عظام: «فاضل لنکرانی»، «مکارم»، «جوادی» و ... بهره برد. وی دارای تألیفات متعددی می باشند که تعدادی از مقالاتشان در نشریاتی همچون: یاس، فرهنگ جهاد، رشد، ره توشه، مبلغان، مبین، حجره، پیام حوزه، کوثر، مربیان، سلام بچه ها و ... به چاپ رسیده است.

مولانا تبریزی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۳ -۱۲۹۴ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد و مدرس. معروف به مولانا. در تبریز به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات را در همان جا فراگرفت. در ۱۳۱۲ ق به همراه پدرش برای ادامه تحصیلات علوم اسلامی به نجف مهاجرت نمود و در حوزه‌ی درس استدلالی فقهی و اصولی فاضل شرابیانی و شیخ الشریعه‌ی اصفهانی و شیخ هادی تهرانی و شیخ آقا رضا تبریزی حاضر گردید. او همچنین در محضر شیخ آقا شیرازی معقول را فراگرفت و پس از دریافت اجازه‌ی اجتهاد و روایت در ۱۳۲۱ ق به تبریز بازگشت و به تدریس فقه و «ارشاد الانام»، در نبوت؛ «براهین الحق» یا «براهین الفقه»، در مسائل فقهی؛ حاشیه بر «الفصول»؛ «طریق الهدایه فی علم الدرایهٔ»؛ «مصباح السالکین و زاد المسافرین»؛ «مصباح الوسائل»، در شرح «الرسائل»؛ «مفتاح المطالب»، در شرح «المکاسب»؛ «مصباح الاعلام فی مدارک الاحکام»؛ رساله‌ی «الاجتهاد و التقلید»؛ رساله‌ی «فرق بین حق و حکم»؛ تفسیری کوتاه و مختصر از قرآن.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۴۹، ۱۲۲، ۱۰۹، ۱۰۲/ ۲۱ ،۱۷۱ -۱۷۰/ ۱۵ ،۸۳/ ۳)، ریحانه (۲۸/ ۶)، علماء معاصرین (۱۹۳ -۱۹۱)، مستدرکات اعیان الشیعه (۲۳۳/ ۳)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۲۵۱ -۱۲۵۰/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۹۱/ ۱۰).

مولانا، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پروفسور حمید مولانا (۱۳۱۵) استاد روابط بین‌الملل و مدیر سابق بخش ارتباطات بین المللی دانشگاه آمریکن در شهر واشنگتن امریکا و یکی از بنیان‌گذاران رشته‌های ارتباطات و روابط بین‌المللی در سطح جهانی است .

سید حمید مولانا در ۶ اسفند ۱۳۱۵ شمسی در یک خانواده ی روحانی و علمی در تبریز متولد شد.او که هم از طرف پدر و هم از طرف مادر سید هست،نسبش با بیست واسطه به امام هفتم می رسد؛پدر و مادر سید حمید بنا به گفته خودش "نمونه و مظهرپرهیزگاری،تقوی،پاکی،صداقت و خداشناسی و مسلمان به تمام معنا بودند "وفضای حاکم بر خانواده هفت نفره آنها صفا،صمیمیت و ایمان بود. خاندان مولانا خاندانی معروف در فقاهت ومجاهدت و شناخته شده بوده و هستند؛قطعاًزیستن در میان چنین خاندانی تاثیرات بسزایی در شکل گیری بنیه های فکری سید حمید داشته،به طوری که وقتی دانشجویان رشته روابط بین المللی دانشگاه آمریکن واشنگتن از ایشان در مورد بانفوذترین فرد در زندگی علمی شان می پرسند،این گونه جواب می دهند که":اول و بالاتر از همه پدر بزرگ من آیهٔالله العظمعی سید محمد مولانا؛"این فقیه بزرگوار که ازنفس روحانی اش بزرگانی همچون علامه امینی تربیت شده اند،کلمات و واژه هایی همچون" دولت غاصب"،"مشروعیت"،"مشروطه"و"حقانیت"را برای اولین بار به سید حمید آموختند،که بنا به گفته ی خود پروفسور":من درس اولیه جامعه و دولت وشکاف بین این دو در ممالک اسلامی را از او آموختم. "

سید حمید در شهریور ۱۳۲۰ و در حدود پنج سالگی خود تجاوز یک قدرت بیگانه به مملکت را مشاهده نمود و اولین دیدگاه های خود را در امور ملی و بین المللی شکل داد".غم انگیزترین روزهای من در تبریز حمله متفقین در جنگ جهانی دوم به ایران و اشغال تبریز توسط قوای شوروی بود؛"بعد از فروکش کردن جنگ جهانی دوم،امتناع روس ها از اجرای پروتکل های بین المللی مبنی برترک ایران،باعث بوجود آمدن حزب دموکرات آذربایجان به رهبری پیشه وری شد. در این جریانات بود که سید حمید با وجود صغر سن خود شکاف بین جامعه مدنی آن روز و دولت و بروکراسی را به طور ملموس دیده و به گفته ی خود ":به این پدیده ی ناموزون و نظریه پردازی آن علاقه فوق العاده پیدا نمودم. "

خود مختارها مدتی بعد پدر سید حمید را به طور موقت بازداشت می کنند و پس از مدتی، به دلیل افزایش فشارهاعلیه خاندان مولانا،این خاندان در تصمیمی قاطع به تهران هجرت می نمایند.

ادامه تحصیلات در تهران

"کلاس اول تا سوم ابتدایی را در دبستان سعدی در تبریز،کلاس چهارم را در دبیرستان رضوی تهران و پنجم ابتدیی تا هشتم متوسطه را در دبستان و دبیرستان تعلیمات اسلامی جعفری در تهران خواندم. "

حمید نوجوان با گرفتن مدرک سیکل رشته طبیعی آنزمان را انتخاب کرده و وارد دبیرستان مشهور مروی تهران گردید. در این ایام -۱۳۳۱تا۱۳۳۴هـش.- که مقارن با نهضت ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸مرداد بود،عقاید غربی به طرفداری از دو قطب غرب و شرق،کمونیسم و سوسیالیسم و لیبرالیسم و کاپیتالیسم با شدت تمام تبلیغ می شد و جوانان با دسته بندیهای تصنعی هر یک طرفدار ایده ای گشته و با آن شناخته می شدند؛ولی سید حمید اینگونه عمل می کرد ":من به هر دو گروه انتقاد داشتم وانقلاب اصیل را در هیچ یک از مکتب ها نمی دیدم و همیشه در بحث و صحبت خود آرزو داشتم که روزی یک خیزش و جهش اصیل و یک انقلاب اسلامی و مستقل از این دو قطب،عالمگیر شده وایران را نیز دربرگیرد. "

حوزه و گرایش به معارف اسلامی

با توجه به فرهنگ موجود در میان خانـدان مولانا،ممکن است این سوال به ذهن برسـد که چرا سید حمیـد بعـد از گرفتن سیکل،به جای حوزه علمیه وارد دبیرستان شد؟خود پروفسور مولانا به این سوال این گونه جواب می دهند که":کسب علوم حوزوی و تحقیق و مطالعه در این رشته،یک نوع آسودگی خاطر و آرامش دل و یک نوع ثبات و محیط بخصوصی را احتیاج دارد که متاسفانه برای بسیاری از ما که در طوفان تغییرات سیاسی و اقتصادی قرار گرفته بودیم امکان نداشت. "

پروفسور مولانا برخلاف تصورات عامیانه و با وجود این که از بیست سالگی در غرب بوده است، سعی و کوششی ویژه در آموختن علوم و اصول اسلامی داشته اند؛ایشان در دوران دبیرستان،با مدرسه مروی نیز در ارتباط بوده وپای بعضی از سخنرانی های شهید مطهری در آنجا نشسته انـد. نیز قبـل از رفتن از تهران بـا وجود کم بودن سنشان،چنـدین بار اجازه حضور در دروس آیات بزرگ حوزه علمیه قم از جمله آیهٔالله العظمی بروجردی را پیدا کرده و امام خمینی را هم برای اولین بار،در قم دیده اند.

هم اکنون نیز ایشان در مساجد مراکز اسلامی حومه واشنگتن شرکت و بارها به دعوت مراکز اسلامی و تشکل های مسلمانان در مساجد و دانشگاه های شهرهایی مثل لندن،منچستر،هامبورگ،بارسلون،الجزیره و قاهره سخنرانی کرده اند.

از روزنامه نگاری تا عزیمت به آمریکا

درمـدتی که سید حمیـد در تهران بود اغلب اوقات فراغت خود را به مطالعه ی کتاب و روزنامه های قدیمی در کتابخانه ی مجلس اختصـاص می دادو حتی در بسیاری از جلسـات دوره هـای شـانزدهم و هفـدهم آنزمـان مجلس به عنـوان تماشـاچی در مـذاکرات پرجنجال آنروز حضور داشته و یادداشت برمی داشت و این امور تأثیر بسزایی در آشنایی وی با مسایل جدید داشتند.

آغاز فعالیتهای مطبوعاتی پروفسور مولانا،نویسندگی روزنامه ی" دانش آموزان"بود که برای محصلان دبیرستان های آنزمان منتشر می شد؛زمانی که ایشان در سن ۱۹ سالگی مشغول فراگرفتن دروس اقتصاد در دانشگاه تهران بودند،از کیهان به ایشان پیشنهاد کار می شودو به عنوان سردبیر نشریه جدیدالتایس "کیهان فرهنگی"مشغول کار می شوند؛یک سال بعد در سال ۱۳۳۵ به کیهان روزانه منتقـل شـده وعهـده دار صـفحه اقتصادی ایـن روزنـامه می شونـد؛چاپ مقالات اسـتاد در مطبوعـات آنروز قبـل از عزیمتشـان به آمریکا،باعث شد که چندین بار توسط دادستان نظامی وقت مورد تفتیش و بازرسی قرار گیرند.

ایشان در اوج تکاپوهای مطبوعاتی خویش و در سن۱۹ سالگی،پدر و مادر خود را در یک حادثه رانندگی از دست میدهند ولی به مدد تعالیمی که از والدینشان اخذ کرده بودند ناامید نشده و روحیه خود را از دست نمی دهند.

ادامه تحصیل در ایالات متحده

"مـن در ۲۰سـالگی روانه ی آمریکـا و اروپا شـدم ."در سال ۱۳۳۷و شـش ماه بعـد از فوت والدین،سید حمید توانست از دانشگاه "نورت وسترن"شیکاگو که یکی از دانشگاه های برجسته آمریکاست،بورس تحصیلی دریافت کند؛پروفسور مولانا بعدها در مورد انگیزه سـفر خود به آمریکـا می گویـد"انگیزه من ازسـفر به آمریکـا،کسب دانش به حداکثرواسـتفاده از منابع علمی و دانشـگاهی و آشنایی بیشتر با این قاره و جامعه ی آمریکا بود. "

وی با علاقه و پشتکاری که از خود نشان میداد توانست مدرک لیسانس و فوق لیسانس را خیلی سریع و در رشته روزنامه نگاری و گرایش های نوینی چون اقتصاد و سیاست از دانشکده مشهور روزنامه نگاری نورت وسترن که موسوم به مدیل بود بگیرد.

ایشـان برای دکتری در"برنـامه مطالعـات خاورمیانه"دانشگاه هاروارد پـذیرفته می شونـد ولی اساتیـدشان در نورت وسترن با اعطای بورس بهتری ،ایشان را تشویق و قانع می کنند تا در آنجا بماندو دکترای خود را در رشته های علوم سیاسی و بین المللی و اقتصاد و ارتباطات ادامه دهد.استاد میپذیرند و بعدها می گویند که":این یکی از بزرگترین تصمیمات من و موثرترین عامل تدریس و تحقیق من در رشته ی" روابط بین المللی و ارتباطات جهانی" بود."و بـدین ترتیب استاد زیر نظر معروفترین و مشهورترین استادان علوم سیاسی و اقتصادی و جامعه شناسی و ارتباطات آنزمان آمریکا درس خواندند.

سرانجــام در آذرمـاه ۱۳۴۲ و تقریبـاً شــش مـاه بعــد از قیـام خـونین ۱۵ خرداد،سـید حمیـد مولانـا بـا اخـذ بالاـترین مقـام آکادمیک(پروفسوری)از دانشگاه نورت وسترن به ایران بازگشت.

مراجعت به آمریکاو اقامت دایمی چرا؟

"من بـا آنکه از کـودکی و به مقتضیات محیط و شـرایط ملی و بین المللی روز، همیشه کنجکـاو بـودم که هم غرب و هم شـرق را درک کرده و بفهمم ولی نه هیـچ وقت آرزوی اقامت دایمی در غرب و آمریکا را داشـتم و نه مایل بودم در غرب شـغلی پیدا کرده وحتی تدریس کنم. "

بـا تـوجه به وجـود چنین اعتقـادی در پروفسور مولانـا جـای این سوال مهم است که چرا ایشـان در همـان سـال بـازگشت خویش به ایران،مجـدداًراهی محـل تحصـیل خود،آمریکـا شـد؛برای پاسخ به این سوال بایـد بررسـی کنیم که در این چنـد مـاهه بر ایشـان چه گذشت.

پروفسور مولانـا در همان اوایلی که به ایران آمـده بودنـد از طرف کیهان دعوت به سـردبیری این روزنامه می شونـد.روزنامه ای که "کیهـان ش "نـام نهـاده و به جـان ملت انـداخته بودنـد و چنگال های اهریمن در تنش فرو رفته بود؛اینجاست که پروفسور جوان در معرض امتحان سترگ الهی قرار می گیردو به مدد شخصیت تربیت یافته ی خود از این امتحان سـربلند بیرون می آید و در اعتراض به بازداشت و تبعید امام خمینی ،از سردبیری کیهان استعفا می دهد.

ایشان این وقایع را اینگونه توصیف می کنند":چون اختناق در ایران در آن زمان به حد اعلای خود رسیده بود و من در مدت چند هفته ایکه در ایران برای سـمت سـردبیری کیهان دعوت شـده بودم چنـدین بار برای بازجویی به ساواک خوانـده شـده و تحت فشار دسـتگاه و نظام بودم،پس از سه ماه و نیم سـکوت در ایران،به عنوان اعتراض علیه بازداشت امام خمینی و خفقان موجود در مملکت اسـتعفا داده و خـاک ایران را برای همیشه ترک کردم و این آغـاز تـدریس و اسـتادی من در آمریکـا بود."و بـدین ترتیب پروفسور مولانـا در حـالی که از سوی رژیم پیشـنهادهای مختلفی برای کار در پست های مختلف –از وزارت گرفته تا وکالت–به ایشان شـده بود، راهی تبعید اجباری شد.

مشاور ریاست جمهوری:

حمید مولانا در سال ۱۳۸۷ به طور رسمی به عنوان مشاور محمود احمدی نژاد رئیس جمهور وقت ایران برگزیده شد. همچنین ملک وسیعی در نزدیکی ونک تهران برای راه اندازی بنیاد فرهنگی مولانا در اختیار اوگذاشته شد. مولانا همچنین اعلام کرده‌است که سخنرانی محمود احمدی نژاد در دانشگاه کلمبیا را در هنگام سفر محمود احمدی‌نژاد به نیویورک او به احمدی نژاد پیشنهاد داده‌است

مولانا، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی مولانا فرزند ارشد حضرت آیه الله العظمی آقای حاج سید محمد آقا مولانا قدس سره و سلسله‌ی نسب‌شان به حضرت موسی ابن جعفر علیه التحیه و الثناء می‌رسد شب شانزدهم ربیع الاول سال ۱۳۲۰ هجری قمری در بلده‌ی طیبه‌ی نجف اشرف (ایام اقامت والد ماجدش در آن شهر مقدس) متولد تحصیلات مقدماتی و ادبیات متداوله و سطوح را در تبریز به اتمام رسانده در سال ۱۳۴۰ جهت ادامه‌ی تحصیل به دارالعلم نجف اشرف عازم و از محضر استادان عالیقدر آیات الله آقا شیخ احمد کاشف الغطاء- آقا سید محمد حجت کوه کمری (موقع اقامت معظم له در نجف)- آقا شیخ محمد حسین کاشف الغطاء- آقا ضیاء عراقی- آقا شیخ محمد حسین کمپانی (اصفهانی) و سایر فقهاء عصر استفاده و پس از فراغت از تحصیل در سال ۱۳۴۶ به وطن عزیز خود تبریز مراجعت- از همان وقت به تدریس علوم دینی و تبلیغ احکام نبوی و تألیف کتب اسلامی با جدیت خستگی ناپذیر اشتغال داشته- روز چهارشنبه ۲۲ شوال المکرم سال ۱۳۹۲ در تهران (جهت معالجه به آن شهر تشریف فرما شده بود) داعی حق را لبیک گفته.

آفتاب دین غرا کرد از عالم افول

بیست دو شوال نزدیک زوال آفتاب

در شهر مذهبی قم و جوار حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها مدفون گردید. عمر شریفش و ۷۲ سال ۷ ماه و ۶ روز بوده.

چون تراب تیره شد آرامگاه و مضجعش

عرش گفتا آن زمان یالیتنی کنت تراب

اولاد ذکور آن بزرگوار: جنابان حجه الاسلام آقای حاج سید ابوالحسن و حاج سید ابوالقاسم آقا که هر دو به نوبه‌ی خود از جمله علمای اعلام و فضلای تبریز به شمار می‌روند و در دریای علم و تقوای آن فقید می‌باشند.

و نیز آقای حاج سید ابوالفضل جوان فعال پرهیزکار فرزند آن مرحوم و نور دیده‌ی مردم است.

تألیفات فقید سعید آنچه در حال حیاتش به زبان فارسی به چاپ رسیده ۱۸ جلد بشرح زیر:

۱- صحت و سعادت- اخبار وارده در موضوع بهداشت و سعادت بشر.

۲- آثار المعاصی- در بیان اثرات دنیوی گناهان.

۳- نصایح المعصومین- اندرزهای منتخبه از حضرات معصومین علیهم‌السلام

۴- الملاحم- پیشگوئی‌های واصله از حضرات معصومین علیهم‌السلام

۵- لطائف الاخبار- برگزیده‌ی اخبار واصله از حضرات معصومین علیهم‌السلام

۶- مرآة الحج- بیان احکام و مناسک حج.

۷- شرط و جزاء- بیان احادیث وارده در نتیجه‌ی بعضی اعمال.

۸- الفروق- بیان احکامی که میان زن و مرد متفاوت است.

۹- البرکات- اخباری که کلمه‌ی برکت در آنها ذکر شده.

۱۰- سیره‌ی حسنه- ذکر فوائدی در موضوعات مختلفه.

۱۱- حکایات المعصومین- قسمتی از حکایات گذشتگان خدائی.

۱۲- کیف اصبحت- اخبار و احادیث.

۱۳- چهل حدیث- احادیث و بحث اجمالی در امامت.

۱۴- خدا نه طبیعت- منظوم در اثبات صانع.

۱۵- حج نامه- منظوم در اعمال حج و سفرنامه.

۱۶ و ۱۷- بخش اول و دوم در منظوم- در حالات پنج تن آل عبا (ع).

۱۸- تعدیل المیزان- بیان اوزان و اندازه‌های معمول دنیا.

علاوه بیشتر از ده جلد کتب علمی و فقهی من جمله (منجزات المریض) یک بحث مهم که هنوز به چاپ نرسیده و از آثار باقیه‌ی آن فقیه می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مولوی سیستانی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به مولوی. با ولی دشت بیاضی (م ۱۰۱۲/ ۹۹۹ ق) معاصر بود و با یکدیگر مشاعره و مهاجات داشتند. وی اقسام مختلف شعر می‌گفت و اشعاری از او در تذکره‌ها آمده است. مؤلف «فرهنگ سخنوران» اسم کوچک وی را حاجی محمد یا حاجی احمد نوشته است. از اوست:

به بالینم رقیب از جانب دلدار می‌آید

اجل از بهر پرسش بر سر بیمار می‌آید

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۶۰)، الذریعه (۱۱۲۴/ ۹)، صبح گلشن (۴۷۲)، فرهنگ سخنوران (۸۹۵).

مولوی شیرازی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۷ ق)، فقیه، عالم دینی، قاری، زاهد و شاعر، متخلص به مولوی. در علم تجوید و قرائت قرآن مجید متبحر بود. او در شیراز درگذشت و در تکیه‌ی حافظیه به خاک سپرده شد. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۴۳۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۶۳/ ۵)، الذریعه (۱۱۲۴/ ۹)، ریحانه (۲۹/ ۶).

مولوی گیلانی، محمد هادی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۶ -۱۲۶۶ ق)، صوفی، نویسنده و شاعر، متخلص به مولوی. ملقب به وفا علیشاه. در پاکنار رشت به دنیا آمد. وی از مریدان صفی علیشاه بود و چنان در سیر و سلوک ترقی نمود که به مقام شیخی این سلسله رسید. در رشت مدرسه‌ی اخوت را تأسیس کرد که بعدها در اختیار وزارت فرهنگ قرار گرفت. او سفری نیز به هندوستان کرد و با مشایخ صوفیه دیدار نمود. مولوی پس از فوت صفی علیشاه با جانشین او، میرزا علی خان ظهیرالدوله صفا علیشاه، مأنوس و به تهران فراخوانده شد و از میرزا محمود خان نایینی و صفا علیشاه اجازه ارشاد گرفت. مولوی بر طریقت نعمت‌اللهی بود و اشعارش بیشتر جنبه عرفانی داشت. وی عاقبت در تهران درگذشت و در قبرستان ظهیرالدوله به خاک سپرده شد. از آثارش: «عالم و آدم»، شعر؛ کتاب «صفوت»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۰۷/ ۱۵، ۱۲۷۱، ۱۱۲۴/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۴۶۳ -۳۴۵۸/ ۵)، سیری در تصوف (۱۶۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۲۸۲، ۲۲۲۵/ ۲، ۱۵۹۴/ ۱)، کتاب گیلان (۴۸۱/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۳۰ -۷۲۹/ ۶).

مولوی، جلال‌الدین محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۷۲ -۶۰۴ ق)، عارف، حکیم و شاعر. معروف به مولوی، مولوی معنوی، ملای رومی، مولای روم و مولانای رومی. ملقب به خداوندگار و جلال‌الدین. وی گاهی خاموش تخلص می‌کرد. او دارای مذهب اهل سنت و حنفی بود. در بلخ به دنیا آمد. از جانب پدر به ابوبکر، خلیفه اول، می‌رسد و به همین جهت به خاندانش بکری می‌گفتند. مادر پدرش دخترزاده‌ی سلطان علاءالدین محمد خوارزمشاه بود و پدرش به بهاء ولد معروف. بهاء ولد از تربیت یافتگان نجم‌الدین کبری و از علماء و خطبای بزرگ و متنفذ و از بزرگان مشایخ صوفیه بود. او به دلیل رنجشی که از محمد خوارزمشاه یافت همراه فرزندش، جلال‌الدین، که کودکی پنج یا شش ساله بود، از بلخ خارج شد و از مشرق ایران به مغرب مهاجرت کرد و از راه نیشابور و بغداد و مکه به شام و از آنجا به ارزنجان رفت. گفته‌اند که پدر و پسر هنگام عبور از نیشابور به صحبت عطار رسیدند و عطار کتاب «اسرارنامه» را به ایشان داد و مولوی پیوسته آن را نزد خود داشت. مولوی به همراه پدر مدتی در شهرهای آسیای صغیر به سر برد و در شهر لارنده با گوهر خاتون، دختر شرف‌الدین لالاء ازدواج نمود. بعد از چهار سال با پدر و فرزندش، سلطان ولد، به درخواست سلطان علاءالدین کیقباد سلجوقی، به قونیه رفت و در آنجا سکونت گزید و به علت این اقامت طولانی در قونیه وی به رومی مشهور شد. سلطان العلماء، در ۶۲۸ ق، در همان دیار از دنیا رفت و مولوی بر مسند وعظ پدر نشست. یک سال بعد برهان‌الدین محقق ترمذی، شاگرد بهاءالدین ولد، به قونیه آمد و جلال‌الدین را تحت تربیت و ارشاد خود گرفت. سپس برای اینکه در علوم شرعی و ادبی کامل شود او را برای تحصیل به دمشق و حلب فرستاد. در حلب وی در خدمت کمال‌الدین ابن‌عدیم، فقیه بزرگ حنفی، به سر برد و سپس در دمشق تحصیل در فقه حنفی را با «هدایه» مرغینانی ادامه داد و گویا در همین شهر به فیض صحبت محیی‌الدین ابن‌عربی نائل گشت. بعد از اتمام این سفر، که از ۶۳۰ ق تا ۶۳۷ ق طول کشید، به قونیه بازگشت و به ریاضت ادامه داد تا اینکه از محقق ترمذی دستور تعلیم و

ارشاد گرفت و چون استادش در ۶۳۸ ق درگذشت مولوی به جای وی به تدریس پرداخت. وی مدت پنج سال بر این مسند بود تا به ملاقات صوفی وارسته، شمس‌الدین محمد بن علی بن ملك داد تبریزی، که ضمن سفرهای متعددش به قونیه رسیده بود، نایل شد. از این ملاقات و مصاحبت انقلابی روحانی در وجود مولانا پدید آمد که از اثر آن پشت پا به مقامات دنیوی زد، تا جایی که مریدانش او را سرزنش کردند و به سبب همین سرزنشها شمس تبریزی به دمشق رفت. پس از مدتی به خواهش مولانا بازگشت ولی این بار نیز با جهل و تعصب عوام روبرو گردید و چندی بعد به ناگاه از قونیه ناپدید گردید. گفته‌اند که شمس به دست گروهی از شاگردان متعصب مولوی، در ۶۴۵ ق، کشته شده است. پس از این مولوی زندگانی علمی گذشته را رها نمود و تا پایان عمر با عشقی خاص به تربیت و ارشاد سالکان و بیان حقایق عرفانی در قالب مثنوی و سرودن اشعار شورانگیز پرداخت. در این دوره شیخ صلاح‌الدین زرکوب و سپس حسام‌الدین چلبی مورد توجه مولانا قرار گرفتند و ارتباط و اتصال با ایشان مدتی او را مشغول داشت. او تعدادی از غزلیات «دیوان شمس» را به نام صلاح‌الدین زرکوب سرود و کتاب «مثنوی» را نیز با خواهش حسام‌الدین چلبی به وجود آورد. از عارفان و شاعران معاصر وی می‌توان صدرالدین قونوی و عراقی و نجم‌الدین دایه و قانعی طوسی و علامه قطب‌الدین محمود بن مسعود شیرازی و قاضی سراج‌الدین ارموی را نام برد. از دیگر مریدان او معین‌الدین پروانه، حکمران کل بلاد روم از جانب مغولان، بود. وی غالبا برای استماع مجالس مولانا می‌رفته و به همین سبب قسمتی از «فیه ما فیه» که خلاصه‌ی مجالس مولوی است خطاب به او می‌باشد. عده‌ای از سالکانی که مولوی، بعد از تحول روحی خود و ناپدید شدن شمس، در خانقاه یا مدرسه‌ی خویش تربیت و ارشاد کرد به مولویه مشهور شدند. این سلسله بعد از او در آسیای صغیر و ایران و ممالك دیگر پراکنده گشتند. مولوی سرانجام در قونیه، بر اثر بیماری، درگذشت و صدرالدین قونوی بر وی نماز خواند. پیکر او در باغ سلطان یا ارم باغچه، مقبره‌ی خانوادگیشان، در کنار پدرش، به خاك سپرده شد و بعدها بنایی به نام قبهٔ الخضراء، به نفقه‌ی بزرگان عصر و مریدان، بر تربت او ساخته شد که مدفن خانوادگی احفاد آنها گردید. از آثار منظوم وی: «مثنوی»، مشهور به «مثنوی مولوی» و «مثنوی معنوی»، در شش دفتر، در بیست و شش هزار بیت؛ «کلیات شمس» یا «شمس الحقایق»، معروف به «دیوان کبیر» که « دیوان» غزلیات اوست، حدودا مشتمل بر سی و شش هزار بیت؛ «رباعیات»، شامل ۱۶۵۹ رباعی. از آثار منثور او: «مکاتیب»، مکتوبات او به معاصرینش؛ «فیه ما فیه»؛ «مجالس السبعه».[۱]

شهرت جلال‌الدین محمد فرزند سلطان‌العلماء محمد بن حسین خطیبی معروف به بهاءالدین (و. بلخ ششم ربیع‌الاول ۶۰۴ ه.ق- ف. قونیه یکشنبه ۵ جمادی‌الاخر ۶۷۲ ه.ق) پدر وی از علماء و صوفیان بزرگ زمان خود بود. بهاءالدین به سبب رنجش خاطر سلطان محمد خوارزمشاه در هنگامی که جلال‌الدین کودك بود، از بلخ بیرون آمد و پس از مدتی سیر و سیاحت سرانجام رخت به قونیه کشید. جلال‌الدین تحقیقات مقدماتی را نزد پدر به پایان رسانید و پس از فوت او تحت ارشاد برهان‌الدین محقق مولانا را مدتی برای تکمیل علوم و معلومات در حلب و دمشق که از بزرگترین مراکز علمی و ادبی آن زمان بود فرستاد. و مولانا پس از پایان کار به قونیه بازگشت و به تدریس و تعلیم و وعظ و تذکیر مشغول گشت. تا اینکه در سال ۶۴۲ با شمس‌الدین محمد بن علی بن ملك‌داد معروف به شمس تبریزی ملاقات کرد. این ملاقات انقلابی روحانی در مولانا پدید آورد که موجب ترك مسند تدریس و فتوی گشت و این امر سبب نارضایی مردم قونیه و اعتراض مریدان گشت. شمس تبریزی تحت فشار مریدان مولانا به دمشق رفت. هجران وی مولانا را مضطرب و مشوش کرد و بالاخره پسر خود سلطان ولد را همراه گروهی در طلب شمس به دمشق فرستاد؛ شمس باز آمد و با مولانا بود تا در سال ۶۴۵ به ناگاه ناپدید گردید. اینکه گفته‌اند وی را جماعتی از مردم قونیه کشته‌اند، نباید پایه و اساسی داشته باشد. پس از فقدان شمس مولانا مسند تدریس و فتوی را ترك گفت و به مراقبت باطن و تهذیب نفس پرداخت. ارتباط او با صلاح‌الدین زرکوب و حسام‌الدین چلبی در این دوره از عمر یك چند او را مشغول داشت و به تشویق همین حسام‌الدین چلبی مولانا به سرودن مثنوی پرداخت. آثار مولانا از نظم و نثر عبارتند از: ۱- مثنوی: در ۶ جلد و شامل ۲۶ هزار بیت که در بحر رمل سروده شده است. محتویات مثنوی حکایات مسلسل منظومی است که از آنها نتایج دینی و عرفانی گرفته شده و حقایق معنوی به زبان ساده بیان گشته است. ۲- دیوان غزلیات معروف به دیوان کبیر یا کلیات شمس مشتمل بر ۵۰۰۰۰ بیت. ۳- رباعیات. ۴- مکتوبات مولانا. ۵- فیه ما فیه. ۶- مجالس سبعه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آشنایی با مولوی، از سنایی تا سعدی (۲۰۹ -۲۰۰/ ۲)، الاعلام (۲۵۹ -۲۵۸/ ۷)، با کاروان حله (۲۴۲ -۲۲۵)، به دنبال آفتاب از قونیه تا دمشق، پله پله تا ملاقات خدا، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۰۷ -۱۲۰۵، ۴۸۶ -۴۴۸/ ۳)، تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (۵۲۲ -۵۰۱)، تاریخ گزیده (۶۷۲)، تاریخ مغول (۵۳۶ -۵۳۴)، تاریخ نظم و نثر (۱۶۰ -۱۵۸)، تذکرة الشعراء (۲۲۲ -۲۱۳)، التصفیه فی احوال المتصوفه (صفحات متعدد)، تصوف اسلامی و رابطه انسان با خدا (۱۲۰ -۱۰۷)، جستجو در تصوف (۳۰۷ -۲۷۳)، حبیب السیر (۱۱۶ -۱۱۵/ ۳)، خدمات متقابل اسلام و ایران (۶۵۹ -۶۵۸، ۶۵۵)، دایرةالمعارف فارسی (۷۴۴ -۷۴۳/ ۱)، در قلمرو وجدان (۳۴۳ -۳۴۰)، الذریعه (۳۶۰، ۳۰۳/ ۱۹، ۴۱۱/ ۱۶، ۲۲۱/ ۱۴، ۱۱۲۳ -۱۱۲۲، ۵۳۹، ۲۸۵/ ۹، ۱۹۱/ ۶)، روضات الجنات فی اوصاف مدینهٔ هرات (۱۹۷)، ریاض العارفین (۶۵ -۵۷)، ریحانه (۳۳ -۲۹/ ۶)، زندگانی مولانا جلال‌الدین محمد، زندگینامه‌ی مولانا جلال‌الدین مولوی، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۲۸۰ -۲۶۶)، صبح گلشن (۱۰۵ -۱۰۲)، طرائق الحقائق (۳۳۷ -۳۳۶، ۳۱۴ -۳۱۳/ ۲)، غزلیات شمس تبریزی (مقدمه/ ۹۹ -۵)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۹۲ -۴۹۱)، فرهنگ سخنوران (۲۱۵ -۲۱۳)، گنج سخن (۱۶۹ -۱۴۷/ ۲)، گنج و گنجینه (۳۴۵ -۳۴۱)، لغت نامه (ذیل/ مولانای روم، مولانای رومی، مولوی)، مبانی عرفان و احوال عارفان (۶۰۴ -۵۷۳)، مجالس العشاق (۱۶۸ -۱۶۵)، مجالس المؤمنین (۱۱۵ -۱۰۹/ ۲)، مجالس النفائس (۳۲۱)، مجمع الفصحا (۷۸۰ -۷۷۹، ۷۷۱/ ۲)، مجمل فصیحی (ذیل/ سالهای ۶۷۲، ۶۰۴)، مرآة الخیال (۴۳ -۴۲)، مناقب العارفین (صفحات متعدد)، مؤلفین کتب چاپی (۷۵۳ -۷۴۵/ ۵)، مولوی نامه، مولویه بعد از مولانا (صفحات متعدد)، نفحات الانس (۴۶۹ -۴۶۱)، هدیهٔ الاحباب (۲۵۰ -۲۴۹)، هدیهٔ العارفین (۱۳۰/ ۲)، هفت اقلیم (۵۴ -۴۵/ ۲)، یادداشتهای قزوینی (۱۶۴ -۱۶۳/ ۷).

مومن شیرازی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقا شیخ حسین بن احمد بن غلامحسین معروف به مومن شیرازی از افاضل اخیار و علماء ابرار حوزه علمیه است در سال ۱۳۰۵ شمسی در شیراز متولد شده و مقدمات و ادبیات را در شیراز خوانده و در عهد زعامت مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی مهاجرت به قم نموده و پس از تکمیل سطوح از محضر آیات عظام بروجردی امام خمینی و مرحوم داماد یزدی استفاده نموده و دراسات و تقریرات آنان مخصوص آیت‌الله بروجردی را به رشته تحریر درآورده است.

آثار قلمی ایشان بدین قرار است:

۱- تقریرات اصول آیت‌الله امام خمینی خطی و غیر مرتب.

۲- تقریرات فقه و اصول مرحوم آیت‌الله بروجردی مخصوص لباس مشکوک خطی و غیر مرتب.

۳- تقریرات فقه و اصول مرحوم آیت‌الله داماد.

۴- رساله‌ای در عفت و غیرت ناتمام.

۵- رساله‌ای در عقاید صوفیه از مدارک خودشان ناتمام.

۶- شرح مختصری بر خطبه حضرت فاطمه زهرا علیهاسلام و ذکر مدارک و اسناد آن از کتب عامه و خاصه.

۷- استخراج روایات بحارالانوار مرحوم علامه مجلسی و مقابله با مصادر و مدارک آن از اواسط جلد ۵ چاپ کمپانی تا جلد ۸ که تقریبا از اواسط ج ۱۳ تا چلد ۲۷ طبع جدید می‌شود با معیت آقای حاج شیخ حسین کرمانی دارابی و آثار و خدمات دیگر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مومن، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی مومن

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

حجۀالاسلام و المسلمین علی مؤمن در سال ۱۳۳۲ در قم و در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پدرش کشاورز بود و برادرش (حضرت آیۀالله محمد مؤمن) از استادان حوزه علمیه قم بود. حجۀالاسلام و المسلمین علی مؤمن با به پایان رساندن دورۀ دبستان، در خرداد ماه ۱۳۴۵، به حوزه علمیه قم وارد شد.

او جامع المقدمات را نزد حجۀالاسلام و المسلمین طباطبایی خواند. سیوطی را نزد حجۀالاسلام و المسلمین شایسته گلپایگانی، مغنی را نزد آقای طالقانی، معالم را نزد «آیۀالله مقتدایی» و مختصرالمعانی را نزد «آیۀالله تهرانی» فرا گرفت. منطق را نزد حجۀالاسلام والمسلمین امینیان، شرح لمعه را نزد حضرات آیات: «تهرانی، شب زنده‌دار، صلواتی، تقوی اشتهاردی، فاضلی اشتهاردی و ...» آموخت. برای آموختن رسائل به نزد «آیۀالله طاهری» و برادرش (آیۀالله مؤمن) رفت. ضمن اینکه بخشهایی از مکاسب و کفایه را نزد برادر خود می‌آموخت به درس مکاسب آیۀالله ستوده و درس کفایه آیۀالله سلطانی طباطبایی نیز می‌رفت.

با پایان یافتن دورۀ سطح به درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: «شیخ کاظم تبریزی»، «شیخ مرتضی حائری»، «سید محمد رضا گلپایگانی»، «حسینعلی منتظری»، «وحید خراسانی» و «محمد مؤمن» و ... رفت و از دروس ایشان بهره‌های بسیار اندوخت. او بخشی از اسفار را نزد «آیۀالله امینی» آموخت و شرح تجرید را نزد «آیۀالله حسینی کاشانی» فرا گرفت.

از دوستان و هم مباحثه‌های او می‌توان حجج اسلام رجبی، شب‌زنده‌دار و عندلیب را نام برد. حجۀالاسلام و المسلمین علی مؤمن از نخستین سالهای تحصیل به امر تدریس همت گماشت و تا به امروز بیشتر کتب دوره سطح را تدریس کرده و از این رهگذر، شاگردانی را به عالم اسلام تقدیم داشته است. او به همراه برخی از استادان حوزه، به امر بررسی و تدوین میراث فقهی همت گماشته و در این زمینه، تحقیقات بسیاری را به انجام رسانده است. حجۀالاسلام و المسلمین علی مؤمن از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و در آن مرکز مقدس، فعالیتهای بسیاری را به منصه ظهور نهاده است

مومن، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مومن

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۶/۱۰/۲۳

زندگینامه علمی

آیهٔالله محمد مؤمن، در روز پنج شنبه، دهم ذی‌القعدهٔ سال ۱۳۵۶ هجری قمری برابر با ۲۳ دی ۱۳۱۶ هجری شمسی در خانواده‌ای مذهبی و علاقه‌مند به خاندان مکرم پیامبر اسلام (ص) در شهر قم چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم حاج عباس مؤمن که فردی سرشناس و مورد اعتماد مردم بود، با پیشهٔ کشاورزی روزگار می‌گذراند و نزدیک به صد سال زیست و سرانجام در سال ۱۳۷۷ هجری شمسی دار فانی را وداع گفت. مادر او نیز زنی پاکدامن و وارسته بود که چهار سال پیش از پدرش یعنی در سال ۱۳۷۳ در گذشته بود. پدر و مادر ایشان نیز متولد قم بوده‌اند و تا آنجا که خود از آن اطلاع دارد، خاندانش حدود ۲۰۰ سال است در قم سکونت دارند.

کودکی آیهٔالله مومن با تنگی معیشت خانواده همراه بوده، به گونه‌ای که ایشان را برای آینده‌ای پر از جهاد و مبارزه آماده می‌ساخته است. تحصیلات خود را در هفت سالگی آغاز نمود و در مکتب خانه‌ای واقع در محلهٔ «باغ پنبه» قم، به فراگیری قرآن مشغول شد پس از آن به مکتب دیگری رفته در آنجا کتاب «نصاب الصبیان» و برخی از کتب دیگر را آموخت. پس از مدتی با سفارش برخی به پدر ایشان و موافقت پدر، تحصیلات خود را در مدارس اسلامی، ملی آن زمان، به تحصیل علوم دبستانی اشتغال پیدا کرد و در مدت دو سال تا کلاس ششم ابتدائی تحصیل کرد. بعد از آن سال اول دبیرستان را خواند اما به دلیل کم بودن سن قانونی نتوانست در آزمون پایان سال شرکت کند.

در سال ۱۳۳۲ به تحصیل علوم دینی روی آورد و طی دو سال، ادبیات عرب، بخش بسیاری از «مطوّل» و همه «معالم الاصول» را فرا گرفت و هم زمان، به دلیل تنگی معیشت خانواده، به آموزگاری نیز می‌پرداخت. پس از آن، با توسل به حضرت علی بن موسی‌الرضا (ع) و امام عصر (عج) توانست رضایت پدر خود را جلب نماید و صرفاً به تحصیل علوم دینی بپردازد. «شرح لمعه» و «قوانین الاصول» را در طی یک سال فرا گرفت و «مکاسب» و «رسائل» شیخ انصاری را پس از دو سال به اتمام رساند و در ششمین سال تحصیل، جلد اول «کفایه» را آموخت و در درس خارج اصول و فقه شرکت جُست. هم زمان با تحصیلات فقهی و اصولی، به تحصیل حکمت الهی و فلسفه نیز می‌پرداخت و «شرح منظومه» سبزواری و «الهیات شفا» و بخش عمده «اسفار» را فرا می‌گرفت.

در اواخر سال ۱۳۴۲ برای تحصیل، عازم نجف اشرف شد و به مدت شش ماه از محضر استادان حوزه علمیه بهره‌های فراوان برد و سپس به ایران بازگشت و تا سال ۱۳۵۳ به تحصیل خود ادامه داد. حضرت آیت‌الله مؤمن در دوران تحصیل خود از محضر استادان برجسته‌ای بهره برده است؛ از جمله شرح منطق حاجی سبزواری را نزد «حاج شیخ محمد واعظ زاده» و مکاسب شیخ انصاری را نزد «آیت الله مشکینی»، «آیت الله شاه آبادی»، «شیخ ابوالفضل خوانساری» و دیگر اساتید آن زمان فرا گرفت. همچنین رسائل شیخ انصاری را نزد «آیهٔالله حاج شیخ محمد شاه آبادی» و جلد اول کفایهٔ الاصول را نزد مرحوم «آیهٔالله سلطانی» و مقداری از جلد دوم آن را نزد مرحوم «آیهٔالله حاج میرزا محمد مجاهدی تبریزی» فرا گرفت.

وی در درس اصول حضرت امام خمینی (ره) شرکت نمود و چند ماهی نیز در درس فقه «آیهٔالله بروجردی» حاضر شد و سپس به درس خارج فقه امام (ره) که درباره «مکاسب محرمه و بیع» بود، رفت و پایه‌های استنباط فقهی خود را نزد آن بزرگوار مستحکم کرد. پس از تبعید امام (ره) در سال ۱۳۴۲، به درس فقه و اصول «آیهٔ الله محقق داماد» رفت و پس از آن مرحوم، از درس خارج فقه «آیهٔالله حاج آقا مرتضی حائری» بهره برد. استاد او در «فلسفه» و «شرح منظومه» سبزواری، مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی (ره) بود و بعد از آن برای تحصیل الهیات «شفا» و «اسفار» به درس «علامه سید محمد حسین طباطبایی» (ره) رفت و سالها به حضور در درس تفسیر ایشان نیز توفیق یافت.

ایشان عمده استادان خود را در حوزه: مرحوم امام، مرحوم محقق داماد و مرحوم شیخ مرتضی حائری می‌داند و در باره آنها می‌گوید: «این سه بزرگوار، صرف بازگو کردن در نظرشان نبود؛ بلکه تحقیقی بحث می‌کردند؛ مخصوصاً امام که وقتی مسأله‌ای را می‌خواست طرح بکند، مانند این بود که اصلاً خودش می‌خواهد این مسأله را عنوان کند. با کمال دقت مطرح می‌کردند و حرفهای علمای دیگر را مطرح می‌کردند و نقض و ابرام می‌کردند و طلبه را اجتهادی بار می‌آوردند».

از هم مباحثه‌ای های آیهٔالله مؤمن، می‌توان از «آیهٔالله حاج میرزا ابوالحسن مصلحی اراکی» (فرزند آیهٔالله اراکی)، «آیهٔالله طاهری خرم آبادی»، «آیهٔالله حاج سید محمد حسینی کاشانی»، «مرحوم ربانی املشی»، «شهید حیدری نهاوندی» و «استاد حاج شیخ حسن تهرانی» نام برد. همچنین شاگردان بسیاری از محضر ایشان، کسب فیض نموده‌اند که در بین آنها، می‌توان از «دکتر حسن روحانی»: دبیر شورای امنیت ملی، «حجهٔالاسلام و المسلمین فیاضی»، «حجهٔالاسلام و المسلمین ناظم زاده»، «حجهٔالاسلام و المسلمین برهانی» و «حجهٔالاسلام و المسلمین اختری»: سفیر ایران در سوریه نام برد. اینان برخی از شاگردان وی بوده که در مباحث سطح عالی از تدریس وی بهره بردند. همچنین در درس خارج اصول و فقه ایشان، فضلای متعددی شرکت کرده‌اند که عده‌ای از آنها هم اکنون به تدریس خارج فقه و اصول و سطوح عالی حوزه اشتغال دارند.

زندگی آیهٔالله محمد مؤمن با تلاشهای علمی و فرهنگی فراوانی همراه است. ایشان در طی سالهای متمادی به تربیت طلاب جوان همت گماشته است و در این میان، شاگردان ممتازی را به جامعهٔ علمی و سیاسی کشور تقدیم داشته است. ایشان پس از فراگیری یک دورهٔ کامل اصول، به تدریس چند دوره «رسائل» شیخ انصاری، مقداری از «مکاسب» و «شرح تجرید الاعتقاد»، «بدایهٔالحکمه» و «نهایهٔالحکمه» و بخشی از «اسفار و عرشیه» نائل آمد. با پیروزی انقلاب اسلامی و کم شدن حجم مسؤولیتها، در سال ۱۳۶۲ به تدریس درس خارج اصول پرداخت که هم اکنون به تدریس دورهٔ سوم آن اشتغال دارد. تدریس بحث معاملات «تحریرالوسیله»

حضرت امام خمینی(ره)، کتاب قضا و شهادات و عمدهٔ حدود و مسائل مستحدثه در قالب درس خارج فقه از دیگر برنامه‌های درسی ایشان برای پرورش طلاب جوان و طالب اجتهاد بوده است ایشان هم اینک به تدریس مبحث حکومت اسلامی نیز مشغول است. از آیهٔالله مؤمن، آثار فراوانی در مطبوعات به چاپ رسیده است. همچنین ایشان در زمینه علوم اسلامی کتب شایان توجهی به جامعه علمی کشور تقدیم نموده است؛ از دیگر فعالیتهای علمی و فرهنگی ایشان می‌توان از تدوین و تنظیم آیین نامه‌های داخلی شورای مدیریت حوزه علمیه قم یاد کرد که در دوره تصدی ایشان انجام گرفت و هم اکنون با همت مسؤولان آن مرکز سیر تکاملی خویش را می‌پیماید.

دفتر زندگانی آیهٔالله محمد مومن، پیش و پس از انقلاب، سرشار از مبارزه و هدایتهای سیاسی است. در حدود سال ۱۳۴۳ در مجلس آن روز، لایحهٔ کاپیتولاسیون مطرح شد. به دنبال این قضیه، امام خمینی (ره) در نطقهای آتشین خود، ضمن محکوم کردن این مسأله، همهٔ مسلمانان و علمای اسلام را به مبارزه با آن دعوت کردند. رژیم شاه که از افشاگریهای امام خمینی (ره) می‌هراسید؛ ایشان را دستگیر و پس از دو ماه آن بزرگوار را در منزلی در قیطریه تهران محصور و ممنوع الملاقات می‌کند. در اواخر سال ۱۳۴۲ به قصد زیارت عتبات عالیات و حضور در درس خارج علماء نجف اشرف به عراق مشرف شد و نزدیک ۶ ماه این سفر به طول انجامید. پس از آن در مرداد ماه ۱۳۴۳ به ایران مراجعت می‌کردند.

به دنبال دستگیری مجدد حضرت امام (ره) و تبعید به ترکیه، آیت الله مؤمن به عنوان سفر زیارتی قصد تشرف به نجف اشرف را داشت که مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری از ایشان خواست تا پیامی را به «آیهٔالله سید محسن حکیم» ابلاغ نماید. قرار بود آیهٔالله مؤمن این پیام را از طریق امام موسی صدر (ره) یا حاج شیخ نصرالله خلخالی (ره) به سمع آیت‌الله حکیم برساند. پیام این بود که هم اکنون، حاج آقا روح‌الله (حضرت امام خمینی) در صف مراجع تقلیدند و دستگیری و تبعید ایشان، در واقع، توهین به مرجعیت شیعه خواهد بود. از این رو، لازم است آیهٔالله سید محسن حکیم، نسبت به این مسأله واکنش نشان داده، خواستار بازگشت ایشان و رفع تبعید معظم له شوند.

از فعالیتهای دیگر که در کارنامهٔ مبارزاتی آیهٔالله مؤمن می‌درخشد، رساندن مفاد نامهٔ تعدادی از اعضای جامعهٔ مدرسین حوزه علمیه قم، مبنی بر اعلام مرجعیت امام خمینی (ره) به دست امام خمینی (ره) بود. مفاد این نامه را آیهٔالله مومن، در نجف اشرف به محضر امام (ره) تقدیم نمود. امام خمینی (ره) که همیشه از قبول مرجعیت و عناوینی این گونه سرباز می‌زد، ابتدا بدان اعتراض می‌کند. آیهٔالله مومن با بیان وضعیت حساس آن دوره، جنبه‌های سیاسی و مبارزاتی این تصمیم را خدمت امام (ره) عرض می‌نماید و به ایشان عرض می‌کند: «علت تصمیم اعضاء جامعه مدرسین مبنی بر اعلام مرجعیت این است که آنها تنها حضرتعالی را برای مقابله با رژیم فاسد شاه صالح می‌دانند؛ از این رو وظیفه خود دانستند تا حضرتعالی را به عنوان مرجع تقلید معرفی کنند. بدین گونه امام (ره) در برابر این اعلام مرجعیت، سکوت می‌فرماید.

حضور ایشان در جلسات جامعه مدرسین، در پیش از انقلاب، و پی‌گیری مصوبات و بیانیه‌های آن از فعالیتهای درخشان ایشان است که سرانجام به دستگیری و تبعید ایشان در سال ۱۳۵۳ منجر شد. ایشان به سه سال اقامت اجباری در شهداد کرمان محکوم شد که پس از گذراندن هفت یا هشت ماه اقامت در شهداد، بقیه مدت را در تویسرکان به تبعید گذراند اما تبعید ایشان باعث نشد که افشاگریها و مبارزات سیاسی ایشان پایان یابد؛ بلکه در آنجا نیز با بیان احکام اسلامی و در لابلای آن، مسائل مهم انقلاب، ماهیت رژیم شاه را برای مردم آشکار می‌کردند و آنها را به تقلید و پیروی از مرجعیت شیعه، به ویژه امام خمینی (ره)، که در آن زمان پرچمدار مبارزه بود، دعوت می‌کردند. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، فعالیتهای آیهٔالله مؤمن در قالب مسؤولیتهای اجرایی و روشنگریهای درسی و اخلاقی ادامه یافت. آیهٔالله مؤمن هم اکنون به تدریس در حوزهٔ علمیه قم اشتغال دارد و در مکتب اجتهاد و فقهاهت، شاگردان مفیدی را به عالم اسلام تقدیم می دارد.

مومنی، ستار

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ستار مومنی

محل تولد : مرند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۸ وارد حوزه علمیه خوی شدم. در مدرسه ای به نام مدرسه نمازی مشغول تحصیل گردیدم. مدتی در محل فوق الذکر ادامه تحصیل دادم. مقدمات را در آن مدرسه به اتمام رساندم. پس از آن زمان کم به مدرسهٔ «طالبیه» واقع در شهرستان تبریز هجرت نمودم و در مدرسه طالبیه مشغول شدم. باز به حوزه علمیه خوی برگشتم و کتابهای لمعتین، معالم و حاشیه را خواندم و در ضمن در همان مدرسه یکی از استادان حوزه خوی معرفی شدم و مشغول تدریس.

مونسی شوشتری

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی سالها در هند به سیر و سیاحت پرداخت. تقی‌الدین اوحدی در ۱۰۳۰ ق او را در بندر سورت ملاقات کرده است و میرزا محمدصادق مینای اصفهانی نیز در ۱۰۳۷ ق او را در همان بندر دیده و گفته است که: به لطف طبع اتصاف داشت. اشعاری از وی در تذکره‌ها ذکر شده است. از اوست:

مونسی هان از گل دیدار پر کن دامنی

کآسمان زود از عطای خود پشیمان می‌شود

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۱۲۷/ ۹)، صبح گلشن (۴۷۶)، کاروان هند (۱۳۸۲ -۱۳۸۱/ ۲).

مهابادی علی، محمد علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از مهاباد اصفهان بود و به تصوف گرایش داشت. به تقلید از «مثنوی» و «غزلیات» مولی شعر می‌سرود. به قصد تجارت از ایران به هندوستان رفت. پس از چندی بازگشت و سرانجام در مشهد درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۳۹ -۱۳۸)، الذریعه (۷۶۳ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۵۰)(، کاروان هند (۹۱۷ -۹۱۶ / ۲).

مهابادی، افضل الدین حسن

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن علی بن احمد بن علی مهابادی.

فقیه صالح [ادیب] متبحّر، از ثقات علمای امامیّه قرن ششم هجری است. کتب زیر از اوست:

۱- الاعراب ۲- دیوان شعر ۳- ردّ تنجیم ۴- شرح شهاب ۵- شرح لمع ۶- شرح نهج البلاغه؛ و غیره. سال وفاتش معلوم نیست.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مهاجر سنندجی، عبدالقادر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۵ -۱۲۱۱ ق)، عالم دینی، فقیه شافعی و مدرس. در سنندج به دنیا آمد. از محضر پدر و سایر علمای عصرش استفاده نمود و به دریافت اجازه نایل شد. وی پس از درگذشت پدرش در مدرسه‌ی دارالاحسان سنندج به تدریس پرداخت. او در کلام و فلسفه و حکمت تبحر داشت. در اواخر ۱۲۷۱ ق بر اثر اغتشاش اوضاع داخلی سنندج به سلیمانیه‌ی عراق مهاجرت کرد و با استقبال عمومی مردم روبرو گردید. وی در آنجا به تدریس و تألیف و تحقیق مشغول بود. در سلیمانیه درگذشت و در قبرستان گردسه یوان به خاک سپرده شد. از آثارش: «تقریب المرام»، در شرح «تهذیب الکلام» علامه تفتازانی؛ حاشیه بر «شرح عقاید عضدیه»؛ شرح «رسالهٔ الزوراء»؛ «کشف الغطاء»؛ حاشیه بر «تعلیقات لاری»؛ «رسالهٔ العلم».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۶۹/ ۴)، ایضاح المکنون (۳۱۴/ ۱)، تاریخ مشاهیر کرد (۲۲ -۲۱/ ۲)، هدیهٔ العارفین (۶۰۶ -۶۰۵/ ۱).

مهاجر، داریوش

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی معدنی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی در سال ۱۳۴۰ و کارشناسی ارشد شیمی در سال ۱۳۴۲ از دانشگاه تهران، دکترای شیمی در سالهای ۱۳۵۱ -۱۳۴۶

از دانشگاه پنسیلوانیا آمریکا، فوق دکترا در دانشگاههای کرنل و برکلی در سال ۱۳۵۷ -۱۳۵۶، و در دانشگاه تکزاس آمریکا در سالهای ۱۳۶۹ -۱۳۶۸.

مرتبه علمی:

عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز از سال ۱۳۵۱، دانشیار دانشکده علوم دانشگاه شیراز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اکسایش کاتالیتیکی ترکیبات آلی در مجاورت کاتالیزورهای متالوپورفیرین و متالوپورفیرین‌های تثبیت شده بر روی پلیمر، بررسی فعل و انفعالات چند الکترون دهنده با چند الکترون گیرنده، استاد راهنمای ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۱ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شیمی معدنی در مورد اصول ساختمان و فعالیت شیمیائی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۹

زمینه علمی مقالات:

Tertaphenyl porphyrin with and (II) Electron Spin resonance Of the interaction Of cobalt co so Supported ۲ and Tcne. Oxidation Of Organic compounds with Ag۲ Feo۴ BaFe۴ Polymer tetraphenyl Porphyrin chloride. (III) reagents. catalytic epoxidation Of alkenes by manganese

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مهاجر، قاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: سور قرآن، وزیری کوچک. کاغذ فرنگی آهار و مهره کشیده بین‌السطور طلاانـدازی، نسخ کتابت جلی متوسط با رقم: «کتبه العبد الاثم قاسم المهاجر» «سنهٔ ۱۲۸۴» در کتابخانه‌ی ملی.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

مهاجرانی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا جعفر ابن آیت‌اللَّه حاج میرزا محمـد باقر مهاجرانی همدانی از فضـلاء حوزه علمیه قم می‌باشـند. وی در سال ۱۳۵۲ قمری در همـدان متولـد شـده و پس از پایان دوره ابتـدائی مقدمات را در مدرسه مرحوم آخوند ملا علی همدانی خوانده و در سال ۱۳۶۷ قمری به قم آمـده و سـطوح را از مدرسـین بزرگ حوزه علمیه خوانـده و پس از آن مدت سه سال از محضـر و درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی اسـتفاده نموده و بعـد از فوت ایشـان از درس خـارج آیـات عظـام خمینی و شـریعتمداری و گلپایگانی و آقـای نجفی مرعشـی مـدظلهم بهره‌منـد و در بین آن سـفری به نجف اشـرف نموده و چنـدی توقف و از محضـر و دراسات آیت‌اللَّه العظمی خوئی و نایب‌الامام خمینی دامت برکاتهم مستفیض گردیده و در دوره انقلاب برای بیدار کردن مردم مسافرتهائی به اطراف نموده و متحمل مشقات و رنجهای فراوانی گردیده است.

آثار خالده و تالیفات ایشان.

۱- مسجدی در لاکمه‌سر لاهیجان ۲- مسجدی در کوریجان همدان ۳- مسجدی به نام حضرت ولی عصر (ع) در مهاجران.

تالیفات: ۱- مناسک حج بر طبق مذاهب پنجگانه اسلام: ۱- جعفری ۲- حنفی ۳- شافعی ۴- مالکی ۵- حنبلی.

۲- جزواتی در تقریرات دروس آیات عظام و اساتید حوزه علمیه قم، مخطوط.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

مهاجرانی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

وی در سال ۱۲۷۴ قمری در قریه رایگان از توابع همـدان متولد و پس از تکمیل مقدمات در سال ۱۲۹۰ قمری در همدان مشغول به

تحصیل علوم دینی بوده پس از آن به عراق (اراک) مهاجرت نموده و از محضر آیت‌اللّه حاج‌آقا محسن اراکی استفاده نمودند.

سپس به نجف اشرف حرکت در بحث آیت‌اللّه العظمی میرزا حسن شیرازی «میرزای بزرگ» حاضر می‌شدند و بعدا از اصحاب خاص آیت‌اللّه آخوند خراسانی و آیت‌اللّه سید محمدکاظم طباطبایی یزدی محسوب می‌شدند و در سنه ۱۳۲۱ قمری از قریه دارالمؤمنین مهاجران جمعی به عتبات عالیات مشرف و با اصرار ایشان را به مهاجران وارد کردند و در آنجا به امورات دینی و اقامه حدود و جماعت مشغول بودند.

و در سال ۱۳۲۹ دار فانی را وداع گفت اما تألیفات آن بزرگوار:

۱- حاشیه بر رسائل ۲- حاشیه بر مکاسب مرحوم شیخ ۳- صلوت مسافر ۴- قضا و شهادت ۵- رساله در عدالت ۶- تمامی صلوت ۷- رساله عملیه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مهاجرانی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدباقر بن العالم الجلیل آیت‌اللّه آقا شیخ علی زاهد مهاجرانی از علماء اعلام معاصر است در شهر همدان.

وی در سال ۱۳۲۵ قمری در مهاجران متولد شده و از هفت سالگی مقدمات را در همان قریه در حضور علماء محل فراگرفته بعدا به همدان حرکت کرده قریب پنج سال در همدان از حوزه اساتید استفاده نموده و شنیدند که حضرت آیت‌اللّه حایری طاب ثراه در قم تأسیس حوزه نموده‌اند در اواخر سال ۱۳۴۰ قمری مشرف به بلده طیبه قم شد و در حضور اساتید عظام جهت تکمیل سطوح حاضر و از حضور آیت‌اللّه آقا شیخ ابوالقاسم قمی استفاده نمودند.

سپس در سال ۱۳۴۷ به بحث آیت‌اللّه حایری حاضر شدند و در سال ۱۳۴۹ قمری در محضر آیت‌اللّه العظمی حجت قدس سره حاضر شده فقها و اصولا استفاده نمود.

پس از آن در حوزه تدریس مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی شرکت نمودند. معظم‌له هم اکنون در شهرستان همدان به بحث و تبلیغ اشتغال دارند.

اجازات ایشان عبارتند از: اجازه اجتهاد از آیت‌اللّه العظمی حجت، مرحوم آیت‌اللّه حایری، مرحوم آیت‌اللّه صدر، مرحوم آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌اللّه حکیم طاب ثراهم می‌باشند.

نوشتجات و تألیفات این دانشمند به قرار ذیل است:

۱- تقریرات دوره کامل اصول آیت‌اللّه حجت ۲- درس بیع ۳- رساله در صلوت ۴- رساله‌ای در صوم ۵- صلوت جمعه ۶- قاعده لاضرر و لباس مشکوک ۷- درایه که قریب به انتشار است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مهاجرنیا، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن مهاجرنیا

محل تولد : اندیمشک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر در سال ۱۳۵۹ دروس حوزوی را شروع کردم و با مدرک اول دبیرستان وارد حوزه علمیه شدم در سال ۱۳۶۸ دوره مقدمات و سطح عالی حوزه را به پایان رساندم و در ضمن آن دیپلم را هم اخذ کردم.در کنار دروس حوزوی در سال ۱۳۶۷ دروس دانشگاهی را هم شروع کردم در سال ۱۳۷۴ کارشناسی را به پایان رساندم وبا شرکت در کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۹پایان نامه خود را با عنوان دولت در اندیشه سیاسی فارابی دفاع کردم و در سال ۱۳۸۱ در مقطع دکتری در رشته علوم سیاسی پذیرفته شدم و هم اکنون در حال گذراندن پایان نامه هستم. تاکنون ۵ جلد کتاب تالیفی و بیش از ۶۰ مقاله تخصصی از حقیر چاپ شده است عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی است با برخی از مراکز پژوهشی قم همکاری دارم (ویرایش ۱۳۸۶ .) ت

مهاجری، رحمت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رحمت‌اللّه مهاجری کردستانی نیز از اهل آن حدود است و بیشتر در مرکز کردستان بوده.

وی نیز یکی از از برادران اهـل سـنت مـا بـوده و در مهابـاد و سـنندج و منطقـه سنی‌نشـین کردسـتان پرورش یـافته و بالاـخره در اثر مطالعات و مصاحبات با دانشمندان شیعه مستبصر گردیده (بعد از آنکه سالها در راه مذهب اهل تسنن فعالیت کرده و تبلیغ نموده) و کتاب (چرا ولایت را پذیرفتم) نوشته است.

و بعـد چون ماننـد مرحوم قاضـی بهجت تهدیـد به قتـل شـده و جـانش به خطر افتاده از این جهت مهاجرت به قم نموده و اکنون در حوزه علمیه به تحصیل علوم دینی اهل بیت (ع) اشتغال دارد.

ترجمه خود را در ص ۱۸ کتاب خود مرقوم نموده است و اسـتبصار وی موجب بصـیرت پدر او که از علماء کردستان بود گردیده و خاندان خود را به مذهب حقه جعفری ارشاد نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مهام، فصیح الملوک

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۵۱ ش)، خطـاط و شـاعر. وی فارغ‌التحصـیل مـدرسه فرانکوپرسـان و دارای تحصـیلات عـالی در رشـته‌ی زبـان خـارجه از دانشـکده‌ی ادبیات پاریس بود. او فقه و منطق و فلسـفه و ادبیات فارسـی و عربی را در محضـر اسـتادانی چون محمـد حسـین فاضـل تونی، بـدیع‌الزمان فروزانفر، جلال‌الـدین همایی و ملک‌الشـعرای بهار فراگرفت و چون علاقه‌ی زیادی به خوشنویسـی داشت، به نزد میرعماد میر فندرسـکی رفت و از وی اصول و قواعـد این هنر را آموخت. مهام طبع شـعری نیز داشت و به خاطر سـرودن قصایـد نغز بارهـا مورد تشویق قرار گرفته بود. وی چنـدین سال امتیاز مجله‌ی «تحفه نو» را عهـده‌دار بود که دیری نپاییـد و به علت مضایق مالی تعطیل شد. فصیح الملوک در تأسیس مدارس چهل‌گانه‌ی دولتی، در ۱۳۰۰ ش، بـا بانوامیلی ریشارد، نایب رئیس تعلیمات نسوان، همکاری داشت و بعد مأمور تأسیس دارالمعلمات مرکزی شد. سپس برای تکمیل مطالعات خود به پاریس و منچستر رفت و بعد از بازگشت، مدت سه سال در دبیرخانه‌ی شورای عالی فرهنگ با سـمت خوشـنویس مشغول به کار شد. خطوط وی در زمان حیاتش، در خارج از ایران، از جمله پاریس و توکیو به معرض نمایش گذاشته شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (۱۶۷ -۱۶۶)، کارنامه‌ی زنان (۱۸۱ -۱۸۰).

مهد علیا

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ششم ربیع‌الثانی، ۱۲۹۰ ق، جهـان خانم ملقب به مهـد علیا از زنان سیاسـتمدار، هنرمنـد و شاعر. وی نوه فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ - ۱۲۱۲ ق) و دختر قـاسم خـان قوانلوی قاجـار بود. در سـال ۱۲۳۴ ق بـا محمـد میرزا نوه فتحعلی شـاه و فرزنـد عباس میرزا (ولیعهـد) ازدواج کرد. پس از مرگ فتحعلی شاه، محمد میرزا به سـلطنت رسـید (۱۲۵۰ ق). وی مردی بیمار، کم‌اراده و درویش مسـلک بود. جهان خانم که زنی باهوش و جاه‌طلب بود با سوءاستفاده از گـذشت و اغماض همسـرش به مـداخله در امور سیاسـی می‌پرداخت و احکام عزل و نصب حکام صادر می‌کرد. وی در زمان حیات محمد شاه (۱۲۶۴ -۱۲۵۰ ق) متهم به داشتن روابط پنهانی با میرزا آقا خان نوری بود. پس از مرگ محمدشاه و تا زمان جلوس ناصرالدین شاه به تخت سلطنت (۱۲۶۴ ق)، مهد علیا رتق و فتق امور را در تهران در دست داشت. پس از رسـیدن ولیعهـد به تهران و جلوس بر تخت، ناصـرالدین شاه فرمان صدارت عظمای امیرکبیر را صادر کرد. امیرکبیر که صـدر اعظمی مـدیر، مـدبر و قاطع بود، دست مهد علیا را از مداخله در امور سیاسـی کوتاه نمود. همین امر موجب کینه و دشـمنی مهد علیا با امیرکبیر گردید. مهد علیا با همدستی میرزا آقا خان نوری و تنی چند از درباریان معزول علیه امیرکبیر نزد شاه سـعایت و توطئه‌چینی می‌کردنـد که در نهایت منجر به عزل و سپس قتل وی گردید (۱۲۶۸ ق). پس از امیرکبیر، به سـفارش و خواهش مهـد علیا میرزا آقا خان نوری به صـدارت رسـید. در دوران صـدارت وی مهد علیا همانند گذشـته در امور سیاسـی مداخله می‌کرد و تا پایان عمر نفوذ و قدرتش در دستگاه دولت و دربار کم و بیش ادامه داشت.

وزارت مهد علیا را اعتضادالسلطنه فرزند فتحلعی شاه عهده‌دار بود.

به نوشته خیرات حسان، مهد علیا در خط و نقاشی مهارتی کامل داشت و به شعر و ادب نیز علاقه‌مند بود. وی در تهران درگذشت و جنازه‌اش را به قم منتقل کرده و در جوار حضرت معصومه (س) دفن کردند. ابیات زیر از اوست:

از مرد و زن آنکه هوشمند است

اندر همه حال سربلند است

بی‌دانش اگر زن است اگر مرد

باشد به مثل چو خار بی‌ورد[۱]

ملک‌جهـان خانم (و. ۱۲۲۰ ه.ق ف. ۶ ربیع‌الثـانی ۱۲۹۰ ه.ق) زن محمـدشاه قاجـار و مـادر ناصـرالدین شـاه که در فاصـله‌ی مرگ

محمدشاه تا ورود ناصرالدین میرزا در تهران به رتق و فتق امور پرداخت و در سلطنت ناصرالدین شاه نیز در کارهای مملکتی مداخله داشت. عزل و قتل میرزا تقی‌خان امیرکبیر به اشارت وی بوده است.

(۱۲۹۰ -۱۲۲۰ ق)، نقاش، خطاط و شاعر، متخلص به جهان. ملقب به مهدعلیا. وی نوه‌ی فتحعلی شاه و همسر محمدشاه و مادر ناصرالدین شاه قاجار بود. جهان خانم در گلدوزی و نقاشی دست داشت و خط را نیز نیکو می‌نوشت. مهدعلیا بعد از مرگ همسرش، تا ورود ناصرالدین شاه به تهران، نایب‌السلطنه بود. همچنین او در به قتل رساندن امیرکبیر دست داشته است. ملک‌جهان در تهران درگذشت و در قم، در مقبره‌ی محمدشاه مدفون است. از آثار وی، گل نرگس زیبایی به آبرنگ که رقم «نقشه مهد علیا» دارد.[۲]

ز ۹۸۵ ق، ملقب به مهد علیا از زنان متنفذ و قدرتمند. وی دختر میر عبداللّه مرعشی، از سادات مازندران، و همسر سلطان محمد صفوی (۹۹۶ -۹۸۵ ق) بود. به دستور شاه طهماسب اول صفوی (۹۸۴ -۹۳۰ ق)، محمد میرزا و همسر و دو پسرش: حمزه میرزا و عباس میرزا، و همسر و دو پسرش: حمزه میرزا و عباس میرزا، در هرات مرکز خراسان زندگی می‌کردند. پس از این که محمد میرزا بر اثر شیوع آبله در خراسان نابینا گردید و بالطبع از نفوذ او در امور حکومت کاسته شد، به تدریج خیرالنساء بیگم قدرت‌نمایی کرد و با بزرگان خراسان درباره امور حکومت مذاکره و مکاتبه می‌کرد و دستوراتی صادر می‌نمود. به همین دلیل شاه طهماسب دستور داد تا حمزه میرزا در خراسان مانده و محمد میرزا و همسر و فرزند خردسالش، عباس میرزا، به فارس بروند؛ اما بر اثر پافشاری خیرالنساء بیگم، عباس میرزا در خراسان ماند و تنی چند از امرای خراسان سرپرستی او را برعهده گرفتند و محمد میرزا و خیرالنساء بیگم و حمزه میرزا به فارس رفتند. پس از این که محمد میرزا، با کمک پریخان خانم از فارس به قزوین آمد و بر تخت سلطنت نشست (۹۸۵ ق)، بلافاصله خیرالنساء بیگم دستور داد تا خلیل خان افشار پریخان خانم را به قتل رسانده و دارایی‌های او را به قاتلش بخشید و امیر اصلان افشار را مأمور کشتن دایی پریخان خانم به نام شمخال خان کرد و حکومت شکی را به عنوان پاداش به او داد. همچنین شاه شجاع فرزند شیرخوار شاه اسماعیل دوم صفوی (۹۸۵ -۹۸۴ ق) را به قتل رساند. این کشتارها در نخستین روز ورود سلطان محمد به قزوین صورت گرفت.

خیرالنساء بیگم، میرزا سلیمان جابری را که از رجال کاردان و دانای ایران و وزیر شاه اسماعیل دوم صفوی بود به صدرا عظمی برگزید و به او لقب اعتمادالدوله داد. مدتی بعد دولت عثمانی با استفاده از وضعیت پریشان کشور، قسمت‌هایی از قفقاز را تسخیر کرد. خیرالنساء بیگم که همسرش را ناتوان در اداره امور لشکر می‌دید، فرماندهی لشکر ایران را در دست گرفت و به جنگ با عثمانیان رفت و قسمت‌هایی از ولایت شیروان را تصرف کرد. مداخلات او بر بزرگان کشور گران آمد و در نتیجه تنی چند از درباریان متنفذ او را کشتند.[۳]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره ششم، ۵۵ -۵۴؛ از رابعه تا پروین، ۱۰۴ -۱۰۳؛ اعلام‌النساء، ۲۲۱ / ۱؛ امیرکبیر و ایران، ۶۷۶ -۶۶۶؛ پشت پرده‌های حرمسرا، ۳۶۵ -۳۵۹؛ تذکرةالخواتین، ۸۴ -۸۲؛ خیرات حسان، ۹۴ -۹۲ / ۱؛ لغت نامه دهخدا، ش ۱۷۶ ،۲۱۷، ناسخ‌التواریخ، دوره کامل تاریخ قاجاریه، ۳۰ -۴ / ۳.

[۲] احوال و آثار نقاشان (۱۳۹ -۱۳۸/ ۱)، خیرات حسان (۹۴ -۹۲/ ۱)، ریاحین الشریعه (۱۳۵ -۱۳۳/ ۴)، زنان سخنور (۱۶۷/ ۱)، شرح حال رجال (۳۲۹ -۳۲۶/ ۴)، فرهنگ سخنوران (۲۲۷).

[۳] منابع: پشت پرده‌های حرمسرا، ۲۹۶؛ تاریخ ادبیات ایران، ۱۰۹ -۱۰۸ / ۵؛ زنان نامی ایران و اسلام، ۲۲ -۱۶؛ کارنامه زنان، ۵۳.

مهدوی اردبیلی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۶ -۱۲۸۸ ش)، استاد دانشگاه، نویسنده و مترجم. در تبریز به دنیا آمد. پس از خاتمه‌ی دوره‌ی ابتدایی و متوسطه به تهران آمد و وارد رشته ریاضی دارالمعلمین عالی شد. پس از اخذ لیسانس ریاضی، در ۱۳۱۲ ش، جزء آخرین کاروان دانشجویان اعزامی، به فرانسه و در ۱۳۱۳ ش به سوئیس رفت و دوره دکترا را در آنجا گذراند. وی در دوران جنگ بین‌الملل دوم در فرانسه ماند و تدریس کرد. پس از جنگ به ایران بازگشت و پس از مدتی به درخواست دکتر هشترودی داوطلب کرسی ریاضیات دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران شد و تا ۱۳۴۹ ش تدریس کرد. وی از ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۴ ش در آن دانشکده کفیل بود و تا ۱۳۴۲ ش سه مرتبه توسط شورا به ریاست دانشکده انتخاب شد که مرتبه‌ی سوم به طور اجبار استعفا داد و تا ۱۳۴۹ ش در کرج ماند. در آن سال به دانشگاه اهواز منتقل شد و به سمت معاونت آموزشی آن دانشگاه رسید. از آثار وی: «موارد استعمال احتمالات در انتگرالهای چندگانه»، به زبان فرانسه؛ «احتمالات و آمار ریاضی»، دو مجلد؛ «هیدرولژی»، چهار مجلد، ترجمه؛ «مکانیک استدلالی»؛ «معادلات دیفرانسیل و مشتقات جزئی»؛ «حل المسائل معادلات دیفرانسیل و مشتقات جزئی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۳۰/ ۲ ،۱۱۶/ ۱)، کلک (س ۸، ش ۸۸ -۸۵، ص ۶۴۳ -۶۴۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۹۰/ ۲).

مهدوی اصفهانی، نوراللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۶ ق)، عالم و مجتهد. برادر حاج شیخ محمد تقی معروف به آقا نجفی است. در اصفهان متولد شد و رد همان جا تحصیلات مقدماتی نمود و سپس به نجف نزد علمای بزرگ رفت. پس از مراجعت به ایران در شمار علمای سیاسی قرار گرفت. در مهاجرت ۱۳۴۶ ق علمای اصفهان به قم همراه آنان بود. در قم وفات یافت و جنازه‌اش به نجف منتقل شد. از آثارش: «خصال الشیعه»، ترجمه فارسی پاره‌ای از احادیث در بیان خصلتها و اوصاف شیعیان؛ «دیوان» اشعار به عربی و فارسی.[۱]

یکی از وافدین به قم مرحوم مبرور آیت‌اللّه حاج آقا نوراللّه اصفهانی برادر مرحومین آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی معروف به آقا نجفی و مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا جمال اصفهانی فرزند مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدباقر بن حاج شیخ محمدتقی بن عبدالرحیم رازی اصفهانی است که در سال ۱۳۴۶ با جمعی از علمای آن عصر اصفهان و چند هزار نفر از طبقات دیگر مردم برای اعتراض بر بعضی قوانین حکومت آن زمان وارد قم شده و چندین ماه اقامت نموده و از غالب شهرستانها علماء و طبقات دیگر به ایشان ملحق که تفصیل آن در آثار الحجه و کتب دیگر مسطور است تا اینکه خواست عزیمت به تهران کند با آن جمعیت و کار را یکسره نماید که اجلش رسید و از دنیا رفت و آن نهضت و جنبش مبدل به سوگواری و تشییع از آن عالم مجاهد گردید و جنازه او را حمل به نجف کردند

صاحب تذکرۀالقبور گوید حاج شیخ نوراللّه مسجد شاهی: حاج شیخ مهدی معروف به حاج آقا نوراللّه فرزند شیخ محمدباقر عالم سیاسی و مجتهد عالیقدر در اصفهان متولد شده و در اصفهان و نجف نزد علماء تحصیل نموده پس از مراجعت به ایران در عداد علماء سیاسی و متنفذ قرار گرفت در جنگ بین‌الملل اول در اثر سوء سیاست و اغوای جمعی به نفع آلمانها اقداماتی نمود... و در مجلس موسسان اول و خلع سلطنت از خاندان قاجار از اعضاء مؤثر بوده و در ۱۵ ربیع‌الاول سال ۱۳۴۶ قمری به پاره‌ای از جهات با جمعی از علماء اصفهان به قم مهاجرت نمود و سرانجام پس از مدتی توقف در آنجا و نتیجه نگرفتن از مهاجرت و تفرقه علما در شب غره رجب سال مزبور در قم وفات یافته و جنازه به نجف اشرف منتقل گردید. ماده تاریخش را انصاری اصفهانی چنین سروده است.

بدا فی وجهه نوراً وغابا

لذا ارخت (غاب مهبط النور) ۱۳۴۶ ق

آثار ایشان از این قرار است ۱- خصال الشیعه ۲- دیوان اشعار عربی و فارسی ۳- شرح حال برادرش مرحوم شیخ محمدحسین.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۶۲ /۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۳۵ -۲۳۴ /۱).

مهدوی دامغانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا بن العلامه المحقق آیت‌اللّه حاج شیخ محمدکاظم دامغانی از مدرسین مبرز و ممتاز و به افضل معاصر مشهد است. وی در آخر صفرالخیر ۱۳۵۲ قمری در مشهد متولد شده و پس از خواندن دروس فارسی و فراغت آن در سال ۱۳۶۴ قمری به تحصیل علوم عربی پرداخته و تا سال ۱۳۶۸ ق ادبیات عربی (سیوطی مغنی مطول شرح نظام مقامات حریری) را خدمت استاد معروف آقای ادیب نیشابوری خوانده و منطق را از آقای حاج شیخ محمد عیدگاهی فراگرفته و تا سال ۱۳۷۳ ق متون فقه و اصول را از مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ هاشم قزوینی و والد ماجد خود آموخته و از سال ۱۳۷۳ قمری که حضرت آیت‌اللّه العظمی میلانی به مشهد مقدس آمدند تا اواسط سال ۱۳۹۳ قمری که حضرت آیت‌اللّه العظمی میلانی به مشهد مقدس آمدند تا اواسط سال ۱۳۹۳ ق مدت بیست سال از بحث فقه و اصول آن جناب استفاده نموده و ضمنا به تدریس متون فقهی و اصول (لمعه و قوانین و رسائل و مکاسب و کفایه) در مسجد گوهرشاد و بعضی از مدارس بزرگ پرداخته. اکنون مدت ۶ سال است که به گفتن خارج فقه و اصول اشتغال دارد.

آثار علمی و اجتماعی آن جناب از این قرار است.

۱- تفسیر سوره هل اتی ۲- تفسیر سوره احزاب ۳- تقریرات اصول ۴- تأسیس کتابخانه عمومی در مسجد الحجه که بیش از چهار هزار جلد کتاب دارد و مورد مطالعه عموم می‌باشد.

در مسجد مزبور هم به اقامه جماعت و خدمات دیگر دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مهدوی دامغانی، محمدکاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدکاظم بن العالم الجلیل آخوند ملا علی‌اکبر (مهدوی) دامغانی دامت برکاته از علماء اعلام و محققین عظام و مدرسین والامقام استان خراسان و حوزه علمیه مشهد مقدس معاصر می‌باشد در جمادی‌الثانی ۱۳۱۶ قمری در قریه شمس‌آباد یک فرسنگی دامغان

متولد گردیده و قبل از بلوغ پدر و مادر خود را از دست داده و قهرا سرپرست برادر و خواهر خود گردید و تا آن تاریخ مقداری از علوم ادبی فارسی و عربی و کتب متداول آن زمان را خوانده بود و برای تکمیل تحصیلات با تشویق بعضی از دوستان پدرش با پای پیاده و نیتی پاک به عزم عتبه‌بوسی و تحصیل به طرف مشهد مقدس حرکت کرده و در بدو ورودش و تشرف به آستان قدس با مرحوم آخوند ملا بمانعلی محقق و واعظ معروف آن زمان خراسان (پدر مرحوم حاج شیخ عباسعلی محقق دوم) که از بنی اعمام والدش بود برخورد کرده وی از قیافه او را شناخته و به منزل خود برده ولکن ایشان با کوچکی سن خود با صراحت لهجه می‌گوید من به قصد زیارت شما نیامده‌ام و جای طلبه مدرسه است.

از همان اول ورود سال ۱۳۳۱ قمری در مدرسه دودر ساکن و با جدیت فراوان به تکمیل ادبیات نزد مرحوم آشیخ عبدالجواد ادیب نیشابوری و فاضل بسطامی پرداخته و سپس قوانین را نزد مرحوم شهرستانی و سطوع عالیه را خدمت مرحوم آشیخ حسن برسی و شیخ محمد قوچانی و آشیخ محمد نهاوندی صاحب (تفسیر) که هر سه از شاگردان برجسته مرحوم آخوند خراسانی بودند آموخته و سپس مدت چهارده سال تمام در محضر درس آیت‌اللَّه حاج میرزا محمد خراسانی فرزند برومند مرحوم آخوند رحمهمااللَّه و ضمنا مدت ده سال متمادی در محضر مرحوم آیت‌اللَّه آقای حاج میرزا مهدی اصفهانی و حدود سه سال در محضر مرحوم آیت‌اللَّه حاج‌آقا حسین قمی و مدت یکسال خدمت مرحوم آیت‌اللَّه آشیخ موسی (صاحب حاشیه مکاسب) به تکمیل خارج فقه و اصول پرداخته تا از اساتید خود و آیات عظام نجف مرحوم (آقازاده خراسانی و آیت‌اللَّه نائینی و آیت‌اللَّه آسید ابوالحسن اصفهانی) قدس‌اللَّه اسرارهم نائل به تصدیق و اجازات اجتهاد مطلق گردید و از مرحوم آشیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب (الذریعه) و علامه سمنانی صاحب (حکمت بوعلی) و مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی مجاز به اجازه معموله روایتی گردیدند.

و ضمنا از سال ۱۳۳۶ قمری حوزه‌های تدریس مفصلی از قوانین و شرایع و ریاض و رسائل و مکاسب و کفایه تشکیل داده و از سال ۱۳۵۶ قمری در منزل خود منزوی و آنچه اصرار شد به هیچ شغلی داخل نگردیده در تأسیس حوزه علمیه جدید مشهد در سال ۱۳۲۰ شمسی سهم بسزائی دارد و تاکنون بیش از سه دوره خارج اصول را تدریس نموده و فعلا مشغول بحث خارج صوم می‌باشد و در حال حاضر که سال ۱۳۹۵ قمریست متجاوز از ۵۸ سال است که در این حوزه مقدسه جلسه تدریس داشته و جمع کثیری از طلاب و فضلاء از ابحاث مختلف ایشان که از آنها (نگارنده) این گنجینه است بهره‌مند گشته‌اند.

علامه دامغانی دارای سجایای اخلاقی و محامد آداب و محاسن اخلاق و صراحت لهجه و معرض از مقامات و هر گونه تظاهرات و حتی فتوا دادن می‌باشد.

در سال ۸۱ قمری مسجد جامع دامغان را که خراب شده بود تعمیر و شبستان بزرگی به مساحت هزار و دویست متر مربع ساخته و حتی تعیین امام نفرمودند: معتمدین و امناء مسجد پنجسال متوالی اصرار کردند که اسم ایشان را بالای سر در مسجد منقوش نمایند ایشان نپذیرفته تا بالاخره به این چند کلمه راضی شدند)این عبد ذلیل را خدای توفیق داد (رب اجعلنی مقیم الصلوه و من ذریتی ربنا و تقبل دعاء)

این عالم ربانی گذشته از مراتب علمی بسیار با حال مخصوصا در مشاهد مشرفه می‌باشد و اگر کسی حال او را در عرفات و یا حول البیت و یا اماکن مقدسه دیگر دیده باشد هرگز آن منظره‌ها را فراموش نمی‌کند.

در سال ۱۳۸۱ قمری که از سفر حج مراجعت کردند در ایام عاشورا به عراق آمده برای زیارت اعتاب مقدسه و شب عاشوراء مشرف به حرم مطهر حضرت حسین (ع) شده و بعد از اداء فریضه با پای برهنه از خیابان حضرت علی‌اکبر به طرف حرم مبارک حضرت ابی‌الفضل سلام‌اللَّه علیه حرکت نمودند از دور مرحوم علامه مجاهد آقا شیخ عبدالحسین امینی صاحب‌الغدیر را دیدند سر برهنه بدون عبا گل‌آلود با حال مخصوص هنگامی که این دو مرد بزرگوار به یکدیگر رسیدند هر دو با صدای بلند مشغول گریه و دست در گردن هم انداخته و گریستند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مهدوی راد، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی مهدوی راد

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

«محمد علی مهدوی راد (غلامی اسخارزوگاران)» به سال ۱۳۳۴ در روستایی به نام (ینگجه) از بخش سر ولایت نیشابور دیده به جهان گشود. مدرسه ابتدایی را در همان دیار گذراند پس از آنکه با مقدماتی از ادب عربی نیز در همان دیار آشنا شد. آنگاه به سال ۱۳۴۸ وارد حوزه علمیه مشهد شد و در مدرسه «آیت الله العظمی میلانی» که به شیوه ای نو و با برنامه ای منظم اداره می شد؛ تحصیل علوم دینی را آغاز کرد.

وی در ۷ سال اقامت در حوزه علمیه مشهد، دروس: مقدمات، ادبیات عرب، و سطوح عالی حوزوی را در محضر استادان آن دیار بیاموخت. از استادان آن روز می توان: «حجت هاشمی خراسانی، امینی نیشابوری، صالحی نیشابوری و روانشاد سید علی اکبر بنی

هاشـمی و محقق ذاکری اختری (عباس علی)» را برشمرد. وی در جنب درس های حوزوی سه سال به درس تفسیر روانشاد «آیت الله حاج میرزا جواد تهرانی» و جلساتی بسیار نیز «حضرت آیت الله سید عزالدین زنجانی» و روشنگر و مهم مقام معظم رهبری «آیت الله خامنه ای» که پنجشنبه و جمعه تشکیل می شد و نیز دیگر بحثهای فکری و ایدوئولوژی وی حاضـر شد و این دروس اولین بذرهای علاقه و کشش به معارف قرآنی را در جان وی پاشید.

مهـدوی راد پس از ۷ سـال اقـامت در مشـهد به لحاظ تلاشـهای سیاسـی و تعقیب ساواک خراسان با صـلاحدید خطیب بلنـد آوازه روزگـار و مجاهـد نسـتوه و شـجاع «شـهید هاشـمی نژاد»، مشـهد را ترک نمـود و بـه قم هجرت کرد و در قم بـود که برای ایمنی از جستجوی سـاواک، نـام خانوادگی اش را از غلامی به مهـدوی راد تغییر داد. در قم درسـهای حوزوی را پی گرفت. در قم: رسائل، مکاسب، کفایه و آنگاه دوره عالی اجتهادی فقه و اصول را از محضر استادان ارجمند آن حوزه ارجمند فرا گرفت. برخی از استادان وی در این حوزه عبارتند از حضـرات آیات: «اعتمادی»، «موسوی»، «تبریزی (سـید ابوالفضل)»، «پایانی»، «فاضل لنکرانی»، «ستوده»، «بهشتی»، «احمـد فاضـل هرنـدی»، «صـانعی»، «حـاج شـیخ جواد تبریزی»، «وحیـد خراسانی» و «منتظری» که بیشترین بهره را در فقه از محضر آیت الله منتظری برد که به طور مستمر بیش از ده سال در درس وی شرکت کرد و بیشتر این بهره در اصول از درس آیت الله فاضل لنکرانی که تقریبا تمام اصول دوره اول خارج وی را شـرکت کرد. مهدوی راد فلسـفه را در محضـر حضرات آیات: «انصاری شیرازی»، «محمدی گیلانی» و «مصباح» فرا گرفت.

اولیـن اثر قلمی وی به سـال ۱۳۵۵ بـا عنوان: «اسـلام و شـعر» در قـالب مقاله ای بلنـد در مجله نسل نو نشـر یافت. وی پس از انقلاب اسـلامی ایران مـدتی را در مسـئولیتهای اجرایی گذرانـد از جمله: مسـئولیت عقیدتی و سیاسـی پایگاه نهم شـکاری و آنگاه به حوزه بازگشت و به سال ۶۲ و پس از مقدماتی با جمعی از دوستان و همراهان، مجله حوزه را بنیاد نهاد و از شماره ۱۶ تا ۳۶ سردبیری آن را بر عهده داشت و مقالات بسیاری در نقد و معرفی کتابهای درسی حوزه، مسائل معرفتی دین و نقد و معرفی تفاسیر شیعه و سنی و تحلیل گرایشهای تفسیری در آن مجله نگاشت.

پس از آن بـا همکـاری برخی از همراهـانش مجله بینـات را بنیـاد نهادنـد که از آغازین شـماره آن مـدیر مسئولی مجله را به عهـده گرفـت. ایـن مجله نخسـتین مجله قرآنی است که مهـدوی راد تـا شـماره ۱۲ مـدیر مسـئول آن بـوده اسـت و پس از آن در جایگـاه عضویت هیئت تحریریه آن ماند اما از مدیر مسئولی آن کناره گرفت. در راه اندازی مجله های میقات و علوم حدیث مورد مشورت بود که در هیئت تحریریه های آنها نیز حضور می یافت و مقالات بسیاری در هر دو مجله یاد شده رقم زد.

وی به سال ۱۳۶۹ پیشـنهاد مجله ای را در نقد کتابهای حوزه دین به انگیزه بهسازی آثار مکتوب دینی به دفتر تبلیغات اسلامی داد و خود سـردبیری آن را به عهده گرفت که اکنون ۱۷ سال است نشـر می یابـد و ادامه دارد و مهمترین مجله «نقد کتاب در حوزه دین» است که در این مجله نیز مقالات بسیاری نگاشته است.

مهدوی راد به سال ۱۳۶۹ وارد دانشـگاه شد و از همان آغاز، تدریس مقاطع تحصـیلات تکمیلی را در علوم قرآن و حدیث به عهده گرفت، اکنون بیش از ۱۵ سال حضور در دانشـگاه تربیت مدرس حضور دارد و چهار سال مدیریت گروه علوم قرآن و حدیث را به عهده داشت.

مهدوی شاهرودی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۳۲۱ ق. شاهرود.

درگذشت: ۱۳۵۸.

آیت‌الله عبـدالله مهـدوی شاهرودی پس از دوران تحصـیلات مقـدماتی خود در شاهرود عازم مشـهد گردیـد و در محضـر اساتیـد به سطوح اشتغال ورزید. در سال ۱۳۴۰ ق. به شاهرود مراجعت و در مدت یک سال توقف در شاهرود از محضـر پدرش استفاده کرده و پس از آن به قم رفت و از محضـر آیات عظام سـید ابوالحسن اصـفهانی و نایینی استفاده نمود. مدت دو سال نیز از محضر آیت‌الله عبـدالکریم حـائری یزدی بهره‌منـد شـد و سـپس به نجف رفت و از درس آیت‌الله ضـیاءالدین عراقی و آیت‌الله محقق نایینی بهره‌مند گردید. در سال ۱۳۵۰ بعـد از فوت پـدرش به شاهرود رفت و به تدریس فقه و اصول و انجام وظایف پرداخت. در سال ۱۳۳۷ ق. به علت کسالت و خسـتگی به تهران آمد و در مسـجد مشیرالسلطنه در خیابان مولوی به اقامه‌ی جماعت و خدمات دینی اشتغال ورزید. آثار ایشان در مقدمه‌ی کتاب راهنمای دین پدر گرامیشان آمده است.

حاج شـیخ عبداللَّه بن آیت‌اللَّه والعلامه الکبیر حاج شـیخ احمد بن العلامه حاج شـیخ محمدعلی بن العلامه الکبری حاج شیخ محمد کاظم (شـهید خراسانی) شاهرودی از علماء مهذب و بارع معاصر تهرانست. وی در سال ۱۳۲۱ قمری در شاهرود تولد یافته و پس از دوران تحصـیلات مقدماتی خود در شاهرود عازم مشـهد گردیده و در محضـر اساتید فن و مدرسین به سطوح اشتغال ورزیدند و در سال ۱۳۴۰ ق بشـاهرود مراجعت و در مـدت یکسال توقف خود در شاهرود از بحث والـد عالیمقامش اسـتفاده کرده و پس از آن به ارض طیبه قم مشـرف و از محضـر آیات بزرگ نجف اشـرف بالاخص آیتین اصـفهانی و نائینی (که در آن موقع تبعید به قم بودند) اسـتفاده نموده و مـدت دو سـال هم از محضـر آیت‌اللَّه العظمی حـایری یزدی بهره‌منـد شـده و پس از آن مهاجرت به نجف اشـرف نموده و از دراسات و ابحاث مرحوم آیت‌اللَّه آقا ضـیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه محقق نائینی بهره‌منـد گردیـده و در سال ۱۳۵۰ قمری

بعد از ارتحال والدش بشاهرود مراجعت نموده و بتدریس فقه و اصول و انجام وظائف روحانیت اشتغال ورزیده و کم‌کم مرجعیت مهم روحانی و سیاسی و اجتماعی پیدا نموده تا در سال ۱۳۷۷ قمری که بواسطه ضعف و کسالت و خستگی هجرت به تهران نموده و اکنون در مسجد (مشیر السلطنه) خیابان مولوی به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آیت‌اللّه مهدی شاهرودی از دانشمندان با صفا و معنویت و دارای محاسن اخلاق و خلیق و مهربان و در خانه بازو با ارباب حوائج با خوشروئی برخورد نموده و حتی‌الامکان رفع حوائج آنان را مینماید و این نویسنده در محرم ۱۳۷۴ قمری که سفری بشاهرودی نمودم از نزدیک به سجایای اخلاقی و وارستگی ایشان آشنا شده‌ام.

خدمات و آثار ارزنده ایشان بسیار است هر کس طالب باشد به مقدمه کتاب راهنمای دین مرحوم والدش مراجعه نماید.

فرزندان ارجمندی دارد که از آنهاست فاضل دانشمند و ادیب خردمند جناب آقای دکتر محمد شریف مهدوی که در تهران به تدریس علوم جدید و قدیم و خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مهدوی شهرضایی، محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج ملا محمد مهدی. عالم فاضل فقیه مجتهد، در حدود سال ۱۳۰۲ متولد، و در شب ۴ شنبه ۱۴ ربیع الثانی سال ۱۳۸۸ وفات یافته، در امام زاده شاهرضا مدفون گردید.

در اصفهان به درس: آخوند کاشی، و جهانگیر خان قشقائی، آقا سید ابوالقاسم دهکردی، و حاج میر محمد صادق خاتون آبادی، و در نجف از محضر: آقا شیخ مرتضی طالقانی، و آقا سید حسین بادکوبه ای، و آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نموده، به موطن خویش مراجعت کرده، و مقبولیت تامه یافته، در علم و عمل بی نظیر، و تا آخر عمر در انجام وظایف شرعیه از نشر و تبلیغ احکام، و تدریس و اقامه جماعت و اغاثه ملهوفین و کمک به ضعفا دقیقه ای اهمال نفرموده.

از تألیفاتش: ۱- رساله ای در اخلاق ۲- رسائل متعددی در فقه و اصول و تفسیر می باشد که هیچ یک به طبع نرسیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مهدوی فرد، میرزا عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا عباس مهدوی فرد

محل تولد : کوهدشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه «کوهدشت» شدم. در سال ۱۳۶۶ برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه «خوانسار» رفتم و در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم. بعد از اتمام سطح، در سال ۱۳۷۳ در درس خارج شرکت نمودم و حدود ده سال در دروس فقه حضرات آیات عظام: «فاضل لنکرانی»، «میرزا جواد تبریزی (ره)» و «مکارم شیرازی» شرکت و یک دوره خارج اصول را نزد «حضرت آیت الله جعفر سبحانی» گذراندم.

مدت چهار سال ۸۰ ـ ۷۵ دوره تخصصی کلام اسلامی در موسسه تبلیغات تحقیقاتی امام صادق (ع) را گذرانده و در سال ۱۳۸۰ با معدل کل ۱۴/۱۹ فارغ التحصیل دوره هفتم این موسسه شدم. در تابستان ۸۵ موفق به دفاع از رساله علمی سطح چهار با موضوع «بهائیت» و با نمره ۵/۱۷ شدم. حدود هشت سال است که با مرکز پژوهشهای حوزه به صورت متناوب در زمینه پاسخگویی به سوالات کلامی همکاری داشته و دو طرح را نیز برای این مرکز به پایان رسانده و در دست چاپ می‌باشند. کتابی با عنوان: «فلسفه انتظار» با همکاری دوستان و کتابی با عنوان: «بهائیت».

مدت چهار سال است که در دانشگاه‌های ملایر، در مجتمع آموزش عالی ملایر وابسته به «دانشگاه بوعلی سینای همدان»، «دانشگاه آزاد اسلامی اراک» و «دانشگاه اراک» به تدریس دروس (اندیشه اسلامی، تاریخ اسلام، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن) اشتغال دارم.

مهدوی قزوینی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود شریعت مهدوی فرزند عالم ربانی و سالک سبحانی مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین آیت‌اللَّه حاج شیخ فضلعلی قزوینی قدس‌اللَّه سره.

وی در حدود ۱۳۳۵ قمری هجری در قزوین متولد شده و مقدمات را در مدرسه التفاتیه قزوین خوانده و سپس عزیمت به مشهد نموده و ادبیات را در خدمت مرحوم ادیب نیشابوری استفاده نموده و بعد به قم آمده و سطوح را در قم تکمیل نموده و در فتنه کشف حجاب به توفیقات الهی در معیت والد ماجدش هجرت به نجف اشرف نموده و از محضر و دراسات مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ کاظم شیرازی بهره‌مند و موفق به دریافت اجازه اجتهاد از آن دو بزرگوار شده است.

دوره کامل اصول و معظم فقه استدلالی را از محضر حضرت آیت‌اللَّه العظمی حاج سید ابوالحسن اصفهانی استفاده کرده و مورد عنایت مخصوص معظم‌له قرار گرفته و پس از چهارده سال اقامت در آستان باب مدینه علم حضرت علی علیه‌الصلوه والسلام در خدمت والد ماجدش برای تشرف به زیارت ارض اقدس به ایران آمده و پس از رحلت والدشان در قم باز به نجف اشرف مشرف ولی کمتر از دو سال اقامت و به واسطه جهاتی مراجعت به قزوین نموده و به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و تدریس و ترویج دین و تبلیغ اسلام و نشر معارف اسلامی پرداخته و بحمداللَّه تاکنون اشتغال دارند ادام‌اللَّه عزه و توفیقه.

شرح احوال والد ماجدش را در جلد دوم معجم القبور و وفیات الاعلام مذکور می‌باشد. در چند صفحه قبل در بخش ق یادآور شدم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مهدوی قزوینی، نعمت‌اللَّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ نعمت‌الله مهدوی از علماء و اکابر دانشمندان و قدماء حوزه علمیه است تولدش در قزوین واقع شده و پس از پایان مقدمات و بعضی از سطوح به قم مهاجرت نموده و سطوح خود را از اساتید مهمه مانند: میرزای همدانی و دیگران تکمیل و چند سالی از محضر مرحوم آیت‌الله حایری آنگاه مرحومین آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و حدود ۱۸ سال هم به درس آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر شده و تا به مقام شامخ علم و کمال رسیده و بالغ بر سی سال است

که به تدریس فقه و اصول اشتغال دارد و از مدرسین بزرگوار و برجسته حوزه محسوب می‌شود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مهدوی کنی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا مهدوی کنی از علماء معاصر جمهوری اسلامی می‌باشند. در سال ۱۳۱۰ در قصبه کن که اکنون منطقه غربی تهران را در جنب شهر زیبا تشکیل می‌دهد به دنیا آمده و پس از خواندن دروس ابتدائی عزیمت به قم نموده است.

مقدمات و سطوح وسطی و نهائی را در خدمت مدرسین حوزه به پایان رسانیده آنگاه به درس خارج فقه آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و فقه و اصول امام راحل آیت‌اللَّه العظمی خمینی و نیز تفسیر مرحوم علامه طباطبائی شرکت و استفاده نموده و پس از فوت آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و تبعید امام به تهران آمده و در مسجد جلیلی به اقامه جماعت و تبلیغ پرداخته و مظالم و بدع رژیم طاغوتی را بازگو نموده و از طرف ساواک و رژیم ستمشاهی بازداشت و راهی زندان گردیده و چند سالی را در زندانهای طاغوتی گذراند و پس از بازگشت امام و آزادی و انقلاب و تشکیل حکومت جمهوری اسلامی از طرف امام سرپرستی و مدیریت مدرسه علمیه مروی را متعهد شده و نیز مدرسه امام جعفر صادق علیه‌السلام را با بعضی از همگنان اداره و مدتی نیز مسئولیت وزارت کشور را داشته و در حال حاضر نیز در مدرسه مروی اشتغال به تدریس و تربیت طلاب و محصلین علوم دینیه را دارند.

پدر همسر ایشان مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ زین‌العابدین سرخه‌ای که در جلد چهار گنجینه دانشمندان و اختران فروزان ری و طهران چاپ شده می‌باشند.

برادر بزرگوار ایشان آقای حاج شیخ مهدی حاج باقری از ائمه جماعت و علماء معاصر قصبه کن می‌باشند.

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته:–، دانشکده:–، دانشگاه: امام صادق (ع)

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیل در حوزه علمیه قم در علوم دینی به مدت ۱۳ سال و ۲ سال در تهران، شاگرد اساتیدی چون آیت‌اللَّه بروجردی، آیت‌اللَّه العظمی امام خمینی قدس سره، آیت‌اللَّه العظمی علامه طباطبائی و آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه امام صادق.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

علوم دینی، اصول فقه، تفسیر قرآن کریم، فلسفه، کلام و استاد راهنمای یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

تفسیر، فقه، عقائد، اصول، اقتصاد اسلامی و اخلاق.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مهدوی کیا، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی مهدوی‌کیا اول مرداد سال ۱۳۵۶ در شهر ری به دنیا آمد.

وی از بچگی علاقه زیادی به فوتبال داشت و در دوران نوجوانی از زمین‌های خاکی جذب باشگاه بانک ملی شد و با پشتکار به باشگاه پرسپولیس پیوست. وضعیت مهدی در پرسپولیس، اوایل چندان جالب نبود اما با آمدن استانکو وضعیت به کلی تغییر کرد تا او ضمن تثبیت موقعیت خود در باشگاه محبوبش به تیم ملی امید ایران راه پیدا کند. افتخارات و موفقیت‌های مهم ورزشی وی از سال ۷۵ شروع شد، پس از محرومیت نعیم سعداوی وی در پیستون راست تیم ملی بازی کرد. مهدی با زدن ۲ گل به چین شایستگی‌های خود را اثبات کرد. وی در باشگاه‌های بانک ملی، پرسپولیس تهران، بوخوم، هامبورگ و اینتراخت فرانکفورت آلمان سابقه بازی دارد. مهدوی‌کیا در سال ۲۰۰۳ از طرف کنفدراسیون فوتبال آسیا به عنوان بازیکن برتر فوتبال آسیا شناخته شد. هواداران هامبورگ به او لقب موشک ایرانی داده بودند. وی از باتجربه‌های فوتبال و تیم ملی فوتبال ایران است و در سال ۱۳۸۷ از سوی علی دایی؛ سرمربی وقت تیم ملی بازوبند کاپیتانی تیم ملی را به بازو بست. او با حضور در دو جام جهانی ۹۸ و ۲۰۰۶ خود را در سطح بین‌المللی مطرح کرد. مهدوی‌کیا در سال ۱۹۹۸ به باشگاه بوخوم پیوست و در سال ۱۹۹۹ به هامبورگ رفت و تا سال ۲۰۰۷ در این تیم عضویت داشت که با تمام شدن قرارداد خود به تیم اینتراخت فرانکفورت پیوست. وی در مجموع ۲۲۳ بازی در بوندس‌لیگا، ۲۹ گل به ثمر رساند. وی پس از یک غیبت ۹ ماهه در سال ۱۳۸۷ برای بازی با کره شمالی از سوی علی دایی به تیم ملی دعوت شد. این اولین مرتبه‌ای بود که مهدوی‌کیا برای تیمی که هدایت آن بر عهده علی دایی است به میدان می‌رفت. مهدوی‌کیا همان زمان اعلام کرد اگر تیم ملی به جام جهانی صعود کند بعد از حضور در جام جهانی از تیم ملی خداحافظی می‌کنم. وی تا سال ۲۰۱۰ با فرانکفورت قراردارد.

مهدوی گلپایگانی، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

السید مهدی الموسوی المهدوی الگلپایگانی از اجله علمای وقت و زمان و جامع المعقول و المنقول بوده تحصیلاتش در اصفهان و پس از مراجعت مدتها مجلس درس داشته و فضلاء به درس او حاضر می‌شدند معظم‌له عالمی فحل و با شهامت و خوش محاوره بود قصص و حکایاتی از ایشان و رد زبان خاص و عام است در سال ۱۳۲۲ شمسی از دار دنیا رفت و در حجره جنب درب ورودی مسجد امام به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مهدوی لاهیجانی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: نیمه شعبان ۱۳۱۳، نجف اشرف.

درگذشت: ۲۹ مرداد ۱۳۷۱.

آیت‌الله مهدی مهدوی لاریجانی، پس از خواندن دروس مقدمات و سطوح، در محضر بزرگان حوزه‌ی نجف، چون حضرات آیات عظام میرزای نایینی، آقا ضیاء عراقی سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمدجواد بلاغی، شیخ شعبان گیلانی، شیخ عبدالحسین رشتی و دیگران فقه، اصول، کلام، حکمت، و هیئت و ریاضیات را بیاموخت. آنگاه پس از اخذ اجازات متعدد از بزرگان نامبرده، برای

ترویج دین و بسط دانش به لاهیجان بازگشت و به تربیت فضلاء، اقامه‌ی جماعت، رهبری فکری مردم بنای مساجد و مدارس همت گماشت. یکی از خدمات ایشان تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی لاهیجان و بازسازی مدرسه دینی جامع لاهیجان بود.

آیت‌الله مهدوی به هنگام دستگیری، و زندانی شدن حضرت امام (ره) در سال ۱۳۴۲، در اعتراض به رژیم و حمایت از مرجعیت امام خمینی بـا همراهی آیت‌الله حاج سید بحرالعلوم به تهران مهاجرت نمود. ایشان با شروع حرکت توفنده‌ی مردم در جهت محو رژیم ستمشاهی از هر گونه پشتیبانی و همیاری ملت دریغ نورزید و حتی با کهولت سن در تظاهرات شرکت می‌کرد.

از اجازات ایشان علاوه بر اجازات اساتیدش، می‌توان از اجازات حضرت آیات عظام بروجردی، حکیم، شاهرودی، میرزا احمد آشتیانی، سید جمال‌الدین گلپایگانی، میرزا آقا اصطهباناتی و سید عبدالهادی شیرازی نام برد.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مهدوی نیا، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی مهدوی نیا

محل تولد : زرین شهر اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از گذراندن دوره ابتدائی و دبیرستان در «زرین شهر اصفهان» وارد حوزه علمیه زرین شهر شدم و تا سال ۱۳۵۰ بخشی از مقدمات را گذراندم. سپس برای ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال ۱۳۵۷ دروس سطح را گذراندم. سپس به خارج فقه و اصول مشغول شدم و به مدت ۱۵ سال دروس خارج فقه و اصول را نزد اساتید مختلفی مانند: «آقای فاضل لنکرانی»، «مرحوم آقای شیخ جواد تبریزی»، «آقای وحید خراسانی» و ... فرا گرفتم.

همزمان با تحصیل در حوزه، در موسسه امام خمینی (ره) از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۸ دوره عمومی و تخصصی را گذرانده و در رشته «علوم قرآنی» فارغ التحصیل شدم. ضمنا در این مدت به تحقیق و پژوهش در موضوعات گوناگون «تفسیری و علوم قرآنی» پرداختم و مقالات گوناگونی در زمینه «مصونیت قرآن از تحریف»، «مصاحف منسوب به اصحاب»، «روش تفسیر اهل بیت ع»، «معیارهای تمدن» و «وجوه اعجاز قرآن» به صورت فردی یا گروهی نوشتم. تدریس در حوزه های علمیه، ارگانها و نهادهای انقلاب اسلامی و دانشگاه، همچنین مدیریت حوزه علمیه جزء برنامه هایی از این سنوات بوده است. از سال ۱۳۵۴ تاکنون در مناسبت های گوناگون در شهرهای مختلف و روستاها به تبلیغ دین اسلام نیز اشتغال داشتم.

مهدوی هرستانی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی مهدوی هرستانی فرزند مرحوم حجةالاسلام والمسلمین آقا سید مهدی معروف به بحرالعطاء فرزند مرحوم حجةالاسلام والمسلمین آقا سید محمد موسوی هرستانی از آیات عظام و علماء بنام و دانشمندان کرام معاصر اصفهان بوده که در سال ۱۳۲۹ قمری در یک خانواده اصیل و روحانی در قریه هرستان ماربین اصفهان به دنیا آمده است.

والد آن مرحوم آقا سید مهدی ملقب به بحرالعطاء از اعاظم علمای آن منطقه بوده که با سی و سه واسطه به حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام می‌رسد. مرحوم حاج‌آقا مصطفی مهدوی تحصیلات مقدماتی و سطوح خود را در اصفهان در مدرسه جده بزرگ اصفهان نزد اساتید بزرگ نظیر مرحوم آقا شیخ محمدعلی دزفولی و مرحوم آقا شیخ محمدحسن نجف‌آبادی و مرحوم آقا سید مهدی درچه‌ای و حاج‌آقا رحیم ارباب و آقا سید محمد نجف‌آبادی فراگرفته است.

یک دوره فقه و اصول و فلسفه را خدمت مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید علی نجف‌آبادی و مرحوم حاج شیخ محمدرضا ابوالمجد (مسجد شاهی) فراگرفته سپس عزیمت به قم نموده و مدتی در درس حضرات آیات عظام حایری یزدی (مؤسس حوزه علمیه قم) و مرحوم آیت‌اللَّه صدر و حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللَّه حجت قدس‌اللَّه اسرارهم شرکت نموده و در سال ۱۳۶۲ قمری هجری عزیمت به حج نموده و در مراجعت از حج به اعتاب عالیات مدت هشت سال در نجف اشرف اقامت نموده و مدت سه سال از محضر مرحوم آیت‌اللَّه اصفهانی استفاده و در جلسات استفتاآت آن مرحوم شرکت داشته و به مسائل مورد سئوال جواب می‌دادند و همینطور از محضر آیات عظام دیگر آنجا چون مرحوم حاج شیخ موسی خوانساری و مرحوم حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و حاج شیخ محمدکاظم شیرازی و حاج سید جمال گلپایگانی و حاج میرزا عبدالهادی شیرازی و حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللَّه اصطهباناتی کسب فیض و علم نموده و به علت مبتلا شدن به کسالت شدید «آسم» به امر آیت‌اللَّه میرزا

عبدالهادی شیرازی در سال ۱۳۷۰ قمری به اصفهان مراجعت و مدت چهل سال در مدرسه جده بزرگ اصفهان و مدرسه ملا عبداللّه به تدریس اشتغال داشتند و عده زیادی از فضلاء و طلاب حوزه علمیه اصفهان از محضر ایشان استفاده علمی می‌نمودند.

آن مرحوم مورد توجه و عنایت خاص حضرات آیات عظام و مراجع معاصر خود و حاضر حوزه نجف و قم چون مرحوم آیت‌اللّه میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه حاج سید محمود شیرازی و رهبر کبیر انقلاب آیت‌اللّه خمینی و گلپایگانی و مرعشی نجفی و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید احمد خوانساری و آیت‌اللّه العظمی خوئی بودند.

مزایای اخلاقی آن مرحوم

آن مرحوم نسبت به علماء بزرگ گذشته و حاضر بسیار تجلیل و تکریم نموده و آنان را به خوبی و عظمت یاد کرده و در حفظ آثار آنان کوشا بوده و نسبت به آنها تواضع می‌کردند و همواره به طلاب و محصلین ابراز علاقه کرده و آنها را تشویق به تحصیل می‌فرمودند.

بسیار کریم و بخشنده و سخاوتمند بودند و به فقراء و مستمندان و خانواده‌های بی‌سرپرست کمکهای فراوانی کرده و به موسسات خیریه خدمات و مساعدتهای بسیاری انجام داده مانند موسسه مهدیه و موسسه عسکریه و بیمارستان معلولین صادقیه و موسسه نابینایان و انجمن مددکاری امام زمان ارواحنا فداه و ایتام و کمک به ساختن مدارس قدیم و جدید هو تعمیر و تکمیل آنها را مخفیانه و دور از تظاهر و سر و صدا انجام می‌دادند.

مزایای علمی آن مرحوم

آن بزرگوار تبحر و تسلط و مهارت عجیبی در مسائل و مباحث فقهی داشتند و بسیار حاضر الذهن و حاضر جواب بودند. و تمام فتاوای مراجع گذشته و فعلی در نزدشان حاضر و نه تنها عوام از محضرشان استفاده می‌کردند بلکه علماء و دانشمندان بزرگ هم برای حل مشکل مردم را به ایشان رجوع می‌دادند و تسلط ایشان نه تنها در فقه و اصول بوده بلکه در فلسفه و عرفان و علم رجال نیز صاحب نظر بودند بخصوص در اطلاع به احوالات علماء کم‌نظیر بودند به طوری که بعضی از بزرگان و علماء از ایشان مصرانه خواسته بودند که کتابی در احوالات علماء و دانشمندان تألیف نمایند.

و همانگونه که متذکر شدم نسبت به تحصیل طلاب تشویق بسیار نموده و از خرید کتب درسی و اهداء به آنها و بذل و بخشش به آنان دریغ نمی‌کردند و قسمت عمده‌ای از شهریه طلاب اصفهان را به عهده داشتند.

اجازات آن مرحوم

مرحوم آیت‌اللّه مهدوی از بسیاری از آیات عظام چون مرحوم آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌اللّه حاج سید علی بهبهانی اجازه اجتهاد داشتند. و از مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدرضا ابوالمجد مسجد شاهی اجازه روایتی داشتند.

رحلت آن مرحوم

آن بزرگوار به دنبال یک بیماری طولانی صبح روز یکشنبه بیست و سوم ماه شوال ۱۴۰۹ هجری قمری رحلت نموده و بازار اصفهان و حوزه علمیه تعطیل و جنازه ایشان در روز دوشنبه با حضور کلیه طبقات و علماء و فضلاء و طلاب و بازاریان و سایر اقشار مردم اصفهان و خمینی‌شهر و هرستان و دیگر نقاط به طرز باشکوهی تشییع شده سپس بنا بر وصیتش حمل به قم شده و با تشییع بزرگی از طرف حوزه علمیه قم و طبقات دیگر در مقبره (۳۶) صحن مطهر حضرت فاطمه معصومه علیهاسلام مدفون گردید.

آن مرحوم دارای فرزندان برومندی هستند که دو نفر آنها از فضلاء حوزه علمیه قم می‌باشند.

۱- آقا سید محسن مهدوی

۲- آقا سید محمدعلی مهدوی از افاضل محصلین اصفهانی حوزه علمیه قم می‌باشند که به زیور علم و عمل آراسته هستند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مهدوی هرستانی، هدایت الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید محمد موسوی. فاضل صالح، از علمای سده‌ی اصفهان. در اصفهان تحصیل نموده، در روز ۵ شنبه ۸ ربیع الاول سال ۱۳۸۰ به سن متجاوز از شصت سال وفات یافته، در تکیه‌ی سید العراقین مدفون گردید.

دانشمند محترم و ادیب کامل، آقا میرزا محمد راجی شاعر معاصر، در مرثیه و ماده تاریخ وفات او قطعه‌ای سرود بدین مطلع:

چون در جهان هستی قانون مرگ دم زد

نقاش، نقش حکمت در دفتر حکم زد

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مهدوی هزاوه‌ای، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: ریاضی، دانشگاه: صنعتی شریف

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ریاضی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰، کارشناسی ارشد ریاضی (آنالیز) از دانشگاه اکستر انگلستان در سال ۱۳۵۲، کارشناسی ارشد ریاضی (جبر) از دانشگاه لندن در سال ۱۳۵۳، دکترای ریاضی (جبر) از دانشگاه لندن در سال ۱۳۵۷، فوق تخصص ریاضی از دانشگاه لندن در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۶، دانشیار دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۶۶ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ارزیابی روی حلقه‌های تقسیم، ارزیابی روی حلقه‌ها و حیاتهای وابسته، رمزنگاری، تدریس دروس جبر جابجایی، نظریه‌های گروههای متناهی، جبر ۳ در دانشگاه صنعتی شریف، استاد راهنمای ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

جبر.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:–، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

ریاضی، حلقه‌های مرتب، رمزنگاری.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مهدوی، اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

او فرزند حسین امین الضرب مهدوی بود. امین الضرب از بازرگانان متنفذ و از مروجین اصول مشروطیت بود. پدر امین الضرب‌موسوم به حاج محمد حسن و ملقب به امین دارالضرب در دو سوم از عصر ناصرالدین شاه تاجری معتبر و خیری به نام و یکی از رجال‌مهم مردم‌شناس در شمار بود. او مدتها مسؤول امور ضرابخانه و از یاران نزدیک اتابک امین السلطان بود.

دکتر اصغر مهدوی پس از گذراندن دوران تحصیل در خانه و در دبستان وارد به دبیرستان دارالفنون شد و پس از آن تحصیلات خود رادر دانشسرای عالی آغاز کرد. تا اینکه برای ادامه تحصیلات دانشگاهی به فرانسه رفت و در رشته اقتصاد درجه دکتری گرفت. موضوع‌رساله دکتریش دیوان محاسبات ایران بود. ایامی که در فرانسه درس می‌خواند مصادف با دوران جنگ جهانی دوم بود. ناچار چندی بعداز آن در فرانسه ماند تا راهها باز شد و توانست به ایران باز گردد (حدود سال ۱۳۲۷). جمعاً در روزگار جنگ سختی بسیار دیده بود.

پس از مدّتی اقامت در وطن ناگزیر از سفر دیگری به فرانسه شد که منجر به سالی ماندن در آن کشور شد. در بازگشت چون دانشکده‌حقوق و علوم سیاسی و اقتصاد در جستجوی دانشیاران جدید برآمد او یکی از برگزیدگان برای برای رشته اقتصاد بود. پس به عضویت‌در هیأت علمی آنجا در آمد و چون شعبه اقتصاد به دانشکده اقتصاد تبدیل وضع پیدا کرد اصغر مهدوی در دانشکده جدید سمت استادی‌یافت و چندی گروه اقتصاد سیاسی آنجا را تصدی می‌کرد. البته به مؤسسه تحقیقات اقتصادی – که وابسته به آن دانشکده بود – هم‌پیوستگی علمی داشت. مهدوی هیچ گاه در پی دست یافتن به مقام و منصب سیاسی و دولتی نبود. او به مناسبت آنکه شخصیت متین وموقری داشت خود به‌خود ترتیب و آدابی را پیش گرفته بود که اصحاب منصب و قدرت نمی‌توانستند تصدی مقامی را به او پیشنهادکنند. در دانشکده اقتصاد هم قبول تصدی گروه اقتصاد سیاسی، برای آن نبود که از «حق ریاست» بهره‌ور شود. او در طول مدت خدمت‌حقوق دانشگاهی خود را از زمان عضویت در دانشگاه به پیروی از برادر نامدارش (دکتر یحیی مهدوی) صرف چاپ مجموعه کتابهایی‌کرد از قبیل ترجمه قدیم فارسی از النهایه شیخ طوسی (شماره سوم در سه مجلد) به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و رجال برقی به‌کوشش جلال الدین محدث و تحقیق عباس اقبال در سرگذشت میرزا تقی خان امیرکبیر و «مجموعه اسناد و مدارک چاپ نشده درباره‌سیدجمال مشهور به افغانی» (شماره ۲) که او و من با هم گردآوری کردیم.

به هر اندازه که از ورود در کارهای اداری و رسمی دوری می‌جست در مواردی که مربوط به‌قلمرو نشر کتابهای جدّی و خرید نسخه‌های خطی بود و او می‌توانست همکاری داشته باشد ازقبول خدمت خودداری نداشت. سالهای دراز عضو شورای کتابخانه مجلس بود و جز آن در گروه‌تشخیص و تقویم نسخه‌های خطی آن کتابخانه شرکت مؤثر داشت. همزمان، کتابخانه‌های‌مجلس سنا و مرکزی دانشگاه تهران در همین زمینه از اطلاعات بسیط و دانش تخصصی او بهره‌یاب می‌بودند. کتابخانه‌های ملی و ملک هم در موارد خاص نظر او را خواستار می‌شدند. او بهای نسخه را باعنایت و نگرش علمی و رعایت جوانب دیگر مشخص می‌کرد. گاهی که صورت مجلس برای‌امضا حاضر شده بود می‌گفت حق این است که فلان قدر بر مبلغی که نوشته شده است افزوده‌شود. مبادا

صاحب کتاب آن را نفروشد و کتاب از دست برود. یا اینکه ناراضی باشد و به اضطرارمجبور بشود که به تقویم ما تن بدهد. ضمناً باید بگویم که هیچ گاه از بابت ساعاتی که مصروف‌این خدمت می‌کرد دیناری نپذیرفت، یعنی به رایگانی خدمتگزار بود.

در رشته شناخت نسخه‌های خطی از تیزبینان و نادره‌شناسان بود. خودش از دوره بازگشت به‌ایران به خریداری نسخه‌های خطی علاقه‌مندی پیدا کرده بود. چون درین زمینه ذوقی پخته‌داشت بسیار کارآمد در کهنه‌جویی عاشقانه در پی یافتن خطوط خوشنویسان بود و به تدریج برزیر و بم نسخه‌شناسی و ضوابط و قواعد خاص و پیچیده آن وقوف پیدا کرد و در همنشینی بانسخه‌شناسانی چون جعفر سلطان‌القرایی و دکتر مهدی بیانی توانست در آن رشته به خبرویّت‌مسلّم برسد. نسخه را که باز می‌کرد به یک نگاه حکمی کارشناسانه درباره آن می‌کرد. اغلب‌درست و قاطع بود. در تقویم کردن نسخه‌ها مآل اندیش و دلسوز بود. قدر نسخه خطی رامی‌شناخت و همیشه نیّتش بر آن بود که نسخه خریداری شود تا در کتابخانه‌های کشور بماند.ضمناً می‌گفت فروشنده نسخه خطی حتماً باید به حق خودش برسد زیرا خودش یا اسلافش آن‌را نگاه داری کرده‌اند و می‌گفت شک نداشته باشید اگر امروز فروشنده شده است اغلب به‌مناسبت آن است که نیازمند شده است.

فهرست نسخه‌های خطی از مجموعه گرانبهای او تا سال ۱۳۴۰ به کوشش دوست فقیدمان‌محمدتقی دانش پژوه تهیه و در نشریه نسخه‌های خطی (دفتر دوم – ۱۳۴۱) چاپ شد. پس ازآن مهدوی باز نسخه‌هایی چند خریداری کرد و تعداد آنها از هزار در گذشت. درین چند سال اخیربا همکاری فاضل گرامی اشک شیرین به فهرست‌نویسی تازه‌ای از مجموعه خود پرداخته بود که‌به تدریج آماده چاپ می‌شد.

برای نشان دادن میزان علاقه‌مندی او به نسخه خطی می‌توانم یاد کنم از روزهای بسیاری راکه شخصاً صرف وصّالی اوراق پریشیده قرآن کهنه اوراق شده‌ای کرد. می‌گفت اگر به دست‌وصال بدهم با این دقت و دلسوزی نمی‌تواند نسخه را چنانکه شایسته است آماده تجلید کند.چون آماده شد آن را به دوستمان مهندس محمدحسین اسلام پناه مقیم کرمان سپرد تا جلدی‌مناسب برای آن فراهم سازد.

بُخل وضنّتی نداشت که از نسخه‌های پر ارزش او عکس‌برداری بشود. به همین ملاحظه‌اجازه داده بود تا عکاس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران از نسخه‌هایی که کتابخانه علاقه‌مند به‌آنها می‌بود عکس تهیه کند. اخیراً هم دیدیم که دو مجموعه کهنه از کتابخانه او به نامهای «جنگ‌مهدوی» (مورخ ۷۵۳) و دیگری به نام «مجموعه فلسفی مراغه» (مورخ ۵۹۶) توسط مرکز نشردانشگاهی به همّت دکتر نصرالله پورجوادی و فهرست‌نگاری مهدی قمی‌نژاد به چاپ عکسی‌رسید و فایدت مندرجات آنها عام شد. این دو مجموعه در برگیرنده رساله‌های فلسفی و حکمی‌و عرفانی و از شمار نوادر مخطوطات است. اگر مهدوی به مانند اکثر مجموعه‌داران طمعکار یابخیل کردار، جسم نسخه را از آن خود می‌دانست هرگز رضایت نمی‌داد که چاپ نسخه برگردان ازآنها به دسترس دانشی مردان برسد، به تصور موهوم آنکه ممکن است از بهای پولی آن کاسته‌شود.

او خود را نگاهبان نسخه می‌دانست ولی بمانند کتابداری رفتار می‌کرد که مسؤولیتش به‌اصطلاح امروز اطلاع‌رسانی و دست‌یاب کردن مراجع و منابع پژوهشی است. او عاشقانه ولی بااین خصیصه به نسخه نگاه می‌کرد. البته به حق در حفاظت و ماندگاری آنها پای‌بندی داشت.

مهدوی از دوستان نزدیک مجتبی مینوی بود و مینوی او را یکی از چهار عضو هیئت امنای‌کتابخانه اهدایی خود بر بنیاد شاهنامه فردوسی قرار داده بود.

درین سی سال که از درگذشت مینوی گذشته است همماره با شور و شوق در جلسات هیأت‌امنا شرکت می‌کرد و چون کلید صندوق نسخه‌های خطی و اسناد و مدارک نوشته‌ای و عکسی‌آن کتابخانه به تقاضای دیگر اعضا به مهدوی سپرده شده بود ایشان، به دلخواهی و بی‌کراهتی این زحمت را پذیرفته بود که هر بار برای آنها که می‌خواستند نسخه خطی ببینند از خانه دورافتاده خود به دلپذیری به کتابخانه می‌رفت و نسخه را برای دیدن مراجعه کننده در اختیار کتابدارمی‌گذارد. ایشان آقای دکتر مصطفی محقق داماد را به جای خود برگزیده است.

ایشان در شورای تولیت موقوفات دکتر محمود افشار هم عضویت داشت و قضیه چنین بودکه چون استاد دانشمند آقای دکتر منوچهر مرتضوی (جانشین منصوص از جانب دکتر یحیی‌مهدوی) خود را از اجرای وظیفه تولیت معاف داشتند شورا دکتر اصغر مهدوی را برگزید تاهمسانی مرتبت که مورد نظر واقف بود رعایت شده و از نکته‌بینی و دقت نظر و امانت‌داری دکتراصغر برخوردار باشد. باید دانست که ایشان دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی را به جانشینی‌منصوص خود انتخاب کرد. امانتداری و کردار دلسوزانه‌ای که ایشان در کارها بر خود واجب‌می‌دانست موجب شد که حسینعلی سودآور بنیادگذار مؤسسه فرهنگی غیرانتفاعی «دانش گستر»هم دکتر اصغر مهدوی را یکی از اعضای شورای امور خود قرار داده بود.

برای آنکه از علاقه‌ورزی مهدوی به گسترش کتابخانه مجتبی مینوی آگاهی بیشتری به دست‌افتد ناچارم قضیه‌ای را که در اولین سال درگذشت دکتر یحیی مهدوی پیش آمد بنویسم. دکتراصغر و همسر بزرگوارشان شهین خانم مقدمات برگزاری مراسم سال را فراهم کرده و در صددبودند که به دعوت دوستان بپردازند و در محلی شایسته و به شیوه مرسوم مجلسی آراسته را به‌یاد دکتر یحیی مهدوی ترتیب بدهند. من در سفر کوهستانها بودم. روزی که بازگشتم فرزند فقیدم‌بابک گفت غروبی اصغر آقا و سرکار خانم و مژده و جناب دکتر حسین صدیقی برای صحبت‌درباره نحوه برگزاری آن مجلس پیش ما خواهند آمد. تشریف آوردند و صحبت به آنجا کشید که‌سخنانی هم باید درباره دکتر یحیی خان گفته شود. نظر دکتر مهدوی و شهین خانم آن بود که من‌سخنگو باشم. طبعاً برای من وظیفه دوستی و افتخاری بایسته می‌بود ولی در یک لحظه به یادم‌آمد که دکتر یحیی خان مطلقاً به این گونه تشریفات پای بندی نداشت و کلیه درآمدهایی که ازحق التألیف کتابهایش عاید می‌شد همه را صرف خرید کتاب برای اهدا کردن به کتابخانه مجتبی‌مینوی می‌کرد. بی‌ملاحظه‌ای گفتم تصور نمی‌کنم دکتر یحیی خان راضی باشد که به جای اجرای‌کاری فرهنگی مراسمی از آن گونه ترتیب یابد که پیش‌بینی شده است. پیشنهادم این است که‌مخارج برگزاری آن مجلس برای خریدن کتاب در اختیار هیأت امنای کتابخانه گذاشته شود. اصغرآقا فوراً و بی‌چون و چرا پذیرفت و گفت همین کار اصلح و موجب شادمانی برادرم خواهد

بود.پس معادل دو میلیون تومان چک نوشت و با نامه‌ای به پژوهشگاه علوم انسانی فرستاد که کتابخانه مینوی بدان جا وابسته است. اگر اصغر مهدوی کتابدوست و دلبسته به کتابخانه مینوی‌نبود آن پیشنهاد را نمی‌پذیرفت و تن به مجلس آرایی و پذیرایی دو سه ساعته می‌داد.

دکتر اصغر مهدوی به مراکز فرهنگی دیگر هم کمک می‌کرد. از جمله کمک مالی برای‌ساختن مدرسه در محله‌ای از اصفهان کرد که نیایش ایام جوانی خود در آنجا زیسته بود. یا اهداکردن قالی قدیمی به موزه فرش و دستگاههای عکاسی عصر ناصری به «عکاسخانه شهر»وابسته به شهرداری.

بازگردیم به نسخه‌های خطی و علاقه‌های مهدوی بدین رشته. موقعی که در بهار ۱۳۵۷پیش‌بینی شده بود که نمایشگاهی از هنر جلدسازی و صحافی سنتی در کتابخانه مرکزی و مرکزاسناد دانشگاه تهران در مهر ماه ترتیب داده شود دکتر اصغر مهدوی با شور و حال خاصی به‌انتخاب جلدها و بازشناسی آنها یاری مؤثر کرد. در جلسه‌های مشورتی که از متخصصان مانندجعفر سلطان القرایی، محمدتقی دانش پژوه یحیی ذکاء و دیگران تشکیل می‌شد شرکت می‌کرد.همان طور که در این چهار سال اخیر از ارشاد و حمایت و دلسوزی در مورد «نامه بهارستان»(مجله مطالعات و تحقیقات نسخه‌های خطی) از انتشارات کتابخانه مجلس کوتاهی نداشت ویکی از مشاوران علمی آن نشریه بود و می‌دانم که آقای نادر مطلبی کاشانی (سردبیر مجله) گاه به‌گاه برای شور با ایشان به خدمتشان می‌رفت و مهدوی با حوصله و از سر دلسوزی آنچه بایدگفت می‌گفت.

به شرکت در کنگره‌های تخصصی نسخه‌شناسی علاقه داشت. من سعادت داشتم که با هم به‌مجمع علمی مربوط به ضوابط و قواعد نسخه‌شناسی یک بار به بولونیا (ایتالیا) و بار دیگر به استانبول (برگزار شده توسط مرکز باستانشناسی آلمان در ترکیه و لبنان) رفتیم و او در هر دومجمع فیض‌رسان بود و متخصصان از و استفاده می‌کردند و از نفایس مجموعه‌اش پرسان‌می‌شدند. نیز دعوت شده بود که در مجمع علمی مربوط به «سفینه تبریز» که در اواسط ماه خردادامسال در لیدن (هلند) تشکیل می‌شود شرکت نماید ولی فرا رسیدن مرگ، شرکت کنندگان را ازدریافت آگاهیهایی که او می‌توانست در آن مجمع ابراز کند محروم ساخت.

در زمینه معرفی نسخه‌های خطی، یکی از کارهای ارجمند او فهرست‌نگاری مندرجات‌جنگ اسکندر میرزای تیموری است که نسخه‌اش در کتابخانه بریتانیا نگاه داری می‌شود. این‌معرفی نامه در جلد بیست و ششم فرهنگ ایران زمین (۱۳۶۵) چاپ شده است. دیگر تنظیم‌جدول تطبیقی است از اختلاف ضبط در نسخه‌های خطی مهم دیوان حافظ (هجده نسخه) که درناموار‌ه دکتر محمود افشار جلد نهم (۱۳۷۵) چاپ شده است. جدولهایی که برای نمایاندن‌تفاوتها ترتیب داده است حکایت می‌کند ازین که با چه دقت و حوصله‌ای هر کلمه‌ای را در هجده‌نسخه دیده بود و یکی را با دیگری به مقایسه کشانیده است.

بخشی از دوران زندگی پژوهشی مهدوی به بازبینی و ترتیب اسناد و مدارک تجاری و مالی‌گذشت که از دستگاه حاج محمدحسن امین دارالضرب و حاج حسین آقا امین الضرب بر جای‌مانده است و صندوقهای مخزون بدانها سالهای دراز در زیرزمینهای خانه پدری گرد و خاک‌می‌خورد. دکتر اصغر پس از اینکه از اروپا بازگشت و متوطن در خانه پدری شد یک یک‌صندوقها (یخدان) را باز می‌کرد و اسناد اوراق گذشته را به دقت از یکدیگر جدا می‌ساخت و نوع‌به نوع در پاکتها و جزوه‌دانها قرار می‌داد و برای آنها فهرست و راهنما تهیه می‌کرد. درین کارمدتی دکتر حسین محبوبی اردکانی و مهدی قمی نژاد او را یاری می‌دادند. مخصوصاً قمی‌نژاد بامداومت این کار را به علاقه‌مندی پیش می‌برد.

همین جا به یادم افتاد که باید از همکاری مفید دکتر مهدوی با دکتر حسین محبوبی اردکانی‌در کار دیگری یاد کنم و آن تهیه فهرست و شناساندن اشخاص در عکسهای قدیمی بود که‌کتابخانه مرکزی توانسته بود اصل آنها را ازین گوشه و آن گوشه خریداری کند. آن قدر که یاد دارم‌مدت دو سالی این کار دوام داشت و هفته‌ای یک روز آن دو دانشمند تهیه آن فهرست را دنبال‌می‌کردند.

مجموعه آرشیوی پدری مهدوی اهمیت بیش بهایی دارد، ازین روی که دستگاه تجاری‌امین‌الضربها به مدّت بیش از هفتاد سال بر جای بود و طرف مراجعه مملکتی بودند و اغلب‌رجال کشور مانند والیان، حاکمان با آن دستگاه خصوصی مطالبات و مراودات و معاملات ومکاتبات داشته‌اند. مهدوی مقاله‌ای مهم و اساسی در معرفی این مجموعه به دو زبان فارسی وفرانسه نوشته و از روی متن فرانسه ترجمه به انگلیسی شده و انتشار یافته است.

جمعی از دوستان و همکاران گرامی مهدوی مانند دکتر هوشنگ ساعدلو، دکتر منوچهر آگاه،دکتر ناصر پاکدامن، پرویز خزیمه علم در سالهای دهه پنجاه در صدد آن برآمدند تا مقداری از این‌اسناد را که برای روشن شدن تاریخ تجاری، مالی و وضع پولی و اقتصادی مملکت تا عصرپهلوی مفید است به صورت کتابهایی سندی منتشر کنند. از جمله مکتوب‌های مربوط به‌تجارت در سال قحطی ۱۲۸۸ مورد نظرشان قرار گرفت. ولی با پیش آمدن حوادث سال ۱۳۵۷آن نیّت بلند متوقف ماند. ولی بعدها دکتر اصغر مهدوی همّت کرد و اجازت فرمود که آن‌مجموعه به نام «اسناد تجارت ایران در سال ۱۲۸۸» به چاپ برسد و رسید.

یکی دیگر از کارهای برجسته و نمونه که براساس اسناد موجود نزد خود انجام داد استخراج‌و جداسازی نامه‌های مربوط به تجارت یزد و ملک داری حاج محمدحسن در این شهر بود.مهدوی نخست گزارشی از این اسناد را به صورت مقاله نوشت و افتخار نشرش را به ناموار‌ه دکترمحمود افشار داد. سپس به استدعای من به استخراج مواد مهم مندرج در نامه‌ها پرداخت و چون‌آن کار پایان گرفت توانستیم مطالب را موضوع‌بندی کنیم. حاصل آن همکاری کتابی است که بانام «یزد در اسناد امین الضرب» نشر شده است و قطعاً یکی از اهم منابع برای آشنا شدن باخصائص تجارت یزد و منضمّات بدان است. تردید نیست که نمونه خوبی است از آنچه می‌توان‌درباره شهرهای دیگر، از جمله کرمان، مشهد، اصفهان و تبریز براساس آن مجموعه بیش بها انجام داد. مرحوم اصغر آقا درین سه چهار سال اخیر گاه به گاه به خواندن نامه‌های کرمانیان‌می‌پرداخت و یادداشت برداری از آنها را با کمک خانم نرگس نفر - با مجموعه اسناد آشنایی پیداکرده است - آغاز کرده بود.

آن قدر که به یاد دارم در یکی از دوره‌های کنگره تحقیقات ایرانی هم توصیف شایسته‌ای ازاین مجموعه بی‌نظیر ارائه کرد. مهدوی به شرکت در این کنگره دلبستگی داشت و در اغلب‌مجامع آن حضور می‌یافت مگر آن مواقعی که در ایران نمی‌بود. ایرانشناسی از

علاقه‌های دلپسنداو بود و می کوشید که از دریافت اطلاعات مربوط بدان دور نماند.

یک بار هم که به کنفرانس اوضاع اقتصادی ایران در عصر قاجار برگزار شده در مؤسسه‌خاورمیانه دانشگاه آکسفورد رفته بودیم، به خواهش شرکت کنندگان درباره این مجموعه گزارش‌موشکافانه دیگری ارائه کرد.

دیگر از کنگره‌هایی که حضور او ارزشمند افتاد در مجمعی بود که مؤسسه «ایلکس» وابسته‌به دانشگاه هاروارد در همان دانشگاه برقرار کرد و من می‌دیدم فضلای شرکت کننده با او چه‌گونه‌مباحثاتی و مفاوضائی را دنبال می کنند. از آنجا خود را به لوس آنجلس کشیدیم و به خواستاری‌او سر زدیم به موزه هنرهای آن شهر که نمایشگاهی راجع به آثار هنری عصر تیمور به نمایش‌گذاشته شده بود و موزه داران جوان از اطلاعات مهدوی نسبت به نسخه‌های خطی کسب نظرمی کردند. ایشان در کنگره کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی (مشهد) هم شرکت کرد و چون روزی‌گذشت گفت وقت آن است که سری به کلات و سرخس بزنیم تا در کرانگی خاوران، شهرهای‌تاریخی را دیده باشیم.

سخن از مجموعه اسناد در میان بود. پس باید بنویسم که صندوقهایی حاوی کتابها و اسناد ومدارک سید جمال‌الدین اسدآبادی مشهور به افغانی در خانه امین دارالضرب بر جای مانده بود(در سال ۱۳۰۸ قمری که سید را از ایران باز گردانیدند.)

مهدوی چون دریافت که کتابها و اسناد از آن سیدجمال بوده است قاصد بر آن شد که آنها رابه یکی از کتابخانه‌های مملکت بدهد و جزو کتابخانه خود نگاه‌داری نکند. امّا پیش از این که‌چنان نیتی را عملی سازد به من پیشنهاد کرد که مشترکاً فهرستی از اسناد تهیه کنیم. این کاروقت‌گیر در مدّت دو سالی انجام شد و به صورت کتابی از محل حقوق دانشیاری او در سلسله‌انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۲ به چاپ رسید با نام «مجموعه اسناد و مدارک چاپ‌نشده درباره سیدجمال‌الدین مشهور به افغانی.»

مهدوی تاریخ قاجاری را – مخصوصاً در عصر ناصری و مظفری به بعد – از حیث اجتماعی‌و رجالی و اقتصادی – خوب می‌شناخت. قسمتی از این آگاهی را از مطاوی اوراق و اسنادتجاری خاندان خود حاصل کرده بود. قسمتی هم دانستنی‌هایی بود که از پدرش و اقران او – چه‌در ایران و چه اروپا – شنیده بود. مقاله «روزگار یک اهل قلم در دوره قاجار» مندرج در راهنمای‌کتاب (۱۳۵۴) ۱۸ راجع به بدایع نگار طهرانی که با همکاری دکتر هما ناطق به رشته نگارش درآمده و نیز «چند نامه مربوط به ایران» که در کتاب «هفتاد مقاله» جشن نامه دکتر غلامحسین‌صدیقی نشر شده (۱۳۷۱) یادگاری است از دلبستگی او به شناساندن منابع آن دوره و سرگذشت‌ایرانیان. تاریخ آن دوران در ذهن اصغر مهدوی مجسم و بی‌سایه بود. به خوبی می‌دانست که‌دوام و قوام جامعه در آن روزگاران متکی به چه نوع عوامل اقتصادی و مالی بوده و طبقات‌مختلف چگونه و با چه مؤونه‌ای روز خود را به شام می‌رسانیده‌اند. نیک می‌دانست که میزان فقرو مسکنت و بی‌درآمدی ناشی از چه بوده است. این نکته امتیازی است برای دانای علم اقتصادسیاسی و همیشه بر من روشن بود که اقتصاد خوانها و اقتصاددانهای دیگر ایران از آن گونه‌سرچشمه بهره وافی نداشته‌اند.

حال که سخن از اقتصاد در میان است ضرورت دارد که نام سه تألیف او را بیاورم. نام یکی«تشکیل و تقویم محصول ملی» است (تهران، ۱۳۳۹). پیش آن کتابی به نام «قیمت» نوشت که‌در سلسله انتشارات اهدایی خود او به چاپ رسید (تهران، ۱۳۳۷) و تجدید چاپ هم شد.سومین کتابش «اقتصاد – کلیات» نام داشت (تهران، ۱۳۴۱).

یکی از پژوهشهای برجسته مهدوی تصحیح و چاپ انتقادی و نمونه‌وار ترجمه فارسی

سیرت رسول اللّه از عصر سعدی است. او آن را از روی پنج نسخه اساسی‌تر و سه نسخه دیگر باروش علمی و دقت اعجاب‌انگیز به انجام رسانیده است. سیره تنها کتاب جامع و مدوّنی است ازقرن دوم اثر محمدبن اسحق که به دست رفیع‌الدین اسحق بن محمد همدانی قاضی ابرقوه ازروی روایت عبدالملک ابن هشام در نیمه دوم قرن هفتم به فارسی نقل شده است. مهدوی‌مقدمه‌ای متقن و محققانه در دویست و بیست صفحه دارد و آنچه را که در معرفی متن و نسخه‌هاو سوابق مربوط به سیره در بایست بوده به قلم استوار و گیرا منضم کرده است. پس از اینکه متن‌را در دو مجلد در سلسله انتشارات بنیاد فرهنگ ایران منتشر کرد (۱۳۶۰) تصحیح و انتشار«خلاصه سیرت رسول الله» را که تلخیص و انشای شرف‌الدین محمدبن عبدالله بن عمر ازعلمای قرن هفتم هجری است با همکاری مهدی قمی‌نژاد به سرانجام رسانید (۱۳۶۸). بر این‌متن هم مقدمه‌ای گویا و مبسوط در یکصد و بیست و هفت نوشت.

مهدوی دارای صفات ممتاز انسانی بود. نیکوکار بود و نسبت به کسانی که حسّ می کردنیازمند به نوعی توجهند کمک و مساعدت می کرد و به گونه‌ای که پنهان و پوشیده می‌ماند.

مهدوی ضنّت و بخل نداشت از این که دیگران از منابع و مدارکی که او به دشواری گردآوری‌کرده است بهره‌وری یابند. هر دانش‌پژوهی را به خوش‌رویی پذیرا می‌شد و آنچه را که مطلوب‌شخص بود بر می‌آورد.

مهدوی زندگی در باغ و خانه پدری را بر هر جای دیگر برتر می‌دانست و از آنجا دل برنمی کند. در نگاهبانی آن میراث که برای او جنبه‌ای معنوی و تاریخی داشت کوشا بود. تصرفاتی‌که در آن ساختمان شد، از قبیل تبدیل کردن انبارها و آشپزخانه گنبدی شکل قدیم به سالن‌پذیرایی، بر زیبایی مجموعه بسیار افزود. مهندس پرویز کیهان – پسر دایی مهدوی – که مجری‌طرح بود نه تنها صدمه‌ای به آن بنای یادگار نزده است بلکه مهارتهایی را به کار برده است که هربیننده‌ای را به اعجاب و تحسین وامی‌دارد. مهدوی ازین حال و شور لذت می‌برد و بیشتر مصرّبر ماندن در آن خانه محله قدیمی می‌شد.

مهدوی نسبت به برادر بزرگتر خود – دکتر یحیی مهدوی – حسّ احترام زائد الوصف داشت‌و یحیی نیز نسبت به او. هر دو در همین باغ مورد سخن زندگی می کردند.

مهدوی نکته سنج و بدیعه‌پرداز ولی آرام و خوش برخورد بود. در مباحثات و مجادلات ازکوره در نمی‌رفت. به تندی گرایش نداشت. در جمع بیشتر نیوشنده بود تا گوینده. سخنان‌مخالف را می‌شنید و اگر با گفته‌ای هماوازی نداشت و خوشایندش نبود و نمی‌خواست که به‌صورت لفظ ابراز خلاف گویی کند دو کف دستش را با حرکتی ملایم به دو سو می کشانید تابدین تمهید اظهار ابهام و اشکال نسبت به گفته معارض کرده باشد. یا این که می گفت چیزی دراین مورد نمی‌دانم.

مهدوی سفر دوست بود. از سال ۱۳۴۰ به این سو چند ده هزار کیلومتر با هم در اکناف خاک‌وطن گردش و از گوشه و کنارهای پرت و خرده پا دیدار کردیم. نخستین سفرمان به یزد بود.غروبی از تهران حرکت کردیم و نیمه شب مجبور شدیم در بیابانی

نزدیک به ارجنان (عقدا) اتراق‌کنیم. راه خاکی و پر شن بود و من خسته از رانندگی. بهرام و کوشیار که کوچک بودند همراهان‌بودند. جل و پلاسی را که به همراه داشتم بر صحرا گستردم و به خواب خوشی رفتیم. مهدوی دربیابان قفر بی‌رفت و آمد و سکوت محض ناآرامی نشان نداد. می‌گفت به یاد ایامی افتاده است که‌با پدرش در سفر خراسان چنین شبی را گذرانیده بوده است. مرادم آن است که از رنج سفرنمی‌هراسید. پس از آن بارها در سفرها دشواریها می‌دید ولی خم به ابرو نمی‌آورد. در سفر به‌همه چیز می‌نگریست و درباره دیده‌ها می‌اندیشید و نکته‌ای را اگر فرایاد می‌آورد می‌گفت.خرابه‌ها، قناتها، کشت‌کاریها هر یک به نحوی و مناسبتی جلب نظرش را می‌کرد. چون به‌غریبه‌ای می‌رسیدیم می‌گفت از این مرد پرسشی بکنیم و از وضع و حال محل اطلاعی به دست‌بیاوریم. مردمان قدیمی و بومی برایش معنی خاص داشتند و برایش محترم بودند. گویی ازگفتار با آنها به روزگاری نزدیک می‌شد که جدّش در آن عصر می‌زیست. به روزگارهایی‌برمی‌گشت که هر روز ازین گونه مردم به خانه نیا یا پدرش سر می‌زدند و حوائج خود را رفع‌می‌کردند. گفتنی در این باره زیاد دارم. افسوس می‌خورم که خود هیچ گاه رو به آن نکرد که‌خاطرات و مشاهداتش را ازین سفرها بر صفحه کاغذ بنگارد.

منابع زندگینامه :http://www.yadeyar.ir/

مهدوی، بحر اعطاء

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید فاضل، از علمای سده‌ی ماربین، در یکشنبه ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۷۱ وفات یافته، در این تکیه مدفون گردید.

مشارالیه در اصفهان خدمت جمعی از افاضل همچون: آقا سید ابوالقاسم دهکردی، و آقا شیخ محمدرضا نجفی، و آقا سید مهدی درچه‌ای تلمذ نموده، و از ائمه‌ی جماعت و موثقین به شمار می‌رفت.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مهدوی، رضاعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضاعلی مهدوی

محل تولد : دامنه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات مقطع ابتدایی و راهنمایی را در شهر «دامنه» گذراندم و در مقطع راهنمایی از محصلین ممتاز منطقه شناخته شدم. بعد از ورود به دبیرستان نگاهم به خویشتن خویش و جهان اطرافم دگرگون شد و گویا می شنیدم که هاتفی از درونم فریاد می زند که جهان طبیعت با تمام وسعتش حتی برای یک لحظه تو را اکتفا نمی کند و همچنین افکار مرا دنبال حقایق یا حقیقتی می کشاند که نتیجه اش هجرت به شهر مقدس قم شد.

اول سال تحصیلی ۱۳۵۷ ـ ۱۳۵۸ برای تحصیل علوم دینی وارد شهر مقدس قم شدم اما به جهت مسائل انقلاب و تعطیلی مدارس حوزه علمیه قم و عدم آشنایی با امکانات و نحوه های تحصیل در حوزه علمیه قم، حدود دو سه سال توفیق چندانی در تحصیل نداشتم و بعد از مدت کوتاهی که در مدرسه حقانی مشغول تحصیل بودم؛ درس هایم را به طور جدی به صورت آزاد شروع کردم. حدود پنج یا شش سال درس های سطح حوزه را در محضر اساتیدی چون آقایان: «جزائری»، «محامی»، «دوست محمدی خراسانی»، «موسوی»، «صلواتی»، «اعتمادی»، «ستوده»، «صفایی»، «شیخ علی مومن» و بیش از همه استاد معززم جناب آقای «علی رضا اسلامیان (ادام الله ظلهم)» به اتمام رساندم.

سپس درس خارج اصول را یکی دو سال در محضر «آیت الله العظمی فاضل لنکرانی» و بعد از آن درس اصول را در محضر «آیت الله العظمی وحید خراسانی» و درس فقه را در محضر «آیت الله العظمی حاج شیخ جواد تبریزی» تا الان بهره مند شده ام.

مهدوی، فریده

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : فریده مهدوی ،در ۲۸ تیرماه‌سال۱۳۴۲ در تهران به دنیا آمد. دکتر مهدوی دکترای ادبیات اروپا است وتخصص ویژه‌ای در ادبیات قرون وسطی دارد. وی به زبان‌های فرانسه، انگلیسی، ایتالیایی،اسپانیولی، لاتین و حدود ۷۰ درصد پرتغالی‌مسلط است.وی در شهر راونا واقع در ایالت امیلیارمانیا و با حضور جمعی از مسئولان سیاسی و فرهنگی ایتالیا ،از دست استاندار این ایالت به نمایندگی

از ریاست جمهوری ایتالیا، نشان کمن داتره ، که بالاترین نشان لیاقت در این کشور است را دریافت کند. دکتر فریده مهدوی دامغانی را باید به حق یکی از پر کارترین مترجمان حال حاضر دانست ، آن هم مترجم اثاری که نه تنها خود اثاری بزرگ و جاودانه بوده اند بلکه دارای خالقانی بزرگ چون دانته آلیگیری بوده اند.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات اروپا

گرایش : ادبیات قرون وسطی

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : دکتر فریده مهدوی درخانواده‌ای تحصیلکرده رشد نمود تا جایی که‌پدرش استاد دانشگاه «هاروارد» آمریکا است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر مهدوی دارای دکترای ادبیات اروپا است وتخصص ویژه‌ای در ادبیات قرون وسطی دارد. وی به زبان‌های فرانسه، انگلیسی، ایتالیایی،اسپانیولی، لاتین و حدود ۷۰ درصد پرتغالی‌مسلط است.

همسر و فرزندان : دکتر مهدوی دامغانی ازدواج کرده اند و دارای فرزند می‌باشند.

آرا و گرایشهای خاص : دکتر مهدوی در خصوص اینکه چرا مترجمی را انتخاب کرده اینگونه میگوید": چون دوست می داشت نویسنده یا شاعر شود، لذا به اشتباه پنداشت که کار ترجمه آسان‌تر از آن دو کار پیشین است. حال آن که کار ترجمه، از بسیاری جهات، بسیار دشوارتر از نویسندگی یا سرودن شعر است؛ زیرا مترجم ناگزیر است بنا به وظیفه اخلاقی‌ای که دارد، دقیقا بنا به خط سیر نویسنده یا شاعری که اثر وی را در دست ترجمه دارد و با همان سبک و استیل و گزینش واژگان و لحن و حال و هوای مورد نظر صاحب اثر، پیش برود، از این رو، ناگزیر است که ماهیت «من» خود را در راهروی ورودی سرای اندیشه ، بر جای گذارد، و به درون روح و جان آن نویسنده یا شاعر جلوه کند. او وظیفه دارد نماینده اخلاقی و معنوی صاحب اثر باشد. از این روست که معتقدم ترجمه، سخت‌تر از نویسندگی است. زیرا در هنگام تالیف، شما خود، صاحب اثر خود و صاحب قلم و اندیشه و روح و جانی هستید که دوست دارید بر روی کاغذ بدمید "...

جوائز و نشانها : دکتر فریده مهدوی، بارها و بارها به خاطر ترجمه های شیرین و مقتدرش جوایز گوناگونی را از آن خود کرده است. در روز دوم مردادماه سال ۸۵ مصادف با ۲۴ ژوئیه ۲۰۰۶، در شهر راونا واقع در ایالت امیلیارمانیا و با حضور جمعی از مسئولان سیاسی و فرهنگی ایتالیا ،از دست استاندار این ایالت به نمایندگی از ریاست جمهوری ایتالیا، نشان کمن داتره ، که بالاترین نشان لیاقت در این کشور است را دریافت کند. نماینده رئیس جمهوری ایتالیا در این آیین با تاکید بر این نکته که نشان لیاقت کمن داتره برای نخستین بار به یک فرد غیرایتالیایی اعطا می شود، گفت: فریده مهدوی دامغانی، نخستین بانوی ایرانی و مسلمان است که این نشان را از آن خود ساخته است.

چگونگی عرضه آثار : وی طول این شش سال اخیر، بیش از بیست جلد از مهم‌ترین آثار منظوم و منثور ادبیات کلاسیک و معاصر ایتالیا را به زبان فارسی ترجمه کرده. همین طور به خاطر ترجمه چهار اثر از مهم‌ترین آثار دانته از جمله کمدی الهی و سه کتاب دیگر او "زندگانی نو"، "میهمانی "و" پیرامون سلطنت "که هرگز تاکنون در کشورهای خاورمیانه و یا حتی در کشورهای آسیایی ترجمه نشده بود و این کار را ایرانیان، برای نخستین بار به انجام رساندند. دکتر فریده مهدوی به ترجمه کتب دینی یه زبانهای اروپایی نیز پرداخته است که در این باره اینچنین میگوید": توفیقی برای من بود که از سوی عالم هستی برای ترجمه کتاب زبور آل محمد (ص) به زبان فرانسوی برگزیده شدم. آن هم از طریق خوابی که بیش از ده سال پیش دیدم. ممکن است تعجب کنید اما حقیقت این است که دستور ترجمه بسیاری از کتب دینی را از طریق خواب دریافت کرده ام. میل داشتم نخست، مرا به عنوان یک مترجم جدی آثار کلاسیک اروپا بشناسند، و بعد به عنوان مترجم آثار دینی، بدین شکل، امید داشتم و دارم که با شناختی که از کارهایم دارند، دریابند که ترجمه متون دینی را نیز با نهایت دقت و وسواس به انجام خواهم رساند. برای مثال، تا پیش از پارسال، هرگز حتی روحم نیز خبر نداشت که کتابی تحت عنوان" نفس‌المهموم "اثر محدث قمی (ره) وجود دارد و درباره واقعه کربلا است. اما پس از خوابی که دیدم، آن کتاب را از میان کتبی که در کتابخانه اتاق کار همسرم بود، یافتم. همین طور هم خطبه فدک حضرت زهرا (س) را ".وی همچنین به عنوان یک مترجم فعال در دنیای کتاب،سخنرانی‌های زیادی در فرانسه، ایتالیا و برزیل‌انجام داده است.

آثار :

۱ پیرامون سلطنت

ویژگی اثر : از دانته، ترجمه

۲ خطبه غدیر خم

۳ خطبه فدک حضرت زهرا (س)

۴ در آغوش نور

ویژگی اثر : ترجمه

۵ دعای عرفه حضرت سیدالشهدا (ع)

۶ زندگانی نو

ویژگی اثر : از دانته، ترجمه

۷ زندگی حضرت زهرا (س)

ویژگی اثر : ترجمه به زبان انگلیسی

۸ شازده کوچولو

ویژگی اثر : اثر سنت اگزوپری ،ترجمه

۹ صحیفه سجادیه

ویژگی اثر : ترجمه به زبان فرانسه

۱۰ کتاب زبور آل محمد (ص)

ویژگی اثر : ترجمه به زبان فرانسه

۱۱ کمدی الهی

ویژگی اثر : از دانته، ترجمه

۱۲ میهمانی

ویژگی اثر : از دانته، ترجمه

۱۳ نفس المهموم

ویژگی اثر : از محدث قمی (ره)

مهدوی، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید مهدوی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مجید مهدوی فرزند حسن متولد ۱۳۴۸ صادره از تهران تحصیلات ابتدائی خود را از تهران شروع و دوران راهنمائی و دبیرستان را در اصفهان ادامه دادم. در سال دوم دبیرستان موفق به حضور در کردستان در بسیج دانش آموزی سنندج تحت گروه هجرت دانش آموزی شدم که در آنجا به کارهای فرهنگی و علمی در بین دانش آموزان سنی در سنندج می پرداختم که در حدود ۲ سال این برنامه ادامه داشت و بعد از آن توفیق حضور در جبهه های جنوب را در مدت کوتاهی پیدا کردم و در این اثناء موفق به دریافت دیپلم شدم.

پس از آن در سال ۶۸ به توفیق الهی و بدون آنکه آشنایی قبلی نسبت به حوزه علمیه داشته باشم و یا حتی کسی مشوق بنده باشد؛ به صورت بسیار غیر منتظره که البته معتقدم به واسطه عنایات ویژه بود؛ وارد حوزه علیمه اصفهان در مدرسه علمیه ذوالفقار شدم. مقدمات و سطح خود را نزد اساتید بزرگواری همچون: «حاج آقا صادقی»، «بهرمن»، «کشکولی»، «مهدوی»، و استاد بسیار عزیز و بزرگوار و کم نظیر خویش جناب حجهٔ الاسلام و المسلمین «آقای سید محمد فقیه ایمانی (دام عزه): که قریب هفت ۷ سال درس مختلفی از قبیل مطول، منطق، بخشهایی از لمعه، اصول فقه، رسائل و مکاسب را نزد وی تلمذ کرده و بهره فراوانی از حضور در محضر نورانی ایشان که حقیقتا هم علم بود و هم اخلاقی» به صورت مستمر بردم که خداوند انشاء الله بر بقاء عمر باعزت و سلامتی وی بیافزایدد و همچنین استاد عزیز و نورانی دیگری کـه انصافا از اعجوبه هـای نهـان اسـت جنـاب «آیـهٔ الله محزونیه (دام عزه)» بخشهای مهم کفایه را به ضمیر کتاب اخلاقی تهذیب الاخلاق ابن مسکویهٔ در طول بیش از ۲ سال تلمذ نمودم و بسیار زیبنده است که از استاد دیگر خودم در لمعه «حضرت آیهٔالله عبودیت (زید عزه العالی)» نیز یادی کنم که هم مجسمه اخلاق بود و هم مملو از معارف و علوم که خداوند به همگی ایشان سلامتی روز افزون عنایت نماید.

در مدت زمان شروع به تحصیل یعنی از سال ۶۸ تا ۷۳ به مدت ۵ سال چنان مشغول به درس و مباحثه بودم که به هیچ چیز و هیچ کس فکر نمی کردم حتی از ضوابط و قوانین حوزه هم بی اطلاع بودم که مدتها بعد یکی از دوستان بسیار نزدیک به بنده گفتند که آیا معافیت از تحصیل را گرفته ای؟! که در پاسخ گفتم مگر معافیت تحصیلی هم وجود دارد. این در حالی بود که سه از حضور من در حوزه علمیه گذشته بود؛ به صورت شبانه روزی بدون وقفه مشغول به تحصیل در دروس حوزوی بودم و روزانه حداقل ۸ کلاس را شرکت می کردم به ضمیمه مباحثات، آن چنانکه در طول ۵ سال موفق به اتمام کفایه شدم و از سال ۷۴ وارد درس خارج شدم و در این مدت علاوه بر تحصیل از سال ۷۰ عملا وارد عرصه تدیس نیز شدم که خوشبختانه به لطف خدای متعال و توجهات خاصه اولیاء دین خاصه بقیهٔ الله الاعظم تا این زمان نیز ادامه دارد یعنی نزدیک به ۱۶ سال است و خودم در حال تدریس می باشم.

لازم به ذکر است که در این مدت ۵ سال از مقدمات تا پایان سطح علاوه بر شرکت در کلاسهای رسمی حوزه و سپری کردن دروس متعارف در آن و مباحثه جدی آنها دروس دیگری که در حوزه از رونق افتاده همچون مطول و معالم الاصول و حاشیه ملاعبدالله و ... را نیز در محضر اساتید بزرگوارم از ابتدا تا انتها خواندم. حتی به یاد دارم که مطول را در طول ۴ سال در محضر «آیهٔ الله فقیه ایمانی (دام عزه)» خواندم و بعد از آن دو دوره تدریس آن را داشتم و شرحی نیز بر آن نوشته ام.

از سال ۷۴ تا ۸۲ در درس خارج «حضرت آیهٔالله مظاهری (دام عزه)» اعم از فقه و اصول به صورت مدام شرکت کرده که محصول آن تقریرات درس معظم لـه اسـت کـه بـه صـورت مکتـوب وجـود دارد و همچنین در این زمانهـا در درس درایـهٔ «حضـرت آیـهٔالله

مجلیسی (دام عزه)» و درس جواهر «آیهٔالله سید حسن فقهی امانی (دام عزه)» و ... نیز شرکت کرده و بهره های علمی فراوانی بردم. از همان سال ۷۴ بود که رسما در ادامه تدریس در سطوح پایین حوزه شروع به تدریس در دروس رسائل و مکاسب نمودم که تا این زمان نیز ادامه دارد: «منطق بیش از ۱۰ بار»، «لمعه بیش از ۶ بار»، «اصول فقه بیش از ۵ سال»، «بدایهٔالمعارف بیش از ۷ بار»، «رسائل بیش از ۴ بار»، «مکاسب بیش از ۴ بار»، «کفایه بیش از ۳ بار».

از سال ۸۳ به پیشنهاد ریاست محترم حوزه و حکم معظم له «حضرت آیهٔالله مظاهری (دام عزه)» مدیریت «مدرسه علمیه جده بزرگ»: که از مدارس قدیمی این استان می باشد؛ به بنده واگذار شد که تا این زمان ادامه دارد. در سال ۸۶ مجددا به حکم ریاست محترم حوزه و به پیشنهاد مدیر اجرائی حوزه علیمه اصفهان: «حضرت آیهٔالله طباطبایی (دام عزه)»، معاونت آموزشی مرکز مدیریت حوزه علیمه اصفهان نیز به مسئولیتها افزوده شد که مدت ۸ ماه در این بخش توفیق انجام وظیفه پیدا کردم. از سال ۸۴ نیز مدیر گروه کلام در رشته تخصصی حوزه علمیه اصفهان در سطح ۲ به اینجانب محول گردید و از سال ۸۵ علاوه بر مدیر گروه سطح ۲ کلام، مدیریت گروه سطح ۳ کلام نیز به آن افزوده شد که تا حال حاضر ادامه دارد.

مهدوی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آب‌شناسی، دانشکده: منابع طبیعی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی منابع طبیعی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹، دیپلم مطالعات عمقی (D.E.A) از دانشگاه لوئی پاستور فرانسه در سال ۱۳۵۷، دکترای مهندسی در رشته هیدرولوژی از دانشگاه لوئی پاستور فرانسه در سال ۱۳۶۰، فوق دکترای رشته هیدرولوژی از دانشگاه لوموئوسف مسکو.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۲، دانشیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۸.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام ۸ طرح پژوهشی در زمینه‌های مدیریت آبخیزداری، بررسی منابع آب، ساماندهی رودخانه‌ها، کنترل سیل، کارشناسی آبخیزداری و همکار کارشناسان فرانسوی در طرح آبخیزداری حوزه سفید رود به مدت ۳ سال، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

آب و هیدرولوژی کاربردی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

آب، سیل، فرسایش، آبهای زیرزمینی، گل گرفتگی سدها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مهدوی، محمدصادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی علوم اجتماعی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹، کارشناسی ارشد و دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه وین.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۵۶، دانشیار دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۶۶ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اصول اجتماعی اعتقادی حاکم بر طراحی مجموعه زیستی مبارکه اصفهان، بررسی مسائل اجتماعی مهاجرین جنگی، تدریس

نظریه‌های جامعه‌شناسی، مبانی جامعه‌شناسی ۱ و ۲ و طبقات اجتماعی در دانشگاه شهید بهشتی، استاد راهنمای ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

خانواده ساختاری در پرورش جامعه، جامعه‌شناسی جنگ.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

اصول آرمانی و اصول اجتماعی- اعتقادی حاکم بر طراحی مجموعه زیستی مبارکه اصفهان، جامعه‌شناسی شهری، روشهای تحقیق در جامعه‌شناسی، نظریه‌های جامعه‌شناسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مهدوی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مورخ، محقق، شاعر.

تولد: ۱۲۸۵.

درگذشت: ۱۱ شهریور ۱۳۷۴، کرمانشاه.

مرتضی مهدوی مؤسس انجمن شاعران کرمانشاه بود.

از جمله آثار به جا مانده از وی، می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: تاریخ کرمانشاه، نهضت اسلامی در غرب ایران (نشریه هیئت علمیه کرمانشاه)؛ شرح احوال حکیم ابوالقاسم فردوسی، کجروی‌گری در پاسخ اهرمن (جلد اول، ۱۳۲۴).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مهدوی، معزالدین محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۰۱ -۱۳۲۷/ ۱۳۲۳ ق)، مصحح، نویسنده، محقق و شاعر، متخلص به نوید. مشهور به معزالدین مهدوی. نسبش به امام موسی کاظم (ع) می‌رسد. در اصفهان به دنیا آمد. علوم قدیمه را نزد اساتید وقت گذرانده، فقه و اصول و معانی و بیان را خدمت شیخ علی مدرس یزدی و حکمت و فلسفه را نزد شیخ محمد خراسانی و عرفان و کلام را خدمت شیخ اسداللّٰه ایزد گشست تحصیل کرد. در ۱۳۰۸ ش تحصیلات متوسطه را در دارالفنون به پایان برد و در ۱۳۱۱ ش از دانشسرای عالی تهران در رشته‌ی ریاضی و فیزیک و شیمی موفق به اخذ لیسانس گردید و سپس به خدمت وزارت فرهنگ درآمد. از آثار وی: رساله‌ای در «رصد زیج»؛ رساله «پاندول فوکو»؛ تلخیص «همدان نامه»؛ «داستانهایی از پنجاه سال» یا «اوضاع اجتماعی نیم قرن اخیر»؛ «کشف اثر منار جنبان اصفهان»؛ تصحیح «ترجمه‌ی صور الکواکب» عبدالرحمن صوفی؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینده (س ۷، ش ۴، ص ۳۳۱ -۳۳۰)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۵۲۲ -۵۲۰)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۳۳، ۱۷۰۱/ ۲، ۹۴۶، ۵۸۵/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹ -۵۷/ ۲).

مهدوی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ مهدی مهدوی لاهیجانی از آیات عظام و علماء اعلام گیلانست در شهرستان لاهیجان این بزرگوار در حدود سال ۱۳۱۵ قمری در آن سامان متولد شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات و سطوح در رشت و غیره مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محاضر مراجع بزرگ چون آیت‌اللّٰه محقق میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّٰه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی و دیگران استفاده کامل نموده و پس از آن مراجعت به لاهیجان و به وظائف دینی از قبیل اقامه جماعت و تدریس و تربیت و اداره طلاب و محصلین شهرستان لاهیجان پرداخته و تاکنون ده‌ها نفر روحانی شایسته که از علماء و ائمه جماعت گیلان و فضلاء حوزه علمیه قم می‌باشد تحویل به اجتماع داده است

نگارنده گوید: آیت‌اللّه مهدوی لاهیجانی از دانشمندان روشن و دارای محامد و محاسن آداب و آثار بزرگی در لاهیجان و آستانه و حومه آن می‌باشد

در ماه رمضان سال ۱۳۸۲ قمری با معیت آیت‌اللّه حاج سید حسن بحرالعلوم و آیت‌اللّه حاج سید محمود ضیابری مقیمین در رشت سفری قهراً و کراهاً به تهران نموده و یک ماهی با عده‌ای از علماء بزرگ مرکز در یکی از منازل شمالی تهران اقامت و نگارنده چند شبی در خدمتشان مفتخر و درک فیض نمودم

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مهدوی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر یحیی مهدوی فرزند امین‌الضرب و متولد ۱۲۸۸ ش است. تحصیلات خود را در اروپا در رشته فلسفه پایان برد و درجه دکترا گرفت و بعد از مراجعت به ایران وارد دانشگاه شد و به استادی دانشکده ادبیات برگزیده گردید. قریب چهل سال کار او تدریس بود و به مشاغل اجرائی رغبتی نشان نمی‌داد و حقوق خود را هم صرف خیرات و مبرات می‌کرد. از پدرش امین‌الضرب ثروت زیادی به او رسید و او زیادتر کرد ولی به مردم کمک می‌نمود و به اصطلاح ناخن خشک نبود. تألیفاتی در رشته تخصصی خود دارد که بیشتر ترجمه است. از کارهای خوب او حفظ اشیاء و آثار و نوشتجات سید جمال‌الدین اسدآبادی است که سالها در حفظ و حراست آن کوشید و آن را در اختیار دانش پژوهان قرار داد.

(۱۳۷۹ –۱۲۸۷ ش)، استاد دانشگاه، نویسنده و مترجم. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در خانه گذراند. پس از مدتی به دارالفنون رفت و از محضر استادانی چون بدیع‌الزمان فروزانفر، میراز عبدالعظیم خان قریب و گل گلاب بهره‌مند شد. وی تحصیلات خود را در رشته‌ی ادبیات و فلسفه در دارالمعلمین عالی ادامه داد و پس از اخذ لیسانس، در ۱۳۱۰ ش، برای ادامه‌ی تحصیلات عازم فرانسه شد. او با تلاش و کوشش فراوان موفق به دریافت گواهینامه‌های متعددی از مراجع علمی آنجا گردید. مهدوی رساله‌ی اصلی دکترای خود را با عنوان «شناسایی در نزد فلاسفه‌ی نخستین اسلام» و رساله‌ی دوم خود را با عنوان «فهرست مصنفات ابن‌سینا» نوشت. وی رسما از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۲ ش که بازنشسته شد، در دانشگاه تهران تدریس نمود. از خدمات او تأسیس دوره‌ی دکترای فلسفه در دانشگاه تهران می‌باشد. از شاگردان او در این دوره: دکتر احمد احمدی، دکتر غلامرضا اعوانی، دکتر غلامعلی حداد عادل، دکتر جلال‌الدین مجتبوی، دکتر فاطمه مظاهر تهرانی و دکتر مهتاب مستعان را می‌توان نام برد. از دیگر آثارش: «جامعه شناسی یا علم الاجتماع»؛ «شناخت روش علوم یا فلسفه‌ی علمی»، ترجمه؛ «فهرست نسخه‌های مصنفات ابن‌سینا»؛ «قصص قرآن مجید»، برگرفته از تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری مشهور به سورآبادی؛ «فلسفه‌ی عمومی یا ما بعد الطبیعه»، ترجمه؛ «بحث در ما بعد الطبیعه»، ترجمه؛ «نگاهی به پدیدار شناسی و فلسفه‌های هست بودن»؛ «منادولوژی» لایب نیتس، ترجمه؛ «شکاکان یونان»؛ «تاریخ فلسفه‌ی قرون وسطی و دوره‌ی تجدد»، ترجمه و تلخیص؛ «هستی شناسی» پل فولکیه، ترجمه؛ تصحیح و اهتمام در چاپ «مصنفات» افضل‌الدین محمد مرقی کاشانی، به مشارکت مجتبی مینوی.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی میراث (س ۳، ش ۹، ص ۸۳ –۸۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۲۹، ۲۹۶۹، ۲۹۶۷، ۲۶۷۷، ۲۶۷۶– ۲۴۹۰، ۲۴۵۵، ۲۲۹۴، ۲۱۷۱، ۱۸۹۸، ۱۷۹۷، ۱۶۹۶/ ۲، ۱۴۴۲، ۱۰۰۸، ۱۰۰۳، ۹۲۲، ۸۸۴، ۸۷۵/ ۱)، کیان (س ۱۰، ش ۵۳، ص ۷۹)، مؤلفین کتب چاپی (۸۵۸ –۸۵۶/ ۶)، مهدوی نامه (۱۰ –۳).

مهدی پور، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر مهدی پور

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی اکبر مهدی پور در روز سه شنبه ۱۳ رجب سال ۱۳۶۴ هجری قمری مصادف با ۱۳۲۴ هجری شمسی در محله «باغشیمه تبریز» زادگاه «آیت الله ابوالقاسم کوکبی» از مراجع قم به دنیا آمدم. آغاز به تحصیل ۱۳۳۱ شمسی دبستان ممتاز تا کلاس چهارم ابتدایی، آغاز به تحصیلات حوزوی ۱۳۳۱ شمسی در نزد آموزگار خود «مرحوم حاج ابوالقاسم دهخدا»: گلستان، نصاب و خلاصه الصرف. ترک تحصیل مدرسه دولتی و ادامه تحصیلات حوزوی ۱۳۳۵ هجری شمسی.

اساتید سطوح عالیه در قم، «آیت الله حاج شیخ جعفر سبحانی»، «شهید مفتح»، «آیت الله میرزا یدالله دوزدوزانی»، «آیت الله شهید مطهری»، «مرحوم آیت الله پایانی»، «آیت الله حاج شیخ جعفر سبحانی»، «مرحوم آیت الله میبدی کرمانشاهی»، «مرحوم آیت الله سید

جواد خطیبی تبریزی»، «آیت الله مکارم شیرازی»، «مرحوم آیت الله سید کاظم شریعتمداری»، «مرحوم آیت الله میرزا کاظم تبریزی»، «مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری»، «مرحوم آیت الله حاج سید محمد روحانی»، «آیت الله حاج سید موسی شبیری زنجانی»، «مرحوم آیت الله سید حسن الهی»: (برادر علامه طباطبایی)، «مرحوم آیت الله سید مرتضی شبستری»: (برادر مرحوم آیت الله وحیدی)، «مرحوم آیت الله سید صادق شریعتمداری»، «مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد باقر ملکی» و ... .

بر اساس دعوت شیعیان استانبولی برای تصدی امور شیعیان آن زمان رمضان ۱۳۹۵ هجری قمری برابر با ۲۴ شهریور ۱۳۵۴ هجری شمسی از طرف حوزه علمیه قم راهی استانبول شده، به مدت ۵ سال تمام در آنجا اقامت نموده، به اقامه نماز جمعه و جماعت در مسجد ایرانیان مقیم استانبول واقع در محله «چاکما کچیلار» در سرای بیوک والده خان که بیش از ۲۰۰ سال سابقه دارد و همواره یک روحانی ایرانی با اطلاع دولتین از حوزه علمیه قم در آن جا انجام وظیفه می کرد؛ پرداختم.

با توجه آشنایی با قلم و ضرورت خدمات فرهنگی و آزادی بیش از حد مطبوعات در آن زمان، به تاسیس انتشارات زمان پرداخته و در حدود ۶۰ مجلد کتاب، جزوه، بروشور به زبان ترکی منتشر نمودم. در طول اقامت در استانبول با ۸۴ روزنامه و مجله مصاحبه مطبوعاتی انجام دادم. در این مصاحبه ها به معرفی نکات برجسته تفکر شیعی توجه می دادم و گروه بسیاری از روشنفکران اهل سنت را با معارف شیعی آشنا و جذب نمودم که هرگز در مسجد دیگری به جمعه و جماعت حاضر نمی شدند.

علاوه بر استانبول به دهها شهر دیگر برای سخنرانی و کنفرانس دعوت می شدم و منحصرا روزهای یکشنبه به این دعوتها پاسخ مثبت می دادم که روز تعطیل رسمی و کثرت شرکت کنندگان در مساجد و مجالس بود که به تعدادی از این شهرها اشاره می شود: «اولو جامع»: در شهر بورسا که تعداد شرکت کننده ها را روزنامه ها ۴۰۰۰۰ نفر ذکر کردند. «مسجد امام جعفر صادق (علیه السلام)» در ازمیر که مکرر انجام شد. بزرگترین سینمای «تورگوتلو» که به جهت ازدحام بیش از حد و عدم گنجایش مساجد، بزرگترین سینمای شهر را اجاره کرده بودند. «مسجد بزرگ ازمیت»، «آق شهیر»، «ادرنه» و ...

مهدی پور، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود مهدی پور

محل تولد : طبس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در یکی از روستاهای شهرستان طبس پا به عرصه عالم گذاشتم و شش کلاس ابتدایی را گذراندم. کودکی حدود چهارده ساله بودم که ادبیات عرب را در مشهد مقدس حدود سال ۴۶ ش آغاز کردم، از محضر اساتیدی همچون: «استاد حجت هاشمی خراسانی»، «مهاجریان طبسی» و «مرحوم غضنفری» و سپس در مدرسه «مرحوم آیت الله میلانی» از استادان گوناگون: «بنی هاشمی»، «ایمانی» و «مدرس غروی» تا حدی فرا گرفتم.

در حدود مغنی و معالم بودم که به قم هجرت کردم و در مدرسه حقانی پذیرش شدم. دروس دبیرستان را همراه دروس حوزوی در قم ادامه دادم و از مدرسه حکیم نظامی (امام صادق کنونی) دیپلم ادبی گرفتم. در مدرسه حقانی از محضر آیات و بزرگان: «شهید قدوسی»، «آیت الله جنتی»، «سید حسن طاهری خرم آبادی»، «آیت الله محمد مؤمن قمی»، «شیخ یوسف صانعی» و «آیت الله مصباح یزدی» بهره مند شدم. برنامه درسی مدرسه را تا یک سال درس خارج در همان مدرسه ادامه دادم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی مدتی در بندر عباس مسئول دفتر شهید حقانی بودم. در تأسیس مدرسه مسجد سلیمان با جناب آقای سید حسن ربانی و مرحوم محمدی نجات همکاری داشتم. از سال ۶۱ در حوزه قم درس را ادامه دادم و تا سال ۶۵ یکسره به تحصیل مشغول بودم. در درس «آقای منتظری، آشیخ جواد تبریزی، آیت الله مؤمن قمی، اندکی درس آقای وحید خراسانی و آیت الله فاضل لنکرانی» شرکت کردم. همچنین مدتی در درس «آیت الله صانعی» حضور یافته و استفاده کردم. زندگی معنوی حقیر مدیون اخلاص و جهاد «حضرت آیت الله جنتی» است و در تفسیر قرآن از محضر «آیت الله مصباح یزدی» بهره مند شدم.

تاریخ اسلام، حکومت اسلامی، روشهای تدریس، تحقیق و تبلیغ را در مدارس گوناگون به ویژه مدارس مرکز جهانی علوم اسلامی تدریس کرده ام. معارف اسلامی ۱ و ۲، متون و ریشه های انقلاب اسلامی و تاریخ اسلام را هم در برخی مدارس دانشگاهی در سالهای ۶۲ الی سال ۶۴ درس گفته ام. علاقه ام بیشتر به تاریخ و سیره معصومین (علیهم السلام) است. در زمینه مباحث اخلاق و مدیریت هم آثار مختصری دارم.

حقیر بیش از پژوهش شخصی به مدیریت پژوهشی اشتغال داشتم که در سری «چهل حدیثهای سازمان تبلیغات اسلامی سری دیدار با ابرار، دیار ابرار، دولت ابرار، گلشن ابرار، ستارگان حرم و طلایه داران تقریب» هدایت و نظارت کار با بنده بوده است و امیدوارم خداوند به لطفش کار را بپذیرد و توفیق خدمت به همه عنایت فرماید و کمبودها را جبران و لغزش ها را عفو کند.

مهدی زاده، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین مهدی زاده

محل تولد : فارسیان گنبدکاووس

شهرت : مهدی زاده

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ (ه . ش) پس از اخذ دیپلم تجربی به دلیل علاقه فراوان به علوم دینی بدون اینکه منتظر شرکت در کنکور باشم وارد حوزه علمیه قم شدم و تحصیل در مرحله مقدمات دروس حوزوی را در مدرسه منتظریه (حقانی) آغاز نمودم و درس های مقدماتی حوزوی مثل: صرف، نحو، معانی، بیان، منطق و ... را فرا گرفتم.

تحصیل در مرحله سطح دروس حوزوی را در مدرسه شهیدین با مدیریت توانا و با تجربه جناب استاد سید محمد رضا طباطبایی (حفظه الله تعالی) ادامه دادم. اسامی برخی از دروس مرحله سطح به همراه نام استادانی که این دروس را نزد آنان فرا گرفته ام عبارتند از: کتاب شرح لمعه استادان: «شب زنده دار»، «اشتهاردی»، «مؤمن» و «طباطبایی». اصول (برخی حلقات شهید صدر ره) استادان: «شب زنده دار» و «اسلامیان». رسائل شیخ انصاری استادان: «اعتمادی» و «استادی». کفایهٔ الاصول استادان: «ستوده» و «گنجی». مکاسب شیخ انصاری استادان: «مرحوم آیت الله احمدی میانجی»، «طبسی» و «مروجی».

مجموعه تحصیلات بنده در دو مرحله مقدماتی و سطح تقریباً تا سال ۱۳۷۰ (ه . ش) طول کشید و از سال ۱۳۷۰ به بعد در دروس خارج فقه و اصول حوزه شرکت نمودم که اسامی برخی از دروس به همراه نام بعضی استادان این دروس عبارتند از:

- بخشی از درس خارج اصول فقه «آیت الله سید کاظم حسینی حائری».
- بخشی از درس خارج اصول فقه «آیت الله وحید خراسانی».
- بخشی از درس خارج اصول فقه «آیت الله خرازی».
- بخشی از درس خارج اصول فقه استاد «عندلیب همدانی».
- بخشی از درس خارج اصول فقه استاد «لاریجانی».
- بخشی از درس خارج فقه (خمس) «آیت الله سید کاظم حسینی حائری».
- بخشی از درس خارج فقه (بیع) «آیت الله وحید خراسانی».
- بخشی از درس خارج فقه (اجاره، صوم و مکاسب محرمه) «آیت الله جوادی آملی».
- بخشی از درس خارج فقه (اجتهاد و تقلید) استاد «صادق لاریجانی».
- بخشی از درس خارج فقه (قضاء) استاد «لاریجانی».

علاوه بر دروس رایج فقه و اصول، در سال های۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ در برنامه تحقیق فقهی مدرسه شهیدین که با نظارت و راهنمایی های «آیت الله خرازی» و «آیت الله استادی» برگزار می شد؛ شرکت کردم. در برنامه یاد شده که کمتر از دو سال طول کشید، بنده موفق به نگارش حدود ۱۰ مقاله علمی، فقهی در موضوعات مختلف شدم.

همچنین به دلیل گستردگی علوم دینی و به خاطر ضرورت آشنایی با برخی از علوم دیگر حوزوی (غیر از فقه واصول) در دروس دیگر حوزه نیز شرکت کرده ام که اسامی برخی از آنها به همراه نام استادان آنها عبارتند از: درس اسفار «آیت الله جوادی آملی»، درس درایه و رجال «مرحوم آیت الله ابوطالب تجلیل»، درس اخلاق استادان «مرحوم آیت الله احمدی میانجی»، «مرحوم آیت الله بهاء الدینی»، «آیت الله شب زنده دار»، «آیت الله مصباح»، «آیت الله مظاهری» و «آیت الله محفوظی».

در کنار درسهای حوزوی به دلیل علاقه به مباحث اخلاقی و تربیتی، در مقطع کارشناسی ارشد رشته «علوم تربیتی» موسسه امام خمینی نیز تحصیل نمودم تا اینکه در آخر دوره در سال ۱۳۷۷ از پایان نامه خود با محوریت «روایت تربیتی هشام بن حکم از امام موسی کاظم (علیه اسلام)» دفاع نمودم که در سال ۱۳۸۳ با عنوان «آیین عقل ورزی» چاپ شد.

مهدی زاده، مسلم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسلم مهدی زاده چافی

محل تولد : لنگرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۵/۲

زندگینامه علمی

به تاریخ دوم تیرماه ۱۳۵۵ در روستای «چاف» بالاتر از شهرستان لنگرود، استان گیلان به دنیا آمده و دروس دوره ابتدائی را در همان روستا گذراندم. دوره راهنمایی را در روستای مجاور با فاصله دو کیلومتری در سرما و گرما با موفقیت طی نموده و بعد از آن در سال ۱۳۶۹ جهت کسب علوم دینی وارد حوزه علمیه قم شدم. به مدت دو سال در مدرسه علمیه «حقانی» و بعد از آن یک سال هم در مدرسه «الهادی (ع)» دوره مقدمات (ادبیات عرب) را پشت سر گذاشتم. در مدرسه «رضویه» از محضر اساتید بزرگواری سود برده تا از لمعه و کتب مربوطه به پایه های چهارم، پنجم و ششم خوشه چینی نمایم.

اندوخته های علمی سالهای ۶۹ به بعد کمک کرد تا دوره سطح را با موفقیت از محضر اساتید بزرگواری در مدرسه های علمیه «گلپایگانی» و «فیضیه» به پایان برسانم. در کنار مطالعه و درس، تحقیق علوم حدیث و تفسیر سبب شد تا در سال ۷۹ در گروه تفسیر در موسسه علوم حدیث مشغول به همکاری شدم. بعد از دو سال و اندی به گروه احیاء پیوسته و تاکنون در گروه احیاء، جهت کار بر کتاب شریف الکافی با گروه احیاء مشغول همکاری هستم.

مهدی زاده، میرستار

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرستار مهدی زاده

محل تولد : مرند – روستای النق

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۳ در آذربایجان شرقی، شهرستان مرند، روستای «اَلَنِجَق» به دنیا آمد. تحصیلات ابتدائی را در مدرسه یاسر و راهنمائی را در مدرسه شهید هاشمی نژاد همان روستا تحصیل کردم و در کنار تحصیل، به کشاورزی و دامپروری مشغول بودیم. بعد از اتمام راهنمائی به حوزه علمیه شهر مرند «صاحب الزمان (عج)» وارد شده و بعد از سه ماه به حوزه علمیه «ولی عصر(عج)» شهر تبریز رفتم و دوباره از اول شروع به تحصیل علوم دینی کردم و تا مقداری از سیوطی را در طول دو سال خواندم.

در سال ۷۱ – ۷۲ به قم آمده و در امتحانات ورودی حوزه شرکت کرده و در مدرسه «معصومیه (س)» پذیرش شدم و دوباره دروس را از ابتدا شروع کردم، چون مدارس به این شرط قبول می کردند و انتقالی نمی پذیرفتند. مدت سه سال در مدرسه معصومیه (س) و یک سال در مدرسه امام صادق (ع) درس خواندم که در سال آخر تحصیل در مدرسه معصومیه(س) نامزد شده و در سال ۷۳ عروسی کردیم. در مدرسه امام صادق (ع) «۱ سال» و در مدرسه امام باقر(ع) «۴ سال» در درسها شرکت کردم و مقدمات را به پایان رسانده و در سطح مشغول شدیم.

در مدرسه «آیهٔ الله گلپایگانی» مشغول به درس رسائل و در مدرسه فیضیه مشغول درس مکاسب شدم امّا همزمان با این، در مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما (از سال ۷۸) به عنوان نقد و ارزیابی کننده و پژوهشگر مشغول فعالیت شدم و این کارهای پژوهشی به اضافه برخی کارهای پژوهشی مستقل مثل تالیف کتاب «سفرهای شگفت انگیز ائمه (ع)» و «چرا زلزله» باعث شد که از درس فاصله حدود ۵ – ۶ سال از تدریس در حوزه فاصله بگیرم اگرچه در این سال در همه امتحانات حوزه شرکت می کردم امّا در هیچ کلاسی شرکت نمی کردم و تا پایه ۸ نیز درس را ادامه دادم.

در آکادمی فرهنگستان علوم اسلامی نیز برای آموزش در دوره آموزشی ۵ و در گروه ششم شرکت کردم و با این مرکز و اندیشه هایش تا حدودی آشنا شدم که برایم بسیار جالب و مطلوب بود چرا که به برخی از این نتایج فکری آنان دست یافته بودم و آنجا را به عنوان افقی دریائی از اندیشه های مطلوب خود می دیدم. برای کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه (س) نیز دو مقاله ارائه کردم که در کتاب مجموعه مقالات جلد اول مجموعاً در ۱۵۰ صفحه چاپ شد. در این مدت طرح ها، اشعار زیادی نوشتم که اثراً موجود است.

مبانی تفسیر قرآن در ۳۷ مبنا، طرحهای گوناگون در مورد ولایت اهل بیت (ع)، مسائل تربیتی و اخلاقی و عرفانی، مسائل هنری و فلسفه هنر از جمله موضوعاتی است در مورد آنها طرحهائی دارم که مضبوط است. طبع و قلمی روان، استعداد فهم در گرو بیان مطلوب معارف روانی و به روز نویسی مطالب از جمله الطاف و نعمت های الهی است که به این گنهکار بی لیاقت ارزانی داشته است. امیدوارم با بازگشت به تحصیل عمیق و استدلال علوم حوزوی و ادامه کار پژوهش و تربیت عمر اخلاقی، خداوند نعمتهای خود را در حق ما به اتمام رساند، و ما را به هدف غایی که از خلقت ما داشته به لطف خود برساند.

مهدی نژاد، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید رضا مهدی نژاد

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و راهنمایی در سال ۶۸ وارد حوزه علمیه دامغان شده و در سال ۷۳ به مدت ۵ سال ادبیات عرب، فقه و اصول را طی نمودم. همزمان تحصیلات کلاسیک را ادامه داده و در سال ۷۳ موفق به اخذ دیپلم انسانی شده و در سال ۷۴ وارد حوزه علمیه و دروس سطح حوزه را نزد اساتیدی مثل: «موسوی تهرانی»، «محمدی تهرانی» و «نکونام» تلمذ نموده و سپس از درس خارج آیات عظام: «فاضل لنکرانی»، «شیرازی» و «نوری همدانی» بهره بردم.

در سال ۷۴ در رشته «علوم سیاسی» مقطع کارشناسی در موسسه باقرالعلوم (ع) مشغول به تحصیل و در سال ۷۸ در کارشناسی ارشد «علوم سیاسی» شهید بهشتی تهران ادامه تحصیل و در سال ۸۱ فارغ التحصیل شدم. در دوران تحصیل به امور پژوهشی اشتغال داشته و چند مقاله در همایشهای دانشگاه ارائه نمودم. پس از فارغ التحصیلی، به عنوان «پژوهشگر» با پژوهشکده اندیشه اسلامی همکاری و پروژه «اندیشه سیاسی میرزای قمی» را به پایان رساندم.

در سال ۸۲ به عنوان کارشناس مطالعات کشورها در مرکز جهانی علوم اسلامی، معاونت پژوهش مشغول به کار شدم. در سال ۸۵ به عنوان مدیر کل دفتر مطالعات و کارشناسی کشورها دراین مرکز مشغول به خدمت شدم. در طول دوره خدمت در مرکز جهانی علوم اسلامی، چند اثر پژوهشی در عرصه مطالعات کشورها تدوین نموده ام.

مهدیان، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مهدی‌زاده، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید باهنر کرمان

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مهدیزاده، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی مهدیزاده در سال ۱۳۲۸ در مشهد دیده به جهان گشود. ایشان از سال ۱۳۴۷ به طور جدی کار خوشنویسی را آغاز کرد و در سال ۱۳۵۰ موفق به اخذ کارنامه ممتاز خوشنویسی از انجمن خوشنویسان گردید. وی در سال ۱۳۵۸ کانون خوشنویسان خراسان را به کمک تنی از چند از دوستان آغاز نمود و به عنوان سرپرست انجمن خوشنویسان خراسان و مسئول بخش هنری آستان قدس رضوی شروع به فعالیت نمود. وی نمایشگاه های مختلفی چه به صورت انفرادی چه به صورت دسته جمعی برگزار کرد.گروه : هنررشته : خوشنویسیگرایش : نستعلیقوالدین و انساب : نام پدر مصطفی مهدیزاده غلامحسین مهدیزاده می باشد که ایشان از صدای خوبی بهره مند بودند . پدر و مادر مصطفی مهدیزاده مشوق اصلی وی در امر هنر و خوشنویسی بودند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : مصطفی مهدیزاده از سال ۱۳۴۷ به طور جدی کار خوشنویسی را آغاز کرد و در سال ۱۳۵۰ موفق به اخذ کارنامه ممتاز خوشنویسی از انجمن خوشنویسان گردید.خاطرات و وقایع تحصیل : مصطفی مهدیزاده از دوران تحصیل خود اینطور نقل می کند که: « به یاد دارم مادرم تلاش زیادی کرد که من در دبیرستان شریعتی که آن زمان جزو یکی از مدارس خوب مشهد بود، ادامه تحصیل دهم. معدلم ۸/۱۹ بود. اما دو روز دیر رسیده بودیم و مرحوم زوار گفتند شما دیر آمده اید و باید به مدرسه دیگری بروید. قرار شد به مدرسه فیوضات بروم. همه می دانستند که مرحوم زوار آدم سختگیری بود، وقتی می گفت" نه "یعنی" نه. "کسی جرأت مخالفت با او را نداشت. ایشان قول داد سال بعد مرا در مدرسه خودش بپذیرد. بدین ترتیب، سال اول را در مدرسه فیوضات

و سالهای بعد را در مدرسه شریعتی گذراندم.»فعالیتهای ضمن تحصیل : مصطفی مهدیزاده از سال ۴۶ یا ۴۷ آن موقع ۱۶ سال بیشتر نداشتند. برای یک گراورسازی کار می کرد و خط می نوشت؛ کاری مثل تهیه کارتهای عروسی و عزا. چیزی بیشتر از این هم نبود؛ اما در سالهای بعد که با استاد حسین میرخانی و استاد موسوی آشنا شد، می توانست کارهای سنگین تری را قبول کن، به طوری که در سال ۵۱ ادعیه قرآن کریم را همراه بـا ترجمه آن نوشت. همزمـان با آن و شایـد قبل از آن، کارهای سـطحی دیگری چون پشت جلدنویسی کتاب و ... را انجام داده بود.از همـان سالهـایی که رتبه ممتاز را کسب کرد، کـارش را به صورت حرفه ای تر ادامه و ترجیح داد.استادان و مربیان : از استادان مصطفی مهدیزاده می توان به حسین میرخانی و غلامحسین امیرخانی و استاد موسوی اشاره نمود.همسر و فرزنـدان : مصـطفی مهدیزاده در سال ۱۳۵۱ وقتی ۲۳ سـال سن داشت، در مشـهد ازدواج کرد. همسـرش تنهـا فرزند خانواده بود که با وی نسبت فامیلی داشـتند. پـدر ایشان چون تنها یک فرزنـد داشت، علاقه مند بود ایشان در شـهر خودش زندگی کنـد امـا بعـدها سـرنوشت چیز دیگری را برای هر دوی آنها رقم زد.مشاغل و سـمتهای مورد تصـدی : مصـطفی مهـدیزاده به عنوان سرپرست انجمن خوشنویسان خراسان و مسئول بخش هنری آستان قدس رضوی شروع به فعالیت نمود. وی از سال ۱۳۵۸ در انجمن خوشنویسان به شکل شورایی اداره شد، عضویت و سرپرستی شورا را تا سال ۱۳۷۰ عهده دار بود. پس از آن یعنی سال ۱۳۷۳ که به تهران آمـد عضـو شورای عـالی و مـدرس انجمن خوشـنویسان ایران شـد و این همکـاری در حـالی ادامه دارد که سـرپرستی انجمن خوشـنویسان ایران شعبه شمیرانات را که بزرگترین شعبه این انجمن در سراسر کشور است، عهده دار است.آرا و گرایشهای خاص : مصـطفی مهدیزاده در رابطه به هنر می گوید: « هنر خوشنویسـی چیزی است که هر فردی تا پایان عمر با آن رابطه نزدیک و مستقیم دارد، از این رو باید برای آن اهمیت قائل شد، و از آنجا که پایهٔ این هنر در مدرسه شکل می گیرد، نقش وزارت آموزش و پرورش در این مورد اهمیت بسـیار می یابـد و مسئولین بایـد بـا انتخاب افراد ذی صـلاح به این امر مهم التفات بیشتری نشان دهنـد تا بتوانیم شاهد پیشرفت این هنر ارزشـمندی اسلامی که بخش مهمی از میراث فرهنگی ما را در بردارد ، باشیم و درمیان جوانان و نوجوانانی که هم اینک به تحصیل این هنر مشغولند، میرعمادها بیابیم.»

آثار سـنگ نوشـته هایی که برای دانشگاه علوم اسلامی رضوی کتیبه سر در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی کتیبه مقبره شهید مدرس کتیبه های درهای چوبی حرم مطهر امام هشتم(ع) منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

مهرابی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی آقـای مهرابی فرزنـد مرحوم ناظم‌التجـار از علمـاء مبرز اسـتان کرمـان بوده‌انـد مرحوم والـدش ناظم‌التجار از شخصـیتهای ناسی گذشته بوده و ما در ج ۲ ص ۳۳۶ کتاب آثارالحجه قسمتی از ترجمه و سوانح زندگی وی را یاد نموديم بدانجا مراجعه شود.

وی در سـال ۱۳۱۹ قمری به دنیـا آمـده و بعـد از گذرانیـدن دوره صبا و کودکی به تحصـیل علم پرداخته و بـا معیت رفیق شـفیق و دوست گرامیش آیت‌اللّٰه صالحی معاصر به مقدمات و ادبیات و سطوح اشتغال یافته و پس از تکمیل آن به اصفهان عزیمت و حدود سه سال از محاضـر مرحوم آیت‌اللّٰه آقا میرزا محمدصادق و آیت‌اللّٰه آقا سـید محمد مدرس نجف‌آبادی و دیگران استفاده و پس از آن به اتفـاق آقـای صـالحی به قم مهـاجرت و حـدود شـش سـال از بحث فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّٰه حـایری و آیت‌اللّٰه حاج سـید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّٰه یثربی کاشانی بهره‌مند شده و با اصرار دوست عزیزش آقای صالحی به کرمان مراجعت و به تدریس فقه و اصول سـطحا و خارجـاً و اقـامه نمـاز جمـاعت و سایر خـدمات دینی پرداخته تا حـدود ۱۳۸۵ قمری که به رحمت حق واصـل گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مهرالنساء

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ملقب به نور جهان و نور محل در سال ۹۸۴ قمری به دنیا آمد ،از زنان کاردان ، مدیر ، هنرمند و شاعر بود ، مهرالنساء ایرانی چندین سال ملکه هندوستان

منابع زندگینامه :مجله راه کمال شماره ۲۴.

مهرآذین، هاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی عمران، دانشکده: فنی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیل در دانشکده فنی تهران، کارشناسی آموزشی ریاضیات از فرانسه در سال ۱۳۴۱، مهندسی پل و راه از فرانسه در سال ۱۳۴۴، کارشناسی ارشد فیزیک- ریاضی و دکترای مهندسی از دانشگاه پاریس ۶ فرانسه.

مرتبه علمی:

مربی دانشکده فنی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۰، دانشیار دانشکده فنی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بهینه‌سازی در ساخت مخازن، محاسبه شکل خاصی از انتگرالهای نامعین، عضویت در کمیته انتصابات و ترفیعات دانشکده فنی، انجام مطالعه و تحقیق ۶ ساله در آزمایشگاه پل و راه پاریس.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ریاضیات، راه‌آهن، مهندسی ترافیک، اقتصاد ترابری، راهسازی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

راه‌آهن، ریاضیات، مهندسی ترافیک.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مهرآوران، حمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آسیب‌شناسی گیاهان، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: ارومیه

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی کشاورزی از دانشگاه آمریکایی بیروت در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد حشره‌شناسی از دانشگاه آمریکایی بیروت در سال ۱۳۴۸، دکترای آسیب‌شناسی گیاهی از دانشگاه ایلینویز آمریکا در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

مربی دانشگاه ارومیه از سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۵۵، استادیار دانشگاه ارومیه از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۷۰، دانشیار دانشگاه ارومیه از سال ۱۳۷۰.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق در زمینه آسیب‌شناسی گیاهی و تدریس دروس بیماریهای گیاهی، قارچ‌شناسی، بیماریهای درختان میوه و زبان تخصصی در دانشگاه ارومیه.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بیماریهای گیاهی، مبانی قارچها.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

میکوریز در خانواده کنویودیاسه، قارچهای میکوریز مرکبات ایران، اثر میکوریز در تغذیه و رشد و نمو توتون.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مهرآیین، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین مهرآیین

محل تولد : ارومیه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۷/۱۸

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۱ در ارومیه به دنیا آمده و از هفت سالگی تاکنون مشغول تحصیل علم و دانش می باشم و در سال ۱۳۶ وارد حوزه ی علمیه ی قم شده و پس از طی دروس مقدماتی و عالی در سال ۱۳۶۸ وارد درس خارج فقه و اصول شده و در دروس آیات عظام مکارم شیرازی و شیخ جواد تبریزی و وحید خراسانی و در فلسفه و عرفان و هیئت ازمحضر مبارک آیه الله حسن زاده آملی مستفیض شدم و تاکنون به لطف الهی حدود ۲۰ اثر اینجانب به زیور طبع آراسته شد ه که عبارتند از ۱.شرح موجز و فهرست موضوعی دیوان حافظ ۲. شرح موجز و فهرست موضوعی دفتر اول مثنوی معنوی جلال الدین محمد بلخی ۳.شرح موجز و فهرست موضوع دفتر دوم مثنوی معنوی جلال ال

مهرپرور، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر حسین مهرپور محمد آبادی در سال ۱۳۲۲ در روستای محمد آباد یزد بدنیا آمد.وی دارای دکتری رشته حقوق خصوصی از دانشگاه تهران است.درسال ۱۳۵۱ وارد دادگستری شده و مراحل قضائی را از دادیاری و دادرس علی البدل تا عضویت دیوان عالی کشور و معاونت قضائی قوه قضائیه را طی کرد.ایشان از سال ۱۳۶۹ از دادگستری به دانشگاه شهید بهشتی منتقل شد و هم اکنون به عنوان استاد دانشکده حقوق آن دانشگاه به امر تدریس مشغول است.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

گرایش : حقوق خصوصی و اسلامی

والدین و انساب : پدر حسین مهرپور محمد آبادی مرحوم غلامرضا مهرپور محمد آبادی نام داشت که سوادی در حد خواندن و نوشتن و خواندن قرآن کریم داشت.وی فردی بسیار روشن بین و علاقه وافری برای درس خواندن دکتر مهرپور محمد آبادی داشت.ایشان در سال ۱۳۴۳ در اثر بیماری به رحمت ایزدی پیوست.و نام مادر مرحومش خانم ربابه صمیمی محمد آبادی بود که سالها سرپرستی فرزندان را بر عهده داشت تا اینکه در سالهای اخر عمر داغ شهادت آخرین فرزند را بر دل داشت در سال ۱۳۸۳ بدرود حیات گفت. دکتر مهرپور محمد آبادی جمعا سه برادر (برادر کوچکتر شهید محمد علی مهرپور محمد آبادی نام داشت که در اواخر سال ۱۳۶۰ در جبهه گیلان غرب به درجه شهادت نائل آمد.)و سه خواهر هستند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین مهرپور محمدآبادی تحصیلات ابتدایی را در همان منطقه شروع کرده و به اتمام رسانید. سپس در یزد، مشهد و قم به تحصیل در حوزه علمیه پرداخت و تا گذراندن دوره ای از دروس خارج فقه و اصول پیش رفت. در حوزه از محضر درس اساتید بزرگواری چون آیات عظام: فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی و وحید خراسانی بهره برد. با این حال او با اخذ دیپلم ادبی در یزد موفق می شود در رشته حقوق قضایی دانشگاه تهران پذیرفته شود و در همین دانشگاه هم مقاطع فوق لیسانس و دکترا را در رشته حقوق خصوصی ادامه دهد. – اخذ دیپلم ادبی – اخذ مدرک لیسانس حقوق قضایی، دانشگاه تهران، – اخذ مدرک فوق لیسانس حقوق خصوصی – اخذ مدرک دکترای حقوق خصوصی از دانشگاه تهران

استادان و مربیان : حسین مهرپور محمد آبادی در حوزه پس از مقدمات از محضر درس اساتیدی چون حضرات آیات : مکارم شیرازی ،نوری همدانی ،فاظل لنکرانی، منتظری و وحیدی خراسانی بهره برده است. و در دانشگاه از محضر استادانی چون مرحوم دکتر سید حسن امامی ،استاد محمود شهابی ،دکتر صفری ،دکتر کاتوزیان و دکتر صفایی و غیره استفاده کرده است.ولی یکی از استادان بزرگ دکتر مهرپور محمد آبادی که از ایشان خاطرات علمی،اخلاقی و تربیتی به یاد دارد مرحوم شهید مظلوم دکتر بهشتی می باشد که در سال ۱۳۵۰ در یک برنامه منظم درسی که با مدیریت و برنامه ریزی ایشان انجام می گرفت در کلاس درس ایشان حضور بهم می رساند و از محضر پر برکت ایشان بهره مند می شد.

هم دوره ای ها و همکاران : شهید بهشتی وقتی که سمت رئیسی دیوان عالی کشور را بر عهده داشت ، حسین مهرپور محمد آبادی مسئول دفتر دیوان عالی کشور بود و با وی ارتباط کاری داشت بطوری که دکتر مهرپور محمد آبادی در این باره چنین می گوید: خاطره ماندگاری از وسعت نظر سعه صدر ،تحمل ،بزرگواری و جوانمردی ،تواضع در عین صلابت و شخصیت از آن بزرگ وار به یاد دارم.

همسر و فرزندان : حسین مهرپور محمد آبادی در سال ۱۳۵۰ با سرکار خانم صدیقه فقیه خراسانی (نوه مرحوم آیت الله حاج شیخ غلامرضا فقیه خراسانی است)ازدواج کرد که ماحصل این ازدواج ۵فرزند،۴ پسر و یک دختر است که جملگی آنها به رشته پزشکی روی آورده اند.پسر ارشد ،متخصص مغز و اعصاب ،دومی ،رزیدنت ارتوپدی ،دخترم سال آخر پزشکی عمومی را می گذراند.دو پسر دیگر سال اول پزشکی را تحصیل می کنند.

وقایع میانسالی : حسین مهرپور محمد آبادی پس از دریافت دکتر رشته حقوق خصوصی ،در سال ۱۳۵۱ وارد دادگستری شد و

مراحل دادیاری،دادرسی علی البدل و معاونت قضائی قوه قضائیه را طی کرد.وی از آذر سال ۱۳۷۶ تا مرداد ۱۳۸۴ در دو دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی به عنوان مشاور رئیس جمهور و رئیس هیئت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی انجام وظیفه می کرد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و مسئولیت های حسین مهر پور محمد آبادی به شرح زیر است: قاضی دادگستری در مراحل مختلف آن تا سطح دیوان علی کشور ،معاون قضائی قوه قضائیه ،عضو حقوقدان شورای نگهبان و قائم مقام دبیر آن شورا ،معاون حقوقی و بررسیهای فقهی مرکز تحقیقات استراتژیک ،مشاور وزیر امور خارجه ،مشاور رئیس جمهور و رئیس هیئت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی ،عضو هیئت نظارت بر مطبوعات و عضو شورای عالی هلال احمر

فعالیتهای آموزشی : حسین مهر پور محمد آبادی در دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی در رشته های حقوق خصوصی ،حقوق بشر و حقوق عمومی دروس حقوق مدنی ،متون فقه ،حقوق اسلامی و حقوق بشر را تدریس میکند.وی همچنین در دانشگاهها و مراکز دیگر مانند دانشکده علوم قضائی ،دانشگاه امام صادق (ع) ،مدرسه عالی شهید مطهری ،دانشگاه الزهرا و دانشگاه آزاد اسلامی نیز سابقه تدریس داشته و دارد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حسین مهرپور محمد آبادی در مقاطعی هم به عنوان عضو یا مسؤول هیأت نمایندگی ایران در مجامع و سازمان های بین المللی حضور یافته است و دیدگاه ایران را در خصوص گزارش مربوط به میثاق حقوق مدنی و سیاسی در چندین جلسه در کمیته حقوق بشر توضیح داده است. درسالهای ???? و ???? و به مناسبت پنجاهمین سالگرد تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، سمینارهایی با همکاری کمیساریای عالی حقوق بشر و سازمان کنفرانس اسلامی در مقر سازمان ملل در ژنو تشکیل شده بود و مهرپور نیز با مقاله ای تحت عنوان «آزادی عقیده و بیان از دیدگاه اسلام» در این سمینارها شرکت می کند و دیدگاه دین اسلام در مورد حقوقی که هر انسان دارد را تشریح می نماید.

آرا و گرایشهای خاص : دکتر مهرپور برای اینکه کشور ما در محافل بین المللی وجهه در خور شأن پیدا کند، می گوید: «توصیه های خیرخواهانه ای به مسؤولان ارائه دادم و امیدوار بودم و هستم با دید مثبت به قضایا نگاه شود البته به برخی از این توصیه ها هم عمل شد.» دومین دغدغه مهم مهرپور اجرای صحیح قانون و قانونمند شدن جامعه است. از دید او قانون جزو لوازم لاینفک زندگی اجتماعی است. اما چگونه است که جامعه ما علیرغم اینکه حدود یک سده است که با نحوه تهیه و تنظیم قانون آشنا شده و دارای قانون اساسی هم هست چنانکه باید و شاید به رعایت قانون توجه نمی شود؟ در این زمینه اعتقاد دارد که باید قانون به درستی تبیین شود و به گونه ای در سطح عمومی تمهیداتی به کار گرفته شود تا فرهنگ قانونگرایی و توجه واقعی به قانون نهادینه گردد. می گوید متولیان قانون هم باید بیشتر به قانون اساسی و سایر قوانین توجه کنند و راههای گریز از قانون را کنار بگذارند و پایبندی مسؤولان برای مردم باید ملموس شود. به زعم مهرپور اگر چنین اقداماتی صورت بگیرد عمل قانون به صورت فرهنگ درخواهد آمد ولی بر این امر نیز تأکید دارد که در وضع قانون تا حد امکان باید همه جانبه نگری شده و مصلحت جامعه در نظر گرفته شود. وضعیت مناسب از دیدگاه این حقوقدان این است که افراد گریختن از قانون را مطلوب ندانند.

جوائز و نشانها : حسین مهر پور محمد آبادی نشان درجه دو دانش را در سال ۱۳۸۴ از سوی ریاست جمهوری وقت دریافت کرده است.

چگونگی عرضه آثار : حسین مهر پور محمد آبادی به عنوان عضو هیئت ،سخنران و یا نماینده و مسئول در اجلاسهای متعدد داخلی و بین المللی بویژه نهاد های سازمان ملل شرکت کرده است که پیامد علمی آن تالیف کتابها و مقالات مختلف در زمینه حقوق بشر است.ایشان در اجلاسهای مختلف مجمع عمومی سازمان ملل ،کمیسیون حقوق بشر ،کمیته حقوق بشر ،کمیته رفع تبعیض نژادی ،سازمان بین المللی کار ،یونسکو ،کمیته معاهدات و توصیه ها و اجلاسها و همایشهای منطقه ای و بین المللی از سال ۱۳۶۸ تا کنون شرکت داشته است. دکتر مهر پور محمد آبادی در سه اجلاس کمیته بشر سازمان ملل ،بعنوان مسئول هیئت ایرانی در سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ ،در دوهمایش مربوط به دیدگاه اسلام درمورد اعلامیه جهانی حقوق بشر در مقر سازمان ملل در ژنو به عنوان کارشناس حقوق بشر و اسلام در سالهای ۱۳۷۷ و ۱۳۸۰ ، اجلاس جهانی زن در پکن در سال ۱۳۷۴ و در سه اجلاس کمیته معاهدات و توصیه های یونسکو در سالهای ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ به عنوان نماینده ایران شرکت داشته است که در اکثر مواقع با ایراد سخنرانی و ارائه مقالات متعدد در مورد حقوق بشر همراه بوده است. ---

آثار :

۱ بررسی میراث زوجه در حقوق اسلام و ایران

ویژگی اثر : تالیف – چاپ اول ۱۳۶۸

۲ حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران

ویژگی اثر : تالیف – ۱۳۷۴

۳ حقوق بشر و راهکارهای اجرائی آن

ویژگی اثر : تالیف –۱۳۷۸

۴ دیدگاههای جدید در مسائل حقوقی

ویژگی اثر : تالیف – چاپ اول ۱۳۷۲

۵ رئیس جمهور و مسئولیت اجرای قانون اساسی در ۲ جلد

ویژگی اثر : تدوین و گرد آوری –۱۳۸۰

۶ مباحثی از حقوق زن از منظر حقوق داخلی ،مبانی فقهی و موازین بین المللی

ویژگی اثر : تالیف – چاپ اول ۱۳۷۹

۷ مجموعه نظریات شورای نگهبان در سه جلد

ویژگی اثر : تدوین و گرد آوری – ۱۳۷۱

۸ منتخبات من المباحث الفقهیه

ویژگی اثر : تدوین و گرد آوری – ۱۳۷۶

۹ نظام بین المللی حقوق بشر

ویژگی اثر : تالیف – چاپ اول ۱۳۷۷

۱۰ وظیفه دشوار نظارت بر اجرای قانون اساسی

ویژگی اثر : تدوین و گرد آوری – ۱۳۸۴ – مجموعه مکاتبات و نظریات حقوقی هیئت پیگیری و نظارت برای اجرای قانون اساسی

مهردار، امیر بیک

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۳ ق)، شاعر. وی از نژاد شیخ غیاث‌الدین محمد تبریزی بود. در نطنز، از توابع اصفهان متولد شد. خواجه ابتدا به خدمت دیوانی درآمد. در فن دفترداری و در علم اعداد و تکسیر حروف و تسخیر کواکب اطلاع کامل داشت. وی مدت زیادی به وزارت عازی خان تکلو، غازی خان لله بهرام میرزا و شاه طهماسب درآمد. مدتی در حبس بود و بعد از آزادی تولیت آستان مقدس حضرت رضا (ع) و سپس وزارت تمام خراسان را به دست گرفت. وی بالاخره به علت اعمال ناشایستی که انجام داد در قلعه‌ی قهقهه و چند سال در قلعه الموت محبوس شد تا درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۰۹ –۱۰۸ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۶۹۲ –۶۹۱)، دانشمندان آذربایجان (۵۲ –۵۱).

مهرگان مسعودی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا مهرگان مسعودی

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب از سال ۱۳۶۱ پس از اخذ دیپلم به حوزه علمیه رشت وارد شدم و دروس پایه و سطح را در این شهرستان تحت اشراف استاد بزرگوار «آیت الله سید مجتبی رودباری» که خود از شاگردان حضرت امام خمینی (ره) و آیت الله خوئی (ره) بودند؛ با شاگردی در محضرشان به اتمام رساندم. در سال ۱۳۶۹ پس از قبولی در امتحانات ورودی حوزه علمیه قم، توفیق ورود به این حوزه مبارک و حضور در جوار حضرت معصومه (س) را پیدا کردم.

ادامه دروس سطح را در خدمت برخی از عزیزان دانشمند و روحانی این شهر مقدس بودیم و سپس از سال ۷۴ در درس‌های خارج فقه و اصول بزرگانی چون: «آیت الله ناصر مکارم شیرازی»، «آیت الله فاضل لنکرانی»، «آیت الله جعفر سبحانی» و «آیت الله میرزا محمد حسن فقیه یزدی» شرکت یافته و از محضر این عزیزان استفاده کردم. علومی چون فلسفه، کلام و عرفان نظری را نیز به طور پراکنده از محضر علمای قم بهره‌مند گردیدم. اشتیاق به آشنایی بیشتر با قرآن کریم و معارف مربوط به علوم قرآنی سبب گردید تا در حال حاضر بیشتر مطالعه‌ام در مسیر علوم قرآنی و حدیث باشد

مهرو، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خوشنویس، شاعر.

تولد: ۱۳۰۰، بروجرد (آشخانه).

درگذشت: ۱۳۶۰.

علی مهرو، فرزند کریم، در نخستین دبستانی دولتی آشخانه به تحصیل پرداخت. خط نستعلیق را در همان مدرسه از میرزا فتح‌الله

خوشنویس آموخت و نوازندگی دو تار را از عبدالله بخشی تعلیم گرفت. او از همان کودکی مطالعه را آغاز کرد.

شغل اصلی او کشاورزی و دامداری بود و تا ۴۵ سالگی خیاطی می‌کرد. بعد به نویسندگی عریضه و قباله روی آورد و یک چند کارگری و بنایی کرد و مدتی هم به باغداری و بزازی پرداخت.

مهرو از بانیان تعزیه و شبیه‌خوانی در آشخانه بود و نوحه‌هایی از او باقی مانده است. او با خوانین محلی در ستیز بود و به علت ناامنی منطقه و دور بودن خانه‌اش از روستا، از سر شب تا صبح بیدار می‌ماند تا دزدان از قصد حمله به خانه‌اش منصرف شوند. چنین بود که شب‌های بسیار را در زیر فانوس به مطالعه و نوشتن گذراند.

علی مهرو در سال ۱۳۶۰ درگذشت و در امامزاده دلاور آشخانه به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مهرو، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی مهرو فرزند کریم ، در سال ۱۳۰۰ ه.ش، در آشخانه بروجرد متولد شد. وی در نخستین دبستان دولتی آشخانه به تحصیل پرداخت . خط نستعلیق را نزد میرزا فتح الله خوشنویس آموخت و نوازندگی دو تار را از عبدالله بخشی تعلیم گرفت . شغل اصلی مهرو کشاورزی و دامداری بود و نیزتا ۴۵ سالگی خیاطی می کرد .بعد به نویسندگی عریضه و قباله روی آورد و یک چند کارگری و بنایی کرد ومدتی هم به باغداری و بزازی پرداخت . او علاوه بر خوشنویسی ، از بانیان تعزیه و شبیه خوانی در آشخانه بود و نوحه هایی از او باقی مانده است .گروه : هنررشته : خوشنویسیگرایش : نستعلیقوالدین و انساب : علی مهرو فرزند کریم مهرو بود .تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی مهرو در نخستین دبستان دولتی آشخانه به تحصیل پرداخت . خط نستعلیق را در همان مدرسه از میرزا فتح الله خوشنویس آموخت . نوازندگی دو تار را از عبدالله بخشی تعلیم گرفت . او از همان کودکی مطالعه را آغاز کرد .استادان و مربیان : علی مهرو نزد میرزا فتح الله خوشنویسی آموخت و نزد عبدالله بخشی نوازندگی دو تار را آموخت.وقایع میانسالی : علی مهرو در طول حیات خود همواره با خوانین محلی در ستیز بود و به علت ناامنی منطقه و دور بودن خانه اش از روستا ،از سرشب تا صبح بیدار می ماند تا دزدان از قصد حمله به خانه اش منصرف شوند .چنین بود که شب های بسیاری را در زیر فانوس به مطالعه و نوشتن گذراند.زمان و علت فوت : علی مهرو در سال ۱۳۶۰ در گذشت و در امامزاده دلاور آشخانه به خاک سپرده شد .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : شغل اصلی علی مهرو کشاورزی و دامداری بود و تا ۴۵ سالگی خیاطی می کرد .بعد به نویسندگی عریضه و قباله روی آورد و یک چند کارگری و بنایی کرد ومدتی هم به باغداری و بزازی پرداخت .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علی مهرو از بانیان تعزیه و شبیه خوانی در آشخانه بود و نوحه هایی از او باقی مانده است .

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

مهرورز، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تبریز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مهری خویی زنوزی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۲ ق)، منجم و شاعر، متخلص به مهری. نخست در خوی درس خواند. سپس به عراق و خراسان و اصفهان مسافرت کرد و اکثر علوم را نزد افاضل آن نواحی فراگرفت. او به نجوم و احکام نجومی علاقه‌ی خاصی داشت. وی به فارسی و عربی و ترکی شعر می‌سرود و به فدوی و مهری تخلص می‌کرد. از او قصایدی در مدح قائم مقام فراهانی و همچنین یک «قصیده‌ی رائیه»، به عربی، در مدح امیرالمؤمنین علی (ع) باقی مانده است. وی سرانجام در تبریز درگذشت. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (۲۹۵)، الذریعه (۱۱۳۶، ۸۱۶/ ۹)، ریحانه (۳۱۲ -۳۱۱/ ۴)، فرهنگ سخنوران (۶۹۵)، مجمع الفصحا (۹۵۲ -۹۵۱/ ۵)، مکارم الآثار (۱۶۹۷ -۱۶۹۶/ ۵).

مهری عرب، علی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، شاعر. وی در شعر به مهری و سید تخلص می‌کرد. اصلا از جبل عامل لبنان است. پدرش در عباس‌آباد اصفهان سکنی گزید و در آنجا درگذشت. سید علی در اواخر عصر صفوی ساکن اصفهان بود. اندکی زبان فارسی آموخت و اشعار مخلوط از کلمات عربی و فارسی می‌گفت و بعضی از کلمات فارسی را با اصول و قواعد کلمات عربی به کار می‌برد و آنها را به طریق هزل معرب می‌کرد. این روش او مورد پسند دیگر شاعران نیز قرار گرفت و آنها نیز از این روش پیروی کرده و به شیوه اشعار او شعر سرودند. در تذکره‌ی «روز روشن» آمده که او به منادمت سلطان حسین صفوی (۱۱۳۵ -۱۱۰۵ ق) رسید و خطاب ملک‌الشعرایی یافت و مثنویی به نام «آیینه‌ی بدن نمای سراپای محبوب» به او نسبت داده شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۷۸۴ -۷۸۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۹۹ -۳۹۸)، الذریعه (۱۱۳۷ -۱۱۳۶، ۷۶۰/ ۹)، ریحانه (۴۲ -۴۱/ ۶)، فرهنگ سخنوران (۸۹۰، ۴۷۸)، مجمع الفصحا (۷۷ -۷۶/ ۴)، منظومه‌های فارسی (۵۵۴ -۵۵۳، ۱۰۰).

مهری هروی، مهر النساء

قرن:۹

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر، متخلص به مهری. اهل هرات بود. وی معاصر شاهرخ میرزا تیموری (۸۵۰ -۷۷۹ ق) و مصاحب و معاشر همسر وی، گوهرشاد بیگم بود. همسر مهری خواجه عبدالعزیز نام داشت که طبیب مخصوص شاهرخ و همسرش بود. بعضی از تذکره‌ها وی را از شاعران قرن یازدهم قمری و ملازم بانو جهان بیگم (وف ۱۰۵۵ ق) می‌دانند و نام همسر او را خواجه حکیم ذکر کرده‌اند. تذکره‌ی «روز روشن» علاوه بر اینکه صاحب عنوان را ملازم نور جهان بیگم می‌داند، مهریه رویه را نیز از مهری عهد شاهرخ جدا می‌کند گرچه در ذیل هرویه خود اشتباهاتی نموده است. حکیم شاه محمد قزوینی در ترجمه‌ی «مجالس النفائس» نقل کرده است که استاد او شاگرد مولانا حکیم بوده مهری را دیده و با او صحبت داشته است و می‌گوید که مهری اکثر «دیوان» خواجه حافظ را تتبع کرده است. از آثارش «دیوان» شعر. مطلع «دیوان» وی این است:

ادر یا ساقی العشاق اقداحا و عجلها

که شوری می‌کند شیرین شراب تلخ در دلها

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از رابعه تا پروین (۲۵۴ -۲۵۱)، تذکره‌ی روز روشن (۷۸۵ -۷۸۴)، الذریعه (۱۱۳۷/ ۹)، ریاحین الشریعه (۷۷ -۷۶/ ۸)، ریحانه (۴۳ -۴۲/ ۶)، زنان سخنور (۲۵۴ -۲۴۹/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۸۹۰)، کارنامه‌ی زنان (۶۱ -۶۰)، مجالس النفائس (۱۹۵ ،۲۱)، مرآة الخیال (۳۳۵ -۳۳۴)، مشاهیر زنان (۲۳۱ -۲۳۰)، نتایج الافکار (۷۰۴ -۷۰۳).

مهری، بهمن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: استاد، رشته، ریاضی، دانشکده: ریاضی، دانشگاه: صنعتی شریف

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ریاضی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۵، کارشناسی ارشد ریاضی از دانشگاه مینه سوتا آمریکا در سال ۱۳۴۱، دکترای تخصصی ریاضی از دانشگاه ویسکانسین آمریکا در سال ۱۳۴۶.

مرتبه علمی:

استادیار FERD NIA STATE UNIV آمریکا از سال ۱۳۴۴ تا سال ۱۳۴۵، استادیار دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۴۵ تا سال ۱۳۵۴، دانشیار دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۵۷، استاد دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۵۷ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس کاربردهای ریاضی در فیزیک، مسائل سرحدی، معادلات دیفرانسیل، مشتقات جزئی و دروس کارشناسی در دانشگاههای صنعتی شریف، هامبورگ، دیویس، پرت ریکو، مطالعه و تحقیق در زمینه ریاضیات کاربردی و معادلات دیفرانسیل، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

محاسبات عددی، اصول آنالیز ریاضی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵۰

زمینه علمی مقالات:

معادلات دیفرانسیل و ریاضیات کاربردی.

وی در سال ۱۳۳۸ به آمریکا رفت و در سال ۱۳۴۰ از دانشگاه مینه سوتا لیسانس و در سال ۱۳۴۵ از دانشگاه ویسکانسین دکتری ریاضیات اخذ نمود. وی پس از مدتی و پس از مدتی تدریس در دانشگاه نیویورک (۱۳۴۶) به ایران آمد و در دانشگاه صنعتی شریف به عنوان عضو هئیت علمی مشغول به کار شد. و از آن به امر تدریس و تالیف اشتغال ورزید.گروه : علوم پایهرشته : ریاضیاتاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : بهمن مهری درسال ۱۳۱۴ در اصفهان متولد شد. او در کودکی و نوجوانی به همراه خانواده به شهرهای رشت و تهران رفته و در آن شهرها تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را گذراند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : بهمن مهری پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه در رشت و تهران، وارد دانشگاه تهران شد و پس از اخذ لیسانس ریاضی فوق لیسانس علوم تربیتی از دانشسرای عالی به آمریکا رفت و در سال ۱۳۴۰ از دانشگاه مینه سوتالیسانس و پس از آن از دانشگاه ویسکانسین دکتری در ریاضیات را دریافت کرد.خاطرات و وقایع تحصیل : تحصیل و اقامت طولانی در کشور آمریکا و تدریس در آنجا از وقایع مهم و نقاط عطف زندگی علمی استاد دکتر بهمن مهری بوده است. فعالیتهای ضمن تحصیل : بهمن مهری پس از اخذ فوق لیسانس علوم تربیتی از دانشسرای عالی به تدریس در دبیرستانهای تهران پرداخت. وی پس از اخذ دکترای ریاضی در آمریکا به مدت یک سال در دانشگاه نیویورک به تدریس مشغول شد.وقایع میانسالی : بهمن مهری پس از کسب مدرک دکتری ریاضیات از آمریکا و بازگشت به میهن، به دعوت دکتر مجتهدی از سال ۱۳۴۶ به عنوان عضو هئیت علمی دانشگاه صنعتی شریف استخدام شد. وی از آن پس به تالیف و تحقیق درزمینه ریاضیات مشغول است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : بهمن مهری استاد یار FERD NIA STATE UNIV آمریکا از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۵ ،استاد یار دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۴ ،دانشیار دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷ و استاد دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۵۷ تا کنون است.وی همچنین در مرکز تحصیلات تکمیلی زنجان و دانشگاه هامبورگ آلمان و دانشگاه پرتوریکو سن وان آمریکا به تدریس پرداخته است. ایشان همچنین به مدت یک سال در دانشگاه نیویورک به تدریس ریاضیات اشتغال داشت. وی ضمن فعالیتهای یاد شده، بین سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۵ در موسسه کامپیوتر control data آمریکا به پژوهش مشغول بود . فعالیتهای آموزشی : بهمن مهری، پس از فراغت از تحصیل با مدرک فوق لیسانس علوم تربیتی از دانشسرای عالی، به تدریس در دبیرستانهای تهران پرداخت. وی در سال ۱۳۴۶ با مدرک دکتری تدریس ریاضی را در دانشگاه نیویورک آغاز کرد و از آن سال به بعد در دانشگاه صنعتی شریف (تهران) به عنوان عضو هئیت علمی به تدریس مشغول است. عنوان دورسی که ایشان تدریس کرده اند: آنالیز حقیقی ،تئوری کنترل در دانشگاه صنعتی شریف تهران تئوری تقریب معادلات دیفراسیل ،تئوری معادلات دیفرانسیل پاره، در مرکز تحصیلات تکمیلی زنجان آنالیز عددی پیشرفته در دانشگاه پرتوریکو سن وان آمریکا توابع مختلط در دانشگاه هامبورگ آلمانسایر فعالیتها و برنامه های روزمره : بهمن مهری علاوه بر تدریس، به مطالعه و تحقیق و تالیف درزمینه ریاضیات مشغول بوده و سالها تلاش او در این راستا تحت مجموعه مقالات و کتاب به چاپ رسیده است.آرا و گرایشهای خاص : دکتر بهمن مهری اگر چه رشته ریاضی را در از آمریکا طی نمود، اما در کنار ریاضی علاقه ای نیز به روانشناسی و علوم تربیتی نشان داده و مدرک فوق لیسانسی نیز دراین رشته از دانشسرای عالی تهران دریافت کرده است.چگونگی عرضه آثار : دکتر بهمن مهری بیش از ۱۰ پایان نامه کارشناسی ارشد را راهنمایی ،نظارت و مشاوره کرده است. وی همچنین دارای تحقیقاتی درزمینه های زیر است: عملکرد گرین و کاربرد آن – مسئول طرح وجود جواب تناوبی برای سیستم نیمه خطی O.D.E–مسئول وجود جواب تناوبی و کاربرد در ترمز های خودرو سنگین – مسئول طرح

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

مهری، سید عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت اللّه سید عباس مُهری در سال ۱۲۹۴ ش (۱۳۳۳ق) در شهر مُهر واقع در استان فارس به دنیا آمد و پس از طی دروس مقدمات در زادگاهش، راهی نجف اشرف شد. وی در نجف از محضر عالمانی همچون سید محمود شاهرودی، سید محمدباقرمحلاتی و سید محمدتقی بحرالعلوم استفاده کرد و بنا به اصرار جمعی از مؤمنان، برای تبلیغ دین و ارشاد مردم به کویت رفت. آیت‌اللّه مهری در طول سالیان اقامت در کویت و در جریان نهضت اسلامی مردم به رهبری امام خمینی، با برپایی مجالس سخنرانی به مناسبت‌های گوناگون و با ارسال نامه و تلگراف به محضر علما و مراجع و با پخش اعلامیه، پیام و نوار سخنان حضرت امام و دیگر بزرگان، لحظه‌ای از قیام و فعالیت باز نایستاد و علیه جور شورید. در این میان، سفارت ایران در کویت، فعالیت گسترده‌ای علیه ایشان شروع کرد و مردم را با تهدید و تطمیع و با پخش شایعه‌های گوناگون، وادار به دوری جستن از او و مسجد و مجلسش می‌نمود؛ این در حالی بود که بارها ایشان را تهدید به ترور می‌کردند. آیت‌اللّه مهری اولین مؤید امام از علمای خارج از کشور بود که پس از قیام ۱۵ خرداد ۴۲، تلگراف تند و آتشینی به محمدرضا پهلوی فرستاد که با این عمل، وی تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی، ممنوع الورود به ایران شد. منزل او در کویت علاوه بر این که به عنوان کانون تبادل نظر درباره شیوه‌های مبارزه با رژیم ستمشاهی بود، به عنوان واسطه‌ای بین امام در نجف اشرف و پیروان ایشان در ایران، اروپا و سایر نقاط عمل می‌کرد. وی از زمان آشنایی با امام تا واپسین دم حیات، دم از امام و راه او برنداشت و پیرو ایشان بود. حتی وقتی که امام قصد داشتند نجف را به مقصد کویت ترک

نمایند، قرار بود که در منزل آیت‌اللّه مهری اقامت کنند که با ممانعت دولت کویت مواجه گردید و این امر، عملی نشد. پس از پیروزی انقلاب، حضرت امام، آیت‌اللّه مهری، را به امامت جمعه کویت منصوب کردند که با تبعید آیت‌اللّه مهری، نماز جمعه برگزار نگردید. این عالم بزرگوار سرانجام پس از عمری مجاهده در راه اسلام، در ۲۶ بهمن ۱۳۶۶ ش برابر با ۲۶ جمادی‌الثانی ۱۴۰۸ ق در ۷۲ سالگی درگذشت و در حرم مطهر حضرت معصومه(س) مدفون شد.

برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

مهری، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیهٔ الله مهری در سال ۱۳۳۳ هجری قمری در شهر مهر واقع در جنوب استان فارس، و در خانواده‌ای روحانی از سلاله رسول الله (ص) قدم به عرصه وجود گذاشت. او را عباس نامیدند شاید تقدیر الهی چنین بود زیرا که او در همان اوان کودکی روحیه ظلم ستیزی در نهادش نهفته بود و بعدها خود الگویی برای مبارزان طریق حقیقت و مراد پویندگان راه رفع ظلم و ستم شد.

دوران کودکی

هنوز دوازده سال از عمر مبارکش نگذشته بود که سایه پر مهر پدراز او گرفته شد و برای همیشه از پدر محرم گردید. پس از آن تحت تکفل برادر ارجمندش عالم عاضل حاج سید هاشم مهری قرار گرفت و براستی چون پدری مهربان و دلسوز به تعلیم و تربیت او پرداخت با اینکه سالهای سخت تنگدستی را می‌گذارندند. هرگز نگذاشتت برادر عزیزش احساس فقر سختی کند. از همین ور بود که ایشان همیشه از برادرش به خیر و خوبی یاد می‌کرد و می‌گفت: من نمی‌توانم آن همه محبت و مهربانی را پاسخگو باشم.(۱)

نسب شریف

نام مبارکش سید عباس حسینی و مشهور به مهری فرزند سید حسن حسینی از سادات بزرگ و معروف مهر موسوم به سید هاشمی(منسوب به جد اعلای ایشان مرحوم سید هاشم) است. و از طریق مارد نسب وی به محدث و مفسر عالیقدر، علامه سید هاشم بحرانی(مؤف تفسیر برهان) می‌رسد. نام مارد دانشمندش خدیجه، دختر سید حسن علامه مهری از سادات جلیل القدر مهر و از نوادگان علامه بزرگوار بحرانی می‌باشد.(۲)

یادکردی از مهر

مهر از شهرهای مرکزی و حنوبی استان فارس و دارای تاریخی عمیق و درخشان است. تاریخ مهر همواره با نام دانشمندان و سادات و الامقام آن دیار گره خورده است. این شهر با همه کوچکی آن زادگاه بسیاری از علامان، نویسندگان، و صاحب منصبان سیاسی و احتماعی بوده و هست. این شهر علاوه بر موقعیت علمی که همچون گوهر تابناک می‌درخششیده، به لخاظ حضور مبارک سادات که جمعیت غالب شهر را تشکیل می‌داده‌اند و نیز به داشتن مردمی خوب دارای موقعیت اجتماعی ویژه‌ای در منطقه بوده است که ملجأ مهاجران زیادی شده که به این شهر پناهنده گردیده‌اند. اجداد آیهٔ الله مهری از نخستین گروه سادات این ناحیه هستند که از منطقه احصاء به این محل هجرت نموده‌اند.(۳) نوشی از جام نور

ایشان پس از گذراندن دوره مقدمات در زادگاهش مهر برای تحصیل علوم و معارف دینی و استفاده از انوار قدسی بارگاه ملکوتی جد بزرگوارش با مشقتی فراوان و عشقی زایدالوصف راهی نجف اشرف گردید با جدیت به کسب معارف مشغول گردید، به گونه‌ای که خود می‌گوید: به قدری درسهایم فشرده بود که بعضی از روزها سه درس می‌گرفتم و دو درس می‌دادم و سه درس را نیز به مباحثه می‌گذراندم، غذایم معمولا نان و ماست و هنوانه بود.(۴) وی با آنکه مدت زیادی نتوانست در نجف اشرف بماند و به درخواست جمعی از مؤمنان برای امر تبلیغ به کویت عظیمت کرد منتهی در همین مدت کم توانست با جدیت تمام مدارج علمی را پشت سر بگذارد و از محضر اساتید بزرگواری همچون آیهٔ الله سید محمود شاهرودی(ره) و آیهٔ الله سید باقر محلاتی (ره) و آیهٔ الله سید محمد تقی بحرالعلوم (ره) بهره کافی ببرد.(۵)

هجرت به کویت

در نجف اشرف، پس از چند سال بحث و درس فشرده، مردم مسلمان کویت با اصرار و تقاضای فراوان از برخی عالمان آن زمان از ایشان می‌خواهند که برای راهنمایی و ارشاد آنها به کویت بروند.(۶) آقای مهری در آغاز رازی نمی‌شود، زیرا می‌خواسته است درس خود را ادامه دهد ولی، به درخواست بیش‌تر از حد مردم و اصرار برخی از علماء ناچار به آن دیار مهاجرت می‌نماید. او در این باره می‌گوید: وقتی به کویت آمدم مردم حتی نمی‌توانستند درست وضو یا تیمم کنند و از مسائل معمول شرعی خود بی خبر بودند.(۷) استاد عالیقدر حضرت آیهٔ الله وحید خراسانی که بهترین گواه بر زحمات و فعالیتهای آن مهری می‌باشد چنین تعبیر آورده‌اند:چ مرحوم آقای مهری احیای موات کردند.(۸) فعالیتهای علمی و اجتماعی در کویت

در کویت ضمن هدایت و ارشاد و پرداخن به مسائل شرعی و حل مشکلات اجتماعی مردم،به‌مباحثه کتابهی علمی با برخی از علما ادامه می‌دهد و هر چند یکبار که به نجف اشرف مشرف می‌شود در آنجا برای همان چند روز نیز دست از درس و بحث نمی‌کشد. آن بزرگوار افزون بر انجام تکلیف نسبت به اسلام و مسلمین که – به بهترین وجه ادا می‌شد– به تدریس علوم دینی می‌پرداخت و از همه اقشار مردم میخواست که اوقات فراغت خود را به درس و بحث بپردازد و عمر خود بیهوده صرف نکنند و خود مجالس درس را اداره می‌کرد. همه شب پس از اداء نماز جماعت در مسجد شعبان – که اکنون به صورت بارزترین پایگاه انقلاب اسلامی در کویت در آمده است– به منبر می‌رفت و پس از گفتن چند مسئله، به موعظه می‌پرداخت و مشکلات اجتماعی مردم را گوش زد

می‌نمود و هر چند برای مردم آن زمان، باور کردنی نبود که فردی روحانی پیرامون مسائل سیاسی با مردم سخن گوید، او از گفتن آنها باکی نداشت و اوضاع جهان اسلام را تا آنجا که برایش ممکن بود بیان می‌کرد و مردم را از خطر استعمار و استعمار زدگی بر حذر می‌داشت.(۹) گفتار امام راحل(ره) خطاب به آن بزرگوار تا اندکی از این امر پرده بر میدارد. ایشان در ضمن نامه به آیهٔ الله مهری می‌نویسد: مساعی جمیله جنابعالی در ترویج شریعت مقدس اسلام در آن حدود مورد کمال، تقدیر و تشکر و امید است ان شاء الله مورد توجه خاصه حضرت ولی عصر– عجل الله تعالی فرجه الشریف– واقع گردیده و مأجور باشید. دوام توفیقات آن جناب را در اعلاء کلمه طیبهٔ الاسلام از خدای متعال خواستارم.(۱۰) مبارزات سیاسی

آنچه بیشتر از هر خصوصیت دیگر، آیهٔ الله مهری را ممتاز کرده بود، روح ظلم ستیزی و مبارزه همیشگی او بر ضد ستم در شکلهای گوناگونش بوده در این باره می‌فرمود: هنوز بالغ نبودم و عمرم از سیزده سال تجاوز نکرده بود ولی نسبت به شاه احساس دیگری – جدای از مردم آن زمان – داشتند. من او را ظالم و غاصب حق می‌دانستم و از اینکه برخی از روحانیون از او تجلیل می‌کردند سخت منزجر می‌شدم. من معتقد بودم باید قدرت در دست مرجع تقلید باشد و اگر کسی را او تعیین کند واجب الاطاعه است و الا فلا.(۱۱) ناگفته نماند که همواره ظلم ستیزی وی مشکلات زیادی برایش به وجود می‌آورد. خود در این باره طی مصاحبه‌ای می‌گوید بنده قبل از اینکه به نجف بروم و سپس در کویت اقامت گزینم در ایران حبس رفتم، شکنجه شدم، پای برهنه مرا در پشت اسبها می‌دواندند و برادرم نیز در این مصائب با من شریک بود. ما هرگز ساکت نبوده‌ایم و فکر کردیم وقتی به کویت می‌رویم آقایان مراجع پشتیبان ما خواهند بود و با حمایت آنان بنده می‌توانم علیه ظلم مبارزه کنم. ولی هیچ کس در آن زمان حاضر نشد علیه ظلم حرفی بزند تا اینکه آقای خمینی(ره)، این بزرگوار سر بلندکرده و از ابتدایی که امام شروع به مبارزه علیه ظلم نمود امیدی خاص در من ظاهر شد، زیرا یک راهنما و پیشوا پیدا شده بود، پس می‌توانستیم به احکام و نظریات این بزرگوار عمل کنیم.(۱۲) در راه مبارزه مستمر و بی امان با دستگاه طاغوت در آغاز نهضت حرکت همه جانبه را علیه دستگاه ظلم پهلوی شروع کرد و با برپایی مجالس سخنرانی به مناسبتهای گوناگون و با ارسال تلگراف و نامه به محضر علماء و مراجع و با اجتماع با شخصیتهای گوناگون مذهبی و سیاسی و با پخش اعلامیه‌ها و پیام‌ها و نوارهای حضرت امام و دیگر بزرگان، لحظه‌ای از قیام و فعالیت باز نایستاده و در مقابل، سفارت ایران در کویت، فعالیت گسترده‌ای علیه او شروع کرد و مردم را با تهدید و تخویف و تطمیع و با پخش شایعه‌های گوناگون وادار به دوری جستن از او و مسجد و مجلسش می‌نمود، از سوی دیگر کمتر روزی بود که تلفنهای تهدیدآمیز و اینکه اگر ساکت نشوی تو را می‌کشیم و در امشب پس از نماز در وسط سخنرانی تو را ترور می‌کنیم و خانه ات را آتش می‌زنیم و بچه هایت را از بین می‌بریم و ... به او زده نمی‌شد، ولی او همچنان پابرجا و استوار و بی اعتنا به آن همه تهدیدات، پیش می‌رفت و وظیفه خود را قاطعانه دنبال می‌کرد و هرگز اهمیت نمی‌داد که روزانه از عدد نمازگزاران مسجد یا ملاقات کنندگانش در منزل – بر اثر تهدیدهای دشمنان – کاسته می‌شود.(۱۳)

در خواست قیام علی طاقوت

فرزند با اخلاص سرزمین مهر – همانگونه که اشاره شد– همواره با ارسال نامه و تلگراف از علماء و مراجع دعوت به مبارزه علیه طاغوت و پشتیبانی از حرکت امام می‌کرد، منتهی هیچ وقت منتظر پاسخ آقایان نمی‌نشست و فقط به وظیفه عمل می‌کرد. در آغاز نهضت تلگراف شدید لحنی به مراجع وقت در نجف اشرف و قم مخابره کرد و آنان را به قیام دعوت نمود. در آن تلگراف چنین آمده است: مصیبتهایی که این روزها بر سر مسلمین در ایران فرود می‌آید دل هر آزاده‌ای را آزرده ساخته است و سکوت شما در برابر این فجایع، بر این درد افزوده است ما منتظر اقدام سریع شما برای تسکین دردها و جلب رضایت حضرت ولی عصر(عج) می‌باشیم. سه نفر از مراجع وقت نجف آیهٔ الله حکیم رحمهٔ الله، آیهٔ الله شاهرودی رحمهٔ الله و آیهٔ الله خویی رحمهٔ الله پاسخهایی دادند و ایشان دستور داد همان پاسخها را تکثیر و در دسترس عموم مردم قرار دادند و به همین پاسخ برای تأیید نهضت اکتفا می‌کرد و می‌فرمود! ما در حد توانمان به قیام دست زدیم. ما مردم را هدایت می‌کردیم تا کمک به ظلم و جور نکنند و با اشخاصی که علیه دین اسلام قدم بر می‌داشتند، هم قدم نشوند. در آن زمان حضرت امام به همه نماینده هایش دستور داده بودند که به این گونه مسائل توجه گردد و بنده یکی از نمایندگان ایشان بودم که به این امر عمل نمودم. حتی از دیگران نیز درخواست دعوت کردم تا همزمان با ما، در دیگر بلاد اسلامی، جلوی ظلم ظالمین را بگیرند و در این خصوص بعضی از آقایان متأسفانه با بنده هم زبان نشدند و بعضی‌ها نیز بنده را سرزنش و توبیخ می‌نمودند که چرا علیه حکومت شاه به پا خواسته‌ام. و بنده تمام جوانب را تحمل نمودم. و به اعمال و رفتار آن آقایان نیز اعتنا نکردم و مطالبمان را هرچه بود بر زبان آوردیم ... . تلگرام آتشین

به جرأت می‌توان گفت که اولین مرید و مؤید امام از علماء خارج از کشور آقای مهری بود. و اولین حرکتش تلگرام تند و آتشینی در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی پس از سخنرانی سرنوشت ساز امام به شخص محمد رضای خائن بود. و به این ترتیب او لب به سخنی گشود که می‌بایست در نهایت گفته می‌شد(زیرا که انقلاب اسلامی سخن آخرش را اول می‌گوید)(۱۴) و پس از این تلگرام، از ورود ایشان به ایران جلوگیری شد تا اینکه انقلاب اسلامی به پیروزی رسید. کانون اندیشه ها

منزل آیهٔ الله مهری در دوران نهضت همواره کانون اندیشه‌های انقلابیون و مبارزان مسلمان به ویژه روحانیون بود که در آنجا جلسات زیادی پیرامون شیوه‌های مبارزه از سوی مبارزانی همچون شهید آیهٔ الله سعیدی، آیهٔ الله خزعلی و شهید حجهٔ الاسلام محمد منتظری و سایر عزیزان پیرو امام از ابتدا شروع نهضت تا پیروزی انقلاب برپا می‌شد و برای پیش برد نهضت در داخل و خارج کشور، تبادل نظر صورت می‌گرفت و آن بزرگوار واسطه‌ای بین حضرت امام در نجف اشرف و پیروان و ادامه دهندگان راهشان در ایران، اروپا، آمریکا و سایرکشورها بود. او در این را نه تنها از مال دنیا و جان خود و فرزندانش مایه می‌گذاشت که از عزت و آبروی خویش نیز می‌گذشت و در راه مرادش از هیچ کوششی فروگذاری نمی‌کرد به گونه‌ای که منزل ایشان خانه دوم امام شده بود و انقلابیون به طور دایم در آن خانه به نشر انقلاب اسلامی و فرامین امام، می‌پرداختند، به طور مثال همه کتابهای امام و اعلامیه‌ها و فتاوی ایشان در کویت با همت و نظارت مستقیم ایشان چاپ و نشر و به طور رایگان در اختیار مردم مسلمان مخصوصا ملت ایران قرار می‌گرفت.(۱۵) یک خاطره

روزی یکی از مراجع می‌خواست به کویت بیاید تا از آنجا به مکه مشرف شود. چون در اتاق پذیرایی آقا فقط عکس حضرت امام بود، به او عرض کردیم یا موقتا این عکس را برداریم یا اجازه دهید چند روزی عکس آن آقا را نیز در این جا نصب کنیم! ایشان با ناراحتی پاسخ داد مگر من عکس پرست هستم یا با عکس می‌خواهم خودشیرینی کنم؟ عکس امام برای من یک شعار است. من با نصب کردن این عکس، راه و روش خود را به مردم نشان می‌دهم، و می‌خواهم از راه امام تبلیغ کنم و گرنه خوب بود عکس دهها مرجع تقلید، که طی چندین سال همه با من ارتباط داشته‌اند و بدون درخواست من، مرا نماینده خویش در کویت قرار داده بودند، بر در و دیوار بیرونی من نصب شده باشد!(۱۶)

عشق مرید به مراد

آیهٔ الله مهری با تمام اخلاص عاشق امام خیمنی بود. از روزی که توسط آیهٔ الله ابوالقاسم خز علی و شهید آیهٔ الله سید محمد رضا سعیدی با امام آشنا گشته و به هنگام سفر به ایران در قم به جلسه‌ای در درس ایشان مشرف شده بود(۱۷) تا پسین دم حیات دست از امام و راه او برنداشت. علاقه او به امام برای کسب شهرت و مقام نبود بلکه امام را واجد جمیع شرایط دیده و مرید او شده بود. هر وقت از او درخواست می‌کردم عکس از او با امام برای یادگاری بگیرم ممانعت می‌کرد و می‌گفت: من نیاز به عکس ندارم، من اگر با خمینی از روز اول پیمان بسته‌ام برای خدا بوده است نه برای کسب شخصیت.(۱۸) آری، او به خوبی از عهده این پیمان بر آمد و همه هستی اش را فدای امام کرد ولی دست از او برنداشت. مرید و مراد

همانگونه که مهری امام را خوب درک کرده و به او عشق می‌ورزید امام نیز در مقابل به او محبت و علاقه خاصی داشت. وقتی که امام از عراق به طرف کویت هجرت کرده و با همراهان قصد منزل ایشان را داشت، خفاشان زمان به محض شناخت امام وحشت زده از ورود امام به کویت ممانعت کردند، آقای مهری می‌خواست با رئیس آنها صحبت کند تا شاید در قلب سخت آنها اثری کند، امام فرمود:ابدا! حیف نیست وجه خود را پیش این ناکس بفروشی؟! ما بر می‌گردیم، ما با خدا هستیم.(۱۹) امام که ناراحتی آقای مهری را می‌دانست بعد از برگشت به عراق و هجرت به فرانسه به محض رسیدن به آقای فردوسی پور امر کرده بود که: به فلانی تلفن بکنید که او خیلی ناراحت است. (۲۰) ایشان هم امتثال امر کرده و برای رفع ناراحتی ایشان به کویت تلفن زده بودند. آری، امام نیز مرید خود را خوب شناخته بود. انتصاب به امامت جمعه

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و به بار نشستن آرزوی دیرینه امام و یاران باوفایش برای ارتقاع رشد فکری جامعه اسلامی و بیداری هرچه بیشتر مسلمانان جهان و صدور انقلاب و جامه عمل پوشاندن و به یکی از آرزوهای شیعیان کویت یعنی برپایی نماز دشمن‌شکن عبادی، سیاسی جمعه حضرت امام – رضوان الله تعالی علیه – حضرت آیهٔ الله مهری را طی حکمی در مورخ ۵۸/۷/۲ به امامت جمعه در کشور کویت منصوب نمودند(۲۱) ولیکن با تبعید ایشان از طرف حکام کویت همراه با تمامی اعضای خانواده به ایران اسلامی نماز جمعه در این کشور برگزار نگردید. تبعید به ایران

با پیروزی انقلاب اسلامی و به ثمر رسیدن زحمات چندین ساله امام و یارانش آیهٔ الله مهری نه تنها از حرکت نایستاد بلکه برای استحکام بخشیدن به پایه‌های حکومت اسلامی بر شدت تلاشهایش افزود. و او سربلند و مفتخر از اینکه توانسته است، در راه حاکمیت الله قدمهای بردارد سر از پا نشناخته، لذا تمام وقت خود را صرف سامان بخشیدن به مسائل انقلاب و پاکسازی محیط جامعه اسلامی از تفاله‌های طاغوت نمود که از آن جمله پاکسازی سفارت ایران در کویت می‌باشد و باز به این حد بسنده ننمود و فعالیتهای زیادی متکفل شد، تا آنجایی که شیخ دستنشانده کویت به الهام از اربابان انگلیسی و آمریکایی اش تاب تحمل وجود او را ننمود و بر خلاف تمام موازین و مقررات بین المللی تابعیت مسلم درجه یک وی را از اعتبار ساقط و بی درنگ وی و تمام اعضاء خانواده‌اش را از خانه و کاشانه خود اخراج و به ایران تبعید نمود.(۲۲)

مبارزه بزرگ

آن بزرگوار نه تنها با طاغوتهای خارجی مبارزه‌ای بی امان داشت ولی بیش از هر چیز با طاغوت نفس مبارزه می‌کرد و برای کوبیدن طاغوت سرکش نفس آنقدر نسبت به مؤمنین تواضع و محبت ورزید که در کمتر کس چنین روحیه‌ای می‌توان یافت. او نه تنها خود را از همه علماء و خدمتگزاران دین کوچک‌تر می‌دانست که در برابر مردم عادی نیز متواضع بود. هر کس بر او وارد می‌شد، حتی اگر نوجوان کم سن و سالی بود، تمام قد از جا برمی خواست و به او احترام می‌گذاشت و احوالپرسی می‌کرد. یکی از روزهای بیماری، سائلی وارد شد، ما اعتنایی چندانی نکردیم ولی او با آن حال بد، از جا برخواست و مانند دیگران احترام کرد. پس از رفتن با ناراحتی به او عرض کردم: شما با این کار خودتان را اذیت می‌کنید. تازه او کسی نبود که برایش تا این حد احترام قائل شوید! با نگرانی به من پاسخ داد: تو از کجا علم داری که مقام من نزد خدا، از او بالاتر باشد؟! او در تواضع و تجلیل از مؤمنان به قدری افراط می‌کرد که ما ناراحت می‌شدیم و گاهی به او اعتراض می‌کردیم. در پاسخ می‌گفت: من هنوز نتوانسته‌ام به این فراز از آیه ... اذلهٔ علی المؤمنین(۲۳) عمل کرده باشیم.(۲۴) آقا با رفتار خود به اطرافیان درس می‌داد که مؤمن واقعی به همان مقدار که در برابر دشمنان خدا و ظالمان ستمگر، با خشونت رفتار می‌کند و حاضر نیست کوچکترین نرمش از خود نشان بدهد، در برابر یاران خدا و مؤمنان متواضع و فروتن است اشداء علی الکفار رحماء بینهم(۲۵). برخی از ویژگی‌های اخلاقی

همیشه با وضو بود، به مستحبات با دقت عمل می‌کرد و از مکروهات مانند حرامها گریزان بود. نماز با طمأنینه کامل و مستحبات و تعقیبات انجام می‌داد و مقید بود که هرگز نوافل را ترک نکند. دو ساعت قبل از طلوع فجر از خواب بیدار و مشغول نماز شب و تهجد و دعا خواندن و استغفار می‌شد، و هیچ گاه نماز شبش ترک نمی‌شد. شبها قبل از خواب درست در همان لحظه‌ای که همه اهل منزل به خواب رفته بودند، زیر آسمان می‌رفت و دستها را به آسمان بلند می‌کرد و با گریه و زاری، استغفار می‌نمود. هرگز سؤال کننده را محروم نمی‌کرد، حتی اگر به مقداری غذا یا لباس باشد. اگر روزی لباس نو یا عمامه نویی می‌پوشید و کسی از آن لباس تعریف می‌کرد، فوری آن را به او می‌بخشید و خودش به لباس کهنه اکتفا می‌کرد. گاهی که همسرشان به ایشان اعتراض می‌کرد که چرا نمی‌توانی لباس نو را لااقل برای چند ماه نگهداری، بالبخند می‌گفت: مگر آن لباسها چه عیبی دارد؟ با اینکه خود سید بود نسبت به سادات احترام شدید و تجلیل کامل می‌نمود. بسیار مهمان نواز بود و حتی اگر بعضی روزها مهمان نداشت یک

نفر از مسجدیان را با خود می‌آورد تا بی مهمان غذا نخورد. علاقه عجیبی به اهل بیت(ع) داشت. هرگاه نام مبارک امام حسین(ع) را می‌شنید بی اختیار اشکش جاری می‌شد و روزهای عاشورا مانند کسی که تازه پدرش را از دست داده، با صدای بلند گریه می‌کرد تا جایی که بی حال می‌شد از این رو همه ساله دو ماه محرم و سفر و هر شب دوشنبه جلسه روضه و عزاداری برگزار می‌شد و بعد از اینکه به ایران تبعید شدند در طول نه سال زندگی در ایران صبحهای جمعه همان مجلس، با شکوه تمام برگزار می‌شد. و در مراسم مولودی یا اعیاد اسلامی ضمن برقراری مجالس جشن و سرور، با شیرینی و شربت و گاهی هم با پول از حاضرین پذیرایی می‌کرد. کارهای منزل را تا حد توان خودش انجام میداد حتی بعضی از کارهای بنایی خانه. و با این کارش به فرزندانش می‌فهماند که نباید در همه کارها به دیگران متکی بود. از اسراف و زیاده روی خیلی متنفر بود و اگر می‌دید چراغی بدون سبب در اطاقی روشن مانده است با عصبانیت بازخواست می‌کرد و این کار را نکوهش می‌نمود. با اینکه انواع کاغذ و دفترها در منزل یافت می‌شد از یک کاغذ پاره هم استفاده می‌کرد و کمتر روزی بود که در مذمت اسراف با افراد خانواده سخن نگوید. از افراد سخن چین بیش از همه کس متنفر بود. و کمتر سخنرانی ای داشت که در آن، نمام را نکوهش نکند. در روحیه‌اش ذره‌ای خود خواهی یافت نمی‌شد و برای اینکه با این روحیه مبارزه کند ریاضتهای عجیبی داشت گاهی در گاری سه چرخ سوار می‌شد و به مسجد می‌رفت. محال بود هر کسی بگذرد و به او سلام نکند، حتی اگر بچه خردسالی بود در مجلسی که وارد می‌شد هر جا که خالی بود می‌نشست و هیچ گاه مقید نبود که در صدر مجلس یا اطراف آن بنشیند، اگر در بحث با بعضی از روحانیون، احساس می‌کرد طرف از ادامه بحث یا پاسخ به سؤال درمانده شده است، خود بحث را عوض می‌کرد و نمی‌گذاشت حاضران متوجه ضعف طرف مقابل شوند. همیشه در کارهای اساسی با دیگران مشورت می‌کرد و برای اینکه به فرزندانش احترام بگذارد چه در جمع و چه خصوصی با آنها به مشورت می‌پرداخت و اگر رأی آنها مورد قبول قرار نمی‌گرفت با استدلال آنها را قانع می‌نمود. همیشه در پی استدلال و برهان بود لذا به فرزندانش توصیه می‌فرمود: شما فکر نکنید که چون پدر و مادرتان شیعه‌اند، باید شیعه باشید. بروید کتاب بخوانید و خود تان با دلیل و برهان، حق را دریابید ... . به مظاهر اسلامی خیلی اهمیت می‌داد، حتی در لباس، مسکن و غذا مسائل اسلامی را مراعات می‌نمود. فعالیتهای اجتماعی

ایشان در امر بازسازی و تجدید بنای مدارس علمیه از جمله مدرسه قزوینی و مدرسه بخارایی در نجف اشرف سعی و تلاش فراوان کرد. برای شیعیان ساکن در منطقه خلیج فارس (از جمله کویت، بحرین، قطر و امارات عربی متحده) مساجدی را تأسیس کرد و تأسیس و تعمیر مساجد زیادی در گوشه و کنار ایران اسلامی را بر عهده گرفت. در کویت اولین مدرسه دخترانه به نام مدرسه جعفری برای دوران ابتدایی تا دبیرستان به همت عالی او تأسیس شد. جذب مبلغان از حوزه‌های علمیه نجف اشرف و قم و مشهد برای تبلیغ در مناطق کویت و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس از دیگر تلاشهای آیهٔ اخلاص آیهٔ الله مهری بود که این امر تا قبل از رحلت ایشان ادامه داشت. چاپ و نشر و ترجمه کتب امام و غیر آن در سطح بسیار وسیع و توزیع رایگان در میان مردم. تشکیل جلسات شورای فقهی و سیاسی با روحانیان مقیم کویت به منظور حل معضلات و مشکلات، از فعالیتهای ارزشمند او محسوب می‌شود. بسیج عده‌ای از اهالی منطقه فارس و شهرستان لامرد(۲۶)، برای توزیع مواد غذایی مورد نیاز مردم در زمان قحطی پس از جنگ جهانی دوم. تأسیس و راه اندزی اولین درمانگاه در شهرستان لامرد. تأسیس بیمارستان و زایشگاه مجهز و گسترده در شهر مهر. رهبری مدبرانه نهضت اسلامی ملت کویت پس از اخراج از کویت و حمایت حرکتهای اسلامی و انقلابی جوانان مسلمان. کمکهای مستمر به مراکز مذهبی، فرهنگی (مدارس، مساجد، حسینیه‌ها) در قم و سایر نقاط. بازسازی مراکز خدماتی (آب انبارها و راهها و ...) مناطقی از ایران. تأسیس بنیاد معارف اسلامی قم به منظور تحقیق و تدوین تاریخ جامعی برای تشیع از آغاز تاکنون، که این یکی از ارزنده‌ترین آثار جاودانه آن بزرگمرد است.

سفر به کوی دوست

سر انجام پس از عمری کوشش، مبارزه و تلاش همه جانبه، و نیل به اهداف عالیش که رفع ظلم ستم شاهی و استقرار نظام عدل الهی بود در جوار مشوق واقعی اش که همه دوران زندگی را بر آستانش چهره ساییده بود آرمید، آیهٔ الله حاج سید عباس مهری پس از ۷۵ سال زندگی پرخیر در تاریخ ۱۳۶۶/۱۱/۲۶ هجری شمسی، در تهران، ستاره درخشان وجودش از آسمان علم و فضیلت برخاک فروغلتید و در جوار حضرت فاطمه معصومه(س) در خاک نهان شد. وتمام خویشان و دوستداران و ارادتمندان را به سوگ نشانید.(۲۷)

در سنگر علم

مرحوم آیهٔ الله مهری با همه اشتغالات سیاسی و اجتماعی در بیان معارف اسلامی و دفاع از کیان اسلام و تشیع نیز غافل نماند و در این زمینه آثاری به یاد ماندنی از خویش به جای گذاشت که برخی از آن آثار چاپ شده بدین قرار است:

۱- شعاع من التاریخ این کتاب ارزشمند در پاسخ به هتاکی‌های ابراهیم جبهان در مجله رأیهٔ الاسلام چاپ ریاض به مذهب تشیع و ائمه اطهار(ع) در سال ۱۳۸۱ هجری / ۱۹۶۱ میلادی به رشته تحریر در آورده است. مرحوم مهری علاوه بر مبارزه با این فرد که منجر به تبعید شبانه وی از سوی دولت کویت به عربستان صعودی گردید به مبارزه علمی نیز با وی پرداخته و در ضمن کتابی به گفته‌های سرا پا کذب وی پاسخ می‌گفت. این کتاب را به موجب نامساعد بودن جو سیاسی آن زمان کویت به نام برادر ارجمندشان عالم فاضل سید هاشم مهری به طبع رسانده‌اند و اکنون در کتابخانه عمومی مرحوم آیهٔ الله نجفی به شماره ۷۵۳۰ ردیف ۵ و قفسه ۲۳ موجود می‌باشد. ۲- شعاع من سیرتنا سنتنا این کتاب اگر چه در بعضی نوشته‌ها از جمله آثار قلمی مرحوم آقای مهری شمرده شده است ولی از مقدمه کتاب چنین استفاده می‌گردد که شخصی از ایشان در موضوع صحت سجده بر خاک مطالبی طلب می‌کند و ایشان پس از پاسخ به خواسته ایشان به پیشنهاد یکی از مؤمنان اهل اطلاع به سخنرانی علامه امینی پیرامون موضوع سجده و آنچه سجده بر آن صحیح است که در سال ۱۳۸۴ هجری در سوریه ایراد فرموده‌اند دست می‌یابد و با تمام خلوص به جای چاپ مقاله خود به انتشار سخنرانی علامه امینی مبادرت می‌ورزند. این کتاب به شماره ۵۴۴۷۸ در کتابخانه عمومی مرحوم آیهٔ الله نجفی مرعشی موجود می‌باشد. ۳- تفسیر سوره والعصر. ۴- اهل الکتاب. ۵- دروس فی الدین. ۶- رساله‌ای در بیان حرمت گوشت خوک.

از دیگر آثار قلمی این دانشور پرتلاش است. یادش گرامی و راهش جاوید پاورقی:
۱- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان سید محمد جواد مهری. ۲- برای آشنایی بیشتر با حیات علامه بحرانی به کتابهای زیر مراجعه فرمایید: علامه بحرینی، سید محمد براتی، العلامه السید هاشم البحرانی، فارسی تبریزیان، علامه بحرانی آیینه ابرار، تألیف نگارنده. ۳- برای آشنایی بیشتر با این شهر و عالمان آن می‌تونید به کتاب سیمای مهر تألیف نگارنده مراجعه نمایید. ۴- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. ۵- خلاصه زندگی نامه آیت الله مهری، ص۲. ۶- شایان ذکر است که در آن زمان هنوز نفت در کویت کشف نشده بود و مردم با سادگی، زندگی متواضعانه‌ای می‌گذراندند. ۷- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. ۸- کنایه از اینکه کویت مانند یک زمین مرده‌ای بود که وی با زحمات خویش آن را زنده و آباد کرد. ۹- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. ۱۰ - ۱۱- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. ۱۲- روزنامه ابرار ۱۳۶۶/۳/۳۱ . ۱۳- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. ۱۴- خلاصه‌ای از زندگینامه آیت الله سید عباس مهری، ص۳. ۱۵- با استفاده از خلاصه زندگی نامه آیت الله مهری، ص۳ و ۴. ۱۶- از خاطرات فرزند ارجمندشان سید محمد جواد مهری. ۱۷- سرگذشتهای ویژه از زندگی حضرت امام، ج۶، ص۱۵۷ و ۱۵۸. ۱۸- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. ۱۹- سرگذشتهای ویژه از زندگی حضرت امام، ج۶، ص۱۶۴ و ۱۶۵. ۲۰- همان. ۲۱- صحیفه نور، ج۹، ص۱۹۷. ۲۲- خلاصه زندگینامه آیت الله مهری، ص۴. ۲۳- مائده/ آیه ۵۴. ۲۴- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. ۲۵- فتح/ آیه ۲۹. ۲۶- از شهرهای جنوبی استان فارس می‌باشد. ۲۷- از آیت الله مهری ۱۱ فرزند (۷ پسر و ۴ دختر) به یادگار ماند. ۱- حجهٔ الاسلام و المسلمین حاج سید محمد مهری. ۲- حجهٔ الاسلام و المسلمین حاج سید مرتضی مهری، از محققان و اساتید حوزه علمیه قم. ۳- جناب آقای سید احمد مهری. ۴- جناب آقای سید علی اصغر مهری. ۵- دانشمند محترم جناب آقای سید محمد جواد مهری. ۶- سید محسن مهری. ۷- سید محمد رضا مهری.

مهری، قربانعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قربانعلی مهری

محل تولد : سیاه خلک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اتمام دروس دبیرستان و اخذ دیپلم و مصادف شدن با جنگ تحمیلی استکبار جهانی علیه جمهوری نوپای اسلامی سال ۶۰ به خدمت مقدس سربازی رفتم و بعد از دو سال پایان خدمت، سال ۶۳ وارد حوزه علمیه قم شدم. بعد از طی کردن دروس مقدمات در مدرسه رضویه و شروع به دروس سطح، همزمان در دفتر تبلیغات اسلامی مشغول خدمت شدم و به جهت اشتغال در کتابخانه محققان و ارتباط داشتن با محققین در صدد نوشتن کتاب «علی از زبان دیگران» برآمدم که بحمدالله بعد از چهار سال تلاش و تحقیق، کتاب ارزشمندی شد که در دست علاقه مندان و ارادتمندان آقا امیرالمومنین (ع) قرار گرفت.

بعد از نوشتن کتاب «علی از زبان دیگران»، دوستان و محققان پژوهشگاه توصیه و پیشنهاد دادند که درباره دیگر ائمه و فاطمه زهرا (س) هم بنویسم که به لطف خداوند کتاب «فاطمه (س) را بهتر بشناسیم» را نوشتم و الان آماده چاپ است و انشاء الله به زودی چاپ می شود. بنده از سال ۱۳۷۰ به تبلیغ اعزام شدم و تاکنون هم خداوند توفیق داده است تبلیغ می روم و همچنین در سالهای قبل به عنوان بازرس برای روحانیون طرح هجرت اعزام می‌شدم. و هم اکنون هم در پژوهشگاه دفتر تبلیغات اسلامی قسمت کتابخانه سالن مطالعه مشغول می‌باشم.

مهری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمد مهری از اعاظم علماء این منطقه و دارای نفوذ و موفقیت مخصوص بودند. وی اصلا از اهل مهر فارس بودند که پس از پرورش و تحصیل مقدماتی به نجف اشرف و بعد از چند سال توقف و کسب فیض از محضر آیات عظام آنجا به خرمشهر رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت و ترویج دین و قضاء حوائج مسلمین پرداخته است.

نگارنده. در محرم سال ۱۳۷۰ قمری که برای تبلیغ به آنجا رفتم از محضرشان استفاده و ناظر بودم که چگونه همه روزه مانند مرحوم آیت‌اللّه کاشانی سابق‌الذکر درب خانه‌اش برای خودی و بیگانه باز و ارباب حوائج به ایشان برای عبور از مرز و غیره مراجعه و با هدایت و مساعدت آن بزرگوار به مقاصدشان می‌رسیدند.

در اواخر عمرش شبی از بام منزلش سقوط و به شکستگی پایش مبتلا تا در سال ۱۳۸۴ قمری وفات نموده و به اسلاف خویش ملحق گردیده است.

دامادهای ارجمند و دانشمندی دارد که همه از علماء محترم خرمشهر و آبادان و کویت می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مهریار، امیر هوشنگ

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر امیر هوشنگ مهریار متولد روز سی ام فروردین ۱۳۱۵ در شهرستان نقده است.ایشان دارای مدرک دکتری روانشناسی تربیتی از دانشگاه لندن در سال ۱۳۴۲ و مدرک فوق دکتری بهداشت روانی اجتماعی از دانشگاه هاروارد آمریکا در سال ۱۳۵۱ می باشد. وی هم اکنون با رتبه استادی در موسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه تهران مشغول به خدمت است.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : امیر هوشنگ مهریار از تحصیلات خودش چنین می گوید«": ترک هستم و آذری و تحصیلات اولیه ام را در همان جا انجام داده ام تا دوم دبیرستان.» از دوم دبیرستان به بعد تحصیلات اش را در تبریز گذرانده و در سال ۱۳۳۷ از دانشسرای عالی تهران در رشته ادبیات فارسی مدرک لیسانسش را با درجه ممتاز دریافت می کند.«چون شاگرد اول شده بودم جزو شاگردان اول دیگر دانشگاهها به خارج از کشور اعزام شدم. بعد از یکی دو سال معطلی، البته در آن یکی دوسال هم به عنوان دبیر دانشسرای عالی کار می کردم. رفتم به انگلستان. اول قرار بود دررشته های مربوط به زبانهای باستانی ادامه تحصیل بدهم ولی به دلایلی تغییر علاقه و جهت دادم و علی رغم میل اصلی و باطنی ام به مؤسسه تعلیم و تربیت دانشگاه لندن رفتم و در این مؤسسه در دوره فوق لیسانس علوم تربیتی وارد شدم ".»در این دوره دکتر مهریار مجبور می شود یکسال در دانشگاه لندن درس بخواند و امتحان بدهد تا لیسانس دانشگاه تهران اش را مسؤولین آموزشی این دانشگاه بپذیرند. بعد از گذشت یک سال و دریافت گواهینامه مورد نیاز، از سوی دانشگاه لندن به او اجازه می دهند تا در دوره فوق لیسانس روانشناسی تربیتی ثبت نام کند. خلاصه تحصیلات رسمی ایشان به قرار زیر است:ـ اخذ مدرک لیسانس ادبیات از دانشسرای عالی تهران ۱۳۳۷ ـ اعزام به انگلستان و اخذ مدرک دکتری روانشناسی تربیتی از دانشگاه لندن ۱۳۴۲ ـ اخذ مدرک فوق لیسانس روانشناسی بالینی از دانشگاه ادین برو لندن ۱۳۴۴ ـ دریافت مدرک فوق دکتری بهداشت روانی اجتماعی از دانشگاه هاروارد آمریکا ۱۳۵۱خاطرات و وقایع تحصیل : امیر هوشنگ مهریار از دوران تحصیل در مقطع دکتری اش چنین بیاد دارد«" : بورسی که در اختیار ما بود آن زمان فقط ۴ سال بود و بنابراین می بایست در چهار سال دکترایم را تمام می کردم، اما دکترای دانشگاه لندن آن وقت ها بیشتر جنبه تحقیق و تز نوشتن داشت تا تدریس و سرکلاس حاضر شدن. بنابراین تزم را با یکی از استادان گروه روانشناسی مؤسسه تعلیم و تربیت دانشگاه لندن شروع کردم و بعد از گذشت قریب به یک سال که چند فصلی از تزم آماده شده بود، آن را برای استادم فرستادم که مورد توجه اش قرار گرفت و همین ماجرا باعث شد تا از دوره فوق لیسانس منتقل شوم. اما این کار موکول شد به موافقت سنای دانشگاه و تأیید یکی از پروفسورهای ارشد آنجا به نام پروفسور «فیلیپ ورنل» که او هم پایان نامه مرا تأیید کرد و من اجازه یافتم به جای ۴ سال در ۳ سال دکترایم را به اتمام برسانم و موضوع تز دکترایم هم ادراک اجتماعی بود ".»امیرهوشنگ مهریار دکترایش را زمانی دریافت می کند که روانشناسان اجتماعی تازه پابه عرصه اجتماع گذاشته بودند و تمام قصدشان این بود که بفهمند چطور می توانند به ادراک و شخصیت افراد به وسیله روش های ذهنی پی برد و تاچه حدی برداشت آنها با واقعیت تطابق دارد؟ و تز او در همین زمینه بود که مورد موافقت اساتید دانشگاه لندن قرار می گیرد.» در همان اواخر نوشتن تزم که به اندازه ای سرم شلوغ بود که مجبور بودم خانواده ام را به تهران بفرستم، شاه قرار بود به لندن بیاید و دانشجویان ایرانی مقیم لندن در نظر داشتند تظاهراتی بر ضد او انجام دهند و من هم به دلایلی دراین ماجرا شرکت کردم و خانه ای که ما در آن اقامت داشتیم محلی شد برای جمع شدن دانشجویان و آماده کردن مقدمات تظاهرات. قبل از آن هم ساواک اخطار داده بود که اگر این کار را بکنید به شدت با شما برخورد می کنیم. با این حال ما به این اخطارها اهمیت ندادیم و همین مسأله باعث شد که ساواک به خانه ما بریزد و به اتفاق تعدادی از افسرهای نیروی هوایی که درلندن تحصیل می کردند حسابی ما را کتک زدند وتمام پوسترها و اعلامیه هایی که تهیه کرده بودیم را پاره کردند. خلاصه کارمان به دادگاه کشید. در واقع من خودم به اتفاق دیگر دانشجویان به دادگاه رفتیم و از ساواک ایران شکایت کردیم و به همین دلیل پاسپورت من و به دنبال آن بورسی که از دولت داشتم باطل شد و مجبور شدم دوسال دیگر در انگلستان بمانم». وقایع میانسالی : زمانی که امیرهوشنگ مهریار در سال ۱۳۴۶ وارد دانشگاه شیراز می شود اغلب اساتید این دانشگاه تحصیلکردگان آمریکا بودند و نگاه چندان مثبتی به تحصیلکردگان اروپایی نمی کردند و هسته اصلی دانشگاه شیراز هم توسط همین افراد شکل گرفت، با این همه دکتر مهریار در کوتاهترین مدت در سیستم آموزشی این دانشگاه به رتبه استادی می رسد. «درست سر چهار سال که حداقل دوره زمانی لازم بود تقاضا کردم که استاد شوم و چون برای استادان ۴مقاله بین المللی لازم بود و من ۶ تامقاله نوشته بودم که در سطح بین المللی مطرح شده بود، در رأس چهارسال رتبه استادی ام را از این دانشگاه گرفتم و همانجا ماندگار شدم. در همان سال هم بورسی از دانشگاه هاروارد برای دوره فوق دکتری در رشته «بهداشت روانی اجتماعی » گرفتم که استاد خیلی معروف آن زمان در دانشگاه هاروارد به نام «جرالد کاپلن» بود که از پیشروان نهضت پیشگیری در بهداشت روانی و روانپزشکی بود. ولی با این حال از محیط آمریکا اصلاً خوشم نیامد. با اینکه گرین کارت گرفته بودم و می توانستم آنجاماندگار شوم و با این حال به ایران و همان دانشگاه شیراز برگشتم و خلاصه در آنجا ماندنی شدم.» او پس از اخذ مدرک فوق دکتری از دانشگاه هاروارد در سال ۱۳۵۱ به ایران بازمی گردد و ۴سال تمام در این دانشگاه می ماند و تدریس می کند. « در همین سالها بود که به مسائل جمعیت و تنظیم خانواده علاقه مند شدم، تحقیقات وسیعی در خصوص به دنیا آمدن بچه هایی که خواسته هستند را شروع کردم و چون در ایران و کشورهای در حال توسعه

زاد و ولد خیلی بالا بود و اکثر این زادوولدها هم در واقع ناخواسته بود، برای پیشگیری از اینگونه تولدها که بسیار هم بودند تمام تلاشم را به کار بردم و با بسیج دانشجویانی که با من همکاری می کردند فعالیت گسترده ای را برای جلوگیری از این امر و کاهش رشد جمعیت به کار بستم. خوشبختانه همان زمان دانشگاه شیراز با همکاری دانشگاه کارنایدین آمریکا ، مرکز جمعیت شناسی را در شیراز در سال۱۳۵۴ تأسیس کردند. » و امیرهوشنگ مهریار اولین رئیس این مرکز می شود و تا سال ۱۳۵۶ در همین سمت باقی می ماند و در سال۱۳۵۶ به سوئیس می رود و یک سال تمام با سازمان بهداشت جهانی همکاری می کند و در این مدت با برنامه بهداشت، باروری که برنامه تحقیقاتی گسترده ای در زمینه های مربوط به تنظیم خانواده و سلامت کودکان همکاریهای گسترده ای را انجام می دهد. «کار ما در آنجا این بود که به عنوان مشاور این برنامه به نقاط مختلف جهان سفر می کردیم و از پروژه های سازمان بهداشت جهانی بازدید می کردیم و آنها را ارزیابی می کردیم و یا اگر کسی برای پیشبرد برنامه های بهداشتی کشورش پولی درخواست می کرد و طرح به این سازمان می داد ما ارزیابی می کردیم.» مشاغل و سمتهای مورد تصدی : پس از یک سال همزمان با انقلاب اسلامی او به ایران بازمی گردد و به عنوان عضو شورای دبیران جامعه دانشگاهیان (نماینده دانشگاه شیراز) با این شورا همکاری می کند و در اسفند سال۱۳۵۷ رئیس دانشگاه شیراز می شود. «البته قبل از اینکه توسط دولت انقلابی رئیس دانشگاه شوم، دو سه ماهی بود که عملاً تمام امور را می گرداندم و معاون آموزشی دانشگاه شیراز شدم و این به خاطر فشار اساتید دیگر به رئیس وقت دانشگاه شیراز بود.وقتی هم که انقلاب شد به عنوان سرپرست دانشگاه شیراز بودم تا زمانی که انقلاب فرهنگی شد و چون جو نامناسبی در دانشگاهها به وجود آمده بودو من علنی گفته بودم که حاضر نیستم خیلی از اساتیدی که قرار است تسویه شوند، را تسویه بکنم، صلاحم در این بود که کنار بروم و استعفا دادم و رفتم و معاون معاون امور دانشجویی ما «دکتر ظهور » سرپرست دانشگاه شیراز شد و پس از آن هم دکتر مصطفی معین رئیس دانشگاه شیراز شد.» از دیگر سوابق اشتغال امیر هوشنگ مهریار می توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱. دانشگاه شیراز، شیراز ـ پژوهشی/ آموزشی/ اجرایی ـ رئیس مرکز جمعیت‌شناسی، سرپرستی ۲. دانشگاه هاروارد، دانشکده پزشکی بوستون ـ پژوهشی ـ ۳ Post-Doctoral. دانشگاه پنسیلوانیا، فیلادلفیا ـ پژوهشی/ آموزشی ـ استاد مدعو ۴. سازمان بهداشت جهانی ـ پژوهشی ـ مشاور علمی ۵. مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه تهران ـ پژوهشی/آموزشی/ اجرایی ـ استاد ـ رئیس گروه ۶. تأسیس و ریاست اولین مرکز جمعیت شناسی ایران در شیراز ۱۳۵۶ـ۱۳۵۳ ۷.مشاور سازمان بهداشت جهانی در برنامه تنظیم خانواده و بهداشت کودکان جهان ۱۳۵۷ ۸. مشاور سازمان بهداشت جهانی در برنامه مبارزه با بیماری ایدز ۱۳۷۲ـ۱۳۶۱ ۹. رئیس گروه جمعیت شناسی مؤسسه علمی پژوهشی سازمان مدیریت وبرنامه از سال ۱۳۷۲ تاکنون فعالیتهای آموزشی : خروج امیرهوشنگ مهریار فرصت خوبی برای او بود تا به مطالعه و تحقیق و ترجمه بپردازد و خودش می گوید:« در سالهای انقلاب فرهنگی مثل خیلی های دیگر کلی کتاب خواندم و تحقیق کردم و ترجمه تا اینکه دانشگاه مجدداً باز شد و چون اولین رشته هایی که فعالیت خود را در دانشگاهها از سر گرفتند رشته های پزشکی بودند، در این رشته ها به روانپزشکی و رشته های وابسته به آن اهمیت بیشتری می دادند و بنابراین از ما خواستند ما به دانشگاه پزشکی شیراز برویم و تدریس کنیم.» و به این ترتیب امیرهوشنگ مهریار تا سال۱۳۶۸ در دانشگاه شیراز تدریس می کند و پس از آن به دلیل پست جدیدی که از طرف سازمان بهداشت جهانی به او پیشنهاد می شود به ژنو می رود. «وقتی می خواستم به ژنو بروم مسؤولین دانشگاه شیراز در حق من لطف بسیار داشتند و ما را از دانشگاه شیراز اخراج کردند! شاید هم حق داشتند. چون بدون اجازه رفته بودم و ۳۰سال سابقه کار ما را ندیده گرفتند و گفتند اخراجی! خلاصه... به ژنو رفتم و با سازمان بهداشت جهانی ۴سال همکاری داشتم و این دفعه کارم بیشتر مشاوره در برنامه مبارزه با بیماری ایدز بود و در بخش مطالعات رفتاری اجتماعی من به عنوان مشاور همکاری می کردم و در سال ۱۳۷۲ از طرف دکتر مشایخی رئیس مؤسسه تحقیقات و پژوهش سازمان مدیریت و برنامه کشور دعوت به همکاری در این مؤسسه شدم و با اینکه باز هم تصمیم جدی در این باره نداشتم به ایران برگشتم و ماندنی شدم و هنوز هم هستم و کار تحقیقاتی انجام می دهم.» و او حالا مدیر گروه جمعیت شناسی این مؤسسه است و در هفته چند ساعتی را به تدریس برای دانشجویان دکترا و فوق لیسانس می گذراند. امیرهوشنگ مهریار اوضاع روانشناسی و جمعیت شناسی را در سالهای پس از انقلاب خوب می داند و می گوید: «به نظر من اوضاع رشته های مرتبط با روانشناسی در این سالها بهتر شده است. به این معنی که علی رغم نگاه منفی که در اوایل انقلاب به این رشته وجود داشت، با این حال این رشته پیشرفت خوبی در این سالها داشته است.» از دیگر سوابق فعالیتهای آموزشی ایشان می توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱ ـ روانشناسی بالینی ـ دانشگاه شیراز ـ شیراز ۲ـ روانشناسی اجتماعی ـ دانشگاه شیراز- شیراز ۳ـ روانسنجی ـ دانشگاه شیراز ـ شیراز ۴ـ روانشناسی بالینی کودک ـ دانشگاه تربیت مدرس ـ تهران ۵ـ روانشناسی بالینی پیش‌رفته ـ انستیتوی روانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران ـ تهران ۶ـ روانشناسی اجتماعی ـ بالینی ـ دانشگاه شیراز ـ شیراز ۷ـ روشهای تحقیق در علوم اجتماعی ـ مؤسسه عالی پژوهش برنامه‌ریزی و توسعه ـ تهران مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : امیر هوشنگ مهریار مرکز جمعیت شناسی ایران در شیراز را تاسیس کرده است و در طی سالهای ۱۳۵۶ـ۱۳۵۳ ریاست آن را بر عهده داشته است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : آشنایی با زبان(ها): انگلیسی آشنایی با کشور(ها "):بعلت کار با سازمان بهداشت جهانی به اکثر کشورهای آسیا و آفریقا مسافرت کرده‌ام. در سالهای اخیر نیز برای شرکت در کنفرانسهای علمی به چین، برزیل و استرالیا رفته‌ام ".آرا و گرایشهای خاص : تعداد پایان‌نامه(راهنمایی و مشاوره) دکتری و کارشناسی ارشد :بیش از ۱۰ مورد جوائز و نشانها : ۱. جایزه بهترین محقق دانشگاه شیراز (۱۳۵۰) ۲. مدال و جایزه بهترین محقق علوم اجتماعی سال از وزارت علوم و آموزش عالی (۱۳۵۷) ۳. جایزه بهترین محقق سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۹)آثار : ۱ Government spending on Basic social servises and its share GDP in IR Iranـ ویژگی اثر : UNICEFـ انگلیسی ـ ۱۹۹۹۲ Integriled Approach to Reproductive Healethy family Planning in the IR Iranـ ویژگی اثر : IRPD / UNFPA ـ انگلیسی ـ ۲۰۰۱۳ اختلالات رفتاری کودکان ویژگی اثر : (ترجمه) ـ انتشارات رشدـ فارسی ـ۱۳۷۱ ۴ افسردگی ویژگی اثر : (تالیف و ترجمه) ـ انتشارات رشدـ فارسی ـ ۱۳۷۲ ۵ پیشگیری از اعتیاد ، تشخیص و درمان بیماریهای روانی در کودکان ویژگی اثر : (ترجمه و تالیف)ـ انتشارات رشدـ فارسی ـ ۱۳۶۹ ۷ روانشناسی عمومی، روشهای آماری در علوم رفتاری

ویژگی اثر : (تالیف)ـ دانشگاه شیرازـ فارسی ـ ۱۳۴۹ ۹ وسواس ویژگی اثر : (ترجمه) ـ انتشارات رشدـ فارسی ـ ۱۳۷۳ ۱۰ یادگیری و رفتار

مهریزی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی مهریزی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

مهدی مهریزی در سال ۱۳۴۱ در شهر مقدس مشهد متولد شد. پس از گذراندن دروس عمومی دوره ابتدایی و راهنمایی در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه مشهد شد. آنگاه پس از اتمام دروس مقدمات در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شد و به مدت بیست سال در دروس فقه و اصول و فلسفه حضور یافت.

اساتید سطح ایشان حجج اسلام و حضرات آیات: «ستوده»، «پایانی»، «اعتمادی»، «موسوی تهرانی» و «سید علی محقق داماد». اساتید دروس خارج آیات عظام: «وحید خراسانی»، «تبریزی» و «فاضل لنکرانی». اساتید فلسفه حضرات آیات: «محمد علی گرامی»، «حسن زاده»، «جوادی آملی»، و «انصاری شیرازی».

وی همزمان با تحصیل، به تدریس دروس حوزه تا رسائل و مکاسب اشتغال داشته است و از سال ۱۳۶۴ تاکنون در دانشگاه‌های مختلف به تدریس اشتغال دارد، همچنین نامبرده در همایش‌ها و کنفرانس‌های علمی بسیاری به ارائه مقاله و سخنرانی پرداخته است.

مهستی گنجوی

قرن:۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر، متخلص به مهستی. بعضی از تذکره‌ها وی را به گنجه، برخی به نیشابور و برخی به بدخشان و خجند منتسب کرده‌اند. نام وی را نیز بعضی از تذکره‌ها منیژه یا منیجه و برخی ماه خاتون و برخی بی‌بی مهستی گفته‌اند. همچنین در مورد تخلص و سال ولادت و محل درگذشت او نیز اختلاف نظرهایی وجود دارد. پدرش مردی فقیه و روحانی بود و در تعلیم و تربیت فرزندش کوشش بسیار کرد و او را از چهار سالگی به مکتب خانه فرستاد. وی نزد استادان گرانمایه‌ای تعلیم دید و از آنجایی که هوش و استعداد بی‌اندازه‌ای داشت در ده سالگی به آموخته‌های سرشاری از دانش و ادب دست یافت. مهستی در زمینه‌ی موسیقی نیز پیشرفت حاصل کرد و چنگ و عود را استادانه می‌نواخت. وی مدتی در گنجه اقامت داشت و سپس مجبور به ترک آنجا شد و به زنجان و بعد به مرو رفت و در آنجا از مقربان و مصاحبان دربار سلطان سنجر سلجوقی (۵۵۲ –۵۱۱ ق) شد و در همان جا با حکیم عمر خیام ملاقات داشت. او، بنا به گفته‌ی بعضی از تذکره‌ها، ظاهرا از نویسندگان دربار بوده، زیرا که به اسم مهستی دبیر نیز معروف است . وی در ۵۳۲ ق، که سلسله‌ی سلجوقی به دست غزنویان برچیده شد، از مرو خارج شد و به گنجه بازگشت و با احمد خطیب، فرزند خطیب گنجه، ازدواج کرد. مهستی در بدیهه گویی و هزل دست داشت و در سرودن رباعی ماهر بود. آثار او، پس از دست یافتن ازبکان به شهر هرات، از میان رفت و فقط مقداری از اشعارش باقی مانده است. لسانی شیرازی مجموعه‌ای مشتمل بر شصت و هشت رباعی عاشقانه در برابر رباعیات مهستی، سروده است. صاحب «مشاهیر زنان» گوید که عموما تذکره‌ها مهستی را معاصر سلطان سنجر سلجوقی می‌دانند و تنها «تاریخ گزیده» و «مجالس النفائس»، به علت اینکه سلطان محمود (برادر سلطان سنجر سلجوقی و حاکم گنجه) را با سلطان محمود غزنوی اشتباه گرفته‌اند، او را معاصر سلطان محمود غزنوی می‌دانند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :از رابعه تا پروین (۲۵۱ –۲۴۴)، تاریخ گزیده (۷۵۷، ۷۱۸)، تاریخ نظم و نثر (۸۵)، تذکره‌ی روز روشن (۷۸۷ –۷۸۵)، تذکرهٔ الشعراء (۷۵)، حبیب السیر (۵۲۱/ ۲)، خیرات حسان (۱۰۴ –۱۰۳/ ۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۵۶)، دایرةالمعارف فارسی (۲۹۴۰/ ۲)، الذریعه (۱۱۳۷/ ۹)، رباعی و رباعی‌سرایان (۱۶۳ –۱۶۲)، ریاحین الشریعه (۷۸ –۷۷/ ۵)، ریحانه (۴۳/ ۶)، زنان سخنور (۲۷۰ –۲۵۵/ ۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۹۴ –۴۹۳)، فرهنگ سخنوران (۸۹۱ –۸۹۰)، کارنامه‌ی زنان (۶۶ –۶۳)، مجالس النفائس (۳۵۰، ۳۲۷)، مجمع الفصحا (۱۳۳۵ –۱۳۳۴/ ۳)، مشاهیر زنان (۲۳۲ –۲۳۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۷۲ –۴۷۱/ ۶)، نتایج الافکار (۷۰۲ –۷۰۱)، هفت اقلیم (۳۰۵ –۳۰۴/ ۳).

مهکامه محصص لاهیجانی، سرور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۷ -۱۲۹۱ ش)، شاعر، متخلص به مهکامه. ملقب به مهکامه محصص. در لاهیجان به دنیا آمد. علوم متداول را نزد پدر و مادرش فراگرفت. در سن نه سالگی پنج هزار بیت شعر شعرا را از حفظ بود و از ده سالگی به گفتن شعر پرداخت. وی ریاست سازمان اکابر نسوان رشت را به عهده داشت و سالها در دبیرستانهای رشت به تدریس مشغول بود. او به مناسبت جشن هزاره‌ی فردوسی، در ۱۳۱۳ ش، شعری سرود که بیشتر باعث شهرتش گردید. مهکامه همچنین در ۱۳۲۵ ش عضو هیئت رییسه‌ی کنگره شعرا و نویسندگان ایران بود. وی از دوستان نزدیک پروین اعتصامی بود. از آثار وی «دیوان» شعری در حدود پنج هزار بیت است.

از اوست:

به یکسان آدمی را آفریده ذات ربانی

شده کاخ مساوات و بنای عدل را بانی

همه آیات سبحانند موجودات این عالم

تو اثبات وجود او بجو زآیات قرآنی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۱۰۳۱)، زنان سخنور (۲۸۳ -۲۷۱/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۸۹۱)، کتاب گیلان (۶۲۰ -۲)، نامها و نامداران گیلان (۵۶۹ -۵۶۷).

مهلبی، ابو محمد حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابومحمدحسن ابن محمد از دانشمندان و شاعران قرن چهارم هجری بود. مدتی وزارت معزالدوله‌ی دیلمی را داشت، و در همان ضمن وزیر خلیفه‌ی عباسی نیز بود. وی مردی سخی و دوستدار علم و ادب بود، و محضر وی مرجع ارباب علم و ادب بود. از آثار او دیوان رسائل اوست. وفات او در ۳۵۲ هجری قمری اتفاق افتاد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

مهموری، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین مهموری

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسین مهموری در سال ۱۳۵۸ در حوزه علمیه اصفهان به صورت آزاد دروس حوزوی را شروع کردم و تا سال ۱۳۶۴ مشغول به تحصیل بودم. در این مدت مقدمات ، ادبیات، منطق، لمعه، اصول الفقه و بدایه الحکمهٔ و مقداری از رسائل و مکاسب را گذراندم و اینجانب در حوزه علمیه اصفهان در کنار تحصیل دروس ادبیات و بدایه الحکمه و منطق را تدریس می کردم. در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و به تحصیل رسائل و مکاسب پرداختم . در حوزه علمی هقم بیش تر درس های خود را خدمت آیهٔالله محقق داماد تلمذ نمودم.

اینجانب در کنار تحصیل به فعالیت های تحقیقاتی نیز مشغول بودم ومدت زیادی را در زمینه تاریخ به تحقیق و نگارش اشتغال داشتم. افزون بر آن مقالاتی را در مجلات علمی ارائه نمودم.

مهندسی، محمدمهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی مهندسی

محل تولد : آباده

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در زمستان سال ۱۳۵۴ رسما وارد حوزه علمیّه قم در مدرسه حقانی شده، درس‌های از اول مهر ماه تا زمستان آن سال را در فرصت کوتاهی خوانده و به سطح طلاب کلاس که چند ماهی زودتر شروع کرده بودند رسیدم. احساس شد که فضای بازتر و با سرعت بیشتری باید پیش رفت. لذا از مدرسه بیرون آمده و به طور آزاد به خواندن ادبیات پرداختم. تا شروع تظاهرات علیه رژیم پهلوی که دروس حوزه تعطیل شد تا نیمه‌هایی از جلد اول و دوم شرح لمعه چاپ قدیم از محضر «آیت الله باکوئی» و همچنین دو جلد اصول فقه و منطق و کتب ابتدائی را خواندم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سال ۱۳۵۸، رسائل را در خدمت «آیت الله اعتمادی» و مکاسب محرمه را خدمت «آیت الله اشتهاردی» و بیع و خیارت و کفایتین را در محضر مرحوم «آیت الله ستوده» و همزمان شرح تجرید الاعتقاد را خدمت «آیت الله انصاری شیرازی» و بدایهٔالحکمه را در محضر «آیت الله نجفی شهر رضائی» شروع و ادامه آن را از محضر «آیت الله ممدوحی» استفاده نمودم. خارج فقه و اصول را در درس «حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ جواد تبریزی» و نیز مدتی در درس خارج اصول «آیت الله سبحانی» گذرانده و نیز پس از بدایهٔ الحکمه، شرح منظومه سبزواری قدس سره، در منطق و فلسفه و پس از آن اسفار را در محضر «آیت الله انصاری شیرازی» بودم.

در بحث تدریس از آغاز تحصیل سعی می‌شد که تدریس کتب خوانده شده انجام گیرد. لذا به توفیق الهی همه کتب مقدّماتی و سطح عالی تا انتهای کفایهٔالاصول را یک یا برخی از آنها را چند بار تدریس داشته‌ام. در کلام و فلسفه، شرح باب حادی عشر را چند بار و شرح تجرید الاعتقاد را یک بار و بدایهٔالحکمه را چندین دوره و نیز نهایهٔالحکمه را یک دوره و شرح منظومه منطق سبزواری (ره) دو دوره و شرح منظومه حکمت را سه دوره و شرح اشارات را که هم اکنون به تدریس آن مشغولم سه دوره، تدریس داشته و در بخش تدریس علوم ریاضی، یکدوره دروس هیئت و ریاضی علّامه حسن زاده آملی را تدریس نموده و در بخش عرفان، تمهید القواعد را دور سوّم و نیز تدریس شرح فصوص الحکم قیصری را هم اکنون اشتغال دارم. همچنین مباحثه‌ای فقهی پیرامون مسائل عروه الوثقی داریم و چند سالی است که هفته‌ای یک بار جلسه تفسیر قرآن کریم (تا کنون به آیه ۴۸ سوره بقره) دارم.

فعلا در رشته تخصصی کلام حوزه علمیّه قم و نیز در مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره) هفته‌ای دو ساعت به تدریس عرفان اشتغال داشته و در مؤسسه پژوهشی امام خمینی (ره)، آیت الله مصباح یزدی نیز به تدریس تمهید القواعد در مقطع کارشناسی ارشد مشغولم و همچنین به عنوان عضو هیئت علمی دائرهٔالمعارف عرفانی (در حال تدوین) همین مؤسسه در خدمت دوستان می‌باشم. در دانشگاه نیز متجاوز از ده سال است که به دروس عمومی (اخلاق و معارف) و دروس تخصصی رشته ادبیات عربی و الهیات از قبیل قرائت متون عرفانی، قرائت متون تفسیری، مقدّمات تفسیر، علوم قرآنی، فقه الحدیث و درایهٔ الحدیث اشتغال دارم.

در بخش رسانه، از آغاز راه اندازی شبکه سراسری رادیو معارف، تحقیقی گسترده در موضوع «اسرار نماز» که حدود ۱۰۰ ساعت بوده و همچنین شرح زیارت جامعه کبیره که تا کنون ۴۰۰ (چهارصد) بحث رادیویی انجام گرفته (تاکنون قریب یک پنجم زیارت شرح شده) و ادامه دارد. همچنین در ۱۴۳ برنامه، شرح چهل حدیث حضرت امام خمینی (ره) بحث گردیده و پخش شده و نیز شرح دعای ندبه تاکنون ۱۵۰ بحث انجام گرفته که ادامه دارد. در بخش تبلیغات، در ایام تعطیلات دروس حوزوی - دانشگاهی به مناسبت‌های مختلف، مباحثی که عمدتا اخلاقی، عرفانی، تفسیری، عقیدتی و ... بوده، انجام گرفته است.

مهنه‌ای، مؤید

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، واعظ و شاعر. اهل مهنه، از اعمال تربت حیدریه، و از احفاد شیخ ابوسعید ابوالخیر (۴۴۰ -۳۵۷ ق) بود. در علوم ظاهری و باطنی تبحر داشت و اوقات را به موعظه و ارشاد می‌گذرانید. در زمینه سرودن شعر نیز توانا بود. اشعاری از وی در تذکره‌ها ذکر شده است. مزار خواجه در گنبد جدش می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۲۳ -۳۲۲)، الذریعه (۱۱۳۰/ ۹)، طرائق الحقائق (۱۰۷/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۸۹۸)، لغت نامه (ذیل/ مؤید)، مجالس النفائس (۲۰۹ -۲۰۸، ۳۵)، هفت اقلیم (۲۹ -۲۸/ ۲).

مهوری، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین مهوری

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و مقدمات و سطح یک حوزه را در آنجا سپری نمودم. در اصفهان علاوه بر تحصیل به تدریس نیز اشتغال داشتم. در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و به ادامه تحصیل درس و سطح پرداختم و در سال ۱۳۶۵ وارد درس خارج شدم. در درس خارج از اساتید بزرگواری استفاده کردم ولی بیشترین استفاده من از «حضرت آیت الله محقق داماد (دام ظله)» بود. از همان آغاز تحصیل در قم علاوه بر تحصیل همواره به پژوهش و تحقیق نیز اشتغال داشتم و در این راستا موفق به تالیف مقالاتی گردیده ام که تعدادی از آنها چاپ گردیده است.

مهیار

قرن:۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پهلوان ایرانی که نام او دو بار در گرشاسب‌نامه‌ی اسدی طوسی آمده. اول در جنگ اول گرشاسب با لشکر بهو:

«پس صف به مهیار و سنبان سپرد

کمینگه به کشواد و گرداب گرد»

دوم در جنگ دوم گرشاسب با سالاران بهو:

«سوی راست لشکر به مهیار داد

سوی چپ به بهپور سالار داد»

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

مهیار دیلمی، ابوحسین

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۸ ق)، کاتب و شاعر. اصلا ایرانی و اهل بغداد بود، لذا به او کاتب فارسی می‌گفتند. وی ابتدا دین زرتشتی داشت سپس به دست سید شریف رضی ابوالحسن محمد موسوی اسلام آورد و به تشیع گروید و در خدمت او به تحصیل فنون شعر و ادب پرداخت. در «ریحانهٔ الادب» آمده که او به دست شریف مرتضی ایمان آورده ولی در خدمت شریف رضی به تحصل علم و ادب پرداخته است. وی مدتی متصدی امر کتابت آل‌بویه بود و در بغداد برای ترجمه‌ی مطالب از فارسی به عربی استخدام شد. وی شاعری بزرگ بود و مقدم شاعران همعصر خود به حساب می‌آمد. او را جامع فصاحت عرب و بیان ادب فارسی می‌دانند و در بسیاری از جهات شعری از استادش، شریف رضی، برتر بود. او اشعار بسیاری در مدح اهل‌بیت و مراثی امام حسین (ع) گفته است. از ممدوحان وی می‌توان به ابوطالب محمد بن ایوب، از وزیران خلفای عباسی، و ابونصر سابور و ابومنصور بن مزرع و غیره اشاره کرد. فرزندش حسن یا حسین بن مهیار دیلمی نیز از شاعران بزرگ بوده که «قصیده‌ی حائیه»اش معروف است. از آثارش: «دیوان» شعر، شامل چهار مجلد؛ «قصیده‌ی لامیه»، که ابن طاوس حلی شرحی به نام «الازهار» بر آن نگاشته است.[۱]

ابوالحسن یا ابوالحسین ابن مرزویه‌ی دیلمی (ف. ۴۲۶ یا ۴۲۸ ه.ق) از کاتبان و شاعران لطیف طبع ایرانی در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم. وی نخست زردشتی بود و بعد به دست سید رضی اسلام آورد و نزد او به تحصیل شعر و ادب پرداخت و به زودی بزرگترین شاعر عهد خود گردید. مهیار دارای احساسات شدید ایرانی و طرفدار عقاید ملی بود و اشعاری در هجو قوم عرب سرود. دیوان شعر او چهار مجلد است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۶۴/ ۸)، اعیان الشیعه (۱۷۲ -۱۷۰/ ۱۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۵ -۶۴۴/ ۱)، تاریخ بغداد (۲۷۶/ ۱۳)، دمیهٔ القصر (۳۰۹ -۳۰۳/ ۱)، الذریعه (۱۱۳۸/ ۹، ۵۳۲/ ۱)، ریحانه (۴۷ -۴۶/ ۶)، سیر النبلاء (۴۷۲/ ۱۷)، شذرات الذهب (۲۴۳ -۲۴۲/ ۳)، فوائد الرضویه (۶۸۹ -۶۸۸)، الکامل (۱۴/ ۸)، کشف الظنون (۸۱۶)، الکنی و الالقاب (۲۷۴/ ۲)، لغت نامه (ذیل/ مهیار)، معجم المؤلفین (۳۳ -۳۲/ ۱۳)، المنتظم (۲۸۵ -۲۸۴/ ۹)، النجوم الزاهرهٔ (۲۹/ ۵)، وفیات الاعیان (۳۶۳ -۳۵۹/ ۵)، هدیهٔ العارفین (۴۸۶ -۴۸۵/ ۲).

مؤتمن، زین‌العابدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۳ ش)، نویسنده، محقق و شاعر، متخلص به مؤتمن. اصلش از کاشان است و نسبش به فتحعلی خان صبا (ملک‌الشعراء) می‌رسد. در تهران به دنیا آمد. پس از تحصیلات متوسطه در کالج البرز، تحصیلات عالی خود را در دو رشته‌ی ادبیات فارسی و زبان انگلیسی ادامه داد. وی در ۱۳۲۰ ش در استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در دبیرستان البرز به تدریس مشغول شد. او در شعر فارسی به سعدی و صائب بیش از دیگران توجه می‌نمود. از آثارش: مجلدات دهگانه «آشیان عقاب» شامل: «دلیران شب»، «بوته‌ی گل سرخ»، «شوهر غیور»، «زنده بگور»، «گرداب زنده رود»، «فدائیان رودبار»، «مادر دیوانه»، «پس از ده سال»، «آخرین یادگار» و «گنج قارون»؛ «تحول شعر فارسی»؛ «برگی چند از دفتر زندگی»، شعر و نثر؛ «گوهرهای راز ازدریای اندیشه‌ی صائب»، مجموعه‌ای از اشعار برگزیده‌ی صائب تبریزی؛ «تحقیق ادبی راجع به صائب»، پیرامون اوضاع و احوال به وجود آمدن سبک هندی؛ «شعر و ادب فارسی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات نوین (۶۶)، از نیما تا روزگار ما (۲۴۰ -۲۳۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۴۲۲ -۳۴۱۶/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۸۴۸، ۲۷۷۶، ۲۷۱۴، ۲۳۹۴، ۲۳۹۳- ۲۱۷۹، ۲۱۵۱، ۱۸۶۶، ۱۴۵۳، ۸۱۹، ۶۰۷، ۵۲۱، ۴۹۰، ۲۳۰- ۲۲۹، ۴۱، ۱۹/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۷۴ -۲۷۳/ ۳).

مؤذن سبزواری خراسانی، محمدعلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۷۷ ق)، عارف، صوفی و شاعر. معروف به مؤذن. در دوره‌ی شاه عباس دوم (۱۰۷۷ -۱۰۵۲ ق) می‌زیست و دارای طریقه‌ی ذهبیه بود و سلسله عرفای ذهبیه به او منتهی می‌شد. مؤذن، مرید حاتم راوندی (زراوندی) خراسانی بود و از وی اجازه داشت. شیخ نجیب‌الدین رضا از شاگردان مؤذن بود که بعد از او جانشین وی شد. تصانیف و مدایح بسیاری در مورد ائمه اطهار (ع) دارد. از آثار وی: «تحفهٔ العباسیه»، در ۱۰۷۷ ق به نام شاه عباس، در یک مقدمه و دوازده باب مشتمل بر صوفی و تصوف و عقاید صوفیه و فضیلت علم و زهد و صمت و سکوت و شب بیداری و عزلت و ذکر و توکل و رضا و تسلیم؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۷/ ۱۰)، الذریعه (۱۱۱۸/ ۹، ۴۵۲/ ۳)، ذهبیه (۲۷۸ -۲۶۹)، ریاض العارفین (۱۳۷)، ریحانه (۲۳/ ۶)، طرائق الحقائق (۱۶۵ -۱۶۴/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۸۹۳)، مؤلفین کتب چاپی (۳۶۳ -۳۶۲/ ۴).

مؤذن نیشابوری، ابوصالح احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۷۰ -۳۸۸ ق)، فقیه، حافظ، محدث، مسند، زاهد و صوفی. چون سالها مؤذن مدرسه بیهقیه بود به مؤذن مشهور شد. او در روزگار خود محدث خراسان و رییس مدرسه‌ی بیهقیه و عهده‌دار موقوفات و مسئول رساندن صدقات به مستحقین بود. از ابونعیم عبدالملک اسفراینی و ابوالحسن علوی و ابویعلی حمزه مهلبی و ابوطاهر بن محمش و ابوعبداللَّه حاکم و عبداللَّه بن یوسف اصفهانی در نیشابور و از حمزهٔ بن یوسف سهمی در جرجان و ابوالقاسم بن بشران و همطبقه‌ی او در بغداد و از ابونعیم حافظ و همردیفان او در اصفهان و ابوذر هروی در مکه حدیث شنید. او با ابوعلی دقاق و احمد بن نصر طالقانی مصاحب بود. او فراگرفته‌های خود را جمع‌آوری کرد و بر اساس آن تصنیفاتی به وجود آورد و یادداشتهایی درباره‌ی «تاریخ مرو» تنظیم کرد. فرزندش، اسماعیل بن احمد، و ابوالقاسم زاهر شحامی و ابوبکر وجیه شحامی و عبدالکریم بسطامی و ابوعبداللَّه فراوی و عبدالمنعم قشیری و جماعتی از وی روایت کردند. ابوالقاسم زاهر شحامی گوید: ابوصالح هزار حدیث از هزار استادش روایت کرده است، در «ایضاح المکنون»، «الف حدیث عن الف شیخ» از جمله آثار وی ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۷/ ۱)، ایضاح المکنون (۱۱۹/ ۱)، تاریخ بغداد (۲۶۸ -۲۶۷/ ۴)، تذکرهٔ الحفاظ (۱۱۶۵ -۱۱۶۲/ ۳)، سیر النبلاء (۴۲۳ -۴۱۹/ ۱۸)، شذرات الذهب (۳۳۵/ ۳)، طبقات الحفاظ (۴۵۸ -۴۵۷)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۲۱۸/ ۲)، العبر (۳۲۷/ ۲)، الکامل (۱۲۵/ ۸)، معجم الادباء (۲۲۶ -۲۲۴/ ۳)، معجم المؤلفین (۳۰۳/ ۱)، المنتظم (۵۴۸/ ۹)، النجوم الزاهرهٔ (۱۰۶/ ۵).

مؤمن اصفهانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. در ۱۰۱۵ ق همراه تقی‌الدین اوحدی از عراق به هند رفت و به ملازمت جهانگیر شاه (۱۰۳۷ -۱۰۱۴ ق) درآمد. مدتی به اتهام جرمی محبوس بود. بعد از رهایی به عراق بازگشت و بعد از مدتی دوباره به هند مراجعت نمود و بقیه عمر را در آنجا به سر برد و سرانجام در همان دیار از دنیا رفت. اشعاری از او در تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۱۲۴/ ۹)، صبح گلشن (۴۷۴)، فرهنگ سخنوران (۸۹۶)، کاروان هند (۱۳۷۸/ ۲).

مؤمن دامغانی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی پدر محمد تقی دامغانی متخلص به بسمل بود. در ابتدای کار تحصیل فقه نمود و سپس به مکه سفر کرد و بعد از آن به شیراز بازگشت. گویا به اصفهان و دامغان نیز سفر نمود. وی در شیراز درگذشت. برخی تذکره‌ها او را برادر محمدتقی بسمل می‌دانند. در تذکره‌ها اشعاری از وی نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۵۵، ۳۵۴)، الذریعه (۱۱۲۵/ ۹)، صبح گلشن (۴۷۴)، فرهنگ سخنوران (۸۹۶)، لغت نامه (ذیل/ مؤمن).

مؤمن زکی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۲۴ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «زادالمعاد» ربعی، جلد روغنی، سرلوح مذهب، دو صفحه اول متن و حاشیه مذهب، نسخ کتابت خفی متوسط و شکسته و رقاع کتابت خفی متوسط، با رقم: «قد تم هذا الکتاب علی ید المذنب الاثم مؤمن بن الحاج محمد زکی فی... ۱۱۲۴».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۲۰/ ۴).

مؤمن کاشانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. مشهور به یکه سوار. اصلش از کاشان است. در قهوه‌خانه‌ها، «شاهنامه» می‌خوانده و از این راه روزگار می‌گذرانده و بیشتر درآمدش را نیز به درویشان و فقرا می‌بخشیده است. وی به دلیل شغلش و همچنین تتبع در «شاهنامه»، اشعاری به همان وزن می‌سروده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۴۵)، الذریعه (۱۳۱۶، ۱۱۲۵/ ۹)، لغت نامه (ذیل/ مؤمن).

مؤمن گنابادی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی گویا برادر شیخ محمد قاری بوده است. به هند سفر کرد و سه مرتبه نیز سفر حج به جای آورد. در حاشیه‌ی «کاروان هند» آمده که نصرآبادی و صاحب «صبح گلشن» ابیات خلقی یزدی را، به اشتباه، به ملا مؤمنا نسبت داده‌اند. از اوست:

عمری بودی چنان چه خود می‌دانی

یک چند چنان بزی که می‌دانندت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۱۱)، الذریعه (۱۱۲۵ -۱۱۲۴/ ۹)، صبح گلشن (۴۷۴)، فرهنگ سخنوران (۸۹۶)، کاروان هند (۱۳۷۹/ ۲)، لغت نامه (ذیل/ مومنا).

مؤمن گورکانی، محمد مؤمن

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۹۰۳/ ۹۰۲ ق)، شاعر. از شاهزادگان تیموری بود. وی به کسب علوم پرداخت چنان که گویند در هجده سالگی جامع کمالات شد و در میان فرزندان و نوادگان سلطان حسین مشخص و برتر بود. او در جوانی با موافقت پدر به مخالفت با نیای خود، سلطان حسین، برخاست، سلطان نیز پسر خویش، مظفر حسین میرزا، را برای مقابله با او فرستاد. محمد مؤمن پس از شکست در قلعه‌ی اختیارالدین محمد زندانی شد و عاقبت خدیجه بیگم، مادر مظفر حسین میرزا، با حیله فرمان قتل او را از سلطان گرفت و به این ترتیب وی را در هجده سالگی به قتل رساندند. در «ریحانهٔ الادب» آمده است که فرمان قتل او را پدرش، بدیع‌الزمان، صادر کرده است. بعضی از تذکره‌ها نیز تاریخ وفات او را به غلط ۹۳۰ ق ذکر کرده‌اند. از اوست:

وزیدی ای صبا بر هم زدی گلهای رعنا را

شکستی زآن میان شاخ گل نورسته‌ی ما را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۸/ ۱)، تحفه سامی (۲۰ -۱۹)، حبیب السیر (۲۱۵ ،۲۱۲/ ۴)، الذریعه (۱۱۲۶ -۱۱۲۵/ ۹)، ریحانه (۳۴/ ۶)، صبح گلشن (۴۷۵ -۴۷۴)، فرهنگ سخنوران (۸۹۶)، لغت نامه (ذیل/ مؤمن)، مجالس النفائس (۱۷۵ -۱۷۴)، مجمع الفصحا (۱۱۴ -۱۱۳/ ۱).

مؤمنی ازندریانی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جغرافیا، دانشکده: علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی تاریخ و جغرافیا از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۴۱، کارشناسی ارشد جغرافیای انسانی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷ و دکترای جغرافیا از دانشگاه فیلیپس ماربورگ آلمان غربی در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

رابطه شهر و روستا و تشخیص مکانهای مرکزی در دشت گرمسار، تدریس دروس جغرافیای شهری ایران، جغرافیای شهری عمومی، جغرافیای جمعیت، جغرافیای شهری (برنامه‌ریزی اکولوژی شهری) در دانشگاههای شهید بهشتی، تربیت مدرس و دانشگاه آزاد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

شهرستان تفت، بررسی مشخصات طبیعی، اجتماعی و اقتصادی شهر و مناطق روستائی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

فراز و فرود شهر هرمز، تعریف، مواضع، موضوعات، هدفها و کاربرد جغرافیا در نظام جمهوری اسلامی، جایگاه وقف در ساختار فرهنگی، اجتماعی و کالبدی شهرها و روستاهای ایران، ردیابی فرهنگ وحی در ساختار شهر دولت‌آباد ملایر، مأخذشناسی جغرافیای شهری ایران، موقوفات و توسعه شهری.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مؤید ثابتی مشهدی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۱ ش)، مصحح، نویسنده و شاعر، متخلص به مؤید. در مشهد به دنیا آمد. تحصیلات خود را در زادگاهش به پایان رسانید. پدرش از طایفه‌ی آل ثابت و از بزرگان بین‌النهرین بود که به ایران مهاجرت کرد و از طرف ناصرالدین‌شاه قاجار نایب التولیه‌ی آستان قدس رضوی شد. مؤید از طرف مردم خراسان پنج دوره به عنوان نماینده مجلس شورا انتخاب شد و چند دوره نیز از آن استان به عنوان نمایندگی سنا برگزیده گردید. او بیشتر قصیده و غزل می‌سرود. در غزل از سبک شعرای عراقی و در قصیده از شیوه‌ی سخنوران ترکستانی پیروی می‌کرد و اشعارش در اغلب جراید و مجلات به چاپ می‌رسید. علاوه بر آن نثری شیوا نیز داشت. از آثارش: «تاریخ نیشابوری»؛ تصحیح و اهتمام در انتشار کتاب «فضائل الانام من رسائل حجهٔ‌الاسلام» محمد غزالی طوسی؛ تصحیح «دیوان» همام تبریزی؛ «دیوان» شعر.[۱]

شاعر، ادیب، مالک، سرمایه‌دار و سیاست پیشه، متولد ۱۲۷۹ در مشهد است. پدرش حاج حسین از رؤسای آستانقدس رضوی بود. وی در مشهد مدتی به تحصیل زبان و ادبیات فارسی پرداخت. از جوانی اشعاری می‌سرود که تدریجا در شعر شاعری شهرت یافت. چون از مال دنیا بهره کافی داشت و صاحب چندین پارچه آبادی در استان خراسان بود برای حفظ و ازدیاد ثروت به فکر وکالت مجلس افتاد و خیلی زود موفق شد. از دوره دهم متوالیا پنج دوره از مشهد به وکالت انتخاب شد و همیشه عضو هیئت رئیسه بود. بعد خود را در مقام بالاتری دید و به مجلس شاه راه یافت و چند دوره هم در مقام سناتوری قرار داشت. در مشهد هم دست به کارهای تولیدی زد و چند کارخانه قند دائر نمود که سهام عمده آن به او تعلق داشت. خلاصه خیلی خوب زندگی کرد و به عبارت دیگر سخن مال و دولت قرین یکدیگر شدند. مؤید ثابتی گذشته از مقام اجتماعی در شعر از استادان معاصر محسوب می‌شد. وی در سال ۱۳۷۸ در خارج از کشور درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۱۰۲۶ -۱۰۲۴)، الذریعه (۱۱۲۸/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۴۲۷ - ۳۴۲۳/ ۵)، صد سال شعر خراسان (۵۴۹ -۵۴۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۴۴۹/ ۲ ،۱۵۹۶ ،۷۶۴/ ۱)، گلزار معانی (۶۶۸ - ۶۵۶).

مؤیدی بلخی

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از شاعران و نویسندگان معروف قرن چهارم هجری است. وی دارای آثار منظوم و منثور بوده و اولین کسی است که یوسف و زلیخا را به نظم کشیده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

میان کوشکی، ابراهیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۵۸ ق)، نقاش و خطاط ساده‌نگار. اهل قریه‌ی پارآو، قزوین بود که در حل کاری و نقش تصویر دست داشت. از آثار وی: نقاشی و کتابت «عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات». در یکی از تصاویر نسخه، که به شیوه‌ی قزوین است، روباهی بالدار با خط رقاع نقش شده است، با رقم: «تمت الکتاب العجایب المخلوقات و غرایب الموجودات فی الاثنین سلخ شهر محرم الحرام فی یدالفقیر الحقیر داعی عباداله ابراهیم بن محمدجان میان کوشکی من محال پارآوی سنه ۱۰۵۸».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۴۳۶/ ۳).

میانچی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید ابراهیم مرتضوی میانجی از افاضل معاصرین تهرانست. وی در ماه صفر ۱۳۳۲ قمری در یکی از مضافات میانه متولد شده و تحصیل مقدمات را در قم انجام داده و در سال ۱۳۵۵ قمری مشرف به نجف اشرف شده و از محضر آیات عظام آنجا چون مرحوم آیت‌اللّٰه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّٰه حکیم و آیت‌اللّٰه العظمی خوئی استفاده نموده و در حدود سال ۱۳۶۹ قمری به ایران مراجعت و رحل اقامت در تهران افکنده و در یکی از مساجد مرکز به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و انجام وظیفه اشتغال دارند.

دارای تألیفات عدیده میباشند که بعضی بطبع رسیده است و از آنها کتب زیر است:

۱- کتاب «العیون العبری» در مقتل سیدالشهداء علیه‌السلام.

۲- کتاب «اطائب الکلام من مهابط الوحی و الالهام» در حالات چهارده معصوم علیهم‌السلام.

۳- تصحیح چاپی کتاب وسائل‌الشیعه در بیست مجلد.

۴- تصحیح چاپی کتاب شرح نهج‌البلاغه خوئی در بیست و یک جلد.

۵- تصحیح چاپی کتاب احقاق الحق آیت‌اللّٰه مرعشی که تاکنون ۱۱ جلد آن بطبع رسیده است.

۶- تصحیح چاپی کتاب بحارالانوار چاپ جدید (۶۰) مجلد.

۷- مقدمه و پاورقی به کتاب حقایق علامه فیض کاشانی و غیر از اینها.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

میبدی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیرحسین قاضی میر بن معین‌الدین حسینی میبدی ادیب و ریاضی‌دان و حکیم قرن دهم هجری (ف. ۹۰۴ یا ۹۰۹ یا ۹۱۱ ه.ق) در شیراز از جلال‌الدین دوانی و دیگر استادان زمان، علم و ادب و حکمت و تصوف آموخت، و بخصوص در هیئت و منطق و فلسفه شهرت یافت. در شعر نیز مهارتی داشت و منطقی تخلص می‌کرد. از آثار اوست: ۱- جام گیتی نما به فارسی در حکمت قدیم. ۲- شرح دیوان منسوب به حضرت امیرالمؤمنین (ع). ۳- شرح الهدایهٔ الاثیریه. ۴- شرح کافیه‌ی ابن‌حاجب در نحو. ۵- شرح شمسیه در منطق. ۶- شرح طوالع. ۷- حاشیه‌ی تحریر اقلیدس خواجه نصیرالدین طوسی. ۸- دیوان معمیات و غیره.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

میبدی یزدی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۳ ق)، عالم دینی، فقیه، لغوی و شاعر. او در کربلا ـ از محضر شیخ العراقین شیخ عبدالحسین تهرانی و فاضل اردکانی استفاده نمود و از استادش، فاضل اردکانی، به دریافت اجازه نایل شد. وی پس از رسیدن به مراتب علمی بالا در کرمانشاه ساکن گردید و مرجعیت دینی را عهده‌دار شد. از آثار وی: «عصمهٔ الحجج»، در عصمت ائمه (ع)؛ «بدیع اللغهٔ»، در لغات جدید؛ «کشکول»؛ «هدایهٔ النصیریهٔ»، که برای ارشاد اکراد نصیریه نگاشت؛ «مفتاح السلامهٔ»، در حفظ سلامتی و اصول پیشگیری قبل از درمان؛ شرح «المنظومهٔ البطیخیهٔ»؛ کتابی در «الاستخارات»؛ رساله «حلق اللحیهٔ»؛ «رساله‌ی عملیه»؛ «السؤال و الجواب»، در عبادات، با ذکر دلیل.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۰۷/ ۸)، الذریعه (۱۹۹/ ۲۵، ۲۹۵ -۲۹۴/ ۲۴، ۳۳۳/ ۲۱، ۷۶/ ۱۸، ۲۷۴/ ۱۵، ۹۰/ ۱۴، ۲۴۷/ ۱۲، ۶۳/ ۷، ۷۳/ ۳، ۲۰ -۱۹/ ۲)، ریحانه (۵۰/ ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۸۶/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۵۵/ ۶)، لغت نامه (ذیل/ علی یزدی)، معجم المؤلفین (۲۱۷/ ۷)، مؤلفین کتب چاپی (۳۲۶ -۳۲۵/ ۴).

میبدی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌الله حاج سید محمد بن العلامه السید محمد جوادین العلامه الکبری السید علی المیبدی الیزدی الکرمانشاهی (صاحب کتاب بدایع اللغه) یکی از علماء اعلام و حجج اسلام فعلی شهرستان علمی و مذهبی قم است که در خیابان صفائیه سکونت دارند و در مسجد صفائیه هم اقامه جماعت نموده و خدمات دینی و روحی دارند.

تولد معظم‌له در ۱۸ شوال ۱۳۱۴ در کرمانشاه واقع شده و چون مرحوم والدش آقای سید محمدجواد در تاریخ ۱۳۲۲ ق فوت نموده و ایشان هشت ساله بودند در تحت سرپرستی مرحوم آیت‌الله آقا سید محمد رضای واحدی حسینی قمی که به امر مرحوم آیت‌الله العظمی آقا سید محمد کاظم یزدی به کرمانشاه آمده بودند قرار گرفته و بعد از رشد و خواندن مقدمات و سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی استفاده کرده و پس از چند سال مراجعت به کرمانشاه و در مسجد والدش به اقامه جماعت و خدمات دینی و ترویج مذهب و هم تدریس متون فقه و اصول پرداخته تا در چند سال قبل مهاجرت به قم و اقامت در جواد حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله علیها و حوزه علمیه را بر سکونت کرمانشاه ترجیح داده و رحل اقامت در این بلده طیبه انداخته و به وظائف روحی خود اشتغال دارد فرزند ارجمندش حاج آقا مجتبی میبدی به جای این پدر بزرگوار در کرمانشاه به خدمات دینی مشغول است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

میبدی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضا میبدی یزدی از علماء محترم و دانشمندان بزرگ شمال و شهرستان گرگان می‌باشند.

ایشان در سال ۱۳۳۸ قمری در میبد یزد به دنیا آمده و دروس فارسی را در آنجا خوانده و برای ادامه به تحصیل به قم مسافرت ولی چون اواخر عمر مرحوم آیت‌اللَّه حایری اوضاع حوزه مشوش بود به شهر ری (زادگاه نگارنده) آمده و به خدمت مرحوم آیت‌اللَّه عالم ربانی حاج شیخ محمدتقی بافقی رسیده و در حجره آن مرحوم در مدرسه امینیه اقامت و به تحصیل مقدمات پرداخته و بعد از چندی به تشویق و توصیه آن بزرگوار به قم آمده و مدتی هم حجره حقیر در مدرسه دارالشفا بودند و با سعی بلیغ اشتغال داشتند تا

در سال ۱۳۵۸ قمری که روی بعضی جهات مهاجرت به نجف اشرف نموده و در مدرسه بزرگ مرحوم آخوند سکونت و مدت ده سال با جدیت تمام به تحصیل پرداخته و از محضر آیت‌اللَّه حاج میرزا حسن یزدی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید یحیی یزدی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌اللَّه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی و اصول آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظله استفاده نموده و از خرمن علوم آنان فقها و اصولا ـ خوشه‌ها چیده و توشه‌ها برده تا در سال ۱۳۶۸ قمری که به ایران آمده و بنابر تقدیر و مشیت الهی در گرگان و استرآباد اقامت و بنابر دعوت مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ رضا مدرس در جای ایشان در مسجد جامع به اقامه جماعت و خدمات روحی و دینی اشتغال دارند.

نگارنده گوید: آیت‌اللَّه میبدی که از دوستان چهل ساله حقیر است از دانشمندان متین و روشنفکر و منیع‌الطبع معاصر و دارای محاسن اخلاق و محامد آداب می‌باشد از آثار ایشانست تأسیس کتابخانه مسجد جامع گرگان و اداره و سرپرستی طلاب و محصلین مدرسه دارالشفاء گرگان

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

میبدی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمدرضا میبدی در سال ۱۳۳۱ در اراک بدنیا آمد. وی تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه ملی(شهید بهشتی فعلی) در رشته اقتصاد آغاز و تا سطح کارشناسی ارشد در آنجا به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۵۶ موفق به اخذ مدرک فوق شد. نامبرده برای تکمیل اطلاعات و معلومات دانشگاهی خود به دانشگاه اوکلاهما ی آمریکا عزیمت کرد و در رشته علوم کامپیوتر به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۶۲ موفق به اخذ دکتری همان رشته از دانشگاه مذکور شد. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه صنعتی امیرکبیر می باشد.

گروه : فنی و مهندسی

رشته : مهندسی کامپیوتر

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد رضا میبدی تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه ملی(شهید بهشتی فعلی) در رشته اقتصاد آغاز و تا سطح کارشناسی ارشد در آنجا به تحصیل پرداخت و به ترتیب در سالهای ۱۳۵۳ و۱۳۵۶ موفق به اخذ مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته اقتصاد شد. نامبرده برای تکمیل معلومات دانشگاهی خود به دانشگاه اوکلاهما ی آمریکا عزیمت کرد و در رشته علوم کامپیوتر به تحصیل پرداخت او ابتدا کارشناسی ارشد خود را در رشته علوم کامپیوتر در سال ۱۳۵۹ و دکتری اش را در سال ۱۳۶۲ اخذ کرد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای اداری و مدیریتی دکتر محمد رضا میبدی به ترتیب زیر است: رئیس و عضو کمیته مهندسی کامپیوتر در وزارت علوم تحقیقات و فناوری از سال ۱۳۷۵ تا کنون عضو کمیته داوری برای چهاردهمینجشنواره خوارزمی در وزارت علوم تحقیقات و فناوری از سال ۱۳۷۵ تا کنون عضو کمیته علمی در مرکز تحقیقات ریاضیات و فیزیک نظری،وزارت علوم تحقیقات و فناوری از سال ۱۳۷۷ تا سال ۱۳۷۹ عضو کمیته چند رشته ای در وزارت علوم تحقیقات و فناوری از سال ۱۳۷۵ تا کنون عضو کمیته پژوهشی در وزارت علوم تحقیقات و فناوری از سال ۱۳۸۲ تا سال ۱۳۸۳ عضو کمیته علمی در مرکز تحقیقات علوم پایه وزارت علوم تحقیقات و فناوری از سال ۱۳۸۱ تا کنون عضو کمیته انتخاب بهترین کتاب ایرانی،وزارت فرهنگ و ارشا اسلامی ،از سال ۱۳۷۵ تا کنون معاون آموزشی دانشکده مهندسی کامپیوتر،دانشگاه صنعتی امیرکبیر معاون تحصیلات تکمیلی دانشکده مهندسی کامپیوتر،دانشگاه صنعتی امیرکبیر هماهنگ کننده گروه نرم افزار در بخش CEدانشکده مهندسی کامپیوتر،دانشگاه صنعتی امیرکبیر عضو گروه معماری در بخش CE دانشکده مهندسی کامپیوتر،دانشگاه صنعتی امیرکبیر عضو کمیته فارغ التحصیلان در بخش CE دانشکده مهندسی کامپیوتر،دانشگاه صنعتی امیرکبیر عضو کمیته فارغ التحصیلان دانشگاه امیرکبیر عضو کمیته داوران داوران ژورنال امیرکبیر،دانشگاه امیرکبیر عضو کمیته علمی ،اولین کنفرانس رباط ،دانشگاه امیرکبیر در سال ۱۳۷۹ عضو کمیته اجرایی برنامه ریزی رسیدگی به معترضین،دانشگاه امیرکبیر از سال ۱۳۷۸ تا سال ۱۳۸۰

فعالیتهای آموزشی : فعالیت های آموزشی و عنوان دروس ارائه شده توسط محمد رضا میبدی به قرار زیر است: نظریه زبانهای درسی و خودکار،تحلیل و طراحی الگوریتم موازی،ساختمان داده،تحلیل و طراحی الگوریتم،آموزش خودکار،عناوین پیشرفته در محاسبات موازی،محاسبات موازی منابع زندگینامه :

۱ترجمه از سایت http://WWW.aut.ac.ir

میبدی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی بن سید محمدعلی حسینی میبدی یزدی کرمانشاهی فقیهی کامل و عالمی عارف از شاگردان علامه شیخ عبدالحسین شیخ العراقین و فاضل اردکانی در کربلا بوده و پس از وصول به مراتب عالیه علم و کمال به کرمانشاه عزیمت و رحل اقامت افکنده و در آنجا مرجع عوام و خواص گردیده و خدمات ارزنده‌ای نموده و در سال ۱۳۱۳ قمری وفات و فرزند ارجمندش حجهٔالاسلام

والمسلمین آقا سید جواد بجای ایشان قرار گرفته ولی طولی نکشیده که بوالد گرامش ملحق و فرزند برومندی بنام آیت‌اللّه آقای حاج سید محمد میبدی بجای گذارده که اکنون از علماء محترم شهرستان دینی و علمی قم می‌باشند و گاهی هم به کرمانشاه مسافرت می‌نمایند این بزرگوار دارای ۳ فرزند گرامی بنام ثقهٔ‌الاسلام آقای آقا سید علی و آقای آسید حسین که اکنون از اهل منبر و دیگر حجهٔ‌الاسلام آقای آقا مجتبی که فعلا در قم اشتغال به تحصیل و تکمیل مبانی علمی دارند

آثار و تألیفات آیت‌اللّه حاج سید علی میبدی طاب اللّه ثراه از این قرار است

۱- نقل مجلس ۲- مفتاح السلامه ۳- رساله حلق اللحیه ۴- کشکول ۵- الهدایهٔ النصریه ۶- شرح المنظومه ۷- کتاب فی الاستخارهٔ ۸- بدیع اللغه ۹- عصمهٔ الحجج ۱۰- سؤال و جواب و غیر اینها

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

میبدی، محمدفاکر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد فاکر میبدی

محل تولد : میبد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱۰/۲۰

زندگینامه علمی

محمد فاکر میبدی، فرزند علی اکبر در تاریخ ۱۰/۲۰/ ۱۳۳۸ خورشیدی، برابر با ۱۳ رجب ۱۳۷۹ قمری، در شهرستان میبد دیده به جهان گشود، در سه سالگی پدر خود را از دست داد و تحت سرپرستی مادر مؤمن و متدین خویش قرار گرفت. وی دوران کودکی خود را به دلیل محرومیت از نعمت پدر، با سختی و مشکلات پشت سر گذاشت. و دوران تحصیلات کلاسیک را با کار و فعالیت سپری نمود. سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ شمسی که مقارن بود با مبارزات ملت ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) و منتهی به پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران شد. وی در این زمان همراه با دیگر اقشار مختلف مردم میبد در راهپیماییها و تظاهرات علیه رژیم شاه شرکت داشت و به پخش عکس، اطلاعیه و قرائت آن مبادرت می کرد، به همین دلیل یک بار توسط عوامل رژیم احضار و مورد بازجویی قرار گرفت. به دلیل علاقه زیاد نامبرده به مسائل انقلاب نسخه ای از اعلامیه ها و بیانیه های انقلابیون کشور و به ویژه پیشگامان انقلاب در استان یزد و به خصوص شهید محراب حضرت آیت الله حاج شیخ محمد صدوقی، آیت الله حاج سید روح الله خاتمی، و آیت الله حاج شیخ محمد ابراهیم اعرافی، « قدس الله انفاسهم الزکیه» که از ارکان انقلاب در منطقه بودند در کتابخانه وی نگه داری می شود. نامبرده تحصیلات کلاسیک خود را تا ششم در مدرسه امام میبد به انجام رسانید و در سال ۱۳۵۵ جهت تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه میبد شد و مقدمات، ادبیات، منطق و بخشی از دروس سطح را در آن حوزه فرا گرفت. لازم به یاد آوری است که در رشته فقه و اصول بیشترین بهره را از حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی و در دروس تخصصی تفسیر و علوم قرآن بیشترین استفاده را از حضرت آیت الله معرفت برده است.

میثمی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: زمین‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زمین‌شناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۱، کارشناسی ارشد D.E.A در زمینه میکروبیواستراتیگرافی از دانشگاه پیرماری کوری فرانسه در سال ۱۳۴۳، دکترای بیواستراتیگرافی از دانشگاه سوربن فرانسه در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

دبیر آموزش و پرورش از سال ۱۳۳۷ تا سال ۱۳۴۱، استادیار دانشسرای عالی تهران از سال ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۵۲، دانشیار دانشگاه تربیت معلم از سال ۱۳۵۳ تا سال ۱۳۶۳، استاد دانشگاه تربیت معلم از سال ۱۳۶۳ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام ۲۲ طرح تحقیقاتی در زمینه زمین‌شناسی ایران (بیواستراتیگرافی)، عضویت در انجمن زمین‌شناسان حوضه پاراتیس، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

مبانی پالئونتولوژی و میکروپالئونتولوژی، زمین‌شناسی عمومی، مبانی چینه‌شناسی زیستی، سنگواره‌ها، سنگواره‌ها راهنمای تاریخ زمین‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۲

زمینه علمی مقالات:

علوم زمین.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

میثمی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیه‌الله حاج میرزا محمود میثمی اراکی مقیم و متوفی در تهران صاحب کتاب دارالسلام در حالات حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه‌الشریف و ده‌ها کتاب دیگر.

مآثر و آثار ص ۱۶۶ گوید: آقا شیخ محمود عراقی از مجتهدین مسلم دارالخلافه است در مسجد مرحوم آقا بهرام بامامت جماعت و ترویج احکام میپردازد، تقریرات مدرس شیخ الطائفه استاد الکل مرتضی الانصاری را فقها و اصولا بروجه اشباع ضبط کرده و تدوین فرموده است علماء عظام و فقهاء فخام از این رهگذر بتألیفاتش محتاجند و در این سنوات کتابی بنام دارالسلام در احوال حضرت حجه‌الله القائم علیه‌السلام بفارسی تألیف کرده و مطبوع افتاده.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

میخائیل، پائول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

وضعیت نام اصلو

مدتی شوهر زینا بود و بد طلاق گرفت و الان شوهر دختر مک من هست دارای یک بچه

وزن: ۲۷۰ lbs قد:۶'۴" مربی او:Killer Kowalski تاریخ ورود به کشتی کج:مارچ۱۹۹۲(۲۳سالگی) لقبهای دیگر او:Hunter (WCW ،Jean Paul LeVesque......(WCW ،Terra Ryzin...(WWF ،Hearst Helmsley) حرکت پایانی:The Pedigree حرکتهای مورد علاقه که استفاده میکنه: Inverted Indian Deathlock Knee to Face Running neckbreaker Running Knee Smash DDT Spinning Spinebuster Sleeper Hold Abdominal Stretch Knee Drop Figure Four Leg Lock Mounted Punches Hooking Clothesline Blatant Choke

دشمن زیاد داشته فقط چنتاشو مینویسم Rob Van Dam Bubba Dudley Kane Booker T Bill Goldberg Shawn Michaels Chris Benoit Randy Orton Batista Ric Flair Big Show John Cena Vince McMahon The Undertaker The Rock Stone Cold افتخارات: او یک بار با شکست دادن Tony Roy توانست کمربند IWF Heavyweight title رو بگیره دره۲۶کتبر۱۹۹۶توانست با شکست دادن Marc Mero کمربند WWF Intercontinental title رو بگیره او همچنین در جون۱۹۹۷ نفر اول مسابقه WWF King of the Ring شد. او۲۲دسامبر۱۹۹۷با شکست دادن Shawn Michaels توانست کمربند WWF European title رو بگیره. در۱۷مارچ۱۹۹۸با شکست دادن Owen Hart توانست کمربند WWF European title رو بگیره. ۳۰آگوست۱۹۹۸در سامراسلم با شکست دادن The Rock توانست کمربند WWF Intercontinental title رو بگیره در۲۳آگوست۱۹۹۹با شکست دادن Mankind توانست کمربند WWF Federation title رو بگیره. در آنفورگیون۱۹۹۹ توانست کمربند WWF Federation title رو بگیره. در سال۲۰۰۰توانست با شکست دادن Big Show کمربند WWF Federation title رو حفظ کنه. در جاجمندی۲۰۰۰ با شکست دادن The Rock کمربند WWF Federation title رو نگه داشت در۵آپریل۲۰۰۱با شکست دادن Chris Jericho توانست کمربند WWF Intercontinental title رو بگیره. در۱۶آپریل۲۰۰۱با شکست دادن Jeff Hardy کمربند WWF Intercontinental title رو حفظ کرد. او به همراه یارش استون کلددر۳۰ آپریل۲۰۰۱در بکلش با شکست دادن Undertaker & Kane کمربند WWE Tag Team titles رو گرفتند. او همچنین نفر اول۲۰۰۲ WWE Royal Rumble شد. در رسمنیا۸-X با شکست دادن Chris Jericho توانست کمربند WWF Undisputed title رو بگیره. درسپتامبر۲۰۰۲ او توانست برای اولین بار کمربند WWE World Heavyweight title رو بگیره. در۱۵دسامبر۲۰۰۲با شکست دادن Shawn Michaels توانست کمربند WWE World Heavyweight title رو حفظ کنه. در۱۴دسامبر۲۰۰۳توانست با شکست دادن Bill Goldberg & Kane کمربند WWE

World Heavyweight title رو بگیره. درآنفورگیـون۲۰۰۴توانست بـا شـکست دادنRandy Orton کمربندWWE World Heavyweight title رو بگیره. و در سال ۲۰۰۵ با شکست دادنBatista & Orton & Benoit & Jericho & Edge توانست کمربندWWE World Heavyweight title رو بگیره. او یکی از پرافتخـارترین کشتی کـج کـارای دنیا هست همونطور هم که خودتون افتخاراتش دیدید. و الان هم به همراه شان مایکلز گروه دی ایکس رو تشکیل دادند و دارن آبروی مکٔ من را تو کل دنیا میبرن.

میدانی نیشابوری، ابوالفضل احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۱۸ ق)، لغوی، نحوی، ادیب و شـاعر. او را پیشگام ادبـا نام نهاده‌انـد. در نیشابور به دنیا آمـد و در همان جا نشو و نما یافت. چون ساکن محله‌ی میـدان زیاد نیشابور بود، به میـدانی مشـهور شد. او از شاگردان ابوالحسن علی بن احمد واحدی مفسر و یعقوب بـن احمـد نیشـابوری بـود. فرزنـدش، سـعید بـن احمـد، و ابـوجعفر احمـد بـن علی مقری بیهقی از شـاگردان او بودنـد. در نیشـابور درگـذشت و در گورسـتان میـدان زیاد دفن شـد. از آثارش: «مجمع الامثال» یا «جامع الامثال»، که گفته‌اند در نوع خود بی‌نظیر بوده است؛ «السامی فی الاسامی»، در لغت؛ «الهادی للشادی»، در نحو فارسـی؛ «نزهۀ الطرف»، در علم صرف؛ «شرح المفضلیات» یا «اسماء التفضیل»؛ «الانموذج»، در نحو؛ کتاب «النحو المیدانی»؛ «المصادر»؛ «منیۀ الراضی فی رسائل القاضی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۸/ ۱)، انساب سمعانی (۴۲۹/ ۵)، تاریـخ ادبیات در ایران (۳۱۸/ ۲)، روضات الجنات (۳۰۲ -۳۰۰/ ۱)، ریحانه (۵۳ -۵۲/ ۶)، سیر النبلاء (۴۹۰ -۴۸۹/ ۱۹)، شذرات الذهب (۵۸/ ۴)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۹۴)، کشف الظنون (۲۰۲۶، ۱۹۴۳، ۱۷۰۳، ۱۵۷۶، ۱۰۴۳، ۹۷۴، ۱۸۵)، الکنی و الالقـاب (۲۲۰ -۲۱۸/ ۳)، معجم الادباء (۵۱ -۴۵/ ۵)، معجم البلدان (۲۷۹/ ۵)، معجم المؤلفین (۶۴ -۶۳/ ۲)، الوافی بالوفیات (۳۲۸ -۳۲۶/ ۷)، وفیات الاعیان (۱۴۸/ ۱)، هدیۀ الاحباب (۲۵۱)، هدیۀ العارفین (۸۲/ ۱).

میدانی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: صنایع غذائی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

میر احمدی، مجید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید یوسف یسیف السادات حسینی، در ۱۳۱۰ متولـد گردیـده، در اصـفهان تحصـیل نموده، و از سال ۱۳۳۸ قمری مدیریت مـدرسه‌ی چهارسوق (شـعبه مـدرسه‌ی گلبهار) را یافته که بعـدا به نام مـدرسه‌ی فرهنگ نام گذاری شده، و تا آخرین لحظات عمر، تمام سعی و کوشش خود را در پیشرفت امور آن صرف نموده.

سرانجام در ۴ شنبه ۱۲ شوال ۱۳۶۷ وفات یافته، در تکیه‌ی سید العراقین مدفون گردید.

فاضل ارجمند آقای حاج سید محمد رضا بهشتی متخلص به «دریا» در ماده تاریخ وفات او گوید:

دریا نوشت از پی تاریخ فوت او

میر احمدی به جنت فردوس کرد جای

مرحوم میر احمدی را باید از مؤسسین و بنیان گزاران فرهنگ جدید در اصـفهان محسوب داشت. خدمات مشارالیه در پیشرفت علم و دانش جدید، فراموش نشدنی است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

میر حیدر مهاجرانی، دره

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

دره میرحیـدر در سال ۱۳۱۳ در شـهر کرمانشاه متولـد گردیـد. وی دارای دکترای جغرافیای سیاسـی از دانشگاه ایندیانای آمریکا و

عضو هئیت علمی دانشگاه تهران ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی گروه جغرافیا با رتبه علمی استادی می باشد.نامبرده در سال ۱۳۸۲ به افتخار بازنشستگی نائل آمده است.ایشان عضو وابسته ی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران است. دکتر میرحیدری در نشریات فرهنگی ایران ، مقالات متعددی را به چاپ رسانده است. وی موفق به ایراد سخنرانی های جامعی نیز در زمینه ی جغرافیای سیاسی شده و با بیانات خود در کنگره های داخلی و کنفرانس های جهانی چهره ی فرهیخته ای را از خود نشان داده است. کتاب "جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا"ترجمه دره میر حیدری ، در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانی رشته : جغرافیا گرایش : جغرافیای سیاسیوالدین و انساب " : قبل از هر چیزی باید سپاسگذار خداوند متعال باشم که مرا در یک خانواده با فضیلت ،متدین و روشن بین به دنیا آورد که هر چه دارم از انهاست.گرچه در کودکی پدرم را از دست دادم ولی نفس قدسی و خاطر نمازهای شب و راز و نیازهای او هنوز با من است و همین ها بوده که زندگی مرا تا کنون بیمه کرده است.پدرم در ساوه به دنیا آمده بود و تحت نظارت پدرش حاج سید عبدالکریم مقلب به حاج سید آقا تحصیلات ابتدایی را انجام داد و سپس در نوجوانی با همراهی ایشان برای تحصیلات بالاتر به تهران آمد و در حوزه علمیه مدرسه مروی به تحصیل الهیات و معارف اسلامی پرداخت.ایشان پس از تحصیلات خارج حوزه در تهران ماندگار شد.پدرم علاوه بر این با نام سید محمود الحسینی ساوجی از خوشنویسان بنام دوره ناصری بوده است و مجموعه بسیار ارزشمند خط از ایشان به یادگار مانده است. مادرم در یک خانواده متمکن و متدین در تهران بدنیا آمد.پدر وی سعید الملک اهل سیاست و طرفدار حکومت مشروعه بود.پدر بزرگ مادرم حاج حسینعلی خان نوری از فضلا و شعرای معروف عهد ناصری بوده و دیوان شعر او با تخلیص وفا که کلا- در مدح اهل بیت امامت و طهارت می باشد چاپ و در اختیار علاقمندان به شعر و ادب قرار گرفته است. مادرم در چنین خانواده ای معلم سرخانه داشت و ضمن فراگیری فارسی و حساب قرائت قران نیز فرا می گرفت.پس از مدتی با استعداد سرشاری که داشت حافظ قرآن شد و اشعار دیوان حافظ و گلستان سعدی و بابا طاهر را هم از حفظ داشت و در محاوره به مناسبت از آنها استفاده می کرد.ایشان مادری کارآمد و دلسوز و پاک نیت بود و در نتیجه فرزندانی تحویل جامعه داد که همگی با داشتن تحصیلات عالی منشا خدمات علمی و فرهنگی مهمی برای مملکت شدند. پدر و مادرم در تهران با هم ازدواج کردند و چهار فرند اول یعنی سه دختر و یک پسر را در تهران به نیا آوردند. بعدا پدرم ماموریتی در کرمانشاه پیدا کرد و پس از چندی خانواده را هم به آنجا منتقل نمود و من (۱۳۱۱) و برادر کوچکرم در کرمانشاه بدنیا آمدیم"تحصیلات رسمی و حرفه ای : دره میرحیدر ، تحصیلات ابتدایی و قسمتی از تحصیلات متوسطه ی خود را در شهر زادگاهش سپری نمود و سال های آخر تحصیلات متوسطه ی خود را در تهران گذرانده و به اخذ دیپلم ادبی از دبیرستان شاهدخت نائل آمد. وی بلافاصله پس از اتمام دوره ی متوسطه ، وارد دانشگاه گردید و پس از موفقیت در قسمت دبیری در رشته ی تاریخ و جغرافیا در دانشکده ادبیات به تحصیل پرداخت ، آنگاه از طرف دولت برای ادامه ی تحصیل به آمریکا اعزام شد. تحصیلات در آمریکا ، نزدیک شش سال به طول انجامید و او در طی این مدت به اخذ درجات عالیه ای چون: گواهینامه با درجه ی عالی در زبان انگلیسی از دانشگاه میشیگان در آناربر ،درجه ی M.A از دانشگاه دولتی اوهایو در رشته ی جغرافیا و درجه ی Ph.D از دانشگاه دولتی ایندیانا در جغرافیای سیاسی نائل آمد. وی پایان نامه کارشناسی ارشدش را تحت عنوان مسایل راه های ارتباطی در ایران را زیر نظر پروفسور رندال گذراند. تخصص اصلی و جغرافیای سیاسی و تخصص منطقه ای او، در زمینه منطقه خلیج فارس و خاورمیانه بوده است. «در آنجا گفتم به دلیل وضعیت دشوار جغرافیایی که ایران دارد و مناطق کوهستانی و بیابانی و خشک را در خود جای داده و به خاطر شکل خاص جغرافیایی کشور و فاصله زیاد بخش شمال غرب و جنوب شرقی کشور از یکدیگر، احداث راههای ارتباطی، هم هزینه بر است و هم نیاز به تکنولوژی های پیشرفته ای دارد که از خارج وارد می شود.» عنوان تز دکترایش، «عوامل جغرافیایی مؤثر بر بقای سیاسی ایران» بوده که در سال ۱۹۶۲ با درجه عالی از آن دفاع کرده است و با همین پیش زمینه و تخصص به ایران باز گشت.خاطرات و وقایع تحصیل : دکتر میر حیدر از خاطرات تحصیلش چنین یاد می کند": من کلاس اول ابتدایی را در ۵ سالگی نزد مادرم در خانه خاندم و در اخر سال امتحان دادم و رفتم کلاس دوم. در کلاس دوم و سوم یک شاگر متوسط بودم ولی از کلاس چهارم تا تحصیلاتم در کرمانشاه شاگرد اول بودم و مورد تشویق اولیاء و مدرسه و اداره فرهنگ قرار می گرفتم. در کرمانشاه پس از دانشسرای مقدماتی کلاس بالاتری نبود و من با بورس تحصیلی که برای ادامه تحصیل داشتم باید به تهران می رفتم و خوشبختانه موجباتی فراهم شد که کل خانواده به تهران منتقل شدیم و در اینجا من کلاس ششم ادبی را در دبیرستان شاهداخت تهران خواندم ".وی در هر سه سال مقطع لیسانس شاگرد اول شده و در نتیجه موفق به کسب مدال علمی و جایزه می شود. در سال ۱۳۳۲ تحصیلاتش را به اتمام می رساند و در سال ۱۳۳۵ مطابق مصوبه قانونی، به همراه تعداد دیگری از نفرات ممتاز سایر رشته ها و به عنوان بورسیه برای ادامه تحصیل به خارج عزیمت می کند و به آمریکا می رود. استادان و مربیان : دکتر میر حیدر از اساتید دوره خود چنین می گوید ": من باید به خود ببالم که در دوره ای درس می خواندم که بهترین استادان در دانشگاه بودند. در رشته تاریخ با استادان برجسته ای مثل نصر الله فلسفی ،بیانی،مینوی ،شیبانی،بهمنش،بینا درس داشتیم و در جغرافیا دکتر مسعود کیهان،دکتر احمد مستوفی،دکتر محمد حسن گنجی و دکتر احمد سعادت که هر کدام در رشته خود اسوه بودند.من چون تعهد دبیری داشتم درسهای فلسفه و منطق و روانشناسی هم در برنامه ام بود و استادانی مثل دکتر هوشیار ،دکتر خوانساری،دکتر جلالی و دکتر کنی استادان درسهای مختلف ما بودند.تاثیری که استادان جغرافیا در من گذاشتند موجب شد که بعدا زمانی که به خارج رفتم در رشته جغرافیا ادامه تحصیل دهم "او پایان نامه کارشناسی ارشد ش را در دانشگاه اوهایو آمریکا تحت عنوان مسایل راه های ارتباطی در ایران را زیر نظر پروفسور رندال گذراند.وی به غیر از اساتید ایرانی از استادان غیر ایرانی مانند پروفسور کیمبل و پروفسور پاندز به نیکی یاد می کند. دکتر میر حیدر از مرحوم مستوفی و دکتر محمد حسن گنجی چنین می گوید: «بعد از این که از آمریکا برگشتم و به عنوان استادیار برگزیده شدم این دو را بیشتر شناختم و بخصوص اشراف آنها را به تمام مسائل جغرافیایی و نه فقط یک رشته خاص مطلع شدم و خیلی من را تحت تأثیر قرار دادند.» همسر و فرزندان : دکتر دره میر حیدر از ازدواج خود چنین می گوید: در طول این سالهای تدریس در دانشگاهها،ضمن همکاری با استادان سابق خودم فرصت

آشنایی با استادان جدیدی هم برای تدریس به گروه جغرافیا پیوستند و شاخه های مختلف این گروه را به وجود آوردند به دست آمد. دراین میان آشنایی من با آقای دکتر مصطفی مهاجرانی که از کارشناسان مبرز سازمان برنامه بود و در عین حال ریاست بخش روستایی تحقیقات احتماعی دانشگاه تهران را هم به عهده داشت و ضمنا برای تدریس در دوره فوق لیسانس دعوت شده بود عمیق تر شد و در نهایت به ازدواج منجر گردید.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دره میرحیدر ،پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۴۲ به عضویت هیات علمی گروه جغرافیای دانشگاه تهران در آمد و از آن تاریخ تا کنون در امر آموزش و تحقیق فعالیت داشته است. دره میرحیدر، عضو وابسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران و عضو موسس انجمن جغرافی دانان ایران است. یکی از موثرترین اقدام این استاد برجسته، نگارش مقدمه ای بر کتاب IRAN از سری کتاب های Countries of the World که در سال ۲۰۰۸ و از سوی موسسه نشنال جیا گرافیک منتشر شد، نوشته است. از دیگر مشاغل وی می توان به عضویت در انجمن جغرافیدانان آمریکا از سال ۱۹۶۲، عضویت در انجمن جغرافیایی ایران ، عضو مؤسس و رئیس هیأت مدیره انجمن ژئوپولتیک ایران(برای دو دوره) ، عضویت در گروه جغرافیای فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی (برای دو دوره)، رئیس اولین و دومین کنگره انجمن ژئوپلتیک ایران در سالهای ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ و عضو کمیته برنامه ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی ،هسته گروه آموزشی جغرافیا انشگاه پیام نور اشاره کرد. دکتر میر حیدر در سال ۱۳۵۹ به افتخار بازنشستگی زودهنگام نائل آمد".دوران بازنشستگی زودرس برای من توفیقی شد تا دید خودرا نسبت به مسائل سیاسی ایران و جهان وسعت دهم و به همکاری علمی و آموزشی با دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه و سایر مراکز علمی بپردازم.در همین دوران بود که کتاب جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا را ترجمه کردم "دکتر میر حیدر پس از بازنشستگی در سال ۱۳۷۰ از سوی دانشگاه آزاد اسلامی به خدمت گرفته شد و در سال ۱۳۷۳ مجدد برای تدریس و فعالیت های آموزشی به دانشگاه تهران خواسته شد او پس از یک سال تعلل به عضویت هیئت علمی دانشگاه تهران در آمد و در سال ۱۳۷۴ به مقام استدای نائل آمد.فعالیتهای آموزشی : دره میرحیدر با ورود به دانشگاه تهران و به پیشنهادی که ارائه می دهد، برای اولین بار در ایران درس اصول و مبانی جغرافیای سیاسی در برنامه دروس دوره لیسانس قرار می گیرد و اولین کتاب جغرافیای سیاسی مدون و نظام یافته را به نام «اصول و مبانی جغرافیای سیاسی» در سال ۱۳۴۷ منتشر می کند. در سال ۱۳۴۳ هم با تأسیس دوره فوق لیسانس جغرافیای انسانی در دانشگاه تهران به ارائه دروس ژئوپولتیک و مسائل جغرافیای سیاسی جهان می پردازد. در سال ۱۳۴۷ دانشیار می شود و به غیر از تدریس در دانشکده ادبیات، فعالیت در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ، دانشگاه پدافند ملی، دانشگاه تربیت معلم، دانشکده روابط بین الملل، دانشکده افسری و بعد از انقلاب در دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه امام حسین(ع) را به دیگر فعالیت های آموزشی اش می افزاید. در سال ۱۳۵۸ با تکمیل مدارک مربوطه، مرحله به مرحله را می گذراند تا به رتبه استادی نائل می شود ولی در مراحل پایانی، اعلامیه ای توسط وزارت علوم صادر می شود و هرگونه ارتقای علمی استادان ممنوع می شود. با آغاز انقلاب فرهنگی و تعطیل شدن دانشگاه های کشور تقاضای بازنشستگی اش را به مقامات مسؤول ارائه می دهد و مورد پذیرش هم قرار می گیرد. از آن پس فعالیت های علمی اش را در مرکز مطالعات عالی بین المللی دانشگاه تهران و دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه ادامه می دهد و به تدریس در دانشگاه های دیگر هم گرایش پیدا می کند. در سال ۱۳۷۴ بنا به دعوت دانشگاه تهران و تصویب هیأت وزیران پس از گذشت ۱۴ سال مجدداً به عضویت هیأت علمی دانشگاه تهران درآمده و در همان سال هم به درجه استادی نائل می آید و بعد از چند سال تدریس و تحقیق مجدداً در سال ۱۳۸۲ بازنشسته می شود ولی همچنان تدریس در مقاطع فوق لیسانس و دکترای جغرافیای سیاسی در دانشگاه تهران را ادامه داده است. او بعد از بازگشت از آمریکا، جغرافیای سیاسی را براساس رویکرد کارکردگرایی جغرافیدان مشهور آمریکایی در دهه ۱۹۶۰ به نام «ریچارد هارتشون» آموزش می داد. در این رویکرد عوامل مرکزگرا و مرکز گریز که بر عملکرد حکومت تأثیر می گذارند مورد بررسی قرار می گیرد. او دعوت به تدریس دانشگاه ایندیانا را بعد از اتمام تحصیل رد می کند و به دلیل علاقه ای که به مملکت خود داشته و اینکه از تخصص خود برای پیشرفت ایران استفاده کند به سرعت به ایران برمی گردد. روش تدریس او به این صورت است که در ابتدای تدریس، سؤالی را مطرح می کند و می کوشد دانشجویان را به تفکر در مورد آن سؤال تشویق و علاقه مند کند. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : او همچنین در تأسیس دوره های فوق لیسانس جغرافیای سیاسی در دانشگاه تهران و دانشگاه تربیت معلم نقش قابل توجهی داشته است. وی همچنین عضو موسس انجمن جغرافی دانان ایران (تاسیس در سال ۱۳۸۱) و فصلنامه علمی –پژوهشی ژئوپلتیک است.از دکتر میر حیدر به عنوان بنیانگذار جغرافیای سیاسی نظام مند یاد می شود سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دره میرحیدر در نشریات فرهنگی ایران ،بیش از ۳۰ مقاله را به چاپ رسانده است. وی موفق به ایراد سخنرانی های جامعی نیز در زمینه ی جغرافیای سیاسی شده و با بیانات خود در کنگره های داخلی و کنفرانس های جهانی چهره ی فرهیخته ای را از خود نشان داده است.شاگردان : از جمله دانشجویان سرشناس دره میر حیدر که در مقطع کنونی هر یک جایگاهی کسب کرده اند که زمانی در زمینه جغرافیای سیاسی در محضر میرحیدر علم آموخته اند می توان به دکتر پیشگاهی فرد، دکتر مجتهدزاده، دکتر کریمی پور، دکتر قالیباف شهردار تهران و دکتر رحیم صفوی فرمانده سپاه پاسداران اشاره کرد. آرا و گرایشهای خاص : عنوان تز دکترای دره میر حیدر با عنوان «عوامل جغرافیایی مؤثر بر بقای سیاسی ایران» بوده که در سال ۱۹۶۲ با درجه عالی از آن دفاع کرده است و با همین پیش زمینه و تخصص وقتی به ایران برمی گردد برای اولین بار جغرافیای سیاسی را به شکل سیستماتیک و مدرن به دانشجویان ایرانی تعلیم می دهد و از این جهت ترویج رشته جغرافیای سیاسی مدیون دره میرحیدر است که بعد از گذشت بیش از چهل سال تدریس و تحقیق در این حوزه همچنان در دانشگاه مادر ایران حضور می یابد و به کارش تداوم می دهد. در تزش کوشیده نشان دهد تا چه حد عوامل جغرافیایی و به ویژه موقعیت ژئوپلتیک ایران، منابع نفتی و معدنی و سایر ویژگی های جغرافیایی کشور در حیات سیاسی ایران و حکومت ها تأثیرگذار بوده اند. در آن سالها عمدتاً تأثیر جغرافیا بر سیاست مورد توجه بوده چه در قسمت ژئوپولتیک و چه در جغرافیای سیاسی ولی هم اینک جغرافیای سیاسی بیشتر بر ایدئولوژی ها، سیاست های دولت ها و رهبران سیاسی و صاحبان اندیشه و احزاب و تأثیرات آنها بر چشم اندازهای جغرافیایی مورد ارزیابی قرار می گیرد.

ضمن اینکه نمی شود وضعیت جغرافیایی را که بستر این فعالیت ها است نادیده گرفت. از دید میرحیدر، این تحول یک تحول مثبت است و واقع گرایی بیشتری را دنبال می کند. «در گذشته ، عوامل جغرافیایی را تعیین کننده قلمداد می کردند ولی امروزه موقعیت جغرافیایی عامل اساسی و تعیین کننده به شمار نمی آید و بنابراین ما هم نمی توانیم بگوییم که کشور ما موقعیت جغرافیایی کم نظیری دارد و تصور کنیم منافع کشور به راحتی تأمین می شود. چون امروزه گاه ژئوپولتیک جهانی مانع تأمین منافع ما می شود و لذا دیپلماسی و سیاست باید به عنوان مکمل موقعیت جغرافیایی مدنظر قرار گیرد و اگر دیپلماسی نباشد، موقعیت جغرافیایی ما هم چندان کارساز نیست.» او نسبت به رویکرد قبلی جغرافیایی سیاسی تعصب خاصی ندارد و به قول معروف خود را «به روز» نموده و به رویکرد جدیدی که از دهه ۱۹۷۰ به بعد فراگیر شده روی می آورد. «وقتی آدم می بیند که نگرش جدید درست است آن را انتخاب می کند. نگرش قبلی به کلی عقب افتاده است و نقش عوامل جغرافیایی را در روابط بین الملل عاملی تعیین کننده نمی داند. الآن ما معتقدیم که عامل جغرافیایی، تأثیرگذار است و نه تعیین کننده. در مقابل قدرت و ژئوپولتیک جهانی نقش تعیین کننده تری پیدا کرده است.» جوائز و نشانها : کتاب "جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا"ترجمه دره میر حیدری ، در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.دکتر میرحیدر از سال ۱۳۷۰ بهترین مترجم زن در دانشگاه الزهرا شناخته شد. وی همچنین جایزه کتاب برگزیده دانشگاهی را در سال ۱۳۸۰ دریافت نمود. در سال ۱۳۸۴ از وی به عنوان چهره ماندگار جغرافیا به انتخاب جامعه جغرافی دانان ایران تقدیر به عمل آمد. خلاصه ای از جوایز و لوحهای تقدیر دریافتی دره میر حیدر به قرار زیر است: مدال درجه اول فرهنگ برا احراز رتبه اول در دانشگاه تهران دریافت فلوشیپ(جایزه پژوهشی) از طرف دانشگاه ایندیانا برای تمام تحقیق درباره رساله دکتری اعزام به آمریکا برای گذراندن فرصت مطالعاتی (۱۳۵۶) دریافت جایزه و لوح تقدیر برای کتاب برگزیده دانشگاههای ۱۳۶۹ لوح تقدیر و جایزه با عنوان بهترین مترجم زن از طرف دانشگاه الزهراء در سال ۱۳۶۹ لوح تقدیر و جایزه برا کتاب سال ج.ا.ا از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۷۰ اعزام به آمریکا برای ارائه سخنرانی در کنگره اتحادیه بین المللی جغرافیایی در واشنگتن در سال ۱۳۷۱ لوح تقدیر و جایزه برای کتاب برگزیده دانشگاهها در سال ۱۳۸۰ لوح تقدیرو جایزه تشویقی کتاب سال ج.ا.ا در سال ۱۳۸۱ لوح تقدیر و جایزه در همایش تجلیل از پیشکسوتان دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۳ کسب تندیس و جایزه با عنوان قلم های ماندگار در همایش تجلیل از مولفان کتابهای درسی در سال ۱۳۸۴ کسب عنوان چهره های ماندگار جغرافیا در سال ۱۳۸۴ منتخب جامعه جغرافیدانان ایران در سال ۱۳۸۴ دریافت ۱۶ لوح تقدیر دیگر برای ارائه سخنرانی در همایش و مجامع علمی داخلی و خارجیچگونگی عرضه آثار : دره میرحیدر برای اولین بار جغرافیای سیاسی را به شکل سیستماتیک و مدرن به دانشجویان ایرانی تعلیم می دهد و از این جهت ترویج رشته جغرافیای سیاسی مدیون دره میرحیدر است. وی با تألیف کتاب اصول و مبانی جغرافیای سیاسی در سال ۱۳۴۷، اولین کتاب دانشگاهی و علمی را در این رشته ارایه نمود. از دیگر تألیفات وی مبانی جغرافیای سیاسی، جغرافیای سیاسی برای دانش آموزان دبیرستان سال سوم نظام جدید، مفاهیم بنیادی در جغرافیای سیاسی می باشد. میرحیدر ۵۲ عنوان مقاله به زبان فارسی و ۸ عنوان مقاله به زبان انگلیسی را به چاپ رسانده است. وی همچنین ۳۷ عنوان سخنرانی در دانشگاه ها و مجامع علمی و بین المللی دارد. راهنمایی بیش از ۲۱ پایان نامه و رساله دکتری و کارشناسی ارشد را در فعالیت های پژوهشی خود دارد. آثار : اصول و مبانی جغرافیای سیاسی ویژگی اثر : تالیف،مخصوص دانشجویان پیام نور،چاپ اول آزمایشی پاییز ۱۳۷۰،چاپ دوم ۱۳۷۱ انتشارات دانشگاه پیام نور۲ اصول و مبانی جغرافیای سیاسی ویژگی اثر : تالیف، انتشارات دانشگاه تهران،چاپ اول ۱۳۴۷ چاپ دوم با تجدید نظر ۱۳۵۱،چاپ سوم با تجدید نظر ۱۳۵۴،چاپ چهارم ۱۳۵۸۳ ایران ویژگی اثر : تالیف،علاوه بر دکتر میرحیدر ۲ نویسنده انگلیسی نیز در تالیف کتاب" ایران "نقش داشته اند و این کتاب در حال حاضر کتاب درسی دانش آموزان دبیرستانی آمریکا، انگلیس و کانادا است. ۴ جغرافیای سیاسی برای دانش آموزان سال سوم دبیرستان، نظام جدید ویژگی اثر : تالیف،چاپ دفتر تحقیقات و برنامه ریزی درسی وزارت آموزش و پرورش،سال تحصیلی ۱۳۷۱-۷۲ با تجدید نظر در سالهای ۱۳۷۳-۷۴۵ جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب :«جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا»: در بین جوامع دانشگاهی و دانشجویان جای کتابی که درباره جغرافیای سیاسی باشد، خالی و نیاز مبرم به آن محسوس بود، کتاب حاضر که اصل آن به زبان انگلیسی است و دو نفر متخصص فن آن را نگاشته‌اند تا حدود زیادی این خلاء را جبران کرده و احتیاج دانش پژوهان را پاسخ گفته است و از ویژگیهای ترجمه آن است که مترجم اشتباهات مولفان را در پابرگها یاد آور شده و نیز کلیه نامها که در اصل کتاب لاتین شده و در نقشه‌های موجود عربی است، معادل عربی آنها نوشته شده است. .ترجمه و تحقیق نویسندگان آلاسدایر درایسدل و جرالد اچ بلیک،۶ جهان سوم و کشورهای پیشرفته ویژگی اثر : ترجمه،نویسنده چتربی،انتشارات موسسه تحقیقات علوم اجتماعی ۱۳۴۹۷ درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی ویژگی اثر : ترجمه،انتشارات سازمان جغرافیایی ،بهمن ۱۳۷۹،این کتاب که با همکاری دکتر رحیم صفوی صورت گرفته کتاب برگزیده دانشگاه های ایران شد و سپس به عنوان کتاب تشویقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انتخاب شد. ۸ گرایش تازه در جغرافیای سیاسی ویژگی اثر : ترجمه،نویسنده پرسکات ،انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۵۸۹ مبانی جغرافیای سیاسی ویژگی اثر : تالیف،انتشارات سازمان مطالعات و تدوین(سمت)تهران،چاپ اول ۱۳۷۱،چاپ سوم با تجدید نظر کامل در سال ۱۳۷۳،تجدید نظر کامل در سال ۱۳۸۰ و چاپ دوازدهم مفاهیم بنیادین در جغرافیای سیاسی ویژگی اثر : انتشارات سازمان جغرافیایی ۱۳۸۶

میر خواند بلخی، محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۹۰۳ –۸۳۷ ق)، مورخ، ادیب و شاعر. معروف به میر خواند و امیر خواند. وی در شمار بزرگترین مورخان عهد تیموری بود. خاندان وی از سادات حسینی است و سلسله‌ی آباء و اجدادش به زید بن علی بن حسین (ع) منتهی می‌شود. در بلخ به دنیا آمد و در جوانی به هرات رفت و در آنجا تحصیلات خود را در علوم معقول و منقول به پایان رساند. وی از همان آغاز مورد توجه سلطان حسین بایقرا و وزیرش امیرعلیشیر نوایی (۹۰۶ –۸۴۴ ق) قرار گرفت و دوستی و الفت همواره بین میرخواند و امیرعلیشیر برقرار بود، به همین دلیل میرخواند کتاب «روضهٔ الصفا» را به نام او تألیف کرد. وی در فن تاریخ و صنعت انشاء و فنون ادب مهارت بسزایی داشت با این وجود به مشاغل دیوانی روی نیاورد تا در اواخر عمر، کارش به انقطاع و انزوا کشید و بیش از یک سال در گازرگاه هرات منزوی شد و به علت بیماری به هرات منتقل گردید و در آنجا نیز درگذشت و در مزار شیخ بهاءالدین که پیر و مراد پدرش بود، به خاک سپرده شد. صاحب «ریحانهٔ الادب» او را معاصر جامی می‌داند و در «دایرهٔالمعارف فارسی» زندگی پدر میرخواند، بهاءالدین خاوند شاه، با صاحب عنوان درآمیخته شده است. گروهی از منابع نیز در مورد محل تولد و تحصیلاتش اختلاف دارند.

از آثار وی: «روضهٔ الصفا فی سیرهٔ الانبیاء و الملوک و الخلفا»، مشتمل بر وقایع عمومی عالم از بدو خلقت تا زمان خود مؤلف. تاریخ او قسمتی ترجمه از تاریخ‌های عربی و قسمتی اقتباس از تواریخ خاصه فارسی و حتی نقل به عبارت از «جامع التواریخ» رشیدی و «ظفرنامه» شرف‌الدین علی با اندکی اصلاح است. میرخواند طرح این کتاب را در هفت جلد افکنده بود، با شروع جلد هفتم شدت بیماریش مانع پیشرفتش شد و از این رو نواده‌ی او غیاث‌الدین خواند میر، مؤلف «حبیب السیر»، این کتاب را به اتمام رسانید و حوادث عهد تیموری را تا ۹۲۹ ق به آن افزود. رضا قلی خان هدایت ذیلی بر این کتاب در سه مجلد تا حوادث زمان خود نوشته و آن را، به اسم ناصرالدین شاه قاجار، «روضهٔ الصفای ناصری» نامیده است. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (۶۲۵ –۶۲۱)، اعیان الشیعه (۴۰۲/ ۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۲۳ –۵۱۹/ ۴)، تاریخ در ایران (۱۵۲ –۱۵۱)، تاریخ مغول (۴۹۱)، تاریخ نظم و نثر (۲۴۰ –۲۳۹)، تعلیقات مزارات هرات (۵۱)، حبیب السیر (۳۴۲ –۳۴۱/ ۴)، دایرهٔالمعارف فارسی (۲۹۵۳/ ۲)، الذریعه (۲۹۷ –۲۹۶/ ۱۱ ،۱۱۴۰، ۳۰۷/ ۹)، روضهٔ الصفا (مقدمه/ ک- ع)، ریحانه (۵۶ –۵۴/ ۶)، سبک شناسی (۲۰۵ –۲۰۴/ ۳)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۲۳۴ –۲۳۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۹۵ –۴۹۴)، فرهنگ سخنوران (۹۰۰ –۸۹۹)، کشف الظنون (۹۲۷ –۹۲۶)، الکنی و الالقاب (۲۲۰/ ۳)، لغت نامه (ذیل/ میرخواند)، مجالس النفائس (۲۷۰ ،۹۴)، مزارات هرات (۱۱۸)، مؤلفین کتب چاپی (۴۵۸ –۴۵۵/ ۵)، هدیهٔ الاحباب (۲۵۲).

میر داماد نجف آبادی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی میر داماد نجف آبادی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید علی میرداماد نجف آبادی در سال ۱۳۴۹ متولد شدم. دوره ابتدائی تا سوم ابتدائی را در اهواز گذراندم و سال چهارم و پنجم ابتدائی در مشهد. دوره راهنمائی و دبیرستان در قم. سال ۱۳۶۸ وارد حوزه شدم (همزمان دیپلم گرفتم سال ۱۳۶۸). شش سال در مدرسه «معصومیه» دوره مقدمات را گذراندم. اساتیدم در دوره مقدمات: آقایان نائینی، مسعودی کاشانی، ترابی، اسلامی، حیاتی.

دوره سطح را در مدرسه آیت الله گلپایگانی گذراندم. اساتید این دوره: موسوی تهرانی، اعتمادی، هادوی تهرانی. سه سال درس خارج فقه و اصول آیت الله هادوی تهرانی. یک سال درس خارج فقه «آیت الله جوادی آملی». از سال ۱۳۷۱ تدریس در مرکز جهانی علوم اسلامی را آغاز کردم و تاکنون ادامه دارد. مدت ۵ الی ۶ سال هم در مدارس مرکز مدیریت حوزه تدریس داشتم.

میر دریکوندی، رحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رحیم میر دریکوندی

محل تولد : خرم آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۹/۱۵

زندگینامه علمی

به روایت شناسنامه در تاریخ ۱۵/ ۹/۱۳۴۰ در یکی از روستاهای اطراف خرم آباد در یک خانواده کشاورز متولد شدم. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان خود را در خرم آباد و حومه به پایان رساندم. با شروع جنگ تحمیلی در سال ۵۹ به عنوان نیروی بسیج به جبهه اعزام شدم. در سال ۶۱ – ۶۰ پس از اخذ مدرک دیپلم در رشته علوم تجربی، لباس مقدس سربازی را به تن کردم.

پس از چندین ماه حضور مستمر در جبهه‌های جنوب و غرب کشور در تاریخ ۱۳/۱۰/۶۱ به درجه مقدس جانبازی نایل شدم.

در سال ۶۳ – ۶۲ وارد حوزه علمیه کمالیه خرم آباد و بلافاصله وارد حوزه علمیه قم شدم و از آن تاریخ به بعد به طور مستمر مشغول تحصیل و فراگیری علوم دینی و حوزوی در حوزه علمیه قم هستم. هم اکنون دارای سابقه ۱۰ سال درس خارج آیات عظام: «مکارم شیرازی»، «سبحانی»، «وحید خراسانی»، «میرزا جواد تبریزی»، «جوادی آملی»، «صالحی مازندرانی»، و ... می باشم.

سال ۶۵ در کنار علوم حوزوی، وارد مؤسسه در راه حق شده و فراگیری دروس و علوم انسانی دانشگاهی را شروع نمودم. مدارج علمی را از کارشناسی، کارشناسی ارشد عمومی و کارشناسی ارشد تخصصی تا دکتری را به طور مستمر در این مؤسسه و بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) و در نهایت در مؤسسه امام خمینی (ره) طی کردم. در سال ۷۸ در همین مؤسسه، موفق به کسب مدرک کارشناسی ارشد در رشته «روانشناسی بالینی» گردیدم. تقریبا چند سال بعد در امتحان ورودی دکتری «روانشناسی تربیتی» این مؤسسه شرکت نموده و به عنوان دانشجوی دوره دکتری پذیرفته شدم. پس از اتمام دوره آموزش، مؤفق شده‌ام که امتحان جامع و مصاحبه نهایی خود را با موفقیت پشت سر بگذارم و در حال حاضر مشغول تدوین رساله دکتری خود می‌باشم.

لازم به ذکر است هم اکنون که خرداد ۸۷ می باشد؛ سمینار اول رساله ام برگذار شده و تقریبا ۸۵٪ رساله نیز به پایان رسیده‌است. علاوه بر تحصیل، سالیان سال در کنار تحصیلات حوزوی و دانشگاهی خود در ادارات، ارگانها و دانشگاههای مختلف و سایر مراکز علمی، مشغول تدریس، تبلیغ، تحقیق، مشاوره و راهنمایی، و مربیگری بوده‌ام. روی هم رفته دارای تقریبا ۱۵ سال سابقه تدریس، تحقیق، مشاوره، راهنمایی و مربیگری در مؤسسه امام خمینی (ره)، دانشگاه قم، مرکز جهانی علوم اسلامی (جامعهٔ المصطفی العالمیه)، آموزش و پرورش قم، دانشگاه باقرالعلوم (ع) دفتر تبلیغات، مرکز تخصصی مهدویت و سایر جاها می‌باشم. لازم به ذکر است که تاکنون دو بار در مؤسسه به عنوان دانش پژوه ممتاز انتخاب شده‌ام. هم اینک نیز به عنوان یک طلبه بسیجی افتخار خدمت به اسلام، انقلاب و جامعه اسلامی را دارم.

میر سپاسی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۵ –۱۲۸۶ ش)، روان پزشک، استاد دانشگاه، نویسنده و مترجم. در تفرش به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در مشهد و دارالفنون گذراند و در ۱۳۱۵ ش تحصیلات پزشکی خود را در دانشکده پزشکی لیون فرانسه به پایان رساند. اما به علت علاقه شخصی، به تحصیل در رشته‌ی روان پزشکی و پزشکی قانونی و همکاری با پروفسور باروک پرداخت. پس از بازگشت به ایران در بیمارستان روزبه تحت عنوان پزشک بیماری‌های روانی مشغول خدمت شد. او همچنین بیمارستان میمنت را تأسیس کرد و تا پایان عمر به مداوای بیماران پرداخت. از آثارش: «تاریخ تکامل مراکز دماغی»؛ «تاریخ تکامل هیستری یا بیماری حمله‌ی از دیرگاهان تا امروز»؛ «جنون جوانی»؛ «روانشناسی پزشکی»؛ «قانون و جنون»؛ «روانپزشکی اجتماعی»، ترجمه‌ی حواشی؛ «خلاصه روانپزشکی»، با همکاری حسن بطحائی و مسعود میربهاء.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :سالنامه‌ی تفرش (۵۰ –۴۹، ۱۳۷۷)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۵۲۰، ۱۹۰۶، ۱۷۵۸، ۱۷۵۴/ ۲، ۱۰۶۸، ۶۸۵، ۴۷۸/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۵۸)، مؤلفین کتب چاپی (۷۵۷ –۷۵۶/ ۳).

میر سید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از خدام والامقام بضعه احمدی و از علماء و مجتهدین و فقهاء و اصولیین بود از شاگردان مرحوم علامه ثانی ملا محمدکاظم خراسانی است. شرحی به کفایه استاد خود نوشته که یک جلد آن به طبع رسیده در اواخر عمر به تهران منزل گزید در آنجا مشغول تدریس فقه و اصول بود و هم آنجا مرحوم و در قم مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

میر شمس شهشهانی، سهیلا

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

دکتر سهیلا میرشمس شهشهانی ، متولد ۱۳۲۷ ه.ش در تهران، دارای دکتری انسان شناسی از دانشگاه کالیفرنیا آمریکا در سال ۱۹۸۱.م و عضو هیئت علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی ازسال ۱۳۷۰ می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : علوم اجتماعیوالدین و انساب : سهیلا میرشمس شهشهانی دارای دو برادر است که آنها ریاضیدان هستندخاطرات کودکی : سهیلا میرشمس شهشهانی قبل از رفتن به آمریکا چنین می گوید:فکر می کردم روانشناسی بخوانم. تصورم این بود که رشته روانشناسی، یک رشته خیلی جذاب است ولی وقتی دربهار سال ۱۹۵۶ به خارج رفتم، کم کم علایقم تغییر کرد. تحصیلات رسمی و حرفه ای : دیپلم: ۱۳۴۵ / آمریکا. کارشناسی: فلسفه / ۱۳۴۸ / دانشگاه کالیفرنیا، برکلی. کارشناسی ارشد: انسان‌شناسی / ۱۳۵۲ / نیویورک / گرادویت فکولتی نیواسکول فور سوشال ریسرچ. دکتری: انسان‌شناسی / ۱۳۶۰ / نیویورک / گرادویت فکولتی نیواسکول فور سوشال ریسرچ است.خاطرات و وقایع تحصیل : سهیلا میرشمس شهشهانی در باره تعیین رشته خود چنین میگوید: قبل از رفتن به آمریکا، عمدتاً با روانکاوی آشنا بودم و فکر می کردم که روانکاو خواهم شد. من از طریق برخی مقالات و دایره المعارف فهمیده بودم که روانکاوی چه هست ولی وقتی که در آمریکا، آثاری بیش تر را مطالعه کردم، دیدم روانکاوی آن طور که دوست داشتم، جذاب نیست. در دانشگاه هم وارد رشته فلسفه شدم.در ترم اول که ترم تابستانه بود، فقط یک درس را گرفتم و آن هم کتاب جمهوری افلاطون بود.بعد از اخذ مدرک لیسانس فلسفه، به نیویورک رفتم و در کلاس یکی از معروف ترین استادان انسان شناسی شرکت و به این رشته علاقه پیدا کردم. البته دپارتمان انسان شناسی دانشگاه کالیفرنیا در برکلی، بسیار معروف بود ولی من در دوره لیسانس به انسان شناسی علاقه نداشتم. وقایع میانسالی : سهیلا میرشمس شهشهانی پس از فراغت از تحصیل و بازگشت از آمریکا به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی در گروه علوم اجتماعی پذیرفته شد و وی هم اکنون در آنجا سمت دانشیاری دارد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سهیلا میرشمس شهشهانی عضو هیئت علمی گروه جامعه شناسی دانشگاه شهید بهشتی و سردبیر مجله انسان شناسی، و سردبیر مجله فرهنگ انسان و معاون کنونی مجمع بین المللی علوم انسان شناسی و قوم شناسی می باشد.آرا و گرایشهای خاص : سهیلا میرشمس شهشهانی معتقد است: انسان شناسی نسبت به یک جامعه شناخت می دهد. ممکن است توانمندی های جامعه موضوع تحقیق باشد و یا این که کسی بخواهد ضعف ها را نشان دهد.

میر عبداللهی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمود میر عبداللهی

محل تولد : چادگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمود میرعبداللهی شهرت حسینی به شماره شناسنامه ۱۱ صادره از چادگان متولد ۱۳۲۵ از منطقه فریدن هستم. اینجانب در سال ۱۳۳۷ در سن ۱۲ سالگی در اصفهان مشغول تحصیل علوم دینی شدم و بعد از گذراندن دو سال در سال ۱۳۳۹ وارد حوزه علمیه قم شدم. مدت پنج سال در مدرسه «جانی خان» واقع در خیابان آذر میدان کهنه روبروی مسجد جامع قم، ادبیات را خدمت آقای نحوی و مختصر المعانی را خدمت آیت الله دوزدوزانی و معالم و قوانین الاصول را خدمت آقای اعتمادی و فرائد الاصول را خدمت آقای نوری و مکاسب را خدمت آیت الله فاضل لنکرانی و جلدین کفایهٔ الاصول را خدمت آیت الله سلطانی خواندم.

مدت ۱۵ سال درس خارج فقه «حضرت آیت الله العظمی مرحوم آقای گلپایگانی» شرکت می‌کردم و مدت ۱۵ سال درس خارج فقه و اصول «حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ مرتضی حائری» شرکت داشتم و لمعتین را خدمت آقای ستوده خواندم و در سال ۱۳۶۰ از طرف دفتر حضرت امام خمینی (ره) به امامت جمعهٔ شاهین شهر منصوب شدم و قبل از پیروزی انقلاب مدتی را در پیروزآباد شیراز تبعید بودم.

در سال ۱۳۶۲ در شاهین شهر به وسیله یک نفر منافق به نام «کریم» اهل شهرضا مورد ترور قرار گرفتم. نام برده دستگیر و اعدام شد. چون شخص نام برده در اصفهان شخص به نام آقای بهشتی نژاد را با فرزندش جلو درب خانه‌اش ترور کرده بود. در سال ۱۳۶۵ از شاهین شهر به شهرستان کُردگان که از توابع شهر کرد است؛ منتقل شدم. بعد از سه سال آنجا به ابوان غرب از توابع ایلام است؛ منتقل شدم. بعد از سه سال از آنجا به میمه اصفهان منتقل شدم. در این مدت که امام جمعه بودم؛ تدریس هم داشتم. دروس حوزوی و هم در دانشگاه‌ها: معارف اخلاق و تفسیر تدریس می‌کردم و فعلاً هم در قم مشغول تدریس هستم.

این بود خلاصه از زندگی اینجانب و ضمناً کتاب‌های حقیر چاپ نشده. «تبیین منابع فلسفه»، «سعادت و شقاوت از دیدگاه فلاسفه»، «تلخیص اخلاق فرانکنا»، «سؤال و جواب از علوم قرآنی»، «سوال و جواب درباره مهدویت و اسلام». ضمناً اضافه می‌کنم که در سال

۱۳۶۲ که مورد ترور منافق قرار گرفتم؛ چند روز که گذشت یک شب ساعت ۲ بعد از نصف شب منزل بنده را به رگبار بستند از طرفداران سید مهدی هاشمی. و همینطور قبل از اینکه مورد ترور قرار بگیرم در سال ۱۳۶۱ درب منزل اینجانب مواد منفجره گذاشته بودند که در این چند جا خداوند نجاتم داد. در تمام این جریانات حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای نمازی که در آن وقت فرمانده سپاه اصفهان بودند به من کمک کردند و آقای نمازی فعلاً امام جمعه کاشان می‌باشند.

میر عظیمی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید جواد میر عظیمی مراغه‌ای از علمای معاصر تهرانند. ایشان در ماه رجب ۱۳۴۰ ه. ق، در مراغه بدنیا آمدند و تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در همانجا طی و بعد مقدمات را نزد جناب آقای شیخ حسین پیشنماز بالوقیه مراغه و آقای حاج شیخ ابراهیم بادکوبه‌ای و عالم ربانی حاج شیخ محمد تقوی خوانده و از کمالات روحی آنان رضوان اللّه علیهم شمه‌ای بهره بردند.

سپس بعزم تکمیل مقدمات سه سال در شهر تبریز متوطن شده و در حوزه‌ی تدریس اساطین فقها و اصولا حاضر شدند. سپس بامر و توصیه یکی از اساتید عظام نوراللّه مرقده بقصد تکمیل سطح و اخذ معقول به مشهد تشرف حاصل نموده و سه سال در حوزه تدریس حضرت الاستاد الحاج سید احمد یزدی معروف باستاد و آیت‌اللّه حاج شیخ مجتبی قزوینی و آیت‌اللّه شیخ هاشم قزوینی عطراللّه مرافدهم فقه و اصول و معقول را آموختند و تفسیر و اخلاق و مقداری از خارج متاجر را محضر مرحوم آیت‌اللّه ربانی میرزا مهدی الاصفهانی آموخته بودند.

در سنه‌ی ۱۳۶۷ ه.ق در قم متوطن گردیده در مجلس تدریس بعضی از اعاظم حوزه مبارکه حاضر شدند. معظم له در مدت اقامت خود در قم به تدریس و اقامه جماعت حسب‌الامر مرحوم آیت‌اللّه حجت در مسجد حاج میرزا عبداللّه کیهانی در محله‌ی در بهشت اشتغال داشتند.

آثار علمی و قلمی عدیده‌ای دارند که ذیلاً بعضی از آنها از نظرتان می‌گذرد.

۱- تلخیص الفراید للشیخ الانصاری قده

۲- تلخیص التقریرات قسمت اصول علمیه للنائینی قده.

۳- کتاب کفارات در اسلام فارسی استدلالی.

۴- ترجمه و شرح رساله حضرت امام جعفر الصادق علیه‌السلام و آن اولین حدیث کتاب روضه کافی است.

۵- ترجمه و شرح خطبه‌ی حضرت سجاد علیه‌السلام.

۶- ترجمه و شرح خطبه‌ی حضرت زینب علیهاالسلام.

۷- دو نشریه بنام جریمه‌ی روزه خواران.

۸- جریمه‌ی مرتکبین محرمات حج.

۹- مجموعه‌هایی در فنون مختلفه.

از باقیات‌الصالحات ایشان فرزند برومند و مؤدب ایشان آقای سید میر حسین میر عظیمی حسینی است که از محصلین متدین و جدی حوزه علمیه قم می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

میر کرمانی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، شاعر، متخلص به میر. وی معاصر شیخ اویس جلایر (۷۷۶ -۷۵۷ ق)، از پادشاهان آل جلایر، و مداح امیر مبارزالدین محمد بن مظفر (۷۵۹ -۷۱۳ ق)، از پادشاهان آل‌مظفر، بود. دکتر قاسم غنی «دیوان» وی را در چهار قسمت: ۱- مثنوی «مجمع اللطائف»، ۲- مثنوی «درج اللآلی»، ۳- قصاید و ۴- غزلیات ذکر کرده است. اما به آورده‌ی «تاریخ نظم و نثر» دیوان او در حدود هشت هزار بیت می‌باشد و به سبک عماد فقیه و عراقی غزل می‌سروده است. همچنین این تذکره «دیوان» وی را جدای از دو مثنوی «مجمع اللطائف»، در ۷۳۲ ق، و «درج اللآلی»، در ۷۲۶ ق، می‌داند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۴۰/ ۳)، تاریخ عصر حافظ (۱۹۱ -۱۹۰/ ۱)، تاریخ نظم و نثر (۲۰۹)، الذریعه (۲۸۴ ، ۱۷۵/ ۱۹ ، ۱۱۴۱/ ۹ ، ۵۹/ ۸)، فرهنگ سخنوران (۸۹۹)، مونس الاحرار دقائق الاشعار (۹۸۴ -۹۸۳/ ۲).

میر لوحی سبزواری اصفهانی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(قبل از ۱۰۰۰- بعد از ۱۰۸۳ ق)، عالم دینی و شاعر، متخلص به نقیبی. ملقب به مطهر، نسبش به حضرت ابراهیم، فرزند امام موسی کاظم (ع) می‌رسد. در اصفهان به دنیا آمد. وی با مجلسی معاصر بود. به مشهد رفت و به آوردهٔ آقا بزرگ تهرانی «تهذیب الاحکام» را در خدمت میر محمدجعفر رضوی، پدر میر محمد زمان رضوی صاحب «صحیفهٔ الرشاد»، خواند. سپس به اصفهان بازگشت و به انجام وظائف دینی مشغول شد. از آثارش: «کفایهٔ المهتدی فی معرفهٔ المهدی (عج)؛ «زاد العقبی»، در مناقب ائمه (ع)؛ «تنبیه الغافلین»، در رد صوفیه؛ «اعلام المحبین»، در رد صوفیه؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۰۹/ ۹)، الذریعه (۱۰۲ -۱۰۱/ ۱۸ ،۶/ ۱۲ ،۱۲۲۲ -۱۲۲۰/ ۹ ،۱۵۱ -۱۵۰/ ۴)، ریحانه (۲۳۶ -۲۳۵/ ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۸۱ -۴۷۹/ ۱۱).

میر محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۸۳ ق)، خطاط و مذهب. از آثار وی: کتابت قسمتی از قرآن وزیری، مذهب و مجدول سازی، دو سطر اول و آخر به قلم زر و خط رقاع جلی، متن به نسخ کتابت خفی یاقوتی خوش، با رقم: «کتبه العبد... میرمحمد بن محمدی التبریزی، تحریرا فی... سنهٔ ثلاث و ثمانین و تسعمائهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۵۲/ ۴).

میر محمد صادقی، علی اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن سید جعفر، عالم فاضل، ساکن قریه‌ی زمان‌آباد. برخوار، عالم فاضل، در جمعه ۲۰ شعبان ۱۳۳۱ وفات یافته، در حرم امام‌زاده نرمی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

میر محمد صادقی، محسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند آقا سید محمد باقر بن میر سید علی حسینی.

عالم فاضل زاهد، از علمای کاملین، و فقها و مجتهدین، از خاندان علم و روحانیت. پدرش در ۱۲۱۶ متولد، و در حدود ۱۲۸۰ وفات یافته، خود در اصفهان متولد، و در نزد جمعی کثیر از علما در اصفهان و نجف همچون: شیخ انصاری، و شیخ مشکور عرب، و شیخ راضی نجفی، و فاضل اردکانی، و حاج شیخ زین‌العابدین مازندرانی، و آقا میرزا علی نقی طباطبائی تحصیل نموده، در ۱۲۸۴ به اصفهان مراجعت کرده، مدتی به درس حاج شیخ محمد باقر نجفی حاضر شده، و سپس به درس و بحث و اقامه‌ی جماعت و ارشاد پرداخته.

سرانجام در ۲ شنبه ۶ جمادی‌الاولی سال ۱۳۲۸ وفات یافته، در پائین پای فاضل هندی مدفون گردید.

کتب زیر از آثار قلمی اوست:

۱ – رساله در اصول دین ۲ – رساله در صیغ عقود ۳ – شرح دره‌ی بحرالعلوم ۴ – تقریرات فقهی و اصولی اساتید خود.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

میر محمد صادقی، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

و از احفاد اوست: حاج سید محمّد باقر بن حیدر بن میر سید بن میر علی نقی که از جمله علما و فضلا و ائمّه ی جماعت اصفهان، در نزد حاج آقا مشیر الدین بروجردی تلمّذ نموده و به دامادی او مفتخر گردیده، و در مسجد ایلچی امامت می‌فرموده. (مسجد از آثار صاحب سلطان بیگم دختر حکیم نظام الدین محمّد ملقب به حکیم الملک ایلچی در سال ۱۰۹۷ بنا شده است.)

در شب ۴ ماه صفر المظفر سال ۱۳۶۳ وفات یافته، در جنب تکیه ی ملک مدفون گردید، و بعداً در آنجا تکیه‌ای احداث نمودند به

نام تکیه میر محمّد صادقیها.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

میر محمد صادقی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل ادیب شاعر متخلص به «مدرس»، در ۱۳۰۴ متولد، و در شب ۳ شنبه ۶ محرم ۱۳۸۹ وفات یافت. دیوانش به طبع رسیده.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

میرابوالقاسمی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدتقی میرابوالقاسمی در سال ۱۳۰۹ ، در شهر رشت به دنیا آمد. پس از طی دوره ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه شد و در رشته های معقول و امور تربیتی به ادامه تحصیل پرداخت و سرانجام در سال ۱۳۳۸ از دانشکده معقول و منقول فارغ التحصیل شد و با توجه به اینکه در همین سال جزء قبول شدگان دورهٔ دکتری معقول بود ، اما به علت اشتغال در آموزش و پرورش گیلان از ادامه تحصیل منصرف گردید. او در سال ۱۳۶۸ بازنشسته شد ، بعد از آن چون از سال ۱۳۶۲ در دانشگاه های گیلان ، آزاد اسلامی ، پیام نور و آموزش ضمن خدمت به عنوان استاد مدعو به تدریس اشتغال داشت لذا تا سال ۱۳۷۲ بـه تـدریس ادامه داد و پس از آن به تحقیق و پژوهش روی آورد.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : سیدمحمدتقی میرابوالقاسمی فرزند سید شرف الدین ،در شهر رشت به دنیا آمد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید محمدتقی میرابوالقاسمی تحصیلات خود را در حوزه مذهبی گیلان (رشت) و مروی تهران تـا پایـان دوره سطح ادامه داد. مـدتی پس از طی دوره ابتـدایی و متوسطه وارد دانشگاه شد و در رشته های معقول و امور تربیتی به ادامه تحصیل پرداخت و سرانجام در سال ۱۳۳۸ از دانشکده معقول و منقول فـارغ التحصـیل شـد و با توجه به اینکه در همین سال جزء قبول شـدگان دورهٔ دکتری معقول بود ، اما به علت اشـتغال در آموزش و پرورش گیلان از ادامه تحصیل در رشته دکترا منصرف گردید.همسر و فرزندان : سید محمدتقی میر ابوالقاسمی دارای پنج فرزند که سه پسر و دو دختر می باشند. پسر بزرگ فارغ التحصیل رشته پرستاری و در حال حاضر تکنسین اتاق عمل در بیمارستان دکتر حشمت رشت شاغل می باشد. دو فرزند پسر دیگر در کارخانه های صنعتی استان مشغول به کار هستند. یک دخترشان ،معلم و دختر دیگر ایشان کاردان آزمایشگاه بیمارستان رازی رشت و دانشجوی رشته زبان انگلیسی می باشد.فعالیتهای آموزشی : فعالیت آموزشی سید محمدتقی میر ابوالقاسمی در آموزش و پورش استان گیلان آغاز گردید. او در سال ۱۳۶۸ بازنشسته شد ، اما چون از سال ۱۳۶۲ در دانشگاه های گیلان ، آزاد اسلامی ، پیام نور و آموزش ضمن خدمت به عنوان استاد مدعو به تدریس اشتغال داشت لذا تا سال ۱۳۷۲ به تدریس ادامه داد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سید محمدتقی میر ابوالقاسمی از سال ۱۳۷۲ به بعد به دنبال فعالیت های فرهنگی و پژوهشی رفت که بسیار مورد علاقه وی بود و بدین جهت از تدریس کناره گرفت.آثار : آموزش دینی از آغاز تا عصر حاضر ، امید های نو در دنیای اسلام ، پژوهشی در زندگی مذهبی جوانان ، تاریخ و جغرافیای طالقان ، تربیت و تعلیم دینی ویژگی اثر : دو جلد۶ جنبش جنگل و میرزا کوچک خان ویژگی اثر : خاطرات میراحمد مدنی۷ سرزمین و مردم گیل و دیلم نهضت های روستایی در ایران ، گیلان از آغاز تا انقلاب مشروطیت ویژگی اثر : جلد ۱۹ گیلان از انقلاب مشروطیت تا زمان ما ویژگی اثر : جلد دو۱۰ نقش الگوها در تربیت ،نهضت جنگل و اوضاع اجتماعی و فرهنگی گیلان و قزوین ویژگی اثر : خاطرات صادق کوچکپور

منابع زندگینامه :آشنایی با مشاهیر فرهنگی گیلان ، تهیه و تدوین: علیرضا پارسی ، رشت: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، اداراه کل فرهنگ و ارشاد اسلامی ، ص ۳۱

میراحمدی، منصور

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

منصور میراحمدی

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب منصور میر احمدی فرزند امیر در بیست و پنجم دی ماه ۱۳۴۷ در روستای «چناروئیه» از توابع شهرستان کرمان به دنیا آمدم. دوران تحصیلی ابتدایی را در روستای مذکور و راهنمایی را در روستاهای مجاور به پایان رساندم. سپس در سال ۱۳۶۳ جهت ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه قم گردیده تحصیلات حوزوی را آغاز کردم. در کنار گذراندن دروس مذکور به دلیل علاقه وافر به علوم جدید و اعتقاد به ضرورت کسب این علوم در دوران کنونی، دوران تحصیلی متوسطه را به صورت داوطلب آزاد در سال ۱۳۷۸ پشت سر گذراندم. علاقه مذکور، تلاش و کوشش جهت حضور در دانشگاه و تحصیل در یکی از رشته های علوم انسانی را به دنبال داشت. در سال ۱۳۷۰ در رشته «علوم سیاسی» موسسه آموزش عالی باقرالعلوم (علیه السلام) پذیرفته شده و دکتری «علوم سیاسی» خود را در دانشگاه تهران اخذ نموده و از آن پس در دو زمینه علوم حوزوی و دانشگاهی مشغول به تحصیل و تحقیق و تدریس هستم.

میرزاده عشقی، محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(میرزاده) محمدرضا ابن (حاج سید) ابوالقاسم کردستانی، شاعیر ایرانی (و. همدان ۱۳۷۲ ه.ش.– مقت. تهران ۱۳۰۳ ه.ش./ ۱۳۴۲ ه.ق.). وی به آموختن ادب و شعر پرداخت. ذوق و احساسات ادبی او آمیخته با احساسات وطن پرستی و آزادیخواهی و اصلاح‌طلبی بود. در جسارت و از خود گذشتگی و بی‌باکی کم نظیر بود. عشقی در دوران جنگ جهانگیر اول به کشور عثمانی رفت و در دارالفنون آنجا تحصیل کرد. وی روزنامه «قرن بیستم» را که حاوی مقالات و اشعار تند ضد هیئت حاکمه بود در تهران منتشر داد، و ظاهرا به سبب همین مقالات به دست دو تن ناشناس کشته شد و جسد او را در ابن بابویه به خاک سپردند. عشقی در اپرای معروف «رستاخیز» رستاخیز شاهان بزرگ ایران را نشان میدهد که یکایک به صحنه می آیند و به حال کشور ایران افسوس می‌خورند و افتخارات دوره‌های گذشته را به یاد می‌آورند. تابلوهای «ایدآل» و «کفن سیاه» هر یک شامل انتقاد اوضاع اجتماعی ایران است. دیوان وی مکرر به طبع رسیده.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

میراشرفی، هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید هادی میر اشرفی

محل تولد : لنگرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

سید هادی میر اشرفی از استان گیلان شهر استان لنگرود روستای «دریا سر» در سن ۱۲ سالگی پس ازاتمام دوره ابتدائی بر اثر علاقه شدید به علوم دینی و فراگیری آن، راهی حوزه علمیه فقیه (حاج ابوالفتح) در تهران به مدیریت «حضرت آیهٔ الله مرتضوی لنگرودی» شده و در آن حوزه مقدسه در سال ۱۳۶۰ اشتغال به تحصیل پیدا نمود و دروس پایه تا اتمام لمعتین را در آن حوزه مقدسه به اتمام رسانیدم.

سپس راهی حوزه مقدسه قم کنار بارگاه مقدس حضرت فاطمه معصومه (علیها سلام) شدم و در دروس رسائل و مکاسب شرکت نمودم که رسائل را خدمت حجهٔ الاسلام موسوی تهرانی در حوزه آیهٔ الله العظمی گلپایگانی و بیع مکاسب حضرت حجهٔ الاسلام جناب آقای نکونام در مسجد مقدس امام رضا (علیه السلام) در گذرخان حاضر شده و پس از آن دروس کفایه آیات عظام و حجج اسلام شرکت نمودم و به اتمام رسانیده و راهی دروس خارج مراجع بزرگوار که خارج فقه «حضرت آیهٔ الله مکارم شیرازی» و اصول «حضرت آیهٔ الله وحید خراسانی» را درک کرده و از آن اساتید بهره ها برده و به تحقیقات در حوزه دین ادامه داده تا انشاءالله تعالی صاحب دین امام زمان (علیه السلام وعجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور بفرماید.

میرایزاده اردکانی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آبیاری، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تهران
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

میرباقری، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابراهیم میرباقری فرزند مرحوم حاج سید حسن میرباقی (خیاط) شاهرودی برادرزاده حاج سید علی میرباقری واعظ معروف تهران از فضلاء و نویسندگان و خطباء و اساتید معاصر دانشگاه است.

تولد ایشان در سال ۱۳۲۶ شمسی در شاهرود واقع شده و در یک خانواده با دیانت و تقوا پرورش یافته و دروس ابتدائی را در زادگاه خود خوانده و پس از آن در خدمت والد ماجدش در سال ۱۳۲۷ شمسی به شهرستان قم مهاجرت نموده و دوران دبیرستان را در مدرسه حکیم نظامی (که امروز به نام دبیرستان امام صادق علیه‌السلام است) گذرانیده است.

در سال ۱۳۳۶ شمسی وارد حوزه علمیه و به تحصیل علوم عربی و ادبی و منطق و فقه و اصول پرداخته و دروس یاد شده را از محضر آیاتی چون آقای سلطانی بروجردی و مشکینی و مرحوم آیت‌اللَّه مجاهدی فراگرفته و بعد به درس خارج آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و محقق داماد شرکت و استفاده نموده و علوم عقلی و فلسفی را از محضر آیت‌اللَّه طباطبائی قاضی آموخته و در سال ۱۳۴۷ شمسی به تهران عزیمت نموده و دوره الهیات را در دانشگاه به پایان رسانیده و به دریافت مدرک دکترا در رشته الهیات نائل شده و در حال حاضر به تدریس در آنجا و نیز تبلیغ و ترویج از طریق منبر و خطابه‌خوانی اشتغال دارند.

دارای آثار گرانقدری می‌باشند که از آنها ترجمه کتاب احتجاج طبرسی در دو مجلد به طبع رسیده است.

والد ماجد جناب آقای دکتر میرباقی مرحوم حاج سید حسن که از بیت مرحوم آیت‌اللَّه حاج آقا حسین موسوی شاهرودی ابرسجی بودند از اخیار و ابرار شهرستان قم و اشتغال به خیاطی و دوختن لباس روحانیت داشتند که در سال ۱۴۱۱ قمری در اثر تصادف به رحمت حق پیوسته و به لقاء اجداد خویش شتافتند.

دارای دو برادر روحانی بزرگوارند.

۱– جناب آقای حاج سید محمد میرباقری که در شاهرود از طریق وعظ و خطابه به خدمات دینی اشتغال دارند.

۲– جناب آقای حاج سید علی میرباقری امام مسجد قنات‌آباد تهران که از خطباء و وعاظ محترم تهران به شمار می‌روند بیانی آموزنده و منبری سازنده دارند و ایشان تحصیلات خود را در شاهرود و بعد قم به پایان رسانیده و در تهران رحل اقامت افکنده و به خدمات روحی و دینی خود از اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج اسلام اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

میرجلیلی، علی محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی محمد میر جلیلی

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۳/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب علی محمد میرجلیلی فرزند حاج میرزا یدالله در تاریخ ۱۰/۳/۱۳۴۴ ه.ش در شهر یزد ـ شاهدیه متولد گشتم. پدرم از مؤمنین و عاشقان خاندان رسالت بود و همواره در مجالسی که به نام اهل بیت تشکیل می شد؛ شرکت می کرد. او در سنین نوجوانی به بیماری سختی مبتلا شده بود. و با توسل به اهل بیت (ع) شفا یافته بود. از این رو با شنیدن نام آن بزرگواران اشکش جاری می شد. و چون دو فرزند پسرش را از دست داده بود. نذر کرد چنانچه خداوند به او پسری دیگری عنایت کند او را به حوزه علمیّه، برای فراگیری علوم اسلامی بفرستد. او به نذر خود عمل و مرا رهسپار حوزه کرد. پدرم از نظر مالی در مضیقه بود و زندگی خود را از درآمد ناچیز کارگری تامین می کرد و بسیار قانع و زاهد بود.

مادرم مرحومه حاجیه بی بی مرضیه حاج امام از سادات و خاندان حاج امامی ابرند آباد بود که به تقوی معروف بودند. جد سوم ایشان مرحوم امیر اکبر از سادات دارای کرامت بود. همچنین پدر بزرگ ایشان مرحوم حاج سیّد محمّد باقر حاج امام از روحانیون دارای فضل و تقوی در یزد بود که به سال ۱۳۳۶ ه.ش از دنیا رحلت کرده است و آرامگاه این بزرگواران در یزد «شاهدیه» ابرند آباد زیارتگاه می باشد که بسیاری از مردم منطقه با توسل به ارواح پاکشان از خداوند طلب حاجت می کنند.

پدرم مرا در کودکی با خود به مجالس وعظ و خطابه می برد و دوست داشت من را ذاکر حضرت سیّد الشهداء (ع) تربیت نماید. در شش سالگی به دبستان عنصری در شاهدیه رفتم. در سال چهارم دبستان بر اثر تشویق استاد بزرگوارم جناب آقای سید علی بمان

میرجلیلی تمام سعی خود را در راه تحصیل به کار گرفتم و از آن به بعد همواره از دانش آموزان ممتاز استان یزد شمرده شدم. در مقطع اول راهنمایی به عنوان ممتازترین دانش آموز استان یزد انتخاب شدم و مورد تشویق قرار گرفتم.

پس از گذراندن اول دبیرستان با توجه به علاقه شخصی خود و تشویق های مرحوم پدرم و حضرت آیت الله حاج سیّد جواد مدرسی و استاد دکتر عباس برهانی در مهرماه ۱۳۵۹ ه.ش وارد حوزه علمیّه یزد شدم و از محضر اساتید بزرگواری چون حجج اسلام آقایان: شیخ کمالی زارچی، شیخ محمّد رضا فلاح تفتی و شیخ علی مفیدی فر به فراگیری ادبیّات عرب پرداختم و با شرکت در کلاس منطق آیت الله علاقه بند یزدی، خوشه چین کمالات علمی وی گشتم. از خاطرات جالب آن دوره حفظ اشعار الفیهٔ بن مالک در حوزه یزد بود که از طرف حضرت آیت الله حاج محمود علومی مسئول حوزه خان یزد، مورد تشویق قرار گرفتم و مفتخر به اخذ دوره تفسیر منهج الصادقین از محضر مبارک ایشان شدم.

در سال ۱۳۶۱ ه.ش جهت استفاده از محضر اساتید حوزه علمیه قم به این شهر رفتم. شرط ورود به حوزه علمیّه قم، اتمام لمعتین بود ولی من آن را نخوانده بودم. طی نامه ای به محضر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی از ایشان درخواست کردم مرا در مدرسه امام حسن مجتبی (ع) که تازه شروع به کار می کرد؛ بپذیرد. در آن نامه خود را حافظ الفیهٔ بن مالک معرفی کردم. ایشان حقیر را به حضور طلبید و پس از امتحان و سئوال از سوابق خانوادگی و تحصیلیم، با ورود اینجانب به حوزه قم موافقت کرد. برای تکمیل ادبیات عرب به درس استاد بزرگ ادب مرحوم مدرس افغانی که در نحو و سایر علوم ادبی تسلط داشت؛ رفتم. او دارای بیانی شیوا بود و سخت ترین مباحث علمی را با مثال هایی ساده تفهیم می کرد و دارای تالیفاتی از قبیل المدرس الافضل (شرح مطول تفتازانی) و مکررات (شرح کتاب سیوطی در نحو) بود. نزد ایشان مغنی اللبیب از ابن هشام و مطول تفتازانی را فرا گرفتم.

همچنین کشف المراد علامه حلی را نزد آیت الله مکارم شیرازی، بخشی از تفسیر مجمع البیان را نزد آقای امامی از نویسندگان تفسیر نمونه؛ فرا گرفتم. آنگاه برای فراگیری فقه نزد استاد آیت الله وجدانی فخر (ره) شتافتم. ایشان دارای زبانی گویا، تسلط کامل بر مباحث فقهی و اخلاصی کم نظیر بود. فراموش نمی کنم که همواره قبل از نشستن بر کرسی تدریس، دعا می کرد. هم زمان اصول مظفر را نزد استاد صالحی افغانی فرا گرفتم. در این دوره بود که به جهت الطاف الهی و تلاش فراوان، رتبه اول حوزه قم را در پایه ششم بدست آوردم و به دریافت یک دوره کامل بحارالانوار از مرحوم آیت الله العظمی امام خمینی (ره) مفتخر گشتم.

آنگاه برای فراگیری بهتر اصول به نزد استاد بزرگ حوزه قم، حضرت آیت الله مصطفی اعتمادی شتافتم. زبان گویا و تسلط والای او در تبیین مباحث اصول، از او استاد زبردستی ساخته بود که حدود هزار نفر در کلاس درسش حاضر می شدند. رسائل شیخ انصاری را از ایشان فرا گرفتم. مکاسب را نزد استاد بزرگ مرحوم حاج شیخ احمد پایانی آموختم و باز برای آموزش بیشتر اصول، در درس کفایهٔ استاد اعتمادی حاضر شدم.

همزمان با فراگیری مکاسب و کفایه به حفظ قرآن همت گماردم و نزدیک به نصف قرآن را حفظ کردم. از الطاف الهی بر اینجانب در این دوره توفیق حضور در کلاس تفسیر مفسر بزرگ، عارف ربانی و فقیه صمدانی حضرت آیت الله عبدالله جوادی آملی (روحی فداه) بود، استادی بی نظیر در قدرت کلام، جامع علوم مختلف و از همه مهمتر دارای منش اخلاقی بسیار والا. درطی حدود ده سال که از حضور پرفیض تفسیر ثلث اول قرآن را فرا گرفتم؛ هرگز ندیدم به شاگردی توهین نماید. سوال های طلاب را با حوصله پاسخ می داد و همواره برای پاسخ دهی به اشکال های حاضرالذهن بود. اکنون پس از بازگشت به وطن از اینکه نمی توانم از محضر پرفیضش استفاده کنم؛ همواره تاسف می خورم.

از سال ۱۳۷۱ ه.ش همزمان با شرکت در کلاس تفسیر استاد جوادی، به فراگیری خارج فقه و اصول پرداختم و از محضر بزرگانی چون آیات عظام: فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، آمیرزا جواد تبریزی بهره بردم. در سال ۱۳۷۴ از دانشگاه قم، مرکز تربیت مدرس در رشته الهیات و معارف اسلامی (کارشناسی ارشد) فارغ التحصیل شدم و در سال بعد در آزمون دکتری علوم قرآن و حدیث شرکت کردم که سرانجام در سال ۱۳۸۱ه.ش از دانشگاه فارغ التحصیل شدم. حضرت آیت الله هادی معرفت، آیت الله مسلم داوری، استاد محمّد علی مهدوی راد و دکتر غلامعلی حداد عادل و دکتر سیّد محمّد رضا حجتی از اساتید برجسته دوره دانشگاهیم می باشند.

میرجلیلی، کاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید کاظم میرجلیلی

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای سید کاظم میرجلیلی در سال ۱۳۳۴هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) در شهرستان یزد دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه یزد گردید و از محضر بزرگان آن دیار

بهره ها برد.

از سوی دیگر شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه (سلام علیها) او را راهی حوزه علمیه قم گردانید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۳ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل حوزوی در قم از محضر بزرگانی چون: «مرحوم آیت الله فاضل»، «آیت الله مکارم»، «آیت الله خاتم یزدی»، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته «فلسفه و کلام» در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۷ از دانشگاه تربیت مدرس قم فارغ التحصیل گردید و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان: «مشکلات و موانع خلافت حضرت علی علیه السلام از دیدگاه تاریخ» دفاع کرد. استاد در ایام تحصیل در قم از امر تدریس در زادگاه خویش غافل نماند و در مراکزی چون دانشگاه یزد و ... به تدریس پرداخت، که حاصل زحمات ایشان پرورش دانشجویان فراونی می باشد. وی در زندگی سراسر علمی خود از امر تحقیق و نگارش و تألیف غافل نماند و آثاری از قبیل: «صداقت حضرت علی (علیه السلام) در سیاست و حکومت» و ... را به رشته تحریر در آورده است.

میرجهانی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ذی‌القعده ۱۳۱۹، روستای محمدآباد اصفهان.

درگذشت: ۲۵ آذر ۱۳۷۱(۲۱ جمادی‌الثانی ۱۴۱۳)، اصفهان.

آیت‌الله سید محمدحسن میرجهانی طباطبایی اصفهانی پنج ساله بود که به مکتب رفت و تا هفت سالگی، قرآن، خواندن و نوشتن و برخی از کتابهای فارسی را فراگرفت و پس از آن به آموختن ادبیات عرب پرداخت و سپس برای ادامه تحصیل به اصفهان رفت و در مدرسه‌ی صدر نزد معلم حبیب‌آبادی (صاحب مکارم الاثار) و اساتید دیگر چون آیت‌الله سید ابوالقاسم دهکردی و آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی فتحی دزفولی، به تکمیل معلومات خود پرداخت و با اتمام سطوح عالی به محضر حضرت آیت‌الله حاج شیخ محمد مسجدشاهی (صاحب نقد فلسفه داروین) و آخوند ملا محمدحسین شتافت و مبانی فقهی و اصولی را فراگرفت.

آیت‌الله میرجهانی طباطبایی در سال ۱۳۴۶ به نجف اشرف رفت. در آنجا به استفاده از محضر حضرات آیات عظام، آقا ضیاء عراقی سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ عبدالله مامقانی پرداخت و در سلک خاص اصحاب آیت‌الله اصفهانی درآمد. پس از سالی چند، برای ترویج دین به ایران بازگشت، به اصفهان و پس از فوت پدرش به مشهد رفت و چندی پس از آن به تهران آمد و به اقامه‌ی جماعت، تألیف و تصنیف و وعظ و ارشاد اشتغال ورزید.

برخی از آثارش عبارتند از: مصباح البلاغه (مستدرک نهج‌البلاغه؛ در دو جلد)؛ کنوز الحکم و فنون الکلم (خطبه‌ها وسخنان امام مجتبی (ع))؛ روایح النسمات (شرح دعای سمات)؛ نوائب الدهور (در علایم ظهور درچهار جلد)؛ ولایت کلیه (در دو جلد)؛ الوامع التور فی علایم الظهور(به عربی)؛ دیوان اشعار؛ گنجینه سرور؛ گنج رایگان (در علوم غریبه)؛ سعادت ابدی؛ الدر المکنون (در تاریخ ائمه اطهار به عربی)؛ احکام رضاع؛ رساله در نجوم و فلکیات؛ شهاب ثاقب؛ الجنهٔ العاصمهٔ (زندگانی حضرت فاطمه س)؛ مقامات الکبریه (زندگانی حضرت علی‌اکبر)؛ مقلاد الجنان (ادعیه و زیارات)؛ ذخیرهٔ المعاد (ادعیه و آداب ساعات)؛ انساب سادات؛ تفسیر بعضی از سوره‌های قرآن؛ البکاء علی الحسین؛ سبیکهٔ الذهب.

آیت‌الله محمدحسن میرجهانی طباطبایی پس از نود و چهار سال زندگی سرانجام در روز چهارشنبه بیست و پنجم آذر ۱۳۷۱ (بیست و یکم جمادی‌الثانی ۱۴۱۳ ق.) بدرود حیات گفت و در مسجد جامع اصفهان، در جوار مقبره‌ی علامه‌ی مجلسی، به خاک خفت.

(۱۴۱۳ –۱۳۱۹ ق)، عالم دینی، مجتهد، محدث، خطیب و شاعر. در قریه‌ی محمدآباد جرقویه اصفهان به دنیا آمد. پس از فراگیری صرف و نحو و قسمتی از «سیوطی» به اصفهان رفت و در مدرسه‌ی صدر ساکن گردید. سطوح اولیه را در محضر شیخ محمدعلی معلم حبیب‌آبادی و شیخ علی یزدی و سطوح وسطی و عالیه را در محضر سید محمد رضا رضوی خراسانی و میرزا احمد اصفهانی و شیخ محمدعلی فتحی دزفولی و سید ابوالقاسم دهکردی فراگرفت. وی در درس خارج از شاگردان میرزا محمدرضا مسجد شاهی اصفهانی بود و از درس ملا- حسین فشارکی نیز استفاده نمود. در ۱۳۴۶ ق به نجف رفت و از محضر شیخ عبداللّه مامقانی و آقا ضیاءالدین عراقی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ محمدحسین نایینی استفاده نمود. پس از رسیدن به درجات علمی بالا به اصرار پدرش به اصفهان بازگشت و به امور دینی پرداخت. پس از درگذشت پدرش به مشهد مهاجرت نمود و بعدها در تهران ساکن گردید و به تبلیغ و خطابه و تألیف کتب عربی و فارسی مشغول شد. وی در علوم غریبه اطلاعی عمیق داشت. طبع روانش او را قادر ساخته بود تا به عربی و فارسی در مدح معصومین (ع) به نیکویی شعر بسراید. او در ۱۴۰۲ ق به دلیل مسائل سیاسی به اصفهان رفت. در آنجا درگذشت و در جوار مقبره‌ی علامه مجلسی به خاک سپرده شد. از آثارش: «مقلاد الجنان»، در ادعیه و زیارات؛ «ذخیرهٔ المعاد»؛ «روائح النسمات»، در شرح دعای «سمات»؛ «مصباح البلاغهٔ»، در مستدرک «نهج‌البلاغهٔ»، در چهار جزء در دو مجلد؛ «نوائب الدهور»، در علائم ظهور؛ « الدر المکنون» یا «الدرر المکنونهٔ»، در امامت؛ «ولایت کلیه»؛ جزواتی در تفسیر قرآن؛ مختصر «ابصار المستبصرین»، در کلام؛ «الجنهٔ العاصمهٔ»، در تاریخ حضرت فاطمه زهرا (س)؛ «گنج رایگان»؛ «کنوز الحکم و فنون

الکلم»، در خطب و کلمات امام حسن مجتبی (ع)؛ «دیوان» شعر.[۱]

سید الخطباء والمحدثین حجه‌الاسلام والمسلمین علامه الورع حاج میرزا محمدحسن میرجهانی طباطبائی ابن السید الجلیل و العالم النبیل میر سید علی محمدآبادی جرقویه‌ای اصفهانی از علماء و خطباء معاصر تهرانست. تولدش در روز دوشنبه ۲۲ ماه ذی‌القعده الحرام سال ۱۳۱۹ قمری در قریه محمدآباد جرقویه سفلی از توابع اصفهان واقع شده و در مهد علم و فضیلت پرورش یافته و در سن پنج‌سالگی به مکتب رفته و در هفت سالگی تمام قرآن و بعضی از کتب فارسی را تعلیم گرفته و به مقدمات عربی از صرف و نحو نزدیکی از اهل فضل ساکن محمدآباد مشغول شده و پس از تکمیل صرف و نحو تا قسمتی از سیوطی برای ادامه تحصیل به اصفهان آمده و در مدرسه صدر ساکن و بقیه سیوطی را نزدیکی از فضلاء مدرسه مزبور خوانده و بقیه سطوح اولیه را نزد عالم جلیل آقا شیخ محمدعلی حبیب‌آبادی و آقا شیخ علی یزدی فراگرفته و سطوح وسطی و عالیه را در خدمت مرحوم حجه‌الاسلام حاج سید محمد رضای رضوی خونساری و مرحوم میرزا احمد اصفهانی و مرحوم آیت‌الله شیخ محمدعلی فتحی دزفولی و آیت‌الله زاهد ورع حاج سید ابوالقاسم دهکردی به پایان رسانیده و در درس خارج (نجاه العباد) آیت‌الله حاج میرزا محمدرضا مسجد شاهی اصفهانی حاضر شده و هم از محضر درس آیت‌الله الفقیه آخوند ملا حسین فشارکی در مدرسه صدر استفاده نموده تا سال ۱۳۴۶ قمری که به اجازه مرحوم والدش مهاجرت به نجف اشرف و چندی از محضر مرحوم آیت‌الله رجالی حاج شیخ عبدالله مامقانی صاحب رجال و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی بهره‌مند شده و از خواص اصحاب فقیه اهل‌البیت فی عصره و المرجع الاعلی آیت‌الله العظمی آقای آقاسید ابوالحسن اصفهانی گردیده و در مسجد شیخ طوسی از محضر آن بزرگوار استفاده کامل نموده و بعد به اصرار مرحوم والدش به اصفهان مراجعت و به نشر معارف اسلامی و فضائل اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام پرداخته و پس از فوت مرحوم والدش مدت هفت سال مجاورت ارض اقدس رضوی را اختیار و پس از آن به واسطه نامساعد بودن هوای مشهد با مزاج ایشان منتقل به تهران گردیده و تاکنون در مرکز و حومه آن به انجام وظائف دینی و روحی و بالاخص تبلیغ از طریق منبر و تالیف کتب اشتغال دارد.

نگارنده گوید: علامه میرجهانی از نوادر دانشمندانی است که با او برخورد کرده‌ام عالمی ادیب و فاضلی اریب و محدثی حسیب می‌باشد دارای ملکات فاضله و محاسن اخلاق و محامد آداب مجامع معقول و منقول حاوی فروع و اصول و صاحب علوم و فنون مخصوص در علوم غریبه و عجیبه (جفر و رمل و اسطرلاب و ریاضیات) ید طولا و اطلاعی عمیق دارد و در فن منبر و بیان احادیث و فضائل و ولایت حضرات ائمه علیهم‌السلام بصارت کامل و از اساتید منبر محسوب می‌گردد طبعی روان و ذوقی فراوان دارد در مدح حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امامان معصوم و بالاخص حضرت بقیه‌الله فرجه‌الشریف اشعار بسیاری به عربی و فارسی سروده‌اند.

آثار علمی مطبوع ایشان از این قرار است:

۱- مقلاد الجنان که مشتمل است بر برخی از ادعیه و زیارات معتبره که در اصفهان به طبع رسیده است.

۲- ذخیره المعاد راجع به ادعیه و آداب ساعات که در تهران چاپ شده است.

۳- رساله سعادت ابدی در آداب تشکیل مجالس مذهبی نیز در اصفهان طبع شده است.

۴- روایح النسمات در شرح دعاء سمات در مشهد تالیف و طبع شده است.

۵- مستدرک نهج‌البلاغه موسوم به مصباح‌البلاغه چهار جزو در دو جلد در تهران به طبع رسیده.

۶- نوائب الدهور در علائم ظهور چهار جلد که یک جلد آن به طبع رسیده است.

۷- الدر المکنون دو هزار بیت عربی در امامت و صفات جامعه امام و تواریخ ائمه علیهم‌السلام که به طبع رسیده است.

۸- ولایت کلیه در دو جلد که جزو اول آن طبع شده است.

۹- رساله‌ای در احکام رضاع استدلالی فارسی بالغ بر یکهزار و کسری فرع.

۱۰- رساله‌ای در اخبار راجعه به نجوم و کواکب و فلکیات.

۱۱- گنج رایگان کشکول مانند مشتمل بر بعضی از علوم غریبه و اخبار و آثار ولایتی.

۱۲- جنه‌الفاطمه در تاریخ حالات حضرت فاطمه سلام‌الله علیها.

۱۳- کتاب مقامات اکبریه مربوط به تاریخ حضرت علی‌اکبر شهید علیه‌السلام.

۱۴- جزواتی در تفسیر قرآن.

۱۵- جزواتی در انساب سادات عالی درجات.

۱۶- جزواتی در اشعار فارسی از قصیده و غزل و مثنویات و مقطعات و رباعیات.

۱۷- مختصر ابصار المستبصرین در بیان محاجه شیعه و سنی در مشهد مقدس تالیف در تهران به طبع رسیده است.

۱۸- شهاب ثاقب در رد طایفه ضاله مضله و طریقه محاجه با آنها.

۱۹- لوامع النور در علائم الظهور عربی.

۲۰- گنجینه سرور نیز به عربی و فارسی ملفق.

۲۱- کنوز الحکم و فنون الکلم در خطب و کلمات حضرت مجتبی علیه‌السلام نظیر نهج‌البلاغه.

ناگفته نماند که علامه میرجهانی تا زمان حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی قدس الله سره بزی غیر سادات بودند (عمامه سفید داشتند) با اینکه از سادات رفیع‌الدرجات طباطبائی و نسبش با مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی حاج سید محسن حکیم و آیت‌الله مرعشی نجفی مدظله نسابه عصر حکم فرمودند که معظم‌له بزی سادات و شرفاء درآیند و خود آیت‌الله بروجردی عمامه سفید را از سر ایشان برداشته و عمامه سیاه که امروز مظهر سیادت است در میان شیعه بر سر ایشان گذارده و جشن مفصلی در مدرسه فیضیه قم گرفتند.

آقای میرجهانی رساله‌ای در نسب خویش که تمام مراجع نجف و اران تائید کردند نوشته و شرح کیفیت و علت اخفاء نسب سلسله

میرجهانی را تا آن روز داده و به طبع رسانیدند.

خاطرات عجیب معظم‌له

علامه میرجهانی قضایا و نوادر غریب و خاطرات عجیب آموزنده و ارزنده دارند و ما دو قضیه آن را می‌نگاریم:

اول می‌فرمودند در عصر ریاست مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی (ره) که بسیار مورد وثوق و توجه آن مرحوم بودم به امر ایشان پول زیادی به سامراء برده و بین طلاب سامراء و خدام عسکریین تقسیم کردم و خدام امامین همامین عسکریین که دینشان پول است مرا زیاد احترام می‌نمودند مخصوص کلیددار که از وی خواستم اجازه دهد من شبها در حرم شریف بیتوته کنم پس موافقت نموده ده شب تا به صبح در کنار قبر آن دو امام معصوم علیهماالسلام احیاء نموده و تضرع کردم روز دهم که جمعه بود اول فجر که درب حرم را گشودند با شوقی وافر به سرداب مقدس مشرف شدم وقتی از پله‌ها پائین رفتم با اینکه آن موقع هنوز برق نیامده بود دیدم فضاء سرداب روشن مانند مهتابست و سیدی نشسته و مشغول به ذکر و عبادتست .

از مقابل او گذشته و درب صفه ایستاده و زیارت حضرت ولی‌عصر عجل‌الله فرجه‌الشریف را خوانده و آمدم در جلوی آن آقا مشغول نماز شدم و بعد از نماز شروع کردم به خواندن دعاء ندبه و رسیدم به این جمله (و عرجت بروحه الی سمائک) آن آقا فرمودند این جمله از ما نرسیده (و عرجت به الی سمائک) و چرا رعایت وظیفه را نمی‌کنید و جلوتر از امام نماز می‌خوانید.

من غفلت از این دو آیت بزرگ نموده و دعاء را تمام و به سجده رفتم و در سجده متوجه شدم که آن آقا کیست که فرمود این جمله از ما نرسیده و چرا جلوی امام ایستادی بسیار مرعوب شده و سر از سجده برداشتم که دامن مطلوب را بگیرم دیدم سرداب تاریک و کسی نیست فهمیدم به چه دولتی رسیدم و به رایگان از دست دادم.

مولف گوید: آری.

باید که دمی غافل از آن شاه نباشی

شاید که نظر افکند آگاه نباشی

خاطره دوم

معظم‌له مبتلا به کسالت نقرس و سیاتیک که آن را (عرق النساء) هم گویند شده و چندین سال در اصفهان و تهران و خراسان معالجه قدیمی و جدید نموده و ابدا افاقه‌ای حاصل نشد تا اینکه فرمود بعضی از دوستان آمدند مرا به شیروان برده و در مراجعت در قوچان توقف و روزی به زیارت امامزاده‌ای که در خارج شهر قوچان فعلی و معروف به امامزاده ابراهیم است رفته و چون هوای لطیف و منظره جالبی داشت رفقا گفتند نهار را در اینجا بمانیم جای خوبیست گفتم عیبی ندارد پس آنها مشغول تهیه غذا شدند و من گفتم برای تطهیر به رودخانه می‌روم گفتند راه قدری دور است و برای درد پای شما مشکل گفتم آهسته آهسته می‌روم و رفتم تا برود خانه رسیده و تجدید وضو نمودم و در کنار رودخانه نشسته و نگاه به مناظر طبیعی می‌کردم که دیدم شخصی که لباس نمدی چوپانی در برداشت آمد و سلام کرد و گفت آقای میرجهانی شما با اینکه اهل دعا و دوا هستی هنوز پای خود را معالجه نکرده‌اید گفتم تاکنون که نشده گفت آیا دوست داری (یا مایل هستی) من درد پایت را علاج کنم گفتم البته پس آمد کنار من نشست و از جیب خود چاقوی کوچکی درآورد و اسم مادر مرا پرسید (یا برد) و سر چاقو را بر اول درد گذارد و به پائین کشید تا به پشت پا آورد و فشاری داد که بسیار متالم شده آخ گفتم پس چاقو را برداشت و گفت برخیز خوب شدی خواستم مانند همیشه با کمک عصا برخیزم عصا را از دست من گرفت و به آن طرف رودخانه انداخت. پس دیدم پایم سالم است برخاستم ایستادم و دیگر ابدا پایم درد نداشت.

پس به او گفتم شما کجا هستید. گفت من در همین قلعه‌ها هستم و دست خود را به اطراف گردانید.

گفتم پس من کجا خدمت شما برسم. فرمود تو آدرس مرا نخواهی دانست ولی من منزل شما را می‌دانم کجاست و آدرس مرا گفت: و فرمود هر وقت مقتضی باشد خودم نزد تو خواهم آمد و رفت و در همین موقع رفقا رسیدند و گفتند آقا عصا کو من گفتم آقای نمدی را دریابید پس هر چه تفحص کردند اثری از او نیافتند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۱۹/ ۲۲، ۱۰۴/ ۲۱، ۲۵۵/ ۱۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۱۷ -۴۱۰/ ۲)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۲۵۵/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۹ -۶۰۸/ ۲).

میرحسینی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد میر حسینی

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۴۹ وارد حوزه علمیه یزد گردیدم. سه سال را در یزد و مابقی را در قم بودم. در این مدت به عنوان طلبه ای محضر بزرگانی را درک کردم که حتی حضور در محضر آنان بالاترین خیر و برکت را القاء می کرد.

میرخانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۲۹۰(۱۳۳۵ ق.)، تهران.

درگذشت: ۲ آبان ۱۳۷۲(۹ جمادی‌الاولی ۱۴۱۴ ق.).

آیت‌الله حاج سید احمد میرخانی پس از طی دوران کودکی و نوجوانی و فراگیری خواندن و نوشتن و قرآن به شوق تحصیل علوم دینی، به یادگیری ادبیات و سطح پرداخت. پس از آن به حوزه‌ی علمیه‌ی قم آمد و از محضر آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی مکاسب و کافیه را فراگرفت و سپس به درس خارج آیات عظام کوه‌کمره‌ای و خوانساری حاضر شد. با ورود آیت‌الله بروجردی به قم، تنها به درس ایشان رفت و تا پایان عمر آن استاد از بحث‌های فقهی و اصولی او استفاده نمود و پس از وفات وی، به تهران آمد و به خدمات دینی، از جمله اقامه‌ی جماعت در مسجد ولی‌عصر، اعزام مبلغ به اطراف تهران، تألیف و نشر کتب دینی (که زندگانی برخی امامان و ترجمه برخی از مجلات بحارالانوار از جمله آنهاست)، ساخت مساجد و حوزه‌ی علمیه، اقامه‌ی مجالس دینی در عصرهای جمعه و راهنمایی و ارشاد جوانان و تشکیل مجالس دعای ندبه در صحن مطهر حضرت عبدالعظیم (ع) اشتغال ورزید. از آثار قلمی ایشان یا کتابهایی که خوشنویسی کرده‌اند می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: آیات الاحکام (در دو جلد)؛ سیر حدیث در اسلام؛ شرح زیارت عاشورا (تألیف با خط فریبا مقصودی کرمانشاهی)؛ تاریخ اجتهاد و تقلید (تهران، ۱۳۷۲)؛ قرآن کریم با ترجمه فارسی (مهدی الهی قمشه‌ای، با خط احمد میرخانی، تهران، ۱۳۷۴)؛ کلیات مفاتیح الجنان (به خط احمد میرخانی)؛ سوره مبارکه انعام به انضمام: دعای شریفه توسل، کمیل، ندبه و گنج عرض (مترجم مهدی الهی قمشه‌ی با خط احمد میرخانی).

حاج میر سید احمد میرخانی از علماء مبرز و مروج معاصر تهرانست.

وی در حدود سال ۱۳۳۵ قمری در تهران متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و متون فقه و اصول به قم مهاجرت نموده و سطح کفایه و مکاسب را از محضر آیت‌اللَّه العظمی مرعشی نجفی مد ظله و آیات دیگر استفاده نموده و پس از آن در درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه خونساری و بالاخص آیت‌اللَّه العظمی بروجردی قدس اللَّه اسرارهم بهره‌مند گردیده آنگاه مراجعت به تهران و بخدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج احکام و تعظیم شعائر مذهبی در مسجد (حضرت ولی عصر عجل اللَّه فرجه) واقع در خیابان (حشمت‌الدوله) پرداخته است.

نگارنده گوید: آقای میرخانی از علماء خدوم و مروجین متین و مورد توجه مردم تهرانست. خدمات بسیاری در تهران و حومه آن نموده که از آنها اعزام مبلغ بقراء و دهات اطراف تهران میباشد.

چند سالی در شبهای جمعه در صحن مطهر حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام احیاء و دعاء کمیل و غیره داشتند و صدها نفر را بدین وسیله بسوی خدا و استغفار رهبری می‌نمودند. و اکنون در عصرهای جمعه در مسجد خود مجلس باشکوهی دارند و جمع کثیری از جوانان و غیره را بوسیله دعاء ندبه و سمات و غیره بخداوند متعال جلت عظمته و ولی اللَّه اعظم حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء هدایت و ارشاد می‌نمایند.

از آثار و خدمات دینی و اجتماعی ایشان تعمیر و بناء مساجد و غیره در حومه تهران می‌باشد که بوسیله گویندگان و فضلاء و مبلغینی که به آنجاها فرستاده انجام داده است.

(ح ۱۴۱۴ -۱۳۳۵ ق)، عالم دینی. در تهران به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات به قم رفت و سطوح «کفایه» و «مکاسب» را از محضر آیت‌اللَّه مرعشی فراگرفت. سپس در درس خارج آیت‌اللَّه حجت کوه کمری و آیت‌اللَّه سید محمدتقی خوانساری حاضر شد و استفاده‌ها نمود. پس از ورود آیت‌اللَّه بروجردی به قم، وی از درس و بحثهای فقهی و اصولی ایشان بهره برد. پس از درگذشت استادش، آیت‌اللَّه بروجردی، به تهران آمد و به اقامه‌ی جماعت، تألیف و نشر کتب دینی، ترویج احکام، اقامه مجالس وعظ و ارشاد و سایر امور دینی پرداخت. در تهران درگذشت. از آثارش: «آیات الاحکام»، در دو مجلد؛ «سیر حدیث در اسلام».[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] کلک (س ۴، ش ۴۵ و ۴۶، ص ۳۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۷۶ -۵۷۵/ ۴).

میرخانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۹ -۱۲۹۱ ش)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به بنده. ملقب به سراج الکتاب. در تهران به دنیا آمد. اصول خوشنویسی را نزد پدر خود آموخت و همه‌ی اقلام تداول، از قبیل نسخ و ثلث و تعلیق و شکسته و به ویژه نستعلیق، را از خفی و جلی نیکو می‌نوشت. استاد میرخانی از علوم ادبی بهره‌مند بود، شعر می‌سرود و مجموعه اشعارش موسوم به «دیوان بنده» منتشر شده است. او در تهران درگذشت. از آثار خطی وی: «کلیات» سعدی؛ «مثنوی» مولوی؛ «خمسه‌ی» نظامی؛ «دیوان» حافظ؛ «دیوان» بنده؛ گزیده‌ی «دیوان»

شمس تبریزی؛ «ترانه»های بابا طاهر؛ «ترجیع‌بند» هاتف اصفهانی؛ «ترجمه‌ی نفس المهموم»؛ «داستان ملک جمشید»؛ «مجموعه هنر خط»؛ «نگارستان خط».[۱]

خوشنویس، ادیب، شاعر.

تولد: ۱۲۹۱، تهران.

درگذشت: ۵ آذر ۱۳۶۹، تهران.

سید حسن میرخانی ملقب به «سراج‌الکتاب»، فرزند سید مرتضی حسینی برغانی از خوشنویسان و از شاگردان میرزا رضا کلهر، در محضر پدر به فراگیری خط نستعلیق پرداخت. بیش از چهل کتاب و رساله که می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: کلیات سعدی، مثنوی مولوی، خمسه نظامی، دیوان حافظ، دیوان بنده و گزیده دیوان شمس تبریزی، ترانه‌های طاهر عریان، ترجیع‌بند هاتف اصفهانی، دوازده امام خواجه نصیر طوسی، خلاصه شرح حال مولانا، ترجمه‌ی نفس المهموم، زبدةالاسرار، دیوان وحدت کرمانشاهی، دیوان موافق میرزا علی اکبر ملقب به موافق علیشاه نعمةاللهی چاپ سنگی، پندنامه سعدی، گزیده سعدی، گزیده شمس تبریزی مثنوی چاه وصال، قصیده انصافیه صدر الافاضل، گلچین معرفت، داستان ملک جمشید، منتخب‌اللغه، مجموعه هنر خط، نگارستان خط.

سید حسن میرخانی روز ۵ آذر ۱۳۶۹ پس از یک بیماری طولانی و به سبب سکته‌ی قلبی درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اطلس خط (۵۹۶)، پیدایش و سیر تحول هنر خط (۲۴۱ -۲۳۸)، تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (۱۷۵ -۱۷۴)، کیهان فرهنگی (س ۸، ش ۴، ص ۵۴).

میرخانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۱ -۱۲۸۴ ش)، خطاط. در تهران به دنیا آمد. تعلیم خط را از پدر آموخت و چیزی نگذشت که به جرگه خوشنویسان پیوست. استاد میرخانی در تحریر خط نستعلیق، از ریز و درشت به ویژه، کتابت مهارت بسزایی داشت و در این فن سرآمد اقران بود. وی از ۱۳۲۹ ش در کلاسهای آزاد خوشنویسی مشغول آموزش و تربیت هنرجویان گشت. بسیاری از اساتید حاضر خوشنویسی از دست پرورد‌گان او محسوب می‌شوند. از خدمات مهم وی در جهت گسترش هنر خوشنویسی، پایه‌گذاری انجمن خوشنویسان ایران است. میرخانی به واسطه اشتغال به امر تعلیم، کمتر مجال کتابت می‌یافت. از آثار او دو مجلد قران کریم است که قرآن اولی با ترجمه‌ی فارسی و دومی بدون ترجمه به چاپ رسیده است. قطعات مختلف دیگری نیز از وی به جای مانده است.[۱]

خوشنویس.

تولد: ۱۲۸۴، تهران.

درگذشت: ۱۱ خرداد ۱۳۶۱.

سید حسین میرخانی، فرزند مرتضی حسینی برغانی، تعلیم خط را از پدر فراگرفت و طول نکشید که به جرگه‌ی خوشنویسان وارد به ویژه در تحریر خط نستعلیق از ریز و درشت و کتابت شد. میرخانی مدرس خط کلاس عمومی خوشنویس اداره‌ی هنرهای زیبا بود. از سال ۱۳۲۹ در انجمن خوشنویسان ایران و در کلاس‌های آزاد خوشنویسی مشغول تدریس شد و دیگر کمتر مجال کتابت یافت و آخرین کار ایشان کتاب مثنوی طبع حاج محمدکریم‌خان کرمانی است که در سال ۱۳۵۳ که برای تعلیم هنرجویان کلاس‌های خوشنویسی مشهد به آن آستان می‌رفت در مشهد نوشت. دو قصیده‌ی معروف قرآینه و خاتمیه اثر الهی قمشه‌ای از کارهای ایشان است. از آثار کتابت دیگر وی، دو مجلد قرآن کریم است که قرآن اول با ترجمه‌ی فارسی و قرآن دوم بدون ترجمه به چاپ رسیدند.

سید حسین میرخانی موفق به دریافت «نشان درجه‌ی یک هنر» و «نشان درجه‌ی سه خدمت» شد و تقدیرنامه‌ای از دانشگاه الزهرا که به مناسبت نوشتن اولین قرآن به ایشان اعطا شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۱۷، ش ۴ -۱، ص ۱۹۸)، اطلس خط (۵۹۶)، پیدایش و سیر تحول هنر خط (۲۳۷)، تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (۱۶۲ -۱۶۱)، قزوین در گذرگاه هنر (۲۵۵).

میرخدیوی، اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هنرمند، شاعر.

درگذشت: دی ۱۳۷۲، مشهد.

این شاعر و هنرمند خراسانی با آفرینش طنزها و اشعار محلی و آمیختن آنها با لهجه‌ی مشهدی در صحنه‌ی تئاتر و رادیو از جایگاهی ویژه برخوردار بود.

از آثار اوست: پند و لطیفه، بخوانید و بخندید و پندهای آن را نیز به کار بندید (مشهد، ۱۳۷۲)؛ خنده و گوهر مجموعه‌ای از لطایف و حکایات تاریخی، عرفانی، ادبی... (۱۳۶۹)؛ رؤیای جوانی و غم پیری: آثار ارزنده‌ای از شعرای نامی ایران... (۱۳۷۱)؛ کشکول خنده، اشعار مشهدی، گزینه‌ی شیرین‌ترین لطایف نظم و نثر و اشعاری به لهجه‌ی مشهدی از آداب و گنجینه‌ی اشعار و لطایف شیرین فکاهی (۱۳۷۰)؛ غزل و رباعی: گزیده‌ی آثار ادبی شعرا و ادبای فارسی زبان از قرن پنجم تا عصر حاضر (مشهد، ۱۳۶۵).

پیکر وی در مشهد دفن شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

میرخلیلی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد میر خلیلی

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در مدارس تهران و دوره متوسطه را در مدرسه دهخدای شهرستان دهخدا گذرانده ام. در سالهای اولیه انقلاب دیپلم خود را گرفته و رهسپار حوزه علمیه قم شده ام و در مدرسه «حضرت آیت الله گلپایگانی» مشغول دروس حوزه علمیه شده ام. صرف و نحو، معانی و بیان را نزد استادانی مانند: «صالحی اصفهانی»، «عالمی»، «طالقانی» و «شب زنده دار» خوانده ام. دروس سطح حوزه را نزد استادانی نظیر حضرات آیات: «صلواتی»، «خرازی»، «حیاتی»، «استادی»، «ستوده» و «نکونام» فرا گرفتم.

در سال ۱۳۶۶ در درس خارج حوزه شرکت نمودم و درس اساتید بزرگوار: «آیت الله علوی گرگانی»، «شیخ جواد تبریزی»، «مکارم شیرازی» و «وحید خراسانی» شرکت کردم. در ضمن زبان های عربی و انگلیسی را به صورت تخصصی در مرکز زبان های خارجی دفتر تبلیغات اسلامی آموختم. در سال ۱۳۶۹ در دوره دوم تخصصی کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس حوزه علمیه قم به عنوان نفر اول برگزیده شدم و در سال ۱۳۷۲ با پایان نامه «مثل در قرآن کریم» فارغ التحصیل شدم. در سال ۷۳ در دوره دکتری دانشگاه تهران پذیرفته شدم.

در همین سال به عنوان عضو هیئت علمی ـ پژوهشی کنگره نقش زمان و مکان حضرت امام (ره)، ۳ جلد متون فقه پژوهشی با کمک سایر همکاران فراهم آوردیم. همچنین در این سال در مرکز تحقیقات اسلامی وابسته به دفتر در بخش اصطلاح نامه به فعالیت پژوهشی مشغول شدم که تاکنون اصطلاح نامه های علوم قرآن، اصول فقه، دانش نامه اصول فقه، منطق و کلام اسلامی منتشر شده که در هر یک به نحوی همکاری داشته ام. در سال ۱۳۷۸ در مرکز اندیشه اسلامی در گروه فقه به عنوان عضو هیئت علمی شرکت کردم و در نشست های علمی و ارزیابی های اندیشه سازان شرکت داشته ام و در ضمن مقالات: «فقه و حقوق خانواده»، «فقه و ملاکات احکام» و «اندیشه های فقهی امام خمینی (ره)» محصول این دوره است.

در ضمن کتاب: «فقه و قیاس» در این دوره تنظیم و تالیف شده است. درسال ۱۳۷۹ دوره دکتری را با دفاع از رساله: «جایگاه قیاس و استحسان در منابع استنباط» به پایان رساندم و در مدرسه امام خمینی (ره) به تدریس فقه و اصول پرداختم و به مدت سه سال مدیریت گروه فقه و اصول را به عهده داشته ام. در سال ۸۰ در دانشگاه تهران در دانشکده های مختلف به تدریس متون اسلامی و در سال ۱۳۸۱ در یزد به عنوان عضو هیئت علمی به تدریس دروس فقه وحقوق مشغول شده ام.

در ضمن در مدرسه امام خمینی (ره) درس های فقه و اصول و فقه و اصول مقارن، با فقه و اصول سمیناری در درایه و رجال، نقد حدیث و منابع حدیثی مشغول تدریس بوده ام. تاکنون راهنمایی و مشاوره تعدادی از رساله های فوق لیسانس و دکتری در مراکز مختلف علمی بر عهده داشته ام نظیر مدرسه امام خمینی (ره)، حوزه علمیه خواهران، دانشگاه آزاد اسلامی. همچنین برای پیشبرد اهداف اطلاع رسانی در دانشگاه یزد و مرکز تحقیقات در میز گردهای علمی، نقد کتاب و کارگاه های پژوهشی کاربردی شرکت کرده ام.

میرخلیلی، جواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدجواد میرخلیلی

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱۰/۲

زندگینامه علمی

اینجانب سید جواد میرخلیلی، فرزند سید محمد علی میرخلیلی، متولد دوم دی ماه ۱۳۵۶ در روستای زردین از توابع استان یزد هستم. دوره ابتدایی خود را در مدرسه شهید مطهری زردین به پایان برده و بعد از آن وارد مدرسه شهید حسن زارع زردینی شدم و دو سال دوره راهنمایی خود را در آنجا سپری کردم. بعد از آن برای ادامه تحصیل در کلاس سوم راهنمایی وارد شهر یزد و مدرسه راهنمایی انبیاء شدم. بعد از اتمام دوره راهنمایی، برای ادامه تحصیل به همراه خانواده به تهران آمدیم و مدرسه دولتی علمیه، محل تحصیلم در چهار سال تحصیل در آن جا بود.

بعد از پایان دبیرستان و اتمام دوره نظام قدیم رشته علوم تجربی، وارد حوزه علمیه امام حسین (ع) تهران شدم و سطح یک خود را در محضر اساتید بزرگواری چون: «مرحوم آیت الله حقی، مرحوم آیت الله سید عباس ابوترابی، مرحوم حجت الاسلام و المسلمین سید علی اکبر ابوترابی، مرحوم حجت الاسلام و المسلمین سید بهاءالدین موسوی زاده، حجج اسلام: موسوی، عالمی، شریفی، یوسفی، سید محمد حسن ابوترابی، علمداری، معراجی، وحیدی، گنجی، افضل نژاد، رضا بابا اکبری ، خوش نما» و سایر اساتید گذراندم.

آن گاه در سال ۱۳۸۱ برای ادامه تحصیل در مقطع سطح دو حوزه وارد مدرسه قدیری قم شدم و از محضر اساتیدی چون حجج اسلام: «جلالی، ظهیری، قوامی، هاشمی، سرافراز، و ...» بهره بردم. بعد از اتمام سطح دو، مقطع کارشناسی علوم سیاسی را با معدل ۴۵/۱۷ در دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم به پایان رساندم. سپس در کنار ادامه تحصیل در سطح سه حوزه و بعد از کسب مدرک علمی سطح دو حوزه، رشته ادیان شرق را در دانشگاه ادیان و مذاهب قم ادامه داده و پایان نامه کارشناسی ارشدم را با موضوع: «رابطه دین و سیاست در ژاپن معاصر» تدوین کردم.

همچنین در سالیان اخیر به دلیل علاقه وافر به رسانه و ارتباطات و با توجه به این که سردبیری برخی از مجلات مختلف علمی را در سطح قم بر عهده داشته ام و حتی با فصلنامه ظهور وابسته به بسیج دانشجویی دانشگاه باقرالعلوم (ع) توانستم مقام دوم سردبیری و نشریات برتر استان را کسب کنم، به تحصیل در رشته ارتباطات دانشکده صدا و سیمای قم در کنار پژوهش در مراکز مختلف علمی پرداختم و این دوره را نیز با موفقیت به پایان رساندم.

هم اکنون در کنار تحصیل در درس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم، به نویسندگی در نشریات و مجلات علمی مشغول هستم. ضمن این که سال ها تجربه و مطالعه، سیر مطالعاتیم را به سمت حوزه های اختصاصی پیش برده است؛ به گونه ای که هم اکنون تنها در حوزه اندیشه سیاسی در اسلام و شرق باستان می نویسم و ارتباطات و رسانه نیز دل مشغولی دیگرم است.

میرخندان، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حمید میر خندان

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده تحصیلات ابتدایی را در شهر تهران در دبستان عاصمی (مقابل دانشگاه صنعتی شریف) گذراندم. دوره راهنمایی را در مدرسه «مازیار» در همان محله خواندم و دوره دبیرستان را در دبیرستان خوارزمی شماره ۱ (مقابل دانشگاه تهران) تحصیل نمودم. در سال ۱۳۵۹ پس از اخذ دیپلم در همان سال به حوزه قم آمدم.

مقدمات را تا پایه سوم در مدرسه رضویه خواندم. اساتید بنده در ادبیات آقایان: گرگانی و طالقانی بودند و در معالم آقای خسرو شاهی. اصول فقه را خدمت آقای صالحی افغانی و لمعه را نزد آقایان علی پناه اشتهاردی، جدانی فخر و ... خواندم. رسائل را خدمت آقای اعتمادی و مکاسب را خدمت آقایان: قدیری، طاهری خرم آبادی و ستوده تحصیل کردم و کفایه را خدمت آقای ستوده خواندم.

درس خارج اصول را نزد آقایان: «مکارم شیرازی (۲ سال)»، «وحید خراسانی (۴ سال)»، «شبیری زنجانی (۱ سال)» تحصل نمودم. و پس از آن در جلسه ای محدود با تعدادی محدود از دوستان به مباحثه خارج فقه تحت نظر دوست فاضل و ارجمند آقای امیر غنوی ادامه می دهم. در کنار درس های رسمی حوزه به مدت حدودا چهار سال علوم قرآنی و سپس تفسیر (در جلسه ای خصوصی و با تعدادی محدود از دوستان) مطالعه و تامل داشته ام. همچنین به مدت سه سال در گروهی از دوستان به مباحث روانشناسی و تعلیم و تربیت اسلامی پرداختم. نیز به تحصیل فلسفه (بدایه، نهایه و جلد اول اسفار) پرداختم و در کنار آن کتاب های فلسفی از فلاسفه مسلمان و غرب را مطالعه نمودم.

حقیر دوره زبان انگلیسی را در تهران در موسسه ملی زبان تا اتمام دوره: (۱۲ ترم) گذراندم و در قم نیز در مرکز آموزش زبان های خارجی باقرالعلوم (ع)، دوره زبان انگلیسی را تا یک ترم به پایان مانده شرکت کردم. حدودا چهار سال (۲ سال در جلسه حزب الله

و ۲ سال در پژوهشکده باقرالعلوم (ع) سازمان تبلیغات قم) در زمینه تراجم و شرح حال علماء و اصحاب تحقیق و تالیف داشته ام. به مدت شش سال در زمینه فیلم و سینما (۲ سال درحوزه هنری تهران و ۴ سال در مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما) مطالعات نظری دارم. نتیجه فعالیت های پژوهشی حقیر درباره تراجم و هنر فیلم کتاب ها و مقالاتی است که در آثار از آنها یاد شده است. اکنون با مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، همکاری پژوهشی ام ادامه دارد. ضمن آن که مباحث خارج فقه و تفسیر کماکان برقرار است.

میرداداشی کاری، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی میر داداشی کاری

محل تولد : بابلسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید مهدی میر داداشی در سال ۱۳۶۱وارد حوزه علمیه «جعفریه رستم کلای بهشهر» شدم. بعد از یک سال واندی وارد حوزه علمیه قم شده وتحصیلاتم را پی گرفتم. در کنار دروس حوزوی، دیپلم متوسطه را در دبیرستان ایثارگران گرفتم و در سال ۱۳۷۳ با رتبه ۲۵ وارد دانشگاه شدم. و در عرض ۳ سال دوره کارشناسی را با اخذ رتبه دوم و با معدل ۷۶/۱۷ به پایان رساندم و در سال ۱۳۷۷ در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز پذیرفته شدم. در سال ۱۳۷۷ با شرکت در آزمون ورودی روحانیون حج، حائز رتبه ممتاز شدم و بیش از ده سال در دروس عالیه حوزه شرکت می نمایم.

میرداماد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میر محمدباقر بن محمد استرآبادی مشهور به «میرداماد» (ف. ۱۰۴۰ یا ۱۰۴۱ ه.ق) از فلاسفه و دانشمندان معروف عصر صفویه که مورد توجه مخصوص شاه عباس بوده است. منشأش استرآباد و محل تحصیلش مشهد بود و بیشتر عمر خود را در اصفهان بسر برد. وی از تلامذه‌ی شیخ حسین عاملی و شیخ عبدالعالی و بعضی از اکابر دیگر بود. ملاصدرای شیرازی از شاگردان وی بود. میرداماد در فقه و حکمت تألیفات متعدد دارد. و از آن جمله است: «الصراط المستقیم»، «قبسات»، «انموذج العلوم»، «التقدیسات» و غیره. میرداماد شاعر نیز بوده و در شعر «اشراق» تخلص می‌کرده است. یک مثنوی به نام «مشرق‌الانوار» سروده است.

(وف ۱۰۴۱ ق)، عالم دینی، فقیه، حکیم، عارف، ریاضیدان و شاعر، متخلص به اشراق. اصلش از استرآباد و ساکن اصفهان بود. پدرش داماد شیخ علی محقق ثانی است. میرداماد از دوستان بسیار نزدیک شیخ‌بهائی و از علما و فلاسفه بزرگ عصر صفوی و از مقربان درگاه شاه عباس اول و شاه صفی محسوب می‌شد. وی در علوم نقلی از شاگردان سید نورالدین علی بن ابی الحسن الموسوی و شیخ حسین عاملی، پدر شیخ‌بهائی، و دایی خود، شیخ عبدالعالی بن محقق ثانی، بود و از دایی خود به دریافت اجازه نایل آمد. او همچنین در علوم عقلی، مدتی در محضر امیر فخرالدین سماکی، شاگرد امیر غیاث‌الدین منصور شیرازی، به مباحثات فلسفی اشتغال ورزید. وی در جمیع علوم غریبه نیز دست داشت. از شاگردان مشهورش می‌توان به قطب‌الدین اشکوری عارف، صدرالدین شیرازی معروف به ملا صدرا، ملا محسن فیض کاشانی و ملا عبدالرزاق لاهیجی اشاره نمود. میر داماد حکیمی اشراقی است وی را نمودار کامل از یک فیلسوف شیعی دانسته‌اند علو مرتبه او در حکمت از لقب معلم ثالث که به او داده‌اند پیداست. وی فلسفه مشاء و آثار ابن‌سینا را به طور کامل مطالعه کرده و تعالیم اشراقی سهروردی و معارف صوفیه را نیز درک نموده و بر روی هم تأثیرات اشراقی و عرفانی در افکار فلسفی وی مجالی وسیع یافته است. میرداماد در سفری، به همراه شاه صفی، به عتبات عالیات، در بین راه کربلا ـ و نجف، درگذشت. از آثارش: «قبسات حق القین فی حدوث العالم»، که به اختصار به «القبسات» معروف است؛ «حدوث العالم ذاتا و قدمه زمانا» یا «الجمع و التوفیق بین رأیی الحکیمین فی حدوث العالم»؛ «الافق المبین»، در حکمت الهی؛ «تأویل المقطعات»، در اوایل سوره‌های قرآن؛ تفسیر «سوره‌ی اخلاص»؛ «تقویم الایمان» و مقدمه آن و شرح مقدمه؛ «الایقاضات»، در خلق اعمال و افعال بندگان؛ «التقدسیات»، در حکمت الهی و رد شبهه‌ی ابن‌کمونه؛ «الرواشح السماویه فی شرح احادیث الامامیه»؛ «شارع النجاة»، رساله فتوائیه‌ی فارسی، در اصول و فروع دین؛ «نبراس الضیاء فی معنی البداء»؛ «انموذج العلوم»، حل بیست اشکال ریاضی و کلام و فقه؛ «السبع الشداد»؛ «الصراط المستقیم»، در حکمت؛ «نفی الجبر و التفویض»؛ حاشیه «شرح مختصر عضدی»؛ حاشیه «مختلف» علامه حلی؛ حاشیه «من لا ـ یحضره الفقیه»؛ حاشیه «استبصار»؛ حاشیه «رجال» کشی؛ «مرآة الزمان»؛ «حبل المتین»، در حکمت؛ «دیوان» شعر.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۷۲/ ۶)، اعیان الشیعه (۱۸۹/ ۹)، بزرگان فلسفه (۴۰۱ -۴۰۰)، صبح گلشن (۳۰۶/ ۵)، تاریخ فلسفه در ایران و جهان اسلامی (۴۶۷ -۴۶۱)، تذکرة العلماء (۱۷۹ -۱۷۷)، الذریعه (۳۸/ ۲۴، ۳۲/ ۱۷، ۳۵/ ۱۵، ۴/ ۱۳، ۲۵۷/ ۱۱، ۲۹۴، ۲۳۹، ۲۲۳، ۱۹۴، ۱۴۵، ۱۴۲، ۱۲۹، ۸۸/ ۸۷، ۱۸ -۱۷/ ۶، ۱۳۴/ ۵، ۳۹۶، ۳۶۴، ۳۳۵/ ۴، ۳۰۷/ ۳، ۵۰۷، ۴۰۵، ۴۰۴ -۴۰۴، ۲۶۱/ ۲)، ریحانه (۶۲ - ۵۶ / ۶)، سفینة البحار (۴۶۲ / ۱)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۳۶۸ -۳۶۵)، طبقات اعلام الشیعه (۷۰ -۶۷ / ۱۱)، فرهنگ سخنوران (۶۴)، فوائد الرضویه (۴۲۵ -۴۱۸)، القبسات (مقدمه)، عالم آرای عباسی (۱۴۷ -۱۴۶ / ۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۹۷ - ۲۹۶)، لغت نامه (ذیل/ داماد)، معجم المؤلفین (۹۳/ ۹).

میردامادی تهرانی، شمس‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی متالورژی، دانشکده: مهندسی متالورژی، دانشگاه: علم و صنعت ایران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد متالورژی از دانشگاه مونتان لئوبن اتریش در سال ۱۳۵۱ و دکترای متالورژی از دانشگاه فنی مونیخ در سال ۱۳۵۸، دریافت جایزه دوم تحقیق جشنواره خوارزمی در سال ۱۳۶۷.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ و دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران از سال ۱۳۶۸.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی تنگستن و آلیاژهای آن و ساخت کاتد تنگستن بارور، تاثیر عناصر آلیاژی روی خواص مکانیکی آلومینیم و برنز، تحقیق درمورد ریخته گری و عملیات حرارتی برنز آلومینیم، آلیاژهای مس با هدایت و استحکام بالا، بهینه‌سازی شرایط عملیات حرارتی ورقهای فولادی الکتریکی و مغناطیسی، گاززدائی فولادها، تدریس دروس عملیات حرارتی، متالورژی مکانیکی، شناخت فلزات، مکانیزمهای مقاوم شدن و علم مواد در دانشگاههای علم و صنعت ایران و امیرکبیر، نظارت بر ۶ پروژه تحقیقی در مقطع کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

رفتار میکروآلیاژ مس- بر (Cu- B)، تولید و خواص Cu- B، بررسی و تحقیق و ساخت آلیاژهای خود روغن گیر، آمالگام در دندانپزشکی، اثر عنصر بر روی سختی‌پذیری فولاد.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

میردامادی سدهی، حیدر علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا محمد حسین. عالم جلیل، از شاگردان: آقا میرزا محمد باقر، و آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی، و حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی و جمعی دیگر از فحول بوده. مجتهدی بزرگ و رئیسی نافذالقول بوده، در ۱۳۲۶ وفات یافته، در مقبره‌ی خوزان مدفون شده، و پس از مدتی به نجف اشرف منتقل گردید.

از آثارش تصحیح و مقابله‌ی کتاب «ربیع الاسابیع» علامه‌ی مجلسی است که در سال ۱۳۱۳ به طبع رسیده است. کتاب به خط محمد رضا بن محمد مهدی خوزانی اصفهانی خطاط معروف است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

میردامادی سدهی، عبدالله

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج محمد رحیم کبیربن میر مرتضی بن میر محمد اشرف.

عالم فاضل، در چهارشنبه ۱۰ صفر ۱۱۶۵ متولد، و در ۲۲ محرم ۱۲۴۳ وفات یافته، د مقبره‌ی خوزان سده مدفون گردید.

کتب زیر از اوست:

۱ – انیس المحتاجین، در علوم غریبه ۲ – ترصیع الاسماء ۳ – کتابی در رجال.

مشارالیه از شاگردان وحید بهبهانی و میرزای قمی بوده، و به سید حجهًالاسلام و حاجی کلباسی اختصاص داشته، در سده‌ی امامت داشته، و بیشتر مواقع در شهر ساکن بوده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

میردامادی سدهی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند آقا سید محمد جعفر. عالم فاضل، و ادیب زاهد شاعر، در شب جمعه ۲۳ ربیع الثانی سال ۱۳۰۳ متولد، و در شب جمعه اول ربیع الثانی سال ۱۳۸۰ وفات یافته، در جنب امامزاده سید محمد مدفون گردید.

در اصفهان خدمت: آقا سید محمد باقر درچه‌ای، و آخوند کاشی، و جهانگیرخان، و آخوند گزی، و حاج میر محمد صادق احمدآبادی، و آقا سید مهدی درچه‌ای تلمذ نموده، و مدتی در قم به درس حاج شیخ عبدالکریم یزدی حاضر شده، و در نجف به درس آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا میرزا محمد حسین نائینی رفته، پس از تکمیل فضائل به اصفهان مراجعت نموده، در سده ساکن، و به ارشاد و هدایت مردم و اقامه‌ی جماعت پرداخته. کتب زیر از اوست:

۱ – دیوان اشعار با تخلص «آیت» ۲ – رساله در قاعده‌ی علی الید، تقریرات مرحوم نائینی ۳ – صومیه، در مواعظ ماه رمضان ۴ – عشریه؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

میردامادی، بحرالعلوم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۰۵.

درگذشت: ۱۳۶۹.

کتاب زیر درباره‌ی زندگی آیت‌الله بحرالعلوم میردامادی به چاپ رسیده است: یادنامه فقیه اهل‌بیت عالم ربانی عارف الهی آیهًالله سید بحرالعلوم میرداماد، همراه با رساله سیر و سلوک معظم له (نوشته مصلح الدین مهدوی، به اهتمام محمود میردامادی، اصفهان، ۱۳۷۰).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

میردامادی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن میردامادی معروف به نجف‌آبادی متولد ۱۳۱۰ در شهر مقدس مشهد فرزند سید هاشم میردامادی نجف‌آبادی است.

تحصیلات ابتدائی را در سمنان و حضرت عبدالعظیم گذارنیده پس از رفتن متفقین از ایران در الزام پدر از ری به مشهد مقدس منتقل و در مدرسه خیراتخان و بعد در مدرسه‌ی نواب به تحصیلات عربی مشغول و قسمت عمده ادبیات را نزد ادیب نیشابوری تلمذ نموده پس از دیدن کتب معموله صرف و نحو و منطق و معانی بیان سطح را نزد مرحوم حاج سیداحمد مدرس و مرحوم پدرم طبق معمول شروع نموده ابتداء لمعتیین و قوانین و معالم و بعد رسائل و مکاسب و کفایهالاصول را از محضر پدر و مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی اعلی‌اللَّه مقامه استفاده کرده و در سال ۱۳۶۸ از مشهد به قصد ادامه تحصیل رهسپار قم شد.

در آن زمان حوزه علمیه قم به برکت وجود مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقای بروجردی رونق و گرمی بخصوصی داشت از ابتدای ورود به درس معظم‌له حاضر و در آن وقت صلوات مسافر را تدریس می کردند چند روز درس ایشان را نوشته حضورشان تقدیم کردم و معظم‌له پس از مطالعه دو روز بعد حقیر را طلبیده نوشته را مرحمت کرده‌ام فرمودند نام اینجانب را در دفتر وارد سازند سال بعد به درس حضرت آیت‌اللَّه امام خمینی که تازه به درس خارج شروع کرده بودند حاضر شدم و تا اواخری که در قم بودند از محضر این دو استاد استفاده‌ها بردم و تا هنگامیکه مرحوم فقید سعید آیت‌اللَّه بروجردی قدس‌سره اصول می گفتند به درسشان رفته همه را نوشته و بعد از اینکه ایشان بر اثر مشاغل زیاد نتوانسته درس اصول بگویند منحصر شد درس اصول به درس اصول آیت‌اللَّه امام خمینی صبحها از دروس فلسفه حضرت آیت‌اللَّه علامه طباطبایی حفظه‌اللَّه در تمام مدت تدریس وی بهره برد و در روزهای تعطیلی از درس تفسیر وی حظ وافر می برد

و مدتی هم از محضر درس آیت‌اللَّه داماد استفاده کرد و با رفقای فاضل و متدین مباحثات دروس را پس از هر درسی ترتیب داده و با بعضی از رفقا که در مقام تهذیب خود بودند نزد بعضی از اساتید اخلاق بطور خصوصی حاضر و از مواعظ شافیه و دستورات

اخلاقی استفاده‌های معنوی برد با مرحوم والد سفری به عراق و به سفر حج مشرف شد.

و بعد از سفر حج در مشهد بطور موقت توقف کرد چند ماهی نگذشته بود که پدر وی مریض شده در گذشتند و بنا بتقاضای رفقای مرحوم و انتخاب علماء طراز اول مشهد به امامت در جامع گوهرشاد جای مرحوم والد مشغول و برنامه تفسیری ایشان را در شبها کماکان ادامه داد و از آن تاریخ بیش از هفت سال در محضر در درس آیت‌اللّه میلانی در مشهد حاضر شده اصول و فقه ایشان را می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

میردامادی، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا علی محمّد، عالم فاضل زاهد، در نزد علمای اصفهان تحصیل نموده، بالاخص نزد آخوند گزی و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای.

در سال ۱۳۵۲ وفات یافته، در جنب پدر مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

میردامادی، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مجتبی میر دامادی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۲/۱۳

زندگینامه علمی

اینجانب متولد ۱۴/۲/۱۳۴۷ در مشهد مقدّس در خانواده مذهبی و روحانی می باشم. پدرم و جدم (سیّد حسن، سیّد هاشم) میردامادی معروف به «نجف آبادی» از علماء مشهور مشهد بودند، در مسجد جامع گوهرشاد سالیان متمادی تفسیر قرآن داشتند و مردم مشهد و خصوصاً اقشار تحصیل کرده از جلسات تفسیر آن دو استفاده می نمودند. نسل اینجانب به میرداماد فیلسوف بزرگ اسلامی می رسد (به ۹ واسطه).

همراه اتمام دوره متوسطه در رشته علوم تجربی در سال ۱۳۶۶ و چندی قبل از آن، مقدمات ادبیّات عرب را نیز شروع نمودم. ابتداء نزد برادر بزرگتر و گاهی نزد فضلاء حوزه و چندی بعد در حوزه درس ادبیّات مشهد، ادیب نامور جناب آقای «حجت هاشمی خراسانی» (حفظه الله): سیوطی، مغنی، مطول، حاشیه ملاعبدالله و معالم را فرا گرفتم. در همان زمان در امتحانات حوزه علمیه مشهد با نمره خوب پذیرفته گردیدم.

اصول فقه و رسائل را نزد «آیت الله شیخ مصطفی شاهرودی» و لمعتین را نزد آیات عظام: «سبزواری» و «صالحی» از اساتید به نام مشهد آموختم. مکاسب را نزد «آیت الله مرتضوی» و «سید محمد شاهرودی» فرا گرفتم. کفایتین را از استاد رضا زاده و بعد از ده سال، درس خارج (فقه و اصول) را نزد «آیت الله میرزا علی فلسفی» (حفظه الله) و «آیت الله شیخ مصطفی اشرفی شاهرودی» تلمذ نمودم و بعد از حدود ۵ سال در مهر ماه ۱۳۷۸ به قم مهاجرت کردم.

در ابتداء ورود دروس فقه «آیت الله سبحانی» و بعد فقه «آیت الله شیخ جواد تبریزی» به مدت ۲ سال (ایشان بحث اذان و اقامه و بعداً صلاهٔ را شروع کردند). همزمان دروس فقه و اصول استاد «آیت الله وحید خراسانی» شرکت کردم. بحث برائت و استصحاب از اصول و بیع و خیاراتشان تاکنون مورد استفاده اینجانب می باشد. در علوم عقلی در مشهد ابتداء بدایه را نزد یکی از اساتید و بعد منطق و بخشی از فلسفه منظومه و نهایه را نزد استاد صالحی و مدّتی هم در درس اسفار ج ۸ مرحوم علامه سیّد جلال الدین آشتیانی بهره بردم. شرح تجرید و مقداری از کلام به صورت محاضرات را نزد «آیت الله شیخ عبد النبی کجوری» بهره بردم.

تفسیر قرآن را که هنوز زمزمه دلنواز آن در گوش طنین انداز است را از نوجوانی شروع نمودم. مرحوم پدر همه شب سال در مسجد جامع گوهر شاد تفسیر قرآن بیان می نمود. تدریس کتب حوزوی از اوائل طلبگی شروع شد و تقریباً کتب سطح را از مقدّمات تا سطوح عالیه یک دوره تدریس نموده ام و بعضی از آنها را چند دوره و فعلاً در مدرسه آیت الله گلپایگانی رسائل تدریس می نمایم.

میردامادی، هاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید هاشم میردامادی معروف به نجف‌آبادی ابن سید محمد بن سید علی بن سید مرتضی ابن سید محمدباقر نزیل نجف‌آباد اصفهان بن سید مرتضی کان من اعاظم العلماء فی عصر الافغان و هاول من دخل قره خوران سده فی عهد الافغاته بن علامه التحریر میر محمد اشرف المتوفی سنه ۱۱۴۵ صاحب کتاب فضائل السادات بن علامه میر عبدالحبیب متوفی سنه ۱۱۲۱ بن علامه میر احمد عاملی (سبط محقق الکرکی (و ختن (داماد) سید فلاسفه الاسلام محقق الداماد (و ابن خاله و تلمیذه) و له تألیف کثیره نوفی به اصفهان و قبره فی تخت فولاد و هو ابن العلامه میر سید زین‌العابدین (ختن محقق الکرکی) و تلمیده ابن عبداللّه المدفون بحلب ابن محمد بن صالح بن جعفر المدفون بحلب ابن احمد بن حمزه بن قاسم بن حسین بن ابی‌احمد عبداللّه المشهدی ابن محمد بن علی بن الحسن (الحسین) ابن محمد الطبان بن الحسین بن ابی علی احمد الازوارقانی الامام الزاهد الذی انتهی الیه علم النسب فی عصره و امه نقویه من ذریه جعفر بن الامام علی الهادی (ع) و بعبر عن احمد فی السنه النسابین بالشریف الازوارقانی سکن مرو و هو ابن محمد العزیزی المدفون بقم قتل بخارج قم و حمل الیها و قبره بجنب مسجد الرضائیه و یعرف بعبد العزیز ایضا و محمد العزیزی ابن الحسن ابی‌جعفر ابن ابی‌جعفر محمد الاطروش المعروف مسکان و کان یسکن بلده قم المشرفه و هو ابن ابی‌الحسن علی نزیل قم و ولده نقباء قم ابن الحسین الطواف ابن ابی‌الحسن علی الخار ص خرج بالاهو از سنه ۲۰۰ علی العباسیه و توفی ببغداد و قبره بها اشتهر بالخارص لکونه مرجعا فی التقویمات و هو ابن ابی‌الحسین محمد المامون الدیباج لقب به لحسن وجهه یویع له بمکه و توفی بجرجان سنه ۲۰۳ و قبره بهامزار و امه حمیره الاندلسیه و کان من رواه حدیث یروی عنه جماعه منهم محمد بن ابی عمیر و موسی بن سلمه و اسحق بن موسی الانصاری و غیرهم و هو یروی عن ابیه الصادق علیه الصلوه والسلام و قد ذکرت ترجمته مفصله فی ص ۱۸۵ من مقاتل ابی الفرج و فی ص ۱۱۳ من مجلد الثانی من تاریخ بغداد وفی ص ۹۴ من حرف میم من منتهی المقال و فی تاریخ الیمن و هو ابن الامام الهمام سیدنا و مولانا ابی‌عبداللّه جعفر بن محمد الصادق (ع) نسبت مرحوم سید هاشم میردامادی با ۳۰ واسطه نسب شریفش منتهی می‌شود به ابی‌الحسین محمد الدیباج فرزند حضرت امام جعفر الصادق علیه‌الصلوه والسلام و بیشتر نیاکان وی اهل دانش و فضلند و نوابغ و رجال علمی بزرگی در میان آنان قرار دارند نظیر علامه میر محمد اشرف متوفی ۱۱۴۵ صابحب کتاب فضائل السادات فرزند علامه میر عبدالحبیب متوفی ۱۱۲۱ مدفون در تخت پولاد اصفهان فرزند علامه میر احمد عاملی صاحب تألیفات زیاد مثل کتاب مصقل الصفافی الرد علی النصاری و نفحات اللاهوتیه و مفتاح الشفاء و غیر آن.

و داماد و پسر خاله و شاگرد بزرگ فلاسفه اسلام میرمحمد باقر داماد سر سلسله خاندان بزرگ میرداماد است از این ناحیه نسب مرحوم والد به مرحوم میر محمد باقر داماد دانشمند و فیلسوف معروف می‌رسد و نسب میرداماد با ۲۱ واسطه به امام حضرت علی بن الحسین زین‌العابدین (ع) منتهی می‌شود و در میان اجداد میرداماد امراء و رجال بزرگی نظیر سید کمال‌الدین و سید قوام‌الدین مدفون در آمل قرار دارند که از سادات مرعشی و مدتی در منطقه بزرگی حکومت می‌کردند که شرح حال آنان در کتب تاریخ است و شجره کبیره خاندان میرداماد در این اواخر مستقلا چاپ شده است.

تاریخ تولد و دوران کودکی

مرحوم سید هاشم میردامادی در تاریخ ۱۳۰۳ هجری در نجف اشرف در خاندان فضیلت از مادری فاضله و پاك سیرت چشم به جهان گشود و در سن دو سالگی پدر بزرگوار خود را از دست داد و در سایه حمایت و مهرمادر دوران کودکی را گذارنیده و بر اثر فراست و هوش ذاتی از همان اوائل رشد همت به تحصیل علم و کمال گماشت.

می‌فرمودند: من از سنین قبل از بلوغ علاقه سرشار به مجالس علماء و رجال علمی داشتم و بیشتر وقت من در محضر شخصیتهای بزرگ و مراجع عالیقدر می‌گذشت و آمادگی فوق‌العاده برای کسب فضیلت و پذیرش هرگونه استفاده علمی داشتم و تنها آرزوی من رسیدن به مقامات عالیه علم و عمل بود.

و از طرفی مادرم به جهت سختی در امر معاش اصرار داشت که در پی کسب و کار بروم و ادامه تحصیل ندهم تا آنکه از یکی از اساتید خواستم نزد مادرم بیاید و وی را راضی به ادامه تحصیل کند و در نتیجه این مشکل از پیش پایم برداشته شد.

اساتید وی: مقدمات و سطح را با جدیت کامل نزد مدرسین معروف گذرانیده و سپس در حوزه‌های بزرگ از محضر مرحوم آخوند ملامحمد کاظم خراسانی و محضر مرحوم آقامیرزا محمدتقی شیرازی و مرحوم آقامیرزا حسین نائینی اعلی‌اللّه مقامهم الشریف استفاده نموده و به درجه رفیعه اجتهاد نائل و از اساتید اخلاق عرفان میرزا جواد آقای تبریزی رحمه‌اللّه تعالی استفاده‌ها نموده و در نتیجه کوشش و پشت کار در سن جوانی مقام شامخی از علم و عمل پیدا کرد.

وی از دو استاد خود مرحوم آمیرزا محمدتقی شیرازی و مرحوم حاج سید احمد کربلائی بسیار یاد می‌کرد و از یاد آنان لذت می‌برد و از سجایای اخلاقی آن دو داستانهائی نقل می‌فرمود که حاکی از عظمت روح و پاکی نفس آنان بود.

و می‌فرمود: بعد از آقامیرزا محمدتقی شیرازی دیگر کسی به آن مهذبی و پاکی ندیدم و چه روزها و شبهای بسیاری که ملتزم وی در حضر و سفر بودم.

و راجع به مرحوم حاج سید احمد کربلائی می‌فرمود: که این مرد همواره حال انقطاع و توجه به خدا داشت و گاهی که با شاگردان مشغول صحبت بود و می‌خندید در بین صحبت و خنده توجهی به خدا پیدا می‌کرد و از گوشهای چشم وی اشك جاری می‌گشت و در آن حال به احدی توجه نداشت.

تقوی و زهدوی: الحق می‌توان گفت موفقیت وی در زهد و تقوی کم‌نظیر و مورد غبطه اقران خود بود.

نجابت و اصالت خانوادگی، تقید مادر وی به عبادات و سنن و ادعیه، شوق کامل از عنفوان جوانی به تکمیل نفس و تهذیب روح مراوده با متقین و مردان حق ریاضتهای مشروعه همگی دست به هم داده باعث شد که در راه پرهیزکاری و تهذیب نفس سرآمد مردان خدا شود و جز رضای الهی چیزی در نظرش جلوه ننماید.

حب و بغضش روی محور خدا گردد و در مدت عمر ذره‌ای آلودگی پیدا نکرد و در راه تقوی و فضیلت گامهای بلندی بدارد. افرادی که با وی مراوده داشته و مانوس بوده‌اند به خوبی گواهند.

از بعضی رفقائی که می‌خواستند از رفاقت سوءاستفاده نمایند برای رضای خدا قطع کرد از مشتبهات گریزان بود تا چه رسد به محرمات در مالهای شبهه‌ناک تصرف نمی‌کرد و از حلال و بی‌شبهه هم به مقدار ضرورت برداشت می‌کرد پایه زندگی را روی قناعت گذارده بود خیلی ساده زندگی می‌کرد و مازاد را در راه خدا انفاق می‌کرد لذا هیچگاه محتاج به قرض نمی‌شد و در تمام مدت عمر دروغی از وی شنیده نشد و آزارش به کسی نرسید.

مادرم همیشه می‌گفت: پدر شما فرشته اشت پس‌انداز مالی نداشت اثاثیه ضروری منزل را با اکراه می‌خرید با تجملات و زیاده‌روی سخت مخالف بود توکلی عجیب و فوق‌العاده داشت. تا به صحت حدیث و یا قصه‌ای اطمینان پیدا نمی‌کرد جائی نقل نمی‌کرد بر اثر مراقبت زیاد دل و نفس را اسیر خود نموده بود.

اخلاق و عادات وی: افرادی که با مرحوم والد حشر و مراوده داشته‌اند کاملا به ملکات اخلاقی وی واقف فریفته و دلباخته معظم‌له بودند سر سوزنی کبر و غرور نداشت. بسیار متواضع و فروتن بود. اخلاق و رفتارش در تمام مدت عمر به یک میزان بود شخصیت و مقام ظاهری در روحیه وی اثر نگذاشت چون دوران طلبگی تا آخر زندگی می‌کرد.

کسانی که علما و نسبا از وی پائین‌تر بودند بر خود مقدم می‌داشت و ذره‌ای ناراحتی در وجودش احساس نمی‌شد. برخوردش با اشخاص بسیار خودمانی و یکرنگ بود. وفا و صفای فوق‌العاده دارای قلبی مهربان و عطوف، به گفته‌ها و درددلهای افراد توجهی کامل می‌نمود و واقعا متأثر و اظهار همدردی می‌کرد.

مردی بود منورالفکر و آزاد تعصبات خشک را کنار گذارده به میزان عقل و شرع رفتار می‌نمود در کارها و قضایا بی‌دلیل و منطق قدم برنمی‌داشت با خرافات که قمستی از آن صورت مذهب به خود گرفته شدیدا مخالف بود و در این قسمت کم‌نظیر بود از مردم غرق در قیود و رسوم سخت ناراحت می‌شد از آداب و رسوم بی‌معنی و غیرعقلائی که اکثر مردم را دامن‌گیر است بیزار بود می‌فرمود در کارها مقیاس عقل را باید در نظر داشت و نباید تابع مردم بود.

با هیاهو و جنجال و داد و فریاد مخالف بود از محیط آرام و ساکت لذت می‌برد شبستان ایشان محیط آرامی بود که هر بیننده‌ای را به شگفت وامی‌داشت حتی در فرستادن صلوات مصر بودند که بیش از اندازه بلند گفته نشود و شواهدی از آیات و روایات داشتند نظیر آیه ۶۳ از سوره انعام و آیه ۵۵ و آیه ۲۰۵ از سوره اعراف و این روایت که مرحوم علامه طبرسی ره در مجمع‌البیان نقل کرده که پیغمبر اکرم (ص) در یکی از غزوات به اصحاب خود که بلند تکبیر و تهلیل می‌گفتند فرمود: انکم لاتدعون اصما و لا غالبا انکم تدعون سمیعا قریبا انه معکم.

شما شخصی کر و دور را نمی‌خوانید بلکه شخصی را می‌خوانید که شنوا و به شما نزدیک است.

تألیفات وی: معتقد بودند که علمای سلف در هر رشته تألیفات گرانبهائی نموده و برای خلف مجالی باقی نگذارند خبر جمع و تفریق در عین حال آثاری از وی باقی مانده.

۱- رساله‌ای در رجعت که آیات و روایات مربوطه به طور استقصاء در آن جمع‌آوری شده و تمام و مهیا برای طبع است.

۲- ترجمه کتاب سیف‌الامه تراقی رحمه‌اللّه علیه به عربی و می‌فرمودند: کتابی به این سبک و خوبی در امر نبوت به زبان عربی نوشته نشده و بیشتر آن ترجمه شده و بقیه را حقیر ترجمه کردم و آماده برای چاپ است و خوبست فارسی آن هم پس از تصحیح به صورت پاکیزه‌ای چاپ ضود و چاپهای گذشته علاوه بر کمیابی پرغلط و بد چاپ است.

۳- جزواتی در علم اخلاق که تمامی از رشحات فکری وی الهام گرفته از آثار اهل‌بیت علیهم‌السلام است ولی متأسفانه پراکنده و محتاج به جمع‌آوری و تنظیم است.

۴- شرح حال علمای بزرگ و داستانهائی با مدارک مربوط به افرادی که مشرف به حضور حضرت حجت (ع) شده‌اند ولی ناقص است.

۵- نوشته‌هائی از تقریرات مرحوم نائینی که به خط خود مرحوم که قسمتی از مباحث الفاظ را تشکیل می‌دهد.

۶- تقسیر قرآن به فارسی ساده به نام (خلاصه‌البیان) که دو جلد آن در تهران به طبع رسیده است.

معظم‌له در شب سه‌شنبه ۲۳ جمادی‌الثانیه ۱۳۸۰ قمری در سن ۷۷ سالگی وفات نموده و در جوار مرقد مطهر ثامن‌الحجج علی بن موسی‌الرضا (ع) در دارالسیاده دفن گردیده عاش سعید او مات سعیدا.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

میرزا اردستانی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید اسماعیل بن میر عبدالله، از سادات خاتون آبادی اصفهان بوده که جد اعلایش به اردستان مهاجرت کرده، و در آنجا ساکن شده، و صاحب عنوان در آنجا متولد گردیده است.

مشارالیه از علمای کاملین، و فضلا و محققین بوده، در مدرسه‌ی جده ساکن، و هم آنجا تدریس می‌نموده، و در مسجد سرخی اقامه‌ی جماعت می‌نموده، روزگاری به فقر و تنگدستی، و در عین حال استغنا و بی‌نیازی و وارستگی و زهد و تقوا و اعراض از مردم دنیا گذرانید.

در سلخ رمضان المبارک سال ۱۳۵۱ وفات یافته، در تکیه‌ی ملک مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

میرزا آقاسی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم فیض در تاریخش گوید: میرزا حسن عالمی است عامل و فاضلی است کامل، شخصش به همه صنوف کمال آراسته است و خلقش از جمیع رذایل پیراسته: از بدو عمرش تاکنون به هیچ مکروهی آلوده نشده است. والدش را وطن در صفحه خلجستان قم بود و عمل انشای محمدحسین خان سرهنگ فوج خلج بعهده او موکول بود.

چون پادشاه ماضی محمد شاه فوج خلج را از او بگرفت و او بناچار در بست حضرت فاطمه علیهاالسلام پناهنده شد والد جناب میرزا حسن هم در قم وطن گزید و خانه بساخت و اسباب معاش فراهم آورد، جناب سامی در بدو سن مقدمات و علوم ادبیه را در قم تحصیل فرموده روی به نجف اشرف آورد و در خدمت حجةالاسلام شیخ محمدحسن صاحب جواهر الکلام و حاج شیخ مرتضی شوشتری انصاری قریب بیست سال تحصیل علم فرود و سپس روی به وطن آورده. اشتغال به فیصل امورات شرعیه داشت، طلاب علوم دینیه از مدرس تحقیق ایشان بهره‌ها می‌بردند تا در سنه ۱۳۰۴ ه مرحوم و در شیخان مدفون شد.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

میرزاپور، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن میرزاپور

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۷۹ در حالی که مشغول به تحصیل در دبیرستان بودم از محضر عالم بزرگوار «حضرت شیخ محمد کاظم انصاری (ره)» بهره مند شدم و دروس ادبیات را آغاز کردم. پس از اخذ دیپلم حدود هفت ماه در مدرسه «بقیة الله» شهرستان خوانسار اشتغال به تحصیل کردم که در واقع شروع رسمی دوران طلبگی من از همان زمان آغاز شد که در سال ۱۳۷۱ بود. بعد به شهر خودمان دزفول مراجعت کردم و بعد از تمام کردن ادبیات و منطق، دروس فقه و اصول را در محضر حضرت شیخ محمد کاظم انصاری (ره)، حاج آقا سید حسن آقا میری و حاج آقا مقامی به اتمام رساندم

و در سال ۱۳۷۶ به قم آمدم. ابتدا درس حاج آقا عالی رفتم و مباحث قطع و ظن را تا حدودی گذراندم ولکن به سبب مشکلاتی بعد از ۵ ماه دوباره به شهرستان دزفول مراجعت کردم و سال هفتم حوزه را به اتمام رسانده، در سال ۱۳۷۷ به قم مراجعت کردم و با جدیت بیشتری کتاب رسائل را با استفاده از محضر دو استاد عزیز و ارجمندم حاج آقای کریمی و صادر به اتمام رساندم. پس از آن مکاسب را در محضر استاد نکونام (بخش شرائط العوضین) بودیم، و با تشکیل جلسات خصوصی که هر هفته برگزار می شد بهره های خوبی بردیم.

کفایه را در محضر استاد ارجمند حاج آقا تهرانی بودیم. و همچنین عمده کتاب کفایه را در محضر استاد عزیز حاج آقا صادر بهره های فراوانی بردیم. در طی این سالها نیمی از سال ۷۷ را کاملا توفیق شرکت در درس تفسیر آیة الله جوادی آملی داشتم. سال ۱۳۸۰ به توصیه استاد خودم حاج آقا صادر به درس خارج اصول «آیة الله وحید خراسانی» شرکت کردم و درس فقه خود را با کتاب ریاض المسائل سید علی طباطبائی که از کتب بسیار مهم فقهی به شمار می رود؛ طی دو سال در محضر استاد عزیز و اخلاقی خودم حاج آقا هاشمی بهره بردم.

سال ۱۳۸۰ سال ورود ما به مؤسسه امام صادق (ع) متعلق به آیة الله سبحانی بود و آغاز دوره تخصصی ما در همان سال بود. سه سال در خدمت استاد بسیار گرانقدری همچون: «حاج آقا ربانی گلپایگانی»، «حاج آقا مومنی»، «حاج آقا قدوسی»، «ملک حسینی» و «حاج آقا خسرو پناه» بودیم و استفاده های فراوانی در این چند سال بردیم و اکنون هم مشغول تمام کردن پایان نامه سطح ۳ خود هستم که مربوط به بخشی از مباحث امامت است که با راهنمائی های اساتید حاج آقا اسدی و سلیمانی رو به اتمام می باشد.

میرزاده‌ی عشقی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۲– مقتول ۱۳۴۲ ق)، شاعر و نمایشنامه‌نویس. در همدان به دنیا آمد. پس از تحصیلات مقدماتی در مدارس الفت و آلیانس در تهران به تحصیل پرداخت و با زبانهای فارسی و فرانسه به خوبی آشنا شد و با شغل مترجمی امرار معاش می‌کرد. او در ۱۳۳۳ ق روزنامه‌ی «نامه‌ی عشقی» را در همدان تأسیس و منتشر کرد. در اوایل جنگ جهانی اول به استانبول رفت و در ضمن تحصیل به

انتشار آثار شعری خود پرداخت. عشقی پس از بازگشت به ایران، در ۱۳۳۹ ق، روزنامه‌ی «قرن بیستم» را در تهران تأسیس و منتشر کرد و بر اثر نشر مقالات تند و انقلابی به دستور وثوق‌الدوله دستگیر و زندانی شد و بعد از کودتای ۱۳۳۹ ق و روی کار آمدن سید ضیاءالدین از زندان آزاد شد. او برای بار دوم روزنامه‌ی «قرن بیستم» را منتشر کرد که بعد از چند شماره از انتشار آن جلوگیری شد. عشقی در ۱۳۴۲ ق توسط دو شخص ناشناس در منزلش کشته و در قبرستان ابن‌بابویه به خاک سپرده شد. از آثار شعری وی: «نوروزی نامه»؛ «کفن سیاه»؛ «ایده‌آل»؛ «رستاخیز شهریاران ایران»، نمایشنامه‌ی منظوم؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (۷۳ -۷۱)، از صبا تا نیما (۳۸۱ -۳۶۱/ ۲)، تاریخ جراید (۱۰۸ -۱۰۵/ ۴)، چون سبوی تشنه (۶۸ - ۶۵)، الذریعه (۷۲۴/ ۹)، روز شمار تاریخ (۱۳۴ -۱۳۳، ۱۰۷/ ۱)، سخنوران نامی معاصر (۲۴۹۶ -۲۴۹۰/ ۴)، شرح حال رجال (۲۳۵/ ۶)، فرهنگ سخنوران (۶۳۷ -۶۳۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۷۲۸/ ۲، ۴۱۰ -۴۰۹/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۳ -۱۸۱/ ۳)، یادگار (س ۲، ش ۵، ص ۸۰).

میرزایی زنجانی، ابوطالب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۰ ق)، عالم دینی. در زنجان به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و سطوح به تهران آمد و معقول را از میرزا طاهر تنکابنی و علامه میرزا مهدی آشتیانی و اصول را از سید محمد تنکابنی فراگرفت. او مدت زمان کوتاهی نیز از محضر علمای مشهد استفاده نمود. آنگاه به قم مهاجرت کرد و در محضر آیت‌اللّه حایری یزدی و آیت‌اللّه آقا سید محمد حجت و آیت‌اللّه سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللّه بروجردی تلمذ نمود. سپس برای انجام امور دینی به رشت رفت و به اقامه‌ی جماعت در مسجد حضرت صاحب‌الزمان (عج) پرداخت. وی عهده‌دار سرپرستی و اداره‌ی مدرسه‌ی جامع رشت گردید. از آثارش: «حقائق التوحید»، استدلالی در دو جلد؛ «برهان الولایة»، به عربی در دو جلد؛ «فروغ تجلی در امامت»؛ « راه ترقی»، در امور اجتماعی به فارسی؛ «نفس و راه تکامل آن»، در روان‌شناسی؛ رساله‌ای در «لباس مشکوک»، به عربی؛ رساله‌ی «صلاة»؛ «العبر فی مسئلة الجبر و القدر»، رساله‌ای در جبر و تفویض؛ رساله‌ی «التحلی فی حقیقة التحلی»؛ رساله‌ی «قاعدة لا ضرر»؛ حواشی بر «اسفار» ملا صدرا؛ «النور الساطع»، در نبوت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۲۵۶ -۲۵۵/ ۵).

میرزایی کرمانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۹۰.

درگذشت: ۱۳۶۸.

از آثار اوست: دیوان اشعار (با مقدمه محمدابراهیم باستانی پاریزی، ۱۳۶۸).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

میرزایی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد میرزایی

محل تولد : میاندوآب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۵/۱۰

زندگینامه علمی

بعد از اتمام دوره متوسطه در رشته ریاضی فیزیک و قبولی در کنکور سراسری ۱۳۷۴ در رشته مهندسی برق (گرایش الکترونیک) با مشورت و راهنمایی و صلاحدید پدرم وارد حوزه علمیه شده و رشته مهندسی را ادامه ندادم (سال ورود به حوزه ۱۳۷۴). در مدت ۵ سال در حوزه علمیه «حضرت ولی عصر بناب» مقدمات را به اتمام رسانده و درسال ۱۳۷۹ عازم قم شدم. همزمان با تحصیل در مقطع سطح، وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام (ره) در رشته «معارف اسلامی و جامعه شناسی» شدم. در سال ۱۳۸۳ دوره

لیسانس را همزمان با اتمام پایه ۱۰ به پایان رساندم و تا مقطع کارشناسی ارشد در رشته «الهیات» ادامه داده و فارغ التحصیل شدم. سابقه ۳ سال درس خارج دارم و همچنان مشغولم. انشاء الله.

میرزائی اهرنجانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم اداری، دانشکده: علوم اداری و مدیریت بازرگانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای مدیریت دولتی از دانشگاه U.S.C در سال ۱۳۴۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فعالیت در زمینه تحقیقات کاربردی و پروژه تحقیقات مدیریتی در صنعت، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

بوروکراسی سازمان.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸ تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

مدیریت و سازمان.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میرزائی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جمعیت‌شناسی، دانشکده: علوم اجتماعی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میرصالحی، مجتبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی برق، دانشکده: مهندسی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی برق از دانشکده برق دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۵۳، کارشناسی ارشد الکترونیک از انستیتو تکنولوژی فلوریدا در کشور آمریکا در سال ۱۳۵۸، دکترای مهندسی برق از انستیتوتکنولوژی جورجیا در سال ۱۳۶۴.

مرتبه علمی:

استادیار در انستیتو تکنولوژی جورجیا در سال ۱۳۶۵، استادیار دانشکده مهندسی برق دانشگاه آلاباما در کشور آمریکا در سال ۱۳۶۹، دانشیار دانشکده مهندسی دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پردازش سیگنالهای نوری، الکترونیک نوری، نور، استاد راهنمای یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

ابداع:

یک مورد در زمینه نور مجتمع.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

پردازش سیگنال‌های نوری کامپیوترهای نوری.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۶

زمینه علمی مقالات:

پردازش سیگنال‌های نوری، کامپیوترهای نوری، الکترونیک.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

میرصانع، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد علی میرصانع

محل تولد : الیگودرز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد علی میرصانع در سال ۱۳۵۷ وارد حوزه علمیه شهرستان خوانسار شدم و تا سال ۱۳۶۳ در آنجا مشغول تحصیل و لمعتین را در آنجا به پایان رساندم. پس از آن وارد حوزه علمیه قم شدم و به ادامه تحصیل در این حوزه مقدسه پرداختم. فرائد الاصول مرحوم شیخ را در محضر استاد «آیت الله راستی کاشانی» و نیز قوانین الاصول میرزای قمی، و مکاسب مرحوم شیخ را در محضر اساتید «آیت الله سید علی محقق داماد» و «شیخ محسن دوزدوزانی» فرا گرفتم و دروس خارج فقه و اصول را از محضر اساتید معظم حضرات آیات: «فاضل لنکرانی»، «وحید خراسانی» و «میرزا جواد تبریزی» تلمذ نمودم و در ضمن این مدت در مراکز فقهی علمی حوزه به تناسب مشغول کار و تدریس و غیره بوده ام.

میرعبداللهی شمس، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد حسین میر عبداللهی شمس

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد حسین میرعبداللهی در سال ۱۳۴۶ شمسی در یزد متولد شدم و پس از گذراندن دوره متوسطه در آن شهر وارد حوزه علمیه قم شده، ادبیات عرب را از اساتیدی چون: «مرحوم مدرس افغانی» و «آقای طالقانی» و سطح را از اساتیدی چون: «مرحوم وجدانی فخر» و «آیت الله دوزدوزانی» و بیش از ۱۲ سال نیز از درس‌های خارج اصول و فقه «آیت الله سبحانی» و «مکارم شیرازی» استفاده کردم.

تحصیلات کلاسیک را نیز در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) ادامه داده تا اینکه در فروردین ماه ۱۳۸۵ با دفاع از پایان‌نامه خود با موضوع: «تراجم و رجال در فرهنگ شیعه از قرن پنجم تا پایان قرن نهم هجری» و کسب نمره ۱۸ و امتیاز عالی با داوری دکتر محمد رضا جباری، فارغ التحصیل شدم. در این بین با پژوهشکده تاریخ و سیره دفتر تبلیغات و موسسه شیعه شناسی نیز همکاری داشته و دارم.

اکنون نیز در موضوع مولفان اسلامی با پژوهشکده تاریخ و سیره همکاری دارم و بیش از ۲۰۰ مقاله کوتاه و بلند در این موضوع مربوط به قرن‌های سوم و پنجم هجری از اینجانب نوشته شده که از مهم‌ترین و مفصل‌ترین این مقالات، مقاله: «ابوالمجد سنائی، عبدالجلیل قزوینی، صاحب النقض و ابن رشد اُندلسی فیلسوف شهیر» و مقاله «ابن شهر آشوب» است.

میرعشقی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی هسته‌ای، دانشکده: مهندسی مکانیک، دانشگاه: صنعتی شریف

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

میرعلی بید اخوی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی میر علی بید اخوی

محل تولد : تفت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

وی در سال ۱۳۴۹ در روستا «بیـد اخویـد» از توابع شهرستان تفت استان یزد متولـد شـد. پس از گذرانـدن مقطع راهنمایی در این روستا، وارد حوزه علمیه یزد و پس از یکسال تحصیل در حوزه علمیه مصلی یزد راهی قم شـد. جامع المقـدمات و سیوطی را در مـدرسه «المهـدی» تحت اشـراف حضـرت آیت الله العظمی گلپایگانی فراگرفت، سپس وارد مـدرسه «معصومیه» (س) شد و دروس سطح را از محضر بزرگانی چون: «آیت الله استادی» بهره‌مند شد.

پس از آن دروس خارج فقه و اصول را به مـدت هفت سال از محضـر آیات عظام: «مکارم» و «سبحانی» (زید عزهما) بهره وافر برد. همزمان با تحصیل علوم حوزوی، مقطع دبیرستان را به پایان رسانید. وی در سال ۱۳۷۰ وارد مؤسسه در راه حق شد. در این مرکز با معارف اسـلامی آشنا و در سال ۱۳۶۹ وارد مقطع دوره کارشناسی ارشـد رشـته «علوم سیاسـی» شد و پس از آن وارد مقطع دکتری گردید. در طول تحصیل رشته مزبور در گروه فقه سیاسی به تحقیق پرداخت.

میرعماد خطاط

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند سید ابراهیم حسنی حسینی سیفی قزوینی، ملقب به عماد الملک. ادیب شاعر خطاط مشهور، وی از جمله کسانی است که خط را فقط به خاطر هنر دوست می‌داشته، و برای دست یافتن به آن نهایت کوشـش را مبـذول داشـته، در لطافت قلم، و قدرت دست، و خوش سلیقگی، و حسن ترکیب کلمات، و دیگر محسنات خط، مهارت و استادی داشته، به طوری که خط او ضرب‌المثل شده، و خط هر کس را که بخواهند تعریف کنند می‌گویند: مثل خط میر می‌نویسد.

از زمان او تاکنون خط احدی به پایه‌ی او نرسیده است. میر در نوشتن خط نستعلیق خفی و جلی اعجاز می‌نموده، و نسبت به بزرگان بی‌نهایت بی‌اعتنا بوده، و همین سرسـنگینی او به قیمت جانش تمام شـده، او را نزد شاه عباس به سـنی بودن متهم کردند، و اشـعار و حالات او را به بدترین وصفی توصیف نمودند، و شاه را نسبت به وی خشمگین ساختند، تا به اشاره‌ی او مقصود بیک مسگر با چند نفر از اوباش همدست شده، شبی او را به قتل رسانید.

مـدفن او را برخی در بقعه‌ی جنب مسـجد تکیه‌ی ظلمات که ساختمان آن منسوب به همین مقصود بیک ناظر شاه عباس اول و وزیر بیوتات اوست می‌دانند، و در کتاب خط و خطاطان گوید: در قبرستان مرزغان حوالی محله‌ی طوقچی مدفون گردید.

تولد میر، را در حدود ۹۶۱، و کشته شدنش را در شب جمعه سال ۱۰۲۴ می‌نویسـند. وی صاحب دیوان اشعار است، و کتابی به نام «آداب المشق» به نام او به چاپ رسیده است.

پدر و جدش در دستگاه صفویه منصب کتابداری داشته، و جدش میر حسین علی از کتاب و نویسندگان و ساکن قزوین بوده است. اسـتادان خط او را، عیسـی رنگ نگار، مالک دیلمی و ملا محمدحسـین تبریزی نوشته‌اند. پسرش میرزا ابراهیم، و دخترش گوهرشاد هر دو در خط نستعلیق استاد بوده‌اند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

میرعین عارفین، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: خاک‌شناسی، دانشکده: مجتمع ابوریحان، دانشگاه: تهران
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

میرفخرایی، مجد الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجدالدین میرفخرایی ، معروف به گلچین گیلانی ، در سال ۱۲۸۹ ، در رشت به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش رشت و متوسطه را در تهران به پایان رسانید. پس از به پایان رساندن تحصیلات متوسطه در مدرسه دارالمعلمین (دانشسرای عالی) ، در رشته فلسفه و علوم تربیتی به تحصیل ادامه داد و به دریافت لیسانس توفیق یافت. سپس در امتحانات اعزام دانشجو به خارج شرکت کرد و به انگلستان عزیمت نمود. او ابتدا در یکی از شهرهای انگلستان ، در رشته پزشکی به تحصیل پرداخت ، اما طولی نکشید وارد دانشگاه لندن شد و به دریافت درجه دکترا در رشته پزشکی نائل گردید. اقامت و تحصیل گلچین در انگلستان مقارن با جنگ جهانی دوم بود و او در این زمان از راه نویسندگی و سخنگویی در رادیو لندن امرار معاش می کرد. او در نوجوانی شعر گفتن را آغاز کرد اشعار گلچین گیلانی برای اولین بار در سال ۱۳۰۷ در مجله « ارمغان » و بعدها در مجله های « روزگار نو » ، « فروغ » و « سخن » انتشار یافت. شعر باران او یکی از معروفترین شعرهایی است که قسمتی از آن در کتاب های ابتدایی کودکان به چاپ رسید. در واقع او اولین شاعر نوپردازی است که شعرش به کتاب های ابتدایی راه یافت. گلچین گیلانی ، در آذرماه سال ۱۳۵۱ چشم از جهان فروبست.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

والدین و انساب : پدر مجدالدین ، سیدمهدی میرفخرایی متولد تفرش بود.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : سیدمهدی میرفخرایی ، پدر مجدالدین به روزگار جوانی در خدمت وزیر و مستوفی حاکم تبریز بود و از سوی صدراعظم وقت ملقب به « دبیر دفتر » گردید. چندی بعد با سمت معاونت مالیه گیلان در رشت مشغول کار شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : مجدالدین میرفخرایی تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش رشت و متوسطه را در تهران به پایان رسانید. پس از به پایان رساندن تحصیلات متوسطه در مدرسه دارالمعلمین (دانشسرای عالی) ، در رشته فلسفه و علوم تربیتی به تحصیل ادامه داد و به دریافت لیسانس توفیق یافت. سپس در امتحانات اعزام دانشجو به خارج شرکت کرد و به انگلستان عزیمت نمود. او ابتدا در یکی از شهرهای انگلستان ، در رشته پزشکی به تحصیل پرداخت ، اما طولی نکشید وارد دانشگاه لندن شد و به دریافت درجه دکترا در رشته پزشکی نائل گردید.

خاطرات و وقایع تحصیل : دوران تحصیل پزشکی گلچین در انگلستان مقارن با جنگ جهانی دوم بود. اغلب دانشجویان ایرانی ناچار به وطن مراجعت کردند اما میر فخرایی با تحمل تمام مشکلات و مصائب دوران جنگ ، را در این کشور سپری کرد. او برای امرار معاش به کارهای گوناگون تن و از هیچ کوششی در راه تحصیل علم را فرونگذاشت.

فعالیتهای ضمن تحصیل : مجدالدین میرفخرایی در نوجوانی شعر گفتن را آغاز کرد ؛ در آن زمان به شیوه کهن شعر می سرود . هنوز دبیرستان را به پایان نبرده بود که دو شعر از وی در مجله فروغ رشت به چاپ رسید. هنگان تحصیل در تهران به سرودن شعر و فعالیت های ادبی ادامه داد و در انجمن ادبی ایران که ریاست آن به عهده شیخ الرییس افسر بود ، شرکت می کرد. او با آنکه دانشجوی پزشکی بود در لندن نیز اشعاری نغز و زیبا می سرود. مجدالدین میرفخرایی (گلچین) در طول تحصیل در انگلستان از راه نویسندگی و سخنگویی در رادیو لندن امرار معاش می کرد.

همسر و فرزندان : گلچین بیش از سیزده سال نداشت که با دختری از بستگان خود ازدواج کرد. هنگام اقامت و تحصیل در انگلستان همسر و خانواده او در ایران زندگی می کردند که سرانجام این فاصله منجر به جدایی گردید. وی بار دیگر با یک پرستار ایرانی در لندن ازدواج کرد که حاصل آن دختری به نام «ژیزل » بود ، ولی این ازدواج نیز دوامی نیافت و به جدایی انجامید. او سومین بار نیز یک همسر ایرانی انتخاب کرد.

زمان و علت فوت : مجدالدین میرفخرایی در آذرماه سال ۱۳۵۱ چشم از جهان فروبست.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مجدالدین میرفخرایی (گلچین) با وقوع جنگ جهانی دوم در انگلستان از راه نویسندگی و سخنگویی در رادیو لندن امرار معاش می کرد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : اشعار مجدالدین میرفخرایی برای اولین بار در سال ۱۳۰۷ در مجله « ارمغان » و بعدها در مجله های « روزگار نو » ، « فروغ » و « سخن » انتشار یافت. شعر باران او یکی از معروفترین شعرهایی است که قسمتی از آن در کتاب های ابتدایی کودکان به چاپ رسید. در واقع او اولین شاعر نوپردازی است که شعرش به کتاب های ابتدایی راه یافت.

آرا و گرایشهای خاص : نادر نادر پور شاعر معاصر ایران در تجزیه و تحلیل سبک و شیوه مجدالدین میرفخرایی می نویسد: « طبع گلچین گیلانی ، به رغم اقامت چهل ساله اش در مغرب زمین ، تاثیر مستقیم شعر اروپایی (خاصه انگلیسی) را نپذیرفت و همچنان ایرانی ماند ، اما از میراث سخن قدیم پارسی بهره ای نیافت و حسن و عیب شعرش نیز در همین است. کلام ساده او از لحن ادیبانه دور و به زبان محاوره امروزی نزدیک است و گاهی هم از لغزش های لفظی خالی نیست ؛ واژه هایش بی آن که همیشه خوش تراش و سنجیده باشد ، سرشار از رنگ و تصویر است و مجموعه سخنش همچون سرور جاوید کودکی و جوانی ، آهنگی شاد و

سبکبار دارد... امام مگر من ، تاثیر مستقیم شعر فرنگی را در طبع گلچین انکار می کنم ، تاثیر نا مستقیم همان شعر را در شیوه بیان و شکل سخنش می پذیرم : گلچین گیلانی شاعری است که در کار نو آوری ، نه از بدعت نیمایی ، بلکه از تحولات شهر اروپایی الهام گرفته است. » ---

آثار :

۱ دیوان شعر

۲ گلی برای تو

۳ مهر و کین

ویژگی اثر : این دفتر شعر ، منظومه ای ضد جنگ است. مضمون شعر گویای آن است که در فاصله سال های ۱۳۲۰-۱۳۲۵ سروده شده است.

۴ نهفته (نهضت)

منابع زندگینامه :۱کتاب گیلان ، تالیف: گروه پژوهشگران ، به سرپرستی : ابراهیم اصلاح عربانی ، تهران: انتشارات گروه پژوهشگران ایران ، ص ۷۱۵ ـ سخنوران نامی معاصر ایران ، تالیف سیدمحمد باقر برقعی ، ج ۵ ، قم: انتشارات خرم ، ص ۳۰۴۹ ـ اثرآفرینان ، زندگی نامه نام آوران فرهنگی ایران ،

میرفخرائی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدعلی میرفخرائی جندقی فرزند مرحوم حجةالاسلام حاج آقای جندقی طاب‌اللّٰه ثراه از خطباء مشهور و وعاظ معروف معاصر تهرانست. عالمیست خطیب و ادیبیست اریب دانشمندیست بصیر وسنخوریست خبیر بیانی دارد سازنده و منبری دارد آموزنده در مجالس خواص از دانشمندان سخن می‌گوید و با بیان شیوایش در معارف اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم صلوات‌اللّٰه دلهای مرده را زنده و روح و دل افسرده را پرواز می‌دهد.

خاندان رسالت سلام‌اللّٰه علیهم اجمعین را به نورانیت و حقیقت معرفی می‌نماید و آنچه می‌گوید اعتقاد و عرفان است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

میرفخرائی، ناصر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

فعالیت‌های تخصصی و تحقیقاتی در انستیتوی ملی فیزیک هسته‌ای ایتالیا و مرکز بین‌المللی فیزیک هسته‌ای سوئیس.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فیزیک هسته‌ای، شتاب دهنده انستیتوی ملی فیزیک هسته‌ای ایتالیا، شتاب دهنده‌های مرکز بین‌المللی تحقیقات فیزیک هسته‌ای سوئیس، روشهای اندازه‌گیری در فیزیک هسته‌ای، آزمایشهای فیزیک هسته‌ای به صورت تجربی به منظور کسب اطلاعات در مورد ساختار و خواص هسته، فیزیک ذرات بنیادی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مکانیک، فیزیک جدید و فیزیک هسته‌ای.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۲

زمینه علمی مقالات:

فیزیک هسته‌ای تجربی، تکنیک‌ها و اندازه‌گیری‌های هسته‌ای، فیزیک ذرات بنیادی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

میرفندرسکی، ابوالقاسم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم فندرسکی، معروف به میرفندرسکی (ح ۹۷۰ – ۱۰۵۰ ق/ ۱۵۶۳ – ۱۶۴۰م)، حکیم و دانشمند دوره صفوی و از استادان بنام مکتب اصفهان. پدران او از بزرگان سادات استراباد بودند و جدش میرصدرالدین در ناحیه فندرسک از قرای استراباد صاحب املاکی بود و بعد از جلوس شاه عباس اول (۹۶۶ ق) به دربار او پیوست. پدرش میرزا بیک نیز در دستگاه شاه عباس خدمت می کرد و مورد تکریم بود (افندی، ۵/۵۰۰، قمی، ۳/۳۵ – ۳۶).

ابوالقاسم در قصبه فندرسک زاده شد (نک: ارحدی، ۱۵۱، افندی، ۵/۵۰۱ – ۵۰۲) و ظاهراً مقدمات علوم را در همان نواحی فراگرفت، ولی بعداً برای ادامه تحصیل به اصفهان رفت و نزد علامه چلبی بیک تبریزی (د ۱۰۴۱) که خود از شاگردان افضل الدین محمد ترکه اصفهانی بود، به تحصیل حکمت و علوم پرداخت (نک: اوحدی، ۱۵۱، ۱۶۸، ۲۸۲). وی سپس در همانجا به تدریس مشغول شد، ولی ظاهراً محیط فکری و علمی آن روزگار با روحیه آزادی طلب و تقید ناپذیر او سازگار نبود و او نیز چون استادش چلبی بیک تبریزی و بسیاری دیگر از اهل علم و ادب و عرفان و هنر عازم هندوستان شد (نک: حمر، ۱۵۱، نصرآبادی، ۱۵۳). هندوستان در آن دوران به سبب روش و منش خاص اکبرشاه و سیاست « صلح کل» او، هم از لحاظ رونق اقتصادی و امنیت اجتماعی مردمان نقاط دیگر را به سوی خود می کشید و هم از لحاظ تنوع ادیان و آیینها و دوری از تعصبات مذهبی و فرقه ای برای مردمان آزاد اندیش جایگاهی امن و دلخواه بود. ظاهراً سفر اول میر به هند در ۱۰۱۵ ق و به همراهی اوحدی بلیانی (مولف تذکره عرفات العاشقین) بوده است (اوحدی، ۱۲، ۱۵۱)، به گفته اوحدی هنگامی که میر به هند رسید، به دستگاه میرزا جعفر آصف خان (ه م) که خود از شاعران و ادیبان ایرانی بود و به هند مهاجرت کرده و در آنجا به صدارت و وزارت رسیده بود، نزدیک شد. آصف خان با رعایت احوال او، وسایل بازگشت او را به ایران فراهم نمود، ولی دیری نگذشت که میر دوباره عازم سفر هند شد، نخست به گجرات و از آنجا به دکن رفت. اوحدی در هنگامی که مشغول نوشتن عرفات العاشقین بوده – یعنی در فاصله سالهای ۱۰۲۱ تا ۱۰۲۴ ق – می نویسد که میر مکرر به جانب هند سفر کرده و در این ازمنه نیز به هند آمده، باز به عراق مراجعت نموده و باز در هند است (ص ۱۵۰). میرفندرسکی بعد از این تاریخ نیز تا اواخر عمر همواره به هند سفر می کرده و ظاهراً یک بار در ۱۰۳۷ ق و بار دیگر در ۱۰۴۶ ق به معرفی ابوالحسن اصفهانی، وزیر شاه جهان ملاقات کرده است (ریو، II/۸۱۵). میرفندرسکی در دربار ایران نیز مورد تکریم بود و به گفته نصرآبادی هنگامی که از هند به اصفهان بازگشت، شاه صفی به دیدنش رفت (همانجا). وفات او در ۱۰۵۰ ق در اصفهان روی داد (خاتون آبادی، ۵۱۴) و در همانجا در مقبره بابا رکن الدین، در محلی که امروز به تخت فولاد و تکیه میر معروف است، به خاک سپرده شد. مزار او در فضای باز قرار دارد و بر روی خاک او سنگ یکپارچه بزرگی نهاده اند که بر جانب غربی آن کتیبه ای به خط ثلث برجسته مورخ به سال ۱۰۵۰ ق نوشته شده است، ولی در پایان نسخه رساله صناعیه (شم ۸۸۷) موجود در کتابخانه آستان قدس، تاریخ وفات میر ۱۰۴۹ قید شده و در مصراع آخر یک رباعی به صورت ماده تاریخ آمده است (نک: گلچین معانی، ۳۵، حاشیه). مقبره میر همیشه در اصفهان حرمت خاص داشته و زیارتگاه مردم بوده است. گفته اند که پس از مرگ وی طبق وصیتش کتابهای او به کتابخانه سلطنتی شاه صفی منتقل شد (قمی، ۳/۳۵، مدرس، ۴/۳۵۹).

تکیه میرفندرسکی در تخت فولاد اصفهان

از زندگانی شخصی او چیزی نمی دانیم و معلوم نیست که اعقاب او چه کسانی بوده اند. از نوادگان او تنها میرابوطالب بن میرزا بیک معروف است که از شاگردان علامه مجلسی، و مردی فاضل و شاعر بوده است و آثار فراوان دارد (نک: افندی، ۵/۵۰۰– ۵۰۱، قمی، ۳/۳۶، مدرس، ۴/۳۶۰) و بازماندگان این خاندان، تا همین اواخر از سادات محترم منطقه استراباد بوده اند (نک: هدایت، روضه، ۹/۱۱۲، ۴۸۹). میرفندرسکی از معاصران میرداماد و شیخ بهایی بوده و چندین تن از مدرسان علوم و حکمای معروف آن عصر، چون ملا صادق اردستانی، محمدباقر سبزواری، آقا حسین خوانساری، میرزا رفیعای نائینی و شیخ رجبعلی تبریزی از شاگردان او بوده اند (نک: خوانساری، ۲/۳۵۴، خاتون آبادی، همانجا، هدایت، همان، ۸/۵۸۶ آشتیانی، ۸۵). بعضی از مولفان صدرالدین شیرازی، حکیم بزرگ عصر صفوی را نیز در شمار شاگردان او آورده اند (مدرس، ۳/۴۱۸، براون، IV/۴۳۵)، ولی صدرالدین در هیچ یک از آثار خود از او نامی نمی برد، درصورتی که در مقدمه شرح بر اصول کافی از دو استاد دیگر خود، میرداماد و شیخ بهایی با تجلیل و تکریم فراوان یاد می کند (نک: آشتیانی، ۸۳ – ۸۴، ۸۷ – ۸۸). با این همه، به هیچ روی دور از احتمال نیست که افکار میر و تاثیراتی که وی از محیط فکری و فرهنگی هند پذیرفته و دریافت هایی که از تامل در مسائل فلسفی هندی حاصل کرده بود، به نوعی از طریق مباحثات و مذاکرات علمی به مجامع فرهنگی ایران راه یافته و انگیزه برخی تاملات و تفکرات شده باشد. به گفته نویسنده کتاب دبستان مذاهب، میر با شاگردان آذرکیوان (ه م) مصاحبت داشت و ترک آزار جاندار از صحبت شاگردان کیوان پیش گرفته بود و چون از او پرسیدند که « با استطاعت چرا به حج نمی روی؟ جواب داد: برای آن نمی روم که آنجا گوسپندی به دست خود باید کشت » (۱/۴۷).در این کتاب چند تن از آذر کیوانیان نیز از دوستان و نزدیکان میرفندرسکی شمرده شده اند (۱/۳۳۷ – ۳۳۸). ارتباط میرفندرسکی با شاگردان آذر کیوان در هند دور از احتمال نیست،ولی این که وی از افکار و آرای آذر کیوانی تاثیر پذیرفته باشد درست به نظر نمی رسد، زیرا اولاً در آثاری که از وی در دست است، هیچ گونه تاثیری از افکار آذر کیوانی و از اصطلاحات و واژگان خاص آن گروه دیده نمی شود، ثانیاً در هیچ یک از آثار و تالیفات دیگر این گروه اشاره ای به نام میرفندرسکی نیامده است. هرچند که از میر آثار فراوانی در دست نیست، لیکن عبارات و القابی که بر کتیبه سنگ مزار او دیده می شود، حکایت از آن دارد که وی در دوران حیات در نظر خواص و عوام حرمت و عزت خاص

داشته است و نه تنها در حکمت و علوم رسمی بلکه در معارف الهی و سیر و سلوک عرفانی نیز او را دارای مقامی بس بلند می دانسته اند. دلیل دیگر بر شهرت و منزلت او نزد مردم آن روزگار داستانهای غریب و کرامتهای گوناگونی است که به او نسبت داده انـد (نک: زنوزی، ۴(۱)۵۲۱، نراقی، ۱۹۵ — ۲۰۲، تنکابنی، ۲۳۶ — ۲۳۷، معصوم علیشاه، ۳/۱۵۸، صبا، ۲۵) و این شهرت تا آنجا بوده است که داستان آمدن شیر به مجلس او و شیخ بهایی را نقاشان بر پرده و بر قلمدانها نقش می کرده انـد (تنکابنی، همانجا، نفیسی، ۶۲ — ۶۶) و داستان رفتن او به معبد کفار موضوع منظومه ای دلکش در طاقدیس ملا احمد نراقی شده است (همانجا). حکایاتی که درباره تیزهوشی، عزت نفس، حاضر جوابی و بی پروایی او در پاسخ گفتن به خرده گیریهای امیران و شاهان نقل کرده اند، نیز حاکی از دقت نظر، قوت ذهن، شجاعت اخلاقی، وارستگی و آزادمنشی اوست (نک: افندی، ۵/۴۹۹، ۵۰۱، واله، گ ۳۵ ب، زنوزی، ۴(۱)/۵۲۰ – ۵۲۱، دبستان مذاهب، ۱/۴۷، خوانساری، ۱/۲۴۶، تنکابنی، همانجا، هدایت، ریاض، ۲۶۷ — ۲۶۸، قمی، ۳/۳۵، مدرس، ۴/۳۵۷ — ۳۵۸). گفته اند که روزی در مجلس او مساله ای از علم هندسه بنابر نظر خواجه نصیرالدین طوسی مطرح شد. میر برهانی در باب آن آورد و پرسید که آیا خواجه این برهان را ذکر کرده است؟ گفتند: نه. سپس چندین برهان دیگر در همان باب اقامه و در پی هر برهانی همان پرسش را تکرار کرد و جواب همان بود که اول بار شنیده بود (نک: افندی، ۵/۵۰۱، قمی، مدرس، همان جاها). از اشارات کوتاهی که در تذکره ها و کتب رجال به احوال او شده است، معلوم می شود که وی در عین آنکه از لحاظ کمالات علمی و عرفانی مورد تکریم بوده، در زندگانی شخصی بسیار ساده و بی تکلف می زیسته، از شهرت و مقامات صوری گریزان بوده، به ظواهر امور اعتنایی نداشته و از آمیزش با مردم کوچه و بازار، حتی اجامر و اوباش، پرهیز نمی کرده است (همان جاها). واله در بیان احوال او می گوید که وی « اکثر لباس نمد می پوشید و با اوباش و اجامره صحبت می داشت، در حلقه معرکه خروس بازان حاضر شده، خروسی در زیر بغل خود می گرفت » (همان جا). واله در پی این سخن، داستان معروف گفت و گوی میر با شاه عباس و جواب بی باکانه و صریح او را به اعتراض پوشیده و مودبانه شاه — که در کتابهای دیگر نیز آمده است — نقل می کند (همانجا، نک: هدایت، مدرس، همانجاها). میر در علوم زمان خود خصوصاً در هندسه و ریاضیات و کیمیا صاحب نظر بوده و در پاره ای از این موضوعات آثاری بـه او منسوب است. از آثاری که از او در دست است و نیز از روش و دیدگاههای فکری و فلسفی شاگردان او و تالیف آنان معلوم می شود که میر در کار تعلیم از استادان حکمت مشاء بوده و کتب ابن سینا را تدریس می کرده است (نک: آشتیانی،۸۶ — ۸۸)، ولی ظاهراً گه گاه از اشارات طعن آمیز و تعریضات تلخ درباره ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی — کـه هر دو از بزرگـان این مکتب بوده انـد — خودداری نمی کرده است (نـک: افنـدی، همانجـا، خوانساری، ۳/۱۸۵). او در بیتی از قصیده معروف خود فارابی و ابن سینا را به « فهم ظاهری » منسوب می کنـد (نـک: مـدرس، ۴/۳۵۹) و بـا آنکه در برخی از آثار فلسفی خود به شیوه مشائیان قول به مثل افلاطونی را باطل می دانـد (نک: « منتخباتی از رساله حرکت »، ۸۱، ۸۶ – ۸۷)، اما قصیده معروف خود را با تصورات مربوط به مثل افلاطونی و صعود به برزخ مثالی آغاز می کند:

چرخ بـا این اختران خوب و خوش و زیبـاستی صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی صورت زیرین اگر با نردبان معرفت بر رود بالا همان با اصل خود همتاستی

آثار: از میرفندرسکی چند رساله مختصر در موضوعات علمی و فلسفی، مقداری حواشی و توضیحات بر ترجمه جوگ بسشت هندویی و بعضی اشعار و قطعه های منظوم بر جای مانده است: ۱. مهم ترین اثر میر رساله فارسی معروف به صناعیه است که به عنوان حقایق الصنایع نیز شهرت دارد. وی در این رساله صناعت را به مفهومی بسیار گسترده و به معنی هر چیز که از قوای عاقله و عامله آدمی به ظهور و حصول پیوندد، گرفته و در ۲۴ باب و یک خاتمه به بیان حد صناعت، انواع آن، ارتباط صناعات مختلف با هم، فایده و غایت هریک، درجات سودمندی و شرف و خست آنها و سهم و محل هریک از اهل حرف و صنایع در جامعه پرداخته و ترتیب و ترتب صنایع را بر حسب شرف و غایت تا صناعتی که خود غایت غائی است و برای آن غایتی نیست، تعیین نموده است. در این رساله قوای نفسانی و اندامهای پیکر انسانی (عالم صغیر) و وظیفه و عمل هریک از آنها از یک سو با اجزاء و عناصر عالم هستی و عوالم عقول و نفوس (انسان کبیر) برابر و موازی قرار داده شده، و از سوی دیگربا طبقات مختلف جامعه و افراد و اعضای آن و سهم و وظیفه هریک از آنها در هیات اجتماع همانند و همسان گرفته شده است. میر در این رساله مطالب علمی و فلسفی دقیق را بـا زبـانی روشن و فصیح آمیخته بـا آیـات و احـادیث و اقوال بزرگان و حکما بیان داشته است (برای بحث و تحلیلی درباره این رساله، نک: کربن، ۴۴ — ۳۲، نیز نک: نصر، ۴۵۹ — ۴۶۰). رساله صناعیه یک بار در هند (۱۲۶۷) با اخلاق ناصری در یک مجلد به چاپ سنگی طبع و نشر شد و بار دوم به کوشش علی اکبر شهابی در تهران (۱۳۱۷ ش) به طبع رسیده است. جلال الدین آشتیانی نیز گزیده هایی از آن را با حواشی سودمند در مجموعه منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران (۶۳ — ۸۱) درج کرده است. محمدتقی نصیری طوسی ترجمه عربی رساله صناعیه را جزء کتاب ناموس اصغر قرار داده است (نک: حقوق، ۴۳۷). ۲. رساله فی الحرکه، نوشته مختصری است به زبان عربی در ۵ فصل در تعریف حرکت و اقسام آن و بیان آنکه هر حرکتی محتاج محرکی است و حرکات کلاً بایـد محرکی واحـد آغاز شونـد که محرک اول است و خود محرکی نـدارد. میر این رساله را از دیدگاه طریقه مشاء نوشته و در آن به رد و انکار نظریه مثل افلاطونی پرداخته است. منتخباتی از این رساله با حواشی مفید به کوشش جلال الدین آشتیانی در منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران (۸۱ — ۹۰) طبع و نشر شده است. ۳. رساله در تشکیک، نامه ای است رساله مانند که میر در پاسخ به سئوالی اقا مظفر کاشانی درباره مساله تشکیک در ذاتیات از او کرده بود، نوشته است. میر در این نامه به شیوه مشائیان سخن می گوید و برخلاف اشراقیان که به تشکیک در ذاتیات قائلند، وی ذاتیات را مقول به تشکیک نمی داند. این نامه نیز با تعلیقات جلال الدین آشتیانی در همان منتخبات (۹۰ — ۹۷) انتشار یافته است. ۴. رساله در کیمیا، به فارسی. ظاهراً رساله هایی که به نامهای ارکان اربعه، رساله در زیبق و کبریت و باب الاصغر در کتابخانه ها موجود است باید نسخه ها یا تحریرهایی از همین رساله باشد. منظومه ای به زبان عربی نیز در کیمیا به او نسبت داده شده است (مرکزی، ۲/۹۶). ۵. حواشی بر جوگ بشست. متنی که میر بر آن حاشیه نوشته، کتابی است در عرفان و حکمت هندی که در زمان اکبرشاه به فارسی ترجمه شد. اصل کتاب به نام لگهویوگه واسیشتهه۱، خلاصه ای است از منظومه بزرگتری و واسیشتهه رامایته۲ نیز معروف است. این منظومه طولانی، در حقیقت

گفت و گویی است میان واسیشتهه، حکیم باستانی و افسانه ای هند با شاهزاده معروف « راما » یا « راماچندره » – که حماسه دینی بزرگ هند، راماینه، شرح کارها و جنگهای اوست — و در سراسر آن، استادحکیم در ضمن بیان داستانهایی پندآمیز تعلیمات اخلاقی و فلسفی خود را برای شاگرد خویش بیان می کند. فلسفه ای که در این کتاب مطرح است کلاً همان تفکر توحید وجودی مطلق۳ است که از مکاتب مهم فلسفی و عرفانی هند به شمار می رود و نماینده برجسته آن شنکره۴ است. ولی افکار و آراء پیچیده و دشوار این مکتب در این منظومه به صورتی ساده تر و روشن تر بیان شده و با استفاده از افسانه ها و تمثیلات شیرین و دل انگیز، به فهم و درک کسانی که اهل تخصص نیستند، نزدیک گردیده است. کتاب اصلی به فارسی ترجمه نشده است، اما خلاصه آن که در سده ۹ به زبان سنسکریت تدوین شده بود، چنانکه گفتیم، در دوران سلطنت اکبرشاه به قلم نظام الدین پانی پتی ترجمه شد و در دوره های بعد نیز ترجمه ها و تلخیصهای دیگری از آن به فارسی نگارش یافت (نک: مجتبائی، « روابط فرهنگی ۱» ، ۸۱ – ۸۴). هنگامی که میرفندرسکی به هند رسید، با این کتاب آشنا شد و سخت مجذوب آن گردید. میر هنگام مطالعه این کتاب، نکات و توضیحات سودمندی در حاشیه آن نوشت که هنوز در برخی از نسخه های این کتاب دیده می شود (همو، « میرفندرسکی در هند »، ۶۵). ترجمه فارسی نظام الدین پانی پتی در ۱۳۶۰ ش به کوشش محمدرضا جلالی نائینی در تهران به طبع رسید، ولی این چاپ حواشی میرفندرسکی را ندارد. از حواشی میرفندرسکی بر این کتاب چنین برمی آید که وی به شناخت معارف هندویی اشتیاق وافر داشته و در این راه کوشش بسیار کرده است. وی با مقدمات زبان سنسکریت آشنایی یافته و از اشاراتی که به چگونگی این زبان و الفاظ و اصطلاحات آن می کند (نک: همو، ۲۸۳ — ۲۸۴، « میرفندرسکی در هند »، ۶۲ — ۶۳)، چنین برمی آید که به لزوم قرائت اینگونه کتابها به زبان اصلی پی برده بوده است. در این حواشی غالباً اشارات و ملاحظات تطبیقی و مقایسه با موضوعات فلسفی یونانی و عقاید اسلامی دیده می شود و از اشاراتی که به کتاب پاتنجل بیرونی در این حواشی می کند، معلوم می شود که با نوشته های ابوریحان درباره هند نیزآشنا بوده است(همانجا). میرفندرسکی برای کتاب جوگ بسشت فرهنگ نامه ای نیز به نام کشف اللغات جوگ ترتیب داده بود که نسخه هایی از آن، هم به ضمیمه آن کتاب و هم به طور جداگانه موجود است (نک: منزوی، خطی، ۳/۲۰۱۵). الفاظ و اصطلاحات هندی در این فرهنگ نامه به ترتیب حروف تهجی تنظیم شده و تعریفات آنها غالباً از متن کتاب گرفته شده و در مواردی توضیح گونه ای از میرفندرسکی نیز بر آنها افزوده گردیده است. علاوه بر این فرهنگ نامه، امروز نسخه هایی از کتابی به نام منتخب جوگ بشست در کتابخانه ها هست، از جمله نسخه کتابخانه مجلس شورا (شم ۶۴۰) مورخ ۱۲۶۲ و نسخه متعلق به احمد افشار شیرازی، مورخ ۱۲۳۱ ق — که به کتابخانه دانشگاه شیراز منتقل شده است — که از آثار میرفندرسکی دانسته شده و در هر دو نسخه نام ابوالقاسم میرفندرسکی به عنوان مصنف آمده است (نک: مجتبائی، همان، ۶ ۸). در این کتاب قطعه هایی کوتاه با مضامین عرفانی از کتاب جوگ بسشت ترجمه پانی پتی عیناً نقل شده و در پی هر قطعه یک بیت شعر فارسی با همان مفاد و مضمون از شاعرانی چون عطار، مولوی، شبستری، سیدحسینی، مغربی، حافظ و شاعران دیگر آمده است. روشن است که مقصود گردآورنده این گزیده ها ارائه یکسانی و یگانگی عوالم فکری عرفانی هندویی و اسلامی بوده است. نکته ای که درباره این منتخب قابل ذکر است، وجود ابیات فراوان از فانی اصفهانی، شاعر سده ۱۳ ق، در آن است. در نظر اول وجود ابیاتی از شاعری متاخر در این کتاب طبعاً انتساب آن را به میرفندرسکی ابطال می کند، ولی از سوی دیگر فراوانی این ابیات در سرتاسر کتاب و شمار بسیار بالای آنها نسبت به ابیاتی که از شاعران دیگر نقل شده است (بیش از نیمی از کل اشعار نقل شده در این کتاب از فانی است)، خود دلیل بر الحاقی بودن و افزوده شدن آنها به گزیده های اصلی در زمانهای بعد تواند بود (نک: همان، ۶۷ – ۶۸). این کتاب در ۱۳۴۸ ش به کوشش جلالی نائینی و تاراچند با عنوان ساختگی آداب طریقت و خدایابی و بدون نام مولف یا گردآورنده، از روی نسخه هایی که از آن در هند به دست آورده بودند، در تهران طبع و نشر شده است. ۶. اشعار. در اغلب تذکره ها اشعاری از میرفندرسکی نقل کرده اند. آنچه از او برجای مانده، دو قصیده است و چند رباعی و چند قطعه. یکی از قصاید شکوائیه ای است از روزگار نامساعد و قدرناشناسی ایام و دیگری منظومه ای است در فلسفه و حکمت الهی که پیش از این بدان اشاره شد. این قصیده معروف را چند تن شرح کرده اند (نک: منزوی، خطی مشترک، ۹/۲۲۱۱ — ۲۲۱۲). شرح محمد صالح خلخالی، از دانشمندان سده ۱۲ ق، در ۱۳۱۲ ق، همراه با شرح دعای حضرت امیر (ع) و لوایح جامی در تهران به چاپ سنگی رسیده و شرح حکیم عباس شریف دارابی شیرازی به کوشش فضل الله لایق در تهران (۱۳۳۷ ق) طبع و نشر شده است. در بعضی از تذکره ها و کتب تراجم تالیفات دیگری چون تاریخ صفویه، تحقیق المزله و برخی رسالات و نوشته های دیگر (نک: مدرس، ۴/۳۵۸، امین، ۲/۴۰۳) به نام میر ذکر کرده اند که تاکنون اثری از آنها به دست نیامده است.

میرفندرسکی، عماد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۴ ش)، خطاط. در تهران به دنیا آمد. وی در نوشتن خطوط نستعلیق و شکسته تحریر توانا بود و در موسیقی نیز دست داشت. میرفندرسکی مدتی منشی و خوشنویس وزارت امور خارجه بوده است. او در تهران درگذشت و در امامزاده عبداللّه دفن شد. از آثار خطی وی، چند اثر به یادگار مانده که «گلستان» سعدی، به خط نستعلیق خفی در زمره‌ی آنهاست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (۱۰۲ -۱۰۰).

میرقرشی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، مجلد و شاعر، متخلص به خطایی. نگارگر و صحاف قوی‌دست دوران تیموری در شهر سمرقند بود و در سرودن شعر نیز دست داشت. میرقرشی در سمرقند درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۳۳۶/ ۳)، الذریعه (۲۹۸،۸۸۱/ ۹)، مجالس النفائس (۲۲۰، ۴۷).

میرک خراسانی، روح‌اللّٰه

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۱۳ ق)، نقاش و خطاط. اهل خراسان و از سادات هرات بود. وی در ابتدای کار به قرائت کلام‌اللّٰه مجید و کتابت خطوط می‌پرداخت و پس از مدتی شوق تصویرسازی پیدا کرد و به دلیل پیگیری آن در تذهیب و نگارگری مهارت یافت. میرک پیرو مکتب احمد موسی و از شاگردان استاد ولی‌اللّٰه بود که بعدها همکار وی گردید. او مخترع شیوه‌ی گرفت و گیر حیوانات و جانورسازی است. مشهورترین شاگرد وی، استاد بهزاد هراتی است. از آثار وی: تصویر علی فارسی در دو صفحه‌ی جداگانه، با رقم: «عمل میرک خراسانی»؛ تصاویری در کتاب «گوی و چوگان» که در یکی از تصاویر، چهار فرشته‌ی پر حالت تصویر شده و زمینه‌ی اثر، تذهیب اسلیمی دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۲۱۱ -۲۰۹/ ۱)، تاریخ هنرهای ملی (۸۲۷/ ۲)، حبیب السیر (۳۴۸/ ۴)، خوشنویسان و هنرمندان (۲۷).

میرک شیرازی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اهل شیراز بود. به قصد سیاحت به خراسان مسافرت کرد و بعد از مدتی به وطن بازگشت. او معاصر اهلی شیرازی (م ۹۴۲ ق) بود و بعد از مرگ اهلی، ماده تاریخ فوتش را در قطعه‌ای سرود که بر سنگ مزارش نوشته شده است. از آثار وی: «دیوان» شعر. از اوست:

جانا مباش در پی آزار و کین همه

کین عالم خراب نیرزد بدین همه

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۴۷۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۴۸/ ۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۹۳/ ۵)، الذریعه (۱۱۴۲/ ۹)، صبح گلشن (۴۸۳)، فرهنگ سخنوران (۹۰۱)، مجالس النفائس (۲۹۹، ۱۲۱)، مرآت الفصاحه (۶۲۶ -۶۲۵).

میرکازرونی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۴ / ۱۲۹۲ ش)، طبیب، نویسنده و شاعر، متخلص به میر. در کازرون به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان برد و جهت ادامه‌ی تحصیل به تهران آمد و در رشته‌ی طب به تحصیل پرداخت. در ۱۳۱۷ ش موفق به اخذ درجه‌ی دکترا و در ۱۳۲۴ ش موفق به گرفتن تخصص در قسمت جراحی از دانشگاه تهران شد. سپس برای تکمیل فنون جراحی به اروپا و آمریکا رفت. پس از بازگشت به ایران سمت استادی کرسی جراحی دانشگاه شیراز را گرفت. از آثار وی: «پزشکی عملی»؛ «جراحی عمومی»؛ «قدیمترین یادداشت پزشکی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۹۰ -۵۸۸/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۰۲۰، ۶۰۵/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۶۰ -۲۵۹/ ۲).

میرکلن، ابوالحسن

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطاط. معروف به میرکلّن. از سادات رضوی بود و نیاکان او، از دو سه پشت، در دهلی توطن اختیار کرده بودند. در خط نستعلیق شاگرد محمدحفیظ خان بود. و به شیوه‌ی رشیدا می‌نوشت و کتابت بسیار می‌کرد. تاریخ مرگ وی معلوم نیست، ولی معلوم است که استاد وی، محمدحفیظ خان، به سال ۱۱۹۴ ق درگذشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۷ -۲۶ /۱).

میرکی بلخی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. او مذهب اثنی‌عشری داشت. اصل وی از بلخ بود و به اصفهان رفت و مدت چهل سال در عصر شاه عباس اول (۱۰۳۸ -۹۹۶ ق) در آن دیار سکونت گزید. میرکی در اکثر علوم، مخصوصا علم صرف و نحو، نظیر نداشت. شاه بسیار به او توجه می‌کرد. وی عاقبت به مرض وسواس دچار شد و بر اثر آن درگذشت. نصرآبادی در تذکره‌ی خود از ملاقات با او خبر می‌دهد و سال درگذشت وی را ۱۰۶۱ ق ذکر می‌کند و «فرهنگ سخنوران» بر آن صحه می‌نهد. اما «صبح گلشن» و «ریحانهٔ الادب» سال وفات وی را ۱۰۱۶ ق نوشته‌اند. از او اشعاری در تذکره‌ها ذکر شده است. در «الذریعه» میرک بلخی به میرک بخارایی و میرک بخارایی به میر ماوراء النهری، میرجان/ میرخان ارجاع داده شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۶۶ -۱۶۵)، الذریعه (۱۱۴۱/ ۹)، ریحانه (۷۸/ ۶)، صبح گلشن (۴۸۴)، فرهنگ سخنوران (۹۰۱)، لغت نامه (ذیل/ میرکی).

میرکی شیرازی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن عظیم رحلی. ریحان دودانگ عالی. خطاط و مذهب سید میرکی بن سید احمد الشیرازی در بقعه‌ی مولوی در قونیه.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

میرم هروی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر. اهل هرات یا قزوین بود. به دلیل سیه چرده بودنش، به میرم سیاه مشهور شد. وی از معاصرین فخری هروی، مترجم «مجالس النفائس»، و از شاگردان علی باب ابدال، شاعر معاصر سلطان حسین بایقرا (۹۱۱ -۸۷۳ ق)، بود. طبعش به سرودن اشعار هزل بیشتر تمایل داشت. او در اواخر عمر به ماوراءالنهر رفت و در آنجا درگذشت. از آثارش «دیوان» شعر است. به آورده‌ی برخی از تذکره‌ها وی دارای دو «دیوان» است، یکی «دیوان» جد، شامل قصاید حمد و نعت و غزلهای عاشقانه و دیگری «دیوان» هزل، که به دستور خواجه عبدالحی سروده و مطایبات و مضحکات خود را جمع کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۱۸)، تحفه سامی (۲۳۷)، الذریعه (۱۱۴۳ -۱۱۴۲/ ۹)، ریحانه (۷۹/ ۶)، صبح گلشن (۴۸۶ - ۴۸۴)، فرهنگ سخنوران (۹۰۲)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۲۵۵۸/ ۳)، لغت نامه (ذیل/ میرم هروی)، مجالس النفائس (۱۶۹)، هفت اقلیم (۱۵۶ -۱۵۴/ ۲).

میرمحمد صادقی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اقتصاد کشاورزی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: صنعتی اصفهان

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

میرمحمد صادقی، مجتبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مجتبی، نجل مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمدباقر میر محمد صادقی از علماء و ائمه جماعت و مدرسین معاصر اصفهان است. وی از خاندان علم و فقاهت و از طرف مادر از احفاد و اسباط میرزای قمی و آخوند ملا علی نوری. مادر مکرمه ایشان صبیه مرحوم آیت‌اللَّه حاج آقا منیرالدین فرزند آقا جمال‌الدین فرزند ملا علی بروجردی است. معظم له در حدود ۱۳۳۰ قمری در اصفهان متولد شده و در بیت علم و ورع پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و سطوح از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدرضا نجفی و آیت‌اللَّه حاج میر سید علی مدرس نجف‌آبادی و آیت‌اللَّه آقا سید محمد مدرس نجف‌آبادی تا درجه اجتهاد استفاده نموده و به خدمات دینی از اقامه جماعت در مسجدالنبی اصفهان و تدریس رسائل و مکاسب در مدرسه صدر اصفهان و تبلیغ و ترویج اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

میرمحمدی، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالفضل میر محمدی

محل تولد : ساوه

شهرت : میر محمدی زرندی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔالله سید ابوالفضل میرمحمدی زرندی در سال ۱۳۰۲ هجری شمسی در بخش «زاویه زرند» از توابع شهرستان ساوه در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش به پایان رسانید. در سال ۱۳۲۰ ایامی که کیان حوزه‌های علمیه در خطر بود و کمتر کسی رغبت به تحصیل علوم حوزوی داشت، روحیه و علاقهٔ وافرش به تحصیل علوم دینی او را به حوزه مقدس علمیهٔ قم رهنمون ساخت.

وی پس از فراگیری علوم اولیه صرف، نحو، معانی بیان و منطق در سال ۱۳۲۵ جهت زیارت عتبات عالیات و ادامهٔ تحصیل عازم عراق شده و توسط دایی مرحوم والدش «آیهٔالله آقای حاج میرزا یحیی زرندی (ره)» که از مجتهدین مقیم آن دیار بود؛ در شهر کربلا حجره‌ای اختیار کرد ولی با اصرار پدر بازگشت، بواسطهٔ وابستگی عاطفی که به ایشان داشت، به ناچار امر ادامهٔ تحصیل را در قم پیگیری نمود.

از همان ابتدای تحصیل به حداقل امکانات معیشتی فراهم شده توسط پدرش که به امر کشاورزی و کسب اشتغال داشت؛ بسنده کرده و از دریافت شهریه و وجوه شرعی امتناع نمود و تا به حال نیز بدین امر مقید بوده است. ایشان داماد فقیه وارسته «آیهٔالله العظمی مرحوم آقای حاج سید احمد زنجانی (ره)» می‌باشند که همواره این وصلت را از جمله توفیقات خود می‌دانند.

پس از گذراندن دروس مقدماتی در سطوح عالیهٔ حوزه، رسائل را از محضر مرحوم «آیهٔالله حاج شیخ موسی زنجانی (ره)»، مکاسب را از محضر مرحوم «آیهٔالله سید حسین قاضی (ره)»، کفایه را از محضر حضرات آیات: «سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی» و «علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره)» و شرح تجرید را از محضر مرحوم «آیهٔالله حاج میرزا اسحاق آستارایی (ره)» تلمذ نمود.

حدود سال ۱۳۲۸ از درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: «حجت کوه کمره‌ای» و «بروجردی (رضوان الله علیهما)» حدود دو سال بهره برد. سپس حضرت «آیهٔالله العظمی آقای حاج سید محمد محقق داماد (ره)» را به عنوان استاد درس خارج به نحو مستمر اختیار نموده و طی ۱۵ سال یک دورهٔ کامل اصول و چندین کتاب فقهی را از محضرشان استفاده نمود.

ایشان در مقاطع مختلف تحصیل حوزوی، تدریس مقطع پایین‌تر را به عهده گرفته و بیش از ۲۰ سال به تدریس دروس سطح عالیه حوزه از قبیل رسائل، مکاسب و کفایتین پرداخته است. بیش از ۱۰ سال نیز در دانشگاه اقدام به تدریس فقه و علوم قرآنی در مقطع دکتری و کارشناسی ارشد نموده و پیوسته نیز استاد راهنمای رساله‌های مختلف دوره دکتری در دانشگاه و حوزه بوده است. شایان ذکر است رتبهٔ دانشگاهی ایشان در بدو ورود به فعالیت‌های دانشگاهی دانشیار اعلام شده و سپس به جهت تألیف، تدریس، مدیریت و سایر خدمات دانشگاهی رتبهٔ استادی که بالاترین رتبهٔ علمی دانشگاهی است به وی اعطا شده است.

مباحثه تفسیر قرآن را از حدود سال ۱۳۲۶ در روزهای پنجشنبه و جمعه هر هفته با دوستان صمیمی و هم دوره‌ای خود همچون حضرات آیات: (مرحوم آقای حاج سید مهدی روحانی، مرحوم آقای حاج شیخ علی احمدی میانجی، مرحوم حاج شیخ احمد آذری قمی، حاج سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، حاج سید اسماعیل موسوی زنجانی، مرحوم حاج شیخ محمد حقی، حاج شیخ احمد پایانی، مرحوم حاج میرزا محمد امین رضوی و ...) آغاز نمود که به مرور مورد توجه واقع شده و بر اعضای آن افزوده گردید. این جلسهٔ وزین که بیش از پنجاه سال سابقه دارد با نوساناتی در ترکیب اعضا کماکان به قوت خود باقی است.

ایشان از همان ایام حضور در درس خارج فقه و اصول در جلسه بحث فقهی که حضرات آیات: «آقای حاج سید موسی شبیری زنجانی، مرحوم آقای حاج سید مهدی روحانی، مرحوم آقای حاج شیخ علی احمدی میانجی، مرحوم حاج شیخ احمد آذری قمی،

آقای حاج سید جلال‌الدین طاهری اصفهانی، آقای حاج شیخ عبدالرحیم جودی» داشتند، حضور پیدا می‌کرد. این جلسه نیز اکنون با تغییر برخی اعضای آن ادامه دارد.

آقای میر محمدی به همراه سایر فضلا و روحانیون از مدافعین نهضت اسلامی بوده و در امضاء برخی از اعلامیه‌ها علیه رژیم ستم شاهی و حمایت از حضرت امام نقش داشته است که از جمله آن می‌توان به ارسال نامه‌ای سرگشاده با عنوان «نامه جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم به هویدا نخست وزیر وقت در خصوص اعتراض به اقدامات خلاف قوانین اسلام و قانون اساسی، جو خفقان و سانسور، دستگیری حضرت امام خمینی و ...» اشاره نمود.

در سال ۱۳۶۴ با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی به ریاست دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران که پس از شهادت آیهٔالله دکتر مفتح توسط سرپرست اداره می‌شد، منصوب گشت. وی در مدت یازده سال مسؤولیت ضمن تلاش مؤثر جهت راه‌اندازی مجدد دوره دکتری و کارشناسی ارشد و نیز افزایش ظرفیت پذیرش دانشجویان مقاطع مذکور، از آنجایی که اهتمام جدی به وحدت حوزه و دانشگاه داشته و خود نیز با ورود به فعالیت‌های مستمر دانشگاهی از قبیل: (مدیریت، تدریس و تألیف) از مصادیق این وحدت به شمار می‌رفت از فضلاء شاخص حوزه با هدف ارتقاء کیفی سطح تحصیلات دانشجویان جهت تدریس دعوت می‌نمود.

شایان ذکر است این توسعه دانشکده که به همت ایشان و با عنایت بنیانگذار جمهوری اسلامی امام خمینی (ره)، رهبر معظم انقلاب حضرت آیهٔالله خامنه‌ای و مساعدت رئیس جمهور وقت جناب حجهٔالاسلام والمسلمین آقای هاشمی رفسنجانی و ... در مساحتی حدود ۷۰۰۰ متر صورت گرفت، دانشکده را از تنگنای شدید فضای آموزشی و رفاهی خارج ساخت.

میرمحمدی، کمال الدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید کمال الدین میر محمدی

محل تولد : جلفا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیّد کمال الدین میر محمّدی در سال ۵۱ در شهرستان جلفا متولّد شدم. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه به خاطر علاقه وافر به علوم دینی وارد حوزه علمیّه «هادی شهر» شدم. به مدّت دو سال تحصیل در آن حوزه و کسب نمرات ممتاز جهت ادامه تحصیل به حوزه علمیّه «حضرت عبدالعظیم شهر ری» رفتم و با جدیت تمام و نمرات عالی سطح یک را به پایان رساندم و برای ادامه تحصیل در سال ۷۵ وارد حوزه علمیّه قم شدم و با گذراندن سطح عالی مشغول به درس خارج شدم که از سال ۷۹ به صورت مستمر در درس خارج فقه و اصول استاد «احمد عابدی» (دامت برکاته) شرکت کرده ام. در کنار تحصیل به کارهای پژوهشی رو آوردم که از سال ۷۹ در مرکز فرهنگ و معارف و قرآن با عنوان محقق ارزیاب مشغول به تحقیق و پژوهش هستم.

میرمحمدی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۰۸، مرتبه علمی: دانشیار رشته: مهندسی معدن، دانشکده: فنی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد مهندسی معدن از دانشگاه کوستال آلمان در سال ۱۳۳۶، دکترای تخصصی معدن‌شناسی از دانشگاه هامبورگ در سال ۱۳۴۰ و فوق تخصص کاربرد مواد معدنی از آلمان در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۲ تا سال ۱۳۴۹ و دانشیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۹.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس میزالوژی، کانی‌شناسی و کاربرد مواد، بررسی صنایع ساختمانی در دانشکده فنی دانشگاه تهران، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۸۰ پایان‌نامه کارشناسی در خصوص معدن‌شناسی و مواد معدنی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:–

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

جزوات درسی در زمینه کانی‌شناسی برای گروه مهندسی معدن، شناخت مواد معدنی، کاربرد مواد معدنی، بررسی صنایع ساختمانی و کانی‌شناسی برای گروه متالورژی و شیمی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۲

زمینه علمی مقالات:

کانی‌شناسی، کانی‌های ایران، معرفی یک کانی جدید، معدن چنارت ایران و فیروزه در ایران.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

میرمحمدی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مصطفی میر محمودی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۲ به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدایی تا دبیرستان را در شهرستان بابل گذراندم. پس از اخذ دیپلم به سال ۱۳۶۰ مدّتی به جهاد سازندگی رفتم. در همین سال به تشویق پدر که در سلک روحانیت بود؛ جهت تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیّه قم شدم. تا سال ۱۳۶۹ به دروس سطح حوزه علمیه مشغول بودم. سال های ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ با سازمان تبلیغات قم در بخش فرهنگی همکاری داشتم.

همزمان با ادامه تحصیلات در حوزه به سال ۱۳۷۰ وارد دانشگاه شدم و در سال ۱۳۷۴ دوره کارشناسی رشته «حقوق» را به پایان رساندم. در همین سال موفق به ادامه تحصیل در رشته «حقوق بین الملل» شدم. سال ۱۳۷۷ کارشناسی ارشد این دوره را به پایان رساندم. از سال ۱۳۷۴ تدریس در دانشگاه های آزاد و مفید قم در دروس مختلف معارف، فقه، اصول، و حقوق را آغاز نمودم و همزمان به فعالیت های علمی و پژوهشی نیز پرداختم. نزدیک شصت سفر تبلیغی، فرهنگی و علمی به مناسبت های گوناگون اعم از ماه محرم، صفر، ماه مبارک رمضان، هفته وحدت، دهه فجر و ایام رحلت امام (ره) به داخل و خارج کشور سفر نموده ام.

میرمسیب، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی میر مسیب

محل تولد : شهرضا

شهرت : میر مسیب

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۲۵

زندگینامه علمی

بسم الله الرحمن الرحیم حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله و سلم) در بزرگداشت قلم فرموده است «...و القلم من الله نعمهٔ عظیمهٔ و لولا ـ القلم لم یستقم الملک و الدین و لم یکن عیش صالح» (محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج۱۳، ص۲۵۸، ح۲، باب۱۲استحباب تعلم الکتابه).

سال ۱۳۴۳ در شهرضا به دنیا آمدم. پس از گذراندن دوره راهنمایی نزد معلمانی نوعاً ارزشمند چون سردار رشید سپاه اسلام شهید همت، جهت تحصیل علوم حوزوی به مدرسه علمیه صاحب الزمان (علیه السلام) شهرضا رفتم و پس از چهار سال تحصیل در این مدرسه به حوزه علمیه قم عزیمت نمودم و پس از یکسال استفاده آزاد از دروس حوزه علمیه قم، خدمت حجج اسلام و المسلمین سید هاشم حسینی بوشهری و سید عبدالعظیم حسینی به مدرسه مرحوم آیهٔالله العظمی گلپایگانی رفتم و به تحصیل ادامه دادم و پس از دو سال تلمذ در محضر مبارک اساتید آن مدرسه، محضر برخی از اساتید دوره سطح و عالی از جمله حجج اسلام و المسلمین:

«موسوی تهرانی»، «طاهری خرم آبادی» و آیات عظام: «صالحی مازندرانی»، «مظاهری»، و ... را درک نمودم که اکنون نیز ادامه دارد.

تقریبا از سال ۱۳۷۰ دست به قلم شده و تألیف و تحقیق را آغاز نمودم ولی بیشتر آنها به دلیلهای مختلفی به چاپ نرسیده است ازجمله آنهاست:

۱. سعادهٔالطالبین (توضیحی برآداب المتعلمین خواجه نصیرالدین طوسی)

۲. طریق العیش (نکاتی از زندگانی یکی از اصدقاء)

۳. الحجرات (گذری برسوره مبارکه حجرات)

۴. تحقیق و تصحیح کتاب داستان فکاهی، علامه فقید آیهٔالله میرجهانی)

۵. آیین عشق (جمع و توضیح اشعار حکیم اسدالله قمشه ای همراه مطالبی سودمند): در همان هنگام از کلیه شعرای شهرضا نمونه شعرهایی گرفتم و آماده سازی کردم ولی در ترتیب قرار دادن نام آنها با مشکل روبرو شدم لذا به چاپ نرسید البته چکیده ای از این اشعار را در کتاب آئین عشق به کار برده ام.

۶. تحقیق، تصحیح، آماده سازی و چاپ مطالبی دست نویس در موضوع عقیدتی، اخلاقی و سیر و سلوک از دانشمند متأله شهرمان «حضرت آیهٔ الله نجفی قمشه ای» که با عنوان: «با سالکان وادی نور» به چاپ رسید. کتابهای دیگری نیز از معظم له آماده سازی نموده ام که از آن جمله است:

الف– اخلاق نظری (ویژه طلاب علوم دینی پایه های ۱تا ۳).

ب– مرد فریاد و سکوت (زندگینامه معظم له).

ج– رهیافتهای ویژه (درسهایی ازمعظم له در سیر و سلوک).

د– قطره ای ازدریای معارف که در حال آماده سازی است و امیدوارم به لطف الهی به زودی به زیور طبع آراسته گردد انشاء الله.

۷. تحقیق و تصحیح کتاب: «جذبه حقیقت یا ایدئولوژی ولایت» از دانشمند معظم و خطیب توانای شهرمان آقای حاج شیخ قدرت الله صالحپورکه به نام: «خورشید امامت و ولایت» به چاپ رسیده است.

۸. مرغ باغ ملکوت (۱): یادنامه استاد فقید حجت الاسلام و المسلمین سید رضا محسنی همزمان با ارتحال آن مرحوم (خرداد ۱۳۷۲).

۹. مرغ باغ ملکوت (۲): گذری به زندگانی و وصیتنامه استاد معظم، خدوم و فقید، مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ مرتضی عظیمی به مناسبت ارتحال آن بزرگوار (خرداد ۱۳۸۷) و ...

کتابهای دیگری نیز تحقیق و تصحیح نموده ام که برخی از آنها آماده چاپ و برخی در دست آماده سازی است. ضمنا برخی از دوستان اهل قلم در تدوین کتابهای خویش از اینجانب کمک گرفته‌اند که در ابتدا یا انتهای کتابشان به این مسئله اشاره کرده‌اند مثل کتاب: «سیمای شهرضا» و کتاب: «مجالس توحید فطری». ویرایش و مقابله مطالب برخی از نشریات مثل نشریه اطلاع رسانی معارف ویژه اساتید دروس معارف اسلامی دانشگاههای کشور و ره توشه تبلیغ، ویژه ماه مبارک رمضان سال ۱۴۲۷ که توسط دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم منتشر گردیده است را عهده دار بوده‌ام.

در برخی مساجد شهرضا امامت جماعت و وعظ و سخنرانی داشته ام مثل مسجد امیرالمؤمنین (ع)، مسجد الرسول (ص)، مسجد نو و ... . در سعادت آباد جرقویه و عباس آباد پاکدشت نیز فعالیت تبلیغی و در جبهه های جنگ به عنوان نیروی رزمی تبلیغی حضورداشته ام. امیدوارم خداوند رحمان و رحیم از همگی قبول بفرماید آمین رب العالمین. در پایان، موفقیت و سرافرازی همه عزیزان و بزرگواران علم و قلم را از خداوند قلم به دستان، همان خدائی که به قلم ارزش داده و به آن سوگند یاد کرده است خواهان و خواستارم. و السلام

میرمعزی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین میر معزی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۸ موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی شدم و در کنکور دانشگاه شرکت کردم و در رشته مهندسی مکانیک دانشگاه پلی تکنیک قبول شدم پس از دو ترم با انقلاب فرهنگی دانشگاه ها تعطیل شد. در سال ۱۳۶۲ پس از انصراف از دانشگاه وارد حوزه علمیه مبارکه قم شدم سال ۶۸ دروس سطح را تمام کردم و از آن زمان تا کنون در درس خارج فقه و اصول اساتیدی چون آیت الله میرزا جواد تبریزی، آیت الله وحید خراسانی، آیت الله زنجانی، آیت الله موسوی اردبیلی شرکت نمودم.در سال ۶۸ همزمان با شروع

درس خارج در رشته اقتصاد در دانشگاه مفید مشغول به تحصیل شدم و سال ۷۲ لیسانس و سال ۷۶ فوق لیسانس گرفتم.
از سال ۷۲ تا ۷۵ در بخش فرهنگی جامعه مدرسین به عنوان محقق در اقتصاد اسلامی و به ویژه موضوع بانکداری اسلامی و موضوعات مرتبط با آن به تحقیق پرداختم، سال ۷۵ در گروه فقه و نظام اقتصادی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به تحقیق مشغول شدم و از سال ۷۷ عضو رسمی هیئت علمی و مدیر گروه اقتصاد واز اواخر سال ۸۳ ریئس پژ وهشکده نظام های اسلامی در این پژ وهشکده میباشم ، از سال ۷۸ تدریس لمعه، اصول فقه و سپس مکاسب را شروع کردم و اکنون نیز در کنار کارهای دیگر به تدریس مکاسب می پردازم.

میرمعزی، مهشید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهشید میرمعزی در سال ۱۳۴۱، در قزوین به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی تا دبیرستان را در قزوین گذراند. سپس برای ادامه تحصیل به آلمان سفر نمود و در رشته مهندسی پارک به تحصیل پرداخت. وی پس از بازگشت به ایران چند اثر خواندنی را از زبان آلمانی به فارسی ترجمه کرد. و اکنون نیزدر حال ترجمه چند اثر از نویسندگان مطرح آلمانی زبان است.

گروه : فنی و مهندسی

رشته : مهندسی پارک

تحصیلات رسمی و حرفه ای : مهشید میرمعزی تحصیلات ابتدایی تا دبیرستان را در قزوین گذراند. سپس برای ادامه تحصیل به آلمان سفر نمود و در رشته مهندسی پارک به تحصیل پرداخت.

فعالیتهای ضمن تحصیل : مهشید میرمعزی تحصیلات ابتدایی تا دبیرستان را در قزوین گذراند. سپس برای ادامه تحصیل به آلمان سفر نمود و در رشته مهندسی پارک به تحصیل پرداخت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مهشید میرمعزی پس از اتمام تحصیلات خود در آلمان ، به ایران بازگشت و چند اثر خواندنی را از زبان آلمانی به فارسی ترجمه کرد. وی هم اکنون در حال ترجمه چند اثر از نویسندگان مطرح آلمانی زبان است.

آثار :

۱ از برشت می گویم

ویژگی اثر : ترجمه

۲ اگرتو حرف زده بودی

۳ بعد از جدایی

ویژگی اثر : ترجمه ـ این کتاب موضوعات روانشناسی را در بردارد.

۴ دزدمونا

ویژگی اثر : ترجمه ـ اثر کریستینه بروکتر

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

میرموسوی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین میر موسوی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای سید حسین میر موسوی در سال ۱۳۴۳هجری شمسی در خانواده ای متدین وکاملا آگاه به مسائل مذهبی در شهر مشهد مقدس دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۲ وارد دانشگاه امام صادق (ع) تهران گردید تا در کنار دروس دانشگاهی به تحصیل در دروس حوزوی هم بپردازد. ازنخستین روزهای ورود به دانشگاه امام صادق (علیه السلام) با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از محضر درس اساتیدی همچون: «استاد آشتیانی»، «سید حسن مصطفوی» و «عابدی» بهره ها برد.
استاد پس از فارغ التحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در سال ۱۳۷۵ در مقطع دکترای فلسفه از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید و از رساله دکترای خویش با عنوان: «تصحیح رساله شرح تلویحات ابن کمغولی» دفاع کرد.

ایشان ضـمن تبلیغ، سالهای متمادی است که به تدریس در دانشگاه فردوسی مشهد مشغول است. نامبرده در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس، درس، قلم، کتاب، تحقیق، نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که کتاب های «درآمدی بر عرفان عملی اسلام» و «ترجمه مقدمه شرح قیصری بر فصوص» و ... از جمله آثار ایشان است.

میرموسوی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی میر موسوی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در شهر اصفهان انجام دادم و پس از اتمام سال دوم دبیرستان در رشته علوم تجربی در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه اصفهان مدرسه «ذوالفقار» شدم. کتابهای ادبیات حوزه را از مقدمات، سیوطی و مغنی را در یکسال خواندم و همچنین منطق، معانی و بیان و در همان سال سطح را آغاز کردم و بخش هایی از لمعتین و معالم را نیز در اصفهان خواندم.

در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و ابتدا در مدرسه بعثت که از مدارس آیهٔ الله منتظری بود؛ ثبت نام و سپس به مدرسه فیضیه نقل مکان کردم. در آن هنگام، همزمان تحصیلات علوم اسلامی و دبیرستان را دادم و در جبهه نیز حضور می یافتم. در سال ۶۸ همزمان سطح را به پایان رسانیدم و وارد دانشگاه تهران در رشته «علوم سیاسی» شدم. از سال ۶۹ درس خارج را آغاز کردم و بیشتر در درس خارج فقه «حضرت آیهٔالله العظمی منتظری» و «آیهٔالله تبریزی» شرکت کردم.

در سال ۷۲ تحصیلاتم در مقطع کارشناسی به پایان و مقطع کارشناسی ارشد را در رشته «روابط بین الملل» در همان دانشگاه ادامه دادم و پایان نامه ام را با عنوان: «عوامل موثر چالشهای حقوق بشر در ایران» نوشته و دفاع کردم. در سال ۷۴ در مقطع دکتری «علوم سیاسی» دانشگاه تهران پذیرفته شدم و در سال ۸۱ از پایان نامه ام با عنوان: «اسلام، سنت و دولت مدرن» با راهنمایی آقای دکتر بشریه و مشاوره دکتر فیرحی و آقای حمید زنجانی دفاع کردم.

تاکنون آثارعلمی زیادی اعم از مقاله و کتاب نگاشته ام که در بخش مربوطه ذکر شده. از سال ۷۹ به عنوان هیئت علمی در دانشگاه مفید حضور داشته ام و از سال ۷۵ تاکنون درسهای رشته علوم سیاسی را در این دانشگاه و در دانشگاه باقرالعلوم (ع) تدریس کرده ام. از فاصله سال ۸۰ تا ۸۴ مدیریت گروه علوم سیاسی دانشگاه مفید را نیز عهده دار بوده ام.

میرنیا هریکندی، کمال

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ریاضی– فیزیک از دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۴۶، کارشناسی ارشد ریاضی محض از دانشگاه تربیت معلم تهران در سال ۱۳۴۸، کارشناسی ارشد آنالیز عددی و کامپیوتر از دانشگاه منچستر انگلستان در سال ۱۳۵۴، دکترای بهگزینی (ریاضی کاربردی) از دانشگاه سنت اندروز انگلستان در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی روش شبه نیوتن برای یافتن مینیمم تابع هدف، مثلث بندی (تایل کردن) و ماتریسهای بلوکی، تدریس دروس نظریه اعداد، آنالیز عددی، آنالیز عددی پیشرفته، بهگزینی در دانشگاههای تبریز و تربیت مدرس، استاد راهنمای ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

نظریه اعداد، آنالیز عددی، روشهای عددی بیسیک، جبر خطی مقدماتی و کاربردهای آن، روشهای عددی بهگزینی نامقید.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

اصلاح چند روش برای بهگزینی نامقید، تعمیم الگوریتم گرادیان مزدوج ترمیم یافته متوالی، روش نیوتن مدرج، آشنائی با بهگزینی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

میرهادی، توران

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

دکتر توران میرهادی متولد ۱۳۰۶ه.ش در شمیران، دارای دکتری روان شناسی از فرانسه و عضو هیئت علمی آموزش ضمن خدمت آموزش و پرورش می باشد.وی دبیر اجرایی کتاب «فرهنگنامه کودکان و نوجوانان» بود.کتاب مذکور ، در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. وی برگزیده همایش طرح سپاس درسال۸۶ در فرهنگسرای سینا می باشد. گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی والدین و انساب : پدر توران میرهادی از دانشجویان اعزام شده به خارج از کشور بود.در زمینه راه و ساختمان و مکانیک و راه آهن دیپلم مهندسی گرفت و در آلمان با بانویی هنرمند مجسمه ساز به نام گرتا دیتریش (مادر خانم میرهادی) ازدواج کرد وآنها در سال ۱۲۹۹ باهم به ایران آمدند. مادر وی نیم قرن در ایرن زندگی کرد و شاهد تحولات بسیاری بود که پدر نیز همراه دیگران در آن نقش داشت. ایشان دارای دوبرادر است که برادرکوچتر از خودش (فرهاد) در سانحه تصادف از دنیا رفت.خاطرات کودکی : مادر توران میر هادی اگر چه آلمانی بود ولی بچه ها را ایرانی بار آورد.تحصیل در مدرسه ایرانی دنبال شد و زبان رایج در خانه فارسی بود.حتی گاهی نیز مادر برای آشنایی فرزندان خود با ادب فارسی مجالس بحثی با شرکت اهل ادب تربیت می داد،هرچند که معتقد بود که باید به یادگیری زبانهای دیگر هم پرداخت،زیرا هر زبانی را دروازه ای می دانست بر فرهنگ غنی کشورهای دیگر. خانم میر هادی از خاطرات این دوران خود چنین می گوید: آلمانی یاد گرفتن ما،ماجرایی خاص داشت.در طی سال تحصیلی ،آموزش به صورت شفاهی بود.مادر به زبان آلمانی موضوعی را مطرح میکردو ماگاه نیمی فارسی و گاه نیمی آلمانی پاسخ می دادیم.ولی وقتی مدرسه تمام می شد و ما به شمیران (در دوران داغ تابستان در آنجا ساکن میشدیم) می رفتیم،درس روزانه شروع میشد.صبح به صبح شش روز هفته سر ساعت هشت و سی مادر سبد خیاطی خود را با جوراب های سوراخ شده ما بر میداشت و روی نیمکت می نشست و ما پنج نفر را به نوبت صدا میزد.کتاب آلمانی ساده ای را پیش روی ما میگذاشت.می دوخت و یا وصله میکرد و ما میخواندیم و پاسخ میدادیم.هرکدام نیم ساعت آموزش می دیدیم.تحصیلات رسمی و حرفه ای : توران میرهادی در کنار تحصیل در تابستانها از محضر مادر خود برای یادگیری زبان آلمانی بهره میجست.وی پس از آنکه زبان آلمانی را فراگرفت ،برای یادگیری زبان فرانسه نزد معلمی توانا فرستاده شدو زبان انگلیسی را در دبیرستان نوربخش به خوبی آموخت.مقطع تحصیلی دبیرستان را در سال ۱۳۲۴ به پایان رساند.از آنجایی که خانم میر هادی به علوم و به ویژه زیست شناسی علاقمند بود ،در نتیجه در دانشکده علوم در رشته طبیعی پبت نام کرد.وی در سال ۱۳۲۵ مدرک کارشناسی زیست شناسی را از دانشگاه تهران دریافت کرد. خانم میر هادی متاثر از فلسفه و ارزش ها و چگونگی ارتقای انسانی از مرحله غریزی به مرحله عرفانی تصمصم به ادامه تحصیل در رشته روانشناسی و تعلیم و تربیت پیش دبستانی را گرفت.وی علیرغم تمایل پدر تصمصم گرفت که به فرانسه عزیمت کند.ایشان پس از پایان تحصیلات در سال ۱۳۳۰ به ایران بازگشت.خاطرات و وقایع تحصیل : توران میرهادی از سفر خود به فرانسه که جنگ جهانی دوم تازه به پایان رسیده بود و در اروپا ویرانی و قحطی بیداد میکرد ،چنین میگوید: مردم کشورهای اروپایی در شرایط سختی زندگی میکردند.من چون هنوز بیست ساله نشده بودم ،هر روز جیره مختصری دریافت میکردم. در آن هنگامه برای بازسازی ویرانه های جنگ اعلام آمادگی کردم.دوبار داوطلبانه برای بازسازی مناطق ویران شده رفتم.یک بار به بوسنی و هرزگوئینو یک بار به کوه های تاترا در اسلواکی که در ساختن راه آهن کارگری کردم.در فرانسه بودم که خبر شوم تصادف برادرکوچترم و از دست رفتن او به من رسید.استادان و مربیان : توران میر هادی در سالهای ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ که در این سالها مبارزه بابیسوادی در کشور شکل میگرفت از محضر استادانی چون جبار باغچه بان و دکتر محمد باقر هوشیار بهره مند شدند.همسر و فرزندان : توران میر هادی در سال ۱۳۳۱ با سرگرد جعفر وکیلی ازدواج کردو در سال ۱۳۳۳ با از میان رفتن همسر ،کانون گرم و پر مهر خانواده متلاطم شد.ثمره این ازدواج تولد پیروز وکیلی (دکتر در ریاضی کاربردی) در سال ۱۳۳۲بود.ایشان در سال ۱۳۳۵ با آقای محسن خمارلو ازدواج کرد ماحصل آن ،دو فرزند پسر بنام های کاوه خمارلو (۱۳۳۶)، دلاور خمارلو (۱۳۴۵ – مهندس برق) و یک فرزند دختر بنام پندار خمارلو (میر فخرایی)در سال ۱۳۴۰ بود.همسر وی در سال ۱۳۵۸ دار فانی را وداع گفت.وقایع میانسالی : توران میرهادی پس از فراغت از تحصیل در سال ۱۳۳۰ از فرانسه به ایران آمد ودر سال ۱۳۳۴ کودکستان فرهاد (بیاد برادر متوفی خود)را تاسیس کرد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : توران میرهادی مدرس مراکز آموزشی ضمن خدمت ، در مشهد تبریز، رفت و تهران به تدریس روانشناسی وتعلیم و تربیت مشغول بوده است. عضویت در هیئت مدیره دفتر بین المللی کتاب برای نسل جوان بمدت دو دوره عضویت در هیئت داوران جایزه بین المللی هانس کریستین آندرسن بمدت ۴ دوره عضویت در هیئت داوران بینال بین المللی تصویرگران براتیسلاوا یکی از هفت سخنران دعوت شده در کنگره بینالمللی ادبیات کودکان در ژاپن در سال ۱۳۶۵ یکی از بیست متخصص

دعوت شـده جهانی برای شـرکت در جلسه برنامه ریزی ده سال آینـده (۲۰۰۱-۲۰۱۰) یونیسف فعالیتهای آموزشـی : در بسـیاری از موارد توران میر هـادی به کلاسـهای مختلف آموزش ضـمن خـدمت رفته و تجربیـاتی را که در این زمینه انـدوخته بود به دیگران و مراکز دیگر منتقل می کرد.برای مثال مدت ها در شـهرهای مشـهد ،تبریز،رشت و تهران درکلاسها تربیت مربی کودک تدریس می نمـود.مراکزی که فرد از بانیـان آن به شـمار می آیـد : تـوران میرهـادی درسالهـای ۱۳۳۴، ۱۳۳۶، ۱۳۵۰کودکسـتان فرهاد و سپس دبسـتان، و مدرسه راهنمایی فرهاد را تاسیس کرد.وی همچنین در سال ۱۳۳۵ اولین نمایشگاه کتاب را با کمک مجله سپیده فردا در دانشـکده هنرهـای زیبا دایر کردو در سال ۱۳۴۱ شورای کتـاب کودک را تاسیس کرد.سـایر فعالیتهـا و برنامه های روزمره : توران میرهـادی در زمینه ادبیات کودکان فعال است و آثاری در این زمینه نیز پدیـد آورده است.آرا و گرایشـهای خاص : توران میرهادی به طور تجربی و ملموس بـا دشواریهـای آموزش در ایران درگیر است و از طریق روانشناسـی تعلیم و تربیت در پی حـل این مشـکل است. وی همچنین معتقد است: اندیشه ها به تدبیر می انجامد و تدبیر به عمل .از عمل عادات های انسانی شکل میگیرد و شخصیت سـاخته میشود و سـرنوشت از آنجـا پدیـد می آیـد.جوائز و نشانهـا : مؤسـسه‌ی پژوهشـی تاریـخ ادبیـات کودکـان، بار دیگر" توران میرهادی "را به‌عنوان نامزد دریافت جایزه‌ی «آستریـد لینـدگرن» معرفی کرد. مبلغ جایزه «آسترید لیندگرن» معادل پنج میلیون کرون سوئد یا ۷۵۰هزار دلار است، که هر ساله به یک شخصـیت برجسته ادبیات کودکان یا نهادی که در توسعه و ترویج کتاب‌خوانی در بین کودکـان بیش‌ترین نقش را داشته است، تعلق می‌گیرد. وی دبیر اجرایی کتـاب «فرهنگنـامه کودکـان و نوجوانـان» بـود.کتـاب مـذکور ، در دوره شـانزدهم کتـاب سـال جمهـوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنـگ و ارشـاد اسـلامی به عنوان کتـاب سـال برگزیـده شد. وی برگزیده همایش طرح سپاس در سال ۸۶ در فرهنگسـرای سینا می باشد.چگونگی عرضه آثار : توران میر هادی بیش از ۵۶ مقـاله را تـدوین و تالیف کرده است.وی همچنین دارای ۹ ترجمه مقـاله می باشـد. توران میر هادی بیش از ۷ پایان نامه کارشناسـی ارشـد را راهنمـایی کرده اسـت.آثـار : آنکه رفت و آنکه آمـد ویژگی اثر : نقاشـی از مهرنـوش معصومیـان -تهران واژه ۱۳۷۷۲ تعلیمـات اجتمـاعی تاریـخ ،جغرافی و تعلیمات دینی چهارم دبسـتان ویژگی اثر : با همکاری لیلی ایمن (آهی)-ثمینه باغچه بـان (پیر نظر) -علی اصـغر مهـاج -تهران وزارت فرهنگ ۱۳۴۳۳ تعلیمـات اجتمـاعی دینی برای سـال چهارم دبسـتان ویژگی اثر : با همکـاری لیلی ایمن (آهی)-ثمینه بـاغچه بـان (پیر نظر) -علی اصـغر مهـاج -تهران وزارت فرهنگ ۱۳۴۷۴ تعلیمـات اجتماعی سوم دبسـتان ویژگی اثر : سازمان کتابهای درسـی ایران -وزارت آموزش و پرورش ۱۳۴۷۵ جست و جو راهها و روشـهای تربیت ویژگی اثر : تهران-آتیله ۱۳۶۲۶ دوگفتـار (کتابخانه آموزشـگاهی و نقش آن در ایجاد عادت به مطالعه) ویژگی اثر : بی نا ۱۳۵۷ مهدخت .تهران:شورای کتـاب کودک ۱۳۵۶۷ دوگفتـار (کتابخـانه آموزشـگاهی و نقش آن در ایجـاد عـادت به مطـالعه) ویژگی اثر : بی نا ۱۳۵۷۸ راهنمـای تـدریس کتـاب تعلمـات اجتمـاعی سوم دبسـتان ویژگی اثر : سازمان کتابهای درسـی ایران ۱۳۵۲ (چاپهای متعدد بعدی)۹ فرهنگنـامه کودکـان و نوجوانـان ویژگی اثر : دبیر اجرایی کتـاب فوق،این کتـاب در دوره شـانزدهم کتاب سال جمهوری اسـلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنـگ و ارشـاد اسـلامی معرفی و برگزیـده شـده است. آشـنایی بـا کتـاب «فرهنگنـامه کودکان و نوجوانان»: فرهنگنامه کودکان و نوجوانان/ شورای کتاب کودک؛ زیرنظر توران میرهادی و ایرج جهانشاهی.- تهران: شرکت تهیه و نشر فرهنگنامه کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۶، ۴جلد [تاکنون]. از جمله کتابهایی که می تواند نقش تعیین کننده ای در توسعه دانش و فرهنـگ دانش آموزان و علاقه منـد کردن نوجوانـان، به کتاب و کتابخوانی داشـته باشـد، فرهنگنامه های ویژه کودکان و نوجوانان است. از این رو«فرهنگنام کودکان و نوجوانان» را می توان گام مثبت و مؤثری در توسـعه فرهنگ کتابخوانی در کشورمان به شـمار آورد. این فرهنگنـامه به روشـی علمی و بـا الهـام از تاریـخ و فرهنگ خودی تألیف شـده است؛ نثری روان و ساده و مناسب با دانش کـودک و نوجوان دارد و به آسـانی می توان روش اسـتفاده از آن را آموخت. جـداول، تصـاویر و نقشه هـای متعـدد (رنگی)، فهم مطالب را برای کودکان آسانتر و دلپـذیرتر می سازد. ۱۰ کتاب کار مربی کودک (برنامه کار مربی در مهد کودک و کودکسـتان) ویژگی اثر : تهران :آگـاه – ۱۳۷۲(چاپهای بعدی)۱۱ گـذری در ادبیـات کودکان ویژگی اثر : این کتاب بطور مشترک توسط دکتر میرهادی و تعـدادی مولفین در سال۱۳۵۲ به چاپ رسید.۱۲ گـذری در ادبیات کودکان ویژگی اثر : با همکاری لیلی ایمن (آهی)و میهندخت دولت آبادی -شورای کتاب کودک ۱۳۵۶(چاپهای بعدی)

منابع زنـدگینامه :ایران، سـال دهم ، ش ۲۸۹۲، ۳شهریور ۱۳۸۳۴زنـدگی نـامه سـرکار خـانم توران میر هادی -انجمن آثار و مفاخر فرهنگی -سلسله انتشارات و مجموعه زندگی نامه شماره ۱۴/۳۸۳

میری آشتیانی، جلال الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدجلال الدین میری آشتیانی ، در سال ۱۳۰۴ شمسی در قصبه ی آشتیان – از مضافات سلطان آباد عراق (اراک) – دیده به جهان گشود. دوره ی ابتـدایی را در دبسـتان خاقـانی آشتیـان به پایان رسانـد و در مکتبخانه ی قـدیم ، گلسـتان سـعدی ، نصاب الصبیان ، تاریـخ معجم ، ریاضـیات ، جامع المقدمات در صـرف و نحو و قسـمتی از دره نادری و نیز قسـمتی از کتاب شـرح سـیوطی را قرائت نمود. وی در سـال ۱۳۲۳ به تشویق و راهنمـایی و مساعـدت یکی از علمـای آشتیـان ، آیت الله آقـامیرزا ابوالقاسم دانش آشتیانی به دارالعلم قم مسافرت کرد و تحصیلات خود را در این شـهر پی گرفت آنگاه به تهران عزیمت نمود. پس از آن به قزوین رفت و نزد حاج میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی ، سـفر نفس اسـفار خواند. استاد آشتیانی ، در مهر سال ۱۳۳۸ تدریس خود را در دانشکده علوم معقول و منقول دانشـگاه مشـهد و مؤسـسه ی وعظ و تبلیغ آغاز نمود. پس از آن ، در بهمن سال ۱۳۳۸ با تألیف و عرضه ی « رساله ای در مبحث وجود » به استخدام دانشگاه مشهد درآمد. وی در خرداد سال ۱۳۴۰ به احراز رتبه ی دانشیاری و در آذر سال ۱۳۴۵ به

احراز رتبه ی استادی نائل آمد. استاد در مهر سال ۱۳۴۶ طی مأموریت یک ساله ، به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران منتقل شد. وی در آبان سال ۱۳۷۵ از خدمت در دانشگاه فردوسی مشهد بازنشسته شد و در شهریور سال ۱۳۷۷ به پیشنهاد دانشگاه مشهد و به استناد مجوز کمیسیون امور اجتماعی هیئت دولت ، مجدداً به اشتغال مجدد در دانشکده الهیات مبادرت نمود.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیدجلال الدین آشتیانی ، دوره ی ابتدایی را در دبستان خاقانی آشتیان به پایان رساند و در مکتبخانه ی قدیم ، گلستان سعدی ، نصاب الصبیان ، تاریخ معجم ، ریاضیات ، جامع المقدمات در صرف و نحو و قسمتی از دره نادری و نیز قسمتی از کتاب شرح سیوطی را قرائت نمود. وی در سال ۱۳۲۳ به تشویق و راهنمایی و مساعدت یکی از علمای آشتیان ، آیت الله آقامیرزا ابوالقاسم دانش آشتیانی به دارالعلم قم مسافرت کرد و آنجا کتاب مغنی و مطول و قسمت زیادی از شرح لمعه را نزد آیت الله صدوقی یزدی و چندنفر دیگر خواند. سپس جلد اول کفایه و چندسال قبل از آن ، شرح شمسیه را نزد آیت الله حاج میرز ا عبدالجواد جبل عاملی اصفهانی قرائت کرد. آنگاه به معرفی آقامیرزا مهدی آشتیانی ، نزد حاج شیخ مهدی مازندرانی امیرکلاهی شروع به قرائت شرح منظومه ی حکیم سبزواری و مکاسب شیخ اعظم انصاری نمود و تا اواخر الهیات منظومه و قسمت زیادی از شوارق و بعد قسمتی از امور عامه ی اسفار را نزد آن استاد فراگرفت. پس از آن ، مدت هشت سال در درس فقه و اصول آیت الله بروجردی ومدت یک سال در درس آقاسیدمحمدتقی خوانساری حاضر شد. آنگاه در مدت دو سال اقامت در نجف ، از دروس آقای حکیم و آقاسیدعبدالهادی شیرازی استفاده کرده و مرتب و بدون وقفه در درس آقامیرزا حسن بجنوردی خراسانی حاضر گردید. در حکمت و فلسفه ، حدود پنج سال در درس حاج میرزا محمدحسین طباطبایی تبریزی حاضر شد و از درس تفسیر و اصول فقه آن استاد بهره گرفت. وی حدود یک سال در درس اسفار آقامیرزا احمد آشتیانی حاضر شد و آنگاه بعد از قرائت الهیات و امور عامه ی اسفار و الهیات شفا ، به تهران عزیمت نمود. پس از آن به قزوین رفت و نزد حاج میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی ، سفر نفس اسفار خواند.. استاد در تهران نیز مدتی در حوزۀ درس مرحوم میرزا احمد آشتیانی و مدتی هم به طور متفرقه در محضر مرحوم آقامیرزا مهدی آشتیانی حضور یافت. همچنین در قم از محضر درسی آقایان سیدمحمدتقی خوانساری و سیدمحمد حجت کوه کمره¬ای و میرزا رضی تبریزی استفاده کرد. ایشان شرح منظومه حکمت و قسمتی از مکاسب و شوراق الالهام را خدمت مرحوم حاج شیخ مهدی امیرکلاهی خوانده است.

خاطرات و وقایع تحصیل : سیدجلال الدین آشتیانی با ذکر خاطراتی از استاد آقامیرزامهدی آشتیانی ، می گوید : « در اوایل طلبگی ، روزی خدمت مرحوم میرزا مهدی آشتیانی شرفیاب شدم. فرمودند ، به بازدید دوستی عزیز که زمانی به درس من حاضر می شد ، می روم. عرض کردم ، اگر مانعی نباشد ، بنده هم در خدمت شما باشم. فرمودند ، مانعی نیست. در آن زمان روی خوش به عرفانیات نشان داده نمی شد و تبلیغات ناجوانمردانه ی برخی علیه فلسفه و عرفان بسیار اغواکننده بود. به هرحال بنده در خدمت مرحوم آقامیرزا مهدی ، رفتیم به منزلی که در حیاط منزل جمعی نشسته بودند و مرحوم سیدجلال دوری ، مثنوی درس می داد. او به ملاحظه ی احترام ، از مرحوم میرزا رشته ی سخن را قطع کرد و از میرزا تقاضا کرد که موضوع سخن ما این شعر مثنوی است : پــر و بـال مــا کمنـد عشق اوست موکشانش می کشد تا کوی دوست و از میرزا تمنا نمود که بیت مذکور را تعبیر نماید. مرحوم آقامیرزا مهدی با شور و حال خاص در معنای این بیت ، حدود یک ساعت و نیم صحبت کرد و جهت ارتباط بین این بیت و ابیات قبل از این بیت را چنان عالی تقریر کرد که نفس ها در سینه حبس شد و حقیر برای اولین بار از عارف محقق و استاد مسلم کتاب « شرح فصوص » و « مصباح الانس » معنای بیتی از ابیات « مثنوی » را شنید و فهمید که منکران عرفان ، کنه مطالب را درنمی یابند و مشکل کار آنها تعصب خام است ».

استادان و مربیان : از استادان و مربیان سیدجلال الدین آشتیانی می توان به این شخصیت ها اشاره نمود: آیت الله صدوقی یزدی ، آیـت الله حـاج میرزا عبـدالجواد جبـل عـاملی اصـفهانی ، حـاج شـیخ مهـدی مازنـدرانی امیرکلاـهی ، آیـت الله بروجردی ، آقاسیدمحمدتقی خوانساری ، آقای حکیم ، آقاسیدعبدالهادی شیرازی ، آقا میرزاحسن بجنوردی خراسانی ، حاج میرزا محمدحسین طباطبایی تبریزی ، آقامیرزا مهدی آشتیانی ، آقا میرزا احمد آشتیانی ، حاج میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیدجلال الدین آشتیانی ، در مهر سال ۱۳۴۹ ، آذر سال ۱۳۵۲ ، خرداد سال ۱۳۷۰ و خرداد سال ۱۳۷۵ به مدیریت گروه فلسفه و حکمت اسلامی در دانشکده الهیات و معارف اسلامی منصوب شد.

فعالیتهای آموزشی : سیدجلال الدین آشتیانی ، در مهر سال ۱۳۳۸ تدریس خود را در دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه مشهد و مؤسسه ی وعظ و تبلیغ آغاز نمود. پس از آن ، در بهمن سال ۱۳۳۸ با تألیف و عرضه ی « رساله ای در مبحث وجود » به استخدام دانشگاه مشهد درآمد. وی در خرداد سال ۱۳۴۰ به احراز رتبه ی دانشیاری و در آذر سال ۱۳۴۵ به احراز رتبه ی استادی نائل آمد. استاد در مهر سال ۱۳۴۶ طی مأموریتی یک ساله ، به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران منتقل شد. در آبان سال ۱۳۷۵ از خدمت در دانشگاه فردوسی مشهد بازنشسته شد و در شهریور سال ۱۳۷۷ به پیشنهاد دانشگاه مشهد و به استناد مجوز کمیسیون امور اجتماعی هیئت دولت ، مجدداً به اشتغال مجدد در دانشکده الهیات مبادرت نمود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیدجلال الدین آشتیانی ، علاوه بر تألیف دهها مقاله و کتاب ، سخنرانی های مختلفی نیز در محافل علمی و دانشگاهی ایراد نمودند که از جمله می توان به سخنرانی در آیین بزرگداشت حاج ملاهادی سبزواری در دانشگاه تهران و به دعوت مؤسسه ی مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا (شعبه تهران) با عنوان « سبزواری کیست ؟ » در بهمن سال ۱۳۴۸ و شرکت در نخستین کنگره ی ملی ایران شناسی در دانشگاه تهران در شهریور سال ۱۳۴۹ اشاره کرد . وی در بهمن سال ۱۳۳۹ به عضویت در انجمن تألیف و ترجمه ی دانشگاه مشهد به نمایندگی از دانشکده علوم معقول و منقول ، در دی سال ۱۳۵۲ به عضویت در کمیته ی تألیف و ترجمه ی دانشکده الهیات و معارف اسلامی ، در آبان سال ۱۳۵۵ به عضویت در شورای پژوهشی دانشگاه فردوسی برای مدت دو سال ، در آبان سال ۱۳۵۵ به عضویت در کمیته ی انتصابات و ترفیعات دانشکده الهیات و معارف

اسلامی و در اسفند سال ۱۳۷۴ به عضویت در هیئت تحریریه ی نشریه ی علمی – پژوهشی دانشکده الیهات نائل آمد.

شاگردان : از آغاز تدریس سید جلال آشتیانی درمشهد رابطه ای محکم بین او و شاگردانش ایجاد شده است و بسیاری از طالبان دانش از محضر ایشان استفاده کرده و برخی خود درزمره دانشمندان و فلاسفه درآمده اند ، این حلقه ها نه فقط دردانشگاه بلکه درخانهٔ ایشان نیز تشکیل می شد . آشتیانی رابطه ای انسانی و پدرانه باشاگردان خود .

همفکران فرد : یکی از همفکران سید جلال آشتیانی دکتر سید حسین نصر است که آن دودرباره مسائل فلسفی به بحث و بررسی و پژوهش فلسفی می پرداختند. یکی دیگراز همفکران آشتیانی ،هانری کربن بود که به اتفاق هم طرح چند جلد «منتخباتی ازآثار حکمای الهی ایران » را به نام رساندند . کربن به آشتیانی لقب «ملاصداری دوباره زنده شده »داده بود .

جوائز و نشانها : سیدجلال الدین آشتیانی ، در سال ۱۳۵۵ به دریافت جایزه ی بنیاد فرهنگی البرز به خاطر آثار علمی و پژوهشی نائل آمد. وی در اسفند سال ۱۳۷۶ توسط فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران به عنوان « دانشمند برجسته » انتخاب گردید. استاد در بهمن سال ۱۳۷۷ به مناسبت انتشار کتاب « شرح قیصری بر فصوص الحکم » به دریافت جایزه ی شانزدهمین دوره ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران نائل آمد. ———————————————————————————————

آثار :

۱ تصحیح اثولوجیا

ویژگی اثر : با تعلیقات قاضی سیدقمی.

۲ تصحیح المسائل القدسیه

ویژگی اثر : تألیف : صدرالدین شیرازی.

۳ تصحیح تحفه المراد (شرح قصیده ی میرفندرسکی)

ویژگی اثر : تألیف : عباس شریف دارابی ، با شرح خلخالی و گیلانی.

۴ تصحیح تحفه در مباحث علم

ویژگی اثر : تألیف : ملانظرعلی گیلانی.

۵ تصحیح رسائل فلسفی

ویژگی اثر : این کتاب شامل : رساله ی تحفه (ملانظرعلی گیلانی) ، رساله ی وحدت وجود (ملاعلی نوری) و رساله ی بسیط الحقیقه کل الاشیاء (ملاعلی نوری) می باشد.

۶ تصحیح رسائل فلسفی (متشابهات قرآن ، المسائل القدسیه ، اجوبه المسائل)

ویژگی اثر : تألیف : صدرالدین شیرازی.

۷ تصحیح رساله النصوص

ویژگی اثر : تألیف : صدرالدین قونوی ، با تعلیقات میرزاهاشم اشکوری.

۸ تصحیح شرح دعای المعرفه

ویژگی اثر : تألیف : ملامحمدعلی فاضل خراسانی.

۹ تصحیح شرح فصوص الحکم

ویژگی اثر : تألیف : مؤیدالدین جندی. (با همکاری دکتر ابراهیمی دینانی)

۱۰ تصحیح قره العیون

ویژگی اثر : تألیف : ملامهدی نراقی.

۱۱ تصحیح مشارق الدراری

ویژگی اثر : تألیف : سعیدالدین سعید فرغانی.

۱۲ تصحیح مکاتبات عرفانی

ویژگی اثر : تألیف : سیداحمد حائری و شیخ محمدحسین غروی.

۱۳ تصحیح هدایه الطالبین

ویژگی اثر : تألیف : حکیم سبزواری.

۱۴ تصحیح و گردآوری منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران

ویژگی اثر : این کتاب چهارجلدی ، با همکاری فیلسوف فرانسوی هانری کربن در طی نزدیک به ده سال شکل گرفت و دربردارنده ی منتخبی از آثار و تألیفات حکمای چهار قرن گذشته است. مطابق نوشته ی استاد آشتیانی ، قرار بود که این منتخبات در هفت جلد به پایان برسد و حکمت الهی در ایران را تا دوران معاصر معرفی کند که با مرگ نا به هنگام هانری کربن و دست تنهایی استاد ، این امر مهم تاکنون به تأخیر افتاده است.

۱۵ تفسیر سور ?توحید

ویژگی اثر : دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۶۶ قمری.

۱۶ شرح بر زادالمسافر

ویژگی اثر : تألیف : ملاصدرا.انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۹ قمری

۱۷ شرح حال و آراء فلسفی ملاصدرا

ویژگی اثر : انتشارات زوار، مشهد، ۱۳۴۰ شمسی.

۱۸ شرح فصوص الحکم

ویژگی اثر : تألیف : فارابی.این کتاب در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «شرح فصوص الحکم»: شرح فصوص الحکم/ محمد داود قیصری رومی؛ تصحیح سیدجلال الدین آشتیانی – تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶. یکی از مهمترین آثار شیخ اکبر محیی الدین بن عربی، فصوص الحکم است و معروفترین شرح آن، شرحی است که محمد داودبن محمود قیصری بر آن نگاشته است و به دلیل اهمیت متن و شرح و تسلط قیصری در توضیح و تفسیر مرادات محیی الدین در متن فصول، این کتاب به صورت یکی از رایجترین کتب درسی در علوم عرفان و تصوف در حوزه های علمیه در آمده است. استاد آشتیانی که خود سالهای متمادی از محضر حکیمان و عارفان بزرگ و بنام بهره برده، سالهاست که خود نیز به تدریس و تحشیه و تعلیق آثار مهم عرفانی و فلسفی اشتغال دارد. استاد، شرح فصول الحکم را پس از مقابله با ۲ نسخ ?خطی و یک نسخ ?چاپ سنگی به صورتی محققانه تصحیح کرده، حواشی عارف متأله آقا محمدرضا قمشه¬ای و حضرت امام خمینی (ره) را نیز بر آن افزوده است، و خود هم جای جای بر کتاب، حواشی روشنگر و مفیدی نگاشته است

۱۹ شرح مقدمه ی قیصری بر فصوص الحکم

ویژگی اثر : ۱۳۴۳ شمسی.

۲۰ مقدمه ، تعلیقات و تصحیح المبداء و المعاد

ویژگی اثر : تألیف : صدرالدین شیرازی.

۲۱ مقدمه ، تعلیقات و تصحیح مجموعه ی رسائل سبزواری

۲۲ مقدمه شکوه شمس (سیری در آثار و افکار مولانا)

ویژگی اثر : تألیف : آن ماری شیمل ، ترجمه ی حسن لاهوتی.

۲۳ مقدمه نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص

ویژگی اثر : تألیف : عبدالرحمن بن احمد جامی ، تصحیح ویلیام چیتیک.

۲۴ مقدمه و تصحیح اصول المعارف

ویژگی اثر : تألیف : فیض کاشانی.

۲۵ مقدمه و تصحیح الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه

ویژگی اثر : تألیف : صدرالدین محمدابراهیم شیرازی.

۲۶ مقدمه و تصحیح اللمعات الالهیه والکلمات الوجیزه

ویژگی اثر : تألیف : ملااحمد نراقی.

۲۷ مقدمه و تصحیح المشاعر

ویژگی اثر : تألیف : صدرالدین شیرازی ، با مقدمه های انگلیسی دکتر نصر ، فرانسوی هانری کربن و فارسی استاد همایی.

۲۸ مقدمه و تصحیح المظاهر الالهیه فی اسرار العلوم الکمالیه

ویژگی اثر : تألیف : صدرالدین شیرازی.

۲۹ مقدمه و تصحیح انوار جلیه

ویژگی اثر : تألیف : ملاعبدالله زنوزی.

۳۰ مقدمه و تصحیح تفسیر فاتحه الکتاب

۳۱ مقدمه و تصحیح تمهیدالقواعد

ویژگی اثر : تألیف : صائن الدین علی بن محمدالترکه.

۳۲ مقدمه و تصحیح رسائل قیصری

ویژگی اثر : تألیف : داوودبن محمود قیصری ، با تعلیقات حکیم محمدرضا قمشه ای.

۳۳ مقدمه و تصحیح رسائل وحدت وجود و بداء

ویژگی اثر : تألیف : سیدمحمدکاظم عصار.

۳۴ مقدمه و تصحیح رساله النصوص

ویژگی اثر : تألیف : صدرالدین قونوی.

۳۵ مقدمه و تصحیح رساله ی نوریه در عالم مثال

ویژگی اثر : تألیف : حکیم بهایی لاهیجی.

۳۶ مقدمه و تصحیح لمعات الهیه

ویژگی اثر : تألیف : ملاعبدالله زنوزی.

۳۷ مقدمه و تصحیح مصباح الهدایه

ویژگی اثر : تألیف : امام خمینی (ره).

۳۸ هستی از نظر فلسفه و عرفان

ویژگی اثر : این کتاب ، اولین اثر استاد آشتیانی است که در سال ۱۳۳۸ و در مدت بیست روز به رشته ی تحریر درآمده است.

منابع زندگینامه :

۱www.ketabesal.irخاطراتی از فیلسوف شرق ، روزنامه اطلاعات ، ۲۵ مهر ۱۳۷۹۳نشریه ی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد (ویژه نامه ی نکوداشت استاد سیدجلال الدین آشتیانی) ، شماره ی ۴۱ و ۴۲ ، پاییز و زمستان ۱۳۷۷ ، صص ۱۹ – ۲۶۴نصیر سید حسین ، مدخلی برنکو داشت مقام علمی و فرهنگی استاد سید جلال آشتیانی و استاد محمد حسن لطفی ، کتاب ماه و

ادبیات ،سال اول ،شماره ششم و هفتم ، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۷۷، ص۴

میری، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عباس میری

محل تولد : خضری قائنات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

سید عباس میری (محقق و نویسنده حوزه علمیه قم) در سال ۱۳۳۵ شمسی در خضری از توابع شهرستان قاین دیده به جهان گشود. دوران کودکی را در مکتب خانه قرآن مجید فرا گرفت. دوره دبستان را تا ششم نظام قدیم در موطن خود گذراند. در سال ۱۳۵۰ شمسی داوطلبانه وارد حوزه علمیه گناباد (جنوب خراسان) شد. ادبیات عرب تا سیوطی را در حوزه گناباد از محضر اساتید حوزه: «حاج شیخ حسین نصیری، سید ناصر خطیبی و دیگران» آموخت.

در سال ۱۳۵۲ شمسی عازم حوزه علمیه مشهد شد. در مدرسه نواب که از بهترین مدارس حوزه مشهد به شمار می آمد، ساکن شد. تحت برنامه های منظم و کلاسیک مدرسه «آیهٔالله سید محمد موسوی نژاد»، از محضر اساتید برجسته مدرسه مثل: (جناب آقای نصرتی، ناطقی، سید علی اصغر حسینی، سید محمد موسوی نژاد، سید مهدی موسوی نژاد، شهید ابوالقاسم قاسمی، آقای اسلامی و امیری)، دوره کامل مقدمات، اصول فقه، شرح لمعه و رسائل شیخ انصاری را فرا گرفت. خارج از برنامه های مدرسه فوق، از درس لمعه و رسائل آیهٔالله طبسی: (تولیت فعلی آستان مقدس رضوی)، آیهٔالله رضازاده، عباسپور، حائری طبسی، موسوی شاهرودی و شیخ علی تهرانی به طور آزاد بهره برد. بخش زیادی از مکاسب شیخ انصاری را از حوزه درس استاد بزرگ حوزه مشهد «آیهٔالله حاج شیخ علی آقای فلسفی» و کفایتین را از حوزه درس «آیهٔالله رضازاده» و مدتی از درس خارج «آیهٔالله اعلم» استفاده کرد.

به موازات درس معمول حوزوی، درسهای تفسیر، نهج البلاغه، معارف دینی، مباحث اخلاقی، سیاسی و اجتماعی را از جلسات پر رونق و بیدارگر «مقام معظم رهبری» و مبحث شناخت را از شیخ علی تهرانی و شهید عبدالکریم هاشمی نژاد و مدتی از حوزه درس تفسیر آیهٔالله میرزا جواد آقای تهرانی و محامی بهره مند شد و مباحث حدیث شناسی را از محضر استاد علی حکیمی استفاده کرد و در ضمن از سال ۱۳۵۴ شمسی تاکنون به امر تبلیغ در بسیاری از مناطق کشور اشتغال داشته است.

پس از انقلاب شکوهمند اسلامی در سال ۱۳۵۸ - ۱۳۵۹ برای ادامه و تکمیل تحصیلات، عازم حوزه علمیه قم شد. پس از چند ماهی که در مدرسه آیهٔالله غیوری به سر برد با بازگشائی مدرسه مبارکه فیضیه پس از انقلاب اسلامی در آنجا ساکن شد. با استفاده از دروس اساتید بزرگ حوزه به تکمیل آموخته های خود پرداخت. بخشهای کفایتین، یک دوره خارج اصول، بخشهایی از مباحث خارج فقه (کتاب حج) از حوزه درس «آیهٔالله فاضل لنکرانی» استفاده کرد.

مباحثی از کتاب حج را از حوزه درس «آیهٔالله جنتی» آموخت، در درس خارج فقه کتاب قضا «آیهٔالله نوری همدانی» و «آیهٔالله سید محمد هاشمی شاهرودی» شرکت جست. از درسهای خارج فقه آقای منتظری تا زمانی که درس وی رسمیت داشت کتابهای حدود و دیات، ولایت فقیه، زکات و ... را آموخت. سپس مباحث خارج صلاهٔ، بیع، خیارات و بخشهایی از مباحث خارج اصول را از محضر استاد بزرگ حوزه «آیهٔالله وحید خراسانی» استفاده کرده و هم اکنون از محضر آن استاد بزرگ کسب فیض می نماید. مدتی از درسهای خارج اصول «آیهٔالله مکارم شیرازی»، «آیهٔالله میرزا جواد آقا تبریزی»، «آیهٔالله جعفر سبحانی»، «آیهٔالله فاطمی تویسرکانی» کسب فیض کرد.

دانش درایه، حدیث و رجال را از محضر رجالی بزرگ و برجسته «آیهٔالله سید موسی شبیری زنجانی»، «آیهٔالله نوری همدانی»، «منتظری» و ... فرا گرفت و از برخی درسهای مقطعی «آیهٔالله صانعی» و «صالحی نجف آبادی» بهره برده است. بدایه و نهایه را از استاد فیاضی، دکتر احمد احمدی و «آیهٔالله مصباح یزدی»، و منظومه ملاهادی سبزواری را از آیهٔالله شیخ یحیی انصاری و نکونام و بخشهایی از اسفار را از «آیهٔالله جوادی آملی»، محمدی گیلانی و بخشهایی از اشارات را از حوزه درس «آیهٔالله حسن زاده آملی» فرا گرفت.

از درس تفسیر «آیهٔالله مشکینی» و مباحث خارج فقه (کتاب مضاربه) و مباحث اخلاقی وی استفاده کرد. در حوزه درس تفسیر «آیهٔالله ملکوتی» و «آیهٔالله جوادی آملی» چند سالی شرکت نمود، مباحث اخلاقی را از «آیهٔالله بهاءالدینی»، «آیهٔالله مظاهری» و «شب زنده دار» آموخت. مباحث اقتصاد اسلامی را از محضر «آیهٔالله سید محمود هاشمی شاهرودی»، «آیهٔالله سید محمد شیرازی» و «آیهٔالله مشکینی» آموخت و چند وقتی از کلاس درس نهج البلاغه «آیهٔالله صالحی نجف آبادی» بهره گرفت.

در کنار حضور در درس اساتید بزرگ حوزه از سال ۱۳۶۱ با تأسیس مجله وزین حوزه و مجله فقه کاوش نو در بخش تحقیق، پژوهش و نگارش مقاله از آغاز تاکنون همکاری داشته و دارد. در این راستا برای آمادگی جهت حضور در عرصه قلم و نگارش پیش نیازی مثل زبان و ادبیات فارسی، انگلیسی، عربی، روان شناسی، جامعه شناسی و نقد فیلم را فرا گرفت. با معجم المفهرس

بحارالانوار دفتر تبلیغات حدود یک سال همکاری نموده است. حدود ۳ سال با تفسیر راهنما در فرهنگ و معارف قرآن همکاری علمی داشته است. با رادیو معارف بخش همراه با فرزانگان مدتی همکاره نموده است. مقالاتی از وی به زبان عربی و انگلیسی ترجمه است.

گذشته از مجله حوزه، فقه کاوشی نو، با مجله نگاه حوزه مشهد، مجله کتاب ماه وزارت ارشاد، برخی روزنامه ها، همایشها و کنگره ها و سمینارهای علمی زیادی مثل: کنگره شیخ انصاری، مفید، خوانساریها، نراقیها، آقا مصطفی نائینی، میرزا حسن آشتیانی، میرزا سید عبدالحسن شرف الدین و ... همکاری نموده است. حدود ۲ سال است که تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی تهران را آغاز نموده و در دانشکده علوم پایه هم اکنون نیز تدریس می نماید. ضمناً از سال ۱۳۷۱ به عنوان روحانی کاروانهای حج و عمره به انجام وظیفه تعلیم مناسک و معارف حج اشتغال داشته و دارد.

میریونسی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجهْالاسلام آقای حاج آقا عباس میریونسی عراقی (داماد معظم آیت‌اللَّه حاج شیخ آقا بزرگ مذکور) از فضلاء عراقی حوزه علمیه قم و ائمه جماعت معاصر کنگاور می‌باشند.

تولد ایشان در یکی از مضافات اراک واقع شده و پس از رشد برای تحصیل علوم دینی به قم مهاجرت و متون فقه و اصول را از مدرسین فراگرفته و پس از آن از درس خارج آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ محمدعلی اراکی و آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و دیگران استفاده نموده.

آنگاه بنابر درخواست ابوالزوجه خود به کنگاور مهاجرت و رحل اقامت افکنده و در یکی از مساجد آن به اقامه جماعت و ارشاد مردم و خدمات دینی اشتغال دارند.

و قبل از ایشان چند سالی جناب حجهْالاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا باقر رفیعی عراقی (خواهرزاده آیت‌اللَّه حاج شیخ آقا بزرگ محمدی) مقیم کنونی شهر ری در کنگاور اقامت و به انجام وظائف دینی اشتغال داشته‌اند.

چنانچه قبل از ایشان جناب مستطاب حجهْالاسلام والمسلمین آقای حاج آقا مجتبی محمدی عراقی (برادر معظم له) در آنجا سکونت و خدمات ارزنده‌ای انجام داده‌اند و خود حقیر در محرم ۱۳۶۸ ق چند شبی در ضیافت آنجناب در کنگاور بوده و ناظر آثارشان بوده‌ام.

و مخفی نباشد که بیت جلیل محمدی عراقی بیش از یکصد سال است که در کنگاور به وظائف شرعی و خدمات دینی اشتغال دارند زیرا مرحوم مبرور علامه بزرگوار آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدباقر فرزند آقا محمد کرهرودی سلطان‌آبادی متولد ۱۲۵۷ ق که عالمی فقیه و پارسائی متقی از شاگردان شیخنا الانصاری بوده پس از وصول به مقامات عالیه علم و کمال و استفاده از محضر شیخ و علامه سید حسین کوهکمری و دیگران به ایران مراجعت و در کنگاور سکونت نموده و به خدمات دینی پرداخته تا در ۱۷ ربیع‌الاول ۱۳۱۵ ق به رحمت حق پیوسته و در آنجا مدفون و قبرش مزار عموم و معروف (به قبر آقا) می‌باشد.

دارای آثار علمی چندی در فقه و اصولست که ذیلا به آن اشاره می‌گردد.

۱- رساله در قسامه و احکام آن ۲- رساله عملیه فارسی در عبادات ۳- شرح دره سید بحرالعلوم ۴- شرح قصیده میمیه ابن‌فارض موسوم به (کشف‌الرموز) ۵- الاشارات ۶- فرائدالدرر در علم لوح و قدر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

میقانی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا میقانی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۵/۱

زندگینامه علمی

اینجانب رضا میقانی از سال ۱۳۵۰ وارد حوزه مقدسه قم شدم و در مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی که در آن دوران اولین مدرسه به سبک روز و استاندارد بود مشغول تحصیل گردیدم و در سال ۵۶ به مدت شش ماه در درس مرحوم استاد مطهری ره شرکت کردم ایشان در حوزه امتحان از سطح برای طلاب گذاشتند و در آن موفق شدم و ممتاز گردیدم بنا داشتند گروه های تحقیق در حوزه ایجاد نمایند که انقلاب اسلامی شروع و دیگر به قم تشریف نیاوردند و در همان سال ها از محضر دکتر مفتح در فلسفه و سید کاظم حائری که کتب شهید صدر را تدریس می کردند بهره ها بردم و از سال ۵۸ دردرس خارج استاد وحید

خراسانی و تبریزی و لنکرانی شرکت کردم و حدود ۲۰ سال از خرمن پر فیض فقهای بزرگ استفاده کردم و در ضمن تحصیل در سال ۵۴ به حوزه تبلیغ وارد شدم و تا کنون به اکثر استان های کشور برای ترویج مکتب اهل بیت سفر داشته ام و در سال ۵۹ وارد موسسه در راه حق وارد شدم و پس از سه سال آموزش به کارهای پژوهشی پرداختم و در خدمت استاد مصباح سالیان طولانی استفاده کردم از جمله کارهای پژوهشی معجم موضوعی قرآن بود که چند صد هزار فیش برداری گردید . و از آن تحقیقات اکنون یکی دو جلد در زمینه اسماء و صفات و معاد و برزخ به زیور چاپ آراسته شده است و مقالات فراوان در زمینه قرآن پژوهی در اطراف کتاب فصل الخطاب حاجی نوری انجام دادیم .

و در همان سال ها چند سال در کنفرانس های دار القرآن مرحوم آیت الله گلپایگانی در محضر استاد سبحانی بوده و نتیجه آن کتاب روش اهل بیت در تفسیر قرآن است که دار القرآن چاپ کرده و در مدارس علمیه حجتیه و مومنیه و معصومیه تدریس داشته ام . حدود ۱۵ سال هم به زائران خانه معبود به عنوان روحانی کاروان اداء وظیفه می کنم . و در جهت خدمت به طلاب وظیفه نمایندگی طلاب شهرستان شاهرود را به عهده داردم .

میکالی، ابوالفضل عبیدالله

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۳۶ ق)، ادیب، کاتب و شاعر. نسبش را به یزدگرد ساسانی می‌رسانند. وی اهل خراسان و از مشاهیر ادبای آن دیار بود. در خراسان از ابواحمد حافظ حاکم و ابی‌عمرو بن حمدان حدیث شنیده است. او در نظم و نثر عربی ماهر بود. از آثارش: «مخزون البلاغهٔ» یا «مخزن البلاغهٔ»، «المنتحل»، «ملح الخواطر و منح الجواهر»، «دیوان الرسائل»، «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۴۴/ ۴)، ریحانه (۸۱ -۸۰/ ۶)، فوات الوفیات (۴۳۳ -۴۲۸/ ۲)، کشف الظنون (۱۸۱۷، ۱۶۳۹)، لغت نامه (ذیل/ عبدالرحمان)، معجم المؤلفین (۱۲۰/ ۵)، هدیهٔ العارفین (۶۴۸/ ۱).

میلاد

قرن:۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نام یکی از پهلوانان ایران است که چون کیکاوس به مازندران رفت ایران را به او سپرد و پسرش گرگین هم از پهلوانان بوده است.

بر گرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

میلانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی فرزند حجهٔالاسلام والمسلمین حاج سید نورالدین فرزند آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید محمدهادی میلانی سبط آیت‌اللّٰه آقا سید حسین فرزند آیت‌اللّٰه العظمی آقا سید علی میری تبریزی معروف به داماد (مامقانی بزرگ) و سبط حجهٔالاسلام آقا شیخ محمدحسن فرزند آیت‌اللّٰه العظمی فاضل شربیانی و نیز فرزند سبط مرحوم عالم رجالی آیت‌اللّٰه العظمی حاج شیخ عبداللّٰه مامقانی قدس‌اللّٰه اسرارهم که جمع کرده فضائل نسبی را با مکارم حسبی از چهره‌های درخشان بیت جلیل میلانی است.

وی در هشتم ماه مبارک رمضان ۱۳۶۷ قمری در نجف اشرف متولد شده و در معیت والدش به کربلاء معلی آمده و چندین سال اقامت و به تحصیل مقدمات و ادبیات پرداخته و پس از مهاجرت جد بزرگوارش آیت‌اللّٰه العظمی میلانی طاب اللّٰه ثراه به ایران آمده و در خدمت والدش در شهر ری اقامت و بعد از چندی عزیمت به حوزه علمیه قم نموده و اشتغال به تکمیل سطوح عالی فرموده است.

پس از فراغ از آن به درس خارج آیات عظام حضرت آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّٰه وحید خراسانی و آیت‌اللّٰه میرزا کاظم تبریزی و مرحوم آیت‌اللّٰه حج شیخ مرتضی حایری شرکت و استفاده سرشار نموده و در ضمن به تألیف کتب زیر مبادرت و از خود به یادگار گذاشته است.

آثار علمی ایشان

۱- بلغه الطالب در تعلیق به بیع مکاسب تقریر درس آیت‌اللّٰه گلپایگانی که به طبع رسیده است.

۲- کتاب القضاء ۲ جلد تقریرات درس آیت‌اللّٰه گلپایگانی چاپ شده.

۳- کتاب الشهاده ۱ جلد تقریرات درس آیت‌اللّٰه گلپایگانی چاپ شده.

۴- خلاصه عبقات الانوار در امامه ائمه اطهار ۲۵ جلد که ده جلد آن تاکنون به طبع رسیده است.

۵- تحقیق الاصول یکدوره کامل در حدود ۱۰ جلد بحث آیت‌اللّٰه وحید خراسانی مخطوط.

۶- بحوث فقهیه ۵ جلد مباحث کتاب (احیاء الموات) و مکاسب محرمه و طهاره و صلاه از دروس آقای وحید خراسانی مخطوط.
۷- بحوث فقهیه ۳ جلد مباحث فقهی در کتاب طهاره از درس آیت‌اللَّه میرزا محمدکاظم تبریزی- مخطوط.
۹- رساله‌ای در حدیث اصحابی کالنجوم در قم چاپ شده.
۱۰- رساله‌ای در حدیث (اقتدوا بالذین من بعدی) در مجلت تراثنا چاپ شده.
۱۱- رساله‌ای در حدیث (خطبه ابنه ابی‌جهل) در مجله تراثنا چاپ شده.
۱۲- اهل البیت فی نهج‌البلاغه در مجله تراثنا چاپ شده.
۱۳- رساله‌ای در شرح عباره محقق حلی در شرایع در نقل اموات- مخطوط.
۱۴- رساله درالمتقین در مجله تراثنا چاپ شده.
۱۵- رساله در نماز ابی‌بکر در جای رسول‌اللَّه (ص) در بیماری آن حضرت در مجله تراثنا چاپ شده.
۱۶- رساله‌ای در حدیث علیکم بسنتی و سنه الخلفاء الراشدین در مجله تراثنا چاپ شده.
۱۷- دراسات در عبقات چاپ شده.
۱۸- النافع فی یوم القیامه در شرح منهاج الکرامه العلامه ۲ جلد.
۱۹- شرح الکبری منطق چاپ شده.
۲۰- حواشی و مقدمه کتاب آفه اصحاب الحدیث تألیف ابن الجوزی.
۲۱- حواشی و مقدمه کتاب الامام الثانی عشر تألیف محمد سعید عبقاتی چاپ شده.
۲۲- مستدرکات عبقات الانوار (حدیث الغدیر و حدیث النور- حدیث السقیفه) چاپ شده.

در آثار دیگران به مناسبتهائی در آثار دیگران یاد شده و مورد استفاده قرار گرفته از آن جمله در کتاب اهل البیت فی المکتبه العربیه تألیف علامه سید عبدالعزیز طباطبائی و در مقاله ایشان به عنوان الموفون فی الغدیر و در دائر المعارف تشیع به مناسبت آل میلانی و در فیض القدیر تألیف محدث قمی در موسسه راه حق چاپ شده.

محقق میلانی دارای اجازات مبسوطی از آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و دیگران می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

میلانی، محمدهادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدمحمد هادی حسینی میلانی بن العلامه الحجهٔ آیت‌اللَّه آقا سید جعفر بن العلامه الورع آیت‌اللَّه آقا سید احمد حسینی میلانی از مراجع تقلید بزرگ و آیات عظام معاصر است در مشهد مقدس؛ معظم‌له در شب هفتم ماه محرم هزار و سیصد و سیزده قمری در خاندان بزرگ علمی در نجف اشرف متولد شد و در مهد تربیت والد ماجدش که داماد گرامی علامه فقیه آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ محمدحسن مامقانی بوده پرورش یافته است والد ماجدش مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید جعفر حسینی از علماء جلیل‌القدر نجف اشرف و از شاگردان مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقاشیخ حسن مامقانی به شمار می‌رفت و مردی بود که در زمان خود به علم و تقوا شهرتی داشت قبل از اینکه مردم از فضائل اخلاقی و مقامات علمی آن بزرگوار برخوردار گردند در سن جوانی از دنیا رحلت نمود و در رواق شمالی مرقد مطهر حضرت موسی بن جعفر و جواد الائمه علیه‌السلام دفن شده.

وی فرزند مرحوم آیت‌اللَّه آقا سیداحمد حسینی میلانی که از شاگردان آیت‌اللَّه العظمی آقاشیخ محمدحسن صاحب کتاب جواهر و در آذربایجان مرجع تقلید و پناهگاه مسلمانان بود.

مرحوم آقا سید احمد فرزند حجهٔ‌الاسلام آقاسید مرتضی حسینی بن رکن‌الاسلام آقاسید علی‌اکبر که مورد علاقه مردم بودند بوده و او فرزند آقا سید اسداللَّه حسینی بود و این دو بزرگوار ساکن قصبه میلان بودند و پدران بزرگوار آنان از شرفاء سادات مدینه طیبه محسوب می‌شد. پدر بزرگوار آقا سید اسداللَّه به حسب تقاضای اهالی آذربایجان متوجه به آن سامان شده و در آنجا از دنیا رفت مرقد او هم اکنون زیارتگاه عموم می‌باشند.

والده ماجده حضرت آیت‌اللَّه میلانی صبه مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ محمدحسن مامقانی بودند و آن بزرگوار در سال ۱۳۲۳ قمری از دنیا رفت و کانون علم و تقوا و از مراجع بزرگ شیعه به شمار می‌رفت و آثار علمی وی هم اکنون در حوزه‌های علمی مورد استفاده عموم می‌باشند.

در زمان معظم‌له نام دوازده هزار نفر از طلاب علوم دینیه در دفتر او مرقوم بود و حقوق آنان از ناحیه وی پرداخت می‌شد.

و در هر سال بیش از پنجاه هزار تومان از باب وجوهات به ایشان می‌رسید و آنها را میان مستحقین و اهل علم تقسیم می‌کرد و درهمی برای خود و عیالات خود باقی نمی‌گذارد و اگر شب می‌رسید تا صبح نمی‌گذارد همان ساعت به اهلش می‌رسانید.

دائی و پدر همسر کریمه ایشان مرحوم آیت‌اللَّه عالم بزرگوار و شیخ العلماء حاج شیخ عبداللَّه مامقانی قدس‌اللَّه سره صاحب تنقیح المقال در علم رجال و مرات الکمال و مرآت الرشاد و غیره از آیات عظام و مراجع انام عصر خود بوده است.

معظم‌له در سن کودکی پدر بزرگوار خود را از دست داده ولی در همان اوان دارای شوقی وافر به تحصیل علوم و مقدمات را تا سن دوازده سالگی نزد مرحوم آقا میرزا ابراهیم همدانی و آخوند ملامحسن تبریزی و دیگران خوانده و سطح را نزد مرحوم آیت‌اللَّه آقا شیخ ابراهیم سالیانی و مرحوم حجهٔ‌الاسلام آقا سید جعفر اردبیلی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا علی ایروانی (صاحب حاشیه بر مکاسب و کفایه و تالیفات دیگر) و مرحوم حجهٔ‌الاسلام آقا شیخ غلامعلی قمی سامرائی و مرحوم حجهٔ‌الاسلام والمسلمین دائی

بزرگوارشان آقا شیخ ابوالقاسم مامقانی که در زهد و تقوا مانند پدر معظم خود آیت‌اللّه مامقانی بودند تکمیل نموده آنگاه دروس خارج فقه و اصول را از علماء بزرگ و نوابغ عصر خود مانند مرحوم آیت‌اللّه شریعت اصفهانی و آیت‌اللّه میرزا محمدحسین نائینی و مرحوم آیت‌اللّه آقای حاج شیخ محمدحسین اصفهانی و مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاء عراقی استفاده نموده و فلسفه و کلام را از مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین اصفهانی و علم مناظره را از مرحوم حجهْالاسلام علامه مجاهد حاج شیخ جواد بلاغی صاحب کتاب الهدی الی دین المصطفی و الرحله المدرسیه و آلاء الرحمن در تفسیر و غیره فراگرفته‌اند.

مشایخ اجازه روایتی ایشان

۱- مرحوم آیت‌اللّه حاج سید حسن صدر ۲- مرحوم آیت‌اللّه حاج سید عبدالحسین شرف‌الدین ۳- مرحوم ثقه‌المحدثین حاج شیخ عباس قمی ۴- مرحوم حجهْالاسلام والمسلمین حاج شیخ آغابزرگ تهرانی.

آیت‌اللّه میلانی در ادبیات فارسی و عربی حظ وافری دارند و با ادباء معاصر خود مانند مرحوم آقای شیخ محمد سماوی و آقای شیخ جعفر نقدی و حجهْالاسلام آقا میرزا محمدعلی اردوآبادی مطارحات ادبیه داشتند و اشعاری که در جوانی به زبان عربی سروده‌اند شاهد زنده‌ی بر این مدعی است.

آیت‌اللّه میلانی بیش از پنجاه سال در نجف اشرف و کربلا و مشهد مقدس به تدریس فقه و اصول اشتغال داشته و تربیت‌شدگان علمی و اخلاقی ایشان در اکناف و اطراف ممالك و شهرهای اسلامی بسیارند که به وظائف دینی خود مشغول می‌باشند. و معظم‌له در تشویق و تکریم فضلاء و محصلن کوشا می‌باشند.

آثار علمی او عبارت است از نوشته‌های بسیار که درباره علم و فقه و اصول و تفسیر نگاشته‌اند و آنها را بعضی از فضلاء که در حوزه درس کربلای وی حضور داشته نوشته است.

معظم‌له درباره قسمتی از علوم اسلامی مطالعات دقیق و نظریه‌ای قوی دارد که از آن جمله علم حدیث است.

وی مدت هشت سال با مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ علی قمی درباره علم حدیث مذاکراتی داشته است.

او نسخه کتاب وسائل خود را به نسخه‌ای که به خط مرحوم شیخ المحدثین شیخ حر عاملی نوشته شده مقابله و به مدارك آن مراجعه نموده است.

بیشتر افرادی که زندگانی علماء و رجال معاصر را نگاشته و به صورت کتاب منتشر نموده‌اند از قبیل: صاحب کتاب معارف الرجال و صاحب کتاب معجم رجال الفکر و الادب و صاحب کتاب ماضی النجف و حاضرها شخصیت و زندگانی آقای میلانی را نوشته‌اند.

در بسیاری از مجله‌های کشورهای اسلامی به مناسبتهائی راجع به معظم‌له مقالاتی درج نموده‌اند که از جمله در مجله: العلوم بیروت در سنه ۱۱ عدد ۱۸ به مناسب تاریخ مشهد مقدس و مرقد حضرت علی بن موسی الرضا (ع) و خلیفه عباسی هارون الرشید مقاله‌ای نوشته تا آنجا که رسیده به مدرسه‌های قدیمه ارض اقدس می‌نگارد.

امروز چنانکه قبلا- یادآور شدیم تعداد طلایی که در مشهد مقدس مشغول تحصیل و تحقیق هستند قریب دوهزار و پانصد نفر (۲۵۰۰) می‌باشد که در حوزه‌های متعدده علمیه تقسیم شده‌اند و آنان درباره تحصیل هر موضوع و علمی از قبیل علم فقه و علم اصول و لغت و حکمت و امثال ذلك دارای اسنادهای متعددی هستند.

ولی ریاست و زعامت کلیه آن حوزه‌های علمیه به عالم ربانی و دانشمندان صمدانی علامه بزرگوار سید محمدهادی میلانی می‌باشند که بزرگ استادهای علم فقه و علم اصول به شمار می‌رود.

وی همان کسی است که قریب چهارصد نفر از افرادی که قریب‌الاجتهادند در مجلس درسش حاضر می‌شوند.

آیت‌اللّه میلانی در سال ۱۳۷۰ قمری به حج مشرف شده و یك سفر هم در سال ۱۳۵۹ ق به سوریه و لبنان نمودند و ایشان شش مرتبه هم به ایران مسافرت نمودند که سفر ششمین ایشان در روز عرفه ۱۳۷۳ ق بود که به قصد زیارت ارض اقدس و حضرت رضا علیه آلاف التحیه و الثناء بود.

وی در خانه مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ علی‌اکبر نوغانی وارد شده و از روز ورود ایشان حوزه علمیه مشهد و علماء اعلام و طبقات مختلف مردم تقاضا و اصرار نمودند که معظم‌له برای تدریس و تربیت محصلین علوم دینیه در مشهد مقدس اقامت نمایند وی قبول ننمود تا اینکه ملزم به استخاره شد.

پس از استخاره این آیه شریفه آمد. واتبع ما یوحی الیك من ربك واصبر حتی یحکم اللّه و هو خیر الحاکمین.

پس از این استخاره قبول نمود که مدت سه ماه در خراسان توقف و شروع به تدریس نماید وقتی که فضلاء برجسته حوزه علمیه مشهد مقدس وضع تدریس و مطالب دقیق ایشان را دیدند و شنیدند علاقه بیشتری پیدا کردند لذا با عزمی راسخ و اصراری بیش از پیش خواستار توقف حضرتش گردیدند.

آن بزرگوار به ناچار تقاضای آنان را پذیرفت و عزم رحیلش بدل به اقامت گردید و در مسجد جامع گوهرشاد به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت و صدها نفر از فضلاء و علماء مشهد به محضرش حاضر و بهره‌مند می‌گردند.

آثار و باقیات الصالحات آیت‌اللّه میلانی مدظله.

آن جناب در این مدتی که در مشهد مقدس اقامت دارند در اغلب موسسات خیریه بناهای دینی سهیم و شریك بوده و اشخاص شایسته‌ای از روحانیین را برای تبلیغ و ارشاد مردم به اطراف اعزام نموده و هم اکنون می‌نمایند.

ایشان همیشه در نظر داشته و دارند که حوزه‌ها باید دارای نظم و برنامه مخصوص باشد و لازم است که کلیه علوم اسلامی در آنها تدریس و خوانده شود و لازم است که محصلین علوم دینیه درباره سایر علوم نیز دارای مطالعاتی باشند.

آیت‌اللّه میلانی در سال ۱۳۸۳ ق در شهرستان قم مدرسه‌ای به نام مدرسه منتظریه (حقانی) تأسیس و تعداد صد نفر دانشجو پذیرفته که تحت تعلیم و تربیت می‌باشند.

جناب ایشان در مشهد مقدس نیز مدرسه‌ای دو طبقه تأسیس کرده که دارای پانصد نفر محصل است (متأسفانه در این ایام آن

مدرسه خراب و جزو فلکه آستانه گردید).

مدرسه مدرن و زیبای دیگری به نام امام جعفر صادق (ع) در جنب مسجد شاه مشهد و نزدیکی (مدرسه سلیمان‌خان) بنا نموده‌اند که از جهت معماری و زیبائی از مدارس نمونه علمی معاصر محسوب می‌گردد.

در این ایام که مشغول به تحریر این سطور می‌باشم معظم‌له مبتلا به کسالت شدیدی شده که برای معالجه به تهران آمده ولی موثر واقع نشده بـه مشهد مراجعت و در یکی از دهات اطراف مشهد بستری و دوران نقاهت و بیماری را می‌گذرانند. من اللَّه علی المسلمین بشفاء وجوده انشاءاللَّه.

آثار علمی آن جناب از این قرار است.

۱- شرح استدلالی به کتاب صلوه شرایع ۲- کتاب استدلالی در اجاره.

۳- کتاب استدلالی در مزارعه و مسافات ۴- کتاب در مبحث اوامر تا آخر استصحاب.

۵- کتاب در مضاربه استدلالی ۶- کتاب در تفسیر جزو عمه آخرین جزو از قرآن.

۷- رساله در بحث مشتق ۸- رساله در تحقیق صلوه جمعه.

۹- رساله در منجزات مریض ۱۰- رساله در تأمین والیا نصیب (قرعه‌کشی)

۱۱- رساله در احکام جلود و غیره ۱۲- حواشی بر کتاب الهدی الی دین المصطفی.

۱۳- حاشیه بر وسیله النجاه ۱۴- حاشیه بر عروهٔالوثقی و غیره.

آیت‌اللَّه میلانی دارای دو برادر به نام حاج سید موسی و حاج سید کاظم و سه پسر به نام ۱- حجهٔالاسلام حاج سید نورالدین مقیم شهر ری ۲- حجهٔالاسلام حاج سید عباس مقیم نجف ۳- آقای حاج سید محمدعلی مقیم مشهد و یک دختر می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

میلانی، میرنقی، تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۲۹۳ ش)، شاعر. پدرش از روحانیون آزادیخواه آذربایجان و اصلا میلانی بود که در محله‌ی امیر خیز سکونت داشت. سید تقی در تبریز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان رساند. آنگاه به تهران آمد و در دانشکده‌ی ادبیات به تحصیل پرداخت و موفق به اخذ لیسانس در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی شد. وی در شهرهای مشهد، بجنورد، قم، تبریز، بیرجند و تهران به تدریس ادبیات اشتغال ورزید و در ضمن تدریس، رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی را ادمه داد و موفق به دریافت دکترای خود در این رشته شد. وی به فارسی و ترکی شعر می‌گفت. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۱۴۳/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۴۹۹ -۳۴۹۶/ ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۲۶۱/ ۲).

میلانی، نورالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید نورالدین (آیت‌اللَّه زاده میلانی) بن العلامه الورع آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمد هادی میلانی (مقیم مشهد) از علماء معاصر شهر ری می‌باشد. وی در ۱۴ شوال ۱۳۳۶ ق در نجف اشرف متولد و در ۱۳۵۵ ق منتقل بکربلاء معلی و در سال ۱۳۹۳ روی جریانات اخیر عراق کوچ نموده و مقیم حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام شهر ری شده‌اند معظم له پس از ختم قرآن مجید خط و ادبیات فارسی را در مکتب خانه جناب و مرحوم شیخ علی‌اکبر که از مشاهیر بودند فراگرفته و با استفاده از موقعیت والد بزرگوارشان نزد اساتید عظام تلمذ نموده و پس از فراغ از مقدمات کفایه را در محضر آقای والد شروع نموده و رسائل را از مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید زین‌العابدین کاشانی که از معاریف کربلا و عضو استفتاء آیتین قمی و بروجردی بودند آموخته و مکاسب را از آیت‌اللَّه حاج آقا حسن طباطبائی قمی و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدعلی اردبیلی و فلسفه را از وحید عصر آقا میرزا غلامحسین تبریزی که از شاگردان بنام مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدحسین اصفهانی (کمپانی) و مدتی هم از آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ علی محمد بروجردی (که اکنون مرجع عالیقدر مقیم بروجرد میباشند) استفاده نموده سپس خارج فقه را از محضر آیت‌اللَّه العظمی والدشان و خارج اصول را از محضر آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظله بهره‌مند گردیده است، پس از هجرت والد بزرگوارشان در سال ۱۳۷۴ ق از کربلاء معلی به مشهد مقدس رضوی باصرار جمعی از محترمین کربلاء بجای والدشان در جنب ضریح مطهر حضرت سیدالشهداء ارواحنا له الفداء امام جماعت شده و روی سوابق خاندان و اهتمام بمسائل اجتماعی و رسیدگی به احتیاجات مردم از رجال بنام و محبوب غالب طبقات گردیده بطوری که منزلش مرکز رفت و آمد مردم و در ایام محرم دسته‌جات و مواکب زنجیر زن و غیره به خانه ایشان آمده و عزاداری می‌نمودند.

لذا آن جناب از این موقعیت استفاده کرده و در امور عامه دخالت و اقدامات اساسی و مهمی از قبیل استقلال کشمیر را مکررا به سازمان ملل مخابره کرده و مخصوصا با چهار زبان بر علیه اسرائیل ایراد نطق نموده که نظر محافل سیاسی و همگانی معطوف به وی میگردد.

اجمالا این که معظم له هم از نظر مراجع بزرگوار گذشته و هم حاضرین محترم و در نزد غالب مردم عراق و مسلمین هند و پاکستان و آفریقا و ایران و خلیج‌نشین‌ها و غیره معزز و محبوب می‌باشد.

آقای میلانی درباره زندانیهای مذهبی در هر نقطه بسیار حساس و اقدامات لازمه برای استخلاص آنها نموده چنانچه دو واعظ لاهور را که به ششماه زندان محکوم شده بودند توسط سفیر پاکستان در بغداد سجاد حیدر حنفی آزاد و نیز سی و سه نفر از رجال نامی شیعه همان کشور را که در اثر نزاع با اهل تسنن زندانی شده بودند توسط سید محمدحسن سفیر دیگر پاکستان آزاد می‌نماید.

آقای میلانی دو سفر مذهبی به هندوستان نموده و قدمهای مؤثری برداشته و خدماتی انجام داده‌اند که شرحش مفصل و در روزنامه‌های هندوستان به زبان اردو و انگلیسی و سانسکریت از ایشان تجلیل شده و عکسهای مجالس جشن بنام ایشان در آگره و لکهنو و بمبئی و غیره موجود می‌باشد.

و نیز مسافرتهای جالبی بافغانستان و لبنان و سوریا و کویت و مکه معظمه نموده و خدماتی انجام داده که از ذکر آن خودداری می‌نمایم.

در کربلاء معلی آثار ارزنده‌ای دارند که از همه مهمتر تأسیس کتابخانه بنام حضرت سیدالشهداء الحسین علیه‌السلام است.

این کتابخاه خود دار الارشادی بود که جوانان را بدین وسیله و بتوسط حجهٔالاسلام آقای حاج شیخ فرج‌اللّه اصفهانی مدیر کتابخانه و احیانا شخصا تربیت دینی می‌نمود مخصوصاً محصلین جدید را بیشتر مورد علاقه و اهتمام مطالعه قرار می‌داد.

کتابخانه مزبور مرکز نشر معارف بود زیرا جلسه هفتگی برای مسابقه سخنرانی و کتابت و مسائل مذهبی و سؤال و جواب دبیرستانی‌ها و دانشگاهی‌ها بود.

کتابی بنام (لحظه‌ای با امام عصر عجل اللّه فرجه) و ارواحنا فداه دارد که سالها در جمع و تنظیم آن زحمت کشیده و بیش از بیست فصل می‌باشد و در آن تشرف جماعتی از بزرگان علم و غیره را یاد کرده ولی هنوز باتمام نرسیده است و تألیف این سفر جمیل اوقاتشان را مستغرق نموده که نوشتجاتی که در مرور عمر و تحصیل دارند مهجور مانده است و در اثر عشق و علاقه شدید بناحیه مقدسه حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه بهیچ کدام عنایتی نشان نمی‌دهند فقط همت را گماشته‌اند که توجه افراد را بسوی آقای عالم معطوف بنمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

میلانی‌نژاد، فریدون

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

میلی هروی، قلی خان

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۹۸۵/ ۹۸۴/ ۹۸۳/ ۹۸۰ ق)، شاعر، متخلص به میلی. اسم و تخلص او را گاه در تذکره‌ها میرزا محمد قلی میلی و میلی ترک نوشته‌اند و نسبت ترک او به این دلیل است که وی از طایفه‌ی تکلو، قبیله‌ای از ترکمانان، می‌باشد. در هرات به دنیا آمد و در مشهد نشو و نما و تربیت یافت. احتمالا به دلیل اقامت طولانیش در مشهد بعضی در تذکره‌ها اصل او را از این شهر می‌دانند. وی ابتدا ملازم سلطان محمد خدابنده و سپس تحت ملازمت و تربیت حاکم خراسان، شاهزاده ابراهیم میرزا (م ۹۸۵ ق) پسر بهرام میرزای صفوی، بود و آنان را مدح می‌کرد. او با شاعرانی مانند خواجه حسین ثنایی و ولی دشت بیاضی معاشرت داشت. میلی بعد از اینکه مورد بی‌مهری ابراهیم میرزا قرار گرفت به قزوین رفت و مدتی با شعرای اطراف که در آنجا جمع بودند مشاعره کرد. سپس رهسپار گیلان گشت و با خان احمد خان، حاکم گیلان، مصاحب شد. وی در مدت زمانی که در گیلان بود با حیاتی گیلانی نیز معاشرت داشت. بعد از چندی به دلیل کدورت و نزاعی که بین او و میرزا جهانگیر، امیرالامرای آن دیار، رخ داد به خراسان بازگشت. ولی در آنجا نیز نماند و در ۹۷۹ ق به هند مسافرت کرد و مدتها در خدمت نوربگ خان یا نورنگ خان (م ۱۰۰۲ ق)، پسر قطب‌الدین غزنوی، به سر برد و اشعاری در مدح وی سرود. بنابر بعضی روایتها سرانجام نورنگ خان بر او بدگمان شد و فرمان داد تا او را به وسیله‌ی زهر به قتل برسانند. وفات او در مالوه بود و همان جا به خاک سپرده شد. بعدها پیکرش را به مشهد منتقل کردند. مزارش در نزدیک باغ امین‌آباد، در حومه‌ی شهر، بر سر تپه‌ای موجود است و سنگی به صورت ایستاده بر قبر او قرار گرفته و قطعه شعری که میر تاریخی مشهدی در تاریخ وفات او گفته بر آن نوشته شده است. میلی در سرودن غزل نظیر نداشت و در فن قصیده نیز از شعرای بلاد خود وانمی‌ماند، البته بعضی این گفته را قبول ندارند و عده‌ای او را در وادی غزل از ثنایی و دشت بیاضی و دیگر شعرای آن دیار بلکه از اکثر شعرای عراق بهتر می‌دانند. از آثار وی: «دیوان» شعر. گفته‌اند که مولانا قاسمی، که دوست میلی بود حدود دو هزار بیت از اشعار وی را جمع کرده است. تقی‌الدین اوحدی گوید: قریب دو هزار و پانصد بیت از قصاید و ترکیب او نزد بنده هست، دو غزل او نیز قریب به همین قدر مکرر دیده‌ام.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۳ -۸۸/ ۱)، ایضاح المکنون (۵۳۲/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۳۵ -۷۲۹/ ۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۳۸۱/ ۲ ،۲۱۳/ ۱)، تاریخ نظم و نثر (۴۲۱)، الذریعه (۱۱۴۴ -۱۱۴۳/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۰۳ -۹۰۲)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۲۵۵۸ -۲۵۵۷/ ۳)، کاروان هند (۱۳۹۷ -۱۳۸۵/ ۲ ،۳۳۷ -۳۳۶/ ۱)، مجمع الخواص (۱۰۶ -۱۰۵)، مجمع الفصحا (۸۳ -۷۹/ ۴)، مکتب وقوع (۴۷۵ -۴۵۵)، نتایج الافکار (۶۲۰ -۶۱۹).

میمندی مشهدی، محمود

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۰۷ ق)، عالم دینی، عابد و شاعر. وی با شیخ حر عاملی معاصر بود. از حر عاملی و علامه مجلسی و احمد مقابی و عبدالصمد بن عبدالقادر بحرینی روایت نمود. ابوالحسن فتونی شریف، در ۱۱۰۷ ق، از وی اجازه گرفته است. او به دو زبان فارسی و عربی شعر سروده است. از آثارش: «اشرف العقاید»، در معرفهٔ اللّه؛ «ترجمهٔ الصلاهٔ»، «حدائق الاحباب»، در ادعیه؛ «حیاهٔ القلوب»، در معرفهٔاللّه؛ «سلاح المؤمن»، «القول الثابت»، «الکلم الطیب» و «المقام الامین»، در دعا؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۱۱/ ۱۰)، ایضاح المکنون (۵۳۷، ۳۷۹، ۲۴۷ ،۲۰/ ۲ ،۴۲۴، ۳۹۴، ۸۷/ ۱)، الذریعه (۵/ ۲۲ ،۱۲۷/ ۱۸ ، ۲۰۹/ ۱۷ ،۲۰۹/ ۱۲ ،۱۰۱۳/ ۹ ،۱۲۳/ ۷ ،۲۸۱/ ۶ ،۱۱۴/ ۴ ،۱۰۷ -۱۰۶/ ۲)، ریاض العلماء (۲۰۵ -۲۰۴/ ۵)، ریحانه (۸۲/ ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۱۵/ ۱۲)، معجم المؤلفین (۱۸۴/ ۱۲)، هدیهٔ العارفین (۴۱۶/ ۲).

مینا افشار، فریدون

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۳۵ ق)، شاعر. از غلامزادگان فتحعلی‌خان افشار ارموی بود. از طفولیت در اصفهان نزد رشید بیگ و جهانگیرخان، پسران فتحعلی خان، نشو و نما یافت و با بزرگان آن دیار مانند هاتف، آذر، درویش مجید، صباحی، عاشق و مشتاق نیز مصاحب و معاشر بود. وی مدتی نیز نزد مفتون، صاحب «نگارستان دارا» به سر برده است. سپس به ارومیه رفت و ملازمت حسینقلی خان، بیگلر بیگی افشار ارومیه، را اختیار نمود. وی تا آخر عمر در آن دیار به سر برد و در همان جا از دنیا رفت. مینا شعر شناس و شعر فهم بود. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۷۷۵ -۱۷۷۴/ ۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۶۷)، الذریعه (۱۱۴۴/ ۹)، سفینهٔ المحمود (۶۷۹ -۶۷۸/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۹۰۳)، مجمع الفصحا (۹۴۵/ ۵)، نگارستان دارا (۲۵۵ -۲۵۴).

میناساز، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، نقاش، میناساز و شاعر. از هنرمندان میناکار دوره‌ی فتحعلی‌شاه و محمدشاه قاجار بود. وی در ارائه گل و مرغ و زیبایی‌های طبیعت شیرین قلم بود و چهره‌پردازی و صورت سازی را به شیوه‌ی اروپایی و ایرانی قوی و با حالت می‌ساخت. در نظم شعر نیز دست داشت و سروده‌های خود را با موضوعات نقوش تطابق می‌داد. محمدباقر در صنعت ترسیم و نقوش علمی و ستاره‌شناسی و نقوش اسطرلابی نیز صاحب مقام بود، به طوری که در ترسیم بروج دوازده‌گانه و متعلقات آن، هنرمندی ماهر و آگاه بوده است. از آثار وی: ظرف مینایی سرپوش‌دار نفیسی که با بشقاب و قاشق مینا و مطلایی یکدست کرده و به نقوش گوناگون تصویر نموده است، با رقم: «غلام خانه‌زاد باقر»، ۱۲۳۶ ق؛ کارد گل و مرغی مینایی با تصاویر ماهرانه که تمام زیرسازی و فلزکاری اولیه آن، به طلای ناب ساخته شده و به رنگهای مختلف تزیین شده است، با رقم: «عمل کمترین محمدباقر شهر ذیحجه ۱۲۵۹»؛ آبرنگ سیاه قلمی گل کوکب پرپری که با سه برگ شیوا و آراسته همراه است، با رقم: «عمل کمترین محمدباقر میناساز سنه ۱۲۶۶».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۶۵۸ -۶۵۶/ ۲).

میناسیان، واهه

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: گیاه‌پزشکی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شهید چمران اهواز
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

میناسیان، واهه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر واهه میناسیان متولد ۱۳۱۸ ه.ش تهران دارای دکتری رشته آسیب شناسی گیاهی از دانشگاه ریورساید کالیفرنیای آمریکا است. وی عضو هئیت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز با درجه استادی می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیگرایش : آسیب شناسی گیاهیتحصیلات رسمی و حرفه ای : واهه میناسیان دارای دکتری رشته آسیب شناسی گیاهی از دانشگاه ریورساید کالیفرنیای آمریکا است.وقایع میانسالی : واهه میناسیان پس از اخذ مدرکدکتری در رشته آسیب شناسی گیاهی به عضویت هئیت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران اهواز درآمد. وی هم اکنون با سمت استادی در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : واهه میناسیان عضو هئیت علمی و استاد گروه زیست شناسی در دانشکده علوم پایه در دانشگاه شهید چمران اهواز است. آثار : بیماریهای گیاهان گیاه پزشکی منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

میناگر، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا میناگر

محل تولد : بروجرد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

غلامرضا میناگر در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در شهرستان بروجرد در میان خانواده ای مذهبی، فرهنگی به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی را در مدرسه گویای شهرستان دورود با مدیریت پدر خود به اتمام رساند. سپس دوره متوسطه را با بازگشت خانواده اش به بروجرد ادامه داد. و در این میان علاقه مفرط به علوم دینی و الهی پیدا نموده بود به طوری که قصد داشت تا قبل از انقلاب که دوران نوجوانی وی بود؛ به حوزه ی علمیه قم مقدسه هجرت کند اما مواجه با ممانعتهایی می شد.

پس از انقلاب شکوهمند اسلامی و در اولین بهار تحصیلی به این درمان جامعه عمل پوشاند (سال ...) در مدرسه علمیه ولیعصر همان شهر به تحصیل دروس مقدماتی پرداخت که در سال بعد به قم به منظور درک بیشتر و بهتر اساتید مهاجرت نمود. او پس از اتمام مقدمات خود در مدرسه امام صادق (ع) سطح را از محضر اساتید برجسته حوزه علمیه قم از قبیل حضرات آیات: «وجدانی فخر (ره)»، «اعتمادی»، «پایانی (ره)» و... فرا گرفت و پس از آن بیش از ده سال از خارج فقه و اصول آیات عظام: «مکارم شیرازی» و اساتیدی چون «هادوی تهرانی» و ... بهره گرفت.

از سال ۷۲ تا ۷۶ جزء اولین دانشجویانی بود که در رشته فلسفه دانشگاه مفید وارد و مشغول به تحصیل شد. در سال ۸۲ به دفاع از پایان نامه سطح سه فلسفی خود تحت عنوان: «وحدت و کثرت از دیدگاه فیلسوفان مسلمان و غرب» پرداخت و پس از آن سه سال به فراگیری دروس تخصصی سطح سه در موسسه ی آموزشی و پژوهشی «فرق و مذاهب» همت گماشت و اکنون مشغول گذراندن رساله ی سطح چهار در حوزه علمیه قم می باشد.

ایشان از سال ۷۹ تا به کنون (۸۶)، ضممن تقبل مسئولیت دبیری گروه های فلسفه و کلام پژوهشگاه ونیز جلسات پاسخ به شبهات و ... از این فرصت استفاده نموده و مبادرت به نوشتن مقالات و کتاب هایی به منظور ارتقاء فکر فرهنگی، اعتقادی جامعه نموده است که برخی ازآنها به زودی در آن موسسه به چاپ خواهد رسید. همچنین وی در خلال تحصیلات حوزه ای خود از توفیق تدریس دروس مقدمات و نیز فقه واصول، منطق و فسلفه بی نصیب نبوده است.

مینای زند شیرازی، سلطانعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۲ ق)، شاعر، متخلص به مینا. اصلش از طائفه زند است. در پایان عمر در خراسان ملازم حسام‌السلطنه گردید. در تهران درگذشت. از آثار وی «دیوان» شعر می‌باشد. از اوست:

چرا ای زلف یار من همی پیچ و شکن داری

از آن پیچ و شکن داری که در آتش وطن داری

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۶۹)، حدیقهٔ الشعراء (۱۷۷۷ -۱۷۷۵/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۹۷ -۵۹۵/ ۵)، الذریعه (۱۱۴۴/ ۹)، ریحانه (۸۳ -۸۲/ ۶)، فرهنگ سخنوران (۹۰۳)، مرآت الفصاحه (۶۲۸ -۶۲۶).

مینو

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملا رجب علی، شاعر ادیب، متوفی در ۹ شوال سال ۱۳۲۵، مدفون در صحن امامزاده احمد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مینو شیرازی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۴ -۱۲۷۴ ق)، شاعر، متخلص به مینو. علم عربی را از فرصت‌الدوله شیرازی، صاحب «آثار عجم»، آموخت و در چاپارخانه و پستخانه‌ی دولتی به انتشار و تحریر مشغول بود. از آثارش: «دیوان» شعر. از اوست:

خیز ای سرو و بنه جانب بستان قدمی

که بهار آمد و دی رفت نمانده‌ست دمی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۷۰ -۵۶۹)، حدیقهٔ الشعراء (۱۷۷۸ -۱۷۷۷/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۰۰ -۵۹۷/ ۵)، الذریعه (۱۱۴۴/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۰۳)، مرآت الفصاحه (۶۲۹ -۶۲۸).

مینوی، مجتبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از محققین و اندیشمندان و دانشمندان معاصر ایران در ۱۲۸۲ در سامره متولد شد. پدرش آقاشیخ عیسی شریعتمداری، در سامره از شاگردان ملا محمد تقی شیرازی بود. مینوی تا نه سالگی در سامره بسر برد و مقدمات فارسی و عربی را در همانجا فرا گرفت و چون به ایران بازگشت وارد مدارس جدید شد و در مدارس امانت و اسلام و سپهر دوره‌ی ابتدائی را فرا گرفت و سپس به دارالفنون وارد شد و در ۱۳۰۰ در دارالمعلمین مرکزی مشغول تحصیل گردید و ضمنا در مجلس شورای ملی تندنویس شد و بعد در وزارت معارف به استخدام درآمد و کتابخانه وزارت معارف را اداره می‌کرد. پس از فراغت از تحصیل در دارالمعلمین مرکزی در معیت اسمعیل مرات به فرانسه رفت و کار اداری به او سپردند. وقتی سید حسن تقی‌زاده وزیر مختار ایران در لندن شد او را بعنوان سرپرست محصلین به انگلستان برد. این مأموریت بیش از نه ماه طول نکشید و به تهران احضار شد ولی ثمره‌ی این دو مأموریت یاد گرفتن زبان فرانسه و انگلیسی بود. وی قریب پنج سال در ایران بسر برد و حاصل کارش کتاب ویس ورامین و جلد اول شاهنامه فردوسی و ترجمه‌ی کتاب شاهنشاهی ساسانیان اثر کریستن سن بود. البته تنظیم شاهنامه با هدایت و سرپرستی ذکاءالملک فروغی انجام گرفت. مینوی مجددا به انگلستان رفت و تحصیلات عالی خود را در دانشگاه گینگز کالج لندن و مدرسه مطالعات آسیائی و آفریقائی دانشگاه لندن به اتمام رسانید و در همانجا مشغول کار شد و چندی با رادیوی بی.بی.سی همکاری داشت. در سال ۱۳۲۵ بعد از پایان جنگ جهانی دوم سیدحسن تقی‌زاده سفیر کبیر ایران در انگلستان نامه‌ای به وزیر فرهنگ وقت نوشته و ضمن معرفی مراتب فضل و دانش او، درخواست کرده بود که از وی دعوت شد تا خدمات فرهنگی خود را در ایران عرضه بدارد. از این رو وزارت فرهنگ این پیشنهاد را پذیرفت و رسما از او دعوت نمود که به خاک وطن برگردد.

مجتبی مینوی در ۱۳۲۸ به ایران بازگشت و طبق قانون خاصی به استادی دانشگاه برگزیده شد و در وزارت فرهنگ نیز به ریاست تعلیمات عالیه منصوب گردید و بعد رایزن فرهنگی ایران در ترکیه شد. این مأموریت قریب چهار سال بطول انجامید. پس از بازگشت از ترکیه عضو پیوسته فرهنگستان ادب و هنر شد. آخرین سمت استاد مینوی مسؤولیت علمی بنیاد شاهنامه‌ی فردوسی بود و سرانجام در سن ۷۴ سالگی درگذشت.

مجتبی مینوی در زمان حیات کتابخانه‌ی غنی و پربار خود را به وزارت فرهنگ و هنر اهدا کرد. تألیفات و تصنیفات و تصحیحات مینوی بسیار زیاد است، از جمله از تألیفات وی کتابهای پانزده گفتار، داستانها و قصه‌ها، فردوسی و شعرا و نقد حال، تاریخ و فرهنگ، مجموعه گفتارها و نوشته‌ها در سه مجلد. علاوه بر تألیفات فارسی، تألیفاتی اعم از کتاب و مقاله تحقیقی به زبان انگلیس دارد.

پس از درگذشت استاد مجتبی مینوی، گرانمایه مرد فرهنگ ایران آقای ایرج افشار در بزرگداشت این مرد بزرگ حق مطلب را ادا

نموده و یک شماره از نشریه راهنمای کتاب را اختصاص به محامد و مناقب و شناخت واقعی ایشان اختصاص داد و خود نیز سرلوحه این کار را در دست گرفته آنچه در دل داشت بر روی کاغذ آورد. بهتر آن دیدم که از اظهارنظرهائی که درباره‌ی این مرد کم‌نظیر شده است تکه‌هائی را نقل نمایم. استاد ایرج افشار می‌نویسد:

مینوی در چندین زمینه از معارف و علوم مربوط به ایران و اسلام کار کرد و آثاری دست اول و ماندگار برجای گذاشت. شاید در مقام سنجش بتوان خدماتی را که در زمینه‌ی تصحیح متون مهم زبان فارسی انجام داده است در صف مقدم قرار داد. کلیله و دمنه، ویس و رامین، نامه تفسیر، دویان ناصرخسرو، سیرت جلال‌الدین، نوروزنامه، عیون‌الحکمه، السعاده والاسعاد، تحریمه القلم سنائی، نورالعلوم ابوالحسن خرقانی، نصایح‌الملوک سعدی، مصنفات بابا افضل مرقی کاشانی (با همکاری یحیی مهدوی)، اخلاق ناصری، و بالاخره شاهنامه‌ی فردوسی که داستان رستم و سهراب آن را بعنوان نمونه منتشر ساخت، از متونی است که هریک به جهتی و مناسبتی در درجه‌ی اول اهمیت و از امهات نوشته‌های ایرانی است. مینوی در تصحیح هریک از انها سعی کاملی بکار برده است، هم از این حیث که نسخ معتبر را در تصحیح اختیار کرده و روش علمی و انتقادی مرسوم میان غربیان و نقدشناسان را در آنها بکار گرفته است، و هم از این حیث که تنظیم عبارات، صفحه‌بندی و نوع حروف و دقت در غلط گیری آنها پسندیده باشد ناگزیر همه‌ی آثارش نمونه است و از جهات متعدد شاخص شده است. از حق نباید گذشت که هنوز متنی به نفاست و صحت و آراستگی کلیله و دمنه مینوی در ایران نشر نشده است و تردید نباید داشت که روش علمی متخذ و مختار مینوی در تحصیح متون مایه آموزش دیگران نیز قرار خواهد گرفت...

شادروان دکتر عباس زریاب خوئی که خود در صف اول پاسداران زبان و ادبیات فارسی قرار داشت، درباره‌ی استاد مینوی می‌نویسد:... مینوی عاشق زبان فارسی و ادب و فرهنگ ایران بود و این عشق با آب و گل او آمیخته بود. دوستی‌ها و دشمنی‌های با اشخاص بر سر همین معشوق بود و من به یاد ندارم که مینوی با کسی بر سر اسباب دنیوی نزاعی داشته باشد. هدف حملات او کسانی بودند که بزعم او با نداشتن صلاحیت لغت‌سازی و اشتقاق بازی می‌کردند و یا متون قدیم را با بی‌دقتی بچاپ می‌رساندند و یا فلان کلمه را در جای خود بکار نمی‌بردند.

این امر شاید در نظر بسیاری از مردم جهان صنعتی عصر ما غریب و خنده‌آور جلوه کند اما او فارسی و ادب آن را تا حد عشق ستایش می‌کرد و کدام عاشقی است که ننگ حمله و بی‌احترامی به معشوق را تحمل کند؟ روانش شاد که عاشقی صادق و پاکباز بود و نقد عمر عزیز و جان گرامی را در راه معشوق معنوی خود نهاد.

سید محمدعلی جمال‌زاده محقق و نویسنده‌ی کهنسال چنین نوشته است:

وفات استاد مجتبی مینوی بلاـ تردید برای ما و کشور ما ضایعه‌ی بزرگی است. مردی بود از خاندان فضل و تقوی و به تمام معنی کلمه اهل علم و تقوی و در این رشته کاملاـ به سبک و شیوه‌ی علمی و فنی شادروان علامه محمد قزوینی عمل می‌کرد و از مؤسسین دست اول این طریقه یا باصطلاح امروز (مکتب) بشمار می‌آمد. مینوی گذشته از دانش و بینش پهناور و عمیق دارای مکارم اخلاقی چنانی هم بود، الحق سزاوار است پیشوا و سرمشق و مربی و مرشد بسیاری از جوانان دانش‌پژوه که عشق و شور و تتبع دارنـد واقع گردد. مینوی حرفی را می‌زد کـه حرف راست بود و حرف راست را بی‌پیرایه و دلیرانه بر زبان و قلم جاری می‌ساخت و تا جائی کـه بر راقم این سطور معلوم است هیچگاه دیده نشد که در راه علم و حقیقت‌گوئی مداهنه و مجامله و خوش‌آمد گوئی و ملاحظه‌کاری را جایز شمارد، چنانکه گاهی بنظر می‌رسید که در رنجانیدن جمع تعمدی دارد، اما می‌دانیم که بلااختیار همواره درصدد بود به ما بنماید که از گفتن حقیقت تلخ هم نباید رو تابید و آنچه به گفتن می‌ارزد همانا حقاق تلخ است. مجتبی مینوی وجود ذیجود و پرفیض و برکتی بود و بیم آن می‌رود که ما دیگر به این آسانی‌ها نظیر و عدیل او را بدست نیاوریم. اما در دیار ما باب فیض هیچگاه مسدود نبوده است و باید امیدوار بود که از برکت نفس گرم و دم مسیحا اثر استاد مینوی و در اثر زندگی و کار و کوشش و عمل مستدامی که نیم قرن تمام ادامه بلاانقطاع داشت و امروز می‌توان آنرا به «رسالت» تعبیر نمود در میان جوانان، پیروان با ایمان و حواریون با اعتقاد راسخ و استواری پیدا کند که راضی نشوند مشعلی که او روشن ساخته است به آسانی خاموشی پذیرد و با ایقان هرچه تمامتر مطمئن باشند که ترقی و پیشرفت اگر با روح و معرفت توأم نباشد ارزش واقعی نخواهد داشت.

سید حسن تقی‌زاده در مقام سفارت کبرای ایران در انگلستان، مرحوم مجتبی مینوی را به وزارت فرهنگ چنین معرفی می‌کند:

وزارت فرهنگ، البته اطلاع دارید که آقای مجتبی مینوی از فضلاء معروف مدتی است در لندن است... مشارالیه که مسلما یکی از اشخاص فاضل و ادیب درجه اول ایران است و از حیث عمق معلومات اسلامی و احاطه بر تاریخ اسلام و ایران دوره اسلامی و زبان فارسی و عربی و ادبیات آنها، و مخصوصا آشنائی خیلی وسیع و کامل به تحقیقات علمای مغرب در این رشته‌ها و طریقه انتقادی اروپائی و تبحر کامل در کتب اسلامی از عربی و فارسی و وقوف از کتب شرقی و غربی در این رشته مخصوصا آشنائی به کتابخانه‌های بزرگ اروپا شاید بدون ادنی مبالغه پنج نفر نظیر در بین فضلای ایران ندارد و فعلاـ تقریبا بیکار است و عایدی صحیحی برای معیشت ندارد. قبل از جنگ فرنگستان مشارالیه بواسطه‌ی بعضی ناملایمات به فرنگستان آمد و با زحمت شخصی خود از کمک به کارهای علمی به بعضی فرنگیها به عسرت زیاد و ضیق معیشت زندگی کرده و به زحمت سد رمق می‌توانست بکند. در موقع جنگ بکلی تنگدست شد و ناچار در اداره رادیوی انگلیس خدمتی برای نشر اخبار فارسی قبول نمود.

جای کمال تأسف است که چنین شخصی که منبع فیض و منشأ خدمت مفید به معارف ایران تواند شد بی‌استفاده (یا باصطلاح عربی غیرمستفادبه) بماند و مجبور شود به کارهائی که مطابق ذوق و طبع او نیست و فایده‌ای هم برای ملتش ندارد مشغول شود. اگر از فضل و علم او قدردانی شده بود حتی در زمان جنگ هم به کار تبلیغات نمی‌پرداخت و راضی‌تر بود که نصف عایدی آن شغل از ممر دیگر خدمت به علم به او برسد و از آن کار کناره گیرد.

تصور کردم که حالات معارف ایران نهضتی دارد و ارباب ذوق و شوق برای معارف ملی و تاریخی و زبان و ادبیات خودمان در تزاید است مخصوصا وزیر معارف فعلی خودشان از اهل این رشته از معرفت و از فضلای مملکت ما هستند، روا نیست که توجهی

به آقای مینوی نشود و تـذکر را مجاز شـمردم و یقین دارم وقتی خاطر شـریف جناب آقای وزیر متوجه این مطلب بشود بـذل عنایتی که در خور آنست فرموده، دستور اقدامی برای استفاده از کمالات این شخص مغتنم خواهند داد و در ضمن کمکی به معیشت آقای مینوی خواهنـد فرمود که بسیار حیف است که چنین مرد فاضلـی که باید تمام اوقات وی صـرف تألیف و نشـر و تصـحیح و تلیق بر کتب نفیسه تـاریخی بشود، مجبور گردد به کارهای غیرمتناسب، محض سـد رمق، مشـغول گردد و شب چو عقـد نماز بنـدد در فکر خوراک بامـداد فرزند باشد. بدیهی است که مقصود اینجانب فقط کمک مالی تبرعی مانند وظیفه مسـتمری نیست که نه برای خزانه دولت منـاسب است و نه بالطبع خود مینوی چنین چیزی را البته قبول نخواهـد کرد. بلکه منظور آنست که از این همه کارهای علمی و ادبی و معـارفی که در حیطه فعالیت وزارت فرهنگ است و شایـد به صـد نوع از آنها وجوهی صـرف می‌شود، چیزی هم به ایشان محول و خدمتی رجوع شود که در اینجا انجام بدهند و به تناسب خدمات انجام شده حقوقی مقرر فرمائید که به او برسد. مثلا تصور می‌کنـم اگر عکس گرفتن از نسـخه‌های قـدیم فارسـی و عربی و مراقبت به تصـحیح و طبع آنهـا، و جمع اسـناد تـاریخی و تـدوین رساله‌هائی راجع به کتابخانه‌های فرنگسـتان و قسـمت شـرقی آنها و همچنین کتب و مقالات علمای مستشرق اروپا و شاید مخصوصا تهیه مجموعه‌ی خیلی کـاملی از فهرست کتبی شـرقی که در اروپا موجود است و کتبی که فرنگیها در باب ایران نوشـته‌اند، همچنین خریـد و تهیه کتب مفیـده در این رشـته‌ها برای کتابخانه‌های دولتی و ملی ایران و کتابخانه مجلس و غیره شاید نوشـته مقالات علمی در مجلات علمی ایران ماننـد مجله آموزش و پرورش و نیز راهنمائی به محصـلین ایرانی که برای تکمیل موقت در رشـته‌های زبان و تاریـخ شـرقی به فرنگسـتان می‌آینـد و سـعی منظم در ارسال کلیه اخبار علمی جدید و کتب و مقالات منتشره در اروپا و آمریکا در باب ایران و اسـلام به وزارت فرهنگ و نظیر اینها به او رجوع شود، مناسب است و اگر خواسـته شود ممکن است تألیف یا ترجمه‌ی بعضـی از کتب مخصوصـا به ایشـان رجوع شود و هکـذا. و نیز مشـارالیه می‌توانـد اگر صـلاح بداننـد راپورتهـای جـامع و عمیقی از معارف این سامان و ترتیب مدارس و مخصوصا دارالفنون‌ها مانند آکسفورد، کمبریج و پروگرام آنها و غیره به وزارت متبوعه منظما ارسـال دارنـد. اینها که ذکر شـد و کارهای بسیاری نظیر آنها از عهـده آقای مینوی ساخته است و بنظر اینجانب بهترین خـدمتی که می‌توان به ایشان رجوع کرد، بکار انـداختن مایه خود اوست در رشته علوم اسـلامی یعنی تاریـخ و ادبیات و زبان فارسـی و عربی و کتب قدیمه شرقی که رشته‌ی اختصاصی خود اوست و باصطلاح جدید وی متخصص در این رشته است...

سفیرکبیر- سیدحسن تقی‌زاده

(۱۳۵۵ -۱۲۸۲ ش)، نویسنده، مترجم، محقق و استاد دانشگاه. در تهران به دنیا آمد و همراه پدر به سامرا رفت. تحصیلات ابتدایی را در سامرا و تهران و تحصـیلات عالی را در دارالفنون و دارالمعلمین مرکزی تهران و کالـج سـلطنتی و مـدرسه‌ی مطالعات آسـیایی و آفریقایی لندن گذراند. در حدود ۱۳۰۵ ش در مجلس شورای ملی سـمت تندنویسی داشت و پس از آن به ریاست کتابخانه‌ی ملی رسـید. او ابتـدا بـه پـاریس و سپس همراه سـید حسـن تقی‌زاده به لنـدن رفت و در ۱۳۰۹ ش سـرپرست محصـلین آنجا شـد. پس از بازگشت به ایران در تهران با صادق هدایت، بزرگ علوی، عبدالحسین نوشـین، مسـعود فرزاد و مین باشـیان آشنا شد و اسم ربعه را برای گروه خود برگزیدنـد. مینوی پس از مدتی به انگلسـتان رفت و به کار تألیف و تدریس و تعلیم پرداخت. او مدت ده سال برای بنگـاه سـخن پراکنی انگلستان (بی بی سـی) گفتـار فرهنگی تهیـه می‌کرد. پس از بـازگشت به ایران در دانشگاه ادبیـات و الهیـات تـدریس می‌کرد. او بر اثر پافشـاری برای عکس‌برداری از کتابهـای کتابخانه‌هـای ترکیـه بـه عنـوان رایزن فرهنگی ایران در ترکیه منصوب شـد. او بیشـتر عمر خود را به تحقیق در متون قـدیم ادبی و تـاریخی زبـان فارسـی گذرانـد و در اواخر عمر سـرپرستی بنیاد شاهنامه، که وزرات فرهنگ و هنر برای نشر درست‌ترین متن «شاهنامه» تأسیس کرده بود، را به عهده داشت. از استاد مینوی نزدیک به چهل کتاب از تألیف و ترجمه و تصـحیح و حـدود یکصد و شـصت مقاله‌ی ادبی و انتقادی در مجلات ایرانی و خارجی به قلم او منتشـر شـده است. او همچنین در تهیه‌ی «فهرستی از نسـخه‌های فارسـی و مینیاتورهـای ایرانی» کتابخانه‌ی چستربیتی ایرلنـد همکاری داشـته است. از آثـار وی: «پانزده گفتار»، درباره‌ی چنـد تن از رجال ادب اروپا از اومیروس تا برناردشاو؛ «شیر و خورشـید»، «اطلال شهر پـارسه تخت جمشـید»، ترجمـه؛ «داسـتان هزار دسـتان»، ترجمه؛ «شاهنشـاهی ساسانیـان»، ترجمه؛ «کشـف دو لـوح تـاریخی در همدان»، ترجمه؛ تصحیح و توضیح «ترجمه‌ی کلیله و دمنه» نصراللّه منشی؛ تصحیح «راحهٔ الصدور و آیهٔ السرور»، در تاریخ سلجوقیه ایران و عثمانی، نجم‌الدین ابوبکر محمد بن علی راوندی؛ تصحیح «داستان ویس و رامین» فخرالدین اسعد گرگانی؛ تصحیح دو سوم «سیاست نـامه»، تصـحیح «عیـون الحکمـهٔ» ابن‌سـینا؛ تصـحیح «السـعادهٔ و الاسـعاد» ابـوالحسن العـامری؛ تصـحیح و تعلیقـات «سـیرت جلال‌الدین منکبرنی» شـهاب‌الدین محمد خرندزی؛ تصحیح و توضیح «دیوان» ناصر خسرو، با همکاری دکتر مهدی محقق؛ تصحیح «نوروزنامه» خیام؛ مقدمه‌هایی بر کتب مختلف از جمله کتاب «مازیار» صادق هدایت و «تفسیر قرآن پاک».[۱]

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات نوین (۱۳۲، ۸۸، ۷۷)، از نیما تا روزگار ما (۲۲۰ -۱۷۹)، شخصیتهای نامی (۴۶۶)، دایرهٔالمعارف فارسی (۲۹۷۴/ ۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۵۸، ۳۳۷۷، ۳۳۶۶، ۳۲۳۳، ۳۰۲۹، ۲۸۵۴، ۲۶۷۶، ۲۶۳۸، ۲۲۹۴، ۲۱۸۹، ۲۰۸۷، ۲۰۵۸، ۱۷۹۷، ۱۶۹۴، ۱۶۱۲/ ۲، ۱۳۴۰، ۹۳۲، ۸۹۵، ۸۷۵، ۵۷۵، ۵۸۶، ۳۰۲، ۲۷۷، ۲۴۴، ۳۴/ ۱)، لغت نامه (ذیل/ مینوی)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۲ -۱۷۹/ ۵).

میهنی، مجدالدین، محیی‌الدین، ابوالفتح اسعد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۲۷/ ۵۲۳ ق)، فقیه شـافعی و مـدرس. شـیخ شافعیه در عصـر خود و در فقه و خلاف متقـدم و متبحر بود. نسـبتش به میهنه، از

قرای خاوران مابین سرخس و ابیورد می‌رسد، اما ذهبی میهنه را قریه‌ای نزدیک طوس می‌داند. در مرو فقه آموخت و از ابوالمظفر سمعانی و موفق هروی فقه و از ابوعبداللّه فراوی اصول را فراگرفت. سپس به غزنه رفت و در آنجا شهرت یافت و بزرگان بسیاری در محضرش تلمذ کردند تا جایی که ابواسحاق غزی شاعر او را مدح نمود. وی سپس از آنجا به بغداد رفت و چندین سال در مدرسه نظامیه‌ی بغداد تدریس کرد. اما به گفته‌ی ذهبی او پس از شش سال تدریس عزل و چهار سال بعد دو مرتبه عهده‌دار تدریس نظامیه‌ی بغداد شد و شاگردانی تربیت نمود. او در سفر آخر خویش که به صورت پیکی از جانب سلطان محمود سلجوقی به سوی سلطان سنجر به مرو می‌رفت، در همدان درگذشت. ابوسعد سمعانی او را ستوده است. سبکی در «طبقات الشافعیه» او را اسعد بن محمد بن ابی‌نصر خوانده است. از آثارش: «التعلیقة»، در اختلاف آرای فقهی علما؛ «الطریقة فی الخلاف و الجدل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرة الحفاظ (۱۲۸۸/ ۴)، روضات الجنات (۸/ ۲)، ریحانه (۸۴ -۸۳/ ۶)، سیر النبلاء (۶۳۴ -۶۳۳/ ۱۹)، شذرات الذهب (۸۰/ ۴)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۲۳۰ -۲۲۹/ ۲)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۴۳ -۴۲/ ۷)، العبر (۴۳۰/ ۲)، الکامل (۳۳۰/ ۸)، کشف الظنون (۱۱۱۳)، معجم المؤلفین (۲۵۰/ ۲)، المنتظم (۲۳۵/ ۱۰)، النجوم الزاهرة (۲۴۵/ ۵)، وفیات الاعیان (۲۰۸ -۲۰۷/ ۱)، هدیة العارفین (۲۰۴/ ۱).

مئنای پارسی

قرن:۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم م)، فیلسوف، نویسنده و شاعر. در شیراز به دنیا آمد. در مدرسه رها در شمال غربی الجزیره به تحصیل پرداخت، که این مدرسه به علت اینکه بیشتر ایرانیان و به ویژه نسطوریان در آن تحصیل می‌کردند به دبستان ایرانیان شهرت یافته بود. در اواخر قرن پنجم میلادی که این مدرسه بسته شد شاگردان ایرانی آن، از جمله مئنای پارسی، به ایران بازگشتند. آنان پس از بازگشت به میهن چندین مدرسه تأسیس نمودند و در این مدارس همان روش دبستان ایرانیان (که به آثار ارسطو اهمیت بسیار می‌داد)، را دنبال می‌کردند. به همین علت کتاب‌های زیادی به سریانی تألیف شد و عده‌ای از کتب فلسفی و منطقی را هم به پهلوی ترجمه نمودند. مدرسه ریواردشیر یا بیت اردشیر در ناحیه‌ی ارجان یکی از این مدارس بود که مئنا ریاست آن را بر عهده داشت. مئنای پارسی، طبق همان روش، ترجمه‌هایی از سریانی به پهلوی داشته و اشعاری نیز برای اجرای مراسم دینی سروده است. تألیفات او در کشورهای دور دست، حتی هندوستان رواج داشت. به دلیل توجه صاحب عنوان به فلسفه ارسطو، همچون دیگر نسطوریان، و تعلیم علوم یونانی در حوزه‌ی دینی ریواردشیر این مکان دارای اهمیتی خاص شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی (۲۱ -۲۰، ۱۹)، تمدن ساسانی (۱۰۸/ ۱).

نابغه جعدی

قرن:۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابولیلی قیس بن عبدالله صحابی، از شعرای معروف عرب است که دوره‌ی جاهلیت و اسلام را درک نموده، و در مدح حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اشعاری سروده، و پیغمبر درباره‌ی او دعا فرموده است. سنش را حدود ۱۸۹ سال بلکه بیشتر می‌نویسند. در سال ۶۹ هجری در اصفهان وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ناتل خانلری، پرویز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۹ -۱۲۹۲ ش)، شاعر، روزنامه‌نگار، نویسنده، زبانشناس و محقق. در تهران متولد شد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه، به دانشکده‌ی ادبیات راه یافت و موفق به دریافت لیسانس ادبیات فارسی شد و در ضمن تدریس، در مدارس تهران، به ادامه‌ی تحصیل پرداخت. وی با نگارش رساله‌ی «تحقیق در عروض فارسی»، موفق به دریافت درجه‌ی دکتری شد و پس از آن سمتهای مختلفی چون: کارمند اداره‌ی آموزش وزارت فرهنگ، ریاست انتشارات و روابط عمومی داتنشگاه دانشیاری زبان فارسی را بر عهده گرفت. در سال ۱۳۲۷ ش برای تکمیل تحصیلات خود به اروپا رفت و دوره‌ی انستیتو دوفونتیک زبان‌شناسی پاریس را گذراند و دو سال بعد به ایران بازگشت و با سمت استادی به تدریس تاریخ زبان فارسی مشغول شد. وی از دوران تحصیل در دبیرستان، همکاری خود را با نشریه‌ی «مهر» شروع کرد و از سال ۱۳۲۲ ش خود به انتشار مجله‌ی «سخن» پرداخت. از دیگر اقدامات او طرح سپاه دانش، تاسیس بنیاد و فرهنگ، و تاسیس یازده موسسه‌ی مختلف فرهنگی از قبیل: فرهنگستان ادب و هنر، فرهنگستان زبان، بنیاد شاهنامه، انجمن فلسفه و حکمت، استاد فرهنگی آسیا، که پس از پیروزی انقلاب همه‌ی این موسسات درهم ادغام، و به

نـام موسـسه‌ی مطالعـات و تحقیقـات فرهنگی درآمـد. دکتر خـانلری، شاعری توانا بود و انواع شـعر را با مهارت و زیبایی می‌سرود. معروفترین شـعر بلنـدی که سبب شـهرت او شـد، منظومه‌ی «عقـاب» است. دکتر خانلری در بیمارسـتان آبان تهران درگـذشت و در بهشت زهرا دفن شـد. از آثار وی: ۱- تالیفات: «تاریخ زبان فارسـی»، در سه مجلد؛ «وزن شـعر فارسی»؛ «زبان شناسی»؛ «دستور زبان فارسـی»؛ «شهر سمک»؛ ۲- تصـحیح: «دیوان حافظ»؛ «سـمک عیار»؛ «داسـتانهای بیـد پای»؛ ۳- ترجمـه: «شاهکارهـای هنر ایرانی»؛ «تریستان و ایزوت»؛ ۴- شعر: «ماه در مرداب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منـابع زنـدگینامه :از بهـار تا شـهریار (۴۶۹ -۴۶۲)، چـون سـبوی تشـنه (۱۰۳ -۱۰۲)، سـخنوران نـامی معاصـر (۱۲۶۲ -۱۲۵۴ /۲)، شخصیتهای نامی (۱۷۵ -۱۷۴)، صدف (۲۶۰ -۲۴۷)، فرهنگ سخنوران (۲۹۹)، مولفین کتب چاپی (۱۷۰ -۱۶۷ /۲).

ناتوان

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

۱۳۱۵ -۱۲۵۲ ق خورشید خانم از زنـان شـاعر. وی دختر مهـدیقلی خـان و نوه‌ی ابراهیم خـان جوانشیر بود و از این روی به «خان قیزی» نیز شـهرت داشت. او با یکی از بزرگان داغستان به نام کینیاز خصای خان ازدواج کرد و از او دو فرزند به دنیا آورد. سپس با مردی به نـام سـید حسـین ازدواج کرد و صاحب پنـج فرزنـد شـد. ناتوان زنی ثروتمنـد بود و نیازمنـدان را دسـتگیری می‌کرد. او در شوشی درگذشت. از اشعار اوست:

گذشت موسوم گل رفت نوبهار افسوس

بماند بلبل بیچاره خوار و زار افسوس

شکفته بود گلی در ریاض عز و شرف

ربود ناگه گلچین روزگار افسوس

گلی که رشک گل گلستان رضوان بود

به زیر خاک گرفته کنون قرار افسوس

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: سرایندگان شعر فارسی در قفقاز، ۲۰۸ -۲۰۷.

ناجی اندجانی، محمدحسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(و ف ۱۱۲۶ ق)، شـاعر، متخلص به ناجی. اصل وی از انـدجان قزوین بود. در شاه جهان آباد هنـد به دنیا آمـد و در همان جا نشو و نما یافت تا در علوم رسمی و نظم و نثر متبحر گشت. ناجی دارای خطی خوش بود و نستعلیق، نسخ و شکسته را نیکو می‌نوشت. وی در زمان اورنگ زیب (۱۱۱۹ -۱۰۶۹ ق) سـمت منشـی‌گری او را داشت. بعـد از آن به تولیت مزار خواجه قطب‌الدین بختیار کاکی مأمور شد. ناجی بعد از مدتی دوباره از دکن به شاه جهان آباد رفت. در زمان فرخ سـیر (۱۱۳۱ -۱۱۲۴ ق) به منصب هفت صدی و دیوانی گوالیار و پس از چندی به خدمت میر بحری بنگاله مأمور شد و در همان جا درگذشت. صاحب تذکره‌ی «روز روشن» محل تولـد وی را دهلی آورده و صـاحب «فرهنـگ سـخنوران» ناجی شیرازی را به ناجی انـدجانی ارجاع داده است. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منـابع زنـدگینامه :احوال و آثار خوشـنویسان (۷۰۷/ ۳)، تـذکره‌ی روز روشـن (۷۸۸ -۷۸۷)، الـذریعه (۱۱۴۶ -۱۱۴۵/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۰۵)، لغت‌نامه (ذیل/ ناجی اندجانی)، نتایج الافکار (۷۲۵ -۷۲۴).

ناجی قزوینی، باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۳ -۱۲۵۴ ق)، شـاعر، متخلص به ناجی. در لاهیجان به دنیا آمـد. پس از اتمام تحصـیلات مقـدماتی در زادگاهش و قزوین، به اصـفهان رفت و اصـول، حکمت، فقه و ریاضیـات آموخت. سپس مـدتی در خراسـان و مازنـدران و تهران به سر برد و سـرانجام به قزوین بازگشت. او علاوه بر نظم و نثر از موسیقی نیز بهره‌مند بود. برخی او را شاعر هجاگو نامیده‌اند، در صورتی که بیشتر اشعارش مشـتمل بر چکـامه و قطعه و چهـاربیتی می‌باشـد. از آثـار وی: «منتخب مطایبـات نـاجی»؛ «دیوان» شـعر، که تحت عنوان «مجموعه‌ی اشعار» در تهران به چاپ رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۱۴۶/ ۹)، المآثر والآثار (۲۱۵)، مؤلفین کتب چاپی (۸۱/ ۲)، مینودر (۵۸۳ -۵۸۲/ ۲).

ناجی لاهیجی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. معاصر نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) و شاعری صوفی مشرب بود. گویند وقتی که حاکم لاهیجان، میرزا هاشم، در مقام ابراز خشنودی از شعرش، مبلغی پول برای او فرستاد، ناجی نپذیرفت و گفت من به خاطر تکدی شعر نگفته‌ام. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۸۰)، الذریعه (۱۱۴۷/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۰۶)، لغت‌نامه (ذیل/ ناجی لاهیجی)، نامها و نامدارهای گیلان (۵۷۶).

ناجی مشهدی، قاسم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر، متخلص به ناجی. در مشهد به دنیا آمد. صاحب «کاروان هند» به نقل از «ریاض الشعراء» آورده که سی ساله بود که به هندوستان رفت، ولی به قول مؤلف «صبح گلشن» وی مدت سی سال در هندوستان به سر برد. ناجی بعد از سیر کشمیر و دهلی و شهرهای دیگر هند به شاه جهان آباد رفت و در آنجا ساکن شد. برهان‌الملک بهادر (م ۱۱۵۱ ق) برای قدردانی از او مسکن و وجه معاشی برایش تعیین کرد. وی شش یا هفت سال قبل از ۱۱۶۱ ق به لکنهو رفت و در اکبرآباد درگذشت. مؤلف «کاروان هند» نام صاحب عنوان را نامی مشهدی ذکر کرده و ناجی را تحریف آن دانسته است. از اوست:

آتشکده در سراغ ما می‌سوزد

پروانه ز رشک داغ ما می‌سوزد

شمع دل ماست روشن از مهر علی

تا صبح ابد چراغ ما می‌سوزد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۱۴۷/ ۹)، صبح گلشن (۴۸۸)، فرهنگ سخنوران (۹۰۶)، کاروان هند (۱۴۲۰ -۱۴۱۹/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ناجی مشهدی).

ناجی، محمد عسکر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از آثار وی: قطعه‌ای در یک مرقع، به قلم سه دانگ خوش، با رقم: «راقمه محمد عسکر ناجی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۸۷/ ۳).

ناخدای شیرازی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۹۵ ق)، شاعر، متخلص به ناخدا. وی از طرف دولت ایران به سمت سفارت بنگاله هند منصوب شد. در ۱۲۹۵ ق مثنوی فارسی به نام «انیس العارفین» به نظم درآورد و در آن به بسیاری از احوال فتحعلی شاه قاجار پرداخته و حکایاتی سودمند نیز آورده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۶۱/ ۲)، ریحانه (۹۱/ ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۹۶ -۳۹۵/ ۱).

ناخدای یزدی، احمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۸۳ ق)، شاعر، متخلص به ناخدا. وی از تجار یزد بود که از همان جوانی برای تجارت، بارها به دکن رفت. وی با امرا و خوانین آن ولایت مصاحبت و مجالست داشت. گویند آنچه از منافع تجارت به دست می‌آورد، بین فقرا تقسیم می‌کرد. وی در آخرین سفر خود که از حیدرآباد به ایران می‌آمد، وارد بندر سورت گردید و در آنجا قصیده‌ای در مدح غیاث‌الدین خان سرود. از بندر سورت به مکه معظمه رفت و در همان جا درگذشت. مؤلف «جامع مفیدی» نام وی را آقا احمدا و مشهور به ناوخدا می‌داند. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۳۱۳ -۳۱۱)، جامع مفیدی (۴۵۴ -۴۵۳/ ۳)، الذریعه (۱۱۴۷/ ۹)، ریحانه (۹۱/ ۶)، کاروان هند (۱۳۹۷/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ناخدای یزدی).

نادر اصفهانی، سعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی برق، دانشکده: فنی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد برق از دانشکده فنی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹، کارشناسی ارشد سیستمهای مخابراتی از دانشگاه اسکس انگلستان در سال ۱۳۵۴، دکترای مهندسی برق از دانشگاه اسکس در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

استادیار داشنکده فنی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ و دانشیار دانشکده فنی دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۸.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحلیل فیلتر به کمک کامپیوتر، تشخیص دهنده صوت، ترمیم مشخصه کانال در مخابرات دیجیتال، ترمیم کننده‌های وقفی کانالهای رادیوئی، طراحی و پیاده‌سازی یک سیستم اخترنگاری کلید همگانی، تدریس دروس فیلترهای فعال و غیر فعال، مخابرات آنالوگ، مخابرات دیجیتال، فرآیندهای تصادفی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

Tables for a class Of Data transmission Filters Desgining
Of PAM Pulses optinally tolerant to Folter Optinal data
transmission Filters Realisable Filters that MinimiseInter Symbol
Interference Simplified Design of Optimal data Transmission Filters.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

نادر تبریزی، کلبعلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، نقاش و شاعر، متخلص به نادر. اهل تبریز بود و در شیوه استاد محمدی نقش تصویر می‌ساخت. بعضی وی را اصفهانی و برخی یزدی دانسته‌اند. نادر شعر نیز می‌سرود و صاحب «دیوان» شعر بود. از آثار نقاشی او: تصویر زن و مردی، به شیوه استاد محمدی که در کمال قوی‌دستی و شیرین‌قلمی انجام یافته، با رقم و تاریخ: «در فرح‌آباد شعبان ۱۰۱۲- در محرم سنه ۱۰۰۹ مشق شد، نادر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۵۴۹ -۵۴۸/ ۲)، تذکره‌ی روز روشن (۷۸۹)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۳۲۶)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۹۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۶۸)، الذریعه (۱۱۴۷/ ۹)، صبح گلشن (۴۸۹)، فرهنگ سخنوران (۹۰۶)، لغت‌نامه (ذیل/ نادر تبریزی).

نادر مازندرانی، اسداللّٰه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، صوفی و شاعر، متخلص به نادر. اصلش از مازندران است. وی علوم مقدماتی را در زادگاه خویش فراگرفت و بعد از آن در عراق عجم و به ویژه در اصفهان به کسب فضایل پرداخت. از مشایخ و علمای معاصرش شیخ احمد احسائی (م ۱۲۴۱ ق) و میرزا ابوالقاسم شیرازی (م ۱۲۸۶ ق) بودند. از آثار وی: «عبرهٔ الناظرین و استبصار الباصرین»، در پاسخ پادری نصرانی؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔالشعراء (۱۷۸۳ -۱۷۸۲/ ۳)، الذریعه (۲۱۳/ ۱۵ ،۱۱۴۸/ ۹)، ریاض‌العارفین (۳۱۱ -۳۱۰)، شعرای مازندران و گرگان (۳۱۷ -۳۱۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۲۸۴/ ۲)، گلزار جاویدان (۱۵۸۱/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ نادر مازندرانی)، مجمع‌الفصحا (۱۰۳۵ -۱۰۳۴/ ۶)، مؤلفین کتب چاپی (۵۶۱/ ۱).

نادر میرزای

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۰۵/ ۱۳۰۳ -۱۲۴۳ ق)، نویسنده و شاعر. مکنی به ابومحمد. در استرآباد به دنیا آمد. پدرش بدیع‌الزمان میرزا (نوه‌ی فتحعلی شاه) از طرف مادر از نوادگان نادرشاه افشار بود. وی شرح «انموذج» زمخشری «تعریف» زنجانی را در تهران خواند، سپس به تبریز رفت و مرحله‌ی اساسی تحصیلات وی شروع شد. او در تبریز نزد استاد عبدالعلی دو کتاب مزبور را مجدداً خواند و پس از آن شروع به فراگیری «صمدیه» شیخ بهاءالدین عاملی و شرح «الفیه» جلال‌الدین سیوطی نمود. علم نحو و لغت را در محضر ملا مهرعلی، متخلص به فدوی، یکی از علمای تبریز، تلمذ کرد. علاوه بر این میرزا احمد مجتهد تبریزی و دو فرزند او میرزا لطفعلی امام جمعه و میرزا جعفر از دیگر فضلایی بودند که در باروری ذهن فرهنگی نادر میرزا نقش مهمی داشته‌اند. از دیگر استادان وی شمس‌العلماء میرزا یوسف دهخوارقانی است که نادر میرزا به شاگردی او افتخار کرده است. او در ۱۲۶۳ ق وارد خدمت دیوانی شد و مدت چهل سال در خدمت مظفرالدین میرزا ولیعهد، به امور مختلف مالی از قبیل وصول حقوق دیوانی و تنظیم دفاتر و نظارت خالصجات مشغول گردید. وی سرانجام در تبریز درگذشت. نادر میرزا شعر می‌سرود و در چکامه‌سرایی نیز استاد بود و از وی «دیوان» شعری باقی مانده است. او قصیده‌ای در پنجاه و دو بیت به سبک رودکی، در مدح ناصرالدین شاه و مظفرالدین میرزا، مذیل به مدح میرزا کاظم طباطبایی وکیل‌الرعایا سروده است. از دیگر آثارش: «نوادر نادری» یا «نوادرالامثال»، در امثال عرب؛ کتابی در «لغات تشریح انسان»، به نام «اللسان فی اسماء اعضاء الانسان»؛ «تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از صبا تا نیما (۱۸۲ -۱۷۲/ ۱)، تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز (مقدمه‌ی مصحح/ سی و پنج- چهل و یک)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۶۴۱ -۶۳۶/ ۲)، دانشمندان آذربایجان (۳۶۸ -۳۶۷)، الذریعه (۳۵۰ ،۳۴۵ -۳۴۴/ ۲۴ ،۳۱۰/ ۱۸)، شرح حال رجال (۲۴۶ -۲۴۵/ ۴)، المآثر والآثار (۱۹۷)، مکارم‌الآثار (۱۱۸۵ -۱۱۸۴/ ۴).

نادرالزمان مشهدی، ابوالحسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، نقاش و شاعر. جد او علی‌اصغر کاشانی است. ابوالحسن در کودکی با پدر خود به هندوستان رفت و در آنجا به لقب نادرالزمان مفتخر شد. وی در ارائه مجالس رزمی و بزمی مهارت داشت و در منظره‌سازی و تذهیب و تشعیر و آرایش جوانب تصویر قوی‌دست بود. در سرودن شعر نیز توانایی داشت و سروده‌های خود را ندرتاً در ذیل آثارش درج می‌کرد. از آثار وی: منظره‌ی به تخت نشستن جهانگیر در سال ۱۰۱۴، با رقم: «عمل کمترین خاکسران ابوالحسن جهانگیر شاهی»؛ تصویر کودکی دومین پسر شاه جهان که نشسته و بر روی دامن خود میوه‌های مختلفی ریخته است، با: «رقم بنده با اخلاص نادرالزمان؛ تصویر کالسکه‌ای که به دو گاو بسته شده و به تذهیب استادانه‌ای مزین گشته، با رقم: «راقمه ابوالحسن». بیش از ده اثر دیگر وی در «احوال و آثار نقاشان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۴۴۰/۳ ،۴۴ -۳۷/ ۱).

نادری سمرقندی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۶۶ ق)، شاعر. وی پدر فهمی سـمرقندی و شاعری خوش ذوق بود. در عهد همایون شاه (۹۶۳ -۹۳۷ ق) به هندوستان رفت و قصایـدی در مدح او به نظم درآورد و از این طریق مورد تقرب پادشاه قرار گرفت. وی در همان جا درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریـخ نظم و نثر (۵۵۰)، تحفه سـامی (۲۸۲)، الذریعه (۱۱۴۹/ ۹)، ریحانه (۹۱/ ۶)، صـبح گلشن (۴۹۰)، فرهنگ سخنوران (۹۰۷)، لغت‌نامه (ذیل/ نادری سمرقندی).

نادری کازرونی، محمد ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۰/ ۱۲۵۸ -۱۱۷۵ ق)، طبیب، عـالم، صوفی و شـاعر، متخلص به نادری. معروف به حاجی میرزا ابراهیم حکیمی. در کازرون به دنیا آمد. در جوانی برای ادامه تحصیل به شیراز رفت. حکمت طبیعی را نزد عمویش که در دوران زندیه حکیم باشی مشهوری بود، فراگرفت. وی بارها به همراه پدر خود برای تحصـیل علوم متداوله به عتبات عالیات مسافرت کرد. در ۱۲۱۸ ق همراه محمدنبی خان شیرازی، نماینده‌ی سیاسـی ایران در هندوسـتان، به آن کشور رفت و پس از چندی به ایران بازگشت. عاقبت در شـیراز متوطن شد و به خدمت میرزا ابراهیم در علوم عقلی و نقلی، فنون طب، هیئت و حساب و هندسه مهارت و در زمینه شـعر نیز طبعی خوش داشت و قصاید و غزلیات و ترجیعات بسـیاری سـرود. به آورده‌ی بعضـی از تذکره‌ها وی با رضاقلی خان هدایت معاصـر و معاشر بوده است. نادری در شـیراز درگذشت. در سال مرگ وی اختلافاتی وجود دارد. از آثارش: مثنویات: «گلسـتان خلیل»، «مشرق‌الاشراق»، «انفس و آفـاق»، «منهـج‌العشاق»، «شـایق و مشـتاق» و «چهـل صـباح». در «حدیقهٔالشـعراء» دو مثنـوی اول تحـت نامهـای «گلسـتان خیـال» و «شرق‌الاشراق» ذکر شده است. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منـابع زنـدگینامه :آثار عجم (۳۲۹ -۳۲۸)، حدیقهٔالشـعراء (۱۷۸۵ -۱۷۸۳/ ۳)، دانشـمندان و سخن‌سـرایان فارس (۶۱۰ -۶۰۷/ ۵)، الذریعه (۲۹۵/ ۱۹ ،۲۲۰/ ۱۸ ،۲۳۰/ ۱۳ ،۱۱۴۹/ ۹)، ریاض‌العـارفین (۳۲۷ -۳۲۰)، ریحـانه (۹۲/ ۶)، شـرح حـال رجال (۳/ ۶)، فارسـنامه‌ی ناصـری (۱۴۴۷/ ۲)، فرهنـگ سـخنوران (۹۰۷)، گلزار جاویـدان (۱۵۸۲/ ۳)، لغت‌نـامه (ذیـل/ نـادری کـازرونی)، مجمع‌الفصحا (۱۰۳۴ -۱۰۳۳/ ۶)، مرآت‌الفصاحه (۶۳۲ -۶۳۱)، مصطبه‌ی خراب (۱۹۳)، مکارم‌الآثار (۱۶۲۲/ ۵)، هدیهٔ‌العارفین (۴۴/ ۱).

نادری مازندرانی، سلیمان

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۷۲ ق)، شاعر. مادرش، بیگم جان خانم، دختر دوم فتحعلی شاه بود. وی مدتی حکومت اصـفهان را بر عهده داشت و بعدها معزول شد. نادری شـعر را نیکو می‌سـرود و از سبک مشتری خراسانی پیروی می‌کرد. از آثار وی: «دیوان» شـعر، مشتمل بر دو هزار بیت قصیده و غزل.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔالشعراء (۱۷۸۹ -۱۷۸۵/ ۳)، شعرای مازندران و گرگان (۳۱۸ -۳۱۷).

نادری مروزی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. اهل مرو و با امیر علیشیر نوایی (م ۹۰۶ ق) معاصر و معاشر بود. در سرودن شعر طبعی خوش داشت. از آثار وی: «دیوان» شعر. از اوست:

به سنگ نرم کن ای چرخ، استخوان مرا
مباد رخنه کند تیغ دلستان مرا

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۱۴۹/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۰۷)، لغت‌نامه (ذیل/ نادری مروزی)، مجالس النفائس (۲۵۱ ،۷۶).

نادری مشهدی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اهل مشهد بود. در ۱۰۰۰ ق، در زمان اکبرشاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به هند رفت. وی در سرودن شعر دارای طبعی خوش بود. صاحب «کاروان هند» به نقل از «عرفات العاشقین» آورده که برخی او را گنابادی دانسته‌اند. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

بهشتی صورتی داری که گر رضوان گلی دارد

برای زینت آن گوشه‌ی دستار می‌آرد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۱۴۹/ ۹)، ریحانه (۹۱/ ۶) صبح گلشن (۴۹۱)، فرهنگ سخنوران (۹۰۷)، کاروان هند (۱۳۹۸/ ۲)، هفت اقلیم (۲۲۲ -۲۲۱/ ۲).

نادری، عزت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۴، مرتبه علمی: استاد، رشته: روانشناسی تربیتی، دانشکده: علوم تربیتی، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مشاوره و راهنمایی از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۵۰، کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی از دانشگاه کالیفرنیای جنوبی در سال ۱۳۵۲، کارشناسی ارشد مدیریت دولتی از دانشگاه کالیفرنیای جنوبی در سال ۱۳۵۴، دکترای تخصصی روان‌شناسی تربیتی و آموزش عالی از دانشگاه کالیفرنیای جنوبی در سال ۱۳۵۶، جواز تدریس در دانشگاه برد کالیفرنیای آمریکا در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تربیت معلم از سال ۱۳۵۶ تا سال ۱۳۶۴، دانشیار دانشگاه تربیت معلم از سال ۱۳۶۴ ارتقاء به درجه استادی دانشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی مدیریت آموزشی در ایران از دیدگاه مدیران کل آب استانها، مطالعه و مقایسه نگرش دو گروه اجتماعی از دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی در مورد برنامه‌های تلویزیون، بررسی صفات شخصیتی ورزشکاران استقامتی در گروههای سنی مختلف، بررسی چگونگی ارتباط میان توان ذهنی دانش‌آموزان کلاس اول ابتدایی و مفاهیم اسامی کتاب ریاضی سال اول، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

روشهای تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی، دانش‌آموزان استثنایی، اختلالات یادگیری، اختلالات یادگیری، احساس و ادراک از دیدگاه روانشناسی، راهنمایی عملی فراهم‌سازی طرح تحقیق، سنجش و اندازه‌گیری در روانشناسی و علوم تربیتی و بنیادهای تحلیلی آزمونها و امتحانات، آمار استنباطی اختلالات رفتاری کودکان.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

نظریه‌های مختلف درباره نارسائیهای ویژه یادگیری، معلمی چیست و چگونه باید شغل معلمی مسیر کمال را طی کند؟- آموزش و پرورش چیست و چه باید باشد؟- ملاحظاتی درباره روش تحلیلی عوامل در علوم انسانی، عملکرد کودکان ایرانی در آزمون آدمک، مقایسه شیوه‌های ارزشیابی با استفاده از ملاک نسبی و ملاک مطلق، و بیش از ده مقاله دیگر.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نادری، فیروز

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فیروز نادری در ۲۶ اسفند سال ۱۳۲۴ در شیراز به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در ایران به اتمام رساند و پس از آن به آمریکا مهاجرت کرد و تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته مهندسی برق پی گرفت. وی دوره کارشناسی خود را در دانشگاه ایالتی آیووا و کارشناسی ارشد و دکترای خود را در دانشگاه جنوبی کالیفرنیا به اتمام رساند.

نادری از سال ۱۹۹۶ مـدیر برنامه منشاء حیات ناسا بود. وی در سال ۱۹۷۶ به JPL پیوست و به عنوان مدیر آزمایشات پروازی علوم فضا و مدیر طرح تفرق‌سنج (Scatterometer) ناسا به کار پرداخت. علاوه بر اینها وی در مرکز مدیریت ناسا، سرپرستی برنامه فنـاوری ارتباطات پیشـرفته ماهواره‌ای را بر عهـده داشت و در JPL نیز مـدیر برنـامه ماهواره‌هـای متحرک بود. وی از سال ۲۰۰۰ نیز مـدیریت برنامه تازه تأسیس برنامه مریـخ را بر عهده گرفت. وظیفه مرکز برنامه مریخ آن است که تمام تحقیقات مربوط به مریخ را هدایت و برنامه ریزی کند. وی، در فروردین ماه ۱۳۷۹ به سمت مدیر پروژه‌های اکتشاف مریخ منصوب شد و هم اکنون مدیر ارشد برنامه‌ریزی راهبردی JPL آژانس فضـایی آمریکـا (ناسا) است. وی هم اکنون به سـمت مـدیر پژوهش‌های کل منظومه خورشـیدی منصوب گشته‌است.

بازهم نام ایران و ایرانیان در میان است .در جایی که بشر در علاج یافتن چاره ای برای شکسـتن دردهاست و موانع و مشـکلاتی که او را به پیشـرفت در علم و علوم ، رهنمون شود.بازهم سـخن فخر و غروری است ملی .هرچند که در تلاطم امواج سیاست و سیاست زدگی رسانه ها گم شود.هر چند که از فرط گرفتاری های روزمره و تکراری حوصله شنیدن و خواندنش را نداشته باشیم.

سخن از فیروز نادری است که چون فیروزه ای در آسـمان علم جهان مـدرن امروزی می درخشد و تلالو درخشـش را ما نمی توانیم ببینیم.چه برای مـا مهم تر و محترم تر از علم ، فرهنگ و تمـدن ، چنـد قـدمی است که پیش پای مان می بینیم و قـدرمان را دیگران بیشتر می دانند و قدرتمان را غریبه ها باورتر دارند.

اجازه بدهیـد به پنـج سال پیش برگردیم. به سال ۲۰۰۰ میلادی و درمانـدگی تمام دانشـمندان ناسا و پروژه عظیم مریـخ.دکتر چارلز آلاچی را همه می شناسند.دانشمند بزرگ نجوم و مدیر آزمایشگاه پیشرانش جت.

مرد شـماره دو ناسا درباره نادری و پنـج سال پیش می گویـد ":نادری پنـج سال پیش در شـرایطی هـدایت برنامه مریـخ را بر عهـده گرفت که این برنـامه بـا مشـکلات اساسـی روبرو شـده بـود و همه مـا از خودمـان می پرسـیدیم علاـج این همه مشـکل کجـاست و چیست؟که یک دفعه نگاهمان متوجه فیروز نادری شد.او چشم اندازهای موفقی را در مقابل این مشـکلات مطرح کرد و پاسخ های دقیق و راه گشایی را فرا روی این برنامه قرار داد و اینکه ما زمینه وسیعتری برای بهره گیری از توانمنـدی های فیروز که پیش از این در طراحی راهبردی برنامه مریخ نشان داده شده فراهم می کنیم".

و حالاـ مزد نبوغ ایران را فیروز نـادری از هفـدهم اسـفند دریـافت خواهـد کرد.او که بـا ارائه طرح هـای راهبردی اش از سال ۲۰۰۰ میلادی مدیریت ماموریت های مریخ را با موفقیت بر عهده داشـته ،در سـمت جدید به یکی از کلیدی ترین پست های ناسا منصوب می شـود و قرار است به عنوان معـاون آزمایشـگاه پیشـرانش تجـارب خود را در راه مطـالعه سـایر بخش هـای جهـان ، از زمین تا کهکشان دور به کار ببندد.

دکـتر چـارلز آلاـچی در مـورد ایـن انتصـاب می گویـد: فیروز در سـمت جدیـد به تقـویت جایگـاه آزمایشـگاه پیشـرانش جت ، در هماهنگی با سایر بخش های ناسا و پیشبرد چشم انـداز جدیـد فضایی ناسا خواهـد پرداخت.جالب اینجاست که دکتر فیوک کی لی معاون دکتر نادری در برنامه اکتشافی مریخ به عنوان مدیر جدید این برنامه معرفی شده است .

و این همه در حالی اتفاق می افتـد که در بهمن ماه گذشـته فیروز نادری موفق به دریافت عالی ترین نشان سازمان فضایی ناسا شـده است و این نشـان یـا مـدال را که مـدال خـدمات برجسـته ناسـا می نامنـدش نـادری به دلیـل ایفـای نقش برجسـته در پیشبرد علوم و اکتشافـات فضـایی دریافت کرده است .نشانی که کمتر به غیر خودی های علم فضا تعلق می گیرد و غربی ها خساست فراوانی برای خرج آن قائلند.

فیروز نادری ، شیرازی است و همشهری شعرای معروف و مشهوری که ذوق و هنر ایرانی بودن را به عالم معرفی کرده اند و اگر این دو نامشـان به واسـطه روح لطیف و طبع ظریف ایرانی خود بر قله رفیع علم پرچم ایران را برافراشته و این جملات بیش از آنکه غلو احساس باشد .قدردانی و قدرشناسی از فیروز نادری است .

خودش درباره مسیر زندگی اش می گوید": من در سال ۱۳۲۵ در شیراز به دنیا آمدم و تحصیلات ابتدایی خود را در شیراز و دوره متوسـطه را در دبیرستان اندیشه تهران به اتمام رساندم. سپس در سال ۱۹۶۴ به آمریکا آمدم و سپس در سال ۱۹۶۴ به آمریکا آمدم و پس از تحصـیلات کارشناسـی و کارشناسـی ارشـد در رشـته مهندسـی برق ،در سـال ۱۹۷۶ تحصـیلات دکـترای خود را در رشـته مهندسی الکترونیک به پایان رساندم".

فیروز نادری پس از اتمام تحصیلات خود در سال ۱۹۷۶ به وطن باز می گردد و فعالیت خود را در مرکز سـنجش از دور ایران " در تهران آغـاز می کنـد و پس از سه سـال فعـالیت در ایران به دلیـل نبود امکانات مورد نیازش برای بسط تحقیقات و پژوهش هایش و شرایط نامطمئن ناشـی از بحرانهای سیاسـی ، کشور را به مقصـد آمریکا ترک می کنـد و در سال ۱۹۷۹، یعنی حدود ۲۶ سال پیش فعالیت خود را در ناسا آغاز می کند.

او در این مـدت مشاغل فنی و مـدیریتی متعددی را در زمینه ماهواره های مخابراتی متحرک ، رادارهای سـنجش از دور اقیانوسـی ، رصد خانه های تحقیقاتی اختر فیزیک و اکتشاف مریخ و سایر اجرام منظومه شمسی بر عهده داشت .

نادری علاوه بر اینکه مـدیریت طرح سـرمنشاء را برای جسـتجوی سـیارات فراخورشـیدی بر عهده داشت ، مدیریت آزمونهای علمی پروازهای فضایی را که وظیفه اصلی اش رصد و بررسی بادهای زمین از جو بود را نیز بر عهده داشت.

مدیر ماموریت مریخی ناسا درباره دوره کاری خودش در ناسا می گوید:من قبل از اینکه مدیر برنامه origin یا همان منشاءها را بر عهده داشتم که هدف آن مطالعه نحوه پیدایش و تکامل تدریجی عالم و جست و جوی حیات در سراسر جهان است. از آنجا که ما فناوری سـفر به ماورای منظومه شمسی را نداریم ، جست و جوی حیات در سراسر جهان است .از آنجا که ما فناوری سفر به ماورای منظومه شمسـی را نداریم ، جست و جوی حیات در بیرون منظومه شمسی از طریق تکنیک های سنجش از دور به وسیله تلسکوپها و اسپکترومترها یا همان طیف سنج های فضایی فوق العاده قوی انجام می شود.

او می گویـد " :مرحله اول این تحقیقـات ، یـافتن سـیارات دیگر در سایر منظومه های خورشـیدی است.در این راسـتا ، تا اواسط دهه ۱۹۹۰ حدود ۱۵۰ سـیاره دیگر در بیرون منظومه شمسـی ما ردیابی شـده است و ما در حال حاضـر روی تلسـکوپ و اینترفرومترها و تداخل سنج های قویتر کار می کنیم که می توانند این سیارات را به تصویر بکشند و اتمسفر آنها را آزمایش کنند.

او و همکـارانش امیدوارنـد تـا بـا اسـتفاده از نشـانه هـا ی شـیمیایی موجـود در اتمسـفر آن سـیارات به فعـالیت بیولـوژیکی آنهـا پی ببرنـد.نادری در این باره می گویـد " :البته پاسـخ به این سوالات لااقل ۲۰ سـال دیگر طول می کشـد و من اعتقاد دارم که حیات به کره زمین محدود نمی شود".

دربـاره احتمـال وجود حیـات در بیرون منظومه شمسـی و داخل آن نادری می گویـد: همانطور که گفتم به وجود حیات در خرج از منظومه شمسـی بنـده خیلی اعتقاد دارم و مطمئن هسـتم که حیات به کره زمین محدود نمی شود .در خصوص حیات و وجود آن در داخـل منظومه شمسـی هم محتمل ترین محل ها برای وجود حیات ، مریـخ و یکی از اقمار مشتری موسوم به اروپا است .بطور کلی ، جایی که بتوانیـد آب مایع پیـدا کنیـد ، احتمال پیـدا کردن حیات بیشتر می شود.به همین دلیل است که اکتشاف اخیر ما در مریخ بر یافتن نشانه هایی از وجود آب در زمان حال یا دوره های باستانی متمرکز شده است.

به همین منظور مـا در جست و جوی مواد معـدنی هستیم که تنها در صورت وجود آب ، تشـکیل می شونـد.این واضـح است که در داخل منظومه شمسی نمی توان نمونه کاملا تکامل یافته ای از حیات آنطور که در زمین وجود دارد را پیدا کنیم و اگر حیاتی وجود داشـته باشد به شکل چند سلولی یا multicells است . مـدیریت نـادری در ماموریت های مریـخ در حالی با موفقیت فراوان و غیر قابل تصور روبرو بوده است که ناسا و شوروی سابق از ۴۰ سال پیش می خواستند به مریخ بروند. اما بیش از دو سوم ماموریت ها به دلیل دشواریهای بسیار زیاد آن با شکست مواجه شده بود و در سال ۲۰۰۱ او و تیم تحت مدیریتش موفق شدند" مدار گرد " اودیسه را بـه مـدار مریـخ بفرسـتند و مریـخ نـورد spirit (روح) را در سـطح مریـخ فرود بیاورنـد و مریـخ نـورد دو قلوی آن بـه نـام opportunity هم پنجم بهمن ماه سال قبل در مریخ بر زمین نشست و حالا زمینی ها می توانند هر دو سال یکبار به مریخ بروند و در سال ۲۰۱۵ نمونه هایی از این سیاره را به زمین بیاورنـد. فیروز نادری در این باره می گوید ":ما قصد داریم هر دو سال یکبار به مریـخ برویم و در سـال جـاری ، یک مـدار گرد، در سال ۲۰۰۷ یک مریـخ نشـین ، در سال ۲۰۰۹ یک مریـخ گرد بسـیار بزرگتر و کاراتر از مریخ نشـین های دو قلوی روح و فرصت و به دنبال آن مریخ نشـین دیگری در سال ۲۰۱۱ به اکتشاف سیاره سرخ خواهند پرداخت و تا سال ۲۰۱۵ نمونه هایی را از مریخ به زمین باز می گردانند".

نادری در خصوص احتمال وجود آب در کره مریـخ می گویـد:اطلاعات مـدار گرد اودیسه نشان می دهـد که مقـدار زیادی آب به صورت یخ های سـطحی (کم آب) در زیر سـطح مریخ در عرضـهای جغرافیایی بالای آن وجود دارد.ما در سال ۲۰۰۷ مریخ نشینی دیگر در نزدیکی قطب شـمال کره مریـخ فرود خواهیم آورد که این مساله را پیگیری کند.اگر در مریخ آب پیدا کنیم ،می توانیم به جست و جوی میکروارگانیزم ها بپردازیم.

با این همه یکی از آرزوهای انسان قدم گذاشـتن بر سیاره سرخ است و این آرزو از همان لحظه فرود او بر کره ماه در ذهن جست و جوگر و مشـتاق علمیش نقش بسته و این نقش هر روزکه می گذرد پر رنگ تر و پر رنگ تر می شود .با این حال از نظر نادری این امکـان سالهـا بطول خواهـد انجامیـد و هنوز بشـر برای رسـیدن به این آرزوی تقریبا صـد ساله از توانایی و امکانات کافی برخوردار نیست.

فیروز نادری می گوید ":من سفر انسان به مریخ را تا پیش از سال ۲۰۳۰ محتمل نمی دانم و هدف از چنین سفری البته فراهم کردن امکان کاوش در منظومه شمسی خواهد بود".

البته او معتقد است که انسان می تواند زندگی در ماه را تا سال ۲۰۱۵ برآورده سازد و این امکان به او کمک می کند تا او از همان کره ماه بتواند به جست و جو و کاوش در سایر کرات و منظومه های کهکشان بپردازد.

بله ! حقیقت دارد .فیروز نادری ، فیروزه ای نادر است در عالم علم و نجوم و تمـدن امروز بشـر.تمدنی که ما ایرانی ها هم به واسـطه امثال نادری در رشد و گسترش و پیشـرفت آن نقشـی مهم و ارزنده و قابل فخر فروشی را ایفا کرده ایم .برای جمله آخر این کلمات به ذهنم می رسد که فیروز نادری را باید به حق ارباب سـیاره سرخ نامید.آیا او آرزوی رسیدن به کرات منظومه های ماورای منظومه شمسی را برای بشر به ارمغان می آورد.

نادری، مجید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی برق، دانشکده: مهندسی برق، دانشگاه: علم و صنعت ایران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی برق از هنرسرای عالی تهران در سال ۱۳۴۹، کارشناسی ارشد کاربرد دیجیتال در کنترل و مخابرات از دانشگاه هریوت- وات اسکاتلند در سال ۱۳۵۴ و دکترای الکترونیک از دانشگاه کنت انگلستان در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه علم و صنعت ایران از سال ۱۳۵۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

Aows، سیستم جمع‌آوری اطلاعات از نیروگاه، سیستم اتوماتیک هواشناسی، سیستم اتوماتیک تخلیه و بارگیری سیلوها، طرح تولید ویفر در ایران، تدریس دروس خطوط انتقال، مدارهای منطقی، طراحی اجزاء کامپیوتر، میکرو پرسسور در دانشگاههای علم و صنعت ایران، شهید بهشتی، سیستان و بلوچستان و خواجه نصیرالدین طوسی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تکنیک پاس

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

الکترونیک، طرح سیستمهای بزرگ کامپیوتری، بررسی مختصات چند نوع مالتی میکروپرسسور و. Arbiter - Switch

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

نادری، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد نادری

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۰ در روستای «متیان شاهرود» متولد ابتدا در آنجا راهنمایی و دبیرستان را در علی آباد گرگان و دیپلم در آنجا اخذ نمودم. بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی عازم قم شده، سال ۱۳۵۹ علوم قم و تا سال ۱۳۶۸ سطح را به پایان رساندم و همزمان ۲ سال در جبهه بودم. سال ۱۳۷۲ وارد تخصصی حوزه شدم با دو تا گواهی درس خارج ، سال ۷۶ فارغ التحصیل شدم. ۷۸ - ۷۷ پایان نامه را نوشتم. سال ۱۳۸۰ دفاع کردم. سال ۸۱ - ۸۰ سطح چهار حوزه را اخذ نموده در کنار آن از سال ۱۳۷۲ مشغول تدریس در دانشگاه علوم انتظامی بوده و تالیفاتی نیز داشتم.

سال ۱۳۸۳ عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی درآمدم و یک مقاله علمی در نشریه علمی و ترویجی فصل نامه دانشگاه علوم انتظامی چاپ شد. دو تا گرایش درسی معارف، تاریخ اسلام و اخلاق را اخذ نمودم و دو مقاله ارائه نمودم. اکنون نیز حدود ۳۰ - ۲۵ اثر چاپ شده دارم. فعلاً مشغول تدوین مقاله و کتاب جدید نیز می باشم. ضمناً به عنوان استاد راهنما در موضوعات معارفی نیز می باشم. اکنون نیز مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم انتظامی می باشم

نادم جابرمی، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۲۲/ ۱۲۲۱ ق)، شاعر. از شاعران مطایبه‌گو و هجوسرا بود که بعدها توبه کرد و به مداحی ائمه اطهار (ع) پرداخت. «دیوان» شعرش در حدود هشت هزار بیت است و شامل هجو و هزل و قصیده می‌باشد که گویند این «دیوان» به دست شاعری افتاد و او تخلص آن را تغییر داد و از آن خود کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقةالشعراء (۱۷۹۱ -۱۷۸۹/ ۳)، الذریعه (۱۱۵۰/ ۹)، ریحانه (۹۲/ ۶)، فرهنگ سخنوران (۹۰۸)، لغت‌نامه (ذیل/ نادم جاجرمی)، مجمع‌الفصحا (۱۰۴۱ -۱۰۴۰/ ۶).

نادم گیلانی، عزیز شهسوار

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به نادم. نخست صدقی تخلص می‌کرد. وی در سید اشرف لاهیجان به دنیا آمد و در جوانی به قصد

سیر و سیاحت به هند رفت. در برهانپور به وسیله‌ی استاد خود، مولانا نظیری نیشابوری، به ملازمت میرزا عبدالرحیم خان، خان خانان رسید و مدتی با هم در خدمت شاه به سر بردند و نادم قصایدی در مدح شاه گفت و صله و انعام زیادی به دست آورد. زمانی که جهانگیر پادشاه (۱۰۳۷ -۱۰۱۴ ق) از مولانا نظیری خواست که به آگره بیاید، نادم نیز همراه او در ۱۰۱۹ ق به آگره رفت و ملازم شاهزاده خرم (شاه جهان) شد. تقی‌الدین اوحدی، در هند، نادم را با شماری از شعرا و ادبا از جمله: ملا شراری همدانی، میر فغفور گیلانی، تقیای معرف، تجلی کاشی ملاقات کرده است. فخرالزمانی قزوینی در ۱۰۲۰ ق نادم را در کشمیر دیده است که سی سال داشته و تعداد ابیاتی که تا آن زمان سروده بود به چهار هزار بیت می‌رسیده است. او سفرهایی به دکن، گجرات، اجمیر و بنگاله داشت. بعد از فوت مولانا نظیری (م ۱۰۲۳ -۱۰۲۰ ق) نادم مرثیه‌ای برای وی گفت. به آورده‌ی «کاروان هند» از قول میرزا محمد صادق مینا در تذکره‌ی «صبح صادق»، میرزا محمد صادق در ۱۰۳۱ ق نادم را که از بنگاله عازم ایران بوده در پتنه در منزل پدر خود دیده است و همچنین در این تذکره آمده که وی در ۱۰۴۸ ق در اصفهان بوده است. نادم در زمان شاه صفی (۱۰۵۲ -۱۰۳۸ ق) به اصفهان رفت و در آنجا درگذشت و در تختگاه هارون ولایت به خاک سپرده شد. نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) هزار بیت از اشعار وی را دیده است. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۵۷ -۸۵۵/ ۲)، تذکره‌ی روز روشن (۷۹۰ -۷۸۹)، تذکره‌ی میخانه (۸۴۰ -۸۳۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۴۱ -۲۴۰)، الذریعه (۱۱۵۰/ ۹)، سرو آزاد (۵۶)، فرهنگ سخنوران (۹۰۸)، کاروان هند (۱۴۰۵ -۱۳۹۹/ ۲)، کتاب گیلان (۶۸۵/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ نادم لاهیجی)، مآثر رحیمی (۱۲۸۸ -۱۲۶۹/ ۳)، نامها و نامدارهای گیلان (۵۷۷)، نتایج‌الافکار (۷۲۰ -۷۱۹).

نادم، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن نادم

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسن نادم پس از گذراندن دوران ابتدائی و ۲ سال از مقطع راهنمائی، در سال ۱۳۵۶ در سن ۱۴ سالگی جهت تحصیل علوم دینی به حوزه علمیه شهرستان شهرضا قدم نهادم. همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به قم عزیمت نمودم و با گذراندن دوران مقدمات، در مدرسه «آیهٔ الله گلپایگانی (ره)»، در سال ۱۳۵۹ در درسهای عمومی حوزه شرکت نمودم و از محضر اساتید بزرگواری همچون حضرات آقایان: «وجدانی فخر»، «باکوئی»، «اشتهاردی»، «محامی»، «اعتمادی»، «محقق داماد»، «پایانی» و «ستوده» دروس سطح را استفاده کردم و همزمان در دروس جنبی (رجال، درایهٔ، اعتقادات، نهج البلاغه، فلسفه و تفسیر) از اساتید بزرگواری دیگر مانند: «آیهٔ الله نوری همدانی»، «مکارم شیرازی»، «فاضل لنکرانی»، «مصباح یزدی»، «جوادی آملی»، «ممدوحی»، «فیاضی» و دیگر عزیزان بهره بردم.

در سال ۱۳۶۵ موفق به شرکت در درس خارج حضرات آقایان: «مکارم»، «فاضل»، «مومن»، «هاشمی شاهرودی»، «تبریزی» و «جوادی آملی» به مدت ۷ سال شدم و در ضمن این مدت در درس تفسیر «آیت الله جوادی» و فلسفه «آیهٔ الله انصاری شیرازی» و استاد فیاضی شرکت جستم. در سال ۱۳۷۲ وارد گروه تخصصی کلام حوزه شدم و این دوره هم به پایان رساندم.

بر حسب وظیفه از طرف نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، مسؤلیت دفتر نهاد را در دانشکده پزشکی شهرستان فسا و دفتر فرهنگ دانشگاه آزاد اسلامی همان شهر به عهده گرفتم و همزمان تدریس دروس معارف اسلامی: (منطق، تاریخ، اخلاق، فقه، مبانی اصول و ...) را داشتم. در مدت حضور در دانشگاه به تدریس در حوزه علمیه خواهران و برادران آن شهرستان در دروس: (فقه، اصول، اعتقادات، اخلاق) نیز مشغول بودم. پس از بازگشت به حوزه علمیه و تکمیل دوره تخصصی کلام توفیق همکاری با نهاد محترم مقام معظم رهبری در دانشگاههای سراسری آزاد را در سمت «معاونت فرهنگی» به عهده داشتم و همزمان در دانشگاه الهیات و دانشگاه شهید عباسپور نیز تدریس داشتم.

با گذشت این دورانها در سال ۱۳۷۶ تصمیم به ماندن به طور دائم در قم گرفتم و با ادامه درس حوزه به همکاری با مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب در سمت مدیریت آموزش و پژوهش و عضویت در گروه مذاهب پرداختم. در این قسمت هم همکاری علمی اجرائی با مؤسسه فرهنگی انتظار نور داشتم و نیز همکاری با بنیاد نهج البلاغه تا اینکه سرانجام در سال ۱۳۸۱ به عضویت هیات علمی مرکز ادیان در آمدم و تمام وقت به تحقیق و پژوهش پرداختم که آثار آن متعاقبا به اطلاع می رسد.

نازکی تبریزی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط. اهل تبریز و مکتبدار بود. نازکی نستعلیق را خوش می‌نوشت و از هنرمندان خوشنویس کتابخانه‌ی بایسنقر میرزا به شمار می‌آمد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۳۶/ ۳)، مناقب هنروران (۵۶).

نازکی نهاوندی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر، در بدیهه‌سرایی استاد بود. با صادقی کتابدار (م ۱۰۱۷/ ۱۰۱۶ ق)، مولف «مجمع‌الخواص»، معاصر بوده است و صادقی می‌گوید که شصت و یک جلد کتاب تصنیف کرده ولی یک بیت از آنها مشهور نشده است. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۳۵)، الذریعه (۱۱۵۱/ ۹)، مجمع‌الخواص (۳۰۳-۳۰۲).

ناسخ ترک، عباس

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به ناسخ. نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) در تذکره‌ی خود از او به صورت فردی معاصر با خویش صحبت کرده است. در سلک طلاب علوم دینی بود و در سرودن شعر طبعی لطیف داشت و قصایدی نیز در مدح ائمه اطهار (ع) از او به جای مانده است. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۷۹۰)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۴۱، ۱۹۱)، الذریعه (۱۱۵۲، ۶۸۱/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۰۹).

ناسخ، عباس

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن محمد بین بن زیاد اوغلی، ساکن محله‌ی عباس‌آباد بوده، قصیده‌ای در مدح اهل بیت علیهم‌السلام سروده به نام «تأویلیه»، که آن را برخی از معاصرینش شرح نموده، و مولی محمد امین ابن عبدالفتاح و قاری طبسی بر آن مقدمه نوشته، و در کتاب «گلدسته‌ی اندیشه» که در سال ۱۰۸۳ تألیف نموده وارد کرده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ناشر الاسلام، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدحسین ابن السید محمد بن السید نعمه‌الله بن السید محمدحسین بن السید حسن‌علی بن السید علی‌اکبر بن السید عبدالله بن السید نورالدین بن السید نعمت‌الله الجزایری بن السید عبدالله بن السید محمد بن السید حسین بن السید احمد بن السید محمود بن السید غیاث‌الدین بن السید مجدالدین بن السید نورالدین بن السید سعیدالدین ابن السید عیسی بن السید موسی بن السید عبدالله بن الامام الهمام موسی الکاظم علیه‌السلام.

مترجم محترم ما از علماء اعلام و آیات عظام و حجج اسلام معاصر ما می باشند که اکثر عمر خویش را در راه تبلیغ دین و ترویج مذهب گذرانیده و تحمل مشاق و شدایدی نموده و خدماتی بنانا و بیانا انجام داده و برای انجام وظائف دینی و روحی مسافرتهای خطرناکی نموده است.

در سال ۱۳۰۵ قمری یعنی ۸۸ سال قبل در شهر شوشتر متولد شده و در مهد علم و شرافت و مجد و سیادت نشو و نما یافته و مقدمات و سطوح اولیه را نزد علماء آن سامان خوانده در سال ۱۳۷۷ قمری مهاجرت به عراق کرده و مدتی در سامرا اقامت و از آنجا به نجف اشرف عزیمت کرده و از محضر آیات عظام میرزا علی ایروانی و شیخ محمدتقی قمشه‌ای و آیت‌الله العظمی السید ابوالحسن اصفهانی استفاده کرده است و پس از آن سفری به هند نموده برای معالجه چشم و بعد از معالجه به آفریقای شرقی رفته و

یکسال توقف آنگاه به نجف برگشته و بعد از مدتی باز مسافرت به آفریقا کرده و بعد از اطلاع آیت‌الله العظمی اصفهانی از سفر ایشان به وسیله ارسال نامه‌ای امر به توقف در آن سامان نموده برای ارشاد و به سرپرستی شیعیان آفریقا در جزیره (ماداگاسگار) توقف نموده تا موقع جنگ جهانی که ۷ سال اقامت کرده و از آنجا به زنگبار رفته و یکسال توقف و در مسجد (قوه الاسلام) آنجا امامت نموده و از آنجا به مکه مشرف و پس از اداء مناسک به نجف اشرف مراجعت کرده و در عصر آیت‌الله العظمی بروجردی هم به امر معظم‌له مسافرت سوم به آفریقا نموده و دو سال تمام توقف و انجام وظائف کرده و در آنجا به تالیف کتب دینیه در فقه و عقاید و اخلاق به زبان کجراتی کرده و چون آثار ضعف و انکسار در وی بارز گشته از افریقا مراجعت به نجف اشرف نموده تا سال ۱۳۹۱ قمری که مانند ده‌ها هزار نفر ایرانی دیگر اخراج به ایران و رحل اقامت در قم افکنده است.

آثار علمی و تالیفات ارزنده و مفیده ایشان از این قرار است:

۱- بستان اسلام در اخلاق بلغت کجراتی که دو بار در سال ۱۳۶۴ و ۱۳۶۶ به طبع رسیده ۲- نورالهدایه در فقه بلغت کجراتی در سال ۱۳۶۶ طبع شده است.

۳- وسیله الناشریه در عقاید بلغت کجراتی در سال ۱۳۶۶ منتشر شده ۴- کشکول الناشریه در لغت فارسی.

۵- اسلام و دانش در اجتماع فارسی ۶- عشرات ناشریه در مواعظ ۷- ساختمان بشر در شرح حدیث نبوی (من عرف نفسه فقد عرف ربه) ۹- طلب الثار فی احوال المختار مع ذکر تاریخ میثم ۱۰- حدیقه عاطره در مطالب دینیه اخلاقیه و حکمیه و غیرها.

و آثار مخطوط دیگری دارند که هنوز به طبع نرسیده است.

(۱۳۰۵- ز ۱۳۹۱ ق)، عالم دینی. نسبش به امام موسی کاظم (ع) می‌رسد. در شوشتر به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و سطوح در ۱۳۳۷ ق به عراق رفت، مدتی در سامرا ماند، سپس به نجف رفت و از محضر آقا میرزا علی ایروانی و شیخ محمد تقی قمشه‌ای و آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود. آن گاه در پی معالجه چشم به هند رفت و از آنجا به آفریقای شرقی مسافرت نمود و پس از یک سال به نجف بازگشت و مجدداً به آفریقا مسافرت نمود. وی به دستور آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی عهده‌دار زعامت شیعیان آفریقا گردید و در جزیره‌ی ماداگاسکار سکونت گزید. در جنگ جهانی دوم به زنگبار رفت و مدت یک سال در مسجد قوهٔالاسلام آنجا اقامه‌ی جماعت نمود. پس از سفری به مکه به نجف بازگشت و در زمان آیت‌اللّه بروجردی برای بار سوم به آفریقا رفت و مدت دو سال در آنجا به تبلیغ و تألیف کتب دینی پرداخت. آنگاه به نجف مراجعت نمود و در ۱۳۹۱ ق به همراه ایرانیان اخراجی از عراق در قم سکونت گزید. از آثارش: «بوستان اثنی عشری»؛ «بوستان اسلام»، در اخلاق، به زبان گجراتی؛ «نورالهدایهٔ»، در فقه، به زبان گجراتی، «وسیلهٔ الناشریهٔ»، در اصول، به زبان گجراتی، «کشکول الناشریهٔ»، فارسی؛ «العشرات الناشریهٔ»، در مواعظ؛ «ساختمان بشر»، در شرح حدیث «من عرف نفسه...»؛ «حدیقه عاطره»، در مطالب دینی، اخلاقی و حکمی، «طلب الثار»، در احوال مختار با ذکر تاریخ میثم.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۴۸۵)، الذریعه (۸۵/ ۲۵ ،۳۸۵/ ۲۴ ،۲۶۴/ ۱۵)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۶۵۲/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۸۱ -۲۸۰/ ۲).

ناصح تبریزی، عرب

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به ناصح. متولد تبریز و ساکن عباس‌آباد اصفهان بود. وی پس از تحصیل مقدمات به تجارت پرداخت. ناصح شاعری خوش ذوق بود. صائب تبریزی او را ستوده و صد بیت از اشعار او را تضمین کرده است. وی مدتی قبل از تحریر «تذکره‌ی نصرآبادی» (تألیف شده در ۱۰۸۳ ق) درگذشته است. نام ناصح تحت عنوان عزت و غیرت نیز ذکر شده است. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۷۹۱ -۷۹۰)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۶۴۴ -۶۴۲/ ۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۲۵)، دانشمندان آذربایجان (۳۶۹)، الذریعه (۱۱۵۲ ،۷۱۰/ ۹)، سرو آزاد (۱۰۹ -۱۰۸)، فرهنگ سخنوران (۹۰۹).

ناصح تهرانی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۵ -۱۲۷۷ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر. در تهران به دنیا آمد. پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه به تحصیل علوم قدیمه پرداخت و صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع، منطق، فقه، اصول و دوره‌ای از حکمت را نزد اساتیدی چون وحید دستگردی، میرزا رضاخان نایینی، حبیب‌اللّه مظفری و میرزا ابوالحسن شعرانی آموخت. وی با دو زبان عربی و فرانسه نیز آشنایی یافت. او در ۱۳۰۰ ش به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به عنوان دبیر دبیرستان‌ها به خدمت اشتغال ورزید و به علت خدمات فرهنگی به دریافت نشان درجه‌ی اول علمی نایل گردید. وی از اعضای انجمن ادبی ایران بود و تا پایان عمر ریاست آن را برعهده داشت. لازم به ذکر است که مصلح‌الدین مهدوی، صاحب تذکره‌ی «شعرای معاصر اصفهان»، مولد صاحب عنوان را اصفهان دانسته است. از آثار وی:

«اندرز ابن‌سعید»، ترجمه؛ «سیره‌ی جلال‌الدین یا تاریخ جلالی»، ترجمه؛ «زندگانی صلاح‌الدین ایوبی»، ترجمه؛ تصحیح و تحشیه و مقدمه «دیوان» ابوالفرج رونی، شرح «بوستان» سعدی؛ رساله‌ای در «شرح حال خاقانی»؛ رساله‌ای در «شرح حال صاحب بن عباد اصفهانی»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۹۶ -۴۹۴)، الذریعه (۱۱۵۳ -۱۱۵۲/ ۹)، سخنوران نامی (۴۴۵ -۴۳۷/ ۲)، سخنوران نامی معاصر (۳۵۶۴ -۳۵۵۹/ ۶)، فرهنگ سخنوران (۹۱۰ -۹۰۹)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۵۸۰، ۱۴۹۹، ۱۴۹۸، ۸۶۶، ۳۵۳/ ۱)، کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۶، ص ۵۸ -۵۷)، گلزار جاویدان (۱۲۸۳/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲۸ -۴۲۷/ ۴).

ناصح سمنانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی ناصح سمنانی بن محمد شاه عبدالعظیمی طبیبی ادیب و مؤلفی اریب بوده و در حدود ۱۲۸۶ در شاه عبدالعظیم (شهر ری) متولد شده و حدود ۱۳۶۳ ق وفات نموده است.

تألیفات بسیاری در طب و امراض و معالجه آن داشته که علامه تهرانی در (الذریعه) و ص ۱۵۱۶ طبقات اعلام‌الشیعه ذکر کرده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ناصح شیرازی، محمدعلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۶۴ ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن نیم‌ربعی، جلد روغنی، نسخ کتابت خفی خوش، با رقم: «فرغ من تحریر هذا المصحف المجید فی شهر شعبان‌المعظم سنهٔ ستین و اربع بعد الالف، کتبه العبد المذنب الراجی المتخلص بناصح الشیرازی در دارالسلطنهٔ اصفهان مرقوم قلم شکسته رقم گردید. ختم کتابت قرآن چهارم».[۱]

اثر اوست: قرآن، قطع نیم‌ربعی، جلد روغنی اعلی کار آقا فتح‌اللّه. نسخ کتابت خفی خوش با رقم: «فرغ من تحریر هذا المصحف المجید فی شهر شعبان المعظم سنهٔ ستین و اربع بعدالالف. کتبه العبد المذنب الراجی المتخصص بناصح الشیرازی در دارالسلطنهٔ اصفهان مرقوم قلم شکسته‌ی رقم گردید. ختم کتابت قرآن چهارم» ۱۰۶۴ کتیبه‌ی جلد روغنی به خط رقاع خوش با رقم محمدعلی سلطان الکتابت. در مجموعه‌ی بیانی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۲۱/ ۴).

ناصح، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب، شاعر.

تولد: ۱۲۷۸(۱۰ ذی‌القعده ۱۳۱۶ ق.)؛ تهران.

درگذشت: ۱۸ تیر ۱۳۶۵، تهران.

محمدعلی ناصح متخلص (ناصح) فرزند محمدصادق تاجر اصفهانی، تحصیلات خود را در مدارس جدید فراگرفت. سپس به تحصیل علوم قدیمه پرداخت. صرف و نحو و معانی و بیان و بدیع و منطق و فقه و اصول و دوره‌ای از حکمت را نزد استادان مانند سید منصور و محمدحسین وحید دستگردی مدیر مجله‌ی «ارمغان» و رضا نایینی و حبیب‌الله مظفری و آیت‌الله ابوالحسن شعرانی آموخت و با دو زبان فرانسوی و عربی آشنایی پیدا کرد. در سال ۱۳۰۰ وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و سال‌ها به سمت دبیر دبیرستان‌های تهران به تدریس اشتغال داشت تا بازنشسته شد. ناصح از سال ۱۲۹۷ که «انجمن ادبی ایران» به همت وحید دستگردی در تهران تأسیس و تشکیل یافت از اعضای آن بود. انجمن مزبور سال‌ها در منزل محمدهاشم میرزا افسر سبزواری و به ریاست او تشکیل می‌شد. پس از مرگ افسر این انجمن به منزل ناصح انتقال یافت و تا پایان عمر او همچنان دایر بود. فهرست آثار وی به شرح زیر است: ترجمه‌ی سیره جلالی (تألیف ذوالبیانین نورالدین محمد زیدری نسوی صاحب نفثهٔ‌المصدور و منشی سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه، تهران ۱۳۲۴)؛ تصحیح و چاپ دیوان ادیب صابر ترمذی (تهران، ۱۳۳۴)؛ تصحیح و چاپ دیوان ابوالفرج رونی؛ رساله در شرح حال صاحب بن عباد؛ شرح بوستان شیخ اجل سعدی شیرازی (به نثر، تهران، ۱۳۵۴)؛ شرح حال خاقانی شروانی؛ ترجمه‌ی رساله‌ی اندرز ابن سعید (۱۳۱۴). بخشی از دیوان اشعارش در سال ۱۳۴۴ با مقدمه‌ی خلیل خطیب رهبر چاپ و منتشر شده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ناصح، محمدمهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدمهدی ناصح

محل تولد : قایات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۸/۹/۱

زندگینامه علمی

محمد مهدی ناصح فرزند مرحوم شیخ محمد حسین ناصح چهکندوک است. وی در آذرماه سال ۱۳۱۸ خورشیدی در روستای زهان (از محلات معتبر و آباد قاین و بیرجند) پا به عرصه‌ی هستی نهاد. خانواده، اجداد و در گذشتگاه ناصح همه اهل علم و ادب و دیانت بوده‌اند. محمد مهدی ناصح دوران کودکی و نوجوانی را به دلایلی چند «از جمله: اشتغال پدرش به کار معلمی»، در بیرجند و توابع این شهرستان سپری کرده است. این دوره از زندگی ناصح مصادف است با دوران تحول فرهنگی در شهرستانها و افتتاح پیاپی مدارس جدید در روستاها و شهرها و رواج نسبی تحصیلات و تعلیمات عمومی به شیوه‌ی جدید.

نام برده به سال ۱۳۲۴ شمسی در کلاس اول دبستان «گز یک» پای به مدرسه نهاد و تا سال دوم دبستان در همان محل سپری کرد. پس از آن جا به «بورنگ»: (محلات بیرجند) آمد و کلاس سوم و چهارم دبستان را در آن جا گذراند. پس از آن به «قصبه‌ی بجد» در نزدیکی بیرجمند انتقال یافت و سال پنجم را در آن جا تحصیل کرد و پس از آن به بیرجند نقل مکان نمود و در کلاس ششم دبستان شوکی بیرجند، ادامه تحصیل داد.

ناصح در سال ۱۳۳۱ وارد دبیرستان شد و پس از گذراندن سه ساله‌ی اول دبیرستان (سیکل اول) در دبیرستان شوکی آن زمان از سال ۱۳۳۵ در کنکور مربوط به پذیرش محصل در دوره «دانش سرای مقدماتی» شرکت کرد و در این دوره قبول شد و پس از گذراندن دوران دو ساله‌ی دانش‌سرا، در مهر ماه سال ۱۳۳۷ در شهرستان «قاین» به خدمت اداره فرهنگ (سازمان آموزش و پرورش فعلی) درآمد و تا سال ۱۳۴۴ در مدارس این شهر به تدریس در دوره‌ی ابتدایی اشتغال داشت.

ناصح به سال ۱۳۴۴ در دانشکده‌ی «ادبیات و علوم انسانی» دانشگاه فردوسی مشهد، دوره‌ی لیسانس پذیرفته شد و پس از گذشت مدت ۴ سال، از این دوره فارغ التحصیل شد. در تمام این مدت نیز به خدمت فرهنگی در مدارس شهر مشهد اشتغال داشته است. نیز وی در سال ۱۳۵۰ شمسی در کنکور دوره‌ی فوق لیسانس «زبان و ادبیات فارسی» دانشکده‌ی ادبیات مشهد شرکت کرد و در سال ۱۳۵۲ این دوره را به عنوان اولین دانشجوی فارغ التحصیل دوره‌ی فوق لیسانس با درجه‌ی عالی به پایان رساند. همچنین وی به سال ۱۳۵۵ در دوره‌ی دکتری «زبان و ادبیات فارسی» در دانشگاه فردوسی مشهد شرکت کرد و پذیرفته شد و سرانجام در سال ۱۳۶۱ شمسی، به عنوان نخستین فارغ التحصیل دوره‌ی دکتری زبان و ادبیات فارسی این دوره را با درجه‌ی ممتاز گذرانید.

ناصح‌الممالک بروجردی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۰ -۱۲۴۸ ش)، مؤسس و شاعر، متخلص به حیرت. ملقب به ناصح‌الممالک. در بروجرد به دنیا آمد. در شانزده سالگی همراه پدر به مکه و پس از آن به گنجه رفت و چند سال در آنجا ماند. سپس به ایران بازگشت و به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و در ۱۲۸۲ ش کودکستانی تأسیس نمود. او سرانجام در تهران درگذشت و در امامزاده حمزه دفن گردید. از آثارش: «نصایح‌الاطفال»؛ «دیوان» شعر.[۱]

حاجی اسماعیل‌خان متخلص به ناصح (و. بروجرد ۱۲۴۸. ف. تهران ۱۳۱۰ ه.ش) وی در ۱۶ سالگی با پدر به مکه رفت و مدتی در باکو، تفلیس، گنجه سیاحت کرد و در آن نقاط ادبیات فارسی را تدریس می‌کرد، سپس در تهران در خدمت معارف داخل شد و عمر خود را در تربیت اطفال و اداره‌ی کودکستان می‌گذراند. شعر نیز به حد متوسط می‌سرود. در حیاط امامزاده حمزه، جنب زاویه‌ی مرقد مطهر حضرت عبدالعظیم مدفون است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۱۱۲۶)، الذریعه (۱۶۸/ ۲۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۷۷/ ۲)، گلزار جاویدان (۱۵۸۶/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۶ -۶۱۵/ ۱).

ناصح‌زاده، اسداللّٰه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید باهنر کرمان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای شیمی (گرایش شیمی- فیزیک) از دانشگاه ساری انگلستان در سال ۱۳۵۷، ادامه تحقیق در دوره فوق دکترای دانشگاه ساری انگلستان به مدت یک سال.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه شهید باهنر کرمان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه بر روی ترمودینامیک محلول‌های غیر الکترولیت از طریق اندازه‌گیری کمیت‌های ترمودینامیکی به روش تجربی و محاسبه این کمیت‌ها بطریق تئوری و مقایسه این نتایج با یکدیگر، ساخت ایستگاه کاتالیزوری تبدیل آنتراسن به آنتراکینون، ساخت کالریمتر حساس جهت اندازه‌گیری گرمای واکنش‌ها در فاز محلول، بهینه‌سازی HP، غلظت، زمان و دما در عمل دندانه دادن پشم توسط زاج سفید و دی کرومات پتاسیم، آنالیز و شناسائی فرمول دو داروی عطاری به نامهای مردار سنگ طلائی و نقره، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۱

زمینه علمی مقالات:

اثر HP در عمل دندانه دادن پشم توسط زاج سفید در رنگرزی پشم توسط آلیزارین، محاسبه و اندازه‌گیری توابع ترمودینامیکی محلول‌های غیر الکترولیت، اثر حلال بر سرعت واکنش‌ها و کمیت‌های ترمودینامیکی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ناصحی نیشابوری، ابوبکر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۸۵/ ۴۸۴ ق)، فقیه حنفی، محدث، متکلم و قاضی. وی قاضی‌القضاۀ ری بود و به اعتزال گرایش داشت. از قاشی ابوبکر حیری و ابوسعید صیرفی و ابوابراهیم اسماعیل نصرآبادی و جماعتی دیگر حدیث شنید. در بغداد و خراسان حدیث گفت. محمد بن عبدالواحد دقاق و عبدالوهاب انماطی و ابوالقاسم سمرقندی و ابوبکر بن زاغولی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. عبدالغافر در «تاریخ» خود گوید که وی فرزند امام الاسلام ابومحمد ناصحی بود. او برترین حنفی زمان خود و سرآمد در مناظره و همچنین در طب، ادب و شعر متبحر بود. وی در زمان پدرش در مدرسه‌ی سلطان تدریس می‌کرد و در عهد آلب ارسلان سلجوقی عهده‌دار قضاوت نیشابور شد و مدت ده سال در آنجا باقی ماند. پیرامون مسائلی با امام‌الحرمین گفتگو کرد و مورد ستایش وی قرار گرفت. ناصحی مدتی عهده‌دار منصب قضاوت وی شد. او در بازگشت از حج، در نزدیکی اصفهان، درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۰۳/ ۷)، ری باستان (۳۷۱ -۳۷۰/ ۲)، سیرالنبلاء (۲۰ -۱۹/ ۱۹)، شذرات الذهب (۳۷۲/ ۳)، العبر (۳۴۸/ ۲)، الکامل (۱۶۰/ ۸)، المنتظم (۶۳۹/ ۹)، الوافی بالوفیات (۳۳۸/ ۳).

ناصر اصفهانی، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۲۲۰ ق)، صوفی و شاعر. ملقب به درویش ناصر علی و ناصر علیشاه. معروف به درویش مطلق. اصلش در اصفهان است. وی در ابتدای کار از ملازمان کریم خان زند بود. تربیتش نزد مشتاق علیشاه (م ۱۲۰۶ ق) صورت گرفت و از مریدان و مجذوبان نور علیشاه (م ۱۲۱۲ ق) به شمار می‌آمد. او در اصفهان درگذشت و در جوار فیض علیشاه، در تخت فولاد اصفهان، به خاک سپرده شد. به آورده‌ی «طرائق‌الحقائق» از «بستان‌السیاحه» و «اصول الفصول»، ناصر علیشاه با افضل شاه هندی مباهله نمود و افضل شاه از دنیا رفت. در «حدیقۀالشعراء» آمده که ناصر بعد از ۱۲۲۰ ق درگذشته است. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

خراباتی که رندان را مقام است

برو صوفی که خامان را حرام است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ القبور (۳۳۶)، حدیقهٔالشعراء (۱۰۴۶/ ۲)، الذریعه (۱۱۵۳/ ۹)، ریاض‌العارفین (۳۳۷)، ریحانه (۱۱۶ -۱۱۵/ ۵)، طرائق‌الحقائق (۱۹۷ -۱۹۶/ ۳)، گلزار جاویدان (۱۵۸۸/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ناصر اصفهانی).

ناصر ترک یزدی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۶ -۱۲۷۴ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به ناصر. وی نواده‌ی میرزا علی‌اکبر ترک، از دودمان جوانشیر و از مهاجران قفقاز بود. در یزد به دنیا آمد و در همان شهر به کسب دانش پرداخت و علوم فارسی و عربی را فراگرفت و از کودکی به سرودن شعر روی آورد. وی در بیست سالگی به علت نامعلومی از نعمت بینایی محروم گردید و به همین دلیل اغلب اشعار خود را حفظ می‌کرد. او در ۱۳۲۸ ش روزنامه‌ی «ناصر» را در یزد تأسیس و منتشر کرد. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۷۵۷ -۷۵۰)، الذریعه (۱۱۵۸ / ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۵۶۹ -۳۵۶۵/ ۶)، فرهنگ سخنوران (۹۱۳ -۹۱۲).

ناصر حسین، حامد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۱ -۱۲۸۴ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، محدث، رجالی و شاعر. ملقب به شمس‌العلماء. تحصیلات خود را در نجف گذراند و از محضر پدرش و مفتی سید محمد عباس استفاده نمود. او از سید محمد عباس روایت کرده و جماعتی از وی روایت کرده‌اند. آنگاه به لکنهو هند رفت و در آنجا اقامت گزید. وی از علمای امامی بزرگ هندوستان و مفتی و مرجع تقلید مردم آنجا بود. زعیم بزرگ هند، ابوالکلام آزاد، از شاگردان او بود و دو سال «نهج‌البلاغه» را نزد وی قرائت کرد و از اینجا بود که آزاد با روح اصول تشیع آشنا گشت. در لکنهو درگذشت. از آثارش: «اثبات رد الشمس لامیرالمؤمنین (ع) و دفع ما اورد علیه من الشبهات»؛ تتمیم «عبقات الانوار» پدرش؛ «المواعظ»؛ «نفحات الازهار»، در فضایل ائمه اطهار (ع)؛ «نفحات الانس فی وجوب السورهٔ»؛ «مسند فاطمهٔ بنت الحسین (ع)»؛ «اسباغ النائل بتحقیق المسائل»، در نه مجلد؛ «کتاب الانشاء»؛ «دیوان الخطب»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۲۰۱ -۲۰۰ / ۱۰)، الذریعه (۲۴۶ / ۲۴، ۱۱۵۴ / ۹)، ریحانه (۹۸ -۹۷ / ۶)، فوائدالرضویه (۹۲)، هدیهٔ‌الاحباب (۱۷۷).

ناصر خسرو

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۸۵/ ۴۸۱ -۳۹۴ ق)، فیلسوف، متکلم، نویسنده، واعظ و شاعر، متخلص و ملقب به حجت. از آن رو که اشعارش حاوی پند، اندرز و مطالب حکمت‌آمیز بود موصوف به حکیم، حکیم ناصر یا سیدالحکماء گشت. همچنین نسبت مروزی که شاعر در «سفرنامه‌ی» خویش به آن اشاره کرده است، به سبب اقامت وی در مرو بوده که گویا مدتی در آنجا شغل دیوانی داشته است. به آورده‌ی دکتر صفا در «تاریخ ادبیات در ایران»، شهرت علوی برای ناصر خسرو مأخذ درستی ندارد و گویا ناشی از سرگذشت مجعولی است که برای او نوشته‌اند و به او نسبت داده‌اند که به پنج واسطه به امام علی بن موسی الرضا (ع) می‌رسد، و یا شاید به سبب علاقه‌ی شدید او به آل علی (ع) و اظهار این علاقه در آثار خود، یک نسبت روحانی و معنوی برای او پیدا و مشهور شده باشد و یا اینکه او را با اشخاص دیگری از قبیل سید محمد ناصر علوی قرن ششم اشتباه کرده باشند. ناصر خسرو از خاندان اعیان و اشراف بلخ بود که ثروت و املاک زیادی داشتند. در قبادیان بلخ به دنیا آمد. از کودکی به کسب علوم و آداب اسلامی پرداخت. حافظ قرآن بود و در تمام علوم متداول زمان خود از معقول و منقول و به ویژه علوم اوایل و حکمت یونان تسلط داشت. علم کلام و حکمت الهی را به خوبی می‌دانست. او در ادیان مختلف تتبع می‌کرد و گفته شده که مشکلات تورات و انجیل را به فضلای یهود و نصاری تفهیم می‌نمود. در جوانی به دربار سلاطین و امرایی چون سلطان محمود و سلطان مسعود غزنوی و سلاجقه راه یافت و به مرتبه‌ی دبیری رسید. او در اعمال و اموال سلطانی تصرف داشت و به کارهای دیوانی مشغول بود و عنوان ادیب و دبیر فاضل گرفت و شاه وی را خواجه خطیر خطاب می‌کرد. به آورده‌ی «ریحانهٔ‌الادب» و «تذکرهٔ‌الشعراء»، ناصر خسرو با شیخ ابوالحسن خرقانی (من ۴۲۵ ق) معاصر و معاشر بود و فنون طریقت را نزد وی فراگرفت و به تهذیب باطن و سیر و سلوک پرداخت. ناصر خسرو بعد از تصرف بلخ

بـه دست سـلاجقه در ۴۳۲ ق بـه مرو کـه تحت حکـومت ابوسـلیمان جغری بیـگ داوود بـود، رفـت. وی پس از طی مقامـات، در اندیشه‌ی یافتن حقیقت و پس از خوابی که در ۴۳۷ ق دیده بود، به سفر پرداخت. در همین سال بار سفر حج بست و با برادر و غلام هنـدی خود روانه حجاز شـد. این مسافرت هفت سال طول کشـید. در این سـفر چهار بار حج کرد و شـمال شـرقی و غربی و جنوب غربی و مرکز ایران و ممالک و بلاد ارمنسـتان، آسیای صغیر، حلب، طرابلس، شام، سوریه، فلسطین، جزیرۀالعرب، مصر، قیروان، نوبه و سودان را سیاحت کرد. توقف وی در مصر به سال طول کشید و در این مدت با مبلغان مذهب فاطمی آشنا گشت و نفوذ سخن آنان بخصوص المؤید داعی الدعاۀ شیرازی و آمادگی روحی خود ناصر خسرو موجب گرویدن او به مذهب اسماعیلی شد. بعد به خدمت مستنصر باللّٰه ابوتمیم معد بن علی (۴۸۷ -۴۲۷ ق) رسـید و بعد از طی مراحل و مدارج، مرتبه‌ی حجت یافت و از طرف امام فاطمیان به مقام حجت جزیره‌ی خراسان انتخاب و مأمور نشر مـذهب اسـماعیلی و ریاست باطنیه‌ی آن سامان گردید. در شـرح حال ناصر خسـرو، در کتاب «شـرح سـی قصـیده» که به اهتمام دکتر مهـدی محقق انتشار یافته و همچنین در اولین پیوست «تحلیل اشـعار ناصر خسرو» آمده است: در معرۀالنعمان با شاعر و فیلسوف نابینای عرب، ابوالعلاء معری، که متهم به الحاد و زندقه بود ملاقات کرد و در سـمنان در محضـر درس علی نسائی حاضـر شد. وی همچنین در تبریز با قطران تبریزی و در قاین با ابومنصور محمد بن دوست ملاقات کرد. عاقبت به تهمت بـد دینی و الحاد و نیز قرمطی و رافضـی بودن، مجبور به ترک وطن شـد. بعـد از سالها سـرگردانی در مازنـدران و نیشابور و بلـخ عاقبت در حـدود شـصت یا شـصت و سه سالگی، بین ۴۵۳ تا ۴۵۶ ق و بـه گفته‌ی بعضـی در ۴۶۱ ق به یمگان از اعمال بدخشان رفت و به نشر دعوت و ابلاغ رسالت خود پرداخت. او سرانجام در همان شهر درگذشت و به خاک سپرده شـد. در مورد سـال مرگ وی اختلافـاتی وجود دارد. به آورده‌ی صـاحب «سـخن و سـخنوران»، مؤلف کتـاب «بیان الادیان»، ناصـر خسـرو را معاصر خود می‌داند که قبل از تألیف آن کتاب (۴۸۵ ق) وفات یافته است. ناصـر خسـرو از قصیده‌سرایان درجه اول زبان فارسـی ایران بود و به زبان عربی نیز شـعر می‌سرود.از خصوصیات برجسته‌ی شعر ناصر خسرو این است که هرگز «دیوان» خویش را به مدح شاهان و امیران معاصر خویش نیالوده و آنچه را ستوده و در شعر خود آورده، همه چیزهایی است که وی از نظر اجتماعی و مذهبی به آنها ایمان داشـته است. آثار منسوب به وی: «سـر اسـرار»، در تسـخیر کواکب؛ « اکسیر اعظم»، در منطق؛ «قانون اعظم»، در علوم غریبه؛ «سـعادت‌نامه»، سیصد بیت، در پنـد و حکمت؛ «روشـنایی‌نامه»، در وعظ و پند و حکمت؛ «کنزالحقایق»؛ «تفسیر قرآن»؛ «دسـتور اعظم». از آثـار وی: «زادالمسـافرین» یـا «زادالمسـافر»، در کلام؛ «وجه دین»؛ «جامع‌الحکمتین»؛ «خوان الاخوان»؛ «گشایش و رهایش»؛ «سفرنامه»؛ «بستان العقول»؛ «دلیل المتحیرین»؛ «لسان‌العالم»؛ «دیوان» شعر.[۱]

حکیم ابومعین ناصر بن خسـرو قبادیـانی بلخی (۳۹۴ ه.ق- ۴۸۱ ه.ق) ملقب بـه «حجت» از حکمـا و متکلمین اسـلام. در قبادیـان از حوالی بلـخ تولـد یـافت. از اوان جوانی به تحصـیل علوم و فضائـل و تحقیق ادیـان و عقایـد و مطـالعه‌ی اشعار شـعرای ایران و عرب پرداخت. در دوره‌ی جوانی به دربـار محمود و مسـعود غزنوی راه یـافت. بعـد از غلبه‌ی سـلاجقه بر بلـخ به مرو به دربار چغری‌بیگ رفت و تقرب یافت و به خـدمت دیوانی گماشـته شد. در سال ۴۳۷ ه. خوابی دیـد و به قول خود ناگهـان از خواب گران چهل ساله بیـدار شـد، کارهای دیوانی و اداری را رها کرده و به جهانگردی و سیر آفاق و انفس پرداخت و در سـفر هفت ساله‌ی خود حجاز، آسـیای صغیر، سوریه و مصر را دید. وی در ابتدا مذهب حنفی داشت؛ در مصر با اسماعیلیان فاطمی روابطی پیدا کرد و پیرو مذهب آنان گردیـد و از دعاۀ سرسـخت اسـماعیلیه شد و «حجت» زمین خراسان گردید. ناصرخسـرو در مراجعت از این سـفر به بلخ رفت و آشکارا شروع به تبلیغ عقاید اسماعیلی کرد لیکن با مخالفت فقهای متعصب سنی مواجه گردید و امرای سلجوقی درصدد کشتن او برآمدنـد. وی بالاخره به یمکان بدخشان گریخت و در آنجا عزلت جست و پس از عمری طولانی و آوارگی و آزار و رنجی که در آخر عمر از متعصبین و سایر مردم روزگار خود دید در یمکان وفات یافت. از آثار وی یکی «سفرنامه» اوست که بعد از مراجعت از سفر هفت سـاله‌ی خود در ۴۴۴ ه.ق تـألیف کرد، و دیگر زادالمسافرین کـه یادگـار دوره‌ی آوارگی او بعـد از مراجعت از سـفر در خراسـان و مازنـدران و طبرسـتان است، آثـار مهم دیگر او عبارتنـد از «وجه دین»، «خوان اخوان»، «دلیل‌المتحیرین»، «روشـنائی‌نامه»، «دیوان اشعار». مقدار ابیات دیوان او را تا سی‌هزار بیت نوشته‌اند، ولی آنچه اکنون در دست است حدود یازده هزار بیت است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۱۰۳۲ -۱۰۰۹/ ۳)، اعیان‌الشیعه (۲۰۴ -۲۰۲/ ۱۰)، بـا کاروان حله (۱۰۱ -۸۵)، بهشت سخن (۲۲۳ -۱۹۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/ صفحات متعدد، ۸۹۸ -۸۹۳، ۴۶۹ -۴۴۳/ ۲)، تاریخ ادبی ایران (۵۸۱ -۵۸۰، ۵۷۸، ۴۴۱، ۴۰۶، ۱۳۳/ ۱)، تاریخ گزیده (۷۵۳)، تاریخ نظم و نثر (۶۰ -۵۸)، تاریخ و عقاید اسـماعیلیه (۲۵۱ -۲۴۸، ۱۶۹)، تحلیل اشعار ناصر خسرو (پیشگفتار) تذکرۀالشعراء (۷۳ -۶۹)، تقویم‌التواریخ (۹۳)، چشمه‌ی روشن (۹۰ -۷۶)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۱۰۵۴ -۱۰۴۸)، حبسـیه در ادب فارسـی (صفحات متعدد)، حبیب‌السیر (۴۵۷ -۴۵۶/ ۲)، دایرۀالمعارف فارسی (۲۹۹۳ -۲۹۹۲/ ۲)، دویست سخنور (۴۲۰ -۴۱۷) الذریعه (۱۰۸/ ۱۸، ۱۹۱ -۱۹۰، ۱۸۱، ۱۱ -۱۰ / ۱۲، ۲۷۲/ ۱۱، ۱۱۵۴/ ۹، ۳۶۱ -۳۶۰،(۱۵۱/ ۸، ۲۷۴/ ۷)، روضات الجنات (۱۵۰ -۱۴۹/ ۸)، ریاض‌العارفین (۲۳۴ -۲۳۲)، ریحانه (۱۰۳ -۱۰۰/ ۶)، سبک‌شناسی (۱۵۸ -۱۵۵، ۱۵۳ -۱۵۱ ، ۵۲/ ۲، ۴۲۴، ۴۰۱/ ۱)، سـخن و سخنوران (۱۹۸ -۱۵۴)، شرح سی قصیده (۱۷ -۸)، شـعر فارسی از آغاز تا امروز (۸۷ -۸۳)، صبح گلشـن (۱۱۹ -۱۱۸)، طرائق‌الحقـائق (۵۵۷ -۵۵۶ / ۲)، فرهنـگ ادبیـات فارسـی (۴۹۹ -۴۹۷)، فرهنـگ سـخنوران (۹۱۲ -۹۱۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۲۸ -۱۲۷)، کتابشناسـی حکیم ناصر خسرو قبادیانی، کشف‌الظنون (۹۹۱، ۹۹۰، ۱۴۳)، گنج و گنجینه (۵۷۵ -۵۶۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ناصر خسرو)، مجالس‌النفائس (۳۴۹ -۳۴۸)، مجمع‌الفصحا (۱۴۰۵ -۱۳۵۹/ ۳)، مرآۀالخیال (۲۸ -۲۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۰۸ -۵۰۳/ ۶)، هدیۀالعارفین (۴۸۷/ ۱)، هزار سال شـعر فارسـی (۷۰ -۶۴)، هفـت اقلیم (۳۵۸ -۳۴۸/ ۲)، هفت گنج کومش (۱۳۳ -۱۳۰)، یغما (س ۱۱، ش ۱، ص ۲۳، ۱۹).

ناصرالاسلام بربرودی، فضل‌اللّٰه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فضل‌اللّه ناصرالاسلام بربرودی الیگودرزی از علماء معاصر بوده‌اند. آن مرحوم در سال ۱۲۷۶ شمسی در قصبه گندمیه الیگودرز بربرود به دنیا آمده و مقدمات را در اراک خوانده و بعد از آمدن حضرت آیت‌اللّه حایری به قم از اراک به قم آمده و سطوح فقه و اصول و خارج را از مدرسین بزرگ قم و مرحوم حایری استفاده نموده و آنگاه برای خدمات دینی و ارشاد به زادگاه خود الیگودرز مراجعت و تا آخر عمر به ایفاء وظیفه از امامت جماعت و تبلیغ دین اشتغال داشته تا ماه ذیحجه ۱۳۹۷ قمری دعوت حق را اجابت و جنازه‌اش حمل به قم و در جوار حضرت علی بن جعفر (ع) (در بهشت) مدفون گردیده است.

آن مرحوم با تمام مراجع قم بالاخص آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی و آیت‌اللّه گلپایگانی مراوده و مورد توجه مخصوص آنان بوده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

ناصرالدین، علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۰۸ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «بهارستان» جامی، به قلم کتابت عالی، با رقم: «ناصرالدین علی سنهٔ ۹۰۸»؛ یک قطعه از مرقعی، به قلم سه دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم: «کتبه ناصرالدین علی ببلدهٔ بخارا».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۳۷/ ۳).

ناصرالدین، قاجار

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پسر محمدشاه قاجار و چهارمین پادشاه از سلسله‌ی قاجاریه. در شب ششم صفر سال ۱۲۴۷ تولد یافت و در سال ۱۲۶۴ بعد از وفات محمدشاه در تبریز به جای پدر نشست. حدود پنجاه سال سلطنت کرد و در ۶۶ سالگی در روز جمعه ۱۷ ذی‌القعده سال ۱۳۱۳ ه.ق در حضرت عبدالعظیم به دست میرزا رضا کرمانی به ضرب طپانچه مقتول گردید و در همانجا به خاک سپرده شد. در ابتدای سلطنت به یاری میرزا محمدتقی خان امیرکبیر دست به یک سلسله اصلاحات اساسی زد. چند سفر به ممالک غربی رفت. بابیها را قتل عام کرد.

(۱۲۴۷- مقتول ۱۳۱۳ ق)، مکنی به ابوالمظفر. در تبریز به دنیا آمد. هنگام وفات پدر، در ۱۲۶۴ ق، در آذربایجان به سلطنت نشست و به اهتمام میرزا محمدتقی خان امیرکبیر به تهران آمد و با کمک وی به دفع سرکشان و اغتشاشات پرداخت. او سید علی‌محمد باب را در تبریز کشت و بابیه را منکوب نمود. چندی بعد امیرکبیر را معزول کرد و وزارت را به میرزا آقا خان نوری داد و حکم قتل امیرکبیر را صادر نمود. در ۱۳۰۹ ق با مقاومت مردم و علما در قضیه‌ی امتیاز تنباکو، آن امتیاز را به ناچار لغو کرد. اولین مدرسه تصویرسازی در این دوره ایجاد شد. او قریحه‌ی شاعری داشت و در سروده‌های خویش ناصر تخلص می‌کرد. وی دارای ذوق نقاشی نیز بود و در ذیل صورتها و تصاویری که از درباریان و کنیزان و غیره می‌کشید، چنین امضا می‌کرد: «مشقه العبد الفقیر ناصرالدین شاه قاجار». ناصرالدین شاه از شاگردان کمال‌الملک بود. سرانجام در حضرت عبدالعظیم با تیر تپانچه‌ی میرزا رضای کرمانی، مقتول و در همان جا دفن شد. از آثار وی: «روزنامه‌ی سفر دوم انگلستان»؛ «سفرنامه به فرهنگ»؛ «فرمان شاه ایران»؛ «دیوان» شعر. از نقاشی‌های او: منظره‌ی فضای دشت و دمنی، با رقم: «نقاشی خود را به امین‌السلطان مرحمت فرمودیم ۱۲۸۰»؛ دورنمای خیالی کوه و جنگل و رودخانه و مار، در آبرنگ، با رقم: «روز چهارشنبه بیست و هفتم شهر رجب‌المرجب سنه ۱۲۸۳ پارس ئیل در جاجرود مشق شد». سه اثر نقاشی دیگر وی نیز در «احوال و آثار نقاشان» ذکر شده است. او خط را نیز نیکو می‌نوشت، از آثار خطی وی: یک قطعه به خط نستعلیق و سیاه مشق و شکسته که با تذهیب فوق‌العاده‌ای زینت یافته است، با رقم: «مشقه غلام حیدر کرار و محب هشت و چهار، ناصرالدین شاه قاجار».[۱]

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار نقاشان (۱۳۶۲ -۱۳۵۸/ ۳)، اعیان‌الشیعه (۱۲۲ -۱۲۰/ ۳)، تاریخ در ایران (۱۵۷/ ۱۵۶)، چهل سال تاریخ ایران (۳۳ -۲۶/ ۱)، حدیقهٔ‌الشعراء (۱۸۰۴ -۱۷۹۲/ ۳)، دایرهٔ‌المعارف فارسی (۲۹۹۲/ ۲)، الذریعه ۱۱۵۶ -۱۱۵۵/ ۹)، ریحانه (۱۰۹ -۱۰۷/ ۶)، شخصیت‌های نامی (۴۷۳ -۴۷۲)، شرح حال رجال (۳۲۹ -۲۴۶/ ۴)، صبح گلشن (۴۹۶ -۴۹۵)، فرهنگ سخنوران (۹۱۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۴۰۸، ۱۹۹۸، ۱۹۹۳ -۱۹۹۲ (۱۷۷۲/ ۲ ،۱۵۰۰ ،۸۳۸/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ناصرالدین شاه قاجار)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۱ -۵۲۹/ ۶)، یغما (س ۵، ش ۴، ص ۲۱۱ -۲۰۷).

ناصرالسلطنه تبریزی، نصراللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۴۰- ح ۱۳۱۲ ق)، خطاط. ملقب به دبیرالسلطنه و ناصرالسلطنه. وی مدتها عهده‌دار امور خالصه‌ی تهران و آذربایجان بود و در اواخر عمر از خاصان دربار مظفرالدین شاه گردید. ناصرالسلطنه از علوم ادبی بهره داشت و زبان فرانسه را نیک می‌دانست و نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۴۰/ ۳)، شرح حال رجال (۳۴۹ -۳۴۸/ ۴).

ناصری دولت آبادی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حضرت آیت الله حاج شیخ محمّد ناصری دولت آبادی، به سال هزار و سیصد و نُه هجری شمسی، در شهر دولت‌آباد برخوار واقع در ده کیلومتری شهر اصفهان، در خانواده‌ای که سهمی بسزا از زهد و تقوا و دانش دینی تحصیل کرده بود؛ به دنیاآمد. پدر ایشان، زاهد متّقی حجّةالإسلام و المسلمین حاج شیخ محمّد باقر ناصری نام داشت، که خود در شمار عالمان فرهیخته آن دوران بود؛ و محضر دانشیان گرانسنگی همچون علامه آخوند کاشی و نیز جهانگیرخان قشقائی را به خوبی دریافته بود، و در شمار یاران و تلامیذ مورد عنایت خاصّ علامه مرحوم حاج آقارحیم ارباب نیز قرار داشت ایشان به هنگام بدنیا آمدن این فرزند، او را «محمّدعلی» خواند، و او بعدها به نام «محمّد» شهره شد. محمّد هنوز در دوران خردی به سر می‌برد، که پدر به اشاره مرحوم علامه ارباب راهی نجف اشرف شد؛ تا خدمت فقیهان و عارفان بزرگ آن دیار همچون آیت‌الله آقامیرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله سید محمود شاهرودی و آیهٔ الله آقا سیّد جمال‌الدین گلپایگانی را دریابد. بعد از مهاجرت پدر به نجف‌اشرف، حضرت آیهٔ الله ناصری تحصیل را در همان دوران خردی آغازید. این دوران با حضور در مکتب خانه‌ای در دولت آباد آغاز، وبعد از یکی دوسال با ورود به حوزه علمیّه اصفهان و تحصیل علوم ادبیِ رائج در آن‌حوزه، ادامه یافت. در این دوران که ایشان هنوز در دوران نوجوانی به سرمی‌بردند، لطف امیرمؤمنان شامل حالشان می‌شود، و استاد به همراه پدر و خانواده به نجف‌اشرف کوچ می‌کند. ایشان در این زمان چهارده سالی بیشتر نداشته‌اند. اگر چه در نجف‌اشرف مشکلات و فقر و کمبود امکانات اوّلیه این خانواده پنج نفره را در سختی بسیار قرار می‌دهد، امّا خاطرات شیرین استاد از آن دوران، نشان دهنده روحیّه علم و معرفت‌جوی ایشان در همان آغازین دوران ورود ایشان به نجف‌اشرف می‌باشد. این دوران دوسالی بیشتر به طول نمی‌انجامد؛ چه در این هنگام مادر رخت از این دنیای گذران به دار دیگر می‌کشد؛ و سعادت او را، که علیرغم غربتی که در آن شهرمقدّس داشت، در قبری در صحن مطهّر علوی که فاصله چندانی تا روضه منوّره نداشت، برای همیشه آرام می‌گیرد. یک سالی پس از آن، خانواده پدر به ایران باز می‌گردد، و ایشان را در سن هفده سالگی برای ادامه تحصیل در نجف‌اشرف تنها می‌گذارد. این دوران، با رخت کشیدن‌ایشان به مدرسه صدر نجف آغاز؛ و فصلی جدید در زندگیِ ایشان آغاز می‌شود. پدر پیش از جدائی از فرزند، او را نخست به امیرمؤمنان و زان پس به مرحوم آیت‌الله شیخ محمّد حسین دهاقانی که در شمار اعلام و اوتاد آن شهر مقدّس بود، می‌سپارد؛ والحق که آن فقیه عارف فرزانه نیز در تربیت این جوان از هیچ دقیقه‌ای فروگذار نمی‌کند. در این دوران، ایشان گذشته از شرکت در دروس علمیِ نجف اشرف، با شماری ازاهل معانی این شهر مقدّس همچون مرحوم حضرت حاج شیخ محمّد کوفی نیزآشنا، و در طریق معرفت ائمّه هدی دست به دامن آنان می‌زند. ایشان در این دوران، بخشی از علوم ادبی، حاشیه ملاعبدالله، معالم‌الأصول و قسمتی از شرح لمعه را، نزد مرحوم علامه آیت‌الله مدرس افغانی فرا می‌گیرد. ادامه شرح لمعه را از محضر آیت‌الله شیخ مجتبی لنکرانی، مکاسب را از محضر آیت‌الله حاج سیّد عبدالأعلی سبزواری، رسائل را ازمحضر مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم کرونی اصفهانی که بعدها به دامادی ایشان نیز سرافراز می‌شود، کفایه را از محضر آیت‌الله حاج شیخ محمّد حسین دهاقانی، و برای دوّمین مرتبه باز در محضر آیت‌الله شیخ صدرا بادکوبه‌ای، خارج مکاسب محرّمه را از محضر آیت‌الله میرزا هاشم آملی، بحث خارج صلاهٔ آیات را از محضر آیت‌الله سیّد عبدالهادی شیرازی، و خارج بیع و خیارات را از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی امام خمینی استفاده می‌کند. گذشته از این، در شماری دیگر از دروس همچون بحث خارج کتاب الحج آیت‌الله حاج سیّد محمود شاهرودی نیز شرکت، و یک دوره کامل اصول فقه را ازمحضر آیت‌الله العظمی حاج سیّد ابوالقاسم خوئی فرا می‌گیرد. در این دوران، با مرحوم آیت‌الله حاج سیّد جواد آل‌علی که در شمار علمای کشور کویت قرار داشتند، مجالس علمی مرتبی برقرار می‌نمودند، و بخش عمده این دروس را با هم مباحثه می‌کردند. ایشان در سراسر این دوران، محضر اخلاقی/عرفانیِ زاهد و عارف نامدار مرحوم آیت‌الله آقا سیّد محمّد کشمیری فرزند عارف بزرگ آیت‌الله سیّد مرتضی کشمیری را سخت غنیمت شمردند، و بسیار از محضر او آموختند و به عمل درآوردند. گذشته از ایشان، با بزرگان دیگری همچون مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبّاس قوچانی وصیِّ مرحوم علامه قاضی نیز آشنا و به درک محضر آنان می‌پرداختند. دراین شماراست مرحوم حضرت آقا سیّد هاشم حدّاد، که حضرت آیت‌الله ناصری گذشته از استفاده از تعالیم ایشان، با شماری از یاران ایشان همچون مرحوم علامه طباطبائی و حاج عبدالزهراء گرعاوی نیز بواسطه همین مجالس آشنا می‌شوند. درهمین دوران با مرحوم عارف بزرگ جناب حاج آقا اسماعیل دولابی نیز آشنا می‌شوند، و این آشنائی تا پایان عمر آن فقید سعید ادامه داشت. ایشان، هر از چندی که به اصفهان می‌آمدند به دیدار این دوست قدیمی نیز می‌شتافتند و در منزل از ایشان دیدار می‌کردند. عارف گمنام مولوی قندهاری که الحق سراسر عمر را به توجّه و مراقبه گذرانید نیز در شمار یاران ایشان قرار داشت.

میان این دو بزرگمرد، عقد اخوّتی بسته شده بود، و از همین رو تا پایان عمر جناب مولوی، این دو هرگز یکدیگر را فراموش نکردند. حضرت آیت‌الله حاج شیخ حسن صافی اصفهانی نیز در همین شمار قرار داشت، که دوستیِ دیرینی میان این دو از دوران اقامت در نجف اشرف برقرار بود. حضرت آیت‌الله ناصری پس از آنکه به امر استادشان مرحوم آیت‌الله کشمیری به اصفهان بازگشت، گذشته از مجالس تدریس فقه و اصول و تفسیری که سالیانی دراز در حوزه علمیّه این شهر اقامه نمود و تا کنون نیز ادامه دارد، به تربیت نفوس مستعدّ و طالب معارف الهی نیز همّت گماشت. گذشته از جلسات درس اخلاق ایشان که در شماری از مدارس علمیّه این شهر برگزار می‌شود، نماز جماعت و مجالس وعظ و تذکیر ایشان که در مسجد کمرزرّین اصفهان برپاست، در میان عاشقان اهل‌بیت و طالبان معرفت الله از شهرتی بسزا برخوردار است. امید می‌بریم که خداوند وجود مبارک و شریف آن استاد فرزانه را پایدار دارد، و از تمامیِ مکروهات مصون نماید.

ناصری شیرازی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۶۰ ش)، شاعر، متخلص به ناصری. پس از تحصیل علوم ادبی، برای فراگرفتن زبان انگلیسی با برادرانش به بمبئی رفت. وی پس از بازگشت به شیراز در دفتر فرمانداری استخدام شد و پس از فوت پدر در ۱۳۳۶ ش شیراز را ترک کرد و در شهرهای دیگر ایران به خدمت پرداخت. از اوست:

نسیم عشق همانا ز کوی یار آید

که روح‌پرور و جانبخش و مشکبار آید

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۲۰ -۶۱۸/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۹۱۳).

ناصری فسائی، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی بن میرزا داود بن میرزا ابوالقاسم بن حاج میرزا غیاث‌الدین بن میرزا مجدالدین محمد فسائی متخلص به (ناصری) از شعراء و ادباء قرن سیزدهم است.

فسائی در فارسنامه می‌نویسد: وی در سال ۱۲۴۵ قمری در فسا متولد و در سال ۱۲۹۹ در کربلا وفات یافته است.

(۱۲۹۹ -۱۲۴۵ ق)، شاعر، متخلص به ناصری. وی مدتی در شیب کوه فسا بود و پس از آن به کربلای معلی رفت و در آنجا وفات یافت. دیوان بیگی، صاحب «حدیقةالشعراء»، ناصری را ذیل ناصر زاهدانی فسایی آورده است. از اوست:

چو از ازل به خداوندی تو دادم دست

ز بند بندگیت تا ابد نخواهم رست[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] حدیقةالشعراء (۱۸۰۷ -۱۰۸۶/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۲۳ -۶۲۱/ ۵)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۴۰۳/ ۲)، مرآت‌الفصاحه (۶۳۶ -۶۳۵)، مکارم‌الآثار (۱۲۶۲ -۱۲۶۰/ ۴).

ناصری کلهر کرمانشاهی، ابوالحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، واعظ و شاعر، متخلص به ناصری. پدرش در جریان درگیری بین محمدحسین میرزای حشمت‌الدوله با محمدتقی میرزای حسام‌السلطنه در ۱۲۴۶ ق کشته شد. ناصری طبعی موزون داشت و شعر می‌سرود و در اشعار خود اختر تخلص می‌کرد. وی بـه عتبات عالیات رفت و مدتی در آنجا تحصیل نمود تا در زمره‌ی فضلا قرار گرفت و با دریافت اجازه از علمای بزرگ به کرمانشاهان رفت و به تدریس و وعظ پرداخت و به اصرار دوستان و آشنایان تخصلش را به ناصری تغییر داد. از اوست:

شاه دین‌پرور علی امیدگاه خسروان

داور دولت نگهبان پادشاه خسروان

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقةالشعراء (۱۸۱۴ -۱۸۱۰/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۹۱۳).

ناصری مقدم، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین ناصری مقدم

محل تولد : کاشمر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر حسین ناصری مقدم در سال ۱۳۴۱ در شهرستان کاشمر دیده به جهان گشود. وی پس از طی موفقیت‌آمیز دروس ابتدائی، راهنمایی و دبیرستان در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه مشهد شد و پس از اتمام سطح در درس خارج فقه و اصول حاضر گشت و از محضر بزرگان خطه علم خیز مشهد کسب فیض کرد.

ایشان به موازات دروسی حوزوی به تحصیل دانشگاهی پرداخت و در رشته «فقه و مبانی حقوق اسلامی» در سال ۱۳۸۰ در مقطع دکترا از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گشت. وی هم اکنون عضو هیأت علمی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد با رتبه استادیاری می‌باشد.

ناصری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی ناصری

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۷/۱

زندگینامه علمی

ایشان در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی در روستای «مژده» از توابع شهر رشت در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود. تحصیلات دبستان، راهنمایی و دبیرستان را در محل تولد گذراند و تحصیلات حوزوی را از سال ۱۳۶۱ از مدرسه علمیه امام صادق (ع) رشت آغاز و تا سال ۱۳۷۶ در حوزه علمیه مشهد مقدس دنبال نمود. در سال ۱۳۷۷ وارد حوزه علمیه قم شد و طی ده سال در حوزه علمیه مشهد و قم در دروس خارج فقه و اصول از محضر اساتید معزز و آیات عظام: «مرتضوی»، «فلسفی»، «رضازاده»، «میزرا جواد تبریزی»، «معرفت» و «سبحانی» بهره جست.

وی تحصیلات دانشگاهی را تا مقطع کارشناسی در رشته «علوم قرآن و حدیث و ادیان و عرفان» در دانشگاه علوم اسلامی رضوی و دانشگاه فردوسی مشهد دنبال نمود. و در سال ۱۳۷۸ در دانشکده الهیات دانشگاه تهران از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی جایگاه هنر در کتاب و سنت» و در سال ۱۳۸۲ در همین دانشکده از رساله دکترای خود با عنوان «بررسی مکتب تفسیری صدرالمتألهین» دفاع نمود. وی در طی این سال‌ها در کنار تدریس، در زمینه‌های تحقیق، مدیریت پژوهش، ارائه طرح‌های آموزشی و پژوهشی فعالیت داشته است. در ادامه نمایهٔ فعالیت‌های ایشان در زمینه‌های فوق منعکس شده است.

ناصری، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران پروفسور ناصری اولین پزشک ایرانی است ، که پیوند دست انسان را در اروپا انجام داده اند.

بیوگرافی پرفسور ناصری و اعمال جراحی ویژه در برلین

پرفسور دکتر مجتبی ناصری در تار یخ ۱۳۰۷ (۱۳۲۸) در زنجان، متولد شده است ۱۳۱۳ـ ۱۳۱۹ آموزش در دبستان سعادت زنجان. ۱۳۲۰ استخدام در شرکت پخش دخانیات ایران د رزنجان وتهران برای تامین زندگی . ۱۳۲۶ـ ۱۳۳۰ آموزش در کلاسهای متفرقه وگرفتن دیپلم نهایی درتهران . ۱۳۳۰ شرکت درکنکور هنر سرای عالی دانشگاه تهرا ن وشروع تحصیلات شیمی عالی در دانشگاه تهران . ۱۹۵۱ پس از غلبه به مشگلات خروج از کشوردر دسامبر همان سال، ایران را ترک کرده ودر شهر ُگوتینگن آلما ن تحصیلات پزشکی را شروع کرد. ۱۹۵۷پس از ۱۰ ترم (زیمستر)امتحانات نهایی را داده با ارایه تزی در باره تغیرات خون پس از بکاربردن دستگاه قلب و ریه درجه دکترای خودرا به دست آورد. ۱۹۵۷ شروع کارهای تحقیقاتی در انستیتوی ماگس پلانک

گوتینگن با موضوعات انـدازه گیری جریان گردش خون درعروق کرونر قلبی ومتابولیسم قلب. ۱۹۵۸ اولین کرونروگرافی بادرست کردن کـاتتر مخصـوص برای سـرخرگهای قلـبی، انـدازه گیری جریـان خـون کرونر باکمـک کـاردیوگرین به متـد همیلتون . ۱۹۵۹ درست کردن الکترودهـای مخصوص برای انـدازه گیری پی اچ خون، همراه بـا پرفسور بارتل و شواب . ۱۹۶۰ ورود به تیم جراحی قلـب در دانشـگاه برلین تحت نظر پرفسـور لینـدر. ۱۹۶۰ شـروع تجربیـات آزمایشـی بوسـیله پیونـد ریه درحیوانات، به همراه پرفسور بوشرل. ۱۹۶۱ شـروع تجربیـات آزمایشـی با پیونـد قلب که نتایـج آن در کنگره های ملی و بین المللی به اطلاع عموم رسانـده شـد. ۱۹۶۱ جراحی قلب و آزمایشات با دستگاه قلب و ریه . ۱۹۶۴ پس از اقامت کوتاه در شهر کور / سویس در نزد پرفسور آلگوور متد استیو سینتز آموخته و در بیمارستان نوی کلن برلین بنیان گذاری شد. ۱۹۶۴ انتخاب به معاونت بیمارستان نوی کلن. ۱۹۶۷ نوشتن تز مخصـوص راجـع به هیپر اوکسیژناسیـون در انـواع حیـوات و گرفتن درجه اسـتادی دانشـگاه آزاد برلین. ۱۹۶۷/۶۸ بـه دست آوردن تخصصی جراحی عمومی(۱)،تخصصی جراحی قلب ـ ریه وعروق(۲) و تخصصی جراحی عروق محیطی (۳) ۱۹۶۸ پیوند اندام پایین برای اولین بـار در آلمان فـدرال دربیمارسـتان نوی کلن . ۱۹۶۸ اولیـن پیونـد ریه روی جـوانی که در اثر تصـادف به هر دو ریه وی صدمه شدید خورده بود به همراه پرفسور بوشـرل . ۱۹۶۹ برگشت به بیمارسـتان دانشگاهی وست اند و انتخاب به معاونت و کارمند رسـمی دولت . ۱۹۶۹ اولین پیونـد بـازوی قطع شـده در آلمان فـدرال . ۱۹۷۰ مسـافرت به دانشـگاه هـای مختلف آمریکا برای کار آموزی جراحی کرونر (کلولنـد، نیویورک، سانفرانسیسـکو، یوسـتن تکزاس) . ۱۹۷۱ شـروع وبنیانگـذاری جراحی کرونر در برلین . ۱۹۷۱ بـه دست آوردن رتبه پرفسـوری دانشگاه آزاد برلین. ۱۹۷۲ برای اولین بـار پیونـد آزمایشـی قلب ثانوی به عنوان باپیاس قلب چپ و گزارش آن درکنگره بین المللی بارسلون (اسپانیا) . ۱۹۷۵ انتساب به ریاست بیمارستان آموزشـی دانشگاهی شلوس پارک کلینیـک برلین شـروع جراحی عمـومی، قفسه سـینه و عروق دراین بیمارسـتان وتـدریس در دانشـگاه. ۱۹۹۰ اهدای مدال شایسـتگی آلمـان فـدرال برای کارهـای تحقیقـاتی. ۱۹۹۳ بازنشسـتگی و ترک بیمارستان شـلوس پـارک کلینیـک. ۱۹۹۵–۹۹ریاست کانون پزشـکان، دندانپزشـکان و داروسـازان ایرانی در برلیـن. ۱۹۹۹ دریـافت مـدال نـور تـدریس پس از بیست سـال تـدریس جراحی در دانشـگاههای آلمان. تاحال بیش از ۳۰۰ سـخنرانی، انتشـارات در مجلات علمی ملی و بین المللی و مقالات در کتابهای مختلف و آخرین انتشار کتابی بنام دانشـنامه جراحی به زبان فارسـی که در تهران در نشـریه علمی بچاپ رسـیده است. از دو ازدواج دارای دو پسـر ویک دختر است . از ۱۹۹۰ کمک به بیمارسـتان ولی العصـر زنجان وسخنرانی برای پزشکان جوان .اهدای میکروسکوپ اطاق عمل برای اعمال جراحی چشم در زنجان

ناصری، مسلم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسلم ناصری

محل تولد : کاشمر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۶/۱

زندگینامه علمی مسـلم ناصـری در تابسـتان سال ۱۳۵۱ در روسـتای بنـده قرا از توابع شهرسـتان کاشـمر خراسـان رضوی به دنیا آمد دوران ابتدایی را تمام کرد و بعد پا به شهرسـتان گذاشت و با گرفتن مدرک سیکل، شوق قم وی را فرا گرفت. برای ادامه تحصـیل به قم هجرت کرد. ابتـدا در مـدرسه معصومیه مشـغول به تحصـیل شـد و در کنـار علوم حوزوی در رشـته ادبیات داسـتانی شـروع به مطالعه کرد و پس از مدتی هم علوم روز را ادامه داد و مدرک دیپلم گرفت و همگام با علوم حوزوی در دانشگاه هم ادامه تحصیل داد+ اما چون علاقه وافری به ادبیات داشت در بخش ادبیات کودکان و نوجوانان با جدیت مطالعه می کرد و می نوشت که حاصـل آن نزدیـک به پنجـاه کتاب است که برخی از آنها جوایز معتبری را کسب کرده انـد. مثل کتاب سال جمهوری اسـلامی برای مسافر شهرهای بی نشان. برگزیده نخست بیست سال داسـتان عاشورایی و برگزیده ویژه همایش برای کتابهای سردار تنها و سروها ایستاده می میرند و آن شب ، آن سـردار، برگزیده نخست جشـنواره دوسالانه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برای کتاب آخرین بازمانده برگزیده کتاب سال حوزه و... اکنون وی با اتمام کارشناسـی ارشد رشـته تاریخ اسـلام خود در دانشـگاه شهید بهشتی قصد دارد برای مقاطع بعـدی ادامه دهـد. در کنار تحصـیل مـدت سه سال که سـردبیر مجله ملیکا برای کودکان است که سراسـری پخش شود و مدت بیش از ۱۰ سال است که دبیر داستان مجله پوپک است.َ.

ناطق اصفهانی، میرزا صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۳۵/ ۱۲۳۰ ق)، شاعر. اصل او از ترکان اهل اصفهان بود. مادرش به مدینه طیبه نسبت داشت. وی مدتی در خوزستان و آذربایجان به سیاحت پرداخت و مداح بزرگانی همچون محمدعلی میرزا دولتشاه، فرزند فتحعلی شاه بود و در ۱۲۲۸ ق مقدمه‌ای بر «دیوان» شعر وی نوشت. ناطق در فن ماده تاریخ قدرتی عجیب داشت، مشهور است که عدد ابجدی هر یک از مصراعهای اکثر قصادیش، ماده تاریخ سال یکی از وقایع می‌باشد. به آورده‌ی «الذریعه» وی کتابی به نام «بحرالالفاظ» در این فن دارد که مشتمل بر جداول و ماده تاریخ‌هایی است که به فتحعلی شاه قاجار تقدیم کرده است. از دیگر آثار وی: قصیده‌ای در تاریخ اتمام تذهیب ایوان و گنبد مطهر حضرت معصومه (س)، مشتمل بر ستایش آن حضرت و مدح فتحعلی شاه و توصیف گنبد مطهر و حاوی شصت و دو بیت که عدد ابجدی هر مصراع، مطابق عدد همان سال مذکور می‌باشد؛ قصیده‌ای در تاریخ اتمام تعمیرات مدرسه‌ی فیضیه‌ی قم، که به دستور فتحعلی شاه در ۱۲۱۷ ق انجام گرفت، که شماره‌ی ابیاتش نوزده بیت و عدد ابجدی حروف هر مصراع آن نیز مطابق عدد سال ۱۲۱۷ ق می‌باشد؛ «دیوان» شعر.[۱]

میرزا صادق ناطق اصفهانی (ف. ۱۲۳۰ ه.ق) از شاعران قرن سیزدهم هجری قمری است که در ماده‌ی تاریخ گویی دست داشت. قصیده‌ای در تاریخ اتمام تذهیب ایوان و گنبد مطهر حضرت معصومه که به سال ۱۲۱۸ ه.ق که به فرمان فتحعلی‌شاه قاجار صورت گرفت انشاد کرده که مشتمل بر ستایش آن مخدره‌ی معظمه و مدح خاقان و توصیف گنبد مطهر و حاوی ۶۲ بیت بوده که عدد ابجدی هر مصراعی مطابق عدد همان سال مذکور می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] دویست سخنور (۴۲۴ -۴۲۱)، الذریعه (۱۱۵۹ -۱۱۵۸/ ۹)، ریحانه (۱۲۱ -۱۱۱/ ۶)، سفینهٔالمحمود (۳۳۸ -۳۳۷/ ۱)، طرائق‌الحقائق (۲۵۳ -۲۵۲ / ۳)، فرهنگ سخنوران (۹۱۳)، گلزار جاویدان (۱۵۹۵ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ناطق اصفهانی)، مجمع‌الفصحا (۱۰۸۸/ ۶)، مصطبه‌ی خراب (۱۹۵)، موادالتواریخ (۵۸۵ -۵۷۶).

ناطق تبریزی، ناصح

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۳ -۱۲۸۴/ ۱۲۸۰ ش)، مترجم، نویسنده و شاعر. در تبریز به دنیا آمد. پدرش از وکلای دادگستری و از مشروطه‌خواهان بود. ناطق پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در زادگاهش جهت ادامه‌ی تحصیل به اروپا رفت و موفق به اخذ درجه‌ی مهندسی در رشته‌ی راه و ساختمان شد. پس از بازگشت به ایران به استخدام وزارت راه و ترابری درآمد و مدت هشت سال مدیر کل سازمان راه‌آهن و نیز مدتی عضو شورای عالی سازمان برنامه و بودجه بود و در ضمن عضویت هیأت مدیره شرکت ساختمانی اتکو را، که از کارهای مهم آن ساختمان سد کرج و سد سپیدرود بود، به عهده داشت. وی همچنین به زبان‌های آلمانی، انگلیسی، فرانسه و عربی مسلط بود. از تألیفات وی: «زندگی مانی و پیام او». از ترجمه‌های وی: «آدمک حصیری»، «جنایت سیلوستر بونارد»، «شاهزاده خانم»، «آنژلیکا»، «ژانو و کولن»، «سپید و سیاه»، «میکرو میگاس».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۶۳۸ -۶۳۵/ ۳)، سخنوران نامی معاصر (۳۵۹۱ -۳۵۸۹/ ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۰۹، ۲۰۷۷، ۱۹۹۲، ۱۹۳۵: ۱۸۸۶/ ۲، ۱۳۶۴ -۱۳۶۳، ۱۰۵۳، ۲۶/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۸ -۴۹۷/ ۶).

ناطق زرقانی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۴ -۱۲۵۵ ش)، شاعر، متخلص به ناطق. در قصبه زرقان به دنیا آمد. وی مردی درویش مسلک بود، در اندک زمانی میراث پدری را از دست داد و جلای وطن کرد و به گردش و سیاحت مشغول شد. در ۱۲۸۷ ش به شیراز رفت و در آنجا درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر، متجاوز از چهار هزار بیت. از اوست:

آن نه خال است مگر هندوی کافر کیش است

که بلای دل هر گوشه‌نشین درویش است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۲۳ -۶۲۲/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۹۱۴).

ناطق شیرازی، مسیحا

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به ناطق. وی اشعاری نیکو می‌سرود و خط نستعلیق را خوش می‌نوشت، ولی با وجود وفور هنر و کمال روزگارش به سختی می‌گذشت. ناطق در زمان تألیف «تذکره‌ی نصرآبادی» (۱۰۸۳ ق) دوران پیری خود را

می‌گذرانید. مهدی بیانی در «احوال و آثار خوشنویسان» از قول محمدصالح اصفهانی (م ۱۱۲۶ ق) می‌گوید که ناطق جزو کاتبانی بوده که پس از میرعماد و در زمان ابوتراب اصفهانی (م ۱۰۷۲ ق) می‌زیسته است. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۰۴/ ۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۲۴ -۶۲۳/ ۵)، الذریعه (۱۱۶۰ -۱۱۵۹/ ۹)، لغت‌نامه (ذیل/ ناطق).

ناطق قهپایی اصفهانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به ناطق. در قهپایه به دنیا آمد و در اصفهان نشو و نما یافت. در زمان شاه عباس دوم (۱۰۷۷ -۱۰۵۲ ق) می‌زیست. مـدتها در یکی از محلات اصـفهان، معلم بود و نزدیک به دویست نفر شاگرد به مکتب او می‌آمدند. وی در سـرودن شعر از اشـعار قـدما، به ویژه خاقانی پیروی می‌کرد. ناطق در اواسط عهـد شاه عباس دوم (۱۰۷۷ -۱۰۵۲ ق) درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تـذکره‌ی روز روشن (۷۹۶ -۷۹۵)، تذکره‌ی نصـرآبادی (۴۰۴)، الـذریعه (۱۱۶۰/ ۹)، ریحـانه (۱۱۰/ ۶)، فرهنگ سخنوران (۹۱۴)، لغت‌نامه (ذیل/ ناطق اصفهانی).

ناطق، سعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی متالورژی، دانشکده: مهندسی متالورژی، دانشگاه: صنعتی شریف

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ناطق، سعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر سـعید ناطق متولد ۱۳۲۴ ش در تهران دارای دکترای رشـته متـالوژی و عضویت هیئت علمی دانشـگاه صـنعتی شـریف با درجه دانشـیار می باشـد. وی دارای تحقیقـات وآثـار پیرامـون مهندسـی مـواد و الیاژهـا میباشـد.گروه : فنی و مهندسیرشـته : مهندسـی متالوژیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر سعید ناطق دارای کارشناسی رشته مهندسی مواد از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته مندسی مواد ازدانشـگاه تهران و دکترای رشـته متالوژی آلیاژها از دانشـگاه نیویورک میباشد.خاطرات و وقایع تحصیل : تحصیل در رشـته متـالوژی و اخـذ مـدرک دکترای در آن رشـته از مقـاطع مهم و تعیین کننـده در زنـدگی علمی دکتر سـید علیمیرعشـقی بوده است.فعالیتهای ضـمن تحصـیل : دکتر سـعید ناطق د ر کنار تحصـیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقـایع میانسـالی : دکتر سـعید ناطق پس از اخـذ مـدرک دکتری در رشـته متالوژی به عضویت هیئت علمی گروه متـالوژی در دانشـکده فنی مهندسـی دردانشـگاه صـنعتی شـریف درآمـد. وی هم اکنون با سـمت دانشـیار در آنجا مشـغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر سعید ناطق عضوهیئت علمی و دانشیار گروه متالوژی در دانشکده فنی مهندسی در دانشـگاه صـنعتی شـریف است.فعالیتهای آموزشـی : دکتر سعید ناطق سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه متالوژی در دانشـگاه صـنعتی شـریف به تدریس دروس تخصصی رشته متالوژی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر سعید ناطق در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشـغول است.آرا و گرایشـهای خاص : دکتر سعید ناطق از جمله متالوژیستهاو آلیاژشناسانی است که تحقیقات مفصل و عمیقی درباره مهندسی مواد و الیاژها دارد.

آثار : آلیاژها مهندسی مواد منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

ناطقی استرآبادی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۱ ق)، شاعر. از اهالی استرآباد بود که در ایام جوانی، در زمان اکبر شاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق)، به هندوستان سفر کرد. وی در ۹۹۰ ق با مؤلف «خلاصهٔالاشـعار» به زیارت عتبات عالیات مشرف شد. سپس به بصره رفت و بار دیگر به هند مراجعت نمود. بعد از

مـدتی در راه بـازگشت به ایران درگـذشت و در بنـارس به خاک سپرده شـد. او قصـیده‌ای در مـدح میرزا سـلمان جابری اصـفهانی سروده است. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

حیران شده‌ی روی تو از بیم جدایی

بر هم نزند چشم به حسرت نگران را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۱۶۱/ ۹)، صبح گلشن (۴۹۸ -۴۹۷)، فرهنگ سخنوران (۹۱۴)، کاروان هند (۱۴۱۳ -۱۴۰۶/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ناطقی استرآبادی)، هفت اقلیم (۱۲۱/ ۳).

ناطقی رستمی، علی اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اصغر ناطقی رستمی

محل تولد : --------

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۳۳ وارد حوزه علمیّه مرحوم آیت الله کوهستانی شدم و بعد از سه سال به مشهد مقدّس مشرف شدم و حدود ۵ ـ ۶ سال در آنجا مشـرف بودم. از اواخر سال ۴۳، بعد از فوت مرحوم آیت الله بروجردی مشـرف شدم به نجف اشـرف و ۵ ـ ۹ سال در آنجا مشرف بودم و اصول مرحوم «آقا میرزا باقر زنجانی» و مدت چهار سال خارج مکاسب مرحوم امام (خمس) و مدّت شش سال خارج فقه مرحوم «شهید سید محمد باقر صدر» را تلمذ کردم تا اینکه سال ۱۳۵۱ حزب بعث ما را بیرون کردند.

مـدّت دو سـال درس مـدرسه عـالی قضـایی را خوانـدم. با اینکه توان قضایی داشـتم برای احتیاط دو سال هم دوره دیـدم و مـدرک لیسانس به حقیر دادند و یکسال دانشـگاه شـهید چمران اهواز تدریس معارف و یکسال و خرده ای هم دانشگاه آزاد اراک مشـغول بودم (بـا مـدرک فوق لیسانس حوزوی). تمام ابواب وسایل مسـتدرک الوسائل و فروع کافی را معجم (فهرست الفبایی) کردم. طب گیاهی را نزد آقای آل اسحاق خواندم و تمام ۷ جلد ترجمه قانون ابن سینا را فهرست الفبایی کردم. فعلاً مطابق طب سنتی یا گیاهی مریض می بینم. البته بعـد از پایـان دوره قضـایی دو سـال هم قاضـی در تهران و دادگستری قم بودم تا مریض شـدم و بـدین علت از قضاوت استعفا دادم.

ناطقی، غلامحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلام حسین ناطقی

محل تولد : بامیان

شهرت

تابعیت : افغانستان

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب غلام حسین ناطقی تبعه افغانستان در سال ۱۳۵۴ شمسـی در خانواده مذهبی دیده به جهان گشودم و پس از دوران کودکی به دلیـل تعطیـل بودن مـدارس دولتی به خـاطر انقلاب به مکتب خانه رفتم و در مـدت ۴ - ۵ مـاه حضـور در آن، افزون بر آموزش روخوانی قرآن کریم، بر خواندن متون فارسـی نیز تسلط پیدا کردم به گونه ای که به راحتی می توانستم هر متن فارسی را بخوانم به همین دلیل مورد تشویق معلم و بستگان به ویژه خانواده ام قرار گرفتم و آنان تشویق نمودند که طلبه بشوم ولی به خاطر تعطیل بودن مدرسه علمیه ای که در محل سکونت ما بود و نیز کم بودن سنم که مانع رفتنم در جای دیگر می شد؛ چند سالی نتوانستم به مدرسه علمیه بروم.

در سال ۶۸ شمسـی مـدرسه علمیه «محمـدیه» در نزدیک محل منطقه سـکونت ما احیاء شـد و من از فرصت اسـتفاده نموده و به این مدرسه رفتم و به آموزش صـرف و برخی از کتابهای جامع المقدمات مثل: (عوامل فی النحو و ملامحسن) مشغول شدم ولی به دلیل نبود امکانات به ویژه در دسترس نبودن اسـتاد، اکثر ایام این مدرسه تعطیل بود. لذا در سال ۱۳۶۹ تصمیم گرفتم که به مدرسه علمیه «بلخـاب» بروم و در آنجـا ادامه تحصـیل بـدهم. پس از مسافرت به این مـدرسه و مـدتی تحصـیل دریافتم که متاسـفانه وضـعیت این

مدرسه نیز بهتر از مدرسه محل سکونت من نیست لذا بر آن شدم که به جمهوری اسلامی ایران بروم و در حوزه علمیه قم به فراگیری علوم اسلامی بپردازم .

به همین منظور در اواخر پاییز ۱۳۷۰ شمسی عازم جمهوری اسلامی ایران شده و پس از ورود به جمهوری اسلامی ایران و حضور در مرقد مطهر ثامن الائمه حضرت امام رضا به قم آمده و در حوزه علمیه مشغول تحصیل شدم. مدت دو سال به صورت آزاد درس خواندم و در سال ۱۳۷۳ در آزمون پذیرشی مرکز جهانی علوم اسلامی شرکت کرده و پذیرفته شدم. پس از قبولی دراین مرکز، مدت دو سال به همان شیوه سنتی (یعنی تمرکز دوره فقه و اصول) تنها و غافل از سایر علوم مورد نیاز یک روحانی و مبلغ تعالیم عالیه اسلام، ادامه تحصیل دادم ولی به این نتیجه رسیدم که این شیوه کارآیی کمتری دارد و نمی توانـد پاسخگوی تمام نیازهای جامعه امروزی مسلمانان بوده باشد.

لذا در سال ۱۳۷۵ با توجه به سامان یابی آموزشی مرکز جهانی علوم اسلامی و هدایت بخشی از طلاب به مدارس علمیه، به مدرسه علمیه مومنیه رفته و سطح دوم حوزه را تا سال ۱۳۷۸ به پایان رساندم. در همین سال آزمون کارشناسی ارشد در رشته «علوم قرآن و حدیث» از سوی مرکز جهانی برگذار شد و در آن شرکت کرده و پذیرفته شدم. پس از این، به مدرسه عالی امام خمینی انتقال یافتم و در آنجا ادامه تحصیل دادم و سطح سه را در این مدرسه به پایان رسانده و در سال ۱۳۸۴ از پایان نامه خود تحت عنوان: «بررسی آرای شرق شناسان پیرامون گزارشات تاریخی قرآن» با درجه عالی دفاع نمودم و اکنون در سطح چهار حوزه مشغول به تحصیل می باشم.

ضمن اشتغال در دروس حوزه، در امتحانات دروس کلاسیک شرکت و به صورت جهشی امتحان داده و دیپلم خود را در رشته معارف اسلامی گرفتم. مدتی است که دست به قلم نیز هستم و در برخی از همایش های علمی پژوهشی شرکت کرده ام از جمله: اولین همایش ملی پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه که مقاله «واقع نمایی زبان قرآن در گزاره ها تاریخی» را ارائه دادم و از مقالات برتر شناخته شد و حق ارائه یافتم و آن را در کمیسیون تخصصی «قرآن و جامعه شناسی» ارائه و به سوالات اساتید پیرامون آن پاسخ دادم.

ناظر بستی، زین‌العابدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. اهل بست، از قرای کردستان است. بیشتر اشعارش غزل می‌باشد و به سبک صائب تبریزی شعر می‌سروده است. از آثار وی: «دیوان» شعر، مشتمل بر سه هزار بیت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه‌ی امان‌اللّهی (۴۲۰ -۴۱۳)، حدیقهٔالشعراء (۱۸۲۵ / ۳)، الذریعه (۱۱۶۱ / ۹)، گلزار جاویدان (۱۵۹۷)، مجمع‌الفصحا (۱۰۸۳/ ۶).

ناظر عدل، کامبیز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: دامپروری، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد دامپروری از آلمان در سال ۱۳۴۳، دکترای دامپروری از آلمان در سال ۱۳۴۶.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۶، دانشیار دانشگاه تبریز در سال ۱۳۵۰، استاد دانشگاه تبریز از سال ۱۳۶۹ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

استفاده از پروتئین Saccharomyees cereviceae به عنوان مکمل پروتئینی در تغذیه جوجه‌های گوشتی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اغلب کتب در زمینه دامپروری است از جمله پرورش طیور، بز، شتر، کرم ابریشم و غیره.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۹، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

اغلب در رابطه با مسائل طیور.

آثار دیگر:

۱ اثرات استفاده از برخی از الکترولیت ها در آب آشامیدنی بر عملکرد جوجه های گوشتی تحت شرایط تنش گرمایی/

ویژگی اثر : مقاله

۲ نژادها، نگهداری و ناهنجاریهای ارثی در بز

ویژگی اثر : تالیف کامبیز ناظر عدل. انتشارات جهاد دانشگاهی ، ۱۳۶۹.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ناظر کازرونی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به ناظر. در زمان شاه عباس اول (۱۰۳۸ -۹۹۶ ق)، در شیراز سکونت داشت و پس از تحصیل علوم رایج زمان، عمر خود را به ریاضت و عبادت گذراند. از مشایخ سلسلهٔ نور بخشیه و مرید مولانا عبدالرحیم بن یوسف دماوندی بود. شیخ محمد اسماعیل بن شیخ عبدالغنی شیرازی از مریدان وی بود. صاحب «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس» سال مرگ او را قبل از ۱۳۱۳ ق می‌داند. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۳۲۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۲۸ / ۵)، الذریعه (۱۱۶۱ / ۹)، ریاض‌العارفین (۱۵۶)، طرائق‌الحقائق (۳۴۶، ۱۶۳/ ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۴۳۹/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۹۱۵).

ناظرزاده کرمانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند آقا محمد ناظر در ۱۲۹۶ تولد یافت و از دانشکده ادبیات تهران لیسانس گرفت. مدتی در وزارت کشور شاغل بود و آخرین سمتش در آن وزراتخانه معاونت فرمانداری تهران بود. از اهم مشاغل او شهرداری کرمان می‌باشد.

در انتخابات دوره شانزدهم که در ۱۳۲۸ انجام یافت ناظرزاده از طرف سیرجان وکیل شد و در دوره هفدهم نیز این سمت را احراز کرد و با جبهه ملی نزدیک شد و جزو فراکسیون جبه ملی در مجلس بود و قلما و قدما حکومت مصدق‌السلطنه را تأیید می‌کرد. بعد از مرداد ۱۳۳۲ از وکالت عزل و تحت تعقیب فرمانداری نظامی وقت قرار گرفت و به قلعه فلک‌الافلاک تبعید شد. یک قسمت از این تبعید مولود اختلافی بود که بین او و فرماندار نظامی تهران که در آن تاریخ سرتیپ فرهاد دادستان بود وجود داشت و گویا مورد هتک و حرمت هم شده و در حضور جمع او را مضروب ساخته بودند. سرتیپ مزبور با تلاش فراوان فرماندهی لشکر کرمان را برای خود دست و پا کرده بود، ولی چون وجهه زیادی نداشت و قوم و خویش نزدیک شاه بود ناظرزاده از این انتصاب جلوگیری و ابلاغ فرماندهی لشکر او را لغو ساخته، همین موضوع بعدا دردسر شدیدی پیش آورد.

دکتر ناظرزاده در ۱۳۳۱ درجه دکترای زبان و ادبیات از دانشگاه تهران گرفت و در دانشکده ادبیات و دانشکده معقول و منقول تدریس می‌نمود. وی نویسنده و شاعر بود و غیر از روزنامه شهرآشوب که مدتی در تهران انتشار می‌داد در روزنامه‌های مختلف مقاله می‌نوشت. ابتدا بیشتر مقالاتش جنبه سیاسی داشت بعد سلسله مقالاتی در ادبیات و عرفان و مسائل تحقیقی تاریخی به رشته تحریر درآورد. سبک و انشاء روان و ذوق ادبی و تاریخی به نوشته‌های او شیرینی خاصی می‌داد و گاهی با طنز و مطایبه همراه بود و خواننده را به تحسین وامی‌داشت. ناظرزاده کرمانی در آخر عمر از حلیه بینایی محروم شد و بیماری‌های مختلف گریبان او را گرفت و در حدود ۶۰ سالگی وفات یافت. مردی خوش خلق، خوش طینت، فاضل و محقق ساده دل، نیک فطرت و خوش محضر بود. گاهی شعر می‌سرود و اشعارش هم دلنشین و مضامین شیرین در برداشتند.

(۱۳۵۵ -۱۲۹۶/ ۱۲۹۲ ش)، نویسنده، شاعر، استاد دانشگاه و روزنامه‌نگار. در کرمان به دنیا آمد. وی تحصیلات مقدماتی را نزد پدر و تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش و تهران به پایان برد و از دارالفنون در رشته‌ی ادبی فارغ‌التحصیل شد و به موازات علوم جدید، علوم قدیم و فقه و عربی و فلسفه را نیز آموخت. ناظرزاده رشته‌ی علوم سیاسی را در دانشکده‌ی حقوق گذراند و سپس موفق به اخذ لیسانس عالی گردید. وی درجه‌ی دکترای خود را در رشته‌ی ادبیات فارسی اخذ نمود و رساله‌اش را در «شرح حال و آثار عمادالدین علی فقیه کرمانی» نوشت. سپس از طرف دانشگاه تهران به پاریس مأمور شد و توانست در این مأموریت، دوره‌ی دکترای جامعه‌شناسی ادیان را نیز در دانشگاه سوربن به پایان برساند و رساله‌ی خود را در «تحقیق درباره‌ی مذهب جعفری» زیر نظر پروفسور هانری درش بنویسد. وی از ۱۳۳۵ ق تدریس در دانشگاه تهران را آغاز کرد و در ۱۳۴۱ ش با سمت نمایندگی ایران در کنگره مؤتمر اسلامی شرکت کرد. ناظرزاده در کار مطبوعاتی نیز دست داشت و مقالات متعددی در روزنامه‌ها و مجله‌های داخلی و خارجی چاپ می‌کرد و مدتی معاون مجله‌ی «ایران امروز» و چندی هم سردبیر مجله‌ی «سلامت فکر» بود و زمانی نیز روزنامه‌ی «شهر آشوب» را شخصاً منتشر کرد. وی در طول خدمات دولتی عهده‌دار مشاغلی چون: شهردار تهران، پیشکار دارایی کرمان، بازرس استانداری کرمان و کفیل استانداری تهران بود. وی بر اثر بیماری قند نابینا شد و سرانجام بر اثر سکته درگذشت. از دیگر

آثار وی: «آوازهای جوانی»؛ «اختر»؛ «برفراز سیحون»؛ «دختر شامگاه»؛ «رقص به سه خنجر»؛ «شام شوم»؛ «آفات قرن»، شعر؛ «دیوان» شعر.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات نوین (۲۶۵)، بنیاد نمایش در ایران (۷۸)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۵۱۵ -۵۱۰)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۱۱۳۱)، دیوان اشعار مذهبی (مقدمه/ نه- چهارده)، الذریعه (۱۱۶۱/ ۹)، روزشمار تاریخ ایران (۱۷/ ۲)، ستارگان کرمان (۳۸۸ -۳۸۲)، سخنوران نامی معاصر (۳۵۹۶ -۳۵۹۲/ ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۱۸۹، ۲۰۷۵، ۱۷۳۷/ ۲ ، ۱۳۶۲، ۱۳۳۷، ۱۰۴۷، ۴۸۴، ۲۶۴، ۱۲۹، ۶۹، ۴۳/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۷۵ -۴۷۴/ ۱).

ناظم الشریعه، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج سید محمد شاه معروف بناظم الشریعه بهبهانی رضوان‌الله علیه ابن شاه محمد طاهر بن شاه محمد زمان بن شاه محمد امین بن شاه علیرضا بن شاه ابوطالب بن شاه نسیم بن شاه شجاع بن شاه ابوطالب بن شاه شمس الدین ابن سید الفاضل العالم العامل قطب الاقطاب و غوث الاغیاث السید عبدالوهاب الشهیر بشاه بابای ولی بن عبداللطیف بن حسید بن احمد ابن عبد الوهاب بن صدرالدین بن علی القاضی بن مسعود بن سعید بن احمد بن کثیر بن رفاعی بن علی ابن یحیی بن ثابت بن الخادم بن علی بن حسین المهدی بن محمد بن الحسین الوصی بن احمد بن الموسی الثانی بن ابراهیم المرتضی بن الامام الهمام الکامل العالم ابوابراهیم موسی الکاظم علیه التحیه والسلام.

معظم له اعلم علماء بهبهان کهف العلماء ابوالأرامل والایتام عالمی ربانی و فاضلی صمدانی بود نزدیک یکصد سال از عمر مبارکش رفته بود که نگارنده (در سال ۱۳۷۰ قمری) بفیض زیارتش رسیدم و ده روز در منزلش منبر رفتم.

وی از شاگردان مبرز مرحوم حاج شیخ هادی تهرانی و آخوند خراسانی صاحب کفایه و علامه طباطبائی یزدی بود اجازه‌ای مرحوم آخوند برای ایشان نوشته بود که از حیث مضامین و القاب بی‌نظیر بود.

بسیار جلیل‌القدر و بزرگوار نقیب‌النقباء و شریف الشرفاء و سید السادات و الاجله بود. در شب تاسوعا سیدی از خاندان آن مرحوم خوابی عجیب دید و آمد برای من بگوید گفتم برویم خوابت را در حضور حضرت آیه‌الله ناظم الشریعه بگو خدمت ایشان رفته آن شخص گفت دیشب در خواب دیدم جنازه‌ای را میان زمین و آسمان تشییع میکنند و جن و انس و ملائکه در تشییع او شیون مینمایند. پرسیدم این جنازه از کیست؟ گفتند از حضرت جبرئیل علیه‌السلام من در خواب بنا کردم بسر زدن و گفتم مگر قیامت برپا شده که جبرئیل از دنیا رفته در این انقلاب بودم که از خواب بیدار شدم.

من گفتم تعبیرش ایسنت که یکی از علماء بزرگوار از دنیا میرود. مرحوم ناظم الشریعه فرمود منهم همین تعبیر را کردم آنگاه گفت مرا باطاقم ببرید، زیر بغل ایشان را گرفته و باطاق مخصوصش بردند و کسی را دیگر نپذیرفت تا شب دوازدهم محرم که باجداد کرام ملحق شد. پس عموم بهبهان و قنوات تعطیل و دولت و ملت در مرگش عزادار و مراسم تشییع او را با سبک عجیب و طرز بی‌نظیری انجام و پس از نماز در مصلای بهبهان که می‌بینید در یکی از مزارات بهبهان امانت گذارده و تا چهل شبانه روز در تمام بهبهان عزا و مجالس فاتحه برقرار شبها زنان بهبهان بحالت جمعی در کوچه‌های شهر حرکت و شیون کنان بسر قبر او رفته ماتمسرائی میکردند و اغلب منابر و مجالس فاتحه او را نگارنده اداره کردم.

در مراسم نمازش که فرزند بزرگش آیه‌الله حاج سید محمد حسین (در زیر دائره) خواندند نگارنده در کنار فرزند دومش آیه‌الله آقا سید محمد هادی بعلامت ایکس دیده میشوم، و پس از چند سال جنازه او را بیرون آورده و حمل بنجف و در جوار حضرت علی علیه‌السلام بخاک سپردند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ناظم الشریعه، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمد حسین و حاج سید محمد هادی معروف به حاج سید آقا از علماء مبرز بهبهان بودند که پس از خواندن سطوح در نزد والد بنجف اشرف مهاجرت کرده و از محضر مرحوم آیه‌الله نائینی و آیه‌الله عراقی و آیه‌الله العظمی آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی (که اصلا بهبهانی بودند و باصفهانی شهرت یافتند چنانچه آیه‌الله العظمی وحیدهم اصلا اصفهانی و از احفاد و خاندان علامه مجلسی رحمه‌الله علیه بودند و به بهبهانی معروف گشتند) استفاده نموده آنگاه بوطن مراجعت و باقامه جماعت و خدمات دینی پرداخته تا هر دو نیز از دنیا رفتند.

یکی از شاگردان مبرز مرحوم آیه‌الله ناظم‌الشریعه آیه‌الله العظمی حاج سید علی بهبهانی اهوازی بود که ترجمه‌اش در ذکر اهواز گذشت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ناظم تبریزی، محمدصادق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به ناظم. معروف به صادقا. اهل تبریز و ساکن عباس‌آباد اصفهان بود. در اصفهان با کلیم همدانی ملاقات داشت و گویند رفاقت و مصاحبتشان دو سال به طول انجامید، تا آنکه در ۱۰۳۰ ق کلیم به هند و ناظم به مکه معظمه رفت و در آنجا منزوی شد و اوقاتش را صرف عبادت و مجالست اهل دین کرد. سپس در زمان شاه عباس اول (۱۰۳۸ -۹۹۶ ق) به هند سفر نمود. به آورده‌ی «کاروان هند» از «لطایف الخیال»، تتبع از اشعار عرفی، سبب شهرت وی شده است. وی چند سال قبل از تحریر «تذکره‌ی نصرآبادی» (تألیف شده در ۱۰۸۳ ق) درگذشته است و نصرآبادی «دیوان» شعر ناظم را که مشتمل بر شش هزار بیت بوده، دیده است. از آثار وی: «نظم گزیده» یا «تذکره‌ی ناظم تبریزی»، در شرح حال شعرا، که به نام شاه عباس، اول در ۱۰۳۶ ق نوشته شد، مثنوی «فیروز و شهناز»؛ «دیوان» شعر. برخی تذکره‌ها مثنوی «فیروز و شهناز» وی را به صورت «فیروز و شهباز» آورده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۳۸۸ -۳۸۱/ ۱)، تذکره‌ی روز روشن (۷۹۷ -۷۹۶)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۶۵۰ - ۶۴۴ / ۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۱۲ -۴۱۱)، دانشمندان آذربایجان (۳۶۹)، الذریعه (۲۲۴ / ۲۴ ،۴۰۱ / ۱۶ ،۱۱۶۲ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۱۷)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۲۵۶۵/ ۳)، کاروان هند (۱۴۱۶ -۱۴۱۳/ ۲)، گلزار جاویدان (۱۵۹۸/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ناظم تبریزی)، منظومه‌های فارسی (۵۷۶ -۵۷۵).

ناظم شیرازی، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، طبیب و شاعر، متخلص به ناظم. ملقب به نقیب‌الممالک و ناظم‌الشعراء. میرزا مهدی معلومات اولیه را از پدرش آموخت و در حکمت و طبابت مهارت داشت. معتمدالدوله فرهاد میرزا لقب ناظم‌الشعرایی به وی داد. داور (م ۱۳۲۵ ق)، صاحب «مرآت‌الفصاحه»، با وی ملاقات داشت. ناظم بعد از فوت پدرش به اصفهان رفت. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۲۶۳)، حدیقةالشعراء (۱۸۲۸ -۱۸۲۶/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۳۲ -۶۲۹/ ۵)، الذریعه (۱۱۶۲/ ۹)، طرائق‌الحقائق (۴۶۳/ ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۸۰ ،۹۵۷/ ۲)، مرآت‌الفصاحه (۶۴۰ -۶۳۸).

ناظم فیروزآبادی میبدی یزدی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به ناظما. مردی روشن مشرب بود. مدتی به هند رفت و در ۱۰۶۵ ق به ایران بازگشت. چندی در اصفهان ساکن و با نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) معاصر و معاشر بود، سپس به یزد رفت. در قصبه‌ی فیروزآباد به عزلت و فراغت زندگی می‌کرد و در همان جا درگذشت. صاحب «جامع مفیدی» نام وی را به صورت نظامای فیروزآبادی آورده است. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

سرو از پای درافتاده، چمن را چه کند

آدمی زاده‌ی بی‌چیز وطن را چه کند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۰۴)، جامع مفیدی (۴۵۵ -۴۵۴/ ۳)، الذریعه (۱۱۶۴/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۱۶) کاروان هند (۱۴۱۶/ ۲).

ناظم هروی، فرخ حسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به ناظم. در هرات به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت. در خدمت فصیحی هروی فن شاعری آموخت، وی پس از کسب دانش و ادب به دربار حسن خان شاملو، بیگلربیگی خراسان پیوست و طرف توجه و عنایت خاص عباسقلی خان، پسر حسن خان که از طرف شاه سلیمان (۱۱۰۵ -۱۰۷۷ ق) بیگلربیگی اصفهان بود، قرار گرفت و تقرب و اعتبار بسیار پیدا کرد و به دعوت و تشویق خان مذکور به نظم یک مثنوی به نام «یوسف و زلیخا» پرداخت. وی معاصر نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) بود و با او مکاتبه داشت. دکتر صفا در حاشیه «تاریخ ادبیات در ایران» به نقل از داوودقلی آورده که ناظم در ۱۰۷۶ ق،

یعنی یک سال قبل از اتمام کتاب «قصص الخاقانی»، شصت ساله بوده است. شیرعلی خان لودی، صاحب «مرآةالخیال»، گوید که چندی با برادرانش در جهانگیرنگر که ناظم در آنجا عزلت گزیده بود، شاگردی او را کرده و مختصری از مقدمات را نزد وی آموخته است و در ادامه آورده که ناظم در ۱۰۶۸ ق درگذشته است. در «الذریعه» نیز تاریخ فوت وی ۱۰۷۲ یا ۱۰۸۱ ق ذکر شده است. ناظم علاوه بر سرودن قصیده، غزل و مثنوی در ساختن معما نیز مهارت داشت. از آثارش: مثنوی «یوسف و زلیخا»، به تقلید از «یوسف و زلیخا» جامی و بر همان وزن، که در ۱۰۵۸ ق آغاز و در ۱۰۶۲ یا ۱۰۷۲ ق پایان یافته است؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۷۶ -۷۷۴/ ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۷۰ -۱۲۶۶/ ۵)، تذکره‌ی روز روشن (۷۹۹ -۷۹۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۴۰ ،۳۳۱ -۳۳۰)، الذریعه (۳۴۹ -۳۴۸/ ۱۹ ،۱۱۶۴ -۱۱۶۳/ ۹)، ریحانه (۱۲۴/ ۶)، سرود آزاد (۱۰۵)، فرهنگ سخنوران (۹۱۶)، لغت‌نامه (ذیل/ ناظم هروی)، مرآةالخیال (۱۲۰)، منظومه‌های فارسی (۵۷۹ -۵۷۷)، مؤلفین کتب چاپی (۸۱۰ - ۸۰۹/ ۴)، نتایج‌الافکار (۷۲۳ -۷۲۲).

ناظم، حبیب الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : دکتر حبیب اله ناظم در سال ۱۳۳۱ در شهر رضا به دنیا آمد بعد از گذراندن دوره متوسطه وارد دانشگاه شد وی دارای مدرک دکترای تخصصی بیوشیمی بالین از دانشگاه تهران است و هم اکنون عضو هیئت علمی در دانشگاه علامه طباطبایی است.

گروه : علوم پایه

رشته : بیوشیمی

گرایش : بیوشیمی بالینی

والدین و انساب : پدر وی حاج میرزا حسن ناظم و مادر محترمشان سرکار خانم فاطمه الی قی است و برادران وی دکتر سعید ناظم و دکتر احمد ناظم و دکتر ناصر ناظم همگی دارای فوق تخصص جراحی قلب ، دکتر فضل اله ناظم و دکتر منصور ناظم است.

خاطرات کودکی : دکتر ناظم از آن دوران عدم وجود وسائل تفریحی و سرگرمیهای وقت گیر در شهر رضا را عنوان میکند که همین امر باعث شده بود که او و دیگر فرزندان توانستند دروس خود را بنحو احسن فرا بگیرند و جزء شاگردان ممتاز شوند . و در حین و ادامه تحصیل تشویق برادران بزرگتر که در رشته پزشکی تحصیل میکردند بی تاثیر نبود.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : دکتر ناظم در یک خانواده مذهبی که از درآمد مالی برخوردار نبودند پرورش یافت، پدر متدین و مادر مقید به اجرای مراسم ذهبی بودند و بطور مجموع محیط خوبی برای فراگیری علم فراهم می آمد . او می گوید:« مادرم سواد نداشت ولی علاقه زیادی به قرآن داشت و من هم مشغول خواندن آن در یکی دو روز از ایام هفته بودم وقتی گوش فرامیداد و با اینکه مفهوم آن را درک نمی کرد بسیار مشوق میشد »

تحصیلات رسمی و حرفه ای : مدرک دکترای تخصصی بیوشیمی (بیوشیمی پاتولوژِی) از دانشگاه علوم پزشکی تهران

فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر ناظم در دوران تحصیل به امور دارویی و داروشناسی مشغو بود و همواره مصر به آن که شیمی حیاتی را بنحو احسن یاد بگیرد.

استادان و مربیان : دکتر ناظم از محضر اساتید بزرگی مانند دکتر ناصر ملک ، استاد ممتاز دانشگاه در تهران در رشته بیوشیمی استفاده کرده است

همسر و فرزندان : همسر دکتر ناظم سرکار خانم نوشین حقیقی دیپلم علوم تجربی و خانه دار میباشند و تنها فرزند وی مانیا ناظم است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : - مشاور ریاست دانشگاه پیام نور کشور و رئیس منطقه ۳ دانشگاه پیام نور - ریاست دانشگاه پیام نور زرین شهر ۱۳۷۷ - ریاست دانشگاه پیام نور شاهین شهر - راه اندازی دانشگاه پیام نور دولت آباد - معاون آموزش دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد - مدیر گروه زیست شناسی دانشگاه پیام نور - سردبیر مجله علمی پژوهشی پیک ارز علوم - عضو کمیته برنامه ریزی شورای گسترش وزارت علوم - عضو هیئت تحریریه مجله پژوهشی پزشک آزمایشگاه

فعالیتهای آموزشی : دکتر ناظم عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی است وی تدریس در دانشکده پزشکی و پرستاری دانشگاه تهران، تدریس در دانشکده های پزشکی و داروسازی دانشگا آزاد اسلامی ، تدریس در دوره فوق لیسانس دانشکده علوم تغذیه دانشگاه شهید بهشتی ،تدریس در دانشکده بهداشت دانشگاه اصفهان و دوره فوق لیسانس در دانشگاه تربیت مدرس در کارنامه دارد.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : - ساخت مرکز پیام نور شهر رضا که قبلا بنام دانشگاه آزاد واحود شهر رضا نامیده میشد به همت و کوشش دکتر ناظم و برادرانشان و مردم آن منطقه. - ساخت دانشگاه زرین در دوران جمهوری اسلامی که به همت ایشان و فرد نیکوکار ایجاد شد و هم اکنون فعال میباشد. - همچنین دانشگاه پیام نور شاهین شهر و دولت آباد.

جوائز و نشانها : مرد سال ۱۹۹۸ مرکز بین المللی کمریج انگلستان

آثار :

۱ بهداشت و کمکهای اولیه

۲ بیماریهای دهان و دندان

۳ پیش گیری درمان فشار خون

۴ تشخیص سرطان سینه

۵ فارموکولوژی پزشکی

ویژگی اثر : ۱۹۸۸ و ۱۹۸۴

ناظم، علی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی بن علی‌اکبر ایروانی از شاعرانی است و در تذکره‌ی خطی «نامه‌ی فرهنگیان» از او ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۷ -۱۲۸۰ ق)، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. ملقب به ناظم‌الاسلام. در کرمان به دنیا آمد. پس از تحصیل علوم ادبی و عربی، از محضر حاج شیخ ابوجعفر مجتهد، فقه و اصول و از محضر میرزا آقا خان کرمانی، منطق و شرح «اشارات» را آموخت. وی در بیست و هشت سالگی به تهران آمد و در درس میرزای جلوه و سید شهاب‌الدین شیرازی به تحصیل حکمت الهی پرداخت و در حوزه‌ی درس حاج میرزا حسن آشتیانی و حاج شیخ هادی نجم‌آبادی نیز حاضر بود. وی از مشروطه‌خواهان و با جمعی از روشنفکران از جمله سید محمد طباطبایی محشور بود. پس از تأسیس مدرسه‌ی اسلام، توسط سید محمد طباطبایی، میرزا محمد در آن مدرسه ناظم شد و به همین دلیل به ناظم‌الاسلام ملقب گردید. ناظم‌الاسلام در ۱۳۲۵ ق روزنامه‌ی «کوکب دری» یا «کوکب دری ناصری» را در تهران تأسیس و منتشر نمود. او سپس به کرمان بازگشت و در دادگستری به خدمت پرداخت و سرانجام در همان شهر درگذشت و در مقبره‌ی سید علویه به خاک سپرده شد. از دیگر آثار وی: «اصول عقاید»؛ «تاریخ بیداری ایرانیان»، در سه جلد؛ «خلاصهٔالعوامل»؛ «شمس‌التصاریف»؛ «مقامات حریری»، ترجمه؛ «علائم الظهور المهدی الموعود».[۱]

محمد بن علی (و. ۱۲۸۰ ه.ق- ۱۳۳۷ ه.ق)، از فضلا و مؤلفین معروف کرمان و صاحب تاریخ بیداری ایرانیان. در کرمان متولد شد و پس از فراگرفتن مقدمات علوم ادبی پارسی و عربی و فقه و اصول در بیست و هشت سالگی به تهران آمد و به تحصیل حکمت پرداخت و با واقعه‌ی «رژی» و انحصار تنباکو و برخاستن زمزمه‌ی آزادیخواهی در ردیف طلاب تجددخواه درآمد و تاریخ خود را تألیف کرد. بعد از استقرار مشروطیت در کرمان در عدلیه مشغول خدمت شد و در سال ۱۳۳۷ ه.ق در کرمان درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از صبا تا نیما (۱۱۹ -۱۱۸ / ۲)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۹۵ ،۲۶۶ / ۴)، تاریخ بیداری ایرانیان (مقدمه/ هفده- بیست و چهار، ۱۰ -۹)، تاریخ جراید (۱۵۱ -۱۵۰ / ۴)، الذریعه (۳۰۸/ ۱۵ ، ۲۲۰/ ۱۴، ۲۴۲/ ۳)، شرح حال رجال (۱۹۶ -۱۹۵/ ۶ ،۲۷۸/ ۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۳۲۸ ،۲۱۶۳/ ۲ ، ۱۲۸۱ ،۶۷۹ ، ۲۶۰/ ۱) لغت‌نامه (ذیل/ ناظم‌الاسلام کرمانی)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۴ -۶۰۲/ ۵).

ناظمیه، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: باغبانی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تبریز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ناعم، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، شاعر، متخلص به ناعم. وی در رشت به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش و تهران به پایان رساند و در آموزشگاه تخصصی قضایی ثبت به تحصیل ادامه داد و فارغ‌التحصیل شد. سپس به استخدام اداره کل ثبت اسناد درآمد. وی در میان شعرای متقدم ایران به حکیم ناصر خسرو و قبادیانی ارادت و اخلاص کامل داشت. لازم به ذکر است که چون پدرش معروف به مرشد احمد گیلانی صوفی صافی بود و صافی تخلص می‌کرد، به او ابراهیم صافی نیز گفته‌اند. وی قطعاتی در

زمینه خوابهایش سروده و منظومه‌ی «الا ای خوابها»، متجاوز از یکصد و پانزده بیت، یکی از آنها می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۳۶۰۶ -۳۵۹۷/ ۶)، کتاب گیلان (۵۸۷/ ۲).

نافع قمی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی در ابتدا به شغل طباخی مشغول بود، ولی پس از تلاش بسیار، خود را در سلک شاعران قرار داد. در زمان شاه سلیمان صفوی (۱۱۰۵ -۱۰۷۷ ق) می‌زیست و با مولانا عبدالرزاق لاهیجی (م ۱۰۵۱ ق) معاصر و معاشر بود. از آثار وی: «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۳۱۸/ ۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۶۶)، الذریعه (۱۱۶۴/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۱۶).

نامدار جویباری، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس نامدار جویباری

محل تولد : جویبار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عباس نامدار جویباری در سال ۱۳۴۶ هجری شمسی وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از یک سال به حوزه علمیه مشهد مقدس عزیمت نمودم و در مدت پنج سال، سطح مقدماتی و متوسطه را در جوار حضرت ثامن الائمه با استفاده از اساتید به نام آن سامان به پایان رساندم و در سال ۱۳۵۰ هجری شمسی وارد حوزه علمیه قم گردیدم.

پس از اتمام سطح عالی نزد اساتید حوزه علمیه قم، در درس های خارج فقه و اصول اساتید و مراجع عالیقدر شرکت نموده ام و همزمان از محضر اساتید کلام و فلسفه نیز بهره برده ام. ضمن اینکه در تمام طول سنوات تحصیل قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب اسلامی از فعالیتهای مثبت سیاسی غافل نبوده ام .

از سال ۱۳۶۳ هجری شمسی عملا و به صورت آزاد وارد حوزه تدریس در حوزه علمیه قم شدم و ابتدا از اولین کتابهای حوزوی: «جامع المقدمات» شروع به تدریس نموده و در طول سنوات در همه مراحل و پایه های درسی حوزه به تدریس پرداختم و هم اکنون چند سال است که به تدریس درس خارج مشغولم.

نامداری، علی‌محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۸ -۱۲۹۸ ش)، موسیقیدان، خطاط و نقاش. در قم به دنیا آمد. وی از همان کودکی زیر نظر پدرش- که یکی از خوشنویسان بنام بود- تعلیم خط گرفت و سپس نزد حسینعلی خوشنویس این هنر را تکمیل کرد. در نوجوانی به موسیقی علاقه‌مند شد و برای یادگیری آن به محضر حسین هنگ‌آفرین رفت. پس از مدتی در کلاس ابوالحسن خان صبا حضور یافت و نواختن ویولن را نزد آن استاد تکمیل نمود. در ۱۳۱۸ ش کلاس موسیقی تأسیس کرد و در ضمن به ساختن ساز، به ویژه سنتور، روی آورد. وی علاوه بر موسیقی و خوشنویسی، از مینیاتور و تذهیب نیز اطلاع کافی داشت و آثاری از خود باقی گذاشته است. او سالها دبیر خط و نقاشی و موسیقی بود. نامداری در ۱۳۱۹ ش وارد سازمان رادیو شد و ارکستری تهیه کرد و خود سرپرستی آن را به عهده گرفت. وی در نوشتن خط نت مهارت به سزایی داشت و به درخواست روح‌اللَّه خالقی کتاب اول و دوم «تار» را با خط زیبای خود نوشت. از آهنگهای او «سفر برگرد» را می‌توان نام برد که خواننده‌ی آن حسن کاووسی است.[۱]

در تاریخ موسیقی کشورمان هستند بسیار اشخاصی که با تمام بزرگی و والایی، بی‌سر و صدا می‌آیند و در ناکامی به سر می‌برند و در گمنامی و بی‌سر و صدا از این جهان فانی رخت برمی‌بندند و می‌روند. یکی از این اشخاص، هنرمند شایسته شادروان علی‌محمد نامداری بود که به تاریخ ۱۲۹۸ در خلجستان شهرستان قم متولد شد و از همان کودکی زیر نظر پدرش که یکی از خوشنویسان به

نام بود در این رشته از هنر کار کرد و بعد از آن نزد مرحوم حسینعلی خوشنویس این هنر را تکمیل کرد.

در سن چهارده سالگی بود که همراه خانواده به تهران آمد و به موسیقی علاقمند شد و نزد زنده‌یاد استاد حسین هنگ‌آفرین به فراگیری موسیقی و علم آن پرداخت و در سن بیست سالگی بود که به کلاس ابوالحسن‌خان صبا رفت و موسیقی و نواختن ویولن را نزد آن استاد بزرگ و دلسوز تکمیل نمود و خود در سال ۱۳۱۸ در سه‌راه ژاله قسمت شمالی ساختمان مجلس کلاس موسیقی جهت تعلیم و تربیت هنرآموز تأسیس نمود و در ضمن به ساختن ساز بخصوص سنتور روی آورد. علی‌محمد نامداری، علاوه بر موسیقی، خطاطی و نقاشی که آثار متعددی از وی به جای مانده و همگی از استادی و ذوق ظریف و خلاق آن شادروان حکایت می‌نماید، از هنر مینیاتور و تذهیب اطلاع کافی داشت و از جمیع جهات در این رشته استاد بود ولی آن طور که باید و شاید دستگاههای دولتی آن زمان و جو روزگار از این هنرمند بهره نگرفت.

در سال ۱۳۱۹ که تازه رادیو تأسیس یافته بود، وی وارد کار رادیو شد و ارکستری ترتیب داد و سرپرستی آن را به عهده گرفت که آهنگ‌ها و شعرهایی را که خواننده می‌خواند خود می‌ساخت و می‌سرود. علی‌محمد نامداری در نوشتن خط نت مهارت بسزایی داشت و همین امر موجب گشت تا شادروان استاد روح‌اللّه خالقی از ایشان خواست تا کتاب اول و دوم تار بنویسد و او با خط بسیار زیبای خود این خواسته استاد را اجابت کرد.

نامداری سال‌های سال با رادیوهای تهران، ژاندارمری، نیروی هوایی و شهربانی همکاری کرد و هر هفته آهنگ‌ها و ترانه‌هایی برای اجرا در این فرستنده‌ها آماده با ارکستر اجرا می‌کرد. از آهنگ‌های خوب به یادماندنی وی باید از «سفر بر گرد» را نام برد که شهرت بسزایی به دست آورد و خواننده‌ی آن حسن کاووسی بود. علی‌محمد نامداری، سال‌ها دبیر خط و نقاشی و موسیقی چندین دبیرستان و دبستان تهران بود او چهار فرزند به نامهای شهلا، شهرام، بهرام و حسین به یادگار گذاشت و در سال ۴۸/۴/۱۲ بر اثر بیماری کبد و کلیه درگذشت، روانش شاد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] مردان موسیقی (۷۹ -۷۷/ ۲).

نامه نگار، شکراللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. او و پدرانش از نویسندگان وزارت امور خارجه بودند. میرزا شکراللّه نستعلیق را به شیوه‌ی میرعماد خوش می‌نوشت و در شکسته‌نویسی هم دست داشت. از آثار وی: مرقعی مشتمل بر بیست رقعه، به قلمهای شش دانگ تا غبار خوش، با رقمهای مختلف: «مشقه شکراللّه ۱۲۶۸» و «بتاریخ جمادی‌الثانی سنه هزار و دویست و شصت و هشت تحریر شد» و «در عهد دولت ناصرالدین‌شاه قاجار... شکراللّه تنکابنی بنوشتن این مرقع قدم خدمت نهاد... سنه ۱۲۶۸»؛ یک لوحه‌ی اشعار در مدح ناصرالدین‌شاه، به قلم نستلعیق دو دانگ و نیم دو دانگ خوش و شکسته‌ی نستعلیق کتابت متوسط، با رقم: «... شکراللّه نامه‌نگار ابن مرحوم فتح علی خان تنکابنی...»؛ یک قطعه به قلم نیم دو دانگ خوش، با رقم: «... مشقه العبد المذنب شکراللّه غفر ذنوبه و ستر عیوبه، ۱۲۶۲».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۱۰/۲).

نامی اردوبادی، نامی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به نامی. اهل اردوباد بود. مدتی ساکن تبریز شد و در آنجا با صادقی کتابدار، مؤلف «مجمع‌الخواص»، معاشرت داشت. گویند با میرصنعی نیشابوری (م ۹۷۶ ق)، استاد صادقی کتابدار، در شعر منازعه کرده است. او قصیده‌ی معروف «شتر حجره» کاتبی نیشابوری را تقلید کرد و کلمه‌ی «پشه» را بر آن افزود که شاعرانی همچون جامی و واصفی نیز بعدها جواب این قصیده را گفته و بر آن اجزایی نیز افزوده‌اند. نامی در اواخر عمر به هند رفت و در همان جا درگذشت. در حاشیه‌ی «کاروان هند» آمده که نامی در ۱۰۱۶ ق در قید حیات نبوده است. از دیگر آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۱۶)، دانشمندان آذربایجان (۳۷۰ -۳۶۹)، الذریعه (۱۱۶۵ -۱۱۴۶/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۱۷)، کاروان هند (۱۴۱۸/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ناجی اردوبادی)، مجمع‌الخواص (۲۱۵ -۲۱۴).

نامی اصفهانی، محمدصادق

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، مورخ و شاعر، متخلص به نامی. معروف به میرزا محمدصادق منشی. از سادات موسوی و برادرزاده‌ی میرزا رحیم

حکیم‌باشی بود. اجداد وی از شیراز به اصفهان آمده و از طبیبان خاص سلاطین صفوی بودند. او به فنون نظم و نثر آگاه بود و به سرودن مثنوی تمایل بیشتری داشت، نامی با مؤلف «نگارستان دارا» (م ۱۲۴۳ ق) معاصر و معاشر بود. بر سر سال فوت وی بین مؤلفان اختلاف است، «صبح گلشن» مرگ وی را در عهد نادر شاه می‌داند و صاحب «نگارستان دارا» در اوایل دوره‌ی محمد شاه قاجار (۱۲۶۴ -۱۲۵۰ ق) و «الذریعه» و «کتابشناسی نظامی گنجوی»، ۱۲۰۴ ق را ذکر کرده‌اند. در مورد نام برخی از آثارش نیز اختلاف وجود دارد. از آثار وی: «تاریخ گیتی گشا»، به فارسی در تاریخ زندیه که بعدها میرزا عبدالکریم شیرازی و میرزا محمد رضای شیرازی هر یک ذیلی بر آن نوشته‌اند، مثنوی «نامه‌ی نامی» یا «پنج گنج»، که به تقلید از «خمسه» نظامی نوشته است، مرکب از پنج مثنوی به نام «درج گهر» «خسرو و شیرین»، «لیلی و مجنون»، «وامق و عذرا»، «یوسف و زلیخا».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۵/ ۲۴ ،۳۱۹/ ۱۹ ،۱۱۶۶ -۱۱۶۵/ ۹ ،۲۶۳/ ۷ ،۲۸۴/ ۳)، سفینهٔ‌المحمود (۳۴۰ -۳۳۹/ ۱)، شرح حال رجال (۲۵۰ / ۵)، صبح گلشن (۵۰۳ -۵۰۲)، فرهنگ سخنوران (۹۱۸ -۹۱۷)، کتابشناسی نظامی گنجوی (۴۲۰ -۴۱۹)، لغت‌نامه (ذیل/ نامی اصفهانی)، مجمع‌الفصحا (۱۰۸۳ -۱۰۸۲/ ۶)، منظومه‌های فارسی (۵۸۵ -۵۷۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵۰۵ -۵۰۴/ ۳)، نگارستان دارا (۲۷۲ -۲۷۱).

نامی اصفهانی، مرتضی قلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. در زمان شاه عباس اول (۱۰۳۸ -۹۹۶ ق) می‌زیست و از منشیان و کاتبان دربار او بود. در عهد اکبر شاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به هند رفت. از آثار وی: «دیوان» شعر. از اوست:

گر غبار گلشن کویت به چشم ما رسد

پنجه‌ی مژگان زند، گل بر سر دستار ما

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۱۶۵/ ۹)، صبح گلشن (۵۰۲)، فرهنگ سخنوران (۹۱۷)، کاروان هند (۱۴۱۸/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ نامی اصفهانی).

نامی تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی برادر قوسی تبریزی و با سام میرزا صفوی (م ۹۷۵/ ۹۷۴ ق) معاصر بود. در شعر بیشتر به قصیده می‌پرداخت. از آثار وی: «دیوان» شعر. از اوست:

ای خوش آن ساقی که ما را جام بیهوشی دهد

تا ز مستی یک زمان ما را فراموشی دهد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۰۵)، تحفه سامی (۲۵۴)، دانشمندان آذربایجان (۳۷۰)، الذریعه (۱۱۶۶/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۱۸)، لغت‌نامه (ذیل/ نامی تبریزی).

نامی تهرانی، افضل

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۵ ق)، شاعر، متخلص به نامی. اهل تهران و از شاگردان مولانا امیدی تهرانی (م ۹۲۵ ق) بود و از ابتدای جوانی تا زمان فوت مولانا امیدی، در خدمت او به سر برد و در تاریخ وفات مولانا نیز شعری دارد. نامی در جوانی درگذشت. در «تحفه سامی» علت مرگ وی، به گمان مردم، مسموم شدن توسط سلسله نوربخشیه ذکر شده است. صاحب «الذریعه» نام وی را افضل ترکه آورده است. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۴۲۸ -۴۲۷/ ۴)، تاریخ نظم و نثر (۶۸۹)، تحفه سامی (۲۲۷ -۲۲۶)، تذکره‌ی روز روشن (۷۹۹)، تذکره‌ی میخانه (۱۵۰ -۱۴۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۷۱)، الذریعه (۱۱۶۷ ،۸۵/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۱۸)، لغت‌نامه (ذیل/ نامی تهرانی)، هفت اقلیم (۸۲/ ۳).

نامی خلجستانی، عبداللّٰه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. در زمان حکومت محمدشاه قاجار (۱۲۶۴ -۱۲۵۰ ق) به تهران آمد و حاج میرزا آقاسی ایروانی بعضی خدمات دیوانی را به وی داد و در زمان ناصرالدین شاه (۱۳۱۳ -۱۲۶۴ ق) در زمره‌ی منشیان دربار قرار گرفت. وی نگارش روزنامه‌ی «دولت علیه ایران» را عهده‌دار بود. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔالشعراء (۱۸۴۱ -۱۸۲۹/ ۳)، الذریعه (۱۱۶۶/ ۹)، گلزار جاویدان (۱۶۰۳ -۱۶۰۲/ ۳)، مجمع‌الفصحا (۱۰۸۴/ ۶).

نامی کرمانشاهی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۳۸ ق)، شاعر. اصلش از استرآباد و از احفاد میرزا مهدی خان استرآبادی، منشی نادرشاه افشار می‌باشد. در کرمانشاه به دنیا آمد. بیشتر اشعارش در مدایح معصومین (ع) است. وی سرانجام در زادگاهش درگذشت. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔالشعراء (۱۸۵۱ -۱۸۴۳/ ۳)، الذریعه (۱۱۶۷/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۱۹)، گلزار جاویدان (۱۶۰۴/ ۳)، مجمع‌الفصحا (۱۰۸۳/ ۶).

ناهج قزوینی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناهج قزوینی در سال ۱۲۹۵ خورشیدی در قزوین متولد گردید. پس از طی تحصیلات مقدماتی ، به فراگیری علوم معقول و منقول پرداخت. پس از آن به تهران رفت و سردفتر اسناد رسمی شد. ناهج قزوینی شاعری توانا بوده و آثاری نیز از خود به جای گذاشته است. او سرانجام در دی ماه سال ۱۳۷۰ چشم از جهان فروبست.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : پدر ناهج قزوینی ، شیخ عیسی مجتهد مناهجی و مادرش از سادات شیرخورشیدی قزوین بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : ناهج قزوینی پس از طی تحصیلات مقدماتی ، به فراگیری علوم معقول و منقول پرداخت.

زمان و علت فوت : ناهج قزوینی در دی ماه سال ۱۳۷۰ چشم از جهان فروبست و در ابن بابویه به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ناهج قزوینی پس از تحصیل علوم معقول و منقول به تهران رفت و سردفتر اسناد رسمی شد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ناهج قزوینی شاعری توانا بوده و آثاری نیز از خود به جای گذاشته است.

آرا و گرایشهای خاص : شعر ناهج قزوینی سراسر مدح ائمه ، زهد و اندرز است و از چاشنی تصوف و عرفان بهره دارد. --

آثار :

۱ دیوان ناهج

ویژگی اثر : مجموعه هیچ نامه ، عشق عریان ، پیاله ، منظومه فلسفی در دیوان وی به چاپ رسیده است.

منابع زندگینامه : ۱ستایش امیر المومنین (در سروده های سخنوران قزوین) ، پژوهش: محمدعلی حضرتی ، قزوین: بحرالعلوم ، ص ۳۷۷

ناهید شیرازی، مریم

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، دندانپزشک، رونامه‌نگار، نویسنده و شاعر، متخلص به ناهید. در شیراز به دنیا آمد. وی علوم ابتدایی و متوسطه را در تهران به انجام رساند و در ۱۳۱۰ ش برای تحصیل زبان و ادبیات فرانسه رهسپار پاریس گردید و در دانشگاه سوربن به تحصیل پرداخت و از آنجا فارغ‌التحصیل شد. پس از بازگشت به ایران در ۱۳۱۳ ش وارد دانشکده‌ی طب شد و تحصیلات خود را در آن دانشکده به پایان رساند و در ۱۳۲۰ ش رساله‌ی دکترای خود را درباره‌ی «سیفیلیس دهان» نوشت و با درجه‌ی عالی قبول شد. دکتر ناهید به زبانهای انگلیسی، فرانسه، عربی و ترکی تسلط داشت. وی از ۱۳۱۵ ش وارد خدمات فرهنگی- اجتماعی گردید

و به نشر آثار نظمی و نثری خود در جراید و مجلات پرداخت و پس از چندی امتیاز روزنامه‌ای به نام «ندای زنان» را گرفت و مدتی آن را منتشر کرد. او همچنین انجمن ادبی ناهید را تأسیس نمود. در ۱۳۳۱ ش از طرف سندیکای دندان پزشکان ایران در یازدهمین کنگره جهانی دندان پزشکان در لندن شرکت کرد. در ۱۳۳۴ ش از طرف وزارت فرهنگ به دانشگاه پاریس اعزام شد و ضمناً در رشته‌ی بیماری‌های دهان و دندان از این دانشگاه و در رشته‌ی امراض کودکان از دانشگاه لندن تخصص گرفت. سپس به عضویت کنگره‌ی انجمن سلطنتی بهداشت لندن پذیرفته شد. از دیگر آثار وی: «تاریخ نویسندگان پاریس»؛ «خاطرات لندن» یا «مشاهدات ناهید»؛ «زندگانی من»؛ «سرطان فک»؛ «آماس گوشت دندان» یا «التهاب لثه»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۴۸ -۶۴۵/ ۵)، الذریعه (۱۱۶۷/ ۹)، زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند (۱۸۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۶۱۷ -۳۶۱۳/ ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۰۰۲ ،۱۸۵۰/ ۲ ،۱۲۳۷، ۷۶۳، ۵۵/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۶۴/ ۶).

ناهید همدانی، یعقوب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۳ -۱۲۶۸/ ۱۲۶۶ ش)، شاعر. معروف به الستی. در همدان به دنیا آمد و بعد از فوت پدر وارد خدمت دولت شد. وی تحصیلات خود را در همدان به پایان رساند و رموز شعر و فنون ادب را از محضر غمام همدانی کسب کرد و در شمار اعضای انجمن ادبی آن شهر که به ریاست آزاد همدانی اداره می‌شد، درآمد و بعد از فوت وی چندی ریاست انجمن را برعهده گرفت. او مدتی در دادگستری و پس از آن در پست و تلگراف همدان به خدمت پرداخت. از آثار وی: «دیوان» شعر، متجاوز از پنج هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۳۶۴ -۳۶۱/ ۲)، الذریعه (۱۱۶۷/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۶۱۲ -۳۶۰۷/ ۶)، فرهنگ سخنوران (۹۱۹).

نایب اصفهانی، محمدرضا

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر، متخلص به نایب. در اصفهان به دنیا آمد. وی با شیخ محمدعلی حزین لاهیجی (م ۱۱۸۱ ق) معاصر بود. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

ناله پنداشت که در سینه‌ی ما جا تنگ است

رفت و برگشت سراسیمه که دنیا تنگ است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۱۶۸/ ۹)، ریحانه (۱۲۶/ ۶)، صبح گلشن (۵۰۳)، فرهنگ سخنوران (۹۱۹)، لغت‌نامه (ذیل/ نایب اصفهانی).

نایب الصدر، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میر محمد صادق بن میرزا محمد رضا فرزند میرزا ابوالقاسم مدرس عالم بزرگوار، و فاضل ارجمند و ادیب بوده، از آثارش کتابی است در دو مجلد در شجره‌نامه‌ی سادات خاتون‌آبادی فامیل خود.

از شاگردان شیخ انصاری و حاج ملا علی کنی بوده، در ربیع الاخر سال ۱۳۲۶ وفات یافته، قبرش در زیرزمین تکیه‌ی خاتون‌آبادی در تخت فولاد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نایب الصدر، محمد مهدی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد کاظم بن علی نقی بن علی رضا بن سید محمد باقر پیشنماز. عالم فاضل محقق جلیل، از علمای کاملین، و فقها و

مجتهـدین بزرگ در اصـفهان بـوده، از مشایـخ اجـازه است. خـط ایشـان وضـع مخصوصـی دارد، بر اغلب یـا تمـام کتب موجود در کتابخانه‌ی خود در تمام علوم حاشیه مرقوم داشته.

در ۱۱۶۷ وفات یافته، در ایوانچه‌ی بقعه‌ی تکیه‌ی آقا رضی در تخت فولاد مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

نایفی، خلیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلیل نایفی

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب خلیل نایفی فرزند مهدی شـماره شناسنامه ۱۵۳۶ صـادره از آبادان در سال ۱۳۳۳ در آبادان متولـد شدم. دوره ابتدائی را در مدرسه مهرگان و دیپلم را در دبیرسـتان رازی اخذ نمودم و راهی سـربازی شدم. بعد از اتمام خدمت مقدس سـربازی به علت علاقه وافر به تحصـیل علوم الهی قصد عزیمت به دانشگاه «الازهر مصر» را داشتم که به علت ندادن روادید و سخت گیری، تحصیل در آن دانشگاه میسر نشد. در سال ۵۶ به علت ارتباط با دوستی که از طلاب حوزه علمیه قم بودند؛ تشویق به تحصـیل در این مکان مقدس که مورد استقبال اینجانب نیز قرار گرفت.

در بـدو ورود، ادبیات را نزد مرحوم مـدرس افغانی و سـید مهـدی رجائی خوانـدم و بعد از اتمام ادبیات، لمعه و اصول را نزد اساتید صاحب فضل چون: «آیهٔالله شـیخ پناه» و «آیهٔالله وجدانی»، رسائل و مکاسب را از محضـر «آیهٔالله ستوده» و «آیهٔالله پایانی» بهره بردم. با اتمام کفایه در نزد «آیهٔالله فاضل لنکرانی» و اتمام دوره سطح، درس خارج فقه را همزمان با دوره تخصصی فلسفه و کلام زیر نظر شورای مـدیریت را نیز شـروع نمودم که این دوره چهـار سـاله که دکـترای تخصـصی محسوب می شـد؛ «آیـهٔالله سـبحانی»، «آیـهٔالله گرامی»، «دکتر بهشتی» و اساتیـدی مبرز در کلام جدیـد، اساتید این دوره بودند که از آنها بهره و فراوان بردم. در سال ۷۰ این دوره نیز به پایان رسـید. در همین دوران از درس فقه «آیهٔالله صافی گلپایگانی»، «مکارم شیرازی» و «فاضل لنکرانی» نیز استفاده نمودم که تاکنون نیز ادامه دارد.

بعد از پایان دوره تخصـصی کلام و فلسـفه به مدت ۱۶ سال در موسـسه تحقیقاتی امام صادق (علیه السـلام) مشغول به کار بودم که ثمره این ۱۶ سال کار تحقیقی، همکاری در تحقیق نهایهٔ المرام (علامه حلی) در فلسـفه و کلام ۳جلد، تالیف معجم الکلامی ۵ جلد (کتابشناسی)، معجم المتکلمین ۵ جلـد (رجال متکلمین شـیعه) و همچنین تحقیق الکرام در رجال (آقا بزرگ تهرانی) در ۱ جلد می باشد. هم اکنون کار تحقیق کتب فقه آیهٔ الله صافی و فقه مقارن با همکاری مرکز تقریب مذاهب مشغول می باشم.

نایلی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اوست: قرآن جانمازی، نسخ کتابت خفی خوش با رقم: «علی نایلی ۱۲۶۷» در موزه‌ی اسلامی ترک.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

نایی نیریزی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، موسیقیدان و شاعر. اهل شبانکاره‌ی فارس بود و در ملازمت شاه عباس اول (۱۰۳۸ -۹۹۶ ق) به سر می‌برد. در علم ادوار و موسیقی مهارت داشت و تصـنیفهایی نیز ساخته است. به هنـد رفت و به مـدح عبدالرحیم خان، خان خانان پرداخت. در ۱۰۲۳ ق، در راه رفتن به مکه‌ی معظمه، بـاقی نهاونـدی در بنـدر مخـای یمن بـا او ملاقـات کرد. نایی بعـد از مراجعت از مکه به برهـانپور نزد شاهزاده خرم (شاه جهان) رفت و مورد عنایت وی قرار گرفت و مـدتی ملازمت جهانگیر شاه (۱۰۳۷ -۱۰۱۴ ق) را نیز پذیرفت و از او انعام و صله‌ی بسیار دریافت نمود. ابیاتی از وی در تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کاروان هند (۱۴۲۱ -۱۴۲۰/ ۲)، مآثر رحیمی (۱۶۹۰ -۱۶۸۹/ ۴).

نایینی، جلال

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی اهل نایین و خواهرزاده‌ی ملا طاهری نایینی بود که از دانش سیاق آگاهی کامل داشت و مدتی به پیشه استیفاء مشغول بود. جلال از معاصران حکیم شفایی بود و با او مشاعره داشت. گویند پس از مرگ، ملاطاهری «دیوان» او را برداشت و اشعارش را به نام خود می‌خواند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۰۰/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۱۷)، مخزن الغرائب (۶۰۹/۱).

نایینی، عبدالباقی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به باقی. از مثنوی‌پردازان روزگا شاه عباس دوم (۱۰۷۷ –۱۰۵۵ ق) است که مثنوی «ذات الصفات» را در بحر رمل مسدس، سروده است که مشتمل بر موضوعاتی چون: محمد (ص) باعث کاینات، چگونگی خلق آدم به جهت معرفت،معرفت مقدم بر عبادت است، جبر و اختیار و ترجیح شرع محمدی، توبه و ندامت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :منظومه‌های فارسی (۳۹۳).

نایینی، عبدالعظیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطاط. از خوشنویسانی است که بسیار ماهرانه و پخته می‌نوشته و از استادان خط نسخ بوده است. از آثار وی: یک قطعه نسخ کتابت خوش، با رقم: «کتبه ابن‌محمد رفیع، عبدالعظیم النائینی فی سنه اربع و تسعون و مائه بعد الالف ۱۱۹۴»؛ یک قطعه نسخ ممتاز، با رقم: «حرره عبدالعظیم نائینی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۰۲ / ۴)، خوشنویسان و هنرمندان (۹۲).

نایینی، علی‌اکبر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «تحفه المؤمنین»، به قلم نیم دو دانگ متوسط، با رقم: «مرقوم قلم شکسته رقم اقل... علی‌اکبر النائینی گردید. تحریرا فی شهر رمضان المبارک من شهور سنه‌ی ۱۱۹۹».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۳۸ / ۲).

نایینی، غلامعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، خطاط و شاعر. از آثار وی: «دعای صباح» وزیری کوچک جلد روغنی، متن و حاشیه مذهب، نسخ کتابت و کتابت خفی خوش، با رقم: «کتبه العبد الجانی غلامعلی بن محمد النائینی... سنه ۱۳۱۴ ثلثمائه و اربع عشر بعد الالف»؛ یک صفحه قطعه‌سازی زیبا، نسخ کتابت و خفی متوسط، با رقم: «ناظم هذا الابیات... غلامعلی ابن محمد النائینی... سنه ۱۳۱۰».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۲۸ / ۴).

نایینی، مریم

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۲ ق)، خطاط. وی نواده‌ی حاج عبدالوهاب نایینی بود. در خط نسخ مهارتی بسزا داشت و مخصوصا آن را با قلم خفی خوش می‌نگاشت و از استادان مسلم این خط به شمار می‌آمد. از آثار او: قرآن وزیری جلد روغنی، دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع، نسخ و رقاع کتابت خفی متوسط، با رقم: «... حرره مریم من نواده‌ی مرحوم حاج عبدالوهاب نائینی اعلی اللّٰه مقامه، فی... سنهٔ ۱۳۰۲».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۱۵/ ۴)، اطلس خط (۳۶۳)، تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (۵۰ -۴۹).

نایینی، منصور

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به منصور. اهل نائین بود. در اردبیل با برادرش در خدمت مرتضی قلی خان حاکم آنجا به سر می‌برد. بعد از او به خدمت نجفقلی خان، حاکم شیروان، درآمد و از این طریق ثروتی بهم رساند. بعد به نائین بازگشت و تا زمان تألیف «تذکره‌ی نصرآبادی» (۱۰۸۳ ق) در این شهر در قید حیات بود. وی صدای خوبی داشت و شعر هم می‌گفت. اشعاری از او در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۳۰۹ -۳۰۸)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۰۶)، الذریعه (۱۱۱۰/ ۹)، صبح گلشن (۴۵۹ -۴۵۸)، فرهنگ سخنوران (۸۸۱).

نایینی، نصیر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، واعظ و شاعر. اهل نایین و از نوادگان ملا سلمان (کمال) اعظ نایینی بود. نصیرا به شیراز و تبریز مسافرت کرد و در تبریز مدتی در خدمت میرزا صالح شیخ الاسلام تبریزی به سر برد. سپس به اصفهان بازگشت و در آنجا سکنی گزید. با نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) معاصر بود. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

دل در طلب وعده خلافی دارم

در هر قدم از کعبه طوافی دارم

از دیدن روی او ندارم سیری

چون آینه اشتهای صافی دارم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۰۶ -۴۰۵)، الذریعه (۱۱۹۹/ ۹)، صبح گلشن (۵۲۲ -۵۲۱)، فرهنگ سخنوران (۹۳۸)، گلزار جاویدان (۱۶۳۳/ ۳).

نائلی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مدیریت آموزش عالی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی علوم طبیعی از دانشگاه تربیت معلم تهران در سال ۱۳۴۰، کارشناسی ارشد روانشناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷، دکترای مدیریت آموزش عالی از دانشگاه ایالتی تگزاس در سال ۱۳۵۳ و فوق تخصص برنامه‌ریزی آموزشی از دانشگاههای پنسیلوانیا و تمپل آمریکا در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اثرات عزت نفس بر عملکرد دانش‌آموزان، تدریس دروس مدیریت آموزشی، برنامه‌ریزی آموزشی، مفاهیم برگزیده سازمانی، نهادها و سازمانهای آموزشی در دانشگاه اهواز.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

آشنایی با کاربرد سیستمها در مدیریت آموزشی، طرحی برای تحول آموزش عالی ایران، مدیریت مدارس، مدیریت آموزشی و مدیریت اثربخش.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

عوامل انگیزشی در مدیران مدارس ایران، کیفیت مدیریت مدارس متوسطه خوزستان، پژوهش در بزهکاری نوجوانان و پژوهش در ندامتگاه زنان.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نائینی، حبیب الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند ملّا ابراهیم. از علما و فضلای ساکن اصفهان، و در دستگاه آقایان مسجد شاه بود؛ و خدمت آنان تحصیل نموده، در سال ۱۳۴۸ وفات یافته، در تکیه ملک نزدیک قبر استادش آخوند کاشی مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نائینی، حیدرعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

الأصل، اصفهانی المولد، طهرانی المسکن، از علمای معقول و منقول، و تارک دنیا بوده، و در بازارچه‌ی نایب السلطنه پاره‌دوزی می‌کرده، و به مشهدی حیدر معروف بوده. حاشیه بر شرح چغمینی در هیئت نوشته که به طبع رسیده است.

در ۱۳۴۴ به سن ۷۸ سالگی وفات یافته، نزدیک سر قبر آقا مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نائینی، علی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌میر محمد رفیع بن محمد مهدی بن بهاء الدین محمد بن میرزا رفیعا. عالم فاضل، و ادیب شاعر، از علمای معروف زمان خود در اصفهان بوده، و در روز عاشورا در سال ۱۱۹۵ در اصفهان وفات یافته، در قبرستان ستی فاطمه مدفون شده، قبرش تاکنون باقی است.

کتب زیر از اوست:

۱- حواشی بر تفسیر بیضاوی ۲- رساله در حرمت تراشیدن ریش ۳- رساله در وجو عینی نماز جمعه ۴- رساله در رجعت، و آن را از ضروریات مذهب شیعه دانسته است.

محقق عالیقدر آقای آقا ملا محمد علی معلم حبیب آبادی در کتاب نفیس مکارم الاثار (۲۹:۱) شرح حال او را عنوان فرموده، و شرحی مبسوط درباره‌ی نسب او مرقوم فرموده‌اند، طالبین مراجعه نمایند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

نائینی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدرضا بن شیخ علی بن حسین بن تقی نائینی عالمی فقیه (داماد عالم ربانی ملافتحعلی سلطان‌آبادی) از شاگردان میرزا بزرگ شیرازی بوده و در سال ۱۳۶۱ قمری در کاظمین وفات و حمل به نجف اشرف و در مقبره آخوند ملافتحعلی مذکور مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نائینی، مریم

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۱۳۰۲ ق، از زنـان خوشـنویس. قرآنی وزیری به خـط نسـخ و رقـاع کتابت خفی متوسط از او موجود است که رقم «... کمینه کنیز دیرینه... که تکلیفش پنبه‌ریسی بود خیـال خوشنویسی دامنگیر شـد... مریم نواده مرحوم حـاج عبـدالوهاب نائینی اعلی الله مقامه» و تاریخ «جمادی‌الاولی من شهور سنهٔ ۱۳۰۲» را دارد.[۱]

اثر اوست: قرآن وزیری، جلـد روغنی، دو صـفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع نسخ و رقاع کتابت خفی متوسط با رقم: «امروز که... سریر سلطنت دولت علیه ایران به وجود مبارک... ناصرالدین شاه... مزین است... این کمینه کنیز دیرینه را هم که تکلیفش پنبه‌ریسی بود خیـال خوشنویسی دامن‌گیر شـد... پیشکش نمود... حرره مریم من نواده‌ی مرحوم حاج عبـدالوهاب نائینی اعلی اللّٰه مقامه» «فی شهر جمادی‌الاولی من شهور سنهٔ ۱۳۰۲» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :[۱] منبع: احوال و آثار خوشنویسان، ۱۲۱۵ / ۴ –۳.

نباتی قراچه داغی تبریزی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۲ ق)، عـارف و شـاعر متخلص به نباتی. وی خان چوپانی یا مجنون شاه نیز تخلص می‌کرد. اهل اشـتبین یا اشبین، دیهی از ناحیه‌ی قراچه داغ تبریز بود. در آنجا نشو و نما یافت و بعد از مدتی به اهر مسافرت کرد. وی درویش مسلک و صوفی مشرب بود و تتبع اشـعار خواجه حافـظ شـیرازی می‌کرد. شـعرهای ترکی مطـابق نغمـات کردی، کرمی، قراکهری و گرایلی بسـیار گفته است. در اواخر عمر به اشـتبین بازگشت و در آنجا درگـذشت و در بقعه‌ی شـیخ شـهاب‌الدین که مدتی در آنجا به ریاضت پرداخته بود، دفن شـد. نام پـدر وی به صورتهای مجرم و محرم نیز آمـده است. از آثار وی: «بحر طویل»، در مدح رسول اکرم (ص)، «بوسـتان خیال»؛ «عین‌العشق»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشـمندان آذربایجان (۳۷۱ –۳۷۰)، الذریعه (۳۷۲/ ۱۵ ،۱۱۶۹ –۱۱۶۸ ،۹۶۸/ ۹ ،۱۵۶ ،۳/ ۴۱)، ریحانه (۱۲۹/ ۶)، سخنوران آذربایجان (۱۲۳)، فرهنگ سخنوران (۹۲۰)، لغت‌نـامه (ذیل/ نباتی)، مکارم‌الآثار (۱۶۷۷/ ۵)، مؤلفین کتب چـاپی (۲۹۲/ ۱).

نبوی بیرجندی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سـید حسن بن العالم الجلیل السید عبدالرحیم الموسوی نبوی بیرجندی که به سی و سه واسطه به حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام منتهی می‌شود از فضلاء و علماء حوزه درس و اصحاب خاص آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله العالی می‌باشد.

در سال (۱۳۴۰) هزار و سـیصد و چهل قمری در بیرجنـد واقع شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات در نزد آقای ادیب نیشابوری و قسـمتی از سـطوح در نزد آیت‌الله مرحوم حـاج سـید یـونس اردبیلی در مشـهد مقـدس مهـاجرت به قم نموده و تمـام مباحثـات و تحصـیلاتش از سـطح و خـارج در خـدمت آیـت‌الله العظمی مرعشـی بـوده تـا به مرتبه اجتهـاد رسـیده و بیش از سـی سـالست که از دراسات معظم‌له استفاده می‌کند و هم چند سالی هم از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله محقق داماد بهره‌مند شده ولی بعد از رحلت آقای بروجردی منحصرا متصل به آیت‌الله مرعشی گشته و تا هم اکنون به درس فقه و اصول آنجناب حاضر گشته و در مقابـل منبر اسـتاد نشسـته و توجه کاملی به بیانات معظم‌له نموده و گاهی هم اشـکال نموده و اسـتاد جواب گفته و رفع شـبهه و اشکال وی می نمایند.

از نوشته‌های ایشانست دروس فقه و اصول آیت‌الله العظمی مرعشی و تلخیص الاصول و در علم اصول و قواعد الفقهیه در علم فقه.

و ایشان از اصـحاب استفتاء آیهٔ‌اللهی که در تنظیم حواشی عروه و مناسک حج وی شرکت دارند و دارای اجازه اجتهاد از معظم‌له و آیت‌الله بیرجندی و دیگران می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

نبوی، ابوالفضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌الله آقای حاج سید ابوالفضل بن العالم الجلیل السید علی نبوی حسینی قمی از علماء اعلام و مجتهدین کرام و مصنفین عظام و ناطقین و گویندگان عالی مقام حوزه علمیه و شهرستان قم است که در ۲۴ رجب سال ۱۳۴۴ قمری هجری در قم متولد شده و در مهد علم و فضیلت پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدیده در شهریور ۱۳۲۰ شمسی وارد تحصیل علوم دینی گردیده و پس از طی دوره مقدمات به آموختن سطوح پرداخته و به ترتیب در محاضر اساتید معظم مرحوم آقا شیخ یوسف شاهرودی و آیت‌الله فاضل لنکرانی و مرحوم آیت‌الله شیخ عباسعلی شاهرودی و حاج شیخ محمدعلی کرمانی و آیت‌الله داماد به تحصیل فقه و اصول پرداخته هیئت و نجوم را در محضر مرحوم آقای شیخ علی حکمی و آیت‌الله معاصر علامه طباطبائی و علم درایه و رجال را در محضر علامه معاصر آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله آموخته آنگاه به تحصیل خارج پرداخته چندین سال به درس مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله صدر و آیت‌الله حاج سید محمدتقی خونساری حاضر گردیده و از ناحیه اخیر موفق به تصدیق اجتهاد شده که همین تصدیق اجتهاد را بعدا که مدتی در نجف اشرف در محضر مرحوم آیت‌الله حاج سید عبدالهادی شیرازی بودند معظم‌له با حاشیه خود تایید و تصویب فرمودند.

پس از ورود مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی مرتبا بدون وقفه تمام مباحث فقهی و اصولی آن مرحوم را استفاده کرده و مجموع آنها را در هفت مجلد از فقه و اصول تقریر فرموده و آن مرحوم اکثر آنها را شخصا مطالعه کرده و ایشان را با اعطاء جایزه مفتخر فرمودند.

ده سال مرتبا در محضر درس مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی اراکی حاضر شده و چهار جلد اصول ایشان را تقریر نموده و همه آماده طبع می‌باشد. در تمام این اوقات مباحث فقه و اصول و تفسیر قرآن مجید را تدریس می نمودند که برخی از همان مباحث را به طبع رسانیده‌اند.

تالیفات ایشان: فهرست مجموع تالیفات معظم‌له ۷۰ عدد می‌باشد که در آخر کتاب (غالیه الدرر فی مصب قاعده الضرر) مطبوع سنه ۱۳۸۵ قمری درج گردیده است.

و تالیفات مطبوعه ایشان از این قرار است:

۱- کمونیزم از نظر عقل و اسلام مطبوع ۱۳۳۲ شمسی.

۲- لالی منثور در تفسیر سوره طور مطبوع ۱۳۳۵ شمسی ۳- غالیه الدرر مطبوع سنه ۱۳۸۵ قمری.

۴- امراء هستی مطبوع ۱۳۴۵ شمسی ۵- درس سخنوری در ماه رمضان ۶- درس سخنوری در ماه محرم ۷- درس سخنوری در ماه صفر مجموعا در سنه ۱۳۵۰ شمسی طبع شده ۸- کشف الارتیاب فی ادله الحجاب.

۹- اشعه‌ای از سوره نجم ۱۰- جلاء القران در رد کتاب اعجاز القرآن تالیف یدالله نیازمند شیرازی.

این سه کتاب اخیر مجموعه مقالاتی است که در مجلات و جرائد: آئین اسلام، مجله مسلمین، روح آزادی، ندای حق، قبلا به چاپ رسیده است.

و آنچه آماده طبع است به قرار زیر است:

۱- حواشی بر عروه از کتاب طهارت تا آخر صوم.

۲- حواشی بر مکاسب شیخ ۳ -۹ هفت مجلد در تقریر محاضرات علامه بروجردی ۱۰ -۱۳ چهار جلد در تقریر محاضرات آیت‌الله شیخ عبدالنبی اراکی ۱۴- حواشی بر منظومه سبزواری در حکمت ۱۵- حواشی بر رساله عسر و حرج آشتیانی ۱۶- حلیه‌الوسمه در حقیقت عصمت ۱۷- حقوق زن و مرد در اسلام ۱۸- بدرالدجی در شرایط الدعاء ۱۹- اضائه السراج در اثبات معراج. ۲۰- ارغام المبارز در اثبات المعاجز ۲۱- رساله در عدم توقف حجیه خبر الواحد بر حصول الظن ۲۲- نورالافاق در مباحث اخلاق ۲۳- شرع موبد در خاتمیه محمد صلی الله علیه و آله و سلم ۲۴- اسرار العوالم مصاحبه موسی علیه‌السلام مع العالم ۲۵- رساله در اعتراف اعداء بعظمه الاسالم ۲۶- رساله در اعتراف مخالفین بفضائل علی علیه‌السلام ۲۷- فیض الرحمن فی علوم المکتسبه من القرآن ۲۸- جامع الانوار اثبات توحید ۲۹- مقصد الابرار در اثبات الامامه ۳۰- مخزن الاسرار در اثبات النبوه ۳۱- مرتع الافکار در تفسیر انا انزلنا. ۳۲- معدن الاثار در ضبط حکم والاخبار ۳۳- حواشی بر بعضی کتب سنگلجی ۳۴- حیاهْ الفواد در اثبات المعاد ۳۵- تفسیر سوره فجر ۳۶- تفسیر سوره والضحی ۳۷- تفسیر سوره لا اقسم بهذا البلد ۳۸- تفسیر سوره والعصر ۳۹- تفسیر سوره والتین ۴۰- تفسیر سوره یوسف ۴۱-۴۷ در فلسفه احکام عبادات و معاملات ۴۸- دیوان اشعار عربی و فارسی ۴۹- صحو المعلوم در رد کتاب محو الموهوم سنگلجی ۵۰- کمال الایمان در اثبات وجود صاحب الزمان (عج) ۵۰ -۵۷ در ۷ جلد ضبط مجالس تبلیغی که در نقاط مختلف ایراد نموده‌اند.

۵۸- لب‌اللباب در حکم معاشره اهل الکتاب ۵۹- مقالات النبویه در رد بعضی شبهات الدینیه ۶۰- معراج پیغمبر اسلام از جنبه عقل و نقل که آماده طبع می‌باشد.

استاد نبوی اکنون در حوزه علمیه تدریس خارج فقه و اصول دارند و در ایام تعطیل محرم و صفر و ماه رمضان در مسجد حسین‌آباد شمیران تهران اقامه جماعت نموده و از بیانات خود در منبر افاضات تبلیغی و مواعظ سودمند و نکات جذاب، منابرشان همواره برای طلاب و سخنران درس سخنوری بوده و می‌باشد.

خداوند امثال ایشان را برای حوزه‌های علمی و مسلمین باقی داشته و موید بدارد .

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

نبوی، اسدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسداللَّه نبوی دزفولی از علماء اعلام و مراجع عظام معاصر است. وی سبط حجهٔالاسلام آقا شیخ محمدحسن انصاری و فرزند ارشد آقا سید عبدالحسین بن سید محمدعلی بن آقا میر سید علی موسوی نبوی دزفولی بزرگ سادات گوشه دزفول و یکی از ستارگان علم و ادب فقیهی اصولی و حکیمی متکلم و جلیل‌القدر و از حماهٔ دین و مروجین آئین می‌باشد.

معظم له در ششم ماه صفر سال ۱۳۱۳ قمری در دزفول متولد گردیده و پس از تکمیل مبادی علوم از محضر خالوی خود آقا شیخ محمد استفاده نموده و پس از فوت وی از محضر آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدرضا دزفولی به پایان رسانیده و به درجه اجتهاد نائل گردیده است.

آیت‌اللَّه نبوی در سال ۱۳۶۳ قمری مدرسه علمیه‌ای در دزفول بنا نهاده و به تعلیم و تربیت طلاب همت گماشت و در این راه زحمات بسیاری متحمل گشته تا حوزه آبرومندی تشکیل داده است.

نگارنده در ماه صفر ۱۳۷۲ قمری که مسافرتی به خوزستان نموده و از مناطق نفتی دیدن کردم در مراجعت برای ملاقات و زیارت معظم له به دارالمؤمنین دزفول مسقط الرأس شیخنا الانصاری رضوان‌اللَّه‌علیه آمده و بیش از یک عشره در ضیافت آنجناب بودم و از سجایای کریمانه و محامد آداب و محاسن اخلاق آن بزرگوار استفاده نمودم.

آیت‌اللَّه نبوی اکنون یکی از مراجع تقلید خوزستان و از زعماء نامدار و دارای همتی عالی و در راه نشر حقایق و پرورش محصلین وارسته اهتمامی بسزا دارد و مساعدت به فقراء و مستمندان را یکی از وظائف حتمیه خود می‌داند و خدمات اجتماعی ایشان در خوزستان معروف همگانست.

آثار علمی آنجناب از اینقرار است.

۱- تعلیقات بر بعضی از مباحث رسائل ۲- تعلیقه بر شرح شمسیه ۳- رساله در جواز بقاء بر تقلید ۴- جزواتی در مباحث الفاظ ۵- رساله عملیه بنام مناهج‌الحق مطبوع می‌باشد.

فرزندان برومند و فاضی دارد بنامهای زیر:

۱- حجهٔالاسلام آقا سید محمد که از اهل فضل و ائمه جماعت دزفول می‌باشد

۲- آقا سید احمد

۳- آقا سید محمدعلی

۴- آقا سید عبدالحسین

۵- آقا سید عزیزاللَّه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

نبوی، حسینعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید حسینعلی نبوی بن العلامه الورع آیه‌الله مرحوم آقا سید محسن نبوی اشرفی بهشهری عالم معاصر بندر گز است و در مسجد جامع آن اقامت جماعت مینمایند.

وی در نجف اشرف متولد شده و در مهد علم و سیادت نشو و نما و دروس مقدمات و ادبیات را خوانده آنگاه سطوح را از محضر مدرسین بزرگ آیه‌الله آقای آقا میرزا هاشم آملی داماد والد ماجدش و مرحوم والد و دیگران خوانده و بدروس خارج بعضی از آیات شرکت نموده و بعد از فوت مرحوم والد بایران مراجعت و چندی در بهشهر وطن پدری خود اقامت نموده آنگاه بنابر تقدیر و امر بعضی از آیات و استدعاء مردم بندر گز بآنجا عزیمت و رحل اقامت افکنده و تاکنون بوظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

از آثار ایشانست توسعه مسجد جامعه بندرگز و تأسیس کتابخانه آنجا و خدمات ارزنده‌ی دیگر.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

نبوی، عزیز

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عزیز نبوی

موسس موسسه عالی حسابداری و مولفی برجسته در دانش حسابداری

نبوی را به عنوان مدیری موفق می‌شناسیم. وی مولفی برجسته بود. چاپ مکرر کتابهایش در طول ۴۰ سال گذشته و انبوه متقاضی برای آنها حاکی از اهمیت و ارزش کاربردی تالیفاتش است. نبوی معلمی دانشمند و توانا بود که دانش وسیعش از مطالعات گسترده‌اش در زمینه‌های مختلف پدید آمده بود. مصطفی علی‌مدد - یادنامه استاد عزیز نبوی ـ من مرگ این عزیزراباورنمی‌کنم ـ مجله حسابدار شماره ۱۵۶ عزیز نبوی فرزند میربابا نبوی از فرهیختگان و آزادی‌خواهان آذربایجان در صدر مشروطه است. ایشان در بیان شرح حال خود می‌گوید:

« در سال ۱۳۱۱ در بندرانزلی متولد شدم، اما در تهران زندگی کردم. نخست لیسانس حقوق و پس از آن فوق‌لیسانس علوم اداری

و سرانجام در اولین دوره دکترا در ایران، دکترای اقتصاد گرفتم و در سال ۱۳۴۰(۱۹۶۰ میلادی) موفق به اخذ درجه دکترای علوم اداری با تخصص در زمینه حسابداری از دانشگاه کالیفرنیای جنوبی شدم. استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصاد دانشگاه تهران، استاد دانشکده اقتصاد و بانکداری دانشگاه ملی و بنیانگذار و رئیس موسسه عالی حسابداری بودم. افتخارم این است که هزاران جوان تحصیلکرده برای کشورم تربیت کرده‌ام. از سال ۱۳۵۵ به بعد استاد دانشگاه کشور سوئیس بودم و در دانشگاه اروپایی سوئیس روش علمی تحقیق، حسابداری مالی و حسابداری مدیریت تدریس کردم.» دکتر عزیز نبوی خدمات دولتی را در وزارت امور اقتصادی و دارایی آغاز کرد و سالها در مقام مشاور عالی وزارت دارایی، مشاور مالی وزارت کشور و مشاور مالی وزارت پست و تلگراف و تلفن بکار مشغول بود. مدیریت مجله تجارت دانشکده حقوق و علوم اقتصادی دانشگاه تهران، عضویت در هیئت مدیره انجمن حسابداران قسم خورده ایران، سردبیری مجله بانکها در وزارت دارایی و نمایندگی دولت ایران در کنفرانس جهانی امور مالی در ایتالیا در سال ۱۹۶۴ میلادی از دیگر اموری بود که ایشان به آنها اشتغال داشت. او ایده ایجاد یک دانشکده را داشت، آن را اجرا کرد و موفق هم بود. تاسیس موسسه عالی حسابداری در سال ۱۳۴۳ کاری بزرگ و دشوار بود که آن را به انجام رساند و با آموزش حسابداری در سطح دانشگاهی و تخصصی موجب شد که دگرگونی شگرفی در کار و زندگی شمار زیادی از جوانان آن روزگار پدید آید. زنده یاد دکتر عزیز نبوی ذهنی پر از ایده داشت: تحقیق، تالیف، ساخت و کارآفرینی. حاصل کار دکتر نبوی، دانش‌آموختگان موسسه عالی حسابداری هستند که بسیاری از آنها در کار و زندگیشان موفقند. وجود شمار قابل توجهی استاد دانشگاه در ایران و کشورهای دیگر، وجود شمار بیشتری حسابدار حرفه‌ای و وجود شمار مدیران بسیار در بین آنها نشانه موفقیت ایشان است. دکتر عزیز نبوی را می‌توان یکی از پایه‌گذاران آموزش حسابداری نوین در ایران به‌شمار آورد. دکتر نبوی علاوه بر ۳۰ سال تدریس در دانشکده‌های مختلف۵ در ایران، آمریکا و سوئیس، پژوهشگر و مولف مجموعه ۲ جلدی اصول حسابداری است که تاکنون چندین بار تجدید چاپ شده است. ویژگی اصلی این دوره دو جلدی پرداختن به تمامی جنبه‌های حسابداری و کوشش در انطباق مطالب با اوضاع و احوال ایران است. ایشان مولف کتاب اصول حسابرسی و اصول حسابداری دولتی است و دارای تالیفات متعدد به زبان انگلیسی و فرانسه می‌باشد. زنده‌یاد دکتر عزیز نبوی روز شنبه ۱۰ آبان ۱۳۸۲ وفات یافت و در شهر مونترو سوئیس به خاک سپرده شد. از ایشان سه فرزند، دو پسر و یک دختر باقی مانده است.

نبوی، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید محسن نبوی اشرفی از مشاهیر علماء و دانشمندان بنام شمال و شهرستان صنعتی بهشهر بوده‌اند وی پس از خواندن مقدمات و سطوح در مازندران و ایران مهاجرت بعراق نموده و در نجف اشرف رحل اقامت افکنده و از محضر آیات عظام مرحوم علامه یزدی و شریعت اصفهانی و آیه‌الله میرزا محمد حسین نائینی و آیه‌الله العظمی اصفهانی و دیگران استفاده نموده و بمدارج علم و اجتهاد رسیده و در آنجا بتدریس فقه و اصول پرداخته تا باجل محتوم خود باسلاف و اجداد پاک خویش ملحق و در جوار جد گرام خویش مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

نبوی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

گروه : فنی و مهندسی

رشته : مهندسی هسته ای

والدین و انساب : مرتضی نبوی فرزند سید احمد درخیابان سپه شهدای قزوین در یک خانواده مذهبی متولدشد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : مرتضی نبوی دوران ابتدایی را درمدرسه «مسعود» ومتوسطه را در دبیرستان «پهلوی سابق» پاسداران کنونی قزوین طی نمود . وی درسال ۱۳۴۵ وارد دانشگاه تهران شد و درسال ۱۳۵۰ موفق به دریافت لیسانس در رشته برق و الکترونیک گردید .

هم دوره ای ها و همکاران : مرتضی نبوی به کمک آیات عظام «آذری قمی » ،«راستی »، خزعلی و شرعی و جمعی از افراد باسابقه انقلابی روزنامه رسالت را تاسیس نمود .

وقایع میانسالی : مرتضی نبوی درمبارزات سیاسی و اسلامی خودرا از دوران تحصیل دردانشگاه آغاز نمود و دردو سال ۱۳۵۲ توسط ساواک دستگیر و مدت دوسال و اندی درزندان به سربرد .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مرتضی نبوی درسال ۱۳۵۲ درکارخانه سیمان آبیک مشغول به کار شد . او بعد از انقلاب اسلامی آموزش برای سپا ه پاسداران را به عهده گرفت . وبا نخست وزیری شهید رجایی به عنوان معاون مالی واداری و سپس مدیر عامل شرکت مخابرات دروزارت پست وتلگراف وتلفن باشهید دکتر قندی همکاری نمود . وی سپس دردولتهای شهید باهنر ، مهدوی کنی ، وزیر پست وتلفن رابه عهده گرفت و بعدها به عنوان نماینده مردم تهران وارد مجلس شورای اسلامی شد .

فعالیتهای آموزشی : مرتضی نبوی دوره خدمت نظام وظیفه راکادر آموزشی دانشکده برق و الکترونیک دانشگاه تهران سپری نمود

.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مرتضی نبوی پس ازپیروزی انقلاب اسلامی فعالیت خود را درکمیته و مدرسه «رفاه» برای استقبال از حضرت امام (ره) شروع کرد و با تاسیس حزب جمهوری اسلامی به صورت نیمه وقت دراین حزب مشغول فعلیت شد . او همچنین مقالات تحقیقی و پژوهشی زیادی درمطبوعات کشور به چاپ رسانده است و هم اکنون مدیر مسئول روزنامه «رسالت » به عهده دارد .

نبهی، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، مدرس.

تولد: ۱۲۹۳، کرمان.

درگذشت: ۱۳۷۳.

عبدالرحیم نبهی، فرزند حسین، متخلص به «ثابت کرمانی» در کرمان در محله‌ی مسجد ملک دیده به جهان گشود. پس از تکمیل دوره‌ی ابتدایی و متوسطه در موطن خود در محضر پدر و طی آموزشهایی در مکتب به تهران آمد و تحصیلات خود را ادامه داد و در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی از دانشسرای عالی به اخذ لیسانس موفق شد. در سال ۱۳۱۰ به وزارت فرهنگ داخل شد و عهده‌دار مشاغل زیر گردید. آموزگار، ناظم دبیرستان، مدیر دبستان، ناظم و رییس دبیرستان، رییس بخش فرهنگی در تهران، دبیر دبیرستان‌ها. وی سرانجام موفق به اخذ درجه‌ی دکتری گردید و در دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران تدریس می‌نمود. از آثار اوست: علم اخلاق (۱۳۳۰، این کتاب مکرر به چاپ رسیده است). برخی از اشعار وی در کتاب ستارگان کرمان آمده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

نبی‌السارقین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدحسن قارانی (ف. ۱۲۹۰ ه.ق)، ملقب به صفاعلی و مشهور به نبی‌السارقین (پیغمبر دزدان) عارف و نویسنده و شاعر قرن سیزدهم است. در طریقت تصوف از مریدان رحمت علیشاه بود و لقب صفاعلی را از وی گرفت و با فرهاد میرزا معتمدالدوله حکمران فارس و سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه دوستی و مکاتبه داشت و مورد احترام این دو شاهزاده بود.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

نثار شیرازی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۶۲/ ۱۲۶۰ ق)، شاعر، متخلص به نثار. در شیراز به دنیا آمد. پس از تحصیل علوم عربی و ادبی به هندوستان رفت و ندیم بعضی از نوابان هند از جمله کلبعلی خان نواب رامپور شد. سپس به تهران آمد و چندی با میرزا محمدتقی لسان‌الملک سپهر، صاحب «ناسخ‌التواریخ»، مصاحبت داشت و از معلومات او استفاده‌ها برد. وی پس از چندی به شیراز بازگشت و از آنجا دوباره به هند رفت. او در ۱۳۰۷ ق «دیوان» شعر خود را با نام «مناقب‌الکرام» به کمک میرزا حسین خان انصاری، ژنرال کنسول ایران در بمبئی، به چاپ رساند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۲۶۹ -۲۶۸)، حدیقهٔ‌الشعراء (۱۸۶۰ -۱۸۵۷ / ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۵۳ -۶۴۹/ ۵)، الذریعه (۱۱۶۹/ ۹)، ریحانه (۱۳۱ -۱۳۰/ ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۳۰/ ۲ ،۱۵۸۸/ ۱)، مرآت‌الفصاحه (۶۴۵ -۶۴۱)، مکارم‌الآثار (۱۶۹۰/ ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۸۵۷/ ۵).

نثار گرمرودی آذربایجانی، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۳ ق)، شاعر، متخلص به نثار. ملقب به بیان‌الملک. نسبش به خواجه عبداللّٰه انصاری می‌رسد. در قریه‌ی اشلیق، از قراء محال گرمرود آذربایجان، به دنیا آمد. وی از کودکی به تحصیل پرداخت و تحت تعلیم و تربیت محمدخان زنگنه امیر نظام قرار

گرفت تا جایی که از منشیان خاص او شـد. بعـد از مرگ محمدخان به تهران آمد و همراه حسین خان نظام‌الدوله به فارس رفت و بعد از چهار سال دوباره به تهران بازگشت و به دلیل خصومتی که امیرکبیر با وی داشت، او را به هیچ کاری نگماشت. میرزا مهدی در زمان میرزا آقا خان نوری چکامه‌ای نوشت و به منشی‌گری نظام منصوب شد و منشی‌باشی نظام لقب یافت و بعد از چندی لقب بیان‌الملکی به او اعطاء گردید. از آثارش: «گنج شایگان»، شعر؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ‌الشعراء (۱۸۵۷ -۱۸۵۲/ ۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۷۱)، الذریعه (۱۱۷۰ -۱۱۶۹/ ۹)، ریحانه (۱۳۳ -۱۳۱/ ۶)، شرح حال رجال (۱۷۱ -۱۷۰/ ۴)، فرهنگ سخنوران (۹۲۰)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۷۵، ۲۳۶۷/ ۲، ۱۵۸۸/ ۱)، گنج شایگان (۴۴۶)، مجمع‌الفصحا (۱۰۸۸ -۱۰۸۴/ ۶)، مؤلفین کتب چاپی (۴۵۳ -۴۵۱/ ۶)، یادگار (س ۲، ش ۸ ص ۷۶ -۷۲).

نثاری اصفهانی، تقی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. به شغل عصاری و روغن‌گیری اشتغال داشت و در زمان اکبر شاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به هندوستان سفر کرده و پس از چندی به اصفهان بازگشت. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

دست و شمشیر و مژه غرقه‌ی خون می‌آید

عالمی کشته ببینید که چون می‌آید

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۶۱)، الذریعه (۱۱۷۰/ ۹)، صبح گلشن (۵۰۴ -۵۰۳)، فرهنگ سخنوران (۹۲۰)، لغت‌نامه (ذیل/ نثاری).

نثاری بخارایی، بهاءالدین حسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۷۴ ق)، تـذکره‌نویس و شـاعر، متخلص به نثاری. ملقب به نقیب‌الاشـراف. وی از شـاعران مـاوراءالنهر بود. از آثارش تـذکره‌ی «مـذکرالاحباب»، در مورد شاعران ماوراءالنهر است که آن را در ۹۷۴ ق به نام اسـکندر خان شیبانی (۹۹۱ -۹۶۸ ق) تألیف کرد. را ۹۸۳ ق دانسته و در ادامه گفته که محمد بدیع بن محمد شریف سمرقندی متخلص به ملیح، در ۱۰۹۳ ق ذیلی بر آن، به نام «مذکرالاصحاب»، نوشته است و همچنین «الذریعه» نام کتاب نثاری را «مذکرالاصحاب» ذکر کرده است. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۲۳۵ -۲۱۹/ ۲)، تاریخ نظم و نثر (۴۰۳)، الذریعه (۲۵۶ -۲۵۵/ ۲۰، ۱۱۷۰/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۲۰).

نثاری تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اهل آذربایجان بود و در آن شهر شهرت بسیار داشت. در جوانی به خراسان مسافرت کرد و سپس به قزوین رفت و مدت بیست سال در آن شهر در دربار صفویه بود و محترم می‌زیست سپس با امیر تقی‌الدین محمد، نبیره‌ی امیر جمال‌الدین محمد صدر و احمد غفاری (م ۹۷۵ ق) به کاشان رفت. در آنجا میان او و مولانا محتشم کاشانی (م ۹۹۶ ق) رنجشی پیدا شد و یکدیگر را هجو کردند. وی در شاعری شیوه‌ی خاصی داشت و از بابا فغانی و امیر شاهی پیروی می‌کرد. او «دیوان» امیر شاهی را تتبع کرده است. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۴۵ -۱۴۴/ ۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۸)، دانشمندان آذربایجان (۳۷۲ -۳۷۱)، الذریعه (۱۱۷۰/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۲۰)، مجمع‌الخواص (۱۶۰ -۱۵۵)، هفت اقلیم (۲۴۳ -۲۴۲/ ۳).

نثاری تونی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۶۸ ق)، شاعر. در گناباد یا جناباد ساکن بود علاوه بر شعر در انشاء و معما نیز مهارت داشت. به آورده‌ی صاحب «هفت اقلیم» در علم نجوم و هیئت بیشتر از علوم دیگر اظهار مهارت می‌کرد. از آثار وی: مثنوی «سرو و تذرو»، در وزن «شاه و درویش» هلالی؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۲۶/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۶۸۹)، تحفه سامی (۲۲۲ -۲۲۱)، تذکره‌ی روز روشن (۸۰۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۲۲)، دویست سخنور (۴۲۶ -۴۲۴)، الذریعه (۱۱۷۰/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۲۱ -۹۲۰)، هفت اقلیم (۳۲۰ - ۳۱۹/ ۲).

نثری گیلانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اهل گیلان و معاصر صادقی کتابدار، (م ۱۰۱۷/ ۱۰۱۶ ق)، مؤلف تذکره‌ی «مجمع‌الخواص» بود. وی با زیبایی خاصی قصه‌گویی می‌کرده است. گفته می‌شود سلطان شرف‌الدین بن مختار، کلامی از او را دلیل الحادش دانست و به همین دلیل، وی را به قتل رساند. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۱۷۱/ ۹)، لغت‌نامه (ذیل/ نثری گیلانی)، مجمع‌الخواص (۲۹۵ -۲۹۴).

نجابت، حسن‌علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جناب ملجأ السالکین و شیخ العرفاء الشامخین، قدوهٔ الاولیاء و زبدهٔ العرفاء، معدن العلم، محیی آثار الأنبیاء و الأوصیاء، شیخ المجاهدین، فقیه أهل بیت العصمهٔ و شمس فلک المحبّهٔ و قمر سماء المعرفهٔ، مخلص للّه، فانی فی اللّه، باقی باللّه، مجاهد فی سبیل اللّه و فی اللّه، عالم عامل و فقیه کامل حضرت آیت اللّه العظمی حاج شیخ حسنعلی نجابت شیرازی -قدّس سرّه الشریف- فرزند مرحوم حاج غلامحسین نجابت در سال ۱۲۹۶ هجری شمسی در خانواده‌ای کریم الاصل و نجیب النسل در شیراز متولّد شدند. پس از گذراندن دوره مقدّماتی در مدرسه علمیه خان شیراز که تحت نظر آیت اللّه العظمی سیّد عبداللّه شیرازی اداره می‌شد به نجف اشرف مشرّف شدند.

مقام علمی و اساتید ایشان: بیش از یک دهه از ورود ایشان به نجف نگذشته بود که بعنوان مجتهدی ورع و فقیهی صاحب‌نام آن هم در حوزه علمیه نجف اشرف مطرح می‌شوند و در کلّیه علوم ظاهری (فقه و اصول، تفسیر، کلام...) در محضر مراجع بزرگ آن زمان زبانزد خاصّ و عام بوده تا جایی که در هیئت استفتائیه مراجع، زمانی را سپری می‌کنند و شهرت علمی ایشان در نجف به حدّی بود که معروف بود که ایشان اگر نجف می‌ماندند از نظر همان علوم متعارف فقه و اصول و... در حدّی بالاتر از مرحوم آقاضیاء عراقی (استاد مراجع آن زمان) بودند. استادان بنام ایشان در فقه و اصول و ... آیت‌اللّه العظمی سیّد عبدالهادی شیرازی، آیت‌اللّه العظمی سیّد ابوالحسن اصفهانی، آیت‌اللّه العظمی سیّد ابوالقاسم خوئی و آیت‌اللّه العظمی شیخ علی‌محمّد بروجردی بودند. ایشان در سنّ ۲۸ سالگی به درجه اجتهاد نائل شدند و عمده اجازات ایشان از نامبردگان فوق می‌باشد.

اساتید عرفانی: چنانچه ذکر کردیم حضرت آیت اللّه نجابت(ره) با آن همه معلومات اگر می‌خواستند در همان نجف اشرف ادامه درس و بحث حوزوی داشته باشند یکی از نوادر عصر خود و یکی از استوانه‌های مرجع و ملجأ مردم و طلّاب می‌بودند، امّا چون طالب مطلوب واقعی بوده و علوم ظاهری را مقدّمه برای ورود به علم واقعی می‌دانستند، جویای انسانی کامل از اولیاء الهی بودند که از زلال معرفت و هدایت خاصّ وی برخوردار شوند، که در همین راستا خداوند تبارک و تعالی به اراده و مشیّت خاصّه خود شخص محترم و عزیز و کاملی را جهت ارائه طریق به مرحوم آیت اللّه نجابت معرّفی می‌فرمایند، یعنی ایشان به خدمت استاد کلّ و مرجع و ملجأ مراجع تقلید آن زمان از هر جهت -چه ظاهری و چه واقعی و معنوی- یعنی مرحوم حضرت آیت‌اللّه العظمی حاج سیّد علی قاضی طباطبائی -قدّس سرّه الشریف- می‌رسند که سیر واقعی و حرکت متّصل به سوی حضرت احدیّت شروع می‌شود. اگر بخواهیم به زندگانی فیلسوف، حکیم الهی، مجاهد فی سبیل اللّه، عالم کامل و فقیه جامع مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سیّد علی قاضی بپردازیم، باید گفت: مثنوی هفتاد من کاغذ شود. بنابراین به فرموده مرحوم حضرت آیت‌اللّه نجابت که از شاگردان برجسته محضر عرفانی ایشان بودند اکتفا می‌کنیم: وقتی صحبت از استقامت و پایمردی و صبر می‌شد، نام این بزرگوار را به عظمت و تکریم و وقار می‌آوردند بطوری که چهره‌شان تغییر می‌کرد، آنچنان با قدرت و از اعماق جانشان سخن می‌گفتند که سخن به جان انسان اثر می‌کرد و تغییر می‌داد وضع شخص را، یعنی به دنبال سخن یک اتّصال معنوی با ربّ‌الارباب حاصل می‌شد. خود بیان نام و ذکر احوالات حضرت آیت‌اللّه قاضی آنچنان انسان را تحت تأثیر قرار می‌داد که حضور حضرت آیت‌اللّه قاضی را انسان درک می‌کرد، علّتش فقط حضور آیت‌اللّه نجابت در مقام بیان حالات آیت‌اللّه قاضی گویا در حضور آیت‌اللّه قاضی است. آنچنان اتّصال بین آیت‌اللّه نجابت و آیت‌اللّه قاضی بود که سخن آیت‌اللّه نجابت همان سخن آیت‌اللّه قاضی می‌شد و اثر همان اثر. شاگردان ایشان زیاد ملاحظه می‌کردند که در حقیقت سخن از حالات خود آیت‌اللّه نجابت بود، امّا هنر ایشان در این بود که این حالات را و

کرامات را به مرحوم آیت‌اللَّه قاضی نسبت می‌دادند. الحق هم باید شخصی مثل آیت‌اللَّه نجابت معرّف آیت‌اللَّه قاضی باشد، کسی که در همان چند سال محضر آن بزرگوار کمال استفاده را بردند. ایشان می‌فرمودند: «اگر بخواهیم راجع به صبر آیت‌اللَّه قاضی صحبت کنیم باید به این نکته توجّه کامل داشته باشیم که ایشان از نظر علمیّت بی‌نظیر بودند یعنی یکی از مدرّسین فقه و اصول حوزه نجف اشرف بودند و شاگردان بسیاری تربیت کردند، در تمام علوم احاطه کامل داشتند، تقوا و زهد ایشان انسان را به یاد جدّش امیرالمؤمنین(ع) می‌انداخت، از نظر مخارج منزل سخت تحمّل می‌کردند ناملایمات را، فشار زندگی طاقت فرسا بود، با این همه فضیلت و تقوا و علم، امّا هرگز این مراتب را جهت استراحت خود قرار ندادند، راضی بودند به رضای خدا، یعنی اگر می‌خواستند جلب مال کنند عدّه زیادی بودند که آرزو داشتند مرحوم آیت‌اللَّه قاضی تقاضایی کنند، امّا هرگز سخن راجع به این امور نفرمودند. در مرتبه خواب و مکاشفات که بعضی از بزرگان در طول زندگی از خواب خوب و مکاشفه تا اندازه‌ای برخوردار بودند، امّا این بزرگوار اسوه صبر و استقامت خودشان می‌فرمودند: چهل سال از عمرم گذشته بود، یک خواب، یک مکاشفه خوب نداشتم که لااقل دل خوش کنم به آن.

امّا از آنجایی که صبر ایشان صبر ایّوب و جدّشان رسول اکرم(ص) بود هرگز نسبت به راه تزلزلی و سستی راه ندادند و اراده خداوند و رضای خداوند را بر تمام مطالب خود مقدّم داشتند، تا اینکه خداوند جلیل عنایت خود را به این محترم عطا نمود که در آن زمان عدّه زیادی بهره‌مند شدند و اکنون هم از برکات آن محترم طالبین معرفت خداوند متنعّم هستند. حضرت آیت‌اللَّه نجابت می‌فرمودند: روز اوّل که خدمت این بزرگوار (حضرت آیت‌اللَّه قاضی) رسیدم فرمودند: فرزند چه کسی هستی؟ بدون هیچ‌گونه معطّلی عرض کردم: فرزند شما. بسیار این مرد بزرگ از جواب من خوشحال شد.(۱)

همچنین می‌فرمودند: همین که نزدیک می‌شد ماه محرّم مرحوم آیت اللَّه قاضی دیگر قرار نداشتند، همه می‌دانستند آن جذبه ربّ الارباب، آن عنایات حضرت ابا عبداللَّه الحسین(ع)، این آتش عشق به خداوند و ائمه این بزرگوار را از خود بی‌خود می‌کرد، لذا مقداری نان و خوراکی تهیه می‌کردند اهل منزل و این بزرگوار از منزل خارج می‌شدند و پیوسته محزون و گریان بودند. نقل است که چند ماهی پیش از شرفیابی آیت‌اللَّه نجابت به خدمت مرحوم قاضی نگذشته بود که مرحوم قاضی می‌فرمود: شیخ حسنعلی نجابت اهل حرم است. بعد از فوت مرحوم آیت اللَّه قاضی از آنجایی که خداوند هرگز انسان را رها نمی‌کند، طالب را رها نمی‌کند و عنایت عامّ و خاصّ خداوند به زمان و مکان بستگی ندارد، به خدمت سرسلسله عشّاق، آن متّصل به مبدأ اجلّ، آن سوخته بقا یافته، آن وارد در اسرار الهی یعنی مرحوم آیت اللَّه العظمی حاج شیخ محمّدجواد انصاری همدانی -قدّس سرّه الشریف- رسیدند، که الحق می‌باید گفت: نمی‌شود کسی در واقع خدمت این بزرگوار برسد و معرفت خداوند نصیب او نشود. و راجع به این مرد بزرگ هم باید گفت: معرّف ایشان باید آن شاگرد صددرصد تسلیم و مطیع آن بزرگوار یعنی حضرت آیت‌اللَّه نجابت باشد، چون این وضع را ایشان از همه بیشتر متوجّه بودند. ایشان می‌فرمودند: مرحوم آیت اللَّه انصاری از نوادر و افراد انگشت شمار اهل معرفت بودند، یعنی خداوند تبارک و تعالی متکفّل تمام مراتب ایشان بود. استاد ایشان حسب نقل بزرگواران و آیت اللَّه نجابت خود خداوند تبارک و تعالی بود که ایشان هم نقل قول می‌کردند از مرحوم آیت اللَّه قاضی که می‌فرمودند: این مرد بزرگ (آیت اللَّه انصاری) خدا را به یگانگی شناخته است. آیت‌اللَّه نجابت می‌فرمودند: بعد از رحلت حضرت آیت اللَّه قاضی همراه شهید محراب آیت اللَّه دستغیب به خدمت حضرت آیت اللَّه انصاری رسیدیم، مرحوم آیت اللَّه انصاری فرمودند: چرا، و برای چه اینجا آمده‌اید؟ عرض کردیم: برای کسب معرفت خداوند آمده‌ایم. و اصرار ورزیدیم. بعد از مدّتی مرحوم آیت‌اللَّه انصاری فرمودند: بنده مدّتها است از خداوند تبارک و تعالی تقاضا داشتم که هیچ کس مرا نشناسد، امّا چه کنم که امر و اراده خداوند غیر از این شد. به هر جهت بهره بسیار زیادی از این مرد کامل داشتند. مرحوم آیت اللَّه نجابت می‌فرمودند: مرحوم آیت اللَّه انصاری در عشق به خداوند بی‌نظیر بودند، و ایشان را هم ردیف حافظ شیرازی که زبانزد خاصّ و عامّ است از عشق به خداوند می‌دانستند. معروف است که آیت اللَّه انصاری در باره آیت‌اللَّه نجابت فرمودند: اگر دریایی از معارف الهی را به حاج شیخ حسنعلی بدهند سیر نمی‌شود.

نظری به ابعاد وجودی ایشان: وقتی به ابعاد و شخصیت این مرد خدا (حضرت آیت‌اللَّه نجابت) مراجعه می‌شود در می‌یابیم که ایشان مجتهد در تمام امور است. یعنی نیاز یک جامعه را از هر جهت رفع می‌کند و در حقیقت هدایت می‌کند. حقیقتاً خداوند هادی است، امّا چون این افراد به خداوند متّصل و در سرّ خداوند وارد و آگاه از اسرار الهی هستند، مردم را به حقیقت آگاه می‌کنند. دیگر نمی‌توان گفت این شخص فقط مجتهد است در فقه و اصول و احکام شرع، خیر، ایشان به تمام امور زندگی آگاه است، یعنی امور همه به دست خداست و اینها هادیان طریق الی اللَّه هستند. اینگونه افراد فقط رضای خداوند را مدّ نظر دارند و هر لحظه از خداوند کمک می‌خواهند و مردم را به حق یعنی سنّت رسول خدا(ص) دعوت می‌کنند، به کتاب خدا و اهل بیت عترت و طهارت دعوت می‌کنند نه به شخص خودشان، و از این جهت هیچ وقت نسبت به اعمال خودشان پشیمان نیستند چنانکه امام خمینی(قدس سره) می‌فرمودند: ما به وظیفه عمل می‌کنیم پیروزی ظاهری باشد یا نباشد. خداوند تبارک و تعالی چنین قرار داده که همچنان که قرآنش را تنزّل داده، تمام اوصافش را هم تنزّل داد تا همچون محترمینی مثل آیت‌اللَّه نجابت جلوه خدا باشند، پس جلوه در تمام اوصاف امکان دارد حاصل شود، چون اراده خداوند به چنین شخصی تعلّق گرفت، خداوند حسب حال این محترم و گنجایش این محترم او را ذوجهات قرار می‌دهد که به نحو ایجاب جزئی می‌تواند احتیاجات اشخاص طالب معرفت خداوند را برطرف کند، چرا که در اثر بندگی خدا اگر خداوند اجازه دهد هر جنبنده‌ای دراختیار این محترم به حرکت در می‌آید، آسمان و زمین و مافیها در اختیار این محترمین است و به اذن خداوند می‌توانند در هر چیز و هر کس که بخواهند تصرّف کنند. چنانکه دیده می‌شد امر و نهی ایشان بر شخص تسلیم امر خداوند، شخصی که صد در صد از تعلّقات دنیوی دست کشیده بود آنچنان مؤثّر واقع می‌شد که به اندک مدّتی به نتیجه و مطلوب می‌رسید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

نجات اصفهانی، عبدالعال

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۴۰/ ۱۱۲۶/ ۱۱۲۲ ق)، منشی و شاعر، متخلص به نجات. معروف به میر نجات. وی از سادات کهکیلویه فارس و ساکن اصفهان بود. پدرش مستوفی و نویسنده‌ای عالم و محاسب بود که میر عبدالعال، شغل پدر را در کارهای دیوانی دنبال کرد. در عهد شاه سلیمان صفوی (۱۱۰۵ -۱۰۷۷ ق) از منشیان دربار شاهی بود و در دوره‌ی شاه سلطان حسین (۱۱۳۵ -۱۱۰۵ ق) در کتابخانه‌ی سلطنتی به خدمت اشتغال داشت. نجات خط نستعلیق را خوش می‌نوشت، شعر نیز می‌سرود و مهارتش در سرودن غزل و مثنوی بود. او شاگرد صائب تبریزی و دوست و همنشین میرزا طاهر وحید قزوینی و میرزا طاهر نصرآبادی بود. برخی از مؤلفان معتقدند که «دیوان» میر نجات مشتمل بر حدود ده هزار بیت است و میرزا طاهر وحید بر آن دیباچه نوشته است، به آورده‌ی تعلیقات «تذکرهٔ المعاصرین»، گلچین معانی گوید": نسخه‌ای از دیوان او را که من دیده‌ام، فاقد دیباچه مزبور بوده و تمام آن دیباچه را در منشآت وحید می‌توان یافت ".نام وی را میر عبدالعالی و عبدالمعال و نسبتش را قمی نیز ذکر کرده‌اند. او در اصفهان درگذشت و در محوطه‌ی آرامگاه آقا حسین خوانساری دفن گردید. از آثارش: مثنوی «مسیر السالکین»، که در ۱۰۸۵ ق سروده شده و یک هزار و دویست بیت از آن باقی مانده است، مثنوی «گل کشتی»، در اصطلاحات ورزشی و فنون کشتی که در ۱۱۱۲ ق سروده شده است؛ «دیوان» شعر، در پنج هزار بیت.[۱]

میرنجات. عبدالعالی یا عبدالعال فرزند میرمحمد مؤمن حسینی شاعر قرن دوازدهم هجری. از معاصران حزین و نصرآبادی و از منشیان و مستوفیان بنام عهد صفوی است. خط نستعلیق را خوب می‌نوشته و شعر بسیار هم گفته است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۱۰۳۳ -۱۰۳۲/ ۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۷۲ -۱۳۶۷/ ۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۶۵۶ -۶۵۴/ ۱)، تذکره‌ی روز روشن (۸۰۶ -۸۰۴)، تذکرهٔالمعاصرین (۲۹۴ -۲۸۸، ۱۶۱ -۱۵۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۴۲ -۳۴۰)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۵۶ -۶۵۳/ ۵)، دایرهٔالمعارف فارسی (۳۰۱۰/ ۲)، الذریعه (۱۱۷۱/ ۹)، ریحانه (۱۳۳/ ۶)، فرهنگ سخنوران (۹۲۱)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۲۵۶۷/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ نجات)، منظومه‌های فارسی (۵۵۸ -۵۵۷)، یغما (س ۲۳، ش ۱۰، ص ۶۱۴ -۶۱۱).

نجات تبریزی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۳۴۰ ق)، شاعر و مترجم. وی از اشراف خاندان نجات تبریز بود. او قصه‌ی «بوذاسف و بلوهر» را- که از حکایات معروف مربوط به تاریخ حیات بودا است- تحت نام «کلید بهشت» به رشته نظم درآورده است. از دیگر آثارش: «قطوف الادب فی امثال العرب»، ترجمه، حاوی یک قسمت از امثال عربی و شامل نکات تربیتی؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۶۵۹ -۶۵۷/ ۲)، دانشمندان آذربایجان (۳۷۲)، الذریعه (۱۵۹/ ۱۷، ۱۱۷۱/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۲۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۵۵۳/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۷۷۸/ ۲).

نجات، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین میرزا نجات. ملقب به معین‌الاسلام، در اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری می‌زیست. داستان یوزاسف و بلوهر را بنام «کلید بهشت» به نظم آورده است و ماده تاریخ آن را به سال ۱۳۱۰ ه.ق چنین سروده:

«به تاریخ ختمش نجات این نوشت

عطا آمدت ز او کلید بهشت»

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

نجات، هاشم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

نجاتی بافقی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر و طبیب. در اوایل عمر از بافق که وطنش بود، به یزد آمد و مشغول تحصیل علم ابدان (علم پزشکی) و علم ادیان شد. چندی به مسافرت پرداخت تا به درجه‌ی طبابت رسید و دوباره به یزد بازگشت و در آنجا سکنی گزید. وامق یزدی بعضی از اشعارش را در تذکره‌ی خود آورده است. او در حیات وامق (م ۱۲۶۲ ق) از دنیا رفت. ضمناً قابل ذکر است که صاحب «تذکره‌ی نصرآبادی» سخنی از یک نجاتی بافقی به میان آورده که بسیار معمر بوده و با این حال «شاهنامه» را به طرز خوش می‌خوانده شاید این نجاتی، پسر یا نوه‌ی آن نجاتی معمر باشد. از آثار وی: «نجاةالابدان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۰۷)، حدیقةالشعراء (۱۸۶۱ -۱۸۶۰/ ۳).

نجاتی تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به نجاتی. اهل تبریز بود و به گفته‌ی سام میرزای صفوی (م ۹۷۵ / ۹۷۴ ق) خط نستعلیق را بد نمی‌نوشت. در «الذریعه»، «دانشمندان آذربایجان» و «تاریخ موسیقی» شرح حال مولانا حافظ مجلسی تبریزی که حافظ قرآن بوده و قانون و شترغو را خوب می‌نواخته، با شرح حال صاحب عنوان یکی شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (۳۲۳/ ۱)، تحفه سامی (۸۳ -۸۲)، دانشمندان آذربایجان (۳۷۲، ۲۳۰ -۲۲۹)، الذریعه (۶۰۱/ ۹).

نجاتی گیلانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. در ماسوله‌ی فومن به دنیا آمد و مدتی در لار به سر برد. تقی‌الدین اوحدی (۱۰۳۰ -۹۷۳ ق) در صغر سن خود، او را در لار دیده است. در زمان شاه عباس اول (۱۰۳۸ -۹۹۶ ق) می‌زیست. از آثار وی: مثنوی «ناز و نیاز»، به پیروی از «مخزن‌الاسرار» نظامی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۱۷/ ۱۹)، فرهنگ سخنوران (۹۲۲)، کاروان هند (۱۴۲۶ -۱۴۲۵/ ۲)، منظومه‌های فارسی (۵۹۰).

نجاتی، صادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صادق نجاتی

محل تولد : نجف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱۰/۱

زندگینامه علمی

اینجانب صادق نجاتی در سال ۱۳۳۲ در شهر مقدس «نجف اشرف» متولد شدم و مرحوم پدرم نیز متولد نجف بوده است. پدر بزرگم از شهر کاشان جهت تحصیل به حوزه نجف رفته و آنجا زندگی تشکیل داده و مسکن وی آنجا بوده است و ما چون ایرانی بودیم و شناسنامه ایرانی داشتیم؛ در سال ۱۳۵۰ در برج ۱۰، توسط صدام خبیث اخراج شدیم که اینجانب از دبیرستان علاقه وافری پیدا کردم به ورود به حوزه که کلاس دهم بودم و کلاس یازدهم و دوازدهم را متفرقه خواندم و دیپلم را در سال ۱۳۵۰ از دبیرستان شرافت بغداد گرفتم و همان سال اخراج شدیم و به حوزه علمیه قم آمدیم که بیشتر لمعه را در قم خواندم. چون در نجف اشرف (معالم، شرح باب حادی عشر، منطق مظفر، شرح ابن عقیل، مقداری از سیوطی، بحث باب تراجیح رسائل و اصول مظفر) را خوانده بودم.

درس رسائل نزد چند نفر از اساتید که عمده بحثهای آن، نزد حجةالاسلام و المسلمین مرحوم آقای سید ابوالفضل موسوی تبریزی خوانده ام و کفایه نزد آیات: حائری، مرحوم پایانی، آیت الله محمدی گیلانی و آیت الله سبحانی خواندم و مکاسب را نزد مرحوم

آیت الله موحـدی حجتی نجفی و آیت الله معرفت خواندم و یک مقدار اسـفار نزد آیت الله گرامی و آیت الله جوادی آملی و تفسیر نزد آیت الله خزعلی و درس خارج اصول و فقه نزد آیت الله العظمی وحید خراسانی و مقداری نزد آیت الله سید کاظم حائری، آیت الله سـبحانی و آیت الله مظاهری خواندم. مدتی در مدرسه شـهید صدر به تدریس اصول فقه و حلقه اولی شهید صدر و لمعه مشغول بودم.

از سال ۱۳۵۰ برای تبلیغ به مناطق مختلف، اعم از روسـتا و شـهر کشور رفتم و چند سالی به لبنان و کشور سوئد و فنلاند جهت تبلیغ برای عراقیهـای مقیم آن دو کشـور اعزام شـدم و در سـال ۱۳۶۱ به قضـاوت در اهواز تـا سال ۱۳۶۵ مشـغول بودم و با اصـرار خودم استعفا نمودم و دوباره در سال ۱۳۸۱ به قضاوت برگشتم و فعلاً در قم مشغول هستم و چند سالی در انتشارات جامعه مدرسین قم در بخش عربی مشـغول به کـار شـدم و کـار تحقیق شـروع کردم. مسـئول بخش عربی شـدم و چنـد سـالی در مجمع الفکر اسـلامی نیز مشغول به تحقیق شدم و این توفیق را داشتم که مثل سایر برادران دیگر محقق در تحقیق کتابهای شیخ مرتضی انصاری از مکاسب و رسائل و صلاهٔ و سایر کتب ایشان مشغول شدم.

نجاتی، محمدسعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد سعید نجاتی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۷/۸/۱۳

زندگینامه علمی

با دیپلم تجربی با معـدل ۵/۱۷ در سال ۱۳۷۴ فارغ التحصـیل شدم و با رتبه ۱۳ وارد حوزه علمیّه و مدرسه علمیّه شـهیدین گشتم. از سـال اول تـا آخر دوره سـطح، در مـدرسه شـهیدین مشـغول بوده ام و علاوه بر دروس متـداول حوزه، دوره مکالمه عربی را تکمیل نموده و مکالمه انگلیسـی را شـروع نمودم. همچنین در برنامه تحقیق مدرسه شـرکت نموده و تحقیقاتی را با موضوعات: «سیره پیامبر (صـلی الله علیه و آله)» و «مقارنه کتب صـرفی»، «اصول»، «تاریخ امیر المؤمنین»، «تاریخچه و کتابنامه صـحیفه سـجادیّه» نوشـته ام که برخی چاپ و منتشر شده است. همچنین دوره مقدّماتی فیلم نامه نویسی را در خانه هنر و اندیشه صدا و سیمای قم گذرانده ام.

الان در ترم ۶ رشـته کلام اسـلامی، دوره غیر حضوری مؤسـسه امام خمینی (ره) و دوره عالی خارج فقه و اصول مـدرسه شـهیدین مشـغول تحصـیلم. در ایـن دوران به صـورت پراکنـده و انفرادی کتابهـای حلقه اولی شـهید صـدر، هـدایه، صـمدیه، مکـالمه عربی، الموجز، لمعه و مغنی را تـدریس کرده ام. همچنین در این مـدت در کلاس های آموزش سـخنرانی، مداحی و تبلیغ شـرکت کرده و در مناطقی چون شهر یاسوج، شهرستان سی سخت، شهر بم، شهر بندرعباس، روستاهای منطقه هلیلان ایلام، شهر قزوین و روستاهای منطقه نوشان، تبلیغ برای عموم مردم و دانش آموزان در ایام تبلیغی مشغول بوده ام.

نجاتی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مترجم، شاعر.

تولد: ۱۲۸۱.

درگذشت: ۶ آذر ۱۳۷۳.

محمدعلی نجاتی از اوان نوجوانی به عضویت انجمن‌های ادبی ایران و حکیم نظامی به سرپرستی وحید دستگردی درآمد. وی مدتی مدیریت مجله‌ی ادبی «ارمغان» را به عهده داشت. بعدها که به خدمت ارتش درآمد، مدت ده سال سـردبیری مجله‌ی «ژاندارمری» را بر عهده داشت. آثار ادبی نجاتی اعم از شعر و مقاله در اغلب مجلات ادبی از جمله «یغما»، «ارمغان» و «گوهر» منتشر شده است.

نجاتی در طنز نیز آثار منظومی دارد و غیر از مقالات و تحقیقات ادبی، کتاب عجایب المقدور فی اخبار تیمور اثر شرفشاه توسط وی ترجمه شده است.

شایان ذکر است که این کتاب به عنوان بهترین کتاب سال نیز شناخته شده است.

(۱۳۷۳ -۱۲۸۴ ش)، نویسـنده، مترجم و شاعر. در تهران به دنیا آمـد و تحصـیلات ابتدایی و متوسـطه را در آموزشـگاه‌های اسـلام و ثروت به پایان رسانـد. سپس به کسب علوم ادبی و عربی پرداخت و از محضـر وحید دسـتگردی مایه‌های ادبی اخذ کرد و قریب ده سـال به عنوان مـدیر داخلی مجله‌ی «ارمغان» با وی همکاری نمود و در تصـحیح متون ادبی همکار نزدیک او بود و چنـد سال نیز به عنوان معاون کتابخانه‌ی ملی مشغول خدمت گردید. از آثار وی: ترجمه‌ی «عجایب المقدور فی نوائب تیمور»، تألیف ابن عربشاه، به نام «زندگی شگفت‌آور تیمور»؛ «دیوان» شعر؛ اهتمام در انتشار «دیوان» شعر ملک‌الشعراء فتحعلی خان صبا.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۱۷۲/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۶۲۳ -۳۶۱۸/ ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۵۰۲/ ۱)، کشف الظنون (۱۱۲۸)، کلک (س ۵، ش ۵۵ و ۵۶، ص ۴۱۰)، گلزار جاویدان (۱۶۰۷/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۰/ ۴).

نجار زادگان، فتح الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فتح الله نجار زادگان

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۷ در شهر اصفهان به دنیا آمد و در سال ۱۳۵۶ موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی شد. در سال ۱۳۵۸ به حوزه علمیه اصفهان رفت و تا سال ۱۳۶۴ دروس مقدمات، اصول، شرح لمعه و متون دیگر عمومی را خواند. در این سال با ورود به حوزه علمیه قم و شروع رسائل و مکاسب از واحد آموزش عالی دفتر تبلیغات، لیسانس گرفت و سپس به تربیت مدرس دانشگاه قم راه یافت و همزمان با دروس حوزه در سال ۱۳۷۲ موفق به دریافت مدرک کارشناسی ارشد در رشته «الهیات و معارف اسلامی» شد.

در سال ۱۳۷۳ در دانشگاه تهران در رشته «علوم قرآن و حدیث»، مقطع دکتری و در دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در رشته «فقه و اصول» در همان مقطع، پذیرفته شد اما به دلیل علاقه به رشته علوم قرآن به دانشگاه تهران رفت و در سال ۱۳۷۸ رساله خود را دفاع کرد. در طی این مدت به دروس حوزوی نیز کم و بیش مشغول بود. آنگاه در سال ۱۳۷۹ در گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران که هم اکنون یکی ازگروههای دانشکده الهیات است، به عنوان عضو هیئت علمی مشغول به کار شد که هم اکنون نیز ادامه دارد.

تدریس در موضوعات: اصول، فلسفه، علوم قرآن، حدیث، تفسیر (به ویژه تفسیر تطبیقی) در حوزه و نیز تدریس علوم قرآنی، حدیث و تفسیر در دانشکده اصول الدین و مدارس مرکز جهانی علوم اسلامی و تدریس اخلاق، متون اسلامی، معارف در دانشگاهها بخشی از فعالیتهای علمی ایشان محسوب می شود که هم اکنون نیز ادامه دارد. مدتی با پژوهشکده حوزه و دانشگاه و نیز شورای برنامه ریزی مرکز جهانی همکاری داشته و هم اکنون نیز در رتبه دانشیاری با پایه ۱۲ عضو گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران می باشد.

نجار شوشتری، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۴۱/ ۱۱۴۰ ق)، عالم دینی، محدث، مفسر، واعظ و خطیب. بنا به آورده‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی از «تذکره‌ی عبداللّه جزایری» او از شاگردان جد صاحب تذکره، سید نعمهٔاللّه جزایری است و از وی روایت نموده است. نجار در طلب علم به اصفهان و مشهد مسافرت کرد و نزد ملا عبدالرحیم جامی و دیگران تلمذ نمود. و آثارش: «مجمع التفاسیر»، مشهور به «تفسیر ابن النجار» که از تفاسیر بزرگ قرآن است، رساله‌ای در «سیرالملوک»، به فارسی؛ جمع بین متن «الاستبصار» و شرح محدث جزایری بر آن به نام «کشف‌الاسرار»، و همچنین جمع بین متن «التهذیب» و شرح محدث جزایری بر آن به نام «غایهٔالمرام»؛ تدوین «عقود المرجان فی حواشی القرآن» استادش، سید نعمت‌اللّه جزایری، در سه مجلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۹/ ۱۰)، الذریعه (۲۴/ ۲۰ ،۱۷/ ۱۸ ،۱۹ -۱۸/ ۱۶ ،۳۰۵/ ۱۵ ،۲۴۹/ ۴)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۷۰۷ - ۷۰۶/ ۱۲)، معجم‌المؤلفین (۶۷ -۶۶/ ۱۱).

نجار قمی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدحسین بن ملا حسن نجار قمی عالمی کبیر و فقیهی صالح بوده و در سال ۱۳۵۹ قمری در قم وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

نجار، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ محمدحسین مشهور به نجار (چون پدرش پیشه نجاری داشته) از علماء و مجتهدین قم بود که در نجف اشرف سالها در خدمت فقیه اعظم آقا سید محمدکاظم طباطبائی تحصیل و تلمذ نموده بود ولی چون طبعی تند داشت ترقی ننمود و در اوایل مشروطیت صدماتی کشید و اعتضادالدوله حکمران قم او را به نجف تبعید نمود پس از استقرار مشروطیت مجدداً به قم مراجعت کرد ولی به علت تندی مزاج باز کارش پیشرفت نکرد. گاهی به تهران مسافرت می‌کرد و گاهی به قم مقیم می‌شد تا چندین سال قبل در قم مرحوم شد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

نجاریان، بهمن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر بهمن نجاریان در سال ۱۳۳۳ در اهواز متولد شد.وی پس از طی تحصیلات متوسطه ،برای ادامه تحصیل ایران را به مقصد امریکا ترک کرد.مدارک کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته روانشناسی را از دانشگاههای آنجا اخذ نمود .وی ادامه تحصیلاتش را در انگلستان از سر گرفت و موفق شد دکترای روانشناسی بالینی را از دانشگاه یورک انگلیس (در سال۱۳۶۸) دریافت کند.نامبرده هم اکنون استاد گروه روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز می باشد. کتاب"روانشناسی درد؛ رویکردهای کنترل و درمان "ترجمه بهمن نجاریان، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانی رشته : روان شناسی گرایش : روانشناسی بالینی تحصیلات رسمی و حرفه ای : بهمن نجاریان تحصیلات متوسطه را در اهواز گذراند. در سال ۱۳۵۱ جهت ادامهٔ تحصیل به آمریکا رفت و لیسانس و فوق لیسانس خود را در رشتهٔ روانشناسی از دانشگاه‌های تگزاس و هوستون دریافت کرد. در سال ۱۳۶۸ مدرک دکترای خود را در روانشناسی بالینی از دانشگاه یورک انگلیس اخذ نمود و پایان‌نامهٔ دکترای ایشان توسط آن دانشگاه به عنوان برجسته‌ترین تز دکتری انتخاب شد و جایزه نقدی و لوح تقدیر «کاتلین استات» را به خود اختصاص داد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : بهمن نجاریان در سال ۶۸ به مرتبه استادیاری، در سال ۷۲ به مرتبه دانشیاری و در سال ۷۷ به مرتبه استادی ارتقاء یافت. وی هم اکنون استاد گروه روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز بوده و مسئولیت‌های اجرایی متعددی را در دانشگاه فوق برعهده داشته است.جوائز و نشانها : کتاب"روانشناسی درد؛ رویکردهای کنترل و درمان "ترجمه بهمن نجاریان، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : ـ چاپ ۹۵ مقاله در نشریات داخلی و ۱۰ مقاله در نشریات خارجی؛ ـ ارائه مقالاتی در کنفرانس‌های داخلی و خارجی؛ ـ ترجمه و تألیف ۱۳ کتاب آموزشی و کمک آموزشی؛ ـ هدایت و راهنمایی دهها پایان¬نامه در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا. آثار : روانشناسی درد؛ رویکردهای کنترل و درمان ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «روانشناسی درد؛ رویکردهای کنترل و درمان رابرت ج. گچل،دنیس سی. ترک؛ ترجمهٔ محمّد علی اصغری مقدم، بهمن نجاریان، محسن محمّدی، محسن دهقانی،تهران: رشد، ۱۳۸۱. درد، شاید عمومی‌ترین فشار روانی باشد که با آن مواجه می‌شویم، هیچ یک از علایم جسمانی دیگر به فراگیری درد نیستند. از ابتدای مدون بشر، تلاش برای کنترل درد از اهداف اصلی آدمی بوده است. در پاپیروس‌های مصری مربوط به ۴۰۰۰ سال ق.م اشاراتی در مورد درمان درد یافت شده است. اما علی‌رغم تاریخ طولانی و پیشرفت بشر، رهایی از درد همچنان برای بسیاری از بیماران، امری دور از دسترس باقی‌مانده است. تاکنون کتاب‌های بسیاری در مورد درد انتشار یافته است، اما در تعداد اندکی از آن‌ها به مباحث روان‌شناختی و جنبه‌های عملی کنترل روان‌شناختی درد پرداخته شده و مطالب ارائه شده در آن کتاب‌های اندک هم قدیمی است؛ اما امروزه پژوهش‌های بسیاری در این زمینه انجام گرفته است. کمبود منابع مربوط به درد و فقدان کتابی که شامل اطلاعات لازم دقیق و فراگیر در مورد درمان‌های مخصوص باشد، بسیار محسوس است. در راستای پاسخ به چنین نیازی و به منظور فراهم‌سازی روزآمدترین مطالب دربارهٔ بسیاری از راهبردهای درمانی رایج، کتاب حاضر نگاشته و ترجمه شده است.

نجدی یزیدی، عبدالوهاب

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۲ ق)، شاعر، متخلص به نجدی. از سادات یزد و در علم عروض و قافیه استاد بود. در اوایل در یزد و کرمان به سر می‌برد و در اواخر عصر صفویه در زمان اکبر شاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) چند بار به هندوستان مسافرت کرد و پس از سالها سفر به ثروت فراوانی دست یافت. مدتی در هند ساکن بود تا اینکه از راه دریا به جانب فارس و از آنجا به کاشان رفت و مدتی در کاشان با شاعران آنجا مشاعره داشت. وی با صادقی کتابدار (م ۱۰۱۸/ ۱۰۱۷ ق) نیز معاصر و معاشر بوده است. در «کاروان هند» به نقل از تقی‌الدین

اوحدی آمده که نجدی مدتی در هند بوده و یاران او را در ۱۰۲۲ ق به سن هفتاد سالگی دیده بودند. «فرهنگ سخنوران» صاحب ترجمه را تحت دو عنوان ذکر کرده است. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۸۰۶)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۳۲۱ -۳۲۰) الذریعه (۱۱۷۳/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۲۲)، کاروان هند (۱۴۳۰ -۱۴۲۷/ ۲)، مجمع‌الخواص (۹۹ -۹۸)، هفت اقلیم (۱۶۲ -۱۶۱/ ۱).

نجف‌آبادی، عبدالرحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۲۸۶ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مدرس و مرجع تقلید. اهل نجف‌آباد اصفهان و از شاگردان شریف‌العلماء حایری بود. شیخ محمد نبی تویسرکانی، صاحب کتاب «لآلی الاخبار»، از شاگردان او بود که در ۱۲۷۹ ق از وی اجازه‌ی اجتهاد دریافت نمود. از آثارش: «حقائق‌الاصول» که در روزگار مؤلف، در ۱۲۸۶ ق به چاپ رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۲۲ / ۴)، اعیان‌الشیعه (۴۶۹ / ۷)، الذریعه (۳۰ / ۷)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۷۲۷ -۷۲۶ / ۱۳)، معجم‌المؤلفین (۲۰۸/ ۵).

نجف‌آبادی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسین بن محمدصادق بن نجف‌آبادی نجفی عالمی مؤلف و فاضلی خبیر از علماء این شهر بوده‌اند.

وی در سال ۱۳۰۰ ق در کربلا متولد شده و در آنجا پرورش و از علماء کربلاء استفاده علوم معموله نموده و در اخبار و آثار و تواریخ حظ وافری برده آنگاه به نجف منتقل به تألیف و خدمات علمیه پرداخته تا در اواخر محرم ۱۳۴۵ در سن ۳۵ سالگی از دنیا رفته است.

آثار علمی او از این قرار است.

۱- سفن النجاه در ۱۴ مجلد که هر جلد را منحصر و خصوص تاریخ یکی از معصومین (ع) قرار داده و پنجمی آن را موسوم به (سفینه النجاه) چون متعلق به حضرت سید الشهداء علیه‌السلام است و چهاردهمی آن را موسوم به (الشمس الطالعه) در ظهور صاحب الانوار الساطعه نموده است.

۲- (وقایع الایام) بزرگ.

۳- (مجموعه الغلام فی احوال سادات الانام) در احوال معصومین در دو مجلد

۴- منتخبات از (روضات الجنات) و خاتمه مستدرک الوسائل در احوال مشایخ و العلماء و غیره.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نجفی اصفهانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد نجفی اصفهانی از علماء اعلام استان کرمانشاه و مقیم شهرستان هرسین می‌باشند.

معظم له در حدود ۱۳۲۵ قمری در یکی از مضافات اصفهان متولد شده و پس از دوران مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح در آن سامان مهاجرت به نجف اشرف نموده و از ابحاث مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه نائینی و دیگران بهره‌مند شده آنگاه به تشویق مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ فرج‌اللّه کاظمی هرسینی به هرسین عزیمت و رحل اقامت افکنده و تا حال حاضر به اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج مذهب اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

نجفی بروجردی، علی محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیه‌الله حاج شیخ علی محمد نجفی بروجهدی مدظله از علماء و آیات عظام و مراجع الامقام معاصر است در بروجرد.

تولدش در حدود ۱۳۱۲ در بروجرد اتفاق افتاده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و سطوح بنجف اشرف مشرف و در حوزه

درس مرحوم آیه‌الله نائینی و آیه‌الله آقای ضیاءالدین عراقی بالاخص آیه‌الله حاج شیخ محمد حسین اصفهانی و غیرهما حاضر شده تا به اعلی درجه علم و کمال رسیده و مورد وثوق مرحوم آیه‌الله العظمی اصفهانی قرار گرفته و پس از فوت آنمرحوم سفری در سال ۱۳۶۸ قمری بایران نموده و بقم آمده و چندی توقف آنگاه معاودت و سفری هم در سال ۱۳۷۳ بقم آمده و بیش از یک ماه توقف و هر چند از طرف حضرت آیه‌الله العظمی بروجردی و عده‌ای از فضلاء پیش نهاد و درخواست توقف در قم و تشکیل حوزه درس بآنجناب شده نپذیرفتند و بجهت عدم موافقت استخاره و موانعی که داشتند بنجف اشرف مراجعت، ولی بعد از چندی توقف در آنجا هم حسب‌الاراده مرحوم آیه‌الله بروجردی و اصرار مردم بروجرد بوطن برگشته و در مسجد شاه باقامه جماعت و تدریس و ترویج دین و تبلیغ احکام اشتغال دارند.

نگارنده گوید در سال ۱۳۸۹ سفری به بروجرد برای زیارت معظم‌له رفتم و چند شبی در منزلشان توقف و از صفا و بی‌هوائی و بی‌آلایشی و معنویت و روحانیت و اخلاق حسنه‌اش استفاده نمودم. حقا عالمی و فقیهی کامل و مجتهدی بارع و دور از تظاهرات و مادیات است با اینکه اکنون مرجعیت تامه و ریاست عامه بروجرد را دارد هنوز منزلش اجاره‌ای و حاضر نمیشود برای او منزلی تهیه نمایند. اصلا توجهی باین دنیای دنی بی‌اعتبار ندارد راستی وی مصداق این شعر است:

نظر آنانکه نکردند بدین مشتی خاک

الحق انصاف توان داد که صاحب نظرند

اما آثار علمی معظم‌له:

۱- تقریرات فقه مرحوم آیه‌الله حاج شیخ محمد حسین اصفهانی ۲- رساله عملیه توضیح المسائل ۳- مناسک حج ۴ حاشیه بر عروه‌الوثقی.

و ناگفته نماند که معظم‌له در رشته اخلاق از تلامذه‌ی برجسته مرحوم مبرور استاد اخلاق عالم ربانی صاحب نفس قدسیه آقای حاج میرزا علی آقای قاضی طباطبائی بوده‌اند.

و از باقیات الصالحات ایشان ۴ فرزند دانشمند و فاضل بنامهای زیر میباشند.

۱- جناب آقای حاج شیخ محمد ابراهیم بروجردی مقیم تهران.

۲- جناب آقای حاج شیخ مرتضی بروجردی مقیم نجف اشرف.

۳- جناب آقای حاج شیخ مجتبی بروجردی مقیم مشهد مقدس.

۴- جناب آقای شیخ عبدالصاحب بروجردی مقیم تهران.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

نجفی بندپی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ محمد بن العلامه العلام والفقیه القمقام آیه‌الله الشیخ حسین النجفی البند پی از دانشمندان بزرگوار معاصر است که در آنسامان بخدمات دینی و روحی اشتغال دارد.

مرحوم والدش از علماء عاملین و فضلاء بارعین و زهاد عصر خود بوده مترجم معظم ما وی را چنین ستوده است: کان والدی تغمده‌الله تعالی فی بحار رحمته عالما عاملا و فاضلا بریعا و عابدا زاهدا تقیا نقیا محتاطا فی دینه غایه الاحتیاط و قائما لیالیه و مجتنبا عن المکاره کلها سمی الامام الثالث... بیست و هفت سال در نجف اشرف توقف نموده و از محضر مرحوم آیه‌الله خراسانی کفائی استفاده کرده تا بدرجه سامیه اجتهاد ارتقاء یافته و از اعجوبه‌های زمان خود در حافظه گردیده بسیاری از احادیث را حافظ و کلیه قواعد فقهیه و اصولیه در دستش آماده گرچه مدتی از حوزه‌ها دور و متارکه بحث کرده بود تا این که از دنیا رفت حشره‌الله مع‌الائمه المعصومین.

آنجناب در چنین بیتی متولد و تربیت یافته در نجف اشرف و پس از طی دوران مقدمات و ادبیات سطوح را نزد والدش و مدرسین دیگر خوانده و از دروس خارج آیات عظام مرحوم نائینی و آیه‌الله العظمی اصفهانی و آیه‌الله عراقی استفاده کرده آنگاه بوطن مراجعت و بخدمات دینی پرداخته و در محل خود آثار گذارده که اشاره میشود:

۱- بنا مسجد جامع بانی کلاء بندپی ۲- مسجد امام زمان دیوابند پی ۳- بناء حمام دیوابند پی.

از باقیات الصالحات ایشانست دو فرزند ارجمندش ثقه‌الاسلام آقای شیخ علی و ثقه‌الاسلام آقای شیخ حسن نجفی که از فضلاء و شرکاء درس آیه‌الله العظمی آقای نجفی مرعشی میباشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

نجفی راد، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن نجفی راد

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ شمسی پس از پایان تحصیلات ابتدایی برای تحصیل علوم دینی وارد حوزه مقدسه مشهد شدم و تا سال ۵۶ تا پایان سطوح عالی از محضر اساتید بزرگوار آن حوزه حضرات آیات و حجج اسلام آقایان: «موسوی نژاد»، «رضا زاده»، «فلسفی»، «مقام معظم رهبری» و ... استفاده کردم. از ابتدای سال ۵۷ برای ادامه تحصیل به حوزه مقدسه قم آمدم که با توجه به فضای انقلابی و درگیری های جاری، توفیق چندانی حاصل نشد و عملاً پس از پیروزی انقلاب و شروع درسهای حوزه، به درس خارج رفتم و از محضر اساتید بزرگوار حضرات آیات: «فاضل»، «وحید»، «منتظری»، «نوری» و ... بهره گرفتم.

از سال ۶۱ همزمان با تشکیل گروه های تحقیقی (مجله حوزه) به جمع دوستان پیوستم و در گروه معارف آن نشریه به عنوان مسئول گروه به فعالیت های پژوهشی و مطبوعاتی پرداختم که حاصل آن بیش از ۳۰ مقاله گروهی است. مدتی بعد مسئول گروه های پژوهشی مجله حوزه شدم و به عضویت هیئت تحریریه درآمدم. از سال ۷۶ به عنوان: «مسئول شورای سردبیری مجله حوزه و جانشین مدیر مسئول»، مسئولیت آن نشریه را عهده دار شدم.

از سال ۷۲ در کنار فعالیت در نشریه حوزه به همراه دیگر دوستان، نخستین نشریه نقد را با عنوان «کاوشی نو در فقه» راه انداختیم و سردبیری آن نشریه نیز به این جانب واگذار شد که نتیجه آن بیش از بیست مقاله و سرمقاله تخصصی بوده است. از سال ۷۸ به عنوان قائم مقام و معاونت پژوهشی مرکز تحقیقات اسلامی (پژوهشگاه) دفتر تبلیغاتی اسلامی مشغول به کار شدم و همچنان ادامه دارد.

نجفی زنجانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خوشنویس.

تولد: ۱۲۸۷(۱۳۲۴ ق.)، نجف.

درگذشت: ۱۷ تیر ۱۳۶۱.

احمد نجفی زنجانی مشهور به «معصومی» یا «معصومی خوشنویس»، فرزند محمدحسین، در هفت سالگی در مدرسه‌ی مرتضوی ایرانیان در نجف اشرف مشغول به تحصیل شد. سپس به فراگیری فقه و اصول و نحو و صرف و ادبیات عربی و فارسی پرداخت. چون از کودکی به آموختن فنون خط علاقه داشت، ضمن تحصیل زیر نظر اساتید خط به استنساخ کتب دینی و اجتماعی اشتغال ورزید تا در بیست و پنج سالگی رسما در زمره‌ی خوشنویسان عصر درآمد و مشغول تحریر کتب مؤلفین و ناشرین شد. کار کتابت را از سال ۱۲۹۵ آغاز کرد. از همین زمان کتیبه‌نویسی را شروع نمود و از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: کتیبه‌های: درب طلای نقره‌ی حرم سامرا، ضریح آرامگاه حضرت مسلم (ع) درکوفه؛ ضریح آرامگاه حضرت عبدالعظیم؛ ضریح آرامگاه حضرت رقیه در شام؛ ضریح آرامگاه حضرت رضا (ع)؛ کتیبه‌های مسجد اعظم و مسجد آئینه و موزه‌ی قم؛ رواق آینه‌ی زنانه حضرت معصومه (ع)؛ گنبد خواجه ربیع در خراسان؛ صحن کهنه‌ی قم؛ شاه نعمت‌الله در ماهان کرمان؛ آرامگاه ابوعلی سینا در همدان؛ امامزاده سید محمد محروق در نیشابور؛ آرامگاه عمر خیام در نیشابور؛ آرامگاه شیخ فریدالدین عطار در نیشابور؛ مسجد شاه صفی در اردبیل مسجد جنت در اردبیل؛ بقعه‌ی طیبات در مرز افغانستان؛ آرامگاه نادرشاه افشار در مشهد؛ مجمسه‌ی فردوسی در ایتالیا، مهمانخانه‌ی و نمایشگاه سفارتخانه‌ی دولت ایران در واشنگتن، قسمتی از درب‌های آهنی مسجد شاه در تهران؛ مسجد سید عزیزالله؛ مسجد ملکه مادر؛ مسجد سبحان؛ مسجد آقا رضا شیشه؛ مسجد باب الحوائج؛ مسجد و محراب آشتیانی‌ها؛ محراب مسجد خلیل الرحمن؛ محراب مسجد کرمانی‌ها؛ سردری و محراب مسجد اردبیلی‌ها؛ محراب سید اربابی؛ مسجد هدایت؛ مسجد حاج آقا کمال مرتضوی؛ مسجد دولت‌آباد؛ مأذنه‌ی پامنار؛ مأذنه‌ی مسجد صدریه؛ مسجد کاظمین؛ مسجد خوانساری‌ها؛ مرقد و زیارتنامه‌ی امامزاده‌ی عبدالله در شهر ری؛ مدرسه‌ی مروی تهران؛ کتیبه‌ی و زیارتنامه‌ی بقعه‌ی امامزاده شکرکوه در مازندران؛ تجدید ضریح امامزاده نور در گرگان؛ کتیبه‌ی مسجد دانشگاه تهران به عرض یازده متر و سی سانتیمتر و به طول بیست متر با رقم و تاریخ ۱۳۸۵ ق. مرقوم کرده‌اند. علاوه بر این عموم اصلاحات کتیبه‌های تاریخی به دستور وزارت فرهنگ در سراسر ایران و شجره‌های انساب سادات و استنساخ کتب قیمتی و تکمیل قرآن‌های خطی و گرانبها نمونه‌هایی از آثار هنری این هنرمند است.

یکی از کارهای هنری و خطی این دقیق وی نوشتن سوره‌ی اخلاص روی یک دانه برنج با امضا و تاریخ است. از این نوع برنج‌ها چهار دانه در دسترس است که دو دانه‌ی آن در کتابخانه‌ی حضرت امیر (ع) در نجف زنجانی عبارت بودند از: در خط نسخ، میرزا عبدالجواد محلاتی، در خط ثلث: عبدالعلی ثانی یزدی ملقب به اشرف‌الکتاب، در خط نستعلیق، میرزا حسن زرین‌خط تهرانی. اجازات زنجانی توسط افراد زیر صادر شده است: محمدعلی فضلی بغدادی، حامد آمدی اسلامبولی، محمدهاشم بغدادی، بدوی دمشقی، حسن زرین‌خط تهرانی. وی از خوشنویسانی است که در نوشتن انواع خط از قبیل نسخ، ثلث، رقاع، کوفی، نستعلیق، شکسته، طغرا و غیره مهارت داشت.

وی در انجمن خوشنویسان ایران به سمت استادی در امر خط ثلث مشغول و تا پایان عمر در این خدمت بود.

از جمله کتاب‌هایی که کتابت کرده است می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ریاض الجنان (۱۳۷۵ ق.)؛ انوار المجالس؛ گنج جواهر دانش؛ رسائل آیت‌الله سید حسین بروجردی؛ کتاب الطهاره تألیف آیت‌الله بروجردی در فقه؛ قرآن سه جلد (و از جمله قرآن رحلی مذهب با چاپ هفت رنگ، تهران)؛ تنقیح المقال فی احوال الرجال در سه جلد، تألیف آیت‌الله مامقانی؛ مفاتیح الجنان حاج شیخ عباس محدث قمی؛ تفسیر گازر؛ سفینهٔ البحار تألیف محدث قمی؛ مناسک حج آیت‌الله محمدحسین نایینی؛ مناسک حج شیخ علی مرندی؛ رساله نجاهٔالعباد تألیف آیت‌الله سید ابوتراب خوانساری؛ پنج دوره دیوان مصور خیام؛ یک جزوه قرآن برای مدرسین؛ چهار دوره رسم‌المشق؛ آثار جاویدان خط تألیف احمد زنجانی؛ چندین کتاب درسی نیز به خط او در ایران و عراق (نجف).

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

نجفی شوشتری، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی بن شیخ محمد بن شیخ صالح بن شیخ سمیع نجفی شوشتری عالمی کامل و فاضلی ماهر از تلامذه شیخ مرتضی انصاری دارای تألیفاتی است که از آنهاست رساله‌ای در بداء فارسی و دوازده امام و غیره بوده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

نجفی عاملی، جواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد فرزند آیت‌اللَّه حاج شیخ علی معروف به (علیکم‌السلام) از شاگردان بنام آخوند خراسانی و آقا سید محمدکاظم یزدی و شریعت اصفهانی و دارای اجازات اجتهاد بوده‌اند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

نجفی عاملی، ضیاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ضیاءالدین نجفی فرزند مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدحسین نجفی عاملی از آقازادگان فاضل و ائمه جماعت محترم معاصر تهرانند.

ایشان در پنجم فروردین ۱۳۲۵ شمسی برابر سال ۱۳۶۵ قمری در نجف اشرف در سال رحلت مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی در بیت شریف آیت‌اللَّه حاج شیخ جواد معروف به (علیکم‌السلام) به دنیا آمده و در حجر والدش علامه نجفی عاملی پرورش یافته است.

و دو سال پس از درگذشت مرجعیت عامه آیت‌اللَّه اصفهانی (ره) در اوائل زعامت آیت‌اللَّه العظمی بروجردی قدس‌اللَّه سره در معیت والدش به ایران آمده و با اقامت آن مرحوم در تهران به تحصیل علوم جدید پرداخته و پس از آن به فراگرفتن علوم عربیه و سطوح اولیه (معالم و لمعه و مقداری از قوانین) در خدمت مرحوم پدرش و دیگران در مدرسه مروی خوانده و سپس با اجازه آن مرحوم عزیمت به قم نموده و سطوح عالیه فقه و اصول رسال و مکاسب و کفایه و منظومه حاجی سبزواری و اشارات بوعلی سینا و قسمتی از اسفار اربعه ملاصدرا و نیز شرح تجرید و هیئت و منطق تخصصی و تفسیر و اخلاق را از محضر اساتید معروف حوزه علمیه قم استفاده نموده سپس به درس خارج آیات عظام ۱- آیت‌اللَّه گلپایگانی ۲- آیت‌اللَّه اراکی ۳- آیت‌اللَّه میرزا هاشم آملی ۳- آیت‌اللَّه حاج شیخ مرتضی حایری ۵- آیت‌اللَّه مرعشی نجفی و سایر مراجع شرکت و بهره‌های فراوانی برده و از غالب نامبردگان اجازات روایتی و غیره دریافت نموده و همواره در ضمن تحصیل علوم و فنون در حوزه علمیه قم و تهران تدریس دروس اولیه عربیه و سطوح متوسطه و عالی را داشته و اکنون چند سالی است از طرف آیت‌اللَّه گلپایگانی در تهران در مسجد (خاتم النبیین) خیابان شیوا که قبلا مرحوم حجهٔالاسلام حاج سید علی بطحائی گلپایگانی رحمه‌اللَّه علیه اقامه جماعت می‌نمودند امامت نموده و به تبلیغ احکام و ترویج اسلام و گفتن تفسیر در آن اشتغال دارند.

آثار علمی ایشان

چنانچه مرقوم داشته‌اند از این قرار است:

۱- دوره تقریرات اصول در دو جلد.

۲- تقریرات مبحث طهاره در دو جلد.

۳- تقریرات مبحث بیع (خارج مکاسب) ۱ جلد.

۴- مباحث مختلفه فقه و اصول و کلام و تفسیر و غیره که برخی از آن به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

نجفی عاملی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: حدود ۱۳۲۱ ق.، نجف اشرف.

درگذشت: ۲۳ فروردین ۱۳۶۸(۳ رمضان ۱۴۰۹ ق.).

آیت‌الله علامه شیخ محمدحسین نجفی عاملی دوران کودکی را در نجف همراه با پدر سپری کرد و سپس در معیت خانواده به ایران مراجعت و بعد از مدت کوتاهی در همان آغاز جوانی برای ادامه تحصیل به نجف عزیمت نمود. حدود سی سال در نجف اشرف در خدمت اساتید فقه و اجتهد و علوم و معارف دین به تحصیل پرداخت.

آیت‌الله نجفی عاملی مدت بیست سال از محضر آیات عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا میرزا حسین نایینی و آقا ضیاءالدین عراقی و آقا شیخ محمد حسین غروی استفاده برده است و به درجه‌ی اجتهاد مفتخر گردید.

ایشان در معقول از محضر آقا شیخ مرتضی طالقانی و آقا حسین بادکوبه‌ای و در علم رجال و حدیث از محضر آقا شیخ علی زاهد قمی بهره برد. سایر علوم دین و سطوح عالیه را از محضر اساتیدی چون آیات آقا شیخ عبدالحسین رشتی، آقا میرزا علی ایروانی صاحب حاشیه، آقا میرزا ابوالحسن مشکینی، آقا شیخ محمدحسین تهرانی، آقا شیخ شعبان رشتی و سایر آیات نجف اشرف استفاده نمود. پیش از تشرف به نجف اشرف مقداری از سطوح عالیه را از محضر پدر خود و نیز آیت‌الله سید حسن مدرس در تهران بهره‌مند شد.

آیت‌الله نجفی عاملی در طول اقامت خود در نجف به تدریس و تربیت طلاب علوم دینی مشغول بود. بعد از گذشت دو سال از رحلت استاد خود یعنی آیت‌الله العظمی اصفهانی به ایران عزیمت نمود و در تهران اقامت گزید.

از ایشان تألیفاتی در موضوعات مختلف به صورت مخطوط باقی مانده است.

ایشان در عصر روز سوم ماه رمضان سال ۱۴۰۹ مطابق با بیست و سوم فروردین سال ۱۳۸۶ با داشتن عمری قریب به نود سال دار فانی را وداع گفت. طبق وصیت او پیکر ایشان به مشهد منتقل شد و در جوار حضرت امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

آقای شیخ محمدحسین نجفی از مجتهدین و بزرگان علماء عصر حاضر و در بین سلسله روحانیت شخصیتی عالیقدر و واجد مقام و زهد و تقوا و از مجاهدین زمان و مبارزین با اباطیل بشمار می‌آیند.

معظم له در حدود سال ۱۳۲۳ قمری در نجف اشرف متولد شده و دوران تحصیلی خود را ابتداء در خدمت والد ماجد خود که از اکابر عصر خود بوده شروع و بعد هجرت به تهران و مختصر زمانی از خدمت آیت‌اللّه مجاهد مرحوم سید حسن مدرس استفاده نموده و آنگاه عزیمت بحوزه علمیه نجف اشرف و از محضر اعاظم مراجع آن زمان مرحوم آیت‌اللّه محقق نائینی و مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد حسین کمپانی بهره‌های علمی فراوانی برده و به مرتبه رفیعه اجتهاد نائل و چهار استاد بزرگ مذکورش اجازه اجتهاد معظم له را که در آن تجلیل از مقام علمی و تقوائی ایشان شده بود مرقوم فرمودند که اکنون نزد ایشان موجود میباشد.

و ایشان گذشته از رشته معقول و منقول در راه تهذیب نفس و تخلص روح و مقامات معنوی از محضر عالم ربانی و عارف سبحانی سید السالکین آیت‌اللّه آقا سید علی قاضی تبریزی و مرحوم حاج شیخ علی زاهد قمی تلمذ نموده و مقامی را از تقوا و فضیلت و معنویت حائز شده‌اند.

آنجناب اکنون مقیم تهران و بتدریس فقه و اصول اشتغال دارند و عده‌ای از فضلاء از مجلس درس ایشان استفاده مینمایند.

از آثار ایشان است جزوات دراسات و تقریرات اساتید بزرگ نجف که آماده برای طبع می‌باشد معظم له از خاندان علم و تقوا و از بیوتات اصیله و هر یک از پدران گرامش ستاره درخشانی از انجم الهی در عصر خود بوده و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محسن عاملی در کتاب اعیان الشیعه ج (۴۸) از آنان یاد نموده است.

والد ماجدش آیت‌اللّه حاج شیخ محمدجواد که تبحر فوق‌العاده‌ای در فقه و اصول داشته و تألیفاتی که از آنهاست شرح بر کفایه آخوند از خود گذاشته از بزرگان شاگردان حوزه درس آخوند خراسانی و علامه یزدی (صاحب عروه) بوده است.

جد بزرگوار ایشان مرحوم آیت‌اللّه آقا شیخ علی از تلامذه مبرز آیت‌اللّه العظمی مجدد شیرازی و جد دیگرش آیت‌اللّه فقیه مرحوم آقا شیخ مرتضی کاظمی نزیل کاظمین وحید عصر خود و از بزرگان شاگردان شیخ مرتضی انصاری بشمار می‌رفته و جد اعلایش مرحوم حاج ملا هادی عاملی معروف به شیخ‌الاسلام از اعاظم صحابه صاحب جواهر و زادگاه وی جبل عامل بوده است.

از باقیات‌الصالحات ایشانست فرزند صالح و دانشمندش جناب ثقةالاسلام والمسلمین آقای آقا شیخ ضیاءالدین نجفی که از محصلین بارع و بافضل حوزه علمیه قم می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

نجفی فیروزجائی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس نجفی فیروزجائی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عباس نجفی فیروزجائی در سال ۱۳۶۲ در رشته علوم تجربی از دبیرستان امام صادق (ع) قم دیپلم گرفتم. همزمان با دبیرستان مطالعات مختلف غیر درسی و تحصیلات حوزوی غیر رسمی (مقدمات و بخشی از سطح) را نزد پدر فراگرفتم و سپس در رشته «پیراپزشکی» وارد دانشگاه علوم پزشکی ایران شدم، اما علاقه‌مندی شدید به مسائل و مطالعات دینی، همواره سبب می‌شد تا در کنار آن، مطالعات علوم حوزوی را به طور غیر رسمی ادامه دهم. در سال ۶۵ پس از اخذ لیسانس «پیراپزشکی»، به طور رسمی وارد حوزه علمیه بابل شدم و پس از سه سال تحصیل مستمر و شبانه روزی و اتمام لمعتین و نیمی از رسائل و مکاسب، به قم آمدم و از آن تاریخ (۱۳۶۸) تاکنون تحصیلات حوزوی را ادامه می‌دهم.

در سال ۱۳۶۸ در دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم در رشته «علوم سیاسی» در کنار تحصیلات حوزوی، تحصیل کردم و پس از فراغت از دوره لیسانس این رشته، فوق لیسانس «علوم سیاسی» را از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی گرفتم. در همین سال‌ها در برخی دوره‌های آموزش عقیدتی، سیاسی سپاه در بابل و ساری تدریس کردم و در «دانشگاه آزاد اسلامی بروجرد»، «دانشگاه هنر تهران» و دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب» تدریش داشته‌ام (به طور متناوب).

برخی از دروس حوزوی را در بابل تدریس کردم و از آنجا که گرایش ذاتی این‌جانب به مطالعه و تحقیق است از مشاغل اجرایی اجتناب کرده و عمدتاً به نوشتن کتاب و مقالات مختلف علاقمندم. حوزه‌های تخصصی مطالعاتی و علائق اینجانب عمدتاً «شامل معارف اسلامی»: (فقه، اصول، تفسیر و کلام) و نیز حوزه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و سیاست بین‌الملل خصوصاً مسائل جهان اسلام و خاورمیانه می‌باشد و در این زمینه مقالات متعددی را به رشته تحریر درآورده‌ام.

نجفی قمشه ای، قدرت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قدرت الله نجفی قمشه ای

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در شهرستان شهرضا (قمشه) در محله «فضل آباد» چشم به جهان گشودم. فرزند هفتم والدینم بودم. دوران کودکی را در دامن پر مهر مادری مؤمنه و سایه لطف پدری باتقوا و محب اهل بیت سپری کردم. در سن شش سالگی به مدرسه «خیام شهرضا» رفتم. شش کلاس ابتدایی را خدمت آموزگارانی دیندار و ارزشمند گذراندم. اولین انگیزه مهم و سرنوشت ساز طلبه شدنم؛ علاقه وافر پدرم به علماء و روحانیت بود. آن مرحوم هر ساله دهه آخر ماه صفر در منزلمان، عزاداری خامس آل عبا (علیهم السلام) را بر پا می کرد. آشنایی من با روحانیون اینگونه آغاز شد. همان وقت بعضی از آن عالمان راستین بنده را به آمدن در راه طلبگی تشویق می کردند. پدرم نیز نوع مواعظی را که از اهل منبر می شنید برای ما بازگو می کرد؛ بدین ترتیب بنده عاشق طلبگی شدم و به ویژه بسیار به عرفان و فهم قرآن علاقه مند شدم.

این انگیزه ها در جانم بود تا بعد از طی کلاس ششم. روزی مغازه پدرم نشسته بودم که امام جماعت محلمان مرحوم «حاج آقا میرزا نصرالله زارعان» به انجا آمد و به پدرم گفت چند پسر داری؟ پدرم گفت: پنج پسر. ایشان گفت: دوست داری خمسش را به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بدهی؟ پدرم گفت: حرفی ندارم. اگر همین «قدرت الله» تمایل داشته باشد او را ببرید. ایشان به بنده گفت: می آیی طلبه شوی؟ بنده که جانم منتظر جرقه ا ی بود فوراً گفتم: بلی. ایشان فرمود: فردا صبح هنگام بین الطلوعین برای درس عربی به منزل ما بیا. و این آغاز طلبگی من بود.

تحصیل در حوزه علمیه شهرضا: پس از درک حضور حاج آقا زارعان و تلمذ خدمت ایشان، محضر بزرگان دیگری چون: «حجت الاسلام حاج سید فضل الله حجازی» و دیگر علمای محلی، دروس مقدمات: (سیوطی، مغنی، معراج السعادة، منطق کبری و قانونچه طب ابن سینا) را به پایان بردم. تابستان ها که مفسر، شاعر و عارف نامی مرحوم «محی الدین الهی قمشه ای» به شهرضا می آمد؛ بنده که از شعر و عرفان، تفسیر و حالات ایشان بسیار متأثر بودم؛ «فصوص فارابی» را محضرشان تلمذ کردم. از همان زمان بود که آتش عشق به عرفان، حکمت و اخلاق در جانم شعله ور شد.

حدود پنج سال در شهرضا و در حجره ای از مدرسه علمیه «حسینیه سادات» به سر بردم و در این میان گاهی به پدرم کمک می کردم تا آنکه اندک اندک عشق دارالعلم قم به دلم افتاد. اما کمیِ سن و تنگدستی مادی قدری مردّدم کرده بود تا آنکه روزی به پیشگاه حکیم علی الاطلاق از قرآن مجید استخاره گرفتم که خوب آمد و عزمم جزم شد تا راهی دیار قم شوم. در همان اوان به محضر مقدس عارف واصل مرحوم «آیت الله حاج آقا رحیم ارباب» در اصفهان شرفیاب شدم و استشاره و استجازه کردم. ایشان دست الهی خود را بر سر بنده کشیده و دعا فرمود و مرا برای رفتن به قم و ادامه تحصیل علم و عمل به خدا سپرد.

اما تحصیل در قم: در حدود هفده سالگی به مدرسه رضویه قم که به نورانیت و برکت مشهور بود؛ رفتم و حدود هفت سال در آنجا به سر بردم. بعد از خواندن کتاب: «مختصر و مطول»، کتب: (فقه، اصول، منطق و حکمت) را شروع کردم.

نجفی کاشانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، عالم دینی.

تولد: ۱۳۰۰(۱۱ شعبان ۱۳۳۹ ق.)، محله محتشم کاشان.

درگذشت: ۲۳ مرداد ۲۳۵۶، کاشان.

آیت‌الله علی نجفی کاشانی، فرزند آیت‌الله مهدی نجفی از علمای کاشان، در بیست و دو سالگی برای کسب علم به نجف اشرف رفت. تمام دوره‌ی سطح و خارج خود را در مدت ده سال گذراند و به درجه‌ی اجتهاد نایل آمد. اندکی از ورودش به نجف نگذشته بود که در کنار کسب علم و تحصیل، به تدریس علوم حوزوی نیز مشغول شد. پس از آن که مکاسب و کفایه را نزد آیت‌الله حسن یزدی به پایان رسانید، و در درس خارج مراجع نجف به ویژه از محضر آیت‌الله حکیم و آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله خویی بهره‌ها گرفت، پس از ده سال اقامت در نجف عازم ایران شد. پس از توقف کوتاهی در کاشان و مسافرتی به مشهد و اصفهان و بازگشت به کاشان، بار دیگر دو سالی راهی نجف شد و سپس به واسطه‌ی کسالت مزاج و حوادث دیگر به ایران بازگشت. بعد از ورود به ایران سه سالی در قم مشغول تدریس شد. وی در قم از مدرسین بلندپایه‌ی سطوح عالی حوزه بود و در «مدرسه‌ی بزرگ آخوند» حجره داشت و همان جا تدریس می‌کرد. اما به دلایلی به شهر خود بازگشت و به اقامه جماعت و تدریس پرداخت. از همان آغاز ورودش به کاشان، علاوه بر تدریس خصوصی درس‌های حوزوی، تفسیر قرآن را به عنوان وظیفه اصلی خود قرار داد. در ابتدا، این جلسه‌ها به تفسیر موضوعی و بحث‌های پراکنده اخلاقی می‌گذشت اما بعد از چند مسافرت به مشهد مقدس، تصمیم گرفت که قرآن را از آغاز تا انجام تفسیر کند و در ضمن آن برای مردم به بحث‌های اخلاقی و اجتماعی و تفسیر موضوعی نیز بپردازد. این نوع تفسیر تا یک سال قبل از درگذشتن (یعنی تا سال ۱۳۶۴) ادامه داشت. در حدود این سی و چند سال دو مرتبه قرآن را از ابتدا تا انتها تفسیر کرد. دوره‌ی دوم تفسیری وی هیجده سال طول کشید. ایشان نه تنها در فقه، اصول، رجال، درایه، کلام، ادبیات، معانی بیان و تجدید و تفسیر متبحر بود، بلکه در علم هیئت و نجوم قدیم هم ید طولانی داشت و آنها را تدریس می‌کرد.

تألیفات و آثار آیت‌الله نجفی کاشانی به این شرح هستند: برداشتی از نماز؛ پیرامون شراب؛ لنگرهای زمین مولودی اندر خانه کعبه؛ بعثت محمد (ص) و قرآن در بحران جاهلیت؛ زمان چیست و چگونه می‌گذرد؛ صدق؛ بزرگترین فضیلت؛ سرانجام کافر؛ یک خرق عادت شگفت یا معجزه‌ای بزرگ؛ اشتباه عمدی؛ افسانه ها یا کرامت‌های خیالی (سه جلد). اما نوشته‌هایی که از ایشان به طبع نرسیده است: فضایل ثلثه (سه رساله آماده چاپ در مورد سلمان، ابوذر، مقداد)؛ ملتقطات (یادداشت‌های پراکنده ایشان در نحو، عروض، نجوم، فقه، اخلاق و عرفان و نیز نقد چند کتاب از نویسندگان معاصر و جواب سئوال‌هایی که از ایشان پیرامون مسائل مختلف مطرح می‌شده است)؛ رساله‌ای در فضیلت نماز؛ رساله‌ای در فضیلت علم؛ رساله‌ای در فضل قرآن (قرآن چه کتابی است)؛ رساله‌ای در مورد امام زمان (ع)؛ رساله‌ای تحت عنوان حق کاوی؛ رساله‌ای تحت عنوان اینجا و آنجا؛ رساله‌ای تحت عنوان دین راست؛ آسان؛ هموار؛ تفسیر سوره کهف (به عربی)؛ تفسیر سوره مریم (به عربی)؛ تفسیر سوره طه (به عربی)؛ تفسیر سوره انبیاء (به عربی)؛ تفسیر سوره حج (به عربی)؛ تفسیر سوره عم (ناقص است)؛ دفتری مفصل مشتمل بر مجموعه‌ای از احادیث موضوع‌بندی شده که به ترتیب الفبا تنظیم شده است؛ حواشی و تعلیقات ایشان بر کتب روایی، کلامی، تفسیر، فقه و اصول و...، از استاد همچنین نوارهای بسیاری در تفسیر سوره‌های قرآن به جا مانده است.

آیت‌الله نجفی کاشانی عصر روز پنجشنبه بیست و سوم مرداد ۱۳۵۶ مصادف با شب عرفه در کاشان فوت کرد.

(۱۴۰۷ –۱۳۳۹) ق)، عالم دینی، مدرس و مفسر. در کاشان به دنیا آمد و تحت نظر پدرش، که از علمای کاشان بود، نشو و نما یافت. در ۱۳۶۱ ق به نجف رفت. «مکاسب» و «کفایه» را در محضر آیت‌اللّه میرزا حسن یزدی و خارج فقه و اصول را در محضر آیت‌اللّه خوئی آموخت و نیز از درس فقه آیت‌اللّه حکیم و آیت‌اللّه سید عبدالهادی شیرازی بهره گرفت و به درجه‌ی اجتهاد نایل شد. سپس به ایران بازگشت و مدت سه سال در قم ساکن گردید و از محضر آیت‌اللّه بروجردی استفاده نمود و خود به تدریس پرداخت. سرانجام به خواهش مردم کاشان و به علت بیماری پدرش به کاشان رفت و در همان جا ساکن گردید و به تدریس و امامت جماعت و انجام امور دینی پرداخت و در آن شهر درگذشت. از آثارش: «لنگرهای زمین»؛ «برداشتی از نماز»؛ «مولودی اندرخانه‌ی کعبه»؛ «بعثت محمد (ص) و قرآن در بحران جاهلیت»؛ «صدق بزرگترین فضیلت»؛ «افسانه‌ها یا کرامتهای خیالی»؛ «ملتقطات»؛ تفسیر سوره‌های «کهف»، «مریم»، «طه»، «انبیاء»، «حج» و «عم یتسألون»؛ رساله‌ای در «فضیلت قرآن».[۱]

شیخ مهدی نجفی کاشانی از افاضل دانشمندان معاصر کاشانست. وی در تاریخ یازدهم شعبان ۱۳۳۹ ق در دارالمؤمنین کاشان محله محتشم متولد شده و در دامن مادر عفیفه و صالحه خود که نمونه‌ای از عفت و تقوا بود و ظل توجهات والد ماجدشان که عالم ربانی و آیت سبحانی بود پرورش یافته و در سال ۱۳۶۱ قمری برای تحصیل علوم دینی به نجف اشرف عزیمت نموده و علوم مقدماتی را نزد عده‌ای از فضلاء نجف که همه از اوتاد و ابرار و اخیار حوزه علمیه نجف بودند خوانده و سطوح عالی مانند مکاسب مرحوم شیخ و کفایه مرحوم آخوند را پیش مرحوم آیت‌اللَّه آقا میرزا حسن یزدی به پایان رسانیده و سپس به درس خارج آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظله حاضر شده و مقداری از اصول و فقه معظم له استفاده نموده و نیز از محضر درس فقه مرحوم آیت‌اللَّه حکیم و آیت‌اللَّه حاج سید عبدالهادی شیرازی بهره‌مند شده و تا مدت ده سال با پشت کار فراوان و کوشش عجیب به درس و بحث و تدریس اشتغال داشته و به قول بعضی به اندازه سی سال در این ده سال زحمت کشیده و در تمام ایام حتی پنجشنبه و جمعه و روزهای تعطیلی دیگر مسامحه در کار درس و بحث ننموده تا پس از این مدت بر اثر خستگی زیاد و کسالت مزاج مجبور به مراجعت به ایران شده و به کاشان آمده و سفری به مشهد مقدس و بعد به اصفهان و آنگاه در کاشان تأمل و باز به نجف اشرف مسافرت و مدت دو سال توقف و از محضر بزرگان مراجع استفاده نموده تا اینکه به واسطه کسالت مزاج و حوادث دیگری به ایران آمده و مدت سه سال در قم مانده و از محضر آیت‌اللَّه العظمی بروجردی استفاده و در آن هنگام بر اثر ضعف فراوان و بیحالی و کسالت والدش با اصرار مردم کاشان به وطن برگشته و تا حال حاضر که سال ۱۳۹۵ قمریست به وظائف شرعی از اقامه جماعت و تدریس و جلسه‌های مختلف اشتغال دارند.

و ضمناً جزوه‌هائی در موضوعات متنوع نگاشته و به طبع رسانیده که ذیلا می‌نگارم.

۱- پیروان شراب ۲- لنگرهای زمین ۳- علی بن ابیطالب در خانه خدا بدنیا آمد.

۵- بعثت محمد و قرآن در بحران جاهلیت ۵- زمان چیست و چگونه می‌گذرد.

۶- اشتباه عمدی ۷- صدق بزرگترین فضیلت ۸- سرانجام کافر ۹ و ۱۰ و ۱۱- یک سلسله افسانه‌ها یا کرامتهای خیالی ۱۲- یک خرق عادت شگفت یا فضیلت و منقبتی بزرگ و تألیفات دیگر که هنوز به طبع نرسیده است.

معظم له از همان اول ورود به کاشان شروع به بحث و تفسیر قرآن نموده که تاکنون ادامه دارد و هر شب گروهی از مؤمنین و بالاخص عده‌ای از جوانان استفاده می‌کنند و نیز در جمعه‌ها جلسه تبلیغی وعظ و ارشاد منظم دارند.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۶، ص ۵۶، س ۴، ش ۶، ص ۳۴ -۳۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۷۶ -۲۷۵/ ۶).

نجفی کاشانی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ مهدی نجفی کاشانی اعلی اللَّه مقامه یکی از علماء بزرگ معاصر کاشان بودند.

وی در ماه رمضان ۱۲۹۳ قمری متولد شده و مقدمات و سطوح را در کاشان و اصفهان و مدتی هم در قزوین خوانده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر درس بزرگان حوزه نجف مخصوصاً محضر درس مرحوم آیت‌اللَّه آخوند خراسانی صاحب کفایه استفاده و پس از چهار سال اقامت در نجف بر اثر عوارضی به کاشان آمده و مجدداً به نجف اشرف مراجعت نموده و مدت هفت سال دیگر اقامت داشته و در محضر درس بزرگان مخصوصاً آیت‌اللَّه شریعت اصفهانی حاضر و استفاده می‌نمود سپس به خواهش و اصرار جمعی از مؤمنین به کاشان آمده و در محله محتشم اقامت نموده‌اند.

ایشان گذشته از اقامه نماز جماعت اشتغال به تدریس و ارشاد مردم داشته‌اند در زهد و تقوی و قناعت نفس و در عفت و ورع و مناعت ضرب‌المثل بوده و در میان عام و خاص مشهور به نفسی مطمئن و دلی آرام با خضوع و خشوع و مهابتی عظیم داشت و فوق‌العاده مقید به آداب و رسوم دینی بود و حتی‌الامکان مستحبات را ترک نمی‌کرد و از مکروهات اجتناب می‌نمود و در امور دینی عجیب متعصب و متصلب بود.

در امر به معروف و نهی از منکر جدی و در مبارزه با خرافات و موهومات و روشن کردن مردم کوشا بود و ملامت لائمین او را از این کار بازنمی‌داشت (لا تأخذه فی اللَّه لومة لائم) در وعظ و ارشاد مردم کمتر مسامحه نمی‌کرد شب و روز و در هر موقع مناسب و در هر مجلس و محفل مردم را ارشاد می‌کرد و موعظه می‌فرمود و در این موضوع اصرار و پافشاری زیادی داشت به طوری که امکان نداشت در مجلسی که ایشان بود سخنان بیهوده و حرفهای متفرقه مجلس بزرگوار شود وقت را غنیمت شمرده و از فرصت حداکثر استفاده را می‌نمود.

در احیاء امر اهل‌بیت علیهم‌السلام جدیت و کوشش خاصی داشت و در احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام و تاریخ اسلام ید طولا و اطلاع وسیعی داشت زندگیش از هر جهت بسیط و ساده و در زهد و قناعت و ورع و تقوا و مناعت در زمان خود کم‌نظیر بود.

مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمود شاهرودی می‌فرمود هنگامی که آن مرحوم در نجف در مدرسه بزرگ مرحوم آخوند حجره داشت و ما عده‌ای بودیم که کاملا مراقب و مواظب احوال ایشان بودیم و بالاخره طوری ایشان را شناختیم که با وجود نماز جماعتهای مهم در نجف با اصرار زیادی ایشان را می‌بردیم بالای بام مدرسه و وادار به نماز می‌کردیم و به ایشان اقتدا می‌نمودیم و گاهی در مواقع مناسب ما را با بیانی شافی و جذاب و مهیج موعظه می‌کرد.

و آن مرحوم در اثر تجربه و شناخت مزاج خویش از خصوصیات و عوارض مزاج خود کاملا اطلاع داشت که در طول عمر خود به طبیب و دکتر مراجعه نکرد و ابداً دوا و دارو نخورد به هیچوجه و این از عجایب احوال ایشان بود گاهی که عوارضی بر ایشان

طاری می‌شد چون کاملاً آشنای به مزاج و عوارض مزاج خود بود عوارض طاریه را به وسیله غذای مناسب و پرهیز از غذای نامناسب علاج می‌کرد تا در سن هشتاد و یک سالگی در سال ۱۳۷۴ قمری در ماه مبارک رمضان دعوت حق را لبیک گفت و به جوار رحمت واسعه خدای متعال رفت خدا او را رحمت فرماید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

نجفی مسجد شاهی، محمد باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند شیخ محمّد تقی بن عبدالرحیم طهرانی. از بزران علما و مجتهدن، و رؤسای ملّت و دین، در سال ۱۲۳۵ متولّد، و در نزد علمای اصفهان و عراق همچون: صاحب جواهر، و شیخ انصاری، و شیخ حسن کاشف الغطاء (دائی خود) تلمذ کرده تا خود عالمی جلیل، و محقّقی بی بدیل گردید. سپس به اصفهان مراجعت نموده و به تدریس و ترویج اشتغال جسته، عدّه‌ای کثیر از بزرگان علما و فضلا از محضر او استفاده نموده سرانجام در مسافرت عتبات عالیات در شب ۵ صفر سال ۱۱۳۰ در نجف اشرف وفات یافته در مقبره جد خود کاشف الغطاء مدفون گردید.

کتب و رسائل چندی تألیف نموده که از آن جمله است: ۱- شرح رساله در حجّیت مظنّه از کتاب هدایهٔ المسترشدین تألیف پدرش (مطبوع) ۲- لبّ الاصول ۳- لبّ الفقه و غیره.

در مآثر و الآثار (: ۱۴۲) درباره ی او گوید: ریاست شرعیّات اصفهان و مضافات آن در اواخر این عالم جلیل القدر به او انحصار یافت. اولاد او تاکنون ریاست علمی و دینی اصفهان را دارند. و به نام برخی از آنها اشاره خواهد شد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نجفی یزدی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد نجفی یزدی

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در خانواده ای مؤمن و متوسط متولد شده و پدرم از روحانیون و علماء نجف اشرف بوده و خانوادهٔ ما (عموها، دو برادر و ...) از اهل علم می باشند. در همان سال های اولیه دوران دبیرستان برای مطالب دینی، عقاید و فقه بسیار حساس بودم و همواره به دنبال ادلهٔ تحقیقی مطالب بوده و کتاب های متعددی را مطالعه می کردم. همین نکته (به همراه عنایت و شوق الهی) مرا به حوزه علمیه و دروس دینی کشاند و در تهران مدرسه «آیت الله مجتهدی» (حفظه الله) مشغول شدم. حدود سه سال به فراگیری ادبیات و منطق پرداختم و سپس راهی حوزه علمیه قم شدم. دروس سطح را نزد اساتید بزرگوار آنجا خواندم از جمله: «آیت الله استادی»، «اشتهاردی»، «محقق»، «خرازی»، «موسوی» و ...

سپس در سال ۶۰ یا ۶۱ به درس خارج «آیت الله وحید» و «آیت الله تبریزی» رفتم؛ پس از مدتی به عللی منحصرا درس «آیت الله تبریزی» را برگزیدم و فقه و اصول را نزد ایشان بیش از ۱۲ سال گذراندم. از همان سالهای شروع بحث و درس در حوزه، به تدریس پرداختم و تا کنون نیز روزی چهار ساعت بحث دارم، حتی ایام تعطیل نیز برای عده ای از دوستان بحث های مختلفی دارم. عمده مباحث اینجانب در فقه و اصول است که عمده به بحث خارج فقه، مکاسب محرمه اختصاص دارد. البته چون اینجانب به عنوان هیئت علمی در مدرسه امام خمینی (قدس سره) به تدریس مشغول هستم و مقداری از وقت اینجانب آنجا صرف می شود.

نجفی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: شیمی، دانشکده: شیمی، دانشگاه: صنعتی شریف

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد شیمی از دانشگاه فنی دارمشتات آلمان در سال ۱۳۴۱ و دکترای شیمی تجزیه از دانشگاه فنی دارمشتات در سال ۱۳۴۶.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۴۶ تا سال ۱۳۵۱، دانشیار دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۵۹ و استاد دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۵۹ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تعیین مقادیر کم هالوژنها بوسیله دستگاه جذب اتمی، تدریس دروس شیمی عمومی، شیمی تجزیه، آنالیز دستگاهی، شیمی جرم و کمپلکس‌ها در شیمی تجزیه در دانشگاه صنعتی شریف، استاد راهنمای یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مبانی شیمی تجزیه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

شیمی تجزیه، تعیین مقادیر کم هالوژنها با دستگاه جذب اتمی، تعیین بیتومین در نفت با روش ترمومتری.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

نجفی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا احمد نجفی زنجانی مشهور به « معصومی » یا « معصومی خوشنویس » فرزند محمد حسین ، در سال ۱۲۸۷ در زنجان به دنیا آمد. وی در سن هفت سالگی در مدرسه مرتضوی ایرانیان، در نجف اشرف مشغول به تحصیل شد. سپس به حوزه علمیه نجف اشرف رفته و هم زمان با تحصیل علوم دینی هنر خطاطی و خوشنویسی را نیز فرا گرفت . در سن بیست و پنج سالگی رسما در زمره خوشنویسان عصر درآمد و مشغول به تحریر کتب مولفین و ناشرین شد. استاد نجفی زنجانی در انجمن خوشنویسان ایران به سمت استادی در امر خط ثلث مشغول شدو تا پایان عمر در این خدمت بود. استاد سرانجام در روز پنج شنبه ۱۷ تیرماه ۱۳۶۱ در بیمارستان شاه رضای مشهد در اثر حمله قلبی درگذشت .گروه : هنرشته : خوشنویسیگرایش : نسخ و ثلثوالدین و انساب : احمد نجفی زنجانی فرزند محمد حسین زنجانی در زنجان به دنیا آمد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : احمد نجفی زنجانی در هفت سالگی در مدرسه مرتضوی ایرانیان در نجف اشرف مشغول به تحصیل شد. سپس به فراگیری فقه و اصول و نحو و صرف و ادبیات عربی و فارسی پرداخت. چون از کودکی به آموختن فنون خط علاقه داشت ، ضمن تحصیل، زیر نظر اساتید خط به استنتاخ کتب دینی و اجتماعی اشتغال ورزید.فعالیتهای ضمن تحصیل : احمد نجفی زنجانی هم زمان با تحصیل علوم دینی ، هنر خطاطی و خوشنویسی را نیز دنبال کرد.استادان و مربیان : احمد نجفی زنجانی تحریر خط را نزد : استاد میرزا عبدالعلی ثانی یزدی ملقب به (اشرف الکتاب) (خط ثلث) و استاد میرزا عبدالجواد محلاتی (خط نسخ) ، که هر دو از خوشنویسان طراز اول قرن پیش بودند ، آموخت و از دیگر استادان وی باید از استاد حامد آمدی استانبولی در کشور ترکیه و استاد هاشم بغدادی در عراق یاد کرد. خط نستعلیق را هم زیر نظر استاد بزرگ این خط مرحوم میرزا حسن زرین خط فرا گرفت.همسر و فرزندان : از مرحوم احمد نجفی زنجانی شش فرزند به جای مانده و تنها نوه دختری وی که شاگردش نیز بوده است در حال حاضر راه استاد را دنبال می کند.زمان و علت فوت : احمد نجفی زنجانی در ماه رمضان برای زیارت عازم مشهد مقدس شد و روز پنجشنبه ۱۷ تیر ماه ۱۳۶۱ در بیمارستان شاهرضای مشهد بر اثر حمله قلبی در گذشت.فعالیتهای آموزشی : احمد نجفی زنجانی در انجمن خوشنویسان ایران به سمت استادی در امر خط ثلث مشغول شد و تا پایان عمر در این خدمت بود.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : احمد نجفی زنجانی در زمینه تعلیم و تعلم ، مسافرتهای متعددی به کشورهای اسلامی کرد و به طور کلی هر جا که خط بود استاد زنجانی هم در آنجا حضور داشت.آرا و گرایشهای خاص : از ویژگیهای بارز و استثنایی احمد نجفی زنجانی تحریر یازده نوع خط: نسخ، ثلث، نستعلیق، رقعه، رقاع، شکسته،ریحانی،دیوانی،جلی،طغرا، و کوفی بود.چگونگی عرضه آثار : در حال حاضر آثار زیادی از احمد نجفی زنجانی در اکثر کشورهای اسلامی و موزه های اروپا و آمریکا وجود داردو بخشی از مرقعات او را به موزه استالینگراد برده اند.

آثار : آثار جاویدان خط انوارالمجالس پنج دوره دیوان مصور خیام تفسیرگازر تنقیح المقال فی احوال الرجال ویژگی اثر : در سه جلد , تالیف آیت الله مامقانی۶ چهار دوره رسم المشق رسائل , آیت الله سید حسین بروجردی رساله نجاه العباد ویژگی اثر : تالیف آیت الله سید ابوتراب خوانساری۹ سفینه البحار ویژگی اثر : تالیف محدث قمی۱۰ قرآن ویژگی اثر : سه جلد (و از جمله قرآن رحلی مذهب با چاپ هفت رنگ ,تهران)۱۱ کتاب الطهاره ویژگی اثر : تالیف آیت الله بروجردی در فقه۱۲ کتابت ریاض الجنان گنج جواهر دانش مفاتیح الجنان , حاج شیخ عباس محدث قمی مناسک حج , آیت الله محمد حسین نائینی مناسک حج , شیخ علی مرندی یک جزوه قرآن برای مدارس

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

نجفی، انورعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

انورعلی نجفی

محل تولد : نجف الاشرف

شهرت

تابعیت : پاکستان

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔالاسلام و المسلمین انورعلی نجفی در سال ۱۳۷۰ میلادی در خانواده ای روحانی در شهر مقدس نجف اشرف دیده به جهان گشود. پس از تحصیلات اکادمی و اخذ مدرک دیپلم در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه «ولی عصر خوانسار» شد و در مدت سه سال دروس مقدمات و سطوح را به اتمام رسانید و درظرف دو سال سطوح عالیه را در حوزه علمیه قم به پایان رسانید.

از سال ۱۳۷۶ دروس خارج آیات عظام بالاخص: «مرحوم آیت الله العظمی شیخ وحید خراسانی (دام ظله)» و «مرحوم آیت الله العظمی شیخ میرزا جواد تبریزی (قدس سره)» شرکت نمود. در همین سالها در کنار درس و بحث و تدریس سطوح عالیه و تبلیغ موفق است که دست و بازو توانا برای والد معظم شان حضرت حجهٔالاسلام و المسلمین «حاج شیخ محسن علی نجفی (دامت برکاته)» باشد و مدیریت و تلاش بی وقفه ایشان در ارائه خدماتی ارزشمندی به جامعه شیعیان پاکستان سهم به سزائی داشته است.

نجفی، بهاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اقتصاد کشاورزی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی اقتصاد کشاورزی از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۴۴، کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی از دانشگاه آمریکایی بیروت در سال ۱۳۴۹، دکترای اقتصاد کشاورزی از انگلستان در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز در سال ۱۳۷۲.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اقتصاد کشاورزی، نظام بهره‌برداری، توسعه کشاورزی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اقتصاد کشاورزی، مدیریت کشاورزی، نظامهای بهره‌برداری.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۵، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

اقتصاد کشاورزی، سیاست و توسعه کشاورزی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

نجفی، جمال الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج شیخ محمّد باقر. عالم جلیل، از رؤسای علمای اصفهان، در سال ۱۲۸۴ متولّد شده، در خدمت پدر خود در اصفهان، و حاج میرزا حبیب اللّه رشتی و آخوند خراسانی در نجف تحصیل نموده، سپس به اصفهان مراجعت کرد، در جنگ بین الملل اول در

سال ۱۳۳۲ روسها به طهرانش بردند، و تا اواخر عمر در آنجا ساکن، و از مراجع عالیقدر به شمار می‌رفت.

یکی دو سال قبل از وفات به اصفهان معاودت نموده، در شب یکشنبه ۲۵ جمادی الاولی سال ۱۳۵۴ وفات یافته، در بقعه تکیه مادر شاهزاده مدفون گردید.

مشارالیه از علماء متنفّذ و محبوب القلوب عند الخواص و العوام بود، شب‌های جمعه در تخت فولاد در تکیه میرزا رفیعا احیا می‌گرفت، و جمعی کثیر در آن شرکت می‌نمودند. در اصفهان در مسجد شیخ لطف اللّه، و در طهران، مسجد سیّد عزیز اللّه امامت می‌فرمود.

مادّه تاریخ وفاتش را دانشمند بزرگوار آقای معلّم حبیب آبادی ضمن قطعه‌ای فرماید:

به ماه و سال تاریخش معلّم

بگفت این شعر با حالی مرفّه

جمادیّ یکم در بیست و پنجم

جمال دین به جنّت رفت ناگه

در مقالات الحنفاء (:۲۴۷) درباره او گوید: آن جناب در اواخر عمر، در اوقات مختلفه از حقایق عرفان راز می‌جست، و مولانا شمس العرفا شمّه‌ای از عوالم درویشی را در اواخر با ایشان در میان گذارده بود.

مادرش مخدّره‌ای از سادات اخوی طهران، و زوجه اوّلیّه‌اش دختر مرحوم حاج آقا محسن عراقی (۱۳۲۵-۱۲۴۷) عالم معروف بود.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نجفی، حافظ

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حافظ نجفی

محل تولد : خدابنده

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای حافظ نجفی در ۸ / ۱۲/ ۱۳۴۳ در روستای «کبوترک» از توابع شهرستان خدابنده استان زنجان دیده به جهان گشوده است. به دلیل روحیه مذهبی خانواده به ویژه والد محترم، علاوه بر حضور در مدرسه دولتی در سال ۱۳۵۴ برای تحصیل علوم دینی به شهر «هیدج» فرستاده می شود. حدود دو سال در آن شهر نزد اساتید حوزه، دروس مقدماتی را گذرانیده و در پاییز سال ۵۶ به حوزه مقدسه قم آمده و ضمن ادامه دروس حوزوی با آوازه انقلاب و نام امام خمینی (قدس سره) آشنا می شود. در پاییز سال ۵۷ به اصفهان هجرت نموده و پس از یک سال و اندی برای ادامه تحصیل به قم مراجعت می نماید. با شروع جنگ تحمیلی ضمن ادامه تحصیل، طی هشت نوبت به جبهه های جنگ اعزام شده و دَین خود را به اسلام و نظام اسلامی ادا می کند.

وی در سال ۶۷ کلیه دروس سطح حوزه را گذرانیده و در محضر درس خارج مراجع بزرگوار تقلید حضرات آیات عظام: «وحید خراسانی»، «شیخ جواد تبریزی»، «مکارم شیرازی» و «محمد فاضل»، مدت شش سال در درس خارج حضور می یابد. همزمان با درس خارج در موسسات پژوهشی همچون: (انتشارات جامعه مدرسین، مجمع فکر اسلامی، مرکز معجم فقهی، بنیاد نهج البلاغه) حضور یافته و در تحقیق آثاری همچون: (کتاب قضا، شهادات، بخشی از کتاب الصلاهٔ، کتاب الطهارهٔ مرحوم شیخ انصاری، بخشی از مجمع الفائده مقدس اردبیلی، مختلف الشیعه علامه حلی، تفسیر کنزالدقایق، کتاب نجاهٔ العباد مرحوم صاحب جواهر، تعلیقهٔ مرحوم آقا ضیاء بر کفایهٔالاصول و معارف نهج البلاغه در شعر شاعران)، نقش ایفا می کند. و همزمان با فعالیت های فوق، دروس مقدماتی حوزه را تدریس نموده و در بهار سال ۷۳ با پیشنهاد «شورای سیاست گذاری ائمه جمعه کشور» به عنوان امام جمعه شهرستان بوانات (استان فارس) به آن دیار اعزام شده و در پاییز سال ۷۷ از آنجا منتقل و به امامت جمعه فرخ شهر (استان چهار محال و بختیاری) منصوب میشود.

وی در تابستان سال ۸۰ به پیشنهاد ریاست شورای سیاست گذاری ائمه جمعه به امامت جمعه شهر ساوه منصوب شده و در مدت بیش از چهار سال در آن شهر علاوه بر مدیریت حوزه علمیه ولی عصر (علیه السلام) ساختمان مدرسه علمیه امام صادق (علیه السلام) را با بیش از چهار هزار متر مربع و با ظرفیت اسکان و تحصیل چهار صد نفر، ساخته و مدرسه سفیران هدایت (طرح آموزش تخصصی کوتاه مدت) را در آن شهر دایر می نماید.

وی در طول مدتی که در بیرون از قم به فعالیتهای علمی و فرهنگی اشتغال داشته، حدود پنج سال در سه دانشگاه و بیش از پانزده سال در چندین حوزه علمیه تدریس نموده است. وی تا کنون بیش از ده جلد کتاب و دهها مقاله پیرامون موضوعات مختلف تالیف نموده و هم اکنون کتاب: «اصول کلاسداری و راهنمای آن» را با سفارش معاونت تخصصی تبلیغ حوزه علمیه قم در دست تدوین داد.

نجفی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا نجفی بن آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدحسین نجفی نیشابوری از علماء فعال و خدوم نیشابور بوده است ولادت آن مرحوم در نجف واقع شده و پس از خواندن اولیات و سطوح دروس خارج را از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللَّه العظمی خوئی استفاده نموده و پس از فوت مرحوم والدش به جای او به خدمات دینی و ارشاد و تبلیغ پرداخته تا در اوائل ۱۳۹۵ قمی به رحمت حق پیوسته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نجفی، زین العابدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زین العابدین نجفی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب زین العابدین نجفی دوران ابتدایی را در زادگاهم «کرسام» گذراندم و پس از آن در حدود سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه ساری شدم. دروس مقدمات را تا پایان «حاشیه ملاعبدالله» در ساری در مدرسه «حاج مصطفی خان» خواندم و در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم که تا سال ۱۳۶۲ سطح را تمام کردم و همزمان دروس کلاسیک را به صورت شبانه یا متفرقه خواندم و در سال ۱۳۶۲ در رشته «اقتصاد» دیپلم گرفتم. ضمناً تحصیلاتم را در قم مجدداً از کتاب «حاشیه ملاعبدالله» شروع کردم.

از سال ۱۳۶۲ تا حدود سال ۱۳۷۰ در درس خارج فقه و اصول حوزه شرکت کردم و یک دوره خارج اصول به مدت شش سال را خدمت «آیهٔالله مکارم» طی کردم و نیز خارج فقه را در محضر «آیهٔالله فاضل» و «آیهٔالله وحید خراسانی» خواندم. بنده تدریس را به صورت رسمی در حوزه علمیه قم از سال ۱۳۶۰ آغاز کردم. در همان سال بود که در مدرسه «آیهٔالله گلپایگانی» در خیابان صفائیه به تدریس ادبیات پرداختم. سپس چندین سال در مدرسه های آیهٔالله حقانی و الهادی کتابهای: (مختصر، معالم، شرح لعمه و اصول فقه) را تدریس کردم.

از سال ۱۳۷۴ تدریس سطح عالی را در مدرسه آیهٔالله گلپایگانی واقع در اول چهار مردان شروع کردم و اکنون چند سال است که اشتغال به تدریس کفایهٔ الاصول در همین مدرسه دارم. تدریس در دانشگاه را از سال ۱۳۶۲ شروع کردم و در موضوعات: (ادبیات عرب، فقه استدلالی، مباحث اصول، آیات الاحکام، فقه الحدیث و تاریخ حدیث تدریس نمودم، و اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه با رتبه استاد یاری هستم. لازم به ذکر است که پس از اخذ مدرک سطح چهارم حوزه، با توجه به سابقه تدریس که در دانشگاه داشتم و مقالاتی که در مجله های علمی پژوهشی تدوین کردم و نیز با توجه به مدرک سطح چهارم حوزه، در وزارت علوم، امتحان و مصاحبه دادم و حکم استادیاری برایم صادر شده است.

نجفی، شمس‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالمجید شمس‌الدین نجفی نجل مرحوم حجهٔالاسلام آسید عبدالعظیم الحسینی کابلی از دانشمندان معاصر خراسان و عالم خدمتگذار و مروج فریمانست. وی در سال ۱۳۰۲ شمسی متولد شده و بعد از خواندن دروس مقدماتی و ادبیات مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح را از مدرسین حوزه علمیه نجف تکمیل و به درس خارج زعیم اعظم و مرجع اعلی آیت‌اللَّه العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی و مرحوم آیت‌اللَّه حکیم و آقا سید محمود شاهرودی و حلی شیرازی و حاج سید جواد تبریزی کسب فیض نموده آنگاه به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ مسائل احکام در یکی از مساجد نجف اشرف پرداخته تا در سال ۱۳۸۲ قمری که به قصد زیارت حضرت ثامن‌الحجج (ع) به مشهد مقدس عزیمت و بنابر پیشنهاد و اصرار حجهٔالاسلام آقای حاج سید نورالدین میلانی و حسب‌الاراده حضرت آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمد هادی میلانی مدظله برای ارشاد و هدایت مردم فریمان و حومه آن به فریمان رحل اقامت افکنده و تا حال تحریر به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

نجفی، مجدالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجدالدین نجفی فرزند ارشد مرحوم آیت‌اللّه العظمی ابوالمجد آقا شیخ محمدرضا نجفی بن عالم ربانی شیخ محمدحسین بن علامه محقق حاج شیخ محمدباقر طاب ثراه معروف به (مجدالعلماء)

این بزرگوار در بیست و سوم جمادی‌الاولی ۱۳۲۶ هجری از والده ماجده‌اش سیده جلیله زهرا بیگم صبیه مرحوم سیدالعلماء آقا سید محمد امامی در نجف اشرف متولد شده.

و در کودکی موسوم به امجدالدین بوده و مرحوم والدش آیت‌اللّه آقا شیخ محمدرضا مسجدشاهی اصفهانی رساله امجدیه مطبوعه را بنام ایشان تصنیف کرده‌اند.

وی در بیت علم و کمال پرورش یافته و مقدمات و سطوح و علوم مختلفه معقول و منقول را از اساتید بزرگ هر فن و علمی فراگرفته و علوم ریاضی را از هیئت و هندسه از قبیل کتاب مجسطی و تحریر اقلیدس و هیئت قدیم و جدید را نزد والد ماجدش تحصیل و تکمیل نموده و بسیاری از افاضل علوم مزبوره را از آن جناب آموخته و درس خارج فقه و اصول را از مرحوم والد خود استفاده نموده و از آنجناب به دریافت اجازه اجتهاد نائل شده و به تدریس علوم مختلفه پرداخته و تاکنون بالغ بر سی و دو سالست که در مسجد نو واقع در بازار نیم‌آورد اصفهان به اقامه جماعت و تدریس اشتغال دارند.

و در حال حاضر در مدرسه ثقهٔ‌الاسلام جنب امامزاده احمد واقع در ناحیه چهار اصفهان تدریس خارج فقه می‌نمایند و عده‌ای از فضلاء اصفهان از محضرشان کسب فیض می‌کنند.

در زهد و تقوا و پرهیزکاری و دستگیری از درماندگان و قضاء حوائج مؤمنین مشهور و زبانزد مردم اصفهانند دارای تألیفات و تصنیفات عدیده‌ای هستند که تاکنون بطبع نرسیده است.

نگارنده گوید: در ماه شوال ۱۳۹۴ ه که برای امری به اصفهان رفتم در مسجد نو موفق به زیارتشان شده و از سیمای ملکوتی آنجناب مستنیر گردیدم.

آثار و علائم ربانیین را از چهره منیرش مشاهده کردم و باید همینطور باشند زیرا فرزند ارجمند آیت‌اللّه العظمی آقا رضا که مجسمه علم و کمال و حفید عالم ربانی و آیت سبحانی حاج شیخ محمدحسین نجفی هستند که دارای کرامات و مقامات معنوی بوده و مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا نوراللّه اصفهانی کتابی در شرح زندگانی آن بزرگوار و حالاتش نوشته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

نجفی، محمد جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدجواد نجفی از دانشمندان و نویسندگان عالی مقام معاصر تهرانست.

وی در دیماه هزار و سیصد و چهل و دو (۱۳۴۲) قمری در یکی از قراء خمین متولد شده و در سن هیجده سالگی شروع بتحصیل نموده و مقدمات و ادبیات را در اراک در تحت سرپرستی آیت‌اللّه حاج سید کاظم گلپایگانی از اساتید آنجا خوانده و بعد به تهران آمده و علوم مختلفه را از علماء مبرز تهران تحصیل نموده و برای تکمیل نمودن تحصیلات عالیه خود چند سالی سفر باعتاب عالیات نموده آنگاه در تهران اقامت و بوظائف روحی و تألیفات پرداخته است.

دارای تألیفات و آثار عدیده و ارزنده‌ای میباشد که مشروح آنرا می‌نگارم:

۱- لطائف الصلوه.

۲- مصابح الشیعه.

۳- فلسفه احکام اسلام.

۴- بهداشت اسلام.

۵- خواص خوراکیها و گیاهان از نظر اسلام و علوم جدید.

۶- ترجمه کتاب ملاحم و فتن- تألیف سید بن طاوس.

۷- ترجمه دیوان حضرت علی بن ابیطالب علیه‌السلام.

۸- ترجمه کتاب اثبات الوصیه تألیف مسعودی صاحب کتاب مروج الذهب.

۹- ستارگان درخشان در شرح احوالات چهارده معصوم علیهم‌السلام- ۱۶ جلد.

۱۰- مصلح جهان. مهدی صاحب الزمان علیه‌السلام.

۱۱- ترجمه کتاب المهدی تألیف مرحوم آیت‌اللّه صدر.

۱۲- تلخیص و تحریر کتاب اختران تابناک.

۱۳- ترجمه جلد اول کنی و الالقاب محدث قمی در دو جلد.

۱۴- زندگانی حضرت علی بن ابیطالب علیه‌السلام.

۱۵- خوراکی‌های شفابخش از نظر امام جعفر صادق علیه‌السلام.

۱۶- جزوه‌ای درباره‌ی اصول و فروع و احکام دین.

۱۷- معالجات طبیعی بوسیله‌ی گیاهان.

۱۸- کتب دیگری که در مد نظر و آماده‌ی چاپ می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

نجفی، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالمی بزرگ، و فقیهی نامور، و در غایت زهـد و تقوی بوده، در دیانت و محکمی امر مرافعات، و امتناع از چیزی که بوی رشوه در او باشـد، و عـدم ملاحظه از اکابر و ارحام در این مقام، عندالخواص و العوام مسلّم بود، و مرحوم میرزای شیرازی اعتماد تامّی به او داشـته، که اهل اصـفهان هر وقت از ایشان سـئوال کرده‌اند که به چه کسـی رجوع کنند؟ می‌فرمودند: به میرزا محمّد حسن نجفی. و جمعی از خواّص از ایشان تقلید می‌کردند، و ایشان امام جماعت مسجد ذوالفقار بودند، و عمر گرامی را صـرف تحصیل و تدریس و تألیف و تصنیف و جواب استفتاءات می‌فرمودند.

در حـدود سال ۱۲۳۷ متولّد، و در روز ۵ شنبه ۱۱ ربیع الاـول سال ۱۳۱۷ در اصـفهان وفات یافته، در لسان الارض مـدفون گردید، سپس به نجف منتقل گردید.

کتب زیر از ایشان است:

۱- اجزایی دراصول ۲- اجزایی در فقه ۳- حاشیه بر فصول ۴- حاشیه بر قوانین ۵- رساله در زیارت عاشورا ۶- کتابی در طهارت ۷- کتابی در تقوی، ناتمام، و غیره.

مشارالیه در نجف از زمره شاگردان: آقا سـید ابراهیم قزوینی صاحب ضوابط، و شـیخ مرتضی انصاری، و میرزای شیرازی بوده، و در اصفهان عدّه زیادی در عداد شاگردانش محسوب می‌شوند.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نجفی، محمد حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم زاهد جلیل، آقا شـیخ محمد حسـین فرزند شیخ محمد باقر مسجد شاهی در ۲ محرم ۱۲۶۶ متولد، و در غره‌ی محرم سال ۱۳۰۸ وفات یافته، در یکی از اطاقهای صحن نجف مدفون گردید.

وی خـدمت پـدر خویش مقدمات علوم را آموخته، و در سامرا به درس میرزای شـیرازی حاضـر شده، و ضـمنا از محضـر حاج میرزا حبیب الله رشتی و شـیخ راضـی نجفی و میرزا باقر شـکی و دیگران نیز استفاده نموده، به اصفهان مراجعت نموده و در این شهر مورد توجه و عنایت عموم طبقات گشته، و ریاست کلی یافته، از غایت زهد و ورع، ترک ریاست نموده، در سال ۱۳۰۳ به نجف مراجعت کرده، به تکمیل نفس و ریاضت پرداخته، و از همه‌ی مردم اعراض نمود.

کتبی تألیف نموده: ۱- جزواتی دراصل برائت ۲- رساله‌ای در معارف واصول عقاید ۳- تفسیر قرآن که قسمتی از آن به طبع رسیده.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

نجفی، محمد طه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۳ -۱۲۴۱ ق)، عـالم دینی، فقیه، اصولی، رجـالی، مجتهـد، مـدرس، زاهـد، عابـد و شـاعر. نیای بزرگش حاج نجف از تبریز به نجف مهاجرت کرد. محمد طه در نجف به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت. مقدمات را از شـیخ عبدالرضا طفیلی و دایی‌اش، شیـخ جواد، فراگرفت. وی در محضـر علامه شـیخ محسن خنفر و شـیخ مرتضـی انصـاری و سـید حسـین کوه کمری و سـید حسـین بحرالعلوم تلمذ نمود و از شـیخ ابوالحسن علی بن خلیل رازی اجازه‌ی روایت گرفت. سـید محمد سـعید حبوبی و علامه سـید محسن امین و شیخ علی جواهری و شیخ حسن، فرزند شیخ محمد حسن صاحب «جواهر» و سید مهدی حکیم و سید محمد کاشی حایری و سید عدنان بحرانی از شاگردان وی هسـتند. او پس از درگذشت میرزای بزرگ شـیرازی عهده‌دار مرجعیت گردید. او به خوبی شعر می‌سـرود و قصایـدی از وی در مـدح پیـامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) بـاقی است. در اواخر عمر بینایی‌اش را از دست داد. در نجف درگـذشت و در حجره‌ای در نزدیکی صـحن مطهر به خاک سپرده شد. از آثارش: «الانصاف فی تحقیق مسائل الخلاف»، حاشـیه بر «الجواهر»، در فقه؛ «اتقان المقال فی احوال الرجال»، در شـرح حال رجال حدیث که در ابتدا نام آن «احیاء الموات فی اسماء الرواة» بود؛ «الفوائـد السـنیهٔ» یا «القواعـد النجفیـهٔ» که حاشـیه بر «فرائد الاصول» یا «رسائل» شـیخ انصاری است؛ «غناء المخلصـین» حاشـیه بر «المعالم»؛ شـرح «منظومه» بحرالعلوم؛ «کشف الحجاب فی استصـحاب الکر و مطلق الاستصـحاب»؛ «کشف الاسـتار عن حکم الخارج عن دار الاقامهٔ فی الاسفار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۴۶/ ۷)، اعیان‌الشیعه (۳۷۵/ ۹)، دانشمندان آذربایجان (۲۴۵)، الذریعه (۲۶ -۲۵/ ۱۸ ،۳۴۳/ ۱۶ ،۲۱۶/ ۱۱ ، ۲۰۷/ ۶ ،۳۹۷/ ۲ ،۸۳/ ۱)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۹۶۷ -۹۶۱/ ۱۴)، علماء معاصرین (۸۴ -۸۳)، فوائدالرضویه (۵۴۷)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۲۷۰ -۱۲۶۹/ ۳)، معجم‌المؤلفین (۱۰۷/ ۱۰)، مکارم‌الآثار (۱۱۵۵ -۱۱۴۹/ ۴).

نجفی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین نجفی از علماء معروف نیشابور بوده است.

وی در نیشابور متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات به مشهد مشرف و پس از چند سال مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضـر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی اصـفهانی و اقران او اسـتفاده و پس از وصول به مقام اجتهاد به وطن مراجعت و به خـدمات دینی پرداخته تا از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نجفی، محمدصادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صادق نجفی

محل تولد : شبستر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجـانب محمـد صادق نجمی به سال ۱۳۱۵ شمسـی در روسـتای هریس از توابع شـبستر به دنیا آمـدم. پدرم ثقهٔ الاسـلام حاج میرزا احمـد آقا هریسـی و چنـد تن از اجـدادم از علما و روحانیون مورد اعتماد مردم بوده انـد.مادرم از سادات کوه کمری است. پدر وی حاج میری آقا عموی آیت الله العظمی حجت (ره) می باشـد. اینجانب تا حـدود ۱۵ سالگی در همان روسـتا که دارای مردمی متدین می باشـند رشد کرده ام. روسـتائی که در اثر فراوانی آب از طراوت و خرمی برخوردار است. مردم این روستا علاقه مند به مذهب و اهل بیت (ع) و پایبند به اصول اخلاقی می باشـند و سابقهٔ طولانی وجود خانواده های متعدد و بزرگی از سادات و روحانیون در این محل موجب شد تا آنان به دین علاقه مند شوند و از ایمان راسخ برخوردار گردند. مراجع و عالمان بزرگ و معروفی مانند آیت الله العظمی سید حسین کوه کمری (ره) و سید علی آقا پدر آیت الله العظمی حجت در این روستا متولد شدند و دوران کودکی خود را در این محـل سپری کرده انـد . دوران کودکی ام را در دامـان چنین پـدر و مـادری و در چنین محیط مـذهبی سپری کردم و شالوده فکری و اعتقادی من در چنین محیطی پی ریزی شد.

دوران تحصیل:

هشت نه ساله بودم که به مکتب خانه رفتم. تحصـیل را با روخوانی قرآن شـروع کردم و پس از آن با بخشـی از ادبیات فارسـی آشنا شدم. در آن روز در مکتب خانه های آذربایجان، گلسـتان سـعدی، نصاب الصبیان، تاریخ وصاف، ابواب الجنان و تنبیه الغافلین و... آموزش داده می شـد.در تـدریس برخی از این کتابها علاوه بر فراگیری ادبیات فارسـی، آموزش مسائل اخلاقی نیز مورد توجه بود. پس از این دوره، در نزد پـدرم جـامع المقـدمات، سیوطی و شـرح جامی را فرا گرفتم. تقریبا در پانزده سالگی پـدرم مرا به مدرسـه طالبیه تبریز برد و از آن زمان به بعد من هم به صف طالبان علوم دینی پیوستم. شوق فراوانی نسبت به تحصیل علوم دینی داشتم.پس از یـک سـال و چنـد ماه توقّف در تبریز و تکمیل کردن درس هایی که نزد پـدرم آغاز کرده بودم، سـرانجام در اواخر تابسـتان سال ۱۳۳۲ شمسـی- بـا این که از لحاظ تأمین معاش وضع مناسبی نداشـتم- ره سـپار حوزه علمیه قم شـدم و با فضل خداونـد در مدرسـه فیضـیّه سـکونت گزیـدم. ورود اینجـانب به قم، مصـادف بود با ماه محرم سال ۱۳۷۲ قمری، چهـار مـاه پس از ورودم بـه قم، در مـاه جمادی الاولی، حضرت آیت الله العظمی حجّت رحلت کرد.

دوران تحصـیل این جانب از این تاریـخ تا سال ۱۳۵۹ شمسـی، یعنی تقریباً سـی سال ادامه داشت. در این مـدّت علاوه بر تحصـیل و تـدریس دروس متـداول حوزه علمیّه به تألیف و ترجمه کتاب های متعدّدی موفّق شدم و هذا من فضل ربّی. بیش ترین تحصـیل این جـانب در حوزه علمیّه قم و بخشـی دیگر در حوزه علمیه مشـهد بود؛ زیرا تقریبـاً نه مـاه پس از ورودم به قم که هوا رو به گرمی می رفت، والـدینم به قصـد زیـارت مشـهد، وارد قم شدنـد و من نیز به همراه آنان به مشـهد مقـدّس عزیمت نمودم. در این سـفر، پـدرم مقـدمات توقّفم را در تعطیلات تابسـتانی در حوزه علمیه مشـهد فراهم کرد و اجازه اقامتم را در یکی از حجره های مـدرسه خیرات خـان از متولی این مـدرسه آقـای دربنـدی دریـافت نمود. این برنـامه که مصـادف با اولین ماه های ورود آیت الله العظمی میلانی از

عراق به مشهد مقدس برای تعطیلات تابستانی بود، در سال های بعد هم برایم الگو شد و اکثر تعطیلات تابستانی را در مشهد مقدس مشغول تحصیل و مطالعه می شدم. تألیف کتاب سیری در صحیحین از ثمرات این حوزه مقدس و از عنایات حضرت علی بن موسی الرضا(ع) می باشد.

در حوزه علمیه قم مدتی در مدرسه فیضیه و مدتی در مدرسه آیت الله العظمی آقای بروجردی (مدرسه خان) و مدتی نیز در مدرسه حجتیه اقامت داشتم. در مشهد مقدس نیز گاهی درمدرسه خیرات خان و گاهی در مدرسه میرزا جعفر- داخل صحن مطهر- اقامت داشتم. پس از انتشار جلد اوّل کتاب سیری در صحیحین چند ماه با اجازه آیت الله العظمی میلانی در مدرسه وی ودر حجره مخصوص او اقامت داشتم. این در شرایطی بود که مطالعه و تألیف جلد دوم همین کتاب را پی گیری می کردم و عنایات خاص آن مرد بزرگ نیز تشویقی بر ادامه این تألیف بود و جلد اوّل همین کتاب را با تفسیر المیزان و المراجعات به عنوان جایزه به طلاب هدیه می داد.

تحصیلات من تنها در علوم حوزوی بود؛ اما با تلاش آیت الله شهید بهشتی یک کلاس آموزش زبان انگلیسی شبانه در دبیرستان دین و دانش قم تشکیل می شد و عده ای از طلاب که بنده هم جزء آنان بودم- با وجود محدودیت و عدم استقبال از این درس- در آن شرکت می نمودیم.

اساتید:

در دوران تحصیل از اساتید متعدّدی استفاده نمودم و از محضر بزرگانی بهره مند شدم که معروف ترین آنان به همراه دروسی که از آنان فرا گرفته ام، عبارتند از:

۱- قسمتی از مغنی را از شیخ علی اکبر اهری معروف به نحوی در تبریز فراگرفته ام. وی در عین کهولت سن، دقایق و ظرایف مغنی را با تمام شوق و علاقه به شاگردان می فهماند.

۲- قسمتی از مطوّل را از درس شیخ ابوالفضل علمایی سرابی در قم و بخش دیگر آن را از شیخ عبد الله نورانی در مشهد مقدّس استفاده کرده ام.شرح شمسیه را به طور خصوصی و به همراه آقای عمید زنجانی از مرحوم آقای صائینی زنجانی و شرح منظومه سبزواری را از مرحوم استاد شهید مفتح فرا گرفتم.از درس فلسفه مرحوم شهید مطهری که در ایام تعطیلی در قم تدریس داشتند، و همچنین از درس فلسفه مرحوم آقای الهی برادر علامه طباطبائی نیز بهره گرفته ام.بخش مهم جلدین لمعه را از سید جواد خطیبی که در تدریس لمعه معروف بود و سابقه ای طولانی داشت، و بخش دیگر را از آقای جاج شیخ محمد حقی سرابی فرا گرفتم و قسمتی از ابواب این کتاب را که آن روز تدریس آن ها رایج نبود، با یکی از دوستانم مباحثه می کردم.

۳- بخش مهم مکاسب را از آیت الله مشکینی و بعضی از ابواب آن را از استاتید دیگر مانند آیهٔ الله سبحانی فرا گرفتم. قوانین را از آیهٔ الله موسوی اردبیلی و بخشی از رسائل را از آیهٔ الله مشکینی و قمستی دیگر را از آقای سبحانی و باب تعادل و تراجیح را از آیهٔ الله احمدی میانجی آموختم. بخشی مهم کفایهٔ الاصول را از آیهٔ الله سلطانی و بخش دیگرش را از آقای مجاهدی فرا گرفتم.

در تفسیر ابتدا از آیهٔ الله حاج میرزا ابوالفضل زاهدی قمی و مدتی از تفسیر علامه طباطبائی، آیهٔ الله مشکینی و آیهٔ الله خزعلی بهره بردم. از حسن اتفاق استاد علامه حسن زاده آملی در بدو ورودشان به قم، مدتی در مدرسه حجّتیه اقامت گزید. در این فرصت به ایشان ارادت پیدا کردم و بخشی از هیئت قدیم را از ایشان استفاده کردم و این موجب شد که پس از تعطیلی این درس با مباحثه هیئت فلاماریون با هیئت جدید نیز تا حدّی آشنا شوم. در درس خارج فقه و اصول از اساتید متعددی مانند میلانی، شیخ مرتضی حائری، گلپایگانی، داماد و سایر بزرگان و اساتید بهره بردم. مدت بهره بری از برخی آنان طولانی و از بعضی دیگر نسبتا کوتاه بوده است. مدت استفاده ام از درس امام(ره) خیلی کوتاه بوده؛ زیرا درست در شرایطی که آماده استفاده از درس آن زعیم عالی قدر می شدم، رژیم طاغوتی حوزه را از وجود وی محروم نمود.

دوستان و معاشران:

در طی دوران طولانی تحصیل طبعا دوستان و هم درسان فراوانی داشتم که تعدادی را که با آنان معاشرت بیش تر و دوستی طولانی تری داشته ام، نام می برم:

برادران مجتهد شبستری، شیخ حسین حقانی زنجانی، ابوالفضل موسوی تبریزی، عمید زنجانی، سید هادی خسرو شاهی، آقای سید مجید ایروانی(ره) و آقای هاشم زاده هریسی نماینده فعلی تبریز در مجلس شورای اسلامی و... گفتنی است با آقای هریسی علاوه برهم بحث بودن در زمینه تألیف یا ترجمه کتاب نیز همکاری داشتم و تاکنون هفت اثررا به اتفاق ایشان تألیف یا ترجمه کردم.

عوامل موثر بر شخصیت علمی و اخلاقی: من خود را از لحاظ علم و اخلاق در سطحی قابل طرح نمی دانم؛ ولی از باب و أمّا بنعمهٔ ربّک فحدث اشاره می کنم که در روی آوری اینجانب به تحصیل علم و دانش، دو عامل مؤثر بوده است.

۱- روحانی بودن پدرم؛ او عاشق کتاب و مشتاق مطالعه بود و هیچ گاه اطرافش از کتاب خالی نبود و این در حالی بود که در آن دوران دست رسی به نشریات مذهبی مشکل بود و به جز هفته نامه ندای حق و مجله مکتب اسلام نشریه مذهبی دیگری وجود نداشت.وی مدّتی طولانی جزء مشترکان این هفته نامه ها بود. وقتی به بهانه های مختلف از سوی رژیم طاغوت این مجلات توقیف می شد، پدرم بسیار ناراحت می شد و بی صبرانه منتظر رفع توقیف آن بود و چنین محیطی در جلب توجّه و ایجاد علاقه من به مطالعه و درس بسیار مؤثر بود.همان گونه که در بینش اجتماعی و سیاسی این جانب نیز بی تأثیر نبود. جالب این که اوّلین مقاله حقیر تحت عنوان صبر از نظر اسلام هم درهمان هفته نامه منتشر شد.

۲- تشویق و ترغیب پدر؛ علاوه بر شرایط محیط خانواده، پدرم با بیانات مختلف مرا به درس و بحث تشویق و ترغیب می نمود و از مزایای علم و دانش و تکامل معنوی با من سخن می گفت و گاهی با این جمله مورد خطابم قرار می داد که اگر بخواهی به مراتب عالی از نظر علم و عمل نایل گردی، باید اراده ات آن چنان قوی و همتت آن چنان عالی باشد که خواهان رسیدن به مرتبه امام صادق(ع) باشی؛ زیرا اگر قصد کنی که به درجه علامه حلی برسی، به مرتبه یک عالم متوسط خواهی رسید. به توفیق الهی از اوایل ورودم به حوزه علمیه قم با جلسه درس اخلاق و دعای ندبه آیهٔ الله حاج شیخ عباس تهرانی آشنا شدم. این درس در سالن کتاب

خانه مدرسه حجّتیه و به دستور آیهٔ الله العظمی حجت تشکیل می شد. این برنامه سالیان متمادی و تا هنگام وفات آقای تهرانی ادامه داشت. در بعضی از شب های جمعه در جلسه درس اخلاق و دعای کمیل آقای حاج سیّد حسین (معروف به پیرمرد) شرکت می جستم.او مردی اخلاقی و ابوذر زمان بود و از نظر تربیتی و تأثیر معنوی. فوق العاده بود. در ایامی که هوا مساعد بود شب های جمعه را پیاده به مسجد جمکران مشرف می شدیم و از معنویت این مسجد بهره می گرفتیم.

عوامل موثر بر شخصیت سیاسی و اجتماعی:تقریبا درهمان سال های اول ورودم به قم دو سید بزرگوار(شهید نواب صفوی و شهید واحدی) با قیافه های نورانی در نماز جماعت مدرسه فیضیه توجه مرا به خود جلب کردند.آنان با سخنرانیهای شور انگیز خود بر ضد طاغوت در گرایش من به مباحث سیاسی، تأثیری عمیق داشتند. حضور شهید نواب صفوی درنماز جماعت فیضیه با آن قیافه معنوی و با عمامه سبز که به صورت ساده و آخر صفوف عبای خویش را زیر انداز می کرد، برای همه کسانی که با مبارزه او با بی دینی و حرکتش در اعدام انقلابی کسروی، هژبر و رزم آرا آشنا بودند، جاذبه خاصی داشت. آزادی خلیل طهماسبی- عامل مستقیم اعدام رزم آرا- از زندان و ورود وی به شهر قم و اجتماع مردم در خیابان های این شهر برای تقدیر از این سمبل شجاعت و از خود گذشتگی در راه ایمان و عقیده، خاطره ای جالب و فراموش نشدنی و برای من شور انگیز وحرکت آفرین بود.

این علاقه موجب شد تا جریان فدائیان اسلام و محاکمه آنان را که پس از تیراندازی ناموفق به حسین علاء نخست وزیر وقت به وقوع پیوست،تعقیب کنم. جریان شهادت شهید واحدی به دست تیمور بختیار، فرماندار نظامی تهران و شهامت و شجاعت شهید نواب و یارانش در جلسات محاکمه و به هنگام شهادتشان که تکبیر گویان به سوی میدان تیر حرکت کردند، نقل مجالس و درس عشق و فداکاری بود و بیش از پیش در روحیه این جانب اثر گذاشت.عکس شهید نواب صفوی را که با لباس شخصی و بدون عمامه در دادگاه نظامی حاضر شده بود، در همان تاریخ در پشت جلد کتاب عروهٔ الوثقی چسبانده بودم. امروز هم برای من جالب و خاطره انگیز است. این جریانات موجب شد که به عالمان مبارزی چون آیت الله کاشانی ارادت بیش تری پیدا کنم.

گرچه درزمان حیات آیت الله العظمی بروجردی، نسبت به امام امت به عنوان یکی از مراجع حوزه ارادت می ورزیدم و گاهی به زیارتش می شتافتم، ولی پس از ارتحال آیت الله بروجردی علاقه ام به او بیش تر شد، حرکت متواظعانه و مخلصانه امام (ره) در رد تقاضای انتشار رساله عملیه و دوری از حریم ریاست و مرجعیت با وجود شرایط مناسب و حضور جدی آن بزرگوار در صحنه مبارزه- در جریان انجمن های ایالتی و ولایتی و سخن رانی ها و اعلامیه های صریح وی- موجب ارادت و علاقه بیش تر این جانب به وی گردید و گویا گم شده خود را در وجود او پیدا کردم. این ارادت با تشدید مبارزات در سالهای بعد و با زندانی و تبعید شدن امام (ره) افزون تر شد تا این که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و ما خود را موظّف دانستیم تا آن جا که در توان داریم، در خدمت انقلاب باشیم و در مسیری که امام ترسیم می کردند، حرکت کنیم.

فعالیت های علمی:

اینجانب به فضل پرودگار علاوه بر تحصیل علوم حوزوی بر بعضی از کتاب های درسی مانند رسائل، شرح نوشته ام و تقریرات دروس خارج را تدوین کرده ام. هم چنین به مطالعه و تحقیق در حدیث و تاریخ پرداختم که نتیجه آن تألیف و ترجمه بیش از سی جلد کتاب است که برخی را با همکاری آقای هریسی تألیف کرده ام، اینجانب بر اثر علاقه فراوانی که به مطالعه و دیدار از کتاب خانه دارم در سال ۱۳۵۴ شمسی به دمشق مسافرت کرده، ضمن دیدار از کتاب خانه ها به ویژه کتاب خانه ظاهریه- که قدیمی ترین و غنی ترین کتاب خانه موجود آن روز پیش از تأسیس کتاب خانه الاسد بود- بهره وافر بردم. در بهار سال ۱۳۵۶ شمسی نیز به همین منظور سفری به ترکیه نمودم و از شهرهای مختلف این کشور دیدن کردم و بیش ترین مدت اقامت من در استانبول بوده که در این مدت از کتاب خانه سلیمانیه که از جامع ترین و غنی ترین کتاب خانه ها در خاورمیانه است، استفاده نمودم. درزمستان سال ۱۳۶۰ شمسی به دعوت علمای شیعه هند به این کشور سفر کردم و در مدت اقامت بیش از یک ماه از شهرهای بمبئی، لکهنو، بناری، جانپور و.... دیدار و از کتاب خانه مرحوم صاحب عبقات و مدرسه الواعظین در لکهنو بهره مند شدم.

فعالیت های و مبارزات سیاسی:

پس از پانزدهم خرداد و دستگیری امام (ره) تصور من از روحانیت آذربایجان این بود که اکثر آنان شناختی از امام و حرکت او ندارند و این تصور و برداشت موجب شد تا به شهرهای مختلف مسافرت کنم و روحانیون آذربایجان را از اوضاع روز آگاه نمایم. از این رو، به شهرهای مختلف،مانند سلماس، خوی و ماکو- از شهرهای آذربایجان غربی- مسافرت کرده، با بعضی از آنان تماس گرفتم که متأسفانه با بی مهری و عدم پذیرش بعضی از آنان روبه رو شدم که یکی از علل آن، جوانی و بی تجربگی بنده از نظر آنان بود.

در ۲۵ محرم در مسجد جامع ماکو پس از یک سخنرانی تند و بیان صریح مواضع امام،دستگیر شدم و به زندان ساواک شهرستان خوی منتقل گردیدم. پس از چند روز- طبق سیاست کلی طاغوت درباره آزادی روحانیون — به جای اعزام به تهران به ظاهر آزاد شدم؛ اما تحت مراقبت و نظارت پاسگاه محل قرار گرفتم. این مزاحمت ها و محدودیت ها به صورت مختلف در قم ادامه داشت.

فعالیت های اجتماعی:

از فعالیت های اجتماعی اینجانب تکمیل و راه اندازی مدرسه نمازی خوی بود که پس از انقلاب به دستور امام(ره) تجدید بنا شد و پس از ورود این جانب به خوی،کار ساختمانی آن با کمک اهالی وروحانیت محترم ادامه یافت ومورد بهره برداری قرار گرفت .تاسیس دانشگاه آزاد اسلامی خوی در خرداد ماه ۱۳۶۴ از دیگر فعالیت های این جانب است. فعالیت این دانشگاه با چهار هزار دانش جو در دو بخش جداگانه پسرانه و دخترانه الگویی برای دانشگاه ها می باشد.

مسولیت ها:

مسئولیت علمی انتشارات جامعه مدرسین، اولین مسئولیت اینجانب بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با تأسیس انتشارات جامعه مدرسین، مسئولیت علمی این مؤسسه به عهده این جانب گذاشته شد. از اواسط سال ۱۳۵۹ تا اواسط سال ۱۳۶۰ شمسی به طور موقت عهده دار امامت جمعه سلماس بودم و پس از آن برای تکمیل تألیفات و ادامه تحقیق و بررسی های قبلی به قم مراجعت

نمودم.در تاریخ ۱۹/۱/۱۳۶۱ شمسی از سوی امام امت(ره) به سمت امامت جمعه خوی منصوب گردیدم.در سال ۱۳۶۹ شمسی از سوی جامعه مدرسین و جامعه روحانیت مبارز تهران برای نمایندگی دوره دوم مجلس خبرگان از آذربایجان غربی داوطلب شدم و از سوی مردم این استان به نمایندگی برگزیده شدم.در مدت اقامتم در سلماس و خوی در دوران دفاع مقدس تا آنجا که امکانات اجازه می داد، در خدمت دفاع مقدس بودم. علاوه بر تشویق برای تأمین نیروی انسانی و کمک های مردمی، در مقاطع مختلف به ویژه د رهنگام عملیات رزمندگان اسلام در جبهه غرب یا جنوب کشور توفیق حضور در کنار این عزیزان شامل حال ما می گردید و در داخل سنگرها و در زیر چادرها از معنویات این عزیزان و از روحیه والای آنان نیرو می گرفتم و درس ها می آموختم.

نجفی‌دیسفانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

درگذشت: ۱۹ آذر ۱۳۷۴، تهران.

محمد نجفی‌دیسفانی مدیر گروه سنجش از دور دانشگاه تربیت مدرس بود و به تدریس نیز می‌پرداخت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

نجفی‌یزدی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۲۶، نجف اشرف.

درگذشت: ۱۳۷۱.

سید علی نجفی‌یزدی فرزند سید محمدباقر، در تهران از حوزه‌ی درس اساتیدی چون آیت‌الله حاج شیخ احمد مجتهدی و آیت‌الله یحیی تهرانی بهره‌مند شد و در کنار آن با علوم متداوله روز آشنا گردید. مراتب تهذیب نفس و تخلق اسلامی را در محضر آیت‌الله عبدالکریم حق‌شناس سپری کرد، در محضر درس آیت‌الله سید اسماعیل شفیعی‌تهرانی و نیز آیت‌الله جوادی‌آملی برای فراگیری تفسیر قرآن و فلسفه اسلامی حاضر شد. علاوه بر جلسات وعظ در مساجد، در کرسی تدریس دانشگاه «شریف» و «امیرکبیر» نیز حضور یافت. در سال‌های جنگ نیز بارها و بارها به سوی جبهه‌ها رفت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

نجم الدوله، عبدالغفار

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند ملا علی محمدبن محمد حسین اصفهانی.

ادیب فاضل ریاضی دان معروف، از مفاخر علمی و ادبی ایران، و به خصوص در ریاضیات، شهرت و عنوان داشته، و سال‌ها در مدرسه‌ی دارالفنون تدریس می‌نموده.

در ذی قعده سال ۱۲۵۹ متولد، و در ۱۴ جمادی‌الاولی سال ۱۳۲۶ وفات یافته، در طهران مدفون گردید.

کتب و رسائل زیادی نوشته و عموما به طبع رسیده، از آن جمله است: ۱ – آسمان، در هیئت [استدلالی جدید] ۲ – اصول علم جغرافیا ۳ – اصول هندسه ۴ – بدایهٔ الجبر ۵ – بدایهٔ الحساب ۶ – بدایهٔ النجوم ۷ – بدایهٔ الهندسه ۸ – تطبیقیه، در تطبیق سال‌های قمری و شمسی و میلادی ۹ – الرحلهٔ الخوزیهٔ، در سفرنامه‌ی خوزستان ۱۰ – کفایهٔ الحساب ۱۱ – کفایهٔ الهندسه ۱۲ – المثلثات البسیطهٔ ۱۳ – مثلثات مستقیمهٔ الخطوط] ۱۴ – قانون ناصری در هیئت استدلالی]؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

نجم ثانی، باقر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۴۷ ق)، شاعر. از شاعران پارسی‌گوی ایرانی ساکن هندوستان و از احفاد امیر نجم ثانی بود. او در زمان جهانگیر شاه می‌زیست. و منصب چهار هزاری داشت و در اله‌آباد درگذشت. از اوست:

غالبا در هند زلف او طلسمی بسته‌اند

هر دل آواره کانجا رفت دیگر برنگشت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شام غریبان (۴۹)، صبح گلشن (۵۱)، فرهنگ سخنوران (۱۲۰)، کاروان هند (۱۵۱ -۱۵۰ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ باقرخان)، مخزن الغرائب (۳۲۳/۱).

نجم مسعود یعقوبی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۸۹۷ ق)، خطاط. از مردم ساوه بود و در تبریز می‌زیست. وی خواهرزاده‌ی قاضی عیسی و از امرا و منشیان دربار سلطان یعقوب آق قوینلو و استاد او بود و یعقوبی رقم می‌کرد. نجم مسعود در خط شکسته تعلیق مهارت بسزایی داشت و در شمار استادان این فن به حساب می‌آمد. وی تا پایان سلطنت سلطان یعقوب بر سر کار بود و حتی پس از مرگ او، همراه بایسنقر میرزا (۸۹۷ - ۸۹۶ ق) به شروان رفت و در همان جا به دست بعضی از امرا مسموم شد. از آثار او: یک قطعه از مرقعی، به قلم کتابت جلی ممتاز، با رقم: «کتبه الراجی الی عفو اللّه الغنی، نجم مسعود، فی سنهٔ اثنی و ثمانین و ثمانمائهٔ»، یک قطعه از مرقعی، به قلم نیم دو دانگ عالی، با رقم: «حرره نجم مسعود الیعقوبی، بدار السلطنهٔ تبریز، فی سنهٔ ثمانین و ثمانمائهٔ»، یک قطعه از مرقع، به قلم کتابت جلی، با رقم: «حرره الفقیر نجم مسعود»؛ یک قطعه از مرقعی، به قلم نیم دو دانگ جلی عالی، با رقم: «حرره اضعف عباداللّه الغنی، نجم مسعود الیعقوبی فی سنهٔ ۸۸۲».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احسن التواریخ (۶۳۳، ۵۹۵)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۸۳ -۱۲۸۲/ ۴)، اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (۴۱۲)، اطلس خط (۴۰۸)، حبیب‌السیر (۴۳۱/ ۴).

نجم‌الدوله اصفهانی، عبدالغفار

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۶ -۱۲۵۹/ ۱۲۵۵ ق)، ریاضیدان و صوفی. ملقب به نجم‌الملک و نجم‌الدوله. در اصفهان به دنیا آمد. ریاضیات قدیم را نزد پدرش آموخت و سپس ریاضیات کلاسیک را در دارالفنون تکمیل نمود و از معلمان ریاضیات عالیه آنجا شد. پس از فوت میرزا رضا نجم‌الملک، منجم‌باشی عباس میرزا نایب‌السلطنه، وی به سمت منجم‌باشی گری منصوب و ملقب به نجم‌الملک شد. وی همچنین سالها به استخراج تقویم رسمی مملکت مأمور بود. او در تهران درگذشت و در صفائیه شهر ری به خاک سپرده شد. از جمله آثارش: «اصول جغرافیا»؛ «آسمان»، در هیئت و نجوم؛ «کفایهٔ‌الحساب»؛ «بدایهٔ‌الهندسه»؛ رساله‌ی «تطبیقیه»، در تطبیق سالهای هجری قمری با سالهای تاریخ میلادی، «بدایهٔ‌الجبر»؛ «بدایهٔ‌النجوم»؛ «مجموعه‌ی علم ایرانی»؛ «المثلثات البسیطهٔ».[۱]

عبدالغفار بن علی‌محمد از علمای ریاضی (و. تهران ۱۲۵۵ ه.ق ف.- ۱۳۲۶ ه.ق) از ریاضی‌دانهای قرن چهاردهم هجری. معلم ریاضیات دارالفنون بود. او راست: اصول جغرافیا، اصول الهندسه، کفایهٔ‌الهندسه و کتاب‌های دیگر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۹۹/ ۲۴ ،۷۹/ ۱۹ ،۵۸/ ۳)، ریحانه (۱۳۷ -۱۳۶/ ۶)، شرح حال رجال (۲۷۴ -۲۷۳/ ۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۵۹، ۳۰۵۹، ۲۹۲۵، ۲۸۷۸، ۲۶۴۶، ۲۶۴۵، ۲۶۱۵، ۲۴۱۰، ۲۳۳۵، ۱۹۹۴/ ۲ ،۱۲۰۷ -۱۲۰۶، ۱۰۱۵، ۹۱۰، ۴۶۷، ۲۷۲، ۲۶۸، ۲۴۷، ۲۱۰، ۱۵۷/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ نجم‌الدوله)، المآثر والآثار (۱۹۲ -۱۹۱)، مکارم‌الآثار (۱۶۰۰ -۱۵۹۹/ ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۸۹۴ -۸۹۱/ ۳).

نجم‌الدین کبری، ابوالجناب احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۶۱۹ -۶۱۷ ق)، عارف، صوفی، محدث و شاعر. ملقب به کبری و شیخ ولی تراش. کنیه‌ی او را ابوالجناب و ابوالخباب نیز ذکر کرده‌اند. او مؤسس سلسله کبرویه بود. روایات مختلفی در زمینه لقب وی در بین مؤلفان وجود دارد. بعضی معتقدند به سبب زیرکی‌اش، او را طامهٔ‌الکبری (بلای بزرگ) نامیده‌اند و بنابر قولی دیگر چون در جوانی قدرت فوق‌العاده‌ای در بحث و احتجاج داشت، به این لقب معروف گشت. بعضی از پیروانش از باب تکریم، وی را آیهٔ‌الکبری خوانده‌اند که کم‌کم با حذف کلمه اول او را کبری نامیدند. اما از آن جهت به او شیخ ولی‌تراش می‌گفتند که بسیاری از بزرگان مشایخ صوفیه از تربیت یافتگان وی بودند. نجم‌الدین در خوارزم در شهر خیوه به دنیا آمد. از جوانی برای کسب علم حدیث به مسافرت در بلاد پرداخت. از جمله در نیشابور از ابوالمعالی فراوی (م ۵۸۷ ق)، در همدان از حافظ ابوالعلاء عطار (م ۵۶۸ ق)، در تبریز از ابومنصور حفده (م ۵۷۱ ق)، در مکه از ابومحمد طباخ و در اسکندریه از ابوطاهر سلفی (م ۵۷۶) استماع حدیث کرد. درباره‌ی گرایش وی به تصوف و انصرافش از اشتغال به حدیث اختلاف بسیاری در روایات است و ملاقاتش با مشایخ صوفیه هرگز منجر به قطع علاقه‌ی وی از اشتغال به علم نشد. وی

بعد از خروج از خوارزم مدتی در نیشابور، اصفهان و همدان به استماع حدیث نزد مشایخ وقت اشتغال داشت. در نیشابور با شیخ عطار ملاقات کرد و ظاهراً تبحر او در طب به خاطر توجه عطار به او بوده است. اصول طریقت و تصوف را در تبریز نزد بابا فرج تبریزی و سپس در دزفول نزد شیخ اسماعیل قصری و شیخ شطاح (روزبهان بقلی شیرازی) و دیگر مشایخ عصر فراگرفت و شیخ روزبهان دختر خود را به وی داد. دکتر زرین کوب در «دنباله‌ی جستجو در تصوف» آورده که سید محمدباقر خوانساری، مؤلف «روضات الجنات»، خط وی را بر پشت نسخه‌ای از «رساله‌ی قشیریه» دیده است که وی این رساله را در ۵۶۸ ق در همدان از ابوالفضل محمد ابن یوسف همدانی استماع نموده است. نجم‌الدین کبری در راه عزیمت به عراق و مصر از محضر عمار یاسر بدلیسی (م ۵۸۲ ق) کسب فیض کرد و مشهور است که نجم‌الدین از شیخ اسماعیل قصری و عمار یاسر خرقه پوشید. او به پیشنهاد عمار یاسر برای نشر طریقت و ارشاد طالبان به خوارزم رفت. قبل از عزیمت به خوارزم سفری به مکه کرد و مدتی در حلب به سر برد. به آورده‌ی «دنباله‌ی جستجو در تصوف» نجم‌الدین در «فوایح» به اقامتش در شونیزیه‌ی بغداد و مسافرتش به کربلا نیز اشاره کرده است. وی حدود ۵۸۰ ق به خوارزم رفت و بنابر بعضی از روایات بین او و امام فخر رازی (م ۶۰۶ ق) که در این زمان در خوارزم به سر می‌برد، ملاقاتی صورت گرفته است. مریدان وی در خوارزم تنها محدود به صوفیه و زهاد نمی‌شدند و در رجال دولت نیز معتقدان و دوستانی داشت. اهل سنت نجم‌الدین را با وجود علاقه‌ای که در آثار و اقوال خویش به آل علی (ع) نشان می‌دهد و با وجود مسافرت به کربلا، به تشیع منسوب نداشته‌اند و امثال یافعی، ذهبی و سبکی او را یک شیخ شافعی تلقی کرده‌اند. از شاگردان مشهور او شیخ مجدالدین بغدادی، شیخ سعدالدین حموی، شیخ رضی‌الدین لالا (م ۶۴۲ ق)، شیخ سیف‌الدین باخرزی (م ۶۵۹ ق) و دیگران بودند. برخی بهاءالدین ولد، پدر جلال‌الدین مولوی، و شیخ نجم‌الدین دایه رازی (م ۶۵۴ ق) را نیز از شاگردان وی دانسته‌اند. ناصر بن منصور عرضی و سیف‌الدین باخرزی از وی حدیث روایت کرده‌اند. درباره‌ی وفات وی روایات مختلفی وجود دارد، اما آنچه به حقیقت نزدیکتر است، این است که شیخ نجم‌الدین در فتنه‌ی مغول همراه با سایر مردم به دفاع از خوارزم پرداخت و توسط مغولان به قتل رسید. درباره‌ی مقبره‌ی شیخ، اختلاف وجود دارد. به آورده‌ی «دنباله‌ی جستجو در تصوف» ابن‌بطوطه مدتی بعد از تألیف «تاریخ گزیده»، در سفری که به خوارزم داشته به وجود قبر او در خارج از خوارزم اشاره کرده است. برخی منابع نام پدر وی را محمد نوشته‌اند. از آثارش: «عین‌الحیات»، تفسیر قرآن در دوازده مجلد؛ «فوایح الجمال و فواتح الجلال»، که این کتاب را به صورت «فواتح الجمال» نیز ذکر کرده‌اند، «رسالهٔ فی الخلوهٔ»؛ «رسالهٔ الی الهایم الخایف من لومهٔ اللائم»؛ «رسالهٔ السایر الحایر الی الساتر الواحد الماجد»، به فارسی؛ «رسالهٔ الاصول العشرهٔ»؛ «آداب المریدین»، به فارسی؛ «سکینهٔ الصالحین»، به فارسی. اشعاری نیز بدو منسوب است.[۱]

احمد بن عمر بن محمد خوفی خوارزمی مکنی به ابوالجناب و ملقب به نجم‌الدین و طامهٔالکبری و معروف به شیخ نجم‌الدین کبری مؤسس سلسله‌ی کبرویه (مقت. ۶۱۸ ه.ق) از مشاهیر عرفا و اکابر صوفیان قرن ششم و هفتم است؛ نجم‌الدین رازی، مجدالدین بغدادی، سعدالدین حموی، سیف‌الدین باخزری و غیره از شاگردان او بودند و او را ولی‌تراش گفته‌اند زیرا در مدت عمر دوازده کس را به مریدی قبول کرد که تماماً از مشایخ و اولیا شدند و در حمله‌ی مغول در خوارزم به قتل رسید. مزارش ناپیداست. از تألیفات اوست: رسالهٔ الخائف الهائم عن لومهٔ اللائم. فوائح‌الجمال و فواتح‌الجلال به فارسی. رباعیاتی چند هم بدو منسوب است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۱۹، ۱۰۱۵ -۱۰۱۳، ۸۶۰، ۸۵۶/ ۲) تاریخ تصوف در اسلام (۴۹۶ -۴۹۵)، تاریخ گزیده (۶۶۹ -۶۶۸)، تاریخ مغول (۵۳۱، ۵۱۴، ۴۲، ۱۳)، تذکرهٔالشعراء (۲۴۵، ۱۵۱، ۱۴۹)، حبیب‌السیر (۳۷ -۳۵/ ۳)، دایرهٔالمعارف فارسی (۳۰۱۲/ ۲)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (۱۱۸ -۸۱)، الذریعه (۱۱۷۵/ ۹)، ریاض‌العارفین (۱۴۴ -۱۴۳)، ریحانه (۱۴۴ -۱۴۳/ ۶)، سیرالنبلاء (۱۱۴ -۱۱۱/ ۲۲)، شذرات الذهب (۸۰ -۷۹/ ۵)، صبح گلشن (۵۰۹ -۵۰۷)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۲۶ -۲۵/ ۸)، طرائق‌الحقائق (۳۳۶ -۳۳۴/ ۲)، العبر (۱۷۷/ ۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۰۲ -۵۰۱)، فرهنگ سخنوران (۹۲۴)، کشف‌الظنون (۱۲۹۳ -۱۲۹۲، ۹۰۰، ۸۷۶)، لغت‌نامه (ذیل/ نجم‌الدین کبری)، مبانی عرفان و احوال و آثار عارفان (۴۵۹ -۴۵۵)، مجالس‌العشاق (۱۲۵ - ۱۲۰)، مجالس المؤمنین (۷۵ -۷۲/ ۲)، مجالس‌النفائس (۳۲۰ -۳۱۹)، مجمع‌الفصحا (۱۴۰۶/ ۳)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۶۱۷)، مرصادالعباد (مقدمه/ ۴۶ -۴۵، ۳۷ -۳۵)، معجم‌البلدان (۴۷۴/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۰ -۴۷۹/ ۱)، نفحات‌الانس (۴۲۷ -۴۲۲)، هدیهٔ‌الاحباب (۲۵۴ -۲۵۳)، هدیهٔ‌العارفین (۹۰/ ۱)، هفت اقلیم (۳۲۰ -۳۱۶/ ۳)، یادگار (س ۴، ش ۱ و ۲، ص ۱۰۱ -۹۶، ش ۹ و ۱۰، ص ۹۴ -۹۳).

نجمائی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی عمران، دانشکده: مهندسی عمران، دانشگاه: علم و صنعت ایران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تخصصی منابع آب و مهندسی بهداشت از دانشگاه ایالتی ایوا در سال ۱۳۵۳.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه لوئیزیانای آمریکا از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۵۶، دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران از سال ۱۳۵۴.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

افزایش ارتفاع سدهای خاکی، بهینه نمودن نیروگاههای جریانی، بررسی مدل ریاضی جریان در سرریزها، تدریس دروس هیدرولوژی، مکانیک سیالات، هیدرولیک، سیستم انتقال آب و هیدرولیک پیشرفته در دانشگاههای علم و صنعت تهران، لوئیزیانا، سیستان و بلوچستان و پلی و تکنیک تهران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

هیدرولیک کاربردی در دو جلد، هیدرولوژی در دو جلد، ضربه قوچی، روش اجزاء محدود در مسائل آبی، سیستم انتقال آب در دو جلد، کلیات سدها و مکانیک سیالات.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

هیدرولوژی سیستم انتقال آب، هیدرولیک کاربردی و مکانیک سیالات.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

نجم‌آبادی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۷ -۱۲۶۴ ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و مدرس. اصلش از نجم‌آباد کرج است. در تهران به دنیا آمد و پس از گذراندن مقدمات به نجف رفت و چندین سال در نجف از محضر علما استفاده نمود. او در اخلاق از خواص شاگردان ملا حسینقلی همدانی بود. پس از رسیدن به درجات بالای علمی به تهران آمد و جانشین پدر و برادرش، آقا شیخ هادی، در امر تدریس و امامت جماعت گردید. سید محسن عاملی صاحب «اعیان‌الشیعه» از شاگردان وی می‌باشد. در تهران درگذشت و در مقبره‌ی برادرش، آقا شیخ هادی، دفن شد. از آثارش: «رسالهٔ المشتق»؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ انصاری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۱۸۷/ ۹)، الذریعه (۲۱۸ -۲۱۷/ ۶)، زندگینامه آیت‌اللّه حاج شیخ هادی نجم‌آبادی (۵۴ -۵۱)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۲۲۷/ ۱۴)، معجم‌المؤلفین (۹۷/ ۹)، مکارم‌الآثار (۱۷۸۲ -۱۷۸۱/ ۵).

نجم‌آبادی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۶ -۱۲۵۳ ش)، خطاط. وی از خاندان بزرگ نجم‌آبادی و پدر دکتر محمود نجم‌آبادی است. آقا مرتضی در تهران به دنیا آمد و در این شهر به تحصیل علوم پرداخت و چون از همان کودکی به خوشنویسی علاقه‌مند شد، به محضر میرزای کلهر رفت و اصول و قواعد خط را نزد وی آموخت. او پس از آنکه از تحصیل مقدمات علوم فراغت یافت، به آموختن فقه و اصول پرداخت و بعد وارد خدمت عدلیه شد و تا مستشاری دیوان کشور ارتقاء یافت. وی در تهران درگذشت و در جوار مقبره‌ی حاج شیخ هادی نجم‌آبادی مدفون است. نجم‌آبادی آثار خطی زیادی از خود به یادگار گذاشته، که از آن جمله‌اند: «دیوان» هاتف اصفهانی؛ «دیوان» سرخوش اصفهانی؛ «نصایح‌الملوک»؛ داستان «ژرژ انگلیسی»؛ «تاریخ اسکندر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اطلس خط (۵۹۳)، تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (۹۶ -۹۴)، زندگینامه‌ی آیت‌اللّه حاج شیخ هادی نجم‌آبادی (۶۱ -۶۰).

نجم‌آبادی، هادی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۱/ ۱۳۲۰ -۱۲۵۰ ق)، عالم دینی، فقیه، محدث، متکلم، مجتهد، مدرس و نیکوکار. اصل وی از ساوجبلاغ تهران است. در تهران به دنیا آمد. در ۱۲۶۲ ق برای تحصیل علوم به نجف رفت و پس از فراگیری مقدمات در ۱۲۷۰ ق به تهران بازگشت و پس از مدتی برای ادامه‌ی تحصیل به نجف مراجعت نمود. وی از شاگردان پدرش، ملا مهدی، و پسر عمویش، شیخ حسن نجم‌آبادی، و شیخ راضی نجفی بود. در ۱۲۸۰ ق پس از درگذشت پدرش، به تهران آمد و عهده‌دار امور دینی گشت. او در فقه، اصول، حدیث، تفسیر و رجال متبحر بود و در زمان خود از مجتهدین بزرگ تهران و مرجع حل و فصل مشکلات مردم به شمار می‌آمد. او بعد از

ظهر هر روز جلو درگاه خانه خویش می‌نشست و مردم را از هر گروه و آیین می‌پذیرفت و با همه‌ی آنها در کمال آزادی پیرامون مسائل گوناگون بحث می‌نمود. او عالمی آزادمنش و روشنفکر بود و خدمات بسیاری به جنبش آزادی ایران کرد و بسیاری از بزرگان مشروطه را از مریدان او به شمار آورده‌اند. فرزندانش، شیخ محمدتقی مجتهد نجم‌آبادی و حاج شیخ مهدی نجم‌آبادی، و علامه محمد قزوینی و علامه علی‌اکبر دهخدا و ناظم‌الاسلام کرمانی و میرزا جهانگیر خان شیرازی (صور اسرافیل) و رفیع بامداد و میرزا سید محمد طباطبایی از شاگردان او بودند. در تهران درگذشت و در مدرسه‌ی خود به خاک سپرده شد. از آثارش: بنای مریضخانه‌ی وزیری (میرزا عیسی وزیر) که به نام خود وی نیز مشهور است، به انضمام یک باب حمام در کنار مریضخانه، در محله‌ی حسن‌آباد تهران، هدایت و تشویق میرزا عبدالکریم خان منتظم‌الدوله فیروزکوهی به بنای مدرسه‌ی خیریه دارالایتام حسن‌آباد، دایر کردن قنات در اشتهارد کرج و آباد کردن اراضی موات و احداث صحت‌آباد، در جهت پشتیبانی مالی بنای مریضخانه. از آثار علمی وی: «تحریر العقلاء»؛ رساله‌ی «رد فرقه‌ی بهاییه»؛ «جداول، طبقات وارث».[۱]

سال تولد: ۱۲۵۰ ق.

فوت: ۱۳۲۰ ق.

آثار: تحریرالعقلا

رساله رد فرقه بهائیت (تهران، ۱۳۱۲ ق. سربی، رقعی، باهتمام شیخ مرتضی نجم‌آبادی)

جداول، طبقات وارث (تهران، ۱۳۰۸ ق. سنگی، خط میرزا حسن تهرانی)

هادی نجم‌آبادی تهرانی متولد سال ۱۲۵۰ ق. پسر حاج ملا مهدی و از علمای معروف تهران بود که در روستای نجم‌آباد در خانواده‌ای صنعتگر به دنیا آمد. در دوازده سالگی به همراه مادرش به نجف اشرف رفت و به تحصیل علوم فقهی و مذهبی پرداخت در سال ۱۲۸۰ ق. به تهران آمد و امامت و حکومت شرعیه موقوفات خانوادگی را به عهده گرفت.

وی مطلقا مردی فسادناپذیر بود و هیچ‌گاه دیناری از کسی قبول نمی‌نمود وی مردی آزاداندیش بود و یکی از زمینه‌سازان فکری جنبش مشروطه محسوب می‌گردد، اکثر روشنفکران دوره ناصری تربیت یافتگان دبستان این روحانی بودند. وی به تأسیس مدرسه، دارالایتام، بیمارستان، داروخانه و مسجد علاقه مفرطی داشت و از جمله ساخت مدرسه خیریه، مدرسه سادات، مدرسه رشدیه و بیمارستان وزیری با حمایت و تشویق وی صورت پذیرفت. سرانجام وی در سال ۱۳۲۰ ق. جان به جان آفرین تسلیم نمود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان‌الشیعه (۲۳۶ -۲۳۵/ ۱۰)، تحریرالعقلاء (مقدمه)، الذریعه (۳۸۷/ ۳)، زندگینامه‌ی آیت‌اللّٰه حاج شیخ هادی نجم‌آبادی، شرح حال رجال (۴۱۰ -۴۰۸/ ۴)، علماء معاصرین (۳۳۷)، المآثر والآثار (۱۴۹)، مکارم‌الآثار (۱۳۷۷ -۱۳۷۶/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۷۳۲ -۷۳۰/ ۶).

نجمی، محمدصادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دانشمند معظم و نویسنده گرامی شیخ محمدصادق بن ثقه‌الاسلام شیخ احمد الواعظ از فضلاء و دانشمندان و نویسندگان توانای حوزه علمیه است که در ماه رجب ۱۳۵۶ ق در آذربایجان متولد گردیده و در خاندانی که تا چندین پشت همه از خدمتگذاران دین و علماء و گویندگان مذهبی بودند در دامان مادر علویه‌ای که از تیره و سلسله سادات حسینی آذربایجان که از آنها افرادی مانند علامه کبری سید حسین کوه کمری و آیت‌الله العظمی آقا سید محمدحجت رضوان‌الله تعالی علیهما می‌باشد تربیت یافته و مقدمات در خدمت والد ارجمندش قرار گرفته و در سال ۱۳۷۰ قمری مهاجرت به قم نموده و در مدت کوتاهی از سطوح عالی و متون فقهی فارغ شده و به دروس خارج مراجع عالیقدر شرکت نموده است.

و در ضمن ادامه تحصیل به موفقیتهای دیگری از راه تبلیغی نائل گردیده که نمونه‌ای از آن ساختن چندین مسجد در اطراف کاشان و همدان و مباحثات طولانی با مبلغین فرقه ضاله که منجر به شکست آنان و مسلمان شدن چند تن از جوانانشان گردیده است.

تالیفات و آثار ارزنده‌ای در خلال تحصیل خود به رشته تحریر درآورده در قسمتهای مختلفی مانند تفسیر و تاریخ و حدیث مخصوصا مطالعاتی در کتب اهل سنت نموده و نتیجه مطالعات و تحقیقات خود را به صورت کتابهای زیر درآورده است:

۱- سیری در صحیحین این کتاب در ۳ مجلد می‌باشد در این کتاب صحیح بخاری و صحیح مسلم که مهمترین کتاب و مدرک اهل سنت است مورد بررسی قرار گرفته و جلد اول آن که توحید از نظر صحیحین است منتشر و مورد استقبال محافل علمی و دانشمندان قرار گرفته است.

۲- جلد دوم و سوم این کتاب که به ترتیب نبوت و خلافت از نظر صحیحین و مباحثات متفرقه به زودی به طبع خواهد رسید انشاءالله.

۳- مباحثی از قرآن، این کتاب نیز که در دو جلد و قسمتهای جالبی از آیات را مورد بررسی قرار داده است در موضوع خود ابتکاری است.

۴- شخصیت سیاسی عمروبن‌عاص. این کتاب چهره واقعی عمرو بن عاص و فعالیتهای مخرب و ضد دینی او را به خوبی ظاهر می‌سازد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

نجمی، محمدصادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صادق نجمی

محل تولد : براین- شبستر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد صادق نجمی به سال ۱۳۱۵ شمسی در روستای «هریس» از توابع شبستر به دنیا آمدم. پدرم ثقهٔ الاسلام حاج میرزا احمد آقا هریسی و چند تن از اجدادم از علما و روحانیون مورد اعتماد مردم بوده اند. مادرم از سادات کوه کمری است. پدر وی «حاج میری آقا» عموی آیت الله العظمی حجت (ره) می باشد. اینجانب تا حدود ۱۵ سالگی در همان روستا که دارای مردمی متدین می باشند؛ رشد کرده ام. روستائی که در اثر فراوانی آب از طراوت و خرمی برخوردار است. مردم این روستا علاقه‌مند به مذهب و اهل بیت (ع) و پایبند به اصول اخلاقی می باشند و سابقهٔ طولانی وجود خانواده های متعدد و بزرگی از سادات و روحانیون در این محل موجب شد تا آنان به دین علاقه‌مند شوند و از ایمان راسخ برخوردار گردند. مراجع و عالمان بزرگ و معروفی مانند: «آیت الله العظمی سید حسین کوه کمری (ره)» و «سید علی آقا»؛ پدر آیت الله العظمی حجت در این روستا متولد شدند و دوران کودکی خود را در این محل سپری کرده اند.

دوران کودکی‌ام را در دامان چنین پدر و مادری و در چنین محیط مذهبی سپری کردم و شالوده فکری و اعتقادی من در چنین محیطی پی ریزی شد. هشت یا نه ساله بودم که به مکتب خانه رفتم. تحصیل را با روخوانی قرآن شروع کردم و پس از آن با بخشی از ادبیات فارسی آشنا شدم. در آن روز در مکتب خانه های آذربایجان: «گلستان سعدی، نصاب الصبیان، تاریخ وصاف، ابواب الجنان، تنبیه الغافلین و ...) آموزش داده می شد. در تدریس برخی از این کتابها، علاوه بر فراگیری ادبیات فارسی، آموزش مسائل اخلاقی نیز مورد توجه بود.

پس از این دوره، در نزد پدرم «جامع المقدمات، سیوطی و شرح جامی» را فرا گرفتم. تقریبا در پانزده سالگی پدرم مرا به مدرسه «طالبیه تبریز» برد و از آن زمان به بعد من هم به صف طالبان علوم دینی پیوستم. شوق فراوانی نسبت به تحصیل علوم دینی داشتم. پس از یک سال و چند ماه توقّف در تبریز و تکمیل کردن درس هایی که نزد پدرم آغاز کرده بودم، سرانجام در اواخر تابستان سال ۱۳۳۲ شمسی (با این که از لحاظ تأمین معاش وضع مناسبی نداشتم) ره سپار حوزه علمیه قم شدم و با فضل خداوند در مدرسه فیضیّه سکونت گزیدم. ورود این جانب به قم، مصادف بود با ماه محرم سال ۱۳۷۲ قمری، چهار ماه پس از ورودم به قم، در ماه جمادی الاولی، حضرت آیت الله العظمی حجّت رحلت کرد.

دوران تحصیل اینجانب از این تاریخ تا سال ۱۳۵۹ شمسی، یعنی تقریباً سی سال ادامه داشت. در این مدّت علاوه بر تحصیل و تدریس دروس متداول حوزه علمیّه، به تألیف و ترجمه کتاب های متعدّدی موفّق شدم و هذا من فضل ربّی. بیش ترین تحصیل این جانب در حوزه علمیّه قم و بخشی دیگر در حوزه علمیه مشهد بود؛ زیرا تقریباً نه ماه پس از ورودم به قم که هوا رو به گرمی می رفت، والدینم به قصد زیارت مشهد، وارد قم شدند و من نیز به همراه آنان به مشهد مقدّس عزیمت نمودم. در این سفر، پدرم مقدمات توقّفم را در تعطیلات تابستانی در حوزه علمیه مشهد؛ فراهم کرد و اجازه اقامتم را در یکی از حجره های مدرسه «خیرات خان» از متولی این مدرسه آقای دربندی دریافت نمود. این برنامه که مصادف با اولین ماه های ورود «آیت الله العظمی میلانی» از عراق به مشهد مقدس برای تعطیلات تابستانی بود، در سال های بعد هم برایم الگو شد و اکثر تعطیلات تابستانی را در مشهد مقدس مشغول تحصیل و مطالعه می شدم. تألیف کتاب: «سیری در صحیحین» از ثمرات این حوزه مقدس و از عنایات حضرت علی بن موسی الرضا (ع) می باشد.

در حوزه علمیه قم مدتی در مدرسه فیضیه و مدتی در مدرسه «آیت الله العظمی آقای بروجردی»: (مدرسه خان) و مدتی نیز در مدرسه حجتیه اقامت داشتم. در مشهد مقدس نیز گاهی درمدرسه «خیرات خان» و گاهی در مدرسه میرزا جعفر (داخل صحن مطهر) اقامت داشتم. پس از انتشار جلد اوّل کتاب: «سیری در صحیحین» چند ماه با اجازه «آیت الله العظمی میلانی» در مدرسه وی و در حجره مخصوص او اقامت داشتم. این در شرایطی بود که مطالعه و تألیف جلد دوم همین کتاب را پی گیری می کردم و عنایات خاص آن مرد بزرگ نیز تشویقی بر ادامه این تألیف بود و جلد اوّل همین کتاب را با تفسیر المیزان و المراجعات به عنوان جایزه به طلاب هدیه می داد. تحصیلات من تنها در علوم حوزوی بود؛ اما با تلاش آیت الله شهید بهشتی یک کلاس آموزش زبان انگلیسی شبانه در دبیرستان «دین و دانش قم» تشکیل می شد و عده ای از طلاب که بنده هم جزء آنان بودم (با وجود محدودیت و عدم استقبال از این درس) در آن شرکت می نمودیم.

در دوران تحصیل از اساتید متعدّی استفاده نمودم و از محضر بزرگانی بهره‌مند شدم که معروف ترین آنان به همراه دروسی که از آنان فرا گرفته ام:

۱- قسمتی از مغنی را از «شیخ علی اکبر اهری معروف به نحوی» در تبریز فراگرفته ام. وی در عین کهولت سن، دقایق و ظرایف مغنی را با تمام شوق و علاقه به شاگردان می فهماند.

۲- قسمتی از مطوّل را از درس «شیخ ابوالفضل علمایی سرابی» در قم و بخش دیگر آن را از «شیخ عبدالله نورانی» در مشهد مقدّس استفاده کرده ام. شرح شمسیه را به طور خصوصی و به همراه آقای عمید زنجانی از مرحوم آقای «صائینی زنجانی» و شرح منظومه

سبزواری را از مرحوم استاد «شهید مفتح» فرا گرفتم. از درس فلسفه مرحوم «شهید مطهری» که در ایام تعطیلی در قم تدریس داشتند، و هم چنین از درس فلسفه مرحوم آقای «الهی»: (برادر علامه طباطبائی)، نیز بهره گرفته ام. بخش مهم جلدین لمعه را از «سید جواد خطیبی» که در تدریس لمعه معروف بود و سابقه ای طولانی داشت، و بخش دیگر را از آقای «حاج شیخ محمد حقی سرابی» فرا گرفتم و قسمتی از ابواب این کتاب را که آن روز تدریس آن ها رایج نبود، با یکی از دوستانم مباحثه می کردم.

۳- بخش مهم مکاسب را از «آیت الله مشکینی» و بعضی از ابواب آن را از اساتید دیگر مانند: «آیهٔ الله سبحانی» فرا گرفتم. قوانین را از «آیهٔ الله موسوی اردبیلی» و بخشی از رسائل را از «آیهٔ الله مشکینی» و قسمتی دیگر را از آقای «سبحانی» و باب تعادل و تراجیح را از «آیهٔ الله احمدی میانجی» آموختم. بخشی مهم کفایهٔ الاصول را از «آیهٔ الله سلطانی» و بخش دیگرش را از آقای «مجاهدی» فرا گرفتم. در تفسیر ابتدا از «آیهٔ الله حاج میرزا ابوالفضل زاهدی قمی» و مدتی از تفسیر علامه طباطبائی «آیهٔ الله مشکینی» و «آیهٔ الله خزعلی» بهره بردم. از حسن اتفاق، استاد «علامه حسن زاده آملی» در بدو ورودشان به قم، مدتی در مدرسه حجّتیّه اقامت گزید. در این فرصت به ایشان ارادت پیدا کردم و بخشی از هیئت قدیم را از ایشان استفاده کردم و این موجب شد که پس از تعطیلی این درس، با مباحثه هیئت فلاماریون با هیئت جدید نیز تا حدّی آشنا شوم.

در درس خارج فقه و اصول از اساتید متعددی مانند: «میلانی»، «شیخ مرتضی حائری»، «گلپایگانی»، «داماد» و سایر بزرگان و اساتید بهره بردم. مدت بهره بری از برخی آنان طولانی و از بعضی دیگر نسبتا کوتاه بوده است. مدت استفاده ام از درس امام (ره)، خیلی کوتاه بوده؛ زیرا درست در شرایطی که آماده استفاده از درس آن زعیم عالی قدر می شدم، رژیم طاغوتی حوزه را از وجود وی محروم نمود. در طی دوران طولانی تحصیل طبعا دوستان و هم درسان فراوانی داشتم که تعدادی را که با آنان معاشرت بیش تر و دوستی طولانی تری داشته ام، نام می برم: «برادران مجتهد شبستری، شیخ حسین حقانی زنجانی، ابوالفضل موسوی تبریزی، عمید زنجانی، سید هادی خسرو شاهی، آقای سید مجید ایروانی (ره) و آقای هاشم زاده هریسی نماینده فعلی تبریز در مجلس شورای اسلامی و ...». گفتنی است با آقای هریسی علاوه برهم بحث بودن در زمینه تألیف یا ترجمه کتاب نیز همکاری داشتم و تاکنون هفت اثر را به اتفاق ایشان تألیف یا ترجمه کردم.

من خود را از لحاظ علم و اخلاق در سطحی قابل طرح نمی دانم؛ ولی از باب «و أمّا بنعمهٔ ربّک فحدث» اشاره می کنم که در روی آوری این جانب به تحصیل علم و دانش، دو عامل مؤثر بوده است:

۱- روحانی بودن پدرم؛ او عاشق کتاب و مشتاق مطالعه بود و هیچ گاه اطرافش از کتاب خالی نبود و این در حالی بود که در آن دوران دست رسی به نشریات مذهبی مشکل بود و به جز هفته نامه «ندای حق» و مجله «مکتب اسلام»، نشریه مذهبی دیگری وجود نداشت. وی مدّتی طولانی جزء مشترکان این هفته نامه ها بود. وقتی به بهانه های مختلف از سوی رژیم طاغوت این مجلات توقیف می شد، پدرم بسیار ناراحت می شد و بی صبرانه منتظر رفع توقیف آن بود و چنین محیطی در جلب توجّه و ایجاد علاقه من به مطالعه و درس بسیار مؤثر بود. همان‌گونه که در بینش اجتماعی و سیاسی این جانب نیز بی تأثیر نبود. جالب این که اوّلین مقاله حقیر تحت عنوان: «صبر از نظر اسلام» هم در همان هفته نامه منتشر شد.

۲- تشویق و ترغیب پدر؛ علاوه بر شرایط محیط خانواده، پدرم با بیانات مختلف مرا به درس و بحث تشویق و ترغیب می نمود و از مزایای علم و دانش و تکامل معنوی با من سخن می گفت و گاهی با این جمله مورد خطابم قرار می داد که: (اگر بخواهی به مراتب عالی از نظر علم و عمل نایل گردی، باید اراده ات آن چنان قوی و همتت آن چنان عالی باشد که خواهان رسیدن به مرتبه امام صادق (ع) باشی؛ زیرا اگر قصد کنی که به درجه علامه حلی برسی، به مرتبه یک عالم متوسط خواهی رسید).

به توفیق الهی از اوایل ورودم به حوزه علمیه قم با جلسه درس اخلاق و دعای ندبه «آیهٔ الله حاج شیخ عباس تهرانی» آشنا شدم. این درس در سالن کتاب خانه مدرسه حجّتیّه و به دستور «آیهٔ الله العظمی حجت» تشکیل می شد. این برنامه سالیان متمادی و تا هنگام وفات آقای تهرانی ادامه داشت. در بعضی از شب های جمعه در جلسه درس اخلاق و دعای کمیل آقای حاج سیّد حسین (معروف به پیرمرد) شرکت می جستم. او مردی اخلاقی و ابوذر زمان بود و از نظر تربیتی و تأثیر معنوی، فوق العاده بود. در ایامی که هوا مساعد بود؛ شب های جمعه را پیاده به مسجد جمکران مشرف می شدیم و از معنویت این مسجد بهره می گرفتیم. تقریبا در همان سال های اول ورودم به قم، دو سید بزرگوار (شهید نواب صفوی و شهید واحدی) با قیافه های نورانی در نماز جماعت مدرسه فیضیه توجه مرا به خود جلب کردند. آنان با سخنرانیهای شور انگیز خود بر ضد طاغوت در گرایش من به مباحث سیاسی، تأثیری عمیق داشتند.

حضور شهید نواب صفوی در نماز جماعت فیضیه با آن قیافه معنوی و با عمامه سبز که به صورت ساده و آخر صفوف عبای خویش را زیر انداز می کرد، برای همه کسانی که با مبارزه او با بی دینی و حرکتش در اعدام انقلابی (کسروی، هژیر و رزم آرا) آشنا بودند، جاذبه خاصی داشت. آزادی خلیل طهماسبی (عامل مستقیم اعدام رزم آرا) از زندان و ورود وی به شهر قم و اجتماع مردم در خیابان های این شهر برای تقدیر از این سمبل شجاعت و از خود گذشتگی در راه ایمان و عقیده، خاطره ای جالب، فراموش نشدنی، شور انگیز و حرکت آفرین برای من بود. این علاقه موجب شد تا جریان فدائیان اسلام و محاکمه آنان را که پس از تیراندازی ناموفق به حسین علاء نخست وزیر وقت به وقوع پیوست، تعقیب کنم. جریان شهادت شهید واحدی به دست تیمور بختیار، فرماندار نظامی تهران و شهامت و شجاعت شهید نواب و یارانش در جلسات محاکمه و به هنگام شهادتشان که تکبیر گویان به سوی میدان تیر حرکت کردند، نقل مجالس و درس عشق و فداکاری بود و بیش از پیش در روحیه این جانب اثر گذاشت. عکس شهید نواب صفوی را که با لباس شخصی و بدون عمامه در دادگاه نظامی حاضر شده بود، در همان تاریخ در پشت جلد کتاب عروهٔ الوثقی چسبانده بودم. امروز هم برای من جالب و خاطره انگیز است.

این جریانات موجب شد که به عالمان مبارزی چون آیت الله کاشانی ارادت بیش تری پیدا کنم. گرچه در زمان حیات آیت الله العظمی بروجردی، نسبت به امام امت به عنوان یکی از مراجع حوزه ارادت می ورزیدم و گاهی به زیارتش می شتافتم، ولی پس از ارتحال آیت الله بروجردی، علاقه ام به او بیش تر شد، حرکت متواضعانه و مخلصانه امام (ره) در رد تقاضای انتشار رساله عملیه و

دوری از حریم ریاست و مرجعیت با وجود شرایط مناسب و حضور جدی آن بزرگوار در صحنه مبارزه (در جریان انجمن های ایالتی و ولایتی و سخنرانی ها و اعلامیه های صریح وی) موجب ارادت و علاقه بیش تر این جانب به وی گردید و گویا گم شده خود را در وجود او پیدا کردم. این ارادت با تشدید مبارزات در سالهای بعد و با زندانی و تبعید شدن امام (ره) افزون تر شد تا این که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و ما خود را موظّف دانستیم تا آن جا که در توان داریم، در خدمت انقلاب باشیم و در مسیری که امام ترسیم می کردند، حرکت کنیم.

نجومی کاشانی، غیاث

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، منجم و شاعر. اهل آران، از قرای کاشان بود. نصرآبادی گوید": در فن نجوم و (وقت‌ساعت) سازی قدرت داشته، چنانچه وقت‌ساعتی در کاشان ساخته "...نجومی طبع شعر نیز داشت و قاضی آران را هجو کرده است. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۰۸)، الذریعه (۱۱۷۶ ،۷۹۶/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۲۵ –۹۲۴)، لغت‌نامه (ذیل/ غیاث نجومی).

نجومی هروی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. معاصر امیر علیشیر نوایی (۹۰۶ –۸۴۴ ق) بود و در سرودن شعر به هزل تمایل داشت. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

باز عید آمد بیا جانا که قربانت شوم

همچو چشم گوسفند کشته، حیرانت شوم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۱۷۶/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۲۵)، مجالس‌النفائس (۳۸).

نجومی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مرتضی نجومی در سال ۱۳۰۷و در ۲۶ بهمن ماه در شهر کرمانشاه دیده به جهان گشود. وی تحصیلات آغازین خود را در مدرسه حاج شهبازی و نزد علمای آن دوران فرا گرفت و در همان ابتدای راه از پدر هنر خوشنویسی را آموخت .به علت علاقه وی به مطالعه ، کتابخانه هایی در شهر باختران و هم درشهر کرمانشاه که تمام کارهای آن به خصوص جلد وترمیم و صحافی کتابها به عهده او بود را تاسیس کرد .از وی آثار ی چون« بعد معنوی هنر خط» و« عرفان هنری انسان »به جا مانده است .گروه : هنررشته : خوشنویسیوالدین و انساب : سید مرتضی نجومی در سال ۱۳۰۷و در ۲۶ بهمن ماه در شهر کرمانشاه و درخانواده ای اهل علم و هنر دیده به جهان گشود. خاندان نجومی از سادات حسینی و از اولاد سادات که درزمان امام محمد باقر و امام صادق ساکن کوفه می باشند . سلسله نسب وی به جناب حسین ذی الدمعه فرزند شهید ،فرزند امام همام سید الساجدین و زین العابدین علی بن الحسین (ع) است .اجداد پدری و مادری او تا متجاوز از ۳۵۰ سال قبل همگی روحانی بودند و جد وی آقا میرزا اسمعیل هم از خوشنویسان بسیار خوبی بوده اند که انواع خطوط را هم بسیار استادانه می نوشته اند . مرحوم والده نجومی از علمای اتقیا وافاضل نادره شهرستان باختران بود. که درسال ۱۳۰۵ هجری قمری و ۱۲۶۵ شمسی متولد و ۱۳۷۸ مطابق به ۱۸ مرداد ۱۳۶۴ به رحمت ایزدی پیوست که صبح روز بعد با جمعیت بی نظیری که سالها چنین جمعیتی درباختران دیده نشده بود تشییع و توسط علمای متقی وبزرگوار شهر به قم منتقل و در آرامگاه ابوحسین غرفه بزرگ و مخصوص علما مدفون گردید . مرحوم والده نجومی از خوشنویسان بسیار عالی خط نسخ بودند .پدر نجومی استاد خوشنویسی بود و او هم بهره کافی از هنر پدر در این ایام برد .تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید مرتضی نجومی در همان ایام کودکی با مجالست بزرگان و اهل علم و بدلیل مطالعه وی در کتب و قصص دینی معلومات خوبی به دست آورد و جامع المقدمات و سیوطی و صمدیه مغن؟؟مطول و ....ر ادر مدرسه حاج شهباز خان کرمانشاه و نزد علمای آن زمان فرا گرفت شرح لمعه و قوانین را نزد آقا میرزا علی فلسفی و آقا میرزا احمد اردبیلی و بقیه دروس را هم نزد علمای نجف اشرف آموزش دید .استادان و مربیان : از استادان سید مرتضی نجومی که برای تمام مراحل او را همراهی کردند می توان از :آقا میرزا ابراهیم پور ، مرحوم والده نجومی که شرح لمعه و قوانین و صمدیه و سیوطی و حاشیه ملاعبد

الله و مقداری سیوطی ومغنی و جامع المقدمات را نزد حاج آقاسید محمود معصومی لاری ، شرایع ر ا آقای حاج شیخ حسن حاج آخوند و حاج آقا مجتبی حاج آخوند ،شرح لمعه را نزد استاد آقا میرزا احمد اردبیلی و آقا شیخ علی کاشانی ،مبحث برائت را نزد حاج آقای علی بهشتی و سید محمد روحانی و سید احمد شکوری . مکاسب را نزد شیخ انصاری و مهذب الاحکام فی شرح العروه الوثقی را نزد استاد آیت الله آقا سید عبد الاعلی سبزواری و کفایه را جناب آقای سید محمد روحانی و سید عبد الاعلی سبزواری ، خارج محقق را آقا میرزا محمد باقر زنجانی وآقا عبد الهادی شیرازی را خارج فقه و محسن حکیم در س متاخر ممسک ر ا ، آقا سید محمود شاهرودی مباحثی در رابطه با حج را به ایشان آموختند .مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : ازمراکزی که سید مرتضی نجومی آن را تاسیس کردند کتابخانه ای است درکرمانشاه که حدود یک هزار جلد کتاب ارزنده که توسط خود استاد جلدو ترمیم و صحافی شده است در این کتابخانه جمع آوری شده است ، و همچنین تاسیس کتابخانه ای در شهر باختران که شامل هفت هزار کتاب که حدود هزار جلد آن به ترمیم و تجلید وی انجام گرفته است .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از فعالیت های سید مرتضی نجومی می توان به موارد زیر اشاره کرد . - تاسیس کتابخانه ای در کرمانشاه - تحریر آثار ارزنده به ویژه در زمینه خط ثلث - تحقیق و تدریس در علوم اجتهاد آرا و گرایشهای خاص : از نظرگاه سید مرتضی نجومی ،شخص هنر مند آنست که اصالت خود و ارزشهای اصیل انسانی و الهی خود را در یابد و اگر چنین دریافتی درونی پیدا کرد خود به خو؟؟؟الهی ،اصیل و ارزشمند پیدا می کند و برای چنین هنرمندی چراغ هدایت فرا راه او روشن است .چگونگی عرضه آثار : سید مرتضی نجومی که بغیر از نوشتن تقریرات دروس فقهی و اصول ،بعضی کتابها را به خط خود استنساخ کرده است مثل ریاض العلماء ، بناء العویه در نقض الرساله العثمانیه ،استخارات ، نشوه السلافه و محل الاضافه ، سلامه العصر فی اعیان العصر ، فصل القضاء فی الکتاب المشتهر بفقه الرضا . فروع علم اجمالی ،التعاد ، تحفه الحکیم و معاد .

آثار : بعد معنوی هنر خط عرفان هنری انسان منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

نجومیان، امیرعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر امیرعلی نجومیان پس از اتمام دوره متوسطه و اخذ دیپلم ،تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه شهید بهشتی دررشته زبان و ادبیات انگلیسی آغاز کرد.او جهت تکمیل معلومات دانشگاهی عازم انگلستان شد و در رشته ادبیات انگلیسی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه لستر انگلستان به تحصیل پرداخت.نامبرده هم امنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی, دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی است.گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات انگلیسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی : دیپلم: ریاضی و فیزیک / ۱۳۶۱ / مشهد کارشناسی: زبان و ادبیات انگلیسی / ۱۳۶۹ / تهران / دانشگاه شهید بهشتی کارشناسی ارشد: ادبیات انگلیسی / ۱۳۷۳ / لستر / دانشگاه لستر دکتری: ادبیات انگلیسی / ۱۳۷۸ / لستر / دانشگاه لستر مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری و مدیریتی امیرعلی نجومیان به ترتیب زیر است: مدیر گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شهید بهشتی (آبان ماه ۱۳۸۱ – بهمن ماه ۱۳۸۵) معاون پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی (تیر ماه ۱۳۸۵–تا حال حاضر). دبیر علمی «هم‌اندیشی ژاک دریدا: از فلسفه تا هنر»، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و فرهنگستان هنر (چهاردهم دی ماه ۱۳۸۳). مدیر گروه پژوهشی ادبیات انگلیسی، انتشارات سمت: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (۱۳۸۲ – تا حال حاضر) دبیر علمی «هم‌اندیشی ژاک دریدا: از فلسفه تا هنر»، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و فرهنگستان هنر (چهاردهم دی ماه ۱۳۸۳). عضو گروه تخصصی نشانه شناسی هنر، فرهنگستان هنر (۱۳۸۲ –تا حال حاضر). مدیر گروه پژوهشی ادبیات انگلیسی، انتشارات سمت: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (۱۳۸۲ – تا حال حاضر). معاون پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی (تیر ماه ۱۳۸۵–تا حال حاضر). مدیر گروه پژوهشی ادبیات انگلیسی، انتشارات سمت: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها – ۱۳۸۲ تا حال حاضر داور بخش نقد و پژوهش ادبی، ششمین جشنواره دوسالانه ادبی دانشجویان کشور (۱۹ تا ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۸۵). برگزاری کلاسهای تخصصی شهر کتاب: «پساساختگرایی: نظریه و نقد» (تهران: ساختمان مرکزی شهرکتاب) (تیر تا شهریور ماه ۱۳۸۵). آرا و گرایشهای خاص : علایق پژوهشی ادبیات قرن بیستم / رابطه ادبیات و فلسفه / نقد ادبی معاصر / مطالعات بین رشته‌ای / روش‌های آموزش ادبیات تحقیقات و فعالیتها : نقد ادبی معاصر – ادبیات قرن بیستم رابطه ادبیات و فلسفه جوائز و نشانها : دانشنامه زیباشناسی (به همراه گروه مترجمان) (تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۴). (برگزیده کتاب سال ۱۳۸۵) چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی دکتر امیرعلی نجومیان به قرار زیر است: مصاحبه:۷ مورد سخنرانی (به زبان فارسی):۲۱ مورد مقالات ارائه شده :بیش از ۳۰ موردآثار : ترجمه: زوال یا بقای متن اصلی؟»، خیال پردازی زوال: مفهوم زوال در فرهنگ اروپا ویژگی اثر : آلدرشات: اشگیت، ۱۳۷۸۲ دانشنامه زیباشناسی ویژگی اثر : (به همراه گروه مترجمان) (تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۴). (برگزیده کتاب سال ۱۳۸۵) ۳ درآمدی بر پست مدرنیسم در ادبیات ویژگی اثر : اهواز: انتشارات رسش، ۱۳۸۵۴ درآمدی بر مدرنیسم در ادبیات ویژگی اثر : اهواز: انتشارات رسش، ۱۳۸۳۵ کتاب و کتاب خوانی در برنامه های تلویزیونی ویژگی اثر : به کوشش دکتر بهمن نامور مطلق (همکاری در ترجمه) (تهران: اداره کل پژوهشهای سیما، ۱۳۸۱).

نجیب کاشانی، نورا

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به نجیب. پدرش در اصفهان شغل بزازی داشت. او دو سال قبل از تحریر «تذکره‌ی نصرآبادی» (تألیف شده در ۱۰۸۳ ق) به اصفهان رفت و در محله‌ی خان کاشیان به شغل بزازی مشغول شد، ولی طبع شاعری وی باعث شد که آن حرفه را کنار بگذارد. به آورده‌ی صاحب تذکره‌ی «روز روشن» وی در زمان شاه سلطان حسین صفوی به دربار راه یافت و مورد احترام قرار گرفت و از طرف او ملقب به ملک‌الشعراء گردید. نجیب در اصفهان درگذشت. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

جور فلک کشد دلم، گر ز غمت رها شود

دانه ز برق چون رهد، طعمه آسیا شود

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۸۰۹ -۸۰۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۷۲ -۳۷۱)، الذریعه (۱۱۷۸ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۲۵).

نجیب گلپایگانی، نجیب‌الدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۶۵ ق)، شاعر، متخلص به نجیب. ملقب به ملک‌الشعراء. وی شاعری قصیده‌سرا بود. بعضی از مؤلفان او را مداح سلاجقه و عده‌ای مداح امرای قلعه‌ی وساق یا وشاق (نزدیک نطنز کاشان) و بعضی او را در شمار شاعران بعد از کمال‌الدین اسماعیل در عراق می‌دانند. زمانی که رکن‌الدین غورسانجی، پسر سلطان محمد خوارزمشاه، در اصفهان مستقر شد، نجیب‌الدین به دستیاری عمادالملک ساوجی، وزیر رکن‌الدین که با وی سابقه‌ی دوستی داشت، به دربار راه یافت و از عمال دربار در عراق گردید و مداح پادشاه و وزیرش شد. نجیب‌الدین در ایام اقامت در اصفهان به مداحی صدرالدین خجندی نیز پرداخت. بعد از زوال دولت غور سانجی، نجیب‌الدین به وطن خود بازگشت و عزلت اختیار کرد و همان جا درگذشت. آقا بزرگ در «الذریعه» به نقل از صاحب «شاهد صادق» سال وفات وی را ۶۵۳ ق ذکر کرده و به گفته‌ی تذکره‌ی «روز روشن» وی با مجیر بیلقانی (م ۵۸۶ ق) معاصر بوده است. از آثار وی: مثنوی «بشر و هند»، بر وزن «لیلی و مجنون» نظامی، «دیوان» شعر، مشتمل بر قصاید و مقطعات و رباعیات، نزدیک و هزار بیت. در «هدیهٔ‌العارفین» نام وی به صورت نجیب‌الدین ناصح بن ظفر ابوالشرف جرفادقانی ذکر شده و در دنباله‌ی آن آمده که او کتاب «تاریخ یمینی» را از عربی به فارسی ترجمه کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۰۴۸ -۱۰۴۵/ ۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۲۶ -۴۱۶/ ۳)، تاریخ گزیده (۷۵۴)، تاریخ نظم و نثر (۱۶۶ -۱۶۵)، تذکره‌ی روز روشن (۸۰۷)، دایرهٔ‌المعارف فارسی (۳۰۱۵ / ۲)، الذریعه (۱۱۷۸ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۲۵)، مجمع‌الفصحا (۱۴۰۸ -۱۴۰۷/ ۳)، هدیهٔ‌العارفین (۴۸۷/ ۲)، هفت اقلیم (۴۸۱ -۴۷۹/ ۲).

نجیبای استرآبادی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. در عهد شاه سلیمان صفوی (۱۱۰۵ -۱۰۷۷ ق) می‌زیست و چند سال قبل از تحریر «تذکره‌ی نصرآبادی» (تألیف شده در ۱۰۸۳ ق) به اصفهان رفت و به کسب علوم پرداخت. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

غبار راه گشتم، سرمه گشتم، توتیا گشتم

به چندین رنگ گشتم تا به چشمت آشنا گشتم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۲۷)، الذریعه (۱۱۷۷/ ۹)، صبح گلشن (۵۰۹)، فرهنگ سخنوران (۹۲۵).

نجیبای اصفهانی، نجیب

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اهل کلیشاد، محله‌ای از لنجان اصفهان بود و لذا به نجیبای لنجانی نیز شهرت داشت. صاحب «صبح گلشن» او را اهل گلستانه، محله‌ای در اصفهان، می‌داند. او معاصر با نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) بود. در سرودن شعر طبعی موزون داشت و اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۲۵ -۴۲۴)، الذریعه (۱۱۷۸/ ۹)، صبح گلشن (۵۱۰)، فرهنگ سخنوران (۹۲۵).

نجیبای کاشی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نورالدین محمد کاشانی. شاعر و ادیب متخلص به «نجیب» در سخن، از اقران و اشباه خود کمی نداشت، بلکه به طرز شاعری آشناتر بود. در اواخر عمر به مرض فالج مبتلا شده، و در حدود هفتاد سالگی در اصفهان وفات یافت.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

نحاس رازی اصفهانی، ابوالمعالی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۱۲ /۵۰۸ ق)، عالم، شاعر و خطاط. ازشعرای ایرانی دانشمند عهد سلاجقه‌ی بود و معاصر ابوالمفاخر رازی و منجیک. در خط و استیفا نیز سرآمد زمانه بود. بیشتر عمر خدمت سلاجقه کرد و منصب عارض سپاه داشت؛ مدتی نیز وزیر خلیفه وقت شد اما دولت او نپایید و بعد از یک ماه به حبس افتاد، از محبس به همدان گریخت و تا پایان عمر همان جا بماند. سال وفات را بین سالها ۵۰۸ تا ۵۴۱ ق نوشته‌اند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :پیدایش خط و خطاطان (۸۴)، تاریخ نظم و نثر (۵۱)، تذکرهٔ الشعراء (۸۸)، تذکرهٔ القبور (۱۱۰)، دستور الوزراء (۹۱ -۹۰)، الذریعه (۱۱۷۸، ۵۰ /۹)، ری باستان (۳۹۸ -۳۹۷ /۲)، ریحانه (۲۷۰ /۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالمعالی)، مجمع الفصحا (۱۹۷ - ۱۹۵ /۱)، المعجم فی معاییر اشعار العجم (۴۱۲)، هفت اقلیم (۳۵۹ -۳۵۸ /۲).

نحوی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین مرحوم مبرور شیخ ابوالقاسم نحوی از مدرسین نامی و علماء سامی حوزه علمیه و دانشمندان و ادباء معروف و عالیقدر قم که حق عظیمی بر هزاران نفر از طلاب دارد می‌باشد، تولدش در سال ۱۳۰۰ ق در قم واقع شده و پس از رشد و طی مقدمات از خدمت مرحوم آقا شیخ حسن فاضل و آیت‌الله آقا شیخ ابوالقاسم کبیر و آقا میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی رضوان‌الله علیهم درس خوانده و با کمال متانت و سادگی و بی‌بضاعتی زندگانی نموده و وارد هیچ دسته و سر و صدائی نشده و سالها از مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله بروجردی استفاده نموده و صدها طلبه فاضل و عالم از ادبیات مطول و مغنی و کتب دیگر وی استفاده کرده و چند سالی هم به امر آیت‌الله العظمی بروجردی- ره- برای اداره حوزه علمیه شهرستان ساوه با آن سامان توقف نموده آنگاه به قم وطن مالوف خود برگشته و به خدمات دینی و روحی پرداخته تا در ماه رجب سال ۱۳۸۵ قمری که بدرود زندگی گفته و در صحن جدید اتابکی در محل نماز حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله مدفون گردید.

مرحوم حجه‌الاسلام نحوی از رفقای بسیار نزدیک مرحوم آیت‌الله مجاهد بافقی بود و به حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی بسیار ابراز علاقه و ارادت می‌ورزید فرزند برومندش ثقه‌المحدثین شیخ تقی نحوی از افاضل اهل منبر و وعاظ قم می‌باشند که در این شهرستان و بلاد دیگر در راه منبر به ترویج و خدمت به دین و معارف اسلامی می‌نمایند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

نحوی، شهاب الدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد تقی معروف به شهاب الدین فرزند علامه‌ی فقیه سید محمد حسن. عالم فاضل زاهد. در شب غره‌ی ماه رجب سال ۱۲۶۳ متولد، و در نیمه شب چهارشنبه غره‌ی رجب سال ۱۳۴۰ وفات یافته، در تخت فولاد جنب پدر خویش مدفون گردید.

مقدمات و سطوح را نزد برادر خود: حاج سید مهدی نحوی، و برادر دیگرش: سید محمد (که در جوانی به سال ۱۲۷۵ وفات یافته است) فراگرفته؛ سپس جهت تکمیل در محضر مرحومین حجتین: ملا حسین علی تویسرکانی، و آقا میر سید محمد شهشهانی حاضر شده، سال‌ها از محضر آنان مستفید گشته، ضمنا به درس آخوند ملا عبدالجواد خراسانی حکیم، و میرزا محمد علی قاینی حاضر

شد؛ سپس به مجلس حاج سید اسدالله بیدآبادی اختصاص یافته، و از خواص اصحاب ایشان گردید؛ ضمنا مدتی نیز از درس مرحوم میر محمد صادق کتابفروش استفاده برده، و مدت دو سال به درس حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی حاضر شده، تا در اغلب علوم از ریاضی و طبیعی و حکمت و فقه و اصول و ادب تبحری یافت.

سپس تـا آخر عمر به خـدمت خلق، و عبـادت خـالق پرداخته، مورد احترام خـاص و عـامه قرار گرفته، در نزد عموم طبقات، محترم و مقبول القول بود. از آثارش کتابی است جنگ مانند، در دو قسـمت ۱- در فواید متفرقه، از نظم و نثر عربی و فارسی و فقه و حدیث و تفسیر

۲- مجموعه‌ای از مراسلات استادش حاج سید اسدالله بید آبادی که به علما و غیره نوشته، و این قسمت شایسته‌ی کمال توجه می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

نحوی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا عبدالجواد. ادیب و فاضل بوده، و از بنیان گزاران فرهنگ جدید در اصفهان به شمار می‌رود.

مـدرسه دیانت به مـدیری او، از اوّلین مدارس جدید اصـفهان است. سالها مدیر دبستان نظامی، و سپس دبیر ادبیّات دبیرستان های اصفهان بوده، و جمعی کثیر از دانش آموزان از محضر او استفاده نمودند.

کتابی در صرف و نحو، و کتابی در شرعیّات جهت محصّلین مدارس تألیف نموده که به طبع رسیده و سال ها در اصفهان تدریس می‌شده.

در سال ۱۳۰۰ متولّد، و در شب ۲ جمادی الثانیه سال ۱۳۷۱ وفات یافته، در تکیه مجاور تکیه ملک مدفون گردید.

دیگر از آثار او رساله مختصری است در شرح حال نحویهای هرندی خانواده خود.

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نحوی، محمد باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، و مجتهـد زاهـد، از شاگردان: حاج میرزا ابوالحسن بروجردی، و آخونـد ملّا محمّـد حسین فشارکی، و آقا شیخ محمّد رضا نجفی، و مجاز از هر ۳ نفر، و همچنین از شاگردان آقا سید محمّد باقر درچه‌ای و آخوند کاشانی بوده، عمری به زهد و قناعت گذرانیده.

در ۱۳۰۳ متولّد، و در ظهر پنجشنبه ۵ جمـادی الاولی سال ۱۳۵۰ به عـارضه سکته وفات یافت، و در جنب آبای گرام خود مـدفون شد.

مادّه تاریخ وفاتش را مرحوم آقا کمال الدین خوانساری (پدر زن ایشان) فرماید:

آن سمّی حضرت باقر که بود

نحوی عصرش فصیح و هم بلیغ

سال فوتش را اگر پرسی ز من

گویمت ای حیف از او با ای دریغ

بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نحوی، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فقیه، و مجتهد متکلّم اصولی، از شاگردان: آقا میرزا محمّد باقر [خوانساری]، و پدر خود، و آقا نجفی، و حاج میرزا بدیع درب امامی، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و آخوند کاشی و جمعی دیگر از دانشمندان اصفهان بوده.

در ۱۲۷۸ متولّد، و در شب جمعه ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۶۱ وفات یافته.

تاریخ وفاتش را آقای معلّم ضمن قطعه‌ای فرماید:

کم کرد معلم دو و گفت از پی سالش

سیّد حسن نحوی عارف ز جهان رفت

قبرش در مجاورت قبر جدّش سید حسن مجتهد قرار دارد.

وی داماد آقا میرزا محمّد باقر چهار سوقی صاحب روضات است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نحوی، محمد علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا علی محمّد. فاضل ادیب خطّاط، در یکی از مساجد محلّه شهشهان، جنب کوچه بنّاها امامت می‌نمود. در ۲۱ ذی حجّهٔ الحرام ۱۳۸۱ به سنّ قریب به ۷۵ سالگی وفات یافته، در تکیه گلزار در تخت فولاد مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نحوی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملا- محمدعلی نحوی (فاضل اردکانی) بن محمدحسن یزدی صاحب کتاب (مرآه الرائی) و ترجمه کتاب توحید صدوق و کتاب مصائب‌الاسلام ترجمه جلد دهم عوالم و کتاب مدارک الایات و غیره.

وی در حدود ۱۳۳۵ قمری وفات نموده و در قبرستان قدیم اردکان (باغ ملی فعلی) مدفون شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نحوی، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم حاج سید مهدی، علاّمه فقیه، در شوّال ۱۲۴۸ متولّد، و در صبح روز دوشنبه ۱۵ ذی حجّهٔ الحرام سال ۱۳۰۷ وفات یافته، در جنب پدر مدفون شد.

مشارالیه از علما و فقها و اجلاّ بوده، و در مدرسه شاهزاده‌ها تدریس می‌نموده، و در مسجد حمّال ها در بازار کفّاش های اصفهان امامت می‌نموده، و در نزد پدر، و آقا میر سید حسن مدرس، و ملاّ اسماعیل واحد العین و آقا سید اسداللّه بیدآبادی و جمعی دیگر تحصیل نموده، و جمعی از بزرگان در عداد شاگردان ایشان محسوب می‌شدند.

فقه و اصول و خصوصاً ادبیّات تدریس می‌نموده، و چون تخصّص ایشان در تدریس علم نحو بوده به نحوی شهرت یافته، و گاهی او را سیّد نحوی می‌گفته‌اند، جهت امتیاز ایشان از نحوی های هرندی که غیر سیّد بوده اند.

و از وی چهار پسر باقی ماند:

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نخبهٔ الفقهاء لاری، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدحسن بن العالم الجلیل آیت‌اللّه آقای حاج شیخ محمد حسین لاری از علماء بزرگ معاصر است. ایشان در حدود سال ۱۳۲۸ قمری هجری در لار به دنیا آمده و در بیت علم و فضیلت پرورش و دروس مقدمات و سطوح را در آنجا خوانده سپس به شیراز آمده و از محضر آقایان آنجا استفاده نموده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه میرزا محمد حسین نائینی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمد کاظم شیرازی استفاده و با دریافت اجازات اجتهادی و غیره به زادگاه خود شهرستان لار مراجعت و به انجام وظائف دینی و اجتماعی پرداخته است دارای تالیفاتی چندی از جمله:

۱- تذکره‌الفضلاء.

۲- تذکره‌الصلحاء. و غیره می‌باشد.

نویسنده در حدود پنجسال قبل معظم له را در مشهد مقدس در مدرسه نواب ملاقات کردم او را دانشمندی جامع و متواضع دیدم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

نخبه، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا نخبه

محل تولد : تنکهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۶۰ تا ۶۱ پس از اخذ دیپلم در حوزه علمیه مدرسه «امام صادق» (علیه السلام) مشغول به تحصیل شدم و پس از پایان سطوح عالی سال ۱۳۶۸ به درس خارج مشغول شدم و در درس اساتیدی چون: «آیهٔ الله وحید خراسانی»، «آشیخ جواد تبریزی (ره)»، «آیهٔ الله زنجانی»، «آیهٔ الله منتظری» و «آیهٔ الله مدرس» شرکت نمودم البته بخاطر برخی اشتغالات متاسفانه به صورت مداوم موفق به شرکت نشدم. و در ضمن در طی سالهای ۶۳ تا ۷۳ از دانشگاه مفید به «کارشناسی حقوق» مشغول بودم. از سال ۸۱ تا ۷۳ نیز در موسسه «تنظیم و نشر آثار امام»، روی کتابهای امام (ره) تحقیق کرده ام. از سال ۸۱ تا کنون نیز در معاونت آموزشی موسسه، در قسمت آموزش اندیشه های امام، اشتغال دارم.

نخجوانی، خلیل

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اصل وی از حله بود اما، در نخجوان متولد شد. در اوایل جوانی به زرگری اشتغال داشت و بعد از آنکه مدتی به وزارت ترک منصوب شد، ترک آن گفت و پس از آن کلانتر نخجوان شد، در آنجا آبادانی بسیار کرد. وی در سرودن معما استاد بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۹۸)، تحفه سامی (۱۰۱)، تذکره‌ی روز روشن (۲۴۴)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۴۳)، دانشمندان آذربایجان (۱۴۲)، الذریعه (۳۰۳/۹).

نخجوانی، هندوشاه

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۷۲۴ ق)، نویسنده، ادیب و شاعر. اصل وی از نخجوان بود و در همان جا نشو و نما یافت. تحصیلات خود را در مدرسه‌ی مستنصریه‌ی بغداد به پایان رساند و نیز نزد شمس‌الدین محمد کیشی درس خواند. هندوشاه مدتی به خدمت خاندان جوینی درآمد و در ۶۷۴ ق به نیابت از برادر خود، سیف‌الدوله، چندی بر کاشان حکمرانی نمود و در آنجا مدرسه‌ای ساخت و کتابهای بسیاری وقف نمود. وی مدتی نیز در دستگاه اتابک نصرهٔالدین احمد بن یوسف شاه، از اتابکان لر به سر برد و کتاب «تجارب‌السلف» را به نام او تألیف کرد. این کتاب در ۷۲۴ -۷۲۳ ق تألیف شده است و موضوع آن تاریخ خلفا و وزرای اسلام تا انقراض خلافت عباسی می‌باشد. هندوشاه در تألیف «تجارب‌السلف» از «منیهٔ الفضلاء فی تواریخ الخلفاء و الوزراء» صفی‌الدین ابن طقطقی استفاده مستقیم نموده با این تفاوت که قسمت‌هایی از آن را حذف کرده و مطالبی از کتب معروف دیگر عربی و فارسی بر آن افزوده است. از دیگر آثار وی: «صحاح العجم» یا«صحاح الفرس»، در لغت؛ «موارد الادب»؛ «دیوان» شعر. در «ایضاح‌المکنون» تاریخ فوت او ۷۳۰ ق ذکر شده در صورتی که در «هدیهٔ‌العارفین» ۷۳۰ ق تاریخ اتمام کتاب «موارد الادب» بیان گریده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح‌المکنون (۵۹۸/ ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۴۴ -۱۲۴۳/ ۳)، تاریخ مغول (۵۲۶)، تاریخ نظم و نثر (۱۸۴)، تجارب السلف (مقدمه)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۹)، دایرهٔ‌المعارف فارسی (۳۲۹۸/ ۲)، الذریعه (۲۱۶/ ۲۳، ۱۲ -۱۱ / ۱۵، ۱۳۰۲/ ۹، ۳۴۸/ ۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۷۸۴/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۹۴ -۷۹۳/ ۶)، هدیهٔ‌العارفین (۵۱۱/ ۲).

نخعی گلپایگانی، ریحان‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج آقا ریحان‌اللّه نخعی فرزند مرحوم آیت‌اللّه آخوند ملا زین‌العابدین مجتهد گلپایگانی از علماء و دانشمندان با فضل و تقوای معاصر تهرانست.

که در سال ۱۳۱۸ قمری در گلپایگان متولد شده و پس از خواندن مقدمات در سال ۱۳۳۸ قمری به شهرستان عراق آمده و از محضر علماء حوزه عراق چون میرزا ابوالحسن عراقی و حاج میرزا محمدعلی خان و آخوند ملا محمدعلی گلپایگانی استفاده نموده و در سال ۱۳۴۰ قمری سال تأسیس حوزه به قم مشرف و تا آخر عمر آیت‌اللّه المؤسس حایری حدود ۱۵ سال از محضرش فقها و اصولا کامیاب و بهره‌مند شده و پنج سال بعد از فوت آن مرحوم به نجف مشرف و از محضر آیت‌اللّه العظمی اصفهانی استفاده و بعد از چند سال به قم مراجعت و از موقع ورود آیت‌اللّه العظمی بروجردی تا آخر عمر آنجناب از محضر و دروسش بهره‌برداری کرده و ضمنا بتدریس فقه و اصول پرداخته تا در اواخر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی که بنابر تقاضای عده‌ای از مردم تهران عزیمت بمرکز نموده و در آن عاصمه رحل اقامت افکنده و در مسجد قلعه وزیر واقع در خیابان امیریه امامت و به ترویج دین و انجام وظائف روحی و علمی اشتغال دارد.

نگارنده گوید جناب آقای نخعی از علماء اصیل و ریشه‌دار و از دودمان سردار لشگر مولا امیرالمؤمنین علیه‌السلام جناب مالک اشتر صحابی جلیل‌القدر می‌باشد و بر این نویسنده هم حقی دارد زیرا مقداری از خیارات مکاسب را در نجف اشرف خدمت معظم له خوانده‌ام.

دارای طبع شعر و ذوق سرشاری می‌باشند و اشعاری در مدایح دارند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

نخعی، زین‌العابدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زین‌العابدین طاب ثراه در سال ۱۲۶۷ قمری در گلپایگان متولد و تحصیلات مقدمات را نزد علماء آن زمان انجام داده و بعد از تکمیل آن مسافرت به قم و اصفهان نموده و از محضر آیات عظام آنجا استفاده نموده تا به درجه اجتهاد و استغناء از علماء اصفهان مهاجرت به نجف اشرف نموده و مدتی از مجلس بحث مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی و فاضل ایروانی استفاده کرده آنگاه مسافرت به سامرا و مدتی طولانی از محضر و درس مرحوم آیت‌اللّه مجدد حاج میرزا محمدحسن شیرازی بهره‌مند شده به نحوی که در اصحاب خاص ایشان مورد توجه آن مرحوم گردیده و به مبرزین و کملین اصحاب میرزا چون مرحوم حاج ملا فتحعلی اراکی و مرحوم سید محمد فشارکی و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید اسماعیل صدر و مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمدتقی شیرازی و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسین نوری اعلی اللّه مقامهم جلیس و هم‌بحث بوده و مقامات و معارف عالیه را با چنین اصحابی درک نموده پس به اصرار جمعی از علماء مراجعت به گلپایگان نموده و در آنجا مرجعیت تامه داشته تا در سنه ۱۳۴۷ قمری وفات و در همانجا مدفون گردیده است

از قضایای قابل توجه اینکه در حال احتضار که قوای ایشان به کلی از کار افتاده و قادر به حرکت نبودند و علماء گلپایگان در اطراف بستر ایشان نشسته بودند دفعهً بغیر اختیار از بستر برخاسته و چشم به اهل مجلش گشوده و فرمودند نشسته‌اید در حالتی که پیغمبر اکرم صلی اللّه علیه و آله وارد شد و مجددا چشم بسته و در بستر آرمیده و به رحمت ایزدی پیوستند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

نخلی بخارایی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اهل بخارا بود. مدتی در خدمت امامقلی خان، حاکم بخارا، به سر برد و بعد از فوت او، به بلخ آمد. وی با نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) معاصر بود. او در بلخ درگذشت. مؤلف «صبح گلشن» امامقلی خان را حاکم شیراز دانسته است. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

طریق زندگی از شمع انجمن آموز

کز آتش دل خود تا به وقت مردن سوخت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۸۱۰)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۳۶ -۴۳۵)، الذریعه (۱۱۷۹/ ۹)، صبح گلشن (۵۱۱)، فرهنگ سخنوران (۹۲۶).

ندایی کاشغری، عبداللّه

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۷۴ ق)، صوفی و شاعر، متخلص به ندایی. ساکن قسطنطنیه و از مشایخ طریقه نقشبندیه بود و در آنجا به تعلیم و نشر آن طریقه می‌پرداخت. از او رسایلی در تصوف موجود است. از آثارش: «فقرات»؛ «رساله‌ی حقیه»؛ «منظومه»؛ «مناجات»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریخ نظم و نثر (۲۸۱)، الـذریعه (۱۱۷۹ / ۹)، فرهنگ سـخنوران (۹۲۶)، لغت‌نامه (ذیـل/ نـدایی کاشغری)، هدیةالعارفین (۴۸۴/ ۱).

ندایی نیشابوری، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به نـدایی. اصلش از نیشابور بود، اما مـدتی در یزد سکونت داشت و سفری نیز به حج رفت. بیشتر اشعارش در مدح ائمه اطهار (ع) و پیشوایان دین بود. در حاشیه‌ی «آتشکده‌ی آذر» از قول آیتی، صاحب «تاریخ یزد»، آمده است که نـدایی، در عهد صفویه می‌زیست و مداح شاه طهماسب اول (۹۸۴ -۹۳۰ ق) و شاه اسماعیل دوم (۹۸۵ -۹۸۴ ق) بود. صاحب «نتایج‌الافکار» نام وی را مولانا فدایی ذکر کرده است. از آثارش: نظم «روضةالشهداء» کاشفی؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۱۱ / ۲)، تحفه سـامی (۲۷۵ -۲۷۴)، جامع مفیـدی (۴۶۳ / ۳)، الـذریعه (۱۱۷۹ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۲۷، ۹۲۶)، لغت‌نامه (ذیل/ ندایی نیشابوری، ندایی یزدی)، مطلع الشمس (۱۸۴/ ۳)، نتایج‌الافکار (۷۱۸).

ندایی هروی، سلطان محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر، متخلص به نـدایی. معروف به حافظ ندایی. در عهد سلطان حسین بایقرا (۹۱۱ -۸۷۳ ق) می‌زیست. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

کاش دوزد همدمی چاک گریبان مرا

کاتش دل می‌نماید سوز پنهان مرا

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۱۷۹/ ۹)، صبح گلشن (۵۱۲ -۵۱۱)، فرهنگ سخنوران (۹۲۷ -۹۲۶)، لغت‌نامه (ذیل/ ندایی هروی).

ندری، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ندری

محل تولد : جوزان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

بنـده تا پایان سال سوم راهنمایی را در روستای محل تولد تحصیل نموده‌ام. پس از آن مدتی به ترک تحصیل و دوری از کتاب و درس گـذشت. در آن ایـام علی‌رغم استعداد خوبی که داشتم؛ مشغول کمـک به پـدرم در کارهای کشاورزی بودم. تا اینکه وارد حوزه علمیه شهرستان ملایر شدم. بحمدالله پیشرفتم در درس‌های حوزوی خوب بود. پس با پیشنهاد بعضی از رفقا به صورت متفرقه برای دبیرستان ثبت نام نمودم و برای دروس دبیرستان، همان یک هفته به امتحانات خرداد مانده، وقت صرف می‌نمودم وآن هم با موفقیت سپری شد.

برای دانشگاه شـرکت نمودم. در سال اول شـرکت در کنکور در رشـته «الهیـات» قبول شـدم. پس از گذرانـدن بیش از صـد واحد درسـی، برای شـرکت در فوق لیسانس شـرکت نمودم؛ قبول شدم. دروس واحد مدرك در دانشگاه قم به پایان رسید. لازم به ذکر است که در این مـدت که دروس دانشگاهی خوانـده شـد؛ محور اصلی برنامه زندگی بنده دروس حوزوی بود و به توصیه اساتید دانشگاهی؛ بنده از شـرکت در کلاس‌های درسی دانشگاه معاف بودم و صرفاً برای امتحان یا بعضی از دروس به دانشگاه مراجعه می‌کردم و این به خاطر آن بود که ما وقتی از دروس بسیار غنی و پربار حوزه سراغ چنـد واحـد درس دانشگاه می‌رفتیم؛ مانند این بود که یک رزمنـده آموزش دیـده در کوه و کمر و منـاطق صـعب العبور را ببرنـد در یـک پـارک که روی چمن قـدم بزنـد، تمام موفقیت‌های بنده حقیر از برکت حوزه مبارکه علمیه و وجود مقدس ولی عصر ارواحنا الفداء بوده.

دروس حوزوی را تـا پایـان پایه شـشم در حوزه علمیه شهرسـتان ملایر گذرانـده‌ام و ادامه آن را در حوزه علمیه قم. در حوزه علمیه،

علاوه بر ادبیات عرب از منطق، فلسفه، تفسیر و کلام نیز بهره‌مند شده‌ام از جمله: بدایهٔ الحکمه را با جناب آقای «سید علی حسین آملی»، نهایهٔ الحکمه را با جناب آقای «عباسعلی زارعی»، تلخیص الهیات را با «آقای ربانی» (حفظهم الله)، مکاسب محرمه را با «آیت الله سید محمد هاشمی»، بیع و ضیا را با استاد «نکونام»، رسائل را با آقای «حسینی و خویی» و کفایه نیز با آقایان محترم «میری و نکونام» (دامت برکاتهم) بوده. دروس خارج بیش از چهار سال است فقه با مرجع عالیقدر حضرت «آیت الله مکارم شیرازی» و اصول با استاد فرزانه جناب «آیت الله سبحانی» و اخیراً که یک دوره اصول حضرت «آیت الله سبحانی» به اتمام رسید. بنده در درس حضرت «آیت الله العظمی وحید خراسانی» شرکت نمودم. امیدوارم خداوند منان توفیق ادامه تحصیل را عنایت فرماید. انشاء الله.

ندیم الملک، حیدر علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن‌میرزا مهدی بن ملا هاشم ندیم باشی، مصاحب محمد حسین میرزا ولی‌عهد بوده، و لقب ندیم الملک به وی داده بودند.

مردی فاضل و ادیب و سخندان، و بلند طبع و کریم النفس بوده، خط تحریری را خوب می‌نوشته، و زبان فرانسه را نیز خوب می‌دانسته.

کتب چندی تألف و از فرانسه ترجمه کرده است که نسخ آن در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.

۱- تاریخ اصفهان [مطبوع] ۲- ترجمه‌ی اقوم المسالک ۳- ترجمه‌ی مروج الذهب.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ندیم شیرازی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۳ ق)، شاعر، متخلص به ندیم. وی برادر کوچکتر حکیم قاآنی است. وی در پایان عمر عزلت گزید و به کتابت پرداخت و چند قرآن کتابت کرد. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی طلعت (۲۲۵)، حدیقهٔالشعراء (۱۸۶۶ -۱۸۶۳ / ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۶۲ -۶۶۱/ ۵)، الذریعه (۱۱۸۰/ ۹)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۲۹/ ۲)، مرآت‌الفصاحه (۶۴۹ -۶۴۸)، مصطبه‌ی خراب (۱۹۵).

ندیم فسایی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۵ ق)، شاعر، متخلص به ندیم. ملقب به سیف‌السادات. وی ابتدا پرتو و بعدها ندیم تخلص می‌کرد. از سادات دشتکی شیراز بود و در فسا زندگی می‌کرد. به علت از دست دادن والدین در کودکی، از تحصیل بازماند. او در بیست سالگی به شیراز رفت و در مدرسه‌ی سید امیرمحمد به تحصیل پرداخت و سپس از خادمان ظل‌السلطان، حاکم فارس شد و پس از مدتی به رتبه‌ی ندیمی ارتقاء یافت و لقب خانی گرفت. اما از این امور کناره‌گیری کرد و داخل سلسله‌ی دراویش نعمت‌اللهی شد. ندیم پس از زیارت مکه معظمه به مشهد مقدس رفت و در آنجا به تحصیل و ریاضت پرداخت و در ۱۳۰۵ ق به شیراز مراجعت کرد و از طرف ظل‌السلطان به سیف‌السادات ملقب گردید. از آثار وی منظومه‌ای به نام «کبری» می‌باشد. همچنین از او تاریخ منظومی به بحر متقارب مشتمل بر وقایع بعد از بعثت رسول اکرم (ص) باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔالشعراء (۱۸۶۸ -۱۸۶۷/ ۳).

ندیم مازندرانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۱ ق)، شاعر. اصلش از ایروان بود و در مازندران سکونت داشت. اجدادش در ایروان صاحب مکنت بودند ولی توسط نادرشاه به مازندران کوچانده شدند. وی ندیم و کتابخوان فتحعلی شاه بود. از آثارش: «دیوان» شعر. به آورده‌ی «تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران» نفیسی، وی کتابی به نام «مفرح القلوب»، در تاریخ قاجاریه تألیف کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران (۵/ ۱)، تاریخ عضدی (۲۷۰ -۲۶۹)، حدیقهٔالشعراء (۱۸۶۹ -۱۸۶۸/ ۳)، الذریعه

(۱۱۸۰/ ۹)، سفینةالمحمود (۶۳۴ -۶۳۳/ ۲)، شعرای مازندران و گرگان (۳۱۶ -۳۱۵)، فرهنگ سخنوران (۹۲۷)، گلزار جاویدان (۱۶۱۵/ ۳)، مجمع‌الفصحا (۱۰۶۴ -۱۰۶۳/ ۶)، مکارم‌الآثار (۱۱۴۷ -۱۱۴۶/ ۴)، نگارستان دارا (۱۴۲ -۱۴۱).

ندیم مشهدی، زکی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۶۳ ق)، شاعر، متخلص به ندیم. اصلش از مشهد بود و در اصفهان نشو و نما یافت. در عهد شاه سلطان حسین صفوی ۱۱۳۵ -۱۱۰۵ ق) می‌زیست و ملازم وی بود. بعدها ملازم نادر شاه افشار (۱۱۶۰ -۱۱۴۸ ق) شد. ندیم در زمان محاصره بغداد به زیارت نجف رفت و در آنجا درگذشت. صاحب «صبح گلشن» و «ریحانةالادب» سال فوت وی را ۱۱۵۲ ق نوشته‌اند. از آثار وی: «دیوان» شعر. صاحب «الذریعه» کتابهای «در نجف»، بر وزن «مخزن‌الاسرار»، در هزار و پانصد بیت، در تاریخ هجوم افاغنه و منظومه‌ی «تسبیح کربلا»، در چهار هزار و پانصد و هفتاد بیت، تألیف شده در ۱۱۵۸ ق را به او نسبت می‌دهد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۱۸۰، ۴۰۳/ ۹)، ریحانه (۱۶۰/ ۶)، صبح گلشن (۵۱۴ -۵۱۳)، فرهنگ سخنوران (۹۲۷).

نراقی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۴۵/ ۱۲۴۴ -۱۱۸۶/ ۱۱۸۵ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، محدث، رجالی، منجم، ریاضیدان، مدرس، ادیب و شاعر، متخلص به صفایی. جامع معقول و منقول بود. در نراق، از توابع کاشان، به دنیا آمد. مقدمات را در نزد پدرش و شاگردان پدرش فراگرفت. سپس به همراه پدر به عراق رفت و در نجف از محضر سید مهدی بحرالعلوم و شیخ جعفر کاشف‌الغطاء و در کربلا از محضر میرزا مهدی شهرستانی و آقا محمدباقر بهبهانی استفاده نمود تا به مرتبه‌ی اجتهاد رسید و خود به بحث و تدریس پرداخت. سپس به نراق کاشان بازگشت و عهده‌دار ریاست و مرجعیت دینی شد. وی از پدرش و سید بحرالعلوم و شیخ جعفر کاشف‌الغطاء و به واسطه‌ی پدرش از ملا محمدباقر مجلسی روایت نموده است. شیخ مرتضی انصاری و سید محمد شفیع جاپلقی و بسیاری دیگر از بزرگان از شاگردان وی بودند. در نراق به بیماری وبا درگذشت، پیکرش به نجف منتقل و در صحن علوی به خاک سپرده شد. از آثارش: «مناهج الوصول الی علم الاصول» یا «مناهج الاحکام»، «مساند الشیعة فی احکام الشریعة»، در فقه؛ «وسیلة النجاة»؛ «مفتاح الاصول و مصباح الوصول»؛ «معراج السعادة»، در اخلاق به فارسی، «مفتاح الاحکام»، در اصول فقه، «تنقیح الفصول»، در شرح «تجرید الاصول» پدرش، ملا مهدی نراقی؛ «اساس الاحکام»؛ «اسرار الحج»؛ «عوائد الایام»، در قواعد اصولی و فقهی، به فارسی؛ «الخزائن»، به سبک «کشکول»، در تتمیم کتاب «مشکلات العلوم» پدرش، به فارسی، «سیف الامة و برهان الملة»، در رد پادری نصرانی، به فارسی، رساله‌ی «منجزات المریض»؛ مثنوی «طاقدیس»؛ «دیوان» شعر.[۱]

حاجی ملا احمد ابن حاج ملا مهدی معروف به نراقی (ف. ۱۲۴۵ ه.ق) از فقهای بزرگ قرن سیزدهم هجری است. علاوه بر مقام فقاهت اشعار عرفانی فراوان سروده است و در شعر صفاتی تخلص می‌کرد. او را تألیفات متعددی است از آن جمله: ۱- اجتماع الامر والنهی. ۲- اساس الاحکام در اصول فقه. ۳- اسرارالحج. ۴- حجیة المظنة. ۵- خزائن. ۶- دیوان شعر فارسی. ۷- سیف‌الامة ۸- شرح تجریدالاصول. ۹- طاقدیس شامل مثنویات او. ۱۰- عین‌الاصول. ۱۱- معراج‌السعاده. ۱۲- مفتاح‌الاحکام. ۱۳- مناهج‌الوصول. وی در وبای عام در قریه‌ی نراق درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۴۵/ ۱)، اعیان‌الشیعه (۱۸۴ -۱۸۳/ ۳)، ایضاح المکنون (۵۶۳، ۵۲۳، ۴۷۸، ۱۳۰، ۳۵/ ۲، ۳۳۱/ ۱) حدیقةالشعراء (۱۰۳۱ -۱۰۲۷/ ۲) الذریعه (۱۷۸ -۱۷۷، ۸۵/ ۲۵، ۱۶/ ۲۳، ۳۵۰، ۳۴۱ -۳۴۰/ ۲۲، ۳۱۷، ۳۱۵، ۲۳۰ -۲۲۹، ۱۵ -۱۴/ ۲۱، ۱۴۰/ ۱۷، ۳۶۷، ۳۵۴، ۱۳۴/ ۱۵، ۱۹۵، ۱۳۸/ ۱۳، ۲۸۶/ ۱۲، ۱۲/ ۱۱، ۱۱۸۱، ۶۱۰/ ۹، ۱۵۲/ ۷، ۴۳/ ۴، ۲۶۷/ ۲، ۱)، روضات الجنات (۱۰۷ -۱۰۳/ ۱)، ریحانه (۱۶۳ -۱۶۰/ ۶)، سفینةالمحمود (۴۲۳ -۴۱۹/ ۲)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۱۷ -۱۱۶/ ۱۳)، فرهنگ سخنوران (۵۶۰)، فوائد الرضویه (۴۱)، قصص العلماء (۱۳۲ -۱۲۹)، مجمع‌الفصحا (۷۰۵ -۷۰۰/ ۵)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۲۸۸ -۱۲۸۷/ ۳)، معجم‌المؤلفین (۱۶۳ -۱۶۲/ ۲)، مکارم‌الآثار (۱۲۴۲ -۱۲۳۵/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۴ - ۴۸۱/ ۱)، نگارستان دارا (۱۰۶ -۱۰۴)، هدیةالاحباب (۱۸۰)، هدیةالعارفین (۱۸۶ -۱۸۵/ ۱).

نراقی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، حقوقدان و وکیل دادگستری، از نواده‌های مرحوم حاج ملا احمد نراقی در ۱۲۷۳ در شهر کاشان تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی، فقه، اصول، حکمت و علم کلام را در نزد بزرگان کاشان فرا گرفت، مخصوصا در حقوق اسلامی از سرآمد

اقران شد و به تحقیق و تتبع پرداخت. از تألیفات ایشان تنظیم شجره‌ی خاندان غفاری و تاریخ اجتماعی کاشان و چند اثر دیگر است. شغل نراقی وکالت دادگستری بود. در ۱۳۶۸ در ۹۵ سالگی درگذشت.

محقق.

تولد: ۲۴ دی ۱۲۷۳، کاشان.

درگذشت: ۲۴ دی ۱۳۶۸، تهران.

حسن نراقی پس از تحصیل در مدرسه‌ی علمیه‌ی کاشان به تهران آمد و امور فرهنگی و آموزشی را پیشه کرد. تألیفات او عبارتند از: تاریخ اجتماعی کاشان (۱۳۴۵)؛ آثار تاریخی شهرستان کاشان و نطنز (۱۳۴۸)؛ خاندان غفاری کاشان (۱۳۵۳)؛ کاشان در جنبش مشروطه ایران (۱۳۵۵)؛ ادبیات مشروطیت (حاوی زندگی‌نامه‌ی خاوری کاشانی، ۱۳۵۶)؛ تصحیح نخبهٔ البیان (تألیفات محمدمهدی نراقی، ۱۳۵۷)؛ تصحیح و طبع طاقدیس (مثنوی سروده‌ی احمد نراقی، ۱۳۶۲)؛ تصحیح و طبع مشکلات العلوم (تألیف محمدمهدی نراقی، ۱۳۶۷)؛ از وی مقاله‌هایی نیز در مجله‌ی «هنر و مردم» به طبع رسیده است.

حسن نراقی از پایه‌گذاران انجمن آثار ملی کاشان و از بنیادگذاران موزه‌ی آن انجمن در باغ شاه فین بود.

حسن نراقی در تهران درگذشت و در مسجد آقا بزرگ کاشان که مدرسه ملا احمد نراقی بود به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

نراقی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۷ -۱۲۱۵ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و متکلم. ملقب به عبدالصاحب و معروف به حجت‌الاسلام. در کاشان به دنیا آمد. مدارج علمی را نزد پدر خود، ملا احمد نراقی، طی نمود و از وی اجازه اجتهاد دریافت کرد. بنا به آورده‌ی صاحب «مکارم‌الآثار»، وی داماد میرزای قمی و از مشایخ شیخ جعفر شوشتری می‌باشد. او عهده‌دار تولیت مدرسه سلطانی در کاشان، از بناهای فتحعلی شاه قاجار، بود. وی در کاشان درگذشت. پیکرش به نجف منتقل و در نزدیکی پدرش و جدش به خاک سپرده شد. از آثار وی: «انوار التوحید»، در کلام؛ «المراصد ذات الفوائد»، در مسائل مهم علم اصول؛ «مشارق الاحکام»، در فقه.[۱]

حاج ملا محمد ابن حاج ملا احمد نراقی ملقب به عبدالصاحب و معروف به حجهٔ‌الاسلام (ف. ۱۲۹۷ ه.ق) از علمای امامیه‌ی قرن سیزدهم هجری، از تألیفات اوست: ۱- انوار التوحید در علم کلام. ۲- المراصد در اصول. ۳- مشارق‌الاحکام در فقه. وی در سن ۸۰ سالگی در کاشان وفات یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۲/ ۲۱، ۳۰۰/ ۲۰، ۴۲۲/ ۲)، ریحانه ۱۶۴ -۱۶۳/ ۶)، المآثر والآثار (۱۴۴)، مکارم‌الآثار (۵۵۶ -۵۵۵/ ۲)، هدیهٔ‌الاحباب (۱۸۱).

نراقی، محمدجواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدجواد بن ملا احمد (فاضل نراقی) بن ملا مهدی بن ابی‌ذر کاشانی نراقی از اعاظم علماء بوده وی در ۱۲۲۲ تولد و در ۱۲۷۸ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

نراقی، محمدصادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدصادق نراقی بن میرزا ابوالقاسم بن ملا مهدی بن ابی‌ذر نراقی کاشانی از علماء بزرگ عصر و مراجع امور در کاشان بوده و بعد از ۱۳۰۰ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

نراقی، مهدی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۰۹ -۱۱۲۸ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، محدث، متکلم، حکیم و ریاضیدان. موصوف به خاتم المجتهدین. جامع علوم معقول

و منقول و در حساب، هندسه، ریاضی، هیئت و علوم ادبی متبحر بود. در نراق کاشان به دنیا آمد. سپس برای تحصیل به اصفهان رفت و از محضر ملا اسماعیل خواجویی و ملا محمدمهدی هرندی و شیخ محمد کاشانی و میرزا نصیر استفاده نمود و آنگاه برای ادامه تحصیل رهسپار عتبات گشت و در کربلا و نجف نزد بزرگان فقه و اصول و علوم نقلی از قبیل: وحید بهبهانی و شیخ یوسف بحرانی و شیخ مهدی فتونی عاملی به تکمیل معلومات خویش پرداخت و از وحید بهبهانی و شیخ یوسف بحرانی و سید مهدی بحرالعلوم و سید محمدمهدی شهرستانی و شیخ جعفر کاشف‌الغطاء و ملا محمد اسماعیل مازندرانی روایت نمود. پس از فراغت از تحصیل به ایران مراجعت کرد و در کاشان سکنی گزید. با حضور او در کاشان علم و دانش در این شهر رونقی تازه پیدا کرد. فرزندش، ملا احمد نراقی، و حاج محمد ابراهیم کرباسی و محمد طاهرآبادی و سید محمدباقر حجت‌الاسلام شفتی اصفهانی و مجذوب علیشاه و میرزا بابا حبیب‌اللّه حسینی نطنزی از شاگردان او بودند. در اواخر عمر به نجف رفت و در آنجا به تدریس و بحث و تألیف مشغول شد و در همان جا درگذشت و در حرم مطهر به خاک سپرده شد. از آثارش: «کنزالرموز»، «انیس الموحدین»؛ «انیس المجتهدین»؛ «توضیح الاشکال»، در شرح «تحریر اقلیدس»؛ «معتمد الشیعهٔ فی احکام الشریعهٔ»؛ «لوامع الاحکام فی فقه شریعهٔ الاسلام»؛ «التحفهٔ الرضویهٔ فی المسائل الدینیهٔ»؛ «التجرید» یا «تجرید الاصول»، در اصول فقه؛ «انیس التجار» یا «انیس التاجرین»، در مسائل تجارت؛ «نخبهٔ البیان»، در استعاره و تشبیه؛ «مشکلات العلوم» یا «تفصیل المشکلات من العلوم» به سبک «کشکول»؛ «جامع السعادات فی موجبات النجاهٔ»، در اخلاق؛ رساله‌ای در «عبادات»؛ «مناسک الحج»؛ «کتاب الحساب»؛ «جامع الافکار و ناقد الانظار»، در اثبات واجب‌الوجود و صفات سلبیه و ثبوتیه؛ «محرق القلوب»، در مصائب اهل‌بیت (ع).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۷/ ۸)، اعیان‌الشیعه (۱۶۷، ۱۴۳/ ۱۰)، ایضاح المکنون (۵۰۸، ۴۴۳، ۴۱۳/ ۲، ۳۵۳، ۳۱۱، ۲۴۹، ۲۲۷، ۱۴۸/ ۱)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (۱۰۶/ ۲)، الذریعه (۹۴ –۹۳/ ۲۴، ۲۷۴/ ۲۲، ۲۱۳، ۶۷ –۶۶/ ۲۱، ۱۴۹/ ۲۰، ۳۵۹، ۳۵۸– ۳۴۹، ۳۴۵، ۱۵۷، ۱۲۱/ ۱۸، ۷۵– ۷۴/ ۱۷، ۳۰۲/ ۱۵، ۳۳۵/ ۱۳، ۱۰۳، ۳۲/ ۱۱، ۷/ ۷، ۴۳۶، ۳۵۱، ۳۵۰/ ۳، ۵۹– ۵۸، ۴۲، ۴۱– ۵/ ۴۶۷، ۴۶۶– ۴۶۵، ۴۶۴– ۴۵۳/ ۲)، روضات‌الجنات (۱۹۲ –۱۸۹/ ۷)، ریحانه (۱۶۵ –۱۶۴/ ۶)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۴۱۳ –۴۰۹)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۱۶/ ۱۳)، طرائق‌الحقائق (۲۵۸، ۲۵۴/ ۳)، قصص العلماء (۱۳۳/ ۱۳۲)، المآثر والآثار (۱۶۶)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۲۸۷ –۱۲۸۶/ ۳)، معجم‌المؤلفین (۵۷/ ۱۲)، مکارم‌الآثار (۳۶۴ –۳۶۰/ ۲)، مؤلفین کتاب چاپی (۳۶۳ – ۳۶۰/ ۶)، هدیهٔ‌الاحباب (۱۸۱ –۱۸۰)، هدیهٔ‌العارفین (۳۵۲/ ۲).

نریزی مراغی، ابوتراب عبدالباقی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۹۲/ ۴۹۱ –۴۰۳/ ۴۰۱ ق)، فقیه شافعی، محدث، مدرس و زاهد. اصل وی از نریز از قرای آذربایجان بود. ساکن نیشابور و عهده‌دار تدریس و امامت جماعت در مسجد عقیل آنجا بود. در بغداد نزد قاضی ابوطیب طبری فقه آموخت و از ابوطیب طبری و ابوعلی بن شاذان ابوالقاسم عبدالملك بن بشران عبدی و ابوطاهر بن عبدالرحیم اصفهانی و ابوعبداللّه محاملی و ابومحمد جوهری و ابوبکر بن بشران و جماعتی دیگر حدیث شنید. عمر بن علی دامغانی و ابوالبرکات ابن فراوی و ابوعثمان عصایدی و زاهر بن طاهر شحامی و فرزندش، عبدالخالق بن زاهر، و دیگران از وی روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۴۸۱ –۴۸۰/ ۵)، سیرالنبلاء (۱۷۱ –۱۷۰/ ۱۹)، شذرات الذهب (۳۹۸/ ۳)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۲۲۳/ ۲)، الشافعیه‌ی سبکی (۹۶/ ۵) العبر (۳۶۶/ ۲)، الکامل (۱۹۲/ ۸)، المنتظم (۴۲ –۴۱/ ۱۰)، النجوم الزاهرهٔ (۱۶۲/ ۵).

نریمان

قرن:۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نام نریمان از صفت نئیرمنو Nairemanu، یعنی نیرومند پیدا شده که بعدها او را به صورت پهلوانی درآوردند. و این صفت را در اوستا به گرشاسب دادند، و همین نام نریمان است که در شاهنامه گاهی به صورت نیرم دیده می‌شود. از نریمان به عنوان پهلوان معروف خاندان سام در شاهنامه سخن رفته و این پهلوان در دژ سپند کشته شد، و رستم انتقام او را بگرفت.

نیرم. در اوستا صفت جهان پهلوان است و نیز نریمان پدر سام جد رستم بوده است.

برگرفته از کتاب :ایران در عهد باستان

نزاری قهستانی بیرجندی، سعدالدین

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۲۱/ ۷۲۰ –۶۵۰ ق)، صوفی و شاعر، متخلص به نزاری. در بیرجند در یک خانواده‌ی زمیندار اسماعیلی به دنیا آمد. پس از اینکه

تحصیلات مقدماتی را در بیرجند و قائن به پایان رسانید، به مطالعه‌ی ادبیات و علوم متداول زمان در قهستان پرداخت. او از جوانی به خدمات دیوانی روی آورد. در ۶۷۸ ق از تون به آذربایجان، اران، گرجستان، ارمنستان و باکو رفت. در طی این سفرها در تبریز با شمس‌الدین محمد صاحب دیوان جوینی ملاقات کرد و او را مدح گفت. این مسافرت دو سال به طول انجامید و نزاری عاقبت به قهستان بازگشت و ساکن شد. وی در این مدت علاوه بر شمس‌الدین محمد بعضی از رجال سیستان و خراسان و خصوصاً سلاطین کرت را نیز ستود. وی دوباره پس از چند سال دوری به خدمت امرای این خاندان پیوست، اما معاندان نزاری ملوک کرت را علیه او برانگیختند تا جایی که معزول و اموالش مصادره شد. سالهای آخر عمر را در انزوا گذرانید و به شغل کشاورزی پرداخت. در نام وی و پدرش بین برخی منابع اختلاف وجود دارد. گویند که از فرقه‌ی اسماعیلیه و از مریدان نزار بن مستنصر بالله فاطمی در مصر و با سعدی شیرازی معاصر و معاشر بود. نزاری را نخستین نویسنده دوره‌ی بعد از الموت دانسته‌اند که زبان شعر و تعبیرات و اصطلاحات صوفیان را برای پنهان داشتن عقاید اسماعیلی خود برگزید. از آثار وی: «دستورنامه»؛ «ادب‌نامه»؛ مثنوی «سفرنامه»؛ «از هر و مزهر» بر وزن «شیرین و خسرو»؛ «مناظره‌ی روز و شب»؛ «دیوان» شعر، مشتمل بر قصاید، غزلیات، قطعات، رباعیات و چند ترکیب بند، قریب بیست هزار بیت.[۱]

سعدالدین بیرجندی. شاعر اسماعیلی مذهب (و. ۶۴۵ ه.ق- ف. ۷۲۰ ه.ق) از شعرای قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری است. آثار و نامش متروک مانده است. تخلص خود را از نام المصطفی لدین‌اللّه (نزار) گرفت. پدر نزاری ظاهراً از دهقانان اصیل این سامان بود که به گردش روزگار کم‌مایه شده بود. نزاری برخلاف بعضی از شعرای معاصر خود به شعر و ادب با نظر تفریح و لذت سماعی نگاه نکرد و اشعار خود را وسیله‌ی انعکاس دردهای عامه‌ی مردم که در زیر فشار سنگین ظلم‌های مغول مستأصل شده بودند نمود. و حتی در غزلیات خود نیز مسائل اجتماعی را مطرح کرد. نزاری بیش از همه تحت تأثیر افکار و اشعار حکیمانه‌ی عمر خیام بوده است. علاوه بر دیوان شعر یک مثنوی به نام «دستورنامه» و نیز مثنوی دیگری از او باقی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۵۳۵ -۵۲۹/ ۲)، از سعدی تا جامی (۲۰۰ -۱۹۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۴۵ -۷۳۱/ ۳)، تاریخ مغول (۵۴۵)، تاریخ نظم و نثر (۷۱۰)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه (۵۱۰ -۵۰۹، ۵۰۱)، تذکره‌ی روز روشن (۸۱۵ -۸۱۳)، تذکرةالشعراء (۲۶۱ -۲۵۸)، حبیب‌السیر (۴۵۷/ ۲)، دایرةالمعارف فارسی (۳۰۲۰/ ۲)، الذریعه (۲۰۸، ۱۹۱/ ۱۹، ۱۱۸۳ -۱۱۸۲/ ۹)، ریحانه (۱۶۶/ ۶)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۰۳)، فرهنگ سخنوران (۹۲۹)، کشف‌الظنون (۷۵۵)، لغت‌نامه (ذیل/ نزاری قهستانی)، مجالس‌النفائس (۳۵۵)، مجمع‌الفصحا (۱۳۵۹ -۱۳۵۸/ ۳)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۷۲۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۵۳/ ۶)، هفت اقلیم (۳۲۳ -۳۲۲/ ۲).

نزل آبادی، امین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر، متخلص به امین. از مردم نزل‌آباد بیهق بود. در شاعری با خواجه علی‌شهاب و کاتبی رقابت داشت. در قصیده و غزل و مخصوصاً مثنوی زبردست بود. چند مثنوی سروده است، از آن جمله: «شمع و پروانه» به نام «مصباح القلوب» و «عقل و عشق» به نام «سلوة الطالبین» و مثنوی «فتح و فتوح» است. دیگر اثر وی «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۰۴)، تذکره‌ی روز روشن (۸۲)، تذکرة الشعراء (۵۰۹ -۵۰۸)، الذریعه (۷۰/۹)، فرهنگ سخنوران (۹۷ -۹۶).

نژاددهقان، یداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ریاضی از دانشسرای عالی سابق در سال ۱۳۳۹، کارشناسی ارشد ریاضی از دانشسرای عالی سابق در سال ۱۳۵۰، کارشناسی ارشد ریاضی از دانشگاه لیدز انگلستان در سال ۱۳۵۳، دکترای آنالیز تابعی از دانشگاه لیدز در سال ۱۳۵۶، مدرک L.C. در زبان انگلیسی از انجمن فرهنگی بریتانیا در تبریز در سال ۱۳۴۸.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ایده‌آلهای غیر استاندارد در جبرهای کانولوشن، مشتق‌های نقطه‌دار جبرهای باناخ، طیف‌های توام خانواده عملکردها، تابع هندسی وابسته به نقاط انتهایی، تدریس دروس فضاهای باناخ و هیلبرت، آنالیز مختلط، آنالیز تابعی، آنالیز حقیقی در دانشگاه تبریز،

راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

توابع مختلط.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

کاربردهای آنالیز تابعی، پوشش کامل.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

نسایی، فخرالنساء

قرن:۱۰

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۹۶۲ ق، از زنان شاعر، پدرش امیر یادگار، از امیرزادگان تیموری و از سادات خراسان و خواهرش خانزاده بودند که هر سه نفر طبع شعر داشتند. برخی تذکره‌ها تخلص نسایی را برگرفته از اسم او، فخرالنساء، و برخی دیگر منسوب به وطن وی، نساء، دانسته‌اند. وی معاصر مولف جواهرالعجایب است. غزل زیر از اوست:

در دم زیاد می‌شود و کم نمی‌شود
گفتم به صبر چاره کنم هم نمی‌شود
شادم اگر دلم ز تو بی‌غم نمی‌شود
باری غم تو از دل من کم نمی‌شود
مرهم مساز بهر دوای من ای طبیب
کین درد عاشقی است به مرهم نمی‌شود
داغی نهاد بر دلم آن بی‌وفا که عمر
بگذشت و دردمندی آن کم نمی‌شود
سازد به دردعجز «نسایی» خاکسار
چون خاطرش به وصل تو خرم نمی‌شود

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره نهم، ۴۹؛ از رابعه تا پروین، ۲۵۵ -۲۵۴؛ جواهرالعجایب، ۱۳۴؛ حدیقه عشرت، ۱۳۴؛ دایرةالمعارف صنعت و ادبیات تاجیک، ۴۶۷ / ۲؛ الذریعه، ۲۵۵ / ۹؛ زنان سخنور، ۳۲۲ / ۲.

نسائی، ابوعبدالرحمان احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۰۳ -۲۱۵/ ۲۱۴ ق)، رجالی، حافظ، محدث، فقیه و قاضی. ملقب به شیخ‌الاسلام و معروف به حافظ نسائی. در نسای خراسان به دنیا آمد. در «وفیات الاعیان» نام پدر وی علی و نام جدش شعیب ذکر شده است. در طلب علم به خراسان، حجاز، عراق، جزیره، شام و مصر سفر کرد و سرانجام در مصر ساکن گردید. وی نزد یونس بن عبدالاعلی، دوست و مصاحب شافعی، تلمذ نمود. او قرائت را از احمد بن نصر نیشابوری مقری و ابوشعیب صالح بن زیاد سوسی فراگرفت. از قتیبهٔ بن سعید و اسحاق بن راهویه و هشام بن عمار و سوید بن نصر و احمد بن منیع و بشر بن معاذ عقدی و حسین بن منصور سلمی نیشابوری و بشر صواف و زیاد بن ایوب و سوار بن عبداللّه عنبری و عباس بن عبدالعظیم عنبری و عبدالجبار عطار و عتبه مروزی و عمران بن موسی قزاز و عمرو بن زراره کلابی و عیسی بن محمد رملی و محمد بن ابان بلخی و محمد بن بشار و محمد بن نصر مروزی و محمد مخرمی و محمد بن عبید محارمی و محمد بن هاشم بعلبکی و محمود بن غیلان و هیثم بن ایوب طالقانی و یوسف بن عیسی زهری و یوسف بن واضح مودّب و جماعتی دیگر حدیث شنید. فرزندش، عبدالکریم نسائی، و حسن بن رشیق عسکری و ابوبشر دولابی و ابوجعفر طحاوی و ابوعلی نیشابوری و حمزه‌ی کنانی و ابوجعفر احمد نحوی و ابوبکر شافعی و محمد بن قاسم اندلسی و ابوالقاسم طبرانی و محمد بن عبداللّه نیشابوری و محمد بن موسی مأمونی و ابن السنی و ابیض بن محمد بن ابیض و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. در رمله‌ی فلسطین درگذشت و پیکرش به مکه منتقل و ما بین صفا و مروه به خاک سپرده شد و به روایتی در مکه درگذشت. از آثارش: «السنن الکبیر»، در حدیث، «المجتبی» یا «السنن الصغیر»؛ «الضعفاء والمتروکین»، در رجال حدیث؛ «الخصائص» یا «خصائص امیرالمؤمنین (ع)»، در فضیلت حضرت علی (ع)؛ «مسند علی (ع)»؛ «مسند مالک»؛ «اغراب شعبهٔ علی سفیان و سفیان علی شعبهٔ»؛

«مناسک النسائی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۶۴/ ۱)، اعیان‌الشیعه (۶۰۳ -۶۰۱/ ۲)، انساب سمعانی (۴۸۴/ ۵)، تاریخ نیشابور (۱۱۰)، تذکرهٔ الحفاظ (۷۰۱ -۶۹۸/ ۲)، تهذیب‌التهذیب (۱۷۰، ۱۶۳/ ۱) روضات‌الجنات (۲۲۰ -۲۱۹/ ۱)، ریحانه (۱۶۸ -۱۶۷/ ۶)، سیرالنبلاء (۱۳۵ -۱۲۵/ ۱۴)، شذرات الذهب (۲۴۱ -۲۳۹/ ۲)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۳۵ -۳۴/ ۴)، طبقات الشافعیه‌ی ابن قاضی شهبه (۸۸/ ۱)، طبقات الشافعیه اسنوی (۲۶۹ -۲۶۸/ ۲)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۱۶ -۱۴/ ۳)، العبر (۴۴۴/ ۱)، الکامل (۱۵۲/ ۶)، کشف‌الظنون (۱۸۳۳ ، ۱۶۸۵، ۱۶۸۴، ۱۰۸۷، ۱۰۰۶، ۷۰۶، ۱۳۰)، الکنی والالقاب (۲۴۹ -۲۴۷/ ۳)، معجم‌المؤلفین (۲۴۵ -۲۴۴/ ۱)، المنتظم (۴۵۰/ ۷)، النجوم الزاهرهٔ (۲۱۰ -۲۰۹/ ۳)، الوافی بالوفیات (۴۱۷ -۴۱۶/ ۶)، وفیات الاعیان (۷۸ -۷۷/ ۱)، هدیهٔ‌العارفین (۵۶/ ۱).

نسبت شوشتری، محمد صالح

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر متخلص به نسبت. از طلاب علوم بود که در اصفهان بن تحصیل پرداخت. در سرودن شعر طبع خوبی داشت. وی با نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) معاصر بود. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۵۷ -۳۵۶)، الذریعه (۱۱۸۵، ۵۸۸/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۲۹).

نسبت نیریزی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به نسبت. مشهور به مؤمن کلو. اهل نیریز فارس بود. تذکره‌ی «شعرای آذربایجان» نام وی را نسبت تبریزی آورده و اصلش رااز تبریز دانسته است. وی از جمله شاعران اصفهان بود. به هندوستان مسافرت کرد و در خدمت عمدهٔ‌الملک جعفر خان، فرزند صادق خان میر بخشی، و ملا شفیعای یزدی، مشهور به دانشمند خان (م ۱۰۸۱ ق) قرار گرفت و اعتبار زیادی یافت. بعد از مدتی به اصفهان بازگشت و از آنجا به زیارت خانه خدا مشرف شد. پس از بازگشت به اصفهان، دوباره به هندوستان رفت و در آنجا درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۶۶۲/ ۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۸۷ -۳۸۶)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۷۴ - ۵۷۳/ ۵)، الذریعه (۱۱۸۵/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۳۰ -۹۲۹)، کاروان هند (۱۴۳۵ -۱۴۳۴/ ۲).

نسبتی مشهدی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق) شاعر. اهل مشهد بود و در عهد شاه طهماسب اول (۹۸۴ -۹۳۰ ق) می‌زیست. با صادقی کتابدار (م ۱۰۱۸/ ۱۰۱۷ ق)، مؤلف تذکره‌ی «مجمع‌الخواص»، معاصر بود. مدتی در آذربایجان سکنی گزید و سرانجام در اردبیل درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۵۰۴ -۵۰۳/ ۲)، الذریعه (۱۱۸۵/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۳۰)، لغت‌نامه (ذیل/ نسبتی مشهدی)، مجمع‌الخواص (۲۰۰ -۱۹۹)، مطلع‌الشمس (۴۴۸/ ۲)، هفت اقلیم (۲۲۱/ ۲).

نسفی بخاری، ابومحمد عبدالعزیز

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۳۳/ ۵۳۲ ق)، فقیه حنفی و قاضی. معروف به نسفی و قاضی نسفی. اهل کوفه بود. در بخارا فقه آموخت و عهده‌دار قضاوت خراسان گردید. وی پیشوای حنفیان بخارا و از معاصرین زمخشری بود. از آثارش: «تعلیق الخلاف» یا «التعلیقهٔ فی الخلاف»، در چهار مجلد؛ «فصول الفتاوی» یا «الفصول»، در فتاوا، «کفایهٔ الفحول»، در علم اصول؛ «المنقذ من الزلل فی مسائل الجدل»؛ «روضهٔ الناصحین»، در شرح «خطب الاربعین»؛ «السلم لدار السلام فی بیان احکام ارکان الاسلام»؛ «مدارج الافهام والافواج»، در تفسیر «آیهٔ ثمانیهٔ ازواج»، به فارسی؛ «مدارج البطون عن ازالهٔ الشکوک والظنون»، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۴۷ -۱۴۶/ ۴)، ایضاح‌المکنون (۴۵۳، ۲۴/ ۲)، ریحانه (۱۷۱ -۱۷۰/ ۶)، کشف‌الظنون (۱۸۶۹، ۱۴۹۷، ۹۳۳، ۴۲۴،)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالعزیز) معجم‌المؤلفین (۲۵۲/ ۵)، هدیهٔ‌العارفین (۵۷۹ -۵۷۸/ ۱).

نسفی، ابومطیع مکحول

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۰۸ ق)، فقیه، حافظ و محدث. از داوود ظاهری و ابوعیسی ترمذی و عبداللّه بن احمد بن حنبل و محمد بن ایوب بن ضریس و مطین و جماعتی دیگر روایت کرد. ابوبکر احمد بن محمد بن اسماعیل که استاد جعفر مستغفری است، از وی روایت نموده است. به آورده‌ی ذهبی مستغفری در «تاریخ نسف» نام وی را محمد بن فضل و لقبش را مکحول ذکر کرده است. ذهبی گوید که او نیکو شعر می‌سرود. از آثارش: «اللؤلئیات»، در زهد و آداب؛ «کتاب‌الشعاع».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیرالنبلاء (۳۳/ ۱۵)، کشف‌الظنون (۱۵۷۱، ۱۴۳۰)، معجم‌المؤلفین (۳۱۹/ ۱۲).

نسفی، ابومعین میمون

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۰۸ -۴۱۸ ق)، فقیه حنفی، اصولی و متکلم. وی از افاضل علمای حنفی قرن ششم قمری بود. اصلش از سمرقند و ساکن بخارا بود. از آثارش: «بحرالکلام»، در توحید؛ «تبصرهٔ الادلهٔ»، در کلام؛ «التمهید لقواعد التوحید»؛ «العمدهٔ»، در اصول دین؛ «العالم والمتعلم»؛ «ایضاح المحجهٔ لکون العقل حجهٔ»؛ شرح «الجامع الکبیر» ابوعبداللّه شیبانی، در فروع؛ «مناهج الائمهٔ»، در فروع.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۱/ ۸)، ایضاح المکنون (۵۶۳/ ۲، ۱۵۶/ ۱)، ریحانه (۱۷۴/ ۶)، کشف‌الظنون (۱۸۴۵، ۵۷۰، ۴۸۴، ۳۳۷، ۲۲۵)، معجم‌المؤلفین (۶۶/ ۱۳)، هدیهٔ‌العارفین (۴۸۷/ ۲).

نسفی، برهان‌الدین، ابوالفضایل

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۶۰۰- وف ۶۸۸ -۶۸۴/ ۶۷۹ ق)، فقیه حنفی، مفسر، اصولی، محدث، متکلم، حکیم و شاعر. معروف به برهان. وی از علمای بزرگ حنفی بود. در علم تفسیر و اصول فقه و علم کلام صاحب تألیف می‌باشد. ساکن بغداد بود. در همان جا درگذشت و جنب مقبره‌ی ابوحنیفه دفن شد. «العقائد النسفیهٔ» که ملا سعد تفتازانی آن را شرح کرده، به وی نسبت داده شده است. در «کشف‌الظنون» فقط یک عنوان کتاب تحت نام «عقائدالنسفی» مربوط به نجم‌الدین عمر بن حمد نسفی ذکر شده است. از دیگر آثارش: «المقدمهٔ فی علم الخلاف» یا «المقدمهٔ البرهانیهٔ» یا «فصول النسفی فی علم الجدل» یا «مقدمهٔ فی الجدل والخلاف والنظر»؛ «منشأ النظر»، در علم خلاف و شرح آن؛ «الواضح»، که مختصر «تفسیر کبیر» فخر رازی است؛ رساله‌ای در «دور و تسلسل»؛ شرح «الاسماء الحسنی»؛ شرح «الاشارات والتنبیهات» ابن‌سینا؛ شرح «الرسالهٔ القدسیهٔ» غزالی؛ «مطلع السعادهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۱۹۴/ ۲)، ریحانه (۱۷۴ -۱۷۳/ ۶)، شذرات الذهب (۳۸۵/ ۵)، کشف‌الظنون (۱۸۶۱، ۱۸۰۳، ۱۷۹۹، -۱۷۹۸، ۱۷۵۶، ۱۷۲۰، ۱۲۹۶، ۱۲۷۲، ۱۰۳۲، ۸۸۲، ۸۶۵، ۹۵)، معجم‌المؤلفین (۲۹۷/ ۱۱)، هدیهٔ‌العارفین (۱۳۶ -۱۳۵/ ۲).

نسفی، حافظ الدین، ابوالبرکات عبداللّه

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۱۰/ ۷۰۱ ق)، فقیه حنفی، محدث، اصولی، مفسر و متکلم. اصل وی از نسف و اهل ایذه‌ی اصفهان بود. او از مشاهیر فقها و اصولیین و محدثین حنفی و در علم کلام متبحر و بر معاصرین خود مقدم بود. به آورده‌ی بعضی از مآخذ وی در ایذه درگذشت. اما در «ریحانهٔ‌الادب» مکان وفات وی بغداد ذکر شده است. از آثارش: «الوافی»، در فقه و شرح آن به نام «الکافی»؛ «کنزالدقائق»، در تلخیص «الوافی»؛ «عمدهٔ العقائد» یا «عمدهٔ عقیدهٔ اهل السنهٔ والجماعهٔ»، در کلام و شرح آن به نام «اعتماد الاعتقاد»؛ «منار الانوار» و شرح آن به نام «کشف‌الاسرار»؛ «مدارک التنزیل و حقائق التأویل»، در تفسیر که به «تفسیر نسفی» معروف می‌باشد؛ «المستصفی»، در شرح کتاب «نافع» شیخ ابوالقاسم محمد حسینی (م ۶۵۶ ق).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹۲/ ۴)، ایضاح المکنون (۹۸/ ۱)، ریحانه (۱۷۱/ ۶)، کشف‌الظنون (۲۰۳۴، ۱۹۹۷، ۱۹۲۲، ۱۸۶۷، ۱۸۴۹، ۱۸۲۳، ۱۶۷۵، ۱۶۴۱ -۱۶۴۰، ۱۵۱۵، ۱۲۷۴، ۱۱۶۸، ۱۱۹)، معجم‌المؤلفین (۳۲/ ۶)، هدیهٔ‌العارفین

نسفی، مؤیدالدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. در دستگاه سلاطین آل افراسیاب (ح ۳۲۰- ح ۵۶۰ ق) به سر می‌برد و گویا مداح جلال‌الدین علی گورکان بن حسن تکین بود که در ح ۵۵۳ ق به سلطنت رسید، زیرا در قصاید خود یک جا از پادشاهی به نام جلال‌الدین نام می‌برد که ظاهرا همین جلال‌الدین علی است. آنچه از مؤید باقی مانده، استادی او را در سخن‌پردازی نشان می‌دهد. از آثاری که منسوب به وی است مثنوی «پهلوان نامه» می‌باشد که به سبک «مثنوی معنوی» سروده است. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۷۶۹ -۷۶۷/ ۲)، الذریعه (۱۳۲/ ۱۹ ،۱۱۳۰/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۹۸)، لباب الالباب (۳۶۲ -۳۵۹/ ۲)، لغت نامه (ذیل/ مؤیدالدین)، مجمع الفصحا (۱۱۸۲ -۱۱۸۱/ ۳)، هفت اقلیم (۳۵۶/ ۲).

نسفی، نجم‌الدین، ابوحفص عمر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۵۳۷ -۴۶۱ ق)، فقیه حنفی، اصولی، حافظ، محدث، مفسر، متکلم، ادیب و شاعر. معروف به مفتی‌الثقلین، به جهت اینکه گویند جن و انس از محضرش تعلیم می‌گرفته‌اند. اهل سمرقند بود و در نسف به دنیا آمد. او در زمینه‌ی فقه، حدیث، تفسیر، تاریخ و فنون شعری متبحر بود. در بغداد از ابوالقاسم بن بیان حدیث شنید و از اسماعیل بن محمد نوحی و حسن بن عبدالملک قاضی و مهدی بن محمد علوی و عبداللّه بن علی نسفی و ابوالیسر محمد نسفی و حسین کاشغری و ابومحمد حسن بن احمد سمرقندی و علی بن حسن ماتریدی روایت کرد. فرزندش، ابواللیث احمد بن عمر، و محمد بن ابراهیم توربشتی از وی روایت کرده‌اند. حدود صد اثر را به وی نسبت می‌دهند. کتاب «العقائد» یا «عقاید النسفی» که بر آن شروح بسیاری، از جمله شرح سعدالدین تفتازانی نگاشته شده، به وی منسوب است. البته در صحت انتساب این کتاب به وی تردید می‌باشد، چنان که بعضی آن را به برهان‌الدین محمد بن محمد نسفی منسوب کرده‌اند. در سمرقند درگذشت. از دیگر آثارش: «الاکمل الاطول»، در تفسیر؛ «التیسیر فی التفسیر»؛ «قید الاوابد»؛ «تاریخ بخارا»؛ «القند فی تاریخ علماء سمرقند»؛ «یواقیت المواقیت»؛ «طلبهٔ الطلبهٔ»؛ «تطویل الاسفار لتحصیل الاخبار»؛ «مشارع الشارع»؛ «منهاج الدرایهٔ»، در فروع؛ «النجاح فی شرح اخبار کتاب الصحاح»؛ «الخصائل فی الفروع»؛ «دعوات المستغفرین»؛ «الاشعار بالمختار من الاشعار» یا «المختار من الاشعار»، در بیست مجلد؛ «منظومهٔ الخلافیات» یا «منظومهٔ فی الخلاف»؛ نظم «الجامع الصغیر» امام محمد شیبانی، در فروع.[۱]

عمر بن محمد ابن احمد نسفی سمرقندی حنفی (۴۶۱ ه.ق- ف. ۵۳۷ ه.ق) ملقب به نجم‌الدین و مکنی به ابی‌حفص عالمی متکلم، اصولی، فقیه، مفسر و محدث بود. قریب یکصد رساله در مباحث فقهی و جز آن تصنیف کرده است. از اوست: «اکمل الاطول» (ه.م) «والتیسیر فی التفسیر» و «العقائد النسفیه» و «طلبهٔ الطلبه» و «تاریخ سمرقند» و جز آن.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۲۲/ ۵)، ایضاح‌المکنون (۱۱۷، ۲۵/ ۱)، ریحانه (۱۷۳ -۱۷۲/ ۶)، سیرالنبلاء (۱۲۷ -۱۲۶/ ۲۰)، شذرات الذهب (۱۱۵/ ۴)، طبقات المفسرین داودی (۷ -۵ / ۲)، العبر (۴۵۳ -۴۵۲/ ۲)، کشف‌الظنون (۲۰۵۴، ۲۰۴۸، ۱۹۲۹، ۱۸۷۱، ۱۸۶۷، ۱۷۳۱، ۱۶۸۶، ۱۶۰۲، ۱۳۵۶، ۱۲۳۰، ۱۱۴۵، ۱۱۲۵، ۱۱۱۴، ۷۵۶، ۷۰۶، ۶۶۸، ۶۰۲، ۵۶۴، ۵۵۳، ۵۱۹، ۴۱۸، ۴۱۵، ۲۹۶، ۲۴۷)، لسان‌المیزان (۲۳۰ -۲۲۹/ ۵)، معجم‌الادباء (۷۱ -۷۰/ ۱۶)، معجم‌المؤلفین (۳۰۶ -۳۰۵/ ۷)، هدیهٔ‌الاحباب (۲۵۵)، هدیهٔ‌العارفین (۷۸۳/ ۱).

نسوی، ابوالحسن علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۹۳ -۳۹۳ ق)، ریاضیدان. از علمای بزرگ ریاضی در عهد خود بود. در حدود ۴۲۰ ق کتابی در علم حساب به فارسی نوشت و همان کتاب را بـه نـام «المغنی فی الحساب الهندی»، بـه عربی ترجمه کرد. از دیگر آثارش: کتاب «الاشباع»، در شرح قضیه‌ی منلاوس. مؤلف «تاریخ نظم و نثر» وی را شگرد ابوعلی سینا و استاد شهمردان بن ابی‌الخیر می‌داند که در شهر ری به دنیا آمده و در دربار آل‌بویه به خدمت پرداخته و جز دو اثر نام برده آثاری همچون: «الزیج الفاخر»، «کتاب مرتضوی» یا اختصار «صور الکواکب» ابوحسین عبدالرحمان بن عمر صوفی، «کتاب تجرید فی اصول الهندسه»، «رسالهٔ فی المدخل الی علم المنطق»، «مقالهٔ فی عمل دائرهٔ

نسبتها الی دائرة مفروضة»، تفسیر «المأخوذات فی اصول الهندسة»، «رساله در استخراج ضمیر»، «سلاح‌نامه‌ی علایی» و «بازنامه» به فارسی را برای نسوی نام برده است.[۱]

ابوالحسن علی بن احمد (و. ۳۹۳ ه.ق- ف. ۴۹۳ ه.ق) از دانشمندان و مؤلفان بزرگ قرن پنجم و از معاصران ابوریحان بیرونی و ابن‌سینا است. مولد او شهر ری بود. نزدیک به صد سال زندگی کرد. از فلسفه و علم فلك، هندسه، حساب، پزشکی جانوران مطلع بود و از نخستین دسته مردمی است که تعلیمات شیخ‌الرئیس را در خراسان و عراق منتشر کرده‌اند. کتاب «التجرید فی اصول الهندسه» را در تاریخ ۵۵۷ ه.ق نوشته است. از شاگردان معروف و مبرز وی شهمردان (ه.م) پسر ابوالخیر رازی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۳۳۷/ ۱)، تاریخ نظم و نثر (۷۱ -۷۰)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۴۸۴)، سرآمدان فرهنگ (۶۵/ ۱)، کشف‌الظنون (۱۹۲۶)، لغت‌نامه (ذیل/ علی نسوی).

نسوی، مجد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، قاضی و شاعر. از فضلای نامدار نسا و قاضی آنجا بود. طبع خوبی داشت و شعر خوب می گفت. وقتی که قاضی شمس‌الدین قاضی نسا شد، مجدالدین در تهنیت او این رباعی را سرود:

خواهی که میان خلق قاضی باشی
باقی باشی گهی که ماضی باشی
با خلق خدا حکم چنان کن که اگر
آن با تو کند کسی، تو راضی باشی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۷۲/ ۲)، الذریعه (۹۶۳/ ۹)، صبح گلشن (۳۶۳)، فرهنگ سخنوران (۸۰۰ -۷۹۹)، لباب الالباب (۲۴۵ -۲۴۴/ ۱)، هفت اقلیم (۳۴ -۳۳/ ۲).

نسوی، ناصرالدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم و ششم ق)، شاعر. از مداحان سلطان محمد بن محمود سلجوقی (م ۵۱۱ ق) بود. در سرودن شعر طبعی لطیف داشت. محمد عوفی او را ستوده و تمجید کرده است. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

گر باد خزان کاه ز خرمن برباید
اندیشه‌ی او باد بزانست و عدو کاه

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۱۵۷/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۱۲)، لباب‌الالباب (۲۱۱ -۲۱۰/ ۱)، مجمع‌الفصحا (۱۴۱۲/ ۳).

نسیم اردکانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۹/ ۱۲۸۶/ ۱۲۸۵ ش)، حقوقدان و شاعر، متخلص به نسیم. در اردکان یزد به دنیا آمد. بعد از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در زادگاهش و اصفهان جهت ادامه‌ی تحصیل به تهران آمد و از دانشکده‌ی حقوق موفق به اخذ لیسانس و سپس دکترای حقوق شد. وی در ۱۳۱۶ ش وارد وزارت دادگستری شد و چندی ریاست دادگستری استان کرمانشاهان را به عهده داشت. از آثارش «دیوان» شعر می‌باشد که قسمتی از آن با نام «ترانه‌های نسیم» منتشر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۷۶۹ -۷۶۶)، الذریعه (۱۱۸۵/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۶۳۸ -۳۶۳۳/ ۶)، فرهنگ سخنوران (۹۳۰)، مؤلفین کتب چاپی (۲۹۳ -۲۹۲/ ۴).

نسیم دستگردی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۸ -۱۲۸۶/ ۱۲۸۵ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به نسیم. در قریه‌ی دستگرد، از توابع اصفهان، به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش و متوسطه را در دارالفنون به پایان رساند و در ۱۳۱۱ ش در رشته فلسفه و ادبیات از دانشسرای عالی فارغ‌التحصیل شد. نسیم از ۱۳۱۳ ش به استخدام وزارت فرهنگ درآمد در دبیرستان‌های تهران و دانشکده‌ی افسری به تدریس پرداخت. وی پس از فوت پدر، صاحب امتیاز مجله‌ی «ارمغان» شد و مجله را با همان سبک تا پایان ۱۳۵۷ ش انتشار داد. نسیم انجمن ادبی حکیم نظامی را نیز دایر و پا برجا نگاه داشت. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۵۰۹ -۵۰۷)، الذریعه (۱۱۸۶/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۶۳۲ -۳۶۲۹/ ۶)، فرهنگ سخنوران (۹۳۰).

نسیم شاملو، بوداق

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به نسیم. از ایل شاملو، و مولد و منشأ وی هرات بود. در ملازمت حسن خان شاملو، حاکم فرهیخته هرات، به سر می‌برد. بعد از او ملازمت حسین قلی خان را پذیرفت و از مصاحبان او گردید. در سرودن شعر طبع خوبی داشت و به آورده‌ی تذکره‌ی «روز روشن» در معما و قصه‌خوانی توانمند بود. به گفته‌ی صاحب «تذکره‌ی نصرآبادی» (از ۱۰۸۳ ق) او در جوانی درگذشت و مقبره‌اش در مزار بابا رکن‌الدین واقع در اصفهان است. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۸۱۸)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۳)، الذریعه (۱۱۸۶/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۳۱ -۹۳۰).

نسیمی حسینی شیرازی، عمادالدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، عالم، عارف، صوفی و شاعر، متخلص به نسیمی. زندگینامه‌ی نسیمی پر از ابهام و ایهام است و میان تذکره‌ها در این زمینه اختلاف وجود دارد. بعضی او را از اهالی شیراز و از سادات آن خطه می‌دانند و عده‌ای محل تولدش را دهکده نسیم در اطراف بغداد و تخلص نسیمی وی را از آن جهت می‌دانند. حال آنکه به آورده‌ی حاشیه‌ی «مرآت‌الفصاحه»، نسیمی قبلا هاشمی و سید نیز تخلص داشته است. برخی وی را از ناحیه شماخی دانسته و نسیمی شروانی‌اش لقب داده‌اند، که به قول صاحب «حروفیه در تاریخ»، شروانی بودن او به علت تنفر حروفیان از شهر شروان که مقتل فضل بوده، ما را در بوته شک و تردید می‌اندازد. نسیمی مدتی در شروان و نواحی قفقاز و باکو زندگی کرده و با زبان ترکی آشنا بوده و اشعاری نیز به این زبان دارد. برخی تذکره‌ها معتقدند که او را می‌توان اولین شاعر زبان ترکی غربی و تنها شاعر واقعی آن دوره به شمار آورد. بعضی او را از هالی تبریز مایه گرفته است. نسیمی از خلفای حروفیان بود و به فضل‌اللّه نعیمی ارادت می‌ورزید. او از ایام جوانی وارد حلقه مریدان فضل شد و در سفر و حضر، یار و همدم او بود. وی علاوه بر رابطه روحانی و معنوی، رابطه‌ی سببی نیز با استاد برقرار کرد و داماد فضل شد. بعدها نیز در زمره‌ی چهار تن از یاران و خلفای نزدیک فضل درآمد. پس از قتل فضل، نسیمی به آناطولی رفت و در آنجا با علی الاعلی، جانشین فضل، ملاقات کرد و مناظره‌ای نیز بین آنها درگرفت که به قول صاحب «حروفیه در تاریخ» همه‌ی این مناظرات در کتاب «استوانامه» غیاث‌الدین محمد ذکر شده است. نسیمی با طبع پرشوری که داشت تمام افکار و عقاید خود را از طریق اشعار بیان می‌کرد. مبارزه‌ی وی علیه دشمنان عقاید و افکارش، دلیلی بر الحاد و قتلش شد. اکثر تذکره‌ها سال قتل او را ۸۳۷ ق نوشته‌اند که در زرقان از توابع شیراز رخ داده و برخی دیگر ۸۲۰ ق و در حلب دانسته‌اند. مؤلف «فرهنگ سخنوران» علاوه بر ۸۸۴، ۸۷۳ و ۸۰۷ را نیز ذکر کرده است. در تذکره‌ی «مرآت‌الفصاحه»، به نقل از تذکره‌نویسان، مرگ وی بین ۸۳۰ -۸۰۶ ق ذکر شده و قول ۸۰۶ ق مقرون به صحت دانسته شده است. وی همچنین آورده که در زرقان از توابع شیراز، به سر قبر او رفته است. صاحب حاشیه‌ی «مجالس العشاق» نام وی را سید علی ذکر می‌کند. از آثار وی: «دیوان» شعر، در حدود سه هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۱۳۱)، از سعدی تا جامی (۵۱۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۳۶ -۳۳۵)، تذکره‌ی روز روشن (۸۲۰ -۸۱۸)، حروفیه در تاریخ (۵۳ -۴۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۶۵ -۶۶۲/ ۵)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (۵۸)، الذریعه (۱۱۸۷/ ۹)، ریاض‌العارفین (۲۳۶ -۲۳۵)، ریحانه (۱۷۴/ ۶)، سیری در تصوف (۸۵ ،۸۴)، شهیدان راه فضیلت (۱۸۲ -۱۸۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۸۱ -۱۱۸۰/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۹۳۱)، لغت‌نامه (ذیل/ عمادالدین شیرازی، عمادالدین نسیمی)، مجالس العشاق (۲۳۱ -۲۲۸)، مرآت‌الفصاحه (۶۵۳ -۶۵۰)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۸ -۶۱۷/ ۴).

نشأت، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۷/ ۱۳۴۶ –۱۲۷۵ ش)، نویسنده، مترجم و مدرس. وی ابتدا منطق، فلسفه، اصول، حدیث، تفسیر و زبان و ادبیات فارسی و عربی را آموخت و پس از آن زبان‌های ترکی عثمانی و انگلیسی را فراگرفت. در بیست و چهار سالگی وارد وزارت فرهنگ شد و چندین سال از طرف این وزارت سرپرستی مدارس ایران را در عراق به عهده داشت. وی پس از بازگشت به ایران در آموزشگاه‌های تهران، دانشکده‌ی معقول و منقول و مدرسه‌ی عالی سپهسالار به تدریس زبان عربی و تاریخ و جغرافیای ایران و کشورهای اسلامی پرداخت. او همچنین مدت پانزده سال در دانشگاه قاهره به تدریس زبان و ادبیات فارسی، تاریخ و جغرافیای ایران مشغول بود. نشأت در مدت سرپرستی و تدریس خود، چندین کتاب از فارسی به عربی و از عربی به فارسی ترجمه کرد. او همچنین مدتی استاد دانشگاه تهران بود و در دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی تدریس می‌نمود. وی در تهران درگذشت. از آثارش: «آموزگار عربی»؛ «سلسله فلاسفه‌ی ایران در اسلام»، شرح حال غزالی؛ «تاریخ سیاسی خلیج‌فارس»؛ «توحید اهل توحید»، ترجمه؛ «دستور کامیابی»، ترجمه؛ «شرح وقایع زندگانی محمد علی پاشا مؤسس سلسله‌ی خدیویه‌ی مصر»، ترجمه؛ «فن معاشرت»، ترجمه؛ «المعلم الجدید»، به فارسی و عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۱۶/ ۱۲ ،۱۶۵/ ۸)، سواد و بیاض (۵۵۲ –۵۵۱)، شرح حال رجال (۱۲۱/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۵۶، ۲۴۷۱، ۲۰۱۶/ ۲، ۱۴۲۹، ۹۶۴، ۷۱۵، ۶۱/ ۱).

نشاط اصفهانی، شمس الضحی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۹/۱۲۷۸ ش)، نقاش و شاعر، متخلص به شمس و نشاط. وی در تهران متولد شد. پس از گذراندن دوره‌ی ابتدایی و متوسطه، به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و با سمت دبیر هنرهای زیبا در دبیرستانها و هنرستانها به تعلیم هنرجویان پرداخت. او در سال ۱۳۰۵ ش به امریکا مسافرت کرد و در آنجا به دریافت مدال طلا از دانشگاه هاروارد نایل گردید. شمس به زبانهای فرانسه و انگلیسی آشنایی داشت و از بانوان هنرمند در فن نقاشی و خامه‌دوزی بود. از شاعران خوش ذوقی بود که قریحه‌ی شاعری را از پدر ادیب و شاعر خود به ارث برده بود. سروده‌های او حدود دو هزار بیت است. «دیوان» شعر وی منتشر نشده، اما بعضی از شعرهای وی در مجموعه‌ای به نام «اسرار خلقت» چاپ شده است. شرح حال وی در کتابهای «الذریعه» و «تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان» ذیل نشاط آورده شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۵۱۰ –۵۰۹)، الذریعه (۱۱۸۹/۹)، سخنوران نامی معاصر (۲۰۱۳ –۲۰۱۰ /۳)، زنان سخنور (۳۰۲ –۲۸۹ /۱).

نشاط اصفهانی، عبدالوهاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۴ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به نشاط. ملقب به معتمدالدوله. از سادات موسوی بود و در اصفهان به دنیا آمد. وی در زادگاه خود با شعر و ادب فارسی و عربی و دانش‌های مختلف از جمله ریاضی و حکمت الهی و منطق آشنا شد و در هنر خوشنویسی نیز مهارت یافت. او خطوط نستعلیق، شکسته تعلیق و به ویژه شکسته نستعلیق را خوش می‌نوشت و روش درویش عبدالمجید را استادانه تقلید می‌کرد. نشاط یکی از دوستداران سبک بازگشت ادبی بود و در آن زمان که شهر اصفهان مرکز این جنبش و رستاخیز شعر و ادب بود، محفلش مجمع شعرا و ظرفا بود. او در ۱۲۱۸ ق به تهران آمد و به دربار فتحعلی شاه قاجار راه یافت و سمت دبیری و منشی‌گری و لقب معتمدالدوله گرفت و پس از چندی به سرپرستی دیوان رسائل گمارده شد. بیشتر احکام سلطنتی و فرامین رسمی و نامه‌های خصوصی شاه و عقدنامه‌ها و وصیت‌نامه‌های افراد خاندان سلطنت با خط و انشای او تحریر می‌شد و تا پایان عمر عهده‌دار این سمت بود. وی یک باراز طرف شاه به پاریس رفت و به حضور ناپلئون اول رسید. نشاط به بیماری سل در تهران درگذشت. نشاط در سرودن غزل، قصیده، ترکیب بند، مثنوی، قطعه، رباعی و ترانه توانا بود. مجموعه غزل‌ها، قصیده‌ها، مثنوی‌ها، رباعی‌ها، قطعه‌ها و تک بیت‌های او به چاپ رسیده است. او همچنین در سرودن شعرهای عربی و ترکی نیز دست داشت و قصیده‌ها و غزل‌هایی به این دو زبان سرود. معروف‌ترین اثر وی «گنجینه» است که به نام «گنجینه‌ی نشاط» یا «گنجینه‌ی معتمد» نیز شهرت دارد. این کتاب حاوی پنج درج می‌باشد. منشأت و مکاتیب خصوصی، رسمی و حکومتی و فرامینی که برای فتحعلی شاه انشاء شده است بخش مهمی از این اثر را تشکیل می‌دهد. از آنجایی که «گنجینه» پس از مرگ وی جمع‌آوری و تنظیم شده و در هر چاپ این مجموعه تغییراتی نموده است، یک «گنجینه» مدون و یک شکل وجود ندارد. در «الذریعه» در کنار «گنجینه»، «دیوان» شعر و «ساقی‌نامه» نیز به وی نسبت داده شده است.[۱]

میرزا عبدالوهاب ملقب به معتمدالدوله و متخلص به نشاط اصفهانی (و. ۱۱۷۵ ه.ق ۱۷۶۱ م.– ف. ۱۲۴۴ ه.ق ۱۸۲۸ م.) شاعر عهد قاجاریه. وی از سال ۱۲۱۸ ه.ق به بعد در تهران می‌زیست و در دربار فتحعلی‌شاه قاجار صاحبدیوانی رسائل را به عهده داشت. نشاط

در خط و انشاء و اطلاع از فنون ادب مشهور بود. مجموعه‌ی آثارش به نام «گنجینه» شامل پنج «درج» حاوی منشات و قصاید و غزلیات و قطعات و مثنویهای دلکش چند بار به طبع رسیده. نشاط از جمله‌ی بزرگترین شاعران آغاز دوره‌ی قاجار است و اثر نهضت بازگشت ادبی در اشعار وی به کمال آشکار است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۴۱۹ -۴۱۸/ ۱)، از صبا تا نیما (۳۵ -۲۹/ ۱)، تاریخ ادبیات ایران، براون(۲۰۰/ ۴)، تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (۳۷ -۳۶)، حدیقهٔالشعراء (۱۸۸۳ -۱۸۷۱/ ۳)، الذریعه (۴۱/ ۲۳ ،۲۴۸/ ۱۸ ،۱۱۸۹/ ۹)، ریاض‌العارفین (۳۲۰ -۳۱۲)، ریحانه (۱۷۶ -۱۷۵/ ۶)، سبک‌شناسی (۳۳۲ -۳۳۱/ ۳)، سفینهٔالمحمود (۷۴ -۴۹/ ۱)، شرح حال رجال (۳۲۰ -۳۱۸/ ۲)، صبح گلشن (۵۱۸)، طرائق‌الحقائق (۲۷۶ -۲۷۴/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۹۳۲)، گنج سخن (۱۹۶ -۱۸۷/ ۳)، گنجینه دیوان نشاط اصفهانی (۳۰ -۶) لغت‌نامه (ذیل/ نشاط)، مؤلفین کتب چاپی (۳۲ -۳۱/ ۴)، مجمع‌الفصحا (۱۰۶۳ -۱۰۵۴/ ۶)، مصطبه‌ی خراب (۱۸۸ -۱۸۴)، مکارم‌الآثار (۱۲۱۰ -۱۲۰۸/ ۴)، نگارستان دارا (۱۴۱ -۱۳۴).

نشاطی دماوندی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به نشاطی. در ابتدا پیزری یا بیزری تخلص می‌کرد. از بزرگان دماوند بود. مدتی قبل از تحریر «تذکره‌ی نصرآبادی» (تألیف شده در ۱۰۸۳ ق) به اصفهان رفت و در آنجا نیز درگذشت. از آثار وی: منظومه «شهر آشوب»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۲۹)، الذریعه (۱۱۹۰/ ۹)، صبح گلشن (۵۱۸)، فرهنگ سخنوران (۹۳۲)، لغت‌نامه (ذیل/ نشاطی).

نشاطی گرجی اصفهانی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۳۵/ ۱۲۳۴ ق)، شاعر، متخلص به نشاطی. از غلام زادگان صفوی و از طایفه‌ی ساکی لرستان بود. در دوره‌ی فتحعلی شاه (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) می‌زیست. زمانی در اصفهان و گاهی در شیراز به سر می‌برد. نشاطی پس از مرگ برادرش، احمد بیگ اختر، به اتمام تألیف ناتمام او، به نام تذکره‌ی «شعرای دربار فتحعلی شاه» همت گماشت، اما عمر او نیز وفا نکرد و در تهران درگذشت. محمدخان راوی گروسی کار ناتمام وی را به پایان برد و آن را تذکره‌ی «انجمن خاقان» نامید. از دیگر آثار وی «دیوان» شعر است. به آورده‌ی هدایت در «مجمع‌الفصحا»، «دیوان» نشاطی قریب به دو هزار بیت از قصیده و غزل، در بحر متقارب و به خط خودش بوده که هدایت آن را دیده است. صاحب «حدیقهٔالشعراء» تحت عنوان بساطی افشار به شرح حال وی پرداخته و اطلاق نشاطی را به صاحب عنوان که در «مجمع‌الفصحا» آمده به دلایلی نادرست شمرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔالشعراء (۲۳۴ -۲۳۳/ ۱)، الذریعه (۱۱۹۰/ ۹)، ریحانه (۱۷۶/ ۶)، سفینهٔالمحمود (۳۳۷ -۳۳۴/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۹۳۳ -۹۳۲)، لغت‌نامه (ذیل/ نشاطی)، مجمع‌الفصحا (۱۰۴۲ -۱۰۴۱/ ۶)، مصطبه‌ی خراب (۱۹۰ -۱۸۹)، نگارستان دارا (۲۶۳ -۲۶۲).

نشاطی هزار جریبی، عباس

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۳ ق)، شاعر. ملقب به نشاطی خان. در مورد اصل و مولد وی بین تذکره‌نویسان اختلاف وجود دارد. «الذریعه» اصل وی را از سرخ رود، از نواحی دامغان، می‌دانند و گروهی نیز از سرخ ده دانسته‌اند که این ده از توابع سمنان، هزار جریب مازندران و دامغان ذکر شده است. مشار در «مؤلفین کتب چاپی» او را ذیل عباس سمنانی آورده است. وی فتحعلی شاه (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) و محمد شاه قاجار (۱۲۶۴ -۱۲۵۰ ق) را مدح کرده است و با رضاقلی خان هدایت (م ۱۲۸۸ ق) معاصر بوده است. او را از شاعران هجاگوی دربار فتحعلی شاه می‌دانند، اما مراثی و اشعاری نیز در مدح ائمه اطهار (ع) دارد. دیوان بیگی، صاحب «حدیقهٔالشعراء»، مجموعه‌ای از اشعار وی، در حدود شش هزار بیت، را که جمع‌آوری شده بود، دیده است. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ عضدی (۲۴۶)، حدیقهٔالشعراء (۱۸۸۸ -۱۸۸۳/ ۳)، الذریعه (۱۱۹۱ -۱۱۹۰/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۳۳ ، ۹۳۲)، مجمع‌الفصحا (۱۰۷۹ -۱۰۶۴/ ۶)، مصطبه‌ی خراب (۱۹۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۷/ ۳)، نگارستان درا (۱۴۲)، یادگار (س

۵، ش ۱ و ۲، ص ۱۴۱).

نصر المظفر، نصر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۵۳۴ ق)، طبیب و شاعر. معروف به مظفر. مشهور به بلمظفر. از پزشکان معروف روزگار خود و از مشایخ حکمای اسلام بود که در طب و نجوم و کیمیا مهارت داشت. از آثار وی: «مختارات»، در طب؛ کتابی در «نجوم»؛ متفرقاتی در «کیمیا». ابن ابی‌اصیبعه در «عیون الانباء فی طبقات الاطباء» آورده که: خط بلمظفر طبیب را در آخر تفسیر اسکندر افرودیسی در باب کتاب «کون و فساد» ارسطو دیدم که نوشته بود که نزد علی بن العین رزبی درس خوانده‌ام و تاریخ آن کتاب در ۵۳۴ ق بود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ طب (۷۰۳ / ۲)، ریحانه ۲۸۱ / ۱)، عیون الانباء فی طبقات الاطباء (۵۲۷)، معجم‌المؤلفین (۹۲ / ۱۳)، هدیهٔ‌العارفین (۴۹۱/ ۲).

نصر، احمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر احمدرضا نصر در سال ۱۳۳۹ در اصفهان متولد شد. او تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در زادگاهش به پایان رساند و همزمان با دریافت دیپلم در سال ۱۳۵۸، در رشته مهندسی مکانیک دانشگاه علم و صنعت پذیرفته شد.پس از انقلاب فرهنگی و بازگشایی دانشگاه‌ها، در کنار تداوم امور مربوط به دفاع مقدس، با توجه به ضرورت فعالیت در مسائل آموزشی و علاقه شخصی، رشته دانشگاهی خود را به کارشناسی مدیریت آموزشی تغییر داد و در دانشگاه تهران مشغول به تحصیل شد. تحصیلات دوره کارشناسی ایشان در سال ۱۳۶۶ پایان پذیرفت ایشان دورهٔ کارشناسی ارشد خود را نیز در همان رشته و دانشگاه در سال ۱۳۶۹ به اتمام رساند و به عنوان عضو هیأت علمی، فعالیتهای آموزشی و پژوهشی خود را در گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان آغاز نمود. در سال ۱۳۷۱ با پذیرفته شدن در امتحانات اعزام دانشجو به خارج، به کشور استرالیا اعزام شد و دکترای علوم تربیتی را از دانشگاه ولنگنگ آن کشور دریافت نمود. بلافاصله پس از اتمام دوره، در سال ۱۳۷۶ به کشور بازگشت و مجدداً فعالیتهای خود را در گروه علوم تربیتی ادامه داد. پس از گذشت چهار سال، درجه دانشیاری را در کوتاه ترین مدت ممکن، در شهریور ۱۳۸۱ دریافت نمود .این همکاری تا کنون ادامه دارد.گروه : علوم انسانی رشته : علوم تربیتی گرایش : برنامه ریزی درسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : احمدرضا نصر تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در زادگاهش به پایان رساند و همزمان با دریافت دیپلم در سال ۱۳۵۸، در رشته مهندسی مکانیک دانشگاه علم و صنعت پذیرفته شد. تحصیلات دانشگاهی ایشان به قرار زیر است: کارشناسی : مدیریت و برنامه ریزی آموزشی– ۱۳۶۵– دانشگاه تهران–ایران کارشناسی ارشد : مدیریت آموزشی– ۱۳۶۹–دانشگاه تهران– ایران دکترا : علوم تربیتی(برنامه ریزی درسی)– ۱۳۷۶– دانشگاه ولنگونگ– استرالیا خاطرات و وقایع تحصیل : تحصیلات دوره کارشناسی احمدرضا نصر در سال ۱۳۶۶ پایان پذیرفت و موفق به دریافت لوح تقدیر دانشجوی ممتاز دوره از حضرت آیه‌الله خامنه ای، ریاست محترم جمهور وقت شدفعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر احمدرضا نصر در ابتدای ترم دوم تحصیل، با شروع انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه ، در امور تربیتی و آموزشی دبیرستانهای تهران مشغول به کار گردید. با شروع جنگ تحمیلی وارد بسیج شد و مسئولیت برگزاری اردوهای فرهنگی بسیج کل کشور را تا پایان جنگ برعهده گرفت. در مجموع یکسال نیز در جبهه های نبرد حضور یافت . پس از بازگشایی دانشگاه‌ها، در کنار تداوم امور مربوط به دفاع مقدس، با توجه به ضرورت فعالیت در مسائل آموزشی و علاقه شخصی، رشته دانشگاهی خود را به کارشناسی مدیریت آموزشی تغییر داد و در دانشگاه تهران مشغول به تحصیل شد.وقایع میانسالی : احمدرضا نصر دورهٔ کارشناسی ارشد خود را نیز در رشته رشته مدیریت آموزشی در دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۹ به اتمام رساند و به عنوان عضو هیأت علمی، فعالیتهای آموزشی و پژوهشی خود را در گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان آغاز نمود. در سال ۱۳۷۱ با پذیرفته شدن در امتحانات اعزام دانشجو به خارج، به کشور استرالیا اعزام شد و دکترای علوم تربیتی را از دانشگاه ولنگنگ آن کشور دریافت نمود. بلافاصله پس از اتمام دوره، در سال ۱۳۷۶ به کشور بازگشت و مجدداً فعالیتهای خود را در گروه علوم تربیتی ادامه داد. پس از گذشت چهار سال، درجه دانشیاری را در کوتاه ترین مدت ممکن، در شهریور ۱۳۸۱ دریافت نمود . مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فعالیتهای اجرایی، اجتماعی احمدرضا نصر به قرار زیر است: مربی امور تربیتی و مسئول اردوهای دانش‌آموزی منطقه ۱۳ آموزش و پرورش تهران ۶۰–۵۹ مسئول اردوهای فرهنگی بسیج کل کشور و حضور در دفاع مقدس ۶۷–۶۰ قائم مقام مدیر کل آموزش دانشگاه اصفهان ۷۱–۶۹ دبیر انجمن اسلامی دانشجویان خارج از کشور (ولنگنگ استرالیا) ۴–۷۳ عضو شورای بسیج استادان دانشگاه اصفهان از سال ۷۷ تاکنون رئیس هیأت مدیره تعاونی مسکن استادان دانشگاه اصفهان از سال ۷۹ تا کنون معاون آموزشی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اصفهان از مهرماه سال ۸۲ تا مهر ۸۴ مدیر مطالعات و برنامه ریزی آموزشی دانشگاه اصفهان از مهرماه ۱۳۸۴ تاکنون فعالیتهای علمی –اجرایی نماینده شورای دانشگاه اصفهان در شورای پژوهشی دانشگاه ۷۸–۷۷ نماینده شورای دانشگاه اصفهان در شورای آموزشی دانشگاه ۸۱–۷۸ عضو هیأت ممیزه دانشگاه اصفهان ۸۱–۷۹ عضو کمیته ارزشیابی تدریس استادان از سال ۷۷ تا کنون عضو کمیته ارزشیابی مدیران دانشگاه اصفهان ۷۸–۷۷ عضو

شورای سیاستگزاری برنامه‌های درسی دانشگاه اصفهان ۸۲-۷۹ عضو شورای تخصصی و تحصیلات تکمیلی گروه علوم تربیتی از سال ۷۷ تا کنون عضو موقت شورای تخصصی گروه کتابداری دانشکده علوم تربیتی از سال ۱۳۸۳ تا کنون عضو شورای کتاب دانشکده علوم تربیتی از سال ۷۷ تا کنون عضو هیأت تحریریه مجله دانشکده علوم تربیتی از سال۷۹ تا کنون عضو کمیته علمی سمینارهای آزمون ورودی دانشگاه‌ها (کنکور) و استعدادهای درخشان عضو شورا و کمیسیون تخصصی تحقیقات آموزش و پرورش استان اصفهان از سال ۷۷ تاکنون مسئول دفتر هم‌اندیشی استادان دانشگاه اصفهان (زیر مجموعه دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری) از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ عضوگروه اجتماعی مرکز هم اندیشی توسعه استان اصفهان از سال ۱۳۸۳ تا کنون نماینده رئیس دانشگاه اصفهان در کمیته ترفیع اعضای هیات علمی از مهرماه ۱۳۸۴ نماینده شورای آموزشی دانشگاه در شورای دانشگاه اصفهان از مهرماه ۱۳۸۴ دبیر شورای سیاستگزاری آموزشی دانشگاه اصفهان از مهرماه ۱۳۸۴ فعالیتهای آموزشی : دکتر نصر به تدریس دروس روش تحقیق، روش تدریس، برنامه‌ریزی درسی و ارزشیابی آموزشی در مقاطع کارشناسی ، کارشناسی ارشد و دکترا مشغول بوده است.وی علاوه بر تدریس و پژوهش، در سایر فعالیتهای دانشگاهی از قبیل مشارکت در شوراها و کمیته‌های تخصصی نقش فعال داشته و عضو شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان اصفهان نیز می‌باشد.آرا و گرایشهای خاص : زمینه های مورد علاقه : مسائل مربوط به تدریس، ارزشیابی و برنامه ریزی درسی در آموزش عالی و آموزش و پرورش جوائز و نشانها : پژوهشگر نمونه دانشگاه اصفهان در سالهای ۸۱ ، ۸۲ و ۸۴ پژوهشگر برگزیده سازمان ملی جوانان در سال ۱۳۸۲ پژوهشگر برگزیده استان در سال ۱۳۸۴ دریافت یک پایه تشویقی از شورای اعطای نشان دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۸۴ دریافت لوح تقدیر دانشجوی ممتاز دوره کارشناسی از حضرت آیه‌الله خامنه ای، ریاست محترم جمهور وقت چگونگی عرضه آثار : از احمدرضا نصر تا کنون ۷۴ مقاله علمی در مجلات داخلی و خارجی به چاپ رسیده و مقاله های علمی زیادی نیز در سمینارها ارائه کرده است. همچنین، با همکاری تعدادی از اساتید برجسته علوم تربیتی کشور دو جلد کتاب « روش تحقیق کمی و کیفی درعلوم تربیتی و روانشناسی» را ترجمه نموده که توسط انتشارات سمت و دانشگاه شهید بهشتی تهران چاپ شده است. این کتاب توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتابهای برتر و مورد تشویق سال ۱۳۸۲ انتخاب شده و در سالهای ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ با اضافاتی تجدید چاپ گردیده است. کتاب دیگر ایشان با عنوان « راهنمای بهبود تدریس در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی» توسط دانشگاه اصفهان و سازمان سمت به چاپ رسیده است. ایشان دو کتاب دیگر نیز در زمینهٔ برنامه ریزی درسی در دانشگاهها زیر چاپ دارد. با راهنمایی و مشاوره ۲۰ پایان نامه کارشناسی‌ارشد و انجام ۱۱ طرح پژوهشی، در فعالیتهای پژوهشی نیز فعالانه مشارکت داشته است آثار : برنامه ریزی درسی و طراحی درس در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی. ویژگی اثر : نصر، احمدرضا؛ اعتمادزاده، هدایت اله و نیلی، محمد رضا (در دست چاپ).۲ راهنمای بهبود تدریس در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی ویژگی اثر : تالیف-این کتاب توسط دانشگاه اصفهان و سازمان سمت به چاپ رسیده است.۳ روش تحقیق کمی و کیفی درعلوم تربیتی و روانشناسی ویژگی اثر : ترجمه -دو جلدی.این کتاب که توسط انتشارات سمت و دانشگاه شهید بهشتی تهران چاپ شده است. این کتاب توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتابهای برتر و مورد تشویق سال ۱۳۸۲ انتخاب شده و در سالهای ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ با اضافاتی تجدید چاپ گردیده است.۴ یادگیری مادام العمر: نیاز دانشگاه در قرن بیست و یکم. ویژگی اثر : کریمی، صدیقه؛ نصر، احمدرضا و بقراطیان، کاظم(در دست چاپ).

نصر، تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حقوق‌دان.

تولد: ۱۲۸۵، تهران.

درگذشت: آبان ۱۳۶۴، نیویورک.

پس از پایان بردن دوره‌ی مدرسه‌ی دارالفنون جزو دانشجویان اعزامی به فرانسه رفت و در رشته‌ی حقوق به اخذ درجه‌ی دکتری نایل شد و رساله‌ی دکتریش را درباره‌ی «حقوق در عصر ساسانی» نوشت. ضمنا در فلسفه و علوم اجتماعی دارای درجه‌ی لیسانس شد. پس از بازگشت به ایران به استادی دانشکده‌ی حقوق پرداخت و بعد سفرهای متعدد به مأموریت اقتصادی و مالی و نمایندگی سازمان ملل متحد به آمریکا رفت و حدود بیست سال دوره خدمت عمر اداری او در خارج از ایران گذشت. در دولت رزم‌آرا وزیر دارایی بود. مشاغل دیگر او عبارتند از: رییس اداره‌ی اقتصاد، مدیر عامل بانک کشاورزی، مشاور هیئت بازرگانی و اقتصادی در آمریکا، رییس اتاق بازرگانی ایران و آمریکا، متصدی بانک بین‌المللی آمریکا، نماینده‌ی اداره‌ی همکاری‌های فنی سازمان ملل در مصر، رییس سازمان برنامه.

در سال‌های آخر زندگی، به نگارش کتاب ابدیت ایران پرداخت که در دو جلد منتشر شد. آخرین جلد این کتاب را با نام ایران در برخورد با استعارگران منتشر ساخت. از آثار دیگر اوست: دوره‌ی مفصل علم اقتصاد (جلد اول).

از فضلا و دانشمندان ایران، پس از انجام تحصیلات متوسطه و عالی به اروپا رفت و از دانشکده حقوق پاریس درجه دکترا در حقوق و اقتصاد و از سوربن دو دیپلم عالی در علوم اجتماعی و اخلاق و از دانشکده علوم سیاسی درجه لیسانس گرفت. بعد از مراجعت به ایران سالها در دانشکده حقوق به تدریس اشتغال داشت و در وزارت دارایی نیز منشأ خدماتی گردید. اهم مشاغل وی عبارتست از: ریاست بانک کشاورزی ایران، مدیر عامل سازمان برنامه، وزیر اقتصاد ملی در کابینه ساعد و در ۱۳۲۹ در کابینه رزم‌آرا به سمت وزیر دارائی معرفی شد، ولی عملا وزارت را رها ساخت. دکتر نصر غالب عمر خود را در خارج از ایران گذرانید.

مـدتها نماینـده وزارت دارایی در دول متحده آمریکا و عضو هیئت مدیره بانک بین‌المللی و سالها از کارمندان عالیرتبه سازمان ملل متحـد و در چنـد سال اخیر مشاور عالی آن سازمان در امور اقتصاد صـنعتی بوده است. وی دارای تألیفات متعددی است که از جمله بایـد دوره مفصل علم اقتصاد به فارسـی و تاریـخ حقوق ایران از ابتـدا تا هجوم عرب را نام برد. دیگر از نوشـته‌های او کتاب ابـدیت ایران می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

نصراللهی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا نصراللهی

محل تولد : دهاقان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۳/۱۴

زندگینامه علمی

بعد از اتمام دوره دبیرسـتان با ورود به حوزه علمیه قم؛ «مدرسه حقانی» و افتخار شاگردی نزد شهید قدوسی و شهید بهشتی و اساتید آن مـدرسه، بـا آشـنایی بـا علوم حوزوی، کار تحقیقاتی، علمی خود را با مطالعه کتب اسـتاد مطهری و برخی بزرگان دیگر از قبیل: دکتر شـریعتی، سـروش، بازرگـان و افرادی که داعیه روشـنفکری داشـتند و ضـمن انتقاداتی که به اینها به ذهنم می رسـید و حاشـیه نویسـی را در کتابهام نوشـتم تا کم کم خورشـید انقلاب اسـلامی توسط حضرت امام خمینی (روحی فدا) و یاران باوفایش در عصر الکترونیکی و کفر مادیت و نظام های امپریالیستی، سوسـیالیستی و مکاتب دیگر طلوع کرد و با جهانی شدن انقلاب عصـر آگاهی و بیداری در همه ابعاد، زمینه طوفان به وجود آورد که هر جا را به حرکت واداشت.

با این جرقه ها کم کم احساس نیاز هر انسان به آشـنایی با زنـدگی اسـلامی، زندگی اخلاقی و زندگی معنوی همراه با بینش علمی، سیاسی، حقوقی و احساس مسئولیت به عنوان یک طلبه واقعی و سرباز اسلام و انقلاب، مسئولیت های ما را دو چندان کرد تا خود را مسلـح به انواع سـلاحات مـدرن روز کرده و اسـلام یک بعـدی دیروز را در همه ابعاد به جهان عرضه کنیم. امروز که مسـیحیت ۳۰ هزار کانال تبلیغ مسیحیت می کنند با همه وجود، آیا سهم ما جایگاه ما کجاست؟ ما برای اسلام با آن همه تمدن تفکر پیشرفت چه کرده ایم؟ حوزه های ما حوزویان ما و اساتیـد ما بزرگان ما چه کرده انـد؟ اگر ما هزار نفر امثال امام خمینی (سـلام الله علیها)، امثال شهید مطهری ها، شـهید بهشتی ها و امثال مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) داشـته باشـیم؛ چه اشـکالی دارد. دانشـگاههای ما در قبال مطالب فوق چه کرده اند؟ متاسفانه باید سربه زیر انداخت.

سال ۵۷ به حوزه علمیه قم آمدم تا سال ۱۳۵۹. بعد برای تکمیل دوره علمی سطح به مشهد هجرت نموده و از محضر اساتید معروف آنجـا کسب علم نموده تا سال ۱۳۷۳ بـاز به قم مراجعت نموده و تا ۱۳۸۷ افتخـار طلبگی در این حوزه را دارم. از سـال ۵۹ با شروع جنـگ تحمیلی خود را به لشـکر ۷۷ خراسـان و تیپ قمر بنی هـاشم معرفی و از همـان آغـاز، برای انجـام رسـالت تبلیغی دوشادوش رزمندگان به جبهه شـتافتم. بعد به لشکر ۵ نصـر و همچنین لشکرهای ۲۷ رسول الله و لشکر ۸ نجف اشـرف و ... خلاصه زندگی ما سراسـر علم و تلاش است و زنـدگی ما بخشـی از حوزه و دانشـگاه و باید دائماً یا کار اسـتادی کنیم یا کار طلبگی و دانشـجویی. از خداوند موفقیت همه را خواستاریم.

نصرآبادی جرقویه‌ای، اشرف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا یوسف. ادیب شاعر، در سال ۱۳۳۹ وفات یافته، در تخت فولاد جنب فاضل هندی مدفون شد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نصرآبادی مؤمن، مؤمن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یـازدهم ق)، شاعر. پـدر صاحب عنوان، بنا به گفته‌ی نصـرآبادی از خویشان نصـرآبادی است. میرزا مؤمن در علم سـیاق اسـتاد

بوده و مدتی نویسنده‌ی وجوهات اصفهان بود و بعد از آن مستوفی لاهیجان شده که پس از مدتی پرداختن به این شغل، از آن استعفا داده و عزلت گزیده است. صاحب «تذکره‌ی نصرآبادی» می‌گوید: در نظم و نثر طبعش خالی از لطفی نیست. از اوست:

چشم هرکس روشنی از خاک کوی دوست یافت

می‌تواند هر دو عالم را به یک دیدن گرفت

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۵۳)، الذریعه (۱۱۲۶/ ۹).

نصرآبادی، اسماعیل

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط و شاعر. وی عمه‌زاده میرزا محمد طاهر نصرآبادی است. صاحب «تذکره‌ی نصرآبادی» درباره‌ی او می گوید که از کمالات فی‌الجمله بهره‌ای داشت، چنانچه شکسته را خوش می‌نوشت و طبع نظمی هم داشت. چون عمویش، میرزا غیاث، ملازم شاهزاده خرم (شاه جهان) بود، به هند رفت و ملازم مهابت خان شد و در اوایل جوانی در آنجا درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۵۳/ ۴)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۵۵ -۴۵۴)، کاروان هند (۵۴ -۵۳/ ۱).

نصرآبادی، امین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، منجم و خطاط. وی دایی‌زاده‌ی میرزا محمدطاهر، مؤلف «تذکره‌ی نصرآبادی» است و علی‌رغم آن که معلم نداشت در حساب و نجوم مهارت یافت. شخصی صالح و مقید بود. در لغز و معما مهارت داشت و در تاریخ اتمام یک نسخه‌ی شش دفتر «مثنوی» مولانا که خود کتابت کرده است، مصراعی سروده که در حقیقت از عجائب است و چهار تاریخ از آن برمی‌آید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۰ -۷۹ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۲۸/۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۸۶، ۴۵۴ -۴۵۳)، الذریعه (۱۰۵/۹)، ریحانه (۱۷۹ -۱۷۷ /۶)، فرهنگ سخنوران (۹۷).

نصرآبادی، بدیع الزمان

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا طاهر نصرآبادی، شاعر و ادیب، در تاریخ گویی و معمّا مهارت داشته است، منصب ملک الشعرایی شاه سلطان حسین صفوی را داشته، و در ۱۱۲۰ و اندی به سنّ بیشتر از هفتاد سال در اصفهان وفات یافته ست.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نصرآبادی، شمس الدین محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل، و حکیم کامل بوده، در ۱۱۵۰ وفات یافته، قبرش در وسط قبرستان طوقچی قرار داشته که اکنون از بین رفته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نصرآبادی، طاهر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مؤلّف تذکره نصرآبادی. شاعر فاضل ادیب، از شاگردان علّامه آقا حسین خوانساری است.

مشارالیه به مناسبت تألیف تذکره شعرا که در آن نام تقریباً هزار نفر از شعرا ثبت است خدمتی شایان به ادبیّات و تاریخ نموده است.

در ۱۰۲۷ متولّد و در ۱۰۸۳ کتاب خود را تألیف نموده، و شاید تا حدود سال ۱۲۰۰ زنده بوده است.

قبرش در مقبره‌ای در نصرآباد است که معروف به مقبره میرزاها می‌باشد.

از اشعار اوست که در توحید گفته:

ای ز گل تازه و تر شاخسار

حمد تو گوید همه بر شاخسار

مهر و مه از پرتو تو با چراغ

از تو چه فردوس و چه صحرا چه باغ

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نصرآبادی، عبدالوهاب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم زاهد، از شاگردان آقا سید محمدباقر درچه‌ای و حاج سید مهدی نحوی بوده، در ۱۰ رجب ۱۳۳۸ وفات یافته، در جنب قبر استاد خود جهانگیرخان مدفون شد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

نصرآبادی، محمد طاهر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۲۷– ز ۱۰۸۳ ق)، تذکره‌نویس، ادیب و شاعر. وی در نصرآباد که دهی است از دهستان ماربین، واقع در نیم فرسنگی اصفهان، به دنیا آمد. نسب او از طرف پدر به میرزا صالح اصفهانی می‌رسد. در هفده سالگی پدر خود را از دست داد و دیگر نتوانست به تحصیل ادامه دهد. بیشتر اوقات خود را در اصفهان در قهوه‌خانه‌ای که مجمع شعرا و ادبا بود، می‌گذراند و در پرتو معاشرت با آنان با فنون نظم و نثر آشنایی پیدا کرد. وی از محضر آقا حسین خوانساری (م ۱۰۹۹/ ۱۰۹۸ ق) بهره‌مند شد. شهرت نصرآبادی به دلیل مهارت در ساختن ماده تاریخ است. تاریخ ساختن عمارت هشت‌بهشت و تاریخ فوت کاشفای شاعر از ماده تاریخ‌هایی است که او سروده است. وی دارای ذوق سرشار و طبع روانی بود و به سبک عصر صفوی و پیروی از بزرگانی همچون صائب تبریزی و کلیم کاشانی شعر می‌سرود. گوینده وی در پی منصب و مقام نبود و از راه کشاورزی امرار معاش می‌کرد و به همین سبب مورد احترام صاحبان مقام و منصب و بخصوص شاه سلیمان صفوی (۱۱۰۵ –۱۰۷۷ ق) بود. وی به مشهد و عتبات عالیات مسافرت کرد و پس از بازگشت به اصفهان، سالها محل تجمع او و دوستانش قهوه‌خانه و سپس مسجد لنبان بود. او در اصفهان درگذشت و قبرش در مقبره میرزاها می‌باشد. مهم‌ترین اثر وی «تذکره‌ی نصرآبادی»، در احوال شعرای عهد صفوی است که به نام شاه سلیمان صفوی نوشته شده و در ۱۰۸۳ ق تألیف آن آغاز گردیده و به آورده‌ی تذکره‌ها در ۱۰۹۰ یا ۱۰۹۱ یا ۱۱۱۵ به پایان رسیده است. از دیگر آثارش: «گلشن خیالات»؛ مکتوبی که نصرآبادی به میرزا قاسم خلوت‌نشین، از رجال متعین عهد شاه سلیمان، نوشته است. گفته می‌شود «دیوان» شعری نیز داشته، ولی در حال حاضر تنها از اشعار او آنچه در تذکره‌اش نوشته است، در دسترس می‌باشد.[۱]

محمدطاهر (و. ۱۰۲۷ ه.ق) از ادبا و شاعران قرن یازدهم هجری است و در زمان شاه سلیمان صفوی می‌زیسته و پیرو سبک صائب تبریزی بود. از آثار منظوم او قطعه شعری است که به مناسبت ساختن توپ در سال ۱۰۸۲ هجری سروده و تمام مصرعهای آن به حروف ابجد با عدد ۱۰۸۲ تطبیق می‌کند. سال وفاتش درست معلوم نیست و محتمل است که اوایل قرن دوازدهم هجری را نیز دیده است. قبر او در نصرآباد در مقبره‌ی کوچکی که مقبره‌ی میرزاهاست قرار دارد. وی صاحب تذکره‌ای است از شاعران که به تذکره‌ی نصرآبادی مشهور است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۸۷ –۱۷۸۴/ ۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۰۶ –۳۹۷/ ۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (مقدمه، ۴۹۱ –۴۸۷، ۴۶۸ –۴۵۷)، الذریعه (۲۲۶/ ۱۸، ۱۱۹۱، ۶۴۳/ ۹، ۳۷ –۳۶/ ۴)، ریحانه (۱۸۳ –۱۷۶/ ۶)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۰۶)، لغت‌نامه (ذیل/ نصرآبادی)، معجم‌المؤلفین (۱۰۲/ ۱۰)، یادگار (س ۲ ش ۴، ص ۵۰ –۴۷).

نصرت اردبیلی، نصراللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۷۲/ ۱۲۷۱ ق)، شاعر، متخلص به نصرت. ملقب به صدرالممالک. در اوایل عمر جهت تحصیل از اردبیل به اصفهان رفت و مدتی را صرف فراگیری علوم رسمی کرد و سپس به تصوف تمایل نشان داد و به خدمت حسین علیشاه رسید. بعد از مرگ محمد شاه قاجار و وزارت امیر کبیر، نصرت به قم فرستاده شد و بعد از شورش سربازان در تهران، وی را به همراه هواخواهانش به کرمانشاهان تبعید کردند. جنازه وی بعد از مرگ به نجف اشرف منتقل و به خاک سپرده شد. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔالشعراء (۱۸۹۳ -۱۸۸۹/ ۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۷۶ -۳۷۵)، الذریعه (۱۱۹۱ ،۶۰۵/ ۹)، شرح حال رجال (۳۳۷ -۳۳۶/ ۴)، طرائق‌الحقائق (۲۴۲ -۲۴۰/ ۳)، مجمع‌الفصحا (۱۰۴۰ -۱۰۳۷/ ۶).

نصرت خراسانی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۳۴ -۱۲۵۱ ش)، شاعر، متخلص به نصرت. مشهور به منشی‌باشی. در اصفهان به دنیا آمد. نسبش از طرف پدر به میرزا حسن خوشنویس کرمانی و از طرف مادر به معتمدالدوله نشاط می‌رسد. در کودکی به مشهد رفت و پس از طی تحصیلات مقدماتی، علم فقه را نزد میرزا حبیب مجتهد شهیدی و علم کلام را از محضر محمد صادق حکمی سبزواری و حکمت را نزد میرزا محمدعلی فاضل و غلامحسین شیخ‌الاسلام و میرزا محمد خادم‌باشی فراگرفت و در فقه و کلام و حکمت و ادبیات به درجه‌ی کمال رسید. سپس وارد خدمات دولتی شد و به همراه محمدتقی میرزا رکن‌الدوله، برادر ناصرالدین شاه، به شیراز و پس از آن با سمت رئیس دفتری به همراه محمدتقی میرزا به مشهد رفت. او همچنین مدتی حاکم کاشمر و درگز بود. استادانی از جمله: بهار، فرخ، شکسته و دانش از شاگردان وی بودند. او سرانجام در مشهد درگذشت. از آثارش: مثنوی «فروزنده»، بر وزن «حدیقه» سنایی؛ «فرازنده»، در رد فرقه‌ی بهائیه؛ «جامع المتفرقهٔ» یا «جامع المتفرقات»، به سبک «کشکول» شیخ‌بهائی؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۱۰۹۷)، الذریعه (۲۵۷/ ۱۹ ،۱۸۴/ ۱۶ ،۱۱۹۲/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۶۴۹ -۳۶۴۵/ ۶)، شرح حال رجال (۱۴۰ -۱۳۹/ ۵)، صد سال شعر خراسان (۵۷۲ -۵۶۵)، یغما (س ۸ ش ۴، ص ۱۸۳ -۱۸۱).

نصرت طالشی گیلانی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. اهل طالش گیلان بود و در تهران نشو و نما یافت. پدرش بزرگ غلامان محمدقاسم خان، پسر امیر سلیمان خان اعتضادالدوله، و خود وی نیز از خادمان او بود. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔالشعراء (۱۸۹۵ -۱۸۹۳/ ۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۷۶)، الذریعه (۱۱۹۴/ ۹)، سفینهٔالمحمود (۶۸۰ -۶۷۹/ ۲)، مجمع‌الفصحا (۱۰۸۲ -۱۰۸۰/ ۶)، مصطبه‌ی خراب (۱۹۸ -۱۹۷)، نگارستان دارا (۱۴۳ -۱۴۲).

نصرت‌الدوله قاجار، فیروز

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۸۲ ق)، خطاط. ملقب به نصرت‌الدوله. وی نستعلیق را خوش می‌نوشت. از آثار او: یک مرقع مشتمل بر سی رقعه، به قلم پنج دانگ متوسط، با رقم: «حرره فیروز قاجار الملقب بنصرهٔالدوله، روز شنبه‌ی شهر رجب سنه‌ی ۱۲۸۲».[۱]

نصرهٔالدوله فیروز میرزا وزیر مالیه‌ی ایران در سال ۱۳۰۹ و نخستین وزیری است که در دوره‌ی مشروطیت به موجب قانون محاکمه‌ی وزیران محاکمه شد. او چندی زندانی و بعد تحت نظر بود و هنگامی که فوت کرد نیز در سمنان تحت نظر بود.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۹۴۱/ ۳).

نصرتی، علی اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اصغر نصرتی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۳۹ در روستای «حسین‌آباد پشت بسطام» از توابع شاهرود و در خانواده‌ای مذهبی، کشاورز و دامدار. قبل از آغاز

تحصیلات کلاسیک در ۵ سالگی به مکتب‌خانه رفتم و قرآن را فرا گرفتم و با خواندن آشـنا شدم. تحصیلات ابتدایی را تا پنجم در روسـتا با موفقیت و شاگرد اولی در کلاس‌ها گذرانـدم. از کودکی علاقه وافری به روحانیت و مباحث دینی داشـتم. دوره تحصـیلی راهنمایی را در «علی‌آباد کتول» گذراندم و هر ساله در رده دانش‌آموزان ممتاز مدرسه قرار داشتم.

در جلسات مذهبی شـرکت می‌نمودم با اندیشه‌های حضـرت امام، جزوه ولایت فقیه و آثار دکتر شـریعتی آشنا شدم. در این زمان به مطالعه کتاب به ویژه کتاب‌های مذهبی پرداختم. جهت ادامه تحصـیل به شـهر شاهرود عزیمت نمودم و در رشـته ریاضی فیزیک در دبیرسـتان ادامه تحصـیل دادم. در کنـار دروس دبیرسـتان، فعـالیت مـذهبی بـا جمع‌هـای دانش‌آموزی را آغاز کردم و با انـدیشه‌های انقلابی و آشنا، همراه گردیدم. به کمک دوستان روزنامه‌های دیواری با رویکرد مذهبی انقلابی تنظیم می‌کردیم و در سالهای ۵۶ و ۵۷ در پخش اعلامیه و شب‌نامه شرکت می‌کردم و با جریان‌های هوادار انقلاب همراهی و همگامی داشتم.

در سـال ۵۷ در کنکور علوم انسـانی شـرکت نمودم و در رشـته «علوم سیاسـی» دانشـگاه تهران قبول شـدم. ولی در عمـل تـا پیروزی انقلاب درس‌هـا تعطیـل گردیـد، بلافاصـله پس از پیروزی انقلاب با آغاز به کار دانشـگاه‌ها به دانشگاه وارد شـدم و در جمع‌های مـذهبی، همگـام بـا انقلاب اسـلامی علیه جریان‌های نفاق، چپ و لیبرال قرار گرفتم. در ایام انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشـگاه در آموزش و پرورش «بسطام» به عنوان معلم دوره راهنمایی به تدریس در روستا پرداختم. (به مدت دو سال)

در سال ۱۳۶۱ به قم عزیمت کردم و دروس علـوم اسـلامی را به صـورت آزاد آغـاز کردم. پس از بازگشـایی دانشـگاه بـا مشـورت حضـرت «آیت الله راستی» همزمـان دانشـگاه و حوزه را ادامه دادم و در سـال ۱۳۶۳ به حوزه درس مرحوم «سـید منیر الدین حسـینی شیرازی» پیوسـتم. دروس خارج فقه و اصول را نزد حضرات آیات: «راستی کاشانی»، «جوادی آملی»، «فاضل لنکرانی» و «میرزا جواد آقای تبریزی» به مـدت ۱۲ سال گذرانـدم و در سال ۱۳۸۳ در جهت تحقق فرمـایش مقـام معظم رهبری؛ مبنی بر لزوم ایجاد نهضـت نرم‌افزاری، در مجموعه دفتر تبلیغـات اسـلامی اقـدام به تأسیس دفتر جنبش نرم‌افزاری نمودم و مـدیریت آن را برعهـده گرفتم که به نوبه خود در ایجاد فضای باز فکری و گسترش آزاداندیشی و روحیه نقد و نظریه‌پردازی تأثیر قابل ذکری گذاشته است.

نصفت، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصـیلات عالی در شهر ژنو سوئیس از سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۴۰، تحصـیل و تحقیق در دانشگاه ژنو و سازمانهای علمی و بین‌المللی واقع در شهر ژنو و در بعضی از کشورهای اروپای غربی.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

روانشناسـی، آمـار، زیست‌شناسـی، جامعه‌شناسـی و علـوم تربیتی، کـاربرد و ارزیـابی و برنـامه‌ریزی رشته‌های مختلف روانشناسـی، زبان‌شناسـی، آموزش و پرورش، رشد و بهداشت کودکان، واژه‌شناسی و واژه‌گزینی روانشناسی، بررسی ریشه‌شناختی و آواشناختی واژگان فارسی امروزی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵۰ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

ابداع:

اختراع و آماده‌سـازی ابزارهـای انـدازه‌گیری کنشـها و توانه‌هـای روانی که عموماً آزمون نامیـده می‌شونـد، آماده‌سازی و ابزارسازی آزمونهای سنجش روانی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

روانشناسـی، روش‌شناسـی (متدولوژی)، علوم تربیتی و علوم اجتماعی به زبانهای فارسی و خارجی. (تعداد کل اعم از رساله یا مقاله به فارسی یا انگلیسی یا فرانسه حدود ۶۰ عنوان است)

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

روانشناسی، روش‌شناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی به زبانهای خارجی و فارسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نصیب اصفهانی، طالب

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به نصیب. وی بعد از فوت پدرش به تجارت پرداخت. به هندوستان مسافرت کرد و در زمان تألیف «تذکره‌ی نصرآبادی» (۱۰۸۳ ق) در آن دیار به سر می‌برد. اشعاری از وی در تذکره‌ها نقل شده است. از اوست:

از صفیر بلبلی پژمرده گردد گلشنم

پای موری گر به سنگ آید بسوزد خرمنم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۶۰)، الذریعه (۱۱۹۵/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۳۵)، کاروان هند (۱۴۳۶ -۱۴۳۵/ ۲)، کلمات الشعراء (۱۸۶)، گلزار جاویدان (۱۶۳۱ -۱۶۳۰/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ نصیب).

نصیب قزوینی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر و مورخ. وی از احفاد و بازماندگان دولتشاه سمرقندی، مؤلف «تذکرةالشعراء»، و از امرای دربار اکبر شاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) بود. وی در تاریخ دست داشت. برخی نام او را نقیب‌خان نوشته‌اند. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۶۲)، الذریعه (۱۱۹۶/ ۹)، صبح گلشن (۵۲۰)، فرهنگ سخنوران (۹۳۵)، لغت‌نامه (ذیل/ نصیب قزوینی).

نصیبی کرمانشاهی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۱ ق)، شاعر. ملقب به فخرالشعراء وی از کردان کرمانشاهان بود و لقبش را از فتحعلی شاه گرفت. در اواخر عمر به هندوستان مهاجرت کرد و در شهر لکنهو اقامت گزید و در همان جا درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۱۹۶ / ۹)، ریحانه (۱۸۵ / ۶)، صبح گلشن (۵۲۱ -۵۲۰)، فرهنگ سخنوران (۹۳۵)، لغت‌نامه (ذیل/ نصیبی).

نصیبی یزدی، حسین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۱۴ ق)، شاعر، متخلص به نصیبی. معروف به اسعدالحق یا سعدالحق. در موطن وی بین تذکره‌نویسان اختلاف است، بعضی موطن وی را ری و عده‌ای یزد ذکر کرده‌اند. صاحبان «تاریخ نظم و نثر»، «صبح گلشن» و تذکره‌ی «سخنوران یزد»، او را از سادات نوربخشی نطنز می‌دانند. وی به قصد تحصیل از موطن خود به شیراز رفت و در جرگه‌ی شاگردان علامه‌ی دوانی (م ۹۱۸/ ۹۰۸ ق) درآمد و پس از وفات استادش در حالی که در علوم و فنون صاحب کمال شده بود، به وطن بازگشت «و دیوان» شعر خود را که در حدود هفت یا هشت هزار بیت می‌شد، مرتب و مدون کرد و در آنجا درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۳ -۱۱۲/ ۳)، تاریخ نظم و نثر (۶۶۱) تحفه سامی (۷۱ -۷۰)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۳۲۶ -۳۲۴)، الذریعه (۱۱۹۷/ ۹)، ریحانه (۱۸۴/ ۶)، صبح گلشن (۵۲۱)، فرهنگ سخنوران (۹۳۶)، لغت‌نامه (ذیل/ نصیبی).

نصیر تنکابنی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، طبیب و شاعر. اهل تنکابن و داماد علامه شیخ حسین تنکابنی بود. در زمان تألیف «تذکره‌ی نصرآبادی» (۱۰۸۳ ق) به اصفهان رفت و در مسجد لنبان با میرزا طاهر نصرآبادی ملاقات کرد. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

دل منبع حصول جمیع مطالب است

ای راهرو چرا نفتادی به پای دل

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی ۲۰۲ -۲۰۱)، الذریعه (۱۱۹۸/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۳۶)، گلزار جاویدان (۱۶۳۴/ ۳).

نصیر شیرازی، ابراهیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به نصیر. مردی درویش مسلک بود و در خدمت نجفقلی خان، فرزند امامقلی خان حکمران فارس، به سر می‌برد. وی با نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) معاصر بود. نصیر قصایدی در مدح ائمه اطهار (ع) سروده است. از اوست:

در مصاف عاشقی فرهاد، مزدور من است

بیستون، سنگ به راه افتاده‌ی زور من است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۸۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۶۸ -۶۶۷ / ۴)، الذریعه (۱۱۹۸ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۳۷)، گلزار جاویدان (۱۶۳۴/ ۳).

نصیر، حافظ ملکی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، خطاط. و شاعر. وی برای دیدار یاقوت به بغداد رفت و نزد او به مشق و تعلیم پرداخت، سپس به ایران آمد و زبان فارسی را فراگرفت و اشعار فارسی سرود. وی همچنین در خط نسخ و ثلث استاد بود. از خطوط او: «دیوان» حضرت علی بن ابی‌طالب (ع) به قطع بغلی خشتی، جلد روغنی جدید ناصری، دو صفحه‌ی اول مذهَّب و به خط نسخ ثلث آمیز یاقوتی کتابت خفی عالی، با رقم: «کتبه اضعف عباداللّٰه الغنی نصیر الحافظ الملکی... فی شهور سنهٔ اثنین و خمسین و ثمانمائهٔ» (۸۵۲).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۲۲/۴).

نصیرا

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اهالی قزوین بوده، در اصفهان خدمت علامه آقا حسین خوانساری، و مولی محمد مؤمن تبریزی، و درویش طفیل یزدی تحصیل نموده، در حساب و معما و لغز، صاحب ربط بوده. در ۱۰۷۹ وفات یافته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

نصیرالاسلام دارابی، زکریا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زکریا انصاری نودایجانی دارابی ملقب به (نصیرالاسلام) و معروف به شیخ بزرگ فرزند حاج شیخ عبدالرحمن زاهد (جد استاد حاج شیخ یحیی انصاری معاصر) از فضلاء گذشته داراب بوده است وی در سال ۱۲۷۹ شمسی در نودایجان سرکوه از محال داراب متولد شد و پس از تحصیل علوم متداوله عصر به مأموریت از جانب مرحوم آخوند خراسانی و آقا شیخ عبداللّٰه مازندرانی و حاج میرزا حسین خلیلی و آیت‌اللّٰه لاری در شهرستانهای داراب و فساولارونی‌ریز بر علیه مستبدین قیام نموده و هم در رکاب آیت‌اللّٰه حاج سید عبدالحسین لاری به شیراز آمده و در همه جا مبارزه نموده و از طرف مرحوم آخوند ملا محمدکاظم خراسانی ملقب به نصیرالاسلام گردیده تا در یکی از مضافات داراب بنام (لای گردو) بدست دو نفر از منحرفین فرقه ضاله بهائیه خذلهم اللّٰه بنام یوسف و جعفرقلی در سن پنجاه و دو سالگی مقتول و جنازه‌اش حمل به زادگاهش نودایجان و در مقبره خانوادگی (مشایخ انصاری) مدفون گردیده است رحمهٔ‌اللّٰه‌علیه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

نصیرالاسلامی، فضل‌اللّٰه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فضل‌اللَّه (نصیرالاسلامی) اراکی از علماء مبرز و محترم معاصر اراک است.

وی در جاپلق متولد شده و پس از پرورش به اراک مهاجرت و به تحصیل علوم دینی پرداخته و متون فقه و اصول و خارج آن را از علماء و دانشمندان بزرگ اراک مانند مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمد سلطان و مرحوم آیت‌اللَّه حاج‌آقا مصطفی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج‌آقا حسن فرید محسنی و دیگران استفاده نموده و پس از فوت مرحوم حاج میرزا جعفر به اداره امور مدرسه حاج ابراهیم منصوب و اشتغال یافته و تا حال حاضر در آنجا به تدریس و تربیت طلاب اراک و اقامه جماعت در مسجد آن موفق می‌باشند.

نگارنده گوید: معظم‌له از دانشمندان موصوف به فضل و تقوای اراک و مورد علاقه و ارادت مرحوم آن سامان می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نصیرالدین محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۸۰۵ ق)، مذهب و خطاط. وی سرپرست مذهبان و نقاشان و خوشنویسان و دیگر هنرمندان کتابخانه‌ی دربار ابراهیم سلطان، فرزند شاهرخ بود. ابراهیم سلطان مقام هنر او را ارج نهاده و فرمانی در ۸۰۵ق درباره‌ی کلانتری نصیرالدین محمد صادر نموده که این فرمان در «منشآت» شرف‌الدین علی یزدی قید گردیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۴۲/ ۳)، احوال و آثار نقاشان (۱۳۹۲ -۱۳۹۱/ ۳).

نصیری امینی، مجدالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۸ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به مجدی. در تهران به دنیا آمد. پدرش از دانشمندان و خوشنویسان زمان خود بود و طبع شعری هم داشت و دانش تخلص می‌کرد. مجدالدین پس از فراگیری علوم ادبی و زبان فرانسه، چندی معلم زبان در مدرسه آلیانس فرانسه بود و به دلیل تخصص در شناسایی کتب و انواع عتیقات، کتابخانه معارف و اداره‌ی عتیقات به او سپرده شد. نصیری همچنین مدت‌ها در دبیرستان دارالفنون به تعلیم خط و ابیات مشغول بود. وی در نوشتن اقسام خطوط از جمله، کوفی، محقق، ریحان، ثلث، نسخ، توقیع، رقاع، تعلیق، نستعلیق و شکسته نستعلیق استاد بود و در شعر و ادبیات نیز دست داشت و «دیوان» شعری در حدود چهار هزار بیت دارد. از دیگر آثارش: رساله‌ی «کلید نگارش»، در اقسام خطوط اسلامی، با ذکر اسامی بعضی از اساتید هنر خط؛ «احیاءالرسوم»، شامل انواع خطوط که در ۱۳۳۷ ق تألیف کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (۱۲۱ -۱۱۷).

نصیری طوسی، محمد تقی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند عبدالحسین. از علمای قرن یازدهم هجری در اصفهان است که نسب او به شیخ طوسی، ابو جعفر محمّد بن حسن می‌پیوندند.

عالم فاضل زاهد عابد، مؤلّف کتابی است به نام: ۱- العقال فی مکارم الخصال، فارسی. تاریخ اتمام تألیف: یک شنبه ۲۸ ربیع الثانی ۱۰۸۰ در اصفهان می‌باشد. ۲- المبدأ و المعاد ۳- تحریر و تلخیص اخلاق ناصری تألیف خواجه طوسی ۴- [لب الاباب].

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نصیری مقدم، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: کشاورزی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

نصیری منشی، محمد کاظم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط. از خوشنویسان زبردست شکسته تعلیق بود. از آثار وی: قطعه‌ای از یک مرقع، به قلم نیم دو دانگ جلی، با رقم: «کمترین غلامان محمد کاظم نصیری منشی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۷۳/ ۴).

نصیری، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۱ ق)، عالم دینی و مدرس. در سراب آذربایجان به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات در خدمت پدرش، در ۱۳۴۹ ق به قم رفت. دروس سطح را در محضر آیت‌اللَّه میرزا محمد همدانی و ادیب تهرانی و آیت‌اللَّه حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و حاج مولانا تبریزی و آیت‌اللَّه فاضل موحدی لنکرانی و آیت‌اللَّه زنجانی و معقول را نزد امام خمینی فراگرفت. وی از ۱۳۵۶ تا ۱۳۷۱ ق در درس فقه و اصول آیت‌اللَّه سید محمد حجت شرکت نمود و حدود هجده سال نیز در محضر آیت‌اللَّه بروجردی تلمذ کرد. او پس از درگذشت استادش، آیت‌اللَّه بروجردی، از محضر آیت‌اللَّه مرعشی نجفی نیز استفاده نمود و از خواص آیت‌اللَّه مرعشی گردید. پس از رسیدن به درجات علمی بالا، در قم به تدریس سطوح عالی پرداخت. از آثارش: «تقریرات و دراسات» آیت‌اللَّه حجت شامل: رساله‌ی «ترتب»، رساله‌ی «اجتماع امر و نهی»، رساله‌ی «لباس مشکوک»، «قاعده‌ی لا ضرر» و متفرقات دیگر.[۱]

آقای حاج میرزا صادق نصیری از علماء اعلام و دانشمندان عالی مقام حوزه علمیه و اصحاب و حواریین مخصوص آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله العالی است.

در سال ۱۲۹۱ شمسی در سراب آذربایجان متولد شده و پس از رشد و خواندن دروس مقدماتی و بعضی از کتب عربی در خدمت والد خود در سال ۱۳۴۹ ق مهاجرت به قم نموده و دروس سطح را از مدرسین بزرگ چون مردم آیت‌الله میرزا محمد همدانی و مرحوم ادیب تهرانی و آیت‌الله حاج شیخ عباس علی شاهرودی و حاج مولینا تبریزی و مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی و آیت‌الله زنجانی فراگرفته و معقول را خدمت آیت‌الله العظمی حاج‌آقا روح‌الله تلمذ نموده و از سال ۱۳۵۶ ق تا سال ۱۳۷۱ ق مرتبا به درس فقه و اصول مرحوم آیت‌الله العظمی حجت رضوان‌الله علیه حاضر شده و در حوزه آن مرحوم مشار بالبنان گردیده و حدود ۱۸ سال هم از درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی بهره‌مند و پس از فوت آن مرحوم بسیدنا الاستاد آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله پیوسته و تا حال حاضر از رفقا و اصحاب خاص معظم‌له می باشد و منحصرا به درس و منزل آن جناب حاضر می‌شود و ضمنا به تدریس سطوح عالی اشتغال و با چند نفر از اقران خود مباحثه کمپانی دارد و جزء اعضاء لجنه احقاق الحق می‌باشند.

از نوشته‌های ایشان است: تقریرات و دراسات مرحوم آیت‌الله حجت که ذیلا شرح داده می‌شود:

۱- رساله ترتب ۲- رساله اجتماع امر و نهی ۳- رساله لباس مشکوک ۴- قاعده لاضرر ۵- متفرقات دیگر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۴۰۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۹۴ -۲۹۳/ ۲).

نصیری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی نصیری

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

ایشان در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی در روستای «مژده» از توابع شهر رشت در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود. تحصیلات دبستان، راهنمایی و دبیرستان را در محل تولد گذراند و تحصیلات حوزوی را از سال ۱۳۶۱ از مدرسه علمیه «امام صادق (ع) رشت» آغاز و تا سال ۱۳۷۶ در حوزه علمیه مشهد مقدس دنبال نمود. در سال ۱۳۷۷ وارد حوزه علمیه قم شد و طی ده سال در حوزه علمیه مشهد و قم در دروس خارج فقه و اصول از محضر اساتید معزز و آیات عظام: «مرتضوی»، «فلسفی»، «رضازاده»، «میرزاجواد تبریزی»، «معرفت» و «سبحانی» بهره جست.

وی تحصیلات دانشگاهی را تا مقطع کارشناسی در رشته «علوم قرآن و حدیث» و «ادیان و عرفان» در دانشگاه علوم اسلامی رضوی و دانشگاه فردوسی مشهد دنبال نمود. و در سال ۱۳۷۸ در دانشکده الهیات دانشگاه تهران از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان: «بررسی جایگاه هنر در کتاب و سنت» و در سال ۱۳۸۲ در همین دانشکده از رساله دکترای خود با عنوان: «بررسی مکتب تفسیری

صدرالمتألهین» دفاع نمود. وی در طی این سال‌ها در کنار تدریس، در زمینه‌های تحقیق، مدیریت پژوهش و ارائه طرح‌های آموزشی و پژوهشی فعالیت داشته است.

نصیری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد نصیری در سال ۱۲۸۵ ، در اصفهان به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر به پایان برد و به موازات آن از تعلیمات دینی و فقه و اصول و ادبیات عرب نیز نزد بستگان و استادان بهره جست. سپس به تهران رفته و از مدرسه حقوق فارغ التحصیل گردید. در سال ۱۳۰۹ جزء نخستین دانشجویان برگزیده و اعزامی دولت به کشور فرانسه رفت. ابتدا در دانشکده حقوق اکس (Aix) دوره لیسانس که با رتبه عالی (لورا در حقوق) به اتمام رسانید و در دو رشته حقوق بین الملل خصوصی و اقتصاد از دانشگاه پاریس به سال ۱۳۱۶ موفق به اخذ درجه دکتری گردید و به ایران بازگشت. دکتر نصیری پس از فارغ التحصیل شدن به مشاغلی چون منصب قضا در دادگستری ، رئیس اداره کل تصفیه املاک، مدیر کل وزارت دارایی و رئیس هیات مدیره بیمه ایران مدیریت کل بانک ملی ایران در زمان دکتر مصدق،مدیریت گروه توسعه اقتصادی ایران ، عضویت در هیات داوران دیوان دائمی بین المللی و ریاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی دست یافت. دکتر محمد نصیری سرانجام در هشتم دی ماه ۱۳۷۵ دار فانی را وداع گفت.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

گرایش : حقوق بین الملل

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمد نصیری همزمان با آغاز انقلاب مشروطیت در شهر اصفهان دیده به جهان گشود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد نصیری تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر اصفهان به پایان برد؛ موازی با آن از تعلیمات دینی و فقه و اصول و ادبیات عرب نیز نزد بستگان و استادان بهره برد. سپس به تهران رفته و از مدرسه حقوق (که قبل از تشخیص دانشکده حقوق علوم سیاسی و اقتصادی در دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ وجود داشت) فارغ التحصیل گردید. در سال ۱۳۰۹ جزء نخستین دانشجویان برگزیده و اعزامی دولت به کشور فرانسه رفت. ابتدا در دانشکده حقوق اکس (Aix) دوره لیسانس که با رتبه عالی (لورا در حقوق) به اتمام رسانید و در دورشته حقوق بین الملل خصوصی و اقتصاد از دانشگاه پاریس به سال ۱۳۱۶ موفق به اخذ درجه دکتری گردید و به ایران بازگشت.

زمان و علت فوت : محمد نصیری در هشتم دی ماه ۱۳۷۵ دار فانی را وداع گفت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد نصیری پس از فارغ التحصیل شدن به مشاغل زیر دست یافت: – از سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۲ منصب قضا در دادگستری ـ از سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۵ رئیس اداره کل تصفیه املاک – در سال ۱۳۲۵ مدیر کل وزارت دارایی و رئیس هیات مدیره بیمه ایران – مدیریت کل بانک ملی ایران در زمان دکتر مصدق – مدیریت گروه توسعه اقتصادی ایران – عضویت در هیات داوران دیوان دائمی بین المللی – ریاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی

فعالیتهای آموزشی : محمد نصیری از سال ۱۳۳۳ وارد دانشگاه تهران شد و استاد کرسی حقوق بین المللی خصوصی دانشکده حقوق گردید. ---

آثار :

۱ تارخچه سی ساله بانک ملی ایران

۲ تحقیق در زمینه تابعیت شرکت ها

۳ تحقیق در زمینه قانون حاکم بر اموال شخصیه

۴ تحقیق در زمینه قانون حاکم بر قراردادها

۵ تفسیر قرار دادها

۶ حقوق بین المللی خصوصی (کلیات) و (تعارض قوانین)

۷ دروس دوره دکتری حقوق

۸ هبه در حقوق ایران

ویژگی اثر : (به زبان فرانسه)

نصیری، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا نصیری متولد ۱۳۲۴در شهر دامغان است. وی دارای مدرک دکتری تاریخ از دانشگاه استامبول ترکیه می باشد. نامبرده عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه پیام نور می باشد.دکتر نصیری از بهمن ۱۳۷۰ تا آذرماه ۱۳۷۵ اولین دبیر فرهنگستان زبان و

ادب فارسی بوده است

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی دکتر محمد رضا نصیری به قرار زیر است: کارشناسی رشته تاریخ از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۸ دکترای رشته تاریخ از دانشگاه اسانبول در سال ۱۳۵۷

همسر و فرزندان : دکتر محمد رضا نصیری متاهل است و دو فرزند دارد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد رضا نصیری از بهمن ۱۳۷۰ تا آذرماه ۱۳۷۵ اولین دبیر فرهنگستان زبان و ادب فارسی بوده است ضمن آنکه از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸ رئیس دانشکده ادبیات دانشگاه گیلان، از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۷ به عنوان معاون اداری مالی دانشگاه پیام نور،از سال ۱۳۷۶ تا کنون مدیر گروه تاریخ دانشگاه پیام نور، از سال ۱۳۷۸ تا کنون قائم مقام انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و نیز مشاور علمی بنیاد ایران شناسی بوده است. وی همچنین مسئول نشریه انجمن ،انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و همچنین سردبیر نشریه پیک نو ،دانشگاه گیلان می باشد.

فعالیتهای آموزشی : دکتر نصیری عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه پیام نور می باشد.ایشان در دانشگاه های گیلان ،پیام نور و آزاد اسلامی رشت به تدریس تاریخ مبادرت داشته است.

جوائز و نشانها : محمد رضا نصیری در سال ۱۳۸۳ به عنوان پژوهشگر برجسته دانشگاه پیام نور(نفر اول) برگزیده شده است.

چگونگی عرضه آثار : – شرکت در سمینارها و کنفرانسهای داخل و خارج از کشور،ژاپن،هند ،تاجیکستان و غیره – چاپ بیش از ۵۰ کتاب و مقاله در زمینه های تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نطقی تبریزی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. اهل تبریز و از معاصران واله داغستانی (م ۱۱۷۰ ق) بود. برخی از تذکره‌نویسان نام او را خواجه غازی بیگ گفته و عده‌ای نیز پدرش را با این نام ذکر کرده‌اند. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

جواب نامه‌ی ما دست و پا گم کرده می‌گویی

عجب می‌دارم ای قاصد که این پیغام او باشد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۶۶۷ -۶۶۶/ ۲)، دانشمندان آذربایجان (۳۷۹)، الذریعه (۱۲۰۱/ ۹)، صبح گلشن (۵۲۵ -۵۲۴)، فرهنگ سخنوران (۹۳۹)، گلزار جاویدان (۱۶۳۴/ ۳).

نطنزی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بدیع‌الزمان ابوعبداللّه حسین بن ابراهیم، از ادیبان بزرگ قرن پنجم (ف. ۴۹۷ یا ۴۹۹). وی از شاعران ذواللسانین بوده و از آثار مهم او دستوراللغه (ه.م) است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

نطنزی کاشانی، عبدالعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۲ ق)، صوفی، شاعر، متخلص به عبدعلی. ملقب به عبدالعلیشاه و مشهور به حاجی ملا حسن کاشی نعمت‌اللهی. وی از سلسله علمای کاشان بود. برادرش، حاجی محمد حسین، از علمای درجه اول کاشان و اعلم و ارجح از دیگران بود. عبدالعلی‌شاه و برادرش نخست در مدرسه «شاه» کاشان نزد پدر و سایر فضلای کاشان تحصیل کردند تا به درجه اجتهاد رسیدند. پس از آن عبدالعلی‌شاه سالها در طلب اهل حق جستجو کرد و به خدمت حاجی زین‌العابدین شیروانی و نیز حاجی زین‌العابدین شیرازی مشهور به میرزا کوچک نایب‌الصدر و معروف به رحمت علیشاه رسید. او سپس در خدمت سید محمد منور علیشاه قرار گرفت و از جانب منور علیشاه مأمور دستگیری فقرای عراق و خراسان و کرمانشاهان شد. اشعار او که در حدود ده هزار بیت است بیشتر در زمینه حکمت و عرفان است. اثرش «دیوان» شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۱۷۹ -۱۱۷۷ / ۲)، سیری در تصوف (۱۶۹)، طرائق الحقائق (۴۰۵-۴۰۳ / ۳).

نطنزی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمـد نطنزی از اجله علمـاء این ساماننـد که در کاشـان اقامت داشـتند و مرحوم آخونـد ملا حبیب‌اللّه وی را در (لباب الالقاب یاد و توصـیف به عـالم جلیـل و فاضـل نبیل نموده و گفته که وی شاگرد و داماد علامه ملا احمـد فاضل نراقی بوده و از دختر آن مرحوم فرزند دانشمندی به نام میرزا آقا ابوتراب داشته.

اجمالا آن مرحوم (آقا میرزا ابوتراب) در ۲۲ شعبان ۱۲۲۱ متولد و در شوال ۱۲۶۲ وفات و جنازه‌اش حمل به نجف و در نزدیکی قبر جناب هود و صالح درروادی مدفون شده است.

وی فقه و اصول را از والدش و فاضل نراقی ملااحمد (جد مادریش) فراگرفته و معقول را از شیخ عبدالرزاق کاشی و ریاضیات را از میرزا مهدی منجم و از عموی مادرش ملا مهدی دوم اجازه داشته است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نطنزی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسـین نطنزی از اجلاـء علمـاء و افاضـل دانشـمندان نطنز و مقیم در همـدان معاصـر ملا رضا همـدانی (مفتاح النبوهٔ) و خود صاحب تألیفاتی به نام (نورالانوار) و غیره بوده و نیز آثاری از بناء مسجد و مدرسه در همدان از وی مانده است.

وی در سال ۱۲۷۰ ق به وبا از دنیا رفت و به جای او فرزند عالم و فاضـلش آقامحمد که از شاگردان صاحب جواهر و شیخ انصاری و غیر آنها بوده قرار گرفت و خدماتی انجام داد تا در ۱۲۸۰ ق وفات و جایگزین او برادرش آقامیرزا بهاءالدین متوفی ۱۳۰۳ گردید.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نطنزی، زین‌الدین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یـازدهم ق)، شـاعر. از مردم ابیـانه بـود میرزا زین‌الـدین مـدتی به کارهـای لشـکری و دیـوانی اشـتغال داشت. وی شـعر را نیکو می‌گفت و اشعاری چند از وی به جای مانده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۴۴)، الذریعه (۴۰۸/۹).

نطنزی، معین‌الدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۸۱۷ ق)، مورخ و شاعر. وی را پدر قاضـی میرحسـین میبدی، متخلص به منطقی (م ۹۱۱ / ۹۰۴ ق)، می‌دانند. در ابتدای کار خود از مصاحبـان میرزا اسـکندر بن عمر شـیخ بن تیمـور بـود و در همین ایـام تاریـخ معروف خود را به نـام «منتخب التواریـخ» به اسم او نگاشت و در ۸۱۶ ق آن را به پایـان برد. این کتاب شامل وقایع عمومی عالم، از زمان هبوط آدم تا وفات تیمور در ۸۰۷ ق، است به اضافه بعضی از وقایعی که تا ۸۱۶ ق اتفاق افتاده بود. یک سال بعد، یعنی در ۸۱۷ ق، وی در این کتاب تجدید نظر کرد و آن را به نـام شاهرخ درآورد و تا وقایع ۸۱۷ ق را در آن ذکر نمـود. بـه همین علت از «منتخب التواریـخ» معینی دو گـونه تحریر، یکی به نـام میرزا اسـکندر و دیگری به نـام شـاهرخ، وجـود دارد. برخی تـذکره‌ها، صـاحب عنـوان را بـا معین‌الـدین یزدی (م ۷۸۹ ق)، صـاحب «مواهب الهی»، در آمیخته و او را از وزیران و عالمان آل‌مظفر دانسـته‌اند، در حالی که معین‌الدین نطنزی در عهد تیموریان می‌زیسته است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منـابع زنـدگینامه :تاریـخ ادبیات در ایران (۴۸۲ -۴۸۱/ ۴)، تذکره‌ی سـخنوران یزد (۲۸۶)، جامع مفیـدی (۳۳۱ -۳۲۹/ ۳)، الذریعه (۱۰۷۹ -۱۰۷۸/ ۹)، صبح گلشن (۴۳۳)، فرهنگ سخنوران (۸۶۴ -۸۶۳)، منتخب التواریخ معینی (مقدمه).

نظام اسکویی، نظام‌الدین احمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر و خطاط. از سادات حسینی اسکو، از توابع تبریز بود. به آورده‌ی صاحبان «الذریعه» و تذکره‌ی «تحفه سامی» او و برادرانش در خدمت شاه طهماسب صفوی (۹۸۴ –۹۳۰ ق) به سر می‌بردند. مؤلف «دانشمندان آذربایجان» معتقد است که وی همراه پسرانش در خدمت شاه طهماسب صفوی بوده است. نظام‌الدین در ابتدا کلیددار کتابخانه‌ی شاه طهماسب بود و بعدها به منصب وکالت نیز رسید. وی در نوشتن خط نسخ و تعلیق تبحر داشت. اشعاری از او در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۵۸ –۵۷)، تذکره‌ی روز روشن (۸۲)، دانشمندان آذربایجان (۳۰۴ –۳۰۳)، الذریعه (۱۲۰۲ –۱۲۰۱/ ۹).

نظام اصفهانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۹۲ ق)، خطاط. از اساتید خط ثلث و نسخ است. از آثار وی: لوحه‌ی مرمر، در ایوان تعمیری شاه سلیمان به نام ایوان شاگرد، در مسجد اصفهان و به خط ثلث و دو دانگ کتیبه‌ی خوش، با رقم: «... کتبه نظام الاصفهانی فی شهور سنهٔ ۹۹۲».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آثار ملی اصفهان (۵۸۹ ،۵۶۰)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۲۳ / ۴)، تاریخ اصفهان (۱۶۸)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۱۳۵ –۱۳۴).

نظام افشار، صدرالافاضل حبیب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۶ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به نظام. ملقب به صدرالافاضل. اصلش از قریه قراآغاج رضائیه بود. نظام افشار در صنایع خط ناخنی و کاغذ بریده و ابری‌سازی و علاقه‌بندی استاد بود و در هجو و هزل دست داشت. او به هنگام تألیف «المآثر والآثار» (۱۳۰۶ ق) در قید حیات بوده است. از آثار وی: «المقویم»، مهمل التقویم؛ مثنوی «مصاب»، در قبال «نصاب الصبیان» ابونصر فراهی، که این دو اثر نظام هزلیاتی انتقادی است؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۴۴/ ۱)، دانشمندان آذربایجان (۳۷۹)، الذریعه (۱۲۶/ ۲۲ ،۲۹۶/ ۱۹ ،۱۲۰۲ ،۶۰۱ –۶۰۰/ ۹)، شرح حال رجال (۳۱۴/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۹۴۰ –۹۳۹)، المآثر والآثار (۲۱۳).

نظام الدوله، امین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در ۱۲۶۹ متولّد، و در ۱۳۳۰ وفات یافته، در اطاق صحن مطهّر مدفون گردید. در زمره علما و فضلا معدود بوده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نظام الدوله، علی محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در ۱۲۲۲ در ایران متولّد، و در اصفهان و طهران تحصیل علوم نموده، در سال ۱۲۴۷ به اتّفاق پدر به نجف اشرف مهاجرت نموده، و به تکمیل علوم و تهذیب نفس و تألیف و تصنیف پرداخته، در فقه و اصول و حدیث و رجال و علوم ادبی و ریاضیّات مهارت داشته، قریب ۱۸ مجلّد کتاب تألیف نموده که از آن جمله است: ۱– البرهان ۲– تقریرات ۳– دیوان شعر، به عربی و فارسی ۴– رسال در اصول فقه ۵– رسال در شبهه محصوره و آب مضاف، به طبع رسیده ۶– رساله در امامت ۷– سلافهٔ الوزراء، در معنی ولایت به طریق اهل تصوّف و عرفان، به نظم و نثر، مطبوع ضمن فوائد البهائیهٔ ۸– شهاب الثاقب، در ردّ صواعق ابن حجر ۹– کشف الابهام، در فقه. ۱۰ و ۱۱ – دو کتاب در رجال ۱۲– کتابی در نحو و صرف ۱۳– کتابی در ترجمه ۱۹ نفر از بزرگان اهل سنّت، و ردّ بر آنها از کتب اهل سنّت ۱۴– معارج القدس، در حکمت و کلام و توحید و عدل ۱۵– نور الابصار؛ و غیره.

مشارالیه نزد صاحب جواهر، و ملاّ مقصود علی غروی، و میرزا حسن بن ملاّعلی نوری و جمعی دیگر از بزرگان تحصیل علوم و دانش نموده، و از حاج ملّا احمد نراقی اجازه روایت و اجتهاد داشته است

(تاریخ اجازه مربوط به زمانی است که حاکم کاشان بوده است)

سرانجام در ۸ ذی حجّه سال ۱۲۷۶ در نجف وفات یافته، در مدرسه صدر مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نظام العلماء بحرانی، محمد اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد اسماعیل بحرانی نجفی الاصل و فسائی شیرازی مولدا و منشا و موطنا.

عالمی بزرگوار و آیتی عالیمقدار از آیات عظام و حجج اسلام فارس-فساء و شیراز مدفون در لار از احفاد و نوادگان فقیه نامی شیخ حسین آل عصفور متوفای ۱۲۱۶ قمری برادرزاده فقیه محقق و محدث مدقق آشیخ یوسف بحرینی صاحب (حدائق الناظره فی احکام العتره الطاهره) است.

مرحوم نظام‌العلماء از علماء نامی فارس بودند که گاهی در شیراز در مساجد ۱- طهران بیک ۲- مسجد آقا احمد ۳- مسجد سپهسالار قدیم (امام خمینی) اقامه جماعت نموده به نشر احکام و معارف اهل بیت رسالت اشتغال داشت. و زمانی در فساء که از شهرهای فارس است می‌زیسته و به خدمات دینی و وظائف روحانی پرداخته و به حوائج مردم می‌رسیدند.

معظم‌له از شاگردان مرحوم آیت‌اللّٰه میرزا ابراهیم محلاتی بوده و از آیات عظام آقا سید محمدکاظم یزدی آقا میرزا محمدتقی شیرازی و شریعت اصفهانی دارای اجازات جامع بوده‌اند.

آن مرحوم انس و علاقه زیادی با مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید عبدالحسین نجفی لاری داشته و پس از فوت آن مرحوم با فرزند بزرگ ایشان مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید عبدالمحمد آیهٔ‌اللهی مراوده داشته است و در سفری که برای دیدار آن مرحوم به شهر لار مسافرت می‌کنند به عارضه سکته قلبی مبتلا گشته و در ماه رمضان ۱۳۴۵ قمری به رحمت حق پیوسته و با تجلیل عظیمی در قبرستان آنجا به خاک می‌روند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

نظام العلماء، جهانگیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جهانگیر نظام العلما در سال ۱۳۱۴ ، در تهران متولد گردید. دوره متوسطه را در دبیرستان دارالفنون به پایان رساند و او در سال پنجم ابتدایی با عشق و علاقه زاید الوصفی به خط و خطاطی گرایش پیدا کرد. وی پس از آنکه دوران تحصیلات متوسطه را به پایان رساند ، از تمرین و ممارست باز نایستاد و در هنرستان کمال الملک هنرهای زیبا به صورت علمی فن خوشنویسی را دنبال نمود. استادجهانگیر نظام العلما پس از فراغت از تحصیل ، در وزارت پست و تلگراف به سمت کارمند مشغول و همچنین در موسساتی مانند سازمان تبلیغات فاکوپا و روزنامه اطلاعات و کیهان به کار خط نویسی اشتغال ورزید.

گروه : هنر

رشته : هنرهای تجسمی

والدین و انساب : جهانگیر نظام العلما فرزند عباس نوه کمال الوزاره معروف می باشد

تحصیلات رسمی و حرفه ای : جهانگیر نظام العلما دوره متوسطه را در دبیرستان دارالفنون به پایان رساند و او در سال پنجم ابتدایی با عشق و علاقه زاید الوصفی به خط و خطاطی گرایش پیدا کرد. وی پس از آنکه دوران تحصیلات متوسطه را به پایان رساند ، از تمرین و ممارست باز نایستاد و در هنرستان کمال الملک هنرهای زیبا به صورت علمی فن خوشنویسی را دنبال نمود.

خاطرات و وقایع تحصیل : جهانگیر نظام العلما چنان به هنر خوشنویسی عشق می ورزید که در کلاس سر مشق هایی را که معلم به شاگردان می داد ، هر سرمشقی را یک ریال از آنان می خرید و از روی آن مشق می کرد.

استادان و مربیان : جهانگیر نظام العلما در هنرستان کمال الملک هنرهای زیبا به شاگردی خطاط معاصر علی اکبر کاوه درآمد و رموز فن خط را از وی آموخت.

هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره ای های جهانگیر نظام العلما میرزا رضاکلهر بود که تغییراتی در خط نستعلیق داد .

وقایع میانسالی : در نمایشگاه خطی که از آثار خوشنویسان معاصر در سال ۱۳۳۷ به همت وزارت فرهنگ فراهم شده بود و خطاطان مورد تشویق مسولان و مدیران فرهنگی قرار می گرفتند ، جهانگیر نظام العلما در نیز در سن بیست و سه سالگی به عنوان جوان ترین خطاط در این ایام شناخته شد و مورد توجه قرار گرفت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : جهانگیر نظام العلما پس از فراغت از تحصیل ، در وزارت پست و تلگراف به سمت کارمند در موسساتی مانند سازمان تبلیغات فاکوپا و روزنامه اطلاعات و کیهان به کار خط نویسی اشتغال ورزید. منابع زندگینامه :تذکره خوشنویسان معاصر ، تالیف: علی راهجیری ، جلد اول ، تهران: انتشارات امیرکبیر ، ص۲۲۱۲فصل نامه هنر ، شماره ششم ، تابستان و پاییز سال ۱۳۶۳

نظام بخارایی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از اساتید خط ثلث بود و خطوط سته را خوش می‌نوشت. وی در کتابخانه‌ی بهرام میرزای صفوی مشغول کار بوده است. مولانا نظام خط ثلث را با انگشت نیز بسیار خوب می‌نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گلستان هنر (۳۴ -۳۳).

نظام جامی، نظام‌الدین احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر. در عهد خوارزمشاهیان (۶۲۸ -۴۷۰ ق) می‌زیست و از منشیان دربار آنها شمرده می‌شد.نظام شعر نیز می‌سرود و اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

دی دلبرم رسید چو زد آفتاب تیغ

با روی همچو آتش و در کف چو آب تیغ

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۲۰۳/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۴۰)، لباب‌الالباب (۱۵۱ -۱۴۹/ ۱)، مجمع‌الفصحا (۱۴۰۹/ ۳)، هفت اقلیم (۱۸۱ -۱۸۰/ ۲).

نظام خوانساری، نظام‌الدین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، شاعر. در خوانسار به دنیا آمد. در ابتدای جوانی برای تحصیل به اصفهان رفت و پس از پایان تحصیلات به خوانسار مراجعت کرد. پس از مدتی به تقاضای والی لرستان و اهالی خرم‌آباد به عنوان قاضی آنجا منصوب شد و در آنجا با شیخ محمدعلی حزین (م ۱۱۸۱ ق) دیدار کرد و با یکدیگر به مصاحبت و مشاعره پرداختند. او در فن موسیقی و علم حساب متبحر بود و در فن آواز نیز مهارت داشت. نظام بیشتر اوقاتش را با شاعران می‌گذراند. به آورده‌ی تذکره‌ی «شعرای خوانسار» او در خرم‌آباد درگذشت. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

به عشق آشناپرور، هوس بیگانه می‌آید

برو ای آرزو از دل که صاحب‌خانه می‌آید

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای خوانسار (۱۶۵ -۱۶۴)، تذکرةالمعاصرین (۲۶۱ ،۱۳۹ -۱۳۸)، الذریعه (۱۲۰۳ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۴۰).

نظام دستغیب شیرازی، نظام‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۹ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به نظام. از سادات شیراز و مشهور به نظام دستغیب بود. وی در آغاز جوانی با دانش‌های زمان آشنا شد و در خط نستعلیق و علم موسیقی مهارت یافت. او در زمینه‌ی شاعری از شاگردان امیرمحمد مؤمن عزّی فیروزآبادی بود و در اثر تربیت استاد، در شعر مهارت یافت و در جوانی به شهرتی قابل توجه رسید. وی با نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) معاصر بود. نظام در شیراز درگذشت و مزارش در حافظیه است. برخی از تذکره‌نویسان، وفاتش را در سن جوانی و در زمان شاه عباس دوم (۱۰۷۷ -۱۰۵۲ ق) نوشته‌اند. بعضی از تذکره‌ها معتقدند که نظام‌الدین به هندوستان سفر کرده و تاریخ فوت وی را ۱۰۳۹ ق ذکر کرده‌اند. از آثار وی: «دیوان» شعر، شامل ساقی‌نامه، غزل، قصیده، ترجیعات و ترکیبات، در حدود سه یا چهار هزار بیت که شخصی به نام حیّان مالی آن را جمع‌آوری کرده و مقدمه‌ای بر آن نوشته است. قصاید نظام بیشتر در منقبت ائمه‌ی اطهار (ع) می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۱۶ -۱۰۱۲/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۴۶)، تذکره‌ی روز روشن (۸۳۲ -۸۲۹)، تذکره‌ی میخانه (۶۶۰ -۶۴۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۷۲ -۲۷۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۸۹ -۶۷۹/ ۴)، دویست سخنور (۴۳۳ - ۴۳۲)، الذریعه (۱۲۰۴/ ۹)، ریحانه (۲۲۱ -۲۲۰/ ۲)، سرو آزاد (۳۹ -۳۸)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۸۱/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۹۴۱)، لغت‌نامه (ذیل/ نظام شیرازی)، مرآت‌الفصاحه (۶۶۱ -۶۵۹)، نتایج‌الافکار (۷۲۴ -۷۲۳).

نظام شامی، نظام‌الدین عبدالواسع

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم و نهم ق)، مورخ، نویسنده و شاعر. معروف به نظام شنب غازانی. از محله‌ی شنب غازان یا شام غازان تبریز بود. در جوانی به بغداد رفت. مدتی در ملازمت سلطان اویس جلایر (۷۷۶ –۷۵۷ ق) و سلطان احمد بن شیخ اویس (۸۱۳ –۷۸۴ ق) به سر برد و زمانی که امیر تیمور سلطان جلایر را شکست داد و بغداد را گشود، نظام‌الدین اولین شخصی بود که به خدمت تیمور رسید و مورد التفات او قرار گرفت. تیمور در ۸۰۴ ق از او خواست که کتابی در تاریخ سلطنت وی بنویسد و نظام کتاب «ظفرنامه» یا «ظفرنامه شامی» را که شامل شرح حال تیمور تا وقایع ۸۰۶ ق بود، نگاشت. او در ۸۰۶ ق به اجازه تیمور به تبریز بازگشت. از دیگر آثار وی: تلخیصی از ترجمه‌ی فارسی کتاب «بلوهر و بوذاسف» یا «بلوهر و بوداسف» که به نام سلطان احمد جلایر نوشته یا چنان که در «دایرةالمعارف فارسی» آمده، این کتاب را ترجمه کرده است، «ریاض‌الملوک فی ریاضات السلوک»، ترجمه‌ی فارسی کتاب «سلوان المطاع فی عدوان الاتباع» یا «سلوان المطاع فی عدوان الاطباع» ابن الظفر الصقلی الملکی در ۷۶۸ ق، مشتمل بر یک دیباچه و یک مقدمه و پنج باب و یک خاتمه، به نام سلطان اویس جلایر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (۴۹۸ –۴۹۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۸۰ –۴۷۶/ ۴)، تاریخ نظم و نثر (۷۵۷، ۵۰)، حبیب‌السیر (۵۴۸ –۵۴۷/ ۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۸۰ –۳۷۹)، دایرةالمعارف فارسی (۳۰۳۶/ ۲)، الذریعه (۲۰۰/ ۱۵، ۳۳۸/ ۱۱، ۱۲۰۲/ ۹)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۱۰ –۵۰۹)، فرهنگ سخنوران (۹۴۰)، لغت‌نامه (ذیل/ نظام‌الدین شامی).

نظام شیرازی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود نظام شیرازی قدس‌اللّه سره در سال ۱۳۲۳ هجری قمری در شیراز در بیت علم و دانش دیده به جهان گشوده و در حجر والد ماجدش آیت‌اللّه حاج میرزا محمد اسمعیل نظام‌العلماء که از علماء بنام و احفاد محقق بزرگ شیخ حسین آل عصفور (بحرانی برادرزاده مرحوم محدث بزرگ شیخ یوسف بحرانی صاحب کتاب الحدائق الناظره فی احکام العتره الطاهره).

معظم‌له تحصیلات مقدماتی و سطح را در شیراز نزد اساتید فن فراگرفته و در سال ۱۳۱۴ هجری شمسی عزیمت به نجف اشرف نموده و به درس خارج آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه حج شیخ محمدکاظم شیرازی حاضر و استفاده نموده و در سال ۱۳۱۹ شمسی به سامرا رفته و به درس مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمود شیرازی رفته و پس از مدتی مورد اعتماد و مشورت ایشان قرار گرفته و سپس به افتخار دامادی معظم‌له نائل شده و در سال ۱۳۲۸ شمسی جزو اصحاب استفتاء آیت‌اللّه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و میرزا آقای اصطبهاناتی درآمده و در سال ۱۳۳۰ شمسی به شیراز و فسا سفری نموده و مورد استقبال کم‌نظیر علماء و بزرگان و عموم طبقات قرار گرفته و در سال ۱۳۳۸ شمسی بنا به درخواست مردم فسا که شهر آباء و اجدادی ایشان بوده از طرف مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی رحل اقامت در شهر فسا افکنده و به خدمات دینی و انجام وظائف روحی و اجتماعی از اقامت جماعت و تبلیغ احکام و تدریس فقه و اصول پرداخته و منشاء آثار خیری گردیده است.

آن مرحوم مورد توجه مراجع عظام بوده و از آنها دارای اجازات عدیده اجتهاد و روائی و غیره بوده و در سال ۱۳۶۴ شمسی به سکته قلبی از دنیا رفته و در حرم امامزاده حسن فسا به خاک رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

نظام قاری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نظام‌الدین قاری، شهرت محمود بن امیراحمد یزدی از شاعران قرن نهم هجری (ف. ۹۹۳ ه.ق) شهرت وی به خاطر منظومه‌ای است که به تقلید از بسحق اطعمه که در اشعار خود به توصیف طعامها و غذاها پرداخته بود، در توصیف البسه و اقمشه پرداخته است. وی در وصف منظومه‌ی خود چنین می‌گوید: «چون شیخ بسحق در اطعمه دیگ خیال بر آتش فکرت نهاد، من نیز در البسه و اقمشه معانی در کارگاه دانش ببارنهم، چنانچه از مأکول ناگزیر است از ملبوس نیز چاره نیست... فی‌الجمله از او کشکینه و از ما پشمینه».

«دیوان البسه» او در استانبول بضمیمه‌ی «دیوان اطعمه» بسحق اطعمه بطبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

نظام قزوینی، نظام الدین، ابوالفضائل عثمان

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم ق)، قاضی و شاعر. او در زمان ارغون‌خان (۶۹۰ -۶۸۳ ق) و کیخاتون (۶۹۴-۶۹۰ ق) می‌زیست و گفته‌اند که زمان الجاتیو (۷۱۶ -۷۰۳ ق) را نیز درک کرده است.وی قاضی شهر قزوین بود. او در ساختن و پرداختن اشعار توانا و مداح خواجه فخرالدین احمد مستوفی، پسر عموی حمدالله مستوفی، بود. بنا به ذکر صاحب «تاریخ گزیده» او کتابی دارد به نام «رضی‌نامه» که در هجو پسر عموی خود، قاضی رضی‌الدین، نوشته و در حدود پنج هزار بیت است. وی مرثیه‌ای در سوگ خواجه سعدالدین محمد آوجی دارد. این مطلع از اوست:

صبحدمی که از رخت برفکنی کلاله را

چشم و رخت خجل کند نرگس مست و لاله را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ گزیده (۷۴۲ -۷۴۱)، حبیب السیر (۱۳۹ / ۳)، الذریعه (۱۲۰۵ / ۹)، صبح گلشن (۵۲۸)، فرهنگ سخنوران (۹۴۱)، مینودر (۵۸۶ -۵۸۵ / ۲)، هفت اقلیم (۱۶۰ / ۳).

نظام کرمانی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۶ / ۱۲۴۲/ ۱۲۴۰ ق)، عارف و شاعر. ملقب به نظام علیشاه. اهل کرمان بود. پس از تحصیل علوم ظاهر، قدم به جاده‌ی سلوک و عرفان گذاشت و به رونق علیشاه دست ارادت داد و مرید وی شد. بعد از فوت استاد، مرید مجذوب علیشاه (م ۱۲۳۹ ق) گردید و از او اجازه ارشاد یافت. زمانی که معصوم علیشاه، مؤلف «طرائق‌الحقائق»، در شیراز به سر می‌برد، نظام علیشاه برای دیدن او به شیراز رفت و چند بار نیز با یکدیگر به خدمت مجذوب علیشاه رسیدند. وی با مؤلف «ریاض‌العارفین» نیز معاصر و معاشر بود. نظام علیشاه در کرمان مورد آزار و اذیت ابراهیم خان قاجار ظهیرالدوله، حاکم آن شهر، قرار داشت تا حدی که مجبور به ترک کرمان شد، ولی بعدها، پس از درگذشت ابراهیم خان، به شهر خود بازگشت. نظام در سرودن شعر طبعی موزون داشت و بیشتر به سرودن مثنوی راغب بود. وی در کرمان درگذشت و در جوار مشتاق علیشاه به خاک سپرده شد. در تاریخ فوت وی اختلاف است. مؤلف «طرائق‌الحقائق» از قول صاحب «بستان السیاحه» می‌گوید که بر لوح مزارش ۱۲۴۶ ق نوشته شده است. از آثار وی: «مصباح‌الشریعه»؛ «دیوان» شعر. در «لغت‌نامه» آمده که به مثنوی «جنات الوصال» که به ترتیب نور علیشاه و رونق علیشاه سروده‌اند، دو مجلد سروده و اضافه کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شاعران کرمان (۵۱۸)، حدیقةالشعراء (۱۸۹۹ -۱۸۹۸ / ۳ ،۱۰۵۴ / ۲)، الذریعه (۱۲۰۵ / ۹ ،۱۵۲ / ۵)، ریاض‌العارفین (۳۳۶)، ریحانه (۱۹۹/ ۶)، ستارگان کرمان (۳۹۲ -۳۹۱)، طرائق‌الحقائق (۲۶۹ -۲۶۸/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۹۴۲)، لغت‌نامه (ذیل/ نظام علیشاه).

نظام وفا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر معروف (و. بیدگل کاشان ۱۲۶۶ ه.ش- ف. دیماه ۱۳۴۳ ه.ش) پس از پایان تحصیلات ابتدائی به تهران آمد و به فراگرفتن علوم ادبی پرداخت. مدتها در مدارس تهران تدریس می‌کرد، مدتی کوتاه در وزارت معارف به خدمت پرداخت. مجله‌ای به نام «وفا» منتشر کرد که در آن آثار خود از شعر و قطعات ادبی را درج می‌کرد و مقبول طبع جوانان و متجددان آن عصر بود، آثار منثور و منظوم او عبارتند از: یادگار سفر اروپا، پیوندهای دل، بهرام (بهروز)، فیروز و فرزانه، ستاره و فروغ، پیروزی دل، گذشته‌ها.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

نظام وفا کاشانی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۴ -۱۳۰۶/ ۱۳۰۵ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به نظام. نسبش به صباحی بیدگلی شاعر معروف می‌رسد و مادرش نیز از زنان شاعر بود که حیا تخلص می‌کرد. نظام در بیدگل کاشان به دنیا آمد. پس از تحصیلات مقدماتی به تحصیل علوم ادبی و عربی پرداخت. او ادبیات فارسی و عربی را از محضر سید محمد کاشانی و فقه، اصول و کلام را از محضر سید محمدرضا مجتهد فراگرفت و فلسفه را نزد پدرش آموخت. وی چندی هم در سلک طلاب حوزه‌ی علمیه قم به تحصیل مشغول شد و مدتی نیز به تحصیل طب قدیم نزد میرزا محمدعلی آقا جمال که از اطباء معروف زمان خود بود، پرداخت. سپس جهت تکمیل تحصیلات به نجف رفت و پس از بازگشت در تهران اقامت گزید و زبان فرانسه را در مدرسه‌ی آلیانس فراگرفت. بعد وارد فعالیت‌های سیاسی

شد و هنگام به توپ بستن مجلس به همراه مجاهدین در باغ سپهسالار مشغول دفاع بود، اما سرانجام دستگیر و زندانی شد. پس از آزادی از زندان و استقرار مشروطیت، از فعالیت‌های سیاسی دست کشید و به کار تدریس و تعلیم و تربیت از جمله تدریس در مدرسه‌ی سن‌لویی اشتغال ورزید. او همچنین مدتی در وزارت فواید عامه و سپس در وزارت فلاحت به عنوان رئیس بازرسی مشغول شد و تا مدیرکلی ارتقا یافت. وی در ۱۳۰۲ ش ماهنامه‌ی «وفا» را به مدیریت عبدالحسین میکده در تهران تأسیس و منتشر کرد. نظام وفا بر اثر سکته‌ی مغزی در تهران درگذشت. از آثار منظوم وی: «حبیب و رباب»، در شرح خودکشی حبیب‌اللَّه میکده؛ «حدیث دل»؛ «گذشته‌ها»؛ «دیوان» شعر. از آثار منثور وی: «ستاره و فروغ»؛ «فروز و فرزانه»؛ «یادگار سفر اروپا».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (۸۹ -۸۸)، ادبیات نوین (۱۹۲ ،۱۴۴ ،۵۲)، از صبا تا نیما (۴۲۳ -۴۱۹/ ۲)، از نیما تا روزگار ما (۵۸۰)، تاریخ جراید (۳۳۰ -۳۲۸/ ۴)، الذریعه (۱۲۰۶/ ۹)، سخنوران نامی (۴۷۱ -۴۶۳/ ۲)، سخنوران نامی معاصر (۳۶۶۱ -۳۶۵۶/ ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۴۱ ،۳۳۴۰ ،۲۷۰۹ ،۲۴۱۰ ،۱۹۳۸/ ۲ ۱۱۵۶ -۱۱۵۵ ،۱۱۵۰ ،۶۵۰ ،۶۴۱/ ۱)، گلزار جاویدان (۱۶۴۰/ ۳)، مردان موسیقی (۵۵۹ -۵۵۸/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۱ -۶۰۹/ ۶).

نظام هروی، نظام‌الدین محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۰۰ ق)، فقیه، مدرس، قاضی و شاعر. پدرش ملا شرف‌الدین، از اعاظم فقهای زمان میرزا ابوالقاسم بابر بود. وی معصار با امیر علیشر نوایی بود و لذا در «مجالس النفایس» شرح حال وی آمده است. مدتی در مدرسه‌ی غیاثیه و مدرسه‌ی اخلاصیه به تدریس پرداخت. سپس از جانب سلطان حسین بایقرا به قضاوت هرات منصوب شد. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حبیب السیر (۳۴۰ -۳۳۹ / ۴)، الذریعه (۱۲۰۶ / ۹)، ریحانه (۲۰۷ / ۶ ،۳۵۰ / ۵)، صبح گلشن (۵۳۰)، فرهنگ سخنوران (۹۴۲)، لغت‌نامه (ذیل/ قاضی نظام‌الدین)، مجالس النفائس (۱۴۱).

نظام‌الدوله اصفهانی، علی‌محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط و ادیب. از معاریف دربار فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) بود. وی در نظم و نثر و ادبیات فارسی و عربی دست داشت و از علوم ریاضی و دینی نیز بهره‌مند بود. او همچنین خط نستعلیق و نسخ را خوش می‌نوشت. در ۱۲۵۰ ق، پس از فوت فتحعلی شاه و سلطنت محمدشاه، چون نظام‌الدوله از مخالفین سلطنت محمدشاه بود، از ترس او به بین‌النهرین مهاجرت کرد و در عتبات مجاور شد. وی در نجف به حلقه‌ی درس شیخ مرتضی انصاری پیوست و تا پایان عمر در همان جا به سر برد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۸۵ -۴۸۴/ ۲)، تاریخ عضدی (۶۶ -۶۰)، شرح حال رجال (۴۸۴ -۴۸۳/ ۲).

نظام‌الدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر، خطاط و مذهب. وی از هنرمندان پرمهارتی است که در تذهیب، صحافی و خوشنویسی توانا بوده و در نظم و نثر نیز دست داشته است. از آثار او نسخه‌ای از «تاج‌المآثر» صدرالدین حسن نظامی نیشابوری، در تاریخ هندوستان است که به خط خود برای یکی از وزیر زادگان به نام غیاث‌الدین عزت نوشته و آن را در ۸۲۸ ق به پایان رسانده است. وی در خاتمه‌ی این کتاب، رساله‌ای نوشته و اشعار خود را نیز آورده و تصریح کرده است که خط و انشاء و تذهیب این کتاب از اوست و در آغاز آن دو مجلس نقاشی خوب هم ساخته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۳۹۲/ ۳)، تاریخ نظم و نثر (۳۳۶).

نظام‌السلطنه مافی، حسینقلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۶ -۱۲۴۸/ ۱۲۴۰ ق)، خطاط. ملقب به سعدالملک و نظام‌السلطنه. وی در جوانی به کسب علوم و کمالات پرداخت و از علوم

تفسیر و فقه و اصول و ریاضی بهره‌مند بود. او خط نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت و در انشاء نیز مهارت داشت. مشاغل دولتی حسینقلی خان از زمانی که حکومت فارس و بوشهر به سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه داده شد، آغاز گردید و پیوسته مصدر مشاغل مهم بود که مهم‌ترین آنها حکومت یزد، خوزستان، لرستان و پیشکاری آذربایجان بوده است. مافی لقب سعدالملک را هنگام حکومتش در یزد گرفت و لقب نظام‌السلطنه را در حکومت خوزستان و بختیاری در ۱۳۰۵ ق از طرف ناصرالدین شاه دریافت کرد. در زمان مظفرالدین شاه به وزارت عدلیه، وزارت تجارت و وزارت مالیه منصوب شد و در زمان محمد علیشاه به ریاست وزراء رسید. از آثار وی: یک قطعه، به قلم نستعلیق شش دانگ عالی، با رقم: «العبد حسینقلی جهت نورچشمی حیدرقلی سنه‌ی ۱۲۷۹» و به خط دیگری یادداشتی دارد، به این مضمون: «نظام‌السلطنه مافی برای برادرش حیدرقلی خان برهان‌السلطنه نوشته است».[۱]

حسینقلی‌خان مافی (و. ۱۲۴۸ ه.ق- ف. ۱۳۲۶ ه.ق) منسوب به ایل مافی. منشی سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه، وزیر اصفهان در ۱۲۸۷. حاکم یزد در ۱۲۹۱. ملقب به سعدالملک، حاکم بوشهر و دشتی و دشتستان (۱۲۹۳ –۱۲۹۱). مأمور غلات دولتی (۱۲۹۹ – ۱۲۹۶). مأمور گمرکات بنادر (۱۳۰۰ –۱۲۹۹) حاکم خمسه در ۱۳۰۳. حاکم عربستان ایران (خوزستان) و ملقب به لقب نظام‌السلطنه در ۱۳۰۵. والی فارس در ۱۳۱۰. والی خوزستان بار دیگر از ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۴ وزیر عدلیه و تجارت از ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۶. وزیر مالیه در ۱۳۱۶. پیشکار آذربایجان در ۱۳۱۷. حکومت اصفهان و فارس در ۱۳۲۵. صدارت از ۱۳۲۶ –۱۳۲۵ (ه.ق). وی در سن ۷۸ سالگی (در تهران) درگذشت.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۶۳ –۱۶۲/ ۱)، شرح حال رجال (۴۵۶ –۴۴۸/ ۱).

نظام‌العلمای تبریزی، محمد رفیع

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۷/ ۱۳۲۶ –۱۲۵۰ ق)، عالم دینی، ادیب و شاعر. نسبش به ابراهیم طباطبا می‌رسد. در تبریز به دنیا آمد. در قریه‌ی باسمنج تبریز درگذشت و در صحن حضرت معصومه (س) در قم دفن شد. از آثارش: «انیس الادباء و سمیر السعداء»، کشکول فارسی؛ «تحفهٔ الامثال»، در سه قسمت: آیات، کلمات منثوره و امثال منظومه؛ «التحقیقات العلویهٔ»؛ «آداب الملوک»، در شرح «عهدنامه‌ی امیرالمؤمنین (ع) به مالک اشتر»؛ «تشریح التقویم»؛ «حقیقهٔ الامر»، در جبر و تفویض و امر بین الامرین؛ «جواهرالاخبار»؛ «مصابیح‌الانوار»؛ «مجمع‌الفضائل»، «دستور الحکمهٔ»؛ «مقالات النظامیهٔ»؛ «مجالس النظامیهٔ»؛ «فتوحات نظامیه»، به فارسی؛ «وسیلهٔ الزائرین»؛ «کافیهٔ العروض»؛ «دیوان» شعر، در مدایح و مراثی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۳۳/ ۷)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۵ –۱ / ۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۰ –۳۸۰)، الذریعه (۷۸/ ۲۵ ،۳۹۳ /۸۰، ۲۱ /۳۹، ۲۰ /۳۷۲، ۱۹ ۱۲۰۳، –۱۲۰۲/ ۹ ،۴۸ –۴۷/ ۷ ،۲۵۹/ ۵ ،۱۸۷/ ۴ ،۴۸۶ ،۴۲۱/ ۳ ،۴۵۲ –۴۵۱ ،۴۶/ ۲ ،۳۰ –۲۹/ ۱)، ریحانه (۲۰۸ –۲۰۷/ ۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۷۸۸ –۷۸۷/ ۱۴)، علماء معاصرین (۹۳ –۹۲)، الماثر والآثار (۱۸۳)، معجم‌المؤلفین (۱۶۹/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۷ –۲۲۴/ ۳).

نظام‌الملک طوسی، قوام‌الدین، ابوعلی حسن

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۱۰/ ۴۰۸- مقتول ۴۸۵ ق)، نویسنده و شاعر. ملقب به نظام‌الملک و رضی امیرالمؤمنین. مشهور به خواجه نظام‌الملک طوسی. در نوغان، از دهات رادکان طوس، به دنیا آمد و دوران کودکی و تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش گذراند. در یازده سالگی قرآن آموخت و سپس در طوس، نیشابور و مرو فقه شافعی و حدیث را فراگرفت. او با ابوسعید ابوالخیر (م ۴۴۰ ق) معاصر بود. چندی نیز در شهر بلخ به خدمت ابوعلی بن شاذان درآمد و به دبیری وی منصوب شد. ابوعلی بعد از اینکه در زمان سلجوقیان به وزارت رسید، نظام‌الملک را به دبیری البارسلان گماشت و نظام‌الملک در ۴۵۱ ق به وزارت البارسلان رسید. مجموع وزارت نظام‌الملک در دربار البارسلان و ملکشاه بیش از سی سال بود. وی در ۴۸۵ ق بر اثر اختلاف با ترکان خاتون بر سر جانشینی ملکشاه و ترجیح بر کیارق بر محمود و دشمنی مخالفان، به قولی از وزارت بر کنار شد. خواجه نظام‌الملک دارای مذهب شافعی بود و از باب ارادتی که به فقها و متصوفه داشت، مدارس معتبری به نام نظامیه و همچنین خانقاه‌های بسیاری بنا نهاد. او عاقبت در راه بغداد در نزدیکی‌های نهاوند یا بروجرد به دست یکی از فداییان و پیروان حسن صباح به نام ابوطاهر اران به قتل رسید. قبر وی در اصفهان می‌باشد. در مورد همدرس بودن او با حکیم عمر خیام و حسن صباح نیز نقل قول‌هایی وجود دارد که به تصریح دکتر صفا، نمی‌تواند درست باشد. وی گاهی نیز شعر می‌سرود. از آثار وی: «سیاست‌نامه» یا «سیر الملوک» یا «پنجاه فصل»، که به درخواست سلطان ملکشاه نوشته شد؛ «وصایای نظام‌الملک» یا «دستور الوزارهٔ»؛ «قانون الملک» که به آورده‌ی «تاریخ ادبیات در ایران» به وی نسبت داده‌اند و ظاهراً قسمتی از «سیاست‌نامه» می‌تواند باشد.[۱]

قوام‌الدین، ابوعلی حسن بن ابی‌الحسن علی بن اسحاق بن عباس طوسی، ملقب به رضی امیرالمؤمنین (و. ۴۰۸ یا ۴۱۰- مقت. ۴۸۵

ه.ق)، وزیر و دانشمند دوره‌ی سلجوقیان. در نوغان طوس ولادت یافت. در طوس و نیشابور و مرو فقه و حدیث آموخت، آنگاه در بلخ به خدمت ابوعلی بن شاذان درآمد و به دبیری وی اشتغال جست و چون ابوعلی بعد از استیلای سلجوقیان بر بلخ به وزارت چغری‌بیک رسید، نظام‌الملک را به دبیری الب‌ارسلان گماشت. چون الب‌ارسلان به جای پدر حکومت خراسان یافت، نظام‌الملک را به وزارت برگزید (۴۵۱ ه.ق) چون چهار سال بعد، پس از مرگ عم خود طغرل (۴۵۵) به سلطنت رسید، عمیدالملک کندری را خلع کرد و نظام‌الملک را به جای او وزارت ممالک سلجوقی داد و از این پس وی در وزارت باقی بود تا در ۴۸۵ به سبب اختلاف با ترکان خاتون بر سر جانشینی ملکشاه و ترجیح برکیارق بر محمود و سعایت مخالفان، به قولی از وزارت برکنار شد و بنا به بعضی اقوال دست او را از کارها کوتاه کردند، و اندکی بعد در راه بغداد، در صحنه، به دست یکی از فدائیان حسن صباح به قتل رسید (رمضان ۴۸۵ ه.ق). مجموع مدت وزارت نظام‌الملک سی سال بود، و در این مدت وی در حل و عقد امور مملکت دخالت کامل داشت و بسیاری از فتوحات سلجوقیان و پیشرفتهای آنان در امور داخلی مملکت مدیون کاردانی و کفایت او بود. نظام‌الملک به سبب ارادتی که به فقیهان داشت، مدارس بسیار بنا نهاد که پس از وی به مدارس نظامیه معروف شد. خواجه از نویسندگان چیره‌دست نثر فارسی به شمار می‌رود و کتاب سیاستنامه‌ی (ه.م) او از جمله‌ی کتب فصیح زبان فارسی است. علاوه بر آن مکتوبی از وی به پسرش در دست است که به نام وصایای نظام‌الملک یا دستورالوزراء معروف است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۵۰۹ -۵۰۴/ ۲)، اسرار التوحید، تعلیقات (۷۲۸ -۷۲۷)، اعیان‌الشیعه (۱۶۹ -۱۶۵/ ۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۰۹ -۹۰۴، ۵۲۷ -۵۲۶، ۲۴۱ -۲۳۴، ۱۱۹/ ۲)، تاریخ گزیده (۴۴۳)، تاریخ نظم و نثر (۶۶)، تجارب‌السلف (۲۸۱ - ۲۶۶)، تذکرةالشعراء (صفحات متعدد)، حبیب‌السیر (۵۰۰ -۴۹۴/ ۲)، دایرةالمعارف فارسی (۳۰۳۶/ ۲)، دستور الوزراء (صفحات متعدد)، الذریعه (۲۷۴ -۲۷۳/ ۲۵، ۲۷۴ -۲۷۳/ ۱۲)، راحةالصدور (صفحات متعدد)، روضات‌الجنات (۸۵ -۸۲/ ۳)، ریحانه (۲۱۰ - ۲۰۹/ ۶)، سبک‌شناسی (۱۸۶، ۱۱۳ -۹۵/ ۲، ۱۶۸/ ۱)، سه حکیم مسلمان، شاعران بی‌دیوان (۵۸۳ -۵۸۱)، شخصیت‌های نامی (۴۸۵ -۴۸۴)، شذرات الذهب (۳۷۵ -۳۷۴/ ۳)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۲۵۶ -۲۴۸)، صبح گلشن (۵۲۶ -۵۲۵)، طبقات الشافعیه سبکی (۳۲۸ -۳۰۹/ ۴)، العبر (۳۴۹/ ۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۱۱ -۵۱۰)، فرهنگ سخنوران (۹۴۱)، الکامل (۱۶۱/ ۸)، کشف‌الظنون (۱۶۶)، الکنی والالقاب (۲۵۹ -۲۵۷/ ۳)، لباب‌الالباب (۶۷ -۶۵/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ نظام‌الملک طوسی)، مدارس نظامیه (مقدمه، ۹۱ -۲۴)، معجم‌المؤلفین (۲۴۹/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۶ -۶۰۴/ ۲)، النجوم الزاهرة (۱۳۴ -۱۳۳/ ۵)، وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی (۵۳ -۴۶)، وفیات الاعیان (۱۳۱ -۱۲۸/ ۲)، هدیةالاحباب (۲۵۷)، هفت اقلیم (۱۹۸ -۱۹۶/ ۲).

نظام‌الملک نوری، عبدالوهاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۵ -۱۲۶۵ ق)، خطاط. ملقب به نظام‌الملک. وی منسوب به ابوصلت هروی و در نقد شعر و سخن‌سنجی ماهر بود.اشعار فارسی و تازی بسیاری در حفظ داشت و خطیبی زبردست به شمار می‌آمد. عبدالوهاب خان در ۱۲۹۰ ق نایب‌الحکومه‌ی یزد و در ۱۳۰۰ ق نایب وزارت لشکر بود. در ۱۳۰۷ ق، پس از مرگ پدر به نظام‌الملک ملقب و به وزارت کشور منصوب گردید و در ۱۳۱۳ ق، هنگام جلوس مظفرالدین شاه وزیر مالیه شد. نظام‌الملک خطوط نستعلیق، شکسته نستعلیق و سیاق را خوش می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۲۲/ ۲)، شرافت (۳۱ -۳۰)، شرح حال رجال (۳۲۳ -۳۲۰/ ۲)، مرآت الوقایع مظفری (۳۴۲ -۳۴۱، ۳۳۶، ۲۶۸، ۲۶۷، ۲۲۵، ۲۱۶، ۲۱۵ -۲۱۵، ۱۴۹، ۱۰۴)، یادداشتهای ملک المورخین (۵۴، ۴۶).

نظام‌زاده فسائی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر فرزند عالم جلیل و فقیه نبیل حاج شیخ محمود نظام‌زاده سبط علامه کبیر حاج میرزا محمود شیرازی عسکری و حفید عالم بزرگوار حاج میرزا محمد اسمعیل نظام‌العلماء فسائی می‌باشند.

در سال ۱۳۲۵ شمسی در سامری به دنیا آمده و دوران کودکی را در آنجا پشت سر گذارده و در خدمت والد ماجدش عزیمت به نجف اشرف نموده و دروس مقدماتی و ادبیات را در آن سامان به پایان رسانیده سپس در خدمت پدرش در سال ۱۳۴۶ شمسی به شیراز آمده و مدت شش سال اقامت و سطوح را در این شهرستان نزد اساتید و مدرسین خوانده و در سال ۱۳۵۲ شمسی مهاجرت به قم نموده است.

و در درس خارج مرحوم علامه نسابه فقیه اهل‌البیت آیت‌اللّٰه العظمی مرعشی نجفی قدس‌اللّٰه سره و نیز آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی عافاه اللّٰه و ادام اللّٰه ظله شرکت و استفاده نموده و در سال ۱۳۶۴ شمسی که والد بزرگوارش آیت‌اللّٰه حاج میرزا محمود نظام‌زاده رحلت نمودند و به فساء برگشته و به جای معظم‌له به خدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام اسلامی و قضاء حوائج برادران دینی اشتغال دارند. ادام‌اللّٰه توفیقاته.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

نظامی باخرزی، کمال‌الدین عبدالواسع

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، منشی و شاعر. در عصر سلطان حسین بایقرا (۹۱۱ -۸۷۳ ق) می‌زیست و از منشیان دربار وی به شمار می‌آمد. او در فن انشاء و ترسل مهارت کامل داشت. در آغاز پادشاهی سلطان حسین بایقرا به تألیف تاریخ سلطنت او پرداخت، اما چون تشبیهات و استعارات بسیار آورده بود، سلطان کتاب را نپسندید و آن کار را به دیگران سپرد. صاحب «تاریخ نظم و نثر» آورده که وی جزو خاصان دستگاه خواجه نظام‌الملک خوافی وزیر بود و فرزندان خواجه در انشاء و ترسل از شاگردان عبدالواسع به حساب می‌آیند و نظامی به نام آنها رساله‌ای نگاشته است. عبدالواسع در سرودن شعر دارای طبعی روان بود و در هجا نیز دست داشت. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۱۴ -۳۱۳)، حبیب‌السیر (۳۳۹/ ۴)، مجالس‌النفائس (۲۷۶، ۹۹).

نظامی عروضی سمرقندی، نجم‌الدین، ابوالحسن احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۵۶۰ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به نظامی. وی به دلیل اینکه در علم عروض تبحر داشت، به عروضی شهرت یافت. صاحب «مجمع‌الفصحا» او را اهل نسا می‌داند. نظامی در سمرقند به دنیا آمد و مدتی از جوانی خود را در آن شهر به کسب علوم گذراند. در ۵۰۶/ ۵۰۴ ق به خراسان رفت و گویند در بلخ با عمر خیام ملاقات کرده و پس از آن به هرات رفته و در ۵۱۰ ق از هرات به اردوی سلطان سنجر پیوسته و در آنجا به خدمت امیر معزی رسیده و شعر خود را به او عرضه داشته است. او با نظامی گنجوی نیز ملاقات نموده است. همچنین به خدمت ملوک غوری آل شنسب رسیده و سالها به مدح آنها پرداخته است. نظامی در طب و نجوم و هیئت متبحر بود و در نثر، اعم از مصنوع و نثر مرسل، نیز استادی بزرگ بود، اما شعرش چندان به دل نمی‌نشست. به آورده‌ی برخی از تذکره‌نویسان چند مثنوی داشته که از میان رفته است. از مهم‌ترین آثار وی «چهار مقاله» یا «مجمع‌النوادر» می‌باشد که در حدود ۵۵۲ -۵۵۱ ق به نام حسام‌الدین علی بن مسعود نوشته است. در «ریحانه‌الادب» منظومه‌ی «ویس و رامین» که از داستان‌های اشکانیان است و فخرالدین اسعد گرگانی آن را به نظم آورده، به نظامی عروضی نیز نسبت داده شده است.[۱]

ابوالحسن نظام‌الدین یا نجم‌الدین احمد بن عمر بن علی سمرقندی مشهور به نظامی عروضی. نویسنده و شاعر قرن ششم هجری. در اواخر قرن پنجم در سمرقند ولادت یافت، و پس از تحصیلات مقدماتی به خراسان رفت. و به دیدار خیام و معزی نایل شد. نظامی عروضی به دربار ملوک آل شنسب وابسته بود، و سالها مداحی شاهان آن سلسله می‌کرد و کتاب مجمع‌النوادر مشهور به چهار مقاله را به نام فخرالدوله مسعود برادرزاده‌ی ملک شمس‌الدین محمد غوری تألیف کرد. این کتاب بین سالهای ۵۵۱ تا ۵۵۲ هجری تألیف شده و مطالب آن بیان شرایطی است که در چهار طبقه از مردم- که به زعم مصنف پادشاهان محتاج بدیشان می‌باشند، یعنی- دبیر، شاعر، منجم، طبیب- باید مجتمع باشد. در عین حال بسیاری از مطالب تاریخی و تراجم مشاهیر اعلام را که در کتب ادبی و تاریخی دیگر یافت نمی‌شود نیز شامل است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۹۶۳ -۹۶۱/ ۲)، تاریخ گزیده (۷۵۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۰ -۱۱۹، ۹۰)، تذکره‌ی روز روشن (۵۳۸)، تذکرة الشعراء (۶۹ -۶۸)، چهار مقاله (مقدمه/ شش- بیست)، دایرةالمعارف فارسی (۳۰۳۶/ ۲)، الذریعه (۱۲۰۷/ ۹، ۳۱۴/ ۵، ۳۷/ ۳)، ریحانه (۲۱۱ -۲۱۰/ ۶)، سبک‌شناسی (۳۱۸ -۲۹۷/ ۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۱۴ -۵۱۳)، فرهنگ سخنوران (۹۴۳)، کشف‌الظنون (۱۶۰۴)، لباب‌الالباب (۲۰۸ -۲۰۷/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، مجمع‌الفصحا (۱۴۱۰ -۱۴۰۹/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۸ -۴۸۷/ ۱)، هفت اقلیم (۳۵۴ -۳۵۲/ ۳).

نظامی قهستانی، فصیح‌الدین محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۱۹ ق)، ریاضیدان و شاعر. از مقربان سلطان حسین بایقرا (۹۱۱ -۸۷۳ ق) و امیر علیشیر نوایی (۹۰۶ -۸۴۴ ق) بود. در علوم معقول و منقول تبحر داشت و در فن ریاضی و حکمت سرآمد عصر خود بود. او با مولانا جلال‌الدین محمد واعظ و مولانا عبدالعلی بیرجندی معاصر بود. وی مدرس مدرسه‌ی اخلاصیه، مدرسه‌ی بدیعه و مدرسه‌ی غیاثیه بود. فصیح‌الدین در ۹۱۷ ق به بلخ مسافرت کرد و در آنجا به مدت چند سال در مصاحبت امیر صدرالدین، یونس، که دامادش بود، به سر برد. مؤلف «الذریعه» می‌گوید شاید او همان فصیح دشت بیاضی هروی باشد. از آثار وی: شرح بر «چغمینی»؛ حاشیه‌ی «الهدایة»؛ حاشیه‌ی «التذکرة»؛ شرح «الاربعین» نووی؛ شرح «العوامل»؛ حاشیه‌ی «المختصر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریـخ نظم و نثر (۲۶۹)، حبیب‌السیر (۳۵۳ –۳۵۲/ ۴)، الذریعه (۱۲۰۷/ ۹)، فرهنگ سـخنوران (۹۴۳)، هفت اقلیم (۳۲۶– ۳۲۷/ ۲).

نظامی گنجوی، جمال‌الدین، ابومحمد الیاس

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۱۴/ ۶۰۴/ ۶۰۲ –۵۳۵/ ۵۳۰/ ۵۲۰ ق)، حکیم و شـاعر، متخلص به نظامی. وی از مادری کرد نژاد در گنجه به دنیا آمـد. بعضـی از مؤلفین تذکره‌ها او را از قهسـتان یا فراهان یا تفرش و قم دانسـته‌اند. در زمینه‌ی اسم، لقب کنیه و نسبش نیز در بین تذکره‌ها اختلاف است. نظـامی همه‌ی عمر را در گنجه بوده مگر سـفر کوتـاهی که به دعوت اتابک قزل ارسـلان به یکی از شـهرهای نزدیک گنجه داشـته است. نظامی با خاقانی و عوفی معاصر بود و گویند در مرگ خاقانی نیز مرثیه‌ای سروده است. بنابر بعضی از اقوال در طریقت و سیر و سـلوک از مریدان اخی فرج زنجانی شـمرده می‌شد. سـلاطین معاصر وی همان کسانی هستند که نظامی آثار خود را به نام آنها کرده و یا در مثنویاتش آنها را سـتوده است. گویند جامع علوم عقلی و نقلی بود. داستانسـرایی در زبان فارسـی با نظامی شـروع نشـد، لیکن نظـامی توانست منظومه‌های تمثیلی را در زبان فارسـی به حـد اعلای تکامل برسانـد. از جمله شاعرانی که از آثار نظامی تقلیـد کردنـد عبارتند از: امیر خسـرو دهلوی، جامی، هاتفی، قاسـمی، وحشـی، عرفی، مکتبی، فیضـی فیاضـی، اشـرف مراغی و آذر بیگـدلی، ولی هیـچ کـدام نتوانستند خود را به پـای او برساننـد. در زمینه‌ی تاریـخ ولادت و مرگ وی نیز اختلاف وجود دارد، ولی برخی تـذکره‌نویسان بـا اشاراتی که در ابیات مثنوی‌های نظامی بوده، تا حـدودی توانسـته‌اند به آن سالها پی ببرنـد. نظامی در گنجه درگـذشت و مـدفن وی تـا اواسط عهـد قاجـاری بـاقی بود، بعـد از آن رو به ویرانی نهاد تا باز به وسیله‌ی دولت محلی آذربایجان شوروی مرمت شد. از آثار وی: پنج مثنوی مشـهور به «پنج گنج» یا «خمسه» شامل: مثنوی «مخزن‌الاسـرار»، مشتمل بر حدود دو هزار و دویست و شصت بیت، به نام فخرالدین بهرامشاه بن داوود در ۵۷۰ ق، مثنوی «خسرو و شیرین»، در شش هزار و پانصد بیت، به نام شمس‌الـدین محمـد جهان پهلوان بن ایلـدگز در ۵۷۶ ق، مثنـوی «لیلی و مجنـون»، در چهـار هزار و هفتصـد بیـت، به نـام شـروانشاه ابوالمظفر اخستان بن منوچهر در ۵۸۸ ق؛ مثنوی «بهرامنامه» یا «هفت پیکر» یا «هفت گنبد»، در پنج هزار و صد و سی و شش بیت، به نام علاءالـدین کرپ ارسـلان در ۵۹۳ ق؛ مثنـوی «اسـکندرنامه»، در ده هزار و پانصـد بیـت مشـتمل بر دو قسـمت «شـرفنامه»، به نـام نصرةالدین ابـوبکر بـن محمـد جهـان پهلـوان و «اقبالنـامه»، بـه نـام دو سه تن از امرا. بنـا به گفته‌ی «تاریـخ نظم و نـثر»، «شـرفنامه» یا «مقبل‌نـامه» در هندوسـتان به نـام «اسـکندرنامه‌ی بری» معروف شـده است. از دیگر آثـارش: «دیوان» شـعر، شامل قصایـد و غزلیات. بعضـی از تذکره‌ها مثنویی به نام «ویسه و رامین» را با احتمالی به وی نسبت داده و گفته‌اند که در جوانی آن را به نام سلطان محمود بن ملکشاه به نظم درآورده است.[۱]

نظامی گنجه‌ئی: گنجه‌ای. حکیم ابومحمـد الیاس بن یوسف بن زکی ابن مؤیـد نظامی (و. ۶۱۴ –۵۳۰ ه.ق) شاعر معروف ایرانی در قرن شـشم ه.ق؛ متولد گنجه. از زندگی او به طور مشـروح چیزی دانسته نیست. ظاهراً هنوز چندان از سـنش نگذشـته بود که پدر و مـادرش را از دست داد. نظامی چنانکه از اشـعارش برمی‌آیـد، در آغاز جوانی به تحصـیل ادب و تاریـخ و قصـص همت گماشت و بیشتر عمر خود را در گنجه گذرانیـد؛ و کمتر از موطن مـألوف خویش دوری گزیـد. وی با اصول عرفان آگاه بود و عملاً نیز طریق زهـد و تصوف می‌سپرد و پادشاهان رعایت مقام او می‌نمودند، و در حضور وی از می و مطرب پرهیز می‌کردند. مهمترین اثر نظامی پنج گنج یا خمسه‌ی نظامی (ه.م) است، و دیگر دیوان اوست شامل قصاید، غزلیات، قطعات، رباعیات که بطبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زنـدگینامه :[۱] آتشـکده‌ی آذر (۱۳۴۳ –۱۳۲۷/ ۳)، احوال و آثـار و شـرح مخزن‌الاسـرار نظامی گنجوی (مقـدمه/ ۱۵۳ –۱)، ارمغان (س ۵، ش ۲، ص ۲۷۳ ،۲۶۲ ،۱۷۷ –۱۵۵ ،۷۷ –۶۷)، از سعدی تا جامی (۷۸۵ –۷۸۰)، از سنایی تا سعدی (۱۰۲ –۹۱/ ۲)، با کاروان حله (۲۰۳ –۱۹۵)، پیر گنجه در جسـتجوی، ناکجاآباد، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۵۳/ ۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۲۴ – ۷۹۸/ ۲)، تاریـخ گزیده (۷۵۳ –۷۵۲)، تاریـخ نظـم و نـثر (۱۰۶ –۱۰۴)، تذکرةالشـعراء (۱۴۶ –۱۴۲)، تـذکره‌ی میخانه (۲۶ –۱۱)، حماسه‌سرایی در ایران (۳۵۱ –۳۴۱)، دانشمندان آذربایجان (۳۸۵ –۳۸۱)، دایرةالمعارف فارسی (۳۰۳۷ –۳۰۳۶/ ۲)، الذریعه (۲۳۳ – ۲۳۲/ ۲۵ ،۳۹۸/ ۱۸ ،۱۲۰۸ –۱۲۰۷/ ۹)، ریاض‌العارفین (۱۵۴ –۱۴۹)، ریحانه (۲۱۵ –۲۱۱/ ۶)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۳۰۲ –۲۹۴)، طرائق‌الحقـائق (۶۲۵ –۶۲۴/ ۲)، فرهنگ ادبیات فارسـی (۵۱۳ –۵۱۲)، فرهنگ سـخنوران (۹۴۴ –۹۴۳)، کتابشناسی نظامی گنجوی، گنج سخن (۱۹ –۱ / ۲)، لباب الالباب (۳۹۷ –۳۹۶/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ نظامی گنجوی)، مجمع‌الفصحا (۱۴۴۷ –۱۴۱۲/ ۳)، مؤلفین کتب چـاپی (۷۰۶ –۶۹۹/ ۶)، نتایج‌الافکار (۷۰۵ –۷۰۴)، نفحات‌الانس (۶۰۷ –۶۰۶)، هفـت اقلیم (۵۰۱ –۴۹۳/ ۲)، یادگار (س ۴، ش ۹ و ۱۰، ص ۹۳ –۹۲)، یغما (س ۷، ش ۱۰، ص ۴۷۶ –۴۷۴).

نظر علیشاه نایینی، محمد رحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۰ ق)، عـارف و شـاعر، متخلص به نظر. ملقب به نظر علیشاه. پس از فراگیری علوم متـداوله از محضـر علمای اصـفهان، به تزکیه نفس و ریـاضت پرداخت و به نور علیشاه اصـفهانی دست ارادت داد و از مریـدان وی گردیـد. وی از معاصـرین رضاقلی خان

هدایت (م ۱۲۸۸ ق) بود و ابتدا در شعر حجت تخلص می‌کرد. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔالشعراء (۱۹۰۱ –۱۹۰۰/ ۳)، الذریعه (۱۲۱۱ –۱۲۱۰/ ۹)، ریاض‌العارفین (۳۲۹)، ریحانه (۲۱۶ –۲۱۵/ ۶)، طرائق‌الحقائق (۲۱۱/ ۳).

نظرپور، محمدنقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد نقی نظرپور

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ پس از اخذ دیپلم ریاضی فیزیک از دبیرستان «طبری آمل»، وارد حوزه علمیه قم شدم و پس ازحدود ۵/۱ سال به حوزه علمیه «حضرت ولی عصر (عج) خوانسار» رفته و محضر اساتیدی نظیر: «مرحوم آیت الله تقدیری»، «آیت الله ابن الرضا»، «حجهٔالاسلام رفیعان»، «مرحوم حجهٔالاسلام روحانی» و «حجهٔالاسلام شریعتی» و سپس به قم مراجعت کردم. دروس سطح را در محضر اساتید معروف حوزه نظیر آیات: «وجدانی فخر»، «اشتهاردی» و «صالحی مازندرانی» تلمذ کردم. در فلسفه از محضر «آیت الله جوادی» و «آیت الله حسن زاده آملی» بهره مند شدم. برخی از مباحث نجومی را از محضر «آیت الله حسن زاده» فرا گرفتم. ازسال ۱۳۶۷ در دروس خارج فقه «آیت الله تبریزی» و دروس اصول «آیت الله وحید خراسانی» و «فاضل لنکرانی» حدود ۱۰ سال شرکت کردم و سپس در درس «آیت الله سبحانی» به مدت دو سال و «آیت الله کریمی» به مدت ۴ سال شرکت نمودم.

همزمان با تحصیل دروس حوزوی در سال ۱۳۶۸ پس از موفقیت در آزمون دانشگاه مفید در رشته «اقتصاد نظری»، تحصیلات دانشگاهی را آغاز کردم. در سال ۱۳۷۳ از دوره کارشناسی، فارغ التحصیل شدم و در همان سال با شرکت در کنکور سراسری کارشناسی ارشد در رشته «توسعه اقتصادی و برنامه ریزی» دانشگاه علامه طباطبایی پذیرفته شدم و همزمان در سال ۱۳۷۶ با دفاع از پایان نامه خود تحت عنوان: «ارزشها و توسعه بررسی موردی قانون اساسی جمهوری اسلامی» از مقطع کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شدم و از شهریور سال ۱۳۷۶ به عنوان عضو هیئت علمی گروه اقتصاد فعالیت پژوهشی و آموزشی خود را آغاز کردم.

نظرزاده، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله نظرزاده

محل تولد : شیروان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۹/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۳ در شهرستان شیروان از توابع استان خراسان جنوبی به دنیا آمدم. در هفت سالگی با خانواده به مشهد منتقل و تحصیلات ابتدایی با دبیرستان را در مشهد گذراندم. سال ۱۳۶۱ موفق به اخذ دیپلم ریاضی فیزیک شدم و پس از دیپلم با چند تن از دوستان به حوزه علمیه قم وارد شدیم. دوران جنگ در مجموع حدود ۲ سال در جبهه ها توفیق حضور داشتم. مدرسه «رضویه» اوّلین ورود در درس و بحث بود. حجره ۳۶ خاطرات زیبایی را در ذهنم زنده می کند.

اساتید ادبیات، حضرات آقایان حجج اسلام و المسلمین: «طالقانی، عرفان، علوی، موسوی گرگانی، مدرس افغانی و ...». اساتید منطق و فلسفه، حضرات آقایان حجج اسلام و المسلمین: «مهدی هادوی تهرانی، خسروشاهی و آیت الله جوادی آملی». اساتید فقه سطوح عالی، حضرات آیات: «وجدانی فخر، پایانی، استادی و راستی کاشانی». اساتید اصول سطوح عالی، حضرات آقایان: «هادوی تهرانی، اعتمادی، طاهری خرم آبادی و ستوده». اساتید خارج اصول، حضرات آیات: «جوادی آملی، شیخ جواد تبریزی، هادوی تهرانی و وحید خراسانی». اساتید خارج فقه، حضرات آیات: «شیخ جواد تبریزی، جوادی آملی و وحید خراسانی».

از سال ۱۳۶۸ پس از دوران جنگ تحمیلی با پیام های حضرت امام (ره) به حوزه، وارد عرصه مطالعات سیاسی در دوره های آموزشی دفتر تبلیغات اسلامی شدم. در سال ۱۳۷۳ به دنبال رسمیت یافتن این دوره ها در آموزش عالی، موفق به اخذ مدرک کارشناسی «علوم سیاسی» شدم. سال ۱۳۷۶ در ورودی کارشناسی ارشد موسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع) پذیرفته و در سال

۱۳۷۹ از پایان نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان: «فرهنگ اصطلاحات سیاسی قرآن کریم» دفاع کردم. سال ۱۳۸۱ در اولین دوره دکتری علوم سیاسی مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم پذیرفته شدم که پس از گذراندن دروس نظری در حال تدوین رساله دکتری می باشم.

سال ۱۳۷۳ پس از تحولات دفتر تبلیغات اسلامی و انتصاب هیات مدیره و ریاست دفتر، از سوی مقام معظم رهبری (مد ظله)، مسئولیت تاسیس پژوهشکده اندیشه سیاسی در مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی را عهده دار شدم و تا سال ۱۳۷۷ به شورای برنامه ریزی دفتر تبلیغات اسلامی در بخش مطالعات توسعه و نیز برنامه ریزی استراتژیک منتقل شدم. در این دوران، طراحی بند ج ماده ۱۵۹ قانون برنامه توسعه را به انجام رسانیده که حاصل آن؛ مصوبه جلسه شماره ۵۰۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی و تشکیل ستاد پاسخگویی به مسایل مستحدثه دینی بود. از سال ۱۳۸۰ به درخواست معاونت محترم ارتباطات حوزه های دفتر مقام معظم رهبری به آن دفتر مامور به خدمت شدم که حدود چهار سال در بخش نظارت و ارزیابی فعالیت داشته و دارم. هم اکنون مدیریت دفتر برنامه ریزی و توسعه فناوری اطلاعات دفتر تبلیغات اسلامی را به عهده دارم.

نظری منفرد، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی نظری منفرد

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۲۶ در شهر قم در خانواده ای روحانی متولد شدم و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در سال هزار و سیصد و چهل، وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از گذراندن (ادبیات، دروس مقدماتی، فقه و اصول) به نجف اشرف در سال ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ رفتم و سپس به ایران و شهر قم بازگشتم و سطح را به پایان بردم. سپس در آزمون دارالفنون تهران در رشته (معقول و منقول) شرکت نمودم و قبول شدم و پس از اتمام دروس سطح، در درس خارج اساتید مثل: «مرحوم آیت الله محقق داماد»، «مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی»، و «مرحوم آیت الله اراکی» شرکت کردم و فلسفه و حکمت را از محضر «شهید مفتح»، «شهید مطهری» و دیگر اساتید حوزه بهره بردم.

در همان وقت به کار تبلیغ نیز مشغول بودم و در منزل، جلسات بحث و گفتگو پیرامون مسائل کلامی و اعتقادی هر هفته برقرار بود که تحت تعقیب ساواک قرار گرفته و منجر به تعطیل آن مجالس گردید تا پیروزی انقلاب و در همان اوائل پیروزی و انتخابات دوره اول و دوم مجلس از طرف مردم (آباده فارس) به نمایندگی مجلس شورای اسلامی انتخاب گردیدم و پس از اتمام دوره نمایندگی به قم و حوزه علمیه بازگشتم و به تدریس و تالیف پرداختم و اکنون به تدریس درس خارج فقه و اصول مشغول هستم.

نظری، خلیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلیل نظری

محل تولد : کهگیلویه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۶/۱۶

زندگینامه علمی

از سال ۵۷ وارد مدرسه ابتدایی در روستای «آتشگاه» بخش لنده از استان کهگیلویه و بویر احمد شدم. دوره راهنمایی را در شهرستان «دهدشت» گذرانده و در سال ۶۵ – ۶۴ وارد حوزه علمیه حضرت ولی عصر (عج) شهرستان دهدشت شدم و بعد از یک سال یعنی سال تحصیلی ۶۶ – ۶۵ وارد حوزه علمیه قم در مدرسه رسالت شدم و در مدارس: «صدوق، امام صادق (ع) و دارالشفاء» سطح عالی را گذراندم.

در سال ۷۳ شروع به درس خارج فقه و اصول نموده ام و از محضر اساتیدی چون: «آیت الله العظمی مکارم شیرازی»، «وحید خراسانی»، «سبحانی»، «مرحوم وجدانی» و «میانجی» استفاده و کسب فیض نمودم. در سال ۱۳۷۹ به عنوان استاد و هیئت علمی دانشگاه آزاد «ماهشهر» همکاری داشته و از آن تاریخ تا به حال در حوزه علمیه قم و دانشگاه پیام نور به عنوان استاد انجام وظیفه

می نمایم.

نظری، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر نظری

محل تولد : خرم آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اتمام متوسطه در سال ۵۸ در حوزه علمیه «کمالیه خرم آباد» مشغول به تحصیل علوم دینی شده ام و در سال ۵۹ تا ۶۱ در حوزه علمیه قم به تحصیل اشتغال داشته و پس از مراجعت به خرم آباد در سال ۶۱ مجدداً در حوزه علمیه خرم آباد اقدام به تحصیلات دینی، در ضمن مشغول به کار اداری و تبلیغ و تدریس شده ام. در ضمن آنها فعالیتهای سیاسی اجتماعی در سطح گسترده ای داشته ام.

در سال ۸۷ پس از دو بار قبولی در کنکور دانشگاه و انصراف، با کسب رتبه اول کنکور ارشد دانشگاه اراک به تحصیل در سطح ارشد و رشته: «فقه و مبانی حقوق اسلامی» به موازات کار مدیریتی و تدریس پرداخته ام و در سال ۸۰ فارغ التحصیل شده و با موفقیت در امتحانات سطح سوم حوزه (کتبی و شفاهی)، به علت عدم ارائه پایان نامه، مدرک سطح ۲ را از مدارج حوزه علمیه قم دریافت داشته ام.

نظریان، اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جغرافیای فرهنگی و منطقه‌ای، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی جغرافیا از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۸، کارشناسی ارشد جغرافیای انسانی– اقتصادی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۱، دکترای جغرافیای فرهنگی و منطقه‌ای از دانشگاه سوربن فرانسه در سال ۱۳۵۹.

مرتبه علمی:

دانشیار گروه جغرافیای دانشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی تحولات جمعیتی و معیشتی در غرب ایران در نیم قرن اخیر، مطالعه و تحقق در زمینه‌های جغرافیای شهری، مطالعات ناحیه‌ای و جغرافیای ریاضی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

دینامیک شهری یا پویائی شهرها (ترجمه) در زمینه جغرافیای شهری، برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

جغرافیای شهری، ناحیه‌ای و مطالعات ناحیه‌ای و شهری.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نظمی بلخی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. از قریه فلور، از توابع بلخ است. در ملازمت نذر یا ندر محمد خان، حاکم بلخ، به سر می‌برد. در زمان سلطنت جهانگیر شاه (۱۰۳۷ -۱۰۱۴ ق) به هند مسافرت کرد و بعد از مدتی به وطن بازگشت و در آنجا درگذشت. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

نه از کفر سر زلفت دل دیوانه می‌رقصد

اگر رمزی بگویم شیخ در بتخانه می‌رقصد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۴۰)، الذریعه (۱۲۱۱/ ۹)، صبح گلشن (۵۳۰)، فرهنگ سخنوران (۹۴۴)، لغت‌نامه (ذیل/ نظمی بلخی).

نظمی تبریزی، نظام‌الدین علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۸۱ ق)، شاعر. در عهد اکبرشاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به هندوستان رفت و در آنجا «دیوان» خود را در دو هزار و ششصد بیت مرتب کرد. وی در فوت شاعری به نام اشرف صحبتی (م ۱۰۸۱ ق) مرثیه‌ای سرود که در «دیوان» او موجود می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۸۳۶)، دانشمندان آذربایجان (۳۸۶)، الذریعه (۱۲۱۲/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۴۴)، کاروان هند (۱۴۴۴/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ نظمی تبریزی)، هفت اقلیم (۲۵۰/ ۳).

نظمی تهرانی، ناصر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۴ -۱۳۴۰ ق)، شاعر، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. پدرش از مأمورین دولت بود و پیوسته از شهری به شهر دیگری مأموریت می‌یافت، از این رو نظمی تحصیلات مقدماتی را در شهرهای مختلف به پایان رساند و تحصلات متوسطه را در رشته‌ی ادبی در دبیرستان دارالفنون و سن‌لوئی گذراند. وی با مطبوعات همکاری نزدیک داشت و سردبیری چند روزنامه را به عهده گرفت و مجله‌ی هنری و سیاسی «عقیده» را در ۱۳۶۵ ق منتشر کرد. او از سنین جوانی به نظم شعر پرداخت. از دیگر آثار وی: «اطاق کبود»؛ «شب مهتابی»؛ «معشوقه‌ی بی‌گناه»؛ «یادبودهای جوانی»؛ «تاتیانا»؛ «اسرار بغداد»؛ «گربه‌ی سیاه»؛ «طلا در کوه»؛ «این تو بودی»؛ «شبهای هند»؛ «پدری که پسر خود را می‌کشد»؛ «روح گمشده»، ترجمه؛ «طوفان زندگی»، ترجمه؛ «نگاه»، مجموعه‌ی شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۰۵/ ۱۸، ۱۲۱۲، ۱۱۵۷/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۶۶۶ -۳۶۶۲/ ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۳۵، ۳۳۰۸، ۳۰۵۴، ۲۹۱۷، ۲۷۱۳، ۲۴۴۵، ۲۳۹۸، ۲۲۷۰، ۲۲۶۵، ۲۰۹۴، ۱۷۶۷، ۱۷۴۹/ ۲، ۱۴۹۰، ۱۱۳۲، ۱۰۶۴، ۱۰۵۰، ۶۵۲، ۵۸۹، ۴۲۶، ۱۹۶/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۲۳ -۵۲۱/ ۶).

نظیر زنگنه، امان‌اللّه

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۲۶ ق)، شاعر، متخلص به نظیر. از ایل زنگنه بود. در اصفهان به شغل کتابت اشتغال داشت و از این طریق امرار معاش می‌کرد. وی از شاگردان ملا حسین رفیق اصفهانی (م ۱۲۱۲ ق) شمرده می‌شد و در اصفهان درگذشت. مؤلف «الذریعه» تاریخ فوت وی را ۱۲۶۶ ق می‌داند. از آثارش: «دیوان» شعر، که در کتابخانه‌ی ملی موجود می‌باشد. صاحب «سفینهٔالمحمود» شماره‌ی اشعار «دیوان» او را شش هزار بیت می‌داند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔالشعراء (۱۹۰۱/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۹۰/ ۵)، الذریعه (۱۲۱۲/ ۹)، ریحانه (۲۱۶/ ۶)، سفینهٔالمحمود (۳۲۶ -۳۲۵/ ۱)، صبح گلشن (۵۳۱)، فرهنگ سخنوران (۹۴۵)، فهرست نسخ خطی کتابخانه‌ی ملی (۹۲/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ نظیر)، مجمع‌الفصحا (۱۰۸۹/ ۶)، مصطبه‌ی خراب (۱۹۴)، مکارم‌الآثار (۸۲۸/ ۳)، نگارستان دارا (۲۷۰ -۲۶۹).

نظیر مشهدی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یـازدهم ق)، شاعر، متخلص به نظیر. وی در ابتـدا نظیری تخلص می‌کرد و بعـدها تخلص خود را نظیر قرار داد. در ۱۰۰۳ ق از خراسان به مکه رفت و از آنجا به هنـد مسافرت کرد. در بیجاپور به خـدمت ابراهیم عادلشاه ثانی (۱۰۳۵ –۹۹۸ ق)، از سلسله‌ی عادلشاهیـان دکـن رسـید و در زمره‌ی منشیـان او درآمـد و در ۱۰۲۰ ق از هنـد بـه مشـهد بـازگشت. آزاد بلگرامی در «سـرو آزاد» می‌گوید که نظیری در ۱۰۳۰ ق به مکه رفته و از آنجا به هنـد مسافرت کرده و بعد از درگذشت نظیری نیشابوری (م ۱۰۲۳ –۱۰۲۱ ق) به بیجاپور رسـیده است. مؤلف «مطلع الشـمس» سال ورود او را به هنـد ۱۱۰۳ ق نوشته است. اشـعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۵۰۹/ ۲)، تاریـخ ادبیات در ایران (۹۰۲/ ۵)، تذکره‌ی روز روشن (۸۳۷ –۸۳۶)، الذریعه (۱۲۱۳ – ۱۲۱۲/ ۹)، سـرو آزاد (۵۶ –۵۵)، فرهنگ سـخنوران (۹۴۵)، کاروان هنـد (۱۴۴۹ –۱۴۴۴/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ نظیر مشـهدی)، مطلع الشمس (۴۴۹/ ۲).

نظیری قمی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، نقاش و شاعر. وی در کتابخانه‌ی شاه طهماسبی و تحت نظر نقاشان و خوشنویسان مشهور، نقاشی و خط می‌آموخت و سپس کلیددار کتابخانه شاهی شد و در مواقعی نیز با شاه به نقاشی می‌پرداخت. نظیری شعر هم می‌سرود. این مطلع از اوست:

عشق بت صورتگیری افکند شوری در سرم

خلقی به صورت عاشق و من عاشقی صورتگرم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منـابع زنـدگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۳۹۳/ ۳)، تاریخ اصـفهان (۲۹۰ –۲۸۹)، تاریـخ هنرهای ملی (۸۴۲ –۸۴۱/ ۲)، تحفه سامی (۳۱۰)، الذریعه (۱۲۱۳/ ۹)، گلستان هنر (۱۳۹).

نظیری نیشابوری، محمدحسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۳ –۱۰۲۱)، شاعر، متخلص به نظیری. اصل وی را از جوین می‌داننـد. اهل نیشابور بود. او از ابتـدای جوانی به کسب علم و ادب پرداخت و به شاعری روی آورد و زبان عربی را نزد شـیخ غوثی مندوی، مؤلف «گلزار ادب»، آموخت و حدیث و تفسیر را از مولانا حسـین جوهری فراگرفت. وی به شغل بازرگانی می‌پرداخت و از همان جوانی به قصد تجارت از خراسان بیرون آمد. در ۹۹۲ ق به کاشـان رفت و در آنجـا بـا بزرگـان همچون تقی‌الـدین اوحـدی، مولانـا حـاتم، فهمی و مقصود خرده آشـنا شـد و در مجالس مشاعره آنها شـرکت کرد. به عراق و آذربایجان نیز سـفر نمود. وی سـپس به هنـد رفت و در آگره به خدمت میرزا عبدالرحیم خان، خان خانان (م ۱۰۶۳ ق) پیوست و در ملازمت او قرار گرفت و به مـدحش پرداخت. بعد از این تاریخ با معرفی خان خانان، به دربار اکبرشاه راه یافت و مـداح او شـد. در ۱۰۰۱ ق از هنـد قصـیده‌ای برای صاحب «خلاصهٔ الاشـعار» و بعدها «دیوان» شـعرش را نیز، که مشـتمل بر اقسـام شـعر نزدیـک به چهار هزار بیت بود، برای وی فرستاد. در ۱۰۰۲ ق به مکه معظمه مشرف شـد و در بـازگشت به احمـدآباد گجرات رفت و در آنجا ساکن گردیـد. وی در زمان سـکونت در گجرات به مدح شاهزاده مراد پرداخت. بعد از اکبرشاه به دربـار جهـانگیر شـاه (۱۰۳۷ –۱۰۱۴ ق) رفـت. نظیری در مــدت زنــدگی خـود هیـچ‌گاه از دو پیشـه اصــلی خـود، بازرگـانی و مدیحه‌سـرایی فارغ نشد. او بر مذهب دوازده امامی بود او با ثنایی مشـهدی و شـکیبی اصـفهانی دوستی داشت و با امین احمد رازی معاصـر بـود و شـاعرانی چـون ظهوری، ملـک قمی و عرفی بـا وی نزاع داشـتند. وی در احمـدآباد گجرات درگـذشت و در محله‌ی تـاجپوره‌ی آنجـا به خـاک سپرده شـد. بنـا به آورده‌ی مؤلف «تاریخ ادبیات در ایران» با توجه به ماده تاریـخ‌هایی که در زمینه فوت نظیری گفته شده است، ۱۰۲۱ ق سـندیت بیشتری دارد. برخی از تـذکره‌ها نظیری را با نظیر مشـهدی و نظیری، صاحب «بهمن‌نامه‌ی آذری»، درآمیختـه‌انـد. از آثـار وی «دیوان» شـعر است، که خود در ۱۰۲۰ ق به کتابخانه‌ی خان خانان تقـدیم کرده و شامل قصـیده، ترکیب بند، غزل، قطعه و رباعی می‌باشد که مجموع ابیات آن به ده هزار بیت می‌رسد.[۱]

محمدحسـین نیشابوری شاعر مشهور ایران در آغاز قرن یازدهم (ف. احمدآباد گجرات ۱۰۲۱ ه.ق– ۱۶۱۲ م) وی از ایران به هند به دربار عبدالرحیم‌خان خاقان رفت و سپس به دربار اکبرشاه راه یافت و علاوه بر او پسرش جهانگیر را نیز مدح گفت. ولی بیشتر عمر خود را در احمـدآباد گجرات گذرانید و مخصوصاً چند سال آخر زندگی را در انزوا و گوشه‌نشـینی سـرگرم تفکرات عارفانه بود و همانجـا درگـذشت. دیوان او که شامـل قصایـد، ترکیبـات، ترجیعـات، مقطعات، رباعیات است در حـدود ۱۰ هزار بیـت دارد و در هندوستان بطبع رسیده است. وی در ایجاد ترکیبات و تعبیرات جدید و به کار انداختن خیال باریک مهارت دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۷۳۸ –۷۱۱/ ۲)، ایضاح‌المکنون (۵۳۴/ ۱)، حماسه‌سرایی در ایران (۳۵۷)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۶۸ / ۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۱۶ –۸۹۷/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۲۹)، تذکره‌ی روز روشن (۸۴۱ –۸۳۷)، تذکره‌ی میخانه (۸۰۰ –۷۸۵)، دایرةالمعارف فارسی (۳۰۴۱ –۳۰۴۰/ ۲)، الذریعه (۱۲۱۳/ ۹)، ریاض‌العارفین (۲۳۷ –۲۳۶)، ریحانه (۲۱۷ –۲۱۶/ ۶)، سرو آزاد (۲۶ –۲۴)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۱۵ –۵۱۴)، فرهنگ سخنوران (۹۴۶ –۹۴۵)، کاروان هند (۱۴۵۶ –۱۴۴۹/ ۲)، کلمات الشعراء (۱۷۹)، گنج سخن (۷۶ –۶۴/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ نظیری نیشابوری)، مجمع‌الخواص (۲۲۰ –۲۱۹)، مجمع‌الفصحا (۱۰۳ –۱۰۱/ ۴)، مطلع الشمس (۱۷۸ –۱۷۷/ ۳)، مواد التواریخ (۳۷۸)، مؤلفین کتب چاپی (۹۱۰ –۹۰۹/ ۲)، نتایج‌الافکار (۷۱۸ –۷۱۳)، هفت اقلیم (۲۸۱ –۲۷۵/ ۲).

نعمت پور، ناصر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصر نعمت پور

محل تولد : هشترود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱۰/۱

زندگینامه علمی

حقیر خود را لایق نوشتن یک زندگی نامه علمی نمی‌دانم زیرا که به فرموده آن استاد عزیز که درباره خودشان فرموده‌اند: «این کمترین درباره خود چه بنگارد که نه تألیفی شایان تعریف دارد و نه تضمینی سزاوار تعیین، نه عقده‌ای را به بنان خود گشوده است، نه مشکلی را به بیان خود حل کرده است. نه اهل حل و عقد است و نه مرد رتق و فتق، نه به مقامی واصل شده است و نه بهره‌ای از او حاصل ـ گویی درباره وی گفته‌اند: «نه شکوفه و نه برگی، نه ثمر، نه سایه دارم همه حیرتم که دهقان، به چه کاری کشت ما را» البته صدور این سخنان از آن عزیز، نشان دهنده معرفت و تواضع ایشان است. ولی اینجانب خود را به حقیقت فقیر می‌دانم ولی از آنجایی که جواب تحیت لازم و نوع ادب است؛ چند جمله‌ای در این موضوع می‌نگارم:

در حدود سال ۱۳۵۳ ه . ش بود که به طور دسته جمعی از منطقه «هشترود» از توابع آذربایجان شرقی به شهر مقدس قم هجرت کردیم و در اولین سال ورود به این شهر مقدس، تا سال ۱۳۵۹ شمسی مشغول گذراندن تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه بودیم و در سال ۱۳۶۰ ه . ش با توفیق ربانی و با مشورت با یکی از دوستان شهیدم، به طور رسمی وارد حوزه علمیه قم شدم، البته لازم به ذکر است که همه تحصیلات حوزوی حقیر، در شهر مقدس قم و در حوزه علمیه قم بوده است.

دروس ابتدایی حوزوی را در مدرسه علمیه «ابوالصدق» قم گذراندیم و در دروس مقدماتی از محضر اساتید گرانقدری همانند: (مرحوم حجةالاسلام دکتر ضیائی، حجةالاسلام نظری، مهدی‌زاده و دیگران) بهره بردیم. و دروس سطح مقدماتی از قبیل: لمعه، معالم، صرف، نحو، معانی بیان را در محضر اساتید بزرگوار از قبیل: استاد «آیت الله رضا استادی»، «سید احمد خاتمی»، «مرحوم حجةالاسلام وجدانی فخر»، «حجةالاسلام مدرس افغانی» و «استاد محمدی» بهره‌مند شدیم. تا آنجایی که یادم هست، کتاب ارث و بعضی کتب دیگر لمعه را پیش مرحوم «حجة الاسلام وجدانی فخر» تلمذ کردیم؛ در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی و کتاب حج را پیش استاد محترم «آیت الله رضا استادی» در مسجد امام رضا (ع) تلمذ نمودیم. و کتاب نکاح را پیش استاد «حجةالاسلام سید احمد خاتمی» و معالم الاصول را پیش استاد محترم «حجةالاسلام علی محمدی» بهره‌مند شدیم.

دروس سطح عالی حوزه را عمدتاً از محضر اساتید گرانقدرم حضرات آیات: «محفوظی»، «محقق داماد»، «محسن دوزدوزانی»، «صلواتی»، «سید محمد حجت» و ... تلمذ نمودیم. و درس تفسیر قرآن را از محضر اساتید گرانقدر: مرحوم «طاهر شمس»، «مرحوم آیت الله معرفت» و «آیت الله شب زنده‌دار» فراگرفتیم. و درس اخلاق نظری را از محضر اساتید گرانقدر: «آیت الله مظاهری»، «آیت الله شب زنده‌دار» و «حجةالاسلام کربلائی» و درس اخلاق عملی را از محضر مقدس «آیت الله العظمی بهجت» بهره‌مند شدیم.

به هر حال در سال ۱۳۷۰ ه . ش دروس سطح حوزه را تمام کردیم و بعد وارد دروس خارج فقه و اصول که در آن زمان متداول بود؛ شدیم و از آن زمان تاکنون به فضل الهی در دروس خارج فقه و اصول بزرگان شرکت می‌کنیم و بهره ما از این خرمن با برکت چیده‌ایم. نزدیک چهارده سال است که در دروس خارج فقه و اصول حوزه شرکت می‌کنیم. به عنوان مثال: سه سال درس خارج فقه «آیت الله العظمی مکارم شیرازی» کتاب حدود و تعزیرات شرکت کردیم. و از سال ۱۳۷۵ الی سال ۱۳۸۵ ه . ش در درس خارج فقه مرحوم مغفور «آیت الله العظمی حاج شیخ جواد تبریزی» شرکت نمودیم، از کتاب تیمم تا کتاب الصلاة احکام الظل الواقع فی الصلات و نزدیک یک دوره هم درس خارج اصول «آیت الله سبحانی» و بیش از ۵ سال است که در درس خارج اصول «آیت الله وحید خراسانی» شرکت می‌کنیم.

در طول این مدت، نزدیک دو سال، (تاریخ اسلام) را از محضر استاد «رسول جعفریان» و (آشنایی با کلام یهود، نصاری و ادیان زنده جهان) را نزد استاد «حسین توفیقی» و درس (اسفار) را نزد «استاد دکتر بهشتی، آیت الله سبحانی، آیت الله گرامی» و (کلام جدید) را از محضر استاد «دکتر مصطفی ملکیان» و (کلام قدیم) را از محضر «استاد سبحانی» و (منطق و برخی از معارف دینی) را

از محضر «استاد ربانی» و (بدایه و نهایه) را از محضر «استاد ممدوحی» و «رحمانی سبزواری» و (جغرافیای سیاسی) را از محضر «استاد کریم‌پور» بهره‌مند شدیم.

در این مدت با موفقیت، دوره تخصصی کلام را در موسسه امام صادق (ع) با معدل ۱۷ پایان بردیم و در تاریخ ۲۰/۴/۱۳۸۳ ه . ش از پایان‌نامه دکترای کلام خود دفاع کردیم و در بین سالهای ۱۳۷۸ الی ۱۳۸۰ در حدود چهار سال، معارف دینی و تاریخ اسلام را در دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تبریز تدریس کردیم و بیش از ۷ سال در برنامه طرح تابستانی دفتر تبلیغات شرکت کردیم و بیش از ۱۵ سال است که سابقه تبلیغ در شهرهای مختلف داریم. و فعلاً در حوزه مشغول تحصیل هستم و به طور آزاد، برخی از کتب کلامی را تدریس می‌کنم و روحانی عمره هستم و توفیق خدمتگزاری در یکی از مساجد قم را نیز داریم. در این مدت، نوشته‌هایی را هم داریم از جمله:

۱. تقریرات درس خارج فقه مرحوم آیت الله تبریزی.

۲. تقریرات دروس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی.

۳. برهان نظم.

۴. توحید در عبادت از دیدگاه قرآن.

۵. پایان نامه سطح چهار حوزه ـ نقد و بررسی منابع اجتهاد اهل سنت و...

نعمت تبریزی، مؤمن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به ایمان. برخی از تذکره‌نویسان لقب او را نیز ایمان می‌دانند. وی از شاگردان ملا محسن فیض کاشانی (م ۱۹۰۱ ق) بود و ظاهرا تخلص خود را از استادش گرفته است. اجدادش نقیب‌الاشراف تبریز بودند. وی در عین حال که تحصیل علوم کرده بود از ذوق تصوف نیز بی‌بهره نبود. نعمت تا زمان تألیف «تذکره‌ی نصرآبادی» (۱۰۸۳ ق)، در قید حیات بود و در تبریز به سر می‌برد. از آثار وی: «دیوان» شعر. از اوست:

نبینی روی دل تا روی دل در این و آن بینی

نیابی خویش را تا خویشتن را در میان بینی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۱۹۴)، دانشمندان آذربایجان (۵۸ –۵۷)، الذریعه (۱۲۱۴، ۱۱۲۴، ۱۱۵/ ۹)، ریاض‌العارفین (۲۳۶)، ریحانه (۲۱۲/ ۱)، صبح گلشن (۵۳۱، ۴۸)، فرهنگ سخنوران (۹۴۶)، لغت‌نامه (ذیل/ نعمت تبریزی).

نعمت فسائی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود خان فسائی فرزند میرزا زین‌العابدین فرزند میرزا تقی فرزند میرزا محمدحسین معروف (به میرزا جانی) فسائی متخلص به «نعمت» از ادباء و شعراء معاصر و از سادات فسا و نسبش باسی و هفت واسطه به حضرت امیرالمؤمنین (ع) می‌رسد. پدر و اجدادش همه اهل فضل و دانش بوده‌اند.

وی که از دانشمندان و خوشنویسان و شعراء بوده در تاریخ ۱۲۷۱ قمری متولد گردیده و تا سال ۱۳۳۶ قمری زنده بوده و بعداً از دنیا رفته است.

کتابی منظوم به نام «بدیع التواریخ» دارد که در آن کلیه تواریخ فوت معاصرین خود را که ۵۸۵ قطعه است در تهران به نظم درآورده است.

میرزا فرصت در آثار عجم گوید: او را در فسا ملاقات کردم شخصی است خوش‌اخلاق کثیرالوفاق صاحب مقامات عالیه دارای کمالات صوریه و معنویه ابا عن جد حکمرانی شهر فسا و مضافات آن را داشته‌اند و سلسله نسبشان به مرحوم سید علیخان می‌رسد.

(۱۳۴۵/ ۱۳۴۲ –۱۲۷۱ ق)، شاعر، متخلص به نعمت. در فسا به دنیا آمد. نسبش به سید علی خان شیرازی، صاحب «شرح الصحیفهٔ السجادیهٔ» می‌رسد. میرزا محمود خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و در ساختن ماده تاریخ تبحر داشت. وی همچنین به هندوستان و مصر و عثمانی سفر کرد. از آثارش: «بدیع التواریخ»، منظومه‌ای در تاریخ فوت معاصرین خود؛ «چار مینو»، شعر؛ «گنج زر»، شعر؛ «دیوان» شعر.[۱]

میرزای نعمت از شعرای شیراز است و در اواخر عمر در تهران می‌زیست و قسمتی از اشعار او با مقدمه‌ای که آقای ابوالحسن فروغی بر آن نوشته بطبع رسیده ولی بخش عمده‌ی اشعار که مشتمل بر غزلیات و قطعات است تاکنون چاپ نشده. کتاب دیگری دارد متضمن ماده‌ی تاریخ به علاوه تولد و فوت رجال و اشخاص که نیروی طبع و قریحه‌ی او را در این فن می‌نماید. دیوان او به خط خودش موجود است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۸۸ –۸۷)، اعیان‌الشیعه (۱۵۲/ ۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۰۲ –۶۹۱/ ۵)، الذریعه (۱۲۱۵/

۹ ،۷۲/ ۳)، شرح حال رجال (۲۵۷/ ۶)، فرهنگ سخوران (۹۴۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۷۴/ ۲ ،۱۰۹۴/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۴ -۱۰۳/ ۶)، یغما (س ۷، ش ۴، ص ۱۶۲).

نعمت گنابادی، نعمت

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. با سام میرزا صفوی (م ۹۷۵/ ۹۷۴ ق)، مؤلف تذکره‌ی «تحفه‌ی سامی»، معاصر بود. او در فن سیاق مهارت داشت. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

شده مردمان چشمم به امیدت اشکباران

چه شود اگر درآیی ز در امیدواران

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۳۱۴ -۳۱۳)، الذریعه (۱۲۱۵ ،۸۷۳/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۴۷).

نعمت‌اللّه ولی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(قس. نعمهٔ...) سید یا شاه نعمت‌اللّه ولی کرمانی (و. ۲۲ رجب ۷۳۰ ه.ق- ف. ۸۲۷ تا ۸۳۴). از شعرای عصر تیموری و از اولیا و مشایخ بزرگ متصوفه است. نام او امیر نورالدین نعمهٔاللّه فرزند میر عبداللّه و نسب او به امام محمدباقر (ع) می‌رسد. در قصبه‌ی کوه بنان کرمان متولد شد، تحصیل مقدمات علوم را نزد شیخ رکن‌الدین شیرازی فراگرفت و علم بلاغت را بر شیخ شمس‌الدین مکنی و حکمت را بر قاضی عضدالدین ایجی آموخت. چند سفر به مکه و مدینه مشرف شد و مدتها به ریاضت و تصفیه‌ی باطن پرداخت و در آخر در مکه از دست شیخ عبداللّه یافعی، از مشاهیر نویسندگان و مورخین صوفیه و عارف عصر، خرقه پوشید و به مراد خویش نائل آمد و بقیه‌ی عمر را در سمرقند، هرات و یزد بسر آورده و عاقبت در قصبه‌ی ماهان کرمان اقامت گزیده و به تربیت و ارشاد پرداخت. شاه نعمهٔاللّه سلطان دراویش است، بزرگان اطراف هدایا به درگاهش می‌فرستادند، شاهرخ میرزای تیموری در سفر شاه نعمهٔاللّه به هرات او را تعظیم بسیار کرد. بعضی از اولاد وی بعدها با خاندان سلطنتی صفویه مزاوجت و قرابت حاصل نمودند. شهرت شاه نعمهٔاللّه بیشتر از جنبه‌ی تصوف است نه شعر و شاعری، غالب اشعار او در شرح مبادی «وحدت وجود» است و همچنین یک قسمت آن اشاره است به ذکر «نقطه» که محیط جلوه‌ای از مظاهر اوست. دیوان اشعارش مشتمل است بر چهارده هزار بیت غزلیات و مثنویات به انضمام مقداری رباعیات که چند بار بطبع رسیده است. علاوه بر دیوان شعر رسالاتی در تصوف و عرفان از وی باقی مانده است. لیکن دیوان وی بهترین اثر اوست و مزارش در قصبه‌ی ماهان کرمان است. در سال ۱۳۱۵ ه.ش از محل موقوفه از مقبره‌ی وی تعمیری به عمل آورده‌اند. در جوار مقبره‌ی شاه نعمت‌اللّه خانقاهی است که دراویش نعمهٔاللهیه پیروان وی غالباً در آنجا اقامت دارند.

(۸۳۷/ ۸۳۴/ ۸۲۷ -۷۳۰ ق)، عارف و شاعر، متخلص به سید و گاه متخلص به نعمهٔاللّه، مشهور به ولی. وی در ماهان کرمان متولد شد. پس از کسب مقدمات علم نزد شیخ رکن‌الدین شیرازی، شیخ شمس‌الدین مکی، جلال‌الدین خوارزمی و قاضی عضدالدین به سیر و سلوک پرداخت. به مصر و مغرب و مکه و ماوراءالنهر و سمرقند سفر کرد. به کرمان بازگشت و خانقاه و باغ حمام بنا نهاد و سلسله‌ی نعمهٔاللهیه را به وجود آورد. وی در زمان حیاتش شهرت و نفوذ بسیار و مریدان فراوانی داشت که از آن جمله مردم عامی و شاهان و شاهزادگان ایران و هند را می‌توان نام برد. به طوری که در میان سلسله‌های باقی مانده صوفیان هنوز هم دسته‌ای معروف و مهم می‌باشند. وی از جمله بزرگان تصوف معتقد به شیعه بود و مورد توجه شیعیان. وی در سن یکصد و سه سالگی در ماهان درگذشت و همان جا دفن شد. بعدها به امر سلطان احمد بهمنی پادشاه دکن بقعه‌ای برای او ساخته شد که اکنون زیارتگاه معروفی است پس از وی بنا بر وصیتش پسرش سید خلیل‌اللّه به جای وی نشست. در مناقب وی کتابهای بسیاری تالیف شده از جمله: «سوانح الایام فی مشاهدات العوام/ سلسله العارفین» تالیف صنع‌اللّه نعمهٔاللهی که پس از ۱۰۶۶ ق نوشته شده. از جمله آثارش: «دیوان» شعر که سیزده هزار بیت حاوی اشعار عرفانی و توضیحاتی در مورد عقاید صوفیه؛ «رساله‌ی اصطلاحات»؛ «رساله‌ی قل هواللّه احد»؛ «رساله‌ی توکل»؛ «رساله‌ی تحقیقات»؛ «مکاشفات»؛ «تعریفات»؛ «آداب خلوت».[۱]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۶۲۱ -۶۲۰/ ۲)، از سعدی تا جامی (۶۹۳ -۶۸۲ ،۴۵۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۳۳ -۲۲۸/ ۴)، تاریخ نظم و نثر (۱۹۰ -۱۸۷)، تذکره الشعراء (۳۷۹ -۳۷۱)، حبیب السیر (۸ -۷/ ۴)، دایرةالمعارف فارسی (۱۴۴۶/ ۲)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (۲۰۰ -۹۵/ ۱)، الذریعه (۱۲۱۶ -۱۲۱۵/ ۹)، رساله‌های حضرت سید نورالدین (مقدمه/ ۲۴ -۳)، ریاض العارفین (۱۴۸ -۱۴۴)، ریحانه (۳۳۹/ ۶)، ستارگان کرمان (۲۳۹ -۲۳۳)، صبح گلشن (۵۳۴ -۵۳۲ ،۲۱۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۷/ ۹)، طرائق الحقائق (۴۰۳/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۹۴۷ -۹۴۶)، لغت نامه (ذیل/ نعمت‌اللّه)، مؤلفین کتب چاپی (۶۳۳ -۶۳۰/ ۶)، مجمع الفصحا (۱۰۱ -۸۷/ ۲)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۸۳۴)، مجموعه در ترجمه احوال شاه نعمت‌اللّه ولی، معجم المؤلفین (۱۱۱/ ۱۳).

نعمت‌اللهی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۸۵، قم.

درگذشت: آبان ۱۳۷۱.

احمد نعمت‌اللهی، متخلص به «شهره» فرزند علی‌اکبر، علوم جدید و قدیم را در زادگاه خود فراگرفت، از جوانی به مطالعه و تحقیق دربـاره‌ی طریقت‌ها و مـذاهب مختلف پرداخت و در هر طریقی داخـل شـد و بـا رسم و راه و افکارشـان آشـنایی یافت و در بیست سـالگی نتیجه مطالعـات خود را در این زمینه به رشـته‌ی تحریر کشـید و آن را به نـام انـدرزنامه موسوم ساخت که طبع و نشر نشـده است.

احمـد نعمت‌اللهی شاعری است واقع‌گرا که در سال ۱۳۲۲ مجموعه‌ای از اشـعار اجتماعی خود را به نام نسرین و آزاد یا نمونه‌ای از مبـارزه کـارگران و دهقانان (قم، ۱۳۲۳) انتشـار داد و بعـد مجموعه‌ی دیگری به نـام عـالم انتقام (قم، ۱۳۲۳) از او به چـاپ رسـید و آخرین اثر منظومی که از او طبع و نشر شد اندیشه‌های من یا دامنه‌های خیال نام دارد. وی حافظ قرآن مجید بود.

وی در جوانی به اسـتخدام وزارت پست و تلگراف درآمد و سال‌ها در قم به خدمت پرداخت و سرانجام بازنشسته شد و اوقات خود را بیشتر به مطالعه می‌گذرانید. احمد نعمت‌اللهی سرانجام در آبان ۱۳۷۱ درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

نعمت‌الهی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی معدن، دانشکده: فنی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای حرفه‌ای مهندسی معدن از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹، دکترای تخصصی کانه‌آرائی از دانشگاه اورلئان در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده فنی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعات کانه‌آرائی کانه آهن چادرملو، آرایش شیب معـدن کم عیار سولفوره ایرانکوه، انـدازه‌گیری قابلیت خرد شدن مواد، بهبود روش کانه‌آرائی پنبه نسوز، تـدریس دروس تهیه مواد معدنی ۱ و ۲، کانه‌آرایی و تغلیظ کانه‌های آهن در دانشکده‌های فنی و پلی تکنیک تهران، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

کانه‌آرائی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

روشهای آرایش طلا و روشهای آرایش کامودلن.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

نعمتی کاشانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. وی با سام میرزا صفوی (م ۹۷۵/ ۹۷۴ ق)، صاحب تذکره‌ی «تحفه‌ی سامی»، معاصر بود. در علم عروض و قافیه و معما تبحر داشت، همچنین قصایدی در مناقب دارد. از آثار وی: «مثنوی» در وزن «سبحهٔ‌الابرار»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۲۸۵)، الذریعه (۱۲۱۶/ ۹)، صبح گلشن (۵۳۴)، فرهنگ سخنوران (۹۴۷).

نعمتی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی نعمتی

محل تولد : مشهد مقدس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۹/۲۹

زندگینامه علمی

تحصیلات راهنمایی و دبیرستان خود را در مرکز آموزشی شهید هاشمی نژاد مشهد گذراند. در سال ۱۳۷۷ با اخذ دیپلم ریاضی فیزیک، به علت علاقه ویژه به علوم انسانی و اسلامی؛ رشتهٔ «معارف اسلامی و اقتصاد» دانشگاه امام صادق (علیه السلام) را برای آغاز تحصیلات مورد علاقه خود انتخاب کرد. همزمان با مقطع کارشناسی ارشد به طور جدی تری به مطالعات خود در زمینه «اقتصاد اسلامی» جهت داد و پایان نامه خود را در حوزه جدید اقتصاد و اخلاق با رویکردی نو تألیف کرد که حائز درجه عالی شد. پس از پایان دوره کارشناسی ارشد دانشگاه در سال ۱۳۸۴ به منظور تخصص در معارف اسلامی به ویژه فقه و اصول به عنوان ضرورتی برای کار اجتهادی در عرصه اقتصاد اسلامی، وارد حوزه علمیه قم شد. هم اکنون نیز در کنار ادامه تحصیلات حوزوی، به مطالعه و تحقیق در حوزه های «اقتصاد و اخلاق، روش شناسی اقتصاد و مبانی اقتصاد اسلامی» اشتغال دارد.

نعیما

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط. محمدصالح اصفهانی وی را از خوشنویسان بعد از دوره‌ی میرعماد و معاصر پدر خود، ترابای اصفهانی (م ۱۰۷۲ ق) می‌داند. از آثار وی: دو قطعه در یک مرقع، به قلم چهار دانگ و دو دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم: «کتبه نعیما مؤمنا».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۴۶/ ۳).

نعیمای شیرازی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اهل شیراز بود و در آن دیار به خیاطی اشتغال داشت. وی مدتی در خدمت امامقلی خان، حاکم فارس، به سر برد. در کارخانه‌ی او خیاطی می‌کرد. طبع شعر خوبی داشت و در سرودن شعر به غزل تمایل بیشتری داشت. در «فارسنامه‌ی ناصری» نام وی یغمای شیرازی ذکر شده است. اشعاری از وی در تذکره‌ها نقل شده است. از اوست:

در محبت سر حرف گله وا نتوان کرد

صد سخن بر لب و یک حرف ادا نتوان کرد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۸۴۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۹۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۰۵-۷۰۴/ ۵)، الذریعه (۱۲۱۷/ ۹)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۸۱/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۹۴۷)، مرآت‌الفصاحه (۶۶۲-۶۶۱).

نعیمای قمی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی ساکن قم و صاحب طبعی موزون بود. ظاهراً یک بار به هندوستان رفته، ولی بعد به وطن بازگشته است. به آورده‌ی نصرآبادی، نعیما قبل از تحریر «تذکره‌ی نصرآبادی» (تألیف شده در ۱۰۸۳ ق) درگذشته است. در «الذریعه» صاحب عنوان تحت نام نعیم قمی ذکر شده است. تذکره‌ها اشعاری از وی نقل کرده‌اند. از اوست:

آهی که بی تو از دل غمناک می‌کشم

سرو بریده ایست که بر خاک می‌کشم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۸۴۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۲۱ -۴۲۰)، الذریعه (۱۲۱۷/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۴۷).

نعیمی استرآبادی، فضل‌اللَّه

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۷۴۰- مقتول ۷۹۸/ ۷۹۶ ق)، دانشمند، صوفی، عارف و شاعر، متخلص به نعیمی. مشهور به حلال خور. نام پدر فضل را ابومحمد عبدالرحمان جلال‌الدین نیز ذکر کرده‌اند که قاضی‌القضات استرآباد بود. صاحب «ریحانهٔ الادب» اصل وی را مشهدی دانسته که در شروان مقیم بوده است. نعیمی در استرآباد به دنیا آمد. در جوانی به طاقیه‌دوزی (دوختن نوعی کلاه) می‌پرداخت و از این راه کسب معیشت می‌نمود. پس از مدتی به اصفهان رفت و از آنجا به زیارت خانه‌ی خدا مشرف شد، سپس به تبریز رفت. گویند این سیر و سفرها در طول زندگی نعیمی، تکرار شده است. وی جامع معقول و منقول بود و در علوم غریبه و رموز تصوف و حکمت، مرتبه‌ای عالی داشت و در علم اسماء، حروف، جفر و اعداد ماهر بود و از این مهارت در جهت نشر و تعمیم عقاید خود استفاده کرد. وی در عهد تیمور گورکانی می‌زیست و مؤسس طریقه‌ی حروفیه بود. از شاگردان فضل‌اللَّه می‌توان به سید عمادالدین نسیمی شیرازی و شیخ ابوالحسن اصفهانی، معروف به علی‌الاعلی، اشاره کرد. گویند میرانشاه، فرزند تیمور و حاکم آذربایجان، به امر پدر او را از شروان احضار کرد و به فتوای علمای عصر به قتل رسانید. گفته‌اند که در ۸۰۴ ق سر و جسد او را سوزاند. پس از او عقایدش در اکثر ممالک اسلامی منتشر گردید. علی‌الاعلی یکی از طرفداران او به آناطولی گریخت و در آنجا به خانقاه‌های بکتاشیان وارد شد و طریقه‌ی حروفیان را به جای عقیده‌ی آنها رواج داد. مدفن او در نخجوان است. در مورد سال تولد، قتل و عناوین آثار وی، بین برخی تذکره‌ها اختلافاتی وجود دارد. از آثار مهم او، «جاودان کبیر» و «جاودان صغیر» می‌باشد که بعضی از تذکره‌ها آن را تحت عنوان کلی «جاودان نامه» آورده‌اند. صاحب «دانشمندان آذربایجان» آورده که سید فضل‌اللَّه در شروان مدتی زندانی بوده و در ۷۹۶ ق، در محبس، «جاودان‌نامه» را تألیف کرده، همچنین ادامه داده که شاگرد او، علی‌الاعلی، این کتاب را به نظم درآورده است و در ضمن قصیده‌ای نیز مشتمل بر وقایع آینده به او نسبت می‌دهد. از دیگر آثارش: «انفس و آفاق»، به فارسی، «عرف‌نامه»؛ «نوم‌نامه»، به لهجه‌ی استرآبادی؛ «محبت‌نامه»؛ مثنوی «عرش‌نامه»، در هزار و صد و بیست بیت؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حروفیه در تاریخ (۶۶ -۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۸۸ -۳۸۶)، دایرهٔالمعارف فارسی (۱۹۱۰/ ۲)، الذریعه (۱۲۱۸ ، ۱۲۱۷ / ۹ ،۷۷/ ۵)، ریاض‌العارفین (۱۵۶)، ریحانه (۲۲۰ -۲۱۸/ ۶)، صبح گلشن (۵۳۴)، فرهنگ سخنوران (۹۴۷)، کشف‌الظنون (۱۱۳۲ ،۵۷۸)، لغت‌نامه (ذیل/ حروفی استرآبادی، حروفیان، نعیمی استرآبادی)، هدیهٔ‌العارفین (۸۲۲/ ۱).

نعیمیان، ذبیح الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ذبیح الله نعیمیان

محل تولد : خمین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

ذبیح الله نعیمیان متولد ۱۳۵۱، دیپلم ریاضی فیزیک، در سال ۱۳۶۹، ورود به حوزهٔ علمیه ۱۳۶۹، تحصیل در مدرسه معصومیه ۵ سال از ۱۳۶۹ – ۱۳۷۵. ورود به مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در سال ۱۳۷۵. اتمام کارشناسی ارشد «الهیات و معارف اسلامی» مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در سال ۱۳۸۰. عنوان پایان نامه: «مبادی کلامی اخلاق» (راهنما: عبدالجبار الرفاعی، مشاور: حجهٔالاسلام هادی صادقی، داور: حجهٔالاسلام علی شیروانی.

اتمام کارشناسی ارشد «علوم سیاسی» مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، عنوان پایان نامه: «روش شناسی تحلیل اندیشه های رجال دینی و سیاسی معاصر ایران» (راهنما: دکتر موسوی نجفی، مشاور: دکتر محمد علی فتح اللهی، داور: دکتر محمد جواد نوروزی). پذیرش در دکترای «علوم سیاسی» (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) پائیز ۱۳۸۵، اشتغال به تدوین رسالهٔ سطح ۴: با عنوان: «مبانی به کارگیری مصلحت برای تصمیم گیری در نظام سیاسی اسلام» (راهنما: حجهٔالاسلام و المسلمین صادق لاریجانی، مشاور: حجهٔالاسلام و المسلمین احمد واعظی).

نغمه، عبدالوهاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اوست: زادالمعاد نیم ورقی دو صفحه‌ی اول متن و حاشیه مرصع متوسط تمام صفحات رطوبت دیده. نسخ کتابت عالی. ترجمه نستعلیق کتابت خفی با رقم: «حسب‌الفرمایش... (جای اسم خالی است) به تنمیق این کتاب مستطاب پرداخت و به دستیاری... حاج میرزا محمد... شیرازه اتمام ساخت. انا العبد الاقل الکتاب عبدالوهاب فی سابع شهر ذیقعدهٔ الحرام سنهٔ ستون و مأتان بعد الالف الهجرهٔ النبویه» ۱۲۶۰ در کتابخانه‌ی مجلس.

– قرآن رحلی کوچک روغنی عالی عمل لطفعلی شیرازی تاریخ ۱۲۶۹– شش صفحه‌ی اول تماماً مرصع ممتاز و تمام اوراق تا آخر مذهب ممتاز است. نسخ کتابت جلی خوش با رقم: «عبدالوهاب متخلص به نغمه...» سال ۱۲۶۹ در کتابخانه‌ی ملی.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

نغمه‌ی خراسانی، عبدالوهاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۶۹ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به نغمه. وی برادرزاده‌ی ملا لطفعلی خراسانی، ملقب به خاکی بود و در شیراز تحصیل نمود. او به وصال شیرازی (م ۱۲۶۳ ق)، که از فقها و عرفای آن روز بود ارادت داشت. عبدالوهاب خط نسخ و نستعلیق را نیک می‌نوشت. لازم به ذکر است که هدایت، صاحب «مجمع‌الفصحا»، از این شاعر تحت عنوان نغمه خراسانی یاد می‌کند. از آثار وی: «دیوان» شعر. از آثار خطی او: «زادالمعاد» نیم ورقی، نسخه کتابت عالی با ترجمه نستعلیق کتابت خفی متوسط، با رقم: «... و انا العبد الاقل الکتاب عبدالوهاب... سنهٔ ستون و مأتان بعد الالف الهجرهٔ النبویه»، قرآن رحلی کوچک روغنی عالی، عمل لطفعلی شیرازی، نسخ کتابت جلی خوش، با رقم: «عبدالوهاب متخلص به نغمه...» ۱۲۶۹ ق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۱۰ –۱۱۰۹ / ۴)، حدیقهٔ‌الشعراء (۱۹۹۱ ،۱۹۰۳ –۱۹۰۲ / ۳)، الذریعه (۱۲۱۸ / ۹)، ریاض العارفین (۳۲۸ –۳۲۷)، صد سال شعر خراسان (۵۷۷ –۵۷۶)، مجمع‌الفصحا (۱۰۳۳/ ۶).

نغمه‌ی نوری مازندرانی، رضاقلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۶۰ ق)، شاعر. وی در مصاحبت اللّٰه قلی میرزا ایلخانی، خواهرزاده‌ی محمد شاه قاجار (۱۲۶۴ –۱۲۵۰ ق)، به سر می‌برد و چندی نیز به خدمت منوچهر خان معتمدالدوله مشغول بود و به مدیحه‌سرایی می‌پرداخت. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ‌الشعراء (۱۹۰۴ –۱۹۰۳/ ۳)، الذریعه (۱۲۱۸/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۴۸).

نفیسی، سعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۴ –۱۲۷۴ ش)، نویسنده، مترجم، مورخ، مصحح، فرهنگ‌نویس، استاد دانشگاه، روزنامه‌نگار و شاعر. در تهران به دنیا آمد. خانواده‌ی پدری وی تا یازده پشت پزشک بودند و خود نواده‌ی حکیم برهان‌الدین نفیس، فرزند عوض کرمانی، صاحب «شرح اسباب». او تألیفات عدیده‌ای در طب داشت که برخی از آنها تا روزی که طب قدیم در ایران تدریس می‌شد، جزو کتب درسی بود. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس شرف و علمیه به پایان رساند و سپس برای ادامه‌ی تحصیل به اروپا رفت و تحصیلات خود را در سوئیس و پاریس ادامه داد. در ۱۲۹۷ ش به ایران بازگشت و به تدریس زبان فرانسه در دبیرستان‌های اقدسیه و سن‌لویی پرداخت و نیز در مدارس علوم سیاسی، دارالفنون، مدرسه‌ی عالی تجارت، مدرسه‌ی صنعتی (هنرستان دولتی)، دارالمعلمین عالی و پس از تأسیس دانشگاه تهران، در دانشکده‌ی حقوق و سپس ادبیات به تدریس اشتغال ورزید. همچنین در وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامه مشغول خدمت شد و به مشاغل چندی دست یافت. او مدتی مدیریت مجله‌ی «فلاحت و تجارت» و در ۱۳۰۱ ش سردبیری مجله‌ی ادبی «پرتو» با مدیریت میرزا محمدعلی خان واله خراسانی و مدتی مدیریت و نویسندگی مجله‌ی «شرق» و نیز ریاست اداره‌ی امتیازات (اداره‌ای که برای ایجاد مراکز صنعتی و فعالیت‌های معدنی و انتشار روزنامه‌ها و غیره مجوز صادر می‌کرد) را به عهده داشت. نفیسی همچنین برای تدریس در دانشگاه‌های کابل، قاهره و سن‌ژوزف به کشورهای افغانستان، مصر و لبنان سفر کرد. او در ۱۳۴۰ ش در رادیو برنامه‌ی یادداشتهای یک استاد را که راجع به شرح حال چند تن از بزرگان علم و ادب بود، به مدت دو سال اجرا کرد. نفیسی سرانجام در بیمارستان شوروی (میرزا کوچک خان جنگلی فعلی) درگذشت. از آثار وی: «آخرین یادگار نادرشاه»، نمایشنامه؛ «احوال و اشعار رودکی»؛ «ایران در صد و هفتاد سال اخیر»؛ «بابک

خرم دین، دلاور آذربایجان»؛ «بحرین و حقوق هزار و هفتصد ساله ایران»؛ «پورسینا و زندگی و کار و اندیشه و روزگار او»؛ «تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره‌ی معاصر»؛ «تاریخ ادبیات روسی»؛ «تاریخ تمدن ایران ساسانی»؛ «تاریخچه‌ی ادبیات ایران»؛ «ستارگان سیاه»؛ «تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی»؛ «فرهنگ فرانسه به فارسی»؛ «فرهنگ نامه‌ی پارسی»؛ «ماه نخشب»؛ «فرنگیس»؛ «نیمه راه بهشت»؛ «آرزوهای بر باد رفته»؛ ترجمه؛ «ایلیاد»، ترجمه؛ «تاریخ عمومی قرون معاصر»، ترجمه؛ «افسانه‌های گریلف»، ترجمه؛ «دیوان» شعر.[۱]

سعید فرزند علی‌اکبر ناظم‌الاطباء (و. ۱۲۷۴ ه.ش- ف. ۲۳ آبان ۱۳۴۵) از استادان و نویسندگان مشهور ایران. سالها در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران تاریخ تصوف و ملل و نحل و دروس دیگر را تدریس می‌کرد و در دانشگاه‌های خارج از کشور نیز مدتها به تدریس پرداخت. مقاله‌ها و کتابهای متعدد از او باقی است و از آثار مفید او باید احوال و اشعار رودکی را نام برد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آئینه‌ی میراث (س ۳، ش ۲ و ۳، ص ۶۹ -۶۴)، از نیما تا روزگار ما (۲۷۱ -۲۵۸)، تاریخ جراید (۷۱ -۶۶/ ۳ ، ۵۰ -۴۹/ ۲)، چهره‌های آشنا (۶۲۴ -۶۲۳)، الذریه (۳۲/ ۱۹ ،۲۱۸، ۲۱۲، ۱۸۴/ ۱۶ ،۱۴۱/ ۱۲ ،۱۲۱۸/ ۹)، ستارگان کرمان (۴۰۸ - ۳۹۶)، سخنوران نامی معاصر (۳۶۷۲ -۳۶۶۷/ ۶)، سواد و بیاض (۵۳۳ -۵۱۸)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۴۱، ۲۸۶۴، ۲۴۴۱ ، ۲۴۳۴ ،۲۴۰۹ ،۱۹۳۶/ ۲ ،۷۶۲ ،۷۲۹ ،۶۹۵ ،۶۸۸ ،۶۶۴ ،۶۵۹ ،۶۲۹ ،۴۶۱ ،۴۳۱ ،۴۲۴ ،۴۱۴ ،۲۹۵ ،۱۲۶ ،۳۱ ،۹۱/ ۱)، کلک (س ۱، ش ۹، ص ۱۰۷ -۱۰۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۸ -۳۳۲/ ۳)، یغما (س ۱۹، ش ۹، ص ۴۹۵ -۴۹۳).

نقابشکی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملا ابراهیم نقابشکی از مدرسین شرح لمعه و قوانین و بسیار متقی و وارسته بوده است.

مرحوم آیت‌اللّه سیادتی و بسیاری از علماء مبرز دیگر سبزوار سطوح را نزد وی خوانده و از شاگردان او بوده‌اند.

نگارنده گوید: مضافاً بر مذکورین بعضی دیگر هم از فضلاء جدید هستند که از قم و مشهد در سبزوار اقامت نموده و به وظائف دینی از امامت جماعت و ترویج دین اشتغال دارند و از مفاخر گویندگان و وعاظ نامی سبزوار جنابان ثقهٔالاسلام آقای حاج سید عباس افتخاری و ثقهٔالاسلام آقای حاج شیخ صادق صدیقی می‌باشند آقای افتخاری چند سالی است که در حوزه علمیه قم اقامت نموده و از محضر آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری و دیگران استفاده و آقای صدیقی در سبزوار به تبلیغ و ارشاد اشتغال دارند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

نقاش اصفهانی، ابوسعید محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۱۴ ق)، حافظ، محدث و فقیه حنبلی. در طلب حدیث به جاهای مختلف سفر کرد و در اصفهان از جد مادرش‌اش، احمد بن حسن بن ایوب تمیمی، و عبداللّه بن عیسی خشاب و عبداللّه بن جعفر بن فارس اصفهانی و احمد سمسار اصفهانی و ابواحمد عسال اصفهانی و همطبقه‌ی آنها و در بغداد از ابوبکر شافعی و ابن‌مقسم و ابوعلی بن صواف و در بصره از ابواسحاق هجیمی و فاروق خطابی و حبیب قزاز و در کوفه از قاضی نذیر محاربی و صباح بن محمد نهدی و در مرو از حاضر بن محمد فقیه و در جرجان از ابوبکر اسماعیلی و در هرات از ابوحامد حسنویه و ابومنصور ازهری و در دینور از ابن السنی و از جماعتی دیگر در حرمین و نیشابور و همدان و نهاوند حدیث شنید و شنیده‌های خود را جمع‌آوری کرد و تصنیفاتی به وجود آورد. او همچنین املای حدیث نمود. فضل بن علی حنفی و ابوالعباس ابن اشته و ابومطیع صحاف و سلیمان حافظ و ابوالفتح سوذرجانی اصفهانی از وی روایت کرده‌اند. از آثارش: کتاب «القضاء» یا «القضاهٔ والشهود»؛ کتاب «طبقات الصوفیهٔ»؛ «مالی»، در حدیث.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۶۱ -۱۶۰/ ۷)، تذکرهٔ الحفاظ (۱۰۶۱ -۱۰۵۹/ ۳)، سیرالنبلاء (۳۰۸ -۳۰۷/ ۱۷)، شذرات الذهب (۲۰۱/ ۳)، طبقات الحفاظ (۴۳۱)، العبر (۲۲۸/ ۲)، کشف‌الظنون (۱۱۰۴)، الوافی بالوفیات (۱۱۹/ ۴)، هدیهٔ‌العارفین (۶۲/ ۲).

نقاش افشار، علی اشرف

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، نقاش، مذهب، خطاط و شاعر. از ایل معروف افشار ارومیه بود و چنین برمی‌آید که وی، برادر بزرگ اللهوردی نقاش باشد. علی اشرف شاگرد ممتاز استاد محمد زمان الو بود و برخی نیز او را شاگرد استاد محمد علی بیگ، نقاش‌باشی دربار نادرشاه، دانسته‌اند. وی با میرزا احمد نیریزی، خطاط معروف نسخ، دوست و همدم بود و در خلق بعضی از آثار همکاری داشته‌اند. علی اشرف در ارائه‌ی گل و مرغ و حالت پرندگان و حشرات مهارت داشت و در رنگ‌آمیزی و سایه‌پردازی آنها به پایه‌ی طبیعت،

وسواس داشت. در چهره‌پردازی و شبیه‌سازی نیز،نقاش قوی‌دستی بود و به غیر از آنها در تذهیب و ترصیع و تشعیر و حل‌کاری و مرغش‌سازی و حتی کتابت خطوط نسخ و نستعلیق و شکسته نیز صاحب قلم بود و شعر را هم نیکو می‌سرود. سبک وی مورد تقلید عده‌ای از نقاشان بعد از او قرار گرفت و نقاشانی از جمله، استاد محمد نقاش، آقا باقر اول و آقا صادق اول پیرو او بودند و از شاگردان مهم وی به شمار می‌آمدند. از آثار او: جلد گل و مرغی قرآنی که در کمال لطافت و ملاحت است و به خط شکسته‌ی طلایی رقم «ز بعد محمد علی اشرفست ۱۱۳۵» دارد؛ قلمدان مرغشی قرمزرنگی که بر روی آن گل مرغ نقش شده،با رقم: «ز بعد محمد علی اشرف است ۱۱۵۹»؛ قلمدان شیوایی که تصاویر آن قصه‌ی معروف شیخ صنعان و دختر ترساست، با رقم: «ز بعد محمد علی اشرف است سنه ۱۱۶۱»؛ قاب آینه‌ی گل و مرغی دلنواز که به تردستی و مهارت انجام یافته، با رقم: «زبعد محمد علی اشرف است ۱۱۶۹». شش اثر دیگر وی در «احوال و آثار نقاشان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۳۷۳ -۳۶۸ / ۱)، تاریخ هنرهای ملی (۹۳۳ -۹۳۲ / ۲)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۱۱ -۳۱۰)، گلستان هنر (چهل و هشت، چهل و نه)، المآثر و الآثار (۲۱۹)، هنر قلمدان (۱۰۲ -۱۰۱).

نقاش، محمود

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، نقاش و خطاط. وی علاوه بر رسمی‌سازی و طراحی نقوش کاشیها که در مسجد جامع ورزنه و هم چنین بر روی شبستان خدابنده‌ی مسجد اصفهان به نقش درآورده، در خط ثلث نیز استاد بوده است. از آثار وی کتیبه‌ی سردر مذکور است که به خط ثلث معرق چنین کتابت شده: «امر به بناء هذه العماره... سنه‌ی احدی و خمسین و ثمنمئه (۸۵۱) کتبه سید محمود نقاش»؛ اثر دیگر وی در مسجد جامع ورزنه که پیرایش و کاشی‌کاری نفیس آن مسجد است و به خط ثلث استادانه رقم «... سنه ۸۴۷ کاتبه سید محمود انقاش» دارد؛ کتیبه‌ی اصلی بقعه‌ی شهشهان، به خط ثلث گچبری شده به سال ۸۵۱ با رقم: «کتبه العبد سید محمود نقاش».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار ملی اصفهان (۸۰۴، ۵۸۸، ۵۵۲)، احوال و آثار نقاشان (۱۱۳۸ -۱۱۳۷ /۳)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۱۲۲، ۱۲۳، ۳۳۸).

نقاشباشی اصفهانی، نجفعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۷۷ -۱۲۰۳ ق)، نقاش، قلمدان ساز و خطاط. معروف به آقانجف. در اصفهان متولد شد. وی از اساتید معروف فن قلمدان سازی در عصر قاجاریه بود. او علاوه بر آموختن نگارگری در نزد استادان اصفهان، از نقاشان اروپایی مقیم آن شهر نیز سود جسته و از روی باسمه‌های چاپی مذهبی و غیرمذهبی فرنگی نیز کپی کرده است. آقانجف در چهره‌پردازی و ارائه مجالس رزمی و بزمی و همچنین گل‌آرایی مهارت داشت و در تذهیب و گونه‌های مختلف آن نازک قلم بود. در ارائه آبرنگ‌ها نیز توانا بود و علاوه بر شیوه‌های گوناگون، در رنگ و روغن نیز از استادان بی‌نظیر به شمار می‌آمد. او در خطوط مختلف، از قبیل رقاع و بخصوص نستعلیق استادی تام‌العیار بود و در نظم شعر نیز دست داشت. آقانجف در اصفهان درگذشت و همان‌جا مدفون است. از آثار وی: قلمدان برازنده‌ای با مدالیونهای مختلف که رقم «یا شاه نجف ۱۲۲۷» دارد؛ تصویر آبرنگی محمدحسین خان صاحب اختیار که به خط نستعلیق رقم نهاده: «... سنه ۱۲۶۳، رقم کمترین نجفعلی»؛ قاب آینه‌ی زیبایی با تصاویری از افسانه‌ی شیخ صنعان و دختر ترسا، با رقم: «یا شاه نجف ۱۲۷۰»؛ قلمدان رزمی که لشگریان ترک و روس با یکدیگر مصاف می‌دادند و آرایش جنگی بسیار پراکنده‌ای داشتند و به خط رقاع استادانه رقم نهاده: «جنگ رومی با روس، یا شاه نجف فی سنه ۱۲۷۴». قاب آینه‌ی پرکاری با مدالیونهای مختلف که به خط نستعلیق رقم نهاده: «... شهر رجب ۱۲۷۴، یا شاه نجف». هشت اثر دیگر وی در «احوال و آثار نقاشان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۳۸۱ -۱۳۶۸ /۳)، تاریخ برگزیدگان (۵۲۹ -۵۲۴)، تاریخ هنرهای ملی (۹۹۹ -۹۹۷ /۲)، تذکرهٔ القبور (۱۶)، گلستان هنر (چهل و نه)، هنر قلمدان (۱۱۷ -۱۱۶).

نقاشباشی شیرازی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۳۶ ق)، نقاش، خطاط و شاعر. اهل شیراز و از نقاشان معروف رنگ روغنی و آبرنگ دوران زندیه و فتحعلیشاهی بود که در شیوه‌های مختلف نقاشی مهارت داشته و نقاش باشی دوران فتحعلیشاه بوده است. این استاد در شبیه‌سازی و چهره‌پردازی دقیق و

در ارائه مجالس بزمی و رزمی قوی‌دست بود و در سایه‌پردازیهای استادانه‌ای که در اغلب آبرنگها بکار برده، مهارت خاصی داشته است. او مکتب انحصاری بخصوصی داشت که نقاشان بعد از وی، این شیوه را دنبال نموده و تا حدی تکامل بخشیده‌اند. میرزا باب در منظره‌سازی و ارائه دشت و دمن، دستی پرحلاوت داشت و در اجرای آنها، قوانین پرسپکتیو را مراعات می‌کرد، اما تا حدودی ضعیف بود. با این حال، در صنعت تذهیب و تشعیر استعداد شگرفی داشت و نقوش مینایی و پشت شیشه را ماهرانه عمل می‌آورد. این استاد در شعر نیز دست داشت و ابیاتی را که در ذیل آثار خود درج می‌نمود، شخصا می‌سرود و به خط زیبای نستعلیق و شکسته کتابت می‌کرد. از ابتکارات این نقاش، درج نام فتحعلی‌شاه به خط طغرایی است که در داخل ترنجی کتابت شده است. از شاگردان معروف او، مهرعلی نقاش‌باشی می‌باشد. از آثار وی: قلمدان استادانه و زیبایی که بر روی آن، صحنه‌ی جنگ معروف چالدران نقش بسته و رقم «میرزا باب ۱۲۰۰» دارد؛ تصویر سیمرغ و اژدها که به استادی عمل آمده و رقم «میرزا بابا ۱۲۰۳» دارد؛ تصویر آبرنگی فتحعلی‌شاه که دو زانو روی مسندی نشسته و گرز مرصعی بر روی دو پا نهاده و به خط شکسته رقم نهاده: «رقم کمترین غلام میرزا بابای نقاش باشی سنه ۱۲۱۷»؛ اثر مینایی وی، انفیه‌دان زیبایی است که تصویر یک پیرمرد و دو دختر بر روی آن نقش بسته و رقم «میرزا بابا ۱۲۲۴» دارد؛ قلمدان تابوتی ارزنده‌ای که برطرف راست رویه‌ی آن، شاهزاده‌ی جوانی مقابل مرشد پیر قرار گرفته و به خط نستعلیق رقم نهاده: «میرزا بابا سنه ۱۲۳۶». بیست اثر دیگر وی در «احوال و آثار نقاشان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۲۸۶ -۱۲۷۳/ ۳)، گلستان هنر (پنجاه)، هنر قلمدان (۱۱۰ -۱۰۹).

نقاشباشی، محمد اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۸۸ ق)، نقاش، قلمدان‌ساز و خطاط. وی از نوابغ و استادن عصر خویش بود و در ۱۲۷۵ ق از دربار ناصرالدین‌شاه قاجار به لقب نقاش‌باشی مفتخر گردید. این هنرمند در تصویر و شبیه‌سازی توانا بود و تذهیب و ترصیع و حل کاری را خوب می‌دانست و در نوشتن خطوط و سرودن شعر نیز دست داشت. محمد اسماعیل از استادن پیشگام در ایجاد سبک قاجار در نقاشی قلمدان است و او بود که ساختن قلمدان‌های هفت گنبد و کیانی و داستان‌های خسرو و شیرین و حکایات عرفانی و مجالس مربوط به رهبانیت و آیین مسیح را معمول و متداول ساخت. بیشتر کارهای او مجالس بزم است و صحنه‌های جنگ کمتر در آثار او دیده شده است. از آثار وی: قلمدان زیبایی که بر رویه آن تصاویری از رجال قاجاریه دیده می‌شود و به خط شکسته رقم «راقمه اسمعیل ۱۲۶۴» دارد؛ جلد قرآنی که در داخل آن شمایل حضرت علی و حسنین (ع) را درون ترنجی نقاشی کرده و رقم «۱۲۷۹ نقاشباشی اسماعیل» دارد؛ قاب آینه‌ی زیبایی با تصاویر رجال قاجاری و حاشیه و کناره‌ی پر گل و تذهیب، با رقم: «محمد اسماعیل نقاشباشی ۱۲۸۸». در «احوال و آثار نقاشان» به بیست و سه اثر دیگر وی اشاره شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۷۶ -۶۶/ ۱)، تاریخ هنرهای ملی (۱۰۰۰ -۹۹۹/ ۲)، هنر قلمدان (۱۲۱۲ -۱۲۰).

نقاشباشی، مهر علی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۳۰ ق)، نقاش، خطاط و شاعر. چهره‌پرداز و شبیه‌ساز دوران فتحعلی‌شاهی بود که اغلب از شخص فتحعلی‌شاه و سایر فرمانروایان گذشته ایران، شبیه‌سازی نموده و عمده‌ی مهارتش در شیوه‌ی رنگ روغنی بود. مهر علی شاگرد استاد میرزا باب بود و بعضی از شیوه‌های وی را مورد نظر قرار می‌داد و بعد از میرزا بابا سمت نقاش باشی دربار را داشته ولی در هیچ یک از آثار خود این امتیاز را درج ننموده است. وی در جلدسازی و آبرنگ و سیاه قلم نیز قوی‌دست بود و در نقاشی‌های روی شیشه‌ای مهارت فراوانی داشت. مهرعلی در ترسیم قوانین پرسپکتیو، از همه نقاشان معاصر خود والاتر بود و از جمله علائم متمایز او، نقوش و ترسیمات معجرهای چوبی و فرم و اسکلت تاج کیانی و شیوه‌ی سایه‌پردازی و گل‌آرایی البسه و طرز رنگ‌آمیزی و کتابت نام نقاش، به خط نستعلیق زیبا بود که اثر دست نقاش را ظاهر می‌ساخت. این هنرمند، در شعر نی دستی داشت و اغلب اشعاری که در وصف فتحعلی‌شاه و ذیل نام طغرایی وی درج می‌نمود، خود تنظیم می‌کرد و به خط نستعلیق زیبا می‌آراست. فرهاد میرزا، در کتاب «زنبیل» خود، مهر علی را به نام آقا مهر علی اصفهانی نقاش معرفی نموده و وفات وی را در ۱۲۵۰ ق دانسته است. از آثار وی: تصویر رنگ روغنی فتحعلی‌شاه در ایوان تخت مرمر که روی صندلی نشسته، با: «رقم کمترین غلام مهرعلی فی سنه ۱۲۱۹»؛ تصویر آبرنگی فتحعلی‌شاه در لباس سلطنتی، با: «رقم کمترین مهر علی فی سنه ۱۲۱۲»؛ تصویر افراسیاب که دو زانو روی فرشی نشسته و دست راست خود را بر روی سینه نهاده، با: «رقم کمترین غلام مهر علی ۱۲۱۸»؛ تصویر فتحعلی‌شاه در آرایش و هیئت رزمی، با: «رقم کمترین غلام مهر علی فی سنه ۱۲۳۰». هفده اثر دیگر وی در «احوال و آثار نقاشان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۲۶۵ -۱۲۵۱/ ۳)، گلستان هنر (پنجاه).

نقدعلی فروشانی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا نقدعلی فروشانی

محل تولد : خمینی شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۴۹ در «خمینی شهر» اصفهان متولد شدم. و دوران ابتدایی و راهنمایی را در این شهر سپری کردم. به علت علاقه ای که مادرم به علوم دینی داشت؛ همزمان با آغاز دوران دبیرستان مرا نزد مرحوم «آیت الله امامی» که از اساتید برجسته بود؛ بردند و با ایشان علوم حوزوی را آغاز کردم. پس از اینکه در کنکور رشته ریاضی امتیاز عالی (رتبه زیر ۱۰۰) آوردم؛ برادر بزرگترم اصرار داشت که در رشته «مهندسی برق» در دانشگاه، ادامه تحصیل دهم و مادرم اصرار داشت که بنده یک مجتهد و عالم دینی شوم. با مشاوره ای که با مرحوم «امامی» انجام شد، بنا شد با پایان دوره لیسانس «مهندسی برق در دانشگاه صنعتی اصفهان»، دروس سطح حوزه نیز به اتمام برسد. و بنده به علت علاقه ای که به علوم دینی پیدا کردم؛ دروس فنی را در مقطع فوق لیسانس ادامه ندادم و به قم آمدم.

از سال ۷۱ تا ۷۶ در دروس خارج فقه مرحوم «حضرت آیت الله جواد تبریزی»، و اصول «حضرت آیت الله وحید» شرکت کردم. همزمان به علت علاقه ای که به فلسفه داشتم؛ به درس اسفار و نیز واحدالربوبیه (استادحشمت پور) می رفتم. همچنین در سال ۷۵ به علت علاقه ای که در مطالعات ادیان داشتم و قبلا از طریق دکتر «محمود بینا» در دانشگاه صنعتی با ادیان هند و مسیحیت آشنائی پیدا کرده بودم؛ جذب مرکز ادیان و مذاهب شدم و فعلا به عنوان مدرس و عضو هیئت علمی این مرکز مشغولم. هم اکنون تدریس فلسفه برای دانشجویان مقطع فوق لیسانس رشته «دین پژوهی» را مشغولم. در ضمن، کتاب: «فلسفه یهودی در قرون وسطی» توسط بنده ترجمه شده و نیز کتاب: «گرایشهای اصلی عرفان یهود» نیز آماده چاپ است. تعدادی مقالات در زمینه (عرفان اسلامی)، (فلسفه اسلامی)، (عرفان یهودی) و (ادیان ابراهیم و هند) نوشته ام.

نقره‌کار نیشابوری، جمال‌الدین عبدالله

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۷۶ -۷۰۶ ق)، فقیه، اصولی و نحوی. موصوف به شریف. وی در علوم عربی و اصول فقه تبحر داشت. مدتی در دمشق و قاهره ساکن و عهده‌دار مشیخت بعضی از خانقاهها بود. او به تدریس در مدرسه‌ی اسدیه‌ی حلب از بزرگترین مدارس شافعیان پرداخت. بعضی این مدرسه را به اسدیه خارج دمشق که اختصاص به حنفیان داشت حمل کرده‌اند، لذا برخی مذهب او را شافعی و برخی حنفی دانسته‌اند. لیکن به آورده‌ی «ریحانهٔ‌الادب»، قرائن حنفی بودنش ارجح می‌باشد و اما چون گاهی اظهار تشیع می‌کرد، محقق کرکی او را از دانشمندان امامی دانسته است. از آثارش: شرح «منارالانوار» ابوالبرکات نسفی، در اصول، شرح «التسهیل»، در نحو، شرح «الشافیهٔ» ابن‌حاجب، در صرف، «العباب»، در شرح «اللباب» تاج‌الدین محمد اسفراینی، در نحو، شرح «تلخیص المفتاح»، در بلاغت؛ شرح «تنقیح الاصول»، در اصول فقه، شرح «قصیده‌ی بانت سعاد»، شرح «الفوائد الغیاثیهٔ» عضدالدین ایجی، در معانی و بیان؛ شرح «حرز الامانی» شاطبی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۷۲ -۲۷۱/ ۴)، ریحانه (۲۳۰ -۲۲۹/ ۶)، شذرات الذهب (۲۴۲/ ۶)، کشف‌الظنون (۱۵۴۴، ۱۳۳۰، ۱۳۰۰، ۱۰۲۱، ۶۴۹، ۴۹۹، ۴۷۷)، معجم‌المؤلفین (۱۰۸/ ۶)، هدیهٔ‌العارفین (۴۶۷/ ۱).

نقشبندی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه.

تولد: ۱۳۰۰ ق. هرمزگان.

درگذشت: ۲۵ دی ۱۳۶۶.

ملا عبدالله بن شیخ حسن کوهجی بستکی نقشبندی به سال ۱۳۰۰ ق. در روستای کوهج از توابع بستک هرمزگان متولد شد. وی تحصیلات مقدماتی خود را در مدرسه‌ی عملی کوهج گذراند و سپس به مدینه و جامع‌الازهر مصر روی آورد و در آن دیار به شیخ عبدالله نقشبندی الفارسی معروف شد.

مـدتی اسـتاد دانشـگاه جامع الازهر بود. تألیفات متعددی دارد که اغلب به عربی است. المنهاج یکی از کتب فقهی است که به زبان عربی است که شیخ عبدالله بر آن شرحی تحت عنوان زاد المحتاج شرح المنهاج نوشته است. کتاب دیگرش سلم الواعظین است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

نقنه‌ای، اسماعیل

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند ملا محمّد. عالم فاضل مجتهد، از علمای محضر آقایان مسجد شاهی بود که در خدمت آنان تحصیل نموده، و سپس به رتق و فتق امور اشتغال داشته، و در ۱۳۵۰ وفات یافته، در بقعه تکیه ی آباده‌ای مدفون شده.
پـدرش نیز از علمای ازکیا، و از شاگردان حاج شـیخ محمّد باقر مسـجد شاهی بوده، و هم در آن دسـتگاه به خـدمات دینی اشـتغال داشته است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نقی زاده، حسن

قرن:۱۵
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن نقی زاده
محل تولد : گناباد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی
آقای حسن نقی زاده در سال ۱۳۳۴ هجری شمسـی در خانواده ای متدین و کاملا مذهبی در شهرسـتان گناباد دیده به جهان گشود. وی دوران ابتـدایی، راهنمـایی و دبیرسـتان را در زادگـاه خویش بـا موفقیت سپری کرد و در پی تشویق خـانواده و اطرافیـان وعلاقه خـویش به فراگیری علوم دینی در سـال ۱۳۵۰ که سـال هـای خفقـان و ترس از رژیم شاهنشـاهی بر کشور حاکم بود؛ ایشان بـدون هیچگونه ترس و واهمه ای وارد حوزه علمیه گناباد گردید.
از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشـش فراوان به تحصـیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد اما شوق زاید الوصف او به تحصیل او را به مشهد مقدس کشاند و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا (ع) از درس بزرگـان آن دیـار همچون: «مرحوم آیـت الله علی فلسـفی»، «آیت الله خـامنه ای»، «آیت الله رضـازاده» و «مرحوم آیت الله هاشـمی نژاد» بهره ها برد. ایشان ضمن تبلیغ و تدریس، به امر تحقیق و پژوهش هم مشغول می باشد و در زندگی سراسر علمی خود جزء به کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است.

نقی کمره‌ای، علینقی

قرن:۱۰
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح ۱۰۳۱/ ۱۰۳۰/ ۱۰۲۹ -۹۵۳ ق)، نویسـنده و شاعر، متخلص به نقی. در کمره به دنیا آمـد و در کاشان نشو و نما یافت. دانش‌های زمان را همان جا فراگرفت و به قول معاصـر و معاشـرش، تقی‌الدین اوحدی، به غایت فاضل و کامل شد. او گذشـته از علوم رسـمی زمـان، در تصوف و عرفـان نیز محقق و قائـل به وحـدت وجود بود. علینقی در کاشـان بـا شاعرانی همچون وحشـی بافقی و محتشـم کاشانی معاشـرت داشت. او سـپس به اصفهان رفت و در آنجا با پیشه‌ی شاعری روزگار گذراند و از اطرافیان و مداحان حاتم بیگ، خواجه اعتمادالـدوله صافی اردوبادی، شـد. وی پس از مرگ پسـرش، ابوالحسن، که برایش حادثه‌ای سـخت و دشوار بود، به کمره بـازگشت و تـا پایـان عمر در آنجا زیست. پاره‌ای از منابع، وی را با عزالـدین علینقی بن شـیخ ابوالعلاء محمـدهاشم طغایی کمره‌ای فراهانی درهم آمیخته‌اند. از آثارش: خلاصه و منتخبی از قسمت متقدمین «خلاصهٔ الاشعار» میر تقی‌الدین کاشانی؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آتشکده آذر (۱۰۶۶ -۱۰۵۶/ ۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۲۴ -۱۰۱۷/ ۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۵۶۳ -۵۵۶/ ۱)، تاریـخ نظم و نـثر (۵۰۹)، تذکره‌ی نصـرآبادی (۵۲۴ -۵۲۳ ،۲۳۶ -۲۳۴)، دویست سـخنور (۴۶۱)، الذریعه (۱۲۲۳ -۱۲۲۲/ ۹)، ریحانه (۲۳۵ -۲۳۴/ ۶)، سرو آزاد (۴۳ -۴۲)، عالم‌آرای عباسی (۷۲۲/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۹۴۹)، مجمع‌الخواص (۱۶۸ -۱۶۶)،

مکتب وقوع (۵۱۸ -۴۹۴)، نتایج‌الافکار (۷۱۹ -۷۱۸)، هفت اقلیم (۴۸۳ -۴۸۲/ ۲).

نقیب شیرازی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۲ -۱۲۳۸ ق)، شاعر، متخلص بـه نقیب. ملقب به نقیب‌الاشراف و نقیب‌الممالک. در شیراز به دنیا آمد و در زادگاهش به تحصیل علوم قدیمه پرداخت. بعد از فوت پدر ابتدا به نقیب‌الاشراف و سپس به نقیب‌الممالک ملقب گردید. در اواخر عمر بعد از طواف و زیارت حرمین الشریفین و تشرف اماکن متبرکه‌ی عراق به مشهد رفت و از خادمان آستان رضوی گردید. وی در اصفهان درگذشت. وی مثنویی به نام «ده باب» یا «ده دفتر» به سبک و سیاق «کارنامه‌ی بلخ» سنایی در ده قسمت: ۱- آداب الحکومهٔ ۲- أوصاف الوزراء ۳- أوصاف ائمـهٔ الجماعهٔ ۴- أوصاف القضاهٔ ۵- أوصاف اهل الارشاد ۶- أوصاف الاطباء ۷- أوصاف التجار ۸- أوصاف شحنه و کدخدا ۹- أوصاف ذاکرین ۱۰- أوصاف تنبلان نوشته است. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :آثار عجم (۲۶۳ -۲۶۲)، حدیقهٔالشعراء (۱۹۱۹ -۱۹۰۸/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۱۸ -۷۱۰/ ۵)، الذریعه (۱۸۱/ ۱۹ ،۱۲۲۰/ ۹)، شرح حال رجال (۲۴ -۲۳/ ۶)، طرائق‌الحقائق (۴۶۳ -۴۶۲/ ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۵۷/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۹۴۹)، مرآت‌الفصاحه (۶۶۵ -۶۶۳)، مکارم‌الآثار (۱۰۶۴ -۱۰۶۳/ ۴).

نقیبی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن نقیبی

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۵/۴/۱۹

زندگینامه علمی

اینجانب سید حسن نقیبی فرزند سید یوسف در روستای «کاج» از توابع شهرستان «رزن همدان» در تاریخ ۱۹ تیر سال ۱۳۱۵ به دنیا آمـده‌ام. در نوجوانی قرآن و کلاس اول را خدمت برادر بزرگ و بزرگوارم آقا سید علی اصغر حوائجی (باب الحوائجی) خواندم. سال ۱۳۲۸ در «وتبان بوسعید کاج» (همان زادگاهم) کلاس دوم، سوم و چهارم را خواندم. سپس برای ادامه تحصیل، کلاس پنجم و ششم را در «وتبان بـدرقروه» پایان بردم. پس از وقفه‌ای چند ماهه، به همدان مدرسه «مرحوم شیخ محمد علی دامغانی» رفته، دروس حوزوی را شروع نمودم.

از اواخر سال ۱۳۳۳ ش تا ۱۳۳۷ در همدان «جامع المقدمات، سیوطی و حاشیه ملاعبدالله» را به پایان رساندم، در سال مزبور به نجف اشرف هجرت نمودم و دروس تکمیلی سطح را در آن حوزه مقدس ادامه دادم. سپس به درس خارج آیات عظام: «خوئی»، «صدر»، «بروجردی» و «سیستانی» راه یافتم و از همه این بزرگان در خور استعداد خود بهره‌مند شدم. سال ۱۳۵۰ که به ایرانیان ۷ روز مهلت دادند که خاک عراق را ترک گویند؛ به ناچار در همان زمستان از نجف اشرف به قم مهاجرت نمودم و از آن تاریخ در قم هستم.

به طور فشرده عرض کنم که در تمـام طول عمر در حـد قرآن فعال بودم. چه در زمینه تـدریس، چه در زمینه تبلیغ، چه در صحنه تحقیق و چه در کارهای اجرائی به مدت دو سال در حوزه «فارسان شهرکرد» مشغول تدریس دروس حوزوی بودم و شش سال در حوزه شهر «نطنز» تنهای تنها دروس آن حوزه را حداقل روزی ۶ درس اداره می کردم. از سال ۷۲ در بخش فرهنگی آستان مقدس حضرت معصومه (س) به عنوان محقق، فهرست نویسی کتب خطی مشغول به کارم. به زبان نیز تا حدی تسلط دارم: «فارسی»، «ترکی» و«عربی». اکنون که در سنین بالا هفتاد هستم تا حد توان از تبلیغ رفتن و تلاش علمی ... دست نکشیده‌ام.

نکونام، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی نکونام

محل تولد : گلپایگان

شهرت : نکونام گلپایگانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔ الاسلام و المسلمین علی نکونام گلپایگانی در سال ۱۳۲۳ هجری شمسی در «سعید آباد گلپایگان» چشم به جهان گشود. پدرش کشاورز بود و انس بسیاری با قرآن و نماز شب داشت؛ بطوری که بر قرآن تسلّط بسیاری داشت و هر آیه‌ای که می‌خواندند، سوره آن را می‌دانست. مادرش خانمی مجتهده و از خانواده‌ای روحانی بود. استاد نکونام در چنین خانواده‌ای بزرگ شد و پدرِ مادرش در شکل گیری شخصیت او سهم بسزایی داشته‌اند. ایشان تحصیلات خود را از مکتب خانه آغاز کرد و پس از فراگیری روخوانی قرآن مجید به دبستان رفت. او دروس دورهٔ دبستان را به پایان برد و سپس دروس دینی را آغاز کرد. ابتدا به حوزه علمیه اراک رفت و پس از سه سال (یعنی در سال ۱۳۴۰) به قم عزیمت کرد. هدف او از استقرار در قم بهره مندی بیشتر و بهتر از استادان و فرزانگان آن دیار عالم خیز بود.

او به سرعت دروس مقدمات و دروس دورهٔ سطح را به پایان برد و در درس خارج فقه و اصول استادان مشهور دورهٔ خود حضور پیدا کرد. در طی این سالها در درس اخلاق استادانی چون: «آقا سید حسین فاطمی» و «آقای حاج شیخ عباس تهرانی» شرکت جدی داشت تا علم خود را با عمل توأمان سازد. استاد نکونام در طول دوران تحصیل به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد. او که دروس ادبیات را در اراک در محضر استاد «رفیعی» و نیز منطق را در محضر استادان «رفیعی» و «احمدی» فرا گرفته بود. در قم در درس شرح لمعهٔ استادان حضرات آیات و حجج اسلام: «صلواتی»، «حرم پناهی»، «سید ابوالفضل موسوی تبریزی» و «علم الهدی مشهدی» حاضر شد و قوانین را نزد «آیهٔ الله اعتمادی» و کفایه را نزد آیات عظام: «فاضل لنکرانی» و «نوری همدانی» و نیز مکاسب را نزد «آیت الله خزعلی» آموخت. در بخش دروس خارج نیز سالها در درس فقه «آیت الله العظمی گلپایگانی (ره)» و درس اصول «آیت الله العظمی وحید خراسانی» شرکت کرد. در بخش علوم عقلی نیز در درس شرح منظومهٔ استاد «انصاری شیرازی» و درس اسفار «آیت الله جوادی آملی» حضور داشت.

ایشان در طی سالیان تحصیل با فضلای بسیاری دوست بود و دروس خود را مباحثه کرد که از جمله آنان می‌توان به آقایان: محمدی گلپایگانی (مسؤول دفتر مقام معظم رهبری)، حسینی، رهبر و محمدی اشاره کرد. استاد نکونام در عرصه علم و فرهنگ، خدمات بسیار دارد. او سالها برای تبلیغ به شهرها و روستاهای مختلف کشور سفر کرده و مردمان بسیاری را با احکام اسلام آشنا ساخته است. او بیش از سی و پنج سال است که به تدریس دورهٔ سطح می‌پردازد و از این راه طلاب بسیاری را تربیت کرده که بسیاری از آنها خود، از مدرسان حوزه علمیه قم به شمار می‌آیند.

وی از سال ۱۳۶۷ تاکنون در دانشگاه قم نیز به تدریس پرداخته است. همچنین وی سالها استاد راهنمای مدارج علمی شورای مدیریت برای پایان نامه نویسی بوده است و هم اکنون بیش از بیست سال است به تدریس مکاسب و کفایه اشتغال دارد. استاد نکونام در انقلاب همواره از سیل خروشان ملت ایران در برقراری نظام اسلامی و تحکیم پایه‌های آن جدا نبوده و در مواقع نیاز انجام وظیفه نموده است. ایشان هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و به تدریس و تربیت طلاب اشتغال دارد.

نکونام، وحید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

وحید نکونام

محل تولد : گلپایگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۰/۶/۳۰

زندگینامه علمی

اینجانب وحید نکونام فرزند محمد ابراهیم در سال ۱۳۶۰ در گلپایگان دیده به جهان گشودم. به علت اینکه پدرم به شغل قضاوت اشتغال داشت، سالهای ابتدائی زندگی را در شهرهای مختلف از جمله: (سنندج، گلپایگان، کرمان و ...) گذراندم، تا اینکه در سال ۱۳۷۲ به قم آمده و یک سال را در این شهر سپری کردم و در اینجا بود که در کنار درس، در مدرسه راهنمائی با ادبیات عرب آشنا شدم. به علت آنکه پدر در کسوت روحانیت قرار داشت؛ طبیعتاً گرایش به علوم دینی در من بیشتر شد. امّا اشتغال به درس های راهنمائی و دبیرستان، مجال مطالعه در این حیطه را کمتر به بنده می داد. با این وجود گاه گاهی به مطالعه زندگی ائمه اطهار (ع) می پرداختم و در سال دوم دبیرستان بود که مقاله ای در باب حضرت ولی عصر (عج) نوشتم که در مسابقه ای که بین دبیرستانهای تهران برگزار شد؛ جزء آثار برتر شناخته شد. البته فراموش کردم که بگویم مدّت اقامت من در قم بیش از یکسال طول نکشید و همین امر مرا از دروس حوزه جدا کرد.

با ورود به دوره پیش دانشگاهی، مطالعات برای پذیرفته شدن در کنکور را افزایش دادم و در این آزمون با رتبه (۸۱۸)، جزء نفرات برتر شدم و بالطبع با توجه به گرایش حوزوی در رشته حقوق پردیس قم، دانشگاه تهران پذیرفته شدم. در بدو ورود در کنار مباحث علمی و فرهنگی دانشگاه، به دروس حوزه نیز پرداختم و مدّتی کوتاه در مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی مشغول تحصیل شدم، اما اشتغال به دو تحصیل همزمان، سبب شد نتوانم به دروس حوزوی ادامه دهم و تمرکز خویش را معطوف به دروس

دانشگاهی و همچنین فعالیتهای سیاسی و فرهنگی کردم.

در سال دوم تحصیل به دلیل احساس نیازی که کردم در انتخابات انجمن اسلامی دانشگاه شرکت جستم و موفق شدم به عضویت شورای مرکزی آن درآیم و خوشبختانه در این سال، اکثریت انجمن با دانشجویان مذهبی بود و به همین سبب فعالیتهای سیاسی، مذهبی این انجمن گسترش یافت. در کنار این امر از فعالیت در بسیج نیز کناره گیری نکردم و چندین سال در شورای پایگاه امام علی النقی (ع) دانشگاه، با مسئولیت فرهنگی و فوق برنامه حضور داشتم. با رسیدن به سال چهارم دانشگاه، ازدواج نمودم و در همان سال مطالعات خود را برای شرکت در آزمون کارشناسی ارشد افزایش دادم و توانستم در همین دانشگاه پذیرفته شوم.

لازم به ذکر است که در دوران تحصیل در دوره کارشناسی، همواره با وجود اشتغال به فعالیتهای فرهنگی و سیاسی جز نفرات برتر علمی دوره تحصیلی بودم و با معدل ۵۶/۱۸ دوره کارشناسی را به اتمام رساندم. همچنین در دو دوره برگزاری همایش طلاب و بسیجیان نمونه استانی، شرکت داشته و دیپلم افتخار کسب کردم. در دوره کارشناسی ارشد به دلیل ارتباط ذاتی که بین حقوق کیفری و فقه جزائی وجود دارد؛ مطالعات فقهی خود را در زمینه مسائل حقوقی گسترش دادم و پس از مدتی به عنوان محقق در مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه مشغول به فعالیت شدم و هم اکنون نیز مدیریت بخش تعزیرات این مرکز را بر عهده دارم.

نکهت سمرقندی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۸۲ ق)، شاعر. اهل سمرقند بود. طبع شعر خوبی داشت و اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. ملا ملیحای سمرقندی، در تاریخ فوت وی، ماده تاریخ (از دار فنا نمود رحلت: ۱۰۸۲ ق)، را سرود. ظاهراً «فرهنگ سخنوران» به تبعیت از برخی از تذکره‌ها (شاید به علت قرائت خاصی از متن «صبح گلشن») نکهت سمرقندی را همان ملا ملیحای سمرقندی دانسته است و به علاوه ملا عبداللّه نکهت را نیز با آنها یکی دانسته است. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۴۰)، الذریعه (۱۲۲۴/ ۹)، صبح گلشن (۵۳۹)، فرهنگ سخنوران (۹۵۰).

نکهتی شیرازی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به نکهتی. بعضی تخلص و نام او را نکهت ذکر کرده‌اند. وی با نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) معاصر بود و مدتی قبل از تألیف تذکره‌ی او، در اصفهان با هم ملاقات داشته‌اند. او سفری نیز به هندوستان رفته است که به آورده‌ی «صبح گلشن» بعدها از هندوستان بازگشته است. ولی در «تذکره‌ی نصرآبادی» و «الذریعه» بیان شده که او در هندوستان مانده، و دیگر خبری از وی به دست نیامده است. در مورد محل مرگ وی نیز اختلاف است، عده‌ای هند و برخی شیراز را ذکر کرده‌اند. وی دارای طبع شعر خوبی بوده و اشعاری از او در تذکره‌ها آمده است. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۸۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۱۹ -۷۱۸/ ۵)، الذریعه (۱۲۲۴/ ۹)، صبح گلشن (۵۳۸)، فرهنگ سخنوران (۹۵۰)، کاروان هند (۱۴۵۹ -۱۴۵۸/ ۲).

نگارش، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید نگارش

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔ الاسلام و المسلمین دکتر حمید نگارش عضو هیئت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی با رتبه استاد یاری و استاد دانشگاه صنعتی شریف می باشند. فعالیت های نامبرده اجمالاً به شرح ذیل می باشد: فعالیت های آموزشی: مدت ۲۲ سال تدریس دورس؛ «معارف اسلامی»، «اخلاق اسلامی»، «انقلاب اسلامی و ریشه ها»، «تاریخ اسلام»، «کلام اسلامی»، «انسان شناسی»، «متون اسلامی» و

... را در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه ها و مراکز آموزشی همچون: «دانشگاه شهید بهشتی»، «دانشگاه هوایی»، «دانشگاه امام حسین علیه السلام»، «دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن»، «مرکز مدیریت حوزه علمیه قم (طرح هجرت)»، «دانشگاه پیام نور»، «مرکز عالی رسته ای نیروی هوایی ارتش»، «دانشگاه صنعتی شریف» و ... داشته اند (از سال ۶۲ تا به حال). همچنین نامبرده دروس حوزوی سطح یک، دو و سه را در مدارس علمیه تهران و قم تدریس داشته اند.

نگارنده، عبدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۶ -۱۲۷۸ ش)، شاعر، متخلص به نگارنده. در شعر ابتدا سرباز تخلص می‌نمود. در اصفهان به دنیا آمد و در زادگاهش از محضر بزرگان شعر و ادب کسب دانش نمود. بعد از آن به بین‌النهرین رفت و در آنجا به تحصیل علوم دبی و عربی پرداخت و با زبان فرانسه آشنا شد. سپس به ایران بازگشت و به خدمت ارتش درآمد. وی سالها مقیم مشهد بود و به همین علت شاعری خراسانی شناخته شد. وی مؤسس انجمن ادبی فردوسی، از پربارترین انجمن‌های ادبی خراسان، بود. او در تهران درگذشت و در قبرستان ابن‌بابویه به خاک سپرده شد. از آثارش: مجموعه‌ی «شرار اندیشه»، رساله‌ی «الفبای شعر»، درباره‌ی شعر و شاعری و تحقیق درباره‌ی اوزان عروضی، رساله‌ی «آیین من»، آمیخته‌ای از نظم و نثر درباره‌ی پاره‌ای از مباحث اعتقادی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۳۶۸۵ -۳۶۷۹/ ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۱۰۱/ ۲).

نگاهی بهبهانی، محمد یوسف

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به نگاهی. از اهالی بهبهان بود. نصرآبادی مدتی قبل از تحریر «تذکره‌ی» خود (۱۰۸۳ ق) با او در منزل میرزا صایبا ملاقات داشته و اشعاری از وی شنیده است. از اوست:

به نعمتهای الوان شهان یک ره نظر کردم

گزیدم چشم خون پالا و رنگ زعفرانی را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۸۴۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۲۴)، الذریعه (۱۲۲۵ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۵۰)، مرآت‌الفصاحه (۶۶۶ -۶۶۵).

نگاهی هروی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. در هرات به دنیا آمد. سفری به حجاز نمود و حج گزارد. شغل او کتابت بود و شعر نیز می‌سرود. اشعاری از وی در تذکره‌ها نقل شده است. از اوست:

با بتان، دل شرح درد بینوایی می‌کند

بینوایی، از در دلها گدایی می‌کند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۲۹۳)، الذریعه (۱۲۲۵/ ۹)، صبح گلشن (۵۳۹)، فرهنگ سخنوران (۹۵۱).

نگهبان نعیم، تورج

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سخن از شاعر و ترانه‌سرایی دلسوخته و موفق است که متجاوز از بیست و پنج سال ترانه‌سرایی را پشت سر دارد و خدمات گرانبها و باارزشی به فرهنگ و هنر و طرز صحیح ترانه‌سرایی کرده است. تورج نگهبان، در سال ۱۳۱۱ شمسی در شهر اهواز سرزمینی که مردمانش مانند آب و هوای آن دیار خون‌گرم و بامحبت و باصفا هستند، دیده به جهان گشود.

تحصیل ابتدایی را در دبستان شرافت خرمشهر و تحصیلات متوسطه را در تهران دبیرستان فیروز بهرام، تحصیلات دانشگاهی را در دانشگاه تهران: از سال ۱۳۳۴ -۳۷ دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی رشته ادبیات انگلیسی، از سال ۱۳۳۷ -۳۹ دانشکده حقوق، از سال ۱۳۴۱ -۴۴ دانشکده ادبیات و علوم انسانی رشته علوم اجتماعی، از سال ۱۳۴۸ -۵۰ در همین دانشکده رشته فوق‌لیسانس

جامعه شناسی را که آخرین مدرک تحصیلی وی از دانشگاه تهران می‌باشد به پایان رسانید.

تورج نگهبان، ترانه‌سرایی را از سال ۱۳۲۸ با شعری که بر روی آهنگ هنرمند ارجمند مهندس همایون خرم سرود و در ساعت یک بعدازظهر به طور زنده در برنامه خدمات اجتماعی پخش شد آغاز کرد. در همان اوان ترانه دیگری روی آهنگ مسعود میثاقیان آهنگساز و نوازنده سنتور ساخت که با صدای گرم منوچهر همایون‌پور اجرا و پخش گردید. این ترانه سال‌ها بعد نیز در برنامه گلها توسط استاد حسن کسایی هنرمند شایسته نی و خانم ناهید دایی جواد مجددا اجرا شد.

در همین سال‌ها مهندس همایون‌خرم با همکاری یکی از دوستانش به نام البرز نیکپور و زنده‌یاد استاد محمود کریمی پژوهشگر ردیف‌های اصیل ایرانی و دو سه نفر دیگر از همکلاسی‌هایش یک ارکستر خانوادگی در منزل تشکیل داده بود و آهنگ‌هایی می‌ساخت که شعرهایش را تورج نگهبان می‌سرود و بیشتر در رادیو ژاندارمری که آن سال‌ها، در روز چند ساعتی برنامه پخش می‌کرد به طور زنده اجرا می‌شد. (لازم به گفتن است که خیلی از مشاهیر بعدی در زمینه‌های موسیقی و شعر فعالیت خود را از این رادیو آغاز کردند.) مدت زمانی کوتاه، پس از این ماجرا، بنا به دعوت امین‌اله رشیدی، خواننده رسمی و بافرهنگ رادیو تهران، که اغلب ترانه‌هایی را که می‌خواند شخصاً آهنگ و شعرش را می‌ساخت، همکاری آغاز کرد و اشعار ترانه‌های رشیدی را سرود.

نت‌های تعدادی از ترانه‌های مزبور که محصول این دوره از همکاری‌های آن دو هنرمند بود، در مجلات موزیک و موسیقی رادیو ایران چاپ و منتشر گردید. تورج نگهبان، همزمان با سرودن ترانه برای امین‌اللّه رشیدی، ترانه‌هایی نیز برای خانم مرضیه سرود که از اولین ترانه‌های ایشان پس از اجرای آهنگ‌های شیدا و عارف می‌باشد. این ترانه‌ها با آهنگ‌های هنرمندانی نظیر عباس شاپوری، مجید وفادار، همایون‌خرم، پرویز یاحقی، حبیب‌اللّه بدیعی، علی تجویدی، عبداللّه جهان‌پناه، نصراللّه زرین‌پنجه، انوشیروان روحانی و... همراه بود که عموماً از ترانه‌های موفق و مشهور زمان خود بود و راه را برای همکاری با سایر خوانندگان و آهنگسازان هموار نمود و موجب گردید که تا آن روزگار در راستای خوانندگی صاحب نام بودند دنبال کند و بیش از ۷۰۰ ترانه برای خوانندگانی چون : خانم‌ها ملوک ضرابی، دلکش، مرضیه، الهه، فرح، آذر هما، پروین، پوران، یاسمین، عهدیه، مهستی، هایده و آقایان، بنان، ایرج، وفایی، گلپایگانی، داریوش رفیعی، محمد نوری بسازد که تماما در آرشیو رادیو تلویزیون موجود است. تورج نگهبان، همکاری خود را با برنامه گلها از سال ۱۳۴۰ آغاز کرد و از همکاران همیشگی آن برنامه بود.

تورج نگهبان، از میان ترانه‌هایی که با صدای خوانندگان نامبرده روی آهنگ‌های آهنگسازانی مثل: عباس شاپوری، حبیب‌اللّه بدیعی، علی تجویدی، پرویز یاحقی، مهندس همایون خرم، مجید وفادار، عبداللّه جهان‌پناه و...سروده است ترانه‌ای را که هیچگاه فراموش نمی کند ترانه «بیگانه» است که با صدای پوران روی آهنگ عباس شاپوری هنرمند بزرگ و شایسته گذاشته شد که آهنگهای این آهنگساز را هر خواننده‌ای خواند به قول معروف یکشبه راه صد ساله پیمود. لازم به یادآوری است که مضمون ترانه، قصه جدایی تأثرانگیز این زوج هنرمند را بیان می‌کند و از اعجایب این که این آهنگ هیچگاه کهنه یا از خاطره‌ها محو نشده و تازگی خود را همچنان حفظ نموده است.

تورج نگهبان، از سال ۱۳۳۷ –۴۱ معاون اداره مطبوعات اداره کل انتشارات و رادیو، و در سال‌های ۱۳۴۱ –۵۷ سرپرست روابط عمومی و انتشارات سازمان صنایع دستی ایران بوده و این اواخر دست‌اندر کار انتشار مجله «دستاورد» در زمینه هنرهای دستی ایران و نیز انتشار مجله «صدا» که روی نوار کاست ضبط و منتشر می شد، بوده است. وی سال‌ها، کار تدریس جامعه‌شناسی عمومی در دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی قزوین به دانشجویان دوره لیسانس، تدریس روش تحقیق در مدرسه عالی مددکاری را به دانشجویان دوره فوق‌دیپلم به عهده داشته است. تورج نگهبان، ترانه‌های زیبای در رثای استاد ابوالحسن صبا و محمودی خوانساری سروده که از نظر گرامیتان می گذرد.

امیر و راهبر توسن هنر بودی

که هفت شهر زمین را پیاده پیمودی

ز «مویه» تو نیستان در آتش غم نسوخت

ز بس نوای «مخالف» ز چرخ بشنودی

قلندریت بنازم که در کشاکش فقر

به سیم و زر لحظات هنر نیالودی

ترا به کنگره عرش نغمه‌خوان بردند

که صادقانه تو میراث‌دار «داودی»

غمین مباش اگر خانه تنگ و تاریک است

کزی خرابه به میخانه راه بگشودی

دگر همیشه بیاسای، خسته‌ای «ایدوست»

تویی که بین من و ما دمی نیاسودی

همیشه یاد تو ای خوب رفته بخیر

بخوان فسونگر محمود باز «محمودی»

تقدیم به روان پاک دوست هنرمندم زنده‌یاد محمودی خوانساری

تورج نگهبان

تهران اردیبهشت ۱۳۶۶

«کاروان»

افتاده فروغی سیمین

بر ساحل نخلستانی

دیگر نبود آثاری
زآن نیمه شب طوفانی
گشته درخشان کاروان
زآن همه نور افشانی (۲ مرتبه)
مه داده صفا بسواحل کارون
از دیدن آن شده شورم از حد فزون
جلوه‌کنان می‌گذرد قایقی از دور
می‌فکند در سر سودایی من شور
رنگ طلایی زده گویی بصد افسون
پرتو فانوس بلم بر همه کارون
کارون تو جهان صفایی
جاری ز بهشت خدایی (۲ مرتبه)
دل بستانی– جان بفزایی
ارزش هر قطره است از در و گوهر افزون
زاده خاک وطن ای چشمه زر کارون
جان نبخشی– بر هامون
در مرگ استاد ابوالحسن صبا بزرگ مرد موسیقی ایران سروده شد
تورج نگهبان
مرگ هنرمند
خاموش شد آن شمع که در محفل ما بود
پژمرده شد آن لاله که یک سینه صفا بود
گلچین طبیعت گل گلراز هنر چید
دستش شکند این‌همه بی‌ذوق چرا بود
ای مهر فروزنده که خاموش شد امروز
تابنده فروغ هنر کشور ما بود
بر بام فلک رفت چو زین دام رها گشت
جایش بچنان قدر و هنر نزد خدا بود
تا بود نگهبان هنر بود و نمیرد
هرکس که در این پرده هماهنگ صبا بود
برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

نمازی اصفهانی، محمود

قرن:۱۵
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود نمازی اصفهانی
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمود نمازی اصفهانی فروردین ماه سال ۱۳۴۱ شمسی در خانواده ای مذهبی در شهر اصفهان متولد و دوره ابتدائی، متوسطه و دبیرستان را در همان شهر گذراندم. شهریورماه ۱۳۵۶ با معرفی حضرت «آیهٔ الله فاضل اصفهانی»؛ استاد حوزه علمیه اصفهان و امام جماعت مسجد محله تلواژ گان اصفهان، به مرحوم «آیهٔ الله قدوسی» (رحمهما الله)، وارد حوزه علمیه قم شده، مقدمات و سطح را تا سال ۱۳۶۴ نزد اساتید بزرگ و حضرات حجج اسلام: «مدرس افغانی»، «مسعودی»، «اعتمادی»، «پایانی»، «ستوده»، «شب زنده دار»، «فیاضی» و آیات عظام: «خرازی»، «اشتهاردی» و «فاضل لنکرانی» به پایان بردم.

دروس سطح عالی حوزه، خارج فقه و اصول را نیز به مدت ۷ سال تا سال ۱۳۷۱ از محضر اساتید و آیات عظام: «بهجت»، «مکارم شیرازی»، «سید محمود هاشمی شاهرودی»، «سید کاظم حائری»، «میرزا جواد تبریزی» و «استادی» بهره بردم. در طول تمام این سالها و سالهای بعد، این افتخار را داشتم که پیوسته از محضر پر برکت دروس اخلاق «حضرت آیهٔ الله مصباح»، «آیهٔ الله بهجت» و «آیهٔ الله

مظاهری اصفهانی» کسب فیض کنم.

همزمان با دروس حوزه از سال ۱۳۵۸ در برنامه ی آموزشی موسسه در راه حق که با نظارت اساتید و حضرات آیات عظام: «مصباح یزدی، خرازی و مظاهری» اداره می شد؛ دروس مطالعات موضوعی قرآن کریم، فلسفه: (بدایهٔ الحکمه، نهایهٔ الحکمه، شفا و دروس فلسفه) را نزد «آیهٔ الله مصباح» و دروس عمومی: (جامعه شناسی، روانشناسی، حقوق، علوم تربیتی و اقتصاد اسلامی) را نزد اساتید آن دوره تلمذ نمودم. در این دوره موفق به اخذ دو معادل لیسانس از موسسه در راه حق در زمینه «مطالعات اسلامی» و در سالهای بعد معادل لیسانس «فقه و حقوق اسلامی» از مرکز مدیریت حوزه شدم.

از سال ۱۳۶۲ تا سال ۱۳۶۸ دوره کارشناسی ارشد پیوسته اقتصاد را در بنیاد عالی فرهنگی باقرالعلوم (ع) با موفقیت به پایان بردم و مدرک معادل فوق لیسانس پیوسته رشته اقتصاد را (که معادل ۱۴۶ واحد درسی دانشگاهی بود) از این موسسه دریافت کردم. سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۱ را به پژوهش در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه مشغول بودم که حاصل این دوره؛ کتاب چاپ نشده: «پول و بانک در اقتصاد اسلامی» و مقاله: «سیاستهای باز سازی در کلام امام» است که موفق به دریافت جایزه وزیر علوم و فن آوری وقت: آقای معین شد که با همکاری همکاران بود. مقاله در همان زمان در مجموعه مقالات سمینار باز سازی اقتصاد اسلامی به چاپ رسید. بخشهایی از کتاب نیز در سالهای بعد به چاپ رسید.

سال ۱۳۷۱ همراه با تعدادی از دوستان با نظارت استاد بزرگوار «حضرت آیهٔ الله مصباح یزدی» تحت اشراف بنیاد عالی فرهنگی باقرالعلوم (ع) که در سال ۱۳۷۵ به موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) تغییر یافت؛ موفق به اخذ پذیرش از دانشگاه «مک گیل شهر مونترال» در کشور کانادا شدم، دوره کارشناسی ارشد و دکتری را در رشته «فلسفه و فلسفه عرفان» در این دانشگاه تا سال ۱۳۷۹ با نمره ممتاز به پایان بردم. سالهای ۷۳ تا ۷۸ هر سال در کنفراس های سالانه فلسفه شهر «بینگهمتن آمریکا» شرکت فعال همراه با ارائه مقاله داشته ام، در این کنفرانس ها، ضمن آشنایی با اساتید و پروفسورهای فلسفه، عرفان، دین شناسی و کلام اروپا و آمریکا، بحثهای علمی تطبیقی فلسفه و کلام اسلامی طرح و پی گیری می شد که ضمن استقبال آنها موجب نشر تفکر فلسفی کلامی شیعه نیز می شد.

سالهای اقامت در کشور کانادا به فعالیتهای مذهبی هم به جد اشتغال داشته و سخنرانی های متعددی را در ابعاد مختلف معارف اسلامی برای عموم مردم و دانشجویان دانشگاه های مهم شهرهای: «کبک (دانشگاه لاوال)، اتاوا (دانشگاه اتاوا)، تورنتو (دانشگاه تورنتو)، کانادا» و شهرهای: «واشنگتن، نیویورک و یوستن (تکزاز) آمریکا» داشته ام. در این راستا پیوسته مشمول عنایات مولی و سرور کائنات امام مهدی علیه السلام بوده و از توجهات آن عزیز گمگشته خوشه ها چیده ام.

در دوران تحصیل در کانادا «کارشناسی ارشد و دکتری»، موفق به نوشتن بیش از بیست مقاله درسی و کنفراسی انگلیسی به غیر از رساله کارشناسی ارشد و رساله دکتری (که به اختصار مطالب آنها را به فارسی و انگلیسی و فرانسه در ضمیمه خواهم آورد) شده ام و از زمان برگشت به ایران در سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۶ مدت ۷ سال به عنوان عضو هیئت علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، مشغول تدریس و تحقیق می باشم. کتاب «مدخلی بر فلسفه عرفان: علیت و وحدت وجود از دیدگاه ملا صدرا» و مقاله «مفهوم و خاستگاه تجربه دینی و ویژگیهای تجربه دینی» و مقاله انگلیسی «رابطه عقل و وحی از دیدگاه سید حیدر آملی» حاصل تحقیقات این دوره و تدریس تاریخ فلسفه معاصر، کلام جدید و مبانی نظری علم اخلاق اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد، کارشناسی و دکتری و استاد راهنما، مشاور و یا داور رساله های کارشناسی ارشد رشته های «دین شناسی، کلام، فلسفه» و راهنمائی و نظارت بر ده ها رساله کوچک و بزرگ کلاس های ارشد و کارشناسی و نیز نظارت بر تهیه و ارائه ده ها گزارش فنی از کتب رشته های یاد شده؛ بخشی از کارهایم در بخش آموزش بوده است. در پنج سال اخیر، طرحهای متعددی را نیز نظارت، راهنمائی و اجرا کرده ام که و طرح (شیما) شناخت و معرفی اسلام، یکی از آنها است که در حال اجرا است. در زمینه آشنائی با زبانهای رایج با زبان عربی و انگلیسی آشنائی کامل و با زبان فرانسه در حد ترجمه متون فلسفی آشنا هستم.

نمازی اصفهانی، ملا فتح الله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملافتح الله اصفهانی

در زمستان سال ۱۲۲۸ ش . (۱۲ ربیع الاول ۱۲۶۶ ق)(۱۴۲۷)باز شدن غنچه ای در خانه محمد جواد نمازی اصفهانی ، بهار را نوید داد. آن غنچه خوشبو را فتح الله نامیدند.

فتح الله در دامان پر مهر مادری مومن که هیچ گاه او را بدون وضو شیر نمی داد و پدری دلسوز که لحظه ای از تربیت فرزندش غافل نمی شد، رشد کرد و پس از سپری کردن دوران بازیهای کودکانه راهی کلاس قرآن و دیگر کتابهای مذهبی شد.

در حوزه های نور

او ابتدا در حوزه علمیه اصفهان به تحصیل مشغول شد. استعداد و پشتکار فتح الله موجب شد که بتواند با سرعت ، مقدمات علوم اسلامی را فرا گرفته ، در درس فقه و اصول بزرگان مدارس علمیه زانوی ادب به زمین بزند. با این حال حضور در درس بهترین اساتید حوزه علمیه اصفهان نتوانست تشنگی دانش اندوزی او را فرو نشاند. از این رو راهی حوزه علمیه مشهد مقدس شد.

در آن شهر از محضر اساتید برجسته ای چون آیه الله حاج میرزا نصرالله مدرس ، آیه الله محمد ابراهیم بروجردی و سید مرتضی حائری بهره فراوان جست تا در ردیف اساتید آن دیار شناخته شد. سپس به سوی اصفهان مراجعت کرد. تا آن زمان نظریات شیخ مرتضی انصاری در اصفهان شهرتی نداشت ولی شیخ شریعت به بیان مسلک شیخ مرتضی انصاری همت گماشت .(۱۴۲۸)

او در سال ۱۲۹۵ ق . راهی نجف اشرف شد و در محضر مراجع تقلید آن زمان (آیات بزرگوار شیخ محمد حسین کاظمی و میرزا حبیب الله رشتی) حاضر شد و خود نیز مجلس درس مهمی تشکیل داد که بسیاری از دانشمندان حوزه علمیه نجف در آن شرکت می کردند.

شیخ الشریعه در سال ۱۳۱۳ ق . به شوق معشوق رو به خانه معبود نهاد. او در مکه به مباحثه و گفتگو با علمای اهل سنت پرداخت به گونه ای که آنها از احاطه کامل وی به کتابهای اهل سنت در شگفت شدند.(۱۴۲۹)

پس از بازگشت از حج پروانه های فضیلت پیرامون آن شمع شریعت گرد آمدند. در این زمان درس او از مهم ترین درسهای نجف به شمار می رفت که صدها نفر در آن شرکت می کردند. این درسها عبارت بودند از:

۱. دروس عالی فقه و اصول

۲. رجال و درآیه

۳. تفسیر و علوم قرآن

۴. فلسفه و کلام

۵. درس خلافیات که در این درس علت اختلاف نظریات و فتواهای فقیه بررسی می شد. او بعلاوه خطیبی توانا بود که جمعه ها منبر می رفت و به موعظه پرداخت . از دیگر امتیازات ایشان اینکه وی به تحصیل طب و ریاضیات همت گماشته و علاوه بر فرمولها و معادلات ریاضی مطالب زیادی درباره علم پزشکی آموخته بود.

گویند روزی ایشان بیمار شد و وقتی پزشک برای معالجه بر بالین او آمد شیخ الشریعه در مورد بیماری اش از کتاب قانون بوعلی سینا مطلبی گفت . پزشک تصور کرد چون شیخ نوع بیماری خود را می دانسته تنها همان قسمت کتاب را به خاطر سپرده است ولی در گفتگوهای بعدی مشخص شد او بیشتر مطالب قانون را آماده در ذهن دارد.

اساتید

شیخ الشریعه در محضر شریعتمداران زیادی درس شریعت آموخت تا شیخ شریعت شد به پاس احترامشان نام آنان در ذیل می آید:

۱. ملا حیدر علی اصفهانی

۲. آیه الله نصر الله مدرس

۳. شیخ محمد صادق تنکابنی

۴. ملا احمد سبزواری

۵. شیخ عبدالجواد خراسانی

۶. آیه الله ملا محمد باقر اصفهانی

۷. شیخ حسین علی تویسرکانی ملایری

۸. آیه الله شیخ محمد تقی هروی

۹. آیه الله شیخ محمد رحیم بروجردی

۱۰. آیه الله شیخ محمد حسین کاظمینی

۱۱. آیه الله میرزا حبیب الله رشتی

شاگردان

صدها نفر از طلاب علوم دینی در جلسات درس ایشان شرکت می کردند که بسیاری از آنان بعدها در زمره مراجع تقلید در آمدند و نامی ترین آنان عبارتند از:

آیات عظام : ۱. شیخ عبدالکریم حائری

۲. سید محمد حسین بروجردی

۳. سید ضیاء الدین عراقی

۴. سید ضیاء الدین عراقی

۵. سید شهاب الدین مرعشی نجفی

۶. سید عبدالهادی حسینی شیرازی

۷. سید محسن طباطبایی حکیم

۸. سید محمد کوه کمره ای (حجت)

۹. سید محمد تقی خوانساری

۱۰. محمد علی شاه آبادی .

قلم نور

از آنجا که شریعت در علوم گوناگون اسلامی مهارت داشت در بسیاری از رشته ها نوشته هایی پر بها از خود به یادگار گذاشت که هر یک در علوم مختلف حاکی از فزونی دانش اوست . از آن همه ، پاره ای رساله در موضوعات فقهی و اصولی است . در علم تفسیر، فلسفه ، کلام و ادبیات عرب نیز دارای آثاری نیکوست .

مرجعیت

پس از وفات آیه الله میرزا حبیب الله رشتی و آیه الله شیخ محمد حسین کاظمینی شماری از مردم از شیخ الشریعه تقلید می کردند ولی پس از رحلت میرزا محمد تقی شیرازی ، شیخ الشریعه یگانه مرجع جهان تشیع شد. با این حال وی رهبری دینی را چون باری سنگین بر دوش خود احساس می کرد. او در خلوت دیده شده بود که اشک ریزان با خدای خود چنین مناجات می کرد:

((خدایا، در آخرین روزها زندگیم در دنیا به ریاست مبتلا(!) شده ام و باید سنگینی این بار امانت را به دوش کشم ! بار الها، من

طاقت تحمل این امر بزرگ را ندارم ... و حال آنکه تو فردای قیامت از من سوال خواهی کرد...))

شبیخون

شیخ الشریعه در پی مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمن کتابخانه مهمی ایجاد کرد که دانش پژوهان از آن استفاده می کردند و از دیگر اقدامات ایشان صدور اعلامیه های فراوان بود که پرده از چره استعمار می زدود در قسمتهائی از یکی از این اعلامیه ها آمده است .

((خدمت علمای بزرگ ... و عموم مردم روستاها و شهرها و کوچ نشینان ...

بر آقایان و هوشیاران ... پوشیده نیست که بیگانگان از سده های پیشین و مدتها قبل کوشیده اند دارایی مسلمانان را برزندد و شهر و کشورشان را تصاحب کنند... قرآن سراسر حکمت را از میان آنان بردارند و آنچه از وسایل مادی و معنوی نزد آنان است نابود سازند، بیگانگان همواره برای دستیابی به این هدفها نقشه هایی ترتیب داده اند، آنگاه آیه الله شریعت چندین نمونه از نقشه ها و هدفهای دشمن را در ۱۰ مورد بازگو کرده ، در پایان دردمندانه از مسلمانان و ایرانیان می خواهد که در صف واحد در برابر دشمن متجاوز بایستند.(۱۴۳۰)

دزدان فرهنگ

در زمانی که عراق تحت سلطه انگلستان بود حکومت استعمارگر به مزدوران خود دستور داده بود هر جا کتاب نفیس و قدیمی یافتند آن را تصاحب کرده ، به کتابخانه لندن بفرستند!

در این میان روحانیون آگاهی کـه نمی خواستند فرهنگ اسلامی بـه دست کفار غارت شود در مقابل آنان می ایستادند و استعمارگران با به زندان افکندن ایشان سعی می کردند به اهداف شوم خود جامه عمل بپوشانند. ولی شیخ شریعت به کمک طلاب آمده ، آنها را از بند نجات می داد. برای نمونه می توان به زندان افتادن آیه الله مرعشی نجفی برای خریدن یک کتاب و سپس آزادی او به همت شیخ الشریعه اشاره کرد.

تقسیم ایران

یک سال پس از انقلاب مشروطه (در سال ۱۹۰۷ م) دو کشور استعمارگر روسیه و انگلستان در یک توافق سری ایران را به ۳ منطقه تقسیم کردند؛ مناطق جنوبی سهمیه انگلستان و شمال ایران از آن روسیه شد و برای آنکه با هم اختلافی پیدا نکنند قسمتهای مرکزی را به عنوان منطقه بی طرف سهم ایران قرار دادند. در این هنگام که تمامیت ارضی و استقلال ایران در معرض خطر جدی قرار داشت ، شیخ الشریعه و دیگر علما درسهای حوزه علمیه را تعطیل و خود را برای جهاد آماده کردند؛ چنانکه در تلگرافی که بدین مناسبت انتشار دادند می خوانیم :

((اخبار موحشه مداخله اجانب در بلاد اسلامیه خصوصا به اشتهار معاهده میشومه جدیده با دولتین موجب وحشت عموم علمای اعلام ... (شده است .) قاطبه علمای این مشاهد مشرفه وظایف مقامیه را تعطیل و در حفظ اسلام به ادای آخرین تکلیف (جهاد) حاضر...))

ایران در آتش

در سال ۱۳۳۰ ق با حمله روسیه به ایران شهرهای تبریز، گیلان ، رشت ، مشهد مقدس و چندین شهر و روستای ایران اشغال شد. در این زمان که ایران در سراشیبی سقوط قرار گرفته بود مراجع تقلید شیعه که در آن ایام در عراق بودند تصمیم گرفتند با مقاومتی قهرمانانه جلو متجاوزان را بگیرند.

در یازدهم محرم ۱۳۳۰ هیات علمیه نجف به همراه صدها نفر از طلاب حوزه علمیه و دویست هزار تن از عشایر مسلح به طرف ایران حرکت کردند. آنان تصمیم گرفتند در سر راه خود بـه ایران چند روزی در کاظمین توقف کرده ، پس از آماده کردن مقدمات لازم به طرف ایران حرکت کنند. از جمله اقدامات آنان در کاظمین می توان به ارسال هیات هایی به کشورهای مختلف برای مذاکره با سران آن کشورها و ارسال اطلاعیه های فراوان به مسلمانان جهان اشاره کرد.

و دیگر آماده کردن عشایر ایران برای جهاد بود که با ارسال تلگرافهای متعدد آنان را به جهاد دعوت کردند. در یکی از این برگهای زرین چنین می خوانیم :

به عموم حجج اسلام ، سرداران عظام و روسای عشایر.... از قدیم زمان الی کنون به واسطه مردانگی عشایر... هرگز به خیال اجانب نمی رسید که دست اندازی به خاک ایران نمایند چه رسد به سوق عساکر و جسارت ... در ممالک اسلامیه . مگر در این عصر مردانگی ایرانیان محو و نابود و عقاید اسلام پشت گوشها افتاده .. یاللمسلمین یک مشهد مقدس ... در مملکت شماست ، آیا رواست که با وجود امثال شماها به تصرف کفار درآید و ننگ تاریخی برای شما، باقی بماند!...))(۱۴۳۱)

وقتی مردم مسلمان و عشایر غیور ایران خود را برای دفاعی جانانه آماده کردند وثوق الدوله که در آن زمان ریاست هیات وزرا را به عهده داشت بـا نیرنگ اولا از حرکت علما به طرف ایران ممانعت کرد. وانگهی از عشایر و دیگر امت مسلمان ایران خواست از هر گونه اقدامی که مخالف سیاسیتهای روسیه و انگلستان باشد خودداری کنند و به آنها هشدار داد که اگر با نیروهای در حال پیشروی انگلستان مقابله کنند دولت آنها را مواخذه خواهد کرد. و از طرف دیگر مصرانه از علما خواست که از کاظمین متفرق شوند.

عقب نشینی نیروهای روسیه و اقدامات وثوق الدوله کارگر افتاد و تندری که می رفت خصم را بسوزد توسط دولت ایران خاموش شد و علما که نمی خواستند جنگ داخلی مشکلات ایران را دو چندان کنند از حرکت به طرف ایران منصرف شدند.

نبرد اقتصادی

شیخ شریعت در کنار دیگر علما در برابر هجوم اقتصادی دشمن دو اقدام مهم انجام داد.

۱ – تشویق مردم به ایجاد شرکت های تعاونی

۲. تحریم خرید و فروش اجناس و وسایل روسیه و انگلستان .

البته در این جبهه نیز زمانی که می رفت این مبارزه منفی شکوفه دهد سفارت انگلیس بـا یـک نامه فدایت شوم به وثوق الدوله

نوشت که از علما بخواهد فتواهای خود را ملغی اعلام کنند و وثوق هم همین کار را کرد.

مجتهد مجاهد

عراق در جنگ جهانی اول به تصرف انگلستان درآمد و شیخ الشریعه ضمن صدور فتوای جهاد خود به جبهه شتافت و فرماندهی جبهه قرنه را به عهده گرفت .

یکبار که مجتهد مجاهد با کشتی کوچکی به طرف یکی از جبهه ها در حرکت بود. کشتی آنها شکست و نزدیک بود ایشان غرق شود که دیگر مجاهدان وی را نجات دادند.

نیروهای مردمی به فرماندهی علما به مدت هیجده ماه در برابر نیروهای عظیم انگلستان مقاومت کردند و اگر پیروزی نهایی متفقین و ضعف شکست عثمانی و دیگر متحدانش نبود اشغالگران هیچ گاه موفق به اشغال عراق نمی شدند.(۱۴۳۲)

در بستر انقلاب

نیروهای انگلستان و همدستانش در جنگ جهانی اول با طرح این شعار که هدف ما رهایی کامل ملتهاست توانستند عراق و دیگر کشورهای عربی را تصرف کنند اما پس از اشغال عراق نه تنها به آنها استقلال ندادند که سعی کردند با برگزاری رفراندم فرمایشی به اشغال خود حالت قانونی دهند و آنگاه که عده ای از آزادیخواهان درخواست استقلال کردند آنها را تبعید و زندانی کردند و متعاقب این اوضاع شیخ الشریعه با ارسال تلگرافهایی به حاکمان انگلیسی و فرماندهان ارشد نظامی آنان از این درخواست سرباز زدند و سعی کردند با سرکوب جلو انقلاب را بگیرند.

در این هنگام آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی با صدور فتوایی به عراقیان اجازه داد که اگر انگلیسیان از دادن حقوق آنها سرباز زدند آنان دست به اسلحه برند و حق خود را باز پس گیرند. و این گونه بود که آتش انقلاب در عراق زبانه کشید.

در هنگامی که تمامی شهرهای عراق در آتش انقلاب می سوخت ناگهان آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی که در این زمان رهبری انقلاب را به عهده داشت به طور مرموزانه ای درگذشت ولی در آن لحظات حساس آیه الله شریعت اصفهانی علم بر زمین افتاده میرزای شیرازی را برداشت و با صدور بیانیه ای از مردم عراق خواست به انقلاب ادامه دهند و سپس در اجتماعی که در صحن حضرت علی علیه السلام برگزار شده بود حاضر شد و در حالی که به علت کهولت و ناتوانی نمی توانست به تنهایی راه برود با کمک چند نفر از اطرافیان بر فراز منبر قرار گرفت و پس از تسلیت از دست دادن میرزا، مجاهدان را به استقامت فراخواند و آنگاه آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی را به عنوان نماینده خود انتخاب کرد و پرچم جهاد را به دست او سپرد.

در همین ایام ویلسون ، نماینده انگلستان در عراق تصمیم گرفت با فرستادن پیام تسلیتی باب گفتگو با شیخ را باز کند، او را به پندار خود بفریبد اما نتوانست و انقلاب همچنان ادامه یافت .(۱۴۳۳)

متعاقب این اوضاع نیروهای انگلیسی که در ایران و هند مستقر بودند به طرف عراق روانه شدند تا اینکه تعداد آنها به یکصد و پنجاه هزار نفر رسید که به انواع سلاحهای پیشرفته و هواپیماهای جنگی مجهز بودند. قدرت روز افزون نیروهای انگلستان ، تمام شدن منابع مالی مجاهدان و قرار گرفتن آنان در محاصره اقتصادی و نظامی ، نیز تغییر سیاست انگلستان و پیشنهاد تشکیل حکومت ملی در عراق از طرف دیگر موجب شد که بین رهبران جهاد اختلاف افتد و انقلاب متوقف شود. دولت انگلستان به طور رسمی تغیر سیاست خود را اعلام کرد و بدین سان استقلال خود را هر چند ناقص به دست آورد. اگر انقلاب به پیروزی نظامی می رسید علما می توانستند با تشکیل حکومت اسلامی عراقی آباد و آزاد بسازند عوامل فوق در کنار سستی که به مناسبت شروع فصل کشاورزی در مردم عراق پدید آورده بود باعث شد که نیروهای انگلستان بتوانند به طرف شهرهای مقدس پیشروی و کربلا، کوفه و آنگاه نجف را اشغال کنند.

پس از اشغال نجف ۱۷ تن از علما و از جمله حسن فرزند شیخ الشریعه دستگیر و برای تبعید روانه بصره شدند.

خاندان

آیه الله شریعت با یکی از نوادگان آیه الله شیخ محمد حسین اصفهانی مولف کتاب فصول ازدواج کرده بود و حاصل این ازدواج ۳ فرزند پسر بود:

۱. شیخ حسن : وی فرزند بزرگ شیخ الشریعه بود و در انقلاب نقش بسزایی داشت .

۲. شیخ مهدی ، او تقریرات درس پدرش را به رشته تحریر کشید و کتاب ((اعلام الاعلام بمولد خیر الانام)) از اوست .

۳. شیخ محمد شریعت (۱۲۸۳ – ۱۳۵۷ ق .): وی در نجف به تکمیل علوم خود پرداخت . در سال ۱۳۳۱ ش . آیه الله بروجردی او را به عنوان نماینده خود راهی اصفهان کرد. شیخ محمد پس از رحلت آیه الله بروجردی امام امت (ره) را به عنوان مرجع اعلم معرفی کرد که عده ای از علمای پاکستان هم به پیروی از ایشان امام را مرجع تقلید اعلم به مردم معرفی کردند.(۱۴۳۴)

صبح تیره

سرانجام روح پر فتوح آیه الله شریعت اصفهانی پس از عمری تلاش در راه اسلام و قرآن در شب یکشنبه هشتم ربیع الثانی سال ۱۳۳۹ ق . قفس تن را دریـد و آن نفس مطمئنه به سوی پروردگارش پر کشید و پیکر مطهرش در جوار قبر امیرمؤ منان علیه السلام به خاک سپرده شد.

در سال ۱۳۶۶ ق . که آیه الله حاج آقا حسین قمی دار فانی را وداع کرد و می خواستند او را کنار شیخ الشریعه دفن کنند در هنگام حفر قبر مقداری از قبر شیخ شریعت خراب شد و حاضران با تعجب دیدند جسد آن فقیه فرزانه هنوز کاملا تازه است چنانکه گویا روز پیش به خاک سپرده شده است .

نمازی زادگان، سعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید نمازی زادگان

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سعید نمازی زادگان به سال ۱۳۴۱ هجری شمسی در تهران و در میان خانواده ای متوّسط و مذهبی متولد شدم. تنها چهار برادر دارم و پدرم نیز کار بنایی و معماری ساختمان انجام می دادند. در سال ۱۳۵۰، خانواده ام به دلیل گرایشات مذهبی به مشهد که محیطی سالم بود، مهاجرت کردند. از آن جا که پدر و به ویژه پدر بزرگ مادری ام، عنایت فوق العاده ای در تربیت صحیح و اسلامی ما داشتند؛ مدارس ملی و مذهبی آن زمانها را برای تحصیل ما انتخاب کرده بودند. بعدها در کنار تحصیل، مدّتی را به کار در صنعت آلومینیوم سازی نیز اشتغال داشتم.

در ایّام جنگ و دفاع مقدس، چندین بار همراه با رزمندگان تیپ ویژه شهدا، تیپ ۲۱ امام رضا، لشکر ۵ نصر و قرارگاه کربلا در جبهه های نبرد حضور یافتم. به سال ۱۳۶۷ با خانواده شهید بزرگوار «هاشمی نژاد» آشنا شده و با صبیه کوچک ایشان ازدواج کردم که حاصل آن دو پسر به نامهای محمد رضا و محمّد ایمان است. در سال ۱۳۸۰ در دانشگاه «علوم پزشکی مشهد» استخدام شدم و هم اکنون به عنوان عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی در خدمت عزیزان دانشجو هستم.

مختصری از زندگینامه علمی: دوره ابتدایی را در مدارس ملی و مذهبی سعیدی تهران و جعفری مشهد گذراندم. پس از آن جذب حوزه علمیّه مشهد شده و در مدرسه حاج آقای «موسوی نژاد» به تحصیل علوم اسلامی پرداختم. پس از مدّتی در کنار حوزه، دوره های شبانه راهنمایی و دبیرستان در رشته تجربی را گذراندم و همزمان در دو دانشگاه «علوم اسلامی رضوی» و «دانشگاه اصفهان» در سال ۶۳ پذیرفته شدم. با ثبت نام در دانشگاه رضوی در کنار دروس الهیات، دروس حوزی را نیز ادامه دادم و دوره های سطح و نیز بخشی از دوره خارج فقه و اصول را شرکت کردم. در خلال تحصیل در دانشگاه رضوی، موفق به گرفتن دیپلم دوم در رشته فرهنگ و ادب و نیز مدرک کارشناسی فقه از دانشگاه فردوسی مشهد شدم. در سال ۷۳ به دوره کارشناسی ارشد رشته ادیان و عرفان دانشگاه تهران راه یافتم.

نمازی شاهرودی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی نمازی شاهرودی فرزند عالم ربانی و زاهد سبحانی حاج شیخ محمد نمازی شاهرودی از علماء مبرز و متقی و دانشمندان متتبع و نویسندگان متبحر حوزه علمیه مشهد مقدس بوده‌اند.

در سال ۱۳۳۲ قمری در شهرستان شاهرود متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات و سطوح را در زادگاه خود نزد والدشان و سایر اساتید فراگرفته و آنگاه برای تکمیل مبانی فقه و اصول مهاجرت به مشهد مقدس نموده و و از محضر آیات عظام و فقهاء کرام آن سامان به ویژه مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا مهدی غروی اصفهانی که در معارف اهل‌بیت عصمت و طهارت نادره زمان واغلوطه اوان بوده و شاگردان مکتبش چون حاج شیخ مجتبی و حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج شیخ کاظم دامغانی و میرزا جواد آقای تهرانی و صدها نفر دیگر امثالهم از آیات بزرگ و دانشمندان بنام معاصر بودند استفاده فقه و معارف الهی نموده و به نجف اشرف مشرف و چندی هم در آنجا اقامت و از مبانی مدرسین و مجتهدین حوزه نجف مطلع و استفاده نموده و به مشهد مراجعت و به تألیف کتب مفیده و تدریس پرداخته و مهارتی عجیب در مناظره با پیروان ادیان دیگر و مذاهب باطله داشت و نیز در احتجاج و مباحثه با اهل سنت و جماعتی و در سفرهای عدیده‌اش به حجاز و کشور سعودی مباحثاتی با حضرات داشته که موجب استبصار عده‌ای از مردم پاکستان و هندوستان شده است.

آن مرحوم در علوم غریبه و علم طلب قدیم و گیاه‌شناسی و ریاضی هم اطلاع عمیق داشته و با زبان فرانسه هم آشنائی داشته حدود سه دوره بحارالانوار را از اول تا آخر مطالعه و در اثر این مطالعات موفق به تألیف مستدرک البحار در ده مجلد شده که پنج جلد آن در زمان حیات خودش به طبع رسیده و پنج مجلد آن پس از رحلتش فرزند یاد شده‌اش اقدام به طبع و نشر آن نموده و حافظ تمام قرآن و یا اکثر آن بوده زیرا از هر آیه که می‌پرسیدند فورا آدرس درس آن را می‌داد و به گفته برخی از مرحوم آیت‌اللَّه مرعشی نجفی قدس‌اللَّه سره از ایشان پرسیده بودند فرموده بود که آقای نمازی مجلسی زمان ما بوده است.

نگارنده این کتاب چون مدتی در مدرسه نواب مشهد با ایشان همسایه و مرواده داشتم ایشان را از جهاتی کم‌نظیر یافتم. تألیفات بسیاری دارد که از دیدگان عزیزان می‌گذرانم.

۱- اثبات ولایت که ۶ مرتبه به چاپ رسیده.

۲- ابواب رحمت ۲ مرتبه چاپ شده.

۳- تاریخ فلسفه و تصوف ۲ مرتبه چاپ شده.

۴- مقام قرآن و عترت ۳ مرتبه چاپ شده.

۵- ارکان دین ۲ مرتبه چاپ شده در خداشناسی و پیغمبر و امامشناسی و فروع دین و نماز و زکوه و روزه و حج و ولایت. و زیارت پیغمبر و ائمه هدی و شرح قیامت صغری و رجعت و قیامت کبری تدوین شده است.

۶- الهدی الی صراط مستقیم.

۷- دوره مستدرک سفینه‌البحار در ده جلد به طبع رسیده.

۸- رساله تفویض

۹- تاریخ مجالس روضه‌خوانی

۱۰- زندگانی حبیب بن مظاهر

۱۱- اصول دین

۱۲- الاسلام الهادیه فی الاعتبار الکتب الاربعه

۱۳- رساله نور الابصار

۱۴- مناسک حج- مشتمل بر وجوب حج و مذمت تارک آن و خلقت کعبه و حجرالاسود و حرم و قضایای آن.

تألیفات طبع نشده علامه نمازی

۱- روضات النظرات، دوره فقه استدلالی ده جلد.

۲- مستدرکات علم رجال، ده جلد.

۳- مستطرفات المعالی در احوال راویان احادیث.

۴- دوره معارف القرآن مشتمل بر چهل و سه جزو.

۵- رساله‌ای در طب.

۶- معرفه‌الاشیاء- گیاه‌ها- درختها حیوانات و جمادات.

۷- مباحث اصول.

متاسفانه این دانشمند متتبع و محدث متبحر و مؤلف مکثر در شب دوشنبه دوم ماه ذیحجه سال ۱۴۰۵ هجری قمری برابر ۲۸ مرداد ماه ۱۳۶۴ شمسی از دنیا رفته و در جوار سلطان سریر ارتضا حضرت علی بن موسی‌الرضا علیه الصلوه والسلام مدفون گردید عاش سعیدا و مات سعیدا حشره اللّه مع الشهداء والسعداء آمین یااللّه.

محقق، عالم دینی.

تولد: ۱۲۹۴ ق.، شاهرود.

درگذشت: ۲۸ مرداد ۱۳۶۴، (دوم ذیحجه سال ۱۴۰۵ ق.).

آیت‌الله علی نمازی شاهرودی، فرزند آیت‌الله محمد نمازی شاهرودی، مقدمات و سطوح عالی را در شاهرود نزد پدر و دیگر اساتید فراگرفت. سپس رهپسار مشهد شد . در آنجا مدارج عالیه فقه و اصول را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشت به گونه‌ای که در بیست و دو سالگی شروع به تقریر فقه استدلالی نمود.

مدتی نیز به حوزه‌ی نجف اشرف رفت و در آنجا به تحصیل فقه و مبانی اصول پرداخت. سپس به ایران بازگشت و در مشهد مقیم شد. ایشان همچنین به علم ریاضی و تاریخ و نیز خطاطی آشنایی داشت و به ویژه کتاب‌هایش را به خط خودش می‌نوشت. آیت‌الله نمازی به زبان عربی مسلط بود و با زبان فرانسوی هم آشنایی داشت. وی طب سنتی و گیاه‌شناسی و علوم غریبه را خوب می‌دانست، ضمنا به روش‌های مباحثه و مناظره نیز مسلط بود. فعالیت عمده و اساسی ایشان پیرامون احادیث و رجال حدیث بحارالانوار اختصاص داشت.

آثار ایشان عبارتند از: مستدرک سفینه البحار (در ده جلد)؛ الاحتجاج بالتاج علی اصحاب اللجاج (الهادی)؛ الاعلام الهادیه فی اعتبار الکتب الاربعه؛ ابواب رحمت (جلد اول، مشهد، ۱۳۳۷، ق.، قم، ۱۳۶۲)؛ تاریخ فلسفه و تصوف (یا مناظره دکتر با سیاح پیاده، جلد اول، ۱۳۷۷ ق.)؛ مناسک حج؛ رساله تفویض؛ رساله علم غیب (ع)؛ اصول دین؛ رساله نورالانوار؛ ارکان دین؛ زندگانی حبیب بن مظاهر اسدی؛ تاریخچه‌ی مجالس روضه‌خوانی و عزاداری سید مظلومان (ع) قرآن و عترت در اسلام.

آثار علمی خطی چاپ نشده وی به این شرح هستند: مستطرفات المعالی؛ مستدرکات علم رجال (پانزده جلد)؛ روضات النظرات؛ مجموعه نفیسه در طب؛ معرفهٔ الاشیاء (گیاه‌شناسی)؛ مطرف الهیه؛ حواشی بر بعضی کتب مانند: حاشیه بر تفسیر برهان، حاشیه بر رجال ممقانی، حاشیه بر رجال آیت‌الله خویی؛ حاشیه بر رجال شیخ طوسی و تصحیح آن، حاشیه بر کتاب جواهر در فقه تألیف محمدحسن نجفی، حاشیه بر کتاب وقایع المشهور، حاشیه بر کتاب بحارالانوار آیت‌الله غروری، حاشیه بر رساله‌ی شریف رجبیه محدث بیرجندی و حواشی دیگر.

(تو ح ۱۳۳۲ ق)، عالم دینی، فقیه، محدث و متکلم. در شاهرود به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و استفاده از محضر پدرش، به مشهد مهاجرت نمود و سطوح را نزد مدرسین بزرگ حوزه‌ی مشهد به پایان رسانید. آنگاه از بحثهای معارف و اخلاق آیت‌اللّه آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی بهره‌مند گشت. او علاوه بر امامت جماعت یکی از مساجد مشهد به کار تألیف و تصنیف کتب دینی و تحقیقات در این زمینه اشتغال داشت و تألیفات بسیاری از خود باقی گذاشت. از آثارش: «مستدرک سفینهٔ‌البحار»؛ «ابواب رحمت»؛ «تاریخ فلسفه و تصوف»؛ «ارکان دین»؛ «مقام قرآن و عترت در اسلام»؛ فهرست «منتقی الجمان»؛ کتاب «اثبات ولایت»؛ تذییلات کتاب «مجموعهٔ الاخبار»؛ «شرح زندگانی حبیب بن مظاهر»؛ «تاریخچه‌ی مجالس روضه‌خوانی»؛ «مناسک حج و وجوب و فضیلت آن»؛ «نورالانوار»، به فارسی و عربی؛ رساله‌ای در «علم غیب امام (ع)».[۱]

علی ابن العالم الکامل و العابد الزاهد آیت‌اللّه حاج شیخ محمد معروف به (نمازی) شاهرودی از علماء و ائمه جماعت معاصر مشهد مقدسند.

وی در حدود سال ۱۳۳۲ قمری متولد شده و در بیت علم و ورع و تحت تربیت پدر دانشمند و زاهدش پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح را از مدرسین بزرگ حوزه مشهدبه پایان رسانیده سپس از محضر مرحوم عالم ربانی و آیت‌اللّه سبحانی مربی نفوس و مهذب اخلاق آیت‌اللّه الملک العلام آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی سالهای متمادی استفاده نموده و با هم از محضر آیات دیگر مشهد بهره‌مند گردیده و در مسجدی از مساجد بالاـ خیابان به اقامه جماعت و تبلیغ احکام تا حال تحریر اشتغال دارند

نگارنده گوید از سال ۱۳۶۴ ق که در مشهد اقامت داشتم و در مدرسه نواب از محضر مرحوم آیت‌اللّه میرزا مهدی اصفهانی خارج مبحث حج را استفاده مینمودم با معظم‌له آشنا شده و بعد از درس مذاکره بحث را می نمودیم وی را دانشمندی متقی و پارسا و مشغول به مطالعه و تألیف شناختەام خداوند امثال ایشان را همواره موفق بدارد.

تألیفات مطبوع ایشان از اینقرار است.

۱- ابواب رحمت دو مرتبه به طبع رسیده ۲- تاریخ فلسفه تصوف ۳- متدرسک سفینه البحار ج ۱ و ۲ بطبع رسیده ۴- کتاب ارکان دین در آن شرح اصول دین (خداشناسی و فروع دین نماز و زکوه و روزه و حج و ولایت و زیارت پیغمبر و ائمه هدی و شرح قیامت صغری (رجعت) و قیامت کبری) ۵- مقام قرآن و عترت در اسلام ۶- فهرست منتقی‌الجمان ۷- تذییلات کتاب مجموعه الاخبار ۸- شرح زندگانی حبیب ابن مظاهر ۹- تاریخچه مجالس روضه‌خوانی ۱۰- مناسک حج و وجوب و فضیلت آن ۱۱- کتاب اثبات ولایت ۱۳ -۱۲- نورالانوار فارسی و عربی ۱۴- رساله‌ای در علم غیب امام (ع)

تألیفات مخلوط ایشان

۱- تتمه مستدرک سفینه‌البحار ده جلد ۱۱- مستدرکات علم رجال شیخ ۵ جلد ۱۶- کتاب اصول دین ۱۷- کتاب مستطرفات المعالی در احوال رجال و راویان اخبار ۱۸- روضات النضرات در فقه استدلالی ده مجلد ۱۹- معارف الهیه ۲۰- مجموعه نفیسه در طب ۲۱- معرفه الاشیاء و غیره

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۸۴ -۱۸۳/ ۷، ۳۷۴/ ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۷/ ۴).

نمازی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن فرزند عالم ربانی و محدث خبیر و نویسنده بصیر حاج شیخ علی نمازی شاهرودی طاب‌اللّه ثراه. از ائمه جماعت تهران و افاضل عصر و زمان در عاصمه تشیع تهران می‌باشند.

در سال ۱۳۱۹ هجری شمسی در مشهد مقدس متولد شده و پس از رشد و پرورش در حجر چنان پدر بزرگواری مقدمات و سطوح را در حوزه علمیه مشهد در محضر والدش و مدرسین دیگر خوانده و دروس جدید را هم در خلال دروس علمی دینی ادامه داده. آنگاه عزیمت به نجف اشرف نموده و از محضر اساتید آنجا چون آیت‌اللّه حاج میرزا باقر زنجانی و آیت‌اللّه حاج سید محمود شاهرودی و بالاخص آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله العالی فقها و اصولا استفاده نموده است.

و پس از ده سال اقامت از طرف دولت بعث عراق مانند صدها هزار نفر دیگر به ایران اخراج شده و مدتی در قم توقف و بعد به دعوت جمعی از مؤمنین تهران عزیمت به سوی آن شهر نموده و در ناحیه غرب تهران به وظائف دینی از اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و مضافا بر این وظائف اقدام به طبع و نشر پنج جلد مستدرک سفینه البحار (ج ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰) تألیف والد ماجدش نموده و منتشر ساخته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

نمازی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن نمازی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

بعضـی از دروس حوزوی را به طور غیر رسمی در سال ۱۳۶۶ شمسـی شروع کردم و سپس به طور رسمی در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیّه قم و مدرسه علمیّه شهیدین (ره) شدم. امّا از آنجائی که در آن زمان شرایط برای رفتن به کلاس های بالاتر مهیا نبود و توصیه هـا نیز این بود که همگـام بـا مجموعه بـاشم؛ پنـج سـال در مـدرسه شـهیدین بودم و پس از آن کتب مکـاسب، رسائل و کفایه را با سرعت بیشتری به اتمام رسانـدم و در سال ۱۳۷۶ در درس خارج فقه و اصول شـرکت کردم. همزمان در دروس: اسـفار، فصوص و منازل السائرین بعضی از اساتید معظم نیز شرکت می کردم. چند سال نیز از تفسیر قرآن «حضرت آقای جوادی آملی» بهره جستم.
سال ۱۳۷۷ به مؤسـسه آموزشـی تحقیقاتی بقیّه الله (عـج) وارد شـدم و در کلاسـهای «فقه، اصول و تفسـیر» شـرکت کردم و در سال تحصیلی ۱۳۸۳ – ۱۳۸۲، دوره فوق را به اتمـام رسانـدم. از محضـر حضـرات آیـات: «سـیّد کـاظم حائری»، «تبریزی»، «سیّد محمود هاشـمی شاهرودی»، «فاضل لنکرانی»، «سـبحانی»، «سـیّد احمـد مـددی»، «محمّـد مهدی شب زنده دار»، «جوادی آملی»، «نکو نام» و «شاه آبـادی» استفاده کرده ام. و طرحی را با عنوان مجموعه «ولی فیها مأرب أخری» ارائه داده ام که جلـد اوّل آن نیز چاپ شـده و چاپ مجـدد آن نیز با ویرایش جدیـد آماده چاپ است، امّا این طرح با مشـکلات بسیار زیادی مواجه شـده و عملاً متوقف گردیده است. هـدف این طرح جلـوگیری از پیـدایش و یـا گسـتردگی افراط و تفریـط هـای موجود در حوزه عمـل به احکـام شـرعی است. تفصیل مطلب در مقدّمه کتاب مورد اشاره چاپ شده است.
ذکر نام اساتید اصلی در حوزه، حضرت آیات عظام:

۱. سیّد کاظم حائری / خارج اصول

۲. سیّد محمود هاشمی شاهرودی / خارج اصول

۳. تبریزی / فقه و اصول

۴. فاضل لنکرانی / خارج فقه

۵. سیّد احمد موسوی مددی / خارج فقه

۶. مرحوم حضرت آیت الله احمدی میانجی / فقه / مکاسب

۷. حضرت آیت موسوی تهرانی / اصول / رسائل و کفایه

۸. حضرت آقای علی محمّدی / فقه و اصول / کفایه و بیع

نمازی، عبدالنبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالنبی نمازی

محل تولد : بوشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آیـةالله عبدالنبی نمازی در سال ۱۳۲۴ در شـهر بوشـهر به دنیا آمد. پدرش مرحوم حجةالاسـلام حاج شیخ احمد نمازی فرزند آیةالله حاج شـیخ حسین نمازی دشتی بود. مادرش نیز دختر مرحوم شیخ عباس از روحانیان استان بوشهر بود. پدر آیةالله نمازی، برای تبلیغ به آبـادان هجرت کرد و خانواده را نیز به همراه برد. آیـةالله نمازی پس از طی دوره دبسـتان، به حوزه رو آورد و پس از طی دروس ادبیات عرب در آبادان در سال ۱۳۴۱ به نجف اشرف عزیمت کرد و در مدرسه علمیه «بادکوبه» سکونت گزید. حال و هوای نجف و انوار تابناک مرقد امیر مؤمنان (ع) آثار شگرفی در روحیه او بر جا نهاد و او را بیش از گذشته شیفته علم و دانش کرد.
آیةُ الله نمازی پس از چند سال بهره‌مندی از آن شـهر مبارک و از اسـتادان وارستهٔ آن دیار، به قم مراجعت نمود تا از محضر عالمان آن دیار نیز بهره‌مند شود. در قم نیز به درس خارج بسـیاری از بزرگان راه یافت و در این میان از شـرکت در دروس فلسـفه و اخلاق نیز باز نماند. آیةالله نمازی در سالهای تحصـیل خود به محضـر علمای بسـیاری شـرفیاب شد. ایشان در نجف اشرف به درس علمایی چون: «آیـةالله حاج شـیخ محمـد حسـین موحـد نجف آبادی (ره)»، «آیةالله حاج شـیخ کاظم تبریزی (ره)»، «آیةالله حاج شـیخ صدرا بادکوبه‌ای (ره)»، «آیةالله العظمی سـید عبدالاعلی سبزواری (ره)» و «آیةالله حاج شیخ علی آزاد قزوینی» رفت. در حوزه علمیه قم نیز در درس خـارج فقه و اصـول: «آیـةالله العظمی حـاج شـیخ محمـد علی اراکی (ره)»، «آیـةالله العظمی حـاج میرزا هـاشم آملی (ره)»، «آیةالله العظمی حاج سید علی علامه فانی اصفهانی (ره)» و «آیةالله العظمی حاج سید محمد رضا گلپایگانی (ره)» رفت و در دروس فلسفه: «آیةالله حاج آقا رضا صدر (ره)» و «آیةالله حاج شیخ محمد محمدی گیلانی» حاضر شد.
آیةالله نمازی درسالیان متمادی، خدمات علمی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است. او در مدت اقامت خود در نجف اشرف و پس از آن، همواره بر امر تدریس اشتغال داشته، کتب دروس مقدماتی و ادبیات عرب، لمعتین، معالم، را در نجف اشرف تدریس کرده و پس از مراجعت به قم نیز بارها کتب دوره سـطح شامل: رسائل، مکاسب، کفایتین را برای طلاب مستعد تدریس نموده و از این رهگـذر، شـاگردان بسـیاری به مکتب امـام صادق (ع) تقـدیم کرده است. ایشان همچنین با تشـکیل جلسات تفسـیر، به مباحثه و مـداقه آیـات قرآن پرداخت که این جلسـات حـدود پنـج سـال به طول انجامیـد. او در طی آن سالهـا، تألیفات بسـیاری نگاشـته و در زمینه‌های گوناگون به پژوهش پرداخته است.

در کارنامهٔ زنـدگانی آیـهٔالله نمازی، فعالیتهای سیاسـی وی بیش از همه می‌درخشد. او از نخستین سالهای نهضت امام خمینی (ره)، همواره پشتیبان آن بوده و از هیچ کوششی در آن راه دریغ نورزیده است. او در زمان دستگیری امام (ره)، از شمار اجتماع کنندگان در مقابـل بیوت مراجع بود که خواسـتار اقـدام جـدی علمـاء، برای آزادی امام (ره) بودهانـد. در دورهٔ تبعیـد امام (ره) به عراق، جزء اسـتقبال کننـدگان از ایشان در کربلا بود و همواره مقیّد بود در نجف نمازهای ظهر و عصـر و مغرب و عشاء را به امامت آن مرجع عظیم‌الشأن اقـامه کنـد. در ایران نیز در طی سالهـای پیش از انقلاب، بارها به نقاط گوناگون کشور سـفر کرد و به افشاگری دربارهٔ مفاسـد رژیم پهلوی پرداخت که این مسأله موجب چنـدین بار احضار و بازجویی وی شد و گاه به زندان شدن وی می‌انجامید. او از کسـانی بود که در آن سالها به این مسأله می‌اندیشـید که اسـناد تاریخی نهضت را نگهـداری کنـد تا در بعـدها، مورد اسـتفاده نسـل جوان قرار گیرد. از این رو با مرحوم «ربانی شیرازی» به گردآوری اسناد نهضت پرداخت.

آیهٔالله نمازی در جریان پیروزی انقلاب اسـلامی، نیز برای اسـتقبال از امام خمینی (ره)، از قم به تهران آمد و در بهشت زهرا استقرار یافت. سـپس برای همکاری با اعضای سـتاد انقلاب به ساختمان مدرسه رفاه رفت و از طرف آن سـتاد، به پادگان نیروی هوایی قلعه مرغی رفت. پس از آن نیز به یکی از سازمانهای ارتش رفت و سـپس به جمع آوری و تحویل سـلاح ها از مردم مأمور شد و از آنها در دانشگاه تهران بازدید کرد. بخشی از فعالیتهای سیاسی آیت‌الله نمازی پس از انقلاب اسلامی به قوهٔ قضائیه مربوط است. وی کار خود را در دسـتگاه قضـایی با قبول سـمت «حاکم شـرع» در منطقه سرپل ذهاب و قصـر شـیرین آغاز کرد و در آن منطقه سرچشـمه خـدمات بسـیاری شـد. آیـهٔالله نمـازی بارها در جبهه‌های دفاع مقـدس حاضـر شـد و در یکی از عملیات جبهه جنوب، بر اثر بمباران سنگیـن شـیمیایی، از نـاحیه چشـم و سـینه مجروح شـد. چنـدی بعـد نیز درعملیـات مرصـاد بر اثر اصـابت ترکش به سـختی مجروح می‌گردد. او پس از آن نیز در جبهه‌های دفاع مقدس حاضر می‌شد و همواره باعث شادمانی رزمندگان اسلام بود.

نوا، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۵۳ ق)، تذکره‌نویس و شاعر. وی مدتها با لباس درویشی مسافرت کرد و سرانجام در تبریز سکنی گزید و در حوالی شاه حمزه تکیه‌ای ساخت که محل تفرج اعیان و بزرگان شد. او همچنین تذکره‌ای دارد که شـرح حال کوتاهی است از شـعرای قدیم و جدید با منتخباتی از آثارشان و از نظر طبقه‌بنـدی ماننـد «تذکره‌ی دولتشاه» می‌باشد. او این تذکره را در ۱۲۵۳ ق تألیف کرد. لازم به ذکر است تـذکره‌های «حدیقهٔالشـعراء» و «مجمع‌الفصـحا» و دیگر تـذکره‌ها او را تحت نـام نوای کاشانی آورده‌انـد و «تاریـخ تـذکره‌های فارسی»، او را نوای همدانی خوانده است. از آثار وی: «تذکره‌ی نوا»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۰۷ -۴۰۶/ ۱)، حدیقهٔالشعراء (۱۹۲۰/ ۳)، الذریعه (۱۲۲۶/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۵۲)، مجمع‌الفصحا (۱۰۸۹/ ۶)، نگارستان دارا (۲۷۱ -۲۷۰).

نواب انجم یزدی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۵۷ ق)، شـاعر، متخلص به انجم. در یزد مشـهور به نـواب مصـلی بـوده است. وی دارای جمیع کمالات بوده و گـاهی غزل می‌سروده است. این بیت از اوست:

ز رشک مدعی انجم از آن کو رفت چون مرغی

که از بیداد گلچین واگذارد آشیانی را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعراء (۱۸۲ -۱۸۱ /۱)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰)، لغت‌نامه (ذیل/ انجم یزدی).

نواب رضوی یزدی، محمد صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سـیزدهم ق)، شاعر و خطاط. معروف به نواب صـفوی بزرگ. وی داماد عبـدالرضا خان امیر مؤید و از ممدوحان جیحون یزدی (م ح ۱۳۰۲ ق) بود. او به غیر از شاعری به خوشنویسی نیز می‌پرداخت. از وی اشعاری در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۳۲۳ -۳۲۲)، الذریعه (۱۲۲۵/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۵۴).

نواب شیرازی، ابوطالب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۱ -۱۲۳۱ ق)، شاعر و خطاط. پدر وی مؤلف «تذکره‌ی دلگشا» و متخلص به بسمل شیرازی است. ابوطالب در شیراز متولد شد و در دامان تربیت پـدر پرورش یافت. خط تحریر و منشأت او معروف زمان بود. در اواخر زندگانی پدر، مدت شـش سال همه روزه به مجلس درس حجهٔالاسـلام حاج شـیخ مهدی مجتهد حاضـر شد، و علوم فقه و اصول ریاضی را تکمیل کرد. پس از مرگ پدر به مسـند تدریس نشـست. در سـفر و حضـر محرم اسرار فرمانفرمایان فارس بود، چند سفر نیز به تهران رفت و ریاضتها کشید. در شیراز درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۴۱ /۴)، دانشمندان سخن سرایان (۱۳۵ /۱)، مکارم الآثار (۱۷۲۳ /۵).

نواب گجراتی، حسنعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: گیاه‌شناسی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شیراز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

نواب، ابوالحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالحسن نواب

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔالاسـلام و المسـلمین سـید ابوالحسن نواب، در سال ۱۳۳۷ در شـهرضا (اسـتان اصـفهان) متولـد شد. ایشان از دانش آموختگان مـدرسه حقـانی (شـهیدین فعلی) است که علاوه بر گذرانـدن دوره تخصصـی مؤسسه در راه حق، دروس خارج فقه و اصول را در محضـر آیـات عظـام: «مرحوم شـیخ مرتضـی حـائری یزدی»، «شبیری زنجانی»، «مظاهری اصـفهانی» و «شـیخ جواد تبریزی» فرا گرفته است. و در مواد درسـی: (مـذاهب اسـلامی، فقه، اصول فقه، علوم قرآنی و ادبیات عرب) در مدرسه حقانی، جامعهٔ الزهراء، دانشـگاه مذاهب اسلامی و برخی دیگر از دانشگاههای تهران تدریس داشته و دارد.

ایشان در دوران دفاع مقـدس مسـئولیت و خـدمات فراوانی را عهـده‌دار بوده و در دوران سازنـدگی و اصـلاحات، عمدتاً در دو نوع مسـئولیت خطیر فعـالیت هـای فرهنگی در خـارج از کشـور و فعالیت‌هـای خـدماتی در داخـل کشور مشـغول به خـدمت بوده است: «معـاونت بین الملـل سازمـان تبلیغات اسـلامی»، «معاونت ارتباطات سازمان فرهنگ و ارتباطات اسـلامی»، «قائم مقامی مجمع جهانی اهل بیت (ع)»، «بنیانگذاری و مدیریت مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب» و «مدیر مسـئولی فصـلنامه هفت آسمان» از جمله خـدمات فرهنگی ایشـان اسـت. در بخش خـدماتی، اقـدام مانـدگار ایشـان «راه‌انـدازی و مـدیریت مرکز خـدمات حوزه‌هـای علمیه» می‌باشد.

جنـاب آقای نواب در مرکز «مطالعات و تحقیقات ادیان و مـذاهب» که دل مشـغولی اصـلی ایشان است، در پی رواج ادیان پژوهی و مطالعـات مـذاهبی به شـیوه علمی و بی‌طرفـانه در کشور عموماً و در حوزه‌های علمیه خصوصا و زمینه‌سازی برای مطالعات تطبیقی و تعامـل مثبت و سازنـده ی ادیـان و مـذاهب گونـاگون می‌باشـد. «تربیت ده‌هـا طلبه فاضـل آشـنا با دیگر ادیان و مـذاهب با مـدارک دانشـگاهی کارشناسـی ارشـد و دکتری»، «راه‌اندازی تنها کتابخانه‌ی تخصصـی در زمینه ادیان و مذاهب در ایران با بیش از ۲۱ هزار عنوان کتاب تخصصی به زبان‌های گوناگون»، «انتشار ۲۷ شماره از فصلنامه هفت آسمان» و «راه‌اندازی دوره‌های رسمی کارشناسی ارشـد در گرایش مختلف ادیان و مذاهب با مجوز وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری» از مهم‌ترین دسـتاوردهای ایشان در یک دهه گذشـته در مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مـذاهب می‌باشـد. ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی گروه مذاهب اسـلامی در مرکز ادیان می باشد.

نواب، محمد هاشم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن میرزا محمّد تقی خلیفه سلطانی. در غرّه رمضان ۱۲۳۷ وفات یافته، در عالم و عمل از اکابر عصر خود بشمار می‌رفته، قبرش در خارج صحن ستّی فاطمه است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نواب‌صفا، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل نواب‌صفا فرزند سید مرتضی به سال ۱۳۰۴ در کرمانشاه متولد شد. پدر وی از صاحب منصبان گمرگ بود که سالها در این شهرستان مأموریت اداری داشت. وی در شش سالگی پدرش را از دست داد. خانواده او از نواب‌های اصفهان هستند و مادر و پدرش با خاندان معتمدالدوله نشاط– نویسنده وشاعر بزرگ دوره قاجار– نسبت داشتند. پدر نواب‌صفا که مردی اهل علم و ادب و از دراویش نعمت‌اللهی بود معتقد بود درویش باید از لحاظ ظاهر تمیز باشد نه ژنده‌پوش و از جهت درون باطن پاک و درویش باشد.

به هر حال وی تا سال ۱۳۲۳ در کرمانشاه به تحصیل ادامه می‌دهد. و در این زمان به تهران می‌آید و در دبیرستان دارایی مشغول تحصیل می‌گردد. از این زمان اقدام به ساختن اولین ترانه خود می‌کند و نیز همکاری وی با مطبوعات آغاز می‌گردد.

اولین تصنیفی را که سرود روح‌بخش خواند و برادران وفادار (مجید و حمید) که ارکستر روح‌بخش را رهبری می‌کردند روی آن آهنگ گذاردند که فوق‌العاده مورد توجه مردم قرار گرفت. دیری نگذشت که وی با شادروان مهدی خالدی که حدود بیست و شش سال داشت آشنا گردید و آشنایی این دو به مرحله‌ای رسید که شب و روز با هم بودند و هر ماه یک ترانه و آهنگ از ایشان در رادیو پخش می‌شد.

اولین ترانه‌ای که نواب‌صفا سرود و مهدی خالدی روی آن آهنگ گذاشت در مایه «شور» بود که به «ما را ز چه پابند جنون کردی و رفتی» می‌باشد. وی ترانه‌های بسیاری برای خالدی سرود که فوق‌العاده مورد توجه و اقبال عمومی واقع گردید از آن جمله است ترانه‌های:

«دلی دارم که درمان نمی‌بیند» در «شور»، «به بزم ساقی شیرین ادا باز آمد» در «سه‌گاه»، «با این همه ناز ای پری دل داده کجا می‌روی» در «همایون» و «نشاط»

نواب‌صفا خود عقیده دارد که این آهنگ «نشاط» خالدی یکی از کارهای بزرگ و ارزنده او می‌باشد و تاکنون کسی آهنگی چنین زیبا برای بهار و نشاط‌آفرینی فصل بهار نساخته است. ولی درباره شعر خود می‌گوید از لحاظ شعر چیزی نمی‌گویم چون مربوط به خودم هست و باید جامعه قضاوت کند. وی معتقد است که خالدی به طور کلی در موسیقی ایران تحول ایجاد کرد و در شیوه آهنگسازی و سبک نوازندگی نوآوری‌هایی کرد که بسیار آهنگسازان بعد از او تحت تأثیر وی قرار گرفتند و تکه‌ها و قسمت‌هایی را از او تقلید، تکرار و اجرا کردند. نواب‌صفا، حدود چهل ترانه برای خالدی، حدود هشت ترانه برای پرویز یاحقی و چند ترانه‌ای هم برای شادروان حسین یاحقی و عبای شاپوری و یازده ترانه برای علی تجویدی ساخت. نواب‌صفا، علاوه بر شعر و شاعری با موسیقی و نواختن آلات آن به خصوص «ویولن» آشنایی دارد و ردیف‌ها و گوشه‌های دستگاههای موسیقی سنتی ایران را به خوبی می‌شناسد و یکی از صاحبنظران در این هنر ظریف می‌باشد و چون با موسیقی مأنوس و آشنا است، در ساختن ترانه، برگزیدن موضوع جهت یک آهنگ، ابتدا شیوه موسیقی، یعنی سبک و سنگینی وزن را در نظر می‌گیرد و سپس به مقتضای روح موسیقی موضوعی برمی‌گزیند و عموم ترانه‌هایش پرسوز و گداز است. که خودش می‌گوید «تصانیف من همیشه آمیخته با دردهای درونی من بوده و ترانه‌هایی مانند «تک درخت» که روی آهنگ هنرمند باارزش عباس شاپوری ساختم، شاهد آن است.»

نواب‌صفا از سال ۱۳۲۶ همکاری خود را با رادیو آغاز کرد و با اکثر آهنگسازان بزرگ از جمله: روح‌اله خالقی، مرتضی محجوبی، حسین یاحقی، عباس شاپوری، حسین علی ملاح، پرویز یاحقی و به خصوص مهدی خالدی همکاری کرده است.

وی در رادیو، برنامه «کاروان شعر و موسیقی» و یک برنامه به نام «قصه شمع» را اداره می‌کرده و تألیفات فراوانی از خود به یادگار نهاده است. نواب‌صفا، شاعری است وارسته که توجه آن چنانی به مادیات ندارد و همین که رفع نیازهای عادی و معمولی شود برای وی کافی است و اهل تظاهر و تکبر نمی‌باشد. یکی از غزل‌های مشهور نواب‌صفا که خیلی مورد توجه است چنین است:

من چیستم حکایت از دست رفته‌ای

تصویری از جوانی برباد رفته‌ای

من کیستم ز کوی مرادی که جای تست

ناشاد باز آمده‌ای شاد رفته‌ای

در شوره‌زار هجر، تو محبوس مانده‌ای

در گلشن خیال تو آزاد رفته‌ای

کی دیده چشم کس بخرابات عاشقی

چون من خراب آمده آباد رفته‌ای

یاد صفا از خاطره‌ها کی رود که گفت

من چیستم حکایت از دست رفته‌ای
«تک درخت»
تک درختی تیره بختم- که در سکوت صحرا
فریاد من شکسته در گلویم
تک درختی بی‌پناهم- که دشت آرزوها
گردید آخر مزار آرزویم
خشک و بی‌بارم پس ثمرم کو؟- آن شادابی، آن برگ و برم کو؟
دور از یاران، بی‌تو شد و برگم- همخانه محنت، همسایه مرگم
بر رخسام، غبار غم نشسته- طوفان از من، چه شاخه‌ها شکسته
چو نهال زهر آلوده- همه کس از من بگریزد
نه کس با من بنشیند- نه کس با من آمیزد
گویم غم خود را با خار بیابان- در سینه نهفتم اسرار بیابان
در دل شب سکوت صحرا- بود غم‌افزا... آه
از تو جدا بگویم ای مه- حدیث خود با ماه
تک درختی تیره‌بختم- که در سکوت صحرا
فریاد من شکسته در گلویم
تک درختی بی‌پناهم- که دشت آرزوها
گردید آخر مزار آرزویم
«عاشق‌تر»
خدایا عاشقم عاشق‌ترم کن
سرا پا آتشم خاکسترم کن
سرم را همچو گل بر سینه‌ات نه
اگر کامت ندادم پرپرم کن
دری بگشای از گلشن برویم
شبی با یاد خود همبسترم کن
دهی پند از چه بر صبر جمیلم
جمال خود نگه در ساغرم کن
اگر در شاعری گمنام ماندم
بکار عاشقی نام‌آورم کن
«من چیستم»
من چیستم؟ حکایت از دست رفته‌ای
تصویری از جوانی بر باد رفته‌ای
صید ز دست رفته سربار زندگی
با پای خویش در پی صیاد رفته‌ای
من کیستم؟ ز کوی مرادی که جای تست
ناشاد بازگشته‌ای و شاد رفته‌ای
در شوره‌زار هجر تو محبوس مانده‌ای
در گلشن خیال تو آزاد رفته‌ای
کس دیده چشم کس بخرابات عاشقی؟
چون من خراب آمده، آباد رفته‌ای
یاد صفا ز خاطره‌ها کسی رود که گفت
من چیستم؟ حکایت از یاد رفته‌ای!
برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

نوابه خفی

قرن:۱۴
جنسیت:زن
ملیت:ایران

۱۳۰۸ ق، از زنان عارف، ادیب و شاعر. وی دختر میرزا محمد خان نیهی و همسر امیر علی خان حشمت‌الملک بود. در جوانی به عرفان و تصوف متمایل شد و در سلک طریقت سید مرتضی، عارف و زاهد ولایت نیه درآمد. دیوان شعر نوابه به اهتمام میرزا محمد شهاب جمع‌آوری گردید.

پس از مرگ پیکرش را به کربلا منتقل کردند و نزدیک ضریح امامزاده ابراهیم (ع) دفن کردند. از اشعار اوست:

کیست در مجلس معشوق مرا یاد کند
باشد او هم به یکی یاد مرا شاد کند
سخت دلتنگ شدم نوبت فریاد رسید
مرغ بیدل چه به جز ناله و فریاد کند
رحم اگر هست در این دهر اجل دارد و بس
کاینهمه طایر روح از قفس آزاد کند
قصه از طلعت شیرین کند آثار «خفی»
بیستون قصه گر از همت فرهاد کند.
قدحی زباده اگر رسد به لبم ز دست تو مه لقا
زنم از شراب تو دمبدم همه دم چو خضر دم از بقا
به فدای آن می بی‌غشم که چو یک دو جرعه به سرکشم
سر و پا چنان زند آتشم که نه سرشناسم از آن نه پا
به خیال عارض و خال تو به امید روز وصال تو
ز دو دیده خون چکد از دلم به کنار من چو رسد بکا
تو طبیب بنده‌نواز من چو رسی به موسم راز من
قدمت به چشم نیاز من سر و جان به خاک رهت فدا
نه اگر به نار محبتت قدمی به روز ازل زدم
ز چه رو به آتش عشق تو دل زار من شده مبتلا
چو تو کو به کشور دل شهی به فلک کجا چو رخت مهی
نبود به کوی توام رهی ز کجاست در خور آشنا
چه بسوخت بود و نبود من همه عضو عضو وجود من
همه همزبان به سرود من بکشیده‌اند خروش لا
بودت اگر سر شفقتی بگذار بر من منتی
دم مرگ من به عنایتی به عیادتی تو بیا بیا
دم احتضار بینمت که به لب چکانی شربتم
بخدا رسیده به آرزو نکنم دگر هوس بقا
ز شعاع روی نکوی تو ز سواد سنبل موی تو
شب تا رو آتش طوربین دل زار موسی مبتلا
چه شود که از ره مرحمت نظری کنی به سوی «خفی»
که چونی ز هر سر موی او شنوی حکایت نینوا

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: بهارستان، ۳۱۴ –۳۱۱؛ صد سال شعر خراسان، ۲۳۶ –۲۳۵.

نوابی‌نژاد، شکوه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مشاوره و راهنمایی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۹، کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی از دانشگاه آمریکایی بیروت در سال ۱۳۴۸، دکترای تخصصی روان‌شناسی مشاوره از دانشگاه ایالتی بنراسکا در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تربیت معلم از سال ۱۳۵۶ تا سال ۱۳۶۵، دانشیار دانشگاه تربیت معلم از سال ۱۳۶۶.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مشکلات دانش‌آموزان مدارس ایران پس از انقلاب، ارزشیابی کتابها، بررسی علل و عوامل بزهکاری نوجوانان در کانونهای اصلاح و تربیت، بررسی ویژگیهای روانی زنان ورزشکار و غیر ورزشکار، نقش مشاوره در کمک به دانشجویان در حل مشکلات و بررسی مشکلات دانشجویان دانشگاههای تربیت معلم و صنعتی اصفهان، مبانی نظری شخصیت زن در اسلام و راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

راهنمایی در مدارس امروز، آموزش و مشاوره کودکان استثنایی، رفتارهای بهنجار و ناهنجار و راههای پیشگیری و درمان، زن و ورزش، کودک و مدرسه، گروه درمانی، اصول و فنون نظریه‌ها، مشاوره و روان درمانی گروهی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

علل بزهکاری نوجوانان در ایران، مسائل و مشکلات نوجوانان در ایران، وضعیت کودکان استثنایی در ایران، مشاوره با والدین کودکان عقب‌مانده ذهنی، نقش مشاوره در فرهنگ ایرانی اسلامی، ناتوانیهای یادگیری در کودکان پیش از دبستان، مقایسه میزان کارآئی مشاوران زن و مرد، زن و ورزش، روابط انسانی کلامی و غیر کلامی، مسائل و مشکلات دانشجویان، کاربرد خدمات مشاوره در دانشگاهها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نوای اصفهانی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۳ ش)، مدرس و شاعر، متخلص بـه نـوا. وی در اصـفهان بـه دنیـا آمـد. پس از فـوت پـدر به کرمانشـاه رفت و تحصـیلات مقدماتی را به پایان برد. او پس از طی تحصیلات متوسطه به تحصیل علوم قدیمه پرداخت. سپس در ۱۳۲۹ ش به استخدام فرهنگ درآمـد و به تـدریس در مـدارس اصـفهان اشـتغال ورزیـد. وی از مؤسسـین انجمن ادبی کمال است. از آثارش: «نواهای جانگداز»، شعر؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شـعرای معاصـر اصـفهان (۵۱۷ -۵۱۱)، الـذریعه (۱۲۲۶/ ۹)، سـخنوران نامی معاصـر (۳۶۹۱ -۳۶۸۶/ ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۱۶، ۲۷۳۶/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳۴۷ -۳۴۶/ ۲).

نوای زند شیرازی، منت علی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۱۲۰۹/ ۱۲۰۶ ق)، شـاعر. وی از طـایفه‌ی زنـدیه است. در شـیراز نشـو و نمـا یـافت و به شـاعری روی آورد. از فنون شـعر به غزلسرایی تمایل بیشتری داشت. وی در جوانی، هنگامی که آقا محمـد خان قاجار، کرمان را فتح کرد به دست لشکریان او، کشـته شـد. صـاحب «حدیقهٔالشـعراء» می‌گویـد که او یـک «دیـوان» داشـته که در زمـان حیـات خـودش مفقود شـده است. همچنین دکـتر عبدالحسین نوایی، در زیرنویس این کتاب، به نقل از «تذکره‌ی اختر» آورده که منت علی بیگ صاحب یک نسخه «خیالات» بوده و شاعری که همان شیوه‌ی او را داشته، آن را به قیمت ناچیزی از پدر او خریده و از میان برده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔالشـعراء (۱۹۲۳ -۱۹۲۲/ ۳)، دانشـمندان و سخن‌سـرایان فارس (۷۲۲ -۷۲۰/ ۵)، سـفینهٔالمحمود (۳۲۴/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۹۵۲)، مصطبه‌ی خراب (۱۹۵ -۱۹۴)، نگارستان دارا (۲۶۹ -۲۶۸).

نوایی بافقی، هیبت‌اللّه

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی از قاضـی‌زادگان بافق یزد بود. اجـداد او پیوسـته در آن دیار دارای منصب قضاوت بوده‌انـد. نوایی طبعی موزون داشت و شـعر می‌سرود. در تذکره‌ی «سخنوران یزد»، از قول آیتی، صاحب «تاریخ یزد» آمده که وی در عهد شاه عباس دوم (۱۰۷۷ -۱۰۵۲ ق) در سخنوری مشهور بوده است.از وی اشعاری در تذکره‌ها نقل شده است. از اوست:

درد دل با سنگ گفتم آتش اندر وی فتاد

یادگاری آخر از ما در نهاد سنگ ماند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۳۱۹)، جامع مفیدی (۴۵۶/ ۳)، الذریعه (۱۲۲۶/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۵۲).

نوایی جغتایی، نظام‌الدین امیر

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۰۶ -۸۴۴/ ۸۴۱ ق)، حکیم، نویسنده و شاعر. معروف به امیرکبیر. او به دو زبان ترکی و فارسی شعر می‌گفت و به ذواللسانین مشهور بود. در شعر ترکی، نوایی و در شعر فارسی، فنایی یا فانی تخلص می‌نمود. اصل او از ترکان جغتایی بود و در هرات به دنیا آمد. پدرش از امرا و رجال عهد تیموریان است که در خدمت بعضی از سلاطین آن سلسله مانند میرزا ابوالقاسم بابر، فرزند بایسنقر میرزا، و سلطان ابوسعید میرزا به سر بدر. نوایی نیز همراه پدر مدتی ملازم با برگورکانی در مشهد بود. از کودکی با سلطان حسین بایقرا در مکتب مصاحب و همدرس بود. پس از مرگ بابر، همراه سلطان حسین میرزا به مرو رفت و چندی در هرات در ملازمت سلطان ابوسعید به سر برد و سپس به ماوراءالنهر رفت و به تکمیل دانش پرداخت. پس از مدتی به خراسان سفر نمود و در اوایل قدرت سلطان حسین، به خدمت او درآمد و همراه سلطان به سمرقند و سپس به هرات رفت. او از امرای معروف عهد سلطان حسین و ندیم و مقرب خاص وی بود که از مشوقین بزرگ ادیبان و شاعران به حساب می‌آمد. نوایی از معاصران عبدالرحمان جامی است که به او ارادتی خاص داشت. در ۸۶۲ ق منصب امارت دیوان اعلی به او تفویض گشت. امیر علیشیر یک سال نیز حاکم مازندران بود و در استرآباد به سر می‌برد. پس از آن به هرات بازگشت و در خدمت سلطان زیست. وی در شکوفایی و رونق ادب و هنر در دوران سلطان حسین بایقرا تأثیر فراوان داشت و هرات در این عصر یکی از بزرگترین مراکز ادب و هنر به شمار می‌آمد. وی در هرات درگذشت و در محله‌ی عیدگاه این شهر، زیر گنبدی در شمال مسجد جامع دفن گردید. لازم به ذکر است که صاحب «مجمع‌الفصحا» تاریخ فوت وی را ۹۰۷ ق ذکر کرده است. از آثار خیر او: ایوان جنوبی صحن عتیق آستان رضوی، نهر آب بالا خیابان، در مشهد؛ رباط سنگ بست؛ رباط دیزآباد؛ بند آجری قریه‌ی تروق در نزدیکی طوس؛ مقبره‌ی قاسم انوار، در قریه‌ی لنگر نزدیک تربت جام؛ تعمیر قسمتی از مزار عطار نیشابوری. از تألیفات او: «تذکره‌ی مجالس النفائس»، در شرح حال شاعران عهد خود، به ترکی جغتایی؛ «لسان‌الطیر»، به تقلید از «منطق‌الطیر» عطار؛ «قصه‌ی شیخ صنعان»؛ «خمسة المتحیرین»، رساله‌ای در شرح حال جامی، در یک مقدمه و یک خاتمه و سه مقاله، به ترکی؛ «منشآت ترکی»؛ «منشآت فارسی»؛ خمسه‌ای به تقلید از «پنج گنج» نظامی، به ترکی شامل: «فرهاد و شیرین» و «لیلی و مجنون» و «سد سکندری» و «حیرت الابرار» یا «حیات الابرار»، در برابر «مخزن‌الاسرار» و «سبعه‌ی سیاره»، در برابر «هفت گنبد»؛ «محاکمة اللغتین»؛ چهار «دیوان»، به ترکی شامل: «غرایب الصغر»، «نوادر الشباب»، «بدایع الوسط» و «فواید الکبر»؛ «دیوان» شعر، به فارسی، در حدود پنج هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۸۲ -۸۰/ ۱)، از سعدی تا جامی (۷۴۴ -۷۳۸، ۶۳۷ -۶۳۴، ۵۴۶، ۵۲۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۸۶ -۳۸۲/ ۴)، تاریخ برگزیدگان (۱۷۲)، تاریخ نظم و نثر (۲۹۱ -۲۸۹)، تحفه سامی (۳۳۸ -۳۳۴)، تذکره‌ی روز روشن (۸۵۱ - ۸۵۰)، تذکرةالشعراء (۵۷۴ -۵۵۹)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۰۰)، حبیب‌السیر (۱۸۴، ۲۵۷ -۱۸۳، ۱۷۹، ۱۷۰، ۱۵۹، ۱۴۵، ۱۳۷، ۷۱/ ۴)، دایرةالمعارف فارسی (۱۷۶۵/ ۲)، الذریعه (۳۴۷/ ۲۴، ۳۶۴/ ۲۱، ۱۳۷/ ۲۰، ۳۷۲، ۲۸۵ -۲۸۴، ۲۵۸، ۲۰۳، ۲۰۲، ۱۶۳/ ۱۹، ۳۰۶/ ۱۸ ، ۹۵/ ۱۷، ۳۵۶، ۱۸۹، ۳۱ -۳۰/ ۱۶، ۱۴۲، ۱۴۱ -۱۴۱/ ۱۴، ۱۵۳، ۱۳۱/ ۱۲، ۱۲۲۶، ۸۴۹، ۸۴۸، ۸۰۴/ ۹، ۲۶۵، ۲۶۴ -۱۲۵/ ۷، ۱۳۲/ ۴، ۲۳۶ ، ۶۶/ ۳ ، ۶۲ -۶۱/ ۲)، روضةالصفاء (۷/ صفحات متعدد)، ریحانه (۲۴۲ -۲۳۸/ ۶)، سرآمدان فرهنگ (۲۰۰ -۱۹۸/ ۱)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۵۵ -۱۵۴/ ۱۰)، طرائق‌الحقائق (۱۱۰ -۱۰۹/ ۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۵۰ -۳۴۹)، فرهنگ سخنوران (۹۵۳ - ۹۵۲)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۲۸ -۳۲۷)، کتابشناسی نظامی گنجوی (۴۲۴ -۴۲۳)، کشف‌الظنون (۱۹۷۹، ۱۶۱۱، ۱۵۹۱، ۱۵۷۲، ۱۳۰۱ ،۱۲۵۸، ۱۱۹۵، ۹۷۷، ۹۸۲، ۶۴۵، ۲۳۰)، لغت‌نامه (ذیل/ علیشیر نوایی و نظام‌الدین)، مجالس العشاق (۳۳۸ -۳۳۵)، مجالس‌النفائس (مقدمه/ د- لو، ۳۵۸ -۳۵۷، ۱۳۶ -۱۳۳)، مجمع‌الفصحا (۸۴ -۸۲/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۷۸ -۶۷۷/ ۱)، هدیةالعارفین (۷۴۰ - ۷۳۹/ ۱).

نوایی شیرازی، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۲۷۲ ق)، شاعر، متخلص به نوایی. وی در شیراز به دنیا آمد. پس از تحصیلات مقدماتی در زادگاهش در ۱۲۹۶ ق به تهران آمد. میرزا مهدی نزد آصف‌الدوله میرزا عبدالوهاب خان شیرازی، والی خراسان، انشاء رسائل می‌نمود. از آثارش: «دیوان » شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۷۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۲۷ -۷۲۶/ ۵)، الذریعه (۱۲۲۷/ ۹)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۳۱ -۱۰۳۰/ ۲)، مرآت‌الفصاحه (۶۶۸ -۶۶۷).

نوایی کاشانی، شمس‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به نوایی. اهل کاشان و از مدرسان آن دیار بود. گویا مدتی به هند مهاجرت کرده است. به آورده‌ی

«احوال و آثار خوشنویسان» وی در زمان تألیف «تحفه‌ی سامی» (۹۶۸ –۹۵۷ ق) هنوز می‌زیسته است. در خطاطی و شاعری مهارت داشت و در علم قافیه و معما، صاحب نظر بود. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

نیاساید دمی از گریه، چشم اشکبار من

گهی بر بخت من گرید، گهی بر حال زار من

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۵۷ / ۳)، تحفه سامی (۱۲۵)، الذریعه (۱۲۲۷ / ۹)، صبح گلشن (۵۴۰)، فرهنگ سخنوران (۹۵۳)، کاروان هند (۱۴۶۱ –۱۴۶۰/ ۲).

نوایی مازندرانی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به نوایی. بعد از فوت پدر در دربار فتحعلی شاه (۱۲۵۰ –۱۲۱۲ ق) به شغل نویسندگی فرمانهای دولتی مشغول بود و صاحب لقب منشی‌الممالک گردید. وی در اقسام شعر تبحر داشت. از آثارش: «دیوان» شعر، مشتمل بر چهار هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ‌الشعراء (۱۹۲۵ –۱۹۲۳ / ۳)، الذریعه (۱۲۲۷ / ۹)، سفینهٔ‌المحمود (۶۲۵ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۹۵۳)، مجمع‌الفصحا (۱۰۵۴ –۱۰۵۲/ ۶)، مصطبه‌ی خراب (۲۰۱ –۲۰۰)، نگارستان دارا (۱۴۴ –۱۴۳)،

نوایی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسین نوایی در سال ۱۳۰۲ه.ش تهران متولد گردید . وی بعد از گذراندن دورهٔ دانشسرا ، در رشتهٔ حقوق ادامه تحصیل داده و از دانشگاه سوربن فرانسه فارغ التحصیل گردیـد . نوایی پس از آن به کار تـدریس در مدارس و دانشگاههای کشور پرداخت . او کار تحقیق و پژوهش را با دومطلب آغاز نمود ، اول مسائل مربوط به مشروطیت و دیگری در رابطه با بابیگری . نوایی آثار بسیار با ارزشمندی از خود بجای نهاده است که مورد استفاده بسیاری از محققان وپژوهشگران می باشد . وی هم اکنون به دلیل کهولت سن از کار تدریس در دانشگاه دست کشیده اما منزل ایشان همواره پذیرای دانشجویان می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

گرایش : ایران دوره اسلامی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عبدالحسین نوایی تحصیلات خود رادر مدارس ابتدایی (تمدن) و (ابن سینا) آغاز نمود .وی در دورهٔ متوسطه در به مدرسه شرف تحصیل کرد و پس از گذرنـدان این دوره ، علیرغم میـل بـاطنی خود به دانشسرای عالی رفت ،دکتر نوایی دراین مورد می نویسد : برخلاف میلم به دانشسرا رفتم چون علاقه به این حرفه نداشتم و تمایل داشتم که دیپلمات شوم. دکتر نوایی پس از دوره دانشسرا ی عالی ،تحصیلات خود را درد انشکده حقوق پی گر فت اما به دلایلی از ادامه تحصیل در رشته حقوق باز ماند .البته وی یک سا ل بعد دوربار ه در رشته حقوق شرکت نمود وتوانست شاگرد دوم شود .نوایی به لحاظ اینکه ناگزیر بود یکی از دورشته را نتخاب نمایـد وبـا توجه به اینکه یکسال از دوره دانشسرا را نیز گذرانـده بود،لـذا در همین رشته ادامه تحصیل داد،او سپس به فرانسه رفته و توانست دوره دکترا را از دانشگاه سوربن اخذ نماید.

خاطرات و وقایع تحصیل : عبدالحسین نوایی بعـد از دوره دانشسرا ی عالی به دانشکده حقوق رفت ، اما وی نتوانست از این دانشکده فارغ التحصیل شود و به نحوی از ادامه تحصیل باز مانـد،علت این امر را نوایی چنین بیان می کند : ماجرا از این قرار بود که در امتحانات دیپلم یک نفر از روی برگه امتحانی من رونویسی کرده بود ودر آن زمان تصحیح اوراق امتحانات نهایی به عهده استادان دانشگاه بود و مرحوم دکتر شفق دیـده بود که دو برگه کاملاـ شبیه یکدیگر است ،لـذا هر دو نفر به جرم تقلب از ادامه تحصیل محروم کردنـد،مـدتی طول کشید تا توانستم ثابت کنم که ورقه اصلی متعلق به من است و همین تاخیر باعث شد تامن از ادامه تحصیل محروم شوم.

فعالیتهای ضمن تحصیل : عبدالحسین نوایی درکنار تحصیلا ت تکمیلی خود در فرانسه به کار معلمی نیز پرداخت و ، چون این مسؤلیت را پذیرفته بود با جدیت مطالعه می نمود،اینکار دو دلیل داشت اول آنکه تحصیلا ت خود را دانشگاه کا فی نمی دانست و آنرا مقدمه ای می دانست برای ادامه تحصیل دوم نمی خواست به مانند بعضی از معلمین از کم سوادی و بی توجهیش گله نماید:او می گوید :در هر صورت چشم را بر بسیاری از لـذات مادی زنـدگی بستم و تمام وقتم راصرف آموختن کردم مثلا موقعی که در پاریس بودم ،با توجه به اینکه در آنجا هوادیر روشن می شود ساعت نه صبح غذای مختصری می خورد م که هم صبحانه بود و هم ناهار و ازساعت ده در کتابخانه ملی پاریس مطالعه می کردم تاساعت پنج بعداز ظهر که آنجا تعطیل می شد .هر چند در آن وقت خیلی ها به این کار من می خندیدنـد ، اما من به هیچ وجه احساس غبن نمی کردم چون آثاری که الان شما ملاحظه می فرمایید ،

غالبا حاصل مطالعات و تلا شهای همان دوران است .

استادان و مربیان : از استادانی که عبدالحسین نوایی به عنوان یک الگو یا د می کند،عباس اقبال بود باز می گردد نوایی وی را از جمله کسانی می داند که در او انگیزه تاریخنگاری را بوجود آورد و این مسئله به زمانی که نوایی در مجله یادگار با وی همکار شد . از استادان نوایی شخصیتهای برجسته ای همچون :بدیع الزمان فروزانفر ،بهار ،بهمنیار و میرزا عبدالعظیم خان قریب می توان نام برد .

وقایع میانسالی : در سال ۱۳۴۶ عبدالحسین نوایی مطالبی در مورد دانشگاهها وعدم پذیرش افراد جوان به عنوان استاد منتشر کرد ، این مسئله باعث شددانشجویان دست به شکایات متعددی بزنند با اعتراض دانشجویان مدیریت دانشگاههای تهران و شهرستانها تغییراتی نمود و از آن جمله دانشگاه تبریز که هوشنگ منتصری به سمت ریاست آنجا رسیدوی روسای دانشکده ها را که عملا از ورودهرگونه استادجدیدی سرباز زده بودند ، اخراج کردو دانشکده ادبیات را به دکتر نوایی سپرد.در سال۱۳۵۱درهنگام خدمت در سازمان کتابهای درسی یعنی به دلیل رعایت نکردن دستورات شاه در مورد مبارزه با گرانی ، متهم واز کا ر برکنار شد . اما پس از مدتی به بابلسر رفته وسمت معاونت مدسه عالی بابلسر راقبول کرد نوایی پس از مدتی خدمت در این مدرسه به دلیل روش میان دو رییس مدرسه یعنی دکتر فاروقی پیش آمد ، از سمت خوداستعفا داد ، اما دیری نگذشت به سبب بوجود آمدن حوادثی به سمت ریاست این مدرسه منصوب شد . او علت این امر را چنین بیان می کند : دانشجویان ، رییس مدرسه با بلسر را به علت رفتار ناشا یست کتک زدند وحتی خواستند از پنجره طبقه سوم به پایین پرت کنند ، که مدتی در بیمارستان بستری شد .پس از برکناری وی وزارت علوم را به ریاست مدرسه گماشت . انتصاب دکتر نوایی به سمت ریاست مدرسه عالی با بلسر مصارف بو د با تحرکات مردم و دانشجویان برعلیه رژیم شاه نوایی می گوید : تا آنجا که من متوجه شدم سخن از انقلاب و تحولی عظیم در میان است و نه یک اعتراض و شکایت ،دانشکده ها به هم ریخته بود و کلاسهای تعطیل شد ه بود و من که هرگز نمی خواستم با دانشجویان مقابله بکنم بلکه آنان را محق می دانستم از خدمت استعفا کردم و به تهران بازگشتم . در سال ۱۳۴۹ ش ، دکتر نوایی جایزه بهترین کتاب سال به جهت تصحیح و تعلیق کتا ب احسن و التواریخ را دریافت داشت و در سال ۱۳۶۴ ش،موفق به دریافت جایزه بهترین کتاب سال جهت تصحیح و تعلیق کتاب احسن التواریخ را دریافت داشت و در سال ۱۳۶۴ ش . موفق به دریافت جایزه بهترین کتاب سال به خاطر تالیف کتاب اسنادتاریخی ایران از ۱۰۳۸ تا ۱۱۰۵ ه.ق شد .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در سال ۱۳۴۶ ه.ش با تغییر مدیریت دانشگاهها ،دکتر هوشنگ ریاست دانشگاه تبریز را به عهده گرفت و مسئولیت دانشکده ادبیات را به دکتر نوایی سپرد . نوایی یکی دوسال پس از بازگشت از تبریز مدیر کل تشکیلات و روشهای آموزش و پرورش شد : از فعالیتها ی او دراین سمت ، بررسی سازمان کل وزارت آموزش و پرورش و تقسیم تهران به ۱۷ ناحیه بود . در سال ۱۳۵۱ ه.ش به سازمان کتابهای درسی منتقل گزدیدو تا مرداد سال ۱۳۵۴ ه.ش دراین سمت باقی ماند،اما به دستور شا ه از کار برکنار شد و بعد از چند ماه بیکار ماندن به وزارت علوم رفته با دعوت دکتر فاروقی رئیس مدرسه عالی بابلسر ، در منصب معاونت این مدرسه شروع به کار کرد ، اما طولی نکشید به سبب اختلاف عقید ه با دکتر فاروقی استعفا داد . نوایی پس از استعفا از مدرسه عالی بابلسر از وزارت آموزش و پرورش درخواست شغل و یا باز نشستگی او موافقت شد . هنوز مدتی از بازنشستگی دکتر نوایی نگذشته بود که وی به سمت ریاست مدرسه عالی منصوب گشت اما وی درطی تحولات کشور در سال ۱۳۵۷ ه.ش از شغل خود ا ستعفا کرده که با بازنشستگی به تهران بازگشت .

فعالیتهای آموزشی : عبدالحسین نوایی علاوه بر تالیف و خلق آثار متعدد ، در دانشگاهها و موسسات علمی مختلف به تدریس پرداخته است که از آن جمله اند : دانشگاه تهران و مرکز اسناد در سطح لیسانس ،دانشگا هها ی تربیت مدرس ، شهید بهشتی ، الزهرا ،و پژوهشگاه فرهنگ و مرکز اسنادرسمی ، دانشگاههای آزاد واحدشهر ری و ابهر در سطح فوق لیسانس و دکتر ی در سال ۶۴-۱۳۶۳ بخش دکتری تاریخ در دانشگاه آزاد اسلامی ایجاد گردیدو دکتر نوایی از همان سال تا سال ۱۳۷۶ عضو ثابت و هیات علمی آن بود ه و همانطور که خود می گوید ، اولین دانشجوی فارغ التحصیل رشته تاریخ شاگر د وی بود ه است .نوایی همچنین در محدوده همکاری حوزه و دانشگاه یک دوره درسی با هفت تن از طلاب در رشته که در سطح فوق لیسانس بودند . از دیگر فعالیتهای آموزشی دکتر نوایی نظارت بررساله های تحصیلی فوق لیسانس و دکترا بود ،او در دانشکده های ادبیات شهید بهشتی ،تربیت مدرس و الزهرا به عنوان استادراهنما ،مشاور و ممتحن شرکت می نمود.نوایی تا پایان سال ۱۳۷۸ ه.ش به کارتدریس پرداخت ، اما پس از بیماری ممتد از رفتن به کلاس خودداری نمود به همین خاطر دانشجویان به منزل وی می رونـد و از دانش فراوان او بهره می برند.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عبدالحسین نوایی در کنار کار تدریس و تالیف و پژوهشهای علمی ،در مجامع علمی ،سمینارها و سخنرانی های متعدد شرکت نمود که بعضی ازآنها در خارج از کشور بوده است ،از این تعداد می توان ، مهمترین آن را به شرح زیر بیان داشت : ۱- سال ۱۳۵۳ ش ، سفر به پاکستان برای ایراد چند سخنرانی د ر سمت ریاست کتابهای درسی . ۲- سال ۱۳۵۳ ش. سفربه ترکیه ،سوئد ، انگلستان و فرانسه در سمت ریاست کتابهای درسی و بازدید از مراکز فرهنگی . ۳- سال ۱۳۷۴ ش ،سفر به ترکیه و سخنرانی درباره جنگ اوزون حسن با سلطان محمد فا تح در سمینار مربوط به فتح قسطنطنیه ۴- سال ۱۳۷۵ ش،شرکت در سمینار تیمور در مشهد وارائه مجموعه مقالاتی تحت عناوینی چون کثرت منابع تاریخ تیموری «ورد» کتابهایی چون منم تیمور «جهانگشا و توزوک » . ۵- سال ۱۳۷۵ ش، سفر به ازبکستان وسخنرانی در سمینار بزرگداشت تیمور .

آرا و گرایشهای خاص : عبدالحسین نوایی در زمینه اتکا خود به تاریخنگاری ، بخش اعظم فعالیت خودرا در دوره قاجاریه متمرکز نمود : او تحقیقا ت و پژوهشهای خودر ا در دو زمینه آغاز نمود ، اول مطالب مربوط به مسایل مشروطیت و دیگری در رابطه با بیگری است . چنانکه خود می گوید : « من قاجاریه را به آن بدی نمی بینم که دیگران می بینند . افراد را در زمان خودشان و با معیارهای زمان خودشان باید مورد قضاوت قرار داد . والا با مسائل یک قرن یا دو قرن بعدنمی شود افرادی را که دو قرن ـ سه قرن پیش از ما بوده اند ، داوری کرد .من قاجاریه را بدون اینکه بخواهم ادعا کنم مردان بزرگ و یا نام آوری بوده اند ، افراد وخائن و

نادرستی نمی دانم ، اما می توانم ادعا کنم که در این دوره غیر از دو یا سه نفر ، واقعا خائن یعنی کسی که آمده و به کشورش خیانت کرده ، بیشتر نداریم ، بقیه ، کسانی هستند که خواسته اند این مملکت را حفظ کنند ، اما ممکن است به علت جهل و بی اطلاعی و عقب ماندگی از دانش اروپا ،مسائل سیاسی اروپا و روابط بین دول ، اشتباهاتی کرده باشند . اما آنان هرگز قصد خیانت نداشتند . شاید در آن زمان به درستی به نقش استعمار و مطامع قدرتهای اروپایی پی نبرده بودند،و شاید به اندازه لازم آگاهی نداشتند چون شناخت استعمار منوط است به دانستن مفاهیم و اصطلاحات علوم سیاسی ، شناخت روابط بین الملل ،شناخت مسائل اقتصادی ، شناخت اینکه کارخانه اروپا بیان باید با موادخام ارزان بگردد ، این مسا ئل را نمی دانستند ،کجا در س خوانده بودند که بدانند؟ اطلاعی نداشتند . »

چگونگی عرضه آثار : عبدالحسین نوایی تالیفات خود را با همکاری مراکز فرهنگی و موسسات انتشارات گوناگونی به چاپ رسانده است . او دعوت موسسات و واحد های فرهنگی که مولود انقلاب اسلامی بودند را سواره با شوق و رغبت پذیرفت . از موسساتی که او با آنها همکاری نمود عبارتند از :کتابخانه ملی :همکاری در کمیته علمی احیا میراث مکتوب دکترنوایی : از سال ۱۳۷۳ بنا به دعوت رییس وقت آقای جواهری همکاری خود را با موسسه تاریخ معاصرآغاز کرد . دکترنوایی : در مهرماه سال ۱۳۷۳ بنا به دعوت رییس وقت انجمن آثار و مفاخر فرهنگی شروع به کار کرد .اودر این دو طرح را اجرا نمود،۱- مجموعه شرح حال بزرگان علم و ادب ۲- تدوین مجموعه اعلام تاریخی .سازمان سمت : ست در واقع حروف اول سازمان مطالعه و تدوین کتب است ، و ظیفه آن تهیه کتاب های درسی برای سطح لیسانس می باشد .دکتر نوایی سه چهار سال به عنوان رییس گروه تاریخ دراین سازمان خدمت کرد . اداره اسناد نهاد ریاست جمهوری دکتر نوایی : دراین واحد برکار محققان جوان نظارت دارند و آنان را در خواندن اسنادی که نوعا با خط شکسته یا قلم سیاق است یاری می نما یند.ـ سازمان اسناد ملی :همکاری دکتر نوایی با این نهاد تنها در سطح تالیف کتاب بوده است . --

آثار :

۱ آیین
۲ اسطوره اهل حق
۳ اسناد عبدالوهاب خان آصف الدوله در خراسان
۴ اسناد مربوط به نایب حسین کاشی
۵ اسناد و مکا تبات سیاسی ایران از ۱۳۰۸ تا ۱۱۰۵ ه ق
۶ اسناد و مکاتبات تاریخی از تیمور تا شاه اسماعیل
۷ اطلاعات ماهیانه
۸ ایران و جهان
۹ با ستا نشناسی و تاریخ
۱۰ بررسی های تاریخی
۱۱ پست تهران
۱۲ تاریخ آل مظفر
۱۳ تاریخ روابط فرهنگی ایران
۱۴ تاریخ عضدی
۱۵ تاریخ گزید ه
۱۶ تالیف محمد تقی
۱۷ تکمله ا لاخبار
۱۸ جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان و باختران
۱۹ حدیقه ا لشعرا
۲۰ حکیم و به اهتمام جمشید کیانفر و محمد علی صوتی
۲۱ خاطرات عباس میرزا ملک آرا
۲۲ خبرنامه سمینار بین المللی نهضت مشروطیت
۲۳ دولتهای ایران از مشروطیت تا او لتیماتو م
۲۴ دیوان محتشم کاشانی
۲۵ رو زنامه باختر
۲۶ روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه
۲۷ روزنامه آژنگ
۲۸ روزنامه اصفهان
۲۹ روزنامه امید
۳۰ روزنامه بهرام
۳۱ زیو ر آل داود
۳۲ سیرو سیاحت
۳۳ شا ه اسماعیل صفوی

۳۴ شا ه تهماسب
۳۵ شا ه عباس
۳۶ شرح حال رجال حبیب السیر
۳۷ صدف
۳۸ فتح تهران
۳۹ فتنه باب
۴۰ فصل نامه تاریخ معاصر ایران
۴۱ فصل نامه تحقیقات تاریخی گنجینه اسناد
۴۲ فهرس التواریخ
۴۳ کریم خان زند
۴۴ گزید ه فرمانهای موجود در کتابخانه ملی
۴۵ گوهر
۴۶ ما هنامه فرهنگ
۴۷ ماهنامه ادبستان
۴۸ متون تاریخی به زبان فارسی
۴۹ مجله توشه
۵۰ مجله فردوسی
۵۱ مجله کیها ن فرهنگی
۵۲ مجله یارگار
۵۳ مجله یغما
۵۴ مجموعه اسناد نابینایان کاشان
۵۵ مراه البلدان
۵۶ مراه الوقایع مظفری و یا د داشتهای ملک المورخین سپهر
۵۷ مطلع سعدین
۵۸ مطلع سعدین و مجمع بحرین
۵۹ مظفرالدین شاه
۶۰ مقاله دوره مجله یادگار
۶۱ مقدمه بر جغرافیای تاریخی شهرهای ایران
۶۲ مقدمه برکتا بهایی چون گنج دانش
۶۳ مهد علیا
۶۴ مهر
۶۵ نادر و جانشینا نش همراه با نامه های سلطنتی و اسناد سیاسی و اداری
۶۶ نامه های خان احمد خان گیلانی
۶۷ نشریه وزارت امور خارجه
۶۸ وجه تسمیه شهرهای ایران

نوائی خوئی، زین‌العابدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در قریه نواء که یک فرسخی خوی واقع است بدنیا آمد فقیهی بود فاضل و عالمی متقی و مورد وثوق و احترام اهالی شهرستان خوی و حومه آن بود و مردم عموماً از فیض حضورش بهره‌مند می‌شدند در سال ۱۲۵۹ قمری وفات نمود و تاکنون قبرش زیارتگاه مردم آن سامانست و کراماتی حیاً و میتاً از وی صادر شده که معروف بابین اهل محل است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

نوبخت شیرازی، حبیب‌اللّٰه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۷۴/ ۱۲۷۳ ش)، نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار و شاعر. در شیراز به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش به پایان برد، سپس برای تحصیل علوم دینی به نجف و کربلا رفت و ادبیات عرب را آموخت. او علم کلام را از محضر سید محمد مفتی

هندی آموخت و ادبیات عرب را نزد شیخ عبدالرحمان کویتی تکمیل کرد و در حوزه‌ی درس صدر اصفهانی، که مرجع تقلید بود، درس خارج خواند. وی پس از مراجعت به شیراز مدتی در مدرسه شریعت، و پس از تأسیس دارالمعلمین شیراز مدت سه سال در آنجا تدریس کرد. او در ۱۲۹۸ ش در شیراز مجله‌های «دنیای ایران»، «فکر آزاد» و روزنامه‌ی «بهارستان» در ۱۲۹۹ ش مجله‌ی «گل آشتی» را در شیراز تأسیس و منتشر نمود. نوبخت از طرفداران رضا شاه بود به همین علت شاه او را به مدیریت مجله‌ی نظامی «قشون» که در ۱۳۴۰ ق تأسیس شده بود، برگزید. او در دوره‌های ششم و هفتم از طرف مردم بهبهان به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. وی مدتی نیز ریاست کتابخانه‌ی سلطنتی را بر عهده داشت. از دیگر آثارش: «شاهنامه پهلوی»؛ «علم تربیت یا پداگوژی»؛ «علم روح علم طبایع»؛ «ماوراء مدرسه»؛ «فلسفه فازیسم»؛ «قانون فکر»، در علم منطق؛ «تاج جاحظ»، ترجمه؛ «کارنامه»، ترجمه؛ رساله‌ی «سفرای محمد»؛ «پندنامه»، شعر؛ «دیوان» شعر.[۱]

فرزند میرزا محمد حسن شیرازی، در ۱۲۷۲ ش در شیراز تولد یافت. تحصیلات مقدماتی و ابتدائی را در موطن خود فراگرفت و در ۱۲ سالگی برای ادامه تحصیل به عتبات رفت و علاوه بر ادبیات عرب، حکمت الهی و فلسفه و فنون و صناعات ادبی را به خوبی فرا گرفته و به زبان عربی تسلط کامل یافت و از همان هنگام تحصیل، همکاری با مطبوعات را شروع کرد و غالبا در روزنامه‌های مصر مقالاتی به زبان عربی می‌نوشت و یا قصائدی به صورت انتقاد از اوضاع جهان سروده به مطبوعات می‌داد. مسافرت نوبخت برای ادامه تحصیل در نجف و کشورهای عربی قریب دوازده سال طول کشید و پس از پایان جنگ اول به ایران برگشت. چندی در دارالمعلمین فارس معلم طبیعیات بود، بعد به فکر روزنامه‌نگاری افتاد. ابتدا مجله‌ای به نام زندگانی تأسیس نموده، آنرا انتشار داد و پس از آن مجله‌ی فکر آزاد را تأسیس کرد ولی دوام زیادی نداشت تا اینکه در ۱۲۹۸ در شیراز روزنامه بهارستان را انتشار داد. بهارستان در جهت کودتا و ضرورت آن مقالات متعددی می‌نوشت و هر قدمی که کودتاگران برمی‌داشتند تحسین و تمجید می‌نمود. در حقیقت این روزنامه ارگان کودتا بود. پس از عزل سید ضیاءالدین از رئیس‌الوزرائی نوبخت مورد حمله شدید مخالفین واقع شد که ناچار روزنامه را تعطیل و شیراز را ترک نمود.

در ۱۳۰۱ در تهران روزنامه بهارستان مجددا دائر شد و هفته‌ای سه شماره انتشار پیدا می‌کرد و ضمن تجلیل و تأیید سردار سپه بقیه رجال را مورد انتقاد قرار می‌داد. پس از چندی روزنامه بهارستان در حقیقت مدافع رضاخان سردار سپه شد ولی به عللی در ۱۳۰۳ تعطیل گردید و نوبخت سردبیر و رئیس هیئت تحریریه مجله قشون شد و در همان موقع کتابی تحت عنوان سردار پهلوی نوشت. این کتاب شامل وقایع از سوم حوت ۱۲۹۹ تا جلوس رضاشاه به سلطنت می‌باشد که دارای تصاویر و گراورهای زیادی است. نوبخت به علت نزدیکی به رضاخان سردار سپه، داوطلب وکالت مجلس شورای ملی شد و در دوره ششم از بهبهان به وکالت رسید و در دوره هفتم هم وکیل همانجا بود. از دوره هشتم حوزه انتخابیه او عوض شد و در هر دوره از فسا انتخاب می‌گردید که مجموعا هفت دوره نماینده مجلس شورای ملی بود. نوبخت در دوره رضاشاه از وکلای مورد علاقه دستگاه بود و به همین علت نمایندگی مجلس را در تمام دوره رضاشاه حفظ کرد. در دوره سیزدهم که انتخابات آن در تابستان ۱۳۲۰ انجام یافته بود پس از استعفا و خروج رضاشاه شروع به کار کرد و در این مجلس نوبخت وکیلی حراف و جنجالی شد و با دولتها به جنگ پرداخت. به هنگام طرح لایحه اتحاد سه جانبه بین ایران و انگلیس و شوروی در زمره مخالفان بود و چندین نطق طولانی ایراد نمود و سرانجام رأی کبود داد. نوبخت در آن ایام از طرفداران جدی آلمان و هیتلر بود و حزبی نیز به نام حزب کبود تأسیس کرد. در اواسط ۱۳۲۲ نیروهای بیگانه در ایران عده‌ای را به جرم ژرمانوفیلی بازداشت کردند که از جمله حبیب‌الله نوبخت وکیل مجلس بازداشت گردید. سایر بازداشتیها در اراک توقیف بودند ولی نوبخت به خارج از ایران انتقال یافت و تا پایان جنگ در اسارت بیگانگان بود. در ۱۳۲۴ از زندان رهایی یافت، کار سیاست را رها کرد و به تألیفات و ترجمه پرداخت تا در ۱۳۵۲ درگذشت. در طول زندگانی خود آثار زیادی نوشته و انتشار داد از جمله شاهنامه نوبخت است. فرزند ارشد وی دانش نوبخت سالها روزنامه سیاست ما را انتشار می‌داد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید ۱۵۶ -۱۵۵، ۸۲/ ۴، ۱۱۱ -۱۱۰/ ۴، ۲۹۸ -۲۹۷، ۳۶ -۳۲/ ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۳۴ -۷۲۷/ ۵)، الذریعه (۳۱/ ۱۹، ۲۳۰ -۲۲۹، ۲۴/ ۱۷، ۳۲۱/ ۱۵، ۲۱/ ۱۳، ۱۲۲۷/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۵۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۹۸، ۲۸۶۳، ۲۸۶۲، ۲۵۸۴، ۲۵۱۸، ۲۴۶۱، ۲۳۳۷، ۲۳۳۵، ۲۰۸۷/ ۲، ۱۵۲۸، ۸۵۴، ۶۲۸/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۲ -۴۸۰/ ۲).

نوبختی، ابوالحسن علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۱۶ ق)، شاعر امامی. از شعرا و ادبای شیعی مذهب سده‌ی پنجم قمری است. به مصر رفت و در همان جا درگذشت و به خاک سپرده شد. صاحب «اعیان‌الشیعه» وفات ویرا ۴۱۰ ق آورده است. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۵۷/ ۵)، اعیان‌الشیعه (۱۶۱/ ۸)، الذریعه (۳۲/ ۹)، ریحانه (۲۵۹/ ۸، ۲۵۰/ ۶)، کشف‌الظنون (۷۶۹)، الکنی والالقاب (۴۴۳/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالحسن)، معجم‌المؤلفین (۳۱/ ۷)، وفیات‌الاعیان (۳۸۳ -۳۸۲/ ۳)، هدیهٔ‌العارفین (۶۸۶/ ۱).

نوبختی، حسین ابوالقاسم

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۲۶ ق)، عالم دینی. سومین نایب خاص امام زمان (عج)، اصل وی از قم بود و به خاندان نوبختی وابسته. این خاندان عهده‌دار وزارت مقتدر عباسی بودند. بعد از فوت نایب دوم، ابوجعفر محمد بن عثمان به سال ۳۰۵ ق، نیابت و وکالت امام غایب به وی واگذار شد. ابن روح منازعات میان درباریان شیعی را فیصله می‌داد و در سال ۳۱۲ ق به مدت پنج سال به اتهام مراوده با قرامطه زندانی شد. مونس المظفر او را آزاد کرد و در خلافت راضی مورد توجه دربار عباسی قرار گرفت. وی را در نوبختیه‌ی بغداد در محله‌ی «سوق العطارین» به خاک سپردند. اثر وی کتاب «التادیب» است که آن را برای فقهای قم جهت تایید فرستاد و ایشان آن را صحیح دانستند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۲ -۲۱ /۶)، خاندان نوبختی (۲۲۴ -۲۱۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶۰۰/۴)، دایرةالمعارف فارسی (۸۵۲/۱)، الذریعه (۲۱۰/۳)، طبقات اعلام الشیعه (۱۱۳/۱)، طبقات خلفا و اصحاب (وقایع س چهارم)، معجم المولفین (۸/۴).

نوبری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جعفر نوبری از علماء معاصر تبریز و فضلاء حوزه مرحوم آیه الله العظمی و العلامه الکبری سیدنا الاستاد آقای آقا سید محمد حجت کوه کمری رحمه الله می‌باشد.

وی در محله نوبر تبریز در روز ۱۷ ربیع المولود ۱۳۳۴ ق که مصادف با روز میلاد رسول صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام است تولد یافته و بدین مناسبت موسوم به (محمد جعفر) گردیده و پس از تکمیل مقدمات در تبریز در آخر جمادی الاول ۱۳۵۳ ق به قم مهاجرت نموده و از محضر اعلام قم چون آیه الله العظمی گلپایگانی و مرحوم علامه ادیب تهرانی سطوح را استفاده و به پایان رسانیده و در درس خارج آیت الله العظمی حجت قدس الله سره و آیت الله محقق خونساری و مدت کوتاهی مرحوم آیت الله صدر و آیت الله آقا میرزا رضی مجتهد تبریزی بهره‌مند شده و به مراتب عالیه رسیده است.

آقای نوبری تا سال ۱۳۷۵ ق در قم به تدریس و تکمیل مبانی علمی اشتغال داشتند و پس آز آن مراجعت به تبریز نموده و تاکنون به اقامه جماعت و ایفاء وظایف و خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

نوجابادی بخاری، ظهیرالدین، ابوالمظفر محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۶۸ -۶۱۶ ق)، فقیه حنفی و اصولی. در نوجاباد، از قرای بخارا، به دنیا آمد. به دمشق رفت و سرانجام در بغداد مقیم گشت و به امامت مستنصریه رسید. از آثار او: «کشف الابهام لرفع الاوهام» که در «کشف‌الظنون» تحت عنوان «کشف الابهام لدفع الاوهام» ذکر شده است؛ «تلخیص القدوری» یا«الملخص فی مختصر القدوری»، در فروع فقه حنفی؛ «کشف‌الاسرار»، در اصول فقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۴/ ۷)، ایضاح‌المکنون (۳۵۵/ ۲)، کشف‌الظنون، (۱۶۳۴، ۱۴۸۵ -۱۴۸۴)، لغت‌نامه (ذیل/ نوجابادی)، معجم‌المؤلفین (۹۱/ ۱۱)، هدیةالعارفین (۱۲۹/ ۲).

نوجوان بشرویه، ایرج

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

نوذری، عزت الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر عزت اله نوذری در سال ۱۳۲۳در رودسر بدنیا آمد.وی پس از اخذ دیپلم در ایران تحصیلات دانشگاهی خود را از مقطع کارشناسی تا دکتری در دانشگاههای گرانس و وین بانجام رساند.در سال ۱۳۵۷ به ایران بازگشت و در سال ۱۳۵۸ به استخدام

دانشگاه تربیت معلم در آمد،و از سال ۱۳۶۴ به دانشگاه شیراز منتقل شد و هم اکنون با درجه علمی دانشیاری در آنجا مشغول به تدریس و تحقیق است.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

گرایش : تاریخ اجتماعی

خاطرات کودکی : بهترین و به یاد ماندنی ترین خاطره عزت اله نوذری رفتن به کلاس اول ابتدایی بود که همواره در شادی وصف ناپذیری بسر می برد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : عزت اله نوذری در خانواده مذهبی به دنیا آمد و بزرگ شد .پدرش کارمند عالیرتبه وزارت دارایی در تهران بود و اهل هنر و شعر و تاریخ است.پدر بزرگ دکتر نوذری نیز با شعر شاعران و تاریخ مانوس بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عزت اله نوذری پس از دریافت دیپلم از ایران تحصیلات دانشگاهی خود را از مقطع کارشناسی تا دکتری در رشته تاریخ گرایش تاریخ اجتماعی در دانشگاههای گرانس و وین بانجام رساند.

فعالیتهای ضمن تحصیل : عزت اله نوذری در حین تحصیل در خارج از کشور بطور مستقل در فعالیت های علیه رژیم شرکت می کرد.

همسر و فرزندان : عزت اله نوذری متاهل و دارای دو فرزند پسر است. فرزند ارشد ،روزبه نوذری دارای مدرک کارشناسی عمران و متاهل است. دیگر فرزندش ،آرش نوذری که دارای کارشناسی حسابداری و متاهل می باشد.

وقایع میانسالی : عزت اله نوذری پس از دریافت دکتری رشته تاریخ اجتماعی ایران در سال ۱۳۵۷ به ایران بازگشت و در سال ۱۳۵۸ به استخدام دانشگاه تربیت معلم درآمد.ودر سال ۱۳۶۴به دانشگاه شیراز منتقل شد .وی هم اکنون با رتبه علمی دانشیاری در همین دانشگاه به تدریس و تحقیق مشغول است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عزت اله نوذری عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه شیراز است.وی بغیر از شرکت در کمیته های متعدد آموزشی ،پژوهشی و تکمیلی پست اجرایی دیگری نداشته است.

فعالیتهای آموزشی : عزت اله نوذری در طول ۲۸ سال تدریس بطور متوسط در هر ترم میانگین ۱۲ ساعت مشغول به تدریس بوده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عزت اله نوذری در کنار تدریس در دانشگاه شیراز به تحقیق و پژوهش می پردازد.

جوائز و نشانها : عزت اله نوذری تعداد ۲۷ لوح تقدیر از دست روسای دانشگاهها در سمینارها و غیره دریافت کرده است. به عنوان مثال محقق نمونه در دانشگاه شیراز در سال ۱۳۷۹ است.

چگونگی عرضه آثار : عزت اله نوذری دارای ۱۲ کتاب تخصصی در رشته تاریخ و ۳۸ مقاله منتشر شده در ژورنالهای داخلی و خارجی است. ---

آثار :

۱ اروپا در قرون وسطی

ویژگی اثر : تالیف

۲ انقلاب فرانسه

ویژگی اثر : تالیف–در دست تهیه است

۳ ایران و تاریخ

ویژگی اثر : تالیف

۴ پژوهش پیرامون ایلات و کولیهای استان مرکزی

ویژگی اثر : تالیف

۵ تاریخ اجتماعی ایران در دوجلد

ویژگی اثر : تالیف–جلد اول : از آغاز تا مشروطیت–جلد دوم : از مشروطیت تا انقلاب اسلامی

۶ تاریخ احزاب سیاسی در ایران

ویژگی اثر : تالیف

۷ تاریخ معاصر جهان

ویژگی اثر : تالیف

۸ جنبش در تاریخ معاصر ایران

ویژگی اثر : تالیف

۹ روش شناخت در تاریخ

ویژگی اثر : تالیف

۱۰ سالشمار تاریخ ایران

ویژگی اثر : تالیف

۱۱ شخصیت از آغاز تا عصر روشنگری

ویژگی اثر : تالیف

نوذری، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود نوذری

محل تولد : کازرون

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمود نوذری در سال ۱۳۵۶ با اخذ دیپلم، وارد دانشگاه شیراز شدم و در رشته «زمین شناسی» مشغول تحصیل شدم. در سال ۱۳۶۱ تحصیلات حوزوی را شروع کردم و علاوه بر دروس حوزوی در رشته فوق لیسانس «معارف اسلامی» مؤسسه امام خمینی (ره) شرکت کردم و از آنجا فارغ التحصیل شده در رشته کارشناسی ارشد «تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت» با گرایش تربیت اسلامی از پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، در سال ۱۳۷۹ فارغ التحصیل شدم و اکنون در رشته «روانشناسی تربیتی» مشغول تحصیل می باشم. مدت هفت سال از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ سمت «معاونت پژوهشی» پژوهشگاه حوزه و دانشگاه را داشته ام. علاوه بر آن مدیر گروه علوم تربیتی پژوهشگاه به مدت پنج سال که تاکنون ادامه دارد؛ هستم. آثار و نوشت ها در بخش بعد به آن اشاره شده است.

نوذریان

قرن:۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از خاندانهای بزرگ پهلوانی در شاهنامه، خاندان نوذری است که از تخمه‌ی نوذر پسر منوچهر بودند. و بزرگترین پهلوانان آن طایفه طوس و گستهم و زراسپ بوده‌اند. در اوستا از این خاندان سخن رفته است، و طوس و گستهم فرزند نوذر بودند چون فر نداشتند به شاهی ننشستند. طوس همواره سپهسالار ایران بوده و او از کسانی است که به اتفاق فریبرز و گیو همراه کی‌خسرو به کوه رفته ناپدید شده‌اند.

و در ادبیات زرتشتی از جاودانیهاست. پسر طوس در شاهنامه نام زراسپ دارد. و در حقیقت از شاهان اشکانی است که در روایات ملی داخل شده است. از او در اوستا اصلا سخنی نرفته است. اما گستهم پسر دیگر نوذر است که در ادبیات زرتشتی از جاویدانها به شمار می‌رود.

برگرفته از کتاب :ایران در عهد باستان

نور جهان

قرن:۱۱

جنسیت:زن

ملیت:ایران

۱۰۵۵ -۹۸۴ ق، مهرالنساء، ملقب به نور محل و نور جهان، از زنان کاردان، مدبر، هنرمند و شاعر. وی دختر خواجه غیاث‌الدین محمد متخلص به هجری، وزیر یزد و اصفهان در زمان شاه طهماسب اول صفوی (۹۸۴ -۹۳۰ ق)، بود. خواجه پس از مرگ پدرش (۹۸۴ ق) به همراه همسر، دو پسر و یک دختر خود روانه هند شد. در همین سفر و در شهر قندهار بود که مهرالنساء به دنیا آمد و نیز راهزنان اثاث او را به غارت بردند. وی با واسطه کاروانسالار خود در فتحپور به اکبر شاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) پادشاه بابری هند، معرفی شد و داخل ملازمان او گردید و بر اثر دانش و لیاقت شخصی مدارج ترقی را به سرعت پیمود و در آغاز سلطنت جهانگیر (۱۰۳۷ -۱۰۱۴ ق) فرزند اکبر شاه، لقب اعتمادالدوله یافت. همسر و دختر خواجه، مهرالنساء نیز به اندرون حرم اکبر شاه رفت و آمد می‌کردند. بر اثر همین رفت و آمد بود که شاهزاده خرم- که بعدها به جهانگیر شهرت یافت- دلباخته مهرالنساء شد اما با مخالفت پدرش اکبر شاه مواجه گردید و با اشاره وی، خواجه، مهرالنساء را به ازدواج علی قلی خان (بیگ) مشهور به شیرافکن درآورد. پس از مرگ اکبر شاه، خرم با نام جهانگیر بر تخت سلطنت جلوس کرد (۱۰۱۴ ق). او که همچنان عشق مهرالنساء را در دل داشت بواسطه پیکی از شیرافکن خواست تا همسرش را طلاق دهد و چون وی حاضر به این کار نشد به بهانه‌ای او را کشتند، (۱۰۱۶ ق). اما مهرالنساء که جهانگیر را قاتل شوهر خود می‌دانست مایل به ازدواج با او نبود ولی بالاخره پس از چهار سال رضایت داد. جهانگیر در کتاب خاطرات خود، جهانگیر نامه، شرح مفصل و مبسوطی از مراسم جشن باشکوه عروسیش با نور جهان را به دست می‌دهد.

مهرالنساء که بسیار زیبا، کاردان، هنرمند و با کفایت بود و به زودی همسرش را تحت تأثیر و نفوذ خود درآورد و زمام امور حکومت را در دست خود و خانواده‌اش قرار داد. جهانگیر، پدر نور جهان را صدر اعظم و برادرش آصفخان را وکیل‌السلطنه خودنمود و به مهرالنساء نخست لقب نور محل و سپس نور جهان داد. بر یک روی سکه‌ها تصویر جهانگیر و نور جهان بود و برطرف دیگر این بیت نوشته شده بود:

به حکم شاه جهانگیر یافت صد زیور

به نام نور جهان پادشاه بیگم زر

و بر مهر فرامین چنین نوشته شده بود:

نور جهان گشت به حکم اله

همدم و همراز جهانگیر شاه

جهانگیر به نور جهان منصب سی هزاری داد و او را مسئول چهارصد زن حرمسرای خود کرد. وی درباره لیاقت نور جهان می‌نویسد: «تا او به خانه من نیامد من نسبت کدخدایی و معنی آن نفهمیده بودم... و حالا تمام خانه من از زر و جواهر به دست اوست... و اعتماد تمام به او دارم و دولت و پادشاهی من حالا در دست این سلسله است.» پس از مرگ اعتمادالدوله، صدر اعظم (۱۰۳۱ ق)، به دستور جهانگیر، نور جهان جانشین او شد و همه امور دولت در اختیار وی قرار گرفت و نقاره و نوبت (نواختن کوس و دهل در اوقاتی از شبانه‌روز در بارگاه سلاطین) او بعد از نوبت جهانگیر نواخته شد.

از آن پس احکام و فرامین نور جهان در هند نفوذ تمام یافت و روزهای معینی در دربار شخصا به عرایض مردم رسیدگی می‌کرد. در دوران سلطنت جهانگیر بر سر جانشینی او اختلاف نظر بلخی و منتسب به طریقت مولویه بود. وی به زبان فارسی شعر می‌سرود. بیت زیر را اوست:

در شاخ سدره مرغی بودم ز دام غافل

بر حرص دانه چینی از آشیان پریده

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: عثمانلی مولفلری، ۴۷۱ -۴۷۰ / ۲.

نور علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، قاطع. اهل بدخشان بود و در مشهد می‌زیست. صاحب «گلستان هنر» گوید... ": به غایت پیر نورانی با صفا بود، خط مولانا میرعلی را در نظر می‌نهاد و آنچنان می‌برید که هیچ فرقی و مزیتی میانه‌ی آن بریده و آن قطعه نبود. "وی در مشهد درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۳۸۳/ ۳)، تاریخ هنرهای ملی (۸۶۴ -۸۶۳/ ۲)، گلستان هنر (۱۵۶ -۱۵۵).

نور، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر و خوشنویس (قر. ۱۰ ه.) وی پسر و شاگرد سلطانعلی مشهدی است و نسخه زیبای نظامی مورخ ۹۳۱ ه.ق. (۱۵۲۴ م.) که در موزه مترو پولیتن نیویورک است، از آثار اوست.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

نورالدین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن بغلی جلد روغنی، کاغذ خانبالغ مجدول مذهب. دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مذهب مرصع و یک سرلوح مذهب دو صفحه‌ی بعد متن و حاشیه مذهب. بین السطور طلااندازی، سر سوره‌ها تماماً مذهب. خط نسخ خفی غبار خوش با رقم: «کتبه العبد ابن سلطان محمد، نورالدین...» «سنه‌ی ۱۱۵۷».

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

نوراللهی، اسداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ اسداللّه نجف‌آبادی از علماء و ائمه جماعت غرب تهران سرآسیاب مهرآباد می‌باشد.

وی در سال ۱۲۹۶ شمسی در نجف متولد شده و در سن ۱۷ سالگی پس از خواندن دروس کلاسی به اصفهان آمده و بعد از

خواندن مقدمات در آنجا به قم مهاجرت نموده و سالهای طولانی با جدیت تمام و زندگی مختصر در رشته‌های مختلف علوم دینی مشغول تعلیم و تعلم بوده و از محضر عده‌ای از اساتید بزرگ درس خارج ابواب فقه و اصول را استفاده نموده و از همان اوائل اشتغال به تحصیل دروس پائین‌تر و خوانده را با داشتن شاگردان زیاد تدریس نموده و از مدرسین معروف سطح به شمار آمده و وی را در حوزه علمیه قم طلبه بحاث و بااستعداد و خوش‌بیان می‌دانستند.

ولی متأسفانه در اثر عوارض و فشارهای گوناگون ناگهانی مبتلا به ضعف اعصاب مخصوص اعصاب مغزی گردید و متوقف شدند. ناچار به امر پرچمدار عالم اسلام مرحوم آیت‌اللّه بروجردی برای انجام وظائف روحانیت به شهرستان ملایر رفته و در مدت دو سال در آنجا خدماتی انجام داده بعد به قم مراجعت و مدت دو سال در قم مختصری به تدریس اشتغال داشته تا اینکه دست تقدیر او را در تاریخ ۱۳۴۳ شمسی به غرب تهران محله سرآسیاب مهرآباد افکنده و تاکنون که یازده سالست در آنجا به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تنویر افکار اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب آقای نوراللهی از افاضل باتقوا و ورع معاصر است که در کمال سادگی و بی‌آلایشی زندگانی نموده و در مدت اقامتش در قم از مدرسین بنام بودند که سطوح عالی مکاسب و رسائل و کفایه را تدریس نموده و صدها نفر از محضرش استفاده علمی و اخلاقی نموده‌اند.

از نجف‌آباد و حومه آن در حال حاضر بالغ بر پنجاه طلبه و محصل در حوزه علمیه قم اشتغال به تحصیل و تدریس دارند که در میان آنان نامبردگان زیر موصوف به فضل و سابقه می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نوراللهی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد نوراللهی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد نوراللهی متولد ۱۳۴۰ تحصیلاتم را تا دیپلم در شهر مذهبی قم در سال ۵۹ به اتمام رساندم و تقریبا سال ۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و مقدمات را در مدرسه امام خمینی (ره) گذراندم و از اساتیدی در ادبیات چون: «آقای طالقانی»، «مرحوم مدرس افغانی» و «آقای ضیائی» استفاده کردم و فقه را در نزد «آقای استادی» و اصول فقه را در نزد «آقای حسینی بوشهری» به اتمام رساندم و رسائل و مکاسب را نزد «آقای محمدی خراسانی» گذراندم. و همزمان با دروس حوزه علمیه از سال ۷۰ – ۶۳ در دانشگاه آزاد اسلامی تهران به تحصیل پرداختم و مدت ۱۳ سال است که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه مشغول تدریس و پژوهش و مشاوره می باشم ضمناً دروس اخلاق و تهذیب را نزد «آیةالله مظاهری» و «آیة الله مشکینی» گذراندم.

نورانی وصال، عبدالوهاب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالوهاب نورانی وصال ، در سال ۱۳۰۲ شمسی در شیراز به دنیا آمد. دوره های دبستان و دبیرستان را در شیراز گذرانید. آنگاه در سال ۱۳۲۱ به تهران آمد و در رشته ی ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به ادامه ی تحصیل پرداخت و در خردادماه ۱۳۲۴ به اخذ دانشنامه ی لیسانس نائل آمد. او پس از انجام خدمت وظیفه ی عمومی ، به ادامه ی تحصیل در دوره ی دکترای زبان و ادبیات فارسی و تحقیق و تکمیل پایان نامه ی دکترای خود تحت عنوان « طرز شعر در نیمه ی اول قرن دهم » به راهنمایی استاد بدیع الزمان فروزانفر پرداخت و در خردادماه ۱۳۲۴ به اخذ درجه ی دکترا توفیق یافت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : پدرِ عبدالوهاب ، میرزاعلی متخلص به روحانی و فرزند میرزا عبدالوهاب متخلص به یزدانی ، و او نیز فرزند میرزا محمدشفیع معروف به میرزاکوچک متخلص به وصال شیرازی شاعر بزرگ عصر قاجاری بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : عبدالوهاب نورانی وصال ، دوره های دبستان و دبیرستان را در شیراز سپری کرد. آنگاه در سال ۱۳۲۱ به تهران آمد و در رشته ی ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به ادامه ی تحصیل پرداخت و در خردادماه ۱۳۲۴ به اخذ دانشنامه ی لیسانس نائل آمد. او پس از انجام خدمت وظیفه ی عمومی ، به ادامه ی تحصیل در دوره ی دکترای زبان

و ادبیات فارسی و تحقیق و تکمیل پایان نامه ی دکترای خود تحت عنوان « طرز شعر در نیمه ی اول قرن دهم » به راهنمایی استاد بدیع الزمان فروزانفر پرداخت و در خردادماه ۱۳۲۴ به اخذ درجه ی دکترا توفیق یافت.

استادان و مربیان : عبدالوهاب نورانی وصال ، سالها مدیریت گروه ادبیات فارسی دانشگاه شیرازی را برعهده داشت.

همسر و فرزندان : خانم دکتر طاهره صفارزاده ، نویسنده و شاعر توانمند معاصر ، همسر عبدالوهاب نورانی وصال می باشد.

زمان و علت فوت : دکتر عبدالوهاب نورانی وصال ، در دی ماه ۱۳۷۳ چشم از جهان فروبست.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عبدالوهاب نورانی وصال ، چندین سال ، مدیریت گروه ادبیات فارسی دانشگاه شیراز را بر عهده داشت.

فعالیتهای آموزشی : عبدالوهاب نورانی وصال ، پس از اخذ درجه ی لیسانس به تدریس در دبیرستان های تهران پرداخت. آنگاه در سال ۱۳۲۴ پس از دریافت مدرک دکترا ، به دانشیاری دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز برگزیده شد و اندکی بعد به مقام استادی رسید.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عبدالوهاب نورانی وصال ، مدت ها سلسله برنامه هایی را با عنوان « سوگنامه سرایی در ادبیات فارسی » در مرکز رادیو تلویزیون شیراز اجرا کرد که از یک طرف نمودار تسلط کم نظیر او بر ادوار شعر فارسی بود و از طرف دیگر ، شور و ایمان پاک مذهبی او را که موروثیِ خاندان او بود ، نشان می داد. او در انجمن ها و مجامع ادبی و کنگره های علمی با ایراد سخنرانی و خواندن شعر حضوری فعال داشت. ضمن انجام این فعالیته او به نشر کتاب و مقالات و تحقیقات علمی خود پرداخت.

آرا و گرایشهای خاص : عبدالوهاب نورانی وصال ، از آخرین شاعران بزرگی بود که شعرش استواریِ سخنِ استادان گذشته را داشت و در عین حال ، سرشار از مضامین و اندیشه های لطیف نو بود. --

آثار :

۱ تحقیق و تصحیح دیوان حافظ

ویژگی اثر : با همکاری دکتر محمدرضا جلال نائینی.

۲ تصحیح و چاپ دیوان داوری شیرازی

ویژگی اثر : با کمک مؤسسه ی اطلاعات.

۳ نقد و تصحیح فرائدالساوک

ویژگی اثر : متن منثور اخلاقی از شمس الدین سجاسی ، با همکاری دکتر غلامرضا افراسیابی.

۴ نقد و تصحیح مصیبت نامه ی عطار

۵ هزارمزار در ترجمه ی شدالازار (در شرح مشاهد شیراز)

ویژگی اثر : تألیف: عیسی بن جنید شیرازی. منابع زندگینامه :مجله ی نامه ی فرهنگ ، شماره ی ۱۶ ، زمستان ۱۳۷۳

نورانی، امیر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیر نورانی مکرم دوست

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۲

زندگینامه علمی

آقای امیر نورانی مکرم دوست در سال ۱۳۴۸هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت «علیهم السلام» در شهر رشت دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه رشت گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد.

از سوی دیگر به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه (سلام الله علیها) رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۲ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون: «آیت الله استادی»، «آیت الله استاد پایانی»، «استاد آل غفور»، «استاد حسینی خراسانی» و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته «جامعه شناسی» در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۸ از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان: «بررسی باورهای دینی در ارتباط نوسازی» دفاع کرد. وی پس از طی تحصیلات جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت و هم اکنون علاوه

بر مدیریت گروه معارف دانشگاه گیلان، نیز در این دانشگاه به امر تدریس اشتغال دارد.

نورانی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای شیخ مصطفی بن العلم العلام میرزا شکرالله نورانی از فضلاء نویسندگان حوزه علمیه قم می‌باشد در سال ۱۳۰۵ خورشیدی در یکی از مضافات اردبیل متولد شده و در کودکی پدر را از دست داده ولی در خدمت برادر دانشمندی چون میرزا عیسی نورانی تربیت یافته و مقدمات را آموخته و هم در صرف و نحو از مرحوم حجه‌الاسلام میرزا عبدالحسین واعظ استفاده کرده و در سال ۱۳۶۱ قمری به اردبیل آمده و از علماء آنجا چون حاج شیخ عبدالغفور و حاج شیخ محمدصادق و مرحوم حاج میرزا ابراهیم کلانتر و آیت‌الله آقا شیخ غلامحسین و غیرهم بیشتر سطوح را خوانده و در سال ۱۳۶۷ به قم مهاجرت نموده و در دروس مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله العظمی بروجردی و آیات دیگر شرکت نموده و در سال ۱۳۳۴ شمسی به نجف اشرف عزیمت و در آنجا از آیت‌الله العظمی شاهرودی و مرحوم آیت‌الله العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله العظمی حکیم و آیت‌الله العظمی خوئی استفاده کرده و در سال ۱۳۴۵ شمسی به قم مراجعت و علاوه بر استفاده از محضر آیات قم به تدریس و تالیف اشتغال یافته است.

آثار و تالیفات ایشان از این قرار است ۱- کتاب العقد و الحل درباره صیغ عقود و بحث متعه از نظر عامه و خاصه و در سال ۱۳۷۹ به طبع رسیده است.

۲- کتاب در پیرامون مطالب مشکله مکاسب شیخ انصاری که جلد اول آن در سال ۱۳۸۲ ق چاپ شده و جلد دوم در سال ۱۳۹۳ ق به طبع رسیده و جلد سوم آماده طبع است.

۳- بررسی عقاید در پاسخ بعضی از شبهات که در سال ۱۳۸۶ ق منتشر گردیده است.

۴- تلخیص صرف به نام قواعدالصرف که نیز در سال ۱۳۹۰ چاپ شده است.

۵- خلاصه اقوال علماء در اصول دو جلد.

۶- قوانین اسلام درباره علل کیفر محرمات دو جلد که جلد اول آن در محرمات اخلاقی است و در سال ۱۳۹۰ و جلد دوم در سال ۱۳۹۲ به طبع رسیده است.

۷- کتب دیگر درباره فحشا و زناشوئی‌های ناصحیح.

۸- تفسیر قرآن ۹- قواعدالفقه ۱۰- آیات الاحکام ۱۱- مناسک حج و اسرار آن ۱۲- ندای شرق.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

نورای اصفهانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۷۰ ق)، خطاط. به قول محمدصالح اصفهانی وی از شاگردان میرعماد و همردیف ترابای اصفهانی بود. به هندوستان رفت و به سلک شاگردان ملا سلیمان درآمد. میرزا سنگلاخ آورده که نورا فرزند صدرالشریعه اصفهانی و ملقب به مشکین قلم بوده و میرعماد خط او را به خط رشیدا ترجیح می‌داده است و نیز گوید که به امر شاه عباس «شاهنامه» ای نوشت و در اواخر عمر از شاه رنجیده شد و به هندوستان رفت و همان جا درگذشت. وی در بعضی از آثار خود نورالدین سام سوار رقم می‌نهاده است. از آثار او: کتیبه‌ای در داخل ایوان شرقی مسجد آقانور، در اصفهان که به خط نستعلیق نوشته شده و با ماده تاریخ (مسجد نور کعبه‌ی عجم است)، ۱۰۳۴ ق، با رقم: «کتبه العبد نورا».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار ملی اصفهان (۵۱۵ -۵۱۴)، احوال و آثار خوشنویسان (۹۴۸ -۹۴۷/ ۳)، اطلس خط (۵۳۸)، پیدایش خط و خطاطان (۱۷۰ -۱۶۹)، تذکرهٔ الخطاطین (۳۶۴ -۳۴۶/ ۱)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۵۰۳ -۵۰۲).

نورای لاهیجی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نورالدین محمد لاهیجی معروف به «نورا» و ملقب به خوشنویس ایران، از شاگردان میرعماد بود و نستعلیق را از همه‌ی شاگردان میر به او شبیه‌تر می‌نوشت. هنگام قتل میرعماد نورا از اصفهان به لاهیجان رفت پس از اندک زمانی شاه عباس وی را به اصفهان خواست و دوباره او را به کار کتابت گماشت. از آثار شیوای نورا «جوامع‌الحکایات» عوفی است که در کتابخانه‌ی سلطنتی که به سال ۱۰۴۸ ه.ق کتابت ان را آغاز و در ۱۰۵۰ ه.ق یعنی آخرین سال حیات خود کتابت آن را ناتمام گذارده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

نورایی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ ابوالقاسم نورایی بن محمد صادق بن حاج محمد تقی بن مولی زین‌العابدین بن محمد تقی بن محمد باقر بن حیدر علی بن مولی کلبعلی بن محمد بن مولی نوراء بن محمد بن نورالدین علی بن عبدالعال میسی کرکی.

پدرانش عموما اهل علم و فضل و کمال بوده، و پس از فتنه‌ی افاغنه در اصفهان به قریه‌ی ورنوسفادران (بن اصفهان) از قرای ثلاثه‌ی سده‌ی ماربین منتقل گردیده‌اند.

صاحب عنوان، عالم فاضل محقق بوده، و در اصفهان نزد بزرگان علما تلمذ فرموده، و در مولد خود مسجد و محراب داشته، و ریاست علمی و روحانی به هم رسانیده.

در سال ۱۳۰۵ وفات یافته، و در آنجا مدفون گردید.

کتب زیر از اوست:

۱- رساله در اجتهاد و تقلید ۲- کفایهٔ الاصول ۳- کفایهٔ الفقه؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

نوربخش، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی نوربخش لاهیجانی از فضلاء و ائمه جماعت معاصر گیلان و شهرستان آستانه لاهیجانست.

تولد ایشان در حدود ۱۳۴۷ قمری در حومه لاهیجان واقع شده و پس از دوران کودکی و خواندن دروس ابتدائی و اولیات و مقدمات در مدرسه لاهیجان و آستانه به قم مهاجرت نموده و سطوح متوسط و عالی را از مدرسین حوزه آموخته و در درس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی مرعشی و آیت‌اللّه العظمی موسوی و دیگران شرکت و استفاده نموده و پس از آن بنابر درخواست مردم لاهیجان و آستانه به وطن مراجعت و تا حال تحریر به اقامه جماعت و تبلیغ دین و تنویر افکار و خدمات دیگر اشتغال دارد دارای طبع روان و ذوق شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نوربخش، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۶۹ -۷۹۵ ق)، متکلم، صوفی، عارف و شاعر. معروف به سید محمد نوربخش. از مشاهیر عرفا و صوفیه است و نسبش به هفده واسطه به امام موسی کاظم (ع) می‌رسد و سلسله‌ی نوربخشیه به او منسوب است. پدرش در قطیف به دنیا آمد و مولد جدش لحسا بود به همین دلیل نوربخش گاهی در شعر لحسوی تخلص می‌کرد. پدر او به خراسان رفت، در قاین سکنی گزید و سید محمد در آنجا به دنیا آمد. نوربخش از شاگردان احمد بن فهد حلی بود. در تصوف از خواجه اسحاق ختلانی تربیت یافت و از دست خواجه خرقه پوشید و عهده‌دار مسند ارشاد و پیر خانقاه و ملقب به نوربخش شد. سپس به ختلان رفت و به دعوی مهدویت و خلافت برخاست، اما به زودی دستگیر شد و طرفدارانش به دستور شاهرخ میرزای تیموری به قتل رسیدند. خود او نیز مدتی در زندان به سر برد و سپس به خراسان و فارس فرستاده شد. در شیراز ابراهیم سلطان، پسر شاهرخ، وی را آزاد کرد. چندی بعد او به کردستان رفت و دوباره شروع به دعوت مردم نمود و باز گرفتار گماشتگان شاهرخ گردید و به حکم شاهرخ، در هرات، به منبر رفت و از دعوی خویش تبری کرد. پس از مرگ شاهرخ مجدداً در پی نشر عقاید خود به آذربایجان و شروان و گیلان سفر کرد و نهایتاً در قریه‌ی سولقان، از توابع ری، سکنی گزید و آنجا مزرعه و آبادی احداث کرد و در همان دیار از دنیا رفت و مدفون گردید. بعضی از تذکره‌ها فوت او را در قریه‌ی نفیس، از توابع قاین، می‌دانند. بعد از مرگ وی پسرش، شاه قاسم فیض‌بخش، خلیفه و جانشین او شد و نوربخشیه تا اوایل عصر صفویه فعالیت داشتند. از آثارش: «انسان نامه»؛ «رسالهٔ الاعتقادیه»؛ رساله «الفقه الاحوط»؛ «شجره»، در ذکر مشایخ عرفان؛ منظومه‌ی تفسیر «سورهٔ الحشر»؛ «دیوان» شعر.[۱]

سید محمد ابن محمد بن عبداللّه موسوی خراسانی (۸۶۹ -۷۹۵ ه.ق)، از اکابر عرفای قرن نهم هجری قمری و مؤسس سلسله‌ی نوربخشیه. وی از شاگردان ابن فهدحلی (متوفی ۸۴۱ ه.) بوده و در تمامی عمر خود لباس سیاه که سنت مشایخ او بوده می‌پوشید. مولد جدش «لحسا» بوده و گاهی در غزلیات خود به «لحسوی» تخلص می‌نمود ولی بیشتر به «نوربخش» تخلص می‌کرد. در طریقت مرید علاءالدوله‌ی سمنانی و خواجه اسحاق ختلانی بوده و همان خواجه اسحاق او را لقب نوربخش داده و خرقه به او پوشانیده است. در خراسان بساط ارشاد گسترده بود اما مفسدان، شاهرخ میرزای تیموری را به قتل وی برانگیختند ولی سید فرار کرد و به ولایت وی رفت و در آنجا اقامت گزید تا آنکه در چهاردهم ربیع‌الاول ۸۶۹ ه. در قریه‌ی «سولقان» وفات یافت. دو کتاب «انسان‌نامه» و «شجره‌ی مشایخ» از تألیفات او است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] بهارستان آیتی (۱۹۰ -۱۸۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۰ -۵۸/ ۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۱۹ -۳۱۸)، دایرةالمعارف فارسی (۳۰۷۲ / ۲)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (۱۸۷ -۱۸۳)، الـذریعه (۹۷ / ۲۳ ،۳۰۶ / ۱۵ ،۱۲۲۹ -۱۲۲۸ / ۹ ،۳۹۰ / ۲)، ریاض‌العارفین (۱۵۵ -۱۵۴)، ریحانه (۲۵۲ -۲۵۱/ ۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۳۴/ ۹)، طرائق‌الحقائق (۷۱ ،۶۱/ ۳ ،۳۲۲ -۳۱۹/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۵۹)، لغت‌نامه (ذیل/ نوربخش)، مجالس المؤمنین (۱۴۸ -۱۴۳/ ۲)، معجم‌المؤلفین (۲۴۱/ ۱۱).

نوربها، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم جزا، دانشکده: حقوق، دانشگاه: شهید بهشتی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نوربها، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حقوق، دانشکده: حقوق، دانشگاه: شهید بهشتی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نوربهشت، ایرج

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: معدن‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد در رشته منیرالوژی کریستالوگرافی از دانشگاه کیل آلمان در سال ۱۳۵۱، دکترا در رشته میکروفابریک از دانشگاه فنی دارمشتات آلمان در سال ۱۳۵۴.

مرتبه علمی:

عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۵۵، دانشیار دانشکده علوم دانشگاه اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی کانی‌شناسی و سنگ‌شناسی که منجر به کشف دو معدن گردید، استاد راهنمای دو پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مقدمه‌ای بر بلورشناسی (هندسی)، روشهای مطالعه تیغه‌های نازک به کمک میکروسکوپ در مورد خواص هندسی و نوری بلور.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

بلورشناسی با پرتو ایکس، کانی‌شناسی و سنگ‌شناسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

نوروزی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن نوروزی

محل تولد : قم

شهرت : نوروزی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۷/۶/۳۰

زندگینامه علمی

این‌جانب حسن نوروزی در سال ۱۳۵۷ در شهر مقدس قم متولد شدم. مقاطع ابتدایی و راهنمایی را در قم گذراندم و به جهت علاقه فراوان به فراگیری علوم اسلامی تحصیلات دبیرستان را نیمه‌تمام گذاشته و در سال ۱۳۷۴به حوزه مقدسه قم وارد شدم. شش سال نخست حوزه را در مدرسه علمیه شهیدین و حقانی طی کردم و هم‌زمان با اتمام دوره سطح در مدرسه فیضیه و مدرسه گلپایگانی، پا به درس خارج گذاشتم. بخشی از اساتیدی که از محضر آنها بهره‌های فراوان برده‌ام عبارتند از: حجت‌الاسلام والمسلمین عالی (ادبیات)، حجت الاسلام والمسلمین صفایی بوشهری (فقه)، حجت‌الاسلام والمسلمین صادقی(فقه)، حجت‌الاسلام والمسلمین ربانی (کلام)، حجت‌الاسلام والمسلمین حیدری (اصول)، حجت‌الاسلام والمسلمین مختاری (اصول)، حجت‌الاسلام والمسلمین عباسی (فلسفه)، حجت‌الاسلام والمسلمین علم‌الهدی (اصول)، حجت‌الاسلام والمسلمین میرباقری (کلام) و ... . اکنون در کنار تحصیلات حوزوی به پژوهش زیربنایی و روبنایی در خصوص مبانی فلسفی و تئوریک تمدن نوین اسلامی، مهندسی فرهنگی کشور، مدیریت تحول در حوزه‌های علمیه، و روش تحقیق مشغولیت دارم

نورس دماوندی، محمدحسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۰۵ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به نورس. در دماوند به دنیا آمد. در جوانی از زادگاهش به اصفهان رفت و به جرگه‌ی شاگردان صائب تبریزی وارد شد و به سفارش او به ملازمت محمد زمان خان درآمد. وی نستعلیق خفی را خوش می‌نوشت و قطعاتش تا ۱۱۰۵ ق دیده شده است. حزین لاهیجی در تذکره‌ی خود به نقل از میر نجات اصفهانی آورده که": خوشنویسان این را شاعر می‌دانند و شعرا این را خوشنویس ".دکتر صفا نسخه‌ی «دیوان» او را در کتابخانه‌ی موزه‌ی بریتانیا ملاحظه کرده و آورده است که این نسخه حاوی قصیده، ترکیب بند، غزل، مثنوی‌های کوتاه، قطعه، رباعی و قسمتی به نام مطالع و متفرقات و منشآت است و متجاوز از سه هزار و پانصد بیت می‌باشد. از خطوط وی: یک قطعه از مرقعی، به قلم دو دانگ و کتابت متوسط، با رقم: «... سنه‌ی ۱۰۹۰، تصویر و تحریر و تنظیم و تکمیل پذیرفته مرقوم قلم انقیاد و کلک اذعان، المتخلص بالنورس، محمدحسین دماوندی گردید»؛ یک نسخه قرآن مجید، به قلم نستعلیق کتابت خوش، با رقم: «کتبه العبد المتخلص بالنورس دماوندی، فی سنه ثلث و تسعین بعد الالف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۰۸ -۷۰۷/ ۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۳۳ -۱۳۳۰/ ۵)، تذکره‌ی روز روشن (۸۵۲)، تذکرهٔالمعاصرین (۱۹۸ -۱۹۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۰۷)، الذریعه (۱۲۳۰/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۵۶)، لغت‌نامه (ذیل/ نورس).

نورمحمدی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا علی نورمحمدی تهرانی از علماء مبرز معاصر تهرانست که در مسجد انصار واقع در خیابان هدایت به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

ایشان در شب بیست و هشتم ماه مبارک رمضان سال ۱۳۲۸ ق در قریه حصار بوعلی نیاوران شمیران بدنیا آمده و پس از پرورش و گذراندن دوران کودکی مدتی در مدرسه نیاوران بتحصیل پرداخته و بعد مدتی در مدارس تهران دروس جدید را خوانده آنگاه در سال ۱۳۴۴ ق به قم مشرف و شروع بتحصیل علوم دینیه نموده در عصر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری و بعد از یکسال سطوح مکاسب و کفایه را از محضر آیت‌اللّه آخوند ملا علی همدانی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و نیز مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمد همدانی و مرحوم آیت‌اللّه فیض استفاده نموده و بعد از ورود مرحوم آیت‌اللّه العظمی حجت دو دوره و نیم از خارج اصول را در خدمت آن مرحوم باضافه خارج مکاسب و خارج صلوه تلمذ نموده و هم نصفی از دررالاصول را از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری بهره‌مند شده و در سال ۱۳۶۲ ق از قم به تهران برگشته و مدت سه سال در قریه حصار بوعلی شمیران اشتغال بنشر احکام و امامت داشته و بعد از آن مدتی در سه راه سپهسالار مسجدی مسجد بی‌بی اشتغال داشته و بعد از مدتی مقداری توسعه به آن مسجد داده و هم اقدام بساختمان مسجد دیگری در خیابان هدایت چهارراه صفی علیشاه بنام مسجد انصار با همت و مساعدت بعضی از اهل محل نموده و آن مسجد بی‌بی را بجناب حجهٔالاسلام آقای حاج سید ابراهیم علوی خوئی نموده و خود در مسجد مزبور (انصار) به خدمات دینی و ترویجات مذهبی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

نورمحمدی، قربان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زراعت و اصلاح نباتات، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شهید چمران اهواز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

نورمحمدی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا نورمحمدی نجف آبادی

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱۸

زندگینامه علمی

در هیجدهم فروردین سال ۱۳۳۳ در شهرستان «نجف آباد» در یک خانواده مذهبی متولد شدم. پس از طی دوره دبستان وارد حوزه علمیه «الحجه نجف آباد» شدم و همراه با ادامه تحصیل دوره دبیرستان به صورت شبانه، چهار سال ادبیات عرب و مقدمات فقه و اصول را در آن شهر گذراندم و در سال ۱۳۴۸ جهت ادامه تحصیل به حوزه مقدسه علمیه قم راه یافتم و دوره سطح و دروس: (تفسیر، فلسفه، هیئت، رجال و حدود شش سال خارج فقه و اصول) را نزد اساتید بزرگوار و فرزانه و آیات عظام: «مشکینی»، «خزعلی»، «انصاری شیرازی»، «ممدوحی»، «ستوده»، «دوزدوزانی»، «صانعی»، «عندلیب»، «ربانی املشی»، «شب زنده دار»، «حقی»، «جوادی آملی»، «حسن زاده آملی»، «نوری همدانی»، «سبحانی»، «مکارم شیرازی» و «فاضل لنکرانی» سپری نمودم و در سال ۱۳۷۲ موفق به دریافت مدرک سطح چهار معادل دکتری و دفاع از آن تحت نظر استاد راهنما «حضرت آیت الله سبحانی» با درجه خوب مفتخر گردیدم.

تاکنون بیش از پانزده جلد تالیف و تحقیق در قالب رساله علمی، کتاب، مقاله و طرح درس در موضوعات:

۱- خلفاء اثنی عشر در منابع اهل سنت.

۲- علل مخالفت کفار قریش با پیامبر (ص) در مکه و عوامل نفوذ اسلام در یثرب.

۳- آداب سلوک و شیوه علم ورزی.

۴- نقاط برجسته اخلاق دانشجوی پزشکی.

۵- منزلت اهل بیت در قرآن و سنت به بیان برجستگان اهل سنت.

۶- عدالت در قرآن و روایات.

۷- جایگاه عترت در قرآن و روایات.

۸- توکل در قرآن و روایات.

۹- تنها راه وحدت عملی مسلمین.

۱۰- علل ممنوعیت مقاربت با زنان در زمان قاعدگی از نظر اسلام و علم پزشکی.

۱۱- ولادت امام علی (ع) در کعبه بر اساس مدارک شیعه و اهل سنت.

۱۲- بررسی نظام دفاعی اسلام در قرآن.

۱۳- هدایت در قرآن.

۱۴- موضوع بندی ۱۸ جلد از تفسیر نمونه تحت نظر استاد بزرگوار حضرت آیت الله مکارم شیرازی.

۱۵- هفت جلد طرح درس در موضوعات معارف اسلامی، اخلاق اسلامی، اخلاق پزشکی، تاریخ اسلام، متون اسلامی و ریشه های انقلاب اسلامی.

۱۶- قائده امکانات در فقه. را به رشته تحریر در آوردم.

در زمینه علمی و پژوهشی به موفقیت هایی همچون:

۱- دریافت مجوز تدریس در گرایشهای شانزده گانه از معاونت محترم اساتید و دروس معارف اسلامی دانشگاه های کشور دست یافتم.

۲- تاسیس هسته پژوهشی با بیش از هشت هزار نسخه پژوهش که تحت نظر اینجانب توسط دانشجویان انجام گرفته و این هسته در نوع خود به عنوان طرح ابتکاری و نمونه در دانشگاههای کشور قلمداد گردیده.

۳- احراز مدرس نمونه در دو دوره در دانشگاه علوم پزشکی کردستان.

۴- احراز محقق نمونه در دو دوره در بین دوازده دانشگاه از دانشگاه های دولتی منطقه ۲ کشور مفتخر گردیدم.

اما سوابق مسئولیتی: قبل از انقلاب در فواصل تعطیلی حوزه علمیه به تبلیغ و نشر معارف اسلامی و بیان دستورالعملهای حضرت امام خمینی (ره) و اطلاع رسانی به مردم که در این راستا چندین بار توسط ساواک دستگیر و مورد ضرب و شتم مأموران شهربانی قرار

گرفتم و توسط مامورین ساواک راهی زندان شهربانی شدم. اما سوابق مسئولیتی اینجانب در طول سالهای پس از رخداد انقلاب شکوهمند اسلامی پرشمار بوده که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱- مسئولیت حوزه علمیه شهرستان نجف آباد.

۲- حاکم شرع امور صنفی شهرستان نجف آباد.

۳- حاکم شرع مبارزه با مفاسد اجتماعی و بزهکاری در پلاژهای سد زاینده رود و چادگان و مهاباد.

۴- نماینده حضرت امام در منطقه عربستان.

۵- حدود هیجده سال قائم مقام نماینده حضرت امام و مقام معظم رهبری در منطقه کردستان.

۶- مسئولیت گزینش دانشگاه علوم پزشکی کردستان.

۷- مدیر گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی کردستان.

۸- مدیر شورای گروه های معارف اسلامی دانشگاه های منطقه دو کشور.

۹- عضو انجمن معارف اسلامی کشور.

۱۰- عضو انجمن مدرسان دانشگاه های کشور.

۱۱- مدرس حوزه های علمیه سنندج و اکنون به عنوان استاد دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد و استاد حوزه علمیه امامیه شهرکرد و امام جمعه شهر «کیان» از توابع استان چهارمحال بختیاری مشغول انجام وظیفه می باشم. (ربنا تقبل منا انک انت السمیع العلیم و تب علینا انک انت التواب الرحیم و السلام)

نوروزی فرانی، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد نوروزی فرانی

محل تولد : اردستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در روستای فران از توابع شهرستان اردستان استان اصفهان در سال ۱۳۴۲ متولد شدم. تا پایان تحصیلات سیکل ۱۳۵۸ - ۱۳۵۷ در همان محل سکونت داشتم. سپس به اتفاق خانواده به قم هجرت نموده؛ در سال ۱۳۵۹ آموزش حوزوی را آغاز نمودم در مدرسه حقانی و سپس در موسسه در راه حق شرکت کردم. از سال ۱۳۶۲ تحصیلات دبیرستان و سپس دانشگاه را ادامه داده؛ موفق به اخذ کارشناسی و سپس در مقطع کارشناسی ارشد «رشته علوم سیاسی» قبول شدم.

در حوزه نیز علاوه بر تحصیلات رایج حوزه که تا چهار سال درس خارج ادامه داشت؛ آموزش رشته های مبانی را در موسسه امام خمینی (ره) پیگیری نموده و در سال ۱۳۷۵ موفق به اخذ کارشناسی ارشد شدم و در سال ۱۳۸۱ در دانشگاه امام صادق (ع) مشغول ادامه تحصیل در سطوح دکتری علوم سیاسی شدم. از سال ۱۳۷۰ تدریس را در مجامع علمی دانشگاهی تاکنون ادامه داده و مباحث گوناگون: «دانش سیاسی»، «فلسفه سیاسی»، «جامعه شناسی سیاسی» و «اندیشه سیاسی اسلام» را تدریس نموده ام.

نوروزی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا نوروزی

محل تولد : خمینی شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از گذراندن مقاطع ابتدائی، راهنمائی و دبیرستان (رشته علوم تجربی)، در سال ۱۳۷۴ وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و تا سال ۱۳۷۷ در این حوزه به تحصیل پرداختم. در سه سال حضور در حوزه اصفهان، ۶ پایه اول دروس حوزوی را پشت سر

گذاشتم. در کنار آن به تحصیل دروس دیگری مثل «فلسفه غرب» و «فلسفه اسلامی» (تاریخ فلسفه غرب کاپلستونو بدایهٔالحکمه) نزد اساتید خصوصی پرداختم. در سال ۱۳۷۷ وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال ۱۳۸۰ پایه های دیگر را پشت سر گذاشته و سطح را تمام کردم. همچنین در دانشگاه تربیت مدرس قم «مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم» در رشته مدرسی معارف اسلامی گرایش فلسفه و کلام، کارشناسی ارشد خود را دریافت نمودم. از سال ۱۳۸۰ به دروس خارج فقه و اصول مشغول شدم که همچنان نیز مشغول می باشم.

از سال ۱۳۸۳ دوره سه ساله تربیت محقق عرفان اسلامی در مؤسسه امام خمینی (ره) را شروع کردم که هم اکنون مشغول پایان نامه آن می باشم و محقق دائرهٔالمعارف علوم عقلی در مؤسسه امام خمینی (ره) می باشم. در سال ۱۳۸۵ در آزمون دکترای رشته مدرسی معارف اسلامی گرایش اخلاق در دانشگاه تهران پذیرفته شدم که اکنون پس از گذراندن دوره آموزشی مشغول به پایان نامه می باشم. در کنار تحصیل، به عنوان مبلغ از طرف نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه به دانشگاههای مختلف اعزام شده ام. همچنین در «دانشگاه تهران» و «دانشگاه تربیت معلم تهران» مشغول به تدریس دروس معارف می باشم.

نوروزی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد نوروزی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

جناب آقای محمد نوروزی در سال ۱۳۴۹ در شهر مقدس مشهد و در میان خانواده‌ای متدین و دوستدار خاندان پاک عصمت و طهارت «علیه‌السلام» به دنیا آمد، پدر او علی نام داشت. ایشان در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه مشهد گردید، مقدمات را از محضر «آقای ملکی» فرا گرفت. سپس دروس سطح را از محضر بزرگانی چون: «آیت الله رضازاده»، «آیت الله مهدی مروارید» و «فیاض صابری» به پایان رساند.

با پایان یافتن دوره سطح به درس خارج فقه حضرت «آیت الله مرتضوی» و خارج اصول «حضرت آیت الله فلسفی» راه یافت و از محضر علماء بهره‌ای فراوان برد، ایشان علاوه بر تدریس، به تدریس خود آموخته ای خویش پرداخت تا در این زمینه نیز دَین خویش را نسبت به علوم فرا گرفته ادا نماید. البته ایشان از امر پژوهش نیز غافل نبود و در این راستا نیز زحمات فراوانی کشیده است.

نوروزیان، ایرج

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اپیدمیولوژی و جراحی دام، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای دامپزشکی از دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹، اخذ مدرک MPRM در کنترل و پیشگیری از بیماریهای دامی از دانشگاه دیویس کالیفرنیا آمریکا در سال ۱۳۵۴.

مرتبه علمی:

استادیار گروه آموزشی علوم درمانگاهی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۴، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۰.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام ۳ طرح تحقیقاتی در زمینه‌های هوشبری و جراحی دامهای بزرگ و بیماریهای اندامهای حرکتی، اپیدمیولوژی و کنترل بیماریهای دامی، عضویت در مجامع بین‌المللی، راهنمائی، مشاوره ونظارت بر ۲۱۵ پایان‌نامه دکترای عمومی دامپزشکی و ۲ پایان‌نامه دکترای تخصصی جراحی و رادیولوژی دامپزشکی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

جراحی دامهای بزرگ، بیماریهای اندامهای حرکتی، اپیدمیولوژی و کنترل بیماریهای دامی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

هوشبری در دامهای بزرگ، جراحی دامهای بزرگ.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

نورهروی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۹۴۰ -۸۷۷، ق)، خطاط و شاعر. از مردم هرات و از ملازمان و کاتبان دستگاه امیرعلیشر نوایی و از شاگردان بنام سلطانعلی مشهدی بود و بسیار مورد توجه استاد خود. سلطان محمد با خواندمیر، صاحب «حبیب السیر»، ملاقات کرده و خواندمیر او را زبده‌ی اعیان شناخته و به حسن کردار و لطف گفتار ستوده است. او در کتابت بخصوص کتابت خفی استاد بوده و خط وی در نهایت ملاحت است. همچنین از اشعاری که سروده، معلوم است که در شاعری مرتبه‌ی متوسطی داشته است. بعضی او را «اظهر ثانی» لقب داده‌اند؛ زیرا که مزه‌ی خط اظهر و شیوه‌ی خط سلطانعلی مشهدی را به خوبی فراهم ساخته و با متانت و درستی آن را تکمیل کرده است. سطان محمد سفری به بخارا کرده و همان جا درگذشته است. از شاگردان وی در خط، خواجه ابراهیم و مولانا قاسم شادیشاه را ذکر کرده‌اند. از آثار او: یک نسخه «کلیله و دمنه»، به قلم نیم دو دانگ خوش، با رقم: «سلطان محمد بن نوراللّه»؛ یک نسخه «گلستان» سعدی، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «کتبه العبد سلطان محمد نور. سنه‌ی ۹۰۷»؛ یک نسخه‌ی «خمسه‌ی» نظامی، به قلم کتاب خوش، با رقم: «سلطان محمد نور سنه‌ی ۹۳۱»؛ سی قطعه از مرقع بهرام میرزای صفوی، به قلمهای سه دانگ تا غبار عالی و خوش، با تاریخهای ۹۳۵، ۹۳۴ و ۹۳۷ ق و بعضی رقمهای آنها: «عبده سلطان محمد بن نوراللّه» و «مشقه سلطان محمد نور، بمدینه هراه»؛ دو قطعه از مرقع سلطان مراد، به قلم کتابت و غبار خوش و رقمهای: «کتبه سلطان محمد نور» و «العبد الحقیر... سلطان محمد نور... سنه‌ی ۹۱۲» چندین اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۸۰ -۲۷۲ /۱)، اطلس خط (۴۷۳ -۴۷۱)، تاریخ ادبیات ایران (۱۷۲/۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۴۵)، تاریخ هنرهای ملی (۸۲۱ -۸۲۰ /۲)، حبیب السیر (۳۶۳ -۳۶۲ /۴)، خوشنویسان و هنرمندان (۳۷، ۳۵، ۹)، سرآمدان فرهنگ (۴۷۴/۱)، گلستان هنر (۸۶)، مجالس النفائس (۹۹)، مناقب هنروران (۱۱۴، ۶۵)، هنر عهد تیموریان (۷۴۳ -۷۴۲، ۶۴۱ -۶۴۰، ۵۸۶، ۵۸۰، ۳۱۳).

نوری اصفهانی، نورالدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۰ ق)، شاعر، متخلص به نوری. وی از منطقه اندلان اصفهان بود و در زمان شاه‌طهماسب می‌زیست. در قزوین نزد خواجه افضل‌الدین محمد ترکه و میر فخرالدین سماکی تعلیم دید. بسیار کم شعر می‌سرود. اما اشعارش خوش و زیبا بود.از آثارش: «دیوان» شعر. از اوست:

کی دیده‌ور از جمال ایمان گردم؟

از کرده‌ی بد کجا پشیمان گردم؟

خاکم ز کلیسیا و آبم ز شراب

کافرتر از آنم که مسلمان گردم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۰۳۹ -۱۰۳۳ / ۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۲۴ -۸۱۸ / ۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۶۰)، تذکره‌ی روز روشن (۸۵۴ -۸۵۲)، الذریعه (۸۷۳ / ۹)، عالم‌آرای عباسی (۱۸۶ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۷۳۵)، کشف الظنون (۸۰۶)، مجمع الخواص (۱۵۴ -۱۵۳)، نتایج الافکار (۷۲۲ -۷۲۱)، هفت اقلیم (۴۱۳ -۴۰۷ / ۲).

نوری طبرسی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۱ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، محدث، متکلم، مدرس و زاهد. از علمای مقیم نجف بود. در محضر شیخ مرتضی انصاری و میرزا حبیب‌اللّه رشتی و میرزای شیرازی تلمذ نمود. پس از رسیدن به مقامات علمی به بحث و تدریس فقه و اصول پرداخت. او در کاظمین درگذشت. پیکرش به نجف منتقل و در صحن شریف علوی به خاک سپرده شد. از آثار او: «کفایهٔ الموحدین»، در سه مجلد به فارسی که یک مجلد آن تحت نام «عصمهٔ الولایهٔ»، در مبحث امامت است، «وسیلهٔ المعاد فی شرح نجاهٔ العباد»؛ کتاب «اصول الفقه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۳۱۲/ ۳)، الذریعه (۸۴/ ۲۵ ،۱۰۰/ ۱۸ ،۲۷۵/ ۱۵ ،۲۰۳/ ۲)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۵۱/ ۱۴)، فوائد الرضویه (۴۴)، المآثر والآثار (۱۵۸)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۳۰۷/ ۳)، معجم‌المؤلفین (۲۶۰/ ۲)، میرزای شیرازی (۱۱۴).

نوری طبرسی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۳ -۱۲۰۱ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و شاعر. وی پدر میرزا حسین نوری، صاحب «مستدرک الوسائل» است. در نور مازندران به دنیا آمد و برخلاف پدرش که شغل دیوانی داشت، به تحصیل علم روی آورد و به اصفهان مهاجرت نمود. پس از فراگیری مقدمات علوم، در محضر عده‌ای از علما از جمله حکیم ملا علی نوری تلمذ نمود. سپس به عراق رفت و در محضر سید محمد مجاهد و دیگران به تکمیل معلومات خویش پرداخت. آنگاه به ایران بازگشت و به تحقیق و انجام امور دینی مبادرت نمود. او در سعادت‌آباد، از قرای نور درگذشت، پیکرش به نجف منتقل و در وادی‌السلام دفن گردید. از آثارش: «دلائل‌العباد»، در شرح «الارشاد»؛ «المدارج»، در اصول فقه، در دو مجلد؛ «کشف‌الحقائق»؛ «هدایهٔ الانام»، در دو مجلد؛ «مخزن الصلاهٔ»؛ «النارجیلهٔ»؛ «کشف الاوهام»؛ رساله‌ای در «اشتقاق»، به فارسی؛ رساله‌ای در «امامت»؛ رساله‌ی «الصومیهٔ»؛ رساله‌ی «الرضاعیهٔ»؛ منظومه‌ی «تهذیب المنطق»؛ «ماتمکده»، در مقتل، به فارسی، منظوم و منثور؛ «تشویق العارفین»، در مواعظ، منظوم به فارسی؛ مجموعه‌ی قصائد در مدح ائمه (ع)؛ مجموعه‌ی قصائد در مراثی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۱۹۸/ ۹)، الذریعه (۱۷۴/ ۲۵ ،۲۳۶ ،۲۲۶/ ۲۰ ،۱۶/ ۱۹ ،۲۹ ،۲۲/ ۱۸ ،۲۰۵ ،۱۹۰/ ۱۱ ،۲۵۱/ ۸ ،۱۹۲/ ۲)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۲۲۴ -۲۲۲/ ۱۳)، فوائد الرضویه (۴۳۶ -۴۳۵)، معجم‌المؤلفین (۱۳۲/ ۹).

نوری فرد، نورعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نورعلی نوری فرد

محل تولد : روستای طرزم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب نور علی نوری فر فرزند لطف الله در سال ۱۳۱۱ در یکی از روستاهای اهر متولد شدم. سال ۱۳۲۸ وارد حوزه تبریز شده ام و از شهریور ۳۳ وارد حوزه علمیه قم شده و شروع به ادامه تحصیل نموده ام و هم اکنون نیز در حال تالیفات کتاب هستم و در همه مواردی که موسسه علوم آل محمد در زمینه های مختلف داشته است؛ فعالیت موثر داشته ام.

نوری قنبلانی، قدیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حشره‌شناسی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: اردبیل

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

نوری قنبلانی، قدیر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر قـدیر نوری قنبلانی متولد ۱۳۲۷ اردبیل است. ایشان پس از اخذ مدرک کارشناسـی کشاورزی و گذراندن دوره سـربازی، در خرداد ماه سال ۱۳۵۲ برای ادامه تحصـیل با استفاده از بورس تحصیلی به آمریکا اعزام شد. در اسفند سال ۱۳۵۳ موفق به اتمام دوره کارشناسی ارشد و در خرداد ۱۳۵۶ موفق به اخذ مدرک دکترا با درجه عالی از کشور آمریکا شد. وی هم اکنون عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی گروه گیاه پزشکی دانشگاه محقق اردبیلی با درجه استادی می‌باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیگرایش : حشـره شناسـیوالدین و انساب : پدر و مادر قدیر نوری قنبلانی از خانواده حاج نوری است که انساب آنها تا جایی که شجره تاریخی نشان می‌دهد از حدود ۸ نسل پیش و از دوران صـفویه در اردبیل ساکن بودند. این خانواده به شـغل ساربانی و حمل کالا با شتر در بین شـهرهای کشور مشـغول بودنـد، ولی به تدریـج که اتومبیـل جـای شتر را در حمـل بار گرفته، افراد این خانواده به تدریـج شـغل ساربـانی را رها کرده و با خریـد زمین‌های زراعی در اطراف شـهر اردبیل به شـغل کشاورزی و دامپروری مشـغول شده‌انـد. به همین دلیـل پـدر و مـادر وی (قـدیر) به شـغل شـریف کشاورزی و دامپروری مشـغول بودنـد. قـدیر نوری قنبلانی نیز سه برادر و دو خواهر دارد.خـاطرات کودکی : «دوران کودرکی و نوجوانی من مثل اکثر هم سن و سالان دوران سـختی بود. در آن زمان هنوز محرومیت شدیدی بر جامعه و مخصوصاً در شهر ما حاکم بود. از آب لوله‌کشی و برق در شهر خبری نبود. تنها یک موتورخانه در شهر اردبیل برای تولیـد برق وجود داشت که احتمالاً ـ برق مورد نیـاز ادارات و خانه‌های اشـراف و اعیان شـهر را تامین می‌کرد. من شـبها در نور چراغ فـتیله‌ای درس می‌خوانـدم. در منزل مـا از رادیـو و تلویزیـون خـبری نبـود.حتی زمـانی که به دبیرسـتان می‌رفتم فقـط در مسیر مـدرسه‌ام از روی کنجکـاوی هر روز تیـتر روزنامه‌هـای کیهـان و اطلاعـات را که تنهـا روزنـامه فروش شـهر در پشت ویـترین خـود می‌گذاشت مطالعه می‌کردم ... خانواده ما با خانواده پدر بزرگم در خانه مشترکی که حیاط نسبتاً بزرگی داشت زندگی می‌کردند. یـک اتاق و یک مطبـخ در اختیار ما بود که وضع چنـدان مناسبی نـداشت، ولی پـدر و مادر بنـده با همـدیگر رابطه بسیار صـمیمی داشـتند و در تمامی امور زندگی مادرم یار و همکار پدرم بود پدر و مادرم فقط در حد قرآن خواندن سواد داشتند. از قرار معلوم بنا به فتوای یکی از علمـای شـهر برای افراد هم سن و سـال پـدر و مـادر من مـدرسه رفتن حرام بود. لـذا شایـد ۹۹ درصد افراد همسـن والـدین بنـده در اردبیـل بیسواد بودنـد و ایـن موضـوعی بـود کـه در تمـامی دوران زنـدگی اینجـانب بـاعث رنجش خـاطر من می‌شـد.»تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : قـدیر نوری قنبلانی دوره دبسـتان را در مـدرسه امیر نظام اردبیل به پایان برد. «در آن زمان امتحانـات آخر سـال دبسـتان یکجـا و به صورت آزمون نهـایی برگزار می‌شـد.در آن سال‌ها در کل اردبیل ۶ دبسـتان پسرانه و یک دبسـتان دخترانه وجود داشت که همه با هم امتحان نهایی را دادیم و من شاگرد اول دبسـتان شدم.» وی دوره متوسطه رادر دبیرستان شـاه عباس اردبیل به اتمام رسانـد. در سال ۱۳۴۶ بلافاصـله پس از اخذ مدرک دیپلم علوم تجربی در دانشـکده کشاورزی دانشگاه تبریز پـذیرفته شـده و در سال ۱۳۵۰ بـا کسب رتبه شاگرد اولی از دانشـکده فوق فارغ التحصـیل شـد. ایشان پس از گذرانـدن دوره سربازی، در خرداد ماه سال ۱۳۵۲ برای ادامه تحصیل با استفاده از بورس تحصیلی به آمریکا اعزام شد. در اسفند سال ۱۳۵۳ موفق به اتمام دوره کارشناسـی ارشـد و در خرداد ۱۳۵۶ موفق به اخـذ مـدرک دکترا بـا درجه عالی از کشور آمریکا شـد. خاطرات و وقایع تحصـیل : قـدیر نوری قنبلانی از دوران تحصـیل خود چنین خاطره‌ای بیاد دارد: «وقتی در مهر ماه سال ۱۳۴۰ در دبیرستان شاه عباس ثبت نام کرده و مشـغول به تحصیل شدم، فاصـله دبیرستان از منزل ما خیلی زیاد بود و حداقل نیم ساعت با پای پیاده طول می‌کشید که به مدرسه بروم. از قرار معلوم چون من در دوره دبیرسـتان شاگرد اول کل شـهر شده بودم لذا من را هم به مراسم جشن مهرگان، که در آن سال برگزار می‌شده و از شاگرد اول‌ها، بزرگان علم و هنر و غیره تجلیل می‌شد، دعوت کرده بودند. ولی من بی‌خبر بودم و در همـان روز جشن، بعـد از ظهر مـدیر دبیرسـتان به من گفت که بایـد پس از اتمام درس به آن مراسم بروم. البته آن موقع تلفنی نداشتیم تا بتوانیم به خانواده خبر بدهیم و من هم تا آن زمان در چنین مراسمی شرکت نکرده بودم و فکر می‌کردم نهایتاً بیشتر از نیم سـاعت طول نخواهـد کشید. خلاصه من به مـدرسه رفتم و در آنجا به من یک خودنویس لامی جایزه دادنـد ولی جشن خیلی طول کشید تا به اتمام برسد. ساعت ۸ بعـد از ظهر شده بود. بعد از پایان جشن من دوان دوان خود را به منزل رساندم ولی پدر و مادرم و افراد فامیل که به شدت از تاخیر من نگران شده بودند و تمامی کوچه‌ها را به دنبال من گشته بودند حرف‌های مرا باور نکردند و مرا به فلک بسـتند و آنقدر مرا کتک زدند که فردا نتونسـتم به مدرسه بروم و این تنها روزی بود که در کل دوران تحصیلم نتوانستم در کلاس درس حاضـر شوم.فعالیتهای ضـمن تحصیل : قدیر نوری قنبلانی در دوران متوسطه مسئولیت انجمن علمی را بر عهده داشت. «هر سـال در روز معینی مردم به مـدرسه می‌آمدنـد و من چشم یک گوسـفند، قسـمت‌های مختلف بـدن بک مرغ و یا یک ماهی را برایشان تشـریح می کردم. به خاطر دارم که آن روز به خصوص در هر سال برایم خیلی مهم بود، چون من روپوش سفید می‌پوشیدم و بـا احسـاس بسـیار خوبی در مقابـل بازدیدکننـدگان عمـل تشـریح را انجام می‌دادم.» ایشان در دوره دکترا نیز از طریق انتخابات به مـدت دو سال به عنوان رئیس انجمن علمی حشـره شناسـی دانشـگاه آیـداهو انتخاب شـد و فعالیت های علمی فراوانی در این مدت انجام داد.اسـتادان و مربیان : دکتر زهسازیان (اسـتاد بیماریهای گیاهی)، آقای دکتر رزاق رزاقی (اسـتاد رشته حشره شناسی دانشگاه تبریز)– پروفسور اوکیفی، مرحوم پروفسور آکر، پروفسور بار، پروفسور پشو (دانشـگاه ایالتی واشینگتن) و پروفسور مولباره (دانشگاه ایـالتی واشـینگتن آمریکـا) از اساتیـد قـدیر نوری قنبلانـی در ایران و آمریکا بوده‌انـد.هم دوره ای ها و همکاران : دکتر نژاد دهقان، آقایـان جیمز فیشـر، دکـتر دین جـانسون از هم‌دوره‌ای‌هـای دوران تحصـیل دکـتر نوری قنبلانـی در ایران و آمریکـا بودنـد. از سـایر همکاران و هم‌دوره‌ای‌های وی می توان به دکتر کریم کمالی (اسـتاد دانشـگاه تربیت مـدرس)، دکتر عزیز خرازی (اسـتاد دانشـکده کشاورزی دانشـگاه تهران)، دکتر رحیم عبادی و دکتر علی آهومنش (اساتید محترم دانشـگاه صـنعتی اصـفهان)، دکتر سعید مصدق

(استاد دانشگاه شهید چمران اهواز) و دکتر مصطفی ولیزاده، دکتر عزیز جوانشیر، دکتر حسین سیفلو و دکتر حسین‌پور فیض (اساتید محترم دانشگاه تبریز)، دکتر جواد فرهودی و دکتر رضوی روحانی (اساتید محترم دانشگاه ارومیه) و همچنین دکتر مصطفی معین، دکتر موسی کلانتری و دکتر محمدرضا عارف اشاره کرد.همسر و فرزندان : قدیر نوری قنبلانی در سال ۱۳۶۰ در سن ۳۳ سالگی با سرکار خانم نارملا علیمرادی ازدواج کرد. ماحصل این ازدواج دو فرزند بنامهای علیرضا (متولد ۱۳۶۱ دارای مدرک کارشناسی ارشد زراعت و در موسسه آموزش عالی سبلان مشغول به کار است) و نادیا (متولد ۱۳۶۶ و دانشجوی رشته ادبیات فارسی و متاهل) می‌باشد.وقایع میانسالی : قدیر نوری قنبلانی پس از احراز مدرک دکتری در رشته حشره شناسی به عضویت هیئت علمی گروه گیاه پزشکی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه محققی اردبیل در آمد. وی هم اکنون با سمت استاد در آنجا در حال خدمت است. وی همچنین مشاغلی چون رئیس سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی استان اردبیل از سال ۱۳۸۰ و مشاور کشاورزی استاندار محترم استان اردبیل را در کارنامه فعالیت اجرایی خود دارد. از وقایع تلخ وی می‌توان به از دست دادن برادر کوچکترش بنام کمال در یک سانحه تصادف در سال ۱۳۶۱ و فوت پدرش در سال ۱۳۸۳ اشاره کرد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : قدیر نوری قنبلانی عضو هیئت علمی و استاد گروه گیاه پزشکی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه محقق اردبیلی است. از مشاغل دیگر ایشان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: – رئیس دانشکده کشاورزی اردبیل از تاریخ ۸/۱/۱۳۵۸ تا ۲۰/۳/۱۳۶۵ – رئیس مجتمع آموزشی عالی اردبیل از تاریخ ۲۰/۳/۱۳۶۵ تا ۱۸/۱۰/۱۳۷۰ – رئیس دانشگاه محقق اردبیلی از ۱۸/۱۰/۱۳۷۰ تا ۲۰/۱۰/۱۳۷۲ – رئیس دانشکده کشاورزی اردبیل از تاریخ ۲۰/۵/۱۳۷۷ تا ۱۹/۹/۱۳۸۳ – مدیر گروه گیاه پزشکی از ۸/۸/۱۳۸۴ تا کنون – عضو هیئت امنای دانشگاه محقق اردبیلی از ۲/۲/۱۳۸۴ تا کنون – عضو شورای دانشگاه محقق اردبیلی از ۱۰/۷/۱۳۸۴ تا کنون – عضو شورای نظارت و ارزیابی دانشگاه محقق اردبیلی از ۱۰/۶/۱۳۸۴ تا کنون – عضو کمیته اجرایی دانشگاه محقق اردبیلی از سال ۱۳۸۵ تا کنون – رئیس سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی استان اردبیل از سال ۱۳۸۱ تا کنون – مشاور کشاورزی استاندار محترم اردبیل – عضو شورای فضای سبز استان اردبیل – عضو شورای حل اختلاف شهرستان اردبیل – عضو انجمن حشره شناسی ایران – عضو وابسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران– گروه کشاورزی شاخه گیاه پزشکی، از سال ۱۳۸۵ تا کنون – عضو هیئت تحریریه مجله‌های: دانش کشاورزی، خانه انجمن حشره شناسی ایران، پژوهشنامه علوم کشاورزی دانشگاه گیلان، علم و فناوری دانشگاه محقق اردبیلی فعالیتهای آموزشی : سابقه تدریس در دانشگاههای مختلف کشور: – تدریس در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته گیاه پزشکی دانشگاه محقق اردبیلی از اسفند ماه سال ۱۳۶۷ تا کنون – تدریس در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری حشره شناسی دانشگاه تربیت مدرس از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۰ – تدریس در دوره های کارشناسی ارشد حشره شناسی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران و دانشگاه تربیت مدرس (اکولوژی و مقاومت گیاهان به حشرات) – تدریس در دوره های دکترای حشره شناسی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران، دانشگاه تربیت مدرس و تبریز از سال ۱۳۶۹ تا کنون (دینامیسم جمعیت حشرات، رفتار شناسی حشرات و ارزیابی خسارت آفات) – عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز از شهریور ماه سال ۱۳۵۶ تا اسفند ماه سال ۱۳۶۷ مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : – یکی از بانیان دانشگاه محقق اردبیلی – موسس سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی استان اردبیل – یکی از بنیان گزاران موسسه آموزش عالی غیر انتفاعی سبلان اردبیل در سال ۱۳۸۳سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر قدیر نوری قنبلانی در کنار فعالیت‌های روزمره و تدریس، به مطالعه و تهیه مطالب درسی، مطالعه پایان نامه های دانشجویی و مطالعه کتب تاریخی و ادبی می‌پردازد. «به موسیقی اصیل علاقه وافری دارم و در فرصت‌های مناسب به آنها گوش فرا می‌دهم. علاقه زیادی به طبیعت و حیات وحش دارم و به دلیل سنخیت رشته تحصیلیم در ایام بهار و تابستان ساعات زیادی از فراغتم را در طبیعت و به همراه دانشجویانم به مطالعه و بررسی حیات وحش می‌پردازم.»شاگردان : دکتر قنبلانی تا کنون استاد راهنمای تعداد قابل توجهی از دانشجویان در مقطع کارشناسی ارشد بوده‌اند. وی هم اکنون استاد راهنمای بیش از ۱۷ رساله دکترا در دانشگاههای تربیت مدرس، تهران، علوم تحقیقات و تبریز بوده است.همفکران فرد : دکتر کریم کمالی (دانشگاه تربیت مدرس)، دکتر ضیاء بنی هاشمی، دکتر کرامت الله ایزدپناه، دکتر مفتون و دکتر سفید بخت (دانشگاه شیراز)، دکتر عزیز جوانشیر، دکتر مقدم و دکتر مصطفی ولیزاده (تبریز) از همفکری نزدیکی در زمینه‌های مختلف علمی با دکتر قدیر نوری قنبلانی برخوردارند.جوائز و نشانها : – لوح تقدیر از ریاست محترم جمهور به عنوان استاد نمونه کشوری در سال ۱۳۸۳ – لوح تقدیر از وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در سال ۱۳۷۳ به خاطر انتخاب کتاب «کشت بافت‌های گیاهی» به عنوان کتاب برگزیده سال دانشگاه تهران – لوح تقدیر از وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در سال ۱۳۸۱ به خاطر انتخاب کتاب «اکولوژی حشرات» به عنوان کتاب برگزیده سال دانشگاه تهران – چندین لوح تقدیر از روسای محترم دانشگاه تبریز با عناوین پژوهشگر نمونه، مدیر نمونه، استاد نمونه و ... – لوح تقدیر از ریاست محترم دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۸۲ به عنوان استاد مدعو نمونه – لوح تقدیر از استاندار محترم اردبیل در سال ۱۳۸۳ به عنوان مشاور علمی استاندار – چندین لوح تقدیر از روسای محترم دانشگاه محقق اردبیلی با عناوین پژوهشگر نمونه، مدیر نمونه، استاد نمونه و ...چگونگی عرضه آثار : از قدیر نوری قنبلانی تا کنون بیش از ۳۲ مقاله در زمینه تخصصی‌اش منتشر شده است. همچنین وی در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق و پژوهش در زمینه رشته تخصصی خود پرداخته است که به دو دسته خاتمه یافته و در دست اجرا تقسیم می‌شود: الف– خاتمه یافته: ۱– بررسی نوسانات جمعیت سوسک کلرادوی سیب زمینی در اردبیل ۲– بررسی تکمیلی روی سوسک کلرادو در منطقه اردبیل ۳– بررسی روشهای حفظ و ذخیره رطوبت خاک ۴– بررسی و مطالعه پوشش گیاهی استان اردبیل ۵– وضع موجود و برنامه ریزی بخش زراعت و باغبانی استان اردبیل ۶–جمع‌آوری و شناسایی ملخهای استان اردبیل ۷– شناسایی و بررسی تنوع زیستی مهره داران استان اردبیل ۸– مطالعه ایمنولوژیک و حفظ تعادل آبهای داخلی استان اردبیل ۹– بررسی مقاومت سوسک کلرادوی سیب زمینی به چهار گروه حشره کشها ۱۰– ارزیابی مقاومت گونه‌های وحشی سیب زمینی به سوسک کلرادو ب– در دست اجرا: ۱– مطالعه روش پرورش مصنوعی سوسک کلرادوی سیب زمینی ۲– شناسایی شته‌های ناقل بیماری‌های ویروسی سیب زمینی از دیگر فعالیت‌های پژوهشی ایشان می توان به موارد زیر اشاره کرد: – تعداد مقالات چاپ شده در مجلات معتبر علمی– پژوهشی خارجی و داخلی: ۳۲ مورد – خلاصه

مقالات ارائه شده در کنفرانسهای داخلی و خارجی: ۳۸ مورد – استاد راهنمای بیش از ۱۷ پایان نامه دکتری آثار : ارزیابی خسارت آفات ویژگی اثر : ۱۳۷۴– انتشارات دانشگاه محقق اردبیلی– در مورد چگونگی برآورد خسارات حشرات آفت،علف های هرز و عوامل بیماری های گیاهی در زبان فارسی کتابی چاپ و منتشر نشده است. نظر به اینکه برآورد میزان خسارت آفات برای بررسی توجیه اقتصادی مبارزه با آفتاب در تفکر کنترل تلفیقی آفات ipm اهمیت اساسی دارد و همچنین برای طراحان و برنامه ریزان بخش کشاورزی و بخش اقتصادی کشور مورد نیاز می باشد، لذا مطالب این کتاب که حاوی یک روش برآورد اقتصادی برای هر یک از ۱۴۰ آفت، بیماری و علف هرز مهم جهان می باشد بسیار مورد استقبال دانشجویان ، پژوهشگران و بخش اجرایی قرار گرفت. ضمناً به عنوان منبع اصلی در تدریس درسی با همین در دوره دکترای حشره شناسی مورد استفاده قرار دارد.۲ اکولوژی جمعیت حشرات ویژگی اثر : ۱۳۷۳– انتشارات دانشگاه تهران– این کتاب نخستین کتابی بود که در زمینه اکولوژی جمعیت حشرات به زبان فارسی چاپ می شد. در این کتاب نظریه های مختلف مرتبط با تغییرات جمعیت حشرات به ویژه طغیان ها و افول های جمعیت های و معادلات ریاضی مرتبط با آن مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. از همان ابتدای چاپ این کتاب، به عنوان کتاب درسی در دوره کارشناسی ارشد رشته حشره شناسی تدریس شده است.۳ اکولوژی حشرات ویژگی اثر : ۱۳۸۰– انتشارات دانشگاه محقق اردبیلی– این کتاب توسط پروفسور Price در آمریکا در سال ۱۹۹۸ چاپ شده است. دکتر قنبلانی این کتاب را در طی مدت شش سال با تلاش شبانه روزی ترجمه کرده است که دارای ۱۳۵۴ صفحه در دو جلد منتشر شده است. این کتاب در سال ۱۳۸۱ به عنوان کتاب سال دانشگاه تهران برگزیده شده است.۴ تجربیاتی در کشت بافتهای گیاهی ویژگی اثر : ۱۳۷۲– انتشارات دانشگاه تبریز– دکتر قنبلانی درباره این کتاب چنین می گوید: «در سال ۱۳۶۷ به مدت ۹ ماه برای گذراندن فرصت مطالعاتی همراه با خانواده به دانشگاه آی داهو در آمریکا رفتم. قرار بود در پروژه ای در مورد انتقال ژن مقاومت به سوسک کلرادوی سیب زمینی از یک گونه سیب زمینی وحشی به سیب زمینی اهلی من هم با فردی که روی این موضوع کار می کرد همکاری نمایم. به زودی متوجه شدم که لازمه شرکت فعال در این پروژه داشتن اطلاعات علمی با سطح بالا در زمینه کشت بافت های گیاهی است. لذا در حالی که خودم چندین درس را به عنوان استاد مدعو در آمریکا تدریس می کردم با ثبت نام در چندین کلاس کشت بافت های گیاهی و شرکت فعال در این کلاسها دوره تخصص «کشت بافتهای گیاهی» را گذراندم و پس از مراجعت به ایران اولین کتاب را در این زمینه تحت همان عنوان تدوین کردم.»۵ سوسک کلرادوی سیب زمینی ویژگی اثر : ۱۳۶۵– انتشارات دانشگاه تبریز– سوسک کلرادوی سیب زمینی تا سال ۱۳۶۳ به عنوان یک آفت قرنطینه ای در کشور ما محسوب می شد. ولی متاسفانه در آن سال برای نخستین بار در بعضی از مزارع سیب زمینی دشت اردبیل مشاهده گردید. لارو و حشره کامل این آفت از شاخ و برگ سیب زمینی تغذیه کرده و در صورت عدم کنترل آفت و بالا بردن جمعیت آفت، محصول سیب زمینی به کلی منهدم می شود. چون در آن سال ها هیچگونه اطلاعاتی در مورد این آفت به زبان فارسی وجود نداشت، لذا اینجانب با مرور بیش از ۲۰۰ مقاله علمی در مورد این آفت و با مخلوط کردن تحقیقات دو ساله خودم کتابی در این زمینه تالیف و چاپ نمودم که به شدت مورد توجه، استقبال و استفاده دانشجویان گیاه پزشکی، بخش اجرایی و زارعین قرار گرفت.۶ مقاومت گیاهان به حشرات ویژگی اثر : ۱۳۷۴– انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد– نظر به اینکه استفاده از ارقام گیاه برای کنترل حشرات آفت جزو سالمترین، موثرترین و کم هزینه ترین روش های مبارزه با آفت می باشد که از دهه ۱۹۳۰ در دنیا و بویژه در آمریکا رایج شده است و از طرف دیگر این موضوع که تخصص اصلی دکتر قدیر نوری قنبلانی می باشد تا دهه ۱۳۷۰ در ایران کاملاً مورد بی توجهی قرار گرفته بود، لذا وی با تدوین و انتشار کتابی در همین زمینه و تدریس مطالب این کتاب در دوره های تحصیلات تکمیلی دانشگاههای تهران و تربیت مدرس انگیزه لازم را در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته حشره شناسی و سایر پژوهشگران برای انجام تحقیق در این زمینه ایجاد نموده و ده ها پروژه کارشناسی ارشد و دکترا را در این گرایش هدایت می کردند. منابع زندگینامه /http://iranologyfo.com:

نوری مازندرانی، فضل‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۵ ق)، عالم دینی و فقیه. معروف به علامه‌ی مازندرانی. اصل وی از نور مازندران است. در کربلا مجاور گشت و بدین سبب به حایری مشهور شد. صاحب «ریحانهٔالادب» مراتب علم و فضل و اجتهاد او را ستوده و تصنیفاتش را حاکی از بلندی مقام علمی وی دانسته است. او در کربلا درگذشت. از آثارش کتاب «فضیلهٔ العباد لذخیرهٔ المعاد» است که در «ریحانهٔالادب» به صورت «فضیلهٔ العباد و ذخیرهٔ المعاد» آمده است. از دیگر آثارش: «الطهارهٔ»؛ «الوجیزهٔ»، رساله‌ای در «مناسک الحج»، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۶۰/ ۵)، الذریعه (۲۷۰/ ۲۲ ،۵۱/ ۲۵)، ریحانه (۲۶۴/ ۶)، لغت‌نامه (ذیل/ نوری حایری)، معجم‌المؤلفین (۷۶/– ۷۷/ ۸).

نوری مازندرانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۵ ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و مدرس. وی بعد از تحصیل مقدمات راهی عتبات شد. در نجف از محضر حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی و میرزا حسین خلیلی استفاده نمود. آنگاه خود به تدریس و بحث و امامت جماعت پرداخت. وی سپس به سامرا رفت و از درس میرزای شیرازی بهره‌مند گشت. آنگاه به ایران آمد و در نور مازندران سکنی گزید و در همان جا در منطقه تلیک‌سر مازندران مدرسه‌ی علمیه بنا کرد. در اواخر عمر به تهران آمد و سرانجام نیز در تهران درگذشت و در شهر ری در صحن حضرت عبدالعظیم (ع)، در مقبره‌ی ملا عبدالرسول فیروزکوهی، به خاک سپرده شد. از آثار علمی او: رساله‌ی «التعادل والتراجیح»؛ رساله‌ی «لباس المصلی»؛ «اجتماع الامر والنهی»؛ «الاستصحاب»؛ «الاوامر والنواهی»؛ «شکوک الصلاة»؛ رساله‌ی «القسمة».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۲۷/ ۱۰)، الذریعه (۲۸۶/ ۲۵، ۲۹۵/ ۱۸، ۸۱/ ۱۷، ۲۱۷/ ۱۴، ۱۸۳/ ۱۱، ۲۰۴/ ۴، ۴۷۰، ۲۵/ ۲، ۲۶۹ - ۲۶۸/ ۱)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۳۰۴ -۱۳۰۳/ ۳)، معجم‌المؤلفین (۶۲/ ۱۱)، میرزای شیرازی (۱۹۲).

نوری نائینی، محمدسعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اقتصاد کشاورزی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد کشاورزی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴ و دکترای اقتصاد کشاورزی از دانشگاه کرنل آمریکا در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

استادیار و دانشیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۶۲.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

قیمت و تولید بهینه برای نفت خام اوپک، لزوم و اماکن خودکفائی در غلات، اقتصاد گندم در ایران، اقتصاد تولید شکر در ایران، بررسی اقتصادی صنایع نساجی در ایران، تدریس دروس اقتصاد کشاورزی، برنامه‌ریزی خطی ارزشیابی پروژه، حسابهای ملی، ارزشیابی طرحهای اقتصادی، اقتصاد کشاورزی و اقتصاد ایران در دانشگاههای تهران، شهید بهشتی و تربیت مدرس.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

کارآئی کشاورزی دهقانی ایران، مدیریت و ارزشیابی پروژه، گذر از کشاورزی سنتی، استراتژیهای رشد و تعدیل در کشورهای نو صنعتی آسیای جنوب شرقی، اصلاحات اقتصادی اروپای شرقی، اندیشه‌های اقتصادی در اسلام.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

عوامل محدودکننده کشاورزی ایران، پژوهش عاملی اساسی در توسعه و خودکفائی، نقش تحقیق در توسعه کشاورزی، جمعیت و نیازهای آینده، تحلیل اقتصادی کاربرد تراکتور در کشاورزی استان خراسان، مقایسه استراتژیهای توسعه در جهان و ایران.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نوری هروی، ملانوری

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق) شاعر. از نوادگان مولانا حسن شاه یا حسین شاه هروی بود. وی با امیر علیشیر نوایی (۹۰۶ -۸۴۴ ق)، صاحب «مجالس النفائس»، معاصر بوده است. نوری طبع خوبی داشت و اشعاری از او در تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۸۵۲)، الذریعه (۱۲۳۵/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۵۸)، مجالس‌النفائس (۱۶۴)، هفت اقلیم (۱۶۱ - ۱۶۰/ ۲).

نوری همدانی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه

حضرت آیت ا ...العظمی نوری همدانی دامت برکاته:

ولادت :

ایشان در سال ۱۳۰۴ شمسی در یک خانواده مذهبی در شهر همدان دیده به جهان گشودند . پدر ایشان مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ ابراهیم نوری همدانی از علمای وارسته همدان ، معاصر با حضرت آیت ا ...العظمی آخوند ملاعلی همدانی و هم حجره ایشان بود . تحصیلات :

معظم له در سن هفت سالگی آموختن را آغاز نموده ، ادبیات فارسی ، گلستان سعدی ، انشاء ، ترسل نصاب و ... تا معالم الاصول را پیش والد مکرم خویش فرا گرفتند . سپس در سال ۱۳۲۱ شمسی وارد مدرسه مرحوم آخوند همدانی شده و حدود یک سال و نیم در آنجا به فراگیری علوم پرداختند . ولی اشتیاق و عطش ایشان به آموختن و استعداد مثال زدنی فراگیری در وجود معظم له ، وادارشان ساخت تا بعد از اقامت مدت کوتاهی در همدان ، به شهر مقدس قم عزیمت نموده و در آشیانه اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) اقامت افکنده ، با به جان خریدن همه مشقتهای جان فرسای آن روز ، به بهره گیری از دروس اساتید برجسته حوزه علمیه قم بپردازند . اساتید :

همانگونه که بیان شد ایشان دروس ابتدایی را در خدمت پدر بزرگوارشان آموخته ،سپس در محضر بزرگان حوزه علمیه همدان به ویژه مرحوم آیت ا ...العظمی آخوند ملاعلی همدانی زانوی شاگردی زدند. بعد از ورود به حوزه علمیه قم ، بیشترین استفاده علمی را از خدمت آیات عظام : داماد ،حجت کوهکمره ای ،علامه طباطبایی ، بروجردی و حضرت امام خمینی (علیهم الرحمه) داشته اند که این قسمت را از زبان خود حضرت آیت ا ...العظمی نوری همدانی می خوانیم : یکی دیگر از اساتید مهم ما مرحوم آیت الله العظمی سید محمد داماد می باشد که حدود ۱۲ سال در درس فقه و اصول معظم له شرکت نمودم . چند نفر بودیم در حوزه که به شاگردان داماد معروف بودیم . ایشان مرد بسیار دقیقی بود و دقت نظر ایشان انصافاً خیلی خوب بود . در تربیت شاگرد و عنایت به شاگرد هم ممتاز بود . نوشته هایی از درس آن مرحوم را بنده دارم . من درسهای ایشان را می نوشتم و بعداً خدمت ایشان میدادم . مطالعه می کردند و با دقت در حاشیه اش چیزهایی می نوشتند که اکنون وقتی نگاه میکنم برای من یک یادگار آموزنده و مهمی است . در تواضع ، اخلاص و ساده زیستی کم نظیر بود . این را فراموش نمی کنم یک روز درس میگفتند ، در مسئله وضو به اینجا رسیدند که در موقع گرفتن وضو بایـد انسان خودش آب بریزد و خودش وضو بگیرد و کسی کمک نکند . البته کمک هم مراتب دارد . بعضی مراتبش باطل میکند و بعضی مراتبش مکروه است . روایتی خواندند از « وسائل» که حضرت امام رضا (ع) زمانی که به مجلس مأمون وارد شدند و مأمون در حال وضو گرفتن بود ، بدین نحو که یک نفر آب میریخت در مشت او و او وضو میگرفت. حضرت امام رضا (ع) به مأمون فرمودند : «لا تشرک بالله یا امیرالمؤمنین » . این کلمه را که ایشان خواندند، که حضرت رضا به مأمون ، امیر المؤمنین گفته باشد. در اثنای بحث این کلمه (امیرالمؤمنین) ایشان را منقلب کرد به طوری که به شدت گریه کرد و نتوانست آنروز درس بگوید . متأسف شد که وضع طوری باشد که امام رضا (ع) به مأمون بگوید امیر المؤمنین ! اخلاصش را دارم ، میگویم که آنروز با گریه اش همه را منقلب کرد و نتوانست درس بگوید . عبایش را بر سرش گرفت و جلسه را ترک کرد . از جمله کسانی که باز پیش آنها درس خواندم آیت الله آقای علامه طباطبایی بود که پنج سال بنده به درس اسفار ایشان رفتم . البته عظمت و بزرگواری آیت الله علامه طباطبایی از لحاظ اخلاق ، کمال و معلومات و تربیت شاگرد ، معلوم است و نیاز به توضیح ندارد . یکی دیگر از اساتید بزرگ ما حضرت آیت الله العظمی آقای سید محمد حجت کوهکمری بود . من در درس ایشان مدتی شرکت می کردم . درس معظم له ، در آن زمان در قم ممتاز بود . استادی بسیار بزرگ و خیلی خوش بیان بودند . در درس گفتن سلیقه خوبی داشتند . مطالب را دسته بندی می کردند . دسته بندی مطالب بگونه ای بود که نوشتنش خیلی را حت بود . روش آن مرحوم باید برای ما درس باشد که مطالب را تنظیم کنیم . مثلاً- بیع فضولی که می گفت ، در بیع فضولی چند تا مبناست : مبنای مرحوم شیخ انصاری ، مبنای مرحوم آخوند خراسانی که از حاشیه آخوند بر مکاسب استفاده می شود ــ مبنای مرحوم سید محمد کاظم یزدی ، مبنای مرحوم شیخ محمد حسین کمپانی اصفهانی و مبنای خودش ، پنج شش تا مبنا بود.از اول بیع فضولی تا آخر ، هر روز مطلب هرکس را روی مبنای خودش ، بطوری تنظیم می کرد که انسان از این بیان و دسته بندی تعجب می کرد . درس را به این ترتیب می گفت و مقتضای مبنای هر کس را در مسأله ، بیان می کرد ، یا در صحت و نفوذ بیع فضولی و در بحث اجازه مثلا در نقل و اقسام کشف و ... تقسیم بندی بسیار جالبی داشت . نکته دیگری که در رابطه با ایشان بنظرم رسید ، آن است که روزی که در آستانه احتضار قرار گرفته بود رفتم منزل ایشان ، نزدیک مدرسه حجتیه . من توی حیاط بودم و اشخاص دیگری هم بودند . همه ناراحت و متأثر بودیم . یک نفر آمد و گفت : برای ایشان ، مقداری تربت سید الشهدا (ع) آوردند ، تربت را با آب قاطی کردند . تا ایشان بخورند . ایشان هم برداشت و نزدیک لبش آورد و گفت : (آخر زادی من الدنیا تربة الحسین).و آنگاه نوشید و اشهد ان لا ـ اله الا ـ الله را گفت و روبه قبله ، به جوار حق پیوست . یکی دیگر از اساتید بنده حضرت آیت الله العضمی بروجردی بودند ، بنده از روزی که ایشان به قم تشریف آوردند تا روزی که از دنیا رحلت کردند ، یعنی : در حدود ۱۵ سال در تمام درسهای ایشان افتخار شرکت کردن راد اشتم و مقدار زیادی از درسهای فقه و اصول آن استاد بزرگ (اعلی الله مقامه) رانوشته ام و در ضمن شرکت در درس گاهی مطالبی در رابطه با درس می نوشتم و در درس به محضر مبارکشان تقدیم می کردم ، معظم له آن را می خواندند و گاهی هم با بزرگواری خاصی که داشتند مودر تشویق قرار می دادند . آیت الله بروجردی ، از لحاظ سخاوت و کرم دارای امتیاز خاصی بودند . برای نمونه ، یک وقت ایشان در بیرونی نشسته بودند ، زنی وارد شد و آقا آن زن راد ید . به پیش خدمت خود فرمودند : ببینید این زن چه میخواهد . پیشخدمت گفت : این زن علویه است ، پول یک چادری می خواست ، پنجاه تومان به ایشان داده شد . آقا تا اسم علویه را شنیدند ، فرمودند : علویه و پنجاه تومان ؟ گویی ایشان ، پنجاه تومان را برای علویه توهین دانستند . در حالی که در آن زمان ، پنجاه تومان کم پولی نبود . فرمودند : اقلاً چهارصد ـ پانصد تومان به آن زن بدهید . به طور کلی ، همیشه اشخاصی که نزدایشان می آمدند،ایشان بیش از آن مقداری که اشخاص توقع داشتند به آنان عنایت می کردند .

یکی از اساتید بزرگ ما ، حضرت امام خمینی (رحمه الله) بودند . راجع به حضرت امام ، باید عرض کنم ، اولین وسیله آشنایی من با ایشان ، در ابتدای ورودم به قم ، سال هزار و سیصد و شصت و دو قمری ،در درس اخلاق ایشان بود ،که روزهای جمعه عصرها تقریبا یک ساعت به مغرب مانده در مدرسه فیضیه ،زیر کتابخانه درس اخلاق می فرمودند . بعد توسط حضرت آیت الله العضمی خوانساری ، نماز جماعت اقامه می شد . بنده هم در درس اخلاقی ، عرفانی و علمی ایشان ، شرکت می کردم . این درس ،بسیار سازنده و کامل بود . آیات و احادیث آمیخته با برداشت علمی ، اخلاقی با بیان بسیار رسا و کافی از دل برمیخاست و بر دل می نشست . تحولی عمیق در شنونده ایجاد می کرد . مدرس مملو از جمعیت میشد . صفا و معنویت اعضای مجلس را فرا میگرفت.در همان موقع هم ایشان یکی از علمای بزرگ و مشهور بودند و در تیز بینی و ژرف اندیشی و واقع نگری و وسعت نظر ممتاز بودند . یکی از چیزهایی که در معرفی فکر ایشان ، خیلی مؤثر بود کتاب (کشف الاسرار) ایشان بود . که آن موقع این کتاب چاپ شده بود و در دسترس بود . البته هنوز هم این کتاب بسیار ارزشمند و عالی است . شخصیت ایشان ، دارای ابعاد مختلفی است . یکی از جهت بعد فلسفی که شاید الآن مثل ایشان ، کسی را سراغ نداریم. اگر چه در آن زمان در تهران مرحوم آشتیانی را داشتیم ، علامه طباطبائی آن موقع در نجف بودند . همچنین ، استاد معقول حضرت امام ، مرحوم آیهٔ اللّه العظمی آقا سید ابو الحسن قزوینی ، معروف به علامه رفیعی بودند که چند ماهی قم تشریف آوردند و درس معقول می‌فرمودند و بنده هم درس ایشان می‌رفتم . درباره شخصیت ایشان از جهات مختلفی می‌شود صحبت کرد ، که از نظر بنده ، آنچه مهم است ، مسأله شناخت زمان است . در متون دینی ما هست که عالم ، باید عارف به زمان باشد . ایشان ، از لحاظ شناخت جریانات و مقتضیات زمان ، دارای امتیاز خاصی بودند و در میان علماء بزرگ ، هر یک از آنان که فکر و فعالیتشان ، با زمان هماهنگ بوده است ، توانسته است تحولی ایجاد کند .

تکریم از اساتید :

معظم له با الهام از آیات قرآنی و روایات اسلامی و با تأسی بر سلف صالح خویش در مورد تعظیم و تکریم اساتید خود از هیچ کوششی فروگذار نکرده ، پیوسته یکی از توصیه های ایشان به شاگردان و مخاطبان خود تکریم و تجلیل از اساتید خود می باشد تا جایی که بارها فرموده اند : «من اسامی همه اساتید خود را یاد داشت نموده ، در نماز شب خود برای آنان دعا می کنم ،چرا که این عمل دارای برکات فراوانی بوده ، باعث توفیق روز افزون انسان می گردد » . تدریس :

حضرت آیت الله نوری از بدو ورود به حوزه علمیه قم همزمان با تحصیل ، تدریس را نیز آغاز نموده و در موضوعات مختلف فقهی ، اصولی ، کلامی ، اخلاقی و ... حوزه درسی شلوغی داشته و شاگردان زیادی از محضر پرفیض ایشان بهره می گرفتند . تا جایی که درس نهج البلاغه معظم له در مسجد اعظم در زمان طاغوت از درسهای پر محتوای حوزه علمیه آن روز به حساب آمده ، مباحث مطروحه در آن از حیث منطق و استدلال چنان عرصه را بر کارگزاران رژیم طاغوت تنگ کرد که چاره ای جر تعطیلی آن ندیده و با تعطیل کردن آن صدها تن از فضلای حوزه علمیه را ـ که اینک هریک از بزرگان حوزه و خدمت گزاران نظام مقدس جمهوری اسلامی محسوب می شوند ـ از آن نعمت محروم کردند . و اینک نیز قریب به سی سال است که به تدریس درس خارج مشغولند که حدود یکهزار نفر از فضلاء و علمای برجسته از محضر ایشان کسب فیض می نمایند . تألیفات :

حضرت آیت ا ...العظمی نوری همدانی از حیث نوشتن مطالب علمی تقید خاصی دارند و یکی از سفارشات جدی ایشان به طلاب این است که باید اهل قلم باشند و در زمینه های گوناگون بتوانند قلم فرسایی کنند . روی این اصل معظم له نوشته های فراوانی در زمینه موضوعات مختلف دارند که بالغ بر ۵۰ جلد می شود . برخی از آن نوشته ها چاپ شده و بعضی دیگر در آستانه چاپ قرار دارد و برخی از آنها در حال آماده سازی جهت چاپ می باشد . کتابهایی که تاکنون به زیور چاپ آراسته شده اند ، عبارت است از : ۱ _الخمس ۲ _مسائل من اجتهاد و تقلید ۳ _امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه اسلام- عربی ۴ _امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه اسلام- فارسی ۵ _اسلام مجسم — شرح حال علمای بزرگ اسلام ۶ _جایگاه بانوان در اسلام ۷ _جهاد - فارسی ۸ _ربا ۹ _دانش عصر فضا ۱۰ _شگفتی های آفرینش ۱۱ _جهان آفرینش ۱۲ _انسان و جهان ۱۳ _خوارج از دیدگاه نهج البلاغه ۱۴ _یک حرکت انقلابی در مصر ۱۵ _داستان باستان ۱۶ _ما و مسائل روز ۱۷ _بیت المال از دیدگاه نهج البلاغه ۱۸ _اقتصاد اسلامی ۱۹ _منطق خدا شناسی ۲۰ _جمهوری اسلامی ۲۱ _رساله توضیح المسائل ۲۲ _آمادگی رزمی و مرزداری در اسلام ۲۳_ هزار و یک مسئله فقهی — استفتائات ج ۱ و ۲ ۲۴ _مناسک حج - عربی ۲۵ _مناسک حج - فارسی ۲۶ _منتخب المسائل — عربی

که هریک از نوشته های فوق مخاطبان خاصی داشته و مورد استفاده اقشار مختلف قرار می گیرد . فعالیتهای سیاسی و اجتماعی :

ایشان به لحاظ اینک شاگرد حضرت امام خمینی (ره) بوده و در حد عشق به ایشان دلبسته بودند ، از هر حیث به ویژه از جهت سیاسی به شدت تحت تأثیر آموزه های بنیانگزار جمهوری اسلامی قرار داشتند ، لذا در کنار فعالیتهای علمی عمیق ، از ورود در عرصه سیاسی و اجتماعی غفلت نورزیده ، پیوسته در صفوف مقدم مبارزه علیه رژیم ستم شاهی حرکت می کردند و در این راه از زندان و تبعید و ... نهراسیده و همه خطرها را به جان خریده و با توکل بر خدا در مسیر انجام رسالت انقلابی با تمام وجود تلاش فرمودند که بخشی از این فعالیتها را از زبان معظم له می شنویم : من از جمله کسانی هستم که توفیق داشتم چند سالی در مکتب پرفیض حضرت آیت اللّه العظمی امام خمینی، درس بخوانم و علاوه بر مطالب علمی ، از سجایای اخلاقی ایشان نیز، بهره ببرم. در طول این سالیان با توجه به متون و موازین اسلامی در یافته بودم که مسؤلیت روحانیت ، خلاصه در درس خواندن و درس گفتن نمی‌شود . به این جهت از آن روز که حضرت ایشان انقلاب و تحول را آغاز کردند . من سعی کردم که پشت سر ایشان بقدر توانم گام بردارم . در آن زمان ، جلسات مرتبی با رفقای همفکر خود داشتیم که در آن نسبت به مسائل جاری گفتگو میشد و برای پیشبرد امور تصمیماتی اتخاذ می گردید . گاهی اعلامیه‌هائی علیه رژیم و شاه امضاء می‌کردیم . البته متن بعضی از آن اعلامیه‌ها را نیز گاهی من تنظیم می‌کردم. در نشر و توزیع آنها نیز ، همکاری نزدیک داشتم . افرادی را به این منظور به نقاط مختلف کشور می‌فرستادیم .

زندان قزل قلعه: بعد از این که حضرت امام را به ترکیه تبعید کردند ؛ اعلامیه‌هایی که علیه رژیم از قم صادر می‌شد امضای من را نیز داشت . به همین جهت در آن زمان چند نفر مأمور از طرف ساواک به منزل ما ریختند بطور دقیق همه جا را گشتند . حتی یادم

هست که کتابها را نیز، ورق می‌زدند . مقدای از کتابها را برداشتند بردند و مرا نیز ، دستگیر کردند و به ساواک قم ، که در خیابان راه آهن بود ، بردند . شبی را آنجا بسر بردیم ؛ بعد منتقل شدم به تهران ، زندان قزل قلعه . قزل قلعه یکی از زندانهای رژیم شاه بود که افراد را در آن زمان به آنجا می‌بردنـد ، در زنـدان ، متوجه شدم که آقایان دیگری نیز آنجا هسـتند ؛ البته همگی ما در سـلولهای انفرادی بودیم و فقط روزی سه مرتبه صبح ، ظهر و شام درب سلول را باز می‌کردند و ما حق داشتیم برای تجدید وضو از آن خارج بشویم . هنگامی که مرا برای دسـتشویی می‌بردند از دور این آقایان را دیدم و فهمیدم که این آقایان هم آنجا هسـتند . داخل سـلول لامپ نبود ؛ تنها از روزنه کوچکی که بالای درها وجود داشت شـعاع کم و سوئی از روشـنائی داخل سالن به درون سلول می‌تابید . ایـن سـلولها به انـدازه‌ای کوچـک بـود که اگر دست‌هایمـان را بـاز می‌کردیم به دیوارهـای دو طرف می‌رسـید . کـف سـلولها را با آجرهـای نـاهموار فرش کرده بودنـد به گونه‌ای که موقع خوابیـدن پشت و کمر انسـان را به سـختی می‌آزرد . حـدود سه ماه بـدون محـاکمه و ممنـوع الملاقـات بـا این وضع ، در این سـلولها بودم و بجز هنگـام تجدیـد وضو از آن نمی‌توانسـتم خـارج شوم . بعـد از محاکمه ، روزی فقط ده دقیقه ما را به عنوان هواخوری داخل حیاط زنـدان می‌بردنـد که قـدم بزنیم . هنگامی که مرا برای بازجویی بردند ، مهم‌ترین حرف آنان این بود که شما طرفدار حضرت امام هستید و به پشتیبانی از ایشان اعلامیه می‌نویسید و امضاء می‌کنید . نزدیک دو ماه که از تاریـخ محاکمه گـذشت من آزاد شدم . چند ماه از آزادی من نگذشـته بود که مسافرتی به همدان داشـتم . در همدان علماء و غیرعلماء به دیدن بنده آمدند . تابسـتان بود ، من در مدرسه همدان ، درسی شروع کردم که مورد استقبال واقع شد . ساواک همدان از این موضع که جوانهای شـهر و مردم با من رابطه داشتند و به درس و بحث می‌آمدند نگران بود ؛ به این جهت مرا به بهانه‌ای گرفتند وبه تهران فرسـتادند . دوباره روانه زندان قزل قلعه شدم و چندین ماه دیگر در آنجا زندانی گشـتم . بعد از آزادی از زندان ، مدت زیادی به اصـطلاح ممنوع المنبر بودم و حق نداشـتم به وعظ و خطابه بپردازم به رفسنجان رفتم . بعد از دو سه منبر ، ساواک کرمان مطلع شد و از ادامه جلسات سخنرانی ، جلوگیری کرد . روز تاریخی ۱۹ دی ۵۶: از آن تاریخ به قم برگشتم و مشغول درس بحث شـدم و در فرصت‌هـای منـاسب و موقعیت‌هـای گونـاگون هـدف خود را تعقیب می‌کردم تـا این که جریان ۱۹ دی ۵۶ بوجود آمد ، و آن به این شرح است : در روزنامه اطلاعات ۱۷ دی ۵۶ مقاله توهین‌آمیز و تندی علیه حضرت امام ، که آن زمان در نجف تشریف داشتند ، چاپ شد . انتشار این مقاله ، خشم آقایان اساتید و فضلای حوزه قم را برانگیخت . به همین مناسبت جلسه‌ای در منزل این جانب برگزار شد که در آن آقایان : مشـکینی ، وحید خراسانی نیز حضور یافتند . در آن جلسه تصمیم گرفته شد که به عنوان اعتراض به انتشـار چنین مقـاله‌ای در اولین گـام حوزه و بـازار قم تعطیـل شود . حوزه قم و بـازار تعطیل شـد. فضـلای حوزه و آقایان بازاریها به منزل مراجع و اساتیـد بزرگ می‌رفتنـد که در آنجا جلسات سـخنرانی در اعتراض به رژیم برگزار می‌شـد. روز ۱۹ دی ، که قبل از ظهر آقایان به منزل بعضـی از اساتیـد رفته بودنـد ، قرار گذاشـته بودنـد که بعد از ظهر در منزل ما اجتماع کنند . این قرار در نماز جماعات هم اعلام گردیـده بود . از حدود ساعت یک بعد از ظهر عده‌ای آمدند و چندین بلندگو داخل منزل و کوچه نصب کردنـد . رفته رفته جمعیت می‌آمـد داخل حیاط و پشت بامها ؛ و کوچه از جمعیت متراکم شـده بود به گونه‌ای که جمعیت به خیابان رسـیده بود . نخست داماد اینجانب آقای سـید حسـین موسوی تبریزی سـخنرانی کردنـد ، سپس بنده وظیفه خود دانسـتم که صحبت کنم و جنایات رژیم سـتمشاهی را به صـراحت بیان کنم ، لذا سـخنرانی جامع و تندی علیه جنایتهای رژیم شاه ، انجام دادم . در آن سـخنرانی من لازم دانسـتم که انگشت روی مرکز و منبع اصـلی جنایتها بگـذارم ؛ از این رو مرکزیت را هدف قرار داده و در مقـایسه حرکـت نجـات بخش حضـرت امـام که از اسـلام و قرآن و روش اهـل بیت عصـمت نشأت می‌گرفت با عکس العملی که از اسـتکبار جهانی و دست نشانـدگان آن صادر شـد این اشـعار را خوانـدم : مه فشانـد نور و سگ عو عو کند هر کسـی بر طینت خود می‌تند چون تو خفاشان بسـی بینند خواب کاین جهان ماند یتیم از آفتاب کی شود دریا زپوز سگ نجس کی شود خورشـید از پف منطمس در شب مهتاب مه را بر سـماک از سگان و عوعو ایشان چه باک کارک خود می‌گـذارد هر کسـی آب نگـذارد صـفا بهر خسـی ای بریـده آن لـب و حلـق و دهـان کـه کنـد تـف سـوی مـاه آسـمان خس ، خسـانه می‌رود بر روی آب آب صـافی می‌رود بی‌اضـطراب مصطفی مه می‌شکافد نیمه شب ژاژ میخایـد ز کینه بـو لهب آن مسـیحا مرده زنـده می‌کنـد آن جهـود از خشم سـبلت می‌کنـد مردم از این صـحبت جـامع و منطقی و کوبنـده شارژ شدنـد و با شـعارهای تنـد از منزل حرکـت کردنـد . من خود نیز ، لازم دانسـتم که با مردم حرت کنم . آمـدیم بیرون ، از کوچه که گـذشتیم وارد خیابان شـدیم . ابتدای جمعیت به چهاراه مقابل کلانتری رسـیده بود . در اینجـامزدوران رژیم ، مردم را به گلوله بسـتند و بـا سـلاح گرم به مردمی که هیچگونه وسـیله دفاعی نداشـتند حمله کردنـد . عـده‌ای از مردم شـهید شدنـد ؛ عده‌ای مجروح و زخمی و عده‌ای هم توانسـتند جان سالم بدر برند . همین جریان ، موجب حرکت وقیان مردم در دیگر شـهرهای مختلف ایران شـد . به مناسـبت بزرگـداشت شـهدای این روز ، قیام فراگیر ملت ایران از تبریز آغاز و رفته رفته تمام ایران را فرار گرفت . به همین مناسب کوچه ما کوچه قیام نام گذاری شد . و وقتی حضرت امام (رحمه الله) به قم مشرف شدند به منزل ما نیز تشریف آوردند ، و به محضر ایشان عرض شد که انقلاب اسلامی از این خانه آغاز شده است . بعد از جریان این سخنرانی در روز ۱۹ دی ، در انتظار این بودم که ساواک دنبالم بیایـد و دسـتگیرم کند ؛ به این جهت در تهران کاری داشتم رفتم که آن را انجام دهم . وقتی به تهران رفته بودم . شبانه به منزل ما ریخته و همه جا را گشته بودند . وقتی از تهران برگشتم و جریان را به من گفتنـد . خودم را بیشتر آماده کردم و بعـد از خـداحافظی و آماده شدن ، به ساواک تلفن زدم و گفتم : اگر با من کاری داریـد از تهران برگشـته‌ام . حـدود نیم ساعت بعـد آمدنـد و مرا به شـهربانی قم بردند ، و از آنجا مرا به خلخال تبعید کردند . تبعیـدی من در خلخـال چنـدین مـاه به طـول انجامیـد . در این مـدت نسبت به من سـخت‌گیری فراوان میشـد . هر روز لازم بـود به شهربانی رفته و دفتری را امضا کنم . منزل ما را شدیدا کنترل می‌کردند ؛ حتی رفت و آمدهای عادی را زیر نظر داشتند . تهیه ارزاق عمومی را برای ما مشـکل کرده بودند و به کسـبه سفارش می‌کردند که از فروش اجناس مورد لزوم به ما خودداری کنند . یک روز صبح که برای امضا دفتر رفته بودم ؛ به من گفته شد که دیگر به منزل برنگردم ؛ چون می‌خواسـتند مرا به سـقز ببرند . هر چه اصـرار کردم که بروم و حـداقل خبر بدهم پذیرفته نشد . مرا به همراه چند مأمور به سـقز منتقل کردند . در سـقز چند نفر دیگر از آقایان نیز تبعید بودند . دوران تبعید را با مشـکلات فراوان سپری می‌کردیم . دولت شـریف امامی که روی کار آمد برای کسب و جاهت – به

اصطلاح – زندانی‌های سیاسی را آزاد می‌کرد و تبعیدیها را برمی‌گرداند . در این زمان نیز من از تبعید گاه آزاد شدم . از آخرین تبعیدگاه خود یعنی سقز کردستان که آزاد شدم امام خمینی «رضوان اللّه علیه» در پاریس «نوفل لوشاتو» بودند، پس از چند روز در قم به پاریس رفته ، در نوفل لوشاتو به محضر مقدس امام «رضوان اللّه علیه» شرفیاب و چند روز در جلساتی که در محضر آن پرچمدار نهضت اسلامی و استاد بزرگ تشکیل می‌شد شرکت می‌نمودم و چند دفعه با معظم له ملاقات خصوصی داشتم . و در هنگامحرت برای ایران به بنده ورقه‌ای که با خط مبارک خود نوشته و مطالبی که درباره حکومت اسلامی بعد از سقوط رژیم ستم شاهی در آن مرقوم داشته بودند دادند که بنده آنرا با آقایان دکتر بهشتی و استاد مطهری مورد مذاکره قرار بدهم و نتیجه را به نوفل لوشاتو گزارش بدهم که انجام دادم . تلاش برای اعلام مرجعیت حضرت امام خمینی (رحمه الله):

از جمله جریانهایی که در آن دوران پیش آمد ، جریان در گذشت آیهٔ اللّه العظمی حکیم (ره) بود . ما به لحاظ خصوصیات علمی و دیگر خصائص روشن و بارزی که در حضرت امام ، سراغ داشتیم ، تصمیم گرفتیم کاری کنیم که چهره ایشان ، خارج از حوزه‌های علمیه نیز برای مردم بهتر و کاملتر شناخته شود . از این جهت تصمیم گرفتیم اعلامیه‌ای بدهیم که : بعد از مرحوم آقای حکیم ، مردم به حضرت امام مراجعه کنند . دوازده نفر از مدرسین حوزه علمیه قم ، که اینجانب نیز جزء ایشان بودم این اعلامیه را در تأیید مرجعیت حضرت امام بعد از مرحوم آقای حکیم امضاء کرده و پخش کردیم . علمای شهرستانها از این اعلامیه استقبال خوبی کردند و در بعضی از مراکز ، آقایان اعلامیه را روی منبر برای مردم خوانده بودند که تأثیری گذاشته بود . بعد از صدور این اعلامیه ، منتظر بودم که دنبالم بیایند ؛ چرا که می‌دانستم صدور چنین اعلامیه‌ای بی‌عاقبت نیست . همین طور هم شد ، یک روز ظهر مأمورین ساواک به منزل ما ریختند ، و ما در این جریانات نیز به وظیفه خود عمل کردیم . مسافرتهای علمی ـ فرهنگی :

آیت ا ...العظمی نوری همدانی با الهام از توصیه قرآنی مبنی بر « سیروافی الارض » سفرهای زیادی به اقصا نقاط جهان داشته و در این سفرها ضمن انجام مباحثات علمی با برخورد با افکار و فرهنگهای گوناگون بر تجارب خویش می افزودند . ایشان در مورد مسافرتهای خارج از ایران خود چنین می فرمایند : من در سال ۵۸ و ۵۹ که نماینده حضرت امام در اروپا بودم و به آن دیار رفت و آمد داشتم در ظرف این دو سال در موقع تحصیل در قم اشتغال به تدریس داشتم ولی در موقع تعطیلی حوزه به کشورهای اروپا از قبیل : انگلستان ، فرانسه ، آلمان ، اطریش ، ایتالیا ، سوئد ، بلژیک ، هلند ، دانمارک ، سوئیس ، نروژ ، فنلاند ، اسپانیا ، یونان ، و ترکیه مسافرت می‌کردم ، و در طی ملاقاتها و مصاحبه و تشکیل مجالس حقایق اسلام و عظمت انقلاب اسلامی را بیان می‌کردم ، و به سؤالات علمی و مذهبی با توفیق خداوند پاسخ می دادم ، و سفرهائی به پاکستان و یک سفر هم به تایلند ، پاکستان ، بنگلادش و هندوستان رفته‌ام و در این سفرها علاوه بر معاشرت با فرقه های گوناگون و بیان معارف و مبانی اسلام ، توجه بیشتر به بیان مزایای انقلاب اسلامی ایران و نشان دادن چهره استکبار جهانی بود .

نوری یزدی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۸۵ ق)، شاعر. وی به شغل تنباکوفروشی اشتغال داشت. او با صائب تبریزی معاصر بوده و غالب رباعیات و غزل‌های صائب را جواب گفته است. از وی اشعاری در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

گر زاهد شهری و اگر باده‌پرست

می‌باید داد جان و می باید رست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۳۱۹ –۳۱۷)، جامع مفیدی (۴۴۵ –۴۴۴/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۹۵۸).

نوری، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا محمّد مهدی نوری مازندرانی. عالم فاضل محقّق، در ۱۳۱۹ قمری در اصفهان وفات یافته، در تخت فولاد جنب فاضلان مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نوری، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل نوری

محل تولد : کهریز زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۱/۱

زندگینامه علمی

حضرت آیت الله حاج شیخ محمد اسماعیل نوری در سال ۱۳۲۹ هجری شمسی در خانواده مذهبی در یکی از روستاهای زنجان به دنیا آمد. دروس مقدمات را در زادگاهش یاد گرفت و در سال ۱۳۴۴ وارد حوزه علمیه زنجان شد. دروس ادبیات عرب و کتابهای «شرح لمعه، اصول فقه و غیره» را در آن حوزه آموخت. در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم شد و شروع به آموختن کتابهای «رسائل، مکاسب، کفایهٔ الاصول و ...» مشغول گردید.

در سال ۱۳۵۴ پس از قبولی در امتحانات پایانی سطح حوزه شروع به آموختن دروس خارج (آشنائی با کیفیت استنباط احکام فقهی) نمود. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مدرسه عالی تربیتی و قضایی طلاب قم (که امروزبه عنوان دانشگاه قم معروف شده است) مشغول تحصیل گردید و پس از گذراندن دوره آن در پاییز سال ۶۰ به زنجان بازگشت و در مراکز تربیت معلم و دانشگاه آنجا به تدریس مشغول شد.

استاد نوری در سال ۱۳۷۱ جهت استفاده مجدد از دروس فقه و اصول حوزه به شهر مقدس قم بازگشت. ضمن تحصیل در حوزه علمیه قم، در مرکز تربیت معلم آیت الله طالقانی قم تدریس می کرد و هم اکنون نیز در آن مرکز و دیگر مراکز آموزش عالی قم به تدریس مشغول است. این روحانی فعال در سال ۱۳۷۷ موفق به اخذ مدرک سطح ۴ (دکتری) از حوزه علمیه قم شد و در سال ۱۳۷۷ پس از اعلام آمادگی برای نمایندگی مجلس خبرگان رهبری و موفقیت در امتحانات مربوطه و تایید اجتهاد وی از طرف شورای نگهبان قانون اساسی به عنوان نامزد نمایندگی مجلس خبرگان رهبری از استان زنجان معرفی شد و با توجه به این که ایشان به رقیب خود (حضرت آیت الله حاج سید اسماعیل موسوی زنجانی ره) احترام فوق العاده قائل بود در دو سخنرانی تبلیغاتی انتخاباتی تلویزیونی از ایشان تعریف و تمجید کرد.

استاد نوری در اثر لیاقت هایی که از خود نشان داده بارها از طرف مسئولین به عنوان مدرس نمونه استانی مورد تقدیر قرار گرفته و در سال ۷۹ نیز به عنوان مدرس نمونه کشوری شناخته شده و از طرف وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران لوح تقدیر دریافت نموده و در حال حاضر به عنوان مدیر گروه آموزشی و پژوهشی معارف اسلامی و عربی مراکز تربیت معلم استان قم انجام وظیفه می کند.

نوری، بهاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۳ ق)، عالم دینی، ادیب و شاعر، متخلص به فاضل. معروف به فاضل نوری. جامع معقول و منقول بود. در محضر علمای اصفهان تلمذ نمود و پس از فراغت از تحصیل در مسجد محله‌ی دروازه‌ی نو اصفهان به اقامه‌ی جماعت پرداخت. وی را اهل تصفیه‌ی باطن و سیر و سلوک دانسته‌اند. در اصفهان درگذشت و در تکیه بابا رکن‌الدین تخت فولاد مدفون گردید. از آثارش «دیوان» شعری است که آن را فرزندش نصیرالدین نوری، معروف به خواجوی، گردآوری و تدوین نموده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرةالقبور (۲۰۶ -۲۰۵)، الذریعه (۸۰۲/ ۹)، ریحانه (۲۶۱ -۲۵۹/ ۶).

نوری، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۲۰ ق)، خطاط. ملقب به یمین‌الممالک. وی علاوه بر نستعلیق، شکسته را نیز خوش می‌نوشت. او در سال ۱۳۲۰ ق رییس تذکره‌ی دولتی (اداره گذرنامه) بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۵۹/۴، ۱۲۴/۱).

نوری، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل محقّق، و عارف و زاهد کامل، از شاگردان آقا میر محمّد شهشهانی، و خود داماد حاجی کلباسی بوده، در شب بیستم شوال سال ۱۳۲۳ به سنّ قریب به یکصد سال وفات یافته، در داخل بقعه تکیه بابا رکن الدین در ایوان قرینه قبر بابا مدفون گردید.

کتب و رسائلی تألیف نموده که از آن جمله است: ۱- رساله در فقه استدلالی ۲- رساله در نمازهای مستحبّی ۳- رساله عملیّه ۴-

رساله در نماز شب، مطبوع ۵- رساله در صلات ۶- رساله در نکاح ۷- رساله در تجارت ۹- کتابی در اصول؛ و غیره.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نوری، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج میرزا حسن بن العالم العلام و ملاذالانام مرحوم حاج شیخ ابراهیم نوری از افاضل دانشمندان حوزه‌ی علمیه و اصحاب مخصوص آیت‌الله العظمی آقای مرعشی نجفی مدظله می‌باشد.

در سال ۱۳۰۲ شمسی در شهر همدان در خانواده علم و کمال تولد و در مهد فضیلت پرورش و پس از رشد دروس مقدماتی و ادبیات را خدمت والد بزرگوارش خوانده و قسمتی از سطوح اولیه را در مدرسه آخوند همدان آموخته آنگاه به قم مهاجرت و سطوح متوسط و عالی را از محضر مدرسین حوزه فراگرفته و در درس خارج مرحوم آیت‌الله حجت کوه‌کمری حاضر شده و نیز از محضر مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد محقق یزدی معروف به آقای داماد استفاده کرده و پس از ورود حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی تا آخر حیات آن جناب بالغ بر ۱۸ سال درک فیض از ابحاث فقه و اصول معظم نموده و نیز سالهای متمادی از دروس و تحقیقات آیت‌الله العظمی امام خمینی مدظله و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی اطال‌الله بقاه بهره‌مند و از راه منبر به تبلیغ دین و ترویج معارف اسلام پرداخته مخصوصا در حسینیه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی که در ایام مناسب وفیات و سوگواریها افاده می‌فرمایند بیانی شیوا و تحقیقاتی دقیق در تواریخ و اخبار اهل‌بیت علیهم‌السلام دارند.

استاد نوری آثار و خدمات ارزنده‌ای دارند که از آنهاست:

۱- مکتب ولی عصر عجل‌الله فرجه که تحت برنامه‌ای تربیت جوانان و روشنفکران می‌نمایند.

۲- تنظیم فهرست کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله.

۳- تالیفات و تصنیفات در رشته‌های مختلف که متاسفانه از تعداد و اسامی آنها بی‌اطلاع هستم زیرا دهها بار مراجعه کردم و پیام دادم و وعده هم فرمودند که مرقوم دارند ولی در اثر گرفتاریها مرقوم ننمودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

نوری، حمیدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمیدرضا نوری

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای حمیدرضا نوری در سال ۱۳۴۳ هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت «علیهم السلام» در تهران دیده به جهان گشود. نامبرده پس از فراغت از تحصیل در دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در زادگاه خویش، در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه تهران گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی اخلاقی فراوان برد.

وی پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۳ به حلقه دروس خارج راه یافت. و از درس ستارگان درخشان حوزه های علمیه عالم شیعه همچون: «آیت الله وحید»، «آیت الله تبریزی»، «آیت الله جوادی آملی»، «آیت الله مصباح» و ... بهره های فراوان علمی و اخلاقی برد. وی علاوه بر مدیریت نهاد رهبری در دانشگاه «خواجه نصیر الدین طوسی» به تدریس در این دانشگاه مشغول است که حاصل زحمات ایشان؛ پرورش دانشجویان فراوانی می باشد. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به امر تبلیغ، تحقیق، نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که آثار متعددی از جمله «حقوق اجتماعی و سیاسی»، «پنجره ای به تنهایی خدا» و ... را به رشته تحریر و زیور طبع آراسته است.

نوری، عباس

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۵۵ ق)، خطاط. وی در روستای تاکر، از توابع نور مازندران، به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی را در قریه‌ی کلاکه

گذراند. سپس به تهران آمد و در دستگاه امام ویردی میرزا، فرزند فتحعلی شاه قاجار، به خدمت منشی‌گری پرداخت. میرزا عباس در خوشنویسی استادی نداشت و از روی قطعاتی که از میرعماد به دست آورده بود، مشق می‌کرد تا اینکه در اندک زمانی در خط نستعلیق سرآمد شد. میرزا علاوه بر مشق و کتابت، در کتیبه‌نویسی نیز مهارت داشت و هفت قلم را خوش می‌نوشت. او به دلیل خط خوشی که داشت، از طرف فتحعلی شاه به میرزای بزرگ ملقب گردید. وی سرانجام در تهران درگذشت و جنازه‌اش را به نجف منتقل کردند و در قبرستان وادی‌السلام به خاک سپردند. از آثار او: ترجمه‌ی فارسی یک نسخه «زادالمعاد» محمدجعفر قمی، به قلم نستعلیق کتابت خوش، با رقم: «حرره الفقیر عباس نوری، ۱۲۲۵»؛ یک نسخه کتاب فارسی، در اخلاق، تألیف محمد فاضل، به قلم نستعلیق نیم دو دانگ و چند صفحه‌ی آخر به قلم‌های ریحان و ثلث و نسخ و رقاع و شکسته نستعلیق عالی، با رقم: «لهذا این کمترین چاکران... عباس نوری... وقع الفراغ من تسوید هذا الرسالة الشریفه فی... ۱۲۳۷...»؛ یک قطعه سیاه مشق، به قلم چهار دانگ و دو دانگ عالی، با رقم: «مشق فقیر عماد، در دارالخلافه تهران... عباس نوری از خط استادی میرعماد الحسنی رحمهٔالله نقل نمود، سنه‌ی هزار و دویست و سی و هفت»؛ دو قطعه، به قلم نیم دو دانگ و کتابت جلی عالی، با رقم: «... بنده‌ی درگاه عباس نوری... سنه‌ی ۱۲۳۷»؛ یک قطعه‌ی بزرگ، به قلم شش دانگ و دو دانگ عالی، با رقم: «الفقیر الحقیر المذنب، عباس نوری غفر له سنه‌ی ۱۲۴۹».
چهار اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۴۸ -۳۴۳/ ۲)، اطلس خط (۵۷۱ -۵۷۰).

نوری، عبدالنبی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ عبدالنبی نوری- ره- عالمی بزرگوار و مجتهدی عالی مقدار و نابغه‌ی در فقه و اصول و محققی در معقول و منقول و متبحری در فنون مختلف و از مراجع بزرگ زمان خود گردیده است.
وی در نور که از مضافات آمل است دیده بجهان گشوده و بعد از بلوغ به تهران مهاجرت و اولیات و سطوح را معقولا و منقولا تکمیل نموده و مهاجرت بعتبات عالیات کرده و از محضر علماء و بزرگان آن سامان استفاده نموده آنگاه بسامرا مشرف و ملازم ابحاث آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدحسن شیرازی مدت پنج سال گردیده و پس از آن به تهران مراجعت و در محله‌ی (عودلاجان) رحل اقامت افکنده و به مراسم ارشاد و تدریس و اقامه جماعت در مسجد (پیره زن) اشتغال یافته و پس از آن منتقل بسرچشمه شده و مومنین مسجدی در اواسط خیابان سیروس نزدیک سرچشمه برای او بنا نموده (که اکنون بنام آن مرحوم معروف است) و در آنجا به اقامه جماعت و تدرس خارج فقه و اصول برای فضلاء و علماء تهران و موعظه مردم پرداخته تا در بیستم محرم‌الحرام ۱۳۴۴ قمری که برحمت حق واصل و جنازه‌اش از نیاوران شمیران که در دو فرسخی تهرانست بر دوش مردم بشهر ری و در مقبره ناصرالدین شاه در مجاورت حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام محازات قبر مرحوم علامه کنی مدفون گردید.
از مراجع بزرگواری که بدرس ایشان شرکت نموده است سید استاد ما حضرت آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی مد ظله العالی میباشند که حدود یکسال بدرس فقه و اصول ایشان شرکت و از جامعیت و مقام علمی و تبحر در فقه و اصولشان فوق‌العاده تمجید و تعریف می‌نمایند.
پس از فوت آن مرحوم فرزند ارجمندش جناب حجهٔالاسلام والمسلمین آیت‌اللّه آقای حاج شیخ بهاءالدین نوری بجای ایشان قرار گرفته و در مسجد آن مرحوم اقامه جماعت نموده و بخدمات دینی اشتغال دارند و ایشان داماد مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محد بهبهانی سابق‌الذکر و یکی از مشاهیر و محترمین علماء معاصر تهران و محترمین دانشمندان مرکزند، غالب تحصیلات ایشان در تهران در خدمت مرحوم والدشان و مدرسین بزرگ دیگر بوده و خود سالها بتدریس فقه و اصول و اصلاح امور مردم و قضاء حوائج آنان اشتغال داشته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

نوری، علی نقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند ملا علی بن جمشید حکیم مازندرانی، ادیب شاعر فاضل. اشعاری بر حاشیه‌ی رقیمهٔ النوریه تألیف پدر خود به مناسبت مقام سروده است. از فضلای قرن ۱۳ هجری در اصفهان است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

نوری، فضل‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اکابر علماء مجتهـدین و اجلای فقهاء و محدثین امامیه در ۱۲۵۹ ق متولد شد. پدرش مرحوم آخوند ملاعباس معروف به پیشـنماز از علمای متقی و معروف بود. شیخ فضل‌الله پس از انجام تحصیلات مقدماتی و سطح عازم بین‌النهرین شد و قریب ده سال در عراق توطن نمود وی از شاگردان برجسته میرزا محمد حسن شیرازی بود و غیر از فقه و اصول و حدیث و کلام و فلسفه و ریاضیات، علوم غریبه مانند جفر و غیره را آموخت و شاعر هم بود و تخلص نوری داشت.

شیخ فضل‌الله پس از مراجعت از عتبات از معاریف علماء گردیـد و کار و بارش خیلی رونق گرفت و مرجعیت تام پیـدا کرد و مورد توجه شاه و امناء دولت قرار گرفت. در واقعه تحریم تنباکو و بلوای آن شیخ در کنار حاج میرزا حسن آشتیانی قرار داشت و جزو چنـد مجتهـد مجاهد بود. اعتمادالسلطنه برای رفع بحران تنباکو چندین بار به او مراجعه و از طرف شاه درخواست کرد به نحوی که ممکن است به غائله خاتمه دهـد ولی شیخ جز بطلان قرارداد و جمع کردن بساط انگلیسها راهی را ارائه نـداد. در مجلسـی که در دربـار از علمـاء و بزرگان برای مسأله تنباکو تشکیل شـد شیخ فضل‌الله جـدا در لغو قرارداد پافشاری کرد و ناصـرالدینشاه ناچار در اجرای فتوای میرزای شیرازی و خواسته علمای تهران قرارداد را لغو و مبلغ پانصد هزار تومان غرامت پرداخت. شیخ فضل‌الله پس از فسخ قرارداد چند تلگراف به آیت‌الله شیرازی مخابره و ضمن اعلام فسخ قرارداد درخواست نمود فتوای حلیت دخانیات را توسط او صادر نماید. شهرت و آوازه شیخ از احراز سلطنت ناصرالدینشاه به اوج رسید. اتابک برای حفظ خویش خود را به او نزدیک کرده، بیشتر دعاوی دولتی را به محضر او احاطه می‌کرد.

مرحوم ناظم‌الاسلام کرمانی در این باره چنین نوشته است: باری عین‌الـدوله صندوق مالیه را ترتیب داد و خرابی دربار را خواست اصـلاح کنـد لکن جهـالت و استبداد و تکبر این شاهزاده کار را خرابتر کرد. با حاج شیخ فضل‌الله متحد گردیـد امورات شرعی و عرفی بلکه مملکتی را راجع به محکمه شیخ نوری نمود تا آنکه کار شیخ بالا گرفت و کارهای عمده را صورت و انجام می‌داد.

شیخ فضل‌الله که در دوران صـدرات عین‌الـدوله فعال مایشاء و همه کاره بود از این موقعیت مغرور شـد و از دوستان قـدیم مانند سیدعبـدالله بهبهـانی و سیدمحمد طباطبائی خود را کنار کشید و طبعا عین‌الـدوله هم با داشتن شیخ فضل‌الله توجه زیادی به آن دو نداشت. این مسأله باعث شد که طباطبائی و بهبهانی طریق دیگری انتخاب کنند و آن مخالفت با عین‌الدوله و تأسیس عدالتخانه بود.

جبهه‌گیری روحانیت در دو جناح از همان موقع آغاز شـد. شیخ فضل‌الله با همکاری شیخ علی‌اکبر بروجردی، شیخ محمد آملی از یـک طرف و سیدعبدالله بهبهـانی و سیدمحمد طباطبـائی از طرف دیگر مبـارزه شدیـد و علنی خود را آغـاز کردنـد. شیخ فضل‌الله توانست سید ابوالقاسم امام‌جمعه را نیز با خود همراه سازد.

اولین ضربتی که به گروه شیخ فضل‌الله وارد شد تخریب ساختمان بانک استقراضی روس بود که با فتوای سید محمد طباطبائی انجام گرفت.

توضیح آنکه در ۱۳۰۸ ه.ق ناصـرالدینشاه امتیاز مؤسسه رهنی که بعـد به بانک استقراضـی تبـدیل گردید به دو نفر از اتباع روسیه واگـذار نمود. روسـها تصـمیم گرفتنـد که اداره مرکزی بانک را در بازار احـداث نماینـد از این رو پس از تفحص، محلی را در نظر گرفتند که در اراضـی موقوفه سید ولی که در آخر بازار کفاشها واقع و مدرسه مخروبه و قبرستان متروکه بود، برای ساختمان درنظر گرفتنـد. برای اجازه آن به چنـد نفر از روحانیون مراجعه کردنـد، ولی هیچکدام زیربار اجازه نرفتند، سرانجام به حاج شیخ فضل‌الله رجوع کردنـد و او حاضـر شـد اراضـی مزبور را جهت ساختمـان بانک به مبلغ هفتصـد و پنجاه تومان به ملاحظه تبـدیل به احسن به روسـها بفروشـد و روسـها عمارت بزرگ و مجللی در آن زمین موقوفه برپا کردند. در ۱۳۲۳ ه.ق که مبـارزه در جناح روحانی آغاز شد از طرف سید محمد طباطبائی موضوع در چند مجلس مطرح و بعضی از وعاظ به آتش دامن زدند تا اینکه در یک روز جمعیتی حدود بیست هزار نفر به محل بانک رفته و ساختمان مزبور را در یک طرفه‌العین محو و نابود کردند.

بعد از مراجعت مظفرالدینشاه از سفر سوم اروپا، عین‌الدوله در مظان اتهامات زیادی قرار گرفت و جناحهای مختلف علیه او شروع به فعالیت نموده شبنامه‌ها منتشر شـد و روزنامه‌ها تهمتهای فراوان به او زدند. بازار سیاست از هر طرف آشـفته‌تر شد و موضوع چوب زدن تجـار قنـد و تبعیـد سعدالدوله وزیر تجارت به مناسبت حمایت از تجار، دسته دیگری از اصناف و تجار را در صف مخالفین عین‌الـدوله جـا داد. موضوع تأسیس عـدالتخانه که نخستین خواسته روحـانیت و تجـار و اصناف بود ظـاهرا مورد موافقت شـاه قرار گرفت؛ ولی عین‌الـدوله بـا وعـده و وعیـد در انجـام آن تعلـل می‌کرد. شیخ فضـل‌الله بـا هـوش و فطـانت خاصـی که داشت سـقوط عین‌الدوله را نزدیک دید و برای اینکه در آینده جایی برای خود داشته باشد با سید عبدالله و سید محمد مجددا نزدیک شد ولی این بار سیدین او را به بازی نمی‌گرفتند و رفت و آمد آنها ظاهری بود. شیخ فضل‌الله از لحاظ مراتب علمی و فقاهت اعلم بر سایرین بود ولی در این برهه از زمـان حاضـر بود در کنـار پیشوایـان دیگر قرار بگیرد. از این رو در قیـامی که منجر به صـدور فرمان مشـروطیت گردیـد خـدمات زیادی انجام داد ولی سیـد عبـدالله بهبهانی که رقابت شدیدی با او داشت بین شیخ فضل‌الله و سایرین افتراق ایجاد کرد. شیخ فضل‌الله حاضـر بود همه گونه با آنها همراهی و همکاری کنـد ولی مخالفین او را به حریم خود راه ندادند و او ناگزیر از صف آنـان اعراض نموده خود را به دامـان محمـد علیشاه انـداخت و مشروطه مشروعه را برای خود عنوان نمود و در آن زمینه که عـاقبتی نـاگوار برایش داشت گام برداشت. تا زمانیکه مظفرالـدینشاه حیات داشت اختلاف بین مشـروطه خواهان و مستبدین زیاد به چشم نمی‌خورد و جبهه‌هـای مخـالف و موافق در مقابـل یکـدیگر قرار نگرفته بودنـد ولی پس از مرگ او و اعلام پادشـاهی محمد علیشاه وضع تغییر کرد. سیـد عبـدالله بهبهـانی و سیـد محمـد طباطبـائی بـا قبول نماینـدگی اقلیتهـای مـذهبی در گردش کار مجلس سرپرستی داشـتند. دولت‌ها برای پیشبرد اهـداف و مقاصد خود بد آنها توسل می‌جستند و هر کاری با مداخله آنها انجام می‌گرفت. منزل آندو، محل رفت و آمدهای سیاسـی بود، همه چیز در اختیار آنها قرار گرفته بود و شیخ فضل‌الله در عوض تمام قدرت خود را از دست داده بود.

در یکسال اول سلطنت، محمد علی شاه آنچنان که منعکس شده است با مشروطه مخالف نبود ولی دستجات تندرو، مانند بعضی از نماینـدگان، انجمن‌هـای مختلف و مطبوعـات موجبـات جـدایی شاه را از مشـروطه و مجلس فراهم کردنـد. قتل اتابک، سوءقصـد به محمـد علی شـاه و فشـار به شاه برای اخراج درباریان از موجباتی بود که شاه را نسبت به مشـروطیت منزجر نمود و خواه و ناخواه به

دامن استبداد پناه برد. شیخ فضل‌الله هم که از نشستن روی قالیچه محروم شده بود برای بدست آوردن قدرت در تشویق و کمک به برنامه‌های استبدادی شاه تأثیر بسزایی داشت.

شیخ فضل‌الله در مقابل روحانیون مشروطه خواه جناح مستبدرا پی‌ریزی کرده خود در رأس آن قرار گرفته و عنوان مشروطه مشروعه به آن داد؛ زیرا وی معتقد بود مشروطه را چون شاه مرحوم به ملت اعطاء کرده چیز بدی نیست ولی منظور آن شاه مشروطه مشروعه است که با موازین شرعی تطابق دارد.

اقدامات شیخ فضل‌الله علیه مشروطه و مشروطه‌خواهان از اوایل ۱۲۸۶ ش آغاز شد و در روز سوم تیر ماه همانسال در رأس عده‌ای از روحانیون و طلاب و اصناف که بالغ بر پانصد نفر می‌شدند به حضرت عبدالعظیم رفته و در آنجا تحصن اختیار نمودند. وعاظ حاضر در آن تحصن همه روزه ضمن ایراد سخنانی حکومت مشروطه را خلاف شرع دانسته و تقاضای جدی از شاه به عمل آورده که باید مشروطه مشروعه شود. در همان ایام همه روزه تلگراف‌هایی در این زمینه با امضای شیخ فضل‌الله و سایر روحانیون و مجتهدین به علمای نجف مخابره می‌گردید و همچنین تلگراف‌هایی به تمام شهرهای ایران مخابره می‌شدند. مهمترین واقعه‌ای که علیه مشروطیت با سرپرستی و ارشاد شیخ فضل‌الله صورت گرفت واقعه توپخانه بود. ابتدا عده‌ای از اجامر و اوباش و مخالفین مشروطه به سرکردگی مقتدر نظام و صنیع حضرت به مجلس شورای ملی حمله برده بین آنها و مخالفین مجلس کار به تیراندازی رسید و سپس دامنه زد و خورد به توپخانه کشیده شد. در توپخانه شیخ فضل‌الله و شیخ علی‌اکبر بروجردی و شیخ محمد آملی و حاج میرزا ابوطالب زنجانی در مسند فرماندهی نشسته و وعاظی مانند سید محمد یزدی و سیداکبر شاه و سید علی آقا یزدی حاضر بودند و هر کدام به نوبت بالای منبر قرار گرفته، مطالبی در ذم مشروطیت و مجلس ایراد می‌نمودند. سرانجام شیخ فضل‌الله به منبر رفته و مشروطه‌خواهان را تکفیر نمود و آنان را به عنوان مرتد و بابی نام برد. در میان مستبدین عده‌ای مشروطه خواه هم داخل شده بودند و گاهی با فرستادن صلوات سخنان ناطقین را قطع می‌کردند و یا شعارهایی می‌دادند. برای آرامش مجلس مستبدین شخصی را به نام میرزا عنایت زنجانی که بیش از همه شعار می‌داد گرفته و او را کشتند و نعش او را به درختی آویزان کردند. واقعه توپخانه دو سه روزی به طول انجامید.

سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبائی هم در مقابل اقدامات شیخ فضل‌الله و اعوان و انصارش ساکت ننشسته، علمای نجف را نسبت به او بدبین ساختند و در نتیجه عده‌ای از علمای نجف مانند محمد حسین میرزا خلیل، آخوند ملامحمد کاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی طی تلگرافی شیخ فضل‌الله نوری را به علت مخالفت با مشروطه تکفیر کردند و متذکر شدند مخالفین را به ارض اقدس تبعید نمایند. متن تلگراف علمای نجف چنین بود:

حجج اسلام بهبهانی، طباطبائی؛ چون نوری مخل آسایش و مفسد است تصرفش در کلیه امور حرام است.

کشمکش بین مشروطه خواهان و مستبدین سرانجام به خون کشیده شد و لیاخف به دستور محمد علی شاه مجلس را به توپ بست و صدای مجاهدین و مشروطه‌خواهان موقتا خاموش شد. جمع کثیری از مجاهدین و مشروطه‌خواهان به زندان باغشاه افتادند و عده‌ای نیز به وضع فجیع اعدام گردیدند، بهبهانی و طباطبائی هم به تبعید رفتند. شاه در باغشاه به تخت نشست و شیخ فضل‌الله نیز مجددا به قدرت رسید و مقام و موقعیتش از سال‌های قبل بیشتر شد و آنچه او می‌گفت شاه به انجامش می‌کوشید.

در آبان ماه ۱۲۸۷ به دستور شیخ فضل‌الله نوری اجتماع بزرگی در باغشاه مقر محمد علی شاه با شرکت روحانیون، رجال، معاریف، بازرگانان، اصناف و مالکین تشکیل شد و مذاکراتی پیرامون نوع حکومت در ایران آغاز شد. شیخ فضل‌الله فریاد برآورد مشروطه با شریعت سازگار نیست و تلگراف‌هایی را که از طرف بعضی از روحانیون شهرها و مردم در مخالفت با مشروطه رسیده بود قرائت نمود. سرانجام عریضه‌ای به شاه نوشته و استدعا کردند از مشروطه صرفنظر نمایند. عده زیادی از علماء این عریضه را امضاء کردند، امضاء اول مربوط به شیخ فضل‌الله بود.

یک هفته بعد مجددا جلسه‌ای در باغشاه با حضور علماء و بزرگان و معاریف تشکیل گردید و شاه نیز در آن جلسه مشارکت کرد و مصرا از وی خواستند که مشروطه را فراموش کند.

محمد علی شاه اعلامیه‌ای انتشار داد و متذکر شد چون پیرو احکام مقدس اسلام می‌باشم و چون علماء اعلام نموده‌اند مشروطیت خلاف شریعت است لذا انصراف خود را از مشروطه اعلام می‌داریم. اعلامیه محمد علی شاه در اذهان مشروطه‌خواهان تأثیر بسیار بدی گذاشت. همه می‌دانستند تصمیم شاه ناشی از تلقین شیخ فضل‌الله است، از این رو عده‌ای کمر به قتل او بستند و برای اجرای قتل کریم دواتگر را انتخاب نمودند. ساعت ۸ بعدازظهر روز ۹ دی ماه ۱۲۸۷ هنگامی که شیخ با چند نفر از خادمین خود عازم منزل بود مورد سوءقصد قرار گرفت و شیخ و سه نفر از خادمین مجروح شدند. ضارب وقتی دستگیر شد تیری در دهان خود خالی کرد و مجروح شد. شیخ فضل‌الله پس از مدتی ضارب خود را بخشید و قریب یک ماه بستری بود تا سرانجام بهبود یافت (کریم دواتگر سرانجام به تیر غیب گرفتار و کشته شد).

فتح تهران توسط قوای بختیاری و مجاهدین گیلان به جنگ مستبدین و مشروطه خواهان پایان داد. محمد علی میرزا از سلطنت خلع و احمد میرزا ولیعهد به جانشینی او به تخت نشست و عضدالملک نایب‌السلطنه شد. مستبدین و طرفداران محمد علی شاه دو دسته شدند، عده‌ای همراه او به سفارت روس رفتند و عده‌ای هم در دیگر سفارت‌خانه‌ها بست نشستند. قبل از گرفتاری شیخ فضل‌الله از سفارت روس به او مراجعه شد و به او تأمین جانی و مالی پیشنهاد کردند، ولی شیخ نپذیرفت و شهادت را بر توسل بر اجنبی ترجیح داد.

جریان دستگیری و محاکمه و اعدام شیخ فضل‌الله در چند کتاب منقوش است. مرحوم مهدی ملکزاده در کتاب تاریخ مشروطه خود مشروحا به این موضوع اشاره کرده است که ما عین نوشته ایشان را نقل می‌نماییم:

توقیف و حبس حاجی شیخ فضل‌الله

به خلاف محمد علی شاه و صدر اعظمش سعدالدوله و جمعی از وزرا و درباریان و رجال مستبد که نامردانه پس از آنهمه جنایت و آدم‌کشی راه فرار را پیش گرفتند و به سفارت اجنبی که بزرگترین دشمن استقلال ایران بود پناه بردند. حاجی شیخ فضل‌الله

استقامت و شخصیت خودش را حفظ کرد و در خانه ماند و منتظر پیش آمد و تقدیرات شد. می‌گویند همانروز که محمد علی شاه به سفارت رفت سعدالدوله برای حاجی شیخ فضل‌الله پیغام فرستاد که جان شما در خطر است و خوب است به یکی از سفارتخانه پناه ببرید ولی حاج شیخ فضل‌الله از این پیشنهاد سرباز زد و زیر بار این ننگ نرفت و جواب داد مقام روحانیت من اجازه‌ی اقدام به این عمل را نمی‌دهد.

در همانروز کسانی که از طرف حاجی شیخ فضل‌الله به وسیله پنجاه عدد تفنگ سه تیر که از دولت گرفته بود مسلح شده بودند و در اطراف خانه‌اش سنگربندی کرده و تا ساعت آخر با مشروطه‌خواهان جنگیدند متفرق شدند و از صدها نفر پیروان و مریدان که همه روز گردش جمع می‌شدند و در مجمعش حضور پیدا می‌کردند کسی دیده نمی‌شد و جز چند نفر مستخدم شخصی و افراد خانواده‌ای کسی در خانه و اطراف او نبود روز ۱۲ رجب جمعی از مجاهدین به خانه شیخ رفتند و او را دستگیر نمودند و به وسیله درشکه به میدان توپخانه‌اش آوردند و در یکی از اطاق‌های طبقه فوقانی محبوسش نمودند آری شیخ در همان میدان توپخانه که در یک سال و نیم پیش در پوش سلطنتی که برای او برپا کرده بودند و در صدر آن جای داشت و هزارها نفر را بر ضد مشروطه و حکومت ملی قیام داده بود محبوس گردید.

ناگفته نگذاریم به خلاف رفتار عمال استبداد با محبوسین باغشاه مجاهدینی که شیخ را دستگیر و محبوس نمودند کوچکترین بی‌احترامی در حق او روا نداشتند و کاری که موجب رنج و شکنجه‌ی بدنی و یا روحی او بشود ننمودند و می‌توان گفت تا حدی با احترام به او عمل کردند.

شیخ از زمانیکه حبس شد تا موقعیکه اعدام گشت تمام ساعات را با بردباری و خونسردی و متانت گذراند و ضعف نفس از خود نشان نداد و راه عجز و ناله و توسل به این و آن را در پیش گرفت و شخصیت خود را حفظ کرد.

محاکمه و اعدام

محققین و کسانی که به تاریخ نهضت‌های ملل و انقلابات امم آگاهند به خوبی می‌دانند که در انقلابات ملی همینکه کسی جلب به محکمه انقلابی شد مخصوصا اشخاص مهم که گذشته‌ی آنها برای همه روشن است و به خوبی و بدی آنها همه آگاهی دارند و عهده‌دار و رهبری دسته مخالف را داشته‌اند قبلا محکوم به اعدام بوده و تشکیل محکمه جز صورت سازی چیز دیگری نیست.

حاجی شیخ فضل‌الله هم از این قاعده عمومی مستثنی نبود و می‌توان گفت که پیش از محاکمه محکوم به اعدام شده بود و همینکه دستگیر و جلب به محکمه انقلابی شد محکومیت او غیرقابل اجتناب بود.

محکمه انقلابی در عمارت توپخانه که در قسمت جنوبی میدان توپخانه بود با عضویت رؤسای مجاهدین تشکیل گردید و به همان نحویکه صنیع حضرت و آجودان‌باشی را محاکمه نمودند شیخ را احضار به محاکمه او پرداختند.

ناگفته نگذاریم که اعضای محکمه انقلاب اکثرشان سران مجاهدین تندرو و بقول معروف دو آتشه بودند و رؤسای معتدل و سرداران از عضویت محکمه سرباز زدند و خود را به آنچه می‌گذشت نمی‌خواستند آشنا کنند و حتی به روبرو شدن با جلب شدگان خودداری کردند.

ادعانامه

شیخ ابراهیم زنجانی ادعانامه‌ی مفصلی که حاکی بر

مجرمیت شیخ بود قرائت نمود و اعدام مجرم را از محکمه تقاضا کرد. چون ادعانامه‌ی مذکور دارای مقدمه طولانی است و درج آن در این تاریخ چیزی بر معلومات خوانندگان نمی‌افزاید از نگارش آن صرفنظر نموده و اصل ادعانامه را از نظر خوانندگان می‌گذرانیم.

وقتی که شدت و ظلم جور مقتدرین و عالم نمایان به احکام ناسخ و منسوخ و ناحق ایشان و تعطیل احکام اسلام و هرج و مرج امور خواص و عام در ایران به نهایت شدت رسید عموم خلق علاج را به مشروطیت دولت دیدند که اساس آن این است که تصرفات امرا و عالم نمایان و پادشاه در نفوس و اعراض و اموال خلایق به طور دلخواه مطلق نبود، حدی در تصرف پادشاه و حکام و دیگران بود و احکام الهیه چنانچه در اسلام مقرر است در حق همه جاری شود نه اینکه وقتی مقتدرین مرتکب فساد بشوند منعی نباشد و ضعفا صد مقابل مجازات ببینند و جمعی همیشه در کمال راحت و معبودیت دسترنج دیگران را گرفته به صرف عیش رسانیده و ایشان را در ذلت و بدبختی نگاهدارند.

جمعی از عقلا از طرف مردم جمع شده و مشاوره در اصلاح امور مملکت و معیشت و حفظ آب و خاک و رفع تعدی متعدیان نموده و نگران باشند که آنچه مردم بعنوان مالیه برای حفظ امنیت می‌دهند به مصرف عیاشی غارتگران نرود.

مظفرالدین شاه قبل از محمد علی میرزا مخلوع این استدعای ملت را قبول کرده قانون و عهدنامه اساسی را امضا کردند و جنابعالی هم با چند نفر از معروفین علما در استحکام این اساس دخالت داشته زیاده از هشت ماه اغلب خودت حاضر مجلس شوری بود و با حضور شما و جمعی دیگر مواد قانون اساسی نوشته شده و تصحیح شد، چه شد ناگهان شق عصای امت کرده ایجاد خلاف میان مردم نموده و علم مخالفت بلند کرده و جمعی از اشرار را بدور خود جمع نموده و ماده‌ی مفسده عظیم و علت اولیه‌ی خونریزی پنجاه هزار نفر نفوس ایرانی بی‌گناه و هتک اعراض و رعب قلوب و سلب بیشتر از صد کرور اموال و تخریب آبادیها گردیدید، اگر این عنوان حرام بود چرا خود هشت ماه در استحکام آن کوشیدی و اگر حلال و واجب بود چرا با آن شدت مخالفت نمودی و مردم را به ضدیت با یکدیگر دعوت فرمودی چرا بعد از اینکه اظهار مخالفت کردی مکرر به تو نصیحت کردند یک شب بنده خوده هم بودم در خانه آقای میرزا سید محمد طباطبائی، آقا سید عبدالله بهبهانی هم بود و بیست و پنج نفر از معتبرین وکلا هم حاضر بودند قسم غلیظ و شدید در حضور کلام‌الله مجید یاد کردی که خیانت به ملت نکرده، همیشه موافقت با مشروطیت نمایی مجددا بعد از چند روز قسم را شکسته ندای فساد دادی و چادر مخالفت زدی بعد جماعتی را گرد آورده و گفتی خلاف من فقط در سر آن یک ماده قانون اساسی است، باز جمعی همان ماده را برداشته در خانه خودت آورده، بنده هم بودم و به اتفاق بیست نفر از وکلا مدلل کردیم که همان ماده همانطور که هست باید نوشته شود باز قرآن حاضر کرده قسم مؤکد یاد کردی که دیگر ابدا

مخالفت نکنی و فردا به مجلس بیایی به ناگاه قسم و عهد را شکسته به حضرت عبدالعظیم رفتی در حضرت عبدالعظیم کتبا و نطقا چه افترا که به وکلاـ نزدی چه فساد بود که نکردی به چه دلیل وکلاـ را بابی و دهری خواندی آیا تصور نکردی که در قانون انتخابات بعموم اهل ایران دستورالعمل داده شده که هرکس را متدین و امین دانند انتخاب کنند.

آیا همه مردم بابی بودند که بابی انتخاب کردند یا سایرین غیربابی بودند و در میان خود امین را غیربابی نیافتند یا آنکه خاصیت دیوارهای بهارستان بود که کسانیکه آنجا آمده‌اند بعد از چند ماه بواسطه پولهائی که شما گرفتید آنها بابی شدند.

در حضرت عبدالعظیم هر مجمع فساد که شما رئیس آن بودید جمعی از اوباش مفتخوار را از چند هزار تومان تا چند دینار خرج می‌دادید. آیا این پولها را که به شما داده بود که فساد کنید، آیا از خود می‌دادید، جنابعالی هم مثل من از عتبات در حال فلاکت عودت کردید این پول را از کدام تجارت یا صناعت یا کسب گرد آوردید، این یا رشوه احکام و یا مال فقرا و ایتام بود البته این پول را در مدتی جمع کرده بودید به چه دلیل در پیش چشم خودت فقرا و ضعفا و ایتام با کمال عسرت معیشت می‌کردند و تو این اموال فقرا را ضبط کرده زیاده از عیش با وسعت در چنین مقام افساد و اشرار می‌دادی، اگر شما مشروطیت را حرام دانستید دیدید که عموم علماء مرجع تقلید عتبات و سایر بلاد ایران جز چند نفر ریاست طلب و دنیاپرست همه آن را واجب دانستند و اقلا نه عشر مردم ایران در طلب آن جان می‌دادند آیا ممکن است حرمت چنین چیزی مضر دین باشد تا منکر آن کافر و مرتد و مستحق قتل گردد، نهایت اینکه بی‌انصافی کرده می‌گفتید مسئله خلافی است رأی من این است که باید تأیید مقتدرین و ظلام کرد در چنین مسئله خلافی مخالف آن عاصی نیست تا چه رسد با آنکه کافر باشد.

پس به چه دلیل اشرار را اغوا می‌کردید که مشروطه‌طلبان را از قتل و ضرب به هر اذیت معاف ندارند.

بعد از آنکه مقدار پولها که گرفتید در حضرت عبدالعظیم به مصرف افساد رسانیدید و نمی‌دانیم چه قدر ذخیره کردید.

و بالاخره از آنجا مأیوس شدید این حرام که می‌گفتید کم کم حلال شد و سکوت جایز گردید؛ زیرا رأی شما تابع اشارات بود و در واقعه‌ی میدان توپخانه نمی‌دانم وجه مأخوذی به چه کثرت بود که به آن شدت اقدامت وحشیانه و متجاهرانه را نمودید خود را رئیس‌الاسلام نامیده با مهتر و قاطرچی و ساربان و کلاه‌نمدیهای محلات و اشرار همدست شده چادر در میدان زده در حضور مبارک شما آن اشرار مستانه فریاد ما چای و پلو خواهیم مشروطه نمی‌خواهیم، بلند کرده و همه قسم رذالت و فحاشی کردند. چند نفر بی‌گناه را کشتند و به اشاره و سکوت شما از درخت آویخته چشم مقتولین را با خنجر در حضور عالی درآوردند بفرمایند آن مقدار مصارف که با آن جمعیت و شرارت صرف می‌شد و جنابعالی شرکت داشتید از چه محل حلال بود تلگرافات افساد شما به شهرها در تلگرافخانه‌ها موجود است کدام فساد و شرارت را در آن چند روز محض میل محمد علی میرزا فروگذار کردید. آیا می‌توان گفت این است حمایت اسلام، شما را به هرچه اعتقاد دارید قسم می‌دهم اگر حضرت پیغمبر یا امام علیه‌السلام حاضر بودند آن مجمع شما را به چه نام می‌نامیدند.

بعد از اینکه از فساد میدان توپخانه نتیجه مطلوبه حاصل نکردید با دست‌های مخفی که هشیاران می‌دیدند در همه قسم فساد و هرج و مرج در اجتماعات و انجمن‌ها و اغتشاش بلاد و مغشوش کردن ذهن محمد علی میرزا و تقویت او به مخالفت ملت اقدام کافیه کردید در بیرون رفتن محمد علی میرزا از شهر به باغشاه و ترتیب مقدمات تخریب مجلس شورا و محل امید ملت ایران سرسلسله شاپشال و امیر بهادر و مفاخرالملک و صنیع حضرت و مجلل و مجدالدوله و حاجی محمد اسماعیل مغازه و امثال ایشان شما بودید.

و اکثر دستورالعملها را می‌دادید آیا شکستن عهد و قسم و توپ بستن به خانه خدا و قتل نفوس و هتک قرآن و زدن افترا و بهتان به وکلای پارلمان این اعمال را حلال می‌دانستید یا خیر آیا در حبس و زجر سادات و محترمین و به حلق آویختن مظلومین و حبس و زنجیر مردمان بی‌تقصیر و کشتن آن جمع کثیر محمد علی میرزا را مصاب می‌دانستید یا مخطی، اگر مخطی می‌دانستید چرا نهی نکردید اگر قدرت نداشتید چرا مثل ملت علم اعتراض و تحصن به حضرت عبدالعظیم و جمع نمودن مردم و جلوگیری از منکر و رفع فساد نکردید بلکه با کمال خرمی و انبساط به تبریک رفته و اظهار شادمانی کردید و تأیید شدت‌هایی که کردند نمودید.

آیا آن قتل نفوس و گرفتاری و تبعید محترمین و تصرفات در اموال ملت که ذخیره‌ی چند ساله‌ی ایران بود و اخذ تقدیمات بر حکومتها و اعطاء مناصب و تصرفات در خزانه و مالیه مملکت از مالیات و گمرک و تلگرافخانه و غیرها و اتلاف اشیاء ذخیره و پامال کردن اسلحه قورخانه و تقویت در فرستادن لشکر به یک شهر معتبر ایران مثل تبریز که چندین هزار ضعفا و عجزه و نسوان و اطفال دارد و در خانه خود نشسته هجوم بر کسی نمی‌کردند، بلکه در مقابل زورگویی آنها دفاع از خود می‌کردند این فرستادن توپها و افواج و امثال رحیم‌خان و بستن راه آذوقه بر مردم یک شهر و تخریب و غارت دهات آذربایجان و هتک نسوان و تصرف در تمام امور و اموال مردم و هوای نفس که از محمد علی میرزا و مشیرالسلطنه و قوام‌الدوله و مجدالدوله و امیربهادر و سایر شرکاء شما بودند که سلطنت غیرمشروطه عبارت از اینگونه کارها است اینها را شرعی و صحیح می‌دانستید:

اگر شرعی نمی‌دانستید به خط خود نوشته بدهید اگر شرعی می‌دانستید به چه جهت تأیید می‌کردید و شب و روز با مشیرالسلطنه و امیربهادر ترتیبات می‌دادید. لامحاله مشروطیت از این حرام‌تر نبود، پس چرا برای منع این کارها اقداماتی نکردید به حضرت عبدالعظیم نرفتید و به میدان توپخانه جمع نشدید و فریاد نکردید.

در این استبداد صغیر: چه پولها از مردم برای احکام و توسط و نصب حکام و اعطای مناصب گرفتید و چه پول‌ها از مال ملت از دست محمد علی میرزا گرفتید، اگر راست بگوئید باید بیش از صد هزار تومان از این میان برده باشید، آخر این چه بی‌رحمی است این مال رعیت بیچاره است بگوئید کجا ذخیره شده بدهید به هزار قسم مورد حاجت خرج کنند.

این وسط چه تحریکات شما و امام جمعه به میرزا حسن تبریزی و ملاباقر زنجانی و سایر عالم نمایان و اشقیا کردید.

تلگرافات و مکتوبات شما همه را در دست دارند که القاء فساد کرده به شرکت ایشان خونها ریخته و خانه‌ها بر باد دادید و آتش بدودمانها زدید که هنوز دود آن فضا را تیره کرده مگر این مردم به شما چه کرده‌اند مگر از برکت مال و خدمات ایشان محترم و مکرم و صدرنشین و معبود و مسجود و نافذالکلمه و صاحب مال و عیش و پارک و قصر و جلال نشدید، آیا جزای خدمات این مردم بیچاره این بود.

آیا به قدر سعی در کشتن ملک‌المتکلمین و میرزا جهانگیرخان و قاضی قزوینی اقدامی کردید، بر فرض عدم اصلاح حکم خداوند این است که هر یک از این دو دسته را یاغی بدانید و با او جنگ کنید، شما آیا تبریزیها را که در خانه‌ی خود نشسته بودند و سرداران ملت را که می‌خواستند به این شهر آمده مطالب خود را بگویند، جلو راه ایشان را گرفته مانع شدند اینها را یاغی می‌دانید پس چرا مخلوط با سرباز و قزاق و الواط صنیع حضرت شده با آنها جنگ کردید.

و اگر لشکریان امیربهادر را یاغی می‌دانستید چرا با ملت موافقت نکرده با آنها جنگ نکردید.

نگوئید که چون عمامه داریم و زحمت و مشقت و سینه بگلوله دادن و در مقابل آفتاب در خاک خوابیدن را به سرباز داده‌ایم و خود باید از لذایذ متنعم باشیم، مگر حضرت پیغمبر و علی علیه‌السلام عالم نبودند یا عمامه نداشتند که اسلحه برداشته جهاد کردند.

بعد از توپ بستن مجلس و مسجد و هتک قرآن و قتل نفوس چه محبوبیت در دربار محمد علی میرزا پیدا شد که شما شب و روز و اکثر اوقات را با محمد علی میرزا و امیربهادر و غالب اوقات در کالسکه مشیرالسلطنه تشریف برده خلوتها کرده و نقشه‌ها برای تخریب بلاد و تعذیب عباد کشیدید با آن همه قدس و مسجد و عمامه علنا بر عدوات حججالاسلام و آیات الله فی‌الانام که مرجع خواص و عام در عتبات مقدسه هستند اظهار عناد کردید بلکه تفسیق نمودید، آیا امیربهادر و ارشادالدوله و مجدالدوله را بهتر از مرحوم حاجی میرزا حسین و آقای خراسانی و آقای مازندرانی تصور می‌کردید؛ چرا خود و امثال خودتان از ملاهای رشوه‌گیر اجتماع کرده کنکاشها برای سختگیری به مردم و اذیت عدالت طلبان می‌نمودید، آزاد حرف می‌زدید و هر کجا می‌رفتید اما بندگان خدا را از اجتماع و مراوده با یکدیگر و گفتن حرف حق منع می‌کردید در این سیزده ماه چقدر سرباز و قزاق مسلح در هر معبر گماشته هر نوع اهانت و خواری به مردم کردید اگر آزادی در حرکات خوب است، چرا مردم را منع کردید، بد است چرا داشتید.

وقتی که محمد علی میرزا اعلان کرده بود که در ۱۹ شوال انتخاب و افتتاح مجلس شود، شما و امثال خودتان که برای یک فلوس از دین و مذهب دست می‌کشند جمع کرده بر ضد عموم ملت ایران و تمام مسلمانان عالم و علمای عتبات و علمای بی‌غرض احکام نوشته و مهر زده و گفتید باید مشروطه داده نشود مشروطه حرام است و از طرف ملت هم گفتید مردم نمی‌خواهند با اینکه از آفتاب روشن‌تر است که اینها همه عمدا از روی کنکاش محض دریافته‌اند جزئی وجه رذالت بود مسلما شما حرام دانسته رد کردید.

شما که خود را رؤسای اسلام نامیده و می‌گویید نهی از منکر می‌کردید، آیا چرا سایر منکرات را ردع نکردید، آیا این حبس و زجرها و گوش بریدن و دهان توپ گذاردن و مهار کردن و جریمه‌ها و رشوه‌ها و غارت‌ها و تعرض به عرض مسلمانان و چوب بستن و شلاق زدن و بلکه آویختن و شکنجه کردن و داغ نمودن و تعطیل حدود و احکام و مساجد و احکام و رشوه و شهادت ناحق و ناسخ و منسوخ و خوردن اوقاف و وصیت‌های اجباری و جمع مال فقرا و صرف تجملات و سایر فسق‌ها و معصیت‌های واضح، تعطیل مساجد، منکرات نیستند، چرا به نهی و ردع اقدام نکردید و مضبطه ننوشتید و فریاد نمی‌خواهم بلند نکردید همه را بر سر عدالت و حقانیت نیاوردید آیا مشروطه‌طلب بودن چه گناهی بود که قاتل و قاطع‌الطریق و دزد و راهزن و زانی و شارب خمر و مرتکب هر معصیت بلکه هر کافر مرتد در امان بود و مشروطه‌خواه در امان نبود حتی اینکه مردم برای خلاصی از شرور شما به زیر بیرق فرنگیان و کفار پناه بردند و به بلاد خارجه گریختند و در پناه خارجه درآمدند، مع‌ذالک امان نیافتند مثل دوستداران اهل بیت در زمان بنی‌امیه شما گفتید مشروطه طلب واجب‌القتل است و کافر است آیا تمام رعایای عثمانی و نه عشر ایرانی و تمام مسلمانان هند، قفقاز، مصر و افریقا، تونس، الجزیره ترکستان و سایر بلاد شب و روز برای آزادی از قید عبودیت نشر عدالت را می‌طلبند همه کفار و واجب‌القتل هستند جز شما اشرار حامیان ظلم و استبداد و معاونان شر و فساد نعوذ بالله من شر انفسنا آیا شما چرا در همه اقدامات محمد علی میرزا و امیربهادر و مشیرالسلطنه و مجدالدوله از همه پیش قدمتر و نقشه‌کش بودید در اهلاک و تخریب آذربایجان و فشار به اهل طهران و جعل اکاذیب بی‌پایان مواضعه با بدخواهان ایران از اتباع خارجه و فروختن این مشت خاک و تنگ‌گیری به متحصنین سفارت عثمانیه و مانع شدن مردم از تحصن و منع آذوقه از ایشان مدتی بلکه کنکاش در قتل ایشان به ارسال مارها و عقاریب و همه قسم تهدید و تعرض آیا شما چرا امر کردید به شکستن نمره‌های درهای عمارات مردم که مبغلی برای آنها صرف شده بود. آیا آن را غیر از اینکه سبب هدایت جوینده می‌شد ضرری داشت. شما که اینقدر دقت داشته‌اید چرا از اجتماعات بر استماع نقالی دروغ و بازی‌ها بلکه بیع مسکرات و سیر معاصی را منع نکردید و چرا از تخریب در و دیوار و سقف مجلس شورا مانع نشدید.

اگر مال محمد علی میرزا بود تضییع مال بود، اگر مال دیگری بود ظلم و عدوان به چه جهت توپ بستن به خانه ظل‌السلطان و ظهیرالدوله و سایر خانها و غارت اموال آنها و میرزا صالح خان حلال شده و از جانب شما اقدامی در منع دیده نشد بلکه ترغیب و تحریک نمودید به چه دلیل به گوش لشکر و سرباز که روانه تخریب آذربایجان و قتل مسلمانان می‌شدند دعا خوانده ایشان را ترغیب کردید و می‌گفتید شما برای حفظ اسلام می‌روید خدا کمک تا اینکه ایشان موفق شده مسلمانان را بکشند چه تو را واداشته بود که با آنکه خود را حجةالاسلام می‌خواندی شب و روز با امیربهادر و مشیرالسلطنه و مفاخرالملک و صنیع حضرت و مجلل و امثال ایشان در دربار و خانه خودت خلوت و کنکاش کنی با اینکه خودتان معاشرت با جباران را ممنوع و خلاف شئون علمای دین بلکه از جمله اعانت به عدوان می‌شمردید چگونه اینان حامی اسلام و علمای عتبات مخرب اسلام شدند چگونه کلاه‌نمدیها فریاد می‌کردند ما دین می‌خواهیم و مشروطه نمی‌خواهیم با ایشان بودید اما جمعی از ولایات که هریک را اقلا ده هزار نفر منتخب و متدین دانسته ایشان را بابی، دهری و مخرب شرع می‌نامیدید، چرا محمد علی میرزا را گول زده و مانع شدید که وفای به عهد نکرده و سبب این قدر خونریزی بزرگ در ایران و ویرانی هزارها دودمان، بلکه دخول خارجه به خاک ایران و توحش مردمان شدید و حرث و نسل را ضایع کردید اینها به یک طرف بدترین جنایات اینکه نقشه قتل و دستگیری مقام محترم حضرت عبدالعظیم خصوصا آقای سید علی آقای یزدی کشیدید و مفاخرالملک و صنیع حضرت را با اشرار نابکار سید کمال و سید جمال واداشتید شبانه ریخته، بیچاره مرحوم میرزا مصطفی و میرزا غلامحسین و رفیقان ایشان را با موحش‌ترین وضعی به قتل رسانیدند چرا با همه‌ی اینکه دیدید تمام ولایات ایران بهم خورده و هیجان ملت از قتل جوانان امت به نهایت رسیده اعلام عمل به قانون اساسی را می‌طلبند و محمد علی میرزا جز قبول علاجی نداشته و اعلان کرد باز تو از خون مردم ایران سیر نشده اصرار داشتی که حرام است و

هم مسلکان خود را جمع و کنکاش داشتی که بازیها درآورده فریاد پول و پلو خواهیم مشروطه نمی‌خواهیم بلند کنید حتی اینکه تمام مردم دانسته به دستور شما صد توپ تنزیب از بازار گرفته از قاطرچی و مهتر بنا کردید عمامه گذاردن و ملا ساخته مخلوط مفتخواران کرده و قشونی از جنس ملا تشکیل داده که مردم فهمیده باطل‌السحر این نقشه را به کار بردند.

چرا بعد از اعلان قانون اساسی در ماه ربیع‌الثانی با آن همه زحمات ملت و تشکرات که از این اعلان کردند شروع شد که شورش بلاد تمام شود باز شماها که عمده خود شما بودید نگذاردید محمد علی میرزا که همه بلاد از دستش رفته و طهران مانده بود، آن وقت جلب قلوب ملت کرده و بلاد را امنیت داده به طور حقیقت اقدام به معیت کرده و فساد را خاتمه دهند، بلکه محض حفظ منافع خودتان سلطنت او را فدا ساخته واداشتید به همان تنها کتابت قناعت کرد ابدا تغییری به وضع استبداد و سختگیری نداد و قدم به طرف قبول مستدعیات ملت برنداشت تا بالاخره ملت مجددا مایوس شدند و چاره را منحصر به علاج قطعی دیدند چرا بالاتر همه‌ی خیانتها طرح و نقشه ریختند که بلاد اسلام را به دست خارجه بدهید و دیگران را بر ایرانیان حکم روا سازید تمام سعی شما و تهدید ملت را منحصر بفروش مملکت و التجا به دیگران قرار دادید در باطن اجانب را دعوت به مملکت نمودید و با کمال بشاشت و خرمی این را اظهار و اشتهار کردید که سالدات چنین و قزاق چنان مثل اینکه برادران عزیز خود را به مهمانی خوانده‌اید البته به نقشه تو و شرکاء تو بود که محمد علی میرزا اقدام به جنگ اخیر با ملت کرد و تو بزرگوار دویست تفنگ گرفته به دست اشرار سپرده و دور خانه‌ی خودت جمع و سنگر نمودی که ملتیان را بکشی و از هر نوع اقدام مضر کوتاهی نکردی به چه دلیل اسلحه ملت را به تصرف اشرار داده و آنها را تحریص به قتل ملت کردی، چرا تو با آن همه معیت با محمد علی میرزا اقلا در آخر وقت او را دعوت نکردی که لامحاله شرف یک دودمان سلطنت را نبرده پناه به دولت دیگر نبرد لامحاله با ملت معیت کند و یا تسلیم ملت شود آیا این ملت نجیب گمان داشتی با او محترمانه معامله نکند یا آنکه یک مرده به نام به که صد زنده به ننگ.

سؤالات

اتهام‌نامه در یک محیط بهت و سکوت قرائت شد. حاجی شیخ فضل‌الله به دقت به مندرجات آن گوش می‌دادید. پس از خاتمه‌ی قرائت لایحه‌ی مذکور چند دقیقه صحبتی به میان نیامد و همه منتظر بودند که شیخ در مقابل اتهامات مندرجه در لایحه چه عکس‌العملی از خود نشان خواهد داد و چگونه از خود دفاع خواهد کرد. ولی شیخ صحبتی نکرد و زبان به گفتگو نگشود. مستعان رئیس کمیته جهانگیر که از طلوع مشروطیت خود شاهد و ناظر کلیه وقایع و حوادث بود به شیخ گفت در مقابل اتهامات وارده که قرائت شد چه جواب می‌دهید.

پیش از اینکه وارد سؤال و جوابهائی که میان شیخ و قضات محکمه‌ی انقلابی رد و بدل شد بپردازم، متذکر می‌شوم که در این چند ساله که نگارنده‌ی این تاریخ برای جمع‌آوری مدارک صرف وقت بلکه مجاهدت کردم، نتوانستم صورت قطعی و گزارش کتبی یا صورت مجلس آن محکمه‌ی تاریخی را که به طور قطع می‌توان گفت در تاریخ چندین هزار ساله‌ی ایران نظیر نداشته به دست بیاورم، ظنّ قوی این است که صورت جلسه‌ای تهیه و تنظیم نشده است و یا اگر شده در همان روزها از میان رفته است. بنابراین آنچه در این موضوع می‌نویسم مطالبی است که از بعضی او اعضاء محکمه و یا رؤسای مجاهدین که در آن جلسه حضور داشته‌اند شنیده‌ایم و از طرف آنها نقل قول می‌کنم.

سؤالاتی که از حاجی شیخ فضل‌الله شد و مطالبی که در اتهام‌نامه قید شده بود بر دو نوع بود. بعضی‌ها به درجه‌ای مسلم و غیرقابل انکار بود که شیخ جوابی بر رد آنها نداشت، مثلا واقعه‌ی میدان توپخانه و منبر رفتن شیخ و تکفیر کردن مشروطه‌خواهان و بابی خواندن وکلاء و تشویق کردن الواط و اوباش را بر ضد مجلس و یا رساله در تحریم مشروطیت که به خط خود نوشته و در همه جا منتشر شده بود و همچنین تلگرافاتی که به روحانیون و سرجنبانان شهرستانها کرده بود و آنها را به مخالفت با مشروطیت تحریک نموده بود و در موقع تصرف تلگرافخانه به دست مجاهدین افتاد و فتوایی که به امضاء خود و جمعی از علمای مستبد طهران نوشته و در باغشاه تسلیم محمد علی شاه نموده بود و اعلامیه‌هایی که به امضاء خود در حضرت عبدالعظیم و مدرسه مروی منتشر نموده بود و از این قبیل.

بعضی دیگر سؤالات قابل دفاع بود و شیخ می‌توانست رد و یا انکار کند.

قسمت اول را چون نمی‌توانست تکذیب کند، جواب داد من مجتهد هستم بر طبق الهامات قوه‌ی اجتهاد و شم فقاهت راهی را که مطابق شرع تشخیص دادم پیروی نمودم.

عمیدالسلطان در جواب می‌گوید شما از بدو طلوع مشروطیت با این اساس موافق بودید و قانون اساسی هم که اصول و مقررات مشروطه در روی آن استوار است با موافقت خود شما تهیه و به تصویب رسید پس از آن هم در قانون اساسی تغییری داده نشد که موجب مخالفت شما بشود در اینجا شیخ قافیه را باخت و در ضمن آنکه از قانون اساسی و مشروطه مشروعه صحبت کرد گفت: چند نفر از دشمنان من مشروطه را منحصر خودشان کرده بودند و می‌خواستند من در آن راهی نداشته باشم و کنار بروم آنها از مشروطه و مزایای آن بهره‌مند بشوند.

سؤالات دیگری از شیخ شد که به هریک جواب داد– ابوالفتح زاده سؤال کرد که بر طبق اقرار صحیح صنیع حضرت در محکمه قتل میرزا مصطفی آشتیانی به دستور شما انجام یافته– شیخ این اتهام را رد کرد و گفت: مفاخرالملک و مجلل‌السلطان عامل آن قتل بوده‌اند و من کوچکترین اطلاعی از آن نداشتم.

میرزا علی خان دیوسالار سؤال کرد شما با سفیر روس سر و سرّ جلسات محرمانه داشته‌اید و سعدالدوله هم در جلسات سرّی شما شرکت داشته است.

شیخ جواب داد، اغلب سفرای خارجه بدیدن من می‌آمدند شاید در یکی از ملاقات‌ها سعدالدوله هم حضور داشته ولی ملاقات من با سفرا مخفی نبوده و علنی بوده و جنبه سیاسی و مشورتی و کنکاش نداشته است.

منتصرالدوله پیشکار سپهسالار سؤال می‌کند در نامه‌یی که شما به خط خودتان به شیخ‌الاسلام قزوینی نوشته بودید و در میان نوشتجات آن به دست مجاهدین افتاد شما به او دستور داده بودید که قوایی تهیه کند و با ملیون جنگ کند– شیخ جواب می‌دهد،

شیخ‌الاسلام بدرجه‌یی با مشروطه مخالف و دشمن بود که احتیاج به تشویق و تحریک من نبود.

میرزا علی محمد خان سؤال می‌کند- شما جمعی از اوباش را با تفنگ‌هایی که از محمد علی شاه به وسیله کامران میرزا نایب‌السلطنه گرفتید مسلح نمودید و تا آخر با ملت جنگ کردید و محارب هستید- شیخ جواب می‌دهد هر مسلمانی بر طبق اصول دین مکلف است از خود دفاع کند و من برای دفاع از خود و بستگانم اقدام کردم.

نظام‌السلطان سؤال می‌کند: بنا به تقاضای شما محمد علی شاه اسماعیل خان سرابی را بدار آویخت. شیخ جواب می‌دهد من کشتن اسماعیل خان را پس از واقعه مسبوق شدم.

یکی از اعضاء محکمه می‌پرسد شما عین‌الدوله و حاجی میرزا حسن‌آقا مجتهد و سید هاشم را به وسیله مکاتیب متعدد که در دست است به قتل و غارت و قلع و قمع مردم تبریز تشویق نمودید و مردم بی‌گناه تبریز را که جز حق مشروع و ملی خود که اجرای قانون اساسی بود و شاه و خود شما به حفظ آن قسم خورده بودید محارب خوانده و آنها را واجب‌القتل دانسته‌اید شیخ جواب صریحی به این سؤال نمی‌دهد و فقط می‌گوید مکاتبات من با عین‌الدوله دوستانه و برای احوال‌پرسی بود.

اعضاء محکمه هریک به نوبه خود سؤالاتی می‌نمایند که چون از مضمون و مفهوم آن مدرکی در دست نیست به سکوت می‌گذرانم.

در خاتمه جلسه آقا شیخ ابراهیم زنجانی به پا می‌ایستد و به طور صریح چنین می‌گوید، جناب حاجی شیخ فضل‌الله بر طبق فتوا و حکم حججالاسلام نجف اشرف که سواد آن در همه‌ی ایران منتشر شده مفسد فی‌الارض است و باید بر طبق قوانین اسلام با او همان معامله‌یی را که خداوند راجع به مفسد فی‌الارض دستور داده رفتار نمود.

شیخ را به اطاقی که در آن محبوس بود می‌برند و اعضاء محکمه انقلابی به کنکاش می‌پردازند و پس از یک ساعت مشاوره به اتفاق رأی می‌دهند که چون حاجی شیخ فضل‌الله نوری قیام بر ضد حکومت ملی نموده و سبب قتل هزارها هزار نفوس و خرابی بلاد و غارت و فساد گردیده و حجج اسلام نجف اشرف هم او را مفسد فی‌الارض تشخیص داده‌اند محکوم به اعدام است.

اعدام

وسایل اعدام از چند روز پیش فراهم شده بود و داری که صنیع حضرت و آجودان باشی را به آن آویختند در میان میدان توپخانه سرپا بود مأمورین اجرا حکم محکمه انقلاب را به حاجی شیخ فضل‌الله ابلاغ کردند و بلادرنگ او را در میان گرفته و از پله‌های طبقه فوقانی عمارت توپخانه سرازیر شده وارد میدان شدند سطح میدان، پشت‌بام‌ها، ایوان‌ها از هزارها نفر مردم طهران پوشیده شده بود عده‌ی زیادی مجاهد مسلح دو طرف راهی که محکوم را به طرف دار هدایت می‌کرد صف کشیده بودند هیاهو و جنجالی برپا بود که گوش را کر می‌کرد و صدای زنده‌باد مشروطه و مرگ بر مستبدین فضای میدان و خیابان‌های اطراف را فرا گرفته و برق تفنگ و سرنیزه‌ها در زیر آفتاب گرم تابستان چشم را خیره می‌کرد، محکوم فاصله میان محبس و محل اعدام را با خونسردی و متانت پیمود و با کبر سن و پیری، ضعف و ناتوانی از خود نشان داد و در دقایق آخر عمر ثبات و استقامت خود را به ظهور رسانید.

می‌گویند یا از روی عمد یا اتفاق دار را در محلی برپا کرده بودند که در واقعه میدان توپخانه منبر را در آن محل گذارده بودند و حاجی شیخ فضل‌الله در همان محل از روی منبر مردم را به مخالفت با مشروطیت و آزادی دعوت می‌کرد و قانون اساسی را مخالف شرع و دین اعلام می‌داشت و مشروطه‌خواهان را بی‌دین و بابی می‌نامید.

به محض رسیدن به پای چوبه‌دار دو نفر از مجاهدین طناب را به گردان محکوم انداختند و او را بالا کشیدند و آن مرد روحانی پس از یک دوره مبارزه تاریخی به دنیای دیگر شتافت و داستان شگفتی از دوره عمر پر سر و صدا و پر آشوب خود در صفحات تاریخ به یادگار گذارد.

ناظرین که نزدیک به محل اعدام بودند، نقل می‌کنند که جان کندن شیخ بیش از نیم دقیقه طول نکشید و پس از آنکه او را به دار کشیدند تشنجی در اعضایش ظاهر شد و سپس چراغ عمرش خاموش شد.

در آن روز شهرت یافت که شیخ مهدی پسر حاجی شیخ فضل‌الله که از مشروطه‌خواهان بود در موقع اعدام پدرش حضور داشته و کف می‌زده و اظهار بشاشت می‌کرده. گرچه شیخ مهدی با مسلک پدر همراه نبود با او مراوده نداشت ولی شهرت بالا بکلی خالی از حقیقت و راستی است میرزا محمد نجات برای نگارنده نقل کرد که همان موقعی که شیخ را اعدام کردند من به عمارت تخت مرمر رفتم و شیخ مهدی را دیدم زیر درخت چناری نشسته و گریه می‌کند.

مرحوم شیخ فضل‌الله نوری از اجله علماء معقول و منقول بود و اعلم بر علمای آن روز شمرده می‌شد. وی صاحب تألیفات عدیده‌ای است، از جمله تذکره‌الغافل و ارشادالجاهل به زبان فارسی است که یکسال قبل از وفات خود آن را تألیف نموده و پیش از قتل خود نشر داده و در آنجا مرام خود را مبین داشته و بعضی از حوادث را که بعد از او وقوع یافته خبر داده است.

به غیر از صحیفه مهدویه که ادعیه حضرت ولی عصر (ع) را در آن جمع کرده است چند اثر دیگر نیز دارد.

شیخ فضل‌الله دو همسر اختیار کرد، همسر اولش دختر دائی او بود که سه فرزند پسر و پنج دختر از وی داشته است. از همسر دیگرش یک پسر و سه دختر باقی گذاشت.

در قتل ناجوانمردانه شیخ فضل‌الله مرثیه‌هایی زیادی سروده شد.

(۱۲۵۹ / ۱۲۵۸- شهادت ۱۳۲۷ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد، مرجع تقلید، مدرس و شاعر، متخلص به نوری. از علمای بزرگ شیعه در اوایل قرن چهاردهم هجری و خواهرزاده و داماد حاج میرزا حسین نوری، صاحب «مستدرک الوسائل» می‌باشد. در قریه‌ی لاشک، از توابع شهرستان نور، به دنیا آمد و در بلده نشو و نما یافت. تحصیلات مقدماتی را در همان جا شروع و در تهران به پایان رسانید و سپس برای تکمیل مراتب علمی راهی عتبات گردید و از محضر شیخ مهدی آل کاشف‌الغطاء و شیخ راضی نجفی و میرزا حبیب‌اللّه رشتی و میرزای شیرازی استفاده نمود و پس از تکمیل تحصیلات به ایران مراجعت کرد. وی از دایی خود، محدث نوری، اجازه روایت گرفت. از صاحب عنوان سید اسماعیل شریف‌الاسلام و از وی برادر زاده‌اش، آقا نجفی تبریزی، روایت کرده است. وی سالها در تهران مرجع امور دینی و مصدر خدمات بسیاری بود. در آغاز جریان مشروطیت با مشروطه‌خواهان حتی در

مهاجرت به حضرت عبدالعظیم (ع)، همراهی کرد. ولی چون روش مشروطه‌خواهان را مخالف با دیانت تشخیص داد به مخالفت با ایشان پرداخت و خواستار حضور پنج تن از مجتهدان طراز اول در مجلس شد تا مصوبات مجلس را با احکام دینی تطبیق نمایند و همین امر موجب دشمنی مشروطه‌خواهان با وی گردید. چنانکه پس از فتح تهران شیخ فضل‌اللّه محکوم به اعدام و در میدان توپخانه تهران به دار آویخته شد. پیکر او، پس از تحویل به خویشانش، به قم حمل و در صحن بزرگ حضرت معصومه (ع) دفن گردید. از آثارش: «تقریرات» اساتیدش در فقه و اصول، مانند «رساله‌ی مشتق» که تقریر بحث شیرازی است؛ «تذکرة الغافل و ارشاد الجاهل»؛ «الصحیفة المهدویة» یا «الصحیفة القائمیة» که ادعیه‌ی حضرت ولی عصر (عج) را در آن جمع نموده است؛ «سؤال و جواب» یا «شصت مقاله» از فتاوای میرزای شیرازی که شیخ فضل‌اللّه نوری آن را جمع‌آوری کرده است؛ «تحریم مشروطیت»، حاوی علت موافقت اولیه و مخالفت ثانویه وی با مشروطیت و دلایل شرعی او؛ «دیوان» شعر.[۱]

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان‌الشیعه (۴۰۷/ ۸)، پایداری تا پای دار، الذریعه (۴۱/ ۲۱ ،۱۸۹/ ۱۴ ،۲۴۸/ ۱۲ ،۲۳/ ۱۵ ،۴۲/ ۴)، ریحانه (۲۶۴ –۲۶۲/ ۶)، شرح حال رجال (۱۰۶ –۹۶/ ۳)، شهیدان راه فضیلت (۵۲۰ –۵۱۵)، شیخ فضل‌اللّه نوری و مشروطیت، فاجعه قرن، فوائد الرضویه (۳۵۳ –۳۵۲)، لغت‌نامه ذیل/ نوری)، المآثر والآثار (۱۵۱)، مستدرکات اعیان‌الشیعه (۱۵۴ –۱۳۸/ ۴)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۳۰۹ –۱۳۰۸/ ۳)، معجم‌المؤلفین (۷۴/ ۸)، مکارم‌الآثار (۱۶۱۰ –۱۶۰۵/ ۵)، میرزای شیرازی (۱۸۲ – ۱۸۱)، یادداشتهای قزوینی (۱۱۹ –۱۱۳/ ۶).

نوری، محمد تقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دیگر از معروفین این خاندان، مرحوم میرزا محمّد تقی فرزند میرزا محمّد علی است. عالم و فاضل بوده، و در فنّ تعبیر خواب، ابن سیرین زمان خود بوده، از تعبیرات او حکایتها نقل می‌کنند.

در سال ۱۳۲۹ وفات یافته، در پشت بقعه تکیه بابا رکن الدین مدفون گردید. معروف است که مردی قبل از کشته شدن ناصر الدین شاه او را در خواب، به لباس اهل علم دید، تعبیر خواب خود را از مرحوم نوری خواست. فرمود: ناصر الدین شاه کشته می‌شود. پس از وقوع قضیّه، دلیل تعبیر را از او پرسیدند، حدیث «فمن خرج عن زیّه فدمه هدر» را فرموده بود.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نوری، محمدابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدابراهیم نوری متوفی حدود ۱۳۲۲ قمری مدفون در رواق عسکریین علیهماالسلام.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

نوری، نورعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: اقتصاد، دانشکده: اقتصاد، دانشگاه: امام صادق (ع)

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

فوق دکترای بیمه از Ecole National Dassvrances پاریس.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع).

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی انواع بیمه‌های بازرگانی (عمر، حوادث، باربری، آتش‌سوزی، مقاطعه‌کاری و غیره)، آمار و جداول مرگ و میر، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:–

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

اکتوآریا (اقتصاد و ریاضیات مالی).

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

الگوسازی، پیش‌بینی‌های اقتصادی، کامپیوتر و انفورماتیک آمار و بیمه، مدیریت.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نوری، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یحیی بن الزکی الصالح مرحوم حاج میرزا اسماعیل نوری از افاضل دانشمندان معاصر و مشهور به علامه نوری می‌باشند.

وی در حدود ۱۳۴۵ قمری متولد و در بیت تقوا و دیانت تحت تربیت صحیح پرورش یافته و بعد از خواندن دروس جدید به تحصیل علوم عربی و قدیمه پرداخته و متون فقه و اصول و منطق و فلسفه و حکمت را از مدرسین بزرگ تهران فراگرفته و علوم نظری و تحلیلی را از آیات عظام و فقهاء کرام استفاده نموده تا به مدارج عالیه و مقام استادی رسیده و خود به تدریس علوم پرداخته است.

استاد علامه نوری امروز یکی از مفاخر دانشمندان تهران محسوب می‌شود دارای تألیفات عدیده در علوم مختلف می‌باشد که قسمتی از آن به طبع رسیده و قسمت دیگر آماده برای طبع و نشر می‌باشد.

از تألیفات و آثار ارزنده و گرانقدر معظم له که کراراً به طبع رسیده کتب زیر است.

۱- اسلام و عقاید و آراء بشری یا جاهلیت و اسلام چهار مرتبه چاپ و منتشر شده

۲- حقوق زن در سالام و جهان در ۴۲۰ صفحه به قطع معمولی شش بار چاپ شده است.

۳- فلسفه انقلاب حسین علیه‌السلام با متن عربی آن به قلم ایشان در ۲۸۰ صفحه

۴- خداشناسی و افکار روز سه بار چاپ و منتشر شده است.

۵- تحقیق در آئین یهود و مسیحیت چاپ سوم با تصرفات جدید به قلم معظم له

۶- تحقیقی کوتاه درباره شیعه چاپ دوم

۷- سیستم حکومت اسلامی چاپ سوم

۸- ستارگان فروزان به قطع وزیری در تاریخ علوم ادبی و منطق و تراجم ادباء چاپ اول.

۹- متونی از معارف اسلام به قطع معمولی.

۱۰- مضافاً بر کتب یاد شده رسالات و حواشی و مقدمه‌هائی بر آثار مختلف علمی به طبع رسیده است.

۱۱- تفسیر کامل و جامع قرآن در دو زبان آماده طبع می‌باشد.

نگارنده گوید: علامه نوری گذشته از مقامات علمی و اطلاعات وسیع در علوم مختلف دارای محاسن اخلاق و محامد آداب و ملکات فاضله و سجایای حمیده می‌باشد و علاوه بر کرسی تدریس جلسات عدیده سخنرانی در بعضی از هیآت مذهبی مانند هیئت محترم محبان الائمه علیهم‌السلام در شبهای شنبه در خیابان زیبا دارند که پس از اقامه جماعت با بیانی رسا و منطقی سودمند برای صدها نفر از همه طبقات مخصوص نسل جوان و روشنفکران بیان معارف اسلام و مبانی اخلاق می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

نوش زند

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به نوش. وی از همسران فتحعلی شاه قاجار و مادر قمرالسلطنه، همسر میرزا حسین خان سپهسالار (م ۱۲۹۸ ق)، بود. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از رابعه تا پروین (۲۵۸ -۲۵۷)، تاریخ عضدی (۱۶۵)، الذریعه (۱۲۳۵ / ۹)، زنان سخنور (۳۷۳ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۹۵۸)، مشاهیر زنان (۲۳۹).

نوظهور، یوسف

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر یوسف نوظهور در سال ۱۳۴۵ در شهرستان مراغه بدنیا آمد. ایشان دارای دکترای فلسفه از دانشگاه تهران (در سال۱۳۷۴) می باشد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه آموزشی فلسفه دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه تبریز است.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه ای : یوسف نوظهور ،تحصیلات ابتدایی را دردبستان عدل به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۶۳ از دبیرستان امام خمینی اخذ کرده‌اند . ایشان مدرک کارشناسی در رشته فلسفه را از دانشگاه تبریز و کارشناسی ارشد فلسفه را در سال ۱۳۶۹ از دانشگاه تهران دریافت نموده اند و در سال ۱۳۷۴ مدرک دکتری در رشته فلسفه را از دانشگاه تهران با موفقیت اخذ کرده اند . عنوان پایاننامه: الف – کارشناسی ارشد : تقسیم بندی قضایا در فلسفه کانت و اهمیت آن در فلسفه غرب ب– دکتری: عقل و وحی و دین و دولت در فلسفه اسپینوزا

وقایع میانسالی : یوسف نوظهور در سال ۱۳۷۴ مدرک دکتری در رشته فلسفه را از دانشگاه تهران با موفقیت اخذ کرده اند و از سال ۱۳۷۵ بعنوان عضو هیات علمی در گروه فلسفه دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی مشغول خدمت شده اند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای اجرایی یوسف نوظهور به قرار زیر است: قبلی: معاون دانشکده ادبیات – مدیر امور فرهنگی دانشگاه – ریاست دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی – دبیرکمیته فلسفه سازمان سمت –معاون دانشجوئی و فرهنگی دانشگاه فعلی : عضو هیئت علمی و دانشیار گروه آموزشی فلسفه دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه تبریز

فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی یوسف نوظهور : تدریس : ۱– دوره کارشناسی : تاریخ فلسفه از بیکن تاهیوم – تاریخ فلسفه از کانت تا نیمه دوم قرن ۱۹ – فلسفه معاصر– متون فلسفی به زبان خارجی ، زبان خارجی تخصصی ۲– تحصیلات تکمیلی: متون فلسفی به زبان خارجی – فلسفه معاصر – فلسفه کانت

چگونگی عرضه آثار : فعالیتهای پژوهشی: تعداد مقاله های منتشر شده : ۴ مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها: ۸ مورد تعداد کتابهای تالیف شده : ۱ مورد تعداد کتابهای ترجمه شده: ۱ مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد: ۳ مورد

نوعی اصفهانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. مدتی اتوکشی می‌کرد و در زمان اکبرشاه (۱۰۱۴ –۹۶۳ ق) به هندوستان رفت. طبع شعر خوبی داشت و غزل را خوب می‌سرود. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۴۷)، فرهنگ سخنوران (۹۵۹ –۹۵۸)، کاروان هند (۱۵۸۰ –۱۵۷۹/ ۲).

نوعی خبوشانی، محمدرضا

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۹ ق)، شاعر. در خبوشان (قوچان)، از توابع نسا و باورد خراسان، به دنیا آمد. در کودکی به همراه پدر از وطن به گجرات هند رفت و پس از چندی بازگشت و در مشهد سکنی گزید و به همین علت به مشهدی نیز مشهور شد. سپس دوباره به هند سفر کرد و به دربار اکبرشاه رفت. وی در دربار چندی در خدمت میرزا یوسف خان رضوی مشهدی، از مقربان و ملازمان شاه، به سر برد و در شعر و سوارکاری و کمانداری ماهر گشت. پس از آن به دربار شاهزاده دانیال، پسر اکبرشاه رفت و ملازم او گردید. بعد از فوت شاهزاده دانیال به خدمت عبدالرحیم خان، خان خانان درآمد و اشعاری در ستایش وی سرود. اواخر عمر نوعی، مقارن با سلطنت جهانگیر شاه بود که چندی نیز در دربار وی به سر برد و به مداحی پرداخت. سرانجام در برهانپور درگذشت. صاحب «تاریخ ادبیات در ایران» به نقل از بعضی تذکره‌ها آورده است که نوعی، به همراه پدر به کاشان رفت و در آنجا شاگردی محتشم کاشانی کرد و شعرش ترقی و پیشرفت نمود. سپس به همراهی میرحسین کفری به هند رفت. اما صاحب «کاروان هند» با آوردن دلایلی این مطلب را رد کرده است. «تاریخ نظم و نثر» مثنوی «وامق و عذرا» را به وی نسبت می‌دهد. از آثارش: مثنوی «سوز و گداز»، به وزن «خسرو و شیرین» نظامی؛ «ساقی‌نامه» در مدح عبدالرحیم خان و در حدود چهارصد بیت؛ «دیوان» شعر، شامل قصیده و ترجیع و ترکیب و قطعه و غزل و رباعی و مثنوی، در حدود چهار هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۳۸۷ –۳۸۶/ ۱)، ایضاح‌المکنون (۳۰/ ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۹۲ –۸۸۳/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۳۴)، تذکره‌ی روز روشن (۸۵۶ –۸۵۴)، تذکره‌ی میخانه (۲۷۹ –۲۵۸)، الذریعه (۲۱۳/ ۱۹، ۱۱۸ –۱۱۷/ ۱۲، ۱۲۳۵/ ۹)، سرو آزاد (۲۴ –۲۲)، فرهنگ سخنوران (۹۵۹)، کاروان هند (۱۴۸۷ –۱۴۷۱/ ۲)، کتاب‌شناسی نظامی گنجوی (۴۰۱)، مآثر رحیمی (۶۷۹ –۶۳۵/ ۳)، منظومه‌های فارسی (۵۹۷ –۵۹۵)، نتایج‌الافکار (۷۱۳ –۷۱۲)، هفت اقلیم (۳۰۸ –۳۰۷/ ۲).

نوغانی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۳۰۵، مشهد.

درگذشت: ۱۵ آبان ۱۳۷۱، مشهد.

آیت‌الله مهدی نوغانی، فرزند میرزا علی‌اکبر نوغانی مؤلف «سه مقاله‌ی نوغانی» و «دو مقاله‌ی نوغانی»، پس از تحصیل دوره‌ی ابتدایی، به حوزه‌ی علمیه‌ی خراسان پیوست و در مدرسه نواب به تحصیل اشتغال یافت. استادان آیت‌الله نوغانی به شرح زیر بودند: آیت‌الله علی‌اکبر نوغانی، آیت‌الله عبدالجواد ادیب نیشابوری (ادیب اول)، آیت‌الله محمدتقی ادیب ثانی، آیت‌الله احمد مدرس، آیت‌الله هاشم قزوینی، آیت‌الله مهدی اصفهانی خراسانی، آیت‌الله سید محمدهادی میلانی.

در تابستان سال ۱۳۳۳ آیت‌الله میلانی به مشهد رفت و ابتدا حدود یک سال در منزل آیت‌الله مهدی نوغانی اقامت گزید و از ایشان مدت چهارده سال از دروس آیت‌الله میلانی بهره برد و مراتب علمی‌اش مورد تأیید آیت‌الله میلانی قرار گرفت. همچنین به دستور وی امامت جماعت مسجد فاضل را پذیرفت. آیت‌الله نوغانی خود نیز به تدریس و تربیت طلاب اشغال ورزید و کتاب‌های المعالم الاصول و مکاسب شیخ مرتضی انصاری را درس می‌داد و در کار تدریس جدیت داشت. وی مدت بیست و دو سال تفسیر تدریس می‌کرد و در این مدت یک بار تفسیر تمام قرآن تدریس شد و بار دوم تا آیه‌ی دهم از سوره «انبیاء» تفسیر شد، از جمله فعالیت‌های دیگر ایشان تدریس نهج‌البلاغه، اقامه‌ی مجالس عزاداری و ذکر مصیبت و قرائت دعای کمیل، تصدی مدیریت چند مدرسه علمیه و از جمله مدرسه‌ی باقریه، ایجاد صندوق قرض‌الحسنه «جاوید» و مشارکت در تأسیس مؤسسه‌ی خیریه‌ی حضرت ولی‌عصر (ع) (انصار الحجهٔ) بود. آیت‌الله نوغانی در مبارزات علیه نظام پهلوی نیز مشارکت فعال داشت و اعلامیه‌هایی که صادر می‌شد، امضاء می‌کرد. از نهضت پانزده خرداد ۱۳۴۲ وارد این مبارزات شد و در حرکت انقلاب خراسان سهم مؤثری داشت. وی همچنین سفرهایی به کشورهای خارجی (و از جمله کویت) برای تبلیغ اسلام داشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

نوقانی سجستانی، ابوعمر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۸۲ ق)، حافظ، محدث، ادیب و شاعر. اصل وی از نوقات، از توابع سیستان است. در طلب حدیث به خراسان مسافرت کرد و در هرات، مرو، بلخ و ماوراءالنهر حدیث شنید. وی از ابوعبداللّٰه محمد بن اسحاق قرشی و حاکم ابوعبداللّٰه نیشابوری و ابوحاتم ابن حبان بستی و ابویعلی عبدالمؤمن بن خلف نسفی و محمد بن خیو بن حامد ترمذی و ابی‌حامد احمد بن محمد بن حسین بوشنجی و عبدالرحمان بن محمد بن علویه ابهری و ابوسلیمان خطابی و دیگران حدیث شنید. دو فرزندش، عمر و عثمان، و نیز علی بن بشری لیثی و علی بن طاهر شروطی و حسین بن محمد کرابیسی و قاسم بن عباس صلحی و احمد بن سعید تونی و جماعتی دیگر از وی روایت نموده‌اند. از آثارش: «آداب المسافرین»؛ «العتاب» یا «العتاب و الاعتاب»؛ کتاب «التعظهٔ»؛ کتاب «الشیب»؛ کتاب «صون المشیب»؛ «الریاحین» یا «فضل الریاحین»؛ کتاب «العلم» یا «العلم والعلماء»؛ «محنهٔ الظراف فی اخبار العشاق»؛ «معاشرهٔالاهلین»؛ المسلسلات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیرالنبلاء (۱۴۵ -۱۴۴ / ۱۷)، لغت‌نامه (ذیل/ نوقاتی)، معجم‌الادباء (۲۰۸ -۲۰۵ / ۱۷)، معجم‌البلدان (۳۶۰/ ۵)، معجم‌المؤلفین (۷/ ۹ ،۲۶۶ -۲۶۵/ ۸)، الوافی بالوفیات (۹۱ -۹۰/ ۲)، هدیهٔ‌العارفین (۵۳/ ۲).

نوقانی نیشابوری، ابوالقاسم اسماعیل

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۷۹ -۳۹۷ ق)، فقیه شافعی، مسند و محدث. اصلش از نوقان نیشابور است. وی فقه را در نزد ابوبکر طوسی آموخت. از ابوالحسن علوی و ابوطیب صعلوکی و عبداللّٰه بن یوسف بن بامویه و ابوطاهر بن محمش و عده‌ای در نیشابور و از ابوحسین بن بشران و همطبقه‌اش در بغداد و از جناح بن نذیر محاربی در کوفه و ابوعبداللّٰه بن نظیف در مکه حدیث شنید. زاهر به طاهر و ابونصر غازی و اسماعیل بن عبدالرحمان قاری و عبدالکریم دامغانی و سعید بن علی شجاعی و عایشه بنت احمد صفار و ابوالفتوح خرگوشی و عبدالکریم علوی و عبدالملک بن عبدالواحد و محمد بن جامع خیاط از وی روایت کرده‌اند. کتاب «تاریخ» یعقوب فسوی را، از ابن‌فضل قطان، از ابن‌درستویه، از فسوی، استماع کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :توضیح المشتبه (۴۵۹/ ۱)، سیرالنبلاء (۴۴۷ -۴۴۶/ ۱۸)، شذرات‌الذهب (۳۶۳/ ۳)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۲۷۱ - ۲۷۰/ ۴)، العبر (۳۴۱/ ۲)، المنتظم (۶۰۴/ ۹).

نوقانی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۰ -۱۳۰۰ ق)، عالم دینی، فقیه، متکلم، واعظ و شاعر، متخلص به فقیر. در محله‌ی نوقان مشهد به دنیا آمد و پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی، ادبیات را در محضر میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و فقه و اصول را در محضر شیخ حسنعلی تهرانی و آیت‌اللّه سید عباس شاهرودی فراگرفت. در ۱۳۲۷ ق عازم نجف شد و از محضر اساتید بزرگی چو آخوند خراسانی و آیت‌اللّه سید محمدکاظم یزدی و آیت‌اللّه شیخ‌الشریعه‌ی اصفهانی استفاده نمود. پس از درگذشت آخوند خراسانی، به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از آیت‌اللّه میرزا عبداللّه مازندرانی و آیت‌اللّه میرزا محمدتقی شیرازی نایل گشت. در ۱۳۳۰ ق به مشهد بازگشت و به تدریس و انجام امور دینی پرداخت. وی از جانب آیت‌اللّه حاج آقاحسین قمی عهده‌دار تولیت مدرسه‌ی نواب گردید. او خطوط نسخ و نستعلیق را خوش می‌نوشت. در خط نسخ از شاگردان میرزا ابوالقاسم خراسانی و در نستعلیق از شاگردان میرزا ابراهیم خان، متخلص به گمنام بود. نوقانی در اثر عارضه‌ی سکته قلبی در مشهد درگذشت و در حرم امام رضا (ع) دفن شد. از آثارش تعمیر مدرسه‌ی نواب مشهد و تنظیم موقوفات آن است که از مدارس مهم آن شهر می‌باشد. از آثار علمی او: «سه مقاله‌ی نوقانی»؛ «دو مقاله‌ی نوقانی»، در اصول عقاید و رد عقاید مادیون؛ تعلیقاتی بر «شرح نهج‌البلاغه» ابن ابی‌الحدید معتزلی.[۱]

علی‌اکبر نوقانی رضوان‌اللّه علیه اصلا از ایل جلابر و از احقاد مرحومه گوهرشاد صاحب مسجد معروف مشهد می‌باشد اجداد ایشان سالها در کلات نادری ساکن بوده‌اند. پدر ایشان مرحوم حاج میرزا موسی از بزرگان اخبار و صلحاء مشهد مقدس رضویت و مرحوم حاج میرزا موسی فرزند حاج میرزا حسن بن کلبعلی‌خان بن محمدزمان خان بن کلیعلی‌خان جلابر طاب ثراهم بوده‌اند.

غالب افراد خاندان جلیل نوغانی مخصوصا اجداد فقیه سعید به زیور فضل و کمال آراسته و حاج محمد زمان خان بن کلعلی خان جلایر طبیبی حاذق و فاضلی کامل بوده است و طبع شعری شیوا داشته و اشعار عرفانی میسروده است.

مرحوم میرزا نوقانی در سال ۱۳۰۰ قمری در مشهد مقدس رضوی متولد شده و تا سن بیست سالگی در مشهد مقدس به تحصیل علوم پرداخته و ادبیات را از مرحوم میرزا عبدالجواد ادیب بزرگ نیشابوری فراگرفته و فقه و اصول را در محضر مرحوم میرزا آیت‌اللّه حاج شیخ حسنعلی تهرانی با معیت مرحوم حجه‌السلام میرزا علی آقا فرزند آن مرحوم خوانده و پس از فوت آن مرحوم قسمتی از دروس فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید عباس شاهرودی که از بزرگان علماء مشهد بودند آموخته آنگاه در سال ۱۳۲۷ قمری با اجازه مرحوم والدش به نجف اشرف مهاجرت نموده و از محضر و درس خارج دو نابغه علمی آیت‌اللّه العظمی سید کاظم یزدی و مرحوم آیت‌اللّه شریعت اصفهانی استفاده کامل نموده و پس از فوت مرحوم آخوند با دریافت اجازه از مرحوم آیه اللّه میرزا محمدتقی شیرازی و آیت‌اللّه حاج شیخ عبداللّه مازندرانی در سال ۱۳۳۰ قمری به وطن مالوف خود مراجعت کرده و به ارشاد مردم و تعلیم طلاب علوم دینیه مشغول شده و تا پایان عمر که بالغ بر چهل سال بوده و در مشهد سکونت و همواره به تدریس اشتغال ورزیده و بسیاری از فضلاء طلاب مشهد مقدس رضوی از محضر درس آن مرحوم تعلیم گرفته و استفاده نموده‌اند.

مرحوم آیت‌اللّه نوقانی یکی از علماء عاملین و روشندل و بسیار خوش‌قریحه و در مناظرات دستی توانا داشته و مکرر به انصاری و یهود و گمراه‌شدگان مسالک جدید مناظره فرموده و بر تمام آنها فائق آمده و عده زیادی که به واسطه شبهات منحرفین در پرتگاه لغزش افتاده و راه حق را گم کرده بودند با ادله متقنه و بیان شیوای خود آنها را از انحراف نجات و سعادتمند نموده است.

مرحوم میرزا نوغانی عالمی ناطق و خطیبی بلیغ بود منابر وعظ و ارشاد آن مرحوم علاوه بر بیان اصول عقاید و ترویج دین مقدس اسلام و رسانیدن احکام شریعت مطهر به مردم مشحون به اطلاعات عمیقه تاریخی و اخبار اسلاف و شامل نکات ادبی و امثال و حکم و مواعظ و پند و اندرز بود و بطور کلی قاطبه و مردم را با بیانی از هر جهت جامع بطریق حق ارشاد می‌فرمود و در واقع منبر ایشان یک حوزه درس قابل فهم عموم بیشتر شبیه بود تا به یک سخنرانی عادی لذا هر کس از بیانات ایشان به قدر استعداد و فهم خود بهره‌مند می‌شد.

آثار قلمی ارزنده و آموزنده عدیده دارد که به آن اشاره می‌شود.

۱- تعلیمات برجلدین شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید ۲- سه مقاله نوغانی ۳- دو مقاله نوغانی رد مایون ۴- اشعار بسیاری از قصاید و غزلیات و مدایح و مراثی که برای نمونه بعضی از آن را می‌نگارم تخلص آن مرحوم فقیر بود.

دیگر از آثار آن مرحوم تعمیر و تنظیم مدرسه نواب مشهد و موقوفات آن که از مدارس مهمه آن سامانست و نگارنده هم حدود یک سال در آنجا اقامت و اشتغال بتحصیل داشته‌ام.

مرحوم میرزای نوقانی در شب دهم جمادی‌الاول ۱۳۷۰ قمری به عارضه سکته از دنیا رفته و در پایین پای مبارک حضرت سلطان سریر ارتضی علی بن موسی‌الرضا ارواحنا فداه در دارالسعاده آستان قدس سر به خاک فرو برده و یک جهان علم و ادب را در زیر زمین پنهان نموده و به آرزوی خود نائل آمد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۶۴/ ۱۲)، سخنوران نامی معاصر (۳۵۵۳ -۳۵۴۳/ ۶)، کیهان فرهنگی (س ۹، ش ۱۲، ص ۳۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۸۸ -۱۸۴/ ۷).

نوقانی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی آقای نوغانی بن العلامه البصیر الخیر آیت‌اللّه حاج میرزا علی‌اکبر نوقانی از علماء و مدرسین معاصر مشهد است که بزیور علم و ادب و فضل و حسب آراسته است.

وی در سال ۱۳۴۵ قمری در مشهد مقدس متولد شده و در مهد پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید به تحصیل علوم دینی پرداخته و ادبیات را از آقای ادیب ثانی فراگرفته و از محضر مرحوم والدش و آیات دیگر و بالاخص آیت‌اللّه العظمی میلانی مدظله استفاده کامل نموده و در ورود معظم‌له به مشهد مقدس چند ماهی افتخار ضیافت و میزبانی آن جناب را داشته و از مبانی اصول و فقه ایشان بهره‌مند گردیده است.

آقای نوقانی امروز یکی از مدرسین بنام مشهد است و ضمنا اقامه جماعت نموده و از راه گفتن تفسیر قرآن مجید و مبانی اعتقادی و دروس اخلاقی ایفاء وظیفه می‌نماید و در میان عموم طبقات مردم خراسان و خصوص دانشمندان محبوبیت خاصی دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نوهی، اشرف سادات

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زیست‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

نویدکیا، محرم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محرم نویدکیا متولد اصفهان بازیکن فوتبال و عضو تیم ملی فوتبال ایران است. وی اکنون در باشگاه سپاهان و در خط میانی توپ می‌زند

تاریخ تولد: ۱۰ آبان ۱۳۶۰

محل تولد: اصفهان

قد: ۱۸۱ سانتی متر

وزن: ۷۲ کیلو گرم

پست : هافبک

باشگاهها: از سال ۷۹ تا ۸۳، سپاهان اصفهان

از سال ۸۳ تا ۸۵، بوخوم آلمان

از سال ۸۵ تا کنون سپاهان اصفهان

افتخارات ملی: قهرمانی در رقابت های امید ایران به مربیگری برانکو ایوانکوویچ

حضور در جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان

افتخارات باشگاهی: قهرمانی دومین دوره لیگ برتر به همراه سپاهان.

۲ مرتبه حضور در جام باشگاههای اسیا و شکست الاتحاد (قهرمان ان دوره) در اصفهان

قهرمانی جام حذفی برای ۲ دوره ی متوالی

نویدی تربتی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از شاعران ایرانی ساکن هند و ملازم بیرام خان (م ۹۶۸ ق) بود. وی ترجیع‌بندی در هجو یکی از افراد دستگاه بیرام خان سروده که بسیار معروف است. نویدی تربتی در انواع شعر دست داشت. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۵۵)، الذریعه (۱۲۳۶/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۵۹)، کاروان هند (۱۴۸۹ -۱۴۸۸/ ۲)، هفت اقلیم (۱۹۰/ ۲).

نویدی گیلانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از غزل‌سرایان عصر خود بود. در زمان اکبرشاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به هندوستان رفت. وی طبع شعر خوبی داشت. صاحب «مؤلفین کتب چاپی» ذیل نویدی گیلانی، شرح حال شاعر دیگری به نام نویدی را از «صبح گلشن» آورده است. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۶۴)، الذریعه (۱۲۳۸/ ۹)، صبح گلشن (۵۶۹ ،۵۶۸ -۵۶۷)، فرهنگ سخنوران (۹۶۰)، کاروان هند (۱۵۶۳/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۶۸ -۶۶۷/ ۶).

نویدی نیشابوری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۷۳/ ۹۶۳ ق)، شاعر. وی از شعرای عهد اکبرشاه بود. پس از تحصیل علوم به شاعری پرداخت و به دلیل طبع سلیم و هوشمندی شهرت یافت. به آورده‌ی «مطلع الشمس» نویدی در راه حج در آجین، از توابع مالوه، درگذشته است. از آثارش: «دیوان» شعر. در «تاریخ نظم و نثر» آمده که صاحب عنوان در ایران می‌زیسته و در زمان شاه طهماسب مشهور به شاعری بوده و او غیر از نویدی است که به هند رفته است. همچنین این کتاب، او را مثنوی سرا می‌داند و دو مثنوی به او نسبت می‌دهد، یکی در داستان «خسرو و شیرین» و دیگری به تقلید از «حدیقة الحقیقه» سنایی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۴۵۸/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۵۸۱)، الذریعه (۱۲۳۸/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۶۰)، مطلع الشمس (۱۸۵ -۱۸۴/ ۳).

نهالی

قرن:۹

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۹۰۰ ق، از زنان شاعره وی اهل سمرقند بود. به نوشته خیرات حسان روزی چند تن از شعرا در محل باصفایی در شهر اجتماع کرده و مشاعره می‌کردند. نهالی بر آنها گذشت و بیتی را که شب پیش گفته بود برای آنها خواند:

هلال نیست که بر اوج چرخ جا کرده

فلک به کشتن من تیغ بر هوا کرده

شعرا، او را تحسین می‌کنند و نهالی اصرار می‌کند که آنان نیز بیتی نظیر آن بیاورند. مشفقی شاعر که حاضر بود در استقبال از شعرا و هجویه‌ای گفت. نهالی شرمنده شد و از آن پس در جلسات مشاعره مردان شرکت نکرد.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره دوم، ۵۲؛ از رابعه تا پروین، ۲۵۸؛ اعلام‌النساء، ۱۹۳ / ۵؛ خیرات حسان، ۱۲۸ / ۳؛ الذریعه، ۱۲۳۸ / ۹؛ زنان سخنور، ۳۶۷ / ۲.

نهانی اصفهانی

قرن:۱۰

جنسیت:زن

ملیت:ایران

اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری، از زنان شاعر. وی آموزگار زنان حرم سلطان حسین میرزا بایقرا (سلطنت: ۹۱۲ -۸۷۵ ق) بود و اشعار موزونی داشت. بیت زیر از اوست:

از هر دو طرف مطلب ما زلف نگار است

در مذهب ما سبحه و زنار نباشد

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: حدیقةالشعراء، ۲۱۹۹ / ۳؛ حدیقه عشرت، ۶۵؛ الذریعه، ۱۲۳۸ / ۹؛ زنان سخنور، ۳۶۷ / ۲؛ صبح گلشن، ۵۶۹؛ قاموس الاعلام، ۴۶۲۴ / ۶.

نهانی شیرازی

قرن:۱۰

جنسیت:زن

ملیت:ایران

اوایل قرن دهم هجری، از زنان شاعر. مؤلف تذکره جواهرالعجایب که معاصر وی بوده می‌نویسد که مردم شیراز از زیبایی و فهم و فراست او تعریف می‌کننـد و می‌گویند که در آن دیار در میان زنان از نظر فصاحت و بلاغت کم‌نظیر است و مطلع زیر را منسوب به او می‌داند:

شب سگ کویت به هر جایی که پهلو می‌نهد

روز خورشید ان زمین می‌بوسد و رو می‌نهد

ولی مؤلف پرده‌نشینان سخنگوی بیت بالا را به بلیغه شیرازی منسوب می‌کند. مطلع زیر را نیز در استقبال از شعر جامی سروده است:

شدم دیوانه تا در خواب یدم آن پری رو را

چه باشد حال اگر بیند به بیداری کسی او را

تذکره صبح گلشن دو شعر زیر را از او آورده است:

قدم به خانه چشمم بنه که جا اینجاست

رواق منظر خوبان خوش لقا اینجاست

نه بهر درد من این دیده خون‌فشان بستم

نظر به غیر تو حیف است من از آن بستم

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: «پرده‌نشـینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره ۵۶؛ از رابعه تـا پروین، ۲۶۰ –۲۵۸؛ جواهرالعجایب، ۲۹۷ ، ۱۳۳ –۱۳۲؛ حدیقهٔالشعراء ۲۱۹۹ / ۳؛ حدیقه عشرت، ۶۶؛ الذریعه، ۱۲۳۸ / ۹؛ روز روشن، ۸۵۷؛ زنان سخنور، ۳۸۷؛ صبح گلشن، ۵۶۹.

نهانی قائنی

قرن:۱۱

جنسیت:زن

ملیت:ایران

قرن یـازدهم، منیژه از زنان شاعر. وی از اهالی قائنات بود. فرزنـد وی در هنـد با تقی‌الـدین اوحـدی، مولف تـذکره عرفات‌العاشـقین ملاقاتی داشـته است. به نوشته تذکره روز روشن، نهانی «به حسن و جمال معروف و به فصاحت و بلاغت موصوف بود». بیت زیر از اوست:

همچو من بر رخ خوبان نظر پاک انداز

هر کجا دیده‌ی آلوده بود خاک انداز

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره ۴۹؛ تذکره حسینی، ۳۵۴؛ حدیقهٔالشعراء، ۲۲۰۰ / ۳؛ حدیقه عشرت، ۶۶؛ الذریعه، ۱۲۳۸ / ۹؛ روز روشن، ۸۵۷؛ شمع انجمن، ۴۵۵؛ صبح گلشن، ۵۶۹؛ صحف ابراهیم، حرف ن، ش ۱۳۷.

نهانی کرمانی

قرن:۱۱

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی ندیمه و همنشـین خرم بیگم، مادر شاه سـلیمان صفوی (۱۱۰۵ –۱۰۷۷ ق) بود. برخی از منـابع، به نقل از «جواهر العجائب»، نهانی کرمانی را خواهر خواجه افضل‌الـدین کرمانی (م ۹۱۰ ق)، وزیر سـلطان حسین بایقرا دانسته‌اند، که ظاهراً با بیجه‌ی (منیجه) منجمه اشـتباه گرفته شده است و این اشـتباه در «سـتارگان کرمان» و «تذکره‌ی شاعران کرمان» پیداست. نهانی دارای طبع خوبی بود. تذکره‌ها اشعاری از وی نقل کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زنـدگینامه :از رابعه تا پروین (۲۶۱ –۲۶۰)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۵۴۱ –۵۴۰)، حدیقهٔالشعراء (۲۲۰۰/ ۳)، الذریعه (۱۲۳۸/ ۹)، زنان سخنور (۳۷۵ –۳۷۴/ ۲)، ستارگان کرمان (۴۱۳ –۴۱۲)، صبح گلشن (۵۶۹)، مرآةالخیال (۳۳۶ –۳۳۵)، مشاهیر زنان (۲۴۲).

نهاوندی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقـا نهاونـدی عـالمی ذوفنون و عـارف از شـاگردان علامـه آقاسـید شـفیع جابلقی و شاگردان آقا سـید اسـداللّٰه حجهٔالاسـلام شـفتی اصفهانی و بسیار منزوی و منعزل از دنیا و اهل آن بوده تا حدود ۱۲۲۵ ق وفات نموده.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نهاوندی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید میرزا ابوالقاسم نهاوندی از علماء فقهاء عصر ناصری بوده و مراغی در (المآثر والاثار) در ضمن ترجمه فرزندش سید میرزا محمد وی را یاد و از مجتهدین بزرگ دانسته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نهاوندی، اسداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسداللّه نهاوندی عالمی جلیل و رئیسی مطاع در نهاوند بوده و در سال ۱۳۳۱ ق وفات نموده و دو فرزندش عالمان جلیلان آقاهادی و آقاباقر قائم‌مقام او شده و به خدمات دینی پرداخته و آقا میرزا اسداللّه برادرزاده حاج‌آقا نهاوندی از احفاد میربزرگ مدفون در همدان می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نهاوندی، اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اکبر بن آقاجان نهاوندی عالمی فقیه از شاگردان شیخ محمدباقر اصفهانی و بعد میرزا بزرگ شیرازی بود و در سال ۱۳۰۷ به نهاوند برگشت و به انجام وظائف دینی و روحی پرداخت تا سال ۱۳۱۰ ق که وفات نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نهاوندی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ جعفر نهاوندی از علماء معاصر گذشته تهران بوده که مدت بیست و سه سال در نجف اشرف اقامت داشته و از محضر علامه خراسانی صاحب کفایه و علامه‌ی یزدی صاحب عروهٔالوثقی و دیگران استفاده نموده تا بدرجه‌ی علم و اجتهاد رسیده و پس از آن به تهران منتقل و اول در مسجد فاضل خلخالی و بعد در مسجد سپهسالار ناصری امامت نموده و ضمنا تدریس فقه و اصول داشته تا در سال ۱۳۶۵ ق که در تهران وفات و حمل به قم و در قبرستان حاج شیخ در مقبره دربندی مدفون شده‌اند.

از آثار ایشانست: ۱- اضاعه الشبهه فی صلوه الجمعه. ۲- شرح بر رساله نجات العباد در دو جلد. ۳- اشعاری در مراثی آل عصمت علیهم‌السلام که از آنست ابیات زیر:

زبان حال حضرت زینب (ع)

آفتابا بر زمین جای تو نیست

خار و خاشاک است مأوای تو نیست

از چه سر بر نیزه و تن بر زمین

ای عزیز من چه کرده این چنین

دست تو بوسم روم سوی سفر

من بیا این راه پویم تو بسر

خواست تا دستش بوسد آن پری

دید نه انگشت و نه انگشتری

گفت عزیز من بمیرت خواهرت

ای سلیمانم چه شد انگشترت

از ثمرات اوست فرزند فاضل و برومندش آقای حاج شیخ باقر واعظ نهاوندی که در تهران تولد و در مهد تربیت چنین پدری پرورش یافته و دروس جدید را تا سیکل اول خوانده و به دروس قدیم اشتغال و در سال ۱۳۲۵ شمسی با درجه‌ی لیسانسیه در رشته‌ی منقول موفق و فعلا در رشته‌ی تدریس و تبلیغ اشتغال دارند.

تألیفات عدیده‌ی دارد که از آنها است:

۱- بزرگترین مدرک شیعه (مکالمات مامون با علماء سنت).

۲- فرستاده خدا در نبوت پیغمبر آخر زمان.

۳- قائم بحق بقیهٔاللّه در حالات امام زمان عجل اللّه فرجه.

برادران ارجمندی دارد که از اعاظم علماء اکابر و مدرسین بوده‌اند به اسامی زیر:

۱- مرحوم مبرور حجهٔالاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدتقی مدرس نهاوندی

۲- مرحوم مبرور حجهٔالاسلام والمسلمین حاج شیخ علی مدرس نهاوندی معروف بچین ری.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

نهاوندی، زین العابدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید میرزا زین‌العابدین بن سید آغاحسن مشهور به (حاج‌آقا بزرگ) نهاوندی از احفاد سید زکی همدانی عالمی جلیل در نهاوند بود و در آنجا به وظائف دینی و روحی عمل نمود تا از دنیا رفت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نهاوندی، عباس

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس نهاوندی تهرانی فقیهی کامل و عالمی جلیل و پرهیزکاری ورع بوده است پدرش آقا شیخ عباس از افاضل علماء عصر خود و بزرگان شاگردان شیخ مرتضی انصاری و از مراجع امور دینی در تهران بوده و فرزند مذکورش در نجف متولد و پس از پایان تحصیل به تهران مراجعت و در مسجد پامنار به وظائف دینی اشتغال داشته و مرحوم والدش در حدود ۱۳۱ وفات نموده.

شیخ عباس نهاوندی عالمی پرهیزکار و فقیهی جلیل از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و غیره و از اهل فضل و فقاهت و زهد و تقوا و معرض از دنیا بود با اینکه همه گونه امکانات در اختیارش بود و در مسجد (دانکی) تهران اقامه جماعت داشت و در ماه رمضانها منبر رفته و مردم را موعظه می‌کرد و در خلال وعظ و بیاناتش مکرر این بیت را می‌سرود:

ای خر تو چه مظهری که در کل وجود

چون نیک نظر کنم تو را می‌بینم

وی در سال ۱۳۱۱ ق وفات نموده و جنازه‌اش حمل به نجف و در وادی‌السلام مدفون نمودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نهاوندی، عبدالرحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۴ -۱۲۳۷ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مدرس، ادیب و شاعر. در نهاوند به دنیا آمد. در ابتدا به فراگیری خط پرداخت. سپس برای تحصیل مقدمات علوم به بروجرد رفت. آنگاه جهت تکمیل معلومات عازم نجف گشت و در آنجا از محضر شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، استفاده نمود و پس از درگذشت صاحب «جواهر» در درس شیخ مرتضی انصاری شرکت کرد و از خواص شاگردان وی گردید. او در حیات استادش، شیخ انصاری، در نجف عهده‌دار تدریس گردید. سید محمد طباطبایی و میرزا مهدی گلستانه از شاگردان وی بودند. در ۱۲۸۹ ق به قصد زیارت امام رضا (ع) به ایران آمد و در بازگشت در تهران ساکن شد و حدود دوازده سال در مدرسه مروی (فخریه سابق) مشغول تدریس گردید. در تهران درگذشت. پیکرش به قم منتقل و در صحن جدید حضرت معصومه (س) دفن شد. به آورده‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی در «طبقات اعلام‌الشیعه» پیکر وی به نجف منتقل گردید. از آثارش: «اصل البرائهٔ»؛ حاشیه بر «قوانین»؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ «الوقف» و «العتق»، در فقه؛ «دیوان» شعر.[۱]

میرزا عبدالرحیم بن میرزا نجف مستوفی بن میرزا محمدعلی شیرازی نهاوندی عالمی متبحر و فقیهی جامع از بزرگان شاگردان شیخ مرتضی انصاری و ملازمین وی و فقهاء بزرگ و مدرسین نجف اشرف بوده چند سال بعد از فوت استادش شیخ به ایران آمده و چندی در مشهد رضوی توقف آنگاه به تهران آمده و در مدرسه مروی به تدریس پرداخته تا در ماه ربیع‌الثانی ۱۳۰۴ در سن ۶۷ وفات نموده و جنازه‌اش را حمل به نجف اشرف نمودند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان‌الشیعه (۴۷۰/ ۷)، الذریعه (۶۸۷/ ۹ ،۱۵۷/ ۶)، ریحانه (۲۶۸ -۲۶۶/ ۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۱۰۹ - ۱۱۰۸/ ۱۴)، فوائد الرضویه (۲۲۹ -۲۲۸)، المآثر والآثار (۱۴۳)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۳۱۲/ ۳).

نهاوندی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۲ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، رجالی، مدرس، ادیب، نحوی و لغوی. پس از فراگرفتن مقدمات، جهت تکمیل آموخته‌های خویش رهسپار نجف گشت و در درس شیخ مرتضی انصاری شرکت نمود و از خواص شاگردان شیخ گردید. او همچنین از محضر میرزا ابوالقاسم کلانتری نیز استفاده نمود. وی پس از درگذشت شیخ انصاری عهده‌دار تدریس و بحث و تألیف شد. نهاوندی از علمای بزرگ امامیه در اوایل قرن چهاردهم قمری است. او را به کثرت دانش دینی و فقهی ستوده‌اند و در اصول وی را مؤسس و در پاره‌ای از مواضع و مباحث این فن یگانه دانسته‌اند. وی در نجف در اثر بیماری وبا درگذشت و در وادی‌السلام دفن گردید. از آثار او: «تشریح الاصول الصغیر»؛ «تشریح الاصول الکبیر»؛ «مقدمة الواجب»؛ کتاب «الطهارة»؛ «الدماء الثلاثة»؛ «مشارق الاصول».[۱]

علی بن ملا فتح‌اللّه نهاوندی نجفی عالمی بزرگ و محققی جلیل از شاگردان علامه شیخ مرتضی انصاری و اعلام مدرسین نجف و مجتهدین مسلم و اساتید بزرگ آن سامان بوده و با این کمالات معنوی حظی از این دنیای دنی نداشته و در نهایت فقر و عسرت و در اواخر عمر مبتلا به کسالتهای گوناگون شده تا در اول ماه ربیع‌الثانی ۱۳۲۲ در سن هشتادسالگی وفات نمود و در وادی‌السلام در مقبره مخصوص مدفون گردید از آثار اوست (تشریح اصول الصغیر) و (تشریح اصول الکبیر) و نیز کتابی (در طهارت) و کتابی در (دماء الثلاثه).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان‌الشیعه (۸/ ۳۰۱)، الذریعه (۴/ ۱۸۵، ۱۵ /۱۸۶)، ریحانه (۶/ ۲۶۸– ۲۶۹)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۳/ ۱۳۱۲– ۱۳۱۳)، معجم‌المؤلفین (۷/ ۱۶۵).

نهاوندی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی نهاوندی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۲

زندگینامه علمی

در یکی از روزهای سال ۱۳۴۸ هجری شمسی در تهران، در خانواده‌ای مذهبی کودکی دیده به دنیا گشود که نام او را علی نهادند. ایشان دوران نوجوانی را در دامان پر نور خانواده گذراند. به سبب علاقه وافر به تحصیل دروس علوم دینی در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه شد. مقدمات را در محضر اساتیدی چون: «حجت هاشمی خراسانی» گذراند. پس از آن سطوح فقه را از محضر بزرگانی چون: «فقیه سبزواری»، «آیت الله صالحی» و «مروارید» کسب فیض کرد.

در سال ۱۳۷۰ چونان پرنده‌ای که در پی آشیانه خود بوده است؛ به قم، عش آل محمد وارد شد و به تکمیل دروس حوزوی پرداخت و درس خارج را در محضر آیات عظام: «شیخ جواد تبریزی»، «هادوی تهرانی» و «سید کاظم حائری» گذراند. در کنار تحصیل از امر تربیت طلاب علوم دینی غافل نماند و در مدارس حوزه علمیه قم و مشهد، بر کرسیّ استادی نشست. از سوی دیگر نامبرده جهت تبلیغ دین خویش، سفرهای متعدد تبلیغی به خارج از کشور داشته است که از آن جمله می توان: (هند، مالزی و اوکراین) را نام برد.

نهاوندی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۷۸/ ۱۲۸۰– ۱۳۶۹ ق)، عالم دینی، فقیه، متکلم، محدث، مدرس و مرجع تقلید. اصلش از نهاوند بود، مقدمات را در بروجرد فراگرفت و نزد شیخ جعفر بروجردی و آقا حسین شیخ‌الاسلام تلمذ کرد. سپس مدتی در تهران در درس میرزا حسن آشتیانی و میرزا عبدالرحیم نهاوندی و میرزا ابوالحسن جلوه و میرزا محمدرضا قمشه‌ای شرکت نمود. آنگاه برای تکمیل تحصیلات به عراق رفت و در محضر میرزای شیرازی و حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی و شیخ‌الشریعه اصفهانی و سید محمدکاظم یزدی و شیخ محمدکاظم خراسانی و شیخ محمد طه نجف تلمذ نمود. وی از حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی و شیخ‌الشریعه اصفهانی و حاج میرزا حسین نوری اجازه‌ی روایت داشت. میرزا محمدعلی اردوبادی از وی روایت نموده است. در ۱۳۱۹ ق به ایران بازگشت و در ۱۳۲۸ ق عازم مشهد شد و در آنجا اقامت گزید و عهده‌دار مرجعیت گردید. در مشهد درگذشت. از آثارش: «لمعات الانوار»، در شرح مشکلات

آیات و اخبار؛ «البنیان الرفیع فی احوال خواجه ربیع»؛ «جنتان مدهامتان»؛ «الجنهٔ العالیهٔ والجعبهٔ الغالیهٔ» یا «الجعبهٔ الغالیهٔ والجنهٔ العالیهٔ»؛ «جواهر الکلمات فی النوادر والمتفرقات»؛ «خزینهٔ الجواهر فی زینهٔ المنابر»، در اصول و فروع و اخلاق؛ «راحهٔ الروح»، در شرح حدیث «مثل اهل‌بیتی کمثل سفینهٔ نوح»؛ «طور سینا»، در شرح «حدیث کساء»؛ «عناوین الجمعات»، در شرح «دعاء سمات»؛ «النفحات العنبریهٔ»؛ «العبقری الحسان»؛ رساله‌ای در «صلاهٔ المسافر»؛ «الیاقوت الاحمر فی من رای الحجهٔ المنتظر (عج)»؛ «الکوکب الدری»؛ «لمعات الانوار»؛ «الید البیضاء»، در مناقب حضرت امیر و زهرا (ع)؛ حاشیه بر «فرائد الاصول».[۱]

علی‌اکبر بن شیخ حسین نهاوندی متولد ۱۲۷۸ و متوفی ۱۳۶۹ ق عالمی محدث و فقیهی پارسا صاحب تألیفات و تصنیفات از علماء معاصرین مشهد بوده و آثار و تألیفات ایشان از این قرار است:

۱- البنیان الرفیع فی احوال الخواجه ربیع ۲- الیاقوت الاحمر فی من رای الحجه المنتظر ۳- وسیله النجاه فی شرح دعاء سمات ۴- خزینه الجواهر فی زینه المنابر ۵- رسائل العبیدالی مراحل التوحید ۶- الفوائد الکوفیه فی رد الصوفیه ۷- لمعات الانوار فی حل مشکلات الایات و الاخبار ۸- انوار المواهب فی اسرار المناقب ۹- انهار النوائب فی اسرار المصائب ۱۰- طور سیناء فی شرح حدیث الکساء ۱۱- راحه الروح فی شرح حدیث اهل بیتی کمثل سفینه نوح ۱۲- حاشیه بر اصل برائت از رسائل شیخ ۱۳- صلوه المسافر ۱۴- المواریث از تقریرات سید یزدی ۱۵- الجنه العالیه (کشکول) ۱۶- جنتان مدهامتان ۱۷- الکوکب الدری فی مناقب النبی (ص) ۱۸- الید البیضاء فی مناقب الامیر و الزهراء ۱۹- العبقری الحسان ۲۰- رساله فی الحقیقه و المجاز.

در همین سال بود که مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین حاج شیخ علی‌اکبر نهاوندی مشهدی که از مشایخ اجازه عصر ما و از علماء بزرگوار و عالیقدر اسلام و صاحب تصانیف کثیره بودند به قم مشرف شده و مورد تجلیل واقع گردیدند.

وی از شاگردان مولی لطف‌اللّه مازندرانی و میرزای رشتی و شریعت اصفهانی و مرحوم مامقانی و مرحوم حاجی نوری صاحب مستدرک بوده‌اند به کثرت قدس و تقوا معروف و به زهد و ورع موصوف و از نوادر عصر بودند و بسیاری از علماء و مبلغین کنونی از آن جناب اجازه روایتی دارند و برای این نگارنده هم در سال ۱۳۶۴ قمری مرقوم نموده و ارسال فرمودند.

در مسافرت مرحوم آیت‌اللّه بروجردی به مشهد جای نماز خودش را به معظم له واگذار و در شبستان بزرگ مسجد گوهرشاد خود با هزارها نفر مردم متدین و دانشمندان به آن مرحوم اقتدا می‌کردند.

نمازش با اینکه از همه نمازها طولانی‌تر بود جمعیتش از جماعات دیگر بیشتر بود و جدا از حیث کم و کیف اول نماز جماعت خراسان بود حالات عبادی و خضوع و خشوع مخصوصی داشت در سال ۱۳۶۸ رحلت نموده و در پائین پای حضرت رضا علیه‌السلام درب حرم مدفون گردید.

از آثار و باقیات الصالحات آن مرحوم فرزند زاده‌ی ایشان مرحوم دانشمند برومند آقای حاج شیخ محمد فرید نهاوندی صاحب کتاب رموز نماز مطبوع بود و دارای فضل و صاحب ذوق و طبع سرشار و تألیفات دیگر و از شاگردان درس مرحوم آیت‌اللّه بروجردی بودند که در سال ۱۳۸۹ در تهران وفات نموده و جنازه‌اش را حمل به مشهد و در جوار حضرت رضا علیه‌السلام به خاک سپردند تألیفات مرحوم نهاوندی که اغلب مطبوع می‌باشد به قرار زیر است: ۱- خزینهٔ الجواهر ۲- گلزار اکبری ۳- وسائل العبید ۴- راحهٔ الروح ۵- جواهر الکلمات ۶- انوارالمواهب ۷- انهارالنوائب ۸- الفوائد الکوفیه ۹- رشحهٔ الندی ۱۰- الیاقوت الاحمر ۱۱- طور سیناء ۱۲- عناوین اللمعات ۱۳- لمعات الانوار ۱۴- مفرح القلوب ۱۵- البنیان الرفیع ۱۶- الجنهٔ العالیه ۱۷- جنتان مدهامتان- و تألیفات دیگر.

علی‌اکبر نهاوندی متولد ۱۲۸۰ و متوفی ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۶۹ ق از علماء ممتاز و معروف معاصر مشهد بودند.

وی در معقول از شاگردان میرزا ابوالحسن جلوه و در فقه و اصول از شاگردان مرحوم آشتیانی بزرگ و میرزاء حبیب‌اللّه رشتی و سایر اعلام نجف بوده است آقای مروج در تاریخ رحلتش سروده‌اند.

آمده‌اند و سرافکنده و پی تاریخ گفت

(شد نهاوندی مقیم اندر سلطان طوس)

در ربیع‌الاول ۱۳۶۶ ق که مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج‌آقا حسین قمی از دنیا رفتند در قم و تهران و سایر شهرستانها برای ایشان اقامه شد و در قم در خدمت آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی مدظله برای شرکت در مراسم شب هفت مرحوم آیت‌اللّه العظمی قمی می‌رفتم که دیدم هیئتهای مذهبی آمده و می‌خواندند.

هفته آقای قمی شد عیان

شد نهاوندی سوی جنت روان

پس تلگرافات تسلیت برای علماء بزرگ مشهد و خاندان آن مرحوم مخابره و حال آنکه ایشان در کمال صحت و سلامتی در مجالس فواتح مرحوم قمی شرکت می‌نمودند و بعد از سه سال دیگر به رحمت حق پیوستند.

فرزندزاده ایشان مرحوم حجه‌السلام حاج شیخ محمد (فرید) نهاوندی از فضلاء معاصر خراسان بودند که تحصیلات خود را در مشهد و قم به پایان رسانیده و سالها از محضرمرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و دیگران استفاده نموده آنگاه به مشهد مراجعت و به خدمات دینی از اقامه جماعت و درس تفسیر و تألیف پرداخته تا در حدود ۱۳۸۸ قمری که در تهران به سکته مغزی از دنیا رفته و جنازه‌اش حمل به مشهد مقدس و در آستانه مدفون شده است از آثار مطبوع ایشان کتابی بنام اسرار نماز می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۷۲/ ۲۵ -۲۷۷، ۲۴۸/ ۲۴ ، ۳۶۰/ ۲۱ ، ۳۴۴، ۲۱۶۲۱۵، ۱۸۶/ ۱۸ ، ۳۵۱، ۲۶۳، ۲۱۶ ،۲۱۵- ۱۸۱، ۱۵/ ۱۳۰، ۱۲/ ۵۶، ۱۰/ ۱۵۸، ۷/ ۱۵۹، ۶/ ۲۷۹، ۱۶۴، ۱۵۹، ۱۰۹، ۵/ ۱۵۲، ۳)، ریحانه (۲۷۰ -۲۶۹/ ۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۶۰۰ - ۱۵۹۹/ ۱۴)، علماء معاصرین (۲۲۱ -۲۱۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۹۰ -۱۸۹/ ۷)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۳۱۴ - ۱۳۱۳/ ۳)، مکارم‌الآثار (۲۲۰۹ -۲۲۰۷/ ۶)، میرزای شیرازی (۱۷۲).

نهاوندی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمـد نهاونـدی متخلص به (تجلی) از علماء و مفسـرین و مدرسـین آسـتان قدس رضوی و مورد احترام و توجه عموم و بالخصوص دانشمندان و با مرحوم آیت‌اللّه مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی رفاقت و صداقت تام داشتند و هر وقت تهران مسافرت می کردند به منزل معظم‌له وارد می‌شدند.

نگارنده کرارا ایشان را در منزل آن مرحوم دیدم و از محضرشان استفاده نمودم ایشان در بیستم ربیع‌الثانی ۱۳۷۱ ق در مشهد مقدس رضوی از دنیا رفته و در آستان مقدس مدفون شدند و آقای مروج در ماده تاریخش سرود.

رفت وی کم نما (وی) و بر گو

(از جهان رفت صاحب نفحات)

از آثار اوست تفسیر ملمعی بنام ۱- (نفحات الرحمن) در ۴ مجلد بطبع رسیده ۲- ضیاءالابصار در مباحث الخیار مطبوع میباشد ۳- دیوانی بنام (زبدهالمصائب) ۴- سراج‌النهج در مسائل عمره و حج ۵- حاشیه بر کتاب صلاه مرحوم حایری ۶- خلل صلاه

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نهاوندی، محمدجواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۴/ ۱۳۳۳ -۱۲۷۶ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، ریاضـیدان و منجم. ملقب به جهان‌بخش. در نهاونـد به دنیا آمد و در این شـهر نشو و نمـا یافت. ریاضـیات را نزد ملا عبـدالرحیم نهاونـدی فراگرفت. در ۱۲۹۶ ق بـه تهران آمـد و در فقه و اصـول از محضـر میرزا محمدحسن آشتیانی و دیگر علما استفاده نمود. وی در استخراج تقویم و تعیین مواقع اذان و غروب ایام طبق محاسبات نجومی متبحر بود. از وی تصانیفی در علم اعـداد، جفر، نجوم و زیـج و دیگر علوم به جای مانده است. از آثار او: «قبلهٔ البلدان لاهداء الاخوان» در شناخت قبله؛ مقاله‌ای در «خط نصف النهار».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۴/ ۱۷)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۳۱۸/ ۱۴)، معجم‌المؤلفین (۱۶۶/ ۹).

نیاز اصفهانی طباطبایی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطـاط و شـاعر، متخلص به نیـاز. بعضـی تخلص وی را نیازی نوشـته‌اند. نیای او، میر شاه تقی جوشـقانی، نزد شاه سلیمـان صـفوی معتبر بوده است. نیـاز در زمان سـلطنت فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق)، می‌زیست. مؤلف «حدیقهٔ‌الشـعراء» از قول احمـد بیـگ گرجی، صـاحب «تـذکره‌ی اختر»، می گویـد که نیـاز از طالبـان عالم است و در فقه و منطق و معانی و بیان مهارت دارد. احمد میرزا، مؤلف «مصـطبه خراب»، نیز می‌گوید در دارالسـلطنه اصفهان مکرر او را ملاقات کرده است. وی علاوه بر سرودن شعر، خط نسـخ را نیز خوش می‌نوشت. برخی تـذکره‌ها نام وی را حسن ذکر کرده‌انـد. از آثارش: «دیوان» شـعر. اثر خطی وی: سور قرآن، نیم ربعی، نسخ کتابت خوش، با رقم: «حرره الداعی... فتحعلی شاه قاجار... العبد الاقل سید حسین النیاز الطباطبایی فی ۱۲۰۴».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :احوال و آثار خوشـنویسان (۱۰۶۲/ ۴)، حدیقهٔ‌الشعراء (۱۹۴۳ -۱۹۴۲/ ۳)، الذریعه (۱۲۳۹/ ۹)، ریحانه (۲۷۳/ ۶)، سفینهٔ‌المحمود (۳۳۲/ ۱)، طرائق‌الحقـائق (۷۴۷/ ۳)، فرهنگ سـخنوران (۹۶۰)، مجمع‌الفصحا (۱۰۳۵/ ۶)، مصـطبه‌ی خراب (۱۹۷ - ۱۹۶)، مؤلفین کتب چاپی (۹۱۱/ ۲).

نیاز شیرازی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۳ -۱۱۹۷ ق)، خطاط، طبیب و شاعر، متخلص به نیاز. مشـهور به خوشـنویس. از سادات شیراز بود. طب و حکمت و سایر علوم را در محضـر پدر آموخت و نزد دایی خود، حاج میرزا ابراهیم مجتهد، فقه و اصول را فراگرفت. وی در خط شکسـته نیز ماهر بود و ایـن فـن را نزد خـواجه ابـوالحسن خوشـنویس فسـایی، شـاگرد بلاـ واسـطه‌ی درویش عبدالمجیـد طالقـانی آمـوخت. او به سه شیوه می‌نوشت. یکی به شـیوه‌ی خواجه ابوالحسن، دیگر به شـیوه‌ی درویش عبدالمجید و سوم به شیوه‌ی خاصـی که از ترکیب این دو به دست آمـده بود. وی برای سیـاحت به هندوسـتان رفت و دو سال در آنجا ماند. سـپس به شـیراز بازگشت و به علت اختلال در امرار

معاش، مـدتی خانه‌نشین شد و بعد به فسا رفت. پس از مدتی به شیراز مراجعت نمود و در آن شهر انزوا گزید. نیاز در زمان حیات خویش به شاعری معروف نبود، ولی بعد از فوت، اشعارش به دست آمد. از آثارش: حاشیه بر شرح قطب‌الدین شیرازی بر «کلیات قانون»؛ حاشیه بر شرح قرشی بر «تشریح قانون»؛ مثنوی «فیروز و نسرین»، مشتمل بر نکات حکمی، موعظه و نصیحت کـه در «مکارم‌الآثار» نام این مثنوی، «راز و نیاز» بر وزن «گلشن راز» ذکر شده است؛ «دیوان» شعر، در حدود پنج هزار بیت به همراه «ساقی‌نامه». از آثار خطی وی کتابت چند نسخه «دیوان» حافظ و «خسرو و شیرین» وحشی و «خمسه» نظامی و «شاهنامه» فردوسی را می‌توان نام برد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۴۵)، حدیقهٔ‌الشعراء (۱۹۴۷ -۱۹۴۳/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۵۶ -۷۵۲/ ۵)، الذریعه (۱۲۴۰ -۱۲۳۹/ ۹)، ریحانه (۲۷۳/ ۶)، طرائق‌الحقائق (۳۳۳ -۳۲۲/ ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۰۸ -۱۱۰۴/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۹۶۱)، مرآت‌الفصاحه (۶۷۵ -۶۷۳)، مصطبه‌ی خراب (۱۹۴)، مکارم‌الآثار (۱۷۲۲/ ۵، ۶۰ -۵۷/ ۱).

نیاز شیرازی، محمدرضا

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۳۴/ ۱۲۲۴ ق)، خطاط و شاعر. در جوانی به کسب علم پرداخت. چند سالی در زمره‌ی اهل قلم و دبیران بود و در دیوان حسینعلی میرزا فرمانفرما، خدمت می‌کرد. وی پس از چندی از ملازمت دست کشید و گوشه‌نشینی و عزلت را برگزید. نیاز خط شکسته و نستعلیق را خوب می‌نوشت و در نظم و نثر نیز مهارت داشت. از آثارش: «دیوان» شعر. از اوست:

از دیر و حرم باشدشان روی به مقصود

زاهد ز رهی پیر خرابات ز راهی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۳۷/ ۳)، حدیقهٔ‌الشعراء (۱۹۴۷/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۵۲ -۷۵۱/ ۵)، الذریعه (۱۲۳۹/ ۹)، ریاض‌العارفین (۳۳۷ -۳۳۶)، ریحانه (۲۷۴/ ۶)، سفینهٔ‌المحمود (۵۴۶/ ۲)، طرائق‌الحقائق (۲۲۰/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۹۶۱)، لغت‌نامه (ذیل/ نیاز)، مجمع‌الفصحا (۱۰۳۷/ ۶)، مرآت‌الفصاحه (۶۷۶ -۶۷۵).

نیاز کرمانی، سعید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید «نیاز کرمانی» متولد ۱۳۱۸ است تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خویش و تحصیلات عالی را در تهران به پایان برد. و سالها سر دبیری چند مجله را در تهران به عهده داشته است و هم اینک نیز در کار نشر فعالیت می‌کند او از سال ۱۳۴۴ در رادیو ایران آن زمان چه در زمینه نویسندگی و چه ترانه‌سرایی همکاری خود را آغاز کرد و این همکاری تا سال ۱۳۵۲ ادامه داشت، نخستین کتابی که از نیاز کرمانی چاپ و منتشر شد «برگزیده شاهنامه» بود، که نیاز با نثری شیوا همراه با اشعار فردوسی خلاصه‌ای از داستانهای شاهنامه را نخست برای شنوندگان رادیو باز گفت و به صورت گفتار از رادیو پخش شد و سپس با تجدید نظر به صورت کتاب به زیور طبع آراسته گردید، این کتاب بعدها در ژاپن ترجمه و منتشر شد، و اگر چه از کارهای نخست «نیاز» بشمار است ولی از موفق‌ترین کارهای اوست، بعد کتاب شعر اوست که بنام «در کوچه‌های خلوت شب» با مقدمه باستانی پاریزی به سال ۱۳۵۳ به بازار اداب عرضه گردید، این کتاب تاکنون سه مرتبه چاپ شده است سالهای ۱۳۶۹ -۱۳۶۶ -۱۳۵۳-. کار اصلی نیاز، کار پیرامون احوال و آثار و اشعار خواجه شیراز است که تاکنون ۱۵ جلد «حافظ شناسی» و چند کتاب ضمیمه «حافظ شناسی» از جمله «پیر ما گفت» نمونه‌ای تلاش پرثمر و چشمگیر بوده است. کتاب «سخن اهل دل» در دو جلد به سال ۱۳۶۷ در نقد شعر و نویسنده پرکار است، تصحیح انتقادی خمسه خواجو کرمانی براساس کهن‌ترین نسخه جهان با مقابله هشت نسخه کهن دیگر کار دیگری است از او، این کتاب وسیله دانشگاه کرمان در سال ۱۳۷۰ همزمان با برگزاری بزرگداشت خواجوی کرمانی چاپ و منتشر شده است، و هم اینک در کار فراهم آوردن تعدادی از مقالات منتشر شده خویش است تا به دست چاپ سپرده شود خلاصه کارنامه فرهنگی نیاز کرمانی نشان می‌دهد که عمر را به بیحاصلی و بی‌خبری سپری نکرده است، با این همه مردم نیاز را بنام یک شاعر می‌شناسند و در اینجا نیز ما از همین دیدگاه کار او را مورد بحث قرار می‌دهیم، استاد باستانی پاریزی درباره شعر نیاز می‌نویسد: «تعبیرات لطیف و کم‌نظیری که در شعر نیاز توان دید، گویی عطر زیره‌های جبال بارز و شادابی بابونه‌های اطراف سارد و ده‌بکری را دارد.

من گمان می‌کنم، پس از هفتصد سال، حالا یک کرمانی وقتی که غزل سعدی «رها نمی‌کند ایام در کنار منش» را می‌خواند می‌تواند با سربلندی غزل نیاز را هم دنبال آن زمزمه کند.

تراش نور بود یا شکفته یاس تنت

لطیف همچو بهاران ز باغ پیرهنت

شک نیست شبهای تابناک آسمان کویر و دشتهای بی‌انتهای کرمان- که بعضی شبها، اگر آدمی از پنجره دست بیرون کند می‌تواند

مشتی ستاره به چنگ آوردا!- در تلطیف ذوق و روح نیاز تأثیر و نفوذ بی‌حد داشته‌اند، تأثیری که ماه را در شب از آسمان به زمین آرد،

قدم نهاده مگر ماه بر زمین امشب

که روشن است مرا بزم این چنین امشب

گل ستاره ز دامان آسمان ریزد

به مقدم تو مه مهرآفرین امشب

این تنها صفا و طراوت دهات خاموش و آرام اطراف کرمان است که می‌تواند تا این حد تصورات لطیف و ظریف بر خامه نیاز جاری کند.

ز چاک پیرهنت ماهتاب می‌ریزد

از آسمان نگاهت شراب می‌ریزد

دو زلف نه که به مهتاب شانه‌ات گویی

مدام سوده زر، آفتاب می‌ریزد

این بود مختصری از نوشته استاد باستانی پاریزی درباره شعر نیاز کرمانی.

از آقای نیاز کرمانی خواستم که درباره ترانه‌سرایی به طور عموم و خاصه در مورد کار خود چند کلمه‌ای برای نقل در این کتاب بازگو کنند، ایشان طی یک یادداشت کوتاه نوشته‌اند که:

«ساختن شعر روی آهنگ یکی از مشکلترین انواع شعر است، زیرا در شعر قافیه و وزن دو سد عظیم در برابر جریان طبیعی معنی و اندیشه هستند (اگر شاعر مشکلات دیگری مثل صنایع شعری را برای خود فراهم نسازد و یا دیگران موضوع و مطلب را برای او تعیین نکنند که فی‌المثل آهنگساز سفارش بدهد که می‌خواهیم این شعر موضوعش سفر معشوق یا بی‌وفایی او، یا جریان یک وصل، و از این قبیل باشد) اما در ترانه یا تصنیف اگر موارد فوق نباشد و جریان طبیعی خود را طی کند باز هم نسبت به یک شعر مشکلات چندین برابر است، نشستن شعر روی آهنگ که هر گوشه آن حال و هوایی دارد با مرعی داشتن فراز و فرود آهنگ و غم وشادی آن و همچنین با نگهداشت وزن و قافیه و ادای معنی بطوریکه حاصل کار در محدوده‌ای که آهنگساز تعیین کرده است فراهم شود، از هر جهت شاعر را در تنگنا قرار می‌دهد. زیرا شاعر نمی‌تواند از چهارچوبی که آهنگ در پیش روی او قرار داده است اندکی فراتر رود و یا اندکی فروکاهد، برای مثال به خاطر دارم که من روی آهنگی شعری بیاد شهرم کرمان ساختم، شعر کاملا روی آهنگ نشسته بود دلم می‌خواست در آنجا که از شبهای کرمان و از آسمان پرستاره آن یاد می‌کردم این شعر نیز که تکرار قسمت قبلی آهنگ گنجانده شود «دوست دارم صفای ترا- خلوت کوچه‌های ترا» تکرار یک قسمت از آهنگ بود، با همه اصراری که داشتم، از نظر فنی نمی‌دانم چه اشکالی پیش می‌آورد شاید الان هم اهل فن بگویند حق با آهنگساز بوده است، بهر صورت با این امر موافقت نشد، یادآوری این نکته از این جهت بود محدودیت شاعر را در سرودن یک ترانه نشان دهم و علت بعضی تکرارها و یا حذف‌ها را در بعضی از ترانه‌های حتی بسیار موفق و مشهور بنمایانم. علاوه بر این مشکلات، گاهی از طرف شورای شعر و ترانه رادیوی آن زمان بخشنامه‌های جالبی صادر می‌شد که قوز بالا قوز بود فی‌المثل در وسط پاییز یا زمستان می‌نوشتند چون ترانه‌هایی که الان ساخته می‌شود تقریباً اوایل بهار آماده برای پخش می‌گردد، لذا بایستی حتما اشعار مناسب فصل بهار باشد، حالا ملاحظه بفرمایید که وسط زمستان شاعر برای بهار شعر بگوید از نظر احساس چه از آب درمی آید، از جمله ترانه‌ای من ساخته بودم روی آهنگی از استاد ناصر حسینی به نام «غروب پاییز» که براستی در یک شب پاییزی آن را ساختم به خوانندگی محمد نوری، تصنیف این بود.

چون آسمان غم من بیکرانه بود

همچون پاییز اندوهم جاودانه بود

جام افق شده پر ز شراب سحر

شب از جانم اما هرگز جدا نبود

همچون غروب پاییز

دمسردم و غم‌انگیز

آه... تو صبح نوبهاری

مستی فزائی آری

بازآ خزان دل مرا

سرسبزی جاودانه باش

بشکن سکوت شب مرا

با شور و مستی ترانه باش

این شعر به همان دلیل پذیرفته نشد و مجبور شدم شعری با آن آغاز روی آهنگ بگذارم

دست خیال کشدم همه شب بر تو

مستم کند نگه مستی‌آور تو

بر شاخه تن من چو حریر سپید

پیچد بناز پیچک ترد پیکر تو

در کار ترانه‌سرایی کسانی موفق بودند که با همکاری آهنگساز و خواننده به ساختن ترانه می‌پرداختند و این برای همه امکان پذیر نبود.

من در ترانه‌سرایی توفیق نیافتم زیرا آنروز فضای رادیوی ایران را تصنیفهایی از قبیل «تلفن می‌زنم- جواب نمیدی کسی را مثل من عذاب نمیدی- نیر در واکن- دردم را دوا کن» و یا «جناب سروان ماشینم پنچر شده» و خیلی تصنیف‌های نو و بکر! «از اتاقی تا اقاقی» و از این قبیل قبضه کرده بود، و خیلی کم و آنهم بخاطر سابقه بسیار خوب اگر گه‌گاه، ترانه‌ای زیبا از مرحوم رهی یا بیژن ترقی یا معینی کرمانشاهی گوش دل صاحبدلان را نوازش نمی‌داد وامصیبت بود

من یکجا نوشته‌ام که: سخن مبتذل و پیش پا افتاده هرگز خریدار نداشته و ندارد ، قدرت شاعر در ترقی و تعالی بخشیدن به اندیشه مردم است یعنی آنها را باید به سوی دنیای شعر خویش فراخواند و همراه با شعر خود و بمدد آن شعور اجتماعی را بالا ببرد، استعدادهای خفته را بیدار کند و برانگیزد. فکر خواننده را و در ترانه شنونده را در مسیر درست بحرکت در آورد، به او زیبا فکر کردن و زیبا زندگی کردن را بیاموزد، به او بال پرواز دهد، باید از شعر خوب بخصوص ترانه که جنبه عمومی‌تری را داراست چنین انتظارهایی را داشت.

چرا ترانه‌هایی از قبیل «نیر در واکن» و از «اتاقی تا اقاقی» دیگر جایی زمزمه نمی‌شود ولی هنوز ترانه‌های شیدا و عارف و بهار خریدار دارد چرا چون آن ترانه‌ها مبتذل بی‌مایه بود و این ترانه‌ها ریشه در زیبایی و اصالت دارند، بهر صورت دوره ترانه‌سرایی من دوره خوبی نبود، بهمین جهت من در سال ۱۳۵۲ از اینکار دست برداشتم و امروز امیدوارم که ترانه‌سرایی در راه درست و اصیلش تداوم داشته باشد و شعرای جوان بتوانند با خلق آثار ارزنده این هنر را ترقی و تعالی بخشند.

«پرنده‌ی زرین‌پر»

دنیا گیرد رنگ دیگر

چون باز آیی ببرم- تو پرنده زرین‌پر

از برگ گل بستر سازم- بره تو گل اندازم

سازم راه ترا شکوفه باران- پایان گیرد غم بی‌پایان

چون بوی نوبهاران- سبز و شکوفه باران- بازآ به شهر یاران

پیغام‌آور از فروردین

چون رنگ و بوی بهار- تو به شاخه گل بنشین

دنیا گیرد رنگ دیگر- چون باز آیی ببرم

تو پرنده‌ی زرین‌پر

بازآ بازآ شبی- چو خواب شیرین

در چشم من نفسی بنشین

«قصه‌ی شیرین»

ای قصه‌گو قصه شیرین بگو

تا آرمد کودک آرزو

در مخمل آبی چشم او

افسانه خوان از بهاران وز درختان

از شکوه بهاران بگو

از پاکی چشمه ساران بگو

با چشمه آبی چشم او

افسانه خوان از بهاران وز درختان

..... با چشم او از آسمان

افسانه بخوان

.... زین آبی پولک نشان

افسانه بخوان

از موج دریا ای قصه‌گو قصه‌گو قصه‌گو

با فتنه‌ی آبی چشم او

«فراموشم مکن»

ای نشسته در خیال من فراموشم مکن

با غم و درد فراموشی هم آغوشم مکن

زندگانی می‌کنم چون شعله با خود سوختن

زنده‌ام با سوز و ساز خویش خاموشم مکن

می‌تراود تا شراب بوسه از جام لبت

از می اندوه و تنهایی قدح نوشم مکن

دودم واز شعله دارم دامنی رنگین ببر

این شرار از من مگیر از نو سیه پوشم مکن

چون صبا در جستجوی خود بهر سویم مکش

همچو گیسوی سیاهت خانه بر دوشم مکن

این دل درد آشنا را در شرار غم بسوز

هر چه می‌خواهی بکن اما فراموشم مکن

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

نیازی اصفهانی، احمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۸۸/ ۱۱۸۷ ق)، شاعر، متخلص به نیازی. پدرش داماد و وزیر شاه سلطان حسین و نیازی نیز خواهرزاده و داماد شاه طهماسب بود. وی طبع شعر خوبی داشت و گویند شعرای همعصرش، اشعارشان را برای اصلاح نزد او می‌فرستادند. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۸۵۹ -۸۵۷)، الذریعه (۱۲۴۱ -۱۲۴۰/ ۹)، ریحانه (۲۷۵ -۲۷۴/ ۶)، سفینةالمحمود (۳۳۱ -۳۳۰/ ۱)، طرائق‌الحقائق (۱۶۶/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۹۶۱)، مجمع‌الفصحا (۱۰۳۶ -۱۰۳۵/ ۶)، نگارستان دارا (۲۶۸ -۲۶۶).

نیازی بخارایی، حسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. سفری به هرات نمود و در آنجا با شاه محمد سرنایی آشنا شد، ولی در آخر وی را هجو کرد و به کولاب، از توابع مشهد رفت. ولی در آنجا نیز نماند و راهی بدخشان و سپس کابل گشت و به اتهامی از شهر رانده شد و رهسپار قندهار گردید و از آنجا به سند رفت. وی علاوه بر شعر، در عروض و تاریخ و خصوصا معما دست داشت. نیازی سرانجام در تته درگذشت. اشعاری از وی در تذکره‌ها نقل شده است. شیخ آقا بزرگ در «الذریعه» آورده که او در عهد اکبرشاه به هند رفته است و صاحب «تاریخ نظم و نثر» او را از شاعران عهد همایون شاه می‌داند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۵۶)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۱۸)، الذریعه (۱۲۴۰/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۶۱)، هفت اقلیم (۴۳۸ -۴۳۶/ ۳).

نیازی حجازی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، ادیب، لغوی و شاعر. وی صاحب منظومه‌ی «جامع اللغات»، در لغت فارسی است. او پیش از قرن یازدهم قمری می‌زیسته، زیرا در «فرهنگ سروری»، تألیف شده در ۱۰۰۸ ق، و «فرهنگ جهانگیری» تألیف شده در ۱۰۰۵ تا ۱۰۱۷ ق، از «جامع اللغات» شواهدی نقل گردیده است. همچنین در این کتاب از سال درگذشت میر علی هروی (۹۵۱ ق) نیز نشانی است که در این صورت تاریخ تألیف کتاب بین ۹۵۱ ق و ۱۰۰۸ ق بوده است. در «الذریعه» برای نیازی «دیوان» شعری ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۰/ ۲۳، ۱۲۴۰/ ۹، ۶۹/ ۵)، ریحانه (۲۷۵/ ۶)، فرهنگهای فارسی (۱۲۴ -۱۱۷، ۱۱۰ -۱۰۶)، لغت‌نامه (ذیل/ حجازی).

نیازی یزدی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۸ ق)، شاعر، متخلص به نیازی. از خویشاوندان شرف‌الدین علی یزدی، صاحب «ظفرنامه‌ی تیموری» می‌باشد. چندی وکیل شاه نورالدین نعمت‌اللّه ثانی بود و سرانجام در قزوین به حضور شاه طهماسب صفوی رسید و از ندیمان دربار وی گشت. نیازی تا پایان عمر ملازم شاه بود و اشعاری نیز در مدح وی سرود. وی را با عنوانهای شرف یزدی، شرفی یزدی و محمد شرقی نیز ذکر کرده‌اند. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۱۲۲)، تذکره‌ی روز روشن (۴۱۹)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۱۶۹ -۱۶۷)، جامع مفیدی (۳۲۹ -۳۲۸/ ۳)، الذریعه (۱۲۴۱، ۹۹۸، ۵۱۷/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۶۲)، مجمع‌الخواص (۶۰ -۵۹)، هفت اقلیم (۱۵۵/ ۱).

نیازی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۶۹ ش)، مترجم، روزنامه‌نگار، نویسنده و شاعر، متخلص به نیازی. در تبریز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان برد و برای تحصیل در طب، به سوئیس رفت. او ادبیات فرانسه را به خوبی آموخت و اشعاری به زبان فرانسه سرود که مورد توجه ادبای آنجا قرار گرفت. وی در حدود ۱۳۰۰ ش در اداره تجارتی سفارت ایران در سوئیس با سمت منشی‌گری مشغول خدمت شد. بعد از بازگشت به ایران به معلمی مدرسه دارالفنون منصوب گردید. او همچنین در دبیرستان‌های دولتی ادبیات فرانسه تدریس می‌کرد.پس از فوت میرزا حسین خان صبا، صاحب امتیاز و مدیر مسئول روزنامه‌ی «ستاره‌ی ایران»، امتیاز آن روزنامه به وی واگذار شد و او در ۱۳۰۳ ش آن را تحت عنوان قبلی خود یعنی «ستاره‌ی ایران» منتشر کرد. سپس در ۱۳۰۷ ش این روزنامه را تحت عنوان «ستاره‌ی جهان» به دو زبان فارسی و فرانسه انتشار داد. وی قطعه‌ای به زبان فرانسه به عنوان «زندگانی» سرود و از آکادمی ژفلور و فرانسه دیپلم افتخار دریافت کرد و در ۱۳۱۱ ش به مناسبت ترجمه «رباعیات» حکیم عمر خیام از طرف آکادمی فرانسه به وی جایزه‌ای اهدا شد. از دیگر آثارش: «هزار و یک خنده». از آثار ترجمه‌ی وی: «تاریخ بیزانس»؛ «تاریخ پلیس»؛ «کشمیر یا باغ نشاط»؛ «یک دروغ چه کرد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۲۲ -۲۰/ ۳)، الذریعه (۲۸۳ ،۲۲۰/ ۲۵ ،۸۳/ ۱۸)، سخنوران نامی (۴۷۷ -۴۷۲/ ۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۵۰ ،۳۳۹۸ ،۳۳۹۷ ،۲۶۴۳ ،۱۶۷۶ ،۱۶۷۲/ ۲ ،۶۸۲ ،۶۷۹/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۸ -۲۲۷/ ۱).

نیاکی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: حقوق، دانشکده: حقوق، دانشگاه: شهید بهشتی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نیر اصفهانی، حبیب‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۹ -۱۳۰۸ ق)، شاعر، متخلص به نیر. ملقب به نیرالادباء. در اصفهان به دنیا آمد. علوم مقدماتی را نزد پدرش و آقا شیخ مرتضی ریزی و آخوند کاشی فراگرفت و در نزد آقا میرزا عبدالحسین قدسی، دایی خود، خط و ادبیات آموخت. او همچنین در انجمن شعرا شرکت داشت و ملقب به نیرالادبا گردید. وی به عربی و فارسی شعر می‌گفت و در سرودن ماده تاریخ مهارت داشت. از آثارش: «معادن الافادات»؛ «رسوا در خدع میرزا خدا»، در رد بهائیان؛ رساله «اغلاط چاپی قرآن»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۵۲۵ -۵۲۳)، تذکرةالقبور (۱۷۱ -۱۷۰)، الذریعه (۱۲۴۱/ ۹)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۴۰/ ۲)، گلزار جاویدان (۱۶۷۳/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۷۸ -۴۷۷/ ۲).

نیر تبریزی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۲ -۱۲۴۸ -۱۲۴۷ ق)، عالم دینی، فقیه، خطاط و شاعر، متخلص به نیر. مشهور به حجت‌الاسلام تبریزی. وی از مشاهیر فرقه‌ی شیخیه در آذربایجان بود. او و پدرش از اولین کسانی هستند که بر مسلک علی محمد باب ردیه نگاشتند. در تبریز به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت و مقدمات را فراگرفت. سپس به نجف رفت. پس از فراگیری فقه و اصول و حکمت و کسب فیض از محضر علما به تبریز بازگشت. او به واسطه‌ی پدرش از شیخ احمد احسایی و نیز از شاگردان سید کاظم رشتی روایت کرده است. در خوشنویسی متبحر بود و با شعرای زمان خود از جمله: ادیب‌الممالک فراهانی، حاج فضلعلی مولوی متخلص به صفا، میرزا محمد ملاـباشی طسوجی، حاج میرزا کاظم طباطبایی معروف به حاج وکیل، میرزا علی منجم باشی و شریف‌العلمای اصفهانی مصاحبت داشت. در تبریز درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و در وادی‌السلام دفن شد. از آثارش: «مفاتیح الغیب فی علم الائمة (ع)»؛ رساله‌ی «علم‌الساعة»، در کیفیت علم ائمه (ع)؛ تفسیر آیه (و ما خلقت الجن والانس)؛ رساله‌ی «نصرة الحق»؛ رساله‌ی «لمح البصر»؛ «صحیفة الابرار فی مناقب العترة الاطهار (ع)»؛ «لالی منثورة»؛ «لالی منظومه» یا «اللالی المنظومة»؛ مثنوی «در خوشاب فی جواب قاردوشاب» که رساله «توحیدیه» آقا میرزا محمود خویی، معروف به اصولی، را نقد کرده و تخلص خود را در این منظومه عمیدا قرار داده است؛ «آتشکده»، در مراثی؛ «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۲۶ -۱۷/ ۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۰ -۳۸۹)، الذریعه (۱۷۵/ ۲۴، ۳۰۵/ ۲۱، ۱۷۶-۱۷۵/ ۱۹، ۳۴۱، ۲۶۵، ۲۶۴/ ۱۸، ۳۲۱، ۱۶-۱۵/ ۱۵، ۱۲۴۲ -۱۲۴۱/ ۹، ۳۳۲/ ۴، ۵/ ۱)، ریحانه (۲۹ -۲۸/ ۲)، سخنوران نامی معاصر (۳۷۶۷ -۳۷۶۰/ ۶)، شرح حال رجال (۳۲۵/ ۳)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۲۶۶/ ۱۴)، فرهنگ سخنوران (۹۶۲)، گلزار جاویدان (۱۶۷۴ -۱۶۷۳/ ۳)، المآثر والآثار (۱۷۵)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۳۹۷ -۳۹۶/ ۱)، مکارم‌الآثار (۱۳۳۸ -۱۳۳۷/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲۴۷ -۲۴۶/ ۲).

نیر، جمشید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی برق، دانشکده: مهندسی برق، دانشگاه: خواجه نصیرالدین طوسی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی مهندسی برق گرایش الکترونیک از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۴۸، کارشناسی ارشد مهندسی برق گرایش الکترونیک از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۰ و دکترای مهندسی الکترونیک از انستیتوی تکنولوژی توکیو در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷، استادیار دانشگاه علوم و فنون تهران از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۸، استادیار دانشگاه خواجه نصیر طوسی از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷ و دانشیار دانشگاه خواجه نصیر طوسی از سال ۱۳۶۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

الیاف چف، خط مخابرات نوری، سویچهای نوری، ادوات نوری، تدریس دروس مهندسی برق و مواد، مهندسی مایکروویو، الکترومغناطیس، فیبر نوری و الکترومغناطیس پیشرفته در دانشگاههای علم و صنعت ایران، صنعتی شریف، تهران، سیستان و بلوچستان، خواجه نصیرالدین طوسی و دانشکده صدا و سیما، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مخابرات نوری و فیبر نوری.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

مخابرات نوری، الکترونیک، تکنولوژی نور.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

نیرومند، حسین علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : حسین علی نیرومند در سال ۱۳۲۶ در شهر باجگیران از توابع قوچان متولد شد دوران ابتدایی را در زادگاهش سپری کرد. پس از کسب دیپلم ریاضی از دبیرستان نادرشاه مشهد، وارد دانشگاه علوم دانشگاه مشهد شد و در سال ۱۳۵۰ در رشته ریاضی فارغ التحصیل گردید سپس به انگلستان عزیمت کرد و مدرک فوق لیسانس و دکترای خود را در سال ۱۳۶۸ در آنجا به پایان برد. وی هم اکنون به سمت استادی در دانشگاه علوم ریاضی دانشگاه مشهد مشغول به خدمت است.

گروه : علوم پایه

رشته : آمار

گرایش : سریهای زمانی

والدین و انساب : مرحوم پدرشان علی فخمند در باجگیران به شغل کشاورزی مشغول بودند و مرحوم مادر محترمشان درنا کوثری بودند و دارای پنج خواهر همگی بازنشسته آموزش و پرورش هستند و پنج برادر به نام های نوروز محمد شغل کشاورزی، براقعلی دبیر بازنشسته ریاضی ، عباسعلی دبیر بازنشستهفیزیک، و حسن نیرومن سرهنگ نیروی هوایی هستند

خاطرات کودکی : وی دوران کودکی خود را اینچنین به یاد دارد : در دوران کودکی در باجگیران همراه پدر کار میکردم و حتی در دوران ابتدایی نیز هم درس میخواندم و هم به پدر در امور کشاورزی کمک میکردم.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : دوران متوسطه دبرستان نادرشاه افشار در مشهد دوران کارشناسی رشته ریاضی از دانشگاه مشهد

سال ۱۳۵۰ کارشناسی راشد رشته آمار از دانشگاه برونل انگلیس دکتری در رشته آمار – سریهای زمانی از دانشگاه شیفیلد سال ۱۳۶۸

خاطرات و وقایع تحصیل : در بیشتر ایام تحصیل از دوران ابتدایی تا کارشناسی ارشد درس میخواندم و در تابستان نیز کار میکردم

استادان و مربیان : دکتر بزرگ نیا،دکتر عبدالله، دکتر هنری، مرحوم پروفسور تقی فاطمی و ... از استادان وی در دوره کارشناسی بودند.

هم دوره ای ها و همکاران : و هم اکنون که در دانشگاه مشهد مشغول به کار میباشد با استادان دوران تحصیل خود مانند دکتر بزرگ نیا و دکتر هنری همکار شده اند.

همسر و فرزندان : همسر دکتر نیرومند بازنشسته آموزش و پرورش هستند و فرزندانشان احسان تحصیلات خود را به اتمام رسانیده و مشغول به کار هستند و دخترشان لونا ازدواج کرده و فرزند کوچکشان ایمان مشغول به تحصیل در دانشگاه در رشته مدیریت بازرگانی است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : معاون اداری و مالی دانشگاه علوم دانشگاه مشهد ۷۴–۱۳۶۸

فعالیتهای آموزشی : دکتر نیرومند تدریس اکثر دروس دانشگاهی رشته آمار در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد را برعهده دارد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر نیرومند بعد از فارغ شدن ارکار روزانه قدری ورزش و پیاده روی را در برنامه دارد.

چگونگی عرضه آثار : چاب و تالیف دو کتاب و چاپ و ترجمه بیش از ۱۵ جلد کتاب و بیش از ده مقاله علمی و پژوهشی د رمجلات معتبر____

آثار :

۱ آمار پایه

ویژگی اثر : تالیف

۲ آمار کاربردی

ویژگی اثر : تالیف

۱۳اگر سیول با مثال

ویژگی اثر : ترجمه

۱۴اگرسیول خط کاربردی

ویژگی اثر : ترجمه

۵ الگوهای خطی تعمیم یافته

ویژگی اثر : نوشته داپسن، ترجمه

۶ الگوهای خطی تعمیم یافته

ویژگی اثر : نوشته موشگری، ترجمه

۷ تجزیه و تحلیل سریهای زمانی

ویژگی اثر : نوشته کرامر، ترجمه

۸ روشهای چند متغیره کاربردی

ویژگی اثر : نوشته جانسون، ترجمه

۹ سریهای زمانی و روشهای یک متغیری و چند متغیری

ویژگی اثر : نوشته ویلیام دبلیودی، ترجمه

۱۰ مقدمه ای بر سریهای زمانی

ویژگی اثر : نوشته هتیفیلد، ترجمه

۱۱ نخستین درس احتمال

ویژگی اثر : نوشته راس ، ترجمه

۱۲ نمونه گیری

ویژگی اثر : ترجمه

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

نیری بروجردی، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام آقای حاج شیخ عبدالرحیم نیری بروجردی از علماء باتقوا و فضیلت حوزه علمیه قم است که در اطراف بروجرد به دنیا آمده و پس از رشد و طی مقدمات در بروجرد به قم هجرت نموده و سطوح را از محضر علامه فقیه آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی و بعضی دیگر استفاده نموده و از ورود آیت‌الله المرحوم بروجردی حاضر ابحاث فقه و اصول وی شده تا آخر عمر آن جناب و پس از فوت آن مرحوم از محضر آیات و زعماء سه‌گانه حوزه آیت‌الله العظمی شریعتمداری و آیت‌العظمی مرعشی نجفی و آیت‌الله

العظمی گلپایگانی تا هم اکنون استفاده می‌نمایند از آثار ایشان است تصحیح ایضاح الفوائد فخر المحققین که با معیت حجه‌الاسلام آقای آقاسید حسین کرمانی و حجه‌الاسلام حاج شیخ علی پناه اشتهاردی نموده‌اند و نوشته‌های دیگر در فقه و اصول.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

نیری شیرازی، طاهر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۵۶ ق)، شاعر، متخلص به نیّری. وی با وصال شیرازی معاصر و معاشر بود. در شیراز به دنیا آمد. در جوانی، پس از کسب کمالات در وطن، به هندوستان رفت. در دکن به مداحی مهاراجه چند و لعل، وزیر دکن پرداخت و از این راه صاحب مکنت و ثروت گردید. پس از مدتی به شیراز بازگشت و از آنجا قطعه‌ای برای مهاراجه فرستاد. در مورد محل فوت او میان تذکره‌نویسان اختلاف وجود دارد. گروهی او را فوت شده در شیراز می‌دانند و برخی می گویند پس از مدتی از شیراز به هند مراجعت نمود و در آنجا درگذشت. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔالشعراء (۱۹۵۴ -۱۹۵۳ / ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۶۰ -۷۵۹ / ۵)، الذریعه (۱۲۴۲ / ۹)، طرائق‌الحقائق (۳۷۲ -۳۷۰ / ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۸۷ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۹۶۳)، مجمع‌الفصحا (۱۰۵۲ -۱۰۴۲ / ۶)، مرآت‌الفصاحه (۶۷۸ -۶۷۶)، مصطبه‌ی خراب (۱۹۲ -۱۹۰).

نیری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی نیری

محل تولد : همدان

شهرت : نیّری همدانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۹/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت الله علی نیّری همدانی در سال ۱۳۰۹ هجری شمسی در منطقه‌ای در ۱۲ فرسخی همدان به دنیا آمد. پدرش که مردی با فضیلت بود، به کشاورزی اشتغال داشت. او از بزرگان به شمار می‌آمد و در زهد و ورع زبانزد خاص و عام بود و نقش بسزایی در تربیت فرزند خود و تشویق او به تحصیل علوم دینی ایفا کرد. ایشان تحصیلات خود را از مکتب خانه آغاز کرد و در آن مرحله ضمن فراگیری قرآن مجید، از کتبی چون «کلیله و دمنه و گلستان سعدی» بهره برد و «زبان و ادبیات» خویش را انسجام بخشید. سپس برای فراگیری دروس حوزوی، به همدان رفت و در مدتی کم، دروس مقدمات و بخشی از دروس دورهٔ سطح را به پایان برد. پس از آن برای بهره مندی از محضر استادان فرهیخته، به شهر قم مهاجرت کرد و در مدرسه علمیه دارالشفاء مستقر شد. او در آن زمان بخشی از «معالم» را خوانده بود. از این رو به تکمیل باقی مانده آن و اتمام دروس دورهٔ سطح در زمان اندك رو آورد.

با پایان یافتن دروس دورهٔ سطح، به دروس خارج فقه و اصول استادان مشهور حوزه علمیه قم، از جمله آیات عظام: «بروجردی (ره)، امام خمینی (ره) و محقق داماد (ره)» راه یافت و سالها از محضر آنان بهره‌مند شد و در ضمن آن از فراگیری علوم عقلی نیز غافل نماند. او در طی این سالها همواره درسهای اخلاق استادان خود شرکت می‌جست تا علم خویش را به زیور عمل بیاراید و خود را برای نهضتی عظیم که بر عهدهٔ عالمان و اندیشمندان اسلامی است؛ آماده سازد.

آیت الله نیّری در سالهای تحصیل خود از محضر استادان بسیاری بهره‌مند شد. او بسیاری از دروس مقدمات را در همدان در محضر برادر خود «آقا میرزا عبدالغنی نیّری» و آقای «رازینی» فرا گرفت و در درس لمعهٔ آقایان: «حاج سید مصطفی هاشمی» و «سید جمال الدین افتخاری» شرکت جست. با ورود به قم به درس مطوّل «آیت الله مشکینی» و درس شرح لمعه «آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)» و «آیت الله شهید صدوقی(ره)» رفت و پس از آن به درس رسائل «آیت الله مشکینی» و درس کفایه «آیهٔ الله آقا شیخ عبدالجواد سده‌ای اصفهانی (ره)» و «آیت الله شیخ مرتضی حائری (ره)» و مکاسب حضرات آیات: «حائری (ره) و مشکینی» راه یافت.

با پایان یافتن دروس دورهٔ سطح به درس خارج فقه و اصول آیات عظام: «بروجردی (ره)، امام خمینی (ره)، اراکی (ره)، محقق داماد (ره)، گلپایگانی (ره) و شیخ عباسعلی شاهرودی» رفت و عمدهٔ مبانی اجتهادی خویش را در محضر آنان فرا گرفت، هر چند در درس خارج دیگر استادان نیز شرکت می‌کرد. در بخش علوم عقلی نیز ابتدا به درس منظومه «آیت الله منتظری» و سپس به درس اسفار «آیت الله علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره)» راه یافت.

او در سالهای تحصیل خود با علماء و فضلای بسیاری رابطه دوستی داشت که از جمله آنان می‌توان به آقایان: «ثابتی، عراقچی و موسوی همدانی» اشاره کرد. او بسیاری از دروس پیش آموخته را با آنان مباحثه می‌کرد. آیت الله نیّری در عرصه فرهنگی حضور

مؤثر و مستمری داشته است. او سالها در حوزه علمیه قم به تدریس دروس دورهٔ مقدمات و سطح پرداخته، شاگردان بسیاری را به مکتب اسلام تقدیم نموده است.
از جمله فعالیتهای او در این عرصه، تدوین دورهٔ پنج جلدی «مجمع المسائل؛ حاوی استفتائات از مرجع عالی قدر آیت الله العظمی گلپایگانی (ره)» است که از آثار شگفت و در خور تحسین است، این کتاب با همت وی و برخی دیگر از استادان حوزه علمیه قم تهیه شده است، او پس از رحلت آن عالم ربّانی، به دفتر «آیت الله العظمی صافی گلپایگانی» راه یافت و سالهاست که به پرسش‌های شرعی مردم پاسخ می‌گوید. آیت الله نیّری که از شاگردان امام (ره) محسوب می‌شود، سالها در راه نهضت پیر مراد خود «امام خمینی (ره)» به مبارزه پرداخت که از جمله آنها می‌توان به سخنرانیهای او در اطراف رفسنجان اشاره کرد. این سخنرانیها خشم ساواک را برانگیخته بود. او به همراه استاد «ثابتی» و با دستور آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) به دیدار تبعیدشدگان در رژیم طاغوت شتافت که از جمله آن دیدارها: دیدار با مقام معظم رهبری که در آن زمان در ایرانشهر در تبعید بودند می‌باشد. آیت الله نیّری هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین حوزهٔ علمیه قم است.

نیری، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۷ ش)، شاعر. در سمنان به دنیا آمد. پس از فراگرفتن تحصیلات متداوله‌ی زمان به استخدام اداره‌ی ثبت اسناد و املاک درآمد. او طنزپرداز و لطیفه‌گویی نقدسراست. از آثار وی: منظومه «نصاب»، واژه‌های سمنانی؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (۳۷۸۱ -۳۷۷۷/ ۶).

نیریزی اصفهانی، احمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطاط. وی از اساتید معروف خط نسخ و ثلث در زمان شاه سلطان حسین صفوی بود که شهرت و تسلطش در نسخ و ثلث مثل شهرت میر در نستلیق و درویش در شکسته و خواجه اختیار الدین منشی در تعلیق است و در اصطلاح خوشنویسان هر کجا میرزای مطلق می‌گویند همو مراد است. ظهور میرزای نیریزی در شیوه‌ی نسخ و ثلث تحوّل و نهضتی جدید به وجود آورد که دنباله‌اش تا قرن چهارده هجری امتداد داشت. از خصوصیت میرزای نیریزی در شیوه‌ی نسخ و ثلث این بود که مثل یاقوت مستعصمی شاگردان فراوان تربیت کرد و به خواص شاگردانش اجازه می‌داد ک به جای خود او امضاء کنند بدین سبب خطوط اصلی میرزای نیریزی مثل یاقوت کمیاب و پربها است. وی در خط نسخ شاگرد آقا ابراهیم قمی است. به شیوه‌ی ثلث علاءالدین تبریزی هم نظر داشت و از روی خطوط او مشق می‌کرد. وی از طرف پادشاه به ارجاع کتابت نسخ و ثلث اختصاص داشت و به همین مناسبت گاهی در امضای خود کلمه‌ی سلطانی را بکار می‌برد. وی سفرهای بسیاری محض زیارت به عتبات عالیه کرد از یادگاریهای این مسافرت او قطعه‌ای است در مدیح حضرت رسول که به آب زر روی کاغذ خان بالغ به خط نسخ هنگام زیارت مدینه نوشته است. ابتدای ورودش به اصفهان مصادف با سنه‌ی ۱۱۰۰ ق اواخر سلطنت شاه سلیمان و عمده‌ی شهرت و جاه و عزّتش در عهد شاه سلطان حسین بوده و فتنه‌ی افغه را درک کرده است، اما معلوم نیست چگونه از این مهلکه جان بدر برده است. از مکتوباتی که به خط او دیده شد نود و نه مجلد قرآن است و هفتاد هفت صحیفه و بسیاری از ادعیه و مرقعات دیگر است. از آثار وی: قرآن رحلی دو صفحه‌ی اول متن و حاشیه مذهب و نسخ کتابت عالی، با رقم: «... احمد النیریزی... سنه سبع و عشرین و مائهٔ بعد الالف ۱۱۲۷»؛ قرآن وزیری جلد روغنی ممتاز، دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه‌ی مذهّب عالی و نسخ کتابت خوش، با رقم: «قد تشرفت بکتابهٔ هذا القرآن المجید فی شهر ربیع الثانی سنه احدی و اربعین و مائهٔ بعد الالف و انا العبد الاقل احمد النیریزی فی ۱۱۴۱»؛ «دعای کمیل» جانمازی، جلد روغنی سر لوح مرصع نسخ کتابت عالی، با رقم: «کتبه... احمد النیریزی السلطانی باصفهان... سنه سبع و مائهٔ بعد الالف ۱۱۰۷»؛ «صحیفه‌ی»؛ سجادیه وزیری، جلد ساغری ضربی مذهّب، دو صفحه‌ی اول متن و حاشیه مذهّب مرصع و نسخ کتابت عالی، با رقم: «تمت الصحیفهٔ الکاملهٔ]...[اقل عباداللّه احمد نیریزی فی سنهٔ ۱۰۹۶»؛ صد و شش اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۴۱ -۱۰۲۹ /۴)، احوال و آثار نقاشان (۶۱ /۱)، اطلس خط (۳۵۵ -۳۵۳)، پیدایش خط و خطاطان (۹۲ -۹۰)، تاریخ اصفهان (۱۷۶ -۱۷۳)، تاریخ هنرهای ملی (۹۳۲ -۹۳۰ /۲)، خوشنویسان و هنرمندان (۲۹)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۶۹ -۲۶۸)، گلستان هنر (نوزده).

نیریزی، ابوالعباس فضل

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۳۱۰ ق)، منجم و ریاضیدان. او یکی از ریاضیدانان و منجمان بزرگ دوره‌ی خود به حساب می‌آید. اهل نیریز فارس بود. او در علم هیئت و نجوم مهارت بسیاری داشت. مترجمان لاتینی او را اناریتیوس می نامیدند. نیریزی با معتضد بالله، خلیفه‌ی عباسی، معاصر بود و برخی از تألیفات خود را به نام او یا وزرای او نوشته است. وی از نخستین کسانی است که اصطلاح ظل معکوس را، که معادل تانژانت است، به عنوان یک خط مثلثاتی مستقل به کار برده است. ثار نیریزی همواره مورد مراجعه و اعتماد ریاضیدانان و منجمان بزرگی چون ابوریحان بیرونی، حکیم عمر خیام و خواجه نصیرالدین طوسی بوده است. وی تفسیری بر «مجسطی» بطلمیوس نوشته که بهترین تفسیر آن کتاب دانسته شده است، به طوری که گاهی او را به طور مطلق شارح «مجسطی» خوانده‌اند. از دیگر آثارش: شرح «اصول اقلیدس»، که در واقع شرح بر ترجمه‌ی حجاج بن یوسف از این کتاب است؛ «الزیج الکبیر»؛ «الزیج الصغیر»؛ رساله‌ای در «احداث الجو»، که به نام معتضد تألیف کرده است؛ رساله‌ی «سمت القبله».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۵/ ۱)، تاریخ الحکماء قفطی (۳۵۱)، تاریخ نجوم اسلامی (۳۶۳، ۲۷۸، ۲۱۸)، چهار مقاله (۸۸)، دایرةالمعارف فارسی (۳۰۹۶/ ۲)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۵۱۶ –۵۱۳)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (۵۰۰، ۴۸۲، ۴۷۹)، لغت‌نامه (ذیل/ نیریزی).

نیریزی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از خوشنویسان دوره قاجاریه بود. از آثار وی: «صحیفه سجادیه»، به قطع وزیری کوچک که دو صفحه‌ی اول متن با حاشیه‌ی مذهب و جلد روغنی عالی به خط نسخ کتابت ممتاز و ترجمه‌ی نستعلیق کتابت خفی خوش، با رقم: «الآثم ابوالقاسم النیریزی سنه‌ی ۱۲۲۴».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۲۱ /۴).

نیریزی، ابوطالب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از او یک قرآن وزیری که دو صفحه‌ی اول آن متن و حاشیه‌ی مذهب عالی و دارای جلد روغنی عالی بود، با نسخ کتابت (خفی متوسط) و با رقم: «اقل دعاگویان حقیقی ابن حسین الحسینی، ابوطالب النیریزی... به استکتاب این کتاب اللّه پرداخت.» «به تاریخ یوم الخمیس شهر جلیل‌القدر شعبان‌المعظم اتمام یافت سنهٔ ۱۲۸۴...» برای فروش دیده‌ام.

(ز ۱۲۸۴ ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن وزیری که دو صفحه‌ی اول آن و حاشیه مذهّب عالی است، با جلد روغنی و نسخ کتابت خفی متوسط، با رقم: «اقل دعاگویان حقیقی، ابن حسین الحسینی، ابواطالب النیریزی... سنه‌ی ۱۲۸۴».[۱]

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۱۷ / ۴).

نیریزی، احمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از بزرگترین نسخ‌نویسان روزگار بود و چندی در خدمت آقا محمدصادق ارجستانی مشق کرد و بعد در سلک شاگردان آقا محمد ابراهیم قمی درآمد و پس از مرگ استاد از قم به نیریز رفت و به مشق پرداخت تا از استاد سرآمد و شیوه‌ی خاصی آورد. وی در حدود سال ۱۱۰۰ در اصفهان مقیم شد.

میرزا احمد عمر خود را به تحریر قرآن و ادعیه و صحایف اشتغال داشته است و بسیار پسندیده خصال بود و متورع و به مکه و مدینه و عتبات عالیات و مشهد مقدس به زیارت رفته است و از یادگارهای این مسافرت او قطعه‌ایست در مدیح حضرت رسول که به آب زر روی کاغذ خان بالغ به خط نسخ هنگام زیارت مدینه نوشته است... و بیت اول آن این است.

کفر و ایمان را هم اندر تیرگی هم در صفا

نیست دارالملک جز رخسار و زلف مصطفی

هر چه از مبالغ خطیر حق‌الکتابه به دست می‌آورد به اندکی قناعت می‌کرد و بقیه را انفاق فقرا می‌ساخت.

از آثاری که به خط او دیده شده نود و نه مجلد قرآن است و هفتاد و هفت صحیفه و بسیاری از ادعیه و مرقعات دیگر و در یکی از

قطعات به خط او دیده شده که نوشته بود در مدت عمر شصت هزار تومان حق‌التحریر و حق‌الکتابه دریافت داشته‌ام. پس از مرگ جنازه وی را به کربلا انتقال دادند.

بعضی قطعات اشعار نیز به خط آن استاد دیده شده است. نستعلیق و شکسته را نیز خوش می‌نوشت و از این قبیل خطوط وی دیده‌ام:

قرآن: رحلی جلد ساغری دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع عالی نسخ کتابت عالی نستعلیق کتابت خوش را رقم «قد تشرفت بکتابة... فی یوم الاربعاء من شهر ربیع‌الاول فی سنهٔ احدی عشر و مائهٔ بعد الالف... احمد النیریزی ۱۱۱۱.خواص سور نستعلیق: «اسداللّه الشیرازی... فی شهر ربیع‌الثانی سنهٔ ۱۲۶۰... حسب‌الفرمایش میرزا آقا خان وزیر لشکر...» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

قرآن: رحلی بدون جلد دو صفحه‌ی اول مذهب. دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع نسخ کتابت جلی ممتاز با رقم: «حسب‌الامر... شاه سلطان حسین الصفوی الموسوی الحسینی بهادرخان... احمد النیریزی مولدا الاصفهانی مسکنا...» «به اتمام رسید فی ۱۱۲۴ به محروسهٔ اصفهان...» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

قرآن: رحلی جلد روغنی عالی تمام صفحات متن و حاشیه مذهب. دو صفحه‌ی اول و آخر متن و حاشیه مرصع عالی نسخ کتابت جلی ممتاز با رقم: «و کان الفراغ من کتابته به حسن السعی... صفی قلی بیکا و قد کان اتمامه لعالی حضرهٔ... محمد ابراهیم بیکا یوزباشی و انا العبد المذنب المحتاج الی عفو ربه الغنی ابن شمس‌الدین محمد، احمد النیریزی عفی عنهما بالنبی والوصی». «و کان ذلک فی شهر شعبان المعظم من شهور سنهٔ سبع عشرهٔ و مائهٔ بعدالالف من المهاجرهٔ المقدسهٔ... سنهٔ ۱۱۱۷» (این نسخه به امر فتحعلی شاه قاجار تذهیب و تجلید شده است) در کتابخانه‌ی سلطنتی.

قرآن: وزیری جلد روغنی ممتاز دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مذهب عالی نسخ کتابت خوش با رقم: «قد تشرفت بکتابهٔ هذا القرآن المجید فی شهر ربیع‌الثانی سنهٔ احدی و اربعین و مائهٔ بعد الالف و انا العبد الاقل احمد النیریزی» «فی ۱۱۴۱» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

قرآن: نسخ کتابت جلی عالی و آخر رقاع خوش با رقم «قد تشرفت من تیمن هذا المصحف... فی سنهٔ خمس و عشرین و مائهٔ بعد الالف من الهجرهٔ المحترمهٔ بمحروسهٔ اصفهان... و انا العبد الاقل الداعی لابود السلطنهٔ... احمد النیریزی عفی عنه» در کتابخانه‌ی مجلس به شماره‌ی ۴۱۲۵.

دعای صباح نیم‌ربعی نسخ و رقاع نیم دو دانگ جلی. عالی بلکه ممتاز جلد روغنی رقاع نیم دو دانگ سفیداب عالی نقش به شاخ و برگ موئی مذهب با رقم «... امتثالا لامر عالیجناب العام... مجتهد الزمان و عصره مولانا محمد باقرا زیدت فضائله و مکارمه و انا العبد الاقل الداعی لابود الدولهٔ القاهرهٔ الباهرهٔ تراب اقدام المؤمنین... احمد النیریزی... به محروسهٔ اصفهان صانها اللّه...» کتیبه‌ی جلد روغنی: «حرره العبد احمد النیریزی فی ۱۱۳۲» توسط دکتر خویی.

سور قرآن و ادعیه نسخ و رقاع نیم دو دانگ عالی با رقم «قد تشرف به تحریر هذه الادعیهٔ... لعالیجناب... خان بن الخان المدعو به اصلان خان... و انا العبد الاقل الداعی لدوام الدولهٔ القاهرهٔ تراب اقدام المومنین احمد النیریزی فی سنهٔ ۱۱۴۳» در مجموعه‌ی موقر منا (؟).

قرآن رحلی جلد روغنی عالی- دو صفحه‌ی اولی مذهب- دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع دو صفحه‌ی بعد حاشیه مذهب نسخ کتابت عالی با رقم «... احمد النیریزی...» «فی شهر جمادالاولی من شهور سنهٔ خمس و اربعین و مائهٔ (بعد) الالف... فی دارالسلطنهٔ اصفهان...» ۱۱۴۵، در کتابخانه‌ی سلطنتی.

قرآن وزیری کوچک: با جلد روغنی عالی و نسخه‌ی مذهب به قلم کتابت جلی و آخر رقاع خوش: با رقم: «قد تشرفت من تنمیق... سنهٔ خمس و عشرین و مائهٔ بعد الالف (۱۱۲۵)... و انا العبد الاقل... الحمد النیریزی عفی عنه» در کتابخانه‌ی مرحوم حاج سید نصراللّه تقوی.

قرآن وزیری نسخ کتابت خفی متوسط و قسمت آخر که به نظر می‌رسد فقط آن خط نیریزی باشد رقاع کتابت جلی عالی با رقم: «قد تشرف به تحریر هذا القرآن المجید والفرقان الحمید... و انا العبد الاقل الداعی لابود الدولهٔ القاهرهٔ الباهرهٔ تراب اقدام المؤمنین المتمسک بولاء المعصومین احمد النیریزی فی سنهٔ ۱۰۹۴ اربع و تسعون بعد الالف من الهجرهٔ المبارکهٔ المقدسهٔ».

سور و ادعیه وزیری جلد روغنی، سرلوح مرصع عالی نسخ کتابت عالی و نستعلیق کتابت خفی متوسط با رقم «کتبه الداعی لا بود الدولهٔ القاهرهٔ الباهرهٔ الحمد النیریزی... فی بلدهٔ اصفهان...» «فی سنهٔ عشر و مائهٔ بعد الالف ۱۱۱۰» در کتابخانه‌ی سلطنتی:

سورهٔ الفتح وزیری کوچک جلد روغنی عالی تماماً متن و حاشیه تشعیرسازی مذهب عالی نسخ کتابت به سفیداب عالی با رقم «کتبه المحتاج الی اللّه الملک الغنی الحمد النیریزی» «فی ۱۱۱۳» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

سور و ادعیه وزیری جلد روغنی عالی دو سر لوح مرصع عالی نسخ کتابت عالی با رقم «حرره... احمد النیریزی... به محروسهٔ اصفهان. سنهٔ تسع و عشرین و مائهٔ بعد الالف» و «انا العبد الاثم الجانی- ابن محمد صالح اللؤلؤی محمد هاشم الاصفهانی فی شهر رجب‌المرجب من شهور سنهٔ ۱۱۹۲ اثنی و تسعین و مائهٔ بعد الالف» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

ادعیه و تعقیبات نیم‌ربعی جلد روغنی ترنج و سرلوح مرصع نسخ کتابت خوش با رقم «... میرزا محمد رفیع مستوفی‌الممالک ایران... و کتب العبد... احمد النیریزی» «فی سنهٔ ۱۱۴۰ به محروسهٔ اصفهان» در کتابخانه سلطنتی.

سور و ادعیه نیم‌ربعی جلد روغنی عالی تمام متن طلا نسخ کتابت خوش با رقم «قد وفقت و تشرفت بتحریره... فی سنهٔ احدی و اربعین و مائهٔ بعد الالف... و انا العبد... احمد النیریزی...» ۱۱۴۱ در کتابخانه‌ی سلطنتی.

سور و ادعیه وزیری جلد روغنی عالی سرلوح مذهب به قلم زر و سفیداب و مرکب مشکی نسخ کتابت خفی متوسط با رقم «کتبهٔ العبد الاقل الداعی لابود السلطنهٔ البهیهٔ احمد النیریزی «فی سنهٔ ۱۱۴۶» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

دعای احتجاب وزیری جلد روغنی عالی سرلوح مذهب نسخ کتابت عالی با رقم «کتبه العبد المذنب احمد النیریزی... فی دارالسلطنهٔ اصفهان» «فی ۱۱۲۰» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

ادعیه نیم‌ربعی جلد روغنی سرلوح مرصع نسخ کتابت خفی متوسط با رقم «و انا العبد الاقل احمد النیریزی...» «فی سنهٔ ۱۱۴۹...» در

کتابخانه‌ی سلطنتی.

سور قرآن نیم‌ربعی جلد روغنی سرلوح مرصع دو صفحه‌ی اول متن و حاشیه مذهب نسخ کتابت عالی با رقم «حرره... احمد النیریزی...» «فی سنهٔ ۱۱۲۸...» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

مرقع (۵۰ رقعه از اول قرآن) نسخ کتابت ممتاز با رقم (کتبه العبد احمد النیریزی فی ۱۱۳۰) در کتابخانه‌ی سلطنتی.

۴۴ رقعه (از مرقع) و سوره‌ی آل عمران و اعراف از قرآن نسخ کتابت ممتاز با رقم: «کتبه العبد احمد النیریزی فی ۱۱۳۰» و «کتبه العبد الاقل تراب اقدام المؤمنین احمد النیریزی فی سنهٔ ۱۱۲۲ «من الهجرهٔ» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

سور قرآن، ربعی قابسازی شده دو سر لوح مذهب بین‌السطور طلااندازی از بهترین خطوط نیریزی نسخ و رقاع کنایت ممتاز با رقم «کتبه تراب اقدام المؤمنین المحتاج الی اللّه الملک الغنی احمد النیریزی السلطانی فی دارالسلطنهٔ اصفهان صانها اللّه عن الحدثان ۱۱۱۶». «کتبه العبد المذنب احمد النیریزی فی ۱۱۱۹». یک صفحه‌ی آخر نسخ کتابت ممتاز با رقم: «راقمه الاثم محمدهاشم ۱۲۰۰ من الهجرهٔ» در کتابخانه‌ی مجلس.

سوره‌ی واقعه جلد روغنی حاشیه چند حدیث به خط رقاع رقم نیریزی تاریخ ۱۱۳۲ دارد مزین مرصع نسخ کتابت جلی و رقاع عالی با رقم «کتبه تراب اقدام المومنین احمد النیریزی فی ۱۱۳۲» در مجموعه‌ی مهدوی

از مجموع آثار قلمی این خوشنویس عالیقدر معلوم شد که نام پدر او «شمس‌الدین محمد و محل اقامت او اصفهان و اختصاص او به دربار شاه سلطان حسین صفوی و تقرب او به درجه‌ای بوده که رقم خود را «سلطانی» می‌نگاشته و آثار قلمی او در این مجموعه محصور بین ۱۰۹۴ و ۱۱۷۷ است که جمعا ۸۳ سال می‌شود و از این رو استاد هم عمر درازی یافته و هم از آغاز جوانی به خوشنویسی مشهور و ممتاز بوده است. رحمهٔ‌اللّه‌علیه.

احمد نیریزی یا میرزا احمد یا میراحمد خطاط مشهور قرن دوازدهم هجری در شیراز پرورش یافته و تعداد زیادی از آثارش باقی‌مانده و بسیاری از قرآن‌ها و ادعیه منسوب بدو است. نسخه‌ای از قرآن به خط او در کتابخانه‌ی ملی است که تاریخ تحریر آن سال ۱۱۱۷ ه.ق و نسخه‌ی دیگر قرآن در سال ۱۱۴۱ ه.ق به اتمام رسیده و از حیث شیوه و خط می‌توان آن را هم‌ردیف آثار یاقوت دانست و ظاهراً نیریزی سبک یاقوت را تقلید می‌کرده و این قرآن را به شیوه‌ی او نوشته است.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

نیریزی، ارشادالدین، ابوالحسن علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۰۴ ق)، عالم دینی، فقیه، محدث، مفسر و ادیب. در «مجمل فصیحی» و «فارسنامه‌ی ناصری» نام وی محمد بن علی ذکر شده است. او جامع علوم شرعیه و در علم تفسیر و حدیث متبحر بود. مدتها در مسجد جامع عتیق شیراز امامت نمود و نوشته‌اند که به مدت هفتاد سال عهده‌دار منصب افتاء بود. او را عالمی خیرخواه و دارای اخلاق نیکو و اوصاف مرضیه دانسته‌اند. در طلب علم به حجاز و عراق مسافرت نمود و مشایخ و علمای بزرگی چون: شیخ توران کبیر، زاهد ابومنصور، ابوالوفا احمد بن ابراهیم فیروزآبادی، ابومقاتل مناور بن فرکوه دیلمی را درک نمود. شیخ روزبهان بقلی شیرازی و سراج‌الدین مکرم قاضی‌القضاهٔ فارس و عارف معروف عزالدین مودود زرکوب و فرزندش، عمادالدین ابوالفضل محمد بن مودود زرکوب، و ملک معین‌الدین ابوذر کتکی مفتی از شاگردان او بودند. در شیراز درگذشت و در رباطی که خود در نزدیکی مصلای شیراز بنا کرده بود، دفن شد. از آثارش: «مجمع‌البحرین»، در تفسیر و تأویل، در ده مجلد؛ «تنویر المصابیح»، در شرح «المصابیح»، در حدیث؛ «باکورهٔ الطلب لاهل الادب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شد الازار (۳۷۶ -۳۷۲)، شیرازنامه (۱۷۰ -۱۶۹)، فارسنامه ناصری (۱۵۶۷/ ۲)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۶۰۴)، معجم‌المؤلفین (۲۲۴/ ۷).

نیریزی، عبدالرشید

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اوست: قرآن وزیری اوایل مذهب عالی: جلد روغنی ممتاز، حواشی و خواص سور شکسته‌ی کتابت خفی خوش. متن نسخ کتاب پایان رقاع عالی با رقم: «فقد تشرفت بکتابهٔ هذه القرآن... و انا العبد الداعی لابود الدولهٔ القاهره تراب اقدام المؤمنین احمد النیریزی...» «فی شهر رفیع‌القدر ربیع‌الاول من شهور سنهٔ ثمانو ثلثین و مائهٔ بعد الالف (۱۱۳۸) من الهجرهٔ بمحروسهٔ اصفهان...» «لقد اشار الی من اشارته... معتمد الملک ان ارقم هذه الخواص السور القرآن... فرغت لامره المطاع و انا الراجی... عبدالرشید بیگدلی مستوفی» «فی شهر محرم‌الحرام سنهٔ ۱۲۹۲» در کتابخانه‌ی مجلس.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

نیریزی، علاءالدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به ملا علاءبیک از استادان معروف تبریز بوده و مانند عبدالباقی تبریزی و علی‌رضا عباسی تربیت کرده است که هر یک از مشاهیر استادان خطند. علاء بیک از شاگردان شمس‌الدین محمد تبریزی نویسنده‌ی فرمان شاه طهماسب است. علی عسکر ارسنجانی و میرزا احمد نیریزی از خطوط او نقل کرده‌اند و من از خطوط او دیده‌ام: دو قطعه از مرقع نسخ و رقاع کتابت عالی با رقم: «العبد الفقیر الی رحمهٔ ربه الولی علاءالدین محمد بن شمس‌الدین محمد الحافظ التبریزی فی شهر شعبان سنهٔ ثمانین و تسعمائهٔ (۹۸۰) و ثقلت من خطه و انا العبد احمد النیریزی فی سنهٔ ۱۱۱۹. نقلت من خطه طاب ثراه العبد علی عسکر الارسنجانی سنهٔ ۱۲۸۷» در مجموعه‌ی ضیاء لشکر.

– سوره‌ی کهف از قرآن وزیری مذهب، ثلث جلی عالی و نسخ خفی عالی با رقم: «کتبه العبد الفقیر علاءالدین التبریزی غفر ذنوبه» (به شیوه‌ی یاقوت) در کتابخانه‌ی سلطنتی.

– قرآن رحلی جلد معرق طلاپوش، رحلی جلد معرق طلاپوش، دو صفحه‌ی اول متن و حاشیه مذهب نسخ کتابت و ثلث عال با رقم: «... علاءالدین... بن محمد الحافظ التبریزی...» سال ۹۶۴ در کتابخانه‌ی ملک.

– قرآن وزیری، جلد روغنی ممتاز. یک ترنج مذهب دو صفحه‌ی اول و دو صفحه‌ی آخر متن و حاشیه مذهب مرصع، نسخ کتابت عالی با رقم: «الحمد للّه الذی وفق به اتمام کتابته هذا المصحف المجید... العبد الفقیر الی رحمهٔ ربه الولی، علاءالدین محمد بن شمس‌الدین محمد الحافظ التبریزی» «فی شهر شعبان سنهٔ ثمانین و تسعمائهٔ» «۹۸۰ در کتابخانه‌ی سلطنتی.

– قطعه دودانگ نسخ عالی با رقم: «نقلت من خط استادی یاقوت المستعصمی و انا العبد الضعیف علاءالدین النیریزی فی ۹۸۰» در مجموعه‌ی سید نصراللّه تقوی.

– کتیبه‌ی مسجد پشت (آلجاق مسجد) جنب مسجد جامع تبریز به فارسی خواب نامه‌ی شاه طهماسب و بخشودن قسمتی از مالیات. ثلث یکی دانگ کتیبه‌ی عالی با رقم و تاریخ: «فی عشر ثالث شهر شوال اودئیل اثنی و سبعین و تسعمائه. کتبه علاءالدین» شماره‌ی اول دوره‌ی ششم نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات تبریز.

– قرآن وزیری، جلد روغنی مذهب ضربی. یک ترنج و دو صفحه‌ی بعد تمام مذهب یک سر لوح مذهب مرصع عالی، نسخ و رقاع کتابت عالی با رقم: «... العبد الفقیر علاءالدین بن شمس‌الدین محمد القاری التبریزی...» «فی سنهٔ تسع و ثمانین و تسعمائهٔ» ۹۸۹ در کتابخانه‌ی سلطنتی.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

نیریزی، محمد صفی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن نسخ و رقاع غبار متوسط با رقم: «محمد صفی بن... محمدباقر بن میرزا احمد نیریزی» نزد مهدیخان.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

نیریزی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۴۴ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «زادالمعاد»، نسخ کتابت خوش، با رقم: «قد تم الکتاب... فی شهر شوال المکرم، کتبه العبد الاثم الجانی محمدحسین النیریزی سنهٔ ۱۲۴۴».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۶۳/ ۴).

نیریزی، محمدکاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۴۸ ق)، خطاط. از آثار وی: یک قطعه نسخ و رقاع کتابت جلی و کتابت خفی عالی، با رقم: «حرره فی یوم الاربعاء... ابن محمد رحیم النیریزی، محمدکاظم سنهٔ ۱۲۱۶ من الهجرهٔ النبویه»؛ صحیفه‌ی مذهب مرصع، نسخ کتابت خفی خوش، با رقم: «... و انا العبد... ابن محمد رحیم النیریزی، محمدکاظم فی نصف الاخر من العشر الاوسط من شهر رجب المرجب سنهٔ ۱۲۴۸».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۹۴/ ۴).

نیساری، سلیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سلیم نیساری در ۲۱ آذر ماه ۱۲۹۹ درتبریز متولد شد. وی داری دکترای فلسفه از دانشگاه ایندیانای آمریکا ست. دکتر نیساری پس از بازگشت به ایران به تدریس دردانشکده علوم تربیتی ادامه داد و درسال۱۳۵۹ پس از ۳۸ سال خدمت به تقاضای خود بازنشسته شد .گروه : علوم انسانیرشته : علوم تربیتیوالدین و انساب : سلیم نیساری فرزند عبد الله که وی نیز فرزند میرزا سلیم، حاکم محال قره داغ آذربایجان بود، در ۲۱ آذر ماه ۱۲۹۹ درتبریز متولد شد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سلیم نیساری پس از گذراندن دوره تحصیلات ابتدایی و متوسطه و توفیق در امتحان نهایی دانشسرای تبریز با رتبه اول برای ادامه تحصیل به تهران آمد و موفق به اخذ درجه لیسانس در سال ۱۳۲۱ دررشته ادبیات فارسی و علوم تربیتی شد . ضمنا به تحصیل دردوره دکتری ادبیات فارسی ادامه داد . درسال ۱۳۲۹ برای ادامه تحصیل به اروپا و سپس به آمریکا رفت. وی موفق به دریافت درجه فوق لیسانس ازدانشگاه لندن و نیز درجه دکتری دررشته علوم تربیتی و زبان شناسی از دانشگاه ایندیانا آمریکا شد.همسر و فرزندان : سلیم نیساری با ایران میرتقوی ازدواج کرد و ثمره این ازدواج سه فرزند به نامهای نیلوفر، سیروس و نادر می باشد .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل سلیم نیساری در وزارت فرهنگ عبارتند از : منشی مخصوص وزیر فرهنگ ،رئیس اداره دفتر وزارتی در دوره وزارت نفت وزیر فرهنگ و بازرس وزارتی و مشاور وزارت فرهنگ . درسال ۱۳۳۴ به عنوان دانشیار عالی برگزیده شد . درسال ۱۳۳۶ به استخدام دبیرخانه مرکزی یونسکو در پاریس درآمد و به سمت رئیس اداره کمکهای فنی یونسکو منصوب شد . دراین سمت از طرف مدیر کل یونسکو برای سرکشی به نحوه پیشرفت برنامه کمکهای علمی و فرهنگی یونسکو به کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه و کشورهای جنوب غربی آسیا سفرکرد . پس از پایان ماموریت و مراجعت به ایرا ن به سمت مدیر کل روابط فرهنگی دروزارت آموزش و پرورش منصوب گردید . ضمنا درهیات مدیره موسسه فرهنگی منطقه ای نیز عضویت داشت و سردبیری یک مجله انگلیسی درموسسه فرهنگی منطقه ای را نیز به عهده داشت . درسال۱۳۵۶ با ماموریت از طرف دانشگاه تهران ووزارت فرهنگ و هنر باسمت رایزن فرهنگی به کشورترکیه رفت . پس از پایان ماموریت درسال۱۳۵۸ به ایران مراجعت کرد .فعالیتهای آموزشی : سلیم نیساری در سال ۱۳۲۱ به استخدام وزارت فرهنگ درآمد . درسال ۱۳۳۳ ضمن تدریس، معاونت دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز را به عهده گرفت . تاریخ فرهنگ ایران ، کلیات روش تدریس و روش آموزش زبان فارسی دردبستان از جمله عناوینی بودکه تدریس آنها را به عهده داشت . دکتر نیساری به غیراز تدریس در رشته ها ومقاطع مختلف، درسال ۱۳۳۴ به عنوان دانشیار عالی برگزیده شد . درسال ۱۳۴۴ به مرتبه استادی ارتقا یافت و به دانشگاه تهران منتقل شد . دردانشکده علوم تربیتی تدریس چند درس ازجمله فلسفه، آموزش و پرورش ،مبانی آموزش و پرورش ،کلیات روش تدریس ، آموزش مقدمات خواندن و نوشتن ، آئین بررسی و گزارش نویسی و روش تحقیق را عهده دار بود . پس از بازگشت به ایران به تدریس دردانشکده علوم تربیتی ادامه داد و درسال۱۳۵۹ پس از ۳۸ سال خدمت به تقاضای خود بازنشسته شد .مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سلیم نیساری در اسفند ۱۳۳۳ ماموزتاسیس دانشکده ادبیات شیراز گردید .جوائز و نشانها : از دکتر سلیم نیساری به خاطر کتاب «نسخه های خطی حافظ» (قرن نهم) در کتابخانه مجلس شورای اسلامی تقدیر شده است.چگونگی عرضه آثار : سلیم نیساری چندین مقاله به فارسی و انگلیسی و فرانسه و ترکی درمجلات ایران و خارج از ایران منتشرساخته و از ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ مدیریت مجله بنیاد فرهنگ را به عهده داشته است . عنوان یکی ازنوشته های او دراین مجله «دستورخط فارسی » می باشد . از میان مقالاتی که درروزنامه ها انتشار یافته است تنها به یک سری شامل ۱۷ مقاله از شماره ۷۳۷۱تا ۷۳۹۲ از ۲اسفند ماه تا ۲۸ همان ماه درروزنامه کیهان زیر عنوان «خط فارسی باید اصلاح شود » اشاره می شود .آثار : ۱ Le but humain de ۱ Education ویژگی اثر : سخنرانی در ششمین کنگره بین المللی علوم تربیتی ، دانشگاه دوفین پاریس ، درسال۱۹۷۳۲ Mevlana nin Mesnevi sinde Pragmatic Egitimle I lgiili Bir ornek ویژگی اثر : این سخنرانی در کنگره بین المللی بزرگداشت مولانا درشهر قونیه در نوامبر ۱۹۷۸ به زبان ترکی ایراد شده است و عنوان آن به فارسی «تمثیلی در مثنوی مولانا درارتباط با فلسفه پراگماتیسم درآموزش »است . متن سخنرانی در کتاب : Mevli[ann ve yasama Sevinic نشریه اداره جهانگردی قونیه چاپ شده است .۳ Persian An Element Of The Regional Common Culture ویژگی اثر : این مقاله در سمینار منطقه ای میراث فرهنگی (ایران ،پاکستان ، ترکیه) ۱۹۶۵ Seminar on common cultuaral H eritage march درمجموعۀ]چاپ شده است۴ The Campaign Against Illteracy in Iran and the Role of Radio and Television In this campaign ویژگی اثر : این سخنرانی درسمیناربین المللی نقش رادیو و تلویزیون درپیکاربا بیسوادی درشهر آنکارا ایراد شده ومتن آن درنشریه زیر به چاپ رسیده است . ،Conference of Executives From Radio and TV Organizations Ankara۱۹۷۸۵ The Emergence of a New Nation with an old culture ویژگی اثر : در نشریه بین المللی بزرگداشت محمد علی جناح قائد اعظم پاکستان ، اسلام آباد ـدرنشریه Joutnal of the Regional cultural institute volume به چاپ رسیده است .۶ آموزش زبان و ادبیات فارسی دردانشگاه ویژگی اثر : متن این سخنرانی در مجموعه سخنرانیها و مقالات اولین مجلس علمی استادان زبان و ادبیات فارسی وزار ت علوم .آذرماه ۱۳۵۰ ص ۲۴۰تا۲۳۵ منتشر شده است۷ آموزش شعر فارسی ویژگی اثر : متن این سخنرانی از گزارش کنگره دبیران زبان و ادبیات فارسی و همچنین در نشریه دانشکده علوم تربیتی دوره اول ، شماره ۲۳۸ استفاده از شاهنامه فردوسی در پژوهشهای زبان شناسی ویژگی اثر : کنگره بزرگداشت جهانی فردوسی ،دانشگاه تهران آذرماه ۱۳۶۹۹ بررسی پندهای فردوسی از دید فرهنگ ایرانی ویژگی اثر : متن این خطابه در مجموعه سخنرانیهای نخستین دوره جلسات سخنرانی وبحث درباره شاهنامه فردوسی ، همچنین در مجله هنرومردم شماره ۱۰۲ و ۱۰۳ فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۱ به چاپ رسیده است۱۰ پیوستگی هدف ، برنامه وروش آموزش زبان وادبیات فارسی ویژگی اثر : این متن

درنشریه دومین کنگره انجمن دبیران زبان وادبیات فارسی درمرداد ماه ۱۳۴۷ ، ص ۹۰-۸۴ به چاپ رسیده است۱۱ تدریس زبان فارسی دردبستان یا آموزش هنر های زبان(۱۳۴۴) می باشد. توضیحی درباب خط کتاب اول دبستان ویژگی اثر : در مجموعه مقالات همایش بررسی و تبین علل بدخطی دانش آموزان زیر عنوان خط خوش ،نشریه سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی ، اسفند ۱۳۷۸۱۳ خاطراتی از کلاس درس استاد ملک الشعرا بهار ویژگی اثر : درارابطه با همایش یاد بود پنجاهمین سال در گذشت ملک الشعرا بهار درآوریل ۲۰۰۱ دردانشگاه سوربن پاریس ایراد شده است .۱۴ دستور خط فارسی ویژگی اثر : پژوهشی درباره پیوستگی با زبان فارسی ، تهران : سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،۱۳۷۴۱۵ دفتر دیگر سانیها درغزلهای حافظ ویژگی اثر : جلد اول ، تهران ،سروش ۱۳۷۳۱۶ دیوان حافظ ویژگی اثر : مستند برنسخه های خطی سده نهم ،به خط استاد امیر احمد فلسفی ،همراه بامینیاتور هایی از استاد فرشچیان ،تهران ،انتشارات یساولی ،۱۳۸۲۱۷ دیوان حافظ ویژگی اثر : براساس ۴۸ نسخه خطی سده نهم ، تهران . انتشارات سینا نگار. و اسرار دانش ،۱۳۷۷-دکتر نیساری در خصوص این اثر می گوید |: اول بار پیش علامه قزوینی عنوان کرد، برای تصحیح دیوان حافظ باید متونی را که به زمان حافظ نزدیک تر است، یافته و براساس چنین نسخه ای دیوان حافظ را تنظیم و تصحیح کرد. قزوینی یک نسخه خطی بیشتر به دست نیاورد. من این جست وجوها را در حد توان ادامه دادم و مرحوم خانلری و مرحوم مجتبی مینوی که باهم کار می کردند، توانستند نسخه خطی پیدا کنند. روی جلد نوشتم براساس نسخه خطی دیوان حافظ.۱۸ غزلهای حافظ ویژگی اثر : براساس نسخه خطی سده نهم ، به خط استاد محمد سلحشور ، چاپ اول اردیبهشت ۱۳۷۱ ،چاپ دوم الهدی آذرماه ۱۳۷۱۱۹ غزلهای حافظ ویژگی اثر : نشریه موسسه فرهنگی منطقه ای ۱۳۵۳۲۰ کلیات روش تدریس ویژگی اثر : چاپ اول این اثر در سال ۱۳۴۴و چاپ دوم این اثر ۱۳۵۵۲۱ گروه بندی افعال فارسی ویژگی اثر : متن این سخنرانی درجلد دوم سومین کنگره تحقیقات ایرانی ، بنیاد فرهنگ ایران ، شهریور ۱۳۵۱ درج شده است۲۲ مقدمه ای بر تدوین غزلهای حافظ(۱۳۶۷) ، ملاحظاتی درباب نسخه خطی مشتمل بر ۱۵۲ غزل حافظ و چاپ تک نسخه ای آن ویژگی اثر : در نخستین همایش ایران شناسی ، ۱۳۸۱۲۴ نسخه های خطی حافظ ویژگی اثر : شیراز سده نهم ، مرکز حافظ شناسی، ۱۳۸۰۲۵ نقش معلم در برابرارزشهای اخلاقی ویژگی اثر : متن این سخنرانی در نشریه دانشکده علوم تربیتی ، دوره پنجم شماره ۱و۲ درسال۱۳۵۴ به چاپ رسیده است۲۶ نمونه هایی از آثار جاویدان شعر فارسی(۱۳۵۰) ، نوآوری درترکیبات واژگان فارسی در خمسه نظامی گنجوی ویژگی اثر : مجموعه مقالات کنگره بین المللی نهمین سده تولد حکیم نظامی گنجوی ، دانشگاه تبریز ، جلد سوم .۱۳۷۲ ص ۴۴۰-۴۲۸۲۸ یکسان کردن املای فارسی ویژگی اثر : درمجموعه خطابه های نخستین کنگره تحقیقات ایرانی ، دانشگاه تهران : شهریورماه ۱۳۴۹ ، جلد اول ص ۳۱۲-۲۹۹

نیساری، سیروس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱ مهر ۱۳۱۵.

درگذشت: ۲۶ بهمن ۱۳۷۵.

سیروس نیساری فرزند سید حسن استاد دانشگاه بود. پیکر وی در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

نیستانی، منوچهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، نویسنده.

تولد: ۱۳۱۵، کرمان.

درگذشت: ۲۷ اسفند ۱۳۶۰.

منوچهر نیستانی پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه در کرمان به تدریس مشغول شد، بعدها در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به کار پرداخت. وی صفحه‌ی کودکان در مجله‌ی «امید ایران» با عنوان بچه‌های امروز و با امضای مستعار «بهمنش» در سال‌های ۱۳۳۵ یا ۱۳۳۶ می‌نوشت. در سال ۱۳۵۷ بازنشسته شد و سرانجام در اسفند سال ۱۳۶۰ زندگی را بدرود گفت. فهرست آثار وی به شرح زیر است: جوانه (مجموعه شعر، ۱۳۳۳)؛ خراب (مجموعه شعر ۱۳۳۷)؛ خارستان (از ادیب قاسمی کرمانی، ۱۳۳۷)؛ روان‌شناسی و دشواری‌های تربیتی (تألیف دو نفر بانوی آمریکایی، ۱۳۳۷)؛ گل اومد بهار اومد (برای کودکان، ۱۳۴۷)؛ دیروز، خط فاصله (مجموعه شعر، ۱۳۵۰).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

نیشابوری خراسانی، ابراهیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابراهیم درودی فرزند مرحوم حجهٔالاسلام آقای سید محمدحسین بن العلامه الحجه آیت‌اللّه آقا سید ابراهیم درودی نیشابوری از ائمه جماعت و علماء معاصر کاظمین است. معظم له در سال ۱۳۴۴ قمری هجری در درود نیشابور متولد شده و در بیت علم و سیاست پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و سطوح در مشهد مقدس در سال ۱۳۶۴ قمری در سن بیست سالگی مهاجرت به عراق نموده و در نجف اشرف سطوح را از آقا شیخ محمدتقی آل راضی و آقای حاج شیخ فاضل نائینی فراگرفته و مدت کمی هم از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید محسن حکیم و آیت‌اللّه محقق آقا میرزا باقر زنجانی استفاده نموده و بعد از فوت مرحوم عمویش آیت‌اللّه آقا سید مهدی خراسانی در کاظمین در سال ۱۳۶۹ قمری رحل اقامت به کاظمین افکنده و در حرم امامین همامین جواد بن حضرت امام موسی بن جعفر و حضرت امام محمدتقی علیهماالسلام به اقامه جماعت و تدریس مکاسب و اصول مظفر پراخته و تا حال حاضر اشتغال دارند.

مرحوم والدش حجهٔالاسلام آقای آقا سید محمدحسین از علماء کاظمین بوده است که در سامره در عصر مرحوم میرزاء بزرگ متولد شده و در سال ۱۳۷۰ قمری در درود نیشابور از دنیا رفته و در همانجا مدفون شده است.

جد مترجم گرام ما مرحوم علامه آیت‌اللّه العظمی حاج سید ابراهیم درودی از علماء بزرگ کاظمین و زهاد و عباد معروف (مانند آیت‌اللّه آقا سید محسن اعرجی کاظمینی) از شاگردان مبرز آیت‌اللّه العظمی آقا میرزا محمد حسن شیرازی (مجدد دین) در سامره بوده و از کثرت علم و زهد مستغنی از توصیف این نویسنده و ترجمه‌اش زینت‌بخش کتب تراجم اعیان‌الشیعه و غیره می‌باشد.

آن بزرگوار در سال ۱۳۲۸ قمری وفات نموده و در رواق شریف کاظمین مدفون گردیده است.

دارای دو فرزند دانشمند به نام ۱- مرحوم حجهٔالاسلام آقا سید مهدی درودی از علماء کاظمین ۲- حجهٔالاسلام آقا سید محمدحسین والد صاحب ترجمه می‌باشند.

و مترجم مذکور ما نیز دارای دو فرزند روحانی بزرگوار- به نام ۱- حجهٔالاسلام آقا سید علی که از فضلاء نجف اشرف از شاگردان مبرز آیت‌اللّه العظمی خوئی ۲- حجهٔالاسلام آقا سید حسن که در کاظمین اشتغال به مکاسب و اصول فقه مظفر در حال حاضر دارند.

نویسنده گوید: حجهٔالاسلام خراسانی دانشمندی ستوده و عالمی بزرگوار و به محامد اخلاقی و موصوف و به محاسن آداب معروف ساعی در قضاء حوائج اخوان مؤمنین می‌باشند.

حقیر در سفر اخیرم در ربیع الثانی ۱۳۹۹ قمری که مشرف به زیارت عتبات عالیات شدم چند جلسه در کتابخانه ایشان در صحن مطهر کاظمین توفیق زیارتشان یافته از فیض محضر و حسن اخلاق و برخوردشان بهره‌مند گردیدم. ادام اللّه ظله و توفیقه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

نیشابوری شریف، نعمت‌اللّه

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۸۷۰ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «لباب الاختیار» به قلم کتابت ملیح، با رقم: «قد وقع الفراغ من انتساخه، ضحوهٔ الجمعهٔ الحادی والعشرین من ذی‌القعدهٔ المنتظم، فی شهور سنهٔ سبعین و ثمانمائهٔ هجریهٔ، کتبه الفقیر الحقیر، نعمهٔ‌اللّه بن محمد النیسابوری الشریف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۴۵/ ۳).

نیشابوری، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم الحسینی نیشابوری مشهدی عالمی محقق و ماهر در علوم ریاضیه و مدرس آستان قدس رضوی بوده و در سال ۱۳۱۲ ق وفات و در روضه مقدسه مدفون گردیده است دارای تألیفاتی به نام ۱- رساله‌ای در نماز جمعه ۲- رساله در تحقیق درباره روز نوروز ۳- رساله در میلاد پیغمبر (ص) که در روز ۱۷ ربیع‌الاول است به فارسی بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نیشابوری، ابوالفتح ناصر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۵۲ -۴۸۹ ق)، فقیه شافعی، محدث و متکلم. در نیشابور به دنیا آمد. از پدرش و ابوالحسن مدینی مؤذن و فضل بن عبدالواحد تاجر و دیگران حدیث شنید. ابوسعد بن سمعانی و فرزندش، عبدالرحیم بن ابی‌سعد، از وی روایت کرده‌اند. او را از بزرگان علم

کلام دانسته و در این علم او را برتر از اقرانش شمرده‌اند. وی صاحب کتابی در این زمینه می‌باشد. در مرو درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۱۱/ ۸)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۴۳/ ۱)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۳۱۷/ ۷)، هدیهٔالعارفین (۴۸۸/ ۲).

نیشابوری، ابوالقاسم سلمان

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۱۲/ ۵۱۱ ق)، فقیه شافعی، مفسر، متکلم، زاهد و صوفی. ملقب به امام المتکلمین. اصل وی از ارغیان، از قرای نیشابور بود. در نیشابور به دنیا آمد. علم حدیث و تصوف را در نزد ابوالقاسم قشیری تحصیل کرد. سپس به حجاز و بغداد و شام مسافرت کرد و مشایخ آن روزگار را درک نمود. آنگاه به نیشابور بازگشت و ملازم امام‌الحرمین جوینی گردید. وی در فقه از شاگردان امام‌الحرمین و در علم طریقت و فن تصوف صاحب قدم و اهل عمل بود. از فضل‌اللّه میهنی و ابوحسین عبدالغافر فارسی و ابوحسین بن مکی و کریمه مروزیه و ابوصالح مؤذن و ابوالقاسم قشیری و جماعتی دیگر روایت کرد. ابن‌سمعانی از وی اجازه روایت داشت. در نیشابور درگذشت. از آثارش: شرح «الارشاد» امام‌الحرمین جوینی، در علم کلام؛ «الغنیهٔ»، در فقه شافعی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۷۱ -۱۷۰/ ۳)، سیرالنبلاء (۴۱۲/ ۱۹)، شذرات‌الذهب (۳۴/ ۴)، طبقات الشافعیه‌ی ابن قاضی شهبه (۲۸۴ - ۲۸۳/ ۱)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۴۳ -۴۲/ ۱)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۹۹ -۹۶/ ۷)، طبقات المفسرین داودی (۱۹۴ -۱۹۳/ ۱)، کشف‌الظنون (۱۴۳۴، ۱۲۱۲، ۶۸)، معجم‌المؤلفین (۲۴۰/ ۴)، الوافی بالوفیات (۳۱۴/ ۱۵).

نیشابوری، ابوبکر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۱۹/ ۳۱۸ -۲۴۲ ق)، فقیه شافعی، محدث، حافظ، مجتهد و مفسر. اصلش از نیشابور و ساکن مکه و شیخ‌الحرم و شیخ‌الاسلام شافعیه بود. از محمد بن عبداللّه بن عبدالحکم مصری و ربیع بن سلیمان مرادی و محمد بن اسماعیل صائغ و محمد بن میمون و علی بن عبدالعزیز روایت کرد. ابوبکر بن مقری و محمد بن یحیی بن عمار دمیاطی و حسن بن علی بن شعبان و برادرش، حسین بن علی بن شعبان و ابوطاهر محمد بن ابراهیم اصفهانی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. وی در علم خلاف متبحر بود. در مکه درگذشت. در بعضی از مآخذ سال وفات وی ۳۰۹ یا ۳۱۰ ق ذکر شده است. اما ذهبی گوید که این تاریخ درست نیست چرا که ابن‌عمار دمیاطی در ۳۱۶ ق او را ملاقات کرده است. از آثار او: «المبسوط»، در اختلاف آرای فقهی علمای مذاهب؛ «الاشراف فی معرفهٔ الخلاف» یا «الاشراف فی اختلاف العلماء»؛ «الاوسط» که در واقع اصل کتاب «الاشراف» است؛ «التفسیر» یا «تفسیر القرآن»، در چندین مجلد؛ «جامع الاذکار»؛ کتاب «الاجماع»؛ «الاقناع»؛ کتاب «السنن والاجماع والاختلاف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۸۴/ ۶)، ایضاح‌المکنون (۳۵۰ -۳۴۹/ ۱)، تذکرهٔ الحفاظ (۷۸۳ -۷۸۲/ ۳)، سیرالنبلاء (۴۹۲ -۴۹۰/ ۱۴)، شذرات الذهب (۲۸۰/ ۲)، طبقات الحفاظ (۳۴۷)، طبقات الشافعیه‌ی ابن قاضی شهبه (۹۹ -۹۸/ ۱)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۱۰۸ - ۱۰۲/ ۳)، طبقات المفسرین داودی (۵۱ -۵۰/ ۲)، کشف‌الظنون (۱۳۸۵، ۴۶۰، ۴۴۰، ۲۰۲، ۲۰۱ -۱۰۳)، لسان‌المیزان (۶۲۸ -۶۲۶/ ۵)، معجم‌المؤلفین (۲۲۰/ ۸، ۱۱۵/ ۱)، میزان الاعتدال (۴۳۶/ ۳)، الوافی بالوفیات (۳۳۶/ ۱)، وفیات الاعیان (۲۰۷/ ۴)، هدیهٔالعارفین (۳۱/ ۲).

نیشابوری، ابوزکریا یحیی

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۲۶ -۱۴۲ ق)، فقیه، حافظ و محدث. شیخ‌الاسلام و عالم خراسان بود. اصل وی از مرو است. محدثین اهل سنت مراتب فضل و کمال زهد و ورع او را ستوده‌اند و از قول احمد بن حنبل نقل شده که از خراسان، پس از ابن‌مبارک، کسی همانند یحیی بن یحیی برنخاسته است. در خراسان، حجاز، عراق، شام و مصر به طلب حدیث پرداخت. او از تابعین، کثیر بن سلیم را ملاقات کرد و از او حدیث آموخت. همچنین از عبداللّه بن جعفر مخرمی و یزید بن مقدام و مالک و سلیمان بن بلال و شریک قاضی و لیث بن سعد و ابراهیم بن سعد و داوود بن عبدالرحمان عطار و مسلم بن خالد و اسماعیل بن علیه و جعفر بن سلیمان ضبعی و حماد بن سلمه و حمید بن عبدالرحمان رواسی و ابن الاحوص وابوقدامه حارث بن عبید ایادی و جریر بن عبدالحمید و اسماعیل بن جعفر مدنی و اسماعیل بن عیاش و حفص بن غیاث نخعی و معاویهٔ بن عمار دهنی و معاویهٔ بن سلام حبشی و محمد بن مسلم طائفی و یوسف بن یعقوب ماجشون و عبدالرحمان بن ابی‌الزناد و ابن‌فضیل و سفیان بن عیینه و عبداللّه بن مبارک و عبدالعزیز بن محمد دراوردی و محمد بن ثابت عبدی و معتمر بن سلیمان و مغیرهٔ بن عبدالرحمان حزامی و هیثم بن بشیر و وکیع بن جراح و یزید بن هارون و

ابوبکر بن عیاش و جماعتی دیگر روایت کرد. مسلم و بخاری و ترمذی و نسایی و حمید بن زنجویه و محمد بن نصر مروزی و محمد بن یحیی ذهلی و فرزندش، یحیی بن محمد بن یحیی ذهلی، و ابوازهر احمد بن ازهر و اسحاق بن راهویه و عبداللّٰه بن عبدالرحمان دارمی و احمد بن یوسف سلمی و احمد بن سلمه نیشابوری و فضل بن یعقوب رخامی و محمد بن اسلم طوسی و ابواحمد فراء و یعقوب بن سفیان فارسی و احمد بن سیار و عثمان بن سعید دارمی و زکریا بن داوود خفاف و ابراهیم بن علی ذهلی و داوود بن حسین بیهقی و علی بن حسین صفار و محمد بن عبدالسلام بن بشار وراق و حسین بن منصور سلمی و عبیداللّٰه بن فضاله نسائی و عصمهٔ بن ابراهیم نیشابوری و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. او در نیشابور درگذشت و در این شهر به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۲۳/ ۹)، التاریخ الکبیر (۳۰۱/ ۸)، تذکرهٔ الحفاظ (۴۱۶ -۴۱۶/ ۲)، تهذیب التهذیب (۲۶۰ -۲۵۷/ ۱۱)، تهذیب الکمال (۲۵۷ -۲۵۳/ ۲۰)، الجرح والتعدیل (ج ۴، ق ۱۹۷/ ۲)، سیرالنبلاء (۵۱۹ -۵۱۲/ ۱۰)، شذرات الذهب (۵۹/ ۲)، طبقات الحفاظ (۲۰۱ -۲۰۰)، العبر (۳۱۲/ ۱)، الکامل (۲۶۴/ ۵)، المنتظم (۳۵۰ -۳۴۸/ ۶)، النجوم الزاهرهٔ (۳۰۲/ ۲).

نیشابوری، ابوسعد، ابوسعید عبدالملک

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۰۷/ ۴۰۶ ق)، فقیه شافعی، محدث، مفسر، وعظ و زاهد. معروف به ابوسعد یا ابوسعید خرگوشی. نزد ابوالحسن ماسرجسی فقه آموخت. در طلب حدیث به عراق سفر کرد. پس از آن به سوی حجاز رهسپار گشت. و در مکه مجاور شد. سپس به خراسان مراجعت نمود و طریق زهد و خدمت به خلق پیشه کرد. وی از حامد بن محمد رفاء و یحیی بن منصور قاضی و اسماعیل بن نجید و محمد بن حسن سراج و ابواحمد شیبانی نیشابوری و محمد بن عبدالملک نسوی و بشر بن احمد اسفرایینی و علی بن بندار صوفی و ابواسحاق مزکی و ابوعمرو بن مطر و ابوسهل صعلوکی روایت کرد. حاکم نیشابوری و حسن بن محمد خلال و ابوالقاسم تنوخی و علی بن محمد حنایی و ابوعلی اهوازی و حافظ ابوبکر بیهقی و عبدالعزیز ازجی و ابوالقاسم قشیری و ابوصالح مؤذن و ابوبکر ابن خلف شیرازی و ابوالقاسم ازهری و جمعی دیگر از وی روایت نموده‌اند. مرتبه‌ی وی را در فقاهت و زهد ستوده‌اند. و او را از دانشمندانی دانسته‌اند که علاوه بر مقام علمی و زهد به حوائج عامه مردم و فقرا رسیدگی می‌کرده و ابنیه‌ی خیریه‌ای تأسیس می‌نموده است. از جمله بنای بیمارستانی را به وی نسبت می‌دهند. او در نیشابور درگذشت و در خرکوش نیشابور دفن شد. از آثارش: «تهذیب الاسرار فی طبقات الاخیار»؛ «شرف المصطفی (ص)»، در هشت مجلد؛ اللوامع»؛ «سیر العباد والزهاد»؛ «شعائر الصالحین» یا «شعار الصالحین»؛ «دلائل النبوهٔ»؛ کتاب «التفسیر»؛ کتاب «الزهد»؛ «البشارهٔ والنذارهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۳۵۱ -۳۵۰/ ۲)، تاریخ بغداد (۴۳۲/ ۱۰)، تاریخ نیشابور (۱۶۹)، تذکرهٔ الحفاظ (۱۰۶۷ -۱۰۶۶/ ۳)، سیرالنبلاء (۲۵۷ -۲۵۶/ ۱۷)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۲۲۹ -۲۲۸/ ۱)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۲۲۳ -۲۲۲/ ۵)، العبر (۲۱۴/ ۲)، کشف‌الظنون (۱۵۶۹، ۱۰۴۷، ۱۰۴۵، ۵۱۴، ۲۴۵)، لب‌اللباب (۲۸۱/ ۱)، معجم‌البلدان (۴۱۳ -۴۱۲/ ۲)، معجم‌المؤلفین (۱۸۹ -۱۸۸، ۱۰۸/ ۶)، المنتظم (۱۴۶/ ۹)، هدیهٔ‌العارفین (۶۲۵/ ۱).

نیشابوری، ابوسعید حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۴۸ ق)، محدث، فقیه حنفی، اصولی و قاضی. اصل وی از نیشابور بود، در طلب حدیث به مصر و حلب و ری و کوفه مسافرت کرد و در مصر از نسائی و طحاوی حدیث شنید. او چهل سال منصب قضاوت معرهٔ‌النعمان را عهده‌دار بود. از آثارش: «الرد علی الشافعی فیما یخالف فیه القرآن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف‌الظنون (۱۴۲۰)، معجم‌المؤلفین (۲۰۶ -۲۰۵/ ۳)، هدیهٔ‌العارفین (۲۶۹/ ۱).

نیشابوری، ابوعبداللّٰه احمد

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۲۳۴ ق)، فقیه، محدث، عابد و زاهد. شیخ نیشابور بود. در طلب حدیث سفر کرد و مدتی در کوفه، بغداد و بصره اقامت گزید. وی از سفیان بن عیینه و ابن ابی‌فدیک و عبدالوهاب بن عطاء و حفص بن عبدالرحمان و ابی‌اسامه و ابوداوود طیالسی و ابی‌عامر عقدی و محمد بن عبید طنافسی و عبداللّٰه بن ولید عدنی و عامر بن خداش و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. احمد بن ازهر و سهل بن عمار و عباس بن حمزه و محمد بن ازهر و سهل بن عمار و عباس بن حمزه و محمد بن شاذان نیشابوری و جعفر بن محمد

نیشابوری و ابراهیم بن محمد بن سفیان فقیه و احمد بن نصر خفاف و اسماعیل بن قتیبه و زکریا بن دلّویه از وی روایت کرده‌اند. صاحب عنوان را به زهد و پارسایی و کثرت عبادت ستوده‌اند. از آثارش: کتاب «الاربعین»؛ کتاب «عیال اللّه»؛ کتاب «الزهد»؛ کتاب «الدعاء»؛ کتاب «الحکمة»؛ کتاب «المناسک»؛ کتاب «التکسب». در «کشف‌الظنون» و «هدیة‌العارفین» و «معجم‌المؤلفین» نام کتاب اخیر وی «الکسب» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (۱۱۹ -۱۱۸/ ۴)، سیرالنبلاء (۳۵ -۳۲/ ۱۱)، شذرات الذهب (۸۰/ ۲)، العبر (۳۲۷/ ۱)، کشف‌الظنون (۱۸۳۰، ۱۴۵۲، ۱۴۲۳، -۱۴۲۲، ۱۴۱۷، ۱۴۱۳، ۵۴)، لسان‌المیزان (۲۲۵/ ۱)، معجم‌المؤلفین ۱۸۸/ ۱۰)، میزان الاعتدال (۱۱۶/ ۱)، هدیة‌العارفین (۴۷/ ۱).

نیشابوری، ابوعلی حسین

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۳۴۹ -۲۷۷ ق)، حافظ، محدث و فقیه. در نیشابور به دنیا آمد. او از مشایخ حاکم نیشابوری است. در نیشابور از ابراهیم بن ابی‌طالب و علی بن حسن صفار و عبداللّه بن شیرویه و ابن‌خزیمه و احمد بن محمد ماسرجسی و جعفر بن احمد حافظ و در هرات از حسین بن ادریس و محمد بن عبدالرحمان سامی و در نسا از حسن بن سفیان و در جرجان از عمران بن موسی بن مجاشع و در مرو از عبداللّه بن محمود و در ری از ابراهیم بن یوسف هسنجانی و در بغداد از عبداللّه بن ناجیه و محمد بن حبان و قاسم مطرز و در کوفه از محمد بن جعفر قتات و در بصره از ابوخلیفه جمحی و زکریا ساجی و در واسط از جعفر بن احمد بن سنان و در اهواز از عبدان اهوازی و در اصفهان از محمد بن نصیر و در موصل از ابویعلی بن مثنی و در مصر از ابوعبدالرحمان نسائی و در غزه از حسن بن فرج عزی و در مکه از مفضل جندی و در شام از اصحاب ابراهیم بن علا و معافی بن سلیمان حدیث شنید. ابوبکر احمد بن اسحاق صبغی و ابوولید فقیه و ابن‌منده و حاکم و ابوعبدالرحمان سلمی و ابوطاهر بن محمش و دیگران از وی روایت کرده‌اند. صاحب عنوان را به قوت حافظه و کثرت احادیثی که از حفظ داشته است ستوده‌اند. به ویژه شاگردش حاکم نیشابوری او را یگانه عصر خود در حفظ حدیث، زهد و ورع می‌داند. او در نیشابور درگذشت و در مقبره‌ی باب معمر دفن شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۶۶/ ۲)، تاریخ بغداد (۷۲ -۷۱/ ۸)، تاریخ نیشابور (۲۲۴، ۱۶۰)، تذکرة الحفاظ (۹۰۵ -۹۰۲/ ۳)، سیرالنبلاء (۵۹ -۵۱/ ۱۶)، شذرات‌الذهب (۳۸۰/ ۲)، طبقات الحفاظ (۳۸۵ -۳۸۴)، طبقات الشافعیه‌ی ابن قاضی شهبه (۱۲۸/ ۱)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۲۷۰/ ۲)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۲۸۰ -۲۷۶/ ۳)، العبر (۸۱/ ۲)، معجم‌البلدان (۳۸۴ -۳۸۳/ ۵)، المنتظم (۳۰۰/ ۸)، النجوم الزاهرة (۳۷۰/ ۳).

نیشابوری، ابومنصور محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۶۷ ق)، فقیه شافعی. او را از فقهای بزرگ زمان خود به شمار آورده‌اند. حاکم گوید که وی از افقه اصحاب پدرش، ابوولید حسان بن محمد، بود. از ابوالعباس محمد بن اسحاق و ابوالعباس و ماسرجسی و مؤمل بن حسن و جماعتی دیگر حدیث شنید. وی در نیشابور درگذشت و در کنار پدرش به خاک سپرده شد. از آثارش: الرد علی کتاب الریاضة والادب» ابونعیم اصفهانی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۲۶۴/ ۲)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۱۳۶ -۱۳۵/ ۳)، معجم‌المؤلفین (۱۷۹/ ۹).

نیشابوری، ابویوسف یعقوب

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۷۴ ق)، ادیب، لغوی و شاعر. اهل نیشابور بود و در علم لغت تبحر داشت و بنابر آورده‌ی «کشف‌الظنون» صاحب تألیفاتی در این فن می‌باشد. او شعر نیز می‌سرود. از آثار او: «البلغة فی اللغة».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف‌الظنون (۲۵۳)، معجم‌المؤلفین (۲۴۱/ ۱۳)، هدیة‌العارفین (۵۴۴/ ۲).

نیشابوری، اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: زیست‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد کشاورزی از دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد اکولوژی گیاهی از دانشکده علوم دانشگاه مونپلیه فرانسه در سال ۱۳۴۴، دکترای تخصصی اکولوژی گیاهی از دانشکده علوم دانشگاه مونپلیه فرانسه در سال ۱۳۴۶.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده علوم دانشگاه تبریز از سال ۱۳۴۶ تا سال ۱۳۴۸، استادیار رسمی دانشکده علوم دانشگاه تبریز از سال ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۵۲، دانشیار دانشکده علوم دانشگاه تبریز از سال ۱۳۵۲ و ارتقاء به درجه استادی دانشکده علوم دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام ۳ طرح تحقیقی در زمینه اقلیم‌شناسی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اکولوژی عمومی، بررسی و نقد نظریات تکاملی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

اکولوژی گیاهی، سینماتیک گیاهی، اکولوژی محیط زیست، اختلاف ترکیب جامعه‌های انسانی در شهر و روستا، بیماری تخصصی یا پولاریزه شدن، قرن محیط زیست، علل خشکی در مناطق مرکزی ایران، بررسی بادهای شهر تبریز، چرا پرندگان مهاجرت می‌کنند؟- کلیماکس ناپایدار و لزوم شناخت و حفاظت آن در دفاع از حرمت قنات، نگاهی به منشاء حیات از دیدگاه فلسفه.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

نیشابوری، جمال‌الدین محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۸۴ ق)، محدث، فقیه شافعی و خطیب. اصل وی از نیشابور است. در ۷۲۱ ق وارد مصر شد و از حجار حدیث شنید. او در نزد قطب سنباطی و ابن القماح و ابن‌عدلان و دیگران فقه آموخت. وی در مصر منصب تدریس و فتوا داشت. صاحب «شذرات‌الذهب» او را به سلامت نفس و رعایت جانب حق می‌ستاید. در سنین کهولت شنوایی خود را از دست داد و به همین علت به او اطروش می‌گفتند. از آثارش: شرح «التعجیز» یا «تصحیح التعجیز»، در فقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شذرات‌الذهب (۲۸۵/ ۶)، کشف‌الظنون (۴۱۸)، معجم‌المؤلفین (۲۵۳/ ۱۱).

نیشابوری، رضی‌الدین، ابوجعفر محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۹۸ ق)، فقیه و شاعر. معروف به استاد الائمه. آغاز عمر را در بلخ به کسب دانش گذرانید ولی بیشتر در ماوراءالنهر می‌زیست و رضی‌الدین از شاگردان حسین بن احمد خطیبی و شرف‌الدین محمد بن مسعود مروزی و از مریدان شیخ معین‌الدین حموی بود. ابوجعفر در علم فقه و خلاف صاحب نظر و اثر بود و در شاعری توانا. وی بیشتر مدح قلج طمغاج خان ابراهیم بن حسین و قلج ارسلان می‌گفته و چند نوبت به زیارت خانه خدا تشرف یافته است. در پایان عمر به گوشه‌نشینی و زهد مشغول شد بیشتر اشعار وی بن مایه‌ی موعظه و اندرز دارد در «ریاض العارفین» وی را تحت دو نام آورده است. وی را مداح ارسلان بن طغرل بیک سلجوقی نیز دانسته‌اند که ظاهرا ناصواب است. به زبان عربی نیز شعر می‌سروده است. از آثار وی: «مکارم الاخلاق»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۹۱ -۶۸۶ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۵۲ -۸۴۹ /۲)، تاریخ نظم و نثر (۹۹)، دایرةالمعارف فارسی (۱۰۸۹/۱)، الذریعه (۱۴۶/۲۲، ۳۷۳/۹)، ریاض العارفین (۷۸)، ریحانه (۳۲۱ -۳۲۰ /۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۹۵ -۳۹۴ /۱)، کشف الظنون (۱۸۱۱ -۱۸۱۰)، لباب الالباب (۲۲۸ -۲۱۹ /۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۷۵ -۸۷۴ /۵)، مجمع الفصحا (۶۷۵ -۶۷۲ /۲)، هفت اقلیم (۲۵۰ -۲۴۳ /۲).

نیشابوری، شاپور

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۰۰ ق)، شاعر. از احفاد عمر خیام بود. وی علوم معقول و منقول را از ظهیرالدین فاریابی فراگرفت. در زمان سلطان محمد بن تکش منصب انشاء را داشت. وی از شاگردان خواجه نورالدین طبسی وزیر سلطان جلال‌الدین محمد خوارزمشاه بود. در تبریز فوت کرد و در مقبره‌ی سرخاب نزدیک قبر خاقان و ظهیرالدین فاریابی مدفون است. وی چند رساله از خود در انشاء به یادگار گذاشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۹۶/۹)، صبح گلشن (۲۲۰)، فرهنگ سخنوران (۴۸۵)، کوی سرخاب (۱۴۶ -۱۴۳ ،۳۷)، مرات الخیال (۵۳ -۵۲)، نایج الافکار (۳۶۳ -۳۶۲)، هفت اقلیم (۲۵۹/۲).

نیشابوری، شیخ میرزا جواد، عبدالجواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و متکلم. ساکن نجف بود. وی را از فقها و اصولیین بزرگ عصر خود و از طبقه‌ی شاگردان شیخ جعفر کاشف‌الغطاء می‌دانند. در فقه، اصول و کلام متبحر بود. شیخ آقا بزرگ تهرانی در «طبقات اعلام‌الشیعه» او را با توجه به تألیفاتش از فحول علمای عصر خود به شمار آورده است. از آثارش: «شرح الشرایع»، در فقیه؛ رساله‌ای در «حدوث العالم»؛ کتاب «اصول الفقه».[۱]

جواد (عبدالجواد) نیشابوری بن حاج سلیمان نجفی از بزرگان علماء عصر خود و اجلاء مصنفین بوده و تصنیفی در فقه بنام (شرح الشرایع) به عنوان قوله قوله در وقوف و صدقات غصب و مکاسب و بیع و خیارات و اجاره دارد و نیز رساله در حدوث عالم دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۲۵/ ۱۳ ،۲۹۴/ ۶ ،۲۰۵/ ۲)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۲۸۴/ ۱۳)، معجم‌المؤلفین (۱۶۶/ ۳).

نیشابوری، عبدالجواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، خطاط. از وی یک نسخه «طرائق الحقائق» به خط نسخ، در ۱۳۱۹ ق، در تهران به چاپ سنگی رسیده، که مقدمه‌ی آن را به قلم نستعلیق کتابت خفی متوسط نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۶۹ / ۲).

نیشابوری، فتال

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد بن الحسن بن علی بن احمد بن علی مکنی بابوعلی و معروف بفتال نیشابوری عالمی نبیل و واعظی جلیل صاحب کتاب (روضه‌الواعظین و کتاب التنویر فی التفسیر) و او از مشایخ ابن شهرآشوب بوده است.

ابن‌داود گوید: ابوالمحاسن عبدالرزاق رئیس نیشابور ملقب به (شهاب‌الاسلام) وی را به جرم ولایت و تشیع شهید کرد و این بزرگوار را به واسطه طلاقت لسان و صراحت لهجه او در مقام موعظه فتال گفته‌اند و فتال یکی از اسامی بلبل است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نیشابوری، قطب‌الدین، ابوجعفر محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، محدث، مقری و نحوی. از علمای امامیه در قرن ششم قمری است. او از شیخ ابوعلی بن شیخ طوسی روایت کرده است. کتاب «المجالس»، در حدیث از اوست و ابن شهرآشوب در «مناقب» خود از آن بسیار نقل کرده است. وی از مشایخ روایی سید ضیاءالدین ابوالرضا فضل‌اللّه بن علی راوندی و امام قطب‌الدین راوندی (م ۵۷۳ ق) بود. قطب‌الدین نیشابوری «الندبهٔ» امام زین‌العابدین (ع) را از حاکم حسکانی از صدوق ابن‌بابویه روایت کرده و علامه حلی در «اجازه‌ی» کبیره خود به این مطلب اشاره

کرده است. از دیگر آثارش: «التعلیق»؛ «الحدود»؛ «الموجز فی النحو».[۱]

محمد بن علی بن حسن مقری نیشابوری ملقب به (قطب‌الدین) مکنی به ابوجعفر عالمی موثق و استاد سید ابی‌الرضا فضل‌اللّه راوندی و شیخ ابی‌الحسن قطب راوندی و صاحب تعلیق الحدود الموجز در نحو بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۵۱/ ۲۳ ،۳۵۶/ ۱۹ ،۲۲۱/ ۴)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۲۷۲/ ۶)، فهرست منتجب‌الدین (۱۵۸ -۱۵۷)، فوائد الرضویه (۵۵۹)، معجم‌المؤلفین (۳۱۸ -۳۱۷/ ۱۰).

نیشابوری، لطف‌اللّه

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجةالاسلام آقا شیخ لطف‌اللّه نیشابوری معاصر (امیر تیمور گورکانی) و متوفی سنه ۸۱۰ قمری دارای تالیفی به نام غایه‌المطلوب در واجب و مندوب بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نیشابوری، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدتقی مروی نیشابوری عالمی جلیل و بزرگوار از شاگردان آخوند خراسانی و علامه یزدی و عدیل مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی حایری صفائی قمی بوده که پس از پایان تحصیل به وطن برگشته و به وظائف دینی از اقامت جماعت و ارشاد مردم و امر به معروف و نهی از منکر پرداخته.

و چند نفری از مبلغین فرقه ضاله اسماعیلیه را که در اطراف نیشابور اضلال مردم نموده و تبلیغ مرام باطل آقاخانی‌ها را می‌نمودند. پس از نصیحت و موعظه فراوان که متنبه نشدند خود شخصا به قتل رسانیده و مجازات نموده است.

وی پس از ۱۳۶۰ قمری وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نیشابوری، محمدرحیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن نیم‌ربعی، جلد روغنی. دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مذهب، نسخ کتابت خوش و رقاع خوش با رقم: («قد شرفت... فی یوم‌الاربعاء اربع و عشرین من ذی‌القعدة سنة سبع و سبعین بعد الالف... العبد الاثم محمدرحیم النیشابوری. «هذا القرآن السادس عشر» ۱۰۷۷ در کتابخانه‌ی سلطنتی.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

نیشابوری، محمدصادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجةالاسلام آقا شیخ محمدصادق نیشابوری فقیهی کامل و عالمی بزرگ بوده و بسطامی و برادر (فردوس التواریخ) از شاگردان میرزا سید حسن رضوی مشهدی متوفی (۱۳۷۸) یاد نموده و درباره‌اش گفته: العالمه الفهام و مقتدی الانام و کفیل الارامل و الایتام).

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نیشابوری، محمدصالح

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن رحلی. جلد ساغری ضربی مذهب. چهار صفحه‌ی اول مذهب. دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مرصع عالی. نسخ کتابت جلی متوسط. با رقم: «... ابن غلامحسین محمدصالح الکاتب المنسوب الی النیسابور. و هذا هو المصحف الذی کتبه بعد ثمان والمائة» «فی شهر جمادی‌الاول من شهور سنة سادس و تسعین بعدالالف من الهجرة النبویة ۱۰۹۶» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

نیشابوری، محیی‌الدین، ابوسعد، ابوسعید محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۴۸ -۴۷۶ ق)، فقیه شافعی، عالم و محدث. شیخ‌الشافعیه نیشابور بود. در طریثیث نیشابور به دنیا آمد و نزد امام محمد غزالی و ابی‌المظفر خوافی فقه آموخت. او را در فقه و خلاف از سرآمدان شافعیه به شمار آورده‌اند. از ابی‌حامد احمد بن علی بن عبدوس و اسماعیل بحیری و ابوالفتیان رواسی و نصرالله خشنامی و عبدالغفار شیروی و جماعتی دیگر حدیث شنید. سمعانی و منصور بن ابوالحسن طبری و یحیی بن ربیع واسطی فقیه و دیگران از وی روایت کرده‌اند. او در نظامیه‌ی نیشابور و نظامیه‌ی هرات تدریس می‌کرد. ابومنصور هروی که یکی از بزرگان فقهای شافعیه است، از شاگردان وی می‌باشد. عمده شهرت وی بواسطه تألیف کتاب «المحیط» در شرح کتاب «الوسیط» استادش، امام محمد غزالی، است. وی در جریان فتنه‌ی غزان و سقوط نیشابور به قتل رسید. از دیگر آثارش: «الانتصاف فی مسائل الخلاف»، در «طبقات الشافعیه» سبکی این کتاب با عنوان «الانصاف فی مسائل الخلاف» ذکر شده است؛ «تعلیقة فی الخلافیات».[۱]

ابوسعید محمد بن یحیی ملقب به محی‌الدین، از فضلا و فقهای معروف ایران (و. ۴۷۶ ه.ق مفت. ۵۵۰ ه.ق) «المحیط فی شرح الوسیط» و کتاب «الانتصاف فی مسائل الخلاف». هنگامی که غزان نیشابور را گرفتند چون امام جنگ آنان را واجب دانسته بود دهان او را پر خاک کردند تا بمرد. خاقانی را در رثای او دو قصیده است یکی با ردیف خاک است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] روضات‌الجنات (۲۲/ ۸)، ریحانه (۲۶۰/ ۵)، سیرالنبلاء (۳۱۵ -۳۱۲/ ۲۰)، شذرات‌الذهب (۱۵۱/ ۴)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۳۱۶/ ۲)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۲۸ -۲۵/ ۷)، العبر (۸ -۷ / ۳)، کشف‌الظنون (۲۰۰۸، ۱۷۴)، النجوم الزاهره (۲۹۳/ ۵)، الوافی بالوفیات (۱۹۷/ ۵)، وفیات الاعیان (۲۲۴ -۲۲۳/ ۴)، هدیةالاحباب (۲۳۸ -۲۳۷)، هدیةالعارفین (۹۱/ ۲).

نیشابوری، نجم‌الدین، ابوالقاسم محمود

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۵۵۰ ق)، فقیه، مفسر، ادیب، لغوی و شاعر. ملقب به بیان الحق. مؤلف «معجم‌الادباء» وی را عالمی بارع و مفسری دانشمند توصیف کرده است. او در علم لغت و فقه متبحر بود. همچنین وی را متفنن در علوم و تصانیف او را کم‌نظیر دانسته‌اند. از آثارش: «ایجاز البیان فی معانی القرآن»؛ «خلق الانسان»؛ «جمل الغرائب»، در تفسیر حدیث؛ «التذکرة والتبصرة».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۴۳ / ۸)، کشف‌الظنون (۱۲۰۵، ۷۲۲، ۶۰۲، ۶۰۱- ۳۹۳، ۲۰۵)، معجم‌الادباء (۱۲۵ -۱۲۴ / ۱۹)، معجم‌المؤلفین (۱۵۸ -۱۵۷/ ۱۲).

نیشابوری، یحیی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یحیی بن الحسن العلوی نیشابوری مکنی بابو محمد عالمی متکلم و زاهدی عابد صاحب کتاب المسح علی الرجلین و کتاب ابطال القیاس و کتاب التوحید و کتب بسیاری در امامت بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نیک فر، مختار

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مختار نیک فر

محل تولد : نوشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مختار نیکفر در سال ۱۳۳۷ در روستای «خاجک» از توابع نوشهر به دنیا آمدم و دوران ابتدایی را در همانجا به اتمام رساندم و پس از آن، یک سال به عنوان کمک معلم در روستا مشغول تدریس شدم. علیرغم علاقه شدید به ادامه تحصیل، به خاطر عدم وجود امکانات در روستا، به ناچار مدت چهار سال ترک تحصیل داشتم و سرانجام پس از چهار سال ترک تحصیل و اشتغال به کار در شهر، به کلاس شبانه راه یافتم ولی درس کلاسیک برای من ارضاء کننده نبود گویا که در نهانم عشق به علوم حوزوی نهفته بود و منتظر فرصت بودم تا اینکه در ماه مبارک رمضان ۱۳۵۷ واعظی که به ده ما آمده بود؛ مرا برای ورود به حوزه راهنمایی نمودند.

در سال ۱۳۵۹ با شرکت در امتحان ورودی مدرسه حقانی قم (شهیدین فعلی) موفق به شروع تحصیلات حوزوی شدم و در کنار درس حوزه، درس کلاسیک را به طور متفرقه تا اخذ دیپلم ادامه دادم. در سال ۱۳۶۴ از برنامه مدرسه شهیدین خارج شده و در کنار درس حوزه، دوره عمومی مکالمه عربی را در دفتر تبلیغات به پایان رساندم و در سال ۶۵ دوره آموزش عالی مکالمه عربی را نیز به اتمام رساندم. در سال ۱۳۶۶ وارد مؤسسه در راه حق (مؤسسه آموزش پژوهشی امام خمینی (ره) فعلی) شدم و در کنار درسهای حوزه، دروس مفیدی را قرار گرفته و در سال ۱۳۷۱ دوره پنج ساله آنجا را به اتمام رساندم و امتحانات دروس حوزوی را نیز دادم.

در سال تحصیلی ۷۰ ـ ۶۹ درس خارج اصول و فقه را شروع کردم و مدت چهار سال در درس اصول استاد «سبحانی» و یک سال درس فقه استاد «موسوی اردبیلی» و پنج سال در درس فقه استاد «مکارم شیرازی» شرکت کردم. از سال ۱۳۷۲ لغایت سال ۱۳۷۷ در گروه مدیریت پژوهشکده حوزه و دانشگاه مشغول فعالیت آموزشی، پژوهشی بودم و در کنار دروس حوزوی، دوره مدیریت را در حد کارشناسی ارشد گذراندم. پس از پذیرفته شدن در گزینش قضات، در سال تحصیلی ۷۹ ـ ۷۸ دوره یک ساله آموزش قضائی را در قم گذراندم و هم زمان با آن، از پایان‌نامه کارشناسی ارشد موسسه امام خمینی (ره) دفاع کردم و از اواخر سال ۱۳۷۹ کار قضایی را شروع کردم و از بدو شروع به کار تاکنون در شهرستان لنگرود مشغول به کار هستم.

نیک گهر، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسین نیک گهر، استاد دانشگاه، جامعه شناس و مترجم، به سال ۱۳۱۶ در شهر تالش دیده به جهان گشود. از سال ۱۳۲۲ به خاطر شغل پدر ساکن رشت شد و دبستان و دبیرستان را در بهترین مدارس رشت گذراند. بعد از پایان دوره دبیرستان بی درنگ در دانشگاه تبریز پذیرفته شد و توانست در رشته فلسفه و علوم تربیتی با کسب رتبه اول مدرک کارشناسی اش را دریافت کند.در سال ۱۳۳۹ به خاطر موفقیت و کسب رتبه اول به فرانسه اعزام شد. از همراهان او می توان به دکتر علی شریعتی اشاره کرد. در سال ۱۳۴۳ مدرک دکترای جامعه شناسی اش را از دانشگاه سوربن کسب کرد. بعد از بازگشت از فرانسه مدتی در دانشگاه فردوسی مشهد جامعه شناسی تدریس می کرد و مدتی بعد به دانشگاه تهران منتقل شد. و در امتحان استادیاری آن دانشگاه که در سال ۱۳۴۷ برگزار شد شرکت کرد و توانست در سال های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۰ به عنوان استادیار دانشگاه تهران مشغول به تدریس شود. در سال ۱۳۵۰ با توجه به شرایط جامعه– انقلاب فرهنگی– فرصت مطالعاتی ایجاد شد و برای دومین بار به فرانسه عزیمت کرد تا با تکمیل تحصیلاتش بتواند به کشور و جامعه اش خدمت کند، در این ایام او توانست مدرک دکترای دولتی جامعه شناسی اش را از دانشگاه سوربن دریافت کند. عبدالحسین وی اکنون در مرکز مطالعات و سنجش افکار عمومی مشغول به کار و تحقیق است. او از سال ۱۳۷۵ تاکنون با حضور مستمر در این مرکز با اجرای صدها طرح تحقیقاتی توانسته به رشد و ارتقای فرهنگی این سرزمین کمک شایانی کند. نیک گهر با پشتکار خود تاکنون توانسته یک تنه آثار بسیاری در زمینه تألیف و ترجمه از خود به جا بگذارد به طوری که همه کتاب هایش مورد استقبال و توجه بسیاری از اساتید دانشگاه و دانشجویان قرار گرفته است. گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات ابتدایی و دبیرستان در رشت، دیپلم ششم ادبی دبیرستان مروی تهران ۱۳۳۵ – لیسانس فلسفه و علوم تربیتی، دانشجوی رتبه اول از دانشگاه تبریز ۱۳۳۹ و اعزام به فرانسه – دکترای جامعه شناسی دانشگاهی از سوربن ۱۳۴۳ – اعزام به فرانسه و اخذ دکتری دولتی جامعه شناسی از سوربن ۱۳۵۴ خاطرات و وقایع تحصیل : در سال ۱۳۵۰ با توجه به شرایط جامعه– انقلاب فرهنگی– فرصت مطالعاتی ایجاد شد و برای دومین بار به فرانسه عزیمت کرد تا با تکمیل تحصیلاتش بتواند به کشور و جامعه اش خدمت کند، در این ایام نیک گهر توانست مدرک دکترای دولتی جامعه شناسی اش را از دانشگاه سوربن دریافت کند.هم دوره ای ها و همکاران : نیک گهر، بین سال های ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۳ دانشجوی ریمون آرون بوده است و از دوستان او می توان مرحوم دکتر احمد تفضلی، بهمن سرکاراتی زبان شناس نام برد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : نیک گهر در سال ۱۳۵۴– ۱۳۵۵ رئیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، در سال ۱۳۵۶– ۱۳۵۷ مدیر گروه آموزشی جامعه شناسی دانشگاه تهران، در سال ۱۳۵۷–۱۳۵۸ رئیس دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران بوده است.اکنون در مرکز مطالعات و سنجش افکار عمومی مشغول به کار و تحقیق است. او از سال ۱۳۷۵ تاکنون با حضور مستمر در این مرکز با اجرای صدها طرح تحقیقاتی توانسته به رشد و ارتقای فرهنگی این سرزمین کمک شایانی کند.فعالیتهای آموزشی : دکتر نیک گهر تدریس در دانشگاه مشهد از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۷ را در کارنامه خود دارد و همچنین وی استادیار جامعه شناسی دانشگاه تهران ۱۳۴۸ — ۱۳۵۰، دانشیار جامعه شناسی دانشگاه تهران در ۱۳۵۴ و راهنمایی ده ها پایان نامه در دوره کارشناسی ارشد

و دکتری بوده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سایر فعالیتهای دکتر نیک گهر علاوه بر تالیف و ترجمه، طرح و اجرای بیش از یکصد طرح پژوهشی در مؤسسات تحقیقاتی؛ موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی ۱۳۷۰ – ۱۳۷۹، پژوهشگاه نیرو ۱۳۸۲–۱۳۸۳و مرکز ملی مطالعات و سنجش افکار عمومی از ۱۳۷۵ تا امروز است.آرا و گرایشهای خاص : نیک گهر معتقد است: «هرشری را می توان به خیری تبدیل کرد.» عبدالحسین نیک گهر معتقد است: «جهانی سازی اگر آگاهانه صورت نگیرد، فرهنگ ها را در مقابل هم قرار می دهد. تنها با داشتن علم اطلاعات نمی توانیم با همدیگر رابطه برقرار کنیم. انسان ها نیاز به شناسایی فرهنگ های مختلف دارند.با شناختن فرهنگ یکدیگر می توانیم به همدیگر ارزش قائل شویم و از باید و نباید های یکدیگری آگاه شویم. اگر پیام از شمال می آید مردمان سرزمین جنوبی قادر به درک آن پیام نیستند. زیرا فضا و مکان و زمان فرستنده پیام با فضا، مکان و زمان گیرنده پیام یکسان نیست که واکنش های تأسف باری به وجود می آورد. در واقع یازده سپتامبر یک هشدار است که تنها اطلاعات شبکه ای نمی تواند دنیا را به هم وصل کند و آنها را نزدیک گرداند و به یک سو که همان صلح جهانی است هدایت کند. صلح جهانی و تفاهم جهانی آرزویی که با این روش هیچگاه محقق نمی شود. در این راستا، باید با برنامه ریزی فرهنگی و طرح های فرهنگی انسان ها را به سمت ارتقای فرهنگی هدایت کرد وگرنه گسیختگی فرهنگی نتایج ناگوار و سختی به بار می آورد.» چگونگی عرضه آثار : او با آن که در سن ۴۵ سالگی بازنشسته شده اما با ارائه طرح های تحقیقاتی و داشتن بیش از سی جلد تألیف و ترجمه توانسته است در حوزه کاری اش مؤثر باشد.او تألیفات وترجمه هایش را به منظور پرکردن فضاها و خلأهای کتب درسی مورد تدوین و تألیف قرارداده و در این زمینه نیز بسیار موفق بوده است. زیرا تألیفات و ترجمه هایش چندین چاپ به خود دیده اند و این مسأله خود گواه همین امر است.آثار : آینده آزادی ویژگی اثر : ترجمه، ژان ماری گنو، ۲ پایان دموکراسی ویژگی اثر : ماری گنو، ۱۳۸۱۳ تکاپوی جهانی ویژگی اثر : ترجمه، اثر ژان – ژاک سروان شرایبر (چاپ هفتم)۴ جامعه شناسی تالکوت پارسونز ویژگی اثر : ترجمه، اثر گی روشه ۵ جامعه شناسی شهر ویژگی اثر : ترجمه، اثر یانکل فیالکوف انتشارات آگه. کتاب «جامعه شناسی شهر» اثر یانکل فیالکوف با ترجمه عبدالحسین نیک گهر یکی از کتاب هایی است که مورد توجه بسیاری از محققان و علاقه مندان قرار گرفته است.این کتاب از پنج فصل تشکیل شده است: شهر، پدیده جامعه شناختی، شهر، صورت اجتماعی، شهر، یک یا چند سبک زندگی، شهر، یک سازمان سیاسی و پیمایش شهری امروز و یگانگی شهر، این کتاب تلفیقی است از آموزش هایی که در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی معماری و شهرسازی درباره شهر تدریس می شود. اهل حرفه، جامعه شناسان، جغرافی دانان، انسان شناسان، دانشجویان معماری و شهرسازی با پرسش های شان به مرور زمان به عمق اندیشه ما درباره شهر افزوده اند.این کتاب دو اصل روش شناختی را مد نظر دارد: رویکرد تاریخی و تحقیق میدانی.عبدالحسین نیک گهر با روحیه بسیار صمیمی و مهربانش این کتاب با ارزش و ارزنده را به همکارانش در مرکز ملی مطالعات و سنجش افکار عمومی پیشکش کرده است. او معتقد است که حضور همکارانش طراوت کلاس درس را برایش یادآوری می کند.«جامعه شناسی ورزش» اثر ژاک دوفرانس نیز عنوان دیگری از ترجمه های عبدالحسین نیک گهر است که توسط نشر توتیا به بازار کتاب آمده است.نیک گهر معتقد است: «جامعه شناسی ورزش رشته ای نوپا و در حال بالندگی است. جامعه شناسان به اهمیت بازی ها و ورزش ها، به عنوان یک پدیده فرهنگی – اجتماعی پی برده اند و به ورزش به عنوان رفتار و «عادت واره ای» که ساختار اجتماعی را بازتاب می دهد، توجه نشان می دهند. این کتاب نیز همچون دیگر ترجمه های نیک گهر مورد استقبال و توجه اساتید و دانشجویان علاقه مند به عرصه های جدید پژوهشی در جامعه شناسی قرار گرفته است. ۶ جامعه شناسی ماکس وبر ویژگی اثر : ترجمه، اثر ژولین فروند (چاپ سوم ۷ جامعه شناسی هنر ویژگی اثر : ترجمه، اثر ناتالی هنینک انتشارات آگه. «جامعه شناسی هنر» اثر ناتالی هینیک نیز یکی دیگر از تألیفات نیک گهر است.جامعه شناسی هنر، دانشی میان رشته ای است که با تاریخ فرهنگی، زیبایی شناسی، تاریخ هنر، انسان شناسی، روان شناسی اجتماعی، جامعه شناسی انتقادی، جامعه شناسی پیمایشی و... مرزهای مشترک و نامشخص دارد. این کتاب، نخستین درسنامه جامعه شناسی هنر به زبان فارسی است که درونمایه آن را نه «هنر و جامعه»، نه «هنر در جامعه»، بلکه «هنر به مثابه جامعه» تشکیل می دهد. در این کتاب مؤلف از مرور رویکردهای متفاوت به موضوع هنر، از جمله رویکرد زیباشناختی، تاریخی و انتقادی و بیان دستاوردهای هر یک از آنها و نقد عالمانه مدل های تحلیلی گذشته که بر خلاف متعارف «شفافیت شان با بهره وری واقعی شان نسبت معکوس دارد»، رویکردهای امروزی را که کمتر بار ایدئولوژیکی دارند و نیز کمتر معرف حضور متخصصان هستند، معرفی می کند. نیک گهر با ترجمه سه گانه جامعه شناسی هنر، جامعه شناسی ورزش و جامعه شناسی شهر در راستای تازه و نو کردن فضای آموزش عالی حوزه های جامعه شناسی گام مهمی برداشته است که خدمتی بسیار ارزنده و قابل تقدیر است.۸ جامعه شناسی ورزش ویژگی اثر : ترجمه، اثر ژاک دو فرانس انتشارات آگه۹ خاطرات ریمون آرون ویژگی اثر : ترجمه، (جلد، صفحه)، ۱۰ روش تحقیق در علوم اجتماعی ویژگی اثر : ترجمه،اثر ریمون کیوی و... (چاپ چهاردهم انتشارات توتیا.یکی از ترجمه های بسیار روان عبدالحسین نیک گهر «روش تحقیق در علوم اجتماعی» اثر ریمون کیوی و لوک وان کامپنهود است. این کتاب ترجمه یکی از جدیدترین کتاب های درسی روش تحقیق در علوم اجتماعی است. مؤلفان کتاب، ریمون کیوی و لوک وان کامپنهود از استادان دانشگاه و محققان سرشناس بلژیکی هستند که علاوه بر تدریس نظری و تحقیق کاربردی، عمری را در مؤسسات تحقیقات دانشگاهی صرف تربیت محققان اجتماعی کرده اند و این کتاب حاصل تجربه های چندین ساله این استادان است که در این سالیان به دست آمده است. البته گفتنی است که ترجمه ساده و روان نیک گهر موجب شده این اثر با استقبال ویژه ای روبرو شود.۱۱ شوربختی روس ویژگی اثر : ترجمه، هلن کاررداانکوس، ۱۲ فرهنگ انتقادی جامعه شناسی ویژگی اثر : ترجمه، اثر ریمون بودون و فرانسوا بوریکو چاپ اول فرهنگ معاصر. «جامعه شناسی ماکس وبر» اثر ژولین فروند را می توان نام برد. «فرهنگ انتقادی جامعه شناسی» اثر ریمون بودون و فرانسوا بوریکو، از تازه ترین آثار ترجمه عبدالحسین نیک گهر است که به تازگی توسط فرهنگ معاصر به چاپ رسیده است.این فرهنگ مدخل است که موضوع های آن در گروه خانگی زیر دسته بندی شده است– ?: طبقات بزرگ پدیده های اجتماعی (مانند تعارض های اجتماعی، ایدئولوژی ها و– ?...) انواع وجوه اصلی سازمان اجتماعی (مانند دیوانسالاری، سرمایه داری و– ?...) مفاهیم عمده خاص جامعه شناسی

(نابسامانی اجتماعی، کاریزما و– ?...) مفاهیم متداول و مشترک چندرسانه (ساخت، نظام– ?) پارادایم ها و نظریه ها (ساخت گرایی، کارکردگرایی، فرهنگ گرایی و– ?...) مسائل نظری عمده اجتماعی (نظارت اجتماعی، قدرت، اقتدار و– ?...) مسائل عمده معرفت شناسی (عینیت، پیش بینی، نظریه و– ?...) بنیانگذاران عمده جامعه شناسی (دورکیم، ماکس وبر، اسپنسر، زیمل و...) نیک گهر ترجمه این کتاب را شروع می کند و با وسواس علمی و دقت آن را به پایان می رساند. او در این مدت با همت و حوصله و رویکردی متفاوت ترجمه این اثر ارزنده را به علاقه مندان علوم اجتماعی و محققان ارائه کرده است و تلاش او بسیار ستودنی است. نیک گهر معتقد است: «ما تولید فرهنگی نداریم، اما تولید مادی داریم» و از نظر او تولید مادی چاپ کتاب و خوانده شدن کتاب تولید فرهنگی است. او با امید ایجاد شرایطی برای تولید فرهنگی با پشتکار و همتی متعالی دست به تألیف و ترجمه کتاب های بسیار مفید زده و می زند. ۱۳ فرهنگ علوم اقتصادی – بازرگانی، اداری ویژگی اثر : تألیف۱۴ مبانی جامعه شناسی ویژگی اثر : تألیف چاپ پنجم۱۵ منطق کنش اجتماعی ویژگی اثر : ترجمه، اثر ریمون بودون

نیکبخت واحدی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا نیکبخت واحدی ۹ تیر سال ۱۳۵۹ در مشهد به دنیا آمد.

پدرش خیاط بود و مادرش، خانه‌دار. وی در رشته فنی و حرفه‌ای دیپلم گرفت. بازی‌های خوب و فیزیک مناسب، موجب درخشش نیکبخت در مسابقات آموزشگاهی شد و سر از تیم باشگاهی راوند درآورد و بعد از ۲ ماه تمرین، در اولین مسابقه باشگاهی در سطح جوانان مقابل ابومسلم، معتبرترین تیم فوتبال خراسان، به میدان رفت. پیروزی ۳–۱ در آن مسابقه دعوت شدن به پوشیدن پیراهن راه راه مشکی و قرمز ابومسلم را برایش به ارمغان آورد. در تیم ابومسلم، در همان اولین مسابقه در لیگ سال ۱۳۷۷، درخشید و به تیم ملی جوانان دعوت شد.

بعد از اتمام مسابقات جوانان، به تیم ملی امید دعوت شد. بازی درخشان در ورزشگاه آزادی تهران مقابل استقلال تهران، باعث شد امیرقلعه نویی که مربی تیم امید در کنار حمید درخشان بود، او را به استقلال دعوت کند. علیرضا در سال ۱۳۷۸ قراردادی ۵ ساله با استقلال بست و در فصل ۸۶– ۸۵ از سری مسابقات لیگ برتر فوتبال ایران از تیم استقلال تهران جدا شد و به باشگاه پرسپولیس پیوست. او بعد از مهرزاد معدنچی در فصل ۸۵–۸۶ بهترین گلزن پرسپولیس بود. همچنین به همراه پرسپولیس به مقام قهرمانی مسابقات لیگ برتر فوتبال ایران در فصل ۸۶–۸۷ دست پیدا کرد.

نیکخواه بهرامی، منصور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی مکانیک، دانشکده: فنی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

نیکخواه، خیرالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خیرالله نیک خواه

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب خیرالله نیک خواه متولد سال ۵۲ شهرستان رودسر در سال ۵۹ وارد دبستان شدم تا سیکل را ادامه دادم بعد وارد حوزه علمیه شهرستان لنگرود شدم. بعد از یک سال (۶۸ – ۶۷) به عنوان مبتدی در امتحان ورودی شرکت و قبول شدم. در حین تحصیل حوزه، دروس کلاسیک را به صورت متفرقه خواندم و دیپلم را اخذ نمودم. بعد از گذراندن دوره سطح، در دانشگاه «تربیت مدرس قم» قبول شدم اما به خاطر مشکلات و مریضی نتوانستم در مصاحبه شرکت کنم و لذا ادامه ندادم و موفق به ورود در دانشگاه نشدم. در حین تحصیل و شرکت در درس خارج، در سال ۸۳ – ۸۲ در رشته تخصصی «مذاهب اسلامی» شرکت کردم و دوره سطح ۳ را به پایان رساندم.

در حین تحصیل در دروس تخصصی در امتحان و مصاحبه گزینش و مجوز تدریس دروس معارف (گرایش تاریخ اسلام و امامت) در امور اساتید و معارف اسلامی در دانشگاه ها شرکت کردم و موفق به اخذ مجوز شدم و اکنون ۲ سال است که به صورت پاره وقت و حق التدریس در بعضی مراکز دانشگاهی که در برگه های قبل ذکر شده مشغول تدریس می باشم. و هم اکنون نیز مشغول نوشتن پایان نامه سطح ۳ حوزه می باشم. در برنامه های گفتمان های دینی با موضوعات مختلف که از طرف سازمان تبلیغات اسلامی اجرا شده شرکت می نمایم. در مراکز دانشگاهی و پیش دانشگاهی، جلسات پرسش و پاسخ در مسائل دینی انجام وظیفه می نمایم.

نیکخواه، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: علوم دام، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد اگرونومی از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۴۲، کارشناسی ارشد علوم دامی در سال ۱۳۴۷، دکترا در رشته تغذیه دام در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی در دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تغذیه دام، تغذیه طیور، پرورش دام، علوم دامی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۵۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

تغذیه دام، تغذیه طیور، پرورش دام.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۰

زمینه علمی مقالات:

تغذیه دام، تغذیه طیور، پرورش دام و طیور.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

نیکزاد تهرانی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر نیکزاد تهرانی

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تحصیلات حوزوی را در سال ۱۳۵۲ در زادگاهم «رستم کلا» از توابع شهرستان بهشهر آغاز نمودم. مقدمات را در آنجا به پایان رسانده و اوایل سال ۵۶ توفیق حضور در حوزه علمیه قم را به دست آوردم. دروس سطح را نزد اساتیدی من جمله حضرات حجج الاسلام و آیات عظام: «شجاعی»، «وجدانی»، «دوزدوزانی»، «ستوده» و «صالحی مازندرانی» تلمذ نمودم. سپس از محضر حضرات آیات: «فاضل لنکرانی»، «صانعی» و «صالحی مازندرانی»، سنواتی چند، دروس خارج فقه و اصول را بهره گرفتم.

در سال ۵۷ مدتی را به علت فعالیتهای سیاسی، دستگیر و در زندان رژیم ستم شاهی به سر بردم. و در دهه ۷۰، چند سالی را به عنوان: «مدیر سازمان تبلیغات اسلامی استان کردستان»، توفیق خدمت گذاری در عرصه تبلیغ و نشر معارف و فرهنگ دینی و اهل بیت (ع) پیدا نمودم.

از سال ۷۶ در ستاد منطقه دو سازمان تبلیغات اسلامی (گروه مناطق ویژه) به پشتیبانی فرهنگی، تبلیغی مناطق سنی نشین کشور مشغول بودم. فعلا در پژوهشکده علمی کاربردی «باقرالعلوم» به تحقیق و مطالعه می پردازم.

بعضی از آثار و دست نوشته های حقیر به شرح زیر می باشد:

۱. کنکاشی در مبانی فکری مقنی زاده، تحلیلی است از گرایشات مذهبی اقشاری از اهل سنت موجود در کردستان همراه با بررسی چالشهائی که نظام جمهوری اسلامی در این ارتباط می تواند در پیش رو داشته باشد و بایسته هائی که باید صورت پذیرد.

۲. امام و بایسته های تبلیغ، تنظیم بیانات رهبر فقید و بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (ره) در بایدها و نبایدهای تبلیغات دینی که برای دستگاههای تبلیغی و مبلغین می تواند کاربرد داشته باشد.

۳. رهبری و بایسته های تبلیغ، بیانات مقام معظم رهبری حول محور اولویتهای تبلیغ.

۴. خاطرات و خطرات: تنظیم خاطرات و تجربیات تلخ و شیرین خطیب توانا و شهیر کشور، مرحوم حجهٔ الاسلام و المسلمین آقای فلسفی (ره).

۵. تفاوتهای قومی و مذهبی در ایران: تحلیلی است از بافت قومی و مذهبی کشور همراه با بررسی تهدیدات و فرصتهای موجود و ضرورتها و بایسته های همبستگی و وحدت ملی در کشور.

۶. مقاله: مناسبات فرهنگی بین ایران و اسلام: تحلیلی است از بحث هویت ملی و فرهنگی ما ایرانیان و تعاملی که بین فرهنگ ایران و دین مبین اسلام در عرصه های مختلف به ویژه شکل گیری اندیشه سیاسی ایرانی، اسلامی که توسط دبیر خانه دین پژوهان در مجموعه مقالات به چاپ رسیده است.

۷. مقاله (نسل جدید و بایسته های تبلیغ دینی) که در سه شماره نشریه بشیر ویژه مبلغین مناطق سنی نشین کشور به چاپ رسیده است.

۸. دانشنامه پیامبر اعظم (ص) که طرح آن به تصویب پژوهشکده باقر العلوم رسیده و شیوه نامه و تهیه مدخل های آن انجام گرفته است و مراحل بعدی انجام کار در دست اقدام است که انشاء الله مفید واقع گردد.

نیک‌نام، اسدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ریاضی از دانشگاه مشهد در سال ۱۳۵۲، کارشناسی ارشد ریاضی از دانشگاه لندن در سال ۱۳۵۳، دکترای تخصصی ریاضی– آنالیز تابعی از دانشگاه منچستر در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

استادیار گروه ریاضی دانشگاه اهواز از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۵۶، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۴، دانشیار گروه ریاضی دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۷۰.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پیوستگی خودبخود هومرفیسم‌ها–$C^\times$ جبرها، وضعیت‌های فیزیکی روی $C^\times$– جبرها، ناپیوستگی هومرفیسم‌های جبرهای باناخ، تابعکهای خطی مثبت، عملکردهای تفکیک‌پذیر، سیستم‌های دینامیکی، عملگردهای ماروف، نگرشی بر مشتقات بستارپذیر، مجموعه‌های تکدورپذیر، تدریس آنالیز، آنالیز تابعی، ریاضی عمومی، توابع مختلط، نظریه گراف، توپولوژی، آنالیز حقیقی، نظریه عملگردها، تیم گروههای خطی $C^\times$ و $W^\times$ جبرها، در دانشگاههای مشهد و اهواز و راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

آشنایی با توپولوژی و آنالیز نوین، آنالیز از دیدگاه توپولوژی، مبانی ریاضیات.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۵

زمینه علمی مقالات:

ریاضی و مقالات متعدد دیگر درباره ریاضیات و جبر به زبان انگلیسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

نیکنام، مهرداد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهرداد نیکنام در سال ۱۳۲۶ ش در شهر تهران به دنیا آمد.ایشان پس از اخذ مدرک کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی ،در سال ۱۳۵۵ ش رشته کتابداری را از دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران اخذ کرد.وی در حال حاضر عضو هیأت علمی و کتابخانهٔ ملی ایران است. کتاب" کتابشناسی حافظ " تالیف مهرداد نیکنام ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانی رشته : کتابداری تحصیلات رسمی و حرفه ای : مهرداد نیکنام دورهٔ دبیرستان را در سال ۱۳۴۵ ش به پایان رسانید. سپس در دانشکدهٔ علوم ارتباطات اجتماعی به تحصیل پرداخت و لیسانس مترجمی زبان انگلیسی را در سال ۱۳۵۰ ش از آن دانشکده دریافت کرد و در سال ۱۳۵۵ ش از دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران در رشتهٔ کتابداری موفق به اخذ درجهٔ فوق‌لیسانس شدمشاغل و سمتهای مورد تصدی : مهرداد نیکنام در حال حاضر عضو هیأت علمی و کتابخانهٔ ملی ایران است.جوائز و نشانها : کتاب" کتابشناسی حافظ " تالیف مهرداد نیک نام ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.آثار : آفتها و آسیبهای کتاب ، احیای نسخهٔ خطی کتاب «تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه» ویژگی اثر : با همکاری آقای عین‌الله کیانفر۳ کتابشناسی حافظ ویژگی اثر : این کتاب در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است– آشنایی با کتاب: «کتابشناسی حافظ» این کتاب الگوی مناسبی برای تدوین «کتابشناسی مشاهیر» یا «کتابشناسی پدیدآورنده» است و نیز منبع سودمندی برای آگاهی حافظ‌شناسان و حافظ دوستان. کتاب در دو بخش اصلی سامان یافته است. بخش اوّل، آثار فارسی، عربی، ترکی قدیم، اردو، پنجابی و سندی را در بر دارد و بخش دوم شامل آثار به بیست و پنج زبان دیگر است. چاپهای مختلف دیوان حافظ و نیز برگزیده‌های آن، شرحها، کتابهای مستقل و نیز بخشی از یک کتاب دربارهٔ حافظ، مقاله‌ها، پایان‌نامه‌های دکترا، نسخ خطی (تا پایان قرن دهم)، تنظیم شعرهای حافظ برای آواز و حافظ در ادبیات کودکان دامنهٔ گستردهٔ تتبع گردآورنده را می‌نمایاند. گردآورنده در تنظیم مشخصات آثار، اصول کتابشناسی را رعایت کرده و فهرستهای پایان کتاب دستیابی به مدخلها را بخوبی فراهم می‌کند. ۴ ویرایش فنی و مقابله کامل کتاب «حفاظت و نگهداری اسناد و کتب». ویژگی اثر : ویرایش

نیک‌نژاد، منصور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: استاد، رشته: زراعت و اصلاح نباتات، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: شیراز

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

نیکی اصفهانی، زین‌الدین مسعود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۰ ق)، شاعر. از شاعران و هنرمندان عهد شاه طهماسب صفوی و نزد شاه مقرب بود و از او مقرری دریافت می‌کرد. در نطنز به دنیا آمد و در اصفهان نشو و نما یافت. ابتدا پیشه‌ی حلاجی داشت و سپس به تجارت روی آورد. بیشتر اوقات خود را به سیاحت پرداخت. وی با شاعرانی چون لسانی شیرازی، محتشم کاشانی و وحشی بافقی معاصر بود و با آنان ملاقات داشت. شعر خوب می‌گفت و می‌گویند که «دیوان» خود را بر کاغذ کلفت سلطانی به خط جلی نوشته است. نیکی نزدیک به صد سال عمر کرد. از آثارش: مثنوی «زبدهٔالافکار» یا «زبدهٔ الاسرار»، به پیروی از «مخزن‌الاسرار» نظامی؛ «ترکیب بند» مسدسی که کودکان در مکتب آن را می‌خواندند؛ «دیوان» شعر. در حاشیه‌ی «آتشکده‌ی آذر»، به نقل از «عرفات العاشقین» آمده که وی دارای سه «دیوان» غزل و قصیده می‌باشد و در حاشیه‌ی «کاروان هند»، به نقل از «خلاصهٔ الاشعار» ذکر شده که زین‌الدین مسعود «شهرانگیز» ی برای مردم یزد گفته است که شهرت دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۰۴۳ –۱۰۳۹/ ۳)، تاریخ نظم و نثر (۸۳۲،۵۱۱)، تحفه سامی (۲۱۹)، تذکره‌ی روز روشن (۸۶۱ –۸۵۹)، الذریعه (۱۹۵/ ۱۹ ،۱۲۴۴ –۱۲۴۳/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۶۶۴)، کاروان هند (۱۰۴۶ –۱۰۴۵/ ۲)، کتابشناسی نظامی گنجوی (۳۹۳)، مجمع‌الخواص (۱۸۳ –۱۸۲)، نتایج‌الافکار (۷۲۲)، هفت اقلیم (۴۳۲/ ۲).

نیلچی، رحمت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رحمت الله نیلچی

محل تولد : روستای حصار خنداب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۴/۱/۱

زندگینامه علمی

پر کاهم در مصاف تند باد خود ندانم در کجا خواهم فتاد

پیش چوگان های حکم کن فکان میدویم اندر مکان و لا مکان

آن طور که به یاد دارم در روستائی که متولّد شدم یک سال به مکتب رفتم جزء آخر قرآن را که معروف به «عمّ جزء» بود فرا گرفتم و بعد از آن، وارد مدرسه دولتی که دوره ابتدائی آن شش کلاس بود شدم. در کلاس دوم نام نویسی نمودم. در فراگیری دروس، استعداد نسبتاً خوبی داشتم و در زمره شاگردان ممتاز مدرسه محسوب می شدم. پدرم کشاورز بود و چند رأس گوسفند نیز داشت، طبق معمول وقت و بی وقت در حدّ توانائی خود پدر را کمک می کردم.

از وقتی که خود را شناختم به نماز و روزه اهمیّت می دادم و با مسجد و عالم روحانی مسجد در ارتباط بودم. تمایل به ادامه تحصیل در این جانب زیاد بود. دبیرستان رفتن مستلزم رفتن به شهر و پرداخت اجاره خانه و تأمین این هزینه برای پدرم مقدور نبود. عاقبت با تشویق عالم محلّ و مرحوم والده و علاقه به مطلق تحصیل در خودم در سال ۱۳۴۰ همراه پدر به شهر اراک آمده و در مدرسه مرحوم «حاج محمّد ابراهیم» که یکی از ۳ مدرسه علمی دینی شهرستان بود؛ پذیرفته شده و در ظرف دو سه سال دوره مقدّماتی صرف و نحو و منطق را گذراندم.

خیلی دوست داشتم در قم ادامه تحصیل دهم. نظر به این که به مجرّد ورود به قم، به من شهریه نمی دادند مشکل معیشتی داشتم تا اینکه به تشویق و راهنمائی یکی از دوستان روحانی عازم حضرت عبد العظیم (علیه السلام) شده و در مدرسه مرحوم «سید مهدی لاله زاری» در حدود یک سال و اندی حجره گرفته و با شهریه ماهانه هفتاد تومان و چندین کتاب از شرح لعمه را نزد اساتید آن جا تلمّذ نموده، با مقداری تحول و بحران فکری دوباره به اراک مراجعت نمودم و در کل با اینکه انگیزه من به مراجعت چه بود؟ (درست نمی دانم) به صلاح من بود.

در سال ۴۵ به قم آمدم. در مدرسه فیضیه حجره گرفتم، اتفاقاً مصادف با امتحانات حوزه بود با اینکه بعضی از دوستان طلبه می گفتند آقایان مراجع فرموده اند شرط شرکت در سطح ۳ سابقه اقامت مثلاً چند ماه در قم است. برای اوّلین بار به خود جرأت دادم این فرمان را اگر چه صادر شده باشد نادیده بگیرم و احساس گناه نکنم، دلیلم این بود که نبودن من در قم به جهت فقر مالی بوده، اگر پول و امکانات داشتم از اول تحصیل به قم می آمدم، در امتحان شرکت کرده و اتفاقاً قبول شدم.

بعد از تأمین شهریه، مکاسب و رسائل و مقداری از شرح منظومه و کفایهٔ الاصول را نزد اساتید معروف سطح آن روزگار در حال و هوای غیر جدی و سهل انگاری گذراندم. وارد جرگه خارج خوانان شدم. درس فقه مرحوم «آیهٔ الله گلپایگانی»، و اصول مرحوم «حاج میرزا هاشم آملی»، چندین سال حضور داشته و گاه و بیگاه طبق معمول فریاد اشکال می زدم. همین امر انگیزه مطالعه را در من بیشتر می نمود. کم کم تصمیم گرفتم قلم به دست گرفته و پای درس، مطالب استاد را بنویسم. قلمم سریع نبود و نوشته ام به دلم نمی نشست. بعد به این فکر افتادم برای چه بنویسم؟ درس اساتید که نو آوری خاصی ندارد، اگر هم داشته باشد؛ خیلی کم است، اگر بخواهم این مطالب را دوباره بخوانم خود کتابهایی از قبیل: «مکاسب، رسائل، جواهرات، تقریر مرحوم نائینی و مرحوم آقا ضیاء از نوشته خودم بهتر است، و از خوف این که مبادا فرزند عالمی خلف من شود و نوشته هایم اضحوکه و مایه بی اعتباری من گردد، همه را همراه آب رودخانه روانه باتلاق قم نمودم. بعد از ورود آیت الله وحید خراسانی به قم، ادامه تحصیل فقه و اصول را مختص حوزه درس ایشان نمودم، البته در این مرحله نیز جدی در مطالعه نبودم، اگر اشکالی می کردم؛ بیشتر خلق الساعه و مولود استعداد ذهنیم بود و استاد بزرگوار به جریان واقف بود؛ گاهی عنایت می فرمود، گاهی هم با بی توجهی خاصی می گذشت.

در حدود سال ۱۳۶۰ یکی از دوستان پیشنهاد کرد در انتشارات اسلامی مربوط به جامعه مدرسان حوزه علمیّه قم که خود در آنجا اشتغال داشت روزانه چند ساعت همکاری نمایم، برای اولین بار جلد اول و دوم فوايد اصول تقریرات درس مرحوم نائینی به قلم مرحوم کاظمینی، جهت تحقیق و بررسی و نشانه گذاری واگذار شد، این کار را انجام داده و فهرست مفصلی برای آن تنظیم نمودم که بیانگر نظریه های مؤلف (یا استاد ایشان) بود، و بعد از آن جلد ۳ و ۴ به انضمام حواشی مرحوم آقا ضیاء، با مهارت و تجربه ای بیشتر، و بعد از آن دوره قاموس الرجال مرحوم شیخ شوشتری، و عناوین مرحوم مراغی، و فوایدالمدینه محدث استرآبادی به انضمام شواهدالمکیه از سید عاملی (برادر مرحوم صاحب مدارک) در نقد فوائدالمدینه تحقیق و تنظیم نمودم. این دو کتاب برای من خیلی مفید بود و تحول بزرگی در بینش و نگرش من در رابطه با فهم شریعت به وجود آورد.

کم کم درس و بحث حوزوی را رها کرده؛ متمحض در کار تحقیق متون و تقوم نصوص شدم، حتی تدریس مختصری که داشتم رها کردم، چون این کار علاوه بر این که از جهت مادی کمک هزینه بود، تشخیص دادم از هر محضر درس و تدریس مفید تر است، زیرا مجبور بودم چند بار یک کتاب را با دقت تمام مطالعه کنم و جایگاه علائم را از قبیل ویرگول، نقطه، علائم، سئوال، ابتدا و انتهای مطالب و غیره را تعیین نمایم. مخصوصاً در مرحله سر صفحه نویسی و تنظیم فهرست، و استخراج منابع. در این مرحله متوجه شدم بسیاری از کتب و متون دینی که تجدید چاپ می شوند فنی نیستند، به شوخی می گفتم: بعضی گمان می کنند «ویرگول» مانند کنجد است که شاطرها به روی سنگک می پاشند؛ آن هم نوعاً ناشیانه یکجا زیاد، یکجا کم، و تقطیع هایی صورت می گیرد که باعث انحراف فهم خواننده می شود، هنوز خبر مبتداء نیامده، فقره ای را تمام شده پنداشته نقطه گذاشته و از سر سطر شروع نموده و همچنین هنوز جواب و جزاء شرط نیامده، پراگراف بسته شده است و این نظریه را با تاکید ابراز می داشتم: که اگر فردی مسلط بر محتوای کتابی نباشد مثلا نتواند آن کتاب را به خوبی تدریس نماید؛ حق ندارد کتابی را تصحیح یا تحقیق نماید، صرف اینکه می داند نقطه باید در کجا باشد، ویرگول در کجا و علائم دیگر ... کافی نیست. تا مطلب را خوب نفهمد هرگز نمی

تواند موضع از علائم را دقیق مشخص نماید.

در مؤسسه مزبور، مسئولیت کتابهای ذکر شده و تعدادی دیگر را شخصاً عهده دار بوده، و بسیاری دیگر را اشراف و نظارت داشته ام، آن هم در سطح مقدور، نه در سطح مطلوب و فعلاً وسائل الشیعه و مستدرک آن را جهت تسهیل در مراجعه به احادیث مربوط به هر باب و عنوان تنظیم می نمایم، که شرح روش تحقیق و تنظیم و تصحیح و پاروقی نویسی آن به طول می انجامد.

«همکاری با مدارج علمی مدیریت حوزه»

چندین سال است که به عنوان داور، مشاور و راهنما در سطح ۳ و ۴ با این واحد علمی نیز همکاری دارم. یکی دو سال هم عضو هیئت علمی بوده ام، و در این محور نیز تجربه های دارم.

در خاتمه: از کار به اصطلاح تحقیقاتی خود راضی هستم، از این حیث که برای شخص خودم در مسیر کسب معارف دینی و فهم متون و تجزیه و تحلیل مسائل فقهی، اصولی، رجالی، کلامی و تفسیری بسیار راه گشا بوده است، اما متاسفم برای جامعه ای که نیازهای مادی من و عائله را اداره می کنند هیچ نفعی نداشته است، و در موازنه گرفته ها داده هایم صفر است.

در دلم آید که گنه کرده ام چون ورقی چند سیه کرده ام

دولت اگر همه مئی ساختی کار به این نیز نپرداختی

باقی این گفته آید بی بیان درد آن کس که دار فهم جان

(والسلام)

نیلی نیشابوری، ابوسهل سعید

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۲۰ -۳۵۳ ق)، فقیه، طبیب، ادیب، نحوی و شاعر. اهل نیشابور بود. او در علم طب استاد بود و از مشاهیر اطبا به شمار می‌آمد و تصانیفی در این زمینه دارد. وی همچنین در فقه و فنون شعر و ادب نیز متبحر بود. از آثار او: اختصار کتاب «المسائل» حنین بن اسحاق؛ تلخیص «شرح فصول بقراط» جالینوس همراه با نکاتی از «شرح ابوبکر رازی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۰ / ۳)، تاریخ طب (۶۷۹ -۶۷۸/ ۲)، عیون الانباء فی طبقات الاطباء (۳۱۴)، کشف‌الظنون (۱۶۶۸)، معجم‌الادباء (۲۱۸/ ۱۱)، معجم‌المؤلفین (۲۲۵/ ۴)، الوافی بالوفیات (۲۴۰/ ۱۵).

نیمایوشیج

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ -۱۲۷۶ ش)، شاعر، متخلص به نیما. مشهور به یوشیج. در دهکده‌ی یوش، از توابع نور مازندران، به دنیا آمد. خواندن و نوشتن را در زادگاهش فراگرفت. پس از مدتی به تهران آمد و برای آموختن زبان فرانسه به مدرسه‌ی سن‌لویی رفت و با ادبیات اروپایی آشنا شد و در اثر تشویق نظام وفا، شاعر معروف و معلم دلسوز آن مدرسه، به سرودن شعر پرداخت. نیما مدتی به محافل ادبی تهران رفت و آمد داشت. چندی به آستارا رفت و در آنجا با همسرش در مدرسه‌ی حکیم نظامی به تدریس پرداخت. در بازگشت به تهران، در ۱۳۱۷ ش عضو هیئت تحریریه «مجله موسیقی» شد و مقاله‌هایی درباره‌ی شعر و هنر با عنوان «ارزش احساسات» نوشت که بعدها با همین عنوان به چاپ رسید. او چندی نیز در اداره‌ی انطباعات وزارت فرهنگ به خدمت مشغول بود. نیما در شعر دید تازه‌ای نسبت به طبیعت و جهان داشت، و از نقطه دیگر نظر اجتماعی، انتقادی می‌نگریست. در حکومت بیست ساله رضا شاهی که نیما از آن به نام دوره‌ی سختی و فشار یاد کرده، وی به کار شعر و تکمیل تجربه‌های شعری پرداخت و نیز شعرهایی سمبولیک و انتقادی سرود که پیچیده است. در سالهای پس از ۱۳۲۰ ش احساسات و ساختمان شعری او دگرگون شد و خبر آن در ۱۳۲۳ ش با بانگ «ناقوس» به همگان رسید. بزرگترین خصوصیت شعری نیما عصیان و شهامت رخنه کردن در حصار ادبیات کهن بود. جنبه‌ی مهم شعر او پیوستگی، تسلسل، انسجام و صراحت بیان است. موسیقی مخصوصی در شعر نیماست که با مضامین وی تناسب کامل دارد. وی در تیرماه ۱۳۲۵ ش در کنگره‌ی نویسندگان و شاعران ایران شرکت نمود که در این کنگره حدود شصت تن از شاعران حضور داشتند و از آن میان تنها چهار تن نوپرداز و معتقد به شیوه‌ی نیما بودند. نیما در این کنگره شعرهای «آی آدمها»، «مادری و پسری» و غیره را خواند که مورد توجه و نقد و نظر قرار گرفت. از آن پس با وجود پاره‌ای مخالفتها، از جانب ادیبان و سنت‌گرایان، شیوه‌ی نیما در کنار شیوه‌ی سنتی فارسی جا باز کرد. اشعار نخستین او با اینکه در قالب اوزان عروضی ساخته شده، از مضامین نو و تخیلات شاعرانه بهره بسزایی دارد. وی سرانجام در تهران درگذشت. از آثار اولیه‌ی وی باید منظومه‌های «مجلس»، «قصه‌ی رنگ پریده»، «افسانه» و «برای دلهای خونین» را نام برد که در زمان خود موجب تحولی و شعر گردید. نیما در آثار بعدی خود اوزان عروضی شعر فارسی را شکست و شعرش را از چهارچوب وزن و قافیه آزاد ساخت و راهی تازه و نو در شعر آفرید که به سبک نیمایی مشهور شد. از دیگر آثارش: «شعر من»؛ «مانلی»؛ «شهر صبح شهر شب»؛ «آهو و پرنده‌ها»؛ «دنیا خانه‌ی من است»؛ «قلم‌انداز»؛ «نامه‌های نیما به همسرش»؛ «عنکبوت»؛ «فریادهای دیگر»؛ «کندوهای شکسته»؛ «خانواده‌ی سرباز»؛ «آب در خوابگه مورچگان»؛ «دونامه»؛ «ای شب». او قسمتی از اشعار خود را به زبان مادری و به نام «روجا»

سروده است. تمام آثار او اعم از منظوم و منثور، در دو جلد، در تهران به چاپ رسیده است.[۱]
علی اسفندیاری متخلص به نیمایوشیج (و. ۱۳۱۵ ه.ق- ف. ۱۶ دی‌ماه ۱۳۳۸ ه.ش) فرزند ابراهیم نوری «اعظام‌السلطنه» در دهکده‌ی یوش از قرای نور مازندران به سال ۱۳۱۵ ه.ق متولد شد و پس از آمدن به تهران به مدرسه‌ی سن‌لوئی رفت و زبان فرانسه را نیکو فراگرفت و به گفته‌ی خود به تشویق نظام وفا که استاد او بود به نظم شعر پرداخت، نیما زبان عربی نیز می‌دانست. وفات او در روز پنجشنبه ۱۶ دی‌ماه ۱۳۳۸ ه.ش به علت ابتلای به مرض «ذات‌الریه» اتفاق افتاده است. مهمترین اثر وی «افسانه‌ی نیما» نام دارد. نیما در پایان عمر خویش به موجب وصیت‌نامه‌ای مرحوم دکتر محمد معین مؤلف همین فرهنگ را به وصایت خویش تعیین کرد. قسمتی از آن وصیت‌نامه چنین است «در ۲۸ خرداد... فکر می‌کردم برای دکتر حسین مفتاح چیزی بنویسم که وصیت‌نامه‌ی من باشد. بعد از من هیچ‌کس حق دست زدن به آثار مرا ندارد بجز دکتر محمد معین اگر چه او مخالف ذوق من باشد. دکتر محمد معین حق دارد در آثار من کنجکاوی کند... دکتر محمد معین که هنوز او را ندیده‌ام مثل کسی است که او را دیده‌ام. اگر شرعاً می‌توانم قیم برای ولد خود داشته باشم دکتر محمد معین قیم است- ولو اینکه او شعر مرا دوست نداشته باشد.»
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[۱] ادبیات نوین (۳۵۸ -۳۵۷، ۳۵۵ -۳۴۹، ۳۴۲، ۳۳۹، ۱۹۸ -۱۹۶، ۱۹۴ -۱۸۴، ۱۷۳، ۱۶۸، ۱۶۰، ۱۲۰، ۱۱۸ -۱۱۷، ۸۰)، از نیما تا روزگار ما (۶۲۷ -۵۷۹)، بدعتها و بدایع نیما یوشیج، چشمه‌ی روشن (۴۹۲ -۴۷۶)، چون سبوی تشنه (۱۰۰ -۸۸)، الذریعه (۱۲۴۴/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۸۰۱ -۳۷۹۴/ ۶)، شخصیتهای نامی (۴۹۸ -۴۹۷)، شرح حال رجال معاصر مازندران (۱۵۵ -۱۴۹)، فرهنگ سخنوران (۹۶۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۰۱، ۳۳۴۱، ۲۹۹۶، ۲۸۶۰، ۲۵۴۲، ۱۲۵۱/ ۲، ۱۴۸۳، ۱۲۴۴، ۴۲۰، ۲۸۹، ۱۵۴، ۱۴، ۱۳/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۷۵ -۶۷۳/ ۶)، نیما (س ۱۲، ش ۱۱، ص ۶۳۱ -۶۲۹).

واثق شیرازی، عبدالحی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به واثق. ملقب به صدرالشریعه. وی در خدمت پدرش، داور شیرازی (م ۱۳۲۵ ق)، صاحب تذکره‌ی «مرآت‌الفصاحه»، علوم قدیمه را تحصیل نمود و پس از آن به امور شرعیه و اصلاح بین مردم پرداخت. در «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس» و به تبع آن در «فرهنگ سخنوران» آمده که او در ۱۳۱۳ ق زنده بوده است. از او اشعاری در تذکره‌ها آمده است. از آثار وی: «اساس الکمال»؛ «جمع المسائل».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۷۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۶۱ -۷۶۰/ ۵)، الذریعه (۱۲۴۵/ ۹، ۷/ ۲)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۰۹۵ -۱۰۹۴/ ۱۴)، مرآت‌الفصاحه (۶۷۹، ۶۷۸).

واثق نجفی، مهدی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به واثق. اهل اصفهان و با صاحب «تذکره‌ی نصرآبادی» (ز ۱۰۸۳ ق) معاصر بود. وی به تحصیل پرداخت و در اکثر علوم مهارت یافت. واثق انواع خط، از جمله خط کوفی را خوش می‌نوشت. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۲۰۴ -۲۰۳)، الذریعه (۱۲۴۵، ۱۱۳۶/ ۹)، صبح گلشن (۵۷۶)، فرهنگ سخنوران (۹۶۵).

واثق نیشابوری، حسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. در سرودن شعر دارای طبعی خوش بود و در نثر، سخنان خواجه عبداللّٰه انصاری را تتبع می‌کرد. وی در زمان اورنگ زیب (۱۱۱۹ -۱۰۶۹ ق) به هند مسافرت کرد و منصب و مقامی یافت. او با محمد افضل سرخوش (م ۱۱۲۶ ق) معاصر و معاشر بود. واثق در راه بازگشت از هند، در قمشه درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثار وی: «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۱۶ -۳۱۵)، الذریعه (۱۲۴۵/ ۹)، ریاض‌العارفین (۱۵۷)، صبح گلشن (۵۷۷)، فرهنگ سخنوران (۹۶۵)، کاروان هند (۱۴۹۶ -۱۴۹۵/ ۲)، کلمات الشعراء (۱۹۳)، مطلع الشمس (۱۸۴/ ۳).

واثق همدانی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۶ -۱۲۷۴ ق)، عالم و شاعر، متخلص به واثق. در همدان به دنیا آمد. برای تکمیل تحصیلات به اصفهان رفت و در نزد ملا محمدباقر فشارکی تلمذ نمود. او به مدت سی سال در مدرسه‌ی صدر به تدریس صرف، نحو، معانی، بیان، فقه، اصول و منطق مشغول بود. وی در اصفهان وفات یافت و در تخت فولاد در صحن تکیه‌ی میرزا عبدالغفار تویسرکانی به خاک سپرده شد. از آثارش: «نصح‌الحبیب»، بر وزن «مثنوی» مولوی، در نصایح و مواعظ، مشتمل بر هزار بیت؛ «دیوان» شعر، مشتمل بر نصایح و مراثی و لیلی و مجنون و سفرنامه و غزلیات، در دو هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرةالقبور (۷۱۰ -۱۶۹)، الذریعه (۱۲۴۶/ ۹)، مکارم‌الآثار (۲۰۷۶ -۲۰۷۵/ ۶).

واثقی نیا، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین واثقی نیا

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۳۶ شمسی در قم متولد شدم. پیش از هفت سالگی، قرائت قرآن و نوشتن و خواندن را در مکتب خانه آموختم و در تابستان سالهای بعد تکمیل کردم. هنگامی که به هفت سالگی رسیدم به دبستان دولتی رفتم و پس از گذراندن دوره شش ساله دبستان، به دبیرستان رفتم. در نیمه سال چهارم دبیرستان بود که آن را رها کردم و به حوزه پیوستم. (سال ۱۳۵۲ ش)

مقدمات را نزد اساتید متعدد از جمله: «مرحوم حاج شیخ محمد علی»، معروف به مدرس افغانی فرا گرفتم. بیشتر شرح لمعه را نزد مرحوم «آیت الله حاج شیخ قدرت الله وجدانی فخر»، و بقیه را نزد چند نفر دیگر فرا گرفتم. بخش عمده رسائل را نزد «آیت الله حاج شیخ مصطفی اعتمادی تبریزی» و بقیه را نزد «آیت الله حاج شیخ حسین کریمی قمی» آموختم. مکاسب و قسمت عمده کفایه را نزد مرحوم «آیت الله حاج شیخ محمد تقی ستوده اراکی» گذراندم و بخشی از کفایه را نزد «آیت الله حاج سید محمد حسینی کاشانی» خواندم که در حقیقت خارج آن را برای ما می گفت و شیوه نقد آرائ بزرگان را به ما می آموخت.

خارج فقه و اصول فقه از دروس اساتید گرامی همچون آیات عظام: «فاضل لنکرانی، وحید خراسانی و میرزا جواد تبریزی»، به مدت بیست سال بهره بردم و بسیاری از تقریرات دروس آن بزرگان را نوشتم و اگر چیزی بر خلاف نظر استاد به ذهنم آمد؛ در پاورقی به عنوان «یقول التلمیذ» یادداشت کردم که همه به صورت مسوده باقی است و چون خود آن اساتید عزیز یا برخی از شاگردانشان در صدد چاپ آن دروس برآمدند من به پاکنویس و چاپ آنها دست نزدم. فلسفه و عرفان را نزد اساتید مختلف به ویژه «آیت الله معظم حسن زاده آملی» حاضر شدم .

در سالهای ۵۴ تا ۵۷ همگام با مردم مسلمان ایران و علمای اسلام در مبارزات با رژیم پهلوی شرکت جستم و با ایراد سخنرانیهای انقلابی و پخش و تکثیر اعلامیه ها و نوارهای کاست انقلابی، به راه حضرت امام خمینی (رحمه الله) پیوستم. دو بار دستگیر شدم؛ «یک بار در قم و یک بار در بوشهر» که برای تبلیغ دهه محرم رفته بودم و مدتی را در زندان همراه با شکنجه بسیار گذراندم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی شغل دولتی نگرفتم. در سالهای ۵۸ تا ۶۰ دو سال در دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم همراه با دوستان به تبلیغات مکتوب دست زدیم. در دوره جنگ تحمیلی به تفاریق، بیش از دو سال را در میان رزمندگان گرامی برای تبلیغات اسلامی سپری کردم. هفت سال تمام از آغاز تاسیس (۱۳۷۶) تا اول تابستان ۱۳۸۳ «مدیریت مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام» را که حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی تاسیس کردند به عهده داشتم و موفق به خدماتی شدم مانند: (تاسیس کتابخانه تخصصی فقهی، سایت اینترنتی فعال، بخش آموزش، بخش تحقیقات، و چاپ بیش از بیست جلد کتاب) که امیدوارم دوستان، آن فعالیتها را بنگارند.

واثقی نیشابوری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۰ ق)، شاعر. وی چهل سال در نجف اشرف بود، سپس به تبریز بازگشت و تا آخر عمر در تبریز به سر برد و در آنجا درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۶۴)، الذریعه (۱۲۴۶)، صبح گلشن (۵۷۸)، فرهنگ سخنوران (۹۶۵)، مطلع الشمس (۱۷۹/ ۳).

واحد اصفهانی، تقی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۸۳/ ۱۰۸۰ ق)، شاعر، متخلص به واحد. از سادات اصفهان و در علوم نظری و فقه، سرآمد فضلای عصر خود بود. مدتی در رشت منصب شیخ‌الاسلامی داشت و پس از عزل، به مشهد رفت و شیخ‌الاسلام آنجا شد. مدتی در این منصب بود تا اینکه به سبب شکایت بیگلر بیگی معزول شد و به اصفهان رفت. به قولی واحد در سال تحریر «تذکره‌ی نصرآبادی» (تألیف شده در ۱۰۸۳ ق) درگذشته است. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۰۴۳/ ۳)، تذکره‌ی روز روشن (۸۶۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۷۷)، الذریعه (۱۲۴۶/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۶۶)، نتایج‌الافکار (۷۴۴ -۷۴۳).

واحد تبریزی، رجبعلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۸۰ ق)، حکیم، عارف و شاعر، متخلص به واحد. اهل تبریز بود. تمام مدت عمر، دست از مطالعه برنداشت تا در حکمت، منطق، طبیعیات و الهیات مهارت یافت. وی مدتی در مدرسه‌ی شیخ لطف‌اللّه تدریس می‌کرد. صاحب «ریاض‌العلماء»، محمد تنکابنی (م ۱۱۲۴ ق) و حکیم محمد سعید، معروف به حکیم کوچک و ملا عباس مولوی، صاحب «اصول‌الفوائد» و محمد شفیع اصفهانی را از شاگردان او می‌داند. واحد به عباس‌آباد اصفهان رفت و ساکن شد. شاه عباس دوم (۱۰۷۷ -۱۰۵۲ ق) بنا به ارادتی که به وی داشت خانه‌ای در شمس‌آباد، خارج از اصفهان، برایش خریداری کرد. گویند واحد در اواخر عمر به دلیل ضعف و پیری، درس و بحث را کنار گذاشت. او در اصفهان درگذشت. بعضی از تذکره‌ها تاریخ وفات وی را ۱۰۰۸ و بعضی ۱۰۶۵ ق نوشته‌اند. اشعاری از او در تذکره‌ها آمده است. از آثارش: «وجودیهٔ» یا «اثبات واجب»، به فارسی. عده‌ای از مؤلفان کتاب «کلید بهشت» را نیز از او می‌دانند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۲ -۳۴۰/ ۵)، تذکره‌ی روز روشن (۸۶۳ -۸۶۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۴)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۰)، الذریعه (۱۲۴۷/ ۹ ،۱۰۵ -۱۰۴/ ۱)، ریاض‌العارفین (۲۳۷)، ریاض‌العلماء (۲۸۴ -۲۸۳/ ۲)، ریحانه (۲۸۵/ ۶)، طرائق‌الحقائق (۱۶۲/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۹۶۶)، لغت‌نامه (ذیل/ واحد تبریزی).

واحد شیرازی، لطف‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۲۰ ق)، نقاش، قلمدان‌ساز و شاعر، متخلص به واحد. مشهور به میرزا لطف‌اللّه مستوفی. اهل شیراز بود. وی در چهره‌پردازی و شبیه‌سازی دستی قوی داشت. گل و مرغ و منظره‌سازی را خوب می‌دانست و در تذهیب و گونه‌های مختلف طلاکاری ماهر بود. علاوه بر آن، در سیاه قلم و آبرنگ و کارهای روغنی نیز دست داشت و خط نستعلیق را نیکو می‌نوشت. فرصت شیرازی در «آثار عجم» گوید": در رسائل و مکاتیب بی‌نظیر است و در نقاشی شهیر. گاهی شعر می‌گوید "...از آثار او: قلمدانی با زمینه‌ی نخودی کمرنگ که در رویه آن، تصاویر گل و مرغ است، با رقم: «لطف‌اللّه الحمزوی»؛ قلمدان زیبایی که تصویر زنی در شیوه‌ی فرنگی بر روی آن نقش بسته و بالا و پایین آن در شیوه‌ی روسی تذهیب شده و به خط نستعلیق رقم نهاده: «لطف‌اللّه الحمزوی سنه ۱۳۱۵»؛ تصویر سیاه قلمی دسته گلهای متنوعی که به شیوه‌ی آقا لطفعلی شیرازی عمل آمده، با رقم: «لطف‌اللّه الحمزوی ۱۳۱۸»؛ قلمدان استادانه‌ای که در حواشی و اطراف آن مناظر زیبایی دارد، با رقم: «لطف‌اللّه الحمزوی ۱۳۲۰».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۴۸ ،۵۴۱)، احوال و آثار نقاشان (۵۶۰ -۵۵۹/ ۲)، الذریعه (۱۲۴۷/ ۹)، گلستان هنر (پنجاه و دو)، هنر قلمدان (۱۵۵ -۱۵۴).

واحد قمی، محمد علی

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر فاضل ادیب، از شاگردان مولی عبدالرزاق کاشانی، ساکن اصفهان بوده، و در شعر «واحد» تخلص می‌کند. [به نوشته‌ی نصرآبادی:] در ترتیب نظم و حل معما دستی دارد، و خط نسخ تعلیق را خوب می‌نویسد، و بدین جهت، مواجب از سر کار پادشاه می‌گیرد. مثنوی گفته، از بس که خوب گفته شعرا آن را از وی نمی‌دانسته‌اند.

از اشعار اوست:

از غبارم شاخ گل بر سر ملایک می‌زنند

تا بتان از نقش پاگل بر مزارم ریختند

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

واحدی اعظ، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد واحدی اعظ

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۲ – ۶۱ پس از گذراندن دوره راهنمایی در مدرسه علمیه «جامع رشت» شروع به تحصیل حوزوی نمودم. سال بعد به حوزه مشهد مقدس مشرف شدم. از محضر استاد: «حجت هاشمی خراسانی» هدایه، صمدیه، سیوطی، مغنی، مطول و معالم را فرا گرفته و از درس مختصر و حاشیه استاد «واعظی» استفاده نمودم. درس اصول فقه را از استاد «عاملی» و لمعتین از استاد «صالحی» و مقداری از مرحوم استاد «سعیدی» فرا گرفتم. مکاسب را از محضر «آیت الله اشرفی» و «آیت الله مرتضوی» در مشهد و «آیت الله شب زنده دار» و «آیت الله پایانی» در قم استفاده نمودم. رسائل را ازمحضر «آیت الله اشرفی» در مشهد و «آیت الله اعتمادی» در قم بهره بردم. کفایه را از محضر «آیت الله ستوده» و «آیت الله طاهری خرم آبادی» استفاده کردم.

درس خارج اصول: حدود ده سال «آیت الله وحید خراسانی» و به صورت مختصر حضرات آیات: «تبریزی، طاهری خرم آبادی، مکارم، سبحانی، شبیری زنجانی». درس خارج فقه: چهار سال «آیت الله وحید خراسانی» و به صورت مختصر: «آیت الله بهجت (صلوه)، آیت الله فاضل (حج)، آیت الله شبیری (قاعده فراغ)، آیت الله تبریزی (طهاره).

واحدی نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۶۸ ق)، فقیه شافعی، مفسر، محدث، نحوی، لغوی و مدرس. اصل وی از ساوه بود. در نیشابور به دنیا آمد و برخلاف پیشه‌ی اجدادش که تجارت بود، او و برادرش عبدالرحمان، بـه کسب علم پرداختند و در سلک محدثین و علما درآمدند. وی را از نویسندگان بزرگ و امام و استاد بی‌نظیر عصر خود در ادبیات، تفسیر، حدیث، فقه و نحو دانسته‌اند. او نزد خواجه نظام‌الملک، وزیر مقتدر سلجوقیان، تقربی تمام داشت. ادبیات و لغت را نزد ابوالفضل عروضی ادیب و نحو را نزد ابوالحسن ضریر قهندزی و ابوعمران مغربی مالکی فراگرفت و برای تکمیل معلومات خویش به مسافرت پرداخت. وی در علم تفسیر از محضر ابواسحاق احمد بن محمد بن ابراهیم ثعلبی استفاده نمود. از ابوطاهر بن محمش و قاضی ابوبکر حیری و ابوابراهیم اسماعیل بن ابراهیم واعظ و محمد بن ابراهیم مزکی و عبدالرحمان بن حمدان نصروی و احمد بن ابراهیم نجار و دیگران حدیث شنید. احمد بن عمر ارغیانی و عبدالجبار بن محمد خواری و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. در نیشابور درگذشت. در «النجوم الزاهرة» سال وفات وی ۴۶۹ ق ذکر شده است. از آثارش: تفاسیر سه‌گانه: «البسیط»، «الوسیط» و «الوجیز» که به «الحاوی لجمیع المعانی» موسوم و به «تفسیر واحدی» معروف است؛ «اسباب النزول» یا «اسباب التنزیل»؛ «الدعوات والمحصول»؛ «المغازی»؛ شرح «دیوان» متنبی؛ «الاغراب فی الاعراب» یا «الاعراب فی علم الاعراب»، در نحو؛ «تفسیر النبی (ص)»؛ «نفی التحریف عن القرآن الشریف»؛ «التحبیر فی شرح الاسماء الحسنی» یا «التنجیز فی شرح اسماء اللّٰه الحسنی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۶۰ -۵۹/ ۵)، ایضاح‌المکنون (۶۷۴ -۶۷۳/ ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۶۰/ ۲)، دمیة القصر (۱۰۲۰ – ۱۰۱۷/ ۲)، الذریعه (۴۲/ ۲۵ ،۱۸۸/ ۲۰ ،۳۱۹/ ۴)، روضات‌الجنات (۲۳۶ -۲۳۴/ ۵)، ریحانه (۲۸۶ -۲۸۵/ ۶)، سیرالنبلاء (۳۴۲ -۳۳۹/ ۱۸)، شذرات‌الذهب (۳۳۰/ ۳)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۱۸/ ۵)، طبقات الشافعیه‌ی ابن قاضی شهبه (۲۵۸ -۲۵۶/ ۱)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۲۴۳ -۲۴۰/ ۵)، طبقات المفسرین داودی (۳۹۰ -۳۸۷/ ۱)، العبر (۳۲۴/ ۲)، الکامل (۱۲۳/ ۸)، کشف‌الظنون (۲۰۰۲، ۱۷۴۷، ۱۴۶۰، ۱۴۱۷، ۱۲۷۷، ۸۰۹، ۳۵۵، ۲۴۵، ۱۲۵، ۷۶)، الکنی والالقاب (۲۷۷/ ۳)، معجم‌الادباء (۲۷۰ -۲۵۷/ ۱۲)، معجم‌المؤلفین (۲۷ -۲۶/ ۷)، النجوم الزاهرة (۱۰۵/ ۵)، وفیات الاعیان (۳۰۴ -۳۰۳/ ۳)، هدیةالاحباب (۲۶۰)، هدیةالعارفین (۶۹۲/

۱).

واحدی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد واحدی در سال ۱۳۰۲ در تهران دیده به جهان گشود. وی پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی وارد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران شد. در سال ۱۳۲۷ ، برای ادامه تحصیل به کشور سویس عزیمت کرد و در دانشکده حقوق حقوق ژنو در مقطع دکتری مشغول تحصیل شد. استاد واحدی ، رساله دکتری خود را با عنوان « آثار حقوقی حساب جاری » به زبان فرانسه تالیف کرد. دکتر واحدی پس از اخذ دکتری ، در سال ۱۳۳۳ به ایران بازگشت و در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران مشغول تدریس شد. در سال ۱۳۳۴ موفق به دریافت پروانه وکالت پایه یک دادگستری شد و تا پایان حیات خویش ضمن تدریس در دانشکده حقوق و علوم سیاسی به وکالت نیز اشتغال داشت. او در برخی دعاوی بین المللی نیز به عنوان داور و وکیل شرکت داشت که می توان حضور او در دادگاه لاهه را اشاره کرد.واحدی از سال ۱۳۳۹ با عنوان استاد تمام وقت دانشکده حقوق و علوم سیاسی به تدریس در گروه حقوق خصوصی و اسلامی اشتغال داشت. دکتر جواد واحدی پس از چهل سال تدریس ، تحقیق و پژوهش ، سرانجام در دوم مرداد ماه سال ۱۳۸۰ چشم از جهان فروبست و به دیار باقی شتافت.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

تحصیلات رسمی و حرفه ای : جواد واحدی پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی وارد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران شد. در سال ۱۳۲۷ ، برای ادامه تحصیل به کشور سویس عزیمت کرد و در دانشکده حقوق حقوق ژنو در مقطع دکتری مشغول تحصیل شد. استاد واحدی ، رساله دکتری خود را با عنوان « آثار حقوقی حساب جاری » به زبان فرانسه تالیف کرد.

زمان و علت فوت : جواد واحدی پس از چهل سال تدریس ، تحقیق و پژوهش ، سرانجام در دوم مرداد ماه سال ۱۳۸۰ چشم از جهان فروبست و به دیار باقی شتافت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : جواد واحدی در سال ۱۳۳۴ موفق به دریافت پروانه وکالت پایه یک دادگستری شد و تا پایان حیات خویش ضمن تدریس در دانشکده حقوق و علوم سیاسی به وکالت نیز اشتغال داشت. او در برخی دعاوی بین المللی نیز به عنوان داور و وکیل شرکت داشت که می توان حضور او در دادگاه لاهه را اشاره کرد.

فعالیتهای آموزشی : جواد واحدی پس از اخذ دکتری ، در سال ۱۳۳۳ به ایران بازگشت و در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران مشغول تدریس شد. وی از سال ۱۳۳۹ با عنوان استاد تمام وقت دانشکده حقوق و علوم سیاسی به تدریس در گروه حقوق خصوصی و اسلامی اشتغال داشت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : جواد واحدی آثار علمی و مقالات متعددی از خود به جای گذاشته است. او در کنار مشاغل اصلی خود با نشریاتی همچون مجله دادگستری ، مجله کانون وکلا ، مجله وکالت و... همکاری داشت. --

آثار :

۱ اعاده دادرسی در امور مدنی

ویژگی اثر : مجله کانون وکلا – ۱۳۶۹

۲ اعتراض به حکم غیابی

ویژگی اثر : آیین دادرسی دکتر شریعت پناهی –۱۳۵۶ .

۳ تجدید نظرخواهی از آرا برای بار دوم

ویژگی اثر : مجله کانون وکلا ـ ۱۳۷۴ .

۴ ترجمه تاریخ فلسفه حقوق و فلسفه حقوق

ویژگی اثر : اثر ژرژدل و کیو .

۵ دادرسی ها را آشفته تر نکنید

ویژگی اثر : مجله وکالت – ۱۳۸۰.

۶ قاضی/ وکیل و احترام متقابل

ویژگی اثر : مجله وکالت ـ ۱۳۸۰ .

۷ نقدی بر ماده ۲۶۹ آیین دادرسی مدنی

ویژگی اثر : مجله دادگستری – ۱۳۷۰

۸ نقدی بر مواد ۲۲۵ و ۲۲۸ آ.د. م

ویژگی اثر : مجله دادگستری ـ ۱۳۷۱ . --

منابع :

۱نشریه مدت ، ماهنامه دانشگاه تهران ، شماره ۲۱ ، شهریور و مهر ۱۳۸۰ ، ص ۴۲

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

واحدی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید محمدتقی بن العالم الجلیل والفقیه النبیل آیت‌اللَّه حاج سید محمدرضا واحدی القمی الکرمانشاهی از علماء محترم معاصر تهران است.

وی در سال ۱۳۲۴ ق متولد شده و در بیت علم و عزت پرورش یافته و مقدمات و ادبیات را نزد مرحوم والدش و علماء دیگر کرمانشاه خوانده، سپس مهاجرت به نجف اشرف نموده و پس از تکمیل سطوح از محضر آیات عظام نجف مرحوم آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی و دیگران استفاده نموده آنگاه مراجعت به کرمانشاه و از راه قلم و نوشتن مقالات و مجله دینی و بیان بخدمات دینی پرداخته تا سال ۱۳۷۵ ق که بواسطه بعضی از جهات به تهران منتقل و بنا بر اصرار عده‌ای از تجار و مومنین و امریه بعضی از آیات عظام در سمنگان نارمک ساکن و در مسجد جامعه آنجا به اقامه نماز جمعه و جماعت و تبلیغ دین و نشر مبانی اخلاق سید المرسیلین علیه و آله صلوات المصلین تاکنون اشتغال دارند و مسجد جامعه نارمک یکی از پایگاهها و سنگرهای بزرگ اسلامی تهرانست که در دوره سال خصوصا ماه رمضان و ماه محرم و صفر و جمعه‌ها و اعیاد مذهبی در آن مجالس دینی منعقد و صدها نفر از مردم آن منطقه و نقاط دیگر اجتماع کرده و از بیانات سودمند وعاظ نامی و خطباء اسلامی بهره‌مند میشوند، و بالاخص روزهای جمعه که در آن دعاء شریفه و مأثوره ندبه با سوز و گدازی خوانده شده و اقامه نماز جمعه با شکوه خاصی میگردد و شاید اول نماز جمعه تهران باشد از حیث جمعیت و شخصیت‌های برجسته اقتصادی و اجتماعی و غیره.

جناب آقای واحدی که واجد مقام نسب و حسب و عالمی بصیر و دانشمندی روشن ضمیر و بسیار متین و مودب میباشند دارای آثار ارزنده‌ای هستند که از آنست: ترجمه کتاب مستطاب (الغدیر) که چند جلد آن بطبع رسیده است. و در تاسیس کتابخانه مسجد جامع نارمک و توسعه و تزیینات مسجد گامهای مؤثری برداشته و خدمات ارزنده‌ای نموده‌اند.

جناب آقای واحدی دارای سه برادر برومند میباشند: ۱- مرحوم آقا سید عبدالحسین واحدی ۲- مرحوم آقا سید محمد واحدی که در سنین جوانی در حادثه‌ای بدرود حیات گفتند. ۳- ثقهٔ‌الاسلام آقای حاج سید جواد واحدی که اکنون از راه تبلیغ بخدمات دینی اشتغال دارند.

خاندان واحدی مذکور از بیوتات اصیله و ریشه‌دار و روحانیت و از احفاد و ذراری امامزاده شاه بدلا که در جاپلق مدفون و مورد توجه عموم مردم آن ناحیه هستند می‌باشند.

آقای واحدی با جناب حجهٔ‌الاسلام والمسلمین حاج سید حسین بدلاء قمی پسر عمو و قرابت نزدیک دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

وارثی اردبیلی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۸۹ ق)، شاعر. اصلش از اردبیل بود. وی مسافرت‌های بسیاری به عراق و خراسان کرد. نهایتاً در ۹۸۹ ق در استرآباد ساکن شد و مورد توجه مردم آنجا قرار گرفت و سرانجام در همان شهر درگذشت. وارثی غزل را نیکو می‌سرود و اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

وارثی را بارها گفتم که ترک عشق کن

حرف من نشنید چندانی که دشمن کام شد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۷۰۶)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۰)، الذریعه (۱۲۴۷/ ۹)، صبح گلشن (۵۷۹)، فرهنگ سخنوران (۹۶۷)، هفت اقلیم (۲۵۸/ ۳).

واردی، تقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید تقی واردی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱۲/۴

زندگینامه علمی

سید تقی واردی کولایی در چهارم اسفند ۱۳۳۸ شمسی، در روستای پایین کولا، واقع در پنج کیلومتری ساری (مرکز استان مازندران) دیده به جهان گشود. نام پدر: سید علی فرزند آیت الله حاج سید جمال واردی کولایی (مرحوم حاج سید جمال واردی کولایی، از عالمان و روحانیون معروف شهرستان ساری و به زهد، تقوی، مردم دوستی و انجام کارهای عام المنفعه معروف بود و در نهم اردیبهشت سال ۱۳۳۱ شمسی، مطابق با چهارم شعبان المعظم سال ۱۳۷۱ هجری قمری، در تهران بدرود حیات گفت و پس از تشییع جنازه با شکوه در شهر مقدس قم و اقامه نماز به امامت حضرت آیت الله العظمی بروجردی (ره)، در «قبرستان نو» دفن گردید).

سابقه تحصیلی :

۱- در شش سالگی وارد مکتب خانه روستای پایین کولا شده وعلاوه بر قرآن کریم برخی از کتاب های فارسی و ادبی را نزد مرحوم شیخ عباس قاسمی کولایی آموخت.

۲- در ده سالگی وارد حوزه علمیه مصطفی خان ساری شد وعلاوه بر تکمیل کتاب های فارسی، دروس مقدمات حوزه را نیز آغاز کرد و کتاب های جامع المقدمات (بخش های امثله، شرح امثله، صرف میر، تصریف، النموذج، صمد یه)، سیوطی (شرح الفیه ابن مالک)، مطول، حاشیه، معالم و مختصر را نزد حجت الاسلام والمسلین حاج سید رضی شفیعی (رئیس جامعه رو حانیت ساری) وعالمان دیگری چون شیخ عبدالله دارابی و شهید اکبری (از شهدای هفتم تیر) تلمذ نمود ودر یازدهم ذی قعده سال ۱۳۹۵ قمری، مطابق با بیست و چهارم آبان ۱۳۵۴ شمسی مزین به لباس روحانیت شد و به همراه ده تن از طلاب هم دوره ای خود، رسما معمم گرد ید.

۳- در پنجم مهر ۱۳۵۵ شمسی وارد حوزه علمیه قم شد و پس از سه ماه اجاره نشینی، به مدرسه علمیه مومنیه (زیر نظر آیت الله العظمی نجفی مرعشی) واقع در خیابان چهارمردان قم، نقل مکان کرد و تا سال ۱۳۶۰ در همانجا اقامت داشت. در این مدت دروس مقدماتی را تکمیل و وارد دروس سطح حوزه شد و از محضر اساتید بزرگواری چون: «مدرس افغانی»، «شماعی»، «وحید خراسانی» (فرزند آیت الله العظمی وحید خراسانی)، «صالحی افغانی» و ... بهره مند گردید و در کنار دروس حوزه به کلاس شبانه و متفرقه جدید نیز اقدام و دوره راهنمایی را طی کرد.

دوره جوانی وی مصاد ف بود با وقوع انقلاب بزرگ اسلامی ایران به رهبری ابر مرد عصر حاضر، یعنی امام خمینی (ره) بر ضد نظام ستم شاهی و او نیز بسان ملت رشید و متدین ایران، در آن واقعه سترگ بسیار کوشا و جدی بود و در بیشتر تظاهرات و راهپیمایی های شهر مقدس قم و در برخی از راهپیمایی های شهر ساری حضور فعال داشت و تا چند سال درگیر این ماجرا بود و رنج ها و سختی های فراوانی متحمل گردید. به ویژه در روستای بزرگ «پایین کولا» که زادگاه و وطن او بود، نام مبارک امام خمینی (ره) وانقلاب اسلامی را نهادینه کرد.

درچند سال اوایل انقلاب، کارهای گوناگونی در راستای انقلاب اسلامی انجام داد، که برخی از آن ها عبارتند از:

۱- فعالیت های تبلیغی در ساری و بسیاری از روستاهای اطراف آن (مانند: پایین کولا، آبندانکش، معلم کلا، دراز محله، دینک، تاکام، سمندک، کوه خیل و ...) و هم چنین سفرهای تبلیغی به شهر های (شیروان، بهبهان، دامغان، کردستان، آبدانان، قصر شیرین، بابل، رودبار، اسد آباد همدان، الیگودرز، اصفهان، لردگان و ...) جهت سخنرانی های مذهبی و انقلابی، مراسم های عبادی، کلاس های آموزشی قرآن و احکام وعقاید اسلامی.

۲- طی کردن آموزش رزمی و دفاعی در قم و تهران و اعزام به جبهه های جنگ تحمیلی در مناطق اهواز، هفت تپه، شلمچه، دهلران، قصر شیرین، مریوان و ... (در هشت نوبت) و تشویق جوانان برای پیوستن به رزمندگان اسلام .

۳- تشکیل چند انجمن اسلامی و همکاری در ایجاد اتحادیه انجمن های اسلامی هشت روستا، مسئولیت پایگاه بسیج، مسئولیت آموزشی و عقیدتی بسیج شهرستان، نشر جزوه های آموزشی و انقلابی، تشکیل صندق های قرض الحسنه، همکاری در ساختن کتابخانه و ساختمان مخابرات در روستا

۴. از ابتدای پیروزی انقلاب، کلاس هایی در شهر مقدس قم دایر و بزرگانی چون: آیت الله خامنه ای (مقام معظم رهبری فعلی)، شهید بهشتی، شهید دکتر باهنر، آیت الله هاشمی رفسنجانی، آیت الله خزعلی، آیت الله جوادی آملی، آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله یزدی، عسکراولادی و تعدادی دیگر از اساتید در آن ها به تدریس در رشته های مختلف پرداختند و او نیز توفیق حضور در آن ها را به دست آورد.

پس از تشکیل دفتر تبلیغات اسلامی در قم، واحدی به نام «آموزش عالی» در آن راه اندازی و ایشان در دومین دوره آن که از سال ۱۳۶۴ شروع شده بود؛ شرکت کرد و به مدت چهار سال، دوره های مختلف علوم اسلامی، فلسفه، منطق، زبان عربی، علوم سیاسی و مدیریتی را پشت سر گذاشت و در سال ۱۳۶۸ از آن فارغ التحصیل گردید.

علاوه بر دروس آموزش عالی، در دروس اصلی و جنبی حوزه نیز به طور مستمر شرکت داشت و دوره های سطح مقدماتی، سطح متوسطه و سطح عالی را در نزد بزرگانی چون: «محقق کلاته ای»، «اعتمادی»، «بنی فضل»، «محقق داماد»، «صالحی مازندرانی»، «معرف» و «محامی خراسانی» طی کرد. سپس وارد دروس خارج شد و یک دوره کامل اصول فقه را در نزد استاد محبوب و به یادماندنی اش مرحوم «آیت الله العظمی صالحی مازندرانی (ره)» و دو سال در درس خارج فقه «آیت الله العظمی نوری همدانی» و ده سال در درس خارج فقه «آیت الله جوادی آملی» (حفظه الله تعالی) شرکت نمود.

وارسته‌ی چکنی، امامقلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۷۵ ق)، شاعر، متخلص به وارسته. معروف به ملا وارسته. در ری به دنیا آمد. از ایل چکنی و از رؤسای آن طایفه بود. وی به هند مسافرت کرد و مدت سی سال آنجا بود و عاقبت به وطن مراجعت نمود. در راه بازگشت از هند به قندهار رفت و در آنجا اوتارخان بیگلر بیگی قندهار را مدح کرد. وارسته در ۱۰۷۳ ق عازم اصفهان شد و نزد شاه عباس دوم (۱۰۷۷ -۱۰۵۲ ق) تقرب یافت. چندی نیز به یزد رفت و بعد از آن به اصفهان بازگشت و در آنجا درگذشت. مؤلف «تذکره‌ی نصرآبادی» سال مرگ وارسته را ۱۰۲۵ ق ذکر کرده است. از وی یک «مثنوی» در هجو شخصی به نام میر مظفر ترک که با او درگیری داشته، به جای مانده است. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر. صاحب «مؤلفین کتب چاپی»، کتاب «اصطلاحات الشعراء، مصطلحات الشعراء» را به او نسبت می‌دهد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر ۹۴/ ۱۰)، تذکره‌ی روز روشن (۸۶۴ -۸۶۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۳۶ -۳۳۵)، الذریعه (۱۲۴۸/ ۹)، ریحانه (۲۸۷ / ۶)، فرهنگ سخنوران (۹۶۷)، کاروان هند (۱۵۰۰ -۱۴۹۷ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ وارسته)، مجمع‌الفصحا (۱۰۷ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶۷۸/ ۶).

واسطی، ابوبکر محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف قبل از ۳۲۰ ق)، صوفی و شاعر. معروف به ابن‌فرغانی. اصل وی از فرغانه بود. در جوانی برای کسب حقیقت، از عراق راهی سفر شد و پس از سالها مسافرت، در مرو ساکن گردید. او از اصحاب جنید بغدادی و ابوحسین نوری است. واسطی در مرو درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (صفحات متعدد)، حلیةالاولیاء (۳۵۰ -۳۴۹/ ۱۰)، طبقات الصوفیه سلمی (۳۰۶ -۳۰۲)، طبقات الصوفیه هروی (۴۳۴ -۴۳۲)، نفحات الانس (۱۸۰ -۱۷۹).

واسطی، عبدالحمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحمید واسطی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای عبدالحمید واسطی در سال ۱۳۴۷ هجری شمسی، در خانواده‌ای مؤمن و متعهد چشم به جهان گشود. پس از اتمام تحصیلات متوسطه در سال ۱۳۶۵ در رشته «مهندسی عمران دانشگاه فردوسی مشهد» پذیرفته شد که در همان سال، انصراف داد و وارد حوزه علمیه مشهد گردید و به تکمیل دروس ادبیات و فراگیری دروس سطح پرداخت و در این دوره تحصیلی از اساتیدی چون: «آیت الله حجت هاشمی»، «حاج شیخ جواد مروارید»، «حاج شیخ مهدی مروارید» و «سید مهدی نقیبی» بهره‌های علمی فراوان برد.

پس از آن در درس خارج آیات عظام: «حاج میرزا علی فلسفی»، «شربیانی» و «علامه حسینی طهرانی» شرکت جست. علاوه بر «خارج فقه و اصول»، دروسی مانند: (بدایه، منظومه و اسفار) را از محضر بزرگانی چون: «علامه محمد تقی جعفری»، «شیخ عبدالمجید سالم» و «شیخ علی رضایی تهرانی» تلمذ کرد. در کنار تحصیل از تدریس آموخته‌ای خویش، از هیچ کوششی دریغ نفرمود و به تدریس دروس مقدماتی سطح، فلسفه اخلاق، حقوق، فلسفه سیاست، معرفت شناسی، هستی شناسی و ... پرداخت.

واسعی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علیرضا واسعی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

دوران کودکی را در شهر «ساری» پشت سر نهاده و برای تحصیل علوم دینی، به مشهد مقدس رفتم و از سال ۶۰ تا ۷۷، دروس حوزوی را از محضر اساتید بزرگوار آموختم و چند سالی پای درس علمای بزرگ، حضرات آیات: «فلسفی، زنجانی و سعیدی» خارج فقه و اصول را فرا گرفتم و سپس به شهر قم آمده و کم و بیش درس‌هایی را شرکت کردم و هم چنان به عنوان یک طلبه به آموزش مشغولم. با تحصیل در حوزه علمیه، دروس جدید را پی گرفتم و با اخذ مدرک کارشناسی در دانشگاه فردوسی مشهد، برای دوره کارشناسی ارشد به دانشگاه تهران، «دانشکده الهیات» رفتم و با گرفتن مدرک فوق لیسانس، به تحصیل در دوره دکتری در واحد علوم و تحقیقات تهران در رشته «تاریخ و تمدن ملل اسلامی» مشغول شدم و در سال ۸۴ موفق به اخذ مدرک (PH.D) گردیدم. تقارن تحصیلات حوزوی و دانشگاهی، مانع از فعالیت های آموزشی و پژوهشی نشد.

از سال ۶۳ به همراه آموختن، به تعلیم برخی دروس حوزه‌ای پرداختم. «ادبیات، منطق، اصول فقه و فقه» از جمله درس هایی بود که با آن درگیر بوده ام. از سال ۶۸ تحصیلی، با دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد ارتباط برقرار کرده و برخی از دروس اختصاصی را واگویه کردم. تدریس در دیگر مراکز آموزشی و موسسات پژوهشی آموزشی، از دیگر کارهای این جانب بوده که هم چنان ادامه دارد.

پژوهشگری، دغدغه دیگر این جانب بوده است. از سال ۷۰ رسما وارد فعالیت پژوهشی شدم و با همکاری با مجله «اندیشه حوزه مشهد»، کار خود را آغاز کردم و علاوه بر تصدی مدیریت گروه تاریخ آن موسسه پژوهشی، مقالاتی را منتشر ساختم و پس از آن در ارتباط با سازمان پژوهش های اسلامی تبلیغات اسلامی تهران، و سپس دفتر تبلیغات اسلامی مشهد، و دیگر مراکز، به پژوهشگری پرداختم و با آمدن به قم، در مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی به صورت تمام وقت با پژوهش پیوند یافتم.

محصول زمان های از دست رفته، مقالاتی در حوزه: «تاریخ، فلسفه تاریخ، جامعه شناسی و سیاست» بوده است که مهم ترین آنها عبارت است از: «جستجویی در قیام توابین»، «روابط خارجی پیامر (صلی الله علیه و آله و سلم) جریان شناسی دشمنی با امام علی علیه السلام»، «بررسی جامعه شناختی عصر امام حسین (علیه السلام) سنت عزاداری»، «سیاست و حکومت امام خمینی (ره) تاریخ نگاری و تاریخ پردازی» و ... بوده است.

واسعی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد واسعی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

درسال ۱۳۶۰ هجری شمسی همزمان با سال آخر دبیرستان، تحصیل در حوزه علمیّه «مرحوم آیهٔ الله مدنی کاشانی» را شروع نموده و کتبی مانند: (صرف ساده، هدایه، مبادی العربیه جلد ۲، منطق کبری و آداب المتعلمین) را فرا گرفتم و در سال ۱۳۶۱ با ورود به حوزه علمیّه قم در مدرسه «قدیریه» وابسته به مدرسه کرمانیها، کتبی مانند: (مبادی العربیه جلد ۴، منطق المظفر و تحریر الوسیله) را فرا گرفتم و سپس با عزیمت به حوزه علمیّه مشهد از سال ۱۳۶۲، کتبی مانند: (لمعتین، اصول فقه مظفر، رسائل و ادبیات عرب) را خدمت اساتید آن حوزه و نیز مکاسب را از نوارهای درسی استاد «پایانی» ازحوزه علمیّه قم و نیز کفایه را از نوارهای درسی «آیهٔ الله فاضل لنکرانی» فرا گرفتم.

سپس در درس خارج فقه و اصول: «آیهٔ الله میرزا علی فلسفی خراسانی» به مدّت یکسال بهره مند شدم و سپس در شهریور سال ۱۳۶۶ به قم بازگشتم و در دروس خارج فقه و اصول: «آیهٔ الله وحید خراسانی» و «میرزا جواد تبریزی» و «بهجت» (ادام الله ظلهم) شرکت نموده و می نمایم و نیز در سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰ در دوره مهارتهای تخصصی «تبلیغ» دفتر تبلیغات اسلامی قم شرکت نموده ام و نیز از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴ با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی همکاری تألیفی داشته و مقاله «فقه و عرف» در سال ۱۳۷۹در مجله قبسات و کتاب «علم و عالم از چشم انداز امام علی (ع)» در سال ۱۳۸۱ به چاپ رسیده و نیز کتاب «جایگاه عرف در فقه» در سال ۱۳۸۵ به چاپ رسیده است.

واسعی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدحسین بن العالم الجلیل آخوند ملا عبدالواسع قائینی از علماء محترم معاصر شهر ری بودند، وی در قائن متولد شده و تحصیلات خود را در زادگاه خود نزد دائی مرحوم قاضی که یکی از دانشمندان پارسا و زهاد بودند شروع نموده و در سن ۱۷ سالگی بدرس خارج مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید حسین فقیه معروف به (امام) که از شاگردان مبرز مرحوم آخوند خراسانی صاحب (کفایه الاصول) حاضر شده و استفاده نموده آنگاه به مشهد مقدس آمده و از محضر مدرسین و آیات آن سامان بهره‌مند شده آنگاه به نجف مشرف شده و بعد از مدتی به قم آمده و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و دیگران کسب فیض نموده، و مورد لطف مخصوص آیت‌اللّٰه بروجردی قرار گرفته و در سال ۱۳۲۸ شمسی بشهر ری اعزام و در محله حسین آباد (بی‌بی زبیده) در مسجد ملک افضلی به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته و ضمنا در مدرسه برهانیه شهر ری بتدریس فقه پرداخته تا در روز عید قربان ۱۳۸۹ ق که بدرود زندگی گفته، و با تشییع جنازه با شکوهی به قم و در دارالسلام مدفون گردیدند.

نگارنده گوید: مرحوم آقای واسعی از علماء متقی و متواضع عصر ما و دارای محامد آداب و محاسن اخلاق بودند و از بیت‌المال و سهم مبارک امام علیه‌السلام کمتر مصرف می‌نمودند.

از باقیات‌الصالحات ایشانست فرزند ارجمند ایشان ثقهٔ‌الاسلام حاج شیخ محمدعلی واسعی که در مسجد ایشان به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

واشقانی، فتحعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد فتحعلی واشقانی در سال ۱۳۰۹ در قریه واشقان از توابع فراهان اراک چشم به جهان گشود. در اوان کودکی نخست به فراگیری قرآن کریم و تحصیلات مکتبی و تمرین خوشنویسی پرداخت.اولین استاد او در خط، شادروان میرزا ذبیح ا..واشقانی بود که نسبتی نیز با فتحعلی جوان داشت. فتحعلی واشقانی در سال ۱۳۰۷ در کلاسهای آزاد خوشنویسی، نزد استاد سید حسن میرخانی به فراگیری خط نستعلیق مشغول شد. او در سال ۱۳۳۵ از واشقان به تهران مهاجرت کرد و در سال ۱۳۳۷ در کلاس های آزاد اساتید خوشنویس مرحوم «سید حسین و سید حسن میرخانی» به فراگیری خط نستعلیق مشغول شد.و به سرعت مدارج هنری و ظرافت ها و صلابت های خوشنویسی را آموخت و در اندک زمانی مورد تأیید اساتیدی چون «سید حسین میرخانی»، «سید حسن میرخانی» و «علی اکبر کاوه» قرار گرفت. وی در سال ۱۳۵۸ مقام استادی خط نستعلیق را خذ کرد و از بنیانگذاران انجمن خوشنویسان استان مرکزی است.گروه : هنررشته : خوشنویسیگرایش : نستعلیقخاطرات کودکی : استاد واشقانی فراهانی در اوان کودکی نخست به فراگیری قرآن کریم و تحصیلات مکتبی و تمرین خوشنویسی پرداخت.اولین استاد او در خط، شادروان میرزا ذبیح ا..واشقانی بود که نسبتی نیز با فتحعلی جوان داشت.نخستین سرمشق را میرزا ذبیح ا..بر لوح چوبین با عبارت: «اول کارها به نام خداوند» بر او تعلیم کرد تحصیلات رسمی و حرفه ای : فتحعلی واشقانی فراهانی اصول اولیه خط را نزد میرزا ذبیح ا... واشقانی فرا گرفت و در ادامه با حضور در کلاسهای آزاد خوشنویسی استاد سید حسن میرخانی در سال ۱۳۰۷ مدارج عالی خوشنویسی را طی کرد و بعد از مهاجرت به تهران نیز از محضر استادانی چون سید حسن و سید حسین میرخانی نیز بهره برد. و مقام استادی خط نستعلیق رادر سال ۱۳۵۸ از انجمن خوشنویسان کسب کرد.استادان و مربیان : از استادان و مربیان فتحلعلی واشقانی فراهانی در زمینه خوشنویسی میتوان به : میرزا ذبیح ا... واشقانی ، سید حسن میرخانی و سید حسن میرخانی اشاره کرد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : او در سال ۱۳۷۱ به عنوان نماینده جمهوری اسلامی ایران جهت اشاعه هنر خوشنویسی به کشور یمن رفت و در سال ۱۳۷۵ نیز به همراه سایر استادان به کشور جمهوری آذربایجان سفر کرد.در طی این سالها نیز استاد واشقانی در کنار استاد غلامحسین امیرخانی، استاد کیخسرو خروش، استاد عباس اخوین، استاد محمد سلحشور، استاد صداقت جباری و...جزو هیأت داوران انجمن خوشنویسان ایران در زمینه خط نستعلیق بوده است.وی همچنین به عنوان مربی و معلم خط نستعلیق در کلاسهای انجمن خوشنویسان ایران از سال ،۱۳۴۶ نیز فعالیت کرده استفعالیتهای آموزشی : واشقانی از سال ۱۳۴۶ به عنوان مربی و معلم خط نستعلیق در کلاسهای انجمن خوشنویسان ایران به تعلیم هنر جویان پرداخت.این همکاری تاکنون بی وقفه ادامه داشته و عرصه تعلیم این هنر را به زادگاه خویش نیز کشانده است.در طول سالها تدریس، واشقانی هنرجویان بسیاری را تعلیم داده و بسیاری از او تعلیم دیده اند و مدارج عالیه را طی کرده و برخی نیزبه تعلیم شاگردانی همت گماشته اند.فتحعلی واشقانی در سال ۱۳۵۸ رسماً از سوی انجمن خوشنویسان ایران به مقام استاد نستعلیق نایل آمد. فتحعلی واشقانی پس از پیروزی انقلاب نیز در بهمن ماه ۱۳۵۹ با تأسیس کلاسهای رسمی خوشنویسی در شهرهای اراک، خمین، محلات، دلیجان، آشتیان و تفرش سطح خوشنویسی در این مناطق را ارتقا داد. او در سال ۱۳۷۱ به عنوان نماینده جمهوری اسلامی ایران جهت اشاعه هنر خوشنویسی به کشور یمن رفت و در سال ۱۳۷۵ نیز به همراه سایر استادان به کشور جمهوری آذربایجان سفر کرد. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : استاد فتحعلی واشقانی از بنیانگذاران انجمن خوشنویسان استان مرکزی است که از بدو تأسیس تا کنون، زحمات فراوانی را در حفظ و تعالی تربیت هنر جویان متحمل شده وچونان چراغی روشنگر راه رهروان این هنر اصیل بوده است.جوائز و نشانها : در سال ۱۳۶۷ با استناد به آثار قلمی و نمایشگاه و فعالیتهای فرهنگی هنری که در این سالها از واشقانی به جای مانده بود، نشان درجه یک هنری توسط وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

به استاد اعطا شد همچنین چندی پیش در کنار ۹ نفر از پیشکسوتان صنایع دستی استان مرکزی که زادگاه آنان در این استان است،از واشقانی هم تجلیل و قدردانی شد. این هنرمندان از سوی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان مرکزی مورد تقدیر قرار گرفته و لوح و تندیس نقره دریافت کردند.بی جهت نیست که خانه صنایع دستی و نگارخانه مهمی را در شهر اراک، به نام استاد «فتحعلی واشقانی» نامگذاری کرده اند.

آثار : تالیف آیت مهر تالیف چشمه خورشید کلک مشکین ویژگی اثر : تالیف جلد ۱ و ۲۴ نام حق جلی قلم و دیوان حافظ نگارش ترجمه کامل قرآن منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

واصف مشهدی، ابراهیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به واصف. به آورده‌ی نصرآبادی اهل مشهد و مدتی در خدمت میرزا محسن متولی آستان قدس رضوی بود. سپس ترک ملازمت وی را گفت و مشغول به تحصیل گشت. در زمان تألیف «تذکره‌ی نصرآبادی» (۱۰۸۳ ق) در راه سفر به هند، در بندرعباس درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۹۹)، الذریعه (۱۲۴۹/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۶۸)، لغت‌نامه (ذیل/ واصف مشهدی)، مطلع الشمس (۴۴۹/ ۲).

واصف، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

درگذشت: ۲ آبان ۱۳۷۵.

محمد بن ابی‌القاسم الجیلانی، معروف به شیخ محمد واصف لاهیجی– در فقه، اصول، فلسفه، منطق کلام، درایه، ریاضی و فیزیک استاد بود لذا اکثر علوم را به نظم کشید. وی بیش از هفتصد اثر از خود به جای گذاشت که بالغ بر دویست اثر از آنها به طبع رسیده از جمله: دیوان اشعار؛ حضرت رقیه (س) (در حالات حضرت)؛ بیت الاحزان عاشقان (در موضوع حسن و عشق و غصه...)؛ راهنمای میراث؛ رسالهٔ الانسان (بهداشت صورت)، ارجوزهٔ القیامهٔ (بحث معاد)، دروس العقائد؛ دلیل البقاء (خواص بقاء از نظر اسلام؛ طب النب (ص)؛ اسرار الشهادهٔ؛ باب الولایهٔ؛ مناجات نامه؛ چهارده معصوم (ص)، ترایخ الائمه (ع)؛ زکاهٔ در اسلام و... کتاب احراق لانه‌های فساد (۱۳۳۱). باقی آنها به صورت خطی مضبوط است. واصف لاهیجی مسایل ریاضی ارث را در کتاب میراث خود حل نمود و مبتکر میراث شجری است. وی کتابی در رضاع دارد و رضاع و حج شجری است را مطابق با مذاهب پنجگانه تدوین نماید. او علم و هنر را درهم آمیخت. علامه واصف لاهیجی در سرودن اشعار علمی به زبان عربی تسلط داشت و برخی از علما او را عرب زبان می‌پنداشتند زیرا در نظم کشیدن مسائل علمی به زبان عربی مهارت فوق‌العاده‌ای داشت؛ کتابهای شواهد العقاید؛ دلیل البکاء الحب؛ شواهد الاولایه و... نموداری از گفتار فوق است. کتاب الفیهٔ علی هامش علم الامام (ع) را در اثبات علم حضوری امام به زبان عربی به رشته تحریر درآورد.

آیت‌الله واصف لاهیجی تدر زمان آیت‌الله بروجردی به اذن آن بزرگوار با همکاری روحانیت محترم منطقه، بیمارستان ولی عصر (ع) را بنا نمود.

حجه‌الاسلام و محقق عالیمقام آقای حاج شیخ محمد بن میرزا ابی‌القاسم آستانی مشهور به واصف در سال ۱۳۲۵ شمسی متولد شده و بعد از تحصیلات دوره متوسطه در سال ۱۳۳۳ شمسی به عزم فراگرفتن علوم عالیه اسلامی وارد حوزه مقدسه علمیه قم گردیده و پس از دیدن مقدمات و سطوح در مدت چهار سال به درس خارج مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر شده و مدت ۸ سال از آن نابغه فقاهت استفاده کرده و ضمنا به تدریس بعضی از کتب سطحیه از قبیل رسائل و مکاسب پرداخته و بعد از فوت مرحوم بروجردی از آیات دیگر نیز استفاده نموده و بیشتر اوقات خود را به تالیف کتب علمیه و به مقالات دینیه می گذراند.

مولف گوید. علامه واصف گیلانی از دانشمندان وارسته و فضلاء برجسته عالمی فاضل و نویسنده‌ای کامل و دارای مقام علم و تقوا و ملکات فاضله و اخلاق حسنه است.

و آثاری که تاکنون از ایشان منتشر شده از این قرار است:

۱– پیرامون زندگانی امیرالمومنین علیه‌السلام ۲– راهنمای میراث لمعه ۳– زکوه در اسلام ۴– هامش الحاشیه ۵– حسن و حسین علیهماالسلام ۶– انقلاب مقدس حسین علیه‌السلام ۷– از چه شخصی باید تقلید کنیم ۸– احراق لانه‌های فساد ۹– شراب ننگین منظوم ۱۰– فاطمه زهرا از نظر آیات قرآن ۱۱– فاطمه زهراء از نظر روایات اهل سنت ۱۲– توضیح المراح ۱۳– راهنمای شرح نظام ۱۴– چهارده معصوم منظوم ۱۵– افیونیه در مذمت تریاک کشیدن ۱۶– بشر و آزادی ۱۷– حقایق گفتنی ۱۸– یگانه دختر رسول خدا علیهاسلام ۱۹– رساله در توضیح معنای جعل ۲۰– فضیلت علم و عالم در اسلام ۲۱– الانسان واللحیه با ترجمه‌های متعدد ۲۲–

راهنمای علم اعلال ۲۳- راهنمای تصریف ۲۴- در اعلال بی‌نقطه ۲۵- طب النبی ۲۶- یادی از گذشته منظوم ۲۷- تجدد و عوام فریبی ۲۸- المناجات المنظوم ۲۹- تاثیر دعا از نظر ابن‌سینا ۳۰- حاشیه بر رسائل مبحث قطع ۳۱- کفایه المیزان در منطق ۳۲- به مناسبت زمین خواری ۳۳- اسرار دخترکشی عرب در جاهلیت ۳۴- عود کثیری از جزوات و مقالات و مقدمات و الشجریات.

مولف محترم کتب و رسائل بسیار دیگری نوشته و آماده برای طبع دارد که از آنها الفلک المستبد بسیار نفیس و ارزنده است که به نظر این بنده قاصر رسیده است و تاکنون مثل آن را ندیده‌ام.

۲- ترجمه لمعه شهید اول ۳- بضعهٔ النبی صلی الله علیه و آله در سه مجلد ۴- احراق لانه‌های فساد جلد دوم ۵- راز فداکاری سالار شهیدان علیه‌السلام ۶- فی حوله الدم المتوسط ۷- ترجمه علل الشرایع در دو جلد ۸- الفیه در اخلاق و آداب النفس ۹- الفیه در اصول الفقه ۱۰- شرح مبحث البرائه فارسی ۱۱- شرح مبحث استصحاب ۱۲- رساله در تحقیق ماوضع له الکل ۱۳- فی هامش علم الامام ۱۴- دیوان اشعار بیش از ده هزار بیت ۵۱ رساله فی العقود ۱۶- شمع الجمع فی نعت الائمه الاطهار ۱۷- دروس الاعتقاد ۱۸- تعبیر الرویا منسوب به امام صادق علیه‌السلام ۱۹- رساله فی المقادیر ۲۰- پیام قرآن ۲۱- راهنمای علم الکتابه ۲۲- چگونه به جهان دیگر راه توان یافت ۲۳- ثقات الرجال مشجرات ۲۴- منظومه فی الکلام ۲۵- منظومه فی الصرف ۲۶- محرمات النکاح ۲۷- اندیشه‌های نوابغ ۲۸- رساله‌ای در لبس خز ۲۹- تاریخ کشفیات و اختراعات ۲ جلد ۳۰- منظومه در منطق فارسی ۳۱- اصطلاحات العلوم الشرعیه ۳۲- تقریرات اساتیدش در فقه و اصول.

مترجم گرامی ما در امور اجتماعی نیز فعالیتهائی نموده و مساجد و درمانگاه و انجمنهای دینی و کتابخانه و چاپخانه و غیره تاسیس نموده‌اند ادام‌الله توفیقه.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

واصل لاهیجی، محمد امین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۱۱۵ ق)، شاعر، متخلص به واصل. اهل لاهیجان بود. پس از تحصیل علوم، از گیلان به تبریز رفت و مدتی از مقربان میرزا ابراهیم، وزیر آذربایجان گردید. بعد از آن عازم مشهد شد و در آنجا با ملا محمد امین اسطرلاب‌ساز همنشینی و مباحثه داشت. وی سپس به اصفهان رفت و در مدرسه‌ی حاج محمدباقر مهابادی ساکن و به ادامه‌ی تحصیل مشغول شد و در همین شهر نیز درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر. صاحب «الذریعه»، مثنوی «خلوت راز» را که بر وزن «تحفهٔالعراقین» است، به وی نسبت می‌دهد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ المعاصرین (۳۶۹ -۳۶۷، ۲۰۸)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۵۳ -۳۵۲)، الذریعه (۱۲۵۰ -۱۲۴۹ / ۹)، ریحانه (۲۹۰/ ۶)، فرهنگ سخنوران (۹۶۸)، لغت‌نامه (ذیل/ واصل لاهیجی).

واصل یزدی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۰ ش)، شاعر. ملقب به قیصری. از آثار وی: «دیوان» شعر. از اوست:

آن زلف دلاویز تو آرام دل است

سرو از قد دلربای تو پا به گل است

گه مهر درخشانی و گه ماه منیر

شمس و قمر از پرتو رویت خجل است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۷۷۲ -۷۷۰)، الذریعه (۱۲۵۰/ ۹).

واصلی بخارایی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از شعرای بخارا بود که با سام میرزای صفوی (م ۹۷۵ ق)، مؤلف «تحفه سامی»، معاصر بود. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

آن گردباد نیست به گرد سرای تو

سرگشته‌ای است رقص‌کنان در هوای تو

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۳۰۸ -۳۰۷)، الذریعه (۱۲۵۰/ ۴)، فرهنگ سخنوران (۹۶۹)، لغت‌نامه (ذیل/ واصلی بخارایی)، هفت اقلیم (۴۳۶ -۴۳۵/ ۳).

واصلی تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اهل تبریز و به شغل ابریشم‌فروشی مشغول بود که بعدها به بازرگانی پرداخت. گویند اشعار نیکویی می‌سروده و در جوانی درگذشته است. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

مشکلی هست ز سر دهنت در دل ما

تا نگویی سخنی، حل نشود مشکل ما

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۳۰۹)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۱ -۳۹۰)، الذریعه (۱۲۵۰/ ۹)، لغت‌نامه (ذیل/ واصلی تبریزی).

واصلی شاهجهان آبادی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۰۰ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به واصلی. اصلا ایرانی بود و در دهلی به دنیا آمد. وی شعر می‌گفت و از موسیقی آگاه بود و چون نسبت به شاه واصل ارادتی داشت، واصلی تخلص می‌کرد. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۷/ ۱)، الذریعه (۱۲۵۰/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۶۹)، نتایج‌الافکار (۷۶۹ -۷۶۸).

واصلی شیرازی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۲ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به واصلی. وی خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و در سرودن شعر نیز دست داشت. صاحب «آثار عجم» آورده که اشعارش در حدود پنج هزار بیت و متفرق است و ماده‌ی تاریخ وفات او را چنین گفته:

کلک فرصت بهر تاریخش نوشت

«واصلی در قرب یزدان واصل است»

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۷۱)، احوال و آثار خوشنویسان (۶ -۵ / ۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۷۸/ ۵)، الذریعه (۱۲۵۰/ ۹)، مرآت‌الفصاحه (۶۸۲ -۶۸۱)، موادالتواریخ (۴۰۵ -۴۰۴).

واصلی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی واصلی

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده سید مهدی فرزند مرحوم حاج سید ابوالقاسم فرزند مرحوم حاج سید علی واعظ قزوینی به سال ۱۳۷۵ هجری قمری برابر ۱۳۳۴ شمسی در خانواده ای علمی مذهبی در کربلای معلا متولد شدم. پدرم از خطبای محترم کربلا به شمار می رفت و مادرم صبیه مرحوم حاج سید کاظم طبسی حائری از علماء و خطبای کربلا بود. پس از گذراندن دوره دبستان در مدرسه ایرانیان مقیم کربلا (که هر دو زبان فارسی و عربی تدریس می شد) از سیزده سالگی به حوزه علمیه کربلا پیوستم و از محضر اساتید گرانقدری

همچون: «شیخ جعفر رشتی»، «شهید شیخ عبدالرضا صافی» و «دائی معظم حاج سید محمد رضا طبسی حائری»؛ مقدمات علوم ادبی، فقه، منطق، تفسیر، کلام و اخلاق را فرا گرفتم.

در سال ۱۳۹۱ ق، بر اثر طغیان حزب بعث عراق علیه شیعیان و از هم پاشیدن حوزه های علمیه آن دیار، همراه مرحوم پدرم و سایر افراد خاندان به ایران هجرت نمودم و در قزوین ساکن شدم. در حوزه علمیه قزوین از محضر اساتید معظم: «حاج سید جواد علوی»، «حاج شیخ محمود شریعت مهدوی»، «حاج میرزا رحیم سامت»، «حاج سید عباس ابوترابی» و «حاج شیخ محمد مظفری» (قدس سرهم)، درس های سطح و خارج را فرا گرفتم.

در کنار تحصیل، به تدریس و اقامه جماعت و سخنرانی های مذهبی و تالیف برخی آثار و اهتمام به تاسیس صندوق قرض الحسنه پرداختم. سپس در سال ۱۴۰۱ قمری برابر ۱۳۶۲ شمسی به حوزه علمیه قم پیوستم و از محضر آیات عظام: «حاج شیخ مرتضی حائری یزدی»، «حاج شیخ حسین وحید خراسانی»، «حاج سید محمد روحانی» و «حاج سید محمد علی موحد ابطحی» در فقه و اصول و رجال بهره ها بردم. هم اکنون به تالیف و تدریس اشتغال دارم و در اوقات تعطیل در قم و بعضی از شهرها به سخنرانی های مذهبی می پردازم.

واعظ خراسانی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی فرزند کربلائی حسینعلی (والد ماجد حاج شیخ عبدالحسین واعظ معاصر خراسانی نجفی) از اکابر علماء و محدثین و اعاظم وعاظ و خطباء عصر خود در نجف اشرف و از مصادیق واقعی یکی از قوام الدنیا (عالم ناطق مستعمل لعلمه) بوده است.

تولدش در سال ۱۲۷۵ قمری در یکی از روستاهای نیشابور به نام سیمان بوده و مادرش قبل از ولادتش در خواب می‌بیند که درختی از پشت او روئیده و سر به طرف آسمان کشیده و بلند و بارو گشته است. پس با وحشت از خواب برخاسته و به مشهد نزد بعضی از علماء رفته و خواب خود را می گوید آن عالم می‌فرماید: ناراحت مباش خدا به تو پسری مرحمت می کند که از علماء و دانشمندان خدمتگزار به اسلام خواهد بود.

ایشان در قریه سیمان مذکور نشو و نما یافته و به خواندن قرآن مشغول و پس از خواندن دروس مکتبی قدیم در اوائل بلوغ به تحصیل علوم عربیه دینیه پرداخته و برای ادامه به آن به سبزوار عزیمت و در آنجا مقدمات را خوانده و ضمنا از همان اوان به روستاهای سبزوار برای تبلیغ و ذکر مصائب سالار شهیدان به منبر رفته و ترویج دین نموده تا در سال ۱۳۱۱ قمری در سن ۳۶ سالگی مهاجرت به نجف اشرف و از آنجا در عهد ریاست میرزای بزرگ به سامرا عزیمت و به محضر آن بزرگوار رسیده و مورد تفقد و عنایت خاص ایشان قرار گرفته و سپس به نجف اشرف برگشته و مشغول به تحصیل شده تا به درجه عالیه علم رسیده و همواره منبر رفته و با مواعظ حسنه خود مستعمین و بالاخص روحانیون را مستفیض و بهره‌مند می‌نمود.

اساتید ایشان چنانچه فرزند اکبرش حجهْالاسلام حاج شیخ محمدتقی واعظزاده فرمودند علامه کبیر حاج شیخ محمدحسن مامقانی و آیت‌اللّٰه آقا سید محمدکاظم یزدی صاحب عروه و آخوند خراسانی صاحب کفایه قبل از پیدایش مشروطه بوده است.

ایشان مجالس آیات عظام در ایام عاشورا و غیره را اداره می‌نمود و منبر می‌رفت و عموما از بیاناتش مستفیض می‌شدند اهل حال و معنویت بود.

نگارنده شبی موقع سحر که مشرف به حرم مطهر می‌شوم از درب مسجد هندی که از مساجد معروف نجف و محل نماز جماعت بزرگانی چون حاج شیخ علی زاهد قمی و حاج سید عبدالغفار مازندرانی و امثالهم بود و مجتمع کلیه آیات عظام گذشته و معاصر بود می گذشتم که صدای مناجات و ذکری مرا از رفتن متوقف نمود پس به مسجد هندی آمدم و دیدم گویا تمام مسجد در ذکر و مناجات است و همه با گوینده و ذاکری هماهنگ و می گویند ایاك نعبد و ایاك نستعین اهدنا الصراط المستقیم. پس وارد مسجد شدم در اثر صدا پیش رفتم در انتهای مسجد پشت ستونی آن مرحوم را دیدم مشغول نماز و با تمام وجودش آیات مذکور را تکرار می‌کند و آن محیط با او هماهنگی دارد. پیرمردان و معاصرین او از دانشمندان و غیره و بالاخص فرزند برومندش خاطرات عجیبی از او دارند.

باقیات الصالحات ایشان

از باقیات الصالحات ایشان دو فرزند ارجمندشان می‌باشند:

۱- حاج شیخ محمدتقی واعظزاده مقیم نجف.

۲- حاج شیخ عبدالحسین واعظ نجفی است که از معاودین نجف اشرف و گاهی در قم و اکثرا در مشهد مقدس اقامت و مردم را عموما و علماء را خصوصا از بیانات و مواعظ حسنه خود بهره‌مند می‌سازد، آن مرحوم در سال ۱۳۸۳ قمری در نجف اشرف از دنیا رفته و در جوار حضرت علی (علیه‌السلام) در صحن مطهر مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

واعظ خراسانی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ مهدی خراسانی از معاریف و وعاظ و محدثین معاصر و از موجهین و مطلعین سلسله اهل منبر و مورد توجه عموم طبقات بودند و سالیان دراز مردم خراسان و ایران را از کمالات و بیانات خود بهره‌مند ساختند تا در شب جمعه پنجم ربیع‌الاول ۱۳۷۰ ق وفات نموده و به موالیان خویش خاندان رسالت پیوستند و بعضی از دانشمندان در مرثیه او ابیاتی سروده که از آنها این بیت در ماده تاریخ اوست.

قلب پس بشکست و ساعد بهر تاریخش سرود

(مهدی ماحشر او با خواجه عالم بود)

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

واعظ ریاضی برازجانی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر، متخلص به ریاضی. از واعظان و خطیبان بود که علاوه بر جمع بین منبر و محراب، شاعری با ذوق نیز بود.

از اوست:

فراق لاله رویی کار من ساخت

مرا آخر به دام هجر انداخت

ریاضی صبر بنما ناله کم کن

که کس داروی درد هجر نشناخت

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی طلعت (۱۰۳ -۱۰۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۵۷/۲).

واعظ شوشتری، حسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین بن ملا محمد واعظ شوشتری عالمی جلیل از اصحاب سید مجاهد بوده و در حدود ۱۲۳۰ وفات نموده.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

واعظ قاینی، علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، عالم دینی، واعظ، ادیب و شاعر. از فضلا و فصحای بزرگ امامیه در خراسان در سده‌ی نهم قمری می‌باشد. در وعظ و خطابه او را از اقران و امثال ممتاز دانسته‌اند. او معاصر با سلطان حسین میرزای بایقرا است و مشهور است که چون سلطان، در ۸۷۳ ق، در ابتدای دولت خود خواست در خطبه اسامی ائمه معصومین (ع) را ذکر کند، به امیر سید علی که شیعه‌ی امامی مذهب بود فرمان داد که خطبه بخواند، اما هجوم اهل تسنن و عوام هرات به مرتبه‌ای رسید که او را از منبر به پایین کشیدند. وی را صاحب حافظه‌ای قوی دانسته‌اند تا آنجا که می‌گویند با یک مرتبه شنیدن قصیده‌ای همه آن را به خاطر می‌سپرد. او همچنین شاعری خوش قریحه بود و در مدح ائمه معصومین (ع) قصایدی دارد. وی در نیشابور درگذشت و در همانجا به خاک سپرده شد و به روایتی در روستای آفریز بیرجند مدفون است. از آثارش: «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۲۴۶ -۲۴۴)، بهارستان (۲۱۱ -۲۰۸)، تاریخ نظم و نثر (۳۲۹)، الذریعه (۱۲۵۱/ ۹)، مجالس المؤمنین (۵۲۶ -۵۲۳/ ۱).

واعظ قزوینی، رفیع‌الدین محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۸۹ ق)، عالم امامی، واعظ، ادیب و شاعر، متخلص به واعظ. معروف به میرزا رفیعا. موصوف به ملا رفیع‌الدین یا ملا رفیع. از علمای امامیه و از ادبا و شعرا و فضلای قرن یازدهم قمری است. در وعظ و خطابه سرآمد بود و مدتها در مسجد جامع قزوین وعظ می‌گفت. او از شاگردان ملا خلیل قزوینی بود. از علم معقول حظی وافر داشت و در این علم کتابی به نام «ابواب الجنان»، در

هشت باب شروع کرد که بیش از یک یا دو باب آن را نتوانست بنویسد، پس از مرگ او فرزندش، ملا محمد شفیع، آن را به اتمام رسانید. در بعضی از مآخذ وی نواده‌ی ملا فتح‌اللّه ذکر شده است. از دیگر آثارش: «الموعظهٔ»، در دو مجلد؛ «الحملهٔ الحیدریهٔ»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۲۱۰ -۱۲۰۴/ ۳)، ایضاح‌المکنون (۴۲۲، ۱۲/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۰۶ -۱۳۰۱/ ۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۷۲ -۱۷۱)، الذریعه (۱۲۵۲ / ۹) ۷۷، -۷۶/ ۱)، ریاض‌العارفین (۲۳۷)، ریحانه (۲۹۴ -۲۹۳/ ۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۲۲۸ / ۱۱)، فرهنگ سخنوران (۹۷۰ -۹۶۹)، الکنی والالقاب (۲۷۹ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ واعظ قزوینی)، معجم‌المؤلفین (۱۱۷/ ۱۱)، هدیهٔ‌الاحباب (۲۶۰)، هدیهٔ‌العارفین (۲۹۶/ ۲).

واعظ کبیر، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

وعاظ و معاریف این سلسله در عصر حاضر بودند در ۲۲ ذیقعده سال ۱۲۵۵ به دنیا آمده و در روز پنج‌شنبه ۲۸ رجب ۱۳۲۰ ق وفات نموده است.

حاج محقق در تاریخش گفته (بر عرشه منبر فلک گام نهاد) و از آثار او کتابی است به نام (بحرالمحیط) ذو کشکول العارفین.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

واعظ کرمانشاهی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی از وعاظ معروف و عالی‌مقام معاصر بودند و مدتی در مشهد مقدس سکونت داشتند منبری عرفانی داشته و اشعار و غزلیات بسیاری سرود و به (مظلوم) تخلص می‌نمود تا به نقل آقای مروج در صبح روز بیستم جمادی‌الثانیه سال ۱۳۴۷ ق در مشهد وفات و در حجره اول صحن کهنه طرف راست متصل به بازار مدفون شد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

واعظ موسوی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدعلی واعظ موسوی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد علی واعظ موسوی فرزند سید محسن در تاریخ بهمن ماه ۱۳۴۹ در خانواده مذهبی و روحانی در مشهد مقدّس متولد شدم. بعد از تحصیلات ابتدایی و راهنمایی به علّت گرایش به علوم اسلامی، تحصیل در حوزه علمیّه را انتخاب نمودم و دروس مقدّمات، متوسطه و خارج را در حوزه علمیّه مشهد گذراندم و از محضر اساتیدی مانند: «حضرت آیت الله شاهرودی»، «مرحوم آیت الله سعیدی کاشمری»، «آیت الله سیدان»، «آیت الله فلسفی» و ... استفاده نمودم.

در حال حاضر حدود هشت سال است که به عنوان مشاور تبلیغ، مسئول ستاد پاسخگویی به سؤالات و شبهات دینی (از یک سال قبل) در دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی مشغول خدمت می باشم. همچنین حدود پانزده سال است که در مناطق مختلف کشور به امر مقدّس وعظ و خطابه و تبلیغ اشتغال دارم.

واعظ هروی، عطاءاللّه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۸۱ ق)، واعظ و شاعر. از وعاظ شیعه ساکن هرات بود. او صاحب مثنوی مشهور «مختارنامه»، در شرح وقایع قیام مختار ثقفی در

خونخواهی شـهدای کربلا می‌باشد. وی در ۹۸۱ ق در هرات این مثنوی را به صورت کتابی مستقل تحت عنوان «روضهٔالمجاهدین» به نثر درآورد. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۹۶)، الذریعه (۲۸۸/ ۱۹ ،۷۲۸/ ۹ ،۳۰۳/ ۱۱).

واعظ یزدی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، محقق.

تولد: ۱۲۸۷، مهرجرد یزد.

درگذشت: ۱۳۷۰.

عبدالله واعظ یزدی متخلص به «شهودی»، فرزند غلامرضا از وعاظ و گویندگان بود. او عمر خود را در تحصیل علوم اهل بیت (ع) و تبلیغ معارف اسلام صرف کرد. تألیفاتش عبارتند از: رساله‌ای در منطق به فارسی، رساله‌ای در رد فلاسفه و صوفیه که دو جلد آن به نام معارف القرآن به چاپ رسید، رساله‌ای در مطالب متفرقه، و اشعاری که تمام آنها خطی و به چاپ نرسیده است.

عبدالّله فرزند مرحوم غلامرضا متخلص به (شهودی) از وعاظ نامی و گویندگان سامی معاصر مشهدند.

وی در سال ۱۲۸۷ شمسی در مهرجرد یزد (زادگاه آیت‌الّله العظمی حاج شیخ عبدالکریم یزدی) مؤسس حوزه علمیه قم تولد یافته و تحصـیلات مقـدماتی خود را در یزد فراگرفته آنگاه به عزم زیارت مشـهد مقـدس مشـرف به ارض اقدس شده و با برخورد کردن به عنایـات رضویه عزم رحیلش مبـدل به اقـامت گردیـده و تحصـیلات بعـدی خود را ادامه داده و از علمـاء عظـام و بـالخصوص مربی بزرگ مرحـوم آیت‌الّله آقـا میرزا مهـدی غروی اصـفهانی (ره) کسب فیض نموده و عمر خود را در علوم اهـل‌البیت علیهم‌السـلام و تبلیغ معـارف حقه صـرف کرده و تـا حال تحریر اشـتغال به این وظیفه حساس دارد و مردم خراسان و بلاد دیگر را از بیانات سودمند خود بهره‌مند می‌سازد.

دارای آثار و تألیفات عدیده به نامهای زیر می‌باشد.

۱- رساله‌ای در منطق فارسی ۲- رساله‌ای در رد فلاسـفه و صوفیه که تاکنون دو جلد آن به نام معارف‌القرآن به چاپ رسـیده است ۳- رساله‌ای در مطالب متفقه و اشعار که تمام آنها خطی است و به چاپ رسیده است ۳- رساله‌ای در مطالب متفقه و اشعار که تمام آنها خطی است و به چاپ نرسیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

واعظ یزدی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید یحیی احمدآبادی یزدی رحمه‌الّله علیه از بزرگان وعاظ و گویندگان نامی استان یزد و استاد اهل منبر و حدیث عصر خود بوده و بسیاری از مبلغین و محدثین افتخار شاگردی وی را داشته‌اند.

مرحوم حاج سید یحیی واعظ یزدی چند سفری در عصر مرحوم آیت‌الّله حایری یزدی و بعد از فوت ایشان به قم نموده و در مدرسه فیضیه و مسجد بالاسر و غیره مردم قم و بالاخص علماء و دانشمندان را از بیانات سودمند خود بهره‌مند نموده است.

آن مرحوم در بسـیاری از شـهرهای بزرگ ایران ماننـد اصـفهان و تهران و شـیراز و کرمـان و مشـهد و غیره برای تبلیغ و ارشاد مردم دعوت و در هر کجا خدمات ارزنده نموده و در بعضـی خاطره جالبی داشته است. از جمله مسافرت ایشان به کرمان در زمان مرحوم آیت‌الّله حاج میرزا محمدرضا فقیه کرمانی و سوءقصد نسبت به او و توسلش به حضرت صدیقه طاهره سلام‌الّله علیها و نجات وی را در جلد اول گنجینه ص ۲۴۱ یاد نمودیم.

وی بعد از ۱۳۶۲ قمری در یزد وفات نمود و به اجداد گرام خویش پیوست و در قبرستان (جوی هرهر) مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

واعظ، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: فقه و مبانی اسلامی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: فردوسی مشهد

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

واعظی نیا، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین واعظی نیا

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۲/۱۲

زندگینامه علمی

اینجانب حسین واعظی نیا فرزند اکبر در شهرستان تربت حیدریّه به دنیا آمدم. پدرم برای تحصیلات فرزندان خود به مشهد مهاجرت کرد. بنده بعد از پایان دوره ابتدایی سال ۵۶ در مدرسه علمیّه جناب آقای موسوی نژاد که از مدارس موفّق حوزه علمیّه مشهد بوده و هست؛ آغاز به تحصیلات حوزوی کردم و مقدمات و سطح تا لمعه در آنجا طی کردم. شروع طلبگی همزمان بود با شروع انقلاب اسلامی و به دلیل تعلق خاطر و فعّالیّت هایی که در خانواده ما نسبت به امام و شاگردان ایشان علی الخصوص «آیت الله خامنه ای» در مشهد بود؛ حضور پر رنگی در انقلاب و جریانات انقلاب داشتم.

دروس رسائل، مکاسب و کفایه را در محضر اساتید بزرگوار حوزه حضرات: مرتضوی، رضا زاده و گنجی استفاده کردم. و از سال ۶۳ به مدت ۱۵ سال دروس خارج فقه و اصول را از محضر اساتید بزرگوار: مرحوم آیت الله فلسفی، مرحوم آیت الله علم الهدی و آیت الله مرتضوی استفاده کردم. تحصیلات غیر حوزوی را در حاشیه دروس حوزه مشغول بودم و پس از اخذ دیپلم در سال ۷۰ در دانشگاه فردوسی تا سال ۷۴ رشته «پژوهشگری علوم اجتماعی» خواندم.

واعظی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد واعظی

محل تولد : شهر ری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

دیپلم ریاضی را در سال ۱۳۵۹ اخذ کردم، شروع تحصیلات حوزویم تابستان سال ۱۳۵۹ بود. البته از دو سال قبل در تابستانها نزد یکی از طلابی که دانشجوی رشته فیزیک بود؛ ادبیات عرب می خواندم. سال ورود به حوزه علمیه قم ۱۳۶۱ و اتمام سطح در سال ۱۳۶۵ می باشد. درس خارج فقه و اصول را در محضر اساتیدی نظیر حضرات آیات عظام: وحید خراسانی (۶۹ – ۶۵)، شیخ جواد تبریزی (۷۲ – ۶۵)، سید کاظم حائری به مدت ۶ سال استفاده کردم. به مدت ۶ سال بحث اصول فقه را در خدمت جناب حجهٔ الاسلام و المسلمین «صادق لاریجانی» بودم که محفلی خصوصی بود و تقریر مباحث شهید سید محمد باقر صدر (بحوث فی علم الاصول) محور بررسی بود.

فلسفه (بدایه و نهایهٔ الحکمه) را از محضر «حجت الاسلام و المسلمین فیاضی» و «حضرت آیت الله مصباح یزدی» بهره بردم (هر دو به صورت نوار) و یکسال در محضر «حسن زاده آملی» بخش هایی از اشارات بوعلی و جلد ۱ اسفار را استفاده کردم. عمده تحصیل فلسفه ام در محضر «آیت الله جوادی آملی» (حفظه الله تعالی) بود که به مدت قریب هفت سال چند مجلد از اسفار (۱ و ۲ و ۹) را آموختم که عمده مباحث در محفل خصوصی با حضور چند تن از فضلاء حوزه بود. از سال ۱۳۶۷ به طور جدی مباحث کلام جدید و فلسفه غرب و زبان تخصصی را آغاز کردم.

از سال ۱۳۶۶ تدریس در دانشگاه را شروع کردم که عمده آن تدریس دروس تخصصی نظیر کلام، فلسفه، فقه، فلسفه اخلاق و کلام جدید بود. تدریس در حوزه را از سالهای اول تحصیل داشته ام. از سال ۱۳۸۰ که جهت تدریس به مدت ۳ سال به انگلیس دعوت شدم؛ دو سال در دانشگاه «کمبریج دپارتمان شرق شناسی» به تدریس اشتغال داشتم. در ضمن آن در «کالج اسلامی لندن» در مقطع فوق لیسانس و نیز در حوزه علمیه لندن به تدریس اشتغال داشتم. تمام این تدریس ها به زبان انگلیسی القاء می شد. علاقه پژوهشی من ابتدا معطوف به «فلسفه عمومی غرب و مباحث کلام جدید» بود. از سال ۱۳۷۵ به طور همزمان در دو محور (هرمنوتیک و اندیشه سیاسی) به پژوهش پرداختم. ثمره این تحقیقات تألیفاتی در هر دو حوزه است. و هم اکنون نیز پژوهش جانبی من در کنار تدریس و تحقیق معمول حوزوی معطوف به هر دو حوزه است.

واعظی، فرج‌اللَّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ فرج‌اللَّه واعظی زنجانی از فضلاء و وعاظ و محدثین بزرگوار معاصر تهران است.

وی در یکی از مضافات زنجان متولد شده و مقدمات و ادبیات را تا حدودی در آن سامان خوانده، آنگاه به قم مهاجرت و سطوح وسطی و عالی را از حضرت آیت‌اللَّه العظیم نجفی مرعشی مد ظله و مدرسین دیگر بپایان رسانیده و شرکت در درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه حجت و آیات دیگر نموده و پس از ورود آیت‌اللَّه العظمی بروجردی نیز از محضر و دروس معظم له بهره‌مند شده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللَّه حجت قدس اللَّه سره منتقل به تهران گردیده و تاکنون بوظائف دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن و تدریس علوم دینی و بالاخص از طریق منبر و موعظه ارشاد مردم مینماید.

نگارنده گوید: جناب آقای واعظی از علماء با فضل و موصوف بکمال و تقوی و دارای مقام قدس و ورع و خالص در ولاء اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام می‌باشد و با منکرین و مخالفین ولایت تکوینی حضرت مولی الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب و ائمه‌ی معصومین علیهم صلوات المصلین و وهابی‌ها وطنی و سنی مآب‌ها مبارز و مخالف و مجادله حسنه نموده و مینمایند و حقیر که قریب چهل سال است ایشان را میشناسم جز متانت و پرهیزکاری و صفات حمیده از وی ندیده و ما رایت منه مذ عرفته الا جمیلا کثر اللَّه امثاله فرزند برومندی دارد که در سلک محصلین حوزه علمیه قم و از مشتغلین جدی حوزه میباشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

وافی اصفهانی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۹ ش)، شاعر، متخلص به وافی. در اصفهان به دنیا آمد وی اندکی تحصیل کرده، وارد مشاغل دولتی گردید. او شعر را نیک می‌سرود و از اعضاء انجمن ادبی کمال بود. از اوست:

ساقیا خیز و بده جامی از آن راحت روح

کز خماری تن و جانم به عذاب افتاده است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۵۲۶)، گلزار جاویدان (۱۶۸۵/ ۳).

وافی تبریزی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ح ۹۹۲ ق)، شاعر. از اهالی تبریز بود که از کودکی به کسب دانش پرداخت. او از ابتدای جوانی به شعر گفتن تمایل داشت و غزل را نیکو می‌سرود. گویند وی در اندک زمانی مشهور گشت و اشعارش در آذربایجان و عراق منتشر شد. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

کس در غم عشق تو دل شاد ندارد

عشاق تو را شاد کسی یاد ندارد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۳۵)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۱)، الذریعه (۱۲۵۳ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۷۰)، مجمع‌الخواص (۳۰۵).

وافی، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم وافی

محل تولد : یزد

شهرت : وافی یزدی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حجة الاسلام و المسلمین ابوالقاسم وافی یزدی در مهرماه ۱۳۱۴ در روستای حسین آباد، (حد فاصل یزد و رفسنجان) به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج محمود وافی از کشاورزان با تقوا و مؤمن یزد بود که به روستای حسین آباد آمده بود و در آنجا به زراعت، روزگار می‌گذراند. او که خود بخشی از دروس مقدمات حوزه‌های علمیه را فراگرفته بود، به مقام مرجعیت شیعه احترام بسیار می‌نهاد و همواره آرزو داشت فرزندانش به سلک روحانیت تشیع در آیند. مادر حجة الاسلام و المسلمین وافی نیز دختر مرحوم ملا محمد ابراهیم لاری معروف به «طرزجانی» از علمای بزرگ حوزه یزد بود.

حجة الاسلام و المسلمین وافی در پنج سالگی آموختن قرآن را آغاز کرد و سپس به دبستان و پس از آن به دبیرستان رفت. با اتمام آن به حوزه علمیه یزد رفت و دروس مقدمات و بخشی از دروس دورهٔ سطح را در آن حوزه عظیم علمی فرا گرفت. او در سال ۱۳۳۶ برای تکمیل تحصیلات خود به قم آمد و در دروس دورهٔ سطح استادان برجستهٔ دورهٔ خود شرکت کرد. پس از آن به درس خارج استادان بزرگ حوزه علمیه قم رفت و از محضر بسیاری، کسب فیض نمود. حجة الاسلام و المسلمین وافی، در سالهای تحصیل خود به محضر استادان و بزرگان بسیاری شرفیاب شد. او که تا «قوانین» را در حوزه علمیه یزد فراگرفته بود، با ورود به قم به درس شرح لمعه حضرات آیات: «شیخ علی پناه اشتهاردی»، «ستوده» و «صلواتی» رفت و سپس در درس رسائل «آیة الله مکارم شیرازی» و «آیة الله نوری همدانی» شرکت کرد. مکاسب را نیز در محضر «آیة الله مشکینی» و «آیة الله شهید بهشتی» آموخت و برای فراگیری کفایه به درس آقایان: سلطانی طباطبایی (ره)، حاج آقا رضا صدر (ره) و منتظری رفت.

با به اتمام رساندن دروس دورهٔ سطح، چند ماه در درس خارج فقه (کتاب القضاء) حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت کرد که متأسفانه عمر با برکت ایشان به پایان رسید و از درک فیض بیشتر محروم گردید، وی سپس به درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: شیخ مرتضی حائری، گلپایگانی، امام خمینی و محقق داماد «رحمة الله علیهم» رفت که بیشتر آن (حدود پانزده سال) در محضر آیة الله العظمی شیخ مرتضی حائری (ره) بود. او همچنین بخش‌هایی از مکاسب را از محضر حضرات آیات: اراکی و بهجت فرا گرفت. در بخش فلسفه و تفسیر نیز از محضر علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره) بهره برد. او بخشی از اسفار را در خدمت حضرت آیة‌الله جوادی آملی، شرح منظومه سبزواری را از محضر شهید مفتح و بخش منطق منظومه را از محضر حضرت آیة‌الله حاج شیخ یحیی انصاری شیرازی فرا گرفت.

حجة الاسلام و المسلمین وافی در سالهای تحصیل و پس از آن با طلاب فرهیخته و فاضل بسیاری رابطه دوستی داشت که از جمله آنها می‌توان از شیخ محمد حسین امراللهی نام برد. حجةالاسلام و المسلمین وافی در دوره اول و دوم مجلس شورای اسلامی با پیشنهاد و مشورت علمای بزرگ یزد و قم نمایندگی مردم یزد را عهده‌دار شد. وی هم اکنون نماینده مردم یزد در مجلس خبرگان و نیز تولیت مسجد مقدس جمکران را با حکم مقام معظم رهبری برعهده دارد.

واقفی مشهدی، علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، عالم و شاعر. اهل مشهد و برادرزاده‌ی خواجه محمد جان قدسی بود. گویند در علوم عقلی و نقلی، حدیث و تفسیر تبحر داشت. به آورده‌ی مؤلف تذکره‌ی «روز روشن» بعضی از تذکره‌ها خواجه علی را تخلص وی می‌دانند و عده‌ای واقفی را یک شاعر و خواجه علی را شاعری دیگر، ذکر کرده‌اند. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۵۱۰/ ۲)، تذکره‌ی روز روشن (۸۸۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۶۶)، الذریعه (۱۲۵۴/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۷۱)، مطلع الشمس (۴۵۰/ ۲).

والای قاجار، علینقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۰۷ ق)، شاعر، متخلص به والا. ملقب به رکن‌الدوله. چندی حاکم قزوین بود که در ۱۲۳۸ ق از این امر کناره گرفت، سپس حاکم خراسان شد. محمود میرزای قاجار در «سفینةالمحمود» آورده که در زمان تألیف این تذکره (۱۲۴۰ ق)، والا-به قزوین بازگشته و با وی معاشر و مصاحب بوده است. والا جزو شاهزادگانی بود که در زمان محمد شاه به زندان اردبیل منتقل شد و به همراه چهار شاهزاده توانست از آنجا فرار کند. سپس به روسیه رفت و از آنجا به عثمانی پناه برد و در بغداد ماندگار شد. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقةالشعراء (۱۹۶۱/ ۳)، الذریعه (۱۲۵۴/ ۹)، سفینةالمحمود (۳۱-۳۰/ ۱)، گلزار جاویدان (۱۶۸۷/ ۳)، نگارستان دارا (۲۸).

واله اصفهانی، محمدکاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۲۲۹ -۱۱۵۲ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به واله. در اصفهان به دنیا آمد. در جوانی برای تکمیل تحصیلات به عراق رفت و پس از بازگشت به اصفهان، حجره‌ای برای خود ترتیب داد و بعد از ساخته شدن تکیه‌ی والهیه به دستور حاج محمد حسین خان نظام‌الدوله، به آنجا نقل مکان کرد و تا پایان عمر همان جا زیست. واله از مشاهیر ادبا و شعرا و خوشنویسان خط تعلیق بود که از فنون عربی و ادبی و حکمت و عرفان نیز بهره‌ی کافی داشت. وی در ایام پیری، زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار را درک کرد و نزد او و رجال دولت آن زمان صاحب شهرت و حرمت بود. بیانی در «احوال و آثار خوشنویسان» آورده است": محمدکاظم واله نستعلیق را نیز خوش و استادانه می‌نوشت ".اثر مهم وی که هم‌اکنون در میان سنگ نوشته‌ها بی‌نظیر است، سنگ مزار آرامگاه او در تخت فولاد اصفهان می‌باشد که به دست خود نوشته و حرکات و استواری خط او را نشان می‌دهد. گویند پس از مرگ واله دیگر قطعات خط تعلیق دیده نشده است و به تعبیر فضائلی در «اطلس خط"»: خط تعلیق در اصفهان به دست واله بر سنگ مزارش نقش بست و برای همیشه بر خاک واله نشست ".از آثارش: «دیوان» شعر. از آثار خطی وی: یک نسخه شش دفتر «مثنوی» مولانا، متن به قلم نستعلیق کتابت خوش و عنوانها به قلم رقاع کتابت عالی، با رقم: «انا العبد محمدکاظم الواله الاصفهانی»؛ یک نسخه «کلیات» سعدی، به قلم کتابت عالی که بر دیباچه‌ی آن چنین آمده است: «... در این عهد که عهد کاتب کتاب محمدکاظم متخلص به واله اصفهانی است...»؛ پنج قطعه به قلم دو دانگ خوش، با رقم: «مشقه... محمدکاظم الواله الاصفهانی فی ۱۲۰۴ فی دارالسلطنه اصفهان» و «محمدکاظم الواله الاصفهانی فی ۱۲۲۵».[۱]

محمدکاظم واله‌ی اصفهانی یکی از هنرمندان و گویندگان اوایل عصر فتحعلی‌شاه می‌باشد که شهرتی پیدا کرد. از اعاظم و مشاهیر اصفهان بود، خط خوبی داشت و در علم ریاضی ماهر بود. سرجان‌ملکم سفیر کبیر انگلیس و مؤلف تاریخ ایران در یادداشتهای خود در باب ایران از واله‌ی اصفهانی به عنوان استاد و شاعر، حکیم و فرد کنجکاو و در باب مسائل سیاسی نام می‌برد. واله در ۱۲۹۹ ه.ق درگذشت و در تکیه‌ی والهیه (Valehiyya) که در اصفهان معروف است مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۷۵ -۱۲۷۳/ ۴ ۸۲۴، -۸۲۳/ ۳)، اطلس خط (۴۱۱ -۴۱۰)، تاریخ اصفهان (۱۲۵)، تذکرةالقبور (۴۶۵)، حدیقةالشعراء (۱۹۶۶ -۱۹۶۲/ ۳)، الذریعه (۱۲۵۵/ ۹)، ریحانه (۳۰۲ -۳۰۱/ ۶)، سفینةالمحمود (۲۲۳ -۲۱۱/ ۱)، شرح حال رجال (۲۵۸ / ۵)، فرهنگ سخنوران (۹۷۲)، گلزار جاویدان (۱۶۸۸ -۱۶۸۷ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ واله)، مجمع‌الفصحا (۱۱۵۶ -۱۱۵۵/ ۶)، مصطبه‌ی خراب (۲۱۲ -۲۱۰)، مکارم‌الآثار (۸۷۶ -۸۷۴/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۶/ ۵)، نگارستان دارا (۲۷۷ -۲۷۵)، یادگار (س ۳، ش ۹، ص ۲۶ -۲۳).

واله اصفهانی، یوسف

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، مورخ و شاعر، متخلص به واله. برادر میرزا محمد طاهر وحید و با نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) معاصر بود. در اواخر عهد شاه صفی (۱۰۵۲ -۱۰۳۸ ق) به امور دفتری و دیوانی روزگار می‌گذراند و در زمان شاه عباس دوم (۱۰۷۷ -۱۰۵۲ ق) به نوشتن ارقام و منشور اشتغال داشت. گویند در ۱۰۶۶ ق به وزارت توپخانه منصوب شد که تا زمان شاه سلیمان (۱۱۰۵ -۱۰۷۷ ق) در این منصب بود. واله در نظم و نثر تبحر داشت و خط را نیکو می‌نوشت. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از آثار او: «خلد برین»، که در ۱۰۷۸ ق تألیف شده و تاریخی است که از زمان خلقت آدم تا پادشاهی شاه سلیمان صفوی را شامل می‌شود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۲۲۱/ ۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۷۶ -۱۷۷۴/ ۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۶۲۰ -۶۱۶/ ۲)، تذکره‌ی روز روشن (۸۸۸)، تذکره‌ی نصرآبادی (۸۲)، الذریعه (۱۳۲۰ ،۱۲۵۵/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۹ ،۹۷۲)، لغت‌نامه (ذیل/ واله).

واله داغستانی، علیقلی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۷۰ -۱۱۲۴ ق)، تذکره‌نویس و شاعر، متخلص به واله. معروف به شش انگشتی. در اصفهان به دنیا آمد. از طایفه‌ی لزگی و داغستانی‌الاصل بود. گویند نسبش به عباس بن عبدالمطلب، عموی پیامبر اکرم (ص) می‌رسد. جد اعلای او در فتنه‌ی چنگیز به داغستان رفت. واله مدتی در خدمت سلطان صفوی بود و بعد از فتنه‌ی افاغنه در جوانی به هندوستان مسافرت کرد و به عهد محمد شاه (۱۱۶۱ -۱۱۳۱ ق) و احمدشاه (۱۱۶۷ -۱۱۶۱ ق) و عالمگیر شاه (۱۱۷۳ -۱۱۶۷ ق)، سلاطین هند، به منصب و لقب خان زمان بهادر ظفر جنگ رسید. وی به دو زبان ترکی و فارسی شعر می‌گفت و با امیر غلامعلی آزاد بلگرامی مصاحب و معاشر بود. او در

دهلی یا شاه جهان‌آباد درگذشت. سال درگذشت وی را ۱۱۶۵، ۱۱۶۱ و ۱۱۶۹ ق نیز ذکر کرده‌اند. از آثار وی: «ریاض‌الشعراء»، در ۱۱۶۱ ق؛ «دیوان» شعر، مشتمل بر چهار هزار بیت.[۱]

واله‌ی داغستانی علیقلی‌خان پسر محمدعلی‌خان شاعر و تذکره‌نویس معروف (و. اصفهان ۱۱۲۴ ه.ق ف. شاه جهان هند ۱۱۷۰ ه.ق) جد اعلای او در داغستان مقیم شد و خانواده‌ی وی در آن ناحیه صاحب قدرت و نفوذ گشتند. واله در سال ۱۱۲۶ ه.ق که پدرش بیگلربیگی ایروان شد با او بدان صوب رفت و پس از مرگ پدر با خانواده به اصفهان بازگشت و در آنجا به تحصیل مشغول شد. پس از هجوم افغانان به ایران و تصرف اصفهان (۱۱۳۵ ه.ق) زندگی واله و خانواده‌اش پریشان شد و در زمان نادر و کریم‌خان هم دچار سوانح گوناگون گردید و در عشق هم شکست خورد و ترک یار و دیار گفت و از راه خلیج‌فارس با کشتی به هند رفت و در آنجا ترقی کرد. محمدشاه و احمدشاه هندی به او منصب چهارهزاری و هفت‌هزاری و القاب دادند. مهمترین اثر او ریاض‌الشعرا می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ ادبیات در ایران (۱۸۰۲ -۱۷۹۷/ ۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۶۶۶ -۶۵۰/ ۱)، حدیقهٔالشعراء (۱۹۷۰ - ۱۹۶۷/ ۳)، الذریعه (۳۲۸ -۳۲۷/ ۱۱ ،۱۲۵۵/ ۹ ،۳۴ -۳۳/ ۴)، ریاض‌العارفین (۱۵۷)، ریحانه (۳۰۱ -۲۹۸/ ۶)، سفینهٔالمحمود (۶۶۳/ ۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۴۸)، فرهنگ سخنوران (۹۷۳ -۹۷۲)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۲۵۹۵/ ۳)، کاروان هند (۱۴۰ -۱۳۹/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ واله داغستانی)، مجمع‌الفصحا (۱۱۵۴ -۱۱۵۳/ ۶)، نتایج‌الافکار (۷۵۶ -۷۵۰).

واله فارسی، زین‌العابدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۰ ق)، متخلص به واله. اصلش از فیروزآباد فارس بود و در همان جا سکونت داشت. او شاعری درویش مسلک و از مداحان سلطان محمود خان ایلخان قشقایی بود. وی در فیروزآباد درگذشت. از اوست:

آنکه با تیغ جفا قتل منش مقصود است

گو بیا غارت جان کن اگرت این سود است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔالشعراء (۱۹۷۰/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۸۰ -۷۷۹/ ۵).

واله هروی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اهل هرات و از شاگردان ملا فصیحی انصاری (م ۱۰۴۹ ق) بود. در عهد شاه جهان (۱۰۶۹ -۱۰۳۷ ق) به هند رفت. در زمان قاسم خان جوینی، حاکم بنگاله، در آن دیار ساکن شد. او شاگرد و مصاحب میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی بود. به آورده‌ی «کاروان هند»، میرزا محمدصادق مینای اصفهانی در خاتمه‌ی «صبح صادق» گوید که واله هروی از دوستانش بوده و در ۱۰۴۸ ق در ارودیسه او را ملاقات کرده است. مؤلف تذکره‌ی «روز روشن» نام وی را محمد نوشته است. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۸۸۸ -۸۸۶)، الذریعه (۱۲۵۶/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۷۳)، کاروان هند (۱۵۰۶ -۱۵۰۳/ ۲).

والهی قمی، محمد یوسف

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از سادات قم و از شاعران معاصر شاه طهماسب صفوی (۹۸۴ -۹۳۰ ق) به شمار می‌آمد. وی شاعری هجاگو بود و بدین سبب اشخاص بسیاری را از خود رنجاند. گویند در غزل از روش شریف قزوینی و قاضی نوری اصفهانی پیروی می‌کرد و در موسیقی نیز مهارت داشت. از آثارش: «دیوان» شعر، شامل شش هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۵۹)، تذکره‌ی روز روشن (۸۹۰ -۸۸۸)، الذریعه (۱۲۵۷/ ۹)، عالم آرای عباسی (۱۸۳/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۹۷۴)، مجمع‌الخواص (۸۲)، هفت اقلیم (۵۱۷/ ۲).

والی بختیاری، نجفقلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به والی. با مؤلف «تذکره‌ی نصرآبادی» (ز ۱۰۸۳ ق) معاصر و معاشر بود. بعضی او را رشتی و برخی اصفهانی می‌دانند. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

پیراهن گل ریزه مقراض قبایی است

کز روز ازل بر قد حسن تو بریدند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۸۹۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۶۳ -۳۶۲)، الذریعه (۱۲۵۷/ ۹)، صبح گلشن (۵۸۵)، فرهنگ سخنوران (۹۷۴).

والی قاجار، نجفقلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۷۲ -۱۲۲۲ ق)، شاعر. ملقب به والی. به گفته‌ی «مکارم‌الآثار»، شاید به همین علت در اشعارش والی تخلص می‌کرده است. وی از نوادگان فتحعلی شاه قاجار است. سالها حکومت کهکیلویه و بهبهان را به عهده داشت. او در ۱۲۵۰ ق بعد از دستگیری پدرش به دست عمال دولت محمد شاه قاجار به اتفاق برادرش، رضاقلی میرزا نایب‌الایاله، به عتبات و از آنجا به استانبول و انگلیس رفت و دولت انگلیس برای آنها ماهیانه مبلغی قرار داد تا در عراق ساکن شوند. والی مدتها در بغداد زندگی کرد و در همانجا درگذشت. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقةالشعراء (۱۹۷۲ -۱۹۷۱/ ۳)، الذریعه (۱۲۵۷/ ۹)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۴۷۶، ۱۰۹۴/ ۲، ۷۶۶، ۷۶۴، ۷۴۸/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۹۷۴)، مجمع‌الفصحا (۱۲۷/ ۱)، مصطبه‌ی خراب (۲۰۲ -۲۰۱)، مکارم‌الآثار (۷۶۰/ ۳).

والی کردستانی، امان‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۴/ ۱۲۸۰ ق)، شاعر، متخلص به والی. معروف به غلام شاه خان و ملقب به ضیاءالملک. پدرش داماد فتحعلی شاه بود. والی دو بار حاکم کردستان شد و به مناسبت سرکوبی طایفه اورامی، که در محل اورامان سکونت داشتند، از طرف شاه مورد تقدیر واقع و به ضیاءالملک ملقب گردید. وی تمایلی به طریقه‌ی شیخیه داشته و صاحب کتابخانه‌ی معتبری بوده است. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ عضدی (۲۳۸)، تاریخ مشاهیر کرد (۲۹۰ -۲۸۷/ ۳)، حدیقه‌ی امان‌اللّهی (۴۷ -۱۳)، حدیقةالشعراء (۱۹۷۳ - ۱۹۷۲/ ۳)، الذریعه (۱۲۵۷/ ۹)، شرح حال رجال (۳۱/ ۵)، فرهنگ سخنوران (۹۷۴)، مجمع‌الفصحا (۱۱۳۱/ ۶).

والی، علی اشرف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۹ ش)، نقاش، مذهب و خطاط. در کرج به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه، وارد دانشکده‌ی هنرهای زیبا شد و از محضر استادانی چون: علی محمد حیدریان، رفیع حالتی، ابوالحسن صدیقی و اسماعیل آشتیانی بهره جست. او در به کار گرفتن طرحها و رنگهای مختلف، استادی تمام عیار است. آثار وی در ۱۳۴۲ ش به نمایش گذاشته شد و مورد توجه علاقه‌مندان بسیاری در کشورهای اروپایی و برخی ملل آسیای غربی و شبه قاره هند قرار گرفت. والی علاوه بر نگارگری، در خوشنویسی و تذهیب و صفحه‌آرایی متبحر است و در خوشنویسی پیرو شیوه‌ی زرین خط. او آثار متعددی از خود به یادگار نهاده و اثر مهم وی، طرح کتاب «ترجمهٔ الصلوهٔ» ملا محسن فیض کاشانی است که به خط استاد حسن زرین خط نگاشته شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کیهان فرهنگی (س ۴، ش ۲، ص ۴۸).

والیه، حُسن جهان

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. ملقب به والیه. مادرش فاطمه، مشهور به سنبل خانم است. والیه به عقد خسرو خان، والی کردستان درآمد. بعد از فوت شوهر در ۱۲۵۰ ق، کفالت حکومت فرزندانش را در کردستان به عهده داشت. او در شعر از لطافت طبع بهره‌مند بود و خود را از پیروان اهل طریقت و وابستگان عرفا می‌دانست. وی تا اواسط حکومت ناصرالدین شاه (۱۳۱۳ -۱۲۶۴ ق) در قید حیات بود. از او «دیوان» شعری باقی مانده است که به آورده‌ی «الذریعه» شامل هشتاد غزل می‌باشد. از دیگر آثار وی: منظومه‌ی «بساط نشاط».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از رابعه تا پروین (۱۱۰ -۱۰۹)، تاریخ عضدی (۳۱۹ ۲۳۸ ،۲۱)، حدیقه‌ی امان‌اللّهی (۴۶۶ -۴۵۷)، حدیقهٔالشعراء (۲۲۰۹ -۲۲۰۱/ ۳)، الذریعه (۱۲۵۷/ ۹)، ریاحین‌الشریعه (۱۴۹/ ۴)، زنان سخنور (۳۸۲ -۳۸۰/ ۲)، طرائق‌الحقائق (۳۲۵/ ۳)، مشاهیر زنان (۲۴۴ -۲۴۳).

وامق اصفهانی، محمدصالح

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. اصلش از اصفهان است. وی از شاعران عهد فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) بود و با تجارت امرار معاش می‌کرد. از آثارش: «دیوان» شعر، مشتمل بر چهار هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔالشعراء (۱۹۷۵ -۱۹۷۴/ ۳)، الذریعه (۱۲۵۸/ ۹)، ریحانه (۳۰۳/ ۶)، سفینهٔالمحمود (۲۲۷ -۲۲۵/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۹۷۵)، مجمع‌الفصحا (۱۱۵۵/ ۶)، مصطبه‌ی خراب (۲۱۰).

وامق یزدی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۷ ق)، شاعر، متخلص به وامق. مشهور به وامق‌زاده. از احفاد میرزا محمدعلی مدرس بود. تحصیلاتش را بیشتر در اصفهان گذراند و سپس سالها در یزد به امر تدریس پرداخت. وی را از عرفای بزرگ شیعه دانسته‌اند و گویند که در مقامات معنوی، صاحب مرتبه‌ای والا بود. او در یزد درگذشت و در مقبره جوی هرهر دفن شد. بعضی از مؤلفین، کتابی به نام تذکره‌ی «میخانه» را به او نسبت می‌دهند. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.[۱]

سید حسین وامق بن سید یحیی (فدائی) بن العالم عارف آقا میرزا محمدعلی وامق از دانشمندان بزرگ و علاوه از مراتب علمی در زهد و پارسائی نیز شخص مسلم بوده، وی بیشتر تحصیلاتش را در اصفهان نموده و سالها در یزد اشتغال به تدریس داشته و در مرتبه عرفان به حد کمال و از عرفای شیعه محسوب و صاحب مقامات معنوی بوده است. وی در سال ۱۳۰۷ ق در یزد وفات و در قبرستان (جوی هرهر) مدفون گردیده‌اند.

جد آن مرحوم آقامیرزا محمدعلی وامق از سادات حسینی حسنی یزد و از دودمان میرزا سعید یزدی بوده است ریحان اجمالی از ترجمه ایشان را به قلم خودش در ص ۳۴۸ کتابش نبشته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۱۰۷ -۱۰۶)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۳۳۱)، الذریعه (۱۲۵۹/ ۹)، ریحانه (۳۰۵/ ۶)، فرهنگ سخنوران (۹۷۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۶۲/ ۷).

وامق یزدی، محمد شریف

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی با میرزا محمدعلی وامق (م ۱۲۶۲ ق)، صاحب تذکره‌ی «میکده»، معاصر بود. خط نسخ را زیبا می‌نوشت و از شاگردان آقا محمدهاشم اصفهانی به شمار می‌آمد. وی در اصفهان درگذشت. از آثارش: «دیوان» شعر. از اوست.

افسوس که عمر رفت و جامی نزدیم
و اندر طلب نگار گامی نزدیم
از دست حلال زاده‌ای در گلزار
در پای گلی آب حرامی نزدیم

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (۵۶۶)، حدیقهٔالشعراء (۱۹۷۵/ ۳)، الذریعه (۱۲۵۹/ ۹).

وامق یزدی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۲ ق)، تذکره‌نویس و شاعر، متخلص به وامق. از سادات حسینی حسنی یزد و دودمان میرزا سعید یزدی است که در کرمان به دنیا آمد. در کودکی به یزد رفت و در مدرسه‌ی مصلی به تحصیل پرداخت. وی در حدود سی یا چهل سالگی به عراق عرب و عجم و خراسان و آذربایجان رفت و از علمای آن سامان استفاضه نمود. او در حکومت حاجی محمد ولی میرزا و پیشکاری عبدالرضا خان بافقی، تذکره‌ای تحت عنوان «تذکره‌ی میکده» یا «آشیانه‌ی میکده»، در ذکر شعرای یزد، تألیف کرد و بعدها به الزام عبدالرضا خان بافقی، تخلص خود را ساقی برگزید، ولی نهایتا دوباره تخلصش را به وامق تغییر داد. وی به بیماری و با درگذشت. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (۵۶۷، ۵۴۳، ۵۴۲- ۱۳۴، ۱۳۲-)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۳۳۹ -۳۲۶/ ۲)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۳۳۱ -۳۲۷)، حدیقةالشعراء (۱۹۷۹ -۱۹۷۵/ ۳)، الذریعه (۱۲۵۸/ ۹ ، ۵۰/ ۴)، ریحانه (۳۰۵ -۳۰۳/ ۶)، سفینةالمحمود (۲۲۴ -۲۲۳/ ۱)، گلزار جاویدان (۱۶۹۱/ ۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۶۲/ ۷)، مجمع‌الفصحا (۱۱۵۴/ ۶)، مصطبه‌ی خراب (۲۱۲)، نگارستان دارا (۲۷۲).

واهب اصفهانی، حسن

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به واهب. اصلش از مالمیر، از محلات کهکیلویه و نبیره‌ی خواجه نعمت‌اللّه مالمیری بود که در اصفهان رشد و نما یافت. وی در شعر و فن انشاء مهارت داشت. هنگامی که شاه عباس اول (۱۰۳۸ -۹۹۶ ق) مسجد جامع اصفهان را بنا نهاد، او قطعه‌ای تاریخی در مورد آن مسجد سرود. وی رباعیات سته میرزا محتشم را جواب گفته است. واهب مدتی به وزارت یزد منصوب شد و در آنجا نیز درگذشت. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۰۴۴ -۱۰۴۳/ ۳)، تذکره‌ی روز روشن (۸۹۳ -۸۹۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۸۵، ۱۰۹ -۱۰۸)، جامع مفیدی (۲۶۲ -۲۵۵/ ۳)، الذریعه (۱۲۵۹/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۷۵)، نتایج‌الافکار (۷۴۴).

وثوق، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم دکتر علی وثوق در سال ۱۳۰۴ در تهران متولد شد. وی در سال ۱۳۲۶ مدرک کارشناسی حقوق قضایی و در سال ۱۳۳۹ مدرک کارشناسی ارشد علوم اداری را از دانشکده حقوق دانشگاه تهران دریافت کرد. روانشاد دکتر علی وثوق دوره دکترای علوم سیاسی را نیز درهمان دانشکده طی کرد و در سال ۱۳۴۵ از رساله خود درباره حسابداری دولتی و امور مالی شهرداریها دفاع کرد. وی از همان زمان به عنوان استادیار، همکاری علمی خود را با دانشگاه تهران آغاز کرد و در سال ۱۳۵۵ درجه فوق تخصص رشته حسابداری را از دانشگاه کالیفرنیای جنوبی آمریکا دریافت کرد. فقید سعید دکتر وثوق از سال ۱۳۵۱ مدیریت بخش حسابداری دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران را به عهده گرفت و پس از چند سال تصدی معاونت دانشکده مزبور، ریاست این دانشکده را پس از انقلاب عهده دار شد و به مدت ۸ سال در این سمت انجام وظیفه کرد. روانشاد دکتر وثوق با اکثر دانشگاههای ایران همکاری داشت و آثار متعددی در زمینه های علمی و پژوهشی از وی به جای مانده است. وی عضویت در مجامع متعددی از جمله شورایعالی انقلاب فرهنگی، فرهنگستان علوم، و هیئت ممیزه مرکزی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری را به عهده داشت.

روانش شاد

یاد استاد

راه اندازی و برنامه ریزی دوره های کارشناسی ارشد و دکترای حسابداری و شناسایی این رشته در ستاد انقلاب فرهنگی و شورایعالی برنامه ریزی، مدیون زحمات و تلاش خستگی ناپذیر شادروان دکتر علی وثوق است؛ خدایش بیامرزد.

دکتر علی ثقفی ـ دانشگاه علامه طباطبایی

شادروان دکتر وثوق، استادی گرانمایه و دانشوری صاحب اندیشه بود که حق بزرگی بر گروه بسیاری از دانش آموختگان حسابداری در دانشگاه تهران، آزاد اسلامی و سایر مراکز آموزش عالی دارد.

دکتر رضا شباهنگ ـ واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد

او دانشمند، مهربان و دانشجو دوست بود.

دکتر غلامرضا اسلامی ـ دانشگاه تهران

مرحوم دکتر علی وثوق، استادی سختکوش و صاحبنظر بود و عمر خود را در راه اعتلای حسابداری سپری کرد؛ روانش شاد.

دکتر احمد مدرس ـ دانشگاه شهید بهشتی

استاد تا آخرین دقایق عمر با برکت خود، چون شمع، روشنایی بخش مجلس تعلیم و تربیت شاگردانش بود.

محمدحسن سعادتیان ـ از سازمان حسابرسی

استاد آموزگاری وارسته بود که معلمی را فدای مال دنیا نکرد.

موسی بزرگ اصل ـ از دانش آموختگان ایشان

مرحوم دکتر علی وثوق، علاقه وافری به تحقیق و تدریس دروس حسابداری مدیریت داشت و این ویژگی، در صرفه جویی بیت المال و کنترل هزینه ها در زمان ریاست وی در دانشکده مدیریت دانشگاه تهران قابل لمس بود.

تعدادی از همکاران ایشان در دانشگاه تهران

وثوقی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی برق، دانشکده: فنی، دانشگاه: تهران.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فیزیک از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۲، کارشناسی ارشد فیزیک از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴، دکترای تخصصی الکترونیک از دانشگاه پاریس فرانسه در سال ۱۳۵۱.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده فنی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح و ساخت کانال خطی برای اندازه‌گیری فلزی نوترون، طرح ساخت لیزر یاقوت، طرح و ساخت کانال لگاریتمی برای اندازه‌گیری فلزی نوترون و پروژه‌های دیگر، تدریس الکترونیک ۱، الکترونیک هسته‌ای ۲، الکتریسیته و مغناطیس و مدارهای الکتریکی در دانشگاههای تهران، امیرکبیر، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

تقویت کننده‌های عملیاتی و کاربردهای آن و میکروالکترونیک.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

منبع تغذیه ۵۰۰۰ ولتی، آشکارسازی نور مادون قرمز، اندازه‌گیری فلوی نوترون، لیزرهای یاقوت، الکترونیک.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

وثوقی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: بیولوژی و آبزیان، دانشکده: دامپزشکی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد بیولوژی آبزیان از دانشگاه یوهان ولف گان گوته آلمان، دکترای بیولوژی آبزیان از دانشگاه هامبوررگ آلمان، تخصص در رشته‌های جانورشناسی و ماهی‌شناسی و شیلات و پرورش زنبور عسل.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی اکولوژیکی دریای خزر، بررسی و شناسایی آبزیان استان سیستان و بلوچستان، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ماهیان آب شیرین، ماهی و ماهیگیری، بیماریهای زنبور عسل.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

شناسایی ماهیان ایران، شناسایی آبزیان ایران، بیماریهای زنبور عسل.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

وثوقی، منصور

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر منصور وثوقی در سال ۱۳۲۰ در برازجان بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکترای رشته جامعه شناسی از دانشگاه رنه دکارت سوربن-فرانسه در سال ۱۹۷۴ می باشد.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشکده جامعه شناسی دانشگاه تهران می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی منصور وثوقی به قرار زیر است: - دیپلم متوسطه طبیعی در سال ۱۳۳۹ - کارشناسی رشته علوم اجتماعی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴ - کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۶ - دکترای رشته جامعه شناسی دانشگاه رنه دکارت سوربن-فرانسه در سال ۱۹۷۴همسر و فرزندان : منصور وثوقی متاهل و دارای ۳ فرزند می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق شغلی و مدیریتی دکتر منصور وثوقی به قرار زیر است: - پژوهشگر بخش تحقیقات روستایی "موسسه مطالعات و تحقیقات دانشگاه تهران " از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۶ - پژوهشگر بخش تحقیقات روستایی" موسسه آموزش و تحقیقات تعاونی دانشگاه تهران "از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۴۹ - سرپرست بخش تحقیقات روستایی موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۷۱ - استادیار گروه آموزشی جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۶۹ -مدیر گروه جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۴ - معاون اداری و مالی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۷ - معاون آموزشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۵ - دانشیار گروه جامعه شناسی دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۹ تا کنون - مدیر گروه توسعه روستایی دانشگاه تهران از سال ۱۳۸۱ تا کنون - عضو انجمن بین المللی جامعه شناسان فرانسه زبان(A.I.S.L.F) - عضو انجمن جامعه شناسی ایران - عضو انجمن انسان شناسی ایرانفعالیتهای آموزشی : موارد مورد تدریس در دانشگاه: مبانی جامعه شناسی،جامعه شناسی روستایی،نظریه های جامعه شناسی،تغییرات اجتماعی،مسائل اجتماعی ایران،جامعه شناسی تاریخی ایران در مقطع کارشناسی ارشد: سمینار جامعه شناسی روستایی،اندیشه های اجتماعی معاصر،بینش های جامعه شناسی،نظام های بهرهبرداری در مقطع دکترا: جامعه شناسی ایران ،سمینار مسائل توسعه اجتماعی- اقتصادی ایرانچگونگی عرضه آثار : - تالیف ۵ عنوان کتاب - تالیف حدود ۱۰ مقاله بزبانهای فارسی و انگلیسی - همکاری در انجام بیش از ۱۰ طرح پژوهشی،انجام حدود ۱۰ طرح پژوهشیآثار : ۱ تعاونیهای روستائی منطقه تهران ویژگی اثر : موسسه اموزش و تحقیقات تعاونی ۱۳۴۸۲ تغییرات اجتماعی ویژگی اثر : پدیدآورنده: گی روشه، منصور وثوقی (مترجم) ناشر: نشر نی - ۱۵ مرداد، ۱۳۸۶ چاپ اول ۱۳۶۶،چاپ هفدهم ۱۳۸۴ انتشارات نی۳ جامعه شناسی روستایی ویژگی اثر : چاپ اول ۱۳۶۶،چاپ دهم ۱۳۸۲-انتشارات کیهان۴ جامعه شناسی قشرها و نابرابریهای اجتماعی، رشته علوم اجتماعی ویژگی اثر : پدیدآورنده: مهرداد رزاقی، منصور وثوقی (مترجم)، حسن ملک (مترجم) ناشر: دانشگاه پیام نور - ۱۳۸۳ ۵ مبانی جامعه شناسی ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور وثوقی، علی اکبر نیک خلق ناشر: بهینه - ۱۵ اسفند، ۱۳۸۶ چاپ اول ۱۳۷۰،چاپ بیست و دوم(ویرایش جدید)۱۳۸۳-انتشارات بهینه۶ مبانی جامعه شناسی ۱، رشته علوم اجتماعی ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور وثوقی ناشر: دانشگاه پیام نور - ۱۳۸۲ ۷ مفاهیم اساسی توسعه ویژگی اثر : در دست چاپ

منابع زندگینامه :تکمیل پرسشنامه توسط دکتر منصور وثوقی بنا به درخواست واحد آموزش بنیاد ایرانشناسی زمستان ۱۳۸۴

وجدانی فخر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۱۰.

درگذشت: ۲۸ مرداد ۱۳۷۵، تهران.

آیت‌الله وجدانی فخر از شاگردان علامه طباطبایی و حضرت امام (ره) بود و حدود چهل و هشت سال به تدریس سطوح مختلف علوم حوزوی در قم اشتغال داشت. از جمله خدمات وی تدریس بیست و دو دوره شرح لمعه بود که مورد استقبال طلاب قرار

می‌گرفت.

از آثار فقهی ایشان می‌توان به کتاب جواهر الفخریه (در شرح لمعه) اشاره نمود که در پانزده جلد به چاپ رسیده است. اثر دیگر ایشان الایضاح فی الطلاق و النکاح: مباحث تحقیقی درباره صیغه‌های نکاح و طلاق (قم، ۱۳۷۰) نام دارد.

آیت‌الله وجدانی فخر در شصت سالگی در تهران در بیمارستان خاتم الانبیاء دار فانی را وداع گفت و پیکر ایشان در حرم مطهر حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

قدرت‌اللَّه وجدانی فخر سرابی یکی از فضلاء برجسته و مدرسین شایسته و به نام حوزه علمیه قم می‌باشند. ایشان در حدود ۱۳۴۷ قمری در سراب متولد شده و پس از پرورش و خواندن اولیات و مقدمات در زادگاه خود و شهر تبریز و استفاده از دانشمندان آن دو شهر در سال ۱۳۶۵ قمری مهاجرت به قم نموده و سطوح متوسط و عالی را از محاضر مدرسین بزرگ آن روز که از آیات عظام و مراجع تقلید امروز شیعیانند استفاده نموده و در اواخر عمر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقای آقا سید محمدحجت صاحب مدرسه و مسجد (حجتیه) شرکت در جلسات درس آن مرحوم نموده و بعد از فوت آن مرحوم در سال ۱۳۷۰ قمری از محضر و درس اصول و فقه مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقای بروجردی و مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقا شیخ عبدالنبی عراقی که افتخار دامادی معظم له را نیز داشته) و حضرات آیات عظام شریعتمداری و نایب‌الامام آقای خمینی و آقای آقا نجفی مرعشی مدظلهم استفاده و بهره‌های کافی و وافی برده و ضمنا خود به تدریس متون فقه و اصول و منطق پرداخته و تاکنون چندین دوره شرح لمعه و رسائل و مکاسب و مطول و مغنی سبزواری را تدریس نموده و حد حدود دویست تا سیصد نفر طلاب و محصلین حوزه علمیه قم از دروسش استفاده می‌نمایند.

در مباحثه و تدریس بیانی شیرین و جامع و قاطع دارند و شاگردانش به خوبی درک مطالب را می‌نمایند.

آثار و تألیفات چندی دارد که دو جلد آن به نامهای زیر به طبع رسیده است.

۱- آداب معاشرت که ۱۶ سال قبل چاپ شده.

۲- اجتهاد که هشت سال پیش به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

وجدی خراسانی، محمد اسماعیل

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۳۲/ ۱۲۳۱ ق)، صوفی و شاعر، متخلص به وجدی. در ازغند، از توابع شاهان دز از محال مشهد رضوی، به دنیا آمد. سالها تحصیل کمال نمود و در به طریقه‌ی مشایخ ذهبیه کبرویه گروید و محضر بزرگانی چون میر عالم شاه هندی، سید قطب‌الدین نیریزی و آقا محمدهاشم ذهبی شیرازی و آقا محمد کازرونی را درک کرد تا به درجه‌ی کمال و مقام ارشاد رسید. از جمله مریدانش می‌توان به محمد زمان خان جلایر کلاتی و وحدت هزار جریبی اشاره کرد. وی در نظم به خصوص رباعی و مثنوی تبحر داشت. از آثار وی: «دیوان» شعر. صاحب «الذریعه» کتاب «الرسائل العرفانیه» را به او نسبت می‌دهد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ‌الشعراء (۱۹۸۰ -۱۹۷۹/ ۳)، الذریعه (۲۵۰/ ۱۰ ،۱۲۶۱ -۱۲۶۰/ ۹)، ریاض‌العارفین (۲۷۸)، سیری در تصوف (۲۸۷)، طرائق‌الحقائق (۲۴۳/ ۳)، مجمع‌الفصحا (۱۱۵۶/ ۶).

وجدی شیرازی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۲/ ۲۹۱ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به وجدی. در شیراز به دنیا آمد. پدرش حاکم لارستان بود. وجدی خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و شعر نیز می‌سرود. اثر وی «دیوان» شعر است. از آثار خطی وی: یک نسخه «دیوان» ادیب صابر، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «حسب الفرمایش... بیوک خان افشار... سمت تحریر یافت، کتبه الحقیر الفقیر اقل السادات محمدعلی الحسینی المتخلص بوجدی، فی شهر صفر المظفر سنه‌ی ۱۲۸۴».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۷۲ -۵۷۱)، احوال و آثار خوشنویسان (۷۹۵/ ۳)، حدیقهٔ‌الشعراء (۱۹۸۸ -۱۹۸۰/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۸۵/ ۵)، الذریعه (۱۲۶۱/ ۹)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۸۲ ،۹۷۱/ ۲)، مرآت‌الفصاحه (۶۸۴ -۶۸۲).

وجگان، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر مهدی وجگان سال ۱۳۴۵ در شهری متولد شد دوران ابتدایی تا دبیرستان را در همان شهر سپری کرد. پس از ورود به

دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۹ موفق به دریافت دکترای دامپزشکی گردیدو سپس بعد از قبولی در دوره تخصصی در سال ۱۳۷۴ مدرک تخصصی رشته مامایی و بیماریهای تولید مثل دام را کسب نمود و از سال ۱۳۷۵ تا کنون به عنوان استادیار در دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران مشغول به تدریس و آموزش و تحقیق است.گروه : کشاورزیرشته : دامپروریگرایش : مامایی و بیماریهای تولید مثلوالدین و انساب : پدر دکتر وجگانی، غلامحسین وجگانی و مادر محترم وی نصرت بهرام دریابیگی به ترتیب متولد شهر کاشان و اصفهان میباشد که فاقد تحصیلات هستند، برادر وی دکتر محمد وجگانی متولد ۱۳۳۹ شهر ری دارای مدرک دکترای تخصصی ایمونولوژی و استاد دانشکده پزشکی دانشگاه تهران است و خواهرشان فاطمه وجگانی متولد ۱۳۴۳ دیپلم هستند.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : با توجه به اینکه پدر دکتر وجگای از کارگران کارخانه ریسندگی اطلس بافت بودند و درای یک مغازه خرازی هم در حله مسکونیشان بودند به حمدا... مشکل مالی نسبت به اطرافیات به گفته خود ایشان نداشتند ولی به لحاظ تامین نسبی مالی و شرایط بسیار خوب درون خانواده بوجود آمده بود شرایط گرم و دوست داشتنی بر خانواده حاکم بود که این فضا امکان تحصیل و ... را فراهم میکرد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : گرفتن دیپلم علوم تجربی سال ۱۳۶۳،اخذ مدرک دکترای دامپزشکی از دانشگاه تهران سال ۱۳۶۹ و همچنین مدرک تخصصی دامپزشکی مامایی و بیمایهای تولید مثل دام از دانشگاه تهران سال ۱۳۷۴خاطرات و وقایع تحصیل : دکتر مهدی وجگانی در این باره میگوید :«شاید تلخ ترین خاطرات این دوران بتوانم به از دست دادن دو نفر از همکلاسیهای بسیار خوبم به نامهای شهید میرزایی و شهید رجبعلی افسری اشاره کنم که لحاظاتی که در کنار ایشان بودم و درسهایی که از این عزیزان گرفتم تا پایان عمر فراموش نخواهم کرد.»فعالیتهای ضمن تحصیل : همکاری با جهاد دانشگاهی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران از فعالیت های ضمن تحصیل مهدی وجگانی بوده است.استادان و مربیان : دکتر سید محمد فقیهی و دکتر پور بازرگانی و دکتر حسن تاجبخش از نمونه استادانی بودند که وجگانی از محضر این اساتید در دانشگاه دامپزشکی بهره برده است.هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره ایها دوران دکترای دامپزشکی که به عنوان همکار نیز مشغول به خدمت هستند میتوان به : دکتر سید جاوید آل داوود، دکتر افشین رئوفی، دکتر فرید مست زاری، و از همکاران هیئت علمی ایشان در سایر دانشگاهها دکتر حسن قوسیان ، دکتر شیخانی دکتر صداقت رامیتوان نام برد.همسر و فرزندان : دکتر وجگانی در سال ۱۳۶۹ ازدواج کرده و دارای یک فرزند پسر و دو فرزند دختر میباشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر وجگانی در مقاطعی ریاست بیمارستان آموزشی و پژوهش دانشکده واقع در کرج و معاونت اداری و مالی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران و مدیر گروه علوم درمانگاهی را برعهده داشته است.فعالیتهای آموزشی : از فعالیتهای آموزشی دکتر وجگانی به تدریس دوره دکترای عمومی و تخصصی در دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران میتوان اشاره کرد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : دکتر وجگانی موسس آزمایشگاه IVf (لقاح خارجی رحم) در دانشکده دامپزشکی بوده است.جوائز و نشانها : لوح تقدیر به همراه جوایز در خصوص شرکت در طرح شبیه سازی گوسفند Cloning از افتخارات دکتر وجگانی است. آثار : مبارزه بر علیه ورم پستان ویژگی اثر : ترجمه۲ نا باروریهای تغذیه ای و متابولیک در گاو ویژگی اثر : ترجمه۳ نابروری و مامایی در مادیان ویژگی اثر : ترجمه۴ ورم پستان در گاو ویژگی اثر : ترجمه

وجهی کرد اصفهانی، علی‌اکبر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به وجهی. وی از اکراد عمادیه اصفهان و صوفی مشرب بود که در زمان شاه عباس اول (۱۰۳۸ -۹۹۶ ق) می‌زیست. در اقسام شعر به رباعی تمایل داشت. با نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) معاصر و معاشر بود. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۹۴ / ۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۳ -۵۲)، الذریعه (۱۲۶۱ / ۹)، صبح گلشن (۵۸۷)، فرهنگ سخنوران (۹۷۷ -۹۷۶)، مجمع‌الخواص (۳۰۳).

وجهی هروی، وجیه‌الدین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. وی برادر مولانا حیدر خصالی هراتی بود. در قندهار در ملازمت رستم میرزا و مظفر حسین میرزای صفوی به سر می‌برد و از طریق سپاهی‌گری روزگار می‌گذرانید. او پس از استیلای ازبکان به خراسان به همراه برادرش به هند رفت. وجهی در هند مدتی ملازم خان خانان و پس از آن در خدمت ظفرخان، فرزند زین خان کوله (م ۱۰۳۱ ق) بود که این ملازمت تا سال ۱۰۲۴ ق به طول انجامید. او در گجرات با تقی‌الدین اوحدی (۱۰۳۰ -۹۷۳ ق)، قادری پانی- پتی، ملا محمدی رازی و مولانا محمد صوفی دیدار داشت. از وی اشعاری در تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۹۷۷)، کاروان هند (۱۵۱۰ -۱۵۰۷/ ۲)، مآثر رحیمی (۱۲۹۷ -۱۲۸۹/ ۴).

وجیه‌الدین، خلیل‌اللّه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۰۰۴ -۹۳۲ ق)، خطاط. وی عموی قاضـی احمد قمی، صاحب «گلسـتان هنر» بود. مطابق شرح حالی که از میر خلیل‌اللّه در این کتـاب آمـده است، او ابتـدا به مشـق شکسـته تعلیـق در شـیوه‌ی درویش عبـداللّه پرداخت و بعـدها به نسـتعلیق توجه کرد و چون در ملازمت شاهزاده‌ی هنرمند صفوی، سلطان ابراهیم میرزا بود، در این فن از وی بهره‌ها برد. سپس به خدمت سید احمد مشهدی رسید و خط نستعلیق را نزد او تکمیل نمود. پس از قتل سلطان ابراهیم میرزا، ترک خدمت کرد و در قم عزلت گزید و تا پایان عمر در این شهر به عبادت و زراعت روزگار گذرانید. وجیه‌الدین شعر نیز می‌گفت و بسیاری از اشعار ابراهیم میرزا را تتبع کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۸۴/ ۴، ۹۵۴ -۹۵۳/ ۳)، گلستان هنر (۱۲۱ -۱۲۰).

وحدت رشتی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۰ -۱۲۵۰ ق)، طبیب و شاعر. اصـلش از رشت است. وی غیر از تحصـیلات متداول زمان، در علم طب مهارت داشت و در اطراف رشت و گیلان به طبابت مشغول بود. ظاهراً وی در هنگام مرگ بیش از سی و پنج سال نداشته است. از اوست:

خونین جگر نمود خطت مشک تاب را

خالت ستاره سوخته کرد آفتاب را

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقةالشعراء (۱۹۸۳ -۱۹۸۲/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۹۷۷)، مصطبه‌ی خراب (۲۱۳ -۲۱۲).

وحدتی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن رحلی، نسخ نیم دو دانگ ترکی، ثلث سه دانگ عالی با رقم: «وحدتی ۱۳۰۴» در موزه‌ی اسلامی ترک.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

وحدتی شبیری، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن وحدتی شبیری

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

سید حسن وحدتی شبیری، پژوهشگر و مدرس حوزه و دانشگاه، در سال ۱۳۴۴ ه.ش در خانواده‌ای مذهبی در مشهد به دنیا آمد. در کنار تحصیلات ابتدایی و متوسطه، ادبیات و صرف و نحو را نزد پدرش حجت الاسلام و المسلمین حاج سید محمد شبیری از خطباء و وعاظ بنام در مشـهد مقـدس فرا گرفت. پس از اتمام دورهٔ راهنمایی تحصیلی در سال ۵۸ وارد حوزهٔ علمیهٔ مشـهد شد و در کنار تحصـیلات حوزوی دورهٔ دبیرسـتان را در رشتهٔ علوم تجربی در سال ۱۳۶۳ به پایان برد. بعد از گذراندن دورهٔ سـطح به حوزهٔ علمیهٔ قم مهاجرت و همزمان با تحصیل در دورهٔ خارج حوزهٔ علمیه، دورهٔ کارشناسی حقوق را در مجتمع آموزش عالی، وابسته به دانشگاه تهران (سالهای ۶۷ تا ۷۱)، دورهٔ کارشناسـی ارشد حقوق خصوصـی را در دانشگاه شهید بهشتی (سالهای ۷۱ تا ۷۴) و دورهٔ دکتری PH.D حقوق خصوصی را در دانشگاه تربیت مدرس تهران (سالهای ۷۶ تا ۸۱) به پایان رسانید.

علاوه بر گذراندن ۱۵ سال تحصـیل در دورهٔ خارج حوزهٔ علمیه دورهٔ عالی زبان انگلیسـی را نیز در دانشگاه باقرالعلوم (ع) به اتمام رسانیـده است. از جمله اساتید حوزوی او در مشـهد مقدس «آیت‌الله حاج مهدی مروارید»، «آیت‌الله مرتضوی» و «آیت‌الله فلسـفی» و از جمله اساتید حوزوی در قم: «آیت‌الله سـتوده اراکی»، «آیت الله میرزا جواد تبریزی» و حجت‌الاسلام و المسلمین «حاج شیخ محمد

تقی شهیدی» می‌باشند. از جمله اساتید وی در دانشگاه نیز می‌توان از «دکتر مهدی شهیدی»، «دکتر ناصر کاتوزیان»، «دکتر سید حسین صفائی» و «دکتر مصطفی محقق داماد» نام برد.

وحدتی، اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیولوژی حیوانی، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای علوم کشاورزی (فیزیولوژی حیوانی) از دانشگاه آلمان در سال ۱۳۴۶.

مرتبه علمی:

دستیار علمی انستیتوی آناتومی و فیزیولوژی دانشگاه و من‌هایم آلمان، عضویت در هیأت علمی و دانشیار گروه زیست‌شناسی دانشکده کشاورزی اصفهان از سال ۱۳۴۷ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعات فیزیولوژی حیوانی، تغذیه و اختلالات متابولیکی، عضویت در انجمن زیست‌شناسی کشور و انجمن بین‌المللی بیوشیمی کلینیکی حیوانی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

فیزیولوژی جانوری، هورمونهای جانوری، بیوفیزیک پزشکی، نوروفیزیولوژی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

بررسی متابولیسم و نارسائیهای آن، بررسی برخی از آنزیمهای خون.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

وحشت اردستانی، جمال‌الدین محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۰۳۴ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به وحشت. از سادات طباطبایی اردستان بود که در زواره به دنیا آمد. وی خطوط هفت‌گانه به ویژه نستعلیق را بسیار خوش می‌نوشت. به هندوستان مسافرت کرد و در ۱۰۷۳ ق به اصفهان مراجعت نمود. او پس از مدتی توقف در اصفهان و یک سال پیش از تحریر «تذکره‌ی نصرآبادی» (تألیف شده در ۱۰۸۳ ق) به هند بازگشت. از آثار وی: «دیوان» شعر، حدود بیست هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۷۴/ ۳)، تذکره‌ی روز روشن (۸۹۶ -۸۹۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۴۳ -۳۴۲)، الذریعه (۱۲۶۳ -۱۲۶۲/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۷۸)، کاروان هند (۱۵۱۴ -۱۵۱۳/ ۲).

وحشت بختیاری، امامقلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به وحشت. وی برادر خلیل خان بختیاری، که شهر خلیل‌آباد را بنا نهاده بود، است. وحشت از معاصران نصرآبادی (از ۱۰۸۳ ق) بود و در سرودن شعر طبع خوبی داشت. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

تا خط تو رهزن نظر شد

هوشم به نگاه بال و پر شد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۹)، الذریعه (۱۲۶۳/ ۹)، ریاض‌العارفین (۱۵۷)، فرهنگ سخنوران (۹۷۸).

وحشتی جوشقانی کاشانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۴ –۱۰۱۲ ق)، شاعر. در جوشـقان، از توابع کاشان، به دنیا آمد. وی از شاگردان محتشم کاشانی و غیرتی بود و با ابوتراب بیگ فرقتی (م ۱۲۰۶ ق) دوستی داشت. به شیـراز رفت و پس از آن به هند مسافرت کرد و در زمان محمدقلی قطبشاه (۱۰۲۰ –۹۸۹ ق)، در گلکنـده ساکن شـد و همان جا نیز درگـذشت. دکتر صـفا در «تاریـخ ادبیات در ایران» آورده که برخی تذکره‌ها وحشتی را همان خواجه حسین کاشی که تقی کاشی در «خلاصهٔ الاشعار» نام برده، دانسته‌اند. از آثارش: «دیوان» شعر، شامل دو هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۸۷۰ –۸۶۹/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۵۱۷)، تذکره‌ی روز روشن (۸۹۷ –۸۹۶)، الذریعه (۱۲۶۵ ۱۲۶۴، –۱۲۶۳/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۷۹)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۲۵۹۸/ ۳)، کاروان هند (۱۵۱۹ –۱۵۱۴/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ وحشتی)، مجمع‌الخواص (۲۲۵ –۲۲۳).

وحشی بافقی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از شعرای ایرانی عهد شاه طهماسب صفوی ۹۸۴ –۹۳۰ و مداح او و از شاگردان شرف‌الدین علی بافقی مذکور بود، و از آثار قلمی او چندین مثنوی است:

۱- خسرو و شیرین ۲- خلد برین در معارف و اخلاق و مراثی ۳- فرهاد و شیرین ۴- ناظر و منظور و از اشعار آنست:

دگر این شب است آنشب که ز پی سحر ندارد

من و باز آن دعاها که یکی اثر ندارد

بهوای باغ مرغان همه بالها گشاده

بشکنج باغ مرغی چه کند که پر ندارد

و نیز از اوست این غزل:

تا مقصد عشاق ره دور و دراز است

یک منزل از آن بادیه‌ی عشق مجاز است

در عشق اگر بادیه‌ی چند کنی طی

دانی که در آنره چه نشیب و چه فراز است

صد بوالعجبی هست همه لازمه‌ی عشق

از جمله یکی قصه‌ی محمود و ایاز است

عشق است که سر در قدم تاز نهاده است

حسن است که میگردد و جویای نیاز است

وحشی تو برون نامده از سعی کم خویش

ورنه در این خانه بروی همه باز است

نام وحشی کمال‌الدین و وفاتش در سنه نهصد و نود و یک و ماده تاریخ وفاتش هریک از این دو جمله است:

(وحشی مسکین وفات ۹۹۱)

(بلبل گلزار معنی بسته لب ۹۹۱)

قبرش را نگارنـده در بافق یزد دیـدم که بر روی آن سـنگ سیاه بزرگی بود و میگفتنـد این قبر وحشـی شاعر معروف در تاریـخ یزد مسطور است که قبرش در یزد و روی آن سنگ مرمری بوده که غزلی از وحشی بر روی آن حکاکی شده که مطلعش این است:

کردیم نامزد بتو بود و نبود خویش

گشتیم هیچ کاره بملک وجود خویش

قصایدی در مدح مولای متقیان علی علیه‌السلام دارد که بسیار جالب و بلند و پرمعنی است و در یکی از آنها گوید:

توئی آن نقطه بالای فاء فوق ایدیهم

که در وقت تنزل تحت بسم‌الله را بائی

کمال‌الدین وحشی بافقی کرمانی (ف. ۹۹۱ ه.ق ۱۵۸۳ م.) در اواخر عهد شاه اسماعیل اول صفوی در قصبه‌ی «بافق» در ۲۴ فرسنگی یزد متولد شد، سـپس از آنجا به یزد آمد و بیشتر ایام حیات را در آنجا بسر برد. چون «بافق» از اعمال کرمان بوده است او را کرمانی نیز گفته‌انـد. شـاعری پرشور و نغز گفتـار و شوریـده حـال بود و او را قصایـدی است در مـدح شـاه طهمـاسب و اعیان دربار او. ولی قصایـد و ترکیب بنـدهای او بیشتر در مـدح غیاث‌الدین محمد ملقب به میر میران است که در یزد حکومت داشت. از وحشـی بافقی غیر از مثنوی فرهـاد و شـیرین دو مثنوی دیگر بنـام «نـاظر و منظور» و «خلـد برین» و نیز دیوان قصایـد و غزلیات و قطعات باقی مانـده است. مثنویهای او از جمله‌ی مثنوی‌های نیکوی دوره‌ی اخیر ادب فارسی است. ترکیب بندهای وحشی مشهور است.

(وف ۹۹۱ ق)، شاعر، متخلص به وحشی. در بافق به دنیا آمد. بافق را گاه از توابع کرمان و گاه از توابع یزد می‌نویسند به همین سبب، وحشی را گاه یزدی و گاه کرمانی گفته‌اند. برادر بزرگش مرادی بافقی در تربیت او و آشنا کردنش با محفل‌های ادبی نقش مؤثری داشت. او مدتی نیز در خدمت شرف‌الدین علی بافقی به کسب دانش و ادب پرداخت. وی پس از آموختن مقدمات ادب، از بافق به یزد و از آنجا به کاشان رفت و مدتی در آن شهر به شغل مکتبداری مشغول بود. پس از مدتی به یزد بازگشت و در آنجا به شاعری پرداخت. دوران کمال شاعری را در یزد گذراند و ممدوح و حامی واقعی او غیاث‌الدین محمد میر میران حاکم یزد بود. وحشی در دستگاه حکومتی یزد با عده‌ای از شاعران محلی مانند مولانا موحدالدین فهمی و محتشم کاشانی و شجاع‌الدین غضنفر کاشانی و تابعی خوانساری آشنایی و گاه معارضه داشت. دوران حیات وی با پادشاهی شاه طهماسب و شاه اسماعیل صفوی و شاه محمد خدابنده (۹۹۶ -۹۸۵ ق) مصادف بود که وحشی، شاه طهماسب را ستوده و در مورد شاه اسماعیل نیز ماده تاریخی داشته است. وحشی در یزد درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد. درباره‌ی چگونگی مرگ او در بین تذکره‌نویسان اختلاف وجود دارد. از آثار وی: «ساقی‌نامه»؛ مثنوی «ناظر و منظور»، در هزار و پانصد و شصت و نه بیت، در بحر «خسرو و شیرین» نظامی؛ «فرهاد و شیرین»، در هزار و هفتاد بیت، که ناتمام ماند و بقیه آن را وصال شیرازی با افزودن هزار و دویست و پنجاه و یک بیت به پایان رسانید؛ مثنوی «خلد برین»، در معارف و اخلاق و مراثی، به پیروی از «مخزن‌الاسرار» نظامی؛ «دیوان» شعر، متجاوز از نه هزار بیت، شامل قصیده، ترکیب بند، ترجیع بند، غزل، قطعه، رباعی و مثنوی.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۶۵۴ -۶۳۴/ ۲)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۶۰ -۱۵۹/ ۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۷۷ - ۷۶۰/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۳۵ -۴۳۴)، تذکره‌ی روز روشن (۹۰۱ -۸۹۷)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۳۵۲ -۳۳۶)، تذکره‌ی میخانه (۱۹۷ -۱۸۱)، جامع مفیدی (۴۲۶ -۴۲۳/ ۳)، دایرةالمعارف فارسی (۳۱۹۴/ ۲)، دیوان وحشی بافقی (مقدمه)، الذریعه (۳۱۸/ ۱۹ ، ۱۹۰ -۱۸۹/ ۱۶ -۱۲۶۵ -۱۲۶۴/ ۹ ،۲۴۰/ ۷)، ریحانه (۳۰۹ -۳۰۷/ ۶)، ستارگان کرمان (۴۲۱ -۴۱۷)، صبح گلشن (۵۸۹ -۵۸۸)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۲۷)، فرهنگ سخنوران (۹۷۹ -۹۷۸)، عالم آرای عباسی (۱۸۱/ ۱)، کتابشناسی نظامی گنجوی (۳۹۲ - ۳۹۱)، گنج سخن (۳۹ -۲۷/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ وحشی بافقی)، مجمع‌الخواص (۱۴۴ -۱۴۰)، مجمع‌الفصحا (۱۱۵ -۱۰۷/ ۴)، مکتب وقوع (۵۶۲ -۵۴۴)، منظومه‌های فارسی (۶۰۷ -۶۰۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۵ -۶۸۲/ ۶)، نتایج‌الافکار (۷۳۶ -۷۳۳)، هفت اقلیم (۱۵۹ -۱۵۷/ ۱).

وحید تهرانی، علی‌اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ علی‌اصغر وحید تهرانی یکی از علماء و مدرسین و محدثین معاصر تهران است معظم له در حدود ۱۳۳۴ ق در عاصمه تشیع تهران دیده به جهان گشود، و پس از پرورش به تحصیل ادبیات و علوم معموله پرداخته و متون فقه و اصول را از علماء و مدرسین تهران آموخته آنگاه به درس خارج مراجع و آیات حاضر شده و از خرمن علوم آنان خوشه‌ها چیده و به مدارج کمال رسیده و به تدریس فقه و اصول پرداخته و هم از طریق منبر و جلسات مذهبی نشر معارف دین و حقایق شرع مبین نموده و تاکنون شاغل این پست خطیر و مسئولیت سنگین می‌باشد.

مدرسه حاج ابوالفتح میدان شاه نیز در تحت سرپرستی و تدبیر نظر آنجناب اداره می‌شود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

وحید تهرانی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی‌اکبر وحید یکی از اهل منبر و ارشاد تهرانست و سالها در عصر ریاست مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی در قم اشتغال به تحصیل داشتند و متون فقه چون شرح لمعه و مکاسب را از محضر آیت‌اللّه العظمی آقای مرعشی نجفی مدظلله و دیگران استفاده و هم از محضر آیت‌اللّه بروجردی کسب فیض نموده و پس از آن به تهران مراجعت و تا حال حاضر افتخار خدمت و نوکری آستان ولایت و حضرت ابی‌عبداللّه الحسین علیه‌السلام را دارند. و حقاً این دو برادر در تواضع و پاکدامنی و متانت و مناعت طبع وحید و اسم با مسمی می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

وحید خراسانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ حسین خراسانی معروف به وحید عالمی محقق و فقیهی مدقق و مدرسی علامه و استادی فرزانه مجتهدی کامل و

مصنفی فاضل جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول می‌باشد. تولدش در سال ۱۳۰۰ شمسی در مشهد واقع شده و پس از گذرانیدن دوران صباوت و خواندن ادبیات و سطوح اولی و نهائی را از مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمد نهاوندی صاحب تفسیر فراگرفته و به درس خارج مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی و آیت‌الله آشتیانی حاضر شده و استفاده‌ها نموده و به واسطه داشتن استعداد و نبوغ فکری به مدارج عالیه

علم و اجتهاد ارتقا یافته و علوم عقلیه فلسفه و حکمت را از مرحوم به میرزا ابوالقاسم الهی و میرزا مهدی آشتیانی فراگرفته و در سال ۱۳۲۷ خورشیدی در شهر ری به دیدن مرحوم سیدنا الاستاد آیت‌الله العظمی حجت کوهکمری رضوان‌الله علیه شرفیاب شده و پس از مذاکرات علمی مفتخر به دریافت اجاره اجتهاد مطلق گردیده و به قصد تکمیل مبانی و دیدن نظریات آیات و مراجع عظام عراق مجتهدا در سن ۲۷ سالگی مهاجرت به نجف اشرف نموده و در درس مرحوم آیت‌الله العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حکیم و بالاخص آیت‌الله العظمی خوئی شرکت کرده و از سال ۱۳۷۸ قمری شروع به گفتن درس خارج فقه و اصول نموده است.

معظم‌له حدود دوازده سال در نجف تدریس خارج داشت تا در سال ۱۳۹۰ که به ایران برگشته و بنا بر اسرار فضلاء محصلین مشهد و علماء خراسان و امر بعضی از مراجع یکسالی در مشهد توقف و به تدریس پرداخته و بعد از آن مهاجرت به قم نموده و اکنون در حوزه علمیه اشتغال به تدریس خارج فقه و اصول دارد و حوزه درسش بسیار جالب و بیش از صد نفر از فضلا و محصلین خوش فهم شرکت دارند که اغلب آنها دراسات و تقریرات معظم‌له را به رشته تحریر آورده و بعضی برای طبع آماده نموده‌اند.

علامه وحید بیانی جامع و زیبا دارد و از فکر شاگرد و تلمیذ خود رفع هر گونه ابهام و اشتباه می‌کند. جزوات در فقه و اصول از دراسات و تقریرات آیت‌الله خوئی و دیگران دارد و آثار علمی دیگر او که دیدم از این قرار است ۱- شرح بر شرایع الاسلام ۲- حاشیه‌ای بر کفایه ۳- حاشیه‌ای بر مکاسب.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

وحید دستگردی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۲۱ –۱۲۵۸ ش)، ادیب، مصحح، نویسنده و شاعر، متخلص به وحید. در قریه‌ی دستگرد، از توابع اصفهان، به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش فراگرفت و در پانزده سالگی به اصفهان رفت و در مدرسه میرزا حسن علوم ادبی را نزد میرزا یحیی مدرس بیدآبادی، معروف به کاشی پز، و علوم دینی را نزد عبدالکریم گزی و سید محمدباقر درچه‌ای آموخت و از محضر جهانگیرخان قشقایی و آخوند ملا محمد کاشی استفاده نمود. وی از طرفداران مشروطیت بود و اشعار و مقالاتی در این زمینه در روزنامه‌های اصفهان منتشر می‌کرد. دستگردی در آغاز جنگ بین‌الملل اول، روزنامه‌ی «درفش کاویان» را در اصفهان منتشر نمود. او همچنین با روزنامه‌های «پروانه»، «زاینده رود» و «مفتش ایران» نیز همکاری می‌کرد. وی در ۱۳۳۸ ق به تهران آمد و انجمن ادبی ایران و انجمن ادبی حکیم نظامی را تأسیس کرد و همچنین در ۱۳۳۸ ق مجله‌ی ادبی «ارمغان» را طی دوره‌ای بیست و دو ساله در تهران تأسیس و منتشر نمود. وحید در اوایل ورود خود به تهران در حلقه‌ی مریدان صفی علیشاه درآمد. وی مدتی در اداره‌ی انطباعات وزارت معارف مشغول کار گشت. او در شعر ابتدا لمعه تخلص می‌کرد، ولی بعدها به دستور میرزا یحیی بیدآبادی تغییر تخلص داد. وی در تهران درگذشت و در امامزاده عبداللّه شهر ری دفن شد. از دیگر آثارش: «انقلاب ادبی»؛ «ره‌آورد وحید»، سفرنامه چهار محال و تاریخچه‌ی وقایع اصفهان و جنوب ایران؛ «سرگذشت اردشیر»، به شعر؛ تصحیح و تحشیه‌ی «سبعه» حکیم نظامی گنجوی شامل: ۱- «مخزن‌الاسرار» ۲- «خسرو و شیرین» ۳- «لیلی و مجنون» ۴- «هفت پیکر» ۵- و ۶- «شرف‌نامه» و «اقبال‌نامه» که این دو همان «اسکندرنامه» است ۷- «گنجینه‌ی گنجوی» یا «دیوان» شعر نظامی؛ تصحیح کتابهای: «تذکره‌ی نصرآبادی» میرزا محمد طاهر نصرآبادی و «جلایرنامه» قائم‌مقام فراهانی؛ اهتمام در انتشار کتابهای: «تحفه‌ی سامی» سام میرزای صفوی، «جام جم» یا «جام جهان‌نما» اوحدی مراغی، «دیوان» امیر فراهانی و «دیوان» بابا طاهر عریان.[۱]

حسن فرزند محمدقاسم متخلص به وحید و مشهور به وحید دستگردی از مردم اصفهان (و- ۱۲۹۸ ه.ق- ف. دی‌ماه ۱۳۲۱). وی تا سال ۱۳۱۲ ه.ق در دستگرد و سپس در شهر اصفهان به تحصیل ادبیات فارسی، عربی، حکمت، فقه و اصول پرداخت. ادبیات را از میرزا یحیی مدرس و فلسفه را از جهانگیرخان حکیم قشقایی و آخوند ملا محمد کاشی فراگرفت. در آغاز مشروطه و انقلابات اصفهان به خاک بختیاری مهاجرت کرد و در این شهر مجله‌ی ارمغان را منتشر کرد. دو کتاب منظوم هم دارد یکی بنام «سرگذشت اردشیر» و دیگر «ره‌آورد وحید» که بطبع رسیده است. وحید در انواع شعر صاحب قدرت بود و به نظامی گنجوی علاقه‌ی مخصوصی داشت و بیشتر سبک نظامی را پیروی می‌کرد. بر اثر این علاقه انجمن ادبی را که خود تأسیس کرده بود «انجمن حکیم نظامی» نام داد و به تصحیح و مقابله‌ی خمسه‌ی نظامی پرداخت و پس از قریب پانزده سال تحقیق و مطالعه آن را با اصلاحات و تعلیقات مفید به چاپ رساند. دیوان جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی و دیوان ادیب‌الممالک فراهانی را نیز تصحیح کرده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبیات نوین (۳۴۷، ۳۴۰، ۷۶، ۵۱، ۴۵، ۴۳)، از صبا تا نیما (۳۲۵ –۳۲۲/ ۲)، تاریخ جراید (۲۸۴، ۵۲، ۵۱/ ۲ ، ۱۳۶ –۱۲۱ / ۱)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۵۲۹ –۵۲۶)، تذکرةالقبور (۲۷۳)، چهار صد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (۱۱۴۳)، دایرةالمعارف فارسی (۳۱۴۹/ ۲)، الذریعه (۳۰۹/ ۱۱ ،۱۲۶۶ –۱۲۶۵/ ۹)، سخنوران نامی (۵۱۴ –۴۹۸/ ۲)، سخنوران نامی معاصر (۳۸۴۷ –۳۸۴۲/ ۶)، شخصیت‌های نامی (۵۰۶)، شرح حال رجال (۶۶/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۰۵، ۳۳۹۶ ، ۱۵۰۵، ۱۵۱۲، ۱۵۶۲، ۱۵۶۵، ۱۵۸۹، ۱۵۹۵، ۲ / ۱۶۶۷، ۱۶۶۸، ۱۶۶۹، ۱۷۹۶، ۱۹۶۵، ۲۱۴۳، ۲۶۶۸، ۲۷۸۱، ۲۸۳۳، ۲۹۶۱، ۳۱۷۰

۱۵۰۴، ۱۲۸۹، ۱۲۸۸-، ۱۲۶۶، ۱۰۴۶، ۹۸۶، ۸۳۸، ۸۰۱، ۳۷۷، ۳۰۳، ۲۱۳/ ۱)، گلزار معانی (۷۳۷ -۷۲۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۴ - ۶۲۳/ ۲).

وحید قزوینی، عمادالدوله طاهر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، مورخ، ادیب، خطاط و شاعر، متخلص به وحید. در قزوین به دنیا آمد. در عهد صفویه می‌زیست و از شاعران و منشیان عصر خود بود. وی پس از کسب دانش و مهارت در ادب و خوشنویسی و ترسل و سیاق، وارد خدمات دیوانی و از دفترنویسان دیوان شد. در زمان شاه عباس دوم (۱۰۷۷ -۱۰۵۲ ق) به منصب واقعه‌نویسی انتخاب شد و در زمان شاه سلیمان منصب وزارت یافت. در حاشیه‌ی «آتشکده‌ی آذر» آمده که وحید با صائب تبریزی مصاحبت و دوستی داشت. در اوایل عهد شاه سلطان حسین (۱۱۳۵ -۱۱۰۵ ق) از کار کناره گرفت و چندی بعد درگذشت. در مورد تاریخ وفاتش در بین مؤلفان اختلاف است و به تفاوت ۱۱۲۰، ۱۱۱۲، ۱۱۱۰، ۱۱۰۷، ۱۱۰۵ ق نوشته‌اند. از آثار وی: «خلوت راز»، در دو هزار و دویست بیت؛ «راز و نیاز» یا «ناز و نیاز»، در دو هزار و دویست بیت؛ «عاشق و معشوق»، به وزن «لیلی و مجنون»، در یک هزار و سیصد بیت؛ «فتح نامه قندهار»، در چهار صد و شصت بیت؛ «آلات جنگ»، در هشتصد بیت؛ «گلزار عباسی»، در ششصد و شصت بیت؛ «ساقی‌نامه»؛ «عباسنامه» یا «تاریخ شاه عباس ثانی» یا «تاریخ طاهر وحید»، در تاریخ دوران شاه عباس دوم؛ «منشآت»؛ مثنوی «شهر آشوب»؛ «دیوان» شعر.[۱]

عمادالدین میرزا طاهر بن میرزا حسین‌خان قزوینی، متخلص به وحید و برادر محمد یوسف مؤلف «تاریخ خلد برین». حزین در تذکره او را وحیدالزمان خوانده است و گوید از غایت اشتهار بی‌نیاز از تعریف است و هدایت گوید: دیوانی مشتمل بر نود هزار بیت ارد. وحید ابتدا منشی میرزا تقی وزیر شاه صفی و شاه عباس ثانی بود. تاریخی که نوشته عباس‌نامه یا تاریخ طاهر وحید یا تاریخ شاه عباس ثانی نام دارد. میرزا محمد وحید در عهد سلطنت شاه سلیمان از (۱۱۰۵ -۱۰۷۸ ه.ق) با لقب عمادالدوله وزیر اعظم شد زندگانی گفت. از وی مجموعه‌ی منشاتی هم باقی مانده که اگر چه از لحاظ تاریخی حاوی مطالب مهمی است لیکن انشاء آن بسیار متکلفانه است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۱۲۲۰ -۱۲۱۱/ ۳)، احوال و آثار خوشنویسان ۷۸۴/ ۳)، ایضاح‌المکنون (۵۳۷/ ۱)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۷۵/ ۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۵۱ -۱۳۴۶/ ۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۶۵۵ -۶۵۴/ ۱)، تذکره‌ی روز روشن (۹۰۵ -۹۰۱)، تذکرهٔ المعاصرین (۲۷۴ -۲۶۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۰ -۱۷)، دانشمندان آذربایجان (۸۰)، دایرهٔالمعارف فارسی (۳۱۴۹/ ۲)، الذریعه (۱۸۵/ ۱۹ ،۱۲۶۷ -۱۲۶۶/ ۹ ،۲۰/ ۱)، ریحانه (۳۱۱ -۳۱۰/ ۶)، سبک‌شناسی (۲۷۶، ۲۵۹/ ۳)، سرو آزاد (۱۳۵ -۱۳۲)، فرهنگ سخنوران (۹۸۰ -۹۷۹)، کتابشناسی نظامی گنجوی (۴۱۶)، کلمات الشعراء (۱۹۰ -۱۷۸)، لغت‌نامه (ذیل/ وحید قزوینی)، مجمع‌الفصحا (۱۰۵/ ۴)، منظومه‌های فارسی (۶۱۶ -۶۰۸)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۱/ ۳)، مینودر (۸۷۴ -۸۷۲/ ۲)، نتایج‌الافکار (۷۴۳ -۷۴۰)، یادگار (س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۱۲۰ -۱۱۸).

وحید گلپایگانی، هدایت‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۵/ ۱۳۹۴ -۱۳۱۸/ ۱۳۰۸ ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس. وی در قریه گوگد گلپایگان به دنیا آمد. مقدمات و سطوح را در زادگاه خویش نزد پدر فراگرفت. آنگاه در ۱۳۲۶ ق به اراک رفت و از محضر درس آیت‌اللّه آقا نور اراکی و حجت‌الاسلام حاج میرزا محمد علی خان استفاده نمود. سپس ملازمت آیت‌اللّه حایری را اختیار کرد و در ۱۳۴۰ ق همراه با آیت‌اللّه حایری به قم مهاجرت نمود و تا ۱۳۵۰ ق از مباحث فقه و اصول ایشان استفاده برد و نیز در موقع تبعید آیات عظام نجف از عراق به ایران، از بحث قاعده‌ی (علی الید) آیت‌اللّه اصفهانی بهره‌مند گردید. پس از درگذشت پدرش به گلپایگان بازگشت و به امر و تشویق آیت‌اللّه حایری حوزه‌ی علمیه‌ای در آنجا تأسیس نمود و خود به تدریس پرداخت. در ۱۳۶۴ ق مجددا به قم بازگشت و از محضر آیت‌اللّه بروجردی استفاده نمود. آنگاه در ۱۳۶۷ ق به تهران آمد و تا پایان عمر در این شهر به انجام وظایف دینی و تدریس در مدرسه عالی سپهسالار پرداخت. او در تهران درگذشت. پیکرش به قم منتقل و در مقبره شیخان در کنار قبر زکریا بن آدم دفن گردید.[۱]

حاج میرزا هدایت‌اللّه بن حجهٔالاسلام والمسلمین مرحوم آخوند ملا محمدجواد نخعی گلپایگانی از علماء معاصر تهران بودند وی بنا بر تتبع و گفته جناب حجهٔالاسلام آقای آقا ریحان‌اللّه نخعی که با ایشان قرابت و خویشاوندی دارند منتسب بجناب مالک اشتر نخعی تابعی صاحب و وزیر و مشیر و دبیر حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام میباشد.

آن مرحوم در ۱۳ رجب‌المرجب ۱۳۰۸ ق در قریه گوگه (محل تولد حضرت آیت‌اللّه گلپایگانی) از قراء گلپایگان متولد شده و مقدمات و سطوح اولیه را در محل خدمت والد خود خوانده و در سال ۱۳۲۶ ق به اراک آمده و ابتداء از محضر و درس مرحوم آیت‌اللّه آقا نور اراکی و حجهٔالاسلام حاج میرزا محمدعلی خان استفاده نموده و بعد ملازمت مرحوم آیت‌اللّه حایری را اختیار و در سال ۱۳۴۰ ق پس از انتقال و مهاجرت مرحوم آقای حایری به قم ایشان هم هجرت به آنجا نموده و تا سال ۱۳۵۰ ق از مباحث فقه و

اصول آیت‌اللّه حایری استفاده کامل نموده و هم در موقع تبعید آیات عظام نجف از بحث قاعده (علی الید) مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی بهره‌مند گردیده و در سال مذکور بواسطه فوت والدش مراجعت بمحل خود و در آنجا بامر و تشویق و موافقت آیت‌اللّه حایری تاسیس مدرسه علمیه نموده و افاضلی را تربیت و علمائی را تحویل اجتماع داده تا در سال ۱۳۶۴ ق که به قم آمده و از محضر آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده نموده تا با اصرار اهالی محل مراجعت بزادگاه خود و در سال ۱۳۶۷ ق مهاجرت به تهران نموده و تا سال ۱۳۹۴ ق در آنجا اقامت و بوظائف دینی و تدریس در مدرسه عالی سپهسالار اشتغال جز یک دو سال اخیر بواسطه‌ی کسالت از خدمات مزبور محروم تا در شب ۱۷ ماه صفر المظفر سال مذکور در سن ۸۶ سالگی رحلت و با تشییع مجللی حمل به قم و در مقبره شیخان در جنب قبر جناب زکریا بن آدم اشعری مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۴۲۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۹۲ -۵۹۱/ ۴ ،۴۳۸/ ۶).

وحیدا، فریدون

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: علوم اجتماعی، دانشکده: ادبیات، دانشگاه: اصفهان

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

وحیدالملک شیبانی کاشانی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۲ -۱۲۵۲ ق)، نویسنده، مدرس و خبرنگار. در کاشان به دنیا آمد. علوم مقدماتی و ادبیات فارسی و ادبی را در زادگاهش فراگرفت و پس از آن به هندوستان رفت و در آنجا زبان انگلیسی را فراگرفت. سپس جهت ادامه تحصیلات عالی، راهی انگلستان شد و در دانشگاه کمبریج به آموختن تاریخ جهان و ادبیات انگلیسی پرداخت. شیبانی با ادوارد براون، مستشرق معروف، آشنا و با معرفی او در دانشگاه کمبریج به تدریس زبان فارسی مشغول شد. او در ۱۳۲۷ ق به ایران مراجعت کرد. در مدرسه دارالفنون به تدریس زبان انگلیسی پرداخت و همچنین مدتی ریاست مدرسه سیاسی را که مشیرالدوله بنیان نهاده بود، به عهده گرفت. وحیدالملک حدود ۱۳۲۲ ق خبرنگار روزنامه‌ی «تایمز» انگلیس بود و مقالات و خبرهایی درباره‌ی جنبش مشروطیت به آن روزنامه می‌فرستاد. شیبانی نمایندگی مجلس شورای ملی را از طرف مردم تهران در چند دوره عهده‌دار بود. همچنین وی مدتی وزارت پست و تلگراف، معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه را برعهده داشت. او پس از کناره‌گیری از سیاست در دانشسرای عالی به تدریس رشته‌ی تاریخ پرداخت. وحیدالملک در تهران درگذشت. از آثار وی «تاریخ عمومی قرون وسطی» در سه مجلد می‌باشد. خانبابا مشار، در «مؤلفین کتب چاپی»، سال تولد وی را ۱۲۹۴ ق آورده است.[۱]

میرزا عبدالحسین‌خان شیبانی وحیدالملک از رجال دوره‌ی رضاشاه پهلوی و استاد تاریخ دانشگاه تهران (ف. ۱۳۴۲ ه.ش ۱۹۶۴ م.) چند بار به نمایندگی مجلس شورا و نیز به وزارت پست و تلگراف و وزارت فرهنگ منصوب شد. از آثار او تاریخ عمومی است در سه جلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۷۳۰/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۳۸/ ۳)، نخبگان سیاسی ایران (۴۹۲/ ۴)، وزرای معارف ایران (۷۴ -۷۳)، وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران (۱۹۵ -۱۸۹)، یغما (س ۵، ش ۱۲، ص ۵۴۲ -۵۴۱).

وحیدزاده، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۸۸، قریه (دستگرد) اصفهان.

درگذشت: ۸ اردیبهشت ۱۳۵۸، تهران.

محمود وحیدزاده متخلص به «نسیم دستگردی» فرزند محمدحسین وحید دستگردی مؤسس مجله‌ی ادبی «ارمغان» از شاعران معاصر، بود. تحصیلات ابتدایی را در دستگرد و اصفهان و دوره‌ی متوسه را در تهران بـه پایان رسانید. سپس در دارالمعلمین مرکزی (دانشسرای عالی) در رشته‌ی فلسفه و ادبیات به اخذ لیسانس توفیق یافت و به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و در دبیرستان‌های تهران و دانشکده‌ی افسری به تدریس پرداخت. به علاوه از محضر پدر نیز بهره‌ها جست و در انجمن ادبی ایران و حکیم نظامی که به همت پدرش تأسیس شده بود، از محضر دیگر استادان شعر و ادب پارسی استفاده کرد. از جمله فعالیت‌های وی ادامه‌ی انتشار مجله‌ی ادبی «ارمغان» بعد از فوت وحید دستگردی است که از سال ۱۳۲۱ تا پایان سال ۱۳۵۷ به همت وی انجام گرفت و بیست و

پنج دوره بر بیست و دو دوره گذشته‌ی «ارمغان» افزوده شد. وی انجمن ادبی حکیم نظامی را نیز در منزل خویش برقرار داشت.
از تألیفات وی می‌توان از تصحیح دیوان محمودخان صبا (ملک الشعرای کاشانی)؛ سرگذشت منظوم اردشیر بابک؛ کلیات دیوان کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی نام برد.
پیکر وحیدزاده در ضلع شمالی امامزاده عبدالله در شهر ری در جوار قبر پدرش به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

وحیدی اصل، محمدقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

وحیدی امین، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن وحیدی امین

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۸/۱۰

زندگینامه علمی

پس از اتمام مقدمات و سطح حوزه که همزمان با جریان جنگ تحمیلی میان ایران و عراق بود اولین کار نوشتنی خود را در زمینه جنگ شروع کردم و مدتی بعد در حدود سه جلد کتاب در این زمینه نوشتم ولی به دلیل رعایت مصالحی از چاپ آن صرف نظر کرده و به کار تخصصی مربوط به خودم که حوزوی بود روی آوردم چونکه اقبال سید بن طاووس از کتابهای منبع معتبر شیعی بود آن را اولین هدفم قرار دادم و خوشبختانه در سال ۱۳۷۷ به چاپ رسید ترجمه ای که اولین کار و نیز اولین ترجمه از اقبال سید بن طاووس ره بود که به زبان فارسی برگردانده شد، کار بعدی ام تالیف کتاب فضایل و آداب ماه های رجب و شعبان بود که کمبود آن در میان مولفات شیعه محسوس بودویک سال بعد آن را نیز منتشر کردم. همزمان با سفرهای متعددی که به حج و عمره داشتم متوجه شدم که حاجیان و نیز کارگزاران و روحانیون از نبود کتاب جامعی در زمینه اسرار، اماکن و زیارات آن سرزمین رنج می برند. تصمیم گرفتم که با استفاده از تجربیات تحقیقی حوزوی و نیز میدانی، کتاب بسیار ارزشمند اسرار الحرمین را تالیف کنم که در حقیقت یک دائره المعارف سفری حج و عمره است و کسانی که از آن استفاده کردند بارها و بارها با تماس های خود این حقیر را مورد لطف خود قرار دادند. شبیه همین کار را با ابعاد محدودتری در زمینه عتبات و عالیات انجام دادم، تفسیر امام حسن عسکری (ع) هم که تنها تفسیر باقیمانده از معصومین (ع) بود و سابقه هیچ ترجمه فارسی نداشت مورد توجه ام قرار گرفت و آن را به فارسی برگرداندم. به دنبال ترجمه این تفسیر اکنون به فکر ترجمه تمام احادیثی افتادم که در زمینه تفسیر آیات قرآن در کتاب های قدما چون نور الثقلین، برهان و مجمع آمده است که کار سنگین و بزرگی است و به لطف خدا گام به گام این احادیث را ترجمه می کنم تا به زودی در اختیار علاقه مندان قرار گیرد. در زمینه ولی نعمت و سرورمان حضرت بقیه الله الاعظم عج الله تعالی فرجه الشریف هم کاری را حدود دو سال است که شروع کردم به نام «شهر گمشده» که امیداورم بتوانم به مانند نوع کارهایی که به عهده می گیرم جامع و کامل باشد و تکراری نباشد به طوری که از نوشته های دیگران در آن به هیچ وجه استفاده نشده باشد. با هیچ موسسه ای کار نمی کنم. و نظر شخصی ام این است که در زمینه علوم اسلامی نبوغ شخصی می تواند مخاطبان زیادی را زیر چتر خود بگیرد و کارهایی با هدایت بالا و جهت داده شده مثمر ثمر نباشد و الله اعلم.

وحیدی تبریزی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۲ ق)، ادیب و شاعر. اهل تبریز بود، ولی چون مدتی در قم سکونت داشت، برخی از مؤلفان او را قمی نوشته‌اند و همچنین صاحب «ریحانةالادب» او را اهل تبریز یا هرات می‌داند. در شناخت اشعار و علم عروض و قافیه مهارت داشت. وی با مولانا حیرتی معاصر و معاشر بود که به سببی یکدیگر را هجو کردند. وحیدی اواخر عمر به گیلان مسافرت کرد و در آنجا درگذشت. مؤلف «الذریعه» وحید تبریزی و وحیدی قمی را دو نفر دانسته است. از آثار وی: «مفتاح البدایع»، در لغت فارسی؛ «الجمع المختصر» یا

«مختصر وحیدی»، در عروض و قافیه؛ «شهرانگیز»، برای مردم تبریز؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۲۹، ۴۰۲/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۷۰۷)، تحفه سامی (۲۲۸ -۲۲۷)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۴ -۳۹۳)، الذریعه (۳۲۰ / ۲۱ ،۱۲۶۵ / ۹ ،۱۳۹ / ۵)، ریحانه (۳۱۰ / ۶)، صبح گلشن (۵۸۹)، فرهنگ سخنوران (۹۸۰)، مجالس‌النفائس (۱۶۱)، هفت اقلیم (۵۰۵ -۵۰۴/ ۲).

وحیدی، محمد

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید العلماء العالمین آیت‌الله آقای حاج سید محمد بن العالم الجلیل السید رضی‌الدین بن العلم العلام حاج سید محمد بن العلامه الکبری آیت‌الله حاج سید اسماعیل (شبستری معاصر شیخنا الانصاری) عالمی جلیل و دانشمندی بزرگوار حاوی فروع و اصول جامع معقول و منقول از علماء مبرز و مراجع عالیقدر و مدرسین گرامی حوزه علمیه است.
در سال ۱۳۳۶ قمری متولد شده و در خاندان فضل و سیادت تربیت یافته و مقدمات و سطوح را در شبستر و تبریز فراگرفته و در سال ۱۳۵۵ قمری به قم مهاجرت نموده و به درس سیدنا الاستاد آیت‌الله العظمی حجت حاضر شده و مدت ۸ سال از دراسات فقه و اصول معظم‌له استفاده کرده تا به مدارج عالیه علم ارتقا یافته و در سال ۱۳۶۳ قمری بنابر دعوت مردم آذربایجان غربی و امر آن مرحوم برای هدایت و رهبری آن مرحوم به آن سامان عزیمت نموده و نزدیک ده سال در آنجا خدمات شایانی انجام داده و در دلهای مردم آذربایجان محبوبیت بخصوصی پیدا کرده است تا در سال ۱۳۷۲ قمری که مراجعت به قم نموده و به تدریس خارج فقه و اصول در مسجد اعظم قم پرداخته و تاکنون با داشتن کسالتهای روحی و جسمی اشتغال دارند و عده‌ای از فضلاء از محضرش استفاده می‌نمایند.
مولف گوید... آیت‌الله وحیدی عالمی خدمتگذار و دانشمندی فداکار است که به سهم خود خدماتی در قم و آذربایجان و نقاط دیگر نموده و می‌نماید.
دارای آثار علمی و اجتماعی می‌باشد.
اما آثار اجتماعی مساجدی که در بعضی از نقاط به امر و اجازه ایشان بنا شده و مدرسه آیت‌الله وحیدی که در جلد اول ضمن مدارس قم شرح آن داده شده است.
و اما آثار علمی از این قرار است:
۱- مستمسکات الاحکام عربی ۲- شرح زیارت جامعه فارسی ۳- اجوبه المسائل ۴- حاشیه بر عروه‌الوثقی ۵- توضیح المسائل ۶- رساله منتخب التوضیح
۷- تقریرات فقه آیت‌الله حجت ۸- تقریرات اصول معظم‌له.
وی دارای اجازات اجتهاد و روایتی از آیات عظام مرحوم آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله حجت رضوان‌الله علیهم اجمعین و دیگران می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

وداعی حصاری، وداعی

قرن:۱۰
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، شاعر. وی از مردم حصار ماوراءالنهر بود و در هند نشو و نما یافت. گویند مردی درویش مشرب بود، پس از آنکه در هند رنج بسیار دید، به موطن خود بازگشت و از آنجا به کابل و سپس به حجاز رفت. او در عروض و قافیه و معما و اقسام شعر استاد بود. وداعی در سفر حجاز، در بین راه درگذشت. از اوست:
تا زلف دو تای تو بلای دل ما شد
سودای دل ما، یکی بود، دو تا شد
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۹۲)، تحفه سامی (۲۵۸ -۲۵۷)، صبح گلشن (۵۹۰).

وراق غزنوی، ابوعمرو عثمان

قرن:۵
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س پنجم ق)، مذهب و خطاط. وی مذهب نادره‌کار عصر خویش بود که در خط و کتابت نیز دست پرقدرت و استواری داشت. تنها اثر رقم‌دار وی، تذهیب و کتابت سی جزو قرآن مجید است که در کمال شیوایی تذهیب شده و در آغاز هر جزو و سر سوره‌ها،

صفحات تمام تذهیب و ترصیع در مقابل هم قرار گرفته است. اسامی سور و بسمله، به خطوط و شیوه‌ی معروف زمان و به خط کوفی و ثلث و رقاع کتابت شده و رقم هنرمند در صفحه‌ی آخر جزو پنجم چنین است: «کتبه و ذهبه عثمان بن الحسین بن ابی‌سهل الوراق غزنوی... فی سنه اربع و ستین و اربعمائه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۳۵۶ –۳۵۵ / ۱)، گلستان هنر (بیست و پنج).

ورامینی، رازی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از سادات ورامین و کلانتر ری بود. سپس به خدمت سلاطین صفوی درآمد و صاحب مال و مقام شد. وی برادر قاضی عطاءاللّه، قاضی دربار شاه طهماسب (۹۸۴ –۹۳۰ ق) بود. مدتی نیز در ورامین به امر قضاوت اشتغال داشته است. از اوست:

در صحبت رندان دو سه روزم گذر افتاد

خالی ز ریا بود مرا نیز درافتاد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۵۱)، الذریعه (۸۷۲ / ۹)، ری باستان (۳۸۸ / ۲)، صبح گلشن (۳۸۰)، فرهنگ سخنوران (۸۱۸)، مجمع‌الفصحا (۷۹/ ۴)، هفت اقلیم (۵۰ –۴۹/ ۳).

وردی اصفهانی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، نقاش و خطاط. از هنرمندان گمنام و اهل اصفهان بود. تنها اثر وی، نسخه‌ای مصور است که جهت اسکندر سلطان ابن عمر شیخ به سال ۸۱۶ ق کتابت و مصور ساخته است. یک صفحه‌ی مصور این نسخه، تصاویری متنوع و اعجاب‌آور است که بعضی از افراد سوار شترمرغ و شیر و اژدها شده و در جای دیگر، یک انسان دو سر و کسی که در انتهای دستش سر انسانی روییده است، دیده می‌شود. و در ذیل هر تصویر، تعبیراتی یاد نموده که بعضی از آنها، مثلا در تصویر کسی که یک دستش سر انسان روییده، نوشته شده: «صورت پر سیاوش، اما آن چه منجمان گویند که بر فلک‌البروج است از صورت قطب شمالی، سر بریده غولی بر دست چپ دارد...» و رقم نهاده: «کار شیخ وردی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۴۶۵/۳).

ورزی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۸ –۱۲۹۳ ش)، شاعر، مترجم و نوازنده. در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در ۱۳۱۵ ش به اخذ لیسانس از دانشکده‌ی حقوق نایل شد و در همین سال بود که به انجمن‌های ادبی تهران راه یافت و با شعرای همعصر خود آشنا گردید. وی هنگام تحصیل در دانشکده‌ی حقوق، در دانشکده‌ی معقول و منقول (الهیات و معارف اسلامی) هم به تحصیل پرداخت و زمانی که از طرف وزارت دادگستری در شیراز به سر می‌برد، «جامع المقدمات» و «مغنی» و «مطول» تفتازانی و «شرح منظومه» ملا هادی سبزواری و مقداری از «اسفار اربعه» را نزد میرزا علی حکیم آموخت. ورزی در ۱۳۲۰ ش در کابینه‌ی اول قوام‌السلطنه به سمت بازرس مخصوص نخست‌وزیر انتخاب شد و از آن پس عهده‌دار مشاغل مختلفی چون رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت فلاحتی خراسان، مدیرکل مالی شهرداری تهران، رئیس هیئت مدیره شرکت چای گیلان، عضو هیئت اعزامی برای خلع ید تأسیسات نفت در زمان دکتر محمد مصدق و غیره بود. او از همان دوران کودکی با شعر و ادب و موسیقی آشنا شد و در محضر اساتیدی مانند موسی نی داوود، نواختن تار و ویولن و سه تار را آموخت و با ابوالحسن صبا، حسین تهرانی، روح‌اللّه خالقی، علینقی وزیری، غلامحسین بنان، قمرالملوک وزیری، تاج اصفهانی و بسیاری از هنرمندان دیگر مصاحب و معاشر بود. ورزی شاعری غزلسراست، اما در انواع شعر فارسی نیز طبع‌آزمایی کرده است. وی زبان فرانسه را خوب می‌دانست و اشعاری نیز به این زبان سروده و آثاری را ترجمه کرده است. از آثار منظوم او: «سخن عشق»؛ «رهاورد عمر»؛ «دیوان» شعر. از ترجمه‌های وی: «بررسیهای ادبی» و «هفت صورت عشق» از آندره موروا؛ «نغمه‌پرداز نامرد» که نام داستانی از داستایوفسکی است به نام «نیه توچکانبتروانف».[۱]

شاعر.

تولد: دی ۱۲۹۳، تهران.

درگذشت: مهر ۱۳۶۸، تهران.

ابوالحسن ورزی، فرزند حسین فلاح‌زاده تا پنجم ابتدایی در دبستان‌های شرف مظفری و ادب درس خواند ولی سال ششم ابتدایی را در گرگان و دوره‌ی اول دبیرستان را در شهرستان ساری و دوره‌ی دوم دبیرستان را در مدرسه‌ی امیرکبیر (دارالفنون) به پایان رساند. وی فارغ‌التحصیل رشته‌ی حقوق قضایی از دانشکده‌ی حقوق دانشگاه حقوق دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۵ بود. پس از گذراندن دوره‌ی افسری وظیفه که محل مأموریتش در شیراز بود، مجددا از طرف وزارت دادگستری با سمت دادیاری دادسرای شهرستان شیراز به آن شهر بازگشت. از زمانی که مشغول تحصیل در دارالفنون بود، گذشته از برنامه‌ی روزانه، مقدمات زبان عربی و صرف و نحو و منطق و فلسفه را در خارج نزد یکی از اساتید زمان یعنی شیخ ضیاءالدین دری اصفهانی و مدرسان دیگر فراگرفت. هنگام تحصیل در دانشکده‌ی حقوق به منظور فراگرفتن ادبیات عرب و حکمت شرق در دانشکده‌ی معقول و منقول (الهیات و معارف اسلامی) هم نام‌نویسی کرد و در خارج از محیط دانشکده هم به تحصیل پرداخت. در شیراز هم جامع المقدمات و مغنی و مطول تفتازانی و شرح منظومه‌ی سبزواری و مقداری از اسفار اربعه را نزد میرزا علی حکیم ادامه داد. اشتغال در دادگستری با روحیه‌اش سازگار نبود و به همین دلیل از این شغل استعفا نمود و به تهران بازگشت در تهران وی را دعوت به همکاری در نخست وزیری کردند که در آنجا مشغول به کار شد (در سمت بازرس نخست وزیر) و پس از چندی مشاغل زیر را عهده‌دار گردید. رییس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت فلاحتی خراسان، مدیر کل مالی شهرداری تهران، رییس هیئت مدیره شرکت چای گیلان، عضو هیئت اعزامی برای خلع ید تأسیسات نفت در زمان دکتر محمد مصدق، عضو هیئت مدیره شرکت فرش ایران، بازرس سازمان بازرسی کل کشور در وزارت دادگستری، از آن پس بنا به تقاضای خودش بازنشسته شد.

از کودکی با تار و ویولن و سه‌تار آشنا شد و اساتیدی چون موسی و مرتضی نی‌داود به وی تعلیم دادند. گفتن شعر را از سن یازده سالگی شروع کرد و هدایت و تشویق پدرش موجب پیشرفت وی در شعر شد. از سال ۱۳۱۵ در انجمن‌های ادبی رفت و آمد می‌کرد. در یکی از جلسات ادبی با فصیح‌الزمان رضوانی، شاعر شیرازی، آشنا شد و او را تخلص «طالع» را برایش انتخاب نمود ولی او هیچ وقت خود را مقید به قید تخلص نکرد. نخستین مجموعه‌ی غزلیات او در سال ۱۳۵۸ به نام سخن عشق منتشر گردید. گذشته از غزل در انواع شعر فارسی از قبیل قصیده، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مخمس، مسدس، مثنوی، رباعی و دو بیتی طبع آزمایی نمود. از وی منظومه‌های عشقی و عرفانی و اجتماعی و حماسی و وطنی و مذهبی (در مدح و رثای) ائمه اطهار (ع) به جا مانده است. صدای آشنا و ترانه‌های درد دو نمونه از منظومه‌های یاد شده است (این دو منظومه در یک کتاب در سال ۱۳۶۸ منتشر شد). کتاب دیگر او پرتو راز نام دارد که در مورد زندگانی پیامبر اسلام است که به اتفاق غلامحسین جواهری وجدی سروده شده است.

آثاری که از وی ترجمه شده است از این قرار است: دو کتاب از آندره موروآ به نام‌های: بررسی‌های ادبی و هفت صورت عشق و کتاب دیگری به نام نغمه‌پرداز نامرد (اثر فئودر داستایوسکی) که در روزنامه «ایران ما» به چاپ رسید.

ابوالحسن ورزی، شاعر بلند آوازه معاصر، فرزند مرحوم حسین ورزی است که سالها مصدر مشاغل بزرگ علمی، هنری و دولتی بوده که با اکثر رجال علم و هنر و سیاست حشر و نشر داشت است. ابوالحسن ورزی، از اوایل تأسیس رادیو، کم و بیش اشعارش وسیله هنرمندان در رادیو اجرا می‌شد، ولی در سال ۱۳۳۸ رسماً به رادیو رفت و اولین شعری که وی در این سال ساخت توسط مرحوم غلامحسین بنان در «بیات اصفهان» که آهنگ آن را مهندس همایون خرم ساخته بود، خوانده شد چنین بود: «آمد اما در نگاهش آن نوازش‌ها نبود» که بعدها چند خواننده دیگر، این شعر را در رادیو اجرا کردند.

ابوالحسن ورزی، از دوستان صمیمی و نزدیک شادروان داود پیرنیا بود و سال‌ها در بازرسی نخست وزیری، همکار یکدیگر بوده‌اند. این صمیمیت به حدی بود که روزی به عیادت داود پیرنیا که به واسطه بیماری قلبی چند روزی در منزل بستری بود به بالین پیرنیا حاضر می‌شود بلافاصله این دو بیت را برای وی می‌سازد:

گویند برنج تن فزوده است دلت

آرام و قرار ز نور بوده است دلت

ابوالحسن ورزی را باید به حق یکی از شعرای باارزش دوران اخیر به حساب آورد و این ادعا نیست بکله اشعار وی نمایانگر این مدعا است، به طوری که روزی در رادیو با مرحوم علی دشتی درباره شادروان رهی معیری مصاحبه بود، وقتی مصاحبه‌گر رادیو از ایشان پرسید «آقای دشتی شما بهترین غزلسرای امروز را چه کسی می‌دانید؟»

پاسخ داد: «ابوالحسن ورزی را کنار بگذارید، راجع به بقیه بفرمایید.»

وقتی از وی سؤال شد که: چرا ورزی را کنار بگذاریم؟»

پاسخ داد: «اگر تکفیرم نکنند، ابوالحسن ورزی سعدی و حافظ و مولانای زمان است.»

نگارنده وقتی در نشستی که با این شاعر گرانمایه داشتم و درباره زندگی‌نامه ایشان جویا گردیدم؟

از روی نوشته‌ای که قبلا آماده کرده بودند چنین بیان داشتند:

«من در سال ۱۲۹۳ خورشیدی در تهران به دنیا آمدم. پدرم مرحوم حسین ورزی که صدای خوشی داشت، در روز اول دی‌ماه ۱۳۲۵ در تهران درگذشت و چند سال بعد از مرگ پدرم، مادرم شادروان بتول ورزی نیز برحمت ایزدی پیوست. دوران تحصیلی من، تا کلاس پنجم ابتدایی در دبستان‌های شرف مظفری و ادب بود، ولی سال ششم ابتدایی را در گرگان و دوره اول دبیرستان را در شهر ساری و دور دوم دبیرستان را در مدرسه امیرکبیر (دارالفنون) به پایان رساندم. در آن زمان در دارالفنون دانشمندان برجسته‌ای مانند شادروانان فاضل تونی، بهمنیار، همایی، نصرالله فلسفی، دکتر سیاسی، حبیب یغمایی به تدریس اشتغال داشتند. در سال ۱۳۱۵ خورشیدی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران با رتبه شاگرد اولی موفق به اخذ درجه لیسانس در رشته قضایی شدم و تا آنجا که حافظه‌ام یاری می‌کند اساتیدی نظیر شادروانان: بروجردی (محمد عبده) رئیس محکمه انتظامی وزارت دادگستری، دکتر سیدعلی شایگان، دکتر زنگنه، آقا محمد شریعت سنگلجی، دکتر امامی، دکتر کریم سنجابی تدریس می‌کردند. اساتید خارجی من عبارت بودند از: موسیو فونتانا معلم حقوق رم و حقوق مدنی فرانسه و موسیو لافن معلم ادبیات.

پس از گذراندن دوره افسری وظیفه که خوشبختانه محل مأموریتم در شهر شیراز بود، مجدداً از طرف وزارت دادگستری با سمت دادیاری دادسرای شهرستان شیراز به آن شهر بازگشتم. از زمانی که مشغول تحصیل در دارالفنون بودم، گذشته از برنامه روزانه مقدمات زبان عربی و صرف و نحو و منطق و فلسفه را در خارج نزد یکی از اساتید زمان یعنی مرحوم شیخ ضیاءالدین دری و مدرس دیگر فراگرفتم. هنگام تحصیل در دانشکده حقوق به منظور فراگرفتن ادبیات عرب و حکمت شرق در دانشکده معقول و منقول (الهیات و معارف اسلامی) هم نام‌نویسی کردم و در خارج از محیط دانشکده هم نزد استادان این فنون به تحصیل پرداختم. در شیراز هم جامع‌المقدمات و مغنی و مطول تفتازانی و شرح منظومه سبزواری و مقداری از اسفار اربعه را نزد حکیم محقق و دانشمندی چون میرزا علی حکیم ادامه دادم. از استاد حکیم تا آن زمان خبر داشتم که در دانشکده معقول و منقول مشغول تدریس بودند و بعد گویا به شیراز سفر می‌نمایند، که بازگشتی نداشته است و هنوز خبری از ایشان ندارم که آیا در قید حیات هستند یا نه، به هر صورت اگر زنده هستند خداوند به ایشان سعادت و سلامت عطا فرماید و اگر رحلت کرده‌اند برای ایشان آمرزش می‌طلبم.

اشتغال در دادگستری و شاهد گرفتاریهای مردم بودن و احکام شدید صادر کردن مغایر با روحیه من بود به همین دلیل از این شغل استعفا نموده و به تهران بازگشتم. در تهران مرا دعوت به همکاری در نخست‌وزیری کردند، که در آنجا مشغول به کار شدم و پس از چندی مشاغل زیر را عهده‌دار گردیدم:

رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت فلاحتی خراسان، مدیر کل مالی شهرداری تهران، رئیس هیئت مدیره شرکت چای گیلان، عضو هیئت اعزامی برای خلع ید تأسیسات نفت در زمان شادروان دکتر محمد مصدق، عضو هیئت مدیره شرکت فرش ایران، بازرس بازرسی کل کشور و از آن پس بنا به تقاضای خود بازنشسته شدم.

آشنایی من با شعر و ادب و موسیقی:

همان‌طوری که در مقدمه کتاب، (سخن عشق) نوشته‌ام، این آشنایی برای من از دوران کودکی آغاز شد. پدربزرگم مرحوم کاظم کمپانی مردی بسیار هوشمند و روشنفکر و آزاده بود و از مجتهد آزاداندیشی به نام مرحوم شیخ هادی نجم‌آبادی تقلید می‌کرد و در زمان قحطی از ثروت شخصی و محصولات املاکش کمک مؤثری به بینوایان می‌نمود، و ای کاش تمام افراد متمکن و ثروتمند از این شیوه پیروی می‌کردند و بنا به فرموده شیخ اجل سعدی بزرگوار:

تو کز محنت دیگران بی‌غمی

نشاید که نامت نهند آدمی

با وجود آنکه پدربزرگم مردی متدین بود هرگز مانع معاشرت پدر من با استادان موسیقی نظیر شادروان درویش خان و جناب دماوندی، حاج قربان‌خان و قراب نگردید. من از زمان کودکی با تار و ویولن و سه‌تار آشنایی داشتم، اساتیدی چون موسی نی‌داود و مرتضی نی‌داود به من تعلیم می‌دادند. از دوران جوانی با چهره‌های شاخص موسیقی ایرانی نظیر شادروانان: ابوالحسن صبا، حسین تهرانی، ارسلان درگاهی، هرمزی، روح‌اللّٰه خالقی، کلنل علینقی وزیری، زاهدی، حاج علی‌اکبرخان شهنازی، حسین یاحقی، مشیر همایون شهردار، مرتضی محجوبی، غلامحسین بنان، لطف‌اللّٰه مجد، پروانه، قمرالملوک وزیری، روح‌انگیز، رضاقلی میرزا ظلی، رضا ورزنده، محمود کریمی، تاج اصفهانی، ادیب خوانساری و محمودی خوانساری آشنایی و دوستی نزدیک داشتم، که بدبختانه همه آنها چهره در نقاب خاک کشیده‌اند، روحشان شاد باد!

شعر و شاعری:

همان‌طوری که قبلاً متذکر شدم مرحوم پدرم صدای بسیار دلنشینی داشت و در انتخاب و شناخت شعر بسیار با ذوق بود، پیوسته کوشش می‌کرد که بهترین غزلیات شعرای برجسته میهن‌مان نظیر: سعدی، حافظ، مولانا، جامی، عطار، سنائی و صائب را یادداشت نماید و به همین دلیل من از آغاز طفولیت که قلم به دست گرفتم و خواندن و نوشتن را آموختم با این غزلیات زیبا آشنا شدم و هر زمان که تنها بودم با خود زمزمه می‌کرد، تا هنگامی که تعطیلات تابستانی مدارس فرا رسید و من که سال پنجم دبستان ادب را تمام کرده بودم، با پدرم که مأموریت گرگان را داشت به مسافرت رفتم. این نخستین بار بود که دور از محیط گرم خانواده به جایی ناشناس و بیگانه می‌رفتم. با اینکه دیدن دریا و طبیعت و کوهستانهای سرسبز و جنگلهای با عظمت برایم بسیار جالب بود ولی غم غربت و تنهایی و دوری از خانواده و دوستان به خصوص اوقاتی که پدرم به مأموریت می‌رفت مرا بسیار ملول و افسرده می‌ساخت تا آنجا که به کنجی می‌نشستم و به یاد دوستان به خصوص مادرم که به حد پرستش او را دوست داشتم اشک می‌ریختم. این افسردگی و غم و درد مرا بر آن که احساسات خود را بوسیله شعر بیان کنم، در کتاب (سخن عشق) داستان برخورد پدرم را مفصلا بیان کرده‌ام، من گفتن شعر را از سن پانزده سالگی شروع کرده‌ام و هدایت و تشویق پدرم موجب پیشرفت من در شعر شد. خوب به یاد دارم شبی یکی از دوستان پدرم شعری از فرخی سیستانی را خواند که چنین بود:

خواستم از دلبری دو بوسه و گفتم

تربیتی کن ز آب لطف خسی را

گفت یکی بس بود اگر دو ستانی

خیره شوی کازموده‌ایم بسی را

عمر دوباره است بوسه من و هرگز

عمر دوباره نداده‌اند کسی را

و من در جواب چنین گفتم:

ای که ندادی به من دو بوسه و گفتی

«عمر دوباره نداده‌اند کسی را»

غافل از آنی که عیسی مریم

داد پس از مرگ جان تازه بسی را

بوسه تو کرده کار معجز عیسی

مرده عشقیم تازه کن نفسی را

یکی از محفل‌نشینان که از مالکان ثروتمند شمال بود وعده کرده بود که در مقابل این حاضر جوابی به من یک ساعت با زنجیر طلا بدهد که خوشبختاه به عهد خود وفا نکرد و مرا از زیر بار منت خود خلاص نمود، روانش شاد باد. در حقیقت چه کار نیکویی کرد وگرنه ممکن بود مرا به گرفتن هدیه از دیگران عادت دهد و به وارستگی و بی‌نیازی که مایه سرافرازی من است خللی وارد کند.

میدمد نور صفا از خانه‌ام

عشق چون شمعی است در کاشانه‌ام

فخر من این بس که با صدها نیاز

خم نشد از بار منت شانه‌ام...

بنابراین بهترین مشوق و نخستین آموزگار شعر من پدرم بود و از اینکه فرزندی شاعر به جامعه ادب ایران تحویل داده است به خود می‌بالید و شاید اگر من به عالیترین مقامات اداری و اجتماعی رسیده بودم آنقدرها مسرت و سرافرازی احساس نمی‌کرد.

تصور می‌کنم که در سال ۱۳۱۵ خورشیدی پای من به انجمن‌های ادبی باز شد در آن زمان تهران دارای سه یا چهار انجمن ادبی بیشتر نبود که یکی را شاهزاده محمدهاشم میرزا افسر و دومی را مرحوم ترجمان‌الممالک فرهنگ و سومی را وحید دستگردی اداره می‌کردند و بر اثر شرکت در مجالس فوق با ارکستر شعرای هم عصر خود آشنا و دوست شدم که مرگ آنها برایم بسیار دردناک و جانگداز بوده و هست، در یکی از جلسات ادبی با مرحوم فصیح‌الزمان رضوانی شاعر و واعظ و ادیب شیرازی گوینده غزل:

همه هست آرزویم که ببینم از تو رویی

چه زیان ترا که من هم برسم به آرزویی

آشنا شدم و او تخلص (طالع) را برایم انتخاب نمود ولی من که هیچوقت خود را مقید به قید تخلص نکرده‌ام که مجبور شدم برای آوردن تخلص یک بیت اضافی و با تکلف بسازم، غزلهای خود را مانند گذشته بدون ذکر تخلص ساخته و می‌سازم.

من از دوران جوانی شروع به خواندن و تتبع در آثار شعرا و ادبای برجسته وطنم نمودم و به دقت آثار اساتید بزرگ را با بررسی، مطالعه و کسب فیض و معرفت کرده نهال ضعیف شعر خود را بارور ساختم.

در مورد شعرای معاصر خود:

با همه آنها دوستی نزدیک داشته‌ام و در حقیقت باید متذکر شوم که زمان ما یکی از ادوار بسیار درخشان و پربار ادب فارسی است و پس از مشروطه شعرا و ادبا و سخن‌شناسان بزرگی ظهور کرده‌اند که بدون تردید از مفاخر این سرزمین مقدس می‌باشند. چون تعداد شعرای معاصر که همه از دوستان نزدیک من هستند بسیار زیاد می باشند و به خاطر آنکه مبادا نام یکی از آنان از قلم شکسته این ضعیف بیافتند با عرض معذرت و پوزش نامی ذکر نمی‌کنم تنها از خدای یگانه طول عمر و عزت و کامرانی همه آنها را آرزو می‌نمایم و اظهارنظر در مورد شعرای معاصر را به آیندگان می‌سپارم و خود را در صلاحیت این امر نمی‌دانم.

نخستین مجموعه غزلیات من در سال ۱۳۵۸ به نام (سخن عشق) توسط انتشارات امیرکبیر منتشر گردید و پس از مدتی به کلی نایاب شد. مابقی غزلهای من امروز از نظر کمیت به ۵ برابر مجموعه فوق می‌رسد. گذشته از غزل در انواع شعر فارسی از قبیل قصیده، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مخمس، مسدس، مثنوی، رباعی، دو بیتی، پیوسته طبع آزمایی کرده‌ام.

منظومه‌های عشقی و عرفانی و اجتماعی و حماسی و وطنی و مذهبی (در مدح و رثای) ائمه‌اطهار علیهم‌السلام دارم. صدای آشنا و ترانه‌های درد دو نمونه از منظومه‌های یاد شده است.

در مورد شعر و شاعری و قواعد و اصول و اساس و مبانی و مبادی آن من هم به همان تعریفی که از زمان ارسطاطالیس و بعد به وسیله حکمای بزرگ ایران چون: حکیم‌ابونصر فارابی، شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا، خواجه نصیرالدین طوسی، علامه قطب‌الدین شیرازی و حکیم صدرالمتالهین شیرازی شده است اعتقاد دارم. در هنگام نوشتن این مقدمه خوشبختانه اثری منظوم بنام «پرتو راز» که در مورد زندگانی پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد بن عبداله صلی اللّه علیه و آله که به اتفاق دوست نازنین و شاعر شیرین سخن آقای غلامحسین جواهری وجدی سروده بودیم منتشر گردید که لطف این کتاب در دو تقریظ زیبا و پرمغزی است که وسیله دو تن از شعرای توانا و فحل زمان جناب آقای ابوتراب جلی استاد سخن شناس بزرگ و جناب آقای سعید نیاز کرمانی شاعر خوش قریحه زمان سروده شده است.

آشنایی با زبانهای بیگانه:

از زبانهای خارجی انگلیسی را باندازه رفع احتیاجات می‌دانم ولی زبان فرانسه را در زمان کودکی نزد معلمین فرانسوی آموختم. زیرا در سال ۱۳۵۹ که پدرم مأمور در استان مازندران بود و من در کلاس دوم دبیرستان به تحصیل اشتغال داشتم. یک روز به مادرم اطلاع دادند که یک خانم فرانسوی به نام مادام ژاکولت که وسیله فرمانفرما برای آموختن زبان فرانسه به فرزندانش به ایران آمده بود و دیگر نیازی به او نداشتند با فقر و پریشانی در ساری زندگی می‌کند. مادرم که بانویی مهربان و پر از رحم و شفقت بود آن خانم را به خانه ما آورد و برای اینکه احساس غربت و تنهایی نکند همانند یک عضو خانواده غذای روزانه را با ما صرف می‌کرد و در عوض زبان فرانسه را به من آموخت و در نتیجه پیشرفت زیادی در این زبان کردم و پس از اینکه به تهران آمدم زبان فرانسه را در خارج از مدرسه نزد یک بانوی فرانسوی دیگر به نام مادام توماسن و بعد نزد معلم دیگری که یک مرد فرانسوی بود ادامه دادم و بعدها بر اثر خواندن متون داستاهای ادبی و تاریخی از نویسندگان برجسته فرانسه به این زبان تسلط کامل پیدا کردم و به ترجمه آثاری از این زبان پرداختم:

دو کتاب از نویسنده نامدار فرانسه آندره موروا بنامهای: «بررسی‌های ادبی» و «هفت صورت عشق» ترجمه کردم که عشقهای مختلف را در ادبیات فرانسه نشان می‌داد. نظیر: «عشق افلاطونی»، «عشقهای شوالیه‌ها» و عشقهای هوس‌انگیز مانند: «ژولی ژان‌ژاک روسو» و انواع دیگر عشقها که از مادام لافایت نویسنده معروف بود و عشقی را که شرح می‌داد اول بیوگرافی کوتاهی از نویسنده

داستان می‌نوشت و سپس خلاصه داستانی را که منظور نظر او بود با قلم سحار خود شرح می‌داد.

کتاب دیگری نیز از نویسنده برجسته و نامدار روس یعنی فئودور داستایوسکی که به زبان فرانسه برگردانده شده بود به نام «نیه‌تو چکانبتروانف» که نام قهرمان داستان است. به نام «نغمه‌پرداز نامرد» ترجمه کردم که در روزنامه ایران ما به چاپ رسیده است.

تعدادی شعر هم به زبان فرانسه سروده‌ام و بیشتر شاهکارهای ادبی شعرای بزرگ فرانسه را نیز خوانده‌ام. از نویسندگان و شعرای فرانسه به آثار ویکتورهوگو، بالزاک، آلفرد دووینی، آلفرد دوموسه، لامارتین، پل ورلن، رمبو، بودلر، مارسل پروست، راسین، مولیر ژرژسان، کرنی، آندره موروآ، آندره ژید، آندره مالرو و آناتول فرانس و برخی دیگر بسیار علاقمندم و از مطالعه آنها لذتی عمیق در خود احساس می‌کنم:

سیر و سیاحت:

از دوارن جوانی علاقه فراوان به سیر و سیاحت داشتم که به منظور دیدن آثار تاریخی و باستانی جهان سفری به دور دنیا کردم که بسیار جالب توجه بود. ضمنا چندین بار به آمریکا و یک‌بار به روسیه و سوئد و سوئیس و بارها به لندن سفر کرده‌ام ولی هر بار عاشق بازگشت به وطنم بودم. یکی از آرزوهای بزرگم سفر به کربلا و نجف اشرف است که امیدوارم خدای بزرگ نصیبم نماید.

در خاتمه از دوست هنرمند و موسیقی‌دان و هنرشناسم آقای رضاقلی میرزای سالور قاجار متخلص به شهرام و دوست شاعرم آقای رضا تفقدراد که در جمع‌آوری اشعار با من یاریهای فراوان کرده‌اند نهایت تشکر و سپاسگذاری را دارم.

از جهان هرکس رود از خود گذارد یادگاری

از من این اوراق رنگین است تنها یادگارم

ابوالحسن ورزی، دارای همسر و دو پسر به نام‌های مهدی و حمید ورزی و یک دختر به نام فریناز ورزی می‌باشد که هر سه نفر ازدواج کرده‌اند و آقای ابوالحسن ورزی و خانم فرح ورزی همسر ایشان صاحب هفت نوه می‌باشند که خداوند این خانواده باتقوا و فرهنگ را حفظ فرماید. ابوالحسن ورزی به شعر «با پیرهن سبز» خود که از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد بسیار علاقمند می‌باشد.

«با پیرهن سبز»

زیبا چمنی بود پر از لاله و نسرین
با پیرهن سبز که آن روز به تن داشت
صد خرمن گل ریخت بدامان خیالم
آن غنچه خاموش که آهنگ سخن داشت
آغوش گشودم که چو جان در برم آید
بگریخت چو مرغی که گریزنده ز دام است
چون دید تب‌آلوده نگاه هوسم را
دانست ز پا تا سر من تشنه کام است
میراند مرا از خود و می‌گفت که حیف است
آلوده شود عشق من و تو بگناهی
گفتم ز تو ای چشمه جوشان هوس‌ها!
قانع نتوان بود به اشکی و نگاهی
هرچند که می‌راند مرا با سخن سرد
خود سوخته از آتش سودا چو شرر بود
می‌گفت اگر طالب عشقی مطلب کام
اما بزبان نگهش حرف دگر بود
پرخاش بلب داشت ولی عشق و تمنا
می‌تافت چو برق از نگه‌گاه بگاهش
می خواست بپوشد ز من این راز ولیکن
لبریز هوس بود گریزنده نگاهش
یک بوسه به من داد و لیکن بدو صد ناز
یک بوسه که می‌سوخت دهانرا و نفس را
در وسوسه افتاد و شنیدم ز نگاهش
فریاد پشیمانی و غوغای هوس را
زان شربت نوشین که از آن بوسه چشیدم
افروخته‌تر گشت شرار هوس ما
پرهیز ز من داشت ولی گرمی آغوش
چو شعله سوزنده عیان از نفسش بود
هنگامه بپا کرد در آن چشم هوسنامک
جنگی که میان دل او با هوسش بود
پیروزی از آن دل من شد که در این جنگ
مغلوب هوس گشت و بآغوش من افتاد
زد حلقه به پشتم چو یکی مار غضبناک

آن بازوی بی‌تاب که بر دوش من افتاد
چهارشنبه ۲۵ آذرماه ۱۳۳۶
«مستی رؤیا»
آمد اما در نگاهش آن نوازشها نبود
چشم خواب آلوده‌اش را مستی رویا نبود
نقش عشق و آرزو از چهره دل شسته بود
عکس شیدایی در آن آئینه سیما نبود
لب همان لب بود اما بوسه‌اش گرمی نداشت
دل همان دل بود اما مست و بی‌پروا نبود
در دل بیزار من جز بیم رسوایی نداشت
گرچه روزی هم‌نشین جز با من رسوا نبود
دیدم آن چشم درخشان را ولی در آن صدف
گوهر اشکی که من می‌خواستم پیدا نبود
در نگاه سرد او غوغای دل خاموش بود
برق چشمش را نشان از آتش سودا نبود
هر لب لرزان من فریاد دل خاموش شد
آخر تنها امید جان من تنها نبود
جز من و او دیگری هم بود اما ای دریغ
آگه از حال دلم زان درد جانفرسا نبود
ای نداده خوشه‌ای زان خرمن زیباییم
تا نبودی در کنارم زندگی زیبا نبود
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] از بهار تا شهریار (۴۹۵ -۴۹۲/ ۲)، تاریخ موسیقی (۵۸۶/ ۲)، چشمه‌ی روشن (۷۰۱ -۶۹۰)، سخنوران نامی معاصر (۳۸۵۸ -۳۸۵۲/ ۶)، سیمای هنرمندان (۲۳۵، ۲۳۴، ۱۵۹، ۱۳۰/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۹۸۰)، مردان موسیقی (۵۵۷ -۵۴۷/ ۳).

ورعی، جواد

قرن:۱۵
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید جواد ورعی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱
زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۲ در تهران متولد شدم. به تشویق مرحوم پدرم با علوم و معارف اسلامی آشنا شده و پس از دروس متوسطه در سال ۱۳۶۱ رسماً وارد حوزه علمیه شرق تهران شدم. همزمان در دانشکده الهیات دانشگاه تهران دوره کارشناسی الهیات و معارف اسلامی را گذراندم. در سال ۱۳۶۵ برای ادامه تحصیل راهی حوزه علمیّه قم شدم و سطوح عالی را در حضور حضرات آیات استادی، اعتمادی، ستوده، طاهری خرم آبادی، قدیری و محقق داماد گذراندم و در سال ۱۳۶۹ وارد مقطع درس خارج شدم. خارج فقه و اصول را از محضر حضرات آیات فاضل لنکرانی، وحید خراسانی، موسوی اردبیلی، سید کاظم حائری، و صانعی و بیش از همه به طور پیوسته شبیری زنجانی کسب فیض نمودم. در دروس تفسیر، فلسفه و عرفان نظری اساتید معظم حضرات آیات جوادی آملی، حسن زاده آملی و انصاری شیرازی نیز شرکت جستم. در ده سال اخیر برای فعّالیّت علمی و پژوهشی خود رشته فقه را با گرایش اجتماعی سیاسی، انتخاب نموده و در کنار تدریس سطوح عالی رشته فقه و اصول، به تحقیق و تالیف پرداختم. اینک بیشترین فعّالیّتم در تدریس، تحقیق و تالیف متمرکز شده است. تبیین و تدریس اندیشه های فقهی و سیاسی رهبر فقید انقلاب حضرت امام خمینی در دوره های آموزشی موسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی از دیگر فعّالیّت های اینجانب است.

ورمزیاری، علی اکبر

قرن:۱۵
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

علی اکبر ورمزیاری

محل تولد : هادیشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۵/۲۵

زندگینامه علمی

بسم الله الرحمن الرحیم والحمدالله رب العالمین وصل الله علی محمد وآله الطاهرین ولعن الدائم علی اعدائهم اجمعین امین یا رب العالمین .با جرقه ای که مربی مؤمنی در دوران نوجوانی درذهنم ایجاد کرد،قدم درراه تحقیق نهادم ومثل هرجوان مسلمانی جویای کمال شدم . کتابهای مختلفی مطالعه کردم ،ازساخت موشک تا داستانهای رنگارنگ ،اما هیچکدام ازآنها پاسخگوی سؤال من نبود ،تا اینکه خداوند وعنایت اهل بیت علیهم السلام به علوم اسلامی وحوزوی روی آوردم وگمشده خود را در آن یافتم ،با ادبیات شروع کردم ،با منطق همراه شدم وبا فن معانی وبیان آشنا شدم وفقه واصول را به همراه سایر علوم حوزوی ادامه دادم .اما وقتی به علوم اصلی یعنی قرآن واحادیث رسیدم خود را درمقابل دریای بی کران ازعلم دیدم ،دریایی که موجهای سهمگین آن ساحل جهل ونادانی را پی درپی درهم می کوبد وتشنگان علم ومعرفت را به رحمت ابدی دعوت می نمود.برای من که سالهای سال به دنبال قطره ی نا چیز با تمام وجود گشته بودم دیدن این اقیانوس بی پایان حکم رؤیایی را داشت که به حقیقت پیوسته بود .مثل من به جوینده طلائی می ماند که پس از مدتها جستجو به یک باره خود را درمیان چندین معدن طلا وجواهر ببیند وسرگشته وحیران بماند که ازکدامیک بار خود را ببندد.بنابراین پس ازدستیابی به گنجینه بزرگ علوم اسلامی برآن شدم که ازاین میان آنچه را که بیشترازسایرین مورد نیاز خودم ودیگران است گلچین کنم .به همین منظور درکنار دروس حوزه وتحقیقاتی که برای مرکزپژوهش وتحقیقات حوزه انجام میدادم ،تحقیقاتی پیرامون موضوعات مختلف انجام دادم که احساس می کردم درزندگی روزمره به آنها نیازمندیم .ازجمله آنها به چندنمونه اشاره میکنم :۱ – درمان بعضی ازبیماری ها ازطریق آیات وروایات ۲ – ادعیه واحراز۳– روانشناسی اسلامی ۴ – اصول عقائد اسلامی ۵ – ادبیات کاربردی ۶ – احادیث تربیتی ۷ – مسائل مربوط بهازدواج جوانان۸– سیره ائمه علیهم السلام ۹ – قانون برای زندگی و...

وزیری، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا وزیری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا وزیری پس از گذراندن دوره تحصیلات در مقطع ابتدایی، در سال ۱۳۵۲ ه.ش وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه تحت برنامه و اشراف مرجع فقیه عالم تشیع حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی و زیر نظر اساتید محترم و بزرگوار حضرات آقایان: فیاض یزدی، اسماعیل یزدی، حججی اصفهانی، معصومی شاهرودی، صالحی نجف آبادی، مرحوم سلیمی، علی فاضل همدانی، گنجی و ... تحصیلات علوم دینی خود را در دوره مقدمات به پایان رساندم، و نیز عمده دروس سطح متوسط را در همان مدرسه فرا گرفته و از محضر اساتید بزرگواری از قبیل حضرات آقایان: امینیان، مرحوم مدرس افغانی، کریمی جهرمی، استادی، احمدی یزدی، عالمی، صلواتی، شوشتری، طالقانی، اعلمی، نکونام، طیبی، بیگدلی قمی و ... استفاده‌ها بردم. حضور اینجانب در مدارس آن بزرگوار تا اوائل پیروزی انقلاب اسلامی ملت شهید پرور مسلمان ایران به رهبری امام امت ادامه داشت و تا پایان جلدین لمعتین و بخشی از کتاب مکاسب مرحوم شیخ را در آنجا خواندم، و ضمن تحصیل در این مدارس با بعضی از دوستان طلبه که در مدرسه حقانی سابق مشغول به تحصیل بودند ارتباط برقرار کرده و کم و بیش با برنامه‌های درسی آنجا نیز آشنایی پیدا کرده و استفاده می‌بردم.

و در خلال این سالها، همزمان با اشتغال به دروس حوزوی، به فراگیری دروس جدید دولتی تا گرفتن دیپلم به صورت شبانه و متفرقه ادامه دادم و تتمه درسهای حوزوی: (اعم از سطح عالی و خارج) را پس از پیروزی انقلاب و به صورت آزاد در محضر اساتید بزرگواری همچون حضرات آیات آقایان: مرحوم شیخ محمد تقی ستوده (مکاسب و کفایه)، شیخ محسن دوزدوزانی (بخشهایی از مکاسب)، حاج شیخ مصطفی اعتمادی (رسائل)، شیخ یحیی انصاری شیرازی (منطق، فلسفه منظومه حاجی سبزواری)، قدرت الله وجدانی فخر و شیخ علی پناه اشتهاردی (لمعه و بخشی از مکاسب)، موسوی تهرانی (بخشی از رسائل)، سید مصطفی محقق (اصول فقه) و محمد فاضل لنکرانی، یوسف صانعی، شیخ جواد تبریزی و وحید خراسانی (خارج فقه و اصول)، جوادی آملی

(تفسیر و خارج فقه و بخش از افسار)، حسن حسن‌زاده آملی (اشارات و هیأت و نجوم)، فیاض قمی و محمد تقی مصباح یزدی (بدایه و نهایه و سلسله مباحث پاسداری از سنگرهای ایدئولوژیک در سال ۵۹) و بعضی بزرگان دیگر حوزه تلمذ کرده و بهره‌ها بردم.

در بخش دروس جنبی (تفسیر، حکومت اسلامی، اخلاق، جامعه‌شناسی، اقتصاد و ...) از محضر بزرگانی از قبیل حضرات آیات آقایان: مرحوم شهید بهشتی، محمد یزدی، شهید باهنر، رفسنجانی، مظاهری، سبحانی و ناصر مکارم شیرازی و ... کسب فیض نمودم. بحمدالله این توفیق کم و بیش شامل حالم شده است که در خلال تحصیلاتم، به تدریس بعضی از رشته‌های علوم حوزوی از قبیل (فقه و اصول، تاریخ، عقاید و ...) در مدارس حوزه علمیه قم و مرکز جهانی و یا به صورت آزاد بپردازم و امیدوارم همچنان به این امر مهم نیز ادامه دهم. و از حدود سال ۷۳ نیز از طریق دفتر نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها به عنوان استاد، به دانشگاههای اصفهان و تهران (دولتی و آزاد) اعزام شده و در رشته‌های: «تاریخ اسلام، معارف اسلامی، اخلاق اسلامی، ادبیات عرب و ...» به تدریس پرداختم. گفتنی است که اینجانب از همان سالهای اولیه ورود به حوزه مبارکه علمیه قم در استانها و شهرستانهای: «قم، خمینی شهر، ملایر، خمین، تربت حیدریه، بندرعباس، کازرون، بوشهر، نیکشهر بلوچستان، تهران و شمیرانات، خراسان، بندر انزلی، سقز و کردستان، قزوین، و استانهای غرب و جنوب کشور» به تدریس و تبلیغ و ترویج احکام نورانی اسلام و نشر و اشاعه معارف دینی و قرآنی اشتغال داشتم.

اینجانب گرچه خوش ندارم در خصوص زندگی سیاسی و گرایشهای فکری چیزی به قلم بیاورم، و با وجود آنکه کار چندانی در مقایسه با کارهای چشمگیر و بزرگی که گروهی از عزیزان و دوستان همرزم و همسنگر شهید و غیر شهید، برای اسلام عزیز و انقلاب شکوهمند اسلامی انجام دادند و لحظه‌ای آرام ننشستند صورت نداده‌ام. لکن از باب «و اما بنعمهٔ ربک فحدث» شمه‌ای از آن بضاعت مزجاهٔ را بیان می‌کنم. الحمدلله و له الشکر که از همان دوران نوجوانی و حتی در زمان شاه ملعون با روحیه ظلم ستیزی و تنفر و مبارزه با ظالم و طاغوت، بزرگ شده‌ام و در همین راستا به بحثهای کوبنده و روشنگرانه با طرفداران رژیم پرداخته و فعالیتهای در زمینه توزیع رساله و کتب دیگر و اعلامیه‌های رهبر کبیر انقلاب و دیگر مراجع معظم تقلید داشتم و در تظاهراتهای قم و دیگر شهرستانها بر علیه رژیم سابق شرکت داشته و در منبرهایم مظالم و فجایع دستگاه وقت را برای مردم برملا می‌کردم و بارها تا مرز دستگیری و قتل و جرح با توکل به خدا پیش رفتم، از جمله در محاصره مدرسه فیضیه در زمان شاه و در سال ۵۴ حضور داشته با عنایت الهی از چنگ آنها خود را نجات دادم، و در تظاهرات مردم در شهرستان خمین به همراه دیگر علما و مردم شرکت نموده و در همین تظاهرات تیر خوردم و روانه آغوش محبت‌آمیز و گرم آن خطه شده و پس از بهبودی و درمان به قم بازگشتم، و در تظاهرات ۱۹ دی سال ۵۶ قم نیز به همراه طلاب و فضلای حوزه و اقشار مختلف مردم شرکت کرده و به بیوتات مراجع بزرگوار فقه و در درگیری بعد از مراجعه از بیت آقای نوری همدانی حضور داشتم و در رمضان المبارک سال ۵۶ به ملایر رفته و پس از سخنرانیهای کوبنده بر علیه رژیم تحت تعقیب مأموریت قرار گرفتم.

پس از پیروزی انقلاب و با تشکیل حزب جمهوری اسلامی به دست شخصیتهای صدر انقلاب فقط در این حزب ثبت نام کردم و با شروع جنگ تحمیلی این افتخار را پیدا کردم که از همان بدو شروع جنگ (که در آن زمان در حال گذراندن چندمین دوره آموزش نظامی بودم) به جبهه‌های جنگ به صورت رزمی تبلیغی و تبلیغی اعزم شدم و خوشبختانه این اعزامها ولو به صورت متناوب همچنان تا زمان پذیرش قطعنامه و حتی پس از آن ادامه داشت و در همین رابطه چندین بار مجروح شدم، و در همان شرایط نیز از ادامه تحصیل در حوزه بر حسب وظیفه غافل نبودم، و در موضوع حوادث انقلاب و فراز و نشیبهای آن از قبیل برگزاری انتخابات، غائله کردستان و فتح لانه جاسوسی و برکناری لیبرالها و بنی صدر و شکست مفتضحانه منافقین و غیر ذلک به فضل خداوند متعال در خط رهبری به راه خود ادامه دادم، و در تشکیلات جلسات مجمع طلاب و فضلای قمی حوزه علمیه قم نیز همراه با جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ رحیمیان قمی و بعضی حضرات دیگر فعالیتهایی داشته ام.

از توفیقات و برکات عظیم الهی که در زندگی علمی اینجانب نصیبم شد اینکه توانستم از همان سالهای اولیه ورود به حوزه و مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی و به همت و راهنمایی دارالقرآن آن بزرگوار، حفظ قرآن کریم را شروع نمایم و بحمدالله بعد از چندین سال توانستم کلّ قرآن را حفظ نموده و در زمره حافظین کل قرآن قرار گیریم و بنا دارم انشاء الله و به زودی کل نهج البلاغه و صحیفه سجادیه را نیز حفظ کنم و در سایه حفظ قرآن موفقیتهای بیشتری در زمینه تدریس در حوزه و دانشگاه و ارائه مباحث در منابر داشته‌ام و هم اکنون با گروهی از دوستان همفکر به تحقیقات میدانی و عمیق در زمینه بحثهای حوزوی فقه و اصول و مخصوصاً فقه مشغول هستیم، و در علم الحدیث و شرح و توضیح و تعلیقات بر کتاب ارزشمند و پرفایده سفینهٔ البحار مرحوم محدث قمی با بعضی دوستان دیگر گامهایی برداشته‌ایم. و امیدوارم در باقیمانده عمر نیز در ظل توجهات و عنایات خاصه مولانا و صاحبنا حضرت ولیعصر (عج) توفیق شناخت وظیفه و انجام آن را پیدا کرده و در صراط مستقیم حق به راه خود ادامه دهم.

وزیری، منوچهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی برنامه‌ریزی حمل و نقل، دانشکده: مهندسی عمران، دانشگاه: صنعتی شریف

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی در رشته‌های مهندسی عمران، مهندسی برنامه‌ریزی حمل و نقل، مدیریت بازرگانی، مدیریت دولتی در دانشگاههای ایران و آمریکا.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده عمران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مهندسی و برنامه‌ریزی حمل و نقل، برنامه‌ریزی منابع آب، تحقیق در عملیات تحلیل سیستم، مدیریت بازرگانی و دولتی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۹ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی تألیفات:

مهندسی و برنامه‌ریزی حمل و نقل، برنامه‌ریزی منابع آب، تحقیق در عملیات و تحلیل سیستم.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۴

زمینه علمی مقالات:

مهندسی و برنامه‌ریزی حمل و نقل، برنامه‌ریزی منابع آب، تحقیق در عملیات و تحلیل سیستم.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

وشمگیر دیلمی، شمس‌المعالی، ابوالحسن قابوس

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۰۳ -۳۶۶ ق)، ادیب، دانشمند، خطاط و شاعر. از سلسله‌ی آل زیار و از پادشاهان ادب‌پرور زمان خود بود که بسیاری از شاعران فارسی و عربی زبان، حکما و دانشمدان تحت حمایت او به سر می‌بردند. پایتخت او از مراکز علم و ادب آن روزگار به حساب می‌آمد و شعرایی چون: خسروی سرخسی و قمری گرگانی و دانشمندانی چون: ابوریحان بیرونی و ابوعلی سینا به دربارش رفت و آمد داشتند. ابوریحان بیرونی کتاب معروف خود «آثار الباقیه» را در ۳۹۰ ق به نام قابوس تألیف کرد. قابوس به عربی و فارسی شعر می‌سرود و در فن انشاء نثر عربی مهارت داشت. در زمینه‌ی خط نیز ماهر بود و خط ثلث و نسخ او در نهایت خوبی بود.گویند صاحب بن عباد هرگاه خط او را می‌دید به بال و پر طاوس تشبیه می‌کرد و می‌گفت: «هذا خط قابوس ام‌جناح طاوس». قابوس به نثر عربی رسائلی دارد که ابوالحسن علی بن محمد یزدادی آن را جمع‌آوری کرده و نام آن را «کمال البلاغه»گذاشته است. ابن‌اسفندیار در «تاریخ طبرستان» خود قطعاتی از آن را آورده است.وی عاقبت بر اثر شورش لشکریان خود به زندان افتاد و چندی بعد به قتل رسید. از شعر فارسی او تنها ابیاتی شامل: قطعه و رباعی در تذکره‌ها باقی است. در «ریحانه» کتاب «قابوس‌نامه»، که از آثار عنصرالمعالی کیکاوس بن اسکندر بن قابوس برای فرزندش گیلانشاه می‌باشد، به نام قابوس ذکر شده است.[۱]

(مقتول ۴۰۳ ق)، نویسنده، شاعر و خطاط. چهارمین امیر گرگان و طبرستان و گیلان و دیلمان و مردی ادیب و ادیب‌پرور بود. بزرگانی چون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی و ابن‌هندو به دربار او راه یافتند، و ابوریحان کتاب «آثار الباقیه» را به نام او نوشت. گروه بسیاری از شعرا و سخنوران نیز او را ستوده‌اند. وی پس از پناه دادن به فخرالدوله‌ی دیلمی که از خویشان نزدیکش بود، مورد تهاجم برادران فخرالدوله، عضدالدوله و مؤیدالدوله قرار گرفت و شکست خورد و از سال ۳۷۱ تا سال ۳۸۸ ق به خراسان پناه برد، و با وجود مساعدت نوح بن منصور سامانی موفقیتی به دست نیاورد. در سال ۳۸۸ ق مجدداً بر گرگان و طبرستان و گیلان مسلط گشت و در سال ۴۰۳ ق به توطئه‌ی بعضی از سردارانش اسیر و مقتول شد و در اطراف گرگان به خاک سپرده شد. بعد از او پسرش، فلک المعالی منوچهر، جای او را گرفت. امیر قابوس از نویسندگان بزرگ عهد خود بود و رسائلی از او به عربی و اشعاری به عربی و فارسی باقی مانده است. مجموعه‌ی رسائل او را ابوالحسن علی بن محمد یزدادی گردآوری کرده است که به «کمال البلاغه» موسوم است و به چاپ رسیده است. خط نسخ را نیکو می‌نوشت و می‌گویند هرگاه صاحب بن عباد خط او را می‌دید می‌گفت: «هذا خط قابوس أم جناح طاووس».[۲]

(معمر. کاوس (ه.م)) ابن وشمگیر بن زیار مکنی به ابوالحسن و ملقب به شمس‌المعالی، از پادشاهان آل‌زیار (جل. ۳۶۶ ه.ق- عزل ۳۷۱ ه.ق جل. مجدد ۳۸۸ ه.ق- مقت. ۴۳۳ ه.ق). وی پس از برادر خود بیستون ابن وشمگیر بر تخت جلوس کرد. در همین سال رکن‌الدوله درگذشت و قلمرو او میان سه پسرش: عضدالدوله، مؤیدالدوله و فخرالدوله تقسیم شد. عضدالدوله و مؤیدالدوله در ملک فخرالدوله طمع کردند و جنگی درگرفت و سرانجام فخرالدوله به طبرستان گریخت و به قابوس- که شوهرخاله‌ی او بود- پناه برد. عضدالدوله و مؤیدالدوله به قابوس پیغام دادند که فخرالدوله را به ایشان تحویل دهد، ولی او نپذیرفت، در نتیجه بهانه‌ای برای لشکرکشی عضدالدوله به طبرستان و گرگان فراهم آمد، و چون قابوس تاب مقاومت نداشت، پس از مختصر جنگی در نزدیکی استراباد منهزم شد و با فخرالدوله به خراسان گریخت (سال ۳۷۱ ه.ق). حکومت خراسان از طرف سامانیان در این تاریخ به حسام‌الدوله تاش بود. وی از جانب نوح بن منصور سامانی مأموریت یافت که قابوس و فخرالدوله را مدد کند. حسام‌الدوله و امیر فائق گرگان را محاصره کردند، ولی مؤیدالدوله با دادن رشوه‌ی بسیار به فائق او را بفریفت تا در اثنای جنگ فرار کرد، و دیگران

نیز تاب پایداری نیاورده شکست خوردند و لشکریان سامانی کاری از پیش نبردند. قابوس پس از چهار سال سلطنت، در حدود ۱۸ سال (۳۸۸ -۳۷۱ ه.ق) از امارت محروم بود و در این مدت در خراسان در پناه سامانیان می‌زیست. اما فخرالدوله چون برادرش عضدالدوله به سال ۳۷۱ ه.ق و برادر دیگرش مؤیدالدوله به سال ۳۷۳ مردند، به دعوت صاحب بن عباد وزیر مؤیدالدوله از خراسان به ری آمد و به جای برادر نشست، ولی گرگان را به جای آنکه به قابوس واگذار کند، به ابوالعباس حسام‌الدوله تاش واگذاشت، و آن ولایت همچنان تا سال ۳۸۸ در دست عمال آل‌بویه بماند. پس از مرگ صاحب بن عباد (۳۸۵) و وفات فخرالدوله (۳۸۷) در احوال دیلمیان عراق ضعف و ناتوانی ظهور کرد و جانشینی فخرالدوله به پسر خردسالش رسید. قابوس از فرصت استفاده کرد، و چون دیگر از یاری سامانیان- که خود گرفتار هرج و مرج بودند- مأیوس شد، درصدد برآمد که به یاران دیلمی و طبری خود متوسل شود و مستقیماً گرگان را از عمال آل‌بویه بازگیرد. نخستین کسی که به یاری او برخاست، اسپهبد شهریار بن شروین از اسپهبدان طبرستان بود، و او به سهولت بر برادران فخرالدوله پیروز شد و در قسمتی از طبرستان که تحت فرمان او بود بنام شمس‌المعالی خطبه خواند. آمل را هم دو تن دیگر از طرفداران قابوس تسخیر کردند و بر استرآباد دست یافتند و سرانجام گرگان را هم تسخیر نمودند. قابوس در شعبان ۳۸۸ به پایتخت خود برگشت و در دوره‌ی دوم سلطنت از طرف مغرب دامنه‌ی متصرفات خود را وسعت داد. وی مردی درشت‌خو، بیرحم، پرخشم و غضب بود و به آسانی حکم به کشتن می‌داد و به اندک سوءظنی دست به قتل بیگناهان می‌زد. به همین سبب جمعی بسیار به دست او کشته شدند و کینه‌ی او در سینه‌ی غالب سران لشکری جا گرفت، تا وقتی که حاجب مخصوص خویش را که مردی بی‌آزار و محبوب لشکر بود کشت، لشکریان شورش کردند و او را به زندان انداختند و پسرش فلک‌المعالی منوچهر به جای او جلوس کرد، و سپس قابوس را کشتند. قابوس مشهورترین فرد از خاندان آل‌زیار است. مردی فاضل و ادیب و فضل‌دوست و خوش‌خط بود. گویند صاحب بن عباد هرگاه خط او را می‌دید می‌گفت: «اهذا خط قابوس او جناح طاوس». وی در نثر عربی با بهترین بلیغان زمان دم برابری می‌زد و در شعر پارسی و تازی دست داشت. بیرونی کتاب آثارالباقیه را به نام او تألیف کرده. ترسلات وی را ابوالحسن علی ابن محمد یزدادی جمع کرده و «کمال‌البلاغه» نامیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۸۳ -۸۲ / ۱)، الاعلام (۴ -۳ / ۶)، از سعدی تا جامی (۳۰۱ -۳۰۰)، اعیان الشیعه (۴۳۴ -۴۳۲ / ۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۱ -۶۴۰ / ۱)، تاریخ برگزیدگان (۷۱ -۷۰)، تاریخ گزیده (۴۲۰، ۴۱۵ -۴۱۴)، تذکره‌ی روز روشن (۶۴۳)، تذکره الشعراء (۵۷ -۵۵)، حبیب السیر (۴۴۲ -۴۴۰ / ۲)، الذریعه (۸۵۹ / ۹)، ریحانه (۲۵۲ -۲۵۱ / ۳)، شاعران بی‌دیوان (۳۸۰ -۳۷۸)، شخصیت‌های نامی (۳۸۷ -۳۸۶)، فرهنگ سخنوران (۷۲۸)، الکامل (۲۶۷ -۲۶۶ / ۷)، کشف الظنون (۱۵۰۹)، لباب الالباب (۳۰ -۲۹ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ قابوس)، مجمع الفصحا (۱۰۸ -۱۰۷ / ۱)، معجم الادباء (۳۳۳ -۲۱۹ / ۱۶)، معجم المؤلفین (۹۱ / ۸)، النجوم الزاهره (۲۳۳ / ۴)، وفیات الاعیان (۸۲ -۷۹ / ۴)، هدیه العارفین (۸۲۵ / ۱)، هفت اقلیم (۹۷ -۹۶ / ۳).

[۲] آتشکده‌ی آذر (۸۳ -۸۲/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۱ -۶۴۰، ۳۰۲، ۲۱۲/ ۱)، تاریخ گزیده (۴۲۰، ۴۱۵ -۴۱۴، ۳۸۸)، تذکرهٔ الشعراء (۵۷ -۵۵)، حبیب السیر (۴۴۳ -۴۴۰/ ۲)، الکنی والالقاب (۳۶۹ -۳۶۸/ ۲)، لباب الالباب (۳۱ -۳۰/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ قابوس).

وشنوه ای قمی، قوام الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۹ ق)، عالم امامی، فقیه، خطیب و مدرس. در روستای وشنوه قم به دنیا آمد، و دوران کودکی را در آنجا گذراند. در ۱۳۴۵ ق به قم سفر کرد و پس از طی مقدمات و ادبیات، از اول سطوح تا دروس نهایی، خارج فقه و اصول، را از محضر آیت‌الله مرعشی نجفی به مدت چهل سال استفاده نمود. وی با همکاری دیگر از عملا، در منزل آیت‌الله مرعشی، تعلیقات و محلقات «احقاق الحق» قاضی نورالله شوشتری شهید را تنظیم نمود. از آثارش: «حدیث الثقلین»؛ «رساله الحجاب»؛ «رساله»، در لباس خز و سنجاب و سمور؛ کتاب «هزار کلمه از کلمات قصار امیرالمؤمنین علی (ع)»، با ترجمه فارسی «اربعین»، در احادیث صادره از اهل بیت (ع)؛ «مکارم الاخلاق»؛ «مباهله»؛ کتاب «تاریخ اسلام»، در سه جلد؛ کتابی در «مقتل»؛ کتاب «احادیث نبویه (ص)».[۱]

حجه‌المسلمین والاسلام و زبده المحدثین الکرام آقای حاج شیخ محمد مشهور بقوام‌الدین و شنوه‌ای قمی از علماء ابرار و فضلاء اخیار و اتقیاء کبار و مولفین عالی مقدار و گویندگان پرهیزکار حوزه علمیه و شهرستان مذهبی قم است.

در سال ۱۳۲۹ ق در قریه وشنوه که در هفت فرسخی شهر قم واقع و از ییلاقات شهر قم و محل اقامت تابستانی مرحوم آیه‌العظمی بروجردی و سایر مراجع عظام قم است تولد یافته و دوران صباوت را در آنجا گذرانیده و در سال ۱۳۴۵ ق مهاجرت به قم نموده و پس از طی مقدمات و ادبیات از اول سطوح تا دروس نهائی خارج فقه و اصول را از علامه متتبع و فقیه متبحر و رجالی بصیر و متکلم خبیر آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله در مدت چهل سال استفاده نموده و هم‌اکنون نیز از شرکاء درس فقه و اصول آنجنابست اعتقاد و ایمان و اخلاص فوق‌العاده‌ای به معظم‌له دارد و ایشان هم کمال وثوق و اطمینان را به وی دارند و حقا هم شایسته‌اند زیرا در میان حوزه کم‌نظیر و در روحانیت از معدودین می‌باشد، در مواقع کسالت و یا مسافرت آیت‌الله مرعشی از طرف آن جناب به جای ایشان اقامه جماعت می‌نمایند، بیشتر خطب نهج‌البلاغه را حافظ است اطلاعات زیادی به اخبار و احادیث دارد منبرش تمام یا کلمات و خطب علی علیه‌السلام و یا اخبار اهل‌بیت علیهم‌السلام است بسیار متواضع و خلیق است و دارای ملکات فاضله اخلاقی است مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و زعماء دیگر هم به ایشان نهایت وثوق و اعتماد را دارند با اینکه در منازل آنها یا اصلا نمی‌رود و یا بسیار کم می‌رود ولی همه روز صبح و عصر در منزل آیت‌الله العظمی مرعشی آمده و با شرکاء دیگر

تعلیقات و ملحقات احقاق‌الحق را تنظیم می‌نماید.

آثار و تالیفات ارزنده‌ای دارد که از نظر دانشمندان می‌گذرانم:

۱-حدیث‌الثقلین که دو بار در جامع‌الازهر و دارالتقریب مصر به طبع رسیده است.

۲-رساله الحجاب در پیرامون حجاب اسلام که در ایران چاپ شده است.

۳-رساله در لباس خز و سنجاب و سمور.

۴-رساله در حجاب فارسی با اشاره به اقوال عامه و خاصه.

۵-کتاب هزار کلمه از کلمات قصار امیرالمومنین علیه‌السلام با ترجمه فارسی.

۸-اربعین در احادیث صادره از اهل‌بیت علیهم‌السلام.

۷-کتابی به عنوان مکارم‌الاخلاق.

۸-کتاب مباهله.

۹-کتاب تاریخ اسلام در ۳ جلد.

۱۰-کتابی در مقتل.

۱۱-کتاب احادیث نبویه

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۳۴ -۲۳۳ / ۲).

وشنوی، قوام‌الدین محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۲۵ ق.، روستای «وشنوه»، نزدیک قم.

درگذشت: ۱۷ خرداد ۱۳۷۶، قم.

آیت‌الله حاج شیخ قوام‌الدین محمد وشنوی قمی پس از پشت سر نهادن دوران کودکی و نوجوانی و فراگیری مقدمات و ادبیات فارسی، رهسپار حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد و به تحصیل علوم دینی پرداخت. سپس در سال ۱۳۴۷ ق. به نجف اشرف رفت و به تکمیل ادبیات و فراگیری مطول نزد آیت‌الله شیخ مرتضی طالقانی و شرح لمعه نزد آیت‌الله سید ابوالقاسم روحانی قمی اشتغال جست و در سال ۱۳۴۸ ق. به قم بازگشت و سطوح فقه و اصول (رسائل، مکاسب و کفایه) را نزد آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری یزدی و همزمان با آن در درس خارج اصول آیت‌الله محمدعلی حایری قمی حاضر شد و پس از وفات آیت‌الله حایری در درسهای حضرات آیات سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای و سید محمدتقی خوانساری شرکت کرد.

با ورود آیت‌الله العظمی بروجردی به قم در سال ۱۳۲۴ یک سره به درس فقه و اصول آن فقیه بزرگ حاضر شد. پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی، به حلقه درس آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی پیوست و بیش از سی سال در کنار ایشان بود.

آیت‌الله وشنوی قمی در کنار سالیان فراوان تحصیل، به تألیف کتابهای بسیاری روی آورد و در علوم مختلف چون حدیث، تاریخ تراجم و رجال اهل سنت و فقه مهارت کسب نمود. بیش از سی سال به اقامه‌ی جماعت در یکی از مساجد قم پرداخت.

برخی از تألیفات وی که به چاپ رسیده‌اند، عبارتند از:

حیاة النبی و سیرته (سه جلد)؛ حدیث الثقلین؛ اهل‌البیت و آیة المباهلة؛ النور الساطع فی احوال مولانا الامام الصادق (ع) (این کتاب به نام نور درخشان به فارسی ترجمه شده است)؛ الحدیث المتواتر فی غزوة خیبر؛ اصحاب رسول الثلقین فی حرب الصفین؛ فضایل امیرالمؤمنین علی (ع) من کتاب المسند (احمد بن حنبل)؛ الحجاب فی الاسلام (به فارسی ترجمه شده است). کتباهای دیگری نیز با راهنمایی و نظارت ایشان به رشته تحریر درآمده است، نظیر تحلیلی از زندگی امام جواد (ع)؛ تحلیلی از زندگی امام علی النقی (ع)؛ تحلیلی از زندگی امام حسن عسگری (ع)؛ وظیفه مردم در عصر غیبت امام زمان (ع)؛ شناخت هلاک کنندهها و نجات دهندهها از قرآن؛ رسالة فی لباس المصلی؛ رساله پیرامون حجاب؛ کلمات امیرالمؤمنین (ع) (هزار کلمه همراه با ترجمه فارسی)، مصباح المسند لمسند احمد بن حنبل؛ مصابح الغیة الکتاب اسد الغابة (عزالدین ابوالحسن علی بن محمد جزری)؛ مصباح الاستیعاب والاصابة؛ نخبة المقال فی تهذیب کتاب الاموال (ابی‌عبید)؛ تلخیص ریاض النضرة (محب‌الدین طبری)؛ تلخیص کنوز الحقایق؛ تهذیب کتاب الخراج (ابویوسف قاضی)، الفضایل المستخرجة من المعجم الصغیر (حافظ طبرانی)؛ مکارم الاخلاق (به املا ایشان و نگارش آقای عباس اخلاقی)؛ الاربعین حدیثا من الائمة الاطهار (ع)؛ مقتل الحسین (ع) (ناتمام)؛ تفسیر القرآن الکریم (ناتمام)؛ رسالة فی ذکریا بن آدم الاشعرای، رسالة فی حدیث طلب العلم فریضة علی کل مسلم،، رسالة فی اثبات استحبات القنوت فی الصلاة عند العامة؛ حاشیه بر احقاق الحق؛ الاحادیث النبویه (ص)؛ کتب النبی (ص) الی الملوک؛ یازده فهرست برای کتابهای مخلوط.

آیت‌الله وشنوی قمی روز هفدهم خرداد ۱۳۷۶ چشم از جهان فروبست. پیکرش در صحن حرم حضرت فاطمه معصومه (س) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

وصاف، موسی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(سیزدهم ق)، شاعر. وی از نجبای ایل قاجاریه و به فصاحت و بلاغت مشهور بود. دیوان بیگی (وف بعد از ۱۳۱۳ ق)، صاحب «حدیقةالشعراء»، با وصاف قاجار دیداری داشته است. از آثار وی «دیوان» شعر می‌باشد. از اوست:

طایر بال بسته‌ام کنج قفس نشسته‌ام

دانه‌ام اَر نمی‌دهی بشکنی از چه بال من

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقةالشعراء (۱۹۸۷/ ۳)، الذریعه (۱۲۶۸/ ۹)، گلزار جاویدان (۱۷۰۴/ ۳)، مجمع‌الفصحا (۱۰۹۱ -۱۰۹۰/ ۶).

وصّاف‌الحضره، شرف‌الدین عبداللّه

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۷۳۰/ ۷۱۹ -۶۶۳ ق)، ادیب، مورخ و شاعر، متخلص به شرف. ملقب به وصّاف‌الحضره. در شیراز به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت. او مانند پدرش در شمار عمال دیوانی دولت ایلخانیان در فارس درآمد و از خواص خواجه صدرالدین احمد خالدی زنجانی، نایب امیر طغاجار حاکم فارس گردید. مدتی نیز مورد لطف خواجه رشیدالدین فضل‌اللّه و غازان خان و سلطان الجایتو قرار گرفت. وی علاوه بر مقام بلند خود در نثر متکلف مصنوع، در شعر عربی و فارسی نیز دست داشته که بسیاری از ابیات و قطعات و قصاید خود را در کتاب خویش ذکر شده است. قبر وی ما بین تکیه چهل‌تنان و حافظیه است. از جمله آثارش: «تجزیهٔ الامصار و تزجیهٔ الاعصار»، معروف به «تاریخ وصاف»، در ذکر وقایع تاریخی ایلخانیان، در پنج مجلد؛ «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (۹۴ -۹۲)، الاعلام (۲۵۲/ ۴)، اعیان‌الشیعه (۶۵/ ۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۶۲ -۱۲۵۹/ ۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۴ -۱۴۳)، حبیب‌السیر (۱۹۷/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۰۳ -۷۹۹/ ۵)، دایرةالمعارف فارسی (۳۱۷۰ -۳۱۶۹/ ۲)، الذریعه (۱۲۶۸/ ۹، ۳۵۸/ ۳)، ریحانه (۳۲۰ -۳۱۸/ ۶)، سبک‌شناسی (۱۰۳ -۹۹/ ۳)، صبح گلشن (۵۹۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۴۵/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۴۹۹)، لغت‌نامه (ذیل/ وصاف‌الحضرة)، مجمع‌الفصحا (۱۴۴۸/ ۳)، مرآت‌الفصاحه (۶۸۷ - ۶۸۵)، معجم‌المؤلفین (۱۰۲/ ۶)، مؤلفین کتب چاپی (۹۸۲ -۹۸۱/ ۳)، هدیةالعارفین (۴۶۴/ ۱).

وصال شیرازی، عبدالوهاب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ادیب، محقق، شاعر.

تولد: ۱۳۰۲، شیراز.

درگذشت: ۲۳ دی ۱۳۷۳.

عبدالوهاب وصال شیرازی متخلص به «نورانی»، فرزند میرزا علی وصال متخلص به «روحانی» فرزند میرزا عبدالوهاب متخلص به «یزدانی» فرزند میرزا محمد شفیع متخلص به «وصال» شاعر دوره‌ی قاجار، بود. از دوران کودکی در مکتب پدر خود بیش از آنچه در مدرسه می‌توان آموخت و اصول علم و ادب را فراگرفت. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شیراز به پایان رسانید و برای ادامه‌ی تحصیل به تهران رفت و با ورود به دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۳ و طی مراحل مختلف، موفق به اخذ دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشکده‌ی ادبیات شد. موضوع رساله‌ی دکترای وی «طرز شعر در نیمه‌ی اول قرن دهم» بود. از سال ۱۳۳۵ مدت سی سال در بخش زبان و ادبیات فاری دانشگاه شیراز به تدریس پرداخت و از همین مرکز علمی با درجه استادی بازنشسته شد و از این پس دوره‌های فوق لیسانس و دکترای زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌ها به تدریس پرداخت. از جمله کارهای ادبی وی تصحیح و تحشیه‌ی او بر متون کلاسیک است که از میان آنها باید از: تصحیح مصیبت‌نامه عطار (۱۳۳۸)؛ هزار مزار (۱۳۶۴، کتاب ملتمس الاحیاء معروف به هزار مزار تألیف عیسی بن جنید که ترجمه شدالازار است)؛ فوائد السلوک (همراه با دکتر جلالی نایینی) نام برد. از وی همچنین دیوان شعری به یادگار مانده است.

وی بیش از سی سال عضو پیوسته انجمن ادب فارس بود و از اوایل تشکیل «کانون دانش پارس» به عضویت آن درآمد و در جلسه‌های آن شرکت مستمر داشت.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

وصال شیرازی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

پدر محمد اسماعیل، لقبش میرزا کوچک و تخلصش وصال و کنیه‌اش ابومحمد و ابواحمد، از معروف‌ترین خوشنویسان و هنرمندان و شاعران و دانشمندان قرن گذشته است. ترجمه‌ی حالش را چنان که میرزا ابوالقاسم فرهنگ فرزند وی، انشاء کرده و در فارسنامه ناصری ثبت است. عیناً نقل می‌شود. «در بیان حال و ترجمه‌ی احوال پدر بزرگوار و استاد عالی‌مقدارم، حضرت وصال سقی‌اللّه ثراه و جعل الجنهٔ مثواه و شمه‌ای از حال پدران و فرزندان آن جناب، به طریق اجمال:

کنیه‌ی شریفش ابواحمد و لقب مبارکش میرزا کوچک و نام فرخنده‌اش محمد شفیع و والد، جدش محمد اسماعیل بن محمد شفیع بن محمد اسماعیل. از نیاکان پیش از اینم آگاهی نیست و آنچه از سال‌خوردگان سلسله‌ی خود شنیده شده، میرزا اسمعیل جد سیمین از درگاه پادشاهان صفویه عامل گرم سیرات فارس بود و پسرش میرزا شفیع در حضرت نادرشاهی سمت دبیری داشت و چون روزگار نادرشاه سپری شد و اختلال در حال عامه‌ی مردمان پدید آمد میرزا شفیع نیز چندی به پریشانی زندگانی کرده، دعوت حق را اجابت نمود و بازماندگان او که چهار نفر پسر بودند میرزا اسماعیل و میرزا ابراهیم و میرزا قاسم و میرزا محمدتقی، قطع علاقه از اصفهان نموده به شیراز آمدند...

آن جناب را همتی بلند و طبعی ارجمند بود مدار معیشت را از کتابت کلام‌اللّه مجید معین فرموده بود و قناعت و گوشه‌گیری را بهترین نعمتی و نیکوترین دولتی دانستی... میرزا در ماه رجب سال ۱۲۶۲ طایر روحش از آخشیخان رسته، به شیدستان پیوست و در بقعه‌ی مبارکه‌ی حضرت سید میراحمد مشهور به شاهچراغ در جوار مزار پیر بزرگوار. جناب میرزا ابوالقاسم سکوت، مدفون گردید. از جناب وصال شش نفر بازبماند، به ترتیب: احمد وقار، محمود حکیم، محمد داوری ابوالقاسم فرهنگ، اسماعیل توحید، عبدالوهاب یزدانی».

وصال همه خطوط متداول را خوش می‌نوشت ولی از آن میان در خط نسخ بیش از دیگران مهارت داشت و در این قلم او علاوه بر استواری، ملاحت و لطافت خاصی است. وصال در سال ۱۲۶۲ ه.ق وفات یافت.

از آثار اوست:

سوره یس و فتح و ادعیه مذهب و مزین نسخ کتابت خفی خوش با رقم «کتبه العبد الداعی لابود الدولهٔ القاهرهٔ الباهرهٔ السلطانی وصال الشاعر الشیرازی من شهور سنهٔ ۱۲۵۴ اربع و خمسین و مأتین بعد الالف من الهجرهٔ المبارکهٔ» دو صفحه آخر رقاع کتابت خفی خوش با رقم: «به جهت تقدیم حضور... ظل السلطان... حوره الداعی لابود الدولهٔ القاهرهٔ و خلود السلطنه الباهره فرهنگ ابن الوصال طاب ثراه» در مجموعه دکتر مهدوی.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

وصال شیرازی، محمد شفیع

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۲ -۱۱۹۷ ق)، عالم، ادیب، شاعر، عارف و خطاط. مکنی به ابواحمد. مشهور به میرزا کوچک. وی از هنرمندان ذوفنون بود که در شیراز به دنیا آمد. خاندانش در دوره‌ی صفویان و افشاریان و زندیان دارای مناصب دیوانی بودند و خود نیز از بزرگان دانش و ادب و هنر در دوره‌ی فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار بود. او در آغاز جوانی به تحصیل دانش پرداخت و از علوم و فنون عصر خویش بهره‌ی کافی یافت و چون دارای ذوق و مشرب عرفانی بود، دل در صحبت مشایخ صوفیه بست و به میرزا ابوالقاسم سکوت سر سپرد. میرزا محمد شفیع در نوشتن خطوط سبعه استاد بوده و به ویژه، در نسخ و نستعلیق مهارت به سزایی داشته اشت. از شاگردان وی در خط نستعلیق، میرزا فتحعلی حجاب شیرازی است. در شعر، عمده‌ی شهرت او به واسطه‌ی غزلیات عارفانه و مراثی شورانگیزی است که به پیروی از محتشم کاشانی سروده است. همچنین قصایدی نیز در مدح شاهان قاجار و بزرگان شیراز دارد. وی در نخستین اشعار خود مهجور تخلص می‌کرد، اما پس از آشنایی با میرزا ابوالقاسم سکوت تخلص وصال را برگزید. وصال علاوه بر این فضایل، صدایی خوش داشت و مشهور است که سه تار نیز می‌نواخته است. وی گویا در نقاشی و تذهیب و صحافی متبحر بوده و آورده‌اند هنگامی که فتحعلی شاه برای بازدید خطه‌ی فارس به شیراز رفته بود، وصال قرآنی را که با هفت نوع خط نوشته و در تذهیب و تجلید آن هنرمندی بسیار به کار برده بود، به شاه تقدیم کرد و فتحعلی شاه نیز کمالات وی را ستود. از مصاحبان و معاشران او قاآنی شیرازی است. وصال در طول حیاتش، یک بار به عزم سفر هندوستان، از زادگاه خود به بوشهر رفت، لیکن در آنجا از سفر خود منصرف شد و دوباره به شیراز بازگشت. وی در اواخر عمر نابینا شد و سپس در شیراز درگذشت و در بقعه‌ی شاهچراغ به خاک سپرده شد. از آثار او: مثنوی «بزم وصال»، در هفت هزار بیت؛ تکمیل «فرهاد و شیرین» وحشی بافقی؛ ترجمه‌ی «اطواق الذهب» زمخشری، به فارسی؛ «سفینه»، در تفسیر احادیث قدسیه؛ «صبح وصال»، به سبک «گلستان» سعدی؛ «دیوان» شعر. از خطوط او: یک نسخه «اوصاف الاشراف» خواجه نصیر، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «حرره العبد الاقل محمد شفیع المشهور بمیرزا کوچک، المتخلص بوصال سنه ۱۲۳۹»؛ ادعیه‌ی نیم ربعی، نسخ کتابت و نستعلیق کتابت خفی خوش، با رقم: «اقل... میرزا کوچک مسمی بمحمد شفیع متخلص بالوصال... ۱۲۴۳»؛ یک نسخه «کلیات» سعدی، به قلم نستعلیق کتابت خفی خوش، با رقم: «حرره العبد... میرزا کوچک ابن المرحوم میرزا محمد اسماعیل الشیرازی... سنه‌ی ۱۲۴۵»؛ یک نسخه دفتر اول «مثنوی» مولانا، به قلم کتابت خفی عالی، با رقم: «... محمد شفیع المشتهر به میرزا کوچک المتخلص بوصال فی دارالعلم شیراز ۱۲۴۶»؛ یک نسخه «حدیقهٔالحقیقه» سنایی، به قلم کتابت جلی خوش، با رقم: «کتبه العبد العاصی محمد شفیع متخلص بوصال الشیرازی... سنه‌ی هزار و دویست و پنجاه و پنج»؛ چند نسخه از کلام‌اللّه مجید، به خط نسخ و رقاع عالی و خوش، با تاریخ‌های ۱۲۵۵، ۱۲۵۴، ۱۲۳۶ و ۱۲۵۹

ق و قطعات مختلف دیگر.[۱]

میرزا محمدشفیع بن محمد اسماعیل شیرازی معروف به میرزا کوچک شاعر اوایل دوره‌ی قاجاریه (و. ۱۱۹۷ ه.ق- ۱۷۸۲ م- ف. ۱۲۶۲ ه.ق- ۱۸۴۵ م) خاندانش در دوره‌ی صفویان، افشاریان، زندیان به اعمال دیوانی مشغول بودند. وصال در دوره‌ی جوانی مدتی سرگرم تحصیل ادب، خط و هنرهای زیبا، موسیقی و سیر در مقامات عرفانی بود. دیوان اشعارش شامل قصاید، غزلیات و مثنویهای «بزم وصال» و تکمله‌ی فرهاد و شیرین وحشی بافقی است و نیز کتابی در ترجمه و شرح و نظم «اطواق‌الذهب» زمخشری دارد. پسران وصال یعنی وقار، حکیم، داوری، فرهنگ، توحید، یزدانی، همه از شاعران و هنرمندان عهد خود بودند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۳۵۸)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۷۷ -۱۱۷۵/ ۴ ،۷۶۲ -۷۵۵/ ۳)، از صبا تا نیما (۴۴ -۴۰/ ۱)، اطلس خط (۳۵۹ -۳۵۸)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۰۵ -۲۰۳/ ۴)، تاریخ موسیقی (۴۲۱ ،۴۲۰ ،۳۸۳ -۳۸۲/ ۱)، تاریخ هنرهای ملی (۹۵۹ -۹۵۸/ ۲)، حدیقةالشعراء (۲۰۰۰ -۱۹۸۷/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۱۳ -۸۰۳/ ۵)، دایرةالمعارف فارسی (۳۱۷۰ / ۲)، الذریعه (۱۹۰ / ۱۶ ،۱۲۶۸ / ۹)، روضةالصفا (۱۳۲ / ۱۰)، ریاض‌العارفین (۳۵۰ -۳۳۷)، ریحانه (۳۳۰ -۳۲۱/ ۶)، سفینةالمحمود (۵۲۱ -۵۱۴/ ۲)، شرح حال رجال (۲۳۹ -۲۳۸/ ۶)، صبح گلشن (۵۹۲ -۵۹۱)، طرائق‌الحقائق (۳۷۰ -۳۶۵/ ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۹۷ -۹۹۰/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۹۸۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۵۳ -۳۵۲)، گنج سخن (۲۰۰ -۱۹۷/ ۳)، مجمع‌الفصحا (۱۱۳۱ -۱۰۹۱/ ۶)، مرآت‌الفصاحه (۶۹۱ -۶۸۷)، مصطبه‌ی خراب (۲۰۶ -۲۰۲)، مکارم‌الآثار (۱۶۶۹/ ۵ ،۶۶ -۶۱/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۴ -۴۳۳/ ۳)، نگارستان دارا (۲۷۵ -۲۷۳)، یادگار (س ۱، ش ۳، ص ۷۱ -۶۷).

وصالی تبریزی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به وصالی. در تبریز به دنیا آمد. وی در کتابت نستعلیق متبحر بود و شعر نیز می‌سرود. او هنگام سفر به هند، در کاشان با تقی‌الدین کاشانی، صاحب «خلاصة الاشعار»، ملاقات نمود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۵۵ -۹۵۴/ ۳ -۲۸۱ -۲۸۰/ ۱)، تاریخ نظم و نثر (۷۰۷)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۴)، الذریعه (۱۲۶۹/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۸۱)، کاروان هند (۱۵۲۰ -۱۵۱۹/ ۲).

وصالی رازی، محمد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۳۲ ق)، شاعر، متخلص به وصالی. وی قاضی شهر ری بود. در نثر و نظم و فنون شعر مهارت داشت. از آثارش: «دیوان» شعر. صاحبان «الذریعه» و «تحفه سامی»، مثنوی «پنج فصل» را به او نسبت می‌دهند. از اوست:

چو من دیوانه‌ای هرگز قدم در دشت غم ننهاد

در آن وادی که من سر می‌نهم مجنون قدم ننهاد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۶۵)، تحفه سامی (۱۲۱ -۱۲۰)، الذریعه (۱۳۲/ ۱۹ ،۱۲۶۹/ ۹)، ریحانه (۲۴۹ -۲۴۸/ ۴)، صبح گلشن (۵۹۲)، فرهنگ سخنوران (۹۸۲ -۹۸۱)، لغت‌نامه (ذیل/ قاضی غفاری).

وصالی مازندرانی، رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. در ساری به دنیا آمد. از جوانی به تحصیل مقدمات علم پرداخت و در مدرسه‌ی دارالفنون به تحصیل علوم طبیعی مشغول گشت. در زمان حکمرانی اردشیر میرزای قاجار (م ۱۲۸۹ ق) به منصب کتابداری منصوب شد. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقةالشعراء (۲۰۰۴ -۲۰۰۰/ ۳)، الذریعه (۱۲۶۹/ ۹)، شعرای مازندران و گرگان (۳۴۶ -۳۴۵)، گنج شایگان (۴۷۷ -۴۶۶)، مجمع‌الفصحا (۱۱۷۰ -۱۱۵۷/ ۶).

وصفی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط. وی همه اقلام را خوش می‌نوشت و از آثار او قطعه‌ای است به اقلام مختلف از جمله شکسته تعلیق نیم دو دانگ خوش، با رقم: «این صفحه مرقوم شد برسم مطالعه‌ی شریف اعلیحضرت... سلطان عادل، آنکه بود:

بود سلطان درویشان عالم

بدرویشی و سلطانی مسلم

خلد اللّٰه ایام حکومته و دولته الی یوم‌الدین کتبه الحقیر وصفی».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۸۵ -۱۲۸۴/ ۴).

وصفی هروی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۲۸ ق)، شاعر. وی نبیره‌ی ملا معین واعظ و با مؤلف تذکره‌ی «مجلس‌النفائس»، امیر علیشیر نوایی (۹۰۶ -۸۴۴ ق)، معاصر بود. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

خوبان شهر فتنه و آشوب می کنند

کاری که می‌کنند، همه خوب می کنند

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۷۷/ ۲)، تحفه سامی (۲۷۹)، الذریعه (۱۲۷۰/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۸۲)، مجالس‌النفائس (۱۶۵).

وصلی تهرانی، محمد طاهر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به وصلی. برادر میرزا غیاث بیگ و عموی نورجهان بیگم، همسر جهانگیر شاه بود. وی به همراه پسر خود، میرزا محمد صادق که در زمان جهانگیر شاه (۱۰۳۷ -۱۰۱۴ ق) و شاه جهان (۱۰۶۹ -۱۰۳۷ ق) منصب دیوان داشت، به لاهور رفت و به کار دیوانی مشغول شد. مؤلف «عرفات العاشقین» در ۱۰۲۴ ق در آگره او را دیده است. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. مؤلف «الذریعه» وصلی طهرانی را با وصلی سارانی یکی می‌داند، در صورتی که مؤلف «فرهنگ سخنوران» آنها را جدا کرده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۸۸، ۱۰۹۸، ۴۷۹/ ۵)، الذریعه (۱۲۷۰/ ۹)، صبح گلشن (۵۹۳)، فرهنگ سخنوران (۹۸۳ - ۹۸۲)، کاروان هند (۱۵۲۴ -۱۵۲۲/ ۲)، هفت اقلیم (۷۱ -۷۰/ ۳).

وصلی خوانساری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. اصل وی از ولایت خوانسار بود و در کاشان نشو و نما یافت. برادر لطفی خوانساری بود. ابتدا در عراق به سر می‌برد. و بعد از آن مصاحب و ملازم میر محمد یوسف صدر استرآبادی شد. بعد از عزل میر محمد یوسف از صدارت همراه او به زیارت حرمین شریفین رفت و از راه دریا به هند مسافرت کرد. بعد از مرگ امیر محمد در دریا و نجات وصلی، او به شهر گلکنده رفت و در ملازمت ابراهیم قلی قطب شاه (۹۸۹ -۹۵۷ ق) درآمد. بر سر چگونگی مرگ وی بین مؤلفین اختلاف است. از اوست:

یک نفس جان در غمت بی ناله‌ی جانسوز نیست

حال بیمار غمت امروز چون هر روز نیست

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (۹۸۲)، کاروان هند (۱۵۲۲ -۱۵۲۰/ ۲).

وصلی شیرازی، نعمت‌اللّٰه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۲۸ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به وصلی. از سادات طباطبایی شیراز بود. پدرش در شیراز به میر پنبه‌زن شهرت داشت. وی شاگرد و پسر خوانده‌ی مرشد بروجردی بود و هنگامی که مرشد در هند می‌زیست به دیدار او رفت و در سند به او پیوست و در جرگه‌ی ملازمان و مداحان میرزا غازی ترخان درآمد و مدتی نیز با فخرالزمانی قزوینی، معاشر بود. بعد از فوت میرزا غازی (م ۱۰۲۱ ق) به اجمیر، پنجاب و لاهور مسافرت کرد. وی به همراه محمود بیگ ترکمان به بنگش، نزد اللّه دادخان افغان رفت و پس از چندی به حضور جهانگیر شاه رسید، ولی دوباره بازگشت و در بنگش ساکن شد. فخرالزمانی در تذکره‌ی «میخانه» آورده که از ۱۰۲۸ ق دیگر از او خبری ندارم و قریب چهار هزار بیت از قصیده و غزل و رباعی و مثنوی داشت و هنوز دیوانی ترتیب نداده بود. از آثار وی: «ساقی‌نامه»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی میخانه (۶۷۳ -۶۶۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۱۵ -۸۱۴/ ۵)، الذریعه (۱۲۷۰/ ۹)، کاروان هند (۱۵۲۵ -۱۵۲۴/ ۲).

وطواط، رشیدالدین

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۷۸/۵۷۳ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به وطواط. در بلخ ولادت یافت و عمری او را از آن جهت گفتند که وی از اعقاب عمر بن خطاب است. در مدرسه نظامیه زادگاه خود قسمتی از تحصیلات خود را نزد امام ابوسعد هروی به انجام رسایند و بعد از اتمام تحصیلات خود و کسب مهارت در فاسی و عربی به خوارزم رفت و در اوائل عهد ابوالمظفر علاءالدوله اتسز خوارزمشاه به خدمت او پیوست و تا آخر عمر در دستگاه خوارزمشاهیان روزگار گذرانید و سمت صاحب دیوانی رسائل داشت. بر اثر رشک حاسدان و تهمت مبنی بر اینکه وی با کمال‌الدین محمود بن ارسلان، خواهرزاده سنجر، ارتباط دارد، به سال ۵۴۷ ق از خدمت شاه رانده شد ولی به خاطر قصایدسرایی که در رد تهمت خود سرود، دوباره مورد لطف شاه قرار گرفت. میان رشید و جاراللّه زمخشری ادیب و متکلم بزرگ قرن ششم نیز دوستی و مباحث و مکاتبه بود. بعد از وفات اتسز چندی در خدمت پسر اتسر، ایل ارسلان، بود و به خاطر کهولت از خدمت کناره گرفت. از دیگر سلاطین و امرای معاصر رشید می‌توان به تکش بن ارسلان، سنجر بن ملکشاه، سپهبد غازی نصرةالدوله اشاره کرد و از شاعران معاصر وی انوری، معزی، سنائی، ادیب صابر، سوزنی سمرقندی، خاقانی، مختاری و سید حسن غزنوی را باید نام برد. آثار وطواط: «دیوان اشعار پارسی»؛ «رسائل عربی»؛ «حدائق السحر فی دقایق الشعر»؛ «منشات فارسی»؛ «فصل الخطاب من کلام عمر بن الخطاب»؛ «تحفه الصدیق من کلام ابی‌بکر الصدیق»؛ «انس اللهفان من کلام عثمان بن عفان»؛ «نثر اللالی من کلام امیرالمومنین علی (ع)»؛ «منظومه»ای در عروض؛ «غرائب الکلم فی رغایب الحکم»؛ «منیه المتکلمین و غنیه المتعلمین»؛ «غرر الاقوال و درر الامثال»؛ «مفاتیح الکلم و مصابیح الظلم»؛ «جواهر القلاید و زواهر الفراید»؛ «الفوائد العمائیه»؛ «ابکار الافکار فی الرسائل و الاشعار»؛ «مطلوب کل طالب».[۱]

(بخش ۱) وطواط، امیر امام رشیدالدین سعدالملک محمد بن محمد بن عبدالجلیل عمری کاتب و شاعر ایرانی از اعقاب عبداللّه بن عمر بن خطاب (ف. ۵۷۳ ه.ق.). وی در بلخ متولد شد و در مدرسه نظامیه آن شهر قسمتی از تحصیلات خود را نزد امام ابوسعد هروی انجام داد و سپس برای ادامه تحصیل به خوارزم رفت و در اوایل عهد اتسز بن محمد خوارزمشاه به خدمت او پیوست و تا آخر عمر در دستگاه خوارزمشاهیان روزگار گذرانیده و سمت صاحب دیوانی رسایل داشته. تخلص وی به وطواط از بابت کوچکی جثه او بود (بخش ۱: وطواط). در سال ۵۴۲ سنجر برای سرکوب کردن اتسز قصد خوارزم کرد و قصبه هزارسف را دو ماه در حصار گرفت. در این سفر انوری ملازم خدمت سنجر بود، دو بیتی که مبتنی بر فتح هزارسف و خوارزم به دست سنجر بود، سرود و آن را بر تیری نوشته به هزارسف انداختند. رشید در جواب این رباعی بر تیر نوشت و بینداخت:

گر خصم تو ای شاه بود رستم گرد

یک خر ز هزارسف تو نتواند برد

سنجر که به سبب این بیت و اشعار دیگر وی، از او آزرده بود، سوگند خورد که او را هفت پاره کند. پس از فتح هزارسف به دست سنجر وطواط متواری می‌زیست تا عاقبت به شفاعت منتخب‌الدین که گفت وطواط مرغکی ضعیف است و طاقت آن ندارد که به هفت پاره کنند، اگر فرمان شود او را بدو پاره کنند، سلطان او را ببخشید.از آن پس رشید همچنان در دربار اتسز به سر می‌برد تا در ۵۴۷ حاسدان وی را به داشتن روابط با کمال‌الدین حاکم جند متهم کردند. اتسز بر وی خشم گرفت و او را براند. رشید قصاید بسیار در برائت ساحت خود ساخت تا استز بر سر لطف آمد و شغل او را به وی باز گردانید. پس از وفات اتسز گویا رشید چندی در خدمت ایل ارسلان بسر می‌برد، ولی از این پس به سبب کثرت سن از خدمت تقاعد ورزید. رشید علاوه بر دیوان شعر که به طبع رسیده آثاری منثور داشته: منشآت فارسی شامل رسائل سلطانی و اخوانی که قسمتی از آنها به طبع رسیده، حدائق السحر (ه. م.)، فصل الخطاب من کلام عمر بن الخطاب، تحفة الصدیق الی الصدیق من کلام ابی‌بکر الصدیق، انس اللهفان من کلام عثمان بن عفان، نثر اللآلی (ه.م.) مجموعه رسائل عربی که در مصر به طبع رسیده، منظومه‌ای در عروض فارسی شامل ۱۶ بحر عروضی که معمول شاعران پارسی‌گوی است. وی در نظم و نثر فارسی سرآمد زمان بود. شعر پارسی او استادانه و در کمال انسجام است. وی در انتخاب کلمات و قوت ترکیب و ایراد صنایع مختلف لفظی مهارت داشته.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۵۲ -۲۵۱ /۷)، ایضاح المکنون (۱۲۰ ،۹۷ /۲ ،۳۷۸/۱)، بهارستان (۱۰۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۳۶ -۶۲۸ /۲)، تاریخ برگزیدگان (۲۹۵ -۲۹۴)، تاریخ گزیده (۷۵۷ -۷۵۶)، تاریخ نظم و نثر (۹۳ -۹۲)، تذکره‌ی روز روشن (۲۹۷ – ۲۹۵)، تذکره الشعراء (۱۰۳ -۹۸)، دایرهالمعارف فارسی (۱۵۸۶/۱)، الذریعه (۱۶۰ -۱۵۹ /۲۱ ،۱۲۷۱ -۱۲۷۰ /۹ ،۲۸۷ -۲۸۶ /۶)، ریحانه (۳۱۲ -۳۱۰ /۲)، سخن و سخنوران (۳۳۲ -۳۲۲) سرآمدان فرهنگ (۳۷۹ -۳۷۸ /۱)، سیری در شعر فارسی (۶۹)، طرائق الحقائق (۵۹۷ -۵۹۶ /۲)، فرهنگ سخنوران (۳۷۸ -۳۷۷)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۸۴ -۱۸۳)، کشف الظنون (۱۲۴۳ ،۱۲۰۰ ،۳۶۸ ،۱۷۸ ،۱۷۷ ،۴)، الکنی و الالقاب (۲۷۲ -۲۷۱ /۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۳۲ -۲۳۱)، لباب الالباب (۸۶ -۸۰ /۱)، لغت نامه (ذیل/ وطواط)، مؤلفین کتب چاپی (۷۵۷ -۷۵۶ /۵)، مجمع الفصحا (۶۷۱ -۶۵۵ /۲)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۵۳۵ و ۵۷۴)، معجم الادباء (۳۶ -۲۹ /۱۹)، معجم المؤلفین (۲۲۹/۱۱)، هفت اقلیم (۷۶ -۶۸ /۲).

وفا، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر وفا

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۴/۹

زندگینامه علمی

جعفر وفا در سال ۱۳۳۴ در زنجان در یک خانواده مذهبی تولد یافت و پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه با اشتیاق تمام و با تشویق والدین خود ، به سال ۱۳۴۸ در حوزه علمیه این شهر به فرا گرفتن علوم دینی پرداخت و در سال ۱۳۵۲ راهی حوزه علمیه قم گردید و در ادبیات عرب ، فلسفه ، تفسیر و علم کلام ، طرفی برگرفت و در سطوح عالی فقه و اصول به مراتب لازم ، نائل آمد . در طی این مراحل در دو حوزه زنجان و قم به ترتیب از محضر اساتید برجسته ای همانند حجج اسلام استاد علوی ، قائمی ، خاتمی و آیات عظامی همانند آیت الله جوادی آملی ، پایانی ، اعتمادی ، حیدری زنجانی ، ناصر مکارم شیرازی ، میرزا جواد تبریزی ، وحید خراسانی ، نوری همدانی و ... استفاده نمود .

او از سال ۱۳۶۲ با درک ضرورت زمان ، کارهای قلمی ، سخنوری و آموزشی خود را آغاز کرد و وارد عرصه پژوهش گردید و در علوم قرآن ، تاریخ اسلام ، و تعلیم و تربیت به تتبع و تحقیق پرداخت که ارائه ده ها مقاله علمی و قرآنی ، در نشریه های آموزشی و تربیتی و انتشار بیش از بیست جلد کتاب از محصولات این پژوهش است که برخی از آنها ، از کتاب های درسی دانشگاه امام حسین (ع) می باشد ؛ همانند : ثروت از دیدگاه قرآن (چاپ سوم) ، تاریخ از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه (چاپ سوم) ، تفسیر موضوعی تولی و تبری (چاپ سوم

ایشان درسال ۱۳۸۳ از سوی نخستین همایش پاسداران اهل قلم ، نویسنده برتر شناخته شد و از سوی شخصیت های بلند پایه سپاه پاسداران و وزارت ارشاد ، تشویق و موفق به دریافت جوایز و لوح تقدیر گردید .وی هم اکنون صاحب کرسی تدریس در دانشکده های دانشگاه امام حسین (ع) است و همگام با تدوین و انجام پژوهش های قلمی ، در رشته های علوم قرآنی و تاریخ اسلام تدریس می کند . وی در سال ۱۳۶۰ با همفکری برخی از جوانان در تهران کانون هجرت را بینان نهاد و در پرتو آن به تشکیل کلاس های نهج البلاغه، عقاید و انتشار نشریه «هجرت» پرداخت . کتاب «وظایف اخلاقی معلم و شاگرد» از این نویسنده از سوی آموزش و پرورش کتاب برگزیده اعلام و برنده جایزه شد . او از سال ۶۹ تا سال ۸۲ عضو کادر علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی و هیئت تحریریه فصلنامه مربیان بوده است .

وفا، نظام

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نظام وفا، فرزند مرحوم میرزا محمود، امام جمعه کاشان است که از شعرای معتبر و صاحب نام معاصر ملک‌الشعراء بهار می‌باشد. وی به سال ۱۳۰۵ هجری قمری در کاشان متولد شد و پس از تحصیلات خود، به جمع آزادیخواهان و مبارزان وقت پیوست و در تهران مقیم گردید و با مطبوعات به همکاری پرداخت که خود سال‌ها بعد مجله وفا را منتشر کرد.

وی سال‌ها، دبیر دبیرستان‌های پسرانه و دخترانه تهران بود و به تدریس ادبیات فارسی اشتغال داشت. آثار وی بارها توسط خوانندگان رادیو استفاده شده و از آن بهره گرفته‌اند، به روایت منوچهر همایون‌پور: تصنیف «موسم گل» از این شاعر و تصنیف‌ساز که در مایه دشتی است، توسط روانشاد قمرالملوک وزیری خوانده شده است.

«موسم گل»

موسم گل دوره حسن یک دو روز است در زمانه

ای بدل آرایی به عالم فسانه- به تو که ز تو ماند نکویی نشانه
خاطر عاشقان را میازار- خوش نباشد ز معشوقه آزار
گر بسوزد شمع پروانه را با زبانه
چون شود روز شمع شب را نبینی نشانه
«آزاده»
آزاده ز بیگانه و افسرده ز خویشم
مردم همه سیر از من و من سیر ز خویشم
بر دیده خونبار من ای دوست چه خندی
خون گریه کند هر که ببیند دل ریشم
با خیل مصیبت زدگانی که فلک داشت
سنجید مرا روزی و دید از همه بیشم
هرگز نکشم منت نوش از فلک دون
هر چند که دانم بکشد زحمت نیشم
با این همه آزردگی از مرگ چه ترسم؟
بگذار ز کار اوفتد این قلب پریشم
جز عشق سزاوار پرستش دگری نیست
پرسند «نظاما» اگر از مذهب و کیشم
«قبله دل‌ها»
ای که مأیوس از همه‌سوئی، بسوی عشق رو کن
قبله دل هاست اینجا، هرچه خواهی آرزو کن
تا دلی آتش نگیرد، حرف جانسوزی نگوید
حال ما خواهی اگر، از گفته ما جستجو کن
زردرویی در میان گلرخان عیب است بر من
روی زردم را بخوان دیده گاهی شستشو کن
چرخ کجرو نیست تو کج‌بینی ای دور از حقیقت
گر همه کس را نکو خواهی برو خود را نکو کن
کشت تنهایی مرا ای دوست بر من رحمت آور
مردم از خاموشی ای دل، با من آخر گفتگو کن
چون خیال دوست، من چیزی نشاط‌آور ندیدم
هر زمان فرسوده دل گشتی نظاما یاد او کن
«عاقبت بینایی»
ای خوشا عاشقی و مستی و بی‌پروایی
ای خوش از خون دل خویش قدح پیمایی
از دل من بکجا می‌روی ای غم دیگر
تو که هرجا روی آخر بر من بازآیی
شستم از اشک و ز خون رنگ و جلایش دادم
صورت عشق بنه ورنه بدین زیبایی
چشم از خواب عدم باز نکردم هرگز
دیدم اینست اگر عاقبت بینایی
پای در خانه بدنام نظاما از چه نهی
نیستت گر بسر ایدل هوس رسوایی
برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

وفادار، مجید

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

(۱۳۵۷ / ۱۳۵۴ -۱۲۹۱ ق)، موسیقیدان. در تهران به دنیا آمـد. پـدرش مدیریت کتابخانه‌ی مدرسه‌ی کالج را برعهده داشت و او نیز در همان مدرسه به تحصیل پرداخت. پس از اتمام دوره‌ی متوسطه، به موسیقی علاقه‌مند شد و در محضر حسین خان اسماعیل‌زاده نواختن ویولون را آموخت. سپس در کلاس رضا محجوبی پیش درآمدها و ضربها را فراگرفت و ردیف میرزا حسینقلی را نیز نزد علی‌اکبر شهنازی آموخت. بعـدها به یادگیری نت علاقه‌منـد شد و ابتدا نزد آلبریک، یکی از همشاگردی‌های ارمنی خود و بعد در

محضر ابوالحسن صبا نت خوانی را فراگرفت. وفادار بعد از تأسیس رادیو در ۱۳۱۹ ش، همکاری خود را با این سازمان آغاز نمود و تا ۱۳۳۹ ش برای رادیو نوازندگی و آهنگ‌سازی کرد. وی در ضمن رهبری و ارکستری شماره‌ی سه را نیز در رادیو بر عهده داشت. ساخته‌های او بالغ بر سیصد آهنگ است، از جمله: «شب جدایی»؛ «گل اومد بهار اومد»؛ «یار نازنین»؛ «عشق تو»؛ «گلنار»؛ «آمدم، آمدم»؛ «مرا ببوس»؛ «گل سفید»؛ «صبا به یار عزیز».[۱]

مجید وفادار ۱۲۹۱ –۱۳۵۷، در حال حاضر که نوشتن سرگذشت هنرمندان موسیقی ایرانی رونق یافته و سعی می‌شود که نام و یاد آنان زنده نگهداشته شود، مجید وفادار از جمله کسانی است که بسیار مهجور واقع شده‌اند. او در زمان خود از مشهورترین نوازندگان و آهنگسازان بود و بسیاری از خوانندگان دهه‌های اخیر، شهرت خود را به ساخته‌های وفادار مدیونند. با این حال، وی عجیب نشناخته مانده است و بنده به جز یک مصاحبه کوتاه در مجله اطلاعات هفتگی سال ۱۳۳۷ که درباره ترانه‌سرایی، آهنگسازی و خوانندگی بود، اثر دیگری از او نیافتم. و این شرح حال نیز تلفیقی است از تکه‌های پراکنده‌ای که در نشریات قدیم سالهای (۱۳۱۰ –۴۰) درباره او خوانده‌ام.

مجید وفادار به سال ۱۲۹۱ در تهران زاده شد. پدر او «میرزا محمدخان وفادار» از فرهنگیان قدیم بود که سالها در مدارس تهران مانند: (ثروت، آلیانس، سلطانی و شرف) به تدریس ادبیات فارسی اشتغال داشت، مردی فرهیخته و متجدد بود و به سبب آشنایی به زبان انگلیسی، به مدیریت کتابخانه‌ی مدرسه آمریکایی در خیابان قوام‌السلطنه (سی‌تیر) منصوب شد و این شغل را تا آخر عمر داشت. کالج آمریکایی از مدارس معتبر آن دوران بود که بزرگانی چون: پروین اعتصامی، ابوالحسن صبا، روح‌اللَّه خالقی و عبدالحسین صبا (برادر استاد صبا و نوازنده سه‌تار) نیز در آنجا درس خوانده‌اند میرزا محمدخان وفادار پدر (مجید و حمید)، در عین داشتن مطالعات فراوان و آشنایی با فرهنگ، هنر و ادب فرنگی، به موسیقی نیز شوقی زیاد داشت. هنرمندانی چون رضا محجوبی، حبیب سماعی و درویش‌خان مهمانان همیشگی او بودند. لیکن او نیز مانند کمال‌السلطنه (پدر ابوالحسن صبا) با همه علاقه‌اش به موسیقی، از این که فرزندان او این هنر را دنبال کنند جداً ابا داشت و آن را دور از شأن مردم باشخصیت می‌دانست مجید کوچک، در همان مدرسه به تحصیل مشغول شد. تا دوره‌ی متوسطه علاقه‌ی خاصی به موسیقی نشان نداد. دوره متوسطه را تمام کرد. مجید وفادار برای اولین‌بار در این مدرسه پیانو را دید و به آن علاقه یافت. موضوع را با پدرش در میان گذاشت و با مخالفت شدید او مواجه شد. وفادار دست به کاری عجیب زد، کاری که در زمان او در ایران شناخته شده نبود (و بیشتر مأخوذ از تأثیر همان فرهنگ اروپایی است که او با آن بزرگ شده بود)؛ دست به اعتصاب غذا زد و تا چند روز مقاومت کرد. بعد از چند روز برای رفع گرسنگی مخفیانه گچ و خاک می‌خورد تا بیمار شد! مساعی پدر برای کشف علت بیماری نتیجه نداد و عاقبت بعد از این که مدیر مدرسه به وفادار کوچک قول انجام هر کاری را که دلش می‌خواست داد، علت را فهمید. مجید به او گفت که عاشق نواختن پیانو است. مدیر مدرسه در نهایت مهربانی او را آزمایش کرد و ملاحظه شد که جثه‌ی کوچک و ریزنقش این طفل برای نواختن پیانو مساعد نیست. سپس ویولن مدرسه را که در اصل متعلق به شخصی به نام «آلک» بود زیر چانه‌ی او گذاشت و نتیجه همان بود. وفادار کوچک به سختی به گریه افتاد و مدیر مدرسه با مشاهده‌ی علاقه او به موسیقی، قول داد که اگر دست از اعتصاب غذا بکشد، برای او یک ویولن کوچک از خارج تهیه خواهد کرد. بعد از چهارماه، ویولن به ایران رسید.

شماتت پدر و نصیحت دیگران، جلودار این علاقه نشد. وفادار با اشتیاقی تمام به محضر استاد بزرگ موسیقی سنتی ایران «حسین‌خان اسماعیل‌زاده» شتافت. اسماعیل‌زاده بهترین استاد کمانچه بود و در زمان خود، همردیف اساتیدی چون: آقا میرزا حسینقلی، میرزا عبداللَّه، سماع حضور و نایب اسداللَّه اصفهانی بود. شاگردانی که نزد او ویولن می‌زدند، بعدها از مشهورترین نوازندگان شدند: (رضا محجوبی، حسین یاحقی و ابوالحسن صبا). روش تعلیم و ردیفها و همه کلیات و جزئیات همان کمانچه بود، با این تفاوت که روی ویولن نواخته می‌شد. بعد از چند سال، وارد کلاس درس بهترین شاگرد اسماعیل‌زاده شد که در آن ایام به «رضا ویولنی» معروف بود، رضا که بعدها برای خود نام «محجوبی» را برگزید، از مشهورترین نوازندگان دوره خود بود که به تعلیم موسیقی اشتغال داشت و کلاسش در لاله‌زار مرکز تجمع هنرمندان و شیفتگان موسیقی بود. در آن هنگام، روح‌اللَّه خالقی که جوان نوخاسته‌ای بود نزد رضا محجوبی به یادگیری ویولن اشتغال داشت. شیوه‌ی تدریس رضا مانند استادش حسین‌خان اسماعیل‌زاده و مانند تمام اساتید موسیقی سنتی به طور سینه به سینه و گوشی (حضوری- شفاهی) بود. وی معتقد بود که نت موسیقی از ثبت حالات و ریزه‌کاریهای خاص موسیقی ایران عاجز است و برای شاگرد راهی نیست غیر از این که با ذوق سلیم و گوش حساس خود، این ظرایف را بیاموزد و اجرا کند.

وفادار چنان پیش رفت که در مدتی کوتاه، به سمت خلیفه‌ی کلاس رضا محجوبی تعیین شد. پیش‌درآمدها و ضربی‌ها را نیز از او آموخت. با این که روح‌اللَّه خالقی در کتاب سرگذشت موسیقی ایران او را بهترین شاگرد رضا محجوبی می‌داند ولی صدای ساز و شیوه‌ی نواختن او، خاص خود او بود و از جهات رنگ‌آمیزی و خصوصیات دیگر، شباهتی به ساز رضا ندارد و در روالی دیگر است، که مطابق ذوق و سلیقه‌ی او بود و خواستاران فراوانی هم داشت. کلاس رضا محجوبی در ۱۳۰۳ به علت گرفتاریهای روحی او تعطیل شد و وفادار، به کلاس علی‌اکبر شهنازی رفت تا ردیف میرزا حسینقلی را بیاموزد. وفادار عاشق و طلبه‌ای به تمام معنا در موسیقی بود و این خصلتی بود که در هنرجویان امروزه موسیقی ایرانی بسیار کمتر دیده می‌شود. در حقیقت، آموزش موسیقی وفادار، بیشتر به همان سنتی (شفاهی) بود و آشنایی او با مبانی نظری موسیقی، در سالهای بعد بود که جنبه‌ی تکمیلی داشت. علی‌اکبر شهنازی در کلاس، گوشه‌ها را با تار می‌نواخت و او با ویولن تقلید می‌کرد و بعد از دو سال، آن طوری که مطلوب خودش بود، مطالب را فراگرفت. و در همین حین تحصیلات خود را در مدرسه آمریکایی دنبال می‌کرد. به یادگیری «نت» علاقمند شد و ابتدا آن را نزد یکی از همشاگردیهای ارمنی خود موسوم به آلبریک (Albrik) شروع کرد. روزی به هم درس خود، ابوالحسن صبا برخورد که در آن وقت نزد بهترین اساتید موسیقی سنتی تعلیم دیده بود و به مبانی نظری موسیقی نیز آشنایی داشت. صبا با رغبت تمام قبول کرد که نت‌خوانی را به وفادار آموزش دهد و چنین نیز کرد. اولین ظهور او در عالم اجرا، سال ۱۳۰۶ بود. در این هنگام بعد از یک دوره فترت، کار ضبط صفحات ایرانی آغاز شده بود و هنرمندانی چون حبیب سماعی، قمرالملوک

وزیری، مرتضی نی‌داود، علی‌اکبر شهنازی، موسی معروفی و مرتضی محجوبی و ظلی و بسیاری دیگر به ضبط آثارشان پرداختند. کمپانی پلیفون (و چند کمپانی دیگر بعد از آن) به خاطر ضبط صفحات متعدد از صدای قمرالملوک وزیری، تجهیزات خود را به تهران آورد. دیگر، هنرمندان برای پر کردن صفحه ناگزیر نبودند که به کشورهای خارج سفر کنند.

در سال ۱۳۰۶، علی‌اکبر شهنازی سرودی ساخت در وزن دو ضربی (با شعر «شمس ملک آرا») با این مطلع: «تا جوانان ایران ز جان نکوشید...» این سرود را در ارکستری مرکب از علی‌اکبر شهنازی (تار)، ابراهیم منصوری (ویولن) و حسین استوار (پیانو) می‌نواختند و مجید وفادار، «خواننده‌ی» آن بود. صفحه منتشر شد و عکس‌العمل شدید پدر را برانگیخت و دیگر خوانندگانی وفادار ادامه نیافت.

در دهه ۱۳۲۰، نوع جدیدی از موسیقی در ایران رواج یافت. کوشش‌های روح‌اللّه خالقی، تأسیس «انجمن موسیقی ملی» را در خیابان هدایت سبب شد. این انجمن، کلاسهایی برای آموزش موسیقی ترتیب داد که اکثر نوازندگان مشهور آن روز در آنجا تدریس می‌کردند و کنسرتهایی نیز برپا می‌داشت. وفادار در کلاسهای تئوری موسیقی که تحت تدریس روح‌اللّه خالقی بود حاضر می‌شد و هر وقت که دست می‌داد، به مطالعه می‌پرداخت. به زودی عنوان نوازنده (هرچند در مدتی کوتاه) وارد انجمن شد. در یکی از کنسرتها، وفادار روی صحنه به تنهایی ویولن نواخت و شیوه‌ی نواختن وی، مورد پسند کلنل وزیری واقع شد. وزیری که از ساز کسی تمجید نمی‌کرد و بس مشکل‌پسند بود، پس از اتمام کنسرت، روی او را بوسید و تشویق بسیار کرد. بعد از تأسیس رادیو در سال ۱۳۱۹ وفادار گاه و بی‌گاه در آنجا به کار می‌پرداخت. او از میان نوازندگان تمبک به مهدی غیاثی علاقه داشت و همراه او می‌نواخت. برادرش حمید وفادار نیز اهل موسیقی و ساز بود. این دو برادر همراه و همدم یارانی چون حسین قوامی (خواننده)، مرتضی محجوبی (نوازنده و آهنگساز)، اسماعیل نواب صفا (شاعر و ترانه‌سرا) بودند و عکسهایی از آن دوران به یادگار مانده است. وفادار کمتر صفحه پرکرد و بیشتر به نوازندگی در رادیو پرداخت. مدتی آهنگسازی کرد و مدتی نیز رهبری یکی از ارکسترهای رادیو را به عهده داشت. از لحاظ نوازندگی، با این که تعلیم یافته‌ی مکتب موسیقیدانان سنتی است، ولی نمی‌توان او را نوازنده‌ای سنتی دانست. وفادار از زمره‌ی شیرین‌نوازان است و از نخستین چهره‌های این موج می‌باشد. این شیوه که از سالهای ۱۳۱۰ به بعد متولد شد و رواج یافت مبتنی بر تغییراتی در روند و اجرای موسیقی سنتی بود؛ آرام شدن ریتمها، ورود سازهای فرنگی، پیدایش مالشها و ناله‌های مخصوص، اتکاء بر ذوق و حال به جای اجرای کلاسیک و مو به موی ردیف سنتی، پیدایش وزنهای دیگر (که برگرفته از موسیقی اروپایی و موزیک نظام بود)، اهمیت یافتن ترانه و ترانه‌سرایی و خصایلی دیگر، از ویژگیهای شیرین‌نوازی هستند. در حقیقت، بیش از دو سوم نوازندگان نیم قرن اخیر، از این گروه هستند.

اولین آهنگ مجید وفادار، «شب جدایی» بود که شعر آن از رهی معیری است (نت آهنگ و شعر آن در کتاب آزاده رهی چاپ شده است). این آهنگ که در مایه‌ی دشتی بود، در سال ۱۳۱۵ ساخته شد و مورد استقبال فراوان واقع شد. ابتدا رضاقلی میرزا ظلی و بعد روح‌بخش و بنان آن ترانه را خواند. آهنگهای وفادار باعث شهرت بسیاری از خوانندگان روز شد در حالی که خود وی از عایدات این ساخته‌ها، بی‌بهره بود. وفادار یار و دستگیر بسیاری از جوانانی بود که سودای ورود به این عرصه را در سر داشتند. مرضیه، دلکش، الهه، ناهید سرفراز، روح‌بخش، پوران، آذر، فرح از این جمله هستند. در اوایل دهه ۱۳۳۰، داریوش رفیعی، جوانی که صدای غم‌انگیز و گرفته‌ای داشت، با اجرای ساخته‌های وفادار و یاری او به شهرت رسید. رفیعی که (فرزند میرزا محمد رفیعی نماینده مردم بم در مجلس شورا بود) به موسیقی علاقه داشت و نزد سید جواد بدیع‌زاده آواز فراگرفته بود و در زندگی شخصی نیز اخلاقی صمیمی و بی‌ریا، شوریده و وارسته داشت. هر چند که بعدها، قربانی اجتماعی شد که او را در سنین جوانی از میان برد.

ساخته‌های وفادار به حدود ۳۰۰ عدد آهنگ بالغ می‌شود. از جمله: «گل اومد بهار اومد»، «یار نازنین»، «عشق تو»، «شب جدایی»، «گلنار»، «صبا به یار عزیز»، «گل سفید»، «ساقی امشب مرا دیوانه کردی»، «آمدم، آمدم». زمانی، روی شعر دکتر حیدر رقابی متخلص به «هاله» شعری ساخت که با ویولن خودش و پیانوی روحانی و صدای حسن گلنراقی روی صفحات گرامافون ضبط شد و به «مرا ببوس» اشتهار یافت. انتشار این صفحه در آن زمان مصادف با اعدام یکی از افسران توده‌ای مصادف بود و داستانهایی که برای این شعر و آهنگ در بین افواه عامه رواج یافت، استقبال از این صفحه را دو چندان کرد. استقبال شایان توجهی که خود وفادار، از آن نصیبی نبرد. مجید وفادار، تا سال ۱۳۳۹، در عین نوازندگی و سازندگی برای رادیو، رهبری و سرپرستی ارکستر شماره ۳ را نیز در رادیو به عهده داشت و سرپرست برنامه موسیقی کارگردان نیز بود و تا آنجا که بنده اطلاع دارم از همین اداره نیز بازنشسته شد. سالهای آخر عمر را به گوشه‌نشینی گذراند و قبل از انقلاب درگذشت. وی به گفته دوستانش و آقای حسین قوامی، مردی بود متواضع، مهربان، خوشرو و بسیار حساس و همین حساسیت در عین این که الهام‌بخش هنری و آثارش بود، بلای جانش هم بود و او را یک نفس تا آخر عمر آسوده نگذاشت. از وفادار در ویولن شاگرد شناخته شده‌ای باقی نمانده است. نت آهنگها و اشعارش در مجلات موزیک ایران و موسیقی رادیو ایران به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد اول)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ تحول ضبط موسیقی (۳۲۵، ۳۱۰، ۳۰۹)، تاریخ موسیقی (۵۸۸/ ۲)، سرگذشت موسیقی (۴۵۷/ ۱)، سیمای هنرمندان (۳۸۶، ۱۷۲/ ۱)، مردان موسیقی (۲۵۴ –۲۴۸/ ۱).

وفای اشرفی، مهدی قلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. اصلش از گرجیان صفویه است و با بزرگان اشرف‌البلاد (بهشهر کنونی) مواصلت نمود. او منشی منوچهر

خان معتمدالدوله گرجی (م ۱۲۶۳ ق) بود. از آثارش: «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔالشعراء (۲۰۰۴/ ۳)، الذریعه (۱۲۷۱/ ۹)، مجمع‌الفصحا (۱۰۹۱/ ۶).

وفای زواره‌ای، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۴۸ -۱۱۹۵ ق)، شاعر، متخلص به وفا. از شاعران عهـد فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق)، از سادات زواره‌ی اصفهان بود. در اصـفهان به تحصیل پرداخت. سپس مدتی در تهران معلم فرزندان حاجی محمدحسین خان صدر اصفهانی بود. با ملک‌الشعرای صبا معاشرت و مصاحبت داشت و در طب، ریاضی، فقه، حدیث، عروض و قافیه و فنون شعری مهارت یافت. از آثار وی: «مآثر الباقریه»، در شرح حال و اشعار مداحان سید محمدباقر شفتی بیدآبادی؛ «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (۱۱۷ -۱۱۰/ ۲)، حدیقهٔالشعراء (۲۰۰۶ -۲۰۰۵/ ۳)، الذریعه (۱۲۷۲/ ۹)، ریحانه (۳۳۳/ ۶)، سفینهٔالمحمود (۲۲۵ -۲۲۴/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۹۸۳)، مصطبه‌ی خراب (۲۰۷)، یغما (س ۱۸، ش ۴، ص ۱۸۲ -۱۸۱).

وفای شریعتی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۸۸ ش)، حقوقـدان. در سـمنان بـه دنیـا آمـد. تحصـیلات ابتـدایی را در مـدرسه‌ی ادب سـمنان و تحصـیلات متوسـطه را در دارالفنون به پایان رساند. سپس به دانشسرای عالی راه یافت. و فارغ‌التحصیل شد و آنگاه در دانشکده حقوق تهران به ادامه تحصیل پرداخت و در ۱۳۱۵ ش موفق به دریافت لیسانس حقوق شد و بعد از آن وارد خدمات قضایی در وزارت دادگستری گردید. وی از ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۷ ش عهـده‌دار مشاغل متعـددی در دادگستری از جمله: دادیاری دادسـرای تهران، بازپرسـی تهران، بازرسـی قضایی و ریـاست دادگـاه بود. وفا برای مطالعه درباره امور حقوقی به کشورهای فرانسه، سوئیس و انگلسـتان سـفر نمود. وی به زبان فرانسه و عربی تسلط داشت. از جمله اقدامات نیکوکارانه وی حفر چاه و تعمیر قنوات نوکلاته سمنان است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ قومس (۴۵۰).

وفای شیرازی، حسنعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۷۶ -۱۲۲۴ ق)، طبیب، خطاط و شاعر، متخلص به وفا. مشهور به میرزا بزرگ طبیب. در شیراز به دنیا آمد. در خدمت پدر کسب کمـال کرد و در علم طب مهـارت یـافت. وی خط نسـتعلیق را خوب می‌نوشت و در زمینه‌ی شاعری نیز تبحر داشت. در ۱۲۵۴ ق به هندوسـتان مسـافرت کرد و از آنجـا به سـفر حـج رفت. وفـا در مـدح محمـد علی پاشا، خـدیو مصـر، که در مکه او را ملاقات کرد، قصـیده‌ای سـرود. از طریق مصر و اسکندریه برای تکمیل علم طب به اروپا رفت و مدتی در شهرهای پاریس و لندن مشغول تحصیل بود، سپس به هندوستان برگشت و چند سال در کلکته به تدریس طب اشتغال داشت. وی در راه بازگشت به ایران به منظور زیارت مشـهد رضوی، از کلکته به بمبئی رفت و در آنجـا درگـذشت. از آثـار وی: «دیوان» شـعر، شامل کلیات، قصایـد، غزلیات، قطعات و رباعیات، قریب پانزده هزار بیت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۰ -۹۹/ ۱)، حدیقهٔالشعراء (۲۰۰۹ -۲۰۰۷/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۲۰ -۸۱۵ / ۵)، الـذریعه (۱۲۷۲ / ۹)، صـبح گلشـن (۵۹۵)، فارسـنامه‌ی ناصـری (۱۱۱۲ -۱۱۰۸ / ۲)، فرهنـگ سـخنوران (۹۸۴)، مرآت‌الفصاحه (۶۹۴ -۶۹۳)، مصطبه‌ی خراب (۲۰۸ -۲۰۷).

وفای فراهانی، محمدحسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم و سیزدهم ق)، ادیب و شـاعر، متخلص به وفـا. وی عموی قائم‌مقام اول و از سادات فراهان بود. او بعـد از کسب علوم متداوله به شیراز رفت. در عهد لطفعلی خان زند می‌زیست و عهده‌دار منصب وزارت بود. وی با عبدالرزاق دنبلی، مؤلف «نگارستان

دارا»، معاصر و معاشر بود. در نظم و نثر و فن سیاق تبحر داشت و در زمینه‌ی نظم بیشتر به غزلسرایی متمایل بود. وفا در نظم از شیوه‌ی میرزا صادق نامی و مشتاق اصفهانی پیروی می‌کرد. بعضی از مؤلفان معتقدند در زمان لطفعلی خان زند (۱۲۰۹ -۱۲۰۳ ق) به زیارت خانه‌ی خدا مشرف شد و در قزوین درگذشت. در «شرح حال رجال ایران» آمده که وی در زمان آقامحمد خان قاجار با برادر خود به عتبات عالیات رفت و تا آخر عمر در آنجا ساکن شد و تا ۱۲۱۲ ق زنده بوده است. از آثار وی: «مثنوی» بر وزن «هفت پیکر» نظامی؛ «دیوان» شعر، قریب به چهار یا پنج هزار بیت. مؤلف «طرائق‌الحقائق» کتاب «تاریخ زندیه» را به او نسبت می‌دهد و وی را برادر میرزا عیسی قائم‌مقام ذکر می‌کند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔالشعراء (۲۰۱۵ -۲۰۱۳/ ۲)، الذریعه (۱۲۷۲/ ۹)، ریحانه (۳۳۳ -۳۳۲/ ۶)، سفینهٔالمحمود (۲۲۹ -۲۲۸/ ۱)، شرح حال رجال (۲۲۸ -۲۲۷/ ۶)، صبح گلشن (۵۹۶ -۵۹۵)، طرائق‌الحقائق (۲۵۱ -۲۵۰/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۹۸۴)، گلزار جاویدان (۱۷۱۲/ ۳)، مجمع‌الفصحا (۱۰۹۰ -۱۰۸۹/ ۶)، نگارستان دارا (۱۴۷ -۱۴۵).

وفای قمی، شرف‌الدین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۰۰ ق)، شاعر. مشهور به آقاسی بیگ. از سادات قم بود. نسبش از طرف پدر به میرزا محمد هاشم حسینی و از طرف مادر به ملا-عبدالرزاق فیاض می‌رسد. در زمان نادرشاه افشار (م ۱۲۱۸ ق) به هندوستان رفت. بعد از ورود نادر به دهلی، شرف‌الدین به حجاز مسافرت کرد و بعد از مراجعت نادرشاه به ایران، شرف‌الدین از مکه معظمه‌ی به هند بازگشت و تا آخر عمر آنجا ماند تا درگذشت. مؤلف «الذریعه» وفای قمی را با وفای همدانی یکی می‌داند. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۹۰۶ -۹۰۵)، حدیقهٔالشعراء (۲۰۱۷، ۲۰۱۶ -۲۰۱۵/ ۳)، الذریعه (۱۲۷۲/ ۹)، سفینهٔالمحمود (۲۲۴/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۹۸۴)، نتایج‌الافکار (۷۷۰ -۷۶۹).

وفای نایینی، حسینعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به وفا. وی برادر کوچکتر میرزا حسنعلی خان طایر، صاحب تذکره‌ی «نائین» است. در سنین جوانی، گلشن تخلص می‌کرد، سپس در حدود ۱۳۰۲ ق تغییر تخلص داد. وی با مقدمات عربی و ادبیات و طب آشنایی داشت. خط شکسته و نستعلیق را هم خوب می‌نوشت. از آثار او: شرحی بر قصیده‌ی «لامیهٔ العجم» طغرایی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔالشعراء (۲۰۲۰ -۲۰۱۹/ ۳).

وفایی اصفهانی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر، متخلص به وفا. اهل اصفهان بود. در زمان اکبرشاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق)، به هندوستان مسافرت کرد. با صادقی کتابدار، صاحب «مجمع‌الخواص»، (م ۱۰۱۸/ ۱۰۱۷ ق) معاصر بود. مدتی در خدمت زین خان کوکلتاش وی در ۱۰۲۴ ق در ملازمت ظفرخان بن زین خان به سر می‌برد و گوینـد در امور دیوانی و سپاهی‌گری نیز تبحر داشت. تقی اوحدی، صاحب «عرفات العاشقین»، او را در گجرات دیده است. وی مدتی به کشمیر و لاهور رفت. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۴۵۷/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۳۰)، الذریعه (۱۲۷۳/ ۹)، صبح گلشن (۵۹۶)، فرهنگ سخنوران (۹۸۴)، کاروان هند (۱۵۲۷ -۱۵۲۵/ ۲)، مجمع‌الخواص (۲۸۹).

وفایی اصفهانی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۸۶.

درگذشت: ۱۳۵۶.

غلامحسین وفایی اصفهانی اهل شعر و شاعری بود. از جمله آثار اوست: سیره انبیاء (منظوم، اصفهان، ۱۳۶۷)؛ گلچین باغ سخن: شامل قصائد، غزلیات، رباعی، دو بیتی اجتماعی، مذهبی، عرفانی به انضمام ولادت و شهادت و رحلت چهارده معصوم (ع) (دو جلد، ۱۳۵۶).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

وفایی تفرشی، عبداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. اصلش از تفرش بود و در شیراز نشو و نما یافت. مدتی در اصفهان به تحصیل پرداخت و سپس به تهران آمد و از ملازمان علی شاه ظل‌السلطان شد. وی پس ازمدتی به خدمت شیخ علی میرزا درآمد و بعد از آن از محضر میرزا ابوالقاسم شیرازی (م ۱۲۸۶ ق) بهره برد. وفایی در زمان سلطان محمدشاه (۱۲۶۴ –۱۲۵۰ ق) وفات نمود. اشعارش در بعضی از تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔالشعراء (۲۰۲۱ –۲۰۲۰/ ۳)، الذریعه (۱۲۷۴ –۱۲۷۳/ ۹)، سفینهٔالمحمود (۲۳۱ –۲۲۹/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۹۸۵)، نگارستان دارا (۱۴۸ –۱۴۷).

وفایی خوافی اکبرآبادی، زین‌الدین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۴/ ۹۴۰ ق)، مورخ و شاعر، متخلص به وفایی. وی نبیره‌ی شیخ زین‌الدین خوافی و از شعرا و دانشمندان خراسان بود. در عهد ظهیرالدین محمد بابر شاه (۹۳۷ –۹۳۲ ق) در هندوستان منصب صدارت داشت و در زمان همایون شاه (۹۶۳ –۹۳۷ ق)، نیز به امارت رسید. وفایی در نظم و نثر، تاریخ و معما تبحر داشت. در هند، مسجد و مدرسه‌ای ساخت. وی در هند درگذشت و در مدرسه‌ی خود به خاک سپرده شد. از آثار وی: کتابی تاریخی در فتوحات هند؛ «دیوان» شعر. به آورده‌ی مؤلف «کاروان هند» او کتاب «بابرنامه یا واقعات بابری» بابر شاه را که به زبان جغتایی بوده، ترجمه کرده و مشهودات خود را نیز به آن افزوده و نام آن را «طبقات بابری» نامیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۶۲۵/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۶۳۴، ۴۱۱)، الذریعه (۱۲۷۳/ ۹)، ریحانه (۳۳۴/ ۶)، صبح گلشن (۵۹۷ –۵۹۶)، فرهنگ سخنوران (۹۸۵)، کاروان هند (۱۵۲۸ –۱۵۲۷/ ۲).

وفایی شوشتری، فتح‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۴ ق)، عالم دینی، عارف و شاعر، متخلص به وفایی. جد او ملا رحیم از شادگان خوزستان به شوشتر مهاجرت کرد و در آنجا اقامت گزید، لذا به شوشتری معروف شد. صاحب عنوان علاوه بر تبحر در علوم دینی، در فنون شعر و ادب نیز دست داشت و بیشتر اشعار وی در مدح منقبت پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) می‌باشد. شیخ علی بن محمد صالح شوشتری از شاگردان وی است که کتاب «معالم» را در ۱۲۴۹ ق به خط خویش نوشت و آن را بر وفایی قرائت کرد. از آثارش: «الجبر والاختیار»؛ «سراج المحتاج»، در سر و سلوک؛ «شهاب ثاقب»، در رد صوفیه که آن را به امر آیت‌اللّه شیخ جعفر شوشتری تألیف نمود؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔالشعراء (۲۰۲۷ –۲۰۲۱/ ۳)، الذریعه (۲۵۱/ ۱۴ ،۱۶۱/ ۱۲ ،۱۲۷۵ –۱۲۷۴/ ۹ ،۸۲ –۸۱/ ۵)، ریحانه (۳۳۵ –۳۳۴/ ۶)، الکنی والالقاب (۲۸۸/ ۳).

وفایی مهابادی، عبدالرحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۸ –۱۲۶۴ ق)، شاعر. در ساپلاخ (مهاباد فعلی) به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات، در مدرسه‌ی مسجد سور به ادامه‌ی تحصیل پرداخت و از محضر فضلای آنجا بهره برد. وفایی به زبان‌های عربی و ترکی آشنایی داشت و بیشتر به زبان کردی شعر می‌سرود. وی در مهاباد مکتبدار بود. وفایی در بیست و یک سالگی به قصد استانبول از مهاباد بیرون رفت، اما پس از رسیدن به

نهریه و ملاقات شیخ عبیداللّه شمزینایی از ادامه سفر منصرف شد و در همان جا ماند و به طریقه‌ی نقشبندیه داخل شد و یک سال بعد از آنکه شیخ مرشدش از سفر حجاز مراجعت نمود به مهاباد بازگشت. صاحب «فرهنگ سخنوران» سال وفات وی را ۱۳۳۲ ق ذکر کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۶۸ -۶۵/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۹۸۶).

وفایی هروی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به وفایی. وی وفا نیز تخلص می‌کرد. اهل هرات و از شاگردان میر فصیحی انصاری هروی (م ۱۰۴۹ ق) بود. در ۱۰۱۸ ق در عهد اکبرشاه به قصد سیر و سیاحت به هندوستان رفت. تقی‌الدین اوحدی در مندو او را ملاقات نموده است. پس از آن به برهانپور رفت و عبدالرحیم خان، خان خانان را مدح کرد و از انعام او بهره‌مند شد. اوحدی گوید که وی در ۱۰۲۴ ق قصد مراجعت به وطن داشته که به آورده‌ی مؤلف «کاروان هند» اگر این امر عملی شده باشد، او دوباره به هند رفته است، زیرا میرزا محمد صادق مینای اصفهانی در زمان حکومت قاسم خان جوینی (۱۰۴۱ -۱۰۳۸ ق) او را در بنگاله دیده است. وفایی به اصفهان برگشت و همان جا درگذشت. مؤلف تذکره‌ی «روز روشن» از قول مؤلفین «نشتر عشق» و «شمع انجمن» می‌گوید که وی در عهد شاه جهان به بنگاله رسید و وارد هند شد. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۹۰۶) تذکره‌ی نصرآبادی (۳۳۸)، تاریخ نظم و نثر (۶۶۵)، الذریعه (۱۲۷۶ -۱۲۷۵/ ۹)، صبح گلشن (۵۹۷)، فرهنگ سخنوران (۹۸۶)، کاروان هند (۱۵۳۰ -۱۵۲۸/ ۲)، مآثر رحیمی (۱۴۰۰ -۱۳۹۷/ ۴).

وفایی یزدی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی از اعیان سلسله‌ی ضرابیان یزد بود. در ابتدا تحصیل مقدمات صرف و نحو کرد و بعد به شاعری مایل شد. او با وامق نایینی، صاحب تذکره‌ی «شعرای نایین»، معاصر بود. لازم به ذکر است رضاقلی خان هدایت، صاحب «مجمع‌الفصحا»، نام وی را آقا محمد و از شاعرانی که مداحی حکام می‌نمود، آورده است. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۳۳۳ -۳۳۱)، حدیقةالشعراء (۲۰۲۸ -۲۰۲۷/ ۳)، الذریعه (۱۲۷۶/ ۹)، مجمع‌الفصحا (۱۰۹۰/ ۶).

وفایی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی عمران، دانشکده: مهندسی عمران، دانشگاه: صنعتی شریف

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی راه و ساختمان از دانشگاه لویزیانای جنوبی آمریکا در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد راه و ساختمان از دانشگاه لویزیانای جنوبی آمریکا در سال ۱۳۴۷، دکترای راه و ساختمان (تخصص سازه) از دانشگاه هیوستون تگزاس آمریکا در سال ۱۳۵۱.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه آریزنا از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۳، دانشیار دانشگاه ایالتی واشنگتن از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۸، استاد دانشگاه شیراز از سال ۱۳۵۳.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تصفیه شنی کند، آنالیز جامع پوسته‌ها با روش عناصر محدود، آلودگی رودخانه کر، تدریس دروس مربوط به رشته سازه در دانشگاه‌های هیوستون، آریزنا، شیراز و دانشگاه ایالتی واشنگتن، نظارت بر ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

سازه‌های فولادی، ضوابط طراحی سازه‌های فولادی، جداول طراحی برای سازه‌های فولادی، مجموعه مقالات دومین گردهمایی دانشگاه شیراز پیرامون نقش پژوهش در بازسازی، مجموعه مقالات دومین گردهمایی دانشگاه شیراز و نقش پژوهش در بازسازی در زمینه مهندسی سازه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

سازه‌های پیش ساخته پوسته‌ای، نقش آموزش در بازسازی و تکنیک ساخت، رفتار سازه‌های چوبی در اثر پیچش و خمش

Study of Prefabricated Shell Units Generalized Linear Theory of Wood.

shallow Funicular shells A study Of Hyperbolic Paraboloidal cone shells.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

وفایی، عباسعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباسعلی وفائی به سال ۱۳۴۴ در شهر ساوه به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا پایان دبیرستان در آن منطقه به اتمام رساند سپس وارد دانشگاه تربیت معلم گردید و در رشته زبان و ادبیات فارسی تا مقطع کارشناسی ارشد در آن دانشگاه گذراند. وی در سال ۱۳۷۶ موق به اخذ دکتری با موضوع تصحیح انتقادی دیوان مسلمان ساوجی از دانشگاه تهران گردید و هم اکنون عضو هیئت علمی دانشگاه تهران میباشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

خاطرات کودکی : دکتر وفائی از آن دوران میگوید: «کلاس اول ابتدایی در روستای مجاور به مدرسه میرفتیم و مسافتی یک کیلومتری را پیاده طی میکردیم روزهای برفی زمستان محبت کلاس بالاتر ها را به همراه داشتیم به طوریکه در یک روز برفی که آمد و رفت به جهت کثرت برف سخت بود بر دوش آنها مسیر را طی میکردیم.»

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : دکتر وفایی در یک خانواده کشاورز و متعهد و متقی بطوریکه پدر و مادر آنها را به تحصیل و طی درجات بالا۔در کنار کمک در امور کشاورزی رهنمود میکرد و مشوق آنان بود.تا جایی که همه فرزندان خانواده تحصیلات عالی داشتند و دبیر و استاد دانشگاه شدند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تربیت معلم تهران در سال ۱۳۷۱، و اخذ دکترای زبان و ادبیات فارسی با موضوع پایاننامه صحیح انتقادی دیوان مسلمان ساوجی در سال ۱۳۷۶ از دانشگاه تهران

خاطرات و وقایع تحصیل : وقع انقلاب اسلامی در دوره راهنمایی و شرکت در راهپیمایی ها، شروع جنگ تحمیلی و شرکت هفت دوره ای در جنگ از خاطرات دوران تحصیل دکتر وقایی استا.

فعالیتهای ضمن تحصیل : کار کشاورزی ، مطالعه دروس غیر درسی و کار در کوره های آجر پزی از فعالیتهای دوره تحصیل وی است.

استادان و مربیان : دکتر جلیل تجلیل، دکتر اسماعیل حاکمی، دکتر شفیعی کدکنی، دکتر عباس ماهیاد، دکتر محمود عابدی، دکتر حین ابخوری، مرحوم دکتر سادات ناصری، دکتر عباس زریاب خویی، مرحود دکتر ضیائ الدین سجادی، دکتر علی شیخ الاسلامی و ... از استادان دکتر وفایی هستند.

هم دوره ای ها و همکاران : دکتر حسن ذوالفقاری،دکتر محمود فتوحی، خانم دکتر شیخ مونسی، دکتر تاجبخش، دکتر اسپرهم، دمتر حبیب ارعباسی و .. از همدوره ایهای دکتر عباسعلی وفایی است و از همکاران ایشان در گروه ادبیات میتوان به دکتر شیما ،دکتر کزازی،دکتر ترابی، دکتر مسگر نژاد، دکتر حائری ، دکتر حسن زاده و بیات اشاره کرد.

همسر و فرزندان : دکتر وفایی دارای همسر و دو فرزند دختر میباشند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : معاون اداری و مالی و دانشجویی دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی دانشگاه علامه طباطبائی ۷۹-۱۳۷۵، معاون اداری و مالی و قائم مقام دانشگاه الزهرا (س) تهارن ۸۲-۱۳۷۹، رایزن فرهنگی ایران در ازبکستان ۸۵-۱۳۸۲، رئیس شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی ۱۳۸۵ تا کنون.

فعالیتهای آموزشی : دبیر آموزش و پرورش به مدت هفت سال و تدریس درد دانشگاه های پیام نور – آزاد و دانشگاه های دولتی تهران از فعالیت های آموزشی دکتر وفایی هستند.

شاگردان : دکتر مهدی صفری،دکتر بهمن نزهت، دکتر شعبانلو، دکتر برجساز،دکتر طاهر، مهندس آزاد، مهندس خدادادی و ... از شاگردان استاد وفائی هستند. --

آثار :

۱ تاثیر زبان فارسی بر زبان ازبکی

ویژگی اثر : انتشارات الهدی

۲ تصحیح دیوان مسلمان ساوجی

ویژگی اثر : انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

۳ تصحیح شرح سه دفتر نخست مثنوی مولوی

ویژگی اثر : تالیف شیخ محمد آدینه خوارزمی، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

۴ تصحیح کتاب مرادالعارفین

ویژگی اثر : شیخ صوفی

۵ دانشنامه زبان و ادبیات فارسی قرن ۲۰ ازبکستان

ویژگی اثر : انتشارات الهدی

۶ سیمای فرهنگی ازبکستان

ویژگی اثر : انتشارات الهدی

۷ فرهنگ لغت نامه واژگان مخفف در زبان فارسی

ویژگی اثر : در دست چاپ

۸ قصاید مضوع در زبان و ادبیات فارسی

ویژگی اثر : انتشارات روزنه

۹ واژه های فارسی در زبان ازبکی

ویژگی اثر : انتشارات ماورائ النهر تاشکند

منابع زندگینامه : تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر وفائی بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی – اسفند ۱۳۸۵

وفایی، عبدالمجید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالمجید وفایی زنجانی از دانشمندان و ائمه جماعت شمال و استان مازندران است.

وی در سال ۱۳۰۴ شمسی در یک خانواده روحانی بی‌بضاعت در یکی از روستاهای زنجان متولد شده و تا سن بیست سالگی در خلال اشتغال به امور فلاحت مقدمات فارسی و قرآن را از پدر آموخته و در سال ۱۳۲۴ ش جهت ادامه تحصیل به زنجان عزیمت و دو سال در مدرسه سید با وضع فلاکت‌باری مقدمات عربی را تمام و در سال ۱۳۲۶ مشرف به قم شده و تا سال ۱۳۳۹ شمسی از اساتید حوزه علمیه قم استفاده علوم اصول و فقه و تفسیر نموده.

و در سال مزبور بر حسب دعوت اهالی شهرستان نوشهر از طرف مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی قدس‌سره به سمت امامت مسجد جامع این شهرستان عزیمت به آن سامان نموده و تا هم اکنون به وظایف دینی از قبیل اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام اشتغال دارند.

از آثار ایشان است کتاب ترجمه قوانین کیفری اسلام که در سال ۱۳۴۱ ش به طبع رسیده است و دیگر کتاب مفتخواران یا انگلهای اجتماع که به واسطه اشکالهای گوناگون مخطوط مانده است.

و دیگر از خدمات ایشان بناء مسجدی است زیبا که مظهر شکوه نوشهر و مایه آبروی اسلام است که در اثر تبلیغات ایشان به همت مردان باایمان ساخته شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

وفایی، عبدالوحید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبد الوحید وفائی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عبدالوحید وفایی دوران کودکی را در خانواده پدری از تعالیم قرآن کریم بهره مند گشتم (در قم) و مقطع تحصیلی ابتدائی را در مدرسه آزادی گذرانده و مقطع راهنمائی را در مدرسه راهنمائی شهید بهشتی قم طی نمودم. و حدود یک سال در هنرستان

فنی و مهندسی قم تحصیل کردم. سپس به علت علاقه به حوزه علمیه قم جهت ادامه تحصیلات روی آورده و حدود دو سال در مدرسه علمیه رسالت قم به تحصیل مشغول شدم و سال سوم را در مدرسه علمیه رضویه قم تحصیل کردم. سپس دوران فقه و اصول را از اساتید مطرح زمان استفاده کردم و حدود سه سال از درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: «مرحوم میرزا جواد تبریزی»، حضرت آیت الله «وحید خراسانی» و «فاضل لنکرانی» بهره بردم.

جهت تدریس در دانشگاهها از طریق گزینش علمی خبرگان وزارت علوم به استخدام هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب در آمدم و هم اکنون در مقطع دکترا معارف اسلامی جهت شرکت در آزمون مهندسی ثبت نام نموده ام. حدود ۱۰ سال است به استخدام عضویت هیئت علمی گروه معارف اسلامی در آمده ام. همزمان با تدریس در دانشگاه و دروس خارج فقه و اصول، با موسسه باقرالعلوم (ع) وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی قم جهت تالیف مجموعه کتب «دیدار با ابرار و دیار ابرار» همکاری نمودم. یک مقاله با نام «برهان صدیقین» برای مجله علمی پژوهشی (خردنامه صدرا) ارسال کرده ام که برای شماره اخیر آماده چاپ است. با همین عنوان مقاله برای جشنواره حکمت مطهر ارسال نمودم که به عنوان مقاله برگزیده در مجموعه مقالات برگزیده خلاصه آن به چاپ رسید.

وقار شیرازی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۸ -۱۲۳۲ ق)، شاعر،ادیب و خطاط. وی فرزند بزرگ وصال شیرازی بود که در شیراز به دنیا آمد. بعد از فراگیری مقدمات به تحصیل فقه و اصول و حکمت الهی پرداخت و پس از اتمام تحصیل به تألیف و تصنیف همت گماشت. وی در اصناف شعر متبحر و در فن انشاء مهارت داشت. وقار در ۱۲۶۶ ق با برادر خود میرزا محمود حکیم به هندوستان رفت و در مدت توقفش در بمبئی، کتاب «مثنوی» مولوی را در مدت چهار ماه با خط خوش نوشت و به چاپ رسانید و سپس به زادگاه خود بازگشت. در ۱۲۹۰ ق به زیارت عتبات رفت و در راه بازگشت، به تهران آمد و مورد عنایت ناصرالدین شاه واقع شد. وقار علاوه بر نستعلیق، خطوط نسخ و رقاع و شکسته نستعلیق را استادانه می‌نوشت و به ویژه در خط نسخ کمتر نظیر داشت. وی در شیراز درگذشت و در جوار پدر خود به خاک سپرده شد. از آثار او: «انجمن دانش»، به سبک «گلستان» سعدی؛ «رموز الامارة»، ترجمه و شرح نامه‌ی حضرت علی (ع) به مالک اشتر؛ مثنوی «بهرام و بهروز»؛ «روزنامه‌ی خسروان پارسی»، که فرهنگ شیرازی آن را «تاریخ ملوک عجم» خوانده است؛ مثنوی «خضر و موسی»؛ «قانون الصدارة»؛ «مزغزار»، که نثری مسجع به روش «کلیله و دمنه» دارد؛ کتاب «مجالس السنة و محافل الازمنة»، به سبک «کشکول» شیخ‌بهائی؛ «عشره کامله»، در ذکر مصایب امام حسین (ع) و اصحاب و اولادش؛ رساله‌ای در تفسیر آیه‌ی «لیغفر لک اللّه ما تقدم من ذنبک و ما تأخر»؛ «شرح شش رباعی محتشم»، در دوازده فصل؛ «تاریخ چهارده معصوم»، که توسط فرزندش، همت شیرازی، تکمیل شده است؛ «دیوان» شعر و چند رساله‌ی کوچک و ناتمام دیگر. از خطوط او: قرآن نیم ورقی، جلد روغنی کار علی اشرف، متن نسخ کتابت خوش و ترجمه نستعلیق کتابت خفی متوسط و پایان رقاع کتابت خوش، با رقم: «حرره... خادم الفقراء احمد المتخلص بوقار... ۱۲۸۱»؛ قرآن وزیری، نسخ کتابت خفی خوش و حواشی نستعلیق و شکسته خفی خوش، سر سوره‌ها و آخر رقاع کتابت خوش، با رقم: «کتبه و حرره... احمد الشیرازی المتخلص بالوقار... ۱۲۷۸»؛ یک نسخه «صحیفه‌ی سجادیه»، نسخ کتابت خفی خوش، با رقم: «... احمد الوقار فی سنهٔ ۱۲۸۵»؛ یک نسخه «شرح اسماء قدسیه»، نسخ کتابت جلی و خفی و رقاع خوش، با رقم: «کتبه العبد... احمد الوقار ابن المرحوم الوصال الشیرازی فی سنهٔ ۱۲۷۴»؛ یک نسخه «دعای کمیل»، نسخ کتابت و رقاع خوش، با رقم: «... و انا العبد احمد الشیرازی المتخلص بالوقار... سنهٔ ۱۲۸۱».[۱]

نامش میرزا احمد، تخلصش وقار و نخستین پسر وصال شیرازی است (و. ۱۲۳۲ ه.ق- ف. شیرتز ۱۲۹۸ ه.ق) پدرش از هشت سالگی تربیت و تعلیم و ارشاد او را به عهده گرفت تا در فن خوشنویسی، شعر، معانی، بیان و فلسفه استاد گشت. پس از مرگ پدر در سال ۱۲۶۵ ه.ق به هندوستان سفر کرد و در آنجا به نوشتن و تصحیح کتاب مثنوی مولانا جلال‌الدین بلخی همت گماشت و آن کتاب را به خط نسخ در ۱۱۶ صفحه نوشت و تحشیه کرد و به چاپ رساند و هم در این سفر مثنوی «بهرام و بهروز» را سرایید و آن را در ربیع‌الثانی ۱۲۶۶ به پایان رساند. پس از بازگشت از هند مدت ۸ سال در شیراز ماند و پس از آن به تهران آمد. در سال ۱۲۷۴ گویا به وسیله‌ی صدراعظم به ناصرالدین شاه معرفی شد و پس از چند مسافرت به شیراز و تهران و کرمانشاه در سال ۱۲۹۸ پس از ۶۶ سال زندگی جهان را بدرود گفت. وقار از خاندان وصال دانشمندی بنام است و تألیفات فراوان دارد و از آن جمله است: اطواق‌الذهب که از نثر و نظم مرکب است- انجمن دانش در آداب و اخلاق. کتاب «شرح و ترجمه نامه‌ی علی (ع) به مالک اشتر» و «مثنوی بهرام و بهروز» و «مثنوی خضر و موسی» و «قانون الصداره» و «مرغزار» و «کتاب مجالس السنهٔ و محافل الازمنه» و «عشره کامله» و «ترجمه‌ی منظومه‌ی عربی حاجی ملاـ هادی سبزواری» و «سیاحت‌نامه از شیراز تا بندر ابوشهر» و «اهبهٔ‌الادیب» و «ریحانهٔ‌الادب» و «تاریخ چهارده معصوم» و «رساله در علم بدیع» و غیره.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۳۵۸ -۳۵۶)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۴۳ -۱۰۴۱/ ۴، ۵۶ -۵۵/ ۱)، اطلس خط (۵۶۴)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۰۵/ ۴)، تاریخ هنرهای ملی (۹۸۶ -۹۸۵/ ۲)، حدیقهٔ‌الشعراء (۲۰۴۰ -۲۰۲۸/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۳۳ -۸۲۱/ ۵)، الذریعه (۳۱۱ -۳۱۰/ ۲۰، ۱۲۷۷ -۱۲۷۶/ ۹، ۱۶۵/ ۳ -۳۶۵/ ۲)، ریحانه (۳۳۸ -۳۳۶/ ۶)، شرح حال رجال (۲۶ -۲۵/ ۶)، صبح گلشن (۵۹۹)، طرائق‌الحقائق (۳۷۴ -۳۷۲/ ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۰۵ -۹۹۷/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۹۸۶)،

المـاثر والآثار (۲۱۵)، مجمع‌الفصحا (۱۱۵۳ –۱۱۳۲/ ۶)، مرآت‌الفصاحه (۷۰۱ –۶۹۷)، مکارم‌الآثار (۹۵۰ –۹۴۹/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۴ –۴۹۳/ ۱)، هدیهٔ‌العارفین (۱۸۹/ ۱).

وقار، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اوست: صحیفه‌ی سجادیه قطع نیم‌ربعی نسخ کتابت خفی خوش (تند) با رقم «... در حضور... حرره الداعی لدوام الدولهٔ الناصریهٔ احمد الوقار فی سنهٔ ۱۲۸۵» نزد همشیره‌ی آقای سرهنگ حسینی.

یک قطعه نسخ نیم دو دانگ جلی و رقاع خوش با رقم: «حرره العبد... احمد الوقار ابن المرحوم الوصال فی ۱۲۷۴ در دارالخلافه‌ی تهران. در مجموعه‌ی حاج سید نصراللّه تقوی.

شرح اسماء قدسیه وزیری کوچک جلد روغنی سرلوح مذهب نسخ کتابت جلی و خفی و رقاع خوش با رقم: «کتبه العبد الاقل الداعی لابود الدولهٔ القاهرهٔ العلیهٔ العالیهٔ الناصریهٔ... و انا العبد احمد الوقار ابن المرحوم الوصال الشیرازی» «فی سنهٔ ۱۲۷۴» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

دعای کمیل وزیری کوچک جلد روغنی سرلوح مذهب به قلم زر و الوان نسخ کتابت و رقاع خوش با رقم «حرره العبد... لداعی لابود الدولهٔ... الناصریهٔ... و انا العبد احمد الشیرازی المتخلص بالوقار ابن المرحوم المبرور والوصال طاب ثراه» «فی دارالخلافهٔ تهران– سنهٔ ۱۲۸۱» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

قرآن وزیری پنج صفحه‌ی اول تمام مذهب مرصع ممتاز بین السطور طلاانداری حواشی باریک تشعیرسازی مذهب جلد روغنی عالی تزیین عالی متن نسخ کتابت خفی خوش. حواشی نستعلیق و شکسته خفی خوش سر سوره‌ها و آخر رقاع کتابت خوش با رقم «کتبه و حرر امتثالا لامر... حسام‌السلطنهٔ العالیهٔ سلطان مراد میرزا... و کاتب هذا الکتاب الکریم والقرآن العظیم العبد الفقیر الحقیر الداعی الجانی ابن المرحوم المبرور الغفور الوصال طاب ثاره... العبد احمد الشیرازی المتخلص بالوقار غفراللّه» «فی العشر الثالث من الشهر الثامن من السنهٔ الثامنهٔ من العشرهٔ الثانیهٔ من المائهٔ الثالثهٔ من الالف الثانی من الهجرهٔ... ۱۲۷۸» (در پایان قرآن رساله «نکات القدرهٔ» که تالیف وقار و به امر حسام‌السلطنه تألیف شده به قلم نسخ خفی کتابت شده است). در کتابخانه‌ی مجلس.

قرآن وزیری جلد روغنی صفحات متعدد مذهب ممتاز تماماً طلااندازی و مذهب و سر سوره‌ها مرصع نسخ و آخر رقاع کتابت خفی عالی حواشی خواص سور نستعلیق و شکسته‌ی کتابت خوش پایان با رقم «... حسام‌السلطنهٔ العالیهٔ سلطان مراد میرزا... و کابت هذا الکتاب... ابن المرحوم المبرور والمغفور الوصال طاب ثراه و اسکنه اللّه فی جوار مولاه، العبد احمد الشیرازی المتخلص به وقار غفر له فی العشر الثالث من الشهر الثامن من السنهٔ الثامنهٔ من العشرهٔ الثامنهٔ من المائهٔ الثالثهٔ من الالف الثانی... ۱۲۷۸» در کتابخانه‌ی مجلس.

قرآن نیم ورقی چهار صفحه‌ی اول تمام مذهب مرصع ممتاز تمام صفحات جدول‌سازی مذهب ممتاز جلد روغنی کار علی اشرف تاریخ ۱۲۳۹ «زبعد محمدعلی اشرف است» متن نسخ کتابت خوش ترجمه نستعلیق کتابت خفی متوسط، پایان رقاع کتابت خوش با رقم «حرره امتثالا ـ لامر الامیر... الحاج علیخان اعتماد السلطنه... و انا العبد الجانی الفانی... خادم الفقراء حمد المتخلص به وقار ابن المرحوم... استاد الکل و سیدالقوم الوصال اسکنه اللّه فی جناب الوصال». فی السنهٔ الاولی من العشرهٔ التاسعهٔ من المائهٔ الثالثهٔ من الالف الثانی من الهجرهٔ... ۱۲۸۱» در کتابخانه‌ی مجلس.

قرآن نستعلیق کتابت خوش نسخ رقاع شکسته، کتابخانه‌ی مجلس.

قرآن نستعلیق خفی خوش شکسته نسخ، کتابخانه‌ی مجلس.

قرآن نستعلیق خوش نسخ شکسته، کتابخانه‌ی مجلس.

میرزا احمد وقار شیرازی فرزند بزرگ میرزا کوچک وصال به سال ۱۲۳۲ در شیراز متولد شد و تحصیلات ابتدائی را در همانجا شروع کرد و در علوم ادبی و اقسام حکمت سرآمد. در اصناف شعر دست و در انشاء مهارت داشت.

وقار، پس از مرگ پدر با برادر کوچک خود میرزا محمود حکیم، به هندوستان رفت و سالی در بمبئی توقف کرد و همانجا کتاب مثنوی مولانا را در مدت چهار ماه با خط خوش خویش نوشت و به چاپ رسانید. وقار در بمبئی بود که فیروز میرزا نصرت‌الدوله فرمانفرمای فارس، او را به ایران بازخواند وقار در شیراز به خدمت فرمانفرما بود تا به سال ۱۲۷۴ به تهران آمد و به دربار ناصرالدین شاه راه یافت و مورد توجه واقع گردید و پس از اندک توقف معززاً به شیراز بازگشت و به سال ۱۲۹۰ ازراه بوشهر به زیارت عتبات رفت و در مراجعت از راه کرمانشاه به تهران آمد و مورد عنایت ناصرالدین شاه قرار گرفت و پس از سالی به شیراز بازگشت و همانجا می‌بود تا به سال ۱۲۹۸ درگذشت و در جوار پدر به خاک سپرده شد. نعمت فسائی ماده‌ی تاریخ مرگ او را چنین یافته است:

اکنون پی تاریخ آن، زد خامه‌ی نعمت رقم

(حشر و قار پاک بین، با احمد مرسل بود)

از مولفات منثور و منظوم وقار، در ترجمه‌ی احوالی که فرهنگ برادر کهتر او انشاء کرده و در فارسنامه‌ی ناصری مندرج است، هفده کتاب و رساله را ذکر کرده است.

وقار جز نستعلیق، خطوط نسخ و رقاع و شکسته نستعلیق را استادانه می‌نوشت و مخصوصا در خط نسخ به شیوه‌ی میرزا احمد نیریزی، در عصر خود کمتر نظیر داشت.

از خطوط نستعلیق وی، ترجمه‌ی فارسی چند قرآن است، از جمله ترجمه‌ی قرآنی است در کتابخانه‌ی مجلس که به قلم کتابت خوش نوشته است و چنین تمام می‌شود: «حرره امتثالاً لامر الامیر... الحاج علیخان اعتمادالسلطنه... و انا العبد احمد المتخلص به وقار ابن المرحوم... استادالکل و سید القوم الوصال، اسکنه اللّه فی جناب الوصال فی السنهٔ الاولی من العشر التاسعهٔ من المائهٔ الثالثهٔ من الالف الثانی من الهجرهٔ ۱۲۸۱».

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

وقاری یزدی، محمد امین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۹۸ ق)، شاعر، متخلص به وقاری. مولانا شمس‌الدین محمد طبسی جد اعلای وقاری و خود اهل طبس بود و چون بسیار در یزد ساکن بوده به یزدی مشهور شده است. استادان وقاری عبارت بودند از: عموی وی ملا عبدالکریم طبسی، خلیل قزوینی، ملا محمد صادق یزدی ملا محمدباقر یزدی. در اکثر علوم دینی و دنیوی و در فنون شعر، معما، انشاء و در خط ثلث، نسخ و تعلیق تبحر داشت. مؤلف «الذریعه» از قول مؤلف «نجوم السماء» آورده است که محمد امین قطعه‌ای در تاریخ وفات محقق خوانساری (۱۰۹۸ ق) گفته است. وقاری در ۱۰۷۰ ق به اصفهان رفت و در ۱۰۸۲ ق در آن شهر دیوان خویش را جمع‌آوری نمود. از آثار وی: «گلدسته‌ی اندیشه»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۵۳۰، ۴۸۷-۴۸۶، ۱۸۱-۱۷۹)، جامع مفیدی (۴۳۷-۴۳۶/ ۳)، الذریعه (۲۱۲-۲۱۱/ ۱۸، ۱۲۷۸-۱۲۷۷، ۱۰۵/ ۹)، صبح گلشن (۶۰۰-۵۹۹)، فرهنگ سخنوران (۹۸۷-۹۸۶).

وقوعی تبریزی، محمد شریف

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۱۸ ق)، خطاط و شاعر. اهل آذربایجان بود و از شعرای مکتب وقوع شمرده می‌شد و در زمینه غزلسرایی مهارت داشت. وی با تقی‌الدین اوحدی (۱۰۳۰-۹۷۳ ق) و صادقی کتابدار (م ۱۰۱۸/ ۱۰۱۷ ق) معاصر بود. وقوعی مسافرت‌های زیادی کرد تا عاقبت به عتبات عالیات رسید و ساکن شد و همان جا درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر، قریب به ده هزار بیت. گویند قصیده‌ای نیز در وصف گرگ به نام «گرگ‌نامه» داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۴۵/ ۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۱۳-۵۱۲)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۵-۳۹۴)، الذریعه (۱۲۷۸/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۸۷)، مجمع‌الخواص (۱۹۴-۱۹۲)، مکتب وقوع (۵۸۳-۵۶۳).

وقوعی نیشابوری، محمد شریف

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۲ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به وقوعی. از سادات اسحاق‌آباد نیشابور و خواهرزاده‌ی امیر شاه میر معیر بود. تربیت و تحصیلاتش در خراسان صورت گرفت. او از شعرای مکتب وقوع و در زمان شاه طهماسب صفوی (۹۸۴-۹۳۰ ق) از صاحب منصبان دیوان شاهی بود. از جوانی در بیشتر فنون، خاصه تاریخ، ادب و خط مهارت داشت، خط شکسته را خوب می‌نوشت و از این رو به محمد شریف شکسته‌نویس شهرت یافت. او در زمینه‌ی سرودن قصیده، غزل و رباعی نیز توانا بود. سپس به هند رفت و مدتها در ملازمت شهاب‌الدین احمدخان نیشابوری که از اعیان دربار اکبرشاه و از خویشانش بود، به سر برد. بعد از مرگ وی به درگاه عبدالرحیم خان، خان خانان پیوست و از مداحان خاص او شد و توسط او در ۹۹۸ ق به دربار اکبرشاه راه یافت. دکتر صفا در «تاریخ ادبیات در ایران» آورده که وقوعی را به سبب اعتقادات خاصی که در مسائل دینی داشت کافر می‌دانستند. اما او قصیده‌هایی در ستایش ائمه اطهار (ع) سروده، که دلیل پایداریش در تشیع بوده است. وی در لاهور درگذشت. از آثار وی: «مجامع الاخبار» یا «مجمع الاخبار»، که تاریخ مجمل عالم است از آغاز خلقت تا سال هزار هجری؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۸۴-۱۶۸۱/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۷۱۰، ۴۲۵-۳۵۷)، تذکره‌ی روز روشن (۹۱۱-۹۱۰)، الذریعه (۱۲۷۹-۱۲۷۸/ ۹)، ریاض‌العارفین (۲۳۷)، فرهنگ سخنوران (۹۸۷)، کاروان هند (۱۵۳۵-۱۵۳۱/ ۲)، مآثر رحیمی (۶۹۷-۶۸۷/ ۳)، مکتب وقوع (۵۸۹-۵۸۴)، هفت اقلیم (۲۷۵-۲۷۳/ ۲).

وقوفی هروی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. مشهور به میر واعظ. اهل هرات و ساکن بدخشان بود. در عهد اکبرشاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به هندوستان رفت و از مداحان وی گردید. همچنین صاحب «الذریعه» و تذکره‌ی «روز روشن»، صاحب عنوان را وقوعی هروی دانسته‌اند. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

گر سرم خاک رهت گردد و بر باد رود

نیست ممکن که خیال رخت از یاد رود

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۹۱۱)، الذریعه (۱۲۷۹/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۸۷)، کاروان هند (۱۵۸۲/ ۲).

وکیل، محمدصالح

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۰۶ش، سنندج.

درگذشت: اوایل تیر ۱۳۶۱.

محمدصالح وکیل متخلص به «صالح» فرزند محمدخان وکیل‌الملک در سنندج تحصیلات ابتدایی و متوسطه را به پایان رسانید و در سال ۱۳۲۸ به تهران رفت و در دانشکده‌های ادبیات و حقوق به تحصیلات عالیه پرداخت و در ۱۳۳۱ موفق به اخذ لیسانس شد. وکیل از آغاز جوانی شعر گفتن آغاز کرد و نخستین سروده‌هایش که ترجمه‌ای بوده است از فرانسوی به فارسی در مجله «گل‌های رنگارنگ» به چاپ رسید. به سال ۱۳۳۲ وارد خدمت دولتی شد و تدریس ادبیات فارسی و تعلیمات دینی را در دبیرستان‌های کرمانشاه به عهده گرفت و در سال ۱۳۳۵ به سنندج انتقال یافت و از آن تاریخ تا اواخر حیات در دبیرستان‌های این شهر خدمات فرهنگی و ادبی خود را ادامه داد. دیوان اشعارش به نام شکوفه‌های جاودان چاپ نشده است. چند اثر دیگر از او به جا مانده است از جلمه: از رودکی تا بهار؛ تاریخ هندوستان از قرن هجدهم تا آغاز استقلال آن (۱۳۵۲)؛ سیری در تاریخ فلسفه و فرهنگ (۱۳۵۳)؛ رساله‌ای درباره دستور زبان فارسی.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

وکیل‌الملک، فضل‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۱۹ ق)، خطاط. ملقب به وکیل‌الملک. از سادات آذربایجان و از خاندان میرزا رفیع نظام‌العلماء تبریزی و از پیشکاران و کارگزاران آن سامان و از منشیان دربار ناصرالدین شاه بود. وی خط نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت. از آثار او: دو قطعه از دو مرقع، با رقم‌های: «بنده‌ی درگاه کیوان جاه فضل‌اللّه طباطبایی سنه‌ی ۱۲۸۱» و «برای یادگاری... آیای لسان‌الدوله... سنه‌ی ۱۳۱۹، فضل‌اللّه الطباطبایی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۷۲ -۵۷۱/ ۲).

وکیلی، ابومحمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابومحمد وکیلی در سال ۱۳۰۸ در شهر قم به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات مقدماتی ، در بیست و چهارسالگی دوره ی سطح را به پایان رسانید. در سال ۱۳۳۲ یکباره به تحصیلات جدید روی آورد و دوره ی ابتدایی و متوسطه را کمتر از سه سال به طور داوطلب در زادگاه خود امتحان داد و پایان نامه ی دوره ی متوسطه را دریافت کرد. با به پایان بردن این دوره ، وارد دانشکده ی الهیات و معارف اسلامی شد. او علاوه بر اخذ لیسانس الهیات ، به اخذ دانشنامه علوم قضایی و تربیتی نیز نایل گردید و در سال ۱۳۴۱ دوره ی فوق لیسانس علوم اجتماعی را در دانشگاه تهران به انجام رسانید. او بعد از مدتی به سبب شرایط شغلی به مصر رفته و تحصیلات خود را در مقطع دکترای الهیات ادامه داد ، اما قبل از آنکه رساله ی دکتری خود را بگذراند ، در یال ۱۳۵۱ به ایران بازگشت. وکیلی پس از آنکه تحصیلات خود را در سال ۱۳۴۱ به پایان رسانید در موسسه ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران به تحقیق در زمینه ی جامعه شناسی مذهبی به کار اشتغال ورزید. او در سال ۱۳۴۵ به مصر ماموریت یافت و به عنوان

نماینده و حافظ منافع ایران در آن کشور که دوران قطع رابطه ی سیاسی بین دو کشور بود ، مشغول به کار شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ، در سال ۱۳۵۸ به وزارت ارشاد اسلامی انتقال یافت و پس از چندی بنا به درخواست خود بازنشسته گردید. وی در زمره ی مولفان و نویسندگان دائره المعارف بزررگ اسلامی به شمار می رود و به نگارش مقالاتی برای درج در این اثر بزرگ همکاری می کند.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیتحصیلات رسمی و حرفه ای : ابومحمد وکیلی پس از طی تحصیلات مقدماتی ، در بیست و چهارسالگی دوره ی سطح را به پایان رسانید. در سال ۱۳۳۲ یکباره به تحصیلات جدید روی آورد و دوره ی ابتدایی و متوسطه را کمتر از سه سال به طور داوطلب در زادگاه خود امتحان داد و پایان نامه ی دوره ی متوسطه را دریافت کرد. با به پایان بردن این دوره ، وارد دانشکده ی الهیات و معارف اسلامی شد. او علاوه بر اخذ لیسانس الهیات ، به اخذ دانشنامه علوم قضایی و تربیتی نیز نایل گردید و در سال ۱۳۴۱ دوره ی فوق لیسانس علوم اجتماعی را در دانشگاه تهران به انجام رسانید. او بعد از مدتی به سبب شرایط شغلی به مصر رفته و تحصیلات خود را در مقطع دکترای الهیات ادامه داد ، اما قبل از آنکه رساله ی دکتری خود را بگذراند ، در یال ۱۳۵۱ به ایران بازگشت.فعالیتهای ضمن تحصیل : ابومحمد وکیلی در خلال تحصیل به کسب و کار نیز اشتغال داشت.استادان و مربیان : ابومحمد وکیلی تحصیلات مقدماتی را نزد عمویش حاج شیخ عبدالحسین وکیلی ، متخلص به آهی فراگرفت. او بیشترین تحصیلش را در زمینه علوم قدیمه نزد حاج سیدمحمد آل طه گذراند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ابومحمد وکیلی پس از آنکه تحصیلات خود را در سال ۱۳۴۱ به پایان رسانید در موسسه ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران به تحقیق در زمینه ی جامعه شناسی مذهبی به کار اشتغال ورزید. او در سال ۱۳۴۵ به مصر ماموریت یافت و به عنوان نماینده و حافظ منافع ایران در آن کشور که دوران قطع رابطه ی سیاسی بین دو کشور بود ، مشغول به کار شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ، در سال ۱۳۵۸ به وزارت ارشاد اسلامی انتقال یافت و پس از چندی بنا به درخواست خود بازنشسته گردید.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ابومحمد وکیلی در زمره ی مولفان و نویسندگان دائره المعارف بزررگ اسلامی به شمار می رود و به نگارش مقالاتی برای درج در این اثر بزرگ همکاری می کند.آثار : ۱ ترجمه ی التمهید فی علوم القرآن ویژگی اثر : وکیلی این کتاب را به درخواست مدرسه ی عالی شهید مطهری در پنج جلد آغاز نمود ، که جلد اول ، دوم و سوم آن توسط سازمان تبلیغات اسلامی به چاپ رسیده است و مجلدات دیگر آن نیز در دست طبع است.

منابع زندگینامه :قرآن و قرآن پژوهی ، به کوشش: بهاء الدین خرمشاهی ، ج ۲ ، تهران: دوستان و ناهید ، ص۲۳۲۲

ولایی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، شاعر، متخلص به افسر. در خوانسار به دنیا آمد. وی با کار نویسندگی لوایح و اسناد، گذران زندگی می‌کرد. در سنین جوانی غزلیاتش را در مجله «دعوت اسلامی» به چاپ می‌رساند. ولایی از حسن خط با بهره بود و خط شکسته زیبایی داشت. از آثار وی مثنویات «مشکاهٔ العشق»، «سربازان حسین» و «اسرار فاطمیه» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای خوانسار (۲۲ –۱۹)، مؤلفین کتب چاپی فارسی (۴۱۱ –۴۱۰/ ۲).

ولدآبادی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی ولد آبادی در سال ۱۲۸۴ ، در قزوین دیده به جهان گشود. دوران کودکی را نزد پدر خود به کسب علوم دینی پرداخت ، آنگاه وارد حوزه ی علمیه مدرسه سردار گردید. مقدمات سطح را نزد اساتید به نام زمان آموخت و مدارک آن را توسط اداره ی اوقاف آن زمان دریافت کرد. وی پس از چند سال تحصیل علوم دینی در مدرسه سردار ، به شهر قم رفته و در حوزه علمیه این شهر وارد شد. حاج سید علی که در درس و بحث علوم دینی علاقه خاصی داشت چند سالی هم به جهت آشنایی با حوزه علمیه ی نجف اشرف ، مسافرتی به آن سامان نمود. او برخلاف اجداد خود به شغل دعا نویسی علاقه ی چندانی نشان نمی داد ، به همین جهت برای امرار معاش ، به کسب و کار کشاورزی پرداخت. سرانجام حجه الاسلام و المسلمین حاج سید علی ولد آبادی ، در سال ۱۳۷۰ هجری شمسی ، در سن ۸۹ سالگی چشم از جهان فروبست.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : سیدعلی ولدآبدی فرزند حاج سیدتقی ولدآبادی می باشد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید علی ولدآبادی دوران کودکی را نزد پدر خود به کسب علوم دینی پرداخت ، آنگاه وارد حوزه ی علمیه مدرسه سردار گردید. مقدمات سطح را نزد اساتید به نام زمان آموخت و مدارک آن را توسط اداره ی اوقاف آن زمان دریافت کرد. وی پس از چند سال تحصیل علوم دینی در مدرسه سردار ، به شهر قم رفته و در حوزه علمیه این شهر وارد شد. حاج سید علی که مرد جستجو گری بود در درس و بحث علوم دینی علاقه خاصی داشت لذا چند سالی هم به جهت آشنایی با حوزه علمیه ی نجف اشرف ، مسافرتی به آن سامان داشت.استادان و مربیان : سیدعلی ولدآبادی ابتدا نزد پدر خود به فراگیری علوم پرداخت ، سپس وارد مدرسه سردار شد و به جهت دروس بالاتر مدت ۱۰ سال از محضر آیت الله حاج سید ابوالحسن رفیعی کسب فیض نمود. وی پس از آنکه به حوزه علمیه قم وارد گردید از محضر بزرگانی چون آیت الله بروجردی و آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حایری استفاده نمود.زمان و علت فوت : سید

علی ولـد آبادی ، در سال ۱۳۷۰ هجری شمسـی ، در سن ۸۹ سالگی چشم از جهان فروبست.مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : سـید علی ولدآبادی برخلاف اجداد خود به شغل دعا نویسی علاقه ی چندانی نداشت و به جهت امرار معاش ، به کسب و کار کشاورزی پرداخت.سـایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سـیدعلی ولـدآبادی چنـد سال آخر عمر خود را به انزوا گذرانـد ، اما در این مـدت به مطالعه و تحقیق پرداخت.

منابع زندگینامه :فرزانگان علم و سخن قزوین ، تحقیق و گردآوری: رضا صمدی ها ، قزوین: بحر العلوم ، ص ۳۴۹

ولوالجی مروی، ابوعبداللّه محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، شاعر. وی از شـعرای عهـد سامانی و غزنوی است که گوینـد مقـدم شاعران سـلطان محمود غزنوی (۴۲۱ -۳۸۹ ق) بوده است. عوفی در «لبـاب الالبـاب» آورده که خواسـتند دو بیت فارسـی ولوالجی را به عربی ترجمه کننـد، ولی نتوانسـتند تـا اینکه خواجه ابوالقاسم، فرزنـد ابوالعباس اسـفراینی با کوشـش فراوان، توانست آن را ترجمه کنـد. برخی تـذکره‌ها شـهرت وی را نوایحی ذکر کرده‌اند. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۴۲۱/ ۱)، تاریخ نظم و نثر (۲۲)، الذریعه (۹۸۵/ ۹)، شاعران بی‌دیوان (۲۱۰ -۲۰۹)، فرهنگ سخنوران (۸۱۸)، لباب الالباب (۲۲/ ۲)، مجمع‌الفصحا (۱۱۶۷/ ۳).

ولوالجی، ظهیرالدین، ابوالفتح عبدالرشید

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۶۷- پس از ۵۴۰ ق) فقیه حنفی. در ولوالج، از توابع بدخشان به دنیا آمد. در بلخ فقه آموخت. مدتی در کش ساکن بود و سـپس به سـمرقند رفت و در آنجا سـکنی گزیـد. او در بلـخ از ابوالقاسم احمـد بن محمد خلیلی و ابوجعفر محمد بن حسـین سـنجانی و در بخـارا از ابـوبکر محمـد بـن منصـور نسـفی و احمـد بـن سـهل عتـابی حـدیث شـنید. سـمعانی از وی روایت کرده است. در ولـوالج درگذشت. او «الامالی» را در زمینه‌ی فقه تصنیف کرد. «الفتاوی الولوالجیه» اثر مشهور اوست.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۲۶/ ۴)، معجم‌البلدان (۴۴۱/ ۵)، معجم‌المؤلفین (۲۲۰/ ۵)، هدیهٔ‌العارفین (۵۶۸/ ۱).

ولی شیرازی، محمدولی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سـیزدهم و چهـاردهم ق)، شـاعر، متخلص به ولی. وی علاوه بر تحصـیل علم، خط شکسـته را نیز خوب می‌نوشت. خانواده‌ی او اهل فضل و دانش بودند و جدش حاج اکبر نواب، صاحب «تذکره‌ی دلگشا»، متخلص به بسـمل، از فضـلای عصـر خود بود. لازم به ذکر است فرصت شیرازی، صاحب «آثار عجم»، صاحب عنوان را ملقب به آقا شاهزاده ذکر کرده است. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :آثار عجم (۵۷۲)، دانشـمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۳۸ -۸۳۷/ ۵)، الذریعه (۱۲۸۱/ ۹)، مرآت‌الفصاحه (۷۰۲ - ۷۰۱).

ولیانی، فاطمه

قرن:۱۵

جنسیت:زن

ملیت:ایران

فاطمه ولیانی نویسنده و مترجم معاصر ،در سال ۱۳۳۸ در تهران متولد شد.ایشان تاکنون با مراکز مختلفی از جمله بنیاد دایرهٔ‌المعارف اسـلامی، نشـریه تحقیقات اسلامی و دفتر پژوهش‌های فرهنگی همکاری داشته است. کتاب " تاریخ جنون"ترجمه فاطمه ولیانی، در دوره بیست و یکم انتخـاب کتـاب سـال جمهـوری اسـلامی ایران از طرف وزارت فرهنـگ و ارشـاد اسـلامی ،به عنوان کتـاب سـال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ترجمه

تحصیلات رسمی و حرفه ای : فاطمه ولیانی تحصیلات متوسطه را در تهران گذراند. در سال ۱۳۵۸ در رشتهٔ علوم سیاسی از دانشگاه تهران و در سال ۱۳۷۰ در همان رشته از دانشگاه سوربن فارغ‌التحصیل شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فاطمه والیانی تاکنون با مراکز مختلفی از جمله بنیاد دایرهٔالمعارف اسلامی، نشریه تحقیقات اسلامی و دفتر پژوهش‌های فرهنگی همکاری داشته است.

جوائز و نشانها : کتاب " تاریخ جنون "ترجمه فاطمه ولیانی، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار : مقالات زیر از آثار ترجمه شده فاطمه ولیانی می‌باشد: ـ مردم‌شناسی و انتشار (دیدیه‌گز نیدو) ـ درهم شکستن زمان، فضا و جامعه (دانیل بل) ـ مفهوم فرهنگ در نظریه‌های روابط بین‌الملل (آر.بی.جی واکر) ـ معنای نور در حکمت معنوی سهروردی (هانری کربن) ـ خرد، حکمت و جنون در تصوف شبلی (پی یرلوری) --

آثار :

۱ افسون زدگی جدید

ویژگی اثر : ترجمه

۲ تاریخ جنون

ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب:تاریخ جنون میشل فوکو، ترجمهٔ فاطمه ولیانی.ـ تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۸۱. این کتاب، کوتاه شدهٔ نسخهٔ جامع تاریخ جنون (انتشارات پلون، ۱۹۶۱) است که مؤلف آن را در سال ۱۹۶۴ برای انتشارات پلون تنظیم کرد. این نسخه، در عین حفظ ساختمان کلّی کتاب، عمدتاً شامل بخش‌هایی از آن است که به جنبه‌های جامعه شناختی و تاریخی موضوع می‌پردازد. دربارهٔ فوکو و آرای او تاکنون بسیار گفته‌اند و نوشته‌اند، امّا، به استثنای دو متن کوتاه، کتابی از خودِ او هنوز به فارسی درنیامده است و این کتاب اولین اثر از آثار اصلی فوکو است که به فارسی ترجمه شده است. تاریخ جنون پایان نامهٔ دکتری فوکو بوده است و استادش پس از مطالعهٔ آن گفته بود که این پایان نامه فقط یک اثر فلسفی یا تاریخی نیست، شعر است. مترجم ترجمه‌ای استوار و بسیار دقیق و خواندنی از این کتاب عرضه کرده است. با به کارگیری اصطلاحات و لغات جا افتاده و تعبیرات متداول فارسی، منویّات نویسنده را به خوبی و روشنی منتقل کرده است. یکدستی شیوهٔ نگارش در سراسر ترجمه رعایت شده است. مؤلف کتاب نویسنده‌ای آسان‌نویس نیست؛ سبکی خاص خود دارد و اساساً فهم آثار او دشوار است. کوشش مترجم در ترجمهٔ روشن افکار مؤلف به فارسی حکایت از اِشراف او به شیوهٔ نگارش ویژهٔ نویسنده است. از نکات درخور توجه در این ترجمه توضیح اَعلام و اشارات تاریخی است. این توضیح، به هیچ وجه، ترجمهٔ مطالبی نیست که در دایرهٔالمعارف‌ها می‌آید، بلکه مترجم کوشیده طوری توضیح دهد که مطلب مورد اشارهٔ متن روشن‌تر شود. پیداست که این کار با جستجوی وسیع در منابع صورت گرفته است.

۳ هویت چهل تکه و تفکر سیّار

ویژگی اثر : ترجمه

ولی‌دشت بیاضی، محمدولی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر، متخلص به ولی. اهل دشت بیاض قاین بود. در آغاز جوانی که مصادف با اواخر عهد شاه طهماسب صفوی بود، به قزوین رفت. در آنجا با ضمیری اصفهانی، محتشم کاشانی و وحشی بافقی و دیگران معاشرت داشت. در زمان شاه اسماعیل دوم (۹۸۵ -۹۸۴ ق) به خراسان مراجعت کرد و در آنجا با شاعرانی چون: شکیبی اصفهانی، ثنایی مشهدی و میرزا قلی میلی معاشرت داشت. محمدولی از شاگردان مولانا نثاری تونی شمرده می‌شد که مشوق وی در سرودن شعر بود و از تربیت شدگان سلطان ابراهیم میرزای صفوی (م ۹۸۴ ق) است که در شهرهای مشهد، سبزوار و قزوین ملازم او بود. وی در بازگشت به وطن به کاشان رفت و در آنجا با صاحب «خلاصهٔ الاشعار» ملاقات کرد. محمدولی به سیستان نیز مسافرت کرد و مورد احترام ملک محمد قرار گرفت، وی مدت یک سال در آنجا به سر برد و قصایدی در مدح ملک محمود گفت. محمدولی سرانجام به دلیل سرسختی در حمایت از تشیع و عداوت شدید مخالفان، به فرمان دین‌محمد خان ازبک، پسر جان‌بیگ، خواهرزاده‌ی عبداللّه خان ازبک در حوالی قائنات کشته شد و در روستای کارشک دشت بیاض به خاک سپرده شد. سال درگذشت وی را با اختلاف از ۹۹۹ تا ۱۰۱۵ ق نوشته‌اند. ولی به آورده‌ی «تاریخ ادبیات در ایران» آنچه که بر روی سنگ قبرش نوشته شده سنه احدی و الف (۱۰۰۱ ق) است. از آثار وی: «دیوان» شعر. برخی تذکره‌ها مثنویی به نام «خسرو و شیرین» به وی نسبت می‌دهند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۱۱ -۶۰۶/ ۲)، ایضاح‌المکنون (۵۳۸/ ۱)، بزرگان قائن (۶۵۲ -۶۴۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۳۲ -۸۲۷/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۸، ۴۵۸)، تذکره‌ی روز روشن (۹۱۴ -۹۱۱)، الذریعه (۱۲۸۰/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۸۸)، عالم‌آرای عباسی (۱۸۱ -۱۸۰/ ۱)، مجمع‌الفصحا (۱۰۷ -۱۰۵/ ۴)، مکتب وقوع (۶۱۸ -۵۹۰)، نتایج‌الافکار (۷۳۸ -۷۳۷)، هفت اقلیم

(۳۳۱ -۳۲۸/ ۲).

ولیدی، محمد صالح

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر محمد صالح ولیدی در سال ۱۳۱۵ در شهر سنندج بدنیا آمد.وی پس از گذراندن دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، در سال ۱۳۵۸ موفق به اخذ مدرک دکترای تخصصی(Ph.D) رشته جزا و جرم شناسی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد.نامبرده پس از وقوع انقلاب اسلامی و پس از شرکت در برنامه های حوزه و دانشگاه از سال ۱۳۶۱ به عضویت هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شیراز و سپس دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی و از سال ۱۳۶۹ به عضویت تمام وقت هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی با رتبه علمی دانشیاری در آمد که تا کنون ادامه دارد.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

گرایش : جزا و جرم شناسی

والدین و انساب : پدر محمد صالح ولیدی،معروف به شیخ محمد صادق فرزند شیخ محمد امین(برابر شجره نامه آیت الله مردوخی در کتاب تاریخ مردوخی،چاپ دوم ناشر غریقی سال ۱۳۵۱) از سادات شیخ شهاب الدین کاکر زکریا و از نواده های حضرت امام مجتبی(ع) است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد صالح ولیدی تحصیلات ابتدایی و متوسطه ودوره مقدماتی حوزه را در سنندج گذراند و سپس وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد.وی پس از گذراندن دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، در سال ۱۳۵۸ موفق به اخذ مدرک دکترای تخصصی(Ph.D) رشته جزا و جرم شناسی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد. دکتر ولیدی در حال حاضر سرگرم تکمیل تحصیلات حوزه خودش است که با شرکت در درس خارج فقه حضرت آیت الله خامنه ای مدظله العالی آن را دنبال می کند.

استادان و مربیان : مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقایان سنگلجی،مشکات و شهابی و آقای دکتر ابراهیم پاد از اساتید محمد صالح ولیدی بوده اند.

همسر و فرزندان : محمد صالح ولیدی متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم تاج نصرت خاتمی ،بازنشسته آموزش و پرورش می باشد.دکتر ولیدی دارای سه فرزند دختر و یک فرزند پسر می باشد. هاندا ولیدی،خانه دار- هلن ولیدی،خانه دار - غلامرضا ولیدی ،شغل آزادو دارای مدرک کارشناسی زبان انگلیسی- ناریا ولیدی ،دارای مدرک دکترای داروسازی

وقایع میانسالی : محمد صالح ولیدی پس از اخذ دکترای رشته جزا و جرم شناسی از دانشگاه تهران و پس از وقوع انقلاب اسلامی و پس از شرکت در برنامه های حوزه و دانشگاه از سال ۱۳۶۱ به عضویت هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شیراز و سپس دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی و از سال ۱۳۶۹ به عضویت تمام وقت هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی با رتبه علمی دانشیاری در آمد که تا کنون ادامه دارد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای مدیریتی و اجرایی محمد صالح ولیدی به قرار زیر است: - مدیر گروه حقوق دوره کارشناسی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی - رئیس دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - مدیر گروه جزا و جرم شناسی کارشناسی ارشد گرایش حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه ازاد اسلامی نراق - معاون دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : دکتر محمد صالح ولیدی دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق و جرم شناسی را در دانشگاه آزاد اسلامی نراق را راه اندازی کرده است. وی همچنین شعبه جرم شناسی(NGO) را در استان کرمانشاه در سال ۱۳۸۵ را با مسئولیت خودش را تاسیس کرده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد صالح ولیدی در کنار تدریس در مرکز تحصیلات تکمیلی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی ،به راهنمایی پایان نامه های دوره های کارشناسی ارشد و دکترای جزا و جرم شناسی می پردازد. ایشان در کنگره های داخلی و خارجی با ارائه مقاله شرکت می کند.

جوائز و نشانها : محمد صالح ولیدی تقدیرنامه های متعددی را در زمینه های پژوهشی و همچنین بمناسبتهایی از قبیل استاد نمونه بدفعات در سالهای متعددی و همچنین لوح های تقدیر و جوایز را بمناسبت ارائه مقاله در همایشهای داخلی و خارجی دریافت کرده است. --

آثار :

۱ حقوق جزای اختصاصی جلد هشتم،جرایم علیه عفت داخل عموم

ویژگی اثر : امیر کبیر سال ۱۳۸۴،۱۳۸۲

۲ حقوق جزا اختصاصی

ویژگی اثر : جلد اول،جرایم علیه اموال،انتشارات امیر کبیر سال ۱۳۶۶-۱۳۶۹-۱۳۷۲-۱۳۷۶ و ۱۳۸۲

۳ حقوق جزا عمومی

ویژگی اثر : جلد اول ،انتشارات سمت سال ۱۳۷۱ چاپ دوازدهم سال ۱۳۸۵

۴ حقوق جزا و جرم شناسی ،مجموعه پرسشهای چهارگزینه ای و پاسخ آنها

ویژگی اثر : انتشارات خورشید سال ۱۳۸۱

۵ حقوق جزا(مسئولیت کیفری)

ویژگی اثر : انتشارات امیر کبیر سال ۱۳۶۱-۱۳۶۶-۱۳۷۱

۶ حقوق جزای اختصاصی جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی

ویژگی اثر : زبان: فارسی نویسنده: محمد صالح ولیدی چاپ اول: ۱۳۸۰ نوبت چاپ: چاپ دوم۱۳۸۳ تعداد صفحات: ۴۱۲ نام انتشارات: امیرکبیر شابک : X-۰۷۵۱-۰۰-۹۶۴ بهای کتاب:۲۷۰۰۰ریال اثر درباره بررسی قوانین جرایم اجتماعی در زمینه اخلاق عمومی است . نویسنده که استاد و مدرس دانشگاه درباره حقوق اختصاصی و عمومی است در این کتاب با استناد به قوانین عمومی موضوعی کشور و شرح مقدس اسلام و جرایم رویداده به نقد و بررسی و تشریح موضوع پرداخته است .

۷ حقوق جزای اختصاصی جلد پنجم،تخریب اموال ؟ عمدی استاد

ویژگی اثر : نشر داد سال ۱۳۷۶ تجدید چاپ ۱۳۷۹

۸ حقوق جزای اختصاصی جلد چهارم ،جرایم مالی علیه آسایش عمومی

ویژگی اثر : انتشارات خیام سال ۱۳۷۷

۹ حقوق جزای اختصاصی جلد دوم

ویژگی اثر : جرایم علیه اشخاص،انتشارات امیر کبیر سال ۱۳۶۷ چاپ هشتم ۱۳۸۵

۱۰ حقوق جزای اختصاصی جلد سوم

ویژگی اثر : جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی،نشر داد سال ۱۳۷۱ چاپ چهارم ۱۳۷۶

۱۱ حقوق جزای اختصاصی جلد هفتم،مسائل مربوط به جرایم علیه اشخاص اموال و امنیت و آسایش عمومی

ویژگی اثر : نشر داد سال ۱۳۷۵

۱۲ حقوق جزای اختصاصی چک پرداخت نشدنی

ویژگی اثر : نشر داد سال ۱۳۷۲ چاپ جدید ۱۳۷۵

۱۳ حقوق جزای عمومی ،جلد چهارم،واکنش جامعه علیه جرم

ویژگی اثر : نشر داد سال ۱۳۷۵ تجدید چاپ سال ۱۳۷۸

۱۴ حقوق جزای عمومی جلد سوم

ویژگی اثر : مسئولیت جزایی و مشارکت در جرم سال ۱۳۷۴

۱۵ حقوق کیفری اقتصادی

ویژگی اثر : نشرمیزان سال ۱۳۸۶

۱۶ رساله علمی و عملی در اصول مبانی جرم شناسی

ویژگی اثر : سال ۱۳۶۰

ولی‌زاده، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زمین‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ولی‌زاده، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زراعت و اصلاح نباتات، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی کشاورزی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۹، کارشناسی ارشد DEA از دانشگاههای تولوز (پل ساباتیه) و مونپلیه فرانسه، دکترای مهندسی در ژنتیک کشاورزی از فرانسه، فوق دکترای ژنتیک کشاورزی از فرانسه در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مقایسه ارقام یونجه در منطقه تبریز، بررسی صفات زراعی و سطح پلوئیدی علف بانج Dactylisglomerata، بررسی کشت مخلوط علف بانج و یونجه، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۱۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ژنتیک و طرحهای آزمایش کشاورزی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

الکتروفورز سیستم‌های الوزیمی و پولی مورفیسم پروتئینی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

ولیه فروغ‌الملوک

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۱۳۳۶ ق، از زنان نقاش. وی دختر میرزا علی خان ظهیرالدوله (۱۳۴۲ -۱۲۸۱ ق) ملقب به صفاعلی شاه و خواهر محمدناصر خان ملقب به خانخانان بود. این بانوی هنرمند تا آخر عمر ازدواج نکرد و نزد اهل طریقت تقریبا مقام پدر را داشت و در نقاشی آبرنگ و فن‌پرداز مهارت داشت. او تصویری آبرنگی از برادرش کشید که شبیه کارهای صنیع‌الملک بود و در حراج کریستی ۱۱ آویل ۱۹۸۹ م در لندن به فروش رسید.[۱]

(ز ۱۳۳۶ ق)، نقاش. در آبرنگ مهارت داشت. از آثار وی: تصویر آبرنگی برادرش، محمد ناصرخان، خان خانان، که به شیوه‌ی صنیع‌الملک پرداخت شده و رقم: «ولیه ۱۳۳۶» دارد.[۲]

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :[۱] منبع: احوال و آثار نقاشان قدیم ایران، ۱۴۰۹ / ۳.

[۲] احوال و آثار نقاشان (۱۴۰۹/ ۳)، مشاهیر زنان (۲۴۵ -۲۴۴).

وهاب شیرازی، وهاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۵۷ ق)، نقاش. وی در شیراز ساکن بود و در شیوه‌ی ناخنی دستی هنرمندانه داشت. از آثار گرانقدر وی، لوله‌ی خطی و ناخنی استادانه‌ای است که «زیارتنامه‌ی عاشورا» به خط ناخنی بر آن مشق شده و کناره‌های آن به جدول‌کشی کمندی و گلهای ناخنی ریزی آرایش یافته و در انتهای زیارتنامه، تصویر درخت سروری جلوه‌گر گشته است، با رقم: «این لوله زیارت عاشورا که به خط ناخن مشق شد، خط حقیر فقیر شیخ وهاب ولد عالیجناب مقدس القاب شیخ‌المشایخ شیخ محمد مؤمن شیرازی بتاریخ ۲۵ شهر شعبان المعظم من سنه ۱۲۵۷».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۴۰۹/ ۳).

وهابی املش، امید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امید وهابی املش یکی از نویسندگان معاصری است که در زمینه نجوم و فلسفه مقالاتی را چاپ کرده است.او همچنین برای مخاطبان جوان کتابهایی نگاشته است که از میان آنها ماجراهای حسابی نخستین انتشار وی بوده است. کتاب"ماجراهای حسابی" تالیف امید وهابی املش ، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : ادبیات کودکان

تحصیلات رسمی و حرفه ای : امید وهابی املش در تابستان سال ۱۳۵۲ ش در رشت ، همزمان با آغاز تحصیلات ابتدایی مقدمات علوم حوزوی را در مدرسه حاج ابوالفتح شروع کرد. از دبیرستان باهنر منطقهٔ ۱۲ تهران دیپلم ریاضی گرفت. در مدارس علمیهٔ تهران مشغول گذراندن دورهٔ سطح شد و همزمان تحصیل در رشته کارشناسی حقوق مدرسه عالی شهید مطهری را آغاز کرد. از

اساتید هبهٔالله ذوالفنون در نجوم و آیت‌الله محمود امجد در عرفان و علوم اسلامی را نباید از نظر دور داشت.

استادان و مربیان : هبهٔالله ذوالفنون در نجوم و آیت‌الله محمود امجد در عرفان و علوم اسلامی از اساتید امید وهابی املش بوده اند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در سوابق علمی پژوهشی و آموزشی امید وهابی املش موارد زیر به چشم می‌آید: ۱. تدریس در دبیرستانهای تهران ۲. انتشار مقالات متعدد نجومی در مجلات تخصصی و عمومی حاصل دو دهه فعالیت ۳. انتشار مقالات فلسفی و مذهبی برای نوجوانان ۴. نقد کتابهای علمی کودک و نوجوان او برای مخاطبان جوان کتابهایی نگاشته است که از میان آنها ماجراهای حسابی نخستین انتشار بوده است.

جوائز و نشانها : کتاب"ماجراهای حسابی "تالیف امید وهابی املش ، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ---

آثار :

۱ ماجراهای حسابی

ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب ماجراهای حسابی ماجراهای حسابی (سرگذشت پیدایش اعداد) / تألیف امید وهابی املش؛ تصویرگر فرهاد پورمحمدخان. - تهران: نشر کتاب مرجع، کتاب طاووس، ۱۳۸۳، ۱۰۴ ص، مصور، نمودار. یکی از مهم‌ترین راه‌های رسیدن به تجربه‌های جدید در علوم مختلف، واکاوی تاریخ آنهاست. تاریخ علوم از یک سو فراز و نشیب‌های مسیر طی شده را یادآوری می‌کند و از سوی دیگر ذهن مخاطب را برای رسیدن به تجربه‌های نو و جدید آماده می‌کند. ماجراهای حسابی داستان پیدایش و پیشرفت ریاضیات است. نویسنده در این اثر سعی و همت خود را بر آن گذاشته که با بررسی تاریخ ریاضیات مخاطب نوجوان را از رموز شیرین اعداد و ارتباط آنها با یکدیگر آگاه کند. نویسنده مخاطب خود را از مخاطب منفعل به سطح مخاطب فعال کشانده و به جای تشویق و ترغیب او به حفظ داده‌های اولیه، داستان شکل گیری این داده‌ها را بازگو کرده است. او مخاطب را به سویی کشانده است که به جای استفاده از ماحصل تربیت دیگران به عنوان یک محصول در فرآیند تولید و بازتولید نقش و جایگاه داشته و در تحصیل آن شرکت کند. نویسنده در این اثر به تجربه‌ای نو دست زده و به جای استفاده از زوایه‌ای فراتر از زاویهٔ دید مخاطب، در کنار او نشسته و یادآوری کرده است که اگر چه این بحث‌ها لذت بخش نیستند و مخاطب حق دارد که به آنها بی علاقه باشد اما لازم است که یک بار آنها را دوره کند تا از مشقت ندانستن آنها رهایی یابد.

ویلیامز، استیو

قرن:۱۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کشتی گیر: Stone Cold Steve Austin

اسم واقعی: Steve Williams

تاریخ تولد: December ۱۸, ۱۹۶۴

محل تولد: Victoria, Texas

وضعیت ازدواج: ازدواج اول مشخص نیست با چه کسی.(از هم جدا شدن)

ازدواج دوم با Jeanie (در سال ۱۹۹۹ از هم جدا شدن)....(از این ازدواج دو دوختر دارد)

ازدواج سوم با Debra (در سال۲۰۰۳ از هم جدا شدن)

در سال ۲۰۰۴ از دوست دخترش Tess Broussard جدا شده.

قد: ۶.۲ "

وزن: ۲۵۵ lbs

مربی ها: Chris Adams

Bronko Lubich

Skandor Akbar

تاریخ ورود به کشتی کج: ۱۹۹۰ با Frogman LeBlanc

لقب های قبلی:

"Stunning" Steve Austin (WCW)

"Superstar" Steve Austin (ECW)

"Ringmaster" Steve Austin (WWF)

"Stone Cold" Steve Austin (WWF)

ضربه ی نهایی: "The Rattlesnake"

Million Dollar Dream

Stone Cold Stunner

ضربه های موردعلاقه:

Driving Elbow Drop from Middle Rope

Driving Elbow Drop

Mudhole stomping

The Spinebuster

Lou Thez Press

The Clothesline

Back Body Drop

Stungun

دشمن هاش: Hollywood Invine

(Chris Adams (USWA

(Sandman (ECW

Dustin Rhodes

Ricky Steamboat

Shane Douglas

Bobby Eaton

Savio Vega

Bret Hart

Brian Pillman

Owen Hart

Shawn Michaels

Vince McMahon

The Rock

Mick Foley

Undertaker

Triple H

Kane

Kurt Angle

Rob Van Dam

Booker T

Eddie Guerrero

Chris Jericho

Chris Benoit

Ric Flair

Scott Hall

Eric Bischoff

افتخارات:

WCW World Television Title با غلبه بر Bobby Eaton در تاریخ June ۳, ۱۹۹۱

WCW World Television Title با غلبه بر Barry Windham در تاریخ May ۲۳, ۱۹۹۲

قهرمانی تیمی جهان(WCW World Tag Team) بـه همراه Brian Pillman با غلبه بر Ricky Steamboat & Shane Douglas در تاریخ March ۲, ۱۹۹۳

قهرمانی WCW سنگین وزن امریکا با غلبه بر Dustin Rhodes در تاریخ December ۲۷, ۱۹۹۳

قهرمانی WCW سنگین وزن امریکا با غلبه بر Ricky Steamboat در تاریخ September ۱۸, ۱۹۹۴

WWF King of the Ring با غلبه بر Marc Mero & Jake Roberts در تاریخ June ۲۳, ۱۹۹۶

برنده ی Royal Rumble با بیرون انداختن Bret Hart در تاریخ January ۱۹, ۱۹۹۷

قهرمانی WWF Tag Team بـه همراه Shawn Michaels بـا غلبه بر Owen Hart و British Bulldog در تـاریخ May ۲۶, ۱۹۹۷

قهرمانی WWF Tag Team به همراه Dude Love با غلبه بر Owen Hart و British Bulldog در تاریخ July ۱۴, ۱۹۹۷

قهرمانی بین قاره یی WWF با غلبه بر Owen Hart در تاریخ August ۳, ۱۹۹۷ در سالن Summerslam

قهرمانی بین قاره یی WWF با غلبه بر Owen Hart در تاریخ November ۹, ۱۹۹۷ در سالن Survivor Series

برنده ی Royal Rumble با بیرون انداختن The Rock در تاریخ January ۱۹۹۸

قهرمانی فدراسیون WWF با غلبه بر Shawn Michaels در تاریخ March ۲۹, ۱۹۹۸ در ۱۴ Wrestlemania

قهرمانی فدراسیون WWF با غلبه بر Kane در تاریخ ۲۹, ۱۹۹۸ June

قهرمانی WWF Tag Team به همراه Undertaker با غلبه بر Mankind و Kane در تاریخ ۲۶, ۱۹۹۸ July

قهرمانی فدراسیون WWF با غلبه بر The Rock در تاریخ ۲۸, ۱۹۹۹ March در ۱۵ Wrestlemania

قهرمانی فدراسیون WWF با غلبه بر Undertaker در تاریخ ۲۸, ۱۹۹۹ June

برنده ی Royal Rumble با بیرون انداختن Kane در تاریخ ۲۱, ۲۰۰۱ January

قهرمانی فدراسیون WWF با غلبه بر The Rock در تاریخ ۱, ۲۰۰۱ April در ۱۷ Wrestlemania

قهرمانی WWF Tag Team به همراه Triple H با غلبه بر Undertaker و Kane در تاریخ ۳۰, ۲۰۰۱ April

قهرمانی فدراسیون WWF با غلبه بر Kurt Angle در تاریخ ۸, ۲۰۰۱ October

هاتف اصفهانی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۹۸ ق)، طبیب و شاعر. اصل وی از اردوباد آذربایجان بود و اجدادش در زمان سلاطین صفویه به اصفهان مهاجرت کردند و در آن شهر سکنی گزیدند. هاتف در اصفهان به دنیا آمد و در همان جا به کسب دانش پرداخت و ریاضی، حکمت، طب و علوم عربی را آموخت. او در طب و حکمت از محضر میرزا محمد نصیر طبیب اصفهانی، صاحب «مرآت الحقیقه»، بهره برد و به کمک و ارشاد و اشراف او، در این علوم تبحر یافت و از اطبای نامدار عهد کریم خان زند شد. در شاعری نیز مشتاق را به عنوان استاد خود اختیار نمود. وی با انجمن مشتاق، که محل تجمع طالبان تجدد در شعر بود، ارتباط پیدا کرد و در حلقه‌ی درس و بحث میرزا نصیر و مشتاق، با لطفعلی بیگ آذر و سلیمان صباحی بیدگلی کاشی، دوستی و رفاقت یافت. او مدتی ملازم و مورد توجه میر عبدالوهاب موسوی، حاکم اصفهان بود که پس از عزل حاکم، در آنجا نماند و به همراه لطفعلی بیگ آذر به قم و پس از مدتی به کاشان رفتند و از مصاحبان صباحی شدند. بعضی از تذکره‌ها می‌گویند که این سه شاعر چندین بار به شهرهای کاشان، اصفهان و قم سفر کرده‌اند. هاتف سرانجام در قم درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. بعضی از تذکره‌ها فوتش را در کاشان و مدفنش را در قم می‌دانند. هاتف در نظم عربی و فارسی ماهر بود و اشعار بسیاری در مدح ائمه اطهار (ع) و خصوصا حضرت علی (ع) سروده است. وی در غزل شیوه‌ی سعدی و خواجوی کرمانی را، که در آن عصر متروک بود، احیا کرد و در قصیده شیوه‌ی انوری و کمال‌الدین اصفهانی را دنبال می‌کرد. ترجیع بند او که ظاهراً بلندترین شعر دوره‌ی بازگشت است، به ترجیعات شیخ فخرالدین عراقی شبیه می‌باشد. این ترجیع بند دارای پنج بند و در موضوع وحدت وجود است که هاتف به واسطه‌ی آن مشهور و معتبر گردید. از آثارش: «دیوان» شعر، مشتمل بر قصاید، غزلیات، مقطعات، ترجیعات و رباعیات.[۱]

سید احمد هاتف اصفهانی شاعر معروف قرن دوازدهم هجری (ف. ۱۱۹۸– ه.ق ۱۷۸۳– م.) که به خاطر منظومه‌ی عرفانیش با مطلع زیر:

«ای فدای تو هم دل و هم جان

وی نثار رهت هم این و هم آن»

و با ترجیع‌بند:

«که یکی هست و هیچ نیست جز او

وحده لااله الا هو»

شهرتی فراوان دارد. وی شاعر دوره‌ی افشاریان و زندیان است. خاندان او از قصبه‌ی اردوباد آذربایجان بودند ولی هاتف در اصفهان متولد شد و در آنجا و در قم و کاشان زندگی کرد. هاتف در عربیت توانا بود و به عربی شعر می‌سرود. دیوان او مرکب از قصاید و غزلیات و مقطعات و رباعیات است. در غزل از سعدی و حافظ پیروی نمود. وفاتش در قم مقارن تشکیل دولت قاجاریه است و پسرش سید محمد سخاب (ه.م) است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] با کاروان حله (۳۲۷ –۳۱۵)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۹۱ –۱۸۷/ ۴)، تاریخ ادبیات ایران، در دوره‌ی بازگشت (۳۱۳ –۳۱۰/ ۲)، تذکره‌ی روز روشن (۹۱۷ –۹۱۵)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۶)، دایرةالمعارف فارسی (۳۲۲۶/ ۲)، دیوان هاتف اصفهانی (۱۴ –۷)، الذریعه (۲۳۲/ ۱۹ ،۱۲۸۳/ ۹)، ریحانه (۳۴۵ –۳۴۴/ ۶)، سفینةالمحمود (۲۰۹ –۲۰۰/ ۱)، صبح گلشن (۶۰۳ –۶۰۲)، طرائق‌الحقائق (۲۲۰/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۹۹۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۰۱)، الکنی والالقاب (۲۸۹/ ۳)، گنج سخن (۱۶۰ –۱۵۰/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ هاتف)، مجمع‌الفصحا (۱۱۸۴ –۱۱۷۵/ ۶)، مکارم‌الآثار (۷۵ –۷۴/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۶ –۴۹۴/ ۱)، نتایج‌الافکار (۷۸۶)، نگارستان دارا (۲۷۸ –۲۷۷).

هاتفی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مولانا عبدالله هاتفی خرجردی خراسانی (ف. ۹۲۷ ه.ق) خواهرزاده‌ی جامی است. وی از جمله شعرایی است که در ساختن خمسه

به تقلید نظامی گنجوی رنج برده‌اند. دو کتاب از خمسه‌ی او عیناً مثل نظامی لیلی و مجنون، شیرین و خسرو نام دارد. هاتفی مثنوی دیگر نیز در وقایع تاریخ عهد شاه اسماعیل شروع نموده ولی به انجام نرسیده. این مثنوی به سبک و وزن شاهنامه‌ی فردوسی است و شاهنامه‌ی حضرت شاه اسماعیل نام دارد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

هاتفی جامی، عبدالله

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۲۷ ق)، شاعر، متخلص به هاتفی. در خرجرد جام، از توابع خراسان، به دنیا آمد و نزد دایی‌اش، عبدالرحمان جامی، به کسب فیض پرداخت. هاتفی از پرورش یافتگان انجمن فضلای هرات در اواخر عهد تیموریان می‌باشد که اوایل عصر صفویه را نیز درک کرده است. وی سفرهایی به هرات نموده و با امیر علیشیر نوایی و سلطان حسین بایقرا ملاقات داشته است. او با آصفی، از مریدان جامی، و مظفر حسین میرزا و کپک میرزا و بدیع‌الزمان میرزا، پسران سلطان حسین بایقرا، دوستی و معاشرت داشته و ظاهراً مثنوی «تمرنامه» را به درخواست بدیع‌الزمان میرزا سروده است. هاتفی به مدح پادشاهان و امرا علاقه‌ای نداشت و گویند روزگارش را به زراعت می‌گذرانید. در طریقت پیرو مشایخ سلسله‌ی کبرویه بود. او کنار باغ خود خانقاهی ساخت و در آن مشغول عبادت گشت. در ۹۱۷ ق که شاه اسماعیل صفوی به قصد زیارت مزار شاه قاسم انوار حرکت نمود، در تربت جام با وی ملاقات کرد و او را به نظم فتوحات خود مأمور گردانید. هاتفی سرانجام در زادگاهش از دنیا رفت و در همان باغی که خود ساخته بود به خاک سپرده شد. وی در سرودن انواع شعر ماهر بود و به آورده‌ی «تاریخ ادبیات در ایران» خود را در قصیده برتر از خاقانی و در غزل بهتر از خسرو و حسن دهلوی می‌دانست. ولی عمده مهارت او در مثنوی‌سرایی بود و چهار مثنوی از «خمسه‌ی» نظامی را جواب گفت. از آثارش: مثنوی «لیلی و مجنون»، در برابر «لیلی و مجنون» نظامی، به نام امیر علیشیر نوایی که بیت اول آن را جامی سروده است؛ مثنوی «شیرین و خسرو»، در برابر «خسرو و شیرین» نظامی، به نام امیر علیشیر نوایی؛ مثنوی «تمرنامه» یا «ظفرنامه» یا «تیمورنامه»، در شرح فتوحات تیمور، در برابر «اسکندرنامه» نظامی؛ مثنوی «هفت منظر»، در داستان بهرام گور، در برابر «هفت پیکر» نظامی؛ «شاهنامه‌ی هاتفی» یا «شاهنشاه‌نامه» به امر شاه اسماعیل و در ذکر فتوحات وی، که ناتمام ماند؛ «دیوان» شعر، مشتمل بر قصاید، غزلیات، قطعات، رباعیات و «ساقی‌نامه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۳۸۴ -۳۷۵/ ۱)، از سعدی تا جامی (۶۷۳ ،۲۲۱)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۵۳ -۱۵۲/ ۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۴۷ -۴۳۸/ ۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۱۵ -۳۱۴)، تحفه سامی (۱۶۴ -۱۶۰)، تذکره‌ی روز روشن (۹۱۹ -۹۱۸)، تذکره‌ی میخانه (۱۲۳ -۱۱۲)، حبیب‌السیر (۳۵۵ -۳۵۴/ ۴)، حماسه‌سرایی در ایران (۳۶۰ -۳۵۷)، دایرةالمعارف فارسی (۳۲۲۶/ ۲)، الذریعه (۳۴۱ ،۲۸۰ ،۲۴۲ ،۲۲۱ ،۱۶۹ ،۱۴۴/ ۱۹ ،۳۹۹ -۳۹۸/ ۱۸ ،۲۷۰/ ۱۴ ،۲۱ -۲۰/ ۱۳ ،۱۱۸/ ۱۲ ،۱۲۸۴ ،۶۹۸ ،۶۹۵/ ۹ ،۱۶۱/ ۷ ،۵۱۸/ ۴)، ریحانه (۳۴۷ -۳۴۶/ ۶)، طرائق‌الحقائق (۱۱۳/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۹۹۲)، کتابشناسی نظامی گنجوی (۳۸۷ -۳۸۶)، کشف‌الظنون (۲۰۴۵ ،۱۱۲۰)، الکنی والالقاب (۲۸۹/ ۳)، گلزار جاویدان (۱۷۲۵ -۱۷۲۳/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ هاتفی)، مجالس‌النفائس (۲۳۶ -۲۳۵ ،۶۳ -۶۲)، مجمع‌الفصحا (۱۱۷ -۱۱۶/ ۴)، منظومه‌های فارسی (۶۲۲ -۶۱۶)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۰۶ -۱۰۰۵/ ۳)، نتایج‌الافکار (۷۸۰ -۷۷۹)، هدیۀالاحباب (۲۶۲)، هفت اقلیم (۱۸۸ -۱۸۶/ ۲).

هاتفی سمنانی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۰ -۱۲۹۲ ش)، شاعر. معروف به هاتفی سمنانی. در سمنان به دنیا آمد. از اوان جوانی به شعر روی آورد و بیشتر اشعارش که به دو دوره‌ی قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران تقسیم می‌شود، مضامین مذهبی و انقلابی دارد. از هاتفی سمنانی مجموعه اشعاری به نام «ندای دل» به جای مانده است. وی بر اثر بیماری قلبی درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کیهان فرهنگی (س ۸، ش ۶، ص ۵۶).

هاتفی قهفرخی، قدرت‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر. در قصبه‌ی قهفرخ به دنیا آمد. در اوایل جوانی به تحصیل علوم و فضائل پرداخت و در ۱۳۳۱ ش رونامه «هاتف اصفهان» را منتشر نمود. او همچنین از اعضای انجمن ادبی پروانه و کمال می‌باشد. از دیگر آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۵۳۱ -۵۳۰)، الذریعه (۱۲۸۵ -۱۲۸۴/ ۹)، گلزار جاویدان (۱۷۲۵/ ۳).

هادوی بیرجندی، محمدهادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۶ -۱۲۷۷ ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و شاعر، متخلص به هادی. اصلش از اصفهان بود. خاندانش به هنگام فتنه‌ی افاغنه به بیرجند مهاجرت کردند و او در آنجا به دنیا آمد. مقدمات و سطوح اولیه را نزد پسر عمویش در مدرسه‌ی معصومیه‌ی بیرجند فراگرفت. آنگاه به قصد اقامت به مشهد رفت. او در محضر پدرش و آقا سید محمدباقر گلپایگانی و ملا محمدرضا بروغنی سبزواری، استاد حکمت، تلمذ نمود و از محضر حاج میرزا حبیب خراسانی و شیخ محمدحسن کرمانی نیز استفاده نمود. در ۱۲۹۹ ق به عراق رفت و در سامرا از محضر میرزای بزرگ شیرازی و در نجف از محضر آخوند خراسانی و آیت‌اللّه رشتی کسب مراتب عالیه علمی نمود. وی از میرزا حسین محدث نوری به دریافت اجازه‌ی روایت و از آخوند خراسانی به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نایل گشت. سپس به ایران بازگشت. بنا به خواهش بزرگانی چون حاج میرزا حبیب خراسانی و حاج شیخ حسنعلی اصفهانی مدتی در مشهد ماند، سپس به بیرجند رفت و تا آخر عمر به تربیت و ارشاد معنوی مردم مشغول بود. وی در دوره‌ی اول مجلس شورای ملی از طرف آخوند خراسانی به عنوان مجتهد طراز اول معرفی گردید، ولی نپذیرفت و عهده‌دار ریاست انجمن ولایتی گردید، او در بیرجند درگذشت. از آثارش: «بستان الناظر» یا «بستان الناظرین» به سبک «کشکول» شیخ‌بهایی؛ «آئین سخنوری»؛ ترجمه‌ی «ادب الکبیر» یا «درة الیتیمة» ابن‌مقفع؛ ترجمه‌ی «نامه‌ی حضرت امیر (ع)، به مالک اشتر» یا «عهدنامه‌ی مالک اشتر»؛ «دیوان» شعر؛ «مائده‌ی محمدیه»، شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بهارستان آیتی (۱۲۳)، الذریعه (۱۰/ ۱۹ ،۱۲۸۵/ ۹ ،۱۲۰ -۱۱۹ ،۷۶/ ۴ ،۱۰۸/ ۳)، صد سال شعر خراسان (۶۰۵ -۵۹۸)، مؤلفین کتب چاپی (۷۴۰ -۷۳۹/ ۶)، میرزای شیرازی (۲۰۶ -۲۰۵)، یغما (س ۷، ش ۱۱، ص ۵۰۸ -۵۰۴).

هادوی تهرانی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی هادوی تهرانی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد مهدی هادوی در سال ۱۳۴۰ در تهران زاده شد. وی پس از طیّ دوره دبستان و راهنمایی، به عنوان شاگرد ممتاز از دبیرستان خوارزمی که از دبیرستانهای بسیار معتبر روزگار خود بود، در رشته ریاضی و فیزیک دیپلم گرفت و به عنوان یکی از پذیرفته شدگان ممتاز کنکور، در رشته مهندسی برق و الکترونیک دانشگاه صنعتی شریف مشغول به تحصیل شد. وی پس از مدتی تحصیل غیر رسمی، تحصیلات رسمی حوزوی خود را از سال ۱۳۵۹ در قم آغاز کرد و در ادامه تحصیل، ادبیات و منطق را نزد آیت الله خوش‌وقت در تهران، فراگرفت. سپس بار دیگر به قم بازگشت و دوره سطح را در مدت پنج سال به پایان رساند و در امتحانات حوزه بارها به عنوان فرد ممتاز معرفی شد. پس از آن به تحصیل خارج فقه و اصول پرداخت و از اساتید بزرگی همچون آیات عظام شیخ جواد تبریزی، وحید خراسانی، بهجت فومنی، مکارم شیرازی، میرزا هاشم آملی و شیخ جعفر سبحانی استفاده کرد و بیش از همه در محضر درس آیت الله سید کاظم حائری به تحصیل پرداخت. استاد هادوی در فلسفه از محضر بزرگانی همچون آیت الله انصاری شیرازی، حسن زاده آملی، و مصباح یزدی بهره جسته و سالها به خوشه‌چینی از خرمن حکمت حکیم متأله آیت الله جوادی آملی مشغول بوده است. افزون بر این، وی از ابتدای حضور خود در قم، با سالک واصل حضرت آیت الله بهاءالدینی، مراوده و ارتباط مستمر و وثیق داشت و این ارتباط تا هنگام رحلت آن عارف فقیه برقرار بود. وی در نزد آن بزرگوار علاوه بر اخلاق و عرفان به تحصیل فقه و تفسیر قرآن و حدیث پرداخت. استاد هادوی این توفیق را داشته است که تقریباً تمام دروس مقدمات و سطح حوزه علمیه را تدریس نماید و از سال ۱۳۶۹ به تدریس خارج فقه و اصول)عالیترین دوره آموزشی حوزه علمیه(اشتغال پیدا کند. در درس فقه روش ابتکاری وی که بر مقایسه بحث های فقهی اسلامی با حقوق جدید بر اساس متون اصلی، استوار است، نظر محققین را به خود جلب کرده است. افزون بر این، استاد به تدریس مباحث منطقی، فلسفی و کلامی اشتغال داشته و دارند و برخی آثار قلمی وی حاصل همین تحقیقات است. استاد هادوی علاوه بر تدریس در حوزه علمیه، با دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور همکاری علمی دارد. وی عضو شورای بررسی متون علوم انسانی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و رئیس گروه فقه و حقوق این شورا و عضو شورای علمی کارشناسی ارشد فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف است. استاد هادوی همچنین

در برخی از علوم جدید مانند اقتصاد، کلام جدید، فلسفه علم و فلسفه هنر، مطالعات و تحقیقات گسترده ای دارد که بعضی از آنها در قالب کتب و مقالات عرضه شده است. وی به دو زبان انگلیسی و عربی تسلّط کامل دارد و تا حدّ زیادی با زبان فرانسه و آلمانی نیز آشناست. مهارت در زبان انگلیسی و کاربرد کامپیوتر، این امکان را برای وی فراهم کرد که اولین پاسخگوی مسائل اسلامی در ایران روی شبکه جهانی کامپیوتری)اینترنت(باشد. استاد هادوی ضمن ارتباط و حضور در مراکز دینی و علمی کشورهای مختلف اروپایی، آسیایی و آفریقایی در تأسیس مراکز فرهنگی اسلامی از جمله انجمن اهل بیت‌علیهم السلام در سوئیس، انجمن محمدیه در تایلند، مرکز اسلامی هلند و شورای جهانی رهبران دینی (World Council of Religious Leaders WCRL) مشارکت داشته است.

هادوی نیا، علی اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اصغر هادوی نیا

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی اصغر هادوی‌نیا متولد سال ۱۳۴۱ هجری شمسی در تهران می باشم. پس از اخذ دیپلم از دبیرستان خوارزمی در رشته ریاضی فیزیک در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه ملا محمد جعفر (آقای مجتهدی) شدم. در سال ۱۳۶۲ پس از موفقیت در امتحانات ورودی حوزه علمیه قم به این شهر مقدس هجرت نمودم. در سال ۱۳۶۷ پس از اتمام دروس سطح و آغاز درس خارج با شرکت در کنکور سراسری موفق به قبولی در کارشناسی «اقتصاد نظری» دانشگاه تهران شده و تحصیل در این رشته را همراه با درس‌های حوزوی تا سال ۱۳۷۲ ادامه دادم. در سال ۱۳۷۲ موفق به قبولی در کارشناسی ارشد رشته «اقتصاد نظری» در دانشگاه مفید قم شده و همزمان در امتحان ورودی رشته تخصصی «فلسفه و کلام» حوزه علمیه قم شرکت نموده و با قبولی در آن، این رشته را نیز آغاز نمودم.

در سال ۱۳۷۶ موفق به دفاع از پایان‌نامه خود در کارشناسی اقتصاد با عنوان «درآمدی بر جایگاه قرض‌الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن» به راهنمایی آقای دکتر اکبر کمیجانی و مشاورهٔ آقای دکتر فرزین وش و دکتر ابراهیم گرجی شدم. در سال ۱۳۸۲ نیز پایان‌نامه خود را در رشته فلسفه و کلام، با عنوان «مبانی فلسفی اقتصاد اسلامی در گستره خداشناسی و انسان شناسی با نگرش تطبیقی با اقتصاد سرمایه‌داری» با راهنمایی حجت الاسلام و المسلمین آقای هادوی تهرانی و داوری حجت الاسلام و المسلمین آقای غلامرضا مصباحی دفاع نمودم. در سوابق آموزشی اینجانب شرکت در برخی کلاس های زبان انگلیسی در تهران و اتمام دوره آموزش زبان انگلیسی دفتر تبلیغات اسلامی قم و نیز شرکت در برخی کارگاه‌های آموزشی می باشد که فهرست آن خواهد آمد.

هادوی، اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اصغر هادوی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

جناب آقای اصغر هادوی در سال ۱۳۳۹ در شهر کاشان در خانواده ای متدین و مذهبی متولد شد. ایشان پس از پایان موفقیت آمیز تحصیلات دوران متوسطه و به دنبال شور و علاقه فراوان به معارف ناب اسلامی، وارد حوزه علمیه کاشان گردید که پس از طی دوره مقدماتی و برای ادامه تحصیلات عالی، وارد حوزه علمیه قم گردید و در حلقه درس خارج «آیت الله العظمی وحید» و «مرحوم شیخ جواد تبریزی» حاضر و به تحصیل خارج فقه و اصول پرداخت.

در کنار دروس حوزوی، به تحصیل در دانشگاه هم روی آورد و در مقطع ارشد رشته «اقتصاد» از دانشگاه صنعتی اصفهان فارغ التحصیل گردید. ایشان که پژوهشگری تواناست علاوه بر تدریس در دانشگاههای مختلف، مقالات فراوانی به کنگره های علمی کشور ارائه داده است که از جمله می توان به «مراتب انس با قرآن»، «عبادت در قرآن» و «جامعیت قرآن از نگاه حدیث» اشاره کرد.

هادوی، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن هادوی

محل تولد : کاشمر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمّد حسن هادوی در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی در شهر «کاشمر» از توابع استان خراسان در خانواده ای مذهبی چشم به جهان گشودم. پدرم کشاورز و مادرم معلّم قرآن بود. تحصیلات ابتدائی را در کاشمر گذرانده و در بهار سال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیّه شدم. دروس مقدماتی حوزه مانند: «نصاب الصبیان گلستان سعدی»، «جامع المقدمات»، «شمسیه»، «سیوطی» و «مغنی» را در مدرسه حاج سلطان کاشمر نزد اساتیدی مانند: (حجج اسلام برهانی، فرقانی، و پیش نمازی) با مدیریت آیهٔ الله سعیدی گذراندم. سپس در تابستان ۱۳۵۵ به شهر یزد رفته و ادامه دروس حوزوی را به مدّت دو سال، در مدرسه خان با مدیریّت «آیهٔ الله علومی» گذراندم. در حوزه علمیه یزد، (حاشیه، معالم و مختصر) را نزد اساتیدی مانند: (حجج اسلام علومی، مظفری، انوری، براتی، عجمین، و میرزایی) خواندم.

در تابستان ۱۳۵۷ وارد حوزه علمیّه قم شدم. ابتدا در منزلی که «آیهٔ الله مشکینی» در کوچه آبشار نزدیک حرم مطهر اجاره نموده بودند، ساکن شده و پس از مدتی به مدرسه مؤمنیّه و سپس به مدرسه خان و نهایتاً به مدرسه ولی عصر (عج) رفتم. در حوزه علمیه قم، کتبی مانند: (شرح لمعه، رسائل، مکاسب و کفایه) را نزد اساتیدی مانند آیات عظام: (اعتمادی، ستوده، پایانی و محقق) در طول حدود ۶ سال گذراندم.

سپس دروس خارج فقه و اصول را نزد آیات عظام حوزه: «فاضل لنکرانی»، «هاشمی شاهرودی»، «وحید خراسانی»، «مکارم شیرازی»، «شیخ جواد تبریزی»، «بهجت» و «مددی» گذراندم. همزمان با تحصیل علوم حوزوی در قم، در سال ۱۳۶۲ جهت تحصیل علوم جنبی حوزه، به مؤسسه در راه حق با مدیریت استاد مصباح یزدی وارد شده و مدت ۶ سال به تحصیل علوم انسانی طبق برنامه های رسمی آن پرداختم. برخی از اساتید دوره عبارت بودند از: (مصباح، مظاهری، مصباحی، برهان، میر سپاه، دکتر محمدی، دکتر ماهر، دکتر صدیقی و دکتر قدیری).

در سال ۱۳۶۸ پس از فارغ التحصیلی از موسسه در راه حق، جهت گذراندن دوره تحصیلات تخصصی در رشته فلسفه، وارد بنیاد باقرالعلوم، با مدیریت استاد مصباح شده و دروس تخصصی این دوره را به مدت ۷ سا ل گذراندم. در این دوره از اساتیدی مانند استاد: (مصباح، جوادی، فیاضی، دکتر حداد عادل، دکتر نادری، دکتر سجادی، دکتر سمیعی و دکتر لگنهاوزن) استفاده نمودم. پس از اتمام دروس تخصصی بنیاد باقرالعلوم، برنامه چکیده نویسی و نمایه نویسی مجموعه آثار صدر المتألهین را که استاد مصباح به توصیه مقام معظم رهبری در نظر گرفته بودند؛ همراه با سایر اعضاء گروه فلسفه ۱ و ۲ بنیاد باقرالعلوم انجام داده و سپس به نگارش پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان: «معرفت شناسی نفس از دیدگاه حکمت متعالیه» پرداختم. استاد راهنمای این پایان نامه: دکتر احمدی و استاد مشاور استاد فیاضی بودند. نمره این رساله ۱۹ است.

از ابتدای سال ۱۳۷۷ به عنوان عضو هیأت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به تحقیق در مرکز پژوهشی دائرهٔ المعارف علوم عقلی اسلامی و همزمان تدریس در دوره های طرح ولایت و دوره های خود مؤسسه، مشغول شدم و اینک بخشی از وقت خود را به تدریس آموزش فلسفه و بخشی دیگر را به تحقیقات کتاب شناسی، مقاله نویسی، برنامه ریزی علمی و سایر فعّالیّت های سیاسی و فعّالیّت های این مرکز اختصاص داده ام. نسبت به فعّالیّت های سیاسی و اجتماعی در دوران انقلاب در تظاهرات و برخی فعّالیّت های فرهنگی و انقلابی شرکت داشتم.

در دوران دفاع مقدّس نیز پس از چند دوره آموزش نظامی چند مأموریت از طرف دفتر تبلیغات و بسیج به جبهه داشته و مدّتی در جمع رزمندگان اسلام گذراندم. از جهت تبلیغی نیز بیش از ۱۰۰۰ منبر در شهرهای مختلف ایران داشته ام. دو سفر تبلیغی نیز از طرف سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به هندوستان داشتم. اکنون نیز جزء روحانیون سازمان حج و زیارت بوده و چند سفر حج و عمره در خدمت زائران بیت الله الحرام بوده ام. و الله هو الموفق و المعین.

هادی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین هادی

محل تولد : اشتهارد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۴/۲

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسین هادی فرزند علی اکبر در سال ۱۳۴۳ تیرماه در شهر «اشتهارد» از توابع شهرستان کرج در خانواده ای مذهبی به دنیا آمدم با مبادی اعتقادی، اخلاقی و دینی که ریشه در اصالت خانوادگی محیط، اجتماع و شهر مذهبی اشتهارد دارد. دوران تحصیل ابتدایی و راهنمایی را در محل و زادگاه خود گذراندم. به لحاظ علاقه شدیدی که به تحصیل علوم دینی داشتم؛ تحصیل را در کلاس سوم راهنمایی رها و در سال ۱۳۵۷ و بحبوحه پیروزی انقلاب اسلامی، در حوزه علمیه «امیرالمومنین» اشتهارد به تحصیل مشغول و دروس مقدمات و ادبیات عرب را به پایان رساندم.

در سال ۶۱ برای ادامه تحصیل و جهت اینکه از نظر پیشرفت درسی در اشتهارد ادامه تحصیل موجود نبود؛ به قم عزیمت و دروس لمعه و اصول فقه را در محضر اساتیدی چون: مرحوم مغفور حجهٔ الاسلام «وجدانی فخر» و «نکونام» گذراندم. با امتحان ورودی به مدرسه علمیه «امام حسن مجتبی» زیر نظر حضرت آیهٔ الله مکارم شیرازی وارد و به مدت یکسال به تحصیل ادامه دادم و با ازدواج در سال ۶۲ به دروس آزاد اساتید همچون: «آیهٔ الله وجدانی فخر»، «استاد اعتمادی» و «استاد پایانی» شرکت جستم.

در سال ۱۳۶۵ جهت تدریس به مدت یک سال به شهر آشتیان عزیمت و دروس ادبیات عرب را تدریس کردم. جهت ادامه تحصیل در سال ۶۶ بـه قم مراجعه و تـا ابتـدای سـال ۶۸ به تحصیل مشـغول و سـال ۶۸ تا ۷۱ به مـدت سه سـال در شـهر «فارسـان» از توابع شهرکرد، مدیریت حوزه علمیه فارسان، تدریس و امور مربوط به مراجعات مردمی را در حد مقدور عهده دار بود و از سال ۱۳۷۴ تا کنون؛ ۱۳۸۵، مشغول تحقیق در مرکز پژوهشگاه دفتر تبلیغات اسلامی هستیم و این همکاری همچنان ادامه دارد.

هادیانفرد، محمدجعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمـد جعفر هادیانفرد در سال ۱۳۳۹ در شـهر شـیراز به دنیا آمد. دوران ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش گذراند و بعد از کسب دیپلم متوسطه در سال ۱۳۵۸ تحصیلات خود را در رشته مهندسی مواد در دانشگاه شیراز پی گرفت و بعد از یک وقفه دو ساله به علت انقلاب فرهنگی دانشگاهها و اخذ مـدرک کارشناسـی در نهایت بعـد از کسب مدرک کارشناسـی ارشد و با بورس تحصـیل دکترای خود را از دانشگاه سیدنی استرالیا در رشته مهندسی مواد در سال ۱۳۷۴ اخذ کرد . وی هم اکنون عضو هیت علمی دانشگاه شیراز با رتبه دانشیار است.

گروه : فنی و مهندسی

رشته : مهندسی مواد

گرایش : مکانیک مواد

والدین و انساب : پدر وی محمود هادیان فرد و پدر بزرگم اسدالله هادیان فرد از اهالی شیراز و مادر محترمشان سرکارخانم صدیقه ابریشمی است.

خاطرات کودکی : دکتر هادیانفرد جزء حال و هوای شیرین کودکی مطلب خاصی به یاد نمی آورد و دوران دبستان را اینچنین توصیف میکند: «شاید بهترین خاطات به دوران ابتدایی من مربوط میشود که به دلیل مذهبی بودن شدید مدرسه که در آن تحصیل میکردم جو مدرسه با جو عمومی اجتماع که در آن زمان زیاد مذهبی نبود تفاوت بسیار داشت.»

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : دکتر پورشا نظری در یک خانواده مذهبی که پدر و مادر برای تربیت فرزندان از هیچ کوششی دریغ نمیکردند پرورش یافت . پدر به دلیل تامین خانواده خود و بعلت سرپرستی خانواده خواهر مهبی سرپرست بودند تلاش بسیار داشت و زحمت بسیار زیاد ی را تحمل میکرد. و وی نیز برای کمک به خانواده مجبور بود کار و کسب درآمد کند او آن دوران را اینچنین بیان میکنـد:« پـدرم در آن زمان در بازار وکیل شیراز مشغول کار بود و مادر خانه دار بود . من بعنوان اولین فرزند خانواده توجه و محبت زیـادی را زا طرف اطرافیـان به خود جلب کردم. جو خـانواده مـا مـذهبی بود بنـا براین مرابه دبسـتان فرصت که یک دبستان با گرایشهای شدید مذهبی بود فرستادند.»

تحصیلات رسمی و حرفه ای : دوره دبیرستان در دبیرستان ابوذر شیراز دیپلم متوسطه در سال ۱۳۵۸ کارشناسی مهندسی مواد از دانشگاه شیراز با وقفه دو ساله (۶۹-۱۳۵۹) علت انقلاب فرهنگی دانشگاهها ۶۵-۱۳۵۹ کارشناسی ارشد در دانشگاه تربیت مدرس دکترای مهندسی مواد از دانشگاه سیدنی استرالیا در سال ۱۳۷۴

خاطرات و وقایع تحصیل : مهمترین خاطره دکتر پورشا نظری دراین دوران به وقوع انقلاب اسلامی بر میگردد :« در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ مـا به عنـوان دانش آمـوز در یکی از دبیرسـتانهای مهم شـیراز کـانون انقلاب را در بین دانش آمـوزان تشـکیل داده بـودیم و

دبیرستان ابوذر را به یک سنگر مهم اعتراضی علیه حکومت وقت تبدیل مرده بودیم. رف و آمد ماmorون امنیتی به دبیرستان ، دستگیری دانش آموزان، برنامه های اعتراضی دانش آموزان و برخورد اولیا دبیرستان با این اعتراضات همه از خاطرات مهم این دوره میباشند.»

فعالیتهای ضمن تحصیل : مطالعات غیر درسی ، و فعالیت در انجمن اسلامی و انجمن شعر و ادب در دروان دبیرستان که تا دوره دانشگاه نیز ادامه داشت در کنار کوه نوردی از فعالیتهای ضمن تحصیل دکتر پورشا نظری است.

استادان و مربیان : دکتر پورشا نظری معلم کلاس اول ابتدایی خود را آقای عظیمی را به نیکی یاد میکند . و از دیگر مربیان و استادان از آقای آل منصور دبیر ریاضی دوره راهنمایی، دکتر محمد حسین شریعت استاد مهندسی مواد دانشگاه شیراز ،دکتر صدر نژاد استاد دانشگاه شریف،دکتر سارمی استاد دانشگاه تهران و پروفسور مای دانشگاه سیدنی نام میبرد.

همسر و فرزندان : همسر دکتر پورشا نظری سرکار خانم فریبا جلالت است میباشد که وی را در راه زندگی حمایت و فداکاری کرده است . ایشان دارای دو فرزند یک پسر و یک دختر میباشد.

وقایع میانسالی : وقوع جنگ تحمیلی را دکتر پورشا از وقایع آن دوران اشاره میکند که باعث شد با اتکا به متخصصین داخلی قدمهای بزرگی در راه گسترش علم و تحقیقات در کشور برداشته شود.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر پورشا نظری هرچند مسئولیت های مختلف اداری و اجرایی داشته است ولی سالهای خدمت وی در دانشگاه گذشته و صرف تحقیق و تدریس شده است.

فعالیتهای آموزشی : دکتر پورشا نظری از سال ۱۳۶۹ تا کنون به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز ،دانشکده مهندسی،دروس مهندسی مواد را در سطوح کارشناسی ،کارشناسی ارشد و دکترای تدریس کرده ام زمینه های تخصصی من مواد مرکب (کامپوزیت) خواص مکانیکی مواد و آنالیز و شناسی مواد میباشد.

چگونگی عرضه آثار : اثار دکتر پورشا نظری در مقالات متعدد که در نشریات بنی المللی و کنفرانسها ارائه شده است آمده است.

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

هادیزاده یزدی، محمدهادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فیزیک از دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۴۹، دکترای تخصصی فیزیک هسته‌ای از دانشگاه اوهایو آمریکا در سال ۱۳۵۷.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۷۰، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۷۰ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اثر قطبش بر پراکندگی‌های ناکشسان نوکلئونها، مطالعه واکنشهای هسته‌ای با سطوح مقطع پائین، ساخت و راه‌اندازی بیناب سنج نوترونهای سریع به روش بازیابی، تدریس دروس زیادی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه فردوسی مشهد، ساخت طیف سنج نوترونهای سریع، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ترجمه ۳ کتاب از انگلیسی به فارسی در زمینه‌های ترمودینامیک و نظریه جنبی گازها، فیزیک هسته‌ای، آشکارسازی تابشها.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

فیزیک هسته‌ای.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

هاشمی اصفهانی، شمس‌الدین محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر و مذهب، متخلص به هاشمی. ملقب به صدر جهان. وی از سادات اصفهان بود. در ابتدا به شغل تذهیب اشتغال

داشت. سپس به دکن رفت و ملازم عادل شاه (۹۱۶ -۸۹۵ ق) گردید و از جانب او خطاب صدر جهان یافت. طبع شعر خوبی داشت و اشعاری از وی در تذکره‌ها ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۴۷)، الذریعه (۱۲۸۸/ ۹)، صبح گلشن (۶۰۵)، فرهنگ سخنوران (۹۹۵)، کاروان هند (۱۵۳۶/ ۲)، هفت اقلیم (۴۰۷ -۴۰۶/ ۲).

هاشمی بخارایی، هاشم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۴۵ ق)، شاعر. از نوادگان خواجه محمد پارسا است. اجداد وی همیشه شیخ‌الاسلام و صاحب سجاده و فقیه و محدث بوده‌اند، خود او نیز شیخ‌الاسلام بخارا بود. هاشمی در ملازمت عبیداللّه خان ازبک، حاکم بخارا، به سر می‌برد. وی طبع خوبی داشت و اقسام شعر را می‌سرود. از آثارش: «دیوان» شعر. شیخ آقا بزرگ تهرانی در «الذریعه»، به نقل از «آتشکده‌ی آذر»، آورده که هاشمی سفری به حجاز داشته و در این سفر کشته شده است و مثنویی به نام «مطهرالانوار»، در برابر «مخزن‌الاسرار» نظامی به وی نسبت می‌دهد، ولی دهخدا این انتساب را درست نمی‌داند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۹۰)، تحفه سامی (۶۱ -۶۰)، تذکره‌ی روز روشن (۹۲۲ -۹۲۱)، الذریعه (۳۰۰/ ۱۹ ،۱۲۸۹ ، ۱۲۸۷/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۹۵)، لغت‌نامه (ذیل/ هاشمی)، مجالس‌النفائس (۳۷۹ ،۱۴۵ -۱۴۴)، هفت اقلیم (۴۳۶/ ۳).

هاشمی پرست، مقتدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : دکتر سید مقتدی هاشمی پرست در سال ۱۳۲۵ در تهران متولد شد .ایشان دارای مدرک فوق دکترا رشته کنترل کیفیت از انگلستان می باشد. وی در سال ۱۳۵۸ به کشور بازگشت و درحال حاضر عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی است. کتاب" آمار ناپارامتری کاربردی "ترجمه سید مقتدی هاشمی پرست ، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم پایه

رشته : آمار

گرایش : تحقیق در عملیات

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید مقتدی هاشمی پرست پس از گذراندن تحصیلات متوسطه در دبیرستان دارالفنون به دانشگاه تهران راه یافت و موفق به اخذ درجهٔ کارشناسی ارشد در رشتهٔ ریاضی از آن دانشگاه و کارشناسی ارشد در رشتهٔ آمار و انفرماتیک از مؤسسهٔ آمار و انفرماتیک گردید.ایشان برای تکمیل معلومات دانشگاهی به انگلستان رفت و در سال ۱۹۷۸ به اخذ درجهٔ دکترا در رشتهٔ آمار با گرایش تحقیق در عملیات نائل آمد و پس از آن دورهٔ فوق دکترا در کنترل کیفیت به ویژه برای سیستمهای ارتباطی و مخابرات را نیز به پایان رساند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید مقتدی هاشمی پرست پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد رشتهٔ آمار و انفرماتیک از مؤسسهٔ آمار و انفرماتیک ، چند سالی به عنوان عضو هیئت علمی در خدمت دانشکدهٔ مخابرات بود .وی برای ادامه تحصیل به انگلستان رفت و پس از اخذ مدرک فوق دکترا رشته کنترل کیفیت به ویژه برای سیستمهای ارتباطی و مخابرات ، در سال ۱۳۵۸ به کشور بازگشت و درحال حاضر عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی است.

جوائز و نشانها : کتاب" آمار ناپارامتری کاربردی "ترجمه سید مقتدی هاشمی پرست ، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

آثار :

۱ آمار ناپارامتری کاربردی

ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «آمار ناپارامتری کاربردی»: آمار ناپارامتری کاربردی؛ کنوور؛ ترجم ?سیدمقتدی هاشمی پرست؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲. بسیاری از مسائل در علوم رفتاری شرایط لازم را برای تجزیه و تحلیل پارامتری ندارند. کتاب مورد بحث، این امکان را فراهم می سازد که این مسائل مهم، با روشهای ناپارامتری مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. مؤلف در مقدم ?کتاب یادآوری می کند که کوشیده است اثر وی تا حد ممکن به صورتی انعطاف پذیر تنظیم شود تا بتوان به عنوان کتاب درسی مقدماتی و کتابی مرجع برای پژوهشگران کاربردی، از آن استفاده کرد. «آمار ناپارامتری کاربردی» از کتب مرجع و مورد نیاز جامع ?علمی ایران بوده است که ترجم ?دقیق و گویای آن، پاسخ در خور را بدین نیاز داده است

۲ آمار و احتمال در مهندسی و علوم

۳ حساب دیفرانسیل و انتگرال و هندسه تحلیلی

ویژگی اثر : ترجمه،سه جلد

۴ نظری ?بازیها و خط انتظار

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

هاشمی حائری، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۱۱.

درگذشت: ۱۳۶۴.

از آثار اوست: الترتب، تقریر بحث احمد سبط الشیخ انصاری (دزفول، ۱۳۶۳)؛ الصلاة الجمعه (قم، ۱۳۶۷).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

هاشمی خوئی، حبیب‌اللَّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حبیب‌اللَّه بن سید محمد بن سید هاشم خوئی متولد سال ۱۲۶۸ و متوفی سال ۱۳۲۴ قمری از علماء ابرار و دانشمندان اخیار خوی است که پس از تحصیلات مقدمات در خوی به نجف اشرف مهاجرت نموده و در درس میرزا حبیب‌اللَّه رشتی و آیت‌اللَّه مجدد شیرازی حاضر شده و پس از تکمیل معلومات به خوی باز گشته و مشغول تألیف کتاب منهاج‌البراعه شد و پس از اتمام آن به تهران رفت که آن را بطبع رساند و مقدار کمی از این کتاب در زمان حیات او بطبع رسید ولی اجلش مهلت نداد که این امر را به انجام رساند و ناگهان فوت کرد و در قم مدفون شد و در این سالها دوره شرح نهج‌البلاغه آن مرحوم به همت والای حاج سید اسماعیل و اخوان کتابچی در ۲۲ جلد وزیری بطبع رسید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

هاشمی سنجانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فقیه.

تولد: ۱۲۹۰، سنجان.

شهادت: ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

حجت‌الاسلام علی هاشمی سنجانی، فرزند محمود، تا خارج فقه و اصول به تحصیل حوزوی پرداخت. در اولین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، نماینده‌ی مردم اراک بود.

از جمله آثار ایشان است: تقریرات فقهی، جزواتی در زمینه‌های اخلاق و وعظ، سروده‌ها و اشعار وی به مناسبت‌های مختلف.

حجت‌الاسلام هاشمی سنجانی در جریان بمب‌گذاری دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید و پیکرش در قم به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

هاشمی طالخونچه‌ای، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل جلیل، و سید کامل عادل زاهد خلیق، در حدود ۱۳۱۰ در طالخونچه از قرای سمیرم متولد گردید، و در اصفهان و قم تحصیلات خویش را به پایان رسانید، در علم و کمال و خصوصا اخلاق، سرآمد علمای زمان به شمار می‌رفت. خط نستعلیق را در کمال استادی می‌نوشت.

سال‌ها در مولد خود مرجع امور شرعیه بوده، تا این اواخر به علت اختلافات محلی به اصفهان مهاجرت نموده، مورد توجه و عنایت واقع شده، در مسجد سلمان در خیابان شیخ بهائی امامت می‌فرمود.

در شب ۲ شنبه ۱۱ رمضان المبارک ۱۳۸۸ به عارضه سکته وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

هاشمی کاشانی، نظام‌الدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از شاعران عصر شاه طهماسب است. چندی در اصفهان زیست و در ۹۹۱ ق به دربار سلطان محمد خدابنده راه یافت و به ملک‌الشعراء ملقب گردید. وی با کلامی و سلامی معاصر بود و با آنان مشاعره و مناظره می‌کرد. سرانجام در اطراف سمنان درگذشت. هاشمی دارای طبع شعر خوبی بود و غزل را خوب می‌سرود. از وی اشعاری در تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۹۲۳ -۹۲۲)، تاریخ نظم و نثر (۶۴۸)، الذریعه (۱۲۸۹/ ۹)، صبح گلشن (۶۰۶ -۶۰۵)، فرهنگ سخنوران (۹۹۶).

هاشمی کرمانی، جهانگیر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۹۴۸/ ۹۴۶ ق)، شاعر، متخلص به هاشمی. مشهور به شاه جهانگیر. عنوان شاه را به مناسبت سیادت و ارشاد داشت. وی از اعقاب شاه قاسم انوار است و نسبش با چهار واسطه به او می‌رسد. از جانب مادر نیز به شاه نعمت‌اللّه ولی کرمانی منسوب بود. هاشمی در نیمه‌ی دوم قرن نهم قمری به دنیا آمد. با جامی (م ۸۹۸ ق) مصاحبت داشت. پس از مدتی به شهر تته در سند رفت و ملازم شاه حسین بن امیر ذوالنون ارغون (۹۶۲ -۹۲۸ ق)، والی آنجا گشت. پس از چند سال اقامت در آن دیار توانست مثنوی «مظهرالآثار» را به پیروی از «مخزن‌الاسرار» نظامی، در ۹۴۰ ق به پایان رساند. سپس از راه کیچ و مکران عازم ایران شد، ولی در راه به دست راهزنان به قتل رسید. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر، مشتمل بر قصیده و غزل و رباعی. به آورده‌ی «کاروان هند» وی قصد داشته که تمام «خمسه» نظامی را تتبع کند ولی اگر از مثنویات چهارگانه چیزی هم سروده بوده، از میان رفته است. در «الذریعه» صاحب مثنوی «مظهرالآثار» تحت نام سید شاه (/ سید محمد هاشم شاه) جهانگیر هاشمی کرمانی معرفی شده است. بعضی از تذکره‌ها سر سلسله‌ی هاشم شاهیه، ابوعبداللّه میر محمدهاشم شاه هاشمی (۱۱۵۰ -۱۰۷۳ ق)، فرزند میر محمد مؤمن عرشی، را که ساکن دهلی بوده و در نهایت نیز بر سر ترویج دین اجداد خود در دهلی به شهادت رسیده است، با صاحب عنوان یکی می‌دانند و همان نسبتها را برای وی قائلند و مثنوی «مظهرالآثار» را اثر او می‌شمارند. در «مجمع‌الفصحا» و «الذریعه» و «لغت‌نامه» میر محمدهاشم شاه، هاشمی دهلوی ذکر شده و در «ریحانهٔ‌الادب» نام مثنوی وی «مظهرالانوار» بیان گردیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۶۵۴/ ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۶۱ -۶۵۳/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۱۰ -۴۰۹)، تذکره‌ی روز روشن (۹۲۲)، الذریعه (۳۰۰ -۲۹۹/ ۱۹ ،۱۲۸۹/ ۹)، ریاض‌العارفین (۱۵۹ -۱۵۸)، ریحانه (۳۴۸ ،۳۳۰/ ۶)، طرائق‌الحقائق (۱۰۲ - ۱۰۱/ ۳)، فرهنگ سخنوران (۹۹۶)، کاروان هند (۱۵۴۵ -۱۵۳۶/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ هاشمی دهلوی)، مجمع‌الفصحا (۱۲۳ -۱۲۱ ، ۱۰۷/ ۴)، هفت اقلیم (۲۸۲ -۲۷۹/ ۱).

هاشمی کرمانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

۱۳۴۹ -۱۲۷۹/ ۱۲۷۷ ش)، شاعر، روزنامه‌نگار و مورخ. در کرمان به دنیا آمد. پدرش از فقیهان و عالمان و مدرسان شهر تبریز بود. در دوازده سالگی کلاس نهم را در مدرسه سعادت به پایان رساند، سپس علوم ادبی و عربی را از اساتید عصر شهر خود فراگرفت. او چندی به تحصیل فلسفه پرداخت و در علم رجال و تاریخ مطالعه و تحقیق کرد و در این دو رشته صاحب نظر گردید و با زبان انگلیسی و ترکی نیز آشنا شد. وی در جوانی به احزاب سیاسی پیوست و با نوشتن مقالات اجتماعی و انتقادی به بیداری مردم پرداخت. در ۱۳۰۲ ش روزنامه‌ی «بیداری» را در کرمان و در ۱۳۲۰ ش روزنامه‌ی «اتحاد ملی» را در تهران تأسیس و منتشر کرد. هاشمی در کرمان مدتی ریاست دبیرستان شهاب و کمی بعد ریاست انجمن شهر و هلال احمر (شیر و خورشید سرخ) را به عهده داشت. او همچنین چند دوره نماینده مردم کرمان در مجلس شورای ملی و سنا بود و چندی نیز ریاست ادارات تابعه‌ی مجلس شورای ملی و اداره‌ی «لغت‌نامه» دهخدا را عهده‌دار بود. وی در تهران درگذشت. از دیگر آثارش: «کرمانیان نامی»؛ «تاریخ مذاهب در کرمان»؛ دستنوشته‌هایی درباره‌ی «جنگهای شیخی و بالا سری در کرمان»؛ «شوخی‌های خلفا، علما و سلاطین»؛ «سخنان ائمه (ع) پادشاهان و بزرگان»؛ تصحیح و حاشیه «مزارات کرمان» یا «تذکرهٔ‌الاولیاء» محرابی کرمانی.[۱]

فرزند حاج سید باقر متولد ۱۲۷۹ ش در کرمان است. صاحب ترجمه تحصیلات خود را در مدارس قدیم کرمان ادامه داد و با بزرگان و دانشمندان کرمان محشور گردید. در جوانی با ناظم‌الاسلام کرمانی مؤلف تاریخ بیداری ایرانیان بنا به نوشته خود ارتباط

داشته و از محضر دانش او خوشه‌چینی کرده است. هاشمی سالها در کرمان به شغل دبیری اشتغال داشت و از اعتبار کافی بین مردم برخوردار بود. همزمان با کارهای فرهنگی به انتشار روزنامه بیداری در کرمان مبادرت ورزید. در اواخر سلطنت رضاشاه کاندیدای نمایندگی مجلس شد و در دوره دوازدهم وکیل مردم کرمان در مجلس شورای ملی گردید. در دوره‌های سیزدهم و چهاردهم همچنان وکیل مجلس بود. پس از کناره‌گیری از کار مجلس به ریاست چاپخانه مجلس شورای ملی و مجله رسمی منصوب شد و سالیان دراز در این سمت قرار داشت. در ۱۳۲۲ امتیاز روزنامه هفتگی اتحاد ملی را گرفت و به اتفاق دو برادر خود احمد و حمید هاشمی قریب سی سال روزنامه را انتشار دادند. روزنامه هفتگی اتحاد ملی از جراید خوب و پرمطلب دوره‌های آخر است. برادران هاشمی در گردآوری اخبار و مطالب سیاسی پشت پرده مهارت خاصی داشتند و بسیاری از نکات تاریک تاریخ معاصر به وسیله این روزنامه روشن می‌شد.

سید محمد هاشمی در ۱۳۴۹ در هفتاد سالگی درگذشت. قبل از او دو برادرش هم به فاصله کوتاهی دار فانی را وداع گفتند و امتیاز و مدیریت روزنامه به دست مجید هاشمی که در مجلس سنا تندنویس بود افتاد، ولی برای روزنامه کاری نکرد و در ۱۳۵۳ تعطیل شد یا آن را تعطیل کردند. سید محمد هاشمی مردی دانشمند، نویسنده، ادیب و شاعر بود. از شرح حالی که از ناظم‌الاسلام کرمانی نوشته و در «تاریخ بیداری ایرانیان» چاپ شده به خوبی می‌توان به میزان معلومات و دانش او پی برد.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] تاریخ جراید (۴۱ –۳۹/ ۲)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۵۵۵ –۵۵۲)، ستارگان کرمان (۴۲۴ –۴۲۱)، سخنوران نامی معاصر (۳۹۱۱ –۳۹۰۸/ ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۰۱/ ۲)، نخبگان سیاسی ایران (۵۳۶/ ۴).

هاشمی کروبی، سیف الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید سیف الله هاشمی کروبی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در چاشتگاه سه شنبه‌ای تابستانی اولین فرزند خانواده چشم به جهان گشود. بعد از سال‌ها به خاطر نداشتن معلم چند وقتی از مدرسه رفتن او گذشته بود که پدر با این بشارت که برای مدرسه‌ی روستای ما معلمی آمد به خانه برگشت و مرا به مدرسه برد و بدین ترتیب از سال ۱۳۴۷ زندگی را در خانه‌ی دوم (مدرسه) آغاز کردم و بدون کمترین راهنمایی در ردیف شاگردان خوب کلاس قرار گرفتم. و به گفته مادر مهربانم چون به مسجد علاقه‌ی فراوان داشتم؛ از ۸ سالگی به نماز خواندن کامل و روزه گرفتن مبادرت کردم که این عمل سازنده و جهت دهنده‌ی من به سوی دروس دینی بود.

بعد از گرفتن مدرک سوم راهنمایی (سیکل) در مدرسه راهنمایی «صبح امید» واقع در روستایی که با ده ما دو کیلومتر فاصله داشت، علاقه به مسافرت علمی دینی به سوی قم را گرفتم و چون با مخالفت پدر واقع شدم بنا را بر درس نخواندن گذاشتم تا ایشان را وادار به قبول کنم و این اولین سالی بود که بعد از شروع ایام تعطیلات، مدرسه را با مردودی پشت سر می‌گذاشتم ولی محاسبه‌ی من غلط از آب درآمد و ابوی گرامی باز مرا به تحصیل مجدد در اول نظری کشاند و من همچنان به درس بی‌توجهی می‌کردم که ایشان به پدربزرگم «رحمه الله» شکایت کرد.

چون جد پدری تاثیر خوبی در من داشت، فکر می‌کرد که مرا وادار به عقب‌نشینی خواهد کرد. در جواب آن مرحوم عرض کردم که اگر دیپلم را بگیرم به درد دروس دینی نخواهم خورد و برعکس من با سکوت ایشان فهمیدم که نه تنها تاثیر نگرفتم بلکه اثر گذاشتم و بر تصمیم خود پافشاری کردم چون پدر راضی نمی‌شدند؛ در این هنگام بدون خبر خانواده به سوی تقدیر الهی خود حرکت کردم و شب ۲۵ آبان ۱۳۵۵ که ساعت ۲۱/۱۰ را نشان می‌داد؛ برای اولین بار به حرم بی‌بی فاطمه معصومه (س) مشرف شدم و جان خود را با آب معرفت زیارت، شست و شو داده و برای کسب علم (زنده کننده‌ی جان) آماده می‌کردم و آن شب را در حرم و آشیانه‌ی اهل بیت (ع) بیتوته کرده و صبح جمعه‌ای که باز منتظر و عدالت گستر حقیقی، جان تشنه منتظران فرج را با جام ظهور سیراب نفرموده به دیدار دوستی که سرنوشتی مثل من داشت به نام «سید مهدی حسینی» شتافتم و خود را در جمع صمیمی دوستان طلبه سرخوش یافتم.

بعد از خواندن اکثر جامع المقدمات و شروع صمدیه، انقلاب اسلامی با شهادت «آیت الله آقا مصطفی خمینی» جان گرفت و مرا بر سفره‌ی پربرکت خود نشاند و با انقلاب، در رشد و نمو هماهنگ شده و با پشت سر گذاشتن کلاسهای گوناگون و افت و خیزهای انقلاب و جنگ تحمیلی استکبار جهانی، علیه جامعه‌ی ولایی ما، بعد از اتمام کفایتین در محضر مرحوم «آیت الله ستوده» (همزمان با رحمت جانگداز امام امت رحمهٔ الله علیه)، در سال ۶۸ به درس خارج «آیت الله مکارم شیرازی» راه یافته و یک دوره اصول فقه را در محضر ایشان شاگردی کرده و نیز نزدیک به ده سال فقه خواندم و یک سوم این درس‌ها را به عربی تقریر کردم و از ایشان تأییدیه هم دریافت کردم و در عین حال دروس سطوح پایین‌تر را ترجمه و تدریس می‌کردم. ولی با کمال تاسف به دلیل نداشتن یک راهنما و مراد، این دو کار زیبا و ارزشمند را به طور متوالی ادامه ندادم که مایه‌ی حسرت همیشگی من می‌باشد. اگر چه مجوز

تدریس در حوزه و دانشگاه را دارم و اندوخته‌های خود را به کمک ایزد منان در مراکز علمی عرضه می‌کنم ولی رضایت خاطرم را فراهم نمی‌کند.

هاشمی گلپایگانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد جمال هاشمی بن آیت‌اللّه العظمی و العلامه الورع حاج سید جمال‌الدین موسوی گلپایگانی از علماء و مدرسین بزرگ مهاصر نجف اشرف است وی در سال ۱۳۳۲ قمری در نجف اشرف متولد شده و در بیت علم و تقوا و معنویت و فضیلت پرورش یافته و پس از خواندن اولیات و ادبیات و سطوح از محضر والد ماجدش و مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین اصفهانی و بعضی دیگر استفاده نموده تا به مراتب عالیه علم و اجتهاد رسیده است معجم رجال الفکر و الادب درباره وی گوید عالم فاضل مجتهد جلیل. من اساتذه الادب العربی وسیع الخیال سهل البیان وی سفری در معیت والد مبرورش به ایران و به زیارت ارض اقدس مشرف و پس از آن مراجعت و به تدریس و تألیف و بعد از فوت والدش به جای او به اقامه جماعت پرداخته است دارای تالیفات عدیده از جمله: ۱- فاطمه الزهراء علیها سلام ۲- الادب الجدید ۳- اصول الدین الاسلامی ۴- الامام المنتظر که تمام به طبع رسیده است ۵- دیوان شعر کبیر نگارنده گوید معظم‌له دانشمندی ادیب و فقیهی کامل و از خواص اصحاب آیت‌اللّه العظمی حکیم بودند در بدیهه گوئی ید طولائی دارند نیز در گفتن ماده تاریخ قدرت و توانائی زیادی دارد جناب آقای حاج سید علی محمد وزیری یزدی صاحب کتابخانه نفیس وزیری یزد برای نگارنده حکایت نمود که در نجف اشرف خدمت ایشان رسیده و جریان تأسیس کتابخانه را گفتم بداهه این بیت را در ماده تاریخ کتابخانه انشاد فرمود

ان اردت بقاء کتابک ارخ

و قدمه الی مکتبه الوزیری

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

هاشمی گلپایگانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۵، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی برق، دانشکده: مهندسی برق، دانشگاه: صنعتی امیرکبیر

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد مهندسی برق قدرت از دانشگاه صنعتی امیرکبیر در سال ۱۳۴۷، کارشناسی ارشد مهندسی برق کنترل از دانشگاه دیتون آمریکا در سال ۱۳۵۲، دکترای مهندسی پزشکی از دانشگاه ایالتی اوهایو آمریکا در سال ۱۳۵۶، برنده دومین محقق در جشنواره خوارزمی در سال ۱۳۶۵ و برنده اولین محقق در جشنواره خوارزمی در سال ۱۳۶۸.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه صنعتی امیرکبیر از سال ۱۳۵۶ تا سال ۱۳۶۳ و دانشیار دانشگاه صنعتی امیرکبیر از سال ۱۳۶۳، استاد پایه ۱۵ دانشگاه صنعتی امیرکبیر.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

کنترل موتورهای کوچک مورد استفاده در دست سیبرنتیکی تهران، سیستمهای کنترل مدار برگشت، سیستم‌های کنترل دیجیتالی، سیستمهای کنترل بیولوژیکی، روش متغیرهای حالت در سیستمهای خطی، طراحی سیستمهای کنترل بامدار برگشت، آنالیز سیستمهای غیر خطی، تئوری کنترل بهینه و تطبیقی، ابزار بیومدیکال، مدل‌سازی سیستمهای بیولوژیکی، ابزار کلینیکی و پردازش سیگنالهای بیولوژیکی، صدمه به نخاع، سیستم کنترل عصب- ماهیچه، سیستمهای کنترل وضعیت بدن انسان، مهندسی توانبخشی، کنترل مایوسیبرنتیک، کنترل عضو مصنوعی، دست مصنوعی سیبرنتیکی، کنترل مایو الکتریکی دست مصنوعی از بالای آرنج، شبکه‌های عصبی و کاربرد آن در پردازش و کنترل، کاربرد تئوری فازی و کیاس در شناخت مدلسازی و کنترل سیستمهای بیولوژیکی، طراحی ماشین شناخت الگوی ENG در دست سیبرنتیکی، استاد راهنمای ۷ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۳ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تئوری سیستمهای کنترل خطی، سیستمهای کنترل دیجیتال مدرن و اصول مهندسی پزشکی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۵

زمینه علمی مقالات:

سیستمهای کنترل بیولوژیکی، کنترل تطبیقی و کاربرد آن در رباتها و سیستمهای بیولوژیکی، ابزار بیومدیکال مدلسازی سیستمهای بیولوژیکی، پردازش سیگنالهای بیولوژیکی، صدمه به نخاع کنترل مایوسیبرنتیک کنترل عضو مصنوعی، دست مصنوعی سیبرنتیکی، مهندسی توانبخشی، شبکه‌های عصبی، کنترل هوشمند و سیستمهای کیاس.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

هاشمی گلپایگانی، هاشم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید هاشم هاشمی گلپایگانی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : عراق

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۱/۱

زندگینامه علمی

سید هاشم هاشمی گلپایگانی در سال ۱۳۲۸ هجری شمسی در نجف اشرف به دنیا آمد. او در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در سن ۱۲ سالگی وارد حوزه علمیه شد و همزمان دروس دولتی را هم ادامه داد. در سال ۱۳۵۰ هجری شمسی از دانشگاه فقه فارغ التحصیل شد. در حوزه نجف مقدمات و سطوح را به پایان رسانده و در دروس خارج فقه و اصول مرحوم «آیهٔ الله خویی» و «آیهٔ الله سیستانی» حاضر شده که بعضی از تقریرات درس ایشان به چاپ رسیده: (تعارض ادله شرعیه).

ایشان چند ماه در زندانهای صدام اسیر بود و پس از آن در سال ۱۳۵۹ هجری شمسی به قم آمد و در حوزه علمیه قم در درسهای خارج فقه و اصول مرحوم آیات عظام: «گلپایگانی»، «وحید خراسانی» و «میرزا جواد تبریزی» حاضر شد و نیز از همان زمان تا حال درسهای سطح و خارج فقه و اصول را تدریس می نماید.

هاشمی لاری، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید رضا هاشمی لاری فرزند مرحوم حاج سید ابوطالب لاری که پدر و پسر در زمان حیات خود مورد احترام قاطبه سیرجانیها و به امور روحانیت اشتغال داشته و مورد اعتماد اعلام عصر بوده‌اند.

و آن مرحوم از طرف مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و بروجردی و حکیم و شاهرودی وکالت داشته و در سال ۱۳۹۳ ق در سن ۸۰ سالگی وفات نمودند.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

هاشمی، اسمعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید اسمعیل هاشمی بن العالم الجلیل السید محمد حسن موسوی طالحونچه از علماء معاصر اصفهانست که در حدود سال یکهزار و سیصد و سی قمری هجری در طالحونچه متولد و پس از پرورش در بیت سیادت و فضیلت در زادگاه بدروس فارسی و مقدمات پرداخته و بعد از فرا گرفتن قسمتی از ادبیات باتفاق مرحوم خلد اشیان اخویش حجهالاسلام آقا سید علی اکبر هاشمی باصفهان آمده و در مدرسه ناصریه مسجد شاه بتحصیل و تکمیل مقدمات عربی و فارسی پرداخته و مقداری از سطح را هم در اصفهان خوانده سپس بقم آمده و مدتی با معیت مرحوم برادر مذکورش توقف و بعد از مراجعت آن مرحوم اقامت در قم را ادامه داده تا بعد از رحلت مرحوم آیهالله حایری طاب ثراه دو سه سالی از مرحوم آیهالله صدر و مرحوم آیهالله حاج سید محمد تقی خونساری استفاده نموده تا در محرم یکهزار و سیصد و شصت که بعنوان تبلیغ و ترویج بوطن مألوف آمده و چون در آن هنگام مرحوم حجهالاسلام حاج میرزا حسن زنجانی همشیره زاده مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم زنجانی که از علماء آن سامان بود برحمت ایزدی پیوسته بود در اثر تقاضا و نیاز اهالی قریه قمیوان در مرکز سیمرم سفلی تابعه شهرضا که تا محل زادگاه ایشان بیش از دو فرسخ است اقامت نموده و در آنجا بترویج و تبلیغ پرداخته مساجدی که در شرف خرابی بود تعمیر و جلساتی تشکیل و کتابخانه عمومی تأسیس نموده و در طول آن مدت بمطالعات پرداخته و در نتیجه یکنفر از خاندان اهل علم را که علاقه تام داشته با رغبت و اخلاص تمام باشتغال مقدمات گماشته و بعدا اعزام باصفهان و قم و اکنون در تهران از فضلاء اهل علم و منبر و محراب میباشند و ایشان جناب فاضل جلیل آقای حاج شیخ منیرالدین جدیدی‌اند که در هفت چنار تهران اقامت دارند.

جناب آقای هاشمی در مدت اقامتشان در آن محل مزبور تألیفات عدیده نموده‌اند که بنظر طالبین می‌آورم:

۱- ذریعه الزائر.

۲- لؤلؤ درخشان در صفات بهترین زنان یا دره‌البیضاء فی مناقب سیده النساء (ع) که به چاپ رسیده است.

۳- اربعین موسوم به ملتقطات.

۴- ضیاء البشر در رد کتاب شیخیه کریمخانیه.

۵- مجموعه‌ای در رد صوفیه.

معظم‌له اکنون در اصفهان در مسجد حضرت سجاد علیه‌السلام خیابان آتش اقامت جماعت نموده و در مدرسه نیز اشتغال بتدریس و مباحثات دارند و گاه‌گاهی هم اشعاری میگویند.

واما اساتید معظم‌له از اینقرار است: ۱- مرحوم آیه‌الله آقا شیخ ابوالقاسم کبیر ۲- مرحوم آیه‌الله حاج شیخ محمد علی حایری (صاحب مختارات در اصول) ۳- مرحوم آیه‌الله حاج سید محمد تقی خونساری ۴- مرحوم آیه‌الله صدرالدین صدر ۵- مرحوم آیه‌الله حاج شیخ مهدی مازندرانی ۶- مرحوم آیه‌الله حاج سید محمد باقر قزوینی ۷- مرحوم آیه‌الله آقا سید میرزا آقا ترابی دامغانی ۸- مرحوم آیه‌الله حاج شیخ محمد رضا جرقویه اصفهانی ۹- مرحوم آیه‌الله حاج شیخ حسن‌نویسی و غیر ایشان از مراجع گذشته و معاصر چون حضرت آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی و آیه‌الله العظمی گلپایگانی اجازه روایتی و غیره دارند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

هاشمی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین هاشمی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید حسین هاشمی پس از خواندن سوم راهنمایی در اصفهان به قم آمدم. سال تحصیلی ۵۳ – ۵۴ در مدرسه «الوندیه» به مدیریت آقای محصل، محصل علوم دینیه شدم. و هنگامی که «آیت الله مدرس افغانی» به قم آمدند از شاگردان آن مرحوم شدم. ادبیّات را نزد ایشان و بعضی دیگر از استادان (غیر معروف) که از آن جمله: «مرحوم آقای محمّد رفیعی تبریزی» بودند؛ استفاده کردم. لمعه را نزد «آیت الله اشتهاردی» و مرحوم آقای «محمد علی حجّی (موحد) نجف آبادی» خواندم. رسائل از محضر «آیت الله ابوالفضل تبریزی» و «استاد ستوده» استفاده کردم و قسمت بیع آن را با شخص آقای «سیّد هاشم حسینی بوشهری» مباحثه می نمودم. کفایه را از محضر «آیت الله مظاهری» بهره بردم و پس از آن به طور غیر مرتب و غیر منظم از محضر «آیت الله العظمی نجفی مرعشی» و «آقا میرزا جواد تبریزی» استفاده کردم و هم اکنون مدّتی است به طور مرتب از محضر «آیت الله صافی گلپایگانی» استفاده می کنم.

در سالهای ۵۸ – ۶۰، سه جلد کتاب به نام های «صرف طویل در شرح صرف میر» نوشتم و هم زمان کتاب: «ده بحث پیرامون حضرت حجت علیه السلام» را موفّق به تحریر شدم. بعد از آن کتابی در صرف به شکلی بدیع به نام «اوزان الصرف» نوشتم و در سال ۶۹ موفق به نوشتن کتاب «تعبیر خواب» شدم. البتّه لازم به ذکر است که به جز کتاب تعبیر خواب، در دو دهه ۶۰ و ۷۰ به دلیل اوضاع سیاسی و اجتماعی (بودن جنگ) و دلیل یا دلایلی دیگر که در مقدّمه و ابتدای بحث اول کتاب «اتمام الغیبه و ظهور الحجه» به آن اشاراتی دارم؛ نتوانستم نه مرتب درس بخوانم و نه تألیفی داشته باشم. امّا در دهه هشتاد تا به حال چند جلد کتاب به رشته تحریر در آورده ام.

هاشمی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید رضا هاشمی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۲

زندگینامه علمی

اینجانب سید رضا هاشمی در سال ۱۳۶۱ دیپلم متوسطه در رشته ریاضی فیزیک را با معدل ۱۴/۱۹ در تهران دریافت کردم و به دلیل علاقه فراوان به تحصیلات حوزوی بدون شرکت کردن در کنکور دانشگاه ها، در همان سال به مدرسه علمیّه مجتهدی در تهران وارد شدم و به مدّت چهار الی پنج ماه در آنجا به تحصیل مقدمّات علوم حوزوی (عربی و منطق) پرداختم. سپس در سال ۱۳۶۲ همراه با یکی از دوستان فاضل و هم فکر خود برای ادامه تحصیلات، عازم حوزه علمیّه قم شدم و ابتداء در مدرسه رضویه و پس از آن در مجالس درس مختلف در حوزه علمیّه به تکمیل دروس متداول شامل (مباحث فقه و اصول فقه) و دروس دیگر که اصطلاحاً دروس جنبی نامیده می شد مانند: (کلام، فلسفه، تفسیر، رجال، حدیث، اقتصاد و ...) مبادرت کردم. از سالهای ابتدایی دهه هفتاد پس از فراغت از فراگیری دروس سطح، در دروس خارج اصول و فقه شرکت نمودم و این اشتغال همچنان ادامه دارد.

در سال ۱۳۶۷ در پی فراهم آمدن امکان حضور طلاب در دانشگاه ها به دلیل احساس نیازی که به فراگیری علوم دانشگاهی در حوزه علوم انسانی در من پدید آمد، در کنکور دانشگاه شرکت کردم و از مهرماه سال ۱۳۶۸ در دانشکده «حقوق و علوم سیاسی» دانشگاه تهران هم زمان با تحصیلات حوزوی به تحصیل در رشته حقوق پرداختم و در سال ۱۳۷۳ فارغ التحصیل شدم. در همین سال در پی دعوت یکی از مسئولان «بنیاد دائرهٔ المعارف اسلامی» در تهران که دائرهٔ المعارفی با نام (دانشنامه جهان اسلام) را در دست تألیف و انتشار دارد، همکاری خود را با این مؤسسه آغاز کردم که ابتداء بیشتر به شکل تألیف مقاله یا ارزیابی نقادانه مقالاتی بود؛ که به این بنده ارجاع می شد و بعدها این همکاری وسیع تر شد و به عضویت در گروه معارف و کلام در آن بنیاد انجامید.

سپس با تأسیس گروه فقه و حقوق در سال ۱۳۸۱ مسئولیت این گروه به اینجانب سپرده شد؛ که هم اکنون نیز این مسئولیت را بر عهده دارم. کار علمی من در بنیاد دائرهٔ المعارف اسلامی عمدتاً نظارت و مدیریت بر فرایند تولید مقالات علمی در حوزه فقه، اصول و حقوق از مرحله تدوین مدخلنامه و سفارش مقاله تا مراحل نهایی آن بوده که حاصل آن علاوه بر تألیف مقالات متعدد در دانشنامه، ارزیابی، اصلاح و تکمیل ساختاری و محتوایی بیش از یکصد مقاله در طول این سال هاست.

لازم به ذکر است که به دلیل سکونت اینجانب در شهر مقدّس قم به دلیل تحصیلات دینی، فعّالیّت های یاد شده عمدتاً در قم صورت می گیرد مگر در مواردی که حضور من در بنیاد دائرهٔ المعارف اسلامی، اجتناب ناپذیر و ضروری باشد. همچنین در طول این سال ها، گاه به تدریس پاره ای از دروس مقدمات و سطوح به صورت خصوصی و غیر، گسترده اشتغال داشته ام. به علاوه از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۰ در مقطع کارشناسی ارشد حقوق خصوصی در دانشگاه مفید قم به تحصیل پرداختم. و خلاصه عنوان پایان نامه اینجانب که در سال ۱۳۷۹ دفاع شده «تعدیل قراردادهای خصوصی» است.

هاشمی، طاهر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۲ ق)، عالم دینی، فقیه شافعی، صوفی، مدرس، خطاط و شاعر. وی از فقها و علمای بزرگ شافعیه کردستان و مشایخ فرقه‌ی قادریه است. در دولت‌آباد روانسر به دنیا آمد و مقدمات علوم را در همان جا فراگرفت. سپس نزد ملا محمد رحیم سنندجی و بدیع‌الزمان سنندجی به تکمیل معلومات خویش پرداخت و از محضر اساتید دیگری مانند شیخ محمد نجیب کردانی و شیخ مصطفی نجیب و سید بابا رسول و شیخ حبیب‌اللّه کاشوری نیز بهره‌مند شد. وی درباره‌ی تاریخ ادبیات کردی و همچنین تاریخ تصوف و فرق آن مخصوصا سلسله‌ی قادریه تحقیقات و تألیفاتی دارد. از آثارش: «مقامات الغوثیه»، در مناقب شیخ عبدالقادر گیلانی؛ «قرهٔالعین فی مناقب سیدنا شیخ حسین»؛ «مرآت‌الحق»؛ حاشیه و تعلیقات بر «سفرنامه‌ی» حاجی ملک‌الکلام مجدی؛ «دیوان» شعر. از آثار خطی وی: یک نسخه قرآن مجید؛ یک نسخه «صحیفه‌ی سجادیه»؛ یک نسخه «دلایل الخیرات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۲، ص ۱۰ -۳).

هاشمی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا سید علی اکبرین مرحوم حجه‌الاسلام آقا سید محمد حسن موسوی طالحونچه‌ای طاب ثرا هما از علماء محترم اصفهان بوده و در سال ۱۳۱۸ ق در قریه مذکور متولد شد و دروس فارسی و مقداری مقدمات را از خدمت مرحوم والدش و مرحوم حجه‌الاسلام آقا سید محمد حسین (جد مادری خود) فرا گرفته و مخصوصا در سه خط (۱) نسخ قرآنی (۲) شکسته (۳) نستعلیق که از جد مادری خود تعلیم گرفته خیلی ممتاز بودند سپس برای تکمیل مقدمات عربی و سطح باصفهان حرکت و در مدسه جده بزرگ و مدرسه ناصریه به مسجد شاه و مدرسه‌ی مرحوم ثقه‌الاسلام آقا شیخ محمد علی نجفی اقامت و نزد اساتید بزرگ مرحوم حاج شیخ محمد علی یزدی و مرحوم حجه‌الاسلام آقا میرزا احمد مدرس و مرحوم آیه‌الله آقا سید ابوالقاسم دهکردی و دیگران تلمذ نموده تا در

سال ۱۳۴۶ ق که مرحوم والدشان مریض سخت گردیدند ناچار برای عیادت ایشان بمحل معاودت نموده و بالاخره بعد از چند روز هم وفات نمودند بواسطه‌ی مراجعات و احتیاجات مردم و تقاضای اهالی وظیفه شرعی خود را تشخیص در توقف در محل داده و با جدیت تمام مشغول ترویج و انجام رتق و فتق امور محل گردیده تا زمانیکه اختناق اهل علم و طلاب پیش آمده و مسئله جواز عمامه و اتحاد شکل پیش آمده و این موضوع سبب شد که خانوادگی از محل مهاجرت و بعزم اقامت در اعتاب مقدسه به بلاد نجف حرکت نموده و موقعیکه وارد بشهر مذهبی قم شدند زمان ریاست و مرجعیت مرحوم آیه‌الله حایری قدس‌الله سره بود پس از اقامت چندی حوزه قم را مجهز برای تحصیل دیده از رفتن بعتبات عالیات منصرف و در قم توقف نموده و با برادر ارجمند خود جناب حجه‌الاسلام حاج اسمعیل هاشمی مشغول خواند سطوح گردیده و دو برادر دیگرش آقای آقا طاها هاشمی و مرحوم ثقه‌الاسلام آقا حسین هاشمی نیز بتکمیل مقدمات پرداخته و مرحوم آقا حسین که در استعداد و ذکاوت بر همه فائق بود در شب عاشورا ۱۳۵۵ ق در اصفهان بدرود حیات گفته و برادر بزرگوارش حجه‌الاسلام حاج اسمعیل هاشمی در ماده تاریخ فوت او بفارسی گوید: (بعاشورا حسین آسوده مأوی در جنان دارد)

مرحوم آقای هاشمی ثانیا بر حسب تقاضای اهالی از مرحوم آیه‌الله حایری -ره- بوطن برگشته و بخدمات دینی پرداخته و از خود آثاری بیادگار گذاشتند.

از قبیل تعمیر مساجد و تربیت جوانها و غیره. آثار قلمی ایشان منشأت است که هرگاه جمع‌آوری شود مورد استفاده خواهد بود، در اواخر عمر چند سالی مقیم اصفهان شدند تا در شب ۱۴ ماه رمضان موقع سحر بمرض سکته از دنیا رفتند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

هاشمی، فاضل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل هاشمی از علماء و مدرسین معاصر سبزوار بودند و در سال ۱۳۸۳ قمری به رحمت حق واصل و در یکی از اطاقهای امامزاده شعیب به خاک رفت.

وی دانشمندی باذوق و استعداد و از بسیاری علوم بهره داشت و در فقه و اصول و معقول و حساب و هیئت و ادبیات مهارتی کامل داشت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

هاشمی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر سیدمحمد هاشمی در سال ۱۳۲۰ در شهر دلیجان متولد شد.ایشان دارای مدرک دکتری رشته حقوق از دانشگاه پاریس فرانسه در سال ۱۳۵۴ می باشد.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد رشت ?حقوق دانشگاه شهید بهشتی است. کتاب" حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران"تالیف،سید محمد هاشمی ، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید محمد هاشمی در سال ۱۳۴۷ در مقطع لیسانس رشت ?حقوق از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. فوق لیسانس حقوق عمومی را از انستیتوی بین المللی مدیریت دولتی فرانسه گرفت و در سال ۱۳۵۴ از دانشگاه پاریس یک موفق به اخذ درجه دکترا شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید محمد هاشمی از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۸ در وزارت آموزش و پرورش و از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۵ در وزارت کار و امور اجتماعی مشغول به کار بود و از سال ۱۳۵۵ تاکنون در وزارت فرهنگ و آموزش عالی به کار اشتغال دارد. سمت فعلی ایشان استاد رشت ?حقوق دانشگاه شهید بهشتی است.نامبرده رئیس گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی نیز می باشد.

فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریسی و آموزشی سید محمد هاشمی به قرار زیر است: - حقوق اساسی(کلیات(- حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران - حقوق کار (کارشناسی ارشد(-حقوق بشر و آزادیهای اساسی (دوره های کارشناسی ارشد و دکتری(- حقوق اساسی تطبیقی (کارشناسی ارشد(- مبانی حقوق عمومی (کارشناسی ارشد(- اصول و مبانی کلی نظام جمهوری اسلامی ایران (دکتری(۸- نظارت برای اعمال دولت (دکتری(۹- مبانی فلسفی و کلامی حقوق عمومی (دکتری(

آرا و گرایشهای خاص : سید محمد هاشمی معتقد است: انسانهای در کنار یکدیگر مبتنی بر طبع ذاتی اجتماعی خود زندگی می کنند. انسان صاحب اراده است تا سرنوشت خود را تعیین کند. از این بابت انسانها هم اختیار فردی دارند و هم ابتکار عمل مشترک متصور است. ابتکار جمعی از خانواده تا قبیله تا شهر و جمعیت ملی می تواند از گذر تعیین سرنوشت مشترک تامین شود. فلذا امری طبیعی است و آیه فوق را گواهی قرار دادم که مردم با تعلیمات می توانند زندگی خود را متفکرانه و معقولانه اداره کنند. البته

کمال مطلوب این است که عادلانه عمل کننـد. ملاحظه اولیه ما در انـدیشه جمعی از حیث ادبیات تخصصـی امروزی مقوله قرار داد اجتمـاعی است. قرارداد اجتمـاعی به تدریـج به دمکراسـی راهبری شـده یعنی تعیین سـرنوشت جمعی. در امر جمعی همه مردم نمی تواننـد مستقیما امور را اداره کننـد اینجا است که نمایندگی مطرح می شود و انتخابات ابزار تجلی اراده مردم است. منتهی انتخابات یک خاصـیتی دارد وآن این که بین حقیقت و واقعیت سیر می کنیم. حقیقت، این است که مردم به خوبی تعیین سرنوشت کنند ولی واقعیت، این است که قـدرت طلبی هـا بعضـا بـاعث می شـود که اراده مردم مخـدوش می شـود و زنـدگی فردی و جمعی را تحت الشعاع قرار می دهد اینجاست که عقلا به دنبال بحثی می گردند که واقعیت مزبور بروز نیابد . این امر در جهان امروز انتخابات آزاد و منصفانه نامیده می شود.

جوائز و نشانها : کتاب" حقوق اساسـی جمهوری اسلامی ایران"تالیف،سید محمد هاشمی ، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار : از آثار منتشر شد ?دکتر هاشـمی علاوه بر ۱۸مقاله، کتاب «نگرش بر قانون جدیـدکار (۱۳۷۰)» را می توان نام برد. ---

آثار :

۱ تاریخچه و سیر تحول حقوق کار با آخرین اصلاحات

ویژگی اثر : پدیدآورنده: سیدمحمد هاشمی ناشر: موسسه کار و تامین اجتماعی - ۱۹ شهریور، ۱۳۸۵

۲ حقوق اساسی تطبیقی

ویژگی اثر : دستنویس

۳ حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران

ویژگی اثر : تـالیف،این کتـاب در دوره چهـاردهم کتـاب سـال جمهوری اسـلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنـگ و ارشاد اسـلامی معرفی و برگزیده شده است. آشـنایی با کتاب: «حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»: حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلد اول)، سـیدمحمد هاشـمی، تهران: دانشگاه شـهید بهشتی با همکاری مؤسس ?نشر یلدا، ۱۳۷۴. مطالب اصـلی حقوق اساسی، اصولاً شامـل دو مقول «?ساختـار حکومت» و «حقوق مردم» است. نظـام حقوقی، اجتمـاعی، اقتصادی و همچنین اعتقادات مـذهبی از جمله موضوعات اساسـی به شـمار می رود که در برخی از کشورها ذکر آن در قانون اساسـی ضـروری شـناخته شـده است. کتاب حاضـر مجموع ?مفصـلی از این مقوله هـاست که عمـدتاً محور اصـلی بررسـی و تحلیـل فصول اول، دوم، چهـارم، دهم و چهـاردهم قـانون اساسی است. در بررسی این مقولات، صرفاً به تجزیه و تحلیل حقوقی اکتفا نشده بلکه در آن نگرشهای اجتماعی و سیاسی و به ویژه اسلامی (با استفاده از قرآن و سنت و پاره ای از منابع فقهی) به زبان ساده و قابل فهمی مورد توجه قرار گرفته است

۴ حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران

ویژگی اثر : جلد دوم: حاکمیت و نهادهای سیاسی-پدیدآورنده: سیدمحمد هاشمی ناشر: میزان - ۲۳ مرداد، ۱۳۸۷

۵ حقوق اساسی و نهادهای سیاسی

ویژگی اثر : (مفاهیم کلی) (آمادهٔ چاپ)

۶ حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت

ویژگی اثر : پدیدآورنـده: عبدالمجیـد یزدی، محمد آشوری (مترجم)، حسـین بشـیریه (مترجم)، سـیدمحمد هاشـمی (مترجم) ناشـر: گرایش - ۱۳۸۳

۷ نگرش بر قانون جدیدکار ۱۳۷۰

۸ نگرش بر قانون کار جمهوری اسلامی ایران (حقوق کار)

هاشمی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین هاشمی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسین هاشمی سال ۱۳۴۹ طلبه شدم و با مدرک شـش ابتدائی اشتغال به دروس حوزوی را شروع کردم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی تا شـرح لمعه در مدرسه آن مرحوم ادامه دادم. سـپس وارد دروس آزاد حوزه شدم و مکاسب را از محضر درس «آیت الله صـانعی» و کفـایه جلـد اول را خـدمت «آیت الله صـلواتی» و جلـد دوم را در محضـر درس «آیت الله فاضـل لنکرانی» تلمذ کردم.

سپس وارد درس خارج شـده و یک سال فقه و اصول در محضـر درس «آیت الله وحیـد خراسانی» ـ شـش ماه درس اصول «آیت الله

مؤمن» ـ حدود دو سه ماهی درس خارج اصول «آیت الله مکارم» و حدود هفت سال درس فقه و پنج سال درس اصول «آیت الله میرزا جواد تبریزی» و روزهای چهارشنبه درس قضاء ایشان شرکت می‌کردم و چهار سال درس خارج زکات و ولایت فقیه یکی از علماء قم شرکت داشتم و حدود چهار سال درس فقه (خارج حج) درس «آیت الله زنجانی» شرکت کردم (توضیحاً باید عرض کنم از فطرت آیات تبریزی ـ زنجانی شرکت در درس خارج دارم).

همزمان با این دروس در سال ۵۹ وارد موسسه در راه حق شدم که در آن زمان تحت مدیریت آقایان خرازی و مصباح مظاهری اداره می‌شد. چهار سال درس فلسفه شامل فلسفه عمومی؛ (که بعداً تحت عنوان آموزش فلسفه چاپ شد)، نهایه الحکمه، برهان شفاء، اسفار جلد ۹، در درس «آیت الله مصباح یزدی» شرکت کردم و در زمان تدریس فقه آیت الله شاهرودی شب‌های جمعه در دروس فقه ایشان که راجع به مسائل مستحدثه بود استفاده می‌کردیم.

تدریس در دانشگاه را از سال ۶۱ شروع و در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دانشکده ادبیات علامه طباطبایی به تدریس دروس معارف اسلامی مشغول شدم و از همان ابتداء و از طرف دفتر اعزام به دانشگاه که زیر نظر جامعه مدرسین اداره می‌شد؛ مجوز تدریس تمام دروس دانشگاهی را گرفتم. یک سال در موسسه در راه حق درس استاد دکتر احمدی (فلسفه غرب) را استفاده کردم و زبان انگلیسی (ریدینگ را تا ناین هاندرد) طی دو دوره تابستانه و روزی سه چهار ساعت خواندم و مکالمه زبان عربی را تا حدود زیادی کار کردم و قادر به تکلم هستم ۷۰٪ درصد. سه سال در دانشگاه تهران دانشکده های مختلف، هفت سال دانشگاه علامه، چهار سال دانشگاه آزاد واحد بروجرد، سه سال دانشگاه واحد شهر ری و اخیراً پنج سال است که در دانشگاه آشتیان (به جهت نزدیکی) تدریس می‌کنم و عضو هیئت علمی می‌باشم. چند سالی است که از نهاد خبرگان بدون مدرک وزارت علوم، مدرک مربی (کارشناسی ارشد) گرفته‌ام و حدود ده سالی است که از طرف دفتر ستاد مقام معظم رهبری با عنوان استادیار در دانشگاه تدریس دارم.

در حوزه هم چند سال قبل دروس: «ادبیات عرب»، «فلسفه»، «رسائل» و «معالم» را تدریس کرده‌ام. حدود دو سال در موسسه در راه حق (بعداً به موسسه پژوهشی امام خمینی (ره) تغیر نام یافت) با گروه تفسیر با مدیریت جناب آقای رجبی همکاری می‌کردم و نیز چند صباحی در موسسه در راه حق درس (اقتصاد اسلامی) نزد یکی از اساتید دانشگاه تهران به نام دکتر درخشان و درس مقدمه عمومی علم حقوق نزد دکتر جعفری لنگرودی (الان در انگلیس هستند) و علوم سیاسی نزد استاد دکتر منوچهر محمدی استاد دانشگاه تهران می‌خواندم و در حال حاضر هم به مطالعه کتابهای تفسیری و فقهی و شرح نهج البلاغه اشتغال دارم.

ایام تبلیغی اکثر اوقات به شهرها و اماکن مختلف جهت تبلیغ و منبر رفته‌ام و حاصل کلام اینکه پروردگار و حضرت حجت ابن الحسن العسکری (عج) قرار بگیرد و همواره خدمتگزار کوچکی در سنگر فرهنگ اسلامی و شیعی و خادم کوچکی در نظام مقدس جمهوری اسلامی در تبلیغ و دانشگاه و حوزه بوده و هستم. ضمناً در خاتمه باید به عرض برسانم برای دانشجویان در طول دوره تدریس، مقالات و جزواتی در زمینه انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن و درس متون عربی و همینطور درس انسان شناسی در اسلام نوشته و ارائه کرده‌ام که جزوات و مقالات موجود است.

هاشمی، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مرتضی هاشمی

محل تولد : طالخونچه اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱۰/۲۱

زندگینامه علمی

در تاریخ ۱۲/۱۰/۱۳۲۳ در یکی از روستاهای اطراف اصفهان که اینک شهر شده؛ به نام «طالخونچه» که گویند مخفف «طالقان جی زادگاه صاحب بن عباد» بوده؛ در یک خانواده روحانی دیده به جهان گشودم. مرحوم آیت الله آقا سید علی اکبر هاشمی به خاطر تعصب شدید دینی برای تعلیم بنده معلم سر خانه انتخاب نمودند و اجازه رفتن به دبستان را ندادند. پس از فرا گرفتن خواندن و نوشتن مرا با قرآن آشنا کردند و چون تنها فرزند پسر خانواده بودم؛ بسیار مایل بودند که در مسلک روحانیت درآیم و لذا مقدمات علوم حوزوی از صرف و نحو و لغت را خود ایشان به من آموختند و سپس به اصفهان مهاجرت نمودند و حجره ای در مدرسه «صدر بازار» گرفتند و رسما در سن ۱۴ سالگی وارد حوزه علمیه شدم و مرحوم والد نظارت در امر تعلیم و تربیت حقیر داشتند و استاد و هم بحث را ایشان انتخاب می کردند و جز با کسانی که ایشان اجازه می دادند با کسی دیگر مراوده نداشتم. در انتخاب استاد سعی می کردند بهترین از نظر علم و تقوا را برای بنده انتخاب کنند مثل یکی از دوستان علمیشان به نام «آیت الله حاج شیخ محمد حسن کیانی» معروف به حاج شیخ امیر آقا فلاورجانی که از مجتهدین بود؛ خواهش کردند به من بیاموزد در حالی که ایشان تدریس خارج بود.

اساتید حقیر در ادبیات و منطق: ادیب معروف معلم حبیب آبادی، سپس آیات عظام: «حاج شیخ محمد علی حبیب آبادی»، «حاج

شیخ عباسعلی ادیب»، «حاج حسن امامی» و «حاج شیخ تقی مقتدایی». اساتید در معالم، در اصول، قوانین، لمعتین و رسائل: «آیت الله حاج سید مجتبی صادقی» و «حاج شیخ محمد علی خلاق شیرازی». اساتید مکاسب «آیت الله حاج سید مهدی هاشمی» سپس مهاجرت به قم نموده. اساتید مکاسب، رسائل و کفایه: «آیت الله سلطانی»، «آیت الله فاضل لنکرانی»، «آیت الله سبحانی»، «آیت الله صالحی نجف آبادی»، «آیت الله منتظری»، «آیت الله مکارم شیرازی» و «آیت الله ستوده».

در ایام اقامت در قم به دانشگاه الهیات راه یافتم و در رشته منقول هم زمان به ادامه تحصیل در قم به تحصیل پرداختم که با قیام امام خمینی (علیه الرحمه) و شروع فعالیتهای سیاسی مبارزاتی از زمان تحصیل در دانشگاه و حجره تحت تعقیب ساواک بودم. لذا از مرز ایران قاچاقی وارد عراق شدم و تازه حضرت امام به نجف آمده بودند؛ مدتی در نجف از محضر امام، آیت الله حکیم و آیت الله خوئی شاهرودی استفاده کردم ولی از اوایل توقف در نجف اشرف معذور گشتم و به ایران برگشتم و در اصفهان از محضر «حاج شیخ حسن صافی اصفهانی» گمشده خود را یافتم و مدت ۲۰ سال از محضر ایشان استفاده علمی و اخلاقی نمودم و تمام درسهای فقه، اصول، فلسفه، تفسیر و رجال که فرمودند ضبط کردم و به رشته تحریر در آوردم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به تأسیس مدرسه «الزهراء» برای تربیت طلاب خواهر اقدام نمودم و مدتی بر اساس کمبود نیروی قضائی از طرف شورای عالی قضاء به دادگاه شیراز اعزام شدم و پس از مدتی با اعزام قضات جدید و کسب تکلیف از امام خمینی (رحمه الله علیه) به کارهای علمی روی آوردم و به تدریس در حوزه و دانشگاه و تألیف کتاب مشغول گردیدم. از نوشته ها جز چند اثر به نام «حزب الله و حزب شیطان» و «نشانه‌های ولایت» که چاپ شده؛ بقیه مخطوط باقی مانده است. هم اکنون به عنوان عضو موسس دانشگاه شیخ بهائی در شهر بهارستان اصفهان نظارت بر امور فرهنگی داشته و از حوزه علمیه اصفهان و مدرسه صدر بازار به تدریس سطح فقه و اصول مشغول می باشم.

هاشمی، همایون

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مهندسی برق، دانشکده: مهندسی برق، دانشگاه: صنعتی شریف

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

هاشمی، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید یوسف هاشمی از علماء مبرز و محترم معاصر تبریز است وی در سال ۱۳۲۶ قمری هجری در تبریز متولد شده و در حجر والد و عموهای گرامی که از سادات جلیل القدر و علماء پرهیزکار آن سامان بودند پرورش یافت و در محضر علمائی چون مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمد مولانا (مؤلف مصباح السالکین) و حضرت آیت‌اللَّه العظمی شریعتمداری در تبریز سطوح وسطی را خوانده آنگاه به قم عزیمت نموده و در آنجا مکاسب شیخ را از خدمت آیت‌اللَّه العظمی آقای نجفی مرعشی مد ظله استفاده نموده و پس از آن از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه فیض قمی و نیز آیت‌اللَّه العظمی بروجردی (در اوائل ورودشان به قم) بهره‌مند شده و بدریافت اجازات امور حسبیه و روایتی و غیره از آیات مذکوره موفق و نائل آمده سپس بنابر درخواست عده‌ئی از تجار با ایمان تبریز مراجعت به (حکم‌آباد) زادگاه ملحد معروف احمد کسروی (متنبی) و معاندین حنیف اسلام نمود با عده‌ای از پیروان او که در مشاغل مهم و حساس بودند بمبارزه شدید پرداخت و آنها را از بین برده و باز مبارزه سختی با فرقه ضاله که در (حکم‌آباد) پایگاه مهمی داشتند آغاز نموده طوری که حتی یک نفر از آنها در آنجا باقی نماند.

معظم له اکنون شبها در مسجد (حکم‌آباد) و روزها در قلب بازار مسجد مرحوم (آیت‌اللَّه حاج میرزا فتاح شهیدی) اقامه جماعت می‌نمایند و جلسه تفسیری روزهای جمعه دارند که عده زیادی استفاده می‌نمایند و نیز به تدریس وسائل و مکاسب و خارج عروه اشتغال دارند.

از آثار علمی ایشانست حاشیه بر وسائل و جزواتی از تقریر درس مرحوم آیت‌اللَّه فیض که محفوظ مانده است و از خدمات اجتماعی ایشان مدرسه اسلامی بنام (فرقانی) که در سال ۱۳۲۵ شمسی تاسیس نموده که در حال حاضر یک موسسه‌ی بزرگ علمی و دینی با دوره راهنمائی تحصیلی در مساحت دو هزار متر مربع با ساختمان عالی مدرن و مجهز بوسائل روز که از هر جهت بوسیله ایشان اداره می‌گردد و عده از مستخرجین و فارغ‌التحصیلان آن مدرسه اکنون در قم و نجف مشغول تحصیل می‌باشند.

از باقیات‌الصالحات آن جنابست دو فرزند برومند و فاضل بنام: ۱- حاج سید ابوالحسن هاشمی ۲- حاج سید فتاح هاشمی که اکنون از محصلین جدی حوزه علمیه و ستارگان فروزان آذربایجان مقیم قم می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

هاشمیان، کیانوش

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: آموزش و پرورش، دانشکده: الهیات و ادبیات، دانشگاه: الزهرا (س)

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی روانشناسی از دانشگاه ایالتی سانفرانسیسکو آمریکا در سال ۱۳۴۸، کارشناسی ارشد روانشناسی از دانشگاه ایالتی سانفرانسیسکو در سال ۱۳۴۹، دکترای روانشناسی شخصیت، بنیادهای آموزش و پرورش با تأکید بر روانشناسی از دانشگاه فلوریدای آمریکا در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده الهیات و ادبیات دانشگاه الزهراء.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی ویژگیهای شخصیتی دختران مصروع ۱۵ تا ۱۸ ساله، توصیف سبب‌شناسی و روشهای درمان بیماریهای روانی در قلمرو اسلامی، بررسی رفتار انزواطلبی دانش‌آموزان دبستانی و رابطه آن با ساخت خانواده در مدارس پسرانه مناطق ۲۰ گانه تهران، بررسی فشارهای روانی (استرس) موجود در زنان و رابطه آن با بروز اختلالات روانی- تنی، درمان انزواطلبی کودکان به روش بازی درمانی، تدریس دروس سنجش هوش و استعداد، سنجش شخصیت، روانشناسی شخصیت، روانشناسی بالینی، آسیب‌شناسی روانی، نظریه‌های روان درمانی، پژوهشهای علمی، نظریه‌های شخصیت، سمینار روانشناسی بالینی نظریه‌های شخصیت در دانشگاههای الزهرا و تربیت معلم.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

سنجش استعداد، روانشناسی بالینی، روانشناسی رفتارهای نابهنجار و عصر جدید.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

عوامل مؤثر در جریان درمان، متاآنالیز روان درمانی و دارودرمانی در درمان افسردگی یک قطبی در بزرگسالان، نقد و بررسی کتاب آسیب‌شناسی روانی، تأثرات استعداد با روشهای مناسب (ATI)، کورلفظی کودکانی که غالباً وارونه می‌خوانند.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

هاشمیان، وحید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

وحید هاشمیان : ویژگی ها و مشخصات

متولد: تهران

تاریخ تولد: ۳۰ / ۴ / ۱۳۵۵ (۲۱.۷.۱۹۷۶)

قد: ۸۲/۱

وزن: ۷۹

شماره کفش: ۴۲

وضعیت: مجرد

تحصیلات: دیپلم تجربی

وضعیت خانوادگی: ۲ خواهر و ۲ برادر

ورزش های مورد علاقه: فوتبال، شنا، یوگا

تفریحات و سرگرمی ها: مطالعه کتاب، اینترنت، قدم زدن، مسافرت

فیلم های مورد علاقه: پاپیون، گلادیاتور زمانی که در دقایق ابتدایی دیدار تیم های ایران و قزاقستان در چارچوب بازی های آسیایی بانکوک یک جوان جویای نام ایرانی با ضربه ای استادانه توپ را به قعر دروازه حریف فرستاد، تلویزیون تایلند نام" وحید هاشمیان "را روی تصویر به نمایش درآورد تا زننده نخستین گل ایران در این رقابت ها را نشان دهد.

همانجا بود که بسیاری از مردم با نام او به عنوان یک مهاجم آشنا شدند.

وحید مثل بسیاری دیگر از فوتبالیست های تهرانی بازی خود را از محله های جنوب شهر آغاز کرد. در سال ۱۳۷۳ او به همراه تیم جوانان فتح تهران از دسته دوم به دسته اول صعود کرد و یک سال بعد به همراه این تیم عنوان سوم جوانان باشگاه های تهران را به

دست آورد.

در سال ۱۹۷۵، هاشمیان به همراه تیم بزرگسالان فتح نایب قهرمان باشگاه های تهران شد و پس از آن به تیم فوتبال پاس که از تیم های صاحبنام ایران است، پیوست.

وی در سال ۱۳۷۷ با سبزپوشان پاس به عنوان نایب قهرمانی لیگ کشور دست یافت و از همین تیم نیز در جمع ملی پوشان کشورمان حاضر شد و توانست مدال طلای بازی های آسیایی بانکوک را برگردن بیاویزد.

بازی های خوب وحید باعث شد که مدیران استعداد یابی هامبورگ با مسوولان وقت پاس تماس حاصل کنند.

گفت و گوها بین مقامات هامبورگ و پاس نتیجه مثبت داد و هاشمیان به عنوان پنجمین بازیکن ایرانی به بوندس لیگا راه یافت.

هاشمیان در فصل نخست حضورش در هامبورگ فرصت چندانی برای عرضه اندام نیافت، اما در همان دقایقی که به میدان رفت موفق شد یک گل برابر ترابوزان اسپور ترکیه در رقابت های مقدماتی جام باشگاه های اروپا به ثمر برساند.

وحید در فصل ۲۰۰۰-۱۹۹۹ به همراه هامبورگ عنوان سوم بوندس لیگا را به دست آورد. او به همراه تیم ملی کشورمان در سال ۲۰۰۰ نیز موفق شد قهرمانی مسابقات غرب آسیا را در اردن به چنگ آورد.

اما جو حاکم بر اردوی تیم ملی و همچنین اختلاف با فدراسیون فوتبال وقت باعث شد وحید به مدت ۵/۳ سال از تیم ملی فاصله بگیرد.

در ادامه یک مصدومیت اجازه هنرنمایی را از وحید گرفت و پس از یک دوره بسیار سخت، ستاره فوتبال ایران سر از تیم فوتبال بوخوم در دسته دوم بوندس لیگا درآورد.

هاشمیان در دسته دوم بوندس لیگا نیز بسیار خوش درخشید و توانست با مربیگری پیتر نویرورر در فصل ۲۰۰۳-۲۰۰۲ به دسته اول بوندس لیگا بازگردد.

در این فصل هاشمیان بیشتر به عنوان یار جانشین به میدان می آمد و موفق شد ۱۰ گل حساس نیز برای بوخوم به ثمر برساند.

اما اوج هنرنمایی هلی کوپتر به فصل ۲۰۰۴-۲۰۰۳ بازمی گردد که توانست با زدن ۱۶ گل رکورد خوبی را از خود برجای بگذارد.

بوخوم به لطف گل های او توانست به رقابت های جام یوفا راه یابد.

هاشمیان فصل ۲۰۰۵-۲۰۰۴ را در بایرن مونیخ سپری کرد، اما اعتقادات فلیکس ماگات باعث شد تا فوتبال آلمان از هنرنمایی های هاشمیان بی نصیب بماند، اما در نهایت او به همراه سرخ پوشان باواریایی به مقام قهرمانی بوندس لیگا و لیگاپوکال رسید.

هاشمیان در ابزگشت مجدد به تیم ملی نیز بسیار خوش درخشید و با گل های حساسش مقابل قطر و ژاپن راه صعود ایران به رقابت های جام جهانی ۲۰۰۶ را هموار کرد.

او حتی در رقابت های مقدماتی جام ملت های آسیا نیز با زدن یک گل حساس به کره جنوبی روحیه فوق العاده به ایران پس از نتیجه ناامیدکننده مساوی مقابل سوریه در تهران داد. افتخارات :

تعداد بازیهای ملی: ۳۳

گلهای ملی: ۱۳

نایب قهرمانی آموزشگاه های تهران در مقطع دبیرستان سال ۱۳۷۳

صعود از دسته دوم جوانان تهران به دسته اول با تیم فتح سال ۱۳۷۳

مقام سوم جوانان تهران با تیم فتح سال ۱۳۷۴

نایب قهرمان باشگاهی تهران با بزرگسالان فتح سال ۱۳۷۵

نایب قهرمان لیگ آزادگان با تیم پاس تهران سال ۱۳۷۷

قهرمانی بازی های آسیایی بانکوک ۱۹۹۸

مقام سوم بوندسلیگا با تیم هامبورگ سال ۲۰۰۰-۱۹۹۹

قهرمانی بازی های غرب آسیا «جام ملک حسین اردن» سال ۲۰۰۰

صعود از دسته دوم لیگ آلمان به دسته اول با تیم بوخوم سال ۲۰۰۲-۲۰۰۱

صعود به جام یوفاکاپ با تیم بوخوم سال ۲۰۰۴-۲۰۰۳

قهرمانی باشگاهی آلمان با تیم بایرن مونیخ سال ۲۰۰۵-۲۰۰۴

قهرمانی لیگا پوکال با بایرن مونیخ سال ۲۰۰۵-۲۰۰۴

صعود به جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان

هاشمی‌نژاد، عبدالکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۳۱۱، بهشهر.

شهادت: ۷ تیر ۱۳۶۰، مشهد.

حجت‌الاسلام سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد در سال ۱۳۱۱ در بهشهر مازندران در فراش محله (از پدرش سید حسن و مادرش ساره) دیده به جهان گشود. از سن نه سالگی به درس عربی اشتغال داشت. در سال ۱۳۲۵، در چهارده سالگی به تحصیل در حوزه‌ی

آیت‌الله کوهستانی، در شهرک کوهستان در شش کیلومتری بهشهر پرداخت مقدمات را در آنجا فراگرفت. در سال ۱۳۲۹ وارد حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد و دروس سطح را پشت سر گذاشت و در درس خارج اصول فقه امام خمینی (ره) و درس خارج فقه آیت‌الله بروجردی حاضر می‌شد. در بیست و دو سالگی به نجف اشرف رفت ولی با فراهم نبودن شرایط تحصیل از جمله ضعف جسمی بار دیگر پس از یک سال اقامت در عراق به سوی ایران برای اقامت در قم حرکت کرد. در سال ۱۳۳۷ اولین اثر قلمی خود را به نام مناظره‌ی دکتر و پیر به سبک داستانی عرضه داشت. این کتاب ماجرای سفر چند نفر است که در یک قطار به بحث می‌پردازند و نویسنده در لابه‌لای آن به بیان ارزش‌های اسلامی اسلامی می‌پردازد. وی در حوزه‌ی علمیه‌ی قم به سطح اجتهد نایل آمد. اساتید دیگر ایشان در قم عبارت بودند از: آیت‌الله کاشانی (فرید الاسلام)، حضرات آیات عظام صدوقی، محقق داماد و سید رضا صدر و مجاهدی. در سال‌های ۱۳۴۰ –۱۳۳۹ به مشهد رفت. پس از مدتی در آنجا به تدریس (کفایه و رسائل و مکاسب) در حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد پرداخت. در مشهد در درس آیت‌الله سید محمدهادی میلانی و آیت‌الله مجتبی قزوینی نیز حاضر می‌شد. وی همچنین در مجالس سخنرانی در مشهد حضور می‌یافت و برای حاضران سخنرانی می‌کرد. از جمله فعالیت‌های فرهنگی ایشان همکاری با مجله «مکتب اسلام» بوده است.

در نهضت پانزده خرداد ۱۳۴۲ دستگیر و چهل و یک روز در زندان شهربانی محبوس شد، در حادثه مسجد فیل مشهد به سبب سخنرانی در این مسجد و اعتراض به طرح لوایح ششگانه شاهنشاهی و حمله به انتخابات در نوزده مهر ۱۳۴۲، به مدت سه ماه حبس انفرادی در زندانی در داخل لشکر ۷۷ خراسان محکوم شد، سپس از سخنرانی در شهر مشهد ممنوع شد. لذا با خانواده مشهد را به سوی اصفهان ترک کرد. سپس همراه خانواده به شیراز رفت. اما مأموران ساواک وی را برای سومین بار دستگیر کردند و با اتومبیل به اصفهان برده و تحویل ساواک اصفهان دادند. چندی روزی در ساختمان ساواک در یک اتاق انفرادی نگه داشتند و بعد او را به زندان عمومی منتقل کردند. وی دو ماهی در اسارت بود. با رهایی از زندان راهی مشهد شد، وی همچنین اقدام به ایجاد کانون بحث و انتقاد دینی در مشهد از سال ۱۳۴۳ لغایت ۱۳۵۰ نمود. در سال ۱۳۵۰ هم در جلسه‌ای که جمعه شب هر هفته در شهرستان قوچان تشکیل می‌شد حضور می‌یافت. این جلسات تا مدت‌ها ادامه داشت، در ایام شهادت فاطمه زهرا در سال ۱۳۵۳ علی رغم ممنوعیت منبر رفتن، وی در مجلسی در منزل خود، زمینه‌سازی نمود و با رضایت اساتید دیگر حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد، فردای آن روز یعنی روز شنبه بیست و چهارم خرداد ۱۳۵۳ با حضور طلاب و مردم، راهپیمایی در خیابان‌های شهر مشهد به راه انداخت. به همین سبب ساواک برای چهارمین بار وی را دستگیر و روانه زندان ساخت. وی تا اوایل سال ۱۳۵۶ در زندان به سر برد. در همین زمان به سبب امضای اطلاعیه‌ای، وی به همراه آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای و حجت‌الاسلام واعظ طبسی برای پنجمین بار دستگیر و روانه زندان شد اما تظاهرات مردم به سوی منزل حضرت آیت‌الله شیرازی باعث شد ایشان پس از بیست و چهار ساعت آزاد شوند.

حجت‌الاسلام هاشمی‌نژاد در بهمن ۱۳۵۷ به تهران آمد. سپس به قائمشهر رفت و روز بیست و دوم بهمن در حال سخنرانی بود که خبر تصرف رادیو و تلویزون و تصرف پادگان‌ها به وی رسید او به مشهد رفت و در حفظ نظم شهر تلاش بسیار کرد. با گذشت چند ماهی از پیروزی انقلاب اسلامی، در خرداد ۱۳۵۸ با قبول ریاست هیئت ایرانی، در اولین سفر خارجی به سه کشور لیبی و سوریه و اردن حرکت کرد. در لیبی، با معمرالقذافی، رییس جمهوری لیبی دیدار نمود و مسائل مربوط به افغانستان و عراق را مورد بحث قرار داد، در بهمن ۱۳۵۹ همزمان با سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی به دو کشور ژاپن و بنگلادش سفر کرد، وی با رأی مردم استان مازندران به مجلس خبرگان راه یافت. در دوران جنگ یکی دو نوبت به همراه حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای به مناطق جنگی رفت.

تألیفات ایشان علاوه بر مقالات و سخنرانی‌هایشان، عبارتند از: اصول پنجگانه اعتقادی و اصول دین؛ پاسخ ما به مشکلات جوانان؛ تقریرات و اصول دین؛ پاسخ ما به مشکلات جوانان؛ تقریرات اصول آیت‌الله شیخ علی کاشانی به عربی (چاپ نشده است)؛ درسی که حسین (ع) به انسان‌ها آموخت؛ راه سوم بین کمونیزم و سرمایه داری؛ رسالت انقلابی امام حسین (ع)؛ رهبران راستین؛ زهرا (س)؛ ضرورت تشکیلات؛ غروب آفتاب در اندلس؛ قرآن و کتاب‌های دیگر آسمانی؛ کمونیسم از دیدگاه نظام اقتصادی و اجتماعی اسلام؛ مبارزه با جهل و مادیت؛ مسائل عصر ما؛ مشکلات جنسی و چاره آن در اسلام؛ مشکلات مذهبی روز؛ مکتب مقاومت؛ مناظره دکتر و پیر؛ ولایت فقیه؛ هستی بخش.

حجت‌الاسلام سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد در هفتم مهرماه ۱۳۶۰، رأس ساعت هشت صبح، بعد از اتمام کلاس درس معارف الهی، در حال خروج از محل حزب جمهوری اسلامی در مشهد توسط منافقین به شهادت رسید. پیکر ایشان، در مشهد در دارالزهد حرم مطهر امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

آقای حاج سید عبدالکریم بن السید الزکی السید حسن بهشهری از فضلاء بنام و خطباء گرام و نویسندگان والامقام و مشاهیر وعاظ و گویندگان معاصر است از جهت نطق و بیان و قم و بنان‌گوی سبقت از همگنان ربوده و شهرت تام یافته و در هر کجا که برای تبلیغ دین و ترویج آئین و تنویر افکار نسل جوان مدعوا رفته مانند مشهد و تهران و قم و اصفهان و یزد و همدان و بابل و رفسنجان و ری و کاشان و خرم‌آباد و آبادان با استقبال گرم مردم مواجه شده و ده‌ها هزار نفر برای استماع از بیانات مستدل و منطقیش گرد آمده و ابراز احساسات نموده‌اند در بیست روز که در محرم و صفر ۱۳۹۳ قمری خود این نویسنده شاهد اجتماع عموم طبقات مخصوص افاضل حوزه علمیه و نسل جوان قم بودم که برای استفاده از منبر وی در شهر علمی و مذهبی قم گرد آمده و گفته می‌شد که بیش از بیست هزار نفر شرکت کرده‌اند و ایشان با بیانی گرم و پرحرارت ایراد سخن نموده و افکار مردم را به مطالبی متوجه می‌نمود.

معظم‌له در شهرستان بهشهر در سال ۱۳۴۸ قمری تولد یافته و پس از رشد و خواندن دروس فارسی به کوهستان رفته و در تحت تربیت و تعلیمات عالم ربانی آیت‌الله کوهستانی مرحوم مقدمات و ادبیات را خوانده آنگاه مهاجرت به قم نموده و در نزد فاضل ربانی طاب‌نژاد آقا شیخ علی فریده الاسلامی کاشانی که از اوتاد فضلاء و مدرسین حوزه بود سطوح وسطی را خوانده و سطوح عالی را از مدرسین بزرگ استفاده نموده و به درس خارج فقه و اصول آیت‌الله العظمی بروجردی طاب ثراه و آیت‌الله العظمی امام

خمینی و آیت‌الله العظمی شریعتمداری و آیات دیگر شرکت نموده تـا به مـدارج عالیه علم ارتقا یافته و دراسات و تقریرات استاد مجاهـد خود را به رشته تحریر آورده و به نظر معظم‌له به وسیله این نگارنـده رسانیـده و مورد تائیـد و قبول استاد مزبور قرار گرفته است.

استاد هاشمی‌نژاد به واسطه جهات داخلی در سال ۱۳۸۲ قمری با معیت داماد و شریک گرامش حجه‌الاسلام حاج آقا حسن ابطحی خراسانی به مشهد مراجعت نموده و رحل اقامت افکنده و در حوزه مشهد به تدریس سطوح عالی کفایه و مکاسب و وظائف دینی و روحی دیگر پرداخته و خدمات ارزنده‌ای نموده است. آثار علمی و خدمات روحی معظم‌له از این قرار است:

۱- همکاری تاسیس کانون بحث و انتقاد دینی مشهد مقدس (که با معیت صدیق و رحم گرانی خود آقای ابطحی) نموده‌اند:

۲- کتاب مناظره دکتر وپیر که تاکنون بیش از ده‌ها بار به طبع رسیده و مورد استقبال عموم طبقات قرار گرفته است.

۳- درسی که حسین علیه‌السلام به انسانها آموخت مکرر چاپ شده است.

۴- قرآن و کتابهای آسمانی دیگر.

۵- مشکلات بزرگ نسل ما. ۶- راه سوم بین کمونیسم و سرمایه‌داری.

۷- اصول پنج‌گانه اسلام ۸- مشکلات مذهبی روز ۹- جلد اول پاسخ ما به مشکلات جوانان ۱۰- بسیاری از جوابها و مقالات پاسخ ما.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

هجری افشار، قاسم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر، متخلص به هجری. وی از شاعران خوش قریحه‌ی عهـد خود بود که غزل را خوب می‌سرود. گویند از وی یک «ترکیب بند» مسدس باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۰۲)، الذریعه (۱۲۹۰/ ۹)، مجمع‌الخواص (۷۲).

هجری تفرشی، ابوالقاسم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۸۵ ق)، شاعر، متخلص به هجری. ظاهراً اصل وی از تفرش است. در جوانی به اصـفهان رفت و بعد از تحصـیل علوم در آن شهر به گیلان و رشت مهـاجرت نمود و ملازم و مـداح هـدایت خان رشتی، از مشاهیر و بزرگان ایران گردیـد. هجری سـرانجام در رشت درگذشت. صاحب تذکره‌ی «روز روشن» صاحب عنوان را با هجری قمی شمشیرگر (ز ۹۸۲ ق) یکی دانسته است. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :آتشـکده‌ی آذر (۴۴۶/ ۲)، تـذکره‌ی روز روشـن (۹۲۳)، حدیقهٔالشـعراء (۲۰۵۷ -۲۰۵۶/ ۳)، الذریعه (۱۲۹۰/ ۹)، سفینهٔالمحمود (۲۱۰/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۹۹۸ -۹۹۷)، مجمع‌الفصحا (۱۱۸۶/ ۶)، مصطبه‌ی خراب (۲۱۶)، نگارستان دارا (۲۷۸)، یادگار (س ۵، ش ۶ و ۷، ص ۱۰۰ -۹۲).

هجری تفرشی، محمدصادق

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۱۸۰ ق)، حکیم، ادیب و شـاعر، متخلص به هجری. وی تحصـیلات مقـدماتی را نزد دایی خود، اقـا محمـد مؤمنـای داعی گذراند و پس از آن برای تکمیل تحصـیلات به قم و اصـفهان سـفر کرد. او در اصـفهان به فراگیری معقول و منقول، ادب، عرفان و اخلاق نزد بزرگان علم و دانش از جمله مولانا محمـد صادق اردسـتانی مشـغول شـد و به مـدارج بالایی رسـید. هجری چندی نیز به تعلیم و تربیت رضاقلی میرزا، فرزنـد نادرشاه پرداخت که به دلایلی از دربار به خراسان رفت و پس از مدتی بازگشت و تا پایان عمر در حـوالی تفرش عزلت گزیـد. مؤلف «نگارسـتان دارا» آورده که وی در مشـهد درگـذشت. هجری در سـرودن مـاده تاریـخ، غزل، ربـاعی و بخصـوص مثنوی مهـارت داشت. از آثـارش می‌توان به دو مثنوی اشـاره کرد که در اولی تعبیراتی از اکـثر علوم همچنین: صرف، نحو، منطق و تصوف به کار برده شده است و مثنوی دیگر او مشـتمل بر صد و نود و یک بیت، در ذکر داستان شکار مأمون و امام جواد (ع) و غیره است.[۱]

میرزا ابوالقاسم پسـر میرزا صادق تفرشی (ف. ۱۱۸۰ ه.ق) از رجال ادب است و اشـعاری نیکو سـروده است. آنچه مسـلم است او در اواخر دولت صـفوی تا زمان کریم‌خان زنـد می‌زیست. در علوم معقول و منقول و عرفان به مدارج عالی رسـید و چند سالی در قم و

اصفهان بسر برد و مدتی معلم رضاقلی میرزا فرزند نادر بود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] سفینهٔالمحمود (۴۴۳ -۴۴۱/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۹۹۷)، لغت‌نامه (ذیل/ صادق)، نگارستان دارا (۲۲۰ -۲۱۹)، یادگار (س ۵، ش ۶ و ۷، ص ۱۰۰ -۹۲).

هجری تهرانی، محمد شریف

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۴/ ۹۸۰ ق)، شاعر، متخلص به هجری. وی پدر میرزا غیاث بیگ اعتمادالدوله تهرانی و جد نور جهان بیگم و از نزدیکان مولانا امیدی رازی بود. اصل او از تهران است و در یزد نشو و نما یافت، به همین دلیل به هجری یزدی نیز مشهور شد. بعد از فوت پدر به خراسان رفت و وزیر محمد خان تکلو گردید. پس از درگذشت محمدخان، به وزارت فرزند او، قزاق خان رسید و بعد از او مورد توجه شاه طهماسب صفوی قرار گرفت و به وزارت یزد و ابرقو و بیابانک منصوب شد. وی سپس به وزارت اصفهان رسید و تا پایان عمر در این منصب باقی ماند. سلامی و کلامی قصایدی در مدح هجری سروده‌اند.

وی سرانجام در اصفهان درگذشت و مولانا ضمیری اصفهانی ماده تاریخ فوت او را سرود. مؤلف «آتشکده‌ی آذر» تاریخ فوت وی را ۹۸۲ ق و محل وفاتش را یزد می‌داند. از آثارش: «دیوان» شعر، در حدود پنج هزار بیت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۲۱ -۱۱۱۹/ ۳)، تاریخ نظم و نثر (۵۱۴ -۵۱۳)، تحفه سامی (۲۴۷ -۲۴۶)، تذکره‌ی روز روشن (۹۲۴ -۹۲۳)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۳۵۳ -۳۵۲)، الذریعه (۱۲۹۱/ ۹)، ریحانه (۳۵۴ -۳۵۳/ ۶)، فرهنگ سخنوران (۹۹۸)، کاروان هند (۱۵۲۳ -۱۵۲۲/ ۲ ،۶۰۱/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ هجری)، هفت اقلیم (۷۰ -۶۷/ ۳).

هجری جامی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از بازماندگان احمد جام ژنده پیل بود. از ایران به هندوستان رفت. در آن دیار مدتی به مدح میرزا محمد هندال، پسر ظهیرالدین بابر شاه گورکانی، و همچنین همایون شاه (۹۶۳ -۹۳۷ ق) پرداخت. در اواخر عمر نیز در خدمت اکبر شاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به سر می‌برد. از آثارش: «دیوان» شعر، مشتمل بر پنج هزار بیت. از اوست:

بپوش جوشن طاعت که در کمینگه عمر

به دست رهزن ایام تیغ خون ریز است

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۵۷)، الذریعه (۱۲۹۰/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۹۸)، کاروان هند (۱۵۴۷ -۱۵۴۵/ ۲)، گلزار جاویدان (۱۷۳۰/ ۳).

هجری قمی، ابوالقاسم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۸۲ ق)، شاعر. از شعرای قم و از اقران نیکی صفاهانی و هلاکی همدانی است. به شغل سیافی و شمشیرسازی اشتغال داشت. سام میرزا صاحب تذکره‌ی «تحفه سامی» وی را ذیل مولانا هجری کاشانی آورده است. در حاشیه‌ی «آتشکده‌ی آذر» به نقل از تقی‌الدین کاشانی آمده که هجری در ۹۸۲ ق، زمان تألیف «خلاصهٔ الاشعار» از قم به کاشان رفته و با او ملاقات داشته است. از آثار وی: «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۳۵۴ -۱۳۵۰/ ۳)، تحفه سامی (۳۲۱)، الذریعه (۱۲۹۱/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۹۸)، هفت اقلیم (۵۱۵/ ۲).

هجیم آملی طبرستانی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س ششم ق)، شاعر و ادیب. در عصر سلجوقیان می‌زیست. مؤلف «فرهنگ سخنوران» وی را از شعرای عهد سامانیان می‌داند. او در

ادبیات عربی و فارسی مهارت داشت و شاعری چیره‌دست و خوش بیان بود. وی در آمل از دنیا رفت و در همانجا به خاک سپرده شد. او به پیروی از دقیقی در یکی از قصایدش، قصیده‌ای با لغات فارسی و عربی و طبری سروده که حدود هشتاد بیت است. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۸۹)، الذریعه (۸۷۳/ ۹)، شعرای مازندران و گرگان (۳۴۸ -۳۴۷)، فرهنگ سخنوران (۹۹۷)، مجمع‌الفصحا (۱۱۰۳/ ۳).

هدایت طبرستانی، رضاقلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۸ -۱۲۱۵ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به هدایت. معروف به لَلِه‌باشی و مشهور به شیرازی. ملقب به خانی و امیرالشعراء. نسبش به شیخ کمال خجندی می‌رسد. در تهران به دنیا آمد. پدرش از اعیان قریه چارده، از توابع دامغان بود و در زمان فتحعلی شاه قاجار به خدمت حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس رسید و همان جا درگذشت. پس از فوت پدر، هدایت همراه مادر و بستگانش به تهران آمد و سپس به مازندران رفت. بعد از چند سال همراه مادرش که قصد زیارت مکه داشت، به فارس رفت و در خدمت محمد مهدی خان، متخلص به شحنه، مشغول تحصیل شد. هدایت از آغاز جوانی به سرودن شعر پرداخت و ابتدا چاکر تخلص می‌کرد. وی خدمات اداری خود را از دستگاه حسینعلی میرزا آغاز کرد. در این دوره بود که فتحعلی شاه به شیراز رفت و به سبب شایستگی رضاقلی، عنوان خان و لقب امیرالشعراء به وی داد. پس از مرگ فتحعلی شاه مدتی در خدمت والیان فارس، از جمله فیروز میرزا و فریدون میرزا بود تا اینکه عازم تهران شد و به خدمت میرزا آقاسی صدر اعظم رسید. محمد شاه قاجار تعلیم و تربیت فرزند خود، عباس میرزای نایب‌السلطنه (دوم) را به وی واگذار کرد و به همین جهت به لَلِه‌باشی معروف شد. پس از مرگ محمد شاه گوشه‌نشینی اختیار کرد، ولی پس از مدتی به پیشنهاد امیرکبیر و دستور ناصرالدین شاه به سفارت خوارزم مأمور گردید و به امر امیر رضاقلی خان در این سفر به تألیف کتابی در شرح راه و اسامی بلاد و اسامی سرکردگان و ریش‌سفیدان و حوادث این سفر به نام «سفارت‌نامه‌ی خوارزم» پرداخت. پس از بازگشت به تهران با کمک علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه به ریاست و ناظمیت دارالفنون انتخاب گردید. رضاقلی خان در ۱۲۷۹ ق به للگی ولیعهد مظفرالدین میرزا انتخاب و همراه او به آذربایجان رفت و پس از بازگشت به تهران انزوا گزید. وی در مسجد هدایت تهران به خاک سپرده شد. از دیگر آثارش: تذکره‌ی «ریاض‌العارفین»، مبنی بر شرح حالات عرفا، فضلا، حکما، ادبا و شعرا از متقدمین و متأخرین و معاصرین؛ تذکره‌ی «مجمع‌الفصحا»، در شش مجلد؛ ملحقات «تاریخ روضهٔ الصفای ناصری»، در سه مجلد، که الحاقی است بر «تاریخ روضهٔ الصفا» تألیف میر محمد بن برهان‌الدین خاوند شاه؛ «مظاهر الانوار»؛ «لطایف المعارف»؛ «فهرست التواریخ»؛ «فرهنگ انجمن آرای ناصری»، در لغت فارسی؛ مثنویات سته‌ی ضروریه شامل: «انوار الولایه» در معجزات ائمه (ع) بر وزن «مخزن‌الاسرار» نظامی گنجوی، «گلستان ارم» مشهور به «بکتاش‌نامه» بر وزن «خسرو و شیرین» نظامی گنجوی، «بحرالحقایق» بر وزن «حدیقه» سنایی، «انیس العاشقین» بر وزن «لیلی و مجنون» نظامی گنجوی، «خرم بهشت»، «هدایت‌نامه»؛ «دیوان» شعر.[۱]

رضاقلی‌خان طبرستانی فرزند محمدهادی (و. محرم ۱۲۱۵- ف. ۱۲۸۸ ه.ق) ملقب به لله‌باشی. در تهران متولد شد و در شیراز به تحصیل پرداخت. سپس به دربار محمدشاه و ناصرالدین شاه راه یافت و از طرف ناصرالدین شاه به ریاست مدرسه‌ی دارالفنون منصوب شد. وی تألیفات و آثار زیادی بجا گذاشت که از آن جمله است: ۱- مثنوی هدایت‌نامه در بحر رمل. ۲- مثنوی گلستان ارم و چندین مثنوی دیگر. ۳- فهرست التواریخ ۴- منهج‌الهدایه ۵- تذکره‌ی ریاض‌العارفین. ۶- مجمع‌الفصحا در تذکره‌ی شعرا در دو جلد بزرگ. ۷- سه جلد در تکمیل روضهٔ‌الصفای میر خواند. ۸- دیوان غزلیات بیش از ۸ هزار بیت. ۹- دیوان قصاید شامل بیش از ۱۰ هزار بیت. از تألیفات دیگر او فرهنگ معروف «انجمن آرای ناصری» و کتابی به نام نژادنامه است. خدمت دیگر او به فرهنگ، تأسیس چاپخانه‌ای است که بسیاری از کتب ادبی در عصر قاجاریه در آن چاپخانه طبع شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان‌الشیعه (۱۵/ ۷)، تاریخ برگزیدگان (۳۱۹ -۳۱۸)، تاریخ قومس (۴۰۳ -۴۰۲)، حدیقهٔ‌الشعراء (۲۰۷۲ - ۲۰۶۰/ ۳)، دایرهٔ‌المعارف فارسی (۳۲۵۵/ ۲)، الذریعه (۱۲۵/ ۱۹، ۲۹۷/ ۱۱، ۱۲۹۳ -۱۲۹۲/ ۹، ۱۵۰/ ۷، ۴۷/ ۴)، ریاض‌العارفین (۳۶۵ -۳۵۲)، ریحانه (۳۵۶ -۳۵۴/ ۶)، سبک‌شناسی (۳۶۹ -۳۶۷/ ۳)، شرح حال رجال (۴۲ -۳۹/ ۲)، طرائق‌الحقائق (۲۹۹ -۲۹۶/ ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۷۸۶، ۷۱۲/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۹۹۹)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۹۵، ۳۱۴۴، ۳۰۳۸، ۲۹۶۶، ۲۹۰۱، ۲۸۷۵، ۲۷۴۵، ۲۵۰۷، ۲۴۸۰، ۲۴۱۸، ۲۱۶۴، ۱۹۹۴، ۱۹۸۹، ۱۸۱۰، ۱۸۰۹، ۱۷۹۱/ ۲، ۱۵۸۷، ۱۵۶۶، ۷۰۹، ۳۵۰، ۱۱۴/ ۱)، گلزار جاویدان (۱۷۴۱ -۱۷۳۲/ ۳)، المآثر والآثار (۱۹۰ -۱۸۹)، مجمع‌الفصحا (۱۴۱۳ -۱۲۰۹/ ۶)، مصطبه‌ی خراب (۲۱۵ -۲۱۴)، معجم‌المؤلفین (۱۶۳/ ۴)، مکارم‌الآثار (۵۴۵ -۵۴۰/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۶ -۲۱۳/ ۳)، یادگار (س ۴، ش ۴، ص ۱۴ -۹).

هدایت نایینی، هدایت

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(سی یازدهم ق)، شاعر. نسبش به جابر بن عبداللّه انصاری می‌رسد. فرزندان جابر در ولایت فارس می‌زیستند. اجداد میرزا هدایت از آن دیار به یزد مهاجرت نمودند و او در این شهر به تحصیل علوم پرداخت. طبع شعر خوبی داشت و بیشتر رباعی می‌سرود. اشعاری از وی در تذکره‌ها نقل شده است. از اوست:

زنهار که عذر معتذر رد نکنی

او بد کردست تو به او بد نکنی

تا بتوانی جای بدی نیکی کن

تا راه شفاعت نبی سد نکنی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۳۵۴)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۹۷)، الذریعه (۱۲۹۳/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۹۹)، گلزار جاویدان (۱۷۴۱/ ۳).

هدایت نیا، فرج الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرج الله هدایت نیا

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۳/۱

زندگینامه علمی

اینجانب فرج الله هدایت نیا گنجی در سال ۱۳۴۷ هجری شمسی در روستای «گنج افروز» از توابع شهرستان بابل متولد شده ام. پس از طی دوران کودکی وارد مدرسه شدم و تا سال سوم راهنمایی را در مدارس زادگاه خویش گذراندم. دانش آموز سال پنجم ابتدایی بودم که انقلاب اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی رسید و دوران نوجوانی من با حال هوای انقلاب آغاز شد.

تحت تأثیر شرایط پس از انقلاب در خودم علاقه به فراگیری علوم دینی احساس کردم و در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه «خاتم الانبیاء (ص)» بابل شدم. به مدت سه سال در حوزه علمیه «امام القائم» تهران تحصیل کردم و از سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه قم شدم. در حوزه علمیه قم، لمعتین و دو جلد اصول فقه را از محضر اساتید حوزه به ویژه استاد «علی محمدی (زید عزه)» فرا گرفتم. و از آن پس دروس خارج فقه و اصول را آغاز کردم. در این مرحله از اساتید بزرگواری نظیر آیات عظام: «فاضل لنکرانی»، «جوادی آملی»، «مکارم شیرازی» و «محفوظی» بهره بردم.

در سال ۱۳۶۸ به فکر تکمیل تحصیلات خودم در علوم جدید و دانشگاهی افتادم. ابتداء به صورت غیر حضوری به مدت چهار سال دیپلم گرفتم و در کنکور سراسری سال ۱۳۷۳ شرکت کردم و در رشته حقوق دانشگاه تهران پذیرفته شدم. پس از اتمام دوره کارشناسی برای ادامه تحصیل وارد دانشگاه مفید قم شدم و در گرایش «حقوق خصوصی» در مقطع کارشناسی ارشد این دانشگاه فارغ التحصیل شدم و البته در طول این سالها، تحصیلات حوزوی را نیز ادامه دادم.

با توجه به شرایط جنگ، مثل سایر جوانان این مملکت در جبهه ها حاضر شدم و مدت دو سال به طور متناوب به صورت رزمی یا تبلیغی در جبهه ها بودم و از جانبازان جنگ تحمیلی می باشم. علاقه وافر اینجانب به فعالیتهای پژوهشی موجب شد که جذب مؤسسات پژوهشی شوم. مطالعات من تا کنون در گرایش «فقه»، «حقوق خصوصی» و «حقوق عمومی» بوده است. محصول مطالعات من کتابها و مقالاتی بوده است که بسیاری از آنها چاپ شده است. در حال حاضر اینجانب عضو «هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی» هستم و در گروه فقه و حقوق این مرکز فعالیت می کنم.

در کنار تحقیق، تدریس را از نظر دور نداشتم. از سال ۱۳۸۱ به تدریس حقوق در مراکز آموزش عالی روی آوردم و هم اکنون نیز در یکی از دانشگاههای تهران؛ «دانشگاه آزاد اسلامی» و مدرسه تخصصی فقه و اصول قم؛ «ویژه طلاب خارجی» به تدریس مشغول هستم. در حال حاضر در شهر مقدس قم ساکن هستم و به تحصیل تحقیق و تدریس مشغول می باشم. امیدوارم بتوانم از اندوخته های خود در جهت نشر علوم دینی و فرهنگ اسلامی بهره ببرم و دَین خود را به مردم مسلمان ادا نمایم.

هدایت، رضاقلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

معروف به نیرالملک فرزند اکبر و ارشد محمد جعفرخان نیرالملک رئیس دارالفنون، متولد ۱۲۵۰ ش است. تحصیلات خود را در دارالفنون به اتمام رسانید و پس از چندی به استادی در دارالفنون ارتقاء مقام یافت. بعد از مرگ پدرش در ۱۳۳۳ ه.ق به ریاست

دارالفنون رسید و لقب نیرالملک گرفت و سالها در آن سمت بود و مدتی نیز با حفظ سمت معاونت وزارت معارف را داشت. در ۱۲۹۹ در کابینه مشیرالدوله به وزارت پست و تلگراف معرفی گردید. بعد از کودتای ۱۲۹۹ که سید ضیاءالدین به ریاست وزراء انتخاب گردید نیرالملک را به وزارت معارف و اوقاف معرفی کرد و مادام که سید ضیاء بر سر کار بود و او هم وزارت داشت در اسفند ۱۳۰۰ ش در کابینه مشیرالدوله مجددا بـه وزارت معارف معرفی شد. در ۱۳۰۶ که داور عدلیه جدید را بنیاد نهاد حاج مخبرالسلطنه هدایت وزیر فوائد عامه را به ریاست دیوان عالی کشور معرفی کرد. حاج مخبرالسلطنه ریاست شعبه اول دیوانعالی کشور را به عمو زاده خود نیرالملک هدایت داد. مخبرالسلطنه بعد از چند ماه به نخست‌وزیری منصوب شد و نیرالملک به کفالت دیوانعالی کشور برگزیده شد و تا سال ۱۳۱۵ در آن سمت باقی بود که جای خود را به حاج سید نصرالله تقوی داد.

نیرالملک در علوم ریاضی، فلسفه، ادبیات فارسی و عربی استاد بود و زبانهای انگلیسی و فرانسه را به حد کافی می‌دانست. یکی از فرزندان او در ارتش به نام شکرالله هدایت درجه سرتیپی یافت. بعد از شهریور ۱۳۲۰ مجددا فعالیت سیاسی را آغاز کرد و در تشکیل حزب اراده ملی با سید ضیاءالدین همکاری نزدیک داشت و ریاست شورایعالی حزب با او بود. وفات او در ۱۳۲۴ ش اتفاق افتاد.

(۱۳۲۴ –۱۲۵۰/ ۱۲۴۹ ش)، مترجم و استاد دانشگاه. ملقب به نیرالملک. در تهران به دنیا آمد و پس از طی علوم مقدماتی وارد دارالفنون شد و به فراگیری علوم عالی پرداخت. او به زبان‌های انگلیسی و فرانسه تسلط داشت و پس از فراغت از تحصیل در دارالفنون به تدریس زبان پرداخت و پس از مدتی به نیابت ریاست و نظامت دارالفنون منصوب گشت. هدایت در زمان مظفرالدین شاه به علت خدمات فرهنگی به دریافت نشان لیاقت نایل شد. در ۱۲۸۹ ش در دوران پادشاهی احمد شاه به معاونت و در کابینه سید ضیاءالدین طباطبایی به وزارت علوم و معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه منصوب گردید. او در ۱۲۸۸ ش به طور افتخاری به عضویت آکادمی علوم فرانسه پذیرفته شد و به دریافت نشان لژیون دونور نایل گردید. نیرالملک در تهران درگذشت. از آثارش: «پرورش روح و جسم و اخلاق»، ترجمه؛ «سیاحت‌نامه‌ی استانله به افریقا»، ترجمه.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] روز شمار تاریخ (۲۷۲، ۲۱۳، ۱۰۲، ۹۷/ ۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۰۴۷/ ۲)، وزرای معارف ایران (۸۰ –۷۹)، وزیران علوم و معارف فرهنگ (۲۰۶ –۲۰۳).

هدایت، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۴ ق)، نویسنده، مترجم و شاعر. وی برادر صادق هدایت، داستان‌نویس معروف است. او در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه و عالیه خود را در مدارس علمیه و دارالفنون و دانشکده حقوق تهران به پایان رساند. هدایت در جوانی به علوم ادبی، فنون نقاشی، موسیقی و مجسمه‌سازی علاقه زیادی داشت و سالها در خدمت استاد کمال‌الملک به آموختن صنعت نقاشی مشغول بود. او همچنین زبان فرانسه را می‌دانست. هدایت پس از اتمام تحصیلات به خدمت وزارت دادگستری درآمد و عهده‌دار مشاغلی از جمله: مترجمی موسیوپرنی مستشاری وزارت دادگستری، بازپرسی و مستشاری شعبه‌ی اول استیناف تهران و چند سالی نیز ریاست شعبه‌ی دوم دیوان دادرسی دارایی و فرمانداری تبریز بود. از آثارش: «ازدواج عجیب»؛ «سرگذشت عشرت»؛ «زیارت و سیاحت»، در ذکر جزئیات سفر به پاریس؛ «شهنشاه‌نامه‌ی پهلوی»، تاریخ ایران از بدایت تا نهایت؛ «گلزار جاویدان»، در سه مجلد؛ تذکره‌ی «بذر سخن»؛ «آینه‌ی زندگی»؛ «در رکاب نادر شاه» یا «سفرنامه‌ی عبدالکریم»؛ «مسافرت به ارمنستان و ایران»، ترجمه؛ «کلیات راجع به تاریخ سیاسی اروپا»، ترجمه؛ «مردم گریز»، ترجمه؛ «آب حیات»، شعر؛ «حقایق عریان»، شعر.[۱]

قاضی عالیرتبه، مترجم، نقاش، شاعر و موسیقی‌دان فرزند هدایت قلی هدایت (اعتضادالملک) در ۱۲۷۶ در تهران تولد یافت. تحصیلات خود را پس از فرا گرفتن مقدمات در ادبیات زبان پارسی، عربی و فرانسه آغاز کرد و مدتی مدید نزد کمال‌الملک هنر نقاشی آموخت. فن موسیقی را نیز به طریق علمی نزد تنی چند از هنرمندان معروف یاد گرفت. در ۱۳۰۲ وارد خدمات قضایی شد و تمام مراحل قضایی را در وزارت دادگستری طی کرد. مدتی رئیس دیوان دادرسی دارایی و زمانی مدیر کل ثبت اسناد و املاک شد. در دیوانعالی کشور مستشاری و ریاست شعبه داشت. آخرین سمت قضایی او ریاست دادگاه تجدیدنظر انتظامی قضات بود. در وزارت کشور نیز سمت‌هایی از قبیل ریاست کارگزینی و فرمانداری تبریز با او بود. وی در ۱۳۲۹ زمانی که رزم‌آرا به نخست‌وزیری رسید به معاونت نخست‌وزیر منصوب شد. در کابینه بعدی که ریاست آن با علاء بود همان سمت را حفظ کرد. در حکومت دکتر مصدق به دادگستری بازگشت و به مستشاری دیوانعالی کشور مشغول شد. در ۱۳۳۴ مجددا به معاونت نخست‌وزیری برگزیده شد و چند سالی آن سمت را داشت.

محمود هدایت اشعار زیادی سرود که بخشی از آن به چاپ رسید. اشعارش از استحکام شعری برخوردار می‌باشد و تابلوهای نقاشی او که بین خواص معروفیت دارد معرف ذوق و هنر او در این فن می‌باشد. تعداد کتبی که تاکنون ترجمه و به چاپ رسانده است زیاد است و بیشتر ترجمه‌های او کتب تاریخی است. خواهر وی همسر سپهبد رزم‌آرا بود. صادق هدایت نویسنده معروف و بزرگ معاصر برادر کهتر اوست. برادر دیگر به نام عیسی هدایت داشت که در ارتش درجه سرلشکری گرفت. وی در جوانی با دختر فتح‌الله خان سردار مؤید مراغه‌ای پیوند زناشوئی بست. صاحب دو پسر شد و همسر وی در میانسالی درگذشت. سرانجام در سال ۱۳۶۸ درگذشت.

شاعر، نقاش.

تولد: ۱۸ اردیبهشت ۱۲۷۶(۴ ذی الحجهٔ ۱۳۱۴ ق.)، تهران.

درگذشت: ۱۳۶۸.

محمود هدایت، فرزند هدایت‌قلی‌خان هدایت اعتضادالملک، تحصیلات ابتدایی و متوسطه و عالیه را در مدارس علمیه و دارالفنون و دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران به پایان رساند و چون از جوانی به تحصیل علوم ادبیه و فنون شاعری و موسیقی رغبت داشت، نزد کمال‌الملک آموختن رموز نقاشی را آغاز کرد. پس از پایان دوره‌ی تحصیل، در سال ۱۳۰۲، وارد وزارت دادگستری شد. در طول پنجاه سال خدمت جز چند سالی که در خارج از دادگستری به ریاست شعبه‌ی دوم دیوان دادرسی دارایی و فرمانداری تبریز و دو بار معاونت نخست وزیر سپری گردید، بقیه به مترجمی و دادیاری دادسرای تهران و بازپرسی و مستشاری شعبه‌ی اول استیناف تهران و مدیریت کل ثبت و ریاست ادارات بازرسی و دفتر وزارتی و دادیاری و مستشاری دیوان عالی کشور و ریاست شعبه‌ی پنجم دیوان مزبور و ریاست دادگاه عالی تجدید نظر انتظامی قضات مصروف شد. در آبان ۱۳۳۴ نیز یک قطعه درجه‌ی اول حقوق بشر و در ختم دوران خدمت که ۱۳۵۱ است یک قطعه نشان درجه‌ی اول عدالت دریافت کرد. ضمنا در سال ۱۳۳۱ نیز به دعوت سازمان ملل متحدد چند ماهی در نخست وزیری و شورای دولتی کشور فرانسه به کارآموزی پرداخت.

آثار ترجمه وی به این شرح هستند: مهاجرت‌های خارجی و علل و آثار آن در ایران. (۱۳۶۵)؛ مسافرت به ایران به معیت سفیر کبیر روسیه (موریس فون دوکتزبوئه، ۱۳۴۸)؛ مسافرت به ارمنستان و ایران (پی‌یر آمده امیلین پروب ژوبر، منشی السنه شرقی ناپلئون بناپارت)؛ سفرنامه‌ی عبدالکریم در رکاب نادرشاه؛ کلیات راجع به تاریخ سیاسی اروپا (ارنست لاویس)، مردم گریز (مولیر)؛ شاهنامه‌ی ثعالبی نیشابوری (ترجمه از عربی)، گلزار جاویدان (سه جلد، مشتمل بر اشعار و شرح حال شش هزار شاعر پارسی گوی از ایرانی و غیر ایرانی، ۱۳۵۳)؛ دو رساله مختصر درباره‌ی «حقوق اساسی» و «اصول محاکمات حقوقی» و چند منظومه به نام آب حیات و درفش ایران و حقایق عریان از اشعار اوست.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (۱۱۸۴ –۱۱۸۰)، روز شمار تاریخ (۳۱۳/ ۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۰۶، ۲۷۱۷، ۲۶۶۰، ۱۹۶۹، ۱۷۳۶/ ۲ ،۱۳۸۷ –۱۳۸۶، ۸۶۷، ۱۷۱/ ۱)، گلزار جاویدان (۱۷۸۹ –۱۷۸۰/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۹ –۱۰۷/ ۶).

هدایتی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۶ ش)، پزشک، نویسنده و استاد دانشگاه. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان اسلام و دوره‌ی متوسطه را در دارالفنون گذراند و سپس دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه تهران و نیویورک را به اتمام رساند. پس از مدتی دوره رزیدنتی و تخصصی را در رشته بیماری‌های گوش و حلق و بینی بیمارستان حلق و بینی نیویورک، وابسته به دانشگاه نیویورک و دوره رزیدنتی برونکوازو فاگولوژی و جراحی حنجره را در بیمارستان دانشگاه تمپل فیلادلفیا گذراند. هدایتی در ۱۳۳۳ ش پس از مدتی طبابت در نیویورک به تهران بازگشت. از مشاغل مهم وی استادی بیماری‌های گوش و حلق و بینی و ریاست دانشکده پزشکی دانشگاه ملی ایران بود. دکتر هدایتی عضو ممتاز و صاحب درجه بورد تخصصی از جامعه متخصصین آمریکا، عضو آکادمی و صاحب نشان از آکادمی چشم و گوش و حلق و بینی آمریکا و عضو ممتاز کالج بین‌المللی جراحان از ژنو و شیکاگو و عضو انجمن بین‌المللی برونکوازو فاگولوژی و عضو جراحان سر و گردن آمریکا بود. از آثار وی: «آثار چشم پزشکی تومورهای هیپوفیز»؛ «تغییرات آناتومیک حلزون در گوش داخلی»؛ «نقش عضله کریکو تیروئید در فلج‌های حنجره».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :چهره‌های آشنا (۶۶۰).

هدایتی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

تولد: ۱۲۹۳.

درگذشت: آذر ۱۳۶۵، ژنو.

محمدعلی هدایتی، فرزند حاج سید احمد هدایتی، تحصیلات خود را در رشته‌ی حقوق به پایان برد. پس از مراجعت به ایران سال‌ها به تدریس حقوق مدنی در دانشکده‌ی حقوق اشتغال داشت. مدتی هم ریاست آن دانشکده‌ی را بر عهده گرفت. چندی هم نماینده مجلس شورای ملی و وزیر دادگستری بود.

از تألیفات چاپ شده‌ی او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: آستانه‌ی ری، آیین دادرسی کیفری (۱۳۴۲) و چند تألیف حقوقی دیگر.

ضمنا خاندان هدایتی سال‌ها پیش از عصر صفوی و بنا به قرائنی از زمان سلاجقه امر تولیت حرم حضرت عبدالعظیم را متکفل

بوده‌اند و او خود آخرین فرد از این خاندان بود که این سمت را عهده‌دار گشت و پس از چندی از این کار کناره گرفت.
محمدعلی هدایتی به سبب سکته‌ی مغزی در سن هفتاد و دو سالگی در شهر ژنو درگذشت.
حقوقدان و سیاستمدار، متولد ۱۲۸۹ ش در شهر ری و فرزند حاج سید احمد هدایتی قاضی عالیرتبه دادگستری و نایب لتولیه حضرت عبدالعظیم است. وی پس از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه وارد دانشکده حقوق شد و درجه لیسانس در علم حقوق گرفت و به وکالت دادگستری پرداخت. چند سالی در شغل وکالت بود که سودای ادامه تحصیل در سرش به وجود آمد و به اروپا رفت و از دانشگاه ژنو درجه دکترا در حقوق جزا دریافت کرد. سپس به ایران بازگشت و به استادی دانشکده حقوق و علوم سیاسی و بعدا به معاونت دانشکده مزبور انتخاب گردید. در دوره شانزدهم قانونگزاری، مردم شهر ری او را به وکالت خود برگزیدند و وکیل مجلس شورای ملی شد. در دوره بیستم نیز وکیل مردم شهر ری در مجلس بود. در ۱۳۳۶ ش دکتر منوچهر اقبال نخست‌وزیر هدایتی را به سمت وزیر دادگستری تعیین نمود و تا شهریور ۱۳۳۹ که دولت تغییر کرد وزارت دادگستری با او بود. در دولت بعدی که ریاست دولت با شریف امامی بود هدایتی مجددا به وزارت دادگستری معرفی شد و تا اواخر سال در آن سمت انجام وظیفه می‌کرد. هدایتی در دوران وزارت خود اقدامات مؤثری در جهت قضات دادگستری و قوانین به عمل آورد که قابل توجه است. بعد از وزارت دادگستری به ریاست دانشکده حقوق انتخاب شد و یک دوره سه ساله ریاست داشت. هدایتی غیر از تحصیلات دانشگاهی در تهران و اروپا، یک دوره کامل فقه و اصول نیز نزد فقهاء و علماء تحصیل نموده و حقوقدانی بود که به حقوق جدید و اسلامی هر دو مسلط بود. سالها وکالت دادگستری را ضمیمه کارهای دیگر خود نموده و از وکلای مبرز دادگستری بود، به همین دلیل وزارت امور خارجه از وجود مشارالیه به عنوان مشاور استفاده می‌کرد. نیابت تولیت حضرت عبدالعظیم توارثا با او بود. کتب و آثار مهمی در علم حقوق انتشار داده است.
محمد علی هدایتی در سال ۱۳۶۵ در اروپا درگذشت و جنازه‌ی او را به تهران انتقال دادند و در مقبره‌ی خانوادگی در حضرت عبدالعظیم مدفون شد.
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

هراتی، خلیل‌اللّه

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۳۵ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به خلیل. میر خلیل‌اللّه برادرزاده‌ی محمدحسین باخرزی و شاگرد سید احمد مشهدی بود. شعر می‌سرود و در خط نستعلیق از عموی خود برتری داشت و هنگامی که شاه طهماسب صفوی به مشهد آمد، از وی سرمشق گرفت و در مراجعت شاه به عراق، در ملازمت او به قزوین رفت. بعدها سفری به کاشان کرد و از آنجا به هندوستان رفت و در دکن اعتباری تمام یافت و ملقب به پادشاه قلم و ممدوح شعرا شد. از معاصران وی ظهوری ترشیزی (وف ۱۰۲۵ ق)، بود که او را به خوشنویسی مدایح بسیار کرده است. متاخرین تذکره‌نویسان میر خلیل‌اللّه را شاگرد محمود بن اسحاق شهابی و از مردم هرات دانسته و به او لقب قلندر نیز داده‌اند از آثار وی: چندین قطعه به قلم دودانگ خوش، با رقمهای: «مشقه العبد خلیل‌اللّه»؛ «فقیر المذنب خلیل‌اللّه»؛ «خلیل‌اللّه» و «کتبه خلیل‌اللّه الحسینی»؛ صفحه‌ی اول از «گلستان» سعدی، به قلم کتابت جلی عالی، با رقم: «کتبه الفقیر خلیل‌اللّه غفر ذنوبه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۸۰ -۱۷۷ /۱)، پیدایش خط و خطاطان (۸۷ -۸۵)، تذکره الخطاطین (۲۴۵ -۲۲۷ /۱)، خوشنویسان و هنرمندان (۴۸ -۴۷)، فرهنگ سخنوران (۳۱۷)، گلستان هنر، (۱۰۳ -۱۰۲).

هراتی، سلمان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: پاییز ۱۳۳۸، مرزدشت تنکابن.

درگذشت: ۱۲ آبان ۱۳۶۵، جاده تنکابن به لنگرود.

سلمان هراتی در چهار ماهگی مادرش و در دو سالگی پدرش را از دست داد. برای این که درس بخواند در مغازه‌ای شاگردی می‌کرد. در دانشسرای راهنمایی تحصیلی پذیرفته شد و پس از دو سال تحصیل در رشته‌ی هنر فوق دیپلم گرفت. از سال ۱۳۶۲ معلم روستاهای گیلان (لنگرود) بود.
از سال ۱۳۵۲ سرودن شعر را آغاز نمود. وی به شیوه نیمایی و گاه به سبک سپهری شعر می‌سرود، از وی غزل هایی نیز به یادگار مانده است. از جمله آثارش است: از آسمان سبز (۱۳۶۴)؛ دری به خانه‌ی خورشید (۱۳۶۸)؛ از این ستاره تا آن ستاره (مجموعه شعر ویژه نوجوانان، ۱۳۶۷).
در سال ۱۳۶۷ از طرف مجتمع هنر و ادبیات دفاع مقدس به عنوان برگزیده شعر انتخاب شد و برنده‌ی لوح دست خط زرین حضرت امام (ره)، دیپلم افتخار و سکه‌ی یادبود مجتمع اعلام گردید.

سلمان هراتی در دوازدهم آبان ۱۳۶۵ در یک سانحه‌ی رانندگی در جاده‌ی تنکابن به لنگرود درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

هراتی، محمدمحسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۹۰ ق)، نقاش و خطاط. وی اهل هرات بود و خط نستعلیق را استادانه می‌نوشت. از آثار خطی او: یک نسخه «دیوان» حافظ که به امر فریدون حسین میرزا، پسر سلطان حسین بایقرا، کتابت کرده و تصاویر و تذهیب‌های آن نیز کار خود اوست؛ مرقع زیبایی، از جمع خطوط و تصاویر گوناگون که دیباچه و خاتمه آن را نیز خود کتابت کرده، با رقم: «کتبه الفقیر المذنب محمد محسن... فی بلده هرات... سنه تسعین و تسعمائهٔ الهجریهٔ».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۰۷۸/ ۳).

هرسینی کرمانشاهی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدرضا هرسینی کرمانشاهی از علماء اعلام و دانشمندان عظام معاصر کرمانشاه برادر ارجمند مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ فرج‌اللّه هرسینی مذکور می‌باشند.
وی حدود سال ۱۳۲۶ ق در محیط عشایری و خوانین لرستان بدنیا آمده و پس از طی دوران صباوت در حدود سال ۱۳۳۷ قمری در خدمت برادر معظم خود به عتبات عالیات مشرف و از محضر مرحوم آقا شیخ محمد رشتی و حاج شیخ غلامحسین دارابی شیرازی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی استفاده نموده آنگاه مراجعت به وطن و تا حدود چهار سال در آن محیط تیره و تار به تبلیغات و ارشاد الوار آن سامان و بخصوص علویون و غلات پرداخته و در سال ۱۳۵۴ مهاجرت به قم نموده و تا حدود ۶ سال از محضر و درس آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی و مرحوم آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه صدر و بعضی دیگر استفاده نموده و در حدود ۱۳۶۰ ق مهاجرت به کرمانشاه و تا اکنون که ۱۳۹۵ قمریست بالغ بر سی و پنج سال به خدمات دینی از اقامه جماعت و ارشاد مردم اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

هرسینی کرمانشاهی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن هرسینی کرمانشاهی از علماء اعلام و فقهاء کرام معاصر کرمانشاه می‌باشند.
در سال ۱۳۱۵ ق در یک فرسخی هرسین متولد شده و از روز نخست طالب دین و دیانت و علم و شرافت بوده و در خانواده متدین و متعصب و میهمان دوستی تربیت گردیده و خود از کوچکی مقدس و متقی و از هر صغیره و حتی مکروهات فرار و اجتناب نموده به طوری که اهالی محل ایشان عقاید عجیبی در استجابت دعا و تقوای ایشان داشته‌اند وی در سن ۱۷ سالگی در زمان ریاست مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدتقی شیرازی به سامرا مشرف و اشتغال به تحصیل ورزیده و پس از انتقال (معظم له) به کربلا ایشان هم عزیمت به کربلا و مورد نظر و مهر مرحوم میرزا قرار گرفته و بواسطه احتیاط از وجوهات کمتر مصرف و غالباً با صوم و صلوهٔ استیجاری اعاشه می‌نمود تا پس از فوت و رحلت میرزاء به نجف اشرف و از محضر مرحومین آیتین اصفهانی و نائینی و نیز مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی استفاده نموده و در سال ۱۳۴۲ ق به ایران مراجعت و در هرسین و کرمانشاه به تبلیغات و خدمات دینی پرداخته و جمعی از علات و علویون آنجا را هدایت و ارشاد و هم مدتی با بهائی‌های نراق مبارزه و بعضی از آنها را از انحراف و ارتداد به راه مستقیم در آورده و در سال ۱۳۴۷ قمری به قم مشرف و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه حجت و آقای خونساری و آقای صدر و بعد آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده نموده و پس از آن به کرمانشاه مراجعت و در مسجد جامعه کرمانشاه تا حال تحریر اشتغال به اقامه جماعت و ترویج دین و ارشاد و هدایت مردم دارد.
خاطره عجیب معظم له از مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی
آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدعلی اراکی فرمودند آقای هرسینی گفتند پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدتقی شیرازی وضع معیشت بر من استوار شد و چند روزی گرسنه و در مضیقه سخت قرار گرفتم پس به نجف مشرف و در حرم صورت به ضریح مطهر علوی گذارده و اظهار حاجت نمودم.
پس از حرم بیرون و در صحن شریف شخصی آمد و مبلغی داد و مدتی گذران کردم و چون تمام شد باز به حضرت امیر (ع) عرض کردم و در صحن شخصی وجهی داد که چند روز مرا کفایت کرد و در بار سوم همین طور تا در مرتبه چهارم که دیگر پولی

برای مخارج خود نداشتم مشرف شده و عرض مطلب کردم و چون آمدم از حرم بیرون روم دیدم مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی که در پشت سر مطهر نشسته تا مرا دید صدا زد خدمتشان رفتم فرمود شیخ محمدحسن هر وقت بی‌پول شدی و مخارجت تمام شد لازم نیست به حضرت امیر علیه‌السلام عرض کنی بیا به من بگو و تأکید کرد و من تعجب کردم که ایشان از کجا متوجه شده که حاجت من چیست. پس از حرم بیرون رفتم و روز بعد حسب‌التأکید ایشان درب منزل آن مرحوم رفتم که اوائل ریاست ایشان بود تا در زدم خود ایشان آمد و درب را باز کرد و فرمود هان بی‌پول شده‌ای بیا داخل و در اندرون منزل رفت و مدت یک ساعت طول کشید که من از آمدن پشیمان و خواستم بروم که دیدم آمد در حالی که غبارآلود است و اول عذرخواهی بسیار نمود و دامن خود را گشود و مبلغ زیادی از دراهم و پولهای عراقی جلوی من ریخت (که مدتها مرا اداره و تأمین نمود).

و فرمود از اینکه دیر کردم مرا ببخش زیرا رفتم دخل و قلک بچه‌هایم را خالی کردم و برای شما آوردم که ضرورت داشت.

(نگارنده گوید: بقول آیت‌اللّه اراکی معلوم می‌شود که مرحوم سید غیر از پول یومیه بچه‌ها و نوه‌های خود پول دیگری نداشته چون اوائل ریاست و مرجعیت ایشان بوده)

هرمزدیاری، ایرج

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: استاد، رشته: فیزیک، دانشکده: علوم، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فیزیک از دانشگاه ایالتی کانزانس آمریکا در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد فیزیک از دانشگاه میسوری آمریکا در سال ۱۳۴۵، دکترای تخصصی فیزیک از دانشگاه میسوری آمریکا در سال ۱۳۴۹، فوق تخصص فیزیک از دانشگاه میسوری آمریکا در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه شیراز از سال ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۵۳، استادیار مدعو دانشگاه میسوری آمریکا از سال ۱۳۵۳ تا سال ۱۳۵۴، دانشیار دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۶۷، استاد دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۶۷ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس فیزیک، فیزیک مدرن و هسته‌ای، ریاضی فیزیک، الکتریسیته مغناطیس، کوانتم در دانشگاههای شیراز و شهید بهشتی، دریافت نشان انتیشتانین از دانشگاه میسوری آمریکا در سال ۱۳۴۷ به خاطر تدریس و تحقیق.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

فیزیک عمومی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

فیزیک عمومی، ریاضی کاربردی، الکتریسیته مغناطیسی و مقالات متعدد به زبان خارجی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

هرندی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالقاسم هرندی از علماء محترم و ائمه جماعت معاصر اصفهان است. در سال ۱۳۳۸ قمری در هرند اصفهان متولد شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات و ادبیات در اصفهان به قم مهاجرت نموده و سطوح را از مدرسین بزرگ چون آیت‌اللّه العظمی آقای نجفی مرعشی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّه نایب‌الامام خمینی بـه پایان رسانیده و در اوائل ورود آیت‌اللّه العظمی بروجردی به قم مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر و دراسات آیت عظام شاهرودی و میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه العظمی خوئی و دیگران استفاده کامل نموده و پس از اقامت سالهای متمادی در جوار باب مدینه علم حضرت علی (ع) و کامیابی از دروس فقه و اصول آیات مذکوره به ایران مراجعت و رحل اقامت در اصفهان افکنده و به اقامه جماعت و تدریس و سایر وظائف دینی پرداخته و تا حال تحریر نیز اشتغال به خدمات مربوطه روحی دارند نگارنده بیش از چهل سال است که آنجناب را می‌شناسم مکروهی از ایشان ندیده و نشنیده بلکه سید عالی نسب و عالمی فاضل و بزرگوار دیده‌ام کرارا مراجعه کردم شفاها و کتبا که ترجمه و زندگینامه خود را مرقوم دارند که در گنجینه درج نمایم روی احتیاط و پارسائی خودداری کردند ولی حقیر برای اداء

بعضـی از حقوق دوستی و مراوده قدیمی با ایشان کتابم را جایز ندانستم که از نام ایشان خالی باشد پس مبادرت به این چند سطر از بیوگرافی اجمالی معظم له نمودم باشد که مرا بعد از گذشت عمر اجر و ثوابی عاید گردد.
برادر گرامی ایشـان جناب حجهٔالاسـلام آقای حاج سـید محمـد هرنـدی نیز از افاضل معاصـر اصـفهانند که سالهای متمادی در قم و بالاخص در نجف اشـرف به کسب علم و کمال کرده و از محضر آیات عظام مرحوم حاج سید محمود شاهرودی و دیگران استفاده و پس از آن به اصـفهان مراجعت و به ارشـاد مردم از طریـق منبـر و غیره اشـتغال دارنـد. ایشـان هم ماننـد برادر بزرگوارش در میـان روحانیون و هیئت علمیه اصفهان به محاسن اخلاقی و محامد آداب و تقوا موصوف می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

هرندی، عبدالجواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزنـد میرزا عبدالحسـین، در ذی قعـده سال ۱۲۸۰ متولّـد، و در محرم ۱۳۰۵ در عنفوان جوانی وفـات یـافته، در سـر قبر آقا مـدفون گردید.
با وجودی که در جوانی از دنیا رفته، مقدّمات علوم را از صـرف و نحو و معانی و بیان و فقه در نزد فضـلای اصفهان تحصیل نموده، و خطّ نستعلیق را در کمال استادی می‌نوشه است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هرندی، عبدالحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن محمّـد تقی هرنـدی خوش نویس، از اساتیـد فنّ خـط بوده، و در سال ۱۲۵۳ متولّـد، و در ۱۳۲۶ وفـات یافته، در بقعه سـر قبر آقا مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هرندی، عبدالعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند میرزا محمّد تقی از علمای گوشه نشین، و فضلا و مدّرسین بوده، و مخصوصاً ادبیّات عرب و به ویژه تخصّص در تدریس نحو داشته، و به همین جهت، اولاد و اعقاب خود و برادرانش تاکنون به نام نحوی شهرت دارند.
کتب زیر از اوست:
۱ و ۲ - دو شـرح بر سیوطی، یکی سی هزار بیت، و دیگری شصت هزار بیت. ۳- رساله صیغ العقود ۴- شرح دعای یامن ارجوه ۵- رساله عیدیّه ۶- حواشی بر بسیاری از کتب، فقه و اصول و نحو و غیره.
در ۱۲۲۲ متولّد، و در ربیع الاول سال ۱۳۰۶ وفات یافته، قبرش در سر قبر آقا.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هرندی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۰۲.

درگذشت: ۱۳۶۵.

محمـد هرنـدی متخلص به «هرنـدی» فرزند اکبر آقا به سـرودن شـعر می‌پرداخت. وی شـعر زیادی گفته است ولی اشـعارش پراکنده است و به چاپ نرسیده است. چند نمونه غزلیات وی در تذکره شعرای یزد آمده است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

هرندی، محمد مهدی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حاج محمّد ظهیر. از علمای بزرگ زمان خود بوده، و از میر محمّد حسین خاتون آبادی اجازه روایت داشته، و در ۹ جمادی الثانیه ۱۱۸۰ وفات یافته.

قبرش در صندوق چوبی واقع در کنار ایوانچه غربی بقعه مجلسی، جنب مسجد جامع است. وی را فوائد متفرّقه‌ای است بر اصول کافی.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هرندی، هبهٔ الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند شیخ محمدعلی بن شیخ علی. عالم فاضل و مدرس، از فضلای اصفهان به شمار می‌رفت. نزد جمعی از بزرگان همچون حاج میر محمد صادق خاتون آبادی، و آقا سید محمد نجف آبادی، و حاج میر سید علی مجتهد نجف آبادی تحصیل نموده، در مدرسه‌ی صدر کلیه‌ی سطوح فقه و ادبیات را تدریس می‌نمود.

در ۴ شنبه ۲۲ ماه صفر ۱۳۶۶ وفات یافته، در اطاق تکیه‌ی کازرونی مدفون شد.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هروی بغدادی، ابوعبید قاسم

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۲۲۴/ ۲۲۳/ ۲۲۲ -۱۵۷ ق)، حافظ، محدث، فقیه، مجتهد، ادیب و لغوی. در هرات به دنیا آمد. پدرش از غلامان رومی و در خدمت مردی از اهل هرات بود. ادبیات و فقه را از اساتید بزرگ آن زمان فراگرفت. قرآن و لغت را نزد ابوالحسن کسایی و اسماعیل بن جعفر و شجاع بن ابونصر بلخی و ابوعمرو شیبانی و فراء و ابوزیاد کلابی و ابوعبیده و اصمعی و یزیدی و ابوزید انصاری و عده‌ای دیگر آموخت. وی در قراآت، فقه، لغت و شعر متبحر بود. از اسحاق بن سلیمان رازی و اسماعیل بن جعفر و شریک بن عبداللّه و اسماعیل بن عیاش و هشیم بن بشیر و سفیان بن عیینه و اسماعیل بن علیه و یزید بن هارون و یحیی بن سعید قطان و حجاج بن محمد و ابومعاویه ضریر و صفوان بن عیسی و عبدالرحمان بن مهدی و حماد بن مسعده و مروان بن معاویه و ابوبکر بن عیاش و محمد بن جعفر غندر و سعید بن عبدالرحمان جمحی و عبیداللّه اشجعی و وکیع بن جراح و عبداللّه بن ادریس و جریر بن عبدالحمید و عباد بن عباد مهلبی و معاذ بن معاذ عنبری و عمر بن یونس و عبداللّه بن مبارک و اسحاق ازرق و دیگران حدیث شنید. استادش، سعید بن ابومریم مصری، و نصر بن داوود بن طوق صاغانی و محمد بن اسحاق صاغانی و حسن بن مکرم و احمد بن یوسف تغلبی و ابوبکر بن ابی الدنیا و حارث بن ابی‌اسامه و محمد بن یحیی مروزی و علی بن عبدالعزیز بغوی و عبداللّه بن عبدالرحمان دارمی و عباس دوری و محمد بن حفص دوری و احمد بن یحیی بلاذری و عبدالمجید بوشنجی و ابوالحسن علی بن عبداللّه طوسی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. وی مدتی در بغداد اقامت گزید. سپس در زمان امیر ثابت بن نصر بن مالک خزاعی به منصب قضاوت شهر طرسوس گمارده شد. در اواخر عمر به مکه رفت و همان جا درگذشت. از آثارش: «الغریب» یا «غریب الحدیث»؛ «غریب القرآن»؛ «الغریب المصنف فی علم اللسان»؛ «فضائل القرآن»؛ «ادب القاضی»؛ «الاموال»؛ «الشعراء»؛ «الناسخ والمنسوخ»؛ «المواعظ»؛ «القراآت»؛ «النسب»؛ «معانی القرآن»؛ «المجاز فی القرآن»؛ «عدد آی القرآن»؛ «الامثال السائرهٔ»؛ «المقصور والممدود»؛ «الطهارهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۰ / ۶)، تاریخ بغداد (۴۱۶ -۴۰۳ / ۱۲)، التاریخ الکبیر (۱۷۲ / ۷)، تذکرهٔالحفاظ (۴۱۸ -۴۱۷ / ۱)، تهذیب‌التهذیب (۲۷۶ -۲۷۴/ ۸)، تهذیب‌الکمال (۱۵۴ -۱۴۵/ ۱۵)، الجرح والتعدیل (ج ۳، ق ۱۱۱/ ۲)، سیرالنبلاء (۵۰۹ -۴۹۰/ ۱۰)، شذرات الذهب (۵۵ -۵۴/ ۲)، صفهٔ الصفوهٔ (۳۲۸ -۳۲۷/ ۲)، طبقات ابن‌سعد (۲۵۴ -۲۵۳/ ۷)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۱۶۰ -۱۵۳/ ۲)، طبقات الفقهاء الحنابله (۳۶۴ -۳۶۰/ ۱)، طبقات المفسرین داودی (۳۷ -۳۲/ ۲)، العبر (۳۰۸/ ۱)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (۱۲۱ -۱۲۰)، الکامل (۲۵۹/ ۵)، معجم‌الادباء (۲۶۱ -۲۵۴/ ۱۶)، المنتظم (۳۳۶ -۳۳۴/ ۶)، میزان‌الاعتدال (۳۵۹/ ۳)، النجوم الزاهرهٔ (۲۹۴/ ۲)، وفیات الاعیان (۶۳ -۶۰/ ۴).

هروی، ابوالفضل احمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۳۲۰- وف ۳۹۰ -۳۸۰ ق)، ریاضیدان و منجم. در هرات به دنیا آمد. چندی در ری و جرجان زیست. از ریاضیدانان و منجمان ماهر عصر خود و معاصر با ابوجعفر خازن و ابومحمود خجندی و رکن‌الدوله‌ی دیلمی بود. وی در ۳۴۸ ق ارتفاع خورشید را در

روی رصد کرد و در ۳۷۱ ق عرض جرجان را محاسبه نمود. آثار او در ریاضیات و نجوم مورد توجه و مطالعه‌ی علمای ریاضی چون ابوریحان بیرونی و خواجه نصیر طوسی قرار می گرفت. هروی کتاب «اکر منالاوس» را، که ابوعبداللّه محمد بن عیسی ماهانی تا شکل دهم از مقاله‌ی دوم آن را تصحیح کرده بود، از نو اصلاح نمود. دو نسخه‌ی خطی از کتاب وی با عنوان «کتاب منالاوس فی الاشکال الکریهٔ مما اصلحه احمد بن ابی‌سعد الهروی» موجود است و گویند خواجه نصیرالدین طوسی در تحریر «اکر منالاوس» از این کتاب استفاده کرده است. از دیگر آثارش: «مدخل الصحابی»، در نجوم، که ابوریحان بیرونی در کتاب «تحدید نهایات الاماکن» خود از آن استفاده کرده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۲۲۹ -۱۲۲۸/ ۹)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۱۰۱ -۹۹)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، یغما (س ۲۰، ش ۱، ص ۹ -۸).

هروی، ابوذر عبد، عبداللّه

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۳۴ -۳۵۶/ ۳۵۵ ق)، فقیه مالکی، حافظ، محدث و صوفی. معروف به ابن‌سماک. اصل او از هرات و از علمای بزرگ مالکی و شیخ‌الحرم زمانش بود. در طلب علم و حدیث به مسافرت‌های طولانی پرداخت. علم کلام را از ابن باقلانی فرارگرفت. وی در هرات از ابوالفضل بن خمیرویه و بشر بن محمد مزنی و عده‌ای دیگر و در سرخس از ابومحمد بن حمویه و زاهر بن احمد فقیه و در بلخ از ابواسحاق مستملی و در مرو از ابوهیثم کشمیهنی و در بصره از ابوبکر هلال بن محمد بن محمد و شیبان بن محمد ضبعی و در بغداد از ابوالفضل زهری و ابوالحسن دارقطنی و ابوعمر بن حیویه و در دمشق از عبدالوهاب بن حسن کلابی و در مصر از ابومسلم کاتب و در مکه از ابواسحاق ابراهیم بن محمد دینوری و عده‌ای دیگر حدیث شنید. وی راوی «صحیح» بخاری از مستملی و حموی و کشمیهنی بود. فرزندش عیسی و علی بن محمد بن ابوالهول و موسی بن عیسی صقلی و عبداللّه بن حسن تنیسی و ابوصالح نیشابوری موذن و علی بن بکار صوری و احمد بن محمد قزوینی و ابوطاهر اسماعیل بن سعید نحوی و ابوحسین بن مهتدی باللّه و ابوولید باجی و عبداللّه بن سعید شنتجالی و عبدالحق بن هارون سهمی و ابوبکر احمد بن علی طریثیثی و ابوشاکر احمد بن علی عثمانی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. ابوبکر خطیب بغدادی و ابوعمر بن عبدالبر و احمد بن عبدالقادر یوسفی و ابوعبداللّه احمد بن محمد بن غلبون خولانی از او اجازه‌ی روایت داشته‌اند. او را حافظی کثیرالشیوخ دانسته‌اند. وی مدتی در مکه مجاور گشت و در آنجا به تصنیف کتب و گردآوری «معجم» مشایخ خود پرداخت. بعدها در ناحیه سروات، در حوالی مکه، سکنی گزید. او هر سال در موسم حج به مکه می‌رفت و سرانجام نیز در مکه درگذشت. از دیگر آثارش: تفسیر قرآن؛ « السنهٔ والصفات»؛ «الجامع»؛ «الدعاء»؛ «فضائل القرآن»؛ «دلائل النبوهٔ»؛ «المستدرک علی الصحیحین»؛ «الصحیح المسند المخرج علی الصحیحین» یا «المسند الصحیح المجرد علی البخاری و مسلم»؛ «شهادهٔ الزور»؛ «فضائل ملک بن انس»؛ «العیدین» یا «فضائل العیدین»؛ «مسانید الموطات»؛ «فضل یوم عاشوراء»؛ «المناسک»؛ «الربا» و «الیمین الفاجرهٔ»؛ «کرامات الاولیاء».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (۱۴۱/ ۱۱)، تذکرهٔالحفاظ (۱۱۰۸ -۱۱۰۳/ ۳)، سیرالنبلاء (۵۶۳ -۵۵۴/ ۱۷)، شذرات‌الذهب (۲۵۴/ ۳)، طبقات الحفاظ (۴۴۳)، طبقات المفسرین داودی (۳۶۸ -۳۶۶/ ۱)، العبر (۲۶۹/ ۲)، الکامل (۳۶/ ۸)، کشف‌الظنون (۱۸۳۰، ۱۶۷۳ -۱۶۷۲، ۴۴۱)، معجم‌المؤلفین (۶۶ -۶۵/ ۵)، المنتظم (۳۱۱/ ۹)، النجوم الزاهرهٔ (۳۸/ ۵)، هدیهٔ‌العارفین (۴۳۸ -۴۳۷/ ۱).

هروی، ابوسعد محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۱۸ ق)، فقیه شافعی و قاضی. وی از فقهای شافعی در سده‌های پنجم و اوایل ششم قمری بود. در نزد ابوعاصم عبادی تلمذ کرد و کتاب «ادب القضاء» او را شرح نمود و «الاشراف علی غوامض الحکومات» نامید. در «هدیهٔ‌العارفین» به نقل از ابن‌عساکر و به تبع آن در «معجم‌المؤلفین» این کتاب به ابوسعید عبدالمجید بن اسماعیل هروی (م ۵۳۷ ق) نیز نسبت داده شده است. وی عهده‌دار منصب قضاوت همدان بود. در مسجد جامع همدان به همراه پدرش به قتل رسید.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۲۹۲/ ۲)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۳۷۱ -۳۶۵/ ۵، ۱۰۴/ ۴)، کشف‌الظنون (۱۰۳)، معجم‌المؤلفین (۳۰/ ۹، ۱۶۸ -۱۶۷/ ۶، ۲۱۰/ ۴)، هدیهٔ‌العارفین (۸۴/ ۲، ۶۱۹/ ۱).

هروی، ابوسعید ابراهیم

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۶۸/ ۱۶۳ ق)، حافظ، فقیه و محدث. در اواخر روزگار صحابه‌ی صغار (آنان که در زمان رحلت پیامبر (ص) کم سن و سال بودند) در هرات به دنیا آمد. اصلش از قریه‌ی باشان هرات بود. در نیشابور نشو و نما یافت. در طلب علم به مسافرت پرداخت و عده‌ای از تابعین را ملاقات نمود و از آنها حدیث شنید.از جمله از عبداللَّه بن دینار و ثابت بنانی و ابوحازم اعرج و ابواسحاق سبیعی و ساک بن حرب و موسی بن عقبه و ابوزبیر محمد بن مسلم قرشی و محمد بن زیاد جمحی قرشی و یحیی بن سعید انصاری. همچنین از منصور بن معتمر و ابی‌جمره ضبعی و عاصم بن بهدله و عاصم بن سلیمان و حسین معلم و آدم بن علی و عبدالعزیز بن رفیع و ابوحصین عثمان اسدی و حمید طویل و حجاج بن حجاج باهل و عطاء بن ابی‌مسلم خراسانی و عبدالعزیز بن صهیب و مطر وراق و دیگران حدیث شنید. به بغداد رفت و در آنجا حدیث گفت. سپس به مکه رفت و در آنجا مجاور شد. فرزندش، عبدالخالق بن ابراهیم، و استادش، صفوان بن سلیم، و ابوحنیفه نعمان بن ثابت و محمد بن جعفر بن ابی‌کثیر و عبداللَّه بن مبارک و حفص بن عبداللَّه سلمی نیشابوری و ابوعامر عقدی و سفیان بن عیینه و خالد بن نزار و وکیع بن جراح و حسین بن ولید نیشابوری و عبدالرحمان بن عبداللَّه دشتکی رازی و غسان بن سلیمان هروی و برادرش، مالک بن سلیمان هروی، و عمر بن عبداللَّه بن رزین و عبدالرحمان بن مهدی و محمد بن سابق و معن قزاز و یحیی بن ابوبکر کرمانی و یحیی بن ضریس بجلی رازی و ابوحذیفه نهدی و عبدالرحمان بن سلام جمحی و محمد بن سنان عوقی و جماعتی دیگر از او روایت کرده‌اند. در مکه درگذشت. از آثارش: «السنن»، در فقه؛ «المناقب»؛ کتاب «العیدین»؛ کتاب «التفسیر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۱۶۸ / ۲)، تاریخ بغداد (۱۱۱ -۱۰۵ / ۶)، التاریخ الکبیر (۲۹۴ / ۱)، تذکرةالحفاظ (۲۱۳ / ۱)، تهذیب‌التهذیب (۱۱۸ -۱۱۷/ ۱)، تهذیب‌الکمال (۳۶۸ -۳۶۴/ ۱)، الثقات (۲۷/ ۶)، سیرالنبلاء (۳۸۵ -۳۷۸/ ۷)، شذرات‌الذهب (۲۵۷/ ۱)، طبقات الحفاظ (۱۰۶ -۱۰۵)، طبقات المفسرین داودی (۱۱ -۱۰ / ۱)، العبر (۱۸۵/ ۱)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (۴۱۶)، الکامل (۶۴/ ۵)، لسان‌المیزان (۱۹۱/ ۸)، معجم‌البلدان (۳۸۳/ ۱)، معجم‌المؤلفین (۴۱/ ۱)، میزان‌الاعتدال (۶۳/ ۱)، الوافی بالوفیات (۲۴ -۲۳/ ۶).

هروی، ابوشعیب صالح

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سوم ق)، شاعر. وی از شعرای قدیم دوره‌ی سامانی بود و چنانچه در تذکره‌ها آمده، وی اواخر زمان رودکی را دریافته است. از اوست:

دوزخی کیشی بهشتی روی و قد
آهو چشمی حلقه زلفی لاله خد
لب چنان کز خامه‌ی نقاش چین
برچکد از سیم بر شنگرف مدگر
ببخشد حسن خود برزنگیان
ترک را بی شک ز زنگ آید حسد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :لباب الالباب (۵ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۹۵ /۱)، تاریخ ادبی ایران (۶۶۳ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوشعب)، مجمع الفصحا (۱۳۹ /۱).

هروی، ابومعمر سالم

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۳۳ ق)، فقیه شافعی و متکلم. معروف به غولچه (مصغر غول). اصل او از هرات و از علمای شافعی در سده‌ی پنجم قمری بود. وی در انواع علوم مهارت داشت. حاکم نیشابوری از وی روایت کرده است. سبکی در «طبقات الشافعیه» آورده که او همطبقه شیخ ابومحمد و ناصر مروزی است. از آثارش: «اللمع فی الرد علی اهل الزیغ والبدع»، در مسائل کلامی و اصول اعتقادی اهل سنت. این کتاب در «کشف‌الظنون» تحت نام «اللمعة فی الرد علی اهل الزیغ والبدعة» آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شذرات‌الذهب (۲۵۱/ ۳)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۲۹۸/ ۲)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۳۸۰/ ۴)، کشف‌الظنون (۱۵۶۵)،معجم‌المؤلفین (۲۰۳/ ۴).

هروی، ابومنصور عبدالرشید

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، شاعر. از نام‌آوران هرات و از نوادگان شیخ ژنده پیل بود و ناقدان سخن شعر او را پسندیده و او را در سلک شعرا کشیده‌اند. از اوست:

ای قمر چهر عطارد فکر ناهید اتصال

شمس فر بهرام کین بر جیس اثر کیوان جلال

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۲۸)، فرهنگ سخنوران (۳۵)، لباب الالباب (۶۱ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابومنصور)، هفت اقلیم (۲/ ۱۴۴).

هروی، اسکندر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از اعیان هرات بود، که در تبریز نشو و نما یافت. وی منشی و خوشنویس زبردستی بود که غزل را با مهارت می‌سرود.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۸۲).

هروی، اسمی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر. ملا اسمی اهل هرات بود و از جویندگان علم و دانش. به قول نصرآبادی، مردی درویش و نامراد بود. اسمی در سرودن معما توانا بود. از اوست:

می‌کنی جور و جفا مهر و وفا می‌گویی

تو چه‌ها می‌کنی ای شوخ چه‌ها می‌گویی

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۷۵۰/۲)، تذکره‌ی روز روشن (۴۹)، الذریعه (۷۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۶۱)، مجالس النفائس (۱۵۷)، هفت اقلیم (۱۶۵/۲).

هروی، حافظ علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط و شاعر. از مردم غوریان از توابع هرات بود. وی را به حدت ذهن و جودت شعر ستوده‌اند و در علم عروض و صنایع اشعار نیز تبحر داشت. حافظ علی از کاتبان کتابخانه‌ی بایسنقر میرزا بود و با سلطان حسین بایقرا معاصر. وی چندین سال منصب صدارت و استادی ابوتراب میرزا را داشت. تاریخ درگذشت او به درستی معلوم نیست ولی در زمان تألیف «حبیب السیر» (۹۳۰ ق)، ظاهراً در قید حیات بوده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۱۷/۲)، تحفه سامی (۱۱۳)، حبیب السیر (۳۶۱ -۳۶۰ /۴)، الذریعه (۲۲۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۴۲)، مجالس النفائس (۱۴۳)، مناقب هنروران (۵۶).

هروی، حسن

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۰۵ ق)، شاعر. معروف به هزال. در مشهد به دنیا آمد. در اوایل جوانی به هرات رفت و تا پایان عمر همان جا ماندگار شد. وی معاصر و معاش شاهرخ میرزا و میرزا حسین بایقرا بود. و از جمله شاعران و ندیمان با نفوذ آنان و در پایان عمر از نزدیکان و مقربان امیرعلیشیر نوایی بود. حسن شاه سالها در مدرسه گوهر شاد بیگم، اخلاصیه و عباسیه درس گفت. اغلب شاعر هزالی بود، به همین خاطر به شاه هزال معروف شد. او علاوه بر علوم ادبی در حکمت هم دست داشت. مولف «تاریخ نظم و نثر»، اثری را به نام «شرح حکممه العین» به وی نسبت می‌دهد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۳۸۲ -۳۷۸ /۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۹۵ -۲۹۴)، حبیب السیر (۳۴۵ -۳۴۴ /۴)، فرهنگ سخنوران (۲۶۱)، مجالس النفائس (۲۳۵ -۲۳۴)، هفت اقلیم (۱۵۰ -۱۵۰ /۳).

هروی، حسینعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۲ -۱۲۹۷ ش)، استاد دانشگاه، نویسنده و مترجم. وی دوره‌ی لیسانس زبان‌های خارجی را در دانشسرای عالی گذرانـد و از دانشکده‌ی الهیات دکترا گرفت و سرانجام بعد از سالها که عهده‌دار خدمات فرهنگی بود، در همان دانشکده به تدریس زبان فرانسه پرداخت. هروی مقالات ادبی و نقدهایی در مورد کار دیگر اساتید در «دیوان» حافظ نوشته که به همت دکتر عنایت‌اللّه مجیدی به چاپ رسیده است. وی در تهران درگذشت و در گرگان، در کنار افراد خانـدان خود به خاک سپرده شد. از دیگر آثار وی: «شرح غزلهای حافظ»؛ «فرهنگ البسه مسلمانان»، ترجمه؛ «زندگینامه‌ی داستایوفسکی» هانری تروا، ترجمه؛ ترجمه‌ی جلد اول «تاریخ بزرگ جهان»؛ «درسهایی برای خوش زیستن در زندگی زناشویی»، ترجمه.[1]

محقق، مترجم، مدرس.

تولد: ۱۲۹۷.

درگذشت: ۶ اردیبهشت ۱۳۷۲، تهران.

حسینعلی هروی فارغ‌التحصیل دوره‌ِیر لیسانس زبان‌های خارجی از دانشسرای عالی بود. وی همچنین از دانشگاه الهیات موفق به اخذ درجه‌ی دکتری شد. وی در دانشکده‌ی ادبیات به تدریس زبان فرانسوی می‌پرداخت. آثار وی به شرح زیر هستند: ترجمه‌ی فرهنگ البسه (به قلم «دزی»)؛ زندگینامه‌ی داستایوسکی (اثر هانری تروا)؛ ترجمه‌ی تاریخ بزرگ جهان (یکی از مجلدهای آن)، زندگی پوشیکن، حافظ پژوهی (چهار جلد)، مقاله‌های ادبی و نقدهایی درباره‌ی آثار دیگران درباره‌ی حافظ که به همت دکتر عنایت‌الله مجیدی به چاپ رسید.

دکتر هروی به سبب بیماری ریوی در تهران درگذشت و بنا به وصیت خود در شهر گرگان در جوار بستگان خود به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۴۱۷/ ۲ ،۱۳۹۱/ ۱)، کلک (س ۴، ش ۳۸، ص ۱۵۳ -۱۵۱).

هروی، حیات

قرن:۱۰

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۹۶۲ ق، از زنان شاعر. وی از اهالی هرات و معاصر فخری هروی، مولف تذکره‌ی جواهرالعجایب بود. به نوشته‌ی وی، حیات گذشته از لطافت طبع از حسن و جمال نیز برخوردار بود.

غزل زیر از اوست:

عجب شیرین لبی لیلی عذاری کرده‌ام پیدا

در این ایام خوشحالم که یاری کرده‌ام پیدا

به یاد لعل شیرین می‌کنم چون کوهکن جانی

چو فرهاد از برای خویش کاری کرده‌ام پیدا

ز پا افتادم از اندوه هجران چون کنم یا رب

که این اندوه از دست نگاری کرده‌ام پیدا

چو مجنون می‌نهم رو بر کف پای سگ کویش

من دیوانه نیکو غمگذاری کرده‌ام پیدا

به یکدم صرف راه آن بت بیگانه وش کردم

«حیاتی» آنچه من در روزگاری کرده‌ام پیدا

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: جواهرالعجایب، ۱۳۸،۳۰۱؛ حدیقه عشرت، ۱۸.

هروی، رحیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۹۸ ق)، شاعر. مشـهور به رحیمی جهود. اصـلا از مردم هرات بود و در سمرقند تربیت یافت، مردی دانشمند و شاگرد مشفقی بود و از سـمرقند به هند می‌رفت که در قصبه‌ی دهنو در سرزمین حصار به منصب کتابداری یارمحمد سلطان بن رستم، سلطان رسید و در میانکال وفات یافت. رحیمی در اقسام مختلف شعر مخصوصا غزل استاد بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۹۷).

هروی، رکن‌الدین مسعود

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۶۷۱ ق)، حکیم و شـاعر. از بزرگـان فضـل و حکمت در عصـر خود و از مشـاهیر علما ماوراءالنهر بود. چنان چه در تعلیقات «لباب الالباب» آمده، عوفی در « جوامع الحکایات» او را از مشایخ خود شمرده است. سرانجام در واقعه‌ی حمله‌ی مغول به خراسان و ماوراءالنهر، وی با دیدن مظالم و مفاسد آنان، همراه با پسـرش به جنگ با مغولان می‌پردازد و در نهایت هر دو به شهادت می‌رسند. ظاهرا او داسـتان حضـرت یوسف را می‌نوشته ولی فرصت نکرده است که آن را به پایان برسانـد. رکن‌الـدین شـعر نیز می‌سـروده و اشعاری از وی نقل شده است که بیشتر رباعی می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مغول (۲۹)، تذکره‌ی روز روشن (۳۱۱)، صبح گلشن (۴۰۶)، فرهنگ سخنوران (۸۴۰)، لباب الالباب (۳۳۹، ۱۸۲ -۱۸۱/ ۱).

هروی، شمس‌الدین ابوعبداللّٰه، محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۸۲۹ -۷۶۷ ق)، فقیه شـافعی و قاضـی. اصـل وی از ری و گفته‌انـد از فرزنـدزادگان فخر رازی بود. در هرات به دنیا آمـد. در ابتـدا حنفی مـذهب بود و بعدها به فقه شافعی روی آورد و در آن سـرآمد شد. وی از شاگردان علامه سـعدالدین تفتازانی بود. وی مدتی در ملازمت تیمور گورکانی به سر برد. سـپس به فلسـطین سفر کرد و در ۸۱۵ ق عهده‌دار منصب تدریس در مدرسه صـلاحیه شهر بیت‌المقـدس گشت. آنگـاه چنـدی در مصر به قضاوت پرداخت و مشاغل دیوانی متعـددی را پـذیرا گشت. نهایتاً در قـدس سـکنی گزیـد و در آنجا بنای مـدرسه‌ای را آغاز کرد که نتوانست آن را به آخر برساند. او سـرانجام در بیت‌المقدس درگذشت. از آثارش: «تقریب الاحکام»، در فروع شافعی؛ «التنویر»، در تلخیص «الجامع الکبیر» شیبانی؛ «التمحیص»، در شرح «تلخیص جامع الکبیر»، در فقه حنفی؛ شرح «مصابیح السنهٔ» بغوی؛ «المنعم» یا «فضل المنعم»، در شرح «الصحیح» مسلم؛ شرح «مشارق‌الانوار» صغانی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الاعلام (۱۵۱ -۱۵۰/ ۷)، ایضاح‌المکنون (۴۹۰، ۱۹۹/ ۲)، شذرات‌الذهب (۱۹۰ -۱۸۹/ ۷)، الضوء اللامع (۱۵۵ - ۱۵۱/ ۸)، طبقات الشافعیه‌ی ابن قاضـی شهبه (۱۰۵ -۱۰۴/ ۴)، کشف‌الظنون (۴۷۳)، معجم‌المؤلفین (۲۹۴ -۲۹۳/ ۱۰)، هدیهٔ‌العارفین (۱۸۶ -۱۸۵/ ۲).

هروی، عبدالخالق

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، خطاط. از آثار وی یک قطعه از مرقع ثلث دو دانگ خوش و نسخ و رقاع خوش، با رقم: «مشـقه العبد... عبدالخالق بن حبیب‌الله الهروی» تاریخ تحریر ۹۷۷ ق؛ سور قرآن وزیری، به خـط نسـخ کتابت خفی متوسط و ثلث و رقاع جلی خوش، با رقم: «... عبدالخالق بن حبیب‌الله هروی...» ۹۸۶ ق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۹۹ / ۴)، هنر عهد تیموریان (۵۲۹، ۳۳۴).

هروی، عبداللّٰه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اوست: قرآن رحلی نسخ و رقاع کتابت عالی با رقم: «وفق به کتابها العبد الضـعیف عبداللّٰه بن سلطان محمد الهروی فی شهور سنهٔ ۹۸۹» در موزه‌ی اسلامی ترک.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

هروی، علاءالدین محمد

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۰۹ ق)، خطاط. از مردم رزه‌ی باخرز است و شاگرد بی‌واسطه‌ی سلطانعلی مشهدی. وی در کتابخانه‌ی امیر علیشیر نوایی پیوسته به مشق اشتغال داشت. از آثار او: نسخه‌ای از «خمسه‌ی» امیرخسرو دهلوی که اکنون چند صفحه‌ای از آن موجود است و به قلم کتابت خفی خوش نوشته شده و رقم «تمت علی ید اضعف... علاءالدین محمد الهروی فی شهور سنه‌ی تسع و تسعمائه...» دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۷۸۸ -۷۸۷ / ۳)، خوشنویسان و هنرمندان (۳۶ -۳۵)، مناقب هنروران (۶۵)، هنر عهد تیموریان (۳۹۴).

هروی، علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۱ ق)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به کاتب. از معروفترین استادان خوشنویس خط نستعلیق است. وی از سادات حسینی هرات بود و به واسطه‌ی کثرت اقامت در مشهد، بعضی او را مشهدی نیز خوانده‌اند. اینکه بعضی وی را اهل جام دانسته‌اند، اشتباه و خلطی است که با پیر علی جامی، شاگرد سلطانعلی مشهدی کرده‌اند. میرعلی در هرات به تحصیل دانش و کسب هنر پرداخت و سپس در دارالانشاء حکام هرات، به امر کتابت مشغول شد. پس از آن، به دربار سلطان حسین میرزا بایقرا راه یافت و از مقربان دربار وی گردید و به عنوان سلطانی و کاتب السلطانی مفتخر شد. وی تا ۹۱۱ ق، زمان مرگ سلطان حسین بایقرا، در هرات می‌زیست و پس از آن، گاهی در مشهد و گاهی در هرات به سر می‌برد. در ۹۱۹ ق نزد کریم‌الدین حبیب‌اللّه ساوجی رفت و پس از قتل او، مدت سه سال در هرات بود. در ۹۳۵ ق، وقتی عبیداللّه خان ازبک به خراسان هجوم آورد و به شهر مسلط شد، جمعی از امرا و بزرگان و هنرمندان آن دیار، از جمله میرعلی را به بخارا کوچ داد و او را به معلمی عبدالعزیز خان، فرزند خود، و امر کتابت سرکاری گماشت. درباره‌ی استاد میر علی در خط نستعلیق، بین تذکره‌نویسان اختلاف است و آنچه مسلم است اینکه، وی به هنگام جوانی در هرات، شاگرد زین‌الدین محمود، شاگرد بی واسطه‌ی سلطانعلی مشهدی، بوده است. میرعلی در اقلام مختلف نستعلیق دست داشته و کتیبه‌نویسی نیز می‌کرده است. او را به حسن محاوره و شیرین سخنی نیز ستوده‌اند و گویند عبدالرحمان جامی به وی عشق می‌ورزیده است. میرعلی در نظم و نثر هم تبحر داشت و شعر فارسی و ترکی را نیکو می‌سرود و به آورده‌ی «احوال و آثار خوشنویسان»، از قول صاحب «ریاض الشعراء»، کاتب تخلص می‌کرد و «دیوان» شعری از او به جای مانده است. وی نثر را شیوا می‌نوشت و رساله‌ی «مداد الخطوط» او در آداب خوشنویسی، از معروفترین آثار خوشنویسی است که به چاپ نیز رسیده است. میر علی حدود شانزده سال در بخارا روزگار گذرانید و همان جا درگذشت و در صفه‌ی مولانا صالح، در جوار مزار شیخ سیف‌الدین باخرزی، به خاک سپرده شد. از شاگردان معروف وی: میر محمدباقر، خواجه محمد شهابی سیاوشانی، سید احمد مشهدی، مالک دیلمی، سلطان محمود بخاری و میر دوری هستند. بعضی از آثار خطی او: یک نسخه «بوستان» سعدی، به قلم کتابت عالی، با رقم: «تمت علی ید العبد... علی الحسینی الکاتب... سنهٔ ۹۱۹»؛ یک نسخه «هفت اورنگ» جامی، به قلم کتابت عالی، با رقم: «خدم بکتابتها العبد المذنب علی الحسینی الهروی... سنهٔ ثمان عشرین و تسعمائهٔ...»؛ یک نسخه «جام جم» اوحدی، به قلم کتابت ممتاز، با رقم: «کتبه العبد... علی الحسینی الکاتب... سنهٔ ثلثین و تسعمائهٔ، بدار السلطنهٔ هراهٔ»؛ «مناجات» خواجه عبداللّه انصاری، به قلم دو دانگ عالی، با رقم: «کتبه العبد... علی الکاتب، فی سنه ۹۳۵، بلدهٔ بخارا»؛ «گلستان» سعدی، به قلم کتابت جلی خوش، با رقم: «کتبه العبد المذنب میرعلی الکاتب»؛ یک ورق از یک بیاض کوچک، به قلم غبار ممتاز، با رقم: «تمت علی ید احقر الکاتبین علی الحسینی الکاتب، فی شهور سنهٔ خمس و ثلثین و تسعمائهٔ...»؛ قریب سیصد قطعه، به قلم‌های گوناگون، با تاریخ‌های ۹۲۵ تا ۹۵۱ ق، در کتابخانه‌ها و موزه‌های مختلف.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۵۱۶ -۴۹۳ / ۲)، اطلس خط (۴۷۸ -۴۷۳)، پیدایش خط و خطاطان (۱۲۵ -۱۲۳)، پیدایش و سیر تحول هنر خط (۱۳۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۲ / ۴)، تاریخ هنرهای ملی (۸۸۲، ۸۷۸ / ۲)، تحفه سامی (۷۴)، تذکره‌ی روز روشن (۶۶۹ -۶۶۸)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۲۵)، حبیب السیر (۶۱۸ -۶۱۷ / ۴)، خوشنویسان و هنرمندان (۴۰ -۳۸)، دایرةالمعارف فارسی (۱۷۶۶ / ۲)، الذریعه (۲۳۵ / ۲۰ ،۷۶۵ -۷۶۴ / ۹)، ریحانه (۳۶۵ -۳۶۴ / ۶)، صبح گلشن (۴۸۱)، طرائق الحقائق (۶۸۳ -۶۸۲ ،۱۲۰ / ۳)، عالم آرای عباسی (۱۷۰ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۶۵۰)، کارنامه‌ی بزرگان (۸۶ -۸۴)، گلستان هنر (۸۴ -۷۸)، لغت نامه (ذیل/ علی هروی)، مجالس المؤمنین (۴۹۱ -۴۹۰ / ۲)، مجالس النفائس (۲۶۲ ،۸۸)، مجمع الخواص (۹۰ -۸۹)، مطلع الشمس (۴۴۷ -۴۴۶ / ۲)، مناقب هنروران (۱۱۴ ،۷۹ -۷۲)، هنر عهد تیموریان (۷۴۲ -۷۳۸ ،۷۱۳ ،۷۰۱ ،۶۴۶ ،۶۱۷ ،۵۳۷ -۵۳۵ ،۴۸۶ -۴۸۵ ،۳۹۲ ،۳۵۲ ،۳۳۱ ،۳۰۰ -۲۹۹ ،۲۹۸)، یادگار (س ۱، ش ۳، ص ۳۱ -۱۷).

هروی، مجید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: علوم، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی شیمی از دانشگاه ملی ایران در سال ۱۳۵۴، کارشناسی ارشد شیمی (هتروسیکل) از دانشگاه سالفورد انگلستان، دکترای شیمی آلی از دانشگاه سالفورد انگلستان، فوق دکترای شیمی آلی از دانشگاه کالیفرنیا ریورساید آمریکا.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شیمی، شیمی آلی، شیمی دارویی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۷ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۱ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شیمی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۹

زمینه علمی مقالات:

شیمی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

هروی، محمد ابراهیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۵۶ ق)، خطاط. از آثار وی: یک قطعه از مرقع مالک دیلمی، رقاع دو دانگ عالی، با رقم: «کتبه محمد ابراهیم بن حسن الهروی فی شهور سنهٔ ۹۵۶».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۳۷/ ۴).

هروی، محمد امین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۹۳ ق)، خطاط. وی معاصر محمد امین مشهدی بود. از آثار وی: یک نسخه «یوسف و زلیخا» و «تحفهٔ الاحرار» و «سبحهٔ الابرار» و «خردنامه‌ی اسکندری»، به قلم کتابت جلی متوسط، که چنین تمام می شود: «تمام گردید... کتبه الفقیر محمد امین الکاتب الهروی... سنه‌ی ۹۹۳»؛ قطعه ای از یک مرقع، به قلم دو دانگ خوش، با رقم: «مشقه محمد امین الهروی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۵۱/ ۳).

هروی، محمد تقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند حسین علی بن رضا ابن اسماعیل حائری اصفهانی.

عالم فاضل محقّق کثیر التألیف و التصنیف، در رمضان المبارک سال ۱۲۱۷ در شهر هرات متولّد شده، و مقدّمات علوم را در آنجا آموخته، در ۱۲۳۵ به اصفهان مهاجرت نموده و نزد شیخ محمّد تقی رازی، و حاج محمّد ابراهیم کلباسی، و سید محمّد باقر حجّهٔ الاسلام بید آبادی تحصیلات خود را تکمیل نموده، و در نجف به درس شیخ محمد حسین صاحب فصول، و شیخ محمّد حسن صاحب جواهر، و در کربلا به درس حاج سید کاظم رشتی، و میرزا علی نقی طباطبائی حاضر شده، سپس به اصفهان مراجعت

نموده، و ریاست کلّی و مرجعیّت تام یافته، و در اواخر عمر به مناسباتی از اصفهان به کربلا مهاجرت فرموده، و در آن ارض اقدس مجاور گردیده، و در ۱۷ ربیع الاول سال ۱۲۹۹ وفات یافته، در مقبره صاحب ضوابط در صحن کوچک حسینی مدفون گردید.

کتب زیر از اوست:

۱- الاربعین، در اخبار اصول دین ۲- توضیح الحساب ۳- تلخیص تحفهٔ الابرار استادش سیّد شفتی ۴- تنبیه الغافلین، ردّ بر باب ۵- التعاد و التراجیح ۶- تعلقه بر حواشی شیروانی بر معالم ۷- الحدیقهٔ النجفیّهٔ حاشیه بر شرح لمعه ۸- حجّیّت مظنّه مطلق ۹- حاشیه بر خلاصهٔ الحساب شیخ بهائی ۱۰- حاشیه بر قوانین ۱۱- خلاصهٔ البیان، در تفسیر مشکلات قرآن ۱۲- الدرر المنثوره ۱۳- رساله در بطلان طلاق به عوض ۱۴- رساله در عدالت ۱۵- رساله در عرق جنب از حرام ۱۶- رسالهٔ فی العصیر بأنواعها ۱۷- رساله در زوال، و آن شرح بر مبحث زوال روضهٔ البهیّه است ۱۸- السبع المثانی، در احوال معصومین چهارده گانه ۱۹- سوال و جواب، در مسائل روزه و زکات، به عربی و فارسی ۲۰- شرح خطبه همّام ۲۱- شرح دعای ابوحمزه - شرح روضهٔ البهیّهٔ ۲۲- طریق النجاهٔ ۲۳- عیون الاحکام ۲۴- کاشف الاستار [در شرح تلخیص تحفهٔ الابرار] ۲۵- لوامع الفصول = [شرح مبادی الوصول] ۲۶- لطائف الفوائد ۲۷- مقاصد العلّیهٔ ۲۸- مبادی الاصول ۲۹- مشارع ۳۰- مناسک حج ۳۱- المطلق و المقیّد ۳۲- ملخّص تفسیر آیهٔ الکرسی [سید کاظم رشتی] ۳۳- الموت و البرزخ ۳۴- المناقب الحسینّیهٔ ۳۵- مجالس المواعظ ۳۶- نتایج الافکار، در اصول فقه ۳۷- نهایهٔ الامال، معروفترین تألیف او ۳۸- دو کتاب در ردّ باب و بابیّه.

نقل شده است که در اصفهان متهّم به بابیّت و میل به طریقه ایشان داشته، و به همین دلیل سه جلد کتاب در ردّ آنها نوشته، و بالاخره مجبور به مهاجرت از این شهر گردیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هروی، محمد حسین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن وزیری، جلد ضربی مذهب، دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مذهب مرصع عالی. نسخ کتابت خفی عالی با رقم: «... محمدحسین ابن محیی هروی...» سال ۹۴۴ در موزه‌ی ایران باستان.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

هروی، محمد عارف

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن وزیری، جلد روغنی جدید نسخ کتابت خفی خوش شبیه شیوه‌ی یاقوت با رقم: «کتبه العبد... محمد عارف الهروی» (قرآن ۹ -۸).

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

هروی، محمد مؤمن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۰۱۸ ق)، خطاط. وی برادر محمدحسین مجلد بود که سالها با برادر خود، در کتابخانه خان خانان به کارهای هنری اشتغال داشتند. محمد مؤمن نستعلیق جلی و خفی را استادانه می‌نوشت و کتابهای زیادی به خط خود در کتابخانه خان خانان به یادگار گذاشته است. او در هنگام تألیف «مآثر رحیمی»، ۱۰۲۵ ق، درگذشته بوده است. از آثار وی: یک نسخه «دیوان» امیرشاهی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «تمت الکتاب... بتاریخ شهر محرم‌الحرام سنهٔ احدی و سبعین و تسعمائهٔ، علی ید العبد المذنب محمد مؤمن بن محمود الکاتب...»؛ یک نسخه «شاهنامه‌ی» فردوسی در دو مجلد، از سلسله کتابهایی که برای خان خانان نوشته است، به قلم کتابت عالی، با رقم: «محمد مؤمن بن شاه محمود الهروی، فی شهور سنه‌ی ۱۰۱۳»؛ یک نسخه رساله‌ی «موجودات و موجودیت فارسی»، از میر سید شریف، به قلم کتابت خفی، با رقم: «این نسخه‌ی شریفه فی شهور سنه ثمان عشر و الف هجریهٔ النبویهٔ... بمقام بلده‌ی برهان‌پور صورت اتمام پذیرفت، کتبه العبد محمد مؤمن الهروی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۸۴۷ -۸۴۶/ ۳)، مآثر رحیمی (۱۶۸۰/ ۴).

هروی، محمدباقر

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۸۷ ق)، خطاط. وی شاگرد پـدر خود بود. میرزا سنگلاخ و به تبعیت او سپهر و میرزا حبیب، وی را پدر میرعلی دانسته و به او لقب ذوالکمالین داده‌انـد. محمـد باقر جز نستعلیق، خط تعلیق را نیز خوش می‌نوشت. بنا به نوشتـه‌ی بعضـی از تذکره‌نویسان در علم کلام و حکمت بی‌مانند بود و کتابی در رد «شـرح اشارات» خواجه نصـیرالدین طوسی تألیف کرده است. او به هندوستان سفر کرده و ظاهرا به دربار همایون‌شاه (۹۶۲ -۹۳۷ ق) راه یافته است. از شاگردان وی، محمدحسین هروی و محمـد امین را نام برده‌اند. میرزا حبیب وفـاتش را در هشتاد و هشت سالگی، در هندوستان دانسته است. از جمله بهترین آثار او مقـدمه‌ای می‌باشـد که بر مرقعی به خط پـدر خود، میرعلی هروی، نوشته است، به قلم دو دانگ عالی، با رقم: «... فقیر بی‌بضاعت و حقیر بی‌استطاعت... محمـدباقر بن علی الحسینی الکاتب...». از دیگر آثار وی: یک قطعه به قلم سه دانگ جلی و نیم دو دانگ عالی، با رقم: «کتبه العبـد محمدباقر بن میرعلی...»؛ یـک قطعه از مرقع، به قلم نیم دو دانگ خوش، با رقم: «فقیر محمـدباقر بن میرعلی»؛ یک قطعه از مرقع، به قلم سه دانگ خوش، به سفیداب، با رقم: «فی سنه‌ی ۹۸۲ باقر الهروی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۶۶۱ -۶۵۹/ ۳)، اطلس خط (۴۷۸)، پیدایش خط و خطاطان (۱۰۰)، تاریخ هنرهای ملی (۸۸۲/ ۲)، ریحانه (۲۷۰/ ۲)، گلستان هنر (نوزده)، مناقب هنروران (۱۰۳، ۸۲، ۷۶)، هنر عهد تیموریان (۶۲۴، ۵۲۲).

هروی، محمود

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۰۹ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به نجاتی. وی از شاگردان میرعلی هروی است که با استاد خود به بخارا رفته و آنجا مقیم شده است. بعید نیست که این سلطان محمود، همان محمود عیشی هروی، معصار امیرعلیشیر نوایی، باشد. او جز حسن خط نستعلیق، از تهیب نیز سررشته داشته است. از آثـار او: قطعه‌ای به قلم دو دانگ و کتابت خوش، با رقم: «کتبه العبـد سلطان محمود غفر ذنوبه»؛ یک نسخه «مثنوی» مولوی، با رقم: «تمام شد دفتر اول مثنوی مولوی... سلطان محمود کاتب الهروی» و در دفتر دیگر، با رقم: «تمت الکتابه... سنه‌ی تسع و تسعمائه... سلطان محمود الکاتب... » و در دفتر دیگر، پس از رقم، «سنه‌ی نهصد و هفت».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۸۱/۱)، خوشنویسان و هنرمندان (۴۷)، الذریعه (۱۱۷۲/۹)، گلستان هنر (۴۸)، مناقب هنروران (۷۷)، هنر عهد تیموریان (۳۶۱ -۳۶۰).

هروی، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۷۳/ ۱۲۷۰ ق)، عـالم دینی، فقیه، اصولی و متکلم. به نجف رفت و در محضـر شیخ محمـد حسن صـاحب «جواهر» تلمذ نمود. آنگاه خود به بحث و تـدریس و تألیف پرداخت. وی بعـدها به تهران آمـد. حاج شیخ محمـدباقر بیرجنـدی، صاحب «کبریت الاحمر»، در اجازه‌ای که برای آیت‌اللّه سید شهاب‌الدین نجفی مرعشـی صادر نموده، صاحب عنوان را ستوده است. وی در تهران درگذشت. پیکرش را به مشهد منتقل کردند و در بقعه‌ی شیخ‌بهائی به خاک سپردند. از آثارش: شرح «نجاةالعباد»؛ «درایةالحدیث».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :اعیان‌الشیعه (۱۴۳ / ۱۰)، الـذریعه (۱۰۲ / ۱۴، ۵۶ / ۸)، معجـم رجـال الفکر والادب فی النجـف (۴۸۱ -۴۸۰ / ۲)، معجم‌المؤلفین (۲۶/ ۱۳).

هروی، میرک

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۹۳۲ ق)، خطـاط و شـاعر، متخلص به میرک. پـدرش وزیر بـدیع‌الزمان میرزا بود. میرک در حسن خط سرآمد اقران بود. او عاقبت به قتل رسید و در هرات مدفون گشت. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

بیا ساقی بده جامی به من از روی یاری‌ها

که دیگر نگذرد در خاطرم دنیا و مافیها

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :تاریـخ نظم و نثر (۶۶۱)، تحفه سامی (۵۲)، الذریعه (۱۱۴۲/ ۹)، ریحانه (۷۸ -۷۷/ ۶)، صبح گلشن (۴۸۴ -۴۸۳)، فرهنگ سخنوران (۹۰۲ -۹۰۱)، لغت نامه (ذیل/ میرک).

هروی، نجم‌الدین، مسعود

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، عالم و شاعر. از علمای معروف عصر خود و ملازم همایون‌شاه (۹۶۳ -۹۳۷ ق) می‌باشد. از وی اشعاری در تذکره‌ها نقل شده است. در «کاروان هند» آمده که ممکن است وی با مولانا مسعود حصاری، که ماده تاریخ فوت همایون پادشاه را یافته، یکی باشد. از اوست:

ای زلف تو از ابجد خوبی جیمی

وز میم عدم دهان تنگت نیمی

اوراق گل و لاله به دور رخ تو

افتاده ز کار، چون کهن تقویمی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۵۹)، صبح گلشن (۴۰۷ -۴۰۶)، فرهنگ سخنوران (۸۴۰)، کاروان هند (۱۲۹۲ -۱۲۹۱/ ۲).

هروی، ولی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، شاعر، متخلص به ولی. اهل خراسان بود و در دستگاه محمد بایسنقر (۸۳۸ -۸۰۲ ق) و میرزا ابوالقاسم بابر قراقوینلو خدمت می‌کرد. زمانی که پیر بوداق میرزا (م ۸۷۰ ق) به هرات رفت و شاعران آنجا را با خود به شیراز برد، ولی هروی نیز جزو آنان بود. به آورده‌ی «تاریخ نظم و نثر» وی پیش از تألیف تذکره‌ی «مجالس‌النفائس» (۸۹۶ ق) در شیراز درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۳۰۶)، الذریعه (۱۲۸۱/ ۹)، صبح گلشن (۶۰۱)، فرهنگ سخنوران (۹۸۹)، مجالس‌النفائس (۴۰).

هروی، یوسف شاه

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۸۵۱ ق)، خطاط. از آثار وی: کلمات حضرت امیر، ثلث سه دانگ جلی ممتاز و نسخ کتابت یاقوتی عالی، با رقم: «تم شعر الافوه علی ید العبد... یوسف شاه الهروی نقل من خط السلطان الکتاب یاقوت طیب اللّه مرقده»؛ یک صفحه از مرقع ریحان، ثلث سه دانگ جلی عالی، نسخ یاقوتی و رقاع کتابت خوش، با رقم: «مشقه العبد الضعیف المحتاج الی رحمهٔ اللّه الغنی یوسف شاه الهروی فی العشر الاخر من رمضان المبارک سنهٔ احدی و خمسین و ثمانمائهٔ ۸۵۱ الهجرهٔ النبویهٔ...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۳۶ -۱۲۳۵/ ۴).

هریسی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خوشنویس.

تولد: ۱۲۸۲، تبریز.

درگذشت: ۴ بهمن ۱۳۶۲، تبریز.

حسن هریسی، فرزند عبدالکریم، (که خود از روحانیون و مدرسین حوزه‌های علمیه بود) از سن دوازده سالگی به مدرسه طالبیه رفت. پس از فراگیری قرآن و گلستان سعدی و صرف و نحو و منطق و فقه و اصول، به خوشنویسی روی آورد. خط نستعلیق را در محضر اساتید خط نظیر سید علی‌نقی قاضی طباطبایی و ذبیح‌السلطنه باتمانقلیچ و باقر فخرالکتاب و خط نسخ را در حضور استاد احسن‌الخط (میر علی اهرابی) آموخت و آنگاه به تدریج در ردیف و رده‌ی استادان قرار گرفت.

استاد هریسی به سال ۱۳۰۷ در سن بیست و پنج سالگی به عنوان معلم خوشنویسی در مدارس تبریز خدمات فرهنگی خود را آغاز کرد و تا سال ۱۳۳۵ که بازنشسته گردید به این کار اشتغال داشت. پس از آن کار تعلیم را در منزل شخصی خود به طور خصوصی ادامه داد و از سال ۱۳۴۷ در خانه فرهنگ تبریز شروع به آموزش خوشنویسی کرد.

استاد علاوه بر کتابچه‌ها و جزوات رسم‌المشق از خود به یادگار نهاده است، کتاب‌های فراوانی از جمله سه نسخه قرآن مجید، سه نسخه مفاتیح‌الجنان، یک نسخه منتهی الامال، یک نسخه معراج السعاده، دو جلد غرر الحکم، یک جلد صحیفه سجادیه، ده جلد

نهج‌البلاغه منظوم و منثور ترجمه‌ی محمـدعلی انصاری و نزدیـک به بیست جلـد کتـاب درسـی و گلسـتان سـعدی و مجموعه‌هـای مختلف نظم و نثر را نیز کتابت کرده است.

وی علاوه بر خوشنویسی، طراحی سر فصل کتاب‌ها نیز می‌کرد و نمونه‌اش در صفحات اول کتابت کلام‌الله مجید دیده می‌شود.

استاد در چهارم بهمن ۱۳۶۲ در هشتاد سالگی بر اثر سکته‌ی مغزی در تبریز درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

هزار جریبی مازندرانی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۴۵ –۱۱۸۸ ق)، عالم دینی و فقیه. مشـهور به فقیه مطلق. جامع علوم معقول و منقول بود. در نجف به دنیا آمـد. پـدر و جـدش از علمای بزرگ بودند. وی در نجف از حوزه درس سید مهدی بحرالعلوم و شیخ جعفر کاشف‌الغطاء بهره‌مند گشت و در شمار افاضل علما و فقهای نجف درآمد. بعد از وفات پدرش راهی ایران شد و در قم ملازمت میرزا ابوالقاسم قمی، صاحب «قوانین»، اختیار نمود و از مجلس درس وی اسـتفاده‌ی کامل برد و از خواص اصـحاب او گردید. او همچنین از محضـر ملا احمد نراقی و سید محمدجواد حسـینی عاملی، صاحب «مفتاح الکرامـهٔ»، اسـتفاده نمود و از اساتیـد خود همچون میرزای قمی و ملا احمد نراقی و سـید محمدجواد حسینی عاملی اجازه اجتهاد دریافت نمود. صاحب عنوان طرف توجه و اعتماد میرزای قمی بود و میرزا به همین مناسبت نسخه اصلی کتاب «قوانین» را به وی اعطا کرد. مـدتی در ارومیه و تبریز به تـدریس و تبلیغ پرداخت و از آنجا به اصـفهان رفت و دختر میرزا باقر نواب، مفسر قرآن و شارح «نهج‌البلاغه»، را به همسـری گرفت و پس از چندی در قمشه از توابع اصفهان سکنی گزید. او به بیماری وبا در قمشه درگـذشت و در بقعه امامزاده سـید علی‌اکبر دفن شد. فرزندش، شـیخ محمدحسن، نیز از علمای بزرگ بود. از آثارش: کتاب «القضاء»؛ «مخزن‌الاسرار»، در حاشیه بر «شرح لمعه»؛ «تکملهٔ القواعد الدینیهٔ»، در شرح «قواعد» علامه حلی؛ «الکواکب الباهرهٔ»، حاشـیه بر «قواعـد» شـهید اول؛ «البحر الزاخر»؛ «کنزالکنوز»، در حاشـیه بر مبحث «طهـارهٔ» از کتـاب «مـدارک»؛ «رمزالرموز»؛ «اللآلـی المتلألـئهٔ»، در اصول فقه؛ «مجمع العرائس»، در حاشیه بر «معالم الاصول»؛ «حلال الغوامض»، در حاشـیه بر «قوانین»؛ «مفتاح الکنوز»، در تعلیقه بر «شوارق» و «تجریـد» و حواشـی و شـروح «تجریـد»؛ «البـدر الباهر»، در تفسیر بعضـی از آیات؛ «السـراج المنیر»، در فوائد رجالیه؛ «انیس المشتغلین»، در حکایات و مفاکهات؛ «تبصرهٔ المستبصرین»، در امامت؛ «محیی الرفاهٔ»، در قصاید عربی و شرح آن.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۲۶/ ۱۰)، تذکرهٔ‌القبور (۲۶۶ –۲۵۶)، الذریعه (۲۲۲ ،۳۳/ ۲۰ ،۲۶۲، ۱۷۸، ۱۶۳/ ۱۸ ،۱۳۷ ،۱۳۶– ۱۳۷/ ۱۷ ، ۲۰۲/ ۱۵ ،۶۶ ،۶۵– ۱۳ /۶۵ ،۲۴۹ ،۳۰/ ۱۱ ،۲۸۰/ ۷ ،۱۷۷ ،۹۵/ ۶ ،۴۱۵/ ۴ ،۳۲۴– ۳۲۳ ،۶۷ ،۳۹/ ۳ ،۴۶۶ ،۳۳۰/ ۲ ،۳۰۲– ۳۰۱/ ۱)، روضات‌الجنـات (۱۵۰ –۱۴۶ / ۷)، فوائـد الرضـویه (۵۷۷ –۵۷۶)، معجـم رجـال الفکر والاـدب فی النجـف (۱۳۳۳ –۱۳۳۲ / ۳)، معجم‌المؤلفین (۴۴/ ۱۱)، مکارم‌الآثار ۱۲۲۸ –۱۲۲۳/ ۴۰).

هزار جریبی، محمد صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از جمله علما و اخیار بوده، در ۱۲۰۳ وفات یافته، قبرش در صحن تکیه میرزا رفیعا قرار داشت که فعلًا آثار آن از بین رفته است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هزار جریبی، محمد علی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم جلیل القدر، از تلامذه محقّق قمی، و آقا سـید جواد عاملی، و حاج سـید مهدی بحر العلوم، و حاج ملا احمد نراقی، و آقا شـیخ جعفر نجفی می‌باشد.

مـدّتها در ارومیه و تبریز بوده و در آنجـا تـدریس می‌فرموده، اخیراً به اصـفهان آمـده و داماد میرزا محمّـد باقر نوّاب شـده، و به فقیه مطلق شهرت یافته، و در مسجد ذوالفقار امامت می‌نموده.

و تألیفات و تصنیفات زیاد دارد، از آن جمله است:

۱– انیس المشتغلین ۲– البحر الزاخر ۳– جوابات المسائل ۴– حاشیه بر قواعد شهید ۵– حاشـیه بر قواعد علّامه ۶– حاشیه بر طهارت مدرک ۷– حاشـیه بر شـرح لمعه [=مخزن الاسـرار الفقهیهٔ] ۸– حاشـیه بر نکاح شرایع ۹– حاشـیه بر شوارق و تجریـد ۱۰– حاشـیه بر قوانین – حاشـیه بر معالم (= مجمع العراش الوجیهـهٔ) ۱۲– رسـاله در نماز ۱۳– رسـاله در امامت ۱۴– رسـاله در رجال ۱۵– رساله در نکاح عدّه ذّمیّه ۱۶– سراج المنیر، در فوائد رجالیّه، (شاید شماره ۱۴ باشد) ۱۷– شرح احادیث مشکله – شرح روضهٔ البهیّه (= حاشیه بر شرح لمعه) ۱۸– کتابی در اصول ۱۹– کتابی در قصاید و شـرح آنها ۲۰– کتـابی در فقه: در نمـاز مسافر و نکاح و طلاق و دیات

[=البحر الزخر]، پر فایده و کثیر الفروع ۲۱- مجمع العرائس [=حاشیه بر معالم]؛ و غیره.

در اواخر عمر به شهرضا منتقل گردیده و این مهاجرت سبب گمنامی او شده است. در هر صورت، از مجتهدین بزرگ است، و از او کرامات و استجابت دعا و ترویجات و زهد و تقوی معروف است.

در ۱۲ رجب ۱۱۸۸ متولّد، و در شب شنبه ۱۸ ربیع الثانی ۱۲۴۵ در شاه سید علی اکبر در نزدیکی شاهرضا به مرض وبا وفات یافته و در همانجا مدفون گردید. قبرش داخل بقعه امام زاده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هزار، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا هزار

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات حوزوی را از سال ۱۳۷۱ در شهر مشهد مقدس آغاز و از همان تاریخ هم تحصیلات دانشگاهی را در دانشگاه «الهیات فردوسی مشهد» شروع کردم. در سال ۷۷ ـ ۷۶ به قم آمدم و تحصیلات حوزوی و دانشگاهی ام را ادامه دادم و در سال ۷۹ ـ ۷۸ موفق به اخذ کارشناسی ارشد در رشته «الهیات علوم قرآن و حدیث» شدم. سپس به لبنان رفتم و مدتی در آنجا به ادامه تحصیلات پرداختم و کارشناسی «روان شناسی» را از آنجا دریافت کردم. در سال ۸۴ ـ ۱۳۸۳ نیز موفق به اخذ دکتری در رشته الهیات از دانشگاه ICIS کشور انگلستان شدم.

در طول ۷ سال گذشته در شهر قم، در پژوهشکده دارالحدیث قم و در واحدهای احیاء تراث، فهرستگان نسخ خطی؛ و غیره فعالیت کرده ام. مدتی نیز در واحد احقاق الحق، کتابخانه آیهٔ الله مرعشی نجفی به پژوهش مشغول بوده ام. از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۱ نیز در مؤسسه فرهنگی توحید مشغول به کار بوده ام. از سال ۱۳۸۰ تاکنون هم در دانشگاههای مختلفی مانند دانشگاه قم؛ دانشگاه آزاد قم، دانشگاه تهران، دانشگاه آزاد نراق، دانشگاه جامع علمی ـ کاربردی و دانشکده علوم حدیث شهر ری به تدریس اشتغال داشته ام.

کارگاههای تخصصی مختلفی نیز مانند کارگاه بهداشت روانی از دیدگاه اسلام، فنون و هنر تدریس، دانسته ها و بایسته های ازدواج، آرامش جوان و غیره نیز در دانشگاه های مختلف کشور به ویژه در دانشگاه بو علی سینا همدان توسط بنده اجرا و انجام شده است. تاکنون ۱۵ عنوان کتاب و بیش از ۳۰ مقاله، منتشر کرده ام. آخرین کار علمی انجام شده ام: «نظارت علمی بر طرح کلان تدوین مآخذ شناسی امام علی علیه السلام» بوده است که توسط پایگاه اطلاع رسانی پارسا انجام شده است.

هزارجریبی، عبدالرزاق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ عبدالرزاق هزار جریبی که از علماء ربانی و صاحب تالیفات و تصنیفات زیر می‌باشد:

۱- ذریعه النجاه فی یوم المعاد در اصول دین و مذهب.

۲- کتابی مفصل در فقه.

۳- کتابی مبسوط در اصول - که هیچ کدام به طبع نرسیده است.

آن مرحوم سطوح را در مازندران خود آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و مدت دوازده سال از اساتید آن زمان بهره‌مند شده تا به درجه علیای از علم و اجتهاد رسیده و از جهت مقام علمیت و تقوا و زهد و ورع و مخالفت با هوای نفس به درجه کامل نائل و کرامات زیادی از ایشان نقل شده که محل ذکر نیست.

معظم‌له پس از مراجعت به وطن خود سالها کوشش در ترویج دین در استان مازندران نموده تا در همان سال دعوت حق را اجابت و در آنجا موقتا مدفون و بعد بنابر وصیتش حمل به نجف اشرف و در جوار امیرالمومنین علیه الصلوات والسلام مدفون گردید. و آن مرحوم معاصر جناب حجت‌الاسلام حاج ملامحمد اشرفی (مدفون در بابل) بوده و با هم مکاتبه و مرابطه داشته‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

هزارجریبی، علی اصغر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملا علی‌اصغر هزار جریبی (ف.– ۱۲۱۳ ه.ق) معلم عباس میرزا نایب‌السلطنه و محمدقلی میرزا و حسینعلی میرزا.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

هژار، عبدالرحمان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۹ –۱۳۰۰ ش)، محقق، مترجم، فرهنگ‌نویس، نویسنده و شاعر، متخلص به هژار. در مهاباد به دنیا آمد. در پنج سالگی نزد پدرش قرآن آموخت و سپس مدتی به مکتب خانه رفت و از آنجا رهسپار خانقاه شیخ برهان شد و پس از فراگرفتن مقدمات، به روستاهای اطراف عزیمت کرد و در کلاس درس تنی چند از مدرسین علوم اسلامی آن زمان حاضر شد. علاقه‌ی شدید عبدالرحمان به زبان و ادبیات کردی چنان بود که بسیاری از دواوین شعرای کردی را خوانده بود و بیشتر آنها را از حفظ داشت. وی جزو نخستین کسانی بود که در جمعیت تجدید حیات کردستان عضو شد. آنگاه بود که شعر و شاعری را از سر گرفت و اشعاری را سرود و از طرف قاضی محمد (مقتول ۱۳۲۶ ش) شاعر ملی لقب گرفت و نخستین «دیوان» شعرش را که «آلکوک» نام داشت منتشر کرد که این کتاب به زبان ترکی نیز ترجمه شده است. وی در پی مبارزاتش به کشورهای عراق و سوریه و لبنان سفر کرد و هنگامی که از لبنان به عراق بازگشت به عضویت مجمع علمی آن کشور درآمد. وی علاوه بر آن، عضو آکادمی علوم آذربایجان شوروی و آکادمی علوم کُرد در بغداد و از اعضای اصلی آکادمی علوم کُرد در پاریس بود. او با دوست دیرینه‌اش هیمن در ایجاد و تأسیس مرکز نشر فرهنگ و ادب کرد، انتشارات صلاح‌الدین ایوبی و نشر مجله‌ی کردی «سروه» تلاش فراوانی از خود نشان داد. وی در ۱۳۵۳ ش به ایران آمد و در دانشگاه تهران، ترجمه‌ی کتاب «قانون در طب» ابوعلی سینا را آغاز کرد و با ترجمه‌ی این کتاب به عضویت فرهنگستان زبان فارسی درآمد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران او مجال یافت در زمینه‌ی ادبیات و زبان کردی به فعالیت بیشتری بپردازد. مقبره‌ی هژار در قبرستان بداغ‌السلطان در مهاباد می‌باشد. از دیگر آثار وی ترجمه‌ی از فارسی به کردی کتابهای: «رباعیات خیام»، «شرف‌نامه» شرف خان بدلیسی، «یک جلوش بی‌نهایت صفرها» دکتر علی شریعتی، «آری این چنین بود برادر» دکتر علی شریعتی و «عرفان، برابری، آزادی» دکتر علی شریعتی؛ ترجمه از عربی به فارسی کتابهای: «تاریخ سلیمانیه» و «روابط فرهنگی ایران و مصر»؛ ترجمه‌ی قرآن کریم، به کردی؛ «فرهنگ جامع کردی به کردی و فارسی»؛ «دیوان» شعر با نام «بو کوردستان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :ادبستان (س ۲، ش ۱۰، ص ۳۳ –۳۱)، تاریخ مشاهیر کرد (۶۹۱ –۶۷۸/ ۳)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد مرحوم عبدالرحمان شرفکندی (هژار)، کلک (س ۲، ش ۱۳، ص ۲۵۵ –۲۵۲)، کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۵، ص ۶ –۱، س ۸، ش ۴، ص ۵۴).

هژیرکیانی، کامبیز

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:–، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: اقتصاد، دانشکده: اقتصاد، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای اقتصاد ریاضی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

برآورد تابع مصرف جمعی در ایران، آثار سوبسید کود به محصولات عمده کشاورزی، برآورد موجودی سرمایه در زیر بخش‌های اقتصاد ایران، توابع عرضه و تقاضای پول، پول، کشاورزی، تولید، تجارت بین‌الملل، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

اقتصاد سنجی، آمار، اقتصاد ریاضی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

مصرف، پول و سیاستهای پولی، کشاورزی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

هسته‌ای، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند محمد رضا، از اعقاب شیخ زین‌الدین بن عین علی خوانساری.

عالم فاضل، و واعظ کامل، از معمرین اهل علم و فضل، سال‌ها در نجف خدمت علمای آن سامان تلمذ فرموده، و در حدود سال ۱۳۲۵ به اصفهان مراجعت کرده، و سال‌ها در این شهر امامت و تدریس نموده، سپس به طهران مسافرت کرده، و در دستگاه مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری شهید وارد شده، و از خواص آن عالم جلیل‌القدر واقع شده.

پس از وقعه‌ی شهادت او به اصفهان آمده، و تا آخر عمر گاهی در اصفهان، و زمانی در طهران ساکن، و به وعظ و خطابه و ارشاد مردم از راه مواعظ پرداخته، و الحق واعظی شیرین بیان، و گوینده‌ای طلیق اللسان بوده.

در دوشنبه ۱۶ ربیع الثانی سال ۱۳۸۷ در طهران وفات یافته، در قم مدفون گردید.

از آثار قلمی او حواشی بر اعتقادات علامه‌ی مجلسی به طبع رسیده است.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هشترودی تبریزی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۰۴ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و مجتهد. وی از شاگردان حوزه‌ی درس شیخ مرتضی انصاری بود. او مدتی نیز در نجف به تدریس و تألیف مشغول بود. پس از تکمیل تحصیلات به زادگاه خویش آذربایجان بازگشت و مصدر خدمات دینی شد. وی در بازگشت از یکی از مسافرت‌هایش به عتبات در شهر کرند درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد. از آثار او: «تقریرات» درس استادش، شیخ انصاری، در مباحث اجتهاد و تقلید؛ «محن الابرار»، در ترجمه‌ی مجلد دهم از «بحارالانوار» که در «مؤلفین کتب چاپی» این کتاب تحت عنوان «محسن الابرار فی ترجمهٔ مقتل بحارالانوار» آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۱۵۰/ ۵)، الذریعه (۱۶۰/ ۲۰)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۴۱۱/ ۱۴)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۲۸۴/ ۱)، معجم‌المؤلفین (۲۴۱/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۰ -۵۸۹/ ۲).

هشترودی، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۵ -۱۲۸۶ ش)، ریاضیدان، استاد دانشگاه، نویسنده و شاعر. در تبریز به دنیا آمد. بعد از اتمام تحصیلات ابتدایی در مدارس اقدسیه و سیروس و متوسطه در دارالفنون موفق به اخذ درجه لیسانس از دانشسرای عالی گردید و تحصیلات تکمیلی بعدی وی شامل درجه لیسانس در علوم ریاضی از دانشکده سور بن (علوم پاریس) و درجه دکترای دولتی در علوم از دانشگاه پاریس بود. وی سالها در دانشگاه تهران و دانشسرای عالی و دانشکده علوم سمت استادی داشت و علاوه بر آن مشاغلی چون ریاست فرهنگ تهران، ریاست دانشگاه تبریز، ریاست جامعه‌ی لیسانسیه‌های دانشسرای عالی، ریاست انجمن نویسندگان ایران و یک دوره ریاست دانشکده‌ی علوم را نیز عهده‌دار بود. دکتر هشترودی صرفا استاد ریاضیات نبود و علاوه بر آن فیلسوف نیز بود و با اکثر علوم و هنرها آشنایی کافی داشت. زبان انگلیسی، عربی، ترکی استانبولی و روسی را می‌دانست و در زبان فرانسه استاد بود. وی ضمن شرکت در کنگره‌های بین‌المللی مختلف و سخنرانی‌های متعدد در دانشگاه‌های معتبر، تألیفات و تحقیقات متعددی در زمینه علوم ریاضی داشت. تعداد این تحقیقات به نوزده می‌رسد که از آن جمله: هندسه، هندسه فضایی، معادلات دیفرانسیل، نظریه اعداد، آنالیز، مکانیک و جبر می‌باشد. وی بر اثر سکته‌ی قلبی در تهران درگذشت. از آثار وی: «سیر اندیشه‌ی بشر»؛ «التصاقهای ناهنجار»؛ «دانش و هنر»؛ «سایه‌ها»، شعر؛ «مسئله ملیت»؛ «نظریه‌ی اعداد»؛ «تمرینهای ریاضیات مقدماتی، هندسه‌ی دوایر در صفحه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ برگزیدگان (۴۰۶ -۴۰۴)، تمرینهای ریاضیات مقدماتی (مقدمه)، دایرهٔالمعارف فارسی (۳۲۷۰/ ۲)، روز شمار تاریخ (۳۱۱/ ۲)، زندگینامه‌ی و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم پروفسور محسن هشترودی، شخصیتهای نامی (۵۲۱ -۵۱۹)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۱۰ ۲۰۰۳، ۱۹۳۰/ ۲، ۱۳۵۳، ۳۱۴/ ۱)، کلک (س ۷، ش ۷۹ -۷۶، ص ۷۵۷، ۷۵۱)، مؤلفین کتب

چاپی (۲۴۶ -۲۴۵/ ۵).

هشیار سنندجی، علینقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۸ -۱۲۶۶ ش)، شاعر، متخلص به هشیار. ملقب به دبیر مخصوص. در سنندج به دنیا آمد. در زادگاه خود علوم مقدماتی را فراگرفت و پس از آن در مدارس دینی با زبان عربی آشنا شد و در آموزشگاه آلیانس کرتین سنندج به تحصیل زبان فرانسه پرداخت. وی از اساتید خط نیز بهره برد. او در ۱۳۳۳ ق به تهران آمد و وارد خدمات دولتی شد و مدت هجده سال در دفتر نخست‌وزیری منشی مخصوص و کفیل دفتر بود و چند سالی هم در دادگستری سمت نویسندگی و دفترداری داشت. همچنین مدتی نیز در وزارت کشور خدمت نمود. هشیار از شاعرانی بود که به زبان کردی و فارسی شعر می‌سرود. از آثارش «دیوان» شعر می‌باشد. برقعی، در «سخنوران نامی معاصر ایران»، وفات صاحب عنوان را ۱۳۴۱ ش آورده است. از اوست:

در انتظار بماندم که کامم از تو برآید

روا مدار که عمرم در انتظار سرآید

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۴۲۹ -۴۲۷/ ۲)، الذریعه (۱۲۹۳/ ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۹۳۰ -۳۹۲۶/ ۶)، گلزار جاویدان (۱۷۴۳ -۱۷۴۲/ ۳).

هشیار فارسی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۲ ق)، شاعر، متخلص به هوشیار. اصلش از مرودشت فارس بود و لطفعلی خان ایلخانی به تربیت وی پرداخت. پس از مرگ لطفعلی خان به بمبئی رفت و چندی هم از ارباب طرب شد، اما در اواخر عمر توبه کرد و جزء نوحه‌خوانان و مرثیه‌خوانان گردید. برخی از اشعارش در تذکره‌ها آمده است. دیوان بیگی، در «حدیقهٔالشعراء»، وفات صاحب عنوان را حدود ۱۲۸۰ ق آورده است. از اوست:

هرچه با من بیشتر جور آن بت بدخو کند

بیشتر مسکین دل من جستجوی او کند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۷۲)، حدیقهٔالشعراء (۲۰۷۹/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۵۲ -۸۵۱/ ۵)، الذریعه (۱۲۹۳/ ۹)، ریحانه (۳۶۷/ ۶).

هفت ده‌ای، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسماعیل هفت ده‌ای اراکی از علماء و ائمه جماعت معاصر اراک است.

وی در هفت ده اراک متولد شده و در اراک و غیره به تحصیل علم و کمال پرداخته و از محضر علماء بزرگ اراک استفاده نموده و پس از آن به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج احکام پرداخته و تا هم‌اکنون که در مسجد آقا ضیاء اشتغال به نماز جماعت و خدمات دینی دارند

نگارنده گوید: در ماه صفر سال ۱۳۶۳ قمری مسافرتی به شهر اراک نموده و به خدمت ایشان رسیده و درک فیض از محضرشان نمودم وی را عالمی مروج و دانشمندی خدمتگذار و دارای محامد آداب و محاسن اخلاق دیدم و نیز در سفر دوم که ماه صفر (ایام اربعین) سال ۱۳۶۸ ق بود و میهمان مرحوم آیت‌اللّه حاج‌آقا حسن فرید محسنی بودم در مجالس عدیده به فیض ملاقاتشان نائل شده و از اخلاق حمیده ایشان بهره‌مند گردیدم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

هلاکی همدانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. پدرش به خیاطی روزگار می‌گذراند، ولی خود او به شاعری روی آورد. وی سواد نداشت و اشعارش را

دیگران برایش می‌نوشتند. هلاکی در خدمت بهرام میرزای صفوی (م ۹۵۵ ق) بود. در تذکره‌ی «روز روشن» از وی به عنوان ملازم حسین میرزا صفوی فرزند بهرام میرزا نام می‌برد که در هنگام جلوس شاه اسماعیل صفوی (۹۸۵ -۹۸۴ ق) قصیده تهنیت گفته، و در زمان اکبر شاه (۱۰۱۴ -۹۶۳ ق) به هند رفته و در آنجا درگذشته است. از آثارش: مثنوی «شوق و ذوق»، که از آن بیت زیر شهرت یافته است:

در لحاف فلک افتاده شکاف

پنبه‌ها ریخت از این کهنه لحاف

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تحفه سامی (۲۳۱ -۲۲۹)، تذکره‌ی روز روشن (۹۲۷ -۹۲۶)، الذریعه (۲۲۸ -۲۲۷/ ۱۹ ،۱۲۹۴/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۰)، لغت‌نامه (ذیل/ هلاکی)، مجمع‌الخواص (۱۷۴ -۱۷۲)، نتایج‌الافکار (۷۸۶ -۷۸۵)، هفت اقلیم (۵۶۶ -۵۶۵/ ۲).

هلال، مریم

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(ز ۱۲۴۱ ق)، شاعر، متخلص به هلال. برخی از تذکره‌ها تخلص صاحب عنوان را هلالی آورده‌اند. وی همسر اللهیار خان آصف‌الدوله، صدر اعظم فتحعلی شاه (۱۲۵۰ -۱۲۱۲ ق) بود و فنون شعر و ادب را می‌دانست. بعضی از اشعارش در تذکره‌ها ذکر شده است. از اوست:

آنکه از کوی توام منع نمودی همه عمر

دیدمش دوش سراغ ره کویت می‌کرد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از رابعه تا پروین (۲۶۳)، الذریعه (۱۲۹۶/ ۹)، زنان سخنور (۳۸۴/ ۲)، شرح حال رجال (۱۵۴/ ۱)، گلزار جاویدان (۱۷۴۴/ ۳)، مشاهیر زنان (۲۴۷).

هلالی جغتایی، بدرالدین، نورالدین

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(مقتول ۹۳۹/ ۹۳۶/ ۹۳۵ ق)، شاعر، متخلص به هلالی. نسب وی به ترکان جغتایی می‌رسد. در استرآباد به دنیا آمد و در همان جا به تحصیل و کسب کمالات پرداخت. از زادگاهش به هرات رفت و به خدمت امیر علیشیر نوایی رسید و در سایه‌ی تربیت او به کسب فضایل و فنون شاعری پرداخت. وی با سام میرزای صفوی (م ۹۷۵/ ۹۷۴ ق)، صاحب «تحفه سامی»، معاصر و معاشر بود. بعد از فوت سلطان حسین، هرات به تصرف عبیداللّه خان ازبک درآمد و هلالی به همراه گروهی از شیعیان یا متهمان به تشیع، به وسیله‌ی عبیداللّه خان به قتل رسیدند. البته گفته‌اند که وی ابتدا مورد محبت خان ازبک و از ملازمان او بود تا آنکه مورد حسادت اطرافیان شاه قرار گرفت و به شیعه بودن محکوم شد و به همین علت سلطان او را ابتدا به زندان افکند و پس از چندی در چهار سوق هرات به قتل رساند. هلالی طبع شعر خوبی داشت. از او قصایدی در مدح عبیداللّه خان و ائمه اطهار (ع) به جای مانده است، اما اهمیت وی بیشتر به سبب غزل‌های لطیف و پرمضمون او می‌باشد. از آثارش: مثنوی «شاه و درویش»، در هزار و سیصد و چهل و پنج بیت؛ مثنوی «صفات العاشقین»، در هزار و دویست و سی و هفت بیت؛ مثنوی «لیلی و مجنون»؛ «دیوان» شعر.[۱]

جغتائی. نورالدین استرابادی (مقت. ۹۳۶ ه.ق- ۱۵۲۹ م) وی به سبب انتساب به ترکان جغتای به «جغتائی» مشهور شده. هلالی یکی از غزلسرایان دوره‌ی صفویه است. در استراباد متولد شد و پس از پرورش در استراباد به خراسان رفت و به دستگاه سلطان حسین بایقرا و وزیر او امیر علیشیر نوائی راه یافت و پس از زوال سلطنت بایقرا در اوایل عهد صفوی هنگام حمله‌ی عبیداللّه‌خان ازبک به جرم تشیع کشته شد. هلالی هلالی دیوان قصاید، غزلیات، مثنویهائی به نام «شاه و درویش» و «صفات‌العاشقین» دارد. غزلهای او لطیف و پرشور است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۹۹ -۹۴/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۳۸ -۴۳۲/ ۴)، تاریخ نظم و نثر (۴۰۹)، تحفه سامی (۱۶۰ -۱۵۲)، حبیب‌السیر (۳۶۲ -۳۶۱/ ۴)، دایرةالمعارف فارسی (۳۲۷۶/ ۲)، الذریعه (۲۸۰ ،۲۳۶ -۲۳۵ ،۲۲۲/ ۱۹ ،۳۹۹/ ۱۸ ،۴۵/ ۱۵ ،۲۳/ ۱۳ ،۱۲۹۵ -۱۲۹۴/ ۹)، ریاض‌العارفین (۲۳۸)، ریحانه (۳۶۹ -۳۶۷/ ۶)، عالم آرای عباسی (۵۷/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۱ -۱۰۰۰)، کتابشناسی نظامی گنجوی (۳۸۷)، لغت‌نامه (ذیل/ هلالی)، مجالس‌النفائس (۲۴۲ ،۶۹ -۶۸)، مجمع‌الفصحا (۱۲۰ -۱۱۸/ ۴)، منظومه‌های فارسی (۶۲۸ -۶۲۴)، هفت اقلیم (۱۱۱ -۱۰۹/ ۳)، یادگار (س ۲، ش ۳، ص ۷۱ -۶۵)، یغما (س ۱۶، ش ۴، ص ۱۶۰ -۱۵۷).

هلالی خراسانی، ابومحمد، ابوالقاسم ضحاک

قرن:۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۶/ ۱۰۵/ ۱۰۲ ق)، محدث، مفسر و مدرس. اصلش از بلخ و مدتی در بلخ و سمرقند و نیشابور ساکن بود. او در تفسیر و قصص تبحر داشت. علم تفسیر را از سعید بن جبیر در ری آموخت. از ابن‌عباس و ابوسعید خدری و عبداللّه بن عمر و انس بن مالک و اسود بن زید نخعی و سعید بن جبیر و عطاء بن ابی‌رباح و طاووس بن کیسان و طائفه‌ای دیگر حدیث شنید. ابن‌حبان ملاقات وی را با صحابه و حدیث شنیدنش از آنها صحیح نمی‌داند و احادیث وی را منسوب به تابعین می‌کند. عمارهٔ بن ابی‌حفصه و ابوسعد سعید بن مرزبان بقال و جویبر بن سعید و مقاتل بن حیان نبطی و علی بن حکم و ابوروق عطیهٔ بن حارث کوفی و ابوجناب یحیی بن ابی‌حیه کلبی و ابوسنان سعید بن سنان شیبانی اصغر و ابوسنان ضرار بن مره شیبانی اکبر و ابوعیسی سلیمان بن کیسان خراسانی و عبدالرحمان بن عوسجه و ابوالحارث عبید بن سلیمان باهلی خراسانی و مالک بن سعید بلخی و محمد بن سلیم خراسانی و ابوعبداللّه میمون وراق خراسانی و نهشل بن سعید و عمر ابن رماح و عبدالعزیز بن ابی‌رواد و قرهٔ بن خالد سدوسی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. وی معلم کودکان بود و نوشته‌اند که هزاران دانش‌آموز در مکتب وی به کسب علم می‌پرداختند و او برای تعلیم و تدریس اجرت و مزدی دریافت نمی‌کرد. وی در خراسان درگذشت. از آثارش: «التفسیر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۱۰ / ۳)، تاریخ الاسلام (حوادث ۱۱۴ -۱۱۲ ،۸ / ۱۲۰ -۱۰۱)، تهذیب‌التهذیب (۴۱۸ -۴۱۷ / ۴)، تهذیب‌الکمال (۱۷۷ -۱۷۳ / ۹)، الثقات (۴۸۲ -۴۸۰ / ۶)، سیرالنبلاء (۶۰۰ -۵۹۸ / ۴)، شذرات‌الذهب (۱۲۵ -۱۲۴ / ۱)، طبقات ابن‌سعد (۲۶۱ / ۷)، طبقات المفسرین داودی (۲۱۶ / ۱)، العبر (۹۴ / ۱)، معجم‌المؤلفین (۲۷ / ۵)، میزان‌الاعتدال (۲۵۰ / ۲)، النجوم الزاهرهٔ (۳۱۷/ ۱).

هلالی هروی، هلالی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز قبل از ۸۹۰ ق)، شاعر. روزگارش با ندیمی می‌گذشت. شعر را نیکو می‌سرود و در شعر ترکی نیز دستی داشت. وی در گورستان خواجه طاق هری به خاک سپرده شد. از وی اشعاری در تذکره‌ها نقل شده است. نام وی را به صورتهای هلال، بلال، بلالی و کابلی نیز ذکر کرده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۲۹۶ ،۱۴۰/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۱)، مجالس‌النفائس (۵۳).

هلالی، عبدالرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بیوگرافی حاج عبدالرضا هلالی

هیئت الرضا میدان امام حسین خ دماوند قاسم آباد حسینه صباقچی متولد ۱۳۶۰ , اصالتا خرمشهری است و بزرگ شده تهران است ,متاهل و دارای دو کودک , دیپلمه نقشه کشی ساختمان و دانشجوی انصرافی حقوق قضایی , در حال حاضر در تهران پارس سکونت میکند.در سن, ۱۲ ۱۳ سالگی در هیئت الرضا قاری قرآن بود و در همان سنین با شرکت در مجالس حاج منصور ارضی تقریبا آداب مداحی را آموخت , تا قبل از سال ۱۳۷۹ تنها اهالی منطقه محله مجیدیه او را به عنوان مداحی جوان میشناختند , اما از سال ۱۳۸۲ با برپایی هیئت الرضا در مسجد جامع ابوذر نام او نیز به عنوان مداحان سرشناس اضافه شد , از سال ۱۳۸۳ هیئت الرضا به حسینیه قهرودی ها نقل مکان کرد و شاید بتوان گفت بهترین و مساعدترین شرایط برای هیئت فراهم شده بود چرا که بعد از محرم ۸۴ دشمنی ها علیه اهل بیت علیهم السلام خیلی جدی آغاز شد , تا آنجا که چندین بار هلالی را در خیابان و حتی یکبار در حسینیه . . . جلوی چشم خلق الله به باد کتک گرفتند , و یا از بدترین نامروتی ها و دشمنیها می توان به پخش کردن فیلم خصوصی عبدالرضا هلالی در بین عموم اشاره کرد , که او به خاطر شرایط روحی بدی که داشت هیئت را برای مدتی تعطیل کرد اما از آنجا که همه چیز به ضرر او تمام می شد و نیز با اصرار و نامه های برخی مراجع تقلید برای ادامه مجدد کار , او بار دیگر با استمداد از اهل بیت علیهم السلام با برگزاری رمضان ۱۳۸۵ در حسینیه شهدای صباغچی فراغت خود از این جامعه نا آگاه را ثابت کرد.

هما

قرن:۱۳

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۱۲۸۶ ق، از زنان خوشنویس و نقاش. وی در تصویرگری و خوشنویسی به شیوه ناخنی مهارت داشت. از آثار رقم‌دار ناخنی او دسته گل زیبایی با برگها و شاخه‌های فراوان است که در لابلای آنها، پروانه‌هایی نیز تعبیه کرده و به خط نستعلیق ناخنی «رقم هما،

۱۲۸۶» را امضا کرده است.[۱]

(ز ۱۲۸۶ ق)، نقاش و خطاط. وی تصویرگر و خوشنویس شیرین‌قلم و پرمهارت شیوه‌ی ناخنی است. از آثار او: دسته گل زیبایی که به خط نستعلیق ناخنی چنین رقم نهاده: «رقم هما ۱۲۸۶».[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] منبع: احوال و آثار نقاشان قدیم ایران، ۱۴۱۸ / ۳.

[۲] احوال و آثار نقاشان (۱۴۱۸/ ۳).

همامی اصفهانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۹ -۱۲۸۲ ق)، شاعر و معلم. در اصفهان به دنیا آمد. وی پس از تحصیل مقدمات علوم ادبی به تکمیل آن نزد اساتیدی همت گماشت. ادبیات عرب را نزد حاج سید مهدی نحوی و آقا سید محمود کلیشادی، معروف به مغنی فراگرفت و فقه و اصول را نزد آقا میرزا محمدهاشم چهارسوقی و آقا سید محمدباقر درچه‌ای آموخت. وی همچنین حکمت و فلسفه را نزد آخوند ملا محمد کاشانی و جهانگیر خان قشقائی فراگرفت و سپس به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و در مدارس علیه، ایتام، کالج و سعدی به تدریس پرداخت. همامی در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد به خاک سپرده شد. اشعاری از وی باقی مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۵۳۶ -۵۳۳)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۱۱۹۵)، گلزار جاویدان (۱۷۴۸ -۱۷۴۷/ ۳).

همای شیرازی، محمدرضا قلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۰ -۱۲۱۲ ق)، ادیب، عارف و شاعر، متخلص به هما. در مورد نام وی بین تذکره‌ها اختلاف وجود دارد. اصل وی از ایل بیات فارس بود. پدرش از رؤسای طایفه‌ی فیلی زند ساکن شیراز، منتسب به خاندان زندیه بود و مادرش از منسوبان فتحعلی خان، فرزند کریم خان زند، به حساب می‌آمد. هما در شیراز به دنیا آمد. در آغاز جوانی از افسران نظام بود ولی از آن شغل کناره گرفت و به تحصیل پرداخت و از محضر میرزای وصال استفاده نمود. وی از همان ابتدا طبع شعر خوبی داشت و با رضاقلی خان هدایت، صاحب «مجمع‌الفصحا»، و قاآنی و سروش اصفهانی و شهاب اصفهانی و فروغی بسطامی معاصر بود. پس از تحصیل در شیراز، در طلب علم به سیاحت پرداخت و به عتبات عالیات رفت و بین ۱۲۵۰ -۱۲۳۰ ق، در محضر شیخ محمدحسن ابن شیخ محمدباقر اصفهانی (م ۱۲۶۶ ق)، صاحب «جواهرالکلام»، و اساتید دیگر به تحصیل علوم نقلی و عقلی اشتغال ورزید تا به درجه‌ی اجتهاد و مقام قضاء و فتوا رسید. سپس از نجف به هند، شیراز، اصفهان، تهران، خراسان، ترکستان و کرمان سفر کرد و در آخر، به امر معتمدالدوله منوچهرخان گرجی (م ۱۲۶۳ ق)، حاکم اصفهان، و اصرار حاج سید محمدباقر شفتی بیدآبادی، در ۱۲۵۹ ق به اصفهان رفت و در آنجا سکنی گزید. وی عالمی بلند همت بود که در خواستهای محمد شاه و بعد از آن ناصرالدین شاه قاجار را برای ندیمی و ملازمت دربار نپذیرفت. بعد از وفات سروش اصفهانی، در ۱۲۸۵ ق، ناصرالدین شاه منصب ملک‌الشعرایی و ملازمت را به وی تکلیف کرد لذا او به تهران آمد و چندی در این سمت ماند، اما پس از مدتی بدون رعایت آداب دربار از آنجا رفت. وی سرانجام در اصفهان درگذشت و در آستانه‌ی امامزاده احمد، در محله میدان شاه، به خاک سپرده شد. در «حدیقةالشعراء» سال مرگ وی ۱۲۸۸ و ۱۲۸۹ ق ذکر شده است. همچنین در این تذکره تحت عنوان همای شیرازی دو فرد به نامهای رضاقلی و میرزا علی‌اکبر ذکر شده‌اند که به آورده‌ی آقای دکتر نوایی، در حاشیه‌ی کتاب، هر دو یکی هستند. از آثارش: «دیوان» شعر، در هجده هزار بیت، که یک سال پس از فوت او، به امر ظل‌السلطان و به دست میرزا عنقا، فرزند هما، جمع‌آوری و تدوین گردید و نام آن را «شکرستان» نهادند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقةالشعراء (۲۰۹۰ -۲۰۸۲/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۵۹ -۸۵۲/ ۵)، دایرةالمعارف فارسی (۳۲۸۳/ ۲)، دیوان طرب (مقدمه/ ۳۴ -۴)، الذریعه (۱۲۹۷ -۱۲۹۶/ ۹)، ریحانه (۳۷۰/ ۶)، شرح حال رجال (۱۰۸ -۱۰۷/ ۶)، طرائق‌الحقائق (۴۶۹ -۴۶۸/ ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۹۰/ ۲)، گلزار جاویدان (۱۷۴۹ -۱۷۴۸/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ همای شیرازی)، مجمع‌الفصحا (۱۱۷۵ -۱۱۷۲/ ۶)، مرآت‌الفصاحه (۷۱۳ -۷۱۰)، مصطبه‌ی خراب (۲۱۷ -۲۱۶)، مکارم‌الآثار (۴۳۶ -۴۳۳/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۷ -۲۱۶/ ۳).

همای مروزی، صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۵۰ ق)، مورخ و شاعر، متخلص به هما. ملقب به وقایع‌نگار. اهل مرو شاه جهان و از نجیب‌زادگان آنجا بود. ابتدای جوانی خود را در مشهد به تحصیل مقدمات علوم عربی و ادبی گذراند و از شاگردان حاج محمدحسین خان، فرزند بیرامعلی خان قاجار به شمار می‌آمد. در ۱۲۰۰ ق پس از حمله ترکمنان و ازبکان، به کربلا و نجف اشرف رفت و بعد از مراجعت، در کاشان اقامت گزید و نزد حاجی سلیمان خان صباحی کاشانی (م ۱۲۰۶ ق) به تمرین شعر و شاعری پرداخت. وی قصایدی به شیوه‌ی متقدمان در مدح شاهان و بزرگان دارد. سپس به تهران آمد و به دربار فتحعلی شاه راه یافت و ابتدا به سمت منشی‌گری و بعد به منصب وقایع‌نگاری رسید و از جانب فتحعلی شاه مأمور نوشتن تاریخ قاجاریه، بویژه دوره‌ی سلطنت فتحعلی شاه مأمور نوشتن تاریخ قاجاریه، به ویژه دوره‌ی سلطنت فتحعلی شاه شد و بعدها به مناصب دولتی دیگری نیز دست یافت. از آثار وی: «تاریخ جهان آراء» که جلد اول آن در ۱۲۲۵ ق نوشته شد و شامل وقایع ده ساله از ۱۲۱۲ تا ۱۲۲۱ ق بود و جلد دوم شامل وقایع ده ساله از ۱۲۲۲ تا ۱۲۳۲ ق؛ «قواعد الملوک»؛ «شیم عباسی» یا «تحفه‌ی عباسی»؛ «زینهٔ المدایح» یا «مدایح الخاقان»، مجموعه‌ای از مدایحی که شاعران در مدح فتحعلی شاه گفته‌اند، از بدو جلوس شاه تا سال هفتم سلطنتش.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از صبا تا نیما (۷۷ -۷۵/ ۱)، الذریعه (۲۴۳/ ۲۰ ،۱۹۱/ ۱۷ ،۱۲۹۷/ ۹ ،۲۴۷/ ۳)، سفینهٔالمحمود (۵۸۷ -۵۸۴/ ۲)، شرح حال رجال (۱۷۳/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۲ -۱۰۰۱)، مجمع‌الفصحا (۱۲۰۳ -۱۱۸۶/ ۶)، مصطبه‌ی خراب (۲۱۵)، نگارستان دارا (۱۵۱ -۱۴۸).

همایون

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۲۷۳ -۱۲۱۶ ق)، شاعر، متخلص به حشمت. پسر شانزدهم فتحعلی شاه و داماد میرزا شفیع مازندرانی صدر اعظم و برادر محمود میرزای قاجار، صاحب «سفینهٔالمحمود» بود. وی در تهران درگذشت. از آثارش: مثنوی «یوسف و زلیخا»؛ «دیوان» شعر. صاحبان «ریحانهٔالادب» و «الذریعه»، کتابهای «تذکره‌ی سفینه» و «گلشن محمود» را به وی نسبت داده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ عضدی (۲۲۹ -۲۲۸)، حدیقهٔالشعراء (۴۷۳ -۴۷۱/ ۱)، الذریعه (۳۴۶ -۳۴۵/ ۱۹ ،۲۵۶/ ۹)، ریحانه (۴۹ -۴۸/ ۲)، سفینهٔالمحمود (۳۹ -۳۸/ ۱)، شرح حال رجال (۴۳۱ -۴۳۰/ ۴)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۳)، مجمع‌الفصحا (۳۸/ ۱)، مصطبه‌ی خراب (۲۱۳)، مکارم‌الآثار (۵۶۱ -۵۶۰/ ۲).

همایون فرخ، رکن‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۹ -۱۲۹۷ ش)، نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به رخ. در تهران به دنیا آمد. پدرش از اساتید زبان و ادب فارسی و صاحب «دستور جامع زبان فارسی» است. وی تحصیلات خود را در دبستان شرف مظفری و دبیرستان پهلوی رضائیه و نزد پدرش به پایان رساند. همایون فرخ در چهارده سالگی به نظم شعر پرداخت و نخستین اثر نظمی خود را در شانزده سالگی به نام «سوز دل» منتشر کرد. او از ۱۳۲۰ ش به کار نویسندگی پرداخت. وی همچنین چندی روزنامه‌ی «رخ» را منتشر می‌کرد و مدتی نیز سردبیری روزنامه‌های «آرزو»، «آزادی شرق»، «نیروی ملی» و «نهضت کشاورزان» را به عهده داشت. از دیگر آثار وی: «امپریالیسم چگونه به ایران آمد»؛ «خوئین خونین»؛ «عاشق بی‌نوا»؛ «عروس گورستان»؛ «شهریار»؛ تصحیح و مقدمه «تحفه سامی» سام میرزا؛ نمایشنامه‌ی «ابومسلم خراسانی»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :چهره‌های آشنا (۶۶۵)، سخنوران نامی معاصر (۱۵۱۷ -۱۵۱۳/ ۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۱۹، ۲۲۷۹ ، ۲۱۸۴، ۲۰۳۳، ۱۹۸۱/ ۲، ۱۵۷۹، ۱۵۰۴، ۱۴۹۸، ۱۲۹۶، ۶۹۸، ۴۴۷، ۳۳۰، ۲۱۵، -۱۰۳/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۸ -۲۲۷/ ۳).

همایون فرخ، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ -۱۲۶۲ ش)، استاد دانشگاه، نویسنده و مترجم. در کاشان به دنیا آمد. وی در کودکی به تهران آمد و تحت سرپرستی دایی خود، مجیرالدوله شیبانی، به تحصیل پرداخت. او مدتی در دارالفنون و سپس در کالج آمریکایی به تحصیل زبان و ادبیات انگلیسی مشغول شد و دوره‌ی آن را به اتمام رساند و بعدها در دانشکده‌ی حقوق سیاسی به تدریس علوم دفترداری پرداخت. او همچنین سالها در وزارت دارایی ریاست کل حسابداری را عهده‌دار بود. وی به دلیل تدوین «دستور جامع زبان فارسی» یا «دستور فرخ» در

هفت مجلد، که تألیف آن حدود چهل و دو سال طول کشیده و مرجع و سند علمی مهمی برای صرف و نحو زبان فارسی می‌باشد، نشان درجه‌ی یک از وزارت فرهنگ را دریافت کرد. از دیگر ثارش: «آیین نگارش»؛ « اتم»، کشفیات بزرگ دانشمندان ایرانی؛ «داستان تاریخی بابک و افشین»؛ «هیئت جدید»؛ «فاجعه‌ی کربلا»، ترجمه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :چهره‌های آشنا (۶۶۵)، الذریعه (۹۲/ ۱۶ ،۱۶۴ ،۱۵۸/ ۸)، شرح حال رجال (۱۳۹/ ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۲۸ ،۲۳۸۱ ،۲۳۴۸/ ۲ ،۱۴۲۹ ،۱۴۱۷ ،۱۳۲۵ ،۱۰۷ ،۸۸/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۴ -۸۳۳/ ۳).

همایون کرمانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۸ -۱۲۹۰ ش)، شاعر. در کرمان به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات مقدماتی، چندین سال به فن نقاشی اشتغال ورزید و در هنگام فراغت به آموختن مقدمات ادبی می‌پرداخت. او در ۱۳۱۴ ش به خدمت دارایی کرمان درآمد. وی در شعر به جنبه‌های اجتماعی و مردمی بیشتر توجه داشت. از آثارش: «گلزار همایون»، به شعر؛ «نغمه‌ها و چکامه‌ها و تغزلات همایون»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شاعران کرمان (۵۶۱ -۵۵۶)، الذریعه (۱۲۹۹/ ۹)، ستارگان کرمان (۴۳۱ -۴۲۴)، سخنوران نامی معاصر (۳۹۳۶ -۳۹۳۱/ ۶)، مؤلفین کتب چاپی (۷۹۰ -۷۸۹/ ۶).

همایون همدانی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر و خطاط. از اکثر علوم بهره داشت و بیشتر خطوط را خوب می‌نوشت. گویند در جوانی از دنیا رفت. از آثارش: «دیوان» شعر. به آورده‌ی «الذریعه»، میرزا سنگلاخ در «امتحان الفضلاء» می‌گوید که «دیوان» همایون را که به خط سلطان محمد نورا نوشته شده، دیده است. از اوست:

مجمع دهر به جمعیت مستان ماند

کاین یک از پای فتد آن دگری برخیزد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۹۳۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۲۴)، الذریعه (۱۲۹۹/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۳).

همایونی، غلامحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسین همایونی، فرزند محمدطاهر بن عبدالعلی معروف به کاتب همایون از خوشنویسان عصر قاجار بود. وی پس از فراگیری خوشنویسی نزد پدر، سال‌ها به امر کتابت و تعلیم علاقه‌مندان به خوشنویسی اشتغال ورزید. کتاب‌های تحفهٔ الرضوی و تحفهٔ المؤمن از آثار خطی اوست. وی در تعلیق‌نویسی مهارت خاص داشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

همایی، جلال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محقق، ادیب، شاعر.

تولد: ۱۳ دی ۱۲۷۸(۱ رمضان ۱۳۱۷ ق.)؛ اصفهان.

درگذشت: ۲۸ تیر ۱۳۵۹، تهران.

جلال‌الدین همایی متخلص به «سنا» و «هما» فرزند ابوالقاسم محمدنصیر متخلص به «طرب» فرزند همای شیرازی اصفهانی (از دانشمندان و سخنوران و سخن شناسان و استادان معاصر)؛ تحصیلات را ابتدا نزد پدر و سپس ابوالقاسم عراقی آغاز کرد و به فراگیری علوم ابتدایی و مقدمات صرف و نحو عربی و منطق و معانی بیان پرداخت. سپس در مدرسه‌ی حقایق و سپس در مدرسه‌ی قدسیه و مدت بیست سال در مدرسه‌ی نیماورد اصفهان حجره‌نشینی نمود.

سیوطی و مغنی و الفیه و شرح لمعه و مطول را نزد استادانی چون آقا سید محمدباقر درچه‌ای، آیت‌الله شیخ علی یزدی، آقا شیخ

محمد کاشانی و ادبیات عرب را نزد سید محمدکاظم کروندی و اساتیدی دیگری چون عبدالکریم گزی و فقه و اصول را نزد سید محمدصادق خاتون آبادی و آقا سید مهدی درچه‌ای آموخت، وی سرانجام اجازه‌ی اجتهاد دریافت کرد. در علوم عقلی، استاد وی محمد خراسانی معروف به حکیم بود که شرح شمسیه و اسفار ملا صدرای شیرازی و شفای ابن سینا و دو دوره فلسفه و اشراق را نزد وی و اسدالله حکیم خواند. استادان دیگر او در معقول و نجوم و هیئت و ریاضی جدید و اسطرلاب و استخراج تقویم سید علی جناب و در طب محمد حکیم و میرزا علی آقا و ابوالقاسم ناصر و حکمت احمدآبادی بودند. هیئت مسطحه استدلالی و نجوم را نزد آیت‌الله رحیم ارباب تلمذ نمود.

وی سپس به تدریس در مدارس اصفهان مشغول شد. از سال ۱۳۰۲ به خدمت وزارت فرهنگ درآمد. چندی در دبیرستان‌های تبریز به تدریس اشتغال داشت، آنگاه به تهران آمد. ابتدا در دبیرستان دارالفنون به تدریس مشغول شد، هفته‌ای چند ساعت هم در دبیرستان شرف تدریس می‌کرد و همچنین در دبیرستان نظام و دانشکده‌ی افسری نیز تدریس داشت. سپس در دانشگاه ادبیات و دانشکده‌ی حقوق تهران به عنوان استاد در دوره‌ی فوق لیسانس و دکتری به تدریس پرداخت. تا سال ۱۳۴۵ بنا به درخواست خود بازنشسته شد و تا آخر عمر در تهران زیست و با وجود بیماری همواره به کار مطالعه و تحقیق و تألیف مشغول بود.

استاد همایی عضو فرهنگستان ایران و نیز انجمن تحقیق در ادبیات و زبان‌های خارجی بود و با مؤسسه لغت‌نامه دهخدا همکاری داشت. از جمله همایش‌ها و مراسم‌هایی که استاد در آنها شرکت نموده، می‌توان به این موارد اشاره نمود: شرکت در انجمن‌های ادبی؛ شرکت در کنگره‌ی فردوسی (۱۳۱۳)؛ شرکت در نخستین کنگره‌ی نویسندگان (تیر ۱۳۲۵)؛ شرکت در کنگره‌ی ابن سینا (اردیبهشت ۱۳۳۳)؛ سفر به بیروت (۱۳۳۴)؛ جهت افتتاح کرسی زبان فارسی در دانشگاه بیروت؛ شرکت در مجلس یادبود احمد بهمنیار (۱۲ آبان ۱۳۳۴)؛ شرکت در کنگره‌ی هفتصدمین سال درگذشت مولوی (آبان ۱۳۳۶)؛ سخنرانی در برنامه‌ی مرزهای ارتش در رادیو ایران؛ شرکت در مجلس بزرگداشت استاد ابوالحسن فروغی (بهمن ۱۳۳۸)؛ شرکت در مجلس بزرگداشت استاد بدیع‌الزمان فروزانفر (۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۹)؛ شرکت در مجلس بزرگداشت دکتر محمد معین (۱۳ تیر ۱۳۵۰)؛ شرکت در کنگره‌ی ابوریحان بیرونی (۱۳۵۲).

استاد همایی به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌گفت. قصاید عربی او در برخی از مجلات و جراید ادبی دیده شده است. وی شعر فارسی را به سبک قدیم می‌سرود و در ساختن ماده تاریخ مهارت داشت.

علاوه بر مقاله‌های وی در مجلات و روزنامه‌های «ارمغان»، «اطلاعات»، «ایران‌شناسی»، «تعلیم و تربیت»، «تماشا»، «جاویدان خرد»، «جوانان رستاخیز»، «رادیو ایران»، «سالنامه‌ی آریان»، «سالنامه‌ی شرق»، «سخن»، «مرزهای دانش»، «معارف اسلامی»، «مهر»، «وحید» و «یغما»، از آثار تألیف وی می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: خیامی‌نامه (در تجزیه و تحلیل آثار علمی و ادبی حکیم عمر خیام، جلد اول، ۱۳۴۶)؛ تاریخ ادبیات ایران (تبریز، ۱۳۰۹ -۱۳۰۸، در سال ۱۳۰۸، برای تألیف این کتاب جلال‌الدین همایی به نشان علمی درجه‌ی دوم نایل آمد)؛ غزالی‌نامه (شرح حال و آثار و عقاید و افکار ادبی و مذهبی و فلسفی و عرفانی امام ابوحامد غزالی، ۱۳۱۷)؛ اسرار و آثار واقعه کربلا (چاپ دوم، ۱۳۵۷)؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی (۱۳۵۴)؛ رساله درباره‌ی شرح احوال شعرای اصفهان قرن سیزده و چهارده و پانزده، صناعات ادبی (یک کتاب برای سطح دانشگاه‌ها و یک کتاب برای سطح دبیرستان‌ها)، تاریخ اصفهان تحقیق در احوال آخوند میر مؤلف حبیب‌السیر و میرخواند صاحب روضة الصفا، مولانا چه می‌گوید (دو جلد، جلد اول ۱۳۵۴، جلد دوم ۱۳۵۵)؛ طلبه‌ی عطار و نسیم گلستان؛ سیر مثنوی مولوی (داستان قلعه‌ی ذات الصور)؛ مقام حافظ؛ طب خانه (۱۳۴۲)؛ شرح حال احوال سروش اصفهانی (این رساله در مقدمه‌ی دیوان شاعر که به وسیله محمدجعفر محجوب تصحیح شده، منتشر کرده است، از صفحه ۱ الی صفحه ۹۰)؛ صرف و نحو و قرائت عربی (سه جلد)؛ رساله‌ی تحقیقی در احوالات مولانا، منتخب اشعار؛ دوره‌ی کتاب درسی فارسی- دستور و تاریخ ادبیات؛ دستور کلاس‌های پنجم و ششم ابتدایی؛ دستور زبان (با مشارکت چهار استاد دیگر، دو جزء، ۱۳۲۹ -۱۳۲۸)؛ رساله‌ی تحقیقی درباره‌ی دستور زبان فارسی؛ سه جلد کتاب فارسی دبیرستانی؛ دستور زبان فارسی دوره‌ی ابتدایی؛ تاریخ علوم اسلامی (تقریرات همایی در دوره‌ی دکترای ادبیات فارسی دانشگاه تهران، ۱۳۴۸)؛ تصوف در اسلام (نگاهی به عرفان شیخ ابوسعید ابوالخیر، ۱۳۶۲)؛ دیوان سنا (دیوان اشعار همایی به اهتمام دکتر ماهدخت بانو همایی، جلد اول، خرداد ۱۳۶۴). از جمله آثاری که به تصحیح و تحشیه‌ی آنها اقدام نمود می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: دانشنامه (۱. دیوان غبار. ۲. غزلیات سنا، ۳. دیوان زرگر اصفهانی، ۴. غزلیات دیوانه‌ی قمشه، ۵. دیوان نیاز جوشقانی، اصفهان، ۱۳۴۲، به اهتمام همایی)؛ نصیحة الملوک (امام محمد غزالی، ۱۳۱۶)؛ التفهیم لاوائل صناعة التنجیم (ابوریحان بیرونی، ۱۳۱۶)؛ مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة (عزیزالدین محمود کاشانی، ۱۳۲۵)؛ دیوان طرب (۱۳۴۲)؛ مختاری‌نامه (عثمان مختاری، ۱۳۶۱)؛ دیوان حکیم مختاری غزنوی؛ مثنوی ولدنامه (بهاءالدین ولد، ۱۳۱۶)؛ منتخب اخلاق ناصری (تألیف خواجه نصیر طوسی، ۱۳۲۰)؛ مقدمه‌ی اخلاق ناصری (۱۳۳۵)؛ نصیحةالملوک (امام محمد غرالی)؛ کنوز المغربین در علوم غریبه (منسوب به حکیم ابوعلی سینا)؛ معیارالعقول (۱۳۳۱)؛ رساله شعوبیه؛ برگزیده دیوان سه شاعر اصفهانی (طرب، سها، عنقا) (۱۳۴۳)؛ رساله اصفهانی پاسدار؛ مجموعه شعر سرود عشق (۱۳۷۳).

استاد همایی در پایان شب ششم ماه رمضان ۱۴۰۰، ق. مطابق با بیست و هشتم تیر ۱۳۵۹ درگذشت و در تکیه لسان‌الارض در اصفهان به خاک سپرده شد.

(ح ۱۳۵۸ -۱۲۷۸ ش)، عالم، ادیب، استاد دانشگاه، مورخ، مصحح، مترجم و شاعر، متخلص به سنا. پدرش، ابوالقاسم متخلص به طرب، از ادبا و شعرا و خوشنویسان بود. وی در کوی پاقلعه اصفهان به دنیا آمد. ابتدا نزد والدین خود و سپس در مدرسه‌ی حقایق و مدرسه‌ی قدسیه به فراگیری مقدمات پرداخت. وی همچنین خط نسخ و ثلث را نزد پدر و میرزا حسن قدسی و ملا محمدتقی کاتب فراگرفت. او ادبیات عرب، سطوح فقه و کلام و رجال را نزد شیخ علی یزدی و سید محمدکاظم کروندی اصفهانی و ملا عبدالکریم گزی و میرزا احمد اصفهانی و میرزا محمدصادق خاتون‌آبادی فراگرفت. او مدت هجده سال از محضر شیخ محمد خراسانی بهره برد و از «شرح شمسیه» تا «شرح هدایه» ملا صدرا و «شرح منظومه» و «اشارات» را نزد وی خواند. همایی قسمتی از فنون هیئت و

ریاضی جدید و فن اسطرلاب و فن استخراج تقویم را از زیجهای قدیم، خدمت میرزا سید علی جناب گذراند. از دیگر استادان جلال‌الدین همایی: در فلسفه شیخ اسداللّٰه حکیم قمشه‌ای متخلص به دیوانه، در معقول و ریاضیات ملا عبدالجواد آدینه‌ای، در طب شیخ محمد حکیم و میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت احمدآبادی و در حکمت و نجوم آیت‌اللّٰه حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی را می‌توان نام برد. وی از آیت‌اللّٰه شیخ مرتضی آشتیانی اجازه‌ی روایت و از شیخ محمدحسین فشارکی اجازه‌ی اجتهاد و روایت و از سید محمد نجف‌آبادی مدرس و آیت‌اللّٰه حاج میرزا عبدالحسن سید العراقین خاتون‌آبادی پاقلعه‌ای اجازه‌ی اجتهاد دریافت کرد. او در مدارس قدیم تدریس می‌کرد و از حدود ۱۳۰۰ ش برای تدریس به مدرسه‌ی صارمیه اصفهان رفت. شیخ عباس ادیب حبیب‌آبادی و سید حسن مدرس بیدآبادی و شیخ محمود شریعت‌ریزی از شاگردانش بودند. همایی در حدود ۱۳۰۷ ش وارد خدمت معارف شد و در مدارس متوسطه‌ی تبریز، دارالفنون، شرف مظفری، دبیرستان نظام، دانشکده‌ی حقوق و دانشکده‌ی ادبیات به تدریس پرداخت. از آثار وی: «تاریخ ادبیات ایران» از قدیمی‌ترین عصر تاریخی تا عصر حاضر؛ «غزالی‌نامه»؛ شرح حال امام محمد غزالی؛ «اسرار و آثار واقعه‌ی کربلا»؛ «تاریخ علوم اسلامی»؛ «خیامی‌نامه»؛ «فنون بلاغت و صناعات ادبی»؛ «مولوی‌نامه»؛ «تصوف در اسلام»؛ «شعوبیه»؛ «تاریخ اصفهان»؛ شرح «مثنوی معنوی» مولوی؛ «دیوان» شعر که با نام «دیوان سنا» به چاپ رسیده است؛ تصحیح کتابهای «التفهیم لأوائل صناعهٔ التنجیم» ابوریحان بیرونی، «مصباح الهدایه و مفتاح الکفایهٔ» عزالدین محمود کاشانی، «منتخب اخلاق ناصری» خواجه نصیرالدین طوسی؛ مقدمه‌ی کتابهای مثنوی «ولدنامه»، «تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر»، خواند میر، «دیوان» شکیب اصفهانی؛ اهتمام در انتشار «دیوان» عثمان مختاری.[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۶، ش ۷ و ۸، ص ۶۲۴ -۶۱۶)، از نیما تا روزگار ما (۱۶۶ -۱۶۰)، تاریخ اصفهان (سیزده- چهل و سه)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۵۰ -۲۴۷)، چهره‌های آشنا (۶۶۷ -۶۶۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۰۸ -۱۹۵/ ۳)، الذریعه (۵۱/ ۱۶، ۴۷۲/ ۹، ۲۳۰/ ۳)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم جلال‌الدین همایی، سخنوران نامی معاصر (۱۸۱۲ -۱۸۰۷/ ۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۷۵، ۳۲۸۰، ۳۲۵۰، ۳۱۳۹، ۳۰۹۳، ۳۰۸۴، ۳۰۵۹، ۳۰۲۷، ۲۶۹۱، ۲۳۸۵، ۲۳۸۴ -۲۳۶۹، ۲۳۶۸، ۲۳۶۷، ۲۳۶۶، ۲۲۵۶/ ۲، ۱۵۹۳، ۱۵۵۵، ۱۵۵۳، ۱۵۴۹، ۱۴۹۶، ۱۴۲۳، ۱۴۲۲، ۱۳۵۰، ۹۳۶، ۶۶۲، ۴۸۹، ۲۴۰، ۱۴۰/ ۱)، کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۴، ص ۳۹ -۳۸)، مؤلفین کتب چاپی (۳۷۲ -۳۷۰/ ۲)، همایی‌نامه.

همت اردبیلی، محمد زمان

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به همت. از اهالی اردبیل است. مدتی در قلعه‌ی هویزه کوتوال ساکن بود، سپس آنجا را ترک نمود و ملازم محراب بیگ، فرزند گداعلی شد. وقتی گداعلی حاکم دورق گردید، او را همراه خود برد. بعد از فوت حاکم، همت به اصفهان رفت و بعد از مدتی به ملازمت زمان خان، حاکم کهکیلویه رسید و تا پایان عمر در خدمت او به سر برد. وی طبع شعر خوبی داشت و اشعارش در تذکره‌ها ذکر شده است. از اوست:

نام خود نیک برآرید که در گنبد چرخ

این صدائیست که در روز جزا می‌ماند

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۹۱ -۳۹۰)، الذریعه (۱۳۰۰/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۴).

همت اصفهانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۷/ ۱۳۳۳ ق)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به همت. در اصفهان به دنیا آمد. مدتی در مدارس جدید تحصیل کرد و بعد علوم قدیمه را نزد علمای اصفهان آموخت. بیشتر اوقات خود را صرف مطالعه کتب رجال و تراجم احوال می‌کرد. از آثار وی: «انقلاب یا نهضت سید جمال‌الدین»؛ مقدمه و حواشی بر کتاب «بررسی در پیرامون سیاست و دیانت» علی جمالی؛ «به سوی کمونیست»؛ مقدمه بر کتاب «بهداشت در دین اسلام»؛ «تأثیر موسیقی بر اعصاب»؛ «عقاید و افکار»؛ «موسیقی و اسلام»، ترجمه؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۵۳۷ -۵۳۶)، الذریعه (۱۳۰۰/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۰۲ -۸۰۰/ ۲).

همت سیستانی، همت

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به همت. از عموزادگان ملک حمزه سیستانی، متخلص به غافل، و از سخنوران سیستان بود که خاندانش تا انقراض سلسله‌ی صفویه حاکم سیستان بودند. همت در زمان اورنگ زیب (۱۱۱۹ -۱۰۶۹ ق) به هندوستان رفت و ملازم وی گشت. طبع شعر خوبی داشت. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۹۳۸ -۹۳۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۸)، الذریعه (۱۳۰۰/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۴)، کاروان هند (۱۵۵۰ -۱۵۴۹/ ۲).

همت شیرازی، علاءالدین حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۶ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به همت. ملقب به علاءالدین وی از نوادگان میرزا شفیع وصال است. هنگام تولدش در شیراز، بر اثر بیماری آبله از یک چشم نابینا شد. او در نزد پدر مراتب علمی را تحصیل نمود و خط نسخ و فن سخنوری را نزد عموی خود، ابوالقاسم فرهنگ، تکمیل کرد. در ادبیات عرب و ریاضیات نیز متبحر بود. همت خط نسخ را به شیوه‌ی علاءالدین تبریزی مشق می‌کرد و از او ادعیه و قرآنهایی به خط نسخ به یادگار مانده است. او در شیراز درگذشت و در آستانه‌ی حضرت سید میرمحمد، در کنار عموهای خود، فرهنگ و یزدانی، دفن گردید. از آثارش: تکمیل «تاریخ چهارده معصوم» پدرش، وقار شیرازی؛ «دیوان» شعر بالغ بر پنج هزار بیت. از آثار خطی وی: یک نسخه ترجمه‌ی منظوم فرمان حضرت امیر به مالک اشتر (رموز الامارة) وقار شیرازی، نسخ کتابت خفی و رقاع کتابت جلی متوسط، با رقم: «حرره الداعی... انا العبد الاثم ابن الناظم والداعی التائب الجازم علاءالدین حسین المتخلص بالهمة ابن الوقار فی شهر ربیع‌الاول من شهور سنة ۱۲۹۸».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۳۶۳ -۳۶۲)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۶۱/ ۴)، حدیقةالشعراء (۲۱۰۴ -۲۱۰۰/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۶۹ -۸۶۶/ ۵)، الذریعه (۱۳۰۰/ ۹)، ریحانه (۳۷۴ -۳۷۳/ ۶ ،۱۵۹/ ۴)، شرح حال رجال (۲۶/ ۶)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۸۲، ۱۱۳۵، ۱۰۲۰ -۱۰۱۹/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۴)، لغت‌نامه (ذیل/ همت)، مرآت‌الفصاحه (۷۱۵ -۷۱۳)، مکارم‌الآثار (۲۱۱۸ -۲۱۱۷/ ۶).

همتی بافقی، افضل

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به همتی. از خوشنویسان معروف عهد خود به حساب می‌آمد و در خط تعلیق شاگرد خواجه اختیار منشی (م ۹۹۰ ق) بود. وی همچنین در شعر، شاگرد حکیم شفایی و در بعضی علوم دیگر شاگرد ملا معزالدین یزدی بوده است. او چندی به تصدی موقوفات و میرابی یزد و استیفای محال خالصه‌جات یزد اشتغال داشت و با نواب میرزا حبیب‌اللّٰه صدر معاشر بود. از وی اشعاری در تذکره‌ها ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۳۰۷)، الذریعه (۱۳۰۱ -۱۳۰۰، ۸۵/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۴).

همتی، همایون

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

همایون همتی یکی از فرهیختگان و دانشمندان معاصرایران است . او استاد دردانشگاه می باشد . ازوی آثار متعددی به چاپ رسیده است که هر کدام به نوبه خود ارزش گران سنگی دارد . همتی درمورد مسائلی همچون دین و آزادی صاحب نظر می باشد .

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : همایون همتی استاد دانشگاه است .

فعالیتهای آموزشی : دین پژوهی مهمترین فعالیت همایون همتی است . او این امر را دررا بطه با انسان پی می گیرد . وی بر این نظر است که مساله انسان به این شکلی که الان درروزگار ما مطرح است هم جنبه انتولوژیک یا هستی شناسی دارد و هم جنبه اپیستولوژیک یا معرفت شناسی ، از طرف دیگر نیز به لحاظی از نظر دین شناسی و جامعه شناسی و روان شناسی مورد بحث است که خود انسان اساسا موجودی است دارای ساحت های مختلف ویک موجود تک بعدی نیست .

آرا و گرایشهای خاص : همایون همتی در مورد دین معتقد است که دین منادی و موید آزادی است . زیرا ادیان فرهنگی برای رشد

و تعالی بشـر آمده اند و تعالی و کمال بشـر جز با آزادی میسـر نیست و بین این دو نه تنها تضاد و تعارضی نیست بلکه هم پیوندی و تلازم وجود دارد ،منتها بایـد تلقی روشـنی از دین و مقوله آزادی داشـته باشـیم و با تصوری واضـح ازاین مفاهیم به بحث بپردازیم .

منابع زندگینامه :

۱دین و آزادی /گفت و گو با دکتر همایون همتی ،کیهان فرهنگی ،سال هیجدهم ،شهریور ماه ۱۳۸۰ ، پیاپی ۱۷۹ ،ص۴

همتیار اصفهانی، عبدالحسین طباطبایی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۴۴ -۱۲۵۹ ش)، شاعر. معروف به همتیار. در اصـفهان به دنیا آمـد. تحصـیلات خویش را در مدرسه باقریه، که به همت حاج میرزا باقر خان مشیـرالملک نایینی تأسیس شده بود، و مدرسه اسـقف (کالج انگلیسی‌ها)، در اصفهان و کالج آمریکایی‌ها در تهران به پایان رسانـد. او سـپس وارد مشاغل دولتی شـد و در وزارتخانه‌های عدلیه و مالیه و فرهنگ انجام وظیفه نمود. وی مدتی ریاست فرهنگ بنادر جنوب و زمانی نیز ریاست فرهنگ ساوه و سمنان و چندی ریاست دانشسرای مقدماتی پسران اصفهان را عهده‌دار بود. همتیار در علوم غریبه نیز تبحر داشت. مدفن وی در تخت فولاد اصفهان در جنب تکیه ملک در لسان‌الارض می‌باشد. از اوست:

تا بقا این آسمان از داور و دادار دارد

تا اثر اندر فضا این گنبد دوار دارد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۵۴۰ -۵۳۸)، تذکرهٔالقبور (۵۴۶ -۵۴۵)، گلزار جاویدان (۱۷۵۶/ ۳).

همدانی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ بن شیر محمد همدانی عالمی فقیه از شاگردان ملا احمد خوانساری دولت‌آبادی مقیم ملایر بوده و در نجف از محضر شیخ انصاری استفاده نموده و در ۱۳۰۶ ق وفات کرده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

همدانی، ابراهیم

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۲۸ ق)، شاعر. وی برادر میرزا نجف‌خان صـدرا از نوادگان فاضل مشـهور، میرزا ابراهیم همدانی بود که علامه‌ی زمان خود بوده است. میرزا ابراهیم ثـانی طبعی موزون داشت. پس از کسب معـارف و علوم، تولیت مزار امـامزاده سـهل بن علی، و ریاست آن منطقه را که از نواحی همدان است، به عهده داشت. از اوست:

چه گزند است ز دل سردی افلاک مرا

نگه گرم تو برداشته از خاک مرا

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ المعاصرین (۲۸۱ -۲۸۰ ،۱۵۰)، تذکره‌ی نصرآبادی (۹۸ -۹۷)، الذریعه (۱۶/ ۹).

همدانی، ابواسحاق ابراهیم

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۲۱ ق)، فقیه و محـدث. او از مشایخ ابوالحسن علی بن بابویه پدر شـیخ صدوق و محدث همدان بود. مطابق اسانید بعضـی از روایـات کتـاب «امـالی» صـدوق، علی بن بـابویه در همـدان آن روایـات را از صـاحب عنوان شـنیده است. ابراهیم بن عمروس نیز به نوبه‌ی خود از ابی علی حسن بن اسـماعیل قحطبی روایت کرده است. او همچنین از ابوعمار مروزی و عبدالرحمان بن بشـیر و عباس بـن یزیـد بحرانی و عبدالحمیـد بن عصـام و حمیـد بن زنجـویه و بخـاری و بسـیاری دیگر حـدیث روایت کرده است. وفـات وی در «طبقات اعلام‌الشیعه»، ۳۲۹ ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیرالنبلاء (۵۵۰/ ۱۴)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۴/ ۴).

همدانی، ابوالفرج حمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ح ۴۰۰ ق)، مقری و شاعر. در علم قراآت متبحر بود. وی صاحب کتاب «کنز المقرئین فی الوقف والابتداء» است که آن را از کتابهای مهم در زمینه‌ی قراآت به شمار آورده‌اند. در حاشیه‌ی «الوافی بالوفیات» به نقل از «طبقات القراء» آمده که جزری وی را زنده‌ی حدود ۴۰۰ ق می‌داند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۳/ ۲)، دمیۀالقصر (۵۲۳ -۵۲۲/ ۱)، معجم‌المؤلفین (۷۴/ ۴)، الوافی بالوفیات (۱۵۷/ ۱۳).

همدانی، آقامیر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر و نویسنده. خواجه آقامیر از اعاظم همدان بود و طبعی عالی و روان داشت. در زمان شاه عباس زندگانی می‌کرد. در میان اقسام شعر به سرودن رباعی میلی بیشتر داشت، از این رو به خواجه رباعی یا میررباعی مشهور بود. به گفته‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی، آقا میرهمدانی از مصاحبین صادقی کتابدار صاحب «مجمع الخواص» بود و شعر خود را بر او عرضه می‌کرد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن سرایان همدان (۲۲۲ -۲۲۱ /۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۲۴)، الذریعه (۱۱ /۹)، فرهنگ سخنوران (۱۱)، هفت اقلیم (۵۶۷/ ۲).

همدانی، تراب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید تراب بن میرزا تقی بن سید حسن مقیم نهاوند از احفاد میرزا سید زکی همدانی صاحب مزار معروف فاضلی جلیل و رئیسی بزرگ بوده و وی از علماء بزرگ نجف استفاده نموده و بعد از آن به نهاوند مراجعت و به خدمات دینی پرداخته تا از دنیا رفته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

همدانی، تقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تقی بن سید حسن مقیم نهاوند از احفاد میرزا سید ذکی همدانی صاحب مزار معروف عالمی جلیل و داماد حاج میرزا خلیل تهرانی جد خاندان خلیلی تهرانی بوده و در نهاوند موقعیت بزرگی داشته و حدود ۱۳۱۰ ق وفات نموده و به جای او فرزند او آقا سید تراب قرار گرفت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

همدانی، حبیب‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. در شکسته‌نویسی استاد بود. از آثار او: دو قطعه به قلم کتاب خوش، با رقم: «العبد الاقل حبیب‌اللّه غفر ذنوبه» و «اقل خلق اللّه حبیب‌اللّه غفر ذنوبه»؛ یک قطعه با رقم: «در روز جمعه بیست و ششم شهر شعبان المعظم بتاریخ هزار و دویست و هشتاد و پنج هجری... اقل خلق اللّه حبیب‌اللّه تحریر نمود».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۶۱ -۱۲۶۰ /۴)، المآثر و الاثار (۲۰۸).

همدانی، حسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. قاضی حسن از شاعران عصر خود و از اهالی تویسرکان بود و معاصر صادقی کتابدار. وی جوانی خوش طبع و با ذوق بود. این رباعی از اوست:

امشب دگر ای دل اضطرابی داری

از ساغر هجر خون نابی داری

از خون جگر پر است پیمانه‌ی تو

نوشت بادا عجب شرابی داری

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۴۳/۱)، الذریعه (۸۶۸/۹)، مجمع الخواص (۲۷۲).

همدانی، حسینقلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۱ -۱۲۳۹ ق)، عارف، حکیم و فقیه. ملا حسینقلی در شونـد درگزین از روستاهای همـدان متولـد شـد. کودکی را به شـبانی گذارانـد، و سـپس در تهران در حوزه شـیخ عبدالحسین تهرانی (شیخ العراقین) در رشته معقول درس خواند. چندی بعد عازم سبزوار شـد و نزد حاج ملا هادی سبزواری حکمت و فلسفه خواند. پس از مدتی در محضـر درس شـیخ مرتضـی انصاری در نجف حاضـر گشت و بسیاری از تقریرات او را در فقه و اصول به رشته‌ی تحریر درآورد. اخلاق و عرفان را از محضـر آقا سـید علی شوشـتری فراگرفت. از جمله شاگردان و اصحاب وی: شـیخ محمـد بهاری، سـید احمـد تهرانی، میرزا جواد ملکی تبریزی، سـید حسن صدر و سید جمال‌الدین اسدآبادی است. وی در کربلا مدفون است. آثار او عبارت‌اند از: «نامه‌ها و منشآت»، در آداب سلوک که پاره‌ای از نامه‌هـای او در مجموعه «تـذکرهٔ المتقین» در ۱۳۲۹ ق به چـاپ رسـیده؛ «مناجاتهـا»؛ «تقریرات در اخلاق»؛ «کتاب الرهن»؛ «تقریرات شیخ انصاری»، در فقه و اصول.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۶ /۴)، ریحانه (۳۷۶ /۶)، فوائد الرضویه (۱۴۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۲ /۷).

همدانی، حمید

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به حمیـد. وی از نجیب‌زادگان همـدان بود که در کسب دانش جدی بلیغ داشت. حمید در سـرودن غزل توانا بود و «دیوان» غزلیات وی قریب دو هزار بیت است. او شاعری نیک اعتقاد و شیعی مذهب بود و آزادگی و بلندی همت و وارستگی بکمال داشت. از اوست.

هزار گل دمد از خاک در مقابل تو

تو هم ز جوهر خاکی کجاست حاصل تو

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۴۶ -۲۴۳ /۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۹۲)، الذریعه (۲۶۶/۹).

همدانی، خلیل

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. میرزا خلیل برادر میرزا ابراهیم، قاضی‌زاده همدان بود و سرآمد دانشـمندان زمان خود به شمار می‌رفت. وی از غزلسرایان معروف عهد خود بود که در ضمن سفر هندوستان درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سـرایان همدان (۲۴۸/۱)، تاریـخ نظم و نثر (۵۰۴)، الذریعه (۳۰۳/۹)، کاروان هند (۳۸۶/۱)، مجمع الخواص (۹۴).

همدانی، رحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۵ ق)، خطاط. به نقل از سپهر، وی خط نستعلیق را خوش می‌نوشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۲۰۷/۱).

همدانی، رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا بن شیخ محمدهادی همدانی نجفی متوفی ۱۳۲۲ ق از اکابر فقهاء محققین و مشاهیر مراجع عصر خود بوده است.

مرحوم والدش حاج شیخ محمدهادی از علماء صلحاء و وی از اجله فقهاء و افضل اعلام زمان خویش بوده و مهاجرت به سامرا و سالهای متمادی ملازمت درس مجدد شیرازی را نموده و تقریرات درس وی را نوشته تا در میان اقران خویش مشاراليه بالبنان گردیده و در حیات استادش میرزا بزرگ به نجف برگشته و به تدریس اشتغال یافته و جمع زیادی از اهل فضل اطرافش را گرفته و از بیاناتش استفاده نموده‌اند.

و ضمنا به اقامه جماعت و تألیف کتاب نفیسش (مصباح الفقیه) پرداخته و آن بزرگوار چنانچه معاصرین و متاخیرین او گواهی می‌دهند ازهد و اورع و اتقا و افضل اقران خود بوده و اکثر اوقات خود را مصروف به مطالعه و تدریس و مباحثه و تألیف می‌نموده و در نهایت اعراض از دنیا و زخارف آن بوده و بعد از فوت استادش میرزا شیرازی مردم به وی رجوع نمودند و این مرجعیت برایش گران و سنگین بود ریاست و زعامت را مکروه می‌داشت برای مسئولیت خطیری که دارد.

و واقعا هم چنین بود زیرا بعد از ریاست هم تغییر وضع نداده و ماکل و ملبسش مانند گذشته بود و این ریاست هم طولی نکشید چون نسیان برایش عارض شد و خود از فتوا دادن امساک نمود فقط مواظبت به تدریس داشت تا در سال ۱۳۲۲ ق وفات نمود و آثار بسیار ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشت که ذیلا می‌نگارم.

۱- کتاب الطهاره ۲- کتاب الصلوه ۳- کتاب الزکوه ۴- حاشیه بر رسائل ۵- حاشیه بر نجاه العباد ۶- تقریرات دروس میرزا بزرگ شیرازی ۷- کتاب البیع :

معظم شاگردان و تلامذه آن جناب نامبردگان زیرند.

۱- آیت‌اللّه آقا شیخ ابوالقاسم کبیر قمی ۲- آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی تهرانی مقدس ۳- آیت‌اللّه حاج شیخ جعفر آل شیخ راضی ۴- آیت‌اللّه حاج شیخ علی زاهد قمی ۵- آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالحسین آل اسداللّه شوشتری ۶- آیت‌اللّه حاج سید محسن امین جبل عامل ۷- آیت‌اللّه حاج شیخ علی همدانی ۸- آیت‌اللّه شیخ علی جواهری ۹- آیت‌اللّه حاج شیخ علی حلی ۱۰- آیت‌اللّه حاج شیخ احمد آل کاشف الغطا ۱۱- آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین آل کاشف الغطاء ۱۲- آیت‌اللّه حاج شیخ جواد بلاغی ۱۳- آیت‌اللّه شیخ مشکور طالقانی ۱۴- آیت‌اللّه حاج سید حسن صدر و عده زیادی دیگر که ذکرشان موجب اطناب است.

آن بزرگوار در اواخر مبتلا به کسالت سل گردیده و مسافرتی برای زیارت و تغییر آب و هوا به سامرا نموده ولی در آنجا در روز یکشنبه ۲۸ ماه صفر ۱۳۲۲ قمری در سن هفتاد و پنجسالگی وفات و در رواق شریف عسکریین طرف پائین پای امامین همامین مدفون شده است.

آن مرحوم دارای یک پسر بنام حجهٔالاسلام آقا شیخ محمد همدانی و چهار دختر بوه و دامادهای وی همه از آیات و اعلام علماء معروف بدین شرح می‌باشند.

۱- آیت‌اللّه حاج میرزا نجم‌الدین شریف عسکری بن آیت‌اللّه آقا میرزا محمد تهرانی عسکری متوفی ماه رجب ۱۳۹۵ ق.

(۱۳۲۲ -۱۲۵۲/ ۱۲۵۰ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، متکلم، مدرس، عابد و زاهد. وی در همدان به دنیا آمد. پس از فراگرفتن مقدمات به عراق رفت و در محضر علمای بزرگ از جمله میرزا محمدهاشم خوانساری و میرزای بزرگ شیرازی و میرزا محمدتقی شیرازی و میرزا حسن فرزند میرزا خلیل تهرانی نجفی تلمذ نمود. وی از شاگردان برجسته‌ی میرزای بزرگ شیرازی بود. در حیات میرزا از سامرا به نجف رفت و به تدریس و تألیف و اقامه‌ی جماعت پرداخت. از جمله شاگردان مشهور وی می‌توان به شیخ آقا بزرگ تهرانی، صاحب «الذریعه»، و شیخ علی زاهد قمی و آیت‌اللّه شیخ جواد بلاغی و آیت‌اللّه شیخ علی حلی و آیت‌اللّه شیخ احمد آل کاشف‌الغطاء و شیخ محمدحسین آل کاشف‌الغطاء و شیخ جعفر آل شیخ راضی و آیت‌اللّه شیخ علی جواهری و آیت‌اللّه شیخ محمدتقی تهرانی مقدس و آیت‌اللّه شیخ ابوالقاسم کبیر قمی و آیت‌اللّه علامه سید محسن امین جبل‌عاملی اشاره کرد. وی به مناسبت اهمیت و شهرت کتابش «مصباح الفقیه»، که شرحی است بر «شرایع الاسلام» علامه حلی، به صاحب «مصباح الفقیه»، مشهور می‌باشد. صاحب «اعیان‌الشیعه»، وی را به کثرت زهد و ورع، تواضع شدید و کراهت داشتن از شهرت ستوده است. در اواخر عمر به علت بیماری سل، برای تغییر آب و هوا، به سامرا رفت و در آنجا درگذشت و در رواق شریف به خاک سپرده شد. از دیگر آثارش: «الفوائد الرضویهٔ علی الفرائد المرتضویهٔ» یا «العوائد الرضویهٔ علی الفرائد المرتضویهٔ»، در حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ حاشیه بر «المکاسب» شیخ انصاری؛ حاشیه بر «نجاهٔ العباد»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ «تقریرات» استادش میرزای بزرگ شیرازی، در فقه و اصول؛ کتاب «البیع» از «تقریرات» میرزای بزرگ شیرازی؛ «الهدایهٔ»؛ «الوجیزهٔ».[۱]

رضا همدانی قدس‌اللّه‌سره متولد در سال ۱۲۵۰ قمری و متوفی ۱۳۲۲ ق و علامه سماوی در ماده تاریخ فوت و رثاء آن مرحوم گفته است.

و کالرضا المحقق ابن الهادی

الهمدانی الفقیه البادی

رافع مصباح الفقیه المائل
و ذی التعالیق علی الرسائل
فانه جاورها بدر النجف
و قال ارخوه (ابهج الغرف)
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)
منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۵۲/ ۳)، اعیان‌الشیعه (۲۳ -۱۹/ ۷)، الذریعه (۱۶۶ ،۴۹/ ۲۵ ،۱۱۶ -۱۱۵/ ۲۱ ،۳۴۱/ ۱۶ ،۲۱۹ ،۱۵۷/ ۶ ، ۳۷۷ -۳۷۶/ ۴)، ریحانه (۳۷۷/ ۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۷۷۸ -۷۷۶/ ۱۴)، علماء معاصرین (۷۶ -۷۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۷ -۳۷۶/ ۷)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۳۴۰ -۱۳۳۹/ ۳)، معجم‌المؤلفین (۱۶۴/ ۴)، میرزای شیرازی (۱۴۴ -۱۴۳).

همدانی، صادق

قرن:۱۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید احمد بن سید صادق طباطبائی همدانی تهرانی مشهور (به سنگلجی) عالمی جلیل از فضلاء شاگردان میرزا شیرازی با برادرش آقا سید محمد طباطبائی سنگلجی معاصر علامه حاج ملاعلی کنی بوده است.
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

همدانی، صفرعلی

قرن:۱۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن شیخ غلام علی، عالم فاضل معمر، از شاگردان حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی و آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی، و مجاز از ایشان است.
در همدان متولد گردیده، و جهت کسب علم به اصفهان مهاجرت نموده، خدمت اساتید این شهر تحصیل نموده، در محله‌ی دردشت ساکن، و در مسجد کوچه‌ی باغ دردشت امامت می‌نمود.
در سال ۱۳۵۰ به سن متجاوز از نود سال وفات یافته، در تکیه‌ی ملک بالای سر قبر مرحوم آخوند کاشی استاد خود مدفون گردید.
مشارالیه برخی از تقریرات اساتید خود را در فقه و اصول به رشته‌ی تحریر درآورده است.
بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

همدانی، طاهر

قرن:۱۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز ۱۳۱۸ ق)، خطاط. اصل وی از قریه کاج دره گزین بود. میرزا طاهر نستعلیق را خوش می‌نوشت و یکی از کاتبان نسخه‌ی «نامه‌ی دانشوران» است. او از ۱۳۰۶ ق در دارالتألیف اداره‌ی انطباعات مشغول کتابت بود.
بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۳۴ -۳۳۳/ ۲)، المآثر و الآثار (۲۰۸).

همدانی، عبدالحسین

قرن:۱۳
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عبدالحسین همدانی عالمی جلیل و فاضلی بارع و پرهیزکاری پارسا از سادات (کمالان) مشهور همدان و از بزرگان علماء و مشاهیر فقهاء زمان خود و معروف به ورع و صلاح بوده و در سال ۱۳۱۸ در تهران وفات نموده.
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

همدانی، عبدالرحمان

قرن:۴
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ۳۲۰ ق)، ادیب، کاتب، لغوی و شاعر. وی کاتب بکر بن عبدالعزیز بن ابودلف عجلی بود. در «هدیهٔالعارفین» وفات وی ۳۲۷

ق ذکر شده است. از آثارش: کتاب «الالفاظ» که در بیروت تحت عنوان «الالفاظ الکتابیهٔ» یا کتاب «الکلام» چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الفهرست ابن الندیم، ترجمه (۲۸۶)، معجم‌المؤلفین (۱۶۴ -۱۶۳ / ۵)، الوافی بالوفیات (۲۱۶ -۲۱۵ / ۱۸)، هدیهٔ‌العارفین (۵۱۳/ ۱).

همدانی، عبدالرزاق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۳ -۱۲۹۱ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، محدث، مجتهد، متکلم و واعظ. اصل او از قزوین بود. پدرش مقیم اصفهان گردید و وی در آنجا به دنیا آمد. در حدود ۱۳۰۰ ق به همراه پدرش به کربلا مهاجرت نمود. او در کربلا مقدمات علوم را فراگرفت و در ۱۳۱۳ ق به همراه مادرش به همدان رفت و در آنجا به تکمیل دروس و وعظ و خطابه و تألیف اشتغال یافت. چند بار برای زیارت به نجف رفت. او در همدان درگذشت. از آثارش: «ذریعهٔ‌المعاد»، در شرح «نجاهٔ‌العباد»؛ «السیف القاطع فی ابطال الرکن الرابع»؛ «هدایهٔ الطالبین»، در اصول دین؛ «الخلافیهٔ»، در رد شیخیه؛ «السؤال والجواب الدینی»، در رد شیخیه؛ «الهدایهٔ»، در رد صوفیه؛ «المقالهٔ الاسلامیهٔ»، در رد نصارا؛ «الکشکول»؛ «المواعظ المنبریهٔ»؛ «الاسلام و الخلافهٔ»؛ «مواکب حسینیه».[۱]

شیخ عبدالرزاق بن علی‌رضا بن عبدالحسین ابن ابی‌طالب بن عبدالکریم مؤلف (نظم الغرر) ابن محمد مؤلف (ترجمان اللغه) ابن محمد شفیع متمم کتاب والده (ابواب الجنان) ابن رفیع‌الدین محمد بن فتح‌اللّه (قزوینی) اصفهانی همدانی عالمی فاضل و واعظی کبیر بوده است.

جد ایشان از اهل قزوین بوده و پدرش مقیم اصفهان گردیده و وی در آنجا در سال ۱۲۹۱ ق متولد شده و والدش در حدود ۱۳۰۰ ق مهاجرت به کربلا نموده و او در خدمت آن مرحوم در کربلا به مقدمات علوم پرداخته و در سال ۱۳۱۳ ق مادر علویه‌اش وی را به همدان آورده و در آنجا به تکمیل دروس و وعظ و خطابه و تألیف اشتغال یافته تا بعد از ۱۳۸۱ قمری که به رحمت حق پیوسته است.

تألیفات وی از این قرار است.

ذریعه‌المعاد فی شرح نجاه العباد در طهاره ۲- السیف القاطع فی ایطال الرکن الرابع در رد شیخیه ۳- هدایه الطالبین در اصول الدین ۴- الخلافیه ۵- السوال و الجواب الدینی رد شیخیه ۶- الهدایه. در رد صوفیه ۷- المقاله الاسلامیه در رد نصاری ۸- الجواب عن سوال زید و زینب ۹- مختصر المقاله الجوابیه ۱۰- بدایه المنطقیه ۱۱- الوجیزه الرجالیه ۱۲- الکشکول ۱۳- مناظرات و مقالات ۱۴- المواعظ المنبریه ۱۵- رساله جواز نقل الموتی ۱۶- رساله فروع‌الدین ۱۷- الفیصل ۱۸- الغدیریه ۱۹- رساله اصول‌الدین ۲۰- الاسلام والخلافه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۸۲ -۱۸۱ ،۱۶۶/ ۲۵ ،۲۳۲/ ۲۳ ،۳۹۵/ ۲۱ ،۵۹/ ۱۷ ،۳۸۴/ ۱۶ ،۲۸۸ ،۲۴۵ ،۲۱۰/ ۱۲ ،۳۲ -۳۱/ ۱۰)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۱۴ -۱۱۳/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۹ -۳۷۸/ ۷)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۳۴۱/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴۴ -۸۴۳/ ۳).

همدانی، عبدالصمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(شهادت ۱۲۱۶ق)، فقیه، متکلم، عارف و شاعر. نزد آقا محمدباقر بهبهانی و سید بحرالعلوم درس خواند و به اجتهاد رسید و سپس به طریق عرفان قدم گذاشت و در سلک پیروان معصوم علیشاه، نورعلیشاه و حسین علیشاه اصفهانی درآمد. وی با اغلب فقهای متشرع اختلاف نظر داشت. در روز عید غدیرخم در کربلا به دست وهابیان شهید شد. وی شعر نیز می‌گفت و در شعر صمد تخلص می‌کرد و «دیوان» شعر دارد. مهم‌ترین آثار او عبارت‌اند از: «بحرالمعارف»؛ «شرح المختصر النافع»؛ «المواسعهٔ والمضایقهٔ»، کتاب بزرگی به ترتیب ابواب فقه؛ و کتاب بزرگ دیگری در لغت که ناتمام است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۷ /۸)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۷۶ -۷۵ /۲)، الذریعه (۱۴ /۱۵ ،۵۹ /۱۴ ،۶۱۸ /۹ ،۴۷ /۳)، روضات الجنات (۱۹۵ -۱۹۴ /۴)، ریاض العارفین (۲۶۷)، ریحانه (۳۷۸ -۳۷۷ /۶)، شرح حال رجال (۱۴۱ /۶)، شهیدان راه فضیلت (۴۵۵ -۴۳۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۳۸ -۷۳۷ /۱۳)، طرائق الحقائق (۲۸۱ /۳)، فوائد الرضویه (۲۳۲)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالصمد)، معجم المؤلفین (۲۳۸ /۵)، مکارم الآثار (۶۱۰ -۶۰۰ /۲)، هدیهٔ العارفین (۵۷۵ /۱).

همدانی، عبدالغفار

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «شیر و شکر» شیخ بهایی، به قلم دو دانگ خوش و با رقم: «در دارالعلم شیراز... عبدالغفار همدانی، فی شهر محرم الحرام سنه‌ی هزار و دویست و هشتاد و نه هجری...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۰۶ / ۲).

همدانی، عبدالله

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هفتم و هشتم ق)، مذهب و خطاط. از اهالی همدان بود و در تذهیب و طلاکاری و کتابت خطوط مختلف از قبیل ریحان و ثلث و نسخ مهارت داشت. از آثار ارزنده‌ی وی، کتابت و تذهیب شش جزو از قرآن مجید است که جهت دارالخیرات و رشیدیه‌ی همدان کتابت شده، با رقم: «کتبه و ذهبه... عبدالله بن محمد بن محمود الهمدانی فی شهور سنه ۷۱۳... بدار الخیرات الرشیدیه همدان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۳۱۳-۳۱۲ / ۱)، گلستان هنر (پانزده).

همدانی، عبداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبداللّه بن ملا محمد بروجردی همدانی فقیهی متقی و مرحوم والدش از علماء و افاضل مفسرین و دارای تفسیری بوده و آن مرحوم نیز از جلاء علماء متقین و زهاد و در امر به معروف و نهی از منکر بسیار شدید و جدی و از اعاظم علماء همدان علما و عملا بود و بسیاری از علماء همدان مانند حاج شیخ محمدهادی همدانی و آقا شیخ ربیع همدانی و ملا محمدتقی همدانی و شیخ علی همدانی و میرزا سید فتاح همدانی و غیر آنها از بزرگانی که از مراجع دینی شدند از شاگردان وی بوده‌اند.

و آن مرحوم در همدان شدیدا بر علیه فرقه شیخیه معارضه نموده و هیچ مسامحه و کوتاهی نمی‌کرد حتی چند بار حکم به تکفیر آنها نموده و برای همین موضوع چند بار تبعید به تهران گردید و این موجب شهرت او و توجه و علاقه مردم به وی شده و در جماعت وی بسیاری از خواص و عوام شرکت می‌نمودند تا در سال ۱۳۱۳ ق در همدان وفات نموده و فرزند برومندش حجهْالاسلام آقا شیخ اسماعیل به جای وی به اقامه جماعت پرداخت.

و آن مرحوم در موقع وفات فرزندی در جنین همسرش داشت که بعد متولد شد و موسوم به محمد گردید که از علماء بزرگ و مراجع امور دینی در همدان گردید

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

همدانی، عبدالمجید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالمجید بن عبدالوهاب همدانی متولد ۱۲۷۶ و متوفی ۱۳۴۶ ق عالمی متقی و فقیهی کامل بوده.

وی در سال مذکور متولد شده و مقدمات را در همدان آموخته و در سال ۱۲۹۸ ق مهخاجرت به طرف عراق و چند سالی در کربلا اقامت و از محضر فاضل اردکانی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی استفاده نموده و بعد از فوت آنها به نجف اشرف مشرف و از محضر آیت‌اللّه العظمی حاج میرزا حسین خلیلی و علامه آخوند خراسانی بهره‌مند شده و در سال ۱۳۱۶ ق به همدان مراجعت و به انجام وظائف دینی و روحی پرداخته تا در سال ۱۳۴۶ ق در مشهد مقدس از دنیا رفته است.

علامه تهرانی صاحب الذریعه گوید: آن مرحوم از اوتاد دانشمندان و در تقوا و سلوک و صلاح و سداد بسیار عجیب بود و از استادش مرحوم آیت‌اللّه خلیلی گذشته از استفاده‌های علمی کسب مقامات و معنویت نموده و دارای کرامات و قضایای نادره و لقاء حضرت حجت عجل‌اللّه فرجه‌الشریف بوده از جمله در سال ۱۲۹۹ ق پیاده از کاظمین به سامره مشرف می‌شده و در راه به واسطه تشنگی و خستگی از قافله عقب مانده و راه را گم می‌کند و در آن حال خوف و ترس زیادی به او دست داده توسل به ائمه علیهم‌السلام برای نجات خود می‌نماید که ناگاه می‌بیند دو نفر با ظرف آبی حاضرند و به او آب می‌دهند پس چند قدم با آنها برداشته داخل قریه و آبادی می‌شود و بعد متوجه آن دو نفر شده و آنها را نمی‌بیند پس سوال می‌کند که این جا کجاست می‌گویند: اینجا دجیل و (بلد) که در جنب حضرت سید محمد بن امام علی‌النقی (ع) است می‌باشد و متوجه می‌شود که هنوز قافله نرسیده پس منتظر می‌ماند تا بعد از پنج ساعت قافله می‌رسد.

و نیز حکایت نموده که چون در سال ۱۳۲۶ ق مشرف به نجف اشرف شدم چهل روز با اجازه استادم آیت‌اللّه خلیلی مشغول به

خواندن دعاء سیفی شدم و در روز چهلم مشرف به مسجد سهله شدم بعد از غروب و دیدم گویا (آیت‌اللّه العظمی) آسید محمد کاظم یزدی جماعت می‌خواند پس به او اقتدا کردم و بعد از نماز در مصاحبت او به مسجد کوفه آمده و در راه از بعضی از امور و مطالب مهمه سوال نمودم تا مسجد که از هم جدا شدیم و من شب را در مسجد بیتوته نموده و صبح به نجف آمدم و سوال کردم آیا سید یزدی شب برگشته از کوفه یا نه گفتند که سید چند روزیست بستری و مریض و نمی‌تواند از جا حرکت کند.

پس دانستم که آن سید که شب با وی نماز خواندم سید یزدی نبوده بلکه خود حضرت بوده است.

وی طاب ثراه دارای آثاری که از آن است که ۱– مختصر الاحکام فی تکلیف الانام ۲– مجالس المواعظ بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

همدانی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی‌اکبر بن میرزا شیر محمد همدانی عالمی مصنف و فاضلی جلیل متولد ۱۲۷۰ و متوفی ۱۳۲۵ ق بوده است.

وی مهاجرت به نجف اشرف نموده و به حوزه اخلاق و درس و تعلیم عالم اخلاقی آخوند ملاحسینقلی پیوسته و بعد از او از محضر آقا شیخ رضا فقیه همدانی و مرحوم شریعت اصفهانی و حاج میرزا حسین نوری استفاده نموده و پس از آن در سال ۱۳۲۲ به همدان مراجعت ولی طولی نکشیده در سال ۱۳۲۵ ق وفات نموده است.

وی دارای آثار زیر بوده است ۱– (آب حیاة) نظیر نان حلوا ۲– الدعوه الحسنی فی الادعیه الحسنا ۳– تکالیف الانام فی عصر غیبه الامام ۴– اخوان الصفا در اخلاق ۵– خرابات شبیه کشکول ۶– ناسخ التفاسیر ۷– رساله‌ای در جفر ۸– رساله‌ای در اعداد ۹– ردی بر فرائد گلپایگانی ۱۰– ردی بر بابیه و غیره.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

همدانی، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا بن میرزا علی محمد بن محمدعلی همدانی متولد ۱۲۶۹ و متوفی ۱۳۴۳ عالمی صالح و فاضلی وارسته از شاگردان شیخ عبداللّه همدانی و غیر او بوده و در سال ۱۳۰۵ در همدان ساکن و به خدمات دینی پرداخته تا در سال ۱۳۴۳ وفات و در سال ۱۳۴۵ بدنش را حمل به نجف و در جوار علی (ع) مدفون نمودند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

همدانی، محسن

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۰۵ ق)، شاعر. در زمان اکبرشاه به هندوستان رفت. چندی در گجرات به سر برد، سپس رهسپار دکن شد. در گلکنده به ملازمت محمدقلی قطبشاه (۱۰۲۰ -۹۸۹ ق) رسید و از وی ملاطفتها دید. او سرانجام، هنگام بازگشت به وطن، در احمدآباد گجرات درگذشت. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۳۰۶ -۳۰۵/ ۱)، الذریعه (۹۷۸/ ۹)، صبح گلشن (۳۷۴)، فرهنگ سخنوران (۸۱۱)، کاروان هند (۱۲۳۲ -۱۲۳۱/ ۲).

همدانی، محمد بدیع

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۲۷ ق)، خطاط. از آثار وی: یک رقعه نسخ دو دانگ خوش، با رقم: «راقم الحروف محمد بدیع الهمدانی سنهٔ ۱۲۲۷».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۵۱/ ۴).

همدانی، محمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم آقا شیخ محمـد حسن همـدانی، عالم زاهد ورع، از اخیار روزگار بود. در اصـفهان متولد، و نزد: پدر، و آقا سـید محمد باقر درچه‌ای، و آقا سـید مهـدی (درچه‌ای) و آقا سـید محمـد نجف‌آبادی، و آقا شـیخ محمدرضا نجفی تحصـیل نموده، در مسـجد پدر امامت می‌نمود.

در شـب جمعه ۲۱ شوال سـال ۱۳۸۰ بـه سن متجـاوز از هشـتاد وفـات یافتنـد در یکی از اطاق‌هـای تکیه‌ی متصـل به تکیه‌ی مـدفون گردید.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

همدانی، محمدکاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن بن ملامحمد کاظم همدانی عالمی فقیه از شاگردان میرزا شیرازی بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

همدانی، نصرالله

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، دانشـمند و فقیه. وی معروف به آخونـد نصـرا، آخونـد نصـیرا و آخوند نصیر بود. او نزد علمای اصـفهان بویژه میر محمدباقر داماد به فراگیری معارف اسـلامی پرداخت و سـپس در همدان به تدریس علوم دینی مشـغول شد و شاگردان بسیار تربیت کرد. افزون بر تألیفـاتش حواشـی و تعلیقات سودمنـدی بر کتابهای مهم فقهی نوشـته است که از آنها اثری در دست نیست، از جمله حاشیه بر «منتهی المطلب» علامه حلی.

کتـاب «اصول الـدین» از او است. وی در شـعر و انشـاء مهارت داشت. در «ریاض العلماء» آخونـد نصـیر همـدانی و آخونـد نصـراللّه همدانی را دو تن دانسـته است. ضـمناً خواجه نصیرالدین همدانی صاحب «دیوان» که پسر خواجه محمود و نوه‌ی خواجه حسن بیک یزدگردی است با صاحب ترجمه متفاوت است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۲۲ /۶، ۱۹۵ /۲)، ریاض العلماء (۲۴۶ -۲۴۵ /۵)، ریحانه (۴۴ -۴۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۱۵ /۱۱).

همدانی، ولی‌اللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۸ ق)، عارف و عالم. اصـلاً مازنـدرانی بود. در اصـفهان به حضور حسـین علیشاه از مشایـخ نعمهٔاللهیه رسـید و در همدان سکنی گزیـد. گویـا در اواخر عمر نابینـا شـد. میرزا عبـدالعظیم قریـب گرگـانی، از میرزا عبدالحسین‌خان افضـل الملک، از اعتمـاد السلطنه، مکاشفه‌ای از او نقل کرده است. مزارش در همدان است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۱۰۳ -۱۰۲ /۲)، طرائق الحقائق (۲۳۸ /۳)، المآثر والآثار (۱۶۷).

همدانی، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یوسف همدانی از علماء و دانشمندان معاصر همدانند.

وی در سال ۱۳۲۸ ق در درجزین (زادگاه عالم ربانی و فقیه اخلاقی آخونـد ملاحسـینقلی درجزینی همـدانی) متولـد شده و پس از رشـد و خوانـدن مقدمات در سال ۱۳۴۶ ق به قم مهـاجرت و از محضـر اساتیـد بزرگ حـوزه چـون مرحوم آیت‌اللّه آقـامیرزا محمد همدانی سطوح را به پایان رسانیده و بعد چند سالی از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی و نیز مرحوم آیت‌اللّه صدرالدین صـدر و مرحوم آیت‌اللّه العظمی خونساری اسـتفاده نموده و از سال ۱۳۵۵ ق منحصـرا از جلسـات و دروس خارج فقه و اصول یگانه محقق اصولی فقیه اهـل‌بیت نادره زمان مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سـید محمـدحجت کوه‌کمره‌ای (که تا زنـده بود قـدرش مجهول بود) استفاده کامل نموده و غالب تقریرات درس معظم‌له را به رشته تحریر آورده است.

و از موقع ورود مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی طاب ثراه به قم تا رحلت وی نیز شرکت در حوزه درس آن مرحوم نموده تا پس از فوت آن جناب بنابر درخواست مردم حومه همدان به امر آیت‌اللّه شریعتمداری و حسب‌الوظیفه به آنجا منتقل و تا حال تحریر به اقامه جماعت و ارشاد آن مردم اشتغال دارند.

از آثار و تألیفات ایشان کتب زیر است:

۱- کتاب بیع ۲- رساله در قاعده لاضرر ۳- رساله در درایه و رجال ۴- تقریرات اصول استادش مرحوم آیت‌اللّه حجت.

نگارنده گوید: جناب آقا میرزا یوسف احدی همدانی نیز از علماء و فضلاء با متانت و موصوف به تقوی و ورع حوزه و در محامد آداب و اخلاق قرین و عدیل دوست قدیمی خود جناب حجةالاسلام والمسلمین آقای آقا میرزا یحیی فاضل همدانی می‌باشند.

و در موقع اقامتشان در قم همواره محشور و مصاحب با ایشان بوده و در ایاب و ذهاب غالبا مانند سایه با هم بودند و کمتر وقتی می‌شود که در خارج تنها و جدای از هم دیده شوند. اطال اللّه عمرهما.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

همدم سمنانی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، مورخ، شاعر. وی در خدمت شاهزاده محمد ولی میرزا (وف ۱۲۴۴ ش)، والی سمنان و خراسان بود و منصب صندوق‌داری و وقایع‌نگاری داشت. وی کتاب تاریخی به نام «بدایع الوقایع» در خصوص دولت قاجار و وقایع خاصه‌ی شاهزاده محمد ولی میرزا نوشت. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقةالشعراء (۲۱۰۴ -۲۱۰۳/ ۳)، الذریعه (۱۳۰۱/ ۹)، سفینةالمحمود (۵۸۸ -۵۸۷/ ۲)، گلزار جاویدان (۱۷۵۶/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ همدم سمنانی)، مجمع‌الفصحا (۱۱۸۴/ ۶).

همدم شیرازی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، شاعر، متخلص به همدم. پدرش میرزا علی، متخلص به فخر، از فضلا و ادبای شیراز بود. میرزا محمدحسین با داور شیرازی (م ۱۳۲۵ ق)، صاحب «مرآت‌الفصاحه»، معاصر بوده است. از آثار وی «دیوان» شعر می‌باشد که در ۱۳۱۳ ق در حیدرآباد دکن به چاپ رسیده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار عجم (۵۲۸ -۵۲۷)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۷۱ -۸۷۰/ ۵)، الذریعه (۱۳۰۱/ ۹)، ریحانه (۳۷۹/ ۶ ، ۳۰۳ -۳۰۲/ ۱)، مرآت‌الفصاحه (۷۱۷ -۷۱۶)، مؤلفین کتب چاپی (۸۱۷/ ۲).

همدم شیرازی، نجفعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر. وی برادر آقا محمد ابراهیم منظور شیرازی قصه‌گو و افسانه‌خوان فتحعلی شاه بود و همچون برادرش در این فن در خدمت شاهزاده حسین علی میرزا فرمانفرما (م ۱۲۵۱ ق) حاکم فارس اشتغال داشت. او معاصر رضاقلی خان هدایت طبرستانی، صاحب «مجمع‌الفصحا»، نیز بود. از آثار وی: «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقةالشعراء (۲۱۰۵ -۲۱۰۴ / ۳)، الذریعه (۱۳۰۱ / ۹)، ریاض‌العارفین (۳۵۲ -۳۵۱)، ریحانه (۳۸۰ -۳۷۹ / ۶)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۸۲ / ۲)، گلزار جاویدان (۱۷۵۷ -۱۷۵۶ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ همدم شیرازی)، مجمع‌الفصحا (۱۱۸۵ / ۶)، مرآت‌الفصاحه (۷۱۶ -۷۱۵).

همدمی، شریفه

قرن:۱۶

جنسیت:زن

ملیت:ایران

از زنان شاعر. وی از سادات جرجان (گرگان) بود. غزل زیر از اوست.

من سوخته لاله رخانم چه توان کرد

واله شده‌ی سبز خطانم چه توان کرد
صد تیر بلا و ستم و جور رسیده
زان ناوک دلدوز به جانم چه توان کرد
جز نام توام هر نفسی ذکر دگر نیست
نامت شده چون ذکر زبانم چه توان کرد
مجنون صفت از عشق بتان زار و نزارم
دیوانه لیلی صفتانم چه توان کرد
ای «همدمی» از جور رقیبان ستمکار
بر چرخ برین رفت فغانم چه توان کرد

تاریخ تولد و وفات او معلوم نیست ولی قطعاً پیش از قرن دوازدهم هجری می‌زیسته است.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: «پرده‌نشینان سخنگوی»، آریانا، سال دهم، شماره دهم، ۳۹؛ از رابعه تـا پروین، ۲۶۴؛ تذکرةالخواتین، ۱۷۷ – ۱۷۶؛ حدیقه عشرت، ۶۸؛ الذریعه، ۱۳۰۱ / ۹؛ ریاحین‌الشریعه، ۹۹ / ۵؛ زنان سخنور، ۳۹۲ / ۲؛ مرآت‌الخیال، ۳۳۸؛ نگارستان سخن، ۱۴۷.

همسر خلیل

قرن:۱۱

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۱۱۰۴ ق، از زنان شاعر. همسرش رقم‌نویس دربار صفوی بود. این بانو سفرنامه منظوم خود از اصفهان به مکه و شام را به صورت مثنوی سروده و در آن مسافتها، آب و هوای منزلها و دیدنی‌های بین راه را در یک هزار و سیصد بیت شعر توصیف کرده است از این کتاب یک نسخه به شماره ۱۴۱۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه موجود است. مثنوی با این دو بیت آغاز می‌شود:

مرا چون کرد چرخ حیله پرداز
جگر خون از فراق یار دمساز
حرامم شد به بستر خواب راحت
ندیدم چاره‌ای غیر از سیاحت

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: الذریعه، ۲۰۷ / ۱۹؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ۴۰۳۳ / ۶.

همگر یزدی، مجد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۸۶ –۶۰۷ ق)، نویسنده، خطاط و شاعر، متخلص به مجد. ملقب به ملک الشعراء. معروف به ابن همگر و مجد همگر. وی گاهی رهی نیز تخلص می کرد. او بارها به نام خود، مجد و نام پدرش، احمد ملقب به همگر (رفوگر)، اشاره کرده است. محل تولد او را بعضی از تذکره‌ها یزد و بعضی شیراز و فارس دانسته‌اند، به همین علت او را مجد همگر شیرازی یا پارسی نیز می‌نامند. البته وی مدت زیادی از عمرش را در شیراز ساکن بوده است و علت اشتهار او به شیرازی هم ممکن است به این دلیل باشد. مجد همگر خود را از اعقاب خسرو انوشیروان ساسانی می‌دانست. او همزمان با اباقاخان و از معاصرین و اقران امامی هروی و همچنین سعدی شیرازی بوده است. وی نزد اتابکان فارس تقرب داشت و ملک‌الشعرای اتابک مظفرالدین ابوبکر بن سعد بن زنگی بود که ابوبکر و فرزندش، سعد بن ابوبکر، و فرزند سعد را مدح می گفت. بعد از انقراض اتابکان، وی از شیراز به کرمان رفت و ملازم پادشاهان قراختایی آنجا شد و عصمت‌الدین قتلغ، حاکم آن دیار، را ستود و تا انقراض قراختاییان به دست مغولان در پناه آنان به سر برد. سپس به اصفهان رفت و خاندان جوینی خصوصا بهاءالدین محمد صاحب دیوان، فرزند خواجه شمس‌الدین محمد، را مدح نمود. بعد از زوال خاندان جوینی و به قتل رسیدن شمس‌الدین صاحب دیوان در رثای او رباعی زیبایی سرود. از شاگردان او می‌توان از بدرالدین جاجرمی و فریدالدین احوال نام برد. همگر در پایان عمر گوشه‌ی انزوا گزید و در عزلت زیست تا از دنیا رفت. وی در شعر بیشتر پیرو شاعران خراسان بوده و خط خوبی نیز داشته است و «سلجوق نامه» را به خط خوش نوشته است. از آثارش: استنساخ «سلجوق نامه» به امر بهاءالدین، که گفته شده این کتاب در یک روز استنساخ شده است؛ استنساخ «قابوس نامه» عنصر المعالی، برای کتابخانه‌ی بهاءالدین؛ استنساخ «کلیله و دمنه»، برای شمس‌الدین محمد کیشی؛ «دیوان» شعر، حدود سه هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (۱۷۰ –۱۶۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۴۵ –۵۲۳/ ۳)، تاریخ گزیده (۷۵۲ –۷۴۹)، تاریخ مغول (۵۳۷)، تاریخ نظم و نثر (۱۶۲)، تذکره‌ی روز روشن (۷۱۶ –۷۱۴)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۲۷۶ –۲۷۰)، تذکرة الشعراء (۱۹۷ – ۱۹۶)، جامع مفیدی (۴۲۳ –۴۲۲ / ۳)، حبیب السیر (۳۸۷، ۱۱۸ –۱۱۷ / ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۳۹ –۳۲۸ / ۴)،

دایرةالمعارف فارسی (۲۶۵۸/ ۲)، الذیعه (۹۶۲/ ۹)، رباعی و رباعی‌سرایان (۲۵۷، ۱۳۶)، ریحانه (۳۸۰/ ۶)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۷۸/ ۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۴۶)، فرهنگ سخنوران (۸۰۰)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۲۵۱۰ –۲۵۰۹/ ۳)، گنج سخن (۱۷۴ –۱۷۰/ ۲)، لغت نامه (ذیل/ همگر)، مجمع الفصحا (۱۳۴۳ –۱۳۳۵/ ۳، ۴۳۳/ ۱)، مرآة الخیال (۳۶)، مرآت الفصاحه (۵۵۲ –۵۴۹)، هفت اقلیم (۲۰۷ –۲۰۳/ ۱).

هندی، صفی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به صفی. اصلش از کاشان بود. پدرانش به هندوستان مهاجرت کرده بودند. او در آن جا به دنیا آمد. صفی «دیوان» شعری داشته است. از اوست:

در این دو روزه ملولم ز زندگانی خویش

چه سود خضر از این عمر جاودان دارد

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۰۳۲ –۱۰۳۱ / ۲).

هنر جندقی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۸۸ ق)، شاعر. برای تحصیل علوم اسلامی به نجف مسافرت کرد. در بازگشت مشرب شیخیه را برگزید و حاج محمد کریم خان را مدح کرد. از «دیوان» وی به دست می‌آید که او در سوگ دو فرزندش محمد و محمود که در جوانی درگذشتند، در ۱۲۸۸ ق، مرثیه گفته است. از آثار وی: «داستان عاشقانه» شامل رباعیات؛ مقدمه‌ی «دیوان» یغما، به نثر؛ اتمام کتاب «قاموس» پدرش؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۳۰۳ –۱۳۰۲/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۶).

هنر جهرمی فارسی، ابوالحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۷ ق)، طبیب و شاعر، متخلص به هنر. وی سالها در جهرم و شیراز به تدریس علوم و طبابت مشغول بود و در طب شهرتی پیدا کرد. او قصیده‌ای در مدح و منقبت حضرت رسول (ص) به نام «جام جم» دارد. برخی از اشعار وی در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقةالشعراء (۲۱۰۹ –۲۱۰۵ / ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۷۲ –۸۷۱ / ۵)، الذریعه (۱۳۰۳ / ۹)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۲۸۵ –۱۲۸۲/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۶)، مرآت‌الفصاحه (۷۱۸ –۷۱۷)، مصطبه‌ی خراب (۲۱۴ –۲۱۳).

هنرفر، لطف‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۸ ش)، نویسنده، محقق و استاد دانشگاه. در اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود گذراند و در ۱۳۱۶ ش به دریافت دیپلم دوره‌ی اول دانشسرای مقدماتی اصفهان و در ۱۳۲۰ ش به دریافت لیسانس تاریخ و جغرافیا از دانشسرای عالی تهران نایل شد. وی در اصفهان از سال ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۹ ش، ریاست اداره‌ی باستان‌شناسی اصفهان را به عهده داشت. در ۱۳۴۱ ش به دریافت دکترای تاریخ از دانشگاه تهران مفتخر شد و پس از آن در دانشگاه اصفهان به تدریس تاریخ ایران پرداخت. دکتر هنرفر عضو اتحادیه جهانی ایران‌شناسان و عضو انجمن آثار ملی و شورای حفاظت آثار تاریخی اصفهان بود و از او مقالات متعددی در مجله‌های گوناگون کشور درباره‌ی آثار تاریخی اصفهان، به زبان‌های فارسی و انگلیسی به چاپ رسیده است. اثر مهم وی «گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان» است که صورت کاملی از کلیه‌ی آثار تاریخی آن شهر را با شرح مفصلی ارائه داده و جامع‌ترین کتابی است که درباره‌ی آثار و ابنیه تاریخی اصفهان به رشته‌ی تحریر درآمده است. اثر دیگر او «اصفهان برای جوانان» می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسـی (۲۷۷۷ ،۱۶۳۴/ ۲)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصـفهان (سـی و چهار- چهل و شـش، پشت جلد)، مؤلفین کتب چاپی (۱۳۸/ ۵).

هنرنژاد، رحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زراعت و اصلاح نباتات، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: گیلان

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

هنری خضربیگی، بهمن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ریاضی، دانشکده: علوم، دانشگاه فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ریاضـی- فیزیک از دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۴۶، کارشناسی ارشد ریاضی از مؤسسه ریاضیات غلامحسین مصاحب در سال ۱۳۴۸، کارشناسی ارشد معادلات دیفرانسیل از دانشگاه ساتمپتون انگلستان در سال ۱۳۵۱، دکترای دستگاههای دینامیکی از دانشگاه ساتمپتون در سال ۱۳۵۴، فوق تخصص دستگاههای دینامیکی از دانشگاه برکلی.

مرتبه علمی:

مربی دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۴۸ تـا سال ۱۳۵۰، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۵۵ تـا سال ۱۳۶۸، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۶۸ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

میدانهای برداری پایدار روی چنبره با کلاه ضربدری، میدانهای برداری تعاونی و رقابتی، پایداری دستگاههای دینامیکی، پایداری ساختاری و انشعاب، پایداری ساختاری میدانهای برداری چند جمله‌ای، تدریس دروس نظریه تکینها- گروههای تبدیلی فشرده، هندسه منیفلد- توپولوژی جبری، دستگاههای دینامیکی، آنالیز ریاضی، توپولوژی، جبر خطی و ریاضی عمومی در دانشگاههای فردوسی مشهد و تربیت معلم تهران، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

توپولوژی، معادلات دیفرانسیل و پایداری، فرهنگ علوم و فنون.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

ریاضی، بررسی مختصری از مسئله سه جسم.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

هوایی مشهدی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم ق)، نقاش، خطاط، مذهب و شاعر. بعضی منابع وی را برادر و بعضی دیگر او را از مصاحبان مشرقی مشهدی می‌دانند. هوایی در نقاشی کاشی دست داشت و در تذهیب و خوشنویسی نیز ماهر بود. گفته‌اند که به خط خویش، «دیوان» خود را می‌نوشته و پس از تذهیب می‌فروخته است. وی در هرات از دنیا رفت و در خواجه چهل گزی دفن شد. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۴۱۸/ ۳)، الذریعه (۱۳۰۳/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۷)، مجالس‌النفائس (۲۱۶ -۲۱۵، ۴۳-۴۲).

هورفر، علی عسگر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: شیمی، دانشکده: فنی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد در مهندسی شیمی از دانشگاه فنی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۷، کارشناسی ارشد صنایع شیمی از دانشکده علوم دانشگاه پاریس در سال ۱۳۴۷ و دکترای شیمی معدنی- تجزیه از دانشگاه پاریس در سال ۱۳۴۸.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۵۵، دانشیار دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۵ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس شیمی عمومی، تجزیه، معدنی و مصالح ساختمان در دانشگاه تهران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

شیمی، فیزیک.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: متعدد، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

بیوشیمی، شیمی تجزیه، شیمی فیزیک، سوخت‌ها، شیمی ساختمان مولکولی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

هوشمند بوشهری، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۶ -۱۲۷۸ ش)، روزنامه‌گار، نویسنده و شاعر، متخلص به هوشمند. در بوشهر به دنیا آمد. وی در مدرسه سعادت زادگاهش تحصیل نمود. آنگاه به کراچی رفت و در آنجا زبان انگلیسی را آموخت و سپس به بوشهر بازگشت. در ۱۳۰۸ ش روزنامه‌ی «سعادت بشر» را منتشر کرد که این روزنامه تا ۱۳۱۴ ش غیر مرتب منتشر می‌شد، تا اینکه هوشمند در ۱۳۱۵ ش بعد از توقیف روزنامه به زندان افتاد. او پس از رهایی از زندان روزنامه را مجدداً منتشر کرد، ولی دوباره زندانی شد. سرانجام در ۱۳۲۰ ش به کاشان تبعید شد و در همان سال، چون اوضاع ایران تغییر یافت، به تهران آمد و تا زمان فوتش در ۱۳۳۶ ش روزنامه را منتشر می‌کرد. از دیگر آثار وی: «دوره‌ی تمدن»؛ «تاریخ پرنس ارفع دانش»؛ «جنبش بانوان»؛ «جنبشهای دهقانی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ جراید (۴۲ -۴۰/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۷۳ -۸۷۲/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۴۶۹، ۱۰۵۵، ۱۰۵۴، ۶۸۱/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۶/ ۲).

هوشمند راد شیرازی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۵ -۱۳۰۹ ق)، مدرس، نویسنده و مترجم. پس از اتمام مقدمات و تحصیل زبان‌های عربی و انگلیسی و روسی، در محضر اساتید عصر در ادبیات فارسی و تاریخ و سیاست جهان تحقیقاتی به عمل آورد. او مدتی نیز مترجم کنسولگری دولت اتحاد جماهیر شوروی سابق در شیراز بود و همچنین مقالاتی در مجله‌ی «قشون» و دیگر مجلات شیراز و تهران به چاپ می‌رساند. او انجمن ادبی حافظیون را به اتفاق عنایت‌اللّه دستغیب روحی تأسیس کرد. هوشمند سرانجام به بیماری نامعلومی که برخی احتمال مسمومیت دادند، فوت کرد و در جوار مزار شاه داعی الی‌اللّه به خاک سپرده شد. از آثار وی: «حالات واسموس آلمانی»؛ «سرگذشت مرحوم سید حسن مدرس اصفهانی مجتهد و سیاستمدار مشهور».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۷۶ -۸۷۳/ ۵).

هوشمند راد شیرازی، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به هوشمند. وی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه شریعت گذراند و خارج از مدرسه علوم متداوله عصر را فراگرفت. در ۱۳۳۰ ش هفته‌نامه «سروش نجات» را منتشر کرد و این هفته‌نامه پس از سه سال تعطیل شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۷۸ -۸۷۷/ ۵).

هوشمند، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی هوشمند

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۴۲ در خانواده ای متوسط در یکی از محله های جنوب تهران متولد شدم. پس از گذراندن دوران ابتدایی در مدرسه «ایران نوین» و دوران راهنمایی در مدرسه «مترجم الدوله»، وارد دبیرستان شده و دو سال در دبیرستان «ابوریحان» در رشته تجربی مشغول تحصیل بودم که این دوره مساوی و همزمان بود با اوج انقلاب اسلامی و نیمه تعطیل بودن دبیرستانها، پس از قبولی در دوم دبیرستان به دلیل علاقه ام به رشته حوزه و طلبگی و به دلیل علاقه ای که به شهرستان مادری و پدریم؛ خوانسار داشتم، وارد حوزه علمیه حضرت ولی عصر (عج) خوانسار شدم. مدت چهارده سال در آنجا نزد اساتیدی چون: «حجت الاسلام نیازی، رفیعان، انصاری و آیت الله تقدیری (ره)» دروس مقدمات و سطح را به پایان رساندم. سال ۷۴ وارد حوزه علمیه مقدسه قم شدم و پس از حضور در امتحانات شفاهی پایه ۹ موفق به اخذ رتبه سوم حوزه شدم، سپس در درس خارج اصول «آیت الله وحید خراسانی» و فقه «آیت الله میرزا جواد تبریزی» وارد شدم و هم اکنون مدت یازده سال است که به درس این بزرگان می روم.

همزمان با شرکت در دروس حوزوی، با راهنمایی بعضی دوستان با موسسه تحقیقاتی «علامه وحید بهبهانی» آشنا شدم و وارد کارهای تحقیقاتی شدم و با این موسسه همکاری نمودم. تقریبا روزی سه ساعت در این موسسه مشغول مصدریابی و نمونه خوانی بودم، تا به پیشنهاد یکی از آشنایان با موسسه علمی فرهنگی «دارالحدیث» در سال ۷۴ آشنا شدم که تقریبا همزمان با همکاری من با موسسه وحید بهبهانی بود. در آنجا به من پیشنهاد کار و همکاری در کتابخانه داده شد که الان هم به این کار مشغولم. درضمن کار در این کتابخانه به کارهای تحقیقی شخصی برای خودم شدم که به فضل الهی توانستم در این امر انجام وظیفه کنم.

هوشی سنغری دینوری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر و صوفی. اهل سنغر، او توابع دینور بود. در همدان می‌زیست و در آنجا به مکتبداری اشتغال داشت. وی مردی دانشمند و صوفی مشرب و سنی مذهب بود. در معما و هجو تبحر داشت و به فارسی و ترکی شعر می‌سرود و قصیده‌ای به ترکی در هجو قرابیگ ذوالقدر گفت که معروف شد. اشعارش در تذکره‌ها ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۵۲۳)، الذریعه (۱۳۰۴/ ۹)، مجمع‌الخواص (۲۴۹ -۲۴۸).

هوشیار شیرازی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۶ -۱۲۸۳ ش)، نویسنده، مترجم و استاد دانشگاه. در شیراز به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی شعاعیه شیراز به پایان رساند. برای تحصیلات عالی ابتدا به بمبئی و کلکته و بعد به آلمان رفت و مدتی در مدرسه‌ی عالی فلاحت برلن به تحصیل نظری فلاحت و عملیات زراعی پرداخت. محمدباقر پس از اتمام تحصیلات در ۱۳۰۸ ش به ایران بازگشت و دوباره همراه محصلین اعزامی به اروپا، به برلن رفت و ابتدا در دانشکده‌ی ادبیات برلن و سپس در دانشگاه توبین گن و دانشگاه مونیخ در رشته‌ی تعلیم و تربیت و فلسفه و تاریخ و ادبیات زبان آلمانی به تعلیم پرداخت و از دانشگاه مونیخ موفق به اخذ دکترا در فلسفه شد. او پس از اتمام

تحصیلات به تهران آمد و در دانشسرای عالی و دانشکده‌های علوم و ادبیات و هنرستان موسیقی و آموزشگاه پست و تلگراف و دبیرستان نظام به تدریس و تعلیم مشغول شد. وی بر اثر عارضه‌ی قلبی درگذشت. از آثارش: «اصول آموزش و پرورش»؛ «انقلاب مشروطیت ایران». از آثار ترجمه‌ی وی: «اگمنت»؛ «اراده معطوف به قدرت»؛ «خرده بورژاواها»؛ «روانشناسی علمی سنجش هوش».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۸۰ -۸۷۸/ ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۹۵، ۱۹۲۵، ۱۷۶۱/ ۲ ،۸۱۶، ۳۱۳، ۲۹۴، ۲۴۵، ۱۴۹/ ۱)، کلک (س ۱، ش ۵، ص ۱۳۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۱ -۶۹/ ۲).

هوشیار، عبدالحمید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحمید هوشیار که گذشته از مقام فضل و دانش مردی مبارز و مجاهد در اه ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌باشد و به واسطه همین محبت و ایمانش از ناحیه بعضی از همشهریهایش (طرفداران کتاب ضال شهید جاوید) صدماتی دیده ولی از میان نرفته و با زبان حال و قالش گفته است.

روزی اگر ولای تو گردد بلای جان

من می‌خرم به قیمت جان این بلاحسین

آقای هوشیاری فاضلی باوفا و رفیقی باصفاست و در تحصیل اعلام معاصر نجف‌آباد با هما همکاری و تشریک مساعی نمود از این جهت ما به سهم خود از ایشان قدردانی کرده و سپاسگذاریم.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

هومن، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مدرس.

تولد: ۱۲۸۷، تهران.

درگذشت: مهر ۱۳۵۹.

محمود هومن تحصیلات ابتدایی و متوسطه را تهران انجام داد. تحصیلات عالیه و مهندسی را نیز در دانشکده‌ی صنعتی ایران و آلمان به پایان رسانید. در سال ۱۳۱۲ تدریس شیمی معدنی و اصول تجزیه‌های شیمیایی شعبه‌ی مهندسی شیمی دانشکده‌ی صنعتی دانشگاه تهران را عهده‌دار گردید. از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۲ مدیریت شعبه‌ی مهندسی شیمی و استادی اصول تجزیه‌های شیمیایی و شیمی معدنی به عهده وی واگذار شد. در سال ۱۳۲۷ برای تدریس فلسفه و تاریخ قرون اولیه اسلامی به دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تبریز انتقال یافت. بعدها در دانشگاه تربیت مدرس نیز به تدریس فلسفه پرداخت.

از آثار اوست: از زندگانی چه می‌دانیم؛ تاریخ فلسفه (۱۳۳۷)؛ حافظ چه می‌گوید (۱۳۱۷)؛ زیست یا زندگی (درباره فلسفه، ۱۳۲۴).

(۱۳۵۹ -۱۲۸۷ ش)، نویسنده و استاد دانشگاه. در تهران به دنیا آمد. وی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در زادگاهش، تحصیلات عالیه خود را در دانشکده‌ی صنعتی ایران و آلمان ادامه داد. در ۱۳۱۲ ش به تدریس شیمی معدنی و اصول تجزیه‌های شیمیایی شعبه‌ی مهندسی شیمی دانشکده‌ی صنعتی تهران پرداخت. او همچنین مدتی مدیریت شعبه‌ی مهندسی شیمی و استادی اصول تجزیه‌های شیمیایی و شیمی عدنی را به عهده داشت. در ۱۳۲۷ ش برای تدریس فلسفه و تاریخ قرون اولیه‌ی اسلامی به دانشکده‌ی ادبیات تبریز رفت و مدتی نیز در دانشگاه تربیت معلم به تدریس فلسفه پرداخت. از آثار وی: «از زندگانی چه می‌دانیم»؛ «تاریخ فلسفه»؛ «حافظ چه می‌گوید»؛ «زیست یا زندگی».[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینده (س ۶، ش ۱۲ -۹، ص ۹۳۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۸۷۹/ ۲ ،۱۱۴۵/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱۰ -۱۰۹/ ۶).

هیدجی، شمس‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید شمس‌الدین کاظمی هیدجی از فضلاء و علماء حوزه علمیه و حضرت آیت‌الله العظمی شریعتمداری مدظله است که به فضل و علم و تقوا موصوف می‌باشد در سال ۱۳۳۴ قمری در هیدج زنجان متولد شده و فنون ادبیات را در مدرسه هیدج از مرحوم حجه‌الاسلام حاج ملامحمد حسین فخمی و حجه‌الاسلام حاج شیخ بهاءالدین مهدوی فراگرفته و در سال ۱۳۵۹ به ارض

اقدس مشرف و بقیه سطوح را در خدمت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی تکمیل نموده و در سال ۱۳۶۳ قمری به درس مرحوم آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی خونساری و بالغ بر ۱۸ سال از محضر آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و قسمتی از معقول را هم از آیت‌الله مجاهد امام خمینی فراگرفته و تا هم اکنون از محضر آیت‌الله العظمی شریعتمداری بهره‌مند و ضمنا به تدریس سطوح وسطی و نهائی اشتغال دارند.

دارای آثار علمی می‌باشد که فهرست آن را می‌نگارم.

۱- برهان دانش ۲- ریاض دانش چاپ شده است ۳- مطلع الشمس ۴- ارمغان رمضان آماده برای طبع می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

هیمن شیخ‌الاسلامی، محمد امین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۵ -۱۳۰۰ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به هیمن. وی در روستای لاچین، از توابع مهاباد، به دنیا آمد. خاندانش از علمای مشهور زمان خود بودند و تبارش به سه واسطه به ملا جامی، عارف عالم کرد می‌رسد. وی در کودکی نزد ملا سعید ناکام قرآن، صرف، نحو و متون ادبی کردی و فارسی را آموخت. سپس به مهاباد رفت و پس از گذراندن دوره‌ی ابتدایی در مدرسه‌ی سعادت به سفارش پدرش مدت چهار سال در خانقاه و مدرسه جد مادریش، شیخ یوسف برهانی به تحصیل علوم دینی پرداخت و در همان ایام با عبدالرحمان شرفکندی متخلص به هژار آشنا شد. سپس به امر پدرش به روستای کولیجه رفت و مدت چند سالی نزد ملا احمد فوزی درس خواند. هیمن در ایام جوانی به سبب استعداد ذاتی به شعر کردی روی آورد و از آنجا که پدرش نیز اهل شعر بود در این فن تلاش بسیاری نمود. او همچنین به عضویت شورای نویسندگان نشریه‌ی «نیشتمان» درآمد. وی پس از انقلاب اسلامی خدمات ادبی و فرهنگی را از سر گرفت و مجله‌ی «سروه» را به زبان کردی در ارومیه منتشر کرد. هیمن بر اثر سکته قلبی درگذشت. از دیگر آثار وی: «هه واری خالی»؛ بازنویسی «تحفه‌ی مظفریه» از رسم‌الخط لاتینی به کردی، ترجمه؛ «ناله‌ی جدایی»، شعر؛ «پاشه روک»، مجموعه‌ی مقالات و اشعار؛ «قلعه‌ی دمدم»، ترجمه؛ «شاهزاده و گدا»، ترجمه؛ «دیوان» شعر، با نام «تاریک وروون».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (۴۸۹ -۴۸۲/ ۲)، کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۲، ص ۳۹).

هیئتی برزکی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود هیئتی برزکی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمود هیئتی در سال ۱۳۴۱ در شهر کاشان و در خانواده‌ای مذهبی متولد شدم و در آنجا رشد و نمو کردم. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و راهنمایی جهت کسب علوم اسلامی وارد حوزه علمیه «آیة الله یثربی» شدم و دروس مقدمات و قسمتی از سطح را در آنجا نزد اساتیدی از جمله: «آیة الله خراسانی»، «آیة الله یثربی» و «حجة الاسلام روحانی» فرا گرفتم و در ضمن به تدریس صرف و نحو و ادبیات مشغول بودم. سپس جهت ادامه تحصیل در سال ۶۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و قسمتی از دروس سطح و خارج فقه و اصول را نزد اساتیدی همچون حضرات آیات: «اعتمادی»، «صالحی مازندرانی»، «سبحانی»، «تبریزی» و «جوادی آملی» تلمذ نموده ام.

از سال ۱۳۷۴ با مرکز تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی شروع به همکاری نمودم و در نوشتن «معجم بحار الانوار» با سایر محققان همکاری کردم و پس از پایان کار معجم در قسمت تاریخ و سیره اهل بیت (ع)، به تألیف مقالات پیرامون مولفان اسلامی پرداختم و نیز در ادامه با مرکز احیاء آثار همکاری نمودم و با همکاری دیگر محققان به تخریج مصادر (مستند سازی مطالب) برخی از آثار شهید ثانی (ره) پرداختم.

یابری محمد، صادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صادق یابری محمد

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱۲/۱۲

زندگینامه علمی

اینجانب صادق یابری محمد فرزند محمد بعد از اخذ دیپلم و در سال ۶۰ وارد حوزه علمیه قم شدم. دروس مقدماتی را در مدرسه «امام صادق (ع) شاه ابراهیم، نیروگاه (مدرسه مرحوم آقای خلخالی)» گذراندم؛ آن هم در ایام اوج جنگ و دفاع. آنگاه دروس سطح عالیه را در فیضیه و مدرسه مرحوم آیهٔالله گلپایگانی و ... با اساتید چون: «آیه الله بنی فضل»، «صالحی مازندرانی» و ... و دروس جانبی همچون: رجال، درایه و نهج البلاغه به ترتیب آیات عظام: «سبحانی»، «مرحوم فاضل لنکرانی» و علوم قرآن و حدیث: مرحوم «آیهٔالله محمد هادی معرفت» و ... و همچنین دروس خارج حدود ۱۰ سال با آقایان: «آیهٔالله مکارم شیرازی»، «وحید خراسانی»، «موسوی اردبیلی» و ... گذراندم.

و در همین ایام، لیسانس: (زبان و ادبیات عرب) و فوق لیسانس: (الهیات و معارف اسلامی گرایش علوم قرآن و حدیث) را از دانشگاه اخذ کردم. و در همین ایام فعالیت پژوهشی، حدیث، علوم قرآن و مقالات و نوشتن کتاب را شروع کردم که متاسفانه به علت عدم تمکن مالی نتوانستم آنها را چاپ کنم. همچنین به فعالیت تدریس در مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی با اخذ مجوز تدریس در دانشگاه پرداختم و در همین مدت در سال ۷۶ – ۷۵ به آفریقا جهت کارشناسی، تدریس، مدیریت و تبلیغ ایام مخصوص پرداختم. همچنین به فعالیت به عنوان استاد راهنما و داور در جامعهٔ الصطفی مدرسه عالی فقه و معارف پرداختم.

یاحقی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمداسماعیل یاحقی، مردی بود هنردوست که از میان تمام هنرها، به موسیقی علاقه‌ای خاص داشت و خودش هم از این هنر بی‌بهره نبود و همین علاقه موجب گشت تا دخترش فرخ‌لقا را که استعدادی فراوان در موسیقی داشت نزد چند استاد بزرگ جهت فراگیری فرستاد. فرخ‌لقا که خانمی محترم و استعدادی شگرف داشت به سرعت در یادگیری این هنر پیشرفت کرد ولی افسوس که او در جوانی رخت از این جهان فانی بربست و آن همه استعداد را با خودش برد. موسیقی‌دانان آن زمان گفته بودند اگر این خانم زنده می‌ماند از بزرگان به نام موسیقی می‌شد.

فرزند دیگر محمداسماعیل یاحقی، حسین یاحقی بود که به سال ۱۲۸۲ شمسی در تهران دیده به جهان گشود و حسین بنا به تشویقها و مساعدتهای همین خواهر بزرگ خود فرخ‌لقا بود که برای فراگیری موسیقی نزد حسین خان اسماعیل‌زاده که یکی از کمانچه‌کش‌های بزرگ و بنام اواخر دوره‌ی ناصری بود رفت. (حسین اسماعیل‌زاده یکی از آخرین و بزرگترین نوازنده‌ی کمانچه در دوران اخیر است که تکنیک درست کمانچه را تثبیت کرد و این از رنگها و مقدمه‌هایی که از وی به یادگار مانده می‌شود فهمید). به هر حال استعداد، دلگرمی‌ها و تشویقهای پدر و خواهر موجب شد تا حسین یاحقی در نواختن کمانچه پیشرفتهای فراوانی کرد و به زودی علاوه بر نواختن کمانچه، سنتور، سه تار و ویولن را نیز آموخت به طوری که آنها را به خوبی می‌نواخت ولی حسین یاحقی تنها شاگرد اسماعیل‌زاده بود که تا آخر عمر خود، علاوه بر ویولن و سه‌تار، کمانچه را زمین نگذاشت و نواخت و هیچگاه نگذاشت که این ساز ملی زمین‌گیر شود ولی حسین یاحقی به واسطه‌ی جو مخصوص دوران حیات خود به سوی ویولن بیشتر کشانیده شد به طوری که ویولن ساز تخصصی وی شد و در ویولن سبکی تازه برای موسیقی ایران به ارمغان آورد.

مرحوم استاد حسین یاحقی مردی بود بسیار فروتن و دور از تکبر و تفرعن، خوش‌برخورد، مهربان، استادی دلسوز و با محبت با حوصله و با شاگردانش مانند پدری خونگرم و مهربان رفتار می‌کرد و بدون استثناء شاگردانش به این مسأله اذعان دارند و کلاسش یکی از پر شاگردترین کلاسهای موسیقی بود و شاگردان او هنوز از مهربانی‌ها و برخوردهای پدرانه‌ی استاد خود خاطره‌ها نقل می‌کنند. وقتی بعضی از دوستان وی، علت این همه توجه و حوصله را در تعلیم و تعلم شاگردان از وی جویا می‌شدند می‌گفت: «در حفظ و اشاعه و تعالی هنر موسیقی اصیل و سنتی ایران باید کوشا بود و به شاگردان، خوب گوشه‌ها و ردیفها را آموخت زیرا که در آینده، همین شاگردان امروز هستند که باید چراغ هنر و موسیقی ملی ایران را فروزان نگه داشته و آن را به پیش برند». استاد حسین یاحقی، علاوه بر سالیان متمادی که در کلاسهای خصوصی به تدریس شاگردان پرداخت، در هنرستان هنرهای زیبا نیز به تعلیم ویولن به هنرجویان و سعی در فراگیری آنان کوشش بسیار کرد. وی حدود پانصد آهنگ و پیش‌درآمد و رنگ ساخت که از بهترین آثار هنر موسیقی کلاسیک ایران به شمار می‌رود و در سال ۱۳۱۸ به منظور کنسرتی که برپا کرده بود دو آهنگ ساخت که اشعار آن را شادروان شاعر گرانمایه رهی معیری سروده بود که هر دو آنها بعداً به وسیله‌ی ارکستر «گلها» ضبط و پخش شد. او از

میان آهنگهای خود به «برق غم»، «جوانی»، «بی‌خبر» و «گل مستان» که آن نیز در برنامه‌ی «گلها» اجرا شده، علاقمند بود و آن را بیشتر می‌پسندید ولی باید گفت که اکثر آهنگهای استاد حسین یاحقی جالب و افتخارانگیز است. روانش شاد.

منوچهر همایونپور که یکی از هنرمندان مطلع در موسیقی اصیل و صاحب‌نظر می‌باشد و سالیان دراز در منزل استاد رفت و آمد داشته، درباره‌ی استاد و خواهرزاده‌ی هنرمندش پرویز یاحقی می گوید:

«آنچه در این سطور به نظر خوانندگان عزیز می‌رسانم درباره‌ی اولین دیدار من با پرویز یاحقی است؛ اما شاید جالب باشد که ضمن شرح اولین دیدار من با پرویز که دومین ملاقات با استاد بوده است در مورد اولین دیدار با استاد هم که برای من واقعه‌ای شگفتی‌آفرین بوده است، درباره‌ی استادی که دارای سبک و روشی خاص در کار خود بوده است سخنی بگویم، که این هم گوشه‌ای از تاریخ موسیقی کشور ما است. داستان ارادت من به استاد ابوالحسن صبا و این که او در چه وضع و شرایطی در جلسه‌ی شورای موسیقی و در حالی که قرار بود از من برای آواز خواندن امتحان به عمل بیاورند و آن بزرگ‌مرد دور از تنگ‌نظری و حسادتهای رایج، با بزرگواری و حقیقت‌نگری دست یک جوان تازه‌کار را گرفت و از میان گرداب حسادتها و دسته‌بندی‌ها بیرون کشید و برکشید مفصل است و خود جا و زمان دیگری می‌طلبد. اما پس از پذیرفته شدن در ارکستر استاد و اجازه‌ی رفت و آمد در کلاس، برای دیدار و کسب فیض از آن وجود نازنین و بزرگوار، هنگام غروب و در اواخر کلاس خدمت ابتدا می‌رفتم و در کلاس سرپا می‌ایستادم و اگر دستور نشستن می‌داد با کمال ادب می‌نشستم. از دوستان من شاگردی در این کلاس بود به نام احمد فریدونفر که با پشت‌کاری عجیب تمام ردیفهای صبا را فراگرفت و اصرار و علاقه در پیروی از سبک استاد را داشت و در سالهای ۱۳۳۷ به بعد در رادیو شیراز چند سال تکنوازی می کرد و در پائیز سال ۱۳۶۶ بدرود حیات گفت.

من بیشتر در روزهای درس این دوست به زیارت استاد می‌رفتم. استاد کم‌کم به عشق و علاقه من آگاهی پیدا کرده بود، شبی در آخر تدریس از من سؤال کرد که: «امشب جایی دعوت داری؟» یا «از اینجا به جایی می‌خواهی بروی؟». از این سؤال من همه‌ی موضوع را فهمیدم و با آن شور و شوق جوانی و ارادتی که من به استاد داشتم، گویی دری از بهشت به رویم باز شده دعوت، مهمانی! با استاد! آن هم برای اولین‌بار. جواب من روشن بود، و گفت کمی اینجا باش تا با هم به منزل دوستی در این حوالی برویم. از شنیدن این حرف سر از پا نمی‌شناختم و مثل این که دیگر در روی زمین نیستم و در دنیایی غیر از این جهان سیر می کنم.

تابستان بود و کم‌کم سیاهی شب در رسید و خورشید جهانتاب روشنایی را به چراغ دل روشن‌دلان و شب زنده‌داران واگذاشت. کمی بعد استاد لباس پوشید- اما نه خیلی رسمی، آمد و در حالی که سه تار در دستش بود گفت: «برویم». من با اصرار جعبه‌ی سه‌تار را گرفتم و پشت سر استاد راه افتادم. در حالی که همه‌ی دنیا و هرچه در آن بود در نظرم کوچک و حقیر می‌نمود، اولین شبی بود که این افتخار نصیب من شده بود و حدس نمی‌زدم که مردی بزرگ و متواضع به دیدن چه کسی خواهد رفت. از یکی از کوچه‌های شرقی کوچه‌ی ظهیرالاسلام گذشتیم و به خیابان خانقاه درآمدیم. در مقابل دری قدیمی‌ساز با همان گل میخ‌ها و کوبه‌ها توقف کردیم. استاد کوبه در را نواخت و پس از چند لحظه پیرمردی خمیده و شکسته حال در را باز کرد. با دیدن استاد چیزی نمانده بود که روی پای او بیفتد. خانه‌ای قدیمی ساز و معمولی بود، که بعد از گذشت آن شب برای من ثابت شد که آن منزل ظاهراً ساده و درویشانه گنجی را در خود نگهداری می کند. آخر نه این است که گنج در ویرانه است. «در عمارتها سگانند و عقور در خرابی‌هاست گنج عز و نور»، و «آن که آن داد به شاهان به گدایان این داد». «مرد را در لباس خلقان جوی- گنج در خانه‌های ویران جوی». خانه‌ی خود صبا هم در ظاهر و باطن دست کمی از خانه‌ی حسین یاحقی نداشت. این پیرمرد خمیده که من در سالهای بعد بسیار او را دیدم. عباس‌خان بود. عباس‌خان ما را هدایت کرد. تابستان بود و به روال زندگی آن روزها آقای یاحقی سور و ساط شبانه‌ی خود را به روی پشت‌بام ترتیب داده بود. مهدی غیاثی- یار غار و همدم یاحقی و یکی دو نفر دیگر در حضور یاحقی بودند. وارد شدن صبا در این چنین جمعی پیداست که چه وضع و حالتی ایجاد می‌کند. مرا معرفی کرد و یاحقی مرا شناخت. و معلوم شد با پدر و برادر من که مدتی شاگرد او بوده‌اند آشنایی نزدیک دارد. گفتند و شنیدند و شنیدیم. و من سراپاگوش در عین سکوت و انتظار که چه خواهد شد کم‌کم شب می‌رفت که به نیمه برسد. صبا با آن لحن مؤدبانه و مشحون از ادب و ظرافت به یاحقی گفت: «حسین جان چیزی برای ما بزن». من یک جوان تازه‌کار و نوخاسته حالا حیران و گیج که (حسین جان) چه باید بزند؟ پس از تعارفات و آن طرز بیان، یاحقی- که سمبل و نمونه‌ی ادب و ملایمت بود، بالاخره (حسین جان) ویولن را به دست گرفت و پرسید حضرت استاد «چی بزنم؟» این یکی استاد هم (صبا) که در ادب و نزاکت و نرمی و ملایمت زبانزد خاص و عام بود. گفت: «عزیزم هرچه دوست داری و حال داری». اما من هنوز گیج و سراپا حیرت و تعجب که مگر ممکن است که کسی دیگر هم آنقدر در نواختن ویولن چیره‌دست باشد که استاد نام‌آور و منحصر به فرد این آلت موسیقی به او پیشنهاد نواختن این ساز را بکند. در آن روزگار افراد دیگری هم این ساز را می‌نواختند و حتی در رادیو برنامه‌ی تک‌نوازی داشتند، اما نام و کار صبا همه‌ی نوازندگان این ساز را تحت‌الشعاع قرار داده بود؛ زیرا او اولین کسی بود که این آلت موسیقی را صحیح و بر اساس روش علمی و جهانی در ایران می‌نواخت و تدریس می کرد. برای من پذیرفتن این مسئله که کسی دیگر در حضور صبا توانایی و جسارت نواختن این ساز را داشته باشد غیرممکن می‌نمود. اما یاحقی ویولن را به دست گرفت و با کشیدن یکی دو آرشه چهار تا سیم این ساز وحشی و سرکش را کوک و درآمد افشاری را شروع کرد، با ضرب مهدی غیاثی چهار مضراب را با تهور و چیره‌دستی و شیرینی و ملاحتی که حاصل سبک خود او بود می‌نواخت. من بر سر یک دو راهی فکری سرگردان بودم، که یک راه آن حیرت و دیگر راه آن قبول بود. چهار مضراب تمام شد و من با خجالت و ترس دو سه بیت شعر خواندم و مهدی هم یک ضربی خواند و ویولن نواختن یاحقی به پایان رسید. شک و حیرت من تبدیل به قبول شد، و معلوم و مسلم شد که حسین یاحقی هم در کار خود استاد است و دارای روش و سبکی مخصوص به خود است. این آلت موسیقی در عین این که کاملترین ساز است، مشکل‌ترین آنها هم هست. این اسب وحشی کمتر سوارکاری را بر پشت خود جای می‌دهد، مگر سوارکاری بسیار ماهر باشد.

وقتی در محافل اهل دل می گویند فلان کس هم ویولن می‌نوازد و این ساز را به مجلس می‌آورند من موی بر اندامم راست می‌شود. کمتر کسی است که این ساز را بنوازد و دستش را در روی سیم‌ها به جایی بگذارد که گوش شنونده را آزار ندهد.

نمی‌دانم که این نوشته تا چه حد برای خوانندگان و علاقمندان به تاریخ موسیقی ملی و سنتی ما قابل توجه باشد؟ اما به نظر من یک نکته‌ی لطیف دیگر در این برخورد بود که بالاتر از هنر این دو استاد بزرگوار بود. این شعر سنائی غزنوی را بخوانید تا منظورم را بیان کنم- «علم کز تو تو را بنستاند- جهل از آن علم به بود صد بار». علم و دانش و هنر همه به جای خود قابل احترام است، اما اگر صاحبان آن مثل صبا و یاحقی به مقامی از انسانیت رسیده باشند که هنر آنها با همه‌ی عظمت تحت‌الشعاع انسانیت آنها قرار داشت. این مسأله قابل توجه است که صبا با ابرام دوستانه و پشت‌کاری که از بزرگواری و انسانیت او انتظار می‌رفت، خط موسیقی (نت) را با خواهش و اصرار به یاحقی آموخته است. استاد فقید روح‌اللّه خالقی در صفحه‌ی ۴۶۱ جلد اول سرگذشت موسیقی ایران این موضوع را تذکر داده و ثبت کرده است. داستان را از زبان خود او در آن جا بخوانید: «در حالی که حبیب سماعی و بعضی دیگر از استادان این هنر از پذیرفتن شاگرد و یاد دادن اندوخته‌های خود به دیگران خودداری می‌کردند. و اصلاً و ابداً شاگردی نمی‌پذیرفتند». ولی تنها نام نیک است که از انسانها باقی می‌ماند، یاد آن دو بزرگوار به خیر باد.

و اما اولین دیدار من با پرویز یاحقی، در سال ۱۳۲۷ و در حدود یک سال بعد طبق تصویب اداره‌کنندگان موسیقی رادیو مرا برای آواز خواندن در ارکستر آقای حسین یاحقی معرفی و تعیین کردند. پس از تماس با استاد یک روز بعد از ظهر تابستان تیرماه برای تمرین و آشنایی با اوضاع و احوال برنامه‌ی جدید به کلاس و همان منزل یاد شده رفتم. حالا دیگر بعد از آن شب فراموش نشدنی من پذیرفته بودم که این یکی استاد هم در کار خود دارای قدر و مقامی است. روز کلاس بود و استاد مشغول تعلیم و سخت گرفتار بود. پس از عرض سلام و تعارفات معمول و اظهار لطف و محبت خاصی با آن همه ادب و نزاکت و نجابتی که در وجود آن مرد بزرگوار بود گفت: «من شاگرد دارم، اما الان ترتیب کار شما را می‌دهم». استاد، عباس خان را فراخواند. گفت: «برای آقای... چای ببر و پرویز را هم صدا کن»، عباس‌خان به خیابان رفت و چندبار با صدای بلند، پرویز را فراخواند. بیا دایی‌جان با تو کار دارد. پس از چند دقیقه یک پسر بچه‌ی ۱۳، ۱۲ ساله که پیراهن سرمه‌ای برقداری به تن داشت، با موهای کوتاه بچه‌های مدرسه از در وارد هشتی خانه شده چهره‌ی سبزه‌ی تندی داشت که معلوم بود در اثر آفتاب خوردگی و شیطنت در کوچه و خیابان تیره شده بود. چشمانی درشت و سیاه که از هوش و درایت زایدالوصف و در عین حال شیطنت حکایت داشت که در اولین نگاه هوشمندانه خود به طرف مقابل چیزی را القا می‌کرد که این خاصیت در دیگر چشم‌ها و نگاهها نبود. من پس از سالها زندگی و پست و بلندها و خاطراتی که با پرویز داشته‌ام، گاه در اثر بعضی کارها و شیطنتهای او سخت عصبانی شده‌ام و با خود می‌گفتم که اگر با او روبرو بشوم در فلان موضوع با خشونت و تندی از او بازخواست خواهم کرد، اما پس از آن که با او روبرو شده‌ام، با همان چشم و همان نگاه موضوع به صورتی دیگر درآمده است و کار به شوخی و یادآوری خاطرات گذشته مبدل شده است و گله و بازخواست به کلی فراموش شده است.

به هر تقدیر، استاد خطاب به پرویز: «پرویز جان این نت‌ها را بگیر و برو تصنیفها را با... همایونپور تمرین کن؛ مواظب باش! اگر اشکالی داشتی بیا بپرس». از این دستور استاد و تمرینی که من باید با این پسر بچه‌ای که تا لحظاتی پیش توی خیابان مشغول بازی بوده است بکنم، حیرت‌زده شدم. با خود گفتم، نکند استاد امروز کلاس دارد و می‌خواهد به نحوی مرا از سر خود باز کند به قول معروف سر ما را به طاق بکوبد. خوب به هر حال روز اول و جلسه‌ی اول است و تنها در این جلسه احتمالاً- تمرین ما به جایی نخواهد رسید و باید روزهای دیگر هم آمد. فعلاً باید سکوت کرد و دستور استاد را اجرا کرد. در آن ایام گاه برای فراگرفتن و اجراء یک آهنگ باید مدتها درآمد و رفت و تمرین بود. اوضاع و احوال به صورت کنونی نبود. آیا این پسربچه قبلاً این نت‌ها را دیده است و بر روی آنها تمرین کرده است؟ یا اولین‌بار است و با روش کار دایی‌جان آشنایی دارد. هزار فکر و اندیشه گوناگون، اما چاره نیست و باید صبر کرد و عاقبت کار را دید. پرویز مرا به اتاق دیگر کلاس هدایت کرد. اتاق تمرین بود و یکی دو عدد پوپیتر در آن به چشم می‌خورد. اولین گفتگو «آقای همایون‌پور اون پوپیتر را خواهش می‌کنم پایین بکش». این پسربچه قدش به پوپیتر نمی‌رسید. شگفت‌زدگی و استعجاب بیشتر از پیش مرا در خود می‌گیرد. آخر این پسربچه که قدش نمی‌رسد که خودش این پوپیتر را تنظیم کند این نت‌ها را چگونه با من تمرین خواهد کرد افسوس که خیلی چیزها و وقایع و اتفاقاتی که آدم در صحنه‌ی زندگی می‌بیند به صورتی ضبط کردنی نیست؛ و با نوک قلم و تعریف و توجیح نمی‌توان عین آن صحنه را به دیگران نشان داد و اگر این کار امکان داشت و از آن برخورد و صحنه فیلمی تهیه می‌شد، فیلمی مستند برای نشان دادن استعداد فطری و ذاتی انسانها بود. پرویز پوشه را باز کرد و نت‌ها را بر روی پوپیتر گذاشت، ورق زد و صفحه‌ی مورد نظر و احتیاج را با نوک آرشه نشان داده گفت: «خوب، این که پیش‌درآمد است و بعد دایی‌جان چهار مضراب می‌زند و شما می‌خوانید، این تصنیف اول شما است».

یک آهنگ محلی بود که شعر فارسی روی آن گذاشته بودیم. گفتنی است که آهنگهای آهنگسازان طراز اول در آن زمان در اختیار چند نفر بود و ما که تازه‌کار بودیم و اصلاً دستمان به آهنگهای بزرگان موسیقی نمی‌رسید. آهنگ دوم از استاد بود، روانش شاد و این اولین آهنگ یک آهنگساز معروف بود که من می‌خواندم. گفت حالا این تصنیف شما است. آهنگ اولی را من حفظ بودم و فقط باید با موزیک فواصل آن آشنا می‌شدم. اما این دومی را باید تمرین می‌کردیم. شعر در دست من. گفت: «حالا من یک دفعه از اول تا آخر می‌زنم گوش کنید»، چشم، اطاعت می‌شود بچه‌ی شیطان بازیگوش! معمولاً شعر ترانه را هم همراه و بالای نت می‌نوشتند. شعر ترانه از نواب صفا بود که من هنوز او را از نزدیک ندیده بودم. در سال‌های بعد او را دیدم و از یاران جلیس من با پرویز و دیگر دوستان شده عاشق حسین یاحقی بود و در ملاقاتهای اخیر ابوعطای او را که من با آواز همراهی کرده‌ام شنید و های‌های گریه کرد. چون از تک نوازیهای او فقط دو سه نوار به یادگار مانده است. پرویز در کمال قدرت و آگاهی و تسلط و دقت در ضرب (ریتم) و راهنمایی من تمرین را شروع کرد. اینجا شعر است. اینجا موزیک است. او زد و ما خواندیم. کار تمرین را استادانه اداره کرد و تمرین تمام شد و تردید و استعجاب من حالا تبدیل به یقین شده بود. او در همین سن و سال بیشتر از خیلی پیرمردها در کار موسیقی تبحر داشت، عجله داشت، بچه‌ها توی خیابان منتظر او بودند. با یک خداحافظی عجولانه از من پایان تمرین را به دایی‌جان اطلاع داد و به سراغ دوستان رفت.

حالا من حیرت‌زده از این پسربچه‌ی ۱۳، ۱۲ ساله که این همه دانش موسیقی و قدرت اجراء را با این سن و سال و در چه زمانی

فراگرفته است. من قبل از این ملاقات اولین برنامه‌ها را در روزهای جمعه با ارکستر علی‌محمـد نامداری اجرا کرده بودم. نوازندگان آن ارکسـتر همه هم‌سن و سالهـای من و بعضـی‌ها بزرگـتر بودنـد. آقایـان: علی تجویـدی، عبـاس شـاپوری، ناصـر زرآبـادی، یحیی نیک‌نواز و برادران مرتضـی و مصـطفی گرگین‌زاده و یک نوازنده‌ی تار، که در سالهای بعد همه از نام‌آوران موسیقی ما شدند. من و همه‌ی اینهـا بیش از ۱۳ ،۱۲ سال با این پسـربچه فاصـله‌ی سـنی داشتیم. اما این کار آن روز و امروز او، کار سن و سال و تمرینات عدیده نبود. طبیعت است و هر روز آدمی استثنایی به جامعه تحویل نمی‌دهد، باید سالها بگذرد تا در صـحنه‌ی هنر و ادب و شـعر و موسیقی کسی در جامعه علم شود و به قول باباطاهر: «به هر الفی الف قدی برآید».

(تو ۱۲۸۲ ش)، موسیقیدان. در تهران به دنیا آمد. ابتدا از شبیه‌خوانهای تعزیه بود. سپس کمانچه را نزد خواهر خود آموخت و بعد به محضـر حسـین خان اسـماعیل‌زاده رفت و فن صـحیح نواختن آن را از او فراگرفت و بعدها نت و اصول علمی موسـیقی را نیز از صبا آموخت. یـاحقی علاـوه بر این سـاز، به آموختن سه تـار و ویولن پرداخت، به طوری که ویولن، ساز تخصصـی وی گشت و در این ساز سـبکی تازه برای موسیقی ایران به ارمغان آورد. او علاوه بر کلاسـهای خصوصـی، در هنرسـتان هنرهای زیبا نیز به تعلیم ویولن می‌پرداخت. یـاحقی حـدود پانصـد آهنگ و پیش درآمـد و رنگ ساخته که از بهترین آثار هنر موسـیقی کلاسـیک ایران به شـمار می‌رود. بعضی از آثار وی: «برق غم»؛ «جوانی»؛ «بی‌خبر»؛ «گل مستان».[۱]

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد اول)

منابع زندگینامه :[۱] اسـتادان موسیقی (۷۲ –۷۱)، تاریخ موسـیقی (۴۹۰/ ۲)، سـرگذشت موسیقی (۴۶۲ –۴۵۹/ ۱)، مردان موسیقی (۲۲۷ –۲۱۹/ ۱).

یادآورنیکروش، کمال‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد: ۱۳۲۳، مرتبه علمی: استاد، رشته: مهندسی برق، دانشکده: مهندسی برق، دانشگاه: صنعتی امیرکبیر

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسـی مهندسـی برق از دانشـگاه پلی تکنیک در سال ۱۳۴۵، دکترای حرفه‌ای مهندسـی برق از دانشـگاه پلی تکنیـک در سـال ۱۳۴۶، کارشناسـی ارشد مهندسی برق از دانشگاه ایالتی میسوری در سال ۱۳۴۹ و دکترای تخصصی مهندسی برق از دانشگاه ایالتی میسوری در سال ۱۳۵۱.

مرتبه علمی:

استادیار دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی امیرکبیر از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۵۷، دانشیار دانشگاه صنعتی امیرکبیر از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۷ و استاد دانشگاه صنعتی امیرکبیر از سال ۱۳۶۷.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پروژه هـدایت و کنترل موشـک زمین به زمین بـابرد بلنـد، پروژه تحلیل و ساخت سیسـتمهای هـدایت و کنترل موشک زمین به هوا، تعیین دینامیک بویر ۳۸۷ نیروگاه تبریز، پروژه بررسـی سیستم‌های کنترل نیروگاه شهید رجائی، مدل‌سازی رشد سلول‌های سرطانی، پایداری سیستم‌های پرنده راهنمایی، مشاوره و نظارت بر بیش از ۱۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

اجزاء کنترل صنعتی مدارهای الکتریکی و کنترل بهینه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲۷

زمینه علمی مقالات:

پایداری و مدل‌سازی سیستم‌ها، مدل‌سازی رشد سلولهای سرطانی.

گروه علوم پایه

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

یارقلی محلاتی بروجردی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۷/ ۱۲۹۵– ح ۱۳۳۶ ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس. وی در نجف به دنیا آمد. پدرش، شیخ اسماعیل، مدتی در بروجرد و مدتی در نجف و سامرا ساکن و از شاگردان میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی بود. شـیخ محمد یارقلی علوم ادبی و عربی را از پدرش آموخت. فقه و

اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللّه خراسانی و آیت‌اللّه شیخ‌الشریعه اصفهانی فراگرفت و سپس خود به تدریس پرداخت. آیت‌اللّه مرعشی نجفی و آیت‌اللّه حاج شیخ علی محمد نجفی بروجردی و میرزا احمد منجم شیرازی و آقا میرزا محمد خلیلی از شاگردان او بودند. صاحب عنوان مسافرت‌هایی به هندوستان، بنادر جنوب ایران، بمبئی، نجف، بغداد، موصل و کرکوک نمود و در طی این مسافرت‌ها از مصاحبت ارباب دانش و فضل بهره‌مند گشت. وی اولین مجله‌ی فارسی را تحت عنوان «درةالنجف» در عراق منتشر کرد که بیش از پنج شماره از آن به چاپ نرسید. در محلات درگذشت و در همان جا دفن شد. از آثار او: حاشیه بر «کفایةالاصول»؛ رساله در «نفی تحریف قرآن»؛ تعلیقات بر «شوارق»؛ «مجموعه‌ی خطب پیغمبر (ص)»؛ «سر قضیه عاشورا»؛ «اصول دین»، در سه مجلد؛ «مذاکرات میزبان و میهمان»، در رد شیخیه؛ «گفتار خوش یارقلی»، در رد بهائیها که تاکنون چند بار چاپ شده است؛ اشعاری در اخلاق و مواعظ.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (۵۲۴ -۵۲۲/ ۲)، الذریعه (۲۰۸/ ۱۸ ،۱۱۲/ ۸)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۱۶۳/ ۳).

یارک قزوینی، عماد

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، شاعر. از طبیب زادگان قزوین و ساکن هرات بود. او شاعری درویش مسلک بود و اوقات خود را به شاعری می‌گذراند. اشعاری از وی در تذکره‌ها نقل شده است. از اوست:

پریشان خاطرم از کاکل و زلف پریشانش

که آن سر می‌کند در گوش و این سر در گریبانش

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۲۲۰/ ۳)، الذریعه (۱۳۰۵/ ۹)، لغت‌نامه (ذیل/ یارک)، مجمع‌الخواص (۲۵۲)، مینودر (۵۹۵/ ۲).

یارمحمود، شیخ علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی یارمحمود

محل تولد : ارسنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۴/۹/۱

زندگینامه علمی

استاد گرانقدر یارمحمود شیخ علی در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی در خانواده ای کاملا مذهبی دیده به جهان گشود. اشتیاق خانواده ایشان و نیز علاقه پدر، او را به تحصیل علوم دینی وا داشت و پس از طی دوران مکتب خانه برای ادامه تحصیل در زمینه علوم اسلامی در سال ۱۳۳۲ راهی حوزه علمیه ارسنجان گردید. پس از مدتی تحصیل در حوزه علمیه ارسنجان به منظور ادامه تحصیل و بهره گیری از محضر عالمان و دانشمندان شیراز، بدانجا روانه شد.

از نخستین روزهای ورود به شهر شیراز، به جد و جهد، در درس بزرگان حوزه علمیه حاضر شد. ایشان ضمن انس با آستان ملکوتی برادر علی بن موسی الرضا (ع)؛ «شاهچراغ»، از درس بزرگان دیار ارسنجان و شیراز، همچون: «آیت الله سید علی ارسنجانی»، «شکرالله ارسنجانی»، «آیت الله مجدالدین محلاتی»، «سید حجت الله ملک حسینی» و «شیخ بهاء الدین محلاتی» استفاده نمود و در طی دوران پر برکت خویش به تبلیغ و ارشاد در آن دیار مشغول بوده است. استاد در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس، درس، قلم، کتاب، تحقیق، نگارش و تألیف به چیز دیگری نیاندیشیده است که از جمله آنها می توان کتاب های: «کلید بهشت» و «اهمیت نماز» را نام برد.

یاری اصفهانی، محمدحسین

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۱۵ ق)، شاعر، متخلص به یاری. اصلش از خراسان است و در اصفهان به دنیا آمد. وی از نوادگان میرزا محمدباقر، وزیر خراسان بود. از شاعران دربار زندیه به شمار می‌آمد و در عهد لطفعلی خان زند (۱۲۰۹ -۱۲۰۳ ق) به سمت ندیمی رسید. یاری در

چهل و پنج سالگی در عتبات وفات کرد و در کاظمین دفن شد. او بیشتر به سرودن غزل تمایل داشت. اشعاری از وی در بعضی از تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔالشعراء (۲۱۱۱ -۲۱۱۰/ ۳)، الذریعه (۱۳۰۶/ ۹)، ریحانه (۳۸۴/ ۶)، سفینهٔالمحمود (۲۶۴ -۲۶۳/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۰)، لغت‌نامه (ذیل/ یاری اصفهانی)، مجمع‌الفصحا (۱۲۰۳/ ۶)، مصطبه‌ی خراب (۲۲۲)، مکارم‌الآثار (۵۶۰/ ۲)، نگارستان دارا (۲۸۰ -۲۷۸).

یاری بخاری

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۹۵۹ ق)، خطاط. از آثار وی: یک قطعه از مرقع بهرام میرزای صفوی، به قلم دو دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم: «مشقه العبد الفقیر یاری البخاری»؛ قطعه‌ای دیگر به قلم دو دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم: «تحریراً فی شهر سنه‌ی ۹۵۹، مشقه العبد الحقیر، یاری البخاری غفر ذنوبه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۶۴/ ۳)، هنر عهد تیموریان (۵۸۵ -۵۸۴).

یاسایی مهرجردی، عبداللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۱ ق)، شاعر، متخلص به یاسایی. در قریه‌ی مهرجرد، از روستاهای یزد، به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی موسوم به خان، در یزد به پایان رساند. سپس به مدرسه‌ی چهارباغ اصفهان رفت و علوم صرف، نحو، معانی، بیان، فقه، اصول، منطق، حکمت و ریاضیات را فراگرفت. یاسایی زبان فرانسه را نیز آموخت. وی در ۱۳۳۶ ق به خدمت وزارت دادگستری درآمد و مدتها ریاست دادگستری سمنان، دامغان، شاهرود، نیشابور و سبزوار را به عهده داشت. وی از طرف مردم سمنان و دامغان در دوره‌های پنجم و ششم و هفتم و هشتم به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. او در انشاء و نظم و نثر عربی و فارسی مهارت داشت و مقالات و اشعارش در جراید منتشر می‌شد که تمام آنها جنبه‌ی سیاسی داشت.[۱]

فرزند حاج میرزا ملا محمد علی یزدی است. تولد او در ۱۲۶۴ ش در یزد اتفاق افتاد. یاسائی تحصیلات خود را در علوم معقول و منقول ادامه داد و سالها در کسوت روحانیت بود و جون طبع شعری نیز داشت برای خود عنوان «صدرالادباء یزدی» را انتخاب کرده بود. بعد به کار تجارت پرداخت و در این رشته پیشرفت زیادی کرد. مدتی نیز در سمنان مدیر مدرسه بود. در دوره پنجم از سمنان به وکالت مجلس رسید و در این دوره با داور و تدین نزدیک شد و چون اهل نطق و بیان بود غالبا پاسخ وکلای مخالف را می‌داد. در مجلس پنجم که طرح وکلای مجلس درباره خلع سلسله قاجاریه مطرح گردید یاسائی با کمک داور به تمام مخالفین پاسخ گفت. او در دوره ششم و هفتم هم وکیل شد و پس از پایان دوره هفتم به ریاست کل تجارت منصوب گردید. سالها در آن سمت بود و مدتی نیز مدیر عامل شرکت هواپیمائی شد و روی هم رفته در تمام کارهای اقتصادی دخالت داشت، مخصوصا تا زمانی که داور زنده بود یاسائی در حقیقت مشیر و مشار او بود. در ۶۰ سالگی در تهران وفات یافت. یاسائی در ۱۳۱۱ از ریاست اداره کل تجارت برکنار و مغضوب شد. علت برکناری این بود که وی توازن بین واردات و صادرات به شوروی را رعایت نکرده بود. او می‌بایست به هر میزان که قند از شوروی وارد می‌کرد در قبال آن برنج صادر می‌نماید ولی در این کار مسامحه کرد و مورد غضب رضاشاه واقع شد و شفاعت مخبرالسلطنه رئیس‌الوزراء به جایی نرسید. وی مدتی هم نایب رئیس مجلس بود.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] تذکره‌ی سخنوران یزد (۷۸۴ -۷۸۲)، روز شمار تاریخ (۱۹۳ ،۱۸۱/ ۱)، سخنوران نامی (۴۳۷ -۴۳۴/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۰)، نخبگان سیاسی ایران (۵۱۷/ ۴).

یاسایی میبدی، هدایت

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلاصه : دکتر هدایت یاسایی میبدی متولد سال۱۳۱۸ ه.ش دارای مدرک دکترای آمار ریاضی از دانشگاه جرج واشنگتن در سال ۱۳۵۰و عضو هئیت علمی دانشکده ی ریاضی دانشگاه صنعتی شریف با مرتبه ی علمی دانشیاری می باشد.

گروه : علوم پایه

رشته : آمار وریاضی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر هدایت یاسایی میبدی دارای کارشناسی ریاض از دانشگاه تربیت معلم تهران در سال ۱۳۴۱

،کارشناسی آمار و ریاضی از دانشگاه جرج واشنگتن در سال ۱۳۴۴،کارشناسی آمار ریاضی از دانشاه جرج واشنگتن در سال ۱۳۴۵ ،کارشناسی ارشد فلسفه از دانشگاه جرج واشنگتن در سال ۱۳۵۰ و دکتری آمار ریاضی از دانشگاه جرج واشنگتن در سال ۱۳۵۰ است.

وقایع میانسالی : دکتر هدایت یاسایی میبدی پس از کسب دکتری در رشته آمار ریاضی به عضویت دانشکده علوم دانشگاه صنعتی شریف در آمد.وی هم کنون با رتبه علمی دانشیاری مشغول به خدمت است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر هدایت یاسایی میبدی استاد یار دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۴ و دانشیار دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۵۴ تا کنون است.

فعالیتهای آموزشی : دکتر هدایت یاسایی میبدی به تدریس دروس : آمار ،احتمال و کاربرد آن ،محاسبات آماری ،آمار و احتمال وآمار ریاضی در دانشگاه صنعتی شریف مشغول است.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی: تدریس دروس آمار، احتمال و کاربرد آن، محاسبات آماری، آمار و احتمال، آمار ریاضی در دانشگاه صنعتی شریف. تألیفات تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶ تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجي:– زمینه علمی تألیفات: احتمال و کاربرد آن، محاسبات آماری، آمار و احتمال، کاربرد ریاضیات در فیزیک. مقالات تعداد مقالات بزبان فارسی:–، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶ زمینه علمی مقالات: راجع به توزیع دیریکله و توزیع لاجیت، تابع مفسر توزیع دیریکله، برآورد کردن پارامترهای جدول توافقی با مدل استقلال، برآورد کردن پارامترهای جدول توافقی با مدل لاجیت، مقایسه توزیعات آماری در جدول توافقی با نمونه کم. چگونگی عرضه آثار : دکتر هدایت یاسایی میبدی دارای ۶ تایف به زبان فارسی و بیش از ۶ مقاله به زبان خارجی در زمینه راجع به توزیع دیریکله و توزیع لاجیت،تابع مفسر توزیع دریکله ،برآمرده کردن پارامتر های جدول توافقی با مدل استقلال ،برآورده کردن پارامتر های جدول توافقی با مدل لاجیت و مقایسه توزیعات آماری در جدول توافقی با نمونه کم دارد. آثار :

۱ آمار و احتمال

ویژگی اثر : تالیف

۲ احتمال کاربرد آن

ویژگی اثر : تالیف

۳ کاربرد ریاضیات در فیزیک

ویژگی اثر : تالیف

۴ محاسبات آماری

ویژگی اثر : تالیف

یاسری، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمود بن حجهٔالاسلام حاج ملا عباس یاسری از علماء با تقوی و فضیلت و وثوق تهران و مورد توجه مردم مرکز و در مسجد اراک که از مساجد بنام و بزرگ تهرانست اقامه جماعت می‌نمایند.

وی در حدود سال ۱۳۰۶ قمری در تهران متولد گردیده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و سطوح عالی در خدمت مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ باقر معزالدوله از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ عبدالنبی نوری استفاده معقول و منقول نموده وی از صحبت و تقلید مرحوم عالم ربانی و آیت‌اللَّه سبحانی حاج سید عبدالکریم لاهیجانی (صاحب کرامات باهره) برخوردار شده است.

آقای یاسری منتسب به دو صحابی جلیل‌القدر و شهید راه ولایت جناب عمار بن یاسر شهید صفین است که حضرت امیر علی در شهادت او طلب مرگ نموده و فرمود:

الا یا ایها الموت الذی لست تار کی

ارحنی فقد افنیت کل خلیل

اراک بصیرا بالذین احبهم

کانک تنحو نحوهم بدلیل

ای آنچنان مرگی که مرا رها نمیکنی مرا راحت نمای زیرا که تو تمام دوستان مرا از بین برده‌ای می‌بینم تو را بینا به افرادی که ایشان را دوست دارم که گویا قصد ایشان مینمائی بوسیله راهنمائی و فرمود انا لله و انا الیه راجعون سپس گفت که هر که از شهادت عمارد لتنک نشود او را از مسلمانی نصیب و بهره‌ای نباشد خداوند متعال بر او رحمت کند در آن ساعت که از نیک و بد او سوال می‌کند هرگاه که در خدمت حضرت رسول صلی اللَّه علیه و آله سه کس را دیدم چهارم ایشان عمار بود و اگر چهار نفر را دیدم پنجم آنان عمار بود نه یک بار بهشت بر او واجب شد بلکه بارها استحقاق آن را پیدا کرده جنات عدن او را گوارا باشد که او را بکشتند و او یار حق بود چنانکه حضرت رسول صلی اللَّه علیه و آله و سلم در شأن او فرمود الحق مع عمار یدور مع عمار حیث دار و بعد فرمود که کشنده عمار و دشنام دهنده و رباینده سلاح او به آتش دوزخ معذب خواهد شد.

آیت‌اللَّه یاسری عالمی متقی و دانشمندی با ورع و سالهای متمادیست که رهبری هیئت محترم پیر عطا که از هیات قدیمه تهرانست می‌نماید.

از بعضی از ثقات که از ایشانست حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج سید نورالدین آیت‌اللّه زاده میلانی از ایشان شنیدم که آقای یاسری فرمود روزی در ورقه‌ای دیدم یک نوع ختم و آداب او را درج و از قول شیخ‌بهائی قدس سره نوشته است.

هر کس این عمل را در ظرف ده روز انجام دهد بدین ترتیب که از چهارشنبه شروع و در روز جمعه دوم خاتمه یابد مطلب و حاجتش برآورده نشود مرا لعن کند.

لذا بجهت مطلب مهم خودم آن ختم را انجام دادم و بعداً ثمر نبخشیده و اثری ندیدم آنگاه شیخ بهائی قدس سره را مخاطب قرار دادم و بدون آنکه سخنی بگویم فقط در دل گفتم آقای شیخ شما شخصی بزرگ هستید زبان من لال گردد نسبت بذات مقدس شما جسارت نمیکنم ولی چرا چیزی مرقوم شود که اگر بدست اشخاص غیر مؤدب افتد به آنجناب توهین کنند.

این معنی در دلم بود و هرگز به احدی اظهار نداشتم.

پسرم با مرحوم جنانی (آقای جنانی همدانی مقیم تهران دارای علوم غریبه تسخیر ارواح و غیره بود) معاشرت داشت روزی بمنزل آمده و گفت شیخ‌بهائی بشما پیامی دارند و شما را طلبیده‌اند حاضر شوید با شما سخن بگویند.

چون این سخن را از پسرم شنیدم لرزه بر بدنم رخ داده و مبهوت شدم.

سپس پسرم اضافه نموده جنانی میگوید من تاکنون نتوانسته‌ام موفق شوم شیخ را حاضر کنم تا چه رسد که با من سخنی بفرمایند. و اینک خوشحالست که چون شما بخانه او بروید از حضور شما برای او فرصتی دست بدهد بدین وسیله بتواند با شیخ‌بهائی تماس گرفته و استفاده کند.

آنگاه مطلب دیگری پسرم از قول جنانی راجع به آیت‌اللّه آقای حجت (کوهکمری) گفت امروز ارواح را احضار کردم گفتند امروز برای مصاحبه آمادگی نداریم. ما امروز مأمور شده‌ایم از روح مطهر آقای حجت استقبال کنیم.

جنانی: کدام حجت.

گفتند آن آقا که هفته‌ی یکبار بملاقات حضرت ولی عصر بقیه اللّه ارواحنا له الفداء مشرف میشد آقای یاسری گفتند چون مدتی بود آقای حجت بستری بودند از شنیدن این سخن غمین شدم و ناراحت گشتم: مختصری گذشت از قم خبر رسید حضرت آیت‌اللّه العظمی حجت رحلت فرموده‌اند و بعلاوه رادیو تهران سخن را قطع و این خبر را بعنوان خارج از برنامه پخش نمود.

جنانی اسرار داشت زودتر بخانه‌اش بروم تا این که او هم بهره‌برداری کند.

و لذا پسرم را مأمور کرده بود روزانه مرا تعقیب می‌کرد و من هم امروز و فردا می‌نمودم بالاخره در یکی از روزها بمنزلش رفتم بخور و غیره را فراهم نمود شروع کرد بخواندن اوراد و اذکار لازمه طبق برنامه خودش و آنچه را که من مشاهده کردم ترتیب استفاده او بتوسط آئینه بود و هر کس هر نوع مطلبی داشت بایستی بنویسد و نوشته را در دست بگیرد جواب بر روی آئینه نوشته میشد.

چون در صدد احضار شیخ‌بهائی قدس سره برآمد با من گفت هر چه سؤالاتی دارید بنویسد و در کف خود پنهان بنمائید قلمهای متعدد و کاغذ و مرکب در جلوی من نهاد و گفت من هرچه را از روی آینه بخوانم شما فوراً ثبت کنید من نمی‌توانم همه را ضبط کنم و بذهن خود بسپارم.

یکی از ارواح حاضر شد جنانی پرسید شما کیستید گفت سید محمد طباطبائی جنانی گفت من شما را نخواستم فرمود من از طرف شیخ بهائی آمده‌ام شما را خبر کنم. یک دقیقه بعد شیخ حاضر می‌شود.

جنانی آئینه را برگردانیده و تنفس داد سیگاری مصرف نمودیم سپس آماده شدیم.

شیخ تشریف آوردند و آنچه بر روی آئینه نوشته میشد جنانی میخواند. گفت آقای شیخ بشما سلام می‌دهند عرض کردم علیک السلام و رحمه اللّه و برکاته بعدا گفت احوال شما را می‌پرسند گفتم اگر عنایت شما شامل من باشد خوشوقت میشوم. فرمودند اگر عنایتی شامل شما نبود هر آینه در صدد تصحیح آن ختم نمیشدم در نقل آن تحریف وقوع یافته است (ختامه یوم الاحد) است نه یوم الجمعه شما میدانید در هفته ایام طاق را آثاریست یکشنبه سه شنبه پنجشنبه و روز جمعه برای دعاء ندبه است.

آقای یاسری گفتند از شنیدن خبر تشرف مرحوم آقای حجت تعجب داشتم. مرحوم شیخ‌بهائی از دل من آگاه بوده و فرمودند آقای شیخ شما در عهد ما نبودید. بسیاری از مردم آن عهد بملاقات حضرت بقیةاللّه (ارواحنا فداه) نائل می‌شدند. مردم این زمان مشغول بمعاصی هستند به مردم بگوئید دست از معصیت بردارند و الا بلا نازل میشود.

بعدا یکایک سؤالاتی را که داشتم و نوشته بودم جواب دادند تا این که خداحافظی بعمل آورده و جنانی استفاده ننمود.

واما دعاء و ختم مذکور از جناب شیخ‌بهائی علیه‌الرحمه اینست.

ختم شیخ‌بهائی قدس سره

از روز جمعه شروع و تا ده روز که پایان آن روز یکشنبه میشود روزی صد بار بگوید: بسم اللّه الرحمن الرحیم. یا مفتح الابواب یا مقلب القلوب و الابصار و یا دلیل المتحیرین و یا غیاث المستغیثین توکلت علیک یا رب فاقض حاجتی و اکف مهمی و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم و صلی اللّه علی محمد و آله اجمعین.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

یاقوت مستعصمی

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جمال‌الدین بن یاقوت مستعصمی که بعدها به وی لقب «قبلةالکتاب» داده‌اند مردی ادیب و عالم و فاضل و شاعر بود و پایه‌ی خط را

به جایی رسانیـد که قبل از وی کسـی بـدان نرسیده و بعـدها نیز کمتر نظیر داشته است. یاقوت از غلامان «المسـتعصم باللّه» آخرین خلیفه‌ی عباسـی (۶۵۶ –۶۴۰ ه.ق) و از دست پروردگـان وی بـود و بـه همیـن جهـت خـود را مستعصـمی می‌خوانـد و خلیفه وی را می‌نواخت و از تربیت وی دقیقه‌ای فرونمی‌گـذاشت. یاقوت ابتدا نزد «عبدالمؤمن» و بعد نزد «شـیخ حبیب» مشق کرد و اینکه بعضـی گویند از «زینب شهده» و «ولی عجمی» تعلیم خط گرفته است روا نیست زیرا که زینب به سال ۵۷۴ و ولی به سال ۶۱۸ درگذشته‌اند و در آن تاریـخ‌ها یاقوت متولد نشده یا کودکی بوده است و اینکه وی را طویل‌العمر و بعضـی گویند ۱۸۰ سال زیسته، سهو است و این اشتباه از آنجا حاصل شده که آثاری با رقم یاقوت دیده‌اند که تاریخ آن قدیم بوده و خواسته‌اند با حیات یاقوت مستعصمی وفق دهند در صورتی که این قبیل آثار از دو یاقوت دیگر است که مقدم بر یاقوت مستعصـمی بوده‌اند. بعضـی سن یاقوت را هشـتاد و نه سال دانسته‌اند که همین صحیح است.

یاقوت نزد مستعصم بسیار معزز می‌زیست و کاتب دیوان او بود و در زمان خود شهرت فراوان یافت. او زمان هلاکو و اوایل دوران غازان خان را نیز دریافت و نزد خانـدان جوینی منزلتی پیـدا کرد و اتابک علاءالـدین جوینی نیز وی را می‌نواخت و فرزنـدان خود و برادرش شمس‌الدین جوینی را برای تعلیم خط به وی سپرد و غالب اکابر بغداد فرزندان خود را برای تعلیم نزد او گذارده بودند.

تاریـخ مرگ یـاقوت را ۶۶۷ –۶۹۷ ه. ضبـط کرده‌انـد ولی اصـح احوال سـال ۶۹۸ هجری قمری اسـت و همـان اسـت که ابوالفضـل عبـدالرزاق احمـد معروف به «ابن الفوطی» صـاحب کتـاب «حوادث الجامعه» که مردی مورخ و ادیب و فاضل و خوشـنویس معاصر یاقوت مستعصـمی بوده نقل کرده و البته قول وی در این باب حجت است. وفات یاقوت در بغداد اتفاق افتاد و در جوار قبر احمد بن خلیـل به خـاک سپرده شـد. یاقوت را علاوه بر خوشنویسـی به تندنویسـی نیز سـتوده‌اند چنانکه بعضـی گفته‌انـد سـیصد و شـصت و چهارمین قرآن به خط وی را دیـده‌ایم. با ظهور یاقوت مستعصـمی خطوط متنوع اسـلامی محدود و ثابت گردید، و اقلام مختلف در زمان او به شـش خط منحصـر و متـداول شده (ثلث، نسخ، ریحان، محقق، توقیع، رقاع) که به خطوط اصول معروف گردید و از این زمان تا مـدتی غیر از این اقلام شـش‌گانه ذکری از قلم دیگر به میان نیامـده است و از اقلام سته همه را به خط یاقوت دیـده‌ایم و به گمان من خط ثلث و ریحان را به مراتب از سایر اقلام خوشتر می‌نوشته است. از آثار خطوط یاقوت مقدار زیادی از قرآن‌ها و کتابها و قطعـات و مرقعـات در کتابخانه‌هـا و موزه‌هـای ایران و کشورهـای دیگر موجـود اسـت، از جملـه در ایران: در کتابخـانه‌ی ملـک، کتابخانه‌ی سـلطنتی، موزه‌ی ایران باسـتان، کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی و کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی مشهد و در خارج ایران. در بقعه‌ی مولانا جلال‌الدین بلخی در قونیه‌ی ترکیه، کتابخانه‌ی دانشگاه استانبول، موزه‌ی آثار اسلامی ترک، کتابخانه‌ی ایاصوفیه و اسـتانبول و غیره و آنچه من از خطوط او دیده‌ام: ادعیه‌ی ایام هفته (۱۸ برگ) سلطانی. ثلث دو دانگ جلی ممتاز، نسخ کتابت عالی با رقم: «المفتقر الی رحمهٔ ربه، یاقوت المستعصمی فی صفر سنهٔ اثنین و ثمانین و سبعمائه (۶۸۲) والحمدلله وحده.

از آثار اوست: قرآن خشتی کوچک ثلث کتابت خفی عالی با رقم «یاقوت المستعصمی» در بقعه‌ی مولوی در قونیه.

– قرآن وزیری بزرگ، جلد ضربی ممتاز. تماما حواشـی تشـعیرسازی قرن ۹ و ۱۰ و مـذهب، ثلث کتـابت ممتاز با رقم: «کتبه العبد المـذنب یاقوت المستعصـمی» و در دو شـمسه نوشـته شده است: «به رسم کتابخانه‌ی نواب نامدار گردون وقار سپهر اقتدار اقبال پناه عالیجاه بهروز محمدخان خلداللّه تعالی فی دوام ایام عمر و دولته و رفقه و اقباله الی یوم‌الدین فی شـهور سـنهٔ ت و سـبعین و سـتمائه (۷۶۷) در اونیورسیته‌ی اسلامبول.

– قرآن وزیری جلـد روغنی قـدیم دو صـفحه‌ی افتتاح متن و حاشـیه مـذهب مرصع عالی نسـخ کتابت خوش با رقم: «کتبه الفقیر الی رحمهٔ‌اللّه تعالی و عفوه یاقوت المستعصـمی» «فی سـلخ ذی‌الحجهٔ المبارک من سـنهٔ اربع و سـبعین و سـتعمائه...» ۶۷۴ در کتابخانه‌ی سلطنتی.

– قرآن وزیری، جلد روغنی ممتاز جدید. چهار صـفحه‌ی اول متن و حاشـیه مذهب عالی (جدید). خط نسخ خفی عالی. سر سوره‌ها ثلث و زر محرر ممتـاز بـا رقم: «وقع الفراق من کتابـهٔ هـذا القرآن المجیـد فی شـهور سـنهٔ ثلاثین و سـتعمائه علی یدالضـعیف یاقوت المستعصـمی و قد کتب فی هذا العام مسـتقیما فی مدینهٔ المشرفه بعد ما قضیت ما فرض اللّه سبحانه و تعالی علی من حج بیته‌الحرام و مواظبـا بکتابـهٔ هـذا القرآن الحمیـد اطاعـهٔ لامـر سـیدی مولائی السـلطان اللّه الاعظم و الخاقـان الاکرم مالک رقاب الامم خلیفه اللّه المستعصم باللّه...» ۶۳۰ در کتابخانه‌ی سلطنتی.

– قرآن سـلطانی مـذهب (تـذهیب جدیـدتر از اصل) ریحان دو دانگ بزر محرر. سـر سوره‌ها رقاع دو دانگ عالی با رقم: «... یاقوت المستعصمی...» در موزه‌ی اسلامی ترک.

– قرآن وزیری خشتی کوچـک مـذهب قـدیم، نسـخ کتـابت خفی عـالی. سـر سوره‌هـا تزیینی با رقم: «کتب یاقوت المستعصـمی فی الاربعاء رابع شـعبان المبارک سنهٔ ثلث و تسعین و ستمائه (۶۹۳) حامدا للّه تعالی علی نعمه و مصـلیا عی نبیه محمد و آله الطاهرین و مسلما» در موزه‌ی اسلامی ترک.

– قرآن خشتی جلـد میشن عنـابی منگنه. دو صـفحه‌ی اول تمام مـذهب عالی با رقم: «یاقوت مستعصـمی...» سال ۶۸۰ در کتابخانه‌ی ملک.

– قرآن خشتی کوچک جلـد سوخت معرق طلاپوش، دو صـفحه اول تمام مـذهب، ثلث جلی عالی (سـر سوره‌ها) نسخ کتابت خفی خوش (متن) با رقم: «... یاقوت بن عبداللّه» سال ۶۶۸ در موزه‌ی ایران باستان.

– قرآن رحلی جلد سوخت معرق طلاپوش. دو صـفحه‌ی اول تمام مذهب ممتاز ثلث کتابت عالی با رقم: «... یاقوت المستعصـمی...» در تاریخ سال ۶۸۵ موزه‌ی ایران باستان.

– قرآن وزیری کوچک سوخت ذهیب برجسته‌ی مزین، نسخ کتابت خفی خوش با رقم: «کتبه العبـد اضـعیف الی اللّه القوی یاقوت الملوک المستعصـمی فی شـهر ربیع‌الثـانی شـهور سـنهٔ ثلث و ثلثین و سـتمائهٔ مراعیا لا حسانه الشامل و لطفه الکامل. اللهم ابـد خلیفهٔ رسول رب العالمین المستعصم باللّه الملک الحق المبین». (قرآن را به شاه سلیمان تقدیم کرده‌اند و رقم یاقوت و تاریخ آن مشکوک و اصلی خط و نسبتش به یاقوت صحیح است). در مجموعه‌ی مهدوی.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

یاقوت ملکی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن وزیری مذهب دوره‌ی شاه طهماسب اول. متن و حاشیه شده ثلث ریحان کتابت خفی و سر سوره‌ها ثلث محرر نیم دو دانگ عالی با رقم: «شرف به کتابهٔ هذا المصحف... یاقوت الملکی... فی سنهٔ ثلاث و تسعین و ستمائهٔ...» (ملکی را تراشیده و مستعصمی کرده‌اند ولی جای تراشیدگی (لام) و (کاف) و حتی سرکج که هنوز هست ثابت می‌کند که مستعصمی نیست و ملکی است. فقط اشکال در این است که گویا یاقوت ملکی در ۶۱۸ مرده است و تاریخ هم خدشه‌ای ندارد) نزد آقای آقا میرزا موسی خان پیرامون.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

یاقوت، محمد عارف

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن نیم‌ورقی، صفحات اول مذهب مزمن، جلد ساغری مشکی. مهر قمرالدین خان وزیرالممالک محمد شاه هندی دارد.

نسخ کتابت جلی قدیم خوش با رقم: «کتبه العبد محمد عارف یاقوت» (رقم اطمینان ندارد) «فی ۶۷۰» در کتابخانه‌ی مجلس.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

یاقوتی، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالفضل یاقوتی کلوانق

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابوالفضل یاقوتی در شهر «کلوانق» که در آن زمان روستا بود؛ متوّلد شده ام. دوران ابتدائی، راهنمائی و مقداری از دبیرستان را در زادگاهم سپری نمودم و بعد از فوت مادر عزیزم در سال ۱۳۷۲ از درس خواندن مأیوس گشته و سه سال از عمرم را در راه کسب و کار (کارگری) در رشته قالب بندی ساختمان گذراندم.

با توجه به علاقه شدیدی که به مقام عظمای روحانیت داشتم سر انجام در سال ۱۳۷۶ وارد حوزه علمیّه شهرستان «مشکین شهر» شدم و سطح یک حوزه را در مدّت شش سال با موفقیّت گذرانده و علاوه بر شرکت در دروس حوزه و ارج نهادن به مقررات حوزه، به تبلیغ دین مبین اسلام در مدارس، مساجد شهر و روستا مشغول بودم.

در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان «مشکین شهر» به عنوان مربی در خدمت بسیجیان عزیز بودم و نهایتاً در سال ۱۳۸۲ به شهر مقدس قم جهت ادامه تحصیل عازم شدم و مدّت سه سال که در این شهر به تحصیل و تحقیق اشتغال دارم از خداوند متعال برای همه مؤمنین آرزوی توفیق دارم.

یاکیده، کیکاووس

قرن:۲۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کیکاووس یاکیده (زاده بهمن ۱۳۴۷ در تهران) دوبلور و شاعر ایرانی است.

یاکیده اخیرا کتابی با نام بانو و آخرین کولی سایه فروش از طریق انتشارات کاروان، منتشر کرده که رویکردی متفاوت به شعر سپید است و به نوعی هایکو وارهایی بسیار ملموس.

این دوبلور دارای پسری به نام ایلیا می‌باشد.

جوایز و افتخارات

دیپلم افتخار سردبیر انجمن بین‌المللی شعر در آمریکا ۲۰۰۲ شاعر برگزیده توسط سایت poetry.com در آمریکا ۲۰۰۳ مدال

شعر شایسته از سمپوزیوم شعر واشنگتون دی سی دریافت کاپ شایستگی از انجمن بین المللی شعر/ ۲۰۰۴ نیز از افتخارات این هنرمند می‌باشد[۱][نیازمند منبع]

دوبله‌های معروف

دوبله صدای نقاش آمریکایی باب راس در سری برنامه لذت نقاشی توسط کیکاووس یاکیده انجام شده است.

آثار مکتوب

•مجموعه شعر بانو و آخرین کولی سایه‌فروش، انشارات کاروان، ۱۳۸۱

•مجموعه داستان کوچه بابل، نشر آرویج، ۱۳۸۲

•مجموعه شعر کولی پیراهن تنگ یک خواب بلند، انتشارات کاروان، ۱۳۸۶

یاوری سرتختی، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد یاوری سرتختی

محل تولد : کامیاران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۹/۲۰

زندگینامه علمی

اینجانب در آذرماه سال ۱۳۵۴ در خانواده ای مذهبی از استان کرمانشاه به دنیا آمده و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، در آشنایی با حوزه علمیه و راهنمایی و مشورت های پدر و مادر، معلمان و روحانیون اعزامی از قم علاقمند به تحصیل در حوزه علمیه شدم. در سال ۱۳۷۰ در حوزه علمیه همدان «مدرسه آخوند ملاعلی» و کرمانشاه «مدرسه امام صادق (ع)» و «مدرسه حاج شهبازخان» از محضر بزرگانی چون «آیة الله حاج مجتبی حاج آخوند» و «آیة الله نجومی کرمانشاهی» بهره برده و در سال ۱۳۷۹ جهت تکمیل سطوح عالیه به حوزه علمیه قم مهاجرت و در درس اساتیدی چون: حجت الاسلام «احدی»، «حسینی خراسانی» و «میانجی» حضور یافته و اکنون از وجود آیات عظام: «سبحانی»، «مقتدایی» و «مکارم شیرازی» در دروس خارج فقه و اصول بهره می برم.

با آغاز ورود به شهر مقدس قم، در جهت بالابردن سطح کمی و کیفی علوم اسلامی و انسانی در کنار دروس حوزوی به رشته تاریخ اسلام علاقمند و در مؤسسه آموزشی، پژوهشی امام خمینی (ره) به تحصیل در مقطع کارشناسی پرداختم. با فراغت از تحصیل در سال ۱۳۸۲ – ۱۳۸۳ با توجه به نیاز فرهنگی و علمی دانشگاهها به مدت ۲ سال با سمت «معاونت نهاد نمایندگی رهبری» و «مدرس دروس معارف اسلامی در دانشگاه شهرکرد» به فعالیت مشغول بودم. اما پس از شرکت در آزمون کارشناسی ارشد در رشته (تاریخ تشیع) در همان مرکز، به قم مراجعت و در این مدت علاوه بر تلاش علمی و تألیف چندین مقاله علمی، تخصصی و ترویجی در نشریات مختلف، به امر مقدس تبلیغ در دانشگاههای سراس کشور نیز می پردازم.

یاوری، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا یاوری

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد رضا یاوری در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان یزد دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد؛ در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۲ که سال های خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود و حوزه های علمیه از طرف رژیم منحوس پهلوی به شدت تحت فشار بودند؛ وارد حوزه علمیه یزد گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. از سوی دیگر شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام الله علیها او را راهی حوزه علمیه قم گردانید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن

دیار بهره های علمی فراوان برد.

پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۳ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل حوزوی در قم از محضر بزرگانی چون: «آیت الله مقتدائی»، «آیت الله استادی»، «آیت الله کریمی جهرمی» و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد. استاد در ایام تحصیل در قم از امر تدریس در زادگاه خویش غافل نماند و در مراکزی چون: «دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی» به تدریس پرداخت که حاصل زحمات ایشان پرورش دانشجویان فراوانی می باشد. وی در زندگی سراسر علمی خود از امر تحقیق، نگارش و تألیف غافل نماند و آثاری از قبیل: «غذای گوارا در قرآن» و «خواص سبزی ها» را به رشته تحریر در آورده است.

یتیم همدانی، محمود

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، شاعر، متخلص به یتیم. اصلش از یزدجرد همدان بود. وی در عهد اورنگ زیب (۱۱۱۹ -۱۰۶۹ ق) به هندوستان سفر کرد و پس از مدتی از آنجا به اصفهان رفت. برخی منابع نسبت او را بروجردی ذکر کرده‌اند. صاحب تذکره‌ی «روز روشن»، به نقل از «آفتاب عالمتاب»، صاحب عنوان را محمود پهلوان مشهدی دانسته که مردی دلیر بوده و سرانجام به دست داروغه‌ی مشهد کشته شده است. از آثار وی: «دیوان» شعر، مشتمل بر دوازده هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۹۴۰)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۹۵)، الذریعه (۱۳۰۷/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۱)، کاروان هند (۱۵۵۱/ ۲)، نتایج‌الافکار (۷۹۱).

یثربی کاشانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدعلی یثربی کاشانی در سال ۱۳۱۱هـق ، در سامراء به دنیا آمد. مقدمات و سطوح را در محضر پدر و اساتید دیگر آموخت.در سال ۱۳۲۱ هـق به عراق هجرت نمود و وارد حوزه نجف گردید. پس از آن مدتی به کاشان بازگشت و در سال ۱۳۴۱ هـق به پیشنهاد مرحوم شیخ عبدالکریم حائری به قم مهاجرت نمود و از محضر وی کسب فیض نمود. او همچنین خود در آنجا حوزه های درسی تشکیل داد و شاگردان زیادی را تربیت کرد. یثربی کاشانی سرانجام در سال ۱۳۷۹ هـق روز پنجم رجب دارفانی را وداع گفت.گروه : علوم انسانیرشته : علوم اسلامیاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : سیدعلی یثربی کاشانی در سال ۱۳۱۱ هـق در خانواده علمی و متدین مرحوم سید محمد رضا یثربی کاشانی در شهر سامرا فرزندی به نام علی متولد شد و بنا بر سنت اسلامی مرحوم میرزای بزرگ شیرازی در گوش ایشان اذان اقامه گفتند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیدعلی یثربی کاشانی در زیر سایه تربیت صحیح پدر رشد و نمو نمود و در سال ۱۳۱۶ هـق که بیش از پنج بهار از عمرش نمی گذشت به همراه پدر وارد کاشان شد و مقدمات و سطوح را در محضر پدر و اساتید دیگر آموخت. در سال ۱۳۲۱ هـق به عراق هجرت نمود و وارد حوزه نجف گردید. پس از آن مدتی به کاشان بازگشت و در سال ۱۳۴۱ هـق به پیشنهاد مرحوم شیخ عبدالکریم حائری به قم مهاجرت نمود و ادامه تحصیلات را از محضر ایشان کسب فیض نمود. استادان و مربیان : سیدعلی یثربی کاشانی از محضر بزرگانی چون: ۱ ـ سید ابوالحسن اصفهانی. ۲ ـ سید محمد کاظم یزدی. ۳ ـ شیخ شریعت اصفهانی. ۴ ـ آقاضیاء الدین عراقی. ۵ ـ حاج میرزا حسین عراقی. ۶ ـ شیخ عبدالکریم حائری یزدی. استفاده کرد. همسر و فرزندان : سیدعلی یثربی کاشانی پس از سالها اقامت در نجف، در سال ۱۳۳۹ هـق به ایران باز گشت و به شهر آباء و اجدای خویش رفت و در این دوران با خانواده نراقی وصلت نمود.زمان و علت فوت : سیدعلی یثربی کاشانی در سال ۱۳۷۹ هـق روز پنجم رجب چشم از جهان فروبست.فعالیتهای آموزشی : سیدعلی یثربی کاشانی پس اتمام تحصیلات و اخذ درجه اجتهاد به تعلیم و تربیت شاگردان بسیار همت گماشت. او تا سال ۱۳۴۷ هـق که مصادف با پدرش بود در حوزه علمیه قم به این امر مشغول بود، تا آنکه پس از فوت پدر ناچار به ترک حوزه و باز گشت به کاشان شد و در آن جا اقامت گزید.شاگردان : شاگردان زیادی از محضر سیدعلی یثربی کاشانی کسب فیض نموده اند که می توان به افراد زیر اشاره کرد: ۱ ـ سید روح الله موسوی خمینی. ۲ ـ سید محمد تبریزی. ۳ ـ سید شهاب الدین مرعشی نجفی. ۴ ـ مرحوم صالحی کرمانی. ۵ ـ میرزا حسن یزدی. ۶ ـ شیخ هاشم آملی. ۷ ـ سید کاظم اراکی گلپایگانی. ۸ ـ شیخ جواد جفرودی. ۹ ـ مرحوم مَجتهدی تبریزی. ۱۰ـ میرزا آقا طاهری اردبیلی.

یثربی کاشانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم مبرور آیت‌اللَّه حاج سید محمدرضای یثربی کاشانی معروف به پشت مشهدی والد معظم آیت‌اللَّه آقا میرزا سید علی یثربی استاد مراجع بزرگوار قم که از رفقاء و شرکاء درس مرحوم آیهٔ‌اللَّه حایری مؤسس در درس مرحوم آیهٔ‌اللَّه فشارکی اصفهانی بودند

چند سفر قم آمده و مورد تجلیل آیت‌اللّه حایری و عموم علماء حوزه گردیدند.
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

یثربی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالحسن یثربی ابن آیت‌اللّه حاج سید محمدرضا پشت مشهدی از فضلاء این بیت است.
وی در کاشان متولد و از محضر مرحوم برادر ارجمندش آیت‌اللّه العظمی آقا میر سید علی یثربی استفاده کرده آنگاه به قم مهاجرت و پس از تکمیل سطوح از دروس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و دیگران استفاده نموده و از طرف آن مرحوم برای ارشاد مردم (ایوان کیف) تهران به آنجا عزیمت و چند سالی انجام وظیفه دینی و روحی داده تا در سال ۱۳۸۶ در قم بدرود حیات گفته است.
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

یثربی، زین‌العابدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید زین‌العابدین یثربی قمی از علماء و ائمه جماعت محترم قم می‌باشد که در حدود ۱۸ سال ۱۳۲۳ ق در قم متولد شده و دروس مقدماتی و سطوح را نزد مدرسین قم خوانده و به درس آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت الله فیض و آیت‌الله حجت و حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله شرکت نموده استفاده کرده و تاکنون هم از شرکاء درس معظم‌له می‌باشند و در مسجد حضرت شاحمزه قم هم به اقامه جماعت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.
فرزندان برومندی دارند که در سلک روحانیت و از وعاظ می‌باشند که از آنها جناب آقای حاج سید ابوالفضل یثربی واعظی متین و خطیبی بلیغ می‌باشند.
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

یثربی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

۵۲– در اوائل ماه ذی‌القعده ۱۳۶۵ ق بود که ستاره رخشنده‌ای از دارالمؤمنین کاشان در آسمان قم طلوع نموده و حوزه علمیه قم و نجف و قاطبه فضلاء را به خود متوجه ساخت این ستاره رخشان و ماه فروزان مجسمه علم و تقوا و عنصر زهد و ورع علامه قمقام و فهامه علام آیت‌اللّه آقا میرزا سید علی یثربی کاشانی فرزند آیت‌اللّه آقا سید محمدرضا پشت مشهدی بود که آسیاء تحقیق را قطب و دائره بیان و تدریس را نقطه پرگار که زبان و قلم نویسنده عاجز و قاصر از تعریف و توصیف آنجنابست شخصیت و آثارش معرف مقام فضل اوست.
و اگر از این نگارنده از آن حضرت سؤال شود که درباره وی چه خواهی گفت در پاسخ شعری را که ابوالعلاء معری درباره سید شریف علم‌الهدی گفته مناسب می‌دانم

یا سائلا عنه لما جئت تسئله

الا هو الرجل العاری عن العاری

لو جئته لرأیت الناس فی رجل

والدهر فی ساعهٔ والارض فی دار

این مرد عظیم‌القدر که مراجع امروز قم و زعماء حوزه علمیه از تلامذه اویند و ارباب فضل و دانش او را آقا ضیاء ثانی می‌گویند به قصد زیارت وارد قم شده و مورد تجلیل و تبجیل مراجع و زعماء و فضلاء واقع شد و بنابر اصرار و ابراز حضرات آیات عظام حوزه تدریس تشکیل و تشنگان علم و بیان خویش را سیراب و از هر گوشه طالبان تحقیق را به دور خود جمع نمود و این بنده هم به درس ایشان حاضر شده و از تحقیقات رشیقه و بیانات دقیقه آنجناب در اطراف علم برائت استفاده می‌نمودم ولکن افسوس فراوان که بیش از یک ماه طول نکشیده و تصادف با رحلت مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی نموده و حوزه علمیه عزادار و تا چهل روز دروس تعطیل گردید و آنجناب به قصد زیارت عتبات عالیات مسافرت به عراق نموده و دارالعلم نجف اشرف توجه مخصوصی به ورودش نموده زیرا مباحثاتی میان ایشان و مدرسین و زعماء حوزه نجف شده که مشهور فضلاء می‌باشد
ولادتش در کربلاء معلی در سال ۱۳۱۱ واقع شده و در مهد تربیت پدر بزرگوارش نشو و نما نموده و مقدمات و سطوح را از پدر خود و اساتید دیگر نجف فراگرفته و در سال ۱۳۳۱ به حوزه درس مرحوم علامه یزدی صاحب عروه و مرحوم شریعت اصفهانی و مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی و مرحوم آیت‌اللّه نائینی حاضر شده و در اندک زمانی در میان شاگردان آقا ضیاء شاخص و مشار بالبنان گردید تا در سال ۱۳۳۹ که والد ماجدش او را به کاشان طلبید.

و مرحوم آقا ضیاء و فضلاء نجف او را با اشک دیده بدرقه و مشایعت نموده و حتی آقای آقا ضیاء می‌فرمایند در میان تلامذه و شاگردان استاد ما آخوند خراسانی یک میرزا سید علی یزدی لب خندقی بود که در موقع حرکتش استاد او را با اشک دیده مشایعت نمود و از جدائی او آه کشید و در میان رفقا و شاگردان من شما که می‌روی مرا به فراق و حسرت خود می‌گذاری خلاصه پس از ورود به کاشان و مسبوق شدن آیت‌اللّه حایری که تازه حوزه علمیه را تأسیس نموده بودند از والد ماجد ایشان حاج سید محمدرضا یثربی تقاضا می‌کند که ایشان را به قم فرستد و در سال ۱۳۴۱ قمری اجابت نموده و به قم مشرف و حوزه درس رسمی از تقریر مباحث مرحوم حایری و نیز درس مستقله‌ای تشکیل و صدها نفر فاضل برجسته چون آیت‌اللّه آقای نجفی مرعشی و آیت‌اللّه موسوی و آیت‌اللّه شریعتمداری و مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و دیگران را دو رخود جمع و تا هفت سال تمام حوزه گردان علمی فقه و اصول قم بودند تا سال ۱۳۴۷ که والدشان داعی حق را اجابت گفته حرکت به کاشان نموده و از روی ضرورت برای سرپرستی عائله پدر خود و مردم پشت مشهد کاشان توقف در آن شهر را اختیار و هر چند از فضلاء و علماء قم دعوت کردند اجابت ننمود تا در سال ۱۳۶۵ قمری که مذکور شد به قصد زیارت آمده.

و بنابر اصرار آیت‌اللّه بروجردی و علماء و فضلاء دیگر دو ماهی را توقف و حوزه تشکیل داد تا فوت مرحوم اصفهانی که مشرف به عتبات شده و بعد از چند ماه مراجعت به کاشان نموده تا در سال ۱۳۷۹ قمری یک سال قبل از فوت مرحوم آیت‌اللّه بروجردی که دار فانی را وداع گفته و شهر کاشان و حوزه علمیه قم و نجف را غریق بحر ماتم نمود و با تشییعی که کاشان هرگز به خود ندیده بود در جوار قبر پدرش در صحن امامزاده حبیب موسی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

یثربی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی یثربی فرزند آیت‌اللّه حاج سید محمدرضا یثربی ابن سید اسماعیل بن سید عبدالرزواق (برادر سید محمدتقی پشت مشهدی) ابن سید عبدالحی الحسینی برادر بزرگوار استاد الاساتید مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج میرزا سید علی یثربی کاشانی (پشت مهدی) از علماء نامی و دانشمندان گرامی و امام جمعه انقلاب و جمهوری اسلامی معاصر در دارالمؤمنین کاشان می‌باشند.

وی در حدود سال ۱۳۴۷ قمری در شهرستان کاشان به دنیا آمده و در سنین کودکی پدر را از دست داده و در تحت کفالت و سرپرستی و تربیتی برادر بزرگوار پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح و استفاده از محضر برادر نامبرده‌اش به قم هجرت نموده و چندین سال از فقه و اصول آیات عظام حوزه علمیه قم چون مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه اراکی و آیت‌اللّه گلپایگانی و بالاخص رهبر کبیر انقلاب آیت‌اللّه خمینی و آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده نموده است.

در سال ۱۳۷۹ قمری پس از رحلت برادر عزیزش و اصرار مردم عالم دوست کاشان و امریه مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی به کاشان برگشته و به جای برادر گرامیش به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ اسلام و نشر معارف اهل‌البیت و گفتن تفسیر و سایر خدمات از تأسیس حوزه علمیه یثربی و تربیت محصلین و طلاب و سایر خدمات پرداخته و در به ثمر رساندن انقلاب ایران و تبدیل حکومت ستمشاهی به جمهوری اسلامی نقش بسزائی در کاشان و حومه آن داشته و لذا ایشان را برای امام جمعه‌ای و نمایندگی ولایت فقیه کاشان انتخاب شده و خدمات بسیار ارزنده‌ای از تأسیس مساجد و مدارس علمی در کاشان و حومه آن نموده است.

در قمصر کاشان حوزه علمیه‌ای تأسیس که در آن حدود یکصد طلبه به تحصیل علوم دینی اشتغال دارند و نگارنده از نزدیک آن را دیده و شاهد گفتن درس اخلاق معظم‌له برای آنان بوده‌ام و نیز در نیاسر کاشان آثار چشمگیری از خود گذارده‌اند.

جناب آقای یثربی با بیت جلیل و رفیع وحید بهبهانی که معروف به آل آقا هستند وصلت نموده و صبیه محترمه مرحوم آیت‌اللّه حاج‌آقا عبداللّه آل آقای بهبهانی را در اختیار دارند که از آن مخدره فرزندان فاضل و برومندی دارند که در قم و کاشان به تحصیل علم و کمال اشتغال دارند.

سید مهدی یثربی (سومین فرزند) مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدرضا پشت مشهدی کاشانی از ستارگان پرفروغ و دانشمندان پراثر و خدوم معاصر کاشانست.

وی در حدود ۱۳۴۷ قمری در کاشان متولد شده و در کودکی پدر را از دست داده و در تحت کفالت و تربیت برادر علامه‌اش آیت‌اللّه العظمی یثربی پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح و استفاده از محضر معظم له به قم عزیمت نموده و سطوح را از مدرسین حوزه تکمیل و در درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی امام خمینی و آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدعلی اراکی و دیگران شرکت و از خرمن علوم آنان خوشه‌ها چیده و بهره‌ها برده تا در سال ۱۳۷۹ قمری که برادر علامه‌اش وفات نمود بنابر درخواست و اصرار مردم کاشان و امر مرحوم آیت‌اللّه بروجردی به کاشان برگشته و به جای مرحوم آیت‌اللّه یثربی به اقامه جماعت و خدمات دینی و تربیت عده زیادی از محصلین کاشانی پرداخته است.

نگارنده گوید: مترجم عزیز ما که از بیوتات اصیله و ریشه‌دار روحانیت شهرستان کاشانست و آباء و نیاکانش همگی از مفاخر عالم تشیع و مراجع عالیقدر شیعه بودند.

دانشمندی فاضل و عالمی بارع و در خدمت به دین و روحانیت بسیار ساعی و جدی و در مبارزه با منکرات و اماکن فساد و فحشاء از نوادر معاصرین است.

بیانی صریح و منبری ملیح و ارزنده و آموزنده دارد. در مسجد خویش بعد از اداء فریضه تفسیر قرآن و بیان احکام و معارف دینی

نموده و مردم را کاملا مستفیض می‌فرمایند. در ایام عاشوراء که در صحن مطهر جناب (حبیب موسی) اقامه عزاداری و سوگواری برای سالار شهیدان حضرت ابی‌عبداللّه الحسین (ع) می‌شود در تاسوعا و عاشوراء خود منبر رفته و علت نهضت و قیام حسینی (ع) و فلسفه شهادت آن بزرگوار و آثار آن را ذکر نموده و شور عجیبی برپا می‌کند.

از سال ۱۳۸۰ قمری که رسماً به جای مرحوم برادر فقید سعیدش قرار گرفته تاکنون خدمات بسیاری در کاشان و حومه آن از بناء مساجد و مدارس علمی و تربیت محصلین نموده‌اند.

دارای محاسن اخلاق و محامد آداب و سجایای کریمانه می‌باشد.

از آثار و باقیات الصالحات ایشانست مدرسه علمیه که در خیابان شاه عباس کبیر بنا نموده و از هرگونه مجهز و بالغ بر یکصد و هشتاد طلبه و محصل جدی دارد که در آن چندین نفر از فضلاء اخیار حوزه علمیه قم مانند جناب ثقهٔالاسلام و زبدهٔالفضلاء الاعلام آقایان آقا شیخ احمد اسلامی و حجهٔالاسلام آقای حاج سید اسداللّه خراسانی و حجهٔالاسلام آقای آقا سید رضا علم‌الهدی و بعضی دیگر به تدریس ادبیات و فقه و اصول اشتغال دارند.

و دیگر بانک قرض‌الحسنه بنام (بانک آقا) و دیگر تعمیر و بناء مساجد و حمامات و بیمارستان در شهرستان کاشان و حومه آن می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

یثربی، میرمحمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

الف:ولادت ونسب: حضرت آیت الله حاج میر سید محمد یثربی–ادام الله ظله العالی– از علمای ربانی وفقیهی بزرگوار از تبار فقهای نگاهبان حریم اعتقادات شیعی هستند.ایشان در سال ۱۳۳۳ هجری شمسی در شهر مقدس قم(مهد علم وفقاهت واجتهاد ،شهر خون قیام،شهر کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه–سلام الله علیها–) در بیت فقه وفقاهت چشم به جهان گشود. پدر بزرگوارشان حضرت آیت الله آقای حاج سید مهدی یثربی–قدس سره– ووالده گرامشان خانم حاجیه زهرا آل آقا(فرزند مرحوم آیت الله حاج آقا عبدااله آل آقا ونواده مرحوم آیت الله آقای حاج آقا بزرگ ساوجی از اعلام مدرسین حوزه تهران در قرن گذشته و اوایل قرن معاصر،حفیده بیت علامه مجدد وحید بهبهانی–رضوان الله تعالی علیه–)می باشد. ایشان قبل از پایان ۵سالگی مشغول خواندن قرآن و حفظ سوره های کوچک بود. در پنج سالگی عموی بزرگوار خود که از فقهای بنام شیعه و از اساتید علمای بزرگ،از جمله مرحوم حضرت امام خمینی– قدس سره– بود را از دست داد وبه همراه پدر خود به کاشان هجرت نمود. ب)تحصیلات : ایشان در سال ۱۳۳۹مشغول به تحصیلات ابتدائی در دبستان ملی مدرس گردید وبعد وارد دبیرستان شد و همزمان،با شوق واشتیاق زایدالوصفی وارد حوزه علمیه جدید التأسیس کاشان که والد مکرمشان بنیان نهاده بودند،شد.ایشان تمامی دروس ادبیات وسطح متوسط و همچنین رسائل ومکاسب را در آن حوزه ،نزد اساتید محترمی همچون والد بزرگوارشان ومرحوم آیت الله شیخ محمود روحانی— رحمه الله علیه — که معظم له علاقه فوق العاده ای نسبت به ایشان داشته اند فرا گرفتند. در سال ۱۳۵۱در شهر دارالمومنین کاشان با خانواده محترم،مذهبی،صالح ومؤمن ازدواج نمونـد وبرای ادامه تحصیلات در سطوح عالیه به قم مهاجرت ودرآن شهر رحل اقامت گزیدند. درس سطح کفایه را نزد آیت الله حاج سید محمد ابطحی – دام ظله– مرحوم آیت الله سلطانی طباطبائی(ره)به اتمام رسانده وهمزمان ،با هوش وذکاوتی که معظم له داشته دردرس خارج فقه حضرت آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری – ره— خلف مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری مؤسس وبنیانگذار حوزه علمیه قم حاضر شدند ودر جلسه استفتائات وتمامی مباحث فقهی ایشان حضور فعال داشتند. معظم له در این باره می فرمایند:آنچه محضر ایشان رامنهای عمق فکر واندیشه جذابیت می بخشید،معنویت و صفای ایشان ویکرنگی وانس آن بزرگوار با طلاب بود وبرای حقیر که در عین کم سنی مورد عنایت ولطف آن استاد فرزانه ومربی بزرگوار بودم،فوق العاده اثر بخش بود وآثار تربیتی آن را پس از سالها هنوز احساس می کنم. درهمان سنوات وپس از پایان سطح کفایه،در درس عالم ربانی حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی – مدظله العالی (— یک دوره اصول به مدت ۱۷سال و همچنین چندین سال درس خارج فقه ایشان)شرکت نمود ونیز به مدت هفت سال در درس خارج اصول و فقه مرحوم آیت الله العظمی روحانی —قدس سره — حاضر شدند. همچنین معظم له بیش ازدو سال دردرس خارج فقیه اهل بیت عصمت وطهارت حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی —قدس سره — شرکت نمودند واز درس اسفار اساتید بزرگوار مرحوم آیت الله صدر وشهید بزرگوار آیت الله مطهری و آیت الله جوادی آملی بهره گرفتند. ج)تدریس وخدمات علمی: ایشان از سال ۱۳۴۸ تا۱۳۵۳در حوزه پربرکت علمیه کاشان مشغول به تدریس ادبیات ،منطق واصول بودند که حدود چهل نفر از طلاب در درس ایشان شرکت می نمودند.همچنین از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۹تدریس اصول وشرح لمعه داشتند،که تا پنجاه نفر در درس ایشان در صحن مطهر بی بی دو عالم حضرت معصومه —سلام الله علیها — شرکت می کردند. از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ به تدریس سه دوره اصول (رسائل شیخ انصاری رحمه الله) را از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۴ به انجام رساندند وشاگردان زیادی را تربیت نمودند. تا این که بنا به درخواست شاگردان معظم له و به دلیل محدودیت مکان وکثرت شاگردان ،درس کفایه الاصول را در مدرسه مرحوم حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) شروع کردند که بیش از ۷۰نفر دردرس ایشان شرکت می کردند.معظم لهاز سال ۱۳۷۸ مشغول به درس خارج فقه واصول در همان مدرسه شدند که نزدیک به دویست نفر در این دروس شرکت می نمایند.علاوه براینها در سالهای ۶۰تا ۶۳یک دوره منظومه حکمت را در صحن مطهر حضرت معصومه (سلام الله علیها)تدریس نمودند. ایشان در سال ۱۳۶۹یک مؤسسه علمی تحقیقاتی را به نام اصولی بزرگ«علامه مجدد وحید بهبهانی — رضوان الله علیه – »تأسیس نمودند که با هدایت ایشان ،در

این مرکز محققین توانا وبررسی ،احیاء ونشر کتب علوم اهل بیت عصمت وطهارت – علیهم السلام – مشغول به کار می باشند. این مؤسسه با بیش از پنج هزار جلد کتاب ورسائل پایگاه تحقیقاتی فعالی در حوزه علمیه محسوب می شود. د)تألیفات وآثار: ۱- رساله فی تطور الاصول (عربی) ۲- رساله فی تطور علم الفقه(عربی) ۳- رساله فی الکلام (عربی) ۴- رساله در ولایت؛مقدمه کتاب راهبرد اهل سنت به مسأله ولایت (فارسی) ۵- شرح رساله حقوق امام سجاد – علیه السلام (– فارسی) در ۳جلد؛مجموعه سخنرانی معظم له در رادیو معارف ۶- تقریرات درس مکاسب محرمه (فقه)در ۲جلد ۷- مباحث رجالی در ۱جلد ۸- تقریرات خمس (فقه) در ۱جلد ۹- تقریرات صوم در ۲جلد ۱۰- تقریرات اصول در ۸جلد چهار مورد اخیر،هنوز به چاپ نرسیده است که آن انشاءالله دراینده نزدیک در دسترس علاقمندان قرار خواهد گرفت. از جمله ویژگیهای معظم له که بارها درباره آن به شاگردان در یک جلسه درس غیبت داشته باشد،ایشان پیگیر علت غیبت وی می باشد.همچنین مکررا شاگردان را به مطالعه وپیگیری ومباحثه درس و درست فهمیدن درس توصیه وترغیب میکنند. معظم له بعد از درس خارج فقه واصول شاگردان را به حضور می پذیرند واشکالات آنان مربوط به درس را پاسخ فرموده به دیگر پرسش ها واستفتائات شرعی و اعتقادی جواب می دهند. با این شیوه،شاگردان زیادی تربیت نموده وآنان از شمع وجود ایشان بهرمند می گردند وبعضی از شاگردان ،از اساتید برجسته حوزه می باشند.از خداوند متعال می خواهیم که وجود این مشعل داران هدایت بشریت و این علماءربانی و مراجع عظام را برای همه مسلمین بویژه شیعیان مولا علی ابن ابی طالب علیه السام نگهدار باشد وسایه آنها را بر سر مامستدام بدارد.

یثربی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای سید یحیی یثربی در سال ۱۳۲۱ در روستای «چراغ تپه سفلی» از توابع شهرستان تکاب دیده به جهان گشود. در سال ۱۳۲۶ وارد مکتب خانه روستا گردید و با آموختن قرآن و سپس خواندن و نوشتن ادبیات فارسی آشنا گردید. سال ۱۳۳۵ وارد حوزه علمیه زنجان گردید و علوم مقدماتی را در آنجا فرا گرفت. در سال ۱۳۳۷ جهت ادامه تحصیل در علوم حوزوی، وارد حوزه علمیه قم و حریم عش آل محمد گردید. اساتید ایشان در شهر مقدس قم بزرگانی چون: «آیت الله مرحوم ستوده»، «دوزدوزانی»، «علامه طباطبائی»، «مفتح سلطانی»، «منتظری»، «مکارم» و .... بودند. در کنار دروس حوزوی در مقطع دکترا در رشته (فلسفه و حکمت اسلامی) از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید.

تحصیلات:

ابتدایی: در مکتب خانه روستای (چراغ تپه)، در شمال «تکاب آذربایجان غربی» ابتدا قرآن آموخته، سپس با خواندن و نوشتن و ادبیات زبان فارسی آشنا شدم. از سال ۱۳۲۶ شمسی تا ۱۳۳۴.

حوزه ای: از سال ۱۳۳۵ در حوزه علمیه زنجان به تحصیل علوم مقدماتی (صرف، نحو و منطق) پرداخته، سپس در سال ۱۳۳۷ وارد حوزه علمیه قم شدم.

از آن تاریخ تا سال ۱۳۴۴ در دو زمینه به تحصیل مشغول شدم:

* در اصول فقه و فقه که سطح را تمام کرده، و مدتی هم (اگر چه در مقیاس حوزه بسیار کم) از درس خارج مراجع تقلید بهره بردم.

* در علوم عقلی، که شرح منظومه ، شرح اشارات و قسمتی از اسفار اربعه را خواندم.

دانشگاهی: دوره کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای فلسفه و حکمت اسلامی را در دانشکده الهیات دانشگاه تهران، از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۸ با امتیاز گذراندم.

استادان:

حوزه: حضرات آیات : دوزدوزانی، ستوده، سبحانی، مکارم، مفتح، منتظری، سلطانی و در اواخر مرحوم علامه طباطبایی.

دانشگاه: استادان بزرگوار: شهابی، زرین کوب، ملک شاهی، مطهری، جلیلی، صاحب الزمانی، آریان پور، یزدگردی، فلاطوری، حائری، تفضلی، الهی قمشه ای و ...

یحیای سبزواری، یحیی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۳۵ ق)، شاعر. مدتی منشی تورم خان ازبک بود و به همراه وی به شیراز و از آنجا به عراق رفت و در مکه‌ی معظمه سکونت یافت. یحیی خان در نظم توانا و در فن انشاء ماهر بود. او در مکه درگذشت. سال مرگ صاحب عنوان را ۱۰۲۵ و ۱۰۳۰ ق نیز ذکر کرده‌اند. اشعاری از وی در تذکره‌ها نقل شده است. از اوست:

مو به مو در ره شوقم به فغان هم نفس است

هر گره در رگ جان هست مرا یک جرس است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۹۴۱ -۹۴۰)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۶۵ -۲۶۴)، الذریعه (۱۳۰۹ / ۹)، فرهنگ سخنوران

(۱۰۱۱).

یحیای سیفی قزوینی، علاءالدین امیر یحیی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۶۲/ ۹۶۰ -۸۸۵ ق)، مورخ، نویسنده و شاعر. مشهور به یحیای معصوم. از سادات محتشم قزوین و از پیشوایان اهل تسنن و از رجال دربار صفویه بود. وی از علوم عقلی و نقلی بهره‌مند و در تاریخ‌نگاری ماهر بود. او و خاندانش به علت تعصب در تسنن، نزد شاه طهماسب محبوبیتی نداشتند و به همین دلیل نیز میر یحیی اموالش را از دست داد و در زندان اصفهان درگذشت. صاحبان «الذریعه» و «صبح گلشن» سال مرگ وی را ۹۰۱ ق ذکر کرده‌اند. از آثار وی: «لب التواریخ»، در تاریخ عمومی، به نام بهرام میرزا، فرزند شاه اسماعیل و مشتمل بر چهار قسمت: ۱- در بیان هدایت معصومین (ع) ۲- در ذکر پادشاهان قبل از اسلام ۳- در ذکر جمعی از حاکمان بعد از اسلام ۴- در ذکر پادشاهان خاندان صفویه؛ «مختصرالتواریخ»، تکمیل‌کننده «لب التواریخ» و به نام شاه طهماسب. در «لغت‌نامه» دو کتاب به نام «شرح کبیر» و «شرح صغیر» به او نسبت داده شده و آمده که دومی را در ۷۷۵ ق به پایان رسانیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۳۹ -۱۶۳۴/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۸۲۳، ۴۳۳، ۳۵۴)، الذریعه (۲۸۵/ ۱۸ ، ۱۳۱۰/ ۹)، صبح گلشن (۶۱۳)، عالم آرای عباسی (۵۴، ۲۷/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۲)، کاروان هند (۱۱۶۰ -۱۱۵۹/ ۲)، کشف‌الظنون (۱۵۴۷)، لغت‌نامه (ذیل/ یحیی)، مینودر (۸۷۸ -۸۷۷/ ۲)، هفت اقلیم (۱۷۷ -۱۷۶/ ۳).

یحیای قمی، یحیی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. اصلش از قم است و در شعر طبعی خوش داشت. در «کاروان هند»، به نقل از «صبح صادق» آمده که صاحب عنوان از اکابر سادات عراق است که از وطن به هند رفته و سالها در دکن زندگی کرده و در عهد جهانگیر پادشاه گورکانی (۱۰۳۷ -۱۰۱۴ ق) منصب دیوانی یافته است. عده‌ای یحیای قمی را همان یحیای کاشی دانسته‌اند و ماده تاریخ بنای شاه جهان‌آباد را به او نسب داده‌اند. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۴۷۷، ۲۴۳)، الذریعه (۱۳۱۰/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۲)، کاروان هند (۱۵۵۴، ۱۵۵۲ - ۱۵۵۱/ ۲)، موادالتواریخ (۶۶۲ -۶۶۱).

یحیای کاشی، یحیی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۶۴ ق)، شاعر. اصلش از شیراز است و در کاشان به دنیا آمد. در زمان شاه جهان پادشاه به دهلی هند رفت و در زمره‌ی مداحان پادشاه قرار گرفت. وی ماده تاریخ (شد شاه جهان‌آباد از شاه جهان‌آباد: ۱۰۵۸) را در اتمام بنای عمارت شده جهان‌آباد گفته است. به آورده‌ی تذکره‌ی «روز روشن»، به نقل از «آفتاب عالمتاب»، عده‌ای یحیای لاهیجی را همان یحیای کاشی دانسته‌اند.

از اوست:

ساقیا تا بهار عمر به جاست

می بده، وقت توبه بسیارست

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۹۴۴ -۹۴۳)، سرود آزاد (۸۶ -۸۵)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۲)، کاروان هند (۱۵۵۴ -۱۵۵۲/ ۲)، نتایج‌الافکار (۷۸۹ -۷۸۸).

یحیایی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی یحیایی

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای علی یحیائی در سال ۱۳۴۵ هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهر رشت دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه رشت گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد.

از سوی دیگر به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه (سلام الله علیها) رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۴ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون: «آیت الله خاتمی»، مرحوم «آیت الله فاضل»، «آیت الله مومن» و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته (حقوق خصوصی) در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۷ از دانشگاه مفید فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان «بررسی معاملات در حقوق ایران و مصر» دفاع کرد. و پس از طی تحصیلات جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت. وی هم اکنون علاوه بر «مدیریت گروه معارف دانشگاه آزاد اسلامی انزلی»، عضو هیأت علمی دانشگاه گیلان می باشد و در این دانشگاه به امر تدریس اشتغال دارد. وی در طول حیات علمی خود به امر نگارش و پژوهش پرداخته است و آثاری از قبیل: «فلسفه اخلاق» و «حق یا حاکم بودن اختیار رجوع در طلاق رجعی» را به رشته تحریر در آورده است.

یحیوی، عباسقلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۲۸۰، اردبیل.

درگذشت: ۲۶ آبان ۱۳۵۸.

عباسقلی یحیوی متخلص به «احقر» ملقب به «تاج‌الشعرای اردبیل» در شش سالگی راهی مکتب شد و در محضر میرزا عزیز سواد خواندن و نوشن و قرآن و فقه و حدیث و تاریخ اسلام و ایران را فراگرفت. و با علم بیان، فلسفه و ادبیات عربی و فارسی و آثار شعرای فارسی زبان آشنا شد. از نوجوانی به سرودن شعر پرداخت و «احقر» تخلص می‌نمود. وجه مرثیه‌سرایی و حماسه پردازی و وصف حماسی صحنه‌های کربلا در اشعار او به وضوع مشاهده می‌شود.

از او چهار کتاب با عناوین بساط کربلا، اسرار عاشورا، پرچم عزا، آخرین آثار به چاپ رسیده است.

پیکر عباسقلی یحیوی در بهشت فاطمه در اردبیل به خاک سپرده شده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

یزدان‌بخش، قهرمان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۹۵، تربت حیدریه.

درگذشت: ۱ فروردین ۱۳۷۳، تهران.

نماینده‌ی قصیده‌سرایی به سبک خراسانی. نواده‌ی حسنعلی میرزا (شجاع‌السلطنه) فرزند شاعر پیشه‌ی فتحلی‌شاه قاجار بود. بیشتر به موضوعات سیاسی و اجتماعی می‌پرداخت. از آثار اوست: گزیده داستان‌های مثنوی (تهران، ۱۳۷۳، چاپهای مکرر).

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

یزدانی بارفروش، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید یزدانی بارفروش

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای حمید یزدانی بارفروش در سال ۱۳۴۹ هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان ساری دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه بابل گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. پس از مدتی تحصیل در حوزه علمیه بابل به شوق ادامه تحصیل، زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت؛ (حضرت معصومه سلام الله علیها) رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۹ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون: «آیت الله وحید»، مرحوم «آیت الله شیخ جواد تبریزی»، «آیت الله هاشمی شاهرودی» و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته «حقوق» در مقطع کارشناسی در سال ۱۳۷۸ از دانشگاه مفید قم فارغ التحصیل گردید. وی پس از طی تحصیلات جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون در دانشگاه مازندران و سپاه پاسداران مازندران به امر تدریس اشتغال دارد. وی در طول حیات علمی خود به امر نگارش و پژوهش پرداخته است و آثاری از قبیل: «معجم احادیث بحارالانوار» و «فرهنگ فقه فارسی» را به رشته تحریر در آورده است.

یزدانی شیرازی، عبدالوهاب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۸ -۱۲۵۲ ق)، خطاط، موسیقیدان، ادیب و شاعر، متخلص به یزدانی. ششمین فرزند وصال است. وی در شیراز به دنیا آمد. او در ادبیات، ریاضیات، نجوم و نظم و نثر عربی توانا بود، شعر می‌گفت و از موسیقی نیز بهره‌ی تمام داشت و رباب را خوب می‌نواخت. یزدانی خط نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت و از شیوه‌ی میرعماد پیروی می‌کرد و کتیبه‌های اطراف حرم شاهچراغ و برادرش سید میر محمد در شیراز و همچنین کتیبه‌های قسمتی از رواق مطهر امام رضا (ع) به قلم اوست. عبدالوهاب در کهنه کردن کاغذ و مرکب دست داشت و فن نقاشی را خوب می‌دانست. یزدانی به همراه برادر خود، وقار، سفری به عتبات کرده و از آنجا به تهران آمده و سپس به زادگاه خود بازگشته است. او در شیراز درگذشت و در بقعه‌ی سید میر محمد، نزد برادرش، فرهنگ دفن شد. از آثار وی: کتابت و نقاشی «خسرو و شیرین» نظامی، که به امر ناصرالدین شاه انجام پذیرفته است؛ یک نسخه «دیوان» انوری، به قلم کتابت خوش، با رقم: «... حرره العبد الاقل، عبدالوهاب بن وصال، طاب ثراه فی سنهٔ ۱۲۷۵»؛ یک نسخه «مناجات» حضرت علی (ع)، به قلم دو دانگ خوش، با رقم: «نمقه... عبدالوهاب المتخلص به یزدانی ابن مرحوم المغفور الوصال... فی شهر شعبان المعظم ۱۲۸۲»؛ یک قطعه به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «یزدانی»؛ قطعه‌ای دیگر، به قلم کتابت خوش، با رقم: «یزدانی».[۱]

میرزا عبدالوهاب متخلص به یزدانی ششمین پسر وصال شیرازی (و. ۱۲۵۲ ه.ق- ف. ۱۳۲۸ ه.ق) وی یکی از خوش‌نویسان و نقاشان و ادبای عصر خود به شمار می‌آمد، و آنچه از اشعار او در دست است ۷ قصیده و ۱۴ غزل می‌باشد و ضمناً کتیبه‌های دور حرم شاه‌چراغ و سید محمد به خط اوست و چند نسخه از کلیات سعدی و دیوان حافظ نوشته و از موسیقی نیز بهره‌ی کافی داشته و رباب خوب می‌نواخته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۳۶۲ -۳۶۱)، احوال و آثار خوشنویسان (۴۲۰ -۴۱۹/ ۲)، احوال و آثار نقاشان (۳۵۳ -۳۵۲/ ۱)، اطلس خط (۵۶۷)، حدیقهٔالشعراء (۲۱۱۶ -۲۱۱۳/ ۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۹۲ -۸۸۸/ ۵)، الذریعه (۱۳۱۱/ ۹)، ریحانه (۳۸۹ -۳۸۷/ ۶)، طرائق‌الحقائق (۳۸۴/ ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۱۹ -۱۰۱۶/ ۲)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۳)، مرآت‌الفصاحه (۷۲۴ - ۷۲۰)، مکارم‌الآثار (۱۴۱۳ -۱۴۱۲/ ۴).

یزدانی مقدم، احمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد رضا یزدانی مقدم

محل تولد : بندر انزلی

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۹ تاکنون توفیق حضور مستمر برای درس و بحث در حوزه علمیه قم را دارم. از سال ۱۳۶۷ به درس خارج حاضر می شوم. اساتید دوره سطح این کمترین از جمله این آقایان بودند: حضرات آیات: «آل غفور جزائری»، «اعتمادی»، «فیض سرابی»، «موسوی تبریزی»، «موسوی تهرانی»، «فقیهی مازندرانی»، «صالحی افغانی»، «وجدانی» و «محقق داماد». و از جمله اساتید این کمترین در دوره خارج این آقایان می باشند: حضرات آیات: «منتظری»، «مکارم شیرازی»، «فاضل لنکرانی»، «جوادی آملی»، «صانعی»، «خرازی»، «علوی گرگانی» و «موسوی اردبیلی»؛ و از جمله موضوعات فقهی در دوره خارج که توفیق استفاده داشتم و دارم عبارتند از: ولایت فقیه، بیع، مکاسب محرمه، زکات، صوم، خمس، نکاح، طلاق، تحدید نسل، پیوند اعضاء، تغییر جنسیت، تجسس و اطلاعات در اسلام، سرقفلی، ربا و بانکداری، رشوه، غنا و مالکیت معنوی.

دارای کارشناسی حقوق می باشم و در زمینه (فقه و حقوق) مقالات متعددی نوشته ام از جمله: رشد و بلوغ، شفعه، ولایت پدر و جد، ارث و قسامه، قاعده لاضرر در حقوق تجارت؛ و نیز مقاله ای درباره «جامعه شناسی تعلیم و تربیت در حوزه علمیه».

گرایش کارشناسی ارشد این ناچیز (اندیشه سیاسی) بوده و موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد: «ادراکات اعتباری و اندیشه اجتماعی سیاسی علامه طباطبایی» است که در دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام)، پایان نامه برتر شناخته شد. در دوران تحصیل کارشناسی ارشد، مقالات متعددی در زمینه (مباحث علوم سیاسی) نوشته ام از جمله: «بررسی موضوعاتی در اندیشه سیاسی افلاطون»، «ارسطو»، «هابز»، «لاک»، «روسو»، «همپتن»، «فارابی»، «خواجه نصیر»، «نائینی»، «علامه طباطبائی» و «امام راحل». و نیز مقالاتی در (روش شناسی علوم سیاسی و مطالعه مقایسه ای موضوعات مبحث قدرت در اندیشه متفکرانی چون «فارابی»، «خواجه نصیر»، «ابن خلدون»، «وبر»، «گالبرایت»، «آرون»، «آرنت»، «لوکس»، «هابرماس» و «فوکو».)

در دوران تحصیل دکتری نیز مقالاتی نوشته ام از جمله: «طراحی الگو برای تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، «به کارگیری روش انتخاب عقلائی برای تحلیل جنبش دانشجویی در ایران» و «تحلیل سیاستگذاری عمومی در ایران با نگاه به اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی» بوده است.

از سال ۱۳۶۹ تاکنون توفیق حضور تبلیغی در دانشگاه های کشور، از جمله: (علوم پزشکی گیلان، علوم پزشکی یزد، دانشگاه گیلان، کرمان، تربیت معلم، فردوسی، شهید بهشتی، خواجه نصیر، علم و صنعت، علوم پزشکی شهید بهشتی، اصفهان، دانشگاه صنعتی اصفهان، صنعتی شاهرود) را از طرف نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها داشته ام و در همایش های مختلفی نیز سخنرانی و برنامه داشتم.

پایان نامه ارشد این کمترین با عنون: «ادراکات اعتباری و اندیشه اجتماعی سیاسی علامه طباطبایی» تا کنون:

[۱] از سوی دانشگاه باقرالعلوم(علیه السلام)پایان نامه برتر شناخته شد.

[۲] از سوی دبیرخانه دین پژوهان، عنوان پژوهش برتر در حوزه دین پژوهی را گرفت.

[۳] از سوی جشنواره مهر، یادواره علامه طباطبایی، نیز برگزیده شد.

[۴] از سوی وزارت ارشاد اسلامی به عنوان پژوهش تشویقی معرفی گردید.

[۵] در همایش دو سالانه پژوهش برتر حکومت اسلامی دوره اول سال ۱۳۸۴ – ۱۳۸۵، از جمله چند پژوهش برتر شناخته شد و تندیس یاد بود و لوح و دیگر جوایز دریافت کرد.

علاوه بر تدریس متعارف دروس حوزوی مانند: (ادبیات، اصول فقه، شرح لمعه، مکاسب، اصول استنباط، بدایه و جوامع الجامع)، در مرکز جهانی علوم اسلامی و دانشگاه آزاد اسلامی نیز تدریس داشته ام. این کمترین بارها توفیق حضور تبلیغی در جبهه نبرد حق علیه باطل را داشتم که مجموعاً پنج ماه و نیم می شود. همچنین افتخار دارم که از خانواده شهدا و برادر شهید لطف الله یزدانی مقدم می باشم.

در سال ۱۳۷۶ دبیر گروه فقه و حقوق پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در سال ۱۳۷۷ دبیر نشریه تازه های اندیشه در مؤسسه طه، در سال های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ دبیر گروه علمی فقه و حقوق در دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری (دفتر فرهنگی)، و در سال های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ عضو گروه سیاست و اجتماع در دفتر تنظیم و نشر آثار امام راحل بوده، و در حال حاضر (سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵) مدیر گروه پژوهشی حکومت اسلامی در مرکز تحقیقات حکومت اسلامی و عضو شورای عالی پژوهش و شورای همایش کتاب حکومت اسلامی در این مرکز می باشم. همچنین عضو انجمن مطالعات سیاسی بوده و از سال ۱۳۷۷ تا کنون جلسات مستمر با گروهی از دوستان انجمن مطالعات اسلامی، در زمینه های جامعه شناسی سیاسی، هرمنوتیک، سکولاریزاسیون و فلسفه سیاسی داشته ایم.

یزدانی، سیف‌الله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خوشنویس.

تولد: ۱۳۰۷، دامغان.

درگذشت: ۱۳۶۲.

سیف‌الله یزدانی در دوره‌ی تحصیلات ابتدایی علاقه‌ی خود به خوشنویسی را آشکار کرد و به تشویق دایی خود که از مجتهدین بود و از خط خوش بهره داشت، به خطاطی روی آزاد و بعدها در تهران و به ویژه در هنرستان آزاد کمال‌الملک زیر نظر علی‌اکبر کاوه به تکمیل هنر خوشنویسی خویش پرداخت.

وی سرانجام به درجه‌ی استادی خوشنویسی نایل آمد و به کتابت آثار ارزشمندی از جمله دیوان حافظ، ترجیع‌بند هاتف، شاهنامه بایسنقر و ترمه‌ی ایران (تهران، ۱۳۵۶)؛ پرداخت. دو اثر شمع جمع و رسم‌المشق یزدانی از آثار اوست. از همه مهم‌تر چون نستعلیق را کمال هنر خطاطی خود می‌دانست، به نگارش قرآن کریم به خط زیبای نستعلیق روی آورد و در آخرین روزهای حیات خود آن را به پایان برد که این مصحف بعدا انتشار یافت.

استاد یزدانی از سال ۱۳۵۸ تا پایان عمر خود سمت استادی و عضویت در شورای عالی انجمن خوشنویسان ایران را عهده‌دار بود و در سال ۱۳۶۲ در سن ۵۵ سالگی از سرای فانی به دیار باقی شتافت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

یزدجردی، هادی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۵۰ ق)، طبیب و شاعر، متخلص به هادی. گفته‌اند که اصل وی از یزدجرد است و در کاشان نشو و نما یافت، به همین دلیل به او کاشی هم می‌گویند. به آورده‌ی «تاریخ نظم و نثر» او بروجردی است و به خطا به وی هادی یزدجردی گفته‌اند. وی در عهد شاه طهماسب صفوی می‌زیست و در علم طب ماهر بود. شاه طهماسب او را به احتساب ممالک ایران گماشت. هادی در اواخر عمر توبه کرد و به تولیت آستان قدس رضوی مفتخر گردید و به طاعت و عبادت پرداخت. او طبع شعر خوبی داشت و اشعاری از وی در تذکره‌ها نقل شده است. در «تحفه سامی» صاحب عنوان تحت نام هادی موسوی آورده شده است. شیخ آقا بزرگ تهرانی در «الذریعه» از هادی اصفهانی (م ۹۵۰ ق)، فرزند شاه تقی شیخ‌الاسلام، نام می‌برد و او را با هادی یزدجردی و هادی موسوی یکی می‌داند. همچنین محمدطاهر نصرآبادی در «تذکره‌ی» خویش، (تألیف شده در ۱۰۸۳ ق) از معاصر خود میر محمد هادی، عموزاده‌ی میر عبدالرزاق کاشی، که شغل طبابت داشته و شعر هم می‌گفته ذکری به میان آورده است. بر این اساس در «فرهنگ سخنوران» هادی کاشی تنظیم یافته و این شخصیت با صاحب عنوان خلط شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۶۶۵)، تحفه سامی (۳۸ -۳۷)، تذکره‌ی روز روشن (۹۲۰)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۱۵)، الذریعه (۱۲۸۶، ۱۲۸۵/ ۹)، صبح گلشن (۶۰۴)، فرهنگ سخنوران (۹۹۴، ۹۹۳).

یزدگردی، امیر حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

دکتر امیر حسین یزدگردی درسال ۱۳۰۶ در تهران زاده شد.ایشان دارای مدرک دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۶ می باشد.وی از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۴ در آموزش و پرورش شهرستان قم و پس از آن، تا سال ۱۳۵۹، در دانشکد ?الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران به تدریس اشتغال داشت.دکتر امیر حسین یزدگردی در شامگاه روز دوشنبه چهارم فروردین سال ۱۳۶۵ درگذشت. کتاب" حواصل و بوتیمار "تالیف امیر حسین یزدگردی ، در دوره یازدهم انتحاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.همچنین کتاب" دیوان ظهیر فاریابی " تصحیح وی ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران معرفی شده است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : زنده‌یاد استاد دکتر امیرحسن یزدگردی در خانواده‌ای فرهیخته و اهل ادب در تهران متولد شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : امیر حسین یزدگردی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در دبستان ادیب و دبیرستان مروی به سر آورد. در سال ۱۳۲۹ از دانشسرای عالی لیسانس زبان و ادبیات فارسی گرفت و در سال ۱۳۳۶ به اخذ درجهٔ دکترا در همان رشته از دانشگاه تهران نائل آمد

استادان و مربیان : اساتید دکتر یزدگردی در دوران دانشگاهی، بزرگ‌مردانی مانند استاد بدیع الزمان فروزانفر، جلال الدین همایی، ملک‌الشعرای بهار، بهمنیار، عبدالعظیم قریب، سیدهادی سینا و سید محمّد فرزان بودند.

زمان و علت فوت : دکتر امیر حسین یزدگردی در شامگاه روز دوشنبه چهارم فروردین سال ۱۳۶۵ درگذشت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : امیر حسین یزدگردی در خلال گذراندن دورهٔ دکترا به مدت پنج سال (۱۳۳۴ ـ ۱۳۲۹) در آموزش و پرورش شهرستان قم در دبیرستان حکیم نظامی به تدریس پرداخت و پس از آن به دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی دانشگاه

تهران انتقال یافت و تا سال ۱۳۵۹ بیش از سی سال، بدون وقفه به تدریس اشتغال داشت .

شاگردان : استاد یزدگردی خود معلمی بود مسلّط، دلسوز، عاشق، متین و باوقار که نه تنها درس و بحثش بلکه گفتار و کردار و رفتارش نیز، سخت بر شاگردان تأثیر می گذاشت و محققی بود سخت کوش، پرحوصله و بردبار، دقیق و نکته‌یاب. شاگردان وی امروز در شمار موفق‌ترین معلمان به حساب می‌آیند؛ افرادی چون استاد دکتر فتح‌الله مجتبایی.

جوائز و نشانها : کتاب" حواصل و بوتیمار "تالیف امیر حسین یزدگردی ، در دوره یازدهم انتحاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.همچنین کتاب" دیوان ظهیر فاریابی " تصحیح وی ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران معرفی شده است. ------------------------------ --

آثار :

۱ تصحیح دیوان کبیر (غزلیات شمس)

ویژگی اثر : با همکاری مرحوم دکتر کریمان

۲ تصحیح کلیله و دمنه

ویژگی اثر : با همکاری استاد فقید مجتبی مینوی

۳ تصحیح و تعلیق «نفثة المصدور» شهاب الدین محمد خرندزی

ویژگی اثر : ۱۳۴۳، ادار ?کل نگارش وزارت آموزش و پرورش

۴ حواشی بر دیوان حافظ، مرزبان‌نامه، جهانگشای جوینی و راحةالصدور

۵ حواصل و بوتیمار

ویژگی اثر : تالیف،این کتاب در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنائی با کتاب: «حواصل و بوتیمار»: حواصل و بوتیمار؛ امیر حسین یزدگردی؛ به کوشش اصغر دادبه، تهران: مؤسس ?انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۱. تألیف کتاب «حواص و بوتیمار»، از شهریور ۱۳۴۹ آغاز شده و تا زمستان سال ۱۳۶۴ (۱۵ سال) ادامه یافته است. دکتر یزدگردی در باب اختیار نام «حواصل» بیشتر به منابع کهن و در خور اهمیت اقوال گروهی از حیوانشناسان، اوصاف جوارح و اطوار خاص این پرنده در کتب شعر و ادب، آراء جمعی از فرهنگ نویسان و دانشمندان قدیم و بالاخره تصاویر روشن و واضح استناد کرده است. در باب اختیار نام «بوتیمار» برای برخی از «گونه»ها و «زیرگونه»های «خانواد? بوتیمار»، نیز به تقریب به مآخذی از همان دست، اعتماد کرده است. موضوع کتاب بسیار بدیع است و پژوهش به طور مبسوط انجام یافته. امتیاز خاص این کتاب ما وسعت تتبع و پهنای گسترد ?کار پیرامون این دو واژه است. زبان پژوهش، استوار و عالمانه است. کتاب دارای مقدمه ای جامع و فصول و بخشهای آن پیوسته و هماهنگ است. شاید فراهم آوردن ۱۳ گونه از فهرست تقریباً در تاریخ و تحقیق پارسی، برای یک کتاب ــ با این تفصیل ــ بی سابقه بوده باشد. اما فقدان فهرستی از مندرجات در آغاز محسوس بوده و پرداخت فنی کتاب نیز ضعیف و نامطلوب است.

۶ دیوان ظهیر فاریابی

ویژگی اثر : تصحیح ،این کتاب ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: دیوان ظهیرالدّین فاریابی تصحیح و تحقیق و توضیح]مرحوم[امیرحسن یزدگردی؛ به اهتمام اصغر دادبه.ـتهران: نشر قطره، ۱۳۸۱. «تتبع در دیوان ظهیر» موضوع رسالهٔ دکترای مرحوم استاد یزدگردی، به راهنمایی مرحوم استاد فروزانفر بوده که در تاریخ ۱/۸/۱۳۳۶ از آن دفاع شده است. حاصل این تتبع و تحقیق، تصحیح انتقادی دیوان ظهیر است. برای نخستین بار و بر مبنای کهن‌ترین نسخه‌های موجود و نوشتن کتابی با مجلّدی مستقل در شش بخش در معرفی ظهیر و حل مشکلات اشعار او؛ حاصلی، بی‌گمان، بی‌مانند و چونان نفثةالمصدور و حواصل و بوتیمار ارجمند و سودمند و تحسین برانگیز.اما کمال طلبی استاد یزدگردی در کارهای علمی و دقّت وسواس‌آمیز او موجب شد تا نزدیک به سی‌سال، از زمان دفاع رساله (۱۳۳۶) تا گاه مرگ (۱۳۶۵)، همواره چنان احساس کند که کاری بدین تمامی ناتمام است و به از آنچه هست باید! و چنین بود که در کنار کارهای تحقیقی خود تا پایان عمر در تکمیل آن کوشید. حاصل کار استاد یزدگردی، بی‌گمان، بی‌مانند است، چرا که اولاً توضیحات و تعلیقات و تحقیقات او دربارهٔ ظهیر و شعر او کامل‌ترین و دقیق‌ترین و محققانه‌ترین تحقیقاتی است که تاکنون در زمینهٔ ظهیرشناسی صورت گرفته است، ثانیاً، متن مصحح استاد، یگانه متن مصححی است که تاکنون از دیوان استاد فاریاب به چاپ رسیده است

منابع زندگینامه :منابع :

۱www.ketabesal.ir

یزدی اشرفی محمدی، عبدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، خطاط. از خوشنویسان دروهٔ متأخر است و کتیبه‌ی کاشی معرق ایوان شمالی مسجد وکیل شیراز را که اصل آن به خط حسین بن محمد شریف حکاک است، این خوشنویس تکمیل کرده که بعضی به خط ثلث و برخی به نستعلیق چهار

دانگ کتیبه‌ی خوش است، بـا رقم: «... شـرفنی بکتـابه نواقص من کتیبه هـذا البیت الجـامع، و انـا المـذنب عبـدالعلی الیزدی اشـرف محمدی ۱۳۴۷».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۴۰۴ / ۲).

یزدی خراسانی، عبدالخالق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۸ ق)، عـالم دینی، واعـظ و مـدرس. وی در ابتـدا از شـاگردان شـیخ احمـد احسـائی بـود. فقـه و اصـول را در محضـر شریف‌العلماء مازندرانی فراگرفت. سپس به یزد بازگشت و از آنجا به مشـهد مقدس رفت. او از بزرگان علما و از مدرسـین مشهور مشـهد بود، در توحید خانه‌ی حرم رضوی تدریس می‌کرد و علما و فضـلاء در مجلس درسـش شـرکت می‌جسـتند. شیخ آقا بزرگ تهرانی در «طبقـات اعلام‌الشـیعه» تألیفـات او را دلیـل بر وسـعت اطلاعـات و کثرت دانش وی می‌دانـد. ظاهراً صاحب عنوان متأثر از عقایـد شـیخ احمـد احسائی بوده، چنان که در «مطلع الشـمس» آمده است": ما بین او که بر مسـلك شـیخیه می‌رفت با علماء مشـهد مجلس مناظرت مکرر منعقـد شد ".او در مشـهد درگذشت و همان جا دفن شد. از آثار او: «مصائب الائمهٔ (ع)» معروف به «مصائب المعصومین (ع)»؛ «بیت‌الاحزان»؛ «معین الطـالبین»؛ «معین المجتهـدین»، در اصول فیه؛ رسـاله‌ی «صـلاهٔ الجمعـهٔ»؛ «مناقب المعصومین (ع)»؛ رساله‌ی «علم الماسهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منـابع زنـدگینامه :ایضاح‌المکنون (۵۱۸، ۴۹۱ / ۲)، الـذریعه (۳۳۵ -۳۳۴ / ۲۲، ۲۸۷، ۲۸۵، ۷۳ / ۲۱، ۷۳ / ۱۵، ۱۸۵ / ۳)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۷۲۳/ ۱۳)، فوائد الرضویه (۲۲۶)، مطلع الشمس (۳۹۹)، معجم‌المؤلفین (۱۱۰/ ۵)، هدیهٔ‌العارفین (۵۱۰/ ۱).

یزدی شرف‌الدین، یحیی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم ق)، عـالم. وی از بزرگـان علمای عصـر خود و از شاگردان محقق کرکی بود و از طرف اسـتاد اجازه داشت، و از طرف او در شـهر یزد به کارهای دینی می‌پرداخت. سـبط محقق کرکی، حسین بن حسن موسوی، از شاگردان و راویان وی است. از آثارش: شرح رساله‌ی «الجعفریه» اسـتادش محقق کرکی به نام «التحفه الرضویه»؛ «اثبات الرجعه»؛ «اسامی المشایخ»، در ذکر «مشایخ الشـیعه»؛ تلخیص «ارشاد القلوب» دیلمی؛ تلخیص «تفسـیر طبرسـی»؛ تلخیص «علل الشـرایع» شـیخ صـدوق؛ تلخیص «کشف الغمه»، با زیادات؛ تلخیص «المعـارف» ابن قتیبه؛ «زیـاره الرضـا (ع)»؛ «کتـاب السـعادات»، در دعا؛ «مقتل امیرالمومنین (ع)»؛ «مقتل فاطمه الزهراء (س)»؛ نهج الرشاد فی معرفه حجج‌اللّه من آدم الی امامنا القائم المهدی (عج)»؛ «وفات الحسن الزکی (ع)».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۴۷/۱۴، ۱۷/۱۲، ۱۲/۲)، ریحانه (۲۰۳ -۲۰۲ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۵ -۲۷۴ /۱۰).

یزدی صمدی، بهمن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زراعت و اصلاح نباتات، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسـی زراعت از دانشـگاه تهران در سـال ۱۳۴۰، کارشناسـی ارشـد اگرونومی از دانشـگاه کالیفرنیـا (دیویس) در سـال ۱۳۴۳، دکترای ژنتیک و اصـلاح نباتات از دانشگاه کالیفرنیا در سال ۱۳۴۶، فوق دکترا ژنتیک و اصـلاح نباتات از دانشگاههای کالیفرنیا و ایلینویز از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۴.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷، دانشیار دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۲، استاد دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۳ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام ۵ طرح تحقیقـاتی در زمینه‌هـای اصـلاح نباتـات و زراعت، انتشـار کتاب اصـلاح نباتات زراعی (کتاب سال ۷۱)، عضویت در فرهنگسـتان علوم جمهوری اسـلامی ایران و مجامع بین‌المللی، تـدریس دروس: اصـلاح نباتات، ژنتیک، آمار، طرحهای آزمایشـی، موتاسیون، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۴۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اصلاح نباتات زراعی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۵

زمینه علمی مقالات:

اصلاح نباتات، ژنتیک گیاهان زراعتی، زراعت.

بر گرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

یزدی فیروزآبادی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد بن سید محمدباقر حسینی یزدی فیروزآبادی که از مراجع بزرگ و آیات عظام گذشته بوده است.

معظم له در سال ۱۲۶۵ ق در فیروزآباد یزد متولد شده و پس از رشد و پرورش به یزد آمده و مقدمات را در آنجا فراگرفته و از محضر مرحوم آیت‌اللّه آسید یحیی یزدی استفاده نموده.

پس از آن مهاجرت به نجف اشرف و از آنجا در عهد ریاست و مرجعیت آیت‌اللّه علی‌الاطلاق میرزا محمدحسن مجدد شیرازی به سامرا رفته و از آنجناب در حالی که سی سال از عمرش می‌گذشت بهره‌مند شده.

و قبل از فوت آن بزرگوار به کربلا آمده و از محضر علامه فاضل اردکانی کسب فیض نموده و بعد از فوت مرحوم علامه یزدی صاحب (عروۀالوثقی) بسیاری از مردم عراق و ایران در تقلید به وی رجوع نموده و نماز جماعتش در صحن مطهر علوی مورد توجه قرار گرفته و محبوبیت خاصی در بین عامه مردم پیدا نمود.

علامه خونساری در احسن الودیعه ج ۲ ص ۹۷ گوید: آقا سید محمد فیروزآبادی یزدی نجفی از اجلاء علماء عاملین و افاخم فقهاء مجتهدین و یکی از مراجع امامیه بود. مرا به خدمتش مشرف و کرارا با ایشان ملاقات کردم و ندیدم از جنابشان الاسکون و وقار. آن بزرگوار حسن الاخلاق کریم الاعراق جامع بارع و زاهد عابد بود.

عمده تلمذش خدمت علامتین متعاصرتین آقا سید محمدکاظم یزدی و محقق خراسانی بود و اخیراً ملازم حضور سید مرحوم گردید.

آن بزرگوار صبح جمعه آخر ماه ربیع‌الاول سال ۱۳۴۵ ق در سامره به رحمت حق پیوسته و فوراً حمل به نجف اشرف و با تشییع عظیمی در هه مشاهد مشرفه از عراق به نجف و اردو در یکی از حجرات صحن شریف مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

یزدی قلعه کهنه ای، عبدالحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از آثار وی چهار نسخه کتاب «جنات الخلود» است که با رقم و تاریخهای مختلف نوشته و همه‌ی نسخه‌های به خط نسخ است و تاریخهای آن: ۱۲۶۰، ۱۲۵۹، ۱۲۵۰ و ۱۲۶۱ ق می‌باشد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۹۸ / ۴).

یزدی کاردان، عبدالرحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۷۴، یزد.

درگذشت: ۱۳۶۳.

عبدالرحیم یزدی کاردان متخلص به «کاردان»، فرزند محمدابراهیم، در مکتب حاجی ملا فرج‌الله هروی تعلم نموده است. شغلش امانت‌داری و دارای قریحه‌ی نیک و طبعی روان بود. از وی در غزل در تذکره‌ی شعرای یزد آمده است.

بر گرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

یزدی کربلایی، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۲ ق)، فقیه. از شاگردان آقا سید محمد مجاهد، آقا سید علی طباطبائی صاحب «ریاض»، نیز حضور داشته است. ابتدا در یزد سکونت داشت و آنگاه که حاکم ظالمی را به پشتیبانی مظلومین از یزد بیرون کرد به امر فتحعلی شاه به تهران آمد و در تهران سکونت نمود. و سرانجام مقیم کربلا ـ گشت و در همان جا درگذشت. برخی از آثار او عبارتند از: «مهیج الاحزان»؛ «اکمال الاصلاح»، در ترجمه «اصلاح العمل» استادش سید محمد مجاهد؛ رساله‌ای در «تجوید قرآن»، به فارسی؛ رساله‌ای در «شکوک»، به طور استدلال.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۹۹ /۲۳، ۲۸۲ –۲۸۱ /۲)، قصص العلماء (۱۰۳ –۱۰۱)، مکارم الآثار (۱۱۷۷ /۴).

یزدی موسوی، علی‌اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید علی‌اکبر موسوی بن العالم الجلیل حاج سید عبدالوهاب یزدی آنف الذکر از فضلاء برجسته و دانشمندان شایسته داماد محترم مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی عراقی نورالله مضجعه می‌باشد کمه به فضل و دیانت و صدق و امانت موصوف و مقسم شهریه حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید احمد خونساری مدظله العالی است.

در قم متولد شده و در خاندان فضل و سیادت پرورش یافته و ادبیات و سطوح را از مدرسین بزرگ قم آموخته و بالغ بر ده سال از محضر آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده کرده و هم سالها از فقه و اصول علامه متتبع آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی عراقی استفاده نموده و مضمنا تدریس فقه و اصول هم می‌نماید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

یزدی، ابوالحسن علی

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۵۱ –۴۷۴/ ۴۷۳ ق)، فقیه شافعی، مقری و محدث. معروف به ابن‌محمویه. در یزد به دنیا آمد و ساکن بغداد بود. قرآن را در اصفهان بر ابوالفتح حداد و ابوسعد مطرز تلاوت نمود و حمزهٔ بن قبیطی و عبدالعزیز بن ناقد و علی بن دباس بر وی تلاوت نمودند. او در بغداد، شهر دون، همدان، اصفهان، بصره، کوفه و مکه از حسین بن حسن بن جوانشیر و ابوالمکارم محمد بن علی بن حسن فسوی مقری و محمد بن حسین بن بلوک صوفی و غیاث بن ابومضر اصفهانی و محمد بن محمود ثقفی و ابن‌طیوری و ابن‌خشیش و ابوالحسن بن علاف و ابوالقاسم ربعی و ناصر بن مهدی و احمد بن محمد بن مردویه و جماعتی دیگر حدیث شنید. وی «سنن» نسائی را از عبدالرحمان بن حمد استماع نمود. ابواحمد بن سکینه و ابن‌اخضر از وی روایت کرده‌اند. فقه را در واسط از ابوعلی فارقی و در بغداد از ابوبکر شاشی فراگرفت. وی صاحب تصانیفی در زمینه فقه و حدیث می‌باشد و در زهد نیز صاحب اثر است. در «طبقات الشافعیه» اسنوی تحت نام علی بن حسین بن احمد یزدی و در «شذرات‌الذهب» تحت عنوان بزدی آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۶۹۰/ ۵)، سیرالنبلاء (۳۳۶ –۳۳۴/ ۲۰)، شذرات‌الذهب (۱۵۹/ ۴)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (۳۱۹/ ۲)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۲۱۱/ ۷)، العبر (۱۵ –۱۴/ ۳)، معجم‌المؤلفین (۱۴/ ۷)، النجوم الزاهرهٔ (۳۱۰/ ۵)، هدیهٔ‌العارفین (۶۹۸/ ۱).

یزدی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم بن جعفر یزدی از علمای صاحب اثر است و کتابی به نام (ثمره‌الجنان) به زبان عربی تألیف کرده که از آن به خط مؤلف مورخ ۱۲۷۵ به شماره ۱۴۰۶ در کتابخانه ملک موجود است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

یزدی، ابوالقاسم، علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۷۴ -۳۸۶ ق)، محدث و فقیه حنفی. مشهور به بندار. اصل وی از یزد بود، در بغداد ساکن گشت. از ابوطاهر مخلص و ابواحمد فرضی و ابوالحسن بن صلت حدیث شنید. همچنین از ابن‌بطه اجازه روایت حدیث دریافت کرد. ابوالفرج جوزی در «المنتظم» گوید عده‌ای از وی روایت کرده‌اند. او در بغداد درگذشت و در مقبره‌ی جامع المدینهٔ دفن شد. در «المنتظم» تولد وی ۳۸۰ ق ذکر شده است. از آثار او: شرح «الجامع الصغیر» شیبانی، در فروع فقه حنفی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الکامل (۱۳۰/ ۸)، کشف‌الظنون (۵۶۲)، معجم‌المؤلفین (۲۰/ ۷)، المنتظم (۵۷۰/ ۹)، هدیهٔ‌العارفین (۶۹۲/ ۱).

یزدی، ابوالهادی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی، به قلم کتابت خوش، با رقم: «تمت التاریخ... ابن سیف الدین حسین، ابوالهادی یزدی فی ۱۰۹۳».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۳۶ -۳۵ /۱).

یزدی، ابوطالب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوطالب یزدی مؤلف کتاب تذکره خلاصه الافکار است که نادر الحسینی در سال ۱۲۴۰ در ۳۸۷ صفحه نبشته و به شماره ۴۳۰۳ کتابخانه ملک ثبت است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

یزدی، اسماعیل محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، نویسنده و شاعر. میرزا محمد، برادرزاده‌ی میرزا محمدعلی مدرس یزدی، متخلص به حیران بود. و از سلسله‌ی سادات طباطبایی یزد و مردی با فضل و هوش بود. شعر کم می‌گفت، دیوان و تخلص هم نداشته است. از تألیفات اوست: «کفایهٔ الطالبین»، که شرحی است بر «معالم الاصول»؛ «مرآهٔ الملوک» در اخلاق؛ شرحی بر «منهاج» حاجی محمدابراهیم کلباسی؛ شواهدی بر «سیوطی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقهٔ الشعرا (۱۳۰/۱)، فرهنگ سخنوران (۶۱).

یزدی، باقر

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(؟)، شاعر. از سادات بنام یزد بود و مدتی به مطالعه و فراگیری علوم پرداخت. وی شعر نیز می‌سرود. از اوست:

پیوستن دوستان به هم آسان است
دشوار جدایی است و لیک آسان است
شیرینی وصل را نمی‌دارم دوست
از غایت تلخیی که در هجران است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :جامع مفیدی (۴۶۲/۳)، صبح گلشن (۵۴)، مخزن الغرائب (۳۶۰/۱)، هفت اقلیم (۱۶۳/۱).

یزدی، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، خطاط. از خطوط وی: ادعیه‌ی نیم ربعی جلد روغنی، سرلوح مذهب مرصع، نسخ کتابت و رقاع کتابت خوش، با رقم: «... و انا العبد الاحقر حاجی جعفر الیزدای (کذا)... سنه ست و ثلاثون مأتین بعد الالف من الهجرهٔ...»؛ یک نسخه «زاد المعاد» نیم ورقی جدول‌دار مذهب طلااندازی، نسخ کتابت خوش، با رقم: «... و انا العبد الاقل الداعی... حاجی جعفر الیزدی... سنه ۱۲۴۵ خمس اربعین مأتین بعد الالف...».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۵۶/۴).

یزدی، حسنعلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر و صوفی. برادر ملک عطار یزدی و مصاحب ملامومن حسین یزدی بود. در تحصیل جمیع علوم کوشش بسیار کرد. مدتی در لباس فقر و درویشی مسافرتهای بسیاری به روم و مصر و شام و کعبه و مدینه کرد، بعد از آن به هندوستان رفت و در آنجا با ملا محمد صوفی آشنا شد، بعد از مدتی به حسب تقدیر از یکدیگر جدا شدند و حسنعلی به یزد مراجعت کرد. وی در سن نود سالگی درگذشت. حسنعلی شعر می‌سرود و اشعاری از وی در تذکره‌های مختلف نقل شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره سخنوران یزد (۱۱۴ -۱۱۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۸ -۱۵۷)، جامع مفیدی (۴۳۶ -۴۵۳ /۳)، الذریعه (۲۵۲ ،۲۴۶ /۹)، شام غریبان (۸۴)، صبح گلشن (۱۳۳)، فرهنگ سخنوران (۲۶۱)، کاروان هند (۳۲۳ -۳۲۲ /۱)، لغت نامه (ذیل/ حسن یزدی)، نشتر عشق (۳۸۸/۲)، هفت اقلیم (۱۶۳ -۱۶۲ /۱).

یزدی، حیدرعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ حیدرعلی یزدی از علماء محترم این شهرستانست.

وی از یزد مهاجرت به نجف اشرف نموده و سالها از محضر آیات عظام آنجا چون مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا حسن یزدی و آیت‌اللَّه حاج سید یحیی مدرسی و آیت‌اللَّه العظمی خوئی و حکیم و شاهرودی و دیگران کسب علم و کمال نموده آنگاه به ایران برگشته و بنابر دعوت یزدیهای مقیم کرج رحل اقامت باین شهر انداخته و در مسجد یزدیها واقع در خیابان قزوین به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و خدمات دینی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

یزدی، رستم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، دانمشند و شاعر. از اهالی قریه‌ی خرمشاه حومه‌ی یزد است. در کودکی به هند رفت و با جوکیان یار و دمساز شد و به نام نوبر همن بین هندیها و درویش حیات بین ایرانیان معروف گردید. وی طبع شعر داشت و زبان سنسکریت را به خوبی می‌دانست در علم رمل و اسطرلاب و نجوم و جفر مهارت کامل داشت. کتابی در همین موضوع تدوین نمود که در دسترس نیست. اثر دیگر وی رساله «ظاهر الذکر رستم» است در مورد ذکر رام رام وست ناراین.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۱۴۲ -۱۴۱).

یزدی، شرف‌الدین علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح س دهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «گوی و چوگان» عارفی، به خط نستعلیق که سرلوحه و خاتمه‌ی کتاب منقوش و مرصع و عناوین آن، نگارین و حواشی نیز، در مکتب هرات تشعیر و تذهیب شده و بدون تاریخ است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :هنر عهد تیموریان (۳۳۱ -۳۳۰).

یزدی، صفی قلی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۶۶ ق)، شاعر، متخلص به صفی. وی از شاعران معاصر شاه عباس اول بود که به سبب قابلیتی که داشت به مرتبه مصاحبت و مجالست شاه نایل شد. صفی قلی بیک پس از مرگ شاه عباس به هندوستان مهاجرت کرد و بعد از مدتی اقامت، دوباره به وطن بازگشت. به روزگار شاه عباس ثانی نخست به سمت نظارت بیوتات و پس از آن به وزارت یزد منصوب شد. صفی علاوه بر این که از توان شاعری بهره‌مند بود، چندین کاروانسرا و ساختمان نیز بنا نهاد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۴۷۷)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۱۸۷ -۱۸۶)، تذکره‌ی نصرآبادی (۷۳ -۷۲)، جامع مفیدی (۱۹۸ -۱۹۵ / ۳)، الذریعه (۶۱۷ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۵۶۲)،لغت‌نامه (ذیل/ صفی قلی بیگ).

یزدی، عباس

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس بن رضا بن احمد ابرند آبادی یزدی حایری معروف (باخفش) متبحر در علوم عربیت بود.

وی بنابر گفته صاحب الذریعه عالمی بارع و ادیبی از علماء کربلاـو ائمه جماعت و موثقین آن دیار و صاحب ورع و صلاح از شاگردان علامه ملاحسین اردکانی و علامه آقاشیخ علی مدرس یزدی و در علوم ادبیت مهارت کامل داشته و لذا مشهور باخفش شده و در ۱۳ ماه رمضان ۱۳۲۹ وفات نمود و دو فرزند به نام شیخ علی‌اکبر و شیخ محمدعلی به یادگار گذارد که هر دو اهل فضل و کمال و منبر کربلا بوده‌اند.

وی دارای طبع شعر بوده و اشعاری از جمله مخمسی در مدح حضرت امیرالمؤمنین (ع) دارد که این مخمس از آن است.

یا علیا علت بک العلیاء

و تناهی فی وصفک الاطراء

کل شییء سوی و لاک هباء

کنت نورا تجلی به الظلماء

حین لا آدم و لا حواء

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

یزدی، عبدالرحمان

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س هشتم ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن وزیری کوچک، دو صفحه اول و سر سوره‌ها مذهب مرصع، به خط نسخ کتابت یاقوتی خفی خوش و عالی، با رقم: «قد وقع الفراغ... عبدالرحمن بن محمد بن ابی‌المفاخر التیمی محتدا الیزدی... سنه ثلث و خمسین سبعمائه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۹۹ / ۴).

یزدی، عبدالرحمن

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اوست: قرآن وزیری کوچک دو صفحه‌ی اول و سر سوره‌ها مذهب مرصع خط نسخ کتابت یاقوتی خفی خوش بلکه عالی با رقم: «قد وقع الفراغ من کتبه هذا المصحف الشریف المبارک علی یدی اقل خلق اللّه و اضعفهم العبد المتخلص والداعی المختصص المحب لصاحبه اعز اللّه انصاره و متعه به دهراً طویلا عبدالحرمن بن محمد بن ابی المفاخر التیمی محتداً الیزدی مولداً ختم اللّه عاقبهٔ بالحسنی و جعل آخر له خیراً اللّه من الاولی فی منتصف محرم‌الحرام سنهٔ ثلث و خمسین و اربعمائهٔ» نزد آقای فروزانفر.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

یزدی، عبداللّه

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اوست: قرآن وزیری بزرگ. جلد روغنی عالی، دو صفحه‌ی اول مذهب، دو صفحه‌ی افتتاح متن و حاشیه مذهب عالی، نسخ کتابت خفی خوش با رقم: «کتبه اقل خلق اللّه ابن محمد محسن الیزدی عبداللّه». «فی سنهٔ تسع و سبعین بعد الالف ۱۰۷۹ من الهجرهٔ» در کتابخانه‌ی سلطنتی.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

یزدی، عبدالوهاب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج سید عبدالوهاب موسوی از علماء محترم و قدماء حوزه علمیه قم و موصوف به وثاقت و امانت و پاکی نفس و معروف به تقوا و فضیلت است.

در سال ۱۳۲۳ ق در یزد متولد شده و پس از رشد در سن ۱۷ سالگی سال تاسیس حوزه یعنی سنه ۱۳۴۰ ق مهاجرت به قم نموده و ادبیات و سطوح اولیه را در خدمت مرحوم ادیب تهرانی خوانده و رسائل و مکاسب شیخ را از مرحوم میرزا محمد همدانی استفاده کرده و پس از تکمیل سطوح به درس آیت‌الله حایری و مرحوم آیت‌الله حجت طاب ثراهما شرکت کرده و بالغ بر ۱۸ سال هم به درس آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر شده و اکنون از ائمه جماعت قم می‌باشد.

مولف گوید: آقای یزدی عالمی متواضع و موثوق به کلیه مراجع بوده و می‌باشد و بالغ بر سی سال مقسم شهریه مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله بروجردی بوده‌اند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

یزدی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد یزدی

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۰/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔ الله محمد یزدی در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین و ارادتمند به خاندان پیامبر، چشم به جهان گشود. جدش، مرحوم شیخ محمد علی، حدود صد سال پیش از یزد به اصفهان هجرت کرد و در مدت زمان کوتاهی، در حوزه علمیه اصفهان، به درجات علمی بالایی نائل آمد. مرحوم «آقا نجفی» که در آن دوره، ریاست حوزه علمیه اصفهان را بر عهده داشت، شیخ محمد علی را مأمور بحث و مناظره با کشیش های ارامنهٔ جلفای اصفهان کرد که شیخ محمد علی توانست بر تمامی آنها فائق آید و از آن پس، «شیخ یزدی» شهرت یافت.

پدر آیهٔ الله یزدی، مرحوم «شیخ علی یزدی» نام داشت که از شاگردان «شیخ عبدالکریم حائری» و از روحانیون معروف اصفهان بود که امامت جماعت یکی از مساجد اصفهان را بر عهده داشت و به حل مشکلات مردم عالم پرور اصفهان می‌پرداخت. از ویژگیهای او آشنایی با علوم غریبه بود.

مادر آیهٔ الله یزدی نیز زنی مؤمن از خانواده متدین و دوستدار اهل بیت (ع) بود که پدرش از مریدان «شیخ یزدی» به شمار می‌آمد و ارادت او به «شیخ یزدی» در ازدواج پدر و مادر وی بی تأثیر نبوده است.

آیهٔ الله محمد یزدی تحصیلات خود را ابتداء در محضر پدر و با فراگیری زبان فارسی آغاز کرد و پس از آن، عازم مکتب خانه شد. مکتب خانه‌های آن روزگار اغلب در مسجد بود و فاقد میز و صندلی!. پس از گذراندن دورهٔ مکتب، برای گذراندن کلاس چهارم آن نظام آموزشی، به نخستین مدرسه‌ای که در اصفهان به سبک جدید تأسیس شده بود و یکی از روحانیون که با پدر او نیز سابقه دوستی داشت، آن را اداره می‌کرد، رفت. شش کلاس آن نظام را در آن مدرسه گذرانید.

تحصیلات حوزه را که در آغاز، نزد پدر آموخته بود، در مدرسهٔ «کاسه‌گران» اصفهان ادامه داد و سپس به مدرسه «ملا عبدالله» رفت و به تحصیل شرح لمعه مشغول شد. پس از آن به مدرسه «صدر» آمد و به خواندن «قوانین» پرداخت و در این میان، از محضر عالمان بزرگ اصفهان نیز در زمینه‌های علمی و معنوی بهره می‌برد.

با تشریف فرمایی حضرت آیت الله بروجردی به قم، شور و بی قراری زائد الوصفی وجود این طلبه جوان را فرا گرفت و با اصرار فراوان به پدر، خواستار حضور و تحصیل در حوزهٔ علمیهٔ قم شد. پدر، در ابتداء با این سفر مخالف بود، ولی با واسطه قرار گرفتن یکی از علمای یزد، به سفر فرزند خود رضایت داد. در بدو ورود به قم، در مدرسه فیضیه مستقر شد. در آن زمان، آیهٔ الله

بروجردی، از برخی طلاب به سبب آشنایی با میزان توانایی علمی آنان، امتحان به عمل می‌آورد. وی با شرکت در دروس سطح، کتاب های رسائل، مکاسب و کفایهٔ الاصول را به خوبی فرا گرفت و در درس خارج علمای بزرگ حوزه، از جمله آیهٔ الله بروجردی (ره) و امام خمینی (ره) شرکت کرد. تلاش علمی ایشان در آن سال ها باعث شد تا بتواند از حضرت امام خمینی (ره) اجازه نامهٔ اجتهاد دریافت کند.

وی در طول آن سال ها و حتی تا هم اکنون، از طریق شهریه، معاش گذرانده است و وضعیت خانوادگی، به ویژه علاقه مندی پدر به تحصیلات حوزوی، استادان بزرگوار حوزه و صبر و بردباری همسر و فرزندان خود را از عوامل مهم رشد علمی و فرهنگی خود می‌داند.

دوران تحصیل آیهٔ الله یزدی، سرشار از تحصیل در محضر عالمان بزرگ بوده است. از استادان وی، هنگام تحصیل در اصفهان، می‌توان از آقایان: «شیخ حسن نجف آبادی»، «فقیه»، «سید محمد علی ابطحی» نام برد که بخشی از کتب دورهٔ سطح را در خدمتشان فرا گرفت. با ورود به قم به دروس مرحوم «آیهٔ الله لاکانی»، مرحوم «حاج آقا حسین بُدلا» و مرحوم «زاهدی» رفت و رسائل، مکاسب و کفایهٔ الاصول را در محضر «آیهٔ الله حاج شیخ مرتضی حائری»، «آیهٔ الله مرعشی» و «آیهٔ الله سلطانی» فرا گرفت و در درس تفسیر «علامه طباطبایی» نیز حاضر شد. وی در درس خارج علمای بزرگی همچون: «آیهٔ الله بروجردی (ره)»، «آیهٔ الله اراکی»، «آیهٔ الله شیخ محمد تقی آملی»، «آیهٔ الله شاهرودی» و نیز یک دوره کامل در درس خارج «امام خمینی (ره)» شرکت کرد.

آیهٔ الله یزدی، ویژگی درس امام (ره) را چنین بر می‌شمرد:

«حضرت امام (ره) قبل و بعد از شروع سال تحصیلی به نصیحت طلاب می‌پرداختند و در اکثر مواقع هم به یاد دارم که شاگردان تحت تأثیر نفوذ کلام حضرت امام (ره) به گریه می‌افتادند. عجیب اینجا بود که مسائل مطروحه از سوی امام، گاه از اهمیت چندانی برخوردار نبود، ولی بحث و بیان امام به گونه‌ای بود که همه را به گریه می‌انداخت».

همچنین در باره همراه بودن درس امام (ره) با بینش سیاسی می گوید:

«ایشان در مسائل سیاسی و آموزش آن، در کنار دروس رسمی حوزه شیوه‌های عجیبی داشتند. برای مثال عرض می کنم که یک بار در کلاس درس اصول، از این شیوه استفاده کردند. در اصول فقه، بحثی وجود دارد تحت این عنوان که «امر و نهی در صورتی معنا دارد که مخاطب آن قابلیت تأثیر پذیری و انبعاث داشته باشد». اکثر اساتید وقتی به این مبحث می‌رسند، در مقام مثال زدن می‌گویند: به دیوار و سنگ نمی‌توان گفت چنین کن! اما حضرت امام می‌فرمودند: به «خروشچف» نمی‌شود امر کرد که نماز بخوان! خود به خود برای ما که شاگرد ایشان بودیم، این سؤال پیش می‌آمد که «خروشچف» دیگر چیست یا کیست؟ بعد می‌رفتیم دنبال پاسخ به این سؤال و همین امر بینش سیاسی ما را افزایش می‌داد و به گسترش افق دید ما کمک می‌کرد».

از دوستان و معاشران آیهٔ الله یزدی در ایام تحصیل در اصفهان می‌توان از آقایان: فقیه ایمانی، مدنی، اخوان «ابطحی»، سید محمد علی مجلسی و سید محمد باقر مجلسی را نام برد. همچنین وی در نخستین سال های طلبگی با آیهٔ الله «سید محمد حسین بهشتی» آشنا شد و نظم آن شهید سعید را شایان ستایش می‌داند. از دوستان ایشان در زمان تحصیل در قم نیز می‌توان از آقایان: «محمدی گیلانی»، «شیخ حسین مظاهری»، «شیخ محمد تقی مصباح یزدی»، «سید علی اکبر موسوی یزدی» و «حاج شیخ مرتضی تهرانی (انصاری)» نام برد.

زندگی آیهٔ الله یزدی، همواره با تلاش ها و دغدغه‌های علمی و فرهنگی همراه بوده است. بخشی از این تلاشها در قالب سخنرانیها و تدریسها تبلور یافته است که اغلب، اساسی‌ترین مباحث اسلام و تشیع در آن مورد مداقه قرار گرفته است و تا هم اکنون نیز ادامه دارد. بخش دیگر آن نیز در قالب مقالات و کتب مفیدی است که جوانان و طالبان علم را از معارف والای مکتب تشیع بهره‌مند می‌سازد. ایشان نخستین مقاله‌های خود را در نشریه «حکمت» به چاپ رساند. از جمله کتب ایشان که در زمان طاغوت به چاپ رسید، کتاب «گمشدهٔ شما» بود که چاپ آن باعث شد فردی به نام «مردوخ» به بهانه آن، تهمت های ناروایی را به ساحت تشیع ابراز دارد. این مسأله باعث شد که آیهٔ الله یزدی تهمت های او را در کتابی با عنوان «پاسخ به تهمت های مردوخ» پاسخ دهد که هر دو کتاب «گمشدهٔ شما» و «پاسخ به تهمت های مردوخ» مورد عنایت زعیم عالیقدر شیعه، حضرت امام خمینی (ره) قرار گرفت. آیهٔ الله یزدی در طول دوران مبارزه بر ضد رژیم شاهنشاهی، حتی در زمان تبعید، دست از نگاشتن در جهت تبیین معارف اسلامی برنداشت و تا کنون، کتابها و مقالات بسیاری را به چاپ رسانده‌اند.

زندگی سیاسی حضرت آیهٔ الله یزدی، با توجه به مبارزهٔ بی امان ایشان با رژیم شاه و نیز افشاگری های فراوان که به تبعید و شکنجه معظم له منجر می‌شد و با نگاه به سابقه مدیریت ایشان در دوران پیروزی انقلاب اسلامی، بخشی از تاریخ انقلاب را تشکیل می‌دهد و مطالعهٔ آن، فضای مبارزه و مقاومت را در اذهان دوستداران انقلاب زنده می‌سازد. آیهٔ الله یزدی با ورود به حوزه علمیه قم، مبارزه و درس را توأمان آغاز می کند و با شرکت در درس امام خمینی (ره) و جلسات عمومی و خصوصی ایشان، توانایی و عزم خود را برای پی گیری جریان های سیاسی و پیروی از خط مشی امام (ره) اعلام می‌دارد. ارتباط وی با امام با حاضر شدن در درس خارج اصول ایشان در مسجد سلماسی و پرسش های علمی و سیاسی در پایان درس آغاز شد.

در آن ایام، در عصرهای جمعه، بیشتر جوانان به سینما می‌رفتند و جو سینماها آکنده از فیلم های زشت و مبتذل بود. حضرت امام (ره) با توجه به این معضل، از علماء و طلاب خواسته بودند که جلساتی را در عصرهای جمعه برقرار کنند. رساندن این پیام امام (ره) در برخی از شهرها، به عهده آیهٔ الله یزدی بود. یکی از آن جلسات، جلسه معروف مسجد امام حسن عسگری (ع) واقع در قم بود که هر یک از علماء، ده شب در آنجا به سخنرانی می‌پرداخت. هنگامی که نوبت به آیهٔ الله یزدی رسید، به جای ده شب، بیست شب آن جلسه را اداره کرد. عنوان بحث های وی در آن بیست شب، «انقلاب های تاریک و روشن» بود که امام (ره) نیز یک شب به آن محفل آمد و تا پایان جلسه هم حضور داشت.

سخنرانی های ایشان در آن ایام، چنان مؤثر و شور آفرین بود که باعث شد امام خمینی (ره) ایشان را احضار فرماید و شیشهٔ عطری هدیه و برای ایشان دعا نماید. ویژگی سخنرانی های آیهٔ الله یزدی این بود که در سخنرانی خود ضمن بیان مکتب و روش اهل بیت

و نیز خط مشی دشمنان آنها، واقعیات مبارزه و مصداق های کنونی دشمنی با اهل بیت را بیان می کرد؛ مثلاً در باره نهضت امام حسین (ع) سخن می گفت و بدی و پلیدی یزید و پیروانش را به مردم گوشزد می کرد. سپس حسینیان زمان و یزیدیان این دوره را با ویژگی های آنها و با انطباق با صدر اسلام بیان می‌فرمود. کتاب «حسین بن علی را بهتر بشناسیم» حاصل این سخنرانیها بود که چند بار، ساواک آن را از بازار جمع آوری کرد. ساواک که این گونه افشاگریها را برنمی‌تافت، آیهٔ الله یزدی را بارها دستگیر و ممنوع المنبر کرد؛ از جمله دستگیری بعد از ۲۱ رمضان در مسجد جامع قم و پس از سخنرانی در منزل آیهٔ الله گلپایگانی را می‌توان نام برد. ساواک بارها ایشان را تبعید کرد که طولانی‌ترین آنها پس از بندر لنگه و بوشهر، رودبار بود؛ اما آیهٔ الله یزدی در دوره تبعید نیز دست از مبارزه بر نمی‌داشت و بارها به طور مخفیانه به تهران و قم می‌آمد و در جریان امور قرار می گرفت و اعلامیه‌های امام را برای مردم و علمای شهرها می‌برد. ایشان در قم و تهران جلساتی را به صورت مخفی تشکیل می‌داد و با افراد و جریانهای گوناگون به تبادل نظر می‌پرداخت که به (جلسات زیرزمینی) شهرت یافته بود.

از دیگر فعالیتهایی که در کارنامهٔ سیاسی آیهٔ الله یزدی می‌درخشد؛ پناه دادن به آن دسته از سربازان فراری بود که پس از دستور امام (ره) و پیش از پیروزی انقلاب، از ارتش گریخته و به مردم پیوسته بودند. منزل او در آستانه پیروزی انقلاب، مرکز تلاش ها و نیز حل و فصل بسیاری از امور جریان های انقلاب بود. همان منزلی که امام (ره) پس از پیروزی انقلاب و مراجعت به قم، در آن ساکن شدند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در اولین سخنرانی امام (ره) در فیضیه که شور و شوق فراوان و کثرت جمعیت مانع از انجام این سخنرانی بود؛ حضرت امام به ایشان دستور می‌فرمایند برای آرام کردن مردم ایراد سخن کنند و ایشان نیز امر امام را اطاعت نمودند که خاطرهٔ آن در اذهان حاضران در آن روز بزرگ، باقی مانده است.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از مراکز بسیار مهمی بود که در زمان رژیم طاغوت، خدمات شایانی را به مبارزات ملت ایران برای دست یابی به انقلاب اسلامی انجام داده است. آیهٔ الله محمد یزدی، از آغازین روزهای تأسیس این مرکز، با آن همکاری داشته است و این همکاری تا کنون نیز ادامه دارد. ایشان خود در باره جامعه مدرسین می گوید:

«جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در شمار مراکزی بود که بی آنکه تبلیغات هنگفتی برای اثبات ارزش و اعتبار خود بنماید، توانست احترام تودهٔ مردم را نسبت به خود جلب کند. مردم اعضای جامعه را افرادی متدین و فاضل یافته بودند و عمیقاً به این باور رسیده بودند که اینان کسانی نیستند که برای قصد و غرض دنیوی کاری انجام داده و سخنی بگویند و جز برای خیر و انجام وظیفه دینی و الهی خود کاری نمی کنند.

آیهٔ الله محمد یزدی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز همواره در خدمت نظام و بازوی توانای امام و رهبری بود. ایشان در مسؤولیتهای بسیار مهمی ایفای نقش نموده‌اند

یزدی، محمد ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۵۱ ق)، خطاط. از آثار وی: یک قطعه نسخ نیم دو دانگ و رقاع خوش، با رقم: «راقم الحروف محمد ابراهیم الیزدی فی ۱۲۲۵»؛ یک قطعه نسخ دو دانگ جلی و شکسته‌ی کتابت خفی خوش، با رقم: «العبد المذنب... محمد ابراهیم یزدی فی سنهٔ ۱۲۳۶»؛ مرقع «ادعیه و حرزها»، به خط نسخ و آخر رقاع نیم دودانگ عالی، با رقم: «بجههٔ اهداء حضور... آقا محمدعلی مذهب... و انا العبد الاقل الراعی محمد ابراهیم الیزدی فی سنهٔ ۱۲۴۸»؛ «دعای صباح»، نیم ربعی مذهب، نسخ و رقاع کتابت جلی خوش، با رقم: «... محمد ابراهیم الیزدی فی سنهٔ ۱۲۴۸... محروسه اصفهان»؛ «ادعیه» وزیری کوچک، نسخ کتابت خفی خوش، با رقم: «... انا العبد الاثم محمد ابراهیم الیزدی فی ۱۲۵۱».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۳۹/ ۴).

یزدی، محمد اشرف

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۰۲ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه تفسیر «مجمع‌البیان» وزیری، نسخ خفی نزدیک به غبار خوش، با رقم‌های: «فرغ من کتابهٔ العبد الاضعف محمد اشرف الیزدی، یوم الاربعاء الثمانیهٔ عشر من شهر صفر سنهٔ تسع و تسعین بعد الالف» و «... فرغ من نساخته افقر عباداللّه واحوجهم... فی شهر جمیدی الاولی سنهٔ اثنین و مائهٔ بعد الالف... و انا العبد الاضعف ابن محمدتقی الیزدی محمد اشرف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۴۵/ ۴).

یزدی، محمد صفی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر. معروف به مخملباف. از شاعران منطقه یزد است که دارای طبع لطیف و کلامی موزون بود. وی قطعه‌ای در تاریخ فوت قلی‌بیگ وزیر سروده است.از اوست:

گو اختر ما زیر فلک اوج نگیرد

خورشید چو بر اوج رسد وقت زوال است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (۱۹۲ -۱۹۰)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۹۹)، جامع مفیدی (۴۵۲ ،۲۳۹-۲۳۷ / ۳)، الذریعه (۹ / ۶۱۷).

یزدی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم فاضل جلیل، از شاگردان آقا سید محمد باقر درچه‌ای، و آخوند کاشی، و جهانگیرخان و غیره بوده، در ۱۸ ربیع‌الاول سال ۱۳۵۰ وفات یافته، در تکیه‌ی ملک مدفون گردید.

مشارالیه در یزد متولد شده، و جهت تکمیل تحصیلات به اصفهان آمده، در محله‌ی جویباره ساکن، و در یک از مساجد آنجا امامت می‌فرمود، و مورد وثوق قاطبه‌ی اهالی بود.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

یزدی، محمد مهدی

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، خطاط. اهل یزد و نقاشی ماهر بر روی فلزات سخت، به ویژه اسطرلاب بود. او از شاگردان محمد مقیم یزدی، طراح و نقاش و سازنده‌ی اسطرلاب‌ها، به شمار می‌آمد. از آثار وی: اسطرلابی زیبا، با رقم: «نقشه محمد مهدی الیزدی»؛ اسطرلابی که در بالای آن به خط عالی نوشته شته: «نقشه محمد مقیم الیزدی عفی عنه» و در زیر آن بین ترنج کوچکی، رقم نهاده: «نمقه محتاج الی اللّه الغنی محمد مهدی الیزدی»؛ اسطرلابی که با جواهرات گوناگون ترصیع شده و به شاه عباس هدیه گشته است؛ اسطرلابی که دستگیره دماغه آن، به نقوش کنده‌کاری اسلیمی ترتیب یافته و خطوط رویه آن با خط نسخ و رقاع کتابت شده، با رقم: «محمد مهدی بن محمد امین الیزدی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (۱۰۸۹/ ۳).

یزدی، محمد هاشم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۹۰ ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن نیم ربعی، جلد ساغری مذهب، دو صفحه‌ی اول و افتتاح متن و حاشیه مذهب عالی، نسخ کتابت خفی خوش، با رقم: «... محمد هاشم یزدی» ۱۱۹۰ ق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۰۸/ ۴).

یزدی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عالم دینی، فقیه و اصولی. اصل وی از یزد بود. در فقه و اصول تبحر داشت و از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و از ملازمان او در نجف بود. از آثارش: «مجموعهٔ الهدایهٔ»، در سه‌بخش شامل: اصول‌الدین، فروع منطبق بر فتاوای شیخ انصاری و معاصی صغیره و کبیره که در ۱۲۷۷ ق در یزد به چاپ رسید. به گفته‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی احتمالاً صاحب عنوان بعد از این تاریخ درگذشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۹/ ۲۰)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۲۱۰/ ۱۳)، معجم‌المؤلفین (۱۳۴/ ۹).

یزدی، محمدجعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۳۸ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «منتخب الاعمال» علینقی ابن ابی‌محمد استرآبادی، وزیری کوچک مذهب عالی، نسخ و رقاع خوش، با رقم: «حرره العبد الاقل... ابن محمدباقر، محمدجعفر... سنهٔ ۱۲۳۸ من الهجرد النبویهٔ»؛ ادعیه نیم ربعی، نسخ کتابت جلی خوش، با رقم: «فی شهر شوال المکرم... ابن محمدباقر، محمدجعفر فی ۱۲۲۴».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۵۶/ ۴).

یزدی، محمدصادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن روغنی عالی عمل وهاب تاریخ ۱۲۷۲ مذهب مرصع منقش نسخ کتابت خفی متوسط را رقم: «کتبه العبد تراب اقدام المؤمنین محمدصادق الحسینی الیزدی» «فی سنهٔ ۱۲۵۶» در مجموعه‌ی مهدوی.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

یزدی، محمدهاشم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اثر اوست: قرآن نیم‌ربعی، جلد ساغری مذهب، دو صفحه‌ی اول و افتتاح متن و حاشیه مذهب عالی، صفحات آخر نیز مذهب مرصع عالی، نسخه تماماً مزین است. نسخ کتابت خفی خوش با رقم: «... محمدهاشم یزدی» سال ۱۱۹۰ در کتابخانه‌ی ملی.

برگرفته از کتاب :قرآن نویسان و گزیده قرآنهای نفیس ایرانی

یزدی، معین‌الدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ف. ۷۸۹ ه.ق) مؤلف کتاب «مواهب الهی» که تاریخی است درباره خاندان مظفری از آغاز تا هنگام جنگ شاه شجاع و برادرش شاه محمود که به سال ۷۵۷ ه.ق اتفاق افتاده است. معین‌الدین در شیراز مجلس درس داشته و گاه ممدوح وی شاه شجاع در مجلس درس وی حاضر می‌شده. وی مدتی در کرمان به مدرسی یکی از مدارس مشغول بود.

حاج معین‌الدین یزدی از دانشمندان روزگار محمدمظفر بوده و در سال ۷۵۷ تاریخ آل‌مظفر را نوشته و به مواهب الهی موسوم ساخته و نیز کتابی به نام حدائق‌الحقایق در تفسیر سوره یوسف دارد.

وی بنابر نقل جامع مفیدی اعلم علماء وافقه فقهای زمان خود بوده و به تدریس علوم عقلی و نقلی اشتغال داشته است و در سال ۷۸۰ ق وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

یزدی، معین‌الدین، علی

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۸۹ ق)، دانشمند، نویسنده و عالم. معروف به معلم. اهل یزد و از وزرای آل‌مظفر (۷۹۵ -۷۱۳ ق)، در عهد امیر مبارزالدین محمد (۷۵۹ -۷۱۳ ق) و فرزندش، شاه شجاع (۷۸۶ -۷۵۹ ق)، بود. پدر وی از علمای عصر خود از ملازمان امیر مبارزالدین محمد بود. معین‌الدین پس از کسب مقدمات علوم مدتی در خدمت قاضی عضدالدین ایجی تحصیل کرد و نزد وی «مفتاح العلوم» سکاکی و «شرح اصول» ابن حاجب و «کشاف» زمخشری و همچنین شرح کتابهای «مواقف» و «جواهر» را در اصول و کلام، خواند. او به همین دلیل قاضی عضدالدین ایجی را استاد واقعی خود می‌داند. پس از تکمیل تحصیلات، به معرفی یکی از امرا، در ۷۴۴ ق در یزد، به خدمت آل‌مظفر درآمد و یک سال پس از آن در کرمان مجلس درسی تشکیل داد و به همین دلیل به معلم معروف شد.

در ۷۵۵ ق به حج رفت و در بازگشت، به امر امیر مبارزالدین، در دارالسیاده‌ای که شاه در یزد ساخته بود، به تدریس پرداخت. از این سال به بعد مقدمات تألیف کتاب خود را فراهم کرد و تا پایان عمر در خدمت آل‌مظفر بود. از آثار وی کتاب «مواهب الهی» یا «مواهب الهیه»، در تاریخ آل‌مظفر است که به «تاریخ مظفری» یا «تاریخ آل‌مظفر» نیز معروف می‌باشد. معین‌الدین این کتاب را در ۷۵۷ ق آغاز و یک سال پس از مرگ امیر مبارزالدین (۷۶۶ ق) به نام شاه شجاع به پایان رسانید. این کتاب در قرن نهم قمری اساس تألیف کتاب دیگری در تاریخ آل‌مظفر گردید و مؤلفی بنام محمود کتبی آن را تلخیص کرد و بقیه‌ی وقایع دوران آل‌مظفر را تا پایان عهد آن سلسله بر آن افزود. از دیگر آثار وی: ترجمه‌ی «رشف النصائح الایمانیه و کشف الفضائح الیونانیه» سهروردی، که در ۷۷۴ ق برای شاه یحیی ترجمه کرده است؛ رساله‌ای به نام «نزهة السرور»، که در ۷۵۷ ق نگاشته شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (۴۹۱ -۴۸۸)، تاریخ آل مظفر (مقدمه/ ۳ -۱)، تاریخ آل‌مظفر کتبی (مقدمه)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۰۰ -۱۲۹۷ / ۳)، تاریخ عصر حافظ (۱۹۶ ،۱۸۶ ،۷۴/ ۱)، تاریخ مغول (۵۲۸ -۵۲۷)، دایرةالمعارف فارسی (۲۸۱۲/ ۲)، الذریعه (۱۱۸/ ۲۴ ،۲۳۸/ ۲۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۸۲/ ۲ ،۶۵۸/ ۱)، لغت نامه (ذیل/ معین‌الدین یزدی)، مواهب الهی (مقدمه/ ۱۳ -۹ ،۵)، مؤلفین کتب چاپی (۳۶۴ -۲۶۳/ ۶).

یزدی، مؤمن حسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۷۶/ ۱۰۱۸/ ۱۰۱۰ ق)، شاعر، متخلص به مؤمن. در یزد می‌زیست و از فقهای زمان خود بود. نزد علما و عرفا کسب کمالات ظاهری و باطنی کرد. مدتها به تصفیه و تزکیه نفس پرداخت. از شاگردان میرزا جان شیرازی (م ۹۹۶ ق) بود و به شغل تدریس و تعلیم اوقات می‌گذراند. دو پسر داشت که هر دو از دانشمندان معروف عصر خود در یزد بوده‌اند. مؤمن در زمینه‌ی سرودن رباعی تبحر داشت. از آثارش: «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (۴۳۵)، تذکره‌ی روز روشن (۷۷۹ -۷۷۸)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۲۹۲ -۲۸۹)، جامع مفیدی (۳۰۶ -۳۰۴/ ۳)، الذریعه (۱۱۲۶/ ۹)، ریاض العارفین (۱۳۳)، ریحانه (۳۴/ ۶)، فرهنگ سخنوران (۸۹۷)، مجمع الخواص (۵۸)، هفت اقلیم (۱۵۷/ ۱).

یزدی، نجم‌الدین عبداللّه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۱ ق)، عالم دینی، فقیه و منطقی. جامع معقول و منقول بود. وی همدرس ملا احمد مقدس اردبیلی و ملا میرزا جان باغنوی شیرازی بود و در فراگیری علوم عقلی نزد ملاـ جمال‌الدین محمود، شاگرد علامه دوانی، تلمذ نمود. شیخ حسن بن شهید ثانی، صاحب «معالم»، و سید محمد بن ابوالحسن عاملی، صاحب «مدارک»، بر او قرائت کرده‌اند. او نیز به نوبه‌ی خود نزد ایشان علوم شرعیه را فراگرفته است. در «هفت اقلیم» از خود وی نقل شده که گفته است. در «هفت اقلیم» از خود وی نقل شده که گفته است اگر برهان و دلایل عقلی بر مسائل فقهی بیاورم علم فقه را چنان مدلل سازم که مجال چون و چرا نماند. وی صاحب حاشیه‌ی معروف بر «تهذیب المنطق» تفتازانی مشهور به «حاشیه ملا عبداللّه» و از اساتید شیخ‌بهائی می‌باشد. اصحاب تراجم مراتب علم، تقوی، زهد و ورع او را ستوده‌اند. در اواخر دولت شاه طهماسب صفوی در عراق عرب درگذشت. در «الاعلام» و «معجم‌المؤلفین» وفات وی ۱۰۱۵ ق در اصفهان ذکر شده است. از دیگر آثار او: «التجارة الرابحة فی تفسیر السورة والفاتحة»؛ «الدرة السنیة فی شرح الرسالة الالفیة» که شرح «الفیه» شهید اول است؛ حاشیه بر «حاشیه خطائی»؛ حاشیه بر «شرح شمسیه» قطبی؛ حاشیه بر «استبصار»؛ شرح «القواعد» در فقه؛ حاشیه بر «مطول»؛ شرح «العجالة» محقق دوانی.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۹/ ۴)، الذریعه (۳۶۸ -۳۶۷/ ۱۳ ،۲۰۳ ،۷۳ -۷۲ ،۷۱ ،۶۰/ ۶ ،۳۴۸/ ۳)، روضات‌الجنات (۲۲۴ -۲۲۲/ ۴)، ریحانه (۳۹۱ -۳۹۰/ ۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۳۵/ ۱۰)، فوائد الرضویه (۲۴۹)، کشف‌الظنون (۴۷۶)، معجم‌المؤلفین (۴۹/ ۶)، هدیةالعارفین (۴۷۴ -۴۷۳/ ۱)، هفت اقلیم (۱۵۵/ ۱).

یزدی‌زاده، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۲ -۱۲۹۴ ش)، نویسنده و استاد دانشگاه. تحصیلات خود را در ۱۳۰۷ ش در دارالفنون به پایان رساند و در همان سال از طرف دولت جهت گذراندن دوره‌ی دانشکده‌ی دامپزشکی به پاریس رفت و سپس با درجه‌ی دکترا به ایران آمد و مأمور تشکیلات

دامپزشکی خراسان شد. وی همچنین در دانشکده‌ی دامپزشکی، بهداشت اندام‌شناسی و دامپروری تدریس می‌کرد. از آثار وی: «اندام‌شناسی اسب»؛ «اصلاح گاو به وسیله‌ی انتخاب و تلقیح مصنوعی»؛ «پرورش گوسفند یا دامپروری»؛ «پرورش گاوهای شیری».[۱]

مدرس.

تولد: ۱۲۹۴، تهران.

درگذشت: بهمن ۱۳۷۲، تهران.

محمود یزدی‌زاده تحصیلات خود را در دارالفنون در سال ۱۳۰۷ به پایان رسانید و در همان سال از طرف دولت به فرانسه روانه شد و دوره‌ی دانشکده‌ی دامپزشکی پاریس را در دانشگاه آلفر به پایان رسانید و پس از گذرانیدن درجه‌ی دکتری در سال ۱۳۱۴ به ایران بازگشت و در بدو ورود مأمور تشکیلات دامپزشکی خراسان شد. در سال ۱۳۱۹ به ریاست بنگاه دامپروری حیدرآباد مشغول شد و سپس استاد بهداشت و اندام‌شناسی و دامپروری دانشکده‌ی دامپرشکی شد. وی تا سال ۱۳۲۸ مؤسسه‌ی دامپروری حیدرآباد را اداره می‌کرد. دکتر یزدی‌زاده در سال ۱۳۴۴ بازنشسته شد. وی همچنین در تأسیس کارخانه‌ی شیر پاستوریزه تهران نیز مشارکت داشت.

از آثار اوست: اندام‌شناسی اسب (۱۳۳۷، نشریه‌ی ۴۹۳ دانشگاه)؛ اصلاح گاو به وسیله‌ی انتخاب؛ پرورش گاوهای شیری؛ پرورش گوسفند.

محمود یزدی‌زاده در بهمن ۱۳۷۲ در تهران درگذشت و پیکر وی در ابن‌بابویه به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۶۰۰، ۳۵۳، ۲۴۴/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱۲ –۱۱۱/ ۶).

یشیل کایا، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی رضا یشیل کایا

محل تولد : ترکیه– استانبول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

علیرضا یشل کایا ۱۷۲ در ترکیه به دنیا آمدم در منطقه توزلجا دوران دورسی ابتدائی را تمام کردم در تاریخ ۱۹۸۴ به استانبول رفتم در استانبول تحصیل را در رشته تخصوصی ماکینا و تکنولوژی ادامه تحصیل دادم مایئق وقالب گیری یعنی علوم مادر تکنولوژی را یاد گرفتم هم درس خوانده ام به مدرسه رفتم در کنار این درس به ورزش علاقه مند شدم به عنوان کاراته به قول مشهور دان ۲ رسیده ام در ترکیه ۶۴ کیلوگرم مسابقه داده و نفر دوم شدم ولی با توجه به این که خانواده ام استانبول نبودند بنده الحمدلله در کنار مسجد زینبیه زندگی می کردم به مسجد زینبیه رفت و آمدم می کردم که اهل نماز بودم و یک جوان مومن و خدا شناسی بودم حرکتهای انقلاب اسلامی را از نزدیک دنبال میکردم بعد از یک مدتی به سربازی رفتم سربازی در ترکیه ۱۸ ماه بوده ولی الحمدلله سربازی سه ماه کمتر شده بنده یک ماه را هم مرخصی استفاده نکرده بودم که روی هم رفته ۴ ماه کمتر شده و زودتر انجام وظیفه را تمام کردم بعد از ۴ ماه در سال ۱۳۷۳ به تاریخ ایران به ایران آمدم الان که تاریخ ۲۵/۱/۱۳۸۶ است در ایران هستم الان در مدرسه مبارکه شهابیه زبان فارسی را گذراندم بعد در مدرسه مبارکه مومنیه رفتم بعد از آن به مدرسه مبارکه امام خمینی ره بعد از آن به مدرسه نجفی مرعشی و بعد از آن به مدرسه مبارکه حجتیه رفتم در مدرسه مبارکه مومنیه از اساتید چون آقای قمی که الان در دفتر رهبری هستند و آقایان صدریان ، امینی ، تهرانی ، مظفری ، ذاری، ذاکری ، ایرام فر ، احمدی ، محامی که مدیر مدرسه مبارکه حجتیه هستند و آقای محسن قرائتی دو ماه از محضرشان استفاده کردم از محضر آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله بروجردی و اساتید دیگر سه سال درس خارج استفاده نمودم و پایان نامه نوشتم به عنوان ترجمه وتحقیق بلاغت قبول شدم واز بیست ، ۱۸ گرفتم آن را به صورت کتاب چاپ کرده ام الان بعضی از نواقص برنامه مرکز را دارم به اتمام میرسانم و ۴ امتحان دیگر مانده که مشغول تمام کردن آنها هستم که بعد از آنها به دکترا راه می یابم و مشغول دکترا میشوم فلسفه و منطق و تفسیر و اصول و ادبیات را خوانده ام الان در اینترنت مشغول سخنرانی های به زبان ترکی استانبولی و زبان فارسی و عربی به حد توان صحبت کردیم و مشغول تبلیغ هستیم و عاشق فلسفه منطق و تفسیر اخلاق و تاریخ دوست دارم درباره بچه کتاب ترجمه کردم آماده چاپ هست . پایان نامه ام به عنوان کتاب شده مقاله هایم در مجله در آلمان به چاپ رسیده انشاء الله بیست روز دیگر آن مجله را به خدمتتان میاورم و در مورد اذان و اقامه مقاله هست ترجمه آماده چاپ هست.

یعقوب‌پور، عبدالمجید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:– مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زمین‌شناسی، دانشکده: علوم، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی آموزش زمین‌شناسی از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۴۲، کارشناسی ارشد زمین‌شناسی از دانشگاه آیوا آمریکا در سال ۱۳۵۵، دکترای زمین‌شناسی اقتصادی از دانشگاه آیوا آمریکا در سال ۱۳۵۸.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

انجام ۱۰ طرح تحقیقاتی در زمینه‌های زمین‌شناسی اقتصادی و جنبه‌های اقتصادی در اکتشاف معادن، عضویت در شورای برنامه‌ریزی و پژوهشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی عضویت در شاخه زمین‌شناسی گروه علوم پایه فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، عضویت در شورای عالی معادن وزارت معادن و فلزات، تدریس در دانشگاههای مختلف کشور، استاد راهنمای ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا و استاد مشاوره ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:–

زمینه علمی تألیفات:

زمین در فضا، مبانی زمین‌شناسی اقتصادی، ارزیابی اقتصادی در اکتشاف (ترجمه).

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

زمین‌شناسی اقتصادی، اکتشاف معادن.

گروه کشاورزی

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

یعقوبی ساوجی، نجم‌الدین

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س نهم و دهم ق)، شاعر، متخلص به یعقوبی. اصلش از ساوه و با قاضی مسیح‌الدین عیسی خویشاوند بود. او در خدمت سلطان حسن بیگ ترکمان و فرزند او، سلطان یعقوب بود تا آنکه به سمت خزانه‌داری و وزارت رسید. وی پس از مرگ سلطان یعقوب (م ۸۹۶ ق)، گوشه‌نشینی اختیار کرد و سرانجام در شروان توسط عده‌ای از امرا به قتل رسید. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۱۱۴۸/ ۳)، تاریخ نظم و نثر (۷۰۹)، تحفه سامی (۱۱۹ –۱۱۸)، حبیب‌السیر (۴۳۸، ۴۳۶، ۴۳۲، ۴۳۱/ ۴)، الذریعه (۱۳۱۲، ۱۱۷۵، ۵۶۵ / ۹)، صبح گلشن (۶۱۵)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۴)، لغت‌نامه (ذیل/ یعقوب ساوجی)، مجالس‌النفائس (۲۹۶ –۲۹۵، ۱۱۹).

یعقوبی هروی، محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دوازدهم ق)، خطاط. از خوشنویسان زبردست گمنام است. از آثار وی: یک قطعه از مرقعی، به قلم چهار دانگ خوش، با رقم: «کتبه محمد هروی سنه‌ی ۱۱۲۲»؛ یک قطعه به قلم نیم دو دانگ خوش، با رقم: «کتبه محمد هروی سنه‌ی ۱۱۳۲»؛ یک قطعه از مرقع نستعلیق دو دانگ متوسط و رقاع کتابت خوش، بارقم: «کتبه شیخ محمد الیعقوبی...»؛ یک قعطه از مرقع نستعلیق کتابت و رقاع کتابت خوش، با رقم: «مشقه العبد... شیخ محمد الیعقوبی احسن‌اللّه احواله».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۰۸/۴، ۸۶۱/۳).

یعقوبی، عبدالرسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرسول یعقوبی

محل تولد : بروجن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۲ تحصیلات متوسطه را به پایان رساندم. در سال ۱۳۶۳ برای تحصیل در علوم حوزوی، در مدرسه ای با نام نامی «امام خمینی (ره)» در یکی از کوچه های خیابان موسوم به باجک، به تحصیل در حوزه علمیه قم مشغول شدم. پس از به پایان بردن دوره ادبیات، همزمان با تحصیل در (فقه و اصول) در موسسه «در راه حق»، الهیات و معارف اسلامی را شروع کردم. هنوز یک سال نگذشته بود که به حکم وظیفه به شهرستان مراجعت و مدَّت دو سال مسئولیت اداره و تدریس در حوزه علمیه خواهران را بر عهده گرفتم. پس از بازگشت از شهرستان، مجدداً در کنار دروس فقهی و اصولی، به آموزش «الهیات و معارف اسلامی» پرداخته و بعد از پنج سال در تیرماه سال ۱۳۷۴ فارغ التحصیل شدم.

علاقه مندی به رشته های علوم انسانی، ما را به وادی «جامعه شناسی» کشاند. تحصیل در این رشته نیز ۵ سال به طول انجامید و بالاخره در تیرماه سال ۱۳۸۱، کارشناسی ارشد رشته «جامعه شناسی» را به پایان رساندم. هم اکنون مطالعات و تحقیقاتم، منحصراً در موسسه «آموزشی و پژوهشی امام خمینی» از طریق گروه «تاریخ و اندیشه معاصر» است. عضویت در این گروه، تا کنون ۴ سال به طول انجامیده است.

یعقوبی، عبدالرسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرسول یعقوبی

محل تولد : بروجن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۲ تحصیلات متوسطه را به پایان رساندم. در سال ۱۳۶۳ برای تحصیل در علوم حوزوی، در مدرسه ای با نام نامی «امام خمینی (ره)» در یکی از کوچه های خیابان موسوم به باجک، به تحصیل در حوزه علمیه قم مشغول شدم. پس از به پایان بردن دوره ادبیات، همزمان با تحصیل در (فقه و اصول) در موسسه «در راه حق»، الهیات و معارف اسلامی را شروع کردم. هنوز یک سال نگذشته بود که به حکم وظیفه به شهرستان مراجعت و مدَّت دو سال مسئولیت اداره و تدریس در حوزه علمیه خواهران را بر عهده گرفتم. پس از بازگشت از شهرستان، مجدداً در کنار دروس فقهی و اصولی، به آموزش «الهیات و معارف اسلامی» پرداخته و بعد از پنج سال در تیرماه سال ۱۳۷۴ فارغ التحصیل شدم.

علاقه مندی به رشته های علوم انسانی، ما را به وادی «جامعه شناسی» کشاند. تحصیل در این رشته نیز ۵ سال به طول انجامید و بالاخره در تیرماه سال ۱۳۸۱، کارشناسی ارشد رشته «جامعه شناسی» را به پایان رساندم. هم اکنون مطالعات و تحقیقاتم، منحصراً در موسسه «آموزشی و پژوهشی امام خمینی» از طریق گروه «تاریخ و اندیشه معاصر» است. عضویت در این گروه، تا کنون ۴ سال به طول انجامیده است.

یغما جندقی، رحیم، ابوالحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۷۶ –۱۱۹۶ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به یغما. در خور، از توابع جندق و بیابانک، به دنیا آمد. نام اول وی رحیم بود و بعد از اینکه نزد معلمان دستگاه امیر اسماعیل خان علوم مقدماتی را آموخت، به ابوالحسن تغییر نام داد و تخلص شعریش را مجنون انتخاب کرد و سمت منشی‌گری خان عامری و بعدها منشی‌گری سردار ذوالفقار خان را به خود اختصاص داد. وی به علت حسادت برخی افراد مورد خشم قرار گرفت و به اجبار در حضرت شاه عبدالعظیم شهر ری معتکف شد و تخلص خود را به یغما تغییر داد. یغما در قم به اتفاق میرزا محمدعلی مازندرانی و میرزا ملک‌الکتاب، داماد قائم‌مقام، انجمنی به نام انجمن مفاکهه تشکیل دادند که پس از مدتی انجمن منحل شد و یغما به مشهد رفت و در مدرسه‌ی علمیه‌ی میرزا جعفر ساکن شد. وی پس از چندی به اصرار

حاجی میرزا آقاسی، صدر اعظم محمدشاه، به وزارت حکومت کاشان منصوب شد و مدتها با حاج ملا-احمد نراقی، صاحب «معراج‌السعاده»، دوستی و معاشرت داشت. وی به تصوف گرایش داشت، ولی گویند بعدها با خواندن کتاب «ارشاد العوام» حاج محمد کریم خان کرمانی، و همچنین به تشویق فرزند خود اسماعیل، متخلص به هنر، در سلک پیروان شیخیه درآمد. یغما به اصرار فرزندانش به زادگاهش بازگشت و در آنجا نیز درگذشت و در بقعه‌ی امامزاده داوود دفن شد. از تألیفات وی: «منشآت»، به نثر، شامل مکتوبات فارسی؛ «غزلیات»؛ «هجویات» مانند: «سرداریه»، «قصابیه»، «احمدا»، «خلاصهٔ الافتضاح»، «صکوک الدلیل» یا «شکوک الدلیل» و مثنوی «قاضی‌نامه»؛ «مراثی»؛ «ترجیعات»؛ «قطعات»؛ «رباعیات». از آثار خطی او: «برهان قاطع»؛ «المعجم فی معاییر اشعار العجم»؛ «دیوان» ظهیر فارابی؛ «کلیات» سعدی؛ «خمسه» نظامی؛ «مقامات» حمیدی؛ «دیوان» کمال‌الدین و جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (۹۷۱/ ۳)، ارمغان (س ۵، ش ۹ و ۱۰، ص ۵۰۱ –۴۸۵، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۶۴۲ –۶۳۶)، از صبا تا نیما (۱۲۷ –۱۰۹/ ۱)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۲۲ –۲۱۷/ ۴)، تاریخ قومس (۵۰۴ –۴۹۷)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۳۶۰ – ۳۵۶)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (۱۱۹۷ –۱۱۹۶)، حدیقهٔالشعراء (۲۱۲۷ –۲۱۲۱/ ۳)، دایرهٔالمعارف فارسی (۳۳۶۱/ ۲)، الذریعه (۱۳۱۴ –۱۳۱۳/ ۹)، ریحانه (۳۹۹ –۳۹۸/ ۴)، سخنوران نامی معاصر (۳۹۷۶ –۳۹۷۲/ ۶)، سفینهٔالمحمود (۲۶۷ –۲۶۴/ ۱)، شرح حال رجال (۱۱ –۹ / ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۹۵۹ –۱۹۵۸/ ۲ ،۱۵۹۷/ ۱) لغت‌نامه (ذیل/ یغما)، مجمع‌الفصحا (۱۲۰۸ –۱۲۰۴/ ۶)، مجموعه‌ی آثار یغمای جندقی (مقدمه جلد یک و دو)، مصطبه‌ی خراب (۲۲۱ –۲۱۸)، مؤلفین کتب چاپی (۱۷۰ –۱۶۹/ ۱)، نگارستان دارا (۲۸۱ –۲۸۰)، یادگار (س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۱۴۲ –۱۴۱)، یغما (س ۱، ش ۱، ص ۱۱۷ –۱۱۲).

یغما، حیدر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۲۰ دی ۱۳۰۲، دهکده صومعه، از توابع نیشابور.

درگذشت: ۲ اسفند ۱۳۶۶، نیشابور.

حیدر یغما در سنین نوجوانی به کار خشتمالی پرداخت و به سبب دایره‌ی علاقه به شعر به حفظ کردن اشعار پرداخت. او پس از انجام خدمت نظام وظیفه به دهستان خود در حومه‌ی نیشابور باز می‌گردد و همانجا به کار گل و خشتمالی می‌پردازد.

وی در سن سی سالگی از طریق رفتن به جلسات آموزش قرآن به سوادآموزی پرداخت و طی مدت شش ماه قرآن را فراگرفت و در خلال همین مدت به فراگیری خواندن و نوشتن فارسی نیز کمر همت بست.

در سال ۱۳۴۹ اشعار مذهبی خود را در کتابی موسوم به اشک عاشورا به چاپ رساند و در همان سال نیز مجموعه‌ی رباعیات خود را منتشر کرد.

یغما اشعار خود را غالبا در قالب‌های غزل، مثنوی و قصیده می‌سرود. پس از انقلاب اسلامی کتابی تحت عنوان سیری در غزلیات حیدر یغما با مقدمه‌ی عباس خیرآبادی توسط اداره‌ی فرهنگ و ارشاد اسلامی نیشابور در سال ۱۳۶۵ به چاپ رسید.

پیکر وی را در زمین وسیعی که بین آرامگاه خیام و عطار است به خاک سپردند.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

یغمای جندقی، ابوالحسن

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالحسن(رحیم) یغمای جندقی به علت حادثه‌ای مورد توجه امیر اسماعیل خان عامری حاکم ولایت قرار می‌گیرد . وی در دستگاه خان به سرودن شعر می‌پردازد و به سمت منشی گری خان می‌رسد. پس از مدتی مورد توجه میرزا آقاسی قرار گرفته و به حکومت کاشان می‌رسد. یغما شاعر و ادیب بلند پایه دوران فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار است.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

گرایش : شعر

والدین و انساب : نام اولیه ای یغمای جندقی رحیم و نام پدرش حاج ابراهیم قلی است. رحیم در دستگاه امیر اسماعیل خان عامری نام خود را به ابوالحسن تغییر می‌دهد و به مجنون تخلص می‌کرد و به نام ابوالحسن مجنون معروف شد. پس از پناهنده شدن او به شاه عبدالعظیم و انزجاری که از سردار ذوالفقار خان حاکم سمنان پیدا می کند تخلص خود را از مجنون به یغما تغییر می‌دهد: به من از مال دنیا یک تخلص مانده «مجنون » است به کار آید گر ای لیلی وش آن را نیز «یغما» کن

تحصیلات رسمی و حرفه ای : ابوالحسن(رحیم) یغمای جندقی در دستگاه امیر اسماعیل خان عامری حاکم ولایت پرورش می یابد و به سرودن شعر می‌پردازد.

خاطرات و وقایع تحصیل : در دستگاه اسماعیل خان نام خود را از رحیم به ابوالحسن تغییر می دهد و تخلص مجنون را برای خود انتخاب می کند.

همسر و فرزندان : از فرزندان وی احمد صفایی است که نسخه‌ای از برهان قاطع را کتابت نموده به وی تقدیم کرده است.

وقایع میانسالی : ابوالحسن(رحیم) یغمای جندقی پس از آن که به حکومت کاشان می رسد،در آنجا با ملا احمد نراقی دوستی ای بسیار می‌یابد.

زمان و علت فوت : فوت ابوالحسن(رحیم) یغمای جندقی در سال ۱۲۷۶ هجری قمری در سن هشتاد سالگی در زادگاهش خور اتفاق افتاده است و در بقعه امامزاده داوود خور به خاک سپرده می‌شود.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ابوالحسن مجنون در دستگاه اسماعیل خان سمت منشی گری خان را پیدا می کند. و در سال ۱۲۳۳ هجری قمری در جنگ سردار ذوالفقار خان حاکم سمنان و افاغنه به زور شرکت داده می شود. اما از آنجا که مردی هنرمند بود در دستگاه سردار به منشی گری می‌پردازد. بعدها تحت حوادثی مورد حسد اطافیان قرار می‌گیرد و دسیسه ای علیه او می پردازند که به دنبال آن سردار دستور می‌دهد چوب مفصلی به او بزنند. ابوالحسن(رحیم) یغمای جندقی به شاه عبدالعظیم پناه می‌برد و تخلص خود را از مجنون به یغما تغییر می‌دهد. یغما بعداً مورد توجه میرزا آقاسی قرار می‌گیرد و به حکومت کاشان می‌رسد. یغما مردی شوخ طبع و هزال بود . علاوه بر آن شاعر و ادیب بلند پایه دوران فتحعلی شاه و محمد شاه به شمار می‌رود. یغما خطوط نسخ و نستعلیق و شکسته را بسیار خوش می‌نوشته و کتابهای مختلفی را کتابت کرده است.

چگونگی عرضه آثار : بسیاری از آثار یغمای جندقی جای مشخصی ندارند و در مقدمه دیوانش از آنها یاد کرده‌اند. ----------
----

آثار :

۱ المعجم فی معاییر اشعار العجم

۲ دیوان جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی

۳ دیوان ظهیر فاریابی به خط نستعلیق

ویژگی اثر : این اثر نزد خانواده یغماست.[سرمدی، عباس. دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام. تهران،هیرمند.۱۳۸۰]

۴ دیوان کمال الدین اسماعیل

۵ کتابت برهان قاطع

ویژگی اثر : برهان قاطع را در سال ۱۲۴۰ هجری قمری نوشته و در سال ۱۲۶۵ به فرزندش احمد صفایی بخشیده است. این نسخه که یغما خود تصحیح کرده و بر آن مقدمه نوشته در کتابخانه حبیب یغمایی بوده است.[سرمدی، عباس. دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام. تهران،هیرمند.۱۳۸۰]

۶ کلیات شیخ سعدی

ویژگی اثر : این اثر برای شاهزاده بهاالدوله کتابت شده است.[سرمدی، عباس. دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام. تهران،هیرمند.۱۳۸۰]

۷ مقامات حمیدی

منابع زندگینامه :۱سرمدی، عباس. دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام. تهران،هیرمند.۱۳۸۰

یغمایی، پروانه

قرن:۱۴

جنسیت:زن

ملیت:ایران

تولد: ۱۳۰۸، خور.

درگذشت: ۱۳۵۸.

پروانه یغمایی دختر حبیب یغمایی شاعر معروف است. او در سال ۱۳۰۸ در خور متولد شده. تحصیلات خود را در دانشسرای دخترانه‌ی تهران به پایان برده و سپس به عنوان دبیر دبیرستان‌ها در شاهرود و تهران به تدریس مشغول گردید. مشارالیها علاوه بر شاعری، در نویسندگی نیز دست داشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

یغمایی، حبیب

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شاعر، محقق، مدرس.

تولد: ۱۲۸۰(۱۳۱۶ ق.)، خور بیابانک جندق.

درگذشت: ۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۳، تهران، فخرآباد.

حبیب یغمایی متخلص به «حبیب» فرزند اسدالله منتخب‌السادات خوری نوه‌ی دختری یغمای جندقی شاعر دوره‌ی قاجاریه بود. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی سعادت ناظمیه دامغان به پایان رسانید و در سال ۱۳۰۰ وارد تهران شد و در مدرسه‌ی دارالشفاء اقامت گزید و در مدرسه‌ی آلیانس به تحصیل پرداخت. تحصیلات عالی را در دارالمعلمین مرکزی (تهران) به پایان رسانید. در سال ۱۳۰۲ به عضویت انجمن ادبی ایران درآمد و از سال پس از آن با روزنامه‌ی «طوفان» به سردبیری محمد فرخی همکاری ادبی نمود. پس از یک سال تحصیل در مدرسه‌ی حقوق و علوم سیاسی در سال ۱۳۰۶، به خور بازگشت و ریاست اداره‌ی ثبت احوال آنجا را بر عهده داشت. در سال ۱۳۰۸ ریاست معارف و اوقاف سمنان را به عهده گرفت. پس از بازگشت به تهران در سال ۱۳۰۹ به تعلیم و تدریس ادبیات فارسی در هنرستان دولتی و دارالفنون و دیگر دبیرستان‌های تهران اشتغال داشت، در همین سال، در تألیف سخنوران ایران در عصر حاضر (چاپ کلکته دو جلد) با محمد اسحق همکاری نمود. سپس به عضویت اداره‌ی انطباعات وزارت معارف درآمد و با محمدعلی فروغی در تصحیح و چاپ کلیات سعدی و منتخب شاهنامه (برای دبیرستان‌ها) همکاری نمود. وی تا سال ۱۳۲۱ در این اداره مشغول به فعالیت بود. در سال ۱۳۲۲ به سردبیری «نامه فرهنگستان» رسید و ده شماره آن را در مدت پنج سال منتشر نمود. در سال ۱۳۲۷ به سمت مدیر مجله‌ی «آموزش و پرورش» که نشریه‌ی وزارت فرهنگ بود، خدمت فرهنگی خود را ادامه داد (دوره‌های چهارده و پانزده و بیست و سه را منتشر نمود) و سال‌ها در مقام ریاست اداره‌ی کل نگارش و موقعیت‌های فرهنگی دیگر انجام وظیفه کرد. همچنین سی و یک دوره مجله «یغما» از سال ۱۳۲۷ تا سال ۱۳۵۷ در ۳۷۲ شماره به مدیریت و سرپرستی وی در تهران چاپ و منتشر شد. اشعار وی بالغ بر دو هزار بیت قصیده و غزل و قطعه و غیره است که گزیده‌اش به نام سرنوشت (۱۳۵۱) چاپ شده است. از سال ۱۳۴۱ تدریس در دانشسرای عالی (دانشگاه تربیت معلم) و مدرسه عالی ادبیات و زبان‌های خارجی را آغاز نمود. در سال ۱۳۵۵ به دریافت درجه‌ی دکترای افتخاری در رشته‌ی ادبیات و علوم انسانی از دانشگاه تهران نائل آمد. از سال ۱۳۵۷ که «یغما» تعطیل شد، به بازآفرینی و بازنویسی خاطراتش روی آورد و سال‌های پیش از درگذشت، تنها به سرودن شعر و خاطراتش می‌پرداخت. از جمله آثار یغمایی است: تصحیح دیوان سعدی (با همکاری ذکاءالملک فروغی)، ترجمه‌ی تفسیر طبری (در هفت مجلد، ۱۳۴۴ -۱۳۳۹)؛ شرح حال یغما و منتخب اشعار یغما جندقی (۱۳۰۴)؛ دخمه ارغون (داستان تاریخی، ۱۳۱۲)؛ گرشاسب‌نامه اسدی طوسی (۱۳۱۵)؛ جغرافیای جندق و بیابانک (با شرح حال یغمای جندقی و مقدمه‌ی عباس اقبال آشتیانی، ۱۳۰۴)؛ رساله در علم قافیه (برای تدریس در دارالفنون، ۱۳۱۵)؛ قصیده معروف خاقانی؛ تصحیح و چاپ کلیات دیوان یغمای جندقی؛ نمونه‌ی نظم و نثر فارسی (از آثار اساتید متقدم، جنگ خطی قرن هفتم هجری با مقدمه‌ی ایرج افشار، ۱۳۴۳)؛ قصص الانبیاء (از ابواسحاق نیشابوری، ۱۳۴۰)؛ فردوسی و شاهنامه او (مجموعه مقالات سید حسن تقی‌زاده درباره‌ی شاهنامه و مقدمه‌ی شاهنامه به تصحیح محمد قزوینی و تحقیق درباره‌ی شاهنامه نوشته‌ی حبیب یغمایی، ۱۳۴۹)؛ یادنامه‌ی تقی‌زاده (۱۳۴۹)؛ کاروان فرهنگی از پاکستان به ایران (مجموعه شعر، ۱۳۳۲)؛ اهتمام در چاپ مناجات حضرت امیر به خط قوام‌السلطنه (۱۳۲۶)؛ واحه جندق و بیابانک یا کویر نشینان مرکزی (به نقل از مجله‌ی «مردم‌شناسی»، ۱۳۳۷)؛ نامه‌های طبیب نادرشاه (ترجمه دکتر علی‌اصغر حریری، ۱۳۴۰)؛ نامه مینوی (مجموعه مقالات به پاس پنجاه سال خدمات مجتبی مینوی، با همکاری ایرج افشار، ۱۳۵۰)؛ مقالات فروغی درباره‌ی شاهنامه و فرودسی (۱۳۵۱)؛ عامری‌نامه (مجموعه مقالات تقدیم به علی‌محمد عامری مشتمل بر هیجده مقاله‌ی تحقیقی و تاریخی، ۱۳۵۳)؛ مقالات فروغی (جلد اول، ۱۳۵۳، جلد دوم، ۱۳۵۳)؛ فردسی در شاهنامه (۱۳۴۵)؛ شهر پیامبر (به اهتمام سید محمدعلی صفیر، ۱۳۵۴).

پیکرش را طبق وصیتش به دهکده‌ی خور منقل کردند و در آنجا به خاک سپردند.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

یغمایی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولد: ۱۲۹۰، خور بیابانک.

درگذشت: ۱۴ اردیبهشت ۱۳۷۱، یزد.

حاج علی آقا یغایی متلخص به مجمر فرزند میرا ابراهیم و پدر مرتضی یغمایی «شکیب» است که پس از پایان تحصیلات ابتدایی به مطالعه‌ی احادیث و اخبار و اشعار و ادبیات پرداخت. وی شعر نیز سروده است.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

یقین کاشانی، جلال

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به یقین. وی با سرودن شعر گذران زندگی می‌کرد و اشعاری از او در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

رفت از برم چنان كه به گردش نمى‌رسم

كى عمر رفته را به دويدن توان گرفت

برگرفته از كتاب :اثرآفرينان (جلد اول-ششم)

منابع زندگينامه :الذريعه (۱۳۱۴/ ۹)، صبح گلشن (۶۱۶)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۵)، لغت‌نامه (ذيل/ يقين كاشانى).

يقينى شروانى

قرن:۱۰

جنسيت:مرد

مليت:ايران

(س دهم ق)، شاعر. اصلش شروانى بود و در شيراز سكونت داشت. وى با سام ميرزا (م ۹۷۵/ ۹۷۴ ق)، صاحب «تحفه سامى»، معاصر بود. صاحب «الذريعه» نام وى را به صورت يقينى شيروانى ذكر كرده است. از آثار وى «ديوان» شعر مى‌باشد.

برگرفته از كتاب :اثرآفرينان (جلد اول-ششم)

منابع زندگينامه :تحفه سامى (۳۲۶)، دانشمندان آذربايجان (۴۰۳)، الذريعه (۱۳۱۴/ ۹).

يقينى لاهيجى، عبداللّه

قرن:۱۰

جنسيت:مرد

مليت:ايران

(س دهم ق)، صوفى و شاعر، متخلص به يقينى. اصلش از لاهيجان است و نسبش از جانب پدر به سيد محمد نوربخش، مؤسس نوربخشيه مى‌رسد. وى عموى قاضى يحيى لاهيجى (م ۹۵۳/ ۹۵۲ ق) بود و سرانجام به اغواى متعصبان در لاهيجان به قتل رسيد. از آثار وى: «ديوان» شعر.

برگرفته از كتاب :اثرآفرينان (جلد اول-ششم)

منابع زندگينامه :آتشكده‌ى آذر ۸۶۵ -۸۶۴/ ۲۰)، تاريخ نظم و نثر (۵۱۱)، تحفه سامى (۱۱۰)، تذكره‌ى روز روشن (۹۴۷ -۹۴۶)، الذريعه (۱۳۱۴ ،۶۹۸/ ۹)، رياض‌العارفين (۱۶۱)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۵)، لغت‌نامه (ذيل/ قاضى يقينى، يقينى)، نامها و نامدارهاى گيلان (۶۱۸ -۶۱۷)، هفت اقليم (۱۴۳ -۱۴۲/ ۳).

يكتا اصفهانى، مجيد

قرن:۱۴

جنسيت:مرد

مليت:ايران

(۱۳۵۴ -۱۲۹۰ ش)، نويسنده، مترجم و شاعر، متخلص به يكتا. در اصفهان به دنيا آمد و تحصيلات خود را در آموزشگاه‌هاى زادگاهش به اتمام رساند و در خدمت محمدكاظم غمگين قواعد شعر و فنون ادب را آموخت. او شعر را نيك مى‌سرود و ابتدا فردى تخلص مى‌كرد. وى به زبان فرانسه و انگليسى آشنا بود و در علم حساب و دفتردارى و موسيقى نيز اطلاعاتى داشت. او در انجمن‌هاى شيدا، فرهمند و كمال شركت داشت. از آثارش: «رساله در موسيقى»؛ «تاريخ سلجوقى»، ترجمه؛ «تذكره‌ى شعراى ايران»، از اوايل قرن چهاردهم تا زمان حاضر؛ تدوين و تحشيه «ديوان» غمگين؛ «ديوان» شعر.

برگرفته از كتاب :اثرآفرينان (جلد اول-ششم)

منابع زندگينامه :تذكره‌ى شعراى معاصر اصفهان (۵۴۹ -۵۴۶)، چهارصد شاعر برگزيده‌ى پارسى گوى (۱۱۹۸)، الذريعه (۱۳۱۵ -۱۳۱۴/ ۹)، سخنوران نامى معاصر (۳۹۸۶ -۳۹۸۲/ ۶)، فهرست كتابهاى چاپى فارسى (۱۵۹۷/ ۱)، مؤلفين كتب چاپى (۱۹۷/ ۵).

يكه‌باغى، سلمان

قرن:۱۳

جنسيت:مرد

مليت:ايران

ملا سلمان يكه‌باغى، در مآثر و آثار گويد: ملا سلمان يكه‌باغى از مشاهير اتقياء علماء اين دولت معدود مى‌گردد.

مؤلف گويد: آخوند ملاـ سلمان از بزرگان علماء و داراى مقامات بوده در سنه ۱۲۹۱ در (يكه‌باغ) كه هشت فرسخى قم است مرحوم و در شيخان بزرگ مدفون گرديد.

برگرفته از كتاب :گنجينه دانشمندان (جلد اول)

يگانه، بهادر

قرن:۱۴

جنسيت:مرد

ملیت:ایران

شاعر.

تولد: ۱۳۰۱، قزوین.

درگذشت: ۱۳۶۳، تهران.

بهادر یگانه متخلص به (یگانه) پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه در وزارت کشور به کار مشغول شد. بعدها ابتدا به دانشکده‌ی حقوق رفت و از این دانشکده فارغ‌التحصیل گردید. اما پس از مدتی به دانشکده‌ی ادبیات روی آورد و تا درجه‌ی دکتری پیش رفت. سال‌ها در استانداری فارس خدمت کرد. در سال ۱۳۴۳ از شیراز به تهران آمد و در کار ترانه‌سرایی و برنامه‌ی گل‌ها با رادیو و شورای موسیقی آن به همکاری پرداخت. این کار تا سال ۱۳۵۷ ادامه داد. مقدمه‌ی دیوان علی اشتری متخلص به «فرهاد» به قلم اوست.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

یمنی

قرن:۱۱

جنسیت:زن

ملیت:ایران

ز ۱۰۹۷ ق، از زنان شاعر. وی دیوان شعری با دیباچه‌ای منثور دارد. مطلع دیوان او چنین است:

صاحب نظری در نظر آورد مرا

بشنو به نوا چو نی درآورد مرا

از ابیات اوست:

ای طایران قدس را عشقت فزوده بالها

در حلقه سودای تو روحانیون را حالها

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منبع: فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۶۹۶ / ۱۶.

یمنی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد یمنی در مراغه سال ۱۳۳۳ به دنیا آمد. پس از طی دوران ابتدایی در دبستان ادب و دبیرستان، در دانشگاه تبریز در رشته علوم تربیتی ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۵۸ به فرانسه عزیمت نمود و در رشته گرایش برنامه ریزی آموزش و توسعه از دانشگاه در سال ۱۳۶۳ مدرک دکترای رشته علوم تربیتی را اخذ کرد. و از سال ۱۳۶۷ در دانشگاه علوم تربتی دانشگاه شهید بهشتی مشغول به خدمت است.گروه : علوم انسانی رشته : علوم تربیتی گرایش : آموزش عالی – مطالعات تطبیقی والدین و انساب : پدر ایشان کارمند و مادر محترمشان خانه دار بودند و دارای سه خواهر و دو برادر میباشند.خاطرات کودکی : دکتر یمنی از آن دوران اینچنین میگوید ": بهترین خاطره من مربوط میشود به آموزگار کلاس اول ابتدایی در دبستان ادب که جناب آقای علی قلی بنا بود. ایشان عشق به معلمی داشت،دانش آموزان را دوست داشت و فلسفه تربیتی او بر تشویق استوار بود. افسوس که همواره چنین مربیانی گمنام میمانند. ایشان روشی بدیع داشتند و عملا کلاس خود را با بهره گیری از ابزارهایی که مرتبط با طبیعت بود پویا می نمودند و کلاس درس در عین حال آزمایشگا ه نیز بود" . تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات دکتر محمد یمنی : کارشناسی علوم تربیتی از دانشگاه تبریز ۱۳۵۶، دیپلم زبان فرانسه از بخش زبان دانشگاه دیژون ۱۹۷۹، متریس علوم تربیتی از سوربن پاریس ۱۹۸۱ ، کارشناسی ارشد علوم تربیتی (برنامه ریزی و توسعه آموزشی) از سوربن پاریس ۱۹۸۲، دکترای علوم تربیتی از دانشگاه سوربن (رنه کارت ۱۹۸۵)، مطالعات عالی در برنامه ریزی و توسعه دانشگاهی از دانشگاه مونترال کانادا ،دپارتمان مطالعات در آموزش و پرورش و مدیریت آموزشی ۱۹۹۷استادان و مربیان : از مربیان دکتر یمنی : معلم اول ابتدایی آقای علی قلی بنا،معلم پنجم ابتدایی آقای جعفری ،آقای امینی دبیر فیزیک و آقای هوشیار دبیر شیمی در دوران دبیرستان بودند و در دانشگاه دکتر هشترودی ،دکتر محیط طباطبایی و در دانشگاهای فرانسه استاد le Than khoi لوتان کوی،استاد Pierre Bourdieu پیر بوردیو ، G. Balandier بالاندیر ،استاد J. Dumazdier جوفر دومازدیر، استاد Ladriere لادریر، استاد G. Snyder ژرژ اسیندر، استاد Isamber Jamati ایزامبر جاماتی، استاد J.L.Lemoigne ژان لویی لومواین، میتوان اشاره کرد.همسر و فرزندان : دکتر محمد یمنی دارای همسر و دو فرزند میباشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ۱ – مدیر گروه علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی ۷۹–۱۳۷۱ ۲ – معاون آموزشی دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی ۷۹–۱۳۷۳ ۳ – معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم تربیتی ۸۲–۱۳۷۹ ۴ – رئیس دوره دکتری مشترک آموزش عالی ۸۵–۱۳۸۴ ۵ – عضو شورای تحقیقات و برنامه ریزی آموزش عالی ۷۲–۱۳۶۹ ۶ – عضو شورای پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی ۸۲–۱۳۷۷ ۷ – مدیر دوره دکترای آموزش عالی ۸۵–۱۳۸۴ ۸ – نماینده دانشگاه شهید بهشتی در کمیته برنامه ریزی دوره دکترای آموزش عالی از ۱۳۷۹ ۹ – عضو شورای نظارت و ارزشیابی دانشگاه شهید بهشتی ۸۰–۱۳۷۹ ۱۰ – عضو کمیته برنامه ریزی پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۳ ۱۱– عضو شورای پژوهشی

موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی ۱۳۸۴فعالیتهای آموزشی : دکتر یمنی به درجه استاد یاری سال ۱۳۶۸، دانشیاری ۱۳۷۳ ،استادی ۱۳۸۰ در دانشگاه شهید بهشتی نائل آمد. وی تدریس در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری در دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه شهید بهشتی و ایجاد کارگاههای آموزشی مختلف در این دانشگاه و دانشگاهای مختلف کشور و موسسات عالی آموزشیمراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : ۱ – عضو موسسین موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، ۲ – دوره کارشناسی ارشد مدیریت و برنامه ریزی آموزش عالی در دانشگاه شهید بهشتی ۸۲–۱۳۷۹ مصوب شورای گسترش ۱۳۸۳ ۳ – عضو بانیان دوره دکتری مشترک آموزش عالی از سال ۱۳۸۰ مستقر در دانشگاه شهید بهشتی ۴ – عضو موسس انجمن آموزش عالی ایرانسایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عضویت در هیئت تحریریه فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی ۷۶–۱۳۷۲ عضویت در هیئت تحریریه فصلنامه پژوهشهای تربیتی ۸۰–۱۳۷۴ عضویت در هیئت تحریریه شماره ویژه فصلنامه تعلیم و تربیت زمستان ۱۳۷۸ عضویت در هیئت تحریریه دومین و سومین بهبود کیفیت آموزش عالی دانشگاه شهید بهشتی ۷۳–۱۳۷۲ عضویت د رهیئت تحریریه فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش معاونت برنامه ریزی توسعه مدیریت وزارت آموزش و پرورش ۱۳۸۳ و چندین طرح پژوهشی : ۱ – بررسی نظام آموزش فعلی دانشگاههای کشور و مقابسه آن با نظام آموزش واحدی ،موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی ،همکاری، ۱۳۷۳ ۲ – بررسی وضعیت گذشته و موجود دانشگاه شهید بهشتی و ارائه یک چهار چوب نظری ،مجری، ۱۳۷۷ ۳ – بررسی وعیت موجود برناه ریزی توسعه دانشگاهی در دانشگاه های دولتی ، مجری، دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۱ ۴ – بررسی روشهای مناسب لحاظ کردن ارزشهای شهروندی در برنامه های درسی ، همکار، ۱۳۸۴ وزارت آموزش و پرورش و دانشگاه شهید بهشتی ۵ – بررسی کیفیت تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید بهشتی ، مجری، شهید بهشتی ۱۳۸۵ ۶ – بررسی نیازهای آموزش و پرورش عمومی (ابتدایی–راهنمایی) در کشور، مجری، ۱۳۸۵ وزارت آموزش و پرورش و دانشگا شهید بهشتیجوائز و نشانها : استاد نمونه دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۷۷ بیش از بیست مورد تشویق نامه از دانشگاهها و موسست عالی آموزش کشور و خارج کشورآثار : مقاله فارسی و ۱۴ مقاله خارجی چاپ شده در مجلات و فصلنامه های داخلی و خارجی ، آموزش و پرورش تطبیقی ویژگی اثر : ترجمه، نوشته لوتان کوی، ۱۳۷۵، انتشارات سمت، این کتاب شامل یک مقدمه که ابعاد نظری مطالعات تطبیقی در آموزش و پرورش را بیان میکند . بخش اول به موضوع آموزش و پرورش تطبیقی میپردازد و بخش دوم کتاب روشها و فنون آموزش و پرورش تطبیقی را بررسی میکند.۳ آموزش و پرورش: فرهنگ ها و جوامع ویژگی اثر : ترجمه، نوشته لوتان کوی، چاپ ۱۳۷۸ انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. کتاب دارای دو بخش: بیان مساله و یک الگوی عمومی تحلیل میباشد و در کل دارای ۱۰ فصل میباشد و به پیچیدگی آموزش و پرورش در فرهنگ ها و جوامع مختلف میپردازد.۴ بب ۵ بررسی وضعیت گذشته و موجود دانشگاه بهشتی ۷۷–۱۳۷۳ ویژگی اثر : گزارش، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی۶ برسی وضعیت گذشته و موجود دانشگاه شهید بهشتی ویژگی اثر : تالیف، این بررسی برای سالهای ۱۳۷۳–۱۳۶۹ انجام گرفته و به تحلیل و ضعیت کمی و تغییراتی که در این خصوص در دانشگاه اتفاق افتاده است. میپردازد. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۷۲۷ برنامه ریزی آموزشی و توسعه منابع انسانی ویژگی اثر : ترجمه، نوشته هاربسون، انتشارات اولیه دفتر بین المللی برنامه ریزی آموزشی در پاریس سال ۱۳۷۰ توسط معاونت هماهنگی وزارت فرهنگ و آموزش عالی و انتشارات علمی و فرهنگی چاپ دوم ۱۳۸۲ دانشگاه شهید بهشتی، این کتاب دارای دو بخش اولویت ها و انتخاب در توسعه منابع انسانی و کاربرد تحلیل سیستم ها در برنامه ریزی توسعه منابع انسانی میباشد.۸ برنامه ریزی توسعه دانشگاهی: نظریه ها و تجاب ویژگی اثر : تالیف ، چاپ ۱۳۸۲، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. این کتاب حاصل پژوهش های نگارنده د رچند دانشگاه اروپاو کاناداست و برای نخستین بار موضوع برنامه ریزی توسعه دانشگاه را با رویکردی تطبیقی بررسی نموده و دارای سه بخش: روش شناسی پژوهش، برنامه ریزی توسعه دانشگاههی، بررسی وضعیت برنامه ریزی توسعه دانشگاهی در چند کشور صنعتی پیشرفته.۹ تحلیل محتوا ویژگی اثر : ترجمه مشترک دکتر یمنی و دکتر علیه آشتیانی، نوشته لورنس باردن، چاپ ۱۳۷۵ انتشارات دانشگا هشهید بهشتی. این کتاب به تحلیل محتوا به عنوان یک روش کیفی در مقوله های مختلف میپردازد.۱۰ در آمدی به بررسی عملکرد سیستم های دانشگاهی ویژگی اثر : تالیف، چاپ ۱۳۸۰ انشارات دانشگاه شهید بهشتی. این کتاب در پی چند پژوهش به تقاضای دانشگاه نوشته شد و به اهمیت و چگونگی بررسی عملکرد سیستم های دانشگاهی میپردازد. فصول شش گانه کتاب کاربرد نگرش سیستمی در بررسی عملکرد دانشگاها عملکرد سیستم عالیدانشگاهی عملکرد نظام آموزش عالی در برنامه اول توسعه بررسی موردی دانشگاه شهید بهشتی برنامه ریزی توسعه دانشگاهی پایگاه اطلاعات بررسی شده است. در پیوست ارائه ۴۲ جدول برای شاخص های بررسی عملکرد سیستم های دانشگاهی۱۱ راهنمای برنامه ریزی توسعه دانشگاهی ویژگی اثر : چاپ ۱۳۸۴ موسسه پژوهش و بنرامه ریزی آموزش عالی. این کتاب حاصل کارگاههای آموزش برنامه ریزی توسعه دانشگاهی است که در سال ۱۳۸۳ برای روسا و مدیران و دانشگاههای کشور طی ۱۲ کارگاه توسط نگارنده و همکاران برگزار شد . کتاب فوق که همراه با تمرین های مربوط به فعالیت های علمی شرکت کننده کاه در کارگاه ها میباشد.۱۲ نظریه سیستم ها ویژگی اثر : ترجمه، این کتاب از مجموعه چه میدانم انتشارات دانشگاهی فرانسه (puf) نوشته دانیل دوران ،چاپ اول ۱۳۷۱ دوم ۱۳۷۶، این کتاب درآمدی است برای مطالعات بیشتر در زمینه رویکرد سیستمی و از ابعاد مختلف این رویکرد را بررسی کرده است.۱۳ هفت دانش ضروری برای آموزش و پرورش آینده ویژگی اثر : ترجمه، نوشته ادگار مورن، چاپ ۱۳۸۳ انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. این کتاب شامل هفت فصل : محدودیت های شتناخت، اصول شناخت شایسته، آموزش وضعیت انسانی، آوزش هویت انسانی، مقابله با عدم قطعیت ها، آموزش تفاهم ، اخلاق نوع بشر.

یمین فریومدی، یمین‌الدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۲۴ ق)، شاعر. مشهور به طغرایی. اصلش ترک و پدر ابن‌یمین است. وی در زمان محمد خدابنده (۷۱۶ -۷۰۳ ق)، در فریومد ساکن و مورد توجه علاءالدین محمد فریومدی، صاحبدیوان و وزیر خراسان بود. او با فرزندش مکاتبات و مراسلات و مشاعراتی داشته است که مشهور است. وی در قصبه‌ی فریومد درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد. از آثار وی: «دیوان» شعر. صاحب «ریحانةالادب» کتابهای زیر را به او نسبت داده است: «انشاء طغری»، به نام مجموعه‌ی منشات؛ «انوار المبارک»؛ «چشمه‌ی فائز»؛ «کلیات طغری»، مجموعه‌ی اشعار؛ «مجموعةُ الغرائب»؛ «المرآت المفتوحة». مؤلف تذکره‌ی «روز روشن» کتاب «تاریخ یمینی» را که متضمن وقایع حکومت سلطان محمود غزنوی است، از آن وی می‌داند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۹۵۲ -۹۵۱/ ۳)، تذکره‌ی روز روشن (۹۵۰ -۹۴۹)، تذکرةالشعراء (۳۰۹ -۳۰۶)، الذریعه (۱۳۱۶ -۶۴۸/ ۹)، ریحانه (۶۰ -۵۹/ ۴)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۷ -۱۰۱۶)، مجالس المؤمنین (۶۷۲ -۶۷۱/ ۲)، هفت اقلیم (۲۸۵/ ۲).

یمینی سمنانی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۹۸۱ ق)، شاعر. معروف به مولانا یمینی شمشیرگر. اصل وی از شیراز و از شاعران عهد شاه طهماسب صفوی است. وی در سمنان به شمشیرسازی مشغول بود. اشعاری از او در تذکره‌ها نقل شده است. از اوست:

هزار پاره ار دل به تیغ یار شود

به یار میل دل ما، یکی هزار شود

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (۴۱۷ -۴۱۳/ ۱)، تحفه سامی (۳۲۲ -۳۲۱)، تذکره‌ی روز روشن (۹۵۱)، الذریعه (۱۳۱۷ -۱۳۱۶/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۷)، لغت‌نامه (ذیل/ یمینی سمنانی)، مجمع‌الخواص (۱۸۵)، نتایج‌الافکار (۷۹۲ -۷۹۱).

یمینی شریف، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۸ -۱۲۹۸ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان انتصاریه و شاهپور تجریش و دوره‌ی متوسطه را در دارالفنون و دانشسرای مقدماتی به پایان رساند. وی در ۱۳۱۹ ش وارد دانشسرای عالی و سپس وارد دانشکده‌ی ادبیات شد و موفق به اخذ لیسانس گردید و آنگاه به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. رشته‌ی مورد علاقه‌ی یمینی شریف آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان بود. در تیچرز (تربیت معلم) کالج کلمبیا علاوه بر رشته آموزش و پرورش به تحصیل در رشته‌ی ادبیات کودکان نیز پرداخت. شعرهایش در ۱۳۲۳ ش در اولین شماره‌ی مجله‌ی «بازی کودکان» که بعدها سردبیری آن مجله را به عهده گرفت، به چاپ رسید و در ۱۳۲۴ ش اشعاری از وی ابتدا در کتابهای ابتدایی اراک و سپس در کتابهای کلاسهای اول و دوم و سوم کلیه‌ی دبستانها چاپ شد. او در ۱۳۲۸ ش مدیریت مجله‌ی «دانش‌آموز» و از ۱۳۳۵ ش تا ۱۳۵۸ ش مدیریت مجله‌ی «کیهان بچه‌ها» را به عهده داشت. در ۱۳۳۴ ش امتیاز مدرسه‌ی روش نو را به کمک همسرش از وزارت فرهنگ دریافت کرد و بیش از بیست و پنج سال اداره‌ی آن را عهده‌دار بود. در ۱۳۴۱ ش با همکاری عده‌ای از دوستان مؤسسه فرهنگی و غیرانتفاعی شورای کتاب کودک را تأسیس کرد، که هدف از آن راهنمایی و مشاورت با نویسندگان و شاعران و تصویرگران و مترجمان علاقه‌مند به آثار کودکان و نوجوانان بود. از دیگر آثار وی: «دنیاگردی جمشید و مهشید»؛ «فری به آسمان می‌رود»؛ «قصه‌های شیرین»؛ «دو کدخدا»؛ «داستان عروسک»؛ «بازی با الفبا»؛ «روی زمین و زیر زمین» گیاه‌شناسی برای کودکان، ترجمه؛ «بیژن و شیر»، ترجمه؛ «جزیره‌ی مرجان»، ترجمه؛ «آواز فرشتگان»، شعر؛ «قصه‌های شیرین»، شعر؛ «گربه‌های شیپور زن»، شعر؛ «دیوان» شعر.[۱]

شاعر، داستان‌پرداز.

تولد: ۱۲۹۸ تهران.

درگذشت: ۲۸ آذر ۱۳۶۸، تهران.

عباس یمینی شریف متخلص به «یمینی» در سال‌های ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ در دانشسرای مقدماتی تهران تحصیل کرد. در سال ۱۳۱۹ که به دانشسرای عالی راه یافت علاقه به شعر گفتن و داستان‌نویسی برای کودکان در او بیشتر شد. در سال ۱۳۲۲ دو شعر تحت عنوان «ستاره» و «ماده غاز» از وی در شماره‌های چهارم و نهم مجله «سخن» به طبع رسید. در سال ۱۳۲۳ در اولین شماره مجله‌ی «بازی کودکان» شعرهایش به چاپ رسید و پس از مدتی نیز یمینی شریف به سردبیری آن انتخاب شد. در سال ۱۳۲۴ برخی اشعارش وارد کتاب‌های ابتدایی اراک و پس از آن وارد کتاب‌های اول و دوم و سوم کلیه‌ی دبستان‌ها شد. عباس یمینی شریف در سال ۱۳۲۸ به مدیریت مجلات «دانش‌آموز» و «شیر وخورشید» که دو نشریه‌ی وزارت فرهنگ برای کودکان و نوجوانان بود، منصوب شد. در

ششم دی ۱۳۳۵ اولین شماره‌ی مجله‌ی «کیهان بچه‌ها» منتشر شد. وی به عنوان مدیر این نشریه تا سال ۱۳۵۸ به انتشار آن ادامه داد. در «تهران مصور کوچولوها» تأسیس ۱۳۳۶ و ضمنا اشعار ایشان در چند مجله‌ی دیگر که برای کودکان منتشر می‌شد به چاپ می‌رسید.

عباس یمینی شریف چه در دانشسرای مقدماتی تهران و چه در دانشسرای عالی دانشکده‌ی ادبیات و چه تیچرز کلمبیا رشته‌ی تحصیلاتش همیشه آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان بود. در تیچرز کالج کلمبیا علاوه بر رشته‌ی آموزش و پرورش، به تحصیل در رشته‌ی ادبیات کودکان نیز پرداخت.

بعدها نیز به سردبیری و مدیریت چهار مجله برای کودکان و نوجوانان رسید. در سال ۱۳۳۴ امتیاز مدرسه‌ی «روش نو» را به کمک همسرش از وزارت اداره‌ی مدرسه را به عهده داشت. در سال ۱۳۳۶ باشگاه بچه‌ها را تأسیس کرد. در سال ۱۳۴۱ با همکاری عده‌ای از فرهنگیان باسابقه به تأسیس مؤسسه‌ی فرهنگی و غیر انتفاعی شورای کتاب کودک پرداخت و از سال تأسیس عضویت در هیئت مدیره و خزانه‌داری شورا را تقبل کرد، در سال ۱۳۵۰ به همت وی جایزه‌ی نقدی یمینی شریف تأسیس شد و از آن تاریخ به بعد هر ساله با بهترین اثر چاپ شده در حوزه‌ی ادبیات کودکان تعلق گرفت. در سال ۱۳۵۷ با عده‌ای دیگر به تأسیس انجمن پژوهش‌های آموزشی همت گماشت.

یمینی شریف در زمینه‌ی ادبیات کودکان صاحب آثار گوناگون است که از میان این می توان به کتاب‌های زیر اشاره نمود: آواز فرشتگان یا شعر کودکان (۱۳۲۵)؛ قصه‌های شیرین (مجموعه شعر، ۱۳۲۶)؛ گربه‌های شیپورزن (مجموعه شعر، ۱۳۴۴)؛ دو کدخدا (۱۳۲۹)؛ برق و حریق (ترجمه)، روی زمین و زیر زمین (گیاه‌شناسی برای کودکان، اثر اریاوبر. ا.، ۱۳۳۶)؛ دنیاگردی جمشید و مهشید (۱۳۲۲)؛ بازی با الفبا، جزیره‌ی مرجان (اثر پلنتین، ۱۳۳۷)؛ داستان عروسک (با همکاری اسماعیل والی‌زاده، ۱۳۳۷)؛ بیژن و شیرین (ترجمه با همکاری دیگران)، کتاب اول دبستان؛ فری به آسمان می‌رود؛ آوای نوگلان؛ پرویز و آیینه؛ در میان ابرها گل‌های گویا (۱۳۵۰)؛ پوری و لباس‌های او؛ همسایه‌ی عجیب، باغ نغمه‌ها (۱۳۵۲)؛ آه ایران عزیز؛ دستمال گلدار و گنج بی صاحب؛ داستان خر و خرکچی؛ کتاب توکا؛ خانه بابا علی؛ شعر با الفبا (۱۳۶۳)؛ سیاهک و سفیدک؛ نیم قرن در باغ شعر کودکان؛ فارسی زبان ایرانی؛ پلنگ یکه تاز (۱۳۷۳).

عباس یمینی شریف در سال‌های ۱۳۳۳ و ۱۳۴۵ موفق به دریافت جایزه‌ی سلطنتی بهترین کتاب کودکان و در سال ۱۳۴۶ نیز نایل به دریافت جایزه‌ی بین‌المللی یونسکو به مناسبت تألیف بهترین کتاب سال در ایران شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] ادبستان (س ۱، ش ۱، ص ۵۷)، الذریعه (۱۳۱۶ / ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۹۹۲ -۳۹۸۷/ ۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۱۴، ۲۷۱۴، ۲۷۱۳- ۲۵۴۷، ۲۴۴۵، ۱۷۹۶ -۱۷۹۵/ ۲ ، ۱۴۸۰، ۱۴۵۸، ۱۳۳۰، ۱۰۲۶، ۵۵۶، ۴۳۹، ۶۹، ۶۸/ ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۴۰۴ -۴۰۳)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۹، ص ۴۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۹ -۶۸۸/ ۳).

یمینی غزنوی، محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س پنجم ق)، شاعر، متخلص به یمینی. از شاعران و کاتبان غزنویان بود که در زمان یمین‌الدوله سلطان محمود غزنوی (۴۲۱ -۳۸۹ ق) زندگی می‌کرد و تخلصش را به جهت انتساب به سلطان محمود برگزیده بود. وی همچنین با بهرام شاه غزنوی (م ۵۵۲ ق) معاصر و با سوزنی و مختاری مصاحب بود. مؤلف «الذریعه» نام وی را به صورت یمین غزنوی ذکر کرده است. اشعاری از وی در تذکره‌ها نقل شده است. از اوست:

حلقه حلقه مشک دارد بر کران ارغوان

توده توده لاله دارد در میان ضیمران

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :دایرةالمعارف فارسی (۳۳۶۴ / ۲)، الذریعه (۱۳۱۷ / ۹)، ریحانه (۴۰۳ -۴۰۲ / ۶)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۷)، مجمع‌الفصحا (۱۴۵۰ -۱۴۴۹/ ۳).

یوسف ارومی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۳۰۲ ق)، شاعر. از او «دیوان» شعری باقی است که خود، آن را در ۱۳۰۲ ق تدوین کرده است و این نسخه در کتابخانه ملک موجود می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۳۱۷/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۷).

یوسف پور، محمد کاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد کاظم یوسف پور ،رییس دانشکده علوم انسانی دانشگاه گیلان است . او مسئول پژوهشکده گیلان شناس نیز می باشد . وی در این پژوهشکده به امور تحقیقی ،پژوهشی و اجرایی می پردازد و با دعوت از گیلان شناسان کشور درراستای بارور کردن فرهنگ گیلان تلاشی می نماید .

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد کاظم یوسف پور رییس دانشکده علوم انسانی دانشگاه گیلان و همچنین مسئول پژوهشکده گیلان شناسی را برعهده دارد .

فعالیتهای آموزشی : بخشی از فعالیت های آموزشی یوسف پور ، به گیلان شناسی مربوط می شود . وی براین نظر است که خرده فرهنگها ، چکیده قرنها زندگی ما هستند . یعنی هر ملتی در زندگی تاریخی خود ذخیره های فراوانی اندوخته و آنها را در صندوقچه های خرده فرهنگها به یادگار گذاشته است . بنابراین تاکار از کارنگذشته ودامنه گسترش صنعت ارتباطات ، حافظه تاریخی ما را به فراموشی دچار نساخته است باید درثبت و ضبط باقی مانده فرهنگ این منطقه بکوشیم .

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : پژوهشکده گیلان شناسی از جمله مرکزی است که دکتر یوسف پور درتشکیل آن نقش داشت . این نخستین پژوهشکده استان شناسی بود که براساس ضوابط دانشگاهی و منطبق با موازین وزارتخانه متبوع مورد تایید قرار گرفت .

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : فعالیت روزمره یوسف پور ، تحقیق ومطالعه درمورد گیلان و گیلان شناسی است . او درمورد تحققیق براین باور است که جزء اولین آموزه های هر پژوهش علمی این است که محقق باید خودرا از دایره موضوع پژوهش بیرون بکشد و از منظر اشراف وبی طرفانه به موضوع بنگرد . او معتقد است که گرایشهای تعصب آمیز نه تنها خود شان راهی به دهی نمی برد . بلکه حتی می توانند فضای تحقیق را آلوده کنند .

همفکران فرد : مهندس حمیدی ، مهندس دهقان ، دکتر ابوالفضل درویزه ، دکتر رضا فتوحی و فریدون نوزاد از جمله همفکران یوسف پور می باشند که در امور تحقیقی و پژوهشی با هم همکاری و همفکری دارند .

آرا و گرایشهای خاص : محمد کاظم یوسف پور معتقد است که درقبال سرعت شتابان علم امروزی ما باید تسلیم شویم و یا باید مقاومت کنیم . او در این موردبا مثال آوردن کسانی همچون فرانتس فانون ، امد سزر، اقبال، شریعتی و دیگران معتقد است که ما باید به خویشتن خود باز گردیم و در پی ایستادگی دربرابر استماله فرهنگی قرار گیریم .

منابع زندگینامه :مصاحبه با رییس دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، فصلنامه فرهنگ گیلان ، شماره ۵و۶، بهار وتابستان ۱۳۷۹، ص۸

یوسف زاده، حسینعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسینعلی یوسف زاده

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۵/۸

زندگینامه علمی

بنده در یک خانواده متوسط روستائی در ۸/۵/۱۳۴۹ چشم به جهان گشودم. تا یازده سالگی در کنار خانواده و تا کلاس چهارم ابتدائی را گذراندم. پس از آن و بعد از اتمام پایه چهارم به خواسته پدرم و تمایل خودم برای ادامه تحصیل در حوزه علمیه «تربت حیدریه» وارد شدم. در سال ۱۳۶۲ در همان ابتداء به این نتیجه رسیدم که گذراندن دروس جدید و خواندن آن همراه با دروس حوزوی خالی از فایده نیست لذا علی رغم ممانعت ریاست محترم وقت حوزه به صورت متفرقه سعی کردم به آن نیز بپردازم.

ذکر این خاطره همیشه برایم شیرین بوده است که «ما دو نفر بودیم و امتحان کلاس پنجم که باید به صورت متفرقه امتحان می دادیم در ماه رمضان بود و یک دوره کتاب پنجم بیش نداشتیم. با دوستم قرار گذاشتیم کتابی که باید فردای آن روز امتحان می دادیم روز تا شب در دست ایشان باشد و مطالعه کند و شب تا سحر من آن را مطالعه می کردم در حالی که برای مطالعه هر یک از کتاب ها چند ساعتی بیش وقت نداشتم. به حول و قوه الهی بدون هیچ مشکلی نمره خوبی را گرفتم».

در همان ابتداء سئوالاتی ذهن مرا به خود مشغول کرده بود از جمله اینکه: (شنیده بودم کسی وارد حوزه می شود درس او پایانی ندارد و یا لااقل ۳۰ سال باید بخواند. با خودم می گفتم من سی سال درس بخوانم که تنها قادر باشم بروم روی منبر و یک منبر و یک روضه برای مردم بخوانم و تمام؟). لذا دلسرد شده بودم تا اینکه یک روز در حال رفتن به مسجد برای نماز، این نکته به ذهنم رسید که امام خمینی نیز از همین رشته رفته اند جلو و درس حوزوی ایشان را قادر ساخته تا بتوانند ایران و به تبع آن جهان را متحول سازند. این نکته نقطه امیدی شد برای دلگرمی بیشتر، به همین جهت سعی کردم این افکار را دور ریخته و مشغول تحصیل

جدی شدم. در این بین گرچه وسوسه های برخی از دوستان و اظهار دلسردی آنان زیاد بود اما بنده تسلیم نشدم و سعی کردم به کار خودم ادامه دهم به همین جهت در سن ۱۴ سالگی به تنهائی به مشهد مقدس سفر کردم و به دنبال پذیرش به یکی از مدارس علمیه مشهد وارد شدم اما توفیقی حاصل نشد. از طرفی حوزه «تربت» برای مدتی با مشکلاتی مواجه بود که برای ادامه تحصیل با مشکل مواجه شدم.

در یکی از سفرهای سیاحتی و زیارتی به همراه دوستان به کاشمر رفتم و به مدرسهٔ علمیه، سری زدیم. از حوزه آنجا خوشم آمد. در همان سفر درخواست پذیرش به مدیر مدرسه دادیم و پذیرفته شدیم. به همراه عده ای از دوستان رفتیم و به عنوان طلبه حوزه علمیه کاشمر در مدرسه «دانش» مستقر شدیم. پس از یکسال و اندی با توجه به اینکه دروس آنجا کافی نبود و هر چه درخواست می کردیم لااقل دو یا سه درس برای ما در روز گذاشته شود مسئول مدرسه که وقت نداشت موافقت نمی فرمود؛ تصمیم به هجرت گرفتیم. با مشورت یکی از دوستان مقصد را «قم» انتخاب کردیم. در سال ۱۳۶۵ به قم جهت تشکیل پرونده رفتیم و در آنجا با مشکلات عدیده مواجه شدیم. خدمت حضرت آیهٔ الله فاضل لنکرانی (دام عزه) رفتیم و ایشان با درخواست از یکی از آقایان، به صورت موقت در خوابگاهی در آذر مستقر شدیم. پس از یک سال به دلیل نداشتن پرونده (لمعه امتحان باید می دادیم) عذر ما را خواستند و به مشهد رفتیم. در سال ۱۳۶۶ در حوزه مشهد پذیرفته شدیم در آنجا ضمن خواندن درس های معمولی حوزه، سعی کردیم از محضر استاد «حجت هاشمی» استفاده بیشتر ببریم و لذا (ادبیات) را بعضاً تکرار و (مطول) را نیز خواندم.

درسال ۱۳۷۲ وارد دانشگاه رضوی و سال ۱۳۷۷ فارق التحصیل در دوره کارشناسی و در همان سال، همزمان برای کارشناسی ارشد (فلسفه و کلام) در دانشگاه رضوی و دانشگاه قم پذیرفته شدم که قم را اختیار نمودم. در سال ۱۳۸۰ از پایان نامه ام دفاع کردم. همزمان دروس حوزه را ادامه دادم. از سال ۱۳۷۶ تا کنون در دروس اساتید بزرگوار (فقه و اصول) شرکت می کنیم. از اساتیدی چون: آیهٔ الله «رضازاده»، «فلسفی»، «مرتضوی در مشهد»، «وحید» و «فاضل لنکرانی» در قم بهره برده ام.

یوسف زاده، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا یوسف زاده

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه شدم. به مدت ده سال سطح را گذراندم. با ورود به درس خارج، با (ادبیات داستانی و سینما) آشنا شدم و فعالیت خودم را در زمینه «فیلمنامه» شروع کردم. به جهت نبود کلاسهای آموزشی، در کلاس های آموزشی (ادبیات داستانی) شرکت کردم. سپس در کلاس و کارگاه (فیلمنامه نویسی) در سال ۱۳۷۵ در «خانه هنر» وابسته به مرکز پژوهش ها شرکت کردم. در سال ۱۳۸۱ تغییر جهت داده و وارد کارهای تحقیقی سینمایی شدم و تا کنون در باب «سینمای دینی» به تحقیق مشغول هستم که امیدوارم محصولی در خور داشته باشم. در این سال ها درس خارج را همراه با فعالیت هنری با هم داشته ام و هم اکنون نیز مباحثهٔ اصولی با یکی از دوستان دارم که امیدوارم محصول آن کتاب مختصر اصولی باشد که مهمترین وجه آن چینش جدید در مباحث اصول می باشد.

یوسفی خوافی، یوسف

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۹۵۰ ق)، طبیب و شاعر، متخلص به یوسفی. اصل او از خواف بود و در ماوراءالنهر دانش آموخت. او سالهای زیادی از عمر خود را در هرات گذراند. در اواخر عمر به هندوستان رفت و به دربار بابر شاه و همایون شاه راه یافت و ملازم آنان گردید و به نام آن دو، چند کتاب تألیف نمود. وی عاقبت در همان دیار از دنیا رفت. در «هدیهٔالعارفین» سال مرگ وی ۹۶۶ ق ذکر شده است. اهمیت یوسفی بویژه در آن است که برای آسان کردن دانش پزشکی چند منظومه در این فن سرود. از آثار وی: منظومه «علاج الامراض»، دربارهٔ نشانه‌های بیماری‌ها و مداوای آنها، مشتمل بر دویست و هشتاد و نه رباعی، و شرح آن به نام «جامع الفوائد» یا «طب یوسفی»؛ قصیده‌ای در «حفظ الصحه»، به نام بابر شاه، که در آن شرایط حفظ صحت را در خوردن، آشامیدن و خواب و بیداری، در فصلها و هواهای مختلف بیان کرده است؛ «ریاض الادویه»، به نام همایون شاه در ۹۴۶ ق؛ مثنوی «مأکول و مشروب»، در

۹۴۶ ق، در مورد تدبیرهای پزشکی برای خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها؛ منظومه‌ی «فوائد یوسفیه» یا «فوائد الاخیار»، در طب و رویا، در ۹۱۲ ق، که در هر دو یا سه بیت آن یکی از مسئله‌های پزشکی توضیح داده شده است؛ «بدایع الانشاء» یا «انشای یوسفی»، در ۹۴۰ ق برای پسرش رفیع‌الدین حسین؛ «جواهر اللغه» یا «بحرالجواهر»، در بیان واژه‌ها و اصطلاحات پزشکی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (۱۵۹۵، ۱۴۸۶، ۳۵۸ -۳۵۶/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۸۰۸، ۳۹۹ -۳۹۸، ۲۸۲)، تحفه سامی (۲۹۰)، الذریعه (۳۶۴، ۳۲۲/ ۱۶ ،۱۳۲۱/ ۹)، ریحانه (۴۰۳/ ۶)، صبح گلشن (۶۱۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۲۰)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۴۷۶، ۲۳۲۹، ۲۲۵۴/ ۲ ،۱۴۴۸، ۱۴۴۷، ۹۹۹، ۳۷۳/ ۱)، کاروان هند (۱۵۶۰ -۱۵۵۸/ ۲)، کشف‌الظنون (۵۶۷)، لغت‌نامه (ذیل/ یوسفی)، مجالس‌النفائس (۱۵۶)، معجم‌المؤلفین (۳۳۴/ ۱۳)، منظومه‌های فارسی (۶۳۱ -۶۳۰)، مؤلفین کتب چاپی (۹۰۴ -۹۰۳/ ۶)، هدیهٔ‌العارفین (۵۶۴/ ۲).

یوسفی راد، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی یوسفی راد

محل تولد : ورامین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۶۳ - ۶۴ به حوزه علمیه قم آمده و دروس حوزوی را از ابتدای مقدمات شروع نموده و تا کنون، سطوح مختلف آن را طی کرده و اکنون ۸ سال است که درس خارج را از اساتیدی همچون: «آیت الله وحید خراسانی»، «حاج شیخ جواد تبریزی» و «آیت الله بهجت» فرا گرفته ام. در کنار دروس حوزوی به جهت ضرورت فراگیری دروس دانشگاهی و ارتباط با دانشگاه و اساتید آن، از سال ۶۷ - ۶۸ به تحصیل دروس علوم سیاسی در موسسه آموزش عالی باقرالعلوم در مقطع کارشناسی بر آمدم و در سال ۱۳۷۳ فارغ التحصیل شدم و در ادامه در همان موسسه در مقطع کارشناسی ارشد وارد شدم و در سال ۱۳۷۹ فارغ التحصیل این رشته در این مقطع شدم.

در طی دوران آموزش و تحصیل خود، از سال ۱۳۷۴ وارد حوزه تحقیقات در علوم اسلامی در زمینه بررسی نظریات، آراء و اندیشه های سیاسی فیلسوفان مسلمان و موضوعات سیاسی شدم. در کنار تحصیل علوم حوزوی، دانشگاهی و تحقیقات در زمینه علوم اسلامی، حدود پنج سال نیز در فاصله سالهای ۷۷ تا ۸۱ به تدریس در دانشگاههای «آزاد اسلامی اراک»، «شهید چمران اهواز» و «علوم پزشکی اهواز» در درس (ریشه های انقلاب اسلامی) مشغول بودم.

در حال حاضر در زمینه تحقیق و پژوهش در پژوهشکده (علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و زیر نظر آموزش عالی متمرکز هستم و مدت سه سال است که مدیر گروه فلسفه سیاسی و هیئت علمی این پژوهشگاه می باشم.

یوسفی گلپایگانی، محمد یوسف

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س دهم و یازدهم ق)، شاعر. از شاعران و مداحان دوره‌ی شاه عباس اول (۱۰۳۸ -۹۹۶ ق) بود که در سرودن قصیده و غزل مهارت داشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (۲۷۵ -۲۷۴)، الذریعه (۱۳۲۱/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۲۰)، هفت اقلیم (۴۸۲ -۴۸۱/ ۲).

یوسفی مقدم، محمدصادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صادق یوسفی مقدم

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان تحصیلات ابتدائی در سال ۱۳۴۷ وارد حوزه علمیه شهرستان «تربت حیدریه» شدم و پس از اتمام سطح ابتدائی در سال ۱۳۵۳ به قم هجرت کردم و با شرکت در امتحان عمومی حوزه علمیه و قبولی، در مدرسه حجتیه اسکان یافتم. به طور مختصر تحصیلات خودم را در محورهای (فلسفه، فقه، اصول و تفسیر) به شرح ذیل ارائه می نمایم:

نهایهٔ الحکمه را از محضر آیت الله «مصباح یزدی»، شرح منظومه را از محضر آیت الله «انصاری شیرازی»، مجلدات اشارات را از محضر آیت الله «حسن زاده آملی» و مجلدات اسفار را از محضر آیت الله «جوادی آملی» استفاده کرده ام. مدتی از تفسیر آیت الله «مشکینی» و پس از آن مدتی از درسهای تفسیر آیت الله «جوادی آملی» استفاده کرده ام. (لازم به ذکر است که در سابق به مدت کوتاهی در مشهد مقدس از تفسیر آیت الله «خامنه‌ای» نیز بهره برده ام.)، لمعتین را از محضر مرحوم آیت الله «فاضل هرندی»، قوانین الاصول را از محضر مرحوم آیت الله «مدرس افغانی»، وسائل شیخ انصاری را از محضر آیت الله «موسوی تهرانی»، مکاسب را از محضر حضرات آیات: «ستوده، محقق داماد و صانعی»، کفایهٔ الاصول را از محضر حضرات آیات: «مظاهری، پایانی و محقق داماد» استفاده کرده ام.

از درس خارج اساتید زیادی بهره برده ام از جمله: یک دوره کامل خارج اصول به مدت ۹ سال و چندین سال خارج فقه آیت الله «فاضل لنکرانی»، حدود ۹ سال خارج فقه و اصول آیت الله «وحید خراسانی»، مدت قابل توجهی از درس رجال آیت الله «شبیری زنجانی» و آیت الله «حسین نوری» استفاده کرده ام. تقریباً تمام کتب سطح متوسط و سطح عالی را تدریس کرده ام. همچنین مقدمات را نیز تدریس کرده ام.

لازم به ذکر است که برای بررسی رشد فکری شیعیان مناطق مرزی، نشریه ای تحت عنوان «نشانه» منتشر می کردم که ۹ شماره آن منتشر شده است. و همچنین برای رشد سطح علمی و توانمندی روحانیون مناطق مرزی، مجله ای تحت عنوان «بشیر» منتشر کرده ام که ۵ شماره آن منتشر شده است.

یوسفی، احمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمدعلی یوسفی

محل تولد : لاهیجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۸ در رشته (فیزیک و ریاضی) با معدل ۱۴/۱۹ قبول و برای ادامه تحصیل راهی دانشگاه شدم. در سال ۱۳۵۹ مقارن با انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه ها، راهی حوزه علمیه قم شدم. در حوزه علمیه قم در کنار دروس حوزوی به تبلیغ و حضور در جبهه های جنگ حق علیه باطل مشغول بودم. در سال ۱۳۶۷ دروس حوزوی را به پایان رساندم و دروس خارج فقه و اصول را با شرکت در دروس حضرات آیات عظام: «فاضل لنکرانی»، «سبحانی» و «تبریزی» ادامه دادم.

بعد از جنگ در کنار دروس حوزوی، به جهت ضرورت نظام جمهوری اسلامی ایران در رشته «اقتصاد اسلامی» تحصیل را آغاز نمودم و در سال ۱۳۷۵ در کنار دروس حوزوی، موفق به اخذ مدرک در مقطع کارشناسی ارشد در رشته اقتصاد از دانشگاه علامه طباطبایی شدم. هم اکنون ضمن بهره مندی از دروس خارج فقه و اصول، مشغول تدریس دروس حوزه و اشتغال به نگارش پایان نامه سطح چهار در موضوع (خرید و فروش پول های اعتباری) هستم. مسئول پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (واحد قم).

یوسفی، سجاد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سجاد یوسفی

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۶ وارد حوزه علمیه شدم. در سال ۱۳۸۱ سطح را تمام کردم و حدود چهار سال است که از دروس آیت الله «جوادی

آملی»، «تبریزی»، «خراسانی»، «مکارم»، «شبیری» و «سبحانی» استفاده نموده ام. مدتی در حوزه تبریز و مقداری در قم مشغول تدریس (اصول فقه) و (فلسفه) بودم و کتابهای جواهر النضید، کشف المراد، بدایهٔ الحکمه، نهایهٔ الحکمه، معالم الاصول و اصول فقه را تدریس نموده ام. در ضمن در موارد مختلف به حول خدا توانسته ام قلم فرسایی کنم و در سنگر های مختلف شرکت کنم و در رشته «فلسفه» کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شدم و مشغول تدوین پایان نامه سطح ۳ حوزه می باشم.

یوسفی، محمدهادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدهادی یوسفی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۷/۱/۱ زندگینامه علمی

در سال ۱۳۲۷ هجری شمسی در (نجف اشرف) متولد و در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی شروع به تحصیل مقدمات ادبیات عرب نزد پدرم آیهٔ الله «حاج میرزا محمود یوسفی غروی» نمودم. پس از اتمام دروس سطوح مقدماتی، متوسط و عالی در سال ۱۳۵۰ به بحث خارج فقه (عبادات – صلاهٔ الجماعه) مرحوم آیهٔ الله خوئی، اصول (استصحاب) از ایشان، فقه (معاملات) و مکاسب (بیع و خیارات) از مرحوم امام خمینی حاضر شدم. در سال ۱۳۵۲ به قم منتقل شدم و مدتی بحث فقه و اصول (سید محمد صادق حسینی روحانی) و سپس بحث فقه و اصول (آیهٔ الله سید کاظم حسینی حائری) حاضر شدم تا بعد از سال ۶۶.

پس از ۷۰ هجری شمسی در نجف اشرف کتاب های ادبی «نحوی و صرفی»، منطق، اصول، فقه، تبصره، المختصر النافع و شرح لمعه، و در حوزه قم در (بخش عربی مدرسه آیهٔ الله گلپایگانی و معهد الدراسات الاسلامیه) دروس نحو، عقائد، مفاهیم اسلامی و تاریخ اسلام و پس از انقلاب در مدرسه (حجتیه) و سپس مدرسه (امام خمینی) درس تاریخ اسلام، حدیث، نهج البلاغه، علوم قرآن، اصول فقه، حلقات شهید صدر و مکاسب تدریس داشته ام. در دانشکده تربیت مربی، عقیدتی سیاسی، دانشکده اصول الدین، قرآن، حدیث در قم و در دزفول نیز در تفسیر و علوم قرآن، اصول فقه و تاریخ اسلام تدریس داشته ام.

در نجف اشرف مقالاتی علمی، عقیدتی در مجله «أجوبهٔ المسائل الدینیه» و در قم تحقیق و تصحیح کتاب هایی که در آثار یاد خواهد شد، داشته ام. و همچنان اشتغال تحقیقی و تالیفی در (تاریخ اسلام سیره نبوی)، (تاریخ امامان شیعه و خلفاء) و تدریس فقه مکاسب و أصول حلقات ۳ در مدرسه امام خمینی قدس سره دارم.

یوسفیان, علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی یوسفیان

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

از کودکی با پدر بزرگوارم می‌رفتم نزد علمای اعلام (عراق و ایران) در (کربلا و نجف) و از محضر ایشان بهره‌مند می‌شدم. چون که پدر بزرگ و پدرشان از علمای اعلام کربلا و نجف بودند که با «شیخ اسماعیل» و «ملا یوسف» که نام فامیلمان «ملا یوسفیان» و برای مختصر لفظ فامیلی کلمه (ملا) را حذف کردیم. بر همین اساس با حضرات آیات عظام «نجف»، «کربلا»، «قم»، «مشهد» و «اصفهان» زیارت این بزرگواران می‌کردیم و بهره‌مند می‌شدیم مخصوصاً «آیهٔ الله خوئی»، «سبزواری»، «حکیم»، «شیرازی»، «سیستانی»، «شاهرودی» و ... حفظهم الله تعالی. به خاطر همین علاقه، شکر خدا وارد حوزه در کربلا و نجف شدیم و به قم منتقل شدیم تا الان.

یوسفیان، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن یوسفیان

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسن یوسفیان در سال ۱۳۶۱ شمسی در مهدی شهر (سمنان) تحصیل علوم دینی را آغاز کردم و پس از دو سال به قم آمدم. در دوران جنگ تحمیلی، چند سالی تقریبا ترک تحصیل کرده بودم، امّا پس از پایان یافتن جنگ، پیشرفت تحصیلی رضایت بخشی داشتم و در امتحانات سراسری حوزه در سال ۱۳۷۵ شمسی در «پایه دهم» نفر اول شدم.

در سال ۱۳۷۳ شمسی در «مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی» پذیرفته شدم و دوره کارشناسی را در سال ۱۳۷۶ و دوره کارشناسی ارشد دین شناسی (کلام) را در سال ۱۳۸۱ به پایان رساندم.

کار تألیف و پژوهش را در سال ۱۳۷۵ با نگارش کتاب «پژوهشی در عصمت معصومان» آغاز کردم. و این اثر اول، پس از چاپ در سال ۱۳۷۸ به عنوان کتاب سال حوزه و نیز کتاب سال دانشجویی کشور برگزیده شد. تألیفات دیگر حقیر نیز به لطف خداوند با توفیقاتی همراه بوده؛ چنان که کتاب «عقل و وحی» به عنوان پژوهش برگزیده کنگره دین پژوهان کشور در سال ۸۱ و نیز کتاب سال حوزه در سال ۸۴ انتخاب شده است. پژوهش «باورهای دینی و چالش‌های نو» نیز در سال ۸۳ اثر برگزیدهٔ کنگرهٔ دین پژوهان شده است.

هم اکنون این جانب علاوه بر تحصیل در مقطع دکتری در رشته کلام (دانشکده تربیت مدرس دانشگاه قم)، به کار تألیف و تدریس در مؤسسه امام خمینی اشتغال دارم.

یوسفیان، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی یوسفیان

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

از کودکی با پدر بزرگوارم می‌رفتم نزد علمای اعلام (عراق و ایران) در (کربلا و نجف) و از محضر ایشان بهره‌مند می‌شدم. چون که پدر بزرگ و پدرشان از علمای اعلام کربلا و نجف بودند که با «شیخ اسماعیل» و «ملا یوسف» که نام فامیلمان «ملا یوسفیان» و برای مختصر لفظ فامیلی کلمه (ملا) را حذف کردیم. بر همین اساس با حضرات آیات عظام «نجف»، «کربلا»، «قم»، «مشهد» و «اصفهان» زیارت این بزرگواران می‌کردیم و بهره‌مند می‌شدیم مخصوصاً «آیهٔ الله خوئی»، «سبزواری»، «حکیم»، «شیرازی»، «سیستانی»، «شاهرودی» و ... حفظهم الله تعالی. به خاطر همین علاقه، شکر خدا وارد حوزه در کربلا و نجف شدیم و به قم منتقل شدیم تا الان.

یوسفیان، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشکده: علوم اجتماعی، دانشگاه: علامه طباطبائی

گروه هنر

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

یوسفیان، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی یوسفیان

محل تولد : ----

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

این حقیر در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیّه قم شـدم و دوران تحصیلی ادبیّات عرب را که سه سال به طول انجامید؛ در مدرسه علمیّه «ابوالصدق» و سپس «رضویه» گذراندم. از اساتید قابل ذکر در این دوره می توانم به استاد مرحوم «مهدی زاده»، استاد «طالقانی» و «عرفان» اشاره کنم. سپس برای ادامه تحصیل که به دوره سطح معروف است از محیط مدرسه خارج شدم. این دوره که از (شرح لمعه و اصول فقه) شروع می شود و پس از «رسائل و مکاسب» به «کفایه» تمام می شود از اساتیدی که می توان نام برد: آیت الله (استادی، عراقچی، پایانی) و حجج اسلام (سعیدی، محمودی و بیگدلی) بودند. در همین اوان مشغول به تحصیل در دوره سطح، تبلیغ و تبیین معارف را شروع کردم. محدوده تبلیغ گسترده بود یعنی هم در روستا، هم در شهر، هم در محیط های علمی و هم نظامی، فعالیت تبلیغی را ادامه می دادم.

تقریبا سال ۱۳۷۰ بود که وارد مؤسسه (در راه حق) شدم و در کنار درس فقه و اصول، تحصیل در فلسفه و معارف قرآن را شروع کردم. این دوره حدودا پنج سال به طول انجامید و موفّق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم. پایان نامه ای که نوشتم در رابطه با (مناظرات کلامی انبیای اولوالعزم در قرآن) بود که در نوع خود بحث تازه ای بود و در رابطه با آن، کار خاصی صورت نگرفته بود. البته در کنار تحصیل و تحقیق در این مؤسسه، که به (مرکز آموزشی پژوهشی امام خمینی) تحت سرپرستی استاد بزرگوار آیت الله (مصباح) تغییر نام داد، بحث فقه و اصول را نیز ادامه می دادم و در دروس آیات عظام: (وحید خراسانی، تبریزی، زنجانی و محقق) شرکت می کردم که تا کنون ادامه دارد.

در کنار تحصیل به تدریس پرداختم. یک ترم در دانشگاه آزاد به تدریس «اخلاق» اقدام کردم ولی به علّت مشکلاتی آن را رها کردم و به همان یک ترم بسنده نمودم. نزدیک ۹ سال است که در (مرکز جهانی علوم اسلامی) که مربوط به طلاب و دانش پژوهان خارجی است؛ مشغول تدریس (فقه، عقاید و فلسفه) هستم و سه سال به عنوان استاد نمونه برگزیده شدم. نزدیک سه سال در مدرسه علمیّه (امام جواد علیه السلام) که مخصوص حافظین قرآن است به تدریس (عقاید و منطق) پرداختم. نزدیک دو سال است که در «مرکز مهدویت قم و اصفهان» به تدریس مباحث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام اشتغال دارم. البته این غیر از تدریس های متفرقه است که در طول این سال ها داشته و دارم. مثل: تدریس (ادبیات و اخلاق) در حوزه علمیّه خواهران یا تدریس (عقاید در جهاد قم و...).

در کنار تحصیل و تدریس به تحقیق و تالیف نیز روی آوردم و اوّلین اثر مکتوب و قابل عرضه را در مرکز جهانی علوم اسلامی نوشتم. علت تالیف آن نیز نیازی بود که طلاب تازه وارد به مرکز نسبت به کلیاتی از عقاید داشتند. این اثر که الهام گرفته از عقاید آیت الله مکارم بود در میان طلبه ها مورد استقبال واقع شد و تعداد زیادی از آنان درخواست اجازه ترجمه آن را به زبان خود خواستند. در ادامه این اثر، پنج جزوه دیگر نوشتم در رابطه با (خدا شناسی، اندیشه اسلامی)، (نبوت ۲)، (امامت ۳)، (معاد ۴) و (فلسفه مقدّماتی یا آشنایی با فلسفه).

از سال ۱۳۸۰ نیز وارد مرکز تخصصی (مهدویت) شدم و پس از طی مراحل تحصیلی و آشنایی با مباحث مربوط به امام زمان علیه السلام و تحقیق در این زمینه، چند مقاله نوشتم که در مرکز اصفهان، ارتش و قم مورد استفاده قرار می گیرد. جزوهایی که عرضه کردم از این قرارند: «امام مهدی علیه السلام در قرآن»، «طلوع خورشید»: (دوران کودکی حضرت)، «فواید امام غایب»، «امکان دیدار حضرت در زمان غیبت»، «شرایط و علایم ظهور»، «مسیر حرکت و قیام حضرت». اکنون نیز در این مرکز در قسمت (پرسش و پاسخ) مشغول هستم.

در کنار این جزوات، که به صورت فردی نگاشته شده است، کتابی پیرامون حضرت به همراه برادران بزرگوار حجت الاسلام (مهدی حامدی پور و محمد امین بالادستیان) عرضه کردیم به نام «نگین آفرینش» که کلیاتی از زندگی حضرت را از ولادت تا رحلت در بر می گیرد و در نوع خود، دارای مطالب جدیدی می باشد. همراه با این فعّالیّتها، در صدا و سیمای مراکز مختلف مانند: (آبادان، اراک، قم و جام جم) مباحثی پیرامون حضرت عرضه کرده ام. حدود دو سالی نیز به فراگیری زبان خارجی «انگلیسی» پرداختم.

یوسفیان، نعمت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نعمت الله یوسفیان

محل تولد : خلخال

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۴/۱۵

]زندگینامه علمی

اینجانب نعمت الله یوسفیان در روستای گیلوان از توابع شهرستان خلخال در خانواده ای مذهبی دیده به جهان گشودم. پدر بزرگوارم کاسب بود و از درآمد آن زندگی ما را تامین می کرد و مادرم زنی پاکدامن و متدین و خانه دار بود. برخی از بستگان مادری ام از خاندان جلیل القدر سادات و تعدادی روحانی متشخص هستند. در کودکی وارد مکتب خانه مرحوم «امیر توکلی» که مردی با تقوا، متدین، باصفا و پرتلاش بود، شدم و قرآن کریم را نزد او آموختم. کلاس اول ابتدایی را در روستا خواندم و پس از آن به شهر «ماسال» از توابع استان گیلان مهاجرت کردیم و دروس دبستانی، راهنمایی و دبیرستان را در همان جا ادامه دادم و دیپلم خود را در رشته علوم تجربی گرفتم.

در ایام تحصیل، همواره از شوق هجرت به قم بی تاب بودم و لحظه شماری می کردم و سر انجام توفیق یار شد و پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۵۹، مقدمات کار فراهم شد و به قم آمدم. دروس مقدماتی حوزه را در مدرسه «امام صادق (ع)» و «رسول اکرم (ص)» فرا گرفتم. پس از آن دروس سطح را شروع کردم. بخشی از دروس سطح را در مدرسه «رسول اکرم (ص)» و «مدرسه امام باقر (ع)» خواندم. در سال ۱۳۶۵ اولین سال برگزاری امتحانات حوزه به صورت کتبی در امتحانات عمومی حوزه در پایه پنجم شرکت کردم و با اخذ رتبه اول قبول شدم و مشمول عنایات و تشویقات حضرات آیات عظام مانند: امام خمینی (ره)، آیهٔ الله گلپایگانی و ... قرار گرفتم. از آن پس نیز همچنان با علاقه ای وافر به تحصیل علوم اسلامی ادامه می دادم.

در اواخر سالهایی که به دروس عالی سطح اشتغال داشتم، دروس خارج را نیز شروع کردم. در سال ۱۳۷۳ در امتحانات ویژه سطح چهار حوزه در قسمت مدارج علمی شرکت کردم و پس از قبولی در امتحانات، درباره (قاعده لاضرر) موضوع گرفته، به تدوین رساله علمی پرداختم. تدوین این رساله پایان یافت و در تاریخ ۲۹/۱/۱۳۷۵ به بخش مدارج علمی ارائه گردید. پس از بررسی هیأت داوران مورد تقدیر قرار گرفت و با لطف و عنایت خداوند متعال با کیفیت خوب پذیرفته شد.

دروس مقدمات را نزد اساتیدی همچون: حجج اسلام آقایان مقدادیان، رازینی، ظهیری، طالقانی، فتوحی و دیگران فرا گرفتم. در دروس سطح از محضر استاد: سید احمد خاتمی، صالحی افغانی، آیت الله اشتهاردی، مرحوم آیت الله وجدانی، استاد بنی فضل، استاد مصطفی اعتمادی، استاد پایانی، طاهر، شمس، صالحی مازندرانی و دیگران بهره مند شدم. در دروس خارج نیز از محضر آیات عظام: «مکارم شیرازی»، «فاضل لنکرانی»، «تبریزی» و ... خوشه چینی کردم. مدتی از درس تفسیر آیت الله «جوادی آملی» استفاده کرده ام. بخش نهایه را نزد استاد آیت الله «ممدوحی» و کشف المراد را نزد آیت الله «سبحانی» خوانده ام. در بعضی از دروس کلامی از محضر استاد «ربانی گلپایگانی» استفاده کرده ام. در طول تحصیل در درس اخلاق آیت الله «مشکینی (ره)» و آیت الله «مظاهری» فراوان شرکت کرده و بهره مند شده ام.

هم بحثی های من عبارت بودند از: شهید علی اصغر حسینی، شهید یوسف محمدی، شهید قاسم رحیمی، آقای محمد عبیری، اصغر صدیقی، طبسی، حجتی، فروتن، شیخ جمال یاری و ....

یونسی، یونس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا یونس یونسی اردبیلی عالمی فاضل و دانشمندی کامل و از مبرزین شاگردان مرحوم آیه‌الله العظمی آقا سید محمد حجت کوهکمری است.

وی در ۱۷ ذی‌الحجه ۱۳۲۰ ق در اردبیل تولد یافته و از سن ۷ سالگی وارد تحصیل شده و تا سال ۱۳۴۹ ق در اردبیل خدمت والد مبرور خود و سایر اساتید اشتغال بتحصیل داشته و در سال مزبور بقصد ادامه‌ی تحصیل وارد ارض اقدس قم شده و در محضر آقایان اساتید مانند مرحوم آیه‌الله شاه‌آبادی و حاج شیخ مهدی مازندرانی و مرحوم میرزا همدانی علوم عقلی و نقلی را خوانده و مدتی هم از درس مرحوم آیه‌الله حایری استفاده کرده و پس از فوت آنمرحوم بدرس فقه و اصول مرحوم آیه‌الله حجت رحمه‌الله حاضر شده و تقریرات آن مرحوم را برشته تحریر آورده و ضمنا تدریس سطوح نموده و در سال ۱۳۷۰ ق با اجازات کتبی از آیات عظام نجف و قم بقصد اقامت و تأسیس حوزه علمیه بمسقط الرأس خود اردبیل رفته و تا اکنون باقامه جماعت و تدریس و تشویق طلاب آن سامان و سایر خدمات دینی اشتغال دارند.

از آثار و خدمات ایشانست تعمیر اساسی مدرسه مرحوم ملا ابراهیم اردبیل و پس گرفتن مدرسه مرحوم میرزا علی اکبر مجتهد از دولتی‌ها و تخلیه کردن از فرهنگیان که سالیان دراز آنجا را غصب و اشغال کرده و افکار نونهالان را مسموم و آلوده برنامه‌های خود می‌نمودند و نیز تأسیس کتابخانه و قرائت خانه برای اهل علم و طلاب آنجا.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹